



مرکز تحقیقات اسلامی

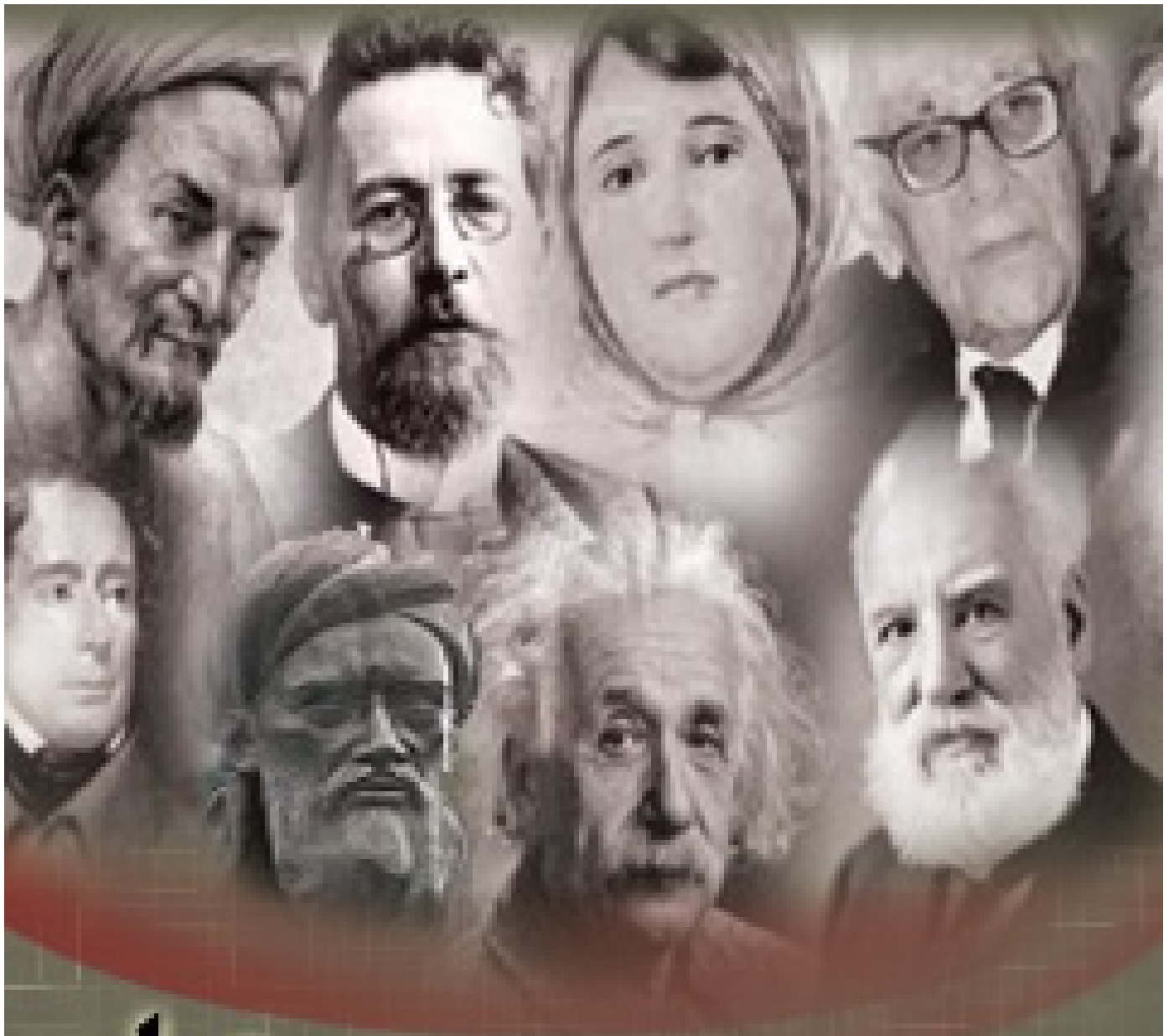
اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



زندگینامه مشاهیر ایران و جهان

۱۹

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زندگینامه مشاهیر ایران و جهان

نویسنده:

واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۲۹۶	زندگینامه مشاهیر ایران و جهان جلد ۱۹
۲۹۶	مشخصات کتاب
۲۹۶	سران فرق و مذاهب
۲۹۶	ابجدیان، امرالله
۲۹۷	ابراهیم زاده، عبدالله
۲۹۸	ابراهیم نژاد، محمدرضا
۲۹۸	ابراهیمی دهکردی، بیژن
۲۹۹	ابراهیمی دینانی، غلامحسین
۳۰۲	ابراهیمی راد، محمد
۳۰۳	ابراهیمی فر، عبدالجواد
۳۰۵	ابراهیمی فر، عبدالرضا
۳۰۶	ابراهیمی ورکیانی، محمد
۳۰۷	ابراهیمی، جعفر
۳۰۹	ابراهیمی، رحمت الله
۳۰۹	ابراهیمی، محمدحسین
۳۱۰	ابراهیمی، محمدعلی
۳۱۰	ابراهیمی، مصطفی
۳۱۱	ابراهیمی، مهدی
۳۱۲	ابراهیمی، نادر
۳۱۳	ابری فارسی، عمیدالدین، ابونصر اسعد
۳۱۳	ابرسچی، علی اصغر
۳۱۴	ابرقوهی، عبدالسلام

- ۳۱۴ ابطحی اصفهانی، محمدباقر
- ۳۱۵ ابطحی سدهی، محمد علی
- ۳۱۶ ابطحی، محمد
- ۳۱۷ ابطحی، محمدعلی
- ۳۱۹ ابطحی، مرتضی
- ۳۲۰ ابطحی، مهدی
- ۳۲۰ ابن ابی‌اشعث فارسی، ابوجعفر احمد
- ۳۲۱ ابن ابی‌الخیر حمدانی، برهان‌الدین، ابوالحارث محمد
- ۳۲۱ ابن ابی‌الخیر، ابوالعباس معین‌الدین احمد
- ۳۲۲ ابن ابی‌ثلج رازی، ابوبکر، ابو عبدالله
- ۳۲۲ ابن ابی‌ثلج کاتب، ابوبکر محمد
- ۳۲۲ ابن ابی‌جید قمی، ابوالحسین، ابوالحسن علی
- ۳۲۳ ابن ابی‌حاتم رازی، ابومحمد عبدالرحمان
- ۳۲۳ ابن ابی‌حاتم نیشابوری، ابوبکر محمد
- ۳۲۴ ابن ابی‌حماد رازی، ابوالخیر، صالح
- ۳۲۴ ابن ابی‌ربیع، عمادالدین، ابوطاهر عبدالسلام
- ۳۲۴ ابن ابی‌شریح انصاری هروی، ابومحمد، عبدالرحمان
- ۳۲۵ ابن ابی‌صادق، ابوالقاسم، عبدالرحمان
- ۳۲۵ ابن ابی‌صهبان قمی، محمد
- ۳۲۶ ابن ابی‌طاهر طبری سمرقندی، ابوالحسن، ابوالحسین، علی
- ۳۲۶ ابن ابی‌طاهر مروزی، ابوالفضل احمد
- ۳۲۶ ابن ابی‌طیب نیشابوری، ابوالحسن علی
- ۳۲۷ ابن ابی‌مریم شیرازی، ابو عبدالله نصر
- ۳۲۷ ابن ابی‌مریم مروزی، ابو عصمه نوح

- ۳۲۸ ابن ابی منصور منجم فارسی، ابوعلی یحیی
- ۳۲۸ ابن ابی هند سرخسی، ابوبکر، ابومحمد داوود
- ۳۲۸ ابن ابی یمان بندنیجی، ابوبشر، یمان
- ۳۲۹ ابن احمد عجمی، حافظ الدین محمد
- ۳۲۹ ابن آخرم نیشابوری، ابو عبدالله محمد
- ۳۲۹ ابن اخضر گنابادی، تقی الدین، ابومحمد، عبدالعزیز
- ۳۳۰ ابن اخوه بغدادی، جمال الدین، ابوالفضل عبدالرحمان
- ۳۳۰ ابن اسفندیار، بهاء الدین محمد
- ۳۳۱ ابن اشته اصفهانی، ابوبکر، محمد
- ۳۳۱ ابن الاسود
- ۳۳۲ ابن الرسول، محمدرضا
- ۳۳۲ ابن الرضا، محمود
- ۳۳۴ ابن الفتی
- ۳۳۴ ابن بابویه ابوالحسن، علی
- ۳۳۴ ابن بابویه ابوجعفر، محمد
- ۳۳۷ ابن بشر مرورودی، ابو حامد احمد
- ۳۳۷ ابن بلخی
- ۳۳۸ ابن بی بی، ناصر الدین، یحیی
- ۳۳۸ ابن چهاربخت، عیسی
- ۳۳۸ ابن حاجب، جمال الدین
- ۳۳۹ ابن خضر شاه اصفهانی، عیسی
- ۳۳۹ ابن خطیب گنجوی، تاج الدین امیر احمد
- ۳۴۰ ابن راوندی، ابوالحسین احمد
- ۳۴۰ ابن ربّین طبری، ابوالحسن، علی

- ۳۴۱ ابن ربیع، ابوالحسن علی
- ۳۴۱ ابن شهر آشوب سروی مازندرانی، رشیدالدین
- ۳۴۲ ابن صابونی، کمال الدین عبدالرزاق
- ۳۴۳ ابن صُرَیْس رازی، ابوعبدالله محمد
- ۳۴۳ ابن عبدالباقی بخاری مکی، علاءالدین، ابوالمعالی محمد
- ۳۴۳ ابن عمید، ابوالفضل محمد
- ۳۴۴ ابن فاذشاه اصفهانی، ابوعبدالله محمد
- ۳۴۴ ابن فورک
- ۳۴۴ ابن قآنی خوارزمی، ابومحمد منصور
- ۳۴۵ ابن لزه کرخی اصفهانی، ابوعمر و بندار
- ۳۴۵ ابن لنکک، ابوالحسن محمد
- ۳۴۵ ابن ماکولا، سعدالملک، ابونصر علی
- ۳۴۶ ابن مردویه اصفهانی، ابوبکر احمد
- ۳۴۶ ابن مروان فارسی، دهقان کلوذانی، ابوالحسن عباس
- ۳۴۷ ابن مسکویه
- ۳۴۷ ابن نُجید نیشابوری، ابوعمر و اسماعیل
- ۳۴۸ ابن نقیب بلخی، جمال الدین، ابوعبدالله محمد
- ۳۴۸ ابن واضح یعقوبی
- ۳۴۹ ابن ورقاء اودنی، ابوبکر محمد
- ۳۴۹ ابن هزارمرد، ابومحمد عبدالله بن محمد
- ۳۴۹ ابن اشرف سمرقندی، شمس الدین محمد
- ۳۵۰ ابن اورمه‌ی قمی، ابوجعفر محمد
- ۳۵۰ ابن بابا کاشانی، ابوالعباس، احمد
- ۳۵۱ ابن بابویه قمی، ابوالحسن علی

- ۳۵۱ ابن بابویه، ابو عبدالله حسین
- ۳۵۲ ابن بسطام، حسین
- ۳۵۲ ابن بَطَه قمی، ابو جعفر محمد
- ۳۵۲ ابن بُندار قزوینی، ابویوسف عبدالسلام
- ۳۵۳ ابن بَوَّاب، ابوالحسن علی
- ۳۵۴ ابن بوذی شیرازی، ابوالقاسم هبة الله
- ۳۵۴ ابن بی بی جعفری رُغَدی، امیر ناصرالدین حسین
- ۳۵۴ ابن تانه خرجانی، ابونصر محمد
- ۳۵۵ ابن تَفَّاح، ابوالحسین
- ۳۵۵ ابن جَبَّان، ابومنصور محمد
- ۳۵۵ ابن جراح بغدادی، ابوالحسن علی
- ۳۵۶ ابن جراح، ابو عبدالله محمد
- ۳۵۶ ابن جنگ سجزی، ابوسعید، خلیل
- ۳۵۷ ابن جنید رازی، ابوالحسین محمد
- ۳۵۷ ابن حاتم قزوینی، ابوالحسن علی
- ۳۵۸ ابن حازم، ابوالحسن علی
- ۳۵۸ ابن حَبَّان تمیمی بُستی، ابوحاتم محمد
- ۳۵۸ ابن حبیب نیشابوری، ابوالقاسم حسن
- ۳۵۹ ابن حسول رازی، صفی‌الملک، ابوالعلاء محمد
- ۳۵۹ ابن حمزه ی طوسی، عمادالدین، ابو جعفر محمد
- ۳۶۰ ابن حمزه ی طوسی، نصیرالدین، عبدالله
- ۳۶۰ ابن حَمَّشاد نیشابوری، ابوالحسن علی
- ۳۶۱ ابن حَمَویه جوینی سرخسی، تاج‌الدین، ابومحمد عبدالله
- ۳۶۱ ابن حَمَویه جوینی، صاحب، فخرالدین، ابوالمظفر یوسف

- ۳۶۱ ابن حَتّی همدانی، ابو عبدالله حسن
- ۳۶۲ ابن حیدر قزوینی، ابوالقاسم عبدالله، عبیدالله
- ۳۶۲ ابن حَیویه نیشابوری، ابوالحسن محمد
- ۳۶۳ ابن خاتون طوسی، شمس‌الدین، ابوالمعالی محمد
- ۳۶۳ ابن خالویه، ابو عبدالله حسین
- ۳۶۴ ابن خراسانی، ابوالعزّ محمد
- ۳۶۴ ابن خِراش خراسانی، ابوجعفر احمد
- ۳۶۴ ابن خِراش مروزی، ابومحمد عبدالرحمان
- ۳۶۵ ابن خُرداذبه، ابوالقاسم عبیدالله
- ۳۶۶ ابن خُزَیمه، ابوبکر محمد
- ۳۶۶ ابن خسرو بلخی، ابو عبدالله حسین
- ۳۶۶ ابن خَمّار، ابوالخیر حسن
- ۳۶۷ ابن خَیاط، ابوبکر محمد
- ۳۶۸ ابن داوود قمی، ابوالحسن محمد
- ۳۶۸ ابن دُرُسْتُویه فسوی، ابومحمد عبدالله
- ۳۶۹ ابن دوست، ابوسعید، ابوسعید عبدالرحمان
- ۳۶۹ ابن رازی، ابومحمد جعفر
- ۳۷۰ ابن راهویه، ابویعقوب اسحاق
- ۳۷۰ ابن رزین رازی اصفهانی، ابو عبدالله محمد
- ۳۷۱ ابن رستم، عبدالرحمان
- ۳۷۱ ابن رفاعه‌ی هاشمی، ابوالخیر زید
- ۳۷۱ ابن زیاد نیشابوری، ابوبکر عبدالله
- ۳۷۲ ابن زَیله، ابومنصور حسین
- ۳۷۲ ابن ساریان، ابوالحسن علی

- ۳۷۲ ابن‌ساعاتی، فخرالدین رضوان، رمضان
- ۳۷۳ ابن‌سالبه، ابوالفتح عبدالسلام
- ۳۷۳ ابن‌ساوجی، ابوالمحاسن محمد
- ۳۷۳ ابن‌سدیر، ابوالحسن علی
- ۳۷۴ ابن‌سرهنگ طبری، ابوالحسن مهدی
- ۳۷۴ ابن‌سُرَیج، ابوالعباس احمد
- ۳۷۵ ابن‌سیکیت، ابویوسف یعقوب
- ۳۷۵ ابن‌سَلْم رازی اصفهانی، ابویحیی عبدالرحمان
- ۳۷۶ ابن‌سَلْمه‌ی نیشابوری، ابوالفضل احمد
- ۳۷۶ ابن‌سَمقه، محمد
- ۳۷۶ ابن‌سمکه قمی، ابوعلی احمد
- ۳۷۷ ابن‌سمنانی، ابوالقاسم علی
- ۳۷۷ ابن‌سِتّار شیرازی، ابوماهر، ابوعمران موسی
- ۳۷۷ ابن‌سِتّار مروزی، ابوالحسن احمد
- ۳۷۸ ابن‌سینا، ابوعلی حسین
- ۳۷۹ ابن‌شاذان قَمّی، ابوالحسن محمد
- ۳۸۰ ابن‌شاذان قَمّی، ابوالعباس احمد
- ۳۸۰ ابن‌شاذان نیشابوری، ابومحمد فضل
- ۳۸۱ ابن‌شاذان، ابوبکر احمد
- ۳۸۱ ابن‌شاذان، ابوعلی احمد
- ۳۸۲ ابن‌شاذکونی اصفهانی، ابویوب سلیمان
- ۳۸۲ ابن‌شاذویه، علی
- ۳۸۳ ابن‌شاه، ابوبکر احمد
- ۳۸۳ ابن‌شاه‌مردان ابهری، عبیداللّه

- ۳۸۳ ابن‌شاهویه، ابوبکر محمد
- ۳۸۳ ابن‌شاهین، ابوجعفر عمر
- ۳۸۴ ابن شرفشاه حسینی استرآبادی، رکن‌الدین
- ۳۸۴ ابن شرقی نیشابوری، ابوحامد احمد
- ۳۸۵ ابن‌شهاب یزدی، حسن
- ۳۸۵ ابن‌شیمان قزوینی، ابوعبدالله حسین
- ۳۸۶ ابن‌شیرویه نیشابوری، ابومحمد عبدالله
- ۳۸۶ ابن‌شیره کاشانی، ابوالحسن علی
- ۳۸۶ ابن‌صلاح همدانی، نجم‌الدین، ابوالفتوح احمد
- ۳۸۷ ابن‌صلت اهوازی، ابوالحسن احمد
- ۳۸۷ ابن‌صیرفی، ناصرالدین محمد
- ۳۸۸ ابن‌طباطبایی اصفهانی، ابوالحسن محمد
- ۳۸۸ ابن‌طبری مروزی، ابوحامد احمد
- ۳۸۸ ابن‌طحان بیهقی نیشابوری، ابوسعید
- ۳۸۹ ابن‌طلیق، اسحاق
- ۳۸۹ ابن‌طیفور، ابوالحسن، ابوالحسین عبیدالله
- ۳۸۹ ابن‌عاصم اصفهانی، ابوجعفر محمد
- ۳۹۰ ابن‌عاصم اصفهانی، ابوعبدالله محمد
- ۳۹۰ ابن‌عبدان همدانی، ابوالفضل عبدالله
- ۳۹۰ ابن‌عبدک گرگانی
- ۳۹۱ ابن‌عبدوس نیشابوری، عبدالواحد
- ۳۹۱ ابن‌عبید، ابوعثمان، ابومروان عمرو
- ۳۹۲ ابن‌عجیم فارسی، ابوالحسین
- ۳۹۲ ابن‌عدّی جرجانی، ابوحامد عبدالله

- ۳۹۳ ابن عربشاه اسفراینی، عصام‌الدین، ابراهیم
- ۳۹۳ ابن عربشاه اسفراینی، علی
- ۳۹۳ ابن عربشاه، شهاب‌الدین، ابومحمد، ابوالعباس احمد
- ۳۹۴ ابن عمید قمی، ابوالفضل محمد
- ۳۹۵ ابن غیلان، افضل‌الدین عمر
- ۳۹۵ ابن فارس رازی، ابوالحسن، ابوالحسین احمد
- ۳۹۵ ابن فارسی، ابوعبدالله
- ۳۹۶ ابن فتی، ابوعبدالله سلمان، سلیمان
- ۳۹۶ ابن فرات رازی، ابومسعود احمد
- ۳۹۶ ابن فقیه همدانی، ابوبکر، ابوعبدالله احمد
- ۳۹۷ ابن فنجویه، ابوعبدالله حسین
- ۳۹۷ ابن فورجه بروجردی، محمد
- ۳۹۸ ابن فورک اصفهانی، ابوبکر محمد
- ۳۹۸ ابن فوطی، کمال‌الدین، ابوالفضل
- ۳۹۹ ابن قاصّ طبری، ابوالعباس احمد
- ۳۹۹ ابن قبه‌ی رازی، ابوجعفر محمد
- ۴۰۰ ابن قتلمش، ابومنصور محمد
- ۴۰۰ ابن قتیبه‌ی دینوری، ابومحمد عبدالله
- ۴۰۱ ابن قولویه قمی، ابوالقاسم جعفر
- ۴۰۱ ابن کتب، جمال‌الدین محمد
- ۴۰۲ ابن کثیر داری، ابومعبد، ابوبکر عبدالله
- ۴۰۲ ابن کثیر نهاوندی، عبدالوهاب
- ۴۰۳ ابن لال همدانی، ابوبکر احمد
- ۴۰۳ ابن لبان اصفهانی، ابومحمد عبدالله

- ۴۰۳ ابن‌ماجهی قزوینی، ابو عبدالله محمد
- ۴۰۴ ابن‌ماسویه، ابوزکریا یوحنا
- ۴۰۴ ابن‌ماسویه، عیسی
- ۴۰۵ ابن‌ماسویه، میخائیل
- ۴۰۵ ابن‌مبارک مروزی، ابو عبدالرحمان عبدالله
- ۴۰۶ ابن‌مبارک، ابو عثمان سعدان
- ۴۰۶ ابن‌متویه قزدانی، ابو الحسن، علی
- ۴۰۶ ابن‌مجاور شیرازی، نجم‌الدین ابو الفتح یوسف
- ۴۰۷ ابن‌مجاور، جمال‌الدین، نجم‌الدین، ابو الفتح یوسف
- ۴۰۷ ابن‌محمسد شیرازی، محمود
- ۴۰۷ ابن‌مدیر، ابو الحسن احمد
- ۴۰۸ ابن‌مراغی همدانی، ابو الفتح محمد
- ۴۰۸ ابن‌مردان، ابو موسی عیسی
- ۴۰۹ ابن‌مرزبان اصفهانی، ابو احمد عبدالرحیم
- ۴۰۹ ابن‌مرزبان، ابو نصر سهل
- ۴۰۹ ابن‌مسکویه، ابو علی، ابو عبدالله احمد
- ۴۱۰ ابن‌مشهدی حائری، ابو عبدالله محمد
- ۴۱۱ ابن‌مظفر شیرازی، بهاء‌الدین، ابوالمبارک محمد
- ۴۱۱ ابن‌مظفر شیرازی، جلال‌الدین، ابوالمیامن مسعود
- ۴۱۱ ابن‌مظفر شیرازی، زین‌الدین، طاهر
- ۴۱۲ ابن‌مظفر شیرازی، سعدالدین، ابوالمیامن اسعد
- ۴۱۲ ابن‌مظفر شیرازی، شمس‌الدین، ابوالمفاخر عمر
- ۴۱۳ ابن‌مظفر شیرازی، شمس‌الدین، ابوالمؤید عمر
- ۴۱۳ ابن‌مظفر شیرازی، صدرالدین، ابوالمعالی مظفر

- ۴۱۴ ابن مظفر شیرازی، نجم‌الدین، ابوالفتح محمود
- ۴۱۴ ابن معروف، محمد
- ۴۱۴ ابن مَعْقِل نسفی، ابواسحاق ابراهیم
- ۴۱۵ ابن مقفع، عبدالله
- ۴۱۵ ابن مَکّی رازی، حسام‌الدین، ابوالحسن علی
- ۴۱۶ ابن منتجب مروزی، ابوالحسن علی
- ۴۱۶ ابن منجم، ابوالحسن علی
- ۴۱۶ ابن منجم، ابوعبدالله هارون
- ۴۱۷ ابن مندوی اصفهانی، ابوعلی احمد
- ۴۱۷ ابن منده اصفهانی، ابراهیم
- ۴۱۸ ابن منده اصفهانی، ابوالحسن عبدالله، عبیدالله
- ۴۱۸ ابن منده اصفهانی، ابوالقاسم عبدالرحمان
- ۴۱۸ ابن منده اصفهانی، ابوالوفاء محمود
- ۴۱۹ ابن منده اصفهانی، ابوزکریا یحیی
- ۴۱۹ ابن منده اصفهانی، ابوعبدالله محمد
- ۴۲۰ ابن منده اصفهانی، ابوعمرو عبدالوهاب
- ۴۲۰ ابن منده اصفهانی، اسحاق
- ۴۲۰ ابن منده، ابوالحسن علی
- ۴۲۱ ابن مهران، ابومسلم عبدالرحمان
- ۴۲۱ ابن مهریزد اصفهانی، ابومسلم محمد
- ۴۲۲ ابن مهزیار اهوازی، ابوالحسن علی
- ۴۲۲ ابن نصیر انبردوانی، ابوکامل احمد
- ۴۲۲ ابن ولید قمی، ابوجعفر محمد
- ۴۲۳ ابن هارون توزی، ابومحمد عبدالله

- ۴۲۳ ابن‌هارون دشت میثانی، ابوعمرو سهل
- ۴۲۴ ابن‌هارون عسکری، ابوالحسین احمد
- ۴۲۴ ابن‌هندو، ابوالفرج علی
- ۴۲۴ ابن‌هندویه فارسی، ابو عبدالله محمد
- ۴۲۵ ابن‌هیصم هروی، صدرالاسلام، مجدالدین، علی
- ۴۲۵ ابن‌یزداد قمی نیشابوری، ابوالحسن علی
- ۴۲۵ ابن‌یعیش، ابواسحاق ابراهیم
- ۴۲۶ ابن‌یمین فریومدی، امیر فخرالدین، محمود
- ۴۲۶ ابواسحاق اصفهانی، ابراهیم بن عیسی
- ۴۲۷ ابواسحاق، ابراهیم
- ۴۲۷ ابوالاظهر عبدی نیشابوری، احمد
- ۴۲۷ ابوالبرکات کازرونی، محمد
- ۴۲۸ ابوالسعادات
- ۴۲۸ ابوالشیخ اصفهانی، ابومحمد عبدالله
- ۴۲۹ ابوالفتح بستی، نظام الدین عمید
- ۴۲۹ ابوالفتحی، علی‌اکبر
- ۴۳۰ ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین بن هیثم
- ۴۳۱ ابوالفضل سدیدالدین شاذان
- ۴۳۱ ابوالفضل محمد
- ۴۳۱ ابوالقاسم حکیم
- ۴۳۲ ابوالقاسمی، محسن
- ۴۳۲ ابوبکر
- ۴۳۲ ابوترابی علوی، محمد
- ۴۳۳ ابوترابی، ابوتراب

- ۴۳۳ ابوترابی، احمد
- ۴۳۴ ابوترابی، عباس
- ۴۳۵ ابوترابی، علی اکبر
- ۴۳۶ ابوترابی، محمود
- ۴۳۷ ابو حرب
- ۴۳۸ ابوحنیفه صغیر، ابو جعفر محمد
- ۴۳۸ ابوحنیفه نعمان
- ۴۳۹ ابوطالب اسحاق
- ۴۳۹ ابو عبید
- ۴۳۹ ابونراس اهوازی، حسن
- ۴۴۰ ابونصر (ابومضر)
- ۴۴۰ ابونصر سراج طوسی، عبدالله
- ۴۴۱ ابونصر قاینی، محمد
- ۴۴۱ ابونصر قباوی بخاری، احمد
- ۴۴۱ ابونصر مشکان، منصور
- ۴۴۲ ابونصر مقبلی، محمد
- ۴۴۲ ابونصر منجم قمی، حسن
- ۴۴۲ ابونعیم اصفهانی، احمد
- ۴۴۳ ابویعقوب سجستانی، اسحاق
- ۴۴۳ ابویعقوب همدانی، یوسف
- ۴۴۴ ابهری عماد الدین، عبدالعزیز
- ۴۴۴ ابهری، ابوبکر محمد
- ۴۴۵ ابهری، شمس الدین
- ۴۴۵ ابهری، کمال الدین ابو عمرو، ابو عمر

- ۴۴۶ ابیوردی
- ۴۴۶ ابیوردی کوفنی، ابوالمظفر محمد
- ۴۴۷ ابیوردی، حسام الدین، ابومحمد حسن
- ۴۴۷ اتابکیان الکساندر
- ۴۴۸ اتحادیه، منصوره
- ۴۴۹ اثنی عشری، حسین
- ۴۴۹ اثیرالدین ابهری سمرقندی، مفضل
- ۴۵۰ اجتهادی، مجید
- ۴۵۰ اجلالی، امین پاشا
- ۴۵۱ احترامی، منوچهر
- ۴۵۱ احتشام دفتری، جمشید
- ۴۵۲ احتشامی افشار، امین
- ۴۵۲ احدی نسب، مصطفی
- ۴۵۳ احدی، کاظم
- ۴۵۳ احدی، مهدی
- ۴۵۴ احراری، هوشنگ
- ۴۵۵ احسانی طباطبائی، محمد علی
- ۴۵۵ احسانی فر، محمد
- ۴۵۶ احسانی، هوشنگ
- ۴۵۶ احسائی، احمد
- ۴۵۷ احسائی، علینقی
- ۴۵۷ احسائی، محمد تقی
- ۴۵۸ احصایی، محمد
- ۴۵۹ احمدپناهی، جلال

- ۴۶۰ احمدخان بیگی، علیرضا
- ۴۶۰ احمدزاده بزاز، عبدالمطلب
- ۴۶۱ احمدسلطانی، منیره
- ۴۶۳ احمدوند، معروف علی
- ۴۶۴ احمدی ابهری، محمدعلی
- ۴۶۴ احمدی جلفایی، حمید
- ۴۶۵ احمدی راد، مجتبی
- ۴۶۶ احمدی شاهرودی، احمدعلی
- ۴۶۷ احمدی شاهرودی، علی اصغر
- ۴۶۹ احمدی فراز، محمدمهدی
- ۴۶۹ احمدی گیلاکجائی، فائزه
- ۴۷۰ احمدی گیوی، حسن
- ۴۷۴ احمدی نژاد، ابوالقاسم
- ۴۷۵ احمدی، احمد
- ۴۷۶ احمدی، احمدرضا
- ۴۷۹ احمدی، اکبر
- ۴۸۰ احمدی، بابک
- ۴۸۲ احمدی، حسن
- ۴۸۳ احمدی، حسین
- ۴۸۳ احمدی، ذکرالله
- ۴۸۴ احمدی، علی
- ۴۸۵ احمدی، قاسم
- ۴۸۵ احمدی، محمد مهدی
- ۴۸۷ احمدی، محمدابراهیم

- ۴۸۸ احمدی، محمدجعفر
- ۴۸۸ احمدی، مهدی
- ۴۸۹ احمدیان، ابراهیم
- ۴۸۹ احمدیان، عطاءالله
- ۴۹۰ احمدیان، محمدعلی
- ۴۹۱ احمدیان، مرتضی
- ۴۹۳ احمدیه، حمید
- ۴۹۴ احمر، ابو عبدالله جعفر
- ۴۹۴ احیاءالملک، محمدخان
- ۴۹۴ اخباری نیشابوری اکبرآبادی، جمال‌الدین، ابواحمد محمد
- ۴۹۵ اخباری، محمد
- ۴۹۵ اخترشهر، علی
- ۴۹۶ اختری یزدی، مولانا
- ۴۹۷ اختیارالدین حسین
- ۴۹۷ اخسیکشی، ابوالوفاء محمد
- ۴۹۸ اخسیکشی، ابورشاد احمد
- ۴۹۸ اخسیکشی، ابوالوفاء محمد
- ۴۹۸ اخضری، حجت الله
- ۴۹۹ اخفش اوسط خوارزمی بلخی، ابوالحسن سعید
- ۵۰۰ اخوان ذاکری، اسکندر
- ۵۰۰ اخوان طبسی، محمد
- ۵۰۱ اخوان طبسی، محمد
- ۵۰۱ اخوان مرعشی، کاظم
- ۵۰۲ اخوان مرعشی، مهدی

- ۵۰۳ اخوان نیاکان، اسفندیار
- ۵۰۳ اخویان، محمد علی
- ۵۰۴ اخوینی بخارائی، ابوبکر ربیع
- ۵۰۴ ادب کرمانشاهی، محمدتقی
- ۵۰۵ ادریسیان، غلامحسین
- ۵۰۶ ادیب اصفهانی، عباسعلی
- ۵۰۶ ادیب السلطنه سمیعی، حسین
- ۵۰۷ ادیب آل علی، محمد
- ۵۰۸ ادیب بهروز، محسن
- ۵۰۸ ادیب پیشاوری، احمد
- ۵۰۹ ادیب حبیب‌آبادی، عباس
- ۵۱۰ ادیب شیبانی کاشانی، احمد
- ۵۱۰ ادیب شیرازی، محمود مصطفوی
- ۵۱۰ ادیب طالقانی، حسن
- ۵۱۱ ادیب طوسی، محمدامین
- ۵۱۲ ادیب فراهانی
- ۵۱۲ ادیب کرمانی، غلامحسین
- ۵۱۳ ادیب نیشابوری، عبدالجواد
- ۵۱۴ ادیب نیشابوری، محمدتقی
- ۵۱۴ ادیب هروی، محمد حسن
- ۵۱۴ ادیب، محمدحسین
- ۵۱۵ ادیب‌الممالک فراهانی، محمدصادق
- ۵۱۶ ادیبی‌فر، پرویز
- ۵۱۷ ادکائی، پرویز

۵۱۸	اراکى نجفى، عبدالنبى
۵۱۸	اراکى، فتحعلى
۵۱۹	اراکى، محمدعلى
۵۲۰	ارباب شيرانى، سعيد
۵۲۱	ارباب قمى، ميرزىامحمد
۵۲۳	ارباب كيخسرو
۵۲۵	ارباب، رحيم
۵۲۵	ارباب، محمد
۵۲۸	اربابزاده، ناصر
۵۲۸	اربابى، عظيم
۵۲۹	ارجانى، ابوسهل
۵۲۹	ارجمند، جمشيد
۵۳۱	ارجى، على اكبر
۵۳۲	اردبيلى اصفهانى، حيدر على
۵۳۳	اردبيلى، جمال الدين محمد
۵۳۳	اردبيلى، على اكبر
۵۳۴	اردبيلى، محمد حسين
۵۳۴	اردبيلى، محمد طاهر
۵۳۵	اردبيلى، محى الدين
۵۳۵	اردبيلى، يونس
۵۳۶	اردستانى، محمد
۵۳۷	اردستانى، محمد صادق
۵۳۷	اردگانى، حسين
۵۳۸	اردگانى، رضا

۵۳۹	اردکانی، محمد رضا
۵۳۹	اردکانی، محمدباقر شریف
۵۳۹	اردکانی، محمدصادق
۵۴۰	اردکانی، مرتضی
۵۴۰	اردلانی، غفار
۵۴۱	اردوبادی، ابوالقاسم
۵۴۲	اردوبادی، محمدعلی
۵۴۲	اردهالی، مصطفی
۵۴۳	ارسنجانی، ابوالقاسم
۵۴۳	ارسنجانی، علی عسکر
۵۴۴	ارشاد، مجتبی
۵۴۵	ارشادی نیا، محمدصادق
۵۴۶	ارغیانی اسفنجی نیشابوری، ابوعبدالله محمد
۵۴۶	ارغیانی، ابوالفتح سهل
۵۴۷	ارفع، محمدکاظم
۵۴۷	ارموی، سراج‌الدین، ابوالثنا محمود
۵۴۸	ازهر، حشمت‌الله
۵۴۸	ازهری هروی، ابومنصور محمد
۵۴۹	ازه ای، علی اکبر
۵۵۰	ازهای، محمدعلی
۵۵۱	استاد ولی، حسین
۵۵۲	استادی مقدم، رضا
۵۵۴	استادی مقدم، کاظم
۵۵۵	استادی، رضا

- استپانیان، سروژ ۵۵۶
- استخری، احسان‌الله علی ۵۵۸
- استرآبادی، ملا جعفر ۵۵۸
- استرآبادی، ضیاءالدین ۵۵۹
- استرآبادی، فاضل ۵۶۰
- استرآبادی، محمد علی ۵۶۰
- استرآبادی، محمدامین ۵۶۰
- استرآبادی، محمدتقی ۵۶۱
- استرآبادی، محمدمهدی ۵۶۱
- استعلامی، محمد ۵۶۲
- استقامت تهرانی، اسفندیار ۵۶۳
- اسحاق بن عبدالله ۵۶۴
- اسحق ۵۶۴
- اسداللهی، الله شکر ۵۶۵
- اسدزاده، اسماعیل ۵۶۵
- اسدی اصفهانی، ابوبکر محمد ۵۶۶
- اسدی لاری، حسن ۵۶۶
- اسدی نسب، محمدعلی ۵۶۶
- اسدی، علی ۵۶۷
- اسدی، علی ۵۶۸
- اسدی، غلامحسین ۵۶۹
- اسدی، کاظم ۵۶۹
- اسدیان، حسین ۵۷۰
- اسراری، هادی ۵۷۰

- اسرائیل ۵۷۲
- اسعدالدوله، محمد ۵۷۲
- اسعدی، محمد حسن ۵۷۳
- اسعر دیه، زینب ۵۷۳
- اسفراینی طوسی، ابوالمظفر شاهفور، طاهر ۵۷۴
- اسفراینی، ابواسحاق ابراهیم ۵۷۴
- اسفراینی، ابوالحسن علی ۵۷۵
- اسفراینی، ابوحامد احمد ۵۷۵
- اسفراینی، تاج‌الدین محمد ۵۷۶
- اسفراینی، خواجه نصیرالدین ۵۷۶
- اسفراینی، شمس‌الدین محمد ۵۷۷
- اسفرنجانی، محمدی ۵۷۷
- اسفندیاری، رضا ۵۷۸
- اسفندیاری، علی ۵۷۹
- اسفندیاری، مصطفی ۵۸۳
- اسکافی مروزی، ابوحنیفه ۵۸۴
- اسکافی، ابوجعفر محمد ۵۸۴
- اسکافی، ابوعلی محمد ۵۸۴
- اسکندرلو، محمدجواد ۵۸۵
- اسکندری، محمدحسین ۵۸۶
- اسکویی، محمدکاظم ۵۸۶
- اسلامپور کریمی، حسن ۵۸۷
- اسلامی اردکانی، حسین ۵۸۸
- اسلامی پناه، هادی ۵۹۰

- اسلامی ندوشن، محمد علی ۵۹۰
- اسلامی، محمد ۵۹۲
- اسلامی، محمد تقی ۵۹۲
- اسلامیان، علیرضا ۵۹۳
- اسلامیان، لاله ۵۹۴
- اسلامیان، لاله ۵۹۵
- اسماعیل پور نیازی، حسن ۵۹۶
- اسماعیل پور، محمدعلی ۵۹۷
- اسماعیل زاده، صدیقه ۵۹۸
- اسماعیل زاده، احمد ۵۹۹
- اسماعیلی ایولی، علی ۶۰۰
- اسماعیلی جرجانی نیشابوری، ابوبکر محمد ۶۰۰
- اسماعیلی مبارکه، محمد ۶۰۱
- اسماعیلی، اسماعیل ۶۰۲
- اسماعیلی، محمدحسن ۶۰۳
- اشتری اصفهانی، اسدالله ۶۰۴
- اشتری نسب، محمود ۶۰۴
- اشتهاردی، علی پناه ۶۰۴
- اشراقی، احسان ۶۰۵
- اشراقی، محمدتقی ۶۰۶
- اشرف اصفهانی، محمد اشرف ۶۰۸
- اشرف الواعظین یزدی، حسن ۶۰۸
- اشرف زاده، رضا ۶۰۸
- اشرف سمرقندی، معین الدین حسن ۶۱۲

- ۶۱۳ اشرف طسوجی، علی اشرف
- ۶۱۳ اشرفی استرآبادی، نظام‌الدین، عبدالحی
- ۶۱۴ اشرفی اصفهانی، عطاالله
- ۶۱۵ اشرفی بارفروشی مازندرانی، محمد
- ۶۱۶ اشرفی، امیررضا
- ۶۱۷ اشرفی، حسین
- ۶۱۷ اشرفی، محمدعلی
- ۶۱۸ اشعری قمی، ابوجعفر احمد
- ۶۱۹ اشعری قمی، ابوجعفر محمد
- ۶۱۹ اشعری قمی، آدم بن اسحاق
- ۶۲۰ اشعری قمی، یعقوب
- ۶۲۰ اشعری، عبدالحسین
- ۶۲۱ اشکانی، حمید
- ۶۲۲ اشکوری، ابوالقاسم
- ۶۲۲ اشکوری، حسین
- ۶۲۲ اشکوری، موسی
- ۶۲۳ اشگوری، مهدی
- ۶۲۳ اشنی قودجانی، محمد حسین
- ۶۲۴ اصالت، اسدالله
- ۶۲۵ اصطخری، ابوسعید حسن
- ۶۲۵ اصطهباناتی، ابراهیم
- ۶۲۶ اصطهباناتی، ابوالقاسم
- ۶۲۶ اصطهباناتی، ابوتراب
- ۶۲۶ اصطهباناتی، احمد

- اصطهباناتی، اسدالله ۶۲۷
- اصطهباناتی، حسین ۶۲۷
- اصطهباناتی، عبدالمولی ۶۲۸
- اصطهباناتی، محمدباقر ۶۲۸
- اصغری تبریزی، اکبر ۶۲۸
- اصغری، عبدالله ۶۲۹
- اصفهانی، سید ابوالحسن ۶۳۰
- اصفهانی ابوالفتح، محمد ۶۳۱
- اصفهانی آل محمد، علی نقی ۶۳۱
- اصفهانی قهدریجانی، محمد رضا ۶۳۲
- اصفهانی کاظمینی، محمد حسین ۶۳۲
- اصفهانی کمال الدین، ابوالفضل اسماعیل ۶۳۲
- اصفهانی مازندرانی، حسین ۶۳۳
- اصفهانی مسجد شاهی، نورالله ۶۳۳
- اصفهانی نجفی، محمد ۶۳۴
- اصفهانی، ابراهیم ۶۳۴
- اصفهانی، ابوالحسن ۶۳۵
- اصفهانی، ابوالسعادات اسعد ۶۳۶
- اصفهانی، ابوالفضل ۶۳۷
- اصفهانی، ابوالمجد شیخ محمد رضا ۶۳۷
- اصفهانی، ابوالمجد محمدرضا ۶۳۸
- اصفهانی، ابوشجاع احمد ۶۳۸
- اصفهانی، ابومنصور معمر ۶۳۸
- اصفهانی، ابونعیم ۶۳۹

- ۶۴۰ اصفهانی، باقر، محمد باقر
- ۶۴۰ اصفهانی، بهرام بن فیروز
- ۶۴۰ اصفهانی، جمال
- ۶۴۱ اصفهانی، حاجی ابو تراب
- ۶۴۱ اصفهانی، حافظ عبدالرحمان
- ۶۴۲ اصفهانی، حبیب الله
- ۶۴۲ اصفهانی، حسنعلی
- ۶۴۲ اصفهانی، زلیخا
- ۶۴۳ اصفهانی، زینب
- ۶۴۳ اصفهانی، ست آرمیه
- ۶۴۳ اصفهانی، ست ناز
- ۶۴۴ اصفهانی، ست الجلیل
- ۶۴۴ اصفهانی، ست الناس
- ۶۴۴ اصفهانی، شمس الدین محمد
- ۶۴۴ اصفهانی، شمس الدین، ابوالثناء محمود
- ۶۴۵ اصفهانی، ضوء
- ۶۴۵ اصفهانی، طاهر
- ۶۴۶ اصفهانی، ظفر باثوبه
- ۶۴۶ اصفهانی، عافیه
- ۶۴۶ اصفهانی، عبدالجواد
- ۶۴۷ اصفهانی، عبدالرسول
- ۶۴۷ اصفهانی، عبدالله
- ۶۴۸ اصفهانی، عبدالله بن حسن
- ۶۴۸ اصفهانی، عبدالمطلب

- ۶۴۸ اصفهانی، عماد
- ۶۴۹ اصفهانی، عیسی بن محمد علی
- ۶۴۹ اصفهانی، عین‌الشمس
- ۶۴۹ اصفهانی، غالیه
- ۶۵۰ اصفهانی، غنیمه
- ۶۵۰ اصفهانی، فخرالنساء
- ۶۵۰ اصفهانی، کریمه
- ۶۵۰ اصفهانی، محمد بن حسن بن محمد
- ۶۵۱ اصفهانی، محمد حسن
- ۶۵۱ اصفهانی، محمد رضی
- ۶۵۱ اصفهانی، محمدصادق
- ۶۵۲ اصفهانی، معتزهی
- ۶۵۲ اصفهانی، منیر
- ۶۵۲ اصفهانی، مهدی
- ۶۵۵ اصفهانی، ناصر الدین خسرو
- ۶۵۶ اصفهانی، شهرآز
- ۶۵۶ اصفهانیان، داود
- ۶۵۷ اصفهانی‌زاده، پرویز
- ۶۵۷ اصفیانی شندآبادی، اسماعیل
- ۶۶۰ اصلانی، مختار
- ۶۶۰ اصیل‌الدین واعظ شیرازی، عبدالله
- ۶۶۱ اصیلیان، علی
- ۶۶۲ اطروش، ناصرالحق، ابومحمدحسن
- ۶۶۲ اطمینانی آملی، عباسعلی

- ۶۶۳ اعتصام یزدانی، سیروس
- ۶۶۴ اعتصام، فریده
- ۶۶۴ اعتصامی، پروین
- ۶۶۶ اعتضاد الاطباء، عبدالباقی
- ۶۶۶ اعتضاد مظفر، اسدالله
- ۶۶۷ اعتضاد السلطنه
- ۶۶۷ اعتماد السلطنه صنیع الملک، محمدحسن
- ۶۶۸ اعتمادی، عباس
- ۶۶۹ اعتمادی، محمد هادی
- ۶۷۰ اعتمادی، محمد مهدی
- ۶۷۰ اعتمادی، هرمز دیار
- ۶۷۱ اعرابی، بیژن
- ۶۷۱ اعرافی، علیرضا
- ۶۷۳ اعرافی، محمد ابراهیم
- ۶۷۳ اعرج نیشابوری، نظام‌الدین حسن
- ۶۷۴ اعرجی کاظمینی، محسن
- ۶۷۵ اعلائی بنایی، علی
- ۶۷۵ اعلامی هرندی، بهادر
- ۶۷۶ اعلامی هرندی، زهرا
- ۶۷۷ اعلامی، سلیمان
- ۶۷۸ اعمش، ابومحمد سلیمان
- ۶۷۹ اعمی، مختار
- ۶۷۹ اعوانی، غلامرضا
- ۶۸۰ افتخار الحکما، عیسی

- ۶۸۱ افتخار الحكماء، اسماعیل
- ۶۸۱ افتخار الحكماء، جعفر
- ۶۸۱ افتخاری، حسن
- ۶۸۲ افجه‌ای، جمال‌الدین
- ۶۸۲ افسر اصفهانی، عبدالرحیم
- ۶۸۳ افسر اصفهانی، عبدالرزاق
- ۶۸۳ افسر کرمانی، مهدی‌قلی
- ۶۸۳ افسر یزدی، عبدالوهاب
- ۶۸۴ افشار ارموی، تقی
- ۶۸۴ افشار شیرازی، احمد
- ۶۸۴ افشار یزدی، محمود
- ۶۸۶ افشار، ایرج
- ۶۸۶ افشار، جلیل
- ۶۸۷ افشار، حاجی بابای
- ۶۸۸ افشار، خداوردی
- ۶۸۸ افشار، علیرضا
- ۶۸۹ افشاریبات، مهشید
- ۶۹۰ افشاری‌پور، سلیمان
- ۶۹۰ افضل کرمانی، افضل‌الدین، ابوحامد، احمد
- ۶۹۱ افضل‌ی بهبهانی، ناصر
- ۶۹۱ افضل‌ی، محمدعلی
- ۶۹۲ افضل‌ی، محمدمهدی
- ۶۹۳ افکاری، عبدالحسین
- ۶۹۳ افوشته‌ای نطنزی، محمود

- ۶۹۳ اقبال آشتیانی، عباس
- ۶۹۴ اقبال مازندرانی، علیقلی
- ۶۹۵ اقبال یغمایی
- ۶۹۷ اقتداری، احمد
- ۷۰۱ اقتصادی، شهریار
- ۷۰۲ اقداشی، محسن
- ۷۰۲ اکبرنژاد، محمد تقی
- ۷۰۳ اکبرنژاد، مهدی
- ۷۰۴ اکبری حامد، اصغر
- ۷۰۴ اکبری کارمزدی، محمد
- ۷۰۵ اکبری، فیروزه
- ۷۰۶ اکبری، محمود
- ۷۰۶ اکبریان، عبدالرسول
- ۷۰۷ اکبریان، عبدالرسول
- ۷۰۸ اکبریان، محمد
- ۷۰۹ اکبریان، محمود
- ۷۰۹ اکرامی، یزدگرد
- ۷۱۰ اکرمی، محمد
- ۷۱۱ اکفانی سنجاری، شمس‌الدین، ابوعبدالله محمد
- ۷۱۱ الاشعری، ابراهیم
- ۷۱۲ البرزی، عبدالوهاب
- ۷۱۲ الحلو، مشتاق
- ۷۱۳ الفت اصفهانی، محمدباقر
- ۷۱۳ القمی، ابوالمحارب حنین

۷۱۴	القمی، احمد
۷۱۴	القمی، اسحاق
۷۱۴	القمی، عبدالوهاب
۷۱۴	القمی، محمد
۷۱۴	الکسانیان، استپان
۷۱۵	الله اکبری، محمد
۷۱۶	الله بداشتی، علی
۷۱۶	الماسی، حسین علی
۷۱۷	النور، حلیم
۷۱۷	الهی خراسانی، علی اکبر
۷۱۹	الهی طباطبایی، محمدحسن
۷۲۰	الهی قمشه ای، حسین
۷۲۱	الهی قمشه ای، مهدی
۷۲۲	الهی منش، رضا
۷۲۳	الهی نژاد، واحد
۷۲۳	الهی، بهرام
۷۲۳	الهی، سیدرضا
۷۲۴	الهی، عباس
۷۲۵	الهی، ناصر
۷۲۶	الهیان، علی اکبر
۷۲۷	الهیان، مجتبی
۷۲۸	الیاسی، حسن
۷۲۹	الیاسی، هدایت‌الله
۷۲۹	ام احمد

- ۷۲۹ ام عبدالرحمان
- ۷۲۹ ام‌العباس، سکینه
- ۷۳۰ امام الحرمین، محمد
- ۷۳۰ امام جمعه تهرانی، محمد مهدی
- ۷۳۱ امام جمعه خوبی، یحیی
- ۷۳۲ امام جمعه خوئی، محمدامین
- ۷۳۲ امام جمعه زنجانی، عزالدین
- ۷۳۴ امام جمعه، جلال‌الدین
- ۷۳۴ امام جمعه، محمد مهدی
- ۷۳۵ امام جمعه، محمدکاظم
- ۷۳۵ امام زاده، هما
- ۷۳۵ امام سده‌ای، حسن
- ۷۳۶ امام نجف‌آبادی، نصرالله
- ۷۳۷ امام، جلال
- ۷۳۷ امام الحرمین جوینی، ابوالمعالی عبدالملک
- ۷۳۸ امامت، فخرالدین
- ۷۴۰ امامت، فضل‌الله
- ۷۴۱ امامی اصفهانی، علی
- ۷۴۱ امامی حجتی، علی اکبر
- ۷۴۲ امامی سده‌ای، علی
- ۷۴۲ امامی فر، علی
- ۷۴۳ امامی کاشانی، حسین
- ۷۴۴ امامی نیا، محمدرضا
- ۷۴۵ امامی هروی، رضی‌الدین، ابوعبدالله محمد

- ۷۴۵ امامی هروی، محمد
- ۷۴۶ امامی، ابوالقاسم
- ۷۴۷ امامی، تقی
- ۷۴۸ امامی، حسین
- ۷۴۸ امامی، عبدالرحیم
- ۷۴۹ امامی، علی اصغر
- ۷۵۰ امامی، محمد
- ۷۵۱ امامی، محمد مهدی
- ۷۵۲ امامی، محمدباقر
- ۷۵۲ امامی، محمدجعفر
- ۷۵۳ امامی، مسعود
- ۷۵۴ امامی، مسعود
- ۷۵۵ امامی، نصرالله
- ۷۵۶ امامی، نورالله
- ۷۵۶ امامیه، محمد
- ۷۵۷ امانت، رشید
- ۷۵۷ امانی، محمدصالح
- ۷۵۸ امة الرحمن
- ۷۵۸ امة الحق
- ۷۵۹ امة الرحيم
- ۷۵۹ امة القاهر
- ۷۵۹ امجد، محمود
- ۷۶۰ ام عبدالله
- ۷۶۰ امیدی اشرفی، عباسعلی

- ۷۶۱ امیدى تهرانى، ارجاسب
- ۷۶۲ امیدى فرد، عبدالله
- ۷۶۳ امير رسولى، هوشنگ
- ۷۶۳ امير همايون
- ۷۶۳ اميرانى، محمدحسين
- ۷۶۳ اميرحکمتى، غلامحسين
- ۷۶۴ اميرخانى، على
- ۷۶۵ اميرشيبانى، غلامرضا
- ۷۶۶ اميرشيبانى، محمدرضا
- ۷۶۶ اميرفيض، منوچهر
- ۷۶۶ اميرلو، رحمت‌الله
- ۷۶۷ اميرنظام گروسى، حسنعلی
- ۷۶۸ اميرى قره‌گزلو، عليرضا
- ۷۶۸ اميرى، منوچهر
- ۷۶۸ اميريان، محمدهادى
- ۷۶۹ امين الدوله، على
- ۷۷۰ امين رشتى، احمد
- ۷۷۰ امين زارع، محمدرضا
- ۷۷۱ امين، احمد
- ۷۷۲ امين، رضا
- ۷۷۲ امين، نصرت
- ۷۷۴ امين احمد رازى، محمد مؤمن
- ۷۷۵ امين الشريعه، محمداسماعيل
- ۷۷۵ امين فر، مهدى

- ۷۷۵ امینی پور، عبدالله
- ۷۷۷ امینی تبریزی، عبدالحسین
- ۷۷۹ امینی دروازه‌ای، مهدی
- ۷۸۰ امینی هروی، صدرالدین ابراهیم
- ۷۸۰ امینی، ابراهیم
- ۷۸۱ امینی، امیرقلی
- ۷۸۱ امینی، جعفر
- ۷۸۲ امینی، جمشید
- ۷۸۳ امینی، حیدر
- ۷۸۳ امینی، صفرعلی
- ۷۸۴ امینیان، ناهید
- ۷۸۴ انتظام، محمد
- ۷۸۵ انجمنی بازانه‌ای، محمدعلی
- ۷۸۵ انجوی حسینی شیرازی، ابوالولی
- ۷۸۶ انجوی شیرازی، ابوالقاسم
- ۷۸۸ اندامی، آذر
- ۷۸۸ اندرزیان، امرالله
- ۷۸۹ اندرمانی، محمد
- ۷۸۹ اندروافر، محمد
- ۷۹۰ انزابی، احمد
- ۷۹۰ انزابی‌نژاد، رضا
- ۷۹۰ انصاری اراکی، محمد ابراهیم
- ۷۹۱ انصاری استرآبادی، نصیرالدین محمد
- ۷۹۱ انصاری اهوازی، منصور

- ۷۹۱ انصاری گرمرودی، موتمن الملک، سعید
- ۷۹۲ انصاری محلاتی، حسن
- ۷۹۲ انصاری هروی، عبدالله
- ۷۹۳ انصاری، رضا
- ۷۹۴ انصاری، عباس
- ۷۹۴ انصاری، کریم
- ۷۹۵ انصاری، محمدجواد
- ۷۹۵ انصاری، محمدرضا
- ۷۹۶ انصاری، مسعود
- ۷۹۷ انصاریان، مرتضی
- ۷۹۸ انصاریپور، محمدتقی
- ۷۹۹ انگجی تبریزی، ابوالحسن
- ۸۰۰ انوار، محمود
- ۸۰۱ انواری، جعفر
- ۸۰۱ انواری، زین‌العابدین
- ۸۰۲ انواری، محمد باقر
- ۸۰۲ انواری، محمود
- ۸۰۳ انواری، محی‌الدین
- ۸۰۴ انوری، حسن
- ۸۰۸ انیسی قندهاری
- ۸۰۸ اوجاقی، ناصرالدین
- ۸۰۸ اوحد سبزواری، خواجه فخرالدین
- ۸۰۹ اورعی، مرتضی
- ۸۰۹ اورمزدی، هرمزد

- ۸۱۰ اورنگ شیرازی، محمود
- ۸۱۰ اورنگ، مراد
- ۸۱۱ اوستا، مهرداد
- ۸۱۲ اولیایی، مصطفی
- ۸۱۳ اویس اردبیلی، اویس
- ۸۱۳ اویسی، محمدحسین
- ۸۱۴ اهرابی‌نژاد، یوسف
- ۸۱۵ اهری، احمد
- ۸۱۷ اهوازی ارجانی، ابوالحسن علی
- ۸۱۸ اهوازی، ابوعلی حسن
- ۸۱۸ اهوازی، ابویعقوب
- ۸۱۸ اهوازی، حسن، ابومحمد
- ۸۱۹ اهوازی، حسین
- ۸۱۹ ایازی، علی نقی
- ۸۲۰ ایازی، محمدعلی
- ۸۲۱ اییکچی، مهدی
- ۸۲۲ ایچی صفوی، معین‌الدین، محمد
- ۸۲۲ ایچی، قاضی عضالدین
- ۸۲۳ ایدرم، حسن
- ۸۲۳ ایران‌پرست، نورالله
- ۸۲۴ ایرانپور، ابراهیم
- ۸۲۴ ایراندوست تبریزی، رضا
- ۸۲۵ ایرانی، عبدالمحمد
- ۸۲۵ ایرانی، مصیب

- ۸۲۶ ابروانی، ابوالقاسم
- ۸۲۶ ابروانی، علی
- ۸۲۷ ابروانی، یوسف
- ۸۲۸ ایزد پناه، عباس
- ۸۲۸ ایزدپور، محمدرضا
- ۸۲۹ ایزدجو، تقی
- ۸۳۰ ایزدهی، سجاد
- ۸۳۰ ایزدی یزدی، سیروس
- ۸۳۱ ایزدی، حسین
- ۸۳۲ ایزدی، میرزا اسحاق
- ۸۳۳ ایلاقی، شرف‌الدین، شرف‌الزمان ابوعبدالله محمد
- ۸۳۳ ایلخانی، اصغر
- ۸۳۴ ایماندل، کرامت‌الله
- ۸۳۴ ایمانی مقدم، رحمت الله
- ۸۳۵ ایمانی، حسین
- ۸۳۶ اینجو، عضالدوله، جمال‌الدین حسین
- ۸۳۶ ایوبی، مونسه
- ۸۳۷ آبادانی، فرهاد
- ۸۳۷ آبان، محمد
- ۸۳۷ آبری سیستانی، ابوالحسن محمد
- ۸۳۸ آبسکونی، ابوالعلاء احمد
- ۸۳۸ آبدونی گرگانی، ابوالقاسم عبدالله
- ۸۳۸ آبی رازی، موفق‌الدین، حسن
- ۸۳۹ آبی، ابوسعید، ابوسعید منصور

- ۸۳۹ آبی، ابوعبدالله جریر
- ۸۴۰ آبی، تاج‌الدین علی
- ۸۴۰ آبی، سید حسین
- ۸۴۰ آبی، عزالدین، زین‌الدین، ابومحمد حسن
- ۸۴۱ آبی، مجدالدین، صاعد
- ۸۴۱ آبی، محمد
- ۸۴۱ آپاسای منشی
- ۸۴۱ آتشی شیرازی، محمد کاظم
- ۸۴۲ آتشی مراغهای
- ۸۴۲ آجری، ابوحفص عمر
- ۸۴۲ آجنگانی، ابوالفضل محمد
- ۸۴۳ آجودان باشی، ابراهیم
- ۸۴۳ آخری، ابوالفضل خزیمه
- ۸۴۳ آخری، ابوالفضل عباس
- ۸۴۴ آخری، ابوالقاسم اسماعیل
- ۸۴۴ آخوند خراسانی، ملا محمد کاظم
- ۸۴۵ آخوند زاده
- ۸۴۵ آدرنگی، مسعود
- ۸۴۶ آدم بن ابی‌ایاس
- ۸۴۶ آدم بن عبدالله قمی
- ۸۴۷ آدم بن یونس نسفی
- ۸۴۷ آدمی استرآبادی، ابوالقاسم علی
- ۸۴۷ آدمی چاچی، ابوبکر احمد
- ۸۴۷ آدمی خوارزمی، ابوالفضل محمد

- ۸۴۸ آدمی رازی، ابوسعید سهل
- ۸۴۸ آدمیت، فریدون
- ۸۴۹ آدینه اصفهانی، جواد
- ۸۴۹ آذر تبریزی مرتضوی، ابوالقاسم
- ۸۴۹ آذر کیوان
- ۸۵۰ آذر یزدی، مهدی
- ۸۵۳ آذر، مهدی
- ۸۵۴ آذرباد مهر اسپندان
- ۸۵۵ آذربال، آفاق
- ۸۵۵ آذربایجانی، گوهر بیگم
- ۸۵۵ آذرخش، حسنعلی
- ۸۵۵ آذرخشی، رضا
- ۸۵۶ آذر مهر، فاطمه
- ۸۵۷ آذرنوش، آذرتاش
- ۸۵۷ آذری تاکامی، قباد
- ۸۵۷ آذری قمی، احمد
- ۸۵۸ آذری، علاءالدین
- ۸۵۸ آذری، قدرت الله
- ۸۵۹ آذینی اصفهانی، احمد
- ۸۶۰ آذیوخانی، ابوسعید، فضل
- ۸۶۰ آرام، احمد
- ۸۶۱ آرام، شهناز
- ۸۶۳ آرائی کاشانی، محمدعلی
- ۸۶۳ آرائی کاشانی، ملا محمدعلی

- ۸۶۳ آرمین، کمال الدین
- ۸۶۴ آرندی نایینی، حسن
- ۸۶۴ آریا، غلامعلی
- ۸۶۷ آریان، قمر
- ۸۶۸ آرین‌پور، یحیی
- ۸۶۹ آزاد سرو
- ۸۶۹ آزاد قزوینی، میرآزاد
- ۸۶۹ آزاد همدانی، علی محمد
- ۸۷۰ آزاد، حسین خان
- ۸۷۰ آزادانی، ابوعبدالرحمان قتیبه
- ۸۷۱ آزادواری جوینی نیشابوری، ابوعبدالله محمد
- ۸۷۱ آزادواری جوینی، ابوموسی هارون
- ۸۷۱ آزادواری، ابوموسی ابراهیم
- ۸۷۲ آزدگان، فیروز
- ۸۷۲ آزر، طالب
- ۸۷۳ آرموده، عدرا
- ۸۷۴ آستارایی، اسحاق
- ۸۷۵ آستارایی، حسین
- ۸۷۵ آسوده شیرازی، محمد مهدی
- ۸۷۵ آشتیانی
- ۸۷۶ آشتیانی اعتصام‌الملک، یوسف
- ۸۷۶ آشتیانی، باقر
- ۸۷۷ آشتیانی، جعفر
- ۸۷۷ آشتیانی، حسن، محمدحسن

- ۸۷۸ آشتیانی، فضل‌الله
- ۸۷۸ آشتیانی، محسن
- ۸۷۸ آشتیانی، محمد
- ۸۷۹ آشتیانی، مرتضی
- ۸۸۱ آشتیانی، مهدی
- ۸۸۱ آشتیانی، مهدی
- ۸۸۵ آشتیانی‌پور، حسن
- ۸۸۵ آشنا، محمدطاهر
- ۸۸۵ آصف قزوینی
- ۸۸۶ آغاسی وزیراف، دربندی، حیدر
- ۸۸۶ آغزونی، ابو‌عبداللّه، عبدالواحد
- ۸۸۶ آغنه دوست، فاطمه خاتون
- ۸۸۷ آفرانی، ابواحمد، محمد
- ۸۸۷ آفرانی، ابوالطیب، عبدالملک
- ۸۸۷ آفرانی، ابوالفضل، شعبی
- ۸۸۷ آفرانی، ابوبکر، محمد
- ۸۸۸ آفرانی، ابوتمام، عبدالسلام
- ۸۸۸ آفرانی، ابومحمد، جبرئیل
- ۸۸۸ آقا خان کرمانی، عبدالحسین
- ۸۸۹ آقا میری دزفولی، محمدطاهر
- ۸۸۹ آقا نجفی اصفهانی، محمدتقی
- ۸۹۰ آقابزرگ تهرانی، محمدحسن
- ۸۹۱ آقابزرگ ساوجی، محمدحسن
- ۸۹۱ آقاتهرانی، مرتضی

- ۸۹۲ آقاجان اصفهانی
- ۸۹۲ آقاجانی، علیرضا
- ۸۹۲ آقاجانی، محمد
- ۸۹۳ آقاخان
- ۸۹۳ آقاخان محلاتی اول، محمدحسن
- ۸۹۴ آقاخوری، امیر
- ۸۹۴ آقاسردار، نجف قلی
- ۸۹۴ آقاسی، محمدرضا
- ۸۹۵ آقاسی، محمدرضا
- ۸۹۶ آقا کوچک بروجردی، علی اکبر
- ۸۹۷ آقا گلزاده، فردوس
- ۸۹۸ آقالر آذربایجانی، ولی الله
- ۸۹۸ آقامیری دزفولی، اسدالله
- ۸۹۸ آقانجفی قوچانی، سید حسن، محمدحسن
- ۸۹۹ آقانجفی، محمد
- ۹۰۰ آقسرایبی، جمال الدین محمد
- ۹۰۰ آل احمد، جلال الدین
- ۹۰۳ آل احمد، شمس
- ۹۰۴ آل اسحاق، علی
- ۹۰۹ آل آقا، ابوتراب
- ۹۰۹ آل بحر العلوم، ابراهیم
- ۹۱۰ آل بحر العلوم، جعفر
- ۹۱۰ آل بحر العلوم، حسن
- ۹۱۰ آل بحر العلوم، حسین

- ۹۱۱ آل بحر العلوم، محسن
- ۹۱۱ آل بحر العلوم، محمد
- ۹۱۲ آل بحر العلوم، محمدتقی
- ۹۱۲ آل بحر العلوم، محمدرضا
- ۹۱۲ آل بحر العلوم، محمدصادق
- ۹۱۳ آل بحر العلوم، مهدی
- ۹۱۳ آل بحر العلوم، میرعلی
- ۹۱۳ آل بحر العلوم، هاشم
- ۹۱۴ آل داوود، علی
- ۹۱۶ آل طالقانی، محمود
- ۹۱۷ آل طیب شوشتری، عبدالسلام
- ۹۱۷ آل طیب شوشتری، محمد مهدی
- ۹۱۸ آل طیب، محمدتقی
- ۹۱۸ آل طیب، محمدحسین
- ۹۱۹ آل عصفور، احمد
- ۹۲۰ آل عصفور، خلف
- ۹۲۰ آل علی شاهرودی، حسین
- ۹۲۲ آل گداعلی بیگ، محمد صالح
- ۹۲۲ آل محمد، محمدجعفر
- ۹۲۳ آل یاسین، اشرف
- ۹۲۳ آل احمد طالقانی، محمدتقی
- ۹۲۴ آلاشتی سوادکوهی، عباسعلی
- ۹۲۴ آلاشتی سوادکوهی، عبدالباقی
- ۹۲۵ آل آقا تهرانی، عبدالله

- ۹۲۵ آل آقا کرمانشاهی، ابوتراب
- ۹۲۵ آل طاهر، ابوالقاسم
- ۹۲۶ آل طیب شوشتری، محمدحسن
- ۹۲۶ آل طیب شوشتری، محمدحسین
- ۹۲۷ آل طیب، عبدالسلام
- ۹۲۷ آل طیب، محمدحسن
- ۹۲۸ آل طیب، محمدحسین
- ۹۲۹ آل عصفور، حسن
- ۹۳۰ آل عصفور، حسین
- ۹۳۰ آل عصفور، خلف
- ۹۳۱ آل عصفور، سلمان
- ۹۳۱ آل عصفور، محمد
- ۹۳۱ آل عصفور، یوسف
- ۹۳۲ آفته، عیسی
- ۹۳۳ آلوزانی، سوره
- ۹۳۳ آلیاری، حسین
- ۹۳۴ آملی اصفهانی، ابراهیم
- ۹۳۴ آملی بخاری، ابوصالح، خلف
- ۹۳۵ آملی طبرستانی، اولیاءالله، محمد
- ۹۳۵ آملی طبری، ابوعبدالله احمد
- ۹۳۵ آملی، ابراهیم
- ۹۳۶ آملی، ابوالحسین احمد
- ۹۳۶ آملی، ابوعبدالرحمان، عبدالله
- ۹۳۷ آملی، جمال‌الدین، محمد

- ۹۳۷ آملی، حیدر
- ۹۳۸ آملی، رکن‌الدین
- ۹۳۸ آملی، کاظم
- ۹۳۸ آملی، محمدتقی
- ۹۳۹ آملی، محمدسلیم
- ۹۳۹ آملی، ملا محمد
- ۹۳۹ آملی، هاشم
- ۹۴۱ آمنه حسن‌آبادی
- ۹۴۱ آموزگار یگانه، ژاله
- ۹۴۲ آموزگار، جهانبگیر
- ۹۴۳ آنی، محسن
- ۹۴۴ آوانسی ماسئیان
- ۹۴۴ آوجی، ابو عبدالله، محمد
- ۹۴۵ آوی، ابوالحسین، طاهر
- ۹۴۵ آوی، ابوالفتوح، احمد
- ۹۴۵ آوی، تاج‌الدین، ابوالفضل محمد
- ۹۴۶ آوی، حسن
- ۹۴۶ آوی، حسین
- ۹۴۶ آوی، داعی
- ۹۴۷ آهی، مجید
- ۹۴۸ آهی، مه‌ری
- ۹۴۹ آیه‌اللهی، محمدباقر
- ۹۴۹ آیه‌اللهی، محمد کاظم
- ۹۵۰ آیت قزوینی، محمدحسن

- ۹۵۰ آیت نجف آبادی، میر سید علی
- ۹۵۱ آیت‌الله‌زاده مازندارانی، محمدباقر
- ۹۵۱ آیت‌الله‌زاده، مرتضی
- ۹۵۲ آیت‌اللهی لاری، علی اکبر
- ۹۵۲ آیتی بیرجندی، محمدابراهیم
- ۹۵۷ آیتی قائنی، ضیاءالدین محمدحسین
- ۹۵۷ آیتی، عبدالحسین
- ۹۵۹ آیتی، عبدالمحمد
- ۹۶۱ آیغرترکی
- ۹۶۲ آئینه وند، صادق
- ۹۶۲ باب
- ۹۶۳ بابا افضل کاشانی
- ۹۶۴ بابا نعمت الله نخجوانی
- ۹۶۴ باباپور، محمد مهدی
- ۹۶۵ بابازاده، علی اکبر
- ۹۶۶ بابایی، اصغر
- ۹۶۶ بابایی، علی
- ۹۶۷ بابایی، علی اکبر
- ۹۶۸ بابکی، محمد
- ۹۶۸ بابویه
- ۹۶۸ بابیوردی، حسین
- ۹۶۹ باجغلی، مرتضی
- ۹۶۹ باخرزی، ابوالحسن، ابوالقاسم علی
- ۹۷۰ باخرزی، ابونصر احمد

- ۹۷۰ باخرزی، اسماعیل
- ۹۷۰ باخرزی، سیف‌الدین، ابوالمعالی سعید
- ۹۷۱ بادکوبه‌ای، حسین
- ۹۷۱ بادکوبه‌ای، محمد
- ۹۷۲ بارانی، محمدرضا
- ۹۷۵ بارع زوزنی، ابوالقاسم اسعد
- ۹۷۶ بارفروشی سمنانی، ابراهیم
- ۹۷۶ بازرگان، مهدی
- ۹۸۷ باستان، نصرت الله
- ۹۸۸ باستان‌حق، محمدحسن
- ۹۸۸ باستانی پاریزی، محمدابراهیم
- ۹۹۴ باستی، هوشنگ
- ۹۹۵ باشی، بهزاد
- ۹۹۵ باطرقانی اصفهانی، ابوبکر احمد
- ۹۹۶ باطنی، محمدرضا
- ۹۹۶ باغ نوی شیرازی، شمس‌الدین حبیب الله
- ۹۹۷ باغچه بان، جبار
- ۹۹۹ باغداساریان، آراپیک
- ۹۹۹ بافقی علی، شرف‌الدین
- ۱۰۰۰ بافقی یزدی، ابوالحسن
- ۱۰۰۰ بافقی، اسدالله
- ۱۰۰۲ بافقی، محمد تقی
- ۱۰۰۴ بافقی، محمدتقی
- ۱۰۰۵ بافی خوارزمی، ابومحمد عبدالله

- ۱۰۰۶ باقرپور، یوسف علی
- ۱۰۰۷ باقرزاده، عبدالرحمن
- ۱۰۰۸ باقرزاده، محمدرضا
- ۱۰۰۸ باقری بنایی، یوسف
- ۱۰۰۹ باقری بیدهندی، ناصر
- ۱۰۰۹ باقری نجف‌آبادی
- ۱۰۱۰ باقری همدانی
- ۱۰۱۱ باقری، علی
- ۱۰۱۲ باقری، مه‌ری
- ۱۰۱۳ باقریان ساروی، احمد
- ۱۰۱۴ باقولی اصفهانی، ابوالحسن علی
- ۱۰۱۴ باقی، محمد علی
- ۱۰۱۵ بالا مجتهد دینوری، محمد
- ۱۰۱۶ بامداد، پروین تکین
- ۱۰۱۷ بایسنغر
- ۱۰۱۸ بجنوردی، حسن
- ۱۰۱۹ بجنوردی، محمد تقی
- ۱۰۱۹ بحائی زوزنی، ابوجعفر محمد
- ۱۰۱۹ بحر العلوم، محمد مهدی
- ۱۰۲۰ بحر العلوم رشتی، حسین
- ۱۰۲۱ بحر العلوم رشتی، عبدالباقی
- ۱۰۲۱ بحر العلوم رفیع، علی
- ۱۰۲۱ بحر العلوم، محمد تقی
- ۱۰۲۱ بحر العلوم، مهدی

- بحرالعلوم، حسین ۱۰۲۲
- بحرانی، ابوالحسن سلیمان ۱۰۲۳
- بحرانی، احمد ۱۰۲۴
- بحرانی، جعفر ۱۰۲۴
- بحرانی، علی ۱۰۲۴
- بحرانی، ماجد ۱۰۲۵
- بحرانی، هاشم ۱۰۲۵
- بحری، علی ۱۰۲۶
- بخارایی، ابراهیم ۱۰۲۷
- بخاری ۱۰۲۷
- بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بردزبه، یزیدیه ۱۰۲۷
- بخاری، افتخارالدین، طاهر ۱۰۲۸
- بخاری، صفی‌الدین، محمد ۱۰۲۸
- بخاری، ظهیرالدین، ابوبکر محمد ۱۰۲۹
- بخاری، علاءالدین، محمد ۱۰۲۹
- بخاری، عنایت‌الله ۱۰۲۹
- بخت‌آور، فریدون ۱۰۲۹
- بختیاری، ابوالحسن ۱۰۳۰
- بختیاری، ابوالقاسم ۱۰۳۱
- بختیاری، علی ۱۰۳۱
- بختیاری، یعقوب ۱۰۳۱
- بدرالدین تبریزی، ابوالمعمر اسماعیل ۱۰۳۲
- بدری، حسین ۱۰۳۲
- بدلاء قمی، حسین ۱۰۳۲

- ۱۰۳۳ بدیع اسطرلابی، بدیع‌الزمان، ابوالقاسم هبة الله
- ۱۰۳۳ بدیع اصفهانی، مصطفی
- ۱۰۳۳ بدیع، امیرمهدی
- ۱۰۳۴ بدیع‌الزمان نطنزی، ابو عبدالله حسین
- ۱۰۳۴ بدیع‌الزمان هرنندی قهپایی
- ۱۰۳۴ بدیع‌الزمان همدانی، ابوالفضل احمد
- ۱۰۳۵ بدیع‌الزمان، احمد
- ۱۰۳۵ بدیعی اندجانی، یوسف
- ۱۰۳۶ بدیعی تبریزی
- ۱۰۳۶ بدیعی، منوچهر
- ۱۰۳۸ براتی، عبدالعلی
- ۱۰۳۹ برادران آجیلیان، حسن
- ۱۰۳۹ برادران، رضا
- ۱۰۴۰ برادران، محمدعلی
- ۱۰۴۰ برارپور، ابراهیم
- ۱۰۴۱ براری گاوونی، عبدالحق
- ۱۰۴۲ برازجانی، غلامرضا
- ۱۰۴۲ برازش، علیرضا
- ۱۰۴۳ برال، ابراهیم
- ۱۰۴۴ براوستانی از دورقانی، ابوالفضل، ابومحمد سلمه
- ۱۰۴۴ بربا، علی محمد
- ۱۰۴۵ برجی، یعقوب علی
- ۱۰۴۶ برجیان، رحمت‌الله
- ۱۰۴۶ برخوردار، قدسیه

- ۱۰۴۶ بردبار، اکبر
- ۱۰۴۷ بردعی، محمد
- ۱۰۴۷ بردیجی، ابوبکر احمد
- ۱۰۴۸ برزانی، علی
- ۱۰۴۸ برزگر جلالی، محمد
- ۱۰۴۹ برزگر فاضلی، اصغر
- ۱۰۴۹ برزگر، فرامرز
- ۱۰۵۰ برزگر، محمدعلی
- ۱۰۵۰ برزویه اصفهانی، ابوجعفر احمد
- ۱۰۵۱ برزویه طبیب
- ۱۰۵۱ برغانی علوی قزوینی، عبدالحسین
- ۱۰۵۲ برغانی قزوینی، عبدالوهاب
- ۱۰۵۲ برغانی قزوینی، محمد تقی
- ۱۰۵۳ برغانی قزوینی، محمد صالح
- ۱۰۵۳ برغانی قزوینی، محمد علی
- ۱۰۵۴ برغانی قزوینی، موسی
- ۱۰۵۵ برغانی، ام‌کلثوم
- ۱۰۵۵ برقانی خوارزمی، ابوبکر احمد
- ۱۰۵۵ برقعی، حبیب‌الدین
- ۱۰۵۶ برقعی، حسین
- ۱۰۵۶ برقعی، رضا
- ۱۰۵۷ برقعی، علی
- ۱۰۵۷ برقعی، علی اکبر
- ۱۰۶۰ برقی قمی، ابوعبدالله محمد

- ۱۰۶۱ برقی، ابوالقاسم
- ۱۰۶۱ برقی، ابوجعفر احمد
- ۱۰۶۲ برکت، محمد
- ۱۰۶۲ برکلی حنفی، تقی‌الدین محمد
- ۱۰۶۳ برنجانی بریمانی، جلال
- ۱۰۶۳ برنجکار، رضا
- ۱۰۶۴ بروجردی اصفهانی، منیرالدین
- ۱۰۶۴ بروجردی کاشانی، محمد تقی
- ۱۰۶۵ بروجردی، ابو عبدالله محمد
- ۱۰۶۵ بروجردی، ابوالحسن عبیدالله
- ۱۰۶۵ بروجردی، ابوالفضل محمد
- ۱۰۶۶ بروجردی، ابوتراب
- ۱۰۶۶ بروجردی، ابوتمام ابراهیم
- ۱۰۶۶ بروجردی، ابو حفص عمر
- ۱۰۶۷ بروجردی، اسد الله
- ۱۰۶۷ بروجردی، جمال‌الدین محمد
- ۱۰۶۸ بروجردی، حسین، محمد حسین
- ۱۰۶۸ بروجردی، داوود
- ۱۰۶۸ بروجردی، ریحان الله
- ۱۰۶۹ بروجردی، عبدالرحیم
- ۱۰۶۹ بروجردی، عبدالله
- ۱۰۶۹ بروجردی، عبدالله
- ۱۰۷۰ بروجردی، علی اصغر
- ۱۰۷۰ بروجردی، فخرالدین محمد

- ۱۰۷۱ بروجردی، محمد تقی
- ۱۰۷۱ بروجردی، محمد رحیم
- ۱۰۷۲ بروجردی، محمد رضا
- ۱۰۷۲ بروجردی، محمدرضا
- ۱۰۷۳ بروجردی، مرتضی
- ۱۰۷۳ بروجردی، مهدی
- ۱۰۷۴ بروجردی، نورالدین محمد
- ۱۰۷۴ بروجی، صبغۀ الله
- ۱۰۷۴ برهان بلخی، ابوالحسن علی
- ۱۰۷۵ برهان تبریزی، محمد حسین
- ۱۰۷۵ برهان قزوینی، قربانعلی
- ۱۰۷۵ برهان، علی اکبر
- ۱۰۷۷ برهان‌الدین هروی، حیدر
- ۱۰۷۷ بزدوی، ابوظلحه منصور
- ۱۰۷۷ بزدوی، صدر الاسلام، ابوالیسر محمد
- ۱۰۷۸ بزدوی، فخر الاسلام، ابوالحسن علی
- ۱۰۷۸ بزرگمهر، منوچهر
- ۱۰۷۹ بزرگمهری فرد، محمدحسن
- ۱۰۸۰ بزمی همدانی، عقیل
- ۱۰۸۰ بزنجانی، محمدرضا
- ۱۰۸۰ بستان، حسین
- ۱۰۸۱ بسطامی، ضیاءالدین، ابوشجاع عمر
- ۱۰۸۲ بسطامی، عبدالرحمن
- ۱۰۸۲ بسطامی، مطلب

- ۱۰۸۳ بشار
- ۱۰۸۳ بشارت، محمدتقی
- ۱۰۸۴ بشر حافی مروزی بغدادی، ابونصر
- ۱۰۸۴ بشیر تبریزی، نجم الدین، ابونعمان
- ۱۰۸۵ بشیری، محمدحسین
- ۱۰۸۵ بشیری‌بد، حسن
- ۱۰۸۶ بصیری، عباس
- ۱۰۸۶ بطحایی، هاشم
- ۱۰۸۷ بغدادچی، جلیل
- ۱۰۸۸ بغدادی اسفراینی، ابومنصور عبدالقاهر
- ۱۰۸۸ بغلانی، ابورجاء قتیبه
- ۱۰۸۸ بغوی، ابوالطیب محمد
- ۱۰۸۹ بغوی، ابوالقاسم عبدالله
- ۱۰۸۹ بغوی، ظهیرالدین، ابومحمد حسین
- ۱۰۹۰ بفروئی، محمد
- ۱۰۹۰ بقای اصفهانی، محمد
- ۱۰۹۱ بقایی کرمانی، مظفر
- ۱۰۹۴ بکرآبادی، سعیده
- ۱۰۹۵ بکوس، ابواسحاق ابراهیم
- ۱۰۹۵ بلادی بوشهری، عبدالله
- ۱۰۹۶ بلادی بهبهانی بوشهری، عبدالله
- ۱۰۹۶ بلاذری، ابوجعفر، ابوالحسن احمد
- ۱۰۹۶ بلاغی نایینی، صدرالدین، محمد تقی
- ۱۰۹۷ بلاغی، شیخ حسن

- ۱۱۰۲ بلاغی، محمدجواد
- ۱۱۰۸ بلالی مود، مهدی
- ۱۱۰۹ بلخی ابوزید، احمد
- ۱۱۰۹ بلخی خراسانی، ابوالجیش مظفر
- ۱۱۱۰ بلخی، ابواسحاق، ابراهیم
- ۱۱۱۰ بلخی، ابوعبدالله محمد
- ۱۱۱۱ بلخی، ابوعلی عبدالله
- ۱۱۱۱ بلخی، جمال‌الدین عبدالله
- ۱۱۱۱ بلخی، سید اسماعیل
- ۱۱۱۲ بلعمی، ابوالفضل محمد
- ۱۱۱۲ بلعمی، ابوعلی محمد
- ۱۱۱۳ بلقیسه
- ۱۱۱۳ بلورچیان، بیوک
- ۱۱۱۳ بلورچیان، جواد
- ۱۱۱۴ بلوریان، علی
- ۱۱۱۵ بلیانی کازرونی نیشابوری، محمد
- ۱۱۱۵ بلیقینی، ابوحفص سراج‌الدین
- ۱۱۱۵ بمی کرمانی، طیان
- ۱۱۱۶ بناء اصفهانی، محمد امین
- ۱۱۱۶ بنابی، علی
- ۱۱۱۶ بنابی، محمد
- ۱۱۱۷ بنابی، یوسف
- ۱۱۱۸ بناکتی، فخرالدین، ابوسلیمان داوود
- ۱۱۱۸ بنانی، عباس

- ۱۱۱۹ بنای اصفهانی، محمدرضا
- ۱۱۱۹ بنایی، علی
- ۱۱۲۰ بنائی، مهدی
- ۱۱۲۱ بنت المجلسی
- ۱۱۲۱ بنت شعری، زینب
- ۱۱۲۲ بنت المنشار
- ۱۱۲۲ بنجیری شیرازی، شمس‌الدین عبدالله
- ۱۱۲۲ بندار شیرازی، ابوالحسین، ابوالحسن
- ۱۱۲۳ بنداری اصفهانی، قوام‌الدین فتح
- ۱۱۲۳ بنداری، فتح
- ۱۱۲۳ بنکداریان، جعفر
- ۱۱۲۳ بنی مجیدی، منصور
- ۱۱۲۷ بنی احمد، احمد
- ۱۱۲۷ بنی صدر، نصرالله
- ۱۱۲۹ بنی فضل، مرتضی
- ۱۱۳۰ بوداق قزوینی، منشی
- ۱۱۳۰ بوذری، ابراهیم
- ۱۱۳۳ بوستان، مجدالعلی
- ۱۱۳۴ بوستانی، ایرانپور
- ۱۱۳۴ بوسنجی، عایشه
- ۱۱۳۵ بوشهری، اسماعیل
- ۱۱۳۵ بوشهری، عبدالله
- ۱۱۳۵ بوشهری، محمد شفیع
- ۱۱۳۶ به آفرید

- ۱۱۳۶ بهاء‌الدینی، رضا
- ۱۱۳۷ بهادری، مسلم
- ۱۱۳۸ بهار، مهرداد
- ۱۱۴۰ بهاری همدانی، محمدباقر
- ۱۱۴۱ بهاری، اسماعیل
- ۱۱۴۲ بهاری، محمدباقر
- ۱۱۴۲ بهبودی، محمدباقر
- ۱۱۴۴ بهبهانی آل آقا، محمدجعفر
- ۱۱۴۴ بهبهانی پور، عبدالحسین
- ۱۱۴۵ بهبهانی، اسماعیل
- ۱۱۴۶ بهبهانی، رحیم
- ۱۱۴۶ بهبهانی، سعید
- ۱۱۴۶ بهبهانی، سیمین
- ۱۱۵۰ بهبهانی، شمس‌الدین
- ۱۱۵۰ بهبهانی، عبدالحسین
- ۱۱۵۱ بهبهانی، عبدالله
- ۱۱۵۵ بهبهانی، محمدباقر
- ۱۱۵۶ بهبهانی، محمدرضا
- ۱۱۵۶ بهبهانی، محمدعلی
- ۱۱۵۷ بهبهانی، وحید
- ۱۱۵۹ بهپور شیرازی، علی‌اکبر
- ۱۱۵۹ بهجت شیرازی، مصطفی
- ۱۱۶۰ بهجت نیا، یحیی
- ۱۱۶۲ بهجت، محمدتقی

- ۱۱۷۰ بهجت‌نیا، یحیی
- ۱۱۷۱ بهجتی اردکانی، محمد حسین
- ۱۱۷۱ بهدار، محمدرضا
- ۱۱۷۲ بهرام نسب، محمد سهیل
- ۱۱۷۳ بهرامی خشنودی، مرتضی
- ۱۱۷۳ بهرامی، فریدون
- ۱۱۷۴ بهرامی، محمد حسین
- ۱۱۷۴ بهرامی، منصور
- ۱۱۷۵ بهرامی، ناصر
- ۱۱۷۶ بهرمان، علی اکبر
- ۱۱۷۷ بهرمن، حیدر
- ۱۱۷۷ بهروز، محمدرضا
- ۱۱۷۸ بهروز، محمدعلی
- ۱۱۷۹ بهروزآقدم، عطاءالله
- ۱۱۸۰ بهروزکیا، کمال
- ۱۱۸۱ بهروزی، علی نقی
- ۱۱۸۳ بهزادی اندوهجردی، حسین
- ۱۱۸۳ بهشتی تبریزی، رحیم
- ۱۱۸۴ بهشتی رشتی، محمدعلی
- ۱۱۸۴ بهشتی قزوینی، شریف
- ۱۱۸۵ بهشتی مقدم، علیرضا
- ۱۱۸۵ بهشتی مهر، احمد
- ۱۱۸۶ بهشتی، ابراهیم
- ۱۱۸۶ بهشتی، ابوالفضل

- ۱۱۸۷ بهشتی، احمد
- ۱۱۸۹ بهشتی، حسین
- ۱۱۹۰ بهشتی، سیدعلی
- ۱۱۹۰ بهشتی، غلامرضا
- ۱۱۹۱ بهشتی، محمدحسینی
- ۱۱۹۳ بهشتیان، عباس
- ۱۱۹۴ بهشتی زواره، محمود
- ۱۱۹۵ بهلول گنابادی، محمدتقی
- ۱۱۹۵ بهمنش، احمد
- ۱۱۹۵ بهمنی، اردشیر
- ۱۱۹۶ بهمنی، سعید
- ۱۱۹۶ بهمنی، محمدعلی
- ۱۱۹۷ بهمنیار
- ۱۱۹۸ بهنام، عیسی
- ۱۱۹۸ بهنیا، رضا
- ۱۱۹۹ بهواد، احمد
- ۱۱۹۹ بیابانکی، علاءالدوله
- ۱۲۰۱ بیات، پروین
- ۱۲۰۱ بیات، عزیزالله
- ۱۲۰۳ بیات، محمود
- ۱۲۰۴ بیارجمندی خاخورینی خراسانی، یوسف
- ۱۲۰۴ بیاری، علی اکبر
- ۱۲۰۵ بیانی، شیرین
- ۱۲۱۰ بیانی، مهدی

- ۱۲۱۱ بیدآبادی، جعفر
- ۱۲۱۲ بیدآبادی، محمد
- ۱۲۱۳ بیدآبادی، مهدی
- ۱۲۱۳ بیرام شیرازی، محمود
- ۱۲۱۴ بیرجندی، علی اصغر
- ۱۲۱۴ بیرجندی، غلامرضا
- ۱۲۱۴ بیرجندی، محمد باقر
- ۱۲۱۶ بیرجندی، نظام‌الدین، عبدالعلی
- ۱۲۱۷ بیرشک، احمد
- ۱۲۲۶ بیرونی، ابوریحان محمد
- ۱۲۲۸ بیژن، حسین
- ۱۲۲۸ بیضاوی فارسی، ابوالخیر، ابوسعید عبدالله
- ۱۲۲۹ بیضاوی، ابوعبدالله محمد
- ۱۲۲۹ بیضاوی، امام‌الدین، ابوالقاسم عمر
- ۱۲۳۰ بیغشی، محمد شریف
- ۱۲۳۰ بیغمی، محمد
- ۱۲۳۰ بیکندی بخاری، ابوعبدالله محمد
- ۱۲۳۱ بیکندی، ابوالفضل احمد
- ۱۲۳۱ بیگدلی، علی
- ۱۲۳۳ بیگدلی، غلامحسین
- ۱۲۳۵ بیگدلی، مصطفی قلی
- ۱۲۳۶ بیگم
- ۱۲۳۶ بیگم شیرازی، ام‌سلمه
- ۱۲۳۶ بیگی، ابوطالب

- ۱۲۳۷ بیماری شیرازی، حسین
- ۱۲۳۸ بینا، فتح الله
- ۱۲۳۸ بینا، محسن
- ۱۲۳۹ بینا، منصور
- ۱۲۳۹ بینش، تقی
- ۱۲۴۰ بینوای مشهدی، داوود
- ۱۲۴۰ بیهقی خسروجردی، ابوبکر احمد
- ۱۲۴۱ بیهقی، ابوالحسن علی
- ۱۲۴۲ بیهقی، ابوالفضل محمد
- ۱۲۴۳ بیهقی، ابوالقاسم اسماعیل
- ۱۲۴۳ بیهقی، ابوالقاسم زید
- ۱۲۴۳ بیهقی، ابوالقاسم، ابومحمد اسماعیل
- ۱۲۴۳ بیهقی، ابوجعفر احمد
- ۱۲۴۴ بیهودی، حسن
- ۱۲۴۴ پارسا تویسرکانی، عبدالرحمان
- ۱۲۴۵ پارسا، داوود
- ۱۲۴۶ پارسا، شمس‌الدین محمد
- ۱۲۴۷ پارسی نژاد، ایرج
- ۱۲۴۹ پارسی، محمد
- ۱۲۵۰ بازارگادی، علاءالدین
- ۱۲۵۰ پازوکی، شهرام
- ۱۲۵۴ پاشایی، محمدتقی
- ۱۲۵۴ پاک نیا، عبدالکریم
- ۱۲۵۵ پاکپور، علی

۱۲۵۶	پاکدامن، حسین
۱۲۵۶	پاکدین، کامل
۱۲۵۷	پاکروان، روح‌الله
۱۲۵۸	پاکزاد، پرویز
۱۲۵۸	پاک‌نژاد، رضا
۱۲۵۹	پایا، علی
۱۲۶۱	پایانی اردبیلی، احمد
۱۲۶۲	پایدار، مهدی
۱۲۶۳	پاینده غزنوی، حسین
۱۲۶۳	پاینده، ابوالقاسم
۱۲۶۴	پاینده، جعفر
۱۲۶۵	پاینده، محمود
۱۲۶۷	پائین‌شهری، محمدحسین
۱۲۶۷	پدرام، محمد
۱۲۶۸	پرتو علوی، عبدالعلی
۱۲۶۸	پرتونیا، احمد
۱۲۶۹	پرتوی آملی، مهدی
۱۲۶۹	پرتوی، سیمین
۱۲۷۰	پرور، اسماعیل
۱۲۷۱	پرویز، عباس
۱۲۷۱	پروین
۱۲۷۲	پروین گنابادی، محمد
۱۲۷۲	پرهیزگار، شهریار
۱۲۷۴	پرهیزگار، محمدرضا

- ۱۲۷۵ پریمی، علی
- ۱۲۷۵ پزشک، مصطفی
- ۱۲۷۵ پزشکی، محمد
- ۱۲۷۶ پژمان بختیاری، حسین
- ۱۲۷۶ پژند بیرجندی، هایده
- ۱۲۷۷ پژوهی، محمد
- ۱۲۷۷ پسندیده، مرتضی
- ۱۲۷۸ پسیان حقیقی، جواد
- ۱۲۷۹ پشت مشهدی، محمدتقی
- ۱۲۷۹ پناهی، سعید
- ۱۲۸۰ پناهی، محمود
- ۱۲۸۱ پور داوود، ابراهیم
- ۱۲۸۳ پور طباطبایی، مجید
- ۱۲۸۵ پور منصوری، خلیل
- ۱۲۸۵ پورافکاری، نصرت‌الله
- ۱۲۸۵ پورامینی، محمد باقر
- ۱۲۸۶ پورجوادی، نصرالله
- ۱۲۹۰ پورحسن امیری، محمدباقر
- ۱۲۹۱ پورحسینی، ابوالقاسم
- ۱۲۹۲ پوررضاقلی ایاق، مریم
- ۱۲۹۴ پوررنجبر، کوکب
- ۱۲۹۵ پورزند، علی
- ۱۲۹۶ پورسید آقایی، مسعود
- ۱۲۹۶ پورعجم، حسن

- ۱۲۹۷ پورفرهاد، مسعود
- ۱۲۹۷ پورمحمد، محسن
- ۱۲۹۸ پورمند، غلامرضا
- ۱۲۹۹ پورنامداریان، تقی
- ۱۳۰۴ پوریا منفرد، حسین
- ۱۳۰۴ پوستی، عباس
- ۱۳۰۵ پوشنگی، ابوعبدالله حسین
- ۱۳۰۶ پوشنگی، ابوعبدالله محمد
- ۱۳۰۶ پویا، مهدی
- ۱۳۰۶ پویا، یحیی
- ۱۳۰۷ پهلوان، منصور
- ۱۳۰۷ پهلوانزاده، حسین
- ۱۳۰۸ پهلوانیان، احمد
- ۱۳۰۹ پیرنیا، مشیرالدوله، حسن
- ۱۳۱۰ پیروزمند، علیرضا
- ۱۳۱۱ پیروزمند، محمد
- ۱۳۱۲ پیروزی، محمدباقر
- ۱۳۱۳ پیرهاشمی، تیمور
- ۱۳۱۳ پیش نماز، محمد باقر
- ۱۳۱۳ پیشوایی یزدی، علی اکبر
- ۱۳۱۴ پیشوایی، مهدی
- ۱۳۱۵ پیشوائی یزدی، حسن
- ۱۳۱۵ پیشوائی، ابوطالب
- ۱۳۱۶ پیکانی، محمد صادق

- ۱۳۱۶ پیوندی، غلامرضا
- ۱۳۱۷ پیوندی، محمدرضا
- ۱۳۱۸ تابعی، ضیاءالدین
- ۱۳۲۰ تاج سلمانی
- ۱۳۲۰ تاج فارسی، تاج‌الدین
- ۱۳۲۰ تاج‌الحکماء، حسنعلی، حسینعلی
- ۱۳۲۱ تاج‌الدوله، طاووس
- ۱۳۲۲ تاج‌الکتاب سرخسی، ظهیرالدین
- ۱۳۲۲ تاج‌بخش، حسن
- ۱۳۲۳ تاراج قمش‌های، رضاقلی
- ۱۳۲۴ تازه کام، شعبان
- ۱۳۲۴ تألهی، هادی
- ۱۳۲۵ تاهباز زاده، عبدالرسول
- ۱۳۲۶ تبریزچی، حمید
- ۱۳۲۷ تبریزی نجفی، راضی
- ۱۳۲۸ تبریزی، ابومحمد
- ۱۳۲۸ تبریزی، اسماعیل
- ۱۳۲۸ تبریزی، جعفر
- ۱۳۲۹ تبریزی، جواد
- ۱۳۲۹ تبریزی، زین العابدین
- ۱۳۲۹ تبریزی، صادق
- ۱۳۳۱ تبریزی، علاءالدین
- ۱۳۳۲ تبریزی، غلامحسین
- ۱۳۳۳ تبریزی، لطفعلی

- ۱۳۳۳ تبریزی، محمد جواد
- ۱۳۳۴ تبریزی، محمدابراهیم
- ۱۳۳۴ تبریزی، محمدزمان
- ۱۳۳۵ تبریزی، موسی
- ۱۳۳۵ تبریزی، هادی
- ۱۳۳۶ تجلی اردکانی، علیرضا
- ۱۳۳۷ تجلی حسینی
- ۱۳۳۷ تجلی سبزواری، رجبعلی
- ۱۳۳۸ تجلیل، ابوطالب
- ۱۳۳۹ تجلیل، جلیل
- ۱۳۴۴ تجویدی، ضیاءالدین
- ۱۳۴۵ تحریریان، محمدحسن
- ۱۳۴۵ تخشبی، ابوتراب عسکر
- ۱۳۴۶ تدین نجف‌آبادی، مهدی
- ۱۳۴۷ ترابی، اکبر
- ۱۳۴۷ ترابی، علی
- ۱۳۴۸ تربتی نژاد، حسن
- ۱۳۴۹ تربتی، اسحاق
- ۱۳۴۹ تربتی، حسین
- ۱۳۴۹ تربتی، عباس
- ۱۳۵۲ تربتی، عباسعلی
- ۱۳۵۲ تربتی، محمد صالح
- ۱۳۵۲ ترجانی‌زاده، احمد
- ۱۳۵۳ ترخان، قاسم

- ۱۳۵۴ ترشیزی، اسماعیل
- ۱۳۵۴ ترشیزی، علی‌اکبر
- ۱۳۵۴ ترشیزی، محمد
- ۱۳۵۵ ترشیزی، محمدحسین
- ۱۳۵۵ ترکابادی، محمد
- ۱۳۵۵ ترکاشوند، حسن
- ۱۳۵۶ ترکستانی قمی، فخرالدین
- ۱۳۵۶ ترکمان، علی قلی
- ۱۳۵۷ ترکمانی اصفهانی، مهدی‌قلی
- ۱۳۵۷ ترکه، مظفر
- ۱۳۵۸ ترمذی، ابوعیسی محمد
- ۱۳۵۸ تریاکیان، هارتیون
- ۱۳۵۹ تستری، رضی‌الدین محمد
- ۱۳۵۹ تشید، محمداسماعیل
- ۱۳۶۰ تعلیمی، محمد
- ۱۳۶۰ تفتازانی، سعدالدین مسعود
- ۱۳۶۱ تفرشی، ابوالحسن
- ۱۳۶۱ تفرشی، مصطفی
- ۱۳۶۲ تفریشی، فیض‌الله
- ۱۳۶۲ تفضلی، ابوالقاسم
- ۱۳۶۳ تفضلی، احمد
- ۱۳۶۴ تفضلی، محمود
- ۱۳۶۵ تفلیمی، حسین
- ۱۳۶۶ تقدس، علیرضا

- ۱۳۶۶ تقدیری بشرویه، علی
- ۱۳۶۷ تقدیری، محمد
- ۱۳۶۸ تقوی اشتهاردی، حسین
- ۱۳۷۱ تقوی شیرازی، محمدشریف
- ۱۳۷۲ تقوی شیرازی، هدایت‌الله
- ۱۳۷۲ تقوی قزوینی، محمدتقی
- ۱۳۷۳ تقوی مقدم، مرتضی
- ۱۳۷۴ تقوی، حسین
- ۱۳۷۵ تقوی، علی
- ۱۳۷۶ تقوی، محمد
- ۱۳۷۶ تقوی، محمدکاظم
- ۱۳۷۷ تقوی، نصرالله
- ۱۳۷۹ تقی زاده، لطف الله
- ۱۳۷۹ تقی اسکوئی، موسی
- ۱۳۸۰ تقی زاده، حسن
- ۱۳۸۴ تقی زاده، قباد
- ۱۳۸۴ تقی نیا، محمدعلی
- ۱۳۸۴ تکشیان، محمدیوسف
- ۱۳۸۵ تمدن، خدیجه
- ۱۳۸۵ تمیمه
- ۱۳۸۵ تمیمی عرب، محمد
- ۱۳۸۶ تمیمی نیشابوری، علی
- ۱۳۸۶ تنسر هیربدان، هیربد
- ۱۳۸۶ تنکابنی قزوینی، ابراهیم

- ۱۳۸۷ تنکابنی، حکیم مؤمن
- ۱۳۸۷ تنکابنی، سلیمان
- ۱۳۸۸ تنکابنی، محمد بن عبدالفتاح
- ۱۳۸۸ تنکابنی، محمدحسین
- ۱۳۸۹ تنکابنی، محمدرضا
- ۱۳۹۰ تنکابنی، محمدمهدی
- ۱۳۹۰ توتونچی، حسین
- ۱۳۹۱ توتی
- ۱۳۹۱ توحیدی
- ۱۳۹۲ توحیدی بسطامی، علی
- ۱۳۹۲ توحیدی، ابوحيان علی
- ۱۳۹۳ توحیدی، رضا
- ۱۳۹۵ توحیدی، محمد
- ۱۳۹۵ توسلی، علی
- ۱۳۹۶ توسلی فرید، مهدی
- ۱۳۹۷ توفیق شیرازی، رفیع‌الدین ابراهیم
- ۱۳۹۸ توفیقی، حیدرقلی
- ۱۳۹۸ توکل، رحیم
- ۱۳۹۸ توکلی، داوود
- ۱۳۹۸ توکلی، عبدالله
- ۱۳۹۹ توکلی‌زاده، عبدالحسین
- ۱۴۰۰ تولمی اصل، سیاوش
- ۱۴۰۰ تونی، عبدالله
- ۱۴۰۰ تونی، موسی

- ۱۴۰۱ تویسرکانی، جعفر
- ۱۴۰۱ تویسرکانی، عبدالغفار
- ۱۴۰۲ تویسرکانی، علی
- ۱۴۰۲ تویسرکانی، قاسم
- ۱۴۰۲ تویسرکانی، محمد حسن
- ۱۴۰۳ تویسرکانی، محمد علی
- ۱۴۰۳ تویسرکانی، محمد نبی
- ۱۴۰۳ تویسرکانی، محمد شریف
- ۱۴۰۴ تویسرکانی، محمد صادق
- ۱۴۰۴ تویسرکانی، محمود
- ۱۴۰۵ تهامی، حسن
- ۱۴۰۵ تهامی، غلامرضا
- ۱۴۰۶ تهامی، فاطمه
- ۱۴۰۷ تهجدی، علی
- ۱۴۰۸ تهرانی صادق، محمد صادق
- ۱۴۰۸ تهرانی عسکری، محمد
- ۱۴۰۸ تهرانی نجفی، خلیل
- ۱۴۰۹ تهرانی، جواد
- ۱۴۱۰ تهرانی، حسن
- ۱۴۱۲ تهرانی، حسنعلی
- ۱۴۱۳ تهرانی، عبدالحسین
- ۱۴۱۳ تهرانی، عبدالعلی
- ۱۴۱۴ تهرانی، عزیزالله
- ۱۴۱۴ تهرانی، محمدحسن

- ۱۴۱۵ تیرگری، سیاوش
- ۱۴۱۶ تیره‌گری، فرخ
- ۱۴۱۶ ثابتای کاشی
- ۱۴۱۷ ثابتی، خسرو
- ۱۴۱۸ ثابتی، علی
- ۱۴۱۹ ثابتی، محمد
- ۱۴۲۰ ثاقب کرمانی، زین‌العابدین
- ۱۴۲۰ ثروت، منصور
- ۱۴۲۲ ثعلبی نیشابوری، ابومنصور عبدالملک
- ۱۴۲۲ ثعلبی، ابومنصور حسین
- ۱۴۲۲ ثعلبی، ابواسحاق، احمد
- ۱۴۲۳ ثقة الاسلام، عبدالله
- ۱۴۲۴ ثقة الواعظین، اسدالله
- ۱۴۲۴ ثقة الاسلام، محمد علی
- ۱۴۲۵ ثقة الاسلامی، محمد علی
- ۱۴۲۵ ثقة السلام
- ۱۴۲۵ ثقفی کوفی، ابراهیم
- ۱۴۲۶ ثقفی نژاد، محمد
- ۱۴۲۷ ثقفی، خلیل
- ۱۴۲۸ ثقفی، محمد
- ۱۴۲۹ ثقه الاسلام، شفیع
- ۱۴۲۹ ثقه الاسلامی، محمد هاشم
- ۱۴۳۰ ثقه الاسلام اصفهانی، محمد علی
- ۱۴۳۰ ثقه الاسلام تبریزی، علی

- ۱۴۳۱ ثمر، گیتی
- ۱۴۳۱ ثمره، یدالله
- ۱۴۳۵ ثمری، محمد
- ۱۴۳۵ ثمینی، مرتضی
- ۱۴۳۶ ثنائی، غلامحسین
- ۱۴۳۷ ثواب همدانی
- ۱۴۳۷ جابری انصاری، حسن
- ۱۴۳۸ جاپلقی، عبدالعلی
- ۱۴۳۹ جاپلقی، علی اصغر
- ۱۴۳۹ جاپلقی، محمد
- ۱۴۳۹ جاپلقی، محمدحسن
- ۱۴۴۰ جاربردی، فخرالدین، ابوالمکارم احمد
- ۱۴۴۰ جامی، غیاث الدین
- ۱۴۴۱ جامی، محمد علی
- ۱۴۴۱ جامی، معین الدین محمد
- ۱۴۴۱ جان احمدی، فاطمه
- ۱۴۴۲ جان محمدی، حسین
- ۱۴۴۳ جانقربانی، محسن
- ۱۴۴۴ جاودان، محمد
- ۱۴۴۵ جاویانی، کاوس
- ۱۴۴۶ جاوید کبیری، غلامحسین
- ۱۴۴۷ جاویدان نژاد، صادق
- ۱۴۴۷ جاویدان، اسماعیل
- ۱۴۴۸ جاویدان، محسن

- ۱۴۴۸ جاویدان‌نژاد، صادق
- ۱۴۴۸ جاویدی صباغیان، محمد
- ۱۴۴۸ جباریان، محمدرضا
- ۱۴۴۹ جیان اصفهانی، ابومنصور محمد
- ۱۴۵۰ جبرئیل دوم
- ۱۴۵۰ جبرئیلی، محمدصفر
- ۱۴۵۱ جبل عاملی، پرویز
- ۱۴۵۱ جمله خراسانی
- ۱۴۵۱ جبلی
- ۱۴۵۲ جداری عیوضی، رشید
- ۱۴۵۳ جدبائنی مقدم، محمدحسین
- ۱۴۵۴ جذبی اصفهانی، هبة‌الدین
- ۱۴۵۴ جراح زاده، منوچهر
- ۱۴۵۵ جرادینی رازی، علی
- ۱۴۵۶ جرجانی اصفهانی، ابوعبدالله محمد
- ۱۴۵۶ جرجانی، ابوالحسن علی
- ۱۴۵۷ جرجانی، ابوبکر عبدالقاهر
- ۱۴۵۷ جرجانی، اسماعیل، ابوبکر احمد
- ۱۴۵۷ جرجانی، تاج‌الدین حسن
- ۱۴۵۸ جرجانی، جمال‌الدین
- ۱۴۵۸ جرجانی، زین‌الدین، ابوابراهیم، اسماعیل
- ۱۴۵۹ جرجانی، شریف‌الدین، علی
- ۱۴۵۹ جرجانی، شمس‌الدین، محمد
- ۱۴۶۰ جرجیس

- ۱۴۶۰ جرفادقانی، ابوشرف ناصح
- ۱۴۶۰ جرقویه‌ای اصفهانی، محمدرضا
- ۱۴۶۱ جرموقی خراسانی، مهدی
- ۱۴۶۱ جزایری شوشتری نجفی، احمد
- ۱۴۶۲ جزایری شوشتری، احمد
- ۱۴۶۲ جزایری شوشتری، حسین
- ۱۴۶۲ جزایری شوشتری، عبدالصمد
- ۱۴۶۳ جزایری شوشتری، عبدالکریم
- ۱۴۶۳ جزایری شوشتری، عبدالله
- ۱۴۶۴ جزایری شوشتری، علی اصغر
- ۱۴۶۴ جزایری شوشتری، محمدحسن
- ۱۴۶۴ جزایری شوشتری، محمدشفیع
- ۱۴۶۵ جزایری شوشتری، محمدعباس
- ۱۴۶۵ جزایری شوشتری، محمدعلی
- ۱۴۶۶ جزایری شوشتری، مصطفی
- ۱۴۶۶ جزایری شوشتری، نورالدین
- ۱۴۶۷ جزایری شیرازی، محمد مؤمن
- ۱۴۶۷ جزایری نجفی، احمد
- ۱۴۶۸ جزایری، ابوالقاسم
- ۱۴۶۸ جزایری، صدرالدین
- ۱۴۶۹ جزایری، علی اصغر
- ۱۴۶۹ جزایری، محمد
- ۱۴۷۰ جزائری، نعمت‌الله
- ۱۴۷۰ جزری، سلمی

- ۱۴۷۰ جزری، شمس‌الدین، ابوالخیر محمد
- ۱۴۷۱ جزری، عایشه
- ۱۴۷۱ جزری، فاطمه
- ۱۴۷۱ جزمه‌ای قزوینی، محمد
- ۱۴۷۲ جزری برخوردار، محمّد علی
- ۱۴۷۲ جعفر پیشه فرد، مصطفی
- ۱۴۷۳ جعفرپور، عبدالجواد
- ۱۴۷۴ جعفرزاده اصفهانی، محسن
- ۱۴۷۵ جعفری پور، حسن
- ۱۴۷۵ جعفری تبار، مجید
- ۱۴۷۵ جعفری تبار، مجید
- ۱۴۷۶ جعفری تبریزی، محمدتقی
- ۱۴۸۰ جعفری فرانی، حسین
- ۱۴۸۱ جعفری قدس، احد
- ۱۴۸۲ جعفری یزدی، جعفر
- ۱۴۸۲ جعفری، اباذر
- ۱۴۸۳ جعفری، ابوالقاسم زید
- ۱۴۸۳ جعفری، حسن
- ۱۴۸۴ جعفری، حمیدرضا
- ۱۴۸۴ جعفری، رسول
- ۱۴۸۶ جعفری، علی
- ۱۴۸۷ جعفری، محمد صابر
- ۱۴۸۷ جعفری، وهاب
- ۱۴۸۸ جعفریان، رسول

- ۱۴۸۹ جلالی طباطبائی، مصطفی
- ۱۴۸۹ جلالی مقدم، مسعود
- ۱۴۹۳ جلالی، بیژن
- ۱۴۹۵ جلالی، عباس
- ۱۴۹۶ جلالی، علی
- ۱۴۹۶ جلالی، محسن
- ۱۴۹۷ جلابری، طهمورث
- ۱۴۹۷ جلوه، ابوالحسن
- ۱۴۹۸ جلیلی
- ۱۴۹۹ جلیلی کرمانشاهی، محمدحسین
- ۱۴۹۹ جلیلی، احمد
- ۱۵۰۰ جلیلی، شجاع‌الدین
- ۱۵۰۱ جلیلی، عبدالرحیم
- ۱۵۰۲ جلیلی، محمد
- ۱۵۰۲ جلیلی، محمدهادی
- ۱۵۰۲ جلیلی، مهدی
- ۱۵۰۳ جمادی، سیاوش
- ۱۵۰۵ جمال، اشرف السادات
- ۱۵۰۶ جمال‌الدین ابوالحجاج یوسف
- ۱۵۰۶ جمال‌پور، بهرام
- ۱۵۰۶ جمالی اردستانی، پیر فضل الله
- ۱۵۰۸ جمالی، قربان
- ۱۵۰۸ جمالی، مصطفی
- ۱۵۱۰ جمالی، نصرت الله

- ۱۵۱۱ جمالی زواره، منصور
- ۱۵۱۲ جمشیدی، ابوالقاسم
- ۱۵۱۲ جمشیدی، محمود رضا
- ۱۵۱۴ جمعه
- ۱۵۱۴ جناب اصفهانی، فتح‌الله
- ۱۵۱۵ جناب حسینی اصفهانی، علی
- ۱۵۱۵ جناب‌دی، ابوالفتح
- ۱۵۱۵ جنابی، ابومحمد مصطفی امیر
- ۱۵۱۶ جنتی، احمد
- ۱۵۱۸ جندی شاپوری، جبریل
- ۱۵۱۸ جنید بغدادی، ابوالقاسم جنید
- ۱۵۱۹ جنید شیرازی، عیسی
- ۱۵۱۹ جوادی آملی، عبدالله
- ۱۵۲۲ جوادی پور، محمود
- ۱۵۲۴ جوادی، عبدالله
- ۱۵۲۵ جوادی، قاسم
- ۱۵۲۵ جوادی، محسن
- ۱۵۲۶ جوادیان، احمد
- ۱۵۲۶ جوادیان، عزت‌الدین
- ۱۵۲۶ جواری، محمدحسین
- ۱۵۲۷ جوان آراسته، حسین
- ۱۵۲۷ جوان، حمیدرضا
- ۱۵۲۸ جوانرودی، محمود
- ۱۵۲۸ جوانی گلوچه، رسول

- ۱۵۲۹ جواهر تراش، ناصر
- ۱۵۲۹ جواهر کلام، عبدالعزیز
- ۱۵۳۰ جواهری، عبدالرسول
- ۱۵۳۰ جورابدوز، محمد
- ۱۵۳۱ جوزجانی، ابوعبید عبدالواحد
- ۱۵۳۱ جوزدانی اصفهانی، فاطمه
- ۱۵۳۲ جوهر
- ۱۵۳۲ جوهرناز
- ۱۵۳۲ جوهری فارابی، ابونصر اسماعیل
- ۱۵۳۳ جوینی، ابومحمد عبدالله
- ۱۵۳۳ جوینی، عزیزالله
- ۱۵۳۴ جوینی، معین‌الدین محمد
- ۱۵۳۵ جهاد اکبر
- ۱۵۳۵ جهان قاجار، زبیده
- ۱۵۳۷ جهانبخش، بیژن
- ۱۵۳۷ جهانگلوه، امیر حسین
- ۱۵۳۷ جهانسوز، محمدمهدی
- ۱۵۳۸ جهانشاهی قاجار، ایرج
- ۱۵۳۸ جهانگیر فیض آبادی، محمدجعفر
- ۱۵۳۹ جهانگیر، عیسی
- ۱۵۴۰ جهانگیر، محمدصادق
- ۱۵۴۰ جهانگیری دهقان، بهمن
- ۱۵۴۱ جهانگیری، بیژن
- ۱۵۴۲ جهانگیری، محسن

- ۱۵۴۳ جهانگیری، نادر
- ۱۵۴۳ جهانگیری، یحیی
- ۱۵۴۴ جهرمی، عبدالجبار
- ۱۵۴۴ جیبی، سلمان
- ۱۵۴۴ جیلانی اصفهانی، محمد رفیع
- ۱۵۴۵ جیلی، رفیع‌الدین، ابوحامد عبدالعزیز
- ۱۵۴۵ جیهانی، ابوعبدالله احمد
- ۱۵۴۶ چخوف، آنتوان
- ۱۵۴۷ چغمینی، محمود
- ۱۵۴۸ چلبی‌بیگ علامی، کمال‌الدین، ابوالفضل
- ۱۵۴۸ چنگانی، حسین
- ۱۵۴۸ چوبک، محمدصادق
- ۱۵۴۹ چهاردهی، محمدعلی
- ۱۵۴۹ چهارسوقی، محمد ابراهیم
- ۱۵۵۰ چهارسوقی، محمد مهدی
- ۱۵۵۰ چهارسوقی، محمدباقر
- ۱۵۵۱ چهارسوقی، محمدهاشم
- ۱۵۵۱ چهارسوقی، مسیح
- ۱۵۵۲ چهرگانی انزایی، مرتضی
- ۱۵۵۳ چهره نما
- ۱۵۵۴ چیدری، علی
- ۱۵۵۴ حاتم شیرازی، محمدمهدی
- ۱۵۵۵ حاتمی قزوینی، ابوالحسن علی
- ۱۵۵۵ حاتمی لنکرانی، مجتبی

- ۱۵۵۶ حاج حسینی نبوی، محمدحسن
- ۱۵۵۶ حاج حسینیان، مسعود
- ۱۵۵۷ حاج سید جوادی، کمال
- ۱۵۵۸ حاج شریفی خوانساری، محمدرضا
- ۱۵۵۹ حاج مجتهد، احمد
- ۱۵۶۰ حاج مجتهد، حسن
- ۱۵۶۰ حاج آخوند، غلامرضا
- ۱۵۶۰ حاجبی، غلامرضا
- ۱۵۶۱ حاجی ابراهیمی، رضا
- ۱۵۶۲ حاجی احمدی، محمود
- ۱۵۶۳ حاجی اسماعیلی، محمد
- ۱۵۶۴ حاجی رحیمیان، محمدحسن
- ۱۵۶۵ حاجی رسولی، بهزاد
- ۱۵۶۵ حاجی زاده، یدالله
- ۱۵۶۶ حاجی صادقی، عبدالله
- ۱۵۶۷ حاجی علی لالانی، عبدالله
- ۱۵۶۸ حاجی، غلامرضا
- ۱۵۶۸ حاجیان، مهدی
- ۱۵۶۹ حاجی آقا محمدی، هوشنگ
- ۱۵۶۹ حاذق جهرمی، شکرالله
- ۱۵۶۹ حاذق، نورالله
- ۱۵۶۹ حاذقی، کامبیز
- ۱۵۷۰ حارثی عاملی، عزالدین حسین
- ۱۵۷۱ حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله

- ۱۵۷۲ حافظ الصحة، مسیح
- ۱۵۷۲ حافظ الصحة، حسام‌الدین
- ۱۵۷۲ حافظ القرآن فراهانی، کاظم
- ۱۵۷۶ حافظ غیاث
- ۱۵۷۶ حافظی
- ۱۵۷۶ حاکم بیهقی، ابوعلی حسین
- ۱۵۷۶ حاکم حسکانی، ابوالقاسم، عبیدالله
- ۱۵۷۷ حاکم نیشابوری، ابواحمد محمد
- ۱۵۷۷ حاکم نیشابوری، ابو عبدالله محمد
- ۱۵۷۸ حاکمی، اسماعیل
- ۱۵۷۹ حالت، ابوالقاسم
- ۱۵۸۶ حالی، میرک
- ۱۵۸۷ حامد حسین، محمدتقی
- ۱۵۸۷ حامدبرقی، غلامعلی
- ۱۵۸۷ حامدنیاء، حسین
- ۱۵۸۸ حامدی، عبدالله
- ۱۵۸۹ حایر، محمدتقی
- ۱۵۸۹ حایری تهرانی، عباس
- ۱۵۹۰ حایری سمنانی، محمد صالح
- ۱۵۹۱ حایری طباطبایی، علینقی
- ۱۵۹۱ حایری طبرسی مازندرانی، ابوعلی محمد
- ۱۵۹۱ حایری کرمانی
- ۱۵۹۲ حایری گلپایگانی، محمد
- ۱۵۹۳ حایری گلپایگانی، هدایةالله

- ۱۵۹۴ حایری لاهیجی، ابوالقاسم
- ۱۵۹۴ حایری مازندرانی، زین‌العابدین
- ۱۵۹۴ حایری مازندرانی، مجید
- ۱۵۹۵ حایری مازندرانی، هادی
- ۱۵۹۵ حایری یزدی، عبدالکریم
- ۱۶۰۷ حایری یزدی، علی
- ۱۶۰۷ حایری، ابوالقاسم
- ۱۶۰۸ حایری، احمد
- ۱۶۰۸ حایری، جواد
- ۱۶۰۸ حایری، طاهر
- ۱۶۰۸ حایری، عبدالرحیم
- ۱۶۰۹ حایری، محمدسعید
- ۱۶۰۹ حایری، مرتضی
- ۱۶۰۹ حایری، مهدی
- ۱۶۱۱ حائری پور، محمد مهدی
- ۱۶۱۱ حائری شیرازی، محمدتقی
- ۱۶۱۲ حائری قمی، محمدعلی
- ۱۶۱۲ حائری مجد، علی
- ۱۶۱۳ حائری یزدی، مهدی
- ۱۶۱۹ حائری، آمنه
- ۱۶۱۹ حائری، آمنه‌بیگم
- ۱۶۱۹ حائری، عبدالهادی
- ۱۶۲۱ حائری، علی
- ۱۶۲۱ حائری، محمدعلی

- ۱۶۲۲ حائری، محمود
- ۱۶۲۲ حائری، مرتضی
- ۱۶۲۳ حائریان اردکانی، رضا
- ۱۶۲۴ حب حیدر اردبیلی، علی
- ۱۶۲۴ حبلرودی رازی، نجم‌الدین خضر
- ۱۶۲۵ حبیب اصفهانی
- ۱۶۲۵ حبیب اللهی، محمود
- ۱۶۲۶ حبیب خراسانی، حبیب
- ۱۶۲۶ حبیبی احمد آبادی، علی
- ۱۶۲۸ حبیبی تبار، جواد
- ۱۶۲۹ حبیبی، حشمت‌الله
- ۱۶۲۹ حبیبیان نقیبی، مجید
- ۱۶۳۰ حبیش تفلیسی، شرف‌الدین، ابوالفضل
- ۱۶۳۱ حبیش ثقفی طوسی بغدادی
- ۱۶۳۱ حجاج اسفراینی، ابوالحسن علی
- ۱۶۳۱ حجازی خمینی‌شهری، محمد
- ۱۶۳۲ حجازی دزفولی، صدرالدین
- ۱۶۳۲ حجازی راد، الله کریم
- ۱۶۳۳ حجازی، ایرج
- ۱۶۳۴ حجازی، حسین
- ۱۶۳۴ حجازی، رضا
- ۱۶۳۵ حجازی، مهدی
- ۱۶۳۶ حجازی، نصرت‌الله
- ۱۶۳۶ حجت حایری طباطبایی، ابوالقاسم

- ۱۶۳۷ حجت حایری، عبدالحسین
- ۱۶۳۷ حجت، اسدالله
- ۱۶۳۸ حجت، آقامیرزا
- ۱۶۳۸ حجت، محسن
- ۱۶۴۰ حجت، محمد
- ۱۶۴۲ حجت، ناصرالدین
- ۱۶۴۲ حجت، هادی
- ۱۶۴۳ حجتی کرمانی، عبدالحسین
- ۱۶۴۴ حجتی، ابوالقاسم
- ۱۶۴۴ حجتی، سید محمدباقر
- ۱۶۴۹ حجتی، عبدالرحیم
- ۱۶۴۹ حجتی، محسن
- ۱۶۴۹ حججی، احمد
- ۱۶۵۰ حداد عادل، غلامعلی
- ۱۶۵۱ حداد نیشابوری، ابوحفص عمرو
- ۱۶۵۲ حداد، ابو علی حسن
- ۱۶۵۲ حداد، حسین
- ۱۶۵۳ حداد، هاشم
- ۱۶۵۴ حدادیان، کریم
- ۱۶۵۵ حدایق شیرازی، یوسف
- ۱۶۵۶ حدائق، ضیاءالدین
- ۱۶۵۷ حدیدی، جواد
- ۱۶۶۰ حر عاملی، احمد
- ۱۶۶۱ حرم پناهی قمی، مهدی

- ۱۶۶۱ حرم پناهی، محسن
- ۱۶۶۲ حرّی، عباس
- ۱۶۷۴ حریرچی، فیروز
- ۱۶۷۵ حریری، علی اصغر
- ۱۶۷۶ حریری، قاسم
- ۱۶۷۶ حزین لاهیجی، محمدعلی
- ۱۶۷۷ حسابی، عبدالله
- ۱۶۷۸ حسابی، محمود
- ۱۶۸۰ حسام الواعظین، محمد رضا
- ۱۶۸۰ حسن بگی، علی
- ۱۶۸۱ حسن بیگ
- ۱۶۸۱ حسن پور، ابوالقاسم
- ۱۶۸۲ حسن زاده آملی، حسن
- ۱۶۸۷ حسن زاده، عبدالله
- ۱۶۸۸ حسن عطار
- ۱۶۸۸ حسن لغذه
- ۱۶۸۸ حسن لو، امیرعلی
- ۱۶۸۹ حسن نوری اسفندیاری، حسینعلی
- ۱۶۹۰ حسنابادی، قمر ستی
- ۱۶۹۰ حسنآبادی، آمنه
- ۱۶۹۰ حسنتاش، احمد
- ۱۶۹۰ حسن زاده، جعفر
- ۱۶۹۱ حسن زاده‌راد، عبدالرسول
- ۱۶۹۲ حسنی اردکانی، عبدالرسول

- ۱۶۹۳ حسنی آملی، علی
- ۱۶۹۴ حسنی برقی، عماد الدین
- ۱۶۹۵ حسنی خوئی، مهدی
- ۱۶۹۵ حسنی رازی، ابوتراب، صفی‌الدین مرتضی
- ۱۶۹۵ حسنی طباطبائی، عبدالمحمد
- ۱۶۹۶ حسنی کاظمی، احمد
- ۱۶۹۷ حسنی گلستانه، محمود
- ۱۶۹۷ حسنی، عطاء الله
- ۱۶۹۸ حسنی، علی اکبر
- ۱۶۹۹ حسنی، کریم
- ۱۷۰۰ حسنیه
- ۱۷۰۱ حسینی، کاظم
- ۱۷۰۲ حسین آبادی، محمد جواد
- ۱۷۰۲ حسین خان‌ناظر، عبدالله
- ۱۷۰۳ حسین زاده، علی محمد
- ۱۷۰۴ حسین زاده، محمد
- ۱۷۰۴ حسین زاده، محمدعلی
- ۱۷۰۵ حسین زاده، منصور
- ۱۷۰۶ حسین مقدم، یحیی
- ۱۷۰۶ حسین نژاد خاکی، یوسف
- ۱۷۰۷ حسینعلی پور، حمید
- ۱۷۰۸ حسینک نیشابوری، ابواحمد حسین
- ۱۷۰۸ حسینی ادیانی، مسلم
- ۱۷۰۹ حسینی ارسنجانی، محمدحسن

- ۱۷۰۹ حسینی اسحاق نیا، رضا
- ۱۷۱۰ حسینی اشکوری، احمد
- ۱۷۱۲ حسینی اشکوری، علی
- ۱۷۱۳ حسینی اصفهانی، غیاث‌الدین علی
- ۱۷۱۳ حسینی اصفهانی، محمد حسین
- ۱۷۱۴ حسینی اصفهانی، محمد علی
- ۱۷۱۴ حسینی بهشتی، محمدرضا
- ۱۷۱۷ حسینی تهرانی، محمدحسین
- ۱۷۱۷ حسینی حایری، عزالدین حسین
- ۱۷۱۸ حسینی خلخالی، ملا حسین
- ۱۷۱۸ حسینی درکه‌ای، عزیزالله
- ۱۷۱۸ حسینی رهقی، نصرالله
- ۱۷۲۱ حسینی زفره ای، محمدباقر
- ۱۷۲۱ حسینی زنجانی، حسن
- ۱۷۲۱ حسینی سیزواری، اسماعیل
- ۱۷۲۲ حسینی شاهرودی، محمد
- ۱۷۲۲ حسینی شهرستانی، عبدالرضا
- ۱۷۲۳ حسینی شیرازی
- ۱۷۲۴ حسینی شیرازی، اسماعیل
- ۱۷۲۴ حسینی شیرازی، صادق
- ۱۷۲۹ حسینی شیرازی، علی محمد
- ۱۷۲۹ حسینی صادقی بحرانی، ابوعلی ماجد
- ۱۷۲۹ حسینی طباطبایی، محمدتقی
- ۱۷۳۰ حسینی عربی، مهدی

- ۱۷۳۱ حسینی فر، رضا
- ۱۷۳۲ حسینی فسائی، کمال‌الدین
- ۱۷۳۲ حسینی فیروزآبادی، مرتضی
- ۱۷۳۲ حسینی قلعه بهمن، اکبر
- ۱۷۳۳ حسینی قمی، شرف‌الدین حسین
- ۱۷۳۳ حسینی کازرونی، احمد
- ۱۷۳۶ حسینی کاشانی، محمد
- ۱۷۳۷ حسینی کربلایی اصفهانی، عبدالله بن یحیی
- ۱۷۳۷ حسینی کوهساری، اسحاق
- ۱۷۳۸ حسینی مراغی، عبدالفتاح
- ۱۷۳۹ حسینی مرعشی، محمد خلیل
- ۱۷۳۹ حسینی منشی، سلیمان
- ۱۷۳۹ حسینی نایینی اصفهانی، بهاء‌الدین محمد
- ۱۷۴۰ حسینی نایینی، شمس‌الدین
- ۱۷۴۰ حسینی نجفی، محمد
- ۱۷۴۱ حسینی هاشمی شاهرودی، محمود
- ۱۷۴۲ حسینی، ابراهیم
- ۱۷۴۳ حسینی، ابوالقاسم
- ۱۷۴۵ حسینی، ابوالقاسم
- ۱۷۴۵ حسینی، اسماعیل
- ۱۷۴۶ حسینی، جواد
- ۱۷۴۷ حسینی، حسن
- ۱۷۴۹ حسینی، حسنی نقیب نیشابوری، ابوالمعالی، اسماعیل
- ۱۷۴۹ حسینی، خورشاه

- ۱۷۵۰ حسینی، صالح
- ۱۷۵۰ حسینی، عبدالهادی
- ۱۷۵۱ حسینی، علی
- ۱۷۵۲ حسینی، علی اکبر
- ۱۷۵۲ حسینی، فضل الله
- ۱۷۵۲ حسینی، محمد جواد
- ۱۷۵۳ حسینی، محمد رضا
- ۱۷۵۳ حسینی، محمدتقی
- ۱۷۵۴ حسینی، محمود
- ۱۷۵۶ حسینی، میرهادی
- ۱۷۵۶ حسینی، هاشم
- ۱۷۵۷ حسینی الهاشمی، قمر
- ۱۷۵۸ حسینیان، روح الله
- ۱۷۵۹ حشمت الاطباء، ابراهیم
- ۱۷۵۹ حفید تفتازانی، سیف‌الدین، احمد
- ۱۷۵۹ حفیظی محمدآبادی، عباس
- ۱۷۶۰ حفیظی، محمدعلی
- ۱۷۶۰ حفیظی، محمد مهدی
- ۱۷۶۱ حق شناس، عبدالکریم
- ۱۷۶۴ حقانی، حسین
- ۱۷۶۷ حقانی، غلامحسین
- ۱۷۶۸ حقایق نگار خورموجی، جعفر
- ۱۷۶۸ حق‌بین، مهوش
- ۱۷۶۸ حق‌شناس، ابراهیم

- ۱۷۶۹ حق شناس، ایرج
- ۱۷۶۹ حق شناس، عبدالکریم
- ۱۷۷۰ حق شناس، منصور
- ۱۷۷۱ حقی، ضیاءالله
- ۱۷۷۲ حقی، مهدی
- ۱۷۷۲ حقیقی، بهرام
- ۱۷۷۳ حکمت بوشهری، علی محمد
- ۱۷۷۴ حکمت نیا، محمود
- ۱۷۷۴ حکمت، حسین
- ۱۷۷۵ حکمت، علی اصغر
- ۱۷۷۸ حکمت، علیرضا
- ۱۷۷۸ حکمت، میرزا باقر
- ۱۷۷۹ حکمت، نصرالله
- ۱۷۸۰ حکمت‌نژاد، رضا
- ۱۷۸۱ حکمی قزوینی، ملاآقا
- ۱۷۸۱ حکمی، علی محمد
- ۱۷۸۲ حکیم
- ۱۷۸۲ حکیم الممالک، علینقی
- ۱۷۸۲ حکیم الهی لواسانی ثانی، شمس‌الدین
- ۱۷۸۳ حکیم الهی لواسانی، فضل‌الله
- ۱۷۸۳ حکیم الهی، علینقی
- ۱۷۸۳ حکیم باشی، حسن
- ۱۷۸۴ حکیم ترمذی، ابوعبدالله محمد
- ۱۷۸۵ حکیم خراسانی، محمد

- ۱۷۸۵ حکیم شاه قزوینی، محمد
- ۱۷۸۶ حکیم طباطبائی، یوسف
- ۱۷۸۸ حکیم طبسی، محبوب علی
- ۱۷۸۸ حکیم فانوس، استپان
- ۱۷۸۸ حکیم قبلی خوبی، محمد
- ۱۷۸۹ حکیم قمی، سعید
- ۱۷۸۹ حکیم قمیشه‌ای، نصرالله
- ۱۷۸۹ حکیم کازرونی، علی
- ۱۷۹۰ حکیم مشهدی، فیض علی
- ۱۷۹۰ حکیم مومن، محمد
- ۱۷۹۱ حکیم یزدی، علی اکبر
- ۱۷۹۱ حکیم، حسین
- ۱۷۹۱ حکیم، علی
- ۱۷۹۲ حکیم، محسن
- ۱۷۹۳ حکیم، منذر
- ۱۷۹۴ حکیم، منوچهر
- ۱۷۹۵ حکیمی - محمد رضا
- ۱۷۹۹ حکیمی فلاطوری، عبدالجواد
- ۱۸۰۰ حکیمی، محمود
- ۱۸۰۱ حکیمیان، علی محمد
- ۱۸۰۲ حلبی، علی اصغر
- ۱۸۰۳ حلبی، محمود
- ۱۸۰۳ حلمی بخاری، علی
- ۱۸۰۴ حلّی، ابوالقاسم، نجم الدین جعفر

- ۱۸۰۴ حلیمی، محمدحسین
- ۱۸۰۷ حمادراویه، ابوالقاسم
- ۱۸۰۷ حمامی، حسین
- ۱۸۰۸ حمدان
- ۱۸۰۸ حمدی، برهان‌الدین
- ۱۸۰۹ حمزه
- ۱۸۰۹ حمزه‌ی اصفهانی، ابوعبدالله
- ۱۸۱۰ حموی جوینی، ابواسحاق، صدرالدین ابراهیم
- ۱۸۱۰ حمیدالدین
- ۱۸۱۰ حمیدی بلخی، حمیدالدین عمر
- ۱۸۱۱ حمیدی، ابوالقاسم
- ۱۸۱۲ حمیدی، ابوعبدالله محمد
- ۱۸۱۲ حمیدی، جعفر
- ۱۸۱۳ حمیدیان، سعید
- ۱۸۱۳ حمیدیان، محمدرضا
- ۱۸۱۳ حورا
- ۱۸۱۳ حورستی
- ۱۸۱۴ حویزی اصفهانی، قوام‌الدین جعفر
- ۱۸۱۴ حویزی، خلف
- ۱۸۱۴ حویزی، عبد علی
- ۱۸۱۵ حویزی، عبدالعلی
- ۱۸۱۵ حویزی، فرج الله
- ۱۸۱۶ حویزی، کرم الله
- ۱۸۱۶ حیاتی

- ۱۸۱۷ حیوی، عبدالکریم
- ۱۸۱۷ حیدرپور، احمد
- ۱۸۱۸ حیدرزاد دلیل آبادی، حسن
- ۱۸۱۹ حیدری نیک، مجید
- ۱۸۲۰ حیدری نیک، مسعود
- ۱۸۲۱ حیدری، حبیب
- ۱۸۲۲ حیدری، عباس
- ۱۸۲۲ حیدری، عزیزالله
- ۱۸۲۳ حیدری، علی
- ۱۸۲۴ حیدری، علی محمد
- ۱۸۲۴ حیدری، محمدعلی
- ۱۸۲۵ حیرت بخارایی، محمد اسماعیل
- ۱۸۲۶ خاتمی اردکانی، روح‌الله
- ۱۸۲۶ خاتمی بروجردی، محمدرضا
- ۱۸۲۷ خاتمی، احمد
- ۱۸۲۹ خاتمی، محمود
- ۱۸۳۱ خاتون آبادی، ابوالفضل
- ۱۸۳۱ خاتون آبادی، عبدالحسین
- ۱۸۳۱ خاتون آبادی، محمد شریف
- ۱۸۳۲ خاتون آبادی، محمد صالح
- ۱۸۳۲ خاتون آبادی اصفهانی، محمدحسین
- ۱۸۳۲ خاتونی بجلی، ابوطاهر حسین
- ۱۸۳۳ خاجویی اصفهانی، اسماعیل
- ۱۸۳۴ خادم الذاکرین، اکبر

- ۱۸۳۴ خادم علیزاده، امیر
- ۱۸۳۵ خادم الشریعه دزفولی، محمدحسین
- ۱۸۳۶ خادمی حسینی، ابوالقاسم
- ۱۸۳۶ خادمی کوشا، محمدعلی
- ۱۸۳۷ خادمی، حسین
- ۱۸۳۸ خادمی، شمس‌الدین
- ۱۸۳۸ خادمی، عین‌الله
- ۱۸۳۹ خادمی، محمدرضا
- ۱۸۴۰ خادمیان، عباس
- ۱۸۴۱ خارزنجی نیشابوری، ابوحامد احمد
- ۱۸۴۱ خارزنجی نیشابوری، یوسف
- ۱۸۴۱ خازن اصفهانی، ابومحمد عبدالله
- ۱۸۴۱ خاقانی، سلمان
- ۱۸۴۳ خاکی شیرازی، حسن
- ۱۸۴۳ خاکی، محمدرضا
- ۱۸۴۴ خالدی نقشبندی، فاطمه
- ۱۸۴۴ خالصی، محمدباقر
- ۱۸۴۶ خالصی، محمدحسن
- ۱۸۴۷ خالصی، مهدی
- ۱۸۴۸ خالق پور، مجید
- ۱۸۴۹ خالقی، محمود
- ۱۸۴۹ خامنه‌ای، علی
- ۱۸۵۰ خان برومند، حیدر علی
- ۱۸۵۱ خان صنمی، شعبانعلی

- ۱۸۵۲ خانجانی، قاسم
- ۱۸۵۳ خانلربندیی
- ۱۸۵۳ خاور کردشتی، علی
- ۱۸۵۳ خاوری شیرازی، فضل‌الله
- ۱۸۵۴ خائفی، پرویز
- ۱۸۵۴ خائفی، عبدالله
- ۱۸۵۵ خجسته‌ی کاشانی، محمد
- ۱۸۵۶ خجندی اصفهانی، صاین‌الدین
- ۱۸۵۷ خجندی، ابوبکر، محمد
- ۱۸۵۷ خجندی، صدرالدین، عبداللطیف
- ۱۸۵۷ خدادادیان، اردشیر
- ۱۸۵۸ خدادوست، علی‌اکبر
- ۱۸۵۸ خدایی، محمدرضا
- ۱۸۵۹ خدیجه‌ی نیشابوری
- ۱۸۶۰ خدیوجم، حسین
- ۱۸۶۰ خدیوی، بهروز
- ۱۸۶۱ خرازی تهرانی، محسن
- ۱۸۶۲ خرازی، محسن
- ۱۸۶۴ خرازی، هادی
- ۱۸۶۵ خراسانی، ابوالفضل
- ۱۸۶۵ خراسانی، ابوغانم بشر
- ۱۸۶۶ خراسانی، حماد
- ۱۸۶۶ خراسانی، عبدالجواد
- ۱۸۶۶ خراسانی، عبدالکافی

- ۱۸۶۷ خراسانی، علی
- ۱۸۶۸ خراسانی، محمدباقر
- ۱۸۶۸ خراسانی، محمدرضا
- ۱۸۶۹ خراسانی، محمدهادی
- ۱۸۷۰ خراسانی، مرتضی
- ۱۸۷۰ خردپیر، خدیجه
- ۱۸۷۱ خردپیر، محمدحسن
- ۱۸۷۱ خرده فروش کاشانی، مقصود، مولانا مقصود
- ۱۸۷۱ خرسند، احمد
- ۱۸۷۲ خرسندی شیرازی، اسماعیل
- ۱۸۷۳ خرقی آرانی، حسن آقا
- ۱۸۷۳ خرم دل، مصطفی
- ۱۸۷۴ خرم قراچه‌داغی، خرم
- ۱۸۷۴ خرم‌دین، بابک
- ۱۸۸۱ خرمشاهی، بهاء‌الدین
- ۱۸۸۳ خرمشاهی، جواد
- ۱۸۸۳ خزاز قمی، علی بن محمد
- ۱۸۸۵ خزانه، محمود
- ۱۸۸۶ خزائلی، محمدعلی
- ۱۸۸۸ خزعلی، ابوالقاسم
- ۱۸۸۹ خزیمه، بهمنیار
- ۱۸۹۰ خسروان، محمد حسین
- ۱۸۹۲ خسروپناه، عبدالحسین
- ۱۸۹۳ خسروشاهی، حبیب

- ۱۸۹۴ خسروشاهی، مرتضی
- ۱۸۹۵ خشایبی، جواد
- ۱۸۹۵ خضری شیرازی، عبدالله
- ۱۸۹۵ خضری، عبدالعزیز
- ۱۸۹۶ خطابی، حسین
- ۱۸۹۶ خطاط، نسرین دخت
- ۱۸۹۸ خطی بحرانی، ابوالبحر جعفر
- ۱۸۹۹ خطیب اسکافی، ابو عبدالله محمد
- ۱۸۹۹ خطیب تبریزی، ابوزکریا یحیی
- ۱۹۰۰ خطیب رهبر، خلیل
- ۱۹۰۱ خطیب قزوینی، جلال الدین، ابوالمعالی
- ۱۹۰۱ خطیب کرمانشاهی، زکی، محمد زکی
- ۱۹۰۲ خطیبی، حسین
- ۱۹۰۳ خطیبی، حسین، محمدعلی
- ۱۹۰۴ خفری جهرمی شیرازی، شمس‌الدین محمد
- ۱۹۰۴ خلیج، علی
- ۱۹۰۵ خلخالی، صادق
- ۱۹۰۵ خلخالی، صالح
- ۱۹۰۵ خلخالی، عبدالرحیم
- ۱۹۰۶ خلخالی، محمد کاظم
- ۱۹۰۷ خلخالی، محمد مهدی
- ۱۹۰۸ خلخالی، محمدباقر
- ۱۹۰۹ خلعتبری، حسام الدین
- ۱۹۰۹ خلفه نیشابوری، احمد

- ۱۹۰۹ خلفی، مسلم
- ۱۹۱۰ خلوت، علی
- ۱۹۱۱ خلیفه سلطان، علاءالدین حسین
- ۱۹۱۱ خلیفه سلطانی، ابراهیم
- ۱۹۱۱ خلیفه شوشتری، نظر علی
- ۱۹۱۲ خلیفه نیشابوری، محمد
- ۱۹۱۲ خلیقی، حسن
- ۱۹۱۳ خلیقی، محمدرضا
- ۱۹۱۴ خلیلی یزدی، حسین
- ۱۹۱۵ خلیلی، عباس
- ۱۹۱۵ خلیلی، محسن
- ۱۹۱۵ خلیلی، محمدحسین
- ۱۹۱۶ خلیلی فر، حسین
- ۱۹۱۷ خماسی زاده، جعفر
- ۱۹۱۸ خمیجانی فراهانی، علی اکبر
- ۱۹۱۸ خمینی، روح‌الله
- ۱۹۲۱ خمینی، مصطفی
- ۱۹۲۳ خنجی، افضل‌الدین، ابوعبدالله محمد
- ۱۹۲۴ خواجوی، محمد
- ۱۹۲۴ خواجوی، ملا محمد اسماعیل
- ۱۹۲۵ خواجویان، محمدکاظم
- ۱۹۲۶ خواجویی، ابوالحسن
- ۱۹۲۶ خواجه بمی، محمدحسین
- ۱۹۲۷ خواجه کرم‌الدینی، مهرانگیز

- ۱۹۲۸ خوارزمی ادیبی، ابوسعید احمد
- ۱۹۲۸ خوارزمی، ابوبکر محمد
- ۱۹۲۹ خوارزمی، ابوعلی حسن
- ۱۹۲۹ خوارزمی، عبدالعلی
- ۱۹۲۹ خواص، امیر
- ۱۹۳۰ خوافی، فصیح الدین احمد
- ۱۹۳۲ خواند میر، غیاث‌الدین
- ۱۹۳۲ خواند میر، محمود
- ۱۹۳۳ خوانساری نجفی، موسی
- ۱۹۳۳ خوانساری، ابراهیم
- ۱۹۳۴ خوانساری، ابوتراب عبدالعلی
- ۱۹۳۴ خوانساری، جمال، جمال‌الدین محمد
- ۱۹۳۵ خوانساری، رضی‌الدین محمد
- ۱۹۳۵ خوانساری، عطاء الله
- ۱۹۳۵ خوانساری، محمد
- ۱۹۳۷ خوانساری، محمد تقی
- ۱۹۴۲ خوانساری، نعمت‌الله
- ۱۹۴۳ خوردی‌مور، مریم
- ۱۹۴۳ خورشید مریوانی
- ۱۹۴۴ خوزانی، محمد ابراهیم
- ۱۹۴۵ خوشایند، محمدحسین
- ۱۹۴۵ خوشحال، ابوالقاسم
- ۱۹۴۶ خوشنویس راد، ابراهیم
- ۱۹۴۶ خوشنویس، محمدجعفر

- ۱۹۴۷ خونساری، حسن
- ۱۹۴۸ خونساری، ضیاءالدین
- ۱۹۴۸ خونساری، محمد علی
- ۱۹۴۹ خونساری، محمدتقی
- ۱۹۵۳ خونساری، مصطفی
- ۱۹۵۳ خویی، ابراهیم
- ۱۹۵۴ خویی، ابوالقاسم
- ۱۹۵۶ خویی، ابو عبدالله، شهاب‌الدین محمد
- ۱۹۵۶ خویی، شمس‌الدین، ابوالعباس احمد
- ۱۹۵۷ خویی، مهدی
- ۱۹۵۷ خویینی قزوینی، احمد
- ۱۹۵۸ خویینی قزوینی، عبدالکریم
- ۱۹۵۸ خوئی زنجانی، اسحاق
- ۱۹۵۸ خوئی، ابوالقاسم
- ۱۹۵۹ خوئی، حسن
- ۱۹۶۰ خوئی، صادق
- ۱۹۶۰ خوئی، علی
- ۱۹۶۰ خوئی، علی اصغر
- ۱۹۶۲ خوئی، محمد شفیع
- ۱۹۶۲ خوئینی، عبدالکریم
- ۱۹۶۳ خیابانی سبحانی، محمدحسین
- ۱۹۶۳ خیارجی، محمد
- ۱۹۶۳ خیارجی، محمدحسن
- ۱۹۶۴ خیاط، اکبر

- ۱۹۶۴ خیام، ابوالفتح، عمر
- ۱۹۶۵ خیام‌پور، عبدالرسول
- ۱۹۶۶ خیراللهی، احمد
- ۱۹۶۷ خیرخواه علوی، علی
- ۱۹۶۸ خیرخواه، احمد
- ۱۹۶۹ خیری، یارعلی
- ۱۹۶۹ خیری، یوسف
- ۱۹۷۰ خیریه، عبدالله
- ۱۹۷۰ داداش زاده، محمدرضا
- ۱۹۷۱ داداش زاده، مصطفی
- ۱۹۷۱ دادبه، اصغر
- ۱۹۷۲ دادجو، یدالله
- ۱۹۷۳ دادمرزی، مهدی
- ۱۹۷۴ دارا بکلایی، اسماعیل
- ۱۹۷۵ دارابی، جعفر
- ۱۹۷۶ دارابی، عباس
- ۱۹۷۶ دارابی، علی اکبر
- ۱۹۷۶ دارابی، محمدصادق
- ۱۹۷۷ دارکی اصفهانی، ابوالقاسم عبدالعزیز
- ۱۹۷۷ دارکی اصفهانی، ابوجعفر
- ۱۹۷۷ دارکی اصفهانی، ابوعلی حسن
- ۱۹۷۸ دارمی سجستانی، ابوسعید عثمان
- ۱۹۷۸ دارمی سرخسی، ابوجعفر احمد
- ۱۹۷۸ دارمی سمرقندی، ابومحمد عبدالله

- ۱۹۷۹ دارمی، عبدالرحمان
- ۱۹۷۹ دارینی، محمد
- ۱۹۸۰ داریوش، هژیر
- ۱۹۸۱ داعی الاسلام، محمدعلی
- ۱۹۸۲ داعی دزفولی، عبدالله
- ۱۹۸۲ داعی علوی حسینی، ابوالخیر
- ۱۹۸۲ داعی نژاد، محمدعلی
- ۱۹۸۳ داعی پاریزی، محمدحسین
- ۱۹۸۴ داماد یزدی، محمد
- ۱۹۸۵ داماد، صالح
- ۱۹۸۵ داماد، محمد باقر
- ۱۹۸۵ دامغانی، ابوالقاسم
- ۱۹۸۶ دامغانی، ابوعبدالله محمد
- ۱۹۸۶ دامغانی، افتخارالدین، محمد
- ۱۹۸۷ دامغانی، رضا
- ۱۹۸۷ دامغانی، محمدرضا
- ۱۹۸۸ دامغانی، نعمت‌الله
- ۱۹۸۸ دامغانی‌زاده، محمدعلی
- ۱۹۸۹ دانا سرشت، اکبر
- ۱۹۹۰ دانش اصفهانی، حسین
- ۱۹۹۰ دانش آشتیانی، ابوالقاسم
- ۱۹۹۱ دانش پژوه، محمد تقی
- ۱۹۹۵ دانش پژوه، مصطفی
- ۱۹۹۶ دانش تبریزی، نجفعلی

- ۱۹۹۷ دانش تفرشی، تقی
- ۱۹۹۷ دانش شوشتری، حسنعلی
- ۱۹۹۷ دانش، سیاوش
- ۱۹۹۸ دانش، محمدکاظم
- ۱۹۹۸ دانش آشتیانی، غلامرضا
- ۱۹۹۹ دانشبد، خسرو
- ۱۹۹۹ دانش پژوه، محمدتقی
- ۲۰۰۱ دانشگر، منوچهر
- ۲۰۰۲ دانشگر، هوشنگ
- ۲۰۰۲ دانشمند ابیوردی، ابوالحسن علی
- ۲۰۰۲ دانشور علوی، نورالله
- ۲۰۰۳ دانشور فرهود، داریوش
- ۲۰۰۴ دانشور، سیمین
- ۲۰۰۴ دانشور، عباسعلی
- ۲۰۰۴ دانیالزاده، آبرد
- ۲۰۰۵ داودی بوشنجی، ابوالحسن عبدالرحمان بن محمد
- ۲۰۰۵ داودی لیمونی، سعید
- ۲۰۰۶ داودی، محمدرضا
- ۲۰۰۷ داور شیرازی، محمد
- ۲۰۰۸ داوری اردکانی، رضا
- ۲۰۱۰ داوری آشتیانی، حسین
- ۲۰۱۰ داوری شیرازی، محمد
- ۲۰۱۱ داوود پور، مرتضی
- ۲۰۱۲ داوودی تبار، محمدامین

- ۲۰۱۳ داوودی کهکی، محمدرضا
- ۲۰۱۴ داوودی، محمد
- ۲۰۱۵ داویدیان، هاراطون
- ۲۰۱۵ دبوسی، ابوالقاسم علی
- ۲۰۱۵ دبوسی، ابوزید عبدالله، عبیدالله
- ۲۰۱۶ دبیر الممالک، اسماعیل
- ۲۰۱۶ دبیر اشرافی، هرمز
- ۲۰۱۷ دبیر اشرافی، هرمز
- ۲۰۱۸ دبیران قزوینی، نجم‌الدین، ابوالحسن، ابوالمعالی علی
- ۲۰۱۸ دبیران، حکیمه
- ۲۰۱۹ دبیرمقدم، محمد
- ۲۰۲۰ دبیری‌نژاد، بدیع‌الله
- ۲۰۲۱ دختر صاحب بن عباد
- ۲۰۲۱ دخلی گیلانی
- ۲۰۲۲ درافشان، محمدحسین
- ۲۰۲۲ درایتی، محمدحسین
- ۲۰۲۳ درایتی، مصطفی
- ۲۰۲۴ درب امامی، بدیع
- ۲۰۲۵ درب امامی، فتح‌الله
- ۲۰۲۵ درب امامی، محمود
- ۲۰۲۵ دربندی
- ۲۰۲۶ دربندی بلخی، ابوالولید حسن
- ۲۰۲۶ درچه‌ای اصفهانی، محمدباقر
- ۲۰۲۷ درخشان، مهدی

- ۲۰۲۸ دردانه‌ی نیشابوریه
- ۲۰۲۹ درزی، علی
- ۲۰۲۹ درکوشکی، اسماعیل
- ۲۰۳۰ درکهای، عزیزالله
- ۲۰۳۱ درگری، صید علی
- ۲۰۳۱ دروازه‌ای تبریزی، ابراهیم
- ۲۰۳۲ درود آبادی همدانی، حسین
- ۲۰۳۲ درویش، شماع، علی
- ۲۰۳۳ دری، حسن
- ۲۰۳۳ دری، فرج الله
- ۲۰۳۴ دریاب، باقر
- ۲۰۳۵ دریایی، تورج
- ۲۰۳۷ دزفولی شوشتری، حسین
- ۲۰۳۸ دزفولی شوشتری، محمدطاهر
- ۲۰۳۸ دزفولی کاظمی، اسدالله
- ۲۰۳۹ دزفولی کاظمی، اسماعیل
- ۲۰۴۰ دزفولی کاظمی، حسن
- ۲۰۴۰ دزفولی کاظمی، محمدتقی
- ۲۰۴۰ دزفولی معزالدینی، محسن
- ۲۰۴۱ دزفولی موسوی، عبدالله
- ۲۰۴۱ دزفولی، ابراهیم
- ۲۰۴۱ دزفولی، بشیر
- ۲۰۴۲ دزفولی، بی‌بی خاتون
- ۲۰۴۲ دزفولی، محمد

- ۲۰۴۲ دزفولی، محمدحسن
- ۲۰۴۳ دزفولی، محمدرضا
- ۲۰۴۳ دزفولی، محمدطاهر
- ۲۰۴۴ دستجردی، عبدالکریم
- ۲۰۴۵ دستجردی، محمدرضا
- ۲۰۴۵ دستغیب شیرازی، ابوالحسن
- ۲۰۴۵ دستغیب شیرازی، عبدالحسین
- ۲۰۴۷ دستغیب شیرازی، محمدباقر
- ۲۰۴۷ دستغیب شیرازی، محمدرضا
- ۲۰۴۸ دستغیب شیرازی، هدایت‌الله
- ۲۰۴۸ دستغیب، ابوالمحمد
- ۲۰۴۸ دستغیب، عبدالعلی
- ۲۰۵۰ دستگردی، حسن وحید
- ۲۰۵۱ دستیاری، مجید
- ۲۰۵۱ دشت بیاضی کوهستانی، عبدالکریم محمد
- ۲۰۵۲ دشتکی شیرازی هروی، جمال‌الدین امیر عطاءالله
- ۲۰۵۲ دشتکی شیرازی، صدرالدین، ابوالمعالی محمد
- ۲۰۵۳ دشتکی شیرازی، غیاث‌الدین، منصور
- ۲۰۵۳ دشتکی شیرازی، نظام‌الدین احمد
- ۲۰۵۴ دشتی رحمت‌آبادی، غلامرضا
- ۲۰۵۴ دشتی فارسی، محمد
- ۲۰۵۵ دشتی، احمد
- ۲۰۵۵ دشتی، محمد
- ۲۰۵۶ دشتی، محمد

- ۲۰۵۷ دعویدار قمی، رکن‌الدین محمد
- ۲۰۵۸ دغولی سرخسی، ابوالعباس محمد
- ۲۰۵۸ دقاق اصفهانی، ابوعبدالله محمد
- ۲۰۵۸ دقاق نیشابوری، ابوعلی حسن
- ۲۰۵۹ دقاق، ابوالعباس احمد
- ۲۰۵۹ دقایقی مروزی، شمس‌الدین محمد
- ۲۰۵۹ دق‌ی دینوری دمشقی، ابوعمر، ابوبکر محمد
- ۲۰۶۰ دقایقی شاهرودی، مهدی
- ۲۰۶۱ دقایقی، ابوالقاسم علی
- ۲۰۶۱ دکتر، رضا
- ۲۰۶۱ دکنی انجدانی، شاه طاهر
- ۲۰۶۲ دلوی استوایی، ابوحامد احمد
- ۲۰۶۳ دلیر، بهرام
- ۲۰۶۴ دلیل‌التجاری، علی
- ۲۰۶۵ دماوندی، علی
- ۲۰۶۵ دماوندی، غلامرضا
- ۲۰۶۶ دماوندی، محمدباقر
- ۲۰۶۶ دواجی، فریدون
- ۲۰۶۷ دوانی، جلال‌الدین محمد
- ۲۰۶۸ دوائی شیرازی گیلانی، شمس‌الدین علی
- ۲۰۶۸ دوائی، منوچهر
- ۲۰۶۹ دوریستی رازی، ابوعبدالله جعفر
- ۲۰۷۰ دوریستی رازی، حسن
- ۲۰۷۰ دوریستی، نجم‌الدین، ابومحمد عبدالله

- ۲۰۷۰ دوز دوزانی تبریزی، محمود
- ۲۰۷۱ دوست گیلانی، عبدالسلام
- ۲۰۷۱ دوستی، محمود
- ۲۰۷۲ دولابی، ابوبشر محمد
- ۲۰۷۲ دولابی، ابوجعفر محمد
- ۲۰۷۳ دولت آبادی، ابوالقاسم
- ۲۰۷۳ دولت آبادی، محمود
- ۲۰۷۴ دولت آبادی، میرزا یحیی
- ۲۰۷۵ دولتشاهی، یحیی
- ۲۰۷۶ دویری نیشابوری، ابوعبدالله محمد
- ۲۰۷۶ دهاقانی، محمدباقر
- ۲۰۷۷ دهباشی، مهدی
- ۲۰۷۸ دهپور، احمدرضا
- ۲۰۷۸ دهخدا، علی اکبر
- ۲۰۸۱ دهخوارقانی، ضیاء العلوم، ابوالقاسم
- ۲۰۸۱ دهدار شیرازی، احمد فانی
- ۲۰۸۱ دهدشتی، جواد
- ۲۰۸۲ دهدشتی، جواد
- ۲۰۸۲ دهستانی مویدی، حسین
- ۲۰۸۲ دهسرخ اصفهانی
- ۲۰۸۳ دهش جزنی، سیمین دخت
- ۲۰۸۳ دهشت، مرتضی
- ۲۰۸۴ دهشیری، ضیاء الدین
- ۲۰۸۵ دهشیری، کمال الدین

- دهقان، اکبر ۲۰۸۶
- دهقان، غلامعباس ۲۰۸۶
- دهقان، محمدحسین ۲۰۸۷
- دهقانپور، علیرضا ۲۰۸۷
- دهقانی، علی محمد ۲۰۸۸
- دهقانی، محسن ۲۰۸۹
- دهکردی اصفهانی، ابوالقاسم ۲۰۸۹
- دهکردی، احمد ۲۰۹۰
- دهکردی، محمدباقر ۲۰۹۱
- دهگان، ابراهیم ۲۰۹۱
- دهلوی، شاه ولی الله ۲۰۹۲
- دیاری بیگدلی، محمدتقی ۲۰۹۴
- دیالمه، غلامحسین ۲۰۹۵
- دیانی، احمد ۲۰۹۵
- دیانی، محمدحسین ۲۰۹۷
- دیباچی مروزی، ابوالفتح محمد ۲۰۹۷
- دیباچی، ابراهیم ۲۰۹۸
- دیبازر، هدایت ۲۰۹۸
- دیدوزمی، محمد ۲۰۹۹
- دیرباز، عسکر ۲۰۹۹
- دیزجی زنجانی، فیاض ۲۱۰۰
- دیلمقانی موحد، صمد ۲۱۰۰
- دیلمی طبرستانی، سلار، سالار، ابویعلی حمزه عبدالعزیز ۲۱۰۱
- دیلمی طبری، کیکاووس ۲۱۰۱

- ۲۱۰۲ دیلمی همدانی، ابوشجاع شیرویه
- ۲۱۰۲ دیلمی همدانی، ابومسلم احمد
- ۲۱۰۳ دیلمی همدانی، ابومنصور شهردار
- ۲۱۰۳ دیلمی یمانی، محمد
- ۲۱۰۳ دیلمی، ابوالفتح ناصر
- ۲۱۰۴ دیلمی، ابوضحاک فیروز
- ۲۱۰۴ دیلمی، ابومحمد حسن
- ۲۱۰۴ دیلمی، حسن
- ۲۱۰۵ دیلمی، حسن بن الحسن
- ۲۱۰۵ دیلمی، شمس‌الدین، ابوثابت محمد
- ۲۱۰۶ دیلمی، کرزالدین، اسحاق
- ۲۱۰۶ دیمرتی اصفهانی، قاسم بن محمد
- ۲۱۰۶ دین پرور، حسین
- ۲۱۰۷ دین‌پرور دربندی، جعفر
- ۲۱۰۷ دینشاه ایرانی
- ۲۱۰۸ دینوری کرمانشاهی، ابوحفص عمر
- ۲۱۰۸ دینوری، ابوالفضل احمد
- ۲۱۰۸ دینوری، ابوالقاسم عبدالله
- ۲۱۰۹ دینوری، ابوالقاسم یوسف
- ۲۱۰۹ دینوری، ابوبکر احمد
- ۲۱۰۹ دینوری، ابوبکر مکی
- ۲۱۱۰ دینوری، ابوحنیفه احمد
- ۲۱۱۰ دینوری، ابوسعد، نصر
- ۲۱۱۰ دینوری، ابوعلی احمد

- ۲۱۱۱ دینوری، احمد
- ۲۱۱۱ دینوری، صادق
- ۲۱۱۲ دینوری، عبدالعلی
- ۲۱۱۲ دینوری، علاءالدین
- ۲۱۱۳ دینی، سعید
- ۲۱۱۳ دیوان بیگی شیرازی، احمد
- ۲۱۱۴ دیهیم، گیتی
- ۲۱۱۴ ذاکری، علی اکبر
- ۲۱۱۶ ذاکری، مهدی
- ۲۱۱۶ ذبیح زاده روشن، علی نقی
- ۲۱۱۸ ذره‌ی اصفهانی، عبدالله
- ۲۱۱۸ ذکاء الملک اصفهانی، محمدباقر
- ۲۱۱۹ ذوالفقاری، حسن
- ۲۱۲۳ ذوالفقاری، شهاب الدین
- ۲۱۲۴ ذوالفنون عراقی، حبیب‌الله
- ۲۱۲۵ ذوالقدر
- ۲۱۲۵ ذوالنون خیارجی قزوینی
- ۲۱۲۵ ذوقی بسطامی، فتح‌الله
- ۲۱۲۶ ذهبی خراسانی، ابوالقاسم
- ۲۱۲۶ ذهبی دزفولی، عین‌الدین حسین
- ۲۱۲۶ ذهبی شیرازی، علی
- ۲۱۲۷ ذهبی شیرازی، محمدرضا
- ۲۱۲۷ ذهلی نیشابوری، ابو عبدالله محمد
- ۲۱۲۸ رابعه‌ی اصفهانی

- ۲۱۲۸ راد، احمد
- ۲۱۲۹ راد، سعید
- ۲۱۳۰ راد، محمدعلی
- ۲۱۳۰ رادپور، منوچهر
- ۲۱۳۱ رادفر یزدی، حسن
- ۲۱۳۲ رادمنش، عزت‌الله
- ۲۱۳۲ رادمنش، محمد
- ۲۱۳۳ رادمهر، بیژن
- ۲۱۳۴ رادمهر، علی
- ۲۱۳۴ رادویانی، محمد
- ۲۱۳۴ راز شیرازی ذهبی، ابوالقاسم
- ۲۱۳۵ رازی ابوزرعه، احمد
- ۲۱۳۵ رازی ابوزرعه، عبیدالله
- ۲۱۳۶ رازی اصفهانی، محمدباقر
- ۲۱۳۶ رازی اصفهانی، محمدتقی
- ۲۱۳۷ رازی اصفهانی، محمدحسین
- ۲۱۳۷ رازی تهرانی، خلیل
- ۲۱۳۷ رازی تهرانی، عزالدین یوسف
- ۲۱۳۸ رازی دمشقی، تمام
- ۲۱۳۸ رازی رومی، عبداللطیف
- ۲۱۳۸ رازی صنعایی، ابوالعباس احمد
- ۲۱۳۹ رازی کردی، احمد
- ۲۱۳۹ رازی کوفی، ابوعلی عبدالرحیم
- ۲۱۳۹ رازی نهاوندی، ابواسحاق ابراهیم

- ۲۱۴۰ رازی نیشابوری، ابوبکر احمد
- ۲۱۴۰ رازی، ابوالحسن علی
- ۲۱۴۰ رازی، ابوالحسن محمد
- ۲۱۴۱ رازی، ابوالعباس احمد
- ۲۱۴۱ رازی، ابوالفتح جمال الدین حسین
- ۲۱۴۲ رازی، ابوالفتح سلیم
- ۲۱۴۲ رازی، ابوالقاسم عبدالله
- ۲۱۴۲ رازی، ابوجعفر محمد
- ۲۱۴۳ رازی، ابوحاتم محمد
- ۲۱۴۳ رازی، ابوسعید عبدالله
- ۲۱۴۴ رازی، ابوسهل موسی
- ۲۱۴۴ رازی، ابوعلی حسن
- ۲۱۴۴ رازی، ابوغانم
- ۲۱۴۵ رازی، ابومعین حسین
- ۲۱۴۵ رازی، ابویعقوب یوسف
- ۲۱۴۵ رازی، ابویعلی معلی
- ۲۱۴۶ رازی، احد
- ۲۱۴۶ رازی، بدرالدین، ابوالمحمد احمد
- ۲۱۴۶ رازی، تقی
- ۲۱۴۶ رازی، حیدر
- ۲۱۴۷ رازی، زین الدین، ابوعبدالله محمد
- ۲۱۴۷ رازی، سراج الدین عمر
- ۲۱۴۷ رازی، ضیاء الدین، ابوالقاسم عمر
- ۲۱۴۸ رازی، عبدالحسین

- ۲۱۴۸ رازی، عبدالله
- ۲۱۴۹ رازی، عمر
- ۲۱۴۹ رازی، مجدالدین اسماعیل
- ۲۱۴۹ رازی، محمد شریف
- ۲۱۵۰ راستگوی شیرازی، منصور
- ۲۱۵۰ راستی، حسین
- ۲۱۵۲ راشد، طاهره
- ۲۱۵۳ راشد، کاظم
- ۲۱۵۴ راشدی
- ۲۱۵۴ راشدی نیا، اکبر
- ۲۱۵۵ راشدی، محمدتقی
- ۲۱۵۵ راضیه
- ۲۱۵۶ راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین
- ۲۱۵۶ راغب قمی، عبدالله
- ۲۱۵۷ رافعی
- ۲۱۵۷ رافعی قزوینی، امام‌الدین، ابوالقاسم عبدالکریم
- ۲۱۵۸ راقم سمرقندی، شرف‌الدین
- ۲۱۵۸ رامشی نیشابوری، ابونصر محمد
- ۲۱۵۸ رامهرمزی، ابومحمد حسن
- ۲۱۵۹ رامیار، محمود
- ۲۱۶۰ رامیشنی، علی
- ۲۱۶۰ رانکوهی، عبدالرزاق
- ۲۱۶۰ راوندی کاشانی، ضیاء‌الدین، ابوالرضا فضل‌الله
- ۲۱۶۱ راوندی کاشانی، عزالدین، ابوالحسن علی

- ۲۱۶۱ راوندی، ابوالرضا، فضل الله
- ۲۱۶۱ راوندی، قطب‌الدین
- ۲۱۶۲ راوندی، مرتضی
- ۲۱۶۴ راوندی، نجم‌الدین ابوبکر
- ۲۱۶۶ راوندی، نجم‌الدین، ابوبکر محمد
- ۲۱۶۶ راویه دیلمی، ابوالقاسم حماد
- ۲۱۶۷ ربابه
- ۲۱۶۷ ربانی املشی، محمد مهدی
- ۲۱۶۸ ربانی خواه، هادی
- ۲۱۶۸ ربانی خوراسگانی، محمدصادق
- ۲۱۶۹ ربانی شیرازی، عبدالرحیم
- ۲۱۷۰ ربانی، جعفر
- ۲۱۷۱ ربانی، علی
- ۲۱۷۱ ربعی، علی
- ۲۱۷۲ ربن
- ۲۱۷۲ ربیع نیا، ابوطالب
- ۲۱۷۳ ربیعی، محمد
- ۲۱۷۳ ربیعی، یدالله
- ۲۱۷۴ رجایی پور، محمدحسین
- ۲۱۷۴ رجایی رامشه، محمدکاظم
- ۲۱۷۵ رجایی زفره‌یی، محمدعلی
- ۲۱۷۵ رجایی، محمدرضا
- ۲۱۷۷ رجایی، محمدعلی
- ۲۱۷۸ رجائی، اکبر

- ۲۱۷۸ رجب زاده، هاشم
- ۲۱۸۲ رجب نیا، مسعود
- ۲۱۸۲ رجبی، حسین
- ۲۱۸۳ رجبی، عباس
- ۲۱۸۴ رجبی، محمود
- ۲۱۸۶ رجبیان، رضا
- ۲۱۸۷ رجحان، محمدصادق
- ۲۱۸۸ رحمان ستایش، محمدکاظم
- ۲۱۸۹ رحماندوست، مصطفی
- ۲۱۹۰ رحمانی خلیلی، ابوالقاسم
- ۲۱۹۱ رحمانی فرد، حسین
- ۲۱۹۱ رحمانی، علی
- ۲۱۹۴ رحمانی، محمد
- ۲۱۹۵ رحمانی، نصرت الله
- ۲۱۹۷ رحمت شیرازی، عبدالله
- ۲۱۹۷ رحمت کازرونی
- ۲۱۹۸ رحمت، حمید
- ۲۱۹۸ رحمت‌علی
- ۲۱۹۸ رحمتی شهرضا، محمد
- ۲۱۹۹ رحمتی، محمد
- ۲۲۰۰ رحمتیان، حسین
- ۲۲۰۰ رحمدل، غلامرضا
- ۲۲۰۳ رحیم بهارلو، عبدالرحیم
- ۲۲۰۴ رحیم پور، مسعود

- ۲۲۰۵ رحیم زاد، ? صفوی
- ۲۲۰۵ رحیم لو، محمد
- ۲۲۰۵ رحیم، فرزانه
- ۲۲۰۶ رحیم‌لو، یوسف
- ۲۲۰۶ رحیمی ایمانی، محمد
- ۲۲۰۷ رحیمی وریشتی، محمود
- ۲۲۰۸ رحیمی، احمد
- ۲۲۰۹ رحیمی، عباس
- ۲۲۰۹ رحیمی، غلامرضا
- ۲۲۱۰ رحیمی، فرزانه
- ۲۲۱۰ رحیمی، منصور
- ۲۲۱۱ رحیمیان، حسین
- ۲۲۱۲ رحیمی‌پور، علی
- ۲۲۱۲ رخشان، محمد
- ۲۲۱۳ ردایی، حسین
- ۲۲۱۴ رزاقی آذر، مریم
- ۲۲۱۵ رزاقی، نصرالله
- ۲۲۱۶ رزمجو، حسن
- ۲۲۱۶ رزمجو، حسین
- ۲۲۱۷ رزمخواه، احمد
- ۲۲۱۸ رسا، قاسم
- ۲۲۱۸ رسایی، حمید
- ۲۲۱۹ رسائیان، نیر
- ۲۲۲۰ رستگار فر، عطاءالله

- ۲۲۲۱ رستگار، اصغر
- ۲۲۲۳ رستگار، یعسوب‌الدین
- ۲۲۲۴ رستگارفسائی، منصور
- ۲۲۲۵ رستم نژاد، غضنفر
- ۲۲۲۶ رستم‌داری، محمد
- ۲۲۲۶ رستمی، احمد
- ۲۲۲۷ رستمی، منصور
- ۲۲۲۸ رستمیان، محمدعلی
- ۲۲۲۸ رسولی محلاتی، حسین
- ۲۲۲۹ رسولی، حسن
- ۲۲۲۹ رسولی، منصور
- ۲۲۳۰ رشاد، علی اکبر
- ۲۲۳۲ رشتی اصفهانی، محمد علی
- ۲۲۳۲ رشتی حابری، علی
- ۲۲۳۲ رشتی گیلانی اصفهانی، ابوالقاسم
- ۲۲۳۳ رشتی نجفی کاظمی، حسین
- ۲۲۳۳ رشتی نجفی، شعبان
- ۲۲۳۴ رشتی، ابراهیم
- ۲۲۳۴ رشتی، ابوالحسن
- ۲۲۳۴ رشتی، اسحاق
- ۲۲۳۴ رشتی، اکبر
- ۲۲۳۵ رشتی، باقر
- ۲۲۳۵ رشتی، جعفر
- ۲۲۳۵ رشتی، جواد

- ۲۲۳۵ رشتی، حبیب الله
- ۲۲۳۶ رشتی، رضا
- ۲۲۳۶ رشتی، رمضانعلی
- ۲۲۳۶ رشتی، صادق
- ۲۲۳۶ رشتی، صالح
- ۲۲۳۷ رشتی، عباس
- ۲۲۳۷ رشتی، عبدالحسین
- ۲۲۳۸ رشتی، عبدالرسول
- ۲۲۳۸ رشتی، علی
- ۲۲۳۹ رشتی، علیرضا
- ۲۲۳۹ رشتی، عیسی
- ۲۲۳۹ رشتی، غلامحسن
- ۲۲۳۹ رشتی، کاظم
- ۲۲۴۰ رشتی، محمد
- ۲۲۴۰ رشتی، محمدباقر
- ۲۲۴۰ رشتی، محمدتقی
- ۲۲۴۱ رشتی، محمدحسین
- ۲۲۴۱ رشتی، محمدرضا
- ۲۲۴۱ رشتی، مهدی
- ۲۲۴۱ رشتی، میرزا حبیب الله
- ۲۲۴۷ رشید یاسمی، غلامرضا
- ۲۲۴۷ رشیدالدین، فضل الله
- ۲۲۴۹ رشیدی زاده، حسن
- ۲۲۴۹ رشیدی، علیقلی

- ۲۲۵۰ رضا، عنایت الله
- ۲۲۵۳ رضاپور، عبدالرحیم
- ۲۲۵۴ رضاخانی، علی
- ۲۲۵۴ رضازاده شفق، صادق
- ۲۲۵۶ رضازاده لنگرودی، رضا
- ۲۲۵۹ رضاعی، حسین
- ۲۲۶۰ رضاقلی نظری، محمدرضا
- ۲۲۶۰ رضائزاد، عزالدین
- ۲۲۶۱ رضانیا، حمید
- ۲۲۶۲ رضانیا، ذبیح الله
- ۲۲۶۳ رضایی آدریانی، محمد
- ۲۲۶۴ رضایی راد، محمدابراهیم
- ۲۲۶۵ رضایی کاشانی
- ۲۲۶۵ رضایی موسوی، جعفر
- ۲۲۶۵ رضایی، باسمه
- ۲۲۶۶ رضایی، حسن رضا
- ۲۲۶۷ رضایی، عباس
- ۲۲۶۸ رضایی، عبدالعلی
- ۲۲۶۸ رضایی، عبدالله
- ۲۲۶۹ رضایی، علی
- ۲۲۷۰ رضایی، مجید
- ۲۲۷۱ رضایی، محمدامین
- ۲۲۷۲ رضایی، محمدعلی
- ۲۲۷۲ رضایی، محمدمهدی

- ۲۲۷۳ رضائی، حمیدرضا
- ۲۲۷۴ رضائی، مسعود
- ۲۲۷۴ رضائیان، مصطفی
- ۲۲۷۵ رضائی‌پور کار دوست، ربابه
- ۲۲۷۶ رضوان، محمود
- ۲۲۷۶ رضوانی راد، حسین
- ۲۲۷۷ رضوانی کاخکی، هادی
- ۲۲۷۸ رضوانی، احمد
- ۲۲۷۸ رضوانی، محمد اسماعیل
- ۲۲۸۰ رضوانی، ناصر
- ۲۲۸۰ رضوی خوانساری، زین العابدین
- ۲۲۸۱ رضوی سمرقندی، ابو عبد الله محمد صالح
- ۲۲۸۱ رضوی قمی، ابراهیم
- ۲۲۸۲ رضوی قمی، زین العابدین
- ۲۲۸۲ رضوی قمی، صدرالدین محمد
- ۲۲۸۳ رضوی قمی، محمد باقر
- ۲۲۸۳ رضوی مشهدی، ابوالحسن
- ۲۲۸۳ رضوی نیشابوری، محمد حسن
- ۲۲۸۴ رضوی، تقی
- ۲۲۸۴ رضوی، رسول
- ۲۲۸۴ رضوی، سید حسین
- ۲۲۸۵ رضوی، علیرضا
- ۲۲۸۶ رضوی، قمی، حسن
- ۲۲۸۶ رضوی، محمد زمان

- ۲۲۸۶ رضوی، محمدحسین
- ۲۲۸۷ رضوی، محمدصادق
- ۲۲۸۷ رضوی، محمدمهدی
- ۲۲۸۸ رضوی، مرتضی
- ۲۲۸۹ رضی استرآبادی، محمد
- ۲۲۸۹ رفعت انصاری همدانی، عباس، محمدعباس
- ۲۲۹۰ رفعت نژاد، محمدنقی
- ۲۲۹۱ رفیع بخاری
- ۲۲۹۱ رفیع رشتی
- ۲۲۹۱ رفیع، رفیع
- ۲۲۹۲ رفیع، نورالدین
- ۲۲۹۳ رفیعا گیلانی، رفیع‌الدین محمد
- ۲۲۹۳ رفیعا نایینی، رفیع‌الدین
- ۲۲۹۳ رفیع‌زاده، بهمن
- ۲۲۹۴ رفیع‌زاده، محمود
- ۲۲۹۵ رفیعی تبریزی، اکبر
- ۲۲۹۵ رفیعی تهرانی، شهناز
- ۲۲۹۶ رفیعی تهرانی، مرتضی
- ۲۲۹۶ رفیعی قزوینی، ابوالحسن
- ۲۲۹۷ رفیعی محمدی، ناصر
- ۲۲۹۸ رفیعی، بهروز
- ۲۲۹۹ رفیعی، حمیدالله
- ۲۲۹۹ رفیعی، رمضانعلی
- ۲۳۰۱ رفیعی، عزیز

- ۲۳۰۱ رفیعی، علی
- ۲۳۰۳ رفیعی، قزوینی، ابوالحسن
- ۲۳۰۳ رفیعی، محسن
- ۲۳۰۴ رفیعی، محمدتقی
- ۲۳۰۴ رفیعی، محمدرضا
- ۲۳۰۴ رفیعی، محمدعلی
- ۲۳۰۶ رفیعی، محمود
- ۲۳۰۶ رفیعیان، کیوان
- ۲۳۰۷ رکعی، محمد
- ۲۳۰۷ رکن شیرازی، رکن‌الدین مسعود
- ۲۳۰۷ رکن، محسن
- ۲۳۰۸ رکن، محسن
- ۲۳۰۸ رکنی دزفولی، عبدالصالح
- ۲۳۰۹ رکنی یزدی، محمدمهدی
- ۲۳۱۰ رمضان زاده، فاطمه
- ۲۳۱۱ رمضان نرگسی، رضا
- ۲۳۱۲ رضانی، احمد
- ۲۳۱۳ رضانی، حسن
- ۲۳۱۴ رضانی، محمدرسول
- ۲۳۱۵ رنجبر عمرانی، غلامحسین
- ۲۳۱۶ رنجبر، احمد
- ۲۳۱۶ رنجبر، محسن
- ۲۳۱۷ رواقی، علی
- ۲۳۱۹ روانبخش، قاسم

- ۲۳۲۰ روح الایمان ارسنجانی، علی‌اکبر
- ۲۳۲۰ روح‌الامین، رسول
- ۲۳۲۰ روحانی تبریزی
- ۲۳۲۱ روحانی رهبر، محمود
- ۲۳۲۱ روحانی قمی، احمد
- ۲۳۲۱ روحانی قمی، صادق
- ۲۳۲۲ روحانی قمی، محمود
- ۲۳۲۲ روحانی نژاد، حسین
- ۲۳۲۳ روحانی، احمد
- ۲۳۲۴ روحانی، سید شمس‌الدین
- ۲۳۲۴ روحانی، صادق
- ۲۳۲۵ روحانی، علیرضا
- ۲۳۲۶ روحانی، فواد
- ۲۳۲۶ روحانی، محمد
- ۲۳۲۷ روحانی، محمدصادق
- ۲۳۲۸ روحانی، محمدهادی
- ۲۳۲۸ روحانی، محمود
- ۲۳۲۹ روحانی، مهدی
- ۲۳۲۹ روحی طیب بخارایی
- ۲۳۲۹ روحی کرمانی، احمد
- ۲۳۳۰ رودباری رانکوهی اشکوری، اسدالله
- ۲۳۳۰ رودباری، ابوعبدالله احمد
- ۲۳۳۱ رودباری، ابوعلی احمد
- ۲۳۳۱ رودباری، حسن

- ۲۳۳۲ رودباری، مهدی
- ۲۳۳۲ رودپیما، شهلا
- ۲۳۳۳ رودسرابی، محمدحسن
- ۲۳۳۴ روزبه، رضا
- ۲۳۳۴ روزبهانی، علیرضا
- ۲۳۳۵ روزی‌طلب، محمدحسین
- ۲۳۳۵ روستا خراسانی، بیژن
- ۲۳۳۶ روستایی، محسن
- ۲۳۳۷ روشن تن، اسماعیل
- ۲۳۳۸ روشن، عبدالکریم
- ۲۳۳۹ روشن، محمد
- ۲۳۴۲ روضاتی، جلال‌الدین
- ۲۳۴۲ روضاتی، محمد هاشم
- ۲۳۴۲ روضاتی، مسیح
- ۲۳۴۳ روغنی قزوینی، ام‌کلثوم
- ۲۳۴۳ روملو، حسن
- ۲۳۴۴ رویانی طبرستانی، علی
- ۲۳۴۴ رویانی طبری، فخرالاسلام، ابوالمحاسن عبدالواحد
- ۲۳۴۵ رویانی کجوری بخاری، جلال‌الدین، ابوالفتح نصرالله
- ۲۳۴۵ رویانی، ابوبکر محمد
- ۲۳۴۵ رویانی، ابونصر شریح
- ۲۳۴۵ رهبان اصفهانی، محمدعلی
- ۲۳۴۶ رهبانی‌نوبر، محمد
- ۲۳۴۶ رهبر اسلامی، علی

- ۲۳۴۷ رهبر، منوچهر
- ۲۳۴۷ رهبر، نصرالله
- ۲۳۴۸ رهبری، حسن
- ۲۳۴۹ رهنما، تورج
- ۲۳۵۰ رهنما، زین‌العابدین
- ۲۳۵۱ ری شهری، محمد
- ۲۳۵۲ ریاحی، محمد
- ۲۳۵۳ ریاض همدانی، جعفر
- ۲۳۵۴ ریاضی خوانساری، ابوالقاسم جعفر
- ۲۳۵۵ ریاضی هروی، نصرت‌الزمان
- ۲۳۵۵ ریاضی، محمود
- ۲۳۵۶ ریاضی‌فرزاد، محمدعلی
- ۲۳۵۶ ریحان یزدی، علیرضا
- ۲۳۵۷ ریحان یزدی، علیرضا حسینی
- ۲۳۵۸ ریحانی، ابوالحسن علی
- ۲۳۵۸ ریزی لنجانی، مرتضی
- ۲۳۵۹ ریزی، عبدالوهاب
- ۲۳۵۹ ریزی، مرتضی
- ۲۳۵۹ رئیس‌الاطباء همدانی، علی
- ۲۳۶۰ رئیس شیرازی، جلال‌الدین
- ۲۳۶۰ رئیس‌زاده، محمدحسین
- ۲۳۶۱ رئیس‌ی، احمد
- ۲۳۶۲ رئیس‌ی، محمود
- ۲۳۶۲ زابلی، رضا

- ۲۳۶۳ زارع، عزیزالله
- ۲۳۶۴ زارع، محمد
- ۲۳۶۵ زارعی، عباسعلی
- ۲۳۶۶ زاری مشهدی، محمدقاسم
- ۲۳۶۶ زاز سرخسی مروزی، ابوالفرج عبدالرحمان
- ۲۳۶۷ زاغولی مروزی، ابوعبدالله محمد
- ۲۳۶۷ زال پور، خسرو
- ۲۳۶۸ زالی، محمدحسن
- ۲۳۶۹ زاوه‌ای یزدی، مهدی
- ۲۳۷۰ زاهد علایی بخاری، ابوعبدالله، محمد
- ۲۳۷۰ زاهد قمی، علی
- ۲۳۷۱ زاهد گیلانی ثانی، ابراهیم
- ۲۳۷۱ زاهدی غزمینی خوارزمی، نجم‌الدین، ابوالرجاء مختار
- ۲۳۷۲ زاهدی گیلانی، ابوطالب
- ۲۳۷۲ زاهدی، ابوالفضل
- ۲۳۷۳ زاهری، میرزا احسان
- ۲۳۷۴ زحی جرجانی، ابوالحسن علی
- ۲۳۷۵ زبیده
- ۲۳۷۵ زبیده‌ی اصفهانی
- ۲۳۷۵ زجاجی چرندابی تبریزی
- ۲۳۷۶ زجاجی طبری، ابوعلی حسن
- ۲۳۷۶ زجاجی گرگانی، ابوالقاسم یوسف
- ۲۳۷۶ زجاجی مجرد، مجید
- ۲۳۷۷ زجاجی نهاوندی، عبدالرحمان

- ۲۳۷۷ زجاجی، عبدالرحمن
- ۲۳۷۸ زرآبادی، موسی
- ۲۳۷۹ زرتشت
- ۲۳۷۹ زرتشت بهرام پژدو
- ۲۳۸۰ زردشت
- ۲۳۸۰ زردی، ابوعمرو احمد
- ۲۳۸۱ زرگری نژاد، غلامحسین
- ۲۳۸۳ زرنندی، شمس‌الدین، جمال‌الدین محمد
- ۲۳۸۳ زروندی رحمانی، محمد
- ۲۳۸۴ زریاب خویی، عباس
- ۲۳۸۵ زریاب، ابوالحسن علی
- ۲۳۸۶ زرین کوب، حمید
- ۲۳۸۸ زرین کوب، عبدالحسین
- ۲۳۸۹ زرین کوب، حمید
- ۲۳۹۰ ززونی، شمس‌الدین محمد
- ۲۳۹۰ زعفرانی اصفهانی، ابوالعباس فضل
- ۲۳۹۱ زعفرانی اصفهانی، ابوسعید حسین
- ۲۳۹۱ زعیم، مرتضی
- ۲۳۹۲ زفراهی، ابوالقاسم
- ۲۳۹۲ زکویه مروزی، ابویحیی زکریا
- ۲۳۹۲ زکریای قزوینی، عمادالدین محمود
- ۲۳۹۳ زکی شیرازی، عبدالله
- ۲۳۹۳ زکی نیشابوری، ابو عبدالله محمد
- ۲۳۹۳ زکی، محمد موسی

- ۲۳۹۴ زلالی خوانساری، محمدحسن
- ۲۳۹۴ زمان، ساعد
- ۲۳۹۵ زمانی نژاد، علی اکبر
- ۲۳۹۶ زمانی نژاد، علی اکبر
- ۲۳۹۶ زمانی، رجبعلی
- ۲۳۹۷ زمانی، محمد هاشم
- ۲۳۹۸ زمانی، محمدحسن
- ۲۳۹۹ زمانی، محمود
- ۲۴۰۰ زمانی، مصطفی
- ۲۴۰۰ زمانیانپور، محمد
- ۲۴۰۱ زمجی، معین الدین
- ۲۴۰۳ زمخشری، ابوالقاسم محمود
- ۲۴۰۴ زمردیان، رضا
- ۲۴۰۵ زنجانی طبسی، محمدجواد
- ۲۴۰۵ زنجانی نجفی، احمد
- ۲۴۰۶ زنجانی، ابوالقاسم
- ۲۴۰۶ زنجانی، ابوالقاسم سعد
- ۲۴۰۶ زنجانی، ابوالمکارم
- ۲۴۰۶ زنجانی، ابوالمناقب محمود
- ۲۴۰۷ زنجانی، امین الدوله، ابوالقاسم محمد
- ۲۴۰۷ زنجانی، برات
- ۲۴۰۸ زنجانی، جواد
- ۲۴۰۸ زنجانی، حسین
- ۲۴۰۹ زنجانی، سبزه‌علی

- ۲۴۰۹ زنجانی، شمس‌الدین، ابو عبدالله محمد
- ۲۴۰۹ زنجانی، ظهیرالدین، ابوالثناء محمود
- ۲۴۱۰ زنجانی، عباسعلی
- ۲۴۱۰ زنجانی، عبدالعلی
- ۲۴۱۰ زنجانی، عبدالواسع
- ۲۴۱۱ زنجانی، عزالدین
- ۲۴۱۱ زنجانی، عزالدین، ابوالفضائل ابراهیم
- ۲۴۱۱ زنجانی، عزالدین، عبدالوهاب
- ۲۴۱۲ زنجانی، عزیزالدین
- ۲۴۱۲ زنجانی، علی نقی
- ۲۴۱۳ زنجانی، فتحعلی
- ۲۴۱۳ زنجانی، محسن
- ۲۴۱۳ زنجانی، محمدتقی
- ۲۴۱۴ زنجانی، محمدرضا
- ۲۴۱۴ زنجانی، نصر
- ۲۴۱۴ زنجیره فروش، علی
- ۲۴۱۴ زند کرمانی، محمدباقر
- ۲۴۱۶ زنده‌مقدم، احمد
- ۲۴۱۷ زنده‌روح کرمانی، رسول
- ۲۴۱۸ زندی، افضل الملک غلام حسین
- ۲۴۱۸ زندی، پروین
- ۲۴۱۹ زندیان، خدامراد
- ۲۴۲۰ زنگویی، علی
- ۲۴۲۱ زنوزی تبریزی، رضی

- ۲۴۲۱ زوزی تبریزی، محمدحسن
- ۲۴۲۲ زوزی، علی
- ۲۴۲۲ زواره‌ای اصفهانی، محمد
- ۲۴۲۲ زواره‌ای، ابوالحسن علی
- ۲۴۲۳ زوزنی، ابوالقاسم اسعد
- ۲۴۲۳ زوزنی، ابوجعفر محمد
- ۲۴۲۳ زوزنی، ابوحنیفه عبدالرحمان
- ۲۴۲۴ زوزنی، ابوسعید احمد
- ۲۴۲۴ زوزنی، ابو عبدالله حسین
- ۲۴۲۵ زوزنی، ابو عمرو محمد
- ۲۴۲۵ زوشکی، شمس‌الدین
- ۲۴۲۵ زهادت، عبدالمجید
- ۲۴۲۶ زهرائی حسنی، مهین
- ۲۴۲۷ زهری اصفهانی، ابومحمد عبدالله
- ۲۴۲۷ زیادی هروی، ابوالمحاسن اسعد
- ۲۴۲۷ زیارتی، احمد
- ۲۴۳۰ زیبایی نژاد، محمد رضا
- ۲۴۳۱ زیدری نسوی، شهاب‌الدین، نورالدین محمد
- ۲۴۳۱ زیدی، احتشام
- ۲۴۳۲ زیفر
- ۲۴۳۲ زین العابدینی مرندی، موسی
- ۲۴۳۳ زین العابدینی، هادی
- ۲۴۳۴ زین‌الدین امیره
- ۲۴۳۴ زین‌الدینی اراکی، عطاءالله

- ۲۴۳۵ زینی بخاری، ابوالفضل عبیدالله
- ۲۴۳۵ زینی، حسن
- ۲۴۳۵ زینی، فریده
- ۲۴۳۶ ژوزف، ادوارد
- ۲۴۳۷ ساجدی، ابوالفضل
- ۲۴۳۸ سادات فخر، محمد محسن
- ۲۴۳۸ سادات گوشه، جمال
- ۲۴۳۹ سادات ناصری، حسن
- ۲۴۴۰ ساروی، حسن
- ۲۴۴۰ ساروی، محمد
- ۲۴۴۰ ساروی، محمدحسین
- ۲۴۴۰ ساریخانی، عادل
- ۲۴۴۲ سازگار اردبیلی، طاهره
- ۲۴۴۲ ساعاتی، فاطمه
- ۲۴۴۲ ساعی فرد، محمد حسین
- ۲۴۴۳ ساعی، محمدعلی
- ۲۴۴۳ ساغری، محسن
- ۲۴۴۴ ساغری، هوشنگ
- ۲۴۴۴ ساکی، علی محمد
- ۲۴۴۵ سالاری فر، محمدرضا
- ۲۴۴۵ سالاری نژاد، مسعود
- ۲۴۴۶ سالاری، محمد
- ۲۴۴۷ سالاری، مظفر
- ۲۴۴۸ سالمی، رحیم

- ۲۴۴۹ سام میرزای صفوی، ابونصر
- ۲۴۴۹ سامت قزوینی، عبدالرحیم
- ۲۴۵۰ سامعی، حسین
- ۲۴۵۱ سامی شیرازی، علی
- ۲۴۵۲ سامی‌راد، حسین
- ۲۴۵۴ ساوجی، ابوالفضل مجدالدین محمد
- ۲۴۵۴ ساوجی، احمد
- ۲۴۵۵ ساوجی، صدرالدین
- ۲۴۵۵ ساوجی، فضل الله
- ۲۴۵۵ ساوجی، محمد
- ۲۴۵۶ ساوجی، محمدحسن
- ۲۴۵۶ ساوجی، نظام‌الدین، محمد
- ۲۴۵۶ ساوئی، محمدابراهیم
- ۲۴۵۷ سبحانی نیا، محمدتقی
- ۲۴۵۷ سبحانی نیا، محمدرضا
- ۲۴۵۸ سبحانی، جعفر
- ۲۴۵۹ سبحانی، جلال
- ۲۴۶۰ سبحانی، کریم
- ۲۴۶۰ سبحانی، محمد حسین
- ۲۴۶۱ سبذمونی بخاری، ابومحمد عبدالله
- ۲۴۶۱ سبزواری، حمید
- ۲۴۶۳ سبزواری، زین العابدین
- ۲۴۶۴ سبزواری، محمد ابراهیم
- ۲۴۶۴ سبزواری، محمدتقی

- ۲۴۶۴ سبزواری، محمدجواد
- ۲۴۶۵ سبزواری، هادی
- ۲۴۶۶ سبط الشیخ انصاری، محمدعلی
- ۲۴۶۷ سبط الشیخ دزفولی نجفی، احمد
- ۲۴۶۷ سبط الشیخ، موسی
- ۲۴۶۸ سپاسی آشتیانی، کاظم
- ۲۴۶۹ سپانلو، محمد علی
- ۲۴۷۰ سپنتا، ساسان
- ۲۴۷۲ سپهر کاشانی، محمدتقی
- ۲۴۷۳ سپهر، عباس قلی
- ۲۴۷۳ سپهر، محمدعلی
- ۲۴۷۵ سپهری، برزو
- ۲۴۷۵ سپهری، علی
- ۲۴۷۶ ستارزاده، عصمت
- ۲۴۷۶ ستاره، عادلہ
- ۲۴۷۷ ست‌القضاء
- ۲۴۷۷ ستکا
- ۲۴۷۸ ستوده نیا، محمدرضا
- ۲۴۷۸ ستوده، غلامرضا
- ۲۴۷۹ ستوده، محمدتقی
- ۲۴۸۰ ستوده، منوچهر
- ۲۴۸۲ ستی النساء
- ۲۴۸۳ ستیتہ
- ۲۴۸۳ ستیک نیشابوری

- ۲۴۸۳ سجادی جزى، ابراهيم
- ۲۴۸۴ سجادی جزى، جمال‌الدين
- ۲۴۸۴ سجادی جزى، سعيدالدين
- ۲۴۸۴ سجادی جزى، محمدحسين
- ۲۴۸۵ سجادی صدرالعلماء، محسن
- ۲۴۸۵ سجادی نژاد، محمد
- ۲۴۸۷ سجادی، احمد
- ۲۴۹۱ سجادی، جعفر
- ۲۴۹۸ سجادی، حميد
- ۲۴۹۸ سجادی، ضياءالدين
- ۲۴۹۹ سجادی، محمد
- ۲۵۰۱ سجادی، محمد
- ۲۵۰۲ سجادی، مرتضى
- ۲۵۰۲ سجادی، يحيى
- ۲۵۰۳ سجاسى زنجانى، حسين
- ۲۵۰۳ سجاوندی غزنوی، محمد
- ۲۵۰۴ سجاوندی، محمد
- ۲۵۰۴ سجزی بغدادی، ابومحمد دعلج
- ۲۵۰۵ سجزی طبیب، ابوالحسين طاهر
- ۲۵۰۵ سجستانی، ابوبکر عبدالله
- ۲۵۰۶ سجستانی، ابوحاتم سهل
- ۲۵۰۶ سجستانی، ابوداود سليمان
- ۲۵۰۷ سجستانی، ابوسليمان محمد
- ۲۵۰۸ سحاب، ابوالقاسم

- ۲۵۱۱ سحرخوان، محمد
- ۲۵۱۲ سخنور، جلال
- ۲۵۱۲ سدهی اصفهانی، علی
- ۲۵۱۳ سدید قمی
- ۲۵۱۳ سدیدالدین، ابومحمد
- ۲۵۱۳ سدیدالسلطنه‌ی کبابی، محمدعلی
- ۲۵۱۴ سدیفی، منوچهر
- ۲۵۱۵ سراب تنکابنی، محمد
- ۲۵۱۵ سرابی مجتهدی، عبدالله
- ۲۵۱۶ سراج ثقفی نیشابوری، ابوالعباس محمد
- ۲۵۱۶ سراج ثقفی نیشابوری، ابومحمد اسماعیل
- ۲۵۱۷ سراج، محمدابراهیم
- ۲۵۱۷ سراقی، علی
- ۲۵۱۸ سراوندی، یاسمینه
- ۲۵۱۸ سرابی، احمد
- ۲۵۱۸ سرائی، احمد
- ۲۵۱۹ سرآبادانی، غلامرضا
- ۲۵۲۰ سرباز بروجردی، اسماعیل
- ۲۵۲۱ سرباز زاده، احمد
- ۲۵۲۱ سرخسی ابوالعباس، احمد
- ۲۵۲۲ سرخسی، رضی‌الدین، ابوعبدالله
- ۲۵۲۲ سرخسی، شرف‌الدین یوسف
- ۲۵۲۳ سرخسی، شمس‌الائمه، ابوبکر محمد
- ۲۵۲۳ سرخه‌ای، احسان

- ۲۵۲۴ سرخه‌ای، زین‌العابدین
- ۲۵۲۵ سردار اسعد، علیقلی
- ۲۵۲۶ سردار کابلی کرمانشاهی، حیدرقلی
- ۲۵۲۷ سرداری نیا، صمد
- ۲۵۲۹ سرشار تهرانی، عبدالله
- ۲۵۳۰ سرکاراتی، بهمن
- ۲۵۳۱ سرلتی، ریحان‌الله
- ۲۵۳۱ سرور شیرازی، محمد
- ۲۵۳۲ سرور، مولائی، محمد
- ۲۵۳۲ سروری کاشانی، محمد قاسم
- ۲۵۳۲ سروش، محمد
- ۲۵۳۳ سعادت نیاکی، اسدالله
- ۲۵۳۴ سعادت، اسماعیل
- ۲۵۴۰ سعدالدوله
- ۲۵۴۲ سعدی قمی، ابو‌عبدالله حسین
- ۲۵۴۲ سعدی، ضیاء‌الدین
- ۲۵۴۳ سعید العلماء، محمد سعید
- ۲۵۴۳ سعید تهرانی، حسن
- ۲۵۴۵ سعید تهرانی، عبدالله
- ۲۵۴۶ سعید، ابراهیم
- ۲۵۴۷ سعید العلماء مازندرانی
- ۲۵۴۷ سعیدی روشن، محمدباقر
- ۲۵۴۸ سعیدی زاده، رسول
- ۲۵۴۹ سعیدی کازرونی، عبدالوهاب

- ۲۵۴۹ سعیدی مهر، محمد
- ۲۵۵۰ سعیدی، غلامرضا
- ۲۵۵۱ سعیدی، فرخ
- ۲۵۵۱ سعیدی، محمد
- ۲۵۵۲ سعیدی، نیره
- ۲۵۵۳ سعیدی‌نژاد، حسین
- ۲۵۵۳ سکاکی خوارزمی، سراج‌الدین، ابویعقوب یوسف
- ۲۵۵۴ سکری مروزی، ابوحمزه محمد
- ۲۵۵۴ سکندری، علی جان
- ۲۵۵۵ سلاجقه، پروین
- ۲۵۵۷ سلامی بیهقی نیشابوری، ابوعلی حسین احمد
- ۲۵۵۷ سلامی شیرازی، ابوتراب ولی
- ۲۵۵۸ سلجوقی، غیاث‌الدین ابوشجاع محمد
- ۲۵۵۸ سلطان‌الاطباء، ابوالحسن
- ۲۵۵۸ سلطان‌القراء تبریزی، محمود
- ۲۵۵۹ سلطان‌الواعظین شیرازی، محمد
- ۲۵۶۰ سلطان‌الحکما، ابوالقاسم
- ۲۵۶۱ سلطان‌العلماء بستکی، عبدالرحمن
- ۲۵۶۱ سلطان‌العلماء سلطان‌آبادی اراکی
- ۲۵۶۲ سلطان‌القراء
- ۲۵۶۲ سلطان‌القرایی، جعفر
- ۲۵۶۲ سلطان‌آبادی، ابوطالب
- ۲۵۶۳ سلطان‌آبادی، فتحعلی
- ۲۵۶۳ سلطان‌آبادی، محمد علی

- سلطان آبادی، محمدحسین ۲۵۶۳
- سلطان زاده پسیان، حسینعلی ۲۵۶۴
- سلطان زاده، اکبر ۲۵۶۴
- سلطان زاده، محمدحسین ۲۵۶۴
- سلطانعلی ۲۵۶۵
- سلطانی بسطامی ۲۵۶۶
- سلطانی رنانی، مهدی ۲۵۶۷
- سلطانی طباطبایی، محمدباقر ۲۵۶۸
- سلطانی، مسعود ۲۵۷۰
- سلطانی، مصطفی ۲۵۷۰
- سلطانی‌های، علی ۲۵۷۱
- سلغر شاه سلگری ۲۵۷۱
- سلفه اصفهانی، احمد ۲۵۷۲
- سلفی اصفهانی، صدرالدین، ابوطاهر احمد ۲۵۷۲
- سلم آبادی، رضا ۲۵۷۲
- سلماسی، ابوالفتح مسعود ۲۵۷۳
- سلماسی، باقر ۲۵۷۳
- سلمان فارسی، ابو عبدالله ۲۵۷۴
- سلمانی امیری، جواد ۲۵۷۵
- سلمانی آرائی، حبیب الله ۲۵۷۶
- سلمانی کیاسری، محمد ۲۵۷۶
- سلمویه مروزی، ابوصالح سلیمان ۲۵۷۷
- سلمی نیشابوری، ابو عبدالرحمان ۲۵۷۷
- سلمی، عباس ۲۵۷۸

- ۲۵۷۹ سلیم زاده، خیرالله
- ۲۵۷۹ سلیم، عبدالامیر
- ۲۵۷۹ سلیمان اف، معصوم
- ۲۵۸۰ سلیمانی الموتی، هادی
- ۲۵۸۰ سلیمانی، حسین
- ۲۵۸۱ سلیمانی، عبدالرحیم
- ۲۵۸۲ سلیمی خلیق، حمید
- ۲۵۸۳ سلیمی، عبدالحکیم
- ۲۵۸۴ سماحی حایری، عبدالطیف
- ۲۵۸۴ سماعی، هادی
- ۲۵۸۴ سمرقندی شمس‌الدین، محمد
- ۲۵۸۵ سمرقندی عبدالرزاق، کمال الدین
- ۲۵۸۶ سمرقندی، ابواللیث نصر
- ۲۵۸۶ سمرقندی، ابومنصور
- ۲۵۸۶ سمرقندی، کمال
- ۲۵۸۷ سمرقندی، ناصرالدین، ابوالقاسم محمد
- ۲۵۸۷ سمرقندی، نجم‌الدین
- ۲۵۸۷ سمرقندی، نجیب‌الدین، ابوحامد محمد
- ۲۵۸۸ سمسار، محمداحمد
- ۲۵۸۸ سمعانی مروزی، ابوالمظفر عبدالرحیم
- ۲۵۸۹ سمعانی مروزی، ابوالمظفر منصور
- ۲۵۹۰ سمعانی مروزی، تاج الاسلام، ابوبکر محمد بن منصور
- ۲۵۹۰ سمعانی مروزی، قوام‌الدین
- ۲۵۹۱ سمنانی، ابوالحسین عبدالله

- ۲۵۹۱ سمنائی، ابوجعفر محمد
- ۲۵۹۱ سمندریان، حمید
- ۲۵۹۳ سموریان، صادق
- ۲۵۹۳ سمویه اصفهانی، ابوبشر اسماعیل
- ۲۵۹۴ سمیعی، احمد
- ۲۵۹۶ سمیعی، جمشید
- ۲۵۹۷ سمیعی، غلامرضا
- ۲۵۹۷ سمیعی، مجید
- ۲۵۹۹ سناجیان، حسن
- ۲۵۹۹ سنجاری، محمد
- ۲۶۰۰ سنجی، ابوداود سلیمان
- ۲۶۰۰ سند، محمد
- ۲۶۰۱ سندگل، حسین
- ۲۶۰۲ سنگلجی، محمد
- ۲۶۰۲ سوراآبادی، ابوبکر عتیق
- ۲۶۰۳ سوزنگر، محمد
- ۲۶۰۴ سوسی، احمد
- ۲۶۰۴ سهراب، حسین
- ۲۶۰۴ سهراب، هدایت‌الله
- ۲۶۰۵ سهراب‌پور، حمید
- ۲۶۰۵ سهرابی حقدوست، ایرج
- ۲۶۰۵ سهرابی شیرازی، فریدون
- ۲۶۰۶ سهروردی، ابوالحسن علی
- ۲۶۰۶ سهروردی، ابوالفتوح یحیی

- ۲۶۰۸ سهروردی، شهاب‌الدین، ابو حفص عمر
- ۲۶۰۹ سهروردی، ضیاء‌الدین، ابوالنجیب عبدالقاهر
- ۲۶۱۰ سهل تستری، ابومحمد
- ۲۶۱۰ سهل کوسج
- ۲۶۱۱ سهمی قرشی جرجانی، ابوالقاسم حمزه
- ۲۶۱۱ سهیلی اصفهانی، ابوالقاسم
- ۲۶۱۲ سهیلی خوارزمی، ابوالحسن احمد
- ۲۶۱۲ سیاح سپانلو، هادی
- ۲۶۱۳ سیاح، محسن
- ۲۶۱۳ سیادت، حسن
- ۲۶۱۴ سیار، غلامعلی
- ۲۶۱۵ سیار، نصرالله
- ۲۶۱۶ سیاری اصفهانی، ابو عبدالله احمد
- ۲۶۱۶ سیاری، ابوالحسین احمد
- ۲۶۱۶ سیاری، ابوالعباس قاسم
- ۲۶۱۷ سیاسی، علی اکبر
- ۲۶۲۰ سیاسی، فریدون
- ۲۶۲۰ سیاقی فارسی، نظام‌الدین علی
- ۲۶۲۰ سیاوش، علی اکبر
- ۲۶۲۰ سیاهپوش، سید جواد، محمد جواد
- ۲۶۲۱ سیبویه اصفهانی، ابونصر محمد
- ۲۶۲۱ سیبویه ثانی، برهان‌الدین ابراهیم
- ۲۶۲۱ سیبویه، ابوبشر، ابوالحسن عمرو
- ۲۶۲۲ سید اخوان چزندابی، مهدی

- ۲۶۲۳ سید العراقین (عبدالحسین)
- ۲۶۲۳ سید امامی، احمد
- ۲۶۲۴ سید انزابی‌نژاد، رضا
- ۲۶۲۴ سید کریمی، عباس
- ۲۶۲۵ سید مجاهد، محمد
- ۲۶۲۵ سید موسوی، سیدابراهیم
- ۲۶۲۶ سید هاشمی، محمد
- ۲۶۲۷ سیدالحکمای تبریزی، شرف‌الدین، علی
- ۲۶۲۷ سیدحسین‌زاده اردبیلی، منصور
- ۲۶۲۷ سیدحسینی، رضا
- ۲۶۲۹ سیدعلوی، میرابراهیم
- ۲۶۳۰ سیدفرشی، جلال‌الدین
- ۲۶۳۱ سیدی ساروی، حسین
- ۲۶۳۲ سیدی نیا، اکبر
- ۲۶۳۳ سیدی، فخرالدین
- ۲۶۳۳ سیدین، مجتبی
- ۲۶۳۴ سیدیونسی، ودود
- ۲۶۳۴ سیرافی، ابوسعید حسن
- ۲۶۳۵ سیرافی، ابومحمد یوسف
- ۲۶۳۵ سیستانی، علی
- ۲۶۴۲ سیستانی، محمد
- ۲۶۴۲ سیفائی، عبدالغفار
- ۲۶۴۲ سیفی فمی تفرشی، مرتضی
- ۲۶۴۳ سیفی، حسین

- ۲۶۴۳ سیفی، علی اکبر
- ۲۶۴۴ سیمای کاشانی، محمدرضا
- ۲۶۴۵ سیم‌فروش، ناصر
- ۲۶۴۶ شاپور، پرویز
- ۲۶۴۸ شادان، فرخ
- ۲۶۴۸ شادچهر، علی
- ۲۶۴۸ شادمان، زهرا
- ۲۶۴۹ شاشی، ابوبکر محمد
- ۲۶۵۰ شاکری، روح الله
- ۲۶۵۱ شاکرین، حمیدرضا
- ۲۶۵۱ شالباف، شوقی
- ۲۶۵۲ شاملو فرهمند، سعید
- ۲۶۵۳ شاملو، ایرج
- ۲۶۵۳ شاملی، عباسعلی
- ۲۶۵۵ شانظری، جعفر
- ۲۶۵۶ شانه‌ساز شیرازی، احمد
- ۲۶۵۶ شاه آبادی، محمد علی
- ۲۶۵۶ شاه بهاء‌الدوله رازی، حسن
- ۲۶۵۷ شاه بیک، حسین
- ۲۶۵۸ شاه رکنی، احمد
- ۲۶۵۸ شاه عبدالعظیمی اصفهانی، محمد طاهر
- ۲۶۵۹ شاه عبدالعظیمی، حسن
- ۲۶۵۹ شاه عبدالعظیمی، محمدرضا
- ۲۶۵۹ شاه عبدالعظیمی، محمدعلی

- شاه‌آبادی، محمد ۲۶۶۱
- شاه‌آبادی، محمدعلی ۲۶۶۱
- شاهچراغ، احمد ۲۶۶۳
- شاهچراغ، سعید ۲۶۶۳
- شاهچراغی، سید محمدحسین ۲۶۶۳
- شاهچراغی، غلامحسین ۲۶۶۴
- شاهرودی ۲۶۶۴
- شاهرودی، احمد ۲۶۶۵
- شاهرودی، جعفر ۲۶۶۶
- شاهرودی، عباس ۲۶۶۷
- شاهرودی، محمدعلی ۲۶۶۷
- شاهرودی، محمود ۲۶۶۸
- شاهرودی، یوسف ۲۶۷۰
- شاهزیدی، غلامحسین ۲۶۷۱
- شاهگلی، شاهپور ۲۶۷۱
- شاهمرادی، احمد ۲۶۷۲
- شاهین، داریوش ۲۶۷۲
- شاهین‌فر، احمد ۲۶۷۳
- شایان، عباس ۲۶۷۴
- شایعی، حسین ۲۶۷۴
- شایگان، علی ۲۶۷۵
- شب زنده دار، مهدی ۲۶۷۷
- شبانکاره ای، محمد ۲۶۷۸
- شبستری، شیخ محمود ۲۶۷۸

- ۲۶۷۹ شبستری، کاظم
- ۲۶۸۰ شبستری، نصرالله
- ۲۶۸۰ شبلی خراسانی، ابوبکر دلف
- ۲۶۸۱ شبیری زنجانی، احمد
- ۲۶۸۱ شبیری، موسی
- ۲۶۸۲ شجاعی دماوندی، سیف‌الملوک
- ۲۶۸۳ شجاعی، احمد
- ۲۶۸۳ شجره اصفهانی، حسین
- ۲۶۸۴ شرایبانی، محمد
- ۲۶۸۵ شریبانلو، جلیل
- ۲۶۸۵ شرر خراسانی
- ۲۶۸۵ شرر شیرازی، محمدهادی
- ۲۶۸۶ شرعی، محمدعلی
- ۲۶۹۲ شرف الدین، حسین
- ۲۶۹۲ شرف جهان قزوینی، شرف‌الدین
- ۲۶۹۳ شرف شفروه اصفهانی، شرف‌الدین عبدالمومن، محمد
- ۲۶۹۳ شرف یزدی، شرف‌الدین علی
- ۲۶۹۴ شرف‌الاسلام شیرازی، ابوالقاسم عبدالوهاب
- ۲۶۹۴ شرف‌الدین، علی
- ۲۶۹۵ شرف‌الدین، محمدمهدی
- ۲۶۹۵ شرفی، حسین
- ۲۶۹۶ شرکت، مهدی
- ۲۶۹۷ شروانی دلشاد، محمود
- ۲۶۹۷ شروانی، عبداللطیف

- ۲۶۹۷ شریعت اصفهانی، فتح‌الله
- ۲۶۹۷ شریعت اصفهانی، فتح‌الله
- ۲۶۹۸ شریعت تربقان، شمس
- ۲۶۹۹ شریعت سنگلجی، محمدحسن
- ۲۶۹۹ شریعت، محمد
- ۲۷۰۰ شریعت، محمدجواد
- ۲۷۰۱ شریعت پناهی، محمد
- ۲۷۰۲ شریعتمدار استرآبادی تهرانی، محمدحسن
- ۲۷۰۲ شریعتمدار دامغانی، رضا، محمدرضا
- ۲۷۰۳ شریعتمدار رفیع، ابوالحسن
- ۲۷۰۳ شریعتمدار، اسماعیل
- ۲۷۰۳ شریعتمدار، عبدالوهاب
- ۲۷۰۴ شریعتمدار، علی
- ۲۷۰۴ شریعتمدار، محمدحسین
- ۲۷۰۵ شریعتمدار، محمدرضا
- ۲۷۰۶ شریعتمداری تبریزی، کاظم
- ۲۷۰۷ شریعتمداری جهرمی، عبدالرسول
- ۲۷۰۷ شریعتمداری طالقانی، تقی
- ۲۷۰۸ شریعتمداری، حمیدرضا
- ۲۷۰۹ شریعتمداری، علی
- ۲۷۱۰ شریعتمداری، کاظم
- ۲۷۱۱ شریعتمداری، محمدصادق
- ۲۷۱۱ شریعتمداری، نور الدین
- ۲۷۱۳ شریعتی دلوثی، داوود

- ۲۷۱۳ شریعتی مزینانی، محمدتقی
- ۲۷۱۶ شریعتی نیا، محمدباقر
- ۲۷۱۶ شریعتی، حسن
- ۲۷۲۰ شریعتی، روح الله
- ۲۷۲۱ شریعتی، علی
- ۲۷۲۹ شریعتی، منوچهر
- ۲۷۳۰ شریف الاسلام، اسماعیل
- ۲۷۳۰ شریف تبریزی، اسماعیل
- ۲۷۳۰ شریف زاده نجفی، محمدجواد
- ۲۷۳۴ شریف‌العلماء مازندرانی، ملا محمد
- ۲۷۳۴ شریف‌زاده گلپایگانی، هوشنگ
- ۲۷۳۵ شریفه
- ۲۷۳۵ شریفی اشکوری، محمد
- ۲۷۳۶ شریفی اقدم، محمود
- ۲۷۳۷ شریفی تکیه، جلال‌الدین
- ۲۷۳۷ شریفی حسینی، ابوالفتح
- ۲۷۳۸ شریفی شیرازی، مرتضی
- ۲۷۳۸ شریفی کرمانی، ابراهیم
- ۲۷۳۸ شریفی میلانی، غلامرضا
- ۲۷۳۹ شریفی، ایرج
- ۲۷۳۹ شریفیان، حسینعلی
- ۲۷۳۹ شریفیان، عبدالحسین
- ۲۷۴۱ شعار، جعفر
- ۲۷۴۲ شعار، یوسف

- ۲۷۴۲ شعاع‌الملک شیرازی، محمدحسین
- ۲۷۴۳ شعبانی صمغ‌آبادی، رضا
- ۲۷۴۳ شعرانی تهرانی، ابوالحسن
- ۲۷۴۶ شعری اصفهانی، طاهر
- ۲۷۴۶ شعله اصفهانی، محمد
- ۲۷۴۶ شعله‌ور، منصور
- ۲۷۴۷ شفا، شجاع‌الدین
- ۲۷۴۷ شفا، فرج‌الله
- ۲۷۴۷ شفایی اصفهانی، شرف‌الدین، حسن
- ۲۷۴۸ شفایی اصفهانی، مظفر
- ۲۷۴۸ شفایی، احمد
- ۲۷۴۹ شفتی، محمدباقر
- ۲۷۵۱ شفتی، مهدی
- ۲۷۵۲ شفقت، محمدعلی
- ۲۷۵۲ شفیع بوشهری، محمد
- ۲۷۵۳ شفیع شیرازی، محمد
- ۲۷۵۳ شفیعاً ابرو، محمد شفیع
- ۲۷۵۴ شفیع‌زاده، محمد
- ۲۷۵۴ شفیع‌خویی، سعید
- ۲۷۵۴ شفیع‌دارابی، حسین
- ۲۷۵۶ شفیع‌سروستانی، ابراهیم
- ۲۷۵۶ شفیع‌کدکنی، محمدرضا
- ۲۷۵۸ شفیع‌همدانی، علی اصغر
- ۲۷۵۹ شفیع‌حسین، حسین

- ۲۷۵۹ شفیعی، عباس
- ۲۷۶۰ شفیعی، عباس
- ۲۷۶۱ شفیعی، علی
- ۲۷۶۲ شفیعی، فروغ
- ۲۷۶۳ شفیعی، محمود
- ۲۷۶۳ شفیعیان راد، حسن
- ۲۷۶۴ شقانی حسنوی ابوالعباس، احمد
- ۲۷۶۴ شقایق اصفهانی، محمدعلی
- ۲۷۶۴ شقیق بلخی، ابوعلی
- ۲۷۶۵ شکراللهی، نادر
- ۲۷۶۵ شکرانی، رضا
- ۲۷۶۶ شکری، یدالله
- ۲۷۶۷ شکورزاده بلوری، ابراهیم
- ۲۷۶۸ شکوهی نژاد، محسن
- ۲۷۶۸ شکیباپور، عنایت‌الله
- ۲۷۶۹ شکیبی گیلانی
- ۲۷۶۹ شلیله همدانی، ابوالحسن عبدالهادی
- ۲۷۷۰ شماع، محمود
- ۲۷۷۰ شمس اصفهانی، شمس‌الدین محمد
- ۲۷۷۰ شمس الادبا، محمدرضا
- ۲۷۷۱ شمس الحکماء، علی خان
- ۲۷۷۱ شمس‌الدین، محمدحسن
- ۲۷۷۲ شمس‌الدین، مهدی
- ۲۷۷۲ شمس‌القراء، عبدالغفور

- ۲۷۷۲ شمس المشرق خوارزمی، ابوالقاسم محمود
- ۲۷۷۳ شمس المعالی، علی
- ۲۷۷۳ شمس دواچی، شیدا
- ۲۷۷۴ شمس کاشانی، شمس‌الدین
- ۲۷۷۴ شمس منشی نخجوانی، شمس‌الدین محمد
- ۲۷۷۴ شمس ناتری، محمدابراهیم
- ۲۷۷۵ شمس، رضا
- ۲۷۷۶ شمس، سعید
- ۲۷۷۶ شمس، محمد قلی
- ۲۷۷۷ شمس، هرمز
- ۲۷۷۸ شمسا، علی
- ۲۷۷۸ شمسا، فاضل
- ۲۷۷۹ شمس‌الافاضل ترشیزی، یوسف
- ۲۷۷۹ شمس‌العلماء، محمد حسین
- ۲۷۸۰ شمس‌آبادی، ابوالحسن
- ۲۷۸۱ شمسی شهرآبادی، محمود
- ۲۷۸۲ شمسی قارند، قدیرعلی
- ۲۷۸۲ شمیس، سیروس
- ۲۷۸۴ شمیم شیرازی، محمدعلی
- ۲۷۸۴ شمیمی، کورش
- ۲۷۸۴ شوشتری جزایری، محمدرضا
- ۲۷۸۵ شوشتری، باقر
- ۲۷۸۵ شوشتری، حسین
- ۲۷۸۵ شوشتری، شفیع

- ۲۷۸۶ شوشتری، عبدالحسین
- ۲۷۸۶ شوشتری، عبدالقائم
- ۲۷۸۷ شوشتری، غلام حسین
- ۲۷۸۷ شوشتری، محمدتقی
- ۲۷۸۸ شوشتری، نورالله
- ۲۷۹۰ شوشتریان، مهدی
- ۲۷۹۱ شوقی، عباس
- ۲۷۹۱ شوکت شیرازی، شمس‌الدین حسن
- ۲۷۹۱ شوندی در جزینی همدانی، حسینقلی
- ۲۷۹۲ شه ناصر، نصرالله
- ۲۷۹۲ شهاب منشی، شهاب‌الدین محمد، علی
- ۲۷۹۲ شهاب، محمدهادی
- ۲۷۹۳ شهابی خراسانی، محمود
- ۲۷۹۴ شهابی، علی‌اکبر
- ۲۷۹۵ شهباز، حسن
- ۲۷۹۵ شهبازفر، احمد
- ۲۷۹۵ شهید، رضا
- ۲۷۹۶ شهده، زینب
- ۲۷۹۶ شهرت شیرازی، حکیم‌الممالک حسن، حسین
- ۲۷۹۷ شهردار، یحیی
- ۲۷۹۷ شهرزاد، رضا
- ۲۷۹۸ شهرستانی
- ۲۷۹۸ شهرستانی حایری، ضیاء‌الدین محمد حسین
- ۲۷۹۹ شهرستانی، ابوالفتح محمد

- ۲۸۰۰ شهرستانی، احمد
- ۲۸۰۱ شهرستانی، محمد
- ۲۸۰۲ شهرستانی، محمد مهدی
- ۲۸۰۲ شهرستانی، محمدحسین
- ۲۸۰۳ شهرستانی، محمدحسین
- ۲۸۰۳ شهرستانی، هبة‌الدین
- ۲۸۰۴ شهریار، حشمت‌الله
- ۲۸۰۵ شهریار، حمید
- ۲۸۰۶ شهریار، حمید
- ۲۸۰۶ شهریکندی، کریم
- ۲۸۰۷ شهشهانی اصفهانی، محمد
- ۲۸۰۸ شهردان، رشید
- ۲۸۰۸ شهید بلخی، ابوالحسن شهید
- ۲۸۰۹ شهید ثالث، محمدتقی
- ۲۸۱۰ شهید خراسانی، محمد مهدی
- ۲۸۱۰ شهید شیرازی، عبدالله
- ۲۸۱۰ شهیدی پور، محمدرضا
- ۲۸۱۲ شهیدی خراسانی، حبیب
- ۲۸۱۲ شهیدی زندی، ناصر
- ۲۸۱۳ شهیدی قزوینی، عبدالله
- ۲۸۱۳ شهیدی مشهدی، آقابزرگ حکیم
- ۲۸۱۴ شهیدی، جلال
- ۲۸۱۴ شهیدی، حسن
- ۲۸۱۴ شهیدی، محمدباقر

- ۲۸۱۶ شهیدی، میرزا ابوتراب
- ۲۸۱۷ شهیدی، هدایت‌الله
- ۲۸۱۷ شهیدی، جعفر
- ۲۸۱۸ شبیان، زهرا
- ۲۸۱۸ شبیانی کاشانی، ابوالنصر فتح‌الله
- ۲۸۱۹ شبیانی، علی اشرف
- ۲۸۱۹ شبیانی، محمد
- ۲۸۲۰ شیخ الاسلامی، محمود
- ۲۸۲۱ شیخ الرئیسی، محمد
- ۲۸۲۱ شیخ بهایی
- ۲۸۲۷ شیخ، غلامرضا
- ۲۸۲۸ شیخ، محمدعلی
- ۲۸۲۹ شیخ‌الاسلام تبریزی، محمود
- ۲۸۲۹ شیخ‌الاسلام دامغانی، محمد
- ۲۸۳۰ شیخ‌الاسلام زنجانی، فضل‌الله
- ۲۸۳۰ شیخ‌الاسلام زاده، محیط
- ۲۸۳۱ شیخ‌الاسلامی، علی
- ۲۸۳۱ شیخ‌الاسلامی، ویدا
- ۲۸۳۲ شیخ‌الاطباء، حسینعلی
- ۲۸۳۲ شیخ‌العراقین
- ۲۸۳۳ شیخ‌العراقین تهرانی، عبدالحسین
- ۲۸۳۳ شیخانی، علی باقر
- ۲۸۳۴ شیخ‌بهائی، بهاء‌الدین، محمد
- ۲۸۳۵ شیدا، عباس

- ۲۸۳۶ شیدای بلخی
- ۲۸۳۶ شیدای یزدی، ابوالحسن
- ۲۸۳۷ شیرازی عمادالدین، محمود
- ۲۸۳۷ شیرازی، ابومحمد، حسن
- ۲۸۳۹ شیرازی، اسدالله
- ۲۸۳۹ شیرازی، جانی
- ۲۸۳۹ شیرازی، جلال‌الدین احمد
- ۲۸۴۰ شیرازی، حسن
- ۲۸۴۱ شیرازی، حیدر علی
- ۲۸۴۱ شیرازی، سید عبدالهادی
- ۲۸۴۱ شیرازی، شجاع
- ۲۸۴۲ شیرازی، شهاب‌الدین
- ۲۸۴۲ شیرازی، صدرالدین
- ۲۸۴۳ شیرازی، عبدالجبار
- ۲۸۴۳ شیرازی، فتح‌الله
- ۲۸۴۳ شیرازی، فیروزه
- ۲۸۴۴ شیرازی، کاظم
- ۲۸۴۴ شیرازی، کاظم
- ۲۸۴۵ شیرازی، محمدجواد
- ۲۸۴۵ شیرازی، محمدحسن
- ۲۸۴۶ شیرازی، مظفرالدین، علی
- ۲۸۴۶ شیرازی، نورالدین
- ۲۸۴۷ شیرازی، یوسف
- ۲۸۴۸ شیرجعفری، قاسم

- ۲۸۴۸ شیرزاد، غلام
- ۲۸۴۹ شیرزادی، مصطفی
- ۲۸۴۹ شیرزای، صدرالدین
- ۲۸۴۹ شیروان نیا، پرویز
- ۲۸۵۰ شیروانلو، فیروز
- ۲۸۵۱ شیروانی جزئی، محمد حسن
- ۲۸۵۱ شیروانی هرندی، علی
- ۲۸۵۲ شیروانی، ابوالحسن
- ۲۸۵۳ شیروانی، محمد بن حسن
- ۲۸۵۳ شیرین، جلال
- ۲۸۵۳ شیعه‌زاده، صمد
- ۲۸۵۴ شیمی، محمود
- ۲۸۵۵ صابر اصفهانی، صابر
- ۲۸۵۵ صابر قاجار، محمد هادی
- ۲۸۵۵ صابری، احمد
- ۲۸۵۷ صابری، کیومرث
- ۲۸۵۸ صابری، مظفر
- ۲۸۵۸ صابونی نیشابوری، ابویعلی اسحاق
- ۲۸۵۹ صابونی نیشابوری، شیخ الاسلام، ابوعثمان اسماعیل
- ۲۸۵۹ صاحب ریاض، علی
- ۲۸۶۰ صاحب ضوابط الاصول، ابراهیم
- ۲۸۶۰ صاحبی فرد، علی اکبر
- ۲۸۶۲ صاحبی، محمدجواد
- ۲۸۶۳ صادق اردستانی، احمد

- ۲۸۶۳ صادق نیا، مهرباب
- ۲۸۶۴ صادقی
- ۲۸۶۴ صادقی اردستانی، احمد
- ۲۸۶۵ صادقی اصفهانی، محمدعلی
- ۲۸۶۶ صادقی پناه، حسن
- ۲۸۶۶ صادقی حسن‌آبادی، علی
- ۲۸۶۷ صادقی شجاع، حسین
- ۲۸۶۸ صادقی فدکی، جعفر
- ۲۸۶۹ صادقی فدکی، غلام عباس
- ۲۸۷۰ صادقی لوید، علی
- ۲۸۷۰ صادقی، حسین
- ۲۸۷۱ صادقی، علی اشرف
- ۲۸۷۱ صادقی، علی اشرف
- ۲۸۷۳ صادقی، محمد
- ۲۸۷۵ صادقی، مصطفی
- ۲۸۷۶ صادقی، مصطفی
- ۲۸۷۷ صادقیان، محمدعلی
- ۲۸۷۸ صارمی، علی
- ۲۸۷۸ صاعدی فراوی نیشابوری، ابوعبدالله محمد
- ۲۸۷۸ صاعدی نیشابوری، ابوالعلاء صاعد
- ۲۸۷۹ صاعدی نیشابوری، ابوالفتح، ابوالقاسم منصور
- ۲۸۷۹ صاعدی نیشابوری، ابوالمعالی عبدالمنعم
- ۲۸۸۰ صاعدی نیشابوری، ابوسعید محمد
- ۲۸۸۰ صاعدی نیشابوری، ابونصر احمد

- ۲۸۸۰ صاعدی نیشابوری، صفی‌الدین، ابوالبرکات عبدالله
- ۲۸۸۱ صاعقه‌ی فارسی بغدادی، ابویحیی محمد
- ۲۸۸۱ صافی اصفهانی، محمدحسن
- ۲۸۸۲ صافی گلپایگانی، لطف‌الله
- ۲۸۸۲ صافی، قاسم
- ۲۸۸۶ صافی، محمدجواد
- ۲۸۸۷ صافیان اصفهانی، محمدجواد
- ۲۸۸۸ صالح اصفهانی، ابوبکر محمد
- ۲۸۸۹ صالح، جهانشاه
- ۲۸۹۰ صالح، محسن
- ۲۸۹۰ صالح‌رشتی، صالح
- ۲۸۹۱ صالحی امیری، مهدی
- ۲۸۹۲ صالحی مازندرانی، اسماعیل
- ۲۸۹۵ صالحی مازندرانی، مهدی
- ۲۸۹۷ صالحی نجف آبادی، نادعلی
- ۲۸۹۷ صالحی، جواد
- ۲۸۹۸ صالحی، عباس
- ۲۸۹۹ صالحی، علی اصغر
- ۲۹۰۰ صالحی، محسن
- ۲۹۰۰ صالحی، محمدحسین
- ۲۹۰۱ صانعی دره بیدی، منوچهر
- ۲۹۰۴ صانعی، یوسف
- ۲۹۰۵ صائغ اصفهانی، ابوسعید محمد
- ۲۹۰۶ صائغ رامهرزی، ابوالحسن علی

- صائغ، ابراهیم ۲۹۰۶
- صائغ، احمد ۲۹۰۶
- صائن‌الدین ۲۹۰۶
- صبا خراسانی، صادق ۲۹۰۷
- صبا خراسانی، فتحعلی مسیح السلطنه ۲۹۰۷
- صبا، محسن ۲۹۰۸
- صباح، حسن ۲۹۰۹
- صباحی ۲۹۱۱
- صباحی هروی ۲۹۱۱
- صباربیارانی، علی ۲۹۱۱
- صباغ اصفهانی، ابونصر محمود ۲۹۱۲
- صباغ، محمد صادق ۲۹۱۲
- صباغیان، حسن ۲۹۱۳
- صبحی مهتدی، فضل‌الله ۲۹۱۳
- صبحی، فضل‌الله ۲۹۱۴
- صبغی نیشابوری، ابوالعباس محمد ۲۹۱۶
- صبغی نیشابوری، شیخ‌الاسلام ابوبکر ۲۹۱۷
- صبوری دیلمی، منوچهر ۲۹۱۷
- صبوری رشتی، باقر ۲۹۱۸
- صبوری قمی، جعفر ۲۹۱۸
- صحافیان، عباسعلی ۲۹۲۰
- صحافیان، مهدی ۲۹۲۰
- صحبت اصفهانی ۲۹۲۱
- صحبت، محمد باقر ۲۹۲۱

- ۲۹۲۲ صحت، سیاوش
- ۲۹۲۲ صحتی سردرودی، محمد
- ۲۹۲۳ صحفی، مجتبی
- ۲۹۲۳ صحفی، محمد
- ۲۹۲۴ صحیحی، حبیب الله
- ۲۹۲۴ صخری خوارزمی، ابوالفضل احمد
- ۲۹۲۴ صد تومانی، محمد سعید
- ۲۹۲۵ صدر الاطباء شاملو، غلامعلی
- ۲۹۲۵ صدر الافاضل خوارزمی، ابومحمد، قاسم
- ۲۹۲۶ صدر بکری نیشابوری، صدرالدین، ابوعلی حسن
- ۲۹۲۶ صدر جهان طبسی، امیر حسین
- ۲۹۲۷ صدر حاج سید جوادی، حسن
- ۲۹۲۷ صدر شهید، حسام‌الدین، ابومحمد، ابوحفص عمر
- ۲۹۲۸ صدر عاملی کاظمی، ابومحمد حسن
- ۲۹۲۸ صدر نبوی، رضا
- ۲۹۲۹ صدر نیشابوری، صدرالدین
- ۲۹۲۹ صدر، اسدالله
- ۲۹۳۰ صدر، اسماعیل
- ۲۹۳۰ صدر، جواد
- ۲۹۳۱ صدر، حیدر
- ۲۹۳۱ صدر، سید رضا
- ۲۹۳۳ صدر، صدرالدین، ابوالرضا محمد علی
- ۲۹۳۶ صدر، محمدباقر
- ۲۹۳۷ صدر، منصور

- ۲۹۳۷ صدر، موسی
- ۲۹۳۹ صدرا، محمد تقی
- ۲۹۴۱ صدراالاطباء حسینی، علی اکبر
- ۲۹۴۱ صدراالفاضل
- ۲۹۴۱ صدراالذاکرین، علی
- ۲۹۴۲ صدراالشریعه بخاری، جمال الدین عبیدالله
- ۲۹۴۲ صدراالشریعه، محمد صادق
- ۲۹۴۳ صدراالعلماء، محمد
- ۲۹۴۴ صدرااللهی، حسن
- ۲۹۴۵ صدراالمعالی شیرازی حائری، حسین
- ۲۹۴۶ صدراایی اشکوری، محمد علی
- ۲۹۴۶ صدراایی، ابوالقاسم
- ۲۹۴۷ صدراخانلو، رجبعلی
- ۲۹۴۸ صدراقیصر، جلیل
- ۲۹۴۸ صدراهاشمی، محمد
- ۲۹۴۸ صدری، محمدرضا
- ۲۹۴۹ صدریه، زینب
- ۲۹۴۹ صدقه
- ۲۹۴۹ صدقی شبستری، محمدحسین
- ۲۹۵۰ صدقیان، محمدحسین
- ۲۹۵۱ صدقیانی، محمدتقی
- ۲۹۵۱ صدقیانی، محمدتقی
- ۲۹۵۲ صدوقی، محمد
- ۲۹۵۴ صدیق

- ۲۹۵۵ صدیق اعلم، عیسی
- ۲۹۵۵ صدیق الاطباء لقمانی، محمد صادق
- ۲۹۵۶ صدیق الحكماء، رضا
- ۲۹۵۶ صدیقی، اسماعیل
- ۲۹۵۶ صدیقی، غلامحسین
- ۲۹۵۸ صدیقی، فیروز
- ۲۹۵۸ صدیقین، محمدتقی
- ۲۹۵۹ صراف اصفهانی، محمد حسین
- ۲۹۵۹ صراف شیرازی، محمدتقی
- ۲۹۶۰ صراف، مرتضی
- ۲۹۶۰ صرام نیشابوری، ابوالفضل محمد
- ۲۹۶۰ صرام هروی، ابوالفضل احمد
- ۲۹۶۱ صرامی، سیف الله
- ۲۹۶۲ صعلوکی نیشابوری، ابوسهل محمد
- ۲۹۶۲ صعلوکی نیشابوری، ابوطیب احمد
- ۲۹۶۳ صعلوکی نیشابوری، ابوطیب سهل
- ۲۹۶۳ صغانی، رضی الدین، ابوالفضائل حسن
- ۲۹۶۴ صفا، ذبیح الله
- ۲۹۶۴ صفار اصفهانی خراسانی، ابوعبدالله محمد
- ۲۹۶۵ صفار اصفهانی، ابوسعید عبدالرحمان
- ۲۹۶۵ صفار بخاری، ابواسحاق ابراهیم
- ۲۹۶۵ صفار بخاری، ابونصر اسحاق
- ۲۹۶۶ صفار خشاب نیشابوری، ابوسعید محمد
- ۲۹۶۶ صفار قمی، ابوجعفر محمد

- ۲۹۶۷ صفار مروزی، ابوالخیر محمد
- ۲۹۶۷ صفار نیشابوری، ابوبکر محمد
- ۲۹۶۷ صفار نیشابوری، مجدالدین، ابوسعید عبدالله
- ۲۹۶۸ صفارزاده، طاهره
- ۲۹۷۱ صفاری بخاری، قوام‌الدین، ابومحمد حماد
- ۲۹۷۱ صفاری، رحیم
- ۲۹۷۲ صفاری، سعدی
- ۲۹۷۲ صفاهانی، حبیب الله
- ۲۹۷۳ صفای تبریزی، فضلعلی مولوی
- ۲۹۷۳ صفای شهمیرزادی، ذبیح‌الله
- ۲۹۷۴ صفایی اعرجی خوانساری، احمد
- ۲۹۷۴ صفایی بوشهری، غلامعلی
- ۲۹۷۵ صفایی خوانساری، مصطفی
- ۲۹۷۶ صفایی سواد کوهی، عبدالصاحب
- ۲۹۷۷ صفایی قاینی، علیرضا
- ۲۹۷۷ صفایی ملایری، ابراهیم
- ۲۹۷۸ صفایی، عباس
- ۲۹۷۸ صفائی حائری، علی
- ۲۹۸۰ صفائی خوانساری، احمد
- ۲۹۸۱ صفت گل، منصور
- ۲۹۸۲ صفدری قندهاری، حسین
- ۲۹۸۳ صفرعلی پور، حشمت الله
- ۲۹۸۴ صفری فروشانی، نعمت الله
- ۲۹۸۵ صفری، علی

- ۲۹۸۵ صفوت، محمد علی
- ۲۹۸۶ صفوی اصفهانی نجفی، ابوالقاسم
- ۲۹۸۶ صفوی ایچی، قطب‌الدین، ابوالخیر عیسی
- ۲۹۸۷ صفوی نائینی، امان‌الله
- ۲۹۸۸ صفی‌الدین ارموی، ابوالمفاخر عبدالمومن
- ۲۹۸۹ صغیر، محمد علی
- ۲۹۹۰ صکوکی نسفی، ابوبکر محمد
- ۲۹۹۱ صلاحی، عمران
- ۲۹۹۴ صلح جو، علی
- ۲۹۹۵ صلواتی، محمود
- ۲۹۹۶ صمدی حسین‌آبادی، حیدرعلی
- ۲۹۹۶ صمدی شاه‌آباد، اکبر
- ۲۹۹۷ صمصام شریعت، هادی
- ۲۹۹۷ صمصامی مهاجر، رضا قلی
- ۲۹۹۷ صمصامی، غلامعلی
- ۲۹۹۷ صمیمی، غلامحسین
- ۲۹۹۸ سناری خوارزمی، ابوالحسن علی
- ۲۹۹۹ صناعتی، محمود
- ۳۰۰۰ سندلی نیشابوری، ابوالحسن علی
- ۳۰۰۰ صندوقی نیشابوری، ابوالعباس احمد
- ۳۰۰۱ صنع کاشانی، ملا صنع‌الله
- ۳۰۰۱ صنعتگر، خلیل
- ۳۰۰۲ صنعتی، محمد
- ۳۰۰۲ صنوبری قزوینی، محمدباقر

- ۳۰۰۳ صنیع الممالک زرگرباشی، علیقلی
- ۳۰۰۴ صنعی، مهدی
- ۳۰۰۵ صورتگر، لطفعلی
- ۳۰۰۵ صوفی شیرازی
- ۳۰۰۶ صوفی شیرازی، ابومزاحم احمد
- ۳۰۰۶ صوفی نیشابوری، ابوبکر محمد
- ۳۰۰۷ صهبا، ابراهیم
- ۳۰۰۷ صهبا، غلامحسین
- ۳۰۰۸ صهرشتی، نظام‌الدین ابوعبدالله، سلمان
- ۳۰۰۸ صیدلانی اصفهانی، ابوالمطهر قاسم
- ۳۰۰۹ صیدلانی اصفهانی، شیخ ابوالقاسم عبدالواحد
- ۳۰۰۹ صیدلانی نیشابوری، ابوصادق محمد
- ۳۰۰۹ صیدلانی، ابوسعید محمد
- ۳۰۰۹ صیرفی اصفهانی سمسار، ابوالفرج سعید
- ۳۰۱۰ صیرفی نیشابوری، ابوسعید محمد
- ۳۰۱۰ صیرفی نیشابوری، شیخ رئیس، ابوبکر یعقوب
- ۳۰۱۱ صیمری، ابوعبدالله حسین
- ۳۰۱۱ صیمری، ابوعنبرس محمد
- ۳۰۱۱ صیمری، مفلح
- ۳۰۱۲ صیمری، نصیرالدین حسین
- ۳۰۱۲ ضابطی پور، احمد
- ۳۰۱۳ ضبی اصفهانی، ابومضر محمود
- ۳۰۱۳ ضحاک شیبانی، ابوبکر احمد
- ۳۰۱۴ ضرابی، مسعود

- ۳۰۱۴ ضیاء شهابی، پرویز
- ۳۰۱۷ ضیاء، سوسن
- ۳۰۱۸ ضیاءالدین یوسف
- ۳۰۱۹ ضیاءنور، فضل‌الله
- ۳۰۱۹ ضیایی دزفولی، محمد رشید
- ۳۰۲۰ ضیایی دهخوار قانی، حسین
- ۳۰۲۰ ضیایی شیرازی، علی
- ۳۰۲۰ ضیایی فر، سعید
- ۳۰۲۱ ضیایی مردی
- ۳۰۲۱ ضیائی، عبدالله
- ۳۰۲۴ ضیغمی، بهرام
- ۳۰۲۴ طارمی زنجانی، جواد
- ۳۰۲۵ طارمی زنجانی، عباس
- ۳۰۲۵ طارمی، نجم‌الدین
- ۳۰۲۶ طالب شیرازی، ابوطالب
- ۳۰۲۶ طالب‌زاده، حسین
- ۳۰۲۷ طالبوف تبریزی، عبدالرحیم
- ۳۰۲۸ طالبی نیا، سعید
- ۳۰۲۸ طالع کازرونی، محمد
- ۳۰۲۸ طالقانی اصفهانی، هدایت‌الله
- ۳۰۲۹ طالقانی قزوینی، شرف‌الدین محمود
- ۳۰۳۰ طالقانی قزوینی، محمدیوسف
- ۳۰۳۱ طالقانی، ابوالحسن
- ۳۰۳۱ طالقانی، ابوالخیر، احمد

- طالقانی، احمد ۳۰۳۲
- طالقانی، علی محمد ۳۰۳۲
- طالقانی، محمدتقی ۳۰۳۲
- طالقانی، محمدجعفر ۳۰۳۳
- طالقانی، محمدحسن ۳۰۳۳
- طالقانی، محمود ۳۰۳۴
- طالقانی، مرتضی ۳۰۳۷
- طالقانی، نظر علی ۳۰۳۷
- طامذی اصفهانی، ابومحمد عبدالله ۳۰۴۰
- طاووس یمانی، ابوعبدالرحمان طاووس ۳۰۴۰
- طاووسی قزوینی، رکن‌الدین، ابوالفضل عراقی ۳۰۴۱
- طاووسی، محمود ۳۰۴۱
- طاهر خرسندی، عسگر ۳۰۴۲
- طاهر مروزی ۳۰۴۳
- طاهری اهوازی، اسدالله ۳۰۴۳
- طاهری آزاد، محمدباقر ۳۰۴۳
- طاهری خرم آبادی، علی ۳۰۴۴
- طاهری شاهرودی، محمدحسن ۳۰۴۴
- طاهری عراقی، احمد ۳۰۴۶
- طاهری قمی، محسن ۳۰۴۶
- طاهری یزدی، احمد ۳۰۴۷
- طاهری، احمدعلی ۳۰۴۷
- طاهری، جلال‌الدین ۳۰۴۸
- طاهری، حبیب‌الله ۳۰۴۸

- طاهری، حسن ۳۰۴۹
- طاهری، حسین ۳۰۵۲
- طاهری، حیدر ۳۰۵۲
- طاهری، ضیاء ۳۰۵۳
- طاهری، عبدالله ۳۰۵۳
- طاهری، عبدالله ۳۰۵۳
- طاهری، محمدجعفر ۳۰۵۴
- طاهری، محمود ۳۰۵۴
- طاهری، هوشنگ ۳۰۵۵
- طاهریان، جلیل ۳۰۵۶
- طائی همدانی، ابوالفتح محمد ۳۰۵۷
- طباطبا ۳۰۵۷
- طباطبایی اردکانی، محمود ۳۰۵۸
- طباطبایی بروجردی، حسین ۳۰۵۹
- طباطبایی پور، علیرضا ۳۰۶۶
- طباطبایی علوی، آمنه ۳۰۶۹
- طباطبایی فر، عباس ۳۰۶۹
- طباطبایی قمی، حسین ۳۰۷۰
- طباطبایی قمی، علی محمد ۳۰۷۱
- طباطبایی نایینی ۳۰۷۱
- طباطبایی نژاد، محمود ۳۰۷۱
- طباطبایی نسب، محمدرضا ۳۰۷۲
- طباطبایی یزدی، محمد کاظم ۳۰۷۳
- طباطبایی، ابوالفضل ۳۰۷۳

- طباطبایی، آقابیگم ۳۰۷۴
- طباطبایی، کاظم ۳۰۷۴
- طباطبایی، محمدحسین ۳۰۷۵
- طباطبایی، نورالله ۳۰۸۴
- طباطبایی، نورالله ۳۰۸۷
- طباطبائی ۳۰۹۰
- طباطبائی ابرقوئی، زین العابدین ۳۰۹۱
- طباطبائی اصفهانی، محمد علی ۳۰۹۱
- طباطبائی بروجردی، علینقی ۳۰۹۱
- طباطبائی بروجردی، محمد ۳۰۹۲
- طباطبائی فشارکی، محمد ۳۰۹۲
- طباطبائی قمی، مهدی ۳۰۹۳
- طباطبائی یزدی، محمد ۳۰۹۴
- طباطبائی یزدی، محمدکاظم ۳۰۹۴
- طباطبائی، حسن ۳۰۹۵
- طباطبائی، عباس ۳۰۹۶
- طباطبائی، عبدالجی ۳۰۹۶
- طباطبائی، عبدالعزیز ۳۰۹۷
- طباطبائی، علی ۳۱۰۰
- طباطبائی، فیض الله ۳۱۰۰
- طباطبائی، محمد حسین ۳۱۰۱
- طباطبائی فر، محمود ۳۱۰۳
- طبرانی ۳۱۰۴
- طبرستانی، مجتبی ۳۱۰۴

- ۳۱۰۵ طبرسی
- ۳۱۰۵ طبرسی، ابومنصور احمد
- ۳۱۰۶ طبرسی، احمد
- ۳۱۰۶ طبرسی، اسماعیل
- ۳۱۰۶ طبرسی، امین‌الدین، امین الاسلام، ابوعلی فضل
- ۳۱۰۸ طبرسی، ثقه لاسلام، ابوالفضل علی
- ۳۱۰۹ طبرسی، حسین
- ۳۱۰۹ طبرسی، رضی‌الدین، ابونصر حسن
- ۳۱۱۰ طبرسی، زین‌العابدین
- ۳۱۱۰ طبرسی، محمدحسن
- ۳۱۱۱ طبری آملی، ابوالقاسم علی
- ۳۱۱۱ طبری بصری، ابوعمرو عثمان
- ۳۱۱۲ طبری، ابوالحسن احمد
- ۳۱۱۲ طبری، ابوطیب طاهر
- ۳۱۱۳ طبری، ابو عبدالله حسین
- ۳۱۱۳ طبری، ابوعلی حسن
- ۳۱۱۴ طبری، احسان
- ۳۱۱۶ طبری، حافظ ابو عبدالله
- ۳۱۱۶ طبری، ظریفه
- ۳۱۱۶ طبری، عمادالدین، ابو جعفر محمد
- ۳۱۱۶ طبری، عمادالدین، عماد الاسلام حسن
- ۳۱۱۷ طبری، فاطمه
- ۳۱۱۷ طبری، محیی‌الدین عبدالقادر
- ۳۱۱۸ طبسی واعظ، محمد صادق

- ۳۱۱۸ طبیبی، ابوالفضل محمد
- ۳۱۱۹ طبیبی، ابوحسین، ابوالحسن احمد
- ۳۱۱۹ طبیبی، احمد
- ۳۱۱۹ طبیبی، عبدالواحد
- ۳۱۲۰ طبیبی، محمد
- ۳۱۲۱ طبیبی، محمدتقی
- ۳۱۲۲ طبیبی، محمدحسین
- ۳۱۲۲ طبیبی، معین
- ۳۱۲۲ طبیبی اصفهانی، عنایت‌الله
- ۳۱۲۳ طیبی، حسن
- ۳۱۲۴ طبیب احمد آبادی، ابوالقاسم
- ۳۱۲۴ طبیب اصفهانی، زین‌العابدین
- ۳۱۲۴ طبیب اصفهانی، عبدالباقی موسوی
- ۳۱۲۵ طبیب اصفهانی، نصیرالدین
- ۳۱۲۵ طبیب بخاری، عبدالحکیم
- ۳۱۲۵ طبیب بروجردی، محمد
- ۳۱۲۶ طبیب تهرانی، محمد
- ۳۱۲۶ طبیب خراسانی، هاشم
- ۳۱۲۷ طبیب رازی، بهاء‌الدوله حسن
- ۳۱۲۷ طبیب شرابی، رضا
- ۳۱۲۷ طبیب شیرازی، تقی‌الدین
- ۳۱۲۷ طبیب شیرازی، عبدالله
- ۳۱۲۸ طبیب شیرازی، منصور
- ۳۱۲۸ طبیب شیرازی، نجم‌الدین محمود

- ۳۱۲۸ طیب کرمانی، عبدالرزاق
- ۳۱۲۹ طیب هروی، محمد
- ۳۱۲۹ طیب، عبدالباقی
- ۳۱۲۹ طیب، محمد
- ۳۱۳۰ طیب، محمد مسیح
- ۳۱۳۰ طیب، مهدی
- ۳۱۳۰ طیب، هادی
- ۳۱۳۱ طیب، یوسف
- ۳۱۳۱ طیبی کاشانی، مظفر
- ۳۱۳۱ طرازی بغدادی نیشابوری، ابوالحسن علی
- ۳۱۳۱ طرائفی عنزی نیشابوری، ابوالحسن احمد
- ۳۱۳۲ طرسوسی اصفهانی، ابوجعفر محمد
- ۳۱۳۲ طرفه، حسین
- ۳۱۳۳ طرفه، علی
- ۳۱۳۵ طرقی اصفهانی، ابوالعباس احمد
- ۳۱۳۵ طریقتی، شکرالله
- ۳۱۳۶ طسوجی، احمد
- ۳۱۳۶ طسوجی، عبدالنبی
- ۳۱۳۷ طسوجی، علی
- ۳۱۳۷ طغرای اصفهانی، ابواسماعیل حسین
- ۳۱۳۸ طفل نیشابوری، ابوالحسن محمد
- ۳۱۳۸ طلائی، محمد حسن
- ۳۱۳۹ طلقی، فاطمه
- ۳۱۳۹ طنافسی، ابوالحسن علی

- ۳۱۴۰ طوبی نایینی، محمدثانی
- ۳۱۴۰ طوبی، ابراهیم
- ۳۱۴۰ طوسی
- ۳۱۴۱ طوسی بتارکانی، علاءالدین علی
- ۳۱۴۲ طوسی بغدادی، ابوالحسن علی
- ۳۱۴۲ طوسی، ابوابراهیم اسحاق
- ۳۱۴۳ طوسی، ابوالحسن علی
- ۳۱۴۳ طوسی، ابوالفضل نصر
- ۳۱۴۳ طوسی، ابوبکر محمد
- ۳۱۴۴ طوسی، ابوجعفر محمد
- ۳۱۴۴ طوسی، ابوعلی حسن
- ۳۱۴۵ طوسی، ابومحمد احمد
- ۳۱۴۵ طوسی، ابومحمد حاجب
- ۳۱۴۵ طوسی، ابونصر، ابونصر محمد
- ۳۱۴۶ طوسی، اسدالله
- ۳۱۴۷ طوسی، بهرام
- ۳۱۴۸ طوسی، پرویز
- ۳۱۴۸ طوسی، رضی‌الدین، ابوالحسن مؤید
- ۳۱۴۹ طوسی، شهاب‌الدین، ابوالفتح محمد
- ۳۱۴۹ طوسی، شیخ الاسلام، ابوالحسن محمد
- ۳۱۵۰ طوسی، ضیاء‌الدین، ابومحمد عبدالعزیز
- ۳۱۵۰ طوسی، محقق
- ۳۱۵۳ طوسی، محمد
- ۳۱۵۳ طوطی اهری، حسن

- ۳۱۵۳ طوطی تبریزی، عبدالحمید ملک
- ۳۱۵۴ طوطی ترشیزی، شهاب‌الدین علی
- ۳۱۵۴ طهرانی رازی، ابوعبدالله محمد
- ۳۱۵۴ طهرانی عسکری، محمد
- ۳۱۵۵ طهماسبی یزدآبادی، اصغر
- ۳۱۵۶ طهمانی مروزی، ابوالعباس عیسی
- ۳۱۵۶ طهوری، عبدالغفار
- ۳۱۵۶ طیالسی رازی، ابوعبدالله محمد
- ۳۱۵۷ طیالسی فارسی، ابوداوود سلیمان
- ۳۱۵۷ طیب اصفهانی، جلال‌الدین محمد
- ۳۱۵۸ طیب اصفهانی، سید عبدالحسین
- ۳۱۵۸ طیب اصفهانی، محمد سعید
- ۳۱۵۸ طیب نیا، محمد صالح
- ۳۱۵۹ ظاهری اصفهانی، ابوبکر محمد
- ۳۱۶۰ ظاهری اصفهانی، ابوسلیمان داوود
- ۳۱۶۱ ظاهری، خلیل
- ۳۱۶۱ ظفر ایلخان بختیاری، حسین
- ۳۱۶۱ ظفر کرمانی، کاظم
- ۳۱۶۲ ظفیری، ولی‌الله
- ۳۱۶۳ ظهیر
- ۳۱۶۳ ظهیر کازرونی، علی
- ۳۱۶۳ ظهیر نیشابوری، ظهیرالدین، فخرالدین ابوجعفر، محمد
- ۳۱۶۴ ظهیر همدانی، میرزا سید ابراهیم
- ۳۱۶۴ ظهیر ی سمرقندی، بهاء‌الدین محمد

- ۳۱۶۵ ظهیری، عباس
- ۳۱۶۵ عابدی، محمد
- ۳۱۶۶ عابدی، محمدرضا
- ۳۱۶۷ عابدی، محمود
- ۳۱۶۹ عابدی‌پور، محمد
- ۳۱۷۰ عابدینی، ابوالفضل
- ۳۱۷۰ عابدینی، احمد
- ۳۱۷۴ عارف عجمی، فتح الله
- ۳۱۷۵ عارف کشفی، جعفر
- ۳۱۷۵ عارفچه، محمد حسین
- ۳۱۷۶ عارفی، حسن
- ۳۱۷۷ عاشورا
- ۳۱۷۷ عاصم کوفی
- ۳۱۷۷ عاصی، مصطفی
- ۳۱۸۰ عاقلی، محمدرضا
- ۳۱۸۱ عالم نجف آبادی، محمد حسن
- ۳۱۸۲ عالمزاده، هادی
- ۳۱۸۲ عالمی دامغانی، ابوالقاسم
- ۳۱۸۳ عالمی، خلیل
- ۳۱۸۴ عالمی، محمدضامن
- ۳۱۸۵ عالی شیرازی، محمد
- ۳۱۸۵ عالیشاهی، احمد
- ۳۱۸۶ عالیشوندی، مسعود
- ۳۱۸۷ عامر

- ۳۱۸۷ عامری
- ۳۱۸۸ عامری شهرابی، هادی
- ۳۱۸۸ عامری نابینی، علی محمد
- ۳۱۸۹ عامری نیشابوری، ابوالحسن محمد
- ۳۱۸۹ عامری، محمد
- ۳۱۹۰ عامریون، پرویز
- ۳۱۹۱ عامل تهرانی، شرف‌الدین جعفر
- ۳۱۹۱ عاملی
- ۳۱۹۲ عاملی موسوی اصفهانی، محمدعلی
- ۳۱۹۲ عاملی، صدر الدین
- ۳۱۹۳ عاملی، عبدالحسیب
- ۳۱۹۴ عاملی، عبداللطیف
- ۳۱۹۴ عاملی، لطف‌الله
- ۳۱۹۴ عاملی، محمد
- ۳۱۹۵ عامی، اسماعیل
- ۳۱۹۵ عباد، ابوالحسن
- ۳۱۹۶ عبادانی، ابوبکر احمد
- ۳۱۹۷ عبادی حویزی، عبدالقاهر
- ۳۱۹۷ عبادی طالقانی، یحیی
- ۳۱۹۷ عبادی محبوبی بخاری، جمال‌الدین، ابوالفضل عبیدالله
- ۳۱۹۸ عبادی مروزی، قطب‌الدین، ابومنصور مظفر
- ۳۱۹۸ عبادی هروی، ابوعاصم محمد
- ۳۱۹۹ عبادی، جلیل
- ۳۲۰۰ عباس افندی

- ۳۲۰۰ ----- عباس زاده، سعید
- ۳۲۰۱ ----- عباس زاده، محمدجواد
- ۳۲۰۱ ----- عباسی فردویی، غلامعلی
- ۳۲۰۲ ----- عباسی، علی
- ۳۲۰۳ ----- عباسی، فرج الله
- ۳۲۰۵ ----- عباسی، محمد
- ۳۲۰۵ ----- عباسی، مراد
- ۳۲۰۶ ----- عباسی، یعسوب
- ۳۲۰۶ ----- عبدالصمد
- ۳۲۰۶ ----- عبدالصمد بن محمد
- ۳۲۰۷ ----- عبدالعظیمی، مرتضی
- ۳۲۰۷ ----- عبدالقاهر
- ۳۲۰۷ ----- عبدالله آبادی، سلیمان
- ۳۲۰۸ ----- عبداللهی، حسین
- ۳۲۰۸ ----- عبداللهی، محمدباقر
- ۳۲۱۰ ----- عبداللهی، محمدعلی
- ۳۲۱۱ ----- عبداللهی، محمود
- ۳۲۱۲ ----- عبدالهادی
- ۳۲۱۲ ----- عبدان مروزی، ابومحمد عبدان، عبدالله
- ۳۲۱۳ ----- عبدویی نیشابوری، ابوالحسن احمد
- ۳۲۱۳ ----- عبدویی نیشابوری، ابوحازم عمر
- ۳۲۱۳ ----- عبدی بیگ نویدی شیرازی، زین العابدین علی
- ۳۲۱۴ ----- عبدی فسوی، ابوطالب احمد
- ۳۲۱۴ ----- عبدی قزوینی تبریزی، محیی‌الدین محمد

- عبدی لبنانی اصفهانی، ابوالحسن احمد ۳۲۱۵
- عبدی نیشابوری، ابومحمد عبدالرحمان ۳۲۱۵
- عبری فرغانی، برهان‌الدین عبدالله ۳۲۱۶
- عشیمی اصفهانی، ابواحمد معمر ۳۲۱۶
- عشیمی اصفهانی، مخلص‌الدین، ابوعبدالله محمد ۳۲۱۶
- عشیمیه قرشیه اصفهانیه، ام‌حبیبه عائشه ۳۲۱۷
- عبودیت، عبدالرسول ۳۲۱۷
- عتابی بخاری، زین‌الدین، أبونصر، أبوالقاسم احمد ۳۲۱۸
- عتبی، ابونصر محمد ۳۲۱۸
- عتکی نیشابوری، ابومنصور محمد ۳۲۱۸
- عتکی نیشابوری، ابویحیی سهل ۳۲۱۸
- عتیقی تبریزی، جلال‌الدین محمد ۳۲۱۹
- عتیقی، محمدهادی ۳۲۱۹
- عجلی اصفهانی، منتخب‌الدین، ابوالفتوح اسعد ۳۲۲۰
- عجلی رازی، ابوالفضل عبدالرحمان ۳۲۲۰
- عجلی مروزی، ابوسعید عثمان ۳۲۲۱
- عجلیه، زینب ۳۲۲۱
- عجیبه ۳۲۲۱
- عدل، عظمی ۳۲۲۲
- عدوی مروزی، ابواحمد محمود ۳۲۲۲
- عراقی، ضیاء ۳۲۲۲
- عراقی، ضیاء‌الدین ۳۲۲۳
- عراقی، عبدالنبی ۳۲۲۳
- عراقی، مجتبی ۳۲۲۴

- عراقی، محسن ۳۲۲۵
- عراقی، نورالدین ۳۲۲۶
- عراقی‌زاده، مهدی ۳۲۲۶
- عرب ابوزیدآبادی، عبدالرضا ۳۲۲۶
- عرب محفوظی، محمدمهدی ۳۲۲۷
- عربانی، احمد ۳۲۲۸
- عرفان شیرازی، محمود ۳۲۲۸
- عرفان، حسن ۳۲۲۸
- عرفانی، فاضل ۳۲۳۰
- عروس الزهاد اصفهانی، ابو عبدالله محمد ۳۲۳۰
- عریان، احمد ۳۲۳۱
- عزب دفتری، بهروز ۳۲۳۱
- عزت پور ۳۲۳۲
- عزرا ۳۲۳۳
- عزیری سجستانی، ابوبکر محمد ۳۲۳۳
- عزیزاللهی، محمدرضا ۳۲۳۳
- عزیزکیا، غلامعلی ۳۲۳۴
- عزیزی، حبیب الله ۳۲۳۵
- عزیزی، فریدون ۳۲۳۶
- عسال اصفهانی، ابواحمد محمد ۳۲۳۶
- عسقلانی ۳۲۳۶
- عسکرآبادی، مهدی ۳۲۳۷
- عسکری حسنی سمنانی، محمد حسن ۳۲۳۸
- عسکری، ابواحمد حسن ۳۲۳۸

- ۳۲۳۹ عسکری، ابوالحسن علی
- ۳۲۴۰ عسکری، ابوהלلال حسن
- ۳۲۴۰ عسکری، مرتضی
- ۳۲۴۱ عسگری
- ۳۲۴۱ عسگری، حسین
- ۳۲۴۲ عسگری، منوچهر
- ۳۲۴۳ عسگری شیرازی، حسن
- ۳۲۴۳ عشاقی، حسین
- ۳۲۴۴ عشایری، حسن
- ۳۲۴۴ عشایری، محمد
- ۳۲۴۵ عصار تبریزی، شمس‌الدین محمد
- ۳۲۴۵ عصار لواسانی، محمد
- ۳۲۴۶ عصارى طابرانى طوسى، ابومحمد عباس
- ۳۲۴۶ عصمت تیمور، عایشه
- ۳۲۴۸ عصیری، مجتبی
- ۳۲۴۸ عضدالدوله، احمد
- ۳۲۴۹ عضدالدین
- ۳۲۵۰ عطاء
- ۳۲۵۰ عطاء خراسانی، ابویوب، عطاء
- ۳۲۵۰ عطار اصفهانی، ابوبکر محمد
- ۳۲۵۱ عطار همدانی، ابوالکرم علی
- ۳۲۵۱ عطار همدانی، حسن
- ۳۲۵۱ عطار، زین‌الدین علی
- ۳۲۵۲ عطارزاده، عباس

- ۳۲۵۲ عطاری طوسی، مجدالدین، ابومنصور محمد
- ۳۲۵۲ عظاملک جوینی، علاءالدین، ابوالمظفر عطاء ملک
- ۳۲۵۳ عطایی کوزانی، عنایت
- ۳۲۵۴ عظمایی، محمدحسن
- ۳۲۵۴ عظیمی، شمس الدین
- ۳۲۵۵ عظیمی، فخرالدین
- ۳۲۵۷ عفیفه
- ۳۲۵۸ عفیفی، رحیم
- ۳۲۵۹ عقاب شوشتری خراسانی، شهاب‌الدین عبدالله
- ۳۲۶۰ عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم
- ۳۲۶۱ عقیقی، یحیی
- ۳۲۶۲ عقیلی بخاری، شرف‌الدین، ابوحفص عمر
- ۳۲۶۲ عقیلی، مهدی
- ۳۲۶۳ عقیلی، نظام الدین
- ۳۲۶۳ عکاسباشی، ابراهیم
- ۳۲۶۳ عکاشه، جلال‌الدین فریدون
- ۳۲۶۴ علاء اسمندی سمرقندی، علاء‌الدین ابوالفتح محمد
- ۳۲۶۴ علاء‌الدین خطیر، حسام
- ۳۲۶۴ علاء‌الدین گلستانه، محمد
- ۳۲۶۵ علامه
- ۳۲۶۵ علامه حایری، محمدصالح
- ۳۲۶۶ علامه، میرحسین
- ۳۲۶۷ علامی، محمد
- ۳۲۶۸ علامی، محمدحسن

- ۳۲۶۹ علایی، علی
- ۳۲۶۹ علایی، نورالدین
- ۳۲۶۹ علم الهدی شیرازی، احمد
- ۳۲۶۹ علم، مصطفی
- ۳۲۷۰ علم الهدی، علی
- ۳۲۷۱ علم الهدی، قیصر، محمد
- ۳۲۷۲ علمی آخویی، اسماعیل
- ۳۲۷۲ علمی، احمد
- ۳۲۷۳ علوی اصفهانی، ابومحمد حمزه
- ۳۲۷۴ علوی تهرانی، محمدباقر
- ۳۲۷۴ علوی تهرانی، محمدرضا
- ۳۲۷۵ علوی حسنی نیشابوری، ابوالحسن محمد
- ۳۲۷۵ علوی حسنی نیشابوری، ابوعلی محمد
- ۳۲۷۵ علوی حسینی تبریزی، محمود
- ۳۲۷۶ علوی حسینی نیشابوری، ابومنصور ظفر
- ۳۲۷۶ علوی خوئی، ابراهیم
- ۳۲۷۷ علوی سبزواری، ابراهیم
- ۳۲۷۸ علوی سبزواری، ابوالقاسم
- ۳۲۷۹ علوی سبزواری، حسن
- ۳۲۷۹ علوی سبزواری، حسین
- ۳۲۷۹ علوی شیرازی، محمدهاشم
- ۳۲۸۰ علوی عریضی، محمد
- ۳۲۸۱ علوی فاضل، کاظم
- ۳۲۸۱ علوی فرد، یحیی

- ۳۲۸۲ علوی قزوینی، علی
- ۳۲۸۴ علوی قزوینی، محمدباقر
- ۳۲۸۴ علوی گرگانی، محمد علی
- ۳۲۸۸ علوی گنابادی، سلمان
- ۳۲۸۹ علوی مقدم، محمد
- ۳۲۹۰ علوی مهر، حسین
- ۳۲۹۱ علوی نیا، سهراب
- ۳۲۹۳ علوی، حسن
- ۳۲۹۳ علوی، حسین
- ۳۲۹۴ علوی، خلیل
- ۳۲۹۴ علوی، سجاد
- ۳۲۹۵ علوی، سلیمان
- ۳۲۹۶ علوی، عبدالعلی
- ۳۲۹۶ علوی، محمدحسن
- ۳۲۹۷ علوی، مصطفی بن سید عقیل
- ۳۲۹۷ علوی، موسی
- ۳۲۹۸ علوی، کاظم
- ۳۲۹۸ علویان قوانینی، محمدرضا
- ۳۲۹۹ علویان، مرتضی
- ۳۳۰۰ علویجه‌ای، عباس علی
- ۳۳۰۰ علی اکبری، محمدحسین
- ۳۳۰۱ علی بابایی، احمد
- ۳۳۰۳ علی بن محمد باقر
- ۳۳۰۴ علی پور، حسین

- ۳۳۰۴ علی پور، مسیح
- ۳۳۰۵ علی عسگری، سعیدرضا
- ۳۳۰۶ علی محمدی، کریم
- ۳۳۰۶ علی نقی پور، احمد
- ۳۳۰۷ علیاری تبریزی، علی
- ۳۳۰۷ علیان، حسین
- ۳۳۰۸ علیان، حسین
- ۳۳۰۹ علیان‌سب، ضیاءالدین
- ۳۳۱۰ علی‌پور اصفهانی، پروین
- ۳۳۱۰ علی‌پور، اسکندر
- ۳۳۱۰ علیدوست، ابوالقاسم
- ۳۳۱۱ علیزاده آستاری، علی
- ۳۳۱۲ علیزاده، اکبراسد
- ۳۳۱۳ علیزاده، رضا
- ۳۳۱۳ علیزاده، علی اکبر
- ۳۳۱۴ علیزاده، غلامحسین
- ۳۳۱۴ علیک رازی، ابوالحسن علی
- ۳۳۱۵ علیم مروستی، غلامحسین
- ۳۳۱۵ علیمحمدی، علی
- ۳۳۱۵ علیمرادیان، عزیزالله
- ۳۳۱۶ عماد جوینی، شیخ الشیوخ، ابوالفتح عمر
- ۳۳۱۶ عماد خراسانی، نسرین دخت
- ۳۳۱۷ عماد فقیه کرمانی، عمادالدین علی
- ۳۳۱۸ عماد، علی

- ۳۳۱۹ عمادالدین
- ۳۳۱۹ عمادالدین کاتب اصفهانی، ابوعبدالله محمد
- ۳۳۲۰ عمادزاده‌ی اصفهانی، حسین
- ۳۳۲۱ عمادی چاچکامی، کمال الدین
- ۳۳۲۲ عمادی، محمد
- ۳۳۲۳ عمائی، صدیق
- ۳۳۲۳ عمرانی خوارزمی، ابوالحسن علی
- ۳۳۲۴ عمرانی، قاسمعلی
- ۳۳۲۴ عمرکی بوفکی نیشابوری، ابومحمد، عمران
- ۳۳۲۴ عمومی، محمد
- ۳۳۲۵ عمید زنجانی، عباسعلی
- ۳۳۲۶ عمید، حسن
- ۳۳۲۷ عمید، مسعود
- ۳۳۲۸ عمیدی سمرقندی، رکن الدین، ابوحامد محمد
- ۳۳۲۸ عمیدی، علی
- ۳۳۲۸ عمیری هروی، ابوعبدالله محمد
- ۳۳۲۹ عمیق، محسن
- ۳۳۲۹ عناصری، جابر
- ۳۳۳۱ عنبری اصفهانی، ابونھشل عبدالصمد
- ۳۳۳۲ عنبری اصفهانی، ابوھذیل زفر
- ۳۳۳۲ عنبری طوسی، ابواسحاق ابراهیم
- ۳۳۳۳ عنبری نیشابوری، ابوزکریا یحیی
- ۳۳۳۳ عنبریان
- ۳۳۳۴ عندلیبی، محمدتقی

- ۳۳۳۵ عنزی جرجانی، ابو عبدالله حسین
- ۳۳۳۵ عنقای شیرازی، محمد حسین
- ۳۳۳۵ عودی، ستار
- ۳۳۳۷ عوفی
- ۳۳۳۷ عوفی، نورالدین، سدیدالدین محمد
- ۳۳۳۸ عیار نیشابوری، ابو عثمان سعید
- ۳۳۳۹ عیاشی سمرقندی، ابوالنضر محمد
- ۳۳۳۹ عیسی بیک
- ۳۳۴۰ عیسی زاده، ولی الله
- ۳۳۴۱ عیسی لو، عبدالله
- ۳۳۴۲ عیسی نیا، رضا
- ۳۳۴۳ عین القضاة همدانی، ابوالمعالی، ابوالفضائل عبدالله
- ۳۳۴۴ عین الملک هویدا، حبیب الله
- ۳۳۴۵ غازی اصفهانی، ابونصر احمد
- ۳۳۴۵ غازی جرجانی، ابوالحسین محمد
- ۳۳۴۵ غانمی هروی، ابوالمحاسن مسعود
- ۳۳۴۶ غیرایی، فرهاد
- ۳۳۴۷ غروی اصفهانی، محمد حسین
- ۳۳۴۷ غروی بروجردی، محمد حسین
- ۳۳۴۸ غروی تبریزی، عبدالحسین
- ۳۳۴۹ غروی تبریزی، میرزا علی
- ۳۳۴۹ غروی تویسرکانی، احمد
- ۳۳۵۰ غروی علیاری، علی
- ۳۳۵۲ غروی، اسماعیل

- ۳۳۵۳ غروی، محمد
- ۳۳۵۴ غروی، محمدحسین
- ۳۳۵۵ غروی، محمود
- ۳۳۵۵ غروی، یدالله
- ۳۳۵۶ غرویان، محسن
- ۳۳۵۷ غزال زعفرانی اصفهانی، ابوعبدالله محمد
- ۳۳۵۷ غزالی بلخی، امیر اسلام
- ۳۳۵۸ غزالی طوسی، حجه‌الاسلام، زین‌الدین، ابوحامد محمد
- ۳۳۵۹ غزالی طوسی، مجدالدین، ابوالفتوح احمد
- ۳۳۶۰ غزالی، عبدالباقی
- ۳۳۶۰ غزنوی کاشانی، جمال‌الدین احمد
- ۳۳۶۰ غزنوی، ابوالقاسم محمود
- ۳۳۶۱ غزنوی، سراج‌الدین عمر
- ۳۳۶۲ غزنوی، ناصرالدین تاج‌الشریعه، ابوعلی عالی
- ۳۳۶۲ غزی سمرقندی، ابوالحسن علی
- ۳۳۶۲ غضبان اصفهانی، جعفر
- ۳۳۶۳ غضنفری امرایی، اسفندیار
- ۳۳۶۳ غضنفری، مهدی
- ۳۳۶۴ غطریفی جرجانی، ابواحمد محمد
- ۳۳۶۵ غفاری ساروی، حسین
- ۳۳۶۵ غفاری قزوینی، احمد
- ۳۳۶۶ غفاری مروزی، ابومحمد رجاء
- ۳۳۶۶ غفاری، ابوالحسن
- ۳۳۶۷ غفاری، حسین

- ۳۳۶۸ غفاری، وهرز
- ۳۳۶۹ غفاریان، اکبر
- ۳۳۶۹ غفرانی، محمد
- ۳۳۷۰ غفرانی، محمد
- ۳۳۷۱ غفوری، حبیب الله
- ۳۳۷۲ غفوری، محمد
- ۳۳۷۲ غفوری، محمدرضا
- ۳۳۷۳ غلام احمد
- ۳۳۷۳ غلام ثلعب باوردی، ابو عمر محمد
- ۳۳۷۴ غلام جمشیدی، محمدصادق
- ۳۳۷۴ غلام قاجار
- ۳۳۷۵ غلام محسن اصفهانی، ابوعلی احمد بن ابراهیم
- ۳۳۷۵ غلامرضایی، محمد
- ۳۳۷۶ غنجار بخاری، ابو عبدالله محمد
- ۳۳۷۶ غنجار بخاری ازرق، ابو احمد عیسی
- ۳۳۷۷ غندجانی اهوازی، ابو احمد عبدالوهاب
- ۳۳۷۷ غندجانی شیرازی، ابو محمد حسن
- ۳۳۷۷ غندر رازی، ابو الحسن محمد
- ۳۳۷۸ غنی، قاسم
- ۳۳۸۰ غنی‌زاده سلماسی، محمود
- ۳۳۸۱ غورجی هروی، ابو بکر احمد
- ۳۳۸۱ غیاث طبیب، غیاث‌الدین محمد
- ۳۳۸۱ غیائی طرزی، محمدرضا
- ۳۳۸۲ غیائی، محمدتقی

- ۳۳۸۲ غیلان
- ۳۳۸۳ فاتحی بروجنی، ایرج
- ۳۳۸۳ فارابی، ابونصر اسماعیل
- ۳۳۸۳ فارابی، ابونصر محمد
- ۳۳۸۶ فارابی، اسحق
- ۳۳۸۶ فارسانی مالکی، منصور
- ۳۳۸۷ فارسی ابوالخیر، تقی‌الدین محمد، محمدتقی
- ۳۳۸۷ فارسی فسوی، ابوالقاسم زید
- ۳۳۸۸ فارسی مهر، مهدی
- ۳۳۸۸ فارسی نیشابوری، ابوالحسن عبدالغافر
- ۳۳۸۹ فارسی نیشابوری، ابوالحسین عبدالغافر
- ۳۳۸۹ فارسی، ابوالعلاء
- ۳۳۹۰ فارسی، ابوعلی
- ۳۳۹۰ فارسی، فاطمه
- ۳۳۹۰ فارسیجانی، پرویز
- ۳۳۹۱ فارفانی‌ی اصفهانی، عقیفه
- ۳۳۹۱ فارمدی طوسی خراسانی، ابوعلی فضل
- ۳۳۹۲ فاضل اردکانی، حسین
- ۳۳۹۲ فاضل استرآبادی، محمد
- ۳۳۹۳ فاضل ایروانی، محمد
- ۳۳۹۳ فاضل بخشایش، جواد
- ۳۳۹۴ فاضل بسطامی، نوروز علی
- ۳۳۹۵ فاضل جم، حسین
- ۳۳۹۵ فاضل شرابیانی، محمد

- ۳۳۹۶ فاضل قائینی، محمد
- ۳۳۹۷ فاضل قندهاری، عبدالله
- ۳۳۹۸ فاضل لاریجانی، جواد
- ۳۳۹۸ فاضل لنکرانی، محمد
- ۳۴۰۱ فاضل لنکرانی، محمدجواد
- ۳۴۰۲ فاضل مراغی، احمد
- ۳۴۰۲ فاضل میبیدی، محمدتقی
- ۳۴۰۳ فاضل هرنندی، محی‌الدین
- ۳۴۰۵ فاضل همدانی، یحیی
- ۳۴۰۶ فاضل هندی، بهاء‌الدین محمد
- ۳۴۰۶ فاضل، ایرج
- ۳۴۰۷ فاضل، حسن
- ۳۴۰۷ فاضل، محمدهادی
- ۳۴۰۸ فاضل‌زاده بدیع شیرازی، عباس
- ۳۴۰۸ فاضلی، احمد
- ۳۴۰۹ فاضلی، رضا
- ۳۴۰۹ فاضلی، قادر
- ۳۴۱۰ فاضلی، محمد
- ۳۴۱۰ فاضلی، محمدرضا
- ۳۴۱۱ فاطمی ابهری، محمد
- ۳۴۱۱ فاطمی جهرمی، ابوالقاسم
- ۳۴۱۲ فاطمی، حسن
- ۳۴۱۳ فاطمی، ولی
- ۳۴۱۳ فاکر، محمدرضا

- ۳۴۱۵ فال اسیری شیرازی، علی اکبر
- ۳۴۱۵ فالی خوزستانی، ابوالحسن، ابوالحسین مؤدب علی
- ۳۴۱۵ فالی، حسام‌الدین
- ۳۴۱۶ فامی قزوینی، ابوداود سلیمان
- ۳۴۱۶ فامی هروی، ابوصابر عبدالصبور
- ۳۴۱۷ فامی هروی، ابومحمد عبدالجلیل
- ۳۴۱۷ فامی هروی، ثقه‌الدین ابونصر، ابونصر عبدالرحمان
- ۳۴۱۷ فامی شیرازی، ابومحمد عبدالوهاب بن محمد بن عبدالوهاب
- ۳۴۱۸ فانی اصفهانی، علی
- ۳۴۱۹ فانی خوارزمی، کمال‌الدین حسین
- ۳۴۱۹ فانی یزدی، حسن، محمد حسن
- ۳۴۲۰ فانی، کامران
- ۳۴۲۲ فائزی، محمد
- ۳۴۲۳ فتال نیشابوری، ابوعلی، ابوجعفر محمد
- ۳۴۲۳ فتحی، علی
- ۳۴۲۴ فتونی عاملی نباطی اصفهانی، ابوالحسن علی
- ۳۴۲۵ فخر داعی
- ۳۴۲۶ فخر رازی، فخرالدین ابوعبدالله، ابوالمعالی، ابوالفضل محمد
- ۳۴۲۷ فخر فارسی، فخرالدین ابوعبدالله محمد
- ۳۴۲۸ فخرالاسلام ارومی
- ۳۴۲۸ فخرالدین محمد
- ۳۴۲۸ فخرالمحققین، محمد
- ۳۴۲۹ فخرایی، سید حسین
- ۳۴۲۹ فخرطباطبائی، علی

- ۳۴۳۰ فخری هروی، محمد
- ۳۴۳۰ فدایی آستانی، اسماعیل
- ۳۴۳۱ فدایی یزدی، یحیی
- ۳۴۳۱ فدشکوئی فسائی، کمال
- ۳۴۳۱ فدشکوئی فسائی، محمد مسیح
- ۳۴۳۱ فراء همدانی، ابوعمران موسی
- ۳۴۳۲ فراء، ابومحمد حسین
- ۳۴۳۲ فراشبندی، علیمراد
- ۳۴۳۲ فرامرزی، احمد
- ۳۴۳۳ فرامرزی، عبدالرحمان
- ۳۴۳۴ فراهانی کمره‌ای، علی
- ۳۴۳۵ فربود، عبدالرسول
- ۳۴۳۵ فرجی سلطان آبادی، علی اکبر
- ۳۴۳۵ فرخ خراسانی، محمود
- ۳۴۳۶ فرخ، علی
- ۳۴۳۷ فرخ، مهدی
- ۳۴۳۹ فرخ‌نیا، فهیمه
- ۳۴۴۰ فردوسی فراهانی، اسماعیل
- ۳۴۴۰ فردید، احمد
- ۳۴۴۱ فرزاد، احمد
- ۳۴۴۲ فرزاد، مسعود
- ۳۴۴۳ فرزام، حمید
- ۳۴۴۵ فرزانی، بیژن
- ۳۴۴۶ فرزاد بیرجندی، محمد

- ۳۴۴۷ فرزانه، حافظ
- ۳۴۴۸ فرزانه، هادی
- ۳۴۴۸ فرساد یزدی، محمود مجد
- ۳۴۴۹ فرسام، حسن
- ۳۴۴۹ فرشاد، فریدون
- ۳۴۵۰ فرشته استرآبادی، محمد قاسم
- ۳۴۵۰ فرشته خوسفی قائنی، محمد
- ۳۴۵۰ فرشته، محمدتقی
- ۳۴۵۱ فرشچیان، فضل‌الله
- ۳۴۵۱ فرشیدورد، خسرو
- ۳۴۵۱ فرقانی‌زاده، جعفر
- ۳۴۵۲ فرمانیان، مهدی
- ۳۴۵۲ فرمند، مهدی
- ۳۴۵۳ فروتن، حسین
- ۳۴۵۳ فروزانفر خراسانی، بدیع الزمان محمد حسن
- ۳۴۵۴ فروزانی، مینودخت
- ۳۴۵۵ فروزنده، اقدس
- ۳۴۵۵ فروزنده، بهرام
- ۳۴۵۶ فروزین، طهمورث
- ۳۴۵۶ فروشانی سدهی، محمد باقر
- ۳۴۵۶ فروغ، مهدی
- ۳۴۵۷ فروغی اصفهانی، ابوالحسن
- ۳۴۵۹ فروغی نژاد، عبدالله
- ۳۴۶۰ فروغی، حسن

- ۳۴۶۲ فروغی، محمد حسین
- ۳۴۶۳ فروغی، محمد علی ذکاءالملک
- ۳۴۶۸ فروغی، نعمت الله
- ۳۴۶۸ فره وشى، بهرام
- ۳۴۶۹ فره وشى، على محمد
- ۳۴۷۰ فرهاد، رضا
- ۳۴۷۰ فرهاد، مجید
- ۳۴۷۰ فرهاد، محمد
- ۳۴۷۱ فرهادی، محمد
- ۳۴۷۲ فرهادیان، رضا
- ۳۴۷۳ فرهنگ شیرازی، ابوالقاسم
- ۳۴۷۴ فرهنگ، ناصرالدین
- ۳۴۷۵ فرهنگیان آستیم، محمد
- ۳۴۷۶ فرهودی، ابوالحسن
- ۳۴۷۶ فرهودی، حسین
- ۳۴۷۷ فرهودی، محمود
- ۳۴۷۸ فرهی، عزت‌الله
- ۳۴۷۸ فرهی، فرج‌الله
- ۳۴۷۸ فریابی، ابوبکر جعفر
- ۳۴۷۹ فریار، عبدالله
- ۳۴۸۰ فریب اصفهانی، عبدالغفار
- ۳۴۸۰ فرید پاک، فرهاد
- ۳۴۸۱ فرید حسینی، رضا
- ۳۴۸۱ فرید گلپایگانی، حسن

- ۳۴۸۲ فرید محسنی نجفی، حسن
- ۳۴۸۳ فرید معیر، حسین
- ۳۴۸۴ فرید، جواد
- ۳۴۸۴ فریدالدین
- ۳۴۸۵ فریدن اصفهانی، رحمت‌الله
- ۳۴۸۵ فریدنی، محمد صالح
- ۳۴۸۶ فریدونی، هورچیترا
- ۳۴۸۶ فزاری مروزی، ابوالموجه محمد
- ۳۴۸۶ فزونی استرآبادی، محمدهاشم
- ۳۴۸۷ فسایی فارسی، ابراهیم
- ۳۴۸۷ فسایی، حسن حسینی
- ۳۴۸۸ فسایی، کمال الدین محمد
- ۳۴۸۹ فسائی، ابراهیم
- ۳۴۸۹ فسوی شیرازی، ابراهیم
- ۳۴۸۹ فسوی شیرازی، کمال الدین حسین
- ۳۴۹۰ فسوی فارسی، ابوالحسن علی
- ۳۴۹۰ فسوی فارسی، ابویوسف یعقوب
- ۳۴۹۱ فشارکی اصفهانی، محمد
- ۳۴۹۱ فشارکی، رحیم
- ۳۴۹۱ فشارکی، محمد
- ۳۴۹۲ فشارکی، محمد حسین
- ۳۴۹۳ فشارکی، محمدباقر
- ۳۴۹۴ فشید یزجی نسفی بخاری، ابوعلی حسین
- ۳۴۹۴ فصیح خوافی، احمد

- ۳۴۹۵ فصیح، اسماعیل
- ۳۴۹۶ فصیحی، ابوالحسن
- ۳۴۹۷ فضل اصفهانی، امین‌الدین، ابوالخیر فضل‌الله
- ۳۴۹۸ فضلک صائغ رازی، ابوبکر فضل
- ۳۴۹۸ فضلی‌بزاز، صدیقه
- ۳۴۹۹ فضیل عیاض، شیخ‌الاسلام، ابوعلی فضیل
- ۳۵۰۰ فضیلی هروی، ابوالضل محمد
- ۳۵۰۰ فضیلی هروی، ابوعاصم فضیل
- ۳۵۰۰ فغفور لاهیجی، محمد حسین
- ۳۵۰۱ فقهی، محمود
- ۳۵۰۳ فقیری، محمدصاق
- ۳۵۰۴ فقیه ایمانی، محمدباقر
- ۳۵۰۷ فقیه دزفولی، اسدالله
- ۳۵۰۷ فقیه دزفولی، محمدرضا
- ۳۵۰۸ فقیه رضوی، عباس
- ۳۵۰۸ فقیه سبزواری، حسین
- ۳۵۰۹ فقیه قمی، مرتضی
- ۳۵۱۰ فقیه، اسماعیل
- ۳۵۱۱ فقیه، محسن
- ۳۵۱۱ فقیهه، فاطمه
- ۳۵۱۲ فقیهی بروجردی، عبدالله
- ۳۵۱۲ فقیهی حکم‌آبادی، محمد
- ۳۵۱۳ فقیهی رشتی، عبدالحسین
- ۳۵۱۴ فقیهی، علی اصغر

- ۳۵۱۴ فقیهی، محمدتقی
- ۳۵۱۵ فقیهی، محمدرضا
- ۳۵۱۶ فکری ارشاد، جهانگیر
- ۳۵۱۷ فکری فلاح، جعفر
- ۳۵۱۷ فکور یزدی، محمد
- ۳۵۱۸ فکور، محمدحسین
- ۳۵۱۸ فگار شیرازی، لطفعلی
- ۳۵۱۹ فلاح تفتی، محمدرضا
- ۳۵۱۹ فلاح رزومی، علی
- ۳۵۲۰ فلاح زاده، حسین
- ۳۵۲۱ فلاح زاده، محمدحسین
- ۳۵۲۱ فلاح شیروانی، محمدرضا
- ۳۵۲۳ فلاح نژاد، عبدالحمید
- ۳۵۲۳ فلاح، حسن
- ۳۵۲۴ فلاح، محمد
- ۳۵۲۵ فلاحتی، احمدحسین
- ۳۵۲۶ فلاحتی، رسول
- ۳۵۲۷ فلاحی، محمد
- ۳۵۲۸ فلاطوری، جواد
- ۳۵۲۹ فلامرزیان، محمود
- ۳۵۲۹ فلسفی شیرازی، هدایت‌الله
- ۳۵۲۹ فلسفی کازرونی، محمد
- ۳۵۲۹ فلسفی نایینی حسینی، حسنعلی
- ۳۵۳۰ فلسفی، علی

- ۳۵۳۰ فلسفی، محمد تقی
- ۳۵۳۳ فلسفی، نصرالله
- ۳۵۳۶ فلسفیان، عبدالمجید
- ۳۵۳۷ فلکی شروانی، نجم‌الدین
- ۳۵۳۷ فلکی نیشابوری خوارزمی، ابوالمظفر سعید
- ۳۵۳۸ فلکی همدانی، ابوالفضل علی
- ۳۵۳۸ فناکی رازی، ابوالقاسم جعفری
- ۳۵۳۸ فنایی اشکوری، محمد
- ۳۵۳۹ فنایی نعمت سرا، هادی
- ۳۵۴۰ فنجکردی نیشابوری، ابوالحسن علی
- ۳۵۴۰ فندرستی، ابوطالب
- ۳۵۴۰ فورانی مروزی، ابوالقاسم عبدالرحمان
- ۳۵۴۱ فورجه اصفهانی، ابوالقاسم محمود
- ۳۵۴۱ فولادوند، بهزاد
- ۳۵۴۲ فولادوند، عزت الله
- ۳۵۴۳ فولادوند، محمد مهدی
- ۳۵۴۴ فومنی، علی
- ۳۵۴۵ فهیم، مرتضی
- ۳۵۴۵ فهیمی، عزیزالله
- ۳۵۴۶ فیاض سرخه دیزجی زنجانی
- ۳۵۴۶ فیاض لاهیجی قمی، عبدالرزاق
- ۳۵۴۷ فیاض، احمد
- ۳۵۴۸ فیاض، محمد
- ۳۵۵۰ فیاضی، غلامرضا

- ۳۵۵۱ فیروزآبادی
- ۳۵۵۱ فیروزآبادی شیرازی نجفی، مرتضی
- ۳۵۵۲ فیروزآبادی شیرازی، جمال‌الدین، ابواسحاق ابراهیم
- ۳۵۵۲ فیروزآبادی یزدی نجفی، محمد
- ۳۵۵۳ فیروزآبادی، رضا
- ۳۵۵۵ فیروزآبادی، مجدالدین، ابوطاهر محمد
- ۳۵۵۵ فیروزآبادی، محمد
- ۳۵۵۶ فیروزآبادی، مرتضی
- ۳۵۵۶ فیروزآبادی، یعقوب
- ۳۵۵۷ فیروزکوهی، عبدالرسول
- ۳۵۵۷ فیروزمهر، محمد مهدی
- ۳۵۵۸ فیض الاسلام، علینقی
- ۳۵۵۹ فیض دزفولی، فخرالدین
- ۳۵۶۰ فیض کاشانی، محسن
- ۳۵۶۲ فیض مرندی، مقصود
- ۳۵۶۲ فیض، علیرضا
- ۳۵۶۳ فیض، محمدعلی
- ۳۵۶۴ فیلسوف‌الدوله، عبدالحسین
- ۳۵۶۵ قائنی شیرازی، حبیب‌الله
- ۳۵۶۶ قابل، هادی
- ۳۵۶۷ قادری سهی، بهزاد
- ۳۵۶۹ قادری، عاصم
- ۳۵۶۹ قاری اصفهانی، طاهر
- ۳۵۷۰ قاری رمجاری نیشابوری، ابومحمد اسماعیل

- ۳۵۷۰ قاری هروی، نورالدین علی
- ۳۵۷۱ قاری، محمد
- ۳۵۷۱ قاری، محمد حسن
- ۳۵۷۱ قاسم‌زاده، حبیب‌الله
- ۳۵۷۲ قاسم‌لو خویی، یعقوب
- ۳۵۷۳ قاسمی کوخمیثنی سمرقندی، ابومحمد حسن
- ۳۵۷۳ قاسمی، احمد
- ۳۵۷۴ قاسمی، حسین
- ۳۵۷۴ قاسمی، علی محمد
- ۳۵۷۵ قاصر زهانی قابنی، محمد حسین
- ۳۵۷۵ قاضی اصفهانی، ابوطالب محمود
- ۳۵۷۶ قاضی الحرمین نیشابوری، ابو حسین
- ۳۵۷۶ قاضی القضاة همدانی اسدآبادی، ابوالحسن، ابوالحسین عبدالجبار
- ۳۵۷۷ قاضی تبریزی، حسین
- ۳۵۷۷ قاضی جرجانی، ابونعیم فضل
- ۳۵۷۷ قاضی حسین مررودی، ابوعلی حسین
- ۳۵۷۸ قاضی رئیس نسوی، ابوعمرو، ابوعمر محمد
- ۳۵۷۸ قاضی زاده، کاظم
- ۳۵۷۹ قاضی زاهدی، ابراهیم
- ۳۵۸۰ قاضی زاهدی، عباسعلی
- ۳۵۸۲ قاضی سعید، محمد
- ۳۵۸۲ قاضی سعیدی، کبری
- ۳۵۸۳ قاضی سعیدی، کیومرث
- ۳۵۸۴ قاضی صاعد استوایی نیشابوری، ابوالعلاء صاعد

- ۳۵۸۴ قاضی طباطبایی، باقر
- ۳۵۸۵ قاضی طباطبایی، حسن
- ۳۵۸۵ قاضی طباطبایی، محمدعلی
- ۳۵۸۹ قاضی عسکر، علی
- ۳۵۹۰ قاضی عسکر، محمد حسن
- ۳۵۹۰ قاضی فضل خنجی اصفهانی
- ۳۵۹۱ قاضی کمره‌ای، جعفر
- ۳۵۹۱ قاضی نوری، احمد
- ۳۵۹۲ قاضی یزدی
- ۳۵۹۲ قاضی، باقر
- ۳۵۹۳ قاضی، زاهدی
- ۳۵۹۳ قاضی، علی آقا
- ۳۶۰۰ قاضی، محسن
- ۳۶۰۰ قاضی، نعمت‌الله
- ۳۶۰۱ قاضی خان اوزجندی فرغانی، فخرالدین، ابوالمحاسن حسن
- ۳۶۰۱ قاضی‌زاده کرهرودی، علاءالدین عبدالخالق
- ۳۶۰۱ قاضی‌زاده‌ی اردبیلی، ظهیرالدین کبیر
- ۳۶۰۲ قاضی‌زاده‌ی خوارزمی، شمس‌الدین احمد
- ۳۶۰۲ قاضی، حسین
- ۳۶۰۳ قاضی اصفهانی، خلیل، محمد خلیل
- ۳۶۰۴ قاضی خراسانی، ابوطالب
- ۳۶۰۴ قاضی خراسانی، حسن
- ۳۶۰۵ قاضی، ابوالحسن محمد
- ۳۶۰۵ قاضی، ابوالقاسم جنید

- ۳۶۰۶ قاینی، ابوتراب
- ۳۶۰۶ قاینی، ابوشریف محمد
- ۳۶۰۶ قاینی، احمد
- ۳۶۰۷ قاینی، جلال‌الدین جلال
- ۳۶۰۷ قاینی، خلیل
- ۳۶۰۸ قاینی، زین‌العابدین
- ۳۶۰۸ قاینی، سبحانعلی
- ۳۶۰۹ قاینی، ضیاء‌الدین، ابومحمد فضل
- ۳۶۰۹ قاینی، علی
- ۳۶۰۹ قاینی، علی‌اکبر
- ۳۶۱۰ قاینی، علینقی
- ۳۶۱۰ قاینی، محتشم
- ۳۶۱۰ قاینی، محمد حسن
- ۳۶۱۱ قاینی، محمد حسین
- ۳۶۱۱ قاینی، میرک
- ۳۶۱۱ قائم‌مقامی، باقر
- ۳۶۱۲ قائم‌مقامی، جهانگیر
- ۳۶۱۳ قائم‌مقام فراهانی، ابوالقاسم
- ۳۶۱۵ قائم‌مقام فراهانی، عیسی
- ۳۶۱۵ قائم‌مقامی تبریزی، هادی
- ۳۶۱۶ قائم‌مقامی هزاوه، محمدامین
- ۳۶۱۷ قائم‌مقامی، احمد
- ۳۶۱۷ قائم‌مقامی، رضا قلی
- ۳۶۱۸ قائم‌مقامی، عالم‌تاج

- ۳۶۲۰ قائمی مقدم، محمدرضا
- ۳۶۲۱ قائمی نیا، علیرضا
- ۳۶۲۱ قائمی، ابوالقاسم
- ۳۶۲۲ قائمیان، حسن
- ۳۶۲۲ قائنی، ابوطالب
- ۳۶۲۳ قائنی، اسماعیل
- ۳۶۲۳ قائنی، عبدالرزاق
- ۳۶۲۳ قائنی، علی
- ۳۶۲۴ قائنی، محمدحسین
- ۳۶۲۵ قائنی، محمدعلی
- ۳۶۲۵ قربانی نیشابوری، ابوعلی حسین
- ۳۶۲۵ قبیسی، هادی
- ۳۶۲۶ قدرتی، حسینعلی
- ۳۶۲۶ قدسی، حسن
- ۳۶۲۷ قدسی، عبدالحسین
- ۳۶۲۷ قدسی، مهدی
- ۳۶۲۸ قدوسی، احمد
- ۳۶۲۹ قدیری، محمدحسن
- ۳۶۳۰ قراب سرخسی هروی
- ۳۶۳۰ قراب سرخسی هروی، ابویعقوب اسحاق
- ۳۶۳۱ قراجه داغی، جعفر
- ۳۶۳۱ قراجه‌داغی، جعفر
- ۳۶۳۱ قربان نیا، ناصر
- ۳۶۳۲ قربانی ثمین، مهدی

- ۳۶۳۳ قربانی، ابوالقاسم
- ۳۶۳۳ قربانی، علی اصغر
- ۳۶۳۵ قربانی، ولی الله
- ۳۶۳۶ قربانیان، محمد
- ۳۶۳۶ قرشی هروی، ابوعثمان سعید
- ۳۶۳۶ قرشی، جمال‌الدین، ابوالفضل محمد
- ۳۶۳۷ قرشی، مجتبی
- ۳۶۳۸ قرقره‌چی، علی
- ۳۶۳۹ قرنی، علی
- ۳۶۴۰ قره چانلو، حسین
- ۳۶۴۱ قره‌باغیان، مهین
- ۳۶۴۱ قره‌بیگلو، فیروز
- ۳۶۴۲ قریب، محمد
- ۳۶۴۳ قریب گرکانی، عبدالعظیم
- ۳۶۴۴ قریب، ایرج
- ۳۶۴۴ قریب، بدرالزمان
- ۳۶۴۷ قریب، رضا
- ۳۶۴۸ قریب، ضیاءالدین
- ۳۶۴۸ قریشی کوه کمره ای، عبداللطیف
- ۳۶۴۹ قزانلو، جمیل
- ۳۶۵۰ قزل ایاغ، حسینقلی
- ۳۶۵۰ قزوینی اصفهانی، محمد ابراهیم
- ۳۶۵۱ قزوینی آملی، ابوالفرج محمد
- ۳۶۵۱ قزوینی حلی نجفی، معزالدین محمد مهدی

- ۳۶۵۲ قزوینی حلی، ابوالمعز محمد
- ۳۶۵۲ قزوینی حلی، ابوموسی، ابوالهادی، جعفر
- ۳۶۵۳ قزوینی قمی، زکریا
- ۳۶۵۳ قزوینی قوام الدین، محمد
- ۳۶۵۴ قزوینی یزدی، عبدالنبی
- ۳۶۵۴ قزوینی، ابوالحسن
- ۳۶۵۴ قزوینی، ابوالقاسم
- ۳۶۵۵ قزوینی، ابوتراب
- ۳۶۵۵ قزوینی، اسماعیل
- ۳۶۵۵ قزوینی، آمنه
- ۳۶۵۶ قزوینی، باقر
- ۳۶۵۶ قزوینی، بهاءالدین، ابومحمد طاهر
- ۳۶۵۶ قزوینی، تاج‌الدین، ابوالحسن علی
- ۳۶۵۷ قزوینی، حمزه علی
- ۳۶۵۷ قزوینی، خلیل
- ۳۶۵۷ قزوینی، سراج‌الدین، تاج‌الدین، ابوحفص عمر
- ۳۶۵۸ قزوینی، شرف‌الدین
- ۳۶۵۸ قزوینی، شمس‌الدین، ابوالرضا، ابوالمظفر حامد
- ۳۶۵۸ قزوینی، عارف
- ۳۶۶۱ قزوینی، عمادالدین، ابوعبدالله زکریا
- ۳۶۶۲ قزوینی، فاطمه
- ۳۶۶۲ قزوینی، فضل علی
- ۳۶۶۳ قزوینی، مجتبی
- ۳۶۶۴ قزوینی، محمد

- ۳۶۶۷ قزوینی، محمد معصوم
- ۳۶۶۷ قزوینی، محمدجعفر
- ۳۶۶۸ قزوینی، محمدحسین
- ۳۶۶۸ قزوینی، محمدصادق
- ۳۶۶۸ قزوینی، محمدکاظم
- ۳۶۶۹ قزوینی، میرزا محمد طاهر
- ۳۶۷۲ قزوینی، نجم‌الدین عبدالغفار
- ۳۶۷۲ قزوینی، هاشم
- ۳۶۷۳ قسملی خراسانی مروزی، ابوزید عبدالعزیز
- ۳۶۷۳ قشقاوی، هادی
- ۳۶۷۴ قشقایی، جهانگیر
- ۳۶۷۵ قشقائی، جهانگیر
- ۳۶۷۵ قشیری نیشابوری، ابوالقاسم، زین الاسلام، عبدالکریم
- ۳۶۷۶ قشیری نیشابوری، ابوحسین مسلم
- ۳۶۷۷ قصار نیشابوری، ابوصالح حمدون
- ۳۶۷۷ قصری زاده، منصور
- ۳۶۷۹ قصری، ابوغانم عبدالرحیم
- ۳۶۷۹ قصیر رضوی، محمد
- ۳۶۸۰ قضائی، صمد
- ۳۶۸۰ قطاعی شیرازی، محمدطاهر
- ۳۶۸۱ قطان قزوینی، ابوالحسن علی
- ۳۶۸۱ قطان مروزی، عین الزمان، ابوعلی حسن
- ۳۶۸۲ قطان نیشابوری، ابوبکر محمد
- ۳۶۸۲ قطب رازی، قطب‌الدین، ابوجعفر محمد

- ۳۶۸۳ قطب راوندی، قطب‌الدین، ابوالحسن، سعید
- ۳۶۸۴ قطب نیریزی، محمد
- ۳۶۸۵ قطب‌الدین شیرازی، ابوالثناء محمود
- ۳۶۸۶ قطب‌الدین طریثینی نیشابوری، ابوالمعالی مسعود
- ۳۶۸۶ قطب‌الدین کیدری نیشابوری، ابوالحسن محمد
- ۳۶۸۷ قطب‌الدین لاهیجی، محمد
- ۳۶۸۷ قطب‌الزمان
- ۳۶۸۸ قطبی اهری، ابوبکر
- ۳۶۸۸ قطیفی، احمد
- ۳۶۸۸ قفال مروزی خراسانی، ابوبکر عبدالله
- ۳۶۸۹ قفقازی، تقی
- ۳۶۸۹ قنلسی بلخی، آدم
- ۳۶۸۹ قلمبر، محمدعلی
- ۳۶۹۰ قلی بیگیان، مرتضی
- ۳۶۹۱ قلی زاده مشکول، مجتبی
- ۳۶۹۲ قلی‌زاده، احمدرضا
- ۳۶۹۲ قمرزاده، مرتضی
- ۳۶۹۳ قمری بخاری، ابومنصور حسن
- ۳۶۹۳ قمشه ای، احمدرضا
- ۳۶۹۵ قمشه‌ای کبیر، محمدحسین
- ۳۶۹۵ قمشه‌ای نجفی، محمد حسین
- ۳۶۹۶ قمشه‌ای، محمدحسین
- ۳۶۹۶ قمی ابواسحاق، ابراهیم
- ۳۶۹۶ قمی طباطبائی، باقر

- ۳۶۹۷ قمی طباطبائی، تقی
- ۳۶۹۷ قمی لاهوری، ابوالقاسم بن حسن
- ۳۶۹۸ قمی مشهدی، محمد
- ۳۶۹۸ قمی، ابوالعباس عبدالله
- ۳۶۹۹ قمی، ابوالقاسم سعد
- ۳۶۹۹ قمی، ابوطالب
- ۳۷۰۰ قمی، تقی
- ۳۷۰۰ قمی، جواد
- ۳۷۰۱ قمی، سعید
- ۳۷۰۱ قمی، عباس
- ۳۷۰۳ قمی، عبدالله
- ۳۷۰۳ قمی، غلامعلی
- ۳۷۰۴ قمی، فیض
- ۳۷۰۴ قمی، محسن
- ۳۷۰۵ قمی، محمد بن رضا
- ۳۷۰۵ قمی، محمد طاهر
- ۳۷۰۶ قمی، محمدرضا
- ۳۷۰۶ قمی، محمدطاهر
- ۳۷۰۷ قمی، محمدعلی
- ۳۷۰۷ قمی، محمود
- ۳۷۰۸ قمیشه‌ای، ابوالفتوح
- ۳۷۰۸ قمیشه‌ای، مفیدالله
- ۳۷۰۸ قنادی، صالح
- ۳۷۰۹ قناعت باجگیران، جواد

- ۳۷۱۰ قنبرپور، علیرضا
- ۳۷۱۰ قنبرپور قوچانی، علیرضا
- ۳۷۱۱ قندوزی بلخی، سلیمان
- ۳۷۱۱ قندی، شهریار
- ۳۷۱۱ قندیها، احد
- ۳۷۱۲ قوام الدین کرمانی، ابومحمد، ابوالفتح مسعود
- ۳۷۱۲ قوام السنه اصفهانی، ابوالقاسم اسماعیل
- ۳۷۱۳ قوام، احمد
- ۳۷۲۳ قوام، فرخ
- ۳۷۲۴ قوام الشریعه، محمدحسن
- ۳۷۲۴ قوامزاده، اردشیر
- ۳۷۲۵ قوامی، تقی
- ۳۷۲۵ قوامی، صمصام الدین
- ۳۷۲۷ قوامی، فرخ‌الدین
- ۳۷۲۷ قوجقی، امان
- ۳۷۲۸ قوچانی، عباس
- ۳۷۲۸ قوشچی سمرقندی، علاءالدین علی
- ۳۷۲۹ قوکاسیان، هراند
- ۳۷۳۰ قومسانی همدانی، ابوالفضل محمد
- ۳۷۳۰ قومسانی همدانی، ابومنصور محمد
- ۳۷۳۱ قویمی، مهوش
- ۳۷۳۱ قهپایی، زکی‌الدین، عنایت‌الله
- ۳۷۳۲ قهپایی، قاسم
- ۳۷۳۲ قهپائی، محمد قاسم

- ۳۷۳۳ قهرمان، آنالیزه
- ۳۷۳۳ قهرمانی نژاد، بهاء‌الدین
- ۳۷۳۴ قهرمانی، ساسان
- ۳۷۳۴ قهرمانی، شرف‌الدین
- ۳۷۳۵ قهستانی الاصم، ابوقریش محمد
- ۳۷۳۵ قهستانی، ابوجعفر محمد
- ۳۷۳۶ قهستانی، ابوسلیمان زافر
- ۳۷۳۶ قهستانی، ابوعبدالله حسین
- ۳۷۳۷ قهستانی، شمس‌الدین محمد
- ۳۷۳۷ قهندزی، ابومحمد عبدالرحمان
- ۳۷۳۷ قیسی طوسی، ابوالحسن محمد
- ۳۷۳۸ قیسی نیشابوری، ابوبکر عبدالصمد
- ۳۷۳۸ قیوم زاده، محمود
- ۳۷۳۹ قیومی، محمدباقر
- ۳۷۴۰ کابلی اصفهانی، ابوبکر محمد
- ۳۷۴۰ کابلی، ابوعبدالله محمد
- ۳۷۴۰ کاتب بلخی، ازهر
- ۳۷۴۱ کاتبی قزوینی، علی
- ۳۷۴۱ کاتبی، حسینقلی
- ۳۷۴۲ کاتوزیان، محمد علی
- ۳۷۴۳ کاجری، ابواحمد محمد
- ۳۷۴۳ کاجری، ابوسلمه احمد
- ۳۷۴۳ کاجری، ابومحمد عبدالرحمان
- ۳۷۴۴ کاخکی، احمد

- ۳۷۴۴ کاخی، احمد
- ۳۷۴۵ کار، محمد
- ۳۷۴۵ کاردن سلمانی، رضا
- ۳۷۴۶ کارکیا لاهیجی، حسام‌الدین
- ۳۷۴۶ کارنگ، عبدالعی
- ۳۷۴۶ کازرونی فارسی، ابوعمر عبدالواحد
- ۳۷۴۷ کازرونی مکی، جمال‌الدین محمد
- ۳۷۴۷ کازرونی، ابوالسعود محمد
- ۳۷۴۷ کازرونی، ابوبکر محمد
- ۳۷۴۸ کازرونی، ابو عبدالله محمد
- ۳۷۴۸ کازرونی، ابوعمر عبدالملک
- ۳۷۴۹ کازرونی، تاج‌الدین، ابوالبرکات محمد
- ۳۷۴۹ کازرونی، عبدالسلام
- ۳۷۴۹ کازرونی، عقیف‌الدین سعید
- ۳۷۵۰ کازرونی، منصور
- ۳۷۵۰ کازقی، ابوسهل احمد
- ۳۷۵۰ کاسکانی، ابومحمد عبدالله
- ۳۷۵۱ کاسمی ساروی تهرانی، نصرت‌الله
- ۳۷۵۱ کاسنی نسفی، ابونصر احمد
- ۳۷۵۲ کاشانی غروی، محمد
- ۳۷۵۲ کاشانی نجفی، ابوالقاسم
- ۳۷۵۳ کاشانی نجفی، احمد فیضی
- ۳۷۵۴ کاشانی نجفی، مصطفی
- ۳۷۵۴ کاشانی، ابوالحسن

- ۳۷۵۵ کاشانی، ابوالقاسم
- ۳۷۵۷ کاشانی، ابوبکر
- ۳۷۵۸ کاشانی، باقر
- ۳۷۵۸ کاشانی، جمال‌الدین، ابوالقاسم عبدالله
- ۳۷۵۸ کاشانی، حبیب‌الله
- ۳۷۶۰ کاشانی، حبیب‌الله
- ۳۷۶۰ کاشانی، عبدالحسین
- ۳۷۶۰ کاشانی، عبدالرزاق
- ۳۷۶۳ کاشانی، عبدالله
- ۳۷۶۳ کاشانی، عبدالمطلب
- ۳۷۶۳ کاشانی، علم‌الهدی
- ۳۷۶۴ کاشانی، علی
- ۳۷۶۵ کاشانی، علی‌اکبر
- ۳۷۶۶ کاشانی، فاطمه
- ۳۷۶۷ کاشانی، فتح‌الله
- ۳۷۶۷ کاشانی، مجدالدین محمد
- ۳۷۶۸ کاشانی، محمد حسن
- ۳۷۶۸ کاشانی، محمدحسن
- ۳۷۶۸ کاشانی، محمدرضا
- ۳۷۶۹ کاشانی، مصطفی
- ۳۷۶۹ کاشف‌الغطاء
- ۳۷۷۰ کاشفی سبزواری هروی، معین‌الدین، حسین
- ۳۷۷۱ کاشی، بهاء‌الدین
- ۳۷۷۱ کاشی، حسین

- ۳۷۷۲ کاشی، عمادالدین یحیی
- ۳۷۷۲ کاشی، کمال‌الدین، ابوالغنائم عبدالرزاق
- ۳۷۷۳ کاشی، محمد
- ۳۷۷۳ کاشی‌ساز، مهدی
- ۳۷۷۴ کاظمی بجزستانی، رضا
- ۳۷۷۴ کاظمی خلخالی، زین‌العابدین
- ۳۷۷۴ کاظمی خوانساری اصفهانی، محمد مهدی
- ۳۷۷۵ کاظمی، اقدس
- ۳۷۷۶ کاظمی، بهروز
- ۳۷۷۷ کاظمی، حسین
- ۳۷۷۷ کاظمی، فرج‌الله
- ۳۷۷۸ کاظمی، محمد
- ۳۷۷۹ کاظمی‌فرد، غلامعلی
- ۳۷۸۰ کاظمینی بروجردی، طاهر
- ۳۷۸۱ کاظمینی بروجردی، محمد علی
- ۳۷۸۲ کاظمینی خونساری، محمدمهدی
- ۳۷۸۳ کاظمینی، راضی
- ۳۷۸۳ کاظمینی، محمد
- ۳۷۸۳ کاظمینی، مرتضی
- ۳۷۸۴ کاغذی اصفهانی، ابوالفضائل عبدالرحیم
- ۳۷۸۴ کاغذی سمرقندی، ابوالفضل منصور
- ۳۷۸۴ کاغذی سمرقندی، ابوتوبه سعید
- ۳۷۸۵ کاغذی نیشابوری، ابواحمد حامد
- ۳۷۸۵ کاغذی نیشابوری، ابوعمرو محمد

- ۳۷۸۵ کافوری اصفهانی، ابوالعباس احمد
- ۳۷۸۶ کافی الکفأة طالقانی، اسماعیل
- ۳۷۸۸ کافی الملک، احمد
- ۳۷۸۸ کاکویی، ابوعمر و فضل
- ۳۷۸۸ کامجری مروزی، ابویعقوب اسحاق
- ۳۷۸۹ کامخی ساوی، ابوعبدالله محمد
- ۳۷۸۹ کامشاد، حسن
- ۳۷۹۰ کامکار پارسی، محمد
- ۳۷۹۱ کامکار، محمد
- ۳۷۹۲ کاملی، ابویعلی حمزه
- ۳۷۹۲ کامیاب تهرانی، ثریا
- ۳۷۹۳ کامیاب تهرانی، سیمین دخت
- ۳۷۹۳ کاودانی آملی، ابوعبیدالله محمد
- ۳۷۹۳ کاوه نافچی، محمد
- ۳۷۹۴ کاوه، علی اکبر
- ۳۷۹۵ کاویانپور، طلعت
- ۳۷۹۶ کاویانی، رضا
- ۳۷۹۶ کاویانی، محمد
- ۳۷۹۷ کاویانی، محمدرضا
- ۳۷۹۸ کاویانی، مسعود
- ۳۷۹۹ کاویانی، منصوره
- ۳۸۰۰ کبودرآهنگی، محمدجعفر
- ۳۸۰۱ کبیر قمی، محمد نجفی
- ۳۸۰۲ کبیر، ابوالقاسم

- ۳۸۰۲ کبیری هندی، مهدی
- ۳۸۰۲ کبیری، محمود
- ۳۸۰۳ کتابچی، ابراهیم
- ۳۸۰۴ کتابفروش، محمد
- ۳۸۰۴ کتابفروش، محمد صادق
- ۳۸۰۵ کتابی، بدرالدین
- ۳۸۰۶ کثیب فسائی، حسن
- ۳۸۰۶ کجی بصری، ابومسلم ابراهیم
- ۳۸۰۷ کدخدایان، امین
- ۳۸۰۷ کرابیسی سمرقندی، ابوالفضل، محمد
- ۳۸۰۸ کرابیسی نیشابوری، ابوالمظفر جمال الاسلام اسعد
- ۳۸۰۸ کرامتی، محمدتقی
- ۳۸۰۹ کرامی سجستانی نیشابوری، ابوعبدالله محمد
- ۳۸۰۹ کرباسچی، غلامرضا
- ۳۸۱۰ کرباسی، ابوالقاسم
- ۳۸۱۰ کرباسی، ابوالمعالی محمد
- ۳۸۱۱ کرباسی، جمال الدین
- ۳۸۱۱ کرباسی، رضا، محمد رضا
- ۳۸۱۲ کرباسی، کمال الدین ابوالهدی
- ۳۸۱۲ کرباسی، محمد ابراهیم
- ۳۸۱۳ کرباسی، محمد حسین
- ۳۸۱۳ کرباسی، محمد مهدی
- ۳۸۱۴ کربکندی، حسین
- ۳۸۱۴ کربلایی، حسن

- ۳۸۱۴ کرد هکاری، امه‌الله
- ۳۸۱۵ کردری، تاج‌الدین، ابوالمفاخر عبدالغفار
- ۳۸۱۵ کرمانشاهی، باقر
- ۳۸۱۵ کرمانشاهی، حبیب‌الله
- ۳۸۱۶ کرمانشاهی، حسن
- ۳۸۱۶ کرمانشاهی، محمد تقی
- ۳۸۱۶ کرمانشاهی، محمد جعفر
- ۳۸۱۷ کرمانشاهی، موسی
- ۳۸۱۷ کرمانی حایری، حسین
- ۳۸۱۷ کرمانی نجفی، عبدالله
- ۳۸۱۸ کرمانی، ابراهیم، حسام‌الدین
- ۳۸۱۸ کرمانی، ابوجعفر
- ۳۸۱۸ کرمانی، تاج‌الدین، محمود
- ۳۸۱۹ کرمانی، جمال‌الدین محمد
- ۳۸۱۹ کرمانی، حبیب‌الله
- ۳۸۱۹ کرمانی، حجه‌العرفین، حمیدالدین، احمد
- ۳۸۲۰ کرمانی، رکن‌الدین، ابوالفضل عبدالرحمان
- ۳۸۲۰ کرمانی، رکن‌الدین، ابوبکر محمد
- ۳۸۲۰ کرمانی، زین‌الدین، ابومنصور محمد
- ۳۸۲۱ کرمانی، شمس‌الدین، ابوعبدالله محمد
- ۳۸۲۱ کرمانی، علی اصغر
- ۳۸۲۱ کرمانی، علی اکبر
- ۳۸۲۲ کرمانی، محمد علی
- ۳۸۲۲ کرمانی، محمد کریم

- ۳۸۲۳ کرمانی، محمدرضا
- ۳۸۲۳ کرمانی، مروارید، شهاب‌الدین عبدالله
- ۳۸۲۴ کرمانی، نورالدین، ابوالقاسم محمود
- ۳۸۲۴ کرمانی، یوسف
- ۳۸۲۴ کریمی، حسین
- ۳۸۲۶ کریمی، رضاعلی
- ۳۸۲۷ کریمی، علی
- ۳۸۲۸ کریمی، محمد
- ۳۸۲۸ کریمی، محمدحسین
- ۳۸۲۹ کرنبائی، ابوعلی هشام
- ۳۸۲۹ کروی، هروی، ابوالفتح عبدالملک
- ۳۸۳۰ کرهرودی سلطان آبادی، محمد باقر
- ۳۸۳۰ کریمان، حسین
- ۳۸۳۱ کریم‌پور، کریم
- ۳۸۳۲ کریمه مروزیه، ام‌الکرام
- ۳۸۳۲ کریمی گلپایگانی، محمدکریم
- ۳۸۳۳ کریمی والا، محمدرضا
- ۳۸۳۳ کریمی، احمد
- ۳۸۳۳ کریمی، بانو
- ۳۸۳۴ کریمی، بهمن
- ۳۸۳۵ کریمی، جعفر
- ۳۸۳۸ کریمی، جلال
- ۳۸۳۸ کریمی، علیجان
- ۳۸۴۰ کریمی، غلامعلی

- ۳۸۴۰ کریمی، مرتضی
- ۳۸۴۱ کریمی، مصطفی
- ۳۸۴۱ کریمیان میقلان، علی
- ۳۸۴۲ کزازی قمی، محمدابراهیم
- ۳۸۴۳ کزازی، محمد
- ۳۸۴۳ کزازی، میرجلال الدین
- ۳۸۵۰ کسایه همدانی، ابوالحسن علی بن عبید الله بن محمد
- ۳۸۵۱ کسایه، ابوالحسن علی بن حمزه بن عبدالله بن بهمن بن فیروز اسدی فارسی
- ۳۸۵۲ کسائی، علی
- ۳۸۵۲ کسروی اصفهانی، ابوحسین علی
- ۳۸۵۳ کسروی، احمد
- ۳۸۵۴ کسمایی، علی اکبر
- ۳۸۵۵ کشانی سمرقندی، ابوعلی اسماعیل
- ۳۸۵۵ کشاورز دهنو، علی
- ۳۸۵۶ کشاورز صدر، محمد علی
- ۳۸۵۷ کشاورز، فریدون
- ۳۸۵۸ کشاورز، کریم
- ۳۸۵۹ کشاورزولیان، حسین
- ۳۸۶۰ کشفی بروجردی، سینا
- ۳۸۶۰ کشفی جزئی، روح الله
- ۳۸۶۱ کشفی دارابی بروجردی، جعفر
- ۳۸۶۲ کشکرایا، ابوالحسین
- ۳۸۶۳ کشمیری، محمدباقر
- ۳۸۶۳ کشمیری زاده شیرازی، نصره الملوک، نصرت

- ۳۸۶۳ کشمیهنی مروزی، ابوالهیثم محمد
- ۳۸۶۴ کشی جرجانی، ابوزرعه محمد
- ۳۸۶۴ کشی، ابوعمر محمد
- ۳۸۶۵ کعبی بلخی خراسانی، ابوالقاسم عبدالله
- ۳۸۶۵ کعبی طبری بخاری، ابوسعید محمد
- ۳۸۶۶ کعبی نیشابوری، ابومحمد عبدالله
- ۳۸۶۶ کعبی همدانی، ابوطاهر حسین
- ۳۸۶۶ کعبی، عباس
- ۳۸۶۸ کفائی، احمد
- ۳۸۶۹ کفائی، محمد
- ۳۸۷۰ کفرانی رویدشتی، عبدالله
- ۳۸۷۰ کفری کرمانشاهی تهرانی، محمد
- ۳۸۷۰ کفعمی، محمد
- ۳۸۷۲ کلابادی بخاری، تاج الاسلام، ابوبکر محمد
- ۳۸۷۲ کلابادی بخاری، شمس‌الدین، ابوالعلاء محمود
- ۳۸۷۳ کلابادی، ابونصر احمد
- ۳۸۷۳ کلابزی، ابواسحاق ابراهیم
- ۳۸۷۳ کلابی نیشابوری، ابومحمد عمرو
- ۳۸۷۴ کلار پوشنجی هروی، ابومنصور عبدالرحمان
- ۳۸۷۴ کلانتر معتمدی، محمدرضا
- ۳۸۷۴ کلانتری تهرانی، ابوالقاسم
- ۳۸۷۵ کلانتری، ابراهیم
- ۳۸۷۶ کلانتری، حسین
- ۳۸۷۶ کلانی، حسین

- ۳۸۷۷ کلباسی، ابوالقاسم
- ۳۸۷۷ کلباسی، ابوالمعالی محمد
- ۳۸۷۸ کلباسی، ابوتراب
- ۳۸۷۸ کلباسی، ایران
- ۳۸۷۹ کلباسی، جمال الدین
- ۳۸۸۰ کلباسی، رضا
- ۳۸۸۰ کلباسی، کمال الدین ابوالهدی
- ۳۸۸۱ کلباسی، محمد ابراهیم
- ۳۸۸۲ کلباسی، محمد مهدی
- ۳۸۸۳ کلباسی، محمدحسین
- ۳۸۸۳ کلوتاتی، شهاب‌الدین، ابوالفتح احمد
- ۳۸۸۴ کله عبدی اصفهانی معلم، ابواحمد عبدالواحد
- ۳۸۸۴ کلیشادی، محمود
- ۳۸۸۵ کلینی رازی، ابوجعفر محمد
- ۳۸۸۵ کماری تبریزی، محمد
- ۳۸۸۶ کماری، مهدی
- ۳۸۸۷ کمال پور، احمد
- ۳۸۸۸ کمال عزت، هادی
- ۳۸۸۹ کمال عزت، هادی
- ۳۸۹۰ کمال، فاطمه
- ۳۸۹۰ کمالا فد شکویی فارسی شیرازی، کمال‌الدین محمد
- ۳۸۹۰ کمال‌الدوله میرپنج، محمد حسن
- ۳۸۹۱ کمال‌الملک، سمیرمی، علی
- ۳۸۹۱ کمالوند خرم‌آبادی، روح‌الله

- ۳۸۹۲ کمالی، حیدر علی
- ۳۸۹۲ کمالیان، ناصر
- ۳۸۹۳ کمره ای، محمد باقر
- ۳۸۹۳ کمره‌ای فراهانی، عزالدین، زین‌الدین علینقی
- ۳۸۹۴ کمره‌ای، خلیل
- ۳۸۹۷ کمونه بروجردی، عبدالحسین
- ۳۸۹۸ کنانی هروی، جمال الاسلام، ابوالعلاء صاعد
- ۳۸۹۸ کنتوری، اعجاز حسین
- ۳۸۹۹ کنگری، محمود
- ۳۹۰۰ کنی، آقا بزرگ
- ۳۹۰۰ کنی، عبدالرحیم
- ۳۹۰۰ کنی، ملا علی
- ۳۹۰۳ کواری، حسین
- ۳۹۰۳ کوپائی هاطلی، صدرالدین
- ۳۹۰۴ کوتاه اصفهانی، ابوحامد محمد
- ۳۹۰۴ کوتاه جویباری اصفهانی، ابومسعود عبدالجلیل
- ۳۹۰۵ کوثر همدانی، رضا
- ۳۹۰۵ کوثری، عباس
- ۳۹۰۶ کوثری، عبدالله
- ۳۹۰۹ کوثریان، حسین
- ۳۹۰۹ کوچک، محمدهادی
- ۳۹۰۹ کورانلو، جعفر
- ۳۹۱۰ کوسج اصفهانی، ابوالمظفر محمود
- ۳۹۱۰ کوسج مروزی، ابویعقوب اسحاق

- ۳۹۱۱ کوسه قراباغی محمد شاهی، یوسف
- ۳۹۱۱ کوشا، احمد
- ۳۹۱۱ کوشا، محمدعلی
- ۳۹۱۲ کوشانفر، اکبر
- ۳۹۱۳ کوشکی، عبدالرحیم
- ۳۹۱۳ کوفی، ابوعصیده ابوجعفر احمد
- ۳۹۱۳ کوکب شیرازی، محمد صادق
- ۳۹۱۴ کوکبی، ابوالقاسم
- ۳۹۱۵ کومار، ویجنندا
- ۳۹۱۵ کوملادی همدانی، ابوالفضل صالح
- ۳۹۱۶ کوه کمره ای، محمد
- ۳۹۱۸ کوه کمری، حسین
- ۳۹۱۹ کوه کمری، علی
- ۳۹۲۰ کوه کمری، محمد حجت
- ۳۹۲۱ کوهستانی، محمد
- ۳۹۲۲ کوهلی، راگونات
- ۳۹۲۲ کوهی کرمانی، حسین
- ۳۹۲۲ کهنمویی پور، ژاله
- ۳۹۲۴ کهنوجی، مهدی
- ۳۹۲۵ کهنوئی، صمد
- ۳۹۲۶ کی، محمود
- ۳۹۲۶ کیا تهرانی، صادق، محمد صادق
- ۳۹۲۷ کیا خانلری، زهرا
- ۳۹۲۹ کیا، امیر

- کیاالحسینی، ضیاءالدین ۳۹۲۹
- کیاشمشکی، ابوالفضل ۳۹۳۰
- کیاهراسی طبری، شمس الاسلام عمادالدین، ابوالحسن علی ۳۹۳۱
- کیمیا، محمد ۳۹۳۲
- کیمیگر، مسعود ۳۹۳۲
- کیوان سمیعی، غلامرضا ۳۹۳۳
- کیوان قزوینی، عباسعلی ۳۹۳۴
- کیوانپور کرمانشاهی، محمد ۳۹۳۵
- کیوانی، مجدالدین ۳۹۳۶
- کیهانی، عبدالحسین ۳۹۳۶
- کیهانی، عزت‌الله ۳۹۳۷
- کیهانی، منوچهر ۳۹۳۷
- کیهانی، نعمت‌الله ۳۹۳۸
- گاوآن، عماد الدین محمود ۳۹۳۸
- گرانسر، علی ۳۹۴۰
- گرایلی، فریدون ۳۹۴۱
- گر جی، ابوالقاسم ۳۹۴۲
- گر جیان عربی، محمدمهدی ۳۹۴۳
- گردیزی، عبدالحی ۳۹۴۳
- گرگانی، ابوالمحاسن حسین ۳۹۴۴
- گرگانی، ابوالمحاسن علی ۳۹۴۴
- گرگانی، ابوالهیثم احمد ۳۹۴۴
- گرگانی، امیرفریدون ۳۹۴۵
- گرگانی، حسین ۳۹۴۵

- ۳۹۴۶ گِردگانی، سیدشریف
- ۳۹۵۵ گردگانی، محمد
- ۳۹۵۵ گرم آبدشتی، محمد
- ۳۹۵۶ گروسی
- ۳۹۵۶ گزی اصفهانی، محمدتقی
- ۳۹۵۶ گزی، اسماعیل
- ۳۹۵۷ گزی، خلیل
- ۳۹۵۷ گزی، عبدالکریم
- ۳۹۵۸ گزی، محمد حسن
- ۳۹۵۸ گلایری، علی
- ۳۹۵۹ گلپایگانی نجفی، عبدالله
- ۳۹۵۹ گلپایگانی، بهزاد
- ۳۹۶۰ گلپایگانی، جعفر
- ۳۹۶۰ گلپایگانی، جمال الدین
- ۳۹۶۱ گلپایگانی، حبیب الدین
- ۳۹۶۱ گلپایگانی، حبیب الله
- ۳۹۶۱ گلپایگانی، ذوالفقار
- ۳۹۶۲ گلپایگانی، رضا
- ۳۹۶۲ گلپایگانی، ضیاء الدین
- ۳۹۶۲ گلپایگانی، عبدالکریم
- ۳۹۶۲ گلپایگانی، کاظم
- ۳۹۶۳ گلپایگانی، محمد تقی
- ۳۹۶۳ گلپایگانی، محمد رضا
- ۳۹۶۵ گلپایگانی، محمدتقی

- ۳۹۶۵ گلچین گیلانی، مجدالدین
- ۳۹۶۶ گلچین معانی، احمد
- ۳۹۶۷ گلدوزباشی، محمد
- ۳۹۶۸ گلزی، حسین
- ۳۹۶۸ گلستانه، محمد تقی
- ۳۹۶۸ گلستانه، محمدعلی
- ۳۹۶۹ گلستانی، علی
- ۳۹۶۹ گلستانی، هاشم
- ۳۹۷۰ گلسرخی، مرتضی
- ۳۹۷۰ گلشن، عبدالحمید
- ۳۹۷۱ گلشنی، عبدالکریم
- ۳۹۷۴ گلشیری، هوشنگ
- ۳۹۷۶ گل‌گلاب، حسین
- ۳۹۷۸ گل‌گلاب، داریوش
- ۳۹۷۸ گلمانی، عبدالکریم
- ۳۹۷۸ گناباد نیشابوری، ابویعقوب اسحاق
- ۳۹۷۹ گنابادی خراسانی، سلطانه‌علی
- ۳۹۷۹ گنابادی نیشابوری، ابوبکر عبدالغفار
- ۳۹۸۰ گنابادی نیشابوری، ابوعلی حسن
- ۳۹۸۰ گنابادی، ابوالفتح
- ۳۹۸۰ گنبدی، علی
- ۳۹۸۱ گنج بخش، حسین
- ۳۹۸۱ گنجرودی نیشابوری، ابوسعید محمد
- ۳۹۸۱ گنجویان، محمدصالح

- ۳۹۸۲ گنجی، ابوالقاسم یحیی
- ۳۹۸۳ گنجی، ابو عبدالله محمد
- ۳۹۸۳ گنجی، ایرج
- ۳۹۸۴ گندمی نصرآبادی، رضا
- ۳۹۸۴ گودرزی، محمود
- ۳۹۸۵ گوران سوادکوهی، داریوش
- ۳۹۸۶ گورانی، ستیته
- ۳۹۸۶ گوگدی گلپایگانی، محمد باقر
- ۳۹۸۶ گوگدی گلپایگانی، محمد تقی
- ۳۹۸۷ گوهر مدراس، محمد باقر
- ۳۹۸۷ گوهرین، صادق
- ۳۹۸۸ گیتی، ناصر
- ۳۹۸۸ گیلانی استرآبادی، عبدالوحد
- ۳۹۸۹ گیلانی اصفهانی، حمزه
- ۳۹۸۹ گیلانی دوانی، ابوالفتح مسیح الدین
- ۳۹۹۰ گیلانی رشتی، شعبان
- ۳۹۹۱ گیلانی نجفی، یوسف
- ۳۹۹۱ گیلانی هندی، صدرالدین علی
- ۳۹۹۱ گیلانی، ابونصر
- ۳۹۹۲ گیلانی، اشرف الدین
- ۳۹۹۴ گیلانی، بشیر
- ۳۹۹۴ گیلانی، شیخ الاسلام، محیی الدین ابومحمد عبدالقادر
- ۳۹۹۵ گیلانی، محراب
- ۳۹۹۵ گیلانی، محمد محسن

- گیلانی، نظر علی ۳۹۹۶
- گیوه چی مفرد، حسن ۳۹۹۶
- لاجوردی حسینی، مهدی ۳۹۹۷
- لاری، عبدالحسین ۳۹۹۸
- لاری، علی اکبر ۴۰۰۰
- لاری، فتح‌الله ۴۰۰۰
- لاری، محمدباقر ۴۰۰۰
- لاری، محیی‌الدین ۴۰۰۱
- لاری، مصلح‌الدین، محمد ۴۰۰۱
- لاریجانی مازندرانی، لطف‌الله ۴۰۰۲
- لاریجانی، رضی ۴۰۰۲
- لاریجانی، صادق ۴۰۰۲
- لاریجانی، علی ۴۰۰۴
- لاکانی رشتی، محمد ۴۰۰۷
- لاکانی رشتی، مهدی ۴۰۰۸
- لاکانی، حسین ۴۰۰۸
- لالکائی، ابوالقاسم هبة الله ۴۰۰۸
- لاله‌زاری تهرانی، محمدتقی ۴۰۰۹
- لاله‌زاری، محمدصادق ۴۰۰۹
- لاله‌زاری، مهدی ۴۰۱۰
- لاهوئی کرمانشاهی، ابوالقاسم ۴۰۱۱
- لاهوئی، حسن ۴۰۱۳
- لاهیجانی، ابوالقاسم ۴۰۱۴
- لاهیجانی، خلیل ۴۰۱۵

- ۴۰۱۵ لاهیجانی، عبدالرسول
- ۴۰۱۵ لاهیجانی، علی
- ۴۰۱۵ لاهیجانی، محمد
- ۴۰۱۶ لاهیجانی، محمدجعفر
- ۴۰۱۶ لاهیجی اصفهانی، محمد سعید
- ۴۰۱۶ لاهیجی قمی، عبدالرزاق
- ۴۰۱۷ لاهیجی، حسن
- ۴۰۱۸ لاهیجی، حسین
- ۴۰۱۸ لاهیجی، صفرعلی
- ۴۰۱۸ لاهیجی، عبدالکریم
- ۴۰۲۱ لاهیجی، عبدالله
- ۴۰۲۱ لاهیجی، علی
- ۴۰۲۱ لاهیجی، محمد امین
- ۴۰۲۲ لاهیجی، محمد جعفر
- ۴۰۲۲ لاهیجی، محمدباقر
- ۴۰۲۲ لاهیجی، محمدعلی
- ۴۰۲۳ لب خندقی، علی
- ۴۰۲۴ لباد اصفهانی، ابوالحسین علی
- ۴۰۲۴ لباد نیشابوری، ابومحمد زنجویه
- ۴۰۲۴ لسان، حسین
- ۴۰۲۵ لسان‌الملک کاشی، هدایت‌الله
- ۴۰۲۵ لسانی، محمود
- ۴۰۲۵ لسانی، مرتضی
- ۴۰۲۵ لشکری، علیرضا

- ۴۰۲۶ لشکری، محمد حسین
- ۴۰۲۶ لشگری آهنگرانی، علی اصغر
- ۴۰۲۷ لطفی، بانونصرت
- ۴۰۲۸ لطفی، عطاءالله
- ۴۰۲۹ لطفی، محمد حسن
- ۴۰۳۶ لطفی، مهدی
- ۴۰۳۶ لطفی پور ساعدی، کاظم
- ۴۰۳۷ لطفی زاده، حسن
- ۴۰۳۷ لطیفی، محمود
- ۴۰۳۷ لفتوانی اصفهانی، ابوبکر محمد
- ۴۰۳۸ لقای تفتی، فرخ لقا
- ۴۰۳۸ لک علی آبادی، محمد
- ۴۰۳۹ لکذه اصفهانی، ابوعلی حسن
- ۴۰۴۰ لکستانی، بتول
- ۴۰۴۰ لنجانی، تاج الدین حسن
- ۴۰۴۱ لنجانی، عبدالعظیم
- ۴۰۴۱ لنکرانی، حسن
- ۴۰۴۲ لنکرانی، شریف
- ۴۰۴۲ لنکرانی، عبدالحسین
- ۴۰۴۳ لنکرانی، عبدالعزیز
- ۴۰۴۴ لنکرانی، فاضل
- ۴۰۴۴ لنکرانی، مجتبی
- ۴۰۴۵ لنکرانی، محمد صادق
- ۴۰۴۵ لنکرانی، محمدعلی

- ۴۰۴۵ لنگرودی، حسین علی
- ۴۰۴۶ لنگرودی، عبدالصاحب
- ۴۰۴۷ لنگرودی، مرتضی
- ۴۰۴۸ لواسانی، ابوالقاسم
- ۴۰۴۹ لواسانی، حسن
- ۴۰۵۱ لواسانی، عیسی
- ۴۰۵۱ لواسانی، محمد
- ۴۰۵۲ لواسانی، محمدحسین
- ۴۰۵۲ لواسانی، محمدصادق
- ۴۰۵۳ لوکری مروزی، ابوالعباس فضل
- ۴۰۵۳ لوی، حبیب
- ۴۰۵۴ لؤلؤی بخلی، یحیی زکریا
- ۴۰۵۴ لؤلؤی سهمی بلخی، ابو عبدالله محمد
- ۴۰۵۵ لیثی جیراخشتی بخاری، ابومسلم عمر
- ۴۰۵۵ لیثی خراسانی، ابوالنضر هاشم
- ۴۰۵۶ لیثی رازی، ابوحاتم احمد
- ۴۰۵۶ لیثی سمرقندی، ابوالقاسم بن بکر
- ۴۰۵۶ ماتریدی سمرقندی، ابومنصور محمد
- ۴۰۵۷ ماجشون، ابو عبدالله، ابوالاصیغ عبدالعزیز
- ۴۰۵۷ ماجیلویه قمی، ابو عبدالله محمد
- ۴۰۵۸ ماردوسپور، هاسمیک
- ۴۰۵۸ مازندارانی، هادی
- ۴۰۵۹ مازندارانی، حسام‌الدین، ابوالفضایل محمد صالح
- ۴۰۵۹ مازندارانی، زین‌الدین عبدالجبار

- ۴۰۵۹ مازندرانی، زین‌العابدین
- ۴۰۶۰ مازندرانی، عبدالجواد
- ۴۰۶۰ مازندرانی، عبدالصمد
- ۴۰۶۰ مازندرانی، عبدالغفار
- ۴۰۶۱ مازندرانی، عبدالله
- ۴۰۶۱ مازندرانی، محمد بن جهانبخش
- ۴۰۶۲ مازندرانی، موسی
- ۴۰۶۳ مازندرانی، مهدی
- ۴۰۶۳ مازیار، غلامرضا
- ۴۰۶۴ ماسرجسی نیشابوری، ابوالحسن محمد
- ۴۰۶۵ ماسرجسی نیشابوری، ابوعلی حسین
- ۴۰۶۵ ماسویه
- ۴۰۶۵ مالک، علی اکبر
- ۴۰۶۷ مالک، هاید
- ۴۰۶۷ مالک‌نژاد، پرویز
- ۴۰۶۸ مالکی رازی، ابوالحسن علی
- ۴۰۶۹ مالکی، توران دخت
- ۴۰۶۹ مالی شیرازی، ابوحنیان
- ۴۰۶۹ مامایی اصفهانی، ابوحامد احمد
- ۴۰۷۰ مامقانی، ابوالقاسم
- ۴۰۷۰ مامقانی، عبدالله
- ۴۰۷۱ مامقانی، محمد حسن
- ۴۰۷۲ ماه شرف
- ۴۰۷۲ ماهابادی، افضل‌الدین حسن

- ۴۰۷۳ ماهیار نوابی، یحیی
- ۴۰۷۶ ماهیار، عباس
- ۴۰۷۸ مایلی، محمدتقی
- ۴۰۷۹ مبلغی، حمید
- ۴۰۷۹ مبینی، محمدعلی
- ۴۰۸۰ مترجم اصفهانی، محمد هادی
- ۴۰۸۰ مترجم همایونی فره‌وشی، علی محمد
- ۴۰۸۱ متطبب اصفهانی، غیاث بن محمد
- ۴۰۸۱ متفکر، حسین
- ۴۰۸۲ متقی زاده، احمد
- ۴۰۸۳ متقی زاده، ایرج
- ۴۰۸۳ متقی زاده، عبدالله
- ۴۰۸۴ متقی، تقی
- ۴۰۸۵ متکلم نیشابوری، تاج‌الدین حسن
- ۴۰۸۵ متولی نیشابوری، ابوسعید عبدالرحمان
- ۴۰۸۶ متین دفتری، احمد
- ۴۰۹۲ متین، محمود
- ۴۰۹۲ مجاهد تبریزی، محمد
- ۴۰۹۳ مجاهد، احمد
- ۴۰۹۶ مجاهد، محمد
- ۴۰۹۶ مجاهد، محمدتقی
- ۴۰۹۷ مجتبائی، فتح‌الله
- ۴۰۹۷ مجتبوی، جلال‌الدین
- ۴۰۹۹ مجتهد اصفهانی، محمد حسن

- ۴۰۹۹ مجتهد بروجردی، اسدالله
- ۴۱۰۰ مجتهد بروجردی، جمال‌الدین
- ۴۱۰۰ مجتهد تبریزی، احمد
- ۴۱۰۱ مجتهد تبریزی، حسن
- ۴۱۰۱ مجتهد تبریزی، رضا
- ۴۱۰۲ مجتهد تبریزی، صادق
- ۴۱۰۲ مجتهد تبریزی، علی
- ۴۱۰۳ مجتهد تبریزی، محسن
- ۴۱۰۳ مجتهد تبریزی، محمدعلی
- ۴۱۰۴ مجتهد تبریزی، مصطفی
- ۴۱۰۴ مجتهد تبریزی، یوسف
- ۴۱۰۴ مجتهد حسینی، محمدعلی
- ۴۱۰۵ مجتهد زنجانی، عبدالرحیم
- ۴۱۰۷ مجتهد عراقی، محمود
- ۴۱۰۸ مجتهد قوچانی، ذبیح‌الله
- ۴۱۰۸ مجتهد کرکی، ابو‌عبدالله حسین
- ۴۱۰۹ مجتهد همدانی، محمدتقی
- ۴۱۰۹ مجتهد قمی، حسین
- ۴۱۱۰ مجتهد قمی، محمدجواد
- ۴۱۱۱ مجتهدی تهرانی، احمد
- ۴۱۱۲ مجتهدی شبستری، محسن
- ۴۱۱۳ مجتهدی، جعفر
- ۴۱۱۴ مجتهدی، عبدالله
- ۴۱۱۴ مجتهدی، کریم

- ۴۱۱۶ مجد الادبا، اسماعیل
- ۴۱۱۷ مجد الاشراف شیرازی، جلال‌الدین محمد
- ۴۱۱۷ مجد خوافی خراسانی
- ۴۱۱۸ مجد دزفولی، مجدالدین
- ۴۱۱۸ مجد سرخکتی، مجدالدین محمد
- ۴۱۱۸ مجد، سهیل
- ۴۱۱۹ مجدالدین خوافی
- ۴۱۱۹ مجذوب علیشاه همدانی، محمدجعفر
- ۴۱۲۰ مجلسی
- ۴۱۲۰ مجلسی، آمنه‌بیگم
- ۴۱۲۱ مجلسی، محمدباقر
- ۴۱۲۳ مجلسی، محمدتقی
- ۴۱۲۳ مجوسی اهوازی
- ۴۱۲۴ مجیدی فیاض، علی اکبر
- ۴۱۲۵ مجیدی، غلامحسین
- ۴۱۲۶ مجیدی، فریبرز
- ۴۱۲۸ مجیدی‌آهی، هرمز
- ۴۱۲۹ محبت، محمد جواد
- ۴۱۳۰ محبوب، سلطانعلی
- ۴۱۳۰ محبوبعلی شاه
- ۴۱۳۱ محبوبی، مجید
- ۴۱۳۲ محبی پروشی، صاحب علی
- ۴۱۳۳ محبی، احمد
- ۴۱۳۳ محبیان، محمدابراهیم

- ۴۱۳۳ محتشم نوری، محمد
- ۴۱۳۴ محتشمی، بهمن
- ۴۱۳۴ محجوب، حسن
- ۴۱۳۵ محجوب، محمدجعفر
- ۴۱۳۶ محدث ارموی، جلال‌الدین
- ۴۱۳۸ محدث حائری همدانی، عبدالرزاق
- ۴۱۳۹ محدثی، جواد
- ۴۱۴۰ محرابی، محمد
- ۴۱۴۱ محرابی، ولی‌الله
- ۴۱۴۱ محرری، محمدرضا
- ۴۱۴۲ محرم یزدی، عبدالوهاب
- ۴۱۴۳ محرمی، غلامحسن
- ۴۱۴۳ محسن بن عبدالصمد
- ۴۱۴۴ محسن‌زاده، محسن
- ۴۱۴۴ محسنی اردهالی، صدرالدین
- ۴۱۴۵ محسنی ملایری، محمدباقر
- ۴۱۴۶ محسنی نیا، محمدرضا
- ۴۱۴۷ محسنی، حسن
- ۴۱۴۷ محفوظ، حسین علی
- ۴۱۵۱ محفوظی، عباس
- ۴۱۵۳ محقق اصطهباناتی، ابوالحسن
- ۴۱۵۳ محقق اصفهانی حائری، محمد جواد
- ۴۱۵۴ محقق بهشتی، محمد
- ۴۱۵۴ محقق تهرانی، رضا

- ۴۱۵۵ محقق خوانساری، حسین
- ۴۱۵۶ محقق سبزواری، محمدباقر
- ۴۱۵۷ محقق کرکی، زین‌الدین، نورالدین ابوالحسن علی
- ۴۱۵۸ محقق، مهدی
- ۴۱۶۱ محققان گورتانی، رضا
- ۴۱۶۲ محلاتی شیرازی، ابراهیم
- ۴۱۶۲ محلاتی شیرازی، صدرالدین
- ۴۱۶۴ محلاتی، ابراهیم
- ۴۱۶۴ محلاتی، اسماعیل
- ۴۱۶۵ محلاتی، بهاء‌الدین
- ۴۱۶۶ محلاتی، جعفر
- ۴۱۶۷ محلاتی، ذبیح‌الله
- ۴۱۶۹ محلاتی، عبدالحسین
- ۴۱۶۹ محلاتی، کاظم
- ۴۱۷۰ محلوجی، خدیجه
- ۴۱۷۱ محمد زین‌الدین
- ۴۱۷۱ محمد صادق (مینا)
- ۴۱۷۲ محمد، کاظم
- ۴۱۷۲ محمدبدیعی، محمد
- ۴۱۷۳ محمدرضایی، محمد
- ۴۱۷۴ محمدزاده‌لاری، منوچهر
- ۴۱۷۵ محمدشاه
- ۴۱۷۵ محمدکریم
- ۴۱۷۵ محمدی عراقی، محسن

- ۴۱۷۷ محمدی عراقی، محمدباقر
- ۴۱۷۷ محمدی عراقی، محمود
- ۴۱۷۸ محمدی فتیده، رضا
- ۴۱۷۹ محمدی کرمانشاهی، اسماعیل
- ۴۱۸۰ محمدی گورگانی، یوسف
- ۴۱۸۱ محمدی لائینی، حسین
- ۴۱۸۱ محمدی مظفر، محمدحسن
- ۴۱۸۲ محمدی ملایری، احمد
- ۴۱۸۳ محمدی نجف آبادی، عبدالکریم
- ۴۱۸۳ محمدی نیا، اسدالله
- ۴۱۸۴ محمدی، ابراهیم
- ۴۱۸۵ محمدی، ابوالقاسم
- ۴۱۸۵ محمدی، اردشیر
- ۴۱۸۶ محمدی، حسین
- ۴۱۸۷ محمدی، خلیل
- ۴۱۸۷ محمدی، ذکراالله
- ۴۱۸۸ محمدی، رحیم
- ۴۱۹۰ محمدی، رمضان
- ۴۱۹۰ محمدی، صادق
- ۴۱۹۱ محمدی، عبدالله
- ۴۱۹۲ محمدی، عزت الله
- ۴۱۹۳ محمدی، علی
- ۴۱۹۴ محمدی، علی محمد
- ۴۱۹۴ محمدی، علیرضا

- ۴۱۹۵ محمدی، محمد
- ۴۱۹۶ محمدی، محمدحسین
- ۴۱۹۷ محمدی، محمدرضا
- ۴۱۹۷ محمدی، محمدعلی
- ۴۱۹۸ محمدی، مسلم
- ۴۱۹۹ محمدیان شورچه، قربان
- ۴۲۰۰ محمدیان، محمدتقی
- ۴۲۰۲ محمود، محمود
- ۴۲۰۳ محمودی اصل، حمید
- ۴۲۰۳ محمودی مجدآبادی، محمود
- ۴۲۰۴ محمودی، احمد
- ۴۲۰۵ محمودی، امیرملک
- ۴۲۰۶ محمودی، حسن
- ۴۲۰۶ محمودی، محسن
- ۴۲۰۷ محمودی، محمد
- ۴۲۰۸ محمودی، محمدرضا
- ۴۲۰۹ محمودی، مهدی
- ۴۲۰۹ محمودیان نجم‌آبادی، حسین
- ۴۲۱۰ محمودیان، ژاله
- ۴۲۱۰ محمودیان، مسعود
- ۴۲۱۰ محمودی نوبر، محمود
- ۴۲۱۱ محمی مزکی نیشابوری، ابوعمرو عثمان
- ۴۲۱۱ محیط
- ۴۲۱۲ محیط طباطبایی، محمد

- ۴۲۱۲ محیط فراهانی، معصوم
- ۴۲۱۳ محیط قمی، محمد
- ۴۲۱۳ محیط، احمد
- ۴۲۱۳ محیطی اردکانی، احمد
- ۴۲۱۴ محیطی اردکانی، احمد
- ۴۲۱۵ مخبر
- ۴۲۱۵ مخبرالسلطنه
- ۴۲۱۶ مخبرالسلطنه، مهدی قلی
- ۴۲۱۷ مختاری امیرمجدی، نعمت‌الله
- ۴۲۱۷ مختاری غزنوی، سراج‌الدین، ابوعمر عثمان
- ۴۲۱۸ مختاری، علی
- ۴۲۱۹ مخدوم، علی
- ۴۲۱۹ مخلدی نیشابوری، ابومحمد حسن
- ۴۲۲۰ مدائنی
- ۴۲۲۰ مدبری، محمود
- ۴۲۲۲ مدبری، مختارعلی
- ۴۲۲۳ مدرس اصفهانی، حسن
- ۴۲۲۴ مدرس افغانی، محمدعلی
- ۴۲۲۴ مدرس بزرگ، علی
- ۴۲۲۵ مدرس خاتون‌آبادی، ابوالقاسم
- ۴۲۲۵ مدرس خراسانی، عبدالجواد
- ۴۲۲۶ مدرس خیابانی
- ۴۲۲۶ مدرس رضوی خراسانی، محمدتقی
- ۴۲۲۷ مدرس رضوی، محمدتقی

- ۴۲۲۷ مدرس رضوی، محمدعلی
- ۴۲۲۸ مدرس زاده، مجدالدین
- ۴۲۲۹ مدرس زنوزی تهرانی، علی
- ۴۲۳۰ مدرس زنوزی، عبدالله
- ۴۲۳۰ مدرس شیرازی، عبدالرحمان
- ۴۲۳۱ مدرس قمیشه‌ای، حسن
- ۴۲۳۱ مدرس کهنگی، محمد حسین
- ۴۲۳۲ مدرس مازندرانی، ولی‌الله
- ۴۲۳۳ مدرس مشهدی، ابراهیم
- ۴۲۳۳ مدرس موسوی بهبهانی، علی
- ۴۲۳۴ مدرس نجف‌آباد، علی
- ۴۲۳۵ مدرس نجف‌آبادی، محمد
- ۴۲۳۶ مدرس نراقی، منوچهر
- ۴۲۳۶ مدرس یزدی، مهدی
- ۴۲۳۶ مدرس، حسن
- ۴۲۵۷ مدرس، محمد تقی
- ۴۲۵۷ مدرس، مرتضی
- ۴۲۵۸ مدرسی چهاردهی، مرتضی
- ۴۲۵۹ مدرسی یزدی، عباس
- ۴۲۶۰ مدرسی یزدی، محمدعلی
- ۴۲۶۱ مدرسی یزدی، یحیی
- ۴۲۶۲ مدرسی، ابراهیم
- ۴۲۶۲ مدرسی، حسن
- ۴۲۶۳ مدرسی، علیرضا

- ۴۲۶۳ مدرس، علینقی
- ۴۲۶۴ مدرس، محمدحسن
- ۴۲۶۴ مدرس، محمدرضا
- ۴۲۶۶ مدرس، یحیی
- ۴۲۶۶ مدرکی نه‌اوندی
- ۴۲۶۷ مدنی بجستانی، محمود
- ۴۲۶۷ مدنی کاشانی، رضا
- ۴۲۶۹ مدنی همدانی، حسن
- ۴۲۷۰ مدنی، اسدالله
- ۴۲۷۱ مدنی، بدرالدین
- ۴۲۷۲ مدنی، علی خان
- ۴۲۷۴ مدنی، محمد
- ۴۲۷۶ مدنی‌مقدم، رضا
- ۴۲۷۷ مدهوش گلپایگانی، محمدصادق
- ۴۲۷۷ مدیر شانه‌چی، کاظم
- ۴۲۷۸ مدینی اصفهانی، ابومحمد عبدالله
- ۴۲۷۸ مدینی اصفهانی، ابوموسی محمد
- ۴۲۷۹ مدینی، ابوموسی
- ۴۲۷۹ مرادخانی، کاظم
- ۴۲۷۹ مرادی نسب، حسین
- ۴۲۸۰ مرادی، فیض‌الله
- ۴۲۸۱ مرادیان، خدامراد
- ۴۲۸۲ مراغه‌ای، محمدباقر
- ۴۲۸۲ مراغی، احمد

- ۴۲۸۲ مراغی، حسین
- ۴۲۸۲ مراغی، علی‌اکبر
- ۴۲۸۳ مرآت، احمد
- ۴۲۸۴ مرتضوی اصفهانی، محمدکاظم
- ۴۲۸۵ مرتضوی خسروشاهی، مجید
- ۴۲۸۶ مرتضوی کرونلی، کاظم
- ۴۲۸۶ مرتضوی لنگرودی، محمدحسن
- ۴۲۸۷ مرتضوی لنگرودی، محمدحسین
- ۴۲۸۸ مرتضوی لنگرودی، محمدعلی
- ۴۲۸۹ مرتضوی، احمد
- ۴۲۸۹ مرتضوی، جواد
- ۴۲۹۰ مرتضوی، حسن
- ۴۲۹۱ مرتضوی، حسین
- ۴۲۹۱ مرتضوی، عبدالهادی
- ۴۲۹۲ مرتضوی، محمد
- ۴۲۹۳ مرتضوی، محمد
- ۴۲۹۴ مردانشاهی، اسدالله
- ۴۲۹۴ مردانی ولدانی، محمد مهدی
- ۴۲۹۵ مردانی، نصرالله
- ۴۲۹۶ مردای کرمانی، هوشنگ
- ۴۲۹۹ مردویه، ابوالعباس احمد
- ۴۲۹۹ مرزآبادی، غلامحسین
- ۴۳۰۰ مرزبان
- ۴۳۰۰ مرزبان راد، علی

- ۴۳۰۱ مرزبان، پرویز
- ۴۳۰۲ مرزبانی بغدادی، ابو عبدالله محمد
- ۴۳۰۳ مرزوقی اصفهانی، ابوعلی احمد
- ۴۳۰۴ مرشد، علی اکبر
- ۴۳۰۵ مرشد، محمد
- ۴۳۰۶ مرعشی خراسانی، ابوالفضل احمد
- ۴۳۰۶ مرعشی شوشتری، محمدحسن
- ۴۳۰۷ مرعشی شهرستانی، علی
- ۴۳۰۸ مرعشی کرمانی، محمدرضا
- ۴۳۰۹ مرعشی نجفی، شهاب‌الدین
- ۴۳۱۴ مرعشی نجفی، محمود
- ۴۳۱۵ مرعشی نجفی، مرتضی
- ۴۳۱۵ مرعشی، ابومحمد حسن
- ۴۳۱۶ مرعشی، اسماعیل
- ۴۳۱۷ مرعشی، داود
- ۴۳۱۸ مرعشی، محمد
- ۴۳۱۸ مرعشی، محمدرضا
- ۴۳۱۹ مرعشی، محمود
- ۴۳۲۰ مرعشی نژاد، علی
- ۴۳۲۰ مرغینانی، برهان‌الدین، ابوالحسن علی
- ۴۳۲۰ مرغینانی، برهان‌الدین، ابوالعالی محمود
- ۴۳۲۱ مرغینانی، بهاء‌الدین
- ۴۳۲۱ مرندی، حسین
- ۴۳۲۲ مرندی، زین‌العابدین

- ۴۳۲۲ مرندی، علی‌اکبر
- ۴۳۲۲ مرندی، علیرضا
- ۴۳۲۳ مرندیان، محمدحسین
- ۴۳۲۳ مروارید، حسنعلی
- ۴۳۲۴ مروج جزائری، محمدجعفر
- ۴۳۲۴ مروج‌الاسلام، علی‌اکبر
- ۴۳۲۴ مروجی طبسی، محمدجعفر
- ۴۳۲۵ مروجی طبسی، محمدجواد
- ۴۳۲۷ مروجی طبسی، محمدمحسن
- ۴۳۲۸ مروجی، محمدکریم
- ۴۳۲۹ مرورودی، ابواحمد، ابویحیی هیثم
- ۴۳۳۰ مرورودی، ابوالحارث سریق
- ۴۳۳۰ مروزی، ابواسحاق ابراهیم
- ۴۳۳۱ مروزی، ابوالخیر جعفر
- ۴۳۳۱ مروزی، ابوبکر ابراهیم
- ۴۳۳۱ مروزی، ابوبکر احمد
- ۴۳۳۲ مروزی، ابوبکر محمد
- ۴۳۳۲ مروزی، ابوزید محمد
- ۴۳۳۳ مروزی، ابوسهل عبدالله
- ۴۳۳۳ مروزی، ابوصمصام سید عماد الدین ذوالفقار
- ۴۳۳۴ مروزی، ابوطالب عزیزالدین اسماعیل
- ۴۳۳۴ مروزی، ابوعبدالرحمان علی
- ۴۳۳۵ مروزی، ابوعبدالله نعیم
- ۴۳۳۵ مروزی، ابوعثمان سعید

- ۴۳۳۶ مروزی، ابوعلی حسین
- ۴۳۳۶ مروزی، ابوعلی هارون
- ۴۳۳۷ مروزی، ابومعاذ فضل
- ۴۳۳۷ مروزی، شیخ الاسلام، ابوالفضل صدقه
- ۴۳۳۸ مروزی، شیخ الاسلام، ابو عبدالله محمد
- ۴۳۳۸ مروزی، کریمه
- ۴۳۳۹ مرویان حسینی، محمود
- ۴۳۳۹ مزارعی، زهرا
- ۴۳۴۰ مزدک
- ۴۳۴۲ مزکی نیشابوری، ابواسحاق ابراهیم
- ۴۳۴۲ مزکی نیشابوری، ابوالحسن مسدد
- ۴۳۴۳ مزکی نیشابوری، ابوزکریا یحیی
- ۴۳۴۳ مزین الدوله نطنزی کاشانی، علی اکبر
- ۴۳۴۴ مزینانی، محمدصادق
- ۴۳۴۵ مزده شیرازی، علی محمد
- ۴۳۴۵ مستشارالدوله تبریزی، یوسف
- ۴۳۴۶ مستشفی، علی
- ۴۳۴۶ مستعان، حسینقلی
- ۴۳۴۶ مستغفری نسفی، ابوالعباس جعفر
- ۴۳۴۷ مستقیم، عباس
- ۴۳۴۷ مستملی بلخی، ابواسحاق ابراهیم
- ۴۳۴۸ مستملی نیشابوری، ابوعمر و احمد
- ۴۳۴۸ مستنبط تبریزی، احمد
- ۴۳۴۹ مستنبط تبریزی، نصرالله

- ۴۳۵۲ مستوفی خزانه، علی
- ۴۳۵۳ مستوفی شهشهانی، علی
- ۴۳۵۳ مستوفی قزوینی، حمدالله
- ۴۳۵۴ مستوفی، کاظم
- ۴۳۵۴ مسجد جامعی، محمدحسین
- ۴۳۵۵ مسجد شاهی اصفهانی، رضا
- ۴۳۵۶ مسجدی، حیدر
- ۴۳۵۷ مسجدی، محمدرضا
- ۴۳۵۷ مسرور اصفهانی، حسین
- ۴۳۵۹ مسروق طوسی ابوالعباس، احمد
- ۴۳۵۹ مسعود، احمد
- ۴۳۶۰ مسعود، جعفر
- ۴۳۶۱ مسعودزاده، محمدرضا
- ۴۳۶۱ مسعودی
- ۴۳۶۲ مسعودی پنج دهی مروزی، تاج‌الدین، ابوعبدالله محمد
- ۴۳۶۲ مسعودی کوهستانی
- ۴۳۶۳ مسعودی مروزی، ابوالخیر، ابوعبدالله محمد
- ۴۳۶۳ مسعودی، اصغر
- ۴۳۶۴ مسعودی، جهانگیر
- ۴۳۶۴ مسعودی، عبدالهادی
- ۴۳۶۵ مسعودی، علی اکبر
- ۴۳۶۹ مسعودی، محمدمهدی
- ۴۳۷۰ مسعودیان، احمد
- ۴۳۷۰ مسگرزاد، جلیل

- ۴۳۷۱ مسلم ملکوتی، عبدالله
- ۴۳۷۳ مسلمی خوازنی، عبدالرضا
- ۴۳۷۴ مسنده اصفهان، فاطمه
- ۴۳۷۴ مسندی بخاری، ابوجعفر عبدالله
- ۴۳۷۵ مسیب نژاد، ابوالحسن
- ۴۳۷۶ مسیبی، رضوانعلی
- ۴۳۷۶ مسیح شرقیان، ابوالقاسم
- ۴۳۷۹ مسیح کاشانی، رکن‌الدین مسعود
- ۴۳۷۹ مسیحا فدشکویی، محمد مسیح
- ۴۳۸۰ مسیحی جرجانی، ابوسهل عیسی
- ۴۳۸۰ مسیحی، ابوالحسن سعید
- ۴۳۸۱ مشار، خانابا
- ۴۳۸۲ مشایخ فریدنی، محمدحسین
- ۴۳۸۴ مشایخی، رضا
- ۴۳۸۵ مشایخی، قدرت الله
- ۴۳۸۶ مشائی، محمدرضا
- ۴۳۸۸ مشتاقی نیا، حمید
- ۴۳۸۸ مشتاقی، علی اصغر
- ۴۳۸۹ مشتاقی، محمد
- ۴۳۸۹ مشتری
- ۴۳۹۰ مشحون، حسن
- ۴۳۹۱ مشرقی شیرازی، حسن
- ۴۳۹۱ مشفق شیرازی، محمد
- ۴۳۹۲ مشکان طبسی، حسن

- ۴۳۹۳ مشکوه، علی
- ۴۳۹۳ مشکوه، محمد
- ۴۳۹۴ مشکور، محمدجواد
- ۴۳۹۶ مشکوه‌الدینی، مهدی
- ۴۳۹۷ مشکى، محمد
- ۴۳۹۷ مشکى، مهدى
- ۴۳۹۸ مشکینی، ابوالحسن
- ۴۳۹۹ مشکینی، علی اکبر
- ۴۴۰۱ مشهدی حایری، ابوعبدالله محمد
- ۴۴۰۱ مشهدی، ابوالبرکات ناصح‌الدین محمد
- ۴۴۰۲ مشهدی، هدایه‌الله
- ۴۴۰۲ مشیر سلیمی، علی اکبر
- ۴۴۰۳ مشیر، محمد
- ۴۴۰۴ مشیری شیرازی، قدرت‌الله
- ۴۴۰۴ مصاحب تهرانی، شمس‌الملوک
- ۴۴۰۵ مصاحب نایینی، غلامحسین
- ۴۴۰۷ مصاحب نایینی، محمود
- ۴۴۰۷ مصباح زاده، اسدالله
- ۴۴۰۸ مصباح یزدی، محمد تقی
- ۴۴۲۷ مصباح، مجتبی
- ۴۴۲۷ مصباحی، عبدالله
- ۴۴۲۸ مصداقی نیا، علیرضا
- ۴۴۲۸ مصدر الامور، مرتضی
- ۴۴۲۹ مصدق رشتی، علی اصغر

- ۴۴۲۹ مصدق زاده، حسین
- ۴۴۳۱ مصدق کهنمویی، محمد
- ۴۴۳۲ مصدق، غلامحسین
- ۴۴۳۳ مصری، صمد
- ۴۴۳۴ مصری پور، منوچهر
- ۴۴۳۴ مصطفوی سبزواری، رضا
- ۴۴۳۸ مصطفوی کاشانی، لیلی
- ۴۴۳۹ مصطفوی کاشانی، محمدتقی
- ۴۴۴۰ مصطفوی، رحمت‌الله
- ۴۴۴۱ مصطفوی، شهاب
- ۴۴۴۲ مصطفی پور، محمدرضا
- ۴۴۴۳ مصفا، مظاهر
- ۴۴۴۵ مصله
- ۴۴۴۶ مصنف مریوانی، ابوبکر
- ۴۴۴۶ مصنفک بسطامی، علاءالدین علی
- ۴۴۴۶ مطبعه چی، مصطفی
- ۴۴۴۷ مطرز اصفهانی، ابوسعید محمد
- ۴۴۴۷ مطرزی خوارزمی، برهان‌الدین، ابوالفتح ناصر
- ۴۴۴۸ مطلبی، ابوالحسن
- ۴۴۴۹ مطوعی، ابوحنص عمر
- ۴۴۴۹ مطهری مازندرانی، ابواسحاق ابراهیم
- ۴۴۵۰ مطهری، احمد
- ۴۴۵۰ مطهری، حمید
- ۴۴۵۱ مطهری، حمیدرضا

- ۴۴۵۱ مطهری، زین العابدین
- ۴۴۵۱ مطهری، مرتضی
- ۴۴۵۶ مظاهری اصفهانی، علی اکبر
- ۴۴۵۸ مظاهری، حسن
- ۴۴۵۸ مظاهری، حسین
- ۴۴۷۵ مظاهری، علی
- ۴۴۷۶ مظاهری، علی اکبر
- ۴۴۷۷ مظاهری، علی اکبر
- ۴۴۷۸ مظاهری، مرتضی
- ۴۴۷۹ مظفر، محمدتقی
- ۴۴۸۰ مظفر، محمدحسین
- ۴۴۸۱ مظفر، محمدرضا
- ۴۴۸۴ مظفری خویی، حسام‌الدین حسن
- ۴۴۸۵ مظفری قزوینی، محمد
- ۴۴۸۶ مظلومی، رجبعلی
- ۴۴۸۸ مظهر، علی اکبر
- ۴۴۸۹ مظهری، محمدحسن
- ۴۴۸۹ معاضدی، عبدالمجید
- ۴۴۹۰ معاون سعیدی نوقانی، کوکب
- ۴۴۹۰ معتبری، منصور
- ۴۴۹۱ معتمد خراسانی، اسماعیل
- ۴۴۹۱ معتمدالدوله، عبدالوهاب
- ۴۴۹۲ معتمدالملک، یحیی
- ۴۴۹۲ معتمدی، فرشته

- ۴۴۹۳ معتمدی، محمدرضا
- ۴۴۹۳ معتمدی، محمود
- ۴۴۹۴ معتمدی، ملوک
- ۴۴۹۵ معدل، قاسم
- ۴۴۹۶ معراجی گوگدی، محمدتقی
- ۴۴۹۶ معرفت، محمدهادی
- ۴۴۹۹ معرفت، مرتضی
- ۴۴۹۹ معروف، حبیب
- ۴۴۹۹ معزالدوله‌ای، مهدی
- ۴۵۰۰ معزی، اسماعیل
- ۴۵۰۱ معزی، حسام‌الدوله، نجفقلی
- ۴۵۰۱ معزی، محمدرضا
- ۴۵۰۱ معزی، محمدعلی
- ۴۵۰۲ معزی، محمدکاظم
- ۴۵۰۲ معصومی اصفهانی، ابوعبدالله محمد
- ۴۵۰۳ معصومی لاری، محمدمسعود
- ۴۵۰۴ معصومی همدانی، حسین
- ۴۵۰۵ معصومی، محمد
- ۴۵۰۶ معصومی، محمدعلی
- ۴۵۰۷ معلمی، حسن
- ۴۵۰۷ معمار، خلیل
- ۴۵۰۸ معین الاطباء اردستانی، عبدالوهاب
- ۴۵۰۸ معین، محمد
- ۴۵۰۹ معین‌الاسلام، محمد علی

- ۴۵۱۰ معین‌الواعظین، عباس علی
- ۴۵۱۰ مفتاح، محمد
- ۴۵۱۲ مفتاح، محمدهادی
- ۴۵۱۴ مفتون دنبلی آذربایجانی، عبدالرزاق
- ۴۵۱۵ مفتی‌زاده، محمد صدیق
- ۴۵۱۶ مفسر تهرانی، علی
- ۴۵۱۷ مفسر نیشابوری، ابونصر منصور
- ۴۵۱۷ مفلح تهرانی، محمدعلی
- ۴۵۱۷ مفید رازی، ابوالوفاء عبدالجبار
- ۴۵۱۸ مفید نیشابوری، ابومحمد، عبدالرحمان
- ۴۵۱۸ مفید، محمد
- ۴۵۱۸ مفید، محمود
- ۴۵۱۹ مفیدی فر، محمدصادق
- ۴۵۲۰ مفیدی، یحیی
- ۴۵۲۱ مقتدایی، مرتضی
- ۴۵۲۳ مقدادی، بهرام
- ۴۵۲۴ مقدس اردبیلی، احمد
- ۴۵۲۵ مقدس تهرانی، محمدتقی
- ۴۵۲۵ مقدس زنجانی، محمدباقر
- ۴۵۲۵ مقدس، محمد
- ۴۵۲۶ مقدسی رازی همدانی، ابوزرعه طاهر
- ۴۵۲۶ مقدسی شیرازی، ابوالحسن
- ۴۵۲۷ مقدسی شیرازی، ابوالفرج عبدالواحد
- ۴۵۲۷ مقدسی، یدالله

- ۴۵۲۸ مقدسیان، علی
- ۴۵۲۸ مقدم، محمد
- ۴۵۳۰ مقدم، محمدباقر
- ۴۵۳۰ مقربی، مصطفی
- ۴۵۳۲ مقری مؤذن، اسماعیل
- ۴۵۳۲ مقصود علی
- ۴۵۳۳ مقصود، کاشانی
- ۴۵۳۳ مقصودی، فریبا
- ۴۵۳۴ مقیسه، حسین
- ۴۵۳۵ مقیسه، حسین
- ۴۵۳۶ مقیم اصفهانی، محمد
- ۴۵۳۶ مکارم شیرازی، ناصر
- ۴۵۴۰ مکارم، محسن
- ۴۵۴۱ ملا باشی تبریزی، عبدالکریم
- ۴۵۴۱ ملا باشی سراپی تبریزی، محمدکریم
- ۴۵۴۲ ملا باشی، احمد
- ۴۵۴۲ ملا عصام، عبدالملک
- ۴۵۴۳ ملاباشی شیرازی، محمدباقر
- ۴۵۴۳ ملاباشی، محمدباقر
- ۴۵۴۳ ملاحسنی، علیرضا
- ۴۵۴۴ ملاحمی بخاری، ابونصر محمد
- ۴۵۴۴ ملاصدرای شیرازی، صدرالدین محمد
- ۴۵۴۶ ملامحمدی، مجید
- ۴۵۴۷ ملامحمدی، محمد

- ۴۵۴۸ ملایری، ابوالقاسم
- ۴۵۴۸ ملایری، عبدالله
- ۴۵۴۹ ملبوبی، محمدباقر
- ۴۵۴۹ ملک الاطباء اصفهانی، محمد
- ۴۵۵۰ ملک الاطباء رشتی، کاظم
- ۴۵۵۰ ملک المورخین، عبدالحسین
- ۴۵۵۱ ملک پور، محمدجعفر
- ۴۵۵۲ ملک زاده، محمدحسین
- ۴۵۵۵ ملک، محمد
- ۴۵۵۶ ملک‌افشار، عزت
- ۴۵۵۷ ملک‌افضلی اردکانی، حسین
- ۴۵۵۸ ملک‌الاطباء شیرازی، محمدتقی
- ۴۵۵۸ ملک‌الشعراء کاشانی، محمود
- ۴۵۵۹ ملک‌زاده، رضا
- ۴۵۶۰ ملک‌نیا، ناصر
- ۴۵۶۰ ملکوتی، علی
- ۴۵۶۱ ملکی اصفهانی، محمود
- ۴۵۶۲ ملکی اصل، علی
- ۴۵۶۳ ملکی تبریزی، جواد
- ۴۵۶۴ ملکی زنجانی، حسین
- ۴۵۶۶ ملکی طسوجی، عباس
- ۴۵۶۶ ملکی متهور، حمید
- ۴۵۶۷ ملکی میانجی، محمدباقر
- ۴۵۶۸ ملکی، باقر

- ۴۵۶۹ ملکیان، محمدباقر
- ۴۵۷۰ ملکیان، مصطفی
- ۴۵۷۲ ملماسی، محمود
- ۴۵۷۲ ملنجی اصفهانی، ابومسعود سلیمان
- ۴۵۷۲ ملولی اصفهانی، اسدالله
- ۴۵۷۳ ملیحی هروی، ابوعمر عبدالواحد
- ۴۵۷۳ ممجد لنگرودی، علیرضا
- ۴۵۷۶ ممدوحی، حسن
- ۴۵۸۱ ممیز، مرتضی
- ۴۵۸۷ منادی زاده، داوود
- ۴۵۸۷ منافی، احمد
- ۴۵۸۷ منتجب نیا، رسول
- ۴۵۹۰ منتجب‌الدین رازی، ابوالحسن علی
- ۴۵۹۰ منتجب‌الدین علی
- ۴۵۹۱ منتظر قائم، مهدی
- ۴۵۹۲ منتظری مقدم، حامد
- ۴۵۹۳ منتظری مقدم، محمود
- ۴۵۹۴ منتظری، حسینعلی
- ۴۵۹۵ منتظم الحکماء، مهدی
- ۴۵۹۵ منجم باشی، عبدالوهاب
- ۴۵۹۶ منجم یزدی، محمد
- ۴۵۹۶ منذری هروی، ابوالفضل محمد
- ۴۵۹۷ منزوی، احمد
- ۴۶۰۰ منشار عاملی

- ۴۶۰۱ منشی باشی، مهدی
- ۴۶۰۱ منشی، ابوالمعالی نصرالله
- ۴۶۰۲ منشی، روح‌الله
- ۴۶۰۲ منشی‌زاده، داوود
- ۴۶۰۳ منصف، مهدی
- ۴۶۰۴ منصورى رشتى، ذبیح‌الله
- ۴۶۰۸ منصورى، پروین
- ۴۶۰۸ منصورى، کریم
- ۴۶۰۹ منصورى، مهدی
- ۴۶۰۹ منطقی یزدی، کمال‌الدین حسین
- ۴۶۱۰ منطقی، ابوسلیمان محمد
- ۴۶۱۰ منظور الاجداد، محمدحسین
- ۴۶۱۱ منفرد، نقی
- ۴۶۱۲ منوچهری نائینی، عبدالوهاب
- ۴۶۱۳ منوچهری، حسینعلی
- ۴۶۱۴ منور علیشاه
- ۴۶۱۴ منهاج سراج
- ۴۶۱۴ موالی تونی
- ۴۶۱۴ موتمنی، احمد
- ۴۶۱۵ موحد، ضیاء
- ۴۶۱۸ موحدطاهر، محمدباقر
- ۴۶۱۹ موحدی کرمانی، محمد علی
- ۴۶۲۰ موحدی محب، عبدالله
- ۴۶۲۱ موحدیان عطار، علی

- ۴۶۲۲ مودب، رضا
- ۴۶۲۳ مودن زاده، رحیم
- ۴۶۲۵ مودن زاده، رحیم
- ۴۶۲۶ مودن زاده، رحیم
- ۴۶۲۷ مورخ الاسلام، محمد
- ۴۶۲۸ موزه، محمدباقر
- ۴۶۲۹ موسوی احمد آبادی، مجتبی
- ۴۶۲۹ موسوی اردبیلی، یونس
- ۴۶۳۰ موسوی اصفهانی، فهیمه
- ۴۶۳۰ موسوی اصل، مهدی
- ۴۶۳۱ موسوی بالیگی، محمد
- ۴۶۳۱ موسوی بجنوردی، محمد
- ۴۶۳۵ موسوی برزکی، محمد
- ۴۶۳۵ موسوی پور، محمدحسین
- ۴۶۳۷ موسوی پور، محمدحسین
- ۴۶۳۸ موسوی تبریزی، ابوالفضل
- ۴۶۳۸ موسوی تهرانی، علینقی
- ۴۶۳۹ موسوی حجازی، جمال
- ۴۶۴۰ موسوی خراسانی، ذبیح‌الله
- ۴۶۴۰ موسوی خواجه‌ئی، محمد نجم‌الواعظین
- ۴۶۴۱ موسوی خوانساری، احمد
- ۴۶۴۱ موسوی دریاباری، علی
- ۴۶۴۲ موسوی دزفولی، محمدعلی
- ۴۶۴۲ موسوی راد، حسین

- ۴۶۴۳ موسوی زنجانی، ابوالقاسم
- ۴۶۴۳ موسوی زنجانی، ابوطالب
- ۴۶۴۴ موسوی زنجانی، رضا
- ۴۶۴۴ موسوی زنجانی، محمد
- ۴۶۴۴ موسوی زنجانی، محمدباقر
- ۴۶۴۵ موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی
- ۴۶۴۵ موسوی سدهی، حسن علی
- ۴۶۴۶ موسوی شاهرودی، حسین
- ۴۶۴۶ موسوی شوشتری جزایری، عبدالصمد
- ۴۶۴۷ موسوی شیرازی، عبدالباقی
- ۴۶۴۷ موسوی شیرازی، محمدطاهر
- ۴۶۴۸ موسوی طسوجی، محمدهاشم
- ۴۶۴۸ موسوی علوی خوانساری، حسین
- ۴۶۴۹ موسوی فراز، محمدرضا
- ۴۶۴۹ موسوی قافله باشی، محمدهادی
- ۴۶۵۰ موسوی قافله باشی، مرتضی
- ۴۶۵۱ موسوی قزوینی، علی
- ۴۶۵۲ موسوی کاظمینی، حسن
- ۴۶۵۲ موسوی گرگانی، محسن
- ۴۶۵۳ موسوی گرمارودی، علی
- ۴۶۵۸ موسوی لاری، مجتبی
- ۴۶۶۰ موسوی مطلق، عباس
- ۴۶۶۱ موسوی نژاد، علی
- ۴۶۶۱ موسوی نسب، جعفر

- ۴۶۶۲ موسوی وارقانی، احمد
- ۴۶۶۳ موسوی ونکی سمیرمی، محمد شریف
- ۴۶۶۳ موسوی یزدی، کاظم
- ۴۶۶۴ موسوی، ابراهیم
- ۴۶۶۵ موسوی، جاسم
- ۴۶۶۶ موسوی، حجت‌الله
- ۴۶۶۷ موسوی، حسین
- ۴۶۶۷ موسوی، رسول
- ۴۶۶۸ موسوی، رضا
- ۴۶۶۸ موسوی، عبدالحمید
- ۴۶۷۰ موسوی، علی
- ۴۶۷۰ موسوی، علی اکبر
- ۴۶۷۱ موسوی، فاضل
- ۴۶۷۲ موسوی، کاظم
- ۴۶۷۳ موسوی، محسن
- ۴۶۷۵ موسوی، محمد
- ۴۶۷۶ موسوی، محمد خلیل
- ۴۶۷۶ موسوی، محمداسماعیل
- ۴۶۷۶ موسوی، محمدتقی
- ۴۶۷۹ موسوی، محمد مهدی
- ۴۶۷۹ موسوی، محمود
- ۴۶۸۰ موسوی، مسعود
- ۴۶۸۲ موسوی، مصطفی
- ۴۶۸۳ موسوی، میرمحمود

- ۴۶۸۴ موسوی، ناصر
- ۴۶۸۴ موسوی، نعیم
- ۴۶۸۵ موسویان، ابوالفضل
- ۴۶۸۵ موسویان، عباس
- ۴۶۸۶ موسوی‌زاده، تقی
- ۴۶۸۶ موسی زاده، حافظ
- ۴۶۸۷ موسیوند، توفیق
- ۴۶۸۸ موفق، علیرضا
- ۴۶۸۹ موفق‌الدین ابوالقاسم عبیدالله
- ۴۶۸۹ موگهی، عبدالرحیم
- ۴۶۹۰ مولانا تبریزی، محمد
- ۴۶۹۰ مولوی شیرازی، علی‌اکبر
- ۴۶۹۱ مولوی کتابفروش، محمد حسین
- ۴۶۹۱ مولوی، جلال‌الدین محمد
- ۴۶۹۳ مولوی، عباس
- ۴۶۹۴ مومن، علی
- ۴۶۹۴ مومن، محمد
- ۴۶۹۷ مومنی، ستار
- ۴۶۹۸ مونس علیشاه
- ۴۶۹۹ مونسه
- ۴۶۹۹ مویدی اصفهانی، بهجت‌السادات
- ۴۶۹۹ مهابادی، افضل‌الدین حسن
- ۴۶۹۹ مهاجر سنندجی، عبدالقادر
- ۴۷۰۰ مهاجر، مرتضی

- ۴۷۰۰ مهاجرانی، علی
- ۴۷۰۱ مهاجرانی، محمدباقر
- ۴۷۰۱ مهدوی اردبیلی، محمدحسین
- ۴۷۰۲ مهدوی اصفهانی، نورالله
- ۴۷۰۳ مهدوی دامغانی، محمدرضا
- ۴۷۰۳ مهدوی دامغانی، محمدکاظم
- ۴۷۰۴ مهدوی راد، محمدعلی
- ۴۷۰۶ مهدوی شاهرودی، عبدالله
- ۴۷۰۷ مهدوی شهرضایی، محمد رضا
- ۴۷۰۷ مهدوی فرد، میرزا عباس
- ۴۷۰۸ مهدوی قزوینی، محمود
- ۴۷۰۸ مهدوی قمشاهی، محمدرضا
- ۴۷۰۹ مهدوی کنی، محمدرضا
- ۴۷۱۰ مهدوی گلپایگانی، مهدی
- ۴۷۱۰ مهدوی لاهیجانی، مهدی
- ۴۷۱۱ مهدوی نیا، محمدتقی
- ۴۷۱۲ مهدوی هرستانی، مصطفی
- ۴۷۱۳ مهدوی هرستانی، هدایت الله
- ۴۷۱۴ مهدوی، اصغر
- ۴۷۲۰ مهدوی، رضاعلی
- ۴۷۲۰ مهدوی، مجید
- ۴۷۲۲ مهدوی، مصلح‌الدین محمدحسین
- ۴۷۲۳ مهدوی، مهدی
- ۴۷۲۳ مهدوی، یحیی

- ۴۷۲۴ مهدویان، جلال
- ۴۷۲۴ مهدی پور، علی اکبر
- ۴۷۲۵ مهدی پور، محمود
- ۴۷۲۶ مهدی زاده، حسین
- ۴۷۲۷ مهدی زاده، مسلم
- ۴۷۲۸ مهدی زاده، میرستار
- ۴۷۲۹ مهدیزاده شهری، علی
- ۴۷۲۹ مهذب لیقوانی، علی نقی
- ۴۷۳۰ مهذب، احمد
- ۴۷۳۱ مهذب، جعفر
- ۴۷۳۱ مهر نرسی
- ۴۷۳۲ مهر، بوذرجمهر
- ۴۷۳۲ مهرابی، علی
- ۴۷۳۲ مهرداد، جعفر
- ۴۷۳۳ مهرالنساء
- ۴۷۳۳ مهران پور، محمد
- ۴۷۳۳ مهرانی نیشابوری، ابوبکر احمد
- ۴۷۳۴ مهربان، داراب
- ۴۷۳۵ مهرید، مسیح
- ۴۷۳۵ مهرداد، کاظم
- ۴۷۳۵ مهرگان مسعودی، علیرضا
- ۴۷۳۶ مهروانی همدانی، ابوالقاسم یوسف
- ۴۷۳۶ مهری، سید عباس
- ۴۷۳۷ مهری، عباس

- ۴۷۴۳ مهری، محمد
- ۴۷۴۴ مهریزی، مهدی
- ۴۷۴۴ مهزاد، منصور
- ۴۷۴۵ مهلبی نیشابوری، ابویعلی، حمزه
- ۴۷۴۶ مهندسی، محمد مهدی
- ۴۷۴۷ مهیار دیلمی، ابوحسین
- ۴۷۴۸ مؤدب مرورودی، ابواحمد، حسین
- ۴۷۴۸ مؤذن نیشابوری، ابوصالح احمد
- ۴۷۴۹ مؤذن هروی، ابوسهل محمد
- ۴۷۴۹ مؤذی خوارزمی، نظام‌الدین، ابواسحاق ابراهیم
- ۴۷۴۹ مؤمن‌زاده خولنجانی، عباس
- ۴۷۵۰ مؤمن‌زاده، هوشنگ
- ۴۷۵۰ مؤید، جعفر
- ۴۷۵۱ مؤید، محمد جعفر
- ۴۷۵۲ میبیدی
- ۴۷۵۲ میبیدی یزدی، علی
- ۴۷۵۲ میبیدی، رشیدالدین ابوالفضل
- ۴۷۵۳ میبیدی، محمد
- ۴۷۵۳ میبیدی، محمدرضا
- ۴۷۵۴ میبیدی، محمد علی
- ۴۷۵۵ میبیدی، محمد فاکر
- ۴۷۵۵ میثمی، محمود
- ۴۷۵۶ میدانی نیشابوری، ابوالفضل احمد
- ۴۷۵۶ میر خواند بلخی، محمد

- ۴۷۵۷ میر داماد نجف آبادی، علی
- ۴۷۵۸ میر سپاسی، عبدالحسین
- ۴۷۵۸ میر سید
- ۴۷۵۸ میر عبداللهی، محمود
- ۴۷۵۹ میر کیانی، محمد
- ۴۷۶۱ میر محمد صادقی، محسن
- ۴۷۶۲ میر محمود
- ۴۷۶۲ میراحمدی، علی
- ۴۷۶۳ میراحمدی، مریم
- ۴۷۶۴ میراحمدیان، ماهرو
- ۴۷۶۵ میراشرفی، هادی
- ۴۷۶۵ میربد، پروین
- ۴۷۶۶ میرجعفری، حسین
- ۴۷۶۷ میرجلیلی، علی محمد
- ۴۷۶۹ میرجلیلی، کاظم
- ۴۷۷۰ میرجهانی، محمدحسن
- ۴۷۷۳ میرحسینی، اکبر
- ۴۷۷۴ میرحسینی، احمد
- ۴۷۷۵ میرخانی، احمد
- ۴۷۷۶ میرخانی، حسن
- ۴۷۷۷ میرخلیلی، احمد
- ۴۷۷۸ میرخلیلی، جواد
- ۴۷۷۹ میرخندان، حمید
- ۴۷۸۰ میرداماد

- ۴۷۸۱ میردامادی سدهی، حیدر علی
- ۴۷۸۱ میردامادی، بحر العلوم
- ۴۷۸۲ میردامادی، مجتبی
- ۴۷۸۳ میردامادی، هاشم
- ۴۷۸۵ میردهقان، محمود
- ۴۷۸۶ میرزا اصفهانی
- ۴۷۸۷ میرزا آقاسی، محمدحسن
- ۴۷۸۷ میرزا حسابی، عبدالحمید
- ۴۷۸۸ میرزاپور، محسن
- ۴۷۸۹ میرزاجانی
- ۴۷۸۹ میرسپاسی، غلامرضا
- ۴۷۸۹ میر صالحی، مرتضی
- ۴۷۸۹ میرصانع، محمدعلی
- ۴۷۹۰ میرصدرایی، سعادت
- ۴۷۹۱ میرعلایی، احمد
- ۴۷۹۱ میرعمادی، علی
- ۴۷۹۲ میرفخرایی، حمیده
- ۴۷۹۳ میرفخرایی، مجد الدین
- ۴۷۹۵ میرفخرائی، علی محمد
- ۴۷۹۵ میرفندرسکی، ابوالقاسم
- ۴۸۰۰ میرفندرسکی، مهدی
- ۴۸۰۱ میرک بخاری، شمس الدین محمد
- ۴۸۰۱ میرکازرونی، محمدتقی
- ۴۸۰۱ میرلوحی فلاورجانی، علی

- ۴۸۰۲ میرلوحی، مسیح‌الله
- ۴۸۰۳ میرم چلبی، محمود
- ۴۸۰۳ میرمحمد صادقی، مجتبی
- ۴۸۰۴ میرمحمدی، ابوالفضل
- ۴۸۰۵ میرمحمدی، کمال‌الدین
- ۴۸۰۶ میرمسیب، مهدی
- ۴۸۰۸ میرمعزی، حسین
- ۴۸۰۸ میرموسوی، حسین
- ۴۸۰۹ میرموسوی، علی
- ۴۸۱۰ میری آشتیانی، جلال‌الدین
- ۴۸۱۵ میری آشتیانی، جمال‌الدین
- ۴۸۱۵ میری، عباس
- ۴۸۱۷ میقانی، رضا
- ۴۸۱۸ میکالی، ابوالعباس اسماعیل
- ۴۸۱۸ میکالی، ابوالفضل عیدالله
- ۴۸۱۹ میکائیلیان، ماسیس
- ۴۸۱۹ میلانی، علی
- ۴۸۲۰ میلانی، محمدهادی
- ۴۸۲۳ میلانین، ایرج
- ۴۸۲۴ میلانین، هرمز
- ۴۸۲۶ میناگر، غلامرضا
- ۴۸۲۷ مینوی، مجتبی
- ۴۸۳۱ میهنی، مجدالدین، محیی‌الدین، ابوالفتح اسعد
- ۴۸۳۲ مثنای پارسی

- ۴۸۳۲ ناتل خانلری، پرویز
- ۴۸۳۳ ناتلی
- ۴۸۳۳ نادریپور، نادر
- ۴۸۳۴ نادری کازرونی، محمد ابراهیم
- ۴۸۳۵ نادری نرمیقی، علی‌اکبر
- ۴۸۳۵ نادری، شاهرخ
- ۴۸۳۵ نادری، محمد
- ۴۸۳۶ نادعلیان، محمدقلی
- ۴۸۳۶ نادم، محمدحسن
- ۴۸۳۷ ناسی‌زاده، محمدرضا
- ۴۸۳۸ ناشر الاسلام، محمدحسین
- ۴۸۳۹ ناصح تهرانی، محمدعلی
- ۴۸۴۰ ناصح، محمدمهدی
- ۴۸۴۲ ناصح، محمدمهدی
- ۴۸۴۳ ناصح‌الممالک بروجردی، اسماعیل
- ۴۸۴۴ ناصحی نیشابوری، ابوبکر محمد
- ۴۸۴۴ ناصر حسین، حامد حسین
- ۴۸۴۵ ناصر خسرو
- ۴۸۴۷ ناصر منشی، ناصرالدین
- ۴۸۴۷ ناصرالدین، عبیدالله
- ۴۸۴۸ ناصرالسلطنه تبریزی، نصرالله
- ۴۸۴۸ ناصری دولت آبادی، محمد
- ۴۸۵۰ ناصری، علی
- ۴۸۵۰ ناصری، کیومرث

- ۴۸۵۰ ناصری، مجتبی
- ۴۸۵۱ ناصری، مسلم
- ۴۸۵۲ ناطق تبریزی، ناصح
- ۴۸۵۳ ناطق، ناصح
- ۴۸۵۴ ناطقی، غلامحسین
- ۴۸۵۵ ناظری، ایرج
- ۴۸۵۶ ناظم الاطباء، موسی
- ۴۸۵۶ ناظم الشریعه، محمد
- ۴۸۵۷ ناظم الشریعه، محمد حسین
- ۴۸۵۸ ناظم شیرازی، مهدی
- ۴۸۵۸ ناظم، حبیب الله
- ۴۸۵۹ ناظم، محمد
- ۴۸۶۰ ناظم الاسلام کرمانی، محمد
- ۴۸۶۱ ناظم العلوم، علی
- ۴۸۶۱ نامدار جویباری، عباس
- ۴۸۶۲ نامی اصفهانی، محمدصادق
- ۴۸۶۲ ناهج قزوینی
- ۴۸۶۳ ناهید شیرازی، مریم
- ۴۸۶۴ نایب الصدر، محمد حسین
- ۴۸۶۴ نایب الصدر، محمد مهدی
- ۴۸۶۴ نایب‌الصداره
- ۴۸۶۵ نایبی، محمد
- ۴۸۶۵ نائینی، حیدرعلی
- ۴۸۶۶ نبوی بیرجندی، حسن

- ۴۸۶۶ نبوی، ابوالفضل
- ۴۸۶۸ نبوی، اسدالله
- ۴۸۶۹ نبوی، محسن
- ۴۸۶۹ نبی، ابوالفضل
- ۴۸۷۰ نجابت، حسن علی
- ۴۸۷۲ نجاتی بافتی، محمدعلی
- ۴۸۷۳ نجاتی، صادق
- ۴۸۷۴ نجاتی، محمدسعید
- ۴۸۷۴ نجاتی، محمدعلی
- ۴۸۷۵ نجار رازی، ابوعبدالله حسین
- ۴۸۷۵ نجار زادگان، فتح الله
- ۴۸۷۶ نجار شوشتری، محمد
- ۴۸۷۷ نجار قمی، محمدحسین
- ۴۸۷۷ نجار لواسانی، حبیب
- ۴۸۷۷ نجار، ابوالحسن
- ۴۸۷۸ نجار، احمد
- ۴۸۷۸ نجار، محمدحسین
- ۴۸۷۸ نجاران لواسانی، احمد
- ۴۸۷۹ نجارزادگان، فتح الله
- ۴۸۸۰ نجفآبادی، عبدالرحیم
- ۴۸۸۱ نجفآبادی، غلام حسین
- ۴۸۸۱ نجفآبادی، محمدحسین
- ۴۸۸۲ نجفی اسداللهی، سعید
- ۴۸۸۲ نجفی اصفهانی مجدالدین، محمد علی

- ۴۸۸۳ نجفی بروجردی، علی محمد
- ۴۸۸۴ نجفی بندپی، محمد
- ۴۸۸۴ نجفی راد، محمدحسن
- ۴۸۸۵ نجفی عاملی، جواد
- ۴۸۸۵ نجفی عاملی، محمدحسین
- ۴۸۸۷ نجفی قمشه ای، قدرت الله
- ۴۸۸۸ نجفی کاشانی، علی
- ۴۸۹۰ نجفی کاشانی، مهدی
- ۴۸۹۱ نجفی هزار جریبی، محمد حسین
- ۴۸۹۱ نجفی یزدی، محمد
- ۴۸۹۲ نجفی، انورعلی
- ۴۸۹۲ نجفی، حافظ
- ۴۸۹۳ نجفی، زین العابدین
- ۴۸۹۴ نجفی، مجدالدین
- ۴۸۹۵ نجفی، محمد حسن
- ۴۸۹۶ نجفی، محمد طه
- ۴۸۹۶ نجفی، محمدحسین
- ۴۸۹۷ نجفی، محمدصادق
- ۴۹۰۱ نجم الدوله، عبدالغفار
- ۴۹۰۱ نجم‌الدین کبری، ابوالجناب احمد
- ۴۹۰۳ نجم‌آبادی، محمدباقر
- ۴۹۰۳ نجم‌آبادی، محمود
- ۴۹۰۴ نجم‌آبادی، هادی
- ۴۹۰۵ نجمی، محمدصادق

- ۴۹۰۶ نجمی، محمدصادق
- ۴۹۰۹ نجومیان، امیرعلی
- ۴۹۱۰ نحوی هروی، ابوالمظفر محمد
- ۴۹۱۱ نحوی، ابوالقاسم
- ۴۹۱۱ نحوی، شهاب الدین
- ۴۹۱۲ نحوی، عباس
- ۴۹۱۲ نحوی، محمد باقر
- ۴۹۱۳ نحوی، محمد حسن
- ۴۹۱۳ نحوی، محمد حسین
- ۴۹۱۳ نحوی، مهدی
- ۴۹۱۴ نخبه الفقهاء لاری، محمدحسن
- ۴۹۱۴ نخبه، علیرضا
- ۴۹۱۵ نخجوانی، نجم‌الدین احمد
- ۴۹۱۵ نخجوانی، هندوشاه
- ۴۹۱۵ نخعی، زین‌العابدین
- ۴۹۱۶ نخودکی اصفهانی، حسنعلی
- ۴۹۱۷ ندیم‌الملک، حیدر علی
- ۴۹۱۷ ندیم، ابوالحسن
- ۴۹۱۸ ندیم، حسن
- ۴۹۱۹ ندیمی، محمود
- ۴۹۱۹ نراقی، احمد
- ۴۹۲۰ نراقی، حسن
- ۴۹۲۰ نراقی، محمد
- ۴۹۲۱ نراقی، محمدصادق

- ۴۹۲۱ نراقی، مهدی
- ۴۹۲۲ نرشخی، ابوبکر محمد
- ۴۹۲۲ نریزی مراغی، ابوتراب عبدالباقی
- ۴۹۲۳ نسائی، ابوالعباس احمد
- ۴۹۲۳ نسائی، ابوعبدالرحمان احمد
- ۴۹۲۴ نسفی بخاری، ابومحمد عبدالعزیز
- ۴۹۲۴ نسفی، ابومطیع مکحول
- ۴۹۲۵ نسفی، ابومعین میمون
- ۴۹۲۵ نسفی، برهان‌الدین، ابوالفضایل
- ۴۹۲۵ نسفی، حافظ‌الدین، ابوالبرکات عبدالله
- ۴۹۲۶ نسفی، نجم‌الدین، ابوحفص عمر
- ۴۹۲۷ نسوی
- ۴۹۲۷ نسوی مروزی، ابوسعید احمد
- ۴۹۲۸ نشأت، صادق
- ۴۹۲۸ نصر المظفر، نصر
- ۴۹۲۹ نصر، علی
- ۴۹۳۰ نصر، ولی‌الله
- ۴۹۳۱ نصراللهی، رضا
- ۴۹۳۲ نصرآبادی نیشابوری، ابوالقاسم ابراهیم
- ۴۹۳۲ نصرآبادی، ابوالقاسم
- ۴۹۳۳ نصرآبادی، بدیع‌الزمان
- ۴۹۳۳ نصرآبادی، محمد طاهر
- ۴۹۳۴ نصرتی، علی اصغر
- ۴۹۳۵ نصیب قزوینی

- ۴۹۳۵ نصیر تنکابنی، محمد
- ۴۹۳۵ نصیرالدوله بدر، احمد
- ۴۹۳۶ نصیرپور، باقر
- ۴۹۳۶ نصیرزاده، محمدحسین
- ۴۹۳۶ نصیری سمنانی، نصرت‌الله
- ۴۹۳۷ نصیری، پروین
- ۴۹۳۷ نصیری، علی
- ۴۹۳۷ نصیری، محمدرضا
- ۴۹۳۸ نطنزی، معین‌الدین
- ۴۹۳۹ نظام الدوله، علی
- ۴۹۳۹ نظام الدوله، علی محمد
- ۴۹۳۹ نظام الدوله، مرتضی قلی
- ۴۹۴۰ نظام العلماء بحرانی، محمد اسماعیل
- ۴۹۴۰ نظام العلمای تبریزی، محمود
- ۴۹۴۱ نظام شامی، نظام‌الدین عبدالواسع
- ۴۹۴۱ نظام شیرازی، محمود
- ۴۹۴۲ نظام هروی، نظام‌الدین محمد
- ۴۹۴۲ نظام‌الدوله اصفهانی، علی محمد
- ۴۹۴۲ نظام‌العلمای تبریزی، محمد رفیع
- ۴۹۴۳ نظام‌الملک طوسی، قوام‌الدین، ابوعلی حسن
- ۴۹۴۴ نظامی عروضی سمرقندی، نجم‌الدین، ابوالحسن احمد
- ۴۹۴۵ نظامی گنجوی، جمال‌الدین، ابومحمد الیاس
- ۴۹۴۶ نظرانی، امیر
- ۴۹۴۷ نظرپور، محمدنقی

- ۴۹۴۷ نظری منفرد، علیرضا
- ۴۹۴۸ نظری، خلیل
- ۴۹۴۹ نظمی تهرانی، ناصر
- ۴۹۴۹ نظیف
- ۴۹۴۹ نعمت پور، ناصر
- ۴۹۵۱ نعیمی جرجانی، ابومنصور، احمد
- ۴۹۵۱ نفیس کرمانی، برهان‌الدین نفیس
- ۴۹۵۲ نفیسی، سعید
- ۴۹۵۳ نفیسی، علی اکبر
- ۴۹۵۴ نفیسی، محسن
- ۴۹۵۴ نقاش اصفهانی، ابوسعید محمد
- ۴۹۵۵ نقاش تبریزی، عبدالمومن
- ۴۹۵۵ نقاشباشی مزین‌الدوله، علی اکبر
- ۴۹۵۶ نقدعلی فروشانی، علیرضا
- ۴۹۵۷ نقره‌کار نیشابوری، جمال‌الدین عبدالله
- ۴۹۵۷ نقشینه، رضا
- ۴۹۵۷ نقوی، محمدتقی
- ۴۹۵۸ نقیب‌الممالک
- ۴۹۵۸ نقیب‌زاده، عبدالحسین
- ۴۹۵۹ نقیبی، حسن
- ۴۹۶۰ نکبونی، ابوزکریا یحیی
- ۴۹۶۰ نکوگویان خیاط، رجبعلی
- ۴۹۶۲ نکونام، علی
- ۴۹۶۳ نگارش، حمید

- ۴۹۶۳ نمازی اصفهانی، محمود
- ۴۹۶۵ نمازی اصفهانی، ملا فتح الله
- ۴۹۷۰ نمازی زادگان، سعید
- ۴۹۷۱ نمازی شادمان، فرنگیس
- ۴۹۷۲ نمازی شاهرودی، علی
- ۴۹۷۴ نمازی، حسن
- ۴۹۷۶ نمازی، عبدالنبی
- ۴۹۷۷ نواب اصفهانی، محمد
- ۴۹۷۷ نواب سید محمد واجد علی خان
- ۴۹۷۸ نواب شیخ الاسلامی، عیسی
- ۴۹۷۸ نواب، ابراهیم
- ۴۹۷۹ نواب، ابوالحسن
- ۴۹۸۰ نواب پور، رضا
- ۴۹۸۰ نوازی، محمدعلی
- ۴۹۸۰ نوایی جغتایی، نظام‌الدین امیر
- ۴۹۸۱ نوایی، عبدالحسین
- ۴۹۸۶ نوایی، محمود
- ۴۹۸۷ نوبخت حقیقی، علی
- ۴۹۸۸ نوبخت شیرازی، حبیب‌الله
- ۴۹۸۹ نوبختی، ابواسحاق ابراهیم بن اسحاق
- ۴۹۸۹ نوبختی، ابوالعباس فضل
- ۴۹۹۰ نوبختی، ابوالقاسم حسین
- ۴۹۹۰ نوبختی، ابوسهل اسماعیل
- ۴۹۹۱ نوبختی، ابومحمد حسن

- ۴۹۹۲ نوبری، محمد
- ۴۹۹۲ نوجابادی بخاری، ظهیرالدین، ابوالمظفر محمد
- ۴۹۹۳ نوحی، فریدون
- ۴۹۹۳ نوذری، عزت الله
- ۴۹۹۴ نوراللهی، محمد
- ۴۹۹۵ نورانی وصال، عبدالوهاب
- ۴۹۹۶ نورائی، عبدالله
- ۴۹۹۷ نوربخش
- ۴۹۹۷ نوربخش، خسرو
- ۴۹۹۸ نوربخش، محمد
- ۴۹۹۹ نورزی، حسن
- ۴۹۹۹ نورمحمدی، علی
- ۵۰۰۰ نورمحمدی، محمدرضا
- ۵۰۰۲ نوروزبیگی، یحیی
- ۵۰۰۲ نوروزی، رضا
- ۵۰۰۳ نوروزی، ضیاءالدین
- ۵۰۰۴ نوروزی، محمد
- ۵۰۰۵ نوری طبرسی، اسماعیل
- ۵۰۰۵ نوری طبرسی، محمدتقی
- ۵۰۰۶ نوری فرد، نورعلی
- ۵۰۰۶ نوری مازندرانی، فضل الله
- ۵۰۰۶ نوری مازندرانی، محمد
- ۵۰۰۷ نوری همدانی، حسین
- ۵۰۱۲ نوری، ابوالقاسم

- نوری، اسماعیل ۵۰۱۳
- نوری، بهاء‌الدین ۵۰۱۴
- نوری، جواد ۵۰۱۴
- نوری، حمیدرضا ۵۰۱۴
- نوری، عبدالنبی ۵۰۱۵
- نوری، علی ۵۰۱۶
- نوری، فضل‌الله ۵۰۱۶
- نوریمف محمدحسین ۵۰۲۸
- نوظهور، یوسف ۵۰۲۹
- نوغانی، مهدی ۵۰۳۰
- نوقاتی سجستانی، ابوعمر محمد ۵۰۳۰
- نوقانی نیشابوری، ابوالقاسم اسماعیل ۵۰۳۱
- نوقانی، علی‌اکبر ۵۰۳۱
- نهایندی اصفهانی، جهانبخش ۵۰۳۳
- نهایندی، ابوالقاسم ۵۰۳۳
- نهایندی، اکبر ۵۰۳۳
- نهایندی، جعفر ۵۰۳۳
- نهایندی، عباس ۵۰۳۴
- نهایندی، عبدالرحیم ۵۰۳۵
- نهایندی، علی ۵۰۳۶
- نهایندی، علی ۵۰۳۶
- نهایندی، علی‌اکبر ۵۰۳۷
- نهایندی، محمد ۵۰۳۹
- نهایندی، محمدجواد ۵۰۳۹

- ۵۰۴۰ نهائی، محمدرضا
- ۵۰۴۰ نیاز شیرازی، علی
- ۵۰۴۱ نیازی حجازی
- ۵۰۴۱ نیازی، ابوالقاسم
- ۵۰۴۲ نیاکی، حسین
- ۵۰۴۲ نیتی، جمال
- ۵۰۴۳ نیر تبریزی، محمدتقی
- ۵۰۴۴ نیری کمان، گیتی دخت
- ۵۰۴۵ نیری، علی
- ۵۰۴۶ نیریزی، ارشدالدین، ابوالحسن علی
- ۵۰۴۶ نیساری، سلیم
- ۵۰۴۹ نیشابوری اسفراینی، ابوعوانه، یعقوب
- ۵۰۴۹ نیشابوری، ابوابراهیم جعفر
- ۵۰۵۰ نیشابوری، ابوالحسن علی
- ۵۰۵۰ نیشابوری، ابوالحسن محمد
- ۵۰۵۰ نیشابوری، ابوالفتح ناصر
- ۵۰۵۱ نیشابوری، ابوالفضل احمد
- ۵۰۵۱ نیشابوری، ابوالقاسم زاهر
- ۵۰۵۲ نیشابوری، ابوالقاسم سلمان
- ۵۰۵۲ نیشابوری، ابوالقاسم فضل
- ۵۰۵۲ نیشابوری، ابوبکر محمد
- ۵۰۵۳ نیشابوری، ابورشید سعید
- ۵۰۵۳ نیشابوری، ابوزکریا یحیی
- ۵۰۵۴ نیشابوری، ابوسعد، ابوسعید عبدالملک

- ۵۰۵۵ نیشابوری، ابوسعید احمد
- ۵۰۵۵ نیشابوری، ابوسعید حسن
- ۵۰۵۶ نیشابوری، ابوعبدالرحمان عبدالله
- ۵۰۵۶ نیشابوری، ابوعبدالله احمد
- ۵۰۵۶ نیشابوری، ابوعبدالله محمد
- ۵۰۵۷ نیشابوری، ابوعلی حسین
- ۵۰۵۸ نیشابوری، ابوعمرو محمد
- ۵۰۵۸ نیشابوری، ابومنصور محمد
- ۵۰۵۸ نیشابوری، ابویوسف یعقوب
- ۵۰۵۹ نیشابوری، جمال‌الدین محمد
- ۵۰۵۹ نیشابوری، جوهرناز
- ۵۰۵۹ نیشابوری، رضی‌الدین، ابوجعفر محمد
- ۵۰۶۰ نیشابوری، سعیده
- ۵۰۶۰ نیشابوری، شریفه
- ۵۰۶۰ نیشابوری، شیخ میرزا جواد، عبدالجواد
- ۵۰۶۱ نیشابوری، قطب‌الدین، ابوجعفر محمد
- ۵۰۶۱ نیشابوری، لطف‌الله
- ۵۰۶۱ نیشابوری، محمدصادق
- ۵۰۶۲ نیشابوری، محیی‌الدین، ابوسعید محمد
- ۵۰۶۲ نیشابوری، ملیله
- ۵۰۶۲ نیشابوری، نجم‌الدین، ابوالقاسم محمود
- ۵۰۶۳ نیک‌بین، بهروز
- ۵۰۶۳ نیک‌پور، بهمن
- ۵۰۶۴ نیکخواه، خیرالله

- ۵۰۶۵ نیکزاد تهرانی، علی اکبر
- ۵۰۶۶ نیکنام، مهرداد
- ۵۰۶۷ نیک‌نفس، پدرام
- ۵۰۶۷ نیلچی، رحمت الله
- ۵۰۷۰ نیلی نیشابوری، ابوسهل سعید
- ۵۰۷۰ نیلی‌پور، رضا
- ۵۰۷۱ واثقی نیا، حسین
- ۵۰۷۲ واحد تبریزی، رجبعلی
- ۵۰۷۲ واحدالعین، اسماعیل
- ۵۰۷۳ واحدی اعظ، محمد
- ۵۰۷۳ واحدی نیشابوری، ابوالحسن علی
- ۵۰۷۴ واردی، تقی
- ۵۰۷۶ واسطی، عبدالحمید
- ۵۰۷۶ واسعی، علیرضا
- ۵۰۷۷ واصف، محمد
- ۵۰۷۹ واعظ اصفهانی حائری، حسین
- ۵۰۷۹ واعظ اصفهانی، ابوعبدالله محمد
- ۵۰۷۹ واعظ جوادی آملی، اسماعیل
- ۵۰۸۰ واعظ شیرازی، عبدالله
- ۵۰۸۰ واعظ شیرازی، علی
- ۵۰۸۱ واعظ قاینی، علی
- ۵۰۸۱ واعظ قزوینی، رفیع‌الدین محمد
- ۵۰۸۲ واعظ یزدی، غلامرضا
- ۵۰۸۳ واعظه بکرآبادی، ام‌کلثوم

- ۵۰۸۳ واعظی نیا، حسین
- ۵۰۸۴ واعظی، احمد
- ۵۰۸۵ وافی، ابوالقاسم
- ۵۰۸۶ واله اصفهانی، یوسف
- ۵۰۸۶ واله، حسن
- ۵۰۸۷ والی‌پور، سیامک
- ۵۰۸۷ والیزاده، علیرضا
- ۵۰۸۷ وثوقی، افضل
- ۵۰۸۸ وثوقی، حسین
- ۵۰۸۹ وجدانی فخر
- ۵۰۹۰ وجیه‌اللهی، ابوالقاسم
- ۵۰۹۰ وحدت رشتی، حسین
- ۵۰۹۰ وحدت، اختر
- ۵۰۹۱ وحدتی شبیری، حسن
- ۵۰۹۲ وحید خراسانی، حسین
- ۵۰۹۲ وحید دستگردی، حسن
- ۵۰۹۳ وحید قزوینی، عمادالدوله طاهر
- ۵۰۹۴ وحید گلپایگانی، هدایت‌الله
- ۵۰۹۵ وحید مازندرانی، غلامعلی
- ۵۰۹۶ وحیدی امین، محمدحسن
- ۵۰۹۷ وحیدی تبریزی
- ۵۰۹۸ وحیدی، محمد
- ۵۰۹۹ وحیدیان کامیار، تقی
- ۵۰۹۹ وخشی بلخی، ابوعلی حسن

- ۵۱۰۰ وراق کرمانی، ابوعبدالله محمد
- ۵۱۰۰ ورثینی نسفی، ابوالحارث اسد
- ۵۱۰۱ ورزگر، مینو
- ۵۱۰۲ ورزی، ابوالحسن
- ۵۱۰۹ ورعی، جواد
- ۵۱۱۰ ورنو سفادرانی سدهی، محمد حسن
- ۵۱۱۰ ورهرام، غلامرضا
- ۵۱۱۱ وزان، ابوعبدالله محمد
- ۵۱۱۱ وزان، فاطمه
- ۵۱۱۱ وزدولی عصار جرجانی، ابویعقوب اسحاق
- ۵۱۱۲ وزیرنیا، سیما
- ۵۱۱۴ وزیری، محمدرضا
- ۵۱۱۶ وزین‌پور، نادر
- ۵۱۱۸ وشمگیر دیلمی، شمس‌المعالی، ابوالحسن قابوس
- ۵۱۲۰ وشنوه ای قمی، قوام‌الدین
- ۵۱۲۱ وشنوی، قوام‌الدین محمد
- ۵۱۲۲ وصاف، شرف‌الدین عبدالله
- ۵۱۲۲ وّصاف‌الحضره، شرف‌الدین عبدالله
- ۵۱۲۳ وصال شیرازی، محمد شفیع
- ۵۱۲۴ وصال، عبدالکریم
- ۵۱۲۵ وصال، محمود
- ۵۱۲۵ وصلی تهرانی، محمد طاهر
- ۵۱۲۶ وصلی شیرازی، نعمت‌الله
- ۵۱۲۶ وطن‌پرست، اسماعیل

- ۵۱۲۷ وطن‌خواه، حسن
- ۵۱۲۸ وطن‌دوست، غلامرضا
- ۵۱۲۸ وطواط، رشیدالدین
- ۵۱۲۹ وفا، جعفر
- ۵۱۳۰ وفای شیرازی، حسنعلی
- ۵۱۳۱ وفای فراهانی، محمدحسین
- ۵۱۳۱ وفایی خوافی اکبرآبادی، زین‌الدین
- ۵۱۳۲ وفایی شوشتری، محمد مهدی
- ۵۱۳۳ وفایی، عباسعلی
- ۵۱۳۵ وفایی، عبدالوحد
- ۵۱۳۵ وقار شیرازی، احمد
- ۵۱۳۷ وکیلی طالقانی، ارسلان
- ۵۱۳۷ ولایتی، علی‌اکبر
- ۵۱۳۸ ولوالجی، ظهیرالدین، ابوالفتح عبدالرشید
- ۵۱۳۹ ولی، شاه نعمت‌الله
- ۵۱۴۲ ولیانی، فاطمه
- ۵۱۴۳ ولیخانی، مهین
- ۵۱۴۳ ولی‌زاده باکوچی، غلامرضا
- ۵۱۴۴ ولی‌زاده، یوسف
- ۵۱۴۴ وهاب‌زاده، عظیم
- ۵۱۴۵ وهابی املش، امید
- ۵۱۴۶ وهب
- ۵۱۴۶ هاتف اصفهانی
- ۵۱۴۷ هادوی بیرجندی، محمدهادی

- ۵۱۴۸ هادوی تهرانی، مهدی
- ۵۱۴۹ هادوی نیا، علی اصغر
- ۵۱۵۰ هادوی، اصغر
- ۵۱۵۱ هادوی، محمدحسن
- ۵۱۵۲ هادی، محمدحسین
- ۵۱۵۳ هاشم‌پور سبحانی، توفیق
- ۵۱۵۵ هاشمی راد، منصور
- ۵۱۵۵ هاشمی رفسنجانی، اکبر
- ۵۱۷۴ هاشمی سنجانی، علی
- ۵۱۷۴ هاشمی طرقی، حسین
- ۵۱۷۵ هاشمی کروی، سیف الله
- ۵۱۷۶ هاشمی گلپایگانی، محمد
- ۵۱۷۷ هاشمی گلپایگانی، هاشم
- ۵۱۷۷ هاشمی معتمدی، علی
- ۵۱۷۷ هاشمی نژاد، عبدالکریم
- ۵۱۷۸ هاشمی، اسمعیل
- ۵۱۷۹ هاشمی، رضا
- ۵۱۸۰ هاشمی، طاهر
- ۵۱۸۰ هاشمی، محمدحسین
- ۵۱۸۲ هاشمی، مرتضی
- ۵۱۸۳ هاشمی، مسعود
- ۵۱۸۴ هاشمی، یوسف
- ۵۱۸۴ هاشمیان، جواد
- ۵۱۸۴ هاشمی نژاد، عبدالکریم

- ۵۱۸۷ هبة‌العزيز، ام‌الفضل
- ۵۱۸۷ هبة‌الله اصفهانی، ابوالقاسم
- ۵۱۸۷ هجری تفرشی، محمدصادق
- ۵۱۸۸ هجیم آملی طبرستانی
- ۵۱۸۸ هدایت نیا، فرج الله
- ۵۱۸۹ هدایت، انوشیروان
- ۵۱۹۰ هدایت، جعفرقلی
- ۵۱۹۱ هدایت، رضاقلی
- ۵۱۹۲ هدایت، صادق
- ۵۱۹۳ هدایت، محمود
- ۵۱۹۵ هدایتی، جمال
- ۵۱۹۵ هدایتی، جواد
- ۵۱۹۵ هدی‌نیا، حمید
- ۵۱۹۶ هراسی کائی خوارزمی، ابوعبدالله محمد
- ۵۱۹۶ هرسینی کرمانشاهی، محمد حسن
- ۵۱۹۷ هرندی، ابو تراب
- ۵۱۹۷ هرندی، عبدالجواد
- ۵۱۹۷ هرندیان، باقر
- ۵۱۹۸ هروی بغدادی، ابوعبید قاسم
- ۵۱۹۹ هروی، ابواسحاق احمد
- ۵۱۹۹ هروی، ابوالفتح نصر
- ۵۲۰۰ هروی، ابوالولید ابی‌الرجاء، احمد
- ۵۲۰۰ هروی، ابوذر عبد، عبدالله
- ۵۲۰۱ هروی، ابوسعد آدم

- ۵۲۰۱ هروی، ابوسعید محمد
- ۵۲۰۲ هروی، ابوسعید ابراهیم
- ۵۲۰۲ هروی، ابوصلت، عبدالسلام
- ۵۲۰۳ هروی، ابو عبدالرحمان، ابو جعفر محمد
- ۵۲۰۳ هروی، ابو عبدالله، محمد
- ۵۲۰۴ هروی، ابو عبید احمد
- ۵۲۰۴ هروی، ابوعلی حسین
- ۵۲۰۵ هروی، ابو محمد عبدالله
- ۵۲۰۵ هروی، ابو معمر سالم
- ۵۲۰۵ هروی، ابو منصور موفق
- ۵۲۰۶ هروی، حسینعلی
- ۵۲۰۷ هروی، رکن‌الدین مسعود
- ۵۲۰۷ هروی، شمس‌الدین ابو عبدالله، محمد
- ۵۲۰۷ هروی، عبدالملک
- ۵۲۰۸ هروی، علی
- ۵۲۰۹ هروی، محمد تقی
- ۵۲۱۰ هروی، مقصود علی
- ۵۲۱۰ هروی، مهدی
- ۵۲۱۰ هروی، هروی
- ۵۲۱۱ هزار جریبی مازندرانی، محمد علی
- ۵۲۱۱ هزار جریبی، محمد علی
- ۵۲۱۲ هزار شیرازی، محمد رضا
- ۵۲۱۳ هزار، علیرضا
- ۵۲۱۳ هزار جریبی، عبدالرزاق

- ۵۲۱۴ هژار، عبدالرحمان
- ۵۲۱۵ هژیر، عبدالحسین
- ۵۲۱۹ هسنجانی رازی، ابواسحاق ابراهیم
- ۵۲۱۹ هشترودی تبریزی، محمدحسن
- ۵۲۲۰ هکاری، اسماء
- ۵۲۲۰ هکاری، جویریہ
- ۵۲۲۰ هکاری، فاطمه
- ۵۲۲۱ هلالی خراسانی، ابومحمد، ابوالقاسم ضحاک
- ۵۲۲۱ همام
- ۵۲۲۲ همای شیرازی، محمدرضا قلی
- ۵۲۲۲ همای مروزی، صادق
- ۵۲۲۳ همایون فرخ، رکن‌الدین
- ۵۲۲۳ همایون فرخ، عبدالرحیم
- ۵۲۲۴ همایون‌پور، جواد
- ۵۲۲۴ همایونفرخ
- ۵۲۲۴ همایونی، مسعود
- ۵۲۲۵ همایی، جلال‌الدین
- ۵۲۲۷ همت اصفهانی، حسین
- ۵۲۲۸ همتی بریوانلو، یحیی
- ۵۲۲۹ همتی، همایون
- ۵۲۲۹ همدانی
- ۵۲۲۹ همدانی، ابواسحاق ابراهیم
- ۵۲۳۰ همدانی، ابوالحسن محمد
- ۵۲۳۰ همدانی، ابوالعلاء حسن

- ۵۲۳۱ همدانی، ابوالفضل احمد
- ۵۲۳۱ همدانی، ابوتراب
- ۵۲۳۲ همدانی، ابوجعفر محمد
- ۵۲۳۲ همدانی، احمد
- ۵۲۳۲ همدانی، حسینقلی
- ۵۲۳۳ همدانی، رضا
- ۵۲۳۵ همدانی، زینب
- ۵۲۳۵ همدانی، ضوءالنهار
- ۵۲۳۵ همدانی، عبدالحسین
- ۵۲۳۵ همدانی، عبدالرحمان
- ۵۲۳۶ همدانی، عبدالرزاق
- ۵۲۳۷ همدانی، عبدالصمد
- ۵۲۳۷ همدانی، عبدالله
- ۵۲۳۷ همدانی، عبدالمجید
- ۵۲۳۸ همدانی، علی
- ۵۲۳۹ همدانی، فاخته
- ۵۲۳۹ همدانی، منتجب‌الدین، ابویوسف
- ۵۲۳۹ همدانی، نصرالله
- ۵۲۴۰ همدان سمنانی، محمدعلی
- ۵۲۴۰ هنجی، علی محمد
- ۵۲۴۱ هندی اصفهانی، محمد داود
- ۵۲۴۱ هنر جهرمی فارسی، ابوالحسن
- ۵۲۴۲ هوشمند راد شیرازی، عبدالحسین
- ۵۲۴۲ هوشمند، مهدی

- ۵۲۴۳ هوشیار شیرازی، محمدباقر
- ۵۲۴۳ هومن، محمود
- ۵۲۴۴ هیرید، خدایار
- ۵۲۴۴ هیمن شیخ‌الاسلامی، محمد امین
- ۵۲۴۵ هیثتی برزکی، محمود
- ۵۲۴۶ یابری محمد، صادق
- ۵۲۴۶ یاحقی، محمدجعفر
- ۵۲۴۷ یادگاری، عبدالمهدی
- ۵۲۴۸ یارشاطر، احسان
- ۵۲۴۹ یارقلی محلاتی بروجردی، محمد
- ۵۲۴۹ یارمحمدی، لطف‌الله
- ۵۲۵۰ یاسری، محمود
- ۵۲۵۲ یاسمی، نادر
- ۵۲۵۲ یاقوت حموی
- ۵۲۵۳ یاوری سرتختی، محمدجواد
- ۵۲۵۳ یاوری، پروین
- ۵۲۵۴ یثربی کاشانی، علی
- ۵۲۵۴ یثربی کاشانی، محمدرضا
- ۵۲۵۵ یثربی، علی
- ۵۲۵۶ یثربی، مهدی
- ۵۲۵۷ یثربی، میرمحمد
- ۵۲۵۹ یثربی، یحیی
- ۵۲۶۰ یحیای سیفی قزوینی، علاءالدین امیر یحیی
- ۵۲۶۰ یزدانی بارفروش، حمید

- ۵۲۶۱ یزدانی شیرازی، عبدالوهاب
- ۵۲۶۲ یزدانی مقدم، احمدرضا
- ۵۲۶۳ یزدجردی، هادی
- ۵۲۶۴ یزدچی مرندی، محمد
- ۵۲۶۴ یزدگردی، امیر حسین
- ۵۲۶۶ یزدی غیاث الدین، علی
- ۵۲۶۶ یزدی فیروزآبادی، محمد
- ۵۲۶۷ یزدی کربلایی، حسن
- ۵۲۶۷ یزدی مطلق، محمود
- ۵۲۶۸ یزدی، ابوالحسن علی
- ۵۲۶۹ یزدی، ابوالقاسم، علی
- ۵۲۶۹ یزدی، اسماعیل
- ۵۲۶۹ یزدی، رشیدالدین
- ۵۲۷۰ یزدی، عبدالله
- ۵۲۷۰ یزدی، علی اکبر
- ۵۲۷۰ یزدی، محمد
- ۵۲۷۳ یزدی، محمدتقی
- ۵۲۷۴ یزدی، محمدکاظم
- ۵۲۷۶ یزدی، معین الدین
- ۵۲۷۷ یزدی، نجم الدین عبدالله
- ۵۲۷۷ یزدیان، ضیاءالدین
- ۵۲۷۹ یزدی زاده، محمود
- ۵۲۸۰ یزگردی، امیر حسین
- ۵۲۸۰ یشکری، ابوالعباس احمد

- ۵۲۸۱ یشیل کایا، علیرضا
- ۵۲۸۲ یعقوبی، علی اصغر
- ۵۲۸۲ یغمای جندقی، ابوالحسن
- ۵۲۸۴ یکتا اصفهانی، مجید
- ۵۲۸۴ یکه‌باغی، سلمان
- ۵۲۸۵ یگانی، جمشید
- ۵۲۸۵ یلدا، علیرضا
- ۵۲۸۶ یمینی شریف، عباس
- ۵۲۸۷ یوسف پور، محمد کاظم
- ۵۲۸۸ یوسف زاده، حسینعلی
- ۵۲۸۹ یوسفی خوافی، یوسف
- ۵۲۹۰ یوسفی راد، مرتضی
- ۵۲۹۱ یوسفی، احمدعلی
- ۵۲۹۱ یوسفی، سجاد
- ۵۲۹۲ یوسفی، غلامحسین
- ۵۲۹۳ یوسفی، محمد رضا
- ۵۲۹۴ یوسفی، محمدهادی
- ۵۲۹۵ یوسفیان، علی
- ۵۲۹۵ یوسفیان، حسن
- ۵۲۹۶ یوسفیان، علی
- ۵۲۹۷ یوسفیان، مهدی
- ۵۲۹۸ یوسفیان، نعمت الله
- ۵۲۹۹ یونسی، یونس
- ۵۳۰۰ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

زندگینامه مشاهیر ایران و جهان جلد ۱۹

مشخصات کتاب

سرشناسه: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۰
 عنوان و نام پدید آور: زندگینامه مشاهیر ایران و جهان/ واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.
 مشخصات نشر دیجیتال: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان - ۱۳۹۰.
 مشخصات ظاهری: [۹۰۱۸] ص.: مصور.
 یادداشت: عنوان روی جلد: زندگینامه مشاهیر ایران و جهان: دانشمندان - شاعران - نویسندگان....
 یادداشت: کتابنامه: ص. [۹۰۱۸].
 عنوان روی جلد: زندگینامه مشاهیر ایران و جهان: دانشمندان - شاعران - نویسندگان....
 موضوع: سرگذشتنامه -- مجموعه‌ها
 رده بندی کنگره: CT۲۰۳/ف ۲۸ و ۶۷ ۱۳۸۵
 رده بندی دیویی: ۹۲۰/۰۲

سران فرق و مذاهب

ابجدیان، امرالله

قرن: ۱۴
 جنسیت: مرد
 ملیت: ایران
 سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز
 خلاصه شرح حال تخصصی
 سوابق تحصیلی:
 کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه شیراز، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه ایلینویز آمریکا در سال ۱۳۴۷، دکترای زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه سنت لوئیس آمریکا در سال ۱۳۵۰.
 مرتبه علمی:
 پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه شیراز.
 زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
 پژوهش و تحقیق در زمینه تاریخ ادبیات انگلیس.
 تألیفات
 تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱
 تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲
 زمینه علمی تألیفات:

تاریخ ادبیات انگلیس، نمایشنامه مکبث، نمایشنامه دکتر فاکتوس.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

ادبیات انگلیس.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ابراهیم زاده، عبدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالله ابراهیم زاده

محل تولد: آمل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۷/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۶ هجری شمسی در حومه آمل به دنیا آمدم. دوران تحصیلی شش ساله ابتدایی و سه سال تحصیلی در دبیرستان را در شهرستان آمل گذرانیدم و در سال تحصیلی ۱۳۵۲ برای شروع تحصیلات علوم دینی وارد حوزه علمیه قم شدم. به استثنای چند سالی که در خلال مدت تحصیل در قم به خاطر مبارزات سیاسی پیش از انقلاب (حدود دو سال و اندی) تبعید به ارتش و در زندان گذرانیدم. و پس از انقلاب نیز چند سالی به ماموریت های تبلیغی، رزمی در پشت جبهه و ارگان ها و نهادها به ویژه در مراکز سپاه عزیزم کردم، بقیه ایام و سال ها را در حوزه علمیه قم به تحصیل، تحقیق، تدریس و نگارش آثار علمی مشغول بوده و هستم.

تا سال ۱۳۶۸ سطوح مقدماتی، متوسط و عالی دروس حوزوی را به پایان بردم و از این سال در دروس خارج فقه اصول و دروس معقول از منطق، کلام، فلسفه و عرفان شرکت کردم و در مجموع، علاوه بر اینکه حدود یک دوره دروس خارج فقه و اصول فرا گرفتم، در رشته معقول نیز کتاب های زیادی نظیر: شرح تجرید، بدایه الحکمه، نهایه الحکمه، المنطق مرحوم مظفر، بخش هایی از شرح منظومه سبزواری، الهیات، شفا و شرح اشارات شیخ الرئیس ابن سینا، اسفار اربعه ملاصدرا (به ویژه جلد های اول تا سوم و ششم و هفتم) و غیر آن را نزد اساتید عالیقدر فرا گرفتم. اساتید مهم دروس منقول و معقول اینجانب عبارتند از آیات عظام: صالحی مازندرانی، اعتمادی، ستوده، جعفر سبحانی، فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، جوادی آملی، حسن زاده آملی، دوزدوزانی، پایانی و وجدانی فخر. دوره چهار ساله تخصصی علم کلام و عقاید را (از سال ۱۳۷۳ لغایت ۱۳۷۷) طی کردم. تبلیغات منبری را از سال های اول انقلاب آغاز کردم و همچنان ادامه دارد. تدریس در برخی از مراکز آموزش عالی، مراکز سپاه، بعضا حوزه و دانشگاه، را از سال های حدود ۱۳۶۰ و پس از آن آغاز کردم و به طور متناوب ادامه دارد.

به دلیل اشتیاق زیاد به نوشتن و نویسندگی و نیز پژوهش، از سال های آغازین طلبگی نگارش و نویسندگی را شروع کردم و از سال ۱۳۷۱ با ورود به پژوهشکده تحقیقات اسلامی در قم، کار نوشتن به طور رسمی و جدی شروع شد و تاکنون بیش از ۵۰ کتاب و

مقاله به چاپ رسانیدم. برخی از کتاب‌ها و مقالاتی را که در کتاب سال حوزه و همایش‌های علمی و ... برگزیده شده است، از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. کتاب حاکمیت دینی، که به عنوان یکی از کتب برگزیده کتاب سال حوزه علمیه (سال ۱۳۷۸) انتخاب گردید.
۲. مجموعه آثار اینجانب در همایش پاسداران اهل قلم در سال ۱۳۸۳ در تهران از میان حدود ۷۵ کتاب و مقاله علمی در رشته‌های مختلف، برگزیده شد. (البته در رشته فلسفه و کلام) و در ردیف آثار برگزیده و ممتاز مورد تشویق قرار گرفته و جوایزی اهدا کردند.

ابراهیم نژاد، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا ابراهیم نژاد

محل تولد: سبزوار بخش دیوانخوی

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۲/۴/۲۰

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا ابراهیم نژاد در سال ۱۳۴۴ وارد حوزه علمیه سبزوار شدم و ادبیات عرب را مطابق برنامه‌های موجود آغاز و ادامه دادم که تا سال ۱۳۵۱ ادامه داشت به موازات آن درس‌های کلاسیک را نیز تا دوره دبیرستان سپری نمودم. در سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه تهران شدم و تا سال ۱۳۵۴ دروس حوزوی (ادبیات، فقه و اصول) و دبیرستان را ادامه دادم و در اواخر سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه قم شدم. در حوزه علمیه قم دوره سطح و پس از آن دوره خارج فقه و اصول و فلسفه اسلامی را گذراندم، این برنامه پیش از انقلاب، دوران انقلاب و پس از پیروزی انقلاب تا سال ۱۳۷۰ ادامه داشت و در نتیجه ادبیات، منطق، معانی بیان، فلسفه اسلامی، فقه و اصول (دوره سطح و خارج) را تحصیل و قسمتی از اینها را تدریس نمودم. در سال ۱۳۷۰ ضمن ادامه دروس حوزه تدریس در دانشگاه (دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی و علامه طباطبایی و...) را نیز آغاز نمودم که تاکنون ادامه دارد.

ابراهیمی دهکردی، بیژن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی عمومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

ابراهیمی دینانی، غلامحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غلامحسین ابراهیمی دینانی در سال ۱۳۱۳ در یک خانواده مذهبی در روستای دینان در اصفهان چشم به جهان گشود، و پس از گذراندن تحصیلات ابتدائی به حوزه علمیه وارد شد و تا درجه اجتهاد تحصیل خود را ادامه داد. سپس به تحصیلات دانشگاهی روی آورد و مدرک دکترای فلسفه خود را از دانشگاه مشهد دریافت نمود (۱۳۵۵ ه.ش) وی مدتی در همان دانشگاه حوزه علمیه و نیز در دانشگاه تهران تدریس نموده است و هنوز در دانشگاه تهران به فعالیت آموزشی خود ادامه می دهد. تا کنون از وی چند اثر منتشر گردیده است که مشهورترین و جدیدترین آنها کتاب سه جلدی دفتر عقل و آیت عشق می باشد. ککتاب (ترجمه " ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام " و کتاب "دفتر عقل و آیت عشق" (تالیف) غلامحسین ابراهیمی دینانی، به ترتیب در دوره‌های هفدهم و بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شدند. وی برگزیده همایش طرح سپاس در سال ۸۵ در فرهنگسرای سینا می باشد. ایشان برگزیده بیست و ششمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

گرایش: فلسفه اسلامی

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: غلامحسین ابراهیمی دینانی در سال ۱۳۲۱ در یک خانواده مذهبی که ساکن یکی از روستاهای تابع شهر اصفهان، بنام دینان بود، دنیا آمد. اعضای خانواده او همگی متصدیان کارهای دولتی یا بازاری بودند و چندان توجهی به علم بویژه فلسفه اسلامی نداشتند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: غلامحسین ابراهیمی دینانی تحصیلات ابتدائی خود را در اصفهان به پایان رساند و سپس دوره فقه اصول و ادبیات را در حوزه علمیه گذراند و تحصیل دروس دینی را تا دوره اجتهاد طی کرد. اما مدتی بعد تصمیم گرفت که به تحصیل در دانشگاه پردازد، حاصل این تصمیم و تلاشهای پیگیر وی احراز درجه دکتری فلسفه از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۵ ه.ش بود.

خاطرات و وقایع تحصیل: غلامحسین ابراهیمی دینانی از کودکی به درس و کتاب علاقمند بود. وی هنگامی که در حوزه دروس فقه، ادبیات منطق بلاغت و اصول را می گذراند فلسفه را قویتر از کلام یافت و به مطالعه آن پرداخت. دکتر دینانی درباره فضای حوزه ها در آن روزگار می گوید که این مراکز از فضایی بسته اما پر معنویت برخوردار بوده اند. با این وجود وی شیوه زندگی درحوزه را نمی پسندید، اما به علوم آن علاقمند بود. از این رو وارد دانشگاه شد.

فعالتهای ضمن تحصیل: غلامحسین ابراهیمی دینانی هنگامی که در حوزه به تحصیل می پرداخت در همان مرکز نیز سطوح پایین تر علمی چون فقه، اصول، منطق، فلسفه و ادبیات را تدریس می کرد. از این گذشته ظاهراً در همان زمان به تمرین و آموختن زبان عربی می پرداخت. تا آنجا که بعدها توانست چند کتاب عربی را ترجمه نماید.

استادان و مربیان: غلامحسین ابراهیمی دینانی، تحصیلات خود را در حوزه علمیه اصفهان نزد استادانی چون شیخ محمد علی حبیب

آبادی و حاج شیخ عباسعلی ادیب حبیب آبادی آغاز کرد. آنگاه برای ادامه تحصیل عازم قم شد. دروس سطح را نزد اساتیدی مانند مرحوم مجاهدی، سلطانی طباطبایی، فکور یزدی و آقا شیخ عبدالجواد اصفهانی گذراند و مدتی هم درس خارج مرحوم آیه الله بروجردی شرکت کرد. اصول را نیز نزد مرحوم سید محمد داماد خواند اما بیشترین مدت تحصیل خارج فقه و اصول را در درس امام خمینی (ره) سپری کرد. وی از محضر استاد علامه طباطبایی نیز بهره برده است که از آن دوران می گوید: "در همان ایام- تحصیل در حوزه علمیه قم- ضمن این که در درس های خارج فقه و اصول شرکت می کردم در درس های فلسفه علامه طباطبائی نیز حضور پیدا می کردم. علاوه بر درس های روزانه خود که غالباً تدریس کتاب اسفار ملاصدرا و شفای ابن سینا را شامل می شد جلسه های خصوصی تدریس فلسفه در شب های پنجشنبه و جمعه را به عهده داشت که بنده نیز در آن جلسات شرکت فعال و مداوم داشتم علامه طباطبائی در هر سال چند ماه نیز در شب های جمعه به تهران می رفتند و با پرفسور هانری کرسی فرانسوی در موضوعات مختلف دینی و فلسفی به گفتگو می پرداختند این بنده به همراه مرحوم علامه به تهران می رفتم و در آن جلسات شرکت می کردم" وی از آغاز تحصیل در اصفهان، فراگیری فلسفه را نیز نزد شخصی به نام ضیاءپور شروع کرد و پس از عزیمت به قم بلافاصله به درس مرحوم علامه طباطبایی وارد شد و در حلقه خصوصی شاگردان ایشان نیز قرار گرفت. ایشان در کنار فلسفه اسلامی، تاریخ فلسفه غرب را نیز نزد مرحوم دکتر غلامحسین صدیقی فرا گرفت.

وقایع میانسالی: غلامحسین ابراهیمی دینانی در سال ۱۳۴۵ به دانشگاه تهران راه یافت. پس از اخذ مدرک کارشناسی در رشته فلسفه به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمد. تا سال ۱۳۵۱ تهران بود. در سال ۱۳۵۲ از رساله دکتری خود دفاع کرد. تا سال ۱۳۶۱ در دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد مشغول تدریس بود و پس از انقلاب شکوهمند اسلامی به عضویت هیئت علمی دانشگاه تهران درآمد. خروج غلامحسین ابراهیمی دینانی از حوزه علمیه و ورود به دانشگاه مشهد (۱۳۵۵ ه.ش) برای تدریس یکی از تحولات و تغییرات مهم در شیوه زندگی وی بود که طرز فکر وی به شیوه های تحقیق دانشگاهی سوق داد. با این وجود به فلسفه و کلام اسلامی وفادار ماند و مضامین این علوم ذهن او را به خود مشغول می نمود. وی در زمان تدریس در دانشگاه مشهد، مقالاتی را برای روزنامه ها و مجلات دانشکده تحریر می نمود.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: پس در حدود سالهای ۱۳۵۵-۵۶ با انجمن فلسفه ایران به ریاست دکتر سید حسین نصر همکاری و رفت و آمد داشت چنانکه توسط همان مرکز رساله دکتری خود تحت عنوان قواعد کل فلسفه را در سه جلد به چاپ رساند. وی هم اکنون استاد فلسفه دانشگاه تهران می باشد.

فعالیت های آموزشی: غلامحسین ابراهیمی دینانی در حین تحصیل در حوزه علمیه، دروسی چون فقه، اصول، ادبیات منطق و فلسفه و ادبیات را تدریس می نمود. در حدود سالهای ۵۶-۱۳۵۵ نیز هنگامی که وی به تازگی رساله دکتری خود را نوشته بود، در دانشگاه فردوسی مشهد تدریس می کرد. وی در سال ۱۳۶۲ به دانشگاه تهران منتقل شد و تا هم اکنون در گروه فلسفه آن دانشگاه به تدریس فلسفه اشتغال دارد در خلال این مدت علاوه بر کار تدریس به تألیف کتاب هایی در زمینه های مختلف فلسفی مبادرت کرده است.

شاگردان: غلامحسین ابراهیمی دینانی چون از جوانی به تدریس می پرداخت، بدلیل فاصله سنی کمی که با شاگردان خود داشت روابط بسیار نزدیکی با آنان برقرار نمود. امروزه نیز همان صمیمیت میان استاد و دانشجویان وی برقرار است. و بیشتر فارغ التحصیلان فلسفه دانشگاه تهران از شاگردان او بشمار می روند.

همفکران فرد: دکتر عبدالکریم سروش، دکتر نصر.. پورجوادی، دکتر مصطفی محقق داماد و دکتر شهرام پازوکی نیز همانند دکتر دینانی سالها به تحقیق در زمینه فلسفه اسلامی پرداخته اند. درحوزه پژوهشی در عقاید فرقه های گوناگون نیز با کسانی چون علی اکبر مدرس یزدی اشتراکات فکری دارند.

آرا و گرایشهای خاص: غلامحسین ابراهیمی دینانی، فلسفه را پاسخگوی مهمترین و عمده ترین پرسشهای انسان درباره معنی هستی و حیات می داند از نظر وی تفاوت فیلسوف با مردم عادی در این است که از خارج از روزمرگی به زندگی می نگرد و درباره آن می پرسد.

جوایز و نشانها: کتاب (ترجمه "ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام" و کتاب "دفتر عقل و آیت عشق" (تالیف) غلامحسین ابراهیمی دینانی، به ترتیب در دوره‌های هفدهم و بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شدند. وی برگزیده همایش طرح سپاس در سال ۸۵ در فرهنگسرای سینا می باشد. ایشان برگزیده بیست و ششمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است.

چگونگی عرضه آثار: ابراهیمی دینانی در سمینارها و همایشهای متعدد داخلی و خارجی شرکت جسته و مقالات متعددی در حوزه‌های فلسفی و دین پژوهی به رشته تحریر در آورده است. کتابهای غلامحسین ابراهیمی دینانی در انتشارات انجمن فلسفه ایران، انتشارات طرح نو، و سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نشر شده است.

آثار:

۱ اسماء و صفات الهی

ویژگی اثر: این کتاب نیز از کتابهای کلامی در باره توحید و خداشناسی است.

۲ دفتر عقل و آیت عشق

ویژگی اثر: جدیدترین کتابی که از دکتر دینانی منتشر شده است کتاب سه جلدی دفتر عقل و آیت عشق است این اثر در سه جلد به مقایسه عقل و عشق و بر شمردن تشابهات و تناقضات آنها می پردازد. [غلامحسین ابراهیمی دینانی، دفتر عقل و آیت عشق، ۳ جلد، چاپ اول، تهران: طرح نو، ۱۳۸۰، صفحات مقدمه]، این کتاب، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. دفتر عقل و آیت عشق / تألیف غلامحسین ابراهیمی دینانی. - تهران: طرح نو، ۱۳۸۳ (۳ ج). کتابنامه به صورت زیرنویس. در این سه مجلد کوشش و تلاش به عمل آمده تا نشان داده شود که منشأ پیدایش عقل و عشق امری واحد و یگانه است و در پایان سیر و سلوک و سرانجام تطورات و تکامل انسان نیز متحد و همراه خواهند بود. این واقعیت نیز به هیچ وجه قابل انکار نیست که در طی مراحل زندگی و برخی از مراتب هستی انسان، ممکن است عشق و عقل از یکدیگر فاصله بگیرند و حتی به نکوهش شدید از یکدیگر نیز زبان بکشایند. این جدایی و فاصله‌ای که ممکن است میان عقل و عشق پیدا شود، به اختلاف و تفاوت در مراتب آنها مربوط می گردد. یعنی آنجا که عقل در یک مرحله و موضع خاص متوقف گشته و از سیر به مراتب بالاتر باز می ماند، مورد نکوهش عشق واقع می شود. چنانچه عشق نیز وقتی به امور پست و فرومایه تعلق پیدا می کند و در آنجا وابسته و اسیر شود، از نکوهشهای عقل بر کنار نخواهد بود. قبل از این دفترهای سه گانه، کتاب دیگری تحت عنوان ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام به خامه همین نگارنده در سه مجلد تنظیم یافته است. در آن دفترهای سه گانه نیز ضمن اینکه به ماجراهای عمده و مهم فکر فلسفی در جهان اسلام پرداخته شده، نزاع و کشمکش میان متکلمان و متشرعان از یک سو و فلاسفه و حکما از سوی دیگر مورد بررسی قرار گرفته است. در آنجا نیز کوشش و تلاش به عمل آمده تا نشان داده شود که میان عقل و دین اختلاف و تضاد وجود ندارد و اگر در برخی موارد با نوعی تضاد و اختلاف روبرو می شویم، باید آن را نتیجه سوء فهم و کج تالیهای ذهن و زبان انسان به شمار آوریم.

۳ شرح فصوص الحکم مؤیدالدین جندی

ویژگی اثر: تصحیح، در سال ۱۳۶۱ نیز با همکاری زنده‌یاد استاد سیدجلال‌الدین آشتیانی

۴ شعاع اندیشه و شهود در فلسفه سهروردی

۵ قواعد کلی فلسفه در فلسفه اسلامی

ویژگی اثر: رساله دکترای وی بود که ابتدا در انجمن فلسفه در یک جلد به چاپ رساند و مدتی بعد با افزودن مطالب تکمیلی بدان، آنرا در سه جلد منتشر کرد.

۶ ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام

ویژگی اثر: این کتاب ترجمه‌ای است از عربی در سه جلد درباره تاریخ فلسفه اسلامی و فیلسوفان مسمان. معاد از نظر حکیم زنوزی در بردارنده بحث‌هایی کلامی درباره حیات انسان پس از مرگ در تفکر اسلامی می‌باشد. این کتاب، در دوره هفدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: «ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام»: ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام / غلامحسین ابراهیمی دینانی - تهران: طرح نو، ۱۳۷۷ - ۲ج [تاکنون]. هر اندیش؟ فلسفی معمولاً در نتیجه تعاطی و برخورد اندیشه‌های گوناگون شکل می‌گیرد و اندیش؟ فلسفی در جهان اسلام نیز از این قاعده برکنار نیست. این کتاب شرح ماجرای پرنشیب و فراز فکر فلسفی در جهان اسلام است که از میان گروه‌های متعدد و مخالف عبور کرده و بحرانهای سخت و دشواری را پشت سر نهاده است. این کتاب با رجوع به اصل نوشته‌های معارضان با فلسفه در جهان اسلام نگاشته شده و سعی بر این بوده است که ضمن بیان آراء معارضان، تلاش فلاسفه را برای پاسخگویی به ردیات مخالفان منعکس کند و از این رهگذر، خواننده را با سیر شکل‌گیری اندیش؟ فلسفی در فرهنگ اسلامی تا زمان حاضر آشنا سازد

۷ معاد از نظر حکیم زنوزی

۸ مقدمه بر مجموعه رسائل کلامی و فلسفی و ملل و نحل [دینانی، حکایت عقل و عشق و فلسفه (مصاحبه)، فرهنگ و پژوهش، ص ۳۲] و علی اکبر مدرس یزدی، مجموعه مسائل کلامی و فلسفی و ملل و نحل، با مقدمه دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، صفحات مقدمه [مقدمه]

۹ منطق و معرفت در نظر غزالی

ویژگی اثر: از کتابهای حوزه غزالی شناسی بشمار می‌رود.

۱۰ نیایش فیلسوف

ویژگی اثر: مجموعه مقالاتی است که دکتر دینانی از عربی ترجمه نموده که عمدتاً مباحثی در فلسفه اسلامی را مطرح می‌نماید.

۱۱ وجود رابط و مستقل در فلسف؟ اسلامی

منابع زندگینامه:

www.ketabesal.ir بانک رسانه‌ها روزنامه همشهری ۱۴-۱۰-۸۶ "زندگینامه غلامحسین ابراهیمی دینانی" ۳ دینانی، حکایت عقل و عشق و فلسفه (مصاحبه)، فرهنگ و پژوهش، ص ۳۲۴ علی اکبر مدرس یزدی، مجموعه وسائل کلامی و فقهی و ملل و نحل، با مقدمه غلامحسین ابراهیمی دینانی، صفحات مقدمه ۵ ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام در سه جلد و نیز معاد از نظر حکیم زنوزی و نیایش فیلسوف (مجموعه مقالات عربی)

ابراهیمی راد، محمد

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد ابراهیمی راد

محل تولد: قوچان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۳ وارد حوزه علمیه قوچان شدم و در سال ۱۳۵۵ در حوزه علمیه فاروج ادامه تحصیل دادم. در سال ۱۳۵۶ در حوزه علمیه قم مشغول تحصیل شدم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی مغنی، المنطق، اصول فقه و شرح لمعه را به اتمام رساندم. پس از آن در درس اساتید حوزه شرکت کرده و سطح را به اتمام رساندم.

در سال ۱۳۶۳ دروس خارج اساتیدی همچون آیت الله وحید خراسانی و سید عباس خاتم یزدی و آیت الله مکارم شیرازی شرکت کردم. البته عمده درس های فقه و اصول را در درس آیت الله وحید خراسانی شرکت کرده ام و استفاده نموده ام. در فلسفه از اساتیدی همچون استاد فیاضی، انصاری شیرازی، جوادی آملی، و مصباح یزدی بهره برده ام و کتاب های فلسفی بدایه و نهاییه و شرح منظومه و اسفار را خوانده ام.

از سال ۱۳۶۵ مشغول تدریس در دانشگاه اراک بوده ام که تاکنون ادامه دارد و حدود ۴ سال است که عضو هیأت علمی آن دانشگاه در گروه معارف اسلامی شده ام و به عنوان استاد یار مشغول تدریس هستم. در ضمن حدود ۸ سال در حوزه علمیه قم مشغول تدریس دروس حوزوی بودم و دروسی از قبیل اصول فقه، شرح لمعه، بدایه، رسائل و مکاسب را تدریس کرده ام.

ابراهیمی فر، عبدالجواد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالجواد ابراهیمی فر

محل تولد: گنبد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

استاد عبدالجواد ابراهیمی فر در سال ۱۳۴۱ در خانواده‌ای روحانی و در روستای نظام آباد از توابع شهرستان گنبد دیده به جهان گشود. سال اول و دوم ابتدایی را در زادگاه خود گذراند، آنگاه با هجرت به شهرستان گنبد ادامه تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در آنجا سپری نمود. پس از آن، دوران مقدماتی تحصیلات حوزوی خود را به مدت دو سال در مدرسه‌ای که توسط والد معظم

ایشان مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی اکبر ابراهیمی (طاب ثراه) در شهرستان گنبد (مدرسه علمیه منتظریه) تأسیس شده بود، در محضر اساتید بزرگواری همچون مرحوم حجة الاسلام حاج شیخ حسن محدثی و مرحوم شهید آیت الله مدنی (ره) در آن زمان دوران تبعید خود را در آن سامان می گذراند به پایان برد.

آنگاه در سال ۵۶ - ۵۷ با عزیمت به شهر قیام و اجتهاد (قم) نخستین گام‌های آشنایی با دروس متوسطه حوزه را در مدرسه رسالت برداشت؛ و نزد اساتیدی همچون آقایان: حجة الاسلام حسینی بوشهری (منطق را) و حجة الاسلام حاجیانی (تبصرة المتعلمین را) و حجة الاسلام محمدی امام جمعه فعلی همدان (بخشی از شرح لمعه را)، حجة الاسلام باکوئی و مرحوم آیت الله سید محمد جواد ذهنی (بخشی از شرح لمعه را) و آیت الله استادی و آیت الله سیدعلی حائری (حلقات اصول شهید صدر را)، تلمذ نمود. در کنار منطق و فقه و اصول، مرحله مقدماتی آشنایی با فلسفه و روش نقد و بررسی تفسیر را آغاز نمود. کتاب بدایة الحکمه را نزد اساتیدی همچون آیت الله محمد یزدی و آیت الله ممدوحی آموخت. کتاب درایة الحدیث را همراه با دروس شیوه نقد تفسیر، در محضر آیت الله استادی فرا گرفت. دروس فقه و اصول پیشرفته مرحله سطح حوزه را در محضر اساتید بزرگواری همچون: آیت الله اعتمادی، (بخش‌های عمده رسائل شیخ انصاری)، مرحوم آیت الله وجدانی فخر (بخشی از رسائل شیخ انصاری) آیت الله پایانی و دوزدوزانی (مکاسب شیخ انصاری) را آموخت. کتاب کفایة الاصول را از دروس مضبوط مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی فرا گرفت.

همزمان با فراگیری دروس فقه و اصول، اقدام به فراگیری دروس فلسفه و معارف نمود. و از سال ۵۸ با اساتید بزرگواری همچون آیت الله محمد تقی مصباح یزدی، آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن زاده آملی، آشنا شد.

در همان سال با عضویت در بخش آموزش موسسه در راه حق و شرکت در دروسهای استاد مصباح فصل دیگری در مراحل تحصیل ایشان گشوده شد؛ و ادامه این فصل در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) و موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) رقم خورد؛ پرونده این فصل نورانی همچنان مفتوح مانده است. کتاب‌های نهایة الحکمه، دروس فلسفه، فلسفه اخلاق، برهان شفا، الهیات شفا مجلداتی از اسفار اربعه و یک دوره معارف قرآن را همراه با درس‌های اخلاق نزد استاد بزرگوار آیت الله محمد تقی مصباح یزدی فرا گرفت. از ویژگی‌های این فصل از تحصیل، فراگیری برخی از رشته‌های علوم انسانی همچون علوم سیاسی و جامعه‌شناسی و نیز فراگیری زبان انگلیسی و آشنایی با فلسفه غرب بود که توسط اساتید مجرب دانشگاهی انجام می گرفت. کتابهای تمهید القواعد و شرح فصوص الحکم که از کتاب‌های معتبر عرفان اسلامی است و جلد ششم اسفار اربعه را از دروس مضبوط آیت الله جوادی آملی استفاده کرد (فراگیری این کتب جزء برنامه‌های موظفی گروه فلسفه موسسه در راه حق و بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) بود که ایشان نیز عضو آن گروه بود).

در محضر آیت الله حسن زاده آملی در جلسات درس هیئت و نجوم شرکت نمود و از لطایف سخن و پندهای حکیمانه و عارفانه ایشان در شرح و تفسیر برخی احادیث، در محافل خصوصی بهره برد.

سال تحصیلی ۶۲ - ۶۳ با شرکت در دروس خارج حوزه روند دیگری در مراحل تحصیل ایشان آغاز گردید. این روند تا سال ۱۳۷۵ ادامه یافت. هر چند طی این مرحله با فراز و نشیب‌هایی همراه بود. شرکت در درس خارج آیت الله العظمی وحید خراسانی و آیت الله العظمی مظاهری ساختار بنیه فقهی و اصولی ایشان را در این مرحله شکل داده است. شرکت در دو دوره اصول آقای مظاهری و شرکت در درس فقه ایشان همچنین شرکت در درس‌های اصول و فقه آقای وحید خراسانی از ویژگی‌های این مرحله از تحصیل ایشان به شمار می آید.

از همان آغاز دوران تحصیل، به تدریس کتابهایی که خود فرا گرفته بود پرداخت و تدریس را مکمل تحصیل خود قرار داد. کتابهای جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، حاشیه، شرح لمعه، حلقات اصول شهید صدر، اصول فقه و کفایة الاصول را به طور

پراکنده و خصوصی در حوزه تدریس نمود. علاوه بر آن، از سال ۷۳ در مراکز علمی، فرهنگی و حوزوی به طور رسمی به تدریس علوم و معارف اسلامی پرداخت. از جمله:

الف) در مرکز جهانی علوم اسلامی: (مدرسه حجتیه، مدرسه امام خمینی (ره)، مدرسه مومنیه و مدرسه مرعشیه) به تدریس قواعد فقهیه، فقه مقارن، اصول مقارن و علوم سیاسی، فلسفه و کلام (کتاب‌های تحریر بدایه الحکمه و درآمدی بر آموزش عقاید تألیف خود ایشان) و حلقات اصول شهید صدر (حلقه ثانیه و دو جزء حلقه ثالثه) پرداخت.

ب) در دانشکده تربیت مربی عقیدتی سیاسی سپاه (دانشکده شهید محلاتی قم) از سال ۷۳ تا سال تحصیلی ۷۹ - ۸۰ به تدریس فلسفه و کلام، کتابهای: تحریر بدایه الحکمه (تألیف خود ایشان) و درآمدی بر آموزش عقاید (تألیف خود ایشان) و نیز تدریس فلسفه اخلاق پرداخت.

ج) در اردوهای بسیج دانشجویی (طرح ولایت) از سال ۷۶ تا ۸۳ در زمینه‌های مختلف علوم سیاسی، معرفت‌شناسی و فلسفه اخلاق تدریس کرد.

د) در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، در زمینه‌های فلسفه و کلام، فلسفه اخلاق و اخلاق تدریس نموده و هم‌اکنون عضو هیئت علمی آن مؤسسه می‌باشد.

در سال ۱۳۶۹ با ارائه دو مقاله به کنفرانس بین‌المللی اندیشه اسلامی نخستین بار به تماشای تفسیر آیه شریفه «ن والقلم و ما یسطرون» نشست. مقاله «امام خمینی (ره) و احیاء حکومت اسلامی» و مقاله «امام خمینی (ره) و اسلام ناب محمدی (ره)» نخستین مقالاتی بود که نگاشت و از سوی کنفرانس اندیشه اسلامی در سال ۱۳۶۹ انتشار یافت و روح خودباوری و اعتماد به نفس را بیش از پیش در ایشان زنده کرد.

از آن پس فراخوان مجامع علمی و فرهنگی را در ارائه مقاله، بی‌پاسخ نگذاشت. مقاله «پژوهشی پیرامون حدوث و قدم جهان» را در سال ۱۳۷۲ به کنگره بین‌المللی شیخ مفید (ره) ارائه کرد که در مجموعه منشورات آن کنگره جهانی چاپ و منتشر گردید. همچنین مقاله «اجتهاد و تقلید از دیدگاه شیخ اعظم انصاری (ره)» را در سال ۱۳۷۳ به کنگره جهانی شیخ اعظم انصاری عرضه نمود که در کمیته ویژه علمی با حضور آیات بزرگوار: آیت الله استادی، و آیت الله حاج شیخ محسن اراکی و جمعی دیگر از اساتید فن بررسی و با دفاعیات نویسنده، برای چاپ و نشر توسط آن کنگره جهانی تصویب گردید که انتشار آن، نمایه‌ای از استعداد فقهی و اصولی ایشان قرار گرفت؛ و آغاز مبارکی از یک دوران گردید. نیز مقاله «تبیین فقهی ثابت و متغیر» را در سال ۷۴ به کنگره بررسی مبانی فقهی امام خمینی (ره)، نقش زمان و مکان در اجتهاد عرضه داشت که در جلد چهارم از مجموعه مقالات کمیته علمی کنگره مذکور به چاپ رسید. و مقاله «منشاء مشروعیت حکومت اسلامی» را در سال ۱۳۷۸ به کنگره امام خمینی (ره) و اندیشه حکومت اسلامی عرضه نمود که در مجموعه آثار (۲) آن کنگره در مجلد فلسفه سیاسی (۱) به چاپ رسیده است.

ابراهیمی فر، عبدالرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالرضا ابراهیمی فر

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۳/۷/۱

ابراهیمی ورکیانی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد ابراهیمی ورکیانی

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد ابراهیم ورکیانی متولد ۱۳۲۳ در روستای ورکیان از توابع شهرستان دامغان هستم. پدر و مادر و اجدادم هم دامغانی بوده اند. در سال ۱۳۳۵ پس از دوره شش ساله ابتدائی وارد حوزه علمیه دامغان شدم. برادرم هم قبل از من به حوزه علمیه وارد شده بود، مقدمات تا سیوطی و بخشی از مغنی و حاشیه ملاعبده الله و منطق کبری را در دامغان خواندم ولی سخت نگران بودم، چون روحانیت حرمت اجتماعی نداشت و سرانجام در سال ۱۳۴۳ با آیت الله شیخ محمد کاظم دامغانی (ره) در جلسه ای روبرو شدم و سخت مورد تشویق معظم له قرار گرفتم و از تردید درآمدم و پس از یکسال عازم مشهد مقدس شدم و معظم له نیز من را پذیرفتند و بمدت شش سال مورد عنایت ایشان بودم. مطول را در درس ادیب نیشابوری شرکت نمودم و لمعه را با استاد صالحی و فائقی گذراندم و با تأسیس بخش آموزش مدرسه آیت الله میلانی (ره) وارد این مدرسه شدم و مکرر مورد تشویق قرار گرفتم.

سرانجام عازم حوزه علمیه قم شدم و در بخش آموزشی مدرسه آیت الله میلانی از اساتید بزرگواری مانند حجة الاسلام آهنیان و حضرت آیت الله شیخ محمدرضا مهدوی دامغانی کتابهای رسائل و مکاسب و بخشی از کفایه را استفاده نمودم و در عین حال که آیت الله شیخ محمد کاظم دامغانی علاقه مند بودند که من در مشهد بمانم و آیت الله شیخ محمدرضا نیز سخت مخالف رفتن من به قم بودند من حوزه مشهد را پاسخگوی روحیه تنوع طلبی خود نمی دیدم و لذا به قم آمدم. در بدو ورود در درس خارج عروه آیت الله فاضل لنکرانی شرکت نمودم و درس کفایه را در خدمت استاد سبحانی ادامه دادم. یکسال و نیم هم در دارالتبلیغ آیت الله شریعتمدار حضور داشتم و از اساتید بزرگواری مثل دکتر شهابی، صدر بلاغی و آقای رضوانی بهره بردم و ضمناً در درس آیت الله وحید خراسانی شرکت داشتم.

در موسسه در راه حق زیر نظر دکتر سید علی گرامرودی تمرین نویسندگی مقاله داشتیم و سرانجام با تأسیس بخش آموزش مؤسسه در راه حق به دعوت آیت الله خرازی وارد این مؤسسه شدم و در خدمت استاد بزرگواری حضرت آیت الله مصباح یزدی بهره های فراوانی به مدت هشت سال بردم، در این دوره ۸ ساله اساتید دیگر ما آیت الله سید محمد کاظم حائری، آیت الله حسین مظاهری، استاد احمد احدی، استاد علی قائمی و آیت الله تسخیری و.... بوده اند.

سرانجام پس از پایان دوره هشت ساله مؤسسه و تحقق انقلاب اسلامی به دنبال فرمان تاریخی امام (ه) در مورد تدوین کتب مبنائی

علوم انسانی و واگذاری این مسئولیت از ناحیه جامعه مدرسین به حضرت استاد مصباح یزدی به دعوت معظم له در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه به تحقیق و تألیف در رشته حقوق پرداختم و به مدت چهارده سال چهار جلد کتاب درآمدی بر حقوق اسلام ج ۱ و ۲، اسلام و حقوق بین الملل ج ۱ و ۲ فراهم آمد.

ناگفته نماند که در کنار تحقیق و تحصیل و احیاناً تدریس و تبلیغ از سال ۱۳۶۰ به دعوت استاد بزرگوار دکتر احمد احمدی به دانشگاه دعوت شدم و تاکنون عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی با رتبه و پایه ۱۴ استاد یاری هستم و مدرک دکتری در فقه و مبانی حقوق اسلام را در سال ۱۳۷۱ از خبرگان وزارت علوم گرفتم و پایان نامه اینجانب برای رساله دکتری، ازدواج با بیگانگان در ادیان الهی و مکاتب فقهی اسلام بوده است که با راهنمایی استاد بزرگوار محقق داماد و آیت الله مرعشی شوشتری فراهم آمده و مکرر در انتشارات دفتر تبلیغات به چاپ رسیده و در انتشارات الغدیریه معرفی و ترجمه شده و در لبنان به چاپ رسیده است.

موضوعاتی را که اینجانب در حوزه و دانشگاه تدریس داشته ام، عبارتند از: مبانی حقوق، حقوق و سیاست در قرآن، فقه سیاسی، حقوق بین الملل اسلامی، حقوق عمومی در اسلام، قواعد فقه، معارف تشیع، تاریخ تشیع، تاریخ اسلام، انقلاب اسلامی، حقوق اجتماعی سیاسی در اسلام، تاریخ امامت، فقه مقارن آیات الاحکام و ... که معمولاً در هر یک از موضوعات فوق جزوه درسی و یا کتاب درسی ارائه داده ام و به این مناسبت کتاب "تاریخ صدر اسلام" (بعث نبوی تا حکومت علوی) تألیف کرده ام که در مرکز تهیه متون درسی وابسته به دفتر رهبری در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسید و اکنون چاپ دوم آن آماده چاپ است و در سال ۱۳۸۴ کتاب "انقلاب اسلامی در تئوری" به چاپ رسید و مقالات متعددی پیرامون معارف تشیع در مجله گام چهارم انقلاب اسلامی و پیرامون حقوق اهل ذمه در مجله نور علم و حقوق بشر در ادیان در مجله آئینه معرفت و احکام ثابت و متغیر در کنفرانس بین الملل تقریب مذاهب و ... منتشر نموده ام و جزوه ای تحت عنوان "اسلام و آزادی" در دفتر تحقیقات وابسته به دفتر رهبری فراهم نموده ام و در حال حاضر سرگرم تدوین جلد دوم تاریخ اسلامی در رابطه با زندگی سیاسی امامان اهل بیت (ع) و کتابی در زمینه "حقوق بین الملل اسلامی و تاریخ امامت و حقوق اجتماعی سیاسی در اسلام" بر اساس جزوه های درسی که از قبل فراهم آمده می باشم «و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب.»

البته بناست که پاره ای از موضوعات فوق بصورت طرح تحقیقاتی در مرکز متون درسی وابسته به نهاد معظم رهبری در دانشگاهها و یا جایی دیگر مثل دانشگاه شهید بهشتی انجام شود که پاره ای از محققان نیز در انجام آن مشارکت داشته باشند. مقالاتی نیز در دست انجام است مثل "پیامبر اعظم (ص) تنها روح آئین جهانی" و "مبانی فقهی و حقوقی مردم سالاری دینی" و "نگاهی نو به ارتداد و مجازات مرتد در اسلام" که امیدوارم با یاری خدا و عنایت معصومین علیهم السلام بخوبی فراهم آید و عرضه گردد و نیز مقاله ای تحت عنوان "بلوغ دختران" را تقریباً آماده چاپ دارم.

ابراهیمی، جعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جعفر ابراهیمی در سال ۱۳۳۰ش در یکی از روستاهای شهرستان اردبیل به دنیا آمد. میل و کشش او به داستان‌نویسی و ادبیات کودکان موجب شد که در سال ۱۳۶۰ش. بنا به درخواست کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از وزارت دارایی به آن کانون منتقل شود و هم اکنون در همین مرکز به ارائه خدمات فرهنگی اشتغال دارد. کتاب "یک سنگ و یک دوست" تألیف

جعفر ابراهیمی، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: ادبیات کودکان

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: جعفر ابراهیمی تحصیلات مقدماتی خود را در تهران به پایان رسانده است.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: جعفر ابراهیمی پس از انجام خدمت سربازی به استخدام وزارت دارائی درآمد. اما میل و کشش او به داستان‌نویسی و ادبیات کودکان موجب شد که در سال ۱۳۶۰ ش. بنا به درخواست کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به آن کانون منتقل شود و هم اکنون در همین مرکز به ارائه خدمات فرهنگی اشتغال دارد.

جوایز و نشانها: کتاب "یک سنگ و یک دوست" تألیف جعفر ابراهیمی، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. شاعر، نازک خیال کودکان را گاه در «باران» و گاه در «گنجشک» گاه در «گیسوان سبز» یا که در «بقیچ؟ گلدار» به مدد تصویرگران به روی کاغذ آورده است. کتابهای «آب مثل سلام»، «آواز پوپک»، «قالی رنگین کمان» و «لبخند شبنمها» توانسته اند توأمأ امتیاز بهترین کتاب سال کودکان (در دوره دوازدهم کتاب سال) در بخش شعر را به خود اختصاص بدهند.

چگونگی عرضه آثار: سالهاست که کودکان سرزمین ما، با سروده‌های جعفر ابراهیمی که همگون با روح لطیف آنهاست آشنا می‌شوند. کودکان این بار شاهد اشعاری چند از این شاعر، در چهار کتاب: آب، مثل سلام؛ آواز پوپک؛ قالی رنگین کمان و لبخند شبنمها هستند که برای گروه‌های سنی «ج» و «د» مناسب می‌باشد.

آثار:

۱ آب مثل سلام

ویژگی اثر: سرود؟ جعفر ابراهیمی (شاهد)؛ تصویرگر: ساعد مشگی؛ تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۲.

۲ آواز پوپک

ویژگی اثر: سرود؟ جعفر ابراهیمی (شاهد)؛ تصویرگر: مریم رحمتی اوینی؛ تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

۳ دوستی کلاغ و کبوتر

۴ شکوفه‌های شعر

۵ غنچه‌های شعر

۶ قالی رنگین کمان

ویژگی اثر: سرود؟ جعفر ابراهیمی (شاهد)؛ تصویرگر: کارگاه شریف؛ تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۷۲.

۷ کبوتر

۸ گل باغ آشنایی

۹ لبخند شبنمها

ویژگی اثر: سرود؟ جعفر ابراهیمی (شاهد)؛ تصویرگر: غلامعلی مکتبی؛ تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۷۲

۱۰ مادر بزرگ

۱۱ یک سنگ و یک دوست

ویژگی اثر: تالیف، این کتاب در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. قابل ذکر است که کتاب مذکور برای گروه سنی «ج» و «د» (سالهای پایان دبستان و دوره راهنمایی) نوشته شده است.

ابراهیمی، رحمت الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رحمت الله ابراهیمی

محل تولد: آمل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

این حقیر متولد ۱۳۴۹ در شهر آمل استان مازندران در روستای شاه کتی در خانواده ای کشاورز به دنیا آمدم. دوران راهنمایی و سال اول دبیرستان را در شهر آمل گذراندم. پس از آن وارد حوزه علمیه آمل شدم که در سال ۱۳۶۷ بوده است.

این حقیر مقدمات و سیوطی را در شهر آمل طی دو سال گذراندم و پس از آن یکسال را در شهر ساری ادامه تحصیل دادم. پس از آن در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و در محضر اساتیدی چون حضرت آیت الله اشتهاردی (دامت برکاته) و حضرت آیت الله وجدانی فخر (رحمت الله علیه) و حضرت آیت الله سبحانی و حضرت آیت الله دریاباری افاضه نمودم، که دروس سطح را به اتمام رساندم و فی الحال در درس خارج آیت الله دریاباری و دروس فلسفه و منظومه آقای دریاباری و خارج اصول آقای سبحانی مشغول تحصیل می باشم.

این حقیر تالیفات خود را از سال ۱۳۷۶ آغاز کردم که تاکنون ۵ اثر حقیر به چاپ رسیده و بعضی از آثار چاپ مجدد شده است که امید است خداوند قبول فرماید.

ابراهیمی، محمدحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدحسین ابراهیمی

محل تولد: کازرون

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۹/۱/۱

ابراهیمی، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۱، مرتبه علمی: استاد، رشته: جراحی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۶، دکترای تخصصی جراحی عمومی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۰، و فوق تخصص جراحی دستگاه گوارش از دانشگاه وین اتریش در سال ۱۳۵۲.

مرتبه علمی:

دستیار در دانشگاه تهران از سال ۱۳۳۶، تا سال ۱۳۴۰، استادیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۴۷، دانشیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۷ تا سال ۱۳۶۴ و استاد دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۴ تا کنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس جراحی در دانشگاه‌های تهران، کرمان و همدان، مطالعه و پژوهش در زمینه‌های مختلف پزشکی و جراحی عمومی و استاد راهنمای پایان‌نامه‌های متعدد دکترای پزشکی و تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

مراقبت بیماران عمل شده.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۶، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

پزشکی، فاسیوهایپاتیکا، کیست هیداتیک، خونریزیهای گوارش در کودکان، تغذیه از راه عروق مرکزی و چند مقاله دیگر به زبان انگلیسی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

ابراهیمی، مصطفی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مصطفی ابراهیمی

محل تولد: قائمشهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

ابراهیمی، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی ابراهیمی

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱۰/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مهدی ابراهیمی متولد ۱۳۴۲ در مشهد از خانواده‌ای روحانی هستم. دوران تحصیل ابتدایی را در مدرسه جوادیه که یکی از مدارس حاج آقای عابدزاده بود گذراندم و پس از تعطیلی آن مدارس توسط رژیم پهلوی به مدارس دولتی رفتم و تا پایان دوره راهنمایی تحصیل کردم. بعد از اتمام دوره راهنمایی که مصادف با سال ۵۷ شروع انقلاب اسلامی بود وارد حوزه علمیه مشهد شدم و در مدرسه علمیه حاج آقای موسوی نژاد به تحصیل پرداختم و همزمان دروس دبیرستان را نیز تا مقطع دیپلم ادامه دادم.

دروس سطح اول و عالی حوزه علمیه و ۲ سال درس خارج را در مشهد گذراندم و از سال سوم ورود به حوزه به تدریس ادبیات، منطق و معانی بیان و اصول نیز پرداختم. در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه قم شدم و تا سال ۱۳۷۲ در درسهای خارج فقه و اصول استادان محترم آن حوزه بنام آیت الله تبریزی، فاضل، وحید خراسانی و ... شرکت کردم و درسهای فلسفه را نیز در مشهد و قم نزد استاد آقای آشتیانی و آیت الله حسن زاده آملی گذراندم.

در ایام تحصیل در قم در امتحانات مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم شرکت کردم و در مقطع فوق لیسانس ادامه تحصیل دادم. در سال ۱۳۷۲ موفق به اخذ فوق لیسانس شدم و مجدداً به مشهد مراجعت کردم و در گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی و فردوسی مشهد مشغول به کار شدم. در سال ۱۳۷۶ به استخدام دانشگاه علوم پزشکی مشهد در آمدم و به عنوان عضو هیئت علمی و مدیر گروه فعالیت خود را ادامه دادم. در بهمن سال ۱۳۷۷ در گرایش علوم قرآن و حدیث در دانشگاه قم در مقطع دکتری پذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۲ فارغ التحصیل شدم و هم اکنون در رتبه استادیاری پایه در دانشگاه علوم پزشکی مشهد در گروه معارف اسلامی مشغول به کار هستم و بعضی از واحدهای درسی مرتبط با علوم انسانی مثل اصول و فلسفه تعلیم و تربیت را در این دانشگاه نیز تدریس می‌کنم.

ابراهیمی، نادر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نادر ابراهیمی در [چهاردهم] فروردین ماه سال ۱۳۱۵ در تهران به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در این شهر گذراند و پس از گرفتن دیپلم ادبی از دبیرستان دارالفنون، به دانشکده‌ی حقوق وارد شد. اما این دانشکده را پس از دو سال رها کرد و سپس در رشته‌ی زبان و ادبیات انگلیسی به درجه‌ی لیسانس رسید. او از ۱۳ سالگی به یک سازمان سیاسی پیوست که بارها دستگیری، بازجویی و زندان رفتن را برایش در پی داشت. ارایه‌ی فهرست کاملی از شغل‌های ابراهیمی، کار دشواری است. او خود در دو کتاب "ابن مشغله" و "ابوالمشاغل" ضمن شرح وقایع زندگی، به فعالیت‌های گوناگون خود نیز پرداخته است. از جمله شغل‌های او بوده است: کمک کارگری تعمیرگاه سیار در ترکمن صحرا، کارگری چاپخانه، حسابداری و تحویل‌داری بانک، صفحه‌بندی روزنامه و مجله و کارهای چاپ دیگر، میرزایی یک حجره‌ی فرش در بازار، مترجمی و ویراستاری، ایران‌شناسی عملی و چاپ مقاله‌های ایران‌شناختی، فیلمسازی مستند و سینمایی، مصور کردن کتاب‌های کودکان، مدیریت یک کتاب‌فروشی، خطاطی، نقاشی و نقاشی روی روسری و لباس، تدریس در دانشگاه‌ها و ... در تمام سال‌های پرکار و بی‌کار یا وقت‌هایی که در زندان به سر می‌برد، نوشتن را - که از ۱۶ سالگی آغاز کرده بود - کنار نگذاشت. در سال ۱۳۴۲ نخستین کتاب خود را با عنوان "خانه‌یی برای شب" به چاپ رسانید که داستان "دشنام" در آن با استقبال چشمگیر مواجه شد. تا سال ۱۳۸۰ علاوه بر صدها مقاله‌ی تحقیقی و نقد، بیش از صد کتاب از او چاپ و منتشر شده است که دربرگیرنده‌ی داستان بلند (رمان) و کوتاه، کتاب کودک و نوجوان، نمایشنامه، فیلمنامه و پژوهش در زمینه‌های گوناگون است. ضمن آن که چند اثرش به زبان‌های مختلف دنیا برگردانده شده است. نادر ابراهیمی چندین فیلم مستند و سینمایی و همچنین دو مجموعه‌ی تلویزیونی را نوشته و کارگردانی کرده، و آهنگ‌ها و ترانه‌هایی برای آن‌ها ساخته است. او همچنین توانسته است نخستین مؤسسه‌ی غیرانتفاعی - غیردولتی ایران‌شناسی را تاسیس کند؛ که هزینه و زحمت‌های فراوانی برای سفر، تهیه‌ی فیلم و عکس و اسلاید از سراسر ایران و بایگانی کردن آن‌ها صرف کرد؛ ولی چنان‌که باید، شناخته و به کار گرفته نشد و با فرارسیدن انقلاب و جنگ، متوقف شد. او فعالیت حرفه‌یی خود را در زمینه‌ی ادبیات کودکان، با تاسیس "مؤسسه‌ی همگام با کودکان و نوجوانان" - با همکاری همسرش - در آن مؤسسه متمرکز کرد. این مؤسسه، به‌منظور مطالعه در زمینه‌ی مسائل مربوط به کودکان و نوجوانان برپا شد و فعالیتش را در حیطه‌ی نوشتن، چاپ و پخش کتاب، نقاشی، عکاسی، و پژوهش درباره‌ی خلق‌و‌خو، رفتار و زبان کودکان و نیز بررسی شیوه‌های یادگیری آنان دنبال کرد. "همگام" عنوان "ناشر برگزیده‌ی آسیا" و "ناشر برگزیده‌ی نخست جهان" را از جشنواره‌های آسیایی و جهانی تصویرگری کتاب کودک دریافت کرد. ابراهیمی در زمینه‌ی ادبیات کودکان، جایزه‌ی نخست براتیلوا، جایزه‌ی نخست تعلیم و تربیت یونسکو، جایزه‌ی کتاب برگزیده‌ی سال ایران و چندین جایزه‌ی دیگر را هم دریافت کرده است. او همچنین عنوان "نویسنده‌ی برگزیده‌ی ادبیات داستانی ۲۰ سال بعد از انقلاب" را به‌خاطر داستان بلند و هفت‌جلدی "آتش بدون دود" به‌دست آورده است. نادر ابراهیمی در زندگی پرفرازونشیب خود، جایگاه خاصی برای ورزش نگهداشته است. او رشته‌های مختلف ورزشی را تجربه کرده، یکی از قدیم‌ترین گروه‌های کوهنوردی به نام "آبرمرد" را بنیان نهاده و در توسعه‌ی کوهنوردی و اخلاق کوهنوردی، تاثیرگذار بوده است. نادر ابراهیمی در حال حاضر که ۷۰ سال دارد، به علت بیماری در منزل استراحت می‌کند، بیماری اش آرام آرام در حال بهبود است. امید که بتواند انبوه کارهای ناتمامش را که شامل تحقیقات،

داستانهای بلند و کوتاه و فیلمنامه می شود، به پایان برساند.

ابری فارسی، عمیدالدین، ابونصر اسعد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۲۴ق)، شاعر و ادیب. وی اهل ابرج فارس بود و وزیر اتابک سعد بن زنگی و معاصر امام فخر رازی بود. پس از مرگ سعد بن زنگی به اتهام مکاتبه‌ی پنهانی با سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه به وسیله‌ی ابوبکر سعد زنگی در قلعه‌ی اشکنوان زندانی شد و پس از چند ماه در گذشت. وی قصیده‌ای غرا در یکصد و یازده بیت به زبان عربی سروده که به قصیده‌ی «اشکنوانیه» معروف است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن سرایان فارس (۷۲۰-۷۱۶/۳)، دستور الوزراء (۲۳۹-۲۳۷)، ریحانه (۷۰/۱)، لغت‌نامه (ذیل / ابونصر)، مرآت الفصاحه (۵۷-۵۵).

ابرسچی، علی اصغر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ علی اصغر ابرسچی شاهرودی از علماء اعلام و دانشمندان بنام معاصر شاهرود است.

در سال ۱۳۲۴ ق در یکی از کوه‌پایه‌های شاهرود بنام ابرسج دنیا آمد و از سن هفت سالگی تا پانزده سالگی در مکتب خانهای آن قریه خواندن و نوشتن را آموخته و در اواخر ۱۳۳۸ در خدمت جدامی خود مرحوم ثقة‌الاسلام آقای آقا سید محمد به مشهد مشرف گردیده و در مدرسه نواب در تحت نظر دائی خود حجة‌الاسلام آقا سید رضا به علوم عربی اشتغال پیدا نموده.

و پس از مقدمات عربی بهائی را از مرحوم ادیب بزرگ نیشابوری فراگرفت و تا سال ۱۳۴۷ ق از سطوح فارغ شده و در سال ۱۳۴۸ به حوزه قم مشرف و حدود دو سال از محضر آیت‌الله العظمی حایری یزدی استفاده نموده و در سال ۱۳۵۰ قمری مهاجرت به نجف اشرف و از محضر مرحوم آیت‌الله آقا میرزا محمدحسین نائینی و آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله العظمی حاج سید محمود شاهرودی استفاده نموده و یک دوره از ابحاث اصول و بعض ابحاث فقهی آنها را به رشته تحریر آورده و پس از دوازده سال توقف در نجف با دریافت سه اجازه اجتهاد از مرحوم آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله شاهرودی و آیت‌الله حاج شیخ موسی خونساری در جمادی‌الاولی ۱۳۶۳ ق به شهر خود مراجعت نموده و در مسجد خیابان فردوسی به انجام وظائف مربوطه اشتغال دارند.

از باقیات الصالحات معظم له است فرزند فاضل و ارجمندش جناب ثقة‌الاسلام و فخر المتکلمین آقای آقا شیخ محمدرضا دانش پژوه که از محصلین جدی و روشنفکر و گویندگان و وعاظ شایسته معاصر است و در منبر بیانی رسا و زبانی گویا و شیرین دارند و در ماه رمضان و محرم و صفر در تهران از راه منبر به خدمات تبلیغی پرداخته و در اوقات تحصیل در حوزه علمیه قم به تکمیل علوم دینی اشتغال دارند.

و جدا جوانی آراسته و فاضلی پیراسته و داماد حضرت آیت‌الله حاج شیخ عبدالله مهدوی شاهرودی که ترجمه ایشان در جلد چهارم گذشت می‌باشند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ابرقوهی، عبدالسلام

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، مترجم. وی کتاب «سیره‌ی رسول» تألیف سعدالدین محمد کازرونی را تحت نام «نهایه‌ی المسؤول فی درایه‌ی الرسول» به نام یکی از اعیان زمان خود، ابوالشرف محمد، ترجمه کرده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۲۳۶).

ابطحی اصفهانی، محمدباقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابطحی شهرت سلسله‌ای از سادات رفیع‌الدرجات است و تیره‌های مختلفی هستند که در اصفهان و کاشان و تهران و قم و خراسان و سایر نقاط ایران و عراق سکونت دارند بعضی از آنها حسینی و بعضی موسوی و برخی رضوی و یا علوی و غیره می‌باشند ولی به این شهرت و صفت هویت خود را معروف ساخته‌اند مثلاً اخ‌الزوجه نگارنده جناب حجه‌الاسلام حاج سید حسن ابطحی خانی نسبتاً موسوی هستند ولی به ابطحی شهرت یافته‌اند.

یکی از این تیره‌ها ابطحی‌های اصفهان و خمینی‌شهرند که در آن سامان و قم و تهران و ری زندگی می‌کنند و تمامی با همبستگی و خویشاوندی دارند و در پشت سوم و چهارم الی دهم یکی می‌شوند و از آنهاست جناب حجه‌الاسلام و محقق فهام و مفسر علام آقای حاج سید محمدباقر ابطحی فرزند آیت‌الله حاج سید مرتضی ابطحی که در تاریخ ۱۳۴۹ قمری در اصفهان متولد و پس از طی مقدمات و متون فقه و اصول در تاریخ ۱۳۶۶ قمری به قم مهاجرت نموده و از محضر زعیم اعظم آیت‌الله بروجردی و آیات دیگر حوزه علمیه چون آیت‌الله آقای خمینی و گلپایگانی و حاج سید احمد خونساری و آقای اراکی و محقق یزدی استفاده کامل نموده و هم علوم عقلیه فلسفه و الهیات شفا را از استاد بزرگوار علامه طباطبائی فرا گرفته و ضمناً تدریس فقه و اصول را برای عده‌ای از محصلین می‌نمایند.

آثار علمی معظم‌له عبارت است از: ۱- الدور اللامعه فی الاحادیث الجامعه ۲- المدخل للتفسیر الموضوعی للقرآن الکریم پنج مجلد که جلد اول آن مطبوع و بقیه آماده برای طبع است.

۳- ترتیب اساتید الوسائل و مصادرهما و تحقیق رجالها علی اسلوب منهجی درسی

آیت‌الله آقای حاج سید محمدباقر موحد ابطحی اولین فرزند حجه‌الاسلام والمسلمین حاج سید مرتضی موحد ابطحی و سبط مرحوم آیت‌الله متقی حاج سید محمد تقی فقیه احمدآبادی در سال ۱۳۴۶ قمری در شب دوم ماه مبارک رمضان در بیت علم و تقوا متولد شده و مقدمات و متون فقه و اصول را در حوزه علمیه (مدرسه صدر اصفهان) نزد والد ماجدش و اساتید مشهور اصفهان از جمله آیت‌الله حاج آقا رحیم ارباب و آیت‌الله حاج شیخ محمود مفید فرا گرفته و در ربیع‌الاول سال ۱۳۶۵ قمری مهاجرت به قم نموده و

در مدرسه حجتیه اقامت و از دراسات و ابحاث مرحوم آیت‌الله حجت و نیز محضر و درس زعیم اعظم آیت‌الله العظمی بروجردی قدس سره حاضر و با اینکه در آن موقع سنش از بیست تجاوز نکرده بود کاملاً با ایراد و نقد و صحبت کردن در درس معظم له جلب نظر ایشان را نموده و پاسخ می‌گرفت و کتاب قضاء و شهادت را در محضر آیت‌الله العظمی حاج سید احمد خونساری استفاده نموده و در سال ۱۳۷۰ ق-ه به قصد استفاده از حوزه علمیه نجف مسافرت به آن سامان و از محضر آیات عظام و اساتید بزرگ آمرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله حکیم و آیت‌الله شاهرودی و خوئی مستفیض و بهره‌مند شده لیکن به علت گرمای طاقت‌فرسای نجف مجبور به مراجعت به قم گردیده و پیوسته تحقیق راه و روش تعالیم فقه و اصول و رجال و حدیث و تفسیر را از محضر آیت‌الله العظمی بروجردی و نائب‌الامام آیت‌الله العظمی خمینی و آیت‌الله العظمی گلپایگانی و آقای شریعتمداری و آقای حاج شیخ محمد علی اراکی و مرحوم آقای محقق یزدی و فلسفه و اسفار و شفاء را از فیلسوف بزرگ علامه طباطبائی و قانون بوعلی را از والد ماجدش و علامه حاج میرزا محمد طیب‌زاده فرا گرفته و ضمناً به تدریس سطوح عالی فقه و اصول پرداخته و اکنون دارای حوزه درسی تحقیقی و استدلالی فقه و اصول که جمعی از فضلا و محصلین با استناد از محضر و بیانشان استفاده می‌کنند. می‌باشند.

دارای تالیفات و آثار علمی چندی می‌باشند که از دیدگاه دانش‌پژوهان می‌گذرانم. ۱- کتاب زکوة و خمس و صوم و اعتکاف از کتاب جامع الاحادیث آیت‌الله العظمی بروجردی که با شرکت و معاونت چند تن از فضلاء چون حجة الاسلام حاج آقا جواد خندق‌آبادی و حاج آقا جلال گلپایگانی و آقای حاج سید محمدعلی موحد ابطحی (برادر گرامی خود) تالیف نموده و به آن مرحوم تحویل که بعد از رحلتش با تجدید نظر و مقابله با حضرت آیت‌الله العظمی خوئی به طبع رسید.

۲- الدرر العلامه فی الاحادیث الجامعه للاحکام الفقهیه... که آن مقدمه‌ای است برای کتاب جامع الاحادیث که اخبار طولانی در آن تقطیع شده است.

۳- المدخل الی (التفسیر الموضوعی) للقرآن الحکیم پنج جلد که جلد اول در دو جزء به چاپ رسیده است.

۴- جامع الآثار فی تفسیر القرآن که به اسلوب جدید تمام اخبار مصادر و جوامع احادیث اهلبیت علیهم السلام بررسی (به کمک فضلاء لجنه تحقیق).

۵- معجم اسناد روایات که از تمام احادیث موجوده در مصادر اولیه و جوامع بزرگ حدیث چون بحار الانوار و عوالم و وسایل اتخاذ و به اسلوب جدولی منظم و با کمک فضلاء لجنه تحقیق در شرف اتمام است.

۶- توحید الروایات که در تمام اخبار مصادر و جوامع حدیث در هر موضوع با استقصاء وحدت روایت از نظر سند و متن (با کمک فضلاء لجنه انجام گرفته).

۷- فقه جامع الاحادیث که از نظر تفسیر و دلالت بر حدیث و جمع دلالات احادیث و بررسی معارضات و کیفیت علاج و جمع آن (با کمک فضلاء لجنه تحقیق).

اما باقیات الصالحات و آثار تاریخی معظم له.

۱- مدرسه الامام‌المهدی در قم ۲- مدرسه علمی در شهرستان اقلید ۳- مساجد بسیاری در منطقه وسیع اقلید و سرحد چهار دانگه بیلاق تمام عشایر فارس ۴- مراکز تبلیغ در شهرستان اقلید و سرحد چهار دانگه ۵- درمانگاه ولی عصر (ع) در حومه اقلید ۶- بیمارستان ولی عصر (ع) در شهرستان اقلید.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند سید مهدی حسینی. از سلسله سادات معروف به سادات حکیمی. در ماه صفر سال ۱۲۹۴ در سده متولد، و در ماه رجب ۱۳۷۱ در سفر زیارت مشهد در آنجا وفات یافته، در صحن دارالضیافه مدفون گردید.

در خدمت آقای شیخ مرتضی ریزی، و آقا سید محمد باقر درچه‌ای، و شیخ عبدالحسین محلاتی، و جهانگیر خان قشقائی، و میرزا هدایت الله چهار سوقی تحصیل نموده، و در حدود پنجاه مجلد کتاب و رساله تألیف نموده که از آن جمله است:

۱- تعلیقه بر فرائد ۲- ختام الغرر [مطبوع] ۳- رساله در تعارض ادله ۴- رساله در تعادل و تراجیح ۵- رساله استدلالی در توحید ۶- رساله در حجیت مظنه ۷- رساله در رضاع ۸- رساله در صلوات ۹- رساله در طهارت ۱۰- رساله در قضا و شهادت ۱۱- رساله در معاملات ۱۲- رساله استدلالی در معاد ۱۳- رساله استدلالی در امامت ۱۴- رساله در نبوت ۱۵- رساله در ولایت حاکم ۱۶- شرح فارسی بر کفایه آخوند خراسانی؛ و غیره.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ابطحی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد ابطحی

محل تولد: کاشان

شهرت: ابطحی کاشانی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۰۹/۱/۱

زندگینامه علمی

آیة‌الله ابطحی کاشانی در سال ۱۳۰۹ در کاشان به دنیا آمد. خانواده او خانواده‌ای مذهبی و از دستداران خاندان پاک پیامبر (ص) بود و پدرش نیز در کسوت مقدس روحانیت بود که دو سال پس از تولد ایشان دارفانی را وداع گفت.

آیة‌الله ابطحی با به پایان رساندن دوره دبستان، در ۱۴ سالگی وارد حوزه علمیه کاشان شد. او بخشی از دروس دوره مقدمات را در کاشان فرا گرفت و سپس به حوزه علمیه قم عزیمت کرد. ادامه مقدمات را نزد اساتید این حوزه به پایان رسانید. او معلم را نزد امام موسی صدر فرا گرفت بعد از چندی به علت نداشتن شهریه به کاشان مراجعت نمود و از جلسات درس علمای کاشان بهره‌مند گردید. مطول و شرح لمعه را نزد شیخ عبدالله مدنی آموخت پس از آن مجدداً به قم آمد و رسائل و مکاسب را نزد استادان سلطانی، طباطبایی، شهید صدوقی، فکور یزدی و سید محمد صادق روحانی آموخت. برای فراگیری کفایه نیز به درس حضرات آیات مجاهدی، تبریزی، شیخ عبدالجواد اصفهانی و سلطانی طباطبایی رفت. او با به پایان بردن دوره سطح، به درس خارج حضرات آیات عظام بروجردی (ره)، محقق داماد (ره) و امام خمینی (ره) راه یافت.

آیة‌الله ابطحی در سالهای تحصیل خود با بسیاری از فضلالی روزگار خود رابطه دوستی داشت که از جمله آنها، آیة‌الله شهید سید

مصطفی خمینی (ره) را می‌توان نام برد. آیت‌الله ابطحی در عرصه علم و فرهنگ، فعالیت‌های بسیاری از خود بر جا نهاده است. او بسیاری از دروس حوزه را تدریس نموده و از این رهگذر طلاب بسیاری را تربیت کرده است. او تقریرات درس استادان خود را نگاشته و در مجله نور علم، مقالات بسیاری تألیف کرده است.

آیه‌الله ابطحی از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و در بسیاری از فعالیتهای جمعی آن شرکت داشته است. او مدتی در معیت حضرات آیات سید جعفر کریمی و محمدی گیلانی و حجة‌الاسلام والمسلمین قاضی خرم آبادی به نمایندگی از امام (ره) به امور زندانها در قوه قضائیه می‌پرداخته است.

ابطحی، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

برادر معظم له حجه‌الاسلام ذخر العلماء الاعلام آقای آقاسید محمدعلی ابطحی در سال ۱۳۵۰ قمری در اصفهان متولد و پس از طی مقدمات و سطوح عالی در سال ۱۳۶۸ به قم مهاجرت نموده و از محضر آیات عظام و بالخصوص آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده، و در سال ۱۳۷۸ قمری مهاجرت به نجف نموده و در آنجا از محضر درس مرحوم آیت‌الله العظمی حکیم و آیت‌الله العظمی خوئی و مرحوم آیت‌الله میرزا عبدالهادی شیرازی استفاده نموده، و ضمناً اشتغال به تدریس فقه و اصول دارند از تالیفات ایشانست تهذیب المقال فی تنفیح الرجال للشیخ النجاشی که جلد اول و دوم آن به طبع رسیده است.

حاج سید محمد علی فرزند دوم حجة‌الاسلام و المسلمین آقای حاج سید مرتضی حفید آیت‌الله حاج سید محمدتقی فقیه احمدآبادی صاحب (مکیال المکارم) معظم له که از فقهاء و جامع معقول و منقول و از اساتید حوزه علمیه نجف اشرف و اصفهان می‌باشد.

در شهر اصفهان سال در ۱۳۴۹ ق روز ۲۶ صفرالمظفر متولد گردید و پس از تحصیلات فارسی به علوم عربی اشتغال پیدا کرد و اکثر کتب نحو و صرف و منطق را نزد پدر بزرگوارش تلمذ نمود و منظومه منطق حاج سیزواری را نزد استاد بزرگوار آیت‌الله حاج شیخ محمدرضا کلباسی و شرح نفیسی و شرح اسباب را نزد پدر خود و مقداری از قانون را نزد اساتید معروف آیت‌الله حاج میرزا علی آقا شیرازی قدس سره و سطح اصول و فقه تا کفایه و مکاسب شیخ را نزد اساتید عالی‌قدر حوزه اصفهان از جمله آیت‌الله ارباب و آیت‌الله حاج شیخ محمود مفید استفاده کرد.

در سال ۱۳۶۴ به حوزه مقدسه (قم) مشرف و اکثر تحصیلات فلسفه را فیلسوف بزرگ علامه بزرگوار آیت‌الله حاج سید محمدحسین طباطبائی صاحب (المیزان) دام ظلّه بود.

و به درس اسفار و شفاء ابن سینا و سایر دروس و ابحاث معظم له حاضر شده و در فقه و اصول به درس آیات عظام حوزه مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله العظمی آقای حجت و سایر آیات و اساتید حوزه حاضر و از میرزین فضلاء و مؤلفین و مدرسین حوزه به شمار می‌رفت و در درس آیت‌الله بروجردی ره اشکالات او مورد توجه بود و آن مرحوم اظهار علاقه به وی می‌نمود و از مؤلفین کتاب نفیس (جامع‌الحادیث) می‌باشد.

و در ربیع‌الاول سال ۱۳۷۴ به نجف اشرف تشریف پیدا کرده و به درس آیات عظام آیت‌الله حکیم، و آیت‌الله سید عبدالهادی و آیت‌الله خوئی حاضر و پس از وفات استاد بزرگوارش آیت‌الله بروجردی به تدریس اصول و فقه خارج و تألیف منحصرأ پرداخته و جماعتی از فضلاء به درس وی حاضر می‌شدند.

و پس از حادثه اسف‌بار بیرون کردن حوزه علمیه نجف اشرف و ایرانیان به مدتی در دهم جمادی‌الثانی ۱۳۹۴ به علت کسالت قلبی به ایران آمدند و تاکنون در اصفهان استاد خارج فقه و اصول و تفسیر و رجال در اصفهان و مورد استفاده حوزه علمیه اصفهان و مردم این شهر می‌باشند.

مترجم گرامی ما از دانشمندان پرکار و جدی چه در تحصیل و چه در تدریس و چه در تالیف می‌باشند و از روز ورود به تحصیل تا حال حاضر همواره اشتغال به مطالعه و تالیف کتب قیمه و مفیده داشته و هرگز بیکار نبوده و لذا تالیفات بسیاری در قم و نجف نموده‌اند که فهرست آن را غیر از تقریرات بحث اساتید از نظر اهل ادب می‌گذرانیم. و اکثراً تاکنون طبع نشده و از مطبوعات آن است. ۱- تهذیب‌المقال اول، و دوم که در نجف اشرف و اخیراً در بیروت - تجدید طبع شده.

۲- شرح رساله ابی‌غالب زراری ره.

۳- تاریخ آل زراره.

و از غیر مطبوع - مؤلفات معظم له:

۱- الطبقات‌الکبری، در احوال و تراجم اصحاب پیغمبر اکرم (ص) و ائمه طاهرین (ع) ۳۶ مجلد.

۲- شرح رجال نجاشی ۶ مجلد.

۳- شرح رجال کشی ۲ مجلد.

۴- شرح فهرست شیخ طوسی ۲ مجلد بزرگ.

۵- اخبار‌الرواه در شناسائی رواه شیعه از طریق روایاتی که در مدح و ذم آنان رسیده و یا از طریق روایاتی که او روایت نموده.

۶- شرح کفایه‌الاصول ۳ مجلد دوره اصول تحقیقی استدلالی.

۷- شرح (عروه‌الوثقی فقه استدلالی)، کتاب طهارت، و صلوات و صوم، و خمس، و حج و اجاره و مضاربه و نکاح و وصیت آن تالیف شده.

۸- الجهاد فی الاسلام فقه استدلالی.

۹- الخمس فی الاسلام.

۱۰- شرح وسایل‌الشیعه شرح تحقیقی کامل از نظر سند، و دلالت و سایر جهات فقهیه آنها و قسمتی از کتب آن تالیف شده مثل کتاب طهارت، صلوات، صوم، حج، جهاد، نکاح.

۱۱- کتاب الامام امیرالمؤمنین علی ابن ابی‌طالب (ع) ۲ مجلد.

۱۲- علوم‌القرآن ۲ مجلد.

۱۳- المعراج - بحث استدلالی مبسوط در معراج.

۱۴- التوحید بحث استدلالی مبسوط در الهیات.

۱۵- النبوه.

۱۶- النهضه.

۱۷- الحکومه الاسلامیه بحث استدلالی مبسوط در انحاء حکومتات و حکومت اسلامی. ۱۸- المالکیه فی الاسلام.

۱۹- رساله فی الرضاع.

۲۰- رساله فی صلوات‌الجمعه.

۲۱- رساله فی النیابه.

۲۲- رساله فی صله‌الرحم.

- ۲۳- رساله فی الشفاعة.
- ۲۴- رساله فی الذباحتیه.
- ۲۵- شرح الوسیله.
- ۲۶- نخبه الاثر فی رجال المعبر.
- ۲۷- مصادر تراجم رواة الشیعه.
- ۲۸- موالید النبی الاکرم و الائمه (ع) و وفیاتهم.
- ۲۹- تاریخ اصفهان.
- ۳۰- الزهراء علیها سلام.
- ۳۱- علی (ع) فی القرآن.
- ۳۲- النبی و عایشه.
- ۳۳- علی و عایشه.
- ۳۴- ازواج النبی و عایشه.
- ۳۵- تاریخ عایشه.
- ۳۶- ابوهریره.
- ۳۷- مراسیل ابن ابی عمیر و اصحاب الاجماع.
- ۳۸- الموعود المنتظر (ع).
- ۳۹- اخبار الزمان و وفیات الاعیان.
- ۴۰- شرح کتاب طهارت و صلوٰه وافی فیض، شرح استدلالی و غیر از این رسائل دیگری که تالیف آن کامل نشده است.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ابطحی، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج سید مرتضی بزرگ خاندان موحد ابطحی فرزند مرحوم سید علی بن سید محمد علی ابن سید محمد حسین ابن میر محمد تقی معروف به (له له) از اجله بیوت سادات موسوی در اصفهان که نسبت آنان به حضرت موسی بن جعفر علیها السلام مورد گواهی علماء بزرگ و مشاهیر سادات موسوی مانند پدر صاحب روضات می باشند. معظم له از علماء بنام و ائمه جماعت معاصر اصفهانند که در حدود سال ۱۳۱۹ قمری برابر ۱۲۷۸ شمسی در اصفهان دیده به جهان گشوده و در بیت مجد و سیادت پرورش یافته و پس از رشد و بلوغ و خواندن مقدمات و ادبیات و متون فقه و اصول در خدمت مدرسین بزرگ اصفهان به افتخار دامادی مرحوم علامه متقی آیت الله حاج سید محمد تقی فقیه احمدآبادی صاحب (مکیال المکارم) نائل شده و از محضر و درس استاد محقق جامع المنقول و المعقول آیت الله حاج سید علی نجف آبادی و آیت الله حاج سید محمد نجف آبادی صاحب حاشیه کفایه و مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد رضا نجفی صاحب (وقایه الاذهان) و سایر اساتید حاضر گردید.

و در علم طب از مبرزین و مشاهیر مدرسین بشمار می رود و در جدیت در تحصیل و تدریس شهرتی دارد و در حوزه علمیه اصفهان

فضلاء از تدریس ادبیات و سطوح اصول و فقه او بهره کامل داشته و در علوم اسلامی مورد استفاده عموم طبقات مردم اصفهان می‌باشند.

فرزندان برومند ایشان همه از فضلاء و مبرزین حوزه‌های علمیه قم و نجف و اصفهان بشمار می‌روند بدین ترتیب.

۱- آیت‌الله محقق حاج سید محمدباقر که از اساتید حوزه علمیه قم می‌باشند.

۲- آیت‌الله محقق آقای حاج سید محمدعلی که از اساتید حوزه علمیه نجف و اصفهان می‌باشند.

۳- حجة الاسلام - حاج سید علی که از افاضل حوزه علمیه قم می‌باشند.

۴- حجة الاسلام حاج سید محمدرضا (داماد معظم آیت‌الله العظمی آقای گلپایگانی) ۵- حجة الاسلام حاج آقای حجت از افاضل حوزه اصفهان.

۶- حجة الاسلام حسن آقا از فضلاء حوزه علمیه قم.

۷- حجة الاسلام حسین آقا از فضلاء حوزه علمیه قم.

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۳۲۳ ق.، اصفهان.

درگذشت: ۱۳ آذر ۱۳۷۱ (نهم جمادی‌الثانی ۱۴۱۳).

آیت‌الله سید مرتضی موحد ابطحی در سن نوجوانی در محضر آقایان استاد جلال‌الدین همایی، میرزا احمد شهیدی، میرزا محمد تقی موسوی، احمدآبادی، (صاحب مکیال المکارم و پدر همسر خویش) و آقا سید محمد درچه‌ای به آموختن دروس سطح مشغول شد. پس از اتمام سطح به درس خارج حضرات آیات سید محمد و سید علی نجف‌آبادی، شیخ محمدرضا مسجدشاهی شتافت و مبانی فقهی و اصولی خویش را تکمیل نمود و همزمان از محضر آقا شیخ محمود مفید (حکمت و کلام)، شیخ محمدباقر قزوینی (هیئت) و میرزا ابوالقاسم طیب (طب سنتی) فراگرفت.

آیت‌الله موحد ابطحی پس از تحصیلات، رو به تدریس آورد و در مدرسه صدر به تدریس دوره سطح پرداخت و دهها شاگرد تربیت نمود. وی از حضرات آیات شیخ آقا بزرگ تهرانی، محدث قمی، سید محمدتقی موسوی احمدآبادی و مرعشی نجفی اجازه روایت و از آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، بروجردی و ملا محمد حسین فشارکی اجازه‌ی امور حسبه را دریافت نمود.

از آثار ایشان می‌توان دیوان اشعار، رساله‌های گوناگون در حدیث، تاریخ کلام، ادعیه و احراز، طب و زیارت را نام برد.

آیت‌الله موحد ابطحی در نود سالگی، در سیزدهم آذر ۱۳۷۱ دار فانی را وداع گفت.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

ابطحی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: جراحی عمومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۶۰ ق)، پزشک و محقق. از مردم فارس بود. به موصل رفت و تا پایان عمر در آنجا ماندگار شد. ابوجعفر بر برخی از کتابهای جالینوس شرح نوشته و شاگردان بسیاری تربیت کرده است، از جمله: ابوفلاح و محمد، پسرش. از آثار وی: «الادویة المفردة»؛ «الحيوان»؛ «العلم الالهی»؛ «کتاب الجدری والحصبه والحمیاء»؛ «کتاب السرسام والبرسام و مداواتهما»؛ «کتاب القولنج و انواعه و مداواته»؛ «کتاب البرض والبهق»؛ «کتاب الصرح»؛ «کتاب الاستسقاء»؛ «ظهور الدم»؛ «کتاب مالیخولیا»؛ «ترکیب الادویة»؛ «امراض المعده و مداواتها»؛ شرح «کتاب الحمیاء» جالینوس؛ «کتاب الغادی والمغدی»؛ شرح «کتاب الفرق» جالینوس؛ «المقاله فی النوم والیقظه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/ ۲۰۱)، تاریخ طب (۶۶۶- ۶۶۴/ ۲)، کشف الظنون (۱۷۸۳، ۱۴۵۵، ۱۴۵۱، ۱۴۴۶، ۱۴۴۴، ۱۴۳۲، ۱۴۲۴، ۱۴۱۳، ۱۴۰۸، ۱۴۰۲، ۱۳۸۹، ۴۰۱، ۵۱)، معجم المؤلفین (۲/ ۱۴۸)، هدیة العارفین (۱/ ۶۵).

ابن ابی‌الخیر حمدانی، برهان‌الدین، ابوالحارث محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم ق)، عالم، مفسر و واعظ شیعی. شیخ منتجب‌الدین از او به صفت‌های عالم، مفسر، صالح و واعظ یاد کرده است. از آثار وی: «مفتاح التفسیر» یا «تفسیر ابن ابی‌الخیر»؛ «دلایل القرآن»؛ «عین الاصول»؛ «شرح الشهاب».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۱/ ۳۲۳، ۲۱/ ۳۶۷، ۱۵/ ۳۴۴، ۱۳/ ۲۵۲، ۸/ ۲۴۰، ۴/ ۲۴۰). ریاض العلماء (۵/ ۱۲۸)، فوائد الرضویه (۵۷۱)، فهرست منتجب‌الدین (۱۶۱).

ابن ابی‌الخیر، ابوالعباس معین‌الدین احمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۷۵۸- ۶۷۰ ق)، نویسنده و مورخ. پدرش شیخ‌الاسلام شهاب‌الدین از دانشمندان و مؤلفان قرن هفتم و هشتم هجری و برادرش محمود زرکوب از علمای زمان خویش بود وی علوم ادبی و شرعی را نزد استاد دانش، محمدصافی کرمانی، ابراهیم زنجانی، عبدالرحمن علی بزغش، نورالدین محمد خراسانی و امین محمد فراگرفت و از عبدالرحمن علی بزغش اجازه‌ی اجتهاد گرفت سپس سر تعظیم بر آستان شیخ امین‌الدین بلیانی سود. در طریقت پیرو پدران بزرگوارش شد و از شیخ صدرالدین و شیخ قطب‌الدین نامقی جامی اخذ روش در سیر و سلوک کرد و خرقة از شیخ فخرالدین و دائی خویش حاج رکن‌الدین منصور بن مظفر پوشید. وی حدود ۹۰ سال زیست و سال وفاتش را به اختلاف بین ۷۴۵ تا ۷۵۸ ق آورده‌اند. آثار وی: «شیراز نامه»، که به سبک بغداد نامه نوشته

است؛ «کامل التواریخ» یا «عمده التواریخ» در متن «شیراز نامه» بدان اشاره شده اما نایاب است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۰۷-۱۳۰۴/۳)، تذکره‌ی هزار مزار (۳۵۹-۳۵۸)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۱۰۲/۱)، شیرازنامه (مقدمه).

ابن ابی تلج رازی، ابوبکر، ابوعبدالله

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۵۷ ق)، محدث اهل سنت. اصل وی از ری بود. از مصعب بن مقدام و روح بن عباد و عبدالصمد بن عبدالوارث حدیث شنید. مصاحب احمد بن حنبل بود. نوه‌اش، محمد بن احمد بن محمد شیعی، و بخاری، در «صحیح» خود، و ترمذی و ابن خزیمه و ابوبکر سجستانی از وی روایت کرده‌اند.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۴۲۶-۴۲۵/۵)، تهذیب التهذیب (۲۱۴-۲۱۳/۹)، ری باستان (۲۸۵/۲)، ریحانه (۳۲۹/۷).

ابن ابی تلج کاتب، ابوبکر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۲۳۸/۲۳۷- وف ۳۲۵-۳۲۲ ق)، محدث و مورخ امامی. اصل وی از ری بود. در زمان غیبت صغری از محدثان برجسته‌ی مورد اعتماد بود. نزد محمد بن جریر طبری درس خواند، و از جدش، محمد بن عبدالله، حدیث شنید. ابوالحسن دارقطنی و ابوحفص بن شاهین و ابومحمد هارون بن موسی تلکبری و ابوالفضل شیبانی از او روایت کرده‌اند. به گفته ابن ندیم موافق مذهب عامه و خاصه رفتار می‌کرد اما بیشتر تشیع می‌ورزید. از آثار وی: «اخبار فاطمه والحسن والحسین علیهم السلام»؛ «اخبار النساء الممدوحات»؛ «تاریخ الاثمه علیهم السلام»؛ «تفسیر قرآن»؛ «التنزیل او ما نزل من القرآن فی امیر المؤمنین علیه السلام»؛ «البشری والزلفی فی فضائل الشیعه»؛ «کتاب من قال بالتفضیل من الصحابه».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۰۱/۹)، تاریخ بغداد (۳۳۸/۱)، الذریعه (۲۴۰/۴، ۲۱۸/۳، ۳۴۳/۱)، رجال الطوسی (۵۰۲)، رجال النجاشی (۳۰۰-۲۹۹/۲)، ریحانه (۳۲۹-۳۲۸/۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۴۴/۴)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۴۲۳)، الفهرست للطوسی (۲۷۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن ابی تلج)، معجم رجال الحدیث (۳۱۴-۳۱۳/۱۴)، معجم المؤلفین (۹/۹).

ابن ابی جید قمی، ابوالحسن، ابوالحسن علی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س پنجم ق)، فقیه امامی. او از جماعت بسیاری از محدثین از جمله محمد بن حسن بن ولید قمی روایت کرده است. نجاشی و شیخ طوسی از شاگردان وی بودند و شیخ طوسی در «استبصار» احادیث بسیاری از او نقل کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: روضات الجنات (۴/ ۲۸۳)، ریاض العلماء (۳۵۲- ۳۴۹/ ۳)، ریحانه (۷/ ۳۳۲)، الفهرست للطوسی (۳۶، ۲۶، ۱۴).

ابن ابی حاتم رازی، ابو محمد عبدالرحمان

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۳۲۷- ۲۴۰ ق)، متکلم، مفسر، فقیه، رجال‌شناس، حافظ و محدث. در ری متولد شد و در همانجا نشو و نما یافت. وی در محله‌ی درب حنظله‌ی ری ساکن، و خانه و مسجدش در آن محل واقع بود. به همراه پدر به حج رفت و سفرهای بسیاری نیز به شهرهای مختلف اسلامی، همچون شام و مصر و اصفهان داشت. قرآن را نزد فضل بن شاذان آموخت و پس از آن به فراگیری حدیث روی آورد، زیرا پدرش اجازه نداده بود که قبل از قرائت قرآن به حدیث پردازد. در فراگیری حدیث از محضر استادان بسیاری از جمله پدرش، ابوحاتم رازی، و ابوسعید اشج و یونس بن عبدالاعلی و علی بن مُنذر طریقی و احمد بن سِتّان و مسلم بن حجاج و حجاج بن شاعر و ابراهیم مُزنی و بحر بن نصر و محمد بن عبدالملک بن زنجویه و ابوزرعه رازی و ابن واره بهره جست و از آنها حدیث شنید. ابن عدی، حسین بن علی حسینک تمیمی، علی بن عبدالعزیز بن مردک، حمد اصفهانی، ابواحمد حاکم، احمد بن محمد بصیر رازی، ابراهیم بن محمد بن یزّاد، احمد بن محمد بن یزّاد، ابراهیم بن محمد نصرآبادی، ابوسعید عبدالوهاب رازی و دیگران از وی حدیث نقل کرده‌اند و او را ثقه دانسته‌اند. چون ابن ابی حاتم، امیرالمؤمنین علی (ع) را مقدم بر عثمان می‌داند، سلیمانی وی را شیعه به حساب آورده است. پدرش ابوحاتم، عبادت و ورع وی را ستوده است. از آثار وی: «الجرح والتعدیل»، «تقدمه المعرفة للجرح والتعدیل»، «التفسیر»، «الرد علی الجهمیه»، «العلل» یا «علل الحدیث»، «المسند»، «الفوائد الکبیر»، «ثواب الاعمال»، «المراسیل»، «فوائد الرازیین» یا «فوائد اهل الری»، «الکنی»، «الزهد».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴/ ۹۹)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (۳۲)، تهذیب التهذیب (۹/ ۲۹)، الجرح والتعدیل (مقدمه/ د- ط)، ریحانه (۲/ ۲۸۶)، سیر النبلاء (۲۶۹- ۲۶۳/ ۱۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۷/ ۴)، کشف الظنون (۱۸۴۰، ۱۴۴۰، ۱۴۵۸، ۵۸۳- ۵۸۲، ۴۳۶)، لسان المیزان (۳۰۰- ۲۹۹/ ۴)، لغت‌نامه (ذیل/ رازی)، معجم المؤلفین (۱۷۱- ۱۷۰/ ۵)، هدیه العارفین (۱/ ۵۱۳).

ابن ابی حاتم نیشابوری، ابوبکر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۲۰ ق)، محدث. منسوب به بیل از روستاهای سرخس است. در خراسان، عراق، شام و جزیره از محمد بن اسحاق چغانی، اسحاق بن سیار، محمد بن یحیی ذُهلی، ابوزرعه، ابن داره، ابوحاتم، عباس دوری، محمد بن عوف و همطبقه آنان حدیث شنید.

ابن حمشاد، ابوعلی حافظ، محمد بن اسماعیل بن مهران نیشابوری، ابوعلی ثقفی و محمد بن فضل بن خزیمه از وی روایت کرده‌اند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: دائرةالمعارف البستانی (۱/ ۳۴۸)، سیر النبلاء (۶۱- ۶۰/ ۱۵).

ابن ابی حماد رازی، ابوالخیر، صالح

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سوم ق)، محدث شیعی. نام وی در فارسی زادویه یا زادبه است. شیخ طوسی وی را از اصحاب امام جواد (ع)، امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع) می‌شمارد. احمد بن ابی‌عبدالله برقی و سعد بن عبدالله اشعری از وی حدیث شنیدند. از نظر برخی رجال شناسان ابهاماتی در مورد وی وجود دارد و لذا ابن داوود او را در قسم دوم از «رجال» خود آورده است. از آثارش: کتاب «خطب امیرالمؤمنین (ع)»؛ کتاب «النوادر».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اختیار معرفة الرجال (۱۴۵)، الذریعه (۲۴/ ۳۳۲، ۱۹۰- ۱۸۹/ ۷)، رجال ابن داوود (قسم ۲/ ۴۶۱)، رجال الطوسی (۴۳۲/ ۴۱۶، ۴۰۲)، رجال النجاشی (۴۴۲- ۴۴۱/ ۱)، ری باستان (۲/ ۳۱۲)، الفهرست للطوسی (۱۶۷)، معجم رجال الحدیث (۵۶- ۵۳/ ۹).

ابن ابی ربیع، عمادالدین، ابوطاهر عبدالسلام

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۶۱ ق)، محدث و فقیه حنفی. در شیراز متولد شد. برای استماع حدیث به شهرهای گوناگون سفر می‌کرد و آنچه می‌شنید و می‌خواند و نیز اجازه‌هایی که می‌گرفت در کتابی جمع می‌کرد. مدتی در بغداد اقامت کرد. روزگاری مصاحب شهاب‌الدین سهروردی بود. پس از بازگشت به شیراز به تدریس پرداخت. ابوالفتوح عجلی، ابوالمکارم لبان و معمر قرشی از او حدیث شنیده و روایت می‌کردند. بسیاری از طالبان علم در خدمت وی علم و ادب آموختند. در شیراز درگذشت و در جوار شیخ کبیر دفن شد. از آثار وی: کتاب «صنوان الروایة و قنوان الدراية»، که همه مسموعات و مقروءات و مستجازات خود را در این کتاب ضبط کرده؛ «الاطراف»؛ «الدرر المنثور في السنن المأثوره»؛ «ذخيرة العبادليوم المعاد»؛ «فضل الساجد و شرف المساجد»؛ «المعلی»؛ «الوسائل لنیل الفضائل».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی هزار مزار (۹۹- ۹۸)، شیرازنامه (۱۷۰)، معجم المؤلفین (۲۳۲- ۲۳۱/ ۵).

ابن ابی شریح انصاری هروی، ابومحمد، عبدالرحمان

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۹۲-۳۰۷ ق)، محدث. وی از بغوی روایت می‌کرد. در هرات اقامت داشت و پیشوای اهل حدیث بود. دانشجویان از هر سو به سویش می‌آمدند. وی در هرات درگذشت. از آثارش: «جزء فی الحدیث».
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۱۴/ ۴۴۷)، معجم المؤلفین (۵/ ۱۲۲).

ابن ابی‌صادق، ابوالقاسم، عبدالرحمان

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۴۷۰ ق)، پزشک و دانشمند. مشهور به بقراط ثانی. از مردم نیشابور بود. وی شاگرد ابن سینا و استاد سید اسماعیل جرجانی بود. عمیدالملک کُندری، وزیر مشهور طغرل بیک سلجوقی برای درمان قولنج خود وی را طلبید. عبدالله بن عبدالعزیز بن موسی السیواسی در مقدمه‌ی تلخیص شرح «فصول بقراط» ابن ابی‌صادق می‌گوید: از آنجایی که فصول بقراط از مشکل‌ترین کتب طبی است و با اینکه بسیاری بر آن شرح نوشته‌اند، اما هیچ یک در حل مشکلات به پای امام ابن ابی‌صاد نرسیده‌اند، زیرا او بسیار دقیق بود و تعمق در مسائل می‌نمود. از کلمات خردپرور اوست: طیب حقیقی آن است که معالجت کند نفس خود را به فضایل انسانی، و امراض رذایل هیولائی را از هیکل نفس خویش بزداید». از آثارش: شرح «مسائل حنین بن اسحاق»، در طب؛ شرح «فصول بقراط»؛ شرح «تقدمه المعرفة» بقراط؛ شرح «منافع الاعضاء» جالینوس؛ «کتاب التاریخ».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴/ ۸۹)، ایضاح المکنون (۲/ ۲۷۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۳۱۴)، تاریخ طب (۶۹۳-۶۹۲ / ۲)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمه (۶۹-۶۸)، کشف الظنون (۱۸۳۵-۱۸۳۴، ۱۶۶۸، ۱۲۶۸-۱۲۶۷)، لغت‌نامه (ذیل / ابن ابی‌صادق)، معجم المؤلفین (۵/ ۱۵۴)، هدیه العارفین (۱/ ۵۱۷).

ابن ابی‌صهبان قمی، محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سوم ق)، محدث شیعی. شیخ طوسی وی را از یاران امام جواد (ع)، امام هادی (ع) و امام عسکری (ع) می‌شمارد و باری دیگر در شمار کسانی که مستقیماً از امام روایت نکرده‌اند یاد کرده است. او از محمد بن سنان و علی بن حکم و صفوان و محمد بن عمر روایت کرده است. شیخ طوسی وی را ثقه توصیف کرده و در «الفهرست» نام وی را محمد بن علی بن عبدالجبار ذکر کرد و گوید که وی دارای روایات است. سعد بن عبدالله و ابوعلی اشعری و احمد بن ادريس و عبدالله حمیری و محمد بن یحیی و صفار از وی حدیث روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: رجال ابن داود (قسم ۲۸۷ / ۱)، رجال البرقی (۶۱)، رجال الطوسی (۵۱۲، ۴۳۵، ۴۲۳، ۴۰۷)، الفهرست للطوسی

(۳۰۳)، معجم رجال الحدیث (۲۰۳- ۲۰۰/ ۱۶).

ابن ابی طاهر طبری سمرقندی، ابوالحسن، ابوالحسین، علی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، محدث شیعی. از مردم سمرقند بود و شیخ طوسی وی را در شمار کسانی که از ائمه طاهرین (ع) مستقیماً روایت نکرده‌اند آورده است. از جعفر بن محمد بن مالک و از ابوجعفر اسدی روایت می‌کرد. رجال نویسان شیعه او را با صفتهای ثقه و وکیل یاد کرده‌اند. از آثار وی: «مداوأة الجسد لحیاء الابد».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: رجال ابن داود (قسم ۲۴۱/ ۱)، رجال الطوسی (۵۱۸، ۴۸۷)، الفهرست للطوسی (۳۷۱)، معجم رجال الحدیث (۳۶۵- ۳۶۴/ ۱۱).

ابن ابی طاهر مروزی، ابوالفضل احمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۸۰- ۲۰۴ ق)، ادیب و مورخ. از فرزندان خراسان بود که در بغداد به دنیا آمد. در ابتدا آموزگار نوجوانان بود. پس از چندی به بازار کتابفروشان راه یافت و به استنساخ کتب پرداخت و از این رهگذر با بسیاری از عالمان و ادیبان بغداد آشنا شد. وی از عمر بن شبه و احمد بن هیشم سامی و عبدالله وراق حدیث روایت کرده، و از وی فرزندش، عبیدالله، و محمد بن خلف مرزبان نقل حدیث کرده‌اند. شهرت عمده‌ی وی برای نگارش «تاریخ بغداد» است. از او در حدود پنجاه اثر به جای مانده که از آن جمله: «تاریخ بغداد»، که جلد ششم آن چاپ شده؛ «المنثور والمنظوم»، در ۱۴ جزء که فقط دو جزء آن باقی مانده که یکی از این دو به نام «بلاغات النساء» است که مجموعه‌ای از خطبه‌ها، گفته‌ها و شعرهای زنان عهد اسلامی است و دومین خطبه این کتاب گفتار آتشین حضرت زهرا (ع) پیرامون دفاع از حریم ولایت و بازگرداندن فدک است. از دیگر آثارش: «سراقات الشعراء»؛ «کتاب المؤلفین»؛ «اخبار بشار بن برد».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/ ۱۳۸)، تاریخ بغداد (۲۱۲- ۲۱۱/ ۴)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۴۰۳- ۴۰۱/ ۲)، کشف الظنون (۲۸۸)، مروج الذهب، ترجمه (۲/ ۶۶۵)، هدیه العارفین (۵۲- ۵۱/ ۱).

ابن ابی طیب نیشابوری، ابوالحسن علی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۵۸ ق)، مفسر و شاعر. در نیشابور متولد شد. در اوایل قرن پنجم قمری در نیشابور چهار مدرسه بزرگ برای چهار فرقه بنا شد و آن مدرسه را که جهت شیعه و عدلیه و زیدیه، در محله اسفیرس بنا کردند، به نام امام علی بن ابی‌طیب نامیدند. او را در ۴۱۴ ق برای موعظه به دربار سلطان محمود غزنوی بردند، به محض ورود بی‌اجازه نشست و بی‌اجازه شروع به حدیث خواندن کرد، سلطان پندناپذیر فرمان داد تا بر سر او چنان ضربه‌ای زدند که از اثر آن ناشنوا شد. وی را شاگردان بسیاری بود که از آن جمله: خواجه ابوالقاسم علی بن محمد است. وی در سبزواری گذشت. از آثارش: «التفسیر الکبیر»، در سی جلد؛ «التفسیر الاوسط»، در یازده جلد؛ و «التفسیر الصغیر»، در سه جلد؛ «دیوان» شعر. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۵/ ۱۱۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۲۶۷)، تاریخ بیهق (۱۹۴)، سیر النبلاء (۱۷۴- ۱۷۳/ ۱۸)، معجم الادباء (۲۷۶- ۲۷۳/ ۱۳)، معجم المؤلفین (۱۳۱- ۱۳۰/ ۷).

ابن ابی‌مریم شیرازی، ابو عبدالله نصر

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۵۶۵ ق)، مفسر، خطیب، دانشمند و ادیب. اهل فسا بود. در تفسیر، قرائت و نحو مهارت داشت و خطیب شیراز بود. از برهان‌الدین محمود کرمانی روایت می‌کرد. قاضی مجدالدین اسماعیل و قاضی سراج‌الدین مکرم از شاگردان او بودند. از آثارش: «الکشف والبیان»، در تفسیر قرآن، در هشت جلد، مشهور به «تفسیر ابن ابی‌مریم»؛ «الموضح»، در قراآت هشتگانه یا دهگانه، که آن را شاگردان از گفته‌های استاد تقریر کرده‌اند؛ «الارفاد فی شرح الارشاد»؛ «الافصاح فی شرح الايضاح»، در شرح «ایضاح» ابوعلی فارسی؛ «عیون التصریف»؛ «المنتقی». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۸/ ۳۴۷- ۳۴۸)، تذکره‌ی هزار مزار (۴۳۰- ۴۲۹)، ریحانه (۷/ ۳۶۶- ۳۶۷)، کشف الظنون (۱۹۰۵- ۱۹۰۴، ۴۳۷، ۲۱۲)، معجم الادباء (۲۲۵- ۲۲۴/ ۱۹)، معجم المؤلفین (۹۱- ۹۰/ ۱۳)، هدیه العارفین (۲/ ۴۹۱).

ابن ابی‌مریم مروزی، ابو عصمه نوح

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۷۳ ق)، فقیه و قاضی مرجئی. مشهور به جامع. وی چون عالمی ذوفنون بود به جامع شهرت یافت. پدرش زرتشتی بود. در مرو می‌زیست و عهده‌دار منصب قضای آن شهر بو. وی به ارجاء اعتقاد داشت. روایتهای او را سست و احادیث وی را عیناک می‌دانند. او «فقه ابوحنیفه» را گرد آورد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۹/ ۲۸)، التاریخ الکبیر (۸/ ۱۱۱)، تهذیب التهذیب (۴۳۵- ۴۳۳/ ۱۰)، الجرح والتعديل (ج ۴، ق ۴۸۵/ ۱)، معجم المؤلفین (۱۳/ ۱۱۹).

ابن ابی منصور منجم فارسی، ابوعلی یحیی

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۳۰ ق)، ادیب و اخترشناس. او بزرگ خاندان آل منجم است. نوادگان وی همگی اخترشناس بودند. ابن خلکان آنها را زرتشتیانی می‌داند که به دست مأمون اسلام آوردند. یحیی با فضل بن سهل ذوالریاستین دوستی داشت و برا او اختر می‌دید. پس از وی به مأمون عباسی پیوست و به دستور او به اخترشناسی پرداخت اما موفق به ادامه‌ی آن نشد. محمد، علی، سعید و حسن چهار پسر وی نیز در ادب، فصاحت زبان و اخترشناسی آوازه داشتند. در سفرش به طرسوس در گذشت و در حلب در مقابر قریش دفن شد. از آثارش: «الآغانی»؛ «کتاب الطبیخ»؛ «کتاب العود والملاهی»؛ «کتاب المعاریض»؛ «الزیج الممتحن»؛ «مقاله فی ارتفاع سدس ساعه لعرض مدینه السلام».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ علوم عقلی (۵۰، ۴۶)، ریحانه (۳۷۰-۳۶۹/۷)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۲۴۷)، کشف الظنون (۱۴۴۱، ۱۴۳۵، ۱۳۰)، معجم المؤلفین (۲۳۳/۱۳)، هدیه العارفین (۵۱۷/۲).

ابن ابی هند سرخسی، ابوبکر، ابومحمد داوود

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۴۱-۱۱۳۹ ق)، محدث و مفسر شیعی. وی از یاران امام باقر (ع) بود. در خراسان به دنیا آمد. وی از سعید بن مسیب و عکرمه و شعبی و حسن بصری و محمد بن سیرین و بسیاری دیگر حدیث شنید؛ و ثوری و شعبه و ابن جریح و یحیی القطان و ابن علیّه و بسیاری دیگر از او نقل حدیث کرده‌اند. او را از حفاظ بصره می‌شناسند. وی در زمان حسن بصری فتوی می‌داد. احمد بن حنبل و ابن معین و نسائی و ابوحاتم رازی و عجللی او را ثقة دانسته‌اند. در پنج «صحیح» از صحاح ششگانه به روایات او احتجاج شده است. در سفری که به حج می‌رفت در میانه راه در گذشت. از آثار وی: «تفسیر ابن ابی هند».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۷۰/۶)، تاریخ الاسلام (حوادث ۴۱۵-۴۱۳/۱۴۰-۱۲۱)، تاریخ الکبیر (۲۳۲-۲۳۱/۳)، تهذیب التهذیب (۱۸۳-۱۸۲/۳)، الجرح والتعديل (ج ۱، ق ۴۱۲-۴۱۱/۲)، الذریعه (۲۴۰/۴)، ذیل تاریخ الکبیر (۹۰-۸۹/۲)، رجال الطوسی (۱۲۰)، سیر النبلاء (۳۷۹-۳۷۶/۶)، طبقات ابن سعد (۱۹۰-۱۸۹/۷)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۵۹)، معجم رجال الحدیث (۹۱/۷).

ابن ابی یمان بندنجی، ابوبشر، یمان

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۸۴ - ۲۰۰ ق)، ادیب و لغوی. از دهقان‌زادگان ایرانی بود که در شهر بندینج، نزدیک بغداد در حالی که نابینا بود به دنیا آمد. وی از ثروتمندان و ملاکین عجم بود که تمامی املاک و بستانهای خود را که از پدرش به ارث رسیده بود، فروخت و صرف هزینه‌ی علما و تحصیل علم کرد. او نزد ابن سکیت و ریاشی و دیگری علمای بصره و کوفه به تحصیل پرداخت. ابوبشر شعر نیز می‌سرود. از آثار وی: «التفقیه»؛ «العروض»؛ «معانی الشعر».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۹/ ۲۷۶)، ایضاح المکنون (۲/ ۲۸۳، ۳۱۳، ۵۰۶)، روضات الجنات (۸/ ۲۰۰)، ریحانه (۱/ ۲۸۳)، الفهرست لابن الندیم (۲۸۵، ۱۳۱)، معجم الادباء (۵۷- ۵۶/ ۲۰)، معجم المؤلفین (۲۵۷- ۲۵۶/ ۱۳)، هدیة العارفین (۲/ ۵۴۸).

ابن احمد عجمی، حافظ الدین محمد

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۵۷ ق)، محقق. نیاکانش از مردم بردعه بودند. در تبریز درس خواند. از آثار وی: ترجمه‌ی «ظفرنامه‌ی تیموری»، به ترکی؛ «حاشیه‌ی شرح وقایه‌ی الروایة» برهان الشریعه‌ی حنفی، «السبعة السیارة»؛ «نقطه‌ی العلم»؛ «محاكمات الفرید فی حاشیه تجرید»، وی در این کتاب شروح تجرید خواجه نصیرالدین طوسی را به ذوق و سلیقه‌ی خود به محک نقد زده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: کشف الظنون (۱۹۷۵)، لغت‌نامه (ذیل / ابن احمد عجمی)، هدیة العارفین (۲/ ۲۴۳).

ابن آخرم نیشابوری، ابوعبدالله محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۴۴ - ۲۵۰ ق)، حافظ و محدث. در ابتدا به ابن کرمانی معروف بود. از علی بن حسن هلالی در درابجردی و یحیی بن محمد ذهلی و اسحاق بن عمران اسفراینی و محمد بن نصر مروزی حدیث شنید. ابوبکر صبغی و ابوعبدالله بن منده اصفهانی و حاکم نیشابوری از وی روایت کرده‌اند. به گفته‌ی حاکم نیشابوری وی در زمان خودش از سرآمدان اهل حدیث بود. او بر جنازه‌ی محمد بن یحیی ذهلی نماز گزارد. ابن‌آخرم به محدثین نیشابور بسنده کرد و هرگز از نیشابور بیرون نرفت. از آثار وی: «کتاب الرسالة»؛ «المستخرج علی الصحیحین» بخاری و مسلم؛ «المسند الکبیر»، در حدیث.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۸/ ۱۷)، سیر النبلاء (۴۷۰- ۴۶۶/ ۱۵)، معجم المؤلفین (۱۲۰/ ۱۲)، هدیة العارفین (۲/ ۴۱).

ابن اخضر گنابادی، تقی‌الدین، ابومحمد، عبدالعزیز

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۶۱۱-۵۲۴ق)، محدث حنبلی. نیاکانش از مردم گناباد خراسان بودند. در بغداد متولد شد و در همان جا نشو و نما یافت. از شش سالگی شروع به استماع حدیث کرد و از مشایخ بسیار حدیث شنید و در این علم تألیفات بسیار کرد. رجال‌نویسان حنبلی وی را محدثی ثقه می‌دانند. از قاضی ابوبکر، ابوالقاسم ابن سمرقندی و عبدالجبار بن توبه و ابوالفضل ارموی و عبدالوهاب انماطی و دیگران حدیث شنید. در مسجد جامع قصر سالهای متوالی حدیث می‌گفت. او محدث عراق در عصر خود بود و حدود ۶۰ سال به حدیث‌گویی مشغول بود. فرزندش، علی، و ابن دُبَیْثی و ابن نجار و احمد بن حسین داری و علی بن میران و دیگران از او روایت کرده‌اند. یاقوت حموی ذیل جُنابذ از او یاد کرده و می‌گوید که ابن‌اخضر از مشایخ او بوده و ادامه می‌ورزید. او از نیکان و ظریفان بغداد شمرده می‌شد. در این شهر وفات کرد و در باب حرب دفن شد. از آثار وی: «الاصابه فی ذکر الصحابه أبناء الصحابه»؛ «تنبیه اللیب و تلیح فهم المریب فی تحقیق اوهام الخطب»؛ «المقصد الارشد فی ذکر من روی عن احمد»، در دو مجلد؛ «معالم العتره النبویه و معارف اهل البیت الفاطمیه»، که علی بن عیسی اربلی در «کشف الغمه» این کتاب را با واسطه تاج‌الدین علی بن انجب از خود مؤلف روایت کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴/ ۱۵۳)، الذریعه (۲۰۱- ۲۰۰/ ۲۱)، ریحانه (۳۷۷- ۳۷۶/ ۷)، سیر النبلاء (۳۲- ۳۱/ ۲۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۰/ ۷)، کشف الظنون (۱۷۲۶)، الکنی والالقباب (۲/ ۱۵۷)، معجم البلدان (۲/ ۱۹۲)، معجم المؤلفین (۲۶۲/ ۵)، هدیه العارفین (۱/ ۵۷۹).

ابن اخوه بغدادی، جمال‌الدین، ابوالفضل عبدالرحمان

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۴۸ق)، شاعر، ادیب و محدث شیعی. از بزرگان دودمان آل‌اخوه بود. در بغداد متولد شد و در همان شهر نشو و نما یافت. نزد ابوالسعادات هبه‌الله بن شجری، ابوشجاع صابر بن حسین، ابوالفوارس زینبی، ابوالخطاب نصر بن احمد، ابوعبدالله نعالی و ابوغانم هروی درس خواند و حدیث شنید. بانوی دانشمند، دختر سید مرتضی، که کتاب «نهج‌البلاغه» را از عمویش سید رضی نقل کرده نیز از مشایخ اوست. وی در طلب حدیث به ایران آمد و در کاشان و خراسان و ری و طبرستان حدیث شنید و چندی در اصفهان مسکن گزید و سالهای واپسین عمر خود را در شیراز گذراند و در همان جا درگذشت. ضیاءالدین راوندی، قطب‌الدین راوندی و عمادالدین راوندی و سدیدالدین طوسی از شاگردان وی بودند. وی به خاطر خط خوبی که داشت حدود یکهزار مجلد کتاب را استنساخ کرد. او شعر را نیز خوب می‌گفت و اشعاری از او باقی است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴/ ۶۵)، اعیان الشیعه (۴۶۹- ۴۶۶/ ۷)، ریاض العلماء (۵/ ۴۰۹، ۳/ ۱۰۷)، ریحانه (۷/ ۳۷۷).

ابن اسفندیار، بهاء‌الدین محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۶۱۳ ق)، مورخ. از مردم طبرستان بود. و از وابستگان دربار آل باوند، خاصه حسام‌الدوله اردشیر بن حسن بازگشت به موطن خویش از قتل رستم بن اردشیر (۶۰۶ ق) پسر و جانشین حامی خویش، مطلع شد. در ری ماند و کتاب «تاریخ طبرستان» ابوالحسن یزدادی را، برای ترجمه و بسط، با افزودن تاریخ سلاطین آل باوند در دست گرفت. به درخواست پدر به آمل رفت، ولی به سبب ناآرامی اوضاع به خوارزم سفر کرد. در آنجا ترجمه‌ی ابن مقفع از «نامه‌ی تنسر» را، که از قطعات مهم ادبی پهلوی است، یافت و آن را ترجمه کرد و به کتاب تاریخ خود افزود. «تاریخ طبرستان» که تنها اثر شناخته شده‌ی ابن اسفندیار محسوب می‌شود، علاوه بر اشمال اطلاعات جغرافیایی و تاریخی معتبر، در برگیرنده‌ی شرح حال مشاهیر و شاعرانی است که اشعاری به لهجه‌ی طبری سروده‌اند که این نیز بر اهمیت کتاب می‌افزاید. [۱]

محمد بن حسن بن اسفندیار مورخ ایرانی اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری. از شرح زندگانی وی اطلاعی در دست نیست جز همانکه خود در مقدمه تاریخ طبرستان نگاشته. او در سال ۶۰۶ ه. ق. هنگامی که رستم بن اردشیر فرمانفرمای طبرستان کشته شد در بغداد بود و چون این خبر بشنید از بغداد به عراق عجم بازگشت. و دو سال برای تکمیل مواد کتاب خود در ری به سر برد و پس از آن به خوارزم رفت و مدارکی در دکان کتابفروشی یافت که نامه تنسر (ه. م.) به گشاسب شاه فرمانفرمای طبرستان هم در میان آنها بود. تاریخ طبرستان.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] ایران در زمان ساسانیان (۳۵-۳۴)، تاریخ در ایران (۱۰-۹)، تاریخ نظم و نثر (۱۳۶)، تاریخنگاران ایران (۲۳۶) /۱، چهار مقاله (مقدمه/ چهار)، دایرةالمعارف فارسی (۱۵-۱۴/ ۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۴۱۶-۴۱۵/ ۳)، گنج و گنجینه (۲۶۷-۲۶۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن اسفندیار).

ابن اشته اصفهانی، ابوبکر، محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۶۰ ق)، نحوی و ادیب. اهل اصفهان بود. به مصر مهاجرت کرد و تا پایان عمر در آن سرزمین زیست. نزد ابوبکر بن مجاهد، محمد بن احمد بن حسن کسایی، محمد بن یعقوب المعدل، ابوبکر نقاش، ابوبکر ادمی، ابراهیم بن جعفر باطرقانی، محمد بن احمد بن عبدالوهاب و عبدالله بن باذان و یوسف بن جعفر بن معروف، درس خواند. خلف بن ابراهیم، عبدالله بن محمد بن اسداندلسی، عبدالمنعم بن غلبون، محمد بن عبدالله المؤدب از شاگردان وی بودند. سرانجام در مصر درگذشت. از آثار وی: «المحبر»؛ «المفید فی الشاذ» یا «شواذ القراءات»؛ «المصاحف».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/ ۹۷)، کشف الظنون (۱۴۵۹)، معجم المؤلفین (۲۳۷/ ۱۰)، الوافی بالوفیات (۳/ ۳۴۷).

ابن الاسود

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد بن علویه کرانی کرمانی (کوانی) کاتب اصفهانی، شاعر محدّث ادیب لغوی شیعی، از مجاهرین شعرای اهل بیت است. ابوحاتم سجستانی که خود از بزرگان شعر و ادب است خطاب به اهل بصره گوید: قسم به خدا این شاعر اصفهانی در محکم بودن اشعار، و کثرت فوائد آن، بر همه تفوق یافته است.

بیشتر از یک صد سال عمر کرده، و در ۳۱۲ (و به قولی ۳۲۰) وفات یافته است.

کتب زیر از اوست: ۱- الاعتقاد، یا دعاء الاعتقاد ۲- الفیّه، و آن قصیده‌ای است در هزار بیات در مدح حضرت علی علیه‌السلام ۳- الرسائل المختاره، در ادعیه ۴- الشیب و الخضاب، و غیره.

نجاشی در رجال خود (۶۴:) و عموم مؤلفین شیعه در کتب خود او را به احترام نام برده‌اند. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ابن الرسول، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدرضا ابن الرسول

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در خانواده‌ای روحانی در اصفهان چشم به جهان گشوده ام. در شش ماهگی همراه پدر و مادرم به قم هجرت کرده و تا بیست و چند سالگی همواره در میان قم و اصفهان در تردد بوده‌ایم. بخشی از تحصیلات دوران ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان را هم در قم گذرانده‌ام.

همه قبیله من عالمان دین بوده‌اند. پدر بزرگم مجتهد و مدرس حوزه علمیه اصفهان، پدرم مدرس خارج حوزه علمیه اصفهان و ممتحن دروس سطح عالی است. خود نیز از سال ۱۳۶۴ رسماً وارد حوزه علمیه قم مدرسه علمیه رضویه شدم و در سال ۱۳۶۵ با قبولی در دانشگاه اصفهان همزمان به حوزه اصفهان منتقل شدم و دروس حوزوی را در کنار دانشگاه ادامه دادم. تاکنون این مقارنت به لطف خداوند ادامه یافته است. و اکنون مدرس دانشگاه مرکز تخصصی حوزه علمیه اصفهان بوده و گاه گاه در موسسات آموزشی دیگر و نیز مدارس علمیه به تدریس ادبیات عرب اشتغال داشته‌ام.

ابن الرضا، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقا میرزا محمود ابن الرضا از اجله علماء خوانسار و در علم و تقوا و زهد و حسن اخلاق در عصر خود کم‌نظیر بوده‌اند. این عالم بزرگوار مردم را به محاسن اخلاق خود به سوی خدا دعوت و افعال و اقوالش برای آنان موعظه بود و رفتارش جامعه را به یاد خدا می‌آورد و به آخرت راغب می‌نمود گفتارش بر علم آنها می‌فزود. وی از عموزادگان مرحوم آیت‌الله آقا سید میرزا آقای دولت‌آبادی است که از مشاهیر شاگردان و خواص اصحاب مرحوم آخوند ملا حسینقلی همدانی معروف می‌باشند.

آقای آقا میرزا محمود ابن‌الرضا در سال ۱۲۸۵ قمری متولد و از همان اوائل زندگی اشتیاق به تحصیل علوم و فضائل داشته از محاضر علماء اعلام معاصر خویش ادبیات و منطق و فقه و اصول را فراگرفت و سپس برای تکمیل معلومات به اصفهان مهاجرت و حدود شش سال از محاضر آیات مرحوم آخوند کاشی و علامه جهانگیر خان و آیت‌الله آقا نجفی مسجد شاهی و آیت‌الله میرزا محمدهاشم چهارسوقی خوانساری و غیرهم استفاده نموده و به خوانسار مراجعت و به تدریس پرداخته آنگاه برای عتبات عالیات حرکت و در نجف اشرف به منزل مرحوم آیت‌الله آقا سید میرزا آقای دولت‌آبادی وارد و مدت شش سال از محضر و درس آیت‌الله العظمی آقا سید محمدکاظم یزدی و علامه آخوند خراسانی و شریعت اصفهانی و آقا سید اسماعیل صدر و غیرهم استفاده کامل نموده و از بعضی آنان به دریافت اجازه نائل و در خلال این مدت به تهذیب نفس و فراگرفتن اخلاق و سیر و سلوک نزد آقا سید میرزا آقای مذکور و ملا فتحعلی اشتغال داشته آنگاه مراجعت به خوانسار و در اثر موقعیت خاص محل و اختلافات داخلی و هرج و مرج و حکومت خوانین و متنفذین انزوا و گوشه‌گیری اختیار و به تدریس و ترویج و نشر احکام و اقامه جماعت و تهذیب اخلاق جامعه پرداخته و علاوه بر تدریس فقه و اصول درس اخلاق نیز داشتند و در اواخر عمر بیشتر اوقاتش مستغرق در عبادت و دعا بود و در هفتاد سالگی به عالم بقا رحلت فرمودند.

وی دارای دو پسر ۱- حجة‌الاسلام میرزا رضا بود که در علم و عمل و ذکاوت و اخلاق حمیده همچون والد ماجد خود از همگان گوی سبقت را می‌ربود. او از محضر والد ماجدش علوم ادبی و منطقی و فقه و اصول را استفاده کرده و بعد به قم آمده و از حوزه درس علماء قم مخصوصاً مرحوم آیت‌الله حایری مؤسس حوزه بهره‌مند شده ولی متأسفانه در سن ۲۷ سالگی از دنیا رفته است. ۲- حجة‌الاسلام والمسلمین آقای میرزا محمدعلی ابن‌الرضا که از علماء معاصر خوانسار است. وی در ربیع‌المولود ۱۳۳۱ قمری متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح در خوانسار به قم مهاجرت نموده و از حدود سال ۱۳۴۹ قمری از محضر آیات و مدرسین حوزه علمیه بهره‌مند شده آنگاه در سال ۱۳۵۶ قمری به خوانسار مراجعت و تاکنون به اقامه جماعت و خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

اساتید آنجناب سطحاً و خارجاً به قرار ذیل است:

۱- حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی

۲- حضرت آیت‌الله العظمی حاج سید محمدتقی خوانساری.

۳- حضرت آیت‌الله العظمی آقای آقا سید شهاب‌الدین نجفی مرعشی.

۴- حضرت آیت‌الله مرحوم آقا میرزا محمد همدانی.

فرزند ارجمند و برومند آنجناب جناب حجة‌الاسلام آقای آقا سید مهدی ابن‌الرضا در خوانسار متولد شده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و در ذی‌الحجه سال ۱۳۷۱ قمری مهاجرت به قم نموده و ادبیات و سطوح را از مدرسین فراگرفته آنگاه به درس خارج مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله العظمی موسوی و مرحوم آیت‌الله محقق داماد و آیت‌الله العظمی اراکی و آیت‌الله

العظمی گلپایگانی استفاده نموده و قسمتی از معقول و تفسیر را هم از علامه طباطبائی بهره‌مند گردیده و در حال حاضر تابستانها را و تعطیلات حوزه را در خوانسار و بقیه را در قم اشتغال روحی و دینی دارند.
بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ابن الفتی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابو عبدالله سلیمان بن عبدالله، ادیب نحوی لغوی، از فضلاء قرن ششم، در ۵۷۵ در اصفهان وفات یافته است.
فرزندش ابوعلی حسن نیز به این لقب معروف بوده، منصب قضاوت خوزستان، و سپس تدریس نظامیه بغداد را یافته، در آنجا روز ۲ شنبه ۵ شوال ۵۲۵ وفات یافته است.
بر گرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ابن بابویه ابوالحسن، علی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ف. بابویه) ۱- ابوالحسن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، فقیه معروف شیعی (ف. ۲۳۹ ه.ق.). در شهر قم علم فقه آموخت و در همین شهر به تجارت اشتغال داشت و در سال ۳۲۸ به خدمت حسین بن روح رسید. تألیفات متعدد دارد و ابن‌الندیم معتقد است که دو‌یست کتاب در علم فقه تألیف کرده است که از آن جمله کتاب‌الشرائع و کتاب‌الرساله را باید نام برد. مزار او در شهر قم قرار دارد و از دیرباز زیارتگاه شیعیان است.
بر گرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ابن بابویه ابوجعفر، محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوجعفر محمد بن علی ابن حسین فرزند مهتر ابوالحسن علی بن حسین قمی و ملقب به صدوق (ف. ۳۸۱ ه.ق.). او از اساتید بسیار از جمله پدر خود و محمد بن حسن ابن‌الولید ادب و فقه را فراگرفت.
وی با سلاطین و اعظام شیعه زمان خود آمیزش داشت. کتاب من لا یحضره الفقیه خود را که از کتب معتبر شیعه و یکی از کتب اربعه است به نام الولید نوشته است. مدتی نیز در بغداد تدریس می‌کرده در اواخر عمر در ری متوطن شد و وزیر رکن‌الدوله، صاحب بن عباد او را گرامی می‌داشت. ابن بابویه کتاب عیون الاخبار الرضا را به نام صاحب بن عباد نوشت. از کتب دیگر اوست: اکمال‌الدین، امالی، معانی، الاخبار، کتاب التوحید، ثواب الاعمال، علل الشرائع، کتاب الخصال، و کتاب الاعتقاد که همه به طبع

رسیده.

محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی. کتبه وی ابوجعفر و لقبش (صدوق) است و او چنانکه شیخ گوید: به جلالت قدر معروف و به قوه حافظه موصوف در مضمار فقاقت یکه‌سوار و در میدان احادیث و اخبار و بصیرت به احوال رجال علمدار، او را کتابهای بسیار و مصنفات بیشماری است و آنها را در فهرست ذکر کرده‌ایم.

نجاشی و علامه فرموده‌اند: او پیشوای ما شیعه و فقیه ماست. و در خراسان رئیس طایفه بوده.

در سنه ۳۵۵ وارد بغداد شد و با حوادث سن شیوخ طائفه بسماع حدیث مستفیض و بهره‌مند شدند و علامه نیز پس از این سخن او را به جلالت قدر و حفظ و بصیرت به احوال رجال و ناقدیت اخبار ستایش کرده و گفته است در قمین مانند او در قوه حافظه و حفظ حدیث و کثرت علم دیده نشده قریب سیصد کتاب تصنیف کرده و آنها را در کتاب کبیر خود ذکر کرده‌ایم و به موافقت نجاشی گفته وفات وی در ری سنه ۳۸۱ بوده.

وحید بهبهانی قدس سره الشریف در تعلیقه از محقق بحرانی نقل کرده که در حاشیه کتاب بلغه که در علم رجال است چنین گفته: مشایخ ما یکی از دیگری از شیخ‌بهائی رحمه‌الله‌علیه روایت کرده‌اند که: کسی از وی از حال این شیخ بزرگوار سؤال کرد. پس از تعدیل و توثیق و ثنا و ستایش او فرمود که در قدیم‌الایام کسی از من سؤال کرد که زکریا بن آدم و شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه کدام یک افضل و در مرتبه جلالت اکملند گفتم زکریا بن آدم، چه اخبار بسیار و احادیث بی‌شمار از ائمه اطهار علیهم صلوات‌الله‌الملك الغفار در مدح او وارد شده. پس از این جواب در خواب خدمت شیخ صدوق (ره) رسیدم آن جناب به من عتاب کرده فرمود، از کجا دانستی که زکریا بن آدم از من افضل است و روی از من برگردانید.

این بزرگوار در السنه اهل علم ملقب به رئیس‌المحدثین و صدوق مطلق است و گفتیم که او با برادرش (حسین بن بابویه) بدعاء حضرت صاحب‌الامر عجل‌الله‌فرجه متولد شده‌اند و مدح ایشان قبل از ولادتش به زبان آن لسان‌الله جاری شده.

بالجمله جلالت او پیدا و آشکار و عدالت او کالشمس فی رابعه‌النهار است کتب و مصنفات وی بتفصیل در کتاب رجال شیخ و نجاشی (ره) مذکور است و حضرتش را در مجلس رکن‌الدوله دیلمی با علمای مخالفین در اثبات خلافت بلافصل حضرت امیرالمؤمنین و حقانیت مذهب شیعه مناظره‌ایست که قاضی نورالله شوشتری نورالله مرقد الشریف در (مجالس المؤمنین) آن را نقل کرده از خوف اطناب از درجش اجتناب شد.

قبر شریفش در شهر ری نزدیکی قبر منور حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام در وسط باغ مستوفی با بقعه و قبه عالی زیارتگاه عامه مردم است، این نویسنده ترجمه او را مفصلاً با تراجم دانشمندان و رجال علمی که در اطراف مزار او مدفون‌اند در کتاب «تذکره‌المقابر» فی «احوال‌المفاخر» خود نگاشته‌ام من جمله کرامات آن بزرگوار که جماعتی از اعلام در کتب خود ثبت نموده‌اند در زمان فتحعلیشاه خواستند قبر شریفش را تعمیر نمایند ناگزیر به نبش شدند دیدند جسد مطهرش بحال خود باقیست و نپوسیده است و بر نوک ناخن و محاسن او رنگ حنا باقی است.

مرحوم حاج شیخ عبدالله مامقانی در رجال خود (تنقیح‌المقال) می‌گوید و از چیزهایی که گواهی به جلالت او می‌دهد اضافه بر آنچه گذشت که برای من نقل کرده‌اند بسند صحیح متجاوز از چهل سال قبل، از عدل ثقة امین سید ابراهیم لواسانی تهرانی (جد سادات لواسانی) قدس سره که در اواخر صده سوم بعد از هزار (۱۳۰۰) سیل قبر او را خراب کرد و جسد شریفش نمودار شد، سید لواسانی از اشخاصی بوده که داخل قبر شده و دیده که جسد شریفش صحیح و سالم است و تغییر نکرده گویا روح او الآن از جسدش مفارقت نموده و رنگ حنا بر محاسن و زردی حنا در پای او موجود است.

نگارنده گوید- این حکایت را شنیدم از سید استادم علامه بزرگوار فقیه و محدث اهل‌البیت علیهم‌السلام آیه‌الله‌نجفی مرعشی مدظله که فرمودند مرحوم پدرم علامه ورع حاج سید محمود مرعشی در سفر مشهدش در تهران با عده‌ای از علماء مرکز به زیارت

بدن شریف مرحوم صدوق موفق شده و دست او را بوسیده که نرم بود و ناخن یک دستش را گرفته و دست دیگرش را نگرفته بود (گویا دست راست را روز پنجشنبه گرفته و دست چپ را برای روز جمعه گذارده که در شب جمعه وفات نموده).
و این مطلب از متواتراتست و افرادی که به این فیض رسیده‌اند نامبردگان زیراند:

۱- سید ابراهیم لواسانی ۲- میرزا ابوالحسن جلوه حکیم و فیلسوف آن عصر ۳- سید محمود مرعشی ۴- حاج آقا محمد آل آقا سبط وحید بهبهانی ۵- آخوند ملا محمد اندرمانی و بعضی دیگر.

از تصنیفات و تألیفات آن بزرگوار قدس سره که مطبوع و در کتابخانه نگارنده موجود است نامبرده‌های زیر است: ۱- کتاب من لا یحضره الفقیه ۲- کتاب علل الشرایع ۳- کتاب معانی الاخبار ۴- کتاب الامالی ۵- کتاب التوحید ۶- کتاب خصال ۷- کتاب المقنع ۸- کتاب ثواب الاعمال ۹- کتاب عقاب الاعمال ۱۰- کتاب عیون اخبار الرضا ۱۱- کتاب الاعتقادات ۱۲- کتاب حقوق الاخوان ۱۳- کتاب صفات الشیعه ۱۴- کتاب اکمال الدین و اتمام النعمه که به امر حضرت صاحب الامر روحی له الفداء نوشته است و از کتابهای بسیار ارزنده او کتاب مدینه‌العلم است که متأسفانه از قرن ششم به بعد مفقود شده و اثری از او نیست و به گفته بعضی از بزرگان اگر مفقود نشده بود ما را از کتب اربعه مستغنی می‌کرد.

این بزرگوار دانشمندی نابغه و متحرک بوده و فکری موج داشته است. او در روزگار سلطنت رکن الدوله دیلمی و وزارت صاحب بن عباد که هر دو شیعی مذهب و شخصیتی ممتاز داشته‌اند به منظور معرفی شیعه، دست به یک سلسله مسافرت‌های طولانی زد و همه جا با استقبال شایان اهل فضل و رجال حدیث روبرو شد، این مسافرت‌ها از ری که مقر وی بود شروع و به ری نیز پایان یافت، به طوری که از تألیفات او استفاده می‌شود صدوق در سال ۳۵۲ هجری در نیشابور بود که آن روز مرکز علمی بزرگ اهل تسنن بود توقف داشت و همانسال به بغداد و از بغداد به کوفه رفته و تا سال ۳۵۴ در کوفه بوده سپس در ۳۵۵ به بغداد مراجعت کرده و در ۳۶۷ به خراسان سفر کرد و تا سال ۳۶۸ در نیشابور ماند و همان سال عازم ماوراءالنهر و بخارا شد و در سال ۳۷۲ کتاب با عظمت «من لا یحضره الفقیه» را در قصبه «ایلاف» از توابع شهر تاریخی «بلخ» تألیف کرد.

رجال و دانشمندی که افتخار مجاورت این بزرگوار را یافته‌اند بسیار و از معاریف و مشاهیر آنان نامبردگان زیر می‌باشند.

۱- مرحوم علامه عالیقدر و حکیم ربانی حاج شیخ علی مدرس نوری (ره)

۲- مرحوم سید المتالیهین فیلسوف و حکیم امامیه علامه بزرگ میرزا ابوالحسن جلوه.

۳- مرحوم شیخ الحکماء والفقهاء میرزا طاهر تنکابنی.

۴- مرحوم عالم جلیل القدر میرزا مسیح طالقانی استاد و مدرس مدرسه مروی که ماده تاریخ فوتش این آیه: (لن یستکف المسیح ان یکون عبداً لله) است

۵- مرحوم حجة الاسلام و شیخ الاعلام حاج شیخ محمد آملی والد ماجد آیه الله آملی معاصر ما.

۶- عالم بزرگوار حاج شیخ احمد خندق آبادی پدر بزرگوار شیخ المحدثین حاج شیخ جعفر خندق آبادی معاصر.

۷- دانشمند جلیل القدر حاج شیخ محمد خندق آبادی فرزند آن مرحوم.

و بسیاری دیگر که ذکر آنها موجب اطنا و طالبین مراجعه به کتاب تذکره المقابر نویسنده کنند.

(وف ۳۸۱ ق)، محدث، مفسر، فقیه، اصولی، حافظ قرآن و رجال شناس شیعی. مشهور به شیخ صدوق. وی یکی از برجسته ترین فقها و محدثان شیعه است. اهل قم بود و در خانواده‌ای فقیه و دانشور به دنیا آمد. پدرش، ابوالحسن علی بن حسین، شیخ قمی‌ها در زمان خویش، نیز محدث و فقیه والایی بود. در قم از پدرش و محمد بن حسین بن ولید و محمد بن علی ماجیلویه و احمد بن علی بن ابراهیم قمی و دیگران، فقه و حدیث آموخت. استادان شناخته شده‌ی او را در قم و دیگر شهرها متجاوز از دویست نفر می‌دانند. سپس راهی سفری دراز گردید و در ری، نیشابور، مشهد، بلخ، بخارا، مدینه، کوفه، بغداد و همدان، نزد عالمان بزرگ آن عصر به

تحصیل علم پرداخت و از سرآمدان شیعه‌ی آن روزگار شد. شیخ مفید و حسین بن عبیدالله غضائری و حسین بن علی بن بابویه از شاگردان معروف او بودند. دانش، حافظه قوی و استواری او در معارف شیعی، آثارش را به لحاظ اهمیت در صدر قرار می‌دهد. در آخرین سالهای زندگی به درخواست شیعیان ری در آن شهر ساکن شد و در همان جا درگذشت. تألیف حدود سیصد اثر را به وی نسبت می‌دهند و نجاشی از یکصد و هشتاد کتاب او نام می‌برد. مهم‌ترین آثار وی عبارت‌اند از: «من لا یحضره الفقیه»، یکی از کتب چهارگانه‌ی شیعه؛ «الاعتقادات»؛ «مدینه العلم»؛ «عیون اخبار الرضا (ع)»، که به درخواست صاحب بن عباد نوشت؛ «الخصال» اثبات الخلافة؛ «فضائل الشیعه»؛ «علل الشرایع»؛ «دعائم الاسلام»؛ «ثواب الاعمال»؛ «کتاب الامالی»، معروف به «مجالس»؛ «معانی الاخبار»؛ «اثبات الوصیه»؛ کتاب «التوحید»؛ «صفات الشیعه»؛ «نصوص الائمة» [۱].

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۱۵۹ / ۷)، اعیان الشیعه (۲۵- ۲۴ / ۱۰)، ایضاح المکنون (۵۸۴، ۵۰۵، ۴۹۱، ۴۹۰، ۴۵۶، ۳۵۰، ۳۴۲، ۳۱۶، ۳۱۵، ۲۹۷، ۲۶۱، ۱۹۶، ۱۰۳ / ۲، ۴۷۷، ۴۷۳، ۳۴۸، ۱۲۳ / ۱)، تاریخ ادبی ایران (۵۴۸- ۵۴۷ / ۱)، تاریخ بغداد (۸۹ / ۳)، خاتمه مستدرک الوسائل (۲۶۵- ۲۵۷ / ۳)، دانشنامه (۴۳۲- ۴۳۱ / ۳)، دایرة المعارف فارسی (۱۷- ۱۶ / ۱)، الذریعه (۱۷۹ / ۲۴، ۲۳۲ / ۲۲، ۲۰۴ / ۲۱، ۲۶۰ / ۱۶، ۳۷۵، ۳۱۳، ۴۵ / ۱۵، ۱۶۲ / ۷، ۴۸۲ / ۴، ۳۱۵، ۲۲۶ / ۲)، رجال الطوسی (۴۹۵)، رجال النجاشی (۳۱۶- ۳۱۱ / ۲)، روضات الجنات (۱۳۵- ۱۲۳ / ۶)، رجال ابن داود (قسم ۳۲۵- ۳۲۴ / ۱)، ریاض العلماء (۱۲۲- ۱۱۹ / ۵)، ری باستان (۴۲۲ / ۲، ۴۲۶- ۴۲۴ / ۱)، ریحانه (۴۳۹- ۴۳۴ / ۳)، سیر النبلاء (۳۰۴- ۳۰۳ / ۱۶)، الفهرست لابن الندیم (۳۶۳)، الفهرست للطوسی (۳۰۵- ۳۰۴)، فوائد الرضویه (۵۶۴- ۵۶۰)، کشف الظنون (۱۱۷۴)، الکنی والالقباب (۲۲۳- ۲۲۱ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل / ابن بابویه)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۷- ۶۱۲ / ۵)، مجالس المؤمنین (۴۶۳- ۴۵۴ / ۱)، معجم المؤلفین (۳ / ۱۱)، معجم رجال الحدیث (۳۲۶- ۳۱۶ / ۱۶)، هدیه الاحباب (۵۰- ۴۹)، هدیه العارفین (۵۳- ۵۲ / ۲).

ابن بشر مروودی، ابو حامد احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۶۲ ق)، فقیه شافعی. نزد ابواسحاق مروزی فقه آموخت. وی از مرو به بصره رفت و در آنجا ساکن شد، و به تدریس پرداخت. مقام افتاء و قضای آن شهر را نیز عهده‌دار شد. فقهای بصره از محضرش بهره گرفتند. ابوحیان توحیدی از شاگردان خاص وی بود. از آثارش: «الجامع»، در فقه شافعی، حدود هزر برگ؛ شرح «مختصر» مزن؛ «الاشراف علی اصول الفقه».

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۳۹، ۹۹ / ۱)، روضات الجنات (۱۷۸ / ۱)، ریحانه (۲۹۵- ۲۹۴ / ۵)، سیر النبلاء (۱۶۷- ۱۶۶ / ۱۶)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۳۹۴)، کشف الظنون (۱۶۳۵، ۵۷۵)، لغت‌نامه (ذیل / احمد)، معجم المؤلفین (۲۵۸ / ۱)، الوافی بالوفیات (۱۰ / ۷)، وفیات الاعیان (۷۰- ۶۹ / ۱)، هدیه العارفین (۶۶ / ۱).

ابن بلخی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مورخ ایرانی قرن پنجم معاصر محمد بن ملک شاه سلجوقی است، و او به زمان سلطان محمد مستوفی فارس بود. کتاب «فارسنامه» از تألیفات اوست.

(ز ح ۵۱۱ ق)، مورّخ. در شیراز متولد شد. در دستگاه سلجوقی کار را شروع کرد و همراه رکن الدوله خمارتگین به شیراز رفت و در دستگاه وی عهده‌دار دیوان استیفا شد. اث معروفش «فارسنامه» است که جزو منابع معتبر تاریخی و جغرافیایی ایران در عهد سلجوقی به شمار می‌رود. تاریخ تألیفات کتاب مشخص نیست، ولی باید قبل از وفات سلطان محمد سلجوقی (۵۱۱ ق) تمام شده باشد، چون مقدمه آن به نام اوست. [۱]

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ ادبیات در ایران (۹۲۷-۹۲۶ / ۲)، دایره‌المعارف فارسی (۱۸۲۳ / ۲)، کشف الظنون (۱۲۱۵).

ابن بی‌بی، ناصرالدین، یحیی

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ناصرالدین یحیی بن مجدالدین محمد ترجمان نویسنده و مورخ ایرانی قرن هفتم. مادرش بی‌بی به کار زجر و فال اشتغال داشت و پدرش در دربار سلاجقه آسیای صغیر دبیر و مترجم بود و چند بار به سفارت به دربار پادشاهان رفته. از احوال او چیزی در دست نیست. کتابی به نام «الوامر العلائیه فی امور العلائیه» که در تاریخ سلاجقه آسیای علاءالدین کیقباد را به تفصیل شرح داده و کتاب را به علاءالدین عطا ملک جوینی اهدا کرده است.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ابن چهاربخت، عیسی

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دوم ق)، پزشک سریانی. وی از شاگردان جرجیس بن بختیشوع بود که در بیمارستان جندی‌شاپور به کار پزشکی مشغول بود. هنگامی که منصور عباسی بیمار شد و کسی در پی ابن بختیشوع فرستاد، وی نیز بیمار بود و از ابن چهاربخت خواست که به نزد خلیفه رود، اما او از رفتن سر باز زد و ابن بختیشوع شاگرد دیگر خود ابراهیم را نزد خلیفه فرستاد. از آثارش: «فی قوی ادویة المفردة».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ طب (۶۵-۶۴ / ۲)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۵۲۹).

ابن حاجب، جمال‌الدین

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جمال‌الدین ابوعمر و عثمان بن عمر نحوی معروف (و. ۵۷۰-ف. ۶۴۶ ه.ق.) وی اصلاً از کردان ایرانی بود و در مصر متولد شد و در قاهره به تحصیل علوم ادبی و فقه پرداخت و چندی نیز در دمشق تدریس کرد. از تألیفات او: کافیه (نحو)، شافیه (صرف)، مختصرالمنتهی (تلخیص کتاب دیگر او به نام منتهی السؤال و الامل)، الامالی و غیره است. بر گرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ابن خضر شاه اصفهانی، عیسی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۰۷۴-۱۰۳۴ ق)، فقیه و محدث شیعی. پدرش از کارگزاران دربار شاه‌عباس بود. ۲۰ سال از زندگی خود را به فراگیری دانش پرداخت و در مجلس درس استادانی چون میرزا علی اصفهانی، محمد تقی مجلسی، رفیع‌الدین نایینی، علاء‌الدین محمد گلستانه و محمدصادق کرباسی حاضر شد و در انواع علوم عقلی، نقلی، ادبی، ریاضی و پزشکی مهارت یافت. وی در تقوا و پرهیزکاری و زهد و بی‌اعتنایی به دنیا تا بدان پایه بود که گرچه او را مکلف به منصب قضاوت و شیخ‌الاسلامی اصفهان کردند اما او نپذیرفت و با اینکه ثروت فراوان داشت به دست خود به استنساخ کتب می‌پرداخت. به گفته‌ی پسرش میرزا عبداللّه افندی، مؤلف «ریاض العلماء» کتب بسیاری را استنساخ کرد. ابن خضرشاه خوشنویسی چیره‌دست بود و با وجود سرعت کتابت انواع خط را به زیبایی می‌نوشت. به برکت او بیشتر خویشاوندان و خدمتگزاران و یاران و اهالی محل او موفق به کسب دانش شدند. از آثار وی: «رسالة فی کیفیت تحلیف اهل الذمه و سائر الکفار»؛ «رسالة فی رؤیة الهلال قبل الزوال»؛ «رسالة فی صلاة الجمعة»؛ تعلیقاتی بر «کلام اللّه مجید»، و «کتب اربعه» حدیثی، و کتب فقهی و اصولی، و کتب ادبیات عربی. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۱/ ۳۰۹)، ریاض العلماء (۳۱۰-۴/ ۳۰۶)، معجم المؤلفین (۳۲/ ۸).

ابن خطیب گنجوی، تاج‌الدین امیراحمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س پنجم ق)، شاعر و ادیب. مشهور به پسر خطیب گنجه یا پورخطیب گنجه. وی معاصر محمود غزنوی بود و با همسرش مهستی گنجوی به دربار غزنوی پیوستگی داشت. همسرش از سرایندگان شهر آشوب بود و میان او و مهستی مناظره در می‌گرفت. در سده‌ی هفتم قمری داستان امیراحمد و مهستی درباره‌ی شوخ‌طبعی‌های وی و همسرش به نثر نوشته شد. از وی اشعاری در تذکره‌ها باقی است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ‌گزیده (۷۱۸)، تاریخ نظم و نثر (۷۳۹، ۸۵)، تذکره‌ی روز روشن (۱۸)، دانشمندان آذربایجان (۷۶)، الذریعه

(۹/ ۲۱)، مجالس النفائس (۳۲۷).

ابن راوندی، ابوالحسین احمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۴۵ ق)، متکلم و فیلسوف. برخی منابع وی را اهل راوند، میان اصفهان و کاشان، و برخی اهل مرورود می‌دانند. از زندگی شخصی وی اطلاع چندانی در دست نیست. گویا نخست معتزلی بوده و پس از مدتی به شدت با معتزلیان درافتاده است. ایشان نیز ردیه‌های شدیدی بر ضد وی نوشته‌اند. پیروی ابن‌راوندی از تشیع نیز ناپایدار بود. گفته‌اند که استقرار به مذهبی نداشته. برخی معتقدند که پدر وی از یهودیان بوده ولی، خودش اسلام آورده است. از نظر علمای عامه ابن‌راوندی ملحد و زندیق است و به گفته آنان شهرت بی‌دینی وی از جهان اسلام فراتر رفت و برخی از یهودیان نیز وی را مذمت کردند. به هر حال وی یکی از شخصیت‌های پیچیده و ناشناخته کلام اسلامی است. ابن‌راوندی در ادبیات استادی کم‌نظیر بود. ابن‌خلکان آثار وی را بالغ بر ۱۱۴ اثر دانسته، و حمدالله مستوفی گوید که وی ۱۲۴ کتاب تصنیف کرده است. بسیاری از آثار وی از میان رفته‌اند. تنها بخشی از آنها در ردیه‌های مخالفانش باقی مانده است: از جمله آثار وی: «فضیحة المعتزله»؛ «التاج»، در قدم عالم؛ «نعت الحکمة»؛ «قضیب الذهب». دوازده کتاب به او نسبت داده‌اند که در طعن اصول شریعت است و گروهی از علما در رد آنها کتابهای بسیاری نوشته‌اند. ابن‌راوندی خود گاه در رد کتب خود نیز ردیه‌ی نوشته است. از آن جمله: «کتاب نقض کتاب الزمرد علی نفسه»؛ «کتاب نقض المرجان». برخی از کتابهای او در تأیید دین است: «کتاب الامامة»؛ «کتاب الاسماء والاحکام»؛ «کتاب الابتداء والاعادة». در تاریخ وفات ابن‌راوندی اکثریت بر نظر ابن‌خلکان در «وفیات الاعیان» و مسعودی در «مروج الذهب» هستند ولی، صاحب «البدایة والنهایة» نظر ابن‌خلکان و مسعودی را اشتباه و نظر ابن‌جوزی (۲۹۸ ق) را صحیح می‌داند. [۱]

ابوالحسین احمد بن یحیی، اصلاً از مردم راوند (میان اصفهان و کاشان) و در زمره متکلمان معروف به شمار است (و. ۲۰۵- ف. ۲۴۵ ه. ق.). وی عقایدی خاص داشته، از تألیفات او: التاج، خلق القرآن، الفضيحة المعتزله را باید نام برد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۲۵۳- ۲۵۲/ ۱)، اعیان الشیعه (۲۰۶- ۲۰۴/ ۳)، تاریخ گزیده (۶۹۳)، دائرةالمعارف البستانی (۴۸۶/ ۱)، دایرةالمعارف فارسی (۱۹/ ۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۵۷۳- ۵۷۱/ ۴)، روضات الجنات (۲۰۴- ۲۰۳/ ۱)، ریاض العلماء (۱۹/ ۶)، ریحانه (۵۳۰- ۵۲۸/ ۷)، سیر النبلاء (۶۲- ۵۹/ ۱۴)، الفهرست ابن‌نذیم، ترجمه (۳۱۸- ۳۱۶)، کشف الظنون (۱۴۵۰، ۱۴۲۳، ۱۴۰۳، ۱۲۷۴)، الکنی والالقب (۲۸۸- ۲۸۷/ ۱)، لسان المیزان (۴۹۲- ۴۹۱/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌راوندی)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۸۱- ۸۲)، معجم المؤلفین (۲۰۰/ ۲)، الملل والنحل (۱۵۱، ۱۰۵، ۵۷)، هدیة العارفين (۵۵/ ۱)، هدیة الاحباب (۵۹)، الوافی بالوفیات (۲۳۸- ۲۳۲/ ۸)، وفیات الاعیان (۹۵- ۹۴/ ۱).

ابن ربّین طبری، ابوالحسن، علی

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دوم و سوم ق)، طیب. در مرو متولد شد و در سال ۲۵۴ ق همراه پدرش به خدمت مازیار بن قارن، امیر طبرستان رسید و پس از گرفتاری و قتل مازیار در ۲۲۴ ق به ری گریخت و در زمان الواثق بالله در سامراء مقیم بود و در دوران این خلیفه اسلام آورد و کتاب معروف خود «کتاب الدین والدوله»، را در اثبات حقانیت دین اسلام و علیه دین نصاری نوشت. عده‌ای وی را استاد زکریای رازی نوشته‌اند که درست نیست. از آثار وی: «فردوس الحکمه»؛ «کناش الحضرة»؛ «منافع الادویه والاشربه والعقاقیر»؛ «کتاب تحفه الملوک»؛ «کتاب عرفان المیاه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۵/ ۹۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۹- ۱۱۸/ ۱)، تاریخ الحکماء قفطی (۳۲۱- ۳۲۰)، تاریخ طب (۳۲۴- ۳۱۶/ ۲)، هدیه العارفین (۱/ ۶۶۹).

ابن ربن، ابوالحسن علی

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالحسن علی بن سهل ربن طبری. وی تا ۲۲۴ ه. ق. دبیر مازیار بن قارن بود و سپس به خدمت معتصم بالله خلیفه عباسی درآمد و بعد از او در خدمت واثق و متوکل نیز بوده است. از تألیفات او فردوس الحکمه (ه. م.) در طب، کتاب الدین والدوله و کتاب حفظالصحه در دست است.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ابن شهر آشوب سروی مازندرانی، رشیدالدین

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۸۸- ۴۸۸ ق)، عالم، متکلم، محدث، فقیه، مفسر، ادیب و شاعر شیعی. در ساری متولد شد. نیای وی شهر آشوب از شاگردان شیخ طوسی بود و ابن شهر آشوب به واسطه‌ی پدر خود از او روایت می‌کرد. در هشت سالگی قرآن را حفظ می‌خواند. از زمخشری و احمد و محمد غزالی و خطیب خوارزمی اجازه‌ی روایت داشت. بنا به دلایل مذهبی به حلب که در آن زمان در پرتو حمایت حمدانیها پیشرفته‌ترین مرکز علمی تشیع و پناهگاه شیعیان بود، رفت. مدتی نیز در بغداد اقامت داشت. به دلیل اینکه بلاغتش در خطبه مورد پسند مقتدی، خلیفه‌ی عباسی، واقع شد و مواعظش در وی مؤثر افتاد، منصب تدریس در بغداد و لقب رشیدالدین گرفت. پدرش شیخ علی بن شهر آشوب، ابومنصور احمد طبرسی، امین الدین طبرسی، ابوالفتوح رازی، قطب راوندی، وفتال نیشابوری، از جمله‌ی استادان وی بودند. شاگردان زیادی نزد وی تربیت شدند. محقق حلی خود را به یک واسطه شاگرد او می‌دانسته است. شهرت و مقبولیت وی چندان بود که علی‌رغم اعتقادات شیعی، مورد احترام و قبول اهل تسنن نیز بود و وی را از محدثین ثقه می‌دانند. مقبره‌ی ابن شهر آشوب در جبل جوشن نزدیک مشهد حسینی قرار دارد. از آثار وی: «معالم العلماء»، که فصلی از آن درباره‌ی شعرای شیعه است؛ «مناقب آل ابی طالب»؛ «متشابه القرآن»؛ «بیان التنزیل»؛ «اعلام الطرائق فی الحدود والحقائق»؛ «انساب آل ابیطالب»؛ «الاسباب والنزول علی مذهب آل رسول (ص)»؛ «الحاوی»؛ «الاولیاد»؛ «المنهاج»؛ «المخزون المکنون فی عیون

الفنون» [۱].

ساری قدیم‌الایام معدن رجال و دانشمندان بزرگ علمی بوده و بزرگان از قبیل علامه جلیل‌القدر جناب محمد بن علی بن شهر آشوب ساروی مازندرانی منسوب به آن می‌باشد.

این بزرگوار از علماء قرن ششم هجری و صاحب تألیفات عدیده مانند مناقب آل ابطالب و متشابهات القرآن و معالم‌العلماء و غیره می‌باشد.

علماء علم رجال وی را چنین ستوده‌اند.

محمد بن علی بن آشوب السروی نورالله مرقدہ السنی فخر الشیعہ و تاج الشریعہ محی آثار المناقب والفضائل والبحر المتلاطم الزخار الذی لیس له ساحل قطب المحدثین و شیخ مشایخهم رئیس العلماء و فقیههم رشید الملة والدين شمس‌الاسلام والمسلمین فقیه وجیه و محدث مفسر محقق ادیب اریب شاعر منشی بلیغ جامع فنون فضائل و محاسن عالم ربانی شیخ رشید بن ابن شهر آشوب المازندرانی صاحب ۱- مناقب آل ابطالب ۲- والمعالم ۳- و مثالب النواصب ۴- والمخزون المکنون فی عیون الفنون ۵- و اعلام الطرائق فی الحدود ۶- والحقایق ۷- والاوصاف ۸- و مائده الفایده ۹- والمثال فی الامثال والاسباب ۱۰- والنزول علی مذهب آل الرسول ۱۱- والحاوی ۱۲- والانصاف ۱۳- والمنهاج الی غیر ذلك مما ذکره فی رجاله المسمى بمعالم العلماء.

وی در شب جمعه ۲۲ شعبان سنه ۵۸۸ ق ه وفات یافته و در بیرون حلب در بالای کوه معروف به جبل جوشن در جوار مشهد السقط (محسن بن حسین الشہید (ع)) و قبر احمد بن منیر و ابن زهره.

و ما به خواست خدا عده‌ای از رجال گذشته و معاصر این شهر را به نظر ارباب فضل و دانش می‌آوریم.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۱۶۷/ ۷)، اعیان الشیعہ (۱۷/ ۱۰)، ایضاح المکنون (۴۵۲، ۴۲۷، ۴۲۱، ۲/ ۱۰۳، ۶۹/ ۱)، خاتمه مستدرک الوسائل (۶۰- ۵۶/ ۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۶۶۳- ۶۶۲/ ۵)، الذریعه (۲۳۳، ۱۵۴، ۲۳/ ۳۱۹- ۳۱۸، ۲۲/ ۲۰۱، ۹۹- ۹۸/ ۲۱، ۲۳۱، ۲۰/ ۷۶، ۷۳، ۶۳- ۶۲، ۱۱- ۱۰/ ۱۹، ۱۷۸- ۱۷۷/ ۳، ۴۷۷، ۴۷۶، ۳۷۸، ۲۳۹، ۱۲/ ۲)، روضات الجنات (۲۷۲- ۲۶۹/ ۶)، ریاض العلماء (۱۲۸- ۱۲۴/ ۵)، ریحانه (۶۰- ۵۸/ ۸)، طبقات اعلام الشیعہ (قرن ۲۷۴- ۲۷۳/ ۶)، فوائد الرضویه (۵۷۱- ۵۶۸)، قصص العلماء (۴۲۹- ۴۲۸)، کشف الظنون (۱۵۸۴، ۱۲۶۹، ۷۷)، الکنی واللقاب (۳۳۳- ۳۳۲/ ۱)، لسان المیزان (۳۹۵/ ۶)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن شهر آشوب)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲۵- ۶۲۴/ ۵)، معجم المؤلفین (۱۷- ۱۶/ ۱۱)، نامه‌ی دانشوران (۴۶- ۴۵/ ۵)، الوافی بالوفیات (۱۶۴/ ۴)، هدیة الاحباب (۶۹)، هدیة العارفین (۲/ ۱۰۲).

ابن صابونی، کمال‌الدین عبدالرزاق

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کمال‌الدین عبدالرزاق بن احمد مکنی به ابن فوطی، از مشاهیر علمای حدیثه و تاریخ و صاحب نظر در حکمت (و. ۶۴۲- ف. ۷۲۳ ه.ق.) از آثار اوست: مجمع‌الآداب فی معجم‌الاسماء علی معجم‌اللقاب در ۵۰ جلد، در الاصداف فی غرر الاوصاف در ۲۰ جلد، تاریخ عالم از خلقت تا تخریب بغداد، الحوادث الجامعه و التجارب النافعه فی المئه السابعة.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ابن ضریس رازی، ابو عبدالله محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۲۹۴ - ۲۰۰ ق)، حافظ و محدث. جدش، یحیی بن ضریس، از یاران سفیان ثوری است. پدرش، ایوب، نیز از محدثان است و لذا ابن ضریس را محدث بن محدث لقب داده‌اند. وی خود محدث ری بود. از قعنبی، مسلم بن ابراهیم، ابوالولید طیالسی و محمد بن کثیر عبّدی حدیث شنید. احمد بن اسحاق طیبی، اسماعیل بن نُجید، احمد بن عُتید همدانی، عبدالله بن محمد بن عبدالوهاب رازی و بسیاری دیگر از او روایت کرده‌اند. ابن ضریس را شیخ و مسند خوانده‌اند و عبدالرحمان بن ابی حاتم رازی وی را محدثی ثقه می‌دانست و از او روایت می‌کرد. روز عاشورا در ری درگذشت. از آثار وی: «فضائل القرآن»، در چند مجلد؛ «تفسیر القرآن» یا «تفسیر محمد بن ایوب رازی».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۶/ ۲۷۰)، ایضاح المکنون (۲/ ۱۹۷)، الجرح والتعديل (ج ۳، ق ۱۹۸/ ۲)، ری باستان (۲/ ۳۵۰)، سیر النبلاء (۴۵۳ - ۴۴۹/ ۱۳)، کشف الظنون (۱۲۷۷، ۴۵۸)، معجم المؤلفین (۸۴ - ۸۳/ ۹)، الوافی بالوفیات (۲/ ۲۳۴)، هدیة العارفین (۲۲ - ۲۱/ ۲).

ابن عبدالباقی بخاری مکی، علاءالدین، ابوالمعالی محمد

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۹۹۱ ق)، قاضی، خطیب و ادیب. معروف به خطیب مدینه. وی در ۹۹۱ ق در مدینه به ایراد خطبه می‌پرداخت. از آثار وی: «الطراز المنقوش فی فضائل الحبوش»، تألیف ۹۹۱ ق، موسوم به «نزهة الناظر و سلوة الخاطر»؛ «عقد الفرائد فیما نظم من الفوائد»، در ادب.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/ ۵۴ - ۵۵)، ایضاح المکنون (۲/ ۱۰۹)، کشف الظنون (۱۱۰۹)، معجم المؤلفین (۱۰/ ۱۲۳)، هدیة العارفین (۲/ ۲۵۶).

ابن عمید، ابوالفضل محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالفضل محمد بن عمید کاتب خراسانی (ف. ۳۵۹ ه.ق.) پدر وی صاحب ترسل بود و لقب عمید و وزارت مرد آویج داشت. ابوالفضل در سال ۳۲۸ به جای ابو علی ابن قمی به وزارت رکن‌الدوله دیلمی رسید. وی در نجوم و فلسفه دست داشت و در ادب و

ترسل کمتر کسی به پای او می‌رسید. صاحب بن عباد از اتباع او بود. در سال ۳۵۹ ابن عمید با لشکری برای جنگ حسنویه کرد بیرون رفت و در همین ایام درگذشت. از تألیفات اوست: دیوان الرسائل، والمذهب فی البلاغات.

۲- ابوالفتح علی بن محمد بن عمید (ف. ۳۶۶ ه.ق.) وی در جنگ با حسنوی همراه پدر بود و چون پدرش درگذشت با حسنویه صلح کرد و به ری بازگشت و منصب پدر را به او تفویض کردند. وی تا سال ۳۶۶ وزارت مؤیدالدوله را داشت سپس به حبس افتاد و در حبس درگذشت.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ابن فاذشاه اصفهانی، ابوعبدالله محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۸۱ ق)، متلکم و فقیه شافعی اشعری. وی اهل اصفهان بود که به بصره مهاجرت کرد. او آثار زیادی در فقه و اصول و احکام داشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/ ۲۲۷)، معجم المؤلفین (۱۳۶- ۱۳۵/ ۱۱).

ابن فورک

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوبکر محمد بن حسن بن فورک (بر وزن دوزخ) ادیب متکلم اسولی، واعظ نحوی مدتی در عراق به مذهب اشعری تدریس می‌نموده سپس به ری مهاجرت کرده و بر حسب خواهش مردم نیشابور بدانجا رفته و ساکن شده و جهت او مدرسه و خانقاهی بنا کردند.

بالاخره به سال ۴۰۶ وفات یافته، و علت آن را مسموم شدن در مراجعت از غزنه نوشته‌اند و پس از فوت در حیره مدفون گردیده و قبرش معروف است.

تعداد تألیفاتش را در اصول دین و اصول فقه و معانی قرآن حدود یکصد جلد نوشته‌اند.

از کلمات اوست که گوید: گرفتاری عیال نتیجه متابعت شهوات حلال است پس چه گمان می‌کنی در پیروی از شهوات حرام؟ برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ابن قآنی خوارزمی، ابومحمد منصور

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۰۵/ ۷۷۵ ق)، عالم اصولی و فقیه حنبلی. وی از مردم خوارزم بود، اما در مکه اقامت داشت و در همان جا درگذشت. از آثار وی: شرح «المغنی» خبازی، در اصول فقه؛ «حاشیه علی المنتخب فی شرح المنتخب»، در اصول مذهب. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۸/ ۲۳۴)، ایضاح المکنون (۲/ ۵۶۹)، کشف الظنون (۱۷۴۹)، معجم المؤلفین (۱۰/ ۱۳)، هدیة العارفين (۲/ ۴۷۴- ۴۷۵).

ابن لزه کرخی اصفهانی، ابو عمرو بندار

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سوم ق)، لغوی. در کرخ بغداد درس خواند و سپس به اصفهان سفر کرد. در آن شهر شهرت بسیار کسب کرد. حافظه‌ای قوی داشت، حدود هفتصد یا نهصد قصیده حفظ بود. ابو عبید هروی استادش بود و ابن کيسان بغدادی شاگرد وی. در شعر، خبر و انساب سرآمد همروزگاران خود بود. برخی منابع از او به ابن لره یاد کرده‌اند. در زمان خلافت متوکل عباسی، مبرد را در سامرا ملاقات و او را به خلیفه معرفی کرد. از آثار وی: «معانی الشعراء»؛ «جامع اللغة»؛ «شرح معانی الباهلی» (الانصاری)؛ «الوحوش». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۱۴- ۸۱۳/ ۶)، روضات الجنات (۱۴۱- ۱۳۹/ ۲)، ریحانه (۸/ ۱۸۱)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۱۳۹)، الکنی واللقاب (۱/ ۳۹۷)، معجم الادباء (۷/ ۱۲۸- ۱۳۴).

ابن لنکک، ابوالحسن محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۳۶۰ ق)، نحوی. شاعر. از مردم بصره و معاصر متنبی بود. به بغداد رفت و به خدمت مهلبی وزیر درآمد. احتمالاً به اشاره‌ی مهلبی، در ۳۵۱ ق که متنبی از وزیر دیدن کرد، ابن لنکک در اشاری وی را هجو کرد. «دیوان» اشعار او را گرد آورده بودند و شعر او پسند خاطر صاحب بن عباد افتاده بود، اما اکنون از سروده‌های وی مگر اندکی به جا نمانده است. از شهرت او به ابن لنکک (پسر مرد لنگ) چنین برمی آید که تبار ایرانی داشته است. وی قصیده‌ی تائیه‌ی دعبل را که در مدح اهل بیت سروده روایت می‌کرد. از این روی می‌توان حدس زد که وی با شیعیان همدلی داشته است. پسرش ابراهیم نیز شاعر بود و به ابن لنکک شهرت داشت. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/ ۲۴۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۱۵- ۸۱۴/ ۶)، دائرةالمعارف البستانی (۱/ ۶۷۱)، ریحانه (۸/ ۱۸۱)، معجم الادباء (۱۱- ۱۹/ ۶)، الوافی بالوفیات (۱/ ۱۵۶- ۱۵۷).

ابن ماکولا، سعدالملک، ابونصر علی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۸۶ / ۴۷۵ - ۴۲۲ / ۴۲۱ ق)، رجال‌شناس، حافظ، محدث و شاعر. از فرزندزادگان ابودلف عجلی است. اصل وی از گلپایگان بود. در عکبرا، نزدیک بغداد، متولد شد. نزد ابن‌بشران، خرائطی حنبلی، ابوالطیب طبری و قشیری درس خواند و در ۴۴۷ ق پس از مرگ عمویش، قاضی‌القضات بغداد شد. وی با ابراهیم بن اسحاق حنبل دوستی داشت و با احمد عتیقی و خطیب بغدادی معاشر بود. ابن ماکولا - با محافل نیمه حنبلی و نیمه شافعی اطراف ابن‌مسلمه وزیر و قائم، خلیفه عباسی که تلاش در براندازی آل‌بویه، که خاندان ماکولا قدرت و ثروت از آنها داشتند، پیوستگی داشت. ابونصر به شام، مصر، عراق، ماوراءالنهر، جزیره و خراسان سفر کرد و از دانشمندان آن مرز و بوم حدیث شنید و کسانی مثل حسن بن احمد سمرقندی و شجاع بن فارس ذهلی از وی روایت کرده‌اند. او سرانجام به دست غلام ترک خود به قتل رسید. در مکان و سال مرگ وی اختلاف است. از جمله آثارش: «الاکمال فی المؤلف والمختلف» در اسماء الرجال و بررسی اسامی متشابه رجال حدیث است؛ «تهذیب مستمر الاوهام علی ذوی التمنی والاحلام»؛ «مفاخر القلم والسیف والدینار»؛ «الوزراء».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۸۳ / ۵)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۲۶ - ۸۲۵ / ۶)، دائرةالمعارف البستانی (۶۷۴ - ۶۷۳ / ۱)، سیر النبلاء (۵۷۸ - ۵۶۹ / ۱۸)، کشف الظنون (۱۷۵۸، ۱۶۳۷)، الکنی والالقباب (۳۹۹ / ۱)، المستفاد فی ذیل تاریخ بغداد (۲۰۳ - ۲۰۱)، معجم الادباء (۱۱۱ - ۱۰۲ / ۱۵)، معجم المؤلفین (۲۵۷ / ۷)، وفيات الاعیان (۳۰۶ - ۳۰۵ / ۳)، هدیة الاحباب (۸۵)، هدیة العارفين (۶۹۳ / ۱)، ریحانه (۱۸۵ / ۸).

ابن مردویه اصفهانی، ابوبکر احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۱۰ - ۳۲۳ ق)، محدث، حافظ، مفسر و مورخ. از ابوسهل بن زیاد قطان، ابن اسحاق خراسانی، محمد اسواری، احمد بن‌دار و دیگران حدیث شنید. ابوالقاسم عبدالرحمان بن منده، ابوبکر مستملی عطار و ابن شکرویه و برخی دیگر از وی روایت شنیدند. در «معجم البلدان» و «الکنی والالقباب» و «هدیة الاحباب» سال وفات او ۳۵۲ ق ذکر شده است. از آثار وی: «المستخرج علی صحیح البخاری»؛ «التاریخ»، درباره‌ی تاریخ اصفهان؛ «تفسیر القرآن» یا «تفسیر الکبیر»، معروف به «تفسیر ابن مردویه»؛ «الامالی»، در سیصد مجلس. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۴۶ / ۱)، ریحانه (۲۰۰ / ۸)، سیر النبلاء (۳۱۱ - ۳۰۸ / ۱۷)، کشف الظنون (۴۳۹)، الکنی والالقباب (۴۰۶ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل / احمد)، معجم البلدان (۲۱۶ / ۱)، معجم المؤلفین (۱۹۰ / ۲)، الوافی بالوفیات (۲۰۱ / ۸)، هدیة الاحباب (۸۷)، هدیة العارفين (۷۲ - ۷۱ / ۱).

ابن مروان فارسی، دهقان کلودانی، ابوالحسن عباس

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، محدث شیعی. از مشایخ نجاشی بود که از محمد بن یحیی صوفی، ابوافرج اصفهانی و علی بن بابویه، پدر شیخ صدوق، حدیث شنید. او از علی بن بابویه قمی در سفری که در سال ۳۲۸ ق به بغداد نمود اجازه روایت تمام کتابهایش را گرفت. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۷/ ۴۳۱)، رجال النجاشی (۲/ ۹۰، ۲۷۲، ۱/ ۱)، ریاض العلماء (۳/ ۵۷)، معجم رجال الحدیث (۹/ ۲۳۶).

ابن مسکویه

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوعلی احمد بن محمد بن یعقوب بن مسکویه خازن رازی اصفهانی.

حکیم و فیلسوف و مورخ عالی قدر شیعی مذهب گویند: در اول مجوسی بوده و سپس مسلمان و شیعی گردیده و ظاهراً این مطلب خالی از اعتبار است زیرا نام پدر و جدش مخالف این عقیده است. در زمان جوانی بخدمت ابن عمید رسیده. ابوحنان توحیدی درباره او عقیده خوبی ندارد و وی را به بخل زیاد و حرص شدید در جمع مال و طلب کیمیا سخت نکوهش می‌کند. وی خازن «کتابدار» فخرالدوله دیلمی بوده و بدین جهت به خازن شهرت یافته.

در کتاب دانشوران خراسان (۱۵۹:) و دیگر کتب نوشته‌اند که سلطان محمود، غزنوی خواجه ابوالفضل حسین بن علی میکال را نزد مأمون خوازمشاه گسیل داشته و این دانشمندان که در دربار او بودند را طلب کرد: شیخ رئیس ابوعلی سینا - ابوریحان بیرونی - ابوسهل مسیحی، ابوعلی مسکویه، ابن خمار و ابو نصر عراق. سه نفر از اینان نزد سلطان محمود رفتند، و سه نفر دیگر یعنی: ابن سینا و ابن مسکویه و ابوسهل خدمت سلطان محمود را نپذیرفته و به سمت گرگان حرکت کردند و ابوسهل در راه از تشنگی بمرد (سال ۴۰۱ ه.ق) و آن دو به سختی جان بدر بردند.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- آداب العرب و الفرس، در اخلاق ۲- احوال الحكماء ۳- تجارب الامم، در تاریخ مشهورترین تألیفات او ۴- ترتیب السعادات، در اخلاق ۵- تفضیل النشأتین ۶- طهاره الاعراق؛ معروفترین کتاب در اخلاق. مجموعه تألیفاتش متجاوز از بیست و هشت مجلد می‌شود.

صاحب عنوان در ۹ صفر سال ۴۲۱ در اصفهان وفات یافته در محله خواجه مدفون گردید و محل قبرش ظاهراً حدود امام زاده باقر فعلی می‌باشد.

قمی در الکنی و الالقاب گوید: قبره علی باب (درب جناد) فی اصفهان. و درب جناد تصحیف شده حسن آباد است، و مراد دروازه حسن آباد است که در اصفهان معروف است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ابن نجید نیشابوری، ابو عمرو اسماعیل

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۶۶/ ۳۶۵- ۲۷۲ ق)، محدث. وی از مشایخ و زاهدان و محدثان بنام نیشابور و نیای ابو عبدالرحمان سُلمی بود و با ابو عثمان حیری و جنید معاصر و هم صحبت بود. در نیشابور از ابراهیم بن ابی طالب و ابومسلم کجی و محمد بن ابراهیم پوشنجی و عبدالله بن احمد بن حنبل و علی بن جنید رازی حدیث شنید. نوه‌اش، ابو عبدالرحمان سُلمی، و ابو عبدالله حاکم و ابونصر صفار و بسیاری دیگر از وی روایت کرده‌اند. ابن جوزی وی را در حدیث مورد اعتماد و ثقه می‌داند. او را مسند خراسان می‌خواندند. وی در مکه در گذشت. از آثارش: «جزء»، در حدیث.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/ ۳۲۶)، تذکره الاولیاء (۲۶۴- ۲۶۲/ ۲)، دائرة المعارف البستانی (۳/ ۶۲۰)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (۸۰- ۷۹)، ریحانه (۷/ ۲۱۳)، سیر النبلاء (۱۴۸- ۱۴۶/ ۱۶)، طبقات الصوفیه سلمی (۴۵۷- ۴۵۴)، طبقات الصوفیه هروی (۵۰۷)، لغت‌نامه (ذیل / اسماعیل)، معجم المؤلفین (۲/ ۲۹۸)، نامه‌ی دانشوران (۴۲۹- ۴۲۷/ ۴)، نفحات الانس (۲۳۲- ۲۳۱).

ابن نقیب بلخی، جمال‌الدین، ابو عبدالله محمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۹۸- ۶۱۱ ق)، مفسر و فقیه حنفی. پدرانش از مردم بلخ بودند. در قدس به دنیا آمد. به مصر رفت و در مدرسه عاشوریه آنجا مشغول تدریس شد. سپس به قدس مراجعت کرد و در همان جا در گذشت. از آثارش: تفسیری است به نام «التحریر والتحییر لاقوال ائمة التفسیر فی معانی کلام السمع البصیر»، شامل اسباب نزول و قرآت و اعراب و لغات و علم باطن و حقایق آن در پنجاه یا هفتاد یا نود و نه مجلد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/ ۲۱)، دائرة المعارف البستانی (۱/ ۷۲۴)، ریحانه (۸/ ۲۵۶)، کشف الظنون (۳۵۸)، الکنی واللقاب (۴۴۱/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل / ابن نقیب)، معجم المؤلفین (۵۰- ۴۹/ ۱۰)، الوافی بالوفیات (۱۳۷- ۱۳۶/ ۳)، هدیة العارفین (۱۳۹/ ۲).

ابن واضح یعقوبی

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد بن ابی یعقوب اسحق بن جعفر بن وهب بن واضح کاتب عباسی معروف به ابن واضح، و ابن یعقوبی، و گاهی او را یعقوبی گویند، اصفهانی شیعی، از قدمای مشاهیر مورخین و جغرافی دانان شیعه است مردی جهانگرد بوده که مسافرت را دوست می‌داشته و شرق و غرب بلاد اسلام را سیاحت کرده، در سال ۲۶۰ به ارمنستان رفته سپس به هند و از آنجا به مصر و بلاد مغرب بعد از آن کتب تاریخی و جغرافیائی خود را به رشته تحریر در آورده است.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- اخبار الامم السالفة ۲- الاسماء ۳- البلدان در جغرافیا ۴- التاريخ که به تاریخ یعقوبی معروف است و در دو مجلد به طبع رسیده

است ۵- المسالك و الممالك ۶- مشاکله الناس لزمانهم؛ و غیره.

صاحب عنوان در سال ۲۸۴ وفات یافته است.

مخفی نماند که صاحب عنوان غیر از شیخ ابوبکر احمد بن یعقوب ابن ناصح نحوی ادیب، شاگرد ابن منده اصفهانی است. وی در سال ۳۴۰ و اندی وفات یافته و برادرش ابی الحسن محمد بن یعقوب بن ناصح ادیب نحوی متوفی بسال ۳۵۴ می‌باشد. هر دو برادر در نیشابور ساکن بوده‌اند.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ابن ورقاء اودنی، ابوبکر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۸۵ ق)، فقیه و محدث شافعی. از مردم اودنه‌ی بخارا بود و در فقه شافعی آوازه‌ای بلند داشت، و امام شافعیان ماوراءالنهر، در زمان خود بود. از یعقوب یوسف عاصمی و هیثم بن کلیب شاشی و گروهی دیگر روایت می‌کرد. حاکم و ابوعبدالله حلیمی و ابوعبدالله غنّجار و جعفر بن محمد مستغفری از شاگردان او بودند. ابن ورقاء هرگونه ربا را حرام می‌دانست و فروش کالا را در قبال کالا، مگر متساوی، مجاز نمی‌دانست. پس از زیارت خانه‌ی خدا مدتی در نیشابور مسکن گزید، سپس به بخارا بازگشت و در همان شهر درگذشت و در محله کلاباذ دفن شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دائره‌المعارف البستانی (۱/ ۷۳۹)، سیر النبلاء (۴۶۶- ۴۶۵/ ۱۶)، لغت‌نامه (ذیل / ابن ورقاء)، معجم البلدان (۳۲۹/ ۱)، الوافی بالوفیات (۳/ ۳۱۶)، وفيات الاعیان (۲۱۱- ۲۰۹/ ۴).

ابن هزارمرد، ابومحمد عبدالله بن محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۶۹- ۸۴ ق)، محدث اهل سنت. به گفته‌ی خطیب بغدادی شهرت پدرش، محمد، هزارمرد بود، اما به آورده‌ی یاقوت حموی و ذهبی هزارمرد نام نیای بزرگ اوست. در بغداد متولد شد. از ابوالقاسم بن حبابه و ابوحفص کتانی و ابوطاهر مخلص و دیگر مشایخ وقت حدیث شنید. مدتی خطیب صریفین بود. بارها به بغداد رفت و به روایت احادیث شریف پرداخت. خطیب بغدادی از وی روایت کرده و او را به صدوق بودن ستوده است. ابن هزارمرد از مشایخ حمیدی، ابوالمؤظفر سمعانی، هبة‌الله شیرازی، اسماعیل بن سمرقندی، عبدالوهاب انماطی و محمد بن طاهر و دیگران است. وی راوی کتاب «الجعدیات» از ابوالقاسم بن حبابه است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۱۴۷- ۱۴۶/ ۱۰)، سیر النبلاء (۳۳۲- ۳۳۰/ ۱۸)، ریحانه (۲۷۲/ ۸)، معجم البلدان (۴۵۸/ ۳).

ابن اشرف سمرقندی، شمس‌الدین محمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۶۷۵ ق)، ریاضیدان، منجم و منطقی. وی از ریاضیدانان و دانشمندان بزرگ زمان خود بود. از آثار وی: «الصحائف الاهیة»، در تفسیر؛ «التذکره فی الهیئة»؛ «رساله فی آداب البحث والمناظره»؛ «اشکال التأسیس فی الهندسه»؛ «الفسطاط» یا «قسطاس المیزان»؛ «کتاب عینی النظر»، در منطق؛ «شرح تحریر مجسطی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۲۸۷-۲۸۵)، کشف الظنون (۱۰۷۴، ۱۰۵، ۳۹)، لغت‌نامه (ذیل / سمرقندی)، معجم المؤلفین (۶۳/۹)، هدیه العارفین (۱۰۶/۲).

ابن اورمه‌ی قمی، ابوجعفر محمد

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دوم ق)، محدث شیعی. از یاران امام هادی (ع) بود و در روزهایی که امام در زندان سامراء بود ابن اورمه به دیدار وی می رفت. به گفته‌ی نجاشی مردم قم به وی نسبت غلو داده بودند و تمامی روایات او را موثق نمی‌دانستند. اما توقیع منسوب به امام هادی (ع) او را از تهمت غلو مبری می‌نماید. وی از ابن سنان و احمد بن نصر و زرعه بن محمد و علی بن حسان روایت می‌کرد و حسین بن حسن و سهل بن زیاد و معلی بن محمد از او حدیث شنیدند. از جمله آثارش: «کتاب الاشربه»؛ «الایمان والندور»؛ «التجارات والاجارات»؛ «التجمل والمروه»؛ «الجنائز»؛ «کتاب الحدود»؛ «حقوق المؤمن و فضه»؛ «کتاب الخمس»؛ «کتاب مانزل فی القرآن فی القرآن فی امیرالمؤمنین (ع)».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۹/۱۹، ۲۵۵، ۴۶، ۷/۲۹۶، ۶/۱۴۹، ۳۵۹، ۳۴۷، ۳/۵۱۶، ۱۰۶/۲)، رجال الطوسی (۵۱۲)، رجال النجاشی (۲۱۳-۲۱۱/۱۲)، الفهرست للطوسی (۲۷۸)، معجم رجال الحدیث (۱۱۹-۱۱۵/۱۵).

ابن بابا کاشانی، ابوالعباس، احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۵۰۱ ق)، مورخ. از زندگانی وی چیزی در دست، اما از نسبت کاشانی چنین برمی‌آید که از مردم کاشان بوده است. گویا در اواخر زندگی به مرو رفت و سرانجام در همان شهر نیز درگذشت. وی در تاریخ و ادب دانش فراوانی داشت و چندین کتاب در این زمینه‌ها تألیف کرده بود که از آنها تنها کتاب «رأس مال الندیم» باقی مانده است، مؤلف این کتاب را در ۵۰۱ ق به پایان برده و آن را به امیر ناشناخته‌ای به نام سعدالملک، ابوالفتوح محمد بن بهرام بن علی که شاید از وابستگان دربار سنجر بن ملک‌شاه سلجوقی بوده هدیه کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ غزنویان (۴۳۹-۴۳۷، ۲۸۸)، معجم البلدان (۴/۳۳۶).

ابن بابویه قمی، ابوالحسن علی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۲۹ ق)، فقیه شیعی. شیخ قمیون و پیشتاز آنان در عصر خود بود. وی دوران امام عسکری (ع) را دریافت و آن امام نامه‌ای برایش فرستادند و در آن وی را شیخ و مورد اعتماد خود خطاب کردند. در دوره غیبت صغری وی به عراق رفت و با ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی، سومین نایب امام زمان (عج) دیدار کرد. از ابوالعباس عبدالله بن جعفر حمیری، عبدالله بن حسن مؤدب، محمد بن احمد هشام و ابوخلف عجلی که از اصحاب امام عسکری (ع) است روایت کرده است. وی پدر شیخ صدوق است. از او به جز دو فرزندش، حسین و محمد صدوق، عباس کلوذانی و تلعبری و جعفر بن محمد بن قولویه و احمد بن داود قمی، مشهور به صاحب «نوادر» و سلامه بن محمد روایت کرده‌اند. در قم درگذشت و در همان جا دفن شد. قبر وی هنوز زیارتگاه است. فرزندش صدوق دوست کتاب را به وی نسبت داده. از آثار وی: «التوحید»؛ «الامامة والتبصرة من الحيرة»؛ «الاملاء»؛ «المنطق»؛ «قرب الاسناد»؛ «کتاب الموضوع»؛ «کتاب الصلاة»؛ «کتاب الجنائز»؛ «کتاب الاخوان»؛ «کتاب التسليم والتميز»؛ «التفسير»؛ «الطب»؛ «الشرايع»، رساله‌ای که برای فرزندش نگاشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۵/ ۸۷)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۳/ ۴۳۰)، الذریعه (۲۴/ ۲۹۸، ۱۵/ ۵۸، ۴/ ۱۸۰، ۳۸۳- ۳۸۲، ۱/ ۳۸۲)، رجال الطوسی (۴۸۲)، رجال النجاشی (۲/ ۸۹- ۹۰)، روضات الجنات (۴/ ۲۶۴- ۲۷۲)، ریحانه (۷/ ۴۰۱- ۴۰۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۵۳- ۴۵۴)، فوائد الرضویه (۲۸۲- ۲۸۰)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۳۶۳)، الفهرست للطوسی (۲۱۸)، مجالس المؤمنین (۴۵۳- ۴۵۴)، معجم رجال الحدیث (۳۷۰- ۳۶۸/ ۱۱)، معجم المؤلفین (۷/ ۱۸)، نامه‌ی دانشوران (۶- ۱/ ۱)، هدیه‌ی الاحباب (۵۰- ۴۹)، هدیه‌ی العارفین (۱/ ۶۷۸).

ابن بابویه، ابوعبدالله حسین

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۳۷۸ ق)، فقیه و محدث امامی. برادر شیخ صدوق. در خاندانی از اهل علم نشو و نما کرد. نزد پدرش و برادرش و حسین بن احمد بن ادریس و علویه صفار حدیث آموخت. کثرت محفوظات و قدرت حافظه‌اش حیرت آور بود. از او روایات بسیاری نقل شده. شریف مرتضی، شریف محمد بن حمزه مرعشی، خزاز، و ابن غضائری از وی روایت کرده‌اند. صاحب بن عباد او را بسیار گرامی می‌داشت و چون به حضور صاحب می‌آمد و او را در صدر می‌نشاند. فرزندش، ثقة‌الدین حسن بن حسین، و فرزندزادگان‌شان تا زمان شیخ منتجب‌الدین جملگی از بزرگان علما و فقها و محدثین بوده‌اد. از آثارش: کتاب «التوحید و نفی التشبیه»؛ کتاب «الرد علی الواقفة».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۱۷-۱۱۶/۶)، الذریعه (۲۳۵-۲۳۴/۱۰، ۴/۴۸۷)، روضات الجنات (۳۰۴-۳۰۳/۲)، ریاض العلماء (۱۵۰-۱۴۸/۲)، ریحانه (۷/۴۰۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۵/۴)، لسان المیزان (۲/۵۶۶)، مجالس المؤمنین (۱/۴۲۹)، معجم رجال الحدیث (۴۵-۴۴، ۶/۴۲)، معجم المؤلفین (۴/۳۰).

ابن بسطام، حسین

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سوم و چهارم ق)، عالم امامی و محدث. از رجال بنام روزگار غیبت صغری است که با کلینی (م ۳۲۹ ق) و ابن قولویه همطبقه و معاصر بود. وی به دستیاری برادرش ابوعتاب عبدالله بن بسطام اخبار و احادیث دایر بر طب را که از حضرت رسول (ص) و اهل بیت عصمت (ع) روایت شده بود در کتابی به نام «طب الائمه» گردآوری کرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۵/۴۶۰)، بحار الانوار (۱/۱۱)، الذریعه (۱۴۰-۱۳۹/۱۵)، رجال النجاشی (۲/۱۵، ۱/۱۳۷)، روضات الجنات (۳۰۳-۳۰۱/۲)، ریحانه (۷/۴۱۳، ۲/۴۰۰)، الکنی واللقاب (۱/۲۲۶)، لسان المیزان (۲/۵۰۸)، معجم رجال الحدیث (۲۰۲-۲۰۱/۵).

ابن بَظَه قَمی، ابوجعفر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، ادیب، محدث، نحوی، لغوی و رجال‌شناس امامی. در روزگار غیبت صغری در قم و بغداد می‌زیست. وی معاصر شیخ کلینی بود. محدثان و رجال‌نویسان شیعی وی را محدث دارای مسامحه می‌دانند و می‌گویند که در روایت‌هایش احادیث سستی یافت می‌شود. وی از احمد بن محمد بن خالد برقی و حسین به حسن قمی و محمد بن حسن صفّار و محمد بن حسین بن ابی‌الخطاب حدیث شنید. علی بن حاتم از وی روایت کرده است. از آثار وی: «تفسیر اسماء الله تعالی و ما یدعی به»، «کتاب قرب الاسناد»، «فهرست ابن بظه». نجاشی در کتاب خود آثار دیگری از وی را آورده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲/۲۶۱)، الذریعه (۱۷/۷۰، ۱۶/۳۷۴-۳۷۵)، رجال النجاشی (۲/۲۸۲-۲۸۳)، ریحانه (۷/۴۱۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۵۴-۲۵۳/۴)، الفهرست للطوسی (۳۹)، معجم المؤلفین (۹/۱۴۸).

ابن بُندار قزوینی، ابویوسف عبدالسلام

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۸۸-۳۹۳ ق)، مفسر، متکلم و محدث معتزلی. اصلاً قزوینی است و در آنجا به دنیا آمد. ابتدا در زادگاهش به تحصیل پرداخت. وی از شاگردان برجسته قاضی عبدالجبار همدانی بود و در نزد وی کلام خواند و مذهب اعتزال را از او اخذ کرد. در همدان از ابوطاهر بن سلیمه و در اصفهان از ابونعیم، و نیز از اساتید دیگر بهره گرفت. گرانمایه، خوش محضر و ظریف بود. ابوالقاسم بن سمرقندی ابوغالب بن بناء، هبة الله بن طاووس و اسماعیل بن محمد تیمی و أبوسعد بغدادی و دیگران از وی حدیث شنیدند. سالیان بسیاری در مصر به سر برد. چندی هم در طرابلس (شام) سکنی کرد. از دمشق دیدار کرد و آن شهر را بَلَدِ النَّصَب، شهر دشمنان امیرالمؤمنین و خاندانش (ع) نامید. در اواخر عمر مقیم بغداد شد، و در همان جا درگذشت و در گورستان خیزران دفن شد. ابن اثیر تاریخ تولد وی را ۴۱۱ ق ذکر کرده است و در «هدیه العارفین» نیز به تبع آن چنین آمده است. از آثار وی: «حدائق ذات بهجة»، تفسیر قرآن در سیصد جزء که هفت جزء آن درباره‌ی سوره فاتحه است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴/ ۱۳۱)، سیر النبلاء (۶۲۰-۶۱۶/ ۱۸)، الکامل (۸/ ۱۷۸)، کشف الظنون (۶۳۴)، لسان المیزان (۳۶۲، ۳۵۰-۳۴۷/ ۴)، معجم المؤلفین (۵/ ۲۳۱)، هدیه العارفین (۱/ ۵۶۹).

ابن بَوَّاب، ابوالحسن علی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۲۳/ ۴۱۳ ق)، خطاط مذهب، حافظ، قاری، ادیب و شاعر شیعی. مشهور به ابن بواب یا ابن ستری و ملقب به علاءالدین و قبله‌الکتاب. پدرش پرده‌دار دستگاه آل بویه بود و شهرت وی هم از این رو است. ابوالحسن نیز یک چند در خدمت بهاءالدوله‌ی دیلمی سرپرستی کتابخانه‌ی بهاءالدوله را در شیراز بر عهده داشت. خوشنویسی را از ابن اسد کاتب آموخت، برخی او را شاگرد حسن بن مقله و بعضی شاگرد محمد بن مقله دانسته‌اند. خط نسخ را به شیوه‌ی خود می‌نوشت و اصولی نیز برای آن وضع کرد. وی را پایه‌گذار شیوه‌ی ریحانی و محقق نیز دانسته‌اند. آموزشگاهی برای تعلیم خط تأسیس کرد که تا ۶۹۸ ق برجا بود. شصت و چهار نسخه قرآن به خط خود نوشته بود. ابن بواب به خدمت فخرالملک، ابوغالب محمد بن علی بن خلف واسطی، والی عراق، از جانب بهاءالدوله، درآمد و ندیم وی شد. در بغداد درگذشت و در جوار امام احمد حنبل به خاک سپرده شد. آثاری از وی در مجموعه‌ی چستربیتی لندن و کتابخانه لاله لی استانبول باقی است. نسخه قرآن کتابخانه چستربیتی به امضای او و به تاریخ ۳۹۱ ق است که هم از نظر خط و هم از تذهیب مجلل است. اشعاری نیز در فن خط و لوازم آن سروده که ادیبان «القصیده الرائية» او را در نهایت بلاغت دانسته‌اند. شهرت او در تکمیل و تنقیح شیوه‌ی ابن مقله است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اطلس خط (۳۰۸-۳۰۰)، الاعلام (۵/ ۱۸۳)، پیدایش خط و خطاطان (۷۵، ۷۴-۷۰)، تاریخ گزیده (۶۹۶)، تاریخ هنرهای ملی (۷۴۴-۷۳۹/ ۲)، خوشنویسان و هنرمندان (۲۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۳/ ۴۵۴)، دائرةالمعارف البستانی (۴۱۱-۴۱۰/ ۱)، ریحانه (۴۲۴-۴۲۲/ ۷)، سرآمدان فرهنگ (۳۶-۳۵/ ۱)، سیر النبلاء (۳۲۰-۳۱۵/ ۱۷)، کارنامه‌ی بزرگان (۲۴)، کشف الظنون (۱۳۳۹)، الکنی واللقاب (۲۳۴/ ۱)، گلستان هنر (۱۹، ۱۸، ۱۲)، مجالس المؤمنین (۲/ ۴۸۸)، معجم الادباء (۱۳۴-۱۲۰/ ۱۵)، معجم المؤلفین (۷/ ۲۵۸)، مناقب هنرمندان (۱۱۳، ۴۲، ۳۸-۳۷)، نامه‌ی دانشوران (۱۰۵-۹۱/ ۵)، وفيات الاعیان (۳۴۴-۳۴۲/ ۳)، هدیه

الاحباب (۵۱).

ابن بوذی شیرازی، ابوالقاسم هبة الله

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۸۶/ ۴۸۵ ق)، حافظ، محدث و مورخ. اهل شیراز بود. به دنبال حدیث به شرق و غرب سفر کرد و در خراسان، عراق، مکه، مدینه، یمن، مصر، شام، جزیره، قومس، فارس، خوزستان، جبال، سرحدات و سواحل، از ابوبکر محمد بن حسن شیرازی و احمد بن فضل باطرقانی و ابوجعفر بن مُسَلِمَه و اقران آنها حدیث شنید. نصر مقدسی و هبة الله بن طاووس و ابونصر یونارتی از وی روایت کرده‌اند. سمعانی گوید از محضر او بهره بسیار می‌بردند. در ۳۵۰ ق وارد بغداد شد و در اواخر عمر ساکن مرو شد و در همان جا درگذشت. اثر وی: «تاریخ شیراز».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۹/ ۶۱)، سیر النبلاء (۱۹- ۱۷- ۱۹)، الکامل (۸/ ۱۶۶)، کشف الظنون (۲۹۶)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۲۴۸- ۲۴۶)، معجم المؤلفین (۱۳/ ۱۴۱).

ابن بی بی جعفری رُغدی، امیر ناصرالدین حسین

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۶۸۴ ق)، ادیب و مورخ. معروف به ابن بی بی منجمه. پدرش مجدالدین محمد ترجمان از مردم گرگان، مدتها منشی دستگاه جلال‌الدین خوارزمشاه و سمنانی، رئیس شافعیان نیشابور بود و چون به اخترگویی می‌پرداخت به بی بی منجمه شهرت داشت. ابن بی بی از طریق پدر وارد دستگاه سلجوقیان گردید. در روزگار جانشینان علاءالدین کیقباد فرمان‌نویس و مهرداد پادشاه بود. تنها اثر بازمانده او کتاب «الاوامر العلانیة فی الامور العلانیة» است مشهور به «تاریخ ابن بی بی»، درباره‌ی تاریخ سلاجقه‌ی روم که وقایع میان سالهای ۵۸۸ و ۶۷۹ ق را در بر می‌گیرد. مؤلف این کتاب را پس از استیلای مغولان بر آسیا، به علاءالدین عطاء ملک جوینی اهدا کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۱۷- ۱۲۱۳/ ۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۴۵۶- ۴۵۵/ ۳)، لغت‌نامه (ذیل / ابن بی بی).

ابن تانه خرجانی، ابونصر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۷۵ ق)، محدث و قاری. از مردم اصفهان بود. در بغداد از ابوعلی بن شاذان و همتیان او و در اصفهان از ابوبکر بن مردویه و

همطبقه او حدیث شنید. وی در اصفهان مجلس املای حدیث داشت. سرانجام در اصفهان درگذشت.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: دائرةالمعارف البستانی (۲/ ۴۱۲).

ابن نفاع، ابوالحسین

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۳۸۰ ق)، طبیب و جراح. در زمان عضدالدوله دیلمی به عمل جراحی در بیمارستان عضدالدوله اشتغال داشت. گویا در یکی از جنگها بخشی از شمشیر در ران یکی از فرماندهان عضدالدوله باقی ماند و او تنها جراحی بود، که توانست آن را خارج کند. تاریخ تولد و وفاتش به دست نیامده و از وی تألیفی دیده نشده است.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: تاریخ طب (۲/ ۶۶۷).

ابن جبان، ابومنصور محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۴۱۶ ق)، لغوی و ادیب. وی اهل ری و ساکن اصفهان بود. در ۳۹۱ ق رهسپار بغداد شد. او سرآمد اقران در لغت و از معاشران ابوعلی فارسی از نندیمان صاحب بن عباد بود. در اواخر عمر به حج رفت. از وی اشعار پراکنده‌ای به جا مانده است. از آثارش: «انتهاز الفُرص فی تبیین المقلوب من کلام العرب»؛ «ابنیة الافعال»؛ «الشامل»؛ در لغت؛ «شرح الفصیح».
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: کشف الظنون (۱۳۳)، لسان المیزان (۶/ ۳۶۵)، معجم الادباء (۲۶۲- ۲۶۰/ ۱۸)، معجم المؤلفین (۳۱- ۳۰/ ۱۱)، الوافی بالوفیات (۴/ ۱۸۰).

ابن جراح بغدادی، ابوالحسن علی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۳۴- ۲۴۵ ق)، ادیب، نویسنده، محدث، مفسر و مورخ. از خاندانی ایرانی تبار بود. از احمد بن یُدیدیل قاضی و حسن بن محمد زعفرانی و دیگران حدیث شنید. فرزندش عیسی و ابوالقاسم طبرانی و ابوطاهر ذهلی از او حدیث روایت کرده‌اند. وی وزیر مقتدر و قاهر عباسی بود که امور مالی دولت را سامان داد. مدتی خلیفه او را برکنار کرد و به زندان انداخت و پس از آزادی به ریاست دیوانها منصوب شد. در ۳۱۱ ق او را به مکه، سپس به صنعا تبعید کرد. در ۳۱۲ ق بخشوده و ریاست دیوان اشراف مصر و شام به او

سپرده شد. پس از آن در ۳۱۵ ق مجدداً به وزارت رسید، ولی باز بر اثر حسد درباریان خشم خلیفه بر وی نازل شد و او را دستگیر و زندانی کردند. ابن جراح از وزرای ایرانی دربار خلفای عباسی بود، که زندگی پر فراز و نشیبی را گذراند، اما در پایان زندگی، در بغداد، محتشم زیست. او را به نیک رفتاری و نیک خلقی ستوده‌اند. هارولدباون خاورشناس انگلیسی کتابی درباره‌ی زندگی وی به نام «زندگی علی بن عیسی و عصر او» به انگلیسی نوشته است. از آثارش: «دیوان رسائل»؛ «معانی القرآن» و تفسیر آن که با همکاری ابوالحسن واسطی و ابن مجاهد مقری تألیف شد، «جامع الدعاء»؛ «کتاب الکتاب و سیاسه المملکه و سیره الخلفاء». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار الوزراء (۱۳۱- ۱۲۶) الاعلام (۱۳۳/۵)، تاریخ بغداد (۱۶- ۱۴/۱۲)، روضات الجنات (۲۰۷- ۲۰۶/۵)، سیر النبلاء (۳۰۱- ۲۹۸/۱۵)، فهرست ابن ندیم، ترجمه (۲۱۲- ۲۱۱/۶۰)، معجم الادباء (۷۳- ۶۸/۱۴)، معجم المؤلفین (۱۶۲- ۱۶۱/۷).

ابن جراح، ابو عبدالله محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۹۶- ۲۴۳ ق)، ادیب و دبیر دیوان خلفای عباسی. از خانواده‌ای ایرانی نژاد مسیحی در شهر بغداد متولد شد و در دربار خلفای عباسی به کار دیوانی پرداخت. ابتدا ریاست دیوان خراج ولایت شرقی را به عهده داشت. در ۲۸۵ ق همراه وزیر به ایالت جبال رفت و پس از بازگشت از سفر، دیوان خود را که تا آن هنگام زیر نظر احمد بن فرات بود مستقل ساخت. در ایامی که قرامطه به کاروان حج حمله کردند، به ریاست دیوان جیش منصوب شد. وی پس از مرگ مکتفی از خلافت ابن معتز هواداری کرد و چند ماه بعد در شمار یکی از اعضای اصلی توطئه علیه مقتدر خلیفه‌ی جوان قرار گرفت و در زمان ابن معتز ۲۴ ساعت مقام وزارت داشت. ابن فرات که دشمن دیرینه‌ی وی بود پس از مدتی تقیب ابن جراح را دستگیر و اعدام کرد. از آثار وی: «الشعر والشعراء»؛ «الورقه فی اخبار الشعراء»؛ «کتاب الوزراء» «کتاب الاربعه علی مثال کتاب ابن هفان».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۵۵/۶)، تاریخ بغداد (۲۵۵/۵)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۴۷۴/۳)، ریحانه (۴۳۹- ۴۳۸/۷)، فهرست ابن ندیم، ترجمه (۲۱۱)، معجم المؤلفین (۲۹۵/۹)، هدیه العارفین (۶۹۵/۳)، (۲۲/۲).

ابن جنگ سجزی، ابوسعید، خلیل

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۷۸- ۲۸۹ ق)، فقیه و ادیب حنفی مذهب. در سیستان به دنیا آمد. به شهرهای بسیاری سفر کرد و در دمشق و نیشابور از ابوالقاسم بغوی و یحیی بن صاعد و ابوالعباس سراج حدیث شنید و الحاکم و ابوذر هروی و عبدالوهاب بن محمد خطابی از وی روایت کرده‌اند. او معاصر ملک مظفر صالح بن نوح سامانی، و در فقه بی نظیر بود. در ۳۲۰ ق امیر ابوجعفر، فرمانروای صفاری سیستان وی را به قضاوت سیستان گماشت. چندی نیز قاضی سمرقند بود. در فرغانه درگذشت. ابوبکر خوارزمی در رثای او شعر گفته است. از

آثار وی: «الدعوات والآداب والمواعظ».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲/ ۳۶۳)، ایضاح المکنون (۲/ ۲۹۵)، تاریخ سیستان (۲۰، ۳۱۳، ۳۲۷)، سیر النبلاء (۴۳۹- ۴۳۷/ ۱۶)، معجم الادباء (۸۰- ۷۷/ ۱۱)، معجم المؤلفین (۴/ ۱۱۳).

ابن جنید رازی، ابوالحسین محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۴۷ ق)، حافظ، محدث شافعی و مورخ. در ابتدا معروف به ابن رستاقی و یا ابورستاق بود. از مردم ری بود. در خراسان، عراق، شام و مکه حدیث شنید و در دمشق مسکن گزید و به محدث شام معروف شد. اولین استاد وی محمد بن ایوب بن ضَرَّیس بود و ابن جنید از او و محمد بن حفص مَهْرَقانی و حسن بن سفیان و ابراهیم بن یوسف هِسَنَجانی و فَرِیابی و بسیاری دیگر حدیث شنید. پسرش، تمام رازی، و عقیل بن عَبدان و ابوالحسن بن جَهْضَم از او روایت کرده‌اند. در دمشق از دنیا رفت. از آثار وی: «مناقب الامام الشافعی»، در احوال و اخبار شافعی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ری باستان (۲/ ۳۷)، سیر النبلاء (۱۸- ۱۶/ ۱۷)، کشف الظنون (۱۸۳۹)، معجم المؤلفین (۲۰۷/ ۱۰)، هدیه العارفين (۲/ ۴۳).

ابن حاتم قزوینی، ابوالحسن علی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۳۵۰ ق)، محدث و فقیه شیعی. از محمد بن ابی‌عبدالله اسدی حدیث شنید و از وی نیز روایت می‌کرد. شیخ طوسی او را محدثی ثقه می‌داند، و کتب او را مورد اعتماد توصیف کرده است. ابن حاتم از مشایخ شیخ صدوق بود و صدوق و تلعبیری از وی اجازه‌ی روایت گرفتند. ابوعبدالله حسین بن علی بن شیبان قزوینی در ۳۵۰ ق از وی حدیث شنیده است و جعفر بن محمد قولویه و تلعبیری نیز از وی روایت کرده‌اند. ابوعبدالله بن شاذان که از مشایخ نجاشی است از راویان اوست. از آثار وی: حدود سی کتاب به ترتیب کتب فقه، از جمله: کتاب «الوضوء»؛ کتاب «الاذان»؛ کتاب «القبله»؛ کتاب «الوقت»؛ کتاب «الصلاة»؛ کتاب «الصوم» یا «الصیام»؛ کتاب «الحج» از دیگر آثار وی: کتاب «التوحید والمعرفة»؛ کتاب «العلل»؛ کتاب «الصفوة فی اسماء امیرالمؤمنین (ع)»؛ کتاب «صفات الانبیاء»؛ کتاب «الردّ علی القرامطه»؛ کتاب «الردّ علی اهل البدع».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۰۵، ۱۱۱، ۲۵/ ۹۲، ۲۱/ ۴۱، ۱۷/ ۱۴۶، ۱۶/ ۳۱۲، ۱۰۲، ۵۸، ۴۷، ۴۴/ ۱۵، ۱۲/ ۲۶۵، ۶/ ۲۵۱، ۴/ ۴۸۷، ۱/ ۴۰۵)، رجال ابن داود (قسم ۲۳۹/ ۱ و قسم ۴۷۹/ ۲)، رجال الطوسی (۴۸۲)، معجم رجال الحدیث (۲۳۶- ۲۳۵/ ۱۱)، الفهرست للطوسی (۲۱۳).

ابن حازم، ابوالحسن علی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، فرهنگ‌نویس. معروف به لحيانی. وی غلام کسایى مروزی و معاصر محمود غزنوی و فراء بود. در لغت عرب استاد بود و با دانشمندان و سخنوران عرب دیدار و گفتگو می‌کرد. نزد اصمعی و ابوعمرو شیبانی درس خواند. ابوعمید قاسم بن سلام شاگرد وی بود. تنها اثرش: «کتاب النوادر».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۲/ ۳۴۵)، ریحانه (۵/ ۱۲۵)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۸۴)، معجم الادباء (۱۰۸- ۱۰۶/ ۱۴)، معجم المؤلفین (۷/ ۵۶).

ابن حبان نمیمی بُستی، ابوحاتم محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۳۵۴- ۲۷۰ ق)، محدث، مورخ و فقیه شافعی. در خانواده‌ای عرب تبار در بُست، بین سجستان و هرات، متولد شد. در خراسان، عراق، شام، حجاز، و مصر حدیث شنید، و استادان بسیاری دید، ولی از ابن‌خزیمه بیشترین تأثیر را پذیرفت. در بازگشت به زادگاهش با حنبلیان به ستیزه پرداخت و به علت نگرش مخالفی که در توحید و نبوت داشت به زندقه متهم شد؛ لذا به سمرقند رفت و در آنجا به واسطه احاطه به حدیث و فقه، منصب قضاوت را به وی سپردند. در سفر به نیشابور خانقاهی در آنجا ساخت. در ۳۴۰ ق به زادگاهش بازگشت و تا پایان عمر در آنجا ماند. ابوحاتم خانه و کتابخانه خود را وقف دانش پژوهان کرد. از آثار وی: «المُسند الصحیح»، در حدیث که برخی آن را از «سنن ابن‌ماجه» صحیح‌تر می‌دانند؛ «روضه العقلاء»، در ادبیات؛ کتاب «الانواع والتقاسیم» یا «التقاسیم والانواع»، در حدیث؛ «معرفة المجروحین من المحدثین»؛ «وصف العلوم و انواعها»؛ «علل اوهام اصحاب التواریخ»؛ «تاریخ ابن حبان»؛ کتاب «الثقات».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۰۷- ۳۰۶/ ۶)، تاریخ اسلام (حوادث ۱۱۴- ۱۱۲/ ۳۸۰- ۳۵۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۴۸۹- ۴۸۸/ ۳)، دائرةالمعارف البستانی (۱/ ۴۳۹)، ریحانه (۷/ ۴۶۳- ۴۶۴)، سیر النبلاء (۱۰۴- ۹۲/ ۱۶)، کشف الظنون (۱۴۰۰، ۱۰۸۷، ۱۰۷۵، ۵۲۲- ۵۲۱، ۴۶۳، ۲۷۷)، لسان المیزان (۶/ ۹)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن حبان)، معجم البلدان (۱/ ۴۹۳- ۴۹۸)، معجم المؤلفین (۱۷۴- ۱۷۳/ ۹)، نامه‌ی دانشوران (۳۷۵- ۳۷۱/ ۲)، الوافی بالوفیات (۳۱۸- ۳۱۷/ ۲)، هدیة العارفین (۴۵- ۴۴/ ۲).

ابن حبيب نیشابوری، ابوالقاسم حسن

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۰۶ ق)، مفسر، قاری، واعظ، مورخ، ادیب و نحوی. از اصم و ابوالحسن کارزی و ابوحاتم بن حبان و ابوزکریا عنبری حدیث شنید. ابوالقاسم ثعلبی از خواص شاگردان وی بود. نخست مذهب کرامی داشت، اما بعدها به مذهب شافعی گروید. در علوم و معانی قرآت مختلف امام عصر خود بود و در نیشابور سرچشمه علم به حساب می‌آمد. وی در آنجا به تدریس مشغول بود و گروه فراوانی از مجلس درس او بهره‌مند گردیدند. ابوبکر حیری واعظ و محمد فرغانی و حسین سکاکی از وی روایت کرده‌اند. ابن حیب در مغازی، قصص و سیر نیز پیشگام بود. از آثار وی: «تفسیر النیسابوری القدییم» یا «تفسیر قرآن مجید»؛ «عقلاء المجانین». از وی آثاری در آداب و مواعظ و نیز اشعاری پراکنده بر جای ماند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ریحانه (۲۷۸/ ۶)، سیر النبلاء (۲۳۸- ۲۳۷/ ۱۷)، کشف الظنون (۴۶۰)، لغت‌نامه (ذیل / حسن)، معجم المؤلفین (۲۷۸/ ۳)، الوافی بالوفیات (۲۴۰- ۲۳۹/ ۱۲)، هدیه العارفین (۲۷۴/ ۱).

ابن حسول رازی، صفی‌الملک، ابوالعلاء محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۴۵۰ ق)، ادیب و خوشنویس شیعی. از مردم همدان بود، اما در ری نشو و نما یافت. پدرش نیز ادیب و کاتب بود. وی از صاحب بن عباد و ابن فارس ادب آموخت. ابتدا در دستگاه آل بویه ری عهده‌دار دیوان رسایل بود، سپس به وزارت ابوطالب مجدالدوله رسید و با تسلط محمود غزنوی بر ری، به غزنویات پیوست و به دبیری گمارده شد. در ۴۳۴ ق به هنگام تسلط ترکان سلجوقی بر ری به خدمت آنها درآمد و منشی عمیدالملک کندی شد. از آثار وی: «تفضیل الاتراک علی سائر الاجناد»؛ «مناقب الحضرة السلطانية».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۶۲/ ۷)، اعیان الشیعه (۳۸۳/ ۲)، بزرگان و سخن سرایان همدان (۳۴- ۳۱/ ۱)، تاریخ بیهق (۱۱۱)، دائرةالمعارف البستانی (۴۴۵/ ۱)، راحة الصدور (۴۸۲- ۴۸۰)، کشف الظنون (۴۶۲)، معجم المؤلفین (۳۱۸/ ۱۰)، الوافی بالوفیات (۱۳۵- ۱۳۲/ ۴).

ابن حمزه‌ی طوسی، عمادالدین، ابوجعفر محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۵۶۰ ق)، فقیه، متلکم و واعظ شیعی. مشهور به صاحب «وسیله»، عماد طوسی، ابوجعفر ثانی و ابوجعفر متأخر. از مردم طوس بود. به دلیل تأخر وی از شیخ طوسی که در اسم و کنیه و نسبت با او مشترک است، وی را ابوجعفر ثانی و ابوجعفر متأخر نام نهادند. وی معاصر شیخ منتجب‌الدین رازی و از مشایخ ابن شهر آشوب بود. ابن حمزه در کربلا وفات یافت و همان جا در بیرون دروازه نجف دفن شد. از آثار وی: «الرابع فی الشرایع»؛ «ثاقب المناقب»، در ذکر معجزات پیغمبر (ص)، و ائمه (ع)؛ «الوسیله الی نیل

الفضیلة» و «الواسطه»، که هر دو از متون فقهی‌اند. برخی از رجال‌شناسان، همچون نظام‌الدین ساوجی و به تبع او سید صدرالدین عاملی، ابویعلی محمد بن حسن بن حمزه‌ی جعفری را به اشتباه مؤلف «الوسیلة» دانسته‌اند، در حالی که نجاشی در شرح حالی ابویعلی نامی از «الوسیلة» نمی‌برد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲۶۴- ۲۶۳/۲)، ایضاح المکنون (۳۴۹، ۳۳۱/۲)، بحارالانوار (۳۸، ۱۹/۱)، تنقیح المقال (۱۵۶- ۱۵۵، ۱۰۱/۳)، الذریعه (۷۶- ۷۵، ۱۱، ۲۵/ ۶۶، ۱۰/ ۵، ۵/ ۵)، رجال النجاشی (۳۳۴- ۳۳۳/۲)، روضات الجنات (۲۵۴- ۲۴۳/۶)، ریاض العلماء (۱۷- ۱۶/ ۶، ۱۲۴- ۱۲۲/ ۵)، ریحانه (۲۰۳- ۲۰۲/ ۴)، فقهای نامدار شیعه (۱۰۶- ۱۰۳)، فوائد الرضویه (۵۶۶- ۵۶۴)، فهرست منتجب‌الدین (۱۶۴)، الکنی واللقاب (۲۶۸- ۲۶۷/۱)، لغت‌نامه (ذیل / ابن حمزه)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲۰- ۶۱۹/ ۵)، معجم رجال الحدیث (۳۲۷/ ۱۶)، معجم المؤلفین (۴/ ۱۱).

ابن حمزه‌ی طوسی، نصیرالدین، عبدالله

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۵۷۸ ق)، فقیه شیعی. معروف به نصیرالدین طوسی. با شیخ منتجب‌الدین رازی معاصر بود و شیخ در فهرست خود او را فقیهی ثقه خوانده است. وی از مشایخ خواجه نصیرالدین طوسی و دایی پدر خواجه است. نیای او عبدالله بن حمزه پسر عم شیخ طوسی بود. ابوالفتح رازی از جمله استادان ابن حمزه بود. قطب‌الدین کیدری در ۵۷۳ ق در سبزوار نزد او درس خوانده و وی را مدح بلیغ کرده است. علامه حلّی با دو واسطه از وی روایت می‌کرد. به دلیل لقب نصیرالدین طوسی، برخی وی را با خواجه نصیرالدین طوسی و به دلیل کنیه، بعضی او را با عمادالدین محمد بن علی بن حمزه‌ی طوسی اشتباه گرفته‌اند. از آثار وی: «الوافی بکلام المثبت والنافی»، یا به گفته‌ی صاحب «ریاض العلماء»، «الشافی للمثبت والنافی والواسطه بینهما»، که از کتب معتبر در حکمت است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۶/ ۲۵، ۱۰/ ۱۳)، ریحانه (۴۸۰/ ۷)، ریاض العلماء (۲۱۶- ۲۱۴/ ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۴- ۱۶۳/ ۶)، فوائد الرضویه (۲۴۹)، فهرست منتجب‌الدین (۱۲۵)، الکنی واللقاب (۲۶۷/ ۱/ پانویس)، لغت‌نامه (ذیل / ابن حمزه)، معجم رجال الحدیث (۱۷۷/ ۱۰).

ابن حمّشاد نیشابوری، ابوالحسن علی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۳۸- ۲۵۸ ق)، حافظ و محدث. شیخ نیشابور بود. از حسین بن فضل مفسّر و فضل بن محمد شعرانی و ابراهیم بن دیزیل و همطبقه آنان حدیث شنید و برای استماع حدیث سفرهای بسیار کرد. احمد بن اسحاق صبغی نیشابوری مدتی ملازم و معاشر وی بود. ابوعبدالله حاکم و ابواحمد حاکم و ابوعبدالله بن منده از شاگردان وی می‌باشند. فرزندش، عبدالله بن علی، گوید که یاد ندارم پدرم شبی قیام و نیایش شبانه را ترک کرده باشد. در «سیر اعلام النبلاء» وی را تحت نام علی بن حمشاد آورده. از آثار وی:

«المسند الكبير»، در ۴۰۰ جزء؛ «الانوار» در ۲۶۰ جزء؛ «تفسیر القرآن»، ۲۳۰ جزء در ده مجلد؛ «الاحکام» در ۲۶۰ جزء. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: الاعلام (۱۴۲/ ۵)، سیر النبلاء (۴۰۰- ۳۹۸/ ۱۵)، معجم المؤلفین (۷/ ۸۵)، هدیة العارفین (۱/ ۶۷۹).

ابن حمّویه جوینی سرخسی، تاج‌الدین، ابومحمد عبدالله

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۴۲- ۵۷۳/ ۵۷۲- ۵۶۶ ق)، مورخ، ریاضیدان، پزشک، محدث و فقیه شافعی. اصل وی از خراسان بود و در دمشق به دنیا آمد. در ۵۹۳ ق به مغرب رفت و به منصور یعقوب بن یوسف، سومین فرمانروای موحدی پیوست. و تا ۶۰۰ ق در آنجا ماند آنگاه از راه مصر به دمشق بازگشت. از ابومحمد بن عبدالله بن سلیمان بن حوط الله انصاری و ابوالقاسم بن عساکر حدیث شنید مندری و زین‌الدین فارقی از وی روایت کردند. وی در دمشق فوت کرد. از آثار: «المسالک والممالک»؛ «السیاسة الملوكیه»؛ «المونس فی اصول الاشیاء»، در هشت مجلد؛ «الامالی»؛ «رحله المغربیه» یا «رحله الی المغرب».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴/ ۲۴۸)، ایضاح المکنون (۴۷۳، ۱۰۲، ۲/ ۳۲، ۱/ ۵۵)، دائرة المعارف البستانی (۱/ ۴۴۸- ۴۴۹)، سیر النبلاء (۹۷- ۲۳/ ۹۶)، معجم المؤلفین (۶/ ۹۶)، هدیة العارفین (۱/ ۴۶۱).

ابن حمّویه جوینی، صاحب، فخرالدین، ابوالمظفر یوسف

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۴۷- ۵۸۲ ق)، ادیب، شاعر و محدث. اصل وی از جوین نیشابور بود. در دمشق به دنیا آمد و در آنجا و مصر حدیث شنید. از ۶۲۴ ق به خدمت محمد بن محمد، فرمانروای ایوبی دمشق، درآمد و تا زمان مرگ او با وی همکاری داشت. در ۶۴۰ ق سلطان نجم‌الدین ایوب او را زندانی کرد. ابن حمویه تا ۶۴۳ ق در زندان به سر برد. سلطان در این سال وی را از بند رها کرد و فرماندهی سپاه خود را به او داد. پس از درگذشت نجم‌الدین، اروپائیان بر «دمیاط» دست یافتند که ابن حمویه در جنگ با آنها کشته شد و جنازه وی به مصر برده شد. از آثارش: «تقویم النذیم و عقبی النعیم المقیم»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۰/ ۲۵۵، ۳۲۹- ۳۲۸/ ۹)، کشف الظنون (۴۷۰)، معجم المؤلفین (۱۳/ ۳۳۱).

ابن حَیّ همدانی، ابوعبدالله حسن

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۰۰- وف ۱۶۹- ۱۶۷ ق)، فقیه و متکلم شیعی. اصل او از نواحی همدان است. خروج مسلحانه بر زمامداران ظالم را روا می‌دانست. مهدی عباسی در طلب او و عیسی بن زید بود. و وی از بیم اسارت در کوفه پنهانی می‌زیست و هفت سال با عیسی بن زید در یک خانه پنهان بود. او فقیهی پرهیزکار و عابدی والا- بود. و کعب او را امام می‌دانند و در بیان عبادت او گویند: حسن با برادرش علی و مادرشان شب را به سه بخش تقسیم کرده بودند و هر کدام در یک سوم آن به عبادت برمی‌خواستند. وقتی مادرشان مرد، دو برادر شب را بین خود به دو نیم تقسیم کردند؛ و آنگاه که علی مرد، حسن تمام شب را بیدار ماند و به عبادت مشغول بود. به گفته ابوزرعه، راستی، درستی، فقه، عبادت و زهد در او جمع بود. ابن حنیّ از اقران سفیان ثوری، بلکه مقدم بر او، و از محدثان بزرگ و مورد اعتماد است که از پدرش و برادرش، علی بن صالح، و عبدالله بن دینار و علی بن آقمر و ابواسحاق سیبسی روایت می‌کرد. ابن مبارک و وکیع و ابونعیم و علی بن جعد و بسیاری دیگر از وی روایت کرده‌اند. در پنج «صحیح» از «صحاح ششگانه» حدیث او آورده شده است. احمد حنبل گوید که او و برادرش علی هر دو از محدثان مورد اعتمادند. در کوفه، در حال اختفا، شش ماه پس از درگذشت عیسی بن زید، درگذشت. از کلمات اوست که گویند: گاه شیطان ۹۹ در خیر بر انسان می‌گشاید تا بتواند دری از شر باز کند. از آثار وی: «التوحید»؛ «امامه ولد علی من فاطمه»؛ «الجامع»، در فقه. به گفته‌ی شیخ طوسی او دارای «اصل» است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲/ ۲۰۸)، تاریخ الاسلام (حوادث ۱۳۶- ۱۳۱- ۱۷۰/ ۱۶۱)، تاریخ الکبیر (۲/ ۲۹۵)، تهذیب التهذیب (۲۶۴- ۲۶۱)، الجرح والتعديل (ج ۱، ق ۱۸/ ۲)، حلیة الاولیاء (۳۳۵- ۳۲۷/ ۷)، رجال الطوسی (۱۶۶)، سیر النبلاء (۳۷۱- ۳۶۱)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۳۳۳)، الفهرست للطوسی (۹۰)، لسان المیزان (۸/ ۲۶۹)، المعارف (۲۲۲)، معجم المؤلفین (۳/ ۲۳۱)، میزان الاعتدال (۴۹۹- ۴۹۶/ ۱)، الوافی بالوفیات (۶۰- ۵۹/ ۱۲).

ابن حیدر قزوینی، ابوالقاسم عبدالله، عبیدالله

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۸۲ ق)، فقیه و محدث شافعی. در قزوین متولد شد. به خراسان مهاجرت و در محضر پیشگامان فقه شافعی آنجا تلمذ کرد. وی از زاهر شحامی و فراوی و یوسف همدانی حدیث شنید. سپس به همدان رفت و در آنجا مسکن گزید و همان جا درگذشت. کتابی به نام «المشیخة»، در شرح زندگی استادانش نوشت. از دیگر آثارش: «اربعون حدیثاً»؛ «تصنیف فی الاصلین».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴/ ۲۱۴)، لسان المیزان (۷۶۵- ۷۶۴/ ۳)، معجم المؤلفین (۶/ ۵۲)، هدیة العارفین (۱/ ۴۵۷).

ابن حیویه نیشابوری، ابوالحسن محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۳۶۶- ۲۷۶ ق)، محدث و قاضی. در کودکی به مصر رفت و در همان جا ساکن شد. از عمویش، یحیی بن زکریای نیشابوری

اعرج، از بکر بن سهل دمیاطی، و نسائی صاحب «سنن» و بسیاری دیگر حدیث شنید. عبدالغنی و علی بن محمد خراسانی و هارون بن یحیی طحان و دیگران از وی روایت کرده‌اند. ابن ماکولا او را تقه‌ای دانا و بزرگ توصیف کرده است. از آثار وی: رساله‌ای در «من وافقت کنیته کنیة زوجه من الصحابة».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/ ۹۷)، سیر النبلاء (۱۶/ ۱۶۰)، معجم المؤلفین (۱۰/ ۲۱۵).

ابن خاتون طوسی، شمس‌الدین، ابوالمعالی محمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۱۰۵۵ ق)، فقیه امامی و ادیب. از پیشوایان و برجستگان علمای امامیه و شاگرد شیخ بهایی و در علوم و فنون مختلف سرآمد بود. پس از فراغت از تحصیل مدتی در حیدرآباد دکن مسکن گزید، و از آنجا به مشهد مقدس رفت و پس از چندی به هندوستان بازگشت و در آن دیار وزارت سلاطین قطب شاهیه را در حیدرآباد عهده‌دار شد. در ۱۰۳۸ ق سلطان عبدالله قطب شاه که به جای سلطان محمد قطب شاه نشسته بود، منصب صدارت عظمی را به وی داد و او را به لقب پیشوا ملقب ساخت. وی شیخ اجازه سید حسین فرزند حیدر کرکی است. در حیدرآباد دکن از دنیا رفت. از آثار وی: ترجمه‌ی «اربعین» استادش شیخ بهایی که به امر سلطان محمد قطب شاه از سلاطین قطب شاهیه‌ی هند نوشت و به نام ترجمه‌ی «قطب شاهی» نامید و در سفری که به عنوان سفیر حیدرآباد به ایران آمد ترجمه‌ی قطب شاهی را به استادش شیخ بهائی نشان داد، و شیخ در ۱۰۲۸ ق تقریظی لطیف بر آن نوشت؛ «شرح الارشاد» علامه‌ی حلی؛ «شرح جامع عباسی» شیخ بهائی؛ «توضیح اخلاق عبدالله شاهی»، به فارسی، در شرح کتاب «اخلاق ناصری» خواجه نصیر طوسی، به درخواست عبدالله قطب شاه؛ کتابی در «امامت»، به فارسی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۱- ۱۰/ ۱۰)، الذریعه (۱۷۲، ۸۰- ۱۳/ ۷۹، ۴/ ۷۶)، روضات الجنات (۱/ ۸۷)، ریاض العلماء (۱۳۵- ۱۳۴/ ۵)، ریحانه (۴۹۰- ۴۸۹/ ۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۱۳- ۵۱۲/ ۱۱)، فوائد الرضویه (۵۶۷)، الکنی واللقاب (۱/ ۲۷۲)، لغت‌نامه (ذیل / ابن خاتون)، معجم المؤلفین (۱۱/ ۶)، هدیه الاحباب (۵۶).

ابن خالویه، ابو عبدالله حسین

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۷۰ ق)، نحوی، لغوی، ادیب و شاعر امامی. اصلش از همدان بود. در ۳۱۴ ق وارد بغداد شد و در محضر بزرگان علم و ادب حضور یافت. قرآن را از ابن مجاهد، نحو و ادب را از ابن دُرَید و ابن انباری و نَفْطویه، و لغت را از ابو عمر زاهد آموخت و از محمد بن مخلد عطار حدیث شنید. پس از آن ساکن حلب و ادب آموز فرزندان سیف‌الدوله حمدانی شد. ابن عدی معروف به ابن قطان، ابن غلبون، معافی بن زکریا و حسین بن سلیمان انطاکی از شاگردان وی بودند. او با متنبی در محضر سیف‌الدوله مباحثات بسیار داشته است. زجاجی نحوی و ابوعلی فارسی معاصر او بودند. وی در حلب وفات یافت. از آثارش: «الآل»؛ «الاشتقاق»؛ «شرح

مقصوده ابن درید؛ «اعراب ثلاثین سورة من القرآن العزیز»؛ «لیس»، در ادب؛ «الجمل»، در نحو؛ «شرح المقصور والممدود»؛ «الاسماء الاسد»؛ «الفصیح»؛ «شرح قصیده‌ی نبطویه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۴۹- ۲۴۸/ ۲)، اعیان الشیعه (۴۲۳- ۴۱۹/ ۵)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۵۲۸- ۵۲۷/ ۴)، الذریعه (۳۷/ ۱)، رجال النجاشی (۱۸۸/ ۱)، روضات الجنات (۱۴۵- ۱۴۱/ ۳)، ریاض العلماء (۲۸- ۲۳/ ۲)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۱۴۱)، کشف الظنون (۱۳۹۱، ۱۳۴۳، ۱۲۷۲، ۶۰۲، ۱۲۳، ۸۶)، الکنی واللقاب (۲۷۵- ۲۷۴/ ۱)، لسان المیزان (۴۹۰- ۴۸۹/ ۲)، معجم الادباء (۲۰۵- ۲۰۰/ ۹)، معجم المؤلفین (۳۱۰/ ۳)، الوافی بالوفیات (۳۲۵- ۳۲۳/ ۱۲)، وفيات الاعیان (۱۷۹- ۱۷۸/ ۲).

ابن خراسانی، ابوالعز محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۷۶- ۴۹۴ ق)، شاعر، نحوی، عروضی و محدث. وی نزد ابومنصور جوالیقی به تحصیل پرداخت. از ابوالحسین طبری و ابوسعید بن خشیش حدیث شنید و ابن الاخضر و ابوالفتوح بن حصری از وی روایت کرده‌اند. وی علاقه‌ی وافری به علم عروض داشت و در سرودن شعر بسیار توانا و استاد بود. در پایان عرم دچار پریشانی حواس شد. از آثار وی: «دیوان» اشعار، در پنج مجلد؛ «النوادر»؛ «العروض» و چندین اثر دیگر در فنون ادبی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۵۲/ ۷)، ایضاح المکنون (۱۰۰/ ۲)، ریحانه (۴۹۷- ۴۹۶/ ۷)، سیر النبلاء (۸۳- ۸۲/ ۲۱)، کشف الظنون (۷۶۵)، لسان المیزان (۵۱۰/ ۶)، معجم الادباء (۴۷- ۴۶/ ۱۹)، معجم المؤلفین (۳۰۴/ ۱۱)، الوافی بالوفیات (۱۵۰/ ۱)، هدیة العارفین (۲/ ۹۸).

ابن خراش خراسانی، ابوجعفر احمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۴۳/ ۲۴۲ ق)، محدث. در بغداد می‌زیست. از عبدالرحمان بن مهدی، وهب بن جریر، شبابه بن سوار، ابوعامر عقدی، عمرو بن عاصم و عبدالصمد بن عبدالوارث حدیث شنید. مسلم بن حجاج نیشابوری، ترمذی، عبید عجلی، عبدالله بن احمد و سراج از وی روایت کرده‌اند. برخی رجال‌نویسان وی را شیعه دانسته‌اند و بر ثقه بودن وی تأکید دارند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴۹۳/ ۲)، الجرح والتعديل (ج ۱، ق ۴۸/ ۱)، تاریخ بغداد (۸۰- ۷۸/ ۴)، تهذیب التهذیب (۲۳/ ۱)، سیر النبلاء (۱۵۸- ۱۵۷/ ۱۲).

ابن خراش مروزی، ابومحمد عبدالرحمان

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۸۳ ق)، محدث شیعی. اصل او از مرو است. به گفته خطیب بغدادی او یکی از جویندگان حدیث در آفاق بود که به حفظ و شناخت و فهم صحیح حدیث و رجال موصوف می‌باشد. در طلب حدیث رنج فراوان کشید و شهرهای خراسان، عراق، حجاز، شام و مصر را دید. بکر بن محمد بن حمدان مروزی از وی نقل کرده که گفت: در راه تحصیل حدیث در تنگناهای طرق ارتباطی و کمبود آب پنج بار مجبور شدم تا ادرار خود را بیاشامم. وی از خالد بن یوسف سمتی و عبدالجبار بن علاء مکی و ابوحفص فلاس و علی بن خشرم مروزی و محمد بن یحیی ذهلی و بسیاری از هم‌مطبقه آنان حدیث شنیده است. او از مشایخ ابن عقیده و بکر بن محمد صیرفی مروزی و ابوسهل قطان و دیگران است. عبدالملک بن محمد جرجانی گوید که پر حافظه‌تر از ابن خراش ندیده است. او در بغداد درگذشت، اما ابوبکر طرسوسی معتقد است که ابن خراش در طرسوس در سال ۲۹۴ ق درگذشته.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ الاسلام (حوادث ۲۱۴- ۲۱۳/ ۲۹۰- ۲۸۱)، تاریخ بغداد (۲۸۲- ۲۸۰/ ۱۰)، سیر النبلاء (۵۱۰- ۵۰۸/ ۱۳)، لسان المیزان (۳۲۴- ۳۲۲/ ۴)، معجم رجال الحدیث (۳۵۴/ ۹).

ابن خرداذبه، ابوالقاسم عبیدالله

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۳۰۰/ ۲۸۰- ۲۰۵ ق)، مورخ، جغرافیدان و موسیقیدان. پدر بزرگ وی زرتشتی بود و به دست برامکه اسلام آورد. به روایتی پدرش در خلافت مأمون حاکم طبرستان بود و خود او نیز ظاهراً در خراسان به دنیا آمد. گفته‌اند که برای کسب علم شوق وافر داشت و هنر و ادب را به خوبی فراگرفت. وی در موسیقی نیز دست داشت و آن را نزد اسحاق موصلی فراگرفت. نخست چندی در ولایت جبال مأمور پست و خبر بود و سپس با حفظ سمت به بغداد و سامرا رفت و در دربار معتمد، خلیفه‌ی عباسی، از مقربین گشت. فهرستی از آثار او را ابن ندیم در کتاب خود آورده که اکثر آنها مفقود شده است. مهم‌ترین اثر وی «المسالك والممالك» یا «تاریخ ابن خرداذبه» است که به زبان فرانسه نیز ترجمه و چاپ شده است و مشتمل بر اطلاعاتی درباره‌ی راهها و شهرها می‌باشد. این کتاب مورد استفاده‌ی جغرافی‌نویسان پس از او از قبیل: ابن فقیه، مقدسی، ابن حوقل و جیهانی قرار گرفته است، ولی درباره‌ی ارزش علمی این کتاب نویسندگان قدیم عرب و خاورشناسان جدید آراء متضاد ارائه کرده‌اند؛ از دیگر آثار او: «کتاب اللهو و الملاهی»، درباره‌ی موسیقی و موسیقیدانان؛ «کتاب جمهره انساب الفرس والنواقل»، درباره‌ی طایفه‌ی ایرانیان و اقوام جابه جا شده؛ «کتاب التاریخ»، که مسعودی آن را بهترین و کامل‌ترین تألیف در نوع خود دانسته است؛ «الندماء والجلساء»؛ «ادب السماع».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: استادان موسیقی (۲۹- ۲۸)، الاعلام (۴/ ۳۴۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۵۰- ۳۴۹/ ۱)، تاریخ گزیده (۶۹۷)، تاریخ موسیقی (۵۵۷/ ۲، ۱۳۱، ۷۳، ۵۸/ ۱)، تاریخ هنرهای ملی (۷۲۷/ ۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۵۲۹- ۵۲۸/ ۴)، دائرةالمعارف البستانی (۴۵۷/ ۱)، دائرةالمعارف فارسی (۱۸/ ۱)، ذیل تاریخ بغداد (۱۳- ۱۱/ ۱۷)، ریحانه (۴۹۸- ۴۹۷/ ۷)، سرآمدان فرهنگ (۳۹/ ۱)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۲۴۵)، کارنامه بزرگان (۳۱- ۳۰)، کشف الظنون (۱۶۶۵، ۲۷۸)، لغت‌نامه (ذیل / ابن خرداذبه)،

معجم المؤلفین (۶/ ۲۳۶)، هدیة العارفين (۱/ ۶۴۵).

ابن خُزیمه، ابوبکر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۱۱- ۲۲۳ ق)، فقیه و محدث شافعی. اهل نیشابور و در آنجا پیشوای دینی بود. به عراق، شام، عربستان و مصر سفر کرد. از اسحاق بن راهویه و محمد بن حمید و عتبه مروزی و علی بن حُجر و اسحاق بن شاهین و دیگران حدیث شنید و استادان بسیاری دید و خود استاد محمد بن اسماعیل بخاری و مسلم بن حجاج نیشابوری و ابوحاتم بُستی و اسحاق نسوی و ابن‌بالویه و ابواحمد حاکم و ابوالحسن آبری و بسیاری دیگر بود. آثارش را بیش از ۱۴۰ مجلد دانسته‌اند، از آن جمله: کتاب «صحیح ابن خزیمه» یا «مختصر المختصر من المسند الصحیح عن النبی (ص)».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۶/ ۲۵۳)، تاریخ نیشابور (۱۲۰- ۱۱۹)، الجرح والتعديل (ج ۳، ق ۱۹۶/ ۲)، دائرةالمعارف البستانی (۴۵۹/ ۱)، ریحانه (۷/ ۴۹۹)، سیر النبلاء (۳۸۲- ۳۶۵/ ۱۴)، کشف الظنون (۱۴۰۶، ۱۰۷۵)، الکنی والالقباب (۱/ ۲۷۶)، معجم المؤلفین (۴۰- ۳۹/ ۹)، الوافی بالوفیات (۲/ ۱۹۶)، هدیة العارفين (۲/ ۲۹).

ابن خسرو بلخی، ابوعبدالله حسین

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۲۰ ق)، محدث. معروف به سمسار حنفی. از حمیدی و مالک بانیاوسی و ابوالحسن انباری و عبدالسلام قزوینی و عبدالواحد بن فهد علف و بسیاری دیگر حدیث شنید و ابن جوزی و ابن عساکر از وی روایت کرده‌اند. ابن ابی طی او را در رجال شیعه ذکر کرده و گوید که او کتابی در «مناقب اهل بیت (ع)» و نیز در «کلام ائمه (ع)» نوشته است. به وی نسبت اعتزال نیز داده‌اند و صاحب «اعیان الشیعه» گوید که چنین نسبتی ناشی از خلط بین تشیع و اعتزال به خاطر اشتراک پاره‌ای از اصول می‌باشد. از آثارش: جمع آوری «مسند ابی حنیفه» در دو مجلد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۶/ ۱۵۴)، سیر النبلاء (۵۹۳- ۵۹۲/ ۱۹)، کشف الظنون (۱۶۸۱)، لسان المیزان (۵۷۸- ۵۷۷/ ۲)، معجم المؤلفین (۴/ ۵۰)، الوافی بالوفیات (۳۹- ۳۸/ ۱۳).

ابن ختمار، ابوالخیر حسن

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۳۱- ح ۴۲۱ ق)، طیب، فیلسوف و مترجم. از نصرانیان ایرانی و یکی از مترجمان بزرگ، از زبان سریانی به عربی بود. وی کتب زیادی را از آن زبان به عربی ترجمه کرد. در فلسفه شاگرد یحیی بن عَبدی بود. ابن ندیم او را ملاقات کرده و از او به عنوان منطقی بزرگی یاد می‌کند. ابوالفرج بن طیب مسیحی و ابوالفرج بن هندوی مسلمان احتمالاً در زمان اقامت او در بغداد از شاگردان وی بوده‌اند. او را در طب ثالث بقراط و جالینوس می‌دانستند. از جراحان بیمارستان بزرگ عضدالدوله در بغداد بود. ابن سینا او را تحسین کرده، ولی با تمام اشتیاقی که به دیدار وی داشت، به این امر نائل نشد. مدتی در زمان مجدالدوله دیلمی در ری، چندی در دستگاه ابوالعباس مأمون خوارزمشاه در خوارزم بود. پس از فتح خوارزم به دست سلطان محمود غزنوی وی را به همراه ابوریحان بیرونی و چند تن از دانشمندان به غزنه بردند. در اواخر عمر به سبب شنیدن آیه‌ای از قرآن و دیدن پیامبر اسلام (ص) در خواب، مسلمان شد. در زمان سلطان محمود، در راه رفتن به دربار او از اسب بر زمین افتاد و کشته شد. از جمله آثار باقی مانده از وی: «کتاب الوفاق بین آراء الفلاسفة والنصارى»؛ «مقاله فی التوحید والتثلیث»؛ «مقاله فی الصدیق والصدیقه»؛ «مقاله فی السعادة»؛ «مقاله فی الاخلاق»؛ «مقاله فی الصرع»؛ «کتاب دیاباط» یعنی تقطیر؛ «الآثار المخیلة فی الجو الحادثة عن البخار المائی و هی الهائه والقوس والضباب»؛ «کتاب الهیولی»؛ «مقاله فی امتحان الاطباء»؛ که آن را به خوارزمشاه اهدا کرد؛ «کتاب الآثار العلویه»؛ «کتاب اللبس فی الکتب الاربعه فی المنطق» که این از ترجمه‌های او از سریانی به عربی است؛ «کتاب تفسیر ایساغوجی»، هم به صورت مشروح و هم به صورت مختصر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۲۸۲- ۲۸۱/ ۱)، تاریخ الحکماء قفطی (۲۲۶)، تاریخ طب (۷۰۱- ۶۹۹/ ۲)، ترجمه‌ی تمه‌ی صوان الحکمه (۱۶- ۱۴)، چهار مقاله (۱۱۹، ۱۱۸)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹۵۶- ۹۵۵/ ۷)، ریحانه (۵۰۹- ۵۰۸/ ۷)، عیون الانباء (۳۲۳- ۳۲۲/ ۱)، فهرست ابن ندیم، ترجمه (۴۷۷- ۴۷۶، ۴۴۷)، لغت‌نامه (ذیل / ابن خمار)، معجم المؤلفین (۲۲۹/ ۳)، الملل والنحل (۳۶۹)، نامه‌ی دانشوران (۸۸- ۸۵/ ۱)، الوافی بالوفیات (۴۲- ۴۱/ ۱۲)، هدیه العارفین (۲۷۷/ ۱).

ابن خیاط، ابوبکر محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۲۰ ق) نحوی و لغوی. از مردم سمرقند بود، در بغداد زیست و در بصره از دنیا رفت. ابوعلی فارسی و ابوالقاسم زجاجی از شاگردان او بودند. با ابراهیم بن سری زجاج مشاجرات نحوی داشت. به ظاهر در دوره‌ای از زندگی دچار کوری کامل شده بود. به گفته‌ی یاقوت حموی او مردی خوش‌اندام، خوش‌اخلاق و خوش‌برخورد بود. او شیوه‌ی نحویان کوفه و بصره را در نحو به هم می‌آمیخت، در پاره‌ای از موارد از لحاظ روش، بصری بود ولی بعضی از نظرات کوفیان را نیز می‌پذیرفت. آثار وی: کتاب «المعانی القرآن»؛ «النحو الکبیر»؛ کتاب «الموجز» و کتاب «المقنع» هر دو در نحو.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۹۹- ۱۹۸/ ۶)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۵۵۴- ۵۵۳/ ۴)، ریحانه (۵۱۲/ ۷)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۱۳۷)، کشف الظنون (۱۹۳۵، ۱۸۹۹، ۱۸۱۰، ۱۷۳۰)، لغت‌نامه (ذیل / ابن خیاط)، معجم الادباء (۱۴۲- ۱۴۱/ ۱۷)، معجم المؤلفین (۲۳/ ۹)، الوافی بالوفیات (۲/ ۸۸)، هدیه العارفین (۲/ ۳۱).

ابن داوود قمی، ابوالحسن محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۶۸ ق)، فقیه امامی و محدث. وی از فقها و مشایخ حدیث امامیه در قم بود. از قم به بغداد رفت و در آنجا به نشر حدیث پرداخت. ابن داوود ممدوح نجاشی و علامه و دیگر علمای رجال بود. شیخ مفید و احمد بن عبدون و ابوعبدالله غضائری و ابن نوح سیرافی از وی روایت کرده‌اند. ابن غضائری می‌گوید: «افقه و احفظ از ابن داوود و اعرف نسبت به حدیث از او ندیدم». وی در بغداد درگذشت و در مقابر قریش دفن شد. از آثار وی: «کتاب البیان عن حقیقه الصیام»؛ «الحديثین المختلفین»؛ «الذخائر»؛ کتاب بزرگ «المزار»؛ «الممدوحین والمذمومین».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۶/ ۲۰۲)، اعیان الشیعه (۹/ ۶۵)، ایضاح المکنون (۱/ ۲۰۵)، رجال الطوسی (۵۱۱)، رجال النجاشی (۳۰۵- ۳۰۴)، ریحانه (۷/ ۵۱۴)، الذریعه (۲۲/ ۲۲۴، ۲۰/ ۳۲۰، ۱۰/ ۵، ۳/ ۱۷۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۳۶/ ۴)، فوائد الرضویه (۳۸۸)، الفهرست للطوسی (۲۷۰)، الکنی واللقاب (۲۸۳- ۲۸۲/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن داوود)، معجم المؤلفین (۸/ ۲۵۹)، هدیة العارفين (۲/ ۴۸).

ابن دُرستویه فسوی، ابو محمد عبدالله

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۴۷- ۲۵۸ ق)، نحوی، لغوی و عالم دینی. پدرش از محدثین بزرگ بود. وی از مردم فسای فارس بود که در نوجوانی به بغداد رفت و در آنجا مقیم شد. در بسیاری از علوم، از جمله در علم حدیث، سرآمد زمان خویش بود. مجموعه‌هایی گرد آورده بود که حداقل تا زمان خطیب بغدادی باقی بود. در بغداد درس خواند و از محضر استادانی چون ابن‌قتیبی دینوری و ابوالعباس مبرد بهره گرفت. ابن‌درستویه مفسر قرآن نیز بود و در تفسیر دو دیدگاه اخفش بصری و ثعلب کوفی را تلفیق می‌کرد. ابن‌درستویه در آثار نحوی، طرفدار مکتب بصره بود. گویا کتبی نیز در رد افکار نحویون کوفی نیز نوشته بوده است. اما در تفسیر قرآن و حدیث روشی مختلط داشته است. دارقطنی، ابن‌شاهین و ابوعبیدالله مرزبانی از شاگردان وی بودند. از آثار وی: «کتاب الکتاب المتمم» یا «ادب الکاتب المتمم»، در بررسی جزئیات خط و املا- برای دبیران؛ کتاب «الارشاد»، در نحو؛ «معانی الشعر»؛ «اخبار النحویین»؛ «نقض کتاب العین»؛ «التوسط بین الاخفش و ثعلب»، در تفسیر قرآن؛ شرح «کتاب الجرمی»؛ «کتاب الهجاء»؛ کتاب «غریب الحدیث».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴/ ۲۰۴)، ایضاح المکنون (۵۵۸، ۳۷۴، ۳۴۳، ۳۳۰، ۲۹۹، ۲۹۸، ۲/ ۲۸۲، ۵۵۶، ۵۵۳، ۳۷۴/ ۱)، تاریخ بغداد (۴۲۹- ۴۲۸/ ۹)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۴/ ۵۶۴)، دائرةالمعارف البستانی (۱/ ۴۷۵)، دائرةالمعارف فارسی (۱۸/ ۱)، روضات الجنات (۱۰۵- ۱۰۴/ ۵)، ریحانه (۷/ ۵۱۷)، سیر النبلاء (۵۳۲- ۵۳۱/ ۱۵)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۱۰۷- ۱۰۶)، کشف الظنون (۲۰۴۱، ۱۷۳۰، ۱۷۲۹، ۱۴۶۱، ۱۴۵۲، ۱۴۵۱- ۱۴۱۵، ۱۲۷۲، ۱۲۰۵، ۱۱۰۸، ۸۳۹، ۷۰۰، ۵۰۶، ۱۱۶- ۱۱۵، ۶۸)، الکنی

واللقاب (۲۸۴/ ۱)، لسان المیزان (۷۴۴- ۷۴۲/ ۳)، لغت‌نامه (ذیل / ابن‌درستویه)، معجم المؤلفین (۴۰/ ۶)، نامه‌ی دانشوران (۱۲۶) - (۱۲۵/ ۳)، وفيات الاعیان (۴۵- ۴۴/ ۳)، هدیة العارفين (۱/ ۴۴۶).

ابن دوست، ابوسعید، ابوسعید عبدالرحمان

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۳۱- ۳۵۷ ق)، عالم، ادیب و شاعر. جدش ملقب به دوست بود. عبدالرحمان از مردم نیشابور و ناشنوا بود. نزد ابونصر جوهری لغت و ادب آموخت. ابوالحسن واحدی مفسیر از شاگردان اوست. از آثار او: «ردّ علی الزجاجی»، در استدارکش بر «اصلاح منطق» ابن سکیت؛ «دیوان» شعر. در «الاعلام» زرکلی نام او را به استناد «جواهر المصیئه» ابن درست نوشته است، اما با توجه به آنکه اغلب منابع او را ابن دوست ذکر کرده‌اند، بنا را بر ضبط ابن دوست می‌گذاریم. همین ضبط را «دائرةالمعارف البستانی» به صورت ابن دُوست [dowast] آورده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۰۲/ ۴)، دائرةالمعارف البستانی (۴۸۲/ ۱)، ریحانه (۵۲۰/ ۷)، سیر النبلاء (۵۱۰- ۵۰۹/ ۱۷)، لغت‌نامه (ذیل / ابن دوست)، معجم المؤلفین (۱۸۸/ ۵).

ابن رازی، ابومحمد جعفر

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، فقیه و محدث امامی. ساکن ری بود. پدرش محدثی ثقه بود و از مشایخ ابن‌رازی محسوب می‌شود. از دیگر استادان او محمد حمیری، سهل دیباجی، محمد بن همام اسکافی و محمد بن مظفر مصری می‌باشند. وی از مشایخ روایت شیخ صدوق است، و به نوبه‌ی خود، تفسیر امام حسن عسکری (ع) را از صدوق روایت کرده است. به گفته‌ی صاحب «روضات»، از کتب ابن‌رازی استفاده می‌شود که نامبرده از صاحب بن عباد روایت می‌کرده و ممکن است پاره‌ای از مقامات علمی را از او بهره‌مند شده باشد. ابن داوود او را دانشمندی ثقه می‌داند و شیخ طوسی او را در ردیف کسانی آورده است که مستقیماً از معصوم روایت نکرده‌اند. در «رجال الطوسی» و «رجال ابن داود» تحت نام جعفر بن علی بن احمد آورده شده است. محدث نوری معتقد است که شرح حال نویسان در مورد ابومحمد جعفر بن احمد قمی اهمال کرده‌اند و در «نفس الرحمان» از علمای رجال گذشته و حال تعجب می‌کند که چگونه به شرح حال او پرداخته و از این مهم غفلت کرده‌اند. او را تصانیف بسیاری است. سید بن طاووس در «الدرع الواقیه» و شیخ ورام در «تنبیه الخواطر» و ابن‌فهد در «التحصین» و «عده الداعی» از کتب او نقل کرده‌اند، و کراجکی در کتاب «الفهرس» ذکر کرده که وی در قم و ری ۲۲۰ کتاب تصنیف کرده است. از جمله آثار وی: «ادب الامام والمأموم»، «المانعات من دخول الجنة» یا «الاعمال المانعة من دخول الجنة»، «جامع الاحادیث النبویه»، مشتمل بر هزار حدیث نبوی به ترتیب حروف هجا؛ «المنبى عن زهد النبى (ص)»، «الغایات»، «المسلسلات» یا «مسلسلات الاخبار»، شامل کلیه‌ی وقایعی است که در تمام طبقات اسنادش نامعصوم، لفظ خاص تکرار شده؛ «العروس»، در فضل و آداب روز جمعه؛ «نوادر الاثر فی علی (ع) خیرالبشر»، که در آن حدیث

نبوی «علی خیر البشر» را از، بیش از، ۷۰ طریق آورده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۸۳- ۸۲/ ۴)، الذریعه (۲۱/ ۲۱، ۳۱- ۳۰/ ۱۹، ۳۱/ ۵، ۳۸۶/ ۱)، رجال ابن داود (قسم ۸۶/ ۱)، رجال الطوسی (۴۵۷)، روضات الجنات (۱۷۰- ۱۶۸/ ۲)، ریحانه (۷/ ۵۲۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۹- ۶۸/ ۴)، فوائد الرضویه (۶۱- ۵۹)، لغت‌نامه (ذیل / جعفر)، معجم رجال الحدیث (۸۳- ۸۲/ ۴)، معجم المؤلفین (۱۳۳- ۱۳۲/ ۳)، نفس الرحمان (۹۰- ۸۸).

ابن راهویه، ابویعقوب اسحاق

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۲۳۸/ ۲۳۷- ۱۶۱ ق)، حافظ، محدث و فقیه شافعی. اهل مرو بود. وجه تسمیه‌ی اسم او بدان سبب است که پدر ابن راهویه، ابراهیم، در راه مکه متولد شده بود. وی به عراق، حجاز، یمن و شام سفر کرد. احمد بن حنبل او را ستوده و گفته که برای اسحاق در جهان نظیری نیست. احمد حنبل و یحیی بن معین و صاحبان «صحاح»: بخاری، مسلم، ترمذی، ابوداود و نسائی از او حدیث نقل کرده‌اند. وی به همراه عده‌ای از محدثان در نیشابور با امام رضا (ع) دیدار کرد و از امام حدیث «سلسله الذهب» را شنید. در مکه با شافعی مناظره کرد. وی حافظه‌ی شگفت‌انگیزی در حفظ حدیث داشت، چنانکه گویند هفتاد هزار حدیث حفظ بود و درباره‌ی یک صد هزار حدیث مذاکره کرد، لذا ذهبی از او به عنوان «سید الحفاظ» نام می‌برد. وی در پایان عمر در نیشابور ماندگار شد و در همان جا درگذشت. در تاریخ تولد و وفات او اختلافاتی هست، ابن خلکان تاریخ تولد وی را بین ۱۶۱ تا ۱۶۳ ق و وفاتش را میان ۲۳۷ و ۲۳۸ ق می‌داند؛ در «طبقات الحنابله» تولد وی در ۱۶۶ و وفاتش در ۲۴۳ ق ذکر شده است. از آثار او: کتاب «التفسیر»؛ کتاب «المسند»؛ کتاب «السنن»، در فقه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۸۴/ ۱)، تاریخ اسلام (حوادث ۹۰- ۸۰/ ۲۴۰- ۲۳۱)، تاریخ بغداد (۳۵۵- ۳۴۵/ ۶)، تاریخ الکبیر (۳۸۰- ۳۷۹/ ۱)، تهذیب التهذیب (۱۹۸- ۱۹۷/ ۱)، الجرح والتعديل (ج ۱، ق ۲۱۰- ۲۰۹/ ۱)، حلیه الاولیاء (۲۳۸- ۲۳۴/ ۹)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۵۷۳/ ۴)، دائرةالمعارف البستانی (۴۸۶/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل / ابن راهویه)، روضات الجنات (۷- ۵/ ۲)، ریحانه (۵۳۱- ۵۳۰/ ۷)، سیر النبلاء (۳۸۳- ۳۵۸/ ۱۱)، فهرست لابن‌الندیم (۴۱۸)، کشف الظنون (۱۶۸۵- ۱۶۷۸، ۴۴۲)، الکنی والالقاب (۲۹۰- ۱/ ۱)، لسان المیزان (۲۰۵/ ۸)، معجم المؤلفین (۲۲۸/ ۲)، نامه‌ی دانشوران (۳۸۲- ۳۷۵/ ۲)، الوافی بالوفیات (۳۸۸- ۳۸۶/ ۸)، وفیات الاعیان (۲۰۱- ۱۹۹/ ۱)، هدیه الاحباب (۶۰- ۵۹).

ابن‌رزین رازی اصفهانی، ابوعبدالله محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۵۳ ق)، قاری، نحوی و محدث. اصل وی از اصفهان بود. در ری متولد شد. نزد نصیر و خلاد بن خالد قرآن آموخت. در عربیت و قرآت استاد و راوی حدیث بود. از آثار وی: «الجامع»، در قرائت، «رسم القرآن»؛ «العدد»؛ کتابی در «جواز قراءه القرآن

علی طریق المخاطبه».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/ ۲۱۳)، ری باستان (۲/ ۳۷۸)، معجم المؤلفین (۱۱/ ۱۰۳)، الوافی بالوفیات (۴/ ۲۹۴).

ابن رستم، عبدالرحمان

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۷۱ ق)، فقه اباضی. تبارش ایرانی و از خوارج اباضی است. وی مؤسس شهر تاهرت در الجزایر و اولین پادشاه رستمیان از فقهای اباضیه افریقا بود. جدش بهرام از موالی عثمان عفان بود. از آثار وی کتاب «التفسیر» است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴/ ۷۸)، الکامل (۵/ ۳۲).

ابن رفاعه‌ی هاشمی، ابوالخیر زید

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۴۰۰ ق)، فیلسوف و محدث. از مردم ری بود و سالیان بسیاری در بصره زیست. او در شهرهای جبال و خراسان از ابن‌درید و ابوبکر بن انباری و دیگران حدیث نقل کرد. ابن‌یزداد قاری از او حدیث روایت کرده است خطیب بغدادی او را مورد اعتماد نمی‌داند. در نگارش «رسائل» احوال الصفا همکاری داشت. از آثارش: «اربعین حدیثاً»؛ «جوامع اصلاح المنطق».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳/ ۹۸)، تاریخ بغداد (۴۵۱- ۴۵۰/ ۸)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمه (۲۰)، دایرة‌المعارف فارسی (۶۹)

۱/، الذریعه (۵/ ۳۸۴)، لسان‌المیزان (۳/ ۱۹۶)، لغت‌نامه (ذیل/ زید)، معجم المؤلفین (۴/ ۱۹۰).

ابن‌زیاد نیشابوری، ابوبکر عبدالله

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۲۴- ۲۳۸ ق)، فقیه، حافظ و محدث شافعی. در نیشابور به دنیا آمد. مسافرت‌های بسیار به مصر و شام و عراق کرد و در بغداد اقامت گزید. نزد مزنی و ربیع و ابن‌عبدالحکم فقه آموخت. از محمد بن یحیی ذهلی و احمد بن یوسف سلمی و احمد بن ازهر نیشابوری، و عبدالله بن هاشم طوسی و ابوزرعه رازی و ابن‌حاتم و ابن‌واره و بسیاری دیگر حدیث شنید. وی پیشوای شافعیان عراق در زمان خود بود. ابن‌عقده، ابوعمر بن حیویه، ابن‌شاهین و دارقطنی و بسیاری دیگر از وی روایت کرده‌اند. دارقطنی از او به عنوان افقه‌المشایخ نام می‌برد. در نیشابور در گذشت. از آثار وی: «کتاب الربا»؛ افزوده‌هایی بر «مختصر» مزنی، در فروع فقه شافعی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴/ ۲۶۳)، تاریخ بغداد (۱۲۲- ۱۲۰/ ۱۰)، سیر النبلاء (۶۸- ۶۵/ ۱۵)، کشف الظنون (۱۶۳۶)، معجم المؤلفین (۶/ ۱۱۹)، هدیة العارفین (۱/ ۴۴۵).

ابن زبلة، ابومنصور حسین

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۴۰ ق)، حکیم، ریاضیدان، فیلسوف و موسیقدان. اهل اصفهان و از شاگردان برجسته‌ی ابن سینا بود. در ادبیات نیز دست داشت. شرحی بر رساله «حی بن یقظان» ابن سینا نوشت که شارحان پس از وی از آن بسیار بهره بردند. از آثارش: «النفس»؛ کتاب «الکافی فی الموسیقی»؛ «الاختصار من طبیعیات الشفاء» ابن سینا است. ابن ابی‌اصیبعة در «طبقات الاطباء» نام او را به صورت ابن زیلا آورده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: استادان موسیقی (۳۳)، الاعلام (۲/ ۲۷۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۳۱۹)، تاریخ طب (۵۱۴، ۸۶۵، ۴۹۸/ ۲)، تاریخ موسیقی (۱۵۴- ۱۵۳/ ۱)، تاریخ هنرهای ملی (۷۴۵- ۷۴۴/ ۲)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمه (۵۸)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۶۱۹- ۶۱۸/ ۴)، کشف الظنون (۸۶۲)، معجم المؤلفین (۴/ ۱۳).

ابن ساریان، ابوالحسن علی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۳۰- ۳۴۷ ق)، عالم امامی و محدث شیعی. اصلش از قم بود، در شیراز متولد شد. به بغداد رفت و تا پایان عمر در همان جا اقامت کرد. وی از شاگردان علی بن هارون کرمانشاهی، ابوسعید سیرافی و ابوعبیدالله مرزبانی بود و از ایشان حدیث شنید. ابن ساریان از اساتید و مشایخ حدیث خطیب بغدادی است. از متنی «دیوان» شعرش را شنیده بود و خطیب بغدادی تمام «دیوان» را نزد وی خواند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۱۱/ ۳۵۱)، ریحانه (۷/ ۵۵۷)، لسان المیزان (۷۴۲- ۷۴۱/ ۴).

ابن ساعاتی، فخرالدین رضوان، رمضان

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۲۷- ۶۱۷ ق)، پزشک و ادیب. در دمشق متولد شد. وی با اینکه پزشک بود، در ادب و منطق و سایر موضوعات فلسفی و نیز در ساعت‌سازی مهارت داشت. در ابتدا وزیر محمد بن ایوب، برادرزاده‌ی صلاح‌الدین بود، سپس وزیر و طبیب خاص برادر وی

شد. در دمشق در گذشت. از آثار وی: «رساله فی عمل الساعات و استعمالها»، درباره‌ی ساختن ساعت؛ «حاشیه‌ی قانون ابن سینا»؛ «المختارات فی الاشعار»؛ «تکمیل کتاب القولنج ابن سینا».
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: الاعلام (۳/ ۵۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۴/ ۶۱۹)، ریحانه (۵۵۸- ۵۵۷/ ۷)، لغت‌نامه (ذیل / ابن سعادت)، معجم الادباء (۱۴۳، ۱۴۱/ ۱۱)، هدیه العارفین (۱/ ۳۶۹).

ابن سالبه، ابوالفتح عبدالسلام

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۷۳ ق)، صوفی و محدث. پدرش ابوالحسین احمد سالبه نیز از مشایخ بزرگ صوفیه در فارس بود. ابن سالبه در طلب حدیث به عراق و شام سفر کرد و در مصر از ابو عبداللّه بن نظیف و در اصفهان از ابوبکر بن زیده و در بغداد از ابوالقاسم بن بشران و ابوعلی بن شاذان حدیث شنید. وی مدتی ملازم شیخ ابواسحاق کازرونی بود. یحیی بن عبدالوهاب بن منده از جمله کسانی بود که از وی حدیث روایت کرده‌اند. در فارس در گذشت و در تل بیضا دفن شد.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: شیرازنامه (۱۴۹- ۱۴۸)، الکامل (۸/ ۱۲۹)، کشف المحجوب (۲۱۵)، نامه‌ی دانشوران (۷/ ۲۲۸).

ابن ساوجی، ابوالمحاسن محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۷۳۲ ق)، ادیب، شاعر و خطاط. از مردم نخجوان بود. از وی اشعاری در تذکره‌ها به جای مانده است. از آثار او: منظومه‌ای است به نام «درّه المعانی»، در ترجمه و شرح «الآلی المنثوره»، که ابن ساوجی آن را در ۷۳۲ ق سروده است؛ نسخه‌ای از ترجمه‌ی کتاب «مسالك و ممالک» ابواسحاق ابراهیم اصطخری به خط ابن ساوجی به تاریخ ۷۲۶ ق؛ کتاب «السامی فی الاسلامی»، به خط نسخ و رقاع و عناوین ثلث دودانگ، با رقم: «ابوالمحاسن محمد بن سعد بن محمد یعرف ابن الساجی... سنه احدى عشر و سبعمائه الهجریه، بالسلطانیه» (۷۱۱). کاتب این نسخه را برای فرزندش، ابوطاهر محمد، کتابت کرده است و اکنون این کتاب در کتابخانه‌ی سلطنتی موجود است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۱۷۰)، تاریخ نظم و نثر (۷۷۱)، دانشمندان آذربایجان (۲۱)، فرهنگ سخنوران (۱۹).

ابن سدیر، ابوالحسن علی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۰۶ ق)، پزشک و شاعر. در مداین متولد شد. در بغداد پزشکی خواند. با ناصرالدین الله عباسی معاصر و در مداین به معالجت عامه مشغول بود. شعرهایی از وی برجای مانده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ طب (۲/ ۷۱۴)، نامه‌ی دانشوران (۳۶۷-۳۶۶/ ۵).

ابن سرهنگ طبری، ابوالحسن مهدی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س پنجم ق)، فقیه. از ابوجعفر احمد بن محمد حدیث شنید و محمد بن عثمان و میدانی و ابوالقاسم محمد بن جعفر القؤول از او روایت کرده‌اند. به گفته‌ی شیرویه ابن سرهنگ در ۴۴۰ ق به همدان رفت. وی محدثی راستگو بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: معجم البلدان (۵/ ۵۳).

ابن سَریح، ابوالعباس احمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۰۶/ ۳۰۵- ۲۴۹ ق)، متکلم، محدث و فقیه شافعی. معروف به باز اشهب. از مردم شیراز و پس از اصحاب خاص شافعی، بزرگ‌ترین عالم فرقه‌ی شافعی بود. در جوانی مدتی در شیراز منصب قضاء داشت. نزد عثمان بن سعید انماطی درس خواند. با محمد بن داوود بن خلف در محضر علی بن عیسی وزیر مناظره و مباحثه داشت. علی بن عیسی خواست که وی را قاضی بغداد کند و او نپذیرفت. مدتی در درسهای جنید حاضر شد، ولی به تصوف گرایشی نشان نداد. در قضیه‌ی منصور حلاج بی طرف ماند و از دادن فتوا خودداری کرد. در بغداد تدریس می‌کرد. و همان جا در گذشت. بیش از چهار صد اثر به او نسبت می‌دهند که ظاهراً تعداد کمی از آنها باقی مانده است. از آن جمله: کتاب «الانتصار»؛ کتاب «الزیادات»؛ کتاب «الودایع»، در امانات؛ کتاب «المختصر فی الفقه»؛ کتاب «العین والدین»؛ کتاب «الرد علی محمد بن حسن»؛ کتاب «الرد علی عیسی بن ابان» عالم حنفی، کتاب «جواب کاشانی». در ترجمه‌ی «الفهرست» ابن ندیم، و نه در اصل کتاب به عربی، و همچنین در «کشف الظنون» ذیل کتاب «العین والدین» و نیز در متن و پانویس «فارسانامه» از او به عنوان ابن سَریح یاد شده است که با توجه به دیگر منابع، ضبط ابن سَریح صحیح‌تر به نظر می‌آید.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۷۹- ۱۷۸/ ۱)، تاریخ بغداد (۲۹۰- ۲۸۷/ ۴)، تاریخ نجوم اسلامی (۲۸۶)، دائرةالمعارف البستانی (۲۱۶- ۲۱۵/ ۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۶۲۷- ۶۲۶/ ۴)، روضات الجنات (۲۱۸- ۲۱۶/ ۱)، ریحانه (۲۲۰/ ۱)، سیر النبلاء (۲۰۴- ۲۰۱/ ۱۴)، فارسانامه‌ی ناصری (۱۱۳۶)، الفهرست لابن ندیم (۳۰۰- ۲۹۹)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۳۹۲)، الکنی واللقاب (۳۰۶/ ۱)،

کشف الظنون (۲۰۰۵، ۱۴۴۴، ۱۲۵۸-۱۲۵۷، ۷۰۵)، لغت‌نامه (ذیل / ابن سرج)، معجم المؤلفین (۳۲-۳۱ / ۲)، نامه‌ی دانشوران (۲۰۹-۱۹۶ / ۱)، الوافی بالوفیات (۲۶۱-۲۶۰ / ۷)، وفیات الاعیان (۶۷-۶۶ / ۱)، هدیه العارفين (۵۷ / ۱).

ابن سکیت، ابویوسف یعقوب

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۴۴-۱۸۶ ق)، لغوی، نحوی، شاعر و زبان‌شناس شیعی. پدرش سکیت، شاعر و از مردم دورق خوزستان بود. نخست نزد پدر، که در شعر و لغت صاحب‌نظر بود، و سپس نزد ابوعمر و شیبانی، فراء و ابن اعرابی و دیگران، درس خواند. ابن سکیت گوید: پدرم در شعر بر من مقدم است و من در نحو بر وی. از اصحاب خاص امام محمدتقی (ع) و امام علی‌النقی (ع)، و محدثی ثقة و صادق بود. در درب القنطریه‌ی بغداد مقیم و همراه پدرش به تدریس مشغول بود. ابن سکیت معلم فرزندان متوکل خلیفه عباسی بود و در ابراز شیعیگری خود زبانی بی‌پروا داشت، چندان که جان خود را نیز به خاطر آن از دست داد. روزی متوکل که با اهل بیت (ع) دشمنی داشت، از او پرسید که آیا فرزندان من بهترند یا پسران علی (ع)، ابن سکیت در جواب گفت: من، تو و فرزندان تو را با قبر، خادم علی (ع)، برابر ندارم. متوکل بر آشفت و فرمان داد زبان وی را از قفا بیرون کشند. غلامان او را به بدترین صورت کشتند. ابن سکیت در نحو از پیروان مکتب کوفه بود. و سبب اشتهار وی آثار لغوی اوست کهبه مکتب بصره تعلق دارد، بدین سبب نیز او را نماینده‌ی مکتب تلفیقی کوفه و بصره دانسته‌اند. ابن سکیت متخصص لغت و شعر عرب بود و بیش از بیست اثر از خود بر جای گذاشته است که برخی از آنها عبارت‌اند از: «اصلاح المنطق» که به گفته مبرد کتابی در لغت همسنگ آن در بغداد دیده نشده؛ کتاب «الالفاظ»؛ کتاب «القلب والابدال»؛ کتاب «الاضداد». علاوه بر اینها، ابن ندیم از سی شاعر قدیم نام می‌برد که ابن سکیت دواوین ایشان را با دقت تحسین برانگیزی جمع‌آوری و شرح کرده است که از این تعداد تنها چند اثر باقی مانده است. از دیگر آثار او: «الاصوات»؛ «الامثال»؛ «معانی الشعر الكبير»؛ «معانی الشعر الصغير»؛ «المقصود والممدود»؛ «المذکر والمؤنث».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۹/ ۲۵۵)، اعیان الشیعه (۳۰۶-۳۰۵ / ۱۰)، ایضاح المکنون (۵۰۷، ۳۴۸، ۳۴۵، ۳۴۲، ۳۳۵، ۳۳۰، ۳۲۸، ۳۲۰، ۳۱۸، ۳۰۲، ۲۹۰، ۲۷۷، ۲۷۶، ۲۷۳، ۲۶۲، ۲۶۱ / ۲، ۹۴ / ۱)، تاریخ بغداد (۲۷۴-۲۷۳ / ۱۴)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۶۳۲-۶۳۱ / ۴)، دائرة المعارف البستانی (۵۲۵-۵۲۳ / ۱)، الذریعه (۱۷۳ / ۲)، رجال ابن داود (قسم ۳۷۹ / ۱)، رجال النجاشی (۴۲۶-۴۲۵ / ۲)، روضات الجنات (۲۰۰-۱۹۸ / ۸)، ریاض العلماء (۲۱ / ۶، ۳۸۷-۳۸۱ / ۵)، ریحانه (۵۷۱-۵۶۹ / ۷)، سیر النبلاء (۱۹-۱۶ / ۱۲)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۲۶۳-۲۶۰ / ۱۲۲-۱۲۱)، کشف الظنون (۲۰۰۹، ۱۴۰۶، ۱۳۵۸، ۱۳۵۵، ۵۰۷، ۲۶۴، ۱۰۸)، الکنی والالقباب (۳۱۶-۳۱۴ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل / ابن سکیت)، مؤلفین کتب چاپی (۸۶۹-۸۶۸ / ۶)، مجالس المؤمنین (۵۵۶-۵۵۵ / ۱)، معجم الادباء (۵۲-۵۰ / ۲)، معجم رجال الحدیث (۱۳۰-۱۲۹ / ۲۰)، معجم المؤلفین (۲۴۴-۲۴۳ / ۱۳)، نامه‌ی دانشوران (۲۶۰-۲۵۲ / ۲)، وفیات الاعیان (۴۰۱-۳۹۵ / ۶)، هدیه الاحباب (۶۴-۶۳)، هدیه العارفين (۵۳۷-۵۳۶ / ۲).

ابن سلم رازی اصفهانی، ابویحیی عبدالرحمان

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۹۱-۲۱۱ ق)، عالم، حافظ، محدث و مفسر. در ری متولد شد. وی امام مسجد جامع اصفهان بود. از سهل بن عثمان و عبدالعزیز بن یحیی و حسین بن عیسی زُهری روایت کرده، و قاضی ابواحمد عسّال و ابوالقاسم طبرانی و ابوالشیخ بن حیان و عبدالرحمان بن سیاه از وی حدیث شنیدند. از آثارش: «المسند»، در حدیث؛ «التفسیر»، تفسیری بر قرآن.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴/ ۹۹)، ری باستان (۲/ ۳۱۹)، سیر النبلاء (۵۳۱-۵۳۰/ ۱۳)، معجم المؤلفین (۵/ ۱۷۵)، هدیة العارفین (۱/ ۵۱۳).

ابن سلمه‌ی نیشابوری، ابوالفضل احمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۸۶ ق)، حافظ و محدث. وی مسلم بن حجاج نیشابوری را در سفر بلخ و بصره همراهی کرد. از قتیبه و اسحاق بن راهویه و محمد بن مهران جَمّال و ابوگریب و ابن حمید رازی و محمد بن اسلم طوسی حدیث شنید. ابن‌واره رازی و ابو زُرعه رازی و ابو حاتم رازی و علی بن عیسی از وی روایت کرده‌اند. او کتابی به نام «صحیح» در حدیث دارد که به سبک «صحیح مسلم» گردآوری شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/ ۱۲۸)، تاریخ بغداد (۱۸۷-۱۸۶/ ۴)، الجرح والتعديل (ج ۱، ق ۵۴/ ۱)، سیر النبلاء (۱۳/ ۳۷۳).

ابن سَمَقَه، محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۶۹ ق)، مورخ. وی از تاریخ‌نگاران محلی است که درباره خوارزم تاریخ مفردی به نام «اخبار الخوارزم» نگاشته است حاجی خلیفه از صاحب ترجمه به نام ابواحمد محمد بن سعید بن قاضی یاد کرده و از اثر وی تحت عنوان «الکافی من تواریخ الخوارزم» و تاریخ وفات وی را ۳۴۶ ق ذکر کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/ ۹)، کشف الظنون (۲۹۳)، الوافی بالوفیات (۱۰۵-۱۰۴/ ۳).

ابن سمکه قمی، ابوعلی احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، حکیم، ادیب و نویسنده. اهل قم و از استادان ابن‌عمید بود. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۶۳۸)، تاریخ قم (۲۱۷).

ابن سمنانی، ابوالقاسم علی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۹۹ ق)، مورخ و فقیه حنفی. در رحبه، نزدیک حلب، متولد شد. در فقه و تاریخ کتبی نگاشت. از آثار وی: «روضه القضاء و طریق النجاة» در آداب قضا؛ «العروة الوثقی»، در شروط. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: الاعلام (۱۴۹- ۱۴۸/ ۵)، ایضاح المکنون (۹۹/ ۲، ۵۹۶/ ۱)، کشف الظنون (۱۱۳۳)، معجم المؤلفین (۷/ ۱۸۰)، هدیة العارفین (۱/ ۶۹۴).

ابن سیار شیرازی، ابوماهر، ابوعمران موسی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۵۰ ق)، پزشک، حکیم، فیلسوف، شاعر. ولادت او در شیراز بود و در همان جا نشو و نما یافت و به تحصیل پرداخت. وی در فنون طب و حکمت مشهور بود. ابوعلی مندویه و احمد بن محمد طبری و علی بن عباس مجوسی اهوازی و اغلب بزرگان طب وقت به شاگردی وی مباحثات می‌کردند. در علم منطق از استادان بود. پس از راه یافتن به دربار بویه، عضدالدوله جوان را که به بیماری چشم مبتلا بود درمان کرد و همین امر موجب شهرت بیشتر او شد. او بر عقاید جالینوس اعتراضاتی وارد کرد. از جمله آثارش: «مقاله‌ای در فصد»؛ «اضافات بر «کناش» اسحاق بن حنین؛ رساله‌ای در «آلات جراحی»؛ «امراض العین و منافع خرافات»؛ کتاب «چهل باب»، در جزء نظری و عملی؛ «تعلیقات بر کتاب اغلوتن جالینوس»؛ «فی الستة الضروریة»؛ شرح بر کتابهای یوحنا بن سراپیون؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۱/ ۴۸۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۳۴۶)، تاریخ طب (۶۶۹- ۶۶۸، ۴۴۶، ۴۴۵، ۲۹۶/ ۲)، ریحانه (۱۰۳- ۱۰۲/ ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن سیار و موسی)، معجم المؤلفین (۱۳/ ۵۰)، هدیة العارفین (۲/ ۴۷۸).

ابن سیار مروزی، ابوالحسن احمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۶۸- ۱۹۸ ق)، فقیه، محدث شافعی و مورخ. در مرو متولد شد. برای استماع حدیث بسیار سفر کرد و از اسحاق بن راهویه و عبدان بن عثمان مروزی و عفان بن مسلم و از همطبقه آنان در خراسان و عراق و حجاز و شام و مصر حدیث شنید. ابن سیر در علم و پارسایی بلند آوازه بود و در روزگار خود با ابن مبارک مقایسه می‌شد و در میان معاصران خود حرمت و احترام فراوانی داشت. نسایی در «صحیح» خود و نیز محمد بن اسماعیل یخاری و محمد بن نصر مروزی و ابن خُزیمه و محمد بن عقیل بلخی و حاجب طوسی و دیگر خراسانیان از وی روایت کرده‌اند. رجال‌شناسان او را ثقه توصیف کرده‌اند. وی یکی از کسانی است که فقه شافعی را در خراسان پراکنده کرد. از آثار وی: کتابی در «اخبار مرو» یا «تاریخ مرو»؛ «فتوح خراسان».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الجرح والتعديل (ج ۱، ق ۵۳/ ۱)، تاریخ بغداد (۱۸۹- ۱۸۷/ ۴)، تهذیب التهذیب (۳۴- ۳۳/ ۱)، سیر النبلاء (۶۱۱- ۶۰۹/ ۱۲)، کشف الظنون (۳۰۳)، معجم المؤلفین (۲۴۱/ ۱).

ابن سینا، ابوعلی حسین

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۲۷/ ۴۲۸- ۳۷۰ ق)، پزشک، فیلسوف، منطقی و دانشمند. مشهور به ابن سینا یا ابوعلی سینا، در مغرب زمین آویسن یا آویسنا و ملقب به حجة الحق، شیخ‌الرئیس، شرف‌الملک و امام‌الحکما. ابن سینا در افشنه‌ی بخارا، زادگاه مادرش، متولد شد. پدر وی از دیوانیان دستگاه سامانیان بود و در تربیت فرزندان خود سخت کوشا. پدر ابن سینا، عبدالله، شیفته‌ی تعلیمات اسماعیلیان بود. ابن سینا، علی‌رغم اشراف به نظر و عقاید این گروه، گرایش به این فرقه نداشت. در چهارده سالگی در علم بر استاد خود ابوعبدالله ناتلی پیشی گرفت، چندان که مشکلات منطق را بر استاد خود می‌گشود. در شانزده سالگی جمعی از پزشکان فاضل زبردست او کار می‌کردند. ابوعلی با مداوای بیماری نوح بن منصور سامانی امیر خراسان اجازه یافت که از کتابخانه‌ی عالی امیر استفاده کند. در هجده سالگی جامع‌العلوم شد و از این پس ترقیات وی نتیجه‌ی اجتهاد شخصی خود وی بود. در بیست و یک سالگی نخستین اثر فلسفی خود را تحت عنوان «العروضیه» به درخواست ابوالخیر عروزی نوشت. پس از درگذشت پدر، به خدمات دیوانی روی آورد. به زودی فکر و تدبیر او مورد قدردانی واقع شد. امیران علاوه بر نصایح پزشکی او در سیاست نیز خواستار رأی او شدند. چندین بار به وزارت رسید، و در معرض رشک دیگران قرار گرفت. چندین بار فرار کرد. مدتی زندانی شد. ولی از زندان گریخت. چهارده سال در آرامش در دربار علاءالدوله دیلمی در اصفهان می‌زیست. بر اثر مسافرتها و شب زنده‌داریها و بی‌توجهی به خود به قولنج مبتلا شد و در ضمن لشکرکشی علاءالدوله در همدان درگذشت و در همین شهر به خاک سپرده شد. در جشن یادبود هزاره‌ی او بر مزارش بنایی ساختند. شهرت ابن سینا چندان است که از مرزهای سرزمینهای اسلامی گذشته و به سراسر جهان رسیده است. آثار او به زبانهای مختلفی ترجمه و منتشر شده‌اند. ابن سینا، علاوه بر پزشکی و فلسفه، در نجوم، فیزیک، علوم طبیعی نیز آثاری دارد از آن جمله، در اواخر عمر به دستور علاءالدوله آنتی شبیه‌ورنیه‌ی کنونی برای به دست آوردن نتایج دقیق در رصد اختراع کرد. از هوش و حافظه‌ی وی سخنها گفته‌اند و او را سرآمد فلاسفه اسلامی دانسته‌اند. وی با ابوریحان بیرونی و ابوسهل مسیحی، معاشرت و مباحثه داشت و از معاصرینش می‌توان ابن خمار و ابوالفرج بن طیب را نام برد و از جمله شاگردان او ابوالحسن بهمنیار بن مرزبان، ابن زیله، ابوعبدالله معصومی، ابوعمید جوزجانی را با ابوسعید ابوالخیر نیز مباحثه‌ای داشت که بسیار مشهور است. ابن سینا در زمینه‌ی ادبیات نیز کتابهایی نوشت و اشعاری نیز به وی منسوب است. از آثار او: «النجاة»؛ «الاشارات والتنبیها»، در منطق و حکمت؛

«الشفاء» در حکمت علمی نظری؛ «دانشنامه‌ی علائی»، به فارسی؛ «اسرار الصلاة»؛ «مبدأ و معاد»؛ «قانون»، در طب. این کتاب با وجود ناقص بودن، سبب اشتها ابن سینا در اروپا شد. «اسباب حدوث الحروف و مخارجها»، در زبان‌شناسی؛ «الموجز الكبير»؛ «الموجز الصغیر»، هر دو در منطق؛ «رساله حی بن یقظان»؛ «المدخل الی صناعة الموسیقی»، در موسیقی که از آثار فارابی کامل‌تر و جامع‌تر است؛ «مقاله فی آله رصدیه». در کل ۲۷۶ عنوان کتاب به او نسبت می‌دهند که ۱۳۱ اثر را با انتساب صحیح و مابقی را با انتساب مشکوک از او دانسته‌اند. [۱]

شیخ‌الرئیس حجه‌الحق شرف‌الملک امام‌الحکماء ابوعلی حسین بن عبدالله بن حسن بن علی معروف به ابن سینا (و. افشنه یا خرمین ۳۷۰- ف. همدان ۴۲۸ ه.ق.) پدر او از مردم بلخ و مادر وی ستاره از اهل افشنه (نزدیک بخارا) بود. ابن سینا در بخارا کسب علم کرد و در ده سالگی قرآن را از بر نمود و نزد ابو عبدالله ناتلی منطق و هندسه و نجوم آموخت. و پایه وی از استاد در گذشت. از آن پس به تعقیب علوم طبیعی و ما بعدالطبیعه و طب پرداخت. آثار فارابی فکر ابن سینا را به خود جلب کرد و مشوق او در مطالعه آثار فلسفی گردید. وی در عنوان شباب نوح بن منصور پادشاه سامانی را معالجه کرد و از کتابخانه گرانهای او بهره‌ها برد. ابن سینا بخارا را ترک گفت و به گرگانج شتافت، و از آنجا به حکم ضرورت به خراسان و سپس به گرگان و ری و همدان و اصفهان شد و آثار ذی‌قیمت خویش را در این سفرها تحریر کرد. شیخ در همدان به وزارت شمس‌الدوله رسید. و سالهای اخیر عمر را در اصفهان در حمایت علاء‌الدوله کاکویه گذرانید و در سفری که همراه امیر مزبور به همدان می‌شد، در راه مریض گردید و در همدان درگذشت. آرامگاه او را بدانجا برپا داشته‌اند. به مناسبت هزارمین سال تولد وی، جشنی در سال ۱۳۳۱، ه. ش. در ایران منعقد گردید. مؤلفات ابن سینا همواره مورد توجه بوده و شروح متعدد بر آنها نوشته‌اند و بسیاری از آنها نیز به زبانهای غربی ترجمه شده است. آثار مهم ابن سینا- کتاب‌الشفاء کتاب القانون فی الطب، کتاب‌الاشارات، کتاب‌النجاه، دانشنامه علائی (به فارسی) و غیره است. آرامگاه ابن سینا.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار الباقیه (۳۹۵)، از فردوسی تا سعدی (۱۵۷-۱۵۲)، استادان موسیقی (۳۳-۳۲)، الاعلام (۲۶۲-۲۶۱/۲)، اعیان الشیعه (۸۰-۶۹/۶)، ایضاح المکنون (۶۷۲، ۵۵۵/۲)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۱۴۹-۱۴۸/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۷-۳۴۶، ۳۴۳-۳۴۲، ۳۱۹-۳۰۳/۱)، تاریخ حکماء قفطی (۵۷۰-۵۵۵)، تاریخ طب (۶۳۳-۴۷۷/۲)، تاریخ فلسفه در اسلام (۷۲۱-۶۸۳/۱)، تاریخ گزیده (۶۸۹-۶۸۸)، تاریخ موسیقی (۱۵۳-۱۴۸/۱)، تاریخ نجوم اسلامی (۳۲۱-۳۲۰، ۳۱۳، ۴۵، ۳۸، ۳۵-۳۴)، ترجمه‌ی تمه‌ی صوان‌الحکمه (۴۳-۲۹)، حیب‌السیر (۲/۴۴۹)، دائرة‌المعارف‌البستانی (۵۳۹-۵۳۵/۱)، الذریعه (۲۳۲، ۲۲۳-۲۲۲، ۲۲۰، ۲۱۸، ۲۱۷-۲۱۵، ۱۵۴، ۱۴۵، ۱۴۴، ۱۴۰، ۱۳۹، ۱۲۹، ۱۲۲، ۱۲۱، ۹۴، ۹۳، ۹۲، ۶۵، ۵۱، ۴۸، ۲۶، ۲۵، ۲۴/۱۷، ۳۸۱-۱۵/۲۰۱، ۱۴/۲۴۰، ۱۰/۲۳۹، ۴۷، ۸/۱۸۴، ۱۳۰، ۱۲۸، ۷/۲۸۶، ۵/۴۳، ۴۰۷، ۳۷۱/۱)، روضات‌الجنت (۱۷۳-۱۵۹/۳)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۳۴-۲۹)، سرگذشت ابن سینا (۱۹-۱)، سیر‌النبلاء (۵۳۷-۵۳۱/۱۷)، فوائد‌الرضویه (۴۵۹-۴۵۸/۲)، کشف‌الظنون (۲۰۳۱، ۱۹۰۰، ۱۷۹۳، ۱۷۸۳، ۱۶۲۱، ۱۵۵۰، ۱۵۳۳، ۱۵۲۰، ۱۴۶۶، ۱۴۵۵، ۱۴۵۴، ۱۴۴۰، ۱۴۳۰، ۱۴۰۸، ۱۳۸۹، ۱۳۴۱، ۱۳۲۷، ۱۳۱۱، ۱۱۸۶، ۱۰۵۵، ۹۵۳، ۹۰۰، ۸۹۷، ۸۹۶، ۸۹۴، ۸۹۱، ۸۸۹، ۸۸۰، ۸۷۹-۸۷۶، ۸۷۰، ۸۶۲، ۸۶۱، ۸۵۲، ۸۴۶، ۸۴۳، ۸۴۱، ۷۶۶، ۷۵۷، ۷۳۶، ۶۸۵، ۶۲۴، ۶۶۳، ۴۵۱، ۴۴۹، ۳۸۰، ۳۷۷، ۲۳۸، ۲۰۱، ۱۸۳، ۹۴، ۶۳، ۵۱، ۳۷-۳۶/۱۲)، الکنی والالقباب (۳۲۳-۲۰/۳۲۰)، لسان‌المیزان (۵۴۱-۵۳۸/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوعلی سینا)، مجالس‌المؤمنین (۱۸۹-۱۸۱/۲)، معجم‌المؤلفین (۲۳-۲۰/۴)، مقدمه بر تاریخ علم (۸۱۸-۸۱۶/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۰۰-۷۷۹/۲)، نامه‌ی دانشوران (۱۴۶-۸۹/۱)، وفيات‌الاعیان (۱۶۲-۱۵۷/۲)، الوافی بالوفیات (۴۱۲-۳۹۱/۱۲)، هدیة‌الاحباب (۶۷-۶۶)، هدیة‌العارفين (۳۰۹-۳۰۸/۱).

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۴۲۰ ق)، فقیه و محدث امامی. ابن قولویه دایی او یا دایی پدر اوست. وی از راویان ابن بابویه صدوق و از مشایخ علامه ابوالفتح کراجکی و نجاشی است. کراجکی در ۴۱۲ ق در مکه معظمه، در مسجد الحرام، کتاب «مناقب» را بر او خواند. آثار وی: «ایضاح دفائن النواصب»؛ «کتاب المناقب» یا «المأء منقبه» یا «مناقب امیرالمؤمنین (ع)»، حاوی صد منقبت از طریق عامه، معروف به «مناقب ابن شاذان».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۰۲- ۱۰۱ / ۹)، الذریعه (۲۲/ ۳۱۶، ۲- ۱۹/ ۴۹۴، ۲)، روضات الجنات (۱۷۷- ۱۶۷ / ۶)، ریاض العلماء (۲۷- ۲۶ / ۵)، ریحانه (۴۲ / ۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۱- ۱۵۰ / ۵)، فوائد الرضویه (۳۹۱- ۳۹۰)، الکنی واللقاب (۳۲۳ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل / ابن شاذان)، هدیه الاحباب (۶۸).

ابن شاذان قمی، ابوالعباس احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم و پنجم ق)، فقیه امامی. وی نزد ابن تمام دهقان درس خواند و از وی و محمد بن حسن بن احمد حدیث شنید. پسرش، ابوالحسن محمد، و دیگران از او روایت کرده‌اند. وی در روزگار خود از مراجع بزرگ تشیع به شمار می‌رفت. در برخی منابع از او به نام ابن شاذان کوفی یاد کرده‌اند که پسوند کوفی شاید نشانه‌ی آن باشد که نیاکانش از کوفه به قم کوچیده بودند. از آثار وی: «امالی» و «زادالمسافر».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴۰- ۳۹ / ۳)، الذریعه (۸- ۷ / ۱۲)، رجال النجاشی (۲۲۳- ۲۲۲ / ۱)، ریاض العلماء (۵۲- ۵۱ / ۱)، ریحانه (۴۲ / ۸)، فوائد الرضویه (۲۱)، الکنی واللقاب (۳۲۳ / ۱)، لسان المیزان (۳۵۳- ۳۵۲ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل / ابن شاذان)، معجم رجال الحدیث (۱۶۶ / ۲).

ابن شاذان نیشابوری، ابومحمد فضل

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۶۰ ق)، محدث، کلامی و فقیه شیعی. نیاکانش از قبیله‌ی ازد یمن بودند و پس از فتح خراسان به آنجا آمدند. پدرش نیز از فقهای شیعه و از یاران یونس بن عبدالرحمان بود. خود وی از اصحاب امام جواد، امام هادی و امام حسن عسکری (ع) بود. برخی از محدثین وی را از اصحاب امام رضا (ع) نیز دانسته‌اند. یک بار زمانی که پوشنجی در محضر امام حسن عسکری (ع) در حال خارج

شدن بود، یکی از کتابهای فضل بن شاذان را که با خود داشت از دستش بر زمین افتاد. امام وقتی کتاب را مشاهده می‌کند از آن تعریف و نویسنده‌ی آن را دعا می‌کند. عبدالله بن طاهر ذوالیمینین امیر خراسان فضل را به جرم تشیع به بیهق تبعید کرد، اما پس از چندی از او دلجویی کرد. ابن داوود و کثی و نجاشی و طوسی او را از ثقه‌ترین محدثان عصر می‌دانند و ابن ندیم از او به عنوان یکی از پیشوایان در قرآن و روایات نام می‌برد. فضل به هنگام حمله‌ی خوارج به بیهق از آنجا بیرون رفت و در راه بیهق به نیشابور در گذشت. آرامگاه وی در یک فرسنگی نیشابور است. علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری، محمد بن اسماعیل بندقی نیشابوری، سهل بن بحر فارسی و برادرانش علی و محمد از شاگردان وی بودند. شمار آثار وی را بیش از ۱۸۰ تصنیف و تألیف دانسته‌اند، و نجاشی چهل و هشت اثر وی را نام برده است. از آن جمله: «اثبات الرجعة»؛ «التوحید»؛ «تبیان اصل الضلالة» که نجاشی از آن به نام «تبیان اهل الضلالة» یاد کرده؛ «حذو النعل بالنعل»؛ «فرائض الکبیر»؛ «فرائض الاوسط»؛ «فرائض الصغیر»؛ «فضائل امیرالمؤمنین (ع)»؛ «کتاب الاعراض والجواهر»؛ «کتاب الایمان»؛ «ایضاح»، در رد فرق مختلف و یکی از کتب مهم و تقریباً کامل‌ترین اثر به جا مانده از فضل بن شاذان؛ «کتاب الطلاق»؛ «کتاب الملاحم»؛ «کتاب النجاح»؛ «کتاب التفسیر»؛ «کتاب القراءات».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۵/ ۳۵۵)، ایضاح المکنون (۶۷۵، ۵۱۳، ۴۷۴، ۴۴۵، ۳۴۲، ۳۳۶، ۳۳۴، ۳۲۵، ۳۲۱، ۳۱۵، ۳۱۳، ۳۱۲، ۳۰۳، ۲۹۲، ۲۸۴، ۲۸۲، ۲۷۷، ۲۶۹، ۱۹۷، ۱۸۵، ۱۸۴، ۲/ ۴۰۰، ۲۲۳، ۲۳/ ۱)، الذریعه (۲۹۰، ۲۸۸، ۲۸۵، ۱۴۵، ۶۴- ۶۳/ ۲۴، ۳۷۳، ۳۵۹، ۳۵۶، ۳۴۳، ۳۳۹، ۳۳۶، ۲۰/ ۶۷، ۱۹/ ۳۲۵، ۱۸/ ۵۲، ۱۷/ ۱، ۱۶۷، ۱۶/ ۷۸، ۱۵۱، ۴۹۱- ۴۹۰/ ۲، ۹۳/ ۱)، رجال ابن داود (قسم ۲۷۳- ۲۷۲/ ۱)، رجال الطوسی (۴۳۴، ۴۲۰)، رجال الکثی (۵۴۵- ۵۳۷)، رجال النجاشی (۱۶۹- ۱۶۸/ ۲)، ریحانه (۴۲- ۴۱/ ۸)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۴۲۱- ۴۲۰، ۶۱، ۴۵، ۴۴)، الفهرست للطوسی (۲۵۵- ۲۵۴)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن شاذان)، الملل والنحل (۱۵۱)، مجالس المؤمنین (۴۰۴- ۴۰۰/ ۱)، معجم المؤلفین (۶۹/ ۸)، معجم رجال الحدیث (۳۰۱- ۲۸۹/ ۳)، مفاخر اسلام (۱۶۴- ۱۲۷/ ۱)، هدیة العارفين (۸۱۸- ۸۱۷/ ۱).

ابن شاذان، ابوبکر احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۸۳- ۲۹۸ ق)، محدث. معروف به ابوبکر بزاز. در بغداد متولد شد. نیاکان وی از مردم دورق اهواز بودند. از ابوالقاسم بغوی، ابوبکر بن دُرید، ابوذر بن باغندی، احمد بن سلیمان طوسی و نفطویه نحوی و بسیاری دیگر حدیث شنید. فرزندش، ابوعلی بن شاذان، دارقطنی و تنوخی و جوهری از وی روایت کرده‌اند. او محدث بغداد در زمان خود بود. ابن شاذان به مصر و دیگر جای‌ها مسافرت تجاری داشت و تجارت نوعی پارچه به نام بز می‌کرد و لذا بزاز لقب گرفت. او در این سفرها از شیوخ حدیث شنید و از آنان نوشت. از آثار وی: «مسلسات»، در حدیث.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/ ۸۳)، تاریخ بغداد (۲۰- ۱۸/ ۴)، سیر النبلاء (۴۳۰- ۴۲۹/ ۱۶)، معجم المؤلفین (۱/ ۱۳۶).

ابن شاذان، ابوعلی احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۴۵۰ ق)، ادیب. در دوران فرمانروایی چغری بیک و آلب ارسلان در دستگاه سلجوقیان در بلخ و شمال افغانستان به کار دیوانی مشغول بود. ابن شاذان از ابوالعباس محمد بن احمد نقاش کلام آموخت. از شاگردان او می‌توان، ابوالمعالی ثابت بن بُندار بَقّال و ابوعلی محمد بن سعد کاتب را نام برد. خواجه نظام‌الملک نیز مدتی در شهر بلخ نزد وی، که در آن زمان از طرف چغری بیک حاکم آن شهر بود، به دبیری اشتغال داشت و این یکی از دلایل اشتهار ابوعلی شد، چه از طریق او بود که خواجه نظام‌الملک به خدمت آلب ارسلان درآمد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: از فردوسی تا سعدی (۲۵۸)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۵/ ۶۵۳)، لغت‌نامه (ذیل / ابن شاذان و احمد)، وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی (۴۷).

ابن شاذکونی اصفهانی، ابویوب سلیمان

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۳۴ ق)، محدث شیعی. در بصره به دنیا آمد. از حفص بن غیاث، سفیان بن عیینه و ابوبصیر و حماد بن عیسی و بسیاری دیگر از شاگردان امام صادق (ع) حدیث شنید. ابن سماعه، کُدیمی، علی بن محمد کاشانی، قاسم بن محمد اصفهانی، ابراهیم بن محمد اصفهانی و اسید بن عاصم اصفهانی از شاگردان وی می‌باشند. وی به بغداد رفت و در آنجا ساکن شد و عمرو ناقد گفت که با هم به مجلس سلیمان برویم تا نقد الرجال بیاموزیم. او سپس به اصفهان رفت و در آنجا ساکن شد و حدیث گفت. نجاشی و علی بن ابراهیم وی را محدثی ثقه می‌دانند، اما برخی رجال‌نویسان شیعه او را در شمار محدثان ضعیف نام برده‌اند. در اصفهان درگذشت. وی کتابی در حدیث داشته که از میان رفته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۷/ ۲۹۸)، تاریخ بغداد (۹/ ۴۰-۴۸)، الجرح والتعديل (ج ۲، ق ۱۱۵-۱۱۴/ ۱)، رجال النجاشی (۴۱۶-۴۱۵/ ۱)، سیر النبلاء (۶۸۴-۶۷۹/ ۱۰)، الکامل (۵/ ۲۸۲)، لسان المیزان (۳/ ۳۶۹-۳۷۵)، معجم رجال الحدیث (۲۹۱-۲۹۰، ۲۶۰-۲۵۷، ۲۵۶-۲۵۴/ ۸).

ابن شاذویه، علی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، محدث و عالم شیعی. وی از مشایخ شیخ صدوق بود و صدوق در «عیون اخبار الرضا (ع)» از وی روایت کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تنقیح المقال (۲/ ۲۸۱)، معجم رجال الحدیث (۳۶۲- ۳۶۱/ ۱۱).

ابن‌شاه، ابوبکر احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۷۶- ۳۱۳ ق)، شاعر، ادیب، صوفی و فقیه حنفی. اصل وی از خوارزم بود و خود از اهالی بخارا. ابن‌سینا از شاگردان او بود. به گفته‌ی ذهبی او از پیشگامان بود و تصانیف زیبایی داشت. از آثارش: «دیوان» اشعار، که ابن‌ماکولا آن را دیده که اکثرش به خط ابن‌سینا بوده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/ ۲۰۲)، ایضاح المکنون (۱/ ۴۸۵)، معجم المؤلفین (۲/ ۷۷).

ابن‌شاه‌مردان ابهری، عبدالله

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۶۰۰ ق)، ادیب و زبان‌شناس. در «الذریعه» نام وی عبدالله ذکر شده است. از آثار وی: «حدائق الآداب» یا «خلائق الادب»، در لغت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۶/ ۲۸۰)، کشف الظنون (۶۳۲)، معجم الادباء (۱۲/ ۷۲)، معجم المؤلفین (۶/ ۲۴۵)، هدیة العارفین (۶۵۰/ ۱).

ابن‌شاهویه، ابوبکر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۶۲ ق)، فقیه شافعی. از مردم فارس بود. سفری به نیشابور کرد و مدتی در آنجا اقامت گزید و سپس به بخارا رفت و باز به فارس مراجعت کرد و در آنجا متصدی منصب قضا شد. او در فقه شافعی اقوالی مخالف دیگر فقهای آن مذهب دارد. در نیشابور درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دائرةالمعارف البستانی (۱/ ۵۳۹)، ریحانه (۴۴- ۴۳/ ۸)، لغت‌نامه (ذیل / ابن‌شاهویه)، وفيات الاعیان (۴/ ۲۱۱).

ابن‌شاهین، ابوجعفر عمر

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۸۵- ۲۹۷ ق)، محدث، حافظ، واعظ و مفسر. از محدثین ثقه و مورد اعتماد است که در بغداد متولد شد و در شام، عراق، بصره و فارس حدیث شنید. ابوبکر باغندی و ابوالقاسم بغوی از جمله‌ی محدثانی بودند که وی از آنان حدیث شنید. و ابوبکر برقانی، ابوسعید مالینی و ابوبکر محمد بن اسماعیل وراق از او روایت حدیث کردند. بیش از سیصد تصنیف داشته است از جمله‌ی آنها: «تفسیر قرآن»، حدود سی مجلد با اسناد مفصل؛ «المسند» یا «السنة»، در حدیث؛ «معجم الشيوخ»؛ «كشف الممالك»؛ «ناسخ الحدیث و منسوخه»؛ «تاریخ اسماء الثقات»؛ «الافراد».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۹۶/ ۵)، تاریخ بغداد (۲۶۸- ۲۶۵/ ۱۱)، دائرة المعارف البستانی (۵۴۰- ۵۳۹/ ۱)، سیر النبلاء (۴۳۵- ۴۳۱/ ۱۶)، كشف الظنون (۱۹۲۰، ۱۴۲۶- ۱۴۲۵، ۱۳۹۴)، معجم المؤلفین (۲۷۴- ۲۷۳/ ۷)، هدیة العارفين (۱/ ۷۸۱).

ابن شرفشاه حسینی استرآبادی، رکن‌الدین

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۷۱۸/ ۷۱۷/ ۷۱۵- ۶۴۵)، فیلسوف، عالم، نحوی و طبیب. از مردم استرآباد بود. از زادگاهش به مراغه رفت. نزد خواجه نصیرالدین طوسی درس خواند و در زمره‌ی شاگردان برجسته‌ی وی درآمد و تا پایان زندگی خواجه در کنار او بود. وی بر برخی از کتب استادش شرح نوشت و پس از مرگ خواجه نصیر به موصل رفت و در مدرسه نوریه به تدریس حکمت مشغول شد و تا پایان عمر در موصل ماند. برخی منابع او را شیعه و برخی دیگر شافعی می‌دانند اما آرای فلسفی و کتب او در حکمت موید تشیع اوست. صفدی از حلم و تواضع زائد الوصف او سخن گفته است. از جمله شاگردان وی: زین‌الدین علی بن حسین و شیخ تاج‌الدین علی بن عبدالله تبریزی. از آثار وی: شرح «مختصر» ابن‌حاجب، در اصول؛ شرح «تجرید الکلام» خواجه نصیرالدین؛ شرح «قواعد العقائد» خواجه نصیر؛ شرح «کافی» ابن‌حاجب، در سه قسمت صغیر و کبیر و وسیط، که شرح کبیر آن به نام «بسیط» و شرح متوسط آن به اسم «وافیه» مشهورند؛ شرح «الفصیح» ثعلب در لغت؛ «مرآة الشفا»، در طب؛ شرح «الشافیة» ابن‌حاجب، در تشریح.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۳۳/ ۲)، اعیان الشیعه (۲۵۵/ ۵)، الذریعه (۷/ ۷۱، ۳۸۰، ۸۳/ ۲)، روضات الجنات (۹۲- ۹۱/ ۳)، ریاض العلماء (۲۲- ۲۱/ ۶، ۳۲۱- ۳۲۰/ ۱)، ریحانه (۵۴- ۵۳/ ۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۸- ۴۷/ ۸)، كشف الظنون (۱۸۵۵، ۱۶۴۸، ۱۳۷۶، ۱۳۷۰، ۱۰۲۱، ۶۲۶)، معجم المؤلفین (۲۸۳/ ۳)، الوافی بالوفیات (۱۲/ ۵۴)، هدیة العارفين (۱/ ۲۸۳).

ابن شرقی نیشابوری، ابو حامد احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۲۵ - ۲۴۰ ق)، حافظ و محدث. از شاگردان مسلم نیشابوری بود. او از محمد بن یحیی ذُهلّی و عبدالرحمان بن بشر بن حکم، و احمد بن ازهر، و احمد بن یوسف سلمی و همطبقه ایشان حدیث شنید؛ آنگاه مسافرت آغاز کرد، و در ری از ابوحاتم رازی، در مکه از ابویحیی بن ابی‌مسیرّه و در بغداد از محمد بن اسحاق صیغانی و در کوفه از ابو حزم غفاری حدیث شنید. چندین بار به زیارت خانه‌ی خدا رفت. حافظانی همچون ابوالعباس بن عقده، قاضی ابواحمد عسال، ابوعلی نیشابوری، زاهر بن احمد سرخسی، ابوبکر محمد خوزقی، سید ابوالحسن علوی و ابواحمد حاکم و بسیاری دیگر از او روایت کرده‌اند. دارقطنی او را، در حدیث، پیشگامی امین و مورد اعتماد برشمرده و به گفته حاکم نیشابوری، از نظر حافظه و درستی، یگانه زمان خود بود. ابن خزیمه گوید که ابوحامد در زندگی خود راه دروغ بستن بر پیامبر (ص) را سد کرد. از آثارش: «الصحيح»، در حدیث. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/ ۱۹۷)، ایضاح المکنون (۲/ ۶۵)، تاریخ بغداد (۴/ ۴۲۶-۴۲۷)، لسان المیزان (۴۶۴-۴۶۳/ ۱)، معجم المؤلفین (۲/ ۹۲)، سیر النبلاء (۴۱-۳۷/ ۱۵)، الوافی بالوفیات (۷/ ۳۷۹).

ابن شهاب یزدی، حسن

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۸۵۵ ق)، مورخ و شاعر. از مردم یزد بود و «منظومه‌ای» در تاریخ سلجوقیان سرود و آن را به سلطان محمد بن بایسنقر بن شاهرخ از شاهزادگان تیموری اهدا کرد. کتاب دیگر وی «جامع التواریخ حسنی» نام دارد که آن را نیز به نام سلطان محمد بن بایسنقر در ۸۵۵ ق تألیف کرده است. ابن شهاب در «جامع التواریخ» اطلاعات مفیدی درباره‌ی عصر حافظ نقل کرده و در موارد متعدد به اشعار خواجه حافظ تمثیل جسته است. نسخه‌ای از آن کتاب به تاریخ ۸۸۰ ق در کتابخانه‌ی ملی موجود است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ عصر حافظ (مقدمه: مو-مز، ۱۲۴، ۱۲۲)، تاریخ نظم و نثر (۲۳۹)، الذریعه (۴۷-۴۶/ ۵)، ریحانه (۸/ ۵۸).

ابن شبان قزوینی، ابو عبدالله حسین

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، محدث شیعی. او مردم قزوین بود که به بغداد مهاجرت کرد. شیخ طوسی وی را در شمار کسانی که از امامان مستقیماً روایت نکرده‌اند، نام می‌برد. وی تلکبری از او حدیث شنیده و اجازه روایت داشته است. اما ابو عبدالله حسین بن علی بن شبان قزوینی که به فرموده آیت‌الله خوئی ظاهراً پسر عموی اوست از راویان علی بن حاتم و از مشایخ شیخ مفید بوده و احمد بن عبدون بدون واسطه از وی نقل حدیث کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴۲۴-۴۲۳/ ۵)، رجال الطوسی (۴۶۷)، رجال النجاشی (۱/ ۳۳۸)، لسان المیزان (۴۹۱/ ۲)، معجم رجال الحدیث (۴۸/ ۶، ۱۹۱/ ۵).

ابن شیرویه نیشابوری، ابومحمد عبدالله

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۰۵ ق)، فقیه، محدث و حافظ. از نوادگان زُکامه، صحابی مشهور، بود. از اصحاق بن راهویه و احمد بن مَنِیع و عمرو بن زُراره حدیث شنید، و کتاب سفیان بن عیینه را در حجاز از عدنی فراگرفت. ابن خزیمه و ابوعبدالله بن آخرم و ابوحامد بن شرقی از او روایت کرده‌اند. حاکم نیشابوری گوید «ابن شیرویه از بزرگان نیشابور بود. در تصنیفات بسیار او عدالت و استقامتش آشکار است. حفاظ شهر ما از وی روایت می‌کنند و به این روایات احتجاج می‌نمایند». مصنّفات بسیاری به جای گذاشت که از آن جمله: «محاسن الشرائع والاسلام».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۱۶۸-۱۶۶/۱۴)، معجم المؤلفین (۶/ ۱۲۵)، هدیة العارفین (۱/ ۴۴۳).

ابن شیره کاشانی، ابوالحسن علی

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سوم ق)، محدث و فقیه شیعی. شیخ طوسی وی را در شمار اصحاب امام هادی (ع) نام می‌برد. محمد بن حسن صفار از وی روایت کرده است. از آثار وی: «کتاب التأدیب»؛ «کتاب الجامع الکبیر»، در فقه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۵/ ۶۸، ۲۱۱-۲۱۰/۳)، رجال ابن داود (قسم ۲/ ۴۸۶)، رجال للطوسی (۴۱۷)، رجال النجاشی (۲/ ۷۹)، الفهرست للطوسی (۱۶۰)، معجم رجال الحدیث (۱۲/ ۱۴۹-۱۵۱).

ابن صلاح همدانی، نجم‌الدین، ابوالفتوح احمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۵۴۸/ ۵۴۰ ق)، پزشک، ریاضیدان و فیلسوف. گرچه همگان موطن ابن صلاح را همدان می‌دانند اما مشخص نیست به چه دلیلی صاحب «تاریخ الحکماء» اصل وی را از سمیسط دانسته است. به بغداد رفت و علم منطق و ریاضیات و طب را در آنجا فراگرفت. سپس به موصل به قصد خدمت نورالدین محمود بن عمادالدین زنگی رفت و در آنجا بسیار وی را معزز داشتند. از موصل به دمشق رفت و تا پایان عمر در آنجا رحل اقامت افکند. در موصل در محضر ابوالحکم مغربی که هم طیب و هم شاعر بود، کسب علم کرد و او را شیخ خود می‌نامید، ولی ابوالحکم معتقد بود که ابن صلاح در تحصیل علم بر وی نیز پیشی گرفته است. وی با زمخشری، اوحدالدین انوری و ناصح‌الدین ارجانی معاصر بود. خاندان ابن صلاح همگی اهل علم بودند. از وی آثار و رساله‌های

بسیاری در ریاضیات و طب به جا مانده است که از آن جمله‌اند: «شرح کتاب شفاء ابن سینا»؛ کتاب «الفوز الاصغر»؛ «جواب عن برهان مسئله مضافه الی مقاله السابعة من کتاب اقلیدس فی الاصول و سائر ماجره الکلام فيه»؛ «قول فی بیان ما وهم فيه ابوعلی بن الهیثم فی کتابه فی الشکوک علی اقلیدس»؛ «قول فی ایضاح غلط ابی علی بن الهیثم فی الشكل الاول من المقالة العاشرة من کتاب اقلیدس فی الاصول»؛ «مقاله فی کشف الشبهه التي عرضت لجماعه ممن ينسب نفسه الی علوم التعالیم علی اقلیدس فی الشكل الرابع عشر»؛ «کتاب فی کیفیه تسطیح البسیط الکری»؛ «مقاله فی تزییف مقدمات مقاله ابی سهل القوهی فی ان نسبة القطر الی المحيط نسبة الواحد الی ثلثه و سبع»، درباره‌ی عدد پی؛ «حاشیه بر کتاب ایضاح البرهان علی حساب الخطأین»، تألیف جابر بن ابراهیم. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۲/ ۳۲۰)، تاریخ حکماء قفطی (۵۷۴)، تاریخ طب (۷۰۴- ۷۰۳/ ۲)، ریحانه (۸/ ۶۸)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۳۷- ۳۵)، لغت‌نامه (ذیل / ابن صلاح)، معجم المؤلفین (۲/ ۱۰۵)، نامه‌ی دانشوران (۲۶۰- ۲۵۱/ ۱)، هدیه‌ی العارفین (۸۴/ ۱).

ابن صلت اهوازی، ابوالحسن احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۰۹- ۳۲۴ ق)، محدث شیعی. از ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید، معروف به ابن عقده، و قاضی ابوعبدالله محاملی و دیگران روایت می‌کرد. وی از مشایخ شیخ طوسی است. خطیب بغدادی و ابوالقاسم بن منده و نجاشی از وی حدیث شنیدند. شیخ طوسی به واسطه‌ی وی آثار ابن عقده را نیز روایت می‌کرد. خطیب بغدادی او را ستوده و گوید که راستگویی صالح بود. رجال نویسان شیعی نیز وی را محدثی ثقه می‌دانند. از آثار وی: کتاب «نوادر کبیر».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳/ ۱۵۶)، ریاض العلماء (۱/ ۶۷)، سیر النبلاء (۱۸۸- ۱۸۷/ ۱۷)، الفهرست للطوسی (۴۸)، لسان المیزان (۳۸۷- ۳۸۶/ ۱)، معجم رجال الحدیث (۳۲۲- ۳۲۱/ ۲).

ابن صیرفی، ناصرالدین محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۷۳۷- ۶۹۳ ق)، محدث. نیاکانش از مردم خوارزم بودند، اما وی در دمشق زندگی می‌کرد. از ابوبکر بن عبدالدایم و علی بن ابراهیم مطعم و بسیاری دیگر حدیث شنید. او در دمشق آوازه‌ای بلند یافت و شاگردان بسیاری تربیت کرد. او را از محدثان قوی نمی‌دانند. سرانجام، در میان سالی، در نزدیکی حماق درگذشت. از آثار وی: «اربعون حدیثاً منتقاه من کتاب الشفا».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/ ۴۴)، معجم المؤلفین (۱۰۴/ ۱۰)، الوافی بالوفیات (۳/ ۱۷۲).

ابن طباطبایی اصفهانی، ابوالحسن محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۲۲ ق)، عالم، ادیب، شاعر، و محقق. در اصفهان متولد شد. در همان جا تحصیل کرد و تا پایان عمر در همان شهر زیست، از این رو به ابن طباطبای اصفهانی شهرت یافت. گرچه در عصری می‌زیست که بازار سیاست گرم بود، اما او یکسره به کارهای علمی و ادبی و شعر و شاعری پرداخت و عمری را به آسودگی گذراند. بیشترین شهرت او از رهگذر توجه به شعر و شاعری به زبان عربی است. شعرهای او را متوسط دانسته‌اند، اما در نقد ادبی توانا بود. در شرح واقعه‌ی غدیر خم اشعاری سروده است. عبدالله بن معتر، شاعر معروف بغدادی را بسیار دوست می‌داشت، اما هرگز با او ملاقات نکرد. برخی از آثار او: «المدخل فی معرفه المعمی من الشعر»؛ «الشعر والشعرا»؛ «تهذیب الطبع»؛ «دیوان شعر»؛ «تقریظ الدفاتر»؛ «عیار الشعر». ظاهراً ابن خلکان در «وفیات» وجه تفاوتی میان او و احمد بن محمد بن اسماعیل الدیباج، ابن طباطبای مصری نیافته و به همین جهت در ضبط اشعارشان به اشتباه افتاده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۹۹/ ۶)، اعیان الشیعه (۸۰- ۷۲/ ۹)، الذریعه (۱۳۶۳/ ۱۵، ۲۶/ ۹، ۵۱۱، ۳۸۷/ ۴)، ریحانه (۸۲- ۸۱/ ۸)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۲۲۵)، معجم الادباء (۱۵۶- ۱۴۳/ ۱۷)، معجم المؤلفین (۳۱۲/ ۸)، وفیات الاعیان (۱۳۰/ ۱)، الوافی بالوفیات (۸۰- ۷۹/ ۲)، یادگار (س ۳، ش ۱۰، ص ۶۹-۶۸).

ابن طبری مروزی، ابوحامد احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۷۷/ ۳۷۶ ق)، قاضی، حافظ، محدث و مورخ حنفی. اصل پدر وی از همدان بود و خود از مردم طبرستان. در جوانی وارد بغداد شد و نزد ابوالحسن علی کرخی فقه حنفی را فراگرفت. وی از احمد بن خضر مروزی، احمد بن محمد بن عمر منکدری، محمد بن عبدالرحمان دغولی، احمد بن محمد بن حارث عبدالکریم و محمد بن رزام مروزی حدیث شنید. ابوبکر برقانی و قاضی ابوالعلائی واسطی و محمد بن حسین بن احمد بن بکیر و محمد بن مؤمل انباری و احمد بن محمد عتیقی از وی روایت کرده‌اند. وی مدتی عهده‌دار منصب قاضی‌القضاتی خراسان بود. او سرانجام در بخارا یا مرو درگذشت. از آثار وی: کتاب «التاریخ» که با صفت بدیع توصیف شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۱۲- ۱۱۱/ ۱)، تاریخ بغداد (۱۰۸- ۱۰۷/ ۴)، معجم المؤلفین (۲۰۷/ ۱).

ابن طحان بیهقی نیشابوری، ابوسعید

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۳۶ ق)، طبیب. در نیشابور متولد شد و در بیهق نشو و نما یافت. وی علاوه بر طبابت شعر نیز می‌سروده و به گفته‌ی معاصر وی، بیهقی، کتابهای بسیاری نوشته است. پدرش به حکیم علی صحان معروف بود. ابوسعید در بلخ در گذشت. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۶۴/۷)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمه (۹۹-۹۸).

ابن طلیق، اسحاق

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دوم ق)، کاتب و مترجم. وی نخستین کسی بود که در خراسان نگارشها را از فارسی به عربی گزارش کرد و عربی‌نویسی را در دیوانها رواج داد. وی از بنی‌نہشل و از نزدیکان و همراهان نصر بن سیار ولایتدار خراسان و از دبیران وی بود. در ۱۲۴ ق یوسف بن عمر فرمانروای عراق به نصرنامه نوشت که در نگارش دیوانی به هیچ وجه از زرتشتیان یاری نخواهد کرد. اسحاق از آن پس فرمان یافت تا دفاتر دیوانی را از فارسی به عربی برگرداند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: لغت‌نامه (ذیل / اسحاق).

ابن طیفور، ابوالحسن، ابوالحسن عبيدالله

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۱۳ ق)، ادیب و مورخ. اصل وی از مرورود خراسان بود. در بغداد متولد شد. او همچون پدر به تاریخ‌نگاری روی آورد و بر کتاب تاریخ بغداد پدرش که درباره‌ی اخبار بغداد و شرح حال پادشاهان و حوادث مربوط به آنان بود ذیلی به نام «تتمه کتاب اخبار بغداد» نوشت و تاریخ روزگار معتمد تا نیمه‌ی خلافت مقتدر را بر آن افزود. از دیگر آثار وی: «المستطرفات والمستظرفین»؛ «کتاب السکباج و فضائلها».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴/ ۳۴۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۲/ ۴۰۲)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۴۳)، معجم المؤلفین (۶/ ۲۳۶)، هدیه‌ی العارفین (۱/ ۶۴۶).

ابن عاصم اصفهانی، ابوجعفر محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۶۲ ق)، عابد و محدث. وی برادر بزرگتر اسید بن عاصم است و از سفیان بن عیینه و حسین بن علی جعفی و عبده بن سلیمان حدیث شنید. احمد بن علی بن جارود و محمد بن یحیی بن منده و محمد بن عمر گورگیری از او روایت کرده‌اند. از آثار وی: جزوه‌ای معروف به «جزء العالی»، در حدیث.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تهذیب التهذیب (۹/ ۲۰۷)، الجرح والتعديل (ج ۴، ق ۴۶/ ۱)، سیر النبلاء (۳۷۸- ۳۷۷/ ۱۲)، معجم المؤلفین (۱۱۵/ ۱۰)، الوافی بالوفیات (۳/ ۱۸۰).

ابن عاصم اصفهانی، ابو عبدالله محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۹۹ ق)، فقیه شافعی. وی کاتب قاضی اصفهان بود. به مصر رفت و نزد شافعیان آنجا به تحصیل پرداخت. ابواحمد عسال و ابوالقاسم طبرانی از وی روایت کرده‌اند. به گفته سبکی او کتابهای بسیاری تألیف کرده است که از جمله‌ی آنها کتابی است در مذهب شافعی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/ ۵۰)، تهذیب التهذیب (۹/ ۲۰۷)، معجم المؤلفین (۱۱۶/ ۱۰).

ابن عبدان همدانی، ابوالفضل عبدالله

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۳۳ ق)، فقیه شافعی. او پیشوای دینی و مفتی همدان بود. از آثار وی: «شرائط الاحکام»، در فقه؛ «شرح العبادات».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴/ ۲۲۹)، کشف الظنون (۱۰۳۰)، معجم المؤلفین (۶/ ۸۰)، هدیة العارفین (۱/ ۴۵۰).

ابن عبدک گرگانی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۳۴۰ ق)، مفسر، ادیب، فقیه و متکلم امامی. معروف به عبدکی. عبدک اختصار عبدالکریم است. اهل گرگان بود و پیشوای شیعیان آنجا. مدتی در نیشابور توطن کرد. از عمران بن موسی جرجانی و همطبقه او حدیث شنید. حاکم نیشابوری از وی روایت کرده است. او سرانجام در گرگان درگذشت. از آثار وی: «التفسیر» یا «تفسیر ابن عبدک»؛ «شرح الجامع الصغیر» و «شرح الجامع الکبیر» محمد بن حسن شیبانی، در فروع فقه حنفی؛ «الافتداء بعلی»؛ «الرد علی الاسماعیلیه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/ ۱۵۹)، اعیان الشیعه (۴۳۸-۴۳۷/ ۹)، الذریعه (۱۸۳/ ۱۰، ۲۴۴/ ۴)، رجال ابن داود (قسم ۳۲۵/ ۱)، رجال النجاشی (۳۰۱-۳۰۰/ ۲)، ریحانه (۸/ ۱۰۳)، الفهرست للطوسی (۳۶۸، ۳۰۶)، کشف الظنون (۵۶۸، ۵۶۲)، معجم رجال الحدیث (۳۳۱/ ۱۶)، معجم المؤلفین (۲۶/ ۱۱).

ابن عبدوس نیشابوری، عبدالواحد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، محدث شیعی. از علی بن محمد بن قتیبه‌ی نیشابوری حدیث شنید. وی از مشایخ شیخ صدوق بود و صدوق از وی روایت کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ریاض العلماء (۳/ ۲۸۱)، معجم رجال الحدیث (۳۸-۳۷/ ۱۱).

ابن عبید، ابوعثمان، ابومروان عمرو

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۴۵/ ۱۴۴-۸۰ ق)، زاهد قَدَری و متکلم معتزلی. معروف به ابن‌باب. نیای او از موالی ایرانی و اصل وی از کابل بود. در بصره متولد شد و در همان جا نشو و نما یافت. پدرش ابتدا پیشه‌ی بافندگی داشت؛ اما بعد، به فرمان حجاج بن یوسف ثقفی خونخوار، صاحب شرطه‌ی (رییس پلیس)، بصره شد. عمرو از معاصران حسن بصری و از مشهوران به زهد عصر خود بود. با روی کار آمدن عباسیان به آنان پیوست وی به دربار منصور خلیفه‌ی عباسی رفت و آمد می‌کرد و خلیفه را پند می‌داد. وی از ابوعلیه و ابوقلابه و حسن بصری حدیث شنید. حمادان و عبدالوارث و ابن‌عینه از وی روایت می‌کردند. عمرو از محدثان بود. ابوحاتم رازی او را متروک الحدیث دانسته و نسائی گوید که در حدیث غیرقابل اعتماد است. وی وقتی به معتزله پیوست بسیاری از محدثان قدری مذهب بصره به او پیوستند. او امامت امیرالمؤمنین (ع) را قبول نداشت. مناظره‌ی هشام بن حکم از اصحاب امام صادق (ع) با وی در زمینه امامت و به زانو در آمدن عمرو بسیار مشهور است. وی اصحاب جمل را فاسق می‌دانست، از ابن رو برخی او را از خوارج دانسته‌اند. گروهی از علما و دانشمندان او را از بدعت‌گذاران حساب کرده و یحیی بن معین او را از دهریون به شمار آورده است. عمرو بن عبید در مران، نزدیکی مکه، درگذشت و منصور خلیفه در شعری وی را رثا گفت. از آثار وی: «کتاب التفسیر عن حسن بصری»؛ «الرد علی القدریه»؛ کتابی در «عدل» و «توحید».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۵/ ۲۵۲)، تاریخ الاسلام (حوادث ۲۴۳-۲۳۸/ ۱۶۰-۱۴۱)، تاریخ بغداد (۱۸۸-۱۶۶/ ۱۲)، تهذیب التهذیب (۶۱-۵۸/ ۸)، الجرح والتعديل (ج ۳، ق ۲۴۷-۲۴۶/ ۱)، روضات الجنات (۸/ ۱۹۰)، ریحانه (۷/ ۳۹۸)، سیر النبلاء (۱۰۶-۱۰۴/ ۶)، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی (۱۲۶-۱۲۵، ۱۱۵-۱۱۴)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۹۴)، الکنی واللقاب (۱/ ۱۵۵)،

لغت‌نامه (ذیل / عمرو)، مروج الذهب، ترجمه (۳۰۸- ۳۰۶ / ۲)، معجم المؤلفین (۸ / ۹)، الملل والنحل (۳۸- ۳۷)، وفيات الاعیان (۴۶۲- ۴۶۰ / ۳).

ابن عجم فارسی، ابوالحسین

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۴۲۰ ق)، طیب، ادیب و منجم. در فارسی متولد شد و همان جا نشو و نما یافت و تحصیلات طبی را نزد پزشکان زمان آموخت و در همان سرزمین سالیان دراز به طبابت اشتغال ورزید. ابن عجم در خدمت بهاءالدوله دیلمی مقامی بس ارجمند داشت و ابتدا در زمره‌ی اطباء مخصوص وی بود. او علاوه بر طب در ادب و کتابت نیز دستی بسزا داشت تا آنجا که امر کتابت بصره ب وی تفویض شد. از تاریخ تولد و وفات وی اطلاع دقیقی در دست نیست. زمان وفاتش در حدود زمان درگذشت ابن سینا است و از خلال بعضی کتب چنین برمی آید که تا حدود ۴۳۰ ق زنده بوده است. فیلسوف‌الدوله در «مطرح الانظار» می نویسد که وی کتابی در کلیات طب داشته که ظاهراً به اتمام آن توفیق نیافته است. از آثارش: «نقل اقوال حکمای قبل از اسلام در حرکت و کروی بودن زمین»؛ «جواب سؤالهای ابوریحان بیرونی درباره‌ی افلاک و ثوابت و سیارات».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان نامی پارس (۲۰۶- ۲۰۵ / ۱)، تاریخ الحکماء قفطی (۵۸۹)، تاریخ طب (۶۸۸- ۶۸۷ / ۲)، دانشمندان و سخن سرایان فارسی (۱ / ۵۷)، ریحانه (۸ / ۱۰۷)، لغت‌نامه (ذیل / ابوالحسین فارسی)، نامه‌ی دانشوران (۳۸۵- ۳۸۴ / ۴).

ابن عدی جرجانی، ابواحمد عبدالله

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۶۵- ۲۷۷ ق)، حافظ، محدث، رجال‌شناس و فقیه شافعی. مشهور به ابن عدی و ابن قطان. در گرگان به دنیا آمد. در طلب حدیث از اسکندریه تا سمرقند سفر کرد، و از محمد بن خزیم، عبدالصمد بن عبدالله بن ابی زید، عبدان اهوازی، ابومحمد بن صاعد و دیگران که متجاوز از هزار نفرند حدیث شنید. برخی نیز چون ابوالعباس بن عقده، استاد خود وی، و حمزه بن یوسف سهمی و ابوسعید مالینی و دیگران از او حدیث شنیده، و وی را محدثی فقیه و حافظ دانسته‌اند. در گرگان وفات یافت. از آثار او: «الکامل فی الجرح والتعديل» یا «الکامل فی معرفه الضعفاء و المتروکین من الرواء»، در معرفی ضعیفان اهل حدیث؛ «الانتصار» یا «الابصار»، در نقل حدیث جماعتی از متقدمان؛ «علل الحدیث»، در هشت جزء؛ «معجم»، در اسامی استادانش.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴ / ۲۳۹)، ایضاح المکنون (۲ / ۲۷۴)، تاریخ اسلام (حوادث ۳۴۱- ۳۳۹ / ۳۸۰- ۳۵۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۵ / ۷۰۳)، ریحانه (۱ / ۴۰۲- ۴۰۱ / ۱)، سیر النبلاء (۱۵۶- ۱۵۴ / ۱۶)، کشف الظنون (۱۳۸۲)، معجم البلدان (۱۴۲- ۱۴۱ / ۲)، معجم المؤلفین (۶ / ۸۲)، هدیه العارفین (۱ / ۴۴۷).

ابن عربشاه اسفراینی، عصام‌الدین، ابراهیم

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۸۷۳ و ف ۹۴۵-۹۴۳ ق)، ادیب و منطقی. اصل وی از سمرقند بود. در اسفراین متولد شد و در همان جا نشو و نما یافت. نیا و پدر او قاضی اسفراین بودند. ابن عربشاه از شاگردان نورالدین عبدالرحمان جامی بود و در بخارا سکونت داشت. در اواخر عمر به قصد زیارت مرقد خواجه عبیدالله احرار نقشبندی به سمرقند رفت، اما در آن شهر بیمار شد و درگذشت و در کنار بارگاه خواجه عبیدالله دفن شد. از آثار وی: «اطول» که شرح «تلخیص المفتاح» خطیب دمشقی است و آن را در برابر «مطول» تفتازانی نوشته است؛ «بیان النسب بین القضاة»؛ «الاستعارات البدیعة»؛ حاشیه «تفسیر» بیضاوی؛ حاشیه بر «حاشیه‌ی شمسیه» میر سید شریف جرجانی؛ حاشیه‌ی «شرح عقاید نسفیه» تفتازانی؛ حاشیه‌ی «کبرای» میر سید شریف جرجانی؛ «میزان الادب»، در صرف و نحو و بیان؛ شرح «الرساله الترشیحیه»، در اقسام استعارات؛ شرح «المشائل النبویه» ترمذی؛ شرح «طوال الانوار» بیضاوی؛ شرح «الرساله العضدیة»؛ «الفرید» در نحو.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۳۲-۳۳۱/۶)، ایضاح المکنون (۲/۴۴)، ریحانه (۱۴۱-۱۴۰/۳)، کشف الظنون (۲۰۲۲، ۱۹۱۶، ۱۶۱۴، ۱۳۷۲، ۱۲۵۹، ۱۱۴۶، ۱۱۴۴، ۱۱۱۶، ۱۰۶۰، ۸۷۸، ۸۵۳، ۴۷۷، ۱۹۰، ۴۱، ۳۹)، الکنی والالقباب (۲/۴۶۸)، معجم المؤلفین (۱۰۲-۱۰۱/۱)، هدیة الاحباب (۱۹۸).

ابن عربشاه اسفراینی، علی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۰۷ ق)، ادیب و فقیه شافعی. معروف به عصامی و همچنین حفید یا حفید عصام. در مکه‌ی معظمه به دنیا آمد. و در همان جا نشو و نما یافت. از رجال بلاغت محسوب می‌شد. وی در زادگاه خویش منصب قضاوت داشت و سرانجام در همان شهر درگذشت. از آثار وی: حاشیه بر «شرح الاستعارات» جدش عصام‌الدین بر «سمرقندیه»، در بلاغت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۵/۷۰)، معجم المؤلفین (۷/۳۴)، هدیة العارفین (۱/۷۵۱).

ابن عربشاه، شهاب‌الدین، ابومحمد، ابوالعباس احمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۸۵۴-۷۹۱ ق)، مورخ، ادیب، لغوی، فقیه و محدث حنفی. معروف به عربی و گاهی به عجمی. در دمشق متولد شد و همان جا نشو

و نما کرد. در لشکرکشی تیمور، در ۸۰۳ ق به همراه او به سمرقند انتقال یافت و نزد جرجانی، جزری و بسیاری دیگر، به تحصیل علم پرداخت و زبانهای فارسی، ترکی و مغولی را فراگرفت. در مغولستان، نزد شترامی حدیث آموخت. از سفرهایی به خوارزم، کریمه و ادرنه داشت و در ادرنه معتمد سلطان عثمان محمد اول شد و برای او کتابهای بسیاری به ترکی ترجمه کرد و به عنوان کاتب السر مسئول نامه‌نگاریهای سلان به زبانهای عربی، ترکی، فارسی و مغولی شد. در ۸۲۴ ق به حلب و سال بعد به دمشق رفت و نزد دوست خود، ابو عبدالله محمد بخاری به تحصیل حدیث پرداخت. در طی سفر حج در قاهره با ابوالمحاسن ابن تغری بردی و دیگران روابط دوستی ایجاد کرد. سرانجام در مصر درگذشت. از آثار وی: «عجائب المقدور فی نوائب (اخبار) تیمور»؛ «فاکھة الخلفاء و مفاکھة الظرفاء» که تقلیدی است از «مرزبان‌نامه»؛ «الترجمان المترجم بمتھی الارب فی لغة الترك والعجم»؛ «برهان الفارض بقول المعارض»؛ «العقد الفرید فی علم التوحید»؛ «عنقود النصیحة»؛ «غرة السیر فی دول الترك والتتر»؛ ترجمه «جامع الحکایات»؛ «مرآت الادب فی المعانی والبیان».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/ ۲۱۸)، ایضاح المکنون (۲/ ۲۲۸، ۱/ ۱۷۸)، تاریخ ادبیات زبان عربی (۶۳۵)، دائرة المعارف اسلامیة (۲۳۱- ۲۳۰/ ۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۷۰۷- ۷۰۶/ ۵)، الذریعه (۱۵/ ۲۲۰)، ریحانه (۱۱۱- ۱۱۰/ ۸)، کشف الظنون (۱۶۴۶)، ۱۲۱۶، ۱۱۹۸، ۱۱۷۴، ۱۱۵۲، ۱۱۲۸، ۷۱۴، ۳۹۷، الکنی والالقب (۱/ ۳۵۵)، لغت‌نامه (ذیل / احمد)، معجم المؤلفین (۲/ ۱۲۲)، هدیه العارفین (۱/ ۱۳۰).

ابن عمید قمی، ابوالفضل محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۶۰ ق)، شاعر، ادیب، کاتب، حکیم معتزلی، لغوی، فیلسوف و منجم. از مردم قم بود. در همان جا نزد ابن سمکه تلمذ کرد. و پس از پدر در دربار آل بویه خدمت می‌کرد. در ری وزارت و شمشگیر را داشت و مدتی هم وزیر رکن الدوله‌ی دیلمی بود. چندی در خدمت عضدالدوله در شیراز به سر برد. صاحب بن عباد از شاگردان او بود و به دلیل مصاحبت بیش از حد با وی به صاحب شهرت یافت. در طول عمر به بیماری نقرس و قولنج دچار بود. ابن عمید در اغلب علوم عصر خود تبحر داشت. شعرای بسیاری او را مدح کردند از آن جمله متنبی، شاعر معروف در ارجان به خدمت او رسید و به سبب قصیده‌ای که در محدح او گفت، صله دریافت کرد. ابن عمید کتابخانه‌ی بزرگی حاوی صد بار کتاب در علوم مختلف داشت که خازن آن ابوعلی بن مسکویه بود. اهمیت ابن عمید در آن است که صنایع لفظیه را با معانی دقیق گرد آورد و در بلاغت به درجه‌ای رساند که او را تالی عبدالحمید دانستند. وی در بغداد و به قولی در همدان یا ری درگذشت. پس از وی، پسرش نیز به وزارت رکن الدوله رسید که به سبب حسادت به شهادت رسید. در ادب و ترسل او را «جاحظ ثانی» می‌نامیدند. از آثار او: «تاریخ ابن عمید»؛ «دیوان رسائل» یا «رسائل ابن عمید».

ابن ندیم، کتاب «المذهب فی بلاغه» را از آثار وی می‌داند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۶/ ۳۲۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۳۹- ۶۳۸/ ۱)، تاریخ گزیده (۷۹۲، ۷۹۱، ۴۱۷، ۴۱۶، ۴۱۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۷۴۰- ۷۳۹/ ۵)، الذریعه (۲۴۱، ۲۴۰/ ۱۰، ۲۲۴/ ۳)، رساله‌ی شرح احوال و آثار ابن عمید، روضة الصفا (۴/ ۵۰)، ریحانه (۱۲۸- ۱۲۵/ ۸)، سیر النبلاء (۱۳۸- ۱۳۷/ ۱۶)، فوائد الرضویه (۵۲۸- ۵۲۱)، مجالس المؤمنین (۴۴۵- ۴۴۳/ ۲)، معجم

المؤلفین (۲۵۸- ۲۵۷/ ۹)، الوافی بالوفیات (۳۸۳- ۳۸۱/ ۲)، وفیات الاعیان (۱۱۳- ۱۰۳/ ۵)، هدیة الاحباب (۷۸- ۷۷)، هدیة العارفین (۲/ ۴۶).

ابن غیلان، افضل‌الدین عمر

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۵۸۲ ق)، فیلسوف. در مدرسه‌ی نظامیه‌ی مرو درس خواند. از مخالفان ابن‌سینا و نخستین کسی بود که بر عقاید ابن‌سینا و منطق او خرده گرفت. از وی رساله‌ای به نام «حدوث العالم» باقی مانده است. وی در بسیاری موارد از کتاب «اشارات» و مباحثات او عباراتی را ذکر و مورد انتقاد قرار داده است. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم) منابع زندگینامه: مدارس نظامیه (۲۴۴- ۲۴۳).

ابن فارس رازی، ابوالحسن، ابوالحسین احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۹۵/ ۳۷۵- ۳۲۹ ق)، ادیب، لغوی و محدث. در قزوین به دنیا آمد، سپس به همدان رفت و پس از چندی به ری مهاجرت کرد. در نحو شیوه‌ی کوفیان را اختیار کرد. بدیع الزمان همدانی و صاحب بن عباد از مشهورترین شاگردانش بودند. خطیب تبریزی، صاحب بن عباد و شیخ صدوق از وی روایت کرده‌اند. چندی در ری معلم ابوطالب مجدالدوله‌ی دیلمی بود و همین، سبب نزدیکی بیشتر صاحب بن عباد به وی شد. در مذهب وی اختلاف نظر بسیار است، برخی او را مالکی یا شافعی و برخی دیگر او را شیعی می‌دانند؛ علت این امر را شاید بتوان در گسترده‌اش یافت. برخی از آثار او: «الاتباع والمُزوجه»، «اختلاف النحاة»، «اخلاق النبی»، «اصول الفقه»، «امثلة الاسجاع»، «اللامات»، «انتصار لثعلب»، «تفسیر اسماء النبی»، «حلیة الفقهاء»، «دارات العرب»، «دیوان» شعر؛ «ذخائر الکلمات»؛ «ذم الخطاء فی الشعر»، «الصاحبی»؛ کتاب «المجمل»؛ در لغت؛ «النیروز».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/ ۱۸۴)، اعیان الشیعه (۶۳- ۶۰/ ۳)، ایضاح المکنون (۱/ ۴۲۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۷۵۴- ۷۵۱/ ۵)، الذریعه (۲۴/ ۴۳۵)، ۱۶- ۱۵/ ۲۲، ۲۹۶/ ۲۱، ۱۸/ ۲۹۶، ۱۶/ ۹، ۵/ ۳۴۸- ۳۴۷/ ۲، ۳۶۱، ۸۱/ ۱، روضات الجنات (۲۴۴- ۲۴۲/ ۱)، ریحانه (۱۳۵- ۱۳۴/ ۸)، سیر النبلاء (۱۰۶- ۱۰۳/ ۱۷)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۶۷- ۶۵)، معجم الادباء (۹۸- ۸۰/ ۴)، معجم المؤلفین (۴۱- ۴۰/ ۲)، نامه‌ی دانشوران (۷۲- ۶۵/ ۶)، الوافی بالوفیات (۲۸۰- ۲۷۸/ ۷)، وفیات الاعیان (۱۲۰- ۱۱۸/ ۱)، هدیة العارفین (۶۹- ۶۸/ ۱).

ابن فارسی، ابو عبدالله

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س پنجم ق)، فقیه. علامه حلّی در «خلاصه» گوید که او از مشایخ شیخ طوسی بود. رجال‌نویسان شیعی وی را از علمای خاصه می‌دانند. از زندگی او اطلاع چندانی در دست نیست.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲/ ۳۷۸)، ریاض العلماء (۵/ ۴۷۶).

ابن فتی، ابو عبدالله سلمان، سلیمان

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۹۳ ق)، لغوی، نحوی و مفسر. متولد نهروان بود. یاقوت حموی گوید که نشو و نمای او در ری بوده است. وی در بغداد نحو را نزد ثمانینی و لغت را نزد حسن بن دهنان و حدیث را از قاضی ابوطیب طبری فراگرفت، و به شهرهای عراق سفر کرد و به تعلیم پرداخت. سرانجام در اصفهان مقیم شد و در همان جا درگذشت. از آثار او: «تفسیر القرآن»؛ «شرح الايضاح» ابوعلی فارسی، در نحو؛ «شرح دیوان المتنبی»؛ «شرح الامالی»؛ «علل القراءات»؛ «القانون»، در زبان شناسی، ده مجلد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳/ ۱۶۹)، روضات الجنات (۴/ ۸۲-۸۴)، ریحانه (۸/ ۱۳۷-۱۳۸)، کشف الظنون (۱۳۱۳، ۱۱۶۰، ۸۱۲، ۴۴۶، ۲۱۲، ۱۶۳)، معجم الادباء (۱۱/ ۲۵۱-۲۵۳)، معجم المؤلفین (۴/ ۲۳۹)، الوافی بالوفیات (۱۵/ ۳۱۱-۳۱۳).

ابن فرات رازی، ابومسعود احمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۵۸ ق)، محدث. در دمشق حدیث شنید. به کوفه، بصره، یمن، شام، مصر، جزیره، حجاز و بغداد سفر کرد. در علم حدیث وی را در ردیف ابن ابی شیبه دانسته‌اند. چهل و پنج سال در اصفهان مقیم بود و در آنجا به املائی حدیث اشتغال داشت. ابن فرات مورد احترام احمد بن حنبل بود. احمد گوید که در زیر آسمان از ابن فرات پرحافظه‌تر برای اخبار نبوی (ص) نبود. ابوداوود در «سنن» خود از وی روایت کرده است. اثر وی «المسند» است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/ ۱۸۶)، تاریخ بغداد (۴/ ۳۴۳-۳۴۴)، تهذیب التهذیب (۶۱-۶۰/ ۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۷۶۰-۷۵۹/ ۵)، الوافی بالوفیات (۷/ ۲۸۰)، معجم المؤلفین (۲/ ۴۵).

ابن فقیه همدانی، ابوبکر، ابو عبدالله احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۳۴۰ ق)، جغرافیدان و ادیب. از مردم همدان بود. از زندگی او آگاهی چندانی در دست نیست. برخی از جغرافی‌نویسان مسلمان در آثار خود از او یاد می‌کنند و با نسبت دادن تألیفاتی مرکب از پنج کتاب به وی، بر آثار او خرده می‌گیرند و او را به نداشتن دقت متهم می‌سازد. از آثارش: «البلدان»؛ «مختصر البلدان».[۱]

ابوبکر شهاب‌الدین احمد بن محمد بن اسحاق همدانی. از جغرافی‌دانان مشهور بود. وی در سال ۲۹۰ ه.ق. کتاب البلدان را تألیف کرد. این کتاب به گفته ابن‌الندیم نزدیک هزار ورق است که بیشتر آن را ابن‌فقیه از جیهانی گرفته است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] احسن التقاسیم (۷-۶/۱)، بزرگان و سخن سرایان همدان (۱۳۸/۱)، ریحانه (۱۴۱-۱۴۰/۸)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۵ و ۷۶۷-۷۶۶/۶)، مقدمه بر تاریخ علم (۷۳۴/۱).

ابن فنجویه، ابو عبدالله حسین

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۱۴ ق)، محدث. از مردم دینور بود. «سنن» احمد بن شعیب نسایی را از ابوبکر بن سنی روایت می‌کرد. او همچنین از عیسی بن حامد رنجی و هارون عطار و ابوالحسین دینوری و بسیاری از دانشمندان همدان و دیگر جاها حدیث شنید. جعفر ابهری و عبدالرحمن بن منده و ابوالفضل قومستانی و محمد بن یحیی کرمانی و بسیاری دیگر از وی حدیث شنیدند. شیرویه در «تاریخ» خود وی را ثقه و خوش‌خط و نویسنده‌ای پرکار توصیف کرده است، و گوید که وی وقتی به همدان رسید فقیر بود اما با دست پر به سوی نیشابور رفت و تا پایان عمر در آنجا با مکتب و حشمت زیست. وی در نیشابور درگذشت و در گورستان حیره‌ی نیشابور دفن شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۳۸۳/۱۷)، معجم المؤلفین (۴۹/۴).

ابن فورجه بروجردی، محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۵۵-۳۳۰ ق)، ادیب، شاعر، مؤلف و محقق. اهل نهاوند بود. برخی منابع، وی را از مردم اصفهان می‌دانند. در بغداد از محضر سید مرتضی بهره برد و مناظراتی نیز با وی داشت، از ابوالعلاء معری بهره جست و در ری اقامت گزید و صدارت و ریاست علمی داشت. گویند بیش از یک صد و سی و دو سال عمر کرد. در سال تولد و وفات وی اختلاف است. ابن‌فورجه در نظم و نثر مبرز بوده است. از آثار وی: «التجنی علی بن جنی»؛ «الفتح علی ابن‌الفتح»، که هر دو اثر در رد ابن‌جنی است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۶/ ۳۴۱)، تاریخ بروجرد (۴۸- ۴۲/ ۲)، دائرةالمعارف البستانی (۱/ ۶۴۱)، ریحانه (۱۴۲- ۱۴۱/ ۸)، معجم الادباء (۱۸/ ۱۸۸)، معجم المؤلفین (۹/ ۲۶۹)، الوافی بالوفیات (۳/ ۲۴- ۲۵).

ابن فورک اصفهانی، ابوبکر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۴۰۶- ۳۳۰ ق)، متکلم، محدث و فقیه شافعی. در اصفهان متولد شد. همراه باقلانی و اسفراینی نزد ابوالحسن باهلی کلام خواند. برای تکمیل کلام و شنیدن حدیث به بصره، بغداد، ری و نیشابور سفر کرد. در کنار خانقاه پوشنجی، در نیشابور به تدریس پرداخت. در ۴۰۶ ق محمود غزنوی او را به غزنین فراخواند تا با کرامیه آن شهر یعنی پیروان ابوعبدالله محمد بن کرام که معتقد به جسمیت و فرق بین صفات و ذات الهی بودند، مناظره کند. وی به آسانی در مناظره پیروز شد، اما گویند که در راه بازگشت وی را به زهر کشتند. ابن فورک برای بسط کلام اشعری در خراسان بسیار کوشید. ابوالقاسم قشیری از برجسته‌ترین شاگردان او بود. ابوبکر بیهقی و قشیری از وی روایت کرده‌اند. مدفن وی محله‌ی حیره نیشابور مشهور است. ابن عساکر تصنیفات وی را در اصول دین و اصول فقه و معانی قرآن بالغ بر صد اثر می‌داند. از آثار او: «مشکل الحدیث و غریبه»، «النظامی»، «الحدود»، «اسماء الرجال»، «التفسیر»، «حل آیات المتشابهات».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۶/ ۳۱۳)، ایضاح المکنون (۲/ ۴۸۹، ۱/ ۴۷۵)، تاریخ نیشابور (۲۲۶- ۲۲۵)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۷۶۸- ۷۶۷/ ۶)، ریحانه (۱۴۳- ۱۴۲/ ۸)، سیر النبلاء (۲۱۶- ۲۱۴/ ۱۷)، کشف الظنون (۱۹۶۰، ۱۱۰۶، ۴۳۹، ۲۰۰)، الکنی واللقاب (۳۸۰/ ۱)، معجم المؤلفین (۹/ ۲۰۸)، الوافی بالوفیات (۲/ ۳۴۴)، وفیات الاعیان (۲۷۳- ۲۷۲/ ۴)، هدیة الاحباب (۸۱)، هدیة العارفین (۶۰/ ۲).

ابن فوطی، کمال‌الدین، ابوالفضل

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۷۲۳- ۶۴۲ ق)، محدث، مورخ، متکلم، حکیم، شاعر و منجم. نیاکانش از مردم مرورود خراسان بودند. در چهارده سالگی مغولان او را در بند کردند و نزدیک دو سال در بند بود. در زمان آخرین خلیفه‌ی عباسی در بغداد شغل دیوانی داشت. ابن فوطی در منطق، حکمت و خوشنویسی استاد بود و به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌سرود. پس از فتح بغداد، به خدمت خواجه نصیرالدین طوسی رفت و در محضر او علوم پایه را آموخت، و در رصدخانه‌ی مراغه مشغول کار شد. در ۶۷۹ ق به بغداد بازگشت و از علی بن ساعی بغدادی بهره گرفت. گفته‌اند که وی حدود پانصد استاد دید. در ایامی که عطاءالملک جوینی امارت بغداد داشت وارد دربار گردید. او مجدداً به سال ۷۰۴ ق به آذربایجان سفر کرد و سه سال در آن خطه زیست. او سفرهای دیگری نیز به آذربایجان کرد و سرانجام در اثر سکنه و کهولت در بغداد درگذشت. چون نیای مادری او فوطه (لنگ) می‌فروخته، به ابن فوطی شهرت یافته است. برخی منابع نیز وی را به واسطه‌ی پیشه‌ی نیای پدرش ابن صابونی نام نهاده‌اند. در شیعی یا معتزلی یا شافعی بودن او جای تردید

است. از آثارش: «الحوادث الجامعة والتجارب النافعة فی المائة السابعة»، در رویدادهای سده‌ی هفتم قمری در چند مجلد؛ «تاریخ الحوادث من آدم الی خراب بغداد»؛ «تذکره الرصد»، در تاریخ رصدخانه‌ی مراغه؛ «درر الاصداف فی غرر الاوصاف»، در بیست جلد، در شرح مراحل هستی؛ «مجمع الآداب فی معجم الاسماء والالقاب»؛ «معجم الشیوخ»؛ «الدرر الناصعة فی شعراء المائة السابعة». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۲۴/ ۴)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۷۷۰- ۷۶۸/ ۶)، ریحانه (۱۴۴- ۱۴۳/ ۸)، کشف الظنون (۱۷۳۶، ۱۵۹۷، ۷۵۰، ۶۹۳، ۵۷۳)، لسان المیزان (۳۴۷- ۳۴۶/ ۴)، معجم المؤلفین (۲۱۶- ۲۱۵/ ۵)، هدیه العارفین (۵۶۷- ۵۶۶/ ۱).

ابن قاص طبری، ابوالعباس احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۳۵ ق)، قاضی و فقیه شافعی. پدرش - قاص - قصه‌پردازی از مردم طبرستان بود که با سپاهیان مسلمان به روم شرقی رفت تا با رجزهایش سپاهیان را به جنگ برانگیزد. ابن قاص در زادگاهش بزرگ شد، سپس به بغداد رفت و نزد ابن سریق فقه آموخت. پس از چندی به زادگاهش بازگشت و به قضاوت و تدریس پرداخت. ابن قاص از ابوخلیفه جُمحی و دیگران روایت کرد. او در عصر خود پیشوای مذهبی طبرستان بود و اهل علم در حوزه‌ی وی فقه می‌آموختند، در سفری به طرسوس، در جنوب ترکیه و شمال عراق و سوریه، مجلس وعظی برایش آراستند، که در اثنای موعظه او را رقت و خشیت فراگرفت. بیهوش افتاد و از دنیا رفت. از آثار وی: «المفتاح»، در مذهب شافعی؛ «ادب القاضی»؛ «المواقیت»؛ «التلخیص»، در فروع فقه شافعی؛ «دلایل القبله»؛ «فتاوی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۸۶/ ۱)، دائرةالمعارف البستانی (۶۲۲/ ۱)، ریحانه (۱۴۹- ۱۴۸/ ۸)، سیر النبلاء (۳۷۲- ۳۷۱/ ۱۵)، کشف الظنون (۱۷۶۹، ۱۶۳۶، ۱۴۶۵، ۱۲۱۹، ۷۶۰، ۴۷۹، ۴۷، الکنی واللقاب (۳۸۲/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل / احمد)، معجم المؤلفین (۱۴۹/ ۱)، الوافی بالوفیات (۲۲۷/ ۶)، وفیات الاعیان (۶۹- ۶۸/ ۱).

ابن قبه‌ی رازی، ابوجعفر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، فقیه و متکلم شیعی. با کلینی معاصر بود. نزد ابوالقاسم کعبی بلخی، متکلم معتزلی، درس خواند. نخست معتزلی بود، اما پس از مدتی شیعه شد. ابن بطه و ابوالحسن سوسنجردی از شاگردان وی بودند. ابن ابی‌الحدید، شیخ مفید و سید مرتضی از کتاب «الانصاف فی الامامة» روایت کرده‌اند. سوسنجردی در ملاقاتی که با ابوالقاسم بلخی داشت، کتاب «الانصاف» ابن قبه را به وی تسلیم کرد، بلخی ردی بر آن نوشت به نام «المسترشد». سوسنجردی «المسترشد» را نزد ابن قبه آورد. ابن قبه نیز ردی بر آن نوشت به نام «المستثبت» سوسنجردی دیگر بار به نزد بلخی رفت و «المستثبت» را به وی داد. بلخی نیز ردی بر آن نوشت، اما ابن قبه قبل از آنکه این ردیه را دریافت کند، وفات کرد. از دیگر آثارش: «الامامة»؛ «الرد علی الزیدیه»؛ «الرد علی ابی‌علی الجبائی»؛ «المسألة المفردة فی الامامة»؛ «التعریف».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۹/ ۳۸۰)، الذریعه (۲- ۱- ۲۱/ ۳۹۴، ۲۰/ ۲۰۰، ۱۰/ ۲۱۶، ۴/ ۳۹۷- ۳۹۶، ۲/ ۳۳۵) رجال النجاشی (۲۸۹- ۲۸۸/ ۲)، ری باستان (۲/ ۳۶۹)، ریحانه (۸/ ۱۴۹- ۱۵۰)، الفهرست للطوسی (۲۹۸- ۲۹۷)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۳۳۰)، الکنی واللقاب (۳۸۳- ۳۸۲/ ۱)، لغت نامه (ذیل / ابن قبه)، معجم المؤلفین (۱۴۹- ۱۴۸/ ۱۰)، نامه‌ی دانشوران (۳۱۰- ۲۸۲/ ۴)، هدیة العارفين (۲/ ۱۰۶).

ابن قلمش، ابومنصور محمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۲۰- ۵۴۳/ ۵۴۲ ق)، ادیب، نحوی، شاعر و ریاضیدان. از امیرزادگان سمرقند بود ولی در بغداد به دنیا آمد. در ریاضی و در حل مشکلات هندسه‌ی اقلیدسی تبحر داشت. گویند شوق بسیار به قمار داشت و مدتی حاجب خلیفه بود. در بغداد درگذشت و در شوش نیز به دفن شد. اشعار پراکنده‌ای از وی در تذکره‌ها به جا مانده است. از آثارش: «التبر المسبوک والوشی المحبوک».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دائرةالمعارف البستانی (۶۴۵- ۶۴۴/ ۱)، ریحانه (۸/ ۱۵۹)، معجم الادباء (۲۰۶- ۲۰۵/ ۱۸)، معجم المؤلفین (۵۲/ ۱۰)، الوافی بالوفیات (۱۲۷- ۱۲۵/ ۳).

ابن قتیبه‌ی دینوری، ابومحمد عبدالله

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۷۶- ۲۱۳ ق)، فرهنگ‌نویس، زبان‌شناس، نویسنده، محدث و مفسر. از مردم مرو بود. نزد استادانی چون اسحاق بن راهویه، ابوحاتم سهل بن محمد سجستانی و عباس بن فرج ریاشی درس خواند. بیشترین تأثیر را از ابن مقفع و ارسطو پذیرفت. آثار جاحظ را خوب می‌شناخت. شکوفایی او با جنبش سنت‌گرایی متوکل همزمان بود. وی توانست با پاره‌ای از نوشته‌های خود از اصلاحات متوکل پشتیبانی کند، و در اندک زمانی سخنگوی این مذهب شود. در ۲۳۶ ق قاضی دینور شد و بعد از آن همین سمت را در بصره داشت تا زنگیان، شهر را تاراج کردند. ابن قتیبه پس از آن تمام هم خود را بر سر تدریس گذاشت. وی علاوه بر پایگاه بلندی که در میان اهل سنت داشت، پایه‌گذار مکتب زبان‌شناسی بغداد بود که مکتبی آمیخته از مکاتب نحوی کوفه و بصره به شمار می‌رفت. وی سومین نثرنویس بزرگ عرب پس از ابن مقفع و جاحظ است. آوازه‌ی او در عرب به خاطر توانایی وی در نگارش آثار ادبی است که گونه‌ای انسان‌گرایی را در جریانهای فکری آن زمان نشان می‌دهد. پسرش، احمد، و قاسم بن اصنع و عبدالرحمان شکری از شاگردان او بودند. آثار او تا مصر نیز رفت. از آثارش: «ادب الکاتب»، کتابی واژگانی است برای دبیران که پیشگفتار پرآوازه‌ی آن بیانیه‌ی فرهنگی- سیاسی است؛ «کتاب الانواء» درباره‌ی گاهنامه اخترشناسی با اطلاعاتی درباره‌ی برجهای دوازده‌گانه، کهکشانی راه شیری و پیکره‌های آسمانی که تمام متن کتاب باقی مانده است؛ «المعارف»، در شناخت و شرح رجال؛ «الشعر والشعراء» برگزیده‌ی شعر عرب به ترتیب زمان حیات شاعران که پیشگفتار آن بیانیه‌ی مکتب نئوکلاسیک شمرده می‌شود؛ «تفسیر

غریب قرآن»، تفسیر واژگانی بر آیه‌های دشوار؛ «تأویل مختلف الحدیث»، بزرگ‌ترین اثر کلامی ابن‌قتیبه که در آن شرح اندیشه‌های دینی و سیاسی و باورهای وی آمده است؛ «تأویل القرآن»، در معانی و بیان و اعجاز قرآن؛ «عیون الاخبار»، مجموعه‌ی بزرگ ادبی؛ «غریب الحدیث»، شرحی لغوی بر حدیث از پیامبر (ص) تا معاویه؛ «اعلام النبوة»؛ «الامامة والسیاسة»؛ «جامع النحو». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴/ ۲۸۰)، ایضاح المکنون (۵۰۶، ۱۴۶، ۱۳۴، ۲/ ۳۵۶، ۱/ ۱)، تاریخ مشاهیر کرد (۱/ ۷)، تاریخ بغداد (۱۷۰/ ۱۰)، دائرة المعارف البستانی (۱/ ۶۴۵)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۶/ ۷۷۵- ۷۸۱)، روضات الجنات (۱۰۳- ۱۰۰/ ۵)، ریحانه (۱۵۲/ ۸)، سیر النبلاء (۲۹۷- ۲۹۶، ۱۲/ ۷)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۱۳۰)، کشف الظنون (۱۷۲۴، ۱۴۶۵، ۱۴۶۴، ۱۴۱۵، ۱۳۹۹، ۱۳۹۲، ۱۲۰۴، ۱۱۸۴، ۱۱۰۲، ۸۰۷، ۷۶۰، ۷۲۲، ۶۰۹، ۵۷۵، ۴۶۳، ۳۳۵، ۱۰۸، ۴۷، ۳۲)، الکنی واللقاب (۳۸۷- ۳۸۳/ ۱)، لسان المیزان (۱۶۱/ ۱۵۸- ۴/ ۱۵۸)، معجم المؤلفین (۱۳/ ۴۰۲، ۶/ ۱۵۰)، وفيات الاعیان (۴۳- ۴۲/ ۳)، هدیة العارفين (۴۴۲- ۴۴۱/ ۱).

ابن قولویه قمی، ابوالقاسم جعفر

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۶۹/ ۳۶۸ ق)، فقیه و محدث شیعی. از پدرش، ابن قولویه قمی ابوجعفر محمد بن جعفر معروف به مَسْلَمَه متوفی (۳۰۱/ ۲۹۹ ق)، و مدفون در قم نزدیک بقعه علی بن بابویه قمی، و نیز از احمد بن حسین زعفرانی، ابوالفضل صابونی، کلینی، ابن‌ولید قمی، ابن‌مهزیار اهوازی، ابن‌بابویه پدر صدوق، ابن‌عُفدَه و احمد بن اصفهبد و گروهی دیگر حدیث شنید. شیخ مفید شاگرد او بود و وی را شیخ صدوق توصیف می‌کرد. ابن‌غضائری نیز از شاگردان اوست. همگی وی را محدثی ثقة دانسته‌اند. برادرش ابوالحسین علی بن محمد نیز از محدثان شیعه و از مشایخ اوست. در ۳۳۹ ق عازم سفر حج شد، اما، در بغداد بیمار شد و نتوانست به حج برود و در همان جا درگذشت و در کاظمین دفن شد. از آثار وی: «کامل الزیارات»؛ «الجمعة والجماعة»؛ «تاریخ الشهور والحدوث»؛ «النوادر»؛ «الصلوة»؛ «الرضاع»؛ «الصداق»؛ «مداواة الجسد لحياة الابد».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۵۶- ۱۵۴/ ۴)، تاریخ الاسلام (حوادث ۳۹۴، ۳۹۳/ ۳۸۰- ۳۵۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۰۱- ۸۰۰/ ۶)، الذریعه (۲۵۵/ ۱۷)، رجال النجاشی (۳۰۶- ۳۰۵/ ۱)، روضات الجنات (۱۶۸- ۱۶۷/ ۲)، ریحانه (۱۶۲/ ۸)، الفهرست للطوسی (۷۸- ۷۷)، لسان المیزان (۲۲۴- ۲۲۳/ ۲)، فوائد الرضویه (۸۰- ۷۸)، مفاخر اسلام (۱۵۲- ۱۳۲/ ۳)، معجم المؤلفین (۱۴۶/ ۳)، معجم رجال الحدیث (۱۱۶/ ۴)، نامه‌ی دانشوران (۳۶۴- ۳۶۱/ ۲)، الوافی بالوفیات (۱۱/ ۱۵۱).

ابن کبیر، جمال‌الدین محمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۸۴۲- ۷۷۶ ق)، شاعر، نویسنده، فقیه و قاضی. نیاکانش از مردم طبرستان بودند. وی در عدن متولد شد و در آنجا نشو و نما یافت و پس از اتمام تحصیلات به تدریس پرداخت، پس از آن مفتی شده و عهده‌دار قضای عدن گردید، و حدود ۴۰ سال به قضاوت

مشغول بود. با مردم به مدارا رفتار می‌کرد و به داشتن فروتنی، نرم‌خویی و مایل به اصلاح میان مردم مشهور بود. سرانجام در عدن درگذشت. از آثارش: «الدرالظیم فی الکلام علی بسم الله الرحمن الرحیم» یا «شرح البسمله»؛ «مفتاح الحاوی المبین عن النصوص والفحای»؛ شرح گونه‌ای بر «الحاوی المبین عن النصوص والفحای»، شرح گونه‌ای بر «الحاوی الصغیر» نجم‌الدین قزوینی؛ «الرقم الجمالی فی شرح الآلی» یا «شرح قصیده جعبریه»، در فرائض.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۲/ ۵۲۳، ۱/ ۴۵۴)، کشف الظنون (۱۰۳۵)، معجم المؤلفین (۳۳/ ۱۰)، هدیة العارفین (۱۹۱/ ۲).

ابن کثیر داری، ابومعبد، ابوبکر عبدالله

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۰- ۴۵ق)، قاری و محدث. در مکه‌ی معظمه متولد شد. او از نوادگان ایرانیانی بود که پادشاه ایران آنان را با کشتی به یمن فرستاد. وی از موالی عمرو بن علقمه‌ی کنانی بود. ابن کثیر یکی از قراء هفتگانه بود که اصول قرائت را از مجاهد و درباس (مولی ابن عباس) از ابن عباس از امیرالمؤمنین (ع) اخذ کرد. به احتمالی وی بر عبدالله بن سائب مخزومی نیز قرائت کرده است. او از ابن زبیر و عکرمة و دیگران حدیث شنید. گرچه قلیل الحدیث است اما به گفته ابن مدینی و ابن سعد و نسائی از راویان موثق به حساب می‌آید. ایوب، ابن جریج، جریر بن حازم، سفیان بن عیینه و شبل بن عباد و دیگران از وی روایت کرده‌اند. وی پیشه‌ی عطر فروشی داشت و نسبت دارین او به جهت همین پیشه بود، ولی عده‌ای نوشته‌اند که او منسوب به دار بنی‌لخم است. محمد بن عبدالرحمان مخزومی ملقب به قنبل و ابن ابی بزی فارسی، قاری مکه، از شاگردان و راویان قرائت ابن کثیر می‌باشند. ابوعمر و بن علاء و معروف بن مُشکان و اسماعیل بن قسطنطین و بسیاری دیگر بر وی تلاوت کردند. قاضی اهل جماعت مکه بود. و در همان جا از دنیا رفت. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴/ ۲۵۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۶۸)، تاریخ الاسلام (حوادث ۴۰۲- ۴۰۱/ ۱۲۰- ۱۰۱)، التاریخ الکبیر (۵/ ۱۸۱)، تهذیب التهذیب (۳۲۶- ۳۲۵/ ۵)، الجرح والتعدیل (ج ۲، ق ۱۴۴/ ۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۰۵- ۸۰۴/ ۶)، دائرةالمعارف البستانی (۱/ ۶۶۰)، ریحانه (۸/ ۱۶۷)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۴۹)، الکنی واللقاب (۱/ ۳۹۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن کثیر)، وفيات الاعیان (۴۲- ۴۱/ ۳)، هدیة الاحباب (۸۴- ۸۳).

ابن کثیر نهاوندی، عبدالوهاب

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دوم ق)، محدث شیعی. مشهور به ابن کثیر و ابوکثیر. شیخ طوسی وی را در شمار اصحاب و یاران امام رضا (ع) نام می‌برد. از زندگانی وی جز این چیزی در دست نیست.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: رجال الطوسی (۳۸۰)، معجم رجال الحدیث (۴۴/ ۱۱).

ابن لال همدانی، ابوبکر احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۹۲/ ۳۹۸ - ۳۰۸/ ۳۰۷ ق)، محدث و فقیه شافعی. مفتی همدان بود. وی از عبدالرحمان جلاب و اسماعیل صفار و ابن حمدویه مروزی و حفص بن عمر اردبیلی و دیگران حدیث شنید. چندین بار به بغداد سفر کرد و در آنجا به روایت حدیث پرداخت و املای حدیث کرد و افرادی همچون دارقطنی از وی حدیث شنیدند. جعفر ابهری و محمد بن عیسی صوفی و حمید بن مامون نیز از وی روایت کرده‌اند. از آثار او: «کتاب السنن»؛ «مالا- یسع المکلف جهله من العبادات»؛ «مآآت القرآن علی ترتیب السور»؛ «معجم الصحابه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۳۱۹- ۳۱۸/ ۴)، ریحانه (۱۷۸/ ۸)، سیر النبلاء (۷۷- ۷۵/ ۱۷)، الکامل (۲۴۲/ ۷)، کشف الظنون (۱۷۳۶- ۱۵۷۵)، معجم المؤلفین (۳۱۸/ ۱)، الوافی بالوفیات (۲۱۷/ ۷)، هدیة العارفين (۶۹/ ۱).

ابن لبان اصفهانی، ابومحمد عبدالله

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۴۶ ق)، عالم و فقیه شافعی. در اصفهان به دنیا آمد و در بغداد و مکه اقامت گزید. در اصفهان از مشایخی چون ابن مقری و ابراهیم بن عبدالله بن خرشید قوله و در بغداد از ابوطاهر مخلص حدیث شنید. در فقه شافعی از اصحاب ابوحامد اسفراینی و از مشایخ خطیب بغدادی بود. چندی نیز قاضی ایذه شد. قرآن را در پنج سالگی حفظ و به چندین روایت قرائت می‌کرد. در اصفهان درگذشت. از آثار وی: «الروضه»؛ «درر الغواص فی علوم الخواص»؛ ویرایش «ادب القضاء» خصاف.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۶۶/ ۴)، تاریخ بغداد (۱۴۵- ۱۴۴/ ۱۰)، ریحانه (۱۷۹- ۱۷۸/ ۸)، دائرة المعارف البستانی (۶۶۹/ ۱)، سیر النبلاء (۶۵۴- ۶۵۳/ ۱۷)، الکامل (۶۹/ ۸)، کشف الظنون (۹۳۱)، معجم المؤلفین (۱۲۵/ ۶)، هدیة العارفين (۴۵۱/ ۱).

ابن ماجه قزوینی، ابوعبدالله محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۷۳- ۲۰۹ ق)، حافظ، محدث، مفسر و مورخ. برخی گفته‌اند که ماجه لقب پدر وی است نه جدش. ابن ماجه برای گردآوری حدیث به ری، بصره، دمشق، بغداد، حمص، شام مصر و حجاز سفر کرد. در دمشق از هشام بن عمار و عباس بن ولید خلّال و در حمص از محمد بن مصفی و در عراق از ابوبکر بن ابی شیبیه و احمد بن عبده و اسماعیل فزاری و دیگران حدیث شنید. محمد بن

عیسی ابهری و ابوطیب بغدادی و ابوعمرو احمد مدینی و ابوالحسن علی بن قطن از شاگردان وی بودند. وی سرانجام در قزوین درگذشت. آوازه‌ی او بیشتر به جهت کتاب «السنن» است که چهار هزار حدیث را در آن گرد آورده و یکی از کتابهای ششگانه «صحیح» در حدیث اهل سنت است. ابن‌ماجه خود گوید: چون کتاب «السنن» را بر ابوزرعه عرضه کردم، گفت: «گمان من آن است که اگر این کتاب در دسترس مردم قرار گیرد دیگر کتابها یا اکثرشان بی‌رونق شوند». از دیگر آثار وی: «تفسیر القرآن»؛ «تاریخ قزوین»، که گویا هر دو از میان رفته‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۸/ ۱۵)، تهذیب التهذیب (۹/ ۴۵۷-۴۵۸)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۲۳-۸۲۲/ ۶)، دائرةالمعارف البستانی (۱/ ۶۷۳)، دایرةالمعارف فارسی (۱/ ۲۲)، ریحانه (۸/ ۱۸۳)، سیر النبلاء (۲۸۱-۲۷۷/ ۱۳)، کشف الظنون (۱۴۰۵، ۱۰۰۴، ۴۳۹، ۳۰۰)، الکامل (۶/ ۶۲)، الکنی واللقاب (۱/ ۳۹۸)، نامه‌ی دانشوران (۴/ ۳۴۰-۳۴۲)، معجم البلدان (۴/ ۳۹۱)، معجم المؤلفین (۱۱۶-۱۱۵/ ۱۲)، الوافی بالوفیات (۵/ ۲۲۰)، وفيات الاعیان (۴/ ۲۷۹).

ابن‌ماسویه، ابوزکریا یوحنا

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۴۳ ق)، طبیب مسیحی. اهل جندی‌شاپور بود. پدرش از راه یافتن به دربار خلیفه او را به بغداد برد. نزد جبرئیل بن بختیشوع پزشکی خواند. هارون پس از فتح آنکارا به او فرمان داد تا بر نسخه برداری و ترجمه‌ی کتب نظارت و خود نیز کتب پزشکی را ترجمه کند. یوحنا از یونانی و سریانی ترجمه می‌کرد و کتابهای خود را به عربی می‌نوشت. پس از هارون، در عهد مأمون سرپرست بیت‌الحکمه شد. در روزگار فرمانروایی معتصم شهرتی فراوان به دست آورد و به کارهای پژوهشی مشغول شد و خلیفه به خاطر تحقیقاتش در کالبد شکافی فرمان داد تا برایش میمون بیاورند. خلفا به حدیث او چندان باور داشتند که بی‌حضور او هیچ نمی‌خوردند. وی در ادب و فلسفه نیز دست داشت. از آثارش: «نوادر الطیبه»، مجموعه‌ی دستورهای کوتاه پزشکی؛ «کتاب الازمنه»، توصیف فصلهای گوناگون بر پایه‌ی فرضیه‌ی اخلاط طبایع؛ «کتاب الباه»؛ «کتاب البرهان»؛ «دغل العین»، کهن‌ترین کتاب در علم چشم پزشکی؛ «کتاب فی الاشربه»؛ «المنحج فی الصفات و الحلاجات»؛ «کتاب فی الفصد والحجامه»؛ «کتاب فی الجذام» که ظاهراً نخستین کتاب در این زمینه است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۹/ ۲۷۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۸، ۱۰۹/ ۱)، تاریخ الحکماء قفطی (۵۲۸-۵۱۳)، تاریخ طب (۲۳۵-۲۳۰/ ۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۲۴-۸۲۳/ ۶)، ریحانه (۱۸۵-۱۸۴/ ۸)، الفهرست لابن‌الندیم (۵۲۶)، الکنی واللقاب (۳۹۹-۳۹۸/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل / ابن‌ماسویه)، معجم المؤلفین (۲۶۴-۲۶۳/ ۱۳)، مقدمه بر تاریخ علم (۶۶۴/ ۱)، نامه‌ی دانشوران (۹۸-۶۱/ ۴)، هدیه‌ی العارفین (۵۱۶-۵۱۵/ ۲).

ابن‌ماسویه، عیسی

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دوم و سوم ق)، پزشک. نزد پدرش که داروساز و درمانگر بود پزشکی آموخت. وی برادر بزرگ جرجیس، میخائیل و یوحنا بن ماسویه بود. در پی پژوهش و کارهای توان‌فرسا به مالیخولیا گرفتار شد. از آثارش: «قوی الاغذیه»؛ «من لا یحضره الطیب»؛ کتاب «فی الفصد والحجامه»؛ کتاب «جامع الطب»؛ کتاب «فی الصداع».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ الحکماء قفطی (۳۴۰)، تاریخ طب (۳۷۲، ۲۶۹-۲۳۰ / ۲)، ریحانه (۱۸۴ / ۸)، نامه‌ی دانشوران (۱۰۷-۱۰۵ / ۴).

ابن ماسویه، میخائیل

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۳۳۰ ق)، پزشک. وی نخست نزد پدرش و سپس در بیمارستان بغداد پزشکی آموخت. از پزشکان مسیحی دربار مأمون عباسی بود. و برادر کوچکتر عیسی بن ماسویه بود. شیوه‌ی او بر پایه‌ی تجربه‌ی یونانیان بود و تنها از داروهای سود می‌جست که ۲۰۰ سال پیش از وی آنها را آزموده باشند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ طب (۲۳۵، ۲۳۰، ۲۲۷، ۱۷۸-۱۷۷ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل / ابن ماسویه)، نامه‌ی دانشوران (۱۰۴-۹۹ / ۴).

ابن مبارک مروزی، ابو عبدالرحمان عبدالله

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۸۱-۱۱۹ / ۱۱۸ ق)، عالم، عارف و محدث. از موالی بنی‌حفظه و مادرش از خوارزمیان بود. بیشتر زندگیش را در سفرهای بازرگانی، حج‌گزاری و جهاد با رومیان گذراند. از بیست سالگی به دنبال علم رفت و از سلیمان اعمش، اوزاعی، شعبه، ابن‌عینه، ابن‌جریج، ابوحنیفه کوفی، سفیان ثوری و مالک بن انس فقه و حدیث آموخت. یحیی بن معین، اسحاق بن راهویه، قطان، احمد بن مردویه، ابواسحاق فزاری، حسن بورانی، فضیل بن عیاض، عبدالرحمن بن مهدی، و ابن‌منیع از وی روایت کرده‌اند. به گفته‌ی ابن‌معین، وی دارای مجموعه‌ی احادیثی حدود بیست هزار موضوع بود. خود می‌گفت که چهار هزار حدیث شنیده و از هزار نفر روایت کرده است. ابن مبارک بازرگان پارسا و بخشنده بود و گوید هر سال هزار دینار از اموال خود را به تهیدستان می‌بخشید. وی در بازگشت از جنگ با رومیان در عراق درگذشت. از آثار او: «السنن»، در فقه؛ «التفسیر»؛ «التاریخ»؛ «الزهد»؛ «البر والصله».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۵۶ / ۴)، تاریخ بغداد (۱۶۹-۱۵۲ / ۱۰)، تاریخ الکبیر (۲۱۲ / ۵)، تذکره‌الاولیاء (۱۸۸-۱۷۹ / ۱)، تهذیب التهذیب (۳۴۱-۳۳۸ / ۵)، الجرح والتعديل (ج ۲، ق ۱۸۰-۱۷۹ / ۲)، حلیه‌الاولیاء (۱۹۰-۱۶۲ / ۸)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۲۹ / ۶)، ریحانه (۱۹۱-۱۸۹ / ۸)، سیر النبلاء (۴۲۱-۳۷۸ / ۸)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۴۱۶)، کشف‌الظنون (۱۴۲۲، ۱۴۱۰، ۹۱۱،

(۵۷)، لغت نامه (ذیل / ابن مبارک)، معجم المؤلفین (۶/ ۱۰۶)، وفيات الاعیان (۳۴- ۳۲/ ۳)، هدیة العارفين (۱/ ۴۳۸).

ابن مبارک، ابوعثمان سعدان

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۲۰ ق)، ادیب، نحوی و محدث. وی برده و از اسیرانی بود که در طخارستان به دست مسلمانان افتاد. ابن مبارک نابینا بود و در نحو از مکتب کوفیان پیروی می‌کرد. از ابوعبید معمر بن مثنی روایت می‌کرده و ابن دینا هاشمی نیز از او روایت کرده است. از آثار وی: «خلق الانسان»؛ «کتاب الوحوش»؛ «الارض والمياه والبحار والجبال»؛ «النقائص والامثال».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳/ ۱۴۰)، تاریخ بغداد (۹/ ۲۰۳)، ریحانه (۸/ ۱۸۹)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۱۱۹)، معجم الادباء (۱۹۰- ۱۸۹/ ۱۱)، معجم المؤلفین (۴/ ۲۱۴).

ابن متویه قزدانی، ابوالحسن، علی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، محدث امامی. وی از مشایخ اجازه شیخ اجل ابو جعفر محمد بن حسن بن ولید قمی (م ۳۴۳ ق) است. از آثارش «نوادیر کبیر» است که ابن بابویه آن را با واسطه محمد بن حسن بن ولید از وی روایت کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۴/ ۳۳۶)، رجال الطوسی (۴۸۴)، رجال النجاشی (۲/ ۸۱- ۸۲)، ریحانه (۸/ ۱۹۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۰۴- ۲۰۳/ ۴)، الفهرست للطوسی (۲۲۹)، الکنی واللقاب (۱/ ۴۰۳)، هدیة الاحباب (۸۶).

ابن مجاور شیرازی، نجم‌الدین ابوالفتح یوسف

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۰۱ ق)، ادیب و شاعر. پدر وی از صوفیان شیراز بود که در دمشق خانقاه بنا کرده بود. یوسف در دمشق متولد شد و همان جا نشو و نما یافت و در همان شهر مکتب خانه‌ای بنا کرد و به تعلیم پرداخت. صلاح‌الدین او را به عنوان مربی پسرش برگزید و پس از آن هم مدتی وزارت مصر را عهده‌دار بود. وی در سرودن شعر نیز توانا بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۹/ ۳۰۱- ۳۰۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۶/ ۸۳۱)، دائرة المعارف البستانی (۱/ ۶۷۶).

ابن مجاور، جمال‌الدین، نجم‌الدین، ابوالفتح یوسف

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۹۰-۶۰۱ ق)، مورخ، محدث و کاتب ایرانی تبار. از کندی و ابن مندویه حدیث شنید. بنا به علت نامعلومی به هند رفت و از آنجا به عدن. سه بار به زبید سفر کرد. در سال ۶۲۱ ق در مکه بود و از آنجا به جدّه رفت. در غلافقه، یکی از شهرهای یمن، مدتی مقیم شد. ابن مجاور با جمع‌آوری اطلاعات درباره‌ی شهرها، قبایل غرب و جنوب عربستان کتاب مشهور خود «تاریخ المستبصر / مستنصر» را نوشت. ارزش این کتاب بیشتر به لحاظ معرفی جغرافیایی و اجتماعی عربستان آن زمان است. راه‌شناسی کتاب نیز بسیار مفید است و مسافتها به فرسنگ نوشته شده. ابن مجاور توصیف جغرافیایی خود را از مدینه شروع کرده و اطلاعاتی که وی درباره‌ی قلّهات، مسقط و صحار در خلیج عمان به دست می‌دهد از دیگر جغرافیدانان عرب پربارتر است. در این کتاب از خلیج فارس و جزیره‌ی کیش (قیس) نیز سخن رفته است. گزارش او درباره‌ی فرق اسلامی، آداب زناشویی، برده‌داری، لباس، اوزان و مقیاسها، سکه‌ها، کشاورزی، دریانوردی و حقوق گمرکی بسیار دقیق است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۹/ ۳۴۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۳۱-۸۲۹/۶)، معجم المؤلفین (۱۳/ ۳۴۵).

ابن محسد شیرازی، محمود

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(شهادت ۷۶۶ ق)، فقیه شیعی. از بزرگان و نام‌آوران علمای امامیه‌ی روزگار خود بود که در دمشق اقامت داشت و در مدرسه‌ی ابی‌عمر آن شهر بود. وی در جنبش ضد شیعی که در شام روی داد، به همراه تعداد بسیاری از شیعیان شام کشته شد. ابتدا قاضی حنبلی چهل روز وی را زندانی کرد. پس از آن او را نزد قاضی القضاة مالکی حاضر کردند و او دستور ضرب داد. سپس نزد نائب‌السلطنه بردند و علیه او شهادت دادند و قاضی حکم به ریختن خون او کرد. پس او را به بیرون شهر برده و گردنش را زدند و او را سوزاندند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۰۱/ ۱۰)، شهیدان راه فضیلت (۱۵۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۰-۲۰۹/۸).

ابن مدبر، ابوالحسن احمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۷۰ ق)، کاتب و شاعر. در روزگار خلافت واثق عباسی سرپرست دیوان سپاه و از دولتمردان بود. در سالهای نخست خلافت

متوکل سرپرستی هفت دیوان را داشت. متوکل اشعار او را می‌پسندید و آنها را ارج می‌نهاد. نفوذ ابن‌مدبر در دربار باعث بدگمانی وزیر خلیفه عبیدالله بن خاقان شد و گویا ابن‌مدبر و برادرش به زندان افتادند. اما پس از چندی کارگزار خراج دمشق و اردن شد و به دمشق رهسپار شد. پس از آن وی کارگزار مصر شد و به علت مالیاتهای تازه که وضع کرده بود از منفورترین کارگزاران خراج شد. وی با ابن‌طولون کشمکشهایی پیدا کرد که درگیری آنها به سامرا نیز کشید و احمد بن طولون ابن‌مدبر را به زندان افکند و دارایی وی را مصادره کرد. برخی منابع گفته‌اند به اشاره ابن‌طولون در زندان کشته شد و برخی دیگر می‌گویند در ۲۵۸ ق آزاد شد و پیشکار دارایی شام و اردن و فلسطین شد و به دمشق رفت. ابن‌طولون که دمشق را تسخیر کرد بار دیگر ابن‌مدبر را بازداشت نمود و به پرداخت ۶۰۰ هزار درهم محکوم کرد. وی را به مصر بردند و در آنجا تا پایان عمر زندانی بود. وی هر کسی که شعرش را می‌پسندید صله می‌داد و به هر کسی که شعرش را نمی‌پذیرفت دستور می‌داد ۱۰۰ رکعت نماز بخواند. از آثارش: کتاب «المجالسه والمذاکره».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۶/ ۸۳۳)، ریحانه (۸/ ۱۹۷- ۱۹۸)، سیر النبلاء (۱۲۶- ۱۲۵/ ۱۳)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۰۳)، الکنی واللقاب (۱/ ۴۰۴)، معجم‌الادباء (۱/ ۲۲۸)، الوافی بالوفیات (۸/ ۴۰۳۸)، وفيات الاعیان (۷/ ۵۶- ۵۷).

ابن مراغی همدانی، ابوالفتح محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۷۱ ق)، ادیب، نحوی و محدث شیعی. در بغداد ساکن شد و از ابن‌قتیبه حدیث شنید. آموزگار عزالدوله بویه‌ی بود. ابوالحسین محاملی از وی روایت می‌کرد. حافظه‌ای نیکو داشت و در نحو و لغت زبانزد بغدادیان بود. برخی وی را منسوب به قبیله همیدان و گروهی او را همدانی دانسته‌اند. از آثارش: «استدراک لما اغفله الخلیل»؛ «البهجة»، نظیر کتاب «الکامل للمبرد»؛ «مختار الاخبار»؛ «کتاب الخلیلی فی الامامة»؛ «ذکر المجاز فی القرآن»؛ «اسماء البلدان»، و جلد دوم آن به نام «اخبار البلدان»؛ «کتاب الجزء».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۶/ ۲۹۸)، اعیان الشیعه (۹/ ۲۰۱)، ایضاح المکنون (۲/ ۲۹۳، ۴۴۷)، تاریخ بغداد (۲/ ۱۵۲- ۱۵۴)، الذریعه (۲۰/ ۱۶۹، ۳/ ۱۵۹، ۶۵، ۲۳- ۲۲/ ۲)، رجال النجاشی (۲/ ۳۱۸- ۳۱۹)، ریحانه (۸/ ۱۹۹- ۲۷۹/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۵۸ /۴)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۱۴۴)، کشف الظنون (۷۸، ۸۷)، لغت‌نامه (ذیل / ابن‌مراغی)، معجم‌الادباء (۱۰۳- ۱۰۱/ ۱۸)، معجم رجال الحدیث (۱۶۰- ۱۵۹/ ۱۵)، معجم المؤلفین (۹/ ۱۵۷)، هدیة العارفین (۲/ ۵۰).

ابن مردان، ابوموسی عیسی

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سوم ق)، نحوی. وی از یاران فراء نحوی بود. از آثار او: «القیاس علی اصول النحو».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ریحانه (۲۰۰/ ۸)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۱۱۹- ۱۱۸)، کشف الظنون (۱۳۶۶).

ابن مرزبان اصفهانی، ابواحمد عبدالرحیم

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۹۶ ق)، پزشک، فقیه و قاضی. از مردم اصفهان بود و در روزگار آل بویه در بغداد به کار پزشکی می‌پرداخت. چندی نیز قاضی شوستر و خوزستان بود. در شوستر درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۲۱- ۱۲۰/ ۴)، الکامل (۲۲۹/ ۷).

ابن مرزبان، ابونصر سهل

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۴۲۰ ق)، ادیب و شاعر. از مردم اصفهان بود که در قاین متولد شد و در همان جا نشو و نما یافت. در نیشابور مسکن گزید و چند بار در جستجوی کتاب به بغداد سفر کرد و کتابهایی نفیس گرد آورد. ابن مرزبان معاصر ثعالبی بود و با او مکاتبه داشت. از آثار وی: «اخبار ابی العیناء»، «اخبار ابن الرومی»، «اخبار جحظه البرمکی»، «الآداب فی الطعام والشراب».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۱۰/ ۳)، معجم المؤلفین (۲۸۶/ ۴).

ابن مسکویه، ابوعلی، ابو عبدالله احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۲۱ ق)، فیلسوف ادیب، نویسنده، و منشی آل بویه. ملقب به خازن. در خانواده‌ای زردشتی در ری متولد شد. در فن دبیری چندان مهارت داشت که به عنوان کاتب و ندیم به خدمت ابومحمد حسن مهلبی، وزیر امیر معزالدوله‌ی دیلمی درآمد و تا زمان مرگ با وی بود. مدت هفت سال نیز در خدمت ابن عمید در دربار رکن‌الدوله در ری بود و سمت کتابداری و نگاهداری اسناد و مدارک را داشت. در ۳۵۵ ق که غازیان آشوبگر خراسان بر سر راه خود به روم شرقی از ری می‌گذشتند، کتابخانه‌ی عظیم ابن عمید را از غارت و ویرانی مصون داشت. پس از عزل ابوالفتح ابن عمید، همکاری با دستگاه صاحب بن عباد را نپذیرفت. چه خود را همپایه‌ی وی می‌دانست و مستقیماً به خدمت یکی از فرمانروایان آل بویه درآمد. پس از مرگ عضدالدوله به خدمت پسرش، صمصام‌الدوله رسید. از معاصران بوعلی سینا بود و با ابوحیان توحیدی و بدیع‌الزمان همدانی مکاتبه داشت. از احوال ابن مسکویه پس از اعدام ابن سعدان، وزیر صمصام‌الدوله (۳۷۵ ق)، اطلاع چندانی در دست نیست. ابن مسکویه چهره‌ی برجسته‌ای

در حیات عقلی و فرهنگی زمان خود بود. در رشته‌های گوناگون تاریخ، علم کلام، فلسفه و پزشکی تبحر داشت. به کیمیاگری و علوم غریبه سخت علاقه‌مند بود. برداشت وی از دین بیشتر فلسفی و تا حدی عقلانی بود. رنگ فلسفی آثار ابن مسکویه سبب شده است که شیعیان بیش از اهل تسنن آنها را بپذیرند. خود وی مانند فارابی و اخوان الصفا از معتقدان به تشیع فلسفی بود. از دیگر علوم مورد علاقه وی پزشکی بود و بسیار محتمل است که دو کتاب داروشناسی که ابن قفطی در «تاریخ الحکماء» از وی نام برده است برای عضدالدوله تألیف کرده باشد. از آثار مهم او «تجارب الامم و عواقب الهمم» در تاریخ است از آغاز تا مرگ عضدالدوله ۳۷۲ ق. از دیگر آثار بزرگ وی: «تذهیب الاخلاق و تطهیر الاعراق»، در فلسفه اخلاق است. هدف از تألیف این کتاب آن بوده است که برای دانشجویان فلسفه و اخلاق، کتابی ساده و روان مشتمل بر بیان اصول فلسفه فراهم آورد. پس از آن کتب زیادی را به این سبک نوشتند از آن جمله، «اخلاق ناصری» خواجه نصیرالدین طوسی که ترجمه و تألیفی از آن کتاب؛ کتاب «حکمة الخالده»، ترجمه‌ی کتاب «جاویدان خرد»، که یکی از نسخه‌های آن عنوان «کتاب آداب العرب والفرس» دارد. [۱]

(مسکویه معر.) ابوعلی خازن احمد بن محمد بن یعقوب (ف. ۴۲۱ ه.ق.) بنا به نقل مورخان و یا پدر او در آغاز امر زردشتی بود و سپس اسلام آورد. ابوعلی نخست در خدمت ابومحمد مهلبی وزیر معزالدوله (ف. ۳۵۲) به سر می‌برد و بعد از آن نزد ابن‌العمید رفت و خازن کتب او بود. پس از وفات ابن‌العمید چندی در خدمت عضدالدوله دیلمی و صمصام‌الدوله گذراند. ابوعلی به علوم اوایل معرفت بسیار داشت و از آن جمله به فلسفه و طب و کیمیا بیش از همه مایل بود. وی از نویسندگان و مورخان مشهور اسلامی محسوب می‌شود. از جمله آثار فلسفی او که در دست است کتب ذیل را نام می‌بریم: الطهارة فی علم الاخلاق، کتاب فی جواب المسائل الثلاث (در سه مسأله: اول در اثبات صانع، دوم در نفس و احوال آن، سوم در نبوت)، تهذیب الاخلاق، آداب العرب و الفرس (ه.م.)، جاویدان خرد، کتاب العادة تجارب الامم (ه.م.) ابن مسکویه در ما بعد الطبیعه سه مسأله اثبات وجود صانع و نفس و نبوت را با روش تازه‌ای مورد مطالعه قرار داده است.

ابوعلی احمد بن محمد بن یعقوب مسکویه (ف. ۴۲۱ ه.ق.) از بزرگان فلاسفه و حکما و مشاهیر دانشمندان اسلامی است. در لغت، منطق، فنون شعر، ریاضیات، فلسفه و حکمت استاد بود، به خدمت عضدالدوله رسید و سمت ندیم و خازنی او را یافت. تألیفات بسیاری دارد که از آن جمله است «تجارب الامم و تعاقب الهمم» و «تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق» و کتاب «جاویدان خرد». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] الاعلام (۲۰۵-۲۰۴/۱)، اعیان الشیعه (۱۷۲-۱۵۸/۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۰۲-۳۰۰/۱)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۱۹۵-۱۷۳)، تاریخ فلسفه در اسلام (۶۸۲-۶۶۵/۱)، تازیخ گزیده (۶۸۹)، تاریخ نظم و نثر (۱۲۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۵۴-۸۵۲/۶)، دایرة المعارف فارسی (۳۴/۱)، الذریعه (۴/۶۶، ۲/۱۰۵، ۱/۳۸۷)، روضات الجنات (۲۶۶-۲۶۴/۱)، ری باستان (۲۸۷، ۲۸۶/۲)، ریحانه (۲۰۸-۲۰۶/۸)، کشف الظنون (۱۹۳۷، ۱۴۳۶، ۱۳۰۳، ۵۱۴، ۴۳)، الکنی واللقاب (۴۰۹-۴۰۸/۱)، لغت‌نامه (ذیل/احمد)، مؤلفین کتب چاپی (۳۳۷-۳۳۶/۱)، مجالس المؤمنین (۱۹۰-۱۸۹/۲)، معجم الادباء (۱۹-۵/۵)، معجم المؤلفین (۱۶۹-۱۶۸/۲)، هدیه العارفین (۱/۷۳).

ابن مشهدی حائری، ابو عبدالله محمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم و هفتم ق)، محدث و فقیه شیعی. از ابن بطریق، ورام بن ابی‌فراس، ابن زهره، هبة الله بن نما و ابن شاذان بن جبرئیل قمی

حدیث شنید و از همگی آنان اجازه‌ی حدیث گرفت. محدث نوری او را در شمار مشایخ نجیب‌الدین بن نما آورده است. از آثارش: «بغیة الطالب و ایضاح المناسک لمن هو راغب فی الحج»؛ «مزار کبیر»، معروف به «مزار محمد بن المشهدی»؛ «المصباح». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲۰۲/ ۹)، خاتمه مستدرک الوسائل (۲۰- ۱۹/ ۳)، الذریعه (۳۲۵- ۳۲۴/ ۲۰، ۱۳۵- ۱۳۴/ ۳)، ریاض العلماء (۴۹/ ۵)، ریحانه (۲۰۹- ۲۰۸/ ۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۵۳- ۲۵۲/ ۶)، فوائد الرضویه (۴۴۹)، الکنی واللقاب (۴۰۹/ ۱)، مشاهیر دانشمندان اسلام (۳۳۷- ۳۳۶/ ۲)، معجم المؤلفین (۱۵۳/ ۹)، معجم رجال الحدیث (۲۶۰- ۲۵۹/ ۱۷، ۱۵۹/ ۱۵).

ابن مظفر شیرازی، بهاء‌الدین، ابوالمبارک محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۴۰ق)، حافظ، صوفی و محدث. نزد شیخ علی دیوانی واسطی درس خواند، و «کتاب شاطبی» و «جامع الاصول» را بر او خواند. وی در قراآت هفتگانه قرآن ماهر بود. در بقعه پدر و جدش و همچنین مسجد سرو با بیانی خوش وعظ می‌گفت. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان شیراز (۲۱۸)، تذکره‌ی هزار مزار (۲۴۹- ۲۴۸).

ابن مظفر شیرازی، جلال‌الدین، ابوالمیان مسعود

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۲۵ق)، مفسر، واعظ، عارف و دانشور. وی نیای مادری ابوالعباس زرکوب شیرازی، نویسنده‌ی «شیرازنامه» و نیای سوم جنید شیرازی، نویسنده‌ی «شد الازار» بود. دوبار حج گزارد اما سعی کرد که مردم بر آن مطلع نشوند. او در مسجد آدینه‌ی سنقری وعظ می‌کرد و در بقعه‌ی شیخ کبیر درس حکمت می‌گفت. در شیراز سپرده شد. از تألیفات وی: «کتاب مفتاح الروایات و مصباح الحکایات»، کتابی در فضائل اهل بیت- علیهم‌السلام- در چهار مجلد، مشتمل بر دوازده باب. بعلاوه وی دارای تألیفات و مجموعات و اجازات و اسانید معتبر است که اکثر آنها از شیوخ پدرش بوده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان شیراز (۲۱۷)، بزرگان نامی پارس (۴۰۷- ۴۰۶/ ۱)، تذکره‌ی هزار مزار (۱۳۲- ۱۳۱)، شیرازنامه (۱۷۹)، معجم المؤلفین (۲۳۱/ ۱۲).

ابن مظفر شیرازی، زین‌الدین، طاهر

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف پس از ۷۰۰ ق)، عالم، عارف، مفسر و محدث. برای تحصیل علم مسافرت بسیار کرد و صحبت مشایخ را دریافت. به تدریس و تربیت اهل علم علاقه داشت و چندین سال در سیر و سلوک و درس و افاده و وعظ بود. کتاب «جامع الاصول» مجدالدین ابن اثیر جزری را از قطب‌الدین محمود شیرازی روایت می‌کرد. او را مجموعه‌ها و اجازات از پدر خود در تفسیر و حدیث و فقه و تصوف و تاریخ است. در پایان زندگی سفری به جزایر خلیج فارس، کیش و هرمز، کرد. در بین راه چون به نماز شب نشست و برخاست می‌کرد، نگهبان قافله، به اشتباه، تیری به پیشانی او زد و به زندگیش خاتمه داد. جنازه‌اش را به شیراز آوردند و در بیرون دروازه فسا دفن کردند. از آثار وی: کتابی در فضیلت علم و شرف دانشمندان به نام «تحفه الحلفاء الی حضره الخلفاء».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان شیراز (۲۱۵-۲۱۴)، بزرگان نامی پارس (۲۷۳-۲۷۱/۱)، تذکره‌ی هزار مزار (۲۳۵-۲۳۱، ۲۲-۲۱)، شیرازنامه (۱۷۹)، معجم المؤلفین (۳۹/۵).

ابن مظفر شیرازی، سعدالدین، ابوالیمین اسعد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۷۰ ق)، واعظ و ادیب. پسر مهتر مظفر بود. به مدد حافظه‌ی توانا بسیاری از کتابها و آیات و احادیث و احکام را در خاطر داشت و آنها را درس می‌داد، و در مسجد عتیق و مسجد بغدادی وعظ می‌کرد. در وعظ بسیار خوش بیان بود. هنوز جوان بود که در پی ریزش سقف خانه‌اش در زیر آوار از پای درآمد. وی پیش از پدر وفات کرد. و در مقبره خانوادگی دفن شد. پدرش در سوک او بسی ابیات سرود که تمامی حاکی از سوزش و احتراق بود. در «شیرازنامه» این مشخصات با سعدالدین محمد انطباق داده شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان شیراز (۲۱۳)، تذکره‌ی هزار مزار (۲۴۳-۲۴۲، ۲۵)، شیرازنامه (۱۷۹).

ابن مظفر شیرازی، شمس‌الدین، ابوالمفاخر عمر

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۶۲-۶۳۲ ق)، دانشمند، محدث و متکلم. معروف به حکیم. وی در ادبیات، فقه، نجوم، پزشکی، ریاضی و دانشهای دیگر استادی داشت. از شاگردان قاضی سراج‌الدین ابوالعز مکرّم بن ابی‌العلاء و معاصر امام فخر رازی بود. وی امام فخر را می‌ستود و کتابهای او را انتشار می‌داد و با او مکاتبه داشت. از شیخ ابوالفتوح منتجب‌الدین محمود بن خلف عجلی و شیخ عبدالرحیم سروستانی و شیخ عبدالوهاب ابن‌سکینه بغدادی و شهاب‌الدین سهروردی، عارف معروف، روایت می‌کرد. با شیخ سهروردی دیدار کرد و با او به سفر حج و از آنجا به بغداد رفت. وی بخشی از کتاب «عوارف المعارف» شیخ شهاب‌الدین را پیش او خواند. شمس‌الدین نویسنده‌ای پرکار بود و از هیجده سالگی به نوشتن روی آورد. به خط خود بسیار حدیث نوشت و اجازه‌ها داد. شمس‌الدین برای اینکه علم را همگانی سازد این علوم را به شعر درآورد تا فراگرفتنش برای دانشجویان آسانتر باشد. وی در عبارت

نیز کوشا بود. در شیراز درگذشت و در مقبره باغ نو شیراز در کنار پدر و برادر مدفون است. از آثار وی: کتاب «الاربعین» به نام «دارالسلام فی مدار الاسلام»؛ «المحصل فی شرح المفصل»؛ «الهدایة»؛ «التیان»؛ «الفرائض»؛ «زبدۃ الادراک فی هیئۃ الافلاک»؛ «المدخل فی النجوم»؛ «تلخیص البیان فی تخلص الابدان»؛ «منهاج الاریب فی احتیاج الی الطیب».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان شیراز (۲۱۶)، بزرگان نامی پارس (۳۵۹-۳۵۷، ۲۹۴، ۱/)، تذکره‌ی هزار مزار (۲۸۵-۲۸۴، ۲۰، ۱۹-)، شیرازنامه (۱۸۰-۱۷۹)، معجم المؤلفین (۴-۳/۸).

ابن مظفر شیرازی، شمس‌الدین، ابوالمؤید عمر

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۷۰۰ ق)، واعظ و محدث. مردی پارسا بود و در اخبار و حدیث استادی داشت. در رباط شیخ ابراهیم کرخی وعظ می‌کرد. منصور راستگو برادر او بود. وی با خط بسیار حدیث نوشت و اجازه‌ها داد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی هزارمزار (۲۵۰، ۲۴)، شیرازنامه (۱۷۹).

ابن مظفر شیرازی، صدرالدین، ابوالمعالی مظفر

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۸۸/ ۶۸۷/ ۶۸۱ ق)، عالم، عارف و محدث. ابتدا نزد پدرش، سعدالدین محمد، درس خواند. عمویش، شمس‌الدین ابوالمفاخر و شمس‌الدین محمد بن صفی، ابوالخیر سیرافی و شهاب‌الدین فضل‌الله تورپشتی و قاضی مجدالدین فالی و امام‌الدین بیضاوی از استادان او بودند. وی در فقه و حدیث از سرآمدان بود و در مسجد باغ نو وعظ می‌کرد. اتابک ابوبکر سعد بن زنگی از مریدان وی بود. او با یکی از دختران شیخ بیضاوی ازدواج کرد و هفت فرزندش همگی از علما بودند. حدود شصت کتاب و رساله به زبانهای عرب و فارسی نوشت. از آثار وی: «التلویح»، شرح بر «مصایح السنه» حسین بن مسعود؛ «غررالمعانی والنکات»، در شرح «المقامات» حریری، «غایة‌الایجاز فی بیان الحقیقه‌والمجاز»؛ «توضیح السبیل فی الجرح والتعدیل»؛ «المرموزات العشرین»؛ «منتهی المطالب فی معرفه‌امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب- کرم‌الله وجهه-»؛ «تحفه‌الاحرار»؛ «حلیه‌الافاضل و زینة‌المحافل»؛ «انیس القلوب»؛ «تبصیر الملوک و السلاطین فی التحذیر عن اعوان الشیاطین»؛ «مسائل الخلاف المستخرجه من کتب الاشراف»؛ «منتقد الاخبار و معتقد الاخیار فی شرح احادیث النبی المختار».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان شیراز (۲۱۳-۲۱۱)، بزرگان نامی پارس (۲۹۵-۲۹۳)، تذکره‌ی هزار مزار (۲۴۲-۲۳۷، ۲۱، ۲۰-)، شیرازنامه (۱۷۹-۱۷۸)، کشف‌الظنون (۱۷۹۱-۱۲۰۲)، معجم المؤلفین (۳۰۱/۱۲).

ابن مظفر شیرازی، نجم‌الدین، ابوالفتح محمود

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۴۰ ق)، زاهد، واعظ و نساخ. نزد شهاب‌الدین زنجانی و نورالدین خراسانی درس خواند. زبان‌آور بود و در رباط ضیائییه و گاه مسجد عتیق وعظ می‌کرد. در حفظ قرآن و ضبط وجوه قراآت و بیان متشابهات نیز دست داشت. از طریقه‌ی پدر و عم خود پیروی کرد و به انزوا گرایید و به در خانه حاکمی نرفت. وی در مقبره‌ی پدرانش مدفون است. معین‌الدین ابوالقاسم جنید شیرازی، نویسنده‌ی «شدالازار» پسر او بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان نامی پارس (۳۹۷-۳۹۶)، تذکره‌ی هزار مزار (۲۵۴-۲۵۱، ۱۶).

ابن معروف، محمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، ادیب و فرهنگ‌نویس. وی مؤلف فرهنگی است به نام «کنز اللغات» یا «کنز اللغه» که این کتاب را به نام سلطان محمد کارکیا و پسرش کارکیا میرزا علی تدوین کرد. این کتاب از بدو تألیف مورد استفاده‌ی طالبان علم بود. مؤلف در گردآوری این کتاب از قرآن و اکثر کتابهای لغت عربی و تفسیر، حدیث فقه و طب بهره برده است. وی در آغاز هر باب به ذکر مصادر مبادرت کرده و از بیان مشتقات آنها خودداری کرده و بعد از ذکر مصادر به لغات غیر مشتقه پرداخته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۹/ ۳۸۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۴/ ۱۱۲)، تاریخ نظم و نثر (۲۶۰)، الذریعه (۱۶۴/ ۱۸)، ریحانه (۲۱۴/ ۸)، کشف الظنون (۱۵۱۸).

ابن معقل نسفی، ابواسحاق ابراهیم

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۹۵ ق)، محدث و مفسر و فقیه حنفی. از مردم روستای سانج در نزدیکی نسف بود. «صحیح» بخاری را از مؤلف آن روایت کرد و از قتیبه بن سعید، ابوکریب، هشام بن عمار حدیث شنید. فرزندش، سعید بن ابراهیم، و علی طغامی و خلف بن محمد حنیام از وی روایت کردند. ابن معقل چندی قاضی نسف (نخشب) بود و عالم آن سامان به حساب می‌آمد. از آثار وی: «المسند» در حدیث؛ «التفسیر».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷۰/ ۱)، سیر النبلاء (۴۹۳/ ۱۳)، كشف الظنون (۱۶۸۵، ۴۳۶)، معجم المؤلفین (۱۱۵/ ۱)، الوافی بالوفیات (۱۴۹/ ۴).

ابن مقفع، عبدالله

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۰۲- ح ۱۳۹ ق)، مترجم و عالم. وی یکی از نخستین مترجمان آثار ادبی تمدنهای هند و ایرانی به زبان عربی و یکی از آفرینندگان نثر ادبی عربی است. در خاندانی نجیب‌زاده در جور فارس، فیروزآباد کنونی، متولد شد. پدرش، دادویه که با نام اسلامی مبارک، معروف بود در زمان حجاج تحصیلدار مالیات بود و چون به جرم اختلاس شکنجه شد، وی را به تمسخر مقفع خواندند. عبدالله نام اسلامی روزبه بود. در آغاز در کرمان منشی حکام و صاحب منصبان اموی بود. در آنجا ثروتی هنگفت به دست آورد. پس از آن به خدمت عیسی بن علی، عموی منصور، خلیفه‌ی عباسی، درآمد. بهترین سالهای عمر وی در کوفه و بصره طی شد. در محفل ادیبان و ظریفان رفت و آمد داشت. مرگ وی عللی سیاسی داشت. ابن مقفع با دست بردن در متن دستخط امان نامه‌ی منصور خلیفه سبب برآشفتگی و بدگمانی خلیفه در حق خود شد. خلیفه فرمان داد تا دست کاتب گستاخ را قطع کنند. حاکم بصره که از مدتها پیش کینه‌ی وی را در دل داشت از این پیشامد برای گرفتن انتقام شدید بهره برد و ابن مقفع را زیر شکنجه‌های سهمناک به قتل رساند. ابن مقفع، با وجود کمی عمر خود آثار گرانبهایی را تألیف و ترجمه کرد، از آن جمله‌اند: ترجمه‌ی «کلیله و دمنه»، که قدیمی‌ترین ترجمه از این اثر هندی است؛ «ادب الصغیر» و «ادب الکبیر»؛ «الیتیمه»؛ «خدای نامه» که ترجمه‌ای است از «آیین نامه‌ی» عهد ساسانیان؛ «کتاب مزدک»؛ «کتاب التاج». [۱]

عبدالله روزبه (مقت. ۱۴۲ یا ۱۴۳ یا ۱۴۵ ه.ق.) اصل وی از فارس است و او در آغاز کاتب عیسی بن علی بود و یکی از ناقلان بزرگ کتب از فارسی به عربی است. از تألیفات اوست: التاج در سیرت انوشروان، آیین‌نامه، کلیله و دمنه، الیتیمه (در رسائل). ابن مقفع به تحریک سفیان بن معاویه و موافقت منصور خلیفه در ۳۶ سالگی کشته شده و در کیفیت مرگ او روایات مختلف است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۲۸۴- ۲۸۳/ ۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۸۷- ۱۸۵)، تاریخ ادبیات زبان عربی (۳۵۲- ۳۴۶، ۳۳۸- ۳۲۹)، تاریخ الحكماء قفطی (۳۰۷- ۳۰۶)، تاریخ گزیده (۶۸۷)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۶۸- ۸۶۴/ ۶)، دائرةالمعارف اسلامی (۱۶۷۴/ ۲)، روضات الجنات (۲۱۹/ ۳)، ریحانه (۲۲۶- ۲۲۲/ ۸)، سیر النبلاء (۲۰۹- ۲۰۸/ ۶)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۱۹۶- ۱۹۵)، كشف الظنون (۷۴۵، ۲۱۷)، الکنی والالقباب (۴۲۵- ۴۲۱/ ۱)، لسان المیزان (۱۷۵- ۱۷۳/ ۴)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌المقفع)، معجم المؤلفین (۴۰۲/ ۱۳، ۱۵۶/ ۶)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۰۱- ۹۹۹/ ۳)، الوافی بالوفیات (۶۳۹- ۶۳۳/ ۱۷)، وفیات الاعیان (۱۵۵- ۱۵۱/ ۲)، هدیة العارفین (۴۳۸/ ۱).

ابن مکی رازی، حسام‌الدین، ابوالحسن علی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۹۸/ ۵۹۳ ق)، فقیه حنفی. چندی در حلب می‌زیست، سپس به دمشق رفت و تا پایان زندگی در آن شهر ماند. پیکر وی را پس از مرگ در بیرون باب الفرادیس به خاک سپردند. از آثار وی: «سلوة الهموم»؛ «خلاصة الدلائل فی تنقیح المسائل»، که تکمله و شرحی است بر «مختصر القدوری»، در فروع فقه حنفی.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۶۱/ ۵)، کشف الظنون (۱۶۳۳، ۱۶۳۲، ۹۹۹)، معجم المؤلفین (۳۰/ ۷)، هدیة العارفین (۷۰۳/ ۱)، ری باستان (۳۲۹/ ۲).

ابن منتجب مروزی، ابوالحسن علی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۳۶ ق)، کاتب، ادیب و شاعر. از مردم مرو بود. پدرش محمد نیز ادیب و شاعری فاضل بود و خطی نیکو داشت و لقب منتجب‌الملک داشت و زمخشری وی را مدح و مرثیه گفته بود. وی به عراق سفر کرد و شهرهای این سرزمین را سیاحت کرد. در مرو از ابوعلی اسماعیل بن احمد بن حسین بیهقی حدیث شنید. سرانجام در یورش خوارزمشاهیان به مرو کشته شد. از آثار وی: «تعلۀ المشتاق الی ساکنی العراق».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۴۹/ ۵)، ایضاح المکنون (۲۹۷/ ۱)، معجم الادباء (۶۱- ۵۸/ ۱۵)، معجم المؤلفین (۱۸۳/ ۷).

ابن منجم، ابوالحسن علی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۵۲- ۲۷۷/ ۲۷۶ ق)، ادیب، شاعر، منجم، متکلم و نسب‌شناس. وی در بغداد متولد شد. با صاحب بن عباد نیز مدتی معاشر بود. ندیمی گروهی از خلفاء را کرد گویا به وزارت نیز رسید. از آثارش؛ کتاب «القوافی»؛ فضائل «شهر رمضان»؛ «الرد علی الخلیل»، در عروض؛ کتاب «النوروز النوروز والمهرجان»؛ «الفرق بین ابراهیم بن المهدی و اسحاق الموصلی فی الغناء» و «اللفظ المحیط بنقض مالفظ به اللقیط»، در معارضه‌ی کتاب «الفرق والمعیار» ابوالفرج اصفهانی.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۸۳/ ۵)، ریحانه (۲۶۷/ ۸، ۳۶۹/ ۷)، فهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۳۸)، کشف الظنون (۱۵۵۹، ۱۴۶۸، ۱۲۵۶)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم الادباء (۱۲۰- ۱۱۲/ ۱۵)، معجم المؤلفین (۲۵۶/ ۷)، وفيات الاعیان (۳۷۶- ۳۷۵/ ۳)، هدیة العارفین (۶۸۰/ ۱).

ابن منجم، ابوعبدالله هارون

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۸۸- ۲۵۱ ق)، ادیب، اخباری و شاعر. معروف به ابن ابی منصور منجم. وی در بغداد متولد شد. با ادیبان و خلفای هم روزگارش مجالست داشت. در جوانی در شهر بغداد درگذشت. از آثارش. «البارع»، در اخبار شعراء مولدین؛ «المختار»، در اغانی؛ کتاب «النساء و ماجاء فیهن من الخبر و محاسن ما قیل فیهن من الشعر و الکلام الحسن» یا «اخبار النساء»؛ «اختیار الشعراء کبیر»، که ناتمام ماند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴۳- ۴۲/ ۹)، ریحانه (۳۶۸/ ۷)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۲۳۸)، کشف الظنون (۲۱۷)، الکنی واللقاب (۲۱۰/ ۳)، لغت نامه (ذیل / ابو عبد الله). سیر النبلاء (۴۰۵- ۴۰۴/ ۱۳)، معجم الادباء (۲۶۳- ۲۶۲/ ۱۹)، معجم المؤلفین (۱۲۹/ ۱۳)، وفيات الاعیان (۷۹- ۷۸/ ۶)، هدیة العارفین (۵۰۳/ ۲).

ابن مندویہی اصفهانی، ابوعلی احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۱۰/ ۴۰۷ ق)، پزشک و فیلسوف. اهل اصفهان و از پزشکان مشهور عهد دیلمیان بود. عضدالدوله به هنگام گشایش بیمارستان عضدی او را به بغداد احضار کرد. وی یکی از بیست و چهار پزشکی بود که برای مداوای بیماران در بیمارستان انتخاب شد. ابن مندویہ با ابن سیار و اهوازی همعصر بود. شاگردان بسیاری تربیت کرد، و از پرکارترین محققین زمان خود بود. از آثار او: «کافی»، مهم ترین اثر ابن مندویہ، معروف به «قانون صغیر»؛ «الجامع الکبیر»؛ «الجامع المختصر فی طب»؛ «المدخل الی الطب»؛ «الاغذیه»؛ «المغیث»؛ «نهایة الاختصار»، دو کتاب اخیر هر دو در پزشکی است؛ «الطبیخ»؛ و رسایل متعدد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۲۵۹/ ۲)، تاریخ حکماء قفطی (۵۸۷)، تاریخ طب (۶۷۲- ۶۷۰/ ۲)، ریحانه (۲۳۳/ ۸)، کشف الظنون (۹۰۰، ۸۹۶، ۸۹۵، ۸۹۱، ۸۸۸، ۸۸۴، ۸۸۰، ۸۶۱، ۸۵۶، ۸۵۳، ۸۴۹، ۵۷۳)، معجم المؤلفین (۲۶۹/ ۱)، الوافی بالوفیات (۵۵- ۵۳/ ۷).

ابن منده اصفهانی، ابراهیم

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۲۰ ق)، محدث حنبلی. وی عموی محمد بن اسحاق صاحب تصانیف است. از آثارش: «الشیوخ».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۱۳/ ۱۵)، معجم المؤلفین (۱۱۰/ ۱).

ابن منده اصفهانی، ابوالحسن عبدالله، عبدالله

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۶۴/ ۴۶۲ ق)، محدث. وی از اعضای خاندان دانشور منده بود. او از پدرش و ابن خُرشید قُوله و ابوجعفر بن مرزبان و حسن بن یوَه حدیث شنید و حسین بن عبدالملک الخَلال و گروهی از وی روایت کردند. وی هشتاد سال زیست. در جیرفت درگذشت. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۶/ ۸۷۹)، سیر النبلاء (۳۵۵ / ۱۸).

ابن منده اصفهانی، ابوالقاسم عبدالرحمان

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۷۰- ۳۸۳ ق)، مورخ، حافظ و محدث حنبلی. منده نیای بزرگ او بود. در اصفهان به دنیا آمد. نیا و پدرش هر دو عالم دینی بودند. ابوالقاسم از پدرش و ابوبکر بن مردویه و ابوجعفر مرزبان و ابراهیم بن خُرشید قُوله و محمد بن ابراهیم جرجانی و دیگر محدثین حدیث شنید و از زاهر بن احمد سرخسی اجازه‌ی روایت گرفت. برای استماع بیشتر حدیث بسیار سفر کرد و از مشایخ همدان، دینور، شیراز، بغداد و نیشابور حدیث شنید. ابن منده از علمای بزرگ عصر خویش بود، چنانکه وی را با خواجه عبدالله انصاری همسنگ می‌دانستند. او از حسن خط نیز بهره داشت. ابوالقاسم بسیار به شرع پایبند بود و مردم را از منکر نهی می‌کرد. او به مکه سفر کرد و ظاهراً در «تاریخ مکه» تألیفی کرده است. وی در اصفهان درگذشت. پیروان عقاید وی در اصفهان به عبدالرحمانیه موسوم بودند. از آثارش: «تاریخ اصفهان»، با ذکر تاریخ ولادتش در آن؛ «حرمة‌الدین»؛ «الرد علی الجهمیة»؛ «صیام یوم الشک»؛ «المستخرج من الکتب الناس»، در حدیث.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴/ ۱۰۳)، دائرةالمعارف البستانی (۱/ ۷۰۸)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۶/ ۸۷۹)، ریحانه (۸/ ۲۳۴)، سیر النبلاء (۳۵۵- ۳۴۹ / ۱۸)، الکامل (۸/ ۱۲۵)، کشف الظنون (۱۶۷۲- ۱۶۷۱)، معجم المؤلفین (۵/ ۱۷۱)، نامه‌ی دانشوران (۲۹۲- ۲۹۱ / ۵)، هدیه العارفین (۱/ ۵۱۷).

ابن منده اصفهانی، ابوالوفاء محمود

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۳۲- ۵۵۲/ ۵۵۰ ق)، محدث حنبلی. از افراد خاندان منده بود. از مسعود ثقفی عبدالمنعم سیدعویه، ابوعبدالله رستمی و ابوالخیر باغبان روایت می‌کرد. ضیاء و ابن نجار و شیخ عبدالصمد بن احمد بن ابی الجیش از او حدیث شنیدند. در سال ۶۳۲ ق که مغولان

به اصفهان تاختند وی در کشتار عام مردم اصفهان کشته شد. از آثارش «الایمان».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۶/ ۸۸۰)، دائرةالمعارف البستانی (۱/ ۷۰۸)، سیر النبلاء (۳۸۳- ۳۸۲/ ۲۲).

ابن منده اصفهانی، ابوزکریا یحیی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۱۲/ ۵۱۱- ۴۳۴ ق)، مورخ و محدث حنبلی. در اصفهان متولد شد. از پدر، عمویش و ابن ریزه ابوبکر اصفهانی دانش فراگرفت. در پژوهشهای علمی با پدرش همراه بود. به سفر حج رفت و سپس راهی بغداد شد و در جامع منصورى درس گفت، و املای حدیث کرد. ابن ناصر و عبدالقادر حیلی و ابن خشاب نحوی و حافظ سلفی و عبدالوهاب انماطی و علی بن ابی تراب خیاط و محمد طرسوسی از وی حدیث نقل می‌کردند، و از شاگردان او به حساب می‌آمدند. شهرت خاندان دانشور ابن منده در علم و فضل با نیای بزرگ او، خاندان دانشور ابن منده در علم و فضل با نیای بزرگ او، یحیی، آغاز و به وی، یحیی، ختم می‌شود. لذا وی را محدث بن محدث بن محدث بن محدث بن محدث بن محدث گویند. ابن منده دارای تصانیف و آثار بسیاری است از آن جمله: «تاریخ اصفهان»، که احتمالاً این کتاب را بر پایه‌ی کتاب جد بزرگش نوشته است؛ «التنبیه علی احوال الجهاد والمنافقین»؛ «زندگینامه‌ی مفصلی درباره‌ی طبرانی»؛ «مناقب الامام احمد»، درباره‌ی احمد بن حنبل؛ «معرفة السماء ارداف النبی»؛ «من عاش من الصحابة مائة و عشرين»؛ «مناقب العباس».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۹/ ۱۹۴)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۶/ ۸۸۰- ۸۷۹)، دائرةالمعارف البستانی (۱/ ۷۰۸)، ریحانه (۸/ ۲۳۴)، سیر النبلاء (۳۹۶- ۳۹۵/ ۱۹)، الکامل (۸/ ۲۸۵)، کشف الظنون (۱۴۶۴، ۲۸۲)، الکنی واللقاب (۴۲۸- ۴۲۷/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ بنومنده)، معجم المؤلفین (۲۱۱- ۲۱۰/ ۱۳)، نامه‌ی دانشوران (۵/ ۲۸۷)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۲۵۷- ۲۵۶)، وفيات الاعیان (۱۷۱- ۱۶۸/ ۶)، هدیة العارفين (۲/ ۵۲۰).

ابن منده اصفهانی، ابو عبدالله محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۹۵- ۳۱۰ ق)، حافظ، محدث و مورخ. در خانواده‌ی علم و حدیث، در اصفهان، به دنیا آمد از پدرش و عموی پدرش بهره گرفت و در جوانی به خراسان، اصفهان، عراق، حجاز، مصر، شام و بخارا حدیثها شنید. در نیشابور ابوحامد بن بلال و محمد بن حسین قطّان را درک کرد و از ابوالعباس اصم هزار جزء نحو نوشت. در بغداد از اسماعیل صفّار و ابوجعفر ابن البختری و در طرابلس از خیثمة بن سلیمان در شام از ابراهیم ابن سنان قنطری و در حمص از حسن بن منصور امام و در مکه از ابوسعید بن اعرابی و در مصر از ابوطاهر مدینی و احمد بن بهزاد فارسی و در سرخس از عبدالله بن محمد بن حنبل و در مرو از محمد بن احمد بن محبوب حدیث شنید. و به گفته فرزندش عبدالرحمن حدود ۱۷۰۰ استاد دید و از ابن ابی حاتم و دیگران اجازه‌ی روایت گرفت. چون از

سفر طولانی علمی‌اش بازگشت کتابهای فراوانی به همراه آورد. ابو عبدالله حاکم و ابو عبدالله غنجار و ابوسعید ادریسی و تمام رازی و ابونعیم اصفهانی و ابن‌بندار رازی و بسیاری دیگر از شاگردان وی می‌باشند. از آثارش: «فتح الباب فی الکنی واللقاب»؛ «تاریخ اصفهان»؛ «معرفة الصحابه» یا «اسماء الصحابه»؛ «الناسخ والمنسوخ»؛ «التوحید و معرفة اسماء الله عزّ و جلّ و صفاته»؛ «الایمان». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۶/ ۲۳۵)، ریحانه (۸/ ۲۳۴)، سیر النبلاء (۴۳- ۲۸ / ۱۷)، الکامل (۷/ ۲۳۰)، کشف الظنون (۱۴۰۶، ۱۱۰۳، ۵۸۹، ۸۹)، معجم المؤلفین (۴۳- ۴۲ / ۹)، الوافی بالوفیات (۱۹۱- ۱۹۰ / ۲)، هدیة العارفین (۲/ ۵۷).

ابن منده اصفهانی، ابو عمر و عبدالوهاب

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۷۵- ۳۸۶ ق)، حافظ و محدث. از برادرش عبدالرحمن بن محمد کوچکتر است. وی در اصفهان به دنیا آمد. از پدرش و ابواسحاق بن خرشید قوله و ابن عبدالوهاب سُلمی و ابوبکر بن مردویه و گروهی دیگر از علمای اصفهان بهره گرفت. او در نیشابور خدمت سعید صیرفی رسید و در شیراز و همدان و مکه و ری نیز اساتیدی دید. او را مُسند و سندشناس حدیث اصفهان می‌دانند. وی در کارهای علمی فرزندش یحیی را به یاری می‌گرفت. فرزندش، یحیی بن عبدالوهاب، و موتمن ساجی و حسن رستمی و مسعود ثقفی و ابوالخیر باغیان و بسیاری دیگر از شاگردان وی به حساب می‌آیند. او با شاگردانش با اخلاقی بسیار نیکو برخورد می‌کرد. سمعانی گوید که در اصفهان جملگی بر مدح و ثنای او بودند. وی در اصفهان در گذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دائره‌المعارف البستانی (۱/ ۷۰۸)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۶/ ۸۷۹)، سیر النبلاء (۴۴۲- ۴۴۰ / ۱۸)، الکامل (۱۳۲ / ۸)، معجم المؤلفین (۶/ ۲۲۸)، وفیات الاعیان (۱۷۱- ۱۷۰ / ۶).

ابن منده اصفهانی، اسحاق

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۴۱ ق)، محدث حنبلی. وی پدر ابو عبدالله محمد بن اسحاق پرآوازه‌ترین کسی از خاندان منده است. پاره‌ای منابع زندگی و کتابهای پسرش را با وی در آمیخته‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۶/ ۸۷۸)، سیر النبلاء (۱۵ / ۴۴۱).

ابن منده، ابوالحسن علی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س پنجم ق)، محدث شیعی. ابن منده از استادش حسین بن یعقوب بزاز در ۳۷۰ ق حدیث مشهور «الطیر المشوی» را که در فضیلت امیرالمؤمنین (ع) است نقل کرده، و شیخ ابوالفتح کراچکی در ۴۳۶ ق در طرابلس همین حدیث را از وی شنیده و آن را در کتاب خویش «تفضیل امیرالمؤمنین (ع)» آورده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۹ / ۵).

ابن مهران، ابومسلم عبدالرحمان

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۷۵ ق)، حافظ و محدث. در بغداد متولد شد و در همان جا نشو و نما یافت. برای استماع حدیث سفرهای زیادی کرد و در خراسان، ماوراءالنهر، شام و جزیره از کسانی چون ابن ابی داوود و محمد بن محمد باغندی و ابوالقاسم بغوی و ابو عمرو به حدیث شنید. پس از آن به نیشابور و از آنجا به سمرقند رفت و حدود ۳۰ سال در این شهر سکنی گزید. در پایان عمر به حجاز رفت و در مکه زیست. احمد بن محمد کاتب، علی بن محمد مقری، ابوالعلاء واسطی، دارقطنی و حاکم نیشابوری از او حدیث شنیدند. دارقطنی و دیگر بزرگان او را تکریم کرده و حاکم گوید که او در شناخت حدیث از پیشگامان بود. وی در مکه می‌کوشید تا از چشم محدثان و دیگران پنهان بماند. زندگی او به پارسایی گذشت و رجال نویسان از او به صفت ثقه یاد کرده‌اند. تصنیفات بسیاری داشت. از جمله آثار وی: «المسند»، در حدیث.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۳۰۰- ۲۹۹ / ۱۰)، سیر النبلاء (۳۳۷- ۳۳۵ / ۱۶)، معجم المؤلفین (۱۸۲ / ۵).

ابن مهریزد اصفهانی، ابومسلم محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۵۷/ ۴۵۹- ۳۶۶ ق)، ادیب، مفسر و محدث معتزلی. معروف به ابومسلم اصفهانی. وی محدث اصفهانی و از بزرگان معتزله‌ی عصر خویش است. ابومسلم آشنای به عربیت و به گفته یحیی بن منده آشنای به نحو بود. او از شاگردان ابوبکر بن مقری بود و سعید بن ابی رجاء صیرفی و حسین خلّال و محمد بن حمد کبریتی از وی روایت کرده‌اند. او شیخ و استاد اسماعیل بن علی حمامی است. در اصفهان درگذشت. از آثار وی: «جامع التأویل لمحكم التنزیل» یا «تفسیر قرآن»، تفسیر بزرگی در بیست مجلد؛ «جامع الرسائل»؛ «ناسخ الحدیث و منسوخه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/ ۱۶۳)، سیر النبلاء (۱۴۷- ۱۴۶ / ۱۸)، لسان المیزان (۳۷۴- ۳۷۳ / ۶)، معجم المؤلفین (۵۰- ۴۹ / ۱۱)، میزان الاعتدال (۳/ ۶۵۵)، الوافی بالوفیات (۱۳۱- ۱۳۰ / ۴)، هدیة العارفين (۲/ ۷۱).

ابن مهزیار اهوازی، ابوالحسن علی

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۲۵۴ ق)، محدث امامی و فقیه شیعی. وی از یاران امام رضا (ع) و امام محمد تقی (ع) و امام علی النقی (ع) بود. در اهواز به دنیا آمد و در همان جا نشو و نما یافت. پدرش از مردم دورق خوزستان بود که نخست آیین مسیحی داشت. به واسطه‌ی حسن بن سعید اهوازی، وی و پسرش، علی، نزد امام رضا (ع) رفتند و به دست امام اسلام آوردند. ابن مهزیار از جانب امام محمد تقی (ع) و امام علی النقی (ع) وکالت داشت و این دو امام درباره‌ی خوبیهای وی توقیعاتی صادر کرده‌اند. ابن مهزیار از محمد بن ابی عمیر، علی بن فضال، حسن بن علی بن فضال و ابان بن عثمان و حسن بن محبوب و حسین بن سعید اهوازی و ابراهیم بن محمد همدانی و احمد بن اسحاق ابهری و جمعی دیگر که شمار آنها به ۵۵ تن می‌رسد، روایت کرده است. وی شاگردان بسیاری تربیت کرده است که ابو عبدالله برقی و برادرش، ابراهیم بن مهزیار، و ابراهیم بن هاشم قمی و پسرش، حسن بن علی بن مهزیار، از آن دسته‌اند. بسیاری از رجال نویسان شیعه او را محدثی ثقة می‌دانند و حدود ۳۳ کتاب از وی برمی‌شمارند. از آثار وی: «کتاب الوضوء»؛ «کتاب الصلاة»؛ «کتاب الزکاة»؛ «کتاب الصوم»؛ «کتاب الحج»؛ «کتاب الانبیاء»؛ «کتاب المثالب»؛ «کتاب البشارات»؛ «المواریث»؛ «الملاحم»؛ «التقیه»؛ «الرد علی الغلاة»؛ «تفسیر ابن مهزیار»؛ «التجمل والمروءة»؛ «المکاسب».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۷۸/ ۵)، ایضاح المکنون (۳۴۹، ۳۴۶، ۳۳۶، ۳۲۸، ۳۲۱، ۳۱۹، ۳۰۱، ۲۹۳، ۲۸۹، ۲۸۳، ۲۸۰، ۲۷۸، ۲۷۳، ۱۹۸/ ۲، ۳۰۴/ ۱)، الذریعه (۳۳۶/ ۲۴، ۲۱۴/ ۱۰، ۲۴۹، ۲۴۸/ ۴)، رجال الطوسی (۴۱۷، ۴۰۳، ۳۸۱)، رجال النجاشی (۷۶- ۷۴/ ۲)، ریحانه (۲۳۹/ ۸)، الفهرست للطوسی (۲۳۱)، الکنی والالقب (۴۳۳- ۴۳۲/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل / علی اهوازی)، مجالس المؤمنین (۴۲۳- ۴۲۱/ ۱)، معجم المؤلفین (۲۴۷/ ۷)، مفاخر اسلام (۱۲۶، ۱۰۷/ ۱)، هدیة العارفين (۶۷۴/ ۱).

ابن نصیر انبردوانی، ابوکامل احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۴۹ ق)، عالم و فقیه حنفی. از مردم روستای انبردوان در بخارا بود. وی در مذهب حنفی تعصب می‌ورزید و دشمن سرسخت شافعیان به شمار می‌آمد. از عالمان به انساب به شمار می‌رفت. از آثار وی: «المضاهاة والمضافات فی الاسماء والانساب».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۰۷/ ۱)، کشف الظنون (۱۷۱۲)، معجم المؤلفین (۱۳۶/ ۲).

ابن ولید قمی، ابوجعفر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۴۳ ق)، فقیه، محدث و رجال‌شناس شیعی. از محمد بن صفار و سعد بن عبدالله اشعری و دیگران علم آموخت. وی به دقت در شنیدن حدیث شهرت داشت. نجاشی او را ثقه خوانده است. شیخ صدوق، تلعبری، ابوالحسین بن ابی‌جید و علی بن حسین بن بابویه از شاگردان وی بودند و از او روایت کرده‌اند. فرزندش، احمد بن محمد استاد شیخ مفید و از مشایخ اجازه اوست. از آثارش: «التفسیر القرآن»؛ «الجامع»؛ و فهرستی در رجال.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: رجال ابن داود (قسم ۳۰۸/۱)، رجال الطوسی (۴۹۵)، رجال النجاشی (۳۰۲-۳۰۱/۲، ۱۲۳/۱)، ریحانه (۲۶۵/۸)، الفهرست للطوسی (۲۸۵-۲۸۴)، الکنی واللقاب (۴۴۶/۱)، معجم رجال الحدیث (۲۰۸-۲۰۶/۱۵).

ابن هارون توزی، ابو محمد عبدالله

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۰۳ ق)، ادیب و نحوی. نسبت وی به توز، شهری نزدیک اهواز، می‌رسد. نخست برده‌ی قریشیان بود. شاگرد اصمعی بود و «الکتاب» سیویه رانزد ابو عمر جریمی خواند از آثارش «کتاب الاضداد»؛ «کتاب الامثال»؛ «کتاب الخیل»؛ «کتاب فعلت و افعلت». بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۲۹۴، ۱۷۳/۲، ۹۴/۱)، روضات الجنات (۳/۶)، ریحانه (۲۶۷-۲۶۶/۸)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۹۹-۹۸)، لغت‌نامه (ذیل / ثوری)، معجم المؤلفین (۱۴۳/۶).

ابن هارون دشت میشانی، ابو عمرو سهل

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۱۵ ق)، حکیم، شاعر، نحوی و لغوی. معروف به بزرگمهر اسلام. وی از مردم دشت میشان بود که به بصره نقل مکان کرد و در آنجا شهره گشت. و به خدمت هارون الرشید درآمد و تا آنجا اوج گرفت که به جای یحیی برمکی برگزیده شد. او همچنین از خادمان خاص مأمون گردید و متصدی خزانه‌الحکمه و کتابدار مأمون شد. ابن هارون از شعویان بود و عجم را بر عرب برتری می‌داد. و در این باره کتابها و رسایل مختلفی نگاشته است. جاحظ شیفته اوست و در وصفش گوید که او خطیب، شاعر و نویسنده قطعات بلند و کوتاه و کتب بزرگ است. گویند که وی بخیل و خسیس بود، به طوری که رساله‌ای در «بخل» نوشت و در آن خساست و بخل را ستود، و آن را به نام حسن بن سهل وزیر کرد. از جمله آثارش: کتاب «ادب اسل بن اسل»؛ کتاب «اسباسیوس فی اتحاد الاخوان»؛ «تدبیر الملک والسیاسة»؛ کتاب «دیوان الرسائل»؛ «ثعلبه و عفراء»، که بر اساس «کليلة و دمنه» برای مأمون نوشت؛ «المسائل»؛ «ندود و ودود و لدود»؛ «التمر والثعلب»؛ «الواقم والعذراء».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۱۱/۳)، اعیان الشیعه (۳۲۳/۷)، ایضاح المکنون (۴۱/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۸۷/۱)، ریحانه (۲۶۶)

۸/، الفهرست لابن الندیم (۱۷۴)، لغت‌نامه (ذیل / سهل)، معجم الادباء (۲۶۷- ۲۶۶ / ۱)، معجم المؤلفین (۲۸۶ / ۴).

ابن هارون عسکری، ابوالحسین احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۳۶۹ ق)، نحوی و لغوی. از مردم شهر عسکر مکرّم خوزستان بود. از آثار او: «شرح التلقین فی النحو لابن جنی» که آن را در ۳۶۹ ق به پایان برد؛ «شرح العیون»؛ «شرح المجاری»؛ «شرح مختصر ابن اسماعیل مبرمان».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: روضات الجنات (۲۴۲- ۲۴۱ / ۱)، ریحانه (۲۶۶ / ۸)، کشف الظنون (۴۸۱)، معجم الادباء (۲۳۲- ۲۳۱ / ۴)، معجم المؤلفین (۱۲۴ / ۲).

ابن هندو، ابوالفرج علی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۲۰ / ۴۱۰ ق)، ادیب، شاعر، طیب و منجم. از مردم ری بود. در نیشابور تحصیل کرد و هم در آنجا با دانش یونانی آشنا شد. از شاگردان ابوالحسن دائلی بود. پزشکی را نزد ابن خمار آموخت. مدتی در گرگان در خدمت قابوس وشمگیر بود. در اشعارش قابوس و فرزند وی، منوچهر، را ستود. پس از آن به خدمت عضدالدوله دیلمی درآمد و تا پایان زندگی دبیر وی بود. از آثارش: «مفتاح الطب»؛ «الکلم الروحانیة من الحکم الیونانیة»؛ «کتاب النفس»؛ «المقالة المشوقة فی المدخل الی العلم الفلسفه»؛ «الرسالة المشرقیة»؛ «انموذج الحکمة»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۸۹- ۸۸ / ۵)، ایضاح المکنون (۷۰۴- ۳۷۹ / ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۰۲ / ۱)، تاریخ طب (۶۷۸ / ۲)، تاریخ طبرستان (۱۲۵- ۱۳۸)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹۲۰ / ۷)، دائرة المعارف البستانی (۷۳۲ / ۱)، الذریعه (۳۶ / ۹)، ریحانه (۲۸۰- ۲۷۹ / ۸)، روضات الجنات (۲۱۶- ۲۱۵ / ۵)، کشف الظنون (۱۷۶۲)، لغت‌نامه (ذیل / ابن هندو)، معجم الادباء (۱۴۶- ۱۳۶ / ۱۳)، معجم المؤلفین (۸۳- ۸۲ / ۷)، نامه‌ی دانشوران (۱۳۴- ۱۲۷ / ۳).

ابن هندویه فارسی، ابو عبدالله محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۰۷- ۴۴۰ ق)، فقیه، محدث و مصنف. در بغداد به شهرت رسید و همان جا می‌زیست تا درگذشت و در کنار آرامگاه ابن سرج به خاک سپرده شد. وی دارای تألیفات و مجموعه‌ای بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: الاعلام (۷/ ۲۴۸)، معجم المؤلفین (۱۱/ ۲۰۶).

ابن هیصم هروی، صدرالاسلام، مجدالدین، علی

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(زنده قبل از ۲۸۰ ق)، ادیب، شاعر و محدث. در هرات متولد شد، از آنجا به بغداد رفت و از عثمان بن سعید دارمی (م ح ۲۸۰ ق)، حدیث شنید. ابواحمد غطریفی گرگانی از او حدیث شنید. ابن هیصم در سرودن شعر به زبان عربی توانا بد. از آثار وی: «مفتاح البلاغة»؛ «کتاب البسملة»؛ «نهج الرشاد»؛ «عقود الجواهر»؛ «لطائف النکت»؛ «تصفیة القلوب»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۸/ ۲۸۶)، تاریخ بغداد (۱۲/ ۵)، ریحانه (۱/ ۳۶۳)، لغت‌نامه (ذیل / علی)، معجم الادباء (۲۸۰- ۲۷۷- ۱۳/)، معجم المؤلفین (۷/ ۱۴۱)، هدیة العارفین (۶۹۸- ۶۹۷/ ۱).

ابن یزید قمی نیشابوری، ابوالحسن علی

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۰۵ ق)، فقیه، محدث و مفسر حنفی. از مردم ری بود. اما مدتی در نیشابور نیز زندگی کرد. از محمد بن شجاع ثلجی فقه آموخت و از محمد بن حمید رازی حدیث شنید. ابوبکر احمد بن سعد بن نصر و احمد کاغدی از او روایت می‌کردند. چندی در نیشابور به املائی حدیث می‌پرداخت. ابن یزید در فقه دستی توانا داشت و از مشاهیر فقهای حنفی روزگار خویش بود. با اندیشه‌های شافعی مخالفت می‌ورزید و بر کتابهای او خرده می‌گرفت و بر اصحاب شافعی ردیه می‌نوشت. از آثار وی: «احکام القرآن»؛ «اثبات القیاس والاجتهاد و خبر الواحد»؛ شرح «الجامع الکبیر» شیبانی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۵/ ۱۷۸)، سیر النبلاء (۲۳۷- ۲۳۶/ ۱۴)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۳۸۴)، کشف الظنون (۲۰)، معجم المؤلفین (۷/ ۲۵۰- ۲۵۱)، هدیة العارفین (۱/ ۶۷۵).

ابن یعیش، ابواسحاق ابراهیم

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۵۷ ق)، محدث اهل سنت. ساکن همدان بود. از یزید بن هارون و عبدالوهاب بن عطاء و محمد بن عمر واقدی و دیگران حدیث شنید. وی به همدان منتقل شد و در آنجا سکنی گزید و نزد علمای شهر حدیث آموخت. او را ثقه‌ای فهیم دانسته‌اند. محمد

بن جعفر بن خلف قوهستانی از شاگردان او است «مسند»ی در حدیث نوشت و آن را پرداخت.
بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۶-۳/۶)، ریحانه (۸/۲۸۲)، الکنی واللقاب (۱/۴۵۳)، معجم المؤلفین (۱/۶).

ابن‌یمین فریومدی، امیر فخرالدین، محمود

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۶۹/ ۷۷۲ ق)، شاعر و ادیب. پدرش از ترکانی بود که از ماوراءالنهر به خراسان آمده بودند. با دربار ابوسعید و طغایمور مرآده داشت. ابن‌یمین نخست در دیوان استیفا مشغول به کار شد. سپس به تبریز رفت و در دستگاه غیاث‌الدین محمد فرزند رشیدالدین فضل‌الله به خدمت مشغول شد. از آنجا عازم عراق عجم شد و سپس به زادگاهش بازگشت. وی علاء‌الدین محمد فریومدی را می‌ستود و با سربداران دوست بود. در ۷۴۳ ق در نبرد میان وجیه‌الدین مسعود سربداری با ابوالحسین محمد بن غیاث‌الدین کورت «دیوان» اشعارش گم شد و گویا به سارت آل کورت درآمد. در دربار آل کورت به گردآوری مجدد «دیوان» اشعارش همت گماشت. سپس به سبزوار رفت و آنرا گزید. شعر وی برخلاف گویندگان معاصر وی ساده و دوراز تکلف است. در سرودن قطعه بیش از دیگر قالبها تبحر داشت. به جز «دیوان» شعر، مثنوی «مجلس افروز» از جمله آثار باقی مانده از اوست. وی از نخستین شاعرانی است که در مناقب امامان و درباره‌ی فاجعه کربلا شعر سروده است. از شاگردان برجسته‌ی وی می‌توان به ابوعلی فارسی اشاره کرد.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آتشکده‌ی آذر (۳۹-۳۷/۱)، از سعدی تا جامی (۳۰۱-۲۹۱)، ایضاح المکنون (۱/۴۸۸)، با کاروان حله (۲۷۴-۲۷۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۶۲-۹۵۱/۳)، تاریخ نظم و نثر (۲۰۱-۲۰۰)، تذکره الشعراء (۳۱۴-۳۰۶)، حیب السیر (۳/۳۸۶)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹۲۶-۹۲۴/۷)، دایرةالمعارف فارسی (۱/۲۳)، الذریعه (۹/۳۴)، ریحانه (۸/۲۸۲-۲۸۴)، سرآمدان فرهنگ (۱/۵۳)، سیری در شعر فارسی (۸۹)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۸-۱۷)، الکنی واللقاب (۱/۴۵۴)، فهرست کتب چاپی (۴-۲/۶)، لغت‌نامه (ذیل / ابن‌یمین)، مجالس المؤمنین (۶۷۲-۶۷۱/۲)، مجمع الفصحا (۸-۱/۴)، مجمل فصیحی (ذیل / سالهای ۷۶۹، ۷۴۳)، هدیه العارفین (۲/۴۰۸)، هفت اقلیم (۲۸۶-۲۸۵/۲).

ابواسحاق اصفهانی، ابراهیم بن عیسی

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۴۷ ق)، صوفی و محدث. از مردم اصفهان بود. با معروف کرخی و ابراهیم خوآص معاشرت داشت. به او کراماتی نسبت داده‌اند. وی از ابوداود الطیالسی و جویریة بن اسماء روایت کرده است. و ابوالعباس احمد بن محمد بزار و نصر بن محمد بن هشام اصفهانی از وی روایت کرده‌اند. ابواسحاق در اصفهان در گذشت.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الجرح والتعديل (ج ۱، ق ۱۱۷/۱)، حلیة الاولیاء (۳۹۳/۱۰)، لسان المیزان (۱۲۹-۱۲۸/۱)، نفحات الانس (۱۴۱).

ابواسحاق، ابراهیم

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ ابواسحاق ابراهیم صاحب مقامات عالیه بوده گویند هنوز به حد بلوغ نرسیده جامع علوم شرعی و دینی گشته چهل و چهار کتاب تصنیف کرده از جمله کتابی در فقه مسمی به مهذب در چهار مجلد. در سال ۴۷۹ ق در عصر خلافت المقتدی بامر الله به بغداد آمده و در آنجا وفات و مدفون شده است. بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ابوالزهر عبدی نیشابوری، احمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۶۳/۲۶۱ ق)، حافظ و محدث. مشهور به شیخ نیشابور و نیز محدث خراسان. به آورده‌ی بستانی وی معروف به ابن سمنای بود. برای استماع حدیث به عراق رفت و تا یمن سفر کرد و از عبدالله بن نمیر و ابوضمره انس بن عیاض لثی و اسباط بن محمد و مالک بن شعیب و یعقوب بن ابراهیم و وهب بن جریر حدیث شنید. و با سفیان بن عیینة ملاقات کرد. او شنیده‌های خود از گروه بسیاری از محدثان حجاز، یمن، شام، کوفه، بصره و خراسان را جمع و تصنیف کرد. ابوحامد بن شرقی در جواب این سؤال که چرا در طلب حدیث به عراق نرفتی، گفت: کجا روم که نقادان حدیث، ذُهلّی و ابن‌زهر در نزد ما، در خراسان، هستند. دو رفیق ابوالزهر، محمد بن رافع و محمد بن یحیی ذهبی، و همچنین استادش، یحیی بن یحیی تمیمی، و نسائی و ابن‌ماجه قزوینی و ابوحاتم و ابوزرعه رازی و ابن‌خزیمه و ابوعوانه اسفراینی و محمد بن جریر طبری از او روایت کرده‌اند. گفته شده که بخاری و مسلم و دارمی نیز از وی روایت کرده‌اند. ابن‌عدی و ابوحاتم بر درستی و راستی او صحّه گذاشته و به گفته ذهبی بی‌شک ثقه‌ای مورد اعتماد است. اما چون در فضیلت امیرالمؤمنین (ع)، حدیث «انت سید فی الدنیا سید فی الآخرة» را نقل کرده، پاره‌ای از محدثان عامه از سر تعصب بر او خرده گرفتند و حدیث او را منکر شدند.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۴۳-۳۹/۴)، تهذیب التهذیب (۱۲-۱۱/۱)، الجرح والتعديل (ج ۱، ق ۴۱/۱)، دائرة المعارف البستانی (۵۷۱/۲)، سیر النبلاء (۳۶۹-۳۶۳/۱۲)، لسان المیزان (۱۹۷/۸)، میزان الاعتدال (۸۲/۱).

ابوالبرکات کازرونی، محمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ ابوالبرکات تاج‌الدین محمد بن احمد بن ابراهیم مدنی شافعی کازرونی معروف به (حاج هراس) از دانشمندان قرن هشتم و نهم هجریست زیرا تولدش ۷۵۷ و وفاتش ۸۴۳ می‌باشد. تألیفات عدیده دارد که از آنهاست.

۱- بحرالساده فی الاخلاق والادب (فارسی) ۲- تفسیر القرآن ۳- شرح التنبیه (تألیف ابواسحاق اسفراینی) ۴- شرح فروع (ابن ابی‌الحدید) ۵- شرح مختصر التنبیه (در سه جلد) ۶- مختصر المعنی (للبارزی در فروع دین).
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ابوالسعادات

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اسعد بن عبدالقاهر بن اسعد اصفهانی

از اجله‌ی علما و فقهای قرن هفتم هجری، و از مشایخ روایت سید رضی الدین علی بن طاوس است.
کتب زیر از اوست:

۱- اکسیر السعادتین ۲- توجیه السؤالات ۳- جامع الدلائل و مجمع الفضائل، در امامت که آن را منبع الدلائل نیز نوشته‌اند ۴- رشح الولاء (رشح الوفاء) در شرح دعای صنمی قریش، و آن را جهت شاه سلطان حسین صفوی ترجمه کردند. (نام مترجم ذکر نشده است) ۵- مجمع البحرین، مجموعه‌ی مواعظ و حکم منقول از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیر المؤمنین علیه السلام؛ و غیره.

وفاتش را در ۶۳۵ نوشته‌اند.

در اعیان الشیعه خواجه نصیر الدین طوسی و میثم بن علی بحرانی را از اساتید او معرفی می‌کند. و در روضات (: ۲۸) صاحب عنوان از مشایخ این دو نفر است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ابوالشیخ اصفهانی، ابومحمد عبدالله

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۶۹- ۲۷۴ ق)، محدث، مفسر و رجالی. محدث اصفهان بود. وی از کودکی در جستجوی حدیث بود. از جد مادری‌اش، محمود بن فرج زاهد، و محمد بن عبدالله همدانی، رییس اصفهان، و ابراهیم بن رسته، و احمد بن رسته اصفهانی، و ابوالقاسم بغوی و علی بن سعید رازی، و محمد بن یحیی مروزی، و جعفر فریابی حدیث شنید. ابن منده و ابن مردویه و احمد بن عبدالرحمان شیرازی و سفیان بن حسنکویه و ابونعیم حافظ و محمد بن علی بن بهروز مرد و فضل بن محمد کاشانی و محمد بن علی بن سمویه و احمد بن محمد یزدی از وی حدیث شنیدند. ابن مردویه او را محدثی امین و مورد اعتماد دانسته است. وی شصت سال به تصنیف و تألیف اشتغال داشت. از آثار وی: «التفسیر»؛ «ثواب الاعمال»، در پنج مجلد؛ «السنن»؛ در چند مجلد؛ «السنه»؛ «طبقات المحدثین باصفهان و الواردین علیها»، در دو مجلد؛ «العظمه»، رساله‌ای در تاریخ.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۶۴/۴)، ریحانه (۱۵۶-۱۵۵/۷)، سیر النبلاء (۲۸۰-۲۷۶/۱۶)، کشف الظنون (۱۴۳۹، ۱۴۰۷، ۱۴۰۶)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالله)، معجم المؤلفین (۱۱۴/۶)، هدیه العارفین (۴۴۷/۱).

ابوالفتح بستی، نظام‌الدین عمید

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

بستی، علی بن محمد بن حسین بن یوسف بن محمد بن عبدالعزیز (ف. بخارا ۴۰۰ یا ۴۰۱ ه.ق.). از مشاهیر مترسلان و شاعران پارسی و تازی در آغاز عهد غزنویان و اواخر قرن چهارم است. وی نخست در خدمت «بایتوز» امیر بست به سر می‌برد و دبیر او بود و پس از غلبه سبکیگین بر بایتوز به دبیری سبکتیگین منصوب شد و تا پایان حیات آن امیر و اوایل پادشاهی محمود صاحب دیوان رسائل بود، تا عاقبت به عللی سلطان بر او متغیر شد و بستی به دیار ترک افتاد و در آن غربت فرو شده. عوفی گفته که خود و دیوان پارسی و تازی او را دیده.

(وف ۴۰۱ / ۴۰۰ ق)، شاعر و کاتب. ابتدا در دربار سامانیان به شغل دبیری اشتغال داشت و بعد از آن به خدمت امیر بست پیوست و تا هنگامی که ناصرالدین سبکتکین بر امیر بست غلبه یافت، سمت دبیری داشت ابوالفتح از بیم او متواری شد، لیکن سبکتکین که بر مرتبه‌ی او در دانش و قوف داشت وی را به خدمت خواند و به دبیری برگزید. ابوالفتح تا پایان عمر سبکتکین صاحب دیوان رسائل او بود و در اوایل سلطنت محمود نیز همچنان در شغل خود باقی ماند تا عاقبت به جهاتی سلطان بر او متغیر شد. وی در شعر و نثر عربی مهارت بسیار و در هر دو شهرت داشت و دارای دو «دیوان» بود، یکی تازی و دیگری فارسی. در بخارا در گذشت. ابوالفتح چند رساله‌ی در انشاء نیز نوشته است. [۱]

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۱۴۴/۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۵۸-۴۵۷/۱)، تاریخ گزیده (۶۹۰)، تاریخ نظم و نثر (۴۵)، تذکره‌ی روز روشن (۲۳)، دایرة المعارف فارسی (۲۶/۱)، لباب الالباب (۶۴/۱)، مجمع الفصحا (۱۵۰/۱)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۴۰۰)، نامه‌ی دانشوران (۱۹۷-۱۷۳/۴)، وفيات الاعیان (۳۷۸-۳۷۶/۳).

ابوالفتحی، علی‌اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیوشیمی بالینی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زیست‌شناسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۳، دکترای بیوشیمی بالینی از دانشگاه ساری انگلستان در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی نقص ایمنی در بیماران مبتلا به سوء تغذیه، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

بیوشیمی عمومی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۵، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

هموگلوبین گلیکوزیله، دیابت، تالاسمی، انکوژنها، اهمیت آهن در پاتوژنسیته نئوپلاسم و ۱۷ سخنرانی در کنگره‌های مختلف با ارائه مقاله.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین بن هشام

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۵۶- ۲۸۴ ق)، مورخ، محدث، ادیب شاعر و موسیقیدان. در اصفهان متولد شد و در بغداد نشو و نما یافت و نزد ابن درید و ابن انباری و محمد بن جریر طبری تحصیل کرد. وی از علی بن عباس بجلی و محمد بن جعفر قتیات و ابوبکر بن درید و نبطویه حدیث شنید. دارقطنی و ابراهیم بن احمد طبری و ابوالفتح بن ابی الفوارس از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابوالفرج در ادبیات، نحو، لغت، تاریخ، سیر، انساب، طب، نجوم و حدیث متبحر بود و شعر را نیکو می‌گفت. با اینکه نسب اموی داشت، شیعی زیدی بود و این را از عجایب شمرده‌اند. وی در بغداد درگذشت و همان جا دفن شد. مهمترین اثرش که او را جاودانه ساخته، کتاب «الاغانی» است که رجال قرن چهارم، مانند صاحب بن عباد و عضدالدوله دیلمی به آن توجه بسیار داشتند و گفته‌اند که عضدالدوله این کتاب را از خود در سفر و حضر دور نمی‌داشت. از دیگر آثار وی: «الاماء الشواعر»؛ «الديارات»؛ «مقاتل الطالبین»؛ «اعیان الفرس»؛ «آداب الفرباء من اهل الفضل و الاداب»؛ «اخبار جحظة البرمکی»، «اخبار الطفیلین»؛ «اشعار الاماء و الممالیک»؛ «جمهرة النسب»؛ «دعوة التجار»؛ «کتاب التنزیل فی امیر المؤمنین (ع)»؛ «کتاب الخمارین و الخمارات»؛ «کتاب الغلمان المغنین»؛ «مجرد الاغانی» و «دیوان» شعر. [۱]

اصفهانی علی بن حسین (و. ۲۸۴ ه. ق. / ۸۹۷ م. - ف. ۳۵۶ ه. ق. / ۹۶۷ م.) نویسنده و ادیب قرن چهارم. وی در ادب عرب شاگرد ابن درید و ابن انباری و محمد- ابن جریر طبری بود و کتاب مشهورش الاغانی (اغانی) است، دیگر از آثار او «مقاتل الطالبین»، «الاماء الشواعر» و «الديارات» است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: [۱] استادان موسیقی (۳۱)، الاعلام (۵/ ۸۸)، اعیان الشیعه (۲۰۱- ۱۹۸/ ۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۶۴۲)، تاریخ الاسلام (حوادث ۱۴۵- ۱۴۳/ ۳۸۰- ۳۵۱)، تاریخ برگزیدگان (۲۷۴- ۲۷۲)، تاریخ بغداد (۴۰۰- ۳۹۸/ ۱۱)، تاریخ در ایران (۲۴- ۲۳)، تاریخ هنرهای ملی (۷۳۶- ۷۳۵/ ۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹۷۸- ۹۷۷/ ۷)، دائرةالمعارف البستانی (۳۰۴- ۳۰۳/ ۲)، دایرةالمعارف فارسی (۲۶/ ۱)، الذریعه (۳۷۷- ۳۷۶/ ۲۱، ۷۴۲/ ۹، ۲۸۷/ ۸، ۲۵۰- ۲۴۹/ ۲)، سرآمدان فرهنگ (۸۲- ۸۱/ ۱)، سیر النبلاء (۲۰۳- ۲۰۱- ۱۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۸۴- ۱۸۳/ ۴)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۱۸۹)، الفهرست للطوسی (۳۷۹)، فوائد الرضویه (۲۸۰- ۲۷۸)، الکامل (۲۵/ ۷)، کشف الظنون (۱۹۵۱، ۱۹۴۷، ۱۴۴۴، ۱۲۵۶، ۷۵۶، ۶۰۵، ۴۱۹، ۳۶۰، ۱۶۱، ۱۲۹، ۱۲۸)، الکنی و الالقاب (۱۳۹- ۱۳۸/ ۱)، لسان المیزان (۱۵- ۱۳/ ۵)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالفرج)، معجم الادباء (۱۳۶- ۱۳/ ۹۴)، معجم المؤلفین (۷۹- ۷۸/ ۷)، مؤلفین کتب چاپی (۲۱۳- ۲۱۲/ ۴)، نامه‌ی دانشوران (۵۸- ۴۴/ ۴)، الوافی بالوفیات (۲۶- ۲۱/ ۲۰)، وفيات الاعیان (۳۰۹- ۳۰۷/ ۳)، هدیة العارفين (۱/ ۶۸۱).

ابوالفضل سدیدالدین شاذان

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در امل الآمل است که وی مرد عالم فاضل فقیه عظیم الشان جلیل القدری بوده است او را کتابهایی است که از جمله آنها کتاب «ازاحه العله فی معرفه القبله» و کتاب «تحفه المؤلف الناظم و عمده المکلف الصائم» و کتاب «فضائل» است. بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

ابوالفضل محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ حر «ره» در امل الآمل گوید وی فاضل و عالم و جلیل و شاعر و ادیب بوده است صاحب بن عباد نزد او قرائت نموده و شیخ طوسی در فهرست گوید وی نزد احمد بن اسماعیل بن سمکه قمی قرائت کرده و او از اهل فضل و ادب و علم است از اصحاب احمد بن ابی‌عبدالله برقی و از افرادی است که نزد او تأدب نموده است. بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

ابوالقاسم حکیم

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، طبیب و شاعر. وی برادرزاده‌ی درویش علی، پزشک امیر علیشیر نوایی، و مردی دانشمند و پزشکی حاذق بود و در فنون دیگر نیز دست داشت. ظاهراً، خاندان وی از مردم هرات بودند ولی، او در بخارا می‌زیست. هفتاد سال عمر کرد؛ در حوالی

نمازگاه بخارا دفن شد. ابوالقاسم غزل نیز خوب می‌سرود.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۶۲۲).

ابوالقاسمی، محسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ابوبکر

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عتیق بن محمد هروی سوراآبادی، به قول حمدالله مستوفی و حاج خلیفه معاصر الب ارسلان سلجوقی بود، و بنابراین در اواسط قرن پنجم زندگی می‌کرده است. وی مؤلف «تفسیر سوراآبادی» (ه.م.) است.
برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ابوترابی علوی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد ابوترابی علوی فرزند آیت‌الله حاج سید محمدباقر بن العالم الجلیل آسید ابوتراب قزوینی از علماء و ائمه جماعت معاصر قزوین بودند

تولد ایشان در سال ۱۳۱۶ قمری در دارالسلطنه قزوین واقع شده و پس از دو سال در خدمت والد خود به عتبات عالیات مشرف و مدت ۱۵ سال در تحت مراقبت چنان پدری که مظهر قدس و ورع و تقوا بودند تربیت و در سال ۱۳۳۱ ق مراجعت به ایران و قزوین نموده و در آنجا شروع به مقدمات و سطوح را خدمت والد خود و سایر علماء خوانده و در سال ۱۳۴۲ ق مهاجرت به قم و خدمت مرحوم آیت‌الله آقا شیخ ابوالقاسم کبیر و آیت‌الله امیرزا سید علی یربلی کاشانی و مرحوم آیت‌الله خونساری و مراتب دانش و اجتهادشان مورد تصدیق آن مرحوم و مشحون به دست خط مبارکشان گردیده و از مرحوم محدث قمی و والدشان هم اجازه روایتی داشته و بعد به امر مرحوم آیت‌الله حایری به قزوین آمده و تا آخر عمر به خدمات دینی از اقامه جماعت و تدریس و ترویج دین اشتغال داشته تا بعد از ۱۳۸۰ وفات و به صالحین نیاکانش ملحق گردیده است چنانچه در ذیل ترجمه والدشان اشاره نمودم
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ابوترابی، ابوتراب

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

و اما والد ماجدشان مرحوم آیت‌الله آقا سید ابوتراب ابوترابی فرزند مرگه آقا سید حسین فرزند آقا سید ابوتراب که از جمله مبرزین شاگردان مرحوم آیت‌الله حاج شیخ مرتضی انصاری رضوان‌الله‌علیهم بوده و ترجمه وی در تراجم مربوطه مضبوط است نامبرده در قزوین در سال یک هزار و سیصد و نه هجری متولد شده در دوران رضاع پدر خود را از دست داده و در سن شباب شروع به تحصیل به امر مادر خود در شهر مزبور کرد که آن روز یکی از مراکز علمی و فقه اصول بوده به تحصیل علوم دینی همت گماشت دوره سطح را در محضر اساتید از جمله مرحوم حاج علی‌اکبر یزدی که از شاگردان مرحوم شیخ انصاری بوده است به پایان رسانید تا مرتبه قریب الاجتهاد به نجف اشرف منتقل در مدتی بیش از ده سال از محضر مراجع عالی‌مقام مرحوم آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله نائینی و آیت‌الله عراقی استفاده کرده به مرتبه عالی‌های از اجتهاد نائل آمد و از هر یک از علماء نامبرده گواهی صریح بر نیل مشارالیه به مرتبه اجتهاد صادر چنانچه تألیفات وی این حقیقت را گواه است سپس چهل و شش سال قبل از فوت به درخواست جمعی از محترمین قزوین به وطن مألوف مراجعت با فضائل اخلاقی به امر تدریس و پرورش طلاب علوم دینی و سایر امور شرعی که در عهده وظیفه یک عالم روحانی است همت گماشت و به آیه مبارکه نفر عمل کرد تا آنگاه که در سال ۱۳۹۳ هجری در سن ۸۴ سالگی دعوت حق را لیک گفت.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ابوترابی، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد ابوترابی

محل تولد: یزد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۳/۲

زندگینامه علمی

اینجانب یکسال پیش از پیروزی انقلاب، یعنی زمانی که ۱۴ سال داشتم با علاقه وافر شخصی سال ۵۶ - ۱۳۵۵ به حوزه وارد شدم، علوم حوزوی را از مدرسه حقانی منتظریه آغاز کردم. این مدرسه با اشراف آیه‌الله شهید بهشتی (ره) و شهید قدوسی (ره) و با همکاری شخصیت‌هایی از قبیل آیت‌الله مصباح یزدی و آیه‌الله جنتی اداره می‌شد تا سه سال پس از پیروزی انقلاب از درسهای این مدرسه استفاده می‌کردم.

دروس سطح ۲ و ۳ را از درسهای آزاد حوزه علمیه استفاده کردم و در این دوره از اساتیدی چون مرحوم آیه‌الله ذهنی تهرانی،

مرحوم آیه‌الله اعتمادی و آیه‌الله اشتهاردی و آیه‌الله محقق داماد بهره بردم.

درس خارج فقه و اصول را از اساتیدی چون آیه‌الله تبریزی، آیه‌الله وحید خراسانی، آیه‌الله بهجت، آیه‌الله هاشمی شاهرودی و آیه‌الله مکارم شیرازی فرا گرفتم. حدود ۱۲ سال در خارج فقه و اصول شرکت کردم. از سال ۱۳۶۴ به دوره عمومی درسهای موسسه در راه حق که زیر نظر آیت الله مصباح یزدی اداره می شد وارد شدم، در این دوره های درسی با فلسفه اسلامی، فلسفه غرب، فلسفه علوم تربیتی، اقتصاد اسلامی و علم اقتصاد (خرد، کلان، پول، بین الملل) فلسفه سیاست، روانشناسی عمومی و تفسیر قرآن آشنا شدم. علاقه وافر اینجانب به دفاع عقلانی از مبانی اعتقادی اسلامی با انگیزه اصلی اینجانب برای ورود به این دوره درسی و بعد درسهای موسسه در راه حق به صورت تخصصی در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم علیه السلام ادامه یافت، در این بنیاد دوره فوق لیسانس فلسفه اسلامی را گذراندم و با پایان نامه ای در موضوع شیوه تحقیق در علوم فطری فارغ التحصیل شدم. این دوره درسی در موسسه امام خمینی (ره) ادامه یافت. با ورود به دوره دکترای فلسفه تطبیقی (اسلام و غرب) مدرک دکترای فلسفه تطبیقی را دریافت کردم. از سال ۱۳۷۷ به عنوان قائم مقام مدیریت تحقیقاتی تدوین دائرة المعارف علوم عقلی اسلامی وارد شدم، این بخش در ابتدای تشکیل خود بود. در این سمت توانستم زمینه های رشد و پیشرفت این تحقیقات را فراهم آورم. سپس به عنوان مسئول این مرکز که وابسته به موسسه امام خمینی (ره) است، از سوی حضرت آیت الله مصباح یزدی انتخاب شدم و هم اکنون نیز ریاست این مرکز را به عهده دارم. در آشنایی با فلسفه اسلامی و غرب بیش از همه از استاد علامه حضرت آیت الله مصباح یزدی بهره بردم و سه جلد از مجلدات اسفار صدر المتألهین و کتاب برهان شفا و معارف قرآن از ایشان فرا گرفتم، در فلسفه کانت از استاد دکتر احمد احمدی و استاد دکتر حداد عادل استفاده کردم. منطق ریاضی، فلسفه ریاضی و نفس و بدن را از استاد دکتر پورعبدالله آموختم. منطق، اشارات و تاریخ فلسفه را از استاد فیاضی بهره بردم و فلسفه تحلیلی را از جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای صادق لاریجانی آموختم. بخشی از اسفار صدر المتألهین را از درسهای آیه‌الله جوادی آملی استفاده کردم.

از سال ۱۳۶۳ تاکنون تدریسهای متعددی در منطق، ادبیات عرب، فقه، فلسفه اخلاق، فلسفه سیاست، هستی شناسی، معرفت شناسی داشته و دارم و علاوه بر پایان نامه های فوق لیسانس و دکترای مقالات متعددی در موضوعات تخصصی محض و کاربردی در بحث اعتقادی و سیاسی و ... نگاشته ام، که برخی از آنها چاپ شده است و برخی دیگر به تدریج در حال آماده شدن برای چاپ است.

ابوترابی، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید عباس بن آیت‌الله حاج سید ابوتراب بن العالم الجلیل السید بن آیت‌الله حاج سید ابوتراب ابوترابی از علماء معاصر شهرستان قزوین است. تولدش در قزوین واقع شده و بعد از دریافت گواهینامه ششم ابتدائی به امر پدرش در شهرستان قزوین شروع به تحصیل علوم دینی نموده بعد از تکمیل ادبیات و اشتغال به فقه و اصول با کسب اجازه از پدرش به قم رهسپار شده و در پرتو و مرحم مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدباقر قزوینی عم والامقام پدرش که بعداً نسبت مصاهرت به ایشان را یافت به تحصیل ادامه داد بعد از تکمیل سطح دوره خارج فقه و اصول را از محضر درس آیات عظام مراجع عالی مقام به ترتیب مرحوم آقای حجت و کوه کمره‌ای و مرحوم طباطبائی بروجردی اعلی‌الله مقامهما تا پایان حیات این دو مرجع عالی قدر و آقای موسوی ادام الله ظلّه و مرحوم حاج آسید محمد محقق معروف به داماد استفاده کرده و بحمدالله با کوشش و سعی بلیغ بیشتر نتایج حاصله را به قید کتابت اندوخته

است و از آن همه تقریرات خمس مرحوم آیت‌الله بروجردی قبل از فوت مشارالیه مقارن با فوت به طبع رسید و در طی این سیر از محضر استاد عالیمقام علامه طباطبائی آقای حاج سید محمدحسین ادام الله ظله بکسب فلسفه و عرفان اشتغال داشته این استاد بزرگوار بر اثر لطف و عنایات بیشتری که با بعضی از شاگردان خود داشتند خلطه و آمیزش با فضایل اخلاقی و صفات نفسانی که از مزایای مشارالیه معظم است عملاً آنان را به تهذیب و تربیت اخلاقی هدایت می‌فرمودند و به درخواست پدرش و جمعی از محترمین به قصد مراجعت به شهرستان قزوین حرکت کرده و تاکنون هستند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ابوترابی، علی اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجت الاسلام و المسلمین سید علی اکبر ابوترابی، در سال ۱۳۱۸ هجری شمسی در شهر مقدس قم متولد شد. پدر بزرگوارش آیت الله سید عباس ابوترابی، فرزند آیت الله سید ابوتراب و مادرش دختر آیت الله سید محمد باقر علوی قزوینی است. حجت الاسلام ابوترابی تحصیلات ابتدایی تا پایان دوره دبیرستان را با موفقیت سپری کرد و در سال ۱۳۳۶، موفق به اخذ دیپلم ریاضی شد. پس از اخذ دیپلم با توصیه پدر بزرگوارش به تحصیل دروس دینی علاقمند شد و در سال ۱۳۳۷ به مشهد مقدس عزیمت نمود و در مدرسه نواب اقامت گزید. دروس مقدماتی و دوره سطح را با جدیت و تلاش شبانه روزی و استعدادی شگرف در حوزه علمیه مشهد گذراند و از اساتید بزرگی چون ادیب نیشابوری و مرحوم آیت الله شیخ مجتبی قزوینی بهره‌های فراوانی برد. با آغاز نهضت امام خمینی (ره) در سال ۴۲، همراه با حاج آقا مصطفی وارد جریان‌ات سیاسی شد و در تظاهرات مردم قم در ۱۵ خرداد سال ۴۲، حضوری فعال داشت. در هجوم عوامل رژیم ستمشاهی به مدرسه فیضیه، مورد ضرب و شتم مأمورین شاه قرار گرفت. در پی تبعید حضرت امام (ره) به نجف اشرف، ایشان نیز به نجف مشرف و مشغول تحصیل شد و در محضر امام راحل (ره) از درس خارج فقه و اصول معظم له بهره‌مند شد. پس از حدود شش سال تحصیل در نجف، هنگامی که اعلامیه‌های امام خمینی (ره) را در کیف خود جاسازی کرده بود تا به ایران بیاورد، در مرز خسروی بازداشت شد و ساواک ایشان را به زندان قصر شیرین، سپس به زندان کرمانشاه و زندان کمیته مشترک و پس از آن به زندان اوین منتقل کرد و او را مورد شکنجه و بازجویی قرار داد. پس از آزادی از زندان، فصل جدیدی در فعالیتهای سیاسی ایشان آغاز شد و همراه با شهید مجاهد، سید علی اندرزگو علاوه بر مبارزات سیاسی، به سازماندهی جهاد مسلحانه همت گماشتند و در این دوره بارها مورد تعقیب ساواک قرار گرفتند. مرحوم ابوترابی به واسطه حشر و نشر فراوان با شهید اندرزگو، عمیقاً با خصوصیات اخلاقی و صفات حسنه آن مجاهد فی سبیل الله آشنا شده بود و خاطرات بسیاری از او به یاد داشت. در توصیف شهید اندرزگو فرموده است که: "شهید سید علی اندرزگو، از یک اخلاق اسلامی در سطح بسیار بالا برخوردار بود و آن گونه بود که قرآن می‌فرماید: "... اشداء علی الکفار و رحماء بینهم". مرحوم ابوترابی، با افرادی چون شهید رجایی ارتباط نزدیک و همکاری تنگاتنگی داشت و در جلسات ماهانه شهید آیت الله بهشتی شرکت می‌کرد و از نزدیک با آن شهید عزیز در زمینه جذب نیروهای فعال و تحصیلکرده همکاری داشت. وی همچنین با سایر مبارزان و علمای جهاد دوران ستمشاهی، از جمله رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله خامنه‌ای همکاری و ارتباط داشت. با آغاز مبارزات انقلابی مردم ایران، او سر از پا نمی‌شناخت و خواب را بر خویش حرام کرده بود به طوری که خود ایشان می‌گفت: "در آن روزهای پرالتهاب، کار ما سنگین بود و بسیار اتفاق می‌افتاد که در طول شبانه روز کمتر از یک ساعت می‌خوابیدیم". در جریان پیروزی انقلاب، فرماندهی

گروهی از مردم که کاخ سعدآباد را به تصرف در آوردند به عهده داشت و امکانات و وسایل موجود در کاخ را مورد حفاظت قرار داده و تحویل مقامات ذی صلاح داد. ایشان همچنین با همکاری برادرشان حجت الاسلام سید محمد حسن ابوترابی، در تصرف پادگان لشکر قزوین نقش کلیدی داشتند و از خروج اسلحه و ادوات و تجهیزات جنگی ممانعت کردند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به عنوان رئیس کمیته انقلاب اسلامی قزوین به خدمت محرومان و مستضعفان پرداخت و پس از آن با رأی مردم، به عضویت شورای شهر قزوین انتخاب و رئیس شورا شد. همزمان با آغاز جنگ تحمیلی، با لباس رزم به سوی جبهه رفت و در کنار شهید دکتر مصطفی چمران در ستاد جنگهای نامنظم به سازماندهی نیروهای مردمی پرداخت و شخصاً به مأموریت های شناسایی رزمی و دشوار می رفت. آزادی منطقه پر حادثه و خطرناک ((دب حردان)) به فرماندهی وی و در رأس یک گروه متشکل از یکصد رزمنده فداکار، یکی از اقدامات ایشان است. مرحوم ابوترابی سرانجام در روز ۲۶ آذر ماه سال ۵۹ در جریان یکی از مأموریت های شناسایی که برای تکمیل شناسایی قبلی خویش انجام داد تا نیروهای ستاد جنگهای نامنظم آماده یک عملیات گسترده شوند، بر اثر اشتباه یکی از همراهان خود، در حالی که هفت کیلومتر از نیروهای خودی دور شده و تا ۲۰۰ متری دشمن پیشروی کرده بود، هنگام بازگشت مورد شناسایی دشمن بعثی قرار گرفت و گرچه می توانست خود را از دام دشمن برهاند، اما چون قصد داشت همراهان خود را نجات دهد، با تانک و نفربر به تعقیب وی پرداختند و نهایتاً به اسارت دشمن در آمد. مرحوم ابوترابی پانزده ماه اول اسارت را در سلولهای زندانهای بغداد و تحت شدیدترین شکنجه ها گذراند و در اراده پولادین این مرد خدا خللی ایجاد نشد تا پس از سپری کردن سختی های فراوان و دو بار تا پای چوبه دار رفتن با لطف و رحمت الهی و امدادهای غیبی، ایشان به اردوگاه و جمع اسیران ایرانی منتقل شد. حجت الاسلام ابوترابی پس از حضور در جمع سایر اسیران، با رهبری حکیمانه خود و با تمسک به ائمه معصومین (ع) و با معنویت و سعه صدر و حلم و بردباری فوق العاده مکر و حيله دشمنان بعثی را بی تأثیر نمود و شمع محفل ایران شد و در جهت تقویت روحیه مقاومت و ایمان آنان از هیچ اقدام و ایثاری دریغ نورزید. هدف و راه را به آنان نشان می داد و چون ابری فیاض، امید و ایمان را بر آنان می بارید. اردوگاههای عنبر، موصل ۱، ۳، ۴ و رمادیه و تکریت ۵، ۱۷، ۱۸، و نیز سلولهای زندانهای بغداد شاهد خوبیها و مجاهدتهای خستگی ناپذیر آن عارف حکیم هستند. این عارف مجاهد، پس از ده سال اسارت سرانجام در سال ۱۳۶۹، همراه با خیل آزادگان سرافراز به میهن اسلامی بازگشت و به جای آنکه پس از سی سال مبارزه و تلاش طاقت فرسا به استراحت پردازد، راهی دشوارتر را در پیش گرفت و همراهی آزادگان و پی گیری مشکلات آنان را وظیفه خود می دانست و در این راه تمام تلاش و توان خود را صرف کرد و در تاریخ ۷/۷/۶۹ با حکم رهبر معظم انقلاب در جایگاه نماینده ولی فقیه در امور آزادگان قرار گرفت و تمام سعی خویش را به کار بست تا آزادگان، مایه عزت و تقویت نظام جمهوری اسلامی باشند. در دوره های چهارم و پنجم مجلس شورای اسلامی، با رأی بالای مردم قدرشناس تهران به عنوان نفر دوم و سوم مجلس راه یافت و در خانه ملت، با نطق های خود، مسئولین و کارگزاران نظام را به رعایت عدالت، توجه به توده مردم و حفظ ارزشهای دینی نمود. مرحوم ابوترابی، تقویت و دفاع از نظام اسلامی و ولایت فقیه را واجب می دانست و نسبت به شخص مقام معظم رهبری ارادت و اعتقاد ویژه ای داشت و اطاعت از ایشان و تقویت معظم له را در هر مجلس و محفلی متذکر می شد. آن مجاهد خستگی ناپذیر، سرانجام در تاریخ دوازدهم خرداد ۷۹ در حالی که همراه پدر بزرگوارشان عازم مشهد مقدس و زیارت حضرت ثامن الحجج (ع) بودند، در جاده بین سبزوار و نیشابور، بر اثر تصادف جان به جان آفرین تسلیم کرد و ارواح آن عالمان وارسته از خاک به افلاک پر کشیده و به لقاء الله پیوستند. این بزرگوار در صحن آزادی حرم مطهر امام رضا (ع) غرفه ۲۴ به خاک سپرده شد.

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود ابوترابی آبندانسری

محل تولد: ساری

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۰ شمسی در خانواده ای مذهبی در شهر ساری متولد شدم. در سال تحصیلی ۵۵ - ۵۶ شمسی از کلاس سوم نظری به سبب اوضاع ناهنجار و نامساعد محیط دبیرستان، ترک تحصیل کردم. از آن پس تا سال ۱۳۵۸ به کار کشاورزی و مشاغل آزاد مشغول بودم، تا اینکه پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در سال تحصیلی ۵۸ - ۵۹ توفیق ورود به حوزه علمیه قم را یافتم. دروس مقدماتی تا سطح عالی را سال ۱۳۶۶ به پایان رساندم و از سال ۶۷ در درس خارج اصول از محضر آیات عظام: فاضل لنکرانی و شیخ جواد تبریزی و شیخ جعفر سبحانی و در درس خارج فقه از محضر حضرات آیات عظام: شیخ جواد تبریزی و جواد آملی و احمدی فقیه یزدی و برخی دیگر از بزرگان استفاده فراوان نمودم. در خلال سالهای مذکور حداقل یک سال از درس تفسیر حضرت آیت الله مشکینی و دو سال از درس تفسیر استاد فرزانه جواد آملی با قرآن بیشتر آشنا شده و مأنوس گشتم، که ذوق حلاوت آن سبب شد تا در سال تحصیل ۷۳ - ۷۴ در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن حوزه علمیه شرکت نمایم، که به لطف حق تعالی در سال ۷۶ - ۷۷ دوره را به پایان رسانده، که مهر ماه سال ۱۳۸۴ از رساله سطح چهار (دکتر) با عنوان «پژوهشی در تفاسیر روایی شیعه» دفاع نمودم.

در خلال سالهای ۶۱ تا ۷۵ در دروس کلام، فلسفه و عرفان از محضر اساتید فرزانه و آیات عظام: حسن زاده آملی، جواد آملی، عسکری گیلانی و انصاری شیرازی استفاده شایان بردم. همزمان با تحصیلات به فعالیتهای تدریسی، تحقیقی، تالیفی و تبلیغی در حد توان پرداختم و نیز در طول هشت سال دفاع مقدس حداقل به مدت یک سال توفیق حضور در جبهه های حق علیه باطل به شکل رزمی، تبلیغی را داشتم.

در حال حاضر با برخی از مراکز تحقیقی و نیز در مرکز جامعه الزهراء (س) در بخش امور پایان نامه به راهنمایی دانش پژوهان، همکاری دارم.

ابو حرب

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۴۴/۴۴۵ ق)، طیب. طب را نزد اطباء خراسان آموخت. طیب سلطان مسعود غزنوی شد. وی در دربار سلطان محمود و پس از او نزد مسعود و فرخزاد طیب دربار بود و با کمال عزت زندگانی می کرد و به درمان و حفظ صحت آنان مشغول بود. همین نزدیکی سبب رشک بعضی از وزرای پادشاه شد و او را به دوستی طغرل که قاتل عبدالرشید بن محمد بود، متهم کردند، لذا،

فرخ‌زاد امر به قتل ابوحرب داد. وی را تألیفی در «حفظ صحت» است که آن را به نام سلطان مسعود غزنوی نوشته. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: تاریخ الحکماء قفطی (۵۴۴)، تاریخ طب (۶۹۱/۲)، نامه‌ی دانشوران (۱۶۸-۱۶۶/۵).

ابوحنیفه صغیر، ابوجعفر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۶۲ ق)، فقیه حنفی. وی در هندوان بلخ به دنیا آمد. از محمد بن عقیل بلخی حدیث شنید و از ابوبکر محمد بن ابی سعید فقه آموخت. ابوجعفر از اکابر فقهای حنفیه است. وی را به دلیل تبحری که در فقاہت داشت ابوحنیفه صغیر می‌گفتند. در بلخ به نقل حدیث می‌پرداخت و مشکلات فقهی را به مرحله‌ی بیان می‌آورد. وی در بخارا درگذشت. از آثار وی: شرح «ادب القاضی علی مذهب ابی حنیفه» ابویوسف قاضی؛ «الفوائد الفقهیه»؛ «کشف الغوامض»، در فروع.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ریحانه (۷۵/۷)، سیر النبلاء (۱۳۱/۲۱۶)، کشف الظنون (۱۴۹۳، ۱۳۰۰، ۴۶)، لغت‌نامه (ذیل / ابوحنیفه صغیر)، معجم المؤلفین (۲۴۴/۱۰)، الوافی بالوفیات (۳۴۷/۳)، هدیه العارفین (۴۷/۲).

ابوحنیفه نعمان

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۵۰- ۸۰ ق)، فقیه، محدث، مؤسس مذهب حنفیه و متکلم. مشهور به امام اصحاب رای و امام اعظم. نژاد ایرانی داشت. جد وی از موالی تیم بود که از کابل به کوفه آورده شده بود. ابوحنیفه در کوفه متولد شد، و مدتی به تجارت خز مشغول بود. وی از شاگردان امام باقر (ع) و امام صادق (ع) و حماد بن ابی سلیمان و عطاء بن ابی رباح بود. ابوحنیفه پس از مرگ حماد مرجع عمده‌ی مکتب فقهی کوفه گردید. ابوحنیفه خود کتابی در فقه نوشته است ولی آراء و بحثهایش از سوی شاگردان وی جمع‌آوری شده و به همین جهت بعضی از تألیفات شاگردان او باید به عنوان منابع اصلی مذهب حنفی تلقی شود. فقه ابوحنیفه دارای چنان مطالب تازه و صریحی است که قسمت مهمی از آن را شاگردانش محکوم و مردود شناخته‌اند. آرای فقهی او، در مقایسه با موارد اصولی آرای معاصرانش، مشروح‌تر و دوراندیشانه‌تر است. فقه او به طور کلی از جهت استدلال عالی و غالباً قاطع است و کمتر جنبه‌ی عملی را در نظر می‌آورد. او علاوه بر به کارگیری رأی و قیاس کمتر حاضر است که مانند ارباب مذاهب دیگر از سنت در برابر احادیث آحاد دست بکشد. ابوحنیفه در کلام نیز دست داشته است. وی مدتی زندانی شد و سرانجام در زندان وفات کرد. مقبره‌ی وی در اعظمیه‌ی بغداد است. او شاگردان زیادی داشت از جمله: زفر بن هذیل، داوود طائی، ابویوسف قاضی، ابومطیع بلخی، محمد بن حسین شیبانی، اسد بن عمرو بجلی، حسن بن زیاد لؤلؤی و پسرش حماد بن ابی حنیفه و عبدالله بن مبارک و جارود نیشابوری و عبدالکریم جرجانی و ابونعیم و وکیع. از آثار او: کتاب «مسند»، در حدیث که جمع‌آوری شاگردان اوست؛ «المخارج»، در فقه که روایت ابویوسف از اوست. برخی به غلط کتابهایی را به او نسبت داده‌اند از جمله: «فقه الاکبر»، که عقاید اصیل ابوحنیفه را نشان

می‌دهد؛ «العالم والمتعلم»؛ «فقه الأيسط».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۵-۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۷۷-۱/۷۶)، تاریخ ادبی ایران (۱/۴۰۲)، تاریخ بغداد (۴۵۴-۳۲۳/۱۳)،
التاریخ الكبير (۸۱/۸)، تعليقات اسرار التوحيد (۶۵۴)، تهذيب التهذيب (۴۰۳-۱۰/۴۰۱)، الجرح والتعديل (ج ۴، ق ۴۵۰-۴۴۹/۱)،
دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۰۲۹-۱۰۲۷/۸)، دائرةالمعارف الاسلاميه (۳۲۲-۱/۳۳۰)، روضات الجنات (۱۶۲-۸/۱۵۳)، سير النبلاء
(۴۰۳-۶/۳۹۰)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۳۷۵-۳۷۳)، الكامل (۳۰/۵)، كشف الظنون (۱۶۸۰، ۱۴۳۷، ۱۲۸۷)، كشف المحجوب
(۱۱۲)، الكنى واللقاب (۵۶-۱/۵۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوحنیفه)، مجمل فصیحی (ذیل/ سالهای ۸۰ و ۱۵۰)، معجم المؤلفین (۱۰۵-
۱۰۴/۱۳)، وفيات الاعیان (۴۱۵-۵/۴۰۵)، هدیة العارفين (۴۹۵/۲).

ابوطالب اسحاق

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ منتجب‌الدین در فهرستش گوید که وی تمام کتب شیخ صدوق را بر وی قرائت نموده روایات و احادیث و مطولات و مختصراتی در اعتقادات به عربی و فارسی دارد، خبر داد ما را به آنها شیخ والد موفق‌الدین عیبالله بن الحسن بن الحسین بن بابویه از مؤلف.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

ابوعبید

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالواحد بن محمد جوزجانی، از سال ۴۰۳ ه.ق. - هنگامی که ابن سینا (ه.ق.) از دهستان به گرگان میرفت به خدمت او پیوست و تا پایان حیات وی در خدمتش به سر برد، و از خواص او و محرک وی در تصنیف کتب و گردآورنده تألیفات شیخ پس از وفات او بود. اختصاص ابوعبید بیشتر در ریاضیات بوده است و از جمله کارهای او تکمیل قسمت ریاضیات از کتاب نجات ابوعلی است که آن را از کتب ریاضی شیخ تلخیص کرد و علاوه بر آن قسمت ریاضی و موسیقی از کتاب دانشنامه علانی را به همین سیاق بر آن کتاب افزود. دیگر از آثار او تتمه سرگذشت ابن سیناست که قسمت نخستین آن به قلم خود شیخ است و ابوعبید حوادث حیات شیخ را بعد از ۴۰۳ بر آن افزود.

بر گرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ابونراس اهوازی، حسن

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دوم ق)، شاعر و ادیب. از شاعران معروف دوره‌ی بنی‌عباس است که بین ۱۳۰ و ۱۴۵ ق در اهواز از مادری ایرانی متولد شد و در بصره و کوفه پرورش یافت و سپس به بغداد رفت و به خدمت برامکه پیوست و بعد از افول دولت آنها به مصر گریخت، ولی دگر بار به بغداد بازگشت و از مقربان خلیفه، امین، شد. ابونراس به قولی در زندان و به ۲ قولی دیگر در میخانه‌ای در بغداد بین ۱۹۸ و ۲۰۰ ق وفات یافت. اشعار وی بیشتر در وصف می و معشوق و بعضی در مدح هارون الرشید و امین است. «دیوان» اشعار او بعد از مرگش توسط ادبا تدوین گردید.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۴۱- ۲۴۰/ ۲)، تاریخ ادبیات زبان عربی (۳۱۵- ۲۹۶)، تاریخ بغداد (۴۵۰- ۴۳۶/ ۷)، خاندان نویختی (۲۳- ۲۱)، دائرةالمعارف البستانی (۳۷۱- ۳۶۸/ ۲)، دایرةالمعارف فارسی (۳۶/ ۱)، روضات الجنات (۵۱- ۳۶/ ۳)، ریاض العلماء (۵۲۶- ۵۲۵/ ۵)، ریحانه (۲۹۰- ۲۸۷/ ۷)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه، (۲۶۷- ۲۶۶)، الکنی و الالقب (۱۶۸/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل / ابونواس)، مجالس المومنین (۵۸۳- ۵۸۲/ ۲)، الوافی بالوفیات (۲۸۶- ۲۸۳/ ۱۲)، وفيات الاعیان (۱۰۴- ۹۵/ ۲).

ابونصر (ابومضر)

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نجم‌الدین محمود بن جریر ضبی اصفهانی، ادیب نحوی معتزلی لغوی معروف به «فرید العصر»، در نحو و لغت و طب، بلکه در جمیع علوم و فنون سرآمد اهل زمان بوده و بدو مثال می‌زدند. در خوارزم سکونت داشته و مذهب معتزله را ترویج می‌کرده و جمعی کثیر از علما که از آن جمله است زمخشری از محضر او مستفید شده‌اند. در سال ۵۰۷ در مرو وفات یافته کتاب: ۱- زاد الراكب، در متفرقات ادب و اشعار و حکایات ۲- مسالك العباد، در تصوف به فارسی ۳- مناهج الطالبین از اوست. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ابونصر سراج طوسی، عبدالله

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۷۸ ق)، صوفی و محدث. مشهور به طاووس الفقراء. در طوس متولد شد و مدتی در بغداد زیست. وی از جعفر خلدی و ابوبکر دقّی و جز ایشان روایت کرده است. سرانجام در زادگاهش در گذشت و همان جا دفن شد. کتاب «اللمع فی التصوف» از اوست. این کتاب به اهتمام نیکلسون چاپ شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۵۵۲/ ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۵۷/ ۱)، تاریخ گزیده (۶۷۷)، تذکره الاولیاء (۱۸۳- ۱۸۲/ ۲)، تعلیقات اسرارالتوحید (۶۸۲- ۶۸۱)، تلبیس ابلیس (۱۳۷)، دایرةالمعارف فارسی (۳۶/ ۱)، کشف الظنون (۱۵۶۲)، لغت‌نامه (ذیل / ابونصر)، معجم المؤلفین (۶/ ۸۹)، نفحات الانس (۳۰۰- ۲۸۹)، هدیة العارفين (۱/ ۴۴۷).

ابونصر قاینی، محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س پنجم ق)، ادیب و شاعر. معروف به مناح. وی از ادبای معروف عصر خود بود که شعر عربی را نیکو می‌سرود و در حکمت نیز دست داشت. در بعضی منابع کتاب «قراضه‌ی طبیعیات» را به وی نسبت داده‌اند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان قائن (۳۵۲)، بهارستان (۱۶۹-۱۶۷)، تاریخ نظم و نثر (۶۳)، الذریعه (۶۵/۱۷).

ابونصر قباوی بخاری، احمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم ق)، مترجم. وی از مردم قباوی بخارا بود. در سال ۵۲۳ ق کتاب «تاریخ بخارا» را که ابوبکر محمد بن جعفر نرشخی در سال ۳۳۲ ق برای نوح بن نصر سامانی نوشته بود، با جرح و تعدیل‌هایی از عربی به فارسی بسیار فصیح ترجمه کرد که از شاهکارهای نثر فارسی است. این کتاب در سال ۵۷۰ توسط محمد بن زفر بن عمر، خلاص شد و اینک همان خلاصه در دست است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۹۷۸-۹۷۷/۲)، تاریخ بخارا (مقدمه)، تاریخ نظم و نثر (۱/۷۰)، دایرةالمعارف فارسی (۵۹۴/۱).

ابونصر مشکان، منصور

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۳۱ ق)، نویسنده و منشی معروف به شیخ عمید. صاحب دیوان رسالت محمود غزنوی و پسرش مسعود بود. از منشیان زبردست زمان خود که در نثر عربی و فارسی استاد بود. ابوالفضل بیهقی مورخ معروف که دستیار و دست پرورده‌ی او در دیوان رسالت بود، از استاد خود به نیکی یاد می‌کند و سبک نگارش خود را متأثر از وی می‌داند و چندین مکتوب وی را در تاریخ خود آورده است که آثار قلمی وی همین مکاتیبی است که بیهقی در اثر خود نقل کرده است. [۱]

شیخ العمید ابونصر بن مشکان (ف. ۴۳۱ ه.ق.). وی در ادب فارسی و تازی دست داشت و صاحب دیوان رسایل محمود و مسعود غزنوی بود (تا پایان حیات) نمونه‌هایی از انشای او در تاریخ بیهقی موجود است و ابوالفضل بیهقی خود شاگرد او بوده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ ادبیات در ایران (۶۳۴/ ۱)، تاریخ برگزیدگان (۱۶۷)، تاریخ گزیده (۳۹۱)، دایره‌المعارف فارسی (۳۶/ ۱)، سبک شناسی (۶۹- ۶۶/ ۲)، الکامل (۲۱/ ۸)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۴۳۱).

ابونصر مقبلی، محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم و پنجم ق)، طیب. از اطباء تمدن اسلامی بود. وی دارای دو تألیف طبی است: «تلخیص مسائل» حنین فرزند اسحاق؛ «رساله‌ای در شراب».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ طب (۶۸۱/ ۲).

ابونصر منجم قمی، حسن

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۳۵۷ ق)، ریاضیدان و منجم. وی کتاب «البارع المدخل فی احکام النجوم و الطوالع» را که مشتمل بر ۵ مقاله و ۶۴ فصل است به زبان عربی نوشت و بعداً خود مؤلف آن را به زبان فارسی ترجمه کرد. این کتاب در علوم احکام نجوم شهرت داشته است و مورد استفاده‌ی بسیاری از علما نجوم قدیم بوده است و آنان در نوشته‌های خود از آن یاد کرده و بدان استفاده جستند. شهاب الدین احمد بن تمرغا آن را تحت عنوان «البرق الساطع» تلخیص کرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ قم (۱۴۵)، تاریخ گزیده (۶۹۱)، ریحانه (۲۸۴/ ۷)، الذریعه (۸/ ۳)، کشف الظنون (۱۶۴۲، ۲۱۷)، معجم المؤلفین (۲۶۳/ ۳)، هدیه العارفین (۲۷۰/ ۱).

ابونعیم اصفهانی، احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۳۰- ۳۳۶/ ۳۳۴ ق)، محدث، عارف و مورخ. معروف به حافظ اصفهانی و حافظ دنیا. به گفته صاحب «ریاض العلماء» ابونعیم نیای بزرگ علامه مجلسی است. وی فقه و تصوف را با حدیث توأم ساخت. در خانانی ایرانی نژاد در اصفهان متولد شد. در مذهب او اختلاف است. بعضی او را از اهل سنت می‌دانند ولی یک گمان بر این است که از شدت تقیه حاکم بر زمانش تشیع خود را از مخالفین مذهب کتمان می‌کرده است. ابونعیم در هشت سالگی رسماً شروع به استماع حدیث از محدثان معروف اصفهان کرد. و از پدرش و ابوالقاسم طبرانی و ابن فارس و ابن مقرئ حدیث شنید. پدرش که از بزرگان علما و محدثان بود برای وی از علمای

شهرهای دیگر درخواست اجازه روایت کرد. خیمه بن سلیمان از شام و ابوالعباس اصم از نیشابور و عبدالله بن عمر از واسط و ابوسهل قطان از بغداد و ابوبکر بن سنی از دینور به او اجازه حدیث دادند. وی از سال ۳۵۶ ق برای تکمیل تحصیلات به خراسان، خوزستان، عراق و حجاز سفر کرد و استادان بسیار دید و از ابواحمد حاکم و ابن حمدان و ابو عبدالرحمان سلمی در نیشابور و از ابوزرعه استرآبادی در استرآباد و از محمد بن احمد غطریفی در گرگان و از محمد بن احمد بن سختویه در شوشتر و دیگران حدیث شنید. در مورد وی گفته‌اند: که بیش از چهار صد و سی عالم حدیث به او اجازه‌ی روایت دادند که برای بعضی از آنان وی تنها راوی شناخته شده است. از جمله آثارش: «منقبه المطهرین و مرتبه الطیین»؛ «ما نزل من القرآن فی امیر المؤمنین (ع)»؛ «حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء»؛ «تاریخ اصفهان» یا «ذکر اخبار اصفهان»، در دو مجلد که در ۱۹۳۱ م در لیدن چاپ شد؛ «المستخرج علی الصحیحین»؛ «دلائل النبوه»، در سیره پیامبر (ص)؛ «معرفة الصحابة»؛ «تاریخ بلد»؛ «فضایل الصحابة»؛ «النفاق»؛ «علوم الحدیث»؛ «طب النبی»؛ «کتاب الطب» یا «الشفای الطب»؛ «الاربعین» یا «کتاب المهدی»، در حالات حضرت مهدی (عج)؛ «مختصر الاستیعاب»؛ «ریاضه المتعلم»؛ «معجم الشیوخ»؛ «حرمة المساجد».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/ ۱۵۰)، اعیان الشیعه (۲/ ۴۳۸)، تتمه المنتهی (۳۹۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۱۲۰-۱۱۱۸/ ۸)، دایرة المعارف فارسی (۱/ ۳۶)، الذریعه (۱۴۳/ ۱۵، ۸۱/ ۷، ۳۹۶/ ۶، ۲۳۲/ ۳)، روضات الجنات (۲۸۵-۲۸۲/ ۱)، ریحانه (۲۸۶-۲۸۵/ ۷)، سیر النبلاء (۴۶۴-۴۵۳/ ۱۷)، الکامل (۱۸/ ۸)، کشف الظنون (۱۷۳۹، ۱۷۳۵، ۱۶۷۲-۱۶۷۱، ۱۴۶۵، ۱۴۳۵، ۱۴۳۳، ۱۴۲۲، ۱۴۱۱، ۱۲۷۹، ۱۲۷۶، ۱۲۰۹، ۱۰۹۵، ۱۰۵۵، ۹۳۸، ۷۶۰، ۶۸۹، ۲۸۲، ۱۱۶، ۵۳)، لسان المیزان (۳۸/ ۸، ۳۰۴-۳۰۳/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل / احمد)، الکنی و الالقاب (۱۶۸-۱۶۵/ ۱)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۴۳۰)، معجم المؤلفین (۲۸۳-۲۸۲/ ۱)، الوافی بالوفیات (۸۴-۸۱/ ۷)، وفیات الاعیان (۹۲-۹۱/ ۱)، هدیة الاحباب (۴۳-۴۲)، هدیة العارفین (۷۵-۷۴/ ۱).

ابویعقوب سجستانی، اسحاق

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۳۸۶ ق)، متکلم و داعی اسماعیلی. ملقب به خیشفوج. وی از بزرگان متکلم اسماعیلی سده‌ی چهارم قمری است. تحقیق کامل آثار ابویعقوب امری است ضروری زیرا، ابویعقوب تنها مرجع عمده‌ی ما برای اطلاع از عقاید جناح فلسفی اسماعیلیه در سده‌ی چهارم است. رویه‌ی فلسفی ابویعقوب به طور کلی براساس عقیدید فلسفی نسفی قرار دارد. نسفی ظاهراً نخستین کسی بود که فلسفه‌ی نور افلاطونی را در حدود سال ۳۰۰ ق وارد عقاید اسماعیلیه کرد. از کتابهای متعددی که از ابویعقوب به جا مانده ظاهراً، مهمترین آنها «کشف المحجوب» و «الافتخار» است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۶۳۳)، تاریخ و عقاید اسماعیلیه (۱۷۰-۱۶۹)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۱۳۱-۱۱۳۰/ ۹)، دایرة المعارف فارسی (۱۲۷۵/ ۱)، گنج و گنجینه (۶۵).

ابویعقوب همدانی، یوسف

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۳۵ - ۴۶۶ / ۴۴۰ ق)، صوفی، فقیه و محدث. ملقب به شیخ الاسلام. در بوزنجر نزدیک همدان متولد شد. وی شخصیت برجسته‌ای در تاریخ تصوف ایران و آسیای مرکزی بود. ابویعقوب نخستین کس از خواجهگان، یعنی سلسله‌ای از مشایخ ماوراء النهر است، که طریقت نقشبندی و یسوی از میان آنان برخاست. در ۱۸ سالگی به بغداد رفت و در آنجا به تحصیل فقه و حدیث در محضر استادان بزرگی چون ابواسحاق شیرازی پرداخت. از ابوبکر خطیب و ابوجعفر سلمه و ابن هزار مرد حدیث شنید و به خدمت جمعی از مشایخ از جمله حسن سمنانی و عبدالله جوینی رسید. در ضمن تحصیلات خود به شهرهای دور دست چون سمرقند سفر کرد. در حدود سی سالگی به تصوف متمایل شد. و مربی اصلی وی ابوعلی فارمدی بود. همدانی در مرو خانقاهی تأسیس کرد که به نام کعبه‌ی خراسان شهرت یافت، وی پیوسته در خانقاه نمی‌ماند، دوبار به هرات سفر کرد و سی و هشت بار به حج رفت و مدتی در بخارا و سمرقند به سر برد، در همین دو شهر بود که برجسته‌ترین پیروان خود که بعدها جانشینان وی شدند به دست آورد. ابویعقوب در هرات وفات یافت و در مرو دفن شد. شرح «منازل السائرین» خواجه عبدالله انصاری از جمله آثار وی است که مفقود شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: اوراد الاحباب (۷۴ - ۷۲)، تذکره الشعراء (۱۰۹)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹ / ۱۱۳۱)، رشحات عین الحیاة (مقدمه / ۳۶ - ۱۳، ۴۳ - ۴۰)، سیر النبلاء (۶۹ - ۶۶ / ۲۰)، مجمل فصیحی (ذیل / سالهای ۴۶۶ و ۵۳۵)، نفحات الانس (۳۸۰)، وفيات الاعیان (۸۱ - ۷۸ / ۷)، هدیه العارفين (۲ / ۵۵۲).

ابهری عماد الدین، عبدالعزیز

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۸۹۵ / ۸۴۳ ق)، محدث و فقیه. در علم حدیث و فقه حنفی و شافعی مهارت داشت. سالها در مدرسه‌ی شاهرخ میرزا و مدرسه‌ی سلطانی و خانقا اخلاصیه به تدریس اشتغال داشت. در اواخر عمر به هند رفت و در ولایات سند از دنیا رفت. ابهری محدثی برجسته بود و کتابهایی در موضوعات مختلف نگاشت. او همچنین بر بسیاری از کتب حواشی نوشت. از آثار وی: «منهاج المشکاه»، شرح و تفسیری «مشکاه المصابیح» خطیب تبریزی، در حدیث، که آن را به نام امیر علیشر نوایی تألیف کرده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۲۶۳ - ۲۶۲)، حبیب السیر (۴ / ۳۴۹)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹ / ۱۱۴۲)، رجال حبیب السیر (۱۹۹)، کشف الظنون (۱۷۰۰)، هدیه العارفين (۱ / ۵۸۲).

ابهری، ابوبکر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۷۵- ۲۸۹/ ۲۸۷ ق)، قاضی، قاری، محدث و فقیه مالکی. در ابهر تولد یافت و ساکن بغداد شد و در آنجا از ابو عمر محمد بن یوسف قاضی و فرزندش ابوالحسین فقه آموخت. و از ابوبکر باغندی و ابوالقاسم بغوی و عبدالله بجلی و ابن تمام بهرانی و محمد اشنانی و دیگران در عراق و شام و جزیره حدیث شنید. دارقطنی از او حدیث نقل کرده و او را ستوده و گفته که او امام مالکیان در عصر خود بود و از اندلس و مغرب و گوشه و کنار دنیا به سویس می‌شتافتند. از وی آثاری بر جای مانده است که به گفته‌ی قاضی عیاض تصانیف از در شرح مذهب مالکی و ردّ مخالفین است. از جمله آثار وی: «الاصول»، در فقه؛ «الرد علی المزنی»؛ «شرح کتاب ابن عبدالحکم الصغیر» و «شرح کتاب ابن عبدالحکم الکبیر»؛ «فضل المدینه علی مکه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/ ۹۸)، تاریخ الاسلام (حوادث ۵۸۲- ۵۸۰/ ۳۸۰- ۳۵۱)، تاریخ بغداد (۴۶۳- ۴۶۲/ ۵)، ریحانه (۱/ ۷۲)، سیر النبلاء (۳۳۴- ۳۳۲/ ۱۶)، الفهرست لابن الندیم (۲۸۳)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۳۷۵)، معجم البلدان (۱/ ۱۰۶)، معجم المؤلفین (۲۴۱/ ۱۰)، الوافی بالوفیات (۳/ ۳۰۸)، هدیة العارفین (۲/ ۵۰).

ابهری، شمس‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج سید شمس‌الدین بن السید الجلیل السید اسدالله موسوی ابهری که از ذراری حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام و از علماء میرز معاصرین بوده است در تهران وی در سال ۱۳۲۴ قمری در ابهر متولد شده پس از تحصیل سطوح در قزوین در سال ۱۳۴۹ قمری بلده طیبه قم عزیمت نموده و در حوزه درس اساتید بزرگ بالا-خص مرحوم آیه‌الله حایری و مرحومین آیتین آقای حجت و آقای حاج سید محمد تقی خونساری قدس الله انفسهم استفاده نموده و از آن بزرگواران مفتخر به اخذ تصدیق اجتهاد شده و پس از فوت مرحوم آیه‌الله حایری بنجف اشرف مشرف گردیده و در حوزه درس مرحوم آیه‌الله اصفهانی حاضر و از آن بزرگوار هم به اخذ تصدیق اجتهاد نائل و در اثر تأکید و تقاضای اهالی ابهر بامر مرحوم آیه‌الله اصفهانی به ابهر مراجعت نموده و در مسجد جامع ابهر باقامه جماعت و وظائف دینی پرداخته و مورد توجه عموم قرار گرفته و بواسطه حسن عمل و اخلاق حسنه محبوبیت بسزائی تحصیل کرده تا در سال ۱۳۶۲ قمری و غائله توده‌ای‌های آذربایجان که مجبور بمهاجرت به تهران گردیده و مورد اقبال و توجه جمعی از علاقمندان گشته و آنان از مقام فضل و دانش و محامد آداب ایشان استفاده نموده و چند سالی در مسجد سلیمی خیابان ناصر خسرو اقامه جماعت و بعد در مسجد باب‌الحوائح خیابان صفا شهباز به اداء وظیفه دینی و روحی اشتغال یافته تا در ایام فاطمیه که در سال ۱۳۹۲ قمری که در منزلش مجلس سوگواری منعقد بود بسکته قلبی بدرود حیات گفته و با تشییع مجللی حمل بقم و در جنب وادی السلام قم مدفون گردیده است.

از آثار ایشانست تعمیر ماسجد خاصه تجدید بناء مسجد جامع ابهر که از آثار قدیمه میباشد که توسط آن‌مرحوم آباد گردیده و نیز مدرسه برای طلاب علوم دینی احداث و بنا نموده و چندین طلبه را تکفل و تشویق بتحصیل علوم دینی نموده که از فضلاء امروز ابهر و حومه آن در قم میباشند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

ابهری، کمال‌الدین ابو عمر، ابو عمر

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س هفتم ق)، ادیب، شاعر. از وزیران سلجوقیان بزرگ بود. پیش از وزارت، در دستگاه سلطنت کارهای خطیر و مشاغل مهم دیوانی داشت وی زمان هرج و مرج سلطنت طغرل از بیم دشمنان در جامه‌ی اهل تصوف به حجاز رفت و از آن جا، رباعی در وصف حال خود سرود و به ابهر فرستاد. همان رباعی در تذکره‌ها به عنوان شاهد شعری وی ثبت شده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۱۷۸)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۱۴۳-۱۴۲/۹)، دستورالوزراء (۲۲۰-۲۱۹)، نسائم الاسحار (۹۱-۹۰).

ابیوردی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالمظفر محمد بن احمد بن محمد ادیب شاعر لغوی، در علوم لغت و ادب و حدیث و انساب و اخبار عرب و بسیاری از علوم دیگر، وحید عصر، و فرید دهر خود بوده. کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- الانساب ۲- تاریخ ابیورد ۳- تاریخ نساء ۴- تعلق المشتاق ۵- الدرۃ الثمینة ۶- طبقات العلوم ۷- قبسه العجلان فی نسب آل ابی سفیان ۸- المجتبی من المجتبی ۹- المختلف و المؤلف ۱۰- دیوان اشعار مطبوع. وفات صاحب عنوان در روز ۵ شنبه ۲۰ ربیع الاول سال ۵۰۷، ما بین دو نماز، به مرگ فجأه و یا مسموماً در اصفهان روی داده است. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ابیوردی کوفنی، ابوالمظفر محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۰۷ ق)، ادیب، شاعر، نسب شناس و محدث شیعی. در بعضی کتب شهرت او را کوفنی نوشته‌اند. در کوفن، دهی میان ابیورد و نسا، متولد شد. به بغداد رفت و به خدمت مؤید الملک بن نظام الملک درآمد. و به درخواست او عمیدالدوله را هجو کرد و عمیدالدوله شکایت به نزد خلیفه برد که ابیوردی شعر در هجای خلیفه عباسی و مدح خلیفه فاطمی مصر سروده است. خلیفه خون او را مباح کرد. ابیوردی به همدان گریخت و نسبت مجعول منسوب به معاویه بن محمد بن عثمان را برای خود ساخت. وی پس از فرار از بغداد، مدتها در اصفهان به پریشانی زیست، و از رهگذر تعلیم فرزندان زین الملک برسق گذران زندگی می‌کرد، ولی بعد به دربار سلطان محمد سلجوقی راه یافت و سلطان او را مشرف مملکت خود کرد. گویند بعد از قاضی ابویوسف اسفراین متصدی دارالکتب نظامیه‌ی بغداد شد. و در اصفهان مسموم شد و از دنیا رفت. ابیوردی از اسماعیل بن مسعودی جرجانی، عبدالوهاب بن

محمد بن الشهید و ابوبکر بن خلف شیرازی حدیث شنید و از ابومحمد حسن بن احمد سمرقندی و عبدالقاهر جرجانی، روایت کرد. محمد بن طاهر مقدسی در کتاب «انساب» خویش از ابیوردی بسیار روایت کرده است. از آثار وی: «قبس العجلان فی نسب آل ابی سفیان»؛ «المجتبی من المجتبی»؛ «المختلف و المؤلف»؛ «طبقات العلم»؛ «تعلی المشتاق»؛ «کوکب المتأمل»؛ «کتاب فی انساب»؛ «الدره الثمینة»؛ «تاریخ ابیورد و نسا». وی صاحب «دیوان» شعری است در سه بخش: «عراقیات»، «نجدیات» و «جدیات». او را در مرثیه امام حسین (ع) قصیده‌ای است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۶/ ۲۰۹)، اعیان الشیعه (۹/ ۱۰۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۲۳۹)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹/ ۱۱۴۶)، الذریعه (۱۷/ ۳۵، ۸/ ۹۶، ۴/ ۲۱۹)، روضات الجنات (۸/ ۱۹)، ریاض العلماء (۵/ ۲۹-۳۰)، ریحانه (۱/ ۷۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۴۷/ ۶)، الکامل (۸/ ۲۶۷-۲۶۸)، کشف الظنون (۱۹۴۲، ۱۹۳۰، ۱۶۳۷، ۱۱۰۵، ۹۴۵، ۷۷۴، ۳۹۸، ۲۸۱)، الکنی و الالقاب (۱۱-۱۰/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل / ابیوردی)، معجم الادباء (۲۶۶-۲۳۴/ ۱۷)، معجم المؤلفین (۸/ ۳۱۴)، الوافی بالوفیات (۹۳-۹۱/ ۲)، وفیات الاعیان (۴/ ۴۴۴-۴۴۹)، هدیة العارفین (۲/ ۸۱-۸۲).

ابیوردی، حسام الدین، ابومحمد حسن

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۸۱۶-۷۶۱ ق)، دانشمند، فقیه و خطیب شافعی. اصل وی از سرخس بود ولی در ابیورد تولد یافت و همان جا نشو و نما کرد. وی شاگرد ملا سعدالدین تفتازانی بود. به بغداد رفت و بعد از آن به اصفهان، و در این شهر به تحصیل علوم ریاضی پرداخت. ابیوردی در مکه سکونت گزید و در آخر عمر راهی یمن شد و در آنجا مجلس درس دایر کرد. وی از زاهدان زمان، و بر مذهب غلاة و اهل تفویض بود. از آثار وی: «ربیع الجنان فی المعانی و البیان»؛ حاشیه بر شرح قطب الدین رازی بر «مطالع الانوار» سراج الدین ارموی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹/ ۱۱۴۶-۱۱۴۷)، روضات الجنات (۴/ ۳۷-۳۸)، ریحانه (۲/ ۴۲)، کشف الظنون (۱۷۱۶-۸۳۳)، معجم المؤلفین (۳/ ۲۵۰-۲۵۱)، هدیة العارفین (۱/ ۲۸۷).

اتابکیان الکساندر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، پزشک. از معاریف پزشکان ارمنی مقیم رشت بود که در محله‌ی سبزه میدان منزل و درمانگاه داشت. خانه‌ی او پایگاهی بود برای بیماران متشخص و دولتمندی که از تهران برای معالجه و مداوای خود عازم اروپا می‌شدند. دکتر الکساندر اتابکیان در خلال فعالیت‌های پزشکی به کارهای ادبی و سیاسی هم می‌پرداخت و به سال ۱۲۵۹ ش به چاپ و انتشار مجله‌ای به زبان ارمنی به نام «هاماینک Hamayenk» موفق شد که شاید اولین مجله‌ای بود که به زبان ارمنی در ایران انتشار یافت. در اواخر

عمر، رشت را ترک گفت و دیگر بدان شهر بازنگشت.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: نامها و نامدارهای گیلان (۲۵-۲۴).

اتحادیه، منصوره

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

منصوره اتحادیه در سال ۱۳۱۲، در تهران به دنیا آمد. وی تحصیلات خود را در سال ۱۳۵۸، در دانشگاه ادینبورگ انگلستان به پایان برد و با اخذ درجه دکتری در گروه تاریخ دانشگاه تهران مشغول تدریس شد. دکتر اتحادیه ضمن تالیف و تحقیق و مدیریت نشر تاریخ، با انجام سفرهای مطالعاتی و شرکت در سمینارهای خارجی، بر پشتوانه های علمی خود افزود. او صاحب تالیفات بسیاری در زمینه تاریخ می باشد.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه ای: منصوره اتحادیه پس از اخذ مدرک دیپلم و لیسانس، رهسپار انگلستان شد و در سال ۱۳۵۸ به دریافت مدرک دکترای تاریخ از دانشگاه ادینبورگ نائل آمد.
همسر و فرزندان: منصوره اتحادیه همسر دکتر نظام مافی و مادر چهار فرزند می باشد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی: منصوره اتحادیه پس از مدتی اقامت و تحصیل در انگلستان، به ایران بازگشت و مدیریت نشر تاریخ را در تهران عهده دار شد.

فعالیتهای آموزشی: منصوره اتحادیه پس از کسب درجه دکتری، در گروه تاریخ دانشگاه تهران مشغول تدریس شد.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: منصوره اتحادیه ضمن تالیف و تحقیق، دست به سفرهای مطالعاتی و شرکت در سمینارهای خارجی نیز زده است و بدین ترتیب بر پشتوانه های علمی خود افزوده است.

آثار:

۱ احزاب سیاسی در مجلس سوم (۱۳۳۴ - ۱۳۳۳ هـ ق)

۲ پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت دوره اول و دوم مجلس شورای اصلی

۳ حرفی از هزاران، کاندلر عبارت آمد، وقایع تبریز و رشت ۱۳۳۵-۱۳۲۶ هجری قمر

۴ خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام السلطنه مافی

۵ خاطرات و اسناد محمد علی غفاری، نایب اول پیشخدمت باشی (تاریخ غفاری)

۶ رضا قلی خان نظام السلطنه

۷ زمانه، زندگی و کارنامه ی بیهقی

۸ زندگی نامه حاج محمد حسین کمپانی، امین دار الضرب

۹ سفرنامه کرمان و بلوچستان

- ۱۰ سیاق معیشت در عصر قاجار حکمرانی و ملکداری مجموعه اسناد عبدالحسین میرزا فرمانفرما
- ۱۱ گزیده‌های از مجموعه اسناد عبدالحسین میرزا فرمانفرما، از ۱۳۲۵ تا ۱۳۴۰ هجری قمری
- ۱۲ گوشه‌هایی از روابط خارجی ایران
- ۱۳ مجلس و انتخابات: از مشروطه تا پایان قاجاریه
- ۱۴ مرانامه‌ها و نظام‌نامه‌های احزاب سیاسی ایران در دوره دوم مجلس شورای ملی
- ۱۵ نخبه سیفیه، در تاریخ و جغرافیای استرآباد به انضمام ترانه‌های عامیانه ترکمن
- ۱۶ نصرت الدوله: مجموعه مکاتبات، اسناد، خاطرات ...
- ۱۷ واقعات اتفاقیه در روزگار (تاریخ مشروطه)

اثنی عشری، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج آقا حسین بن السید الجلیل المرحوم الحاج السید حاج آقا اثنی عشری اعتمادی از علماء ابرار و اتقیاء اخیار شهرستان ری (زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام) است که به تقوا و پارسائی و تعصب در دین معروف و موصوف بوده‌اند. وی در سال ۱۳۱۸ قمری در شهر ری متولد و در مهد تربیت مرحوم والدش که از روساء آستانه مقدسه و محترمین زاویه مقدسه بوده نشو و نما یافته و دروس جدید را به پایان رسانیده آنگاه بتحصیل مقدمات و ادبیات در مدرسه محمدیه تهران پرداخته و بعد از تکمیل آن در سال ۱۳۴۹ قمری به قم مهاجرت و سطوح را از اساتید حوزه چون مرحوم ادیب تهرانی و میرزا محمد همدانی و آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی مد ظله فرا گرفته و در دروس خارج مرحوم آیت‌الله حایری مقداری و پس از ایشان از محضر مرحومین علمین آیتین حجت و خونساری استفاده نموده و در سال ۱۳۶۲ قمری بوطن مذکور خود برگشته و بوظائف دینی پرداخته و در آستانه مقدسه اقامه جماعت و همه شب تبلیغ دین و تفسیر کتاب مبین نموده و در امر بمعروف و نهی از منکر بسیار ساعی و جدی و در این موضوع (لا- یخافه لومه لائم) بوده تا در شب پنجشنبه پنجم ماه شعبان ۱۳۸۴ قمری که در هنگام انجام وظیفه در بالای منبر بسکته قلبی بدرود حیات گفته و در رواق مطهر نزدیک درب حرم شریف مدفون گردیده است. از آثار اوست تفسیر اثنی عشری در ۱۴ جلد که در حیات آن مرحوم طبع و نشر گردیده و دیگری رساله‌ای در اخبار و احادیث و رساله‌ای در اصول عقاید که بطبع رسیده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

ابیرالدین ابهری سمرقندی، مفضل

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۶۳/ ۶۶۱/ ۶۶۰ ق)، فیلسوف، ریاضیدان و منجم. از اهالی ابهر و از دانشمندان علوم ریاضی و منطق و نجوم و حکمت در قرن هفتم هجری بود و شاگرد امام فخر رازی و معاصر و همکار خواجه نصیرالدین طوسی در رصدخانه‌ی مراغه. ابهری علوم ریاضی را

علم نظری خوانده و آن را به چهارشاخه‌ی اصلی هندسه، حساب موسیقی و هیئت تقسیم کرده است. ابن خلکان نوشته که وی در اربل، در سال ۶۲۵ ق با ابوالفتح موسی بن یونس از فقهای دانشمند شافعی که در ریاضیات و طب نیز مهارت داشته، به مباحثه پرداخته است. از آثار وی: «هدایة الحکمة»، در منطق که کتاب درسی بوده؛ «ایساغوجی» و «تنزیل الافکار فی تعدیل الاسرار»، در منطق؛ «المغنی» و «تهذیب النکت»، در علم جدل؛ «اصلاح هندسه‌ی اقلیدس»، در ریاضی؛ «زبدۀ الکشف». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۳/ ۲۴۷)، تذکره‌ی روز روشن (۳۰)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹/ ۱۴۳)، دایرةالمعارف فارسی (۱/ ۵۷)، ریحانه (۱/ ۳۷)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۱۲۲- ۱۲۱)، کارنامه‌ی بزرگان (۲۸۶)، کشف الظنون (۲۰۳۰- ۲۰۲۸، ۱۷۵۰، ۱۶۱۶، ۱۴۹۳، ۹۵۳، ۴۹۴، ۹۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ابهری)، معجم المؤلفین (۱۲/ ۳۱۵)، وفيات الاعیان (۵/ ۳۱۳)، هفت اقلیم (۱۹۰- ۱۸۹/ ۳).

اجتهادی، مجید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: فارماکولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

اجلالی، امین‌پاشا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: تبریز. خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، کارشناسی ارشد و دکترای زبان و ادبیات فارسی از ایران. مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه مسائل دستوری، دروس حماسی و عرفانی، فرهنگ شاهنامه، راهنمایی ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و مشاوره ۳ پایان‌نامه دکترای.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

تحقیقی و تدریسی بیشتر برای کمک درس دانشجویان و استفاده آنان در درک بهتر مطالب ادبی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

ادبی، عرفانی، دستوری، فرهنگی و لغوی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

احترامی، منوچهر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

منوچهر احترامی متولد سال ۱۳۲۰ است. در مدارس مروی و دارالفنون دوران تحصیل را طی کرد و از دانشکده حقوق دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد.

وی سال‌ها به عنوان طنزنویس با نشریات مختلف همکاری داشت و طی چندسال گذشته اغلب آثارش را در مجله گل آقا چاپ می‌کرد.

طنزنویسی را به طور جدی از سال ۱۳۳۷ با مجله توفیق آغاز کرد و با مطبوعات دیگر و نیز رادیو و تلویزیون هم همکاری داشت. امضاهاى مستعار، «م. پسر خاله»، «الف - اینکاره» و ... از امضاهاى اوست .

احترامی مجموعه‌ای از این آثار را در کتاب «جامع الحکایات» منتشر کرد و چاپ بخشی از داستان‌های طنزش را در مجموعه «بچه‌ها، من هم بازی» تدارک دید.

منوچهر احترامی تاکنون بیش از پنجاه عنوان کتاب برای کودکان نوشته و منتشر کرده که «حسنی نگو یه دسته گل» و «خروس نگو یه ساعت» و «خرس و کوزه غسل» و «دزده و مرغ فلفلی» و ... از آن جمله‌اند.

خودش درباره تحصیلش می‌گوید: «چند ماهی رشته ریاضی خواندم. چون شیطان بودم، بیرونم کردند. جایی اسسم را نوشتند و مجبور شدم بروم مدرسه مروی در محله ناصر خسرو. چهارم و پنجم را آنجا خواندم و ششم را دارالفنون. انصافاً هم سطح این دو مدرسه بالا بود. ما بیست و پنج نفر بودیم که بیست و چهار نفرمان برای دوره لیسانس پذیرفته شدیم. سال سی و نه دانشکده حقوق قبول شدم. بچه‌ی درس‌نخوان شاگرد اولی بودم!» و ایضاً بخوانید خاطره‌ای از دوران تحصیل ایشان: «یادم هست یک‌بار چون بچه زرنگ کلاس بودم، همه امتحان ریاضی را از روی دست من نوشتند. معلممان دید که برگه‌ام را آویزان کرده‌ام که بقیه ببینند، با خود کار قرمز بالای برگه نمره یک گذاشت و رفت. همه آن امتحان را هجده شدند و من، یک! جالب این جاست که رفقا هنوز هم این خاطره بد من را به عنوان خاطره شیرین دوره تحصیلشان همه‌جا تعریف می‌کنند»

احترامی در عرصه طنز به خاطر تسلط بر ادبیات فارسی از سبک‌ها و قالب‌های گوناگون استفاده می‌کند.

وی در روز چهارشنبه، ۲۳ بهمن ۱۳۸۷ بر اثر نارسایی قلبی، در یکی از بیمارستان‌های تهران درگذشت.

احتشام دفتری، جمشید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۵ مرتبه علمی: استاد، رشته: جراحی عمومی دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی، دکترای تخصصی جراحی عمومی از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۲۹ و فوق تخصصی جراحی سینه از دانشگاه‌های پاریس و لندن در سال‌های ۱۳۳۹ و ۱۳۸۴.

مرتبه علمی:

استاد جراحی دانشگاه علوم پزشکی تبریز از سال ۱۳۵۱ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بیماریهای ریوی، کیست هیداتیک، روش‌های جراحی مدرن سینه و استاد راهنمای ۶ پایان‌نامه دکترای و تخصصی در هر سال از سال ۱۳۴۸ تاکنون.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ریه و طرق جراحی مدرن، قلب و ریه مصنوعی و جراحی قلب باز.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

پیوند کولون در تنگیهای ساده و بدخیم مری، گاستروکتومی، انروناترکتومی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

احتشامی افشار، امین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای ریوی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی ایران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

احمدی نسب، مصطفی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مصطفی احدی نسب

محل تولد: شمیران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۲ همزمان با اتمام سطح حوزه وارد دانشگاه شدم و رشته فلسفه را از دانشگاه شهید بهشتی و در مقطع کارشناسی به اتمام رساندم و همزمان به تدریس در حوزه پرداختم. بعد از اتمام تحصیل در دانشگاه در مقطع کارشناسی ارشد فلسفه در دانشگاه مفید به تحصیل پرداخته و همزمان در درس خارج شرکت کردم و در طی تحصیل در مراکز مختلف به تدریس مشغول بودم.

احدی، کاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید کاظم بن العالم الجلیل آقا سید محمد احدی رشتی از علماء ابرار و ائمه جماعت اخیار معاصر رشت می‌باشند. وی در سال ۱۳۲۷ قمری در رشت متولد شده و در حجر تربیت والد ماجدش که از علماء بزرگ رشت بودند پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح در زمان مرحوم آیت‌الله حایری به قم آمده و از محضر آیات و مدرسین حوزه کسب فیض علم و کمال نموده ولی به واسطه‌ی جهاتی زیاد توقف نموده و بنا بر امر والد مبرورش به رشت برگشته و پس از فوت معظم له بجای ایشان نشسته و در مسجدشان اقامه جماعت نموده و تاکنون به این سمت و خدمات دیگر دینی اشتغال دارد. از باقیات الصالحات ایشانست فرزند ارجمندش حجة الاسلام آقای آسید علی اصغر احدی که از فضلاء مذهب و بارع گیلانی حوزه علمیه قم می‌باشند. وی در رشت متولد شده و در بیت تقوا و ورع تربیت یافته و پس از فراگرفتن دروس جدید و مقدمات به قم مهاجرت نموده و سطوح را از مدرسین حوزه به پایان رسانیده سپس به درس خارج آیات عظام شرکت نموده و اکنون به تدریس متون فقه و اصول و مباحثات خصوصی اشتغال دارند.

از تألیفات ایشانست کتابی بنام (همه به سوی خدا) که در سال ۱۳۸۲ قمری بطبع رسیده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

احدی، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی احدی

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه قم شدم. ادبیات را در حد تدریس فرا گرفتم، بطوری که پس از گذشت چهار سال، شرح بر هدایه بنام کتاب "الزبده" را نوشته و استاد مدرس افغانی تقریظ بسیار ارزشمندی را بر این کتاب نوشتند. دو نکته را در آنجا اشاره فرمودند:

۱- بنده را بعنوان مجتهد در نحو و صرف تلقی دادند.

۲- دیگران را در اخذ مسائل متقن نحوی، بر کتاب حقیر ارجاع داده اند. این دو نکته مایه تشویق بنده شد، بطوری که تدریس را در کنار تحصیل شروع نمودم. همواره از اساتید بسیار مجرب در اصول پایه نظیر استاد مصطفی اعتمادی استفاده نمودم، که تعلیقه فرائد الاصول را پس از اتمام رسائل شروع نمودم. پس از آن مکاسب را محضر استاد ستوده و حاج شیخ علی پناه اشتهاردی، و کفایه الاصول را نزد فاضل لنکرانی تلمذ نمودم.

خارج اصول را نزد استاد وحید خراسانی به اتمام رساندم. خارج فقه را نزد آیه الله مرحوم حاج میرزا هاشم آملی و وحید خراسانی استفاده نمودم. اشتیاق وافر به فلسفه و عرفان و تفسیر باعث شد که شرح منظومه را از محضر انصاری شیرازی و اسفار را از محضر جوادی آملی و حسن زاده آملی و نیز عرفان را از این دو بزرگوار فیض ببرم و هنوز ادامه دارد و اکنون مشغول تدریس اسفار و تمهید و کفایه و خارج اصول می باشم.

مباحث روانشناسی را مدت هفت سال با تحقیق و پژوهش ادامه دادم و به مقطع صاحب نظری رسیدم و اکنون در حد کارشناسی، استفاده می گردد. و این دانش باعث شد که در زمینه های مختلف اجتماعی، فرهنگی وارد شوم و از اطلاعات به روز استفاده کامل نمایم.

منابع زندگینامه: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

احراری، هوشنگ

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مدرس، پزشک.

تولد: ۱۳۱۳، رشت.

درگذشت: ۲ مهر ۱۳۷۲، تهران.

دکتر هوشنگ احراری پس از گذراندن تحصیلات متوسطه در رشت، برای ادامه‌ی تحصیلات در سال ۱۳۳۰ در رشته‌ی پزشکی وارد دانشگاه علوم پزشکی تهران شد. در سال ۱۳۳۶ موفق به دریافت دکترای پزشکی عمومی گردید. وی سپس در بخش جراحی بیمارستان هزار تخت‌خوابی به عنوان رزیدنت مشغول به کار شد و پس از اخذ تخصص جراحی عمومی، در سال ۱۳۴۴ با استفاده

از بورس تحصیلی جهت گذراندن دوره‌ی فوق تخصص قلب و عروق عازم کشور سوئد گردید و در سال ۱۳۴۶ موفق به دریافت فوق تخصص قلب و عروق از دانشگاه استکهلم شد.

پس از بازگشت به ایران، توانست بخش جراحی عروق را در بیمارستان هزار تخت‌خوابی تأسیس کند و در سال ۱۳۴۷ موفق به انجام پیوند مصنوعی آئورت در ایران شد.

دکتر احراری عضو آکادمی جراحان بزرگ آمریکا بود و بارها برای شرکت در کنگره‌های علمی در سراسر دنیا به کشورهای مختلف سفر کرد. از وی چند کتاب در زمینه‌ی جراحی به یادگار مانده است که به عنوان نمونه می‌توان از کتاب جراحی عروق و سی‌ناکسین جراحی نام برد.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

احسانی طباطبائی، محمد علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۲ ق)، نویسنده و پزشک. تحصیلات ابتدایی را در اصفهان گذرانید، سپس به تهران آمد و دوره‌ی متوسط را در شعبه‌ی علمی دارالفنون سپری کرد. دانشکده‌ی پزشکی را در سال ۱۳۱۰ ش به اتمام رسانید و پس از دریافت گواهی دکترای طب و تخصص در بیماریهای عفونی، به مدت سی سال در طب ارتش از درجه‌ی سرگردی تا سرتیپی خدمت کرد. اثر به جای مانده از وی: «چنجه‌ی درویش» در دو جلد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱/۸۴)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۶-۱۰۵/۴).

احسانی فر، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد احسانی فر

محل تولد: لنگرود

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۷/۱

زندگینامه علمی

با اخذ سوم نظری در دبیرستان، در اوّل پاییز سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه لنگرود شدم. به رغم نشاط و رونق علمی کم نظیر این حوزه کوچک شهرستانی در زمان ریاست مرحوم حجه‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ علیرضا ممدّ لنگرودی (قدس) برای تحصیل فراغت بال و فرار از آمد و شدها، در سال تحصیلی بعد به حوزه مشهد و در سال سوم به حوزه کاشان عزیمت نمودم. پاییز ۱۳۶۳

وارد حوزه علمیه مبارکه قم شدم و پیوسته در اینجا مشغول به تحصیل و وظایف طلبگی هستم. جامع المقدمات، منطق، حاشیه و بخشی از سیوطی را نزد مرحوم آقای ممجد (قدس) در حوزه لنگرود خواندم. بقیه سیوطی، مغنی و بخشی از معالم را در مشهد و بقیه معالم را در تابستان در لنگرود و مختصر و جلد اول اصول مظفر و کتب عبادات شرح لمعه را در حوزه کاشان و بقیه دروس را در قم گذرانده، از پاییز سال ۱۳۶۷ حضور در خارج فقه و اصول را آغاز نمودم.

احسانی، هوشنگ

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای کودکان دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

احسانی، احمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۴۱-۱۱۶۶ ق)، عالم، حکیم و مؤسس طریقه‌ی شیخیه. وی در احساء به دنیا آمد. در حدود ۱۱۸۶ ق از بحرین عازم عتبات شد و در مجالس استادانی نظیر وحید بهبهانی، سید مهدی بحرالعلوم طباطبایی، سید علی طباطبایی مؤلف «ریاض»، شیخ جعفر کاشف العطاء و میرزا مهدی شهرستانی تلمذ کرد. شیخ احمد علاوه بر تحصیل فقه و اصول، در طب و نجوم و ریاضی قدیم و علم حروف و اعداد و طلسمات نیز مطالعاتی کرد و بخصوص در فلسفه تبحری خاص یافت. وی چندی نیز در بحرین و کربلا و نجف و بصره زیست و در حدود ۱۲۲۱ ق به قصد زیارت مشهد رضوی به ایران آمد و در مراجعت از مشهد، به خواهش اهالی یزد، یک چندی در آن جا اقامت گزید. فتحعلی شاه او را به تهران خواند، وی نیز قبول دعوت محمد علی میرزای دولتشاه در کرمانشاه اقامت گزید و بعد به حجاز و شام و عراق رفت و سپس به مشهد سفر کرد و در مراجعت به قزوین رفت، و در مدرسه صالحیه مشغول تدریس گشت. وی در این سفر با ملا محمد تقی برغانی مباحثاتی داشت. او مریدان بسیار و تألیفات فراوان داشت. به زهد و عزلت و ریاضت علاقه‌ی بسیار می‌ورزید و خلوت و تفکر را دوست می‌داشت. احسانی پس از فوت اساتید و مشایخ خود ادعای کشف و الهام و تفویض و غلو و موهومات و معیبات کرد، و از این رو در مراکز علمی شیعه موجی علیه او برخاست. افکار او رنگی از عرفان و حکمت داشت. عقاید و آراء شیخ احد به وسیله‌ی شاگردش سید کاظم رشتی تقریر و توضیح شد و طریقه‌ی ایشان به نام طریقه یا مذهب شیخیه موسوم گشت. احسانی عاقبت در سفر حج، بین راه، وفات یافت و در مدینه در جوار قبور ائمه اطهار (ع) دفن شد. آثار عمده‌ی او عبارت است از: «شرح الزیارة الجامعة الکبیره»؛ «شرح حکمت عرشیه‌ی ملاصدرا»؛ «جوامع الکلم»؛ «شرح فواید»؛ «شرح المشاعر» ملاصدرا؛ «رساله فی بیان حقیقه‌ی العقل و الروح و النفس بمراتبها»؛ «الاجازات»؛ «الاجتهاد و التقليد»؛ «مباحث الالفاظ»، در اصول؛ «کتاب فی احکام الکفار»؛ «حیاء النفس»؛ «حقیقه‌ی الرؤیا و اقسامها».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/ ۱۲۴)، اعیان الشیعه (۵۹۳-۵۸۹/۲)، ایضاح المکنون (۷۰۵، ۴۷۵، ۴۷۴، ۳۴۸، ۲۰۹، ۲۰۵، ۲۰۳، ۲/ ۵۶۷)

۵۶۴، ۴۷۴، ۴۲۵، ۴۱۲، ۳۷۲، ۳۳۹، ۳۰۵، ۲۶۷، ۲۲۲، ۲۰۶، ۲۰۵، ۱/، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۲۰۴-۱۲۰۲/۹)، دایرةالمعارف فارسی (۱/۶۳)، الذریعه (۱۸/۷۱، ۱۳/۱۳۳، ۷/۱۲۴)، روضات الجنات (۱/۹۷)، ریحانه (۱/۷۸-۸۲)، طرائق الحقائق (۳۳۷-۳۳۹)، قصص العلماء (۴۹-۴۷)، لغت‌نامه (ذیل/احمد احسائی)، مؤلفین کتب چاپی (۳۴۹-۳۴۵/۱)، معجم المؤلفین (۲۲۹-۲۲۸)، مکارم الآثار (۱۱۳۸-۱۳۴/۴)، هدیة العارفين (۱/۱۸۵)، یادداشتهای قزوینی (۸/۱۴۸)، یادگار (س ۱، ش ۴، ص ۴۷-۳۰)، یغما (س ۱۴، ش ۱۰، ص ۴۴۸-۴۴۰).

احسائی، علینقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۴۶ ق)، عالم دینی، ادیب و شاعر. دومین فرزند شیخ احمد احسائی. که در حساهجر مرکز شیعی نشین ساحل شبه جزیره‌ی عرب متولد شد. شاگرد و پیرو مکتب تند پدرش در تشیع بود و در سفرهای ایران و عراق او را همراهی می‌کرد. بیش از ده تألیف در کلام و تفسیر، نزدیک به شیوه‌ی فلسفی پدرش، دارد که برخی از آنها چاپ شده است. علینقی در کرمانشاه درگذشت و چون انتقال جنازه را حرام می‌دانست، در همان جا به خاکش سپردند. وی شعر نیز می‌سرود و «دیوان» اشعارش به چاپ رسیده است. از آثارش: «نهج المحجّة»، در امامت؛ «منهج السالکین» یا «منهاج السالکین»، در اخلاق؛ «المعاد»؛ «واضح المنار فی علم الاسرار»؛ «رسالة فی القصة الموسی و الخضر»؛ «رسالة العلم»؛ «الرد علی رسالة بعض العرفاء»؛ «مشرق الانوار» در حکمت. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹/۱۲۰۴)، الذریعه (۱۲-۱۱/۲۵، ۲۴/۴۲۴، ۱۸۹، ۲۳/۱۶۱، ۲۱/۱۷۳، ۲۰/۱۹۵، ۱۷/۹۸، ۳۱۶/۱۵، ۱۰/۱۹۷، ۹/۷۶۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴/۶۰۲)، معجم المؤلفین (۷/۲۵۴-۲۵۵).

احسائی، محمد تقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۷۵ ق)، عالم اصولی. وی فرزند بزرگ، و شاگرد، پدر خود، شیخ احمد احسائی، بود. سالها در قزوین از محضر شهید ثالث و محمد صالح برغانی استفاده کرد و فقه و اصول آموخت. حکمت و فلسفه را نیز از ملا آقای حکمی و آخوند ملایوسف حکمی فراگرفت. از پدرش در تاریخ ۱۲۳۶ ق اجازه دریافت کرد و در این اجازه با برادرش شیخ علینقی شریک بود. او از مخالفین سرسخت طریقه پدر خود به حساب می‌آمد. و در مجلس قزوین در کنار علمای متشرعه ایستاد و از پدر انتقاد کرد. و همواره ضمن انکار مکتب وی برایش طلب مغفرت می‌کرد. او همچنین در رساله‌اش در «الاجتهاد و الاخبار» که در جواب سؤال شیخ عبدالله قطیفی نگاشته طریقت پدر را به وضوح انکار کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲/۵۹۲)، الذریعه (۱۱/۳۰، ۱/۱۴۱)، روضات الجنات (۱/۱۰۰).

احصائی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد احصائی، در تیرماه ۱۳۱۸ شمسی در قزوین دیده به دنیا گشود. احصائی، سال‌های نخست زندگی را در قزوین گذراند و سپس تهران را برای سکونت برگزید. در ابتدای راه زندگی هنری خویش، آثار استاد عمادالکتاب قزوینی را سرمشق قرارداد تا سرانجام به حضور استاد سیدحسین میرخانی رسید و از تعلیمات ایشان بهره جست. آنگاه به دانشسرای تهران راه یافت و پس از آن بیش از ده سال را به تجربه و تحصیل در دانشکده هنرهای زیبا و حضور در نمایشگاه‌های هنری سپری کرد تا سرانجام موفق به ارائه‌ی هنر «نقاشیخط» شد. وی پس از سال‌های ۱۳۳۸ به بعد، توجه خود را بر روی آثار میرعماد قزوینی متمرکز نمود و بعدها هنر خط را در دوره‌ی قاجار کاوید. احصائی، گرافیست، خوشنویس، مؤلف و کارشناس هنر، عضو شورایعالی هنرهای تجسمی کشور، عضو شورایعالی انجمن خوشنویسان، ادیتور کتاب‌های هنر در سازمان کتاب‌های درسی ایران و احیاگر کاربرد خطاطی در معماری اسلامی می‌باشد.

گروه: هنر

رشته: هنرهای تجسمی

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: محمد احصائی، سال‌های نخست زندگی را در قزوین گذراند و سپس تهران را برای سکونت برگزید. در ابتدای راه زندگی هنری خویش، آثار استاد عمادالکتاب قزوینی را سرمشق قرارداد تا سرانجام به حضور استاد سیدحسین میرخانی رسید و از تعلیمات ایشان بهره جست. آنگاه به دانشسرای تهران راه یافت و پس از آن بیش از ده سال را به تجربه و تحصیل در دانشکده هنرهای زیبا و حضور در نمایشگاه‌های هنری سپری کرد تا سرانجام موفق به ارائه‌ی هنر «نقاشیخط» شد. وی پس از سال‌های ۱۳۳۸ به بعد، توجه خود را بر روی آثار میرعماد قزوینی متمرکز نمود و بعدها هنر خط را در دوره‌ی قاجار کاوید.

خاطرات و وقایع تحصیل: محمد احصائی، با ذکر خاطره‌ای از دوران تجربه‌اندوزی‌های خود می‌گوید: «در بهار ۱۳۵۴، در روزه‌داری‌های ادواریم، در یک حالتی از مواجهه‌ی شدید عاطفی با کلام «الله»، که یکسره ذهن و دل مرا به تصرف گرفته بود، حدود دویست قطعه کار انجام شد که تکنیک اجرای آن، حضور دائم و آمادگی شدید روحی را می‌طلبد؛ ضرباهنگی که هدایت قلم را «قلب» به عهده داشت.»

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: محمد احصائی، مشاور رئیس مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی در قسمت چاپ و انتشارات می‌باشد.

فعالیت‌های آموزشی: محمد احصائی، سال‌ها به عنوان آموزگار ادبیات فارسی و خط در دبستان‌های جهان تربیت و شهرت، مدرس گروه هنرهای تجسمی دانشکده هنرهای زیبا‌ی دانشگاه تهران و دانشگاه هنرهای تزئینی و عضو رسمی هیئت علمی دانشگاه تهران به فعالیت‌های آموزشی اشتغال داشته است.

مراکز که فرد از بنیان آن به شمار می‌آید: محمد احصائی، عضو هیئت مؤسس «انجمن هنرمندان نقاش ایران» می‌باشد. سایر فعالیت‌ها و برنامه‌های روزمره: محمد احصائی، گرافیست، خوشنویس، مؤلف و کارشناس هنر، عضو شورایعالی هنرهای تجسمی کشور، عضو شورایعالی انجمن خوشنویسان، ادیتور کتاب‌های هنر در سازمان کتاب‌های درسی ایران و احیاگر کاربرد خطاطی در معماری اسلامی می‌باشد. وی در بیست سال اخیر، به جمع‌آوری و مطالعه‌ی عمیق روی کارهای اساتید متقدم خویش

پرداخته و قلم « محقق » و « ریحان » - که در جهان اسلام به قلم های ایرانی مشهورند - دستاورد کار مداوم او در این سال ها است. آرا و گرایشهای خاص: نستعلیق محمد احصائی، آمیزه ای از شیوه ی « میر » و « میرزا غلامرضا اصفهنی » و « میرحسین » با بعضی ملاحظات امروزی است و کاربرد گرافیکی در خوشنویسی وی، از وجوه مشخصه ای است که موجب تفاوت فاحش از دیگر خوشنویسان معاصر شده است. کارهای « کلام الله » احصائی به چهار گروه تقسیم بندی می شوند که عبارتند از: نقاشی خط ها، الله ها، کارهای در ارتباط با معماری، و احیای قلم محقق و ریحان. وی در حوزه ی « نقاشی خط » با قلم « ثلث » و « محقق » با یاری گرفتن از « کلام الله »، به خلق آثار بدیعی دست زده است.

جوایز و نشانها: محمد احصائی، در هفتمین نمایشگاه بزرگ قرآن کریم تهران در سال ۱۳۷۸، به جهت « خوشنویس ممتاز آیات قرآنی » در قطعات و کتیبه ها، به ویژه احیای خطوط ریحان و محقق، و بهره گیری مناسب از خط و گرافیک و نقاشیخط در آثار خود، همچنین استفاده از کلمه ی مبارکه ی الله به صورت های متنوع در آثار و کتیبه نگاری، به عنوان « خادم برگزیده » شناخته شد.

چگونگی عرضه آثار: محمد احصائی در زمینه ی تشکیل نمایشگاه های مختلف در ایران و خارج از کشور نیز فعالیت دارد که دستاورد آن، ارائه ی آثاری متفاوت در زمینه ی خط است که در گرافیک و معماری کاربرد فراوانی دارد. نمونه هایی از این نمایشگاه ها عبارتند از: نمایشگاه گالری سیحون، فستیوال بین المللی نقاشی در کانی سومر فرانسه، نمایشگاه جمعی جهان در بال سوئیس، نمایشگاه هنرمندان ایرانی در پکن و شانگهای جمهوری خلق چین، نمایشگاه جمعی در دانشکده هنرهای زیبای ایران و

.....

آثار:

۱ تحریر قرآن مجید به قلم « محقق »

۲ خوشنویسی سوره علق به ابعاد ۱۲۰ × ۱۱۰ سانتی متر با رنگ و روغن روی بوم

ویژگی اثر: این اثر، اکنون جزء گنجینه ی آثار مجموعه ی موزه ی هنرهای معاصر تهران قرار دارد.

۳ کتیبه ای به قطع ۴۰۰ مترمربع واقع در دانشکده الهیات

۴ کتیبه ی سردر ورودی موزه ملی ایران (ایران باستان)

ویژگی اثر: این اثر، آیه ای از قرآن مجید به شیوه ی « محقق » و « برجسته » با لعاب زر است.

۵ مجموعه ی « الله »

احمدپناهی، جلال

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید جلال احمد پناهی

محل تولد: سمنان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

احمدخان بیگی، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیرضا احمد خان بیگی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۶/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال تحصیلی ۵۸ - ۵۷ با دیپلم ریاضی از دبیرستان دکتر هشترودی تهران فارغ التحصیل شدم. از سال ۵۹ دروس حوزه را از مدرسه آقای مجتهدی در تهران آغاز و پس از یکسال به قم آمدم و در مدرسه رضویه دروس حوزوی را ادامه دادم. در سال ۷۸ با پایان دوره مقدمات سطح و خارج در دوره تخصصی کلام حوزه پذیرفته شدم و در سال ۸۱ فارغ التحصیل شدم و در حال حاضر در حال نوشتن پایان نامه در موضوع فطرت هستم. همچنین در سال ۷۸ برای تدریس دروس معارف دانشگاههای تهران کار خود را آغاز کردم. در طول این چند سال در دانشگاههای تهران، شهید بهشتی، ایران و الزهراء تدریس داشته ام و از سال ۸۱ به عنوان هیئت علمی (رتبه مربی) در دانشگاه ایران پذیرفته شدم. در حال حاضر مسئولیت نهاد رهبری در دانشگاه الزهراء را نیز دارا هستم.

احمدزاده بزاز، عبدالمطلب

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید عبدالمطلب احمدزاده بزاز

محل تولد: خرمشهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه امام خمینی (ره) اهواز شدم. در زمان ورود به حوزه مدرک سال دوم تجربی را داشتم، تا سال ۱۳۶۵ در این حوزه درس خواندم. ادبیات را به طور کامل، معالم الاصول، شرح لمعه، اصول مظفر و قسمت قطع و ظن رسائل را در اهواز به پایان بردم. از سال ۱۳۶۵ به حوزه قم آمدم و تا سال ۶۹-۶۸ باقیمانده سطح یعنی براءت و استصحاب، رسائل، مکاسب و کفایه را

گذراندم. پس از آن همزمان با شروع درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی، باقیمانده دوره متوسطه را به صورت متفرقه خواندم.

درس خارج اصول از ابتدا بر اساس کفایه الاصول از سال ۱۳۶۹ شروع و در سال ۱۳۸۶ به پایان رسیده است. درس خارج فقه در سالهای ۶۹ و ۷۰ مباحث صلاه بوده است و پس از آن مباحث فقه المعاملات (از ابتدای بیع) بر اساس مکاسب شروع شده که تاکنون ادامه دارد. حدوداً ده سال همزمان با درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی از محضر درس خارج مباحث طهارت تا خمس (بر اساس عروه) حضرت حجه الاسلام حاج شیخ محسن وحید خراسانی نیز استفاده برده ام. از سال ۱۳۷۱ جهت تحصیل در رشته حقوق وارد دانشگاه مفید شده ام که اکنون در حال تدوین رساله در مقطع دکتری می باشم. امتحان جامع نیز سپری شده است.

در زمان تحصیل دروس حوزوی، به صورت پراکنده از مباحث ادبیات گرفته تا فقه و اصول تدریس داشته ام که بیشتر آنها را در خاطر ندارم. پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد نیز دروس تخصصی رشته حقوق را از جمله در دانشگاه آزاد اسلامی اهواز تدریس کرده ام.

احمدسلطانی، منیره

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

خلاصه: منیره احمد سلطانی در سال ۱۳۳۱ در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان «کسایی» گذراند بعد به دبیرستان «عطار» رفت و در ادامه در دبیرستان «اسدی» دوره متوسطه را به اتمام رسانید. خانم باوندی (همسر محمد زهری) نیز یکی از معلمان منیره احمد سلطانی بود که در این راه او را بسیار تشویق کرد و در واقع جرقه شوقی را که معلمان ابتدایی او زده بودند به آتش اشتیاقی برای مطالعه بدل کرد. در سال ۱۳۴۷ در رشته حقوق دانشگاه پذیرفته شد که به احترام پدر وارد دانش سرای عالی شد و در سال ۱۳۵۱ مدرک کارشناسی خود را از دانشگاه علامه طباطبایی گرفت و بعد از یک وقفه طولانی به دلیل حوادث انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۴ مدرک کارشناسی ارشد خود را نیز اخذ کرد و در سال ۱۳۷۰ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج تحصیلات خود را ادامه داد و از پایان نامه دکتری خود دفاع کرد. منیره احمد سلطانی نیز یکی از همان استادان برجسته و با پشتکاری است که نکات پیچیده در ادبیات را بیان می کند و با این اندیشه آثار برجسته ای از خود به جا گذاشته است.

گروه: علوم انسانی

رشته: ادیان خارجی

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: منیره احمد سلطانی در سال ۱۳۳۱ در تهران متولد شد. پدرش مردی آگاه و روشن بین بود و در آن ایام به همان اندازه که تحصیلات پسرانش اهمیت داشت، تحصیل دخترش نیز حائز اهمیت بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: - گذراندن دوره ابتدایی و راهنمایی در تهران - دریافت مدرک کارشناسی از دانشسرای عالی، سال ۱۳۵۱ - دریافت مدرک کارشناسی ارشد سال ۱۳۶۴ از دانشگاه علامه طباطبایی - دریافت مدرک دکتری ۱۳۷۰ دانشگاه آزاد واحد کرج - گذراندن دوره بهداشت و پزشکیاری در دانشگاه تهران

خاطرات و وقایع تحصیل: منیره احمد سلطانی بین سال های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱ در دانشسرای عالی سرگرم تحصیل بود و کارشناسی

خود را گرفت. در همین ایام به خاطر کار مجبور شد به لنگرود برود و همسرش عبدالحسین فرزاد (مترجم و استاد دانشگاه) هم با او به آنجا رفت. یک سال بعد مأموران ساواک عبدالحسین فرزاد را دستگیر کردند و در این روزها منیره احمدسلطانی ایام سختی را سپری کرد چون مجبور بود - با این که شاغل بود - بدون همسرش زندگی و فرزندان را اداره کند. یک سال و اندی بعد وقتی فرزاد از زندان آزاد شد، از آموزش و پرورش اخراج شده بود و همین امر موجب شد که فرزاد هم بتواند به تحصیلاتش ادامه دهد. در این ایام منیره احمدسلطانی در لنگرود زندگی می کرد. در سال ۱۳۵۶ به تهران آمد و در دبیرستان فرزانه - در منطقه سیزده - سرگرم تدریس شد.

فعالتهای ضمن تحصیل: منیره احمد سلطانی در سال ۱۳۵۶ از لنگرود به تهران آمد و در دبیرستان فرزانه سرگرم تدریس شد و بعد از دوره کارشناسی ارشد مدتی به عنوان مدرس تربیت معلم درس "ادبیات کودکان و نوجوانان" تدریس میکرد. استادان و مربیان: در زمان سپری کردن دوره آموزش عالی و کارشناسی ارشد و دکتری توانست از محضر استادان بسیار برجسته استفاده کند، استادانی چون دکتر تفضلی، دکتر سادات ناصری، دکتر زرین کوب، دکتر مشکور، دکتر ضیاءالدین سجادی، دکتر شفیع کدکنی، دکتر جعفر شعار، دکتر استعلامی، دکتر شمیسا، دکتر شهیدی، دکتر پورنامداریان، دکتر ابوالقاسمی و دیگر استادان...

همسر و فرزندان: همسر وی عبدالحسین فرزاد - مترجم و استاد دانشگاه است.

فعالتهای آموزشی: از فعالتهای آموزشی منیره احمد سلطانی میتوان به: تدریس در دانشگاه های شهید بهشتی، آزاد اسلامی، مراکز تربیت معلم، پیام نور منیره احمدسلطانی در دوره کارشناسی تاکنون استاد راهنمای بیش از ۵۰ پایان نامه بوده که موضوع بیشتر آن ها ادبیات بوده و همچنین بخشی از آنها ادبیات کهن و تعدادی دیگر به ادبیات معاصر و حتی ادبیات کودکان و نوجوانان از جمله «نقد انوری و تأثیر او بر سعدی و حافظ»، «نقد و بررسی اشعار منوچهری»، «صور خیال و صنایع لفظی در مخزن الاسرار نظامی»، «بازتاب تضاد در اندیشه انوری»، «بررسی اصطلاح عشق در آثار عین القضات» و... اختصاص داشته است. او در دوره کارشناسی ارشد نیز استاد راهنمای رساله های بسیاری بوده است. استاد راهنمای پایان نامه های کارشناسی ارشد

سایر فعالتهای و برنامه های روزمره: - همکاری با مطبوعات از سال ۱۳۷۰ از قبیل: فصلنامه پژوهش ادبی، اطلاعات شوکران، کیهان فرهنگی، رشد زبان و ادب فارسی، رودکی و سروش، انتخاب، فرهنگ منیره احمد سلطانی از دهه ۷۰ نیز با نوشتن نقد و مقالات ادبی وارد عرصه مطبوعات شد. این فعالیت نخست در کیهان فرهنگی و سپس در مجله رشد زبان و ادب فارسی و ادبیات معاصر شکل گرفت. هرچند در سال ۱۳۷۸ با ۲۵ سال سابقه تدریس از آموزش و پرورش کناره گیری کرد، اما تاکنون هیچ گاه تدریس را رها نکرده و تنها محل خدمتش را از آموزش و پرورش به دانشگاه منتقل کرده است.

آرا و گرایشهای خاص: منیره احمد سلطانی معتقد است، اگرچه به تازگی درباره نقد علمی و کاربردی در ایران حرکت هایی صورت گرفته، اما «پیری» نوع خاصی از نقد علمی را در کتاب خود مطرح می کند و معتقد است که سخن گفتن و بررسی یک اثر باید با مدارک و استنادهایی علمی و نه به شکل احساسی صورت بگیرد. در نقدی که «پیری» مطرح می کند باید همه جوانب اثر مورد بررسی قرار گیرد. منیره احمد سلطانی به دانشجویان توصیه می کند که بیشتر مطالعه کنند زیرا شرایط تحقیق و پژوهش مهیا است و دانشجویان می توانند از این شرایط استفاده بهینه کنند و در مسیر افزایش سطح علمی خود، کوشا باشند. محققان و پژوهشگران نیز با توجه به تجربیاتشان می توانند به نسل جوان کمک کنند تا بتوانند آینده کشورمان را بسازند. این یعنی همیاری و سازندگی آینده و کشور.

جوایز و نشانها: پژوهشگر نمونه سال ۱۳۷۵

آثار:

- ۱ «قصیده فنی و تصویر آفرینی خاقانی»
ویژگی اثر: چاپ ۱۳۷۱
- ۲ اساطیر شاخه طلایی اثر سرجمیز فریزر
ویژگی اثر: در دست چاپ
- ۳ ترجمه چگونه نقد بنویسیم اثر ب. پیری
- ۴ ترجمه زنان در سلامت و بیماری
- ۵ ترجمه فرهنگ فولکلور جهان ?? (جلد)
- ۶ کتاب «واژگان فارسی در زبان فارسی»
- ۷ کتاب خاقانی شروانی؛ نقد و پژوهش با نمونه اشعار
ویژگی اثر: چاپ ۱۳۷۶
- ۸ کتاب دستور گشتاری بر مبنای زبان شناسی و معنانشناسی
- ۹ کتاب گزینه اشعار انوری ابیوردی
- ۱۰ کتاب معانی و بیان در شعر معاصر
- ۱۱ هزار واژه اشتقاقی در زبان انگلیسی، اسطوره بریتانیا اثر (چارلز اسکوا)، ستاره شناسی و مسائل الهی
ویژگی اثر: در دست چاپ منابع زندگینامه: <http://www.iranologyfo.com>

احمدوند، معروف علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

معروف علی احمدوند

محل تولد: ملایر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب معروف علی احمدوند در سال ۱۳۴۲ در روستای دهلق از توابع شهرستان ملایر به دنیا آمدم. دوران تحصیل ابتدائی را در زادگاه خود آموختم و برای تحصیل در دوره راهنمایی به دهستان آورزمان با فاصله ۸ کیلومتر از روستای خودمان رفتم. دوران دبیرستان را در شهرستان نهاوند به پایان رساندم.

در سال ۱۳۶۱ پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه قم شدم. و همزمان با تحصیل در حوزه در جبهه های جنگ نیز شرکت می نمودم. از سال ۱۳۶۵ در کنار دروس حوزوی وارد مؤسسه در راه حق شدم و مدت ۵ سال دوره عمومی آن مرکز را آموزش دیدم. در سال ۱۳۷۳ در آزمون کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس حوزه علمیه قم شرکت نموده و پذیرفته شدم. تا سال ۱۳۷۶ تحصیلات آن مقطع را با نگارش پایان نامه به اتمام رساندم و از مهر همان سال در دانشگاه تربیت معلم آذربایجان به عنوان عضو

هیات علمی گروه فلسفه و کلام اسلامی پذیرفته شدم و از آبان ماه همان سال به مدت ۴ سال ریاست دانشکده الهیات آن دانشگاه را به عهده داشتم و در کنار آن به تدریس نیز اشتغال داشتم. در سال ۱۳۸۲ به عنوان دانشجوی دکترا در رشته کلام در دانشگاه قم پذیرفته شدم که در حال حاضر پس از گذراندن دوره آموزشی به نگارش پایان نامه اشتغال دارم و در بعضی از مراکز دانشگاهی اشتغال به تدریس نیز دارم.

احمدی ابهری، محمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد علی احمدی ابهری

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

وی در سال ۱۳۳۵ در خانواده‌ای روحانی به دنیا آمد. پدرش مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج سید نورالدین ابهری از شاگردان امام خمینی (ره) و جد او مرحوم آیه الله سید شمس الدین ابهری از شاگردان مرحوم آیه الله العظمی حائری، مؤسس حوزه علمیه قم بود. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در قم و تهران به پایان رسانید و در سال ۱۳۵۸ موفق به اخذ لیسانس حقوق قضائی در مجتمع آموزش عالی قم (وابسته به دانشگاه تهران) گردید.

در ابتدای تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان عضو شورای قضائی خدمت کرد. در سال ۱۳۵۹ به حوزه علمیه قم وارد شده و از محضر اساتید بزرگواری چون آیات عظام محقق داماد، محفوظی، مکارم شیرازی، صالحی مازندرانی و دیگر بزرگان کسب فیض نمود.

همراه با تحصیلات حوزوی از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۳ در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران موفق به اخذ کارشناسی ارشد در حقوق جزا و جرم شناسی گردید. وی اینک در مرحله دکترای حقوق جزا و جرم شناسی مشغول به تحصیل است.

احمدی جلفایی، حمید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حمید احمدی جلفایی

محل تولد: هادی شهر جلفا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۷/۱/۱۵

زندگینامه علمی

اینجانب حمیداحمدی فرزند یدالله، متولد ۱۳۵۷/۰۱/۱۵ در هادی شهر در شهرستان جلفا. پس از اخذ دیپلم ریاضی فیزیک در سال ۱۳۵۷ همزمان در امتحان ورودی حوزه و دانشگاه شرکت کرده و در همان سال به همراه تحصیل علوم حوزوی در مدرسه رضوی قم به گذراندن دوره کارشناسی اقتصاد نظری در دانشگاه مفید نیز مشغول شدم. همزمان با اخذ مدرک کارشناسی دانشگاه در علوم حوزوی نیز مدارج آن را تا دوره سطح نخست طی نمودم و پس از آن نیز به همراه ادامه تحصیلات حوزوی در مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث قم بعنوان محقق مشغول تحقیق شدم و علاوه بر آن در کنار تحقیقات گروهی در دارالحدیث در موضوعات مختلف دست به تألیف و تحقیق کتاب یا مقاله پرداختم. در سال ۱۳۷۹ ملبس به لباس روحانیت شده و پس از آن در همه مناسبتهای تبلیغی در همه سنین به مکانهای مختلف اعم از مساجد و دانشگاهها چه در قم و چه در تهران و چه در تبریز جهت تبلیغ ارزشهای اسلامی فعالیت نموده ام.

در حال حاضر در سطح خارج در دروس برخی از آقایان شرکت دارم و علاوه بر آن با برخی از اساتید مشهور حوزه بصورت اختصاصی در زمینه موضوعات فقهی و اصولی و همچنین در مؤسسه دارالحدیث در مباحث رجال و درایه ای و غیره در حال تحقیق و پژوهش می باشم.

بطور کلی در موضوعات مختلف کتب فقهی و اصولی در دروس خارج برخی از آقایان و اساتید عظام (البته در برخی کم و در برخی بصورت طولانی) همچون: حضرت آیه الله مکارم شیرازی، حضرت آیه الله شیخ جعفر سبحانی، حضرت آیه الله وحید خراسانی، حضرت آیه الله سید احمد مودی، حضرت آیه الله کریمی، حضرت آیه الله سید موسی بشیری زنجانی، حجة الاسلام والمسلمین محسن فقیهی، و غیره شرکت نموده و از خرمن معارف این اساتید بهره جسته ام.

احمدی راد، مجتبی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مجتبی احمدی راد

محل تولد: نیشابور

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از آن که دروس مقدماتی در حوزه شهرستان نیشابور را فرا گرفتم، به حوزه مشهد رفتم. در آن حوزه ضمن فراگیری درسهای حوزوی در جلسات سخنرانی بزرگان حوزه شرکت می کردم از جمله برنامه های بسیار آموزنده، رهگشا و عالمانه مقام معظم

رهبری در مسجد کرامت، مسجد امام حسن مجتبی، درسهای اعتقادی شهید هاشمی نژاد و گاه درسهای تفسیری عارف بزرگوار آقا میرزا جواد آقا تهرانی.

در حوزه قم افزون به شرکت در درسهای بزرگان که از آنها در بخش اساتید نام بردم و کارهای تبلیغی معمولی از آغاز آبان ۱۳۶۲ تاکنون با مجله حوزه بوده ام در پی ریزی بنای آن ادامه حیات و...؛ و نیز در مجله فقه از آغاز تاکنون به اندازه توانایی نقش داشته ام پی ریزی و ادامه حیات؛ در ضمن در مجله حوزه علاوه بر ویراستاری محتوا و بازنویسی عضو هیات تحریریه و سیاست گذاری مجله نیز هستم.

در مجله فقه نیز افزون بر عضویت در هیات تحریریه و سیاست گذاری از آغاز بهمن ۷۲ تا سال ۱۳۸۳ تمامی شماره ها را بنده ویراستاری و بازنویسی کرده ام.

احمدی شاهرودی، احمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۳۰۵ (۱۳۴۶ ق.)، میامی (در نزدیکی شاهرود).

درگذشت: ۲۵ شعبان ۱۴۱۷ ق.

آیت الله احمدعلی احمدی شاهرودی، فرزند آیت الله محمدحسن احمدی، یکی از علمای بنام و مشهور منطقه و جدش آیت الله آقا شیخ احمد نیز از علما و زهاد بود. ایشان به تحصیل علوم دینی روی آورد و مقدمات را نزد پدر بزرگوارش فراگرفت. پس از چند سالی، به حوزه علمیه مشهد شتافت و ادبیات را نزد ادیب نیشابوری و سطوح عالیه را نزد حضرات آیات حاج هاشم قزوینی، حاج شیخ مجتبی قزوینی، میرزا کاظم محقق دامغانی و حاج میرزا احمد مدرس یزدی آموخت. سپس برای تکمیل معلومات و فراگیری دوره عالی دورس فقه و اصول به حوزه علمی قم آمد و در محضر آیات عظام بروجردی، سید محمدتقی خوانساری، حجت کوه کمره‌ای، صدرالدین صدر و امام خمینی زانوی ادب به زمین زد و از خرمن فیض آنان توشه‌ها برگرفت. آنگاه برای مدت کوتاهی به نجف اشرف کوچید و در درسهای آیات عظام سید عبدالهادی شیرازی، حکیم و خویی حاضر شد. سپس به قم بازگشت و برای تبلیغ دین و راهنمایی مردم مسلمان به نمایندگی آیت الله العظمی بروجردی به شهرهای آباده، فیروزکوه، چهارمحال بختیاری و کاشان رفت و مبارزه‌ای پیگیر با منحرفان و اهل بدعت را آغاز کرد و در این راستا بسیاری از آنان را توبه داد و به اسلام بازگردانید.

ایشان پس از مدتی به قم بازگشت و به تدریس سطوح عالی، ترویج شعائر دینی، اقامه جماعت، ارشاد و راهنمایی مؤمنان و تألیف کتابهای علمی دست یازید. او همزمان به تدریس معارف اسلامی در دانشگاه آزاد اسلامی اشتغال ورزید و در سالهای نبرد علیه متجاوزین بعثی، ماه‌ها در کنار رزمندگان اسلام به سر برد و در تقویت روحیه آنان، سخنرانی‌های فراوان ایراد کرد.

برخی از تألیفات چاپ شده آن فقید عبارت است از:

تقلید الاعلم؛ سیری در عقاید (بررسی آراء و نظریات صوفیه)؛ به سوی خدا بروید؛ مجموعه مقالات در پیرامون باب و بهاء؛ انگیزه حق (درباره مناقب امیرالمومنین - ع)، جنگ خیر؛ تفسیر موضوعی. تألیفات چاپ نشده ایشان عبارتند از: تقریرات درس فقه آیت الله بروجردی (درباره لباس مشکوک)، رساله در مسئله‌ی بداء؛ ترجمه جامع السعادات ملا مهدی نراقی؛ روحانیت در عصر انقلاب.

آیت‌الله احمدی شاهرودی در تاریخ بیست و پنجم شعبان ۱۴۱۷ ق.، در هفتاد سالگی در جوار بیت‌الله بدرود حیات گفت. احمدعلی احمدی فرزند آقا شیخ محمدحسن احمدی میامئی شاهرودی در ساله ۱۳۰۵ شمسی در میامی که در ده فرسنگی شاهرود در طریق خراسان واقع شده به دنیا آمده و در مهد پرورش والدش که از علماء برجسته آن منطقه بوده نشو و نما نموده است. مرحوم شیخ محمدحسن پدر مترجم ما در علوم مختلفه بالاخص علم طب اطلاعاتی داشتند و مردم آن بخش از وجودش استفاده می‌کردند. و پدر ایشان آقا شیخ احمد نیز از اوتاد و زهاد زمان خود و دارای تألیفات بوده‌اند و همینطور پدران او تا چند پشت روحانی بوده‌اند.

وی پس از پایان تحصیلات ابتدائی برای تحصیلات مذهبی خود به مشهد مشرف شده و تحت سرپرستی رئیس حوزه علمیه مرحوم آیت‌الله احمد کفائی قرار و دوره مقدمات و ادبیات را خدمت ادیب نیشابوری به پایان رسانیده سپس دوره سطح را از محضر اساتید بزرگ مانند مرحوم حاج میرزا احمد یزدی و حاج شیخ هاشم قزوینی و حاج شیخ کاظم دامغانی تکمیل و اصول و معارف الهی را در خدمت حاج شیخ مجتبی قزوینی که از شاگردان بزرگ میرزا مهدی غروی اصفهانی بوده و نیز مقداری از فلسفه و کلام را از آن مرحوم استفاده کرده و بعد از پایان دوره سطح در حوزه مشهد به اتفاق بعضی از فضلاء مشهد هجرت به قم نموده و از درس خارج مکاسب و اسفار آقای خمینی و آقای حجت کوهکمری و حاج سیدمحمدتقی خونساری و حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و بالاخص حاج آقا حسین بروجردی استفاده نموده و مدت کوتاهی هم در نجف اشرف از اساتید بزرگ حوزه نجف چون آقای حکیم و آقای شاهرودی و حاج سید ابوالقاسم خوئی و مرحوم میرزا عبدالهادی شیرازی استفاده کرده سپس به قم مراجعت و از طرف آقای بروجردی اعزام به حومه فارس شهر آباده گردیده و حدود دو سال در آن سامان به خدمات دینی اشتغال داشته و کتاب اسلام و عقاید را بر رد مذاهب باطله مخصوصاً صوفیه در آنجا تألیف نموده و پس از برگشت از استان فارس اعزام به فیروز کوه شده و مدتی هم در آنجا مشغول ارشاد بوده و پس از چندی که مبارزه با فرقه ضاله بهائیه آغاز گردید به اتفاق چند نفر دیگر به امر معظم له به منطقه فریدون و چهار محال رفته و با آنان مبارزه نموده که به نابودی برخی از رهبران گمراه آنها منتهی شده و پس از آن از طرف آن مرحوم به قراء اطراف کاشان که مرکز بهائیه بوده رفته تا عده‌ای از آنها توبه نموده و به دامن اسلام برگشتند و برخی هم مانند دکتر برجیس که مبلغ آنها بود در کاشان کشته شده و آن گروهک تضعیف و نابود شدند.

و پس از فوت مرحوم آقای بروجردی از طرف حوزه علمیه قم در تهران انجام وظیفه نمود سپس به قم مراجعت و تا حال تحریر این کتاب اشتغال به تدریس سطوح عالی و اقامه جماعت در مسجد امام رضا علیه‌السلام در سالاریه اشتغال دارند.

دارای تألیفات چندی می‌باشند.

۱- اسلام و عقاید که مکرر به طبع رسیده.

۲- رساله تقلید اعلم عربی.

۳- کتاب سوی خدا بروید.

۴- انگیزه حق در مناقب امیرالمؤمنین.

۵- رساله در بداء و روحانیت در عصر انقلاب و قبل از انقلاب.

۶- کتابی در احکام.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

احمدی شاهرودی، علی اصغر

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

متولد: ۱۳۴۲ ه.ق

متوفی: ۱۴۱۱ ه.ق

علی اصغر شهید احمدی شاهرودی فرزند آیت‌الله حاج شیخ محمدتقی احمدی مغزی شاهرودی از افاضل دانشمندان معاصر نجف اشرف بوده‌اند.

ایشان در سال ۱۳۴۲ قمری برابر ۱۳۰۲ شمسی در یکی از مضافات شاهرود به نام مغز به دنیا آمده و در بیت علم و دانش و دامن پدری چون حاج شیخ محمدتقی شاهرودی (مغزی) که از شاگردان علامه خراسانی آخوند ملا محمد کاظم صاحب کفایه بودند پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات در سال ۱۳۵۸ قمری به قم آمده و به اتفاق مرحوم استاد مرتضی مطهری و آقای حاج شیخ حسینعلی منتظری کفایه را از محضر آیت‌الله محقق داماد استفاده کرده و حتی تابستان و ایام تعطیل ماه رمضان و عاشوراء که آقایان برای تبلیغ مسافرت می‌کردند ایشان دروس را تعطیل نکرده و ادامه می‌دادند و پس از پایان سطوح به درس خارج آیت‌الله حجت قدس‌الله سره شرکت و استفاده نموده و با نامبردگان فوق مباحثه و مذاکره علمی داشتند و آن مرحوم از آن عده و چند نفری بودند که امام راحل آیت‌الله خمینی را وادار به گفتن درس اصول کردند و خود شرکت می‌نمودند.

مرحوم احمدی به اتفاق دو نفر رفیق و شریک بحث خود تابستانی مسافرت به بروجرد کرده و در آنجا از محضر و مبانی مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده و از معظم‌له تقاضای عزیمت به قم را نمودند. و پس از ورود ایشان به قم مهاجرت به نجف اشرف نموده و رحل اقامت افکنده و از درس فقه آیت‌الله حاج سید محسن حکیم استفاده نموده ولی عمده تحصیلات ایشان در فقه و اصول و تفسیر و رجال از محضر انور آیت‌الله العظمی خوئی مدظله الوارف بوده و کم‌کم اختصاص و انقطاع با ایشان داشته و مورد توجه خاص و عنایت مخصوص آن مرجع اعلای دینی قرار گرفته تا جائی که در برخی از مسائل ارجاع به ایشان می‌نمودند و از او تعبیر به آقای میرزا می‌فرمودند و به نظریات ایشان توجه داشتند زیرا آن مرحوم در علوم مختلفه اسلامی فقه و اصول و تفسیر و تاریخ و حدیث احاطه کامل داشتند.

روحیات و ملکات فاضله اخلاقی آن مرحوم:

نگارنده در اوائل طلبگی در مدرسه فیضیه با ایشان مدتی هم حجره و هم غذا بودم هرگز مکروهی از او ندیده و نشنیدم. همواره سبقت سلام داشتند و به هر کس از پیر و جوان و میان سال ابتدا به سلام می‌کردند. بسیار متواضع و خوش برخورد و اخلاقی و دارای ملکات فاضله اخلاقی بودند و اهتمام خاص به شرکت در مجالس عزاداری و سوگواری خاندان رسالت بالاخص حضرت ابی‌عبدالله داشتند و به مجالس دور هم برای فوز به اجر بیشتر پیاده می‌رفتند و برای درک فیض عظیم بارها و بارها از نجف پای پیاده به کربلا مشرف می‌شدند و به مجاورت حضرت امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام علاقه شدید تامی داشتند و با اینکه مواجه با شدت فشار و سختگیریهای بعثیه‌های عراق بودند که ناچار به فرستادن خانواده خود به قم شدند خود اقامت با ناراحتی‌ها و خطرات را بر مهاجرت به ایران ترجیح داده و به تنهایی باقی ماندند زیرا معتقد بود حفظ حوزه علمیه هزار ساله نجف اشرف بر هر فرد بخصوص روحانیون و دانشمندان فرض و لازم است مضافاً در جواب نامه فرزندش که اصرار داشتند ایشان به ایران بیایند تا از شر حکومت ظالمانه صدام و بعثیه‌ها مصون باشند. مرقوم داشتند که نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند اکثر اعمار امتی بین سنین و سبعین و من در این حدود هستم و می‌خواهم در جوار مولایم از دنیا بروم و من آرزویی جز این ندارم. سرانجام در موقع تشریف به حرم مطهر در روز هفتم رمضان ۱۴۱۱ ه.ق در نزدیکی صحن مطهر مورد حمله ناجوانمردانه بعثی‌ها قرار گرفته و با وضع فجیع و دلخراشی شهید گردیده و سه روز جنازه‌اش روی زمین افتاده و کسی نبود و یا جرات نمی‌کردند که به آن نزدیک شوند تا شبانه

برخی از فضلاء با لباس مبدل جنازه‌اش را حمل نموده و به خاک سپردند رحمه‌الله علیه عاش سعیدا و مات سعیدا شهیدا حشره الله مع الشهداء و الصالحین آمین یا رب العالمین.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

احمدی فراز، محمدمهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد مهدی احمدی فراز

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد مهدی احمدی فراز در سال ۱۳۵۰ متولد و در سال ۱۳۶۵ مشغول تحصیل شدم و سال ۱۳۶۸ موفق به اخذ دیپلم شدم. بعد از آن به خدمت سربازی اعزام و یک سال از سربازی را گذراندم. دانشگاه قبول شدم و از خدمت معاف شدم و مشغول به تحصیل شدم. بعد از اخذ مدرک کارشناسی دو مرتبه به خدمت سربازی رفتم و در سال ۱۳۷۰ مشغول به تحصیل در حوزه و دانشگاه شدم.

سال ۱۳۷۸ مدرک کارشناسی ارشد را اخذ نمودم و در سالهای بعد آن دروس حوزوی را تا پایه ۸ خواندم و فعالیت های جنبی داشته ام که بطور خلاصه عبارتند از:

۱- حفظ قرآن کریم ۲- حفظ کلمات قصار نهج البلاغه ۳- شرکت در کلاسهای مکالمه عربی دفتر تبلیغات حوزه علمیه و اخذ مدرک از موسسه باقرالعلوم قم ۴- در حال حاضر کلاسهای ترجمه انگلیسی بصورت کارگاه شرکت دارم که متون را از عربی به انگلیسی برمی گردانیم.

احمدی گیلاکجائی، فائزه

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای پوستی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی در سال ۱۳۴۹، دکترای تخصصی بیماریهای پوست در سال ۱۳۵۲.

مرتبہ علمی:

استادیار در سال ۱۳۵۲، دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۱۳۶۴ و استاد دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح بیماریهای قارچی و درمان آن با Terlinofin، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴۰ پایان‌نامه دکترا و ۱۵ پایان‌نامه دکترای تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

بیماریهای پوستی و آمیزشی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای قارچی، سالک و بیماریهای پوستی و آمیزشی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

احمدی گیوی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

خلاصه: حسن احمدی گیوی متولد اول بهمن ۱۳۰۶ در گیوی خلخال چشم به جهان گشود وی بعد از تحصیل در مدرسه ناصری خلخال گرچه مدارج دانشگاهی اش را تا اخذ مدرک فوق لیسانس فلسفه و علوم تربیتی پی می گیرد، اما قریحه ادبی و ذوق شعر و شاعری که از عنفوان جوانی در او متبلور بوده است، حسن احمدی گیوی را ترغیب به تحصیل در زبان و ادب فارسی می کند، آنچنان که دکترای خویش را با موضوع «دستور تاریخی فعل» و با راهنمایی دکتر محمد معین و بعد دکتر محمد مقدم به نگارش در می آورد و در سال ۱۳۴۴ از رساله دکترای خود دفاع می کند. او اکنون استاد بلند مرتبه ادبیات و چهره شناخته شده نزد ادیبان و مؤلفان و محققان زبان فارسی امروز است. و مؤلف بیش از پنجاه جلد کتاب در زمینه ادبیات فارسی است

گروه: علوم انسانی

رشته: ادیان خارجی

تحصیلات رسمی و حرفه ای: - تحصیل در مدرسه ناصری خلخال - فوق لیسانس فلسفه و علوم تربیتی - دکترای ادبیات فارسی از دانشگاه تهران

استادان و مربیان: از استادان وی میتوان به آقایان دکتر معین، دکتر محمد مقدم و دکتر خیام پور اشاره کرد.

هم دوره ای ها و همکاران: از همکاران حسن احمدی گیوی میتوان دکتر محمد استعلامی و دکتر نجفی اسداللهی را نام برد.

فعالیت‌های آموزشی: حسن احمدی گیوی بیش از چهارده فعالیت پژوهشی در موسسه لغت نامه دهخدا داشته و در دانشگاه‌های متعدد زبان و ادب فارسی تدریس کرده است.

آرا و گرایش‌های خاص: او درباره زبان فارسی دیدگاه‌های نو و تازه‌ای دارد. او معتقد است: «زبان فارسی یکی از زبان‌های مهم خانواده زبان‌های هند و اروپایی است، با وجود پژوهش‌های دامنه‌داری که در زمینه تاریخ زبان فارسی و زبان‌های ایرانی میانه و باستان انجام گرفته است، هنوز به درستی نمی‌دانیم زبان فارسی دنباله مستقیم کدام یک از زبان‌های ایرانی میانه است. او به محتوای سخن ایمان دارد تا قالبی که با آن شعری سروده شده باشد. «از حضرت محمد(ص) پرسیدند عقیده شما درباره شعر چیست. ایشان فرمودند: «شعر سخن است و سخن، خوب و بد دارد». اگر در شعر سعدی یک سخن سست دیدید، نمی‌توانید بگویید چون این سخن را سعدی گفته پس خوب است. حتی گمنام‌ترین شاعر هم می‌تواند سخن تازه و دلنشینی را بگوید. من از معدود معلمان ایران هستم که شعرهای سپید بسیاری را در حافظه‌ام دارم. من همانطور که به فردوسی و مولانا و حافظ عشق می‌ورزم به نیما، شاملو، فروغ، سهراب، دکتر شفیعی کدکنی و... هم احترام می‌گذارم. برای من قالب‌ها و الفاظ به منزله لباس است. اینها شخصیت مستقلی ندارند.» خطر تحریف آن نگاه قابل توجهی دارد: «من خطری که برای زبان فارسی احساس می‌کنم، خیلی مربوط به صدا و سیما و نهادهای مشابه نیست. اصل خطر به دلیل زبان‌های علمی دنیا است که با اختراعات فراوانی که صورت می‌گیرد و وارد مملکت می‌شود، این زبان علمی به سرعت با فارسی در آمیخته می‌شود. متأسفانه ما به دلیل کمبود بودجه تحقیقاتی برای اهل فرهنگ و تحقیق تاب مقاومت در برابر این هجوم گسترده نداریم. در نتیجه ما اینطور بی‌رحمانه تهدید می‌شویم. احمدی گیوی معتقد است که ادبیات معاصر ما نیز نخبگان بسیاری پرورانده، اما در کوران آثار بی‌محتوا گم شده است. «مردم آنقدر کتاب بد خوانده‌اند که طعم کتاب خوب را حس نمی‌کنند. در گذشته پدید آورندگان آثار جدی قوی تر بودند و با نویسندگان عامه‌پسند مبارزه می‌کردند. اما حالا کفه ترازو به نفع باری به هر جهت نویسنده‌ها سنگین شده است...»

جوایز و نشانها: - سه شنبه اول بهمن ماه دو سه سال پیش بود، مراسم بزرگداشتی به مناسبت هفتاد و پنجمین سالگرد تولد «دکتر حسن احمدی گیوی» استاد برجسته ادبیات فارسی در تالار بعثت باشگاه دانشگاه تهران برگزار شد. دوتن از برجسته‌ترین ادیبان ایرانی «دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی» و «دکتر حسن انوری» بانی این بزرگداشت در روز تولد دوست و همکار خود بودند، حرکتی زیبا و بدیع که نشان از صافی و صفای باطن آن دو استاد و ارزش و اعتبار «حسن احمدی گیوی» داشت. - انتخاب به عنوان نویسنده کتاب برتر سال از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد برای «دستور تاریخی فعل»

چگونگی عرضه آثار: حسن احمدی گیوی در خلال سالهایی که در موسسه دهخدا مشغول بوده است زیر نظر استاد محمد معین مشغول به کار بوده و تحقیق و تفحص در زبان و ادب فارسی را به جد دنبال می‌کرد: «از سال چهل تا امروز یعنی حدود ۴۵ سال است که من در مؤسسه لغت نامه دهخدا کار می‌کنم و ۲۴ جلد از ۲۲۲ جلد مجموعه لغت نامه دهخدا را من نوشتم. یعنی بیش از دیگر همکاران این مؤسسه، مجلدات لغت نامه را تألیف کرده‌ام.» با این حال احمدی گیوی مهمترین اثر خویش را همان دستور تاریخی فعل می‌داند. این کتاب مشتمل بر ۱۹۶۴ صفحه است. از دیگر آثار مهم احمدی گیوی کتاب «آیین پژوهش و مرجع شناسی» است: «آیین پژوهش و مرجع شناسی را به عنوان یک کتاب درسی و دانشگاهی تألیف کرده‌ام. زمانی که من در دانشگاه رشته ادبیات فارسی تدریس می‌کردم. شیوه تحقیق و مرجع شناسی را در چندین فصل برای دانشجویان تشریح کرده‌ام. شیوه مراجعه به منابع و مآخذ چیست؟ پیدا کردن کتاب‌ها، آیین کتابداری، آیین نقطه‌گذاری، آیین تلخیص، یادداشت برداری ضمن مطالعه جزو مباحثی بودند که در این کتاب توضیح داده شده است.» حسن احمدی گیوی اثری با عنوان زبان و نگارش فارسی نیز نگاشته و هدف از تدوین این کتاب را فراهم آوردن امکانی برای علاقه‌مندان به زبان فارسی می‌داند که با قواعد نگارش و خط فارسی و انواع نوشته‌ها از قبیل مقاله، داستان، رمان، گزارش، ترجمه و... بیشتر آشنا شوند. کتاب «از فن نگارش تا هنر نویسندگی»

نیز یکی دیگر از تألیفات احمدی گیوی است. این کتاب بیشتر اثری درسی و دانشگاهی است و برای دانشجویانی که در رشته های غیر از ادبیات تحصیل می کنند، نوشتن و شیوه نگارش را توضیح می دهد. حسن احمدی گیوی شاعر نیز هست: «شعرهای من بیشتر در قالب کلاسیک سروده شده، البته شعر آزاد هم دارم اما شعر سپید اصلاً نگفتم و نمی توانم بگویم. اشعار من عموماً در قالب غزل نیست. در مجموعه دو - سه غزل دارم که این غزل ها هم به یاد عزیزانم سروده شده است. شعرهای من بیشتر یا قطعه هستند و یا قصیده. عموماً شعرهای ملی و میهنی، سیاسی و اجتماعی و انتقادی و مبارزاتی و انقلابی اند. چه قبل از انقلاب و چه در جریان انقلاب و چه بعد از انقلاب اشعاری که سروده ام، همه را در یک جلد گردآوری کرده ام.» با این حال او به همه قالب های شعری معتقد است و بر خلاف بسیاری از همسرانش که در عرصه پژوهش ادب فارسی، سخن از شعر نو گفتن را بر نمی تابند.

آثار:

۱ آیین پژوهش و مرجع شناسی

ویژگی اثر: از دیگر آثار مهم احمدی گیوی کتاب «آیین پژوهش و مرجع شناسی» است: «آیین پژوهش و مرجع شناسی را به عنوان یک کتاب درسی و دانشگاهی تألیف کرده ام. زمانی که من در دانشگاه رشته ادبیات فارسی تدریس می کردم. شیوه تحقیق و مرجع شناسی را در چندین فصل برای دانشجویان تشریح کرده ام. شیوه مراجعه به منابع و مآخذ چیست؟ پیدا کردن کتاب ها، آیین کتابداری، آیین نقطه گذاری، آیین تلخیص، یادداشت برداری ضمن مطالعه جزو مباحثی بودند که در این کتاب توضیح داده شده است.»

۲ ادب و نگارش

۳ از فن نگارش تا هنر نویسندگی

۴ دستور تاریخی فعل

ویژگی اثر: اما موضوع «فعل» بعد از آن احمدی گیوی را رها نکرد و به مهمترین دغدغه پژوهشی او بدل شد: «تمام مباحث فعل را از دوران رودکی و بلعمی و بیهقی مرور کردم و تا آثار جلال آل احمد و اسلامی ندوشن و دکتر نائل خانلری و آثار دیگر نویسندگان معاصر را فیش کردم. حدود ????? فیش تهیه کردم. منابع تحقیق من متون نثر بودند، از متون نظم فقط سه کتاب مورد نظر من قرار گرفت که فردوسی و سعدی و ملک الشعرای بهار بودند. حداقل چند نکته جدید که در هیچ یک از کتاب های دستور زبان مطرح نشده بود، در این تحقیق چهل ساله کشف و ضبط کردم. بنده در تبریز شاگرد دکتر خیام پور بودم و از آنجا که سخت شیفته دستور نویسی ایشان بودم، علاقه ای خاص به دستور زبان پیدا کردم. وقتی به تهران آمدم و در دوره دکتری قبول شدم، آقای دکتر معین، من و آقای دکتر محمد استعلامی و دکتر نجفی اسداللهی را به لغت نامه دعوت کرد و از من پرسید که برای رساله دکتری فکری کرده ای؟ گفتم می خواهم با شما مشورت کنم. گفت روی فعل کار نشده، شما درباره فعل رساله بگیرید. اقسام فعل به اعتبار زمان. خودایشان؟ جلد کتاب درباره اسم نوشته بودند. بعد از دوسه سال که با ایشان کار کردم دکتر معین سکتی کردند و من با آقای مقدم؟ سال دیگر کار کردم تا این کتاب تمام شد. این اثر به دلایلی چاپ نشد و من تصمیم گرفتم در همه مسائل فعل تحقیق کنم. اینگونه بود که در مجموع؟؟ سال طول کشید و این کتاب دو جلدی حاصل تلاش؟ دهه من است. چهل سال تلاش و هفتاد و پنج هزار فیش.» این کتاب مشتمل بر???? صفحه است و برخی از فصول مهم آن به این شرح است: «تعریف فعل و کلیات»، «اقسام فعل به اعتبار زمان» (که یکی از فصول اصلی کتاب است)، «اقسام فعل به اعتبار مفعول»، «اقسام فعل به اعتبار فاعل»، «اقسام فعل به اعتبار ساختار»، «اقسام فعل به اعتبار نقش»، «اقسام فعل به اعتبار صرف»، «اقسام فعل به اعتبار وجه»، «اقسام فعل از جهات گوناگون» «مفردات فعل»، «فعل و گفتنی های ناگفته». احمدی گیوی در پیشگفتار کتاب نوشته است:

«...فعل، کار دستور نویسی و استخراج قواعد زبان را با دشواریهایی همراه می‌کند. و علت عمده آن این است که مرز دقیقی میان زبان نوشتاری روز با زبان کهن، با همه وجوه افتراق آنها دیده نمی‌شود و کاربردهای نحوی و صرفی دیرین، چه در نثر و چه در شعر امروز فراوان به چشم می‌خورد...لازمه پژوهش جامع در دستور زبان فارسی این است که برای هر واحد جغرافیایی - تاریخی دستور زبانی جداگانه نوشته شود و علاوه بر این، هر یک از مقولات دستوری از آغاز تا امروز جداگانه بررسی شود.» و به راستی که حسن احمدی گیوی در نگارش این اثر ماندگار، چنین کرده است.

۵ دستور تطبیقی زبان ترکی به فارسی

ویژگی اثر: حسن احمدی گیوی به زبان و فرهنگ آذری نیز توجه ویژه دارد و در این زمینه نیز پژوهش‌های مهمی را به ثمر رسانده است. کتاب دستور تطبیقی زبان ترکی و فارسی از آن جمله است. زبان ترکی آذربایجانی، زبان بخش بزرگی از شمال غرب ایران، شامل استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان، و نیز بخشی از مناطق مرکزی ایران از جمله قزوین، ساوه، همدان و شهرهای استان مرکزی است. کتاب احمدی گیوی، یک دوره کامل دستور زبان ترکی است که جزء به جزء با دستور زبان فارسی سنجیده شده و در آخر نیز فصلی با عنوان «رهنمود آموزش زبان ترکی به فارسی زبانان» به آن افزوده شده است

۶ دستور زبان فارسی

ویژگی اثر: دستور زبان فارسی نیز عنوان اثر دیگری از حسن احمدی گیوی است که به همراه دکتر حسن انوری، در خرداد؟؟؟؟ در دو جلد انتشار یافت و به سرعت به یکی از منابع مهم درسی و پژوهشی بدل گشت. این کتاب، مجموعه‌ای جامع و مفید از اصول و قواعد دستور زبان نوشتاری امروز است که شاهد‌ها و مثال‌های بسیار از این زبان را دربر دارد. در آخر هر بخش، تمرین‌ها و پرسش‌های مناسبی آورده شده و در آخر کتاب نیز جمله‌ها و عبارات‌های گوناگونی تجزیه و ترکیب شده است. احمدی گیوی درباره نگارش دستور زبان‌های فارسی در صد سال گذشته اطلاعات جالبی را بازگو می‌کند. او می‌گوید: «دستور زبان فارسی برای نخستین بار یکصد و بیست سال پیش توسط حاج میرزا حبیب اصفهانی به نگارش در آمد. قبل از این تاریخ ما دستور تدوین شده‌ای نداشتیم. البته آنچه عالم بزرگوار حبیب اصفهانی نوشته بود، چندان کامل نبود و بعد بزرگانی با دانش و بینش خیره‌کننده‌ای در یک کار گروهی پنج استاد را نوشتند. البته نباید از حق گذشت که استاد ارجمند دکتر پرویز ناتل خانلری که خدایش رحمت کند در این وادی رنج بسیاری برد و گنج شایسته‌ای نیز برجا نهاد. اما کار ارزشمندی که در این باب صورت گرفته اثر فناپذیر دکتر خیام پور تبریزی است. ایشان دستور را به نحو حیرت‌آوری کامل کرد و به آنچه که دیگران به آن بی‌توجه بودند، به درستی پرداخت. به عقیده من صحیح‌ترین، سازنده‌ترین و کارسازترین قدمی که در دستور زبان فارسی به صورت علمی و تحقیقی نوشته شده، اثر دکتر خیام پور است که دستور زبان فارسی من و دکتر حسن انوری هم ملهم از همین اثر است. با این تفاوت که ما از کمک زبان‌شناسان استفاده کردیم. چون دستور بدون زبان‌شناسی امروز می‌لنگد. به همین دلیل دستور زبان فارسی که ما نوشتیم، بین زبان‌شناسی و دستور سنتی است. به همین دلیل کتاب‌های ما در تیراژهای وسیع منتشر می‌شود. گذشته از دستور زبان فارسی که برای آموزش و پرورش در تیراژ میلیونی چاپ می‌شود کتاب دستور زبانی به چاپ رسانده‌ایم که در عرض ?? سال ?? بار تجدید چاپ شد. آن هم در تیراژ بالا- این به خاطر اعتدال ماست. هم به ساخت‌گرایی توجه داشتیم و هم به معنا وفادار ماندیم. همین است که سخت‌مورد استقبال ادب‌دوستان قرار گرفته‌ایم.»

۷ زبان و نگارش فارسی

ویژگی اثر: «حسن احمدی گیوی اثری با عنوان زبان و نگارش فارسی نیز نگاشته و هدف از تدوین این کتاب را فراهم آوردن امکانی برای علاقه‌مندان به زبان فارسی می‌داند که با قواعد نگارش و خط فارسی و انواع نوشته‌ها از قبیل مقاله، داستان، رمان، گزارش، ترجمه و... بیشتر آشنا شوند. احمدی گیوی در این کتاب از طرح بحث‌های طولانی و مطالب کاملاً تخصصی خودداری

کرده و نمونه‌هایی از نوشته‌های ادبی، اجتماعی، اخلاقی و حکایات و داستان‌ها را نقل کرده است، به گونه‌ای که مخاطبان کتاب، طیف گسترده‌ای از علاقه‌مندان غیر حرفه‌ای باشند.

۸ شوریده و بی‌قرار

۹ گزیده از فن نگارش تا هنر نویسندگی

ویژگی اثر: کتاب «از فن نگارش تا هنر نویسندگی» نیز یکی دیگر از تألیفات احمدی گیوی است. این کتاب بیشتر اثری درسی و دانشگاهی است و برای دانشجویانی که در رشته‌های غیر از ادبیات تحصیل می‌کنند، نوشتن و شیوه نگارش را توضیح می‌دهد.

۱۰ گزیده اشعار و مقالات دهخدا

منابع زندگینامه: <http://www.iranologyfo.com>

احمدی نژاد، ابوالقاسم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالقاسم احمدی نژاد

محل تولد: آبادان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۸/۱۵

زندگینامه علمی

اینجانب ابوالقاسم احمدی نژاد در سال ۱۳۳۹ در آبادان متولد شدم. دوران دبستان، راهنمایی و دبیرستان را در آبادان گذراندم. در زمان اوج گیری انقلاب شکوهمند اسلامی به همراه بچه‌های مسجد مهدی موعود (عج) در پخش اعلامیه و تظاهرات فعالیت می‌کردم. سال آخر دبیرستان مصادف با پیروزی انقلاب اسلامی شد و در اولین انجمن اسلامی دبیرستان به عضویت شورا برگزیده شدم.

در سال ۱۳۵۸ در انستیتو تکنولوژی بروجرد در رشته برق پذیرفته شدم و در آنجا نیز به عنوان نماینده انجمن اسلامی انتخاب شدم. در سال ۱۳۵۹ بعد از انصراف از انستیتو تکنولوژی وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه رسول اکرم (ص) و امام باقر (ع) دروس مقدماتی و سطح را خواندم و از سال ۱۳۷۳ تا کنون مشغول به تحصیل درس خارج می‌باشم.

در این مدت از محضر اساتید گرانقدر حضرات آیات خسرو شاهی، فتوحی، مرحوم آیت وجدانی، مرحوم آیت الله پایانی و همچنین آیت الله اعتمادی، آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله مکارم شیرازی بهره‌افر برده‌ام.

از قبل از دوران انقلاب به ادبیات کودک و نوجوان علاقمند بودم و در این زمینه مطالعه می‌کردم. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و با ورود به حوزه علمیه قم در مرکز تحقیقات جهاد سازندگی که شعبه‌ای در قم داشت به نقد و بررسی کتابهای کودک و نوجوان مشغول شدم. پس از کسب تجربه و تخصص در واحد کودکان و نوجوانان دفتر تبلیغات اسلامی قم به عنوان مسئول نقد و بررسی کتاب سالهای متممادی مشغول به فعالیت بودم.

در کنار تحقیق تاکنون بارها به تدریس، نقد و بررسی کتاب کودک و نوجوان در حوزه علمیه قم و نهادهای دیگر اشتغال داشته‌ام

که بخش خواهران دفتر تبلیغات، طرح هجرت، حوزه علمیه گچساران و... از این قبیل است. در پی این همکاریها، چندین سال عضو هیئت طرح و برنامه مرکز تربیت مربی کودک و نوجوان دفتر تبلیغات بوده ام. مدت کوتاهی نیز با مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما قم در زمینه نقد سریالهای تلویزیونی کودک و نوجوان همکاری داشته ام. به غیر از سفرهای ایام دفاع مقدس همه سفرهای تبلیغی بنده تخصصی بوده و فقط شامل کار با کودک و نوجوان بوده است و به شهرهای: سنندج، شیراز، اهواز، گچساران، بندرعباس، آبادان، تهران، گرمسار، شوشتر، زاهدان، اصفهان، کرمان، همدان و... جهت تبلیغ صاحب نظر و رای می باشم.

در سال ۱۳۷۵ به مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی وارد شدم و سالها به عنوان معاونت شبکه جهانی نور انجام وظیفه نموده و در به ثمر رساندن بانک اطلاعات شبکه جهانی نور، نرم افزار پایگاه های قرآنی، پایگاه امام علی (ع) همکاری عملی و اجرایی داشته ام.

هم اکنون نیز به عنوان مدیر سازمان آموزش کامپیوتر نور، مدیر گروه آموزش از راه دور دانشکده باقرالعلوم (ع) و عضو طرح و برنامه مدرسه اسلامی هنر مشغول به فعالیت می باشم.

احمدی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد احمدی

محل تولد: ملایر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۲/۶/۱۵

دکتر احمداحمدی متولد ۱۳۱۲/۱۲/۱۵ اهل ملایر در خانواده ای کشاورز به دنیا آمد. جامع المقدمات را در روستای زادگاه خویش خواند. سپس در سال ۱۳۳۱ به مدت پنج سال تا نیمه سطح را در شهرستان بروجرد فرا گرفت و در سال ۱۳۳۶ به حوزه علمیه قم رفت و دروس تفسیر و فلسفه اسلامی را از محضر استاد علامه طباطبایی و نیمه دوم سطح را در خدمت آیات عظام سیدمحمدباقر طباطبایی سلطانی، فکور (رحمهم الله)، نوری همدانی و مشکینی مدظلهما. دروس خارج را از محضر آیات عظام بروجردی، امام خمینی (ره)، نجفی مرعشی، محقق داماد، (رضوان الله علیهم) تلمذ کرد.

همزمان با تحصیل در قم دکترای فلسفه غرب را از دانشگاه تهران گرفت و از سال ۱۳۵۳ تاکنون عضو گروه فلسفه دانشگاه تهران است. دکتر احمدی در اوائل دی ماه ۱۳۶۰ به امر حضرت امام (ره) عضو ستاد انقلاب فرهنگی و سپس عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی شد و هم اکنون نیز عضو آن شورا است.

وی از بنیانگذاران اصلی دانشگاه تربیت مدرس است و خود به مدت ۱۴ سال ریاست دانشکده علوم انسانی آنجا را به عهده داشته است. همچنین بخش تربیت مدرس دانشگاه قم در مدرسه دارالشفاء را راه اندازی و تا چند سال اداره کرده است. دکتر احمدی سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی برای دانشگاهها (سمت) را در نیمه دوم سال ۱۳۶۴ تاسیس کرد. مسئولیت آن را تاکنون به عهده دارد.

از سال ۱۳۶۳ تاکنون در دانشگاه‌های مختلف فلسفه تطبیقی در سطح کارشناسی ارشد و دکتری تدریس می‌کند. از آثار چاپ شده او ترجمه تأملات دکارت و ترجمه کتاب "The Unity of Philosophical Experience" تألیف ژیلسون است که با نام فارسی (نقد تفکر فلسفه غرب) تاکنون شش بار چاپ شده است. از آثار چاپ نشده او ترجمه (تاسیس ما بعدالطبیعه اخلاق) کانت است. دهها مقاله چاپ شده در زمینه‌های تفسیر و ادبیات و فلسفه و... که بیشتر آنها فلسفی است. کتابی هم در دست تألیف دارد که حاوی نظرات خود او در باب بنیادی‌ترین مسائل فلسفی و طبعاً بسیاری از مکتبهای فلسفی بویژه فلسفه‌های غرب را نقادی کرده است.

منابع زندگینامه: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

احمدی، احمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمدرضا احمدی در سال ۱۳۱۹ در کرمان بدنیا آمد. در کارنامه ادبی چهل و چندساله‌اش، آثار مختلفی در حوزه‌های داستان، شعر کودک، شعر بزرگسال، دکلمه شعر و... ثبت شده‌اند.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: شعر و نویسندگی

والدین و انساب: جد پدری احمدرضا احمدی، ثقه‌الاسلام کرمانی، و جد مادری‌اش آقا شیخ محمود کرمانی است. حاج محمدرضا کرمانی از فعالان نهضت مشروطیت در کرمان، دایی مادری احمدی است. پدر وی مصطفی از کارمندان وزارت دارایی و نیز از درویشان حلقه ذوالریاتین بود. خاندان او در این شهر از اعقاب حاج احمد فقیه کرمانی بودند که احوال‌شان در کتاب «تاریخ بیداری ایرانیان» اثر ناظم‌الاسلام کرمانی آمده است.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: احمدرضا احمدی در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۱۹ در کرمان در خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: احمدرضا احمدی تحصیلات ابتدایی را در دبستان کاپوینی کرمان و بعد از کوچیدن خانواده‌اش به تهران در سال ۱۳۲۶ در مدرسه‌های ادبی و صفوی تهران و دوره متوسطه را در دبیرستان دارالفنون ناصر خسرو و هدف شماره ۳ طی کرد و در سال ۱۳۴۵ با اخذ دیپلم ادبی از دارالفنون فارغ‌التحصیل شد و دوره سربازی را با عنوان سپاهی دانش در روستای ماهونک کرمان گذراند

هم دوره‌ای‌ها و همکاران: نادر ابراهیمی، اسماعیل نوری علاء، مهرداد صمدی، محمدعلی سپانلو، بهرام بیضایی، اکبر رادی، جعفر کوش‌آبادی، مریم جزایری و جمیله دبیری از همکاران احمدی می‌باشند.

همسر و فرزندان: احمدرضا احمدی تنها یک دختر ۲۱ ساله به نام مهور دارد که در رشته موسیقی از هنرستان ملی موسیقی در تهران فارغ‌التحصیل شده است

وقایع میانسالی: احمدرضا احمدی در سال ۴۶ راهی آمریکا شد و مدت یک سال در این کشور مقیم شد. تجربه سفر، شناخت جهان و افقهای تازه‌تر سبب شد که شاعر در بازگشت یعنی در سال ۴۷ مجموعه «وقت خوب مصائب» را به بازار بفرستد. ناشر این

اثر، کتاب زمان بود، ناشری که آثار روشنفکرانی چون حقوقی، رحمانی، ابوالحسن نجفی، مصطفی رحیمی و... را منتشر میکرد. احمدی با انتشار این شعرهای سهل و ممتنع جایگاه خود را در شعر ایران تثبیت کرد. احمدی پس از یک سال اقامت در آمریکا به ایران بازگشت و از سال ۴۹ کار در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را انتخاب کرد و تا سال ۷۳ که بازنشسته شد، در همین مؤسسه فعالیت داشت. قابل ذکر است او در سال ۱۳۵۵ همکاری با برنامه رادیویی ظهر روز هفتم را با تهیه‌کنندگی مسعود بهنود در نگارش و قرائت متن پذیرفت. «طرح» نام نخستین دفتر شعر احمدی است. این دفتر زمینه پدید آمدن جریانی را در شعر نو فارسی فراهم کرد که بعدها موج نو نام گرفت

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: احمدضا احمدی اولین مجموعه شعرش را با عنوان «طرح» در سال ۱۳۴۱ چاپ و منتشر کرد. وی پس از پایان خدمت در گروه صنعتی بهشهر، گروه تبلیغات استخدام شد. مدتی بعد با انتشارات روزن به همکاری پرداخت و سردبیری مجله روزن را بر عهده گرفت. در سال ۱۳۴۹ برای گذراندن دوره‌ای یک ماهه در رشته انیمیشن کودکان راهی آمریکا شد. از مهر همان سال تا ۱۳۵۸ مدیریت تولید صفحه و نوار کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را داشت و از سال ۱۳۵۸ با سمت ویراستاری در مرکز انتشارات کانون به کار پرداخت و در سال ۱۳۷۳ بازنشسته شد. هم‌کاری با مجله‌های رودکی، فیلم، گزارش فیلم، جنگ روزن، کلک و نگاه نو از دیگر فعالیت‌های او به‌شمار می‌روند. احمدی هم‌چنین در فیلم‌های «نار و نی» اثر سعید ابراهیمی فر و «بانوی اردیبهشت» رخشان بنی‌اعتماد گویندگی و در فیلم «پستچی» داریوش مهرجویی در سال ۱۳۵۱ بازی کرده است. در سال ۱۳۷۸ داور نخستین جشنواره موسیقی پاپ در ایران می‌شود و در سال ۱۳۷۹ داور جشنواره ۲۰ سال شعر و قصه کودک در ایران. در مدتی که مدیر تولید مرکز تهیه صفحه و نوار در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بوده است.

مراکزی که فرد از بانیان آن به‌شمار می‌آید: احمدی در سال ۱۳۴۳ به همراه نادر ابراهیمی، اسماعیل نوری علاء، مهرداد صمدی، محمدعلی سپانلو، بهرام بیضایی، اکبر رادی، جعفر کوش‌آبادی، مریم جزایری و جمیله دبیری گروه ادبی طرفه را با هدف دفاع از هنر موج نو تأسیس کرد. انتشار دو شماره مجله طرفه و تعدادی کتاب در زمینه شعر و داستان از فعالیت‌های این گروه است.

آرا و گرایش‌های خاص: به عقیده‌ی احمدرضا احمدی، شعر چندصد سال پیش، به اعتلای روحی آدم‌ها کمک می‌کرد، ولی الان نمی‌تواند چنین کاری را انجام دهد. به طور کلی فعالیت‌های احمدی را می‌توان به ۵ بخش زیر تقسیم کرد: ۱- شعر ۲- نثر ۳- ادبیات کودک ۴- نوار کاست و اشعار صدای او ۵- سینما: بازیگری.

جوایز و نشانها: در سال ۱۳۸۶ در دومین جشنواره شعر فجر از احمدرضا احمدی به عنوان شاعر برگزیده بخش آزاد تقدیر شد. در سال ۱۳۸۱ ناصر صفاریان در فیلمی با عنوان «وقت خوب مصائب»، به زندگی و آثار این شاعر پرداخت. در بهار خرگوش سفیدم را یافتم، با نقاشی نفیسه ریاحی ۷۰ (این کتاب از سوی شورای کتاب کودک کتاب به عنوان کتاب سال برگزیده شد.) «اسب و سیب و بهار» با نقاشی کریم نصر ۸۰، (این کتاب هم برنده انتخاب شورای کتاب کودک شد) از طرف دیگر احمدی شیوه تازهای در شعر نو پیشنهاد میکرد و با چاپ «روزنامه شیشه‌های» در سال ۴۲ توسط نشر طرفه به‌عنوان شاعری آوانگارد شناخته شد

چگونگی عرضه آثار: آثاری از جمله مجموعه «صدای شاعر» که معرفی شعر معاصر و شعر کلاسیک فارسی بود، مجموعه زندگی و آثار موسیقی‌دانان ایران و جهان، مجموعه آوازهای فولکلور ایران، مجموعه کل ردیف موسیقی ایران، مجموعه بازسازی تصنیف‌های کلاسیک موسیقی ایران و مجموعه قصه برای کودکان را تولید کرده است. احمدرضا احمدی کتاب‌های «پسرک تنها روی برف»، «برف هفت گل بنفشه را پوشانده بود»، «همه‌ی این قایق‌های کاغذی»، «شب دوازدهم»، «خواب دوازدهم»، «چهار مهمان»، «باز هم نوشتم صبح، صبح شد»، «قاصدک و قاصدک‌ها»، «در یک صبح مه‌آلود» و «دیگر شب کامل بود» را نیز برای انتشار نزد ناشران مختلف دارد.

آثار:

- ۱ ساعت ۱۰ صبح بود (۱۳۸۵)
- ۲ از نگاه تو زیر آسمان لاجوردی (۱۳۷۶)
- ۳ اسب و سیب و بهار
- ویژگی اثر: با نقاشی کریم نصر ۸۰، (این کتاب هم برنده انتخاب شورای کتاب کودک شد)
- ۴ تو دیگر از این بوته هزار گل سرخ داری
- ویژگی اثر: با نقاشی فردوس ابراهیمی فر و مینا ضرابی ۶۸
- ۵ چای در غروب جمعه روی میز سرد می‌شود (۱۳۸۶)
- ۶ در بهار پرنده را صدا کردیم، جواب داد
- ویژگی اثر: با نقاشی فرح اصولی ۶۹
- ۷ در بهار خرگوش سفیدم را یافتم
- ویژگی اثر: با نقاشی نفیسه ریاحی ۷۰، (این کتاب از سوی شورای کتاب کودک کتاب به عنوان کتاب سال برگزیده شد.)
- ۸ در قلمرو ادبیات کودکان: من حرفی دارم که فقط شما بچه‌ها باور می‌کنید
- ویژگی اثر: با نقاشی عباس کیارستمی ۱۳۴۸
- ۹ در قلمرو نثر: حکایت آشنایی من (۱۳۷۷)
- ۱۰ روزنامه شیشه‌ای
- ویژگی اثر: ۱۳۴۳
- ۱۱ روزهای آخر پاییز بود
- ویژگی اثر: با نقاشی فرح اصولی ۶۹
- ۱۲ عاشقی بود که صبحگاه دیر به مسافرخانه آمده بود (۱۳۷۸)
- ۱۳ عزیز من (۱۳۸۴)
- ۱۴ عکاس در حیاط خانه ما منتظر بود
- ویژگی اثر: با نقاشی نسرین خسروی ۶۹
- ۱۵ قافیه در باد گم می‌شود (۱۳۶۹)
- ۱۶ کتاب منتخبات (۱۳۸۱)
- ۱۷ گزیده ادبیات معاصر (۱۳۷۸)
- ۱۸ لکه‌ای از عمر بر دیوار بود (۱۳۷۲)
- ۱۹ ما روی زمین هستیم (۱۳۵۲)،
- ۲۰ من فقط سپیدی اسب را گریستم (۱۳۵۰)،
- ۲۱ نثرهای یومیه (تجدید چاپ ۸۲)
- ۲۲ نوشتم باران، باران بارید
- ویژگی اثر: با نقاشی فردوس ابراهیمی فر ۶۸
- ۲۳ هزار افاقیا در چشمان تو هیچ بود (۱۳۷۹)

- ۲۴ هزار پله به دریا مانده (۱۳۴۶)
- ۲۵ هفت روز هفته دارم
- ویژگی اثر: با نقاشی محمدرضا دادگر ۱۳۶۴
- ۲۶ هفت کمان هفت رنگ
- ویژگی اثر: با نقاشی هوشنگ محمدیان ۱۳۶۴
- ۲۷ همه آن سال‌ها (۱۳۷۱)
- ۲۸ وقت خوب مصائب (۱۳۴۷)،
- ۲۹ ویرانه‌های دل را به باد می‌سپارم (۱۳۷۳)
- ۳۰ یادگاری (۱۳۷۷)
- ۳۱ یک منظومه دیریاب در برف و باران یافت شد (۱۳۸۰)

احمدی، اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی کرمان.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۳، دکترای تخصصی کودکان در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه علوم پزشکی کرمان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پزشکی، دیابت، اختلالات رشد و نمو کودکان، بیماریهای غدد کودکان، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۷ پایان‌نامه کارشناسی

ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

پزشکی، دیابت در کودکان، هیپوگلیسمی در نوزادان و کودکان.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

پزشکی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

احمدی، بابک

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

بابک احمدی در سال ۱۳۲۷ در تهران به دنیا آمد و مقیم همین شهر است. تا سال ۱۳۵۲ در دو رشته علوم سیاسی و فلسفه، در ایران و ایالات متحده آمریکا درس خواند. وی از سال‌های ابتدایی دهه ۶۰ به همکاری با نشریه فیلم پرداخت و در همان سال‌ها گرایش به ترجمه و تالیف متون مربوط به فلسفه و فلسفه هنر را آغاز کرد و آثار فراوانی را در این زمینه به رشته تحریر درآورده است.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

گرایش: فلسفه هنر

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: بابک احمدی تا سال ۱۳۵۲ در دو رشته علوم سیاسی و فلسفه، در ایران و ایالات متحده آمریکا درس خواند. او سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ را در لندن و سال‌های بعد تا بهمن ۱۳۵۷ را در پاریس گذرانده است.

فعالیت‌های ضمن تحصیل: وی از سال‌های ابتدایی دهه ۶۰ به همکاری با نشریه فیلم پرداخت و در همان سال‌ها گرایش به ترجمه و تالیف متون مربوط به فلسفه و فلسفه هنر در آثار و نوشته‌هایش آشکار شد.

چگونگی عرضه آثار: ترجمه و تالیف متون مربوط به فلسفه و فلسفه هنر از آثار بابک احمدی است. فعالیت‌های اولیه وی بر معرفی فیلمسازان متفاوتی چون روبر برسون و آندری تارکوفسکی گذشت که با انتشار کتاب‌های «باد هر جا بخواهد می‌وزد، اندیشه‌ها و فیلم‌های روبر برسون» و «امید باز یافته، سینمای آندری تارکوفسکی» عرضه عمومی شد. بعد ها وی به سمت مباحث زیبایی شناسانه و فلسفه هنر روی آورد که نتیجه آن کتاب «از نشانه‌های تصویری تا متن» بود. مدتی بعد وی حاصل درس گفتاری‌های خود در فلسفه هنر را در کتابی با عنوان «حقیقت و زیبایی، درس‌های فلسفه هنر» از سوی نشر مرکز به بازار کتاب عرضه کرد. احمدی در زمینه مارکس هم علاوه بر واژه نامه فلسفی مارکس کتاب نسبتاً حجیم مارکس و سیاست مدرن را تدوین و انتشار داد. همزمان با اوج گیری مباحث مربوط به هایدگر در ایران وی دو کتاب درباره هایدگر نوشت

آثار:

۱ آفرینش و آزادی،

ویژگی اثر: جستارهای هرمنوتیک و زیبایی شناسی-نشر مرکز

۲ از نشانه‌های تصویری تا متن

ویژگی اثر: مباحث زیبایی شناسانه و فلسفه هنر-نشر مرکز

۳ امید باز یافته،

ویژگی اثر: سینمای آندری تارکوفسکی-نشر مرکز

۴ باد هر جا بخواهد می‌وزد،

ویژگی اثر: اندیشه‌ها و فیلم‌های روبربرسوننشر مرکز

۵ تصاویر دنیای خیالی،

ویژگی اثر: مقاله‌هایی درباره سینما-نشر مرکز

۶ چهار گزارش از تذکره‌الاولیای شیخ فریدالدین عطار نیشابوری

ویژگی اثر: رویکرد به متنی از ادبیات کهن ایرانی-نشر مرکز

۷ حقیقت و زیبایی، درس‌های فلسفه هنر

ویژگی اثر: حاصل درس گفتاری‌های بابک احمدی در فلسفه هنر-نشر مرکز

۸ خاطرات ظلمت

ویژگی اثر: درباره سه اندیش‌گر مکتب فرانکفورت-نشر مرکز

۹ رساله‌ای در تاریخ

ویژگی اثر: در دست چاپ-نشر مرکز

۱۰ ساختار و تأویل متن

ویژگی اثر: -نشر مرکز

۱۱ ساختار و هرمنوتیک

ویژگی اثر: -نشر مرکز

۱۲ سارتر که می‌نوشت

ویژگی اثر: -نشر مرکز

۱۳ کار روشنفکری

ویژگی اثر: نقد و ارزیابی وی از فضای روشنفکری در ایران است-نشر مرکز

۱۴ کتاب تردید

ویژگی اثر: -نشر مرکز

۱۵ مارکس و سیاست مدرن

ویژگی اثر: احمدی در زمینه مارکس هم علاوه بر واژه‌نامه فلسفی مارکس-نشر مرکز کتاب نسبتا حجیم مارکس و سیاست مدرن

را تدوین و انتشار داد.

۱۶ مدرنیته و اندیشه انتقادی

ویژگی اثر: -نشر مرکز

۱۷ معمای مدرنیته

ویژگی اثر: -نشر مرکز

۱۸ هایدگر و پرسش بنیادین

ویژگی اثر: -نشر مرکز

۱۹ هایدگر و تاریخ هستی

ویژگی اثر: -نشر مرکز

۲۰ واژه‌نامه فلسفی مارکس

ویژگی اثر: -نشر مرکز

منابع زندگینامه:

بانک رسانه ها - روزنامه همشهری ۳۱-۱-۱۳۸۷ "زندگینامه: بابک احمدی"

احمدی، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن احمدی

محل تولد: شاهرود

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ در مشهد مقدس رضوی به عشق علوم اهل بیت عصمت و طهارت (ع) وارد مدرسه حاج آقای موسوی نژاد (حفظه الله) تعالی شدم و طبق برنامه بسیار جالبی که در این مدرسه حاکم بود، درس صرف را مستقیماً از خود ایشان آموختم، ایشان با طرحی بسیار جالب مطالب صرف را دسته بندی و روی تخته آموزش می داد و ما هم می نوشتیم. بدون هیچ کتابی در مدت کوتاهی در صرف مهارت خوبی پیدا کردیم. بعد از تمام شدن فقط ساده و بعضی کتب جامع المقدمات را مرور نمودیم، و بعد وارد درس هدایه شدیم و بعد صمدیه و سایر کتب ادبیات. بعد از مدت چهار سال دروس ابتدایی و متوسط را اعم از ادبیات، منطق، معانی بیان، اصول الاستنباط، اصول فقه و لمعه را تمام کردم.

در سال پنجم وارد دروس سطح عالی شدم. قطع و ظن رسائل و مکاسب محرمه را در مشهد درس گرفتم. بعد از آن رهسپار قم مقدسه شدم و بیع به بعد را از خدمت حضرت آیت الله استاد احمد پایانی (رحمة الله علیه) و حضرت استاد شیخ مصطفی اعتمادی استفاده نمودم و کفایتین را خدمت استاد گنجعلی خراسانی که خود از شاگردان اسبق همان مدرسه حاج آقای موسوی نژاد در مشهد بوده اند، فرا گرفتم و با مشورت و تشویق خود ایشان و به توفیق الهی با شوق فراوان وارد درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی (از اول اصول) و اصول حضرت آیت الله تبریزی (از استصحاب تا آخر دوره بعد) شدم. همزمان در درس فقه حضرت آیت الله تبریزی (از بحث اوانی در طهاره) شرکت نمودم و هر روز بعد از درس در جلسات خصوصی سوال و جواب در منزل حضرت آیت الله تبریزی شرکت نموده و از آن مباحثات و سوال و جوابها استفاده ها نمودم.

بعد از اینکه چند سال درس خارج رفتم به اتفاق چند نفر از دوستان که از فضلا می باشند از یکی از شاگردان اسبق حضرت آیت الله تبریزی جناب حجت الاسلام والمسلمین محمد تقی شهیدی (حفظه الله) خواهش نموده و یک درس با محوریت کتاب بحوث فی علم الاصول شهید آیت الله صدر، درس خارج خصوصی که بیشتر صبغه مباحثه و جواب و اشکال داشته باشد را شروع نمودیم که تا سال ۸۳ ادامه داشت و پایان یافت. در خلال بحث های اصول و فقه از تحصیل فلسفه هم بی بهره نبودم و کتاب منظومه سبزواری را خدمت استاد نکونام آموختم. کتابهای نهایی، بدایه و اسفار، اشارات، شوارق و حتی بعضی بحثهای شفا را مطالعه نموده ام.

حدود ۱۰ سال است که تدریس در بعضی از مدارس و به صورت منظم در مدرسه حضرت آیت الله گلپایگانی را شروع کرده‌ام. در این خلال اصول فقه، روضه، حلقات شهید صدر و خصوصاً حلقه ثالثه رسائل اعم از قطع و ظن، براءت و استصحاب و مکاسب را تدریس نموده‌ام و هم اکنون نیز مشغول تدریس قطع و ظن در مدرسه مبارکه آیت الله گلپایگانی و حلقه ثالثه در مدرسه مبارکه حجتیه برای طلاب خارج از کشور می‌باشم.

از سال ۷۵ وارد موسسه دائره المعارف فقه شیعیه شده و تاکنون به همکاری با آنان ادامه داده‌ام و در این راستا زیر نظر حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی مقالات فقهی زیادی را به رشته تحریر در آورده‌ام. در آن موسسه به عنوان های سرگروه، مدیر مجله، عضو شورای سرپرستی تحقیقات، دبیر شورای سرپرستی تحقیقات و اخیراً عضو هیئت علمی آن موسسه مشغول انجام وظیفه علمی و حوزوی می‌باشم.

با بخش مرکز مدیریت خواهران حوزه علمیه به عنوان مصاحبه سطح ۲ و ۳ نیز همکاری دارم. با مراکز مختلف تحقیقاتی از جمله مرکز تحقیقات قوه قضاییه، مرکز جهانی تقریب المذاهب و... همکاری داشته و گاهگاهی مقالات فقهی و اصولی می‌نویسم.

احمدی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین احمدی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در تاریخ ۱۳۶۹ بعد از اتمام دفاع مقدس و بازگشت از منطقه کردستان در مدرسه علمیه مبارکه جانبازان مشغول به تحصیل علوم دینی شدم و دوره سطح را تمام و یا بعضاً در درس خارج شرکت میکنم. در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی هم بعضاً شرکت می‌کنم. یک دوره کامل عروه الوثقی را با مطابقت فتوهای مراجع حاضر درس گرفته‌ام و مدت اندکی به تدریس المنطق مشغول بوده‌ام و مدتی در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) (حدود ۲ سال) دوره عمومی را خوانده‌ام.

پژوهش و ترجمه عربی به فارسی را تجربه کرده‌ام و آثاری اندک دارم که بعضاً به چاپ رسیده‌اند. در خصوص برگزاری کنگره های بین المللی و همایش ها تجربه های زیادی داشته‌ام و حدوداً ۱۰ کنگره و همایش را به عنوان دبیر اجرایی برگزار نموده‌ام. در مجمع جهانی اهل بیت (ع) مدتی مدیر امور بین الملل و مدتی مدیر امور اجرایی بوده‌ام و... .

احمدی، ذکرالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ذکر الله احمدی

محل تولد: کرمانشاه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ذکرالله احمدی در سال ۱۳۵۳ وارد حوزه علمیه آیة الله بروجردی کرمانشاه شده و پس از آشنائی با ادبیات، صرف و نحو در حد جامع المقدمات، سیوطی، مغنی و حاشیه ملاعبدالله در منطق به حوزه علمیه قم هجرت کرده و به تحصیل ادامه داده و سطوح عالیہ را از محضر اساتید گرانقدر به پایان رسانده، سپس در دروس خارج فقه و اصول مراجع و اساتید بزرگ شرکت جست و فلسفه را در حد شرح منظومه از محضر آیة الله محمدی گیلانی و آیة الله انصاری شیرازی تلمذ نمودم.

در دور سوم مجلس خبرگان رهبری از سوی مردم استان کرمان به عنوان نماینده انتخاب و به مدت هشت سال ادامه داشته است.

احمدی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی احمدی

محل تولد: قصر شیرین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی احمدی فرزند محمد به شناسنامه ۵۱۷ به سال ۱۳۵۵ در قصر شیرین استان کرمانشاه متولد شدم. پس از گذراندن دوران ابتدایی و راهنمایی و دو سال از دبیرستان نظام قدیم در سال ۱۳۷۲ وارد حوزه علمیه قم شدم.

پس از اتمام تحصیلات سطح ۱ حوزه در سال ۱۳۷۸ به کارهای پژوهشی روی آوردم. نگارش ۴ کتاب مستقل و بیش از ۴ کتاب به صورت گروهی حاصل این سالها می باشد. البته در زمینه های دیگر هم که با نویسندگی مرتبط است فعالیت داشته ام از جمله تصحیح و مقابله، ویرایش و آموزش، هم اکنون هم چندین طرح پژوهشی در دست کار دارم که برخی در مرحله تدوین و برخی در مرحله تایپ است.

احمدی، قاسم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قاسم احمدی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب قاسم احمدی دوران تحصیلات ابتدایی را در قم سپری نمودم در رشته اقتصاد و علوم اجتماعی در دبیرستان صدوق قم ادامه تحصیل دادم.

در سال ۱۳۶۴ در حوزه علمیه قم گزینش شدم و در سال ۱۳۶۹ کنار درس حوزوی دوره کارشناسی علوم سیاسی را در دانشکده باقرالعلوم (ع) قم شروع و در سال ۱۳۷۴ به پایان رساندم.

در سال ۱۳۷۵ در گزینش اساتید معارف خبرگان بدون مدرک شرکت کردم و از سال ۱۳۷۶ در دانشگاه علامه طباطبائی تهران شروع به تدریس نمودم. در سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۷۹ در دانشگاه شهید بهشتی تهران تدریس داشتم، در حالیکه در دو دانشگاه فوق به صورت حق التدریس همکاری داشته به درخواست گروه معارف اسلامی وقت دانشگاه آشتیان و معاونت محترم امور اساتید به عنوان مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه آشتیان انتخاب شدم و هم اکنون در این واحد مشغول تدریس و اداره گروه معارف اسلامی می‌باشم و از معاونت محترم امور اساتید و دروس معارف اسلامی دارای مجوز تدریس در دروس انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن اخلاق و تربیت اسلامی هستم.

هم اکنون به عنوان مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه آشتیان مشغول خدمت می‌باشم که در سال جاری از طرف معاونت امور اساتید معارف به عنوان مدیر گروه نمونه معرفی شدم.

احمدی، محمد مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد مهدی احمدی

محل تولد: خمینی شهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیدمحمد مهدی احمدی، فرزند سیدابوالفضل، متولد ۱۳۳۲ شمسی، محل تولد: خمینی شهر اصفهان. پدرم از روحانیون موجه و معنون آن خطه بودند و اجداد ما همگی روحانی عالم و مورد اعتماد مردم بودند. حقیر در این خانواده رشد نموده و طبق معمول وارد دبستان شدم.

در آن زمان در بعضی از مدارس صبحها سر صف قرآن قرائت می شد و بعد مراسم دعا انجام می گرفت. معمولاً بنده را مامور این کار می کردند و با تلاوت چند آیه از قرآن و خواندن سرود مراسم پایان می یافت. بعد از ظهرها مجدداً کلاس درس برگزار می گردید. یکی از نقاط قوت آن مدرسه این بود که مدیر مدرسه به جهت مذهبی بودن، مراسم نماز جماعت ظهر و عصر را بر پا نموده و همه را مکلف به انجام آن می نمود. حقیر چون از خانواده روحانی بودم به عنوان امام جماعت انتخاب شدم و نماز جماعت را در مسجد نزدیک مدرسه اقامه می نمودم.

بعد از تمام نمودن دوران ابتدایی به جهت علاقه شخصی و نیز محیط خانواده به مدارس علوم دینی و به اصطلاح طلبگی روی آوردم. آغاز تحصیل حدوداً سال ۴۵ - ۴۴ بود. ابتدا در همان شهر به مدت یک سال ماندم و بعد به اصفهان آمدم و در مدرسه صدر بازار حجره گرفته و مشغول تحصیل شدم. در ضمن دروس جدید مقطع دبیرستان را به صورت شبانه خواندم و دیپلم گرفتم. هجرت به قم: در حوزه علمیه اصفهان دروس مقدمات سیوطی و شرایع و حاشیه را خواندم. ولی احساس نمودم دروس اصفهان شتاب خاص خود را ندارد و بسیار کند حرکت می کند. اساتید معمولاً جدیت خاصی ندارند و بسیار کم درس می دهند. از طرفی تشنگی و نیاز درونی من متناسب با داده ها نمی باشد. لذا بعد از مشورت با چند نفر از اساتید دلسوز تصمیم گرفتم به حوزه علمیه قم هجرت نمایم. لکن موانع زیادی در سر راهم وجود داشت و تقریباً مشوقی در این کار نیافتم بلکه به عکس مخالفت های زیادی می شد.

سال تحصیلی ۴۸ - ۴۹ بود که به قم مشرف شدم. در آن زمان مدرسه حقانی از مدارس بسیار منظم و معروفی بود و از طریق امتحان ورودی طلاب را جذب می نمود. من در امتحان شرکت کردم و بعد از قبولی وارد آن مدرسه شدم. اساتید آن مدرسه نوعاً از اساتید بزرگ حوزه علمیه قم بودند که اکنون بعضی از آنان از مراجع تقلید می باشند. مدتی در آن مدرسه بودم و بعد از آن مدرسه بیرون آمدم و در مدرسه دارالشفاء حجره ای گرفتم و تا سال ۵۴ در آن مدرسه بودم. اساتید مقطع تحصیل سطح: هر چند حقیر اساتید متعددی در این مقطع داشتم لکن نام بعضی از آنان را اشاره می کنم:

۱. مرحوم آیت الله ستوده که مکاسب را نوعاً خدمت ایشان خواندم.

۲. حضرت آیت الله مظاهری اصفهانی که اکنون ریاست حوزه علمیه اصفهان را دارند.

۳. مرحوم آیت الله سلطانی که استاد کفایه بودند و نزد ایشان بخشی از کفایه را تلمذ نمودم.

در سال ۱۳۵۴ به درس خارج راه یافتم و دروس فقه و اصول را نزد اساتید بزرگوار فرا گرفتم. همزمان با آن به جهت علاقه شدید به علوم عقلی دروس فلسفه را نزد اساتید بزرگوار تلمذ نمودم. لازم به ذکر است تا حدود سال ۱۳۷۴ به درس خارج اشتغال داشتم.

اساتید خارج فقه و اصول حضرات آیات: فانی اصفهانی، حائری یزدی، سیدمحمد رضا گلپایگانی، (رحمت الله علیهم) حاج شیخ جواد تبریزی، وحید خراسانی و شبیری زنجانی (دامت برکاتهم). قبلاً اشاره کردم که همزمان با دروس فقه و اصول، فلسفه را نیز فرا گرفتم و دروس بدایة الحکمه، نهایت الحکمه، منظومه، شفا و اسفار را نزد اساتید آموختم. اساتید فلسفه آیات عظام: حسن زاده آملی، جوادی، امینی، انصاری. ضمناً حقیر کتاب فصوص الحکم ابن عربی و بخشی از مصباح الانس را نزد حضرت آیت الله حسن زاده تلمذ نمودم.

احمدی، محمدابراهیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد ابراهیم احمدی

محل تولد: روستای یام

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۹/۵

زندگینامه علمی

در نیمه دوم سال ۱۳۶۲ در تهران، دروس طلبگی را شروع کردم. بحمدالله تعالی ۷-۹ نفر از بستگانم (از جمله پدر بزرگ ها، دایی و پسردایی ام) روحانی بوده و هستند. در اسفند ۱۳۶۷ معمم شدم و در نیمه دوم ۱۳۶۸ متأهل گردیدم.

از همان دوران نوجوانی به مطالعه کتاب به ویژه داستان و شعر علاقه داشتم که بحمدالله تعالی با ورود به حوزه علمیه، به مطالعه کتاب و گوش دادن به نوارهای سخنرانی، بیشتر اهمیت می دادم، چنان که در برخی از کتابخانه های تهران عضو شده و در اوقات فراغت، به کتابخانه های چهل ستون، ملک، پارک شهر، مجلس شورای اسلامی بهارستان و غیره می رفتم. از سال ۱۳۶۵ به این نتیجه رسیدم که علاوه بر مطالعه و نگارش مطالب مهم کتابها، مجلات، روزنامه ها و سخنرانی ها (نوار و زنده) می باید به خریدن کتاب هم پردازم، لذا از آن سال تاکنون بخشی از شهریه و درآمدم را به خرید کتاب اختصاص داده ام و کتابخانه شخصی ام، حدود سه هزار کتاب در موضوعات گوناگون دارد.

از آذرماه ۱۳۶۹ به نگارش مقاله روی آوردم که نخستین مقاله ام با عنوان "کعبه می گرید" در روزنامه جمهوری اسلامی چاپ شد و از سوی مدیر مدرسه شهید بهشتی و برخی از استادان و دوستان طلبه، مورد تشویق قرار گرفتم. از این روی، هر ماه مقاله یا مقالاتی به روزنامه های جمهوری اسلامی، کار و گارگر، کیهان، اطلاعات، سلام، جهان اسلام، رسالت و ابرار می فرستادم که بحمد الله برخی از آنها چاپ شده است.

در تاریخ ۳ / ۷ / ۱۳۷۲ همراه خانواده ام (همسر و پسر هشت ماهه ام) به شهر مقدس قم مهاجرت کردیم که تا سال جاری، سکونت ما (حقیر، همسر، دو پسر و یک دختر) استمرار داشته است. مهاجرت به قم، غربت، عدم اشتغال، مستأجری و نداشتن شهریه تا سیزده ماه، همگی باعث شد که به پیشنهاد یکی از دوستان طلبه ام، به جمع پژوهشگران پژوهشکده باقر العلوم (ع) وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی ملحق شوم، که این همکاری آزاد و پروژه ای، از آذرماه ۱۳۷۳ تاکنون کم و بیش در قالب های نگارش کتاب و مقاله، تصحیح، ویرایش، ارزیابی و جلسات نقد و بررسی اهل قلم، ادامه دارد.

از خرداد ۱۳۷۸ تاکنون نیز در نشریه فرهنگ کوثر وابسته به آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) به عنوان مصحح همکاری داشته ام و معمولاً-مقالاتی از حقیر هم در نشریه چاپ می شود و گاهی هم به ویرایش و ارزیابی برخی از مقالات کوثر هم می پردازم. البته تصحیح کتاب ستارگان حرم از جلد ۶-۸ و ۱۰-۱۶ به عهده حقیر بود و حدود دو سال (۱۳۸۲ و ۱۳۸۳) هم در آستانه مقدسه به کتابداری نیز اشتغال داشتم.

شایان توجه است علاوه بر همکاری با پژوهشکده باقر العلوم (ع) و نشریه فرهنگ کوثر، برای برخی از نهادها، مثل: سازمان تبلیغات

اسلامی قم و نیز عده ای از نویسندگان، کارهای علمی (نگارش بروشور، داوری مسابقات، ویرایش، تصحیح و ارزیابی کتاب و مقاله) انجام داده ام.

در ضمن، حقیر:

الف) از نه سالگی تاکنون در زمینه برق و الکترونیک، فعالیت و تجارب گوناگونی دارم.

ب) از سال ۱۳۶۲ نیز تا الآن در خصوص مداحی و تعزیه خوانی، فعالیت و ...

ج) از سال ۱۳۶۰ تا کنون، در قالب های مختلف به «سرودن اشعار» پرداخته ام.

د) از سال ۱۳۶۸ تا الآن نیز به «طراحی» می پردازم که کاربر آن در امور: تذهیب، قالی، گچبری و غیره است. می توان تعداد این طرح ها، اشکال و نقوش را تا هزار مورد تخمین زد.

ه) در اریبهشت ۱۳۷۲ به مناسبت برپایی نمایشگاه بین المللی کتاب و اختصاص یافتن غرفه ای به نام «سلمان رشدی» از عموم مردم دعوت شده بود که در صورت تمایل و توانایی هنری، در مسابقه حضوری طراحی کاریکاتور شرکت کنند که بحمد الله شرکت کرده و دو طرح کشیدم که در مردادماه ۱۳۷۲ دعوتنامه ای برای حقیر نیز ارسال شد تا هیئت داوران از بین کاریکاتوریست های داخلی و خارجی، که امتیاز مناسب را به دست آورده اند نفرات برتر و ممتاز (ظاهراً ۵۳ نفر) را انتخاب کنند و لکن نام حقیر در لیست برگزیدگان نبود.

و) در سال های ۱۳۶۷-۱۳۷۳ پنج «نمایشنامه و فیلمنامه» نوشته ام که البته نیاز به اصلاحات علمی، هنری و فنی دارد.

احمدی، محمدجعفر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد جعفر احمدی

محل تولد :

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۹/۱/۱

احمدی، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی احمدی

محل تولد : عشق آباد طبس

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۸/۶/۳۰

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۲ پس از اخذ مدرک سیکل وارد حوزه علمیه قم شدم. سه سال در مدرسه علمیه رسالت تحصیل کرده و سپس به مدرسه امام باقر (ع) رفتم و تا پایه ۶ را در آن مدرسه تحصیل نمودم. تاثیر گذارترین اساتید من در این دوره حجة الاسلام والمسلمین قائمی، طاهری، ربانی و قوامی بودند. رسائل و مکاسب را از محضر حجة الاسلام والمسلمین دکتر سید محمود مدنی فرا گرفتم. همزمان با تحصیل به تحقیق روی آوردم. تحقیقات خود را از سال ۱۳۷۹ آغاز کردم. محورهای تحقیقاتی اینجانب تا کنون موارد زیر است:

۱- بیوگرافی، بررسی افکار و اندیشه های بزرگان دینی. ۲- سیره اهل بیت (ع). ۳- حقوق زنان در اسلام. ۴- شهید شناسی در حوزه دین.

احمدیان، ابراهیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابراهیم احمدیان

محل تولد: شیراز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابراهیم احمدیان در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شدم. نخست در مدرسه مرحوم آقای خلیخالی (امام صادق علیه السلام) و سپس مدرسه امام خمینی (ره) و آن گاه در مدرسه مرحوم آقای گلپایگانی مشغول شدم. دوره ادبیات را زیر نظر آقایان طالقانی و مرحوم مدرس افغانی و نیز آقای آدینه نند و علیدوست گذراندم. همزمان در جبهه های جنگ نیز حضور داشتم و این موجب شد تا دوره ادبیات برایم اندکی طولانی شود. استادانم در فقه و اصول عبارت بودند از: آقایان اشتهااردی، پایانی و نامدار.

در سال ۱۳۷۰ به دانشگاه مشهد رفتم و در رشته ادیان و عرفان دوره کارشناسی را طی کردم. سپس در دانشگاه تهران با رتبه یک پذیرفته شدم و دوره را طی کردم. همزمان در درس خارج آقایان مرحوم خاتم یزدی و نیز آیت الله وحیدی شرکت جستم.

احمدیان، عطاءالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: باکتری‌شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد پاتوبیولوژی در سال ۱۳۵۴، دکترای باکتری‌شناسی از ایران.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز در سال ۱۳۵۷ و ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه علوم پزشکی تبریز در سال ۱۳۷۱.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

باکتریال و عفونت‌های باکتریایی، بررسی اسهال‌های تابستانی و بزرگسالان، بررسی عفونت‌های التهاب کیسه صفرا، بررسی عفونت‌های کمپیلوباکتر، بررسی عفونت‌های بعد از اعمال جراحی، تعیین حساسیت در مقابل آنتی‌بیوتیک‌ها، راهنمایی، مشاوره و

نظارت بر ۱۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: -

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۶، تعداد مقالات به زبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

تحقیقی و آماری در مورد عفونت‌های باکتریال.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

احمدیان، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۳۰۰ (۱۳۴۰ ق.)، نجف آباد.

درگذشت: ۱۸ فروردین ۱۳۶۷ (۲۸ ذی‌قعدة ۱۴۱۷ ق.).

آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی احمدیان نجف‌آبادی پس از گذران دوران کودکی به فراگیری قرآن مجید، ادبیات فارسی و حساب و هندسه پرداخت. در پانزده سالگی به اصفهان رفت و در محضر اساتید وقت به آموختن ادبیات (سیوطی، مغنی، مطول) و حاشیه و معالم همت برگماشت.

سپس به حوزه‌ی علمیه‌ی قم مشرف شد و سطوح را در محضر حضرات آیات شیخ عبدالرزاق قاینی (قوانین)، آیت‌الله نجفی

مرعشی، میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و حاج سید مرتضی علوی (شرح لمعه)، آیت‌الله گلپایگانی و حاج سید محمدباقر قزوینی (مکاسب و تفسیر) را فراگرفت و این همه چهار سال به طول انجامید. آنگاه در سال ۱۳۲۰ پس از سقوط رضاخان، عازم بیت‌الله الحرام و زیارت عتبات گردید و در بازگشت، حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف رحل اقامت افکند و باقی مانده سطوح مکاسب و رسائل و کفایه‌ی الاصول را نزد آیت‌الله شیخ عبدالحسین رشتی به پایان رساند. پس از آن به درس خارج حضرات آیات عظام سید عبدالهادی شیرازی (فقه و اصول)، سید جمال الدین گلپایگانی (در فقه)، میرزا باقر زنجانی و سید ابوالقاسم خویی (اصول) و سرانجام به درس آقای حکیم حاضر شد و از محضر آنان توشه برگرفت و در کنار آن به تدریس سطوح و تألیفات و تحقیق دست یازید.

ایشان در سال ۱۳۹۳ ق. به ایران آمد و اقامت در قم و تدریس و تألیف را برگزید و آن کار تا پایان زندگی‌اش ادامه یافت.

از آثار وی می‌توان این عنوان‌ها را نام برد:

رسالة فی المكاسب المحرمه؛ رسالة فی الاستصحاب (هر دو رساله از تقریرات درس آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی است)؛ قاعدة الضرر؛ الصحابة الكرام (سه جلد)؛ رسالة فی الخمس؛ رسالة فی القضاء؛ رسالة فی الديات؛ المعمرن (حدود ۵۵۰ نفر)؛ الاربعون حدیثاً؛ شرح کتاب نقد الرجال میر مصطفی تفرشی؛ طبقات مفسرین شیعه (از صدر اسلام تا کنون)؛ کشکول (این کتاب بسیار مفصل بوده و شامل مطالب: تفسیر، منتخب اشعار فارسی و عربی، حل مشکلات بعضی از احادیث، تاریخ، جغرافیا، شرح حال بزرگان و علما و شعرای عرب و عجم و در ۱۵۰۰ صفحه می‌باشد)، حاشیه بر کتاب مسالک الافهام؛ تحقیق و حاشیه بر زبدة التفاسیر ملا فتح‌الله کاشانی؛ تعلیقه بر کتاب‌های شیخ صدوق؛ فهرست امالی شیخ؛ فهرست حاشیه مکاسب کمپانی و فهرست اصول سنه عشر.

آیت‌الله احمدیان نجف‌آبادی سرانجام در تاریخ دوشنبه هیجدهم فروردین ۱۳۶۷ (۲۸ ذی‌قعدة ۱۴۱۷ ق.) در هفتاد و هفت سالگی بدرود حیات گفت و پس از تشییع، در قبرستان شیخان در خاک آرامید.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

احمدیان، مرتضی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرتضی احمدیان

محل تولد: نجف آباد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مرتضی احمدیان متولد ۱۳۲۳ شمسی در شهرستان نجف آباد اصفهان متولد شدم و در سال ۱۳۳۹ گواهینامه پایان تحصیلاتی خود را از دبستان شیخ بهائی گرفتم.

در سال ۱۳۴۱ ش طلبه شدم و در مدرسه الحجة نجف‌آباد مشغول تحصیلات دروس حوزوی شدم. جامع المقدمات را که در نجف

آباد خواندم راهی حوزه علمیه قم شدم و به مدرسه حقانی وارد شدم. در آنجا مشغول خواندن کتاب سیوطی شدم. کتاب سیوطی، مغنی، مختصر، معالم، اصول الفقه رسائل، مکاسب و کفایه را در مدرسه حقانی خواندم. به اضافه دروس جنبی مانند: تاریخ اسلام، معارف، دروس عقائد، طبیعی (یک دوره فشرده طب) زبان، مکالمه عربی، المحاورات العربیه، زبان انگلیسی، شامل کتاب‌های دایرکت متد ۱ و ۲ و ۳، اکسفورد و... تفسیر قرآن، تعلیم خط نستعلیق، ریاضیات، ادبیات فارسی و... و حدود سال ۵۱ یا ۱۳۵۲ بود که پس از کفایه از مدرسه حقانی بیرون آمدم و به درس خارج مراجع آن وقت مانند آیت الله حاج آقا مرتضی حائری و آیت الله العظمی فانی اصفهانی و آیت الله العظمی وحید خراسانی و آیت الله العظمی گلپایگانی تلمذ کردم.

البته به درس آیت الله العظمی تبریزی و غیره نیز رفتم و در نجف اشرف که رفتم در سال ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ به قسمتی از درس ولایت فقیه امام خمینی (ره) هم رفتم البته در آن موقع اینجانب مشغول دروس سطح بودم اما پس از اینکه از نجف اشرف آمدم و ازدواج نمودم در مضیقه مالی بسیار شدیدی قرار گرفتم به طوری که نه کرایه منزل را می‌توانستم پردازم و نه هزینه روزمره زندگی را، لذا مدتی مشغول روزه و نماز استیجاری شدم اما چون بسیار مشکل بود، رفتم به چاپخانه علمیه نبش کوچه آبخار قم و در آنجا خط خود را ارائه دادم و مشغول خطاطی کتب علمی مانند آیات الاحکام آیت الله سلطانی و فقه الحج، و الشواهد المنتخبه مدرس افغانی و غیره شدم و در برابر هر صفحه سی خطی که به صورت رحلی بود فقط ۳ تومان دریافت می‌کردم و تقریباً در آن موقع ماهی هزار تومان خطاطی می‌نمودم و با همین پول ناچیز توانستم منزلی هم در نیروگاه قم بسازیم و یادم هست یکماه کار کردم تا توانستم پرده کرکره اطاق را بخرم و بابت یک کتاب که نیاز داشتم سه روز روزه استیجاری گرفتم تا کتاب معراج السعاده نراقی را بخرم حالا چون اصل بر این بود که زندگینامه علمی به نگارش درآید لذا از زندگینامه سیاسی و غیره و کارهای سیاسی قبل از انقلاب و دستگیر شدن و زندانی شدن و... خودداری می‌شود. اینجانب در سال ۱۳۴۷ در نجف اشرف اولین کتاب خود را به زبان عربی نگاشتم و آن را به نام "دلیل الزائر" نام‌گذاری کردم.

دومین کتاب خود را به نام "زندگی زناشویی" نوشتم که متأسفانه اولین کتاب در نقل و انتقال به ایران مفقود شد و کتاب دوم را طلبه‌ای که عازم کویت بود از من گرفت که بخواند و برگرداند ولی برد و دیگر آن را برنگرداند، و چون طبع شعر مختصری داشتم از این رو شهید محمد منتظری مجله فردوسی آن زمان را آورد که بخوانم و در شعر و ادبیات فارسی از آن بهره گیرم و علت توفیق یافتن به نوشتن این بود که روزی به اتفاق حجه الاسلام سید محمود دعائی از نجف اشرف راهی کربلا شدیم و در آنجا خدمت آیت الله العظمی سید محمد شیرازی رسیدیم ایشان هم ما را تشویق به نوشتن کتاب کرد، که اینجانب خدمت ایشان عرض کردم که ما طلبه‌ای مبتدی هستیم چه بنویسیم؟ ایشان فرمودند: «شما لازم نیست کتاب‌های علمی بنویسید بلکه می‌توانید از کتاب‌های مختصری که معارف اسلامی را به زبان ساده برای عوام بیان نماید شروع کنید و بنده کتاب‌های کوچک چند صفحه‌ای مانند: "اعرف الشیعه، من هم الشیعه" و... نوشته‌ام تا کتاب‌های بزرگ اینجانب هم با تشویق ایشان شروع به نوشتن کتاب کردم.

در نجف اشرف مقالات عربی می‌نوشتیم و به مناسبت‌های مختلف در احتفالات می‌خواندم. یادم هست در آن زمان مقاله‌ای نوشتم به نام «مَنْ هُوَ الامام جعفر بن محمد الصادق (ع)» و داستان حمله نظامیان شاه به مدرسه فیضیه و قتل و غارت و دستگیری طلاب را هم در آن مقاله نوشتم و در جشن تولد آن حضرت خواندم، و چون علاقه به اشعار هم داشتم سه دفترچه ۲۰۰ برگی از اشعار عربی و فارسی و مطالب متفرقه یادداشت کردم که دو جلد کتاب کشکول قسمتی از آنهاست، و از شدت علاقه به نوشتن صبح که شروع به کار می‌نمودم ناگاه می‌دیدم ظهر شده و هیچ احساس خستگی نمی‌کردم.

اکثر کتاب‌هایی که نوشته‌ام به سفارش ناشرین و غیره بوده است، مخصوصاً ترجمه‌ها و خطاطی‌ها تا چه قبول افتد و چه در نظر آید. و شاید این به خاطر توجه و گوشه چشمی است که حضرت به اینجانب نموده باشد

اوائل طلبگی نمی‌دانم حالا خواب دیدم یا حالت شهود بود که در پشت بام منزل دیدم حضرت ولی عصر (عج) نشسته و شمشیر دو

دم «ذوالفقار» را بر زانوی خود نهاده و کاغذی پیچیده شده به صورت لوله‌ای در دست دارد و ما چند طلبه بودیم دو زانو حلقه‌وار در جلو ایشان نشسته بودیم و هرگاه با هم صحبتی می‌کردیم ایشان چیزی بر روی آن طومار و کاغذ می‌نوشت و ما طلاب از وحشت دیگر قادر بر سخن گفتن نبودیم، و خانم بنده نقل می‌نماید که قبل از اینکه من شوهر کنم در نجف آباد بودم و چون در آن زمان منازل، آب لوله‌کشی نداشت ما می‌رفتیم از قنات آب می‌آوردیم، قناتی در نجف آباد است به نام شیر بچه که با سطح زمین تقریباً چهار متر و خورده‌ای فاصله داشت که هم‌اکنون هم هست و از آبش مردم استفاده می‌کنند، خلاصه می‌گویم رفتن آب بیاورم دیدم سیدی نورانی بر روی آب نشسته و جا نماز خود را پهن نموده و بر روی قبله نشسته است تا من نگاه کردم او به من نظر فرمود، من هم چون به حد بلوغ نرسیده بودم از دیدن منظره دلهره و اضطراب مرا گرفت و رفتم به مادر خود و دیگران گفتم، آنها نگاه کردند و چیزی ندیدند، باز من نگاه کردم و حضرت را دیدم و به آنها گفتم، آنها باز نگاه کردند و چیزی ندیدند، من به همسرم گفتم، حضرت به تو توجه نموده است.

احمدیه، حمید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: چشم پزشکی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی چشم پزشکی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۱، طی دوره فلوشیپ ویترورتین در مرکز پزشکی شهید لبافی نژاد از سال ۱۳۶۳ تا سال ۱۳۶۵.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه علوم پزشکی بهشتی از سال ۱۳۶۴.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی عوامل مؤثر در دید نهایی چشم‌های آسیب دیده بعد از انجام ویتروکتومی عمیق، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: -

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲ تعداد مقالات به زبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

چشم پزشکی و عمدتاً ویترورتین.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

احمر، ابو عبدالله جعفر

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۶۷/ ۱۶۵- ۹۸ ق)، محدث. از اصحاب امام صادق (ع) و از ثقات نام‌آور حدیث است که از اعمش و بیان بن بشر و منصور بن معتمر و ابواسحاق شیبانی و جمعی دیگر روایت کرد. سفیان بن عیینه و وکیع بن جراح و عبیدالله بن موسی و ابوغسان نهدی و عبدالرحمن بن مهدی و دیگران از او روایت کرده‌اند. ترمذی در «صحیح» خود و ابوداوود در کتاب «المسائل» و نسایی در کتاب «خصائص علی (ع)» از او نقل حدیث کرده‌اند. وی اظهار تشیع می‌کرد و علمای اهل سنت همچون ابن معین، یعقوب بن سفیان، ابوزرعه، ابوداوود و نسائی ضمن تصریح به شیع او و وثاقت او را نیز متذکر شده‌اند. او به خراسان آمد و از رؤسای شیعه خراسان شد. در رابطه با مسائل حکومتی گزارشاتی علیه او به منصور خلیفه رسید، دستور داد تا او را دستگیر و به وضع خفت بار و توهین آمیزی به بغداد آورده و زندانی کردند. پس از مدتی طولانی آزاد شد. وی در کوفه وفات یافت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۰۸- ۱۰۷/ ۴)، تاریخ بغداد (۱۵۲- ۱۵۰/ ۷)، تاریخ الکبیر (۱۹۲/ ۲)، تهذیب التهذیب (۸۴- ۸۳/ ۲)، الجرح و التعديل (ج ۱، ق ۴۸۰/ ۱)، رجال الطوسی (۱۶۱)، ریحانه (۸۲/ ۱)، الکنی و الالقاب (۱۲- ۱۱/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ابو عبدالله)، میزان الاعتدال (۴۰۷/ ۱).

احیاء الملک، محمدخان

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۷- ۱۲۴۳ ق)، چشم پزشک. در تهران متولد شد و تحصیلات مقدماتی و علوم قدیم را نزد استادان وقت فراگرفت. سپس در دارالفنون به تحصیل طب پرداخت، آنگاه برای تکمیل تحصیلات به پاریس رفت. در سال ۱۳۰۷ ق به ایران بازگشت و به عنوان پزشک مخصوص وارد دربار ناصرالدین شاه شد و تا پایان عمر او در همین سمت باقی ماند. پس از مرگ ناصرالدین شاه، در خدمت علی اصغرخان اتابک بود. در بحبوحه‌ی انقلاب مشروطه توسط عین‌الدوله مدتی به اروپا تبعید شد. پس از مراجعت چند سالی با سمت استاد کالبدشناسی در دارالفنون تدریس کرد. سرانجام در تهران در گذشت و پیکرش در امامزاده عبدالله در مقبره‌ی سعدالدوله به خاک سپرده شد. اثر وی: «طب الناظرین».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ انقلاب مشروطیت (۳۱۶/ ۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۹۸/ ۱)، شرح حال رجال (۲۶۲/ ۳).

اخباری نیشابوری اکبرآبادی، جمال‌الدین، ابواحمد محمد

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۱۷۸- مقتول ۱۲۳۲ ق)، متکلم، فقیه، محدث و شاعر. مشهور به محدث اخباری و به خاطر پدر نیشابوری‌اش مشهور به محدث نیشابوری است. در اکبرآباد هند به دنیا آمد. در ۱۱۹۸ ق از هند به زیارت خانه خدا رفت و در بازگشت در نجف و کربلا و کاظمین برای تحصیل علوم دینی اقامت گزید و در کلام و الهیات و فقه و دیگر علوم تبحر یافت. در عهد فتحعلی شاه برای مدتی به ایران آمد. وی به فارسی و عربی شعر می‌سرود. ملا- عبدالحسین و ملافتحعلی خان شیرازی، از نوادگان کریم خان زند، مولف «الفوائد الشیرازیة»، و ملا محمد باقر لاری دشتی، شارح رساله‌ی «البرهانیة»، و ملا عبدالصاحب دوانی، مولف «الفوائد الذهبیه»، و سید محمد جواد سیاه پوش از شاگردان وی هستند در علوم عقلی و نقلی دارای هشتاد تألیف است. از جمله آثار وی: «تسلية القلوب الحزینة»، به سبک و سیاق کشکول در ۱۰ مجلد، «الکتاب المبین»، در اثبات امامت طاهرین؛ «آئینه‌ی عباسی» یا «امالی عباسی»؛ «دوائر العلوم» یا «تحفه الخاقان»؛ «التحفه»، در فقه، از طهارت تا دیات؛ «الدرّ الفرید و معراج التوحید»؛ «البرهان فی التکلیف و البیان» یا «البرهانیة»، در تقویت مسلک اخباری؛ «قلع الاساس»، در نقض «اساس الاصول» سید دلدار علی هندی؛ «الدمدمة الکبری»، در ردّ زنا رقه صغری، که به گفته‌ی شاگردش ملافتحعلی در ردّ اصولیین است؛ «قبسه العجول فی الاخبار و الاصول» که میرزای قمی کتاب «عین العین» را در ردّ آن نوشت و میرزامحمد اخباری در ردّ کتاب میرزای قمی کتاب «انسان العین فی ردّ کتاب عین العین» را نگاشت؛ «مصادر الانوار فی الاجتهاد و الاخبار»؛ «کوثر الاسرار فی شرح معضلات الاخبار»؛ «فصل الخطاب فی نقض مقاله ابن عبدالوهاب»؛ «کلیات الرجال»؛ «ذخیره الالباب»؛ رساله «الاعتذار»؛ «دیوان» بزرگ شعر فارسی و «دیوان» شعر به عربی. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۹/ ۳۹۲)، ایضاح المکنون (۶۶۳، ۵۹۷، ۴۹۰، ۴۳۰، ۳۹۲، ۳۸۰، ۳۲۷، ۲۳۹، ۲۲۰، ۱۹۱، ۱۵۹، ۸۹، ۷۲، ۶۲، ۶۰، ۵۵، ۴۹، ۲/ ۵۵۹، ۵۴۱، ۴۸۱، ۴۴۷، ۴۱۲، ۴۱۱، ۴۰۳، ۴۰۰، ۲۸۷، ۲۵۵، ۲۴۲، ۱۳۷، ۱۳۲، ۱/ ۱۲۴)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۴۴- ۲۴۳/ ۴)، الذریعه (۳۷۳/ ۱۹)، ۱۸۲، ۱۸/ ۱۲۹، ۱۷/ ۱۸۰، ۱۶/ ۲۲۹، ۳۴۴، ۱۵/ ۱۰۴، ۱۴/ ۲۵۲، ۱۴/ ۱۴، ۱۰/ ۹۶۸، ۶۱، ۹/ ۶۰- ۲۶۷، ۲۶۳، ۶۹، ۶۷، ۸/ ۵۳، ۱/ ۵۳)، روضات الجنات (۱۳۸- ۱۲۱/ ۷)، ریحانه (۸۶- ۸۵/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۴۷)، لغت‌نامه (ذیل/ محمد اخباری)، مکارم الآثار (۹۴۴- ۹۲۵/ ۳).

اخباری، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(حاج میرزا...) (و. ۱۱۹۸ ف. ۱۲۳۲ ه. ق در کاظمین). یکی از علمای بزرگ و به فرقه‌ی اخباریه منتسب است، از اهالی نیشابور و عالمی بزرگ بود، وی فرزند عبدالنبی نیشابوری است. میرزا محمد چون در مذهب به طریقه‌ی اخباریه رفتار می‌کرده معاصرینش که عموماً پیرو طریقه‌ی اصولیه بوده‌اند با وی مخالف بودند. داستان چله نشستن او به منظور کشته شدن سردار روسی معروف است: اشپختر.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

اخترشهر، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اختر شهر

محل تولد: لاهیجان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۷/۱

زندگینامه علمی

علی اختر شهر متولد ۱۳۴۸ از شهرستان لاهیجان دیده به جهان گشود. دوران تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه خود را در همان شهرستان گذراند و پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۶۷ برای کسب تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه قم شد. وی در کنار تحصیلات حوزوی به تحصیل علوم دانشگاهی پرداخت. بعد از اتمام سطح مدت ۷ سال در درس خارج فقه و اصول اساتید: چون آیت الله جوادی آملی و آیت الله شبیری زنجانی به کسب علم پرداخت و تحصیلات دانشگاهی را تا مقطع کارشناسی ارشد با رتبه اول پشت سر گذاشت. در سال ۱۳۸۴ در رشته انقلاب اسلامی مقطع دکتری در مؤسسه پژوهشی و آموزشی امام خمینی (ره) مشغول به تحصیل می‌باشد.

در کنار تحصیل به تدریس در دانشگاه‌های قم، اراک، آشتیان، تفرش، لاهیجان و سمنان پرداخت و از طرف معاونت امور اساتید نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری موفق به اخذ درجه استادیاری شد و استاد نمونه سال ۸۲ در اراک و سال ۸۵ در دانشگاه سمنان گردید.

در کنار تحصیل و تدریس به امر پژوهش پرداخت و تا به امروز بالغ بر ۳۰ مقاله و چندین کتاب به رشته تحریر درآورد. در سال ۸۵ دو پژوهش وی با عنوان "اسلام و توسعه" و "جامعه‌پذیری سیاسی در حکومت دینی" در کنگره دین پژوهان، پژوهش برگزیده گردید و کتاب "جامعه‌پذیری سیاسی" در سال ۸۶ رتبه اول کتابهای فصل جمهوری اسلامی ایران که از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بر گزار می‌گردد، را اخذ نمود.

از مسئولیت اجرائی معاون پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تا سال ۸۳ و کارشناس مسئول امور حلقات در کانون اندیشه جوان تا سال ۸۴ و کارشناس امور ارزیابی اساتید تاکنون در معاونت امور اساتید قم، مدیر گروه معارف اسلامی در دانشگاه آزاد اسلامی لاهیجان و مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه دولتی سمنان تاکنون می‌باشد.

اختری یزدی، مولانا

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم ق)، طیب، منجم و شاعر. بعد از تحصیل طب و نجوم و دیگر علوم و فنون به سرزمین هندوستان سفر کرد و بعد از سی و هفت سال اقامت در آن سرزمین به یزد بازگشت و تشکیل خانواده داد. مجدداً به هندوستان رفت و در آن دیار درگذشت. از اوست:

شکفته غنچه‌ی عیشم ز شاخ یاسمنی

که آرزوی نسیمی ازو به از چمنی

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی سخنوران یزد (۹-۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۸۵)، جامع مفیدی (۴۵۱-۴۵۰/۳)، الذریعه (۶۲-۶۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۸)، کاروان هند (۳۰-۲۷/۱).

اختیارالدین حسین

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۲۸ ق)، شاعر، ادیب و خطاط. وی اهل تربت حیدریه بود. در جوانی از ولایت زاوه به هرات رفت و به تحصیل علوم دینی پرداخت و پس از آن به فن انشاء و شعر و معما نیز آگاهی یافت. در ابتدا کاتب محکمه‌ی قضاوت نظام‌الدین امیر علیشیر بود و در زمان سلطان حسین بایقرا به منصب قضاوت رسید و به دلیل دانش و کمالاتش سرآمد قضاات زمان خود شد. در عهد ابوالفتح محمد خان شیبانی نیز در کار قضاوت بود، ولی پس از کشته شدن آن پادشاه به تربت رفت و به امر کشاورزی پرداخت. در همان قصبه بدرود زندگانی گفت. از آثار وی: «اساس الاقتباس»؛ «مجالس الملوک»؛ «مختار اخبار در میان فضلالی روزگار»؛ «مقالات حسینی»؛ «قیاسات»؛ مثنوی «عدل و جود».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۲۷۸)، تاریخ هنرهای ملی (۲/۹۱۷)، تحفه‌ی سامی (۴۹)، تذکره‌ی روز روشن (۴۴-۴۳)، حبیب السیر (۳۵۶-۳۵۵/۴)، خوشنویسان و هنرمندان (۸۰)، الذریعه (۲۴۶-۲۴۵/۱۹، ۶۲/۹)، روضه‌الصفاء (۲۹۳-۲۹۲/۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۸/۱۰)، فرهنگ سخنوران (۴۸)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۱۳)، لغت‌نامه (ذیل/ اختیارالدین) مجالس النفائس (۲۷۱، ۹۵)، هدیه‌العارفین (۱/۳۱۷).

اخسیکتی، ابوالوفاء محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۵۲۰ ق)، لغوی و مورخ. معروف به ابن ابی‌المناقب. وی برادر ابورشاد اخسیکتی است. در اخسیکت فرغانه ماوراءالنهر متولد شد، همراه برادر به مرو رفت و در آن شهر تحصیل کمال کرد و از ادیبان به نام روزگار خود شد. پایان عمر را در همان شهر زیست تا درگذشت. از آثار وی: «التاریخ»، که به «تاریخ ابی‌الوفاء الاخسیکتی» معروف است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۱/۲۱۲)، ریحانه (۷/۳۶۷)، کشف‌الظنون (۲۸۱)، معجم‌الادباء (۵۵-۵۲/۵)، معجم‌البلدان (۱۴۸/۱)، معجم‌المؤلفین (۱۱/۲۵۹).

اخسیکتی، ابورشاد احمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۲۸/ ۵۲۶- ۴۶۶ ق)، ادیب، شاعر، نویسنده و مورّخ. ملقب به ذوالفضائل، و منسوب به اخسیکت ماوراءالنهر در نظم و نثر و نحو و لغت دستی توانا داشت و مرجع استفاده‌ی اکثر فضلا و کاتبان دیوان سلاطین بود. در مرو وفات یافت. از تألیفات او: «تاریخ ابی‌رشاد»؛ «الزوائد»، شرح «سقط الزند» ابوالعلاء معری؛ «کتاب فی قولهم کذب علیک کذا»؛ «دیوان» شعر. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۰۸/ ۱)، ایضاح المکنون (۲۱۲/ ۱)، روضات الجنات (۲۶۹- ۲۶۸/ ۱)، ریحانه (۱۱۰/ ۷)، کشف الظنون (۹۳۳- ۲۸۰)، لغت‌نامه (ذیل / احمد)، معجم الادباء (۵۵- ۵۲/ ۵)، معجم المؤلفین (۱۴۴/ ۲).

اخسیکتی، ابوالوفاء محمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۴۴ ق)، فقیه و اصولی حنفی. معروف به ابن ابی المناقب ملقب به حسام‌الدین. از اهالی اخسیکت از شهرهای فرغانه ماوراءالنهر بود. از آثارش: «منتخب فی اصول المذهب»، که به «منتخب حسامی» معروف است و عده‌ای از جمله عبدالعزیز بن احمد نجاری بر آن شرح نوشته‌اند؛ «مفتاح الاصول»؛ «غایة التحقیق» و «دقائق الاصول و التبیین». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۵۶- ۲۵۵/ ۷)، ریحانه (۳۶۷/ ۷)، کشف الظنون (۱۸۴۸)، لغت‌نامه (ذیل / اخسیکتی)، معجم المؤلفین (۲۵۳/ ۱۱)، هدیة العارفین (۱۲۳/ ۲).

اخضری، حجت الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجت الله اخضری

محل تولد: نجف آباد اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۴۱ در شهرستان نجف آباد اصفهان متولد و در سال ۱۳۶۰ در رشته حسابداری از دبیرستان فارغ التحصیل شدم. سپس حدود یک سال در کمیته فرهنگی جهاد سازندگی نجف آباد در روستاهای توابع مشغول بودم. بعد از آن وارد حوزه علمیه نجف آباد شدم و از مقدمات و سیوطی و حاشیه ملاعبده را به اتمام رساندم و در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و ابتدا در مدرسه امام محمد باقر (ع) تا پایان لمعتین و اصول مظفر تحت برنامه مدرسه به اتمام رساندم و با تشکیل خانواده از مدرسه خارج و به طور آزاد دروس حوزه را ادامه دادم. حدود سال ۱۳۷۰ دوره سطح حوزه را به اتمام رساندم و از سال ۱۳۷۱ با حضور در درس خارج فقه آیه الله منتظری و اصول آیه الله مکارم شیرازی خارج فقه و اصول را شروع کردم. در همین ایام بود که ضمن تحصیل در مرکز تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی روزانه حدود سه ساعت شروع به کار کردم که این ورود در کارهای تحقیقاتی شد.

اخفش اوسط خوارزمی بلخی، ابوالحسن سعید

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۲۱/ ۲۱۵ ق)، نحوی، لغوی و عروضی. ملقب به اخفش. در خوارزم متولد شد و در بصره رشد و نمود کرد. وی از موالی بنی مجاشع بن دارم از نحویین بصره و از شاگردان سیبویه در نحو بود. صاحب کتاب «البعیة» او را معتزلی می‌داند اخفش از کلبی و نخعی و هشام بن عروه حدیث شنید و ابوحاتم سجستانی از وی روایت می‌کرد. اخفش دچار ضعف بینایی بود، چشمان ریزی نیز داشت و اجلع هم بود یعنی دو لب او بر هم بسته نمی‌شد. در ابتدا به اخفش اصغر معروف بود، اما پس از آنکه علی بن سلیمان نحوی به اخفش معروف شد او را اخفش اوسط و علی بن سلیمان را اخفش اصغر خواندند. چون از لحاظ سنی از سیبویه بزرگتر بود نه تنها از سیبویه بلکه از محضر استادان سیبویه نیز استفاده کرد. وی راوی و شارح «الکتاب» سیبویه نیز آن را برای کسی نخوانده بود، به همین جهت ابو عمر جرمی و ابو عثمان مازنی دو تن از شاگردان سیبویه پس از مرگ وی بیم آن داشتند که اخفش آن را به نام خود کند، از این رو با بذل مال «الکتاب» را نزد اخفش خواندند و آن را به نام سیبویه منتشر کردند. اخفش معتقد بود که سیبویه هر چه را می‌خواست وارد «الکتاب» کند بر وی عرضه می‌کرد و نیز ادعا می‌کرده است که او به مضامین «الکتاب» داناتر از سیبویه بود، گرچه در آغاز سیبویه داناتر از او بوده است. اخفش پس از شکست سیبویه از کسائی، در مناظره مشهور، به بغداد رفت و در مسجد کسائی دو رکعت نماز صبح را به او اقتدا کرد و سپس در حضور شاگردانش سؤالاتی از وی نمود و جوابهای او را رد کرد تا جایی که شاگردان کسائی قصد حمله به او را کردند ولی کسائی مانع شد، و هنگامی که شناختش به او احترام گذاشت و او را معلم فرزندانش کرد. کسائی «الکتاب» سیبویه را نزد او خواند و هفتاد هزار دینار در ازای آن به وی بخشید. وی شعر می‌گفت و استخراج بحر خبب را در علم عروض که به عبارت دیگر همان بحر المتدارک است به او نسبت می‌دهند. وی صاحب آثار بسیاری است که عبارت‌اند از: «کتاب الاوسط»، در نحو؛ «تفسیر معانی القرآن»؛ «کتاب المقایس»، در نحو؛ «کتاب الاشتقاق»؛ «کتاب الاربعه»؛ «کتاب العروض»؛ «کتاب المسائل الکبیر»؛ «کتاب المسائل الصغیر»؛ «کتاب القوافی»؛ «کتاب الملوک»؛ «کتاب معانی الشعر»؛ «کتاب وقف التمام»؛ «کتاب الاصواب»؛ «کتاب اللامات»، در قرآن؛ «کتاب الوقف التام»؛ «المعاية»، که در خزانه الادب تألیف عبدالقادر بغدادی از آن نام برده شده است؛ «کتاب صفات الغنم و الوانها و علاجها و اسبابها»؛ «غریب القرآن».[۱]

(بخش ۱) سعید بن مسعوده مجاشعی بالولاء خوارزمی بلخی، مکنی به ابوالحسن و ملقب به اخفش اوسط (ف. ۲۲۱ ه.ق. / ۸۳۶ م. و به قولی ۲۱۵ ه.ق. / ۸۳۰ م.). عالم نحو و ایرانی و از موالی بنی مجاشع بن دارم و از بصریان است. او شاگرد سیبویه و یکی از اصحاب اوست. اخفش از حماد بن زبرقان روایت دارد. از مؤلفات اوست: کتاب الاوسط فی النحو، کتاب تفسیر معانی القرآن، کتاب المقایس فی النحو، کتاب الاشتاق، کتاب العروض. او را در اول اخفش اصغر می‌نامیدند و پس از ظهور علی بن سلیمان اخفش، ابوالحسن سعید را اخفش اوسط گفتند و علی را اخفش صغیر. چون اخفش مطلق گویند مراد همین اخفش است بز اخفش. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] الاعلام (۱۵۵-۱۵۴/۳)، اعیان الشیعه (۲۴۹-۲۴۸/۷)، ایضاح المکنون (۲/۲۶۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۹/۱۲۶)، تاریخ برگزیدگان (۲۶۴/۲۶۵)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۳۳۳-۱۳۳۲/۱۰)، روضات الجنات (۵۳-۵۰/۴)، ریحانه (۹۱-۹۰/۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۵۵-۱۵۴/۱)، سیر النبلاء (۲۰۸-۲۰۶/۱۰)، کشف الظنون (۱۷۹۲، ۱۷۳۰، ۱۶۷۰، ۱۴۶۳، ۱۴۵۱، ۱۴۳۸، ۱۳۹۲، ۱۳۹۱، ۱۲۰۷، ۲۰۱)، الکنی و الالقاب (۱۷-۱۶/۲)، لغت‌نامه (ذیل / اخفش)، معجم الادباء (۲۳۰-۲۲۴/۱۱)، المعجم فی معاییر اشعار العجم (۳۵-۳۴)، معجم المؤلفین (۲۳۲-۲۳۱/۴)، نام‌آوران فرهنگ (۱۰-۱۰۹)، الوافی بالوفیات (۲۶۰-۲۵۸/۱۵)، وفیات الاعیان (۳۸۱-۳۸۰/۲)، هدیة العارفین (۱/۳۸۸).

اخوان ذاکری، اسکندر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

اخوان طبسی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد اخوان طبسی

محل تولد: طبس

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد اخوان طبسی در سال ۱۳۵۴ یا ۱۳۵۵ بود که برای تحصیل علوم حوزوی به شهر قم آمدم و در مدرسه علمیه ای که در خیابان صفائیه کوچه ممتاز به نام مدرسه رسالت معروف بود مشغول به تحصیل شدم. بعد از انقلاب هم در مدارس دیگری به تحصیل اشتغال داشتم از جمله سه سال در مدرسه علمیه اسلامیة و سه سال هم در اصفهان و بعد هم دوباره به قم برگشتم و تا به

حال ساکن قم بوده ام.

برای تدریس به مدارس علمیه چند شهر به نامهای آباده، گرگان، شیراز، گلپایگان، لردگان که از جمله آنهاست رفته ام.

اخوان طبسی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد اخوان طبسی

محل تولد: طبس

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمداخوان طبسی در سال ۱۳۵۴ یا ۱۳۵۵ بود که برای تحصیل علوم حوزوی به شهر قم آمدم و در مدرسه علمیه ای که در خیابان صفائیه کوچه ممتاز به نام مدرسه رسالت معروف بود مشغول به تحصیل شدم. بعد از انقلاب هم در مدارس دیگری به تحصیل اشتغال داشتم از جمله سه سال در مدرسه علمیه اسلامی و سه سال هم در اصفهان و بعد هم دوباره به قم برگشتم و تا به حال ساکن قم بوده ام.

برای تدریس به مدارس علمیه چند شهر به نامهای آباده، گرگان، شیراز، گلپایگان، لردگان که از جمله آنهاست رفته ام.

اخوان مرعشی، کاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جنابان حجتی‌الاسلام و المسلمین و سیدی‌الاعلام و المعاصرین حاج سید کاظم و حاج سید مهدی آقا مشهوران باخوان المرعشی فرزندان عالم جلیل آیت‌الله مرحوم حاج سید محمدرضا رفسنجانی مرعشی از علماء اعلام و اکابر فضلاء و مدرسین حوزه قم و نجف اشرف می‌باشند.

این دو برادر در پانزدهم شعبان المعظم ۱۳۳۷ قمری که مصادف با یکهزار و هشتاد و دومین سال ولادت حضرت ولی‌الله اعظم حجه بن الحسن العسکری ارواحنا له الفداء می‌باشد در باب طوسی نجف اشرف با هم از یک مادر عقیقه فاضله علویه از بیت مرحوم آیت‌الله العظمی مجدد شیرازی متولد و از جهت شباهت چنان با یکدیگر شباهت دارند که گاهی تشخیص و تمیز آنان از یکدیگر مشکل است و آنها تا سال ۱۳۴۷ قمری در نجف بود، آنگاه به رفسنجان آمده و تا سال ۱۳۵۳ قمری در بلوک کشکوئیه رفسنجان که علاقه ملکی داشتند تکمیل دروس فارسی نموده و پس از آن در اثر اهتمام والده ماجده به قم آمده در ایامی که به واسطه

پاره‌ای از جهات نوعاً از روحانیت و طلبگی فرار می‌کردند شوق مفروطی به تحصیل علم و کمال نموده و در مقابل سختیها استقامت ورزیده و ادبیات و سطوح را تکمیل و حاضر به درس خارج اساتید بزرگ که حوزه چون مرحوم آیت‌الله حجت کوهکمری و آیت‌الله مرحوم حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌الله صدر و بالاخص مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی شده تا جائی که موفق به اکتساب جمیع مبانی اصولیه و فقهیه از نظر اجتهاد و حصول رای شده و گاهی در مباحثات و مناقشات علمی موجب تغییر رای اساتید می‌شدند.

و پس از تکمیل مراتب عالیّه در سال ۱۳۷۰ قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و در محضر بحث استفتائی مرحوم آیت‌الله العظمی آقای امیرزا عبدالهادی شیرازی (والد معظم همسران خود) شده و چهارسال هم به بحث خارج آن مرحوم شرکت نموده و مدت بیست و دو سال در حوزه نجف اشتغال به بحثهای خصوصی و تدریس سطوح سپس خارج فقه و اصول داشته تا در سال ۱۳۹۲ قمری که جناب آقای حاج سید کاظم آقا به ایران آمدند و در قم ساکن گشتند.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

اخوان مرعشی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جنابان حجّتی‌الاسلام و المسلمین و سیدی‌الاعلام و المعاصرین حاج سید کاظم و حاج سید مهدی آقا مشهوران باخوان المرعشی فرزندان عالم جلیل آیت‌الله مرحوم حاج سید محمدرضا رفسنجان‌ی مرعشی از علماء اعلام و اکابر فضلاء و مدرسین حوزه قم و نجف اشرف می‌باشند.

این دو برادر در پانزدهم شعبان المعظم ۱۳۳۷ قمری که مصادف با یکهزار و هشتاد و دومین سال ولادت حضرت ولی‌الله اعظم حجه بن الحسن العسکری ارواحنا له الفداء می‌باشد در باب طوسی نجف اشرف با هم از یک مادر عقیقه فاضله علویه از بیت مرحوم آیت‌الله العظمی مجدد شیرازی متولد و از جهت شباهت چنان با یکدیگر شباهت دارند که گاهی تشخیص و تمیز آنان از یکدیگر مشکل است و آنها تا سال ۱۳۴۷ قمری در نجف بود، آنگاه به رفسنجان آمده و تا سال ۱۳۵۳ قمری در بلوک کشکوئیه رفسنجان که علاقه ملکی داشتند تکمیل دروس فارسی نموده و پس از آن در اثر اهتمام والده ماجده به قم آمده در ایامی که به واسطه پاره‌ای از جهات نوعاً از روحانیت و طلبگی فرار می‌کردند شوق مفروطی به تحصیل علم و کمال نموده و در مقابل سختیها استقامت ورزیده و ادبیات و سطوح را تکمیل و حاضر به درس خارج اساتید بزرگ که حوزه چون مرحوم آیت‌الله حجت کوهکمری و آیت‌الله مرحوم حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌الله صدر و بالاخص مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی شده تا جائی که موفق به اکتساب جمیع مبانی اصولیه و فقهیه از نظر اجتهاد و حصول رای شده و گاهی در مباحثات و مناقشات علمی موجب تغییر رای اساتید می‌شدند.

و پس از تکمیل مراتب عالیّه در سال ۱۳۷۰ قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و در محضر بحث استفتائی مرحوم آیت‌الله العظمی آقای امیرزا عبدالهادی شیرازی (والد معظم همسران خود) شده و چهارسال هم به بحث خارج آن مرحوم شرکت نموده و مدت بیست و دو سال در حوزه نجف اشتغال به بحثهای خصوصی و تدریس سطوح سپس خارج فقه و اصول داشته تا در سال ۱۳۹۲ قمری که جناب آقای حاج سید کاظم آقا به ایران آمدند و در قم ساکن گشتند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

اخوان نیاکان، اسفندیار

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ارتدنسی، دانشکده: دندانپزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای دندانپزشکی از دانشگاه علوم پزشکی تهران و گذراندن یک سال دوره اندر گراجوئت در دانشگاه مونترال کانادا، اخذ درجه تخصصی ارتدنسی از دانشگاه مونترال کانادا.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

دندانپزشکی و ارتدنسی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۴ پایان‌نامه دکترا و ۳ پایان‌نامه تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

کراس بایتها عوارض و درمان آنها، شناخت بیومکانیک و کاربرد آن در ارتدنسی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲ تعداد مقالات به زبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

کاربرد وسایل ارتدنسی و تمایل تجمع میکروبی روی آنها، بررسی تخریب انساج داخل دهان در اثر کاربرد نیروهای نامناسب.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

اخویان، محمد علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد علی اخویان

محل تولد: کوه‌دشت لرستان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد علی اخویان در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه شدم و در سال ۱۳۷۴ در رشته تخصصی کلام از موسسه امام صادق (ع) فارغ التحصیل شدم و حدود یک دوره اصول حضرت آیت الله سبحانی شرکت نمودم و بیش از ۸ سال در درس خارج آیت الله فاضل و آیت الله نوری همدانی و آیت الله وحید خراسانی شرکت نمودم.

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی را از دانشگاه پیام نور تهران اخذ کردم و کارشناسی ارشد تاریخ عمومی جهان را از دانشگاه واحد مرکز تهران گرفتم. همچنین در دانشگاه‌های مختلف از جمله هنر، آزاد اسلامی تهران، دانشگاه قم، باقرالعلوم (ع)، دانشگاه اراک، حوزه علمیه شهید صدوقی فاز ۴ و ۵ تدریس داشته و دارم.

اخوینی بخارائی، ابوبکر ربیع

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۳۷۳ ق)، طیب و نویسنده. اهل بخارا بود و شاگرد ابوالقاسم طاهر بن محمد بن ابراهیم مقانعی رازی و ابوالقاسم مقانعی شاگرد فیلسوف و پزشک معروف، زکریای رازی بود. آگاهی ما درباره‌ی حوادث زندگانی اخوینی محدود است. در همه‌ی عمر به کار طبابت اشتغال داشت و در عصر خود پزشکی مشهور بود و به علت توفیق در درمان بیماران مالیخولیایی او را بجشک دیوانگان می‌نامیده‌اند. علت شهر اخوینی چیزی جز این نبود که وی در آن روزگار از مرز تقلید به مرحله‌ی اجتهاد رسید. وی برای درمان بعضی از بیماریها نسخه‌های ابتکاری پیشنهاد کرد. از آثار اخوینی به جز کتاب مفصل «هدایة المتعلمین فی الطب» که به نامهای «هدایه» و «کناش» نیز خوانده شده، اثر دیگری در دست نیست. گرچه، خود او در همان کتاب از دیگر آثار خود: «قربادین»؛ «کتاب نبض»؛ «کتاب تشریح» اسم می‌برد. کتاب «هدایه» دارای یک فهرست مطالب و سه قسمت اساسی در دو بیست باب است. با آنکه این کتاب براساس طب رازی نوشته شده، پس از کتاب «قانون» ابن سینا همچنان از مشهورترین کتاب طب است. چنانکه در اواسط قرن ششم قمری، نظامی عروضی آن را از جمله «کتب وسط» طبی خواند. اهمیت کتاب «هدایه» به دو جهت است، نخست اینکه از قدیمترین آثار پزشکی است و دو دیگر از آن جهت که از شمار کهنه‌ترین آثار منثور زبان فارسی است. مؤلف بر خلاف شیوه معمول نویسندگان که کتاب خود را به سلاطین و امرا تقدیم می‌کرده‌اند، مقدمه کتاب را به نام فرزند خود نوشته.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۶۲۱)، تاریخ طب (۲/ ۶۴۰)، چهار مقاله (۱۱۰)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۰۹- ۱۰۰۸)، الذریعه (۱۸۹/ ۲۵)، گنج و گنجینه (۲۹- ۲۵)، لغت‌نامه (ذیل/ ربیع بن احمد)، یادگار (ش ۵۵/ ۷- ۶)، یغما (س ۳، ش ۱۲، ص ۵۱۹- ۴۹۷).

ادب کرمانشاهی، محمدتقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۲۸۰ ق)، خطاط، شاعر و ادیب. وی از سلسله‌ی سادات کرمانشاه بود. از بیشتر علوم متداول زمان خود بهره‌ی کافی داشت. مردی ادیب و دانشمند بود. کتابی به سبک «گلستان» سعدی پرداخته و در آن حکایات خوبی همراه با شعر آورده است. وی در خط شکسته مهارت داشت. ادب در کرمانشاه بدرود حیات گفت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حقیقه‌ الشعراء (۱۰۸-۱۰۲/۱)، الذریعه (۱۷۳-۱۷۲/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۵۰).

ادریسیان، غلامحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۰، مرتبه علمی: استاد، رشته: بهداشت، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای داروسازی در سال ۱۳۳۶، تخصص علوم آزمایشگاهی از دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۴، دوره تخصصی ماسترانگل‌شناسی پزشکی از دانشگاه لندن در سال ۱۳۴۸، گذراندن دوره مالاریولوژی در دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۲۶، طی دوره ریشه‌کنی مالاریا در جامائیکا در سال ۱۳۴۳ و دوره تکنیک‌های سرولوژی IFA.IHA، ELISA در انگلستان و هلند در سالهای ۱۳۵۱ و ۱۳۵۴، گذراندن دوره کشت انگل مالاریا در پاناما در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مالاریای ناشی از انتقال خون، بررسی سرواپیدمیولوژی مالاریا، کالاآزار و توکسوپلاسموز در بعضی از مناطق تهران، ارتباط پادتن دی مالاریا و کمبود G₆PD، تعیین میزان خونخوری پشه آنوفل در انسان بررسی عفونت‌های تک یاخته‌ای در پستانداران، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۷ پایان‌نامه دکتر.

ابداع:

استفاده از روش ELISA در تعیین خونخواری پشه و تشخیص لکه خون انسان برای اولین بار در دنیا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

همکاری در تدوین و ترجمه راهنمای میکروسکوپی مالاریا، همکاری در تهیه نشریه آموزشی تک یاخته‌شناسی پزشکی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۷ تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳۷

زمینه علمی مقالات:

روشهای تشخیص پرابیولوژی و سرولوژی بررسی سرواپیدمیولوژی، تعیین میزان بروز و شیوع بیماری مالاریا. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

ادیب اصفهانی، عباسعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج ملا- عباسعلی ادیب حبیب‌آبادی اصفهانی یکی از علماء به نام و مدرسین کرام و ائمه جماعات عالی مقام معاصر اصفهانی است.

ایشان در حدود ۱۳۲۰ قمری هجری در حبیب‌آباد به دنیا آمده و پس از پرورش صحیح و گذرانیدن دوران کودکی و خواندن دروس ابتدائی و مقدماتی در زادگاه خود به اصفهان آمده و سطوح فقه و اصول را در خدمت مدرسین بزرگ آموخته و از محضر و دراسات علماء بزرگ اصفهان استفاده کامل نموده و چندی به محل اولیه خود مراجعت و اقامت فرموده سپس هجرت به اصفهان و در مدرسه صدر و بعضی از مدارس دیگر به تدریس سطوح و در بعضی از مساجد هم به اقامه جماعت و ترویجات دینی تاکنون اشتغال دارند دارای آثار علمی مطبوع و غیره می‌باشند.

تالیفات جناب آقای ادیب اصفهانی.

۱- ارث الشیعه.

۲- مناسک.

۳- زیارت مدینه.

۴- وظیفه الشیعه (شرح دعاء ندبه).

۵- هدیه‌العباد در احوال صاحب ابن عباد.

۶- قطبیه در اوقات شهرهای قطب.

۷- تطبیق در تطبیق سالهای شمسی به قمری و برعکس.

۸- احسن التقویم در اوقات شبانه‌روزی اصفهان و شهرهای در عرض آن.

۹- احسن التقویم برای کاشان و شهرهای در عرض آن.

۱۰- احسن التقویم برای تهران و شهرهای در عرض آن.

۱۱- ملحقات قضایای امیرالمومنین (ع).

۱۲- معرفه القبلة در تعیین قبله‌های ایران از روی آفتاب در تمام سال.

نویسنده کرارا برای معظم‌له نامه نوشته و به وسیله دوستان اصفهانی پیام داده که شمه‌ای از ترجمه و زندگینامه فهرست آثار خود را ارسال تا زینت گنجینه گردانم ولی متأسفانه ما را از این فیض محروم داشت.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

ادیب السلطنه سمیعی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۳-۱۲۹۳ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به عطا. در رشت متولد شد و تحصیلات خود را در تهران و کرمانشاه به پایان رسانید. از محضر ابوالفقراء اصفهانی و میرزا سالک کرمانشاهی کسب فیض کرد. به استانبول رفت و پس از پنج سال به تهران بازگشت، آنگاه به مشاغل دولتی پرداخت و به مقاماتی رسید. وی چند سال ریاست انجمن ادبی فرهنگستان را عهده‌دار بود و مطالعه‌ی کتاب و معاشرت با ادبا و سرودن شعر از سرگرمی‌های او بود. از آثارش: «رساله‌ی جان کلام»، «رساله‌ی دستور زبان فارسی»، «آرزوی بشر»، «آیین نگارش»، «جامعه‌الحيوانات»، «خواهران»، ترجمه‌ی «تاریخ افغانستان» به قلم سید جمال‌الدین اسدآبادی از عربی به فارسی؛ «دیوان» اشعار؛ «منظومه‌ی سیاست»، به عربی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ادبیات معاصر (۷۵-۷۳)، تاریخ برگزیدگان (۳۶۱)، چهار صد شاعر برگزیده پارسی گوی (۸۶-۸۳)، سخنوران نامی معاصر (۲۵۰۳/۴)، سرآمدان فرهنگ (۴۸۴-۴۸۳/۱)، معجم المؤلفین (۴/۱۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۵۶-۷۵۵/۲).

ادیب آل علی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد ادیب آل علی

محل تولد: شوشتر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

سید محمد ادیب آل علی در سال ۱۳۴۵ در خانواده‌ی مذهبی در شهرستان شوشتر متولد شد. پس از گذراندن تحصیلات دیپلم در سال ۱۳۶۴ راهی قم شد.

در مدرسه علمیہ منتظریه (حقانی) طی ۵ سال دروس مقدمات و سطح را گذراند و در سال ۱۳۶۹ درس خارج را با بهره‌گیری از محاضرات عملی آیات عظام وحید خراسانی و فاضل لنکرانی دامت برکاتهما آغاز نمود که همچنان ادامه دارد.

نیاز به پاسخگویی معقول و متداول به پرسش‌های نسل جوان و به ویژه دانشجویان او را به تحصیل در رشته‌های تخصصی کلام کشاند و طی ۵ سال از مباحثات علمی آیت الله سبحانی، حجت الاسلام والمسلمین ربانی گلپایگانی و فیاضی و هادوی و دیگر اساتید استفاده نمود. رساله علمی سطح چهار وی تحت عنوان (زبان قرآن) با راهنمایی استاد حجة الاسلام والمسلمین دکتر محمد تقی فعالی و مشاوره حجة الاسلام والمسلمین محسن غرویانی، در آستانه دفاع می‌باشد.

علاقه وی به مطالعه در ادیان و کتب آسمانی باعث شد که در این زمینه مطالعات و پژوهش‌هایی داشته باشد که حاصل آن، کتابی است با عنوان (پرسش‌ها و پاسخ‌هایی درباره مسیحیت)، انتشار یافته توسط شورای مدیریت حوزه علمیہ قم در سال ۱۳۸۵، و مقاله

ای با عنوان (مقایسه دکتین منجی گرایبی اسلام و مسیحیت)، منتشر شده در کتاب مقالات برگزیده دومین همایش بین‌المللی دکتین مهدویت می باشد. نامبرده مقالات دیگری در زمینه زبان شناسی قرآن و مسحیت صهیونیستی دارد که هنوز منتشر نشده اند. وی دوره آموزش زبان انگلیسی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم را که گذرانده در حال تکمیل آن است. در حال حاضر به تدریس (آشنایی با متون مقدس) و (رهبران الهی در ادیان توحیدی) در مرکز تخصصی مهدویت و ارائه دروس معارف اسلامی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد جنوب تهران و چند پروژه پژوهشی اشتغال دارد.

ادیب بهروز، محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن ادیب بهروز

محل تولد: کرمانشاه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۹

ادیب پیشاوری، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۹ - ۱۲۶۰ ق)، عالم و شاعر. معروف به ادیب. در سرحد بین پیشاور و افغانستان متولد شد. علوم ادبی و عربی را در زادگاه خود فراگرفت، سپس به افغانستان رفت و طی اقامت دو ساله‌ی خود در کابل، نزد آخوند ملا- محمد مشهور به آل‌ناصر دانش آموخت. بعد به غزنین رفت و در باغ فیروزه، آرامگاه حکیم سنایی غزنوی، اقامت گزید و آنجا نزد سعدالدین غزنوی تلمذ نمود. وی در بیست و دو سالگی به مشهد آمد و در آن شهر ریاضی را نزد میرزا عبدالرحمان و علوم عقلی را در محضر آخوند ملا غلامحسین شیخ‌الاسلام آموخت. سپس به سبزوار رفت و دو سال از محضر حاج ملا هادی سبزواری و آخوند ملا محمد، فرزند وی، و آخوند ملا اسماعیل استفاده کرد. بعد به مشهد بازگشت و در مدرسه‌ی میرزا جعفر ساکن و به ادیب پیشاوری یا ادیب هندی مشهور شد. در مشهد مورد توجه میرزا سعیدخان گرمودی، نایب‌التولیه آستان قدس رضوی، قرار گرفت و بنا به تقاضای وی به تهران آمد و میهمان محمد خان قوام‌الدوله شد. و به تعلیم و نشر ادب پرداخت. وی علاوه بر فنون ادبی و عربی و حفظ اشعار و نحو و لغت و حکمت و ریاضیات در حسن خط نیز استاد بود. ادیب تا پایان عمر مجرد زیست و سرانجام، در منزل یحیی خان قراگوزلو، وزیر معارف، در گذشت و در امامزاده عبدالله تهران دفن شد. آثار وی: «دیوان» اشعار مشتمل بر چهار هزار و دوست بیت قصیده و غزل فارسی و سیصد و هفتاد بیت قصاید و قطعات عربی به انضمام دو رساله در بدیهیات اولیه و تصحیح «دیوان ناصر خسرو»؛ «قیصر نامه»؛ حواشی و تعلیقات بر «تاریخ بیهقی»؛ ترجمه‌ی فارسی «اشارات» شیخ الرییس که ناتمام ماند؛ حاشه بر «شرح ابن

ابی‌الحدید» بر نهج البلاغه [۱].

(سید) احمد بن (سید) شهاب‌الدین پیشاوری، ادیب و شاعر (و. ۱۲۶۰ ه.ق. / ۱۸۴۴ م. ف. ۱۳۴۹ ه.ق. / ۱۹۳۰ م.). وی از سلسله سادات معروف به «اجاق» بود که در پیشاور به سر میبردند، و نسبت آنان در سیر و سلوک به سلسله سهر و دیده می‌رسد. پدر ادیب در حوادث سیاسی هندوستان تباه شد، و ادیب مدتی در شهرهای افغانستان و خراسان به تحصیل علوم معقول و منقول اشتغال داشت و در غالب علوم سرآمد عصر خود گردید. در سال ۱۳۰۰ ه.ق. / ۱۸۸۲ م. به تهران هجرت کرد و تا پایان عمر در این شهر اقامت داشت. ادیب در شعر سبک استادان قدیم را با موفقیت اقتفا میکرد. کثرت اطلاع او از فرهنگ اسلامی و علوم مختلف قدیم و تبحرش در لغات فارسی و عربی باعث شد که شعرش بیش از حد عادت مشحون از اطلاعات و معلومات مختلف گردیده، و به همان نسبت از لطافت و حال و اشتمال بر عواطف رقیق شاعران دور افتاده است. دیوان وی به طبع رسیده.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه [۱] از صبا تا نیما (۳۲۲-۳۱۷ / ۲)، اعیان الشیعه (۶۰۳ / ۲)، حماسه سرایی در ایران (۳۷۵)، دایرةالمعارف فارسی (۱ / ۷۷)، الذریعه (۱۶۲ / ۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۰۵-۱۰۳ / ۱)، سخنوران نامی (۹-۳ / ۱)، سخنوران نامی معاصر (۲۱۴-۲۰۸ / ۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۵۶ / ۱)، شرح حال رجال (۷۸-۷۷ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل / ادیب پیشاوری)، مؤلفین کتب چاپی (۳۵۲-۳۵۱ / ۱)، معجم المؤلفین (۲۴۶ / ۱)، مکارم الآثار (۱۶۲۴-۱۶۲۳ / ۵)، یادداشتهای قزوینی (۱۴۹ / ۸)، یادگار (س ۳، ش ۳، ص ۳۴-۳۳).

ادیب حبیب‌آبادی، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: فارماکولوژی، دانشکده: پزشکی دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی در سال ۱۳۳۰، تخصص در فارماکولوژی از فرانسه.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی فارماکولوژی دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۳.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فارماکولوژی داخلی، سابقه تدریس ۴۱ ساله در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و ترجمه بیش از ۲۰۰۰ صفحه کتب پزشکی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۵۴ پایان‌نامه دکترای تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

طب داخلی (تشخیص و درمان بیماریها)، بیماریهای کودکان، بیماریهای زنان و مامائی، مقدمات جراحی شوارتز، پزشکی سسیل،

روشنگری در پزشکی کهنه و نو، داروهای مؤثر بر سلسله اعصاب نباتی، فارماکولوژی پایه و بالینی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

پزشکی و داروسازی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

ادیب شبیانی کاشانی، احمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، ادیب و شاعر. وی پدر بزرگ حاج میرزا ابراهیم خان صدیق‌الممالک شبیانی کاشانی بود. درباره‌ی ادیب در «تاریخ شبیانی» آمده است که وی از علمای بزرگ و فضیلت‌بی‌نظیر بود و گذشته از علوم عقلی و نقلی و فنون ادبی و عربی، در تاریخ و امثال و حکم و ریاضیات و نجوم و فن نگارش و نظم شعر و برخی علوم غربی حتی زبان عبری نیز مهارت تام داشته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: شرح حال رجال (۱/ ۸۹)، یغما (س ۱۳، ش ۷، ص ۳۶۲-۳۶۱).

ادیب شیرازی، محمود مصطفوی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۳۱۰ ش)، خطاط و ادیب. در خط نستعلیق شیوه شیرینی داشت و بسیار خوش می‌نوشت. در شیراز وفات یافت. از آثار وی: کتابهای «دبستان الفرصه»، «بحور الالحان» که از مؤلفات میرزا نصیرالدین فرصت شیرازی است و در بمبئی چاپ شده؛ همچنین «کلیات سعدی» تصحیح شوریده به قلم او کتابت شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱/ ۲۴۴، ۲۴۵).

ادیب طالقانی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، ادیب و فاضل. وی از مؤلفین جلد اول «نامه‌ی دانشوران» بود و یکی از چهار نفر فضیلت‌درجه اول که اعتضاد السلطنه، وزیر علوم وقت آنها را مأمور نگارش «نامه‌ی دانشوران» کرد. و چون به فرقه‌ی بایه‌گروید، به این جهت او را

از دارالتألیف به کلی اخراج کرد. مدفن او در غرب تهران است. تألیف دیگرش «لسان العجم» در صرف و نحو. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: الذریعه (۱۸/ ۳۰۷)، شرح حال رجال (۶/ ۸۰)، نامه‌ی دانشوران (۱/ ۱۲).

ادیب طوسی، محمدامین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۱- ۱۲۸۳ ش)، دانشمند، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به ادیب طوسی. وی در مشهد متولد شد و تحصیلات مقدماتی را در مکتب گذرانید. سپس، به تحصیل علوم دینی در مدارس قدیم پرداخت. علوم ادبی را نزد ادیب نیشابوری و حکمت را نزد حاج میرزا عباسعلی معروف به فاضل و آقا بزرگ حکیم و فقه را نزد پدر خود آموخت. ادیب طوسی با سفرهایی که به هند، ترکستان، عربستان، مصر، شام و آسیای صغیر کرد، به زبانهای رایج عربی، ترکی، اردو، انگلیسی، سانسکریت، اوستایی، پهلوی و کلدانی آشنایی کامل پیدا کرد. وی در تبریز اقامت نمود و مجله‌ی «ماهتاب» را در سال ۱۳۱۶ ش آنجا به مدت یک سال انتشار داد. در دانشکده‌ی ادبیات تبریز تدریس کرد و مدیریت مجله‌ی آن دانشکده را نیز عهده‌دار شد. او کتب زیادی به رشته‌ی تحریر درآورد. از جمله آثار وی: «تاریخ دینی ایران» در دو دوره؛ «دستور زبان فارسی» در سه دوره؛ «بودا در هند»؛ «تخت سلیمان»؛ «پیام فردوسی»؛ به نظم؛ «لغات آذری»؛ «لهجه‌های محلی»؛ «تعلیم و تربیت از نظر غزالی».[۱]

مدرس، ادیب، محقق.

تولد: ۱۲۸۳، مشهد (محلّه نوغان).

درگذشت: ۵ خرداد ۱۳۶۱، تهران.

محمد امین طوسی، معروف به ادیب طوسی، فرزند شیخ محمدحسین گیلانی در شهر مشهد به تحصیل پرداخت و در مکتب‌های قدیم و مدارس علوم دینی به کسب علم و دانش مشغول شد و علوم ادبی را از ادیب نیشابوری و حکمت و فلسفه را از آقا بزرگ حکیم آموخت و مدتی نیز در سبزواری نزد حاج ملا هادی سبزواری به فراگیری اصول فلسفه اشراق پرداخت. وی در سال ۱۳۴۲ ق. به بغداد رفت و در آنجا به تحصیل زبان انگلیسی و تدریس ادبیات مشغول شد و بعد از سه سال اقامت به مشهد بازگشت و در مدارس آنجا به تحصیل پرداخت. پس از آن نیز در مدرسه‌های تهران و یزد و تبریز به تدریس مشغول شد.

ادیب طوسی سفرهایی به هندوستان و عربستان سعودی و ترکستان و مصر و سوریه و ترکیه نمود. از آن پس که به ایران مراجعت کرد به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و چندی در اداره‌ی کل نگارش وزارت فرهنگ به خدمت پرداخت و سال‌ها نیز در دانشگاه تبریز به تدریس در دانشکده‌ی ادبیات مشغول بود و در ضمن مدیریت نشریه‌ی «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی تبریز» را به عهده داشت. پس از آن که بازنشسته گردید در اواخر عمر به تهران آمد و در این شهر اقامت گزید.

از جمله آثار وی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: آموزش و پرورش از نظر غزالی (تبریز، ۱۳۲۰)؛ ایام کودکی (نظم، تهران، ۱۳۱۲)؛ بودا در هند؛ پیام فردوسی (نظم، تهران، ۱۳۱۳)؛ تاریخ دینی ایران قدیم (در دو دوره)؛ تخت سلیمان؛ دستور زبان و معانی و بیان و بدیع فارسی؛ رابطه اوزان شعر یا ترانه‌های محلی ایران (تبریز، ۱۳۳۲)؛ فرهنگ لغات ادبی تبریز (دو جلد، ۱۳۴۹)؛ فرهنگ لغات بازیافته (ذیل برهان قاطع) (تبریز، دو جلد، ۱۳۴۳)؛ فرهنگ لغات لهجه‌های محلی ایران؛ فقه الغه فارسی؛ لغات آذری؛ تلخیص مثنوی؛ مهرشاه و میهن (نظم، تبریز، ۱۳۲۰)؛ نقد الادب (بغداد). وی همچنین مجله‌ی «ماهتاب» (نشریه‌ی انجمن ادبی آذربایجان) و

نیز داستان‌هایی چند را منتشر ساخت. از جمله این داستان‌ها می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: انتقام عشق (سه جلد، تبریز، ۱۳۱۹ - ۱۳۱۷)، مرد عجیب، جوکی در جنگل، دخمه‌های سیاه یا کلبه بدبختان (تبریز ۱۳۲۰)، شیخ مخوف، درویش گمنام. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ جراید (۴/ ۱۸۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۰۷- ۱۰۶/ ۱)، سخنوران نامی (۵۴- ۴۶/ ۲)، سخنوران نامی معاصر (۱/ ۲۳۰)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۷- ۶۸۵/ ۱).

ادیب فراهانی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

امیرالشعراء ادیب‌الممالک محمدصادق بن (حاجی میرزا) حسین فراهانی، شاعر (و. ۱۲۷۷ ه.ق. / ۱۸۶۰ م. - ف. ۱۳۳۶ ه.ق. / ۱۹۱۷ م.) نسب وی به میرزا عیسی قائم‌مقام می‌رسد. ادیب از کودکی به آموختن علوم و ادبیات فارسی و تازی و زبانهای اروپایی اشتغال یافت و هم از خردی به سرودن شعر پرداخت. از سال ۱۳۱۶ ه.ق. / ۱۸۹۸ م. نویسندگی و اداره روزنامه‌های ادب، مجلس، عراق عجم و آفتاب را بر عهده داشت. چندی نیز در سفرهای خارج و داخل ایران گذراند. وی در انواع شعر مخصوصا در قصیده و قطعه استاد بود و سبک استادان قدیم را نیک پیروی می‌کرد. غالب شعر او نماینده زندگانی اجتماعی و مبارزات سیاسی وی است. او در وطنیات، سیاسیات، اجتماعیات و آوردن تمثیلات و حکایاتی که مبتنی بر نظریات انتقادی و اصلاحی باشد از نخستین گویندگان استاد عهد اخیر است. آشنایی ادیب با ادب اروپایی موجب ورود بعضی افکار و مضامین و قصص و کلمات فرنگی در اشعارش شده است، و نیز اطلاع او از ادب و لغت و تاریخ عرب و اسلام باعث گردیده که بسیار بیشتر از معاصران خود کلمات و ترکیبات غیر ضرور عربی ر در سخنان خود به کار برد.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ادیب کرمانی، غلامحسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ح ۱۳۳۰ ق)، مؤرخ، مترجم نویسنده و شاعر، متخلص به ادیب. معروف به ادیب کرمانی. از کرمان به خراسان رفت، سپس به تهران آمد. شغل دیوانی داشته و در اوقات فراغت به مطالعه و تألیف کتب در تاریخ، جغرافیا و سفرنامه می‌پرداخت. او مترجم ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه و و قایع نگار ایشان در سفرهایشان بود. وی صاحب دو «دیوان» بوده یکی به فارسی و دیگری به عربی. از آثار اوست: «سفرنامه‌ی خراسان»؛ «سفرنامه‌ی عراق عرب»؛ «تاریخ و جغرافیای مازندران».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی شاعران کرمان (۳۴)، الذریعه (۹/ ۶۶)، ستارگان کرمان (۱۵)، فرهنگ سخنوران (۵۳)، لغت‌نامه (ذیل / غلامحسین خان).

ادیب نیشابوری، عبدالجواد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۴ - ۱۲۸۱ ق)، شاعر، متخلص به ادیب. در نیشابور دیده به جهان گشود و در چهار سالگی بر اثر بیماری آبله بینایی چشم راست و قسمتی از چشم چپ خود را از دست داد. علوم مقدماتی را در همان شهر آموخت. سپس برای ادامه‌ی تحصیل به مشهد رفت و در آنجا علوم ادبی و شعر و لغت عربی را آموخت. پس از احاطه بر ادبیات و شعر عرب، به مدت چهل و سه سال در مشهد در مدارس خیرات‌خان، فاضل‌خان و نواب به تدریس پرداخت. از شاگردان برجسته‌ی وی استاد بدیع‌الزمان فروزانفر بود. وی علاوه بر فنون ادبی از علوم ریاضی و نجوم و فقه و اصول نیز بهره داشت. در شعر ابتدا پیرو قآنی بود و سپس شیوه‌ی خراسانی را برگزید. به دو زبان عربی و فارسی شعر می‌گفت. در مشهد درگذشت و در دارالسیاده دفن شد. «دیوان» اشعارش به نام «لثالی مکنون» به چاپ رسیده است. همچنین رساله‌ای در «جمع بین عروض فارسی و عربی»؛ رساله‌ای در «شرح معلمات سبعة» و چند جزوه در تلخیص «شرح خطیب تبریزی بر حماسه‌ی ابوتمام» نوشته است. [۱]

عبدالجواد بن (ملا) عباس (و. نیشابور ۱۲۸۱ ه.ق. / ۱۲۴۲ ه.ش. - ف. ۱۳۴۴ ه.ق. / ۱۳۰۵ ه.ش.) یک چشم وی به چهار سالگی بر اثر آبله کور شد. وی تا ۱۶ سالگی در نیشابور به خواندن مقدمات مشغول بود، سپس به مشهد رهسپار شد و نخست در مدرسه خیرات‌خانی و بعد در مدرسه فاضل‌خان و مدرسه نواب منزل اختیار کرد و فنون و ادبی را فراگرفت و بیشتر اوقات را در مطالعه کتب ادبی عرب می‌گذرانید. از آثار او چیزی به طبع نرسیده. رساله‌ای در جمع بین عروض فارسی و عربی و رساله‌ای در شرح معلمات سبع و چند جزوه در تلخیص شرح خطیب تبریزی بر حماسه ابوتمام نوشته. ادیب تا پایان عمر مجرد زیست و مالی نیندوخت و گروهی از ادبای معاصر تربیت یافته اویند. در شعر نخست پیرو قآنی بود و بعد شیوه خراسانی را اختیار کرد.

به فارسی و عربی شعر می‌گفت. قریب ۶۰۰۰ بیت از اشعارش را جمع کرده‌اند.

عبدالجواد از معاریف ادبای عصر حاضر بوده شرح حال او را در آغاز دیوانش که مطبوع است و در برخی از کتب و مجلات دیگر چاپ شده است.

وی در سال ۱۲۸۱ ق در نیشابور متولد شده مقدمات عربی را همانجا تکمیل و در سال ۱۲۹۷ ق به مشهد آمده و در مدرسه نواب مشغول به تحصیل و تدریس گردیده و با اینکه یک چشمش در اثر بیماری آبله از دست رفته و از چشم دیگر هم به زحمت استفاده می‌کرده و مطالعات عمیق داشته و دقیقه‌ای بیکار نبوده و جز با معدودی از آشنایان با دیگری مراد نه نداشته و با مناعت طبع زندگی می‌کرد و متجاوز از چهل سال به تدریس اشتغال داشت تا در ۱۵ ذیقعه که خود مکرر می‌گفت در ذیقعه وفات خواهم یافت در سال ۱۳۴۴ ق درگذشت و در دارالسیاده مدفون شد شیخ احمد بهار متوفی ۱۳۶۶ در تاریخش به دو مصرع گفت.

دور ادب نپرورد بهر ادیب تالی

جای ادیب خالی جای ادیب خالی

بر گرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] ادبیات معاصر (۱۵- ۱۴)، از صبا تا نیما (۲۰- ۱۹ / ۲)، تاریخ برگزیدگان (۳۳۳)، دایرةالمعارف فارسی (۷۸ / ۱)، دویت سخنور (۱۶- ۱۵)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۰۷ / ۱)، سخنوران نامی (۱۵- ۱۰ / ۱)، سخنوران نامی معاصر (۲۱۹ / ۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۵۷- ۱۵۶ / ۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۹۸- ۹۷ / ۷)، لغت‌نامه (ذیل / ادیب نیشابوری)، یادداشت‌های قزوینی (۱۵۰ / ۸).

ادیب نیشابوری، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۵-۱۲۷۷ ق)، دانشمند، عالم و ادیب. در روستای خیرآباد بلوک عشق‌آباد نیشابور به دنیا آمد. او تا هیجده سالگی در نزد پدرش درس خواند. سپس پدرش وی را به مشهد فرستاد. پس از اندک زمانی نزد دایی خود حاج شیخ محمد کدکنی به تحصیل پرداخت. در ۱۲۹۴ ش به محضر شیخ عبدالجواد ادیب نیشابوری اول راه یافت. ادیب نزد بسیاری از مدرسان و عالمان آن عصر درس خواند. او در رشته‌های ادبیات عرب، منطق، فلسفه، ریاضیات، اصول، فقه، رجال حدیث و تفسیر متبحر بود و طب قدیم را نیز می‌دانست. او نزدیک به شصت سال صاحب حوزه‌ی تدریس بود و شاگردان بسیاری تربت کرد. از آثار وی: «گوهر دانش»؛ «تاریخ ادبیات عرب»؛ «البدایه و النهایه»؛ «تابش جان و بینش روان»؛ «حدیث جان و جانان»؛ «تاریخ ادبیات ایران». [۱]

محمدتقی معروف به (ادیب نیشابوری) از ادباء و اساتید ادبیات و دانشمندان عالیمقام معاصر و در فنون ادبیه تالی و ثانی استادش مرحوم عبدالجواد ادیب نیشابوری بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/ ۲۷۸۵)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹۶- ۲/ ۱۹۵)، مجله‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد (زمستان ۱۳۵۷).

ادیب هروی، محمد حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۰۲ ق)، ادیب و نویسنده. وی در مشهد متولد شد. بعد از فراگیری مقدمات عربی و ادبی به حوزه‌ی درس میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری وارد شد و به مدت چهارالی پنج سال از محضر وی بهره گرفت. همچنین در محضر آخوند ملاعلی تونی علم فقه و اصول را نیز آموخت. ادیب هروی پس از اتمام تحصیلات در سال ۱۳۲۵ ق با سمت معلمی در مدارس مشهد به کار پرداخت. آثار به جای مانده از او: «احسن القصص»؛ «تاریخ انقلاب طوس»؛ «حدیقه الرضویه» «دستور حسن»؛ «صرف متوسط»؛ «نحو مقدماتی»؛ «تاریخ پیدایش مشروطیت».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۱۰- ۱/ ۱۰۹)، مؤلفین کتب چاپی (۵۳۲- ۲/ ۵۳۱).

ادیب، محمد حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد.

تولد: ۱۲۷۸، تهران.

درگذشت: ۱۳۶۳.

محمدحسین ادیب، فرزند خانابا دکتر ادیب‌الدوله (ناظم مدرسه دارالفنون)، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران به پایان رسانید. پس از آن از مدرسه‌ی عالی حقوق به دریافت گواهی‌نامه دیپلم و لیسانس نایل آمد و در رشته‌ی پزشکی به تحصیل پرداخت و به سال ۱۳۰۵ به دریافت دانشنامه‌ی دکتری توفیق یافت.

در همان سال برای ادامه‌ی تحصیلات به اروپا عزیمت نمود و در دانشکده‌ی پزشکی پاریس به تحصیل مشغول شد. پس از فراغت از تحصیل به اخذ دانشنامه‌ی دکتری نایل آمد و علاوه بر این در رشته‌ی مالاریاشناسی ایتالیا و پزشکی مستعمراتی و بیماری‌های مجاری ادرار و جراحی عمومی و خصوصی و دوره‌ی میکروشناسی بنگاه پاستور پاریس و دوره‌ی تکمیلی مامائی و در باب آئین‌نامه‌های بهداشتی و قرآنی در طب مستعمراتی و اندوسکوپي گواهی‌نامه دریافت نمود.

در مراجعت به ایران عهده‌دار مشاغل ذیل گردید: دبیر دبیرستان دارالفنون، کارمند بنگاه بیماری‌های زنان در بیمارستان گوهر شاد حسابی، پزشکی قانونی وزارت دادگستری، معاون دانشکده‌ی پزشکی، کارمند کمیسیون پزشکی فرهنگستان، بازرس فنی بیمارستان‌های دانشکده‌ی پزشکی، کارشناس وزارت دادگستری، در سال ۱۳۱۹ به استادی کرسی پزشکی قانونی منصب و پس از فوت دکتر حبیبی، استاد کرسی آسیب‌شناسی، تصدی کرسی مذکور نیز به عهده‌ی وی محول گردید. دکتر ادیب بعدها به وزارت بهداشت نیز رسید.

دکتر محمدحسین ادیب همچنین در مباحث اجتماعی و ادبی نیز فعال بود و سخنرانی‌های وی در کانون ایران جوان در مجموعه‌ی سخنرانی‌های آن کانون چاپ شده است.

از آثار اوست: پزشکی قانونی (۱۳۲۹)؛ گروه‌های خون و توارث (۱۳۳۸).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

ادیب‌الممالک فراهانی، محمدصادق

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۶ / ۱۳۳۵ - ۱۲۷۷ ق)، ادیب، روزنامه‌نگار و شاعر. در اوایل پروانه تخلص می‌کرد، چون به امیرالشعرا ملقب گردید، تخلص خود را امیری قرار داد. وی در قریه‌ی گازران، از توابع فراهان اراک، متولد شد. در نوجوانی پدرش را از دست داد و به همین علت به تهران آمد. در تهران، پس از طی مدارج معمول آن زمان، فنون ادبیات ایران و عرب را از استادان فن آموخت و سرآمد سخنوران عصر گشت و مورد اکرام و توجه شاهزاده طهماسب میرزای مویدالدوله قرار گرفت. دوره‌ی فعال زندگانی وی مقارن با جنبش مشروطه‌خواهی در ایران بود. در سال ۱۳۰۹ ق که امیر نظام گروسی به حکومت کرمانشاه منصوب شد، با او بدان جا رفت و تا سال ۱۳۱۳ ق در کرمانشاه بود. در سال ۱۳۱۴ ق از طرف مظفرالدین شاه به ادیب‌الممالک ملقب گردید. در همین سال بود که امیر نظام به پیشکاری کل آذربایجان منصوب شد و با او به تبریز رفت. «روزنامه ادب» را در سال ۱۳۱۶ ق در تبریز منتشر کرد. در سال ۱۳۱۸ ق از تبریز به قفقاز رفت و در آنجا با کمک احمد بیگ آقایی قراباغی «روزنامه‌ی ارشاد» را به زبان ترکی و فارسی منتشر کرد. از آنجا به خوارزم و پس از چندی به مشهد رفت و «روزنامه‌ی ادب» را در آن شهر انتشار داد. سپس به تهران آمد و در

سال ۱۳۲۴ ق «روزنامه‌ی عراق عجم» را در تهران تأسیس کرد اما دیری نپایید. سپس سردبیر «روزنامه‌ی ایران» دولتی شد و در سال ۱۳۲۲ ق از طرف وزارت کشور مدیر روزنامه‌ی نیمه رسمی «آفتاب» شد و در این ایام در وزارت دادگستری خدمت کرد. در سال ۱۳۳۵ ق مأمور عدلیه‌ی یزد شد. در تهران بدرود حیات گفت و در امامزاده عبدالعظیم شهر ری. به خاک سپرده شد. «دیوان» اشعار وی مشتمل بر بیست و دو هزار بیت، به همت وحید دستگردی، در سال ۱۳۱۲ ش در تهران چاپ شده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ادبیات معاصر (۲۲-۲۰)، از صبا تا نیما (۱۴۶-۱۳۷)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۲۶-۲۲۳، ۱۹۶، ۴/)، تاریخ جراید (۹۸-۸۰)، چشمه‌ی روشن (۳۵۶-۳۴۸)، الذریعه (۶۶/۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۸۴-۳۷۶/۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۵۵/۱)، شخصیت‌های نامی (۴۱-۴۰)، شرح حال رجال (۱۶۱-۱۵۹/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ادیب فراهانی)، مکارم الآثار (۲۱۳۲-۲۱۳۱/۶)، مؤلفین کتب چاپی (۴۷۹-۴۷۷/۳)، یادداشتهای قزوینی (۱۵۰-۱۴۹/۸)، یادگار (س ۳، ش ۳ ص ۳۴).

ادیبی‌فر، پرویز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۰، مرتبه علمی: استاد، رشته: میکروبی‌شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۳۶، تخصص میکروبی‌شناسی از دانشکده دانشگاه علوم پزشکی تهران، تخصص علوم آزمایشگاهی بالینی از دانشگاه علوم پزشکی تهران، فوق تخصص باکتری‌شناسی از دانشگاه ویکتوریا انگلستان.

مرتبه علمی:

پس از طی استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

میکروبی‌شناسی، بررسی کامپیلوباکترژزونی، کاملترین باکتهای بی‌هوازی در ایران، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۵۰ پایان‌نامه دکتر.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

میکروبی‌شناسی پزشکی (کتاب برگزیده پزشکی دانشگاهها).

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

میکروب‌شناسی پزشکی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

اذکائی، پرویز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

پرویز اذکائی، به سال ۱۳۱۸ در همدان زاده شد. تحصیلات خود را در آن شهر و تهران و سپس دانشگاه منچستر (انگلستان) ادامه داد. مطالعات وی به طور عمده در تاریخ و فلسفه است. کتاب "الآثار الباقیه عن القرون الخالیة" پرویز اذکائی، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه: علوم انسانی‌رشته: تاریخ و فلسفه تحصیلات رسمی و حرفه ای: پرویز اذکائی تحصیلات خود را در همدان و تهران و سپس دانشگاه منچستر (انگلستان) ادامه داد. مطالعات وی به طور عمده در تاریخ و فلسفه است. جوایز و نشانها: کتاب "الآثار الباقیه عن القرون الخالیة" پرویز اذکائی، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد. چگونگی عرضه آثار: پرویز اذکائی در رشته‌های کتاب‌شناسی و رجال‌شناسی و تاریخ علم نیز دارای تألیفات است. تاکنون ۳۴۰ عنوان اثر، شامل ۳۰ کتاب، ۶۰ رساله علمی مفصل و گفتارهای بلند و کوتاه در دائره‌المعارف‌ها و نشریات معتبر، از وی به چاپ رسیده است. چند اثر مشهور وی از این قرار است: زندگینامه بیرونی (ترجمه)، کارنامه بیرونی (تألیف)، فرمانروایان گمنام (تاریخ)، رساله قبه‌الارض ایرانی (هیأت و نجوم)، رساله زروانی (علمای اسلام)، مفاتیح الاسرار (تفسیر شهرستانی)، تاریخ نگاران ایران (ج ۱)، ابوریحان بیرونی (آراء و افکار)، خاندان شاهیه خوارزم (رساله)، فهرست ماقبل الفهرست (۲ ج)، تبارشناسی در ایران (رساله)، الآثار الباقیه بیرونی (تحقیق و تعلیق)، حکیم رازی (نظام فلسفی)، طب روحانی (رازی)، ماتیکان عین القضاة همدانی، فهرست نسخ خطی همدان، فرهنگ مردم همدان، مورخان همدان، ناموران همدان، فراگروه‌های همدان، علویان همدان، میرسید علی همدانی (احوال و آثار)، رساله حکیم الهی همدان (عین القضاة)، باباطاهر نامه (هفده گفتار)، رساله عراق عجم (در عهد ایلخانان)، درگزین تا کاشان (سه گفتار)، کتاب‌شناسی همدان، تاریخ معاصر همدان، راهنمای همدان، گفتارهای مغان، مادشناسی و همدان‌نامه (بیست گفتار درباره مادستان).

آثار: الآثار الباقیه عن القرون الخالیة و یژگی اثر: تحقیق، این کتاب، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: الآثار الباقیه عن القرون الخالیة / تألیف ابی‌ریحان محمد بن احمد البیرونی؛ تحقیق و تعلیق پرویز اذکائی. - تهران: مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۰. کط، ۸۹۵ ص. جدول، نمونه، نمودار. کتابنامه: ص [۷۴۹]-۷۷۱؛ همچنین به صورت زیرنویس. به اعتقاد برخی از محققان، الآثار الباقیه، شاهکار دانشمند و محقق بزرگ ابوریحان بیرونی و مایه افتخار مسلمانان، خاصیه ایرانیان است. این کتاب به دلیل داشتن مطالب با ارزش بسیاری درباره تقویم و گاه‌شماری ملل مختلف، جشن‌ها، اعیاد، ایام شادمانی و روزهای غمناکی اقوام گوناگون، مراسم فرقه‌های مذهبی، نکات تازه‌ای در تاریخ شاهان بابل و ایران و روم و ... مطالبی مهم در باب کتب مقدس، یهود، صابئیان، زرتشتیان، مانویان، مزدک، حلاج و ... از اهمیت بسیار برخوردار است. به همین سبب، نخستین بار، ۱۲۵ سال پیش، ادوارد زاخاو (خاورشناس بزرگ آلمانی) آن را با مقدمه‌ای عالمانه در لایپزیگ (آلمان) در سال ۱۸۷۸ م. تصحیح و چاپ کرد. وی که به اهمیت

این کتاب پی‌برده بود، سال بعد (۱۸۷۹) آن را به انگلیسی ترجمه کرد و با حواشی و شروح بسیار در لندن منتشر ساخت. اما آنچه تصحیح و چاپ مجدد آن را ضروری ساخته، دستیابی به سه نسخه خطی نسبتاً کهن است که حکایت از تجدیدنظر و تکمیل به دست ابوریحان دارد. تصحیح متن حاضر، افزون بر نسخه تصحیح شده زاخائو (بر اساس نسخ موجود در لندن، پاریس و ...) با مقابله چند نسخه دیگر از کتابخانه‌های «عمومی» استانبول، «توپقاپوسرای» استانبول و «دانشگاه ادینبورگ» انگلستان که زاخائو آن‌ها را ندیده بود، صورت گرفته است. این اثر گرانسنگ که از اعتبار جهانی برخوردار است و همواره مورد استناد و مراجعه محققان بوده، با ویرایشی دقیق و تحقیقی جامع به اهتمام استاد اذکائی، از بیرونی شناسان معاصر، که سالیان متمادی درباره احوال و آثار بیرونی قلم می‌زند، سامان پذیرفته است. از ویژگی‌های این کتاب، علاوه بر مقدمه تحقیقی، تعلیقات آن، یعنی حجمی افزون بر ثلث کتاب حاضر است که مشتمل بر پانصد و بیست یادداشت مفید و عمیق کوتاه و بلند است که برخی از آن‌ها حاصل کار زاخائو و برخی دیگر، حاصل کار محقق کتاب است و هر یادداشت با نام پژوهشگر آن متمایز شده است. از دیگر امتیازات این چاپ، فقره‌بندی و شماره گذاری عبارات، تنظیم دقیق جدول‌ها و نیز فهرس فنی و نمایه‌های ضروری و کارآمد است که بر اعتبار آن افزوده است. ۲ زندگینامه بیرونی (ترجمه) ۳ فرمانروایان گمنام (تاریخ) و ویژگی اثر: رساله ۴ کارنامه بیرونی (تألیف) منابع زندگینامه: <http://www.iranologyfo.com>

اراکي نجفی، عبدالنبی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۸- ۱۳۰۸ ق)، فقیه و مجتهد. وی در اراک متولد شد. برای تحصیل به همدان رفت و پس از آن به اراک بازگشت و حدود چهار سال به تحصیل سطوح پرداخت و دو سال از حوزه‌ی درس آیت‌الله آقانووردین عراقی بهره جست. در ۱۳۲۷ ق به نجف رفت و از درس اصول آخوند ملامحمد کاظم خراسانی و چند سالی از درس فقه علامه‌ی یزدی استفاده کرد. وی همچنین شاگرد شریعت اصفهانی، آقا ضیاءالدین عراقی، آقا شیخ علی قوچانی و آقا شیخ مهدی مازندرانی بود و در فقه و اصول از محضر آیت‌الله نایینی نیز استفاده کرد. و مدتی در نجف، در مسجد هندی و مسجد شیخ مرتضی، تدریس کرد. بعد از آن برای مدت کمی به ایران آمد و پس از بازگشت به نجف، به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت. آیت‌الله اراکی در سال ۱۳۶۸ ق به ایران بازگشت و در اراک ساکن شد و به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت تا سرانجام در شهر ری وفات یافت و در مسجد بالا سر قم به خاک سپرده شد. وی دارای ۶۵ جلد تألیفات ارزنده است از جمله: «کنز مخفی»، «الغوالی اللالی فی فروع العلم الاجمالی»، «روح الایمان»، در لزوم شناختن حقیقت انسان؛ «ارشاد الامه»، «اعلام الامامیه»، «ایقاظ البشر»، «ذخیره العباد لیوم المعاد».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۶۵/ ۱۸)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۱۳- ۱۱۲/ ۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۹۷- ۱۹۶/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۰- ۱۸/ ۴).

اراکي، فتحعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۱۷ ق)، فقیه، عارف و استاد اخلاق. از شاگردان آقا سید محمد سلطان آبادی بود. در جوانی به نجف رفت و اواخر ایام شیخ محمد حسن نجفی صاحب «جواهر» را درک کرد و نزد شیخ انصاری میرزای شیرازی تلمذ نمود. با میرزای شیرازی به سامرا رفت و تا مرگ میرزای شیرازی در سال ۱۳۱۲ ق در سامرا بود. سپس به کربلا مهاجرت نمود و در همان جا درگذشت. شاگردان بسیاری داشت که از آن جمله‌اند: علامه نوری صاحب «مستدرک الوسائل»، سید ابوالقاسم دهکردی، سید اسدالله قزوینی و آقا بزرگ ساوجی. علامه نوری درباره‌ی وی چنین نوشته است: «...از هر مکرمتی اعلائی آن و از هر فضیلتی ارفعش و از هر خصلتی اشرفش و از هر خیری پایه بلندش و از هر علم شریفی جوهر و حقیقتش در وی جمع است، سالها با وی در سفر و حضر و شب و روز و شدت و رخاء مصاحبت و معاشرت نمودم زلتی در مکروهی و لغزشی در مرجوحی ندیدم و در یک خصلتی از آن خصال کریمه‌ی که حضرت امیر صلوات‌الله‌علیه از برای همام بن عباده در صفات شیعه خود برشمرده شریکی و نظیری بر وی نیافتم...» آقا سید محمد سلطان آبادی و حاج ملاعلی تهرانی مشایخ سلوک او بوده‌اند و میان او و آخوند ملا حسینقلی همدانی همدلی و دوستی نزدیک برقرار بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۹۲/ ۸)، فوائد الرضویه (۳۴۴- ۳۴۳)، علماء معاصرین (۳۳۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۱/ ۳)، المآثر والآثار (۱۴۹).

اراکي، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مجتهد، محقق.

تولد: ۱۲۷۳ (۲۴ جمادی‌الثانی ۱۳۱۲ ق.)، اراک.

درگذشت: ۸ آذر ۱۳۷۳، تهران.

آیت‌الله العظمی محمدعلی اراکی از سن یازده سالگی به فراگیری علوم ادبی و دروس مقدماتی سطح نزد اساتید مختلف (شوهر خواهرش، عماد، سید جعفر شیئی، آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله العظمی عبدالکریم حائری یزدی)، پرداخت. همزمان با شرکت در درس آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری، نزد آیت‌الله شیخ محمد سلطان‌العلماء اراکی شرح منظومه ملا هادی سبزواری را در حکمت متعالیه تحصیل کرد. از اساتید دیگر ایشان آیت‌الله آقا سید نورالدین اراکی بود.

در پی وفات آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری در سال ۱۳۷۱ ق، ایشان به قم مهاجرت نمود و به تدریس خارج فقه پرداخت و طی بیش از سی سال مباحث نکاح، مکاسب محرمه، بیع، خیارات (دو دوره)، طهارت و حج در علم فقه و سه دوره کامل علم اصول را تدریس کرد. محل تدریس او مدرسه زیر کتابخانه مدرسه فیضیه قم بود و صبح‌ها به تدریس خارج اصول اشتغال داشت. وی در مسجد امام حسن عسگری قم نماز جمعه اقامت می‌کرد. ضمناً حدود چهل سال در مدرسه فیضیه و حرم حضرت معصومه (س) اقامه جماعت می‌نمود.

فهرست تألیفات آیت‌الله العظمی اراکی به شرح زیر است: تقریرات بحث آیت‌الله شیخ محمد سلطان‌العلماء اراکی؛ تقریرات درس فقه آیت‌الله حائری شامل: الف: کتاب الطهاره، ب: رساله فی الاجتهاد و التقليد (که در ضمن کتاب درر الفوائد آیت‌الله حائری

چاپ شده است)، ج: رساله فی الولایه، (که به ضمیمه جلد اول کتاب القرآن و العقل به چاپ رسیده است)، د: الارث، ه: نفقه زوجه (که همراه کتاب ارث به نام رسالتان فی الارث و فی نفقه الزوجه به چاپ رسیده است) و: مکاسب المحرمه، ز: کتاب البیع، ح: کتاب الخیارات (این سه عنوان آخر هر سه به چاپ رسیده است)؛ تقریرات درس اصول فقه آیت‌الله العظمی حائری (سه دوره)؛ حاشیه بر درر الاصول آیت‌الله العظمی حائری (که در پاورقی آن کتاب چاپ شده است)، تقریر درس فقه آیت‌الله خوانساری (کتاب الطهاره): حاشیه‌ی عروه الوثقی؛ شرح مفصل عروه الوثقی - باب طهارت؛ توضیح المسائل (که مکرر به چاپ رسیده)؛ مناسک حج؛ رساله استفتائات؛ مقدمه بر تفسیر القرآن و العقل آیت‌الله سید نورالدین اراکی (این تفسیر به اهتمام ایشان به چاپ رسیده است)؛ کتاب النکاح و الطلاق.

آیت‌الله محمدعلی اراکی به سبب یک ضایعه عروقی در بیمارستان شهید رجائی تهران درگذشت. پیکر ایشان در صحن حرم معصومه (س) در کنار مدفن آیات عظام عبدالکریم حائری و سید محمدتقی خوانساری به خاک سپرده شد. بر گرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

ارباب شیرانی، سعید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر سعید ارباب شیرانی در سال ۱۳۱۶ در اصفهان به دنیا آمد. وی پس از دریافت کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران، در سال ۱۳۴۰ برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت و موفق شد از دانشگاه پرینستن درجه فوق لیسانس و دکترای ادبیات تطبیقی را دریافت کند. ایشان در حال حاضر در دانشگاه علامه طباطبایی به تدریس اشتغال دارد. کتاب "تاریخ نقد جدید" ترجمه سعید ارباب شیرانی، در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه: علوم انسانی رشته: زبان و ادبیات انگلیسی تحصیلات رسمی و حرفه ای: سعید ارباب شیرانی پس از طی دوران دبستان و دبیرستان در اصفهان، در رشته زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۴۰ برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت و ضمن تدریس فارسی در بخش شرق شناسی دانشگاه پرینستن، از دانشگاه راتگرز (دانشگاه ایالتی نیوجرسی) درجه فوق لیسانس ادبیات انگلیسی و از دانشگاه پرینستن درجه فوق لیسانس و دکترای ادبیات تطبیقی دریافت داشت. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: سعید ارباب شیرانی در سال ۱۳۴۰ برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت و در کنار تحصیل به تدریس زبان و ادبیات فارسی در بخش شرق شناسی دانشگاه پرینستن پرداخت. ایشان در حال حاضر در دانشگاه علامه طباطبایی به تدریس اشتغال دارد. جوایز و نشانها: کتاب "تاریخ نقد جدید" ترجمه سعید ارباب شیرانی، در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. آثار: ۱- "Creative use of Theoretical Backgrounds of French convention in Herrick's Corinna's going a-Maying" - Humanities and Cultural Studies, accepted for publication in the forthcoming issue of Humanities and Cultural Studies. اثر: تألیف ۲ تاریخ نقد جدید ویژگی اثر: ترجمه، این کتاب در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب «تاریخ نقد جدید»: تاریخ نقد جدید (جلد ۱، ۲، ۳ و...)؛ رنه ولک؛ ترجمه سعید ارباب شیرانی؛ تهران: انتشارات نیلوفر، جلد سوم، ۱۳۷۵. نقد ادبی و اطلاع از آراء و مکاتب آن، اهمیت بنیادی در شناخت و ارزیابی آثار ادبی - هنری دارد. رنه ولک - مورخ و منتقد برجسته که او را «منتقد والای

منتقدان» خوانده‌اند- دارای آثاری با ارزش در این زمینه است. یکی از این آثار، کتاب هشت جلدی تاریخ و نقد است که تألیف آن قریب چهل سال زمان برده است. کتاب حاضر از امهات کتب نقد ادبی در همه زبانهای مغرب زمین به شمار می‌رود و تفصیل و دامنه شمول آن چشمگیر است. ترجمه این اثر، همتی والا- را می‌طلبید که مترجم محترم از عهده این کار دشوار به شایستگی برآمده است و تاکنون سه جلد آن- با رعایت امانت در ترجمه- به خوانندگان عرضه شده است. این کتاب راهنمای مناسبی برای همه محققان، دانشجویان دوره های کارشناسی ارشد و دکترا و علاقه مندان به نقد ادبی است. تعلیقات پایانی هر یک از مجلدات، نه تنها یاری رسان خواننده است؛ بلکه می‌توان آن را در حکم تحقیق ارزنده ای به شمار آورد ۳ تاریخچه نقد در ادبیات قدیم عرب و ویژگی اثر: ترجمه، فان گلدر،؛ تحقیقات اسلامی، سال سوم، شماره ۱ و ۲ (۱۳۶۷) ۴ تخیل فرهیخته و ویژگی اثر: ترجمه، نورتروپ فرای؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول ۱۳۶۳، چاپ دوم ۱۳۷۲.۵ مضمون سازی در شعر سبک هندی و شعر متافیزیکی انگلیس و ویژگی اثر: تألیف، صائب و سبک هندی، به کوشش محمدرسول دریاگشت
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ارباب قمی، میرزا محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم آیت‌الله حاج میرزا محمد ارباب قمی در سال ۱۲۷۳ ق، در بیت علم و فضل - در عین حال کشاورز - در شهر قم چشم به جهان گشود. حاج میرزا محمد ارباب، به سامراء و سپس نجف مهاجرت کرد و سالیان بسیار در درسهای آیات عظام، میرزا حبیب رشتی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی حضور یافت، تا آنکه پس از تحصیل و تکمیل علوم دینی، به درجه رفیع اجتهاد نائل آمد.

گروه: علوم انسانی

رشته: الهیات و معارف اسلامی

والدین و انساب: پدر بزرگوارش، مرحوم محمد تقی بیگ ارباب - معروف به جان بابا - از فاضلان و ادیبان و شاعران قم به شمار می‌رفت.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: مرحوم میرزا محمد ارباب قمی، پس از پشت سر نهادن دوران نوجوانی به تحصیل ادبیات همت گمارد و پس از آن به تهران رفت و نزد اساتید هر فن از هنر علمی توشه‌ای و از هر خرمن خوشه‌ای برچید تا مشار بالبنان گردید. مرحوم حاج میرزا محمد ارباب، به همراه دوستان گرانقدرش مرحوم آیت‌الله حاج ملا آقا حسین قمی (م ۱۳۲۷ ق) و آیت‌الله مولی عبدالله قمی به سامراء مهاجرت کردند و چندی در درسهای آیت‌الله العظمی میرزای شیرازی شرکت نمود. پس از آن به همراه ملا عبدالله قمی به نجف کوچید. و سالیان بسیار در درسهای آیات عظام، میرزا حبیب‌الله رشتی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی حضور یافت، تا آنکه پس از تحصیل و تکمیل علوم دینی، به درجه رفیع اجتهاد نائل آمد و با اخذ اجازات متعدد روایی (از آیات عظام: محدث نوری و شریعت اصفهانی و حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی) و اجتهادی (از آخوند خراسانی و میرزا حبیب‌الله رشتی) به زادگاهش بازگشت.

استادان و مربیان: از استادان میرزا محمد ارباب قمی می‌توان به آیات عظام زیر اشاره کرد: میرزا حبیب‌الله رشتی آخوند ملا محمد کاظم خراسانی آیت‌الله العظمی میرزای شیخ عبدالرحیم نهاوندی میرزا ابوالحسن جلوه آقا محمد رضا قمشه‌ای

هم دوره ای ها و همکاران: از همدوره ایهای میرزا محمد ارباب قمی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: مرحوم آیت‌الله حاج ملا

آقا حسین قمی (م ۱۳۲۷ ق) آیت‌الله مولى عبدالله قمی

همسر و فرزندان: از آن فقیه بزرگ میرزا محمد ارباب قمی، فرزندان والامقام بر جای مانده که عبارتند از: مرحوم حجة الاسلام میرزا محمد باقر ربانی و میرزا محسن اشراقی و در حال حاضر آقای حاج آقا سعید اشراقی از جمله فرزندان معظم‌له به شمارند. اما از همه معروفتر استاد سخن و خطیب شیرین شکرشکن مرحوم حجة الاسلام و المسلمین حاج میرزا محمد تقی اشراقی است.

زمان و علت فوت: سرانجام آن فقیه بزرگ میرزا محمد ارباب قمی، پس از عمری تلاش و کوشش در ترویج دین و بزرگداشت شعایر الهی، در سال ۱۳۴۱ ق در ۶۸ سالگی چشم از جهان فرو بست و به موالیان طاهرینش پیوست. در وفات ایشان، مردم و حوزه علمیه قم یکپارچه عزادار شدند و به خصوص مرحوم آیت‌الله حایری، بسیار متأثر و نگران شده و در تسلیت مرحوم اشراقی و برادران او فرمود: «نه تنها شما یتیم شدید، بلکه برادری هم از دست من رفته است.» مردم حق شناس قم، پیکر پاکش را پس از یک تشییع باشکوه، در قبرستان شیخان - در جوار مرقد میرزای قمی - به خاک سپردند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مرحوم میرزا محمد ارباب قمی، پس از مراجعت به تدریس و تالیف و اقامه جماعت و موعظه و حلّ و فصل دعاوی و رفع مخاصمات اشتغال داشت. وی در این زمان ریاستی عام و شهرتی تام پیدا کرد و آوازه فقاها و فضیلت او به همه جا رسید و مجلس درس و بحث او، یکی از پررونق‌ترین مجالس درسی حوزه بود. منبری داشت شیرین و متین و محضری بس نمکین، در نهی از منکر و منع اهل فجور قلبی قوی و قدمی راسخ داشت و در حفظ حدود شرعیه دقیقه‌ای فرو نگذاشت... جماعت علما در محضر وی، خود را کوچک می‌شمردند و بزرگان دین و دنیا نام مبارکش را به حرمت تمام می‌بردند. فعالیتهای آموزشی: میرزا محمد ارباب قمی، همه روز به تدریس فقه و حدیث اشتغال داشت و از مجلس درس وی گروهی بسیار به مدارج عالیّه نائل آمدند.

شاگردان: آن فقیه بزرگ، همه روز به تدریس فقه و حدیث اشتغال داشت و از مجلس درس وی گروهی بسیار به مدارج عالیّه نائل آمدند. برخی از آنان عبارتند از: ۱- آیت‌الله حاج شیخ عباس محدث قمی (۱۲۹۴ - ۱۳۵۹ ق) نویسنده «سفینه البحار» و «الکنی و الالقاب» ۲- آیت‌الله حاج میرزا محمد فیض قمی (۱۲۹۳ - ۱۳۷۰ ق) نویسنده «کتاب الفیض» و «ذخیره العباد» ۳- آیت‌الله حاج میرزا محمد کبیر قمی (۱۲۹۰ - ۱۳۶۹ ق) نویسنده «مطالع الشموس» در علم اصول ۴- آیت‌الله حاج شیخ حسن نویسی قمی (۱۲۹۱ - ۱۳۷۱ ق) ۵- مرحوم حاج شیخ علی محمد باغ پنبه‌ای قمی ۶- مرحوم حاج سید علی اکبر برقی قمی (۱۳۱۷ - ۱۴۰۷ ق) نویسنده «راهنمای دانشوران» و «کانون احساسات» ۷- مرحوم حاج شیخ ابوالحسن فقیهی قمی ۸- مرحوم میرزا محمد تقی اشراقی (۱۳۱۳ - ۱۳۶۸ ق) نویسنده «تفسیر سوره یوسف» و «تفسیر سوره قلم» ۹- حاج سید محمد صادق طاهری ۱۰- حاج شیخ محمد صادق فقیهی قمی ۱۱- حاج شیخ احمد فقیهی قمی ۱۲- آقا میرزا محمد باقر ربانی - فرزند معظم‌له - ۱۳- مرحوم آقا سید ناصرالدین قمی آرا و گرایشهای خاص: میرزا محمد ارباب قمی آن فقیه بزرگ دارای سجایا و صفاتی بود که از دیگران، متمایزش ساخته بود. از جمله ویژگیهایش دستگیری از مستمندان و کمک به مردم بود. جود و احسان شیوه او بود.

چگونگی عرضه آثار: در سبب تألیف الاربعین الحسینیه کتاب، آورده‌اند: از مرحوم محدث نوری می‌خواهند که بحار الانوار را برای چاپ، مقابله و تصحیح نماید و ایشان، این کار را به مرحوم میرزا محمد ارباب قمی حواله می‌دهد. معظم‌له نیز می‌پذیرد، اما در اثر انجام این کار سنگین و طاقت‌فرسا، نور چشم خود را از دست می‌دهد و کم دید می‌شود لذا نذر می‌کند که اگر خداوند او را شفا دهد کتاب اربعین را بنویسد. و خداوند متعال او را شفا داد و او هم این کتاب را در سال ۱۳۲۸ ق نگاشت و در سال ۱۳۳۰ به چاپ رسید. (۱۳) مؤلف محترم، در آغاز سلسله سند خویش را به ائمه اطهار (ع) از طریق محدث نوری، و در حدیث ۴۰، از طریق آیات عظام: حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی، سید محمد هندی نجفی، شیخ الشریعه اصفهانی و محدث نوری بازگو کرده است. -----

آثار:

۱ الاربعین الحسینیه

ویژگی اثر: این کتاب، معروفترین نوشتار وی است. مؤلف، در این کتاب شریف چهل حدیث درباره امام حسین (ع) را شرح نموده و در آن از مطالب بسیار در فنون حدیث، تفسیر، تاریخ، کلام، شعر عربی و فارسی، لغت و فقه سخن گفته است. (۱۱) این کتاب، آکنده از فوائد گوناگون و مطالب خواندنی بوده و نوشته‌ای توسط نگارنده پیرامون آن به چاپ رسیده است. (۱۲) مؤلف بزرگوار، بسیاری از اشعار عربی و فارسی خود را در این کتاب - به تناسب مقام - ذکر نموده و چیره‌دستی خود را در فن قصیده‌سرایی نشان داده است.

۲ تصحیح و مقابله و چاپ کتاب اثبات الوصیه مسعودی

۳ تصحیح و مقابله و چاپ کتاب غیبت نعمانی

۴ تصحیح و مقابله و چاپ کتاب کنزالعرفان فاضل مقداد و منهاج النجاه فیض کاشانی

۵ تصحیح و مقابله و طبع کتاب شریف «بحار الانوار»

۶ حاشیه بر کتاب «جواهر الکلام»

۷ حاشیه بر کتابهای بسیار، مانند: اسفار

۸ دیوان اشعار

ویژگی اثر: (مجموعه‌ای از اشعار عربی و فارسی، که برخی از آنها بسیار معروف است و اگر گردآوری شود، دیوانی بزرگ خواهد شد.)

۹ رجوم الشیاطین، در ردّ بر فرقه ضاله بابی و بهایی

۱۰ شرح قصیده عینیه سید حمیری (لامّ عمرو باللوی مربع)

۱۱ شرح کتاب «بیان» شهید اول - دوره فقه

منابع زندگینامه:

سایت حوزه علمیه قم / بخش زندگینامه علما ۱k - / www.hawzah.net

ارباب کیخسرو

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۹ - ۱۲۵۳ ش)، نویسنده و شاعر. وی در کرمان متولد شد. در طفولیت از داشتن پدر محروم گردید. تحصیلات مقدماتی را تحت توجه مادر خود در دبستان کرمان به پایان برد و در نه سالگی به تهران آمد و به ادامه‌ی تحصیل پرداخت. سپس به بمبئی رفت و تحت حمایت و سرپرستی دینشاه به تحصیل مشغول شد. پس از پایان تحصیلات، از طرف انجمن اکابر صاحبان پارسی، به آموزگاری در کرمان منصوب شد. در این مدت به اصلاحات فرهنگی اقدام کرد. پس از مدتی از طریق مشهد و عشق‌آباد به روسیه رفت و بیش از یکسال در ادسا ماند، سپس به تهران آمد و جزو مدیران اداره‌ی ارباب جمشید بهمن درآمد. در دوره‌ی دوم، از طرف همکیشان خود به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد و جمعا یازده دوره نماینده‌ی زردتشتیان در مجلس بود. در سال ۱۳۱۰ ش، تنی چند از رجال دانشمند، به منظور تجلیل از بزرگان علم و ادب ایران و حفظ آثار باستانی و ابنیه‌ی تاریخی، انجمنی به

نام «انجمن آثار ملی» تأسیس کردند که وی نیز با آنان همکاری داشت. نخستین اقدام انجمن مذکور، ساختن آرامگاه فردوسی در طوس بود. وی مردی امین و صدیق و میهن دوست بود. به زبان انگلیسی تسلط داشت. در تهران به طرز مشکوک و اسرار آمیزی کشته شد. او طبع شعر داشت و دارای تألیفاتی است از جمله: «آئین پارسیان»، ترجمه از انگلیسی؛ «آئینه‌ی آئین مزدیسنی»؛ «فروغ مزدیسنی».

ارباب کیخسرو شاهرخ ۷ تیرماه ۱۲۵۴ در کرمان زاده شد. وی معلم، نویسنده و مدرسه ساز نمونه و ساخت بیش از ۲۰ مدرسه در شهرهای مختلف از جمله مدرسه ملی ایرانشهر کرمان به سال ۱۲۸۵ خورشیدی و مدارس جمشیدی و جمشید جم و فیروز بهرام و ... بود. ارباب کیخسرو شاهرخ، نماینده زرتشتیان در دوره دوم مجلس شورای ملی، مبتکر طرح کتابخانه مجلس بود. وی دو سال پس از پیروزی مشروطیت، این طرح را به مجلس ارائه کرد و دایره کتابخانه در نظام نامه داخلی مجلس شورای ملی، مورد توجه قرار گرفت. نانبرده سرانجام پس از شصت و شش سال زندگی نیک، آفتاب عمرش در نیمه شب یازدهم تیرماه ۱۳۱۹ غروب کرد و نامش را در تاریخ ایران جاودان ساخت.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: نویسنده

تحصیلات رسمی و حرفه ای: . تحصیلات ابتدایی را در کرمان گذراند و سپس به هند رفت. سال ۱۲۸۴ به تهران آمد هم دوره ای ها و همکاران: اسناد موجود و اطلاعات به دست آمده نشان می دهد که ارباب کیخسرو شاهرخ با همکاری جمعی از نمایندگان پیشگام مجلس مانند دکتر رضا افشار، شیخ ابراهیم زنجانی و سید نصرالله تقوی در فراهم آوردن مقدمات تأسیس کتابخانه مجلس از این طرح پیشنهاد و تا استقرار و پا گرفتن آن، کوشش های فراوانی کردند. وقایع میانسالی: این مرد نیک اندیش از همان بدو کودکی با تمامی مشکلاتی که برایش پیش می آمد از کمک به همونوع دریغ نمی نمود و در دوران زندگی اش منشاء خدمات ارزنده ای به جامعه زرتشتی و کشورش ایران شد زمان و علت فوت: ارباب کیخسرو شاهرخ در یازدهم تیر سال ۱۳۱۹ دار فانی را وداع گفت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: ارباب کیخسرو شاهرخ سال ۱۲۸۸ از طرف همکیشان خود به نمایندگی مجلس برگزیده شد. همان سال نیز به ریاست انجمن زرتشتیان تهران منصوب شد. وی در سال ۱۲۸۹ کتاب «فروغ مزدیسنی» را به رشته تحریر درآورد. او ۳۱ سال نماینده زرتشتیان در مجلس شورای ملی بود. ارباب کیخسرو شاهرخ، نماینده زرتشتیان در دوره دوم مجلس شورای ملی، مبتکر طرح کتابخانه مجلس بود. وی دو سال پس از پیروزی مشروطیت، این طرح را به مجلس ارائه کرد و دایره کتابخانه در نظام نامه داخلی مجلس شورای ملی، مورد توجه قرار گرفت. خلاصه ای از فعالیت های ایشان به قرار زیر است: معلم، نویسنده و مدرسه ساز نمونه و ساخت بیش از ۲۰ مدرسه در شهرهای مختلف از جمله مدرسه ملی ایرانشهر کرمان به سال ۱۲۸۵ خورشیدی و مدارس جمشیدی و جمشید جم و فیروز بهرام و ... نگارش و چاپ کتابهای آئین مزدیسنی و فروغ مزدیسنی ۳۱ سال نماینده ایرانیان زرتشتی در مجلس شورای ملی از سال ۱۲۸۸ تا ۱۳۱۹ خورشیدی تغییر مراسم تدفین از دخمه به خاکسپاری و خرید و احیای آرامگاه قصر فیروزه تهران و پیگیری این مراسم در سایر شهرها پافشاری در تصویب به رسمیت شمردن احوال شخصیه اقلیتهای مذهبی و پیگیری و تدوین مفاد آن دریافت حکم تولیت موقوفات زرتشتی به نام انجمن های زرتشتیان هر شهرستان. مسئول ساخت راه آهن ایران مدیرعامل شرکت سهامی تلفن به سال ۱۲۹۵ خورشیدی مسئول خرید گندم و غلات در زمان قحطی سال ۱۲۹۷ خورشیدی مسئول شناسایی و بازسازی آرامگاه فردوسی و سرپرستی جشن هزاره آن شاعر نامور به سال ۱۳۱۳ خورشیدی تاسیس کتابخانه مجلس و رئیس اداره مباشرت و سرپرست چاپخانه مجلس مسئولیت و سرپرستی جشن تاج گذاری

احمد شاه قاجار نظارت بر جشن تاج گذاری رضا شاه پهلوی

مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می آید: ارباب کیخسرو در انجام مراحل مقدماتی تاسیس، گردآوری کتاب و تعیین مکانی برای نگهداری کتاب‌ها و ایجاد کتابخانه موقت، سهم به‌سزایی داشته است. که از وی به عوان بنیانگذار کتابخانه مجلس یاد می شود. وی علاوه بر این، بنیانگذار انجمن آثار ملی است. این انجمن بعد از انقلاب به انجمن آثار و مفاخر فرهنگی تغییر نام داد. همچنین مسئولیت ساخت بنای فعلی آرامگاه فردوسی در طوس نیز بر عهده ارباب کیخسرو بوده است. ساخت بنای آرامگاه فردوسی در کمیسیون پیگیری می شده که محمدعلی فروغی نخست وزیر، ارباب کیخسرو، هرتسفلد آلمانی و گدار فرانسوی اعضای آن بوده‌اند.

آثار:

۱ فروغ مزدیسنی

ویژگی اثر: تالیف

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۲۴- ۱۲۰/ ۱)، شرح حال رجال (۱۸۰- ۱۷۹/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۲- ۱۰۱/ ۵).

ارباب، رحیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی از مشاهیر علماء اسلامی و اکابر دانشمندان و اکبر و اعظم علماء معاصر اصفهانست و از جهت سن و شیخوخت از تمام علماء و مجتهدین امامیه مسن تر و بیش از یکصد سال از عمر مبارکش میگذرد و از برکات روحانیت است.

ولادتش در اصفهان و نشو و نمایش نیز در آن سامان بوده در خانواده ثروتمندی اصیل و نجیب و شریف تربیت شده و مقدمات و سطوح را از مدرسین اصفهان فرا گرفته و دروس فقه و اصول را از اکابر دانشمندان چون حجه‌الاسلام والمسلمین آقای ابوالمعالی کلباسی و حجه‌الاسلام آخوند ملا محمد کاشی و آیه‌الله میر سید محمد تقی مدرس و آیه‌الله حاج سید محمد باقر درچه‌ای و بالاخص مرحوم میرزا جهانگیرخان قشقائی علم حکمت و فلسفه را فرا گرفته و با مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی در هنگامیکه در اصفهان تحصیل میکردند شریک درس و مباحثه بوده‌اند و چون بحکیم قشقائی اتصال و ارتباط زیادی داشتند بآن بزرگوار تاسی نموده و جز در هنگام اقامه جمعه و جماعت عمامه نمیگذارند بلکه با کلاه که در تمثالشان دیده میشود بسر برده‌اند.

تألیفات و تصنیفاتی در فقه و اصول و حکمت دارند رحمه‌الله علیه رحمه واسعه.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

ارباب، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۴۱ ق)، عالم، مجتهد و شاعر. در جوانی به تهران آمد و از اساتید هرفن بهره جست. سپس به نجف رفت و در حوزه‌ی درس آخوند ملامحمد کاظم خراسانی شرکت نمود. پس از رسیدن به اجتهاد، به قم بازگشت و به تدریس و ترویج مذهب پرداخت و تا قبل از ورود آیت‌الله حائری به قم ریاست و مرجعیت با او بود. وی به عربی و فارسی شعر می‌سرود. پس از مرگ او را در گورستان شیخان بزرگ به خاک سپردند. از آثارش: «اربعین الحسینیه»، [۱]

فرزند مرحوم محمدتقی بیگ مشهور به ارباب از اجله علماء و محدثین و حکماء و متکلمین بود در ابتداء جوانی به تهران مهاجرت نموده و در آن سامان نزد اساتید هرفن از هر علمی توشه‌ای و از هر خرمن خوشه‌ای چید تا مشار بالبنان و مغبوط امثال و اقران گردد، آنگاه مسافرت به نجف اشرف نموده و در آن مهده علم و معرفت خدمت اساتید بزرگ چون مرحوم آیت‌الله کفائی ملا محمدکاظم و دیگران تلمذ نمود تا به مقام منبع اجتهاد نائل گردید و مجازا به وطن مألوف خود دارالعلم والایمان قم مراجعت و به تدریس و افاضه و موعظه و اقامت جماعت مشغول گردید و تا قبل از تأسیس حوزه و ورود مرحوم آیت‌الله حائری ریاستی بزرگ و مرجعیتی تمام پیدا نمود تا در سنه ۱۳۴۱ در قم مرحوم و در شیخان بزرگ مدفون گردید از آثار و تألیفات اوست کتاب اربعین الحسینیه که به طبع رسیده است.

و نیز از باقیات الصالحات اوست فرزندان برومند روحانی که هر کدام در موقع خود از خدمتگذاران دین و مروجین شرع مبین بوده و هستند و ترجمه هر کدام در جای خود مذکور می‌گردد و فرزندان آن مرحوم بدین قرار است ۱- مرحوم حاج میرزا محمدتقی اشراقی بزرگ خاندان اشراقی قم.

۲- مرحوم آقا میرزا محمدباقر اشراقی مقیم تهران و متوفی در آن.

۳- مرحوم میرزا محسن اشراقی.

۴- آقای آقا میرزا سعید اشراقی.

۵- آقای آقا محمد اشراقی.

نگارنده: گوید یکی از باقیات الصالحات آن مرحوم همین دانشگاه جعفری و حوزه علمیه قم است زیرا چنانچه در کتاب آثارالحججه ج ۱ ص ۲۲۰ نگاشته‌ام آن بزرگوار هم در تشکیل این حوزه سهم بسزائی دارد برای اینکه با مرحوم آیت‌الله حائری همکاری شایانی نموده و حقاً می‌توان گفت از کسانی است که در این مؤسسه علمی و دینی تا قیامت سهیم و شریک است و معروف است که در فوت ایشان آیت‌الله حائری بسیار متأثر شده و در تسلیت فرزندان آن مرحوم فرمودند نه تنها شما یتیم شدید بلکه برادری هم از دست من رفته است.

شاگردان بسیاری مانند مرحوم آیت‌الله فیض که خود از مجتهدین بزرگ قم بود و بسیاری از علماء قم از وجودش استفاده‌های علمی نمودند دارای طبعی سرشار و ذوقی سلیم بود و به عربی و فارسی اشعاری دارد که بعضی از آن را به نظر خوانندگان می‌رسانم.

در توسل به حضرت ولی عصر عجل‌الله‌فرجه گوید

چه خوش باشد که بعد از انتظاری

به امیدی رسند امیدواران

جمال‌الله شود از غیب طالع

پدیدار آید اندر بزم یاران

دمد از قرن قدرت نفعه صور

بیارد ابر رحمت آب باران
 اگر اسکندر دوران بیاید
 چشند آب حیاتی تشنه کامان
 به آواز (اناالحق) مرغ توحید
 کند پرواز اندر شاخساران
 همی گوید منم آدم منم نوح
 خلیل و داوودم قربان جانان
 منم موسی منم عیسی بن مریم
 منم پیغمبر آخر زمانان
 جهان شد تیره چون شبهای تاریک
 خدایا در رسان خورشید تابان
 تو ای جام جهان رخساره بنما
 که خستند از تعب آئینه‌داران
 جهان ویران ز جور جو فروشان
 ز سالوسی این گندم نمایان
 تو ای مرات نیکوی خدائی
 خدا را سوی ما رو کن شتابان
 بین ما را اسیر بند کفار
 گرفتار شکنج روزگاران
 تو موسی وار شمشیر خدائی
 بکش وانگه بکش فرعون و هامان
 تو ای عدل خدا کن دادخواهی
 ز جا خیز ای پناه بی پناهان
 برون کن ز آستین دست خدا را
 به خونخواهی و از خون نیاکان
 قدم در کربلا بگذار و بستان
 سر پر خون ز دست نیزه‌داران
 تو ای دست خدا از شصت قدرت
 بکش تیر از گلوی شیرخواران
 خیر داری که از سم ستوران
 دگر جسمی نماند از شه‌سواران
 شنیدستی چسان دست خدا را
 جدا کردند از تن ساربانان

در ج ۱ کتاب تحفه الفاطمین درباره وی گوید: مرحوم میرزا محمد ارباب صاحب کتاب (اربعین الحسینیه) از آیات الهیه و از پراهمین قاطعه طریقه حقه جعفریه در فقاہت و اجتهاد مقامی بسیار بلند و رتبه‌ای بس ارجمند داشت به مقام بزرگواری و بسط ید و انفاذ حکم و قبول عامه که داشت کمتر کسی رسیده است در حفظ و حمایت شریعت مصطفوی دقیقه‌ای فرونگذاشت و در این باب اقدام و اهتمام او را دیگری نداشت، در اوائل جوانی از این بلد شریف رخت به عتبات عالیات کشیده و در محضر حجه الاسلام حاج میرزا محمدحسن شیرازی استفاده و استفاضه نموده و عمده تلمذ وی در فقه و اصول در خدمت حاج میرزا حبیب‌الله رشتی و ملا کاظم خراسانی بوده تا آنکه بعد از تحصیل و تکمیل علوم دینی به قوه قدسیه اجتهاد فائز آمده و مجاز شده و به وطن مراجعت نموده ریاستی عامه و شهرتی تامه پیدا کرد صیت فقاہت و فضیلت او به همه جا رسیده و مقروع خاص و عام گردید.

مجلس درس و افادت و افاضتش دائر و برقرار بود منبری داشت شیرین و متین و محضری بس نمکین در نهی از منکر و منع اهل فجور قلبی قوی داشت و در حفظ حدود شرعیه دقیقه‌ای فرونگذاشت مادام الحیات به تدریس و ترویج و افاضت و امامت و حکومت شرعیه اشتغال داشت و ساحت مقدس آن بزرگوار به هیچ توهم مشوب نشد و دامن اصحاب و اتباعش هرگز به تهمت نیالود جماعت علماء در حضرت وی خویشان را خورد می‌شمردند و بزرگان دین و دنیا نام مبارکش را به حرمت تمام می‌بردند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۲۵-۱۲۴/۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۵۱-۱۵۰/۱).

ارباب‌زاده، ناصر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

اربابی، عظیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکتر و فوق دکترای فیزیک پزشکی از دانشگاه لیدز انگلستان، مدرک Diploma در رادیوبیولوژی از دانشگاه پزشکی گرانا‌دای

اسپانیا و انجمن رادیوتراپیست‌های اروپا.

مرتبه علمی:

عضویت در هیأت عملی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی ۱۰ سال پرتوگیری بانوان باردار ایرانی، مطالعه در زمینه تومورهای سرطانی، عضویت در کمیسیون تشخیص قانون سازمان انرژی اتمی ایران، عضویت در بورد تخصصی رشته رادیوتراپی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، عضویت در بورد تخصصی فیزیک پزشکی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تدریس در دانشکده‌های پزشکی و دندانپزشکی در دوره‌های کارشناسی ارشد و تدریس به رزیدنت‌های رادیوتراپی دانشگاه‌های علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران و اصفهان، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۶ پایان‌نامه ارشد و ۱ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

فیزیک‌شناسی، رادیوبیولوژی، رادیولوژی، سونوگرافی و پزشکی هسته‌ای.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۸، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

رادیوبیولوژی، دزیمتری، حفاظت در برابر اشعه، روش‌های درمان سرطان، اثرات آناتومیکی اشعه.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

ارجانی، ابوسهل

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۱۶ ق)، طیب. وی از مردم ارجان فارس بود و طبابت خاص ابو کالیجار مرزبان بن سلطان الدوله بن بهاء الدوله دیلمی را داشت در شیراز بود و به خدمت، ابو کالیجار، عماد الدوله روزگار می‌گذراند. گویند مقام و مرتبت رفیعی نزد سلطان داشت، اما بر اثر سعایت همسر ابو کالیجار متهم به مسموم کردن یکی از پدگان حرم پادشاه شد و به زندان افتاد و همان جا درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ طب (۶۸۱/۲)، ریحانه (۱۴۲/۷)، لغت‌نامه (ذیل / ابوسهل)، نامه‌ی دانشوران (۳۷۱-۳۶۸/۲).

ارجمند، جمشید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جمشید ارجمند، مترجم و منتقد سینمایی.

زندگی‌نامه:

جمشید ارجمند در خیابان لاله‌زار، کوچه پیرنیا ۲، روبه‌روی سینما کریستال به دنیا آمد. خیلی زود در ۱۲ سالگی در آغاز دهه سی

و دولت دکتر مصدق به عضویت حزب پان ایرانیست درآمد. بعد از کودتای ۲۸ مرداد با وسایل ابتدایی به چاپ اعلامیه می پرداخت اما فعالیت‌های سیاسی او را خیلی زود به فعالیت‌های فرهنگی کشاند و در تابستان ۱۳۳۳ کار در مجله فردوسی زیر نظر ناصر نیرمحمدی آغاز کرد. در همین سال چاپ چند شعر نو در مجله فردوسی و راهنمایی‌های اسماعیل شاهرودی و نصرت رحمانی او را با ادبیات نوین فارسی آشنا کرد. مرگ مادرش در ۱۳۳۷ طی حادثه‌ای در جلوی چشمانش و مرگ پدر در دو سال بعد زندگی مشقت‌باری را به او تحمیل کرد اما وی توانست با سخت‌کوشی بر مشکلات فایز آید و به دانشگاه برود و هم‌زمان در مجله فردوسی به مدیریت نعمت‌الله جهان‌بانویی و ستاره سینما به سردبیری پرویز نوری به کار ترجمه و انتشار مقاله پردازد. در ۱۳۴۰ به دلیل فعالیت‌های سیاسی در چارچوب جبهه ملی دو بار دستگیر و در زندان قزل‌قلعه زندانی شد. در سال ۱۳۴۱ در تظاهرات دانشجویی مورد ضرب و جرح شدیدی قرار گرفت. سال ۱۳۴۲ سال پرباری برای ارجمند بود در این سال از دانشکده حقوق فارغ‌التحصیل شد و با روشنگر کشاورز، فرزند سید محمدعلی کشاورز سخنگوی جبهه ملی دوم، ازدواج کرد. تحصیل فوق‌لیسانس مدیریت اداری را آغاز کرد که البته ناتمام ماند. در همین سال در موسسه تحقیقات اقتصادی با سمت محقق استخدام شد که امکان تحقیق و سفر به مناطق مختلف ایران و انتشار پژوهش‌هایش در فصلنامه تحقیقات اقتصادی را برای‌اش فراهم آورد. نخستین فرزندش در سال بعد ۵ مرداد ۱۳۴۳ به دنیا آمد که به یاد دکتر محمد مصدق نام او را "محمد" گذاشت. چهار سال بعد در آذر ۱۳۴۶ دخترش لیلا به دنیا آمد. در این سال‌ها هر چند دو سال را در سربازی گذراند اما به فعالیت‌های مطبوعاتی و ترجمه و تالیف و نقد سینمایی نیز پرداخت و در سال ۱۳۴۵ مجمع منتقدان فیلم در بنیانگذاری کرد و در همین سال به عنوان عضو هیئت داوران منتقدان سینمایی در جشنواره فیلم کودک و نوجوان انتخاب شد. در ۱۳۴۸ به فرانسه رفت تا مطالعات تخصصی در دوره دکتری سیکل سوم دانشگاه اکس-مارسی، رشته اقتصاد و تبلیغات جهانگردی را پی بگیرد. در همین سال ترجمه نخستین کتاب‌اش را به پایان برد و با بازگشت به کشور در سال بعد، به فعالیت‌های گسترده و مداوم به ترجمه و تالیف پرداخت. بعد از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ در سال ۱۳۵۸ کار در هیئت تحریریه روزنامه هفتگی طنز "آهنگر" به سردبیری منوچهر محجوبی را آغاز کرد و با تعطیلی این هفته‌نامه در سرویس خارجی روزنامه بامداد شروع به کار کرد که این روزنامه هم تعطیل شد و او در روزنامه میزان مشغول کار شد و این روزنامه هم به سرنوشت آن دو نشریه دچار شد و به کام تعطیلی رفت. جمشید ارجمند هر چند تا کنون دو بار عمل جراحی قلب انجام داده است اما هم‌اکنون ضمن تحقیق و پژوهش و ترجمه، سردبیری و انتشار فصلنامه بیمه و کشاورزی برای صندوق بیمه محصولات کشاورزی را به عهده دارد. تالیف

- ۱۳۵۱ دربارۀ چند سینماگر (۱ و ۲)، نشر و پژوهش کتاب جار.

- ۱۳۵۱ در بارۀ سینما، نشر و پخش کتاب جار.

- ۱۳۵۲ فیلم ساختن، انتشارات مروارید.

- ۱۳۵۳ سینماگر، نشر و پخش کتاب جار.

- ۱۳۷۲ دستور خط و نگارش، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.

- دست‌نامه شیوه نگارش، سازمان مدیریت صنعتی.

- ۱۳۷۷ گربه روی شیروانی داغ و ۲۱ فیلم-قصه دیگر، انتشارات روزنه کار.

- ۱۳۷۹ میان پرده، گل آقا.

ترجمه:

- ۱۳۵۱ حقوق نویسند، آلکساندر سولژنیتسین، انتشارات مروارید

- ۱۳۵۲ جامعه‌شناسی رادیو و تلویزیون، ژان کازنو، انتشارات سروش

- ۱۳۵۴ چهره[□] عریان آمریکا، روزه کان، سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار.
- ۱۳۶۲ جنبش مقاومت ایرلند، روزه خالیگو، انتشارات خوارزمی.
- ۱۳۶۳ نیکلا کوچولو، سامپه (تصویر گر)، گوسینی (نویسنده)، نشر شینلام.
- ۱۳۶۳ دنیای کوچک دن کامیلو، جووانی گوارسکی، نشر تهران فاریاب، چاپ‌های بعد نشر پرواز.
- ۱۳۶۸ تاریخچه[□] رادیو و تلویزیون، پیر آلبر، آندره ژان تودسک، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ۱۳۷۷ سنگ قیصر، جستجوی خط مبارزه در آثار مسعود کیمیایی، پیر بالدوکی، بهرام شیروازن، فرهنگ کاوش.
- ۱۳۷۷ اصفهان، تصویر بهشت، هانری استیرلن (با مقدمه هانری کربن)، نشر و پژوهش فرزانه روز.
- ۱۳۷۸ نقد فیلم، (نمونه‌هایی از نقدهای دهه ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۰)، انتشارات فانوس خیال
- ۱۳۷۹ مینیاتور ایرانی، رنگ‌های نور: آینه و باغ، یوسف اسحاق‌پور، نشر و پژوهش فرزانه روز.
- ۱۳۸۰ شوهر مدرسه‌ای، جووانی گوارسکی، نشر کتاب پرواز.
- ۱۳۸۲ آیین هندو و عرفان اسلامی، داریوش شایگان، نشر و پژوهش فرزانه روز.
- ۱۳۸۸ ایرانیان، یونانیان و رومیان، یوزف ویسهوفر، نشر و پژوهش فرزانه روز.

ارجی، علی اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اکبر ارجی

محل تولد: نیشابور

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۱/۱۲

زندگینامه علمی

علی اکبر ارجی فرزند غلامرضا در ۱۲ فروردین سال ۱۳۳۴ در یک روستای دور افتاده خراسان رضوی از توابع نیشابور و در یک خانواده روحانی دیده به جهان گشوده‌ام. در پنج سالگی با نماز و قرائت قرآن آشنا شده، بخشی از دوره دبستان را در روستا و بخش دیگر آن و دوره راهنمایی و دبیرستان را در مشهد مقدس گذرانده‌ام.

از سال ۱۳۵۳ - ۱۳۵۴ نخست به مدت یک سال وارد حوزه علمیه قوچان و سپس وارد حوزه علمیه مشهد شده و ادبیات عرب، منطق و مقداری از اصول و فقه را در نزد اساتید آن حوزه مانند آقای حجت هاشمی خراسانی، آقای صالحی نیشابوری، آقای عباسی واعظ طبسی فرا گرفته‌ام. سپس در سال ۱۳۵۸ به حوزه علمیه قم هجرت کرده و در مدرسه فیضیه به تحصیلات حوزوی خود ادامه دادم.

دروس سطوح عالی را در نزد اساتیدی همچون آقای اشتهااردی، اعتمادی، مرحوم ستوده، محقق داماد و مرحوم فاضل لنکرانی به اتمام رسانیدم. همراه با درس‌های فقه و اصول به سراغ علوم عقلی و تفسیر قرآن رفته علم کلام، فلسفه و بخشی از عرفان نظری و بخشی از علم هیئت را در نزد اساتید بزرگ همچون آیات عظام انصاری شیرازی، حسن‌زاده آملی، جوادی آملی و مصباح یزدی

مشغول شدم و تفسیر قرآن را در نزد مرحوم آیت الله مشکینی شروع و در خدمت آیت الله جوادی ادامه دادم.

از سال ۱۳۶۲ در دروس خارج فقه و اصول شرکت کردم و یک دوره کامل خارج فقه و اصول را نزد مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی فرا گرفتم و نزد اساتیدی بزرگ همچون مرحوم آیت الله جواد تبریزی خارج فقه، آیت الله وحید خراسانی خارج فقه و بخشی از اصول فقه، آیت الله یوسف صانعی بخشی از خارج اصول، آیت الله نوری همدانی بخشی از خارج فقه، آیت الله مکارم شیرازی بخشی از خارج فقه و از آیت الله جوادی بخشی از خارج فقه را فرا گرفتم. البته به طور مقطعی از محضر آیت الله گلپایگانی و نجفی مرعشی و بعضی مراجع عظام دیگر نیز استفاده کرده‌ام.

از همان سال‌های ۵۴-۵۵ تبلیغ را در مشهد مقدس از تعلیم قرآن شروع کرده و سپس در ماه‌های محرم، صفر و رمضان برای تبلیغ دین و بیان احکام و ابلاغ پیام انقلاب اسلامی به شهرهای مختلف و در دوران جنگ تحمیلی به جبهه‌های دفاع مقدس، مسافرت کردم. و چیزی که در این دوره برای من جالب توجه و شیرین است، این است که معمولاً سوژه‌ها و نکته‌ها و پیام‌های تبلیغی را، از نوشته‌های مرحوم آیت الله مطهری و پیام‌های حضرت امام خمینی (ره) و از بیانات مرحوم شهید هاشمی نژاد، و مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای دریافت کرده و در ابلاغ آن به مردم جدی و کوشا بوده‌ام.

تدریس را به طور رسمی از سال ۱۳۵۹ شروع و دروس حوزوی را در حوزه علمیه قم در رشته‌های مختلف مانند: ادبیات عرب، منطق، اصول، فقه، کلام، فلسفه و تفسیر قرآن تدریس کرده‌ام و کماکان پاره‌ای از دروس حوزوی را در فقه و اصول و فلسفه و تفسیر قرآن تدریس می‌کنم.

این بنده همواره امر تحصیل، تبلیغ، تدریس، تألیف، تدوین و تحقیق را دنبال کرده‌ام. و پیوسته اشتغال داشته و دارد و بنابر علاقه درونی تألیفاتی در زمینه‌های مختلف، منطق، کلام، اصول و علوم قرآنی را شروع کرده و هنوز هم ادامه دارد. از سال ۷۰-۷۱ در مرکز فرهنگ و معارف قرآن، در زمینه‌های مختلف، تفسیر قرآن و علوم قرآنی در کنار محققین گرانمایه دیگر، به امر تحقیق اشتغال داشته و این امر تا سال ۱۳۸۵ ادامه داشته است و تاکنون تا بخش‌های مختلفی، همچون تفسیر قرآن (تفسیر راهنما) نمایه‌سازی کتاب‌های علوم قرآنی، تدوین اصطلاح نامه معارف قرآن، فرهنگ موضوعی قرآن (کلید قرآن) و دایره‌المعارف موضوعات و مفاهیم قرآن، همکاری داشته‌ام.

در سال ۱۳۷۶ به رادیو معارف اسلامی پخش سراسری، دعوت شدم و در برنامه‌ای با عنوان «عارفانه» درباره نماز و اهمیت و آثار، آداب و اسرار آن به مدت (۱۰-۱۵ دقیقه) نزدیک به صد جلسه برنامه سخنرانی داشتم. در سال ۱۳۷۷ از سوی صدای جمهوری اسلامی ایران مرکز چهارمحال بختیاری شهرکرد دعوت به همکاری شده و در آنجا چهل و پنج جلسه سخنرانی‌های کوتاه با عنوان کلی «آداب» داشته‌ام که هر هفته تنها یک جلسه از آن از رادیو پخش می‌شد. برخی از زیر مجموعه عنوان مذکور عبارتند از: آداب عبادت، آداب نماز، آداب روزه، آداب تلاوت قرآن، آداب استماع قرآن، آداب سخن گفتن، آداب سلام و پاسخ آن، آداب دعا، آداب مساجد، آداب پرسش، آداب ازدواج، آداب اطعام، آداب قرض دادن، آداب برخورد با سختی‌ها، آداب تجارت و ده‌ها عنوان دیگر.

برای بار سوم از طرف رادیو معارف مرکز قم، در سال ۱۳۸۲ دعوت به همکاری شدم این بار سخنرانی‌های این بنده در برنامه‌های «مشکات هدایت» و «بر آستانه ارادت» ضبط و پخش می‌شد. مباحث مطرح شده، مناسبت‌های ایام و مباحث دعا و ذکر و نماز بوده، این برنامه‌ها بیش از یک سال ادامه داشت.

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم فاضل، در مقدمات و سطوح از شاگردان حاج سید مهدی نحوی، و در فقه و اصول از تلامیذ حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی بوده.

در سلخ صفر سال ۱۳۲۷ وفات یافته، در تخت فولاد مقابل تکیه‌ی میرزا ابوالمعالی مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش این است:

از جنان آمد یکی و از پی تاریخ او

گفت حیدر روز میزان شافع حیدر علی

بر گرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اردبیلی، جمال‌الدین محمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۴۷ ق)، مفسر، فقیه و نحوی. از اهالی اردبیل بود. وی مؤلف کتاب «شرح نمودج» زمخشری است که از قرن هفتم تاکنون از کتب درسی حوزوی بوده و در مجموعه‌ی «جامع المقدمات» برای تعلیم مبتدیان علوم عربی آمده است. از دیگر آثار وی: حاشیه بر «انوار التنزیل» بیضاوی، در تفسیر؛ «الانوار»، در فقه شافعی. صاحب «هدیه العارفین» اردبیلی را با نادری رومی، معروف به غنی‌زاده، شاعر ترک زبان قرن دهم و یازدهم، اشتباه کرده است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/ ۸۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۳/ ۲۹۰)، ریحانه (۱/ ۴۲۵)، کشف الظنون (۱۸۵)، معجم المؤلفین (۱۷۸/ ۱۰)، هدیه العارفین (۲/ ۲۷۵).

اردبیلی، علی‌اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۶-۱۲۶۹ ق)، عالم، متکلم و ادیب. وی پس از تحصیل مقدمات و سطوح، در سال ۱۲۹۴ ق به عتبات رفت و مدتی نزد میرزا حبیب‌الله رشتی، فاضل ایروانی و دیگران شاگردی کرد. سپس به اردبیل بازگشت. در جریان نهضت مشروطیت، وی نخست از طرفداران آن بود، ولی بعداً از در مخالفت درآمد. در ۱۳۳۸ ق که لشکریان روسیه وارد انزلی شدند، علیه آنان فرمان جهاد داد. آقا میرزا علی‌اکبر مشرب کلامی داشت، بدان پایه که تحصیل آن را واجب می‌شمرد. وی عالم و کامل و عارف به حکمت و کلام و حدیث و فقه و اصول بود. وی در اردبیل وفات یافت. از آثار اوست: «اصول‌الدین مسلمین»؛ «البعث و النشور»، در اثبات معاد جسمانی؛ «جواب السؤال عن وقعة زید و زینب»؛ «رساله فی تقلید المیت»؛ «عمود النور»، در رد شیخیه و باییه و صوفیه. وی چند

کتاب نیز به زبان ترکی نوشته که به طبع رسیده است، از جمله: «اصول‌الدین عوامی»؛ «رساله‌ی عوام الناس»، در رد بایبه. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ مشروطه (۴۰۲-۴۰۰، ۱۹۷، الذریعه (۳/ ۱۲۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱/ ۱۳۲)، طبقت اعلام الشیعه (قرن ۱۶۰۶-۱۶۰۵/ ۱۴)، علماء معاصرین (۳۹۵-۳۹۴)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۵۴۰)، مکارم الآثار (۶/ ۱۹۳۳).

اردبیلی، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ محمدحسین اردبیلی از اجله و مبرزین شاگردان مرحوم آیت‌الله العظمی حجت و علماء معاصر است در شهر گنبد. ایشان در سال ۱۳۲۶ قمری تقریباً در اردبیل دیده به جهان گشوده و در سن صبا یک سالی در بازار به کسب و کار اشتغال داشته و در سال ۱۳۴۱ ق برای تحصیل به زنجان آمده و در حدود ۵ سال از اساتید زنجان علوم ادبیت و سطوح اولیه را خوانده و مخصوص در آن موقع علوم ریاضیات را از مرحوم میرزا ابراهیم ریاضی شاگرد مرحوم میرزا جلوه فراگرفته و در سن بیست و یک سالگی سال ۱۳۴۶ ق ه به قم مهاجرت نموده و بقیه سطوح وسطی را از آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی مدظله و آیت‌الله آقا کاظم گلپایگانی خوانده و سطوح عالی را خدمت مرحوم آیت‌الله حجت و میرزا همدانی و آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی حایری قمی متقن نموده و هم حکمت را از مرحوم آیت‌الله شاه آبادی تحصیل کرده و به درس خارج مرحوم آیت‌الله العظمی حایری یزدی حاضر و پس از ایشان از مرحوم آیت‌الله العظمی آقا سید محمد حجت کوه کمری تا پایان عمر آن جناب استفاده نموده و مقداری هم از ابحاث مرحوم آیت‌الله خونساری و آیت‌الله صدر بهره‌مند شده و نیز به درس مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت نموده تا سال ۱۳۷۳ قمری که بنا به امریه آن مرحوم برای ارشاد و هدایت و پیشوائی مردم گنبد قابوس به آنجا عزیمت و تا حال تحریر که بیش از بیست و دو سالست به انجام وظائف دینی و روحی خود اشتغال دارند. آثار آنجناب جناب آقای اردبیلی در مدت اقامتشان در این شهر منشاء آثار و خدمات بزرگی از بناء مسجدی بنام ائمه معصومین علیهم‌السلام و تعمیر حرم و صحن امامزاده یحیی و مدرسه علوم دینی و غیره گردیده‌اند. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

اردبیلی، محمدطاهر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین حاج میرزا محمدطاهر اردبیلی نجفی از شیوخ علماء و اکابر اساتید و مدرسین حوزه علمیه قم بوده‌اند وی فرزند مرحوم حاج ملا عبدالظاهر مدرس اردبیلی که از علماء آذربایجان و ادباء بی‌بدیل آن سامان بوده است در ذی‌حجه ۱۳۰۸ قمری در اردبیل متولد شده و ادبیات را از والد مبرورش استفاده و بعد دو سالی در مشهد از محضر مرحوم ادیب نیشابوری استفاده کرده و بعد منتقل به اصفهان شده و ده سال در این شهر باستانی اقامت نموده و از محضر مدرسین بزرگ چون مرحوم آخوند گزی و آیت‌الله درچه‌ای و دیگران استفاده نموده و هم از محضر مرحوم آخوند ملامحمد کاشی استاد مرحوم آیت‌الله بروجردی و آقای

حاج میرزا رحیم ارباب بهره‌های وافی برده و بعد مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محاضر دروس آیات بزرگ اسفهان‌ی و نائینی و عراقی استفاضه نموده و بعد به قم آمده و به امر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی اقامت را اختیار و به تدریس فقه و اصول و هیئت و نجوم پرداخته تا اینکه داعی حق را در اواخر ریاست مرحوم آیت‌الله بروجردی اجابت و در ارض پاک قم مدفون گردیده است.

از آثار ایشانست ۱- ایما آت در نجوم ۲- شرح صمدیه ۳- این الهیئه والاسلام ۴- حویشه الکفایه.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

اردبیلی، محی‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محی‌الدین یونسی مجتهد اردبیلی بن آیت‌الله آقای سید یونس اردبیلی از احفاد مرحوم خاتم‌المجتهدین عالم ربانی مولانا سید حسین مجتهد کرکی متوفی ۱۰۰۱ ق.ه که شیخ‌الاسلام اردبیل بوده می‌باشد. آن مرحوم از اکابر علماء زمان خود حاوی فروع و اصول و عالمی محقق و مدقق از مراجع عصر خود در منطقه اردبیل بوده و مضافاً بر مقامات علمی در زهد و ورع و کمالات نفسانی کم نظیر و موصوف به کمالات معنوی و صفاء باطن و مقام اجتهاد و فقاہت وی مورد قبول معاصرین او بوده در سال ۱۲۸۱ ق در اردبیل متولد و در وطن خویش مقدمات و ادبیات و سطوح مقداری از علوم جدید را فرا گرفته و در نزد اساتیدی مانند مرحوم علامه میرزا محسن اردبیلی و مرحوم حجت‌الاسلام آقا شیخ عبدالستار سطوح عالی را به اتمام رسانیده و در سال ۱۳۰۳ قمری مهاجرت به نجف اشرف و در درس علامه بزرگوار میرزا حبیب‌الله رشتی و مرحوم علامه شریبانی و علامه کبیر آخوند خراسانی و علامه آقا سید محمد کاظم یزدی رضوان‌الله علیهم حاضر و از آیات عظام مذکوره به دریافت اجازه اجتهاد نائل و در سال ۱۳۲۴ قمری به اردبیل بازگشته و تا آخر عمر به تالیف و تدریس و تبلیغ احکام و ترویج دین اشتغال داشته تا در سال ۱۳۵۵ ق که به رحمت حق پیوسته است.

از آثار او حاشیه بر رسائل و حاشیه بر مکاسب و حاشیه‌ای بر عروه‌الوثقی است. وی دارای دو فرزند عالم و صالح برومند است.

۱- مرحوم آیت‌الله حاج سید یونس یونسی اردبیلی که ترجمه‌اش در جلد سوم در باب اردبیل گذشت.

۲- سلاله الاطیاب آقای حاج سید هاشم یونسی که از اصناف محترم شهرستان مذهبی قم می‌باشد.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

اردبیلی، یونس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیه‌الله العظمی فی‌العالمین حاج سید یونس موسوی بن العالم الجلیل السید تقی الموسوی بن العلامة الکبری السید فتحعلی الموسوی الفریق اردبیلی انارالله برهانه از مراجع بزرگ معاصر بودند در مشهد مقدس وی در سال ۱۲۹۳ قمری در اردبیل متولد شده و پس از پرورش و تحصیل مقدمات و خواندن سطوح در اردبیل مهاجرت بزنجان نموده و مدت دو سال از محضر مرحوم آیه‌الله آخوند ملا

قربانعلی زنجانی استفاده و دروس عقلیه را از حکیم معروف آخوند ملا سبزی علی فرا گرفته و بعد از آن در سن ۱۷ سالگی مهاجرت بنجف اشرف نموده و مدت ۳۶ سال اقامت و از محضر علمین آیتین آخوند ملامحمد کاظم خراسانی و علامه طباطبائی حاج سید محمد کاظم یزدی (صاحب عروه) حدود ۱۴ سال بهره‌مند شده و بتدریس فقه و اصول و غیره پرداخته تا سال ۱۳۴۶ قمری مراجعت بایران و اردبیل نموده و از آنجا بقصد اقامت منتقل بمشهد مقدس شده و بتدریس و اقامه جماعت و خدمات دینی گردیده تا سال ۱۳۵۳ قمری در غائله مسجد گوهر شاد باردبیل تبعید و مدت هشت سال در آنجا توقف قهری نموده تا سال ۱۳۶۲ قمری که ثانیاً بازگشت بمشهد نموده و تا سال ۱۳۷۷ قمری بتدریس فقه و اصول و اقامه جماعت در مسجد بالا- سر حضرت ثامن الحجج علیه‌الصلوة والسلام نموده تا سال مزبور که مبتلا بکسالت قلبی گردیده و برای معالجه بتهران عزیمت و در آنجا بدرود حیات گفته و جنازه‌اش با تجلیل و تعظیم عجیب بوسیله هواپیما حمل بمشهد گردیده و پس از تشییع کم نظیری بآستانه مقدسه نقل و در جوار امام هشتم علیه‌السلام مدفون گردیده است.

مؤلف گوید: مرحوم آیه‌الله اردبیلی از مراجع بسیار متعصب و غیور زمان ما بودند و در امر بمعروف و نهی از منکر مسامحه و کوتاهی نداشتند. بسیاری از مردم آذربایجان و اردبیل و خراسان و تهران و غیره از آنجناب تقلید مینمودند. دارای آثار علمی ارزنده‌ای میباشند که اشاره بآنها مینمائیم.

۱- دوره کامله فقه مخطوط.

۲- صلوه المسافر.

۳- قاعده لاضرر.

۴- فروعات اجمالی مطبوع.

۵- معتقدات القاصر در اصول عقاید مطبوع.

۶- رساله‌ای در ترتب.

۷- حاشیه بر عروه الوثقی.

۸- رساله عملیه بنام وجیزه المسائل.

(۱۳۷۷ - ۱۲۹۶ / ۱۲۹۳ ق)، فقیه، مجتهد و مرجع تقلید. وی پس از تحصیل مقدمات و سطوح در اردبیل، به زنجان رفت و فقه و اصول را از آخوند ملاقربانعلی زنجانی و علوم معقول را از آخوند ملاسبزی علی حکیم آموخت و برای تکمیل تحصیلات مذهبی به نجف رفت. در آنجا از حوزه‌ی درس شریعت اصفهانی، فاضل شریانی، آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و علامه یزدی استفاده کرد و سپس به کربلا رفت و از محضر آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی بهره جست. در ۱۳۴۶ ق به ایران بازگشت و در اردبیل عهده‌دار امور مذهبی شد. و سپس به مشهد رفت و به تدریس و ترویج و خدمات دینی پرداخت. پس از کشتار مسجد گوهرشاد به همراه عده‌ی دیگری از روحانیون دستگیر و زندانی و به تهران و سپس به اردبیل تبعید شد. در سال ۱۳۶۱ ق به مشهد بازگشت و حوزه‌ی درسی تشکیل داد. در پایان عمر راهی کربلا و نجف شد و قصد داشت در نجف بماند ولی بیمار شد و به تهران آمد و در این شهر در گذشت. پیکر وی در مشهد به خاک سپرده شد. برخی از تألیفاتش در فقه و اصول: رساله‌ی عملیه، به نام «وجیزه المسائل»؛ «القاصر فی صلوة المسافر»؛ «دوره‌ی کامل فقه»؛ «رساله در قاعده‌ی لاضرر»؛ «رساله در فروع علم اجمالی»؛ «رساله در ترتب»؛ «معتقدات القاصر»، در اصول عقاید؛ «حاشیه‌ی عروه الوثقی».[۱]

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

منابع زندگینامه: [۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۲۸- ۱۲۷ / ۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۵۳ / ۷، ۶۲- ۶۱ / ۳).

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۱۵ ق)، ادیب. ملقب به ابو جعفر. وی به ناحیه‌ی اردستان اصفهان منسوب است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ریحانه (۱/ ۱۰۴).

اردستانی، محمدصادق

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۳۴ ق)، عارف، فیلسوف و زاهد. از اهالی اصفهان بود. پدران‌ش همه اهل فضل و از جمله‌ی عرفا بودند. وی در اصفهان حکمت عالی‌ه تدریس می‌کرد. از جمله شاگردانش مولی حمزه‌ی گیلانی، شیخ محمدعلی حزین، محمدصالح بن سعید خلخالی و آقا محمد صادق تفرشی بوده‌اند. پس از مرگ پیکرش را در سمت جنوب شرقی پل خواجه دفن کردند، به همین جهت به آخوندپلی یا آخوند پلوی شهرت یافت.

ولی در موقع تعریض خیابان جنازه‌ی وی به تخت فولاد منتقل شد. از آثار وی: «تباشیر»، در عرفان؛ «رسایل جعلیه»؛ حواشی بر «شفا».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره القبور (۳۸۳-۳۸۲)، ریحانه (۱۰۵-۱/ ۱۰۴).

اردکانی، حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۰۲ ق)، مجتهد شیعه. مشهور به فاضل اردکانی و اردکانی حائری. وی از اهالی اردکان بود. پس از آنکه خواندن و نوشتن و قسمتی از مقدمات علوم را در زادگاهش فراگرفت، به یزد رفت و عمویش، ملامحمد تقی اردکانی، تربیت وی را به عهده گرفت و مقدمات را تا سطوح عالی شخصا به او آموخت. سپس به قزوین رفت و مدارج عالی اجتهاد را نزد شهید ثالث و ملامحمد صالح برغانی طی کرد و حکمت و فلسفه را از مجلس درس ملا آقا حکمی آموخت. سپس کربلا را مسکن دائمی خویش قرار داد و به حوزه‌ی درس شریف‌العلما ملحق گشت و «تقریرات» درس وی را در مبحث بیع فضولی و تجارت نگاشت. پس از فوت شریف‌العلما به حلقه‌ی درس سید ابراهیم قزوینی، صاحب «ضوابط» پیوست. اردکانی از مراجع تقلید زمان خود بود و جمع کثیری از علمای امامیه در حوزه‌ی درس وی تربیت یافتند، از آن جمله: میرزا محمدتقی شیرازی و سید محمد اصفهانی و سید حسن کشمیری و میرزا مهدی شیرازی و دیگران. او در کربلا درگذشت و در مقبره‌ی استادش صاحب «ضوابط الاصول» دفن شد. از آثار وی:

«تقریرات اصول» از درس عمومی خود؛ کتاب «متاجر» و تقریرات استادش شریف العلماء؛ شرح «نتایج الافکار» استادش، سید ابراهیم قزوینی، صاحب «ضوابط»؛ تعلیقات حواشی بر کتاب «الریاض»؛ «الطهاره»؛ «کتاب الصلاة».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۴۳- ۱۴۲/ ۶)، الذریعه (۱۹/ ۵۹، ۱۸۵، ۱۵/ ۵۶، ۹۹- ۱۴/ ۹۸، ۱۷۹/ ۱)، ریحانه (۱/ ۱۰۵)، الکنی و الالقاب (۲۲- ۲۱/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل / فاضل اردکانی)، المآثر و الآثار (۱۴۵- ۱۴۴)، معجم المؤلفین (۴/ ۴۶).

اردکانی، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا اردکانی

محل تولد: ساری

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۳/۱۰

زندگینامه علمی

این جانب در یک خانواده مذهبی و متدین در سال ۱۳۲۴ شمسی، در یکی از روستاهای شهرستان میانه چشم به جهان گشودم. در همان سال های نخست پدرم را از دست دادم و تحت تفل دایی زحمتکشم بزرگ شدم، و در هفت سالگی بر اثر حادثه ای از ناحیه دست چپ معلول شدم. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی در همان روستا، جهت فراگیری علوم آل محمد (علیهم السلام) و دروس حوزوی عازم شهرستان میانه شدم، و پس از دو سال تحصیل در آن شهر و علاقه زیاد به دروس حوزه، روانه شهر خون و قیام قم شدم، و این سفر مصادف با رحلت جانگداز مرحوم آیت الله العظمی بروجری (رحمه الله) بود. پس از وقوع پیوستن جریانات سال های ۴۱، حوادث خونین خرداد ۴۲، خروش مردم انقلابی و بازداشت امام خمینی (قدس سره) در تهران، بر اثر فعالیت های سیاسی و انقلابی مجبور شدم برای ادامه تحصیل به نجف اشرف هجرت کنم، مدتی که در آن دیار بودم - یعنی: تا سال ۱۳۵۳ شمسی - همواره در درسهای خارج حضرات آیات عظام و مراجع عالی قدر به ویژه امام امت، خمینی کبیر (قدس سره) و مرحوم آیت الله العظمی السید الخوئی شرکت می کردم. در سال ۱۳۵۳ که رژیم ضد خدائی بعث، تصمیم به بیرون راندن ایرانیان از عراق گرفت، این جانب به همراه عده ای از فضلا و علمای ایرانی مقیم نجف اشرف، از آن دیار رانده شدیم، و از همان سال تا کنون در شهر مقدس قم ساکن هستم. تا کنون بیش از سی و پنج سال است که به تحقیق علوم و احادیث و اخبار ائمه اطهار (علیهم السلام) مشغول ام، مدت چهارده سال آن در مؤسسه الامام المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، یک سال در بخش تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی قم، نوزده سال در مؤسسه بنیاد معارف اسلامی، مرکز تحقیقات حج و بخش تحقیقات بنیاد جانبازان و تحقیقات متفرق دیگر به فعالیت مشغول بودم، هم اکنون نیز در مرکز فقه الائمه اطهار (علیهم السلام) و مدرسه امام باقر العلوم (علیه السلام) به تحقیقات ادامه می دهم.

اردکانی، محمد رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ محمد رضا مجتهد بزرگ اردکانی از علماء بزرگ و مراجع بنام این سامان دارای تألیفات و تصنیفات بسیار است در فقه و اصول و از اسباط اوست حجه الاسلام والمسلمین حاج شیخ مرتضی اردکانی اصفهانی که از علماء بزرگ معاصر اصفهان و دارای تألیفات ارزنده‌ایست که در ضمن تراجم علماء اصفهان ذکر خواهد گردید.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

اردکانی، محمدباقر شریف

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۲۷۵ ق)، عالم و فقیه شیعی. وی فقه و اصول را از سید علی طباطبائی حائری و سید مهدی بحر العلوم فراگرفت و از علمای معاصر شیخ محمد حسن نجفی صاحب «جواهر» بود. از آثار وی: «جامع الشواهد»، به زبان فارسی که کرارا چاپ شده و در آن کتابهای «امثله»؛ «تصریف»؛ «عوامل»؛ «الانموذج»؛ «الهدایه»؛ «الکافی»؛ «سیوطی»؛ «مغنی» و «مطول» و غیره شرح شده و از کتب درسی رایج حوزه‌های علمی شیعه است؛ کتاب «شواهد کبری»، که آن نیز مکررا به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۹/ ۱۹۰)، الذریعه (۲۴۴/ ۱۴، ۶۱/ ۵)، ریحانه (۱/ ۱۰۵)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۶۴)، معجم المؤلفین (۹/ ۸۸).

اردکانی، محمدصادق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۸، مرتبه علمی: استاد، رشته: زنان و مامائی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

جراح و متخصص بیماریهای زنان و مامائی از آلمان، فوق تخصص در سرطان‌شناسی زنان از انگلستان، فوق تخصص در اولتراسونوگرافی زنان و مامائی از آلمان و دو دوره کوتاه مدت برای L.V.F در اتریش (وین).

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه علوم پزشکی شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح زود شناختن مرض تالاسمی در اوایل حاملگی (قبل از ۱۲ هفتگی)، استاد راهنمای ۷ پایان‌نامه دکترا و دکترای تخصصی. تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی:- تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

زنان و مامائی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

اردکانی، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ مرتضی بن علامه میرزا محمد مجتهد بن العالم العابد الحاج علی رضا و سبط العلامة الکبری الحاج الشیخ محمدرضا المجتهد اردکانی از علماء اعلام و آیات عظام معاصر اصفهان میباشند. در روز دوشنبه ۱۷ ربیع الاول ۱۳۲۶ قمری در اردکان متولد شده و در سن ۱۵ سالگی مهاجرت باصفهان نموده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و سطوح نزد مدرسین بزرگ دروس تحلیلی خارج فقه و اصول را از آیات عظام مرحوم آیه‌الله آقا سید محمد نجف آبادی و مرحوم آیه‌الله سید علی نجف آبادی و آیه‌الله حاج میرزا محمد صادق یزدآبادی اصفهانی استفاده نموده و دروس عقلی و فلسفه را از مرحوم شیخ المتألهین آشیخ محمد خراسانی فرا گرفته و از همان اوان بوظائف دینی و روحی و اقامه جماعت و تدریس فقه و اصول اشتغال داشته است.

دارای تألیفات ارزنده علمی میباشد که ذیلا مینگارم:

۱- غنیه الطالب تعلیقه بر مکاسب شیخنا الانصاری ره در پنج مجلد که دو جلد آن در قم بطبع رسیده و سه مجلد آماده طبع میباشد.
 ۲- رساله فی الکر ۳- تقریرات فقه و اصول مرحوم آیه‌الله آقا سید محمد نجف آبادی ۴- شرح خلاصه الاصول مرحوم آیه‌الله صدرالدین صدر ره ۵- رساله فی الجماعه ۶- رساله قول فصل در ردسی فصل میرزا محمد کریم خان کرمانی فارسی. ۷- داور داوری یا کسر کسروی در رد کسروی ۸- حاشیه بر عروه الوثقی علامه یزدی.

معظم له دارای اجازات عدیده از مراجع بزرگ چون: ۱- آیت‌الله العظمی اصفهانی ۲- آیه‌الله الکبری آقا ضیاءالدین عراقی ۳- مرحوم آیه‌الله السید محمد نجف آبادی ۴- آیه‌الله حاج شیخ محمد حسین فشارکی میباشند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

اردلانی، غفار

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: کالبدشناسی دامپزشکی، دانشکده: دامپزشکی، دانشگاه: ارومیه.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی کالبدشناسی دامپزشکی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده دامپزشکی دانشگاه ارومیه.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی دستگاه ادراری و تناسلی گاو نر و گوارش نشخوارکنندگان، کالبدشناسی جفت گاومیش آذربایجانی، استاد راهنمای ۱۰

پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۳ پایان‌نامه دکترای تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

کالبدشناسی دستگاه گوارش گاو نر.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۷، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

کالبدشناسی دامپزشکی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

اردوبادی، ابوالقاسم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۳ - ۱۲۷۴ ق)، فقیه، اصولی و متکلم. در تبریز متولد شد. در چهار سالگی همراه پدر به نجف رفت، و در آنجا شروع به

تحصیل علم و کمال کرد. وی نزد ملا محمد ابروانی و ملا علی نهاوندی و شیخ محمد حسین کاظمی درس خواند و از محضر فاضل

اردکانی و میرزای شیرازی بهره‌مند شد. او از شیخ محمد طه نجف اجازه روایت و از فاضل شریانی و شیخ زین‌العابدین و شیخ

لطف‌الله مازندرانی و میرزای شیرازی اجازه‌ی اجتهاد گرفت. پس از رسیدن به مقامات عالی به تبریز بازگشت و به تدریس و نشر

احکام در آن دیار مشغول شد و از مراجع تقلید آن سامان گشت. مجدداً به نجف رفت و در آن شهر زیست و به تدریس مشغول

شد. تا اینکه در راه سفر به خراسان در همدان درگذشت. و پس از چند سال جنازه‌اش به نجف منتقل شد. در «اعیان الشیعه» پنجاه و

دو اثر به وی نسبت داده شده است. از آثار وی: «القبسات فی اصول‌الدین»؛ «مناهج‌الیقین فی الرد علی‌النصاری»؛ «الشهاب‌المبین

فی اعجاز القرآن»؛ «اصول‌الدین»؛ «الدرة‌البيضاء»؛ «النجم الثاقب فی نفائس المناقب»؛ رساله‌ای در «احتکار»؛ رساله‌ای در «اوزان و

مقادیر».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴۱۱-۴۱۰/۲)، الذریعه (۱۵/۱۸۷، ۹۳/۸-۱۸۲/۲)، ریحانه (۲۰۵-۲۰۴/۱)، الکنی و الالقاب (۲۱/۲)، معجم المؤلفین (۸/۱۱۶).

اردوبادی، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۸۰-۱۳۱۲ ق)، محدث، ادیب و شاعر. در تبریز متولد شد. در حدود ۱۴ سالگی به همراه پدر به نجف رفت و ادبیات را از افاضل آن شهر فراگرفت و پس از آن در حوزه‌ی درس استدلالی پدر خود حاضر شد. پس از فوت پدر، در حوزه‌ی درس میرزا علی آقا شیرازی، شریعت اصفهانی، حاج شیخ محمدحسین اصفهانی حاضر شد و بیش از همه از محضر نابغه‌ی عصر، آقا شیخ جواد بلاغی بهره برد. وی از مشایخ بسیاری که شمار آنها به بیش از سی تن می‌رسد روایت کرده است. اردوباری به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌سرود و مضمون بیشتر اشعار عربی وی در منقبت اهل بیت و مقاصد و امور دینی بود. از آثار وی: «الانوار الساطعه» فی نسیمه حجة الله القاطعه؛ «سبک النضار فی شرح حال المختار»؛ «منظومه‌ای در وقایع روز عاشورا»؛ منظومه‌ای در استقبال «الفیه‌ی» میرزا محمدتقی نیر تبریزی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۹/۴۳۸)، الذریعه (۲/۴۲۸)، ریحانه (۱/۲۰۵)، الکنی و الالقاب (۲۱-۲۰/۲).

اردهالی، مصطفی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای پوستی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی و دکترای تخصصی بیماریهای پوست از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۴ و گذراندن دوره فوق تخصصی پوست در دانشگاه لندن.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده پزشکی علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۴، دانشیار در سال ۱۳۵۳ و ارتقاء به درجه استادی دانشکده پزشکی دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۶.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحقیق در زمینه‌های بیماریهای پوستی و آمیزشی و استاد راهنمای پایان‌نامه‌های متعدد دکترای پزشکی عمومی و تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

بیماریهای پوستی بومی ایران، بیماریهای آمیزشی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای پوستی و آمیزشی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

ارسنجانی، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید ابوالقاسم بن العلامة آقا سید محمدرضا فقیه ارسنجانی از مشاهیر دانشمند معاصر شیراز است.

آنجناب در سال ۱۳۱۸ ق در ارسنجان فارس متولد شده و پس از رشد و خواندن مقدمات در محل خود در سال ۱۳۳۳ ق به شیراز آمده و مدت سه سال در مدرسه حکیم شیراز تحصیل نمود.

و در سال ۱۳۳۶ ق مهاجرت به نجف اشرف و از درس و بحث مرحوم آیت الله آقا میرزا ابوالحسن مشکینی و آیت الله اصطهباناتی و آیت الله میرزا محمود شیرازی استفاده و تکمیل سطوح نموده و پس از آن مدت شش سال از درس خارج مرحوم آیت الله آقا ضیاءالدین عراقی با معیت آیت الله العظمی مرعشی نجفی مدظله استفاده نمود.

در سال ۱۳۴۲ ق پس از تبعید حضرات آیات عظام نجف به قم با مصاحبت آیت الله مرعشی نجفی مذکور عزیمت به قم نموده و در این شهر ایمانی و علمی از محضر مرحوم آیت الله حایری و مرحوم آیت الله آقا میرزا سید علی یثربی کاشانی استفاده و ضمناً تدریس سطوح عالی فقه و اصول نموده و در اواخر عمر مرحوم آیت الله حایری به شیراز مراجعت و در مسجد شیخ علی خان و مسجد جامع وکیل اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تدریس فقه و اصول نموده و در حال حاضر که هفتاد و شش سال از سن مبارکش می گذرد در شیراز به خدمات مذکوره اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ارسنجانی، علی عسکر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۰۲ ق)، ادیب، عارف، خطاط، نقاش و شاعر. از اهالی قصبه‌ی ارسنجان شیراز و مردی درویش مسلک بود که به ملاحمد

ارسنجانی دست ارادت داده بود. از علوم رسمی و کمالات بهره داشت و خط نسخ را خوب می‌نوشت و در نقاشی و چهره‌سازی نیز دست داشت. وی در زادگاه خود بدرود حیات گفت. از آثار او: دعای صباح، جانمازی، دو صفحه‌ی اول مذهب عالی نسخ و آخر رقع کتابت خوش. ترجمه‌ی نستعلیق کتابت خفی عالی، حواشی شکسته خفی خوش، با رقم: «علی عسکر اارسنجانی الشیرازی ۱۲۹۲»؛ قرآن جلد روغنی، به خط نسخ و آخر رقع کتابت خفی عالی، با رقم: «علی عسکر بن محمد شفیع اارسنجانی سنه ۱۲۵۳»؛ یک قطعه نسخ و رقع کتابت عالی، با رقم: «وانا العبد الاقل علی عسکر اارسنجانی ۱۲۸۱».[۱]

علی عسکر اارسنجانی مشهور به میرزا آقا در هنر خطاطی و شعر از نوابغ بود. علی عسکر در شعر «الحان» تخلص می‌کرده است. قطعات بسیاری از مرحوم میرزا آقا به جای مانده است که از ذوق و ابتکار وی حکایت می‌کند.

علی عسکر در اوان جوانی چنان در هنر خط و نقاشی درخشید که شهرت جهانی یافت و از طرف دولت هندوستان به آن کشور دعوت شد. سپس از آن کشور بازگشت و در شیراز بدرود حیات گفت و در حرم مطهر امامزاده سید حاج غریب شیراز مدفون گردید.

دعای صباح، جانمازی، دو صفحه‌ی اول مذهب عالی نسخ و آخر رقع کتابت خوش. ترجمه‌ی نستعلیق کتابت خفی عالی، حواشی شکسته خفی خوش با رقم:

«کتابه فی شهر ربیع‌الاول سنه اثنی و تسعین و مأتین بعد الالف من الهجره علی عسکر اارسنجانی الشیرازی» (۱۲۹۲) در مجموعه‌ی آقای سلطان القرائی.

– قرآن جلد روغنی رقم «یا امیرالمؤمنین» نسخ و آخر رقع کتابت خفی عالی با رقم: «حسب‌الخواشش... میرزا عابد مستوفی شیرازی له الاعز... میرزا محمدرضا من شهور سنه ثلث و خمسین و مأتین بعد الالف من الهجره... سمت اختتام پذیرفت. و انا العبد الاثم الخاطی الجانی العاصی الفانی علی عسکر ابن محمد شفیع اارسنجانی سنه ۱۲۵۳».

– یک قطعه نسخ و رقع کتابت عالی با رقم: «کتابه فی شهر ذی‌القعدة الحرام سنه احدى و ثمان و مأتین بعد الف من الهجره النبویه المصطفویه و انا العبد الاقل علی عسکر اارسنجانی ۱۲۸۱» در مجموعه‌ی بیانی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] آثار عجم (۲۴۹-۲۴۸)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۲۱-۱۱۲۰/۴)، حدیقه الشعراء (۲۰/۱)، ریحانه (۱۰۶/۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۰۷/۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۲۵۱/۲).

ارشاد، مجتبی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مجتبی ارشاد

محل تولد: گرگان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مجتبی ارشاد فرزند امین در سال ۱۳۴۴ در گرگان متولد شدم و در سال ۱۳۶۲ تحصیلات حوزوی خود را در مدرسه امام خمینی (ره) گرگان شروع نمودم.

تا سال ۱۳۷۰ در گرگان به تحصیل پرداختم. این دروس تا اواسط رسائل و مکاسب ادامه داشت و همزمان برای امتحان به قم و در امتحانات مرکز مدیریت شرکت می‌نمودم. در سال ۱۳۶۸ تمام امتحانات شرح لمعه را به پایان بردم و در مراحل بعدی امتحان می‌دادم.

در هنگامی که در گرگان بودم دروس ادبیات و منطق را مکرراً تدریس می‌نمودم و در اداره آن مدرسه همکاری می‌کردم. در مهرماه سال ۷۰ به قم منتقل شدم و ادامه رسائل و مکاسب و همچنین شروع کفایه را تا سال ۱۳۷۲ ادامه دادم. در مهر سال ۱۳۷۲ دروس خارج فقه و اصول را نزد مراجع عظام شروع کردم که عمدتاً از محضر حضرت آیت الله تبریزی، فاضل لنکرانی و وحید خراسانی بود و هم‌اکنون از محضر فقه آیت الله وحید استفاده می‌کنم.

در مهر سال ۱۳۷۲ دروس تخصصی کلام را آغاز نمودم و در خرداد سال ۱۳۷۶ به پایان برده‌ام که اکنون با اتمام نوشتن رساله آن در نوبت دفاع از آن هستم.

پس از اتمام دروس تخصصی در موسسه دایرة المعارف فقه اسلامی به مدت چهار سال در بخش موسوعه و بخش فرهنگ فقه همکاری داشتم و همزمان در چند واحد دانشگاه آزاد اسلامی به تدریس دروس معارف اسلامی و همچنین دروس تخصصی فقهی مشغول می‌باشم که تاکنون ادامه دارد. از دیگر فعالیت فرهنگی اینجانب همکاری با موسسه میرداماد در شهرستان گرگان بوده که در قسمت پاسخ به سوالات از سال ۱۳۸۲ آغاز شد و به صورت مکتوب چاپ شده است.

ارشادی نیا، محمدصادق

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد صادق ارشادی نیا

محل تولد: سبزوار

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد صادق ارشادی نیا در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان سبزوار دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۶ که سالهای خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود ایشان بدون هیچگونه ترس و واهمه‌ای وارد حوزه علمیه مشهد گردید.

پس از ورود به مشهد مقدس ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا (ع) از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار همچون مرحوم آیت الله فلسفی، آیت الله مرتضوی و... بهره

ها برد. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۷ به حلقه دروس خارج راه یافت.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فلسفه اسلامی در مقطع دکترا در سال ۱۳۸۱ از دانشگاه امام صادق علیه السلام تهران فارغ التحصیل گردید. و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان "نقد و بررسی نظریه تفکیک" دفاع کرد. ایشان ضمن تبلیغ به تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه فردوسی، و... مشغول است.

لازم به ذکر است که نامبرده به مدت سه سال ریاست دانشگاه آزاد واحد سبزوار را به عهده داشته است. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس و درس و قلم و کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که کتاب های "کتاب نقد و بررسی نظریه تفکیک" و "از مدرسه معارف تا انجمن حجّیه و مکتب تفکیک" و... از جمله آثار ایشان است.

ارغیانی اسفنجی نیشابوری، ابو عبدالله محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۱۵- ۲۲۳ ق)، حافظ و محدث. وی از اسحاق بن شاهین و عبدالله بن محمد زهری و اسحاق کوسج و یونس بن عبدالاعلی و محمد بن بشّار و عبدالجبار بن علاء و ابراهیم بن سعید جوهری و دیگران حدیث شنید و به گفته ابو عبدالله حاکم نیشابوری در طلب حدیث سفرها کرد و بر اساس صدق و راستی ذخیره‌ها اندوخت. ابن خزیمه و ابوحامد شرقی و ابوعلی نیشابوری و زاهر بن احمد سرخسی و ابواحمد حاکم و محمد بن یعقوب بن احرم و دیگران از او حدیث شنیدند. او در زمینه علم و عمل مبرز بود و تصانیف بزرگی به وجود آورد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۴۲۶- ۴۲۲/ ۱۴)، معجم المؤلفین (۲۲/ ۱۲)، معجم طبقات الحفاظ (۱۶۸)، الوافی بالوفیات (۳۰/ ۵).

ارغیانی، ابوالفتح سهل

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۹۹- ۴۲۶ ق)، فقیه شافعی. اصل وی از ارغیان نیشابور بود. برای تحصیل به مرو رفت و در نزد شیخ ابوعلی حسین بن شعیب سنجی و قاضی حسین بن محمد مروودی به فراگیری فقه و دانش پرداخت. سپس به نیشابور بازگشت و اصول فقه را نزد امام الحرمین ابوالمعالی جوینی فراگرفت و آنگاه به ارغیان آمد و چندین سال عهده‌دار قضای آن ناحیه بود. پس از مدتی به زیارت خانه‌ی خدا رفت و در ضمن سفر، در حجاز و عراق و جبال بسیاری از مشایخ را زیارت کرد و از آنان حدیث شنید. وی از ابوبکر بیهقی و ناصر مروزی و عبدالغافر فارسی صاحب «مجمع الغرائب» حدیث شنیده است. در راه بازگشت به نیشابور به خدمت شیخ حسن سمنانی رسید و تحت تأثیر سخنان وی ترک مناظره کرد و در اواخر عمر از کارهای جاری دست شست و به زد و تصوف گرایش پیدا کرد و از مال خود سرائی محقر برای صوفیان بنا کرد و پایان عمر را به عبادت و تألیف گذراند. از آثار وی: «الفتاوی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۰۹/۳)، روضات الجنات (۹۴-۹۳/۴)، ریحانه (۱۰۷/۱)، لغت نامه (ذیل/سهل)، معجم البلدان (۱۸۳/۱)، معجم المؤلفین (۲۸۳/۴)، نامه‌ی دانشوران (۴۱۹-۴۱۸/۴)، وفيات الاعیان (۴۳۴-۴۳۳/۲)، هدیة العارفین (۴۱۳/۱).

ارفع، محمد کاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد کاظم ارفع، فرزند سید ناصر الدین ارفع، در سال ۱۳۲۳ در تهران به دنیا آمد. دوران تحصیلی دبیرستان را ناتمام رها کرد و به تشویق پدر و شوق خود، روی به آموزش حوزوی آورد. او در حوزه‌ی علمیه‌ی تهران (خیابان ری، بازارچه‌ی نایب السلطنه) به درس و بحث طلبگی اشتغال یافت. پس از چهار سال طلبگی در آن مدرسه‌ی علوم اسلامی که برجسته‌ترین استادش حاج آقا مجتهدی بود، در سال ۱۳۴۲ به حوزه‌ی علمیه‌ی قم مهاجرت کرد. استادان بزرگ او در این حوزه عبارت بودند از: آیت الله فاضل لنکرانی، مرحوم آیت الله سلطانی، آیت الله نوری همدانی و مرحوم دکتر مفتاح.

پس از درگذشت پدر گرانمایه اش، ناچار شد برای سرپرستی خانواده، از قم به تهران بازگردد و باز همچنان به آموختن علوم و معارف اسلامی، این بار نزد استادان: آیت الله حاج میرزا علی آقا فلسفه در مسجد لرزاده و آیت الله میرزا باقر آشتیانی در مدرسه‌ی مروی پرداخت. در عین حال، چه قبل و چه بعد از انقلاب اسلامی، به وعظ و تبلیغ متعهدانه‌ی انقلابی روی آورد.

مترجم گرامی صاحب بیش از پنجاه کتاب اعم از تالیف و ترجمه است و اغلب و بلکه همه‌ی آنها در زمینه‌ی علوم و معارف اسلامی و نشر و ترویج فرهنگ اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) است. ایشان بر وفق سنتی مرضیه به ترجمه‌ی قرآن کریم و نهج البلاغه و صحیفه‌ی سجادیه توفیق یافته است.

برگرفته از کتاب: بررسی ترجمه‌های امروزی فارسی قرآن کریم

ارموی، سراج‌الدین، ابوالثنا محمود

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۸۲-۵۹۴ق)، فقیه، اصولی و متکلم شافعی. اصل وی از ارومیه بود. در موصل تحصیل کرد و در دمشق ساکن شد و عهده‌دار قضا آنجا گردید. سپس به آسیای صغیر رفت و در قونیه مقیم شد و در همان جا درگذشت. معروفترین اثرش کتاب «مطالع الانوار» در منطق و کلام است، شرحهای متعدد بر آن نوشته شده که مشهورترین آنها کتاب «لوامع الاسرار فی شرح مطالع الانوار» قطب‌الدین رازی است که به «شرح مطالع» معروف و از کتابهای رایج تعلیمی است. برخی دیگر از آثارش: «بیان الحق»، «المناهج»؛ «شرح الوجیز» غزالی، در فروع فقه شافعی؛ «تلخیص اربعین» یا «مختصر اربعین»، «التحصیل» مختصر «المحصول» فخررازی در اصول فقه؛ «لطائف الحکمة»، در حکمت به زبان فارسی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴۲-۴۱/۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۴۴-۲۴۳/۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۵۱-۱۵۰)، روضات الجنات (۱۰۸/۸)، ریحانه (۱۰۸/۱)، کشف الظنون (۲۰۰۲، ۱۸۴۶، ۱۷۱۵، ۱۶۱۵، ۱۵۶۷، ۹۰۲، ۸۴۸، ۲۶۱، ۹۵، ۹۲، ۶۱)، الکنی و الالقاب

(۲/ ۲۲)، معجم المؤلفین (۱۲/ ۱۵۵)، نام‌آوران فرهنگ (۴-۵)، هدیه العارفین (۲/ ۴۰۶).

ازهر، حشمت‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۲، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زنان و زایمان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه هایدبرگ آلمان در سال ۱۳۳۸ و گذراندن دوره تخصصی بیماریهای زنان و زایمان دانشگاه برلین غربی آلمان در سال ۱۳۴۵.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه پزشکی دانشگاه تبریز تا سال ۱۳۴۹ و دانشیار در رشته زنان و زایمان در بیمارستان امام خمینی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بیماریهای زنان و زایمان و استاد راهنمای بیش از ۵۰ پایان‌نامه دکترا و تخصصی

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

زنان، زایمان و مامائی هورمون در بیماریهای زنان و زایمان و متد مختلف جلوگیری از حاملگی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

زنان، زایمان و مامائی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

ازهری هروی، ابومنصور محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۷۱/ ۳۷۰- ۲۸۲ ق)، ادیب، نحوی، لغوی، فقیه و محدث شافعی. در هرات به دنیا آمد. از شاگردان نبطویه و ابن‌السراج و ربیع بن سلیمان بود و با زجاج و ابن‌الانباری نیز ملاقات کرد و از محمد بن ابی‌جعفر مندری و به یک واسطه از ابوالعباس ثعلب روایت

می‌کرد و از شاگردان وی بود. ابن‌درید را درک کرده اما از وی روایت ننموده است. وی در فنون علم حدیث نیز مهارت داشت. مدتی در عراق و جزیره‌العرب به جمع لغت مشغول بود. چندی هم به دست قرامطه بادیه‌نشین اسیر شد، و در آنجا بر اثر معاشرت با اعراب هوازن بسیاری از لغات و اصطلاحات حقیقی زبان عرب را فراگرفت. ابو عبید هروی مولف «غریبین» و ابو یعقوب قراب و حسین بن محمد باشانی و دیگران از شاگردان ازهری هستند. ابومنصور در هرات در گذشت. از آثار وی: «تهذیب اللغه» در ده مجلد که ابن‌منظور صاحب کتاب «لسان العرب» در مقدمه‌ی کتاب خود آن را از مهمترین کتاب لغت شمرده است؛ «الادوات»؛ «تفسیر اصلاح المنطق»؛ «تفسیر الفاظ مختصر» مزنی؛ «تفسیر السبع الطوال»؛ «التقريب فی التفسیر»؛ «تفسیر شعر ابی تمام»؛ «شرح غرائب الفاظ مستعمل فقها» یا «الزاهر فی غرائب الالفاظ»؛ «معرفة الصبح»؛ «کتاب علل القراءات»؛ «تفسیر القرآن»؛ «معانی شواهد غریب الحدیث»؛ «ردّ علی اللیث».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۶/ ۲۰۲)، ایضاح المکنون (۱/ ۶۰۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۳۵۴)، روضات الجنات (۷/ ۳۲۰-۳۲۲)، ریحانه (۱۱۳-۱۱۲/ ۱)، سرآمدان فرهنگ (۱/ ۱۳۸)، سیر النبلاء (۱۶/ ۳۱۵-۳۱۷)، کشف الظنون (۱۶۳۶، ۱۴۱۴، ۱۲۰۷، ۱۱۷، ۵۱۵، ۴۶۵، ۴۴۸، ۲۸۹، ۱۰۸، ۳۱)، الکنی و الالقاب (۲/ ۲۴-۲۵)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۳۷۰، ۲۸۲)، معجم الادباء (۱۶۷-۱۶۴/ ۱۷)، معجم المؤلفین (۲۳۱-۲۳۰/ ۸)، الوافی بالوفیات (۲/ ۴۵-۴۶)، وفيات الاعیان (۴/ ۳۳۴-۳۳۶)، هدیة العارفین (۱/ ۴۹).

اژه ای، علی اکبر

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در نیمه دوم قرن دوازدهم هجری ستاره ای در آسمان علم و فقهت تشیع درخشید که تالو درخشش آن تا ابد روشنگر راه مشتاقان علم و حقیقت خواهد بود و او کسی نیست جز ملا علی اکبر اژه ای از چهره های درخشان علمی و فرهنگی اصفهان در قرن سیزدهم هجری، وی در روستای اژه از توابع رویدشت در دامان خانواده ای اهل فضل و تقوی پای به عرصه گیتی نهاد و پرورش یافت. نیاکانش همه از علما و بزرگان عرصه علم و فقهت بوده اند. ملا علی اکبر مرحوم محمد شریف بن شمس الدین محمد مشهور به مولانا شریفا (آقای شریفای اژه ای اصفهانی) از علمای صاحب نام عصر صفوی بود که شاگردی شیخ بهایی را نموده و از استادان عالم و محقق بزرگ شیعه مرحوم ملا محمد باقر مجلسی به شمار می رفت و به سال ۱۰۸۷ق در گذشت و در رویدشت به خاک سپرده شد اینک مزارش زیارتگاه اهل دل است. همچنین آخوند ملا اکبر از نوادگان دختری علامه فاضل اصفهانی (فاضل هندی) به شمار می رود. آخوند ملا علی اکبر قدم در راه نیکان گذاشت و برای کسب معرفت به اصفهان آمد و از محضر بزرگانی همچون میرزا ابوالقاسم مدرس خاتون آبادی از چهره های درخشان و مدرسین برجسته مدرس چهارباغ و آقا محمد بیدآبادی عالم و فاضل متألّه و عارف برجسته قرن دوازدهم بهره مند شد و خود چشمه خودشان علم و حکمت گردید و به مقام اجتهاد نائل آمد در زمینه های فقه، اصول و حکمت جامع علوم گردید. وی از جمله علمای اصولی است که با عقاید شیخ احمد احسائی زعیم فرقه شیخیه و میرزا محمد اخباری سخت مخالف بود و در رد عقاید آنها رسالاتی نوشت. از جمله این ردیه ها: رساله ای در رد پادری نصرانی که شبهاتی به دین اسلام وارد آورده است و ردیه بر برخی رسائل شیخ احمد احسائی وردیه ای بر حاج میرزا محمد اخباری که منکر اساس اجتهاد در احکام شرعی بوده است.

وی دارای شخصیتی با ویژگیهای بارز اخلاقی بود و صاحب روضات او را فقیهی متکلم و واعظی متبحر عنوان می کند و از

فصاحت و بلاغت، زهد و تقوی و مقام بلند عرفانی اش بسیار یاد می‌کند. مرحوم عبدالکریم گزی هم در بیان شخصیت او می‌نویسد: «این بزرگوار از اهل زهد و تقوی و ریاضات شاقه و قناعت و تهجد و نماز شب و حالت خوش بوده...»

ملا علی اکبر ازه ای کلامی دلنشین داشت و مواعظ و نصایحش که با حلاوت خاص بیان شده دل را جلا می‌دهد: «اگر کسی دیده بگشاید و ساعتی سر بر گریبان تفکر فرو برد و در احوال خود تفکر نماید خواهد یافت که این عمر مانند کشتی بر روی دریا در گذراست و مردم مسافرنند. اول منزل گهواره و وقت تولد و آخر منزل لحد و قبر و وطن یا بهشت است یا جهنم»

این عارف اندیشمند اندوخته‌های علمی خود را در قالب کتب و رسالیت متعددی برای آیندگان به یادگار گذارده و آثار ارزشمندی در علوم مختلف از وی به جا مانده است. از جمله:

- رساله نماز شب که درباره چگونگی نماز شب و آداب و ثواب آن بوده و به نوعی بیانگر شخصیت مؤلف است.

- رساله سیر آسمانی در معراج،- ارشاد الواعظین و انحاج الطالبین در اجتهاد و...

این استاد فرزانه شاگردان بسیاری تربیت نمود از جمله از آنها حاج میرزا زین العابدین خوانساری پدر صاحب روضات ملا علی اکبر در محله جوباره سکونت داشت و در مسجد علی در محله هارونیه امامت جماعت را داشت و در همین مدرسه هم تدریس می‌نمود. وی در کسوت فقر و درویشی روزگار می‌گذرانید در تهجد و شب زنده داری بسیار استوار بود.

سرانجام مرغ جان این عالم ربانی در یازدهم شوال ۱۲۳۲ ق از قفس خاکی تن رها شد و به افلاک پرگشود و پیکرش را در تخت فولاد در جوار قبر مرحوم ملا اسماعیل خواجه‌بوی به خاک سپردند.

ازهای، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فلسفه، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکتر در رشته فلسفه و منطق از ایران.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فلسفه، منطق و فلسفه تحلیلی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

منطق، فلسفه علوم، فلسفه معاصر.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

منطق، معنی‌شناسی، فلسفه‌های تحلیلی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

استاد ولی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین استاد ولی در سال ۱۳۳۱، در تهران متولد گردید. با به پایان بردن تحصیلات مقدماتی، وارد دوره‌ی متوسطه دبیرستان شد، و در سال ۱۳۴۸ هم زمان با تحصیل در دوره‌ی متوسطه، شب‌ها پس از نماز مغرب و عشاء به مسجد مرحوم حاج ملا محمد جعفر معروف به حوزه‌ی علمیه‌ی حضرت آقای شیخ احمد مجتهدی تهرانی می‌رفت و به فراگیری علوم ادبی و دینی می‌پرداخت، او تا سطح لمعه را در آنجا فراگرفت. استاد ولی فراگیری علوم دینی را هم چنان پس از این دوره ادامه داد و توانست در این مدت محضر درس اساتید بزرگی را درک نماید. استادولی کار ترجمه و تصحیح را از سال ۱۳۵۴ نزد استاد غفاری آغاز نمود و در این مدت آثار زیادی به چاپ رساند. تصحیح کتاب «الامالی» حسین استاد ولی، در دوره دوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: الهیات و معارف اسلامی

والدین و انساب: پدر حسین استاد ولی، مرحوم عباسعلی، معروف به آقای شیخ عباس از کسبه‌ی متدین و اهل تهران بود. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: حسین استاد ولی با به پایان بردن تحصیلات مقدماتی، وارد دوره‌ی متوسطه دبیرستان شد، و در سال ۱۳۴۸ هم زمان با تحصیل در دوره‌ی متوسطه، شب‌ها پس از نماز مغرب و عشاء به مسجد مرحوم حاج ملا محمد جعفر معروف به حوزه‌ی علمیه‌ی حضرت آقای شیخ احمد مجتهدی تهرانی می‌رفت و به فراگیری علوم ادبی و دینی می‌پرداخت، او تا سطح لمعه را در آنجا فراگرفت. استاد ولی فراگیری علوم دینی را هم چنان پس از این دوره ادامه داد و توانست در این مدت محضر درس اساتید بزرگی را درک نماید.

استادان و مربیان: حسین استاد ولی از سال ۱۳۴۸ تا سال ۱۳۵۴ در محضر درس شیخ احمد مجتهدی تهرانی حاضر گردید. در سال ۱۳۵۴ در اثر علاقه‌ی وافر به علم حدیث (با توسل به ذیل عنایت شیخ صدوق) محضر درس میرزا علی اکبر غفاری را درک نمود. و در فاصله‌ی سال‌های ۴۸ تا ۵۷ همزمان با تحصیل در مدرسه‌ی آقا، در محضر درس حاج سیدهاشم حسینی حاضر گردید. استاد ولی همچنین در سال ۱۳۶۲ به حوزه‌ی درس آیت الله حاج شیخ محمدتقی شریعتمداری راه یافت و شرح لمعه و بخشی از مکاسب شیخ و چندی نیز خارج المدارک آیت الله حاج سید احمد خوانساری را نزد این استاد فراگرفت.

هم دوره‌ای‌ها و همکاران: حسین استاد ولی در سال ۱۳۴۵ با دانشمند گرانمایه آقای میرزا علی اکبر غفاری آشنا شد که ثمره‌ی این آشنایی فراگیری روش تصحیح فنی متون اسلامی از آقای غفاری بود.

سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: حسین استادولی کار ترجمه و تصحیح را از سال ۱۳۵۴ نزد استاد غفاری آغاز نمود و در این مدت آثار زیادی به چاپ رساند.

جوایز و نشانها: تصحیح کتاب «الامالی» حسین استاد ولی، در دوره دوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

آثار:

۱ اعراب گذاری کتابهای توحید صدوق، ثواب الاعمال، غیبت نعمانی

۲ الامالی

ویژگی اثر: تصحیح کتاب - برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره دوم کتاب سال - یکی از پایه های معارف اسلامی سخنان و سیره ائمه اطهار علیهم السلام است، نقل اصغری که پیامبر اکرم بارها و بارها در حیات خویش به تمسک و پیروی از آن فرمان داده بود. بدین سبب در طول دوران حیات ائمه اطهار محدثین شیعه با دقت و وسواس بی نظیر خود به گردآوری و ضبط احادیث آن بزرگواران پرداختند و حاصل تلاش آنان مجموعه های روایی بود که به آیندگان به ارث رسید. علمای اسلامی که پس از عصر ائمه و دوران غیبت کبری به سر می بردند در استمرار این سنت حسنه به نقل روایات ائمه علیهم السلام پرداختند. علاوه بر تألیف کتابهای روایی، این بزرگواران با تشکیل مجالس هفتگی و یا ماهانه به نقل حدیث می نشستند و شاگردان ایشان با کتابت این احادیث مجموعه هایی را می پرداختند که در اصطلاح «امالی» نامیده می شود. یکی از علما بزرگ شیعی که چنین مجالسی را برپا می داشت فخرالشیعه ابو عبدالله محمد بن النعمان العکبری الغدادی، معروف به شیخ مفید (متوفی به سال ۴۱۳ هـ.ق) می باشد. شیخ مفید از دانشمندان بزرگی است که در فنون مختلف اسلامی تبحر فراوانی داشته و در دفاع از حریم اهل بیت علیهم السلام با قدرت بی نظیری به بحث و مناظره می پرداخته است. کتاب «الامالی» دربرگیرنده ۴۲۲ مجلس نقل روایت است که اولین آن در ماه مبارک رمضان سال ۴۰۴ هجری و آخرین آن در روز شنبه ۲۷ ماه مبارک رمضان سال ۴۱۱ هجری برگزار شده است و در مجموع حاوی ۳۸۷ حدیث در مسائل مختلف می باشد. در تصحیح کتاب، مصحح محترم با مراجعه به نسخ مختلف و نیز افزودن تعالیق مفید، در مجموع کار ارزنده ای را به انجام رسانده که سبب احیای مجدد این کتاب شده است. فهارس تفصیلی اعلام، بیوتات قبایل و اماکن نیز به این کتاب ارزش افزونتری بخشیده است

۳ الامام علی بن ابی طالب (ع)

۴ الامام مهدی

ویژگی اثر: ترجمه

۵ امالی مفید

۶ بحرالمعارف

۷ ترجمه مستقلى از قرآن کریم

۸ دعاهای مفتاح الفلاح

۹ علم الیقین

۱۰ قصه های طاقدیس

۱۱ قصه های عارفان

منابع زندگینامه: www.ketabesal.ir دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، به کوشش: بهاءالدین خرمشاهی، تهران: انتشارات

دوستان و ناهید، ص ۱۹۶

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا استادی مقدم

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۶/۱/۱

زندگینامه علمی

آیة‌الله رضا استادی مقدم (تهرانی) در سال ۱۳۱۶ در تهران در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پدرش مرحوم حاج خداداد که در سال ۱۳۷۲ دارفانی را وداع گفت، مردی متدین و اهل خیر بود که همواره فرزند خود را در مسائل معنوی و مادی کمک می‌کرد. او در قبرستان وادی‌السلام قم در مقبره‌ای که خود تهیه کرده بود، مدفون است.

آیة‌الله استادی در سن هفت سالگی به دبستان رفت و در دوازده سالگی تحصیلات دوره ابتدایی را به پایان رساند. پس از آن تا شانزده سالگی به کار و کسب مشغول بود. در شانزده سالگی به وساطت دو نفر از مؤمنان، به مسجد امین الدوله بازار تهران و مدرسه علمیه مروی رفت و تحصیل علوم دینی را آغاز کرد. حدود چهار سال از عمر طلبگی خود را در تهران سپری کرد و سپس به حوزه علمیه قم شرفیاب شد و در دروس دوره سطح شرکت می‌کرد. سپس حدود ده سال در دروس خارج فقه و اصول شرکت کرد و از محضر استادان برجسته روزگار خود بهره برد. او دو بار به عتبات عالیات مشرف شده بود که نخستین بار آن در دوران کودکی و بار دوم در دوران تحصیل بود و چند ماه به طول انجامید که در طی این چند ماه در درس خارج برخی از استادان آن دیار نیز حاضر شد.

آیة‌الله استادی در طی این سالها، شوق فراوانی به گردآوری کتب و مطالعه آنها داشت که این مسأله، بعدها در شکل‌گیری روحیه پژوهشگری او تأثیر بسزایی داشت. همچنین در این سالها در درس اخلاق استادان حوزه علمیه تهران و قم حاضر می‌شد.

آیة‌الله رضا استادی در سالهای تحصیل خود، محضر استادان بسیاری را درک کرد. او در حدود چهار سال در تهران، از محضر آقایان حاج شیخ عبدالکریم حق شناس امام جماعت مسجد امین الدوله، حاج شیخ احمد مجتهدی امام جماعت مسجد حاج ملاجعفر، مرحوم حاج شیخ هادی مقدس واعظ، مرحوم حاج میرزا عبدالعلی تهرانی امام جماعت مسجد بزازه‌های تهران و... استفاده کرد. در قم نیز در چند سالی که دروس دوره سطح را می‌خواند به درس آیة‌الله ستوده، آیة‌الله میرزا حسین نوری، آیة‌الله خزعلی، آیة‌الله محمدی شاه‌آبادی، آیة‌الله جعفر سبحانی، آیة‌الله منتظری، آیة‌الله مکارم شیرازی، آیة‌الله سلطانی بروجردی، آیة‌الله آذری قمی رفت و از درس ایشان بهره برد.

در ضمن در درس اخلاق و توسل مرحوم آیة‌الله حاج شیخ عباس طهرانی و مرحوم حاج آقا حسین فاطمی شرکت کرد. با پایان یافتن دوره سطح نیز به دروس خارج آیات عظام مرحوم سید حسن فرید اراکی، مرحوم سید محمد محقق داماد یزدی، مرحوم سید محمدرضا گلپایگانی، مرحوم سید کاظم شریعتمداری، مرحوم حاج شیخ محمد علی اراکی و آیة‌الله حاج سید موسی شبیری زنجان‌ی رفت و در چند ماهی که در نجف حضور داشت، در درس خارج امام خمینی (ره)، آیة‌الله‌العظمی خویی (ره) و شهید سید محمد باقر صدر (ره) شرکت جست. او در سالهای تحصیل خود که نزدیک به بیست سال بود، با برخی از فضلا و بیش از همه با

آیه‌الله سید محسن خرازی درسها را مباحثه می‌نموده است و در طی این سالها، خود از تدریس دروسی که خوانده بود، غافل نماند. ایشان از باب تیمن و تبرک از مرحوم آیه‌الله سید مصطفی صفایی خوانساری و مرحوم آیه‌الله شیخ محمد تقی تستری (مؤلف قاموس الرجال) و آیه‌الله نجومی اجازه روایت دریافت کرد.

آقای استادی تا به امروز فعالیتهای فرهنگی بسیاری را به عالم اسلام تقدیم داشته است. او در طول سالهای متمادی به تدریس کتابهای شرح لمعه، اصول فقه، مکاسب، رسائل، کفایه، و نیز اصول عقاید و تفسیر پرداخته و از این رهگذر، شاگردان بسیاری را پروراند.

از آغازین سالهای تحصیل، به امر تبلیغ اهتمام داشته و به نقاط گوناگونی رفته و مردم آنجا را ارشاد نموده است. همچنین در برخی سمینارها و همایشهای علمی، مانند کنگره شیخ انصاری، شیخ فضل الله نوری، رشیدالدین میبدی، سید حسن مدرس، میرزا کوچک خان، سید شرف الدین و کنگره امام رضا (ع) و نیز همایش اقتصاد اسلامی به ایراد سخن پرداخته است. از کارهای مهم ایشان در این عرصه تهیه، تنظیم و چاپ آثار سه کنگره عظیم شیخ مفید، مقدس اردبیلی و آقاحسین خوانساری است که حدود ۵ سال، بیشتر اوقات ایشان را به خود مصروف داشته است. پس از آن نیز تنظیم آثار کنگره فاضلین نراقی و نخبگان گلپایگان و چاپ آن به عهده ایشان بوده است.

آیه‌الله استادی سه سال مدیر حوزه علمیه قم و پنج سال سرپرست کتابخانه مسجد اعظم بود و چند سال است که عضو شورای عالی حوزه علمیه قم می‌باشد. او حدود شش سال از اعضای هیأت امنای دائرةالمعارف اسلامی، سه سال از اعضای مشاوران کتابخانه آستان قدس رضوی بود و حدود سی سال است که به همراه آیه‌الله خرازی، در هیأت مدیره مؤسسه در راه حق می‌باشد. وی از سال ۱۳۵۰ تاکنون در کنار درس، به تألیف، تصحیح و ترجمه نیز اشتغال داشته است.

آیه‌الله استادی تاکنون حدود ۱۵۰ مقاله نگاشته که پس از چاپ در مجلات به صورت کتابهایی با نامهای مختلف تجدید چاپ شده که در بخش تألیفات ایشان یاد شد. وی کتب بسیاری را تصحیح نموده است که از جمله می‌توان الکافی فی الفقه، تقریب المعارف، نفس المهموم، دو جلد از جواهر الکلام، المسلك محقق حلّی، ۹ رساله از محقق حلّی، منهج الرشاد، هفده رساله فارسی، چهارده رساله عربی، سی رساله مرحوم آقامیرزا احمد آشتیانی را نام برد.

همچنین وی بر چاپ کتب بسیاری نظارت داشته است که از جمله آنها به میزان الطالب، چهارده جلد از تفسیر نور، التوازن الاسلامی، الحکومت الاسلامیه فی روایات الشیعه و چند جلد از تألیفات آیه‌الله العظمی اراکی را می‌توان اشاره کرد.

آیت الله استادی در پیش از انقلاب، دوشادوش مردم به مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه پرداخت و پس از انقلاب به عضویت جامعه مدرسین حوزه علمیه قم درآمد. وی همواره به تبعیت از راه امام خمینی (ره) و حمایت از رهبری مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای تأکید داشته و همواره دستاوردهای انقلاب را که همانا حاصل خون هزاران شهید بوده، پاس می‌داشته است.

استادی مقدم، کاظم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کاظم استادی مقدم

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۴/۵/۵

استادی، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا استادی یکی از ستارگان درخشان حوزه علمیه قم است. که در سال ۱۳۱۶ شمسی در تهران به دنیا آمده و در دامان والدشان حاج خداداد استادی که از مردان نیک و خیر تهران است پرورش یافته و پس از خواندن دروس ابتدائی به تحصیل علوم دینی پرداخته و در خدمت حاج شیخ عبدالکریم حقشناسی و حاج شیخ احمد مجتهدی و حاج شیخ هادی مقدس واعظ و مرحوم حاج میرزا عبدالعلی تهرانی و دیگران مقدمات و سطوح را خوانده و سپس عزیمت به قم نموده و سطوح و سطحی و نهائی را از اساتید بزرگ آیات حوزه چون حاج شیخ محمدتقی ستوده و حاج میرزا حسین نوری و حاج شیخ ابوالقاسم خزعلی و حاج میرزا محمدشاه آبادی و حاج شیخ جعفر سبحانی و آقای منتظری و حاج آقای مکارم و آقای آذری و حاج سید محمدباقر سلطانی و جوادی آملی استفاده نموده سپس حدود ۱۲ سال از دروس خارج فقه و اصول آقایان مراجع و اساتید بزرگ چون حاج آقا حسن فرید محسنی اراکی و آیت‌الله محقق داماد و آیت‌الله العظمی گلپایگانی و حاج شیخ محمدعلی اراکی و آیت‌الله حاج شیخ کاظم تبریزی و حاج آقا موسی شبیری زنجانی استفاده کرده و در خلال این سالها عزیمت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات آنجا چون آیت‌الله خوئی و آیت‌الله خمینی و آیت‌الله حاج سید محمدباقر صدر شهید استفاده نموده و در طول بیست سال غالباً شریک بحث آیت‌الله سید محسن خرازی بوده.

آقای استادی در خلال تحصیل اشتغال به تدریس سطوح فقه و اصول شرح لمعه و اصول مظفر و رسائل و مکاسب و کفایه و اصول عقاید داشته و دارند.

آثار و تألیفات استادی

آقای استادی در طول پانزده سال است که در کنار تدریس اشتغال به تألیف و تصنیف و ترجمه و تصحیح دارند و از خود آثار به جای گذاشته که اغلب به طبع رسیده است و آنها از این قرار است:

- ۱- فهرست کتابهای خطی کتابخانه مدرسه فیضیه قم در دو مجلد که به چاپ رسیده است - چاپ قم.
- ۲- فهرست کتابهای خطی کتابخانه عمومی آیت‌الله گلپایگانی جلد دوم و سوم.
- ۳- فهرست کتب خطی مدرسه حجّیه.
- ۴- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد جامع چهل ستون تهران.
- ۵- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه حسینیه شوشریه‌های نجف اشرف ج ۱۲-۱۱.
- ۶- فهرست صد و شصت نسخه خطی چاپ قم.
- ۷- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله حجت (ره).
- ۸- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه طبسی حایری.
- ۹- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه حاج شیخ علی خونساری.

- ۱۰- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم.
- ۱۱- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله زنجانی.
- ۱۲- کتابنامه نهج‌البلاغه چاپ بنیاد نهج‌البلاغه.
- ۱۳- کتابنامه امام صادق علیه‌السلام چاپ موسسه راه حق قم.
- ۱۴- کتابنامه امام حسین علیه‌السلام.
- ۱۵- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه سید مهدی روحانی.
- ۱۶- اصول دین برای همه چاپ دارالفکر.
- ۱۷- شوری در قرآن و حدیث.
- ۱۸- مدارک نهج‌البلاغه.
- ۱۹- تحقیق در یک مسئله فقهی.
- ۲۰- بررسی قسمتی از کتاب شهید جاوید.
- ۲۱- خاتمیت از دیدگاه عقل و قرآن و حدیث.
- ۲۲- شفاعت در قرآن و حدیث.
- ۲۳- چهل داستان چاپ کتابفروشی علامه.
- ۲۴- تحقیق درباره دعاء ندبه.
- ۲۵- توضیحی در پیرامون آیه خمس.
- ۲۶- امامت در چند درس.
- ۲۷- تحقیق در پیرامون فقه الرضا و چندین مقاله و جزوه‌های دیگر که به طبع رسیده است.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

استپانیان، سروژ

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم سروژ استپانیان در آذرماه ۱۳۰۸ در شهر باکو به دنیا آمد. وی از فرهیختگان معاصر ایران بود. او در زمینه ترجمه آثار روسی تبحر داشت. وی آثار بسیاری ارا ز زبان روسی ترجمه کرده است. سروژ فارسی را خوب و روان می نوشت و به زبان فرانسه و انگلیسی هم تسلط داشت. کتاب "مجموعه آثار چخوف" ترجمه ایشان، در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: ترجمه

والدین و انساب: سروژ استپانیان در خانواده ای ارمنی و از مادری روس تبار به دنیا آمد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: سروژ استپانیان ده ساله بود که با خانواده اش به ایران کوچ کرد و در شهر رشت مقیم شد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سروژ استپانیان تحصیلات ابتدایی و متوسطه را دررشت سپری کرد .

همسر و فرزندان : از سروژ استپانیان یک پسر و یک دختر به جامانده است که دخترش دبیرریاضی و پسرش دکتر دارو ساز می باشد .

وقایع میانسالی : سروژ استپانیان دراین دوران به ترجمه روی آورد . وی همچنین بانشریه ها نیز همکاری می کرد .

زمان و علت فوت : سروژ استپانیان بر اثر ابتلاء به بیماری سرطان فوت کرد .

فعالیت‌های آموزشی : سروژ استپانیان از سال ۱۳۴۱ فعالیت‌های فرهنگی خود را با ترجمه ؟داستانهایی از نویسندگان روس یا روسی

نویس در «کتاب هفته» آغاز کرد که اخیراً آنها را در مجموعه ای با عنوان «فیل در پرونده» برای انتشار آماده ساخت. کتابهای

«زندگی در گور» اثر ستراتیس می ری ویلیس، «سراب» و رمان سه جلدی «گذر از رنجها» اثر الکسی تولستوی و «ماجراهای حیرت

انگیز بارون مونهاورن» اثر بورگ آثار دیگری بودند که وی به ترجمه ؟ آنها پرداخت. مرحوم استپانیان سپس به چخوف روی آورد

و گزینه ای از داستانهای کوتاه او را در سه جلد و نمایشنامه هایش را در دو جلد ترجمه کرد. اخیراً جزیر ؟ ساخالین و چند داستان

کوتاه دیگر از همین نویسنده نیز بر آنها افزوده شده، چنانکه چاپ بعدی آثار چخوف مشتمل بر هفت جلد خواهد بود.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سروژ استپانیان در نظر داشت که آثار نثر پوشکین ،نویسنده روسی ،را به فارسی ترجمه کند و

آن را برای مراسم دویستمین سالگرد تولد پوشکین حاضر کند که اجل مهلت نداد .

جوایز و نشانها : در پانزدهمین دوره معرفی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران (از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) در ده فجر

۱۳۷۶ در حوزه ادبیات ،یکی از آثاری که به عنوان اثر ممتاز معرفی شد، مجموعه آثار چخوف ،ترجمه سروژ استپانیان بود. -----

آثار :

۱ ترجمه بچه های آربات

ویژگی اثر : این کتاب تالیف ریباکف است

۲ ترجمه جزیره ساخاری

۳ ترجمه داستانهای چخوف

۴ ترجمه زندگی در گور

ویژگی اثر : اثر ستراتیس می ری ویلیس

۵ ترجمه سراب

ویژگی اثر : این اثر تالیف تولستوی است

۶ ترجمه فیل در پرونده

۷ ترجمه کتاب شطرنج

۸ ترجمه گذر از رنجها

ویژگی اثر : این کتاب سه جلد بوده و تالیف الکسی تولستوی می باشد که به جریان انقلاب اکتبر و جنگهای داخلی شوروی سابق

می پردازد .

۹ ترجمه ماجرای حیرت انگیز بارون مونها وزن

ویژگی اثر : این کتاب اثر بورگ می باشد که یک اثر کاملاً طنز آمیز است .

۱۰ ترجمه مجموعه آثار چخوف

ویژگی اثر: این کتاب در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «مجموعه آثار چخوف»: مجموعه آثار چخوف (جلدهای ۴ و ۵)؛ آنتوان چخوف؛ ترجمه؟ سروژاستپانیان؛ تهران: توس، ۱۳۷۵. دوران فعالیت ادبی چخوف سالهای آخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم است. معاصران او، این دوران را «قرن درام نویسی» و درام نویسی او را «درام نوین» می نامند. درام نوین در حدود سالهای ۱۸۷۰ تا ۱۸۸۰ در اروپا نضج گرفت و به سرعت از فرانسه تا روسیه و از نروژ تا ایتالیا گسترش یافت. تولد تئاتر چخوف، در شرایط تاریخی زمان او امری اجتناب ناپذیر می نمود. با اینکه خلاقیت هنری او بیشتر با درام نویسی آغاز می شود و با آن خاتمه می یابد، نثر او مشحون از موضوعات بکر نمایشی است. چخوف به تئاتر زمان خود با نگرش انتقادی می نگریست و از عنفوان جوانی، در مقاله های طنزآمیز و در نامه های خود، آن را شدیداً مورد انتقاد قرار می داد. او بارها سعی کرده بود با تئاتر وداع کند اما باز به آغوش آن بازگشته بود و این حقیقتی بود که نویسنده خود آن را تجربه کرده و به زبان آورده است. به طور کلی باید گفت که چخوف به قرن طلایی ادبیات روس تعلق دارد. نمایشنامه های او بیانگر اوضاع اجتماعی قرن نوزدهم و از بسیاری جهات با واقعیت‌های جامعه قابل قیاس است. از ویژگیهای کتاب این است که مترجم به زبان روسی تسلط کامل دارد و برای ترجمه، زبان راحت و مناسبی اختیار کرده است

۱۱ ترجمه مجموعه آثار ناس (لانس) لاوکیچ

۱۲ کتاب هفته

ویژگی اثر: ترجمه از زبان روسی

استخری، احسان‌الله علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق.

تولد: ۱۳۵۳ ق.، شیراز.

درگذشت: آذر ۱۳۶۵.

احسان‌الله علی استخری فرزند کمال در شیراز متولد شده است. نسبش با شش واسطه از امهات به سید قطب‌الدین محمد صاحب فصل الخطاب و از وی طبق نسب‌نامه به امام زین‌العابدین (ع) می‌پیوندد و علاوه بر انتساب به برخی از مشایخ اولیاء از جهت والدین سلسله نیاکانش تا امام‌قلی‌خان ابن‌اللهوردیخان سه‌پسالار عصر صفویه متصل است.

احسان‌الله علی استخری در تحصیل علوم متعلق به باطن از خدمت جمعی از علماء عامل و اولیاء عارف استفاده برد و از دانشکده‌ی معقول و منقول نیز به دریافت دکتری توفیق یافت. وی سپس به تدریس در دانشسرای عالی پرداخت.

از آثار اوست: اصول تصرف (۱۳۳۷).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

استرآبادی، ملا جعفر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج ملاجعفر بن ملاسیف الدین استرآبادی

حاج ملاجعفر بن ملاسیف الدین استرآبادی معروف به شریعتمدار تهرانی از فقها و مجتهدین امامیه‌ی قرن سیزدهم هجری، صاحب تحقیقات و تالیفات متعدد، بسیار متقی و محتاط و پرهیزکار بود. بیشتر ایام جوانی را به تحصیل علم و دانش سپری کرد و از محضر اساتید برجسته‌ی زمان بهره برد. ملاجعفر شریعتمدار تهرانی علاوه بر منصب قضاوت، در ادبیات عرب و سرودن شعر نیز مهارتی بسیار داشت اما شهرت او بیشتر به خاطر تالیفات متعدد وی در زمینه‌های فقه، اصول فقه، حکمت، کلام و اخلاق است. مهم‌ترین آثار به جا مانده از وی، کتب مصابیح در اصول فقه، الشارح الکبیر، سفینه النجاه و البراهین القاطعه در حکمت و کلام می‌باشد. ملاجعفر شریعتمدار در ۶۶ سالگی وفات یافت و بدن وی را در نجف اشرف، در کنار مزار علامه‌ی حلی به خاک سپردند.

برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

منابع زندگینامه: تقویم تاریخ

استرآبادی، ضیاءالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۲۳ ق)، فقیه و اصولی. پس از طی مقدمات و سطوح نزد پدرش و آقا سید محمد وحید در تهران، به قم رفت و در حوزه‌ی درس حاج شیخ حسن فاضل و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله حائری‌یزدی حاضر شد تا مقام اجتهاد یافت و به دریافت اجازه از آیات عظام حائری و اصفهانی و خوانساری و حکیم نایل شد. پس از درگذشت آیت‌الله حائری مشغول تدریس متون فقه و اصول گردید و پس از فوت پدرش به تهران آمد و به جای او به ترویج دین پرداخت و مدیریت مدرسه علمیه محمدیه را متعهد و به سرپرستی طلاب اشتغال یافت. از آثار وی: «تقریرات مباحثات فقه و اصول استدلالی» استادانش؛ «رساله العقائد الامامیه»؛ «رساله‌ای در خمس»؛ «رساله‌ای در زکوة»؛ «رساله‌ای در تجرّد بقاء روح»؛ «حواشی بر عروه الوثقی» [۱].

سید ضیاءالدین فرزند مرحوم مغفور حاج سید محمد استرآبادی عالمی جامع و دانشمندی کامل و فقیهی ورع محلی بلباس تقوا و قدس می‌باشد. معظم له از احفاد امام زاده عظیم‌الشان سید عمادالدین حسینی علوی که به چند واسطه بحضرت سیدالساجدین و زین العابدین علی ابن الحسین علیهماالسلام از فرزندش جناب عبدالله الاصغر منتهی میشود. جناب سید عمادالدین در یکی از مضافات هزار جریب مدفون و زیارتگاه مردم آن سامان می‌باشد.

مترجم عزیز ما در حدود سال ۱۳۲۳ ق متولد و پس از طی مقدمات و سطوح نزد مرحوم والد و آقا سید محمد وحید در تهران به قم مشرف و بحوزه تدریس مرحوم حاج شیخ حسن فاضل و بعد آیه‌الله حاج سید محمدتقی خوانساری و مرحوم آیت‌الله موسس حاج شیخ عبدالکریم حائری-ره- حاضر تا بمقام منیع اجتهاد و اصل و مجاز از آیات عظام حائری و اصفهانی و خوانساری و حکیم و دیگران گردیده و در آن اجازات که بنظر حقیر رسیده تصریح باجتهاد آن جناب نموده‌اند. پس از فوت مرحوم آیت‌الله حائری مشغول تدریس متون فقه و اصول گردیده تا سال ۱۳۶۵ ق بعد از فوت مرحوم والدش به تهران آمده و بجای مرحوم پدر در مسجد جمعه باقامت جماعت و ترویج دین و تفسیر آیات مبین و نیز مدیریت مدرسه علمیه محمدیه را متعهد و در آنجا بتدریس و سرپرستی چهل نفر از طلاب و محصلین اشتغال دارد.

آثار علمی آن جناب از این قرار است:

- ۱- تقریرات مباحثات فقه و اصول استدلالی اساتید قم. ۲- رساله العقائد الامامیه. ۳- رساله‌ای در خمس. ۴- رساله‌ای در زکوه. ۵- رساله‌ای در صلوه اللیل. ۶- رساله‌ای در تجرد بقاء روح. ۷- سؤال و جواب عروه الحج در مناسک حج مطبوع. ۸- حواشی توضیح المسائل مرحوم بروجردی. ۹- حواشی بر عروه الوثقی. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: [۱] گنجینه دانشمندان (۳۷۴- ۳۷۳/۴).

استرآبادی، فاضل

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد بن الحسن رضی‌الدین الاسترآبادی عالمی محقق صاحب شرح کافی و شرح شافیه و شرح قصاید سبع ابن ابی‌الحدید می‌باشد.

علماء عامه و خاصه این بزرگوار ستوده و کتاب شرح کافی او را تعریف نموده‌اند قاضی شهید شوشتری در مجالس المؤمنین فرموده که شرح کافی او بهترین کتابست در نحو و متاخرین او همگی خود را عیال آن می‌دانند و آن را دست بدست می‌گردانند و آن را بر وجهی که در خطبه آن ذکر نموده در آستانه مقدسه علوی و مشهد مقدس مرتضوی نوشته و گفته که اگر مقبول طبع اهل روزگار خواهد بود از برکات وقوع آن در این جوار است و الا- از قصور طبع این خاکسار وفات آن بزرگوار در سال ۶۸۶ قمری واقع شده.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

استرآبادی، محمد علی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علامه‌ی فقیه آخوند ملا محمد علی بن احمد استرآبادی یکی از دامادهای چهار گانه‌ی مجلسی اول بوده، و خود عالمی محقق، و فقیهی جامع بوده، در ۵ شنبه اول رجب ۱۰۱۰ متولد شده، و در () وفات یافته، قبرش در بقعه‌ی مجلسی در ایوانچه‌ی پایین پا قبر مرمر بلند بسته‌ای دارد، و در همین قبر مرحوم آقا میرزا جعفر امام جمعه مدفون می‌باشد.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

استرآبادی، محمد امین

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۳۶- ۱۰۳۰ ق)، فقیه و محدث اخباری. در استرآباد متولد شد. به مکه معظمه مهاجرت کرد و در آنجا مقیم شد. ابتدا در

سلک اصولیان بود و از صاحب «مدارک» و صاحب «معالم» و میرزا محمد استرآبادی، صاحب «رجال»، اجازه‌ی روایت داشت. وی پس از آن، از طریقه‌ی اصولی به اخباری روی آورد و کتابی هم به نام «فوائد المدینه»، در رد اصولی‌ها نوشت. سرانجام در مکه درگذشت. دیگر آثار وی: «حاشیة علی شرح المدارک»؛ «شرح التهذیب»؛ «شرح الاستبصار»؛ حاشیه بر «انموذج العلوم» جلال‌الدین دوانی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۳۷/۹)، خاتمه مستدرک الوسائل (۱۹۳-۱۸۹/۲)، الذریعه (۳۵۸/۱۶، ۱۸۱، ۲۶/۶، ۲۱۷/۵)، روضات الجنات (۱۴۸-۱۲۹/۱)، ریحانه (۱۱۵-۱۱۴/۱)، فوائد الرضویه (۳۹۹-۳۹۸)، معجم المؤلفین (۷۹/۹)، هدیة العارفین (۲/۲۷۴).

استرآبادی، محمدتقی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدتقی بن ملا محمد اسماعیل استرآبادی از علماء اعلام عصر خود و از شاگردان شیخ محمدحسن صاحب (الجواهر) و علامه سید ابراهیم قزوینی صاحب (الضوابط) بوده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

استرآبادی، محمد مهدی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۱۸۰-۱۱۰۰ ق)، منشی و مورخ. ملقب به میرزا مهدی‌خان. در اصفهان تحصیل کرد. و منشی دربار صفوی شد سمت فرمان صدر و لقب کوکب، عنوان باغبان باشی یا ناظر قصور یافت. پس از پیروزی نادر بر افغانه در اصفهان، مهدی‌نامه‌ای، به عنوان تبریک مردم مازندران به نادر فرستاد و از سال ۱۱۴۲ ق به مدت هجده سال مشاور خاص او شد و از او لقب منشی الممالک یافت و بعد از تاج‌گذاری نادر در سال ۱۱۴۸ ق لقب میرزا مهدی‌خان را گرفت و تنها سمت ضبط وقایع داشت. در جنگها و سفرهای نادر از داغستان تا دهلی و از هرات تا بغداد و نجف همراه وی و یکی از سه شخصیت اصلی دربار بود. در اوایل سال ۱۱۵۸ ق که عثمانیان در جنگ ایروان از نادر شکست خوردند و درخواست مصالحه نمودند، مذاکراتی صورت گرفت میزامهدی به عنوان سفیر نادر به دربار عثمان رفت و در راه بازگشت در بغداد بود که نادر درگذشت. به مشهد آمد و از کارهای دیوانی کناره گرفت و دور از مردم در مدرسه‌ای که بعضی از نسخه‌های نوشته‌ی وی هم اکنون در آنجا یافت می‌شود و وقف فرزندان وی است، به تکمیل تألیفاتش در تاریخ حوادث حکومت نادر پرداخت. سبک نگارش وی شیوه‌ی مترسلان قرن هفتم و هشتم قمری چون وصاف الحضرة است. آثار وی: «جهانگشای نادری»؛ «دره‌ی نادره»، با نثر مسجع؛ «سنگلاخ»، در ترجمه‌ی لغات ترکی جغتایی، این کتاب سه جلد است جلد اول در مبانی لغت ترکی جلد دوم سنگلاخ است که قسمت اعظم کتاب است و جلد سوم در شرح و تفسیر لغات مشکل فارسی و عربی؛ «مبانی اللغه»، مقدمه‌ی «سنگلاخ»؛ «انشاء الدرر»، که همان «منشآت» است که با انشای دشواری نوشته شده و

گواهی روشن بر بلاغت اوست.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۸۱۰-۱۰۸۵/۵)، شرح حال رجال (۱۷۲-۱۷۱/۴)، صبح گلشن (۴۷۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۵۶-۶۵۳/۱۲)، لغت‌نامه (ذیل / مهدی)، مؤلفین کتب چاپی (۴۴۸-۴۴۷/۶).

استعلامی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد استعلامی در سال ۱۳۱۵، در اراک متولد گردید. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اراک و تهران به پایان رساند و سپس برای ادامه تحصیل در رشته ادبیات فارسی به دانشسرای عالی تهران راه یافت و در سال ۱۳۳۷ به اخذ مدرک لیسانس نائل آمد. اما او به این حد کفایت ننمود و تحصیلات خود را تا مقطع دکترا (سال ۱۳۴۵)، در دانشگاه تهران ادامه داد. او در سال ۱۳۴۳ در گروه ادبیات فارسی دانشگاه تهران و دانشسرای عالی به عنوان مدرس استخدام شد و در سال ۱۳۵۶ بازنشسته گردید. دکتر استعلامی در تابستان ۱۳۶۱ برای تکمیل مطالعات و تحقیقات خود به سفرهای طولانی در هند، آمریکا و کانادا پرداخت و هم اکنون به تدریس در مرکز مطالعات اسلامی دانشگاه «مک گیل» مشغول است. کتاب هشت جلدی «تصحیح، توضیح، مقدمه و فهرست های مثنوی مولانا جلال الدین در سال ۱۳۶۴ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای: محمد استعلامی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اراک و تهران به پایان رساند و سپس برای ادامه تحصیل در رشته ادبیات فارسی به دانشسرای عالی تهران راه یافت و در سال ۱۳۳۷ به اخذ مدرک لیسانس نائل آمد. اما او به این حد کفایت ننمود و تحصیلات خود را تا مقطع دکترا (سال ۱۳۴۵)، در دانشگاه تهران ادامه داد. از آن پس دوره های مطالعاتی گوناگونی را در دانشگاههای هند، کانادا و آمریکا گذراند.

استادان و مربیان: مرحوم دکتر محمد معین و مرحوم دکتر بدیع الزمان فروزانفر

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: محمد استعلامی به مدت هفت سال عضو هیئت مولفین دهخدا بوده، و بعد از آن به سمت معاونت آموزشی و پژوهشی دانشگاه الزهرا انتخاب شد.

فعالیتهای آموزشی: محمد استعلامی به مدت چندسال در دبیرستان های تهران به کار معلمی پرداخت. او در سال ۱۳۴۳ در گروه ادبیات فارسی دانشگاه تهران و دانشسرای عالی به عنوان مدرس استخدام شد و در سال ۱۳۵۶ بازنشسته گردید. وی در تابستان ۱۳۶۱ برای تکمیل مطالعات و تحقیقات خود به سفرهای طولانی در هند، آمریکا و کانادا پرداخت و تا سال ۱۳۷۴ به تدریس در مرکز مطالعات اسلامی و دانشگاه مک گیل مشغول بوده است.

شاگردان: فارغ التحصیلان رشته ادبیات فارسی از دانشگاه تهران و دانشسرای عالی تهران در بین سالهای ۱۳۵۶ - ۱۳۴۳ شاگردان محمد استعلامی به شمار می روند.

آرا و گرایشهای خاص: محمد استعلامی به دلیل سابقه شاگردی در محضر استاد معین و نیز فعالیت در لغت نامه دهخدا، به لغت

شناسی و تمثیل و کلمات قصار در ادبیات فارسی توجهی خاص دارد که در تصحیحات وی آشکار است.

جوایز و نشانها: کتاب هشت جلدی «تصحیح، توضیح، مقدمه و فهرست های مثنوی مولانا جلال الدین در سال ۱۳۶۴ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار: آثار محمد استعلامی توسط نشر دانشگاه تهران، انتشارات لغت نامه دهخدا و مجلات معتبر منتشر شده است. ایشان پس از مدرک دکتری (از آن زمان به بعد) در دوره های مطالعاتی گوناگون در دانشگاههای هند، کانادا و آمریکا و اجرای پروژه های مختلف تحقیقی شرکت نمود که نتیجه آنها غالباً به صورت کتب و مقالات متعدد به چاپ رسیده است. -----

آثار:

۱ بررسی شاهکارهای زبان فارسی

۲ تصحیح و توضیح و مقدمه و فهرستهای مثنوی مولانا جلال الدین

ویژگی اثر: این کتاب الدین در هشت مجلد که سه جلد از آنها به چاپ رسیده است و باقی مجلدات در آینده به چاپ خواهد رسید. دفتر سوم مثنوی، در دوره سوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «مثنوی» (دفتر سوم): این کتاب در هشت جلد به چاپ خواهد رسید که چاپ سه جلد از آنها به اتمام رسیده است. تصحیح این اثر بر اساس نسخه معتبری است که از سال ۶۶۸ (چهار سال پیش از فوت مولانا) باقی مانده و نیز نسخه های معتبری که اندکی پس از درگذشت مولانا تحریر شده و از جمله نسخه بسیار دقیق مورخ ۶۷۷ محفوظ در مقبره مولانا و نسخ دقیق بی تاریخ موجود در مقبره مورخ ۷۱۵ محفوظ در کتابخانه ملی تهران، صورت گرفته و با نسخ چاپی معروف نیکلسن و نسخه علاءالدوله مطابقت داده شده است. احادیث نبوی، مثل ها، مواردی که بیان مولانا پیچیده است و نیاز به توضیح دارد، رابط مطالب با کتب صوفیان؟ پیش از مولانا و ... با اشاره به شمار آیات توضیح داده شده است. نسخه های مورد استفاده و همه منابع کار و کیفیت مقابله و تصحیح و معرفی مولانا و اندیشه ها و آثار دیگر او، موضوعاتی است که در مقدمه جامع این اثر مورد گفتگو خواهد بود و این قسمت هنوز به تدوین نهایی نرسیده است. به غیر از متن و تعلیقات ۶ دفتر مثنوی و مقدمه جامع آن، هشتمین جلد به فهرست های گوناگون و کشف ابیات اختصاص خواهد داشت که این فهرستها حاوی راهنمای یافتن قصه ها، موضوعات، اصطلاحات، آیات قرآن، احادیث نبوی، امثال، کلمات مشایخ صوفیه و عبارات و اشعار تضمین شده در مثنوی به ترتیب حروف الفبا خواهد بود.

۳ سه جلد از مجموعه شاهکارهای ادبیات فارسی

ویژگی اثر: (برای تدریس در دانشگاهها)

۴ گزیده تذکره الاولیا

۵ متن کامل تذکره الاولیا با تعلیقات و فهرستها

۶ مطالب و مقالات تمام حرف «ف» و قسمتهایی از حروف «ها»، «کاف» در لغت نامه دهخدا.

استقامت تهرانی، اسفندیار

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی دانشگاه: علوم پزشکی ایران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۵۵، برد تخصصی کودکان در سال ۱۳۴۱ و فوق تخصص هماتولوژی کودکان در سال ۱۳۴۲ از نیویورک آمریکا.

مرتبه علمی:

تدریس دانشجویان رزیدنت دانشکده پزشکی جندی شاپور سابق از ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۸، تدریس دانشجویان رزیدنت مجتمع پزشکی آیت‌الله طالقانی و دانشگاه علوم پزشکی ایران از سال ۱۳۵۹، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی ایران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بیماریهای کودکان، هماتولوژی، نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه تخصصی کودکان.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: -

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

پزشکی کودکان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

اسحاق بن عبدالله

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

از ثقات قمین است از حضرت صادق و حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام روایت کرده و جناب احمد بن اسحاق که وکیل حضرت امام حسن عسکری علیه‌السلام است فرزند اوست و مورد وثوق اصحاب بوده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

اسحق

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نجاشی او را از اصحاب حضرت رضا علیه‌السلام شمرده و گفته که از آن حضرت روایت دارد و او برادر جناب زکریا بن آدم است

و قبرش در همان مقبره شیخانست.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

اسداللهی، الله شکر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

الله شکر اسداللهی در سال ۱۳۳۹ در شهر اردبیل بدنیا آمد. ایشان در سال ۱۳۷۵ مدرک دکتری در رشته زبان و ادبیات فرانسه را از دانشگاه گرونوبل فرانسه با موفقیت اخذ کرده اند. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تبریز می باشد. گروه: علوم انسانی رشته: زبان و ادبیات فرانسه تحصیلات رسمی و حرفه ای: الله شکر اسداللهی، تحصیلات ابتدایی را در دبستان بزمی به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال ۱۳۵۸ از دبیرستان صفوی اخذ کرده اند. ایشان مدرک کارشناسی در رشته زبان فرانسه را از دانشگاه علامه طباطبائی و کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فرانسه را در سال ۱۳۶۹ از دانشگاه تهران دریافت نموده اند و در سال ۱۳۷۵ مدرک دکتری در رشته زبان و ادبیات فرانسه را از دانشگاه گرونوبل فرانسه با موفقیت اخذ کرده اند. عنوان پایاننامه: الف - کارشناسی ارشد: *Cellule familiale dans les oeuvres principales de Balzac* ب- دکتری: *Absence et ses mecanismes langagiers chez N. Sarraute* وقایع میانسالی: الله شکر اسداللهی از سال ۱۳۷۶ بعنوان عضو هیات علمی در گروه زبان فرانسه دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی مشغول خدمت شده اند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سمتهای اجرایی و مدیریتی الله شکر اسداللهی به قرار زیر است: - معاون دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی - رئیس دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی - عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تبریز - عضو کمیته برنامه ریزی رشته های علوم انسانی دانشگاه تبریز - نماینده دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی در کمیته تخصصی علوم انسانی دانشگاه تبریز چگونگی عرضه آثار: فعالیتهای پژوهشی الله شکر اسداللهی به قرار زیر است: تعداد مقاله های منتشر شده: ۱۵ مورد تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها: ۱۳ مورد تعداد کتابهای ترجمه شده: ۲ مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد: ۸ مورد

اسدزاده، اسماعیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: دندانپزشکی، دانشکده: دندانپزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد دندانپزشکی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۴ و تخصص در پروتز از دانشگاه لندن در سال ۱۳۵۱.

مرتبه علمی:

عضویت در هیأت و استادیار دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی از سال ۱۳۴۷ و دانشیار دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

زمینه های علمی و تحقیقاتی:

کاربرد پروتز همراه با رادیوترابی سرطان‌های سر و گردن، پروتز کامل Record Base، تدریس پروتز کامل در دانشگاه شهید بهشتی، استاد راهنمای ۶ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

پروتز، چگونگی عامل سن در پیش آگهی پروتز کامل، نگاهدارنده سنگولوم برای پروتز،

ATecnique for making Temporarg Bases for complete Deutere

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

اسدی اصفهانی، ابوبکر محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن عبدالرحیم، ادیب لغوی نحوی، در سال ۲۹۶ در بغداد وفات یافته، و او امام و پیشوای قراء زمان خود، و استاد در قراءت ورش بوده، و مردم عراق قرائت ورش را از او اخذ نموده‌اند.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اسدی لاری، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۳۰۵، لار.

درگذشت: ۲۸ فروردین ۱۳۶۸، تهران، هنگام ورود به کلاس درس دانشگاه.

حسن اسدی لاری از مؤسسان انجمن اسلامی معلمان و نیز زمانی معاون وزیر آموزش و پرورش بود. وی دارای درجه‌ی دکترای ادبیات عرب از دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران بود.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

اسدی نسب، محمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد علی اسدی نسب

محل تولد: بروجرد

شهرت: اسدی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب تا کلاس اول علوم تجربی (دبیرستان) را به صورت شبانه خواندم. در سال ۵۶ وارد حوزه علمیه بروجرد شدم و در سال ۵۹ وارد حوزه علمیه قم گردیدم، تا سال ۶۷ دروس سطح را به اتمام رساندم و وارد دروس خارج شدم.

از سال ۷۰ تا ۷۳ (به مدت چهار سال) در اولین دوره رشته تخصصی تفسیر شرکت نمودم و از اساتیدی چون آیه الله معرفت، مکارم، خزعلی، شب زنده دار و دیگران بهره مند شدم و رساله سطح چهارم را با موضوع قرآن و سکولاریسم با راهنمایی آیه الله غروی و مشاوره حجه الاسلام غروی انجام دادم و دفاع کردم.

از آن زمان تاکنون مشغول تدریس و تحقیق می باشم که به آنها اشاره می کنم:

الف: فلسفه، تدریس بدایه و نهایه ب: ادبیات عرب، تدریس سیوطی و جامع المقدمات ج: تفسیر، تدریس میزان مجمع البیان و علوم قرآن در حوزه و دانشگاه علامه طباطبائی د: اصول، رسائل و کفایه ه: فقه، مکاسب و لمعه.

در زمینه تحقیقاتی:

الف: نوشتن کتبی در زمینه علوم قرآن مثل جامع البیان فی الاحادیث المشترکه حول القرآن حدود ۶۵۰ صفحه ب: مناہج التفسیر از دیدگاه شیعه و سنی به میزان ۵۵۰ صفحه ج: قرآن و سکولاریسم برای دانشجویان د: اشتغال به تفسیری روان برای جوان در یک جلد که هم اکنون مشغول آن هستم. ه: نوشتن مقالات مختلف در زمینه علوم قرآن که به برخی از آنها اشاره شد. و: ترجمه برخی از آثار و مقالات از جمله ترجمه جلد اول تفسیر "المختصر المفید فی تفسیر القرآن المجید" به میزان ۶۰۰ صفحه و هم اکنون نیز با سمت عضو هیات علمی گروه قرآن پژوهی در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی^۱ مشغول نوشتن تفسیر کامل فارسی روان و تک جلدی می باشم که امید است در سال ۱۳۹۰ به اتمام برسد. این تفسیر طوری طراحی شده است که بتواند حدود هفتصد هزار کلمه در خود جای دهد.

اسدی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اسدی

محل تولد: زنجان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی اسدی در سال ۱۳۴۸ در یکی از روستاهای اطراف زنجان متولد شدم. تحصیلات ابتدائی راهنمایی و دبیرستان را در زنجان گذراندم. سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه شده و سطح یک حوزه را در زنجان و تهران به پایان رساندم. در سال ۱۳۷۱ وارد حوزه علمیه قم شدم.

همراه با درسهای حوزه تا مقطع خارج فقه و اصول در مقطع کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی از موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) فارغ التحصیل شدم. در سال ۱۳۸۰ از پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد با عنوان "مواجهه آیات و روایات با جنبه های منفی فرهنگ پذیری" دفاع کردم. پایان نامه یاد شده در سال ۱۳۸۲ از سوی دبیرخانه دین پژوهان کشور به عنوان پژوهش برتر دینی سال انتخاب و در پنجمین همایش تجلیل از پژوهشگران برتر حوزه دین موفق به دریافت لوح تقدیر و جایزه شد و هم اکنون در دست پاره ای اصلاحات است تا از سوی موسسه امام خمینی (ره) منتشر شود.

از سال ۱۳۷۹ در زمینه تالیف و ارزیابی با دایره المعارف قرآن کریم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) همکاری دارم، بیش از ۲۰ مقاله برای دایره المعارف مزبور نوشته ام. از سال ۱۳۸۲ تاکنون مدیر گروه ادیان دایره المعارف هستم، همچنین عضو هیات علمی و عضو شورای علمی گروه دایره المعارف ها در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی می باشم.

اسدی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اسدی

محل تولد: قزوین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱۰/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی اسدی نام پدر عزیز متولد سال ۱۳۲۳ از سال ۳۹ و ۴۰ وارد حوزه علمیه قزوین شده و مقدمات را در قزوین خدمت اساتیدی همچون حجة الاسلام والمسلمین مرحوم رفیعی قزوینی و آقای صامت تلمذ نموده و در سال ۴۵ و ۴۶ به حوزه علمیه نجف مشرف شدم و در محضر اساتیدی همچون حجة الاسلام والمسلمین شیخ هادی معرفت حفظه الله و آقا میرزا جواد تبریزی و همچنین شیخ صدرا باد کوبه رحمه الله علیه و به مدت یکی دو سال در درس آیت الله خوئی رحمه الله علیه شرکت نموده و در سال ۵۳ به ایران آمده و در حوزه علمیه قم، درس خارج آقای تبریزی و وحید حفظهما الله شرکت نمودم.

در اوائل جنگ تحمیلی از طرف نمایندگی ولی فقیه در جنوب و غرب در سپاه در جبهات جنگ انجام وظیفه نمودم و از سال ۶۷ تاکنون در دفتر تبلیغات اسلامی در واحد احیاء تراث اسلامی با آقایانی همچون فاضل محترم شیخ محمد باقری اصفهانی نجفی و فاضل محترم رضا مختاری همکاری می نمایم.

اسدی، غلامحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غلامحسین اسدی ملامحله

محل تولد: رودسر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۲ درس مقدمات حوزوی را از تهران مدرسه امام القائم (علم الهدی) شروع و بعد از اتمام شرح لمعه و اصول مظفر در سال ۱۳۶۸ به قم آمده و از محضر آقایان شب زنده دار، شیخ علی پناه، ستوده، محفوظی، استادی، امین شیرازی استفاده کرده ام و دروس خارج فقه و اصول را از آیت الله مکارم و آیت الله سبحانی بهره مند هستم.

از سال ۱۳۷۰ در موسسه (در راه حق) اشتغالات فرهنگی را کنار درس داشته ام و روش تحقیق و تفحص را از آقایان آیت الله نورانی، امین زاده، ادیانی، توفیقی، مسعودی، عبداللهی کمک گرفته و مشغول به کارهای تحقیقاتی در کتابخانه (موسسه در راه حق) که مسئولیتش بر عهده حقیر است، پیش برده ام و الحمد لله چند جلد چاپ و بقیه را در توان حقیر نبوده و آماده چاپ هستند که بعدا نام می برم.

دروس کلاسیک را تا پنجم ابتدایی در روستای محل تولد (ملا محله) از توابع دیلمان لاهیجان و دروس راهنمایی را در شهرستان رودسر و دروس دبیرستان را در قزوین فرا گرفتم و بعد از ترک تحصیل دروس کلاسیک به دروس حوزوی روی آوردم آن هم همانگونه که قبلا گفتم از تهران شروع کردم و الان هم قریب ۲۰ سال را سپری نموده ام.

اسدی، کاظم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کاظم اسدی

محل تولد: بصره

شهرت

تابعیت: عراق

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

نشأت احب الشعر و الرسم و الخط و قراءت القرآن الکریم و الکتب الدینیہ خاصه التي فيها ذکر مولانا الحجہ بن الحسن المہدی (علیہ الصلاہ و السلام) و حفظت المیزد من القصائد الشعریہ و الفت العرید من القصائد الشعریہ و كذلك فی مجال الرسم، و کان لی شغف بتعلم علوم اهل البيت (ع) منذ الصغر و حاولت منذ البدايہ و تمنيت ذلك كثيرا ان اکون طالبا طيله حياتی و قد رزقتی الله ذلك بعد عناء کبیر. و كنت اعشق المنبر و قراءت العزاء الحسینی و قد رزقتی الله عز و جل ذلك بعد جهد جهيد. - درست الابتدائیہ و المتوسطه والثانویہ فی محافظه البصره بتفوق و كنت اعطی من الامتحانات النهائیہ بسبب التفوق. - درست معهد الکترونیك و تخرجت من الاوائل. - تم ایفاوی الی ایتالیا - روما و فلورنسا و اکملت فیها دراسه الالکترونیك و تخرجت بتفوق و بدرجه ممتاز. - درست اللغه الایطالیہ لمدہ اربعه سنوات دراسه تخصص فی البصره. - درست اللغه الانگلیزیہ لمدہ اربعه سنوات دراسه تخصص فی البصره. - درست اللغه الایطالیہ لمدہ سنتین فی البصره. - درست اللغه الانگلیزیہ لمدہ سنتین فی البصره. - بدأت بدراسه الحوزہ المبارکة فی سنه ۱۹۸۵ م فی عهد السيد الخوئی (رض) و لكن بصوره سریه. - ارتبطت بالسید ابوالقاسم الخوئی و كنت احمل الخمس الیه من البصره و الاحکام الشرعیہ و غیرها. - درست فی معهد الامامین الحسین (ع) للخطابه لمدہ (۴ سنوات). - درست فی حوزہ دائره العلوم الاسلامیہ المقدمات و السطوح. - درست فی جامعہ آل البيت العالمیہ لاکمال الماجستير (کارشناسی ارشد) لمدہ ثلاث سنوات. - درست البحث الخارج فقها و اصولا. فی مدرسه الحجیہ. - درست البحث الخارج فقها و اصولا فی متدی جبل عامل (حوزہ لبنانیہ). - درست الفلسفہ و الاصول و العرفان النظری علی يد آیت الله السيد کمال الحیدری (حفظه الله). - درست الاصول (بحث خارج) علی يد السيد علی رضا الحائری. - درست الفقه و الاصول (بحث خارج) علی يد آیت الله الشيخ فاضل المالکی من ۱۳۸۴-۱۳۸۲. - توجهت للکتابه و التالیف و خاصه فی مجال الاديان و القصائد و لی بحوث و کتب و مقالات فی القرآن الکریم و العهدین (الکتاب المقدس) و السیره و التاريخ و القصائد و عقائد الاديان السماویہ. - تم طبع ثلاث کتب لحد الان و لكن طبع محدود علی حسابی الخاص. - لی عشره کتب جاهزه للطبع مبتکره. - تم تکلیفی شخصیا بکتابه کتب خاصه فی مواضع خاصه و مهمه و ثلاثم روح العصر و ذلك من قبل بعض العلماء و الاساتیده الکبار فی قم المقدسه و لازالت هذه الکتب تحت الید اسأل الله عز و جل التوفیق بانجازها. و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آلہ الطیبین الطاهرین.

اسدیان، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

اسراری، هادی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ملاهادی بن حاج مهدی عالمی عامل و حکیمی کامل از اعظم فلاسفه و حکمای اسلامی اوآخر قرن سیزدهم هجری بوده است.

وی صدر متألهین اسلام و قدوه متبحرین در حکمت و کلام و در احاطه حقایق حکمت بی نظیر و در استکشاف اسرار و دقایق فلسفه بی عدیل بوده.

اگر افلاطون عصرش بخوانیم روا و اگر ارسطوی دهرش بگوئیم بجاست.

و در عصر ناصرالدین شاه قاجار چنان بود که ملا صدرا در زمان شاه عباس کبیر و در فنون شعریه نیز بسیار ماهر بوده و خود را متخلص به اسرار می‌نموده و گاهی در اصطلاح اهل فضل به حاجی یا حاجی سبزواری تعبیرش نمایند و خلاصه ادوار زندگانی آن فیلسوف ربانی موافق آنچه از خط خودش نقل شده.

آنکه در حدود هفت و هشت سالگی شروع به نحو و صرف کرده و در حدود ده سالگی وی، پدرش به مکه رفته و در مراجعت در شیراز وفات یافته پس عمه‌زاده‌اش حاج ملا حسین سبزواری که سالها مقیم مشهد مقدس بوده و در انزوا و تقلیل غذا و اجتناب از محرّمات و مکروهات و مواظبت بر فرائض و نوافل مراقبت تمام داشت

وی او را به ارض اقدس برده و در تمام اخلاق فاضله مساهم و مشارکش نموده و او نیز اصول و فقه و عربیات و علوم عقلیه را از حاج ملاحسین مذکور فرا گرفته و تا ده سال دیگر بدین منوال گذرانیده و بحضوت و افره علمی و اخلاقی نایل پس به قصد تحصیل معقول و حکمت به اصفهان رفته و هشت سال دیگر در حوزه درس ملا- اسماعیل اصفهانی و ملا- علی نوری به تحصیل فلسفه پرداخته و اساس حکمت اشراق را استوار داشته پس پنج سال دیگر در خراسان به تدریس فقه و اصول و حکمت پرداخته سپس به زیارت بیت‌الله‌الحرام مشرف و بعد از مراجعت در سبزواری مشغول تدریس حکمت گردیده است.

تولد ایشان در ۱۲۱۲ ق برابر حساب (غریب) واقع شده و در سال ۱۲۸۹ ق وفات نموده است.

آثار علمی وی بسیار و از آنهاست کتب زیر

۱- اسرارالحکم فارسی و مکرر چاپ شده

۲- اسرارالعباده در فقه

۳- اصول‌الدین

۴- الجبر والاختیار

۵- دیوان شعر فارسی

۶- شرح الاسماء الحسنی که دعاء جوشن کبیر است

۷- شرح دعاء صباح حضرت امیر (ع)

۸- شرح غررالفوائد

۹- شرح لالی المنتظمه

۱۰- غررالفرائد

۱۱- محاکمات در رد شیخیه

۱۲- مقیاس در فقه

۱۳- نبراس نیز در فقه

۱۴- هدایه‌المسترشدین و حواشی بسیاری در اسفار ملا صدرا و کتب دیگر. ملا کاظم سبزواری که از تلامذه وی بوده در ماده تاریخش گفته است.

اسرار چو از جهان بدر شد

از فرش بعرش ناله بر شد

تاریخ وفاتش ار به پرسند
گویم که نمرد زنده‌تر شد
از اشعار حکیم سبزواری اشعار زیر است
شورش عشق تو در هیچ سری نیست که نیست
منظر روی تو زیب نظری نیست که نیست
ز فغانم ز فراق رخ و زلفت به فغان
سگ کویت همه شب تا سحری نیست که نیست
نه همین از غم او سینه ما صد چاک است
داغ او لاله صفت بر جگری نیست که نیست
موسی نیست که دعوی اناالحق شنود
ورنه این زمزمه اندر شجری نیست که نیست
چشم ما دیده خفاش بود ورنه ترا
پرتو حسن به دیوار و دری نیست که نیست
گوش اسرار شنو نیست وگر نه اسرار
برش از عالم معنی خبری نیست که نیست
بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

اسرائیل

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سوم ق)، پزشک. از اطبای بسیار خوش قریحه و هوشمند و صاحب نظر بود که در ترکیب داروها و اثرات آن دستی توانا داشت. اثر وی «تریاق» بوده که امروزه در دست است.
بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: تاریخ طب (۱۸۱/۲).

اسعدالدوله، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، ادیب و خطاط. رییس ذخیره‌ی توپخانه بود و مدتی در شیراز می‌زیست. وی در علوم ادبی فارسی و عربی ماهر بود و نستعلیق را استمرار می‌نوشت. هنگام تألیف «آثار عجم»، سال ۱۳۱۳ ق، در قید حیات بود.
بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار عجم (۵۳۴-۵۳۳)، احوال و آثار خوشنویسان (۶۳۴/۳).

اسعدی، محمد حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسن اسعدی

محل تولد: کاشمر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۲

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسن اسعدی در سال ۱۳۵۱ در شهرستان کاشمر دروس مقدماتی خود را شروع کردم. دوره ادبیات و مقدمات را که شامل (نصاب الصبیان، جامع المقدمات، شرح قطر، مغنی، مختصر، حاشیه ملاعبده، سیوطی و معالم الاصول) می باشد، در محضر اساتید آن دیار کامل نمودم و در کنار اینها گلستان سعدی، کلیله و دمنه و همچنین عروۃ الوثقی را نیز خواندم و نوشتم. در ضمن تحصیل تدریس نصاب الصبیان و مقدمات و شرح قطر و گلستان سعدی را نیز داشتم.

در سال ۱۳۵۶ وارد حوزه علمیه قم شدم. دوران انقلاب و مبارزه بود درسه‌ها به کندی پیش می رفت. لمعتین را در محضر آیت الله شیخ علی پناه اشتهازدی و دیگران خواندم، اصول فقه را خدمت مرحوم آقای عرفانیان بودم.

بعد از انقلاب نیز تا مدتی درسه‌ها به کندی پیش می رفت، زیرا در خدمات انقلاب خود را سهیم می دانستم. مدتی که از وجود طلاب برای حراست بیت امام خمینی (ره) استفاده می شد شرکت داشتم. مکاسب را خدمت آقای ستوده و رسائل را خدمت آقای اعتمادی به پایان بردم. در ضمن در کلاسهای معارف دفتر تبلیغات و موسسه در راه حق شرکت می کردم. مسافرت های خدماتی نیز داشته ام و نیز مسافرت های تبلیغاتی نیز به شهرهای مختلف داشته ام.

کفایتین را خدمت آیت الله ستوده خواندم. در سال ۱۳۶۳ برای تدریس به شهرستان ایذه رفتم. در سال ۱۳۶۵ خارج فقه را در محضر آیت الله مکارم شیرازی شروع کردم و تا سال ۱۳۷۳ در محضر ایشان بودم. در سال ۱۳۶۸ برای بار دوم به شهرستان ایذه برای تدریس رفتم، هر بار یکسال آنجا بودم.

در سال ۱۳۷۱ خارج اصول را در خدمت آیت الله وحید خراسانی شروع کردم و تا سال ۱۳۷۷ از محضر ایشان استفاده می کردم. در مدتی که در قم بودم قبل از مسافرت به ایذه تدریس ادبیات، منطق، معالم و غیره داشتم. البته به صورت خصوصی و در ایذه از ادبیات تا لمعه و اصول تدریس می کردم و بعد از بازگشت نیز مدتی تدریس کفایه برای یکی از دوستان داشتم. از سال ۱۳۷۴ تا کنون از محضر آیت الله تبریزی استفاده می کنم.

اسعدیه، زینب

قرن: ۸

جنسیت: زن

ملیت: ایران

۷۰۵ ق، از زنان فاضل و محدث. وی دختر سلیمان بن احمد و از اهالی اسعر بود. زینب بیش از هشتاد سال زندگی کرد و در قاهره در گذشت.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: تاریخ مشاهیر کرد، ۹۷ / ۱.

اسفرائینی طوسی، ابوالمظفر شاهفور، طاهر

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۷۱ ق)، فقیه، اصولی، مفسر و متکلم شافعی. از بزرگان عصر خویش بود و در فنون مختلف دست داشت. وی داماد استاد ابومنصور بغدادی بود. او از ابن مَحْمَش و اصحاب اصم نقل حدیث کرده و زاهر شحّامی از شاگردان او بوده است. در «طبقات الشافعیه» و به تبع آن «الاعلام» و «تاریخ نظم و نثر» و همچنین در جلد چهارم «معجم المؤلفین» از وی به عنوان فرزند طاهر یاد شده است. ابوالمظفر در طوس در گذشت. از آثار وی: «التبصیر فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن الفرق الهالکین»؛ «تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم»، تفسیری از قرآن به زبان فارسی؛ «الاوسط» در ملل و نحل؛ کتابی در «اصول».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳/ ۲۶۰)، تاریخ نظم و نثر (۱۱۷)، سیر النبلاء (۴۰۲-۴۰۱/ ۱۸)، کشف الظنون (۱۸۲۰، ۴۴۲، ۳۴۰، ۲۶۸)، لغت نامه (ذیل / اسفرائینی)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۴۷۱)، معجم المؤلفین (۵/ ۳۸، ۴/ ۳۱۰)، هدیه العارفین (۱/ ۴۳۰).

اسفرائینی، ابواسحاق ابراهیم

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۱۸ ق)، متکلم، اصولی و فقیه شافعی. ملقب به رکن الدین و مشهور به استاد. او در اسفرائین نشو و نما یافت و نزد ابوبکر اسماعیلی در خراسان و ابومحمد دعلج اسفرائینی سجزی در عراق تحصیل کرد. وی از معاصران صاحب بن عباد، شیخ مفید و سید مرتضی بود. اکثر علمای عصر و شیوخ نیشابور کلام و اصول را نزد وی آموختند و جمله‌ی علمای عراق و خراسان به فضل و علم او اقرار کرده و او را مجتهد و پیرایه ملک خاور خوانده‌اند. صاحب بن عباد در حقیقت گوید که او آتشی است سوزنده. قاضی ابوالطیب طبری هنگامی که در اسفرائین بود اصول فقه را از وی آموخت. و ابوبکر بیهقی و ابوالقاسم قشیری از وی حدیث روایت کردند. زمانی که اسفرائین در نیشابور اقامت داشت مدرسه‌ی بنامی برای تدریس او بنا کردند. او در اصول اشعری بود و با معتزلیان از جمله قاضی عبدالجبار معتزلی مناظراتی داشت. به گفته ابوالقاسم قشیری او کرامات اولیاء را منکر بود. وی در روز عاشورا در نیشابور در گذشت و همان طور که آرزو داشت مردم آن شهر بر جنازه‌ی او نماز گزارند؛ سپس جنازه او را به اسفرائین انتقال دادند. از آثار وی: «الجامع»، در «اصول الدین و الرد علی الملحدین»؛ «العقیده»؛ شرح «الفروغ» ابن حداد؛ «معالم الاسلام»؛ «نورالعین

فی مشهد الحسین»؛ «ادب الجدل»؛ «تعلیقه»، در اصول فقه.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/ ۵۹)، تاریخ نیشابور (۱۵۶)، تعلیقات اسرار التوحید (۲/ ۶۴۲)، روضات الجنات (۱۷۶- ۱۷۵/ ۱)، ریحانه (۱۱۹- ۱۱۸/ ۱)، سیر النبلاء (۳۵۶- ۳۵۳/ ۱۷)، کشف الظنون (۱۷۲۵، ۱۴۱۸، ۱۲۵۷، ۱۱۵۷، ۵۷۲، ۵۳۹، ۴۵)، الکنی و الالقاب (۲۶/ ۲)، لغت نامه (ذیل / ابواسحاق اسفراینی و اسفراینی)، معجم البلدان (۱/ ۲۱۱)، معجم المؤلفین (۱/ ۸۳)، نامه‌ی دانشوران (۲۳۴- ۲۳۲/ ۲)، الوافی بالوفیات (۱۰۵- ۱۰۴/ ۶)، وفیات الاعیان (۱/ ۲۸)، هدیة الاحباب (۹۸)، هدیة العارفین (۱/ ۸).

اسفراینی، ابوالحسن علی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س پنجم ق)، ادیب و شاعر. از رجال بزرگ عهد غزنویان، و از ممدوحان فرخی سیستانی بود که پدرش از وزیران مشهور محمود بود. وی به زبان عربی شعر می‌گفت و در تذکره‌ها اشعاری از او باقی مانده. مترجم «تاریخ عتبی» او را به فضل و کمال ستوده است. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۵۳۸)، سرآمدان فرهنگ (۱/ ۶۴)، فرخی سیستانی (۱۱۸- ۱۱۷).

اسفراینی، ابوحماد احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۰۶- ۳۴۴ ق)، فقیه شافعی. معروف به ابن ابی‌طاهر. وی پیرو محمد بن ادریس شافعی بود. در ۳۶۴/ ۳۶۳ ق وارد بغداد شد و علم فقه را از ابوالحسن بن مرزبان و ابوالقاسم دارکی فراگرفت و از عبدالله بن عدی و ابی‌بکر اسماعیلی و ابراهیم بن محمد اسفراینی حدیث شنید و «السنن» را از دارقطنی استماع کرد. ریاست دارالسلام بغداد در بحبویه‌ی رواج علم به او واگذار شد. در مسجد عبدالله بن مبارک در حوزه فقها بیش از سی سال درس می‌گفت. در مجلس درس او بیش از سیصد و به قولی تا هفتصد فقیه حضور داشتند. قاضی ابوالحسن ماوردی و سلیم رازی و ابوعلی سنجدی و ابوالحسن محاملی از شاگردان وی بودند. ابوحماد در بغدا وفات یافت، پیکر او را به خارج از بغداد حمل کردند. در تشییع جنازه وی انبوه عظیمی از مردم دارالسلام شرکت داشتند. پس از تغسیل، به امامت ابو عبدالله بن مهتدی، خطیب جامع منصور، بر وی نماز گزاردند و جنازه او را به شهر آوردند و در سرایش به خاک سپردند. در سال ۴۱۶ ق قبر او را شکافتند و جثه‌ی او را بیرون آوردند و در باب حرب دفن کردند. از جمله آثار وی: «بستان فی النوادر و الغرائب»؛ «التعلیقه الکبری فی الفروع»، تعلیقات بر «شرح المزنی».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/ ۲۰۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۲۷۸)، تاریخ بغداد (۳۷۰- ۳۶۸/ ۴)، ریحانه (۱۲۰- ۱۱۹/ ۱)، سیر النبلاء (۱۹۷- ۱۹۳/ ۱۷)، الکامل (۲۸۱- ۲۸۰/ ۷)، کشف الظنون (۴۲۴- ۴۴۳، ۲۴۴)، الکنی و الالقاب (۲۶- ۲۵/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل / ابوحماد اسفراینی)، مجمل فصیحی (ذیل / سالهای ۳۴۴ و ۴۰۶)، معجم البلدان (۱/ ۲۱۲)، معجم المؤلفین (۲/ ۶۵)، نامه‌ی دانشوران

(۷۳-۶۵/۲)، الوافی بالوفیات (۳۵۸-۳۵۷/۷)، وفیات الاعیان (۷۴-۷۲/۱)، هدیة العارفین (۱/۷۱).

اسفرائینی، تاج‌الدین محمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۸۴ق)، نحوی. آثار وی: «فاتحه الاعراب باعراب الفاتحه»؛ «الضوء علی المصباح» که در شرح کتاب «مصباح» تألیف مطرزی است در نحو که در سال ۱۸۵۰ م در هند به چاپ رسیده است؛ «الجملة الخبریة»؛ «لباب الاعراب»؛ «لباب العلم و الادب». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/ ۲۵۹)، ایضاح المکنون (۲/ ۱۵۳)، ریحانه (۱/ ۱۲۰)، کشف الظنون (۱۷۰۸، ۱۵۴۵، ۱۵۴۴-۱۵۴۳)، لغت‌نامه (ذیل / اسفرائینی)، معجم المؤلفین (۱۱/ ۱۸۰)، هدیة العارفین (۲/ ۱۳۴).

اسفرائینی، خواجه نصیرالدین

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

خلاصه: ملک الشعرا خواجه نصیرالدین اسفرائینی معروف به احوال از شاعران و استاد معروف قرن ۷ه.ق است وی شاعر دربارهای ممالیک دهلی، آل صاعد در اصفهان و اتابکان سلغری فارسی و مداح خواجه شمس‌الدین محمد جوینی بوده است. و قصیده‌سرایی مداح و ماهر در وصف طبیعت بوده است.

گروه: علوم انسانی

رشته: ادیان خارجی

گرایش: شعر سنتی

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: ملک الشعرا خواجه فریدالدین اسفرائینی از شاعران معروف قرن ۷ه.ق است. وی را به سبب اقامت ممتد در اصفهان فرید اصفهانی و به علت زاده شدن در اسفراین، فرید اسفرائینی گفته‌اند.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: فریدالدین احوال پس از کسب معلومات از خراسان در طب درگاه پادشاهان مداح بیرون رفت. خاطرات و وقایع تحصیل: فریدالدین احوال از خراسانی سفری به هندوستان رفت و به خدمت ناصرالدین قباچه از سلاطین غوری مملوک رسید که تا سال ۶۲۴ه.ش در ناحیه سند فرمانروایی داشت. وی عین‌الملک حسین بن ابوبکر انسوی وزیر ناصرالدین را در قصیده‌ای مدح گفت

فعالتهای ضمن تحصیل: فریدالدین احوال در کنار تحصیل علم به مطالعه دورانهای شاعران پیش از خود می پرداخت.

هم دوره‌ای‌ها و همکاران: تذکره نویسان فریدالدین احوال را از اوان و مصاحبان امامی هروی دانسته‌اند.

وقایع میانسالی: فریدالدین احوال سالها در اصفهان زیسته و در آنجا به ملازمت آل صاعد (صاعديه) که ریاست حنیفیان اصفهان داشتند درآمد آنان را مدح گفت. بعضی محققان تصور کرده‌اند که فرید از خراسان نخست به شیراز نزد اتابکان سلغری پس از چندگانی از آنجا به اصفهان رفت و در خدمت آل صاعد درآمد و تا زمان مرگ در آنجا ماند

زمان و علت فوت : به نظر نمی رسد که فریدالدین احوال دیرگاهی پس از سال ۶۶۳ ه. ق زیسته باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فریدالدین احوال از شاعران دربارهای آل صاعد در اصفهان، اتابکان سلغری فارسی و همچنین ناصرالدین قباچه سلطان ملوک دهلی بوده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : فریدالدین احوال در کنار شاعری به مطالعه دیوانهای شاعران بزرگ پیش از خود و جواب گویی شعر آنان می پرداخته است.

همفکران فرد : فریدالدین احوال از معاصران امامی هروی و سعدی شیرازی بوده است.

آرا و گرایشهای خاص : فریدالدین احوال به شیوه غالب شاعران پایان قرن ششم و هفتم هجری به سردون قصاید مصنوع علاقه خاصی داشت و سخن او جامع جمیع شرایطی است که در نزد شعرای مشابه وی می بینیم و مخصوصا در وصف طبیعت مهارت خاصی دارد.

چگونگی عرضه آثار : فریدالدین احوال قصاید و مدایح خود را به کسانی چون ناصرالدین قباچه سلطان مملوک خاصی و وزیرش عین الملک حسین بن ابوبکر اشعری، سعد بن ابوبکر بن سعد بن زنگی و جانشینانش تا ابش خاتون و همچنین شمس الدین محمد صاحب دیوان جوینی را مدح گفته است .

آثار :

۱ دیوان فرید احوال (اسفراینی)

ویژگی اثر : دیوان فرید احوال موجود و شامل بیش از سه هزار بیت است.

منابع زندگینامه : <http://www.iranologyfo.com>

اسفراینی، شمس الدین محمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۰۰ ق)، ادیب. در جوانی به تحصیل علوم و فنون پرداخت و مدتی در مدرسه‌ی سلطانی هرات به تدریس مشغول بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه : حبیب السیر (۴/ ۳۴۰).

اسفرنجانی، محمدی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد مهدی اسفرنجانی (والد ماجد حاج میرزا ابوالقاسم محمدی در سال) در سال ۱۳۰۰ قمری در قمری در قریه اسفرنجان

گلپایگان به دنیا آمده و بعد از رسیدن به مراحل امکان کسب فضیلت مقدمات را در گلپایگان فراگرفت

و سپس به منظور تحصیل علم و دانش به اصفهان عزیمت نمود و چند سالی را در خدمت اساتید با فضیلت آن شهر تلمذ نمود و

بعد از طی مراحل به گلپایگان مراجعت و سپس به عزم زیارت بیت‌الله به مکه معظمه مشرف شد و در مراجعت از مکه در نجف

اشرف رحل اقامت افکند و در خدمت استاد کل مرحوم آیت‌الله العظمی آخوند خراسانی و سایر اساتید آن مهد علم و فضیلت اشتغال به تحصیل داشت تا اینکه به مقام شامخ اجتهاد مطلق نائل گردید و با اخذ اجازه اجتهاد از محضر آن آیت‌الله بزرگوار به ایران مراجعت فرموده و یکی دو سال با عموی بزرگوارش مرحوم حاج میرزا عبدالکریم که در آن موقع مرجعیت عامه داشت در قسمت انجام خدمات اجتماعی و مجاهدات دینی همکاری فرمود و بعد از رحلت ایشان زمام امور را به دست گرفت و با قصد قربت و خلوص نیت در انجام وظائف مرجعیت دینی کوشا و ساعی بود و چون از نظر معیشت در رفاه بود و احتیاج به کسی نداشت و عموم مردم هم می‌دانستند که او در کار خود هدفی جز تحصیل رضای خدا ندارد. در بین طبقات مردم محبوبیت خاصی داشت و عمری را با حسن نیت و محبوبیت و نفوذ معنوی گذراند و در اثر همین نیت پاک و خلوصی که در کارها داشت صرفاً به نیت تقرب به خدا انجام وظیفه می‌نمود بعد از رحلتش یکی از صلحاء با فضیلت او را در خواب دید و بدون توجه به اینکه او مرحوم شده است از او احوال‌پرسی نمود. و ایشان در جواب پرسش او فرموده بود (یا لیت قومی یعلمون بما غفرلی ربی و جعلنی من المکرمین) - ای کاش نزدیکان من می‌دانستند که چگونه خدا مرا آمرزید و مورد مرحمت خود قرار داد (آیه ۲۵ سوره یس)

رشته تحصیلات او علوم قدیمه بود ولی در دوران مرجعیتش با همه گرفتاریهایی که داشت و با کسالتی که همیشه دامن‌گیرش بود مطالعات دامنه‌داری در رشته‌های گوناگون از علوم جدیده داشت و توانسته بود که در این قسمت هم در ردیف یکی از دانشمندان فرهنگ روز به شمار بیاید

شاهد این مدعی مقالات ارزنده‌ایست که در مجلات دعوت اسلامی و غیره از او منتشر شده و جلب نظر دانشمندان آن عصر را نموده و در اثر همین نبوغ علمی آثاری از خود باقی گذاشت که در رأس آنها کتابی بنام توحید محمدی است و کتب در رد منحرفین نوشته و مقالات گوناگونی در رشته‌های مختلف از خود به یادگار گذاشته که متأسفانه هیچ یک به طبع نرسیده است بالاخره عمری را با تقوی و حسن نیت و اخلاص عمل گذرانیده و در سن شصت و یک سالگی در ماه رمضان ۱۳۶۱ هجری در تهران مرحوم شده و در ارض اقدس قم مدفون گردید.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

اسفندیاری، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا اسفندیاری

محل تولد: تهران

شهرت: اسلامی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اخذ دیپلم ریاضی (سال ۶۱-۶۰)

* شروع دروس حوزوی (سال ۶۲-۶۱) در مدرسه مجتهدی تهران و همزمان مربی تربیتی در برخی مدارس تهران

* انتقال به مدرسه چیدر تهران (سال ۶۳-۶۲) و تدریس مکرر کتب درسی حوزه در رشته ادبیات عرب و منطق در خلال سالهای

۶۵-۶۲

- * افتخار پوشیدن لباس روحانیت (سال ۶۴)
- * انتقال به حوزه علمیه قم همزمان با اتمام دروس سطح ۱ (سال ۶۶) یعنی پایان لمعتین و اصول مظفر
- * اتمام دروس سطح ۲ حوزه در قم (سال ۶۹) ورود به درس خارج آیت الله مکارم شیرازی
- * پذیرش مسئولیت امور اساتید مدرسه علمیه معصومیه در قم (سال ۷۳-۶۹) و همزمان تدریس برخی کتب درسی چون معالم الاصول ، لمعه ، تحریر الوسیله ، منطق و ادبیات عرب
- * سفرهای مکرر تبلیغی به جبهه های دفاع مقدس و مراکز ارتش و سپاه و برخی روستاها (سال ۶۹-۶۴) و ایراد سخنرانی و برپایی منابر حسینی در برخی مساجد قم پس از این سالها تا کنون
- * تدریس مکرر کتاب حلقات الاصول و نگارش شرح بر این کتاب از سال ۷۳ تا کنون ، در مراکز مختلف علمی
- * ارائه اولین اثر مکتوب به نام منطق اجتهاد در شرح " معالم الدین " در سال ۷۲ و شروع به کار تحقیق و تالیف
- * دفاع از پایان نامه سطح ۳ حوزه ، تحت عنوان " الجمع بین الحکم الظاهری و الواقعی " با نمره ۱۹ در سال ۱۳۸۰
- * ارتباط علمی با مرکز ادیان و مذاهب (سال ۷۶ تا ۷۸)
- * ارتباط علمی با پژوهشکده فقه و حقوق ، وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی و پذیرش مدیریت گروه علوم وابسته به فقه (سال ۷۹ تا ۸۲)
- * دفاع از پایان نامه سطح ۴ حوزه با عنوان " نظریه حق الطاعه " با نمره ۱۷ در سال ۸۳ و پس از ۶ مصاحبه علمی مربوط به شرکت در درس خارج فقه آیت الله تبریزی و خارج اصول آیت الله سید کاظم حائری
- * شرکت در همایش های علمی و ایراد سخنرانیهای علمی و نیز دریافت جایزه و لوح تشویق از کنگره دین پژوهان در سالهای ۸۰ و ۸۲ به مناسبت ارائه دو اثر پژوهشی
- * همکاری با معاونت پژوهشی حوزه در تدوین درسنامه مقدماتی علم فقه

اسفندیاری، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اسفندیاری معروف به نیما یوشیج ، در سال ۱۲۷۴ شمسی در یوش مازندران به دنیا آمد. وی آموزش های ابتدایی را در یوش آغاز کرد و در سن دوازده سالگی (۱۲۸۸) با خانواده اش به تهران رفت و در آنجا مسکن گزید. او ابتدا به دبستان (حیات جاوید) و سپس به مدرسه متوسطه کاتولیک (سن لوئی) رفت. در این مدرسه بود که زبان فرانسه را آموخت. نیما یوشیج به سال ۱۲۹۶ در سن بیست سالگی موفق به دریافت تصدیقنامه از مدرسه ی عالی سن لوئی شد. نخستین کار اداری نیما شغلی در درجه پایین کارمندی در وزارت مالیه بود، او تا سال ۱۲۹۸ در این کار دوام آورد. از سال ۱۳۰۶ در کنار همسرش عالیه ، در آموزشگاه های کوچک شهرهای شمال ایران : بارفروش (بابل کنونی) ، لاهیجان ، رشت ، آستارا به کار تدریس اشتغال داشت. از فروردین ماه سال ۱۳۱۲ نیما و همسرش به تهران آمدند. نیما نخست در بلا تکلیفی بسر برد و سپس در جست و جوی کاری مناسب بر آمد. در سال ۱۳۱۶ به تدریس ادبیات در دوره دوم دبیرستان صنعتی پرداخت. پس از آن به وزارت پیشه و هنر منتقل گردید. یک سال بعد به اداره موسیقی کشور منتقل شد و به عضویت هیات تحریریه ی مجله موسیقی انتخاب گردید؛ نیما یوشیج تا سال ۱۳۲۶ شغل ثابتی

نداشت و پس از آن به خدمت در اداره ی نگارش وزارت فرهنگ پرداخت . او تا پایان زندگیش در این شغل اداری باقی ماند. نیما در روز پنج شنبه ۱۶ دی ماه ۱۳۳۸ هجری شمسی به علت ابتلا به بیماری ذات الریه در گذشت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر

والدین و انساب : نیما یوشیج فرزند ابراهیم نوری و طوبی مفتاح بود. در یادداشت کوچک بی تاریخی نسب خود را چنین نوشته است: «علی بن ابراهیم علی (معروف به ناظم الایاله) بن محمدرضا (معروف به باباخان بیگ) بن محمد هاشم بن محمدرضا». اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : نیما آنگونه که خود می گوید، کودکی اش در میان شبانان و ایلیخی بانان سپری شده است، اینان به هوای چراگاه به نقاط دور بیلاق قشلاق می کردند و شب بالای کوهها ساعات طولانی باهم به دور آتش جمع می شدند، او می گوید: «از تمام دوره بچگی خود، به زدو خوردهای و حشیانه و چیزهای مربوط به زندگی کوچ نشینی و تفریحات ساده آنها در آرامش یکنواخت و کور و بی خبر از همه جا چیزی به خاطر ندارم».

تحصیلات رسمی و حرفه ای : نیما خواندن و نوشتن را در یوش که بود آموخت. در زندگینامه ی خود چنین می نویسد: «در همان دهکده که متولد شدم خواندن و نوشتن را نزد آخوند ده یاد گرفتم. او مرا در کوچه باغهای دنبال می کرد و به باد شکنجه می گرفت. پاهای نازک مرا به درختهای ریشه و گزنه دار می بست. با ترکه های بلند مرا مجبور می کرد به از بر کردن نامه هایی که معمولاً-» اهل خانواده ای دهاتی به هم می نویسند و خودش آنها را بهم چسبانیده و برای من طومار درست کرده بود». در سن دوازده سالگی (۱۲۸۸) نیما با خانواده اش در تهران مسکن گزید و در این شهر، ابتدا به دبستان (حیات جاوید) و سپس به مدرسه متوسطه کاتولیک (سن لوئی) رفت. در این مدرسه بود که زبان فرانسه را آموخت. نیما یوشیج به سال ۱۲۹۶ در سن بیست سالگی موفق به دریافت تصدیقنامه از مدرسه ی عالی سن لوئی شد و این پایان تحصیلات رسمی اوست. پس از آن مدتی به اتفاق لاربن در مدرسه ی خان مروی نزد مرحوم آقا شیخ هادی یوشی، زبان عربی آموخت . در سال ۱۳۰۷ نیز در بار فروش (بابل) در محضر علامه ی حائری به درسهای فلسفه و منطق و فقه این عالم بزرگ دل سپرد.

خاطرات و وقایع تحصیل : نیما یوشیج از دوران تحصیل خود چنین تعریف می کند : «سالهای اول زندگی مدرسه من به زد و خورد بچه ها گذشت، وضع رفتار و سکنات من کناره گیری و حجبی که مخصوص بچه های بریت شده در بیرون شهر است . موضوعی بود که در مدرسه مسخره برانداز بود. هنر من خوب پریدن و با رفیقم پژمان (حین) فرار از محوطه مدرسه بود. من در مدرسه خوب کار نمی کردم فقط نمرات نقاشی به داد من می رسید. اما بعدها مراقبت و تشویق یک معلم خوش رفتار که نظام وفا شاعر امروز باشد مرا به خط شعر گفتن انداخت. این تاریخ مقارن بود با سالها یا که جنگهای بین المللی ادامه داشت. من در آن وقت اخبار جنگ را به زبان فرانسه می توانستم بخوانم». او در ادامه می گوید : «به منزل خاله ام، مادر تقی کیانی کاردار، می گریختم. با پای برهنه از بازارها و کوچه های یخ بسته و مرطوب که آثار قدیم در آنجا هنوز بجا بود (می گذشتم). در سر راه من دالان دولتسرای عضدالملک نائب السلطنه بود. با چراغ کم روشن توی دالان و قراول دم در با لباس مخصوص قدیم قراول های زمان پیش از مشروطه . همه چیز قدیم. من درست به یادم می آید حیدر علی کمالی و تقی کاردار کیانی در بالاخانه شعر می خواندند تا صبح. و احتشام الملک، پدر همین خانلری، در زاویه به حساب خود زندگی می کرد. آنها تا صبح نظامی می خواندند. تاثیر نظامی از آن وقت در من پیدا شد که من اصلاً در خصوص شعر فکر نمی کردم. تقی کیان کاردار (معتصم الملک) در من تاثیر مهمی دارد، بدون اینکه خودش بداند» .

استادان و مربیان : نیما به تشویق نظام وفا که استاد او بود، به نظم شعر پرداخت. از استادان وی می توان به مرحوم آقا شیخ هادی

یوشیجی و علامه حائری اشاره کرد.

هم دوره ای ها و همکاران : یکی از همدوره ایها ی دوران تحصیل نیما یوشیج ،حسین پژمان بود.

همسر و فرزندان : در تاریخ ۶ اردیبهشت ماه سال ۱۳۰۵ نیما یوشیج ، در سن ۲۹ سالگی ، با خانم عالی ی جهانگیر ،فرزند میرزا اسماعیل شیرازی ،خواهر زاده ی انقلابی و نویسنده ی مشهور میرزا جهانگیر صور اسرافیل ازدواج کرد.حاصل این ازدواج فرزندی به نام شراکیم بود.

وقایع میانسالی : نیما در یکی از طوفانی ترین و پر آشوب ترین ایام تاریخ کشور را درک نموده است.وی در این زمان رضا خان با توطئه چینی و حمایت بیگانگان در پی تغییر حکومت قاجار و انتقال سلطنت به خود و خاندان خود بود. در سال ۱۳۰۳ مجلس شورای ملی لایحه ای عزل احمد شاه قاجار و جانشینی سردار سپه را به مقام سلطنت تصویب می کند و در ۱۵ آذر ماه ۱۳۰۴ مجلس موسسان برای تغییر مواردی از قانون اساسی تشکیل می شود. نیما یوشیج با روشن بینی و آینده نگری کامل ، که نشانه ی حس قوی و شناخت کامل او از موقعیت سیاسی و اجتماعی ایران است ،در یاد داشتی با عنوان (مجلس مؤسسان) برای تغییر موادی از قانون اساسی تشکیل می شود. نیما یوشیج با روشن بینی و آینده نگری کامل ، که نشانه ی حس قوی و شناخت کامل او از موقعیت سیاسی و اجتماعی ایران است ، در یاد داشتی با عنوان (مجلس موسسان) به تاریخ ۲۱ آبان ماه ۱۳۰۴ چنین می نویسد:(مجلس موسسان به اصطلاح شیطان می خواهد آتیه ی مملکت ،یعنی سرنوشت یک مست بچه های یتیم و مادرهای فقیر را معین کند. جوانها اغلب آنهایی که چند جلد از کتب ادبیات غربی را ترجمه کرده اند و به این جهت مشهور به نویسندگان هستند، در این مجلس شرکت دارند. می خواهند آنها را برای این مجلس انتخاب کنند. به من هم تکلیف کرده اند،ولی من تاکنون نه پا به مجلس آنها گذاشته ام نه بازی قرعه و انتخاب و کلا را شناخته ام . من از این بازی چیزی نمی فهمم . یک نفر را روی کار کشیده اند یک استبداد خطرناک ،مملکت را تغییر خواهد داد. جوان باهنر گمنام ،بمیر یا ساکت باش تا تو را معدوم نکنند و تو بتوانی روزی که نطفه های پاک پیدا شدند ،به آنها اتحاد را تبلیغ کنی .این نقشه ها برای این است که متفکرین و مخالفین شناخته شوند و آنها را در موقع جلسه ،نیست کنند؛ ولی بالاخره شیطان مغلوب می شود.) نیما یوشیج که به هنگام نوشتن یادداشت ۲۸ ساله است ، در این عبارت (جوان باهنر گمنام ،بمیر یا ساکت باش تا تو را معدوم نکنند) بی گمان به شهادت دوست ناکام خود میرزاده عشقی نظر دارد و جملات (من از این بازیها چیزی نمی فهمم .یک نفر را روی کار کشیده اند . یک استبداد خطرناک ،مملکت را تغییر خواهد داد .سخت هوشیارانه ،قابل توجه ،تاریخی و عبرت آور است. در بهمن ماه ۱۳۰۶ حادثه سیاسی مهمی روی داد : کشف کتیبه ی سری و اعلام سرهنگ احمد پولادین. سرهنگ احمد خان پولادین که افسری حساس و چون رئیس گارد رضا شاه و از نزدیک شاهد اعمال او بود با عده ای از افسران و اشخاص می دانست آنها هم با رژیم پهلوی موافق نیستند وارد مذاکره و متحد شده کمیته ای سری تشکیل دادند که او را از میان بردارند و رژیم پهلوی را سرنگون سازند. نزدیک بود که موفق هم بشوند . اما یکی از افراد این کمیته از بیم نافرجام ماندن این اقدام محرمانه مراتب را به اطلاع پهلوی رسانید . همگی اعضاء کمیته دستگیر و تسلیم دادگاه نظامی شدند محاکمات آنها چند روز به طول انجامید در نتیجه سرهنگ احمدخان پولادین محکوم به اعدام شد. این واقعه نیما یوشیج را که اندیشه انتقام همیشه با او بود سر شوق می آورد و در اسفند ماه ۱۳۰۶ شعر بلند و حماسی (سرباز فولادین) را سرود تا این تاریخ بعد از (افسانه) مهم ترین شعر اوست.

زمان و علت فوت : نیما در روز پنج شنبه ۱۶ دی ماه ۱۳۳۸ هجری شمسی به علت ابتلا- به بیماری ذات الریه در گذشت و در قبرستان امامزاده عبدالله به خاک سپرده شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : نخستین کار اداری نیما شغلی در درجه پایین کارمندی در وزارت مالیه بود و ی تا سال ۱۲۹۸ در این کار دوام آورد. از فروردین ماه سال ۱۳۱۲ نیما و همسرش در تهران بودند. نیما نخست در بلا تکلیفی بسر برد و سپس در

جست و جوی کاری مناسب بر آمد. در سال ۱۳۱۶ به وزارت پیشه و هنر منتقل گردید. یک سال بعد به تمایل خودش با همان حقوق به اداره موسیقی کشور منتقل شد و به عضویت هیات تحریریه‌ی مجله موسیقی انتخاب گردید؛ این کار جدی‌ترین و مناسب‌ترین شغل اداری نیما یوشیج در تمام طول زندگی‌اش است که تا پایان عمر این مجله، تا بهمن ۱۳۲۰ ادامه یافت. نیما یوشیج تا سال ۱۳۲۶ شغل ثابتی نداشت و پس از آن به خدمت در اداره‌ی نگارش وزارت فرهنگ پرداخت. کار او بررسی و اظهار نظر در باره‌ی نمایشنامه‌ها و فیلمنامه‌هایی بود که به این اداره می‌رسید. تا پایان زندگی‌اش این شغل اداری او بود و حقوقش سیصد و سی تومان در ماه بود.

فعالیت‌های آموزشی: از سال ۱۳۰۶، نیما در کنار همسرش عالیه، در آموزشگاه‌های کوچک شهرهای شمال ایران: بارفروش (بابل کنونی)، لاهیجان، رشت، آستارا به کار تدریس اشتغال داشت. او در سال ۱۳۱۶ در تهران به تدریس ادبیات در دوره دوم دبیرستان صنعتی پرداخت.

آرا و گرایش‌های خاص: نیما یوشیج در سال ۱۳۱۶ موفق به کشف شکل تازه‌ای در شعر فارسی شد که این شیوه به کلی با شعر قدیم فرق دارد و با نگرشی که در شیوه شکل آن پدید آورد به پدر شعر نو لقب گرفت. نظر نیما در خصوص شعر، یک نگاه جدید است که بعضاً شیوه‌های قدیم را به چالش کشیده و از منظری جدید غالب شعر را تعریف می‌نماید. او می‌گوید: «ادبیات ما باید از هر حیث عوض شود. موضوع تازه کافی نیست و نه این کافی است که مضمونی را بسط داده و به طرز تازه بیان کنیم. نه این کافی است که با پس و پیش کردن قافیه و افزایش و کاهش مصراع‌ها یا وسایل دیگر، دست به فرم تازه زده باشیم. عمده کار این است که طرز کار عوض شود و مدل وصفی و روایی، که در دنیای با شعور آدم هاست، به شعر بدهیم.» او در ادامه می‌گوید: «شعر وزن و قافیه نیست، بلکه وزن و قافیه هم از ابزار کار یک نفر شاعر هستند. همچنین شعر ردیف ساختن مصطلحات و فهرست کلی دادن از مطالب معلوم که در سر زبان‌ها افتاده است نیست. این جور کار به درد دفتر حساب بندی یک تجارتخانه می‌خورد. شعر واسطه تشریح و تاثیر دادن و کوچک کردن معنویات و شکافتن و نمودن درونی‌های دقیق و نهفته آنهاست. و تمام کوشش و کاوش شاعر برای آن است که «مخصوصاً شعر را از حیث بیان آن به طبیعت نزدیک کرده و به آن اثر دلپذیر نثر را دهد». زیاد رغبت دارد و دل‌باخته رغبت خود است که «شعر را از مصراع‌بازی‌های ابتدایی - که در طبیعت این طور یکدست و یکنواخت و ساده لوح پسندانه وجود ندارد و لباس متحدالشکل نپوشیده است آزاد کرده باشد». نیما فقط در ابداع شعر نو جسارت به خرج نداد بلکه همین آوردن واژه‌های روستایی و بومی در شعر فارسی و ملی در نوع خود بدعت و نوآوری محسوب می‌شود، تا جاییکه که بعد از او بسیاری خواستند از این شیوه بهره بگیرند که راه به جایی نبردند.

آثار:

۱ پادشاه فتح

۲ خواب زمستانی

۳ قصه رنگ پریده، خون سرد

ویژگی اثر: این قصه مثنوی حزن‌انگیزی است که برای دل‌های خونین سروده شده است و به بیان مصائب شاعر اختصاص یافته که می‌خواهد قصه‌ای از یاران و بیخت و دوران خویش باز گو کند.

۴ کار شب پا

۵ منظومه افسانه

ویژگی اثر: افسانه منظومه مفصلی است. در یکی از مفترعات بحر رمل (فاعلاتن فعولن فعولن) که محتوی آشفتگی و خیال‌های

پریشان شاعر است. نیما نخستین انحراف خود را از اسلوب تفکر و بیان دیرینه شعر فارسی در این منظومه نشان می دهد.

۶ وای بر من

منابع زندگینامه: ۱- آریان پورم یحیی- از نیما تا روزگار ما- ج ۳، تهران: انتشارات زوار، ص ۵۹۷۲ پیام نوین- سال ۳- شماره ۶، اسفند ۱۳۳۹۳ صوفیم لیلا- زندگی نامه شاعران ایران- انتشارات جاجرمی، ص ۲۱۶۴ طاهباز، سیروس- زندگی و هنر نیما یوشیج پردرد کوهستان- تهران: انتشارات زریاب، ص ۱۱

اسفندیاری، مصطفی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مصطفی اسفندیاری

محل تولد: ساری

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

استاد گرانقدر آقای مصطفی اسفندیاری مشهور به فقیه در اول فروردین سال ۱۳۵۱ هجری شمسی در خانواده ای متدین، کاملاً مذهبی و دوستدار اهل بیت علیهم السلام در برگه به دنیا آمد. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش، برگه از توابع شهرستان ساری با موفقیت سپری کرد.

در پی تشویق خانواده، مخصوصاً پدرش و علاقه فراوان خویش به فراگیری علوم دینی و برای ادامه تحصیل راهی حوزه علمیه مشهد مقدس شد. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه حاضر شد. پس از اتمام دوران سطوح عالی و شاگردی اساتید میرزی چوت آیت الله مروی و واعظی در سال ۱۳۷۵ به حلقه درس خارج راه یافت و از محضر بزرگانی همچون آیت الله علی فلسفی، آیت الله سیدعبداله‌هادی مرتضوی، آیت الله اشرفی کسب فیض کرد. از دامن ستارگان پر فروغ حوزه علمیه مشهد مشغول خوشه چینی گشت و تاکنون در این زمینه از هیچ کوششی دریغ نکره است.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فلسفه و کلام اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۰ از دانشگاه علوم اسلامی رضوی فارغ التحصیل گردید و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان "بررسی مهم ترین اختلاف های سنی و شیعه در مهدویت" دفاع کرد و هم اکنون در مقطع دکترا در رشته فلسفه و کلام اسلامی در دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشغول تحصیل است.

ایشان ضمن تدریس در دانشگاه فردوسی و آزاد اسلامی مشهد به تحقیق و پژوهش مشغول می باشد که کتاب "حجت موجه" یکی از آثار گرانبهای ایشان است.

اسکافی مروزی، ابوحنیفه

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۴۵۱ ق)، فقیه، حکیم و شاعر. او را بعضی اهل مرو و برخی اهل غزنین می‌دانند. لقب اسکافی وی به این دلیل بود که پدر یا اجداد وی کفشگر بودند، البته در بعضی از منابع شغل خودش را نیز کفشگر نوشته‌اند. در زمان سلطنت سلطان مسعود غزنوی می‌زیست، و علاوه بر شاعری مسند تدریس نیز داشت، و مردمان را رایگان علم و ادب می‌آموخت. او دارای «دیوان» شعر نیز بود و ابوالفضل بیهقی اشعار وی را در تاریخ خود آورده است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آتشکده‌ی آذر (۶۵۵/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۰۳-۳۹۸/۲)، تاریخ بیهقی (۲۷۴ و ۳۸۱، ۳۸۰، ۲۷۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۴)، چهارمقاله (۹)، دایرةالمعارف فارسی (۲۹/۱)، الذریعه (۴۰/۹)، ریحانه (۷۶-۷۵/۷)، سخن و سخنوران (۱۹۸)، شاعران بی‌دیوان (۵۹۶-۵۸۷)، لب‌الالباب (۱۷۵/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوحنیفه‌ی اسکافی)، مجمع الفصحا (۲۱۶-۲۰۸/۱)، هفت اقلیم (۳۳۲/۱).

اسکافی، ابو جعفر محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۴۰ ق)، متکلم معتزلی، ادیب و شاعر. اصلی وی از سمرقند بود. در بغداد متولد شد و در همان شهر نشو و نما یافت. ابتدا پیشه خیاطی داشت اما به تحصیل دانش روی آورد و علم کلام را از جعفر بن حرب فراگرفت و از پیشوایان بنام معتزلیان بغداد شد. طایفه اسکافیه بدو منسوبند. وی مناظراتی با حسین بن علی کرایسی داشته است. معتصم عباسی او را بر همه مقدم می‌داشت. در مآخذ مختلف او را صاحب تصانیف بسیار دانسته‌اند. از آثارش: کتاب «المقامات فی تفضیل علی- علیه السلام»؛ کتاب «فضائل علی- علیه السلام»؛ کتاب «ابطال قول من قال بتعذیب الاطفال»؛ کتاب «البدل»؛ کتاب «الرد علی المشبهه»؛ کتاب «اللطف»؛ کتاب «النقض». بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/ ۹۲)، تاریخ بغداد (۵/ ۴۱۶)، خاندان نوبختی (۸۱، ۸۵)، ریحانه (۱/ ۱۲۲)، الکنی واللقاب (۲/ ۲۷)، لسان المیزان (۶/ ۲۲۷)، لغت‌نامه (ذیل/ اسکافی)، مروج الذهب ترجمه (۲/ ۵۱۲)، معجم المؤلفین (۱۰/ ۲۰۰)، الوافی بالوفیات (۳۳۷-۳۳۶/ ۳)، هدیه الاحباب (۹۸).

اسکافی، ابوعلی محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۳۶/ ۳۳۲- ۲۵۸ ق)، مورخ و عالم امامی. مشهور به ابوعلی کاتب بغدادی. اجداد او زرتشتی بودند. پیشگام در فنون مختلف و از مشایخ برجسته‌ی شیعه و از معاصران شیخ کلینی بود که در سوق‌العطش بغداد مسکن داشت. وی از شاگردان جعفر بن محمد بن مالک و محمد بن موسی بربری و احمد بن محمد بن رستم نحوی است. تلعه‌گیری و ابوالقاسم جعفر بن محمد قولویه و ابوبکر احمد وراق دوری و معافی بن زکریا جریری از او روایت کرده و رجال‌نویسان شیعه از او به صفت‌های ثقه و جلیل‌القدر یاد کرده‌اند. در بغداد درگذشت و در مقابر قریش دفن شد. از آثارش: «الانوار فی تاریخ الأئمة الاطهار (ع)»؛ «التمحیص».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان‌الشیعه (۹۲- ۹۱/ ۱۰، ۱۵۶/ ۴)، ایضاح‌المکنون (۲۷۵/ ۲)، بحارالانوار (۱۷/ ۱)، تاریخ بغداد (۳/ ۳۶۵)، خاندان نوبختی (۲۱۵)، الذریعه (۴۳۲- ۴۳۱/ ۴، ۴۱۳- ۴۱۲/ ۲)، رجال الطوسی (۴۹۴)، رجال النجاشی (۲۹۷- ۲۹۵/ ۲، ۳۰۳/ ۱)، ریاض‌العلماء (۳۹- ۳۸/ ۶)، ریحانه (۱۲۳- ۱۲۲/ ۱)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۳۱۲/ ۴)، الفهرست للطوسی (۳۲۵- ۳۲۴)، لغت‌نامه (ذیل / ابوعلی و اسکافی)، الکنی واللقاب (۲/ ۲۷)، معجم المؤلفین (۹۳/ ۱۲)، هدیة الاحباب (۹۸).

اسکندرلو، محمدجواد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد جواد اسکندر لو

محل تولد: همدان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۲

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۴۰ در شهرستان همدان در یک خانواده مذهبی متولد شدم. در سال ۱۳۵۶ به منظور فراگیری معارف و علوم اسلامی به حوزه علمیه قم آمدم. ادبیات عرب، منطق و علوم بلاغی را (۶۰- ۱۳۵۶) در مدرسه مبارکه رضویه خواندم. لمعتین (۶۳- ۶۱) را نزد آیت الله اشتهاردی و استاد شماعی همدانی، رسائل و مکاسب (۶۷- ۶۴) را نزد آیت الله اعتمادی و آیت الله علوی گرگانی، کفایتین (۶۹- ۶۷) را نزد آیت الله اعتمادی، خارج فقه (۸۰- ۷۰) را نزد آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله نوری همدانی خارج اصول (۷۸- ۷۰) را نزد آیت الله فاضل و آیت الله مکارم شیرازی.

تحصیلات دانشگاهی:

مقطع کارشناسی الهیات و معارف اسلامی (۷۴- ۷۱) موسسه در راه حق.

مقطع کارشناسی ارشد علوم قرآنی (۷۸- ۷۴) موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

مقطع دکتری علوم قرآن و حدیث (۸۳- ۷۹) تربیت مدرس دانشگاه قم.

ملاحظات: در مهر ماه ۱۳۷۸ از پایان نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان "نقد و ترجمه مدخل قرآن از دایرة المعارف دین" دفاع نموده و امتیاز ۲۰ را احراز کردم و در سال ۱۳۷۹ در کنکور دکترای علوم قرآن و حدیث تربیت مدرس دانشگاه قم شرکت کرده و با کسب رتبه اول پذیرفته شدم. در تاریخ ۲۲/۳/۸۲ موضوع پایان نامه دکتری بنده تحت عنوان "نقد و بررسی تحقیقات

خاور شناسان در زمینه تاریخ گذاری آیات و سور قرآن "به تصویب رسید و در تاریخ ۱۵/۱۰/۸۳ مورد دفاع قرار گرفت و با درجه عالی و امتیاز ۵/۱۸ پذیرفته شد.
فراگیری زبان انگلیسی:

الف) دوره عالی زبان انگلیسی مرکز زبان های خارجی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در سال ۱۳۶۵ (طی ۷۰۰ ساعت آموزش) که در تاریخ ۳۱/۴/۶۶ گواهینامه آن را (ممه‌ور به مهر مرکز زبان های خارجی دانشگاه تهران، مرکز زبان های خارجی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی و مرکز زبان های خارجی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) است، دریافت نمودم.
ب) در سال ۱۳۶۹ جهت تقویت مکالمه زبان انگلیسی، کلاس های آن را در زبانکده انگلیسی (ای. اچ. پ) پشت سر نهاده و موفق به اخذ دیپلم زبان (با امتیاز ۲۰) گردیدم.

ت) اخذ گواهینامه مترجمی زبان از نیروی دریایی پاکستان (۱۳۷۰)

ملاحظه: در سال ۱۳۷۰ از سوی نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عازم بندر کراچی پاکستان شدم و در طی مدت شش ماه در جمع برادران سپاهی که جهت گذراندن دوره تخصصی زیر دریایی به نیروی دریایی پاکستان اعزام شده بودند، به عنوان مبلغ و مترجم زبان انگلیسی حضور داشته و در پایان دوره موفق به اخذ گواهینامه مزبور شدم.

اسکندری، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

درگذشت: ۱۳۷۱.

دکتر محمدحسین اسکندی استاد رشته‌ی ادبیات بود که چندی در دانشگاه شیراز تدریس می کرد.
برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

اسکویی، محمدکاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۳۰۷، مشهد.

درگذشت: ۱۱ تیر ۱۳۷۱.

محمدکاظم اسکویی در سن ۱۱ سالگی به همراه والدین از مشهد به تهران آمد و تحصیلات متوسطه را در دبیرستان شرف به پایان رسانید. در سال ۱۳۲۶ در دانشکده‌ی پزشکی تهران نام‌نویسی کرد و در سال ۱۳۳۲ فارغ‌التحصیل این دانشکده شد. وی برای گذراندن دوره‌ی تخصصی راهی آمریکا شد. دکتر اسکویی دوری انترنی را به مدت یک سال در بیمارستان «انگل روده» در نیوجرسی به پایان برد و دوره‌ی رزیدنسی و چیف رزیدنسی جراحی عمومی را به مدت چهار سال در بیمارستان مرسی در ایالت اوهایو گذراند. برای کسب درجه‌ی فوق تخصص در جراحی سرطان عازم نیویورک شد و مدت یک سال در بیمارستان مموریال

به کار پرداخت. پس از بازگشت به ایران در بخش جراحی سرطان بیمارستان هزار تخته‌خوابی مشغول به کار شد. دکتر اسکویی درجات استادیاری و دانشیاری را پشت سر گذاشت و به مقام استادی دانشگاه تهران رسید. چند سال رییس گروه جراحی بیمارستان هزار تخته‌خوابی بود. در سال ۱۳۶۴ برای درمان بیماری که به آن گرفتار آمده بود راهی خارج از کشور شد و همانجا درگذشت.

دکتر اسکویی بیش از بیست و پنج سال در بخش جراحی سرطان بیمارستان هزار تخته‌خوابی کار کرده بود. وی چندی به عنوان سرپرست گروه بیهوشی و چندی نیز معاون آموزشی این مرکز بود.
برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

اسلامپور کریمی، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن اسلام پور کریمی

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۴/۵

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۹ شمسی در بابل متولد شدم و بعد از اتمام دوره های ابتدائی و راهنمایی با معدل ۲۰ یا بالای ۱۹ بر اساس علاقه ام به قرآن و معارف اسلامی در مسابقات قرآن و تجوید و مفاهیم شرکت می کردم.

در سال ۶۴ در حوزه علمیه فیضیه مازندران در بابل نزد استاد گرانقدر حاج آقای فاضل به تحصیل صرف و نحو و فقه مشغول شدم. در سال ۶۵ بر اساس وظیفه و لیکک به ندای ولایت فقیه در جبهه حق علیه باطل حضور یافتم. در تاریخ ۱۴/۱۲/۶۵ در منطقه شلمچه به اسارت نیروهای بعثی در آمدم و تا سال ۶۶ که در تکریت، بعقوبه و رمادیه عراق در اسارت به یادگیری و یاددهی نحو و صرف و تجوید و عربی جدید صرف کردم.

بعد از آزادی (۳۰/۸/۶۹) و بعد از ۹ روز از آزادی در مدرسه رضویه قم به تحصیل حوزوی ام ادامه دادم. با توجه به نیاز و آمادگی برای خدمت به قشر جوان دانشگاهی، دوران دبیرستان را در رشته فرهنگ و ادب در سال ۷۳ به اتمام رسانده و سال ۷۴ وارد دانشگاه تهران (مجتمع آموزشی عالی قم) شدم. مقطع کارشناسی در سال ۷۷ به اتمام رسد. همزمان در مقطع کارشناسی فعالیتهای چشم گیری در مسجد امام رضا (ع) منطقه علی آباد سعیدگان و پایگاه بسیج مربوط به آن (پایگاه ۴ شهید امینی بیات) انجام دادم که به طور عمده روی قرآن، عقیدتی و امر به معروف و نهی از منکر، مفاهیم قرآن و روخوانی و تجوید متمرکز بود و در سال ۷۷ در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تهران پذیرفته شدم.

در سال ۸۱ از پایان نامه ام با موضوع "ادراکات فطری" در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تهران دفاع نمودم.

از سال ۸۱ تاکنون که در مقطع دکتری همان رشته (فلسفه) و همان دانشگاه مشغولم به تدریس در موضوعات فلسفه، کلام، منطق و عرفان و متون انگلیسی می پردازم و همزمان مشاورات نویسندگی و پژوهشی ارائه می دهم. از سال ۸۱ تاکنون در واحد کتابشناسی

دائرة المعارف علوم عقلی اسلامی وابسته به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) اشتغال دارم. در زمینه ویراستاری و نگارش قطعات کوتاه ادبی کارهایی انجام دادم و چاپ شده است. از سال ۸۲ تاکنون در تاسیس و اداره نشریه های عمومی برای جوانان منطقه های بابل تحت عنوان های نشریه لاله آباد و نشریه شهدای کریمکلا فعالیت دارم.

اسلامی اردکانی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید حسین اسلامی اردکانی

محل تولد: کربلا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در خانواده ای روحانی مقیم در کربلا زاده شدم. در سال ۱۳۵۰ به ایران باز گشتم. هر چند از کودکی به گونه پراکنده ای صرف و نحو می خواندم، اما در سال ۵۶ رسماً وارد حوزه علمیه شیراز شدم و به تحصیل پرداختم. پس از تسلط بر ادبیات عرب و دروس میانی حوزوی، سطوح عالی و خارج را در قم گذراندم. در کنار دروس حوزوی و ادامه تحصیل دانشگاهی، به فعالیت های فرهنگی و برخی مشاغل علمی اجرایی اشتغال داشتم. در زیر فعالیت های علمی بنده به تفکیک آمده است:

۱. سوابق آموزشی:

الف) حوزوی: پس از به پایان بردن مرحله سطح حوزه، هشت سال نیز در درس های خارج فقه و اصول اساتید مبارز حوزه شرکت کرده ام. در این مدت درس های اصلی (فقه و اصول) و درس های جانبی حوزه مانند فلسفه، کلام، تفسیر را نیز گذرانده ام.

ب) دانشگاهی: در کنار درس های حوزوی به ادامه تحصیل در دانشگاه مشغول بوده، کارشناسی ارشد خود را در رشته مدرسی معارف اسلامی (گرایش فلسفه و کلام) دانشگاه قم در سال ۱۳۷۹ دریافت داشته ام. در همان سال نیز در مقطع دکتری کلام (گرایش فلسفه دین و مسائل جدید کلامی) همان دانشگاه پذیرفته و در سال ۱۳۸۴ با دفاع از پایان نامه دکتری خود با عنوان "شبه سازی انسان از دیدگاه دین کاتولیک و اسلام" با رتبه عالی فارغ التحصیل شدم.

ج) دوره های آموزشی مختلف: در کنار فعالیت های اصلی آموزشی، همواره در پی کسب صلاحیت های لازم برای تخصص در تعلیم و تحقیق بوده ام. از این رو در دوره های آموزشی مختلف مانند کارگاه ترجمه، اصول کتابداری، آشنایی با منابع مرجع، نمایه سازی، اصطلاح نامه نویسی، ویرایش، مبانی کامپیوتری، اینترنت، تکنولوژی اطلاعات، زبان انگلیسی و فرانسه شرکت کرده و دوره های گوناگونی از این دست را گذرانده ام.

۲. توانایی های علمی:

الف) اینجانب به زبان های انگلیسی و عربی، در حد مکالمه و ترجمه متون تخصصی مسلط هستم و نوشته های متعددی از این زبان ها ترجمه کرده ام. یک دوره شش ماهه زبان فرانسه را گذرانده ام. همچنین اندکی با زبان آلمانی در حد خواندن پاره ای از متون

ابتدایی آشنایی دارم.

ب) ترجمه: بیش از یک دهه است که مستمرا به کار ترجمه مشغول بوده‌ام. محصول این مدت فعالیت ترجمه‌ای، ترجمه ده مقاله علمی از زبان انگلیسی و بیست مقاله و هشت عنوان کتاب از عربی بوده است که منتشر شده‌اند.

ج) تحقیق: عمده فعالیت علمی بنده، مصروف تحقیق و تالیف بوده است که نتیجه آن تاکنون تالیف بیش از هشتاد مقاله و یازده عنوان کتاب بوده است.

د) عضویت در شوراهای علمی: اینجانب به عنوان عضو هیئت تحریریه فصلنامه نقد و نظر، میقات حج و حدیث زندگی، فعالیت مطبوعاتی داشته‌ام. همچنین به عنوان عضو شوراهای مختلف مراکز تحقیقی قم همچون موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) و عضو شورای دائره المعارف امام خمینی (ره) مشغول فعالیت بوده‌ام. و نیز در سمینارهای علمی کشوری مانند "همایش بین‌المللی حقوق بشر و گفتگوی تمدن‌ها"، "سمینار بررسی سقط جنین در ایران"، "همایش ترجمانی متون مقدس"، "همایش بین‌المللی مردم سالاری دینی"، "همایش سراسری استادان، محققان و مترجمان حوزه های فلسفه، کلام، ادیان، عرفان"، "سومین کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر"، "همایش گفتگوی علم و دین"، شرکت کرده و مقالات خود را ارائه کرده‌ام. ضمناً فعالیت های مدیریت پژوهشی مانند معاونت پژوهشی مراکز علمی و مسئولیت ترجمه نیز داشته‌ام. هم اینک نیز عضو انجمن علمی ادیان و مذاهب حوزه علمیه هستم.

ه) تدریس: اینجانب در موسسات آموزش عالی مانند دانشگاه قم، دانشگاه مفید، دانشگاه شهید بهشتی، موسسه آموزش ضمن خدمت وزارت ارشاد، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) و دانشکده علوم قرآنی تدریس داشته‌ام. موضوعات تدریس بنده عمدتاً عبارت بوده اند از: منطق، متون فلسفی معاصر، اخلاق، روش تحقیق، قواعد فقه، اصول فقه، متون فقه و شناخت منابع مرجع اسلامی.

۳. حوزه های مورد علاقه:

اینجانب بیشتر به حوزه های فلسفه و کلام جدید، فلسفه اخلاق (اخلاق کاربردی با تاکید بر اخلاق زیستی)، دین شناسی، نقد اندیشه ها و مسائل اجتماعی، اسلامی توجه خاص دارم و به کاوش در مسائل موردی و کم سابقه می پردازم و مورد پژوهشی را بر بحث کلیات ترجیح می دهم.

۴. کارنامه علمی:

کارنامه علمی بنده در دو عرصه تالیف و ترجمه حدود ۲۰ عنوان کتاب و ۹۰ مقاله است.

۵. جوایز علمی:

در سال ۱۳۸۰ تحقیق بنده با عنوان «امام، اخلاق، سیاست» از سوی دبیرخانه دین پژوهان کشور برگزیده شد و به آن جایزه ویژه ریاست جمهوری تعلق گرفت. در همان سال مقاله بنده با عنوان «امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام علی ع» که برای دانشنامه امام علی علیه السلام نوشته شده بود به عنوان مقاله برتر شناخته شد و به آن لوح تقدیری تعلق یافت. در سال ۸۲ نیز تحقیق اینجانب با عنوان «اخلاق نقد» از سوی دبیرخانه دین پژوهان برگزیده شد. همچنین تحقیق (دروغ مصلحت آمیز) از سوی همین دبیرخانه رتبه آورد، اما به دلیل تعلق آن به سال های قبل، از جریان داوری خارج و در بیانیه نهایی از آن تقدیر شد.

در همین سال نیز کتاب «امام، اخلاق، سیاست» از سوی دهمین سال کتاب دانشجویی برگزیده شد. در سال ۱۳۸۳ نیز جایزه یازدهمین کتاب سال دانشجویی به علت کثرت تالیف به بنده تعلق گرفت. همچنین در آن سال، مقاله بنده با عنوان «گریش های تفسیری در میان مسلمانان؛ بررسی یک ترجمه» به عنوان نقد برتر در حوزه علوم قرآنی برگزیده شد و جایزه و لوح تقدیری از سوی ریاست محترم مجلس به آن تعلق گرفت.

در اردیبهشت سال ۱۳۸۴ نیز مقاله بنده با عنوان «چالش علم و دین در مسئله شبیه سازی انسانی» که در نخستین همایش کشوری گفتگوی علم و دین ارائه شده بود، از سوی مسئولین همایش به عنوان مقاله برگزیده انتخاب و به آن لوح تقدیری تعلق گرفت.

اسلامی پناه، هادی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

هادی اسلامی پناه

محل تولد: کربلا

شهرت

تابعیت: عراق

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب هادی اسلامی پناه در سال ۱۳۳۷ در شهر کربلا و در یک خانواده روحانی بدنیا آمدم. تحصیلات ابتدائی را در مدارس عراقی گذرانده، از همان زمان با حوزه کربلا و نجف آشنا شدم. در سال ۱۳۵۱ از کربلا اخراج شده و در قم سکونت کردم. در سال ۱۳۵۲ وارد حوزه علمیه قم شده، در مدرسه آیت الله گلپایگانی دروس مقدمات را طی نمودم. از دروس سطح، رسائل را نزد استاد اعتمادی و مکاسب و کفایه را نزد استاد ستوده به پایان رساندم. در همان زمان در سال ۱۳۵۹ وارد موسسه در راه حق شدم و دوره چهار ساله را طی نمودم. بیشتر درسها را نزد استاد مصباح یزدی و آیت الله معرفت و استاد فیاضی گذراندم. در سال ۱۳۷۳ پایان نامه خود را به راهنمایی استاد اعرافی دفاع کردم. از همان زمان در بخش تاریخ و سیره اهل بیت (ع)، با دفتر تبلیغات اسلامی همکاری خوبی داشتم و عضو گروه زن در اندیشه اسلامی موسسه امام خمینی (ره) شدم و این دو کار تا سال ۱۳۸۰ ادامه داشت. از سال ۱۳۸۰ در مدارس وابسته به مرکز جهانی علوم اسلامی به تدریس علوم قرآن، تفسیر و فقه پرداخته و هم اکنون نیز ادامه دارد.

اسلامی ندوشن، محمد علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن، در سال ۱۳۰۴ شمسی در ندوشن یزد دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و قسمتی از متوسطه را در ندوشن یزد فراگرفت، آنگاه به تهران عزیمت کرد و دوره ی متوسطه را به پایان رسانید و برای ادامه ی تحصیل وارد دانشکده حقوق شد و به دریافت لیسانس توفیق یافت. سپس به منظور تکمیل تحصیلات رهسپار اروپا شد و مدت پنج سال در فرانسه و انگلستان به اندوخته های علمی خود افزود و به اخذ دکترا در همان رشته نائل آمد. دکتر اسلامی ندوشن، در شمار

شاعران اندیشمند و نویسندگان توانا و برجسته ای است که از سال ۱۳۲۷ اشعارش در مجله ی سخن و برخی مجلات دیگر انتشار یافته است. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: اسلامی ندوشن در خانواده ای با بضاعت متوسط به دنیا آمد، پدرش خیلی زود وفات یافت و او ناگزیر شد که روی پای خود بایستد. تحصیلات رسمی و حرفه ای: دکتر اسلامی ندوشن، تحصیلات ابتدایی را نخست در مدرسه ی ناصر خسرو ندوشن، سپس مدرسه ی خان یزد، پس از آن به دبستان دیناری رفت و دبیرستان را تا سوم متوسطه در دبیرستان ایرانشهر یزد گذراند، آنگاه برای ادامه ی تحصیل در سال ۱۳۲۳ به تهران عزیمت کرد و بقیه ی دوره ی متوسطه را در دبیرستان البرز به پایان رساند. سپس برای ادامه ی تحصیل وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و به دریافت لیسانس توفیق یافت. پس از آن به منظور تکمیل تحصیلات به اروپا عزیمت نمود. مدت پنج سال در فرانسه و انگلستان به اندوخته های علمی خود افزود و با گذراندن پایان نامه ی دکترای خود به نام «کشور هند و کامنولث» به دریافت دکترای حقوق بین الملل از دانشکده حقوق دانشگاه پاریس نائل آمد فعالیت های ضمن تحصیل: اسلامی از ده دوازده سالگی شاعری را آغاز کرد و پس از آمدن به تهران در دوران دبیرستان، حرفه ای تر شعر می گفت. وی در این زمان بعضی از قطعه شعرها را در مجله ی سخن منتشر می نمود. فعالیت های اسلامی ندوشن در دوران تحصیلات در اروپا، بیشتر آشنایی با زبان فرانسه و شرکت در سخنرانی های دانشگاه سوربن بود و به جز چند داستان کوتاه و چند قطعه شعر و پایان نامه ی دکترایش چیز دیگری نوشت همسر و فرزندان: دکتر شیرین بیانی استاد تاریخ دانشگاه تهران و نویسنده ی چندین کتاب تاریخی، همسر دکتر اسلامی ندوشن می باشد مشاغل و سمت های مورد تصدی: دکتر اسلامی ندوشن در سال ۱۳۳۴ پس از بازگشت به ایران، چند سال در شغل قاضی دادگستری خدمت کرد فعالیت های آموزشی: دکتر اسلامی ندوشن پس از ترک خدمت در دادگستری، به تدریس حقوق و ادبیات در برخی دانشگاه ها و آموزشگاه های عالی، از جمله: دانشگاه ملی، مدرسه ی عالی ادبیات، مدرسه ی عالی بازرگانی و مؤسسه ی علوم بانکی پرداخت. در سال ۱۳۴۸ به دعوت پروفیسور فضل الله رضا (رئیس وقت دانشگاه تهران) به همکاری با دانشگاه تهران دعوت گردید و براساس تألیفاتی که در زمینه ی ادبیات انتشار داده بود، جزء هیئت علمی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران قرار گرفت و تدریس نقد ادبی و سخن سنجی، ادبیات تطبیقی، فردوسی و شاهنامه، شاهکارهای ادبیات جهان در دانشکده ادبیات و تدریس تاریخ تمدن و فرهنگ ایران را در دانشکده حقوق برعهده گرفت و تا سال ۱۳۵۹ که به انتخاب خود از دانشگاه تهران بازنشسته شد، ادامه داشت. وی اکنون در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و در مقطع دکترای ادبیات به تدریس مکتب های ادبی جهان می پردازد. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن، در سال ۱۳۰۴ شمسی در ندوشن یزد دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و قسمتی از متوسطه را در ندوشن یزد فراگرفت، آنگاه به تهران عزیمت کرد و دوره ی متوسطه را به پایان رسانید و برای ادامه ی تحصیل وارد دانشکده حقوق شد و به دریافت لیسانس توفیق یافت. سپس به منظور تکمیل تحصیلات رهسپار اروپا شد و مدت پنج سال در فرانسه و انگلستان به اندوخته های علمی خود افزود و به اخذ دکترا در همان رشته نائل آمد. دکتر اسلامی ندوشن، در شمار شاعران اندیشمند و نویسندگان توانا و برجسته ای است که از سال ۱۳۲۷ اشعارش در مجله ی سخن و برخی مجلات دیگر انتشار یافته است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: دکتر اسلامی ندوشن، در شمار شاعران اندیشمند و نویسندگان توانا و برجسته ای است که از سال ۱۳۲۷ اشعارش در مجله ی سخن و برخی از مجلات دیگر انتشار یافت و مورد توجه قرار گرفت. وی در کنار فعالیت های علمی و تحقیقی خود، از زبان شعر کمتر استفاده کرده است، اما آنچه از او چاپ و در دسترس قرار گرفته است، بسیار خوب و نمودار استعداد و ذوق سرشار و قریحت تابناک او در شعر می باشد. استاد بیشتر اوقات خود را صرف در تحقیق آثار علمی و ادبی ایران و ترجمه ی آثار نویسندگان جهان کرده و آثارش در مجلات پیام نو، سخن، یغما، راهنمای کتاب و نگین چاپ شده است. آرا و گرایشهای خاص: دکتر اسلامی ندوشن، برخی از آثار خود را با امضای مستعار «م. دیده ور» چاپ و منتشر ساخته است. جوایز و نشانها: کتاب «ابر زمانه و ابر زلف» در سال ۱۳۴۲ به عنوان

کتاب برگزیده ی سال از سوی انجمن کتاب انتخاب گردید آثار: مجموعه شعر «چشمه»- مجموعه شعر «گناه»- ترجمه و مؤخره ی پیروزی آینده ی دموکراسی- ترجمه ی جهاد در اروپا- ترجمه ی قطعاتی از رومئو و ژولیت- در کشور شوراها- آزادی مجسمه- ذکر مناقب حقوق بشر در جهان سوم- گفت و گوها- افسانه و افسون- زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه- ایران را از یاد نبریم- به دنبال سایه ی همای- فرهنگ و شبه فرهنگ- درباره ی آموزش- گفته ها و ناگفته ها- صفر سیمرخ- داستان داستان ها- نوشت های بی سرنوشت- کارنامه ی سفر چین- جام جهان بین- آواها و ایماها- دیدن دگر آموز، شنیدن دگر آموز- داستان کوتاه پنجره های بسته- ترجمه ی آنتونیوس و کلئوپاترا- ابرزمانه و ابر زلف- شور زندگی- ترجمه ی ملال پاریس و برگزیده ای از گل های بدی- ترجمه ی بهترین اشعار هنری لانگ فلو- روزها، سرگذشت- تحقیق در منظومه ی ویس و رامین گرگانی- آویزه ی سخن ها- ایران لوک پیر- ایران و تنهایی اش- باران نه رگبار- باغ سبز عشق- سخن ها را بشنویم- سرو سایه فکن- ترجمه ی عمر خیام- کشور هند و کامنولث- گفتیم و نگفتیم- ماجرای پایان ناپذیر حافظ- مسئله ی عقب ماندگی- نامه ی نامور- منابع زندگینامه: پایگاه یاد یار

اسلامی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آشپزشناسی دهان و دندان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

اسلامی، محمد تقی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد تقی اسلامی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از پایان تحصیلات در مقطع راهنمایی تحصیل در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس مقدماتی را در مدرسه علمیه امام صادق (ع) گذراندم. دروس سطح حوزه را نیز از سال ۱۳۶۶ آغاز کردم و در درس حضرات اساتید علی محمدی خراسانی، آقارسل موسوی تهرانی، نکونام گلپایگانی و شیخ حسین توتونچی تهرانی (ره) شرکت جسته، این دروس را در حدود سال تحصیلی ۷۲-۷۱ به پایان بردم.

از سال ۱۳۷۰ به صورت موقت و آزمایشی در برخی کلاس های درس خارج شرکت می کردم. تا این که رسماً از سال ۱۳۷۲ در

دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات سبحانی، وحید خراسانی و جوادی آملی شرکت جستیم. در ضمن دروس و مباحثات حوزوی به پیشنهاد برخی از دوستان هم بحث، در دوره عمومی دروس موسسه در راه حق شرکت نمودم. سال ورود من به موسسه در راه حق (که بعداً با نام موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در ساختمان جدید فعالیت خود را ادامه داد) سال ۱۳۷۱ (سال تحصیلی ۷۲ - ۷۱) بود. پس از گذراندن دروس عمومی طی چهار سال، در سال تحصیلی ۷۶ - ۷۵ در آزمون ورودی دوره کارشناسی ارشد در رشته تخصصی دین‌شناسی پذیرفته شدم. و پس از طی دوره تحصیلی در سال ۱۳۸۰ با دفاع از پایان‌نامه‌ای تحت عنوان "نقد و بررسی نظریه جان مارتین فیشر در باب مسئولیت اخلاقی" فارغ‌التحصیل شدم. البته ضمن تحصیل در دوره کارشناسی ارشد، فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی خود را با پذیرفتن پروژه‌هایی از مراکز تحقیقاتی مختلف و تدریس در مراکز حوزوی و دانشگاهی، از سال ۱۳۷۸ آغاز نمودم و تاکنون فعالیت‌ها ادامه دارد.

پس از فارغ‌التحصیلی ابتدا حدود ۸ ماه با معاونت تدوین متون درسی معارف اسلامی در نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، به عنوان کارشناس گروه اخلاق همکاری علمی پژوهشی داشتم. پس از آن از سوی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی برای تأسیس و تشکیل یک گروه علمی پژوهشی کارآمد در حوزه اخلاق اسلامی دعوت شدم و کار اصلی پژوهش خود را در این رشته ابتدا در قالب هسته‌ای علمی، پژوهشی آغاز نمودم و با رسمیت یافتن گروهی با نام گروه اخلاق و تربیت در این پژوهشگاه به عنوان عضو هیئت علمی به فعالیت خود ادامه می‌دهم.

اسلامیان، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیرضا اسلامیان

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

حجة الاسلام والمسلمین اسلامیان در سال ۱۳۷۲ هجری قمری در قم و در میان خانواده‌ای متدین و دل‌باخته خاندان پاک پیامبر اسلام (ص) چشم به جهان گشود. پدرش از کسبه شهر قم و از ارادتمندان به علما و مجتهدان این شهر عالم‌پرور بود که از راه چینی و بلورفروشی روزگار می‌گذرانید. حجة الاسلام والمسلمین اسلامیان تحصیلات دبستانی خود را در مدرسه محمدیه قم به پایان رسانید. سپس به سفارش پدر، به نزد دایی خود که از فضیلتی حوزه علمیه قم بود، رفت و دروس حوزوی را نزد او آغاز کرد. پس از او خدمت چند استاد دیگر در زمینه ادبیات عرب مشرف شد، ضمن اینکه روابط علمی خود را با دایی خود قطع نکرد. پس از اتمام بخشی از دروس دوره مقدمات به مدرسه علمیه حقانی رفت. مدرسه علمیه حقانی در آن روزگار از مدارس مهم حوزه علمیه قم به شمار می‌آمد که با روشی جدید به آموزش دروس حوزوی همت گماشته بود. در این مدرسه که مسؤول آن شهید آیت‌الله قدوسی (ره) بود، علاوه بر دروس حوزوی، دروسی که هر طلبه در امور تبلیغی خود بدان نیاز داشت، آموزش داده می‌شد، از جمله

زبان انگلیسی، ادبیات فارسی و

حجة الاسلام والمسلمین اسلامیان در آن مدرسه، دروس مقدمات را پی گرفت و سپس دروس دوره سطح را در آنجا به اتمام رسانید و به درس خارج عالمان و استادان مشهور دوره خود راه یافت و سالها از محضر آنان بهره‌مند شد، ضمن اینکه در طی این سالها در دروس اخلاق نیز شرکت جدی داشت تا همواره علم خود را با عمل توأم سازد.

حجة الاسلام والمسلمین اسلامیان در سالیان تحصیل خود به محضر استادان بسیاری راه یافت. او که دروس جامع المقدمات و سیوطی را نزد دایی خود و حجج اسلام علی طیبی و صدیقیان فرا گرفته بود، در درس مغنی حجة الاسلام والمسلمین فیاضی یزدی قمی و درس معانی و بیان آیت الله خزعلی و آیت الله گرامی شرکت کرد. او اصول فقه را نزد حضرات آیات خزعلی، جنتی و استادی، معالم الاصول را نزد استادان تقوی اشتهاردی، و شرح لمعه را نزد حضرات آیات حرم پناهی، گرامی، محمدی گیلانی، مظاهری، مصلحی اراکی، طاهری خرم‌آبادی، فاضلی اشتهاردی، شهید قدوسی و شهید سلطانی اشتهاردی آموخت و در درس رسائل حضرات آیات محمدی گیلانی، صانعی، آذری و درس مکاسب حضرات آیات خزعلی و احمدی میانجی حاضر شد. بخشی از کفایة الاصول را نیز نزد آیت الله صانعی و تفسیر را نزد آیت الله مصباح یزدی فرا گرفت، ضمن اینکه در طی این سالها، دروسی همچون ادبیات فارسی، املاء و انشاء و زبان انگلیسی را نیز آموخته بود.

با پایان یافتن دوره سطح به درس خارج آیت الله العظمی شیخ کاظم تبریزی (ره)، آیت الله العظمی سید محمدرضا گلپایگانی (ره)، آیت الله العظمی شیخ مرتضی حائری (ره)، آیت الله العظمی وحید خراسانی، آیه الله العظمی شیخ جواد تبریزی و آیه الله شاه‌آبادی رفت و سالها از خرمن دانش و معرفت آنان خوشه چید. در بخش فلسفه نیز از محضر آیات عظام جوادی آملی، مؤمن قمی، امینی و صدر بهره برد. او در سالهای تحصیل خود با فضلا و عالمان بسیاری رابطه دوستی داشت که از جمله آنان می‌توان از حجج اسلام آقایان شب‌زنده‌دار، عندلیب، علی مؤمن و محمود رجبی نام برد.

حجة الاسلام والمسلمین اسلامیان در سالهای مختلف زندگی خود فعالیت‌های علمی و فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است. که از جمله آنها شرکت در مجمع الفقه است که در آن به تألیف رساله‌ها و نوشته‌های گوناگون فقهی پرداخته می‌شود.

وی در طول سالهای تحصیل و پس از آن به مناطق گوناگونی سفر نموده و به تبلیغ عقاید شیعه پرداخته است که از جمله آنها می‌توان به سفر او به شهر مهران و دره‌شهر در سالهای نخستین پیروزی انقلاب اسلامی اشاره کرد. همچنین وی مدتی در دفتر امام (ره) به بررسی نامه‌های رسیده و اقدام مقتضی آن می‌پرداخته است.

حجة الاسلام والمسلمین اسلامیان در طول سالهای رژیم طاغوت و پس از آن، همواره چون مردم ایران اسلامی، زندگی توأم با مبارزه را طی نموده است. از فعالیت‌های سیاسی وی در زمان رژیم شاه می‌توان به افشاگریهای او اشاره کرد که در سال ۱۳۵۱ به مدت دو ماه به زندان افتادند.

اسلامیان، لاله

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

دکتر لاله اسلامیان در سال ۱۳۴۰ در شهرستان شیراز متولد شد. وی در سال ۱۳۶۹ موفق به اخذ درجه تخصصی در رشته جراحی زنان و مامایی از دانشکده پزشکی دانشگاه تهران گردید. سپس تحصیلات فلوشیپ خود را در رشته طب مادر و جنین دانشگاه

امپریال کالج لندن انگلستان در سال ۱۳۸۰ به پایان رساند. وی دوره‌های تکمیلی سونوگرافی را در بیمارستان میرزا کوچک‌خان دانشگاه تهران گذراند. ایشان اکنون به عنوان عضو هیئت علمی و دانشیار گروه زنان و زایمان در بخش پره ناتالوژی بیمارستان دکتر شریعتی (وابسته به دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران) مشغول به کار می‌باشند. گروه: علوم پزشکی: زنان و زایمانگرایش: سونوگرافیتحصیلات رسمی و حرفه ای: لاله اسلامیان تحصیلات ابتدایی را در دبستان انستیتومریم در سال ۱۳۴۶ و تحصیلات متوسطه را در دبیرستان انستیتومریم آغاز نمود و در سال ۱۳۵۶ موفق به اخذ مدرک دیپلم گردید. تحصیلات عالی خود را در سال ۱۳۵۶ در رشته پزشکی دانشکده پزشکی دانشگاه تهران آغاز کرد و در سال ۱۳۶۴ فارغ‌التحصیل شد. وی در سال ۱۳۶۹ موفق به اخذ درجه تخصصی در رشته جراحی زنان و مامایی از دانشکده پزشکی دانشگاه تهران گردید. سپس تحصیلات فلوشیپ خود را در رشته طب مادر و جنین دانشگاه امپریال کالج لندن انگلستان در سال ۱۳۸۰ به پایان رساند. وی دوره‌های تکمیلی سونوگرافی را در بیمارستان میرزا کوچک‌خان دانشگاه تهران گذراند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: ایشان اکنون به عنوان عضو هیئت علمی و دانشیار گروه زنان و زایمان در بخش پره ناتالوژی بیمارستان دکتر شریعتی مشغول به کار می‌باشند. سمت های اجرائی (گذشته تاکنون) ۱- مسئول آموزش دانشجویان از سال ۱۳۷۷ تاکنون ۲- مسئول آموزش دستیاران از سال ۷۷-۱۳۷۱ ۳- عضو گروه پژوهشی گروه زنان از آذر ماه ۱۳۷۹ تاکنون ۴- عضو کمیته اجرایی گروه زنان (۷۹-۱۳۷۸)

اسلامیان، لاله

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

زهرا الشمیر به لاله اسلامیان سال ۱۳۴۰ در شیراز متولد شد. دوران کودکی و تحصیلات را در تهران گذراند. در سال ۱۳۵۶ وارد دانشگاه پزشکی دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۶۹ در رشته تخصصی جراحی زنان و مامایی از دانشگاه علوم پزشکی تهران فارغ التحصیل گردید. وی هم اکنون عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران است و در بیمارستان دکتر شریعتی مشغول به خدمت می‌باشد. گروه: علوم پزشکی: زنان و زایمانگرایش: جراحی زنان و مامایوالدین و انساب: پدر زهرا الشمیر به لاله اسلامیان، احمد اسلامیان سرهنگ بازنشسته ژاندارمری و دارای مدرک فوق لیسانس حقوق و مادر محترمشان مهرماه کجوری بازنشسته آموزش و پرورش و لیسانس رشته زبان انگلیسی است. وی دارای دو خواهر با نامهای لادن اسلامیان (دوقلوی ایشان) که دانشیار ارتودنسی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و دکتر مهرناز اسلامیان دندانپزشک می‌باشند. خاطرات کودکی: از خاطرات آن دوران زهرا الشمیر به لاله اسلامیان اینچنین یاد می‌کند: پس از اتمام کلاس چهارم ابتدایی سال ۱۳۵۰ به‌مراه خواهر دوقلویم لادن کلاس پنج و ششم را در تابستان بصورت جهشی خواندیم و مهرماه همان سال سرکلاس هفتم نشستیم. همکلاسیهایمان که دو سال بزرگتر بودند ما را از ضعف پایه و تجدید شدن میترساندن که خوشبختانه به یاری خداوند و همت همیشگی که داشتیم ثلث اول تاسوم من و خواهرم همیشه شاگرد اول و دوم کلاس بودیم که موجب تعجب هم شاگردی‌ها و نیز اولیای مدرسه بود. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: کمک بسیار والدین و همراهی همسرم موجب موفقیت و پیشرفت هایم می‌باشد. تحصیلات رسمی و حرفه ای: کسب دیپلم تجربی از موسسه مریم تهران ۱۳۵۶ دیپلم دکترای عمومی از دانشگاه تهران ۱۳۶۴ دکترای تخصصی جراحی زنان و مامایی از دانشگاه علوم پزشکی تهران ۱۳۶۹ فلوشیپ پرناتالوژی از دانشگاه علوم پزشکی تهران ۱۳۸۱ خاطرات و وقایع تحصیل: از آن دوران زهرا الشمیر به لاله اسلامیان خاطرات جالبی دارند: " در اولین هفته ورود به دانشگاه پزشکی آقای دکتر ملک نیا استاد رشته بیوشیمی عده ای از دانشجویان را برای یک طرح تحقیقاتی خواست و وقتی سن و سال ورود مرا پرسید گفت

اینجا به جای University (دانشگاه) تبدیل به Baby city (مهد کودک) شده است. و یا "وقتی برای خدمت در جبهه به اندیمشک اعزام شدیم رئیس شبکه وقت حاج آقا یعقوبی با نگرانی گفت من زن و بچه ام را برای سلامت ماندن به روستا های دور افتاده فرستاده ام حالا- برای من سرپزشک زن فرستاده اند، چگونه امنیت شما را تضمین کنم. حالا بعد نگرانی ما را حساب کنید. فعالیتهای ضمن تحصیل: زهرا الشمیر به لاله اسلامیان خدمت در خط پشت جبهه سالی یک ماه در شهرهای اندیمشک سال ۱۳۶۵، دزفول سال ۱۳۶۶ و اهواز سال ۱۳۶۷ علیرغم مواجهه با خطرات فراوان را در کارنامه خود دارد. استادان و مربیان: از استادان زهرا الشمیر به لاله اسلامیان میتوان به دکتر انوشیروان مهرایت استاد رشته جراحی بیمارستان شریعتی، دکتر وهاب متوره چی استاد غدد بیمارستان دکتر شریعتی) و دکتر محمد باستان حق استاد غدد بیمارستان دکتر شریعتی، و دکتر وهاب معصومی استاد جراحی زنان و زایمان بیمارستان دکتر شریعتی و مرحوم دکتر شفیع زاده استاد روماتولوژی نیز اشاره کرد. هم دوره ای ها و همکاران: خانم دکتر شیرین قاضی زاده، دکتر بتول رشیدی که هم اکنون از هیئت علمی های دانشگاه علوم پزشکی تهران در گروه زنان و مامایی هستند. دکتر شیوا بقایی متخصص پوست و مو مقیم استرالیا و دکتر علیرضا استقایی که از هیئت علمی های دانشگاه علوم پزشکی تهران در رشته فوق تخصص غدد از همدوره ایها و همکاران زهرا الشمیر به لاله اسلامیان میباشند. همسر و فرزندان: همسر زهرا الشمیر به لاله اسلامیان، دکتر حسین بوستانی جراح و متخصص گوش و حلق و بینی از دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی هستند وی دارای دو فرزند به نامهای علی ۱۵ ساله دانش آموز سال اول دبیرستان و پریا ۹ ساله دانش آموز سال چهارم ابتدایی استمشاغل و سمتهای مورد تصدی: مسئولیت آموزش رزیدنت ها (دستیاران) زنان و مامایی ۷۴-۱۳۷۰ مسئولیت آموزش دانشجویان پزشکی زنان و مامایی از سال ۱۳۷۴ تا کنون عضو هیئت مدیره انجمن تشخیص و درمان جنین از سال ۱۳۸۳ دبیر انجمن تشخیص و درمان جنین از سال ۱۳۸۵ فعالیتهای آموزشی: آموزش دانشجویان، کارورزان، دستیارات رشته زنان و مامایی در بیمارستان دکتر شریعتی، آموزش دانشجویان لیسانس فوق لیسانس مامایی در دانشکده پرستاری و مامایی و هدایت پایان نامه های طب عمومی و تخصصی از فعالیتهای زهرا الشمیر به لاله اسلامیان در آموزش میباشد. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: راه اندازی واحد سونوگرافی زنان و مامایی در بخش زنان و مامایی بیمارستان دکتر شریعتی راهاندازی واحد پرناتالوژی در بخش زنان و مامایی بیمارستان دکتر شریفی و دانشگاه علوم پزشکی تهران راه اندازی واحد کولپوسکوپی در درمانگاه بیمارستان دکتر شریعتی راه اندازی موسسه نسل امید FMF ایرانیان در تهران سایر فعالیتهای برنامه های روزمره: تهیه پروتکل های مامایی و زایمان در همکاری با وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی شرکت در جلسات مختلف دانشگاه برای آموزش دانشجویان همفکران فرد: خانم دکتر اشرف جمال و دکتر صدیقه برنا در گروه پری تاتالوژی، دکتر اشرف آلیاسین، دکتر رضیه آقا حسینی و خانم دکتر لیلی صفدریان در بخش زنان و مامایی بیمارستان دکتر شریعتی را زهرا الشمیر به لاله اسلامیان اشاره دارد. چگونگی عرضه آثار: آثار زهرا الشمیر به لاله اسلامیان بصورت تالیف ۷ جلد کتاب و ۱۶ مقاله در نشریه های داخلی و خارجی میباشد.

آثار: ۱۰ مقاله به زبان فارسی ۶ مقاله به زبان انگلیسی اورژانسهای مامایی و نوزادان ویژگی اثر: تالیف، انتشارات ارجمند ۱۳۷۶۴ تازه های طب مادر و جنین ویژگی اثر: تالیف، معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی تهران فروردین ۱۳۷۸۵ درس نامه (بیمارستان زنان و مامایی) ویژگی اثر: تالیف، انتشارات فرهنگی راستان ۱۳۷۷۶ راهکارهای درمانی در حاملگی های پر خطر و عارضه دار ویژگی اثر: تالیف، معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی تهران ۱۳۷۹۷ زایمانهای زودرس ویژگی اثر: تالیف، معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی تهران فروردین ۱۳۸۱۸ مروری بر آندوکرینولوژی اسپروف ویژگی اثر: تالیف، انتشارات پژوهنده ۱۳۷۶۹ نازایی و آندوکرینولوژی اسپروف ویژگی اثر: ترجمه، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۲

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن اسماعیل پور نیازی

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در تابستان سال ۱۳۶۶ پس از طی مقطع راهنمایی وارد حوزه علمیه شدم. در گام اول قدم در مدرسه مبارکه فیضه مازندران (شهرستان بابل) تحت نظارت مدیریت و اشراف حضرت آیت الله فاضل استر آبادی نهادم.

پس از طی مراحل اولیه تحصیل در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و در قم در دروس سطح از دروس استاد آیت الله سید علی محقق دامان و دیگر اساتید استفاده کردم. در درس خارج نیز در فقه و اصول در محضر اساتید بزرگوار آیت الله سیدعلی محقق داماد، آیت الله مکارم شیرازی، آیت الله سبحانی و آیت الله لاریجانی حاضر شدم.

همزمان با تحصیل در مقطع خارج در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن نیز طی یک دوره چهار ساله در مقطع سطح چهار از محضر اساتید بزرگوار آیت الله معرفت، آیت الله خزعلی، آیت الله دکتر احمد بهشتی، حجت الاسلام دکتر نقی پورفر و اساتید دیگر بهره مند شدم. پس از اتمام دوره تحصیل رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن به دلیل احساس نیاز به مباحث عقلی و فلسفی در رشته فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) مشغول به تحصیل شدم و اکنون در مقطع کارشناسی ارشد می باشم.

در بهار سال ۱۳۸۴ پایان نامه سطح چهار مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن را تحت عنوان «آزادی و ارتداد از دیدگاه قرآن» با راهنمایی و مشاورت استاد آیت الله معرفت و استاد دکتر نقی پورفر دفاع کردم و با درجه عالی داوران همراه بود. پیش از آن در سال ۱۳۸۳ پایان نامه فوق به عنوان پژوهش برگزیده سال در حوزه دین پژوهی از سوی دبیرخانه دین پژوهان کشور انتخاب و معرفی شد.

در بخش تحقیقات علمی نیز با مرکز جهانی علوم اسلامی در تدوین درسنامه، مرکز پژوهشهای صدا و سیما در تألیف کتاب و پژوهشکده فرهنگ و اندیشه (کانون اندیشه جوان) برای تدوین کتاب همکاری داشته و دارم.

اسماعیل پور، محمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد علی اسماعیل پور

محل تولد: شهرضا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۹/۱/۱

شروع به علوم قدیمه از سال ۱۳۳۵ شمسی در شهرضا و بعد از طی مقدمات و قسمتی از سطوح عالی و فراگیری فلسفه و کلام و مقداری طب قدیم و مقداری هیئت در سال ۱۳۳۹ وارد حوزه علمیه قم شدم.

بعد از تکمیل سطح عالی حوزه در دروس خارج فقه و اصول شرکت نموده و مباحث فلسفی را نیز تکمیل و در طول خواندن درس خارج به مباحثات علمی و تدریس سطح عالی و علوم اعتقادی مشغول بوده ام و بعد از دوره هائی از تدریس کفایه الاصول از سال ۱۳۵۷ شمسی به تدریس خارج فقه و اصول مشغول بوده که هم اکنون هم ادامه دارد و فعلاً دوره سوم تدریس خارج اصول برقرار می باشد.

در سخنرانی بعد از نماز جماعت چه در قم و چه در شهرضا (قمشه) در ایام مناسب و تعطیلات حوزه مثل ماه مبارک رمضان و تابستان با توفیق الهی یکدوره تفسیر کامل قرآن برای مردم گفته شده است و دوره دوم نیز تاکنون به سوره یونس رسیده است.

اسماعیل زاده، صدیقه

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

صدیقه اسماعیل زاده در سال ۱۳۴۳ در شهر بابل به دنیا آمد، وی دارای دکترای پزشکی رشته زنان و زایمان از دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۶۹ می باشد. وی دوره دستیاری را در شهر مقدس مشهد گذراند و هم اکنون دانشیار هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بابل از سال ۱۳۷۳ است. گروه: علوم پزشکی رشته: زنان و زایمان گرایش: نازایبیاخضرات کودکی: صدیقه اسماعیل زاده از آشنایی خود با کتاب خواندن اینچنین میگوید: «در دوران راهنمایی بودم که خواهر بزرگم که دانشجوی دانشگاه صنعتی شریف بود وارد جریانات سیاسی مذهبی شد و برایم کتابهای زیادی می آورد که از همان زمان به کتاب خواندن علاقه مند شدم.» اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: صدیقه اسماعیل زاده در یک خانواده در سطح متوسط از نظر اقتصادی جایگاه پدر وابستگی و محبت بسیار نسبت به خانواده و بچه هایش داشت و دارد پرورش یافت وی دارای سه خواهر است که وی آخرین فرزند خانواده است. تحصیلات رسمی و حرفه ای: صدیقه اسماعیل زاده تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش گذراند در سال ۱۳۶۲ دبیرستان را به پایان برد و بعد از انقلاب فرهنگی و قبولی در کنکور وارد دانشگاه شهید بهشتی گردید و در رشته پزشکی شروع به تحصیل کرد و در سال ۱۳۶۸ فارغ التحصیل گردید و از سال ۱۳۶۹ پس از موفقیت در آزمون ورودی، دوره دستیاری زنان زایمان را در شهر مقدس مشهد شروع کرد و در سال ۱۳۷۳ بعنوان استادیار در دانشگاه علوم پزشکی بابل مشغول به خدمت شد. در سال ۱۳۷۵ دوره مونوگرافی و سال ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ دوره نازایی را در پژوهشکده رویان طی کرد و در سال ۱۳۸۲ دوره تکمیلی نازایی را در بیرمنگام انگلیس گذراند. خاطرات و وقایع تحصیل: وقوع انقلاب فرهنگی و قبولی در رشته پزشکی را میتوان از وقایع دوره تحصیل صدیقه اسماعیل زاده نام برد. فعالیتهای ضمن تحصیل: حضور در انجمن اسلامی دانشگاه و فعالیتهای مخصوص به آن زمان از فعالیتهای دوران تحصیلات دانشگاهی صدیقه اسماعیل زاده است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: صدیقه اسماعیل زاده از سال ۱۳۷۷ بعنوان رئیس بخش و شورای نابروزی دانشگاه علوم پزشکی بابل انجام وظیفه میکند. و چندین سال به عنوان معاون آموزشی گروه زنان و زایمان فعالیت کرده و هم اکنون مدیر دستیاری این گروه می باشد. فعالیتهای آموزشی: تدریس در دانشگاه علوم پزشکی بابل از سال ۱۳۷۳ بعنوان استادیار و راهنمای بیش از ۲۰ پایان نامه رشته زنان و زایمان از فعالیتهای آموزشی صدیقه اسماعیل

زاده می‌باشد. مراکز که فرد از بنیان آن به شمار می‌آید: صدیقه اسماعیل زاده از سال ۱۳۸۲ مرکز ناباروری مهرگان را در بیمارستان خصوصی شهر راه اندازی نموده و هم‌اکنون در تلاش جهت راه اندازی مرکز تحقیقات باروری، ناباروری در دانشگاه علوم پزشکی بابل می‌باشد. جوایز و نشانها: کسب عنوان پزشک نمونه در سال ۱۳۸۳، عنوان پژوهشگر نمونه در دانشگاه در سال ۱۳۸۵ و در سال ۱۳۸۶ بعنوان دستیار نمونه و دریافت گواهی از وزیر محترم وقت از جوایز صدیقه اسماعیل زاده است. چگونگی عرضه آثار: چاپ بیش از ۱۵ مقاله علمی فارسی و ۵ مقاله خارجی و چاپ چند جلد کتاب از آثار صدیقه اسماعیل زاده است.

آثار: پاسخ به سوالات شما در مورد نازایی و ویژگی اثر: ترجمه و تالیف

اسماعیل زاده، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: رادیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی پزشکی از آموزشگاه عالی بهداری مشهد در سال ۱۳۳۸، کارشناسی ارشد پزشکی از دانشکده پزشکی مشهد در سال ۱۳۴۸، دکترای رادیولوژی فردوسی مشهد در سال ۱۳۵۲ و فوق تخصص سی تی اسکن از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۶۵.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۵۲، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۴۶.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام طرح تحقیقاتی نمای رادیولوژی درفکین، تدریس دروس رادیولوژی عمومی، تفسیر رادیولوژی، تکنیک و تفسیر رادیولوژی در دانشکده پزشکی مشهد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

تکنیکهای رادیولوژی اندامها، کیست‌های کلیوی، آفیروژنمی، اولس‌های دومگرنال.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۸، تعداد مقالات به زبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

رادیولوژی، همویلی ضربه‌ای، لارنگوگرافی در تومورهای لارنکس، همویلی ترموماتیک، لنفانژکتازی استخوانی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

اسماعیلی ابولی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اسماعیلی ابولی

محل تولد: ساری

شهرت: اسماعیلی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۸ در روستای ایول از توابع بخش چهاردانگه (کیاس) شهرستان ساری مرکز استان مازندران متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در همان روستا و تحصیلات راهنمایی را در ساری و پس از دوره راهنمایی وارد حوزه علمیه شدم.

دو سال در حوزه علمیه سعادتیه ساری و سپس در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه قم شد. حدود هشت سال در مدرسه علمیه امام باقر (ع) که از مدارس تحت برنامه مرکز مدیریت بود مشغول تحصیل بودم. همراه با تحصیلات این دوره به صورت متفرقه دیپلم علوم انسانی را گرفتم و در دروس مکاسب، رسائل و کفایه از اساتید محترم سروش محلاتی، حسینی بوشهری، حسینی خراسانی، نکونام، وحید خراسانی فیض بردم. سه سال در درس خارج اصول استاد صادق لاریجانی و سه سال در خارج فقه استاد مکارم شیرازی و سه سال از خارج اصول استاد جعفر سبحانی بهره بردم.

همراه با تحصیلات سطوح عالیّه حوزوی در رشته فلسفه (غرب) دانشگاه مفید دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد را از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۰ به اتمام رساندم. همراه با تحصیلات دانشگاهی در حوزه علمیه در بخش علوم اسلامی عقلی (کلام - فلسفه اسلامی - عرفان) در درس اسفار استاد دهقانی و درس اسفار و اشارات استاد فیاضی و نهاییه الحکمه استاد معلمی شرکت نمودم. هم اکنون با جامعه الزهرا و گروه معارف دانشگاه سمنان همکاری تحقیقی و تدریس دارم. همچنین به مدت پنج سال با دایره المعارف علوم عقلی موسسه امام خمینی (ره) از سال ۷۹ تا ۸۴ همکاری داشته‌ام. در ایام تبلیغ و فصل تابستان به تبلیغ و سخنرانی می‌پردازم.

اسماعیلی جرجانی نیشابوری، ابوبکر محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۹۵ ق)، حافظ و محدث. معروف به اسماعیلی. در طلب و جمع‌آوری حدیث بسیار سفر کرد. از اسحاق بن راهویه و هشام بن عمار و محمد بن بکار و دیگران حدیث شنید. فرزندش، احمد بن محمد، و دوستش، ابراهیم بن ابی‌طالب، و ابن شرقی و ابوالعبّاس سراج و احمد بن علی رازی و علی بن حمشاد و دَعْلَج سجزی از وی روایت کرده‌اند. به گفته‌ی حاکم نیشابوری اسماعیلی یکی از

ارکان حدیث نیشابور و ثقه‌ای مورد اعتماد بود. او «حدیث زهری» و «حدیث مالک» و «حدیث یحیی بن سعید» و «حدیث عبدالله بن دینار» و «حدیث موسی بن عقبه» را جمع آوری کرد. از آثارش: «کتاب الصحابه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۵۹/۶)، تاریخ الاسلام (حوادث ۲۵۴/ ۳۰۰-۲۹۱)، سیر النبلاء (۱۱۸-۱۱۷/ ۱۴)، الکامل (۱۲۰/۶)، کشف الظنون (۱۴۳۲)، لسان المیزان (۷۲۴-۷۲۳/ ۵)، معجم طبقات الحفاظ (۱۵۲)، معجم المؤلفین (۶۲/۹).

اسماعیلی مبارکه، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد اسماعیلی مبارکه

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد اسماعیلی مبارکه در سال ۱۳۴۱ در روستای مبارکه از توابع جرقویه اصفهان متولد شدم. تحصیلات ابتدائی و راهنمایی را در روستای پيله وران جنوبی، و ادامه تحصیل را در شهر اصفهان گذراندم.

در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و پایه اول تا سوم را در مدرسه علمیه ذوالفقار اصفهان، و سپس در سال ۱۳۶۶ پایه های چهارم و پنجم را در مدرسه علمیه امام صادق (ع) اصفهان گذراندم. در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و تا سال ۱۳۷۵ سطح را در قم یعنی پایه‌های ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم را به پایان رساندم و در سال ۱۳۷۶ وارد دروس خارج آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله آقا موسی شبیری زنجانی شدم.

بعد از دو سال همراه با ادامه درس خارج فقه و اصول، تخصصی تبلیغ را در مدرسه عالی دارالشفاء شروع کردم و بعد از چهار سال موفق به گذراندن دوره تخصصی تبلیغ با گرایش ارشاد نوجوانان و جوانان تألیف کودک و نوجوان شدم و جزء ممتازین دوره سوم تخصصی تبلیغ، در سال ۱۳۸۰ از مرکز تخصصی تبلیغ مدرسه عالی دارالشفاء فارغ التحصیل شدم و همزمان با طی کردن ۶ سال درس خارج فقه و اصول موفق به دریافت سطح چهار حوزه (دکتری) شدم.

در سال ۱۳۸۰ رسماً تدریس خود را در مراکز تخصصی حوزه:

- ۱- تخصصی تبلیغ تحت عنوان روش تدریس و کلاس‌داری و روانشناسی تبلیغ و تدریس مفاهیم دینی و تدریس دینی و قرآن، شروع کردم.
- ۲- تخصصی علوم حدیث، روش تبلیغ حدیث ۳- در تخصصی مهدویت، روش تفسیر برای جوانان را مشغول هستم.
- ۴- در دانشگاه باقر العلوم (ع) عناوینی مانند: الف) روش تبلیغ ب) روش ارائه مفاهیم دینی، عقاید، تفسیر، احکام، روانشناسی تبلیغ، روش تدریس و کلاس داری را تدریس می‌کنم.
- ۵- در مجموعه سفیران هدایت قم هم به تدریس مبانی اصول، روشهای تربیتی، روش تدریس، کلاس داری کودک و نوجوانان و روش تدریس و کلاس‌داری عمومی مشغول هستم.
- ۶- در کارشناسی ارشد تخصصی تبلیغ، تدریس کلاس‌داری کودکان و نوجوانان مشغول می‌باشم.
- ۷- در معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی نیز مشغول

آموزش ۲۰۰۰ نفر از طلاب طرح هجرت بلند مدت می باشم.

اسماعیلی، اسماعیل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اسماعیل اسماعیلی

محل تولد: کریز کاشمر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از فراگیری قرآن در مکتب خانه روستای زادگاهم کریز و پایان تحصیلات ابتدایی کلاس ششم نظام قدیم در سال ۱۳۴۸ وارد مدرسه مرحوم حاج سلطان العلماء حوزه علمیه شهرستان کاشمر گردیدم و طلبه شدم.

حوزه کاشمر در آن سالها بسیار پر رونق بود و از شهرهای گناباد، قاین، فردوس، بجستان و تربت حیدریه طلبه ها برای درس خواندن به کاشمر می آمدند. هر سه مدرسه کاشمر، مدرسه مرحوم حاج شیخ، مدرسه عتیق و مدرسه حاج سلطان پر از طلبه بود و با مدیریت مرحوم آیت الله سعیدی برنامه های آموزشی منظم و خوبی در جریان بود، امتحانات به طور مرتب برگزار می شد. در آن زمان تقریباً همه سطوح از ابتدایی و مقدماتی گرفته تا خارج فقه و اصول تدریس می شد. مرحوم آیت الله امامی که از شاگردان میرزای نائینی و هم مباحثه آیت الله خویی بوده است در مدرسه حاج شیخ خارج فقه می گفت. خود آیت الله سعیدی هم علاوه بر مدیریت حوزه و فعالیت های متعدد اجتماعی، مذهبی در چند مقطع تدریس می کرد.

بعد از انقلاب متاسفانه برخلاف بسیاری از شهرستانها حوزه کاشمر دچار رکود شد و اخیراً پس از تقریباً دو دهه بی نظمی و بی رونقی دوباره با همت حجت الاسلام عربی سامان گرفته است و کم کم رونق گذشته خود را باز می یابد. در سال ۱۳۵۲ به اتفاق پسر عمویم حجت الاسلام حاج شیخ علی اسماعیلی برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم رفتم.

در حوزه کاشمر دروس مقدماتی و ادبیات عرب مثل نصاب الصبیان، جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، شرح قطر، حاشیه ملاعبده الله در منطق و برخی دروس دیگر را از محضر استادان مرحوم آیت الله سعیدی، مرحوم حاج شیخ جواد آقا مدرس، مرحوم حاج آقای فرقانی، مرحوم آقای شریعتی محولاتی، مرحوم آقا ضیاء اولیائی فرا گرفتم و در قم پس از چند ماه سرگردانی و نهایتاً استقرار در مدرسه حجتیه (پارک چهارم حجره ۷۵) و با استفاده از راهنمایی حاج آقای جراسیمی و حاج آقای عرب در برنامه های درسی حوزه شرکت کردم.

معانی بیان را از محضر استاد عرفانی استفاده کردم، شرح لمعه را از محضر آیت الله فاضل هرنندی و بخشی از مکاسب را از محضر آیت الله صانعی و بیشتر آن را از آیت الله حاج سید علی محقق داماد و کفایه را از محضر آیت الله فاضل لنکرانی استفاده کردم. در همان زمان در درس اخلاق و تفسیر آیت الله مشکینی و درس نهج البلاغه آیت الله حسین نوری همدانی نیز شرکت می کردم. قوانین الاصول میرزای قمی را نزد استاد آیت الله دوزدوزانی خواندم. معالم را از استاد فیاضی فرا گرفتم و رسائل شیخ را از محضر

آیت الله فاضل هرنندی استفاده کردم، مدت کمی نیز در درس آیت الله فانی و مرحوم آیت الله نجفی مرعشی و مرحوم آیت الله میرزا هاشم آملی شرکت می کردم.

در همین سالها فعالیتهای تبلیغی و سیاسی نیز داشتم و در برخی جلسات و فعالیتهای انقلابی شرکت می کردم. جلسه طلاب کاشمر که در آن سالها در منزل مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم جلالی کاشمیری در جوی شور به صورت هفتگی برگزار می شد و هنوز هم کم و بیش به صورت غیر منظم ادامه دارد، محور فعالیتهای سیاسی بود. در سال ۱۳۵۴ جلسه لو رفت مرحوم جلالی و حاج آقای عربی و آقای موسوی زیرک آبادی توسط ساواک دستگیر شدند و به زندان افتادند. جلسه را فردی که مدت کمی در جلسه شرکت می کرد و در ارتباط با جریان دیگری دستگیر شده بود لو داده بود، به لطف خدا من و پسر عمو و حاج آقای رضایی، احمدی، موسوی نژاد، یوسفی گنابادی، یعقوبی و ... با اینکه تحت تعقیب بودیم ولی دستگیر نشدیم.

دو بار برای دستگیری من و پسر عمویم نیمه شب ساواکیها به مدرسه حاجیه آمدند ولی من قبل از وارد شدن به حجره از آمدن آنها مطلع شدم و به حیاط مدرسه آمدم و تا آنها نرفتند با جمع زیادی از طلاب عبا به سر و مهر به دست در حیاط مدرسه و کنار حوض ماندیم و ماموران ساواک را دسته جمعی هو می کردیم. آنها بخشی از کتابها، نوار مرا از حجره بردند و از هم حجره مان آقای کاظمی پرسیده بودند که فلانی کجاست و او اظهار بی اطلاعی می کرده است. در هر صورت در جریان تظاهرات مفصل ۱۷ خرداد سال ۵۴ در فیضیه که ماموران ساواک ریختند و عده ای را ضرب و شتم کردند و بردند و مدرسه را بستند، شرکت داشتم ولی قبل از بسته شدن درهای مدرسه از آنجا خارج شدم. روزنامه های آن زمان با عنوان مارکسیست های اسلامی تیر کرده بودند. باز در فعالیتهای سالهای ۵۶ و ۵۷ جریان مجالس مرحوم حاج آقا مصطفی، جریان ۱۹ دی حضور داشتم.

بعد از انقلاب از دانشگاه قم مدرک کارشناسی گرفتم. در برنامه مرکز آموزشی زبانهای خارجی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در رشته زبان انگلیسی فارغ التحصیل شدم و مدرک سطح عالی گرفتم.

همچنین یک دوره درس خارجی فقه و اصول از محضر استادان حضرات آیات منتظری، وحید خراسانی، صانعی، تبریزی و فاضل لنکرانی استفاده کردم. بدایه و نهاییه علامه را از استاد فیاضی درس گرفتم. مقداری از منظومه را نزد آیت الله انصاری شیرازی خواندم و از سالهای ۶۵ در ضمن درس کارهای پژوهشی و نوشتاری نیز می کردم. در تصحیح و تحقیق مفصل و ده جلدی مختلف علامه که بطور بسیار خوب چاپ شده و کتاب سال هم شد و جایزه دریافت کرد شرکت داشتم و بخش اعلام و تراجم و رجال آن را به اتفاق دوستان حاج شیخ علی اکبر ذاکری انجام دادم. از آن زمان تا به حال حدود یکصد مقاله مفصل علمی که بخش از آنها در مجله های فقه حوزه و برخی روزنامه ها و مجلات دیگر چاپ شده است نوشته ام و الان نیز جانشین مدیر مسئول مجله حوزه و عضو هیات تحریریه آن و دبیر شورای مطبوعات دفتر هستم.

اسماعیلی، محمدحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیهوشی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی بیهوشی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۳۹، دستیار بیهوشی در دانشگاه هاروارد آمریکا تا سال ۱۳۴۸. مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده: پزشکی دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بیهوشی، داخلی، فیزیولوژی و فارماکولوژی، استاد راهنمای ۳۰ پایان‌نامه دکترای.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

جنگ افزارهای شیمیایی و بیولوژیک.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۴، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۰

فیزیولوژی، بیهوشی و فارماکولوژی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

اشتری اصفهانی، اسدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۷ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر. در اصفهان و در یک خانواده‌ی روحانی متولد شد. پس از طی دوران تحصیلات ابتدایی در اصفهان، به تهران آمد و در وزارت دارایی به خدمت مشغول شد. او ضمن نوشتن مقالات ادبی و اجتماعی برای جراید و سرودن شعر، به تألیف و ترجمه هم می‌پرداخت و از آن جمله است: «تاریخ عشق»؛ «طوفان روح»؛ «نامه‌هایی اسیران جنگ».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۱-۳۷)، فرهنگ سخنوران (۶۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۳۸/۱).

اشتری نسب، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

اشتهاردی، علی‌پناه

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ علی پناه اشتهاوردی عالمی عامل و فاضلی کامل و باتقوای حوزه علمیه قم و دارای قدس و متانت و زهد و معنویت می‌باشد در سال ۱۳۳۹ قمری در قصبه اشتهاورد متولد شده و در سنین کودکی به تحصیل علوم پرداخته و در سال ۱۳۶۰ قمری مهاجرت به قم نموده و سطوح را از حاج شیخ یحیی اشتهاوردی و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی و مرحوم ادیب تهرانی خوانده و قوانین الاصول را از آیت‌الله حاج شیخ مرتضی حایری و آقای حاج شیخ عبدالرزاق قائینی استفاده نموده و سطوح را از مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی کرمانی و حاج سید صادق شریعتمداری و آیت‌الله العظمی گلپایگانی و آیت‌الله زنجانی و علامه طباطبائی فراگرفته و ۱۸ سال تمام در درس خارج فقه و اصول علامه کبری آیت‌الله العظمی بروجردی و نیز چندی از مرحوم آیت‌الله صدر استفاده نموده و پس از فوت مرحوم بروجردی از محضر زعماء و مراجع حاضر استفاده کرده و می‌نماید.

آثار علمی ایشان از مخطوط و مطبوع به قرار زیر است:

- ۱- تقریر بحث صلوه جمعه مرحوم آیت‌الله بروجردی به ضمیمه بعضی از مطالب مستفاده از بحث آیت‌الله گلپایگانی به انضمام نظر شخصی خود مخطوط.
 - ۲- تقریر بحث آیت‌الله بروجردی کتاب ضمان و غضب وارث الزوجه و منجزات المریض و بیشتر از صلوه و کفایه تا آخر بحث حجه الاجماع.
 - ۳- تقریر بحث آن مرحوم از مباحث الفاظ
 - ۴- مدارک العروه در ۲۵ جلد مشتمل بر شرح جمیع مسائل عروه سه جلد مطبوع و بقیه مخطوط.
 - ۵- کتاب هفت ساله چرا صدا در آورد.
 - ۶- تعلیمات اخلاقی برحسب درخواست بعضی از علماء بزرگ ناحیه اصفهان.
 - ۷- مقاله‌ای به نام یک جزوه از تعلیمات اخلاقی در حکومت انبیاء و ائمه علیهم‌السلام.
 - ۸- شرکت در کتاب جامع الاحادیث مرحوم آیت‌الله بروجردی.
 - ۹- شرکت در بعضی تعلیقات و پاورقی ایضاح الفوائد فخر المحققین در ۴ جلد مطبوع.
 - ۱۰- تعلیقه بر عروه الوثقی از مبحث اجتهاد و تقلید.
 - ۱۱- تعلیقه بر وسیله النجاه مرحوم آیت‌الله اصفهانی.
- برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

اشراقی، احسان

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احسان اشراقی در سال ۱۳۰۷ در قزوین بدنیا آمد. ایشان دارای دکترای تخصصی تاریخ از دانشگاه تهران است. وی هم اکنون عضو پیوسته فرهنگستان علوم و استاد تاریخ دانشگاه تهران می‌باشد.

گروه: علوم انسانی

رشته : تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی احسان اشراقی به قرار زیر است: کارشناسی رشته تاریخ و جغرافیا از دانشگاه تهران در سال ۱۳۲۸ کارشناسی ارشد رشته تاریخ و علوم اجتماعی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۱ دکترای رشته تاریخ از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۸

همسر و فرزندان : دکتر احسان اشراقی متأهل و دارای یک فرزند می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سوابق مدیریتی و اجرایی دکتر احسان اشراقی به قرار زیر است: مدیریت گروه آموزش تاریخ دانشگاه تهران بمدت بیست سال معاونت آموزشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی در دانشگاه تهران بمدت دو سال عضو پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران

فعالیتهای آموزشی : احسان اشراقی عضو هیئت علمی دانشگاه تهران می باشد. ایشان بمدت ۵۰ سال است که در مراکز دانشگاهی و موسسات آموزش عالی به امر تدریس فعالیت دارد.

جوایز و نشانها : جوایز و نشانهای دریافتی احسان اشراقی به قرار زیر است: استاد ممتاز دانشکده ادبیات دانشگاه تهران جشن بزرگداشت و تکریم دکتر اشراقی در قزوین در سال ۱۳۸۰ به علت پژوهشهای علمی و فرهنگی درباره شهر مذکور چگونگی عرضه آثار : - ارائه ۵۰ مقاله در زمینه تاریخی - تألیف شش کتاب تاریخی - دارای سه ترجمه (ترجمه یک کتاب از زبان فرانسوی) - ایراد سخنرانی در خارج از کشور در کشورهای همچون فرانسه، انگلیس، آلمان، گرجستان و غیره -----

آثار :

۱ بیهقی تصویرگر زمان

ویژگی اثر : مولف: محمد بن حسن بیهقی، احسان اشراقی (مترجم) ناشر: سخن - ۱۳۸۱

۲ تاریخ جهان آرای عباسی

ویژگی اثر : مولف: محمد طاهر حسین و حید قزوینی، احسان اشراقی (مترجم)، سید سعید میر محمد صادق (مترجم) ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - ۱۳۸۳

۳ خلاصه التواریخ

ویژگی اثر : مولف: احمد بن حسین منشی قمی، احسان اشراقی (مترجم) ناشر: دانشگاه تهران - ۱۳۸۳

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

اشراقی، محمد تقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۸ - ۱۳۱۳ ق)، عالم، مفسر، خطیب و شاعر. حجت الاسلام اشراقی در قم متولد شد. مقدمات و سطوح را نزد پدرش و سایر مدرسین مانند حاج شیخ ابوالقاسم کبیر فراگرفت و عمده‌ی تحصیلات خود را نزد آیت الله حائری به پایان برد و از برجسته‌ترین شاگردان وی بود. او سرانجام به مقام اجتهاد نایل آمد و در فقه و اصول و حکمت و فلسفه و منطق و عرفان صاحب نظر گردید. در حیات آیت الله حائری به تدریس فقه و اصول و حکمت و کلام پرداخت. اشراقی طبع شاعری نیز داشت. در تهران درگذشت و در

قم در مسجد بالا سر دفن شد. از آثار وی: «تفسیر سوره‌ی یوسف» و «تفسیر سوره‌ی اعلی و ن والقلم». آثار دیگری از او بجا مانده که به چاپ نرسیده از جمله: «اربعین»؛ تقریرات فقه «مکاسب» آیت‌الله حائری؛ و تعلیقاتی بر کتب فقهی و اصولی. [۱]

میرزا شهاب‌الدین بن العالم الجلیل و الخطیب الجمیل میرزا محمدتقی اشراقی یکی از افاضل حوزه و حنفید مرحوم آیت‌الله ارباب می‌باشد.

در سال ۱۳۰۲ شمسی در شهر مذهبی قم به دنیا آمده و او آن کودکی را در مهد تربیت والد ماجد خود گذرانیده و تحصیلات جدید را تا دریافت دیپلم موفق شده و به زبان فرانسه مسلط گردیده و ضمناً علوم قدیمه ادبیات و منطق را نزد والد خود خوانده و پس از آن در سال ۱۳۲۱ شمسی رسماً در سلک روحانیت درآمده و در مدت سه سال سطوح فقه و اصول را نزد اساتید حوزه تمام نموده و درس خارج را نزد مرحوم آیت‌الله حاج سید محمد محقق یزدی شروع کرده و در سن بیست و پنج سالگی پدر را از دست داده و یکسال پس از آن با وصلت کردن با مرجع عالیقدر آیت‌الله العظمی... پدر روحانی بزرگی خداوند تعالی نصیبت فرموده که از محضر درس و جلسات خصوصی وی بهره‌های وافری برده و هم به درس مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت نموده و مدت دوازده سال تمام از محضر آیت‌الله... (ابوالزوجه) خود خوشه‌چینی کرده و در ضمن در رشته معقول از اساتید فن استفاده نموده و در فن تفسیر از محضر درس پدر و زحمات فراوانی که خود متحمل گشته مهارت تامی پیدا نموده و هم به تدریس فقه و اصول اشتغال دارد از تالیفات ارزنده مطبوع ایشان کتب زیر می‌باشد:

۱- پاسداران وحی که در بحث امامت کتاب کم نظیر است که با معیت آقای محمد فاضل نوشته است.

۲- چهره‌های درخشان بحث در آیه تطهیر ۳- سخن حق در تفسیر در ۲۰ مجلد که دو مجلد آن به چاپ رسیده است اما کتب چاپ نشده ایشان ۱- دانستنیهای اسلام ۲- شرح بر عروء‌الوثقی که کتاب طهارت آن تکمیل است و در نظر دارد دماء ثلاثه را که کتاب مستدل نفیسی است علیحده چاپ نماید ۳- فی الاحوط والاقوی که فتاوی مراجع را بر حاشیه عروه مورد بحث قرار داده است.

میرزا محمدتقی اشراقی فرزند مرحوم آیت‌الله آقا میرزا محمد ارباب یکی از علماء و دانشمندان بنام حوزه علمیه قم بوده‌اند که در سال ۱۳۱۳ ق در قم متولد شده و در مهد تربیت پدری چون مرحوم علامه ارباب نشو و نما نموده و مقدمات و سطوح را از والد خود و سایر اساتید و آیات عظام قم مثل مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم کبیر و دیگران آموخته تا در سلک شاگردان مبرز مرحوم آیت‌الله حایری درآمده و عمده تحصیلات را از آن بزرگوار تحصیل نموده و از برجسته‌ترین شاگردان آن مرحوم به شمار می‌رفته است

مرحوم علامه اشراقی دارای مقام اجتهاد و حقا در هر علم و فنی از فقه و اصول و حکمت و فلسفه و منطق و عرفان حایز آن مقام منبع بود و از زمان مرحوم آیت‌الله حایری تدریس فقه و اصول و کلام و حکمت و تفسیر را با بیانی شیرین می‌نمود و مخصوص در فن خطابه و ابتکارات منبری و تحقیق در مطالب در عصر خود کم‌نظیر بود علم خود را به زیور حلم و وقار و تواضع و حسن اخلاق آراسته و در این فضائل گوی سبقت از بسیاری از اقران خود ربوده بود به قدری مهارت و استادی در تطبیق مطالب داشت و حق مطلب را اداء کرده و داد سخن می‌داد که عقول مات و خردها حیران می‌ماند، در ۲۵ ماه رمضان ۱۳۶۸ در تهران سکنه قلبی نموده و جنازه‌اش با احترام فوق‌العاده‌ای حمل به قم و در مسجد بالاسر نزدیکی قبر مرحوم آیت‌الله حایری مدفون گردید.

تالیفات ایشان که مطبوع شده تفسیر سوره یوسف و سوره ن والقلم و غیر مطبوع اربعین در حدود و تقریرات فقه مکاسب مرحوم آیت‌الله حایری و تعلیقاتی بر کتب فقهی و اصولیه و حکمت و فلسفه می‌باشد مانند مرحوم والدش دارای طبع روان و ذوق فراوان بود.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۲۶/۲۱۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۸۴- ۱۸۳/۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۳۸- ۳۳۷/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۴۶- ۲۴۵/۲).

اشرف اصفهانی، محمد اشرف

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۱۳۳ ق)، ادیب، محدث و شاعر. از علمای عهد صفویه و از شاگردان علامه‌ی مجلسی و نوه‌ی دختری میرداماد بود. به همین خاطر به وی میرزا اشرف میردامادی هم گفته‌اند. در بیشتر علوم عقلی و نقلی مهارت داشت. در قریه‌ی ورنوسفادران از قراء سده‌ی ماریین اصفهان مدفون است. از آثار وی: «اشرف المناقب»، که آن را در ۱۱۰۲ ق به نام شاه سلیمان صفوی تألیف کرد و بعدها مطالبی بر آن افزود و نام آن را «فضائل السادات» گذاشت و به نام شاه سلطان حسین صفوی کرد. این کتاب حاکی از وسعت اطلاعات سید محمد اشرف در انساب و حدیث است؛ حاشیه بر «قبسات»؛ حاشیه بر «شرح مختصر» عضدی؛ شرح «مشیخه تهذیب الحدیث»؛ معروف به «رجال سید محمد اشرف»؛ ترجمه‌ی «الفیه» ابن مالک، به نظم؛ «علاقه‌ی التجرید»، شرح فارسی بر «تجرید العقاید» خواجه طوسی؛ «المنهاج الصفوی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۹/۱۲۵)، تذکره‌ی القبور (۱۴۷)، تذکره‌ی المعاصرین (۲۸۲- ۲۸۱)، الذریعه (۱۶/۲۵۹، ۱۵/۳۱۰، ۳/۳۵۵، ۲/۱۰۷)، ریحانه (۳۸۱- ۳۸۰/۳)، فرهنگ سخنوران (۶۵)، فوائد الرضویه (۳۹۷)، مؤلفین کتب چاپی (۱/۶۲۱)، معجم المؤلفین (۹/۶۴).

اشرف الواعظین یزدی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۰- ۱۲۷۸ ش)، محدث و واعظ. وی از حاج شیخ محمد باقر بیرجندی و شیخ مرتضی آشتیانی و حاج شیخ عباس محدث قمی روایت می‌کرد. در سالهای آخر عمر به تهران مهاجرت کرد و در تهران درگذشت. از آثار وی: «جواهر الکلام فی سوانح الایام»؛ «جواهر العدیدیه» یا «گنج جواهر دانش»؛ «الدرر السنیه فی المواعظ العدیدیه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۳۶/۱۸، ۱۲۷- ۱۲۶/۸، ۲۷۷/۵)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۱۱/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲۹- ۶۲۸/۲).

اشرف زاده، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر رضا اشرف زاده در سال ۱۳۲۱ در شهر بم بدنیا آمد ایشان دارای مدرک دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۶۳ می باشد. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد زبان و ادبیات فارسی و قائم مقام و معاون آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد می باشد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب: پدر رضا اشرف زاده ماشا الله است که به شغل مسگری اشتغال داشت و دارای سواد اندک خواندن و نوشتن بود و خود را از نسل دختر عمررولیت صفاری بنام اشرف می خواند و مدعی بود که فامیل " اشرف زاده " به همین سبب است. نام مادر محترمشان سیده صغری از نسل پیغمبر خدا(ص) و زنی خانه دار بود. دکتر اشرف زاده کلا ۲ برادر و ۴ خواهر بودند.

خاطرات کودکی: رضا اشرف زاده از خاطرات دوران کودکی خود چنین می گوید: " یکی از خاطرات تلخ آن دوران این بود که در سال سوم دبستان مدیر دبستان، عالم اما سختگیری داشتیم- در دبستان فردوسی بم - بنام آقای رشاد- برای تعمیرات مدرسه مبلغ ۵۰ ریال از هر دانش آموز طلب کرده بود و پدرم این مقدار پول را نداشت، مدیر دبستان نیز مرا تهدید به اخراج می کرد و پدرم نیز از آنان نبود که داشته باشد! بالاخره بر این شد که بنده از رفتن به مدرسه بازدارند. گریه و ضجه من ناراحتی پدرم و مدرسه را از آنجا دور کرد و غائله خوابید و من - خوشحال- به تحصیل ادامه دادم. شاید یکی از اسرار موفقیت من در طول تحصیل همین موضع باشد."

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: رضا اشرف زاده در خانواده ای با وضع مالی مناسبی بدنیا آمد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: رضا اشرف زاده، دوران ابتدایی، سیکل اول و چهارم ریاضی را در بم گذراند و در سال ۱۳۳۸ به دانشسرای مقدماتی کرمان رفته و با درجه ممتاز و شاگرد اولی، فارغ التحصیل شدند، به عللی ادامه تحصیل نداد و به استخدام آموزش و پرورش (فعلی) در آمد. در سال ۱۳۴۹ برای ادامه تحصیل وارد دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد شد و دوره کارشناسی را در سال ۱۳۵۳، کارشناسی ارشد را در سال ۱۳۵۶، و دکترای زبان و ادبیات فارسی را در سال ۱۳۶۳ گذراند، ایشان در تمام دوران تحصیل شاگرد ممتاز و دانشجوی اول بودند. رساله کارشناسی ارشد، با راهنمایی استاد فرزانه و فقید زنده یاد آقای دکتر یوسفی، با درجه ممتاز و رساله دوره دکتری را در ۷ جلد و با ۴۲۰۰ صفحه و با درجه ممتاز در سال ۱۳۶۳ دفاع کرد.

خاطرات و وقایع تحصیل: رضا اشرف زاده از خاطرات دوران تحصیل خود چنین به یاد دارد: " از خاطرات خوب دوران تحصیل دانشگاهیم آشنایی با دو استاد خوب و برجسته بود: مرحوم دکتر حمید زرین کوب و مرحوم زنده یاد غلامحسین یوسفی و از خاطرات دوران دبستان وجود معلمی بسیار دلسوز - آقای اصفهانی - معلم سال ششم ابتدایی که با شوری و صف ناپذیر و با تمام وجود درس می گفت و دانش آموزان را شوق یاد گرفتن می آموخت."

فعالتهای ضمن تحصیل: رضا اشرف زاده در حین تحصیل در هفته ای ۲۴ ساعت به تدریس می پرداخت.

استادان و مربیان: از مربیان و استادان رضا اشرف زاده می توان به چند تن از آنها اشاره کرد: دوران دبستان: سرکار خانم تهمتنی - معلم کلاس اول ابتدایی -، آقای اصفهانی - معلم کلاس ششم ابتدایی دوران متوسطه: آقای پرورشی - دبیر ریاضی دوران

دانشگاهی: دکتر حمید زرین کوب، دکتر متینی، دکتر شهابی، دکتر عبدالشکور احسن و زنده یاد دکتر غلامحسین یوسفی

هم دوره ای ها و همکاران: دکتر دهقان، دکتر فاطمی و دکتر حمیدی از هم دوره ایها و دکتر علوی مقدم، دکتر محمد فاضلی، دکتر تقی وحیدیان کامیار و دکتر محمود مهدوی دامغانی و غیره از همکاران رضا اشرف زاده می باشند.

همسر و فرزندان: رضا اشرف زاده متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم طاهره سیف‌الدینی (دارای مدرک دیپلم ادبیات فارسی - خانه دار) می باشد ایشان همچنین دارای چهار فرزند بنامهای زیر می باشد: - انیس اشرف زاده، دارای مدرک کارشناسی کتابداری - شاغل - انوش اشرف زاده، دوره کارشناسی مدیریت دولتی را به اتمام رساند و خانه دار شدند - آرزو اشرف زاده، دارای مدرک کارشناسی زیست شناسی - خانه دار - نونا اشرف زاده دانشجوی سال آخر رشته کامپیوتر نرم افزار

وقایع میانسالی: از وقایع تلخ رخ داده برای رضا اشرف زاده فوت پسر ۲۴ ساله اش بنام امید اشرف زاده و فوت دامادش بنام سرهنگ دکتر مجید کردعلی در سال ۱۳۸۵ می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد (استاد زبان و ادبیات فارسی) بمدت ۲۰ سال و هم اکنون ادامه دارد قائم مقام ریاست دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد بمدت ۸ سال که اکنون هم ادامه دارد مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی و عضو هیئت علمی دانشگاه نیشابور بمدت ۸ سال معاون آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد بمدت ۱۷ سال هم اکنون ادامه دارد عضو انجمن آثار و مفاخر خراسان مشاور فرهنگی و ادبی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی عضو شورای نشر کتاب عضو هیأت رئیسه مرکز خراسان شناسی، از تأسیس تا انحلال

فعالیت‌های آموزشی: رضا اشرف زاده ۴۶ سال سابقه تدریس در مقاطع مختلف تحصیل از سال اول ابتدایی گرفته تا دکتری را دارد. جوایز و نشانها: رضا اشرف زاده در باره جوایز و نشان های خود چنین می گوید: "با صدا و سیمای مرکز خراسان نیز گاهگاهی برنامه داشته‌ام (حدود ۵۰ برنامه) در برنامه تلویزیونی چهره‌های ماندگار ۵۰ دقیقه، زندگی و آثارم نمایش داده شد و مصاحبه‌های گوناگون علمی و ادبی داشته‌ام چه در مجلات و روزنامه‌ها و چه در صدا و سیما. ۲ بار به عنوان استاد نمونه مشهد، یکبار استاد نمونه کشور در دانشگاه آزاد اسلامی برگزیده شدم. محقق نمونه جشنواره فردوسی و محقق نمونه دانشگاه آزاد اسلامی و شهروند نمونه منطقه ۹ در سال ۱۳۸۲ بودم در روز بزرگداشت عطار نیشابوری، به عنوان عطار شناس، از من تجلیل به عمل آمد".

چگونگی عرضه آثار: رضا اشرف زاده تاکنون حدود ۴۵ کتاب و ۵۰ مقاله علمی و ادبی منتشر کرده است. -----

آثار:

۱ آب آتش فروز (گزید؟ حدیقه الحقیقه) (چاپ هفتم)

ویژگی اثر: انتشارات جامی ۱۳۸۵

۲ المستخلص فی ترجمان القرآن از محمدبن محمد بخاری

ویژگی اثر: انتشارات رجا ۱۳۶۵

۳ برگزید؟ اخلاق ناصری

ویژگی اثر: انتشارات پیام نور ۱۳۷۱

۴ بهار زنده دلان (گزید؟ اشعار صائب)

ویژگی اثر: انتشارات جامی ۱۳۸۴

۵ پیغام اهل راز (دو جلد)

ویژگی اثر: انتشارات اساطیر ۱۳۸۱

۶ تجلی رمز و روایت در شعر عطار نیشابوری

ویژگی اثر: انتشارات اساطیر ۱۳۷۳

۷ جلوه گریهای سحرگاهی (شرح گزید؟ مخزن الاسرار)

- ویژگی اثر: انتشارات جامی ۱۳۸۵
- ۸ چهل حکایت (چاپ دوم)
- ویژگی اثر: انتشارات جهان اندیشه ۱۳۷۴
- ۹ حق‌الیقین فی معرف رب العالمین شیخ محمود شبستری
- ویژگی اثر: انتشارات اساطیر ۱۳۸۰
- ۱۰ حکایت شیخ صنعان (چاپ دوم) عطار نیشابوری
- ویژگی اثر: انتشارات اساطیر ۱۳۸۰
- ۱۱ خزان و بهار قاضی محمد شریف شیرازی
- ویژگی اثر: انتشارات به نشر ۱۳۸۲
- ۱۲ داستان شیخ صنعان
- ویژگی اثر: انتشارات کلهر ۱۳۷۴
- ۱۳ داستان‌های دیوانگان در آثار عطار
- ویژگی اثر: انتشارات جهان اندیشه ۱۳۷۵
- ۱۴ رابعه (زندگی و آثار رابعه بنت کعب)
- ویژگی اثر: انتشارات اساطیر ۱۳۸۳
- ۱۵ راز خلوتیان (شرح ۱۱۰ غزل حافظ)
- ویژگی اثر: انتشارات کلهر ۱۳۷۹
- ۱۶ رنجام؟ زندانی نای و مرنج (گزید؟ مسعود سعد)
- ویژگی اثر: انتشارات صالح ۱۳۷۸
- ۱۷ سرود خورشید (شرح ۱۱۴ غزل دیوان شمس)
- ویژگی اثر: انتشارات روزگار ۱۳۷۹
- ۱۸ شرح گزید؟ منطق الطیر (چاپ سوم)
- ویژگی اثر: انتشارات اساطیر ۱۳۷۹
- ۱۹ صد کلم؟ امیرالمؤمنین عادل بن علی بن عادل
- ویژگی اثر: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی مشهد ۱۳۸۰
- ۲۰ فارسی عمومی (چاپ یازدهم)
- ویژگی اثر: انتشارات اساطیر ۱۳۸۵ چاپ سیزدهم ۱۳۸۶
- ۲۱ فارسی عمومی (چاپ یازدهم) سیزدهم
- ویژگی اثر: انتشارات اساطیر ۱۳۸۵
- ۲۲ فرهنگ بازیافته‌های ادبی از متون پیشین
- ویژگی اثر: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی - سخن گستر ۱۳۸۶
- ۲۳ فرهنگ کاربرد آیات و روایات در شعر عطار
- ویژگی اثر: انتشارات انجمن مفاخر خراسان ۱۳۷۳

- ۲۴ فرهنگ نوادر لغات و ترکیبات آثار عطار نیشابوری
ویژگی اثر: انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ سوم ۱۳۷۴
- ۲۵ کلاه بی سران (شرح گزید؟ مصیبت‌نامه)
ویژگی اثر: انتشارات صالح ۱۳۷۶
- ۲۶ گزید؟ اخلاق ناصری (چاپ ششم)
ویژگی اثر: انتشارات توس ۱۳۷۸
- ۲۷ گزید؟ اشعار (ناصر خسرو - مسعود سعد)
ویژگی اثر: انتشارات اساطیر ۱۳۸۲
- ۲۸ گزید؟ اشعار خاقانی
ویژگی اثر: انتشارات اساطیر ۱۳۸۵
- ۲۹ گزید؟ شعر دو شاعر برجسته (فرخی - کسایی)
ویژگی اثر: انتشارات اساطیر ۱۳۷۹
- ۳۰ گزید؟ متون تفسیری فارسی
ویژگی اثر: انتشارات جامی - زیر چاپ
- ۳۱ گزید؟ مختارنامه (رباعیات عطار)
ویژگی اثر: انتشارات اساطیر ۱۳۷۷
- ۳۲ گلشن توحید (شرح منظوم مفردات مثنوی) مغلوی دده
ویژگی اثر: جهان اندیشه ۱۳۷۲
- ۳۳ مرج البحرین (شرح غزلیات حافظ) از ختمی لاهوری (تصحیح و تعلیق)
ویژگی اثر: اساطیر - زیر چاپ
- ۳۴ مضممار دانش (فرسنامه) میرزا احمد نظام‌الدین گیلانی
ویژگی اثر: انتشارات اندیشه ۱۳۷۳
- ۳۵ معانی و بیان (چاپ پنجم)
ویژگی اثر: انتشارات سمت ۱۳۸۳
- ۳۶ نشان تیش؟ فرهاد (شیرین و فرهاد وحشی بافقی) (نقد و تحلیل)
ویژگی اثر: انتشارات صالح ۱۳۷۶
- ۳۷ نوبت زن کوی ساقی (ساقی‌نامه‌های راجی کرمانی)
ویژگی اثر: انتشارات آیین؟ اندیشه ۱۳۷۸
- ۳۸ هفت حکایت (چاپ سوم)
ویژگی اثر: انتشارات جهان اندیشه ۱۳۷۳

اشرف سمرقندی، معین‌الدین حسن

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۹۵ ق)، ادیب و شاعر. معروف به اشرف ثانی. از مردم ماوراءالنهر بوده و در سمرقند می‌زیسته است. متصدی کارهای شرعی بود. وی از علما و فضیلتی عهد خود و مجمع کمالات و مداح پادشاهان سلسله‌ی ترکستان از جمله الغ قدرخان و علاءالدین پیغوملک بود و با او از خراسان به عراق رفت و مدت زیادی در اصفهان ماند. از آثارش: «دیوان» اشعار مشتمل بر دو هزار بیت. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۸۷، ۷۱۹)، تذکره‌ی روز روشن (۵۴-۵۳)، ریاض العارفین (۱۶۸)، الذریعه (۱۰۷۶، ۲۶۱، ۷۹-۷۸)، ریحانه (۱/ ۱۲۹)، صبح گلشن (۲۵)، فرنگ سخنوران (۶۶)، لباب الالباب (۳۹۲-۳۹۰ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل / اشرفی)، مجمع الفصحا (۱/ ۲۶۵)، هفت اقلیم (۳۶۸-۳۶۲ / ۳).

اشرف طسوجی، علی اشرف

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۶۸ ق)، ادیب و عالم و شاعر. وی نبیره‌ی آخوند ملا- عبدالنبی طسوجی و از شعرا و علمای دوران خود و در الهیات و حدیث و کلام سرآمد بود. تصحیلات خود را در اصفهان و عتبات عالیة به انجام رساند در طسوج وفات یافت. جسدش به کربلا منتقل و همان جا دفن شد. «دیوان» مولانا اشرف حاوی غزل، قصیده و مخمس و اثر دیگری به نام «شعله» نیز از او باقی مانده است. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۴۷۳-۴۶۸ / ۱)، دانشمندان آذربایجان (۴۲)، الذریعه (۷۷ / ۹)، سخنوران آذربایجان (۱۳۸-۱۳۲)، نگارستان دارا (۶۰-۵۹).

اشرفی استرآبادی، نظام‌الدین، عبدالحی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۹۵۹ ق)، فقیه، متکلم و ادیب. در استرآباد متولد شد ولی، اصل وی از جرجان بود. او از شاگردان محقق کرکی بود و همواره پی‌گیر تحصیل معقول و منقول. از استرآباد به هرات رفت و به خاطر مهارتش در علوم مختلف مورد توجه سلطان حسین بایقرا قرار گرفت و از سوی وی به تدریس در مدرسه‌ی گوهرشاد بیگم اشتغال یافت. پس از تسلط شاه اسماعیل صفوی بر خراسان، امیر غیاث‌الدین محمد بن یوسف به قضاوت خراسان منصوب گشت و پس از استعفای او عبدالحی استرآبادی به جای او نشست و تا سال ۹۳۰ ق در کمال احترام در هرات قضاوت کرد و به نشر علوم دینی و معارف اسلامی مشغول بود. سرانجام وی از ترس دشمنان به قصبه‌ی کوهبنان کرمان پناه برد و در آنجا به تألیف پاره‌ای از کتب خویش به درخواست عده‌ای از شاگردانش پرداخت. از جمله شاگردان وی ابن‌قمر شجاع‌الدین محمود کرکی است. وی در کرمان درگذشت. از جمله آثار وی: شرح کبیر «الفیه» شهید اول و شرح متوسط «الفیه» که در کرمان تألیف کرده است؛ ترجمه‌ی «الفیه‌ی شهید»؛ حاشیه بر «شرح شمسیه»؛ حاشیه بر حاشیه‌ی سید

شریف بر «شرح شمسیه»؛ «الخطب»؛ حاشیه بر «شرح الهدایه الاثیری» میدی؛ حاشیه بر «فرائض النصیری»؛ رساله‌ای در علوم مختلف مانند منطق و کلام و فقه که در ۹۵۹ ق تألیف نموده است؛ «لسان الالهام»؛ «معراج الخیال»، منظومه‌ی فارسی؛ «المعضلات»، در مشکلات علوم فقهی و حکمی که در عهد شاه‌طهماسب صفوی به سال ۹۵۹ ق تألیف شده است.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حبیب السیر (۶۱۵-۶۱۴/۴)، الذریعه (۱۳۹، ۸۹، ۶/۸۱، ۴/۱۸۹، ۲/۱۸۹)، روضات الجنات (۱۸۹-۱۸۷/۴)، ریاض العلماء (۹۰-۸۷/۳)، ریحانه (۲۰۲-۲۰۱/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲۰-۱۱۹/۱۰)، معجم المؤلفین (۱۰۸/۵)، هدیه العارفین (۱/۵۰۸).

اشرفی اصفهانی، عطاءالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فقیه، مجتهد.

تولد: ۱۲۷۹، سده اصفهان (خمینی شهر).

شهادت: ۲۳ مهر ۱۳۶۱، کرمانشاه.

آیت‌الله میرزا عطاءالله اشرفی اصفهانی پس از آموختن مقدمات در خمینی شهر در سن دوازده سالگی رهسپار حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان گردید و پس از ورود به اصفهان در مدرسه‌ی نوریه واقع در بازار عتیق سکونت کرد. ادبیات و سطح را نزد اساتید حوزه‌ی علمیه اصفهان، حضرات آیات عظام محمد حسین فشارکی و سید مهدی درچه‌ای تلمذ نمود. پس از پایان تحصیلات سطح فقطه و اصول، برای ادامه تحصیل و کسب علوم اسلامی در سن بیست سالگی رهسپار حوزه علمیه قم گردید و در سال ۱۳۵۰ ق. در آن شهر اقامت گزید و مدت یک سال از آیت‌الله العظمی عبدالکریم حائری یزدی، مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی قم، کسب علم نمود. پس از فوت آیت‌الله العظمی حائری، نزد آیت‌الله سید محمد بهجت کوه کمره‌ای آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله سید حسن صدر مدت ده سال به کسب علم مشغول بود. همچنین مدتی از آیت‌الله فیض کسب دانش نمود. ایشان تمامی دروس آیت‌الله حجت کوه کمره‌ای و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری را نوشته‌اند. آیت‌الله اشرفی منظومه حکمت و اسفار را نزد حضرت امام خمینی (ره) فراگرفتند. پس از ورود آیت‌الله سید حسین بروجردی به حوزة علمیه‌ی قم و اقامت در قم، آیت‌الله اشرفی مدت دوازده سال از محضر درس ایشان بهره گرفت و تمامی دروس فقه آن فقیه را نوشت.

آیت‌الله اشرفی اصفهانی سپس به تدریس دروس سطح رسائل و مکاسب در حوزه اشتغال ورزید و شاگردانی تربیت کرد. ایشان از مراجع تقلید آیات عظام اصفهانی، خوانساری، کوه کمره‌ای، صدر بروجردی، شیرازی و شاهرودی اجازه در امور حسبه گرفتند و در سن چهل سالگی توسط آیت‌الله العظمی خوانساری برای ایشان اجازه اجتهاد صادر شد. در سال ۱۳۴۲ نیز از حضرت امام خمینی (ره) و کالت مطلق و نمایندگی در سال ۱۳۴۲ برای وی صادر شد. ایشان و کالت مطلق از آیت‌الله گلپایگانی نیز داشتند.

از جمله خدمات آیت‌الله اشرفی می‌توان به این موارد اشاره نمود: تجدید بنای مسجد ولی عصر (ع) در خمینی شهر، ساختمان مسجد امام حسین (ع) در خمینی شهر، ساختمان مکتب الزهرا، تأسیس حوزه‌ی علمیه‌ی امام خمینی در کرمانشاه، مسئولیت امور تبلیغی روحانیون تسنن استان کرمانشاه (که از سوی امام به عهده ایشان واگذار شده بود).

پس از تأسیس مدرسه‌ی علمیه در شهر کرمانشاه در سال ۱۳۳۴ توسط آیت‌الله سید حسین بروجردی ایشان به همراه مدرس‌های

دیگر از قم به کرمانشاه رفتند. پس از فوت آیت‌الله بروجردی ایشان در همان جا باقی ماندند. وی از جمله کسانی بود که پس از شهادت فرزند امام، آیت‌الله سید مصطفی خمینی، مجلس بزرگداشت همراه با اعلامیه‌ی چاپ شده برگزار کرد. آیت‌الله اشرفی چندین بار مورد تهدید رژیم پهلوی قرار گرفت اما به واسطه نفوذ مردمی‌اش، نتوانستند تبعیدش کنند. زمانی که رژیم عراق امام خمینی (ره) را از عراق اخراج کرد، آیت‌الله اشرفی ساعت سه نیمه شب در منزل دستگیر و پس از یک ساعت توقف در ساواک به اتفاق حجت‌الاسلام بهاء‌الدین عراقی به تهران برده و در کمیته‌ی شهربانی در سلولی بازداشت کردند. وی بر اثر فشار مراجع تقلید پس از چند روز آزاد شد. در هنگام اوج گیری انقلاب، در تمام راهپیمایی‌ها شرکت می‌کرد و مردم را به شرکت در کلیه‌ی راهپیمایی‌ها و اعتصابات دعوت می‌نمود. اولین راهپیمایی که همزمان با راهپیمایی تهران بود و درعید فطر سال ۱۳۵۷ رخ داد، به دعوت ایشان پس از انجام نماز عید از مسجد آیت‌الله بروجردی تا مسجد آیت‌الله جامع انجام شد. آیت‌الله اشرفی امام جماعت مسجد آیت‌الله بروجردی بود. همچنین پس از انقلاب، در ذی‌العقده ۱۳۹۱ ق. (۱۳۸۵) از سوی بینانگذار انقلاب، به امامت جمعه شهر کرمانشاه منصوب شدند که تا پایان عمر امام جمعه همین شهر بودند.

آیت‌الله اشرفی اصفهانی در بیست و سوم مهر ۱۳۶۱ در کرمانشاه به شهادت رسید.

عطاء اصفهانی از علماء مبرز و ممتاز معاصر کرمانشاه است.

معظم له در حدود ۱۳۳۸ قمری در سده (خمینی‌شهر) اصفهان متولد شده و پس از رشد و خواندن ادبیات و قسمتی از سطوح در اصفهان به قم مهاجرت نموده و پس از پایان و تکمیل سطوح عالی از مدرسین بزرگ حوزه چند سالی از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی حایری یزدی و بعد مرحوم آیت‌الله العظمی حجت و آیت‌الله العظمی حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌الله صدر و پس از ورود مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی از محضر و اباحت آنجناب استفاده وافیه و کافی و ضمناً تدریس سطح فقه و اصول نموده تا هنگام تأسیس حوزه علمیه کرمانشاه و بناء مدرسه آن مرحوم به امر معظم له به اتفاق چند نفر از علماء و مدرسین بزرگ چون آیت‌الله حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی و بعضی از اعلام دیگر به کرمانشاه عزیمت و تا حال بیش از بیست سالست که در مسجد مدرسه مزبور به اقامه جماعت و تدریس و ارشاد مردم اشتغال دارند.

نگارنده گوید: جناب آقای حاج آقا عطاء اصفهانی از دانشمندان موصوف به فضل و کمال و تقوا و متانت و بیش از سی سالست که افتخار شناسائی معظم له را دارم عالمی متقی و متصف به اوصاف جمیله و محامد اخلاق و ملکات فاضله می‌باشد.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

اشرفی بارفروشی مازندرانی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۵-۱۲۱۵ ق)، مجتهد و عالم شیعی. معروف به حجت یا حاجی اشرفی. وی در بهشهر و بارفروش به تحصیل پرداخت و در خدمت استادان عهد خویش از جمله سعیدالعلمای مازندرانی بارفروشی تلمذ کرد. سپس به عتبات رفت و در محضر شیخ مرتضی انصاری درس خواند. پس از بازگشت، در بارفروش اقامت گزید و در میان مردم نفوذ فراوان یافت، چنان که نسبت کرامت به او دادند. وی معاصر تنکابنی صاحب «قصص العلماء» است. از آثارش: «اسرار الشهادة»، به زبان فارسی؛ «شعائر الاسلام»، در مسائل حلال و حرام؛ و رساله‌ای در عبادات و برخی معاملات.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۹۱/ ۱۴، ۴۶/ ۲)، ریحانه (۱۲۹- ۱۲۸/ ۱)، طرائق الحقائق (۳/ ۶۵۲)، قصص العلماء (۱۲۴- ۱۲۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۶۱- ۱۶۰/ ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ اشرفی)، المآثر الآثار (۱۴۴- ۱۴۳)، مکارم الآثار (۶۷۹- ۶۷۸/ ۳).

اشرفی، امیررضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

امیررضا اشرفی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ به حول و قوه الهی و با عنایات حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء وارد حوزه مقدسه علمیه قم شدم. دروس مقدمات را در مدرسه علمیه امام خمینی (ره) به مدیریت حجت الاسلام والمسلمین علی عطایی اصفهانی گذراندم. در آن زمان تدریس دروس ادبیات عرب و منطق را در آن مدرسه استاد تهرانی، طالقانی و مظهر علی (پاکستانی) به عهده داشتند، لذا دروس مذکور را در محضر این سه استاد گذراندم. در درس معالم الاصول از محضر آیت الله شیخ یحیی انواری استفاده کردم. دروس اصول فقه و لمعه را نزد حجج اسلام علی حسینی بوشهری و سید احمد خاتمی و علی محمدی خراسانی گذراندم.

بین سالهای ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۰ در درس رسائل استاد علی محمدی خراسانی و مکاسب محرمة آیت الله عراقچی حاضر شدم. جلد اول و دوم کفایه الاصول را نزد استاد سید محمد رضا یزدی (عضو فعلی فقهای شورای نگهبان) گذراندم. و پس از آن حدود ۵ سال در درس خارج اصول ایشان در مدرسه علمیه آیت الله العظمی گلپایگانی (روبروی شیخان قم) تلمذ نمودم. ضمناً حدود ۴ سال از محضر درس خارج فقه آیت الله العظمی میرزا جواد آقا تبریزی (ره) و خارج فقه آیت الله عبدالله جوادی آملی استفاده کردم.

همزمان با اشتغال به دروس فقه و اصول بین سالهای ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۴ دوره پنج ساله الهیات و معارف اسلامی موسسه در راه حق را گذراندم و در سال ۱۳۷۴ از آن موسسه با مدرک کارشناسی الهیات و معارف اسلامی فارغ التحصیل شدم. در همان سالها گروه های آموزشی و پژوهشی موسسه مزبور به ریاست آیت الله مصباح یزدی فعالیت خود را در قالب موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) ادامه دادند، بنده نیز دوره آموزشی کارشناسی ارشد پیوسته علوم قرآنی آن موسسه را بین سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸ گذراندم و در سال ۱۳۷۸ از رساله ام با عنوان نقد و بررسی دیدگاههای علوم قرآنی علامه بلاغی (ره) دفاع نموده و با مدرک کارشناسی ارشد علوم قرآنی از آن موسسه فارغ التحصیل شدم. در سال ۱۳۸۰ در دوره دکتری علوم قرآن و حدیث مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شدم و در خرداد ۱۳۸۵ از رساله ام با عنوان مبانی و قواعد تفسیری علامه طباطبائی (ره) دفاع نمودم و با مدرک دکتری علوم قرآن و حدیث از آن مرکز فارغ التحصیل شدم.

ضمناً از سال ۱۳۷۹ به عنوان عضو هیئت علمی و عضو شورای علمی گروه علوم قرآنی و از بهمن ۱۳۸۵ به عنوان قائم مقام مدیر گروه علوم قرآنی با موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) همکاری می کنم. والحمد لله رب العالمین.

اشرفی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین اشرفی

محل تولد: دامغان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۱ در خانواده‌ای متوسط و کارگر دیده به جهان گشودم و در سن هفت سالگی به مدرسه ابتدایی رفته و دوره راهنمایی و متوسطه را تا سال ۱۳۶۰ به پایان رساندم. در سال ۱۳۶۲ پس از اتمام دوران سربازی وارد حوزه علمیه دامغان شده و پس از شش ماه با پایان رساندن سال اول حوزه به شهر مقدس قم عزیمت کردم و در مدرسه رضویه که تحت پوشش مرکز مدیریت بود، قبول شدم و دوره مقدمات و سطح را ۸ ساله به پایان رساندم.

در سال ۱۳۷۲ در درس خارج آیه الله العظمی فاضل لنکرانی شرکت کردم و درس خارج فقه را به پایان رسانده و پس از آن در درس خارج اصول آیه الله سبحانی شرکت نموده و همزمان درس خارج فقه آیه الله نوری همدانی نیز شرکت کردم. در سال ۱۳۷۲ با آزمون، وارد درس تخصصی تفسیر شدم و پس از چهار سال موفق شدم که دوره را به پایان رسانم. ضمناً در کنار درس فقه و اصول حوزه حدوداً ۲۰ سال است در درس تفسیر آیه الله جوادی آملی شرکت می‌نمایم و مدت ۷ سال از درس خارج فقه ایشان نیز بهره‌جسته‌ام.

در سال ۱۳۷۶ وارد دوره تخصصی فقه شده و پس از ۴ سال آن را به پایان رساندم. ضمناً در زمینه‌های حدیث، رجال، فلسفه و عرفان بصورت ناپیوسته آموزش دیده‌ام. در سالهای ۸۰ الی ۸۳ توفیق تدریس فقه را در مدرسه صدوقی فاز ۴ داشتم و قبل از آن کتاب منطق مظفر را دو دوره تدریس نمودم.

نام اساتید اصلی در حوزه:

۱. جوادی آملی / تفسیر / قرآن / ۲۰ سال

۲. جوادی آملی / خارج فقه / مکاسب / ۷ سال

۳. فاضل / خارج فقه / حج / ۶ سال

۴. نوری همدانی / خارج فقه / مسائل مستحدثه / ۴ سال

۵. سبحانی / خارج اصول / خارج کفایه / ۶ سال

۶. مکارم / فقه و اصول / طهارت / ۲ سال

۷. محقق داماد / مکاسب بیع / ۴ سال

۸. اعتمادی / اصول / کفایتین / ۲ سال

اشرفی، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدعلی معروف به حاج شیخ آقا بزرگ اشرفی بن العالم الجلیل الشیخ علینقی بن الفاضل البارع شیخ محمدعلی بن العالم الکامل حاج ملاعباس شاهرودی از مجتهدین عالیمقام و شخصیت‌های برجسته علمی معاصر مقیم شاهرود بودند. معظم له در سال ۱۳۰۷ ق در دهکده (پرو) به دنیا آمده و در کودکی پدر را از دست داده و پس از تحصیل مقدمات و ادبیات در سال ۱۳۲۸ ق برای کسب فیض و کمال رهسپار مشهد مقدس گردیده و از محضر اساتید و شخصیت‌های برجسته‌ای ماند آیت‌الله حاج آقا حسین قمی و حاج میرزا محمد آقازاده کفائی و اساتید بزرگ بهره‌مند شده و به مراتب علمیه‌ای نائل گشته. به طوری که مشار بالبنان و به تدریس فقه و اصول پرداخته و حوزه درسش مجمع فضلاء و طلاب گردیده تا در سال ۱۳۴۰ قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر اساتین علم چون مرحوم آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله محقق حاج میرزا حسین نائینی و آیت‌الله العظمی اصفهانی استفاده کامل نموده و مبانی علمی و استقامت رأی و خوش فکری او مورد اعجاب حضرات آیات واقع شده و در مقام شهادت درباره مقام علمی ایشان مرحوم آیت‌الله نائینی در تاریخ ذی‌حجه ۱۳۴۹ ق چنین مرقوم دارند.

(جناب العالم العامل والفاضل الکامل صاحب الفکره القویه والسلیقه المستقیمه عمدۀ المجتهدین العظام المؤید المسدد التقی الزکی الشیخ آقا بزرگ الاشرفی الشاهرودی ادام الله تعالی تأییده و افضاله... ادراک مناه و نال مبتغاه فهو بحمدالله تعالی من المجتهدین المبرزین العظام و له العمل بما استنبطه و يستنبطه من الاحکام...)

و مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی چنین مرقوم فرمودند (جناب العالم الفاضل التقی قدوة الانام رکن الاسلام آقا بزرگ الشاهرودی قد هاجر الی النجف الاشرف لتحصیل العلوم الشرعیه فنال بحمدالله و منه ما هو فوق المراد و فاز الملكة القدسیه و صار بحمدالله مجتهدا ذکیا صفیایا یحرم علیه التقليد و وجب علیه العمل بما استقر به رأیه).

پس آن بزرگوار با دریافت اجازات اجتهاد در سال ۱۳۵۳ قمری بواسطه کسالت و معالجه به ایران برگشته.

و پس از چند ماهی توقف در شاهرود به مشهد مقدس مسافرت و علماء و فضلاء حوزه مشهد تقاضای اقامت و تشکیل حوزه درس نموده.

و ایشان هم برای مدتی اجابت و شروع به تدریس و افاضل خراسان مانند علامه وحیدی خراسانی و علامه شاهرودی و دیگران از محضر و درسش کسب فیض نموده و در اثر پیش آمد حادثه مسجد گوهرشاد ناچار به مراجعت به شاهرود و به اقامه جماعت و تدریس و رتق و فتق امور شرعی و اداره حوزه علمیه شاهرود گردیده تا در روز جمعه دوم شوال المکرم ۱۳۹۴ قمری که در اثر سکت قلبی بدرود حیات گفته و مردم شاهرود و حوزه‌های علمی قم و نجف و مشهد را قرین سوک و ماتم خود نمودند. آثار علمی مغفور له از اینقرار است.

۱- دوره کامل تقریرات مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی ۲- دوره کامل تقریرات نائینی قدس سره ۳- الروائع الفقهیة که سه جلد آن بطبع رسیده است ۴- رساله فی التقیه والعدالة وارث الزوجه.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

اشعری قمی، ابوجعفر احمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سوم ق)، عالم و فقیه امامی. از فرزندان جماهر بن اشعر بود که در قم می‌زیست. از اصحاب امام رضا (ع) و امام جواد (ع) و امام هادی (ع) است، و درک فیض محضر آنان را نموده است. شیخ طوسی او را محدثی ثقه خوانده است. وی شیخ قمیون و فقیه برجسته آنان به حساب می‌آمد. حاکم قم در امور شهری همواره جویای نظر و رای او بود. از آثارش: کتاب «التوحید»؛ کتاب «فضل النبی (ص)»؛ کتاب «المتع»؛ کتاب «النوادر»؛ «اللاظه»؛ «الناسخ و المنسوخ»؛ «فضائل العرب». کتاب «الطب الکبیر»؛ کتاب «الطب الصغیر»؛ کتاب «المکاسب»، که این سه کتاب اخیر در «هدیه العارفین» به ابوجعفر احمد بن محمد بن حسین بن حسن بن عیسی قمی (م ۳۵۰ ق) نسبت داده شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۴۶- ۱۴۴/ ۳)، الذریعه (۲۷۵، ۲۶۱/ ۱۶، ۴۷۷/ ۴)، رجال ابن داود (قسم ۴۳/ ۱)، رجال الطوسی (۳۹۷- ۳۶۶)، رجال النجاشی (۲۱۸- ۲۱۶/ ۱)، ریحانه (۱۳۰/ ۱)، الفهرست لابن الندیم (۳۱۲)، الفهرست للطوسی (۴۷- ۴۶)، لسان المیزان (۳۹۳/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ اشعری)، معجم رجال الحدیث (۳۱۸- ۳۱۷، ۳۱۷- ۲۹۵/ ۲)، معجم المؤلفین (۱۴۲/ ۲)، هدیه العارفین (۶۳/ ۱).

اشعری قمی، ابوجعفر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، محدث شیعی. شیخ طوسی را در شمار کسانی که از امامان مستقیماً روایت نکرده‌اند آورده است. رجال‌نویسان شیعی وی را محدثی ثقه می‌دانند. اما به مراسیل اعتماد و از محدثان ضعیف روایت کرده است. سعد بن عبدالله اشعری از همطبقه‌های اوست که از وی روایت کرده است. فرزندش احمد و ابن‌بطه و احمد بن ادريس و محمد بن یحیی عطار و محمد بن علی ماجیلویه و محمد بن جعفر رزاز از وی حدیث شنیده‌اند. از آثار وی: «نوادر الحکمه»، که مجموعه‌ای است مشتمل بر بیست و دو کتاب؛ «الجامع»، در حدیث؛ «ما نزل من القرآن فی الحسین بن علی (ع)»؛ «الامامه»؛ «الطب»؛ «مناقب الرجال».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۲۶- ۳۲۷، ۲۴/ ۳۴۶، ۲۲/ ۳۲۶، ۲۹، ۵/ ۳۳۲، ۲/ ۴۹۳)، رجال الطوسی (۴۹۳)، رجال النجاشی (۲۴۵/ ۲)، ریحانه (۱۳۴/ ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۴۶/ ۴)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۴۰۶)، الفهرست للطوسی (۲۷۵- ۲۷۳)، لغت‌نامه (ذیل/ اشعری)، معجم المؤلفین (۲۸/ ۹)، هدیه العارفین (۲۰/ ۲).

اشعری قمی، آدم بن اسحاق

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دوم ق)، محدث. علامه حلی، نجاشی، شیخ طوسی و ابن‌داوود حلی در کتب خود او را عادل و ثقه خوانده‌اند. او زاهد و خاشع

بود. وی از یونس بن یعقوب روایت می‌کند، و احمد بن محمد برقی صاحب کتاب «محاسن» و محمد بن عبدالجبار و دیگران از وی روایت نموده‌اند. در قبرستان شیخان قم نزدیک قبر زکریا بن آدم مدفون است. اثر وی «کتاب الحدیث» است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲/ ۸۵)، الذریعه (۶/ ۳۰۳)، رجال ابن داود (قسم ۹/ ۱)، رجال النجاشی (۱/ ۲۶۲)، الفهرست للطوسی (۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱/ ۶۳)، لسان المیزان (۱/ ۵۱۰)، معجم رجال الحدیث (۱/ ۱۲۰)، معجم المؤلفین (۲/ ۲۱۹)، هدیه الاحباب (۳۷).

اشعری قمی، یعقوب

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۷۴ ق). عالم، محدث و مفسر. ذهبی از او تعبیر به عالم اهل قم کرده است. از برادرانش، عبدالرحمن و عیسی و عمران بن عبدالله، و نیز جعفر بن ابی‌المغیره و اعمش و لیث بن ابی‌سلیم روایت کرده است. ابن مهدی، منصور خزاعی، هیشم بن خارجه، ابوریع زهرانی و عمرو بن رافع قزوینی و محمد بن حمید رازی و بسیاری دیگر از وی روایت کرده‌اند. نسائی و ابوالقاسم طبرانی او را موثق دانسته و ابن حبان او را در کتاب «الثقات» خود ذکر کرده است. در «سنن» چهارگانه از او نقل حدیث شده است. و بخاری نیز در «صحیح» خود از او بطور تعلیق حدیث نقل کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تهذیب التهذیب (۱۱/ ۳۴۰)، الجرح و التعذیل (ج ۴، ق ۲۱۰-۲۰۹/ ۲)، سیر النبلاء (۳۰۰-۲۹۹/ ۸)، لسان المیزان (۳۲۲-۳۲۱/ ۹)، میزان الاعتدال (۴/ ۴۵۲).

اشعری، عبدالحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالحسین اشعری

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در شرائطی که سالهای ۱۳۳۶ تحصیلات ابتدائی و ششم را به اتمام رساندم ۲ سال هم تا کلاس ۸ دبیرستان را شبانه خواندم ولی مشکلات مادی خانواده مرا به بازار و شاگردی و شغل آزاد کشانید و در کنارش با تشویق پدر دروس حوزوی را از نصاب الصبیان و جامع المقدمات آغاز کردم و در حالی که هنوز وارد حوزه نشده بودم، بالاخره با ادامه دروس مقدماتی حوزه در مسجد امام

حسن عسگری (ع) و مسجد بالاسر در حالی که تازه ازدواج کرده بودم.

در اوایل سال ۱۳۵۰ قدم به حوزه علمیه گذاشتم و ادامه تحصیل با شرکت در دروس حوزوی سیوطی آقای فشارکی در مسجد امام و شرکت در تفسیر آقای مشکینی و حاشیه ملا عبدالله و بالاخره در درس مغنی و مختصر اساتید بزرگ حوزه و لمعتین و رسائل و مکاسب و کفایه و فراموش نمی‌کنم که در اولین سالهای شرکت در درس خارج گلپایگانی مباحث فقهی امام خمینی (رضوان الله) در مسجد اعظم و آیات عظام گلپایگانی و گاهی درس خارج آقای منتظری هم می‌رفتم و حتی در امتحانات سراسری که از طرف آیت الله گلپایگانی و آیت الله شریعتمداری انجام می‌شد با رتبه بالا و قبولی در رتبه سوم کتبی و شفاهی حضور پیدا کردم.

در حاشیه مباحث حوزوی از شرکت در همه صحنه‌های انقلاب کوتاهی نکردم بخصوص در سرودن اشعار حماسی چه در تقویت بنیه شعری مداحان و چه در پرشور کردن نوحه سرائی برای محرم و صفر و دسته جات و هیات که از استثنایی ترین سروده‌های شعر که جنبه حماسی و انقلابی داشت بصورت جزوه‌هایی چاپ شد، بنام نهضت کربلا و از عاشورا تا عاشوراها و سروده‌های اسلامی و فلسطین کلاس انقلاب در اولین سالهای پیروزی چاپ شد و با تشویق بعضی از ناشران مانند آقای مصطفی زمانی و آقای حق جو به ترجمه دیوان حضرت علی (ع) در ۴۰۰۰ شعر و تألیف بعضی از کتب تاریخی و مراثی مانند: ۷۲ مجلس در عزای مظلوم و فاطمه زهرا (س) از دیدگاه قرآن و عترت و آموزش جوان و چاپ اشعار دوران بحرانی انقلاب و دفاع مقدس بنام شعر مسئول و شهید در آغوش مهدی، بسوی کربلا، شهید و شهادت و در ادامه ترجمه بعضی از دعاهای معروف که بیشتر در جلسات عمومی خوانده می‌شود اقدام کردم از قبیل ترجمه منظوم دعای کمیل و دعای ندبه و زیارت عاشورا و دعای توسل و زیارت ناحیه در حالی که به ترجمه منظوم نهج البلاغه حضرت علی (ع) در حاشیه درسهای حوزوی که درس فقه آقای مکارم و درس تفسیر آقای جوادی آملی کوشا بودم و هستم.

سرانجام آخرین سروده‌های منظوم که به پایان رساندم ترجمه منظوم قرآن مجید ولی متأسفانه موفق به چاپ سروده‌های نظمی نهج البلاغه و قرآن نشدم ضمناً با شرکت در هیات مذهبی مثل مجله مجمع عاشقان محسن علیه السلام با این مجمع در تألیف جزوه‌های فصلی و ماهانه این هیئت همراهی کردم و بیش از ده مورد مقالات و جزوه‌ها به چاپ رسانده شد و خلاصه در نیمه مناسبتهای دوره‌های سال حداقل چند شعری می‌سرودم و درباره اهل بیت علیهم السلام و مناسبتهای ارگانها و نهادها و شخصیتهای مذهبی و علما و مراجع و شخصیتهای رزمی و حماسی سروده‌های چاپ نشده دارم.

ممکن است سوال کنید که چرا در ارگانها و نهادهای مذهبی و انقلابی حضور فرهنگی و اجتماعی نداشتم که شاید عمده چیزی که مانع بود و این توفیق را از من سلب کرد، فرزند مریضی بود که بیماری مادر زادی داشت و تا سن ۲۵ سالگی که فوت کرد خودم در کنار مادرش به سرپرستی او و جابجائی کردن و حتی حدود ۱۶ سال بود که هرگز از جا حرکت نمی‌کرد و خودم او را می‌خواندند و برای قضاء حاجت بغل می‌کردم و... و ۲۵ سال بحرانی ترین دوره زندگی اینجانب به مساعدت و کمک و سرپرستی از این فرزند گذاشت ولی سرانجام حدود ۱۰ سال قبل این امانت الهی را خداوند از من گرفت و در خاتمه با کمال عذر خواهی از آنجایی که «تزکیه المرء لنفسه قبیح» ولی از طرفی هم خداوند می‌فرماید: «و اما بنعمه ربك فحدث» به این مختصر بسنده می‌کنم خداوند شما و این حقیر را در انجام تکالیف موفق گرداند.

اشکانی، حمید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روانپزشکی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

اشکوری، ابوالقاسم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۲۵ - ۱۳۲۲ ق)، فقیه اصولی امامی. در جوانی به اتفاق برادرانش سید جعفر و سید مرتضی به نجف رفت و در محضر استادانی چون میرزای و میرزا حبیب‌الله رشتی حاضر شد. سپس خود مقام مرجعیت یافت و به تربیت شاگردان پرداخت. در اواخر عمر به بیماری دماغی مبتلا شد و دچار نسیان گشت و از مقلدان خود خواست که فتاوی وی را به کار نیندند و از مجتهد دیگری تقلید کنند. در نجف در گذشت و همان جا دفن شد. آثار وی: «بغیه الطالب فی حاشیه المکاسب» که شرح «مکاسب» شیخ مرتضی انصاری است؛ «جواهر العقول فی شرح فرائد الاصول» که شرح «رسائل» شیخ مرتضی انصاری است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲/ ۴۱۶)، الذریعه (۵/ ۲۷۲، ۳/ ۱۳۳، ۵/ ۱۳۴-۱۳۵)، علماء معاصرین (۸۶)، لغت‌نامه (ذیل / اشکوری)، معجم المؤلفین (۸/ ۱۲۵).

اشکوری، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۴۹ ق)، عالم امامی و فقیه اصولی. در اشکور گیلان به دنیا آمد. پس از فراگیری خواندن و نوشتن و یادگیری قرآن، در چهارده سالگی به قزوین رفت و مقدمات علوم متداوله را نزد فضلالی مدرسین مدرسه‌ی صالحیه آموخت. فقه و اصول را نزد سید علی قزوینی - صاحب حاشیه بر «قوانین» و «معالم» - و حکمت و فلسفه را از میرزا عبدالوهاب برغانی فراگرفت. سپس به نجف رفت و مدارج عالی اجتهاد را در حوزه‌ی درس میرزا حبیب‌الله رشتی و شیخ عبدالله مازندرانی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و سید کاظم یزدی و شیخ محمد حسن ممقانی پیمود. و آن‌گاه به تدریس پرداخت. جمعی از طلاب در حوزه‌ی درس وی تربیت شدند. پس از فوت برادرش سید اسدالله اشکوری در سال ۱۳۳۳ ق به جای وی، در حرم حضرت امیرالمومنین (ع) به امامت پرداخت. در کاظمین در گذشت و در صحن علوی دفن شد. از آثارش: «الادلّه العقلیه»؛ حاشیه بر «رسائل و مکاسب» شیخ مرتضی انصاری؛ حاشیه بر «کفایه‌ی» آخوند خراسانی؛ «القضاء و الصوم و البیع»؛ «مباحث الالفاظ».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۵/ ۴۵۸)، ریحانه (۱/ ۱۳۵)، لغت‌نامه (ذیل / اشکوری).

اشکوری، موسی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید موسی اشکوری موسوی از علماء بزرگ گیلان و مقیم شهرستان لنگرود و از شاگردان مبرز مرحومین علمین آیتین آقای آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و آقای آقا سید محمد کاظم یزدی و دیگران بوده و در لنگرود و حومه آن مرجعیت تامه و عامه داشتند و در حدود سال ۱۳۷۰ قمری وفات نموده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

اشگوری، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مهدی حسینی اشگوری از علماء اعلام معاصر تهران است.

وی در حدود سال ۱۳۳۴ ق متولد شده و در مهد علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات و ادبیات را از مدرسین نجف آموخته و پس از تکمیل متون فقه و اصول از محضر آیات عظام و مراجع اعلام چون مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله آقای حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت‌الله العظمی خوئی و مرحوم آیت‌الله میرزا ابوالحسن مشکینی و آیه‌الله کمپانی اصفهانی و دیگران استفاده نموده و بعد به ایران مهاجرت و در تهران رحل اقامت افکنده و تاکنون در مسجد حاج محمد اسمعیل حوری واقع در کوچه مشاور تهران به اقامه جماعت و گفتن تفسیر قرآن و ترویج دین و تبلیغ احکام و خدمات دیگر اشتغال دارند. نگارنده گوید: جناب آقای اشگوری عالمی متین و دانشمندی جلیل و بزرگوار و موصوف بفضل و تقوا و مورد توجه مردم تهران و بالاخص خیابان خراسان و غیره میباشند.

فرزند ارجمندش جناب حجه الاسلام آقای آقا سید ضیاءالدین اشگوری از افاضل حوزه علمیه قم میباشند. وی تولدش در نجف واقع شده و در خدمت والد به تهران و پس از خواندن اولیات به قم مهاجرت و ادبیات و سطوح را از مدرسین حوزه خوانده و سالها از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و دیگران استفاده نموده و دراسات برخی از آنان را برشته تحریر درآورده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

اشنی قودجانی، محمد حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ محمد حسین اشنی

وی فرزند حاج ملا محمد قودجانی است که در حدود سال ۱۲۸۵ ق. در قودجان گلپایگان دیده به جهان گشود. شیخ محمد حسین که آوازه‌ی حوزه‌ی علمی اصفهان و پیشینه‌ی کهن آن را بارها شنیده بود راهی اصفهان شد و از محضر رجال علمی و دانشمندان نامی این شهر بهره‌های فراوان برد. از جمله اساتید وی در دارالعلم اصفهان می‌توان به حضرات آیات عظام: میرزا ابوالمعالی

کلباسی، میر سید محمدتقی مدرّس، آقا شیخ محمدتقی نجفی و سید محمدباقر درچه ای اشاره کرد. مرحوم قودجانی که از دوستان صمیمی و هم‌مباحثه ای های نزدیک آیت الله بروجردی و آیت الله ارباب بوده است، از محضر آخوند کاشی و احتمالاً جهانگیرخان قشقایی نیز استفاده کرده است. مرحوم حاج شیخ محمدحسین پس از استفاده از محضر فقیهان و حکیمان نامی اصفهان، راهی عتبات عالیات شد و با نظرات و دیدگاه های فقها و دانشمندان آن دیار نیز آشنا گشت. مرحوم آیت الله حاج شیخ محمدحسین قودجانی پس از بازگشت از نجف، به خواهش یار و دوست صمیمی اش زعیم اعظم مرحوم آیت الله بروجردی، راهی روستای آشن در شمال غربی نجف آباد شد تا به تبلیغ و ترویج احکام آیین اسلام بپردازد. ایشان سالیان سال در قریه ی آشن سکونت اختیار نمود و از همین رو به «آشنی» نیز شهرت یافت. حاج شیخ محمدحسین قودجانی پس از سالها اقامت در آشن، سرانجام در ده سال آخر عمر خود، به اصرار برخی از علما به اصفهان بازگشت و در مدرسه درب کوشک، به تدریس خارج فقه و اصول همت گمارد و عده ای از فضلا، از محضرش بهره مند می شدند. از جمله بزرگانی که به درس ایشان حاضر می شده مرحوم آیت الله علامه میر سید حسن مدرّس هاشمی اصفهانی و فرزند خودشان مرحوم آیت الله حاج شیخ نورالدین قودجانی آشنی بوده اند. به گفته مرحوم مدرس درس ایشان عمیق و تحقیقی بود و افاضل وقت در درس معظم له شرکت می کرده اند. آیت الله قودجانی، مهارت بسزایی در فقه و اصول داشت و بعضی از علما، وی را اعلم فقهای اصفهان و مجتهد طراز اول شهر می دانستند. مرحوم حاج آقا صدر کوهپایی به فقاہت ایشان معترف بود و مرحوم مدرس، بارها، از مراتب علمی و فضایل اخلاقی آیت الله قودجانی سخن می گفت و سلامت نفس و پاکی روح او را می ستود. حاج شیخ محمد حسین قودجانی فقیهی پرهیزکار و عالمی عابد و زاهد و مجتهدی بزرگ بود و زهد و وارستگی او زبانزد همگان بود و خواص علما و بزرگان اصفهان به وی ارادت می ورزیدند. به ویژه مرحوم آیت الله ارباب که تقوی و خداترسی مرحوم قودجانی و اعراض او از هوای نفسانی را بسیار می ستوده است. آیت الله قودجانی با اینکه از علمای طراز اول اصفهان بود و محل عنایت و توجه خاص زعیم اعظم آیت الله بروجردی داشت، اما به خاطر سالها گوشه گیری و انزوا و نیز بواسطه ی اینکه امام جماعت نبود، اغلب مردم او را نمی شناختند و جز خواص، کسی با او مرآوده نداشت.

حاج شیخ محمدحسین قودجانی در چهارم ماه مبارک رمضان سال ۱۳۷۵ قمری جهان فانی را بدرود گفت و در داخل بقعه ی استادش میرزا ابوالمعالی کلباسی مدفون گردید.

روز وفات ایشان در اصفهان غوغایی برپا بود و مراسم تشییع باشکوهی در تجلیل از مقام شامخ علمی و معنوی این عالم ربّانی برگزار شد. مرحوم حاج آقا رحیم ارباب در روز وفات این دوست و یار صمیمی اش، مسجد خود را تعطیل نمود و به جمع مؤمنین تشییع کننده پیوست و نماز را بر پیکر ایشان خواند
برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصالت، اسدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اسدالله اصالت

محل تولد: ساوه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۵/۱۲/۱۰

اصطخری، ابوسعید حسن

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۲۸- ۲۲۴ ق)، فقیه عراق و قاضی. دوست و همدریف ابن سریج بود. مدتی قاضی قم و زمانی سرپرست امور حسیبه بغداد بود. مقتدر عباسی او را عهده‌دار منصب قضاوت سیستان کرد. سعدان بن صنر و حفص ربالی و احمد رمادی و عباس دوری از مشایخ او؛ و دارقطنی و ابن شاهین و محمد بن مظفر و ابن جندی از شاگردان وی بودند. ابواسحاق مروزی گوید که چون به بغداد رسیدم جز ابن سریج و ابوسعید اصطخری کسی را شایسته استادی خود ندیدم. او در بغداد درگذشت و در مقابرالدیر (مقبره معروف کرخی) دفن شد. اصطخری کتابی در قضا تألیف کرده که حاکی از سعه‌ی اندیشه و شناخت اوست و به گفته‌ی خطیب بغدادی هیچ کس تا آن زمان همانند این کتاب تألیف نکرده است. برخی از آثار وی عبارت‌اند از: «ادب القضاء» یا «ادب القاضی»، بر اساس مذهب شافعی؛ کتاب «الاقضیه»؛ «الفرائض الکبیر»؛ کتاب «الشروط و الوثائق و المحاضر و السجلات»؛ شرح «المستعمل»، در فروع فقه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۹۲/ ۲)، تاریخ بغداد (۲۷۰- ۲۶۸/ ۷)، ریحانه (۱۴۲/ ۱)، سیر النبلاء (۲۵۲- ۲۵۰/ ۱۵)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۳۹۲)، الفهرست لابن‌الندیم (۳۰۰)، کشف الظنون (۱۶۷۴، ۱۳۹۵، ۴۷)، الکنی و الالقاب (۳۷- ۳۶/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل / اصطخری و حسن استخری)، معجم المؤلفین (۲۰۴/ ۳)، نامه‌ی دانشوران (۲۵۹- ۲۵۸/ ۸)، وفيات الاعیان (۷۵- ۷۴/ ۲)، هدیه العارفین (۲۶۹/ ۱).

اصطهباناتی، ابراهیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۳۳۹- ۱۲۵۸ ش)، فقیه و مجتهد. مشهور به میرزا آقا مجتهد. وی در اصطهبانات فارس متولد شد و تحصیلات خود را در نجف در محضر میرزا محمد تقی مجتهد شیرزای و سایر علمای نجف به پایان رساند و به اخذ اجازه‌ی اجتهاد نائل شد و مرجع تقلید گشت و در نجف اقامت گزید. برخی آثار وی عبارت است از: «حاشیه علی العروه الوثقی»؛ «ذخیره العباد»؛ «صراط النجاه»، ترجمه فارسی «وسیله النجاه»؛ «طریق النجاه»؛ «وسیله النجاه» و «مناسک».[۱]

حاج سید ابراهیم معروف بحاج سید میرزا آقا اصطهباناتی شیرازی از مراجع تقلید نجف پس از فوت مرحوم آیه‌الله العظمی اصفهانی بودند که بسیاری از مردم فارس از ایشان تقلید میکردند.

محدث محلاتی در کتاب اختران تابناک گوید وی مردی محقق مدقق متکلم (در علم کلام) فقیه و دانشمند جامع علم معقول و منقول بود او در نجف اشرف یکی از معلمین فقه و اصول حقیر بود.

بنده در نجف اشرف رسائل شیخ مرتضی انصاری رضوان‌الله علیه را در مسجد هندی نزد او خواندم بجان خودم قسم در این مدتی که من باوی معاشرت داشتی لغزشی از او ندیدم و نشنیدم. وی مردی خوش اخلاق، بخشنده خوش بیان، کثیرالعلم، باذکات، کشنده نفس، زاهد و از زخارف دنیوی بیزار بود.

بسیاری از دانشمندان و مراجع من جمله حضرت آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله نزد وی تلمذ نموده و سطوح را از وی فرا گرفته نسبت بحقیر مؤلف این گنجینه عنایتی داشت و اجازه جامعی برایم مرقوم فرمودند در نجف از دنیا رفته و در یکی از حجرات صحن مطهر مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۷-۴۶/۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳/۱۰۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳۴-۳۳/۱).

اصطهباناتی، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا ابوالقاسم بن میرزا احمد شیخ‌الاسلام اصطهباناتی عالمی حکیم بوده در ۱۴ صفر ۱۳۱۲ ق متولد شده و در خدمت عده‌ای از اعلام علم و فضل تلمذ نموده و بکمال علم و فقاقت رسیده و بعلامه شهرت یافته و منظومه در حکمت نوشته که نزدیک دو هزار بیت است و اول آن این بیت است:

اول ما جادبه طرف القلم

مفتاح الکلام بدئه الرقم - الخ

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

اصطهباناتی، ابوتراب

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۰/۱۳۶۱-۱۳۰۵ ق)، شاعر و نحوی. وی دخترزاده‌ی سید جعفر کشفی و از شاگردان میرزا ابوالحسن محقق اصطهباناتی بود که در شعر عربی و فارسی دست داشت. از او اشعاری بر جای مانده است. آثار وی: منظومه‌های «حدائق الاعراب»، به سبک الفیه‌ی ابن مالک در و نحو؛ «دره‌التالیف و دره‌التصریف»، در صرف.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۹۱۴-۹۱۳/۵، ۱۲۲/۱)، فرهنگ سخنوران (۷۰).

اصطهباناتی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۴-۱۲۹۱ ق)، عالم، عارف و ادیب. ملقب به شیخ المحققین و معروف به شیخ الاسلام. در اصطهبانات به دنیا آمد و سالهای بسیار در شیراز در محضر پدرش و هم در خدمت حاج سید علی حکیم کازرونی تحصیل علم و کمال کرد. وی در علوم غریبه مانند جفر نیز دست داشت. او با سید عبدالحسین مجتهد لاری که از آزادی خواهان مشهور بود، محاصر و دوست بوده و به خواهش او «رساله‌ای در وجوب نماز جمعه» نوشته است. وی در امامزاده عبدالله شهر ری مدفون است. آثار وی عبارت‌اند از: «بیان الحق»، در مهدویت شخصییه و شخصیت مهدویه با تقریظ آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی بر آن؛ «کشکول الادباء» و «کشکول العرفاء»؛ «تنبیهات عشر».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بروجرد (۲/ ۳۰۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۰۰-۱۹۷/ ۱)، الذریعه (۱۸۰-۱۷۹/ ۳)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۸۹-۱۸۸/ ۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳/ ۱۱۹).

اصطهباناتی، اسدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۱-۱۲۳۸ ش)، عالم و پزشک. معروف به حکیم‌باشی. از ابتدای جوانی در شیراز علوم معقول و منقول و طب قدیم را آموخت. پس از آن، با مطالعه‌ی کتب طبی چاپ بیروت و مصر، با طب جدید نیز آشنا شد. حدود چهل سال به طبابت به سبک قدیم و جدید پرداخت. در مجامع طبی و انجمنهای بهداشتی نیز شرکت می‌کرد. مدت دو سال پزشک مخصوص رکن‌الدوله والی فارس بود. آثار وی: «رساله در طب مخصوصا امراض زنان»؛ «رساله متضمن بعض نسخه‌ها و داروهای مجرب»؛ «رساله سفینه النجاه در طب و ادویه مرکبه»؛ «مقدمه و شرح و حواشی بر کتب قدیمه و جدیده‌ی طبی»؛ «منتخب نظم و نثر و کلمات قصار و پاره‌ای یادداشتهای علمی و تاریخی»؛ «تاریخچه‌ای شامل شرح حال خودش و بعضی از وقایع کشور».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۶۵-۲۶۳/ ۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۹۰-۱۸۹/ ۱).

اصطهباناتی، حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه‌الاسلام آقا شیخ حسین بن محمد یوسف اصطهباناتی عالمی فاضل بوده و بعد از ۱۲۹۲ ق وفات نموده است. وی دارای خط زیبائی بوده و کتاب (الشواهد) عینی را بخط خود نوشته است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

اصطهباناتی، عبدالمولی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ عبدالمولی بن محمد باقر بن محمد علی اصطهباناتی اخباری فاضلی جلیل دارای تألیفاتی بنام: (زاد المسافرین) در طب بوده و بعد ۱۲۴۰ ق بدرود حیات گفته است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

اصطهباناتی، محمدباقر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیه الله الشیخ محمد باقر بن عبدالمحسن بن سراج الدین اصطهباناتی شیرازی عالمی بزرگ و حکیمی جلیل بوده است. در اصفهان از محضر علامه شیخ محمد باقر بن محشی (معالم) استفاده نموده و از آنجناب نائل بدریافت اجازه گردیده و مراجعت بشیراز نموده و مرجع تدریس و امور شرعی گشته و تنافری بین او و حاکم شیراز شده و از آنجا بسامرا مشرف و و در درس آیه الله مجدد شیرازی شرکت و پس از فوت آن بزرگوار بنجف اشرف مهاجرت و بتدریس و اقامه جماعت پرداخته تا سال ۱۳۱۹ ق که بشیراز مراجعت و مقبول عام و خاص گردیده و زعامت عامه و ریاست تامه یافته تا در انقلاب مشروطه در سال ۱۳۲۶ ق با سید احمد معین و غیره بشهادت رسیده و عالم جلیل القدر سید محمد شفیع کازرونی بوشهری در رثاء و ماده تاریخ فوتش سرود (تاریخ فوت الشیخ مغفوراتی).

دارای تألیفات ارزنده‌ای مانند رساله حدوث العالم و رساله مبسوطی در احکام الدین و غیره بوده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

اصغری تبریزی، اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: اصفهان
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

دکترای زبان و ادبیات فرانسه در سال ۱۳۴۷ از دانشگاه سوربن پاریس.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه اصفهان و ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۶۳ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ادبیات فرانسه با تخصص در ادبیات قرن نوزدهم، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.
تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

مذهبی، تاریخی، اجتماعی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

فلسفه و عرفان در مقیاس جهانی، ادبیات، دانستی‌هایی از علوم پزشکی، ادبیات فرانسه در قرن ۱۹.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

اصغری، عبدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید عبدالله اصغری

محل تولد: تربت جام

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سالهای ۱۳۴۵ - ۱۳۴۶ در حالی که فقر در منطقه مسکونی و روستای ما بیداد می کرد بنده به خاطر عشق و علاقه ای که به فراگیری معارف اسلامی و دینی داشتم با هزینه ناچیز در یک مدرسه علمیه ای مشغول تحصیل شدم.

در مدت سه سال تا قسمتی از جلد اول لمعه را خواندم و به مشهد مقدس در مدرسه عباسقلی خان و در مدرسه جعفریه که زیر نظر مرحوم غلامحسین تبریزی بود تا بخش اول کتاب مکاسب را خواندم.

با مشکلات فراوان به نجف اشرف منتقل شدم و بخشی از رسائل و مکاسب و کفایتین را در نجف نزد مرحوم صدر و استاد فیاض و خارج اصول را نزد شیخ جواد تبریزی گذراندم و در سال ۱۳۵۴ به قم عزیمت کردم. خارج اصول و فقه را خدمت وحید خراسانی و آقای مکارم شیرازی و شیخ جواد تبریزی تلمذ کردم.

در ضمن تدریس کتاب رسائل شیخ انصاری را در کاشان، دو جلد شرح رسائل را (اوضح الشروح فی فرائد الاصول) نوشتم و دو جلد شرح فارسی به اصول فقه مظفر (ره) به چاپ رساندم و درحوزه مورد استفاده است. بهرحال امید چنان است که خداوند راضی و امام زمان (علیه السلام) خشنود باشد جهت هر گونه همکاری علمی حاضر و آماده هستم.

اصفهانی، سید ابوالحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم آیت الله حاج سید ابو الحسن اصفهانی رحمه الله علیه یکی از بزرگترین علما و مراجع شیعه در قرن اخیر است که متجاوز از سی سال در رأس حوزه نجف از اساتید بزرگ فقه و اصول بود و بعد از فوت مرحوم حائری و مرحوم نائینی زعامت و مرجعیت جهان تشیع به معظم له منتهی شد. در سال ۱۲۸۴ در یکی از قصابات اصفهان متولد شد و ابتدا چند سال در اصفهان مقدمات علوم و سطوح فقه و اصول را به پایان برد و سپس وارد حوزه عراق شد و سالها از کرسی درس آیات عظام: مرحوم سید استاد، آخوند خراسانی، علامه یزدی، مجاهد شیرازی، و آقا شریعت اصفهانی به خوبی بهره مند بود و خود به درجه اجتهاد و استادی ارتقاء یافت. آیت الله اصفهانی یکی از مدرسین بزرگ حوزه نجف بود که پس از فوت علامه یزدی حوزه درس او محل استفاده اعلام بزرگ و فضیلتی متعدد قرار گرفت. آیت الله اصفهانی مجتهدی اصولی، محقق مدبر، استادی کامل و دانشمندی جامع علوم فقهی بود. او عمری در حوزه نجف در کوران بحثهای مختلف علمی و فقهی قرار داشت و خود سرآمد اقران گردید. مرحوم اصفهانی دانشمندی متقی و مجسمه ای از فضائل انسانی و معالم دینی و اخلاقی بود. این پیکر تقوی و صبر و استقامت، از مسیر علم و عبادت چنان پیشرفتی نمود که مورد توجه خاص اولیای خدا قرار گرفت و از امدادهای غیبی و توجهات خاصه بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه برخوردار گشت، و از او در دوران زعامت و سرپرستی کرامات و عجایبی مشاهده شد که مسلما مورد توجهات باری تعالی و ولی امر او بوده است. نوشته اند معظم له در موارد لزوم ضمن تماس با سرور انس و جان نارسائیهای حوزه و حوایج ضروری جهان تشیع را مرتفع می ساخت. مرحوم آیت الله اصفهانی را دولت انگلیس با مبالغی زیاد قصد داشت استعمار کند. سفیر آنها به اتفاق نوری سعید تقاضای ملاقاتی در خلوت به او پیشنهاد نمود نپذیرفت. آخر الامر سفیر به اتفاق نوری سعید وارد جلسه عمومی که آیات و شیعیان در حضور آقا بودند به خدمت رسید و ضمن سخنانی مزورانه چکی سنگین از طرف دولت متبوع خود تقدیم آقا نمود. مرحوم اصفهانی آن چک را با مبالغی زیادتیر (جهت هزینه مسلمانان و شیعیان مستضعف و مستمندانی که همه توان خویش را به اضافه عزیزان خود در جنگهای بین الملل از دست داده بودند) به سفیر و نوری سعید مسترد داشت و فرمود اگر داشتیم (مبسوط الید بودیم) خیلی بیش از اینها در راه اسلام و مسلمین مصرف می نمودیم. سفیر در مراجعت از خانه آقا، گفته بود ما خواستیم او و پیروان او را بخریم! اما او ما و دولت انگلیس را خرید!! جهانیان زعما و سران مختلف ممالک و مذاهب را با زعمای شیعه مقایسه نمایند و خود قضاوت کنند!! آنگاه پی به حقانیت اسلام و تشیع سرخ علوی که در رأس آن پیامبر بزرگ اسلام و علی و اولادش علیهم السلام بازو به بازو با اقیانوس علوم تشریحی (و تکوینی) ایستاده و خونها داده اند خوب بنگرند! و قضاوت نمایند!! و سپس به حقیقت و روح اسلام پی ببرند. مرحوم آیت الله اصفهانی عمری طولانی در راه خدمت به اسلام و مسلمین به خوبی پیش رفت و خود وسیله نجات بود و وسیله النجاتی نیز جهت عمل مقلدین به رشته تحریر برد و فضلا و دانشمندانی به جهان تشیع تحویل داد. فرزند عالم و مجتهد او سید حسن موسوی اصفهانی را بعد از نماز مغرب در حضور آقا به دستور استعمارگران و نوکران ابله سربریدند و او که در مقابل خدا بود خم به ابرو نیاورد. معظم له که خواستار رضای خدای متعال و بقای اسلام عزیز بود بعد از مدتی قاتل ابله را نیز پیامبر گونه بخشید. مرحوم آیت الله اصفهانی سالها از دست استعمارگران و نوکران داخلی آنها در رنج بود و مدتی تبعیدی کشید و از دست ددمنشان منافق ناراحتیها و آزارهای روحی دید ولی تحمل می فرمود. و در عین حال که از رنج

مسلمین و شیعیان غافل نبود، خود عمری ایستاد و در راه انجام وظائف و ابلاغ رسالت خویش کوتاهی ننمود، و سرانجام در ششم ذیحجه سال ۱۳۶۵ روانش از زندان تن آزاد شد و به لقای حق نائل گردید و در کنار صحن مرتضوی مدفون شد. با مرگ او همانگونه که به یاد دارید جهان اسلام و تشیع به ماتم عظیمی فرو رفت که فقدان این گونه افراد ثلمه ایست بر پیکر اسلام که لایسدها شیء. یادآوری: بعد از مرحوم آیت الله العظمی اصفهانی رحمه الله علیه، با آنکه به مراجع و آیاتی بزرگ بر می خوریم، اما سرانجام زعامت و مرجعیت جهان تشیع به مرحوم آیت الله بروجردی منتهی شد. روان همگان شادتر باد.

منابع زندگینامه: <http://www.shaaer.com>

اصفهانی ابوالفتح، محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۵۱۳ ق)، مترجم و ریاضیدان. وی معاصر ابوکالیجار گرشاسف بن فرامرز، پنجمین پادشاه کاکویه اصفهان و همدان بود. و کتاب «المخروطات» ابولونیوس را که هلال بن ابی هلال الحمصی و ثابت بن فزه آن را ترجمه کرده بودند، تکمیل کرد و سه کتاب اخیر آن را به عربی درآورد و تفسیر گرانمایی بر آن کتاب نوشت که از آن چند ترجمه به زبانهای لاتینی و انگلیسی صورت گرفته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۳۳۴)، دایرة المعارف فارسی (۱/ ۲۶)، زندگینامه ریاضیدان (۹۲).

اصفهانی آل محمد، علی نقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مترجم، شارح، مجتهد.

تولد: ۱۲۸۴.

درگذشت: ۲۴ اردیبهشت ۱۳۶۴.

سید علی نقی اصفهانی آل محمد دیباج معروف به «فیض الاسلام» ناظم و شارح قرآن مجید، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه. ایشان از آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، ضیاءالدین عراقی، محمد کاظم شیرازی اجازه اجتهاد داشتند و نیز صاحب اجازه روایتی از آیت الله علی اکبر نهانوندی و محدث قمی بودند. فیض الاسلام برای نخستین بار نهج البلاغه را به فارسی زبانها معرفی کردند و به ترجمه و شرح و چاپ این کتاب در شش جلد (جلد اول آن در سال ۱۳۲۵ منتشر شد) همت ورزیدند. اثر دوم ایشان، ترجمه و شرح صحیفه سجادیه است که در جمادی الاولی ۱۳۷۵ ق. منتشر شد. وی در ترجمه صحیفه مطالب و نکاتی از علمایی مانند شیخ بهاءالدین میرداماد، سید علی خان هندی، سید جزایری و دیگران که در نشرهای خود بیان نمودند و مطالبی از کتابهای تاریخ، اخبار، فقه لغت، حکمت و کلام به اختصار و ساده آورده است. ترجمه و خلاصه تفسیرش به نام قرآن عظیم در سه مجلد و به خط میرزا طاهر خوشنویس تبریزی است و پس از چهارده سال تحقیق به چاپ رسید، از آثار دیگر اوست: ترجمه خاتون دو سرا: شرح

حال زینب کبری (س) (تهران، ۱۳۶۶) الثقلان فی تفسیر القرآن: سوره مبارکه فاتحه‌الکتاب (تهران، ۱۳۶۶).
برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

اصفهانی قهدریجانی، محمد رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

از اجله‌ی فضلا و فقهاء، و از شاگردان آخوند خراسانی بوده که پس از وفات استاد، به سامرا رفته، و دو سال به درس میرزا محمد تقی شیرازی حاضر شده، سپس به ایران جهت زیارت حضرت رضا علیه‌السلام مشرف شده، و پس از برگشتن، در کربلا در ۷ شعبان ۱۳۳۴ وفات یافته، در ایوان بزرگ معروف به مقبره‌ی میرزا موسی دفن شده. عالمی خلیق و مهربان بوده است.
برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی کاظمینی، محمد حسین

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن کرم علی، متولد در حدود ۱۱۷۰. پدر و جدش تجارت می‌کرده‌اند. خود در اوایل جوانی اندک [تجارت و سپس] تحصیل علوم نموده، سال‌ها به سیر و سیاحت در اطراف شهرها پرداخته، و خدمت جمعی کثیر از علما و بزرگان رسیده، و چون از سفر خسته شد در کاظمین ساکن گردیده، و مدت سی سال در آن ارض اقدس مجاور بوده، در سال ۱۲۲۷ شروع به تألیف کتابی کشکول مانند نموده، و آنچه در مسافرت‌ها و شهرها دیده و شنیده است در آن جمع‌آوری کرده است. و دیگر: جامع التواریخ که در ۱۲۲۸ تألیف شده است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصفهانی کمال‌الدین، ابوالفضل اسماعیل

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(مقتول ۶۳۵ ق)، ادیب و شاعر. معروف به خلاق المعانی، به دلیل آوردن معانی دقیق شعری. در اصفهان به دنیا آمد و از جوانی به سرودن شعر پرداخت. وی علاوه بر باریک‌اندیشی و دقت در خلق معانی در التزامات دشوار و تقید به آوردن ردیف‌های مشکل نیز مشهور بود. او آخرین قصیده‌سرای بزرگ ایران در دوره‌ی مغول است. او خاندان آل صاعد، اتابکان فارس و امرای طبرستان و همچنین جلال‌الدین منکبرنی را مدح گفته است. کمال‌الدین در فقه، اصول و ادبیات عرب تبحر داشت و از اغلب علوم عصر خود آگاه و در حکمت، طب، ریاضیات به ویژه هندسه ماهر بود، و در اشعار خود اصطلاحات علمی به کار می‌برد. وی همچون پدرش شاهان معاصر و بزرگان بسیاری را مدح گفت. کمال‌الدین در قصاید عرفانی پیشرو سعدی بود و قصاید عرفانی سعدی مکمل

قصاید وی می‌باشد. در پایان عمر به عرفان روی آورد و مرید شیخ شهاب‌الدین سهروردی گردید و خانقاهی برای خویش اختیار کرد. وی شاهد حمله‌ی مغولان به اصفهان و کشته شدن انسانهای بسیار بود و خود نیز سرانجام به دست مغولی کشته شد یا به قول «مجمّل فصیحی» به دست رندان و اوباش در ۶۲۶ ق به قتل رسید. از آثارش: «رساله‌ی القوسیّه»؛ «دیوان» شعر، شامل قصائد، مقطعات، غزلیات، رباعیات و چند مثنوی، که نسخه‌ای از آن در هند به چاپ رسید. [۱]

اسماعیل بن جمال‌الدین محمد بن عبدالرزاق اصفهانی، ملقب به خلاق‌المعانی، شاعر قصیده‌سرای ایرانی (ف. ۶۳۵ ه.ق). پدر وی جمال‌الدین محمد بن عبدالرزاق (م.ه) شاعر معروف است. سبب شهرت او را به خلاق‌المعانی آن دانسته‌اند که: «در شعر او معانی دقیقه مضمّر است که بعد از چند نوبت که مطالعه کنند، ظاهر می‌شود.» از جمله‌ی ممدوحان او رکن‌الدین مسعود از آل صاعد اصفهان، جلال‌الدین منکبرنی خوارزمشاه، حسام‌الدین اردشیر از آل باوند و اتابک سعد بن زنگی هستند. وی دوره‌ی وحشتناک حمله‌ی مغول را درک کرد و به چشم خویش قتل عام مردم اصفهان را به دست مغولان به سال ۶۳۳ دید و خود نیز دو سال بعد، در ۶۳۵ به دست مغولی به قتل رسید. کمال‌الدین در آوردن معانی دقیق و باریک‌اندیشی مهارت دارد و در التزامات صعب و تقیید به آوردن مفاهیم مشکل چیره‌دست است و دیوان او بطبع رسیده.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: آتشکده‌ی آذر (۱۰۰۷-۳/۹۸۰)، ارمغان (س ۷، ش ۱، ص ۲۳-۱۹، ش ۳-۲، ص ۱۱۷-۱۰۴، ش ۵، ص ۳۱۲-۳۰۱)، از سعدی تا جامی (۴۶۸، ۳۴۶)، بهارستان جامی (۱۱۵-۱۱۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۸۷۷-۲/۸۷۱)، تاریخ گزیده (۷۴۶)، تاریخ مغول (۵۳۳-۵۳۲)، تاریخ نظم و نثر (۷۴۰-۷۳۹، ۱۵۸-۱۵۷)، تذکره الشعراء (۱۷۰-۱۶۴)، تذکره القبور (۱۴۱-۱۴۰)، حبیب السیر (۲/۶۶۵)، دایره‌المعارف فارسی (۲/۲۲۶۰)، الذریعه (۱۷/۲۰۷، ۱۲/۲۵۹، ۹/۹۱۶-۹۱۷)، راحه الصدور و آیه السرور (۴۶۹)، ریاض العارفین (۲۳۰-۲۲۹)، ریحانه (۸۴-۵/۸۳)، سبک شناسی (۳/۸۸)، شعر العجم (۱۸-۲/۱۱)، طرائق الحقائق (۶۴۹-۲/۶۴۸)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۱۶-۴۱۵)، فرهنگ سخنوران (۷۶۷-۷۶۶)، گنج سخن (۱۴۱-۲/۱۲۶)، لغت‌نامه (ذیل/ کمال‌الدین اسماعیل)، مجالس النفاث (۳۴۸)، مجمع الفصحا (۱۱۵۳-۳/۱۱۴۴)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۶۲۶)، مرآة الخیال (۳۸-۳۶)، المعجم فی معاییر اشعار العجم (۴۷۲، ۳۶۷، ۳۴۹-۳۴۸)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۰-۱/۶۰۹)، نتایج الافکار (۵۹۳-۵۹۰)، هفت اقلیم (۳۸۳-۲/۳۷۳)، یغما (س ۴، ش ۵، ص ۲۰۵).

اصفهانی مازندرانی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن‌رضا بن علی بن محمد حسینی اصفهانی مازندرانی.

عالم فاضل جلیل، در ۱۱ ذی حجه سال ۱۲۸۷ در نجف متولد شده، و در ۵ شنبه دوم جمادی الاولی سال ۱۳۴۴ در سامرا وفات یافته، در صحن شریف مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصفهانی مسجد شاهی، نورالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ مهدی معروف به حاج آقا نور الله فرزند حاج شیخ محمد باقر، عالم سیاسی، و مجتهد عالقدر. در اصفهان متولد شده، و در اصفهان و نجف نزد علما تحصیل نموده، پس از مراجعت به ایران در عداد علمای سیاسی و متنفذ قرار گرفته، در جنگ بین الملل اول در اثر سوء سیاست و اغوای جمعی، به نفع آلمانها اقداماتی نمود و خود و دیگران را رسوا نموده و در مجلس موسسان اول، و خلع سلطنت از خاندان قاجار، از اعضای مؤثر بوده، و در ۱۵ ربیع الاول سال ۱۳۴۶ به پاره‌ای جهات با جمعی از علمای اصفهان به قم مهاجرت نموده، و سرانجام پس از مدتی توقف در آنجا و نتیجه نگرفتن از مهاجرت و تفرقه علما، در شب غزه رجب سال مزبور در قم وفات یافته، جنازه به نجف اشرف منتقل گردید.

انصاری درباره او گوید: حاج شیخ نور الله دارای خلایلی خوب و خصالی نامطلوب بود. در حیا، و تواضع، و حلم، و علم، و شجاعت، و شهامت، و عدم خدیعت، و لطف مجاورت، و حسن بیان در معاشرت عین القلاده آقایان مسجد شاه می نمود، که از پاره‌ای حرکات دیگران و تکفیر و تفسیق مردم برائت داشت، ولی در سخاوت و صرف اوقات را به تدریس یا به رسیدگی حال ارباب حاجات، کوتاهی می آمد. سیاستش همه حب ریاست بود! و پیشرفت اندیشه خود، و مقید به نیک و بد در سرانجام امر نبود. بختی بلند، و ثروتی گرامند داشت.

ماده تاریخ وفاتش را انصاری گوید:

بدا فی وجهه نور و غابا

لذا ازّخت (غاب مهبط النور)

کتب زیر از آثار اوست:

- ۱- خصال الشیعه ۲- دیوان اشعار عربی و فارسی ۳- شرح حال شیخ محمد حسین برادر خود؛ و غیره.
- برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصفهانی نجفی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم فاضل، متوفی در ۱۲۹۰ و اندی. وی مؤلف کتابی است در سه مجلد در اعمال روز و شب و هفته و ماه و سال، و خاتمه‌ی آن در آداب و سنن و اخلاق.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، ابراهیم

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۸۹ ق)، شاعر، ادیب و خطاط. از هنرمندان عصر صفوی بود. پس از قتل پدرش (۹۲۸ ق)، روزگار او و برادرش، میرزا

اسماعیل، دگرگون شد. میرزا ابراهیم به قزوین رفت و چون خوش قریحه و با ذوق بود، منزلش محفل دانشمندان و شعرا گردید. وی خط نستعلیق را خوش می‌نوشت و شعر نیز می‌سرود. خط او را در ردیف حسنعلی مشهدی و سید احمد مشهدی و میرمعز کاشانی دانسته‌اند. به گفته‌ی صاحب «عالم آرای عباسی»، وی فرهنگی تدوین کرده بود که در آن لغات متداول در اشعار قدما و معانی آنها، گاه به تتبع و گاه به تصرف قریحه، جمع‌آوری شده بود. در قزوین درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۱۶- ۱۵/ ۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۰۱)، الذریعه (۱۵/ ۹)، عالم آرای عباسی (۱/ ۱۷۲)، مجمع الخواص (۷۰)، هفت اقلیم (۲/ ۴۰۱).

اصفهانی، ابوالحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم آیت الله حاج سید ابو الحسن اصفهانی رحمه الله علیه یکی از بزرگترین علما و مراجع شیعه در قرن اخیر است که متجاوز از سی سال در رأس حوزه نجف از اساتید بزرگ فقه و اصول بود و بعد از فوت مرحوم حائری و مرحوم نائینی زعامت و مرجعیت جهان تشیع به معظم له منتهی شد.

در سال ۱۲۸۴ در یکی از قصبات اصفهان متولد شد و ابتدا چند سال در اصفهان مقدمات علوم و سطوح فقه و اصول را به پایان برد و سپس وارد حوزه عراق شد و سالها از کرسی درس آیات عظام: مرحوم سید استاد، آخوند خراسانی، علامه یزدی، مجاهد شیرازی، و آقا شریعت اصفهانی به خوبی بهره مند بود و خود به درجه اجتهاد و استادی ارتقاء یافت. آیت الله اصفهانی یکی از مدرسین بزرگ حوزه نجف بود که پس از فوت علامه یزدی حوزه درس او محل استفاده اعلام بزرگ و فضیلتی متعدد قرار گرفت. آیت الله اصفهانی مجتهدی اصولی، محقق مدبر، استادی کامل و دانشمندی جامع علوم فقهی بود. او عمری در حوزه نجف در کوران بحثهای مختلف علمی و فقهی قرار داشت و خود سرآمد اقران گردید. مرحوم اصفهانی دانشمندی متقی و مجسمه ای از فضائل انسانی و معالم دینی و اخلاقی بود.

این پیکر تقوی و صبر و استقامت، از مسیر علم و عبادت چنان پیشرفتی نمود که مورد توجه خاص اولیای خدا قرار گرفت و از امدادهای غیبی و توجهات خاصه بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه برخوردار گشت، و از او در دوران زعامت و سرپرستی کرامات و عجایبی مشاهده شد که مسلماً مورد توجهات باری تعالی و ولی امر او بوده است. نوشته اند معظم له در موارد لزوم ضمن تماس با سرور انس و جان نارسائیهای حوزه و حوایج ضروری جهان تشیع را مرتفع می ساخت.

مرحوم آیت الله اصفهانی را دولت انگلیس با مبالغی زیاد قصد داشت استعمار کند. سفیر آنها به اتفاق نوری سعید تقاضای ملاقاتی در خلوت به او پیشنهاد نمود نپذیرفت. آخر الامر سفیر به اتفاق نوری سعید وارد جلسه عمومی که آیات و شیعیان در حضور آقا بودند به خدمت رسید و ضمن سخنانی مزورانه چکی سنگین از طرف دولت متبوع خود تقدیم آقا نمود. مرحوم اصفهانی آن چک را با مبالغی زیادتر (جهت هزینه مسلمانان و شیعیان مستضعف و مستمندانی که همه توان خویش را به اضافه عزیزان خود در جنگهای بین الملل از دست داده بودند) به سفیر و نوری سعید مسترد داشت و فرمود اگر داشتیم (مبسوط الید بودیم) خیلی بیش از اینها در راه اسلام و مسلمین مصرف می نمودیم. سفیر در مراجعت از خانه آقا، گفته بود ما خواستیم او و پیروان او را بخریم! اما او

ما و دولت انگلیس را خرید!! جهانیان زعما و سران مختلف ممالک و مذاهب را با زعمای شیعه مقایسه نمایند و خود قضاوت کنند!! آنگاه پی به حقانیت اسلام و تشیع سرخ علوی که در رأس آن پیامبر بزرگ اسلام و علی و اولادش علیهم السلام بازو به بازو با اقیانوس علوم تشریحی (و تکوینی) ایستاده و خونها داده اند خوب بنگرند! و قضاوت نمایند!! و سپس به حقیقت و روح اسلام پی ببرند.

مرحوم آیت الله اصفهانی عمری طولانی در راه خدمت به اسلام و مسلمین به خوبی پیش رفت و خود وسیله نجات بود و وسیله النجاتی نیز جهت عمل مقلدین به رشته تحریر برد و فضلا و دانشمندانی به جهان تشیع تحویل داد. فرزند عالم و مجتهد او سید حسن موسوی اصفهانی را بعد از نماز مغرب در حضور آقا به دستور استعمارگران و نوکران ابله سربریدند و او که در مقابل خدا بود خم به ابرو نیاورد. معظم له که خواستار رضای خدای متعال و بقای اسلام عزیز بود بعد از مدتی قاتل ابله را نیز پیامبر گونه بخشید.

مرحوم آیت الله اصفهانی سالها از دست استعمارگران و نوکران داخلی آنها در رنج بود و مدتی تبعیدی کشید و از دست ددمنشان منافق ناراحتیها و آزارهای روحی دید ولی تحمل می فرمود. و در عین حال که از رنج مسلمین و شیعیان غافل نبود، خود عمری ایستاد و در راه انجام وظائف و ابلاغ رسالت خویش کوتاهی ننمود، و سرانجام در ششم ذیحجه سال ۱۳۶۵ روانش از زندان تن آزاد شد و به لقای حق نائل گردید و در کنار صحن مرتضوی مدفون شد. با مرگ او همانگونه که به یاد دارید جهان اسلام و تشیع به ماتم عظیمی فرو رفت که فقدان این گونه افراد ثلمه ایست بر پیکر اسلام که لایسدها شیء.

یادآوری: بعد از مرحوم آیت الله العظمی اصفهانی رحمه الله علیه، با آنکه به مراجع و آیاتی بزرگ بر می خوریم، اما سرانجام زعامت و مرجعیت جهان تشیع به مرحوم آیت الله بروجردی منتهی شد. روان همگان شادتر باد.

منابع زندگینامه: <http://www.shaaer.com>

اصفهانی، ابوالسعادات اسعد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۳۵ ق)، فقیه امامی. مشهور به ابن سفر و یا ابوالسعادات اصفهانی. وی از شاگردان علی بن قطب‌الدین راوندی و از اساتید و مشایخ خواجه نصیرالدین طوسی، میثم بن علی بحرانی و سید رضی‌الدین علی بن موسی بن طاووس بود. از آثار وی: کتاب «اکسیر السعادتین»، که حاوی کلمات قصار حضرت امیرالمؤمنین (ع) است و احتمالا همان کتاب «مجمع البحرين و مطلع السعادتین» است که جمع بین کلمات قصار پیامبر (ص) به نقل از «الشهاب» و کلمات قصار امیرالمؤمنین (ع) به نقل از «نهج البلاغه» می باشد؛ «توجیه السؤالات فی حلّ الاشکالات»؛ «جامع الدلائل و مجمع الفضائل»، در امامت؛ «شرح الولاء فی شرح الدعاء»، درباره‌ی دعاء صنمی قریش؛ «الفائق علی الاربعین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع)»، در اثبات امامت حضرت امیرالمؤمنین (ع).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲۹۸-۲۹۷/۳)، ایضاح المکنون (۵۷۳، ۳۵۳، ۳۳۶/۱)، الذریعه (۲۲/۲۰، ۹۱-۹۰/۱۶، ۲۳۶/۱۱، ۵۲، ۴۷۶/۴، ۲۷۸/۲)، روضات الجنات (۱۱۰/۱)، ریاض العلماء (۸۲-۸۱/۱)، ریحانه (۱۲۴/۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۷/۷)، لغت‌نامه (ذیل / اسعد)، معجم المؤلفین (۲/۲۴۷).

اصفهانی، ابوالفضل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام والمسلمین عالم متقی آقای حاج شیخ ابوالفضل اصفهانی نجفی از علماء محترم و دانشمندان معظم حوزه علمیه قم می‌باشد. در تاریخ ۹ ذی‌الحجه ۱۳۳۴ ق در محله بیدآباد اصفهان متولد شده و تا ۱۳۵۴ در اصفهان مشغول به تحصیل مقدمات بوده و پس از آن حرکت به نجف اشرف نموده و سطوح عالیہ را نزد اساتید عظام چون آیت‌الله خوئی و آقامیرزا محمدباقر زنجانی خوانده و بعد از آن سه سال از محضر علامه مرحوم حاج شیخ محمدحسین اصفهانی استفاده اصول نمود، و بعد از فوت آن مرحوم از محضر آیات عظام آن سامان چون آیت‌الله خوئی و کاظمینی و آیت‌الله آقا سید عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله حکیم و آقا سید جمال گلپایگانی استفاده نموده و در سال ۱۳۷۰ به واسطه ابتلاء به کسالت سل ریوی ناچار به مراجعت از نجف به ایران شده و تا حدود دو سال در تهران به معالجه پرداخته و پس از آن برای عدم تمکن به معاودت به نجف برای کسالت مزبور به قم المحمیه مشرف و از محضر علامه المتأخرین آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده و ضمناً به تدریس متون فقه و اصول مشغول و تاکنون که یکی از مدرسین محترم حوزه می‌باشند و در مسجد امام برای عده‌ای تدریس می‌کنند.

از تالیفات و آثار ایشانست ۱- حاشیه‌ای بر مکاسب ۲- دوره اصول مستقل ۳- رساله‌ای در جمع بین حکم ظاهری و واقعی ۴- رساله‌ای در قاعده فراغ و تجاوز ۵- مختصری در طهارت و صلوه ۶- کتابی در جمع احادیث مربوط به مواعظ و فضل و مصائب اهل بیت علیهم السلام ۷- جوهر النضید فی شرح فروع التقلید. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

اصفهانی، ابوالمجد شیخ محمد رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۲- ۱۲۸۷ ق)، فقیه اصولی، حکیم، متکلم، ریاضیدان و شاعر. مشهور به آقا رضا اصفهانی. وی پیش از سن بلوغ، مقدمات علوم را از سید ابراهیم قزوینی فراگرفت و سپس به تحصیل فقه و اصول و تفسیر در محضر پدر و شریعت اصفهانی پرداخت. علوم معقول و ریاضی را نزد میرزا حبیب‌الله ذوالفقون آموخت و برای تکمیل فقه و اصول وارد حوزه‌ی درس آخوند خراسانی و سید محمد کاظم یزدی شد. پس از بازگشت سید محمد فشارکی از سامرا به نجف، نزد وی شاگردی کرد. در هفتاد و پنج سالگی به علت جنگ جهانی اول از نجف اشرف به اصفهان کوچید و در همان جا درگذشت. از آثار وی: «تنبیهات دلیل الانسداد» یا «اثبات حجیت ظن طریقی»؛ «ذخائر المجتهدین»، در شرح کتاب «معالم الدین فی فقه آل‌طه و یس»؛ «سمط اللآل فی معرفه‌ الوضع و الاستعمال» یا «جلیه‌ الحال»؛ «السيف الصنيع لرقاب منكري علم البديع»؛ «نقد فلسفه‌ی داروین»؛ «وقایه‌ الاذهان»؛ «الایراد و الاصدار»؛ تعریب «السیرو السلوک» منسوب به آیه‌الله بحر العلوم؛ «دیوان» شعر، به فارسی و عربی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۳۳/ ۲۵/ ۲۷۷، ۲۴/ ۲۸۷، ۱۲/ ۳۶۳، ۹/ ۷۹، ۷/ ۱۲۷، ۵/ ۴۵۲، ۴/ ۲۱۳، ۲/ ۴۸۸، ۲/ ۲۵۳- ۲۵۲/ ۷).

اصفهانی، ابوالمجد محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۲ - ۱۲۸۷ ق)، فقیه اصولی، حکیم، متکلم، ریاضیدان و شاعر. وی پیش از سن بلوغ، مقدمات علوم را فراگرفت و در پانزده سالگی به نجف رفت و به تحصیل فقه و اصول و تفسیر در محضر پدر و سید ابراهیم قزوینی پرداخت. علوم معقول و ریاضی را نزد میرزا حبیب‌الله ذوالفنون آموخت و برای تکمیل فقه و اصول وارد حوزه درس آخوند خراسانی و سید محمد کاظم یزدی و شریعت اصفهانی شد. پس از بازگشت سید محمد فشارکی از سامرا به نجف، نزد وی شاگردی کرد و در هفتاد و پنج سالگی به علت جنگ جهانی اول به اصفهان کوچید و در همان جا درگذشت. از آثار وی: «تنبیها تدریس دلیل الانسداد»؛ «ذخائر المجتهدین»، در شرح کتاب معالم‌الدین فی فقه آل طه و یس؛ «سمط اللآل فی الوضع والاستعمال»؛ «السیف الصنیع لرقاب منکری علم البدیع»؛ «نقد فلسفه‌ی داروین و دحض شبهات المبطلین»؛ «وقایه الأذهان»؛ «اداء المفروض فی شرح ارجوزه العروض»؛ «استیضاح المراد من قول الفاضل الجواد» و «الامجدیه» در اعمال ماه رمضان.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۲۷/ ۵، ۴/ ۴۵۲)، ریحانه (۲۵۳ - ۲۵۲/ ۷).

اصفهانی، ابوشجاع احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۴۳۴ - وف ح ۵۰۰ ق)، فقیه شافعی. اصل خاندان او از اصفهان بود، و پدر وی در آبادان و خود او در بصره متولد شد. او در بصره بیش از چهل سال به تدریس فقه اشتغال داشت. زمانی هم منصب قضا یافت. وی کتابی مختصر در فروع فقه شافعی به نام «الغایه فی الاختصار» یا «المختصر» یا «التقریب» دارد، که منشأ یک رشته آثار در فقه شافعی گردید و از سده هفتم تا سیزدهم شروح فراوان بر آن نوشته شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: دانشنامه‌ی ایران اسلام (۱۰۵۷/ ۸)، کشف الظنون (۱۶۲۵)، معجم المؤلفین (۱۹۹/ ۱)، هدیة العارفين (۸۲ - ۸۱/ ۱).

اصفهانی، ابومنصور معمر

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۱۸/ ۴۱۲ ق)، عارف و محدث حنبلی. معروف به شیخ اصفهان. وی در اصفهان زندگی می‌کرده. عالم به علوم ظاهری و باطنی، و یگانه شیخ زمان خود بوده و معاصر عارفانی چون ابونصر سراج طوسی و ابوعبدالرحمان سلمی و ابوبکر کلاباذی از

ابوعبدالله محمد بن یوسف بنا و علی بن سهل به عنوان امام خود در تصوف یاد می‌کند. شیخ احمد کوفانی وی را دیده بوده است. او صاحب تصانیف بسیار است، از آثار وی: «نهج‌الخاص»؛ «اربعین صوفیان»؛ «غربت».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: طبقات الصوفیه هروی (۶۲۵-۶۲۴)، کشف‌المحجوب (۶۳-۶۲)، معارف (س ۶، ص ۸۰-۳)، نفحات الانس (۲۸۹).

اصفهانی، ابونعیم

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حافظ ابونعیم (به تصغیر) احمد بن عبدالله بن احمد بن اسحق بن موسی بن مهران اصفهانی، سبط محمد بن یوسف البناء اصفهانی. محدث جلیل القدر و عظیم المنزله، در رجب سال ۳۳۰ یا (۳۳۶) در اصفهان متولد شده، و جنت اخذ حدیث و تحصیل علم، به شهرهای مختلف مسافرت فرموده، و سرانجام در یکشنبه ۲۱ محرم سال ۴۳۰ در اصفهان وفات یافته، در قبرستان آب بخشان مدفون گردید.

شرح حالش در عموم کتب شیعه و سنی به حالات قدر و وثاقت، مذکور است.

کتب زیر از اوست:

۱- اربعین در حالات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه ۲- تاریخ اصفهان، در دو مجلد، به طبع رسیده ۳- حلیه الاولیاء، معروف‌ترین تألیف او ۴- ذکر المهدی علیه السلام ۵- ما نزل من القرآن فی امیرالمومنین علیه السلام ۶- معرفه الصحابه، و یازده مجلد کتاب دیگر.

در کتب رجال از او به حافظ اصفهان، و گاهی حافظ دنیا تعبیر می‌کنند.

وی از اجداد و علامه‌ی مجلسی است. برخی او را سنی و صوفی، و عده‌ای شیعه می‌دانند.

از ابی بکر احمد بن علی بن ثابت خطیب نقل شده که او گوید: جمع کرد بین حدیث و فقه و تصوف، و ندیدم احدی را از مشایخ خود حافظ تر از او.

از شیخ ابو عبدالله محمد بن محمد اصفهانی نقل شده است که چون سلطان محمود غزنوی بر اصفهان استیلا یافت، از طرف خود، کسی را بر این شهر والی گردانید، مردم بر او بشوریدند و او را کشتند. سلطان محمود مجدداً به شهر مراجعت نموده و مردم را تأمین داد، و از تقصیر آنان در گذشت. چون روز جمعه شد و مردم جهت نماز جمعه در مسجد حاضر شدند جمعی کثیر از مردم بکشت، و چون مردم شهر قبلاً حافظ ابونعیم را از ورود به مسجد منع کرده بودند از این مهلکه جان به سلامت برد، و این موضوع را از کرامات حافظ دانستند.

مؤلف طرائق الحقایق (۲: ۲۵۱) وی را از مؤرخین صوفیه می‌نویسد.

در مذهب حافظ ابونعیم اختلاف است، لکن قول به تشیع او از جهاتی برتر از اقوال دیگر است.

در روضات الجنات (۱: ۷۵) گوید: نقل شده است که میر لوحی موسوی سبزواری ساکن اصفهان از جمله کسانی است که با مجلسی عداوت داشته و از جهت همین عداوت، مردم را تحریک نموده، و قبر حافظ ابونعیم را خراب کرده، و از این تخریب قصد اذیت و آزار علامه مجلسی را داشته است.

و هم در آنجا از «نظام الاقوال» نقل می‌کند که قبر حافظ ابونعیم در اصفهان است، آن را زیارت کرده‌ام، و بر آن مکتوب است: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: مکتوب علی ساق العرش: لا اله الا الله وحده لا شریک له محمد بن عبدالله عبدی و رسولی، و أیدتہ بعلى بن أبی طالب علیه السلام. رواه الشيخ الحافظ المؤمن الثقة العدل أبو نعیم أحمد بن محمد بن عبدالله، سبط احمد بن یوسف البناء الاصفهانی.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصفهانی، باقر، محمد باقر

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۰۰ ق)، شاعر و منشی. وی از سادات نظربود و در اصفهان نشو و نما یافت. جد اعلاى او از مریدان صفی اردبیلی بود و پدرش نیز در دربار شاه عباس وزیر سرکار قوچیان بود که این منصب بعد از مرگش به وی ارجاع داده شد. میرزا محمد باقر در سرودن قصیده، غزل و سایر اقسام شعر قدرت تمام داشت. از وی «دیوان» اشعاری به جای مانده است.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آتشکده‌ی آذر (۹۲۶/۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۷۰-۶۹)، الذریعه (۱۲۲/۹)، صبح گلشن (۵۳-۵۲).

اصفهانی، بهرام بن فیروز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مؤلف شارستان فارسی، در بیان مراتب دانش، و عقاید و آداب ایرانیان باستانی. مؤلف از شیراز به تته رفته، و از شاگردان جمال الدین محمود تبریزی و آذر کیوان است. در ۱۳۰۴ در لاهور فوت شده است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصفهانی، جمال

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم حاج شیخ جمال‌الدین بن حاج شیخ محمدباقر اصفهانی برادر مرحوم حاج آقا نورالله که پس از فوت برادرش به قم آمده و منبرهای داغ و با حرارت و پرسوز و گدازی رفت و سر و صدائی بلند کرد آن عالم جلیل از رؤساء علمای اصفهان بود در سال ۱۲۸۴ متولد شده در خدمت پدر خود در اصفهان تحصیل کرده آنگاه مهاجرت به نجف و در درس مرحوم میرزا حبیب‌الله رشتی و آخوند خراسانی تلمذ نموده و سپس به اصفهان مراجعت کرده در جنگ بین‌الملل اول در سال ۱۳۳۲ روسها به تهرانش بردند و تا آخر عمر در آنجا ساکن و از مراجع عالیقدر به شمار می‌رفت یکی دو سال قبل از فوتش تبعید به اصفهان شده و در شب یکشنبه

۲۵ جمادی‌الاولی ۱۳۵۴ وفات یافته و در بقعه تکیه مادر شاهزاده مدفون گردید معظم له از علماء متنفذ و محبوب‌القلوب عندالخواص والعوام بود شبهای جمعه در جوار حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام و هم در موقعی که در اصفهان بود در تخت فولاد در تکیه میرزا رفیعا احیاء می‌گرفت و جمع کثیری در آن شرکت می‌نمودند در اصفهان در مسجد شیخ لطف‌الله و در تهران در مسجد حاج سید عزیزالله بازار امامت می‌فرمود.

ماده تاریخ وفاتش را دانشمند بزرگوار آقای معلم حبیب‌آبادی ضمن قطعه‌ای گفته است:

بماه و سال و تاریخ وفاتش

بگفت این شعر با حالی مرفه

جمادای یکم در بیست و پنجم

(جمال‌الدین بجننت رفت ناگه)

والده ماجده‌اش از سادات اخوی تهران دختر عموی داماد گرامی نگارنده آقای سید حسین تقوی تهرانی (سادات اخوی) و زوجه اولیه‌اش دختر مرحوم آیت‌الله حاج آقا حسن عراقی متولد ۱۳۲۵ و متوفی ۱۳۴۷ می‌باشد.

(۱۳۵۴- ۱۲۸۴ ق)، فقیه و امام جمعه. در خدمت پدر خود در اصفهان تحصیل کرد. آن‌گاه به نجف رفت و در محضر میرزا حبیب‌الله رشتی و آخوند خراسانی تلمذ کرد، سپس به اصفهان بازگشت. در اوایل جنگ جهانی اول به علت مخالفت با روسیه‌ی تزاری از اصفهان به تهران تبعید شد. وی از علمای طراز اول تهران و یاران مدرس و مدتی نیز امام جمعه‌ی تهران بود. حاج آقا جمال از هنگامی که رضاخان می‌خواست جمهوریت را پی‌ریزی کند با او به مخالفت برخاست و سرانجام به اصفهان تبعید شد. وی در همان جا درگذشت و شایع شد که توسط عوامل رضاخان مسموم شد. [۱]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تذکره القبور (۲۳۷- ۲۳۶)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۹۱- ۱۸۹ / ۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۳۶- ۲۳۵ / ۱).

اصفهانی، حاجی ابوتراب

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

از صلحای دهر، و از مصاحبین مولی محمد باقر مجلسی بوده، و به افاده فقه و حدیث مشغول، و اقوالش در شرعیات معتمد علیه، و روزگاری به آسایش داشته، در سال ۱۱۱۰ وفات یافته است.

پسرش حاجی ابوطالب نیز از محدثین بوده و پس از پدر، به چند سال فاصله وفات یافته است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصفهانی، حافظ عبدالرحمان

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حافظ ابوصالح عبدالرحمان بن سعید اصفهانی بغدادی، از بزرگان محدثین به شمار می‌رود، و از عبدالرحمان بن رسته‌ی اصفهانی و ابومسعود رازی اخذ حدیث نموده، در جمادی الآخر سال ۳۲۴ در بغداد از دنیا رفته است.
برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، حبیب الله

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند میرزا عبدالله. عالم و فاضل و ادیب و نویسنده بوده، در سال ۱۱۰۶ وفات یافته. وی مؤلف کتاب: «توصیف الوزراء» است که آن را رجال میرزا حبیب الله نیز گویند، در احوال وزاری دولت صفویه. ظاهرأ وی سید نور الدین حبیب الله نسابه اصفهانی است.
برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصفهانی، حسنعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۱-۱۲۷۹ ق)، عالم، مدرس، عارف ربانی و حکیم الهی. مشهور به نخودکی. مقدمات را تا یازده سالگی نزد پدر خویش و دیگران آموخت. سپس زیر نظر حاج میرزا محمدصادق به سیر و سلوک عارفانه پرداخت. در سنین جوانی ادبیات و قسمتی از ریاضیات مانند حساب و هیئت را نزد آخوند کاشی و فلسفه را نزد میرزا جهانگیرخان قشقایی تحصیل کرد و سپس راهی عتبات عالیه شد و در نجف به ادامه‌ی تحصیل پرداخت. و در آنجا با حاج سید مرتضی کشمیری معاشرت و مجالست کرد. سپس به اصفهان بازگشت و پس از مدتی در مشهد اقامت گزید. حاج شیخ حسنعلی بیشتر ایام عمر را در ریاضت‌های طاقت‌فرسا سپری کرد. وی دارای مقامات و کرامات بسیار بوده که شرح جزئی از کرامات و کارهای خارق‌العادی وی در کتابی تحت عنوان «نشان از بی‌نشانه‌ها» توسط فرزند آن مرحوم گردآوری شده و نشر یافته است. او به تدریس فقه مانند شرح لمعه و درس تفسیر و گاهی هم هیئت و حساب می‌پرداخت و بقیه‌ی اوقات را به برآوردن حاجات مؤمنان از دعا و دوا می‌گذراند. در مدت اقامت او در مشهد هزاران هزار مریض با دعای وی معالجه شدند. آیت‌الله اصفهانی پس از یک بیماری چهل روزه در محله سعدآباد مشهد رحلت کرد و در صحن رضوی دفن شد.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۹۲-۱۹۱/۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۱۳-۱۱۱/۷)، نشان از بی‌نشانه‌ها (مقدمه).

اصفهانی، زلیخا

قرن: ۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

قرن ششم هجری، از زنان محدث. وی دختر احمد بن محمد بن احمد بود و از ابو محمد رزق الله تمیمی و ابو عبدالله قاسم بن فضل ثقفی و ابو الفوارس طراد زیبایی حدیث شنید. معمر المفید در سال ۵۴۵ از او حدیث نوشته و به سمعانی اجازه داده است. برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۲ / ۳۶.

اصفهانی، زینب

قرن: ۱۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

از زنان محدث و پارسا. وی دختر عبیدالله بن حسن بود و در نیشابور به دنیا آمد. پدرش او را با خود به اصفهان برد و در آنجا از ابو مطیع محمد بن عبدالواحد مصری حدیث شنید و همچنین در نیشابور از ابوعلی نصرالله احمد خشتانی استماع حدیث کرد. برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۲ / ۷۸.

اصفهانی، ست آرمیه

قرن: ۱۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

از زنان محدث. وی دختر احمد بن محمد بن حداد بود و از ابراهیم بن محمد بن ابراهیم طبایی حدیث شنیده و سمعانی حدیثی چند از او نوشته است. برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۲ / ۱۵۰.

اصفهانی، ست ناز

قرن: ۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

اوایل قرن ششم هجری، از زنان محدث. وی دختر مفضل بن ابی الفوارس بود و از شجاع بن علی صقلی حدیث فراگرفت و سمعانی از او احادیثی شنیده است. برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۲ / ۱۷۰.

اصفهانی، ست‌الجلیل

قرن: ۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

قرن ششم هجری، از زنان محدث. وی دختر ابومحمد بن الحسن بود و در مجلس ابوبکر بن ماجه حاضر می‌شده و سمعانی از او حدیث شنیده است.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: اعلام‌النساء، ۱۵۳ / ۲.

اصفهانی، ست‌الناس

قرن: ۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

قرن ششم هجری، از زنان محدث. وی دختر علی بن عباد بود و از ابراهیم طیان حدیث فراگرفت و سمعانی از او استماع حدیث کرده است.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: اعلام‌النساء، ۱۷۱ / ۲.

اصفهانی، شمس‌الدین محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن محمود بن محمد بن عبدالکافی.

در ۶۱۶ متولد، و در رجب سال ۶۸۰ در مصر وفات یافته، در قرافه مدفون گردید.

در اصفهان و بغداد تحصیل علوم نموده، و در منطق و کلام و اصول از اساتید به شمار می‌رود.

کتب زیر از اوست:

- ۱- قواعد ۲- غایه‌المطب، در منطق ۳- الکاشف عن الحصول، در شرح کتاب محصول، معروف‌ترین تألیفات اوست و در بین مؤلفین به همین جهت او را اصفهانی شارح محصول گویند.
- برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصفهانی، شمس‌الدین، ابوالثناء محمود

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۴۹- ۶۷۴ ق)، مفسر، صوفی، متکلم، منطقی، عروضی و نحوی. در اصفهان متولد شد و فنون متداول را در زادگاه خود نزد پدر و جمال‌الدین ابی‌رجا و دیگران فراگرفت. مدتی در اصفهان و تبریز به تدریس پرداخت و از معاصران شیخ حسن چوپانی و قاضی مظفرالدین شاه قزوینی بود. پس از زیارت خانه خدا به دمشق رفت و در جامع اموی به تدریس پرداخت، سپس به قاهره رفت و در خانقاهی که قوصون برای او بنا کرده بود به ارشاد و تربیت مریدان مشغول شد و در همان شهر بود تا درگذشت. و در قرافه دفن شد. از آثار: وی «تشیید القواعد فی شرح تجرید العقاید»؛ شرح «کافیه» ابن‌حاجب در نحو؛ شرح «ساویه»، در عروض؛ «انوار الحقایق الربانیه فی تفسیر الآیات القرآنیه»؛ شرح «منهاج» بیضاوی؛ «ناظر العین»؛ «شرح مختصر السؤل و الأمل فی علمی الاصول و الجدل»؛ «شرح الطوالع»، در منطق و کتاب مختصری در اصول دین.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۵۲/ ۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۳۰، ۲۲۹/ ۳)، حیب السیر (۲۳۲/ ۳)، الذریعه (۱۴۰/ ۱۳)، روضات الجنات (۱۱۷/ ۸)، ریحانه (۲۴۹- ۲۴۸/ ۳)، کشف الظنون (۱۹۹۱، ۱۹۲۱، ۱۸۷۹، ۱۸۵۵، ۱۷۱۷، ۱۳۷۱، ۱۱۴۸، ۱۱۳۷، ۱۱۱۶، ۴۴۳، ۴۴۲، ۳۴۶، ۲۳۵)، لغت‌نامه (ذیل / محمود)، معجم المؤلفین (۱۷۳/ ۱۲)، هدیه العارفین (۴۰۹/ ۲).

اصفهانی، ضوء

قرن: ۱۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

از زنان محدث. وی دختر حمد بن محمد بن ابی‌الفتح بود و از سلیمان بن ابراهیم حافظ و ابوبکر بن ماجه الابهری حدیث فراگرفت و سمعانی از او حدیث شنیده است. [۱]

از زنان محدث، نیکوکار و پارسا. از جدده‌اش عایشه و رکانیه دختر حسین حدیث فراگرفت و سمعانی در اصفهان از او حدیث نوشت. [۲]

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: [۱] منبع: اعلام النساء، ۳۶۰ / ۲.

[۲] منبع: اعلام النساء، ۳۶۰ / ۲.

اصفهانی، طاهر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

معروف به دیباچه نگار. فاضل ادیب و شاعر مترسل از سلسله‌ی مشایخ بیدآباد که نسب آنان به شیخ زاهد گیلانی می‌پیوندد می‌باشد.

در ۱۰ ذی حجه ۱۲۲۴ در اصفهان متولد شده، و مقدمات علوم را در این شهر آموخته، به طهران رفته، و مورد نظر بزرگان واقع

شده.

کتاب «گنج شایگان» را در تراجم شعرای مادح میرزا آقاخان نوری جمع‌آوری نموده، و در آن از ۴۸ شاعر نام می‌برد. تاریخ اتمام آن (آکنده شده به درج گهر گنج شایگان ۱۲۷۳) می‌باشد. وی را دیوان اشعار است به عربی و فارسی، و در آن «شعری» تخلص می‌کند.

وفاتش را در ۱۲۷۰ نوشته‌اند و یقیناً اشتباه است، لیکن دانشمند محقق آقای آقامیرزا محمد علی معلم در کتاب «نمونه‌ی مختصر المکارم» آن را در ۱۲۷۵ نوشته‌اند، و این تاریخ به یقین نزدیکتر است.

جد اعلای ایشان شیخ محمد حسن [بن شیخ عبدالله گیلانی] عالم و عارف بوده و او را محمد حسن خان قاجار به اصفهان آورده، و منصب قضاوت بدو داده، که تا این اواخر قضاوت اصفهان در سلسله‌ی ایشان باقی بود.

برادرش: شیخ محمد صالح، عالم و فاضل بوده، در مدرسه‌ی دارالفنون تدریس، و در مسجد آنجا امامت می‌نموده، و در طهران فوت شده است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، ظفر باثوبه

قرن: ۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

ز ۵۳۲ ق، از زنان محدث، وی از ابوطالب احمد بن محمد بن جعفر استماع حدیث کرد و برای سمعانی در سال ۵۳۲ اجازه نوشت.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۳۷۵ / ۲.

اصفهانی، عافیه

قرن: ۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

۵۳۲ ق، از زنان محدث، دیندار و پارسا.

وی دختر حسین بن عبدالملک بن عبدالوهاب و اهل اصفهان بود. از احمد بن زیاد و ابوبکر ابن احمد بن ماجه حدیث فراگرفت و سمعانی از او استماع حدیث کرده است.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۲۲۱ / ۳.

اصفهانی، عبدالجواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی از علماء مبرز و محترم حوزه و شاگردان برجسته مرحوم آیت‌الله خونساری و آیت‌الله آقای حاج شیخ محمدعلی عراقی و آیت‌الله العظمی بروجردیست که به فضل و دانش موصوف و مشهور است تولدش در حدود ۱۳۲۳ قمری در خمینی شهر اصفهان واقع شده و پس از رشد و طی مقدمات به قم هجرت نموده و از محاضر معظم لهم و بعض اساتید دیگر استفاده نموده و چند سالی هم از طرف مرحوم آیت‌الله بروجردی برای تدریس و اداره مدرسه علمیه کرمانشاه به آن سامان مهاجرت ولی دوام نیاورده و به قم مراجعت و تاکنون به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارد و مورد توجه مخصوص آیت‌الله العظمی گلپایگانی می‌باشد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

اصفهانی، عبدالرسول

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

از شاگردان آخوند خراسانی بوده، و [شرح] خطبه‌ی «اول الدین معرفته» را از تقریرات استاد خویش تألیف نموده است، و در حدود سال ۱۳۵۶ در نجف وفات یافته است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، عبدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید عبدالله اصفهانی

محل تولد: ساری

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای سید عبدالله اصفهانی در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در ساری دیده به جهان گشود. نامبرده پس از فراغت از تحصیل در دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در زادگاه خویش، در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۵ که سال‌های خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود و حوزه‌های علمیه از طرف رژیم منحوس پهلوی به شدت تحت فشار بودند وارد حوزه علمیه مازندران گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره‌های علمی، اخلاقی فراوان برد.

وی پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۵ به حلقه دروس خارج راه یافت. و از درس ستارگان درخشان حوزه های علمیه عالم شیعه همچون مرحوم آیت الله مازندرانی، شیخ مهدی زمانی و... بهره های فراوان علمی و اخلاقی برد. استاد سال های متمادی است که به تدریس و شاگرد پروری در دانشگاه مازندران و دانشگاه آزاد قائم شهر مشغول است و علاوه بر تدریس هم اکنون مدیر گروه معارف شبکه تلویزیونی طبرستان می باشد. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به تبلیغ، تحقیق و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که آثار متعددی از جمله "تفسیر موضوعی قرآن کریم"، "اخلاق اسلامی کلیات و مفاهیم" و... را به رشته تحریر و زیور طبع آراسته است.

اصفهانی، عبدالله بن حسن

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم عامل، و فقیه کامل، متوفی در سال ۱۱۸۴ بوده، قبرش نزدیک قبر خواجهائی در تخت فولاد.

ماده تاریخ وفاتش را صهبا گوید:

از جهان رفت آه عبدالله

زان در اخلاق و فضل کامل حیف

کلک صهبا نوشت تاریخش

حیف زان زبدهی افاضل حیف

بر گرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، عبدالمطلب

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند محمد حسن کاظمینی، معروف به عباس آبادی. عالم فاضل، از شاگردان شیخ احمد احسائی و پیروان او بوده، و در کتب خویش طعن زیاد به مخالفین شیخیه دارد.

کتب زیر از آثار اوست:

۱ - الحجّة البالغة ۲ - رساله در حجیت مظنه (عنوان هفتم کتاب الحجّة البالغة است) ۳ - رساله رد بدهاء، در ۱۲۷۷ تألیف شده ۴ - نجاه الدارین (عنوان پنجم الحجّة البالغة است).

وفاتش پس از ۱۲۷۷ می باشد.

بر گرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، عماد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوعبدالله محمد بن صفی‌الدین ابی‌الفرج محمد بن حامد بن محمد [بن عبدالله] بن علی بن محمود کاتب اصفهانی. ادیب کاتب، و فقیه شافعی، معروف به [کاتب اصفهانی، عماد کاتب و] ابن اخی عزیز، در شعبان ۵۱۹ در اصفهان متولد، و در اصفهان و بغداد تحصیل نموده، سال‌ها در نظامیه‌ی بغداد به کسب علوم پرداخته، در شام به وزارت صلاح‌الدین ایوبی رسیده، سرانجام در دوشنبه غره‌ی رمضان سال ۵۹۷ وفات یافته، در دمشق مدفون گردیده.

کتاب زیر از اوست:

۱ - البرق الشامی، در تاریخ، در ۷ مجلد ۲ - خریدة القصر و جریده اهل العصر، معروف‌ترین تألیفات او در ۱۰ مجلد ۳ - دیوان رباعی ۴ - دیوان الرسائل ۵ - دیوان شعر، در چهار مجلد ۶ - زبده النصره، در پاریس و لندن چاپ شده است ۷ - السیل علی الذیل، شرح تاریخ بداد ۸ - عتبی الزمان ۹ - الفتح القسی فی الفتح القدسی، دو جلد ۱۰ - نحلۃ الرحله ۱۱ - نصره العتره، در تاریخ سلجوقی؛ و غیره.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، عیسی بن محمد علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

از فضلالی قرن ۱۳، و مؤلف کتاب «اسرار الانوار» فارسی، در حکایات اخلاقی و مواعظ، در بیست باب. تاریخ تألیف یا کتابت ۱۲۱۵ می‌باشد. از مطالعه‌ی کتاب معلوم می‌شود که مؤلف را از علم و دانش بهره‌ی زیادی نبوده است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، عین‌الشمس

قرن: ۷

جنسیت: زن

ملیت: ایران

۶۱۰ ق، از زنان محدث و فقیه. وی دختر احمد بن ابی‌الفرج بود و از جدش مطهر بن عبدالواحد و از اسمعیل بن اخشید حدیث فراگرفت و حافظ ابوالقاسم ابن عساکر اجازه از او حدیث نوشته و سمعانی در اصفهان از او کتابت حدیث کرد.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: اعلام‌النساء، ۳۸۲ / ۳.

اصفهانی، غالیه

قرن: ۱۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

مکنی به ام‌الوفاء، از زنان محدث. وی دختر محمد بود که از هبئه‌الله بن جنه روایت کرده است.
برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه: منبع: اعلام‌النساء، ۴ / ۴.

اصفهانی، غنیمه

قرن: ۱۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

مکنی به ام‌سعده، از زنان محدث. وی دختر عبدالله بن احمد بن شیبان بود که از حافظ ابن مردویه روایت کرده است.
برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه: منبع: اعلام‌النساء، ۴ / ۱۲.

اصفهانی، فخرالنساء

قرن: ۱۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

از زنان محدث. وی دختر اسعد بن ابی‌احمد بود که از ابوسعید رجاء بن عبدالواحد استماع حدیث کرد.
برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه: منبع: اعلام‌النساء، ۴ / ۱۵۷.

اصفهانی، کریمه

قرن: ۱۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

مکنی به ام‌الحسن، از زنان محدث. وی دختر احمد بن حسن بود و از محمد ابن ابراهیم جرجانی و حافظ ابوبکر بن مردویه روایت حدیث می‌کرد و ابوبکر محمد بن ابی‌نصر لفتوانی از او روایت حدیث کرده است.
برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه: منبع: اعلام‌النساء، ۴ / ۲۴۰.

اصفهانی، محمد بن حسن بن محمد

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم فاضل، از علمای اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری در اصفهان است. مجموعه‌ای از کتب مربوط به نماز جمعه را که تاریخ برخی از آنها ۱۰۱۰ می‌باشد جمع‌آوری نموده است. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، محمد حسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن محمد، از شاگردان وحید بهبهانی است. در سال ۱۲۱۶ به ایران مهاجرت نموده، و چندین سال در کرمانشاه ساکن، و سپس به اصفهان منتقل شده، و در این شهر از جمله اعلام به شمار می‌رفته.

کتب زیر از اوست:

۱- انوار البصائر، در انواع علوم، در ۱۲ مجلد ۲- الرسالة المعادیّه، به فارسی ۳- زبده الرجال؛ و غیره. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصفهانی، محمد رضی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم فاضل فقیه مجتهد و عادل، از دانشمندان گمنامی است که در اصفهان در قرن ۱۳ می‌زیسته، و مانند هزاران عالم دیگر بدون اسم و رسم زندگی نموده و بدرود حیات گفته است. از آثارش اجازه اجتهادی است که به نام آقا سید محمد حسن مجتهد موسوی بعد از سال ۱۲۴۴ نوشته است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، محمدصادق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج میرزا محمدصادق مدرس خاتون‌آبادی فرزند حاج میرزا حسین نایب‌الصدر عالمی جلیل و محقق کامل و بی‌نظیر از رؤساء علماء اصفهان و مدرسین بزرگ آن سامان بود در اصفهان مقدمات علوم را تحصیل نموده و جهت تکمیل به نجف اشرف مهاجرت کرده در خدمت جمعی از اساتید بزرگ آنجا مانند آقای آخوند خراسانی و علامه‌ی یزدی تلمذ فرموده و از خواص شاگردان مرحوم آخوند گردید و در تصنیف کتاب کفایة‌الاصول یار و معین استاد بوده و حتی برخی از اهل اطلاع قسمتی از تحقیقات کفایه

را از ایشان می‌دانند. پس از مراجعت به اصفهان مرجعیت کلی در تدریس و فتوی یافت جمعی کثیر از فضلاء این شهر از شاگردان ایشان محسوب می‌شوند در سال ۱۳۴۵ باتفاق مرحوم آیت‌الله حاج آقا نورالله و علماء دیگر به قم آمده و تا چند ماه تشکیل جلسه درس و مباحثه داده و فضلاء برجسته از محضرش برخوردار می‌شدند تا بعد از فوت مرحوم حاج آقا نورالله به اصفهان مراجعت و به وظائف مقرر روحانی خود پرداخت تا در جمعه هفتم جمادی‌الاولی سال ۱۳۴۸ وفات نموده و در بقعه‌ی سیدالعراقین مدفون گردید.

جزواتی در فقه و اصول نوشته و تقریرات فقهی و اصولی اساتید خود را به رشته‌ی تحریر درآورده لکن متأسفانه به طبع نرسیده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

اصفهانی، معتزهی

قرن: ۵

جنسیت: زن

ملیت: ایران

قرن پنجم هجری، از زنان محدث. وی دختر حصین بود و از عبدالملک بن حسن بن عبد ربه عطار روایت کرده است.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: اعلام‌النساء، ۶۳ / ۵.

اصفهانی، منیر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج آقا منیر اصفهانی عالمی فاضل و زاهدی جلیل از بزرگان فقهاء و مجتهدین و از روساء علماء و محققین. در ۲۱ رجب ۱۲۶۹ در بروجرد متولد گردیده و مقدمات علوم را آموخته و جهت تکمیل علوم به اصفهان مهاجرت و به درس حاج شیخ محمدباقر مسجد شاهی حاضر شده و مدتی در سامرا درس آیت‌الله العظمی میرزا محمدحسن مجدد شیرازی را درک نموده و سپس به اصفهان مراجعت و با کمال عزت و احترام و قدرت و نفوذ بین الخواص و العوام می‌زیسته و در مسجد ایلچی اقامه جماعت و در منزل تدریس می‌نموده و خصوصاً در علم رجال و درایه احاطه کامل داشته و کتب چندی تالیف نموده از آن جمله است.

۱- الفیه در شرح حال علماء و اساتید خود ۲- تتمیم منظومه بحرالعلوم در فقه ۳- ترجمه حال عده‌ای از رواة ۴- رساله در فرق بین نافله و فریضه ۵- منظومه‌ای در اصحاب اجماع ۶- منظومه در اصول ۷- رساله مستقله‌ای در شرح حال رواة ۸- جوابات مسائل استدلالی به طریق جامع‌الشتات و غیره ایشان از حاج شیخ محمدباقر و شیخ زین‌العابدین مازندرانی روایت احادیث نموده و عده‌ای نیز از او اجازه روایت دارند آن بزرگوار در ظهر روز دوشنبه ۱۷ ربیع‌الثانی ۱۳۴۲ وفات و در تکیه ملک مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

اصفهانی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم مبرور علم الفقهاء و الاعلام آیت‌الله العظمی فی الانام آقا میرزا محمد مهدی اصفهانی غروی ابن المرحوم حجة الاسلام میرزا اسمعیل اصفهانی از مشاهیر علماء عظام و مدرسین گرام مشهد مقدس بوده‌اند تولد آن بزرگوار در سال ۱۳۰۳ قمری هجری در شهر اصفهان واقع شده و در مهد پرورش والد ماجدش که از صلحاء و اخیار ملاکین اصفهان بوده‌اند تربیت یافته و تحصیلات ادبی و مقدمات و اندکی از اصول و فقه را در اصفهان خدمت اساتید آن زمان خوانده و پس از فوت مرحوم والدشان زیر نظر حجة الاسلام آیت‌الله آقای حاج آقا رحیم ارباب تحت سرپرستی ایشان بوده‌اند و با نظر ایشان برای ادامه تحصیل به عتبات عالیات مشرف شده و بر حسب توصیه و سفارش آقای ارباب خدمت مرحوم آیت‌الله العظمی آقا سید اسمعیل صدر رضوان الله علیه مشرف شده و تحت سرپرستی علمی و سلوک روحانی آن بزرگوار واقع گردیده و علاوه بر تحصیلات فقه و اصول با مبانی معنوی و عوالمی روحانی مرحوم صدر که از خواص اصحاب اسرار مرحوم آخوند حاج ملا فتحعلی اراکی بوده‌اند آشنا شده و از عوالم معنویات و اخلاقیات و سیر و سلوکهای شرعی و حتی آن بزرگواران بهره‌مند گردیده سپس به امر مرحوم آیت‌الله صدر مذکور به نجف اشرف مشرف و در مرحوم آخوند ملا کاظم خراسانی شرکت و در عین اشتغال به تحصیل فقه و اصول با مرحوم آیت‌الله آقا سید احمد کربلائی و مرحوم حجة الاسلام آقا شیخ محمد بهاری که دو شاگرد ممتاز مرحوم آخوند ملا حسینقلی همدانی رضوان الله علیهم بوده‌اند مخالطه و موانست کامل پیدا نموده و در وادی سیر شرعی روحانی و سلوک ایمانی این جمع وارد شده و مقداری خود را از آب و گل بیرون کشیده و با معاشرین دیگری از اصحاب سلوک از قبیل مرحوم حاج سید علی قاضی و مرحوم آیت‌الله عالم ربانی حاج سید جمال‌الدین گلپایگانی و غیرهم آمیزش داشته تا در اوان جار و جنجال و انقلاب امر مشروطه به اتفاق آیت‌الله آقای سید جمال مزبور و چند نفر معدود دیگر خدمت مرحوم آیت‌الله العظمی آقا میرزا حسین نائینی قدس الله سره مشغول به تحصیل فقه و اصول سامره و شیخ می‌شوند و کلیه مطالب شیخ انصاری را که مرحوم آیت‌الله العظمی میرزا حسن شیرازی تنظیم و تهذیب نموده بودند و به توسط مرحوم سید استاد محمد فشارکی به میرزای نائینی و اصل شده بود تماماً را در مدت چهار و پنج سال تشرف خدمت مرحوم میرزای نائینی ثبت و ضبط نموده و در نتیجه به همه مبانی سامره‌ایها و مبانی نجفیه احاطه کامل حاصل فرمود و در عین حال مراحل سیر نفسی را هم بهایه تجرید و خلع بدن رسانیده و کاملاً خود را از آب و گل بیرون می‌کشد و از اقیانوس معارف صاحب علم جمعی قدس الله اسراره شطوط و انهار جاری می‌سازد.

شطی در اصول آل الرسول و نهی در فقه اکبر اهل‌البیت که شامل معارف مبدئی و معادی و انفسی و آفائی کتاب و سنت است و خلاصه پیش از تشرف حضور مقدس حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه در وادی السلام سر قبر حضرت هود و صالح موفق به تحصیل کمالات مذکوره می‌گردد و در حدود سنه ۱۳۴۵ قمری هجری مشرف به ارض اقدس رضوی شده و مجاورت مشهد مقدس را اختیار و به تدریس و تعلیم و تربیت طلاب و مدرسین حوزه مشهد پرداخته و علاوه بر تعلیم علوم نقلیه و القاء معارف اهل‌بیت علیهم السلام پیوند ولایت بسیاری از اهل علم را با شجره ملکوتیه ولی عصر حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه محکم و مستحکم فرموده و آنان را به ثمرات ولایتی بارور نموده و این خدمت ادامه داشت تا در آخرین انخلاع و تجریدی که برای آن بزرگوار دست داد درخواست نقل از این نشانه از دربار احدیت کرده و مستجاب شده به فاصله چند روز از این درخواست روز پنجشنبه ۱۹ ذی‌الحجه سال ۱۳۶۵ هجری قمری ندای غیبی را لیک اجابت گفته و بر اثر سکت از دنیا رحلت فرمود و در تاریخ فوت ایشان علامه محقق جناب حاج شیخ محمود حلبی که از تلامذه و ارادتمندان ایشان بود سرود.

یوم الخمیس تلوعید الغدیر

نال الی لقاء حی قدیر

قلت لعام فقد هادینا

غاب من الاعین مهدینا

مرقد شریفش در وسط دار الضیافه آستانه مبارکه رضویه است. دانشمند معظم جناب آقای غروی فرزند آن مرحوم در مقدمه کتاب دین و فطرت می‌نویسد: حضرت آیت‌الله عالم عامل فقیه اهل‌البیت آقای آقا میرزا مهدی اصفهانی اعلی‌الله مقامه الشریف متولد سال ۱۳۰۳ هجری قمری فرزند مرحوم مبرور حجه‌الاسلام آقای حاج شیخ اسماعیل طاب ثراه می‌باشد.

مرحوم میرزا پس از دوران کودکی مقدمات و سطوح عالی را نزد اساتید اصفهان منجمله نزد پدر بزرگوارش به اتمام رسانیده سپس به نجف اشرف رهسپار می‌شوند. مدت کمی از محضر مقدس حضرت آیت‌الله العظمی آقای آقا سید محمد کاظم یزدی و آیت‌الله العظمی ملا محمد کاظم خراسانی استفاده می‌کند و بعد از فوت مرحوم آخوند خراسانی و حسب‌الامر مرحوم آیت‌الله العظمی صدر اصفهانی به محضر مقدس محقق کامل علامه محترم آقای میرزا محمدحسین نائینی قدس‌الله سره حاضر می‌شوند.

بنابر فرموده خود آن مرحوم در شبانه‌روز سه درس در مبانی فقه و اصول در خدمت ایشان اشتغال داشتند اول کسی که در درس خصوصی ایشان شرکت می‌کند مرحوم آیت‌الله العظمی آقا سید جمال گلپایگانی بودند و تا هنگام ختم درس تلامذه مرحوم میرزای نائینی به هفت نفر رسیدند و تا چهارده سال از محضر درس مرحوم نائینی استفاده نموده و در سن سی و پنج سالگی موفق به دریافت اجازه اجتهاد از مراجع بزرگ نجف می‌شوند بالاخص اجازه مرحوم میرزای نائینی که در موقع حرکت به ایران به ایشان داده شده کم نظیر می‌باشد.

بعد از دوران فقه و اصول نزد اساتید فن به اشتغال پرداختند و به فرموده خودشان چون قواعد فلسفی را کافی برای نیل به حقایق ندیدند ناچار متوجه مطالب عرفان شدند و در خدمت مرحوم آقا سید احمد استاد اخلاق معروف به کربلائی که از افاضل درس عارف کامل آقای ملا حسینعلی همدانی بودند به تحصیل معارف و اخلاق و تهذیب نفس اشتغال ورزیدند، بعد از چندی استاد محترمشان تصدیق‌نامه نیل به معارف و وصول به مقام معرفه‌النفس را به ایشان عنایت کردند.

مرحوم میرزای والد در یکی از جلسات به بعضی از افاضل این موضوع را متذکر شدند و فرمودند به اینکه به مطالب فلسفه و عرفان کاملاً آشنا و وارد بودم.

نفس خود را قانع به این معارف نمی‌دیدم به علاوه آنچه بر من گران می‌آمد عدم مطابقت بین قرآن و روایات مبارکات با مطالب فلسفه و عرفان بود که آموخته بودم و این امر مشکلی بود و برای من ناچار متوسل به حضرت بقیه‌الله حجه‌بن‌الحسن العسکری علیه‌السلام شدم و در مواقع متعدد به مسجد سهله می‌رفتم و استغاثه والتجاء و تضرع به حضرتش داشتم و از آن حضرت استمداد می‌طلبیدم آخر الامر عنایات و الطاف خاصه آن حضرت شامل حال شد طریق و اصول به معارف قرآن برای من آشکار گردید چون به برکت ولی عصر عجل‌الله فرجه الشریف حقیقت مطلب بر من ظاهر گشت تمام جزواتی که در مدت اشتغال به فلسفه و عرفان نوشته بودم از همه آنها اعراض کرده در شط کوفه انداختم و با خود عهد کردم در معارف قرآن غیر از کلمات عترت طاهره که مفسرین قرآن هستند نظریه احدی را قبول نکنم و دست از آیات و روایات بردارم و متشابهات آنها را بر محکمت حل نمایم و مانند کسانی نباشم که مطالبی را به رای و قیاس می‌پردازند و چون خود را منتسب به شرح می‌دانند برای بافته‌های فکر خود به متشابهات آیات و روایات متمسک می‌شوند و با نظر خود آن را تاویل و توجیه می‌کنند.

مرحوم والد چون به مشهد مقدس مشرف شدند متوسل به حضرت ثامن‌الائمه (ع) شدند به تعلیم و تدریس مشغول می‌شوند پس از اندک زمانی فضلاء حوزه علمیه خراسان پروانه‌وار اطراف شمع وجودشان جمع گشته از سرمایه علم و معرفتش بهره‌مند می‌شوند.

مرحوم میرزای والد حدود ۲۸ سال به افاضه و افاده اشتغال داشتند و حوزه درسشان در بین حوزه‌ها ممتاز و تلامذه ایشان مشار

بالبان بوده و به فوائد و فیوضات بسیار نائل شدند.

مرحوم فقیه سعید به قدری در نشر معارف قرآن و علوم اهل بیت رسالت (ع) کوشا بودند که در ایام تعطیلی حوزه هم به تدریس معارف و اصول اخلاق اشتغال داشتند کسانی که از درس اخلاق و معارف آن مرحوم مستفیض شده‌اند الحق در اخلاق و تقوا امتیاز بخصوصی دارا هستند.

مرحوم میرزا مباحث اصول را در سه دوره بیان فرمودند دوره اول مفصل و مسبوط مطابق معمول و مرحوم بین فقهاء و اصولیین قدس الله اسرار هم دوره دوم مطالب خود را با بیان و تحقیق کامل اثبات می‌فرمودند.

دوره سوم قواعد مهمه اصولی را که برای استدلال احکام فقهی لازم است بطور اختصار بیان فرموده و تقدیرات آن نزد افاضل شاگردان آن مرحوم موجود است.

عده‌ای از افاضل تلامذه مرحوم میرزا معارف ایشان را به اندازه‌ای که مقتضی میدانستند در جلسات درس خود و در نوشتجاتشان افاده فرموده‌اند.

نگارنده گوید در سال ۱۳۶۴ قمری که در مشهد اقامت داشتم به مباحثه حج ایشان شرکت نموده و استفاده می‌کردم و با بیان مخصوص بخود که از هیچ مدرسی در مشهد و قم و نجف ندیدم درس گفته و با بیان مطلب می‌فرمودند و خاطر من هست که در معنای حج فرمودند الحج فی اللغة القصد و فی اصطلاحنا قصد العاشق نحو بیت معشوقه شاگردان و تلامذه آن بزرگوار از مفاخر دانشمندان حوزه مشهد مقدسند.

معظم آنهایی که به خاطر دارم افراد زیرند.

۱- مرحوم آیت الله حاج شیخ غلامحسین مهامی.

۲- آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی.

۳- مرحوم آیت الله حاج شیخ مجتبی قزوینی.

۴- آیت الله حاج کاظم دامغانی.

۵- مرحوم آیت الله حاج شیخ زین العابدین مازندرانی.

۶- آیت الله حاج میرزا جواد تهرانی.

۷- مرحوم آیت الله حاج سید جلال مدرس.

۸- آیت الله حاج شیخ حسنعلی مروارید.

۹- مرحوم آیت الله حاج شیخ محمود کلباسی.

۱۰- آیت الله حاج شیخ علی اکبر صدرزاده.

۱۱- مرحوم آیت الله آقا سید حسین قاضی طباطبایی.

۱۲- حجه الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمود حلبی واعظ.

۱۳- حجه الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی نمازی.

۱۴- حجه الاسلام حاج شیخ عباسعلی اسلامی.

و ده‌ها نفر دیگر که هر کدام از دانشمندان طراز اول ایران می‌باشند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ادیب شاعر، مؤلف سعادتنامه‌ی منظوم، متوفی به سال ۷۳۱. به طوری که در کشف الظنون گفته، و ظاهر عبارت آن است که او غیر از ناصر خسرو علوی قبادیانی متوفی به سال ۴۸۱ باشد، و این غلط است، و کتاب نامبرده از ناصر خسرو علوی است، و وی اصفهانی نمی‌باشد، و برخی از تذکره‌نویسان مانند آذر و دیگران که وی را اصفهانی نوشته‌اند اشتباه نموده‌اند. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، شهرآز

قرن: ۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

۵۴۵ - ۴۷۶ ق، از زنان محدث. وی از امام ابو محمد رزق الله و ابواحمد منصور و ابن اسکاف حدیث فراگرفت و سمعانی در اصفهان حدیثی چند از او نوشت. برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۳۱۵ / ۲.

اصفهانیان، داود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ، دانشکده: علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه: تبریز
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
دکترای تاریخ و تحصیلات عالی در زمینه‌های تاریخی در ایران و دانشگاه کمبریج انگلستان.
مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری در سال ۱۳۵۶.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تاریخ فرهنگ ایران و تاریخ ایران عصر مغول و ایلخانان و ادوار مختلف تاریخ اروپا، نظارت بر ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تاریخی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۵

زمینه علمی مقالات:

تاریخ، فرهنگ و هنر.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

اصفهانی زاده، پرویز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی در سال ۱۳۳۹، دکترای تخصصی در بیماریهای داخلی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۶،

دکترای تخصصی بیماریهای ریوی سل از دانشگاه ولز انگلستان.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پزشکی، بیماریهای داخلی، استاد راهنمای ۷ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

سل ریوی، بیماریهای تنفسی کودکان.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۸، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای تنفسی، بیماری سل ریوی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

اصفیانی شندآبادی، اسماعیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم ربانی، آیت‌الله حاج سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی به سال ۱۳۲۸ هجری قمری در روستای «شندآباد» از توابع شهرستان «شبستر» استان آذربایجان شرقی در خانواده‌ای مؤمن و متدین دیده به جهان گشود. وی پس از طی دوره‌های مقدماتی عازم حوزه علمیه شبستر شد و در نزد مرحوم حضرت آیت‌الله حاج میرزا کاظم آقا شبستری به تکمیل علوم و فنون تا سطوح عالییه پرداخت. آنگاه وارد حوزه علمیه تبریز شد، از محضر درس مرحوم آیت‌الله حاج میرزا ابوالحسن انگجی و از دروس خارج فقه و اصول مرحوم آیت‌الله حاج سیدمرتضی خسروشاهی در حد وافر بهره برد. تا آنکه خود یکی از مدرسین ماهر و زبر دست حوزه علمیه تبریز قرار گرفت. گروه: علوم انسانیرشته: الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب: پدر سید اسماعیل اصفیائی شندآبادی «میرعبدالله» از سادات محترم و معروف و در خوبی و صفا زبانزد عام و خاص بود. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی پس از آن که قرآن و ادبیات فارسی از قبیل ابواب‌الجنان، گلستان سعدی، تاریخ معجم، تنبیه‌الغافلین، و نصاب‌الصبیان که از اهم کتب مقدماتی در ادبیات فارسی و تدارک ورود به رشته ادبیات عرب بود، را در مکتب‌خانه‌های قدیمی شندآباد فراگرفت. سپس عازم حوزه علمیه شبستر شد و در نزد مرحوم حضرت آیت‌الله حاج میرزا کاظم آقا شبستری به تکمیل علوم و فنون تا سطوح عالییه پرداخت. آنگاه وارد حوزه علمیه تبریز شد، از محضر درس مرحوم آیت‌الله حاج میرزا ابوالحسن انگجی و از دروس خارج فقه و اصول مرحوم آیت‌الله حاج سیدمرتضی خسروشاهی در حد وافر بهره برد. تا آنکه خود یکی از مدرسین ماهر و زبردست حوزه علمیه تبریز قرار گرفت. خاطرات و وقایع تحصیل: یکی از خویشاوندان سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی تعریف می‌کند که ایشان دایی خانواده ما بودند و بدین جهت نامحرمی در خانه ما برای او وجود نداشت. از این گذشته از کودکی لطف دیگری به ما داشت و خانه ما را مثل خانه خود می‌دانست و هر وقت از قم به «شندآباد» می‌آمد، اولی به خانه ما می‌آمد، بعد سراغ دیگران می‌رفت. وقتی من از مسافرت برگشتم، نصف شب به خانه رسیدم، دیدم ایشان مثل همیشه به نماز شب ایستاده و گریه و زاری می‌کند و با خدای خود مناجات می‌نماید. سعی کردم طوری داخل شوم که ایشان متوجه من نشوند و مشغول عبادت باشند، ولی ایشان متوجه شدند و مرا مورد لطف و تفقد قرار دادند. نشستیم و کمی از اینجا و آنجا صحبت کردیم. بعد ایشان فرمود: شما از مسافرت آمده‌اید، بروید استراحت کنید. خودشان دوباره برخاستند و مشغول عبادت شدند. باز با آن گریه‌های جگرسوزشان به مناجات پرداختند. من هم طبق معمول رفتم و مقدمات خواب را فراهم کردم. دیدم همسرم سرزنش کنان به سراغم آمد و گفت: «ایشان هم ملاً هست تو هم ملاًئی! بابا تو هم نماز شبی، مناجاتی، چیزی!!» که من خندیدم و گفتم: «تو از هیچ چیز خبر نداری! نمی‌دانی ایشان چقدر گناه کرده است! باید هم گریه کند! باید هم از خدا طلب عفو کند! اما ما چی؟!» بالاخره با این حرفها از دست خانم خلاصی یافتم. اما صبح که بیدار شدیم و سر صبحانه حاضر شدیم، مرحوم آقای شندآبادی لبخندی زد و گفت: «دیشب چه گفتی راستش را بگو!» گفتم: «ما که چیزی نگفتیم» دوباره گفتند: «تو راست گفتی، باز هم بگو!» دیدم یکباره منقلب شد و باز در حالی که آه می‌کشید، فرمود: «تو راست گفتی من خیلی گناهکارم!!» فعالیت‌های ضمن تحصیل: سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی پس از عمری تلاش و کوشش و فعالیت‌های مذهبی و اجتماعی در تبریز و خدمت به مردم آن شهر، ترجیح داد اواخر عمرش را در کنار حرم کریمه اهل بیت (ع) بگذراند و با استفاده از انفاس قدسی عارفان آن تربت پاک تزکیه نفس خویش را به اکمال برساند. با این حال از تدریس، تألیف تفسیر نیز غافل نماند و از بدو ورود به قم، با عشقی سرشار به فقه آل محمد (ص) تلاش خود را در این زمینه‌ها دوچندان کرد و با بهره‌گیری از مباحثه و همنشینی بزرگان حوزه قم، خود به حدی از مراتب کمال رسید که مورد علاقه خاص بزرگان و عارفان واقع شد. همسر و فرزندان: مرحوم سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی اصفیائی شندآبادی چهارفرزند دختر و چهارفرزند پسر دارد؛ فرزندان پسر عبارتند از: ۱- سیدعبدالله فاطمی‌نیا وعظ شهیر و توانا و از روحانیان متعهد تهران ۲- سیدمحمد

اصفیائی کارمند کتابخانه آیت‌الله مرعشی (ره) ۳ - سیدعلی اصفیائی طلبه و کاردار سفارت ایران در عربستان ۴ - سیدمحسن اصفیائی پیشه‌ور وقایع میان‌سالی : مرحوم سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی رقیق‌القلب و از «بکائون» زمان خود بود. وقتی به منبر می‌رفت در آغاز گفتارش آیه‌ای را ذکر می‌کرد و گریه می‌نمود و همه را به گریه می‌انداخت. مخصوصاً آیاتی را که عتاب آمیز بود با همان لحن عتاب‌آمیز بلند قرائت می‌کرد و حال همه را منقلب می‌نمود. وقتی جهت اقامه نماز در مسجد حاضر می‌شد، مدتی قبل از شروع نماز به نوافل می‌ایستاد و گریه و زاری‌شان مسجد را پر می‌کرد. آقا سید محمد فرزند گرامی‌اش در این باره می‌گوید: «مرحوم پدرم دائم‌الذکر و اهل مراقبت بود و در عین حال هیچگونه دعوی نداشت بلکه رفتار او به گونه‌ای بود که کسی متوجه عوالم او نمی‌شد. او با ادعیه عالیه اهل بیت (ع) انس زیادی داشت و بسیاری از آنها را از حفظ داشت و قسمتهای مختلفی را گاهی در قنوت و سجده ذکر می‌نمود. به یاد دارم، روزی در منزل خلوتی از او در مورد دعای کمیل سؤال کردم و پرسیدم، آیا هر کس می‌تواند دعای کمیل را بخواند؟ ایشان جواب داد: اگر خداوند به کسی توفیق عنایت کند امر خطیری است، مگر نمی‌بینی می‌فرماید: «وینادیک بلسان اهل توحیدک و يتوسل الیک بر بوبیتک» اینجا منقلب شد و مرا نیز منقلب کرد و من دیگر نتوانستم به سئوالات خودم ادامه دهم.» زمان و علت فوت : سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی سرانجام پس از سالها تلاش و کوشش در جهت ترویج و تبلیغ دین و تزکیه و تهذیب نفس خویش در تاریخ ۲۶ آذر ۱۳۶۸، مطابق ۱۸ جمادی‌الاول ۱۴۱۰ هجری قمری قریب به نیمه شب با حالات عجیب روحی و اشتغال به مناجات الهی دار فانی را وداع گفت و در جوار اجداد طاهرین خود آرام گرفت. پیکر پاک و شریفش پس از تشییع با شکوهی با همت مردم و روحانیون در قم در مقبره علماء در باغ بهشت به خاک سپرده شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی در اوایل انقلاب بنا به احساس مسئولیتی که در قبال انقلاب داشت، جهت ارشاد مردم و خدمت به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی امامت جمعه شهرستان مراغه را قبول کرد و رهسپار آن شهرستان شد، ولی مدت کمی در آنجا ماند و بنا به مصالحی دوباره به قم برگشت. فعالیت‌های آموزشی : روح و ذهن مرحوم سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی از معارف قرآن کریم سیراب شده بود و در مقام تفسیر قرآن نکاتی را یادآوری می‌کرد که شاید بعضی از آنها در هیچ تفسیری وجود نداشت. مرحوم اصفیائی در بخش ادبی تفسیر قرآن نیز نظرهای (به اصطلاح علماء، شم تفسیری خاص) داشت. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می‌آید : مجموعه مسجد و مدرسه سیدحمزه، از آثار فرهنگی اسلامی اوائل سده هشتم هجری قمری است که همزمان با تأسیس مدرسه و شهر علمی رشیدالدین فضل‌الله بوسیله «سید حمزه» که از سادات محترم و متمول دوران «اولجاتیو» بوده تأسیس و موقوفات بسیار مفصل بدانجا اختصاص داده شده بود. ولی با گذشت زمان اگرچه این مکان از سرنوشت ربع رشیدی مستثنی مانده ولی از دست چپاول عمله مولی به نام «متولی» در امان نمانده و حجره‌ها و مدرسهای مدرسه تبدیل به گورستان شده بود و مرحوم سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی با یک دهه تلاش پیگیر توانست مدرسه را از عمله مولی خارج نموده و پس از بازسازی حجره‌ها، در حدود سال ۱۳۳۸ شمسی اولین طلاب علوم دینی را در آنجا اسکان دهد. سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره : مرحوم سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی در کنار درس و بحث برای ارشاد مردم امامت مسجد سید حمزه تبریز که به کلی مخروبه و غیرقابل استفاده گردیده بود، پذیرفت و پس از چند سال تعمیر و بازسازی تدریجی آن به وسیله احیای موقوفات مسجد به اقامه نماز جماعت، ایراد سخنرانی، وعظ و خطابه مشغول شد. او چنان از محبوبیت و استقبال گرمی برخوردار شد که بعد از سالهای سال هنوز کسبه اهل بازار و محله با حرمت از آن دوران یاد می‌کنند و می‌گویند ما در عمرمان و در تاریخ مسجد سید حمزه تنها کسی را که دیدیم در دل و جان ما نفوذ کند و محبت خدا را در دل‌های ما رخنه دهد، آیت‌الله شندآبادی بود. آرا و گرایشهای خاص : سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی دارای ملکات فاضله و سجایای جمیله بود. بسیار کریم‌النفس، منبع‌الطبع، سخی و صبور و شجاع بود و در قضاء حوائج مؤمنین و رسیدگی به مستمندان و مریضان همت عجیبی داشت. آثار : ۱ تحقیق و چاپ «محاسبه‌النفس» سیدبن طاووس ۲ کشف‌الریبه و یژگی اثر : شهید ثانی که این مجموعه مکرر در ایران و لبنان به

چاپ رسیده است ۳ محاسبه‌النفس و پشتکار حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی
منابع زندگینامه: سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما k۱ - /www.hawzah.net

اصلانی، مختار

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مختار اصلانی

محل تولد: مراغه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مختار اصلانی در سال ۱۳۵۲ در یکی از روستاهای شهرستان مراغه در یک خانواده مذهبی به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدائی را در همان روستا و تحصیلات راهنمایی را در بخش خراجو به پایان رسانده و جهت ادامه تحصیل در دوره دبیرستان مجبور به ترک خانواده شده و در شهر مراغه و دبیرستان خواجه نصیر به ادامه تحصیل پرداختم.

روحیات مذهبی و فطرت پاک روستائی با محیط شهر و دبیرستان خیلی سازگار نبود، از این رو همیشه دنبال گمشده ای می گشتم که در محیطی سالم و مطابق با روحیات مذهبی و انقلابی بتوانم ادامه تحصیل بدهم که با راهنمایی یکی از دوستان، حوزه علمیه را مناسبترین جا تشخیص داده و در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه شهرستان بناب شدم و بعد از اتمام سطح یک برای ادامه تحصیل در سال ۱۳۷۵ به شهر قم مهاجرت کرده و بعد از اتمام سطح در درس خارج اصول و فقه حضرات آیات: مکارم شیرازی و سبحانی شرکت نمودم.

در کنار دروس حوزه در مرکز تربیت محقق و نویسنده دفتر تبلیغات در رشته تاریخ اسلام به مدت دو سال دوره دیده و در گروه تاریخ مرکز مطالعات حوزه مشغول به تحقیق شدم که حاصل کارهای تحقیقی بنده چاپ ده ها مقاله در مجلات و روزنامه ها و چاپ کتابی به نام "تاریخ پیدایش شیعه" بوده است.

اصیل‌الدین واعظ شیرازی، عبدالله

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۸۸۴/ ۸۸۳ق)، مفسر و محدث. وی در زمان سلطان ابو سعید گورکان از شیراز به هرات رفت و در آنجا اقامت گزید به همین جهت به هروی نیز مشهور بوده است. او به دستور آن پادشاه هفته‌ای یکبار در مدرسه‌ی عالیه گوهرشادآغا، به موعظه و نصیحت می‌پرداخت. وی در هرات در گذشت و نزدیک مدرسه گوهرشادآغا دفن شد. از جمله تألیفات وی: کتاب «درج الدرر

فی میلاد سیدالبشر؛ رساله‌ی «مزارات هرات» یا «مقصد الاقبال السلطانیه و مرصد الاعمال الخاقانیه»؛ رساله‌ی «مزارات شیراز»؛ «المجتبی فی سیره المصطفی»؛ «المجتبی من کتاب المجتبی فی سیره المصطفی»، خلاصه‌ای از کتاب سابق الذکر است که برای جمال‌الدین ابراهیم معروف به ابی کالیجار وزیر نوشته است؛ کتاب «معراج الاعمال»، در اوراد و عبارات؛ «غرفه الحصن»، ترجمه «مختصر حصن الحصین»، به فارسی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: از سعدی تا جامی (۶۰۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۰۶/۵)، تاریخ نظم و نثر (۲۴۴-۲۴۳)، حبیب السیر (۳۳۴/۴)، الذریعه (۱۱۰/۲۲، ۲۲۸/۲۱، ۳۲۶، ۱/۲۰، ۴۴/۱۶، ۵۸/۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۸/۹)، کشف الظنون (۷۴۵، ۶۷۰)، مجالس المومنین (۵۲۷-۵۲۶/۱)، مزارت هرات (مقدمه)، معجم المؤلفین (۶۸/۶)، هدیه العارفین (۴۷۰-۴۶۹/۱)، هفت اقلیم (۲۱۷-۲۱۶/۱).

اصیلان، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای پوست، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی و دکترای تخصصی بیماریهای پوستی و آمیزشی از دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در سال ۱۳۶۷.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پژوهش در زمینه سالک با پماد پاروموماسین با همکاری سازمان بهداشت جهانی، انجام طرح تحقیقاتی بررسی ضایعات پوستی دیابت و درمان قارچ‌های سطحی با استیرکونازول و راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

بیماریهای پوستی کودکان و نوزادان، بیماری سالک (لیشمانیوز جلدی)، بیماریهای شغلی پوست، درمان‌شناسی بیماریهای پوست.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای پوستی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

اطروش، ناصرالحق، ابومحمدحسن

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۰۴/۳۰۲ - ۲۳۰/۲۲۵ ق)، مفسر، متکلم، فقیه، محدث، ادیب و شاعر شیعی. مشهور به ناصر کبیر. جد مادری شریف رضی و شریف مرتضی است. شیخ طوسی او را در شمار اصحاب امام هادی (ع) آورده است. حاکم طبرستان بود و از این رو که بر اثر اصابت شمشیری در نبردگاه کر شده بود به اطروش خوانده می‌شد. وی در فقه و دین علامه بود و در شعر توانا. ابن ابی‌الحدید گوید که او صاحب سیف و قلم و از بزرگان فقهای امامیه و شیخ طالبین و عالم و زاهد و ادیب و شاعر ایشان بود. او اسلام را در میان ساکنان ساحل دریای خزر نشر داد و در حدود دویست هزار دیلمی و گیلانی به دست وی ایمان آوردند، و او را در شهرهای آنان مساجدی بنا کرد. به گفته‌ی طبری و ابن‌اثیر او حاکمی عادل و نیک سیرت بود و مردم همانند او را در عدل و برپایی حق و حسن روش ندیدند. وی سرانجام در آمل طبرستان در گذشت و مزارش در همان شهر زیارتگاه عموم است. تالیفات و آثار وی بیش از سیصد کتاب بوده است. از جمله آثارش: «اصول الدین»؛ «الامالی»؛ «الامامه الصغیر»؛ «الامامه الکبیر»؛ «امهات الاولاد»؛ «البساط»، در علم کلام؛ «تفسیر الاطروش»، در دو مجلد که در آن به ۱۰۰۰ بیت از ۱۰۰۰ قصیده احتجاج کرده؛ «الفقه الناصریه» که شریف مرتضی علم‌الهدی آن را شرح و تصحیح کرد و «المسائل الناصریات» نامید.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲/۲۱۶)، اعیان الشیعه (۱۸۴ - ۱۷۹/۵)، الذریعه (۱۶/۲۹۹، ۴/۲۶۱، ۳۱۵، ۳۰۸/۲)، رجال الطوسی (۴۱۲)، رجال النجاشی (۱۷۱ - ۱۷۰/۱)، روضات الجنات (۲۵۳ - ۲۵۱/۲)، ریحانه (۶/۹۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴/۹۲)، الکامل (۶/۱۴۸)، الکنی و الالقاب (۳/۲۳۲)، لغت‌نامه (ذیل / اطروش)، مروج الذهب، ترجمه (۲/۶۹۰)، معجم المؤلفین (۳/۲۵۲).

اطمینانی آملی، عباسعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: داخلی دام بزرگ، دانشکده: دامپزشکی، دانشگاه: تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای دامپزشکی در سال ۱۳۴۱، گذراندن دوره دو ساله تیریز در علوم دامپزشکی در سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری در سال ۱۳۴۷ و دانشیاری در سال ۱۳۵۲، ارتقاء به استادی دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۶۷.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

دامپزشکی، راهنمایی و داوری ۱۸ پایان‌نامه دکترای تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

بیماریهای دستگاه تنفس در دامپزشکی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

دامپزشکی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

اعتصام یزدانی، سیروس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: آسیب‌شناسی دهان و دندان، دانشکده: دندانپزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای دندانپزشکی.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی علوم پزشکی شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آسیب‌شناسی دندانپزشکی، تدریس دروس هیستوپاتولوژی دهان و دندان، استاد راهنمای حدود ۳۰ پایان‌نامه دکترای.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

جنین‌شناسی، حفره دهان و دندان و بافت دندان انسان.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

دندان‌پزشکی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

اعتصام، فریده

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: دندانپزشکی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

اعتصامی، پروین

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

پروین اعتصامی، دختر یوسف اعتصامی آشتیانی (اعتصام الملک)، در سال ۱۲۸۵ هجری شمسی در تبریز از مادر زاده شد. او تحصیلات خود را در کالج آمریکایی به پایان رساند و به اخذ گواهینامه ی دوره ی متوسطه نائل آمد و در جشن فارغ التحصیلی خود خطابه ی «زن و تاریخ» را ایراد کرد. پروین، ادبیات فارسی و عربی را در نزد پدرش آموخت. پروین در شعر، سبک اساتید خراسان و عراقی را پسندید و در قصیده، راه آنان را دنبال نمود. او سرانجام در شب ۱۶ فروردین ماه سال ۱۳۲۰ در حالی که پروین داشت شوط جوانی را می پیمود، جهان را ترک گفت.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: شعر

والدین و انساب: پروین دخت اعتصامی دختر مرحوم یوسف اعتصامی (اعتصام الملک آشتیانی) یکی از گویندگان توانای معاصر در شعر فارسی است. اعتصام الملک از نویسندگان ایران معاصر مدیر مجله معروف «بهار» بود و به شعر و ادب عشق می ورزید. دهخدا در مورد او می نویسد: «یوسف اعتصامی در زبان ترکی اسلامبولی دبیری شیرین سخن و در فرانسه مترجمی توانا و در لسان و ادب عرب بالخصوص یکی از ائمه و ارکان به شمار می‌رود چنانکه در احاطه به این لغت در ایران بی همال و در مصر و عراق و شام کم نظیر بود. در خطوط اربعه نستعلیق و نسخ و شکسته و سیاق از بسیاری از استادان سلف گوی سبقت ربود. همچنین وی کتابهای بینوایان و خدعه و عشق (شیلر) را ترجمه کرده است.» [پیام نوین - سال دوم، شماره ۶، اسفند ۱۳۳۸].

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: پروین اعتصامی از زمان کودکی با شعر و ادب آشنا شد، چرا که خانه ی آنها محفل شاعران و فرزنانگان آن روزگار بود و پروین با ادبیات و شعر بزرگ شد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: پروین اعتصامی در کودکی به همراه خانواده به تهران آمد و مقدمات عربی و برخی متون فارسی را در خانه نزد پدر فرا گرفت. بعد از آموختن ادب فارسی و عربی به مدرسه دخترانه (ایران نبل) که از سوی آمریکاییان اداره می شد رفت و در سال ۱۳۰۳ شمسی دوره تحصیلی آن مدرسه را به پایان رساند.

فعالتهای ضمن تحصیل: پروین اعتصامی سرودن شعر را از کودکی آغاز کرد. و با تکامل فکری اشعارش آب و رنگی یافت و آنها

را در حضور ادبا و شعرائی که در مجلس پدرش حاضر می شدند می خواند چنانکه مورد تعجب و درعین حال تحسین حاضرین واقع می شد.

همسر و فرزندان: پروین اعتصامی در ۱۹ تیر ماه ۱۳۱۳ با پسرعموی خود به نام فضل الله که رئیس شهربانی بود در کرمانشاه ازدواج کرد.

وقایع میانسالی: پروین اعتصامی چهار ماه پس از عقد با همسر خود به کرمانشاه رفت، اما از همان آغاز پیدا بود که دیگر با دل و جان به شعر و شاعری نمی پردازد چرا که روح خشن و نظامی شوهرش با روح لطیف پروین هم خوانی نداشت، پروین نمی توانست برخوردهای او را تحمل کند پس با برادرش راهی تهران شد و سرانجام در ۱۱ مرداد ۱۳۱۴ با چشم پوشی از مهریه از وی جدا شد. این تجربه ی تلخ از زندگانی مشترک، پروین را در دنیایی از غم و اندوه و انزوا فرو برد و باز هم متوسل به روحیه ی آرام خود شد و از کم و کیف آن با هیچ کس صحبت نکرد فقط چند بیت سرود: ای گل تو جمعیت گلزار چه دیدی جز سرزنش و بد سری خار چه دیدی ای لعل دل افروز تا با این همه پرتو جز مشتری سفله به بازار چه دیدی رفتی به چمن، لیکن قفس شد نصیبت غیر از قفس ای مرغ گرفتار چه دیدی زندگی نامه شاعران ایران، تالیف: لیلا صوفی، ص ۲۲۴]

زمان و علت فوت: پروین اعتصامی در سوم فروردین ۱۳۲۰ بی هیچ سابقه ای بیمار شد و حصبه گرفت. در لحظات آخر عمر از دایی خود که هر روز بر سر بالین او می آمد خواست تا برای مادر تسکینی باشد و بعد بیهوش شد و در نیمه شب جمعه ۱۵ فروردین ۱۳۲۰ در آغوش مادر جان داد. جنازه پروین در صحن حضرت معصومه در قم در کنار آرامگاه پدرش به خاک سپرده شد.

فعالیت‌های آموزشی: پروین اعتصامی در همان مدرسه ای که دوره ی تحصیلی خود را در آن سپری کرد (ایران نوبل)، بعد از اتمام تحصیل به تعلیم پرداخت.

آرا و گرایشهای خاص: استاد بهار در مورد اشعار پروین اعتصامی چنین می گوید: «پروین در قصاید خود پس از بیانات حکیمانه و عارفانه روح انسان را به سوی سعی و عمل امید، حیات، اغتنام وقت، کسب کمال، همت، اقدام نیکبختی و فصیلت سوق می دهد.» او همچنین می گوید: «... خانم پروین در سروده هایش مهر مادری و لطافت روح خویش را از زبان پرندگان، از زبان مادران فقیر، و از زبان بیچارگان بیان می کند.» [چیستا - سال شانزدهم، شماره ی ۱۵۱، مهر ۱۳۷۷] پروین درزیستن و سرودنش به تک تک عناصر هستی، دگرگونه می نگرد. در ورای پرده های پوشاننده ظاهری، درون و باطن مخلوقات را می نگر، خود را در هم جوهری روحی با عناصر جهان می بیند و برای هر یک از اعضا و جوارح به ظاهر بی جان آن، جانی تازه و حالتی ذی شعور متصور می شود. از نظر گاه او، جهان و عناصر آن از روح فعال زندگی و خصایص شعور مند برخوردار هستند. در این نگرش که از نوعی بینش اساطیری و برداشت ازلی انسان باستان از جهان نشات می گیرد، هر جزیی از عالم دارای حیاتی پویا، مستقل، زنده و زایا است. در شعر او بد نشانه ها و ویژگی های بینش اساطیری می توان اشاره کرد. در جهان شعر پروین همه مخلوقات جهان دارای جان هستند و تک تک عناصر طبیعت را روانی جادویی است. وی در این جهان با عناصر و حوادث طبیعی همانند موجود است از نعمت تفکر و تکلم برخوردار می شوند. در این نوع نگرش و گویش، شاعر قصه پرداز، آرمان ها و آوازه های خویش را از زبان عناصر جهان و حتی اشیاء بی جان و جامدی چون سنگ و چوب می گوید. [احمدی ملکی رحمان. بینش اساطیری در شعر پروین اعتصامی، فصلنامه هنر. دوره جدید، زمستان ۱۳۷۷، پیاپی ۳۸، ص ۲۳۴]

آثار:

۱ دیوان اشعار

ویژگی اثر: دیوان وی مجموعاً ۶۵۰۰ بیت را شامل می‌شود. حاوی سه قسمت می‌باشد و قصاید، مثنویات، تمثیلات، درباره سبک اشعار، نظر بهار این است؛؛ این دیوان ترکیبی است از دو سبک و شیوه لفظی و معنوی - آمیخته با سبکی مستقل و آن دو یکی شیوه شعراء خراسان است خاصه استاد ناصر خسرو و دیگر شیوه شعراء عراق و فارس بویژه مصلح الدین سعدی؛؛ میتوان گفت در قصائد، طرز گفتارش طوری است و در قطعات طور دیگر. بیشتر قطعات بطرز سؤال و جواب یا؛؛ مناظره؛؛ بسته شده. در سرودن قطعات، شاعر استقلال طبع نشان داده و ضمن سرودن قطعات که؛؛ قدیمی ترین اسلوب حسن اداء مقصود؛؛ است این شیوه پسندیده را احیا کرده است. در قطعات پروین و در کلیه اشعارش چیزی که آنها را مشخص می‌کند هماهنگی فکر و احساس است. در بعضی از قطعات و بخصوص در قصاید او اندیشه‌هایی از تصوف و عرفان دیده میشود. او در اشعارش در قالب یک منتقد اجتماعی می‌رود و تباهی‌ها را نابود می‌کند. [پیام نوین - سال دوم، شماره ۶، اسفند ۱۳۳۸]

منابع:

۱ پیام نوین - سال دوم، شماره ۶، اسفند ۱۳۳۸. ۲ چستا - سال شانزدهم، شماره ۱۵۱، مهر ۱۳۷۳ صوفی، لیلا - زندگینامه شاعران ایران - انتشارات جاجرمی، ۱۳۷۸.

اعتضاد الاطباء، عبدالباقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۷۷ ش)، پزشک. او پدر دکتر خلیل‌خان ثقفی اعلم‌الدوله شاگرد حاج میرزا سید اسدالله طیب و شاگرد حاج میرزا بابا معروف به حکیم‌باشی عباس میرزا، نایب‌السلطنه و محمدشاه، از اطباء و اساتید عصر قاجار بود. وی علاوه بر طب، در علوم ادبی و حکمت نیز مهارت داشت و چندین کتاب طبی و ادبی به چاپ رسانده و بر اغلب آنها مقدمه و حواشی و تعلیقات نوشته است، از آن جمله: مقدمه و حواشی و تعلیقات بر کتاب «کلیات قانون ابوعلی سینا»، «گنجینه‌ی معتمدی»، یعنی رسائل و اشعار میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله نشاط اصفهانی، «دیوان یغما» که در سال ۱۲۷۳ ق در تهران به طبع رسیده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: شرح حال رجال (۲۳۶ - ۲/۲۳۵)، مولفین کتب چاپی (۷۰۶ - ۳/۷۰۵)، یادگار (س ۳، ش ۵، ص ۴۵).

اعتضاد مظفر، اسدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آناتومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

اعتضاد السلطنه

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی قلی میرزا (و. ۱۲۳۴- ف. ۱۲۹۸ ه.ق.). پسر فتحعلی شاه. وی پس از فوت محمد شاه قاجار (۱۲۵۰) در تهران تا ورود ناصرالدین شاه پیشکار مهدعلیا مادر او بود. در ۱۲۷۲ لقب اعتضادالسلطنه گرفت. در ۱۲۷۴ ریاست دارالفنون را داشت. در ۱۲۷۵ اولین خط تلگراف بین تهران و سلطانیه را به اتمام رسانید و وزیر علوم شد و بعدها ریاست مدرسه دارالفنون و اداره تلگرافخانه‌ها و معادن و روزنامه دولتی و علمی و مدیریت چاپخانه را به عهده گرفت، و حکومت ملایر و تویسرکان هم ضمیمه مشاغل او گردید. قبرش در جنب مزار حضرت عبدالعظیم است. از تألیفات اوست: تاریخ وقایع و سوانح افغانستان (تهران ۱۲۷۳)، فلک السعاده، در رد اقوال اختر شناسان و کهنه (تهران ۱۲۷۸)، ترجمه کتاب الآثار الباقیه و اکسیر التواریخ، کتابی در تاریخ متنبین (همه خطی).

(۱۲۹۸- ۱۲۳۴ ق)، ادیب، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به فخری. وی سمت پیشکار مهدعلیا را داشت و در دوره‌ی صدارت امیرکبیر سمت خود را حفظ کرد و با مهدعلیا و میرزا آقاخان نوری علیه امیرکبیر همکاری می‌کرد. در این مدت فنون شعر و ادب و حکمت و ریاضی را فراگرفت و به مطالعه‌ی کتاب و معاشرت با اهل فضل و ادب مشغول بود. کتابخانه‌ی مهم و معتبری فراهم آورد که بعدها تمام آن را برای مدرسه‌ی سپهسالار جدید خریداری و وقف آن مدرسه کردند. در سال ۱۲۷۲ ق به اعتضادالسلطنه ملقب شد. سمتهایی چون ریاست مدرسه‌ی دارالفنون و وزارت علوم و صنایع و تجارت و اداره‌ی تلگرافخانه و معادن و روزنامه‌های دولتی و علمی و چاپخانه‌های تهران، ولایات و حکومت ملایر و تویسرکان همه بر عهده‌ی او بود. در سال ۱۲۸۳ ق روزنامه «ملت سنیه ایران» را انتشار داد و پس از انتشار دو شماره، نام آن به روزنامه‌ی «ملتی» تبدیل شد. در زمان وزارت علوم چندین نشریه تحت نظر وی دایر گردید: روزنامه‌ی «ملت علیه ایران» در دو شماره، روزنامه‌ی «ملت سنیه ایران» سابق‌الذکر در دو شماره، «روزنامه‌ی ملتی» ۳۴ شماره، روزنامه‌ی «علمیه‌ی دولت علیه ایران» ۵۳ شماره به سه زبان فارسی، عربی و فرانسه. در شب عاشورا در شصت و چهار سالگی درگذشت و در یکی از حجرات جنب مزار حضرت عبدالعظیم دفن شد. آثار وی علاوه بر انتشار روزنامه‌ها: «تاریخ وقایع و سوانح افغانستان»؛ «فلک السعاده» در ابطال ستاره‌شناسی؛ «اکسیر التواریخ»؛ «تاریخ متنبین»، که قسمتی از آن به نام «فتنه‌ی باب» در تهران چاپ شده است. [۱]

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: [۱] از صبا تا نیما (۱/۱۹۶)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۶۳۵- ۶۳۳/۲)، تاریخ جراید (۲۴۰- ۲۳۷، ۴۸، ۴۵/۴، ۳۰۷، ۳۰۵- ۲/۳۰۵)، تاریخ در ایران (۸۱)، حدیقه الشعراء (۱۲۹۶- ۱۲۹۱/۲)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۷)، سرآمدان فرهنگ (۱۶۷- ۱۶۶/۱)، شرح حال رجال (۴۴۷- ۴۴۲/۲)، فرهنگ سخنوران (۶۹۲)، المآثر و الآثار (۱۹۴- ۱۹۳)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۱- ۵۶۹/۴).

اعتماد السلطنه صنیع الملک، محمدحسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۳- ۱۲۵۹ ق)، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. ملقب به صنیع‌الدوله و موتمن‌السلطنه. از شاگردان دوره‌ی اول رشته‌ی نظام

مدرسه‌ی دارالفنون بود و در سن شانزده سالگی به منصب سرهنگی ارتقاء یافت و به ریاست قشون و نیابت حکومت‌های خوزستان و لرستان منصوب و پس از آن معاون وزارت عدلیه شد. اعتمادالسلطنه ضمن این که نایب دوم سفارت ایران در پاریس بود، به تکمیل تحصیلات خود پرداخت و بعد از بازگشت به ایران، علاوه بر مترجمی مخصوص شاه، موضوعاتی را از کتب فرانسه، برای «روزنامه‌ی دولتی» ترجمه می‌کرد. وی در ۱۲۸۸ ق ریاست دارالطباعه‌ی دولتی را بر عهده داشت و وزیر انطباعات شد و زیر نظر او روزنامه‌ی «ایران سلطانی» و «مریخ» و روزنامه‌ی «نظامی» و ماهنامه‌ی «علمی» و روزنامه‌ی مصور «شرف» منتشر می‌شد. وی با سید جمال‌الدین اسدآبادی مکاتبه و مراوده داشت. در تهران سکنه کرد و در نجف اشرف دفن شد. آثار وی: «وقایع یومیه» شانزده سال اواخر عمر او که تمام مجلدات خطی آن در هشت جلد در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است؛ «منتظم ناصری»، در سه جلد، به صورت تاریخ عمومی از صدر اسلام تا زمان مولف؛ «مطلع الشمس»، در جغرافیا و تاریخ خراسان؛ «مرآت البلدان» در جغرافیای ایران که ناتمام مانده؛ «المآثر و الآثار»؛ «درالتیجان فی تاریخ بن الاشکان»؛ «التدوین فی جبال شروین»؛ «خیرات حسان»، تاریخ مشاهیر زنان؛ «خلسه» یا «خوابنامه»؛ «تاریخ فرانسه». از معروف‌ترین ترجمه‌های اوست: «خاطرات مادموازل دومونت پانسیه»؛ «شرح احوال کریستف کلمب»؛ «سرگذشت خانم انگلیسی»؛ «طیب اجباری».[۱]

(ع. مورد اعتماد پادشاهی) محمدحسن خان مقلب به صنیع‌الدوله که بعدها معروف و ملقب به اعتمادالسلطنه گردید (ف. ۱۳۱۳ ه.ق.). از مقربان دربار ناصرالدین شاه و وزیر انطباعات، وی دارای تألیفات متعددی است از جمله مرآة البلدان (ه. م.)، مطلع الشمس (ه. م.)، خیرات الحسان (ه. م.)، والمآثر و الآثار، و منتظم ناصری در تاریخ و غیره. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] از صبا تا نیما (۲۷۱- ۲۶۴/۱)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۶۱۶- ۶۱۱/۱)، تاریخ جراید (۲۰۴- ۲۰۳/۴، ۶۱- ۵۹/۳، ۳۱۲- ۳۰۵/۱)، تاریخ در ایران (۸۳- ۸۲)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۸/۱)، الذریعه (۱۲۰/۲۵، ۱۲۲/۸، ۲۶۷/۷، ۲۷۲/۳)، ریحانه (۱۵۱/۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۶۷/۱)، شرح حال رجال (۳۴۸- ۳۳۰/۳)، لغت‌نامه (ذیل / اعتمادالسلطنه)، معجم المؤلفین (۲۰۰/۹)، یادداشتهای قزوینی (۱۵۲- ۱۵۱/۸)، یادگار (س ۳، ش ۳، ص ۳۶)، یغما (س ۱۷، ش ۸، ص ۳۹۰- ۳۸۳).

اعتمادی، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید عباس اعتمادی بن حجه‌الاسلام عالم فاضل آقا سید محمود بن حجه‌الاسلام آقا سید رضی بن العالم الجلیل آقا سید مهدی کاشانی از علماء و فضلاء معاصر کاشانست پدرانش همگی از سلسله سادات و علماء کاشان بوده‌اند- وی در ۲۹ ماه ذی‌الحجه ۱۳۴۸ قمری در کاشان متولد شده و در مهد علم و فضیلت پرورش یافته و بعد از خواندن دروس جدید به ارشاد والدش به تحصیل علوم عربی پرداخته و مدت دو سال ابتداءً در حوزه مرحوم آیت‌الله یثربی و آیت‌الله حاج شیخ محمود نجفی اشتغال داشته. و در سال ۱۳۲۶ شمسی به قم مهاجرت نموده و تا سال ۱۳۳۴ شمسی اقامت و از محضر مرحوم آیت‌الله مجاهدی و آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی مدظله و آیت‌الله العظمی گلپایگانی و آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله محقق داماد استفاده نموده و نیز از ابحاث مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی اراکی و آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی عراقی بهره‌مند شده و مدت چهار سال از دروس خارج آیات عظام مذکور کامیاب گردیده آنگاه به مشهد مقدس رضوی مشرف و دروس حکمت و فلسفه را در آنجا از مرحوم کلباسی و استاد فیض استفاده کرده سپس مشرف به نجف و در مدرسه آیت‌الله بروجردی اقامت و از اول ورود به حوزه درس

آیت‌الله العظمی خوئی مدظله حاضر و نزدیک دو دوره از اصول آن بزرگوار و نیز در بحث فقه آن استاد بزرگ تا پایان توقف در نجف شرکت نموده و هم از محضر مرحوم آیت‌الله سبحانی میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله حاج سید محمود شاهرودی و مرحوم آیت‌الله حاج سید یحیی مدرس یزدی و آیت‌الله حاج شیخ حسین حلی و بالاخص بحث خصوصی مرحوم آیت‌الله حاج سید جواد طباطبائی تبریزی (قالب مثالی آیت‌الله بروجردی در شباهت) استفاده نموده تا در ماه شعبان ۱۳۸۱ قمری از نجف مراجعت و به امر والدهاش به کاشان رحل اقامت افکنده و تاکنون به وظائف دینی و روحی از اقامه جماعت در مسجد اعظم (کرسی) و ارشاد انام و تبلیغ احکام و خدمات دیگر اشتغال دارند

از آثار ایشانست در این شهرستان ساختمان (دارالعلم اسلامی) که مرکز مطالعه عمومی و دارای کتابخانه معظم و مدرسه علمیه است و نگارنده از نزدیک آن را دیده و شاهد خدمات معظم له گشته‌ام

دیگر از آثار خالده معظم له- از این قرار است ۱- مسجد اعظم کرسی با سقف آئینه که در ایران کم‌نظیر است ۲- مسجد النبی (ص) که از مساجد آبرومند کاشانست ۳- مسجد خاتم‌الانبیاء که بهترین مسجد مدرن شهر است ۴- مسجد جامع حضرت امیرالمؤمنین (ع) که بسیار مجلل است ۵- مسجد مهدیه که در خارج شهر بنا نموده‌اند ۶- مسجد الحسین (ع) در همان محل ۷- مدرسه علمیه و کتابخانه عمومی که در مرکز شهر بنام (دارالعلم) اسلامی کاشان که اشاره نمودم- و اما آثار قلمی ۱- دیوان اشعار در دو جلد ۲- کتاب کشکول اعتمادی به نام (ویترین) ۳- حقیقت مرام در اجتماع یا یک ایده‌لوژی صحیح- معظم له دارای اجازه عدیده از مراجع نجف و قم می‌باشند
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

اعتمادی، محمد هادی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد هادی اعتمادی بلیانی

محل تولد: کازرون

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۰ هجری شمسی وارد حوزه علمیه قم شدم. تا کتاب شریف معالم را نزد اساتید در مدرسه مبارکه امام مهدی (عج) زیر نظر حضرت آیت‌الله گلپایگانی (ره) تلمذ نمودم. آنگاه در حوزه، اکثر ابواب لمعتین را نزد مرحوم آیت‌الله وجدانی فخر و حضرات آیات محقق داماد، شیخ علی پناه اشتهاردی، و... فرا گرفتم.

رسائل را در محضر آیه‌الله حاج شیخ مصطفی اعتمادی و مکاسب محرمه را در محضر آیت‌الله دوزدوزانی، بیع را در نزد آیت‌الله بنی فضل، خیارات و جلدین کفابه را در محضر استاد عالی قدر آیت‌الله ستوده فرا گرفتم. پس از اتمام سطح، اصول (درس خارج) را به مدت ۶ سال در درس آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی شرکت داشتم. چند سالی هم در درس خارج یکی از اساتید و همچنین در محضر حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی استفاده بردم. بدایه را از محضر آیت‌الله مدرسی یزدی که بعداً عضو شورای

نگهبان شدند استفاده و از نوارهای استاد فیاضی هم بهره مند شدم. این بود اجمالی از مراحل تحصیلی در حوزه مقدسه علمیه قم.

اعتمادی، محمد مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: استاد، رشته: مغز و اعصاب، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دکترای تخصصی مغز و اعصاب از دانشگاه پیروماری کوری پاریس، ۳ دیپلم در رشته‌های الکتروآنسفالوگرافی، آناتومی، فیزیولوژی از دانشگاه پاریس.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بیماریهای عروقی، بررسی گاماگلوبولین و سیستم HLA در ۱۱۰ بیمار مبتلا به MS، بررسی HTLV۱، استاد راهنمای ۱۵ پایان‌نامه دکتر.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

بیماریهای گوناگون مغز و اعصاب، بیماریهای عروقی مغزی C.V.A صرع، بیماریهای عضلانی، بیماریهای اعصاب محیطی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای عروقی مغزی، صرع، بیماریهای اعصاب محیطی، عوارض داروهای صد صرع.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

اعتمادی، هرمز دیار

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: میکروبی‌شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

اعرابی، بیژن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: جراحی مغز و اعصاب، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی شیراز در سال ۱۳۵۲، دکترای تخصصی در جراحی مغز از دانشگاه جانزهاپکینز آمریکا در سال ۱۳۵۸، بوردا تخصصی جراحی مغز از آمریکا در سال ۱۳۶۰، بوردا تخصصی جراحی مغز از کانادا در سال ۱۳۶۲، فوق تخصص جراحی قاعده جمجمه از نبراسکا در سال ۱۳۶۹، فوق تخصص استرپوتاکسی از نبراسکا در سال ۱۳۶۹، فلوشیپ جراحی مغز - هیپوفیز از کانادا در سال ۱۳۵۹، جراحی مغز جنرال نروسرجری کانادا در سال ۱۳۶۰، فلوشیپ استرپوتاکسی و جراحی قاعده جمجمه از دانشگاه آمریکا در سال ۱۳۶۹.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح در زمینه صدمات نخاعی مجروحین جنگی، غده‌های قاعده جمجمه، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۰ پایان‌نامه دکترای.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

مقدمه‌ای بر درمان مجروحین جنگی ایران و عراق

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: -، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲۷

زمینه علمی مقالات:

فارنژیوم، کالسیفیکاسیون مغز، عفونت‌های مغزی حاصل از جنگ ایران و عراق، مرگ و میر مجروحان مغزی در جنگ ایران و عراق، آسیب ساقه مغز در مجروحین جنگی، ادم مغزی، تومورهای قاعده جمجمه، جراحات پوست سر در مجروحین جنگی، تالاسمی، متاستاز به ستون فقرات.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

اعرافی، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیرضا اعرافی

محل تولد: میبد - محله شهیدیه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

حجة الاسلام والمسلمین علیرضا اعرافی در سال ۱۳۳۸ در شهر میبد (محله شهیدیه) واقع در استان یزد در میان خانواده‌ای اهل علم و با تقوا به دنیا آمد. پدرش آیت الله محمد ابراهیم اعرافی از علمای مشهور آن دیار و از دوستان نزدیک امام خمینی (ره) بود که نقش بسزایی در بیداری مردم میبد و یزد ایفا کرد. آن عالم وارسته سالها قبل از انقلاب اسلامی نماز جمعه بر پا می‌کرد و خود، با سلاح در آن خطبه می‌خواند. مادر استاد اعرافی نیز از زنان پاکدامن و مؤمن روزگار بود و از فرزندان آیت الله شیخ کاظم افضلی اردکانی (ره) به شمار می‌آمد.

استاد اعرافی تحصیلات کلاسیک خود را در دیار خود آغاز کرد. او پس از خواندن مقداری از دروس ادبیات، در سال ۱۳۴۹ به قم آمد و همان جا تحصیلات دوره ابتدایی خود را تکمیل کرد و همزمان دروس حوزه خود را آغاز نمود، و به سرعت دروس دوره مقدمات و سطح را به پایان رسانید؛ به گونه‌ای که در سال ۱۳۵۶ به درس خارج بزرگان قم راه یافت. او در طی این سالها از شرکت در دروس فلسفی نیز باز نماند و آن دروس را نیز به حد کمال فرا گرفت و نیز در درس اخلاق استادان خود حضور جدی داشت.

او در ضمن تحصیل دروس حوزوی زبانهای عربی و انگلیسی را فرا گرفت و از مطالعات در رشته‌های ریاضی و فلسفه غرب نیز باز نماند و بسیاری از کتب را که در آن روزگار در حوزه متداول نبود، فرا گرفت و در دوره تعلیم و تربیت دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه) شرکت کرد و در تعطیلات به مباحثه تفسیر المیزان و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید پرداخت.

استاد اعرافی در سالهای تحصیل خود به محضر عالمان بسیار شرفیاب شد. او که در تفسیر شاگرد آیت الله مشکینی (ره) و در هیئت شاگرد استاد حسن زاده آملی بود، کتابهای فلسفتنا و اقتصادنا نوشته شهید صدر (ره) را نزد آیت الله سید کاظم حائری فرا گرفت. در درس خارج فقه و اصول شاگرد استادانی چون آیت الله العظمی حاج شیخ مرتضی حائری (ره)، آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (ره)، آیت الله العظمی وحید خراسانی، آیت الله العظمی جواد تبریزی (ره)، آیت الله العظمی مکارم شیرازی و آیت الله العظمی شبیری زنجانی بود. او دروس اسفار اربعه، برهان شفا، فصوص الحکم و تمهید القواعد را نزد آیت الله جوادی آملی و بخشی از اسفار را نزد آیت الله شهید مطهری (ره) آموخته و در زمینه فلسفه از آیت الله مصباح یزدی بهره‌های بسیار برد.

استاد اعرافی در سالهای تحصیل خود با استادان و فضایی بسیار رابطه دوستی داشت و دروس پیش آموخته را مباحثه می‌کرد که از جمله آنان حجة الاسلام والمسلمین محمدعلی مدرسی یزدی، حجة الاسلام والمسلمین محمد کاظم بهرامی، حجة الاسلام والمسلمین علی نقی فقیهی، حجة الاسلام والمسلمین محمد بهشتی را می‌توان نام برد.

حجة الاسلام والمسلمین اعرافی، در سالهای عمر خود فعالیت‌های بسیاری را در زمینه علم و فرهنگ به انجام رسانده است. او بسیاری از کتب دوره سطح را بارها تدریس کرده و سالها به تدریس اسفار اربعه و خارج فقه قضا و تربیت (فقه التریبیه) اشتغال داشته است.

ویژگی تدریس او نوآوری و تطبیق مباحث موجود در کتب قدما با مبانی امروزی علوم است. او کتابهای بسیاری در زمینه علوم تربیتی به چاپ رسانده است که از جمله آنان می‌توان به کتاب «فلسفه تعلیم و تربیت» اشاره کرد. استاد اعرافی از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون در مسؤلیتهای مهمی ایفای نقش کرده است. استاد اعرافی سالها در دانشگاههای سراسر کشور و مؤسسات وابسته به آموزش عالی تدریس داشته و از این رهگذر شاگردان خوبی را تربیت کرده است. در سالهای عمر خود تا به امروز در عرصه سیاست فعالیتهای بسیاری را به منصفه ظهور نهاده است. او که فرزند پدری عالم و مجاهد بود همواره با نهضت امام(ره) همراه بود فعالیتهای سیاسی نیز داشته و به تحقق آرمانهای انقلاب کمک شایانی نموده است. او در سال ۱۳۷۱ با حکم مقام معظم رهبری به امامت جمعه شهر میبد برگزیده شد. استاد اعرافی در سالهای دفاع مقدس، بارها در جبهه‌ها حضور یافت و مشوق رزمندگان اسلام بود او هم اکنون از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و به تدریس اشتغال دارد.

اعرافی، محمدابراهیم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت الله شیخ محمد ابراهیم اعرافی فرزند عباس یزدی شورکی یکی دیگر از عالمان دینی دیار دارالعباده یزد است که در اواخر سده ۱۳ و سده ۱۴ می‌زیسته. وی در سال ۱۲۹۰ شمسی در خانواده‌ای مذهبی متولد شد. جد وی حاج آقا محمد در واقعه مبارزه با خوانین شرور به شهادت رسید.

ایشان بعد از مقدمات به حوزه‌های علمیه یزد و مشهد مقدس و سپس به حوزه علمیه قم مراجعه و با استفاده از دروس اساتیدی چون آیات عظام مرعشی نجفی، حایری یزدی، امام خمینی و سید صدرالدین صدر به مقامی رسید که اجازات متعددی از آیات عظام دریافت داشت که در همان ایام از سوی وزارت فرهنگ وقت مدرک لیسانس به وی اعطا شد. از آن پس به تدریس سطوح روی آورد که هم اکنون شاگردان وی از فضیلتی حوزه به شمار می‌روند.

وی از پیشگامان مبارزه با رژیم فاسد بود. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی از طرف حضرت امام (ره) به امامت جمعه میبد منصوب شد. آیت الله اعرافی فقیهی برجسته و پرهیزگار و گشاده دست بود، شب زنده داری و تواضع نیز از دیگر خصوصیات آن مرحوم بود. احداث چندین مسجد، مدرسه، درمانگاه، آب انبار و تأسیس حوزه علمیه شهرستان میبد از همت ایشان می‌باشد. این عالم متقی سرانجام صبح روز شنبه بیست و هشتم شهریور ماه سال ۱۳۷۱ چشم از جهان فرو بست. روحش شاد. افتخارات: کتاب چهل حدیث و رساله‌های اخلاقی و تصویری از آثار اوست.

منابع زندگینامه: <http://www.tebyan-yazd.ir>

اعرج نیشابوری، نظام‌الدین حسن

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س هشتم ق)، عالم دینی، مفسر، عارف و ادیب. معروف به نظام نیشابوری و نظام اعرج. او را از علمای عامه دانسته‌اند و بعضی به او نسبت تشیع داده‌اند. اصلش از قم و ساکن نیشابور و به آورده‌ی برخی از مآخذ اصلش از نیشابور و ساکن قم بود. وی از شاگردان قطب‌الدین محمد بن مسعود شیرازی به شمار می‌آمد. در پاره‌ای از منابع وی جزو علمای سده‌ی نهم قمری آورده شده چون تاریخ اتمام بعضی از مجلدات «تفسیر» مشهور او را در حدود ۸۵۰ ق ذکر کرده‌اند، در حالی که برخی از منابع ۷۲۸ ق را تاریخ صحیح اتمام می‌دانند. از آثارش: «غرائب القرآن و رغائب الفرقان»، در تفسیر که به «تفسیر نیشابوری» معروف است و آن را به اشاره استادش، قطب‌الدین محمد بن مسعود شیرازی، تألیف کرد؛ «لب التأویل»، در تفسیر قرآن؛ «اوقاف القرآن»، که به امر قطب‌الدین شیرازی به اسم خواجه سعدالدین ساوجی وزیر الجایتو (م ۷۱۱ ق) نوشته است، «توضیح التذکره»، شرح «تذکره النصیریة» خواجه نصیر طوسی، در هیئت که در ۷۱۱ ق تألیف نموده است؛ شرح «الشافیة» ابن حاجب، در علم صرف که به «شرح نظام» معروف است؛ شرح «مفتاح العلوم» سکاکي؛ «الربع المقنطر»؛ رساله‌ای در «علم الحساب» [۱].

نظام‌الدین حسن بن محمد نیشابوری (ف. ۹۰۰ ه. ق). از علمای قرن نهم است. آثارش: کتاب «شرح تذکره‌ی طوسی» در هیأت، کتاب «شرح مجسطی»، کتاب «شرح نظام» در صرف، کتاب «تفسیر» معروف به تفسیر نیشابوری و شرحی بر کتب زیج. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۲۳۴، ۲۳۳/۲)، اعیان‌الشیعه (۲۴۹-۲۴۸/۵)، الذریعه (۲۸۴/۱۸، ۳۲-۳۱/۱۶، ۱۴۲/۱۳، ۷۲/۱۰، ۴۹۲، ۲۰۶/۴، ۱۲۱/۳، ۴۸۰/۲)، روضات‌الجنات (۱۰۱-۹۶/۳)، ریحانه (۱۹۹-۱۹۷/۶)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۴۷-۴۶/۸)، کشف‌الظنون (۱۷۶۳، ۱۵۹۵، ۱۱۹۵، ۱۰۶۲، ۱۰۲۱، ۳۹۲-۳۹۱)، الکنی واللقاب (۲۵۶/۳)، معجم‌المؤلفین (۲۹۱، ۲۸۲-۲۸۱/۳)، هدیة‌الاحباب (۲۵۷)، هدیة‌العارفین (۲۸۳/۱).

اعرجی کاظمینی، محسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن بن حسن‌الحسینی الاعرجی‌الکاظمی مکنی بابی‌الفضائل عالمی محقق و مدقق و فقیهی نیه صاحب کتاب وسائل در فقه و محصول در اصول و وافی در شرح وافیه ملا عبدالله تونی و سلاله الاجتهاد و شرح مقدمات حدائق و منظومه در جمیع اشعار و نظایر و اشعار جیده و مراثی فاخره برای اهل بیت علیهم‌السلام و غیره می‌باشد.

آن بزرگوار در زهد و ورع نادره عصر و وحید زمان خود بوده و از زهد آنجناب نقل شده که چیزی نداشت که چراغش را بر روی آن بگذارد لا-جرم آجری یا کلوخی در نزد خود می‌گذاشت و چراغ خود را روی آن می‌نهاد و در سنه ۱۲۴۰ رحلت فرمود و قبر شریفش در کاظمین در کوچه قریب به صحن مطهر در طرف شمال آن مزار و مشهور است.

مرحوم محدث نوری در خاتمه مستدرک از مرحوم آیت‌الله حاج شیخ زین‌العابدین سلماسی حکایت کرده که در عالم خواب دیدم منزل بسیار رفیع و عالی و جلیلی که درب بسیار بزرگ و وسیعی داشت و بر دیوارهای آن میخهای طلا که هر بیننده را مسرور می‌نمود نصب بود پرسیدم این خانه از کیست گفتند از سید محسن کاظمی. تعجب کردم و گفتم آقا سید محسن خانه‌اش در کاظمین بسیار کوچک و ناچیز و درب کوچک و فضاء کوچکی داشت. پس این منزل شاهانه را از کجا آورده گفتند از همین منزل کوچک چون در دنیا قناعت کرد به آن منزل حقیر خداوند منان این خانه وسیع و عالی را به او مرحمت کرد.

احفاد و اولاد آن بزرگوار از علماء و دانشمندان و اخیار بوده و می‌باشند و در عصر ما جناب آیت‌الله حاج سید طاهر کاظمینی در

بروجرد و فرزند برومندش جناب حجة الاسلام والمسلمین حج سید محمدعلی کاظمینی در تهران از احفاد ایشانند.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

اعلای بنابی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اعلایی بنابی

محل تولد: بناب

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۶/۱۰/۱

زندگینامه علمی

از همان دوران تحصیل ابتدایی نزد مرحوم والد که خود اهل علم بودند کتابهای ابتدایی طلبگی را از جمله نصاب الصبیان، جامع المقدمات و ... را خواندم. البته معمولاً فقط تابستان‌ها مشغول این درسها بودم.

در سال ۱۳۷۵ پدرم از دنیا رفتند و بنده در همان سال رسماً طلبه حوزه حضرت ولی عصر (عج) بناب شدم و طی سه سال دوره مقدمات تا پایه هفتم را گذراندم و در ضمن تحصیل برخی دروس پایه های پایین را نیز تدریس می کردم، همچون صرف ساده، عوامل، صمدیه، منطق مظفر، معنی، اصول فقه مظفر و ... از اساتیدی که در آن مدرسه از وجود آنها بسیار بهره بردم می توان جناب حجت الاسلام والمسلمین حاج آقای شیخ عبدالمجید باقری بنابی، جناب حاج علی آتش زر، جناب آقای سیدی جناب آقای اسدپور و ... را نام برد.

در سال ۱۳۷۸ به قم مقدسه آمدم و در جوار کریمه اهل بیت (س)، در فیضیه مبارکه حجره گرفتم. با چهار پنج نفر از طلبه های با استعداد گروهی تشکیل دادیم و از محضر حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج آقای رحیقی و حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج آقای زمانی قمشه ای مدت شش هفت سال برخی کتاب های فلسفی همچون نهایه الحکمه، شرح منظومه، قسمتی از اسفار، تمهید القواعد ابن ترکه، شرح فصوص قیصری و بخشی از مصباح الانس ابن فناری را در همان حجره گذرانیدیم. در ضمن تحصیل علوم عقلی، از محضر حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج آقای مقیمی نیز در مبانی رجال و سند شناسی و از محضر آیات عظام مرحوم آقا شیخ جواد تبریزی (ره) و حاج آقای وحید خراسانی (دام ظلّه) در خارج فقه و اصول بهره ها بردیم. بنده در ضمن تحصیل به تدریس کتابهای بدایه الحکمه، نهایه الحکمه و قسمت هایی از کتاب رسائل، مکاسب، کفایه و اسفار نیز مشغول بودم.

هم اکنون نیز از درس حضرت آیت الله حاج آقای بهبهانی در خارج اصول بهره می برم و به تدریس نهایه الحکمه، مکاسب محرمه و رجال و سند شناسی مشغولم.

اعلمی هرندی، بهادر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: استاد، رشته: جراحی ارتوپدی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۴۳ و دکترای تخصصی جراحی ارتوپدی از آمریکا در سال ۱۳۵۱. مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ارتوپدی، تدریس ارتوپدی در دانشگاه تهران، دریافت نشان بهترین اترن سال و استاد راهنما در ۲۵ پایان‌نامه دکترای تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

اصول ارتوپدی و شکسته بندی، معاینه فیزیکی اندامها و ستون فقرات، طب اطفال و کمردرد.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

پزشکی، ارتوپدی و شکسته بندی به زبان فارسی و انگلیسی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

اعلمی هرندی، زهرا

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: چشم پزشکی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

استادیار در سال ۱۳۶۲، دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۶۹.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تخصص در بیماریهای پرده شبکیه، جراحی‌های پرده شبکیه، آنژیوگرافی پرده شبکیه، لیزر درمانی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۹

پایان نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

جزوات درسی برای رشته تخصصی چشم پزشکی در زمینه آناتومی رتین، جداشدگی پرده شبکیه، اولتراسونوگرافی در چشم.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۹، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای پرده شبکیه.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

اعلمی، سلیمان

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حضرت مستطاب شیخنا الجلیل الکبیر المتتبع حجه الاسلام والمسلمین الحاج شیخ محمدحسین بن الشیخ سلیمان الاعلمی المهرجانی اصلا والنجفی تحصیلا و الحایری مسکنا والقمی خاتمه در سال ۱۳۲۰ در مهرجان از مضافات جندق و بیابانک متولد شده و پس از برهه‌ای از زمان مشرف به خراسان شده و مدتی در آنجا اقامت نموده و به تحصیل پرداخته آنگاه در سال ۱۳۴۰ ق مهاجرت به نجف اشرف و اعتاب عالیات نموده و با جدی تمام سطوح را در مدت ده سال نزد اساتید نجف خوانده و مسافرتی هم به زیارت مشهد نموده و بعد به اتفاق مادر و دو برادر مراجعت به نجف کرد و از محضر مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله کمپانی اصفهانی و حاج شیخ علی زاهد قمی استفاده نموده و مسافرتی به مکه کرده و با عده‌ای از علماء اهل سنت ملاقات و مباحثاتی در امور دینیّه نموده و بعد از مراجعت در سال ۱۳۶۸ ق مهاجرت به کربلا- نموده و به درس مرحوم آیت‌الله میرزا مهدی شیرازی و آیت‌الله میلانی حاضر شده و مشغول به تالیف کتاب مقتبس الاثر و مجدد مادثر فی تاریخ البشر در علوم مختلفه در علم رجال از صحابه و تابعین و رواه و علماء و غیرهم نموده و در سال ۱۳۷۴ مشرف به ارض اقدس شده و بعد مراجعت به تهران و پس از چندی توقف در آنجا منتقل به قم در عصر زعامت آیت‌الله العظمی بروجردی منتقل به قم و در مدرسه فیضیه اقامت و از محضر معظم‌له استفاده و در خلال مشغول به طبع کتاب نفیس خود گردیده و تاکنون که ربیع‌الثانی ۱۳۹۳ قمریست بیست و هشت مجلد آن از طبع خارج شده است.

مرحوم علامه آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین آل کاشف الغطاء درباره کتاب معظم‌له گوید بسم‌الله الرحمن الرحیم و له الحمد نظرت فی اجزاء هذه الموسوعه القیمه نظره عابره و هی وانکان عجلی لکن قد ظهرلی ان جناب المؤلف العالم العلامه الجلیل الموید من الاله الاجل الشیخ محمدحسین بن الشیخ سلیمان الاعلمی ادام الله تائیده قد بذل جهده و استفرغ وسعه و احسن فی ما جمع و اصاب فیما وضع و رفع فشکر الله مساعیه و زاد معارفه و معالیه و رفقه لاتمامه فانه اذا تم یكون من جلائل المؤلفات النافعه والله ینفعه و ینفع به صدر من کربلاء المشرفه ۱۶ شعبان ۱۳۶۹ قمری

و مرحوم آیت‌الله الحاج السید یونس اردبیلی رحمه‌الله درباره کتاب ارزنده وی گوید بعد البسمله هذا هو الکلام الفحل و القول الجزل وفقه الله راقمه الاحقر یونس الموسوی الاردبیلی کتبه فی جمادی‌الاولی ۱۳۷۴ قال الشاعر:

هذا کتاب نافع للبشر

سطوره منظومه کالدرر

مبرهن احوال ما قد غیر

جاء اسمه مقتبس للآثر

اکثر اعلام عصر تقاریطی بر این اثر ارزنده و نفیس نوشته‌اند که در جلد اول و دوم و سوم آن مندرج می‌باشد فرزندان فاضل و عالمی به نام شیخ محمدحسن و شیخ محمدحسین و شیخ محمدمحسن دارد که در سلک روحانیت به خدمات دینی اشتغال دارند داماد معظم ایشان خطیب توانا آقا سید حسین شهرستانی است ادام‌الله توفیقاتهم.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

اعمش، ابو محمد سلیمان

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۴۸- ۶۱ ق)، قاری، حافظ و محدث شیعی. اصل او از نواحی ری بود و در قریه‌ی امه طبرستان، در روز عاشورا، به دنیا آمد. در کودکی او را به کوفه آوردند. شیخ طوسی او را از اصحاب امام صادق (ع) شمرده و ابن شهر آشوب او را از خواص اصحاب امام خوانده است. علمای عامه نیز او را از شاگردان امام صادق (ع) دانسته و برتری او را بر دیگران در قرائت قرآن و علم به فرائض و حفظ حدیث پذیرفته و تجلیل و تعظیم کرده‌اند. ابن ابی لیلی، قاضی کوفه، اعمش را سرور و بزرگ کوفه معرفی می‌کرد و یحیی بن قطان گیود که از علامه اسلام بود و عجلی گوید که او در عصر خود محدث کوفه بود و چهار هزار حدیث از او نقل شده، لیکن کتابی از وی در دست نیست. ذهبی از او به عنوان شیخ قاریان و شیخ محدثان نام می‌برد و او را یکی از ائمه ثقات می‌داند. حمزه و زائده بر وی قرائت کرده‌اند و کسائی بر زائده به قرائت اعمش قرائت کرده است. حکم بن عتبه و ابواسحاق سبیبی و ابان بن تغلب و ابوحنیفه و اوزاعی و جریر بن عبدالحمید و حفص بن غیاث و سفیان بن عیینه و سفیان ثوری و یحیی بن سعید قطان و شعبه و ابونعیم و خلق بسیاری از اعمش حدیث شنیدند. بخاری و مسلم و ترمذی و ابوداؤود و نسائی و ابن ماجه در «صحاح» ششگانه خود از او حدیث نقل کرده و ابن معین و نسائی و عجلی او را توثیق نموده‌اند. میرداماد در «رواشح السماویه» به شرح حال او پرداخته و شیخ بهائی در «توضیح المقاصد» گوید که او شیعه امامی و از زهاد و فقهای عصر خود بود و از تواریخ چنین برمی‌آید که او شیعه امامی است. به گفته عیسی بن یونس او با این که بسیار فقیر بود اما اغنیا و سلاطین در چشمش بسیار حقیر بودند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: اصحاب امام صادق (ع) (۲۴۷- ۲۳۱)، اعیان الشیعه (۳۱۸- ۳۱۵/۷)، تذکره الحفاظ (ج ۱، ط ۱۵۴/۴)، تقریب التهذیب (۳۳۱/۱)، تنقیح المقال (۶۶- ۶۵/۲)، تهذیب التهذیب (۲۰۴- ۲۰۱/۴)، رجال الطوسی (۲۰۶)، سیر النبلاء (۲۴۸- ۲۲۶/۶)، الکنی واللقاب (۴۷- ۴۵/۲)، لسان المیزان (۳۷۸/۸)، المعارف (۲۶۸)، الملل و النحل (۱۵۰)، میزان الاعتدال (۲۲۴/۲)، النجوم الزاهره (۱۰- ۹/۲)، الوافی بالوفیات (۴۳۱- ۴۲۹/۱۵)، وفیات الاعیان (۴۰۳- ۴۰۰/۲).

اعمی، مختار

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قاری اصفهانی، فاضل ادیب شاعر، از دانایان به علوم قرآن و تجوید، و از دانشمندان قرن دهم در اصفهان است. کتب چندی در تجوید تألیف نموده، از آن جمله است:

۱- درج المضامین، منظومه‌ای در ۷۲ بیت در تجوید، در سال ۹۴۹ تألیف نموده، و آن را مولی علی بن جعفر استرآبادی شرح نموده، و آن را: «در نثار» در شرح تجوید ملا مختار نامیده، و در ۱۲۸۰ از شرح فارغ شده، و این شرح به طبع رسیده. در الذریعه سه شرح دیگر از این تجوید نام می‌برد

۲- رساله‌ای فارسی در تجوید ۳- مختار القراء، نسخه‌ای از آن نزد نگارنده موجود است؛ و غیره.
برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اعوانی، غلامرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غلامرضا اعوانی متولد ۱۳۲۱ ه. ش در سمنان پس از پایان تحصیلات در مکتب خانه و مدرسه شیخ علاء الدوله سمنانی در سمنان به اخذ دیپلم در سال ۱۳۴۰ ه. ش نایل شد و سپس به بیروت رفت و از دانشگاه آمریکایی آنجا لیسانس گرفت (۱۳۴۵)، سپس به ایران آمد و در سالهای ۱۳۴۷ و ۱۳۵۵ فوق لیسانس و دکتری خود را در رشته فلسفه از دانشگاه تهران دریافت کرد. وی از سال ۱۳۴۸ ه. ش عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی شد. وی در سال ۱۳۸۰ در نخستین چهره‌های ماندگار برگزیده و معرفی گردید. وی برگزیده همایش طرح سپاس در سال ۸۶ در فرهنگسرای سینا می باشد. از وی ترجمه‌ها و تصحیحاتی در زمینه فلسفه اسلامی و فلسفه غرب باقی است.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

گرایش: فلسفه اسلامی

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: غلامرضا اعوانی در سال ۱۳۲۱ ه. ش در سمنان به دنیا آمد. در آن روزگار دانشگاه تهران به تازگی آغاز به کار کرده بود. و نیز آموزش جدید در کشور چندان رواج قابل توجهی نداشت.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: غلامرضا اعوانی در سال ۱۳۲۵ در مکتب خانه ملا- غلامرضا شیوایی از شاگردان حاج ملا هادی سبزواری آغاز به تحصیل کرد در سال ۱۳۲۷ وارد مدرسه شیخ علاء الدوله سمنانی (سمنان) شد و در سال ۱۳۴۰ دیپلم خود را دریافت کرد. سپس با بهره‌گیری از بورس دانشگاه آمریکایی بیروت به آنجا رفت و پس از اخذ لیسانس فلسفه در ۱۳۴۵ به ایران بازگشت. و وارد دانشگاه تهران شد. در سالهای ۱۳۴۷ و ۱۳۵۵ مدرک فوق لیسانس و دکتری فلسفه را احراز کرد. عنوان تز دکتری وی «عقل و نفس در فلسفه افلوپین و تاثیر آن در حکمت اسلامی» بوده است.

خاطرات و وقایع تحصیل: از وقایع مهم روزگار تحصیل غلامرضا اعوانی سفر به لبنان و آشنا شدن با استادان مهمی در فلسفه از جمله چارلز اسکات و ماجد فخری و پوچتی بوده است.

فعالیت‌های ضمن تحصیل: غلامرضا اعوانی درحین تحصیل در مقطع دکترای در دانشگاه تهران، (از سالهای ۱۳۴۷)، به تدریس در دانشگاه ملی ایران (شهید بهشتی) (از سال ۱۳۴۸) می پرداخت.

استادان و مربیان: برخی از استادان غلامرضا اعوانی در دانشگاه آمریکایی بیروت عبارت بودند از چارلز اسکات، ماجد فخری، پوچتی، صادق العظم. در دانشگاه تهران نیز وی از استادانی چون دکتر سید حسین نصر، دکتر سید احمد فریدو دکتر مهدوی دامغانی بهره برد.

آرا و گرایشهای خاص: غلامرضا اعوانی در زمینه فلسفه اسلامی بیشتر به تصحیح آثار فلسفی و کلامی کسانی چون حاتم رازی و خواجه نصیر الدین طوسی علاقمند است. وی در زمینه فلسفه غرب به فلسفه افلوپین و نیز کانت علاقمند است و به مطابقت و مقایسه آنها با فلاسفه مسلمان می پردازد.

جوایز و نشانها: غلامرضا اعوانی برگزیده همایش طرح سپاس در سال ۸۶ در فرهنگسرای سینا می باشد. -----

آثار:

۱ ترجمه تاریخ فلسفه

ویژگی اثر: کتاب تاریخ فلسفه اثر فردریک کاپلستون درباره شرح احوال فیلسوفان غرب و سیر تکامل اندیشه فلسفی آنها می باشد که توسط دکتر اعوانی به فارسی ترجمه شده است.

۲ ترجمه گزیده ای از اشعار عرفانی

ویژگی اثر: به زبان انگلیسی

۳ تصحیح النبوه

ویژگی اثر: کتاب النبوه اثر حاتم رازی اثری است درباره فلسفه و کلام اسلامی که دکتر غلامرضا اعوانی آن را تصحیح و منتشر کرده است.

۴ تصحیح وجه دین ناصری

۵ فرهنگ فلسفی

۶ مجموعه مقالات حکمت و نصر معنوی

ویژگی اثر: دکتر غلامرضا اعوانی مجموعه مقالاتی تحت عنوان حکمت و هنر معنوی را پیرامون معنی هنر در جهان اسلامی و دیدگاههای زیبا شناسانه هنر اسلامی و فلسفه هنر مربوط به آن را منتشر کرده است.

منابع زندگینامه:

محمود اسعدی، چهره های ماندگار، تهران: زمان و جهان فرهنگ، ۱۳۸۲، صص ۲۹-۲۶

افتخار الحکما، عیسی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند میرزا موسی خان ناظم الاطباء، ادیب کامل، و شاعر فاضل، و طیب حاذق، از خاندان علم و حکمت، در ۲۰ ماه صفر سال ۱۳۲۰ در طهران وفات یافته، در ایوان مقبره‌ی ناصرالدین شاه مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش این است:

پوشید سیه چه شارق اندر تاریخ

سوسن ز عزای میرزا عیسی خان

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

افتخار الحکماء، اسماعیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۴۵/۱۳۴۸ ق)، عالم و پزشک. در طالقان متولد شد. بعد از فراگیری علوم ادبی، ریاضی و طب مدتی در تهران و بار فروش طبابت کرد. سپس همراه یکی از شاهزادگان به عنوان طیب سفر به پترزبورگ رفت. در سال ۱۲۸۵ ق حکمت اشراق را از حاج ملاهادی سبزواری آموخت. بعد از فوت او، دو سال نیز در حوزه‌ی درس آخوند ملا محمد کاظم فرزند اسرار درس خواند. وی در سبزواری صبحها به کار طبابت و عصرها به تدریس حکمت اشراق، طب قدیم، ریاضی، بلاغت، اصول و موسیقی و دیگر علوم می‌پرداخت. وی علاوه بر آشنایی با طب جدید، شعر هم می‌سرود و زبان فرانسه نیز می‌دانست. سرانجام در صد و چند سالگی در همان شهر در گذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۲۴-۲۲۳/۱).

افتخار الحکماء، جعفر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۱۸ ق)، پزشک، وی از پزشکان نامدار تبریز بود. آثار وی: «رساله‌ای در امراض حصبه و مطبقة و محرقة و علامات و منشاء بروز آنها»؛ «رساله‌ای در جدری»؛ «رساله‌ای در حرقت بول»؛ «تقویم الشریعه»؛ «الاطباء الاسلامیون فی تراجمهم و وفیاتهم و تالیفاتهم».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ریحانه (۱۵۷-۱۵۶/۱)، معجم المؤلفین (۳۷۹/۱۳).

افتخاری، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

افجهای، جمال‌الدین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، فقیه. از دوره‌ی اولیه‌ی زندگانی وی اطلاعی در دست نیست. در زمان شیخ مرتضی انصاری به نجف رفت و در محضر وی شاگردی کرد. او همچنین در مجلس شیخ راضی نجفی و میرزا حسین خلیلی حاضر شد. در حدود ۱۲۹۰ ق به تهران بازگشت و به تدریس و ترویج مذهب پرداخت. وی از سران مشروطیت و از علمای طراز اول ایران آن زمان بود و شایسته مرجعیت امور شرعی، و گرچه در ابتدا از فرط پرهیزکاری حاضر به قبول این مقام نبود اما، سرانجام بر اثر اصرار عامه قبول مرجعیت کرد. تا پایان عمر حوزه درسش برقرار بود. در تهران درگذشت، جنازه‌اش به نجف منتقل، و در آنجا دفن شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ انقلاب مشروطیت (۷۴۹، ۲۷۷، ۲۷۱).

افسر اصفهانی، عبدالرحیم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۱۳۰۵ ق)، خطاط، ادیب و شاعر، متخلص به افسر. وی پزشکی نیز می‌دانسته اما به این حرفه اشتغال نداشته است. بنا به گفته‌ی جلال‌الدین همایی در مقدمه‌ی «دیوان» طرب: طرب در خط، ارشد شاگردان میرزا عبدالرحیم افسر شاعر خوشنویس معروف است که وفاتش علی‌التحقیق بعد از سنه‌ی ۱۳۰۸ و به بعض احتمالات در سال ۱۳۱۵ قمری است». کتابت خفی نزدیک به غبار را بسیار شیرین و استوار می‌نوشت. از استواری خط میرعماد و ملاحظت کتابت میرعلی هروی در خطوط او اثری است. از آثار وی: قسمت اول روزنامه‌ی «فرهنگ» است که در زمان حکومت ظل‌السلطان در اصفهان چاپ سنگی شده و قسمتهای بعدی آن به خط پسر او میرزا فتح‌الله جلالی است که از شاگردان وی نیز بود؛ خط و شعر کتیبه‌ی کاشیکاری سر در تکیه‌ی حاج محمد جعفرآبادی، جنب مسجد رکن‌الملک تخت فولاد اصفهان؛ یک نسخه «جهانگشای» جوینی، به قلم کتابت جلی عالی، با رقم: «کتابه العبد المذنب المستکین ابن مسکین الحقیق الفقیر الایم، عبدالرحیم المتخلص به افسر ۱۲۸۳»؛ یک نسخه «گلشن راز» شبستری، به قلم کتابت خفی عالی، در سنه‌ی ۱۲۷۹. شش اثر دیگر وی در کتاب «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر گردیده است.

احوال و آثار خوشنویسان (۳۸۴-۲/۳۸۱)، اطلس خط (۵۷۶)، تذکره القبور (۱۸۰)، حدیقه الشعراء (۱۴۱-۱/۱۴۰)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (۷۳۶).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

افسر اصفهانی، عبدالرزاق

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، طیب و شاعر. مدتی در کلکته ساکن بود، با همت و قناعت و از حق‌العلاج طبابت گذران زندگی می‌کرد. از اغلب علوم با بهره بود، گاهی شعر هم می‌سرود و در این فن توانا بود. اما از جمع‌آوری و سپردن اشعار خود به دیگران مضایقه داشت از اوست:

لب و چشمم ز اشک گرم و آه سرد پنداری

فروزان آذرستی، آن فسرده آبدانستی

نه هیچ از دست رفتم، به مویی گشته پابستم

ز مو کمتر میان او را، ز هیچش کم دهانستی

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۱۴۲- ۱۴۱/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۷۲)، مصطبه‌ی خراب (۱۷- ۱۶).

افسر کرمانی، مهدی قلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۰۰- ۱۲۵۹ ق)، ادیب، خطاط و شاعر، متخلص به افسر. ملقب به افسر الشعراء. وی در کرمان به دنیا آمد و در این شهر تحصیل کرد. در حکمت و منطق سرآمد سخنوران عصر خود گشت بطوری که ناصرالدین شاه وی را به حضور پذیرفت و او را به افسرالشعرا ملقب ساخت. افسر در حسن خط ممتاز بود و نثر را به شیوه‌ی قایم‌مقام نیکو می‌نوشت. ظاهراً نخستین انجمن ادبی را در کرمان وی بنیاد نهاد. او دارای دو «دیوان» شعر از انواع قصاید، غزلیات، مثنویات و رباعیات بوده که به وسیله‌ی یکی از احفادش گردآوری و چاپ شده است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی شاعران کرمان (۷۳- ۷۰)، الذریعه (۸۴/۹)، ستارگان کرمان (۵۳- ۴۹)، فرهنگ سخنوران (۷۳).

افسر یزدی، عبدالوهاب

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، پزشک و شاعر، متخلص به افسر. اصل وی از اصفهان و در یزد ساکن بود. میرزا عبدالوهاب همانند پدر طبابت می‌کرد و گاه شعر می‌گفت. از اوست:

هر کس زبیرم رفت که آرد خیر از وی
 باز آمد و از خویش چو من بی خیر افتاد
 برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
 منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۱/۱۴۸)، فرهنگ سخنوران (۷۳).

افشار ارموی، تقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۲۸۴ - ۱۲۳۴ ق)، حکیم و ریاضیدان. اهل ارومیه بود. در عتبات به تحصیل علوم منقول پرداخت. سپس به همراه پدر به وطن بازگشت ولی برخلاف اصرار پدر از قبول منصب امتناع کرد و عمر را در انزوا و عزلت به ریاضت و عبادت سپری کرد. او در علم اعداد و جفر مهارت کامل داشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
 منابع زندگینامه: دانشمندان آذربایجان (۹)، الماثر و الاثار (۲۰۹).

افشار شیرازی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مدرس.

درگذشت: ۱۳۶۳.

احمد افشار شیرازی در انجمن ادبی که در دبیرستان فیروز بهرام تشکیل می‌شد، حضور می‌یافت. همچنین در جلسات انجمن ایران شناسی که ابراهیم پوردود تأسیس کرده بود، نیز حاضر می‌شد. وی کتاب‌شناس بود و چندین بار برای گذراندن زندگی مجبور شد که بخش‌هایی از کتابخانه‌ی خود را به کتابخانه‌های مجلس شورای ملی، مجلس سنا و دانشگاه تهران و کتابخانه‌ی دانشگاه شیراز بفروشد. از او دو اثر به یادگار مانده است: یکی از آنها گردآوری و چاپ نوشته‌هایش راجع به مانی و مانویت است که به تشویق و راهنمایی سید حسن تقی‌زاده از میان متون فارسی و عربی جمع کرد. دیگری تجدید طبع از پرویز تا چنگیز (تألیف سید حسن تقی‌زاده، تهران، ۱۳۳۵) است، چاپ این کتاب از سال ۱۳۳۸ تا سال ۱۳۴۹ به طول کشید زیرا افشار شیرازی اصرار داشت که کتاب معرب به چاپ برسد.

دروهِ خدمت دولتی افشار شیرازی به مدرس ادبیات و زبان فارسی و عربی در دبیرستان‌ها (شیراز و تهران) و سپس در دانشگاه‌های کشور «تهران و شیراز» گذشت. وی به زبان عربی تسلط داشت.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

افشار یزدی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شاعر، محقق، ادیب.

تولد: ۱۳۱۳ (۱۲۷۲ ق.)، یزد.

درگذشت: ۲۸ آذر ۱۳۶۲، تهران.

دکتر محمود افشار یزدی، فرزند محمدصادق، در سن سیزده سالگی مادر خود را از دست داد و به این سبب برای تحصیل به نزد عمویش در هند اعزام شد و این شخص که سالیان دراز ریاست انجمن ایرانیان مقیم بمبئی با او بود در آن شهر به ترویج و گسترش زبان و ادبیات فارسی در هندوستان مشغول بود. محمود افشار یزدی در هند مقدمات علوم جدید و زبان انگلیسی را فراگرفت. و پس از سه سال به تهران آمد و در مدرسه علوم سیاسی به تحصیل پرداخت. اما به قصد ادامه‌ی تحصیل در نوزده سالگی راهی اروپا شد و در سوییس از دانشکده‌ی علوم سیاسی دانشگاه لوزان درجه دکترای دریافت کرد. چون ایام اقامت وی در اروپا مقارن با ختم جنگ بین‌الملل اول بود و موضوع قرارداد ۱۹۱۹ مطرح بود در جراید سوییس مقالاتی در دفاع از حقوق ایران نوشت، همچنین مقالاتی درباره‌ی زبان فارسی و ایران در جراید سوییس از وی به یادگار مانده است. وی پس از به پایان رساندن دوره دکترای در سال ۱۳۴۰ ق. به ایران بازگشت. چندی در مدرسه‌ی علوم سیاسی به تدریس تاریخ اشتغال داشت. سپس به ریاست مدرسه‌ی عالی تجارت که تازه تأسیس شده بود انتخاب شد و اساس مدرسه‌ی مزبور را پی‌ریزی کرد. مدتی نیز در وزارت مالیه و عدلیه به خدمت اشتغال داشت با به سمت مستشاری دیوان کشور رسید. آخرین موقعیت اداری او معاونت وزارت فرهنگ بود. از آن پس از خدمت دولتی کناره گرفت.

دکتر محمود افشار یزدی از سال ۱۳۰۰ وارد عرصه‌ی مطبوعات شد. در سال ۱۳۰۴ مجله «آینده» را تأسیس کرد که ابتدا دو سال (۲۴ شماره) و سپس از سال ۱۳۲۲، شانزده شماره‌ی آن طبع گردید و سپس پسرش ایرج افشار به نشر آن ادامه داد. از کارهای دیگر وی ایجاد موقوفه دکتر محمود افشار در شمیران تهران است که مؤسسه لغت‌نامه دهخدا در همان جا مستقر شد. دفتر اشعار دکتر محمود افشار در سال ۱۳۶۲ از طرف موقوفه فوق چاپ شده است. فهرست آثار او به شرح زیر است: مجله «آینده»، چهار دوره؛ روزنامه‌ی خطرات اعتمادالسلطنه (۱۳۴۵)؛ گفتار ادبی (در دو جلد)؛ گنجینه مقالات (مقالات سیاسی یا سیاستنامه‌ی جدید، جلد یک ۱۳۶۸)؛ سیاست اروپا در ایران (۱۹۲۱، آلمان، گفته شده که این کتاب را به زبان فرانسوی نوشته است)؛ افغان‌نامه (درسه جلد)؛ تاریخچه‌ی سیاست روسیه در ایران. مقاله‌های وی در جراید «آفتاب»، «رعد»، «ایران»، «ستاره‌ی جهان»، «شفق سرخ»، «شیرکوه» و «کوشش» و روزنامه‌های دیگر سال‌های ۱۳۰۶-۱۳۰۳ منتشر شده است. مقاله‌هایی نیز برای روزنامه‌های «حبل‌المتین» (کلکته) و «شمس» (استانبول) نوشته است. به مناسبت یادبود دومین سال درگذشتش، چهار مجلد کتاب به نام نامواری دکتر محمود افشار شامل مقاله‌های تحقیق منتشر شد.

حقوقدان، قاضی، مدیر، مدبر، میهن‌خواه، مروج علم و فرهنگ، نیکوکار. در ۱۲۶۷ در یزد متولد شد. پدرش حاج محمدصادق افشار یزدی بازرگانی روشنفکر و طالب علم و ادب بود. به همین دلیل در تربیت فرزندان خود که مستعد بودند سعی بلیغ مبذول داشت. محمود افشار تحصیلات مقدماتی و متوسطه و مقدمات زبان و ادبیات عربی و فرانسه را در تهران و هندوستان فراگرفت و در ۱۲۹۰ برای ادامه‌ی تحصیلات و کسب علوم جدید اروپائی عازم سوییس شد و دوره‌ی لیسانس و دکترای حقوق را پایان برد. از محصلینی که در آن تاریخ در سوییس ادامه تحصیل می‌دادند یکی دکتر محمد مصدق‌السلطنه و دیگری علی‌اکبر داور بودند که بین افشار و آن دو دوستی و نزدیکی زیادی ایجاد شد و در تمام مدت عمر ادامه داشت.

پس از مراجعت به ایران به کارهای علمی و تحقیقاتی پرداخت و با کمک دکتر محمد مصدق و چند نفر دیگر مجله‌ی علمی را انتشار دادند. در ۱۳۰۴ مجله‌ی آینده را بنیاد نهاد و چند سالی مرتباً آن را انتشار داد. داور وقتی وزیر فواید عامه شد او را به همکاری دعوت نمود و ریاست مدرسه‌ی تجارت را به عهده‌ی وی سپرد. افشار بر اساس مدارس اروپائی سر و صورتی شایسته به آنجا داد. در ۱۳۰۶ بنا به دعوت داور وارد تشکیلات نوین قضائی شد و به مستشاری استیناف تهران منصوب گردید. چند سالی این همکاری ادامه داشت. بین وی و داور اختلاف سلیقه بوجود آمد ناگزیر افشار عدلیه را ترک کرد و در زمان وزارت دارائی تقی‌زاده به آن وزارتخانه منتقل گردید. ریاست اداره‌ی اقتصادی و حقوقی را که از اهم ادارات بود بدو سپردند. تا سال ۱۳۱۲ در آنجا خدمت می‌کرد. وقتی داور به وزارت مالیه رفت او به دادگستری بازگشت. ابتدا به مقام دایاری دیوان عالی کشور رسید، چندی بعد مقام مستشاری یافت. بعد از ۱۳۲۰ به معاونت وزارت فرهنگ منصوب گردید و مجله‌ی آینده را مجدداً انتشار داد.

افشار مردی دانشمند، محقق، ادیب، شاعر و ثروتمند بود. عشق میهن‌خواهی داشت. برای ترویج علم و فرهنگ چه از لحاظ مادی و چه معنوی دریغی نداشت، کما اینکه قسمتی از مستغلات خود را در باغ فردوس شمیران وقف سازمان لغت‌نامه دهخدا نمود. در ۱۳۶۳ درگذشت.

برگرفته از کتاب: شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)

افشار، ایرج

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

زندگینامه: در سال ۱۳۰۴ در تهران متولد شد فرزند برومند «دکتر محمود افشار» تربیت‌یافته خاندان ادب و سیاست است. تحصیلات خود را در رشته حقوق به پایان رسانید و دوره‌ی دکتری را نیز دیده است.

افشار از ذخایر ادبی و علمی کشور شمرده می‌شود و در فن کتاب‌شناسی و کتابداری بی‌مانند است.

زبان انگلیسی را خوب می‌داند و زبان فرانسه را از آن بهتر. ده سال کتابدار دانشکده حقوق بود و سپس رئیس کتابخانه دانش‌سرای عالی شد. یک سال نیز ریاست کتابخانه ملی را بر عهده داشت و چهار سال هم رئیس اداره کل انتشارات دانشگاه بود.

افشار به سال ۱۳۳۱ با همکاری چهار تن از دوستان خود، انتشار نشریه گرانقدر «فرهنگ ایران زمین» را آغاز کرد و از سال ۱۳۲۷ مدیریت مجله راهنمای کتاب را به عهده داشت.

وی به دعوت دانشگاه هاروارد آمریکا یک سال در آن کشور مقیم بوده و به کار مرتب کردن کتابهای السنه شرقی آن دانشگاه معتبر اشتغال داشته است و نیز برای امور مربوط به کتاب و کتابداری سفرهایی به کشورهای مختلف داشته است. آثار: ۱- فردوس المرشدید ۲- تاریخ کاشان ۳- تاریخ یزد ۴- جامع مفیدی ۵- مالک و ممالک ۶- قنیه ۷- حالت و سخنان ابوسعید ۸- آغاز و انجام از نصرالدین طوسی ۹- رساله عشق از صفی‌الدین نجاری ۱۰- عرض سپاه ۱۱- بیان الصناعت ۱۲- تاریخ کبیر از جعفری ۱۳- یادداشت قزوینی در ۶ ج، ۱۴- نثر فارسی معاصر ۱۵- میرزا تقی خان امیرکبیر ۱۶- فرهنگ ایران زمین در ۹ جلد ۱۷- راهنمای کتاب در ۵ جلد ۱۸- مهر جلد هشتم ۱۹- کتابهای ماه در ۳ ج.

افشار، جلیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دانشکده: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فارماکوگنوزی، دانشکده: داروسازی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای داروسازی، C.E.S. فیتوفارسی، مدرک D.E.A شیمی مواد طبیعی و دکترای ETAT در شیمی مواد طبیعی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی شیمیائی ترکیبات گیاهان به منظور تهیه فرآورده‌های داروئی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۴۰ پایان‌نامه دکترای.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: -

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

شیمی مواد طبیعی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

افشار، حاجی بابای

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۵۲ ق)، طبیب. میرزابابا یکی از افسران شاهزاده عباس میرزا، و اولین محصلی است که به اتفاق محصل دیگری به نام محمد کاظم، از طرف عباس میرزا برای تحصیل به اروپا فرستاده شدند. میرزابابا پس از آموختن مقدمات، تا شش سال بعد در لندن ماندگار شد و تحصیلات خود را در رشته‌ی پزشکی ادامه داد. میرزابابا اولین طبیب ایرانی است که در اروپا به اتمام تحصیل خود موفق شد. جمیز موریه، نویسنده‌ی کتاب «حاجی بابا اصفهانی»، نام کتاب خود را از نام وی اقتباس کرده و حاجی بابا را موضوع داستان خود قرار داده است. این امر موجب رنجش حاجی بابا شد و وی پس از مدتی، کلمه‌ی حاجی را از نام خود حذف کرد. [۱]

از نخستین ایرانیانی است که برای تحصیل به اروپا رفتند. حاجی بابا در سال ۱۲۲۶ ه.ق. به همراهی سره‌ر فرد جونز وزیر مختار انگلیس برای تحصیل علم طب و شیمی به انگلستان رفت و به تحصیل پرداخت. در ۱۲۳۴ ه.ق. که میرزا صالح و سه تن دیگر از محصلان ایرانی عازم بازگشت به ایران بودند حاجی بابا نیز که تحصیل خود را به پایان رسانده بود با آنان شرکت کرد و سمت حکیمباشی را در دستگاه عباس میرزا یافت. وی تا اواخر سال ۱۲۵۴ ه.ق. هنوز طبیب محمد شاه بود. تاریخ فوت او معلوم نیست. ضح. - نویسنده کتاب «حاجی بابا» به انگلیسی ظ. نام وی را برای عنوان کتاب خود برگزیده بود و او از این معنی دلتنگ بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: [۱] شرح حال رجال (۱۹۳-۱۹۱/۴).

افشار، خداوردی

قرن: ۱۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند محمد قاسم. از اجلای شاگردان مولی عبدالله تستر، و معاصر با مجلسی بوده، کتابی در رجال به نام «زیده الرجال» تألیف نموده، و در آن اسامی مجهولان را اسقاط نموده است.
و در فضل و کمال او کافی است که در خانواده‌ای به مقام سامی علم و کمال رسیده که در بین آنها اهل فضلی وجود نداشته است.
برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

افشار، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیرضا افشار

محل تولد: کرج

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب متولد ۱۳۴۱ هستم. در شهرستان کرج مدت ۲۰ سال زندگی کردم و تا دیپلم تحصیل می‌کردم که مصادف با جنگ تحمیلی شد و عازم جبهه شدم و مجروح گردیدم و از ساق پا قطع گردیده که به علت علاقه شدید به دروس حوزوی نسبت به تحصیل کلاسیک بی‌میل شده و در چهارم نظری تجدید آورده و دیگر ادامه ندادم و وارد حوزه علمیه شهرستان کرج شدم.
در سال ۱۳۶۲ که تا سال ۱۳۷۴ در حوزه علمیه کرج مشغول تحصیل و تدریس بودم. البته نه به طور رسمی. از سال ۷۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و مشغول تحصیل در درس خارج شدم که مدت ۱۲ سال است که مشغول تحصیل در دروس خارج فقه و اصول هستم. اساتید درس خارج عبارتند از آیت الله فاضل لنکرانی (فقه) آیت الله مکارم شیرازی (فقه) آیت الله صالحی مازندرانی (اصول) آیت الله شیخ جواد تبریزی (فقه) آیت الله جوادی آملی (تفسیر) آیت الله فاضل لنکرانی (اصول) و هم اکنون مشغول تحصیل در درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی و فقه آیت الله مکارم شیرازی هستم.

مدت ۲ سال نیز هر پنج‌شنبه به اتفاق دوستان طلبه عازم کرج می‌شدم و در هر پنج‌شنبه مدت چهار ساعت در دو مدرسه جلسه پرسش و پاسخ برای مقاطع مختلف دانش‌آموزان تشکیل می‌دادیم که حدود ۹۰ مدرسه رفته‌ام و جلسه پرسش و پاسخ تشکیل داده‌ام که امام جمعه محترم سابق کرج آقای رضوانی مقدمات حضور ما را در مدارس فراهم می‌کردند که دفتری به نام دفتر فرج

طلوع تشکیل داده بودند. و چندین دوره کلاس کامپیوتر رفته‌ام از جمله مبانی، ویندوز، سخت‌افزار. چهار سال دوره تخصصی تبلیغ را گذرانده‌ام که این چهار سال را در مدت ۳ سال گذراندم. مدت دو سال نیز مشغول حفظ قرآن با دوستان بودیم که یک بار از اول تا آخر قرآن حفظ کردم اما به علت عدم تکرار فراموش کرده‌ام.

از سال ۸۴ نیز مشغول تدریس در دانشگاه تهران، ورامین، پیشوا و ساوه می‌باشم. هم اکنون نیز مشغول نوشتن پایان‌نامه سطح چهار می‌باشم. در بدو ورود به حوزه در طرح هجرت تابستان نیز شرکت کردم و امتیاز نیز آورده‌ام که جایزه نیز به بنده تعلق گرفته چندین بار از طرف دفتر تبلیغات قم، و چندین بار نیز از جانب سازمان تبلیغات تهران جایزه گرفتم به علت مربی نمونه در تبلیغات تابستانی.

منابع زندگینامه: پایگاه اندیشوران حوزه

افشاریات، مهشید

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: سم‌شناسی، دانشکده: داروسازی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای داروسازی، گذراندن چهار سال دستیاری سم‌شناسی و اخذ تخصص سم‌شناسی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

علوم آزمایشگاهی، جرم‌یابی، تشخیص انواع جوهرها و خودکارهای مختلف از نظر کشف جعل دستبردگی و الحاق در اسناد و مدارک، تدریس رشته سم‌شناسی در دانشکده‌های پزشکی، داروسازی، دندانپزشکی، مامائی و حقوق، استاد راهنمای ۱۵ پایان‌نامه دکترای.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

مسمومیت‌های دارویی و درمان آن.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

توکسیکولوژی، جرم‌یابی و تشخیص هویت.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

افشاری پور، سلیمان

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فارماکوگنوزی، دانشکده: داروسازی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی فارماکوگنوزی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فیتوشیمی گیاهان داروئی موجود در کشور، اثرات فارماکولوژیک برخی از گیاهان داروئی موجود در کشور، فرمولاسیون داروهای گیاهی استاندارد و تهیه فرآورده‌های مناسب، بررسی استانداردهای داروهای گیاهی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴۸ پایان‌نامه دکترای داروسازی و فارماکوگنوزی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

روش‌های نوین تجزیه دستگاهی، کشت بافت گیاهی، مبانی فارماکوگنوزی (مفردات پزشکی)، شیمی گیاهی (فیتوشیمی).

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۱، تعداد مقالات به زبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

شیمی گیاهی (فیتوشیمی)، تجزیه‌های دستگاهی نوین، کشت بافت گیاهی، آثار فارماکولوژیکی داروهای گیاهی در حیوانات و انسان، طرح الگوی نوین برای ارائه خدمات داروئی علمی توسط داروسازان در داروخانه‌ها. بر گرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

افضل کرمانی، افضل‌الدین، ابوحامد، احمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۶۱۳ ق)، مورخ، طبیب و شاعر. از تاریخ‌نویسان بزرگ زبان فارسی که به ظاهر از بردسیر کرمان بود. وی در اواخر عهد قاوردیان و انقلابات کرمان و عهد تسلط غزان بر آن سرزمین به سر می‌برد و در آن جا به تدریس و طبابت مشغول بود. و با ملک دینار از

ملوک غزکه در اول رجب سال ۵۸۳ ق بر کرمان استیلا یافته بود معاصر بوده است. بعد از آن نیز شاهد کشاکشهای عمال اتابک فارس، سعد بن زنگی و قطب‌الدین مبارز، امیر شبانکاره و سلطان محمد خوارزمشاه برای تسلط بر کرمان بوده و آثار خود را در این کشاکشها تالیف نموده است. ظاهراً در شروع بحران کرمان و اختلاف میان پسران طغرل شاه یعنی بهرام شاه و ارسلان شاه و ترکان شاه، نظر به آشنایی که با امرا و وزراء و اشراف داشت چند سالی عمل انشاء آن امیران و وزیران به او تفویض شد، لیکن بر اثر دوام بحران ناگزیر جلای وطن و قصد خراسان و دربار ملک طغان شاه بن موید آی ابه را کرد و راه خراسان پیش گرفت و در کوه بنان متوقف شد و پنج سال آنجا بود، بعد به یزد رفت و چندی متعهد امور بیمارستان آن شهر شد و بعد از سر و سامان یافتن اوضاع در کرمان طبابت و انشاء دیوان اتابک یزد به او پیشنهاد شد، اما نپذیرفت. در سال ۵۸۴ ق عزم کرمان نمود و در همان اوان به خدمت ملک دینار رسید و کتاب معروف خود را به نام او نوشت. آثار وی: «عقدالعلی للموقف الاعلی» در تاریخ ملک دینار که در سال ۵۸۴ ق به پایان رسیده است؛ «بدایع الازمان فی وقایع کرمان» معروف به «تاریخ افضل» که حوادث کرمان را تا سال ۶۰۱ ق در آن ضبط کرده است و شخصی به نام محمد بن ابراهیم در قرن یازدهم قمری تحریر نوی از آن کتاب با زبان ساده‌تر به نام «تاریخ سلاجقه کرمان» انجام داده است؛ «المضاف الی بدایع الازمان فی وقایع کرمان» که شامل حوادث از سال ۶۰۲ تا ۶۱۲ ق است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: از سنایی تا سعدی (۲۶۲-۲۶۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۲۶-۱۰۲۳/۲)، تاریخ در ایران (۲۶-۲۵)، تاریخ نظم و نثر (۱۱۸)، ستارگان کرمان (۵۷)، سرآمدان فرهنگ (۱۶۹-۱۶۸/۱)، لغت‌نامه (ذیل / افضل‌الدین).

افضلی بهبهانی، ناصر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای کودکان دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اهواز. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

افضلی، محمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد علی افضلی

محل تولد: ساری

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد علی افضلی در سال ۱۳۳۶ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم

السلام در شهرستان ساری دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۱ و در اوج خفقان حاکم بر کشور از سوی حکومت ستمگر و ظالم شاهنشاهی بر کشور و حوزه های علمیه، وارد حوزه علمیه مشهد گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد.

پس از مدتها تحصیل و کوشش در مشهد، این بار به شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (سلام علیها) و ادامه تحصیل در قم رهسپار قم و وارد حوزه علمیه گردید. پس از ورود ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت (ع) با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. با اتمام سطوح عالی در سال ۱۳۵۹ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله وحید، آیت الله صالحی مازندرانی، مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فقه در مقطع کارشناسی ارشد از خبرگان رهبری فارغ التحصیل گردید.

وی پس از سالها تلاش و علم اندوزی در قم، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت و هم اکنون علاوه بر مدیریت نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه علوم پزشکی مازندران، در این دانشگاه و دیگر دانشگاههای استان به تدریس دروس معارف اسلامی مشغول می باشد.

وی در طول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نمانده است و آثاری از قبیل "ترجمه تاریخ شیعه در هند" و مجموعه مقالات "تبیین اندیشه های سیاسی امام خمینی" را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

افضلی، محمد مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد مهدی افضلی

محل تولد: غزنی

شهرت

تابعیت: افغانستان

تاریخ تولد: ۱۳۵۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۹ در سن یازده سالگی وارد حوزه علمیه و تحصیل علوم دینی شدم و سه سال در مدارس علمیه استان غزنی افغانستان سپری شد. در سال ۱۳۷۲ وارد جمهوری اسلامی ایران شدم و در جامعه علمیه امیرالمومنین شهرری تهران به ادامه تحصیل پرداختم. در سال ۱۳۷۳ از طریق آزمون وارد مرکز جهانی علوم اسلامی شدم و با توافق مسئولان مربوطه تا سال تحصیلی ۷۶ - ۷۵ در تهران ماندم و از محضر اساتید بزرگوار مرحوم حاج شیخ حسنعلی کرمانی، استاد لطفی کاشانی، استاد مرتضی شجاری و ... بهره بردم. در سال ۱۳۷۶ با سکونت در قم از محضر حضرات آیات و حجج اسلام حسینی خراسانی، موسوی تهرانی رسائل، مکاسب و کفایه را استفاده کردم.

همزمان در درس شرح اشارات استاد حاج شیخ غلامرضا فیاضی و استاد جناب آقای دکتر محمد حسین حشمت پور نیز شرکت می‌کردم. دروس خارج فقه و اصول را خدمت آیات عظام و حجج اسلام مکارم شیرازی، حاج شیخ صادق لاریجانی و حاج شیخ جواد مروی ادامه دادم. از سال ۱۳۷۷ از طریق آزمون وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شدم و در سال ۱۳۸۱ مقطع کارشناسی ارشد را به پایان رساندم و در سال ۱۳۸۲ وارد مقطع ارشد شدم و در سال تحصیلی ۸۶ - ۸۵ از تحصیل فراغت یافتم.

افکاری، عبدالحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: خون‌شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

افشته‌ای نطنزی، محمود

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۹۳۸ ق)، مورخ و شاعر. از ادبای پرکار زمان خود، که در نظم و نثر دست داشت. در شیراز می‌زیست. آثار وی: «نقاوه الاثار فی ذکر الاخیار» در تاریخ صفویه که در ۹۹۸ ق تألیف آن را آغاز کرد و وقایع آن سلسله را تا سال ۱۰۰۶ ق در آن آورده است؛ «دیوان مجازی»؛ «دیوان غایه المجاز»؛ «دیوان حاصل الجنات»، در مدح ائمه، «دیوان اضطراریه»؛ «برائه القلم»، که دو «دیوان» اخیر در مدح پادشاهان است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۹۷/۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۵۸)، الذریعه (۲۷۱/۲۴)، نقاوه الاثار (پیش گفتار).

اقبال آشتیانی، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۴ - ۱۲۷۷ ش)، ادیب، مورخ و روزنامه‌نگار. در خانواده‌ای پیشه‌ور و تهیدست به دنیا آمد. در کودکی شاگرد درودگر بود اما میل به تحصیل سبب شد که در ضمن کار به مکتب رفته، مقدمات علوم را در زادگاه خود فراگیرد. در سال ۱۳۲۸ ق به تهران آمد. ابتدا به مدرسه‌ی شرکت گلستان رفت سپس در دارالفنون به فراگیری ادب فارسی پرداخت و معاونت کتابخانه‌ی معارف را که در دارالفنون دایر شده بود به عهده گرفت. علاوه بر آن تدریس ادبیات و جغرافیا در مدارس نظام و علوم سیاسی و دارالمعلمین عالی نیز سالها با وی بود. کار نویسندگی اقبال از همکاری با «مجله‌ی دانشکده» و انتشار مقالاتی در آن مجله از سال ۱۲۹۷ ش آغاز شد.

در سال ۱۳۰۴ ش از سوی وزارت جنگ با سمت منشی به همراه هیئت نظامی ایران به پاریس رفت و از دانشگاه سوربن لیسانس ادبیات گرفت. در سال ۱۳۰۸ ش به ایران بازگشت. در این هنگام وزارت فرهنگ از وی خواست که در تألیف کتابهای درسی تاریخ و جغرافیای اقتصادی ایران برای دبیرستانها و شعب علوم انسانی مدارس عالی که در کشور تأسیس شده بود شرکت کند. با تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ ش به سمت استادی در دانشکده ادبیات انتخاب گردید. از سال ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۸ ش مجله‌ی «یادگار» را در تهران منتشر کرد. در اواخر عمر مدتی راین فرهنگی ایران در ترکیه و ایتالیا و در رم درگذشت. پس از یک سال پیکرش را به ایران آوردند و در مرقد شیخ ابوالفتح رازی در جوار بارگاه حضرت عبدالعظیم به خاک سپردند. از وی آثار زیادی بر جای مانده است از جمله: «تاریخ اکتشافات جغرافیایی و تاریخ علم جغرافیا»؛ «تاریخ ایران از صدر اسلام تا استیلای مغول»؛ «تاریخ ایران از بدو خروج چنگیز تا ظهور امیر تیمور»؛ «دوره‌ی تاریخ عمومی»؛ «جغرافیای ایران در خارجه»؛ «خاندان نوبختی»؛ «خدمات ایرانیان به تمدن عالم»؛ ترجمه‌ها: «تاریخ مختصر ایران» تألیف پاول هرمن؛ «طبقات سلاطین اسلام»؛ «مأموریت ژنرال گاردان در ایران»؛ «ناپلئون و اسلام»؛ «یادداشت‌های ژنرال تره‌زل»؛ تصحیح متون: «دیوان معزی»؛ «حدائق السحر»؛ «بیان‌الادیان»؛ «تجارب السلف».[۱]

(بخش ۱) عباس اقبال آشتیانی، محقق و مورخ ایرانی (و. ۱۳۱۴ ه.ق. / ۱۲۷۵ ه.ش. - ف. رم. ۱۳۷۵ ه.ق. / ۱۳۳۴ ه.ش.). وی در آغاز جوانی شاگرد درودگر بود و سپس به تحصیل پرداخت و دوره دارالفنون را به پایان رسانید و به معاونت کتابخانه معارف انتخاب گردید. آنگاه در دارالفنون به تدریس، پرداخت و بعدها به معلمی مدارس نظام، مدرسه علوم سیاسی و دارالمعلمین عالی منصوب شد. در سال ۱۳۰۴ ه.ش. به منشی‌گری هیئت نظامی ایران به پاریس رفت و در آنجا به تحصیل ادامه داد و با اخذ درجه لیسانس از سربن نائل آمد و در آن شهر با علامه محمد قزوینی آشنایی یافت و از محضر وی استفاده کرد. پس از بازگشت به ایران به سمت استادی دانشگاه و عضویت فرهنگستان انتخاب شد و سپس به سمت نماینده فرهنگی ایران در ترکیه و ایتالیا به شهر رم رفت و در آنجا اقامت گزید و هم در آنجا در سن ۵۹ سالگی درگذشت.

جنازه او را به تهران حمل کردند. وی در ۱۳۲۴ مجله «یادگار» را تأسیس کرد که پنج دوره از آن منتشر شده. از آثار وی «تاریخ مغول»، «وزراء سلاجقه»، «خاندان نوبختی»، تصحیح «عبثة الکتبه»، تصحیح «سمط العلی»، تصحیح «مجمع التواریخ» تألیف دکتر فوریه، ترجمه «یادداشت‌های ژنرال تره‌زل»، ترجمه «مأموریت ژنرال گاردان در ایران»، تصحیح «ترجمه فارسی محاسن اصفهان»، تصحیح «بیان‌الادیان»، و تصحیح «تبصرة العوام» را باید نام برد. وی در تحقیقات تاریخی و ادبی روش عالمانه‌ای دارد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] از نیما تا روزگار ما (۸۹-۸۵)، تاریخ در ایران (۲۰۰-۱۹۷)، دایرةالمعارف فارسی (۱۸۳-۱۸۲ / ۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۴۵-۲۴۳ / ۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۷۲-۱۷۱ / ۱)، شخصیت‌های نامی (۱۷-۱۶)، شرح حال رجال (۱۳۱ / ۵)، فرهنگ ادبیات فارسی (۶۴-۶۳)، کارنامه‌ی بزرگان (۴۱۸-۴۱۶)، گلزار معانی (۹۲-۸۴)، مؤلفین کتب چاپی (۶۴۰-۶۳۳ / ۳)، یغما (س ۹، ش ۱، ص ۴۵-۴۴).

اقبال مازندرانی، علیقلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، ادیب و شاعر. از اهالی چلاو مازندران بود. در نظم و نثر عربی و فارسی دست داشت. مدتی در خدمت محمقلی

میرزا ملک آرا، والی مازندران بود. سپس به خدمت شاهزاده محمدعلی میرزا درآمد و در زمان وی نزد طهماسب میرزا منصب دبیری یافت. در زادگاه خود کشته و به چاهی انداخته شد. قاتل و علت قتل نیز معلوم نشد. اثر وی: «ملک آرا» در ذکر سلسله‌ی قاجاریه و وقایع دوران محمدحسنخان قاجار و جهانسوز شاه است که به دستور محمدقلی میرزا ملک آرا والی مازندران نوشته شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حقیقه الشعراء (۱۵۱- ۱۵۰/ ۱)، سفینه محمود (۲/ ۶۱۹)، فرهنگ سخنوران (۷۸)، مجمع الفصحا (۱۴۶- ۱۴۵/ ۴).

اقبال یغمایی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم اقبال یغمایی نویسنده و مترجم دانشمند معاصر بود. او دانش آموخته دانشسرای سابق بوده و به امر معلمی اشتغال داشت. وی همچنین دربنیاد فرهنگ ایران نیز فعالیت داشت. یغمایی آثار بسیاری به یادگار گذاشته است.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب: اقبال یغمایی فرزند شادروان اسد الله منتخب السادات جندقی (آل داود) و برادر کوچکتر مرحوم حبیب یغمایی (مدیر مجله یغما) بود.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: اقبال یغمایی کوچکترین پسر خانواده بود. او در روزگاری زاده شد که پدر و سایر افراد خاندان به تازه گی از رنج دربه دری های ناشی از تهاجم نایب حسین کاشی و دیگر باغبان رسته بودند. ردرروستای خور به طور دائم ماواگزیدند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: اقبال یغمایی تحصیلات نخستین را نزد پدر دانشمندش فرا گرفت و درحالی که بیش از هفت سال نداشت از راه کویر به شاهرود آمد و از آنجا روانه تهران شد. در تهران در جوار برادرش، حبیب یغمایی، در یکی از حجره های مدرسه دارالشفاء که بر روی مسجد شاه بود سکنی گزیده و به کار تحصیل پرداخت. پس از آن در دوره اول دانشسرای مقدماتی پسران به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۱۵ شمسی دوره آن را به انجام رسانید.

همسر و فرزندان: مرحوم اقبال یغمایی چهار فرزند پسر و دختر دارد که دو تن از آنان پزشکان برجسته و نامورند.

وقایع میانسالی: اقبال یغمایی در دوران میانسالی ابتدا با نشریات و مجلات گوناگون همکاری داشت. نشریاتی همچون مهر، ارمغان، یغما، آموزش و پرورش و دانش آموز می باشند.

زمان و علت فوت: اقبال یغمایی در ۱۵ شهریور ۱۳۷۶ شمسی در بیمارستانی در غرب تهران و در حالی که بیش از هشتاد سال سن داشت در گذشت و روز بعد در قطعه ویژه دانشمندان و اهل قلم در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: اقبال یغمایی در نیمه دوم سال ۱۳۱۵ شمسی به خدمت وزارت معارف درآمد و با سمت دبیری به شاهرود رفت. وی در سال ۱۳۲۵ به تهران منتقل شد و پس از دو سال تدریس در مدارس تهران به اداره کل نگارش وزارت فرهنگ منتقل شد. وی در تاریخ ۱۳۷۴/۱۰/۱۲ از وزارت آموزش و پرورش بازنشسته شد.

فعالیتهای آموزشی: مهمترین فعالیت های آموزشی اقبال یغمایی، نویسندگی بود. در آن راستا وی مدتی مجله آموزش و پرورش

را منتشر کرد. سپس در دوره ۲۵ مجله (سال تحصیلی ۳۱-۱۳۳۰) رسماً مدیریت مجله را برعهده گرفت. سالهایی که تصدی این مجله را یغمایی برعهده داشت از جمله ادوار خوب این مجله بود. از آن پس مجله مستقلی به راه انداخت. این مجله که دانش آموز نام داشت مخصوص کودکان و نوجوانان بوده و یکی از بهترین و نخستین نشریاتی بود که در ایران برای نوجوانان منتشر گردید. او همچنین مجله رایزن را نیز برای کودکان چاپ می کرد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: اقبال یغمایی در زمان بازنشستگی به طور غیر رسمی و بنا به دعوت دکتر پرویز خانلری دربنیاد فرهنگ ایران به کار پرداخت و مدتی از ساعات ظهر به بعد در اداره نگارش وزارت فرهنگ و هنر به انجام خدمت متفرقه فرهنگی اشتغال داشت. تا آنکه در اواخر سال ۱۳۵۷ شمسی به کلی خدمات فرهنگی و اداری را رها کرده و در منزل کارهای تحقیقی خود را ادامه داد. وی تاروزها پایانی عمر دست از مطالعه و تحقیق و ترجمه برداشت.

آرا و گرایشهای خاص: اقبال یغمایی به مطالعه و تحقیق و پژوهش علاقه خاصی داشت. طوری که تاروزهای واپسین عمر دست از نوشتن برداشت. با آنکه دیگانش کم نور شده و دستانش می لرزید باز هرنگام که رمقی می یافت کتابی بردست می گرفت و یا خطوطی بر صفحه کاغذ نقش می کرد.

آثار:

۱ افرند

ویژگی اثر: این اثر مجموعه داستانهای آموزش است

۲ بزرگمهر

۳ تاریخچه اداره کل نگارش وزارت معارف

۴ تاریخچه اعزام محصل به اروپا از زمان ناصرالدین شاه تا ۱۳۱۲ شمسی

۵ ترجمه پتی شنر

ویژگی اثر: این کتاب تالیف آلفونس دوده بوده و توسط یغمایی به فارسی ترجمه شده است.

۶ ترجمه پل وویرژینی

ویژگی اثر: این کتاب تالیف برناردن دوسن پیر است که توسط یغمایی به فارسی ترجمه شده است

۷ ترجمه تلماک

ویژگی اثر: این کتاب نوشته فنلون است و توسط یغمایی به فارسی ترجمه شده است

۸ ترجمه حکایت های آسیایی

ویژگی اثر: این کتاب تالیف کنت گوینو است

۹ ترجمه ربنسن کروژه

ویژگی اثر: این کتاب تالیف دانیل دفو بوده و توسط یغمایی به فارسی ترجمه شده است

۱۰ ترجمه سفر نامه شاردن

ویژگی اثر: این کتاب تالیف شاردن است که در ۵ جلد به فارسی ترجمه گشت

۱۱ تشبیهات شاعرانه

۱۲ تصحیح ابومسلم نامه

ویژگی اثر: این کتاب تالیف ابو طاهر بن علی بن حسین طرطوسی و توسط یغمایی تصحیح شده است

- ۱۳ جغرافیای تاریخی دامغان
- ۱۴ خلیج فارس
- ۱۵ خمسه نظامی به نثر
- ۱۶ داستان های عاشقانه ادبیات فارسی
- ۱۷ داستانهای پهلوانی ادبیات فارسی
- ۱۸ دانستنی های علمی
- ۱۹ ز گفتار دهقان
- ویژگی اثر : این اثر شاهنامه فردوسی به نثر است
- ۲۰ سیستان و بلوچستان
- ۲۱ شرح احوال و آثار خواجه نصیر الدین طوسی
- ۲۲ شهید راه آزادی سید جمال اصفهانی
- ۲۳ طرفه ها
- ۲۴ عارف نامی یایزید بسطامی
- ۲۵ عشق و پادشاهی یاداستان تاریخی نورجهان و جهانگیر
- ۲۶ مختصر راماین (کهن ترین اثر حماسی هندوان)
- ۲۷ مدرسه دارالفنون
- ۲۸ هوس نامه خسرو و شیرین
- ۲۹ وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران

منابع زندگینامه :

آل داود ، سید علی ، ۶۰ سال با کتاب /نگاهی به زندگی و آثار اقبال یغمایی ، کتاب ماه زبان و ادبیات ، بهمن و اسفند ماه ۱۳۷۶ ، شماره چهاردم و پنجم ، ص ۳۰

اقتداری، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد اقتداری به سال ۱۳۰۴ هجری شمسی در شهر لار فارس به دنیا آمد. در پنج شش سالگی او را به مکتب خانه ای در شهر لار رفت. چیزی بعد از تاسیسی مدرسه دولتی در لار او را از مکتب خانه باز گرفتند و به مدرسه دولتی فرستادند دروس شش ساله ابتدایی را آنجا خواند. جایزه شاگرد اولی در تمام استان (ایالت آن روز) فارس را در این شش سال دریافت کرد. دوران سه ساله دبیرستان را در شهر لار گذراند پدرش پس از تردید بسیار او را به شیراز فرستاد تا در دانشسرای مقدماتی شیراز که دارالمعلمین ابتدایی بود نام نویسی کرد. دو سال در آن دانشسرا درس خواند و با شور و شوق بسیار با سمت آموزگاری به شهر لار برگشت و در سال های اول تا چهارم ابتدایی به خدمت آموزگاری پرداخت. اوایل سال ۱۳۲۵؛ حدود یک سال پس از ازدواج استاد با این که

می توانست از معافیت استفاده کند، اما عشق به وطن سبب شد که برای خدمت وظیفه عازم تهران شود. خود را به دانشکده افسری معرفی کرد پس از پایان این دوره و در سال ۱۳۲۸ که نخستین کنکور دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی تهران برگزار می شد، در این دانشگاه پذیرفته شد و با کسب مدرک لیسانس به دبیری در دبیرستان های تهران پرداخت و در دانشسرای مقدماتی پسران به خدمت آموزشی مأمور شد. در سال ۱۳۳۲ پروانه کارآموزی و کالت درجه یک بعد از درخواست یکساله، برایش صادر شد. سال ۱۳۳۴ سوگند یاد کرد و به اخذ اجازه و کالت پایه یکم دادگستری مفتخر شد تا علاوه بر ۳۰ سال معلمی و خدمت به نونهالان این مرز و بوم چهل سال هم در شغل و کالت دادگستری به جامعه خود خدمت کند. احمد اقتداری در طول زندگی سرشار از علم و ادب خود حدود چهل کتاب با ارزش و بیش از صد مقاله علمی به چاپ رسانده است. در میان آثار او از تصحیح و همت گماردن به انتشار دیوان اشعار شاعران، ترجمه آثار تحقیقی نویسندگان و پژوهشگران غیرایرانی تا چاپ قصه های مثنوی، منطق الطیر و هزار و یک شب و همچنین تحقیقات علمی در زمینه لهجه شناسی، زبان و فرهنگ مناطق مختلف کشور را می توان یافت.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

گرایش : تاریخ محلی جنوب ایران

والدین و انساب : پدر احمد اقتداری مرحوم مرتضی قلی خان اقتداری و مادرش انیس خانم اقتداری، هر دو لارستانی و از روستای گراش بودند. از آن جهت که به علم آموزی احمد اهمیت می دادند از پنج شش سالگی او را به مکتب خانه ای در شهر لار فرستادند .

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : احمد اقتداری از خاندانی کهنسال از خوانین گردش است. پرورش در آن خاندان منشاء ظهور خلیقات و مرام خاص در او شده است.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : - گذراندن دوره ابتدایی و دبیرستان در شهر لار - گذراندن دوره دانشسرای مقدماتی در شیراز - شرکت در کنکور دانشکده حقوق سال ۱۳۲۸ - اخذ پروانه کارآموزی و کالت درجه یک سال ۱۳۳۲ - اخذ مجوز و کالت پایه یکم سال ۱۳۳۴ - اخذ دکترای افتخاری از دانشگاه تهران

همسر و فرزندان : احمد اقتداری در سال ۱۳۲۳ با قمر خانم اقتداری ازدواج کرد. حاصل این ازدواج یک دختر و سه پسر بود. او و همسرش در تربیت فرزندان خود موجدانه کوشیدند و همه را با فضیلت به بار آورده اند. دختر ایشان با نام آرزو، متخصص زبان ایتالیایی و مدرس دانشگاه در آن رشته است، و تحقیق او درباره غزل های حافظ به زبان ایتالیایی به چاپ رسیده است.

وقایع میانسالی : احمد اقتداری در سال ۱۳۳۱ تقاضای اخذ پروانه و کالت درجه یک دادگستری کرد و در سال ۱۳۳۲ پروانه کارآموزی و کالت درجه یک برایش صادر شد. در همین ایام یادداشت های کتاب های «فرهنگ لارستانی» و «لارستان کهن» را آماده و مرتب می کرد ضمن این که سال ۱۳۳۴ سوگند یاد کرد و به اخذ اجازه و کالت پایه یکم دادگستری مفتخر شد تا علاوه بر ۳۰ سال معلمی و خدمت به نونهالان این مرز و بوم چهل سال هم در شغل و کالت دادگستری به جامعه خود خدمت کند

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : زندگی احمد اقتداری سرشار از تلاش، کوشش و آفرینش است. خلق ۲۴ کتاب و بیش از ۲۰۰ مقاله علمی، نشان دهنده توانایی ها و کوشش های عاشقانه وی به ایران زمین، و به ویژه سرزمین فارس است. اقتداری مشاغل گوناگونی را پیشه خود ساخته است که می توان به معلمی، مدیریت های فرهنگی، تدریس در دانشگاه تهران، فعالیت های اجتماعی و سیاسی، و کالت دادگستری، و مقاله نویسی در نشریات متعددی همچون یغما، فرهنگ ایران زمین اشاره نمود. در کنار این امور در برگزاری گردهمایی های علمی نیز مشارکت فعال می نمود از جمله برگزاری سمینار « خلیج فارس در سال ۱۳۴۲» و برگزاری نمایشگاه آثار سدید السطنه کبابی بندر عباس در سال ۱۳۵۴ در دانشگاه تهران

فعالیت‌های آموزشی: لارستان در آثار احمد اقتداری جایگاه ویژه ای دارد، علاوه بر آن استان های هرمزگان، خوزستان، بوشهر، کهگیلویه و بویر احمد نیز مورد توجه او بوده اند. یکی دیگر از اساسی ترین دل مشغولی های وی در عرصه علمی و فرهنگی، خلیج فارس می باشد. با توجه به حساسیت های پنجاه ساله اخیر در مودر این بخش از جغرافیای ایران، اقتداری به طور مستمر در جهت تبیین و تحلیل تاریخی آن کوشیده است. تنوع آثار نگارشی استاد در زمینه های تاریخ، معماری، ترجمه، تصحیح، تحشیه، ادبیات، مردم شناسی و سیاست نشان دهنده توانایی ها و علاقه اقتداری به زوایای نهان و پنهان فرهنگ ایرانی است. عرصه های پژوهشی اقتداری شامل تحقیقات کتابخانه ای و تحقیقات اصیل می شود و میان به فراخور در این تحقیقات میدانی نیز در تقویت روش علمی خود بکار می گیرد. آثار اقتداری در واقع حاصل مشاهده، معاینه، مصاحبه و مراجعه به اصل بوده است. شیوه تحقیق و تاریخ نگاری اقتداری، تلاش جهت حداکثر به کار گیری شواهد بیرونی جغرافیایی و وجه شیئی فعلیت یافته تاریخی است. او تمام خلیج فارس و سراسر جنوب را با قدم طی کرده و سپس در آن باره قلم زده است. م روش تاریخ نگاری وی مبتنی بر اتکاء به آن بخش از اطلاعات تاریخی است که متقن و مثبت به شمار می آیند.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: ی

جوایز و نشانها: بنیاد فارس شناسی در نوزدهم آبان ماه ۱۳۷۹ با همراهی استادان برجسته تاریخ و ادب کشور، و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی استان فارس به دلیل سپاس از زحمات بی دریغ احمد اقتداری در حیطه علم و فرهنگ، از او تجلیل به عمل آورد.

چگونگی عرضه آثار: آثار احمد اقتداری را میتوان به تالیفات، مقالات و سخنرانیها تقسیم کرد ضمن این که مجموعه مقاله های او در این زمینه با نام «کشته خویش» به چاپ رسیده است که مجموعاً پنجاه مقاله را در بر می گیرد و مجموعه سخنرانی هایش با نام «از دریای پارس تا دریای چین» منتشر شده است. کی از مهمترین جنبه های تحقیقات اقتداری پژوهشی درباره خلیج فارس است. اهمیت استراتژیک این منطقه و این که خلیج فارس به اندازه قدمت و پیشینه اش شناخته شده نیست ضرورت تحقیق درباره شناسایی جنبه های مختلف آن را بیش از پیش بر ما مشخص می کند. آنچه امروز درباره این منطقه می دانیم و آنچه در دست داریم بر پایه حدس و گمان یا بنابر افسانه های قدیم و اسناد تاریخی مانند تورات، کتیبه های میخی و آثار برجا مانده از دوران باستان است و در این میان اقتداری با توجه به جنبه های مختلف خلیج فارس از جمله زبان های محلی، آثار باستانی، تاریخ و جغرافیای منطقه، نام خلیج فارس و... مقاله های متنوع و آموزنده ای در شناسایی آن نوشته که می توان به این موارد اشاره کرد: «زبان های محلی و فولکلور خلیج فارس»، «اسناد فارسی، عربی و ترکی در آرشیو ملی پرتغال درباره هرمز و خلیج فارس»، «سرگذشت تاریخی چهار جزیره در خلیج فارس»، «تاریخ و جغرافیای خلیج فارس»، «خلیج فارس و آشنایی با امارات آن»، «محاكمه خلیج فارس نویسان»، «خلیج فارس و نام آن» و... ضمن این که کتابی با عنوان یکصد و پنجاه مقاله در زمینه های ایران شناسی و خلیج فارس از او به چاپ رسیده است که می تواند به عنوان مرجعی در شناخت این منطقه پراهمیت مورد استفاده قرار گیرد. و نیز تلاش های اقتداری در هویت بخشیدن به لارستان و نگرش تازه به تاریخ، فرهنگ و جغرافیای این ناحیه بسیار مهم و قابل تقدیر است احمد اقتداری، علاوه بر تحقیق و پژوهش، طبعی شاعرانه و روحی لطیف دارد گرچه او خود را شاعر نمی داند اما: او شاعری است که تجربیات اجتماعی و زندگی خود را در شعرهایش می گنجاند. احمد اقتداری، علاوه بر تحقیق و پژوهش، طبعی شاعرانه و روحی لطیف دارد گرچه او خود را شاعر نمی داند اما: او شاعری است که تجربیات اجتماعی و زندگی خود را در شعرهایش می گنجاند. یکی از نمونه شعرهای او: از گردش روزگار آزرده منم وز دور زمان دمی نیا سوده منم از کارگران و مزد کم باد به دست با رنج مدام، گنج نابرده منم بس بود و نبود عمر را کرده گذار هم نیک و بدش به هیچ نشمرده منم با هر کس زروی مهر خدمت کردم ماری به درون جیب پرورده منم بس نیش به جای نوشم دادند تریاق نخورده زهرآمخته منم محزونم و مهجورم و مطرودم از آنک دیری است که با عشق تو خو کرده منم

آثار:

- ۱ آتشکده کاریان و آتشکده های فارس - ناتمام
- ۲ آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان
- ۳ آیین دریا نوردی کهن در اقیانوس هند و خلیج فارس
- ۴ از دریای پارس تا دریای چین
- ۵ بشنو از نی: ندای نی
- ۶ بشنو از نی: نیاز نی
- ۷ بشنوی از نی: نوای نی
- ۸ تحشیه ارجان و کهگیلویه
- ۹ تحشیه سرگذشت کشتی رانی ایرانیان
- ۱۰ تحشیه دیوان سدید الدوله - ناتمام
- ۱۱ تحشیه عهد مسم (سفرنامه خسرو میرزا) - ناتمام
- ۱۲ تحشیه مشوش نامه - ناتمام
- ۱۳ ترجمه لار در قرون وسطی - ناتمام
- ۱۴ تصحیح باغستان لارستانی
- ۱۵ تصحیح بندر عباس و خلیج فارس
- ۱۶ تصحیح تاریخ مسقط و عمان و بحرین و قطر و روابط آنها با ایران
- ۱۷ تصحیح دیوان شیدای گراشی
- ۱۸ تصحیح سرزمین های پیرامون خلیج فارس و دریای عمان در صد سال پیش
- ۱۹ تصحیح سفرنامه سدید السطنه
- ۲۰ خلیج فارس

ویژگی اثر: این اثر جایزه ویژه یونسکو در ایران را به خود اختصاص داده است. [کمال سروستانی، سخن اول، ص ۶]

۲۱ خوزستان و ممسنی و کهگیلویه
 ویژگی اثر: در زمینه شناساندن کهگیلویه هم کتاب معروف احمد اقتداری بانام «خوزستان، کهگیلویه و ممسنی» با استناد به مدارک و منابع معتبر این ناحیه را به خوانندگان خود معرفی کرده است. برای نمونه در این کتاب به نقل از مسالک و ممالک اصطخری می خوانیم: «یکی از پادشاهان رم که همیشه از یک تا سه هزار نفر بر در خانه ایشان لشکر حاضر است، مهرگان پسر برزویه پادشاه زمیگان است و آن رمی است که به رم گیلویه مشهور است و مهرگان پیش از گیلویه بوده و شأن و شوکتی از گیلویه بالاتر داشته. پس از مهرگان پسرش سلمه به جای او نشست. گیلویه از ولایت اصطخر نزد او آمد و به خدمتگزاری پرداخت. چون سلمه بمرد گیلویه آنجا را تصرف کرد و کارش به جایی رسید که این سرزمین را به اسم او می خوانند...»

۲۲ دیار شهر یاران (ج ۱)

۲۳ دیار شهر یاران (ج ۲)

۲۴ سایه سیمرع - ناتمام

۲۵ صد و پنجاه مقاله در زمینه ایران شناسی و خلیج فارس - ناتمام

۲۶ فرهنگ لارستانی

ویژگی اثر: نخستین و یکی از مهمترین کتاب های اقتداری «فرهنگ لارستانی» بود که به عنوان نخستین نشریه جداگانه مجله «فرهنگ ایران زمین» با نشان فرهنگ ایران زمین، نقش شیر در کتیبه های تخت جمشید زینت یافت و در سال ???؟ منتشر شد.

۲۷ کاروان عمر

ویژگی اثر: این اثر شامل خاطرات سیاسی و فرهنگی هفتاد سال عمر اقتداری می باشد. اقتداری در کتابی با نام «کاروان عمر» خاطرات سیاسی فرهنگی هفتاد سال عمر خود را با قلمی شیوا و با ذکر جزئیات نوشته است. در این کتاب ضمن آشنایی با جنبه های مختلف زندگی او با توجه به سمت های مختلفی که وی در طول عمر خود داشته است و با توجه به فعالیت های مختلف فرهنگی و هنری اش می توان با اوضاع فرهنگی ایران در دوره معاصر آشنا شد. وی در آغاز این کتاب می نویسد: «نوشتن «خاطرات» زندگی، از دیرباز در ایران زمین معمول بوده است. بسیاری از نکته ها و گوشه های تاریخ اجتماعی ایران از روی همین «خاطرات نامه ها» به دست ارباب تحقیق رسیده و مسائل مبهم و فرهنگی و وضع زندگی مردمان و کیفیات زندگی مدنی و اجتماعی، از روی اینگونه کتاب ها استخراج شده و مورد بحث و تدقیق جامعه شناسان و مورخین و محققین قرار گرفته است... من در هفتاد سال عمر خود در ایران و خارج از ایران بسیاری از مشکلات را در سر راه زندگی خود یافته ام. بسیاری راحل کرده ام و بسیاری راحل نکرده ام...»

۲۸ کشته خویش

۲۹ لارستان کهن

۳۰ لارستان کهن و فرهنگ لارستانی

منابع زندگینامه:

نگاری استاد احمد اقتداری، «فارس شناخت». پاییز ۱۳۷۹، صص ۵-۱۴۳ ریاحی، محمد امین، اقتداری محقی آشنا. فارس شناخت، پاییز ۱۳۷۹، ص ۱۲۴ قاسمی، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ص ۴۵۵ کمالی سروستانی، کوروش، سخن اول، فارس شناخت. پاییز ۱۳۷۹، ص ۶۶ یاسینی، قاسم. نقش احمد اقتداری در احیای آثار سدید سلطنه کبابی، فارس شناخت، پاییز ۱۳۷۹، ص ۲۷

اقتصادی، شهریار

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تغذیه، دانشکده: بهداشت و تغذیه، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در علوم تغذیه و شیمی مواد غذایی از دانشکده علوم تغذیه و انستیتوی تحقیقات تغذیه و صنایع غذایی ایران در سال ۱۳۵۳، پایان نامه در زمینه اثر شیمیایی در بهبود کیفیت آردهای ایران، کارشناسی ارشد علوم بهداشتی در تغذیه از دانشکده دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۵۵، موضوع پایان نامه در زمینه بررسی لپید در زنان حامله، دکترای در رشته تغذیه از دانشگاه دیویس

کالیفرنیا در سال ۱۳۶۴ موضوع پایان‌نامه در زمینه اثر کمبود و متابولیسمی کربوئیدرات بر روی سرعت گلوکونوژنز در موشهای در حال رشد.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده بهداشت و تغذیه دانشگاه علوم پزشکی تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ویتامین‌ها، تغذیه کلینیکی، تداخل غذا و دارو و کنترل متابولیسم، تغذیه کودکان و شیر مادر، طرح بررسی کمی و کیفی اسیدهای چرب تشکیل دهنده چربی شیر مادر در رابطه با وضعیت تغذیه‌ای آنان در مراکز بهداشتی تبریز، راهنمایی، مشاوره بر ۱۱ پایان‌نامه دکترای داروسازی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

دیدگاههای بیوشیمی در تغذیه.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

تغذیه، بیوشیمی، متابولیسم، سموم غذایی، صنایع غذایی، تداخل غذا و دارو، رژیم درمانی، تغذیه وریدی و کم خونی. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

اقداشی، محسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیوشیمی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اهواز.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

اکبر نژاد، محمد تقی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد تقی اکبر نژاد

محل تولد: تبریز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد تقی اکبر نژاد متولد تبریز هستم. دوره های تحصیلی را با موفقیت به پایان بردم و نهایتاً در دبیرستان سپاه مشغول به تحصیل شدم. بعد از شروع سال تحصیلی سوم نظری رشته ریاضی فیزیک، علاقه وافر به حوزه مانع از ادامه تحصیل شد و به حوزه علمیه حضرت ولیعصر (عج) بناب رفته و در خدمت حضرت حجه الاسلام والمسلمین حاج آقای باقری بنابی مشغول به تحصیل شدم. دوره شش ساله را در دو سال به اتمام رساندم و به قم رفتم.

در قم از خدمت اساتیدی مانند حضرات آقایان عابدی، حسن تهرانی، ایزدی، الهی زاده بهره مند شدم. تا این که در سال ۸۱ به توصیه یکی از اساتید برای تدریس به شهرستان برگشتم. یک سال در شهرستان هادی شهر و سه سال در مراغه مشغول به تدریس ادبیات، منطق و فقه و اصول بودم. در کنار تدریس به کار پژوهش پرداختم و آثار متنوعی را ارائه دادم که اکثراً یا به چاپ رسیده اند و یا در شرف چاپ هستند که البته در ادامه ذکر خواهند شد.

علاقه شخصی بنده بیشتر به فقه و اصول می باشد و شاید حدود یک سال است که به نظرات فقهی خودم عمل می کنم. در سال ۸۵ قصد عزیمت به قم را داشتم که بنا به اصرار یکی از دوستان و وجود برخی از مشکلات مالی منصرف شدم و مدیریت حوزه علمیه کنگاور را به عهده گرفتم و هم اکنون مشغول به خدمت در این حوزه می باشم. آن چه که مهم است این که، اشتغال به هیچ یک از این کارها مرا از تحقیق و پژوهش جدا نکرده است و تحقیق به عنوان مهم ترین شاخصه فعالیت های من حضور دارد.

اکبر نژاد، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی اکبر نژاد

محل تولد: شیروان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مهدی اکبر نژاد در سال ۱۳۵۶ وارد حوزه علمیه ایلام شدم و برخی دروس مقدماتی را در آنجا گذراندم. با شروع تظاهرات و راهپیمایی های دوران انقلاب عملاً دروس حوزوی تعطیل شد و با پیروزی انقلاب، در اسفند ۱۳۵۷ وارد حوزه علمیه قم شدم.

در سال ۱۳۶۸ دروس سطح را به پایان رساندم و وارد درس خارج شدم همزمان با دوره سطح برخی دروس مانند بعضی از کتابهای فلسفی از جمله بدایه و نهاییه را خواندم و در زمان تحصیل در دوره خارج، مدتی در درس اسفار آیت الله حسن زاده و آیت الله جوادی آملی نیز شرکت کردم. درس خارج را نزد آیات عظام فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، نوری همدانی، وحید خراسانی و

مومن قمی گذراندم.

در سال ۱۳۷۰ بعنوان عضو تحقیقاتی تفسیر راهنما، به اعضای نویسنده آن تفسیر ملحق و بعد از چند ماه کار در گروه برداشتهای اولیه روائی، وارد گروه کنترل نهایی فیش های حدیثی تفسیر شدم و این همکاری تا سال ۱۳۷۴ ادامه داشت و بدلیل رفتن به شهرستان در سال ۱۳۷۴ پایان یافت.

در سال ۱۳۷۱ در آزمون تربیت مدرس دانشگاه قم شرکت کردم و در دوره کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی پذیرفته شدم. در پاییز سال ۱۳۷۴ از رساله این دوره با عنوان "جدال در قرآن" دفاع کردم.

در زمستان ۱۳۷۴ بعنوان مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه های ایلام و علوم پزشکی ایلام منصوب شدم و همزمان دروس دانشگاهی را تدریس می کردم. در سال ۱۳۷۷ بعنوان عضو هیئت علمی دانشگاه در آادم تا سال ۱۳۸۰ که با قبولی در دوره دکترای علوم قرآن و حدیث تربیت مدرس دانشگاه قم، به قم منتقل شدم و عملاً مشغول تحصیل حوزوی و دانشگاهی و نیز انجام کارهای تحقیقی شدم که اکنون رساله دکترا آماده دفاع می باشد.

در سال ۱۳۸۱ با دعوت مرکز فرهنگی انتظار نور وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی قم به گروه حدیث این موسسه پیوسته و با همکاری چند تن از دوستان، اکنون مجموعه احادیث مهدویت دسته بندی و آماده چاپ و ارائه نرم افزاری می باشد.

اکبری حامد، اصغر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: چشم پزشکی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

اکبری کارمزدی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد اکبری کارمزدی

محل تولد: سواد کوه (عباس آباد)

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب محمد اکبری کارمزدی فرزند هادی در تاریخ ۱۰/۱/۱۳۴۳ در خانواده ای مذهبی و قرآنی متولد شدم. دوران ابتدائی را در محل و راهنمایی را در آلاشت به پایان رساندم به پیشنهاد ابوی مرحوم و به خاطر علاقه ای که در درون خود نسبت به دروس

حوزوی می‌دیدم راهی حوزه علمیه رستم کلاه در یکی از شهرهای استان مازندران به سرپرستی مرحوم آیه الله ایازی شدم و جامع المقدمات را همگام با قیام عمومی مردم در سال ۱۳۵۷ شروع نمودم که با تهدیدات طاغوت حوزه علمیه تعطیل شد به ناچار در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و در سال ۱۳۶۰ مشغول تحصیل در مدرسه مرحوم آیه الله گلپایگانی شدم. با اتمام لمعتین در درس های آزاد حوزه شرکت نمودم که اصول فقه را در خدمت استاد حسینی بوشهری و صالحی افغانی بودم. مکاسب را در محضر اساتیدی چون استاد بنی فضل، مرحوم پایانی و استاد قدبری تلمذ بودم و رسائل را محضر آیه الله فاضل استفاده بردم و پنج سال متوالی خارج اصول را در محضر آیه الله سبحانی به پایان رساندم. همگام با خارج اصول به مدت ۸ سال خارج فقه را در محضر آیه الله مکارم تلمذ نمودم. ضمناً سالیان سال در درس تفسیر قرآن محضر آیه الله جوادی آملی بودم. حدود سال ۱۳۷۲ به خاطر علاقه ای که به قرآن و تفسیر قرآن پیدا کردم وارد رشته علوم قرآنی و تفسیر شدم. بعد از اتمام ۴ سال مشغول تدوین رساله سطح چهار شدم که بخاطر مشکلاتی، کار ناتمام و مهلت آن به سر آمد که برای بار دوم مشغول تدوین رساله سطح چهار شدم که تا به حال ادامه دارد. بعد از پایان دوره تخصصی برای انجام کار تحقیقات قرآنی در مرکز فرهنگ معارف قرآن مشغول و با تشکیل پرونده ها و سپس ارزیابی مقاله ها و نهائی کردن مقاله ها در بخش مقابله، نزدیک به ۹ سال است که دنبال می‌کنم نتیجه کارهایی که انجام گرفت انتشار پنج جلد از دایرة المعارف قرآنی و دو جلد اعلام قرآن گروهی می‌باشد و چند مقاله که به نام اینجانب در دایرة المعارف چاپ شده است. در حال حاضر در درس فقه آیه الله جوادی آملی مشغول می‌باشم.

اکبری، فیروزه

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

خانم دکتر فیروزه اکبری اسبق در سال ۱۳۳۳ در شهرستان مرند متولد شد. تحصیلات عالی خود را در سال ۱۳۵۳ در رشته پزشکی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران آغاز کرد و به سال ۱۳۶۰ فارغ‌التحصیل شد. وی در سال ۱۳۶۶ موفق به اخذ درجه تخصصی در رشته زنان و زایمان از دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران گردید. سپس تحصیلات فلوشیپ خود را در رشته نازایی و IVF دانشگاه لندن به پایان رساند. ایشان اکنون به عنوان عضو هیئت علمی و استاد گروه زنان و زایمان و در بخش نازایی و IVF بیمارستان میرزا کوچک خان مشغول به کار می‌باشند. گروه: علوم پزشکی رشته: زنان و زایمانگرایش: نازایی و IVF تحصیلات رسمی و حرفه ای: فیروزه اکبری اسبق تحصیلات ابتدایی را در سال ۱۳۴۰ در مرند آغاز کرد و در سال ۱۳۵۳ موفق به اخذ مدرک دیپلم گردید. تحصیلات عالی خود را در سال ۱۳۵۳ در رشته پزشکی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران آغاز کرد و به سال ۱۳۶۰ فارغ‌التحصیل شد. وی در سال ۱۳۶۶ موفق به اخذ درجه تخصصی در رشته زنان و زایمان از دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران گردید. سپس تحصیلات فلوشیپ خود را در رشته نازایی و IVF دانشگاه لندن به پایان رساند. فعالیتهای ضمن تحصیل: فیروزه اکبری اسبق درحین تحصیل در دوره تخصصی زنان و زایمان به مداوا و کارآموزی در بیمارستانهای تهران و مطالعه و تالیف در این زمینه مشغول بوده است. وقایع میانسالی: فیروزه اکبری اسبق پیس از فراغت از تحصیل و بازگشت از انگلستان به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران در بیمارستان میرزا کوچک خان (بخش نازایی و IVF) مشغول به فعالیت شد. وی هم اکنون در آن بخش سمت استادی دارد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سمت های اجرائی و مدیریتی فیروزه اکبری اسبق (از گذشته تاکنون) به ترتیب زیر است - عضو گروه تحقیقات جراحی اداره کل امور پژوهش در رشته

زنان سال ۱۳۷۲ - عضو شورای پژوهش و پایان‌نامه گروه آموزش زنان و مامایی از سال ۱۳۷۴ تاکنون - عضو هیئت ممکنه و ارزشیابی رشته زنان و مامایی بورد از سال ۷۶-۱۳۷۴ - عضو کمیته زنان شورایعالی پزشکی از سال ۷۷-۱۳۷۳ - عضو هیئت تحریریه مجله فارسی از سال ۱۳۷۵ تاکنون - کارشناس نظام پزشکی از سال ۱۳۷۷ تاکنون - ریاست بخش IVF بیمارستان میرزا کوچک‌خان از سال ۱۳۷۴ تاکنون - ریاست بیمارستان آرش از سال ۷۱-۱۳۶۹ - کارشناس پزشکی قانونی از سال ۱۳۷۶ تاکنون - ریاست بیمارستان میرزا کوچک‌خان از سال ۱۳۸۶ - عنوان عضو هیئت علمی و استاد گروه زنان و زایمان و در بخش نازایی و IVF بیمارستان میرزا کوچک‌خانمراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می‌آید: دکتر فیروزه اکبری اسبق بخش IVF بیمارستان میرزا کوچک‌خان (وابسته به دانشگاه علوم پزشکی تهران) را راه اندازی کرده است. آرا و گرایشهای خاص: فیروزه اکبری اسبق از جمله متخصصین زنانو زایمان است که به مباحث نازایی و IVF توجه تخصصی دارد وی توان گفت از کسانی است که علم IVF را وارد ایران کرده است.

آثار: چکیده بیماریهای زنان و مامایی دنفورث ۱۹۹۹ و ویژگی اثر: پدیدآورنده: امیرابراهیم صفرزاده، افسانه علی مدد تفرشی، الهام پورمطرو، فیروزه اکبری اسبق ناشر: نسل فردا - ۱۳۸۲

اکبری، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود اکبری

محل تولد: همدان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمود اکبری در سال ۱۳۵۱ در مدرسه آیت الله گلپایگانی به تحصیل علوم دینی پرداختم و پس از هفت سال تحصیل نزد اساتید بزرگی چون آیت الله حسین تهرانی، مدرس افغانی، آیت الله صلواتی، آیت الله مقتدایی و یک دوره خارج اصول آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله وحید خراسانی شرکت کردم و پانزده سال در درس فقه آیت الله تبریزی و آیت الله مکارم شیرازی شرکت کردم و مدت سه سال دروس موسسه ادیان و مذاهب حوزه را طی کردم.

بدایه و نهاییه علامه طباطبایی را نزد استاد فیاضی و منظومه سبزواری را نزد آیت الله یحیی انصاری به اتمام رساندم و از سال ۵۹ برنامه های تبلیغی در قالب کلاس‌داری و منبر و پاسخ به سوالات از مدارس و دبیرستان ها پرداختم و از سال ۷۴ شروع به تالیف و نشر کتاب های متناسب با نسل جوان پرداختم و هم اکنون ۴۰ اثر چاپ شده و ۱۰ اثر آماده چاپ دارم. بدان امید که مورد توجه خداوند متعال واقع شود.

اکبریان، عبدالرسول

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زنان و زایمان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی ایران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

اکبریان، عبدالرسول

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر عبدالرسول اکبریان متولد ۱۳۱۸ه.ش در شهر بروجن از توابع چهار محال بختیاری است. ایشان دارای برد تخصص زنان و زایمان از کشور امریکا می باشد وی عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران بود که در ۱۵ بهمن سال ۱۳۸۶ بنا به درخواست خود پس از ۳۳ سال خدمت بازنشسته گردید. گروه: علوم پزشکی رشته: زنان و زایمانوالدین و انساب: پدر عبدالرسول اکبریان در شهر های اصفهان و چهار و محال بختیاری به کار تجارت پارچه مشغول بود و مادرش هم خانه دار بود. او نیز سه برادر و چهار خواهر دارد. خاطرات کودکی: دوران کودکی عبدالرسول اکبریان با ورشکستگی پدرش همزمان بود بطوری که آنها به ناچار جهت کار برای تهران آمدند. دکتر اکبریان فرزند ارشد خانواده بود و با وجود سن کم کارهای مختلف منزل و سرپرستی برادران و خواهران را برعهده داشت. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: عبدالرسول اکبریان در خانواده ای مذهبی دنیا آمد. دوران کودکی او با ورشکستگی پدرش همزمان بود. او مجبور بود در کنار تحصیل به کارهایی همچون تدریس خصوصی و کار شبانه در بیمارستانها پردازد تا خانواده هفت نفری را سرپرستی کند. تحصیلات رسمی و حرفه ای: عبدالرسول اکبریان تحصیلات ابتدایی را در شهر بروجن گذراند و تصدیق ششم ابتدایی را با نمره بالایی اخذ کرد. تحصیلات متوسطه را در تهران همزمان با کار ادامه داد و موفق شد پس از قبولی در کنکور در رشته پزشکی دانشگاه تهران به تحصیل پردازد. او توانست پزشکی عمومی را از دانشگاه تهران اخذ کند. دکتر اکبریان تخصص رشته زنان و زایمان را از آمریکا دریافت کرده است. خاطرات و وقایع تحصیل: عبدالرسول اکبریان از آن دوران چنین بیاد دارد: "شروع اعتصابها و ناراضی گری ها از سال ۱۳۳۸ شروع شد. من بخاطر دارم که در یکی از روزهای سخت زمستان که برف سنگینی هم می بارید. تمام دانشگاه یکپارچه شروع به شعار دادن علیه حکومت وقت (شاهنشاهی) کردند. کلیه درهای دانشگاه را بستند و ما تا شب هنگام در دانشگاه ماندیم بطوری که با دخالت پلیس این اعتصابات تمام شد". فعالیتهای ضمن تحصیل: عبدالرسول اکبریان در کنار تحصیل به تدریس خصوصی و کشیک شبانه در بیمارستانها می پرداخت. استادان و مربیان: مرحوم دکتر محمد قریب، دکتر پژوهی، دکتر متین و غیره از اساتید عبدالرسول اکبریان بودند. همسر و فرزندان: عبدالرسول اکبریان متاهل و دارای همسر (دارای مدرک کارشناسی علوم زیست شناسی و دبیر بازنشسته آموزش و پرورش) و دو فرزند دختر می باشد. دختر ارشد دارای دکتری دندانپزشکی و در امریکا مشغول بکار می باشد و دختر کوچکش دارای مدرک کارشناسی ارشد الکترونیک از دانشگاه USC امریکا است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: عبدالرسول اکبریان پس از طی دوره پزشکی عمومی و در زمان خدمت سربازی بعنوان دستیار بهداشت در منطقه بیلاقی ایل قشقایی و همچنین در استانهای اصفهان، شیراز و چهار و محال بختیاری خدمت کرده است. او همچنین بمدت ۵ سال در طی سالهای ۱۳۴۸-۱۳۵۲ مسئول بهداشت و درمان اداره بهداشت استان سیستان و بلوچستان بود. از دیگر سمت های وی می توان به چند مورد زیر اشاره کرد: - رئیس بخش

زنان و زایمان و تربیت متخصص زنان و زایمان - مدیر گروه رشته زنان و زایمان دانشگاه علوم پزشکی ایران بمدت ۱۶ سال - عضو بود تخصصی زنان و زایمان بمدت ۱۴ سال - مسئول برگزاری هفت کنگره بین المللی زنان و زایمان مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: عبدالرسول اکبریان درمانگاهی (بنام مرحوم پدرش) در استان سیستان و بلوچستان در شهرستان ایرانشهر به همراه برادرش تاسیس کرده است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: از برنامه های روزمره عبدالرسول اکبریان می توان به موارد زیر اشاره کرد: - شرکت در برنامه های انجمن زنان و زایمان (بعنوان عضو این انجمن) - شرکت در جلسات کارشناسی نظام پزشکی بعنوان کارشناس - شرکت در جلسات کارشناسی وزارت بهداشت بعنوان کارشناسآرا و گرایشهای خاص: عبدالرسول اکبریان از جمله پزشکانی است که پژوهشها و تلاشهای علمی وسیعی درباره زنان و زایمان عمل سزاریان انجام داده است. جوایز و نشانها: - استاد نمونه در سه دوره - دریاف لوح تقدیر از رئیس جمهور وقت جناب آیه الله هاشمی رفسنجانی بعنوان استاد ممتاز - پژوهشگر نمونه سازمان نظام پزشکی ایرانچگونگی عرضه آثار: عبدالرسول اکبریان دارای چندین ترجمه و تالیف در زمینه رشته تخصصی خود می باشد. وی همچنین چندین مقاله در مجلات معتبر علمی به چاپ رسانیده است.

آثار: احیاء نوزادان و ویژگی اثر: همکاری در ترجمه-این کتاب بیشتر برای آموزش و آشنایی با فنون احیاء نوزادان است. ۲ زنان و زایمان و ویژگی اثر: ترجمه- این کتاب از کتابهای پایه و مهم رشته زنان و زایمان برای دانشجویان رشته های زنان و زایمان است ۳ شیر مادر و ویژگی اثر: ترجمه ۴ لوپاکسیلین زنان و زایمان و ویژگی اثر: با همکاری گروه زنان و زایمان - آشنایی با اصول و طرز کار و استفاده از سونوگرافی برای همکارانی که علاقمند به روش جراحی درون بین می باشد.

اکبریان، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد اکبریان

محل تولد: جویبار

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه مشهد شده و در سال ۱۳۶۴ به شهر قم آمدم سال ۱۳۶۸ در دانشگاه تهران الهیات و معارف اسلامی فلسفه و کلام اسلامی پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۲ در دانشگاه تربیت مدرس تهران فلسفه و حکمت اسلامی قبول شدم و در سال ۱۳۷۶ از پایان نامه با عنوان تحلیل آراء فلسفی عرفانی سید حیدر آملی را دفاع نمودم این پایان نامه در سال ۱۳۸۰ در کنگره سید حیدر آملی منتشر گردید با عنوان عرفان شیعی در اندیشه حیدر آملی.

در سال ۱۳۷۴ در آزمون کتبی و شفاهی پایه پذیرفته شدم قبل از آن در سال ۱۳۷۳ سطح را به پایان رساندم و چند سال در درس خارج حضرات آیات صالحی مازندرانی فاضل لنکرانی جوادی آملی شرکت داشت در سال ۱۳۷۳ با پژوهشگاه دفتر تبلیغات اسلامی همکاری را آغاز نمودم؛ طی این مدت در تألیف معجم بحارالانوار گروه تصحیح حضور داشتم هم چنین مدتی با پژوهشکده کلام

همکاری داشتم سپس در اصطلاح نامه علوم اسلامی که در طی این مدت در تألیف فرهنگ اصطلاحات فلسفی با عنوان مستندات اصطلاحات فلسفی شرکت داشتم. سپس از سال ۱۳۸۲ تاکنون به عنوان مدیر واحد پاسخ به سوالات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی اشتغال دارم که تاکنون در تألیف گروهی دو کتاب مجموعه پاسخ های برگزیده ویژه رمضان و ویژه محرم جهت استفاده مبلغان دینی اعزامی از دفتر تبلیغات حضور داشتم. از سال ۱۳۷۶ تاکنون در دانشگاههای مختلف تهران از جمله دانشگاه شهید بهشتی و به مدت ۸ سال در دانشگاه تهران در گروه معارف اسلامی به تدریس اشتغال دارم.

اکبریان، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روماتولوژی، دانشکده: پزشکی دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی و دکترای تخصصی پزشکی داخلی از دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۶۲، فوق تخصص در روماتولوژی در سال ۱۳۶۹.

مرتبه علمی:

استادیار در رشته روماتولوژی دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشیار مرکز روماتولوژی دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۰.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اپیدمیولوژی بیماری بهجت در ایران، اپیدمیولوژی بیماری لوپوس در ایران، پوکی استخوان در بیماران ایرانی و درمان آن، روشهای مختلف درمانی در بیماران مبتلا به SLE، فاکتورهای مختلف تشدید کننده بیماری لوپوس، تعیین شیوع علائم بیماری لوپوس در ایران و مقایسه آنها با آمارهای خارجی، تعیین شیوع پوکی استخوان در بیماران ایرانی و مقایسه آن با آمارهای خارجی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۰ پایان نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: -

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۵۰

زمینه علمی مقالات:

استئوپوروز در ایران، بیماری بهجت در ایران، لوپوس اریتماتوسیستمیک در ایران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

اکرامی، یزدگرد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

اکرمی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

زندگینامه علمی

وی در آبان ماه سال ۱۳۳۸ش در شهر گوگد گلپایگان در یک خانواده مذهبی دیده به جهان گشود. دوران کودکی را در همانجا سپری کرد و در سن چهار سالگی جهت فراگیری قرآن مجید و احکام اسلامی به مکتب خانه رفت و در سن شش سالگی قرآن و احکام اسلامی را فرا گرفت سپس برای فراگیری تحصیلات کلاسیک به دبستان رفت و مقطع ابتدائی را در یکی از مدارس شهر به پایان رسانید.

سال آخر دوره ابتدائی یعنی پنجم دبستان را طی می کرد که ابوی ایشان به حج مشرف شد. هنگام بازگشت پدر، وی جهت استقبال همراه عده ای از آشنایان به قم آمده و به حسن اتفاق همراه یکی از طلاب ساکن مدرسه حاج ملا محمد صادق به آن مدرسه رفت و شب را در آنجا سپری کرد. روحیه لطیف و سادگی طلاب وی را جذب خود کرد و از همانجا تصمیم گرفت جهت آموزش و فراگیری علوم دینی به این شهر عزیمت کند. با اصرار او و موافقت والدین در سال ۱۳۵۰ش به قم آمد و در همان مدرسه ساکن شد. ادبیات و دوره مقدمات را نزد اساتید بزرگوار مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی فرا گرفت. همزمان با تحصیل علوم دینی دروس جدید و کلاسیک را نیز ادامه داد و موفق به اخذ دیپلم اقتصاد گردید.

پس از پایان مقدمات سطح را نیز ادامه داده و در این هنگام از محضر اساتید بزرگواری چون حضرات آیات محسن دوزدوزانی، محمد تقی ستوده، محی الدین فاضل هرنندی، و ... تلمذ نموده و در نهایت در سال ۱۳۶۳ش امتحانات پایان سطح را با موفقیت پشت سر گذاشته و در درس های خارج فقه و اصول همچنین فلسفه و تفسیر شرکت کرد. در این مقطع نیز که ۱۶ سال ادامه داشت و هم اکنون نیز ادامه دارد، از محضر اساتید معظم و مراجع تقلید حضرات آیات عظام محمد فاضل لنکرانی، حسینعلی منتظری، جوادی آملی، مکارم شیرازی و محمد علی گرامی بهره مند شده و تقریراتی که وی از این دروس نوشته به حدود سی دفتر می رسد که به صورت دست نویس نزد ایشان موجود است.

همزمان و در کنار آموزش و فراگیری علوم دینی در مبارزات حق طلبانه ای که در حوزه علمیه قم وجود داشت شرکت می کرد. در سال ۱۳۵۴ همراه طلاب و فضلا در جلسه ای که در مدرسه فیضیه به مناسبت بزرگداشت شهدای پانزده خرداد سال ۱۳۴۲ برپا شده بود حضوری فعال داشت و یکی از رهبران آن جنبش به شمار می آمد. در سال ۱۳۵۶ به اتفاق جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای محمد علی نکونام سفری تبلیغی سیاسی به گلپایگان داشته و به دنبال سخنرانیهای افشاگرانه و پخش اعلامیه های حضرات آیات عظام امام خمینی (ره) و گلپایگانی و ... دستگیر، بازداشت و ممنوع الملاقات گردید. در شهربانی شهر پس از بازجویی گسترده و تحمل حدود یک ماه زندان بدون ملاقات به اصفهان اعزام شد و در دادگاه نظامی و فرمایشی شاهنشاهی محاکمه و به

دو سال حبس محکوم گردید.

دوران محکومیت را در زندان شهربانی اصفهان سپری می کرد که همزمان با اوج گیری مبارزات حق طلبانه مردم ایران رژیم استبدادی تسلیم خواسته مردم شد و زندانیان سیاسی را آزاد کرد، وی نیز در پاییز سال ۱۳۵۷ پس از تحمل حدود یک سال اسارت و زندان آزاد شد و به آغوش خانواده بازگشت.

پس از پیروزی انقلاب و شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نامبرده پس از طی مراحل مختلف آموزش نظامی به جبهه های جنگ عزیمت کرده و در کنار رزمندگان اسلام به انجام وظیفه پرداخت.

یکی از وظایف و مسئولیتهای مهم طلاب و فضلاء حوزه علمیه تبلیغ، ارشاد و هدایت مردم است، برای ادای این وظیفه الهی، مردمی اولین سفر تبلیغی خود را در سال ۱۳۵۴ به اطراف شیراز اعزام شد و از همان سال به طور مرتب در ایام تبلیغ به مناطق و شهرهای مختلف کشور سفر می کرد.

اکفانی سنجاری، شمس الدین، ابو عبدالله محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۴۹ق)، ریاضیدان، طیب و منجم. معروف به اکفانی. در سنجار بخارا متولد شد. در قاهره مقیم بود و همان جا درگذشت. او علم هیئت را برشمرده و آنها را پنج دانسته است: علم زیجات و تقاویم، علم مواقیت، علم کیفیت رصدها، علم تسطیح کره و آلات شعاعی که از آن حادث می شود و علم آلات ظلی. تألیفات بسیاری در ریاضی و فنون و حکمت دارد. تحریر اقلیدس را بدون اندیشه حل می کرد. در شناخت طب و جواهر و نباتات بر تمامی اهل عصر خود برتری داشت و پزشکان نامی از حسن معالجات و تشخیص وی در حیرت بودند. در تاریخ و اخبار نیز مهارتی به سزا داشت. آثار وی: «ارشاد القاصد الی اسنی المقاصد» در انواع علوم که در سال ۱۹۰۴ م در بیروت چاپ شده است؛ «اللباب فی الحساب»؛ «غنیة اللیب عند غیبه الطیب»؛ «نخب الذخائر فی احوال الجواهر» که در مجله‌ی المشرق سال یازدهم منتشر شده است؛ «کشف الرین فی احوال العین»، «الدرالنظیم فی احوال العلوم والتعلیم»؛ «نهایة القصد فی صناعة الفصد»؛ «النظرو التحقیق فی تقلیب الرقیق».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۸۹/ ۶)، ایضاح المکنون (۶۹۲/ ۲)، تاریخ نجوم اسلام (۳۳- ۳۲)، ریحانه (۱۶۶/ ۱)، کشف الظنون (۱۹۹۰، ۱۹۳۵، ۱۵۴۲، ۱۴۹۰، ۶۶)، الکنی واللقاب (۵۰/ ۲)، لغت نامه (ذیل / محمد بن ابراهیم)، معجم المؤلفین (۱۰۰/ ۸)، الوافی بالوفیات (۲۷- ۲۵/ ۲)، هدیه العارفین (۱۵۵/ ۲).

الاشعری، ابراهیم

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اغلب علماء رجال او را توثیق کرده‌اند. علامه حلی و نجاشی گفته‌اند که او از اصحاب حضرت موسی بن جعفر و حضرت رضا

علیه‌السلام بوده و از هر دو آن بزرگواران روایت نموده است.

نجاشی گوید: برادر او فضل بن محمد است که به اشتراک کتابی نوشته‌اند و آن کتاب را حسن بن علی بن فضال از ایشان روایت کرده و شیخ هم در فهرستش آن را بطریقش از ابن فضال نقل نموده است.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

البرزی، عبدالوهاب

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

الحلو، مشتاق

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مشتاق الحلو

محل تولد: -

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

همزمان با تحصیل در مدرسه به طور غیررسمی مشغول تحصیلات حوزوی بوده ام و پس از اخذ دیپلم در رشته علوم تجربی به تحصیلات حوزوی توجه بیشتری نمودم. در سال ۱۳۷۴ وارد دانشگاه مفید در رشته علوم سیاسی شدم و همزمان تحصیلات رسمی خود را در حوزه آغاز کردم. در خرداد ۷۷ موفق به اخذ مدرک لیسانس در رشته علوم و معارف اسلامی حوزه شدم و در سال ۷۸ لیسانس علوم سیاسی را از دانشگاه اخذ نمودم.

از دی ماه سال ۸۰ حضور در درس بحث خارج را آغاز کردم و در سال ۸۱ فوق لیسانس علوم سیاسی از دانشگاه اخذ کردم. در سال ۸۳ مدرک کارشناسی ارشد حوزه را در رشته فقه و اصول اخذ کردم. از سال ۷۳ کار در برخی موسسات تحقیقاتی را در قم آغاز نمودم. و در ابتدا ترجمه از عربی به فارسی را آغاز کردم و از سال ۷۵ به نوشتن تحقیقات در همایش های مختلف مبادرت نمودم.

همزمان با تحصیلات، کار تدریس را در مراکز مختلف انجام می دادم که از مهمترین آنها دو سال و نیم تدریس در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) از مهر ۸۰ بوده است. و همچنان به عنوان محقق با موسسات مختلف به همکاری ادامه می دهم. کار ترجمه به زبان عربی را در زمینه تخصصی (فلسفه دین و کلام جدید) برای برخی مجلات عربی ادامه می دهم و کار راهنمایی

و مشاوره پایان نامه های حوزه را نیز انجام می دهم.

الف اصفهانی، محمدباقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۳ - ۱۲۶۲ ش)، عالم، ادیب، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به الفت. در اصفهان متولد شد. پس از فراگیری فلسفه و حدیث و عرفان، به آموختن ریاضیات قدیم و جدید و سپس زبان فرانسه روی آورد. در فرقه‌شناسی و فلسفه و تاریخ نیز استاد بود. به نجف رفت و در حوزه‌ی درس آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و شیخ الشریعه‌ی اصفهانی و آقا شیخ باقر اصطهباناتی و آقاضیاء عراقی به فراگیری علوم مذهبی پرداخت و اجازه‌ی روایت را از حاج میرزا خلیل و آقا سید حسن صدر اخذ کرد. در انقلاب مشروطه در صف آزادیخواهان قرار گرفت و مجله‌ی «آفتاب» را دایر کرد و به نشر آن پرداخت و در بیداری مردم نقش مؤثری ایفا نمود. وی در سفر به شهرهای مختلف ایران با آزادیخواهان همکاری کرد. عضو مجلس مؤسسان و نماینده‌ی مجلس شورای ملی بود. الفت در انواع شعر مهارت داشت اما بیشتر غزل می‌سرود. کتابخانه بزرگ او به دانشکده‌ی ادبیات اصفهان اهدا گردید. وی در اصفهان وفات یافت و در مقبره‌ی پدرش جنب امامزاده احمد دفن شد. از آثارش: «ابواب الروضات»، فهرست کتاب «روضات الجنات»؛ «داستان هفت برادر»؛ «دانش‌نامه»؛ «دیوان» اشعار؛ «کشف الحجب»، در اسامی کتب، که تألیف آن به مناسبت آن که مرحوم ثقة الاسلام تبریزی نیز در همین موضوع تألیفی را شروع کرده بود ناتمام ماند؛ «مجله‌ی آفتاب»؛ «مجمع الاجازات و منبع الافادات»، در دو مجلد؛ «سفرنامه»، در شرح حالات خودش در دو مجلد؛ «نسب‌نامه‌ی الفت»، در شرح وابستگان سببی و نسبی خودش؛ «تاریخ مداخله علمای شیعه در امور سیاسی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۵۸ - ۵۵)، تذکره‌ی القیوم (۱۶۲ - ۱۶۰)، الذریعه (۱۵ / ۲۰، ۲۷ / ۱۸، ۳۸۳ / ۱۶، ۹۰ / ۹، ۱۲۴ / ۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۵۱ - ۲۴۹ / ۱)، سخنوران نامی معاصر (۳۳۰ - ۳۲۶ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۸۲ - ۸۱)، لغت‌نامه (ذیل / الفت اصفهانی)، مکارم الآثار (۱۶۶۴ / ۵).

القمی، ابوالحارث حنین

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در مجالس المؤمنین می‌نویسد وی از اعظام حکمای شیعه امامیه است، در ایام دیالمه نشو و نما یافته و پرتو انوار حکمت بر صفحات حال او تافته. در تاریخ الحكماء مسطور است که صاحب اعظم سعید بن العمید که استاد الفضلاء و عمید وزرای روزگار بود به وجود او افتخار می‌نمود و می‌فرمود که اگر از شهر ما همین بیرون آمده باشد ما را کافی است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

القمی، احمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علامه و نجاشی در رجالشان درباره او گفته‌اند ثقة ثقة و او را توثیقی کامل کرده‌اند و پدر و جد او هر دو از راویان و اصحاب حضرت رضا علیه‌السلام بوده‌اند. نجاشی گوید او را کتاب نوادر است، و حضرت حجت عجل‌الله فرجه الشریف هم او را در توقیع شریف توثیق فرموده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

القمی، اسحاق

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

از اصحاب حضرت باقر علیه‌السلام و صاحب کتاب است و شیخ او را در فهرست یاد کرده و ظاهراً او با اسحاق سابق‌الذکر یکی است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

القمی، عبدالوهاب

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

از اصحاب حضرت صادق علیه‌السلام است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

القمی، محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ حر در امل‌الآمل گوید وی مردی فاضل و جلیل بوده و روایت می‌کند از او شاذان بن جبرئیل قمی.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

الکسانیان، استپان

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آسیب‌شناسی دهان و دندان دانشکده: پزشکی دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

الله اکبری، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد الله اکبری

محل تولد: بند قراء

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه کاشمر شدم. در مهر سال ۱۳۵۹ به حوزه علمیه یزد رفتم و پس از سه سال تحصیل در آنجا و خواندن دروس مقدمات و معالم و مختصر المعانی، سال ۱۳۶۲ در مهرماه وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه الهادی مرحوم آیه الله گلپایگانی مشغول به تحصیل شدم و به ترتیب دروس فقه و اصول را در حوزه قم خواندم.

در سال ۱۳۶۷ درس خارج را شروع کردم. درس های فقه و اصول را نزد آقایان نکونام، مدنی، کریمی، نظری، میانجی، عندلیب شیرازی، اعتمادی و بنی فضل و ستوده خواندم. درس خارج اصول را نخست در درس خارج اصول آیه الله صانعی حاضر شدم و سپس درس خارج اصول آیه الله سبحانی و درس خارج فقه را نزد آیه الله مکارم شیرازی حاضر می شدم.

در سال ۱۳۶۸ از طریق کنکور سراسری در دانشکده الهیات دانشگاه تهران قبول شدم و هر هفته دو روز به تهران می رفتم تا در سال ۱۳۷۲ لیسانس تاریخ تمدن ملل اسلامی را گرفتم و همان سال فوق لیسانس همان رشته را قبول شدم و در شهریور ۱۳۷۵ از این سطح فارغ التحصیل شدم و همان سال در همان رشته و همان دانشکده دکتری قبول شدم که مع الاسف هنوز رساله دکتری را دفاع نکرده ام. از سال ۱۳۷۴ همزمان با تحصیل در معاونت فرهنگی دفتر تبلیغات واحد پژوهش به پژوهش مشغول شدم و مدت دو سال هم مدیر این واحد بودم از سال ۱۳۷۸ با قسمت دائرة المعارف قرآن کریم دفتر تبلیغات همکاری می کردم تا سال ۱۳۸۲.

از سال ۱۳۸۰ در واحد سیره و تاریخ اهل بیت سیره دفتر تبلیغات همکاری را شروع کردم و دو سال مدیر گروه سیره اهل بیت (ع) بودم تا سال ۱۳۸۲. و تاکنون هم عضو شورای پژوهش این واحد هستم.

از سال ۱۳۷۹ تدریس در مرکز جهانی علوم را آغاز کردم و سال ۱۳۸۱ جزء هیأت علمی آن مرکز شدم و از اسفند سال ۱۳۸۲ تا کنون معاون پژوهش مدرسه عالی امام خمینی (ره) از مدارس تحت پوشش این مرکز هستم و فعالیتیم ادامه دارد. در مراکزمانند مرکز جهانی، مرکز مهدویت، مؤسسه امام خمینی (ره)، باقر العلوم (ع)، مرکز تخصصی تاریخ اسلام حوزه علمیه قم، دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد تدریس داشته‌ام.

الله بداشتی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی الله بداشتی

محل تولد: نوشهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۷/۱

زندگینامه علمی

اخذ دیپلم ریاضی: ۱۳۵۶

اخذ فوق دیپلم ریاضی: خرداد ۱۳۵۸

شروع به تدریس ریاضی: مهرماه ۱۳۵۸

شروع به تحصیلات در رشته دبیری الهیات دانشگاه تهران: نیمه دوم ۱۳۶۳

فراغت از تحصیل در رشته دبیری الهیات دانشگاه تهران: خرداد ۱۳۶۸

شروع به تحصیل در رشته کارشناسی ارشد فلسفه: مهر ماه ۱۳۶۸

فراغت از تحصیل کارشناسی ارشد: ۱۳۷۱

شروع به فعالیت علمی در دانشگاه قم: ۱۳۷۱ تاکنون

شروع به تحصیل دوره دکتری ۱۳۷۸.

فراغت از دوره دکتری ۱۳۸۲.

مدیر گروه فلسفه: ۱۳۸۱ تاکنون

شروع به تحصیلات حوزوی آزاد: ۱۳۵۸

شروع به تحصیلات در حوزه همزمان با تحصیلات دانشگاهی: ۱۳۶۴ (که تاکنون گاه پیوسته و گاه گسسته ادامه دارد.)

الماسی، حسین علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند میرزا ابوطالب، عالم فاضل محدث، از احفاد مجلسی، در ۲۰ رجب سال ۱۲۲۷ وفات یافته، در صحن تکیه‌ی آقا حسین خوانساری مدفون گردید. مشارالیه برادر زن و راوی از میرزا حیدرعلی مجلسی است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

النور، حلیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید حلیم النور

محل تولد: عراق

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید حلیم النور طلبه عراقی در سال ۱۳۷۱ به ایران آمده و در حوزه مشغول به تحصیل علوم حوزوی و دینی شدم. فعالیت تبلیغی خود را از سال ۱۳۷۳ شروع و ابتدا به مناطق فقیر و مستضعف خوزستان عازم شدم.

در سال ۱۳۷۷ اولین سفر تبلیغی خود را به خارج از کشور شروع نموده و به سوریه عازم شدم و به مدت ۳ سال هم به لبنان برای تبلیغ دین در ایام محرم و صفر و رمضان عزیمت نمودم. در سال ۱۳۸۱ به مدت ۴ سال به لطف خداوند و نظر بقیه الله الاعظم و ائمه اطهار علیهم السلام به آفریقا (کنگو) رفتم. و در این سالها تجارب خوبی کسب نمودم و مثمر ثمر برای آن کشورها بودم.

ناگفته نماند که به همت و یاری دوستان و محبان اهل بیت علیهم السلام توانستم مدرسه ای برای ترویج و تبلیغ اسلام و اصول اعتقادی و اخلاقی و دینی پایه ریزی نمایم که فعلا در دست اجرا می باشد و هم اکنون مشغول تحقیق در کتب تاریخ اسلام می باشم.

الهی خراسانی، علی اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اکبر الهی خراسانی

محل تولد: نیشابور

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۱/۱/۱

حجت الاسلام علی اکبر الهی خراسانی در سال ۱۳۲۱ در نیشابور به دنیا آمد. وی تحصیلات خود را در حوزه علمی نیشابور آغاز کرد و پس از عزیمت به مشهد و کسب معلومات حوزوی، در سال ۱۳۴۴ موفق به اخذ گواهینامه مدرّسی علوم منقول از تهران شد و در سال ۱۳۵۲ به دریافت دانشنامه کارشناسی در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی از دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد

موفق گردید؛ و این در حالی بود که دو سال پیشتر، اجازهٔ اجتهاد را از بعضی اساتید و از وزارت علوم و آموزش عالی دریافت داشته بود. نامبرده در حال حاضر علاوه بر مدیریت بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مدیر گروه فقه و اصول بنیاد، عضو هیأت امنا و شورای آموزشی دانشگاه علوم اسلامی رضوی می باشد. کتاب "منتهی المطلب فی تحقیق المذهب" علی اکبر الهی خراسانی، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه: علوم انسانی: الهیات و معارف اسلامی: تحصیلات رسمی و حرفه ای: علی اکبر الهی خراسانی در سال ۱۳۳۵ برای تحصیل علوم دینی وارد مدرسهٔ علمیه گلشن نیشابور شد. و سال بعد برای ادامهٔ تحصیل به مشهد عزیمت کرد و پس از چند سال موفق به اخذ اجازهٔ کتبی نقل حدیث از بزرگان علما نظیر مرحوم آیت ا... مرعشی نجفی شد و اجازهٔ تصدی امور حسیه از ناحیهٔ برخی از مراجع به وی اعطا گردید. در سال ۱۳۴۴ موفق به اخذ گواهینامهٔ مدرّسی علوم منقول از تهران شد و در سال ۱۳۵۲ به دریافت دانشنامهٔ کارشناسی در رشتهٔ فقه و مبانی حقوق اسلامی از دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی مشهد موفق گردید؛ و این در حالی بود که دو سال پیشتر، اجازهٔ اجتهاد را از بعضی اساتید و از وزارت علوم و آموزش عالی دریافت داشته بود. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: علی اکبر الهی خراسانی در حال حاضر علاوه بر مدیریت بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مدیر گروه فقه و اصول بنیاد، عضو هیأت امنا و شورای آموزشی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، عضو هیأت تحریریه و هیأت مدیره مجله مشکوّه، عضو شورای فرهنگ عمومی استان و در عین حال مدرّس حوزه و دانشگاه می باشد. فعالیتهای آموزشی: حجت الاسلام الهی خراسانی از سال ۱۳۶۴ به مدت هفت سال دروس علوم قرآنی، فقه و اصول، آیات الاحکام و تفسیر تخصصی را در دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد تدریس کرده است. اکنون چهار سال است که به تدریس علوم قرآنی و تفسیر برای طلاب خارجی دانشگاه علوم اسلامی رضوی اشتغال دارد. مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می آید: علی اکبر الهی خراسانی در سال ۱۳۴۲ نخستین صندوق قرض الحسنهٔ ایران را در حوزهٔ علمیه مشهد و پس از آن کتابخانهٔ مجهز رضوی و فروشگاه تعاونی طلاب را تأسیس کرد. در سال ۱۳۶۳ در پی ریزی و راه اندازی بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی با مسؤولان آستان قدس و اساتید حوزه و دانشگاه مشهد، همفکری و همکاری داشت و از بدو تأسیس این بنیاد، به عنوان عضو هیأت مدیره و مدیر عامل آن منصوب شد. جوایز و نشانها: کتاب "منتهی المطلب فی تحقیق المذهب" علی اکبر الهی خراسانی، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. همچنین وی مصحح کتاب «سفینهٔ البحار و مدینهٔ الحکم والآثار» بود که این کتاب هم در دوره پانزدهم به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی انتخاب شد. چگونگی عرضه آثار: الهی خراسانی علاوه بر نگارش مقالات و کتابهای متعدد در تعدادی از کنگره ها و سمینارهای علمی بین المللی، از جمله کنگرهٔ بزرگداشت سعدی در هندوستان، کنگرهٔ هزارهٔ شریف رضی، کنگرهٔ شیخ مفید، کنفرانس اندیشه اسلامی، کنگرهٔ جهانی امام جعفر صادق علیه السلام در دمشق، کنگرهٔ نهج البلاغه، مجمع جهانی اهل البيت (ع)، مجمع تقریب بین المذاهب اسلامی، مجمع بررسیهای اقتصاد اسلامی و کنگرهٔ جهانی امام رضا علیه السلام و ... شرکت جسته و بعضاً سخنانی ایراد کرده است. به چند عنوان از مقالات و سخنرانی های وی اشاره می شود: ۱. کتابنامهٔ امام رضا علیه السلام، کنگرهٔ جهانی امام رضا (ع)، ۱۳۶۳. ۲. المسائل العکبریّه، للشیخ المفید (تصحیح و تحقیق)، کنگرهٔ هزارهٔ شیخ مفید، ۱۳۷۱؛ دارالمفید، بیروت ۱۳۷۳. ۳. مکانة السنّة المطهره فی التشريع الاسلامی، مجلهٔ الارشاد، شماره های ۱ تا ۶، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ ق. ۴. حجة الحق شیخ محمدتقی ادیب نیشابوری، ویژگیها و خاطرات، مجله کیهان فرهنگی، شماره ۹، آذر ماه ۱۳۶۳؛ یادنامهٔ ادیب نیشابوری، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا، ۱۳۶۵. ۵. شناخت و پرورش تحقیق در نهج البلاغه، کنگرهٔ نهج البلاغه، ۱۳۷۱. آثار: ۱. الدروس الشرعیه، تألیف شهید ثانی (اشراف بر تصحیح و تحقیق) ویژگی اثر: بنیاد پژوهشهای اسلامی، در دست انتشار. ۲. الرسالة العزیزة فی الوجیزة، تألیف مرحوم محدّث قمی، (تصحیح و تحقیق) ویژگی اثر: در دست انتشار. ۳. المسائل العکبریّه، شیخ المفید ویژگی اثر:

(تصحیح و تحقیق)، کنگره هزار؟ شیخ مفید، ۱۳۷۱؛ دارالمفید، بیروت ۱۳۷۳۴ تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم، تألیف شهفورالفراینی، (تصحیح و تحقیق، با همکاری) و ویژگی اثر: در دست انتشار ۵ سفینه‌البحار، تألیف مرحوم شیخ عباس قمی (اشراف بر تصحیح و تحقیق) و ویژگی اثر: بنیاد پژوهشهای اسلامی، تصحیح، این کتاب در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «سفینه‌البحار و مدینه‌الحکم والآثار»: بحارالانوار مهمترین دایره‌المعارف علوم شیعی است، و از زمان تألیف تاکنون همیشه مورد توجه و استقبال دانش پژوهان بوده است. نیاز این کتاب ۱۱۰ جلدی به فهرست بر کسی پوشیده نیست. مهمترین فهرست موضوعی این کتاب، اثر حاضر است. مرحوم حاج شیخ عباس قمی، کتاب را برحسب حروف تهجی مرتب ساخته است. وی در مقدم؟ کتاب، روش خود را توضیح داده، ذیل هر عنوان به آیات و روایات و گاهی توضیح و تفسیر پرداخته است و هم؟ آنها را با حروف ابجد به مجلدات مختلف بحار ارجاع داده است و در موارد بسیاری نیز خود، افزون بر مطالب علام؟ مجلسی نکات بدیعی ذکر کرده است. تصحیح جدید کتاب براساس نسخ؟ خطی مؤلف انجام شده است و چون مرحوم محدث قمی همیشه با حروف ابجد و به مجلدات چاپ کمپانی ارجاع می دهد که استفاده از آن مشکل است و این امر با هدف اصلی فهرست نویسی منافات دارد، محققان محترم کتاب با حفظ رمزهایی که از طرف مؤلف نوشته شده، تمام آنها را با عدد به مجلدات چاپ جدید بحارالانوار ارجاع داده اند. ضمناً با پانوشتهای سودمند آنچه را مؤلف از کتابهای مختلف نقل کرده است به همان منابع ارجاع داده اند. مقدم؟ مفصل کتاب نیز بر امتیاز این تصحیح افزوده است. ۶ منتهی المطلب، تألیف علامه حلی (اشراف بر تصحیح و تحقیق) و ویژگی اثر: سه جلد این کتاب از سوی بنیاد پژوهشهای اسلامی انتشار یافته، سایر مجلات در دست چاپ است. این کتاب در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «منتهی المطلب فی تحقیق المذهب»: منتهی المطلب فی تحقیق المذهب؛ علام؟ حلی؛ تحقیق گروه فقه بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۱۲ هـ. ق. ۲. کتاب «منتهی المطلب فی تحقیق المذهب» یکی از منابع مهم فقه شیعه در زمین؟ فقه مقارن (فقه تطبیقی) است. امروزه، پرداختن به این زمین؟ فقهی در بین مذاهب اسلامی یک ضرورت است که تدریس آن در حوزه ها و دانشگاهها نیز هرچه بیشتر، حس می شود. از امتیازات این کتاب: مقدم؟ تحلیلی خوب؛ آیات، احادیث، اقوال و آراء استخراج شده؛ توضیح لغات و واژه های دشوار؛ شرح حال موجز اعلام و روات کتاب در پا نوشتها، و توضیح هرچند مختصر در مورد برخی فرق است.

الهی طباطبایی، محمدحسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد حسن الاهی طباطبایی

ولادت: ۱۳۲۵ق.

محل ولادت: تبریز

وفات: ۱۳۸۸ق

محل دفن: قم

محل تحصیل: تبریز، نجف

اساتید: حضرات سید ابوالحسن اصفهانی، میرزا محمد حسین نائینی، سید حسین بادکوبه ای و

شاگردان: حسن حسن زاده آملی، میرزا محمد علی ارتقایی، میرزا موسی تبریزی و ...

تالیفات: رساله ای در علم موسیقی و روابط معنوی روح با صداها (که خود آن را از بین برد).

او از شاگردان مبرز مرحوم سید علی قاضی بود. در سعه صدر و پاکی و حسن خلق زبانزد بود. سیر و سلوک را یک دوران خاص و با اعمال خاصی نیم دانست بلکه آن را در متن همین زندگی عادی تعریف می کرد و زندگی رسول الله (ص) را شاهد این مطلب می آورد. می فرمود: مراقبه یعنی آدم در همین زندگی روزمره غفلت را از خودش دور کند.

ایشان پس از یازده سال اقامت در شهر ساقی کوثر، به دلیل وضع نامناسب معیشتی مجبور شد همراه برادر خویش، علامه طباطبایی، به تبریز باز گردد. در تبریز به تدریس فلسفه و تربیت جویندگان کمال پرداخت. ارتباط ایشان با مرحوم قاضی از طریق نامه برقرار بود، عباراتی چون " جعلت فداک " و " عزیز دلم " که آیت الله قاضی در این نامه ها خطاب به آقای الهی به کار می برد گویای عظمت شان ایشان نزد استاد است. استاد سید محمد حسین قاضی می فرماید: با اینکه خود آقا به علامه و بردارش گفته بود که به ایران برگردند اما دوری آن ها برایشان بسیار ناگوار بود و هر وقت یاد آن ها می افتاد گریه می کرد.

زمانی که آیت الله الهی در قم بود، در مجلس روضه ای که در منزل میرزا تقی زرگری تشکیل می شد، شرکت می کرد. یک بار بعد از اتمام روضه در سینی مسی برایش چای آوردند. او انگشت خود را بر لب گذارد و بعد به سینی مسی زد. سینی تبدیل به طلا شد. بعد فرمود: " ما طلا را می خواهیم چه کنیم؟ " دوباره انگشت بر لب گذاشت و به سینی زد و سینی به حالت اول برگشت! با وجود چنین قدرت روحی، زمانی برای پرداخت قرضش به دو هزار تومان احتیاج پیدا کرد و چون این مبلغ را نداشت مدتی زندانی شد!

این گفتار علامه طباطبایی مشهور است که می فرمود: من خودم از اخوی استفاده می کنم توصیه همیشگی ایشان هنوز در خاطر اطرافیان است: از حسنات اعمالتان که خیال می کنید حسنه است توبه کنید، تا چه رسد به معاصی!

سید محمد حسن الهی در سال ۱۳۸۸ هجری قمری درگذشت. شرح احوال ایشان در کتاب الهیه از انتشارات موسسه فرهنگی مطالعاتی شمس الشمس آمده است.

الهی قمشه ای، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین محی الدین الهی قمشه ای فرزند چهارم استاد فقید مهدی الهی قمشه ای و خانم طیبه تربتی در دی ماه ۱۳۱۸ (ژانویه ۱۹۴۰) در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدائی، متوسطه و دانشگاهی را به ترتیب در دبستان دانش، دبیرستان مروی و دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران تا درجه دکتری (Ph.D. In Islamic Philosophy & Theology) به پایان برد و نیز تحصیلات حوزوی و سنتی را نزد پدر، و استادان دیگر دنبال کرد. پدر ایشان فیلسوف، مجتهد، شاعر و مترجم برجسته ای بودند و اولین و معتبرترین ترجمه فارسی قرآن از کارهای ایشان میباشد. دکتر قمشه ای پس از پایان تحصیلات دانشگاهی به کار تدریس در دانشگاه تهران و سایر مراکز آموزش عالی در داخل و بعد ها خارج از کشور پرداخت و در کنار آن به تالیف و ترجمه در زمینه عرفان و ادبیات و زیبایی شناسی مشغول شد. ایشان دارای همسر و دو فرزند، یک پسر و یک دختر بنامهای شاهد و شادی می باشند. وی همه آموزش های او در ایران صورت گرفته و زبان انگلیسی، عربی، فرانسه و غیره را نیز در ایران آموخته است. استاد قمشه ای، با خستگی ناپذیری تحسین بر انگیزش همواره پیک آشنایی ایرانی و غیر ایرانی با فلسفه و ادبیات غنی عرفانی ایران بوده

و در این راستا در دانشگاه‌ها و مراکز علمی فرهنگی بیشماری در ایران و خارج از ایران تدریس و سخنرانی داشته که از آن میان میتوان تدریس فلسفه، عرفان، ادبیات، و هنر در دانشگاه تهران و دیگر دانشگاه‌های ایران و همچنین دانشگاه‌های لندن، آکسفورد، هاروارد، پرینستون، و برکلی کالیفرنیا را نام برد. دکتر قمشه ای همچنین با هنرهایی چون نقاشی و موسیقی و خوشنویسی از نزدیک آشنایی دارد و گاهی در زمینه خوش نویسی آثاری از او به نمایش گذاشته شده است. ایشان به موسیقی ارادت خاص دارد و آنرا بیش از سایر هنرها در سخنرانیهای خود ستوده و همگان را به آموختن آن تشویق نموده است. به قول یکی از موسیقیدانان هیچیک از سخنرانیهای دکتر قمشه ای نیست که در آن نکته ای در باره موسیقی نباشد. دکتر قمشه ای از حافظه درخشانی برخوردار است و به نظر می رسد که قرآن را تقریباً از حفظ دارد و با مثنوی و حافظ و نظامی و فردوسی چنان است که گویی دیوان آنها در پیش روی او گشاده است و بخصوص گلشن راز شیخ محمود شبستری تماماً در خاطر اوست. وی همچنین در ادبیات انگلیس و عرب نیز می تواند ساعتها از حفظ، اشعار و قطعاتی را باز گو کند.

الهی قمشه ای، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم ربانی و حکیم متاله استاد میرزا مهدی الهی قمشه‌ای فرزند حکیم و عارف بزرگ میرزا ابوالحسن از دانشمندان به نام و حکماء والامقام و اساتید عظام معاصر تهران بوده‌اند تولد ایشان در حدود ۱۳۲۲ در قمشه اصفهان (شهرضا) واقع شده و در بیت علم و تقوا پرورش و دروس ابتدائی و سطوح نهائی را در فقه و اصول از علماء بزرگ و حکماء قمشه و اصفهان فرا گرفته و از آنجا مسافرت به مشهد مقدس نموده و از اساتید خراسان چون مرحوم آقا بزرگ حکیم و آیت‌الله حاج آقا حسین قمی و میرزا مهدی اصفهانی و مرحوم آیت‌الله بررسی و دیگران استفاده نموده آنگاه به تهران عزیمت نموده و در دانشکده الهیات و دانشگاه به تدریس فلسفه و حکمت و سایر علوم پرداخته تا در ربیع‌الثانی ۱۳۹۳ قمری بدرود حیات گفته و جنازه‌اش حمل به قم و در جوار حضرت معصومه (ع) مدفون شده است.

استاد الهی دارای تألیفات ارزنده مرحوم استاد الهی قمشه‌ای در فلسفه و حکمت و دیوان بزرگ هزار صفحه‌ای می باشد که شرح حال خود را در صفحه ۳۹۵ دیوانش به نظم آورده که نویسنده عین آن را با بعضی از غزلیاتش تقدیم اهل ذوق و معرفت و پژوهش می نمایم باشد که روح پرفتوح آن حکیم ربانی و عارف صمدانی این گنهکار را یاد و دوستانش دعا فرمایند.

آثار گرانقدر مرحوم استاد الهی قمشه‌ای.

۱- ترجمه آزاد و خلاصه‌التفسیر قرآن کریم.

۲- ترجمه آزاد مفاتیح‌الجنان مرحوم حاج شیخ عباس قمی طاب ثراه.

۳- ترجمه و شرح صحیفه سجادیه.

۴- حکمت الهی جلد اول (یک دوره حکمت از امور عامه و طبیعیات و الهیات خاص و بیان نبوت و امامت عامه و خاصه و معاد).

۵- حکمت الهی جلد سوم شرح خصوص حکیم فارابی و شرح خطبه توحیده مولا امیرالمؤمنین و اخلاق علمی و عرفانی صد کلمه از کلمات مولا علی علیه‌السلام.

۶- کلیات دیوان الهی (نغمه الهی - نغمه حسینی - نغمه عشاق).

۷- توحید هوشمندان ترجمه و شرح خصوص فارابی.

(۱۳۹۲ - ۱۳۲۰ ق)، حکیم، عالم و شاعر، متخلص به الهی. در شهرضا (قمشه) متولد شد. مقدمات علوم فقه و اصول و حکمت را از شیخ‌های قمشه‌ای و دیگران آموخت و جهت تکمیل آن به اصفهان رفت و در خدمت آقا شیخ محمدحکیم خراسانی و پس از آن در خراسان در محضر مرحوم آقا بزرگ حکیم مشهدی و آقا شیخ اسدالله یزدی مشغول شد تا در حکمت و فلسفه صاحب‌نظر شد. مدتی نیز در حوزه‌ی درس آیت‌الله حاج آقا حسین قمی و میرزامهدی اصفهانی حاضر گشت. سپس به تهران آمد و در مدرسه‌ی عالی سپهسالار به تدریس حکمت و فلسفه پرداخت. همچنین به سمت استاد زبان عربی در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران و استاد فلسفه در دانشکده‌ی الهیات (معقول و منقول)، تدریس کرد. وی در تهران وفات یافت و در قم، در جوار حضرت معصومه (ع)، به خاک سپرده شد. از آثار منشور وی: «رساله‌ای در فلسفه‌ی کلی»، «شرح رساله‌ی حکیم فارابی»، «رساله‌ای در سیر و سلوک»، «حاشیه‌ای بر «مبدأ و معاد» ملاصدرا؛ «رساله‌ای در مراتب ادراک»، «رساله‌ای در مراتب عشق». و از آثار منظوم وی: «نغمه‌ی عشاق»، «دیوان» شعر؛ «نغمه‌ی حسینی»، که تاریخ بزرگترین شهید اسلام است؛ «نغمه‌ی الهی». و از دیگر آثار او: «ترجمه‌ی قرآن مجید»؛ «ترجمه صحیفه‌ی سجاده‌یه»؛ «ترجمه مفاتیح الجنان»؛ و «تصحیح و تحشیه‌ی تفسیر ابوالفتوح رازی». [۱]

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

منابع زندگینامه: [۱] تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۵۵-۵۳)، الذریعه (۱۱۳۵، ۹۲/۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۳۹-۳۳۴ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۸۵)، گلزار معانی (۴۵۸-۴۵۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۱۶-۱۰۸ / ۸)، مؤلفین کتب چاپی (۳۷۰-۳۶۸ / ۶).

الهی منش، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا الهی منش

محل تولد: محلات

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۵۸ دیپلم ریاضی و فیزیک گرفتم و بلافاصله وارد حوزه علمیه قم شدم. تمام تحصیلات سطح و بخشی از درس خارج من در مدرسه حقانی (و شهیدین) بوده است.

اساتید اینجانب جناب آقای شب زنده‌دار در منطق، جناب علی آقای قمی و آقای طباطبایی در اصول فقه و معالم و مرحوم آیت‌الله مصلحی در رسائل و مکاسب و کفایه و بخشی از خارج. اعشاقی، رحمانی، فیاضی و آیت‌الله مصباح در فلسفه، مرحوم آیت‌الله تبریزی در فقه خارج و آقای حاج سید کاظم حائری در فقه و اصول خارج و جناب آیت‌الله خرازی و استادی و عندلیب در تحقیقات فقهی و اصولی به مدت پنج سال.

در سال ۱۳۷۲ وارد موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) شدم و در رشته کلام جدید (دین‌شناسی) در کارشناسی ارشد مشغول شدم و در ۱۳۵۸ از پایان‌نامه حوزه با عنوان "نقد و ترجمه بخش اسماء و صفات کتاب فلسفه دین پویمن" دفاع نمودم.

در سال ۱۳۸۲ برای ادامه تحصیلات در دکتری کلام جدید (گرایش فلسفه دین) در تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شدم. هم

اکنون مشغول تدوین پایان نامه خود تحت عنوان "ساحات وجودی انسان و تأثیرات آنها بر یکدیگر از نگاه قرآن و عرفان شیعی" می‌باشم. اساتید راهنمای مشاور: جناب آقای دکتر محسن جهانگیری و دکتر پازوکی. همچنین به وسیله دکتری و هیئت علمی مرکز عالی ادیان و مذاهب در رشته عرفان و تصوف (گرایش عرفان تطبیقی بین‌الادیان) می‌باشم.

الهی نژاد، واحد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

واحد الهی نژاد

محل تولد: خرم آباد (بخش پاپی)

شهرت

تابعیت: ایران زندگینامه علمی

واحد الهی نژاد فرزند شمس‌الله متولد پاپی خرم آباد. وی پس از تحصیلات ابتدایی و راهنمایی در زادگاهش برای ادامه تحصیل به درود لرستان رفت و مدرک دیپلم را گرفت. در سال ۱۳۶۹ ش وارد حوزه علمیه مهدیه علی گودرز شد. پس از دو سال به مدرسه مروی در تهران رفت و در ۱۳۷۵ وارد حوزه علمیه قم شد و پس از پایان سطح به مدت ۲ سال در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات. محمد فاضل لنکرانی و جعفر سبحانی شرکت کرد. همچنین مدرک کارشناسی فلسفه غرب را از دانشگاه مفید قم دریافت کرد. او همزمان تحصیل در تهران به تدریس در حوزه اشتغال یافت. همچنین در دانشگاه آزاد اسلامی شهر کرد و خرم آباد به تدریس پرداخت. وی از آیت الله سید علی خامنه‌ای اجازه تصدی امور حسبه را دارد.

الهی، بهرام

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: جراحی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

الهی، سیدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۴، مرتبه علمی: دانشیار رشته: انگل شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی پزشکی از آموزشگاه عالی بهداشت مشهد در سال ۱۳۳۸، دکترای پزشکی از دانشگاه مشهد در سال ۱۳۵۱ و دکترای تخصصی انگل شناسی و قارچ شناسی از دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۶۰.

مرتبہ علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انگلهای روده‌ای شایع اطفال در مشهد و حومه، بررسی بیماریهای انگلی و درمان آنان در یک پرورشگاه، مطالعه و بررسی آنوفلهای استان خراسان، بررسی آلودگیهای قارچی جلدی در بین دانشجویان.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

انگل شناسی، بالانتی‌دیزیس و گزارش اولین مورد در استان خراسان،

Analysis of results of parasitology

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

الهی، عباس

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عباس الہی

محل تولد: آمل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از اخذ دیپلم تجربی در سال ۱۳۸۳ وارد حوزه علمیه شهرستان بابل شدم و پس از مدت کمی تحصیل در حوزه علمیه روحیه وارد حوزه علمیه قم گردیده و در مدرسه الهادی (ع) شروع به تحصیل کردم و پس از گذراندن دوران مقدماتی و سپس در خارج از مدرسه موفق به گذراندن دوره سطوح عالی حوزه علمیه قم شدم.

حدود ۶ سال در مدارس علمیه قم مانند الهادی (ع) و رضویه و علوی به تدریس ادبیات عرب، تفسیر و علوم قرآنی پرداختم و امتحانات سطوح عالی را با موفقیت گذرانده و ۴ بار مصاحبه خارج فقه و اصول شرکت کردم و پایان نامه ای را تحت عنوان علوم

قرآنی در تفسیر المیزان برای اخذ سطح سه یا کارشناسی ارشد نوشته و دو سال و خرده ای پیش دفاع کرده و اصلاحات آن پس از اخذ نمره ۱۷ رو به پایان است.

و برای نوشتن دوره دکتری آماده ام البته پس از تحویل مدرک فوق لیسانس هم اکنون در مدرسه امام (ع) با سابقه سه سال تدریس و در دانشکده علوم قرآنی با سابقه دو سال تدریس و در دانشکده اصول دین و مدرسه عالی بنت الهدی در خدمت طلاب خارجی و دانشجویان ایرانی هستم. و مشغول مطالعه و تحقیق و آماده کردن مقالاتی با عناوین و موضوعات مختلف هستم.

الهی، ناصر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ناصر الهی

محل تولد :

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از اخذ دیپلم به جای تحصیل در دانشگاه، حوزه علمیه قم را انتخاب کردم. دروس مقدماتی را در مدرسه رسالت، رسائل را نزد جناب آقای راستی، مکاسب را خدمت آقای پایانی و بنی فضل و کفایه را خدمت آقای محقق داماد خواندم. از سال ۱۳۶۹ به بعد محضر آیات عظام موسوی اردبیلی و منتظری، وحید و جواد تبریزی به خارج فقه و اصول مشغول شدم.

در سال ۱۳۶۹ همراه با تحصیل در خارج فقه و اصول، به دانشگاه مفید برای تحصیل اقتصاد نظری راه یافتیم. تحصیلات در سال تحصیلی ۷۳ - ۱۳۷۲ با موفقیت کامل سپری شد و به مقطع کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه تهران راه یافتیم. در بهمن سال ۱۳۷۵ پایان نامه کارشناسی ارشد را تحت عنوان "بررسی مبانی نظری دخالت دولت در اقتصاد از دیدگاه مکاتب مختلف با تاکید بر مکتب اسلام" دفاع نمودم. پس از آن به دوره دکتری دانشگاه امام صادق علیه السلام راه یافتیم و اقتصاد پولی و بین المللی را گذراندم و از رساله خود تحت عنوان تاثیر جهانی شدن بر همگرایی و یکپارچه سازی حوزه تجاری کشورهای اسلامی (MENA) در اردیبهشت ۸۴ دفاع کردم.

از سال ۱۳۷۶ به عنوان عضو هیات علمی گروه اقتصاد دانشگاه مفید به تدریس اشتغال دارم. تاکنون مواد درسی زیادی از جمله:
 ۱. اقتصاد کلان ۱ و ۲ مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد ۲. تجارت بین الملل مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد ۳. مالیه بین الملل مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد ۴. اقتصاد منابع طبیعی کارشناسی ۵. اقتصاد سنجی کارشناسی ۶. تفسیر آیات اقتصادی ۷. زبان تخصصی را تدریس کرده ام.

سال ۱۳۷۵ مدیریت دفتر برنامه ریزی و خدمات پژوهشی دانشگاه مفید را بر عهده داشتم و از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۱ معاون پژوهشی و از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵ قائم مقام رئیس دانشگاه بودم و اکنون مدیر مرکز مطالعات اقتصادی دانشگاه هستم.

الهیان، علی اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ علی اکبر الهیان در سال ۱۳۰۵ هـ. ق، در قزوین پا به عرصه‌ی هستی نهاد. وی مقدمات را نزد اساتید موطن خود فراگرفت. آنگاه جهت کسب تحصیلات عالی رهسپار حوزه علمیه تهران شد و بعد از مدتی به زادگاهش بازگشت و به فراگیری «عرفان نظری و علوم غریبه» پرداخت. شیخ علی اکبر به تدریس و تربیت شاگردانی نیز همت گماشت، و به تبعیت از استاد و مراد خویش سید موسی، نهال نجات علم و عرفان را در تدریس نو عالمان برافراشت. او سرانجام در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی دیده بر جان و جهان فروبست. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب: شیخ علی اکبر الهیان فرزند آیت الله حاج شیخ محمد تنکابنی، در سال ۱۳۰۵ هـ. ق در خانواده‌ی اهل علم و فضیلت در قزوین پا به عرصه‌ی هستی نهاد. خاندان الهیان از علما و بزرگان می‌باشند و هم‌اکنون در منطقه رامسر به ارشاد و راهنمایی مردم اشتغال دارند. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: شیخ علی اکبر الهیان تنکابنی قزوینی دروس مقدمات ادبیات عرب و فارسی را قزوین در نزد پدر بزرگوار و دانشمندش آموخت و در محضر درس دیگر اساتید آن حوزه حضور یافت. وی در سال ۱۳۲۳ قمری درست یک سال پس از رحلت پدر عازم تهران شد. او که مقدمات را در قزوین به خوبی به پایان برده بود در تهران نزد اساتید آن شهر سطوح عالی را فرا گرفت و سپس برای ادامه تحصیل به نجف اشرف عزیمت نمود. در ابتدای ورودش به معدن علم و فضیلت مدّت کوتاهی را در محضر پربار مرحوم آخوند خراسانی صاحب «کفایة الاصول» زانوی شاگردی بر زمین زد و از فضل و دانش ایشان بهره جست. در همان زمان و پس از آن با حضور در حلقه درس آیه‌الله‌العظمی سید محمد کاظم طباطبایی یزدی و دیگر بزرگان آن عصر، شایستگی علمی‌اش را به ثبوت رسانید و به درجه اجتهاد نایل گردید. پس از مدتی به زادگاهش بازگشت و به فراگیری «عرفان نظری و علوم غریبه» پرداخت. استادان و مربیان: شیخ علی اکبر الهیان تنکابنی قزوینی در قزوین از کلاس درس سید موسی زرآبادی کسب فیض نمود و در پیچه‌های عرفان را به روی خویش گشود. وی «عرفان نظری و علوم غریبه» را از این استاد آموخت و دل‌باخته حالات عرفانی او شد. هم‌دوره‌های او همکاران: از هم‌دوره‌های علی اکبر الهیان تنکابنی قزوینی می‌توان به شیخ مجتبی قزوینی اشاره کرد. همسر و فرزندان: شیخ علی اکبر الهیان تنکابنی قزوینی دارای دو فرزند یکی بنام محمد و دیگری بنام حسن، که هر دو دبیر آموزش و پرورش تهران می‌باشند البته حسن در سال ۱۴۰۲ هجری قمری در هنگام بازگشت از زیارت حضرت رضا (ع) در تصادفی دار فانی را وداع گفتو قایع میانسالی: علامه حاج شیخ عبدالحسین لاهیجی ساکن لاهیجان نقل می‌کند: از مرحوم الهیان شنیدم که فرمود: تمام هوی و هوسها را از خود دور کردم و هیچ آمالی در من وجود ندارد. و نیز نقل نمود: حدود سال ۱۳۷۰ قمری نامبرده یک شب تابستان با عده‌ای از ارادتمندان آن جناب در منزل ما بودند. آن شب در اتاق کک زیاد بود به حدّی که همه را ناراحت می‌کرد. یکی از دوستان ککی را با دست کشت. مرحوم الهیان متعیر شد و فرمود: چرا این حیوان را می‌کشید؟ بگویید. برود - لحظاتی نگذشت که تمام ککها از اتاق خارج شدند، و مدتها در آن اتاق کک مشاهده نگردید. زمان و علت فوت: مرحوم علی اکبر الهیان تنکابنی قزوینی همان طور که گذشت همیشه در سفر بود و در سال اخیر بیشتر اوقات را در طالقان می‌گذرانید تا در اوایل زمستان ۱۳۳۹ خورشیدی بیمار شد و بیماری ایشان شدت یافت (۳) و در بیمارستان دکتر هشترودی تهران بستری گردید و در روز سه‌شنبه سیزدهم بهمن ماه ۱۳۳۹ خورشیدی سال ۱۳۸۰ قمری به درود حیات گفت جنازه‌اش به قم حمل شد و مرحوم آیه‌الله‌العظمی بروجردی (ره) بر ایشان نماز گذارد (و گویا این آخرین نماز میت ایشان بود که بجا آورد) و در قبرستان «وادی السلام خاکفرج» به خاک سپرده شد. شیخ

محمدتقی نحوی که اکثر اوقات خدمت آن مرحوم می‌رسید از قول یکی از اخیار تهران که در لحظات آخر حیات آن مرحوم نزدش حاضر بوده است نقل می‌کند که چند لحظه قبل از وفات، ایشان به من فرمودند: زیر بغلم را بگیرد تا بنشینم. او را نشانیدیم، متوجه شدیم آن مرحوم پاها را جمع کرده و مؤدب نشسته و به یک نقطه معینی نگاه می‌کنند و لبان را تکان می‌دهد، گویا با کسی صحبت می‌کند، سپس پا را دراز نموده و خوابید و به رحمت ایزدی پیوست، در همین حال بوی عطری بسیار عالی به مشام ما رسید. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: علی اکبر الهیان تنکابنی قزوینی چون استادش سید موسی زرآبادی هیچگاه شانه از تکالیف سیاسی و اجتماعی خالی نمی‌کردند و همیشه در مبارزه با ظلم و ستم در دو میدان جهاد نفسانی و جهاد بیرونی پیش قدم بودند. فعالیتهای آموزشی: شیخ علی اکبر الهیان تنکابنی قزوینی پس از بهره‌گیری از حوزه نجف اشرف و علمای آن سامان و درک مقام اجتهاد در حدود سال ۱۳۳۵ قمری به قزوین مراجعت نمود و در آنجا به تدریس و تربیت طلاب علوم دینی پرداخت. و به تبعیت از استاد و مراد خویش سید موسی، نهال نجابت علم و عرفان را در تدریس نو عالمان برافراشت. همیشه در حالت سفر بود، گاه به مشهد مقدس مشرف می‌گشت و بر خواهرزاده خود مرحوم شیخ مجتبی قزوینی وارد می‌شد و گاه در حجره‌ای در مدرسه نواب اقامت می‌گزید و به زیارت و عبادت مشغول می‌شد و همواره در شهرهای قزوین، رامسر، رشت، طالقان، تهران، آستانه و مشهد در تردد بود. وی هر جا می‌رفت به تدریس و تربیت و تهذیب طلاب علوم دینی می‌پرداخت. در طول دوران زندگی هرگز دلبستگی به دنیا پیدا نکرد و هیچگاه خانه‌ای تهیه نمود. با زندگی بسیار ساده و بی‌آلایش عمر را سپری می‌ساخت. با وجودی که هزاران تومان وجوهات به او داده می‌شد با این حال هرگز در آن وجوه تصرف نمی‌نمود و در دوران زعامت آیه‌الله العظمی بروجردی (ره) هم وجوهات را به ایشان می‌داد. سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: شیخ علی اکبر الهیان در همین زمان با حضور در خدمت اعجوبه دوران، عالم ربانی و متأله قرآنی حضرت سید موسی زرآبادی (متوفی سال ۱۳۵۳ قمری) به تهذیب و تزکیه نفس مشغول گردید. استاد که یکی از بنیانگذاران و استوانه‌های «مکتب تفکیک» بود، در پرورش ایشان و شیخ مجتبی قزوینی تلاش فراوان نمود. مکتب تربیتی سید که مکتب توأمان علم و عمل بود بر معرفت و شناخت بر اساس علوم قرآنی خالص و عمل بر طبق موازین دقیق شرعی تأکید داشت. درباره تأثیر اخلاق و کتب علمی و عملی او در پرورش و ساختن روحهای بزرگ، همین بس که شیخ علی اکبر الهیان و شیخ مجتبی قزوینی تنکابنی از تربیت‌یافتگان ایشان هستند. شیخ علی اکبر الهیان در سال ۱۳۴۵ قمری به رامسر مهاجرت و چندی در آنجا رحل اقامت انداخت. وی پس از مدتی درنگ در آن شهر به قزوین بازگشت و از آن پس همیشه در سفر بسر می‌برد. آثار: ۱- تقریرات درس فقه و اصول میرزای بزرگ شیرازی (ره) ۲- حاشیه بر «عین الاصول» ۳- حاشیه بر نجاه العباد ۴- فوائد العسکریه ۵- مصابیح

الهیان، مجتبی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مجتبی الهیان

محل تولد: رامسر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۸/۱/۱

زندگینامه علمی

حجة الاسلام الهیان در سال ۱۳۲۸ در شهرستان رامسر متولد شد. پدر ایشان محمد تقی به کشاورزی اشتغال داشته و همچنین مرجع حل و فصل مشکلات مردم آن سامان به حساب می آمده است. ایشان دوره ابتدایی و دروس مرسوم آن زمان را در رامسر به پایان رساند.

در ۱۵ سالگی وارد حوزه علمیه قم شد و قبل از آن یعنی در سال ۱۳۴۲ همزمان با شروع نهضت امام خمینی (ره) مدت ۳ ماه را در باغ شاه سابق تحت نظر بود.

پس از ورود به حوزه دوره سطح را زیر نظر آیات عظام: فاضل و سبحانی گذراند. دروس خارج را نیز در محضر آیات: میرزا هاشم آملی، داماد، نجفی مرعشی و گلپایگانی شاگردی نمود.

همزمان با تحصیل حوزوی دیپلم را اخذ نمود و سپس وارد دانشگاه فردوسی مشهد در رشته فقه و مبانی حقوق شد که به دلیل شناخته شدن نتوانست به تحصیل ادامه دهد. بلافاصله به رامسر آمد و سپس به قم جهت ادامه تحصیل نقل مکان نمود. سال ۱۳۵۹ در دانشکده الهیات تهران قبول شد اما پس از یک ترم تحصیل، تحصیلات خود را در مدرسه عالی قضائی و اداری قم (دانشگاه قم) ادامه داد و موفق به اخذ مدرک تحصیلی لیسانس علوم تربیتی گردید. ایشان دارای درجه اجتهاد (نقل حدیث) از آیت الله مرعشی نجفی است.

الیاسی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: داخلی گوارشی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی در سال ۱۳۵۶، دکترای تخصصی داخلی در سال ۱۳۶۲ و فوق تخصص گوارش در سال ۱۳۶۸.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده عمومی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

در زمینه جنگ، طب داخلی و بررسی گوارش مجروحان شیمیائی بستری، اثرات خردل گوگردی روی سیستم اداری و روی دستگاه گوارش، بیماری تاکایاسو، عقرب گزیدگی، اثر داروها بر کبد، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۵۰ پایان نامه دکترای.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

طب داخلی، تشخیص بالینی، آسیب بدنی در جنگ خردل گوگردی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

طب داخلی اثر خردل گوگردی بر غلظت هورمون‌ها در مصدومین شیمیائی جنگ، مقایسه زیاردیوز در ۱۲۶ مجروح، هلیکوباکترپیلوری در بیماران مبتلا به گاستریت.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

الیاسی، هدایت‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیهوشی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

ام احمد

قرن: ۵

جنسیت: زن

ملیت: ایران

نیمه دوم قرن پنجم هجری، از زنان پارسا و محدث. وی دختر عایشه بنت سعید نیشابوری و از اهالی نیشابور بود و از مادرش عایشه دختر سعید نیشابوری روایت کرده است.
برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء ۲۲ / ۱.

ام عبدالرحمان

قرن: ۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

اوایل قرن چهارم هجری، از زنان محدث. وی همسر محمد بن علی بن زهیر بود. سهمی (ز ۴۲۷ ق) در تاریخ جرجان می‌نویسد که به خط عمویم، ابونصر اسهم، حدیثی دیدم که با چند واسطه از ام عبدالرحمان نقل شده است.
برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه: منبع: تاریخ جرجان، ۵۰۴.

ام‌العباس، سکینه

قرن: ۵

جنسیت: زن

ملیت: ایران

۴۰۷ / ۴۰۶ ق، از زنان محدث. وی دختر ابوبکر احمد بن ابراهیم اسماعیلی بود و از ابوالعباس محمد بن یعقوب اصم و غیره روایت کرده و ابوالعلاء و ابوالفضل، پسران ابوسعید اسماعیلی، از وی روایت کرده‌اند.
برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه: منبع: تاریخ جرجان، ۵۰۶.

امام الحرمین، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۰۵ - ۱۳۰۲ ق)، عالم شیعی، فقیه، ادیب، لغوی، نحوی و شاعر. دارای حافظه‌ای قوی و خط نیکو بود. در کاظمین ادبیات را آموخت و در علوم مختلف کامل شد. از شاگردان شیخ مرتضی انصاری بود. و از بزرگان علمای اعلام همچون شیخ انصاری و میر سید علی شوشتری دارای اجازه بود. میرزامحمد در کاظمین به قضاوت منصوب و از جانب ناصرالدین شاه ملقب به امام الحرمین شد ولی به روایت آقا شیخ آقابزرگ تهرانی این لقب از طرف سلطان روم (ترک) به وی داده شد. وی در کاظمین درگذشت. از آثار وی: «فصوص الیواقیت فی علم المواقیت»، شعر عربی؛ «عصمة الاذهان فی علم المیزان»، منظومه‌ای در منطق؛ «غنیمة السفر»، در شرح حال شیخ جعفر شوشتری؛ «المحاسن»، در انشآت و مراسلات؛ «المشکاة فی مسائل الخمس والذکاة»؛ «کتاب الاجازات»؛ «المجله الزاهرة فی امر الخلفه والمشاوره فی جواب دعوت العلماء القاهرة من منشآت العاجله والمؤلفات الباجله»؛ «الأسنة»؛ «المواعظ البالغه». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۹۵- ۳۹۴/ ۹)، بزرگان و سخن سرایان همدان (۵۰- ۴۹/ ۲)، الذریعه (۲۲۶- ۲۲۵/ ۲۳، ۵۲/ ۲۱، ۱۲۴، ۲۰/ ۲۳۶، ۷۰/ ۱۶، ۲۷۴- ۲۷۳/ ۱۵، ۱۸۶/ ۱۳، ۷۰/ ۲، ۱۳۰- ۱۲۹/ ۱)، ریحانه (۱/ ۱۷۱)، فوائد الرضویه (۵۵۳)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۰- ۵۸۹/ ۵)، معجم المؤلفین (۲۶۸/ ۱۰).

امام جمعه تهرانی، محمد مهدی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۶۳ - ۱۱۸۵ ق)، فقیه. اولین امام جمعه تهران و از نوادگان علامه‌ی مجلسی است. فتحعلی شاه پس از بنای مسجد سلطانی، میرمحمد مهدی را که از بزرگان خاندان امام جمعه اصفهان بود، به تهران دعوت کرد و با احترام کامل او را امام جمعه تهران و متولی مسجد سلطانی قرار داد. در برخی منابع وی را رییس علمای تهران نیز نامیده‌اند. در تهران درگذشت و در مزاری در جنوب تهران که بعدها به نام خود وی معروف شد (سر قبر آقا) دفن گردید. از آثارش: «تکملة الحیات»، در امامت؛ «شرح فارسی نهج البلاغه»، در پنج مجلد که برخی از عبارات آن ترجمه‌ی عینی عبارات «شرح ابن عثافی» است.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره القبور (۵۱۲)، شرح حال رجال (۵۵/۱)، المآثر والآثار (۱۴۱).

امام جمعه خویی، یحیی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۴-۱۲۷۶ ق)، فقیه و مجتهد. تحت نظارت و مراقبت دانی‌اش حاج میرزا ابراهیم آقا دنبلی تحصیلات خود را در خوی و تبریز و نجف به پایان رسانید. در دوره‌ی اول مجلس از طرف علمای آذربایجان به نمایندگی انتخاب گردید. در مجلس از تندروها جلوگیری کرد و از طرفی از مجلس در مقابل محمدعلی شاه مخلوع دفاع می‌کرد. پس از به توپ بستن مجلس و جریان پارک امین‌الدوله در پارک دستگیر شد. پس از فتح تهران در دوره‌ی دوم، سال ۱۳۲۶ ق، جزو پنج نفر روحانی طراز اول از طرف مراجع تقلید مقیم نجف به نمایندگی مجلس انتخاب گردید. در دوره‌ی سوم نیز نماینده‌ی تهران شد. با قرارداد ۱۹۱۹ م و ثوق‌الدوله مخالفت کرد و خانه‌اش را در اختیار مخالفین و ثوق‌الدوله قرار داد. پس از کودتای ۱۲۹۹ ش نیروهای کودتاچی به خانه‌اش ریختند اما موفق به فرار شد و در حرم حضرت عبدالعظیم بست نشست. پس از آنکه در سال ۱۳۰۶ ش حاج آقا نورالله اصفهانی به ضدیت با قانون نظام اجباری به قم مهاجرت کرد و روحانیون دیگر نیز به تاسی از او به قم رفتند، رضاخان از امام جمعه خویی خواست تا به او در آرام کردن این شورش کمک نماید ولی او نپذیرفت. به مدرس علاقه داشت و مواضع سیاسی مدرس مطلوب او بود. در سال ۱۳۲۲ ش قانونی از تصویب مجلس گذشت که بر اساس آن مقرراتی برای تربیت واعظان روشنفکر و روحانیان متجدد و واقف به اوضاع عصر، وضع شده بود و در هیجدهم بهمن همین سال، شورایی به نام شورای علوم دینی طی جلسه‌ای با حضور سهیلی نخست وزیر وقت به همین منظور تشکیل شد که امام جمعه خویی نیز عضو این شورا بود. وی در تهران درگذشت و در نجف دفن شد. [۱]

حاج میرزا یحیی امام جمعه خویی، فرزند حاج میرزا اسدالله امام جمعه، متولد ۱۲۴۰ در خوی. به سیره‌ی خانوادگی تحصیلات خود را در رشته‌ی ادبیات فارسی و عرب و معارف اسلامی در خوی و تبریز تا حدی به اتمام رسانید و برای ادامه‌ی تحصیل به نجف رفت و به درجه‌ی اجتهاد نائل آمد. پس از مراجعت به زادگاه خود از روحانیون متنفذ آذربایجان شد. بعد از نهضت مشروطیت از طرف علماء آذربایجان به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید و در مجلس اول با آزادی‌خواهان همکاری نزدیک داشت. پس از توپ بستن مجلس از طرف عمال محمدعلی شاه بازداشت شد و مدتی در باغشاه توقیف بود تا سرانجام آزاد گردید. در ادوار دوم و سوم نیز نمایندگی مجلس شورای ملی را عهده‌دار بود و یکی از عوامل مؤثر روحانیت و سیاست به شمار می‌رفت. از دوره‌ی سوم به بعد و کالت را نپذیرفت، ولی همچنان در مسائل سیاسی روز صاحب‌نظر بود و مورد مشورت قرار می‌گرفت. با قرارداد ۱۹۱۹ که و ثوق‌الدوله با انگلیس‌ها منعقد نمود شدیداً مخالفت کرد. نیم قرن در آذربایجان و تهران مرد اول روحانیت و سیاست محسوب می‌شد. در ۱۳۲۴ درگذشت.

چند تن از فرزندان وی در صحنه‌ی سیاست پیشرفت کردند. او مجتهدی روشنفکر و بدال بود. همه روزه عده‌ی زیادی در منزلش گرد آمده و حاجت خود را در میان می‌نهادند. پس از فوت در آذربایجان و تهران تجلیل فراوانی از وی به عمل آمد. وی از دو همسر خود فرزندان متعددی داشت. جواد، جمال و نورالدین به مقامات سیاسی رسیدند.

ابراهیم شغل و کالت دادگستری داشت. کوچکترین فرزند وی به نام حسن که آجودان شاه بود به ریاست بانک کشاورزی و مدیرعاملی کانون بانک‌ها رسید. وی در دوره دوم مجلس جزو پنج نفر علمای طراز اول بود. وی در ۱۳۷۸ درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ انقلاب مشروطیت (۷۸۴، ۷۷۱، ۶۸۱، ۵۶۷، ۳۹۶)، دایرةالمعارف فارسی (۲۳۴/۱)، زندگی‌نامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۶۱-۲۵۴/۱)، شرح حال رجال (۴۳۳/۴).

امام جمعه خوئی، محمدامین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم آیت‌الله حاج ملا محمد امین امام جمعه خوئی ساکن تهران که از شخصیت‌های برجسته روحانیت تهران بوده است در عصر مرحوم آیت‌الله حایری و نیز بعد از فوت آن مرحوم به قم مشرف شده و علماء و زعمای حوزه از وی دیدن و تجلیل کرده‌اند. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

امام جمعه زنجان، عزالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقا عزالدین بن آیت‌الله حاج سید محمود امام جمعه زنجان از علماء بزرگوار و دانشمندان عالیمقدار معاصر و مقیم مشهد مقدس می‌باشند.

وی در سال ۱۳۳۸ قمری هجری در شهر زنجان متولد و بعد از فراگرفتن دروس و تعلیمات ابتدائی مقدمات علوم دینی و ادبیات عرب یعنی سیوطی و جامی و مغنی و مطول را در نزد اساتید ادبیات آن دوره بالاخص مرحوم مبرور آقای میرزا علی اصغر فصاحتی طاب ثراه معروف (به مطول گو) فراگرفته.

و با مرحوم والدش شرح شمسیه منطوق را که از حاشیه ملا عبدالله نافع تر می‌دانستند نزد یکی از افاضل زنجان خوانده و با معیت مرحوم دانشمند متقی آقای روزبه منطوق حکمت‌الاشراق و معیارالعلم غزالی را نزد مرحوم والدش تحصیل نموده و بعد از اتمام آنها کتاب مبده و معاد و مقدار کمی از اسفار را هم شبها بعد از فراغت از نماز جماعت تدریس می‌فرمودند.

بعد از فراغت از مقدمات کتابهای سطح عالی مانند رسائل و مکاسب و قسمت عمدۀ از طهارت شیخ اعظم انصاری را در نزد آیت‌الله مرحوم مبرور آقا شیخ حسین که از مجتهدین و تلامذه مرحوم آخوند خراسانی بودند خوانده و کفایة‌الاصول را در خدمت مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم خوئینی زنجان فریاد گرفته و بعد از دو سال تحصیل در آن کتب به درس خارج اصول مرحوم والدش آیت‌الله امام جمعه که عنوانش تقریرات مرحوم کاظمینی بود حاضر شده تا اینکه مقارن شهریور بیست شمسی برای تکمیل تحصیلات به قم مشرف شده و به درس خارج فقه و اصول مرحوم آیت‌الله حجت حاضر گردیده.

و یک دوره کامل اصول با قسمت اعظم خارج مکاسب شیخ و صلوة را در نزد آن مرحوم تلمذ نموده و شبها به درس خارج اصول مرحوم آیت‌الله صدر و آیت‌الله حاج سید احمد خوانساری مدظله شرکت نموده و خارج مقالات مرحوم آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و جلد دوم تقریرات کاظمینی را در نزد ایشان خوانده و در معقول اسفار و غیره آن را از محضر آیت‌الله العظمی موسوی مصطفوی دام ظلّه به اتفاق عده‌ای از فضلاء دانشمندان عصر چون آقای مطهری و آیت‌الله حاج سید محمدعلی طباطبائی تبریزی استفاده نموده.

و چون آیت‌الله حاج سید محمدحسین علامه طباطبائی صاحب تفسیر (المیزان) به قم مشرف شدند مجدداً اسفار را با معیت بعضی از آن آقایان از آنجناب بهره‌مند شده تا اینکه آیت‌الله بروجردی به قم آمدند فقهاً و اصولاً در درس ایشان حاضر و تقریرات معظم له را به رشته تحریر آورده.

آنگاه مسافرت به نجف اشرف نموده و در حوزه درس مرحوم آیت‌الله حکیم و آیت‌الله آقا سید عبدالهادی طاب ثراه حاضر شده. ولی به مناسبت کسالت شدید مزاج به امر والدش به ایران مراجعت و به زنجان وارد شده و از آن تاریخ به خدمات دینی از قبیل بحث و تدریس و اقامه نماز جماعت و نماز جمعه و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام پرداخته است. آقای امام جمعه سلمه‌الله دارای آثار و باقیات‌الصالحاتی می‌باشند که ذیلاً می‌نگارم.

۱- تأسیس کتابخانه مهم به سبک معماری جدید موسوم به کتابخانه حسینی در مدخل و جلوخان مسجد جامع و مدرسه (جدشان) که سالهاست مورد استفاده محصلین علوم دینی و غیره می‌باشد و بالغ بر شش هزار کتاب از فنون مختلفه دارد. و قسمتی از آن کتب مربوط به مرحوم دانشمند محترم استاد دانشگاه تهران آقای محمد نجمی است که حسب‌الوصیه تمام کتب خود را به کتابخانه مزبور وقف نمودند.

۲- ساختمان مساجد متعدده در شهر و قراء اطراف مانند مسجد در جنب انبار غله زنجان موسوم به مسجد قمر بنی‌هاشم صلوات‌الله‌علیه و مسجد دیگر.

۳- تشکیل انجمن‌های تبلیغی بالخصوص بر علیه فرقه ضاله و مضله بهائی‌ها خذلهم‌الله با همکاری عده‌ای از دانشمندان فعال و جوان که مشتمل بر دبیران و دانش‌آموزان است که بدین وسیله موفق شدند عده‌ای از آن فرقه مستبصر گردیده و برگشتند و بالاخص در قریه ید بلاغ که مرکز تبلیغات آن فرقه بود بحمدالله ریشه‌کن شدند و در همان قریه مسجد بسیار خوبی به سبک جدید بنا نمودند.

۴- بناء مسجد دیگر با سبک جدید در قریه دیگر که هم‌مرز آن قریه است.

۵- تشکیل جشن باشکوهی همه ساله در پانزدهم ماه شعبان و دعوت مبلغ برجسته برای افاضه و بیان اسلام خصوص فلسفه غیبت و معرفی حضرت ولی عصر عجل‌الله‌فرجه الشریف.

اما تألیفات و آثار قلمی ایشان.

۱- تقریرات اصول آیت‌الله بروجردی

۲- شرح قسمت مهمی از وسیله که در ضمن تدریس خارج فقه تألیف نموده‌اند

۳- حواشی متفرقه در منظومه حکمت

۴- تحریر کفایه‌الاصول

۵- کتابی در تصوف

۶- تقریرات زیادی در زمینه تبلیغ

۷- رساله عملیه متوسط

۸- تحریر الوسیط فی الفقه که با سبک استدلالی متوسط نوشته‌اند که مباحث عمده طهارت تمام شده

۹- تحریر کتاب خمس.

نگارنده گوید: آیت‌الله امام جمعه معاصر زنجان که روی جهاتی مدت یکسالست مهاجرت به ارض اقدس نموده و در جوار سلطان سریر ارتضا علیه آلاف التحیه والثناء با بعضی از علماء بزرگ مشهد مباحثه کمپانی دارند از دانشمندان باتقوا و مهذب و موصوف به فضل و کمال و محامد آداب و محاسن اخلاق می‌باشند که افتخار آشنائی و رفاقت با وی را دارم از خداوند توفیق و عزت امثال

آنجناب را مسئلت می‌نمایم

۵۷- حجه‌الاسلام مرحوم سید محمدباقر سجاسی متوفی سال ۱۳۰۱ قمری.

۵۸- حجه‌الاسلام مرحوم شیخ باقر قروه ابهری

۵۹- حجه‌الاسلام مرحوم آقا سید باقر صائین قلعه ابهری متوفی سال ۱۳۰۴ ق

۶۰- حجه‌الاسلام مرحوم آقا سید باقر خرم دره‌ای

۶۱- حجه‌الاسلام مرحوم علامه آقا سید باقر حسینی هیدجی متوفی سال ۱۳۳۲ ق

۶۲- حجه‌الاسلام مرحوم آقا سید محمدباقر زنجانی

۶۳- آیت‌الله مرحوم آقای آقا شیخ حسین قاتوقی زنجانی متوفی سال ۱۳۶۰ ق

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

امام جمعه، جلال‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

درگذشت: آبان ۱۳۵۶.

جلال‌الدین امام جمعه محقق لهجه‌های خوزستان بود. از جمله آثار اوست: مثل‌های شوشتری و برخی زبانزدها (بنیاد نیشابور، ۱۳۶۳). این کتاب بخشی از «فرهنگ خوزی» است.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

امام جمعه، محمد مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیه‌الله آقای حاج سید محمد مهدی امام جمعه شهرستان اصفهان از احفاد و اسباط علامه مجلسی اول رضوان‌الله علیه و دانشمندان بنام و متنفذ آن سامان می‌باشد و منصب امام جمعه‌ای از صدها سال قبل در خاندان این سلسله بوده که در مسجد جامع اصفهان و مسجد شاه تهران اقامه نماز جمعه نموده و مینمایند.

مرحوم فتحعلی شاه قاجار بعد از بناء مسجد سلطانی تهران از یکی از اعمام معظم‌له دعوت نمود که بتهران آمده در مسجد شاه مزبور اقامه نماز جمعه و جماعت نمایند و منصب مزبور در خاندان وی تاکنون باقی و امام جمعه تهران با امام جمعه اصفهان پسر عمو و از یک سلسله و بیت می‌باشند.

معظم‌له در بیت علم و سیادت در حدود سال ۱۳۱۰ قمری تولد یافته و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح بدرس مرحومین علمین آیتین آیه‌الله حاج سید ابوالقاسم ده کردی و آیه‌الله حاج شیخ محمد حسین فشارکی حاضر شده آقا بمدارج عالیہ علم رسیده و از آن بزرگوار بدریافت اجازه‌ی اجتهاد و روایتی مفتخر گردیده است.

و ایشان حدود بیست و پنج سال است که امام جمعه و جماعت مسجد جامع شهرستان اصفهان می‌باشند.

از آثار ایشان است رساله‌ای در میراث زوجه که مستدلاً مرقوم داشته و مورد تحسین و تجلیل استادش مرحوم آیه‌الله دهکری قرار گرفته است.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

امام جمعه، محمد کاظم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

که در السنه مشهور است به آمیر محمد کاظم عالمی جلیل بوده و ایشان برادر کوچک امام جمعه بزرگ آقا میر محمد صادق است مجلس درس داشته و در شمس التواریخ تعبیر از او به سید المجتهدین و قدوة المدققین شده در دوم شهر ربیع الثانی ۱۳۲۹ به رحمت ایزدی پیوسته و در جنب مسجدش در حجره مدفون گردیده.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

امام زاده، هما

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

دختر میرزا سید حسن [میربد] قمشه‌ای (۱۳۸۳-۱۳۰۵) از احفاد میرزا محمّد خلیل بن میر عبدالواسع امام جمعه قمیشه، (متوفی به سال ۱۳۱۴ قمری) است.

صاحب عنوان زنی فاضله و دانشمند است که در ۱۷ شوال ۱۳۲۵ در اصفهان متولد شده، و در اصفهان و طهران و پاریس تحصیلات خود را در رشته پزشکی به پایان رسانیده، و پس از مراجعت از اروپا، سالها در طهران ساکن شده، و در این اواخر به مناسبت انقلاب روحی و فکری که از سرچشمه دیانت و تقوای او سرزد به عراق رفته، و در کربلا-مجاور گردید، و در آنجا به معالجه بیماران، و دلجویی از مستمندان پرداخت، و در این چند سال اخیر (حدود ۱۳۸۵) در کربلا وفات یافته و همانجا به خاک رفت.

مشارالیها علاوه بر زبان عربی و فرانسه و آلمانی، به زبانهای انگلیسی و ایتالیایی و اسپانیایی نیز آشنایی کامل داشت.

کتب زیر از آثار اوست:

۱- جذام و سیفلیس (رساله دکترای اوست) ۲- زن در لباس مرد ۳- زنبور عاشق (نمایشنامه) ۴- گمراهان ۵- مقالات متعدده در امور سیاسی و اجتماعی که در روزنامه‌های طهران منتشر می‌شد و اگر جمع آوری گردد خود کتاب بزرگی می‌شود.

بر گرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

امام سده‌ای، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید حسن بن آیت‌الله میرزا سید علی امام سدهی (خمینی‌شهری) فروشانی متولد ۱۳۲۰ ق هجری پس از پرورش تحصیلات مقدمات را از مرحوم حاج آخوند زهره‌ای فرا گرفته و سطوح اولیه را از محضر مرحوم آیت‌الله حاج آقا محمد فیض و آیت‌الله حاج آقا احمد اخوی آیت‌الله العظمی حاج آقا حسین قمی در قم آموخته و بعداً به مشهد مقدس عزیمت و در آنجا از مرحوم آیت‌الله حاج سید عباس شاهرودی که از شاگردان شیخ بوده و آسید حسن که از تلامذه مرحوم آخوند خراسانی بوده سطوح عالی را فرا گرفته و به اصفهان مراجعت و در حوزه درس آیت‌الله آقا میرزا محمدصادق و آخوند گزی و آیت‌الله آقا شیخ محمدرضا مسجد شاهی شرکت و چند سالی استفاده نموده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف و از محضر مرحوم آیت‌الله آقا میرزا حسین نائینی و مرحوم آیت‌الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین کمپانی استفاده کامل نموده و به علت کسالت مزاج به اصفهان برگشته و بعد از بیست سال اقامت در اصفهان بار دیگر به نجف مشرف و تا آخر عمر مرحوم آیت‌الله اصفهانی از دروس و محضرشان بهره‌مند و نیز از محضر مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدکاظم شیرازی و آیت‌الله آقا میرزا عبدالهادی شیرازی در مدت هفت سال استفاده نموده تا به مدارج عالی علم و اجتهاد رسیده و در سال ۱۳۶۷ قمری به قم منتقل و به امر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی با معیت آیت‌الله حاج شیخ عبدالجواد و آیت‌الله حاج آقا عطا به کرمانشاه عزیمت و تأسیس حوزه علمیه کرمانشاه نموده و بعد از چند سال مراجعت به قم و مدتی به مذاکره علمی و مطالعه اشتغال داشته و پس از آن منتقل به زادگاه خود خمینی‌شهر گردیده و تا حال حاضر به اقامه جماعت و تدریس خارج فقه اشتغال دارند.

معظم‌له دانشمندی ادیب و فقیهی اصولی و حکیمی شاعر اشعاری به عربی دارند که از آنهاست قصیده‌ای در مرثیه فوت آیت‌الله صدر که در ذیل احوال آن مرحوم مذکور نمودیم و مطلع آن این است.

بکت باسماء المجد یا فلک الفخر

علیک شمس العلم بالانجم الزهر

فیا عجباً والشمس بالفجر طالع

و نحن فقدنا الشمس فی مطلع الفجر

تحملت اعباء الهدایه طال ما

تجرعت من کاس امر من الصبر

از تألیفات ایشان است یک دوره فقه که مخطوط می‌باشد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

امام نجف آبادی، نصرالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نصرالله قضائی نجف‌آبادی این مرحوم حاج میرزا جعفر از علماء محترم معاصر نجف آبادندوی در تاریخ ۱۳۱۰ هجری در نجف‌آباد به دنیا آمده و پس از رشد و بلوغ در مقدمات را در مدرسه حاج میرزا حسن و چهارباغ وم عربان اصفهان در خدمت شیخ محمود مفید و آسید آقا جان تحصیل نموده در همان اوقات از میرزین طلاب بوده و سطوح را خدمت مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدرضا مسجد شاهی و آیت‌الله حاج شیخ محمدحسن نجف‌آبادی فرا گرفته خارج فقه اصول را از محضر مرحوم آیت‌الله

سید محمد مدرس نجف آبادی و آیت‌الله آقا میرزا سید علی نجف آبادی استفاده نموده و بعد از فوت استادش مرحوم آقای سید علی مدت شش سال در اصفهان به تدریس فقه و اصول و غیره اشتغال داشته و بعد به تقاضا و اصرار مردم نجف آباد به وطن خود برگشته و در مدرسه (الحجه) ریاضی به تدریس فقه و اصول و تفسیر پرداخته و اقامه نماز جماعت و حل و فصل مشکلات مردم مشغول بوده و بعد از فوت مرحوم آیت‌الله ریاضی ریاست روحانیت و حوزه علمیه نجف آباد به ایشان منتهی گردیده تا بعد از چند سالی به عللی که از آنها کسالت و خستگی روحی بوده از ریاست کناره‌گیری و به وظائف دیگر روحی از تدریس و اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام تا حال تحریر موفق می‌باشند.

از آثار ایشانست رساله‌ای در متفرقات و حاشیه‌ای بر نجاه‌العباد. وی دارای هیجده فرزند می‌باشند که دوازده نفر آنها ذکور و در میان آنان جنابان ثقتی الاسلام آقا شیخ مجتبی قضائی و آقا شیخ عباس قضائی از معاودین اهل علم نجف اشرفند که اکنون در قم از درس خارج آیات عظام قم استفاده می‌نمایند.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

امام، جلال

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید جلال امام

محل تولد: رشکویه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال تحصیلی ۷۳ وارد حوزه علمیه امام خمینی (ره) یزد شدم. در سال ۷۵ به مدرسه علمیه مصلی یزد رفته و فقه و اصول را گذراندم و همزمان در کلاسهای زبان جهاد دانشگاهی به مدت دو سال به مکالمه زبان پرداختم. در سال ۷۸ امتحان ورودی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) داده و مهر ۷۹ به قم آمدم و در کنار دروس حوزه در رشته تاریخ موسسه مشغول به تحصیل شدم.

پس از اتمام دوره کارشناسی در بهار سال ۸۴ در امتحان ورودی کارشناسی ارشد تاریخ تشیع موسسه پذیرفته شدم و از بهمن ماه ۸۴ در مقطع ارشد مشغول به تحصیلم.

همزمان سطح دو حوزه را از شورای مدیریت اخذ کردم. از فروردین ۸۶ به عنوان کارشناس اجرایی گروه تاریخ اسلام مدرسه عالی امام خمینی (ره) مشغول به کار شدم و از مهر ماه ۸۶ در این مدرسه مشغول به تدریس می‌باشم. موضوع پایان نامه کارشناسی ارشد بنده هنوز تصویب نشده است.

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۷۸-۴۱۹ ق)، متکلم، اصولی و فقیه شافعی اشعری. ملقب به ضیاءالدین و مشهور به امام‌الحرمین. در جوین نیشابور متولد شد. پدرش رکن‌الاسلام ابو محمد جوینی و عمویش علی بن یوسف هر دو از علما و فقهای بزرگ عصر خود بودند. در کودکی در محضر پدرش یادگیری فقه را آغاز کرد تا آنجا که تمامی تألیفات او را بازبینی کرد و بر تحقیقات پدرش افزود. چون پدرش در گذشت بیست ساله بود که بر کرسی تدریس وی نشست. او از استاد ابوالقاسم اسکافی اسفراینی در مدرسه‌ی بیهقی علم اصول آموخت و از ابو نعیم اصفهانی کسب فیض نمود و اجازه دریافت کرد. بر اثر تعصبات و دشمنی‌هایی که به تحریک عمیدالملک کندی بر ضد شیعه و اشاعره می‌شد، به بغداد رفت و در آنجا با علمای بزرگ ملاقات کرد. وی سپس به حجاز رفت و نزدیک چهار سال در مکه و مدینه مجاورت گزید، و تمامی مسائل فقه را موافق هر کدام از مذاهب اربعه که سؤال می‌کردند فتوی می‌داد و پاسخ می‌نوشت، به همین جهت به امام‌الحرمین مشهور شد. در اوایل سلطنت آلب ارسلان سلجوقی به نیشابور بازگشت. خواجه نظام‌الملک مدرسه‌ی نظامیه را در آن شهر برای وی بنا نهاد و ریاست عالی و علمیه را در اختیار وی قرار داد و تا سی سال، در کمال استقلال، تمامی امور مذهبی را بر عهده داشت. وی تا پایان عمر در نظامیه‌ی نیشابور به تدریس پرداخت. اکابر فضلاء آن دیار در درسش حاضر می‌شدند و هر روزه متجاوز از سیصد فقیه در برابرش حاضر می‌نشستند. مجموع شاگردان وی را چهارصد تن نوشته‌اند که از آن میان می‌توان از ابو حامد غزالی، شمس‌الاسلام عمادالدین کیای هراسی، ابوالمظفر ایبوردی، ابوالقاسم حکمی، ابوالقاسم انصاری، ابوالمظفر خوافی، زاهر شحامی، احمد بن سهل مسجدی و ابو عبدالله فراوی نام برد. چون بیمار شد او را به ده زادگاهش بشتگان که از اعتدال هوا برخوردار بود منتقل کردند. وی همان جا در گذشت. جنازه‌اش را به نیشابور آوردند و در جوار مزار تلاجرد دفن کردند. به گفته‌ی ابن خلکان چند سال بعد پیکرش را به کربلا انتقال دادند. شاگردانش در مرگ او قلم و دوات را شکستند و یک سال در سوگش نشستند. باخرزی گوید: امام‌الحرمین در فقه همچون شافعی، در ادبیات همچون اصمعی و در وعظ همچون حسن بصری بود. برخی از آثار وی: «ارشاد»، در اصول فقه؛ «تلخیص التقریب»؛ «الشامل»، در اصول دین؛ بر اساس مذهب اشاعره؛ «نهایه‌المطلب فی درایه‌المذهب»، در فقه شافعی، ۱۲ مجلد؛ «غیاث‌الامم»، در امامت؛ «غنیة‌المسترشدین»؛ در خلاف؛ «مغیث‌الخلق فی اختیار‌الآحق»، در اصول؛ «الورقات»، در اصول فقه؛ «العقیده‌النظامیه» یا «الرساله‌النظامیه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴/ ۳۰۶)، ایضاح‌المکنون (۱/ ۲۸۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۲۶۸)، تاریخ گزیده (۶۸۰)، تاریخ نظم و نثر (۶۱)، روضات‌الجنات (۱۶۰-۱۵۸/ ۵)، ریحانه (۱۷۱-۱۷۰/ ۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۸۰-۱۷۹/ ۱)، سیر النبلاء (۴۷۷-۴۶۸/ ۱۸)، الکامل (۸/ ۱۲۹)، کشف‌الظنون (۲۰۰۵، ۱۹۹۰، ۱۷۵۴، ۱۶۴۱، ۱۵۶۲، ۱۵۶۱، ۱۱۵۹، ۱۰۲۴، ۸۹۶، ۴۶۶، ۴۴۳، ۲۵۳، ۲۴۲، ۷۵، ۷۰، ۶۸)، الکنی واللقاب (۵۵-۵۴/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل / امام‌الحرمین و ابوالمعالی)، مؤلفین کتب چاپی (۱۵/ ۴)، مجمل فصیحی (ذیل / سالهای ۴۱۹ و ۴۷۸)، مدارس نظامیه (۹۴-۹۳)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۱۷۵-۱۷۴)، معجم المؤلفین (۱۸۵-۱۸۴/ ۶)، نفحات‌الانس (۸۵۱-۸۵۰)، وفيات‌الاعیان (۱۷۰-۱۶۷/ ۳)، هدیة‌الاحباب (۱۰۱-۱۰۰)، هدیة‌العارفین (۶۲۶/ ۱)، هفت اقلیم (۳۰۴-۲/ ۳۰۳).

امامت، فخرالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید فخرالدین بن العلامة الزاهد السید محمد مهدی امامت حسینی کاشانی از آیات عظام و علماء بزرگ معاصر کاشان (داماد مرحوم آیت‌الله ملا حبیب‌الله کاشانی) بودند.

وی در حدود ۱۲۹۲ قمری در کاشان متولد شده و در بیت علم و عمل پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات متون فقه و اصول را از دو عموی گرامش آیت‌الله آقا سید محمد حسین امام (متوفی حدود ۱۳۱۱) و آیت‌الله آقا سید محمد حسن امام (متوفی حدود ۱۳۳۰) و مرحوم آیت‌الله حاج ملا- محمد حسین نطنزی و میرزا محمد حسین نراقی و مرحوم آیت‌الله حاج میرزا فخرالدین نراقی (متوفی ۱۳۲۵ قمری) و حاج میرزا ابوالقاسم نراقی سبط فاضل نراقی و پس از آن مرحوم آیت‌الله آخوند ملا- حبیب‌الله کاشانی (متوفی ۱۳۴۰) صاحب مقامات عالی و تألیفات کثیره استفاده نموده و در اوائل تأسیس حوزه علمیه به قم آمده و از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری بهره‌مند شده و پس از مدتی به کاشان مراجعت و اشتغال به تدریس و تألیف و ارشاد مردم و اقامه جماعت در مدرسه سلطانیه نموده تا در سال ۱۳۹۲ قمری که در سن صد سالگی بدرود حیات گفته و در جنب میدان و فلکه بزرگ کاشان (کامل الملک) در مقبره شخصی مدفون گردید.

نگارنده گوید: مرحوم آیت‌الله امامت از برکات شهرستان کاشان و مفاخر علمی و قدسی این شهرستان و از مشایخ اجازه عصر ما بودند و جماعتی از اعلام و آیات عظام که ذکرشان موجب اطناست از ایشان اجازه روایتی داشتند و برای این حقیر هم در اواخر عمرشان اجازه مبسوطی صادر فرمودند تألیفات و آثار عدیده دارند که ذیلاً می‌نگارم.

تألیفات مرحوم امامت

- ۱- هدایة العوام فی مهمات الاحکام (رساله عملیه) مطبوع
- ۲- راه نجات او تنبیهات الغافلین منظومات بالفارسیه مطبوع
- ۳- راه خدانشناسی فی اصول العقاید بالفارسی مطبوع
- ۴- وسیله النجاة فی فضائل السادات بالفارسی مطبوع
- ۵- ثواب الزیارات بالفارسی مطبوع
- ۶- رساله فی احکام الارث فارسی
- ۷- رساله فی حکم الجلود واللحوم مشتهین عربی.
- ۸- رساله فی منجزات المریض عربی
- ۹- رساله در حکم آب قلیل متنجس متمم
- ۱۰- رساله فی عقد الفضولی عربی
- ۱۱- شرح بر منظومه استادش در اصول موسوم (به منیة الاصول).
- ۱۲- مرآت الحقیقه در حالات صوفیه فارسی
- ۱۳- کشکول در مواعظ در چند جلد فارسی.
- ۱۴- حاشیه بر شوابع
- ۱۵- حاشیه بر مکاسب
- ۱۶- رساله در مصرف سهم الامام (ع)
- ۱۷- در متفرقات از حواشی و غیره.

ادباء و بعضی از دانشمندان کاشان اشعاری بسیار در رثاء آن مرحوم سروده‌اند از جمله آیت‌الله‌العلام آقای حاج آقا رضا مدنی دام ظلّه در ماده تاریخ وفاتش سروده.

سید اهل العلم فخرالدین

نجم الامامه و بدرالدین

یا لهف قد مضی فقل مورخا

(الی الجنان رام فخرالدین)

و در روز وفاتش گفته‌اند.

یا لهف مات سید جلیل

فخرالهدی مجتهد نبیل

للدین فخر کامل لیب

عدل زکی عالم ادیب

(۱۳۹۲ - ۱۲۹۲ ق)، عالم، فقیه و مدرس. در کاشان متولد شد. پس از فراگیری مقدمات و ادبیات، متون فقه و اصول را از دو عموی خود، آیت‌الله آقاسید محمدحسین امام و آیت‌الله آقاسید محمدحسن امام، فراگرفت. وی همچنین از حوزه‌های درس آیت‌الله حاج ملا-محمدحسین نظنزی، میرزا محمدحسین نراقی، آیت‌الله حاج میرزا فخرالدین نراقی، حاج میرزا ابوالقاسم نراقی و آخوند ملا حبیب‌الله کاشانی، پدر همسرش، استفاده کرد. در اوایل تأسیس حوزه‌ی علمیه به قم رفت و از محضر آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری بهره‌مند شد. پس از مدتی به کاشان بازگشت و به تدریس و تألیف و وعظ و اقامه‌ی جماعت در مدرسه‌ی سلطانیه اشتغال ورزید. وی از مشایخ اجازه عصر حاضر بود و بسیاری از علما از ایشان اجازه روایتی داشتند. او در کاشان درگذشت. از آثار وی: «هدایة العوام فی مهمات الاحکام»، رساله‌ی علمیه؛ «راه نجات»؛ «تنبیه الغافلین»، شعر فارسی؛ «راه خداشناسی»، در اصول عقاید، به فارسی؛ «ثواب الزیارات»، به فارسی؛ «رساله فی حکم الجلود واللحوم مشتهین»، به عربی؛ «رساله فی منجزات المریض»، به عربی؛ «رساله فی عقد الفضولی»، به عربی؛ «وسیلة النجاة»، در فضائل سادات. [۱]

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه: [۱] زندگی‌نامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۵۲- ۲۵۱ / ۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۶۴- ۲۶۲ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۷۸۴ / ۴).

امامت، فضل‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید فضل‌الله بن العلامة‌المرحوم حاج سید فخرالدین امامت حسینی کاشانی از علماء محترم معاصر کاشانست. وی در سال ۱۳۳۳ قمری در بیت فضل و فضیلت به دنیا آمده و در کودکی ادبیات را خوانده و به تحصیل فقه و اصول پرداخته و از محضر والدش وجدامی خود مرحوم آیت‌الله ملا حبیب‌الله شریف کاشانی و آیت‌الله آقا سید محمد علوی بروجردی استفاده نموده آنگاه به قم مهاجرت و از درس و محضر مرحوم آیت‌الله العظمی حایری و آیت‌الله حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌الله آقا سید محمد حجت و آیت‌الله صدر و غیرهم بهره‌مند شده آنگاه در شهر خود به امامت و انجام وظائف دینی پرداخته و تاکنون اشتغال دارد.

دارای آثار است که از آنها تحفه الطالبین به طبع رسیده است و تألیفات دیگر ایشان در صرف و نحو و فقه و اصول تاکنون مخطوط مانده است.

(تو ۱۳۳۳ ق)، فقیه اصولی. در نوجوانی ادبیات را آموخت و در محضر پدر و جد مادری اش آخوند ملا حبیب‌الله کاشانی و نیز آقاسید محمدعلوی بروجردی به تحصیل فقه و اصول پرداخت. سپس به قم مهاجرت کرد و از حوزه‌ی درس آیت‌الله حائری و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله سید محمد حجت و آیت‌الله صدر بهره‌مند شد. در بازگشت به کاشان به ترویج مذهب و تألیف کتاب پرداخت و آثاری در صرف و نحو و فقه نگاشت. از آثار وی: «تحفه الطالبین» [۱].
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)
منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۲۶۴ / ۶).

امامی اصفهانی، علی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم و دوازدهم ق)، عالم و فقیه. او را به خاطر نسبتش به امامزاده زین‌العابدین از فرزندان امام صادق (ع)، مدفون در محله درب امام اصفهان، امامی می‌گفتند. وی از شاگردان آقاحسین خوانساری و علامه مجلسی و معاصر افندی مؤلف «ریاض العلماء» بود. پدرش مستوفی موقوفات عامه اصفهان بود. مدتی با پدرش به هند مسافرت کرد و سپس به اصفهان بازگشت و همان‌جا درگذشت. هشت مجلد کتاب در حدیث ترجمه کرد و آن را «هشت بهشت» نامید که عبارتند از: ترجمه «اشارات» خواجه طوسی؛ ترجمه‌ی «اکمال‌الدین»؛ ترجمه‌ی «امالی» صدوق؛ ترجمه «خصال» صدوق؛ ترجمه‌ی «مصباح المتهجد» شیخ طوسی؛ ترجمه‌ی «مصباح» کفعمی؛ ترجمه‌ی «مهج الدعوات» ابن طاووس. از دیگران آثار وی: «التراجیح».

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۸/ ۳۱۳)، تذکره القبور (۴۳۶)، الذریعه (۱۴۱، ۱۳۷، ۱۳۶، ۱۲۱، ۱۱۰، ۹۹، ۸۱، ۸۰، ۷۹، ۷۸، ۶۳-۶۲، ۴/)، روضات الجنات (۴/ ۲۰۸)، ریاض العلماء (۴/ ۱۸۷-۱۸۶)، ریحانه (۱/ ۱۷۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۰۲-۵۰۰/ ۱۲)، فوائد الرضویه (۳۷۰)، الکنی واللقاب (۲/ ۵۶)، لغت‌نامه (ذیل / امامی)، معجم المؤلفین (۷/ ۱۸۳).

امامی حجتی، علی اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اکبر امامی حجتی

محل تولد: نجف

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی اکبر امامی حجتی دوران کودکی و نوجوانی را در نجف اشرف گذراندم و در خانواده ای روحانی نشو و نما کردم. دروس مقدماتی را در حوزه علمیه نجف گذراندم و در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و نزد حضرات آیات شیخ علی پناه اشتهرادی، شیخ محمد تقی ستوده و شیخ احمد پایانی، کرباسی، محمد هادی معرفت و فاضل سطح را به پایان بردم. در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام تبریزی، وحید خراسانی و فاضل، سال های متمادی شرکت کردم و بحمدالله موفق بوده ام که سطح را از مقدمات تا نهاییه تدریس کنم و به مدت پنج سال در واحد آموزشی خواهران دفتر تبلیغات نیز تدریس کرده ام و علاوه بر تقریرات دروس اساتیدم با همکاری برخی از موسسات پژوهشی آثاری از خود به یادگار گذاشته ام.

از سال ۱۳۷۰ با بخش مرکز تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی همکاری کردم. نتیجه آن با همکاری دیگر برادران چهارده جلد "المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحارالانوار" و سه جلد "المعجم المفهرس لاعلام احادیث بحارالانوار"، و نقد و پاورقی بر ترجمه کتاب "احداث التاریخ الاسلامی" و فیش برداری از مکتب های تاریخی زیر نظر دکتر آدینه وند و مقاله "تعداد یاران امام حسین علیه السلام" که در کتاب نگاهی نو به جریان عاشورا به چاپ رسیده است. ضمناً در برخی از موسسات دیگر نیز همکاری داشته ام که کتاب "مجمع الفوائد فی شرح الفرائد" با همکاری دیگران نوشته ام که به چاپ رسیده است.

از کارهای شخصی خودم نیز می توان اشاره کنم که تعلیقه توضیحی بر خیارات مکاسب نوشته ام و مقاله ای تحت عنوان مصرف سهم امام علیه السلام در زمان غیبت.

امامی سدهی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی فروشانی (سدهی) متوفی حدود ۱۳۵۵ که آباء گرامش تا جناب سید محمد دیباج فرزند امام صادق علیه الصلوه والسلام همگی از علماء و دانشمندان بزرگ بوده‌اند. از مفاخر علماء معاصر سده (خمینی شهر) بوده‌اند.

وی جامع علوم عقلی و نقلی و مضافاً دارای علوم غریبه جفر و اعداد و ریاضیات و بسیار مبارز بر علیه منکرات و مجاهد با فرقه ضاله مضله بهائیه و غیره بوده و از برکات مجاهدات آن بزرگوار تاکنون بحمدالله پای احدی از آن فرقه مردود در آن منطقه باز نشده است. وی دارای مقامات معنوی و صاحب کرامت و نفس بوده که با دعاها و تعلیم ختومات خویش بیماران را شفا و معالجه می نموده است.

و نیز در راه مراجعت از مشهد به فیض زیارت و ملاقات حضرت ولی عصر عجل الله فرجه الشریف رسیده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

امامی فر، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی امامی فر

محل تولد: ملایر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

دوره ابتدایی را در روستا (روستای ارگس علیا از توابع ملایر) گذراندم. پاییز سال ۵۶ برای ادامه تحصیل به بروجرد رفتم روزها در حوزه علمیه نوربخش که الان به نام امام صادق (ع) تغییر نام داده مشغول تحصیل شدم و شب‌ها در مدرسه راهنمایی به ادامه تحصیل دولتی مشغول شدم. اواخر ۵۶ انقلاب شروع شد و در سال ۵۷ که انقلاب ادامه داشت در سال ۵۸ به منظور ادامه تحصیل به قم آمدم.

سال ۶۲ در موسسه در راه حق در برنامه‌های آموزشی آیت الله مصباح شرکت نمودم. و دوره‌های آموزش این موسسه را به پایان بردم. بعد از تأسیس موسسه امام خمینی (ره) به صورت مستقل از طرف معظم له مجدداً در دوره تخصصی تاریخ اسلام در مقطع کارشناسی ارشد شرکت نمودم و فارغ التحصیل شدم (در سال ۷۴). این برنامه‌ها در کنار درس‌های حوزه بود که دروس اصلی به حساب می‌آمدند. لمعتین را در محضر آیت الله اشتهاوردی و مرحوم وجدانی، مکاسب و رسائل را خدمت آیت الله پایانی و محفوظی و اعتمادی خواندم. کفایه را در محضر آیت الله اعتمادی و مرحوم ستوده خواندم. در دروس خارج مرحوم آیات عظام مرحوم تبریزی، صالحی مازندرانی، مکارم شیرازی و سبحانی و آیت الله مؤمن، شرکت نموده و انتقاد کرده‌ام. از سال ۷۴ در دانشگاه‌های شهید بهشتی تهران، آزاد قم، اراک، بروجرد و ساوه مشغول به تدریس بوده‌ام و حدود ۱۰ سال است که عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد ساوه هستم.

امامی کاشانی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین امام کاشانی فرزند عالم جلیل آقا حسام‌الدین امامی در شهرستان کاشان به دنیا آمده و در بیت دانش پرورش یافته و مقدمات و سطوح را در آنجا خوانده پس از آن به قم آمده و در دوره اول امتحان طلاب که شرکت نموده با نمره ممتاز و رتبه اول پذیرفته شده و در درس و مباحثه مرحوم آیت‌الله بروجردی که صحبت و اشکال می‌کرد و مورد توجه آیت‌الله قرار گرفته و با عنایات مخصوص به ایشان نگریده و تعبیر به عالم عصر من می‌فرمودند و پس از دیدن یک دوره خارج و اصول مهاجرت به نجف اشرف نموده و در مدرسه مرحوم علامه یزدی معروف به مدرسه سید سکنی گزیده و به مباحثات ادامه داده و حاشیه کامل بر عروه‌الوثقی زده سپس مراجعت به کاشان نموده و به انجام وظائف دینی و روحی از اقامه جماعت در مسجد بازار کاشان و تدریس فقه و اصول اشتغال دارند و جمع کثیری از محصلین و صلاب کاشان از محضرشان استفاده می‌نمایند دارای تألیفاتی در فقه و اصول می‌باشند. و در چند سال قبل کتابی به نام اصول‌الامامیه تألیف نمودند که با آنکه مختصرترین کتب اصولی است بسیار ساده و آسان و قابل استفاده است و با این ابتکارشان زحمات طلاب را برای فهم کفایه‌الاصول علامه خراسانی کم نموده است.

نگارنده گوید: جناب آقای حاج شیخ حسین امامی کاشانی سلمه‌الله از افاضل مجتهدین معاصر است که اجتهادش از حدود سی و پنج سال قبل مورد تایید و تصدیق آیات عظام نجف اشرف چون مرحوم آیت‌الله العظمی حاج سید محسن حکیم قدس‌الله سره و دیگران و نیز مراجع بزرگ و زعماء حوزه علمیه قم مانند آیت‌الله العظمی بروجردی طاب‌الله ثراه و دیگران بوده. آثار علمی ایشان مطبوعاً و مخطوطاً

۱- اصل اصول الامامیه یکدوره اصول که به طبع رسیده است.

۲- دراسات الاصول آماده طبع است.

۳- فقه الامامیه- سه جلد که آماده طبع است.

۴- حاشیه کامل بر عروه که در سال ۱۳۷۵ هجری قمری شروع و در سال ۱۴۱۰ هجری قمری پایان یافته.

۵- متفردات الامامیه مانند تقیه یا خبرئیت بسیم‌الله از سور قرآنی.

۶- قاعده- لاضرر چاپ شده.

۷- قاعده- تقیه چاپ شده.

۸- قاعده- اعلمیت چاپ شده.

۹- ترجمه عروه که رساله عملیه فارسی است.

و ایشان داماد گرامی حضرت آیت‌الله حاج آقا رضا مدنی کاشانیست که سبط مرحوم آیت‌الله العظمی آخوند ملا حبیب‌الله شریف کاشانی صاحب تألیفات و تصنیفات کثیره مطبوع و غیره می‌باشند.

از آثار خیر معظم‌له تعمیر برخی از مساجد است که از آنهاست تعمیر اساسی مسجد میرعماد کاشان و بنیاد مدرسه امامیه برای طلاب خودشان.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

امامی نیا، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا امامی نیا

محل تولد: زنجان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۴ به حوزه علمیه زنجان وارد شدم و با علاقه فراوان دروس حوزوی را تا پایان سطح در شهر زنجان گذرانده و در سال ۱۳۷۴ به حوزه علمیه قم تشریف یافته و تا سال ۷۶ در دروس خارج اصول و فقه اساتید محترم همچون حضرات آیات سبحانی، مکارم و وحید خراسانی شرکت کردم.

در سال ۷۶ در دوره تخصصی کلام اسلام در سطح ۴ پذیرفته شده و به مدت ۴ سال این دوره را با معدل ۶۱/۱۹ گذراندم.

از سال ۸۰ به مدت ۲ سال در مدارس علمیه الهادی، حقانی، معصومیه، کلام اسلامی را تدریس کردم. از سال ۸۱ تاکنون در دو سطح ۲ و ۳ فلسفه و کلام اسلامی را در مرکز تخصصی کلام اسلامی تدریس می‌کنم. در موسسه مذاهب اسلامی سطح ۳ چند دوره فلسفه تدریس کرده‌ام. در مدرسه بقیه الله (ویژه طلاب محترم پاکستانی) به مدت ۳ سال فلسفه اسلامی تدریس کرده‌ام. از سال ۸۵ تاکنون در مرکز تخصصی تربیت مدرس کلام و فلسفه اسلامی تدریس می‌کنم.

از سال ۸۲ تاکنون در مرکز پژوهشی دایره المعارف علوم عقلی اسلامی (موسسه امام خمینی) در کمیته علمی کلام عضویت دارم و چند مقاله برای آن مرکز تألیف کرده‌ام. از سال ۸۲ در شورای علمی دانشنامه کلام اسلامی (موسسه امام صادق) عضویت داشته و در ارزیابی مقالات، نظارت بر پرونده های علمی و تألیف مقاله فعالیت می‌کنم. به سفارش دانشنامه جهان اسلام مقاله "ذمیه" را تألیف کرده‌ام به طور خلاصه فعالیت این جانب در دو بخش تدریس و پژوهش در فلسفه و کلام اسلامی تمرکز دارد. از سال ۸۵ نیز راهنمایی، مشاوره و داوری چند رساله علمی را عهده دار بوده‌ام.

امامی هروی، رضی‌الدین، ابو عبدالله محمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۸۶ ق)، ادیب، شاعر. وی ملک الشعراء و مداح اتابکان فارس و معاصر سعدی و مجدالدین همگر بود. ابتدا مداح ملوک کرت بود. سپس به کرمان رفت و به مدح پادشاهان آن دیار یعنی سلاطین قراختایی پرداخت. در یزد مصاحب شمس‌الدین محمد تازی گوی، کارگزار شمس‌الدین محمد صاحب دیوان شد. به سبب فضل و دانش وافر و تسلط بر زبان و ادب عربی و فارسی و اطلاع از علوم مختلف معقول و منقول شهرت بسیار داشت، تا آنجایی که برخی از معاصران در مقام مقایسه او با سعدی بر آمده و او را بر بسیاری از شاعران ترجیح داده‌اند. مجدالدین همگر او را بر سعدی ترجیح داده است. در قصیده‌سرایی به سبک عراقی شهرت داشت. وی به اصفهان رفت و باقی عمر را در آنجا گذراند. و در قصبه‌ی لنجان درگذشت. آثار وی «دیوان» اشعار مشتمل بر دو هزار بیت؛ شرحی بر قصیده‌ی «بائیه» ذوالرّمه شاعر معروف عرب به عربی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آتشکده‌ی آذر (۷۵۹-۷۵۲/۲)، از سعدی تا جامی (۱۶۵-۱۶۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۵۷-۵۴۶/۳)، تاریخ گزیده (۷۱۷-۷۱۶)، تاریخ نظم و نثر (۱۶۲-۱۶۱)، تذکره الشعراء (۱۸۸-۱۸۳)، تذکره القبور (۱۹۸)، حیب السیر (۳۸۷، ۱۱۸/۳)، الذریعه (۹۴/۹)، ریحانه (۱۷۲/۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۸۸-۱۸۷/۱)، صبح گلشن (۳۶)، گنج سخن (۱۴۶-۱۴۲/۲)، لغت‌نامه (ذیل / امامی)، مجمع الفصحا (۲۶۵-۲۵۹/۱).

امامی هروی، محمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، خطاط و منشی. از زبر دست‌ترین کاتبان قرن خویش بود که ظاهراً در دربار سلطان یعقوب و رستم آق قویونلو به کار

کتابت مشغول بود و به همین جهت یعقوبی و رستمی رقم می‌کرد. از خطوط نستعلیق او: یک نسخه «انیس العاشقین»، به قلم نستعلیق کتابت عالی، با رقم: «تمت... به انیس العاشقین فی تاریخ سنهٔ سبع و ثمانین و ثمانمائه... شیخ محمد الامامی»؛ یک نسخه «هفت اورنگ» جامی، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «کتبه العبد الفقیر الحقیق شیخ محمد بن شیخ احمد الهروی فی تاریخ سنهٔ تسع و تسعین و ثمانمائه»؛ یک نسخه مثنوی «اشترنامه»، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «تمام شد کتاب اشترنامه‌ی شیخ فریدالدین عطار... شیخ محد بن احمد... سنه‌ی احمد عشرين و ثمانمائه...» و قطعات و مرقعات دیگر که در کتاب «احوال و آثار خوشنویسان» به آنها اشاره شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۶۴۴-۶۴۲/۳).

امامی، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عنوان: دکتر ابوالقاسم امامی

آقای دکتر ابوالقاسم امامی از فضیلتی کم‌کار اما گزیده‌کار و دقیق‌النظر امروز ایران است و در ادبیت و عربیت و اغلب دانش‌ها و معارف اسلامی، هم در حوزه و هم در دانشگاه، به مدارج والای علمی دست یافته است. او متولد بیست و سوم دی ماه ۱۳۱۳ ش در روستای گز (وابسته به بندر گز، جزو استان گلستان امروز) است. پدرش اهل علم و از شاگردان مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی بود. تا سال ۱۳۲۸ تحصیلات ابتدایی را در گز و بندر گز به پایان رساند. سپس بر وفق علاقه و ارشاد پدر، به تحصیلات حوزوی (در بهشهر، گرگان، و سرانجام و بیش از همه در مشهد) روی آورد، و استادان فرزانه‌ای داشت از جمله ادیب نیشابوری، و میرزا جواد آقا تهرانی. مدتی کوتاه نیز به حوزه‌ی علمیه‌ی قم رفت و سپس به تهران آمد. در سال ۱۳۳۹ از کسوت روحانی بیرون آمد و تحصیلات دانشگاهی جدید را در پیش گرفت. یک چند با مجله‌ی عربی‌الاء همکاری داشت. پس از طی دوره‌ی لیسانس حقوق سیاسی (۱۳۴۸) در دانشگاه تهران، دوره‌ی فوق لیسانس زبان و ادبیات عربی را با احراز رتبه‌ی اول گذراند (۱۳۵۱) و دوره‌ی دکتری در رشته‌ی فرهنگ عربی و علوم قرآنی را با نگارش رساله‌ی «به نام تصحیح و تحقیق در متن تجارب الامم»، نیز تالیف رساله‌ی «در زندگینامه و کارنامه‌ی ابوعلی مسکویه در دانشکده‌ی ادبیات و از سال ۱۳۶۰ در دانشکده‌ی الهیات همان دانشگاه به تدریس پرداخت. از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۹ (که بازنشسته شد)، از سر ویراستاران و صاحب نظران مسائل کتاب و نشر در انتشارات صدا و سیما (سروش) بود. از سال ۱۳۷۱ به عضویت هیئت علمی دانشکده‌ی الهیات و ادبیات عرب دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، در گروه علوم قرآن و حدیث درآمد. همچنین با بعضی نهادهای علمی-انتشاراتی نظیر دفتر نشر میراث مکتوب و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، همچنان، و به موازات کار تدریس و مسئولیت دانشگاهی همکاری دارد. مقالات علمی بسیاری به عربی و فارسی نوشته است. آثار کتابی چاپ شده یا در دست چاپ ایشان از این قرار است:

۱- ترجمه‌ی قرآن کریم که به توصیف اجمالی آن می‌پردازیم (چاپ اول، نگار، ۱۳۷۰؛ چاپ دوم، اسوه، ۱۳۷۸)

۲- تصحیح متن عربی تجارب الامم اثر هفت جلدی ابوعلی مسکویه (مشکویه رازی) که دو جلد آن (سروش، ۱۳۶۶) منتشر شده و کار بر روی باقی مجلدات ادامه دارد.

- ۳- ترجمه ی تجارب الامم پیش گفته (جلد اول ، سروش ، ۱۳۶۹)
- ۴- تصحیح ترتیب السعادات ، اثر مسکویه (آماده ی چاپ)
- ۵- رسائل پراکنده ی مسکویه (نزدیک به پایان)
- ۶- رساله فیماهیه العدل (آماده ی چاپ)
- ۷- تصحیح متن الفوز الاصغر (آماده ی چاپ)
- ۸- تصحیح کیمیای سعادت (که ترجمه ای است از طهاره الاعراق / تهذیب الاخلاق اثر ابوعلی مسکویه ، به قلم میرزا ابوطالب زنجانی . چاپ تهران ، انتشارات نقطه با همکاری « میراث مکتوب » ، ۱۳۷۵)
- ۹- تصحیح و ترجمه ی دیوان امام علی (تهران ، اسوه ، ۱۳۷۰ ، ۱۳۷۳) .
برگرفته از کتاب: بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

امامی، تقی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید تقی امامی

محل تولد: خمینی شهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۴ وارد مدرسه حقانی شدم. با گذراندن سالهای اولیه در آن مدرسه و تکمیل دروس در حوزه از محضر اساتیدی نظیر حضرات آیات وجدانی، عندلیب، محقق داماد، اعتمادی، ستوده، نبوی، محفوظی و پایانی برای دوره های بعدی تا پایان سطح عالی بهره جستیم. سپس از محضر اساتیدی چون حضرات آیات تبریزی و وحید خراسانی از سال ۱۳۷۰ به بعد استفاده نمودم.

همزمان از سال ۱۳۶۸ به تدریس سطح اول و سپس سطح عالی پرداختم که هم اکنون سالهاست به تدریس مکاسب و رسائل اشتغال دارم. (مدرسه حضرت آیه الله بروجردی حجره ۱۵) در سال ۱۳۶۸ مقاله ای پیرامون کنکاشی پیرامون تورم به سمینار اقتصادی کنگره جهانی حضرت امام رضا (ع) ارائه دادم که در جلسه مطرح نمودم و توسط مرکز پژوهشهای آستان قدس رضوی منتشر گردید.

از سال ۱۳۷۹ مقالات و مطالب فراوانی به صورت سلسله ای و ادامه دار در مجلات فاطیما و میثاق با کوثر ارائه دادم که عناوین برخی از آنها عبارتند از: "سخنی با نیکان ۲۴ شماره"، "سخنی با ایرانیان ۱۳ شماره"، "مشاوره روانشناسی ۱۷ شماره"، "تحلیل مسائل سیاسی روز تحت عنوان (چرا؟) ۱۵ شماره"، "النکاح فی الاسلام ۱۵ شماره"، "همچنین مدیر مسئولی مجلات فاطیما و میثاق با کوثر را عهده دار بوده ام که در مورد میثاق ادامه دارد.

امامی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ حسین بن العالم الجلیل آقا حسام‌الدین امامی کاشانی از دانشمندان نامی و علماء سامی معاصر کاشانست وی در کاشان متولد شده و مقدمات و سطوح را در آنجا خوانده و پس از آن به قم آمده و در امتحانات حوزه شرکت و رتبه اول و نمره عالی را دریافت و مکرر مکالمات علمیه با حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی نموده و مورد توجه معظم له واقع شده به طوری که بعضی از اوقات از ایشان تعبیر به عالم هم‌عصر می‌فرمودند و هر یک از طلاب و محصلین کاشانی و غیره را که توصیه و توثیق می‌نمودند آن مرحوم پذیرفته و بر ایشان حقوق و شهریه برقرار می‌کردند

آقای امامی پس از یک دوره تحصیلات و دیدن دروس خارج قم به نجف اشرف عزیمت نموده در حالی که در آن موقع بر عروء‌الوثقی علامه یزدی حاشیه شروع نموده و در اقامتشان در (باب مدینه علم) تا باب خمس به اتمام رسانیدند معظم له پس از چندی توقف در نجف و شرکت در دروس آیات عظام آنجا بالاخص مرحوم آیت‌الله العظمی حکیم و آیت‌الله العظمی خوئی مدظله و دیگران مراجعت به کاشان نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌الله بروجردی باز به قم آمده و به تدریس خارج پرداخته و صدها نفر از طلاب در درسشان شرکت می‌نمودند. ولی متأسفانه روی بعضی از جهات دوباره به کاشان برگشته او تا حال تحریر و تألیف این کتاب (سال ۱۳۹۵ قمری) به اقامه جماعت و تدریس و تألیف اشتغال دارند از آثار گرانقدر آنجناب کتاب (اصول الامامیه) است که زحمات فضلاء را آسان و راهی را که باید سالها در مبانی اصول فقه طی نمایند به چند ماه رسانیده است

نگارنده گوید مترجم محترم ما از مجتهدین جوان عصر حاضر است آثار نبوغ و بزرگی در چهره و سیمایش نمایان است و امید است که بخواست خدا و عنایت صاحب ولایت در آینده از مراجع عالیقدر بوده باشند زیرا از سی سال قبل که ایشان را شناختم همواره چه در قم و چه در کاشان و چه در نجف اشرف با کمال سادگی و دور از تظاهرات مجدانه اشتغال به تحصیل و تدریس و تصنیف داشتند و بحمد الله آثار علمی ارزنده‌ای مانند (اصول الامامیه) و حواشی بر عروء‌الوثقی و غیره دارند و ایشان داماد ارجمند حضرت آیت‌الله والعالم‌العلام آقای حاج آقا رضای مدنی کاشانی که از مجتهدین و مراجع عصر حاضرند در کاشان می‌باشند برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

امامی، عبدالرحیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: تغذیه، دانشکده: بهداشت، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در سال ۱۳۳۷، دیپلم تغذیه از دانشگاه لندن در سال

۱۳۴۶.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری ارتقاء به درجه استادی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی اپیدمیولوژیک در مورد گواتر آندمیک در ایران برای اولین بار در سالهای ۱۳۴۶-۴۲، تغذیه پزشکی، طرح به کارگیری فرمهای قد و وزن اطفال زیر پنج سال در مرکز آموزشی و پژوهشی روستائی گرگ‌تپه ورامین، کم خونیهای تغذیه‌ای، دیابت، راشیتیس، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تغذیه و دیابت.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲۶، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲۱

زمینه علمی مقالات:

تغذیه و دیابت.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

امامی، علی اصغر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی اصغر امامی

محل تولد: دهاقان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۵۰ پس از اتمام دوره ابتدایی وارد حوزه شدم و به موازات تحصیل در حوزه علمیه اصفهان دیپلم متوسطه را نیز اخذ نمودم. تحصیلات اینجانب از اوائل در حوزه به صورت مستمر با تدریس دروس حوزوی همراه بوده است. در سال ۱۳۵۸ پس از اتمام سطح در دوره‌های مختلف خارج فقه و اصول و همچنین فلسفه در حد اسفار نزد اساتید متعدد شرکت نمودم. یک دوره اصول در خدمت مرحوم آیت الله صافی اصفهانی شرکت کرده و در محضر مرحوم آیت الله صادقی و مجلسی اصفهانی مباحث فقه را شرکت کرده‌ام. تدریس اینجانب در مدارس صدر و امام صادق (ع) و دارالحکمه و جدّه بزرگ اصفهان تا سال قبل (۱۳۸۵) -

(۱۳۸۶) ادامه داشته است.

امامی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ محمد امامی اراکی از علماء محترم معاصر شهرستان اراک می‌باشند. والد ماجش مرحوم علامه آیت‌الله آخوند ملا محمدعلی امامی خوانساری از دانشمندان به نام و بزرگ عصر خود در نجف اشرف بوده است.

مترجم گرامی ما در بیت علم و تقوا و ورع ب دنیا آمده و در دامن پاک چنان پدر بزرگواری پرورش یافته و پس از خوان اولیات و ادبیات و سطوح که اکثرا با استعدادا سرشار فوق‌العاده‌ای که داشتند خود با مطالعه اتقان نموده و چند سالی در بحث خارج فقهی و اصولی مرحوم آیت‌الله نائینی قدس سره حاضر گشتند و مفتخر به اجازه اجتهاد از ایشان گردیده است.

آیت‌الله امامی به واسطه نبوغ فکری وجودت ذهن استقامت فهم و سرعت انتقال که در ترقیات علمی ایشان تاثیر بسیار قوی داشته به مرتبه‌ای که در سطوح نهائی چون مکاسب و رسائل و کفایه بیش از چند ورقی استاد ندیده به نحو اکمل و وافی تدریس کتب مذکور نموده است.

آیت‌الله امامی در شب سه شنبه بیست و پنجم جمادی‌الثانی ۱۳۹۹ قمری برابر سی و یکم اردیبهشت ۱۳۵۸ شمسی در اراک از دنیا رفت و با تشیع و تجلیل زیادی در همان شهر در مقبره خصوصی مدفون گردید.

تالیفات و آثار علمی ایشان.

۱- منهاج الاحرام لزائر بیت‌الله‌الحرام کتاب استدلالی در احکام حج مشتمل بر هزارها مسائل حج.

۲- بغیه الطالب در حاشیه مکاسب شیخ انصاری.

۳- تسدید القواعد فی حاشیه الفرائد حاشیه مبسوطی بر رسائل شیخ.

۴- صحیفه الحج در اسرار و فلسفه حج.

۵- ترجمه صحیفه الحج به فارسی.

۶- کلمات قصار انشاء خود ایشان موسوم الکلم الفائقه و الحکم البالغه.

۷- رساله‌ای به نام الرحمه السابقه و الهدایه البارغه.

۸- رساله‌ای مبسوطی در انفعال ماء قلیل.

۹- رساله‌ای مبسوطی در علل اختلاف حدیث.

۱۰- رساله‌ای در جمیع مسائل مبحث تعادل و تراجیح.

۱۱- رساله‌ای در مسائل اصاله الصحه و مسائل قرعه.

۱۲- دو رساله در جمیع حکم ظاهری و واقعی.

۱۳- رساله‌ای در اینکه صیغه امر موضوع است برای مطلق طلب و اینکه اطلاقش افاده وجوب دارد.

۱۴- شرح دعاء صباح حضرت امیر علیه‌السلام.

۱۵- حاشیه بر نجاه‌العباد.

۱۶- حاشیه بر عروه الوثقی.

۱۷- حاشیه بر رسائل پنجگانه و نفقات و قبله و رضاعیه و ربائیه حاج ملا هاشم خراسانی.

۱۸- حاشیه بر توضیح المسائل مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی.

محمد امامی نجفی از علماء و ائمه جماعت معاصر اراک می‌باشند. وی در خونسار متولد شده و در بیت علم و فضیلت پرورش یافته و برای تحصیل به اصفهان عزیمت و پس از خواندن مقدمات و سطوح به نجف اشرف مهاجرت و از محضر آیات عظام آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله عراقی آقا ضیاء‌الدین و دیگران استفاده نموده و بعد از پایان مراتب علمی به اراک آمده تا حال حاضر اشتغال به خدمات دینی از قبیل امامت در مسجد آیت‌الله سلطان و تبلیغ احکام و ترویج دین دارند. ادام‌الله توفیقه و عزه برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

امامی، محمد مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد مهدی امامی

محل تولد: همدان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد مهدی امامی در بهار سال ۴۷ در یک خانواده روحانی و اهل علم متولد شدم. دوران ابتدائی و راهنمایی را در محل تولد که یکی از روستاهای بخش بهار همدان می‌باشد گذراندم. پایان دوران راهنمایی همزمان شد با شروع جنگ تحمیلی، بخشی از دوران راهنمایی (سوم) در جبهه و بخشی از آن را در مجتمع رزمندگان به اتمام رساندم.

همزمان با جنگ و دوران تحصیل در مدرسه در سال ۶۴-۶۵ وارد حوزه علمیه قم شدم، البته قبل از آن پایه اول حوزه را در مدرسه شهید مصطفی خمینی (ره) تهران گذراندم. و به جهت این که شهر قم شهر علم و اجتهاد بود و حرم حضرت معصومه (س) در آنجا بود، در امتحانات حوزه شرکت و قبول شدم. از سال اول تا سال سوم را در مدرسه الهادی واقع در خاکفرج قم سپری کردم و همزمان با دروس حوزه مقطع دبیرستان را در مجمع ایثارگران شهید زین الدین قم به اتمام رساندم.

در سال ۷۳ وارد دانشگاه شدم در رشته علوم سیاسی و همزمان با دروس حوزه و دانشگاه، در سال ۷۵ موفق به اتمام سطح دو حوزه و کارشناسی در دانشگاه شدم. در سال ۷۷ در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه باقرالعلوم (ع) قبول شدم. و همزمان تا سال ۸۲ دروس دانشگاه و مصاحبه های خارج فقه و اصول را در شش نوبت به پایان رساندم.

از سال ۸۰ همزمان با دروس دیگر و تحقیقات مشغول به تدریس در دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی و علامه طباطبائی تهران شدم. و در حال حاضر هم با اشتغال به کار آموزشی مشغول تدوین و نگارش کتاب و مقالات و تدریس در دانشگاههای یاد شده و اراک و پیام نور هستم.

امامی، محمدباقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدباقر امامی اول عالم موجه معاصر کاشمر است.

وی در آن سامان متولد شده و پس از خواندن مقدمات و اولیات و قسمتی از سطوح به مشهد عزیمت نموده و در آنجا به تکمیل متون فقه و اصول پرداخته و از دروس خارج آیات عظام آنجا و دیگران استفاده نموده و پس از وصول به مقام رفیع فضل و دانش به کاشمر مراجعت و تا حال حاضر به انجام وظائف دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

امامی، محمدجعفر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد جعفر امامی

محل تولد: داراب

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۲/۱/۱

زندگینامه علمی

حجة الاسلام والمسلمین محمد جعفر امامی در سال ۱۳۲۲ و در شب عید فطر در روستای لایزنگان (خشم علیا) از توابع شهرستان داراب استان فارس در خانواده ای مذهبی چشم به جهان گشود. پدرش روحانی نبود ولی پدر بزرگش در کسوت روحانیت بود اما از راه باغ داری و کشاورزی زندگی خویش را اداره می کردند. وی دوران ابتدائی را در مسقط الراس خود، ابتدا در مکتب خانه و پس از آن در مدرسه ابتدایی آن روز به تحصیل گذراند.

در ۲۷/۷/۱۳۳۷ به حوزه علمیه داراب که تحت قیمومیت مرحوم آیت الله نسابه اداره می شد وارد شد و تا سال ۱۳۴۱ در آنجا بود. در طی این سالها دروس دوره مقدمات و بخشی از دروس دوره سطح را آموخت و سپس به حوزه علمیه قم آمد و در قم نخست به مدرسه رضویه رفت و دروس دوره سطح را پی گرفت و در مدتی کوتاه آن را به پایان برد. سپس به درس خارج استادان مشهور آن روزگار رفت و از محضر بسیاری از آنان بهره مند شد. اما استاد اصلی او در این بخش آیت الله العظمی مکارم شیرازی بود.

حجة الاسلام والمسلمین امامی، در پیش و پس از (انقلاب اسلامی) در عرصه های گوناگون سیاسی حضور فعال داشته است. او در سالهای حکومت (پهلوی) برای تبلیغ به نقاط مختلف کشور سفر می کرده و در آنجا ماهیت رژیم پهلوی را افشا می نموده است تا آنجا که رژیم پهلوی او را ممنوع المنبر کرد و تا پیروزی انقلاب این ممنوعیت ادامه داشت از آغاز ورود او به قم که مبارزه مرجعیت و روحانیت با تصویب لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی بر ضد رژیم پهلوی شروع شد همواره در تمام صحنه های این

مبارزه شرکت داشت.

وی در جریان فراندوم و لوایح ششگانه در سخنرانی جلسه مهم مدرسین حوزه که پس از لغو مصوبه انجمن های ایالتی و ولایتی در مسجد اعظم قم که در آن آیه الله العظمی مکارم و مرحوم حجه الاسلام حاج شیخ مرتضی انصاری سخنرانی کردند و موضع مدرسین حوزه را اعلام داشتند و در کلیه سخنرانی های امام راحل چه آنها که در مسجد اعظم ایراد فرمودند و چه سخنرانی معروف مدرسه فیضیه در عصر عاشورا شرکت داشت. و نیز در صحنه پانزده خرداد در قم که ملت ایران به خاک و خون کشیده شدند، حضور داشت.

در شب و روز آزادی امام قدس سره از حبس و حصر و حضور مردم قم در بیت ایشان و ورود هیئت های دیدار کننده از شهرستانهای کشور و سخنرانی آن حضرت در مسجد اعظم و در جشن بازگشت امام که در فیضیه منعقد گردید و نیز در سخنرانی ضد کاپیتولاسیون که در بیت خود حضرت امام (ره) در محله یخچال قاضی قم انجام گرفت در تمامی این مراحل حضور داشت. او پس از انقلاب نیز در صحنه های گوناگون همواره پشتیبان انقلاب و امام (ره) بوده است. در آغاز به نمایندگی از امام در آماجگاه منظره قم و در ستاد انقلاب مدتی در سازمان برنامه و بودجه و مدتی در وزارت بازرگانی انجام وظیفه نمود. در طی سالهای دفاع مقدس نیز با تنظیم کتاب (نظام دفاعی اسلامی) و بحث های عقائد و اطلاعات رزمندگان اسلام را با مبانی دفاع و دیدگاه اسلام درباره آن آشنا می ساخته است.

حجه الاسلام و المسلمین امامی هم اکنون از اعضاء جامعه مدرسین حوزه علمیه قم می باشد و در شهر قم حضور دارد .

امامی، مسعود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: داروسازی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای داروسازی و تخصص انگل شناسی از دانشگاه پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران و تخصص قارچ شناسی (دیپلم قارچ شناسی پزشکی) از انستیتو پاستور پاریس و C.D.C آمریکا.

مرتبه علمی:

استاد دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه های علمی و تحقیقاتی:

قارچها و عوامل بیماریهای قارچی، اپیدمیولوژی، نظارت بر ۵۳ پایان نامه کارشناسی ارشد و ۲۰ پایان نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

قارچها و بیماریهای قارچی، تشخیص آزمایشگاهی قارچ شناسی پزشکی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲۹، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲۱

زمینه علمی مقالات:

قارچ‌شناسی پزشکی، قارچها، عوامل بیماریهای قارچی و بیماریهای قارچی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

امامی، مسعود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مسعود امامی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اتمام سال دوم دبیرستان به علت علاقه شدید به دروس حوزوی، دبیرستان را رها کردم و به مدرسه علمیه ملا محمد جعفر (حاج آقا مجتهدی تهرانی) وارد شدم. از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۵ تحصیل دروس مقدمات (تا پایان لمعتین) را در این مدرسه سپری کردم. سپس مدت یکسال بطور آزاد در دروس مدرسه عالی شهید مطهری شرکت نمودم و آنگاه در سال ۱۳۶۷ به حوزه علمیه قم آمدم و تا کنون در این حوزه به تحصیل و تحقیق مشغول هستم.

شرایع و دروس جنبی مانند تفسیر قرآن، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و اخلاق را به مدت ۵ سال از محضر استاد بزرگوار آیت الله مجتهدی تهرانی بهره گرفتم. لمعتین و اصول فقه را خدمت حاج سید محمد ضیاء آبادی خواندم. مدت یکسال که در مدرسه شهید مطهری بودم، الهیات شرح منظومه را نزد استاد سید مصطفی محقق داماد و رسائل را نزد آیت الله سید حسن مرعشی درس گرفتم. ادامه درس رسائل را در قم در درس آیت الله سید رسول تهرانی شرکت کردم. در تهران بدایة الحکمه را در درس آیت الله سید رضی شیرازی و نهایة الحکمه را در درس استاد سید حسین حسینی حاضر شدم. در قم، درس مکاسب را در محضر آیت الله سید حسن طاهری خرم آبادی شرکت کردم. جلد نخست کفایه را نیز خدمت آیت الله شیخ حسن قدیری و جلد دوم را خدمت استاد شیخ صادق لاریجانی خواندم.

سال ۱۳۷۱ به مدت ۴ سال در درس خارج فقه (مبحث بیع) آیت الله وحید خراسانی حاضر شدم و در کنار آن به دروس خارج اصول حضرات سید احمد مددی و استاد گنجی حاضر می شدم. مدت ۲ سال خارج فقه (خمس) آیت الله شیخ جواد تبریزی را درس گرفتم و در نهایت مدت ۶ سال از خارج فقه (خمس و نکاح) استاد معظم حضرت آیت الله شبیری زنجانی را بهره مند شدم. همچنین ۴ سال در درس خارج اصول حضرت استاد وحید خراسانی حاضر شده ام. نهایتاً مدت ۱۲ سال در دروس خارج فقه و اصول شرکت کرده ام و از سال گذشته از حضور در دروس خارج منصرف شده ام. و بیشتر وقت خود را به کارهای پژوهشی سپری میکنم.

در مدت اقامت در قم، مدت ۷ سال در درس کلام یکی از اساتید بزرگوار شرکت کردم (به علت عدم رضایت استاد، از ذکر نام ایشان معذورم) مدت ۲ سال در درس اشارات حضرت آیت الله حسن زاده آملی و مدتی در درس اسفار حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت نمودم.

مدت ۵ سال که در مدرسه مجتهدی در تهران بودم، دروس مختلف ادبیات و منطق را کراً تدریس کردم و مدت ۸ سال است که هفته ای یک روز به تهران می روم و به تدریس دروس معارف اسلامی و مباحث اعتقادی در دانشگاه های تهران (۳ سال نخست در دانشگاه خواجه نصیر و ۵ سال بعدی در دانشگاه تهران) مشغول هستم و همچنان ادامه دارد.

از آغاز تحصیل در حوزه، علاقه وافری به تحقیق و پژوهش داشتم و نخستین کار پژوهشی ام را در سال دوم دبیرستان (۱۶ سالگی) شروع کردم که بحثی پیرامون عصمت بود و یکسال بعد از تحصیل در حوزه آن را با مطالعه متون عربی تکمیل کردم و در نهایت با ۱۲۰ منبع به پایان رساندم. در مدتی که در تهران و قم بودم کارهای پژوهشی مختلفی انجام دادم، در دوران اقامت در تهران و مدتی پس از ورود به قم به کارهای تحقیقی پیرامون متون روایی و ترجمه آنها (ترجمه و تحقیق فضائل الخمسه و تحقیق نفس الرحمن فی فضائل سلمان، تالیف محدث نوری، اللوامع النورانیة تالیف محدث بحرانی، الهدایه حسین بن حمدان) اشتغال داشتم. مدت ۷ سال است که با موسسه دائرة المعارف فقه اسلامی (زیر نظر آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی) در بخش فرهنگ فقه و مجله فقه اهل بیت (ع) همکاری پژوهشی دارم و مدت ۶ سال است که در کارهای پژوهشی و تحقیقی مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه همکاری می کنم و با موسسه هایی چون فرهنگ و اندیشه اسلامی، همایش دو سالانه مهدویت همکاری پراکنده داشته ام.

امامی، نصرالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۸، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید چمران اهواز
خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۰، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۵۲، دکترا در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۲.

مرتبه علمی:

عضویت در هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز از سال ۱۳۵۵ تاکنون، استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان و ادبیات فارسی و عربی، شرکت و سخنرانی در کنگره‌های جهانی حافظ، سعدی، فردوسی، نظامی، خواجهی کرمانی و تدریس در دروس تخصصی ادبیات فارسی و عربی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

مرثیه‌سرایی در ادبیات فارسی، پرنیان هفت رنگ (بررسی اشعار فرخی سیستانی) در دست چاپ.
مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

نقد ادبی، اسطوره‌شناسی، شعر شناسی، سبک‌شناسی شعر، زندگینامه‌نویسی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

امامی، نورالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نورالله بن مرحوم آیت‌الله حاج میرزا سید علی فروشانی (برادر بزرگ آیت‌الله حاج سید حسن امام) در ۱۳۱۷ قمری در فروشان سده متولد شده و پس از نشو و نما و تربیت در بیت علم مقدمات را در محل خود خوانده و بعضی از علوم غریبه را از مرحوم والدش استفاده نموده و سطوح و خارج را از علماء بزرگ و مدرسین بنام و آیات عظام اصفهان بهره‌مند گردیده آنگاه در زادگاه خویش به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و غیره پرداخته و تا حال حاضر اشتغال دارند.
دارای دو فرزند دانشمند و بزرگواری بنام ۱- حجة الاسلام والمسلمین حاج آقا مهدی امامی ۲- حجة الاسلام آقا سید محمدباقر امامی می‌باشند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

امامیه، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: دندانپزشکی، دانشکده: دندانپزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

فارغ‌التحصیل از دانشگاه بوستون آمریکا در رشته پروتزیهای دندانی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

دندانپزشکی، پروتزیهای ثابت دندانی، استاد راهنمای ۴ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:

راهنمای مورفولوژی سطح جونده دندانها.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۴
زمینه علمی مقالات:

بررسی مقدار حلالیت، بررسی اکلوژن فیزیولوژیک، محل انتخاب Margin سرپوش‌ها و اثرات احتمالی آنها کاربرد نیازهای ارتدنسی قبل از معالجات پروتز ثابت، آماده‌سازی دهان قبل از معالجات پروتزهای دندانی، چگونگی Management دندانهای گرفتار Furcation از طریق سرپوشها.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

امانت، رشید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۹ ش)، نویسنده و مترجم. در یزد متولد شد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی در زادگاهش به تهران آمد و دو سال در مدرسه‌ی صنعتی آلمان و سه ماه در کالج تحصیل نمود، بعد به خدمت سربازی پرداخت. پس آن به شغل آزاد مشغول شد. زبان انگلیسی را در مدت پنج سال و زبان آلمانی را در مدرسه‌ی صنعتی و فرانسوی را خود آموخت. از آثار وی: ترجمه‌ی «از اسرار جنگ گذشته»؛ «اسرار سیرک»؛ «اسرار عشق»؛ ترجمه‌ی «پسر کاپیتان» یا «شوالیه شاه»؛ ترجمه‌ی «تریپوله» یا «مقلد دربار شاهی»؛ «خودآموز انگلیسی به فارسی»؛ ترجمه‌ی «ژان دولارج»؛ «سرگذشت‌های آرسن لوپن».

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: زندگی‌نامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۶۵-۲۶۴/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۲۵-۱۲۲/۳).

امانی، محمد صالح

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد صالح امانی

محل تولد: جنت رودبار

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۳/۱

زندگینامه علمی

اینجانب متولد هشتم ربیع الثانی سنه ۱۳۹۱ ه.ق مطابق خرداد ماه ۱۳۴۹ خورشیدی در یکی از روستاهای خوش آب و هوای منطقه تنکابن به نام جنت رودبار از حوالی بخش مرکزی شهرستان رامسر بدنیا آمدم. در خانواده ای که دینداری، نועدوستی، اصالت، تقوا، پاکدامنی مشهور و زبازرد خاص و عام بودند. از همان زمان طفولیت عشق و علاقه وافری که به مکتب اهل بیت (ع) داشتم، همواره شوق و اشتیاق را در اینجانب زیاد می کرد، تا اینکه پس از طی مراحل تحصیلی مدارس ابتدایی و راهنمایی را در زادگاه خودم با موفقیت به پایان رسانیدم و دوره آموزش متوسطه و دبیرستان را در شهرستان آمل مازندران گذرانیدم و در خلال این مدت قریب یک سال نیز در جبهه های جنگ علیه باطل شرکت کردم. و سرانجام وارد حوزه علمیه شهر شدم و با قبولی در آزمون و مصاحبه به پذیرش آن حوزه مقدسه درآمدم.

پس از ورود به حوزه نیز با برنامه ریزی دقیق و نظم و سلیقه خاص که از صفات لاینفک وجودم می باشد در کنار گذراندن دروس اصلی و فرعی به مطالعات و تحقیقات نیز پرداختم و عهد اینکه در کنار مطالعات همواره مطالب مورد نیاز و علاقه را بصورت فیش برداری یادداشت می نمودم که همچنان نیز ادامه دارد.

یکی دیگر از کارهایی که در کنار تحصیل داشتم و دارم تبلیغ و ترویج مکتب دین مبین اسلام بوده و هست که در ایام تبلیغ هر ساله با شور و شوق فراوان به آن پرداختم. و از کارهای دیگر تدریسی است که از همان اوایل خود را مقید به آن کردم که تاکنون اکثر کتب مقدماتی اعم از صرف، نحو، ادبیات، منطق، تجوید قرآن، حاشیه ابن عقیل، معانی، فقه و اصول، لمعه، تحریر الوسیله، مختصر النافع، مکاسب و رسائل، نهج البلاغه و صحیفه سجادیه را تدریس نمودم.

از بدو ورود به حوزه مقدسه علمیه یعنی سال ۱۳۷۷ خورشیدی تاکنون بطور مستمر و مداوم مرتباً در دروس سطح عالی و خارج فقه و اصول و تفسیر و رجال و حدیث و غیر آن از محضر پر برکت اساتید معظم و مراجع عظام تقلید (دامت تأییداتهم) بهره بردم که بخشی از آن بزرگواران در صفحه ۲ همین فرم ذکر گردیده اند و از اکثر آن بزرگواران نیز به اخذ اجازات علمی، حدیثی و امور حسیه نائل شدم.

امه الرحمن

قرن: ۵

جنسیت: زن

ملیت: ایران

پس از ۴۷۹ ق، از زنان محدث. وی دختر عمر بن محمد بن یوسف بن دوست بود و از عمویش ابوعمرو عثمان بن محمد، از جدش محمد بن یوسف روایت دارد و ابن سمرقندی از او حدیث شنیده است.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۸۵ / ۱.

امه الحق

قرن: ۷

جنسیت: زن

ملیت: ایران

۶۸۵ ق، از زنان محدث. وی دختر حسن البکری، و اهل سرخس بود و از جد خویش و از ابن طبرزد روایت حدیث کرده و برای جمعی اجازه نوشته است. وی در سن ۸۷ سالگی در شیزر از نواحی سرخس در گذشت.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۸۳ / ۱.

امه‌الرحیم

قرن: ۱۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

از زنان محدث. پسرش ابوالحسن عبدالغفار بن اسماعیل فارسی از او حدیث شنیده است.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۸۵ / ۱.

امه‌الفاهر

قرن: ۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

قرن ششم هجری، از زنان محدث. وی دختر محمد بن عثمان بن محمد بن یوسف بن دوست بود که از جدش عثمان حدیث روایت کرده و ابن سمرقندی از او حدیث فرا گرفته است.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۸۹ / ۱.

امجد، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت الله شیخ محمود امجد به سال ۱۳۱۸ هـ ش در خانواده ای روحانی در شهرستان کنگاور از توابع شهر «کرمانشاه» به دنیا آمد، پدرش از واعظان توانا و از علمای آن دیار بود که به عنوان پایگاهی در مسیر ایران به کربلا، میزبان علمای هم عصر خویش بود. و جدش از عالمان ذی فنون ملقب به «افصح المتکلمین» بود. پدر بزرگ ایشان از علما و شعرای با اخلاص و ارادتمند خاندان عصمت و طهارت است که تضمین های عاشورایی ایشان از اشعار حافظ مشهور است. در حدود ۱۸ سالگی تحصیلات جدید را رها و به انگیزه تحصیل علوم دینی به شهر مقدس قم مشرف شد و در مدت کوتاهی دوره مقدمات و سطح را به پایان رسانده و به

دروس خارج مشغول گردید. در درس خارج فقه و اصول از محضر استادانی چون حضرات آیات عظام: امام خمینی، داماد، حاج آقا حسین فاطمی، بهاء‌الدینی و بهجت - قدس الله اسرار الماضین، و دامت برکات الباقین منهم - و در فلسفه و عرفان عملی از محضر پربار علامه طباطبایی قدس سره استفاده فراوان برد. و در حدود ۲۰ سال پایان عمر گهربار معظم له با ایشان انس داشت و در جلسات عمومی و خصوصی ایشان شرکت می کرد ارادت علامه نیز به ایشان مشهود بوده است بطوری که می فرموده اند به او امجد کرمانشاهی نگویید بلکه امجد کربلایی بگویید. بزرگترین استاد اخلاق و عرفان ایشان مرحوم آیت الله العظمی بهاء‌الدینی است که از سال ۱۳۵۱ هـ.ش. با آیت الله العظمی بهاء‌الدینی مأنوس و استفاده فراوان برد. و نیز در حدود سال ۱۳۵۰ با آیت الله العظمی بهجت - دامت برکاته - مرتبط شد و افزون بر بهره برداری از دروس خارج فقه و اصول آن عارف ارتباط خاص و نزدیک با معظم له داشت و اینک حدود یک دهه است که ایشان در تهران ساکن و دانشجویان و جوانان از جلساتش بهره های اخلاقی می برند و علامه طباطبایی می گفت: «ایشان قوی است.» روش تربیتی و رفتاری و اخلاق اجتماعی و زهد بی نظیر ایشان باعث شده، جوانان خصوصا دانشجویان، این عالم گرانقدر را همچون نگینی در آغوش بگیرند. مباحث اخلاقی و نماز جماعت ایشان در مسجد کوی دانشگاه تهران و مراسمی چون عزاداری ایام محرم و احیاء شبهای قدر، همه عاشقان فضیلت را به سوی خویش جذب کرده است. از خصوصیات بارز ایشان اخلاص عجیب و بی اعتنایی او به دنیا است به طوری که بسیار دیده اند که مجالس بسیار کوچک و در ظاهر کم اهمیت و افراد بی نام و نشان را بر مجالس بسیار بزرگ ترجیح داده اند. آنچه در نظر ایشان اهمیت دارد ارادت و اخلاص به اهل بیت عصمت طهارت علیهم السلام است. عشق به جوانان، دلسوزی برای آنان و محبت پدران ایشان باعث شده است که جوانان هم به او عشق ورزند و با ایشان رابطه ای صمیمی داشته باشند.

ام عبدالله

قرن: ۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

ز ۳۴۷ ق، از زنان محدث. وی دختر عبدالرحمان بن محمد بن زیاد بن معروف عجلی بود. در سال ۳۴۷ در جرجان حدیث نقل کرده و ابونعیم عبدالملک بن احمد بن نعیم قاضی از او حدیث شنیده است.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: تاریخ جرجان، ۵۰۶.

امیدی اشرفی، عباسعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: -، رشته: پاتولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی و طی دوره رزیدنتی پاتولوژی در دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۷، متخصص در رشته‌های آناتومی‌کال و

کلینیکال پاتولوژی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

سیستولوژی ادرار، اسپریماتوزن و ناباروری، بررسی کلینیکی تست کازونی در تشخیص کیتس هیداتیک، ضایعات پوستی تریکوتسن‌ها پیشگیری و درمان آن، پیشگیری از عوارض پوستی عصاره قارچ فوزاریوم، بررسی شیوع پروپانولول در موش شیوع عفونت سیتومگالوویروس در اهدا کنندگان خون مرد و زن و بررسی سیتولوژی اسمیر سرویکس و ادرار، شیوع عفونت سیتومگالو ویروس در مادران ایرانی و عفونت کونزیتال نوزادی و سیل‌های ناشی از آن، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۱ پایان‌نامه و دکترا. ابداع:

۳ مورد در زمینه‌های کمک حیاتی به درمان گیلن باره به روش پلاسمافرزیز در مشهد، کمک حیاتی به درمان درماتومیوزیت به روش پلاسمافرزیز، درمان موفقیت‌آمیز ناسازگاری RH در سه مادر حامله حساس به آنتی ژن RH به روش پلاسمافرزیز. تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

پزشکی، تکنیک‌های هیستوپاتولوژی،

research on ۴۰۰۰ spermogram in jahad central labratory

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۷، تعداد مقالات به زبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

پزشکی، هماتولوژی، اسفروسیتوز ارثی، نازائی، هیرزوسپرمی، آسیب‌شناسی تشریحی، ناباروری، بررسی سیتومگالو ویروس در مادران و نوزادان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

امیدی تهرانی، ارجاسب

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۲۵ ق)، پزشک، شاعر، متخلص به امید. پدرانش رییس و کدخدای تهران بوده‌اند که در آن زمان قصبه‌ای از توابع ری بود. در جوانی به شیراز رفت و در زمره‌ی شاگردان مولانا جلال‌الدین دوانی در آمد و علوم زمانه را فراگرفت و خصوصاً در طب مهارت یافت. استادش نام او را مسعود و تخلصش را امید قرار داد. بیشتر با ارکان دولت شاه اسماعیل صفوی مربوط بود و اشعاری در مدح آنان می‌گفت در اواخر زندگی در تهران ساکن شد و در آنجا باغی به نام باغ امید ساخت و بر سر همین باغ با شاه قوام‌الدین نوربخش پیشوای نوربخشیان اختلاف و نزاع پیدا کرد و در اثر نزاع زخم برداشته و جان داد و در طرشت تهران دفن شد. از آثار وی: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آتشکده‌ی آذر (۱۰۷۵-۱۰۶۷/۳)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۵۵-۱۵۴/۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۳۰-۴۲۵/۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۱۵)، تحفه‌ی سامی (۱۷۶-۱۷۳)، تذکره‌ی میخانه (۱۵۰-۱۴۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۲۶)، الذریعه (۹۸-۹۷/۹)، ریحانه (۱۷۷-۱۷۶/۱)، فرهنگ سخنوران (۹۱)، لغت‌نامه (ذیل / امید)، مجالس النفائس (۱۴۳-۱۴۱)، مجمع الفصحا (۱۱-۱۰/۴)، هفت اقلیم (۶۷-۶۳/۳).

امیدی فرد، عبدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبد الله امیدی فرد

محل تولد: فارمد مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۴/۲۰

زندگینامه علمی

اینجانب عبدالله امیدی فرد در سال ۱۳۳۶ در یکی از روستاهای نزدیک به مشهد مقدس به نام فارمد که مردم محل آنرا پژمه هم می خوانند دیده به جهان گشودم. در همان روستا دوره ابتدائی را که آن زمان شش سال طول می کشید به پایان رساندم و به پیشنهاد پدرم که از شاگردان و دوستان نزدیک آیات حضرت آیه الله حاج آقای مروارید و حضرت آیه الله حاج میرزا جواد آقا تهرانی بود وارد حوزه علمیه مشهد شدم و تحصیلات حوزوی را در مدرسه علمیه بعثت زیر نظر آیه الله مروارید شروع کردم این زمان مهر ماه ۱۳۵۰ بود پس از سه سال با موافقت پدرم با مرحوم حاج شیخ عباسعلی سبزی عازم حوزه علمیه قم شدم.

در سال هزار سیصد و پنجاه و چهار به درس مکاسب حضرت آیت الله حاج شیخ یوسف صانعی و رسایل حضرت آیت الله اعتمادی و برخی از مباحث مکاسب را هم نزد آیت الله ستوده شرکت نموده و تلمذ نمودم. در ادامه دروس سطح توفیق یافتم کفایتین را نزد آیه الله العظمی فاضل و شرح تجرید را نزد استاد شهید خلیلی و منظومه را نزد آقایان دکتر بهشتی و آیه الله یحیی انصاری و برخی از مباحث اشارات را نزد آیت الله حسن زاده و برخی از قسمت های اسفار را نزد آیه الله جوادی آملی فرا بگیرم. در سال ۵۸ رسماً حضور در دروس خارج را با شرکت در فقه آیه الله صانعی و آقایان دیگر شروع کردم بیشترین تاثیر را از آیات عظام فاضل، صانعی، منتظری و تا اندازه ای هم از محضر آیات عظام وحید خراسانی، آیه الله حاج شیخ جواد تبریزی داشته ام.

باید یاد آور شوم که همزمان با دروس حوزه به تحصیلات جدید هم ادامه دادم نخست دوره راهنمایی را و سپس دوره دبیرستان را با اخذ دیپلم اقتصاد به پایان رساندم و در اولین دوره مدرسه عالی طلاب موفق به اخذ مدرک آن دوره که ارزش لیسانس معارف اسلامی را داشت گردیدم و در اولین دوره تربیت مدرس هم موفق به اخذ کارشناسی ارشد شدم و از سال ۱۳۷۱ ضمن تدریس در دانشگاه به عنوان هیات علمی، توفیق دریافت درجه دکتری در رشته فقه و مباحث حقوق اسلامی از دانشکده الهیات تهران را پیدا کردم.

از توفیقات بزرگ که خداوند به اینجانب عطا فرموده آن است که از آغاز انقلاب شکوهمند اسلامی همواره در خدمت انقلاب بوده هر چند سمت های مهم و حساس را نداشته ام اما در حد توان از سویی در خدمت نظام مقدس بوده و هستم و... و از سویی از

خدمت در دانشگاه به قشر جوان در راستای اهداف نظام اسلامی خدمت نموده ام و از همه بهتر در حوزه همواره با تدریس تلاش کرده ام اندوخته های اندکم را به دیگران انتقال دهم در همین راستا مدتی را به عنوان مدیر یکی از مدارس علمیه قم سپری می کرده ام غیر از تدریس در مدارس تحت برنامه مدیریت حوزه تدریس خصوصی ادبیات و دروس سطح از سال ۱۳۷۴ با تدریس صفات اصول شهید صدر سپس کفایه و مکاسب و... را در حجرات و سپس مدرسه حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی را داشته ام.

امیر رسولی، هوشنگ

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیوشیمی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

امیر همایون

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، طیب، ادیب، منجم و شاعر. ظاهراً وی غیر از همایون اسفراینی شاعر معروف قرن نهم و همایون عراقی است. در ماوراءالنهر می زیست و در زمان خود بسیار معروف بود. علاوه بر فنون مذکور در ادبیات عرب و عروض نیز دست داشت و غزل و معما بسیار خوب می گفته است.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۶۲۵).

امیرانی، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

امیر حکمتی، غلامحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای کودکان دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشکده پزشکی علوم پزشکی شیراز، رزیدنتی کودکان در دانشگاه علوم پزشکی شیراز و دانشگاه جانزهاپکینز آمریکا، بوردا تخصصی کودکان از آمریکا، فلوشیپ در بیماریهای غدد داخلی و متابولیسم کودکان از دانشگاه راجستر آمریکا، تخصص بهداشت M.P.H از دانشکده بهداشت دانشگاه جانزهاپکینز آمریکا.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز. زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

رشد کودکان، بیماریهای غدد داخلی و متابولیسمی کودکان، دیابت و بیماریهای تیدوئید، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳۰ پایان‌نامه دکترا و دکترای تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: -

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲۰

زمینه علمی مقالات:

رشد کودکان، بیماریهای غدد داخلی کودکان، سوء تغذیه، راشیتیس، دیابت، نقصان روی بیماریهای متابولیسمی کودکان. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

امیرخانی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی امیرخانی

محل تولد: گونبان بخش دینور

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی امیرخانی فرزند امام قلی در سال ۱۳۵۱ در روستای گونبان از توابع بخش دینور استان کرمانشاه به دنیا آمده و تحصیلات مقطع ابتدائی را در همان روستا گذرانده و در سال ۱۳۶۳ تحصیلات دوره راهنمایی را در کرمانشاه آغاز کردم.

در سال ۱۳۶۷ به سبب علاقه به معارف و علوم اسلامی و حوزوی وارد حوزه علمیه آیت الله بروجردی (ره) شدم و پس از یک سال به خاطر فقدان امکانات علمی و آموزشی در آزمون سراسری حوزه علمیه قم شرکت و موفق به کسب رتبه قبولی شدم. دروس مقدمات را در مدرسه علمیه مهدی موعود (عج) خواندم و در سال ۱۳۷۱ برای ادامه تحصیل و تکمیل دروس سطح وارد مدرسه علمیه امام محمد باقر (ع) شدم و از محضر اساتید بزرگوار و توانا بهره بردم. در سال ۱۳۸۰ موفق شدم که دروس سطح (کفایتین و مکاسب) را به اتمام برسانم و به درس خارج راه پیدا کردم. از سال ۱۳۸۰ تاکنون در درس خارج فقه استاد بزرگوارم حضرت آیت الله جوادی آملی بهره می برم. از سال ۱۳۷۲ شروع به نوشتن کردم و در سمیناری که بانی آن دانشگاه تهران بود مقاله ارائه کردم که عنوان رتبه سوم را به خود اختصاص داد. در سال ۱۳۷۳ همکاری خود را با چاپ مقاله به مناسبت وحدت حوزه و دانشگاه در روزنامه اطلاعات با روزنامه و مجلات آغاز کردم سپس با مراکز پژوهشی و تحقیقاتی همکاری خود را آغاز کردم.

امیرشیبانی، غلامرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: رادیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای جراحی عمومی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۵ و فوق تخصص جراحی اعصاب از دانشگاه تهران و دانشگاه پاریس در سالهای ۱۳۴۹ و ۱۳۵۱.

مرتبه علمی:

استادیار در دانشکده پزشکی مشهد از سال ۱۳۴۵ تا سال ۱۳۴۷ و دانشیار جراحی اعصاب در دانشکده پزشکی مشهد از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۶۹.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

هماثریوماتو، منژیوما

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: -

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

جراحی عمومی و اعصاب، کیست هیداتیک مغز، ترمیم اسکلت‌های جمجمه، عوامل فشار به نخاع.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

امیرشیبانی، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: رادیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

امیر فیض، منوچهر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۷، مرتبه علمی: استاد، رشته: جراحی اطفال، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشکده پزشکی دانشگاه کارل ابرهارد آلمان، تخصص در جراحی عمومی از دانشگاه کارل ابرهارد در سال ۱۳۴۹ و فوق تخصص در جراحی کودکان از دانشگاه کارل ابرهارد در سال ۱۳۵۲.
مرتبه علمی:

استاد دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پزشکی، جراحی کودکان، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳۵ پایان‌نامه دکترای فوق تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات: جراحی نوزادان، بیماریهای تنفسی کودکان و مسائل طب اطفال.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۸ تعداد مقالات به زبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

مباحث مختلف پزشکی، جراحی کودکان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

امیرلو، رحمت‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: دندانپزشکی، دانشکده: دندانپزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای دندانپزشکی و متخصص پروتز ثابت.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحقیق در رشته پروتزهای ثابت شاخه‌ای از دندانپزشکی است که با جایگزینی دندانهای از دست رفته بیماران به وسیله مواد مصنوعی مانند چینی Porcelain و پلاستیک همراه با طلا به طور ساده در باز گردانیدن توان بخشی دهان مؤثر است و بازسازی ارتفاع عمودی، حفظ و نگهداری فواصل بین دندانها و سلامت بیماران را تأمین می‌کند، نظارت بر ۱۲ پایان‌نامه دکترای

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

اصول پروتز ثابت، مقایسه و تشخیص در پروتز، سیمانها و انواع آنها و طریقه به کار بردن آنها در پروتز، لحیم و لحیم کاری در پروتز ثابت، پروتز ثابت آزمایشگاهی، علل نواقص در پروتزهای ریختگی، فلزات قیمتی و غیر قیمتی در پروتز ثابت.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۴، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

ارزیابی دندانهای پایه در پروتز ثابت، انواع Pontic و مشخصات آن.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

امیرنظام گروسی، حسنعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۷ - ۱۲۳۶/۱۲۳۷ ق)، ادیب و خطاط. ملقب به سالار عسکر و امیرنظام. یکی از رجال جلیل‌القدر دوره قاجار و از خاندان قدیمی ایل کرد کبودوند ساکن گروس بود. نیاکان وی در دوره‌های صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه مصدر خدمات مهم دولتی بوده‌اند امیرنظام همواره مشاغل سیاسی و اداری مهمی در داخل و خارج از کشور برعهده داشت. از جمله اقدامات سیاسی وی پایان دادن به ماجرای عبیدالله خان نقشبندی، رییس صوفی مسلک کرد بوده است. امیرنظام گهگاهی از روی تفنن به نظم هم می‌پرداخته است. از آثار وی: «منشآت امیرنظام» و «پندنامه» که به خط خود برای فرزندش یحیی نوشته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۵۶-۱۲۵۴/۴)، از صبا تا نیما (۱۷۲-۱۶۵/۱)، اطلس خط (۶۳۱-۶۳۰)، تاریخ برگزیدگان (۱۹۰-۱۸۸)، تذکره خوشنویسان معاصر (۵۶-۵۳)، سرآمدان فرهنگ (۲۰۱-۲۰۰/۱)، شرح حال رجال (۳۶۷-۳۵۹/۱).

امیری قره‌گزلو، علیرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: میکروبی‌شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

امیری، منوچهر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۹ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر. وی نواده‌ی حاج محمدتقی امیرالامراء بود. در کرمانشاه متولد شد. در کودکی به تهران آمد، سپس به تبریز رفت و در آنجا تحصیلات ابتدایی خود را به پایان رساند. در سال ۱۳۱۴ ش به تهران بازگشت و دوره‌ی متوسطه را تمام کرد، سپس از دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران لیسانس گرفت. در سال ۱۳۲۲ ش در دانشسرای عالی به تدریس پرداخت. در خلال این مدت موفق به اخذ دکتری ادبیات فارسی شد. از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۸ ش نماینده‌ی فرهنگ و هنر در آمریکا بود و پس از بازگشت به ایران در دانشکده‌ی ارتباطات اجتماعی و مدرسه‌ی عالی ادبیات به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۵۰ ش به دعوت دانشگاه یوتا به آمریکا رفت و در سال در آنجا به تدریس پرداخت. در بازگشت، به استادی دانشگاه شیراز منصوب شد و سرانجام در سال ۱۳۶۴ ش بازنشسته گردید. برخی از آثار وی: فرهنگ کتاب «الابینه عن حقایق الادویه»؛ ترجمه‌ی «منظومه‌ی سهراب و رستم»؛ ترجمه‌ی «منظومه‌ی فردوسی در تبعید»؛ ترجمه‌ی «سفرنامه‌ی گالیور»؛ «آشنایی با شکسپیر»؛ ترجمه‌ی «مالک و زارع در ایران»؛ ترجمه‌ی «بازگشت ده هزار یونانی»؛ ترجمه‌ی «سفرنامه‌ی فریزر»؛ ترجمه‌ی «روس و انگلیس در ایران»؛ ترجمه‌ی «سفرنامه‌ی جکسن» یا «ایران در گذشته و حال».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سخنوران نامی معاصر (۳۹۰-۳۸۵/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰۴-۳۰۳/۶).

امیریان، محمدهادی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۲، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی اطفال از آمریکا در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

استادیار از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۴ و دانشیار از سال ۱۳۶۵ در دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

علل هماتوری در اطفال، منژیت در کودکان و نوزادان، بیماریهای عفونی شایع دهان اطفال، گاستروآنزیت‌های شیرخواران و اطفال،

سندرم کاهش ایمنی، تدریس بیماریهای کودکان در دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

بیماریهای اطفال، گاستروآنزیتها در اطفال.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای اطفال، تب در اطفال، بررسی علل مسومیت در اطفال.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

امین الدوله، علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۲-۱۲۵۹ ق)، نویسنده و منشی. وی از رجال دوران قاجاریه و مردی مطلع بود. در جوانی در اداره یا وزارت رسائل به خدمت

پذیرفته شد. در سال ۱۲۷۵ ق با سمت منشیگری وارد وزارت خارجه و به واسطه‌ی خط خوشی که داشت ملترم ناصرالدین شاه شد.

در سال ۱۲۷۹ ق به سمت نیابت اول وزارت خارجه منصوب شد و در سال ۱۲۸۳ ق لقب منشی یافت. در اولین سفر ناصرالدین شاه

به فرنگ همراه او بود اما بر اثر سعایت امین‌السلطان، رقیبش، از مرز آلمان بازگشت. وی سمت‌های مختلفی چون وزارت رسائل،

نظامت مجلس شورا، تصدی امور ضرابخانه، وزارت اوقاف را داشت و در نهایت، بعد از امین‌السلطان، صدراعظم ایران شد. در سال

۱۳۱۶ ق از صدارت معزول و به ملک خود در لشت نساء گیلان رفت. از کارهای امین‌الدوله تأسیس کارخانه‌ی آخرین سیستم قند

کهریزک با سرمایه‌ی داخلی و خارجی به وسیله‌ی مهندسین بلژیکی، تأسیس کارخانه‌ی کبریت‌سازی در الهیه‌ی شمیران ملک خود

و تأسیس مدرسه‌ی رشدیه در تهران است. امین‌الدوله از مؤسسان اداره‌ی پست به سبک جدید بود. وی زبان فرانسه را به خوبی

می‌دانست. در گیان درگذشت. از آثار وی: «سفرنامه‌ی مکه»، «خاطرات امین‌الدوله».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: از صبا تا نیما (۲۸۰-۲۷۲/۱)، تاریخ برگزیدگان (۱۹۴-۱۹۱)، دایرةالمعارف فارسی (۲۵۴/۱)، سرآمدان فرهنگ (۲۰۲-۲۰۱/۱)، شرح حال رجال (۳۶۶-۳۵۴/۲)، طرائق الحقائق (۶۳۹/۳)، المآثر والآثار (۱۹۳)، مکارم الآثار (۱۵۹۶-۱۵۹۵/۵)، یادگار (س ۳، ش ۳، ص ۳۷-۳۸).

امین رشتی، احمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، طیب و شاعر. اصل وی از رشت است. مدتها در عتبات مقدسه‌ی عراق معالجه‌ی بیماران می‌کرده، سپس به تهران آمده و در دستگاه میرزا علی‌اصغر خان امین‌سلطان به خدمت مشغول بوده است. وی در طبابت شیوه‌ی سنتی را برگزیده بوده، گاهی شعر هم می‌سرود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فرهنگ سخنوران (۹۵)، المآثر والآثار (۲۱۱-۲۱۰).

امین زارع، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا امین زارع

محل تولد: سبزوار

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۶ در خانواده‌ی مذهبی و متوسط در سبزوار متولد شدم. تحصیلات ابتدائی و راهنمایی را در همان شهر سپری کردم. در میان اساتید آن دوره استاد محمود کیانی دبیر ادبیات بیشترین تاثیر مثبت را بر من داشتند. در بحبوحه انقلاب با حضرت آیت الله سید محمد حسن علوی آشنا شدم و ارتباط خوبی با محضر ایشان پیدا کردم. ارتباط با ایشان درس تقوی، معنویت، خلوص و سادگی بود و هم اکنون نیز از این جهت بهره‌های وافری از ایشان می‌برم. همچنین ادامه فعالیت درسی ام تاکنون نتیجه سفارش، تاکید و تشویق ایشان و استادم آیت الله سبحانی می‌باشد.

حدود سال ۱۳۶۱ به واسطه استادم حجة الاسلام سید سلیمان علوی وارد حوزه علمیه شدم و تا پایه سوم را در مدرسه رسالت و امام خمینی (ره) گذراندم. بعد از آن به صورت آزاد سطح را به پایان رساندم. پس از پایان سطح حدود پنج سال در مبحث خارج نکاح استاد آیت الله شبیری زنجانی و خارج اصول آیت الله سبحانی شرکت کردم. تقریرات نیم دوره اصول و بخشی از کتاب نکاح

به زبان عربی مکتوبات این دوره است.

هم اکنون در درس فقه آیت الله مکارم شیرازی شرکت می‌نمایم. سایر فعالیت‌های بنده به ترتیب: در سال‌های ۶۶ و ۶۷ دوبار افتخار حضور در جبهه داشتم و در سال ۷۱ به عنوان نماینده سازمان تبلیغات در مقدونیه به آن کشور مسافرت کردم و در مسیر راه در کشور آلبانی توقیفی داشتم. ماموریت بنده در مقدونیه با تظاهرات خیابانی و اعتراضات مسلمانان مقدونیه مصادف شد و همین امر باعث شد دولت مرکزی و مسیحی مقدونیه تقریباً همه مجموعه‌ها و هیئت‌های خارجی مسلمان را از مقدونیه اخراج کند و مجموعه بنده نیز مشمول همین قاعده شده و به ایران بازگشتیم.

گذراندن یک دوره کامل زبان انگلیسی در دانشکده باقرالعلوم علیه السلام دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم نیز از فعالیت‌های سال‌های ۷۳ و ۷۴ اینجانب بوده است از سال ۷۸ تاکنون در بخش‌های مختلف پایگاه حوزه نت (تحقیقات، پاسخ به سوالات، بخش انگلیسی و...) مشغول به همکاری هستم. همچنین در سال ۷۹ به مناسبت پاسخگویی به چند پرسش راجع به جناب ذوالقرنین و اقوام یاجوج و ماجوج، کتابچه‌ای در مورد ایشان با نام «ذوالقرنین در قرآن» تحریر و چاپ نمودم که بحمدالله مورد استقبال خوبی هم قرار گرفت.

امین، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد امین

محل تولد: شیراز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در خانواده‌ای معتقد و متدین زاده شدم. بعد از دوران تحصیلات جدید در مشهد مقدس وارد حوزه علمیه شده و در مدرسه نواب حجره گرفتم و مدت هفت سال بطور منظم به درس‌های حضرت حجت‌الحق استاد ادیب نیشابوری (محمد تقی) رحمه الله علیه شدم و هر آنچه را معظم له تدریس فرمودند آموختم و نوشتم و از همان سال‌ها نیز به تدریس اشتغال ورزیدم.

شرح لمعتین و خلاصه الحساب مرحوم شیخ بهایی را به مناسبت کتاب ارث در خدمت استاد بزرگوار مرحوم حاج میرزا احمد قدوسی یزدی آموختم. پس از آن به شهر مقدس قم آمدم و از طرف حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی به تدریس در مدرسه علوی که آن وقت جنب کوچه حاج زینل در خیابان تهران (امام) بود پرداختم.

ضمناً رسائل را خدمت حضرت آیت‌الله نوری همدانی، مکاسب و کفایه را خدمت حضرت آیت‌الله فاضل لنکرانی، قوانین را خدمت حضرت استاد اعتمادی، هیئت تشریح الافلاک و هیئت چغمنی را خدمت حضرت استاد حسن زاده آملی و منظومه مرحوم حاج ملاهادی سبزواری را خدمت مرحوم شهید دکتر محمد مفتاح و منطق منظومه را خدمت استاد بزرگوار آیت‌الله گرامی قمی آموختم. مدت هفت سال در مدرسه مبارکه منتظریه (حقانی) به دعوت شهید حضرت آیت‌الله قدوسی به تدریس در آن مدرسه اشتغال داشتم و نیز درس‌هایی به صورت آزاد در حوزه علمیه که بیشتر در مسجد فاطمیه و مدرسه فیضیه و مسجد امام بود داشتم.

در این مدت به دروس خارج حضرات آیت الله مرحوم داماد، حاج آقا مرتضی حائری، آیت الله اراکی و آیت الله گلپایگانی، حضرت آیت الله آقا میرزا هاشم آملی و حضرت آیت الله وحید خراسانی می‌رفتم که نوشته‌های دروس این بزرگواران موجود می‌باشد و کتاب‌های اشعار را محضر حضرت آیت الله جوادی آملی آموختم.

در زمان انقلاب سال ۱۳۵۷ مدتی قبل و مدتی بعد از آن حدود دو سال تا سه سال در شهر خوانسار که از طرف حضرت حجه الاسلام والمسلمین حاج آقا مهدی ابن الرضا (زید عزه) دعوت شده بودم تدریس در مدرسه مهدیه و نیز فعالیت‌های فرهنگی و انقلابی در دبیرستان‌های آن شهر داشتم و مدت سه سال بعد از آن به دعوت حضرت آیت الله طاهری خرم‌آبادی (دام عزه) در حوزه علمیه خرم‌آباد (فاطمیه) و ارگان‌های مختلف آن شهر به تدریس و کارهای فرهنگی و انقلابی اشتغال داشتم.

از این مدت به تالیف کتاب‌هایی همچون «البيع فی المعانی و البیان و البدیع» به زبان عربی و «اسلام پزشکی بی دارو» به زبان فارسی که رشته غذا شناسی اسلامی است پرداختم سال ۱۳۶۲ مجدداً از جانب حوزه علمیه قم برای تدریس دعوت شدم و در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی واقع در ابتدای خیابان شهدا (صفائیه) به تدریس «مختصر المعانی» پرداختم که نوارهای آن ضبط شده و فعلاً به صورت نوار و سی‌دی موجود است. از این زمان به تدریس فقه و اصول و فلسفه در مدرسه دار الشفاء و فیضیه و بعضی کلاس‌های خصوصی مثل مدرسه معصومیه پرداختم و ضمناً به کار تبلیغ در شهرستان‌های مختلف مثل گیلان (انزلی، رشت) و مازندران، اهواز، آبادان و شهرهای مختلف شیراز مثل مرودشت و غیره (البته ایام تعطیل) مثل محرم و ماه مبارک رمضان پرداختم و به کار تحقیق نیز ادامه دادم.

در کارهای تحقیقی شروع به استخراج قواعد ادبی از کتب پیچیده و مغلق علمی صرف و نحو و آمیختن آنها با آیات و روایات به جای مثال‌های مستهجن و اشعار نامربوط نمودم که مجموعه آنها در شش مجلد سه جلدی در علم صرف و سه جلد در علم نحو برای سه دوره مقدماتی، متوسط و عالی نمودم و شرحی بر کتاب (مختصر المعانی) در چهار مجلد نمودم و اینک نیز به کار تدریس ادامه داده و اشتغال دارم.

امین، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

امین، نصرت

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

(۱۴۰۵-۱۳۰۸ ق)، عالم و مجتهد. آمنه بیگم حاجیه نصرت‌خانم، فرزند حاج سید محمدعلی امین‌التجار اصفهانی، در اصفهان متولد شد. دایی‌اش آیت‌الله شریعت اصفهانی بود. از کودکی به تحصیل پرداخت و پس از فراگیری مقدمات در محضر حاج آخوند

زفره‌ای، فقه و اصول و علوم معقول و منقول و حکمت و کلام را نزد آیت‌الله آقاسید علی مجتهد نجف‌آبادی و آقاسید ابوالقاسم دهکردی تکمیل کرد و به مرتبه‌ی استنباط رسید. پس از امتحانات کتبی به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از آقامیرزا ابراهیم اصطهباناتی شیرازی و حاج شیخ محمدکاظم شیرازی و آیت‌الله حائری یزدی و آیت‌الله نجفی مرعشی؛ و اجازه‌ی روایت از آقاشیخ محمدرضا نجفی مسجدشاهی نائل آمد. تمام عمر را به تألیف و تدریس گذراند و مدرسه‌ای به نام مکتب فاطمه (س) تأسیس کرد که در آن زنان و دختران ایرانی به تحصیل و کسب علوم و معارف اسلامی می‌پرداختند. آیت‌الله میرزاآقای شیرازی در اجازه‌نامه‌اش به وی، او را با این اشعار توصیف کرده است.

فَلَوْ كُنَّ النِّسَاءُ بِمِثْلِ هَذِي

لَفَضَّلْتُ النِّسَاءَ عَلَى الرِّجَالِ

فَلَا التَّائِبُ لِاسْمِ الشَّمْسِ عَارِ

و لَا التَّنْذِيرُ فِخْرٌ لِلْهَلَالِ

وی آثار خود را تحت نام «یک بانوی ایرانی» منتشر می‌کرد از جمله آثارش: «الاربعین الهاشمیه»، «شرح چهل حدیث»؛ «اخلاق و راه سعادت بشر»، که ترجمه و اقتباسی است از «طهاره الاعراق فی تصحیل الاخلاق» ابن مسکویه؛ «روش خوشبختی و توصیه به خواهران»؛ «سیر و سلوک»، در روش اولیاءالله؛ «مخزن العرفان» و «کنز العرفان»، در علوم قرآن؛ «تفسیر قرآن»، در پانزده جلد؛ «معاد یا آخرین سیر بشر»؛ «النفحات الرحمانیه فی الواردات القلیبیه»، حاوی کشفیات و مشاهدات معارف؛ «مخزن اللثالی فی فضایل مولی الموالی».[۱]

۱۳۰۸ ق- ۱۳۶۲ ش، حاجیه نصرت خانم از زنان دانشمند معاصر. پدرش حاج سید محمدعلی بن حسن حسینی مشهور به امین‌التجار اصفهانی و مادرش دختر حاج سید مهدی جناب و دائی‌اش مرحوم شریعت اصفهانی بود. از او ان کودکی در اصفهان به تحصیل پرداخت و پس از آموزش مقدمات در محضر حاج آخوند زفره‌ای، سالیانی دراز در فقه و اصول فرائد و فصول و کفایه و خارج صلاحت و طهارت، و در کلام دو جلد شوارق، و در فلسفه از ابتدا تا الهیات اسفار را در خدمت آقا میر سید علی نجف‌آبادی آموخت و هر چند که در این ضمن به عقد ازدواج پسر عم خویش حاج میرزا آقا معین‌التجار درآمده بود و تعهد وظائف خانه‌داری می‌کرد، کمال سعی در تحصیل مبذول می‌داشت.

بر اثر این گونه استقامت و بذل سعی به مراقب علمی والائی رسید و از پی امتحان کتبی به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از آقا میرزا آقای اصطهباناتی و حاج شیخ محمدکاظم شیرازی و آیت‌الله نجفی مرعشی و همچنین اجازه‌ی روایت از آقا شیخ محمدرضا مسجد شاهی نائل آمد. خانم امین عمر خود را یکسره به تألیف و تدریس گذراند. مدرسه‌ای به نام «مکتب فاطمه» تأسیس کرد که زنان و دختران در آن به کسب علوم و معارف اسلامی می‌پرداختند. آثار بسیاری تألیف کرد که از آن جمله‌اند، الاربعین الهاشمیه (۱۳۲۸ ش) که ترجمه و اقتباسی است از اخلاق ابن مسکویه؛ روش خوشبختی و اقتباسی است از اخلاق ابن مسکویه؛ روش خوشبختی و توصیه به خواهران (۱۳۷۱ ق)؛ سیر و سلوک در روش اولیاء (۱۳۲۳ ش)؛ مخزن‌العرفان (۱۳۲۶ ش به بعد)؛ تفسیر کامل قرآن در ۱۵ جلد؛ معاد یا آخرین سیر بشر (۱۳۲۶ ش)، النفحات الرحمانیه فی الواردات القلیبیه (۱۳۶۹ ق) حاوی کشفیات و مشاهدات معارف؛ مخزن‌اللثالی در فضل مولی‌الموالی. خانم امین آثار خود را تحت نام «یک بانوی ایرانی» منتشر می‌کرد.[۲]

مجتهد، فقیه، مدرس.

تولد: ۱۲۶۵، اصفهان.

درگذشت: ۲۳ خرداد ۱۳۶۲، اصفهان.

حجت‌الاسلام سیده نصرت بیگم امین (معروف به بانوی ایران) فرزند سید محمدعلی امین‌التجار اصفهانی، در چهار سالگی برای

آموزش قرآن و فراگیری خواندن و نوشتن راهی مکتب شد.

بانو امین همچنان به تحصیل ادامه می‌داد تا اینکه در پانزده سالگی با پسر عموی خود حاج میرزا ملقب به معین‌التجار که از بازرگانان سرشناس و معتبر اصفهان بود ازدواج نمود و به خانه‌داری و تربیت فرزندان مشغول شد. اما این امر مانع ادامه تحصیل و مطالعه و تحقیق وی در معارف اسلامی نشد و به تحصیل صرف، نحو، بلاغت، تفسیر، علم حدیث، فقه، اصول، فلسفه و عرفان پرداخت و با وجود مشکلاتی که در فضای حاکم بر آن ایام برای زنان در امر تحصیل وجود داشت، طلبگی و تحصیل خود را در سطوح عالی نیز ادامه داد تا اینکه در چهل سالگی مرتبت و تسلط علمی ایشان مورد تأیید مراجع تقلید وقت قرار گرفت و به دریافت درجه‌ی اجتهاد و روایت نایل شد. بانو امین از چهل سالگی تا پایان عمر به تألیف کتب، تدریس، پاسخگویی به پرسش‌های دینی و ارشاد دختران و زنان پرداخت.

آثار ایشان عبارتند از: اربعین الهاشمیه (به زبان عربی، ۱۳۵۶ ق.)؛ جامع الشتات (زبان عربی) معاد یا آخرین سیر بشر (تهران، ۱۳۲۶، تبریز چاپ دوم، ۱۳۳۴)؛ نفحات الرحمانیه فی الوردات القلبیه (به زبان عربی، اصفهان، ۱۳۶۹)؛ اخلاق (ترجمه کتاب ابن مسکویه)؛ مخزن العرفان (تفسیر قرآن در پانزده جلد)؛ روش خوشبختی و توصیه به خواهران ایمانی (تهران، ۱۳۳۱، این کتاب در تبریز و اصفهان نیز به چاپ رسیده است)؛ مخزن اللئالی در مناقب مولی الموالی امیرالمؤمنین علی (ع)؛ سیر و سلوک؛ در روش اولیاء و طریق سیر سعدها (اصفهان ۱۳۲۳).

حجت‌الاسلام امین در سال ۱۳۴۴ با سرمایه خود مکتبی به نام «فاطمه سلام‌الله علیها» و نیز دبیرستانی دخترانه تأسیس کرد تا فضایی برای ادامه تحصیل بانوان فراهم آید. ایشان همچنین در کانون تبلیغات و تعلیمات دینی بانوان اصفهان به تدریس معارف و تفسیر قرآن می‌پرداخت.

مزار بانو امین در اصفهان قرار دارد.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: [۱] تذکره القبور (۴۴۵)، الذریعه (۲۴/۲۴۸، ۲۰/۲۲۹)، علماء معاصرین (۳۲۵-۳۱۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۱۶-۱۱۴/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۵۵۹-۵۵۷/۶).

[۲] منبع: دایره‌المعارف تشیع، ۵۲۷/۲.

امین احمد رازی، محمد مؤمن

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۰۰۲ ق.)، تذکره‌نویس و ادیب. در ری متولد شد، پدرش از جانب شاه طهماسب صفوی به کلانتری ری مأمور بود، امین‌احمد نیز از اعیان دربار صفوی بود و به روزگار شاه‌عباس کبیر به هندوستان رفت و به دربار جهانگیر شاه راه یافت و طی مدت شش سال تذکره نفیس خود، «هفت اقلیم» را به رشته‌ی تحریر درآورد. امین احمد در هندوستان درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: از سعدی تا جامی (۲۸۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۹۱-۱۶۸۸/۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۴۱۴-۴۱۰/۲)، تاریخ نظم و نثر (۳۸۲)، الذریعه (۲۳۰-۲۲۹/۲۵، ۵۲/۴)، طرائق الحقائق (۱۵۹/۳)، کاروان هند (۱۱۶-۱۱۵/۱)، کشف الظنون (۲۰۴۴).

امین الشریعه، محمداسماعیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

امین فر، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار رشته: گوش و حلق و بینی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.
خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی گوش و حلق و بینی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۹.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم پزشکی تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تومورها، فلاپ‌های لوکابل و دیستال، گوش و حلق و بینی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۵ پایان‌نامه تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

مبانی بیماریهای گوش و حلق و بینی و کاربرد بالینی شنوایی‌شناسی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۹، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

تخصص گوش و حلق و بینی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

امینی پور، عبدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالله امینی پور

محل تولد: شوش دانیال

شهرت: عبدالله (امیر) امینی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۶/۳

زندگینامه علمی

زندگی نامه علمی

نگارش و ترجمه:

کودکان و نوجوانان (۱۳۷۱-۱۳۸۳)

آغاز نگارش و ترجمه از ۱۳۷۳ با مجله سلام بچه ها و در ادامه (۱۳۷۲-۱۳۸۳) با پوپک و دوچرخه و حدیث زندگی و در ده ها شماره و در حدود ۱۰۰ صفحه، برای کودکان و نوجوانان نوشته شد.

سردبیری (۱۳۷۴-۱۳۷۶)

کار با سردبیری مجله میراث شهاب (نشریه کتابخانه آیت اله مرعشی نجفی) ادامه یافت. چاپ و انتشار آن در دو سال و نیمی که با کتابخانه همکاری وجود داشت، ادامه یافت، سپس در ۱۳۷۴ و ۷۵ با مجله تبیان همکاری (ترجمه).

همکاری با مجلات و روزنامه ها (۱۳۷۵ تا کنون)

از ۱۳۷۵ همکاری با روزنامه ها آغاز می شود. در ابتدا روزنامه کیهان با درج مقاله «فرهنگبان بزرگ میراث اسلامی» و چاپ دوباره آن در روزنامه رسالت (خرداد ۷۶).

نخستین معرفی و نقد کتاب (کتاب شناسی) در مجله فقه (بهار ۷۶) سپس در مجلات زیر ادامه می یابد: حوزه، آینه پژوهش، کتاب ماه دین، پژوهش و حوزه، حکومت اسلامی، میقات حج، روزنامه جمهوری اسلامی (ضمیمه صحیفه)، کوثر، پیام زن و ... در کتاب «برگزیده مقالات» چاپ ۱۳۸۴ شرحی درباره نهج البلاغه به چاپ رسیده است.
زن پژوهی:

از ۱۳۷۹ به بعد نگارش و ترجمه مقالات زن پژوهی در مجلات: پیام زن، زنان و پگاه حوزه شروع می شود، که برآیند چاپ و انتشار مقالاتی در این نشریه است:

پیام زن، شماره ۹۹ و ۱۱۵ و ۱۱۸ و ۱۱۶ و ۱۲۲ و ۱۲۴ و ۱۲۵ و ۱۳۱ و ۱۳۵ و ۱۳۶

و پگاه حوزه، شماره ۷۰ و ۷۱ و ۷۵ و ۹۳ و زنان، شماره ۱۱۶

شرح حال: از ۱۳۷۶ به بعد کتب و مقالاتی در شرح حال نوشته شده، از جمله در: روزنامه کیهان و رسالت،

مجلات: میراث شهاب، تبیان، کوثر، یاد ایام (شهریور ۷۶) بینات و پیام زن.

کتابها: شکوه فقاقت (۱۳۷۹) فرزانه ناشناخته (۱۳۸۱) مزربان وحی و خرد (۱۳۸۱)

قرآن پژوهی: نخستین کتاب در این باره «مصحف فاطمی» است که ۱۳۸۲ (چاپ اول) و ۱۳۸۷ (چاپ دوم) توسط «دلیل ما» به چاپ رسید. نیز در کتاب «زندگی شخصی امام علی» مصحف امام علی (ع) (۱۳۸۰) چاپ شد. کتاب دیگر «تحقیق و حاشیه بر تفسیر سوره حمد» مرحوم محمد تقی فلسفی است که آذر ۷۸ مرکز فرهنگ و معارف قرآن با عنوان «تفسیر بیان» بدون ذکر نام

محقق چاپ کرده است.

سپس مقالاتی در نشریات:

تبیان، کوثر (ش ۳۳) پیام زن (۱۱۶ و ۱۳۵ و ۱۳۶ و ۸۷ و ۸۸) کتاب ماه دین، روزنامه جام جم (ش ۹۲۵) بینات (ش ۳۳) و میراث شهاب (ش ۱۴)

مهدی پژوهی:

افزون بر ترجمه کتاب چند جلدی «معجم احادیث الامام المهدی» و «غیبت امام مهدی» (چ موعود عصر، ۱۳۷۸) مقالاتی در مجلات: موعود و انتظار

تدریس:

از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۲ در جامعه الزهرا (بخش غیر ایرانی ها و بخش روزانه) تدریس ادبیات عرب و تاریخ اسلام به مدت ده سال. تبلغ: در جبهه جنگ (۱۳۶۲) و نیز زادگاه محقق.

مدیریت: مدیریت روابط عمومی و امور بین الملل کتابخانه آیت اله مرعشی نجفی، مدیر آموزش کتابخانه، (۱۳۷۳ - ۱۳۷۶) مدیر اجرایی مجله فقه اهل بیت (۱۳۷۸ - ۱۳۸۳) نیز همکاری با مرکز جهانی علوم اسلامی و سازمان مدارس خارج از کشور (۱۳۷۰ - ۱۳۷۳)

نوآوری:

تأسیس انجمن علمی مترجمان که شرح آن در مصاحبه با نشریات زیر آمده

روزنامه جام جم / ۲۰ اردیبهشت ۸۳

روزنامه کیهان / ۱۹ خرداد ۸۳

نشریه کتاب هفته / ۲۳ شهریور ۸۱ و ۶ تیر ۸۳

نشریه پگاه حوزه / ۲۸ فروردین ۸۱

نشریه نصوص معاصره / کشور بحرین / محرم ۱۴۱۶ (مارس ۲۰۰۵)

نشریه پژوهش و حوزه / بهار ۸۱

کسب نشان و جوایز علمی:

تقدیر از نگارش مقالات در کنگره بین المللی شرف الدین

تقدیر از نگارش مقاله برای همایش سیره حکومتی امام علی، مشهد (دانشگاه فردوسی)

تقدیر از نگارش مقاله مصحف فاطمی، همایش بانوی آفتاب، گرگان

تقدیر از نگارش مقاله مهدی موعود از دیدگاه آیات، تهران (دانشگاه رودهن)

تقدیر از نگارش مقاله برای دومین کنگره عاشورا پژوهشی، قم

نیز تقدیر از همکاری با دفتر تبلیغات اسلامی، همچنین مجله پیام زن

امینی تبریزی، عبدالحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۹۰ - ۱۳۲۰ ق)، عالم، فقیه و محدث. در تبریز متولد و چون جدّ او ملا نجف علی امین شرع بوده، به امینی شهرت یافته است. ابتدا تحت تربیت پدرش که از علمای بزرگ تبریز بود پرورش یافت و در مدارس تبریز مقدمات و ادبیات را فرا گرفت. سپس از محضر حاج سید محمد مولانا و حاج سید مرتضی خسروشاهی صاحب کتاب «اهداء الحقیق در معنی حدیث الغدیر» و آقا شیخ حسین مؤلف کتاب «هدایة الانام» سطوح عالیّه را آموخت. بعد به نجف اشرف مهاجرت کرد و در محضر حاج سید ابوتراب خوانساری، آقا سید محمد فیروز آبادی، تلمذ کرد و از آقا سید ابوالحسن اصفهانی، علامه نائینی، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، محمدحسین غروی اصفهانی و میرزا علی آقا شیرازی و دیگران استفاده نمود و به دریافت اجازه اجتهاد از ایشان نایل گردید. او بعد از فراغت از تحصیل به تبریز بازگشت و در آنجا به وظائف شرعی پرداخت. سرانجام به قصد اقامت دائم به نجف بازگشت. علامه امینی فقیهی بزرگ و مؤلفی پرکار و خطیبی دانشمند بود و از ابتدا بزرگان نجف او را امید اسلام و تشیع پیش‌بینی می‌کردند. وی در تألیف اثر گرانقدرش «الغدیر» کتابخانه‌های ایران و عراق و دیگر کشورهای اسلامی را جستجو کرد. و بیش از چند هزار کتاب را دید. وی با سفر به شهرهای حیدرآباد دکن و علیگره و بمبئی و لکهنو و کانپور و پتنه و رامپور و جلالی هند و نیز بیروت و دمشق و معره و نبل و حلب و مکه و مدینه و شهرهای بسیار دیگر همگام با تهیه مآخذ و مطالعه و استنساخ کتب در ملاقات با استادان و دانش پژوهان و شرکت در محافل عمومی به نشر مفاهیم اصیل و صحیح ولایت می‌پرداخت. کتابخانه‌ی امیرالمؤمنین (ع) در نجف با همت وی تأسیس شده که از نفایس جهان علم و ادب به شمار می‌رود و حدود ۴۰۰۰۰ کتاب از جمله صدها کتاب خطی در آن گردآوری شده است. وی در تهران در گذشت؛ پیکر او را به نجف بردند و در کتابخانه‌اش دفن کردند. از وی آثاری بر جای مانده است که عبارت‌اند از: «الغدیر فی الکتاب والسنة والادب»، «دائرةالمعارف شیعه که در آن احادیث و اشعار مربوط به روز عید غدیر را آورده است؛ «اعلام الانام فی معرفة الملک العلام»؛ «ثمرات الاسفار»، در دو جلد که شرح سفرهای اوست؛ «شهداء الفضیله»؛ «ریاض الانس»، در دو جلد؛ «سیرتنا و سنتنا سیره نبینا و سنته»؛ «حاشیه بر رسائل شیخ مرتضی انصاری»؛ «حاشیه بر مکاسب شیخ مرتضی انصاری»؛ «تفسیر سوره‌ی حمد»؛ «تفسیر آیاتی از قرآن»؛ «ادب الزائر»؛ «العترة الطاهرة فی الکتاب».[۱]

حاج شیخ عبدالحسین امینی تبریزی ابن عالم الجلیل میرزا احمد بن المولی نجفعلی مشهور به امین الشرع تبریزی از اعظام علماء و اکابر دانشمندان معاصر و دارای معنویت و مقامات عالیّه بودند.

در سال ۱۳۲۰ ق در تبریز متولد شده و در تحت تربیت و رعایت مرحوم والدش که از علماء بزرگ تبریز بودند پرورش یافته و در مدارس تبریز مقدمات و ادبیات را فرا گرفته و از همان اوان صغر آثار نبوغ و کثرت حافظه و سرعت انتقال از وی ظاهر و بارز بوده است. پس از پایان اولیات، سطوح عالیّه را از محضر مرحوم آیه‌الله حاج سید محمد مولانا و آیه‌الله حاج سید مرتضی خسروشاهی و آیه‌الله آقا شیخ حسین مؤلف کتاب (هدایه الانام) استفاده نموده و به نجف اشرف مهاجرت و از محضر مرحوم آیه‌الله حاج سید ابوتراب خونساری متوفی ۱۳۴۶ ق و آیه‌الله آقا سید محمد فیروز آبادی متوفی ۱۳۴۵ ق و مرحوم آیه‌الله نائینی و آیه‌الله میرزا علی آقا شیرازی و بعضی دیگر بهره‌مند شده تا بمدارج علم و کمال رسیده و مبادرت بتألیف و تصنیف کتب مفید نموده و از این راه خدمات بسیار ارزنده‌ای بعالم اسلام مخصوصا تشیع نموده است.

نگارنده گوید: مرحوم علامه مجاهد امینی حقا از نوادر علماء معاصر ما بودند که در راه خدمت بدین و ولایت تحمل شدائدی نموده و به کشورهای هند و پاکستان و سوریا و حلب و غیره مسافرتها کرده و کتابخانه‌های مهم آنجا را با دقت مطالعه و بررسی و بیش از چند هزار کتاب را دیده و دائرةالمعارفی بنام (الغدیر) در موضوع ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و مثالب غاصبین حقش از کتب اهل سنت نوشته که در فن خود بی نظیر و موجب استبصار بسیاری از اهل سنت که تقلید کورکورانه ستمکاران به اهل بیت علیهم‌السلام می‌نمودند گرویده‌اند.

علامه امینی چندین سال بود که در تهران رحل اقامت افکنده، و در آخر ماه ربیع‌الاول ۱۳۹۰ ق در تهران وفات و پس از تشییع و تجلیل با شکوهی حمل به نجف و در کتابخانه‌اش مدفون گردیده است.

آثار خالدهی او که بزرگترین اثر جاودانی او می‌باشد تاسیس کتابخانه وزین امیرالمومنین علیه‌السلام نجف اشرف است که بیش از چهل هزار جلد کتاب مطبوع و محفوظ دارد و از نفایس جهان علم و ادب بشمار می‌رود. و آثار علمی او از این قرار است:

۱- دایره‌المعارف شیعه بنام الغدیر که بیست و دو مجلد است یازده جلد آن مطبوع و بقیه مخطوط است و مطبوع آن مکرر در نجف و بیروت و تهران بطبع رسیده است.

۲- شهداء الفضیله که در نجف چاپ شده. ۳- کتاب سیرتنا و سنتنا که بچاپ رسیده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] حماسه‌ی غدیر (احوال و آثار علامه امینی)، الذریعه (۲۶/۱۶، ۲۵۹/۱۴۸۲/۲)، الغدیر، ترجمه (۱۶۳- ۱۵۴/ ۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۷۹- ۳۷۷/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۷۲۳- ۷۲۲/ ۳)، مستدرکات اعیان (۸۲/۱).

امینی دروازه‌ای، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مهدی امینی بن العالم الجلیل والفقیه النبیل آیت‌الله حاج سید ابراهیم (دروازه‌ای) تبریزی از علماء معاصر تهرانست. وی در سال ۱۳۵۳ ق در شهر تبریز دیده به جهان گشوده و در یک خانواده روحانی و علمی که ابا عن جد همه ارباب فضل و کمال و مردان برجسته و وارسته‌ای بودند بزرگ شده و دوران طفولیت را گذرانیده و بعد از فراگرفتن مقدمات علمی در حوزه‌های درسی بزرگان علماء و مدرسین شهر تبریز از جمله مرحوم والدش و مرحوم آیت‌الله حاج سید مهدی انگجی و مرحوم آیت‌الله مفید و مرحوم آیت‌الله حاج سید محمد بادکوبه‌ای شرکت نموده و پس از فراغ از متون درسی در رشته‌های ادبی و فقه و اصول و فلسفه در سال هزار و سیصد و هفتاد و سه به قم مهاجرت و حدود ده سال از محضر فحول علماء و اکابر فقهاء و دانشمندان دینی حظهای وافر و استفاده‌های شایانی نموده فقه و اصول نظری را از مرحوم آیت‌الله العظمی والفقیه الاعظم بروجردی قدس‌الله سره الشریف و آیت‌الله العظمی شریعتمداری و آیت‌الله العظمی موسوی و علوم منظری و فلسفه عالی و از آیت‌الله العلامة الطباطبائی دام‌الله‌ظلالهم علی رؤس الانام اخذ نموده و بحمدالله از خرمهای علم و دانش آنها خوشه‌های فراوانی کسب و به اخذ اجازه اجتهاد از چند نفر از فقهاء نائل آمده و طی مدت اشتغال در حوزه مقدسه قم- تقریرات اساتید بزرگ را به رشته تحریر درآورده که متجاوز از پنج مجلد می‌باشد.

در سال ۱۳۸۲ قمری یک سال پس از فوت مرحوم والدش به تبریز مراجعت و پنج سال در آنجا به شئون و وظائف روحانیت از امامت در مسجد و تدریس و ارشاد مردم قیام و اقدام نموده و در سال ۱۳۸۷ ق روی جهات و پیش‌آمدهائی اجباراً موطن عزیز خود تبریز را ترک و به تهران مهاجرت و اکنون قریب هشت سال است که در گوشه‌ای از این شهر بزرگ و پرغوغا اختیار مسکن نموده و گرچه مشغولیت‌هایی از امامت در مسجد و تدریس و غیره دارند.

لیکن بیشتر در منزل به مطالعه و نوشتن گذرانیده و کمتر در اجتماع کنونی که هوا و هوس و ریا و تظاهرات و آلودگیهای دیگر اخلاقی به همه شئونات زندگی سایه افکنده و از حق پرستی و حقیقت‌جوئی و وفا و صفا نامی بیشتر باقی نمانده شرکت می‌کند و

البته هر قدر انسان از این جار و جنجالهای بی معنی و خفه کننده کنار باشد راحت تر و سالم تر خواهد بود. آری به فرمایش امام صادق (ع) فسدالزمان و تغیر الاخوان فرأیت الانفراد اسکن للفوآد. معظم له دارای آثار علمی چندی در موضوعات مختلف از قبیل تفسیر موضوعی شرح پاره‌ای از احادث، زندگی یک مسلمان از ولادت تا مرگ، زن و زناشویی در اسلام، دیوان شعر. ترجمه چند کتاب نفسی عربی به فارسی می‌باشند. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

امینی هروی، صدرالدین ابراهیم

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۴۱/۹۳۰ ق)، مورخ و شاعر. از اعیان هرات و از وزرای سلطان حسین بایقرا بود و در هنگام استیلای ازبکان در آن شهر کشته شد. او ابتدا در هرات در خدمت سلطان حسین میرزا بایقرا بود و در سال ۹۲۷ ق به دربار شاه اسماعیل پیوست و به امر او کتابی در دو قسمت به نام «فتوحات شاهی» تألیف کرد. از دیگر آثار وی: «مناظره‌ی مهر و مکتوب»؛ ترجمه «دیوان» علی بن ابیطالب (ع).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۶۶۶، ۲۷۵)، تحفه‌ی سامی (۴۷-۴۶)، الذریعه (۱۱۷، ۱۶-۱۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۹۹).

امینی، ابراهیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ ابراهیم امینی (حاج امینی) نجف‌آبادی یکی از مدرسین و دانشمندان حوزه علمیه قم می‌باشد. در سال ۱۳۰۴ شمسی برابر ۱۳۴۵ قمری در نجف‌آباد به دنیا آمده و در سال ۱۳۳۰ شمسی برای تحصیل علوم دینی وارد اصفهان شده مقدمات و ادبیات زبان عرب را در حوزه اصفهان مانند مرحوم حاج آقا رحیم ارباب و حاج شیخ محمد حسن عالم نجف‌آبادی و حاج شیخ محمدرضا جرقویه و حاج شیخ هبه‌الله اعلی‌ان هرنندی و حاج سید علی اصغر مدرس نجف‌آبادی و بعضی اساتید دیگر خوانده و در سال ۱۳۲۶ شمسی به منظور ادامه تحصیلات وارد حوزه علمیه قم شده و مقداری از سطوح را نزد اساتید بزرگ و علماء اعلام و آقایان حاج آقا رضا صفی و حاج سید محمد باقر سلطانی خوانده و سطح کفایه را نزد آیت‌الله العظمی گلپایگانی به اتمام رسانیده سپس در درس خارج فقه و اصول آیت‌الله العظمی خمینی و آیت‌الله العظمی گلپایگانی شرکت ولی بیشتر از محضر و درس نایب الامام خمینی استفاده نموده و از شاگردان قدیمی معظم له محسوب می‌شود. از سال ۱۳۲۹ شمسی تا هنگامی که به خارج ایران تبعید شدند مرتب در درس خارج ایشان حاضر و کسب فیض می‌نمودند.

آقای امینی علاوه بر فقه و اصول در علم حکمت و فلسفه نیز وارد منظومه سبزواری و اسفار و شفاء را نزد آیت‌الله علامه طباطبائی خوانده و از همان اوائل در جلسه تحقیقی پربرکت علامه طباطبائی که گروهی از دانشمندان حوزه علمیه قم به منظور بررسی و تجزیه و تحلیل مطالب فلسفی و تطبیق آن با فلسفه‌های جدید تأسیس گردیده بود شرکت و از محضر استاد بزرگ استفاده

می نمودند- که بخشی از تحقیقات آن جلسه بعدا به صورت کتاب اصول فلسفه با روش رئالیسم منتشر شد. آقای امینی در حوزه علمیه قم به تدریس و تألیف اشتغال دارد ولی اکثرا اوقاتشان صرف تحقیقات علمی و تألیف کتابهای سودمند می شود و تاکنون کتابهای ارزنده‌ای از ایشان به چاپ رسیده که غالباً مورد استقبال عمومی قرار گرفته است. مانند:

- ۱- داد گستر جهان.
 - ۲- بررسی مسائل کلی امامت.
 - ۳- بانوی نمونه اسلام.
 - ۴- آئین همسراری.
 - ۵- همه باید بدانند.
 - ۶- اسلام و تمدن جدید.
 - ۷- آموزش دین در پنج جلد.
- برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

امینی، امیرقلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۷۷ ش)، روزنامه‌نگار، مترجم و نویسنده. در اصفهان متولد شد. پدرش را در طفولیت از دست داد و تعلیم و تربیت او به مادرش که دختر میرزا احمد صادقی، برادر آیت‌الله شریعت نجفی شیرازی بود، منحصر شد. وی تحصیل را از پنج سالگی نزد معلمه‌ای که مادرش به خدمت گرفته بود، آغاز کرد. پس از چندی مدرسه‌ای که به طرز جدید در پشت باغ چهل ستون اصفهان تأسیس شده بود به تحصیل پرداخت و بعد از آن به مدرسه‌ی اسلامیة رفت. از سنین کودکی به بیماری فلج اطفال دچار و نیمی از بدنش بی‌حس شد. با این حال، از حرکت و تلاش باز نایستاد. نخستین فعالیتش را از روزنامه‌نگاری آغاز کرد و در سال ۱۳۰۷ ش روزنامه‌ی «اخگر» را از میرزا فتح‌الله خان وزیرزاده تحویل گرفت. مدتی نیز مدیریت روزنامه‌ی «باختر» را عهده‌دار شد و روزنامه‌ی «اصفهان» را نیز جایگزین روزنامه «اخگر» کرد. وی به کارهای عام‌المنفعه می‌پرداخت از جمله تأسیس پرورشگاه کودکان بی‌سرپرست اصفهان، احداث قنات و غرس درختان بی‌شمار و آبرسانی به اراضی بایر، و نسبت به تأمین کار و درآمد برای روستاییان اصفهان کمک شایانی کرد. امیرقلی زبانهای عربی، فرانسه و اسپرانتو را به خوبی می‌دانست. از آثارش: ترجمه‌ی «عروس فرغانه»، اثر جرجی زیدان؛ «غلبه بر ترس و گرسنگی»، ترجمه از عربی؛ «داستانهای امثال»؛ «فرهنگ عوام»؛ «عبدالرحمن ناصر»، اثر جرجی زیدان؛ «کودک»، اثر ویکتور پوشه؛ «داستانهای کوچک»، از اسپرانتو.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ جراید (۲- ۱- ۲/ ۱۸۲- ۱۷۷، ۷۴- ۷۱/ ۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۹۵- ۲۹۴/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۱- ۶۷۹/ ۱).

امینی، جعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: جراحی عمومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

امینی، جمشید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد جمشید امینی (۱۲۸۲-۱۳۷۷ هجری شمسی) از طراحان فرش نوین ایران بشمار می‌رود. وی اصولی نوین را در این هنر ایجاد کرد و با شیوه‌ای خاص چون بافندگی کوبلن به ابداع آثار هنری پرداخت. استاد امینی اولین کسی است که شیوه شبیه سازی را در فرش ایران متداول کرد. وی آخرین بازمانده از شاگردان استاد کمال الملک بود که احترام خاصی به استاد خود و اندیشه اش داشت.

گروه: هنر

رشته: هنرهای تجسمی

گرایش: طراحی فرش

والدین و انساب: جمشید امینی در سال ۱۲۸۲ شمسی در روستای فشنند از روستاهای ساوجبلاغ متولد شد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: جمشید امینی از آغاز کودکی به نقش و رنگ علاقه داشت و در پنج سالگی به اتفاق خانواده به تهران آمد و در این شهر با بافندگی قالی آشنا شد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: جمشید امینی در سال ۱۲۹۸ به مدرسه صنایع مستظرفه کمال الملک راه یافت و استعداد وی مورد توجه استاد کمال الملک قرار گرفت و در آن مدرسه دار قالی برپا کرد.

استادان و مربیان: امینی طراحی را نزد کمال الملک آموخت.

همسر و فرزندان: یکی از فرزندان جمشید امینی که از شاگردان وی نیز می‌باشد استاد دکتر حسن امینی است که شیوه ابتکاری پدر را دنبال می‌کند.

زمان و علت فوت: جمشید امینی آخرین بازمانده از شاگردان کمال الملک و مکتب وی بود که در سن ۹۵ سالگی جهان را بدرود گفت و در روز سه شنبه ۲۲ دی ماه ۱۳۷۷ در میان اندوه هنرمندان بسیار و مردم زادگاهش فشنند در این روستا به خاک سپرده شد.

آرا و گرایشهای خاص: جمشید امینی علاوه بر هنر طراحی، مرد عارف پیشه و اندیشمندی بود بطوری که شاگردان در اخلاق و اصول عارفانه انسانی او را چون مرادی می‌ستودند و استاد امینی نیز عاشق استاد خویش بود و در تمام عمر یاد استاد و مرادش کمال الملک را عزیز می‌داشت و هر گاه از او سخن می‌گفت قطرات اشک از چشمانش جاری می‌شد. استاد امینی یکی از هنرمندان مبتکر در شیوه بافندگی فرش است. او اصولی نوین را به هنر فرش ارائه داد و با شیوه خاص چون بافندگی کوبلن به ابداع آثار هنری پرداخت. وی اولین کسی است که شیوه شبیه سازی را در فرش ایران متداول کرد. از جمله توصیه های وی به شاگردانش، پاکی زبان و احترام به زن بود. او عقیده داشت مردان بزرگ را زنان پاکدامن ساخته‌اند، پس باید به ستایش مقام زن و مادر که منشاء همه بزرگی هاست پرداخته شود.

آثار:

۱ تابلوی ضامن آهو

۲ تصویر کمال الملک

ویژگی اثر: از آثار بی نظیر استاد امینی است. این فرش آنچنان استادانه بافته شده که از فاصله نزدیک حتی با نقاشی تفاوتی ندارد. این اثر در موزه هنرهای ملی نگهداری می‌شود.

منابع:

اسرمندی، عباس. دانشنامه هنرمندان ایراه و جهان اسلام. تهران، هیرمند. ۱۳۸۰

امینی، حیدر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آمار زیستی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

امینی، صفرعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر صفرعلی امینی در سال ۱۳۲۰ در شهر میانه بدنیا آمد. ایشان فوق تخصص رشته زنان و زایمان از انگلستان است و هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد بازنشسته دانشگاه علوم پزشکی می‌باشد. گروه: علوم پزشکی رشته: زنان و زایمانگرایش: پره ناتولوژیوالدین و انساب: پدر صفرعلی امینی کشاورز بود. پدر و مادر وی هر دو دارفانی را وداع گفتند. خاطرات کودکی: صفرعلی امینی در دوران کودکی از سن ۵ الی ۷ سالگی معلم خصوصی داشت بطوری که معلم بعد از دو ساعت درس یک ساعت تار می‌نواخت. وی از اینکه در طول این همه سال نواختن تار را فرا نگرفته است افسوس می‌خورد. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: صفرعلی امینی در خانواده‌ای کشاورز بدنیا آمد. تحصیلات رسمی و حرفه ای: صفرعلی امینی دوران دبستان و سیکل اول دبیرستان را در شهرستان میانه و سیکل دوم متوسطه را در شهرستان تبریز گذراند و بلافاصله در کنکور دانشگاه تبریز شرکت کرد و در رشته طب و کشاورزی جزء نفرات اول کنکور شد و در رشته طب به تحصیل پرداخت و طب عمومی و تخصصی را در دانشگاه تبریز به پایان رساند. ایشان یک دوره سه ماهه را در بیمارستان جانز هاپکینز امریکا و یک دوره تخصصی را در دانشگاه منچستر تعلیم دید. خاطرات و وقایع تحصیل: صفرعلی امینی نیمی از عمر خود را به تحصیل گذراند و سپس به شغل معلمی و تدریس و تعلیم مشغول شد که این دوران از زندگی‌اش همواره برای او خاطرات خوبی به همراه داشته است. فعالیت‌های ضمن تحصیل: صفرعلی امینی در کنار تحصیل به تعلیم و تدریس می‌پرداخت. استادان و مربیان: مرحوم آقای لکدیزیچی از مربیان مدرسه و دکتر

حمیدیه و دکتر مولوی از استادان دکتر امینی در دانشگاه می‌باشند. هم دوره ای‌ها و همکاران: طهماسب اسدی، دکتر داود اصبح از هم‌دوره‌ای‌های دکتر امینی هستند. همسر و فرزندان: همسر صفرعلی امینی سرکار خانم ژیللا کلانتری، متخصص اطفال است. ایشان دارای چهار فرزند به ترتیب: فرزند پسر دارای مدرک کارشناسی ارشد مخابرات و مقیم منچستر و فرزندان دختر با مدرک مهندسی پزشکی و مقیم لندن، مدرک دکترای مهندسی ژنتیک و کارشناسی ارشد انفورماتیک با گرایش ژنتیک هستند. وقایع میانسالی: از مهمترین خاطرات صفرعلی امینی وقوع انقلاب اسلامی می‌باشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: صفرعلی امینی بمدت ۲۵ سال در بیمارستان شهید اکبر آبادی به تدریس و تحقیق و معالجه بیماران پراخته است. ایشان در این سالها در بیمارستان بعنوان رئیس بخش و رئیس آموزش و رئیس بیمارستان مشغول به خدمت بوده است. سالهای آخر خدمت در بیمارستان فیروزگر رئیس بخش و مدیر گروه زنان و مامایی دانشگاه علوم پزشکی ایران بوده است. دکتر امینی مدت ۳۰ سال عضو اعضای مرکزی انجمن متخصصین مامائی و زنان ایران، چند سال بعنوان کارشناس نظام پزشکی و چند سالی در بنیاد شهید خدمت کرده است. فعالیتهای آموزشی: صفرعلی امینی بمدت ۳۰ سال مشغول به تعلیم و تربیت دانشجویان پزشکی و زیدنت بوده است. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می‌آید: صفرعلی امینی در مرکز آموزشی درمانی شهید اکبرآبادی بنیانگذار کتابخانه، درمانگاه بهداشت مادر و کودک، بنیان‌گذار پاپیون پزشکان، سالن کنفرانس و بخش سونوگرافی بوده است. سایر فعالیتهای برنامه‌های روزمره: صفرعلی امینی در کنار تدریس به فعالیت‌های تحقیقی و پژوهشی می‌پردازد. جوایز و نشانها: صفرعلی امینی نشانها، لوح‌ها و جوایز و تشویق‌نامه‌های متعددی را از محافل مختلف علمی و پژوهشی دریافت کرده است.

آثار: بررسی ضربان قلب و ارزیابی سلامت جنین و ویژگی اثر: تألیف ۲ ترجمه کامل دنفورث زنان و زایمان و ویژگی اثر: پدیدآورنده: دیوید دنفورث، تکتم رشید کردستانی، علی امینی (مترجم) ناشر: برای فردا - ۱۳۸۲۳ سونوگرافی پایه مامائی زنان و ویژگی اثر: تألیف ۴ طب قبل از تولد و ویژگی اثر: پدیدآورنده: علی امینی، فتنه زنوزی ناشر: طبیب - ۱۳۸۲ - ویژگی این اثر از این لحاظ مهم است که این رشته چند سالی است در ایران مورد توجه قرار گرفته است و دکتر امینی اولین نفری است که در این زمینه به تحصیل پرداخت. وی در این زمینه تألیفاتی دارد که شاید اولین کتابی است که در این زمینه نگاشته شده است. ۵ علوم پایه در مامائی و زنان و ویژگی اثر: علوم پایه نیز جزء رشته‌هایی است که در چند سال اخیر در ایران مورد توجه و اهمیت قرار گرفته است و کتاب فوق‌الذکر به قول خود دکتر امینی ممکن است اولین اثر در زمینه مامائی و زنان باشد.

امینان، ناهید

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آسیب‌شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

انتظام، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد انتظام

محل تولد: چناران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۷/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۶ در روستای فریزی از توابع مشهد مقدس متولد شدم. دوران ابتدایی را در همان روستا تحصیل نمودم و در سال ۱۳۵۲ جهت تحصیل دروس حوزوی به مشهد مقدس آمدم. دروس مقدماتی را در مدرسه حاج آقای موسی نژاد، رسائل را در محضر استاد عباسپور و مکاسب را در محضر آیت الله فلسفی و کفایه را محضر استاد رضا زاده فرا گرفتم. از سال ۱۳۵۸ در درس خارج فقه آیت الله فلسفی و پس از آن درس خارج اصول مرحوم آیت الله علم الهدی شرکت کردم که تا سال ۱۳۷۲ ادامه یافت. از سال ۱۳۶۰ از محضر آیت الله سید عزالدین زنجانی خارج فقه «جواهر الکلام» را همراه با دروس فلسفه و عرفان فرا گرفتم. حدود شش سال نیز در محضر استاد بزرگ فلسفه و عرفان مرحوم سید جلال الدین آشتیانی فلسفه و عرفان اسلامی را آموختم. به دلیل علاقه به فلسفه اسلامی، در این مدت با استفاده از نوارهای درسی آیت الله انصاری شیرازی، آیت الله جوادی آملی و آیت الله مصباح یزدی از دروس فلسفه این بزرگان «شرح منظومه، نهایه الحکمه، الهیات، شفا و اسفار» بهره بردم. در سال ۱۳۷۲ پس از شرکت در آزمون ورودی کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم مشغول به تحصیل شدم و پس از آن، دوره دکتری فلسفه تطبیقی را نیز در همین مرکز گذراندم. در قم نیز با شرکت در درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی و خارج فقه آیت الله تبریزی از محضر این بزرگان بهره مند بودم. همزمان با تحصیل دروس حوزوی در مشهد و قم به تدریس دروس مختلف در دانشگاه و حوزه نیز اشتغال داشته ام.

انجمنی بازانه‌ای، محمدعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدعلی انجمنی بازانه‌ای (معروف به حاج آخوند) وی مقدمات را در اراک خوانده و بعد به اصفهان عزیمت نموده و پس از پایان سطوح مهاجرت به نجف اشرف و از محاضر آیات عظام نجف استفاده نموده و با دریافت اجازات اجتهاد مراجعت به وطن و تا آخر عمر اشتغال به تبلیغ دین و ترویج مذهب مقدس داشته تا در سال ۱۳۳۰ شمسی که از دنیا رفته است. آن مرحوم دانشمندی متقی و عالمی پرهیزگار و اهل تجهد و با معنویت بود. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

انجوی حسینی شیرازی، ابوالولی

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، فقیه امامی و متکلم. معروف به صدر کبیر. در تشیع غیرتمند و از علمای دولت شاه طهماسب صفوی بود. در اول متولی روضه مقدسه رضویه شد. پس از عزل، به مشارکت برادر خود، امیر شاه ابومحمد، متولی اوقاف غازی شد، و سپس در اواخر سلطنت شاه طهماسب متولی بقعه صفی‌الدین اردبیلی شد. در زمان سلطان محمد خدابنده منصب سپاه به او داده شد و در اوایل سلطنت شاه عباس اول به منصب صدارت ارتقاء یافت. شیخ بهائی در نامه‌ای که به او نوشت از او تجلیل و تکریم کرد. وی از خواجه جمال‌الدین شیرازی و سید صفی‌الدین استرآبادی حدیث نقل کرد و به واسطه پدر خود از شیخ ابراهیم قطفی روایت می‌کند. سید حسین کرکی از شاگردان شیخ بهائی، و سید نعمه‌الله جزائری و شیخ ابراهیم حرفوشی از وی روایت کرده‌اند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲/ ۴۴۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱/ ۱۱۸)، روضات الجنات (۸/ ۱۶۵)، ریاض العلماء (۵۲۸-۵۲۷/ ۵)، ریحانه (۷/ ۲۹۳)، عالم آرای عباسی (۱/ ۱۴۸)، الکنی و الالقاب (۱/ ۱۷۴-۱۷۳).

انجوی شیرازی، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید ابوالقاسم انجوی شیرازی در سال ۱۳۰۰ ش. در شیراز به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی خود را در مدارس علمیه تهران و مشهد آغاز کرد، سپس به تهران رفت و در دبیرستان دارایی تحصیلات خود را پی گرفت. او تا مقطع لیسانس ادامه تحصیل داد، سپس در سال ۱۳۲۹ به سویس رفت و تحصیلات خود را در رشته علوم سیاسی و اجتماعی در ژنو تکمیل نمود. بعد از شهریور ۱۳۲۰ و سقوط رضا شاه، استاد انجوی به فعالیت‌های سیاسی روی آورد و از حدود سال ۱۳۲۲ نیز فعالیت‌های مطبوعاتی خود را آغاز کرد. استاد انجوی شیرازی از چهل سالگی به کار گردآوری اسناد و حفظ و نگهداری روایات و میراث فرهنگی مردم پرداخت. در سال ۱۳۴۰ با همکاری علی دشتی و محیط طباطبایی به رادیو راه یافت و برنامه‌ای درباره فرهنگ مردم پی افکند. استاد انجوی شیرازی در شهریور ۱۳۷۲، در تهران در گذشت و در گورستان ابن بابویه به خاک سپرده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب: سید ابوالقاسم انجوی شیرازی فرزند سیدخلیل صدرالعلماء، در سال ۱۳۰۰ ش، در شیراز به دنیا آمد. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: پدر سید ابوالقاسم انجوی شیرازی در واقعه گوه‌رشاد حضور داشت، او بعد از وقوع حادثه به همراه خانواده مخفیانه به تهران عزیمت نمود و در این شهر اقامت کرد.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: سید ابوالقاسم انجوی شیرازی تحصیلات مقدماتی خود را در مدارس علمیه تهران و مشهد آغاز کرد، سپس به تهران رفت و در دبیرستان دارایی تحصیلات خود را پی گرفت. او تا مقطع لیسانس ادامه تحصیل داد، سپس در سال ۱۳۲۹ به سویس رفت و تحصیلات خود را در رشته علوم سیاسی و اجتماعی در ژنو تکمیل نمود.

هم دوره‌ای‌ها و همکاران: سید ابوالقاسم انجوی شیرازی در سال ۱۳۱۸، با صادق هدایت آشنا شد. او همچنین در تاسیس یک مرکز پژوهشی، از همکاری کسانی چون نصرالله یگانی، محمود ظریفیان، حسن پناهیان، احمد وکیلان، ولی‌الله درودیان، علی

اکبر جباری و علی اکبر عبدالرشیدی ، برخوردار بود.

وقایع میانسالی : بعد از شهریور ۱۳۲۰ و سقوط رضا شاه ، سیدابوالقاسم انجوی شیرازی به فعالیت های سیاسی روی آورد ؛ وی در سال ۱۳۲۴ به جرم سخنرانی های ضد دولتی در تهران و گرگان ، تحت تعقیب فرماندار نظامی تهران قرار گرفت. در زمستان سال ۱۳۲۷ ، ترور نافرجام محمدرضا شاه باعث گردید ، به اروپا رفته و فعالیت های روزنامه نگاری خود را در آنجا پی گیرد. انجوی پس از بازگشت به ایران ، با کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ مواجه گردید او به همراه ۶۰ نفر دیگر دستگیر و به جزیره خارک تبعید شدند ، که تا ۱۹ اردیبهشت ۱۳۳۴ در آنجا باقی ماند.

زمان و علت فوت : سیدابوالقاسم انجوی شیرازی در شهریور ۱۳۷۲ ، در تهران درگذشت و در گورستان ابن بابویه به خاک سپرده شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سیدابوالقاسم انجوی شیرازی از چهل سالگی به کار گردآوری اسناد و حفظ و نگهداری روایات و میراث فرهنگی مردم پرداخت. در سال ۱۳۴۰ با همکاری علی دشتی و محیط طباطبایی به رادیو راه یافت و برنامه ای درباره فرهنگ مردم پی افکند. ابتدا این برنامه به مدت یک ربع ساعت در هفته و تحت نام « احساس و اندیشه پخش می شد. پس از تغییر عنوان های مکرر ، سرانجام این برنامه « سفینه فرهنگ مردم » نام گرفت و در اواخر سه ساعت تمام به آن اختصاص داده شده بود. این برنامه تا بهار ۱۳۵۸ ادامه داشت تا سرانجام انجوی بازنشسته شد.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : یکی از اقدامات مهم سیدابوالقاسم انجوی شیرازی ، گشایش مرکزی برای گردآوری و پژوهش فرهنگ مردم بود.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سیدابوالقاسم انجوی شیرازی از حدود سال ۱۳۲۲ فعالیت های مطبوعاتی خود را آغاز کرد. در سال ۱۳۲۳ ، سردبیری روزنامه « نبرد امروز » را عهده دار شد که تا سال توقیف این روزنامه (آبان ۱۳۲۵) ، همچنان این مسئولیت بر عهده او بود. در سال ۱۳۲۴ مدتی به انتشار روزنامه « افق » پرداخت. در آبان ۱۳۲۵ پس از توقیف روزنامه « نبرد امروز » به سویس رفت و از آنجا به قصد دیدار هدایت راهی پاریس شد. انجوی در سال ۱۳۲۶ به تهران بازگشت و این بار سردبیری مجله « آتشبار » را که به مدیریت ایرج زندپور منتشر می شد ، عهده دار شد. او پس از کودتای ۲۸ مرداد و سپری نمودن دوره تبعید ، به کار تالیف روی آورد.

آثار :

۱ بازی نمایشی

۲ تمثیل و مثل

۳ جشن ها و آداب و معتقدات زمستان

۴ دیوان حافظ

۵ سفینه ی غزل

ویژگی اثر : با مقدمه ی دکتر محسن هشترودی.

۶ فرهنگ مردم و طرز گردآوری و نوشتن آن

۷ قصه های ایرانی

۸ گذری و نظری در فرهنگ مردم

۹ مردم و شاهنامه

۱۰ مردم و فردوسی

۱۱ مردم و قهرمانان شاهنامه

۱۲ مکتب شمس

منابع:

۱. مشاهیر ادب معاصر ایران، گردآوری و پژوهش: علی میر انصاری، دفتر اول، تهران: سازمان اسناد مدارک ملی ایران، ص ۴۸۸

اندامی، آذر

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

دکتر آذر اندامی (به انگلیسی: Azar Andami) (زاده ۱۳۰۵ - در گذشته ۱۳۶۳) از پژوهشگران انستیتو پاستور ایران بود. بخاطر خدمات علمی و انسانی او یکی از حفره‌های برخوردی روی سیاره ناهید، به نام وی «اندامی» نامگذاری شده است. آذر اندامی در سال ۱۳۰۵ در محله ساغریسازان رشت متولد شد. او فرزند چهارم و تنها دختر خانواده بود. مقطع ابتدایی را در دبستان بانوان رشت با یک سال جهش تحصیلی به پایان برد. بعد از اخذ مدرک پایان سال نهم تحصیلات عمومی از دبیرستان فروغ رشت، پدرش با اینکه فردی روشنفکر بود از ادامه تحصیل او ممانعت کرد و وی را به دانشسرای مقدماتی رشت فرستاد. در سال ۱۳۲۴ از دانشسرا فارغ التحصیل شد. و در سال ۱۳۲۵ به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و معلم شد. در سال ۱۳۲۹ و در حین کار دیپلم طبیعی را با امتحان متفرقه دریافت کرد. در سال ۱۳۳۱ با شرکت در کنکور دانشگاه تهران در رشته پزشکی این دانشگاه پذیرفته شد. در سال ۱۳۳۷ موفق به دریافت گواهینامه دکترای پزشکی گردید و بلافاصله به گذراندن دوره تخصصی زنان و زایمان مشغول شد. پس از پایان دوره تخصصی به وزارت بهداری آن زمان منتقل شد و در نهایت به کار در انستیتو پاستور پرداخت. او پس از مدتی با استفاده از بورس تحصیلی انستیتو پاستور به پاریس رفت و در سال ۱۳۴۶ موفق به اخذ گواهینامه باکتریولوژی گردید. در سال ۱۳۵۳ موفق به دریافت دانشنامه تخصصی علوم آزمایشگاهی بالینی شد. او در سال ۱۳۵۷ بازنشسته شد. چندین بار به کشورهای فرانسه و بلژیک سفر کرد و حاصل این سفرها مقالات علمی بود که در مجلات معتبر به چاپ رسید. پس از بازنشستگی چون خانه‌نشینی را نمی‌پسندید به بیمارستان باهر رفت و ریاست آزمایشگاه تشخیص طبی آنجا را بر عهده گرفت. پس از مدتی در مطب همسرش، دکتر خلعتیری، در خیابان حسام‌السلطنه به کار مداوای بیماریهای زنان و زایمان مشغول شد. در همین سالها بود که به تومور مغزی مبتلا شد. یک روز در مطب در حین معاینه بیمار، تعادل خود را از دست داد و بر روی او سقوط کرد. در ۲۸ مرداد سال ۱۳۶۳ به علت آمبولی ریه که از عواقب بیماری سختش بود درگذشت. در سال ۱۹۹۲، اتحادیه بین‌المللی ستاره‌شناسی (IAU) حفره‌ای به قطر ۳۰ کیلومتر در طول جغرافیای ۲۶ درجه و ۵۵ دقیقه و عرض جغرافیایی ۱۷ درجه و ۴۵ دقیقه با قله‌ای مرکزی را در جنوب سیاره زهره به نام اندامی نامگذاری کرد. آذر اندامی تنها زن ایرانی بود که نامش به این شورا فرستاده شد و بانی این کار دخترش بود.

اندرزیان، امرالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ام‌الله اندرزیان

محل تولد: کهگیلویه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

اندرمانی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجة الاسلام والمسلمین آخوند ملا محمد مجتهد اندرمانی از مشاهیر علماء ری مقیم تهران و مدرس مدرسه مروی دارای مقام علم و کمال و فضل و جلال و مورد توجه دولت و ملت و صاحب نفوذ و موقعیت بوده و از وی منقولست که بریاست دینی و دنیوی نرسیدم مگر بواسطه مداومت بزیارت امامزاده ابوالحسن اندرمان ری. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

اندروافر، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد اندر وافر

محل تولد: تبریز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۷ در مدرسه ولیعصر (عج) تبریز شروع به طلبگی کردم. سال ۱۳۶۰ به حوزه مقدسه قم مهاجرت کردم. و ادبیات را از محضر مرحوم آیت الله مدرس افغانی تلمذ نمودم. بقیه دروس سطح را از محضر آیات و حجج الاسلام آقایان: خسروشاهی، وجدانی، اشتهاوردی، صالحی افغانی، اعتمادی و پایانی (ره) بهره مند شدم.

از سال ۱۳۷۰ درس خارج را با شرکت در بحث فقه و اصول حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی شروع کردم. در سالهای بعد از درس خارج آیت الله بهجت، ملکوتی، محقق و بیش از همه از محضر آیت الله معرفت در بحث فقه خصوصی استفاده کردم. (بیش

ازده سال) در کنار تحصیل غالباً تدریس هم داشتم. و دو سال به عنوان استاد به مدارس دینی جمهوری آذربایجان اعزام شدم.

انزابی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

انزابی نژاد، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

انصاری اراکی، محمد ابراهیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد ابراهیم انصاری اراکی از افاضل دانشمندان و مدرسین سطوح عالی حوزه علمیه قم می‌باشند.
وی فرزند مرحوم آقای شیخ موسی فرزند مرحوم آخوند ملا علی اصغر فرزند مرحوم آخوند حاج ملا علی اکبر کهرودی اراکی است که در تاریخ ۱۳۱۵ شمسی در اراک متولد شده و پس از سپری کردن دوران کودکی و خواندن درس فارسی و مقدمات و ادبیات به قم آمده و سطوح وسطی و عالی را در قم از مدرسین حوزه فراگرفته و در سن بیست و یک سالگی در سال ۱۳۳۶ شمسی مهاجرت به نجف اشرف نموده و مدت پانزده سال در آنجا اقامت و از محاضر و دراسات آیات عظام آنجا چون مرحوم شهید آیت‌الله حاج سید محمدباقر صدر و آیت‌الله خمینی و آیت‌الله حاج سید محسن حکیم و بالاخص آیت‌الله خوئی مدظله فقها و اصولا- استفاده نموده و از معظم لهم موفق به دریافت اجازات جامعی که نزد حقیر موجود است شده و در سال ۱۳۵۰ شمسی برابر ۱۳۹۲ قمری به ایران مراجعت و اقامت در قم و حوزه علمیه را اختیار و تا حال حاضر به تدریس فقه و اصول و مباحثات علمی اشتغال دارند. آنجناب به واسطه مراتب فضل و دانش مورد توجه افاضل حوزه و جامعه مدرسین و آیات عظام می‌باشند.
نگارنده گوید: آقای انصاری اراکی از خاندان روحانی اراک و پدرانیش تا چندین پشت روحانی و از مروجین دین و خدام شرع مبین بوده و خود متصف به صفات حمیده و ملکات پسندیده می‌باشند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

انصاری استرآبادی، نصیرالدین محمد

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، دانشمند شیعی و مترجم. وی ساکن هرات و معاصر شاه طهماسب اول صفوی بود. کتاب «مکارم الاخلاق» تألیف رضی‌الدین ابونصر حسن بن فضل طبرسی را که از کتابهای مشهور است، به دستور محمدخان شرف‌الدین اوغلی تکلو، حاکم هرات و امیرالامرای خراسان در عهد شاه طهماسب، به نام او به فارسی ترجمه کرد و «محاسن الآداب» نامید. از دیگر آثار او ترجمه کتاب «عده‌الداعی» ابن فهدحلی است که آن را به درخواست امیر قزان خان فرزند محمدخان به فارسی ترجمه کرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۴۸۷/۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۷۳)، الذریعه (۱۲۴/۲۰، ۱۱۶/۴).

انصاری اهوازی، منصور

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت‌الله‌الشیخ منصور بن العلامه‌الشیخ محمد سبط‌الشیخ‌الانصاری از فضلاء متبحر و علماء متتبع حوزه علمیه قم است، وی در اهواز در بیت علم و کمال متولد و پرورش یافته و بعد از خواندن سطوح به قم مهاجرت نموده و از اباحت مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی و مرحوم والدشان و آیت‌الله‌صدر استفاده نموده تا به اعلا مقام علم نائل گردیده و اکنون به تدریس و تالیف اشتغال دارند.

آثار ایشان چنانچه در پشت مناسک حج ایشان مذکور است بدین قرار است:

۱- رساله‌الادله‌الاجتهادیه‌والفقهیه (۲- رساله در علم حدیث ۳- رساله‌ای در منجزات مریض ۴- رساله‌ی (الدلائل و المسائل).

۵- حواشی رسائل و مکاسب و کفایه ۶- خلاصه‌الاصول و شرح‌الخلاصه

۷- تهذیب‌الالفیه و تهذیب‌المنطق ۸- حاشیه‌استدلالی بر عروه‌الوثقی.

۹- حاشیه‌عروه‌الوثقی عربی ۱۰- حاشیه توضیح‌المسائل ۱۱- وصیتنامه در احکام وصیت فارسی ۱۲- النجاح فی طب‌الارواح عربی

۱۳- خواص‌الادویه عربی و فارسی.

۱۴- الروضه فارسی ۱۵- نجاه و شرح نجاه فارسی ۱۶- اقتباس از فقه آل محمد صلی الله علیه و آله.

۱۷- الحججه من فقه آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم.

۱۸- توضیح‌الاحکام.

۱۹- حاشیه مناسک شیخ مرتضی انصاری.

۲۰- ادله‌المستحدثات.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

انصاری گرمرویی، موتمن‌الملک، سعید

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۰۱ - ۱۲۳۱ ق)، خطاط، ادیب و شاعر. وی خود را از اولاد خواجه عبدالله انصاری می‌دانست و در انشاء و حسن خط و احاطه بر اشعار عربی و فارسی در عهد خود کم‌نظیر بوده است. نستعلیق و شکسته را استوار و درست می‌نوشت. سعید خان به خاطر دیداری که با میرزا محمدتقی خان امیرکبیر کرد و میرزا محمدتقی خان حسن خطش را دید، او را از تبریز به تهران آورد و مسؤول نامه‌های محرمانه خود قرار داد. او پس از مدتی ملقب به موتمن‌الملک شد و در سال ۱۲۶۹ ق رسماً به وزارت خارجه منصوب گردید و مدت‌ها بر آن سمت بود. در پایان عمر نیز افتخار تولیت آستان قدس رضوی را داشت. او سرانجام در هفتاد سالگی در تهران درگذشت و در دارالسعاده‌ی مشهد دفن شد. از آثار وی: مرقعی به قلم سه دانگ و کتابت متوسط از اشعار مختلف، با رقم: «لمحرره سعید».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۲۳۱ - ۲۳۰ / ۱)، شرح حال رجال (۷۰ - ۶۶ / ۲).

انصاری محلاتی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فقیه.

تولد: ۱۲۸۹.

درگذشت: ۱۳۷۵، قم.

آیت‌الله میرزا حسن انصاری محلاتی در حوزه‌ی علمیه‌ی قم و در محضر آیت‌الله العظمی حائری یزدی به تحصیل پرداخت. در ادامه تحصیلات خود، از حوزه فقه و اصول حضرات آیات عظام خوانساری، کوه‌کمره‌ای و بروجردی بهره گرفته و به مدارج عالی فقاقت دست یافت و مدت‌ها در درس فلسفه حضرات امام خمینی (ره) حاضر شد و شرح منظومه و بخشی از اسفار را در خدمت ایشان تلمذ نمود.

آیت‌الله انصاری محلاتی در شهر قم درگذشت و پیکر ایشان در حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

آقامیرزا حسن انصاری از علماء ابرار و فضلاء اخیار و قدماء با فضل و تقوای حوزه علمیه قم است.

وی در قصبه محلات (وطن مادری نگارنده) که در هجده فرسخی قم واقع است متولد شده و برای تحصیل علوم و تکمیل فضائل به قم مهاجرت نموده و اکنون بیش از چهل سال است که در این شهر اقامت دارند. ایشان پس از فراغت از سطوح چندین سال از درس خارج فقه و اصول مرحوم آیت‌الله العظمی حجت و آیت‌الله العظمی خوانساری و بالاخص آیت‌الله العظمی بروجردی قدس‌الله اسرارهم استفاده نموده تا به مدارج عالی علم و دانش رسیده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

انصاری هروی، عبدالله

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۸۱- ۳۹۶ ق)، عارف، محدث، فقیه و شاعر. معروف به پیر هرات و پیر انصار و شیخ الاسلام. وی از اعقاب ابویوب انصاری صاحب رحل پیغمبر بود، که در قهندز هرات متولد شد. از کودکی زبانی گویا و توانا داشت چنانکه به عربی و فارسی شعر می‌سرود و اشعار عربی بسیار در خاطر داشت. خواجه در تصوف و حدیث و کلام و فقه سرآمد زمان خود بود. او در تصوف از شیخ ابوالحسن خرقانی تعلیم گرفت و جانشین او شد و علاوه بر او از مشاهیر متصوفه‌ی عهد خود مانند شیخ ابوسعید ابوالخیر نیز بهره جست. وی از عبدالجبار جراحی، قاضی ابومنصور ازدی، ابوسعید سرخسی، ابوالفوارس پوشنجی، احمد بن منجویه اصفهانی و محمد بن عبدالله شیرازی و بسیاری دیگر حدیث شنید. و مؤمن ساجی و عبدالله سمرقندی و عبدالصبور هروی و حنبل بخاری و ابوالوقت، خادمش، و دیگران از وی روایت کرده‌اند. او در فقه پیرو روش احمد بن حنبل بود. خواجه بیشتر اوقات در هرات به ارشاد و تعلیم مشغول بود. در همان جا در گذشت و در گازرگاه دفن شد. مزار او امروز زیارتگاه است. از آثار وی: «منازل السائرين»، «در عرفان و سلوک»، «انوارالتحقیق»، «رحل الرسول»، «رساله‌ی اربعین»، «طبقات الصوفیه»، به گویش هروی در شرح احوال عرفا؛ تفسیری که بر قرآن نوشت و اساس کار میدی در تألیف «کشف الاسرار و عده‌الابرار»، معروف به «تفسیر خواجه عبدالله»، «زاد العارفين»، «کنز السالکین»، «قلندرنامه»، «محبث نامه»، «الهی نامه»، «رساله‌ی واردات»، «ذم الکلام».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: آتشکده‌ی آذر (۷۴۱- ۷۳۹/۲)، الاعلام (۲۶۷/۴)، ایضاح المکنون (۱۱۸/۲، ۳۱۰/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۱۵- ۹۱۱/۲)، تاریخ نظم و نثر (۵۸- ۵۷)، الذریعه (۳۰۶/۹ و ۳۶۸/۲ و ۲۴۱- ۲۴۰/۲۲)، ریاض العارفين (۳۱- ۳۰)، ریحانه (۱۷۰- ۱۶۸- ۱/۲)، سیر النبلاء (۵۱۸- ۵۰۳/۱۸)، صبح گلشن (۴۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۹/۵)، فرهنگ سخنوران (۱۰۲)، الکامل (۱۴۸/۸)، کشف الظنون (۱۸۳۶، ۱۸۲۸، ۸۲۸، ۴۲۰، ۵۶)، الکنی واللقاب (۲۰۱/۲)، لغت نامه (ذیل / انصاری هروی)، مجمع الفصحا (۱۳۵/۱)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۴۸۱)، معجم طبقات الحفظ (۱۲۰)، نفحات الانس (۳۳۹- ۳۳۶)، هدیة العارفين (۴۵۳- ۴۵۲/۱).

انصاری، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ رضا انصاری از علماء معاصر شهرستان همدانست:

وی در سال ۱۳۴۰ قمری در یکی از قراء همدان متولد و پس از فراگرفتن قسمتی از علوم ادبی از پدر عالیقدرش حجه الاسلام حاج شیخ قربانعلی که یکی از علماء مشهور و محترم آن سامان و ۹۵ سال از سن مبارکش می‌گذرد به همدان منتقل و چند سالی در آنجا از علماء اعلام استفاده نموده و در سال ۱۳۵۵ قمری مهاجرت به قم و سطوح عالی را از محضر آیت‌الله العظمی آقای مرعشی نجفی مدظله و مرحوم آیت‌الله حاج سید محمد محقق داماد استفاده نموده.

سپس به درس خارج حضرات آیات آقای حجت و آقای صدر و آقای سید محمدتقی خونساری اعلی‌الله مقامهم الشریف حاضر شده و استفاده وافر نموده و ضمناً خود تدریس شرح لمعه و غیره نموده.

و عده‌ای از طلاب را تربیت و حدود ۲۱ سال در قم اشتغال داشته بعداً در سال ۱۳۶۷ قمری به امر حضرت آیت‌الله آقای آخوند

ملاعلی مدظله رحل اقامت در همدان انداخته و در مدرسه معظم‌له به تدریس سطوح عالی و به درس آن جناب نیز شرکت و تا هم‌اکنون به اقامه جماعت و ارشاد مردم و سایر خدمات دینی اشتغال دارند.

از آثار ایشانست ۱- رساله در قاعده لاضرر ۲- مباحثی در اصول ۳- رساله‌ای در اخلاق ۴- کتابی در توحید که تاکنون مخطوط مانده است.

دارای اجازات از مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله حجت و دیگران می‌باشد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

انصاری، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عباس بن ثقه‌الاسلام آقا شیخ محمد انصاری همدانی که مانند مرحوم شیخ بزرگوار عالمه کبیر شیخ مرتضی انصاری منتسب بجناب جابر بن عبدالله انصاری صحابی از علماء معاصر تهران بوده‌اند. در یکی از قراء سر درود همدان متولد شده و مقدمات را از پدر خود فرا گرفته و سطوح اولیه را خدمت مرحوم آخوند ملا- تقی و مرحوم میرزا محمد دره جزینی خوانده و در سال ۱۳۳۳ ق به همدان آمده و سطوح را از مرحوم حجه‌الاسلام آقای آقا شیخ علی دامغانی و حجه‌الاسلام آقا شیخ علی گنبدی و دیگران فرا گرفته و بعد از آن به اراک آمده و از محضر مرحوم آیه‌الله حایری و آیه‌الله آقا شیخ محمد سلطان و آقای حاج میرزا محمدعلی خان دو سالی استفاده و در سنه ۱۳۴۰ ق با آیه‌الله حایری مهاجرت به قم نموده و علاوه از آن بزرگوار از حضور مبارک مرحوم آیت‌الله آقا شیخ ابوالقاسم کبیر و حاج شیخ حسن فاضل و آیه‌الله حاج میرزا محمد کبیر و آیت‌الله میرزا محمد فیض مدت هفت سال استفاده‌ها برده و بعد از آن به امر مبارک آیت‌الله حایری به تهران منتقل و در یکی از محلات آن به اقامه جماعت و بیان مسائل حلال و حرام و در ضمن بتدریس پرداخته و چندین سال در مدرسه عبدالله خان واقع در بازار بزازها اشتغال بتدریس فقه و اصول (کفایه و رسائل و غیره) داشته تا باجل محتوم از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

انصاری، کریم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کریم انصاری

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مراحل ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان را تا سال اول دانشگاه رشته مهندسی برق در کشور عراق طی کردم. سپس در سال ۱۳۵۹ به جمهوری اسلامی ایران تبعید شدم.

در سال ۱۳۶۱ تحصیلات حوزوی خود را شروع کردم. مقدمات را پیش عمده ای از اساتید مشهد خواندم. سپس دروس لمعتین را نزد استاد مهدوی و مکاسب و رسائل را نزد اساتید: تبریزیان و اعتمادی (نوار کاست) خواندم. کفایتین را نزد استاد رضا زاده و خارج فقه و اصول تا پنج سال نزد آیت الله مرحوم حاج آقای فلسفی (قدس سره) خواندم.

سال ۱۳۷۵ به شهر مقدس قم منتقل شدم. بلافاصله در درس خارج اصول آیت الله العظمی وحید خراسانی و فقه آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی شرکت نمودم. در سال ۱۳۸۰ - ۱۳۸۱ دوره کامل اصول را به اتمام رسانیدم و هم اکنون درس خارج فقه شرکت می‌کنم. به مدت کوتاهی، اشتغال به تدریس داشتم که حدوداً سه الی چهار سال ادامه داشت. به علت اشتغال به تحقیقات علوم اسلامی و نوشته های مختلف، تدریس را رها کردم.

سال ۱۳۶۵ شروع به فعالیت تحقیقات اسلامی نمودم و نزدیک به تحقیق شصت جلد کتاب شرکت نمودم. از سال ۱۳۶۸ به عنوان مدیر تحقیقات موسسه آل البیت (ع) شعبه مشهد منصوب شدم. از سال ۱۳۷۵ که به شهر قم منتقل شدم، در شعبه مرکز موسسه آل البیت (ع) به عنوان مسئول کل تحقیقات موسسه منصوب شده و عضو هیئت مدیره آن موسسه گردیدم و این سمت تا به حال ادامه دارد.

انصاری، محمدجواد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد جواد انصاری

محل تولد: داراب

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۵/۱/۳

انصاری، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا انصاری

محل تولد: محلات

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد رضا انصاری در سال ۱۳۲۷ ش در شهرستان محلات متولد شدم. در دوران کودکی مدت سه سال در مکتبی که قرآن و خط و کتاب فارسی آموزش می دادند درس خواندم و همزمان با هجرت اعضای خانواده به قم، تحصیلات ابتدایی را تا سال ششم به پایان رساندم. پس از آن با تشویق پدرم مرحوم آیت الله حاج میرزا حسن انصاری، تحصیلات حوزوی را آغاز نمودم و بخش عمده ادبیات را نزد استاد بزرگوار حاج شیخ رحمت الله فشارکی آموختم و فقه و اصول را در مرحله سطح نزد آیات عظام فاضل لنکرانی و حسین نوری، و فلسفه و منطق را نزد حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ یحیی انصاری شیرازی فرا گرفتم.

پس از ورود به مرحله دروس خارج، چندین سال به طور مداوم در درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت جستیم و برای خارج فقه، از آغاز، درس مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی (قدس سره) را انتخاب نمودم که تا پایان عمر ایشان، قریب بیست سال در آن شرکت کردم.

از سال ۱۳۵۰ نویسندگی را آغاز نمودم و نخستین اثری که به عنوان ترجمه از من منتشر شد، کتاب "اسلام بر فراز اجتماع" نوشته استاد محمد جواد مغنیه بود که در سال ۱۳۵۲ توسط انتشارات پیام اسلام در قم به چاپ رسید. از آن پس به تدریج کتابهایی را از عربی به فارسی ترجمه نمودم و در مجلات و سالنامه هایی که در آن دوران منتشر می شد مقالاتی گوناگون ارائه دادم.

در سال ۱۳۶۷ به پیشنهاد هیئت علمی دارالقرآن الکریم آیت الله العظمی گلپایگانی به منظور همکاری علمی در این موسسه، تحقیقات قرآنی را آغاز نمودم. استخراج آیات اجتماعی قرآن و تنظیم و دسته بندی آنها برای تدوین "الکشاف الموضوعی لآیات القرآن الکریم" و نیز نگارش مقالات قرآنی در مجله "پیام قرآن" (نخستین نشریه فارسی قرآنی) و اقدام به ترجمه گروهی قرآن کریم به پیشنهاد هیئت نامبرده، از جمله تلاشهای قرآنی این جانب بود. قابل ذکر است که ترجمه قرآن کریم هرچند پس از گذشت چهار سال به پایان رسید، لکن با رحلت آیت الله العظمی گلپایگانی و متوقف شدن فعالیتهای علمی دارالقرآن، چاپ این ترجمه نیز متوقف ماند. با پایان یافتن کار در دارالقرآن الکریم، از سال ۱۳۷۵ به دعوت سرپرست "مرکز ترجمه قرآن مجید به زبانهای خارجی" در این مرکز به تحقیقات قرآنی به ویژه در زمینه ترجمه های فارسی قرآن کریم پرداختم که تاکنون نیز در آنجا به این رشته اشتغال دارم.

در خلال یک دهه اخیر پنج ترجمه از قرآن مجید را به صورت گروهی یا انفرادی تصحیح و ویرایش کرده ام که نام آنها در جدول آثار خواهد آمد. در مجله تخصصی "ترجمان وحی" که مرکز ترجمه قرآن مجید آن را منتشر می سازد، نیز مقالاتی پیرامون مباحث قرآنی از این جانب به چاپ رسیده است. در مرکز فرهنگ و معارف قرآن نیز در دو پروژه قرآنی شرکت داشتم. این دو پروژه که هر دو به انجام رسید، یکی "تصحیح و ویرایش ترجمه قرآن مجید" برای درج در تفسیر راهنما و دیگری "تصحیح و ویرایش ترجمه قرآن کریم بر اساس تفسیر المیزان" بود.

انصاری، مسعود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران استاد مسعود انصاری خوشابر، یکی از اسلام شناسان و محققان عالی مقام و سختکوش و پرکار و صاحب نظر و صاحب اثر در اغلب زمینه ها و رشته های علوم اسلامی، به ویژه علوم قرآنی و فقه (همراه با حقوق) و حدیث و نیز مترجمی تواناست که

به شمه ای از آثار ایشان اشاره خواهد شد .

او در سال ۱۳۴۵ در شهرستان تالش / طالش به دنیا آمد . تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود گذراند ، و همزمان به آموزش مقدمات علوم دینی پرداخت . پس از به پایان رساندن تحصیلات دوره ی متوسطه ، برای تکمیل آموخته های دینی به حوزه ی علمیه ی دارالعلوم زاهدان رفت . پس از طی مراحل لازم ، در تهران به تحصیل در دانشکده ی حقوق (در دانشگاه شهید بهشتی) پرداخت ، و با شور و شوقی بیکران تحصیلات حوزوی را پی گرفت و نزد استاد محمد شیخ الاسلامی ، فقه ، کلام ، تفسیر ، علوم قرآنی ، نحو و علوم بلاغی را تا مدارج عالی فرا گرفت و در سال ۱۳۷۰ ش در محضر این استاد عالیقدر و از دست ایشان - در ۲۵ سالگی - اجازه ی مکتوب « افتاء » به شیوه ی مرسوم در مذهب شافعی ، دریافت داشت و دو سال بعد از دانشکده ی حقوق فارغ التحصیل شد و پس از آن قرآن پژوهی و اسلام شناسی و تالیف و ترجمه و تحقیق را پیشه ی خود ساخت و تاکنون آثار معتنا بهی ، هم از نظر ارزشمندی خود اثر ، و هم از نظر کیفیت عالی پژوهش ، پدید آورده که مایه ی اعجاب اهل فن و ارباب نظر است . مهم ترین و طبعاً شریف ترین اثر ایشان ترجمه ی قرآن کریم به شیوه ای شیوا در کمال صحت و دقت است که بخشهای بعدی این مقاله ، تماماً به بحث درباره ی آن و معرفی آن اختصاص دارد . بعضی از آثار دیگر ایشان عبارت است از :

- تالیف بیش از چهارصد مقاله برای دو اثر مرجع : دانشنامه ی قرآن و قرآن پژوهی و فرهنگ آثار (بخش معرفی کتابهای عربی و فارسی ، به سرپرستی جناب رضا سید حسینی و سه محقق برجسته ی دیگر)

- ترجمه ی کتاب واقعه ی کربلا، اثر عباس محمود عقاد

- ترجمه ی مجموعه ای از حدوداً چهار هزار حدیث و خطبه و نامه و عهدنامه ، و وصایا و کلمات قصار ، و احادیث موضوعی ، با ذکر اسناد هر حدیث از کتب ششگانه (صحاح سته) اهل سنت و کتب اربعه ی شیعه ، با همکاری بهاء الدین خرمشاهی . نام این مجموعه که تدوین فرهنگ وار و انواع فهارس را در بر دارد ، پیام پیامبر (ص) است .

- هدیه ی معراج (احکام نماز در فقه شافعی)

- اهمیت نماز جماعت (ترجمه)

- پدیده ی افراط در تکفیر (ترجمه از اثر دکتر قرضاوی)

- زن در اسلام و نقش زن در فعالیتهای اجتماعی (ترجمه از اثر فیصل مولوی)

- ترجمه ی مجموعه ای از آثار جبران خلیل جبران (از جمله اشکی و لبخندی ، تندبادها ، موسیقی ، عروسان مرغزار ، بالهای شکسته ، عیسی فرزند انسان ، تازه و طرفه ها ، و ارواح سرکش)

- ترجمه ی کتاب خاتم النبیین اثر سمیح عاطف الزین که ممکن است عنوان فارسی آن « حضرت محمد در مکه / حضرت محمد در مدینه » باشد .

- قاموس شگرفیهای قرآن (در دست تدوین)

- پژوهشهای تاریخی در قرآن (ترجمه ی اثر بیومی مهران ، زیر چاپ)

- دانشنامه ی حقوق خصوصی این اثر مرجع ۳ جلدی ، در مرحله ی حروف نگاری است . و یکی از آثار و کوششهای قرآن پژوهی دیگر ایشان تصحیح علمی و هر چه دقیق تر ترجمه ی شاه ولی الله دهلوی از مهم ترین و دقیق ترین ترجمه های قرآن مجید به زبان فارسی است ، که متأسفانه چاپ آن در حدود یک دهه به درازا کشیده و هنوز هم منتشر نشده است .

برگرفته از کتاب : بررسی ترجمه های امروزی فارسی قرآن کریم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۲، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فارماکوگنوزی، دانشکده: داروسازی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای داروسازی از دانشگاه علوم پزشکی تبریز در سال ۱۳۴۵، درجه Ph.D داروسازی و فارماکوگنوزی از دانشکده داروسازی دانشگاه لستر انگلستان.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تبریز در سال ۱۳۶۱، ارتقاء به دانشیاری در سال ۱۳۶۹.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

شیمی گیاهی، فارماکوگنوزی، بررسی ترکیبات شیمیایی سداب ایران جهت تولید صنعتی روتوزید، نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه دکتر.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۸، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

فارماکوگنوزی و شیمی گیاهی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

انصاریپور، محمدتقی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد تقی انصاری پور

محل تولد: شهرضا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

خرداد سال ۱۳۶۰ دیپلم تجربی - تهران - خ جمهوری اسلامی، دبیرستان بامداد.

ورود به حوزه: مهرماه ۱۳۶۰، مدرسه حقانی و سپس مدرسه شهیدین.

اتمام دروس سطح: ۱۳۶۹ شرکت در درس خارج فقه و اصول آیت الله سید کاظم حائری تا سال ۱۳۷۵ و ضمن درس خارج ورود به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، بنیاد باقرالعلوم (ع) در سال ۱۳۷۰ اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته دین شناسی در ۱۳۷۸ ورود به مرکز تربیت مدرس، دوره دکتری فلسفه دین در سال ۱۳۷۹ در حال حاضر در حال تدوین پایان نامه دکتری و در عین حال مشغول به کار در مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب هستم.

در ضمن دروس حوزوی با شرکت در دوره‌های متعدد آشنایی با مکالمه و گرامر زبان انگلیسی و نیز مکالمه عربی و متون جدید عربی را نیز گذراندم. دوره‌های زبان تخصصی مربوط به فلسفه دین و کلاس‌های ترجمه، توانایی مکالمه به زبان انگلیسی و عربی و ترجمه از این دو زبان را نیز کسب کردم.

انگجی تبریزی، ابوالحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۷ - ۱۲۸۲ ق)، عالم، مجتهد و فقیه اصولی. در انگج، یکی از محلات تبریز، متولد شد. ادبیات فارسی و عربی و نجوم و حساب و فقه و اصول را در تبریز خواند و از محضر درس استادانی همچون آقامیر فتح سراسی و میرزا محمود اصولی بهره گرفت. سپس در ۱۳۰۴ ق برای ادامه تحصیلات به نجف رفت. در آنجا از حوزه‌ی درس استدلالی فقهی و اصولی آقاشیخ محمدحسن مامقانی، فاضل ایروانی و حاج میرزا حبیب‌الله رشتی بهره جست. وی از همان هنگام که آیرم، امیر لشکر رضاخان در تبریز شئون اسلامی را زیر پا نهاد با مردم تبریز همصدا شد و نسبت به عمل آیرم اعتراض کرد. در قضیه‌ی تغییر لباس نیز علیه رضاخان موضعگیری کرد که منجر به دستگیری و تبعید او به سمنان شد. پس از بازگشت از تبعید به حوزه‌ی درس خود پرداخت و کتاب‌هایی نیز در زمینه‌ی فقه و اصول تألیف کرد. از جمله آثار وی: «ازاحه‌ الالباس عن حکم المشکوک فیه من اللباس»؛ «رساله‌ی سؤال و جواب»؛ حاشیه‌ی «رسائل» شیخ مرتضی انصاری؛ حاشیه‌ی «ریاض»؛ حاشیه‌ی «مکاسب» شیخ انصاری؛ «کتاب الارث»؛ «کتاب حج شرایع»؛ «کتاب الصلوة»؛ «کتاب الطهارة» [۱].

مرحوم مغفور آیت‌الله آقای حاج میرزا ابوالحسن انگجی تبریزی از مجتهدین طراز اول ایران و یکی از مراجع احکام آذربایجان بوده که در سال ۱۳۴۷ قمری به واسطه انقلاب تبریز مسافرت به قم نموده و مدتی در آنجا توقف آنگاه به مشهد مقدس مشرف و حدود یک سال توقف سپس به خواست دولت به تبریز مراجعت نمود مرحوم انگجی بنا به نقل علماء معاصرین و دیگران مردی محقق و مدقق و فقیه اصولی و صاحب وقار و تمکین و متانت و ابهت کثیرالعلم و قلیل الکلام بود.

تولدش در سال ۱۲۸۲ قمری در تبریز واقع شد و پس از بلوغ بتحصیل علوم عربیه و ادبیه و حساب و نجوم موفن گشته و فقه و اصول را از مرحوم حاج میرفتح سراسی و میرزا محمود اصولی اخذ کرده و از خودش نقل است که تمام قوانین الاصول میرزای قمی را نزد مرحوم اصولی خوانده و در سال ۱۳۰۴ قمری به نجف مشرف و تا دو سال از محضر مرحوم فاضل ایروانی و حاج میرزا حبیب‌الله رشتی و علامه مامقانی استفاده نموده آنگاه مراجعت به وطن کرده و به خدمات دینی از قبیل امر به معروف و نهی از منکر و اقامه جماعت و تدریس پرداخته و در امور دینی بسیار متصلب و خشن در ذات‌الله بود و به هیچوجه در اداء وظائف شرعیه و حفظ حدود الهیه و ردع بدع مستحدثه مداهنه و مسامحه نداشت.

از آثار آن مرحوم است کتاب ازاحه‌ الالباس عن حکم المشکوک من اللباس که در سال ۱۳۱۶ تألیف و طبع شده و نیز شرح کتاب

حج شرایع و حاشیه بر کتاب ریاض، مرحوم علامه تهرانی در الذریعه ج ۱ ص ۵۲۶ کتاب آن مرحوم را ذکر کرده است. دارای شش فرزند برومندند که سه نفر آنان در سلک روحانیت و از علماء و فضلاء حوزه علمیه قم بوده‌اند که ترجمه آنان خواهد آمد و سه نفر هم در رشته طب و از اطباء معروف تهران می‌باشند.

وفاتش در سال ۱۸ ذی‌القعدة سال ۱۳۵۷ واقع شد و استان آذربایجان و اکثر بلاد دیگر غریق بحر ماتم و سوک آن بزرگوار شدند والد ماجدشان مرحوم حاج میرزا محمد آقا معروف به شیخ‌الشریعه از اجلاء علماء و اشراف تبریز بودند و این لقب را مرحوم مظفرالدین شاه قاجار با اعطاء یک حلقه انگشتر الماس به ایشان اهداء نمودند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آینه‌ی دانشوران (۳۱۴-۳۱۳)، الذریعه (۲۴۹، ۹۹/۶، ۵۲۶/۱)، ریحانه (۶۰-۵۹/۷)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۰۳-۳۰۱/۱)، علماء معاصرین (۱۷۹-۱۷۸)، مؤلفین کتب چاپی (۱۴۲-۱۴۱/۱).

انوار، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات عربی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات حوزوی، علوم قدیمه و ادبیات عرب، کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترا در رشته ادبیات عرب از دانشکده ادبیات و الهیات و معارف اسلامی تهران با رتبه ممتاز.

مرتبه علمی:

تدریس در دانشگاه‌های مختلف ایران، پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه تهران، دریافت سه مدال درجه اول فرهنگ، سراینده اشعار فارسی و عربی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تفسیر و عرفان، لغت، شرح نظم و نثر عربی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر بیش از ۵۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی تألیفات:

تفسیر، عرفان، ادب، لغت، شعر فارسی، شعر عربی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

ادب، عرفان، تفسیر، شعر و هنر.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

انواری، جعفر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جعفر انواری

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب جعفر انواری در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه شدم و در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) دروس مقدماتی را به پایان رساندم و دروس سطح (رسائل، مکاسب و کفایه) را در حوزه، بصورت آزاد خواندم.

در کنار تحصیل فقه و اصول در دیگر دروس حوزه مانند نهج البلاغه، عقائد، تفسیر و... شرکت داشتم. در سال ۱۳۵۶ پس از پایان دروس سطح به درس خارج فقه و اصول راه یافتم و در دوران شرکت در درس خارج که حدود بیست سال بطول انجامید از محضر حضرات آیات عظام وحید خراسانی، تبریزی، مکارم شیرازی و جوادی آملی بهره مند شدم.

در سال ۱۳۶۰ وارد موسسه در راه حق شدم و از دروس آن موسسه که افزون بر رشته های مختلف اقتصادی و فلسفی، در قالب اقتصاد و فلسفه شهید صدر، از دروس فلسفه (فلسفه، نهاییه، برهان، شفا و اسفار) و معارف قرآن استاد مصباح یزدی کسب فیض نمودم.

در سال ۱۳۶۳ در گروه های تحقیقاتی تفسیر و علوم قرآن، به کاوش و پژوهش پرداختم و در همان سال ها تدریس مباحث معارف قرآن استاد مصباح یزدی را نیز عهده دار شدم. از سال ۱۳۶۱ تدریس دروس معارف اسلامی را در دانشگاه آغاز کردم که ۱۸ سال تدریس این دروس در دانشگاه تهران بطول انجامید.

با تاسیس موسسه علمی پژوهشی امام خمینی (ره)، در رشته علوم قرآنی به پژوهش و همکاری با بخش آموزش ادامه دادم و در سال ۱۳۸۰ بعنوان عضو هیئت علمی آن موسسه پذیرفته شدم که هم اکنون با بخش آموزش در تدریس دروس قرآنی و با پژوهش در تحقیقات قرآنی ادامه همکاری دارم.

انواری، زین العابدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

زین العابدین بن العالم الجلیل میرزا علی بن العلم العلام ملا عبدالرزاق همدانی انواری از علماء معاصر همدان و برادر ارجمند مرحوم

آیت‌الله میرزا محمود سابق‌الذکر است.

وی در سال ۱۳۱۵ قمر در قریه انوار که در ۱۲ فرسخی همدان که جزو در جزین است متولد شده و فقط تا ۱۶ سالگی در همان قریه زندگی و مقداری از علوم صرف و نحو و منطق را نزد مرحوم والد خوانده.

و در اواخر سال ۱۳۳۲ قمری به همدان آمده و در مدرسه زنگنه معروف به مدرسه بزرگ ادامه به تحصیل داده و سطوح عالی را از اساتید بزرگ و معروف آن زمان تکمیل و در اواخر سال ۱۳۳۹ قمری به شهرستان قم مهاجرت و از محضر مرحوم آیت‌الله آق شیخ ابوالقاسم کبیر قمی استفاده پس از آمدن مرحوم آیت‌الله حایری و تشکیل حوزه به درس ایشان رفته و از اباحت آن مرحوم و آیت‌الله حاج سید محمدتقی خونساری بهره‌مند شده و در زمان تبعید آیات عظام نجف به قم از مباحث مرحوم آیت‌الله العظمی آقای آقاسید ابوالحسن اصفهانی استفاضه نموده و از آنان نائل به دریافت اجازه اجتهاد و غیره گردیده است.

و در سال ۱۳۵۱ قمری مراجعت به همدان و به تدریس فقه و اصول و اقامه جماعت و ارشاد مردم پرداخته و تا هم‌اکنون که نزدیک هشتاد سال از عمرش می‌گذرد و به واسطه ابتلاء و گرفتاری فرزند ارجمندش جناب حجه‌الاسلام آقا شیخ محی‌الدین انواری که از افاضل و ائمه جماعت تهرانست بسیار شکسته و خسته شده در همدان به خدمات دینی اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

انواری، محمد باقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شاعر ادیب فاضل، متخلص به «لمعه» از خدمت گزاران صدیق فرهنگ. در ۱۳۲۱ قمری در دست‌گرد متولد، و تحصیلات خویش را در مدارس قدیم و جدید این شهر به پایان رسانیده، مدتی به محراب و منبر سرگرم بوده، سپس ترک نموده به خدمت فرهنگ اشتغال جسته، سال‌ها مدیریت دبستان حسین‌آباد را داشت. در انجمن شعرا شرکت می‌کرد، و از آثارش: «نامه‌های دهقان» به چاپ رسیده. صاحب دیوان اشعار است.

در یکشنبه ۱۴ محرم ۱۳۸۵ وفات یافته، در تکیه‌ی شیخ مرتضی ریزی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

انواری، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود انواری از مشاهیر علماء معاصر همدان بوده‌اند.

محمود بن میرزا علی ملقب به جناب ابن آخوند ملا- عبدالرزاق بن ملامیرزا بن ملا آقا در سال ۱۳۰۶ قمری به دنیا آمده و پس از پرورش مقداری از ادبیات را در خدمت والدش خوانده و در سال ۱۳۲۴ قمری در مدرسه زنگنه به تحصیل پرداخته و در سال ۱۳۳۷ ق به تهران آمده و ابتدا در مدرسه نصرالدین و بعد از چند ماهی به مدرسه سپهسالار جدید منتقل و علوم عقلیه و نقلیه را آموخته و در سال ۱۴۴۱ قمری مهاجرت به قم نموده و از محضر مرحوم آیت‌الله حایری یزدی و آیت‌الله حاج شیخ ابوالقاسم کبیر و آیت‌الله

فیض استفاده نموده و در سال ۱۳۴۹ قمری باری پاره‌ای از گرفتاریهای شخصی به همدان برگشته و در مسجد امامزاده یحیی و مسجد پیغمبر به اقامه جماعت و خدمات دینی و روحی پرداخته تا اینکه به اصرار جماعتی از وجوه اهالی امزاجرد همدان و تاکید بعضی از آقایان برای ارشاد مردم جلوگیری از تبلیغات مسمومانه فرقه ضاله بهاییه به آن محل منتقل گردیده و تبلیغ و اقامه جماعت و رفع شبهات مشغول گردیده.

و عده بسیاری از آنان را هدایت به اسلام نموده و از انحراف نجات داده‌اند تا در پنجم ذی‌قعدة الحرام ۱۳۸۴ قمری که در همان محل از دنیا رفته و با تشییع جنازه عجیبی در جنب مسجد بزرگ امزاجرد که از آثار ایشانست بنا بر وصیتش مدفون و مزار مردم قریه و قراء دیگر گردیده!

آثار قلمی و علمی آن مرحوم به قرار زیر است

- ۱- هدایت المسترشدين در نجاست اهل کتاب ۲- اختیارات الایام در بیان سعد و نحس ایام از کتب معتبره اخذ و ترجمه شده ۳-
- تیر شهاب در رد بهاء و باب ۴- کتاب شیطان و سرکشی که کتابی است علمی و تاریخی و دیانتی مشتمل بر مواعظ و نصایح ۵-
- شمع هدایت در شناسائی ۶- حجت که نسبتاً مبسوط و انفع است. ۷- تحفه الواعظین که دارای هفتاد مجلس منبريست ۸-
- تذکره الصائب فی مقتل الاطائب چهل مجلس منبری و در آخر آن چهل حدیث منبريست از باقیات الصالحات ایشانست جناب ثقة الاسلام والمسلمین آقا میرزا یوسف انواری که اکنون در امزاجرد به جای آن مرحوم اقامه جماعت می‌کند.
- برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

انواری، محی‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ محی‌الدین بن العالم الکامل آیت‌الله الحاج الشیخ زین‌العابدین انواری همدانی از افاضل علماء مجاهدین معاصر تهران است وی در حدود سال ۱۳۵۰ قمری در همدان در بیت علم و تقوی به دنیا آمده و پس از پرورش و خواندن اولیات و دروس ابتدائی قسمتی از مقدمات و ادبیات را در همدان فرا گرفته سپس عزیمت به تهران و پس از تکمیل سطوح مکاسب و فرائد و کفایه از محضر علمین آتین مرحوم حاج میرزا احمد آشتیانی و آیت‌الله حاج شیخ محمد تقی آملی و بعضی دیگر از آیات و مدرسین بزرگ مدرسه مروی معقولا و منقولا استفاده و ضمناً خود به تدریس سطوح و در یکی از مساجد بازار به اقامه جماعت و گفتن تفسیر و نشر معارف حقه اثنا عشریه پرداخته تا در سال ۱۳۸۴ قمری که به اتهام توطئه در قتل حسینعلی منصور نخست‌وزیر دولت طاغوتی محمدرضا پهلوی با عده‌ای از جوانان متدین و مبارز از طرف سازمان ساواک بازداشت و مدت سیزده سال در زندان قصر و اوین به سر برده تا در سال ۱۳۹۷ قمری آزاد و مجدداً مشغول خدمات گردیده و چند ماهی هم از طرف قائد عظیم‌الشان آیت‌الله العظمی نایب‌الامام آقای خمینی مدظله‌العالی برای ارشاد و خدمات دینی به پاکستان و کراچی مسافرت و بعداً به تهران مراجعت و اکنون از طرف رهبر انقلاب در مسجد جامع نارمک تهران به اقامه نماز جمعه و جماعات و تبلیغات دینی اشتغال دارند.

نویسنده گوید:

جناب آقای انواری هم یکی از فضلاء مبارز است که در پیروزی انقلاب و حکومت جمهوری اسلامی خدماتی نموده است و در این مسیر تحمل مصائب و شتادتی از زندان و شکنجه و غیره نموده است. در میان علماء و اقران طهران خود محبوبیت خاصی دارند و مورد توجه مخصوص رهبر عزیزمان امام خمینی بودند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

انوری، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر حسن انوری در سال ۱۳۱۲ در شهرستان تکاب به دنیا آمد. در سال ۱۳۵۰ موفق به اخذ درجه دکترا در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران شد. وی علاوه بر تدریس در دانشگاه‌های مختلف طی سالیان متمادی با سازمان کتاب‌های درسی وزارت آموزش و پرورش و مؤسسه لغت‌نامه دهخدا و دانشگاه پیام‌نور و... همکاری داشته است و چندین سفر مطالعاتی به کشورهای آلمان و آمریکا نموده است. دکتر حسن انوری سرپرست گروه تدوین کتاب "فرهنگ بزرگ سخنگ می باشد. کتاب فوق، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای: حسن انوری بعد از تحصیلات ابتدایی، از سال ۴۰-۱۳۳۷ در مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز ادامه تحصیل داد و همچنین کارشناسی ارشد در همین رشته را از دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۶ ادامه داد. وی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۰ ادامه گذراند.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: فعالیت در تالیف بخشی از لغت نامه دهخدا در موسسه لغت نامه دهخدا و نوشتن مقاله در دایره المعارف بزرگ اسلامی از جمله فعالیت‌های حسن انوری به شمار می آید.

فعالیت‌های آموزشی: فعالیت های آموزشی که حسن انوری تا کنون بر عهده داشته است عبارتند از: تدریس در دبیرستانهای تکاب، ۱۳۳۲-۱۳۳۷ تدریس در دبیرستانهای تبریز ۱۳۴۰-۱۳۳۷ تدریس در دبیرستانهای تهران ۱۳۴۶-۱۳۴۰ تدریس در دانشگاه علم و صنعت ۱۳۵۱-۱۳۴۸ همکاری با سازمان کتابهای درسی ۱۳۴۳-۱۳۵۸ همکاری با سازمان لغت نامه دهخدا و تالیف بخشی از مجلدات لغت نامه دهخدا، ۱۳۵۹-۱۳۴۰ تدریس نقد ادبی در رشته روزنامه نگاری دانشکده علوم ارتباطات و علوم اجتماعی ۱۳۵۸-۱۳۵۱ تدریس ادبیات فارسی و سرپرستی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده علوم ورزشی ۱۳۵۸-۱۳۵۱ تدریس نقد ادبی، متون قدیم فارسی (شاهنامه، حافظ، سعدی) و دستور زبان فارسی تربیت معلم ۱۳۵۸-۱۳۶۵ همکاری با دانشگاه پیام نور و تالیف ۹ جلد کتاب درسی برای آن دانشگاه تاسیس مجموعه ادب فارسی با همکاری دکتر جعفر شعار، تاکنون ۲۵ جلد از این مجموعه به وسیله چند ناشر چاپ شده است (۱۳۶۲) تاسیس مجموعه گنج ادب، تاکنون ۲۵ مجلد در نشر قطره چاپ شده است (۱۳۷۱) تاسیس سازمان فرهنگ برای تدوین چند روزه فرهنگ (۱۳۷۳)

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: حسن انوری مؤسس مجموعه ادب فارسی، مجموعه گنج ادب (در سال ۱۳۷۱) و سازمان فرهنگ (۱۳۷۱) بوده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: حسن انوری بغیر از تدریس در مجامع علمی در سال ۱۳۵۳ به دعوت دانشگاه کن راهی آلمان و برای گذراندن فرصت مطالعاتی در دانشگاه پرنستون در سال های ۸-۱۳۵۷ به آمریکا سفر کرده است.

جوایز و نشانها: دکتر حسن انوری سرپرست گروه تدوین کتاب "فرهنگ بزرگ سخنگ می باشد. کتاب فوق، در دوره بیست و

یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد. حسن انوری در هفتمین همایش چهره های ماندگار در ابان ماه ۱۳۸۷ بعنوان چهره برگزیده در رشته ادبیات فارسی انتخاب گردید. چگونگی عرضه آثار: از دکتر انوری مقالات و تألیفات متعددی به چاپ رسیده است و در زمینه تحقیق و تصحیح نیز دارای آثار مختلفی می باشد.

آثار:

۱ آتشکده آذر گشسب

۲ آغاجی - ترخان

ویژگی اثر: این مقاله در مجله آینده سال هشتم شماره ۱۰ دی ماه ۱۳۶۱ به چاپ رسیده است

۳ آمیختگی عرفان با ورزش باستانی

ویژگی اثر: نشریه دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی در شماره دوم زمستان ۱۳۵۶ به چاپ رسیده است

۴ آی بی کلاه، آی با کلاه

ویژگی اثر: این مقاله در مجله راهنمای کتاب شماره ۴ سال یازدهم تیرماه ۱۳۴۷ به چاپ رسیده است

۵ آیین نگارش

ویژگی اثر: برای سال اول و دوم و سوم دبیرستان و همچنین آیین نگارش مقدماتی و پیشرفته و برای تحصیلات مکاتبه ای از

انتشارات رسا و پیام نور و آموزش و پرورش در سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۸ چاپ شده است

۶ اصطلاحات دیوانی دوره غزنوی و سلجوقی

ویژگی اثر: تهران، سال ۱۳۵۵

۷ ایران در شاهنامه

ویژگی اثر: این مقاله در مجله خاوران شماره ۳ و ۴ در بهمن و اسفند ۱۳۶۹ و مقالات کنگره بزرگداشت فردوسی در دانشگاه تهران

۱۳۷۵ به چاپ رسیده است

۸ تحقیق در احوال مشایخ نقشبندیه

۹ تحقیق در افعال فارسی

۱۰ تحلیل داستان شاه و کنیزک و زرگر

ویژگی اثر: این مقاله در نشریه دانشکده علوم انسانی در دانشگاه تربیت معلم در اسفند ماه ۱۳۵۶ به چاپ رسیده است

۱۱ تساهل

ویژگی اثر: این مقاله در مجله یغما سال پانزدهم دی ماه ۱۳۴۱ به چاپ رسیده است

۱۲ تصحیح انتقادی دیوان حافظ

ویژگی اثر: این مقاله در مجله آینده سال سیزدهم شماره ۱۲-۸ در سال ۱۳۶۶ به چاپ رسیده است

۱۳ تصحیح انتقادی گلستان سعدی

۱۴ تصحیح انتقادی نصاب الصبیان فراهی

۱۵ تعمیم سواد در دهکده ها

ویژگی اثر: این مقاله در مجله یغما سال شانزدهم آبان ماه ۱۳۴۲ به چاپ رسیده است

۱۶ تنظیم مجلدات از لغت نامه دهخدا (حروف الف ، ب ، ر ، ک ، ی)

۱۷ خاندان نوبختی

ویژگی اثر : این مقاله در مجله راهنمای کتاب شماره ۳ و ۴ سال دوازدهم تیر ماه ۱۳۴۸ به چاپ رسیده است

۱۸ دستور زبان فارسی

ویژگی اثر : این کتاب بعنوان دستور زبان فارسی برای سالهای اول و دوم و سوم راهنمایی و دانشسرای راهنمایی در تهران و دانشسرای مقدماتی توسط انتشارات فاطمی و برای تحصیلات مکاتبه ای در دانشگاه پیام نورا سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۶۸ به چاپ رسیده است .

۱۹ دستور زبان فارسی

ویژگی اثر : این مقاله در مجله یغما در سال ۱۳۴۱ شماره ۴ ، تیرماه ، سال پانزدهم به چاپ رسیده است

۲۰ دیوان استیفا در حکومت غزنویان و سلجوقیان

ویژگی اثر : این مقاله در مجله بررسیهای تاریخی در شماره ۶ سال هشتم بهمن و اسفند ماه ۱۳۵۲ در چاپ رسیده است .

۲۱ راهنمای تدریس فارسی

ویژگی اثر : این کتاب بعنوان راهنمای تدریس آموزگاران برای سالهای چهارم و پنجم و اول و دوم و سوم راهنمایی از سال ۱۳۲۸ تا سال ۱۳۵۲ به چاپ رسیده است .

۲۲ رزمنامه رستم و سهراب

ویژگی اثر : این کتاب با همکاری جعفر شعار در تهران ، در سال ۱۳۶۳ به چاپ رسیده است

۲۳ سخن و اندیشه

ویژگی اثر : این کتاب در تهران و در انتشارات توس با همکاری علی اصغر خیره زاده به چاپ رسیده است

۲۴ صدای سخن عشق

ویژگی اثر : تهران ، انتشارات سخن ، ۱۳۷۴

۲۵ غمنامه رستم و سهراب

ویژگی اثر : این کتاب در تهران و انتشارات توس در سال ۱۳۶۳ به چاپ رسیده است

۲۶ فارسی

ویژگی اثر : این کتاب برای دانشسرای مقدماتی در سال ۱۳۵۲ به چاپ رسیده است

۲۷ فرهنگ بزرگ سخن

ویژگی اثر : این کتاب حاوی ۸ جلد است که در انتشارات سخن در سال ۱۳۸۱ به چاپ رسیده است. دکتر انوری سرپرست گروه تدوین این کتاب می باشد. این کتاب ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: فرهنگ بزرگ سخن به سرپرستی حسن انوری. تهران: انتشارات سخن ، ۸ ج ، ۱۳۸۱. این فرهنگ ، به گفته سرویراستار آن ، گامی است کوچک در راه تدوین فرهنگ جامع زبان فارسی. تهیه کنندگان این فرهنگ خواسته‌اند به نیاز طبقه متوسط کتابخوان و مراجعان فارسی‌زبان پاسخ گویند ، هم نیازهای آنان را که در متون و در گفتارهای روز به واژه‌ای نا آشنا برمی‌خورند و هم نیاز آنان را که متون کهن را در مطالعه می‌گیرند برآورده کنند. برای تهیه این فرهنگ بیش از هشت سال وقت صرف شده و ده‌ها تن از کارشناسان درجه اول تحت نظارت و سرپرستی دکتر حسن انوری ، استاد زبان و ادب فارسی ، به کار پرداخته‌اند. اگر چه مبنای کار تهیه کنندگان بر استخراج معانی از شواهد بوده ،

- فرهنگ‌های مهم فارسی را پیوسته پیش چشم داشته‌اند. از آن میان، فرهنگ‌های برهان قاطع، جهانگیری، آندراج، فرهنگ فارسی امروز، و به ویژه لغت‌نامه دهخدا و فرهنگ معین، پیوسته مورد مراجعه آنان بوده است
- ۲۸ فرهنگ دو جلدی سخن
- ۲۹ کتاب فارسی و تاریخ ادبیات
- ویژگی اثر: این کتاب برای سالهای ۲- ۱۳۵۱ در وزارت آموزش و پرورش به چاپ رسیده است
- ۳۰ کتاب قرائت فارسی برای مدارس
- ویژگی اثر: این کتاب برای سالهای چهارم و پنجم دبستان و اول و دوم و سوم راهنمایی از آموزش و پرورش در سالهای ۱۳۴۸ تا سال ۱۳۵۱ به چاپ رسیده است
- ۳۱ کتاب لغت برای کودکان
- ویژگی اثر: این مقاله در مجله راهنمای کتاب شماره ۱ سال دهم اردیبهشت ۱۳۴۶ به چاپ رسیده است
- ۳۲ کشتی از دیدگاه اهل تصوف
- ویژگی اثر: این مقاله در نشریه تربیت بدنی و علوم ورزشی شماره اول آذر ماه ۱۳۵۶ به چاپ رسیده است
- ۳۳ گزیده اشعار رودکی
- ویژگی اثر: این کتاب در تهران در انتشارات امیرکبیر در سال ۱۳۶۵ با همکاری جعفر شعار به چاپ رسیده است
- ۳۴ گزیده اشعار صائب
- ویژگی اثر: این کتاب در نشر بنیاد در تهران با همکاری دکتر جعفر شعار و زین العابدین موتمن به چاپ رسیده است
- ۳۵ گزیده بوستان سعدی
- ویژگی اثر: ۱۳۷۱ تهران، انتشارات علمی،
- ۳۶ گزیده غزلیات سعدی
- ویژگی اثر: این کتاب در تهران در انتشارات سعدی و در سال ۱۳۶۹ به چاپ رسیده است
- ۳۷ گزیده گلستان سعدی
- ویژگی اثر: تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۱.
- ۳۸ هدف تدریس از ادبیات
- ویژگی اثر: این مقاله در نشریه انجمن دبیران ادبیات فارسی در تهران ۱۳۵۲ به چاپ رسیده است
- ۳۹ یادداشتهای قزوینی بر حافظ
- ویژگی اثر: این مقاله در مجله راهنمای کتاب در سال ۱۳۴۰ شماره ۵ و ۶ به چاپ رسیده است
- ۴۰ یک قصه بیش نیست
- ویژگی اثر: تهران، مقاله علمی، ۱۳۶۸- بررسی محتوایی و ساختاری شعر حافظ

منابع:

۱ <http://www.aftab.ir/lifestyle/view.php?id=۱۰۰۲۲۹۲www.ketabesal.ir>

انیسی قندهاری

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۷۳ ق)، شاعر و مورخ. واقعه‌نویس دربار ظهیرالدین بابر بود و استادانه غزل می‌سرود. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۶۴۲).

اوجاقی، ناصرالدین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ناصرالدین اوجاقی

محل تولد: زنجان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از اخذ دیپلم در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه قم شدم در مدرسه علمیه معصومیه تحصیلات حوزوی خود را شروع کردم و در سال ۱۳۷۴ وارد موسسه امام خمینی (ره) شدم.

در کنار دروس حوزوی دوره عمومی این موسسه را نیز گذراندم و نیز در سال ۱۳۸۰ مدرک کارشناسی ارشد پیوسته الهیات و معارف اسلامی را از این موسسه اخذ کردم در همین سال نیز موفق به اتمام پایه ۱۰ حوزه شدم. در ادامه به خاطر علاقه ای که به رشته دین شناسی داشتم با شرکت در آزمون به تحصیل در این رشته در مقطع کارشناسی ارشد در موسسه امام خمینی (ره) اشتغال یافتم. در همین دوره حین تحصیل دوره کارورزی تحقیق را نیز گذراندم و موفق به اخذ مدرک این دوره شدم و در بهار سال ۱۳۸۶ مدرک کارشناسی ارشد دین شناسی را نیز اخذ کردم.

اکنون نیز در قسمت پژوهشی موسسه مذکور اشتغال به امر پژوهش دارم و علاوه بر آن با بخش دایرة المعارف علوم عقلی نیز همکاری دارم.

اوحد سبزواری، خواجه فخرالدین

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۸۶۸ق)، منجم، حکیم، ادیب و شاعر، متخلص به اوحد. از اعیان سبزووار و از خاندان مستوفی آن سامان و از معاصران امیرعلیشیر نوایی، شیخ آذری، مولانا یحیی سبیک و مولانا حسن سلیمی تونی و امیرشاهی سبزواری بود. با وجود فضل و حکمت مشرب فقر و درویشی داشت و همیشه جمعی از وی استفاده می‌بردند. بنا به گفته‌ی دولت‌شاه یک هزار جلد کتاب فارسی و عربی جمع کرد و آن را به خط خود تصحیح و مقابله نمود، وی در سبزووار درگذشت. اثر وی: «دیوان» اشعار مشتمل بر قصاید و غزلیات و مقطعات است و قصاید غزا در مدایح ائمه (ع) گفته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آتشکده‌ی آذر (۳۹۸-۳۹۷/۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۰۴-۳۰۳)، تذکره‌ی روز روشن (۹۱)، الذریعه (۱۱۱/۹)، ریحانه (۲۰۰/۱)، الکنی واللقاب (۲۰۰/۲)، لغت‌نامه (ذیل / اوحد)، مجالس المؤمنین (۶۶۸-۶۶۷/۲)، مجالس النفائس (۲۰۰، ۲۶).

اورعی، مرتضی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرتضی اورعی

محل تولد: خوانسار

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان دوره ابتدائی در سال ۵۱ وارد حوزه علمیه خوانسار و در سال ۵۳ وارد حوزه علمیه قم شدم. سطح را در مدرسه مرحوم آیه‌الله گلپایگانی خواندم و درس خارج را در محضر مرحوم آیه‌الله فاضل و حضرت آیه‌الله مکارم شیرازی شرکت کردم. زبان انگلیسی را در دفتر تبلیغات فرا گرفتم. سفرهای تبلیغی به زبان انگلیسی در کشورهای یاد شده داشتم. ۱۴ سال است که در نگارش دائره المعارف قرآن کریم و فرهنگ قرآن در مرکز فرهنگ و معارف قرآن مشارکت دارم.

اورمزدی، هرمزد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: انگل شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی ایران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

اورنگ شیرازی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۴ - ۱۲۸۶ ق)، خطاط، ادیب و شاعر، متخلص به اورنگ. مشهور به وقار السلطنه. وی نواده‌ی وصال شیرازی بود و علوم ادبی و فارسی و عربی را در محضر پدر آموخت. سفری به عراق رفت و چندی در اصفهان و تهران اقامت کرد. در یکی از دوره‌ها از سوی مردم فارس به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد و از آن پس در تهران ساکن شد و ریاست دفتر رییس الوزراء ایران را قبول کرد. پس از مرگ پدر به عتبات سفر کرد و بعد از شش ماه در سال ۱۳۱۳ ق به تهران بازگشت و با مؤلف «طرائق الحقائق» معاشر شد و مورد نوازش صدراعظم قرار گرفت. وفات وی در تهران اتفاق افتاد و در ابن بابویه به خاک سپرده شد. اثر وی: دیوان «اشعار»، و از خطوط او: یک نسخه «لوايح» جامی، به قلم کتابت خفی خوش در کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی، که چنین تمام می‌شود، «به انجام رسید... در چهارم شهر ربیع‌الاول من شهر سنه ۱۳۱۳ صلاٹ عشر و ثلاثمائه بعدالالف، علی يد تراب اقدام العارفين محمودالمتخلص به اورنگ ابن الفرھنگ ابن الوصال». اثر دیگر وی، «نصاب الرجال» است که منظومه‌ای فکاهی است و در آن از اوضاع ایران و فساد اخلاق مردمش به اسلوب زیبایی انتقاد کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: آثار عجم (۳۶۴ - ۳۶۳)، احوال و آثار خوشنویسان (۸۶۷ - ۸۶۶ / ۳)، حدیقه الشعراء (۲۰۲ - ۲۰۰ / ۱)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳۷۶ - ۳۷۱ / ۱)، الذریعه (۱۱۲ / ۹)، ریحانه (۳۲۸ / ۶، ۲۰۶ / ۱)، شرح حال رجال (۲۵۹ / ۶)، طرائق الحقائق (۳۸۱ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / اورنگ شیرازی)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰ - ۹ / ۶)، مرآت الفصاحه (۷۶ - ۷۵).

اورنگ، مراد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق زبان‌های باستان.

تولد: ۱۲۸۳، تکاب آذربایجان.

درگذشت: آذر ۱۳۶۱.

مراد اورنگ، فرزند علی اکبر، بازنشسته‌ی ارتش بود. از وی آثاری درباره‌ی فرهنگ ایران باستان به یادگار مانده است که از آن جمله است: بررسی سینا (ترجمه و تفسیر اوستا، بخش یکم، تهران، ۱۳۳۹؛ بخش دوم - هات ۹ - تهران، ۱۳۴۰؛ بخش سوم - هات ۱۰ - تهران)؛ جشن‌های ایران باستان (تهران، ۱۳۳۶)؛ سددر (منتخبی از گفتارهای زند و پازند، تهران، ۱۳۳۷)؛ سوشیانت (داستان هوشیدر و هوشیدرماه و سوشیانت، تهران، ۱۳۴۲)، فرهنگ اورنگ (تهران، ۱۳۳۷)؛ گزارش گاتاها (سرودهای زرتشت، تهران، ۱۳۴۱)؛ همبستگی در اوستا (ترجمه و گزارش واژه اوستانی: خوات و دته، تهران ۱۳۴۱)؛ یکتاپرستی در ایران باستان (تهران، ۱۳۳۴).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

اوستا، مهرداد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شاعر.

تولد: ۲۰ بهمن ۱۳۰۸، بروجرد.

درگذشت: ۱۷ اردیبهشت، ۱۳۷۰، تهران.

محمدرضا رحمانی یاراحمدی مشهور به مهرداد اوستا که در شعر «اوستا» تخلص می‌کرد، از ده سالگی به سرودن شعر پرداخت و نخستین شعری را که سرود در سوگ امام حسین (ع) بود. بعد از پایان دوره‌ی دبستان در سال ۱۳۲۱، برای تحصیلات متوسطه به تهران آمد و پس از تحصیل در یکی از دبیرستان‌های شبانه در سال ۱۳۲۷ دیپلم ادبی گرفت. در همان سال همکاری با آموزش و پرورش (به عنوان مسئول سامان داده به کتابخانه‌های موجود در این وزارتخانه و تأسیس کتابخانه‌های شهرستان‌ها، اصلاح متون و مقالات و کتب ادبی این وزارتخانه، تدریس در چند دبیرستان) آغاز و همزمان وارد دانشگاه شد و در سال ۱۳۳۰ از دانشکده معقول و منقول (دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی تهران) موفق به دریافت مدرک کارشناسی شد و سپس به ادامه‌ی تحصیل پرداخت و کارشناسی ارشد خود را در همین رشته گرفت. در شهریور ۱۳۳۲ به سبب طرفداری از دکتر محمد مصدق، مخالفت با شاه و سخنرانی‌های انقلابی در جریان کودتای ۲۸ مرداد دستگیر و به مدت هفت ماه زندانی شد. ضمناً همان سال اوستا به تصحیح و چاپ دیوان سلمان ساوجی اقدام نمود. در سال ۱۳۳۳ رساله‌ای در فلسفه، منطق و روان‌شناسی و اخلاق را منتشر ساخت و شروع به تدریس در دانشگاه تهران نمود. سپس کتاب فلسفی عقل و اشراق و پس از آن رسائل خیام (نوروزنامه- رساله‌ی موجود) را با مقدمه و تحقیق در زندگی خیام تحقیق و منتشر کرد.

در سال ۱۳۳۵ با سباستین مونه، فیلسوف و شرق‌شناس فرانسوی، آشنا شد و نزد ایشان شروع به تحصیل فلسفه تکمیلی نمود و در مقابل، عرفان مشرق زمین و آثار عرفای اسلامی از جمله مولوی و عطار نیشابوری را به مونه درس می‌داد. این ارتباط تا سال ۱۳۳۹ ادامه داشت. در این سال اولین مجموعه شعر خود را به نام کاروان از دست رفته را منتشر ساخت. سال‌ها بعد پالیزبان، حماسه آرش و از امروز تا هرگز را منتشر ساخت. در تابستان ۱۳۴۶ برای نخستین بار برای مدت یک ماه به کشورهای فرانسه، انگلستان و ایتالیا سفر کرد. دو سال بعد کتاب اشک و سرنوشت که گزیده‌ای از شاهکارهای ادبی جهان است و سپس روش تحقیق در دستور زبان فارسی و شیوه نگارش را منتشر کرد. در سال ۱۳۴۹ برای بار دوم به اروپا سفر کرد و در مدت اقامت یک ماه‌اش در فرانسه و سوییس با ژان پل سارتر ارتباط برقرار کرد. این ارتباط چندین سال ادامه داشته است. در تیر ۱۳۵۱ مجموعه‌ی شعر شراب خانگی ترس محتسب خوره را به رشته‌ی تحریر درآورد که در همان سال توقیف شد. در خرداد ۱۳۵۲ کتاب انتقادی تیرانا را منتشر کرد که این کتاب هم توقیف شد. ضمناً به سبب طرح پاره‌ای از مسائل و از جمله ذکر نام حضرت امام خمینی (ره) در این کتاب مدت یک سال ممنوع‌القلم گردید. در تابستان ۱۳۵۶ به فرانسه و سوییس رفت و با سید محمدعلی جمالزاده در ژنو دیداری داشت. در شهریور ۱۳۵۹ نیز یک ماهی در فرانسه اقامت گزید و در دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی این کشور سخنرانی‌هایی نمود. با شروع جنگ تحمیلی بارها در جبهه‌ها و مناطق جنگی حضور داشت. در سال ۱۳۶۰ مجموعه شعر امام حماسه‌ای دیگر را ساخت. در زمستان سال ۱۳۶۲ جهت معالجه بیماری قلبی و بازگردانیدن چند کتاب ارزشمند خطی به کشور که در سال‌های انقلاب به فرانسه منتقل شده بود، برای مدت یک ماه به فرانسه رفت. در زمستان ۱۳۶۷ به پاکستان رفت و چندین سخنرانی درباره‌ی شخصیت حافظ و آثار او ایراد نمود. ضمناً مجتمع هنر و ادبیات مقدس طی مراسمی در تالار وحدت در سال ۱۳۶۷ لوح دست‌نویس حضرت امام (ره) و دیپلم

افتخار و سکه‌ی یادبود مجتمع را به مهرداد اوستا به عنوان برگزیده‌ی بخش شعر اهدا نمود. در سال ۱۳۶۹ نیز خلیل‌الله خلیلی، قصیده‌سرای افغانی، سخنرای نمود. استاد اوستا، طی سال‌های تدریس در مراکز چون دانشگاه‌های تهران، ملی، مدارس عالی ترجمه و پارس، مجتمع عالی هنر، فلسفه تاریخ هنر، تاریخ اجتماعی هنر، روش تحقیق هنر در اروپا، روش تحقیق هنر در شوق، ادبیات جهان، ادبیات نمایشی، زیبایی‌شناسی، روش تحقیق در زیبایی‌شناسی، به تدریس تاریخ موسیقی اشتغال داشت. آخرین سال‌های تدریس استاد ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ بود که در دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران تاریخ موسیقی تدریس می‌کرد. وی همچنین مشاور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود.

استاد اوستا با اینکه بیشتر به قصیده‌سرایی متمایل بود در زمینه‌های دیگر شعر همانند غزل، مثنوی، دو بیتی‌های پیوسته، رباعی و غیره نیز تسلط داشت. از نظر قالب به شیوه شعرای خراسانی و بیشتر پیرو ناصر خسرو، خاقانی و مسعود سعد بود و در اندیشه‌های شاعرانه‌اش غالباً دقایق فلسفی و تفکرات حکیمانه را می‌پرواند. وی معتقد بود که «یک هنرمند باید فرزند زمان خود باشد و اگر احوال خود نیازمندی‌های زیادی از نظر مادی ندارد باید آنقدر روحیه‌ی حساس و تأثیر پذیری داشته باشد که درها و نیازمندی‌های اکثریت مردم را درک کند و آینه‌ی گویای رنج و شادی مردم زمان باشد.»

فهرست آثارش (هرچند برخی از کتاب‌هایی که در زیر آمده در هیچ کتابخانه‌ای یافت نشد، معهذاً عنوان آن در اینجا ذکر شد). به این شرح است: از امروز تا هرگز (نثر داستانی، ۱۳۴۵)؛ از کاروان رفته (شعر، ۱۳۳۹)؛ اشک و سرنوشت (قطعه‌های ادبی، ترجمه، شعر)؛ امام، حماسه‌ای دیگر (۱۳۶۸)؛ پالیزبان (شعر، ۱۳۴۲)؛ پرنیان (شعر)؛ تحلیل فلسفی علمی پیرامون اصول ادیان؛ رسائل خیام؛ نوزنامه- رساله وجود (تصحیح، مقدمه و تحقیق در زندگی خیام)؛ تصحیح دیوان سلمان ساوجی؛ تصحیح و تحقیق کلیات شیخ سعدی؛ تعریف و توجیه انسان؛ تیرانا (نثر انتقادی، ۱۳۵۲)؛ حماسه آرش (شعر، ۱۳۴۴)؛ راما (شعر ۱۳۷۰)؛ رساله‌ای در منطق؛ فلسفه؛ روان‌شناسی و اخلاق، روش تحقیقی در تاریخ هنر؛ روش تحقیق در تحولات فکری و فلسفی در اروپا و آسیا؛ روش تحقیق در دستور زبان و شیوه نگاش (۱۳۴۸)، روش تحقیق در زیبا شناسی؛ روش تحقیق در بیان فلسفی اسطوره‌ها؛ روش تحقیق در بیان دین و اخلاق؛ سرود ناتمام (مجموعه شعر از عبدالله صالحی سمنانی، با دیباچه‌ای از استاد اوستا، ۱۳۵۳)؛ سیر مکاتب هنری در ایران؛ شراب خانگی ترس محتسب خورده (شعر، ۱۳۵۱)؛ عدالت، حکومت، جامعه، عقل و اشراق؛ کارنامه‌ی شعر معاصر پارسی؛ لحن شناسی (پیرامون آثار و افکار بزرگان سخن ایران)؛ مجموعه مقالات، مقدمه‌ای بر دیوان حافظ، مکاتب فلسفی در آسیا؛ مکاتب فلسفی در اروپا؛ مکاتب هنری در اروپا؛ مکاتب هنری در شرق؛ منطق حماسی مهابهارات؛ منطق کلام حافظ؛ منطق کلام فردوسی؛ نامه‌ها؛ نقد و بررسی آثار سنائی.

استاد مهرداد اوستا سرانجام در روز هفدهم اردیبهشت ۱۳۷۰ به هنگام اشتغال به تصحیح شعر و تعلیم، در تالار وحدت- شورای شعر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی- در ساعت ۱ / ۳۰ بعدازظهر به سبب سکته‌ی قلبی در گذشت و فردای آن روز پیکر وی در بهشت زهرا در مقبره‌ی مشاهیر فرهنگ، ادب و هنر ایران در کنار مجتبی مینوی و مشایخ فریدنی (حجره ۹۵۳) به خاک سپرده شد. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

اولیایی، مصطفی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مصطفی اولیایی در سال ۱۳۱۶، در یکی از روستاهای ملایر به دنیا آمد. پس از آنکه تحصیلات خود را در مقطع ابتدایی و متوسطه

به پایان برد، در سال ۱۳۴۴ وارد دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۴۹ موفق به اخذ لیسانس شد. پس از آن هم چنان به تحصیلات خود ادامه داد تا آنکه در سال ۱۳۵۵، موفق به اخذ درجه ی دکتری فرهنگ عربی و علوم قرآنی شد. او که در سال ۱۳۲۶ وارد شده بود، پس از اخذ درجه دکترا به دانشگاه تربیت معلم منتقل گردید و تا سال ۱۳۵۶ در دانشسرای عالی زاهدان که وابسته دانشگاه زاهدان بود به تدریس پرداخت. دکتر اولیایی سپس به دانشگاه اراک رفته و فعالیت های آموزشی خود را در این دانشگاه دنبال نمود. وی در طول خدمات آموزشی و تدریس در دانشگاه، به کار پژوهش و تالیف نیز پرداخته است و آثاری چند به چاپ رسانده است. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی گرایش: علوم قرآنی تحصیلات رسمی و حرفه ای: مصطفی اولیایی پس از آنکه تحصیلات خود را در مقطع ابتدایی و متوسطه را به پایان برد، در سال ۱۳۴۴ وارد دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۴۹ موفق به اخذ لیسانس شد. پس از آن همچنان به تحصیلات خود ادامه داد تا آنکه در سال ۱۳۵۵، موفق به اخذ درجه ی دکتری فرهنگ عربی و علوم قرآنی شد. فعالیتهای آموزشی: مصطفی اولیایی پس از آنکه تحصیلات متوسطه را به پایان برد، در سال ۱۳۲۶ وارد آموزش و پرورش شد. او پس از اخذ مدرک دکترا در سال ۱۳۵۳ از آموزش و پرورش به دانشگاه تربیت معلم منتقل گردید و تا سال ۱۳۵۶ در دانشسرای عالی زاهدان که وابسته دانشگاه زاهدان بود به تدریس پرداخت. دکتر اولیایی سپس به دانشگاه اراک رفته و فعالیت های آموزشی خود را در این دانشگاه دنبال نمود. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: مصطفی اولیایی در طول خدمات آموزشی و تدریس در دانشگاه، از کار پژوهش و تالیف نیز غافل نبوده و آثاری چند به چاپ رسانده است. آثار: آشنایی با علوم قرآنی و ویژگی اثر: این کتاب به بحث پیرامون علوم قرآنی از آغاز پیدایی آن در زمینه های علوم فی القرآن و للقرآن و آن دسته از علومی که قرآن موجب گسترش آنها شده در شانزده فصل مورد بررسی قرار گرفته است.

منابع زندگینامه: دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، به کوشش: بهاءالدین خرمشاهی، تهران: انتشارات دوستان و ناهید، ص ۳۲۳

اویس اردبیلی، اویس

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم و دهم ق)، طبیب، شاعر و قاضی. وی طبیب و قاضی اردبیلی بود، پنجاه سال در آن شهر به قضاوت روزگار گذراند. تدریس در آن دیار هم به عهده وی بود. اویس شاعری ماهر با طبعی روان بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۲۳- ۲۲/ ۱)، دانشمندان آذربایجان (۵۷- ۵۶)، الذریعه (۱۱۲/۹)، سخنوران آذربایجان (۷- ۸)، فرهنگ سخنوران (۱۱۰)، مجالس النفاث (۳۹۶).

اویسی، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ محمدحسین اویسی فرزند غلامعلی اویسی قزوینی (۱۳۳۶ - ۱۴۱۱ ق) از علمای اعلام و مدرسان نامدار حکمت و فلسفه در قزوین بود. وی پس از آنکه تحصیلات خود را در حوزه علمیه ی قم به پایان رساند، به زادگاه خود قزوین مراجعت کرد و به

تدریس فقه و اصول و فلسفه پرداخت. او آثاری چند در حوزه علوم قرآنی به تالیف رسانده است. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب: شیخ محمدحسین فرزند غلامعلی اویسی قزوینی (۱۳۳۶ - ۱۴۱۱ ق) از علمای اعلام و مدرسان نامدار حکمت و فلسفه در قزوین بوده است. تحصیلات رسمی و حرفه ای: شیخ محمدحسین اویسی مقدمات علوم و فنون ادب را در زادگاه خود فراگرفت. در حدود سال ۱۳۷۲ ق به قم هجرت نموده و در مجلس درس بزرگان حوزه حاضر گردید. استادان و مربیان: محمدحسین اویسی دروس طلبگی همچون صرف و نحو و... را در قزوین نزد سید احمد عمادحاج سیدجوادی و شیخ مهدی قاضی فراگرفت و سپس مشغول تحصیل در فقه و اصول گردید و فلسفه را از محضر فیلسوف شهیر، شیخ ابوالحسن رفیعی قزوینی استفاده کرد. وی پس از آنکه به قم مهاجرت نمود، خارج فقه را از محضر آیت الله بروجردی استفاده کرد و برای یادگیری اصول درس شیخ عباس شاهرودی و سیدمحمد داماد حاضر شد. اویسی سالیان متمادی از محضر درس علامه طباطبایی صاحب تفسیر المیزان استفاده کرد. فعالیتهای آموزشی: محمدحسین اویسی پس از آنکه تحصیلات خود را در حوزه علمیه ی قم به پایان رساند، به زادگاه خود قزوین مراجعت کرد و به تدریس فقه و اصول و فلسفه پرداخت. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: محمدحسین اویسی همراه با تدریس، به تالیف و تفسیر قرآن نیز پرداخت. او تفسیر خود را مدت سی سال در چندین مجلد جمع و تالیف نموده است. آرا و گرایشهای خاص: شیوه و روش محمدحسین اویسی در تفسیر قرآن بدین گونه است که پس از ذکر آیه با بهره گیری از روایات، به تفسیر آن می پردازد و در ضمن آن اقوال دیگر مفسران، مانند فخر رازی را بیان کرده و مورد نقد عالمانه قرار می دهد و سپس برای روشن تر شدن بحث به اشعاری از شاعران قدیم تمسک می کند. آثار: تفسیر اویسی ویژگی اثر: این تفسیر به زبان فارسی و ثمره جلسات تفسیر قرآنی است که شبهای ماه رمضان برای مردم و طلاب در طول سی سال بیان داشته است و سپس آن را جمع آوری و به صورت کتاب مستقلی در آورده است.

منابع زندگینامه: قرآن پژوهان قزوین، تالیف: سیدمحمدعلی ایازی، تهران: موسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران، ص ۱۴۸

اهرابی نژاد، یوسف

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۶، مرتبه علمی: استاد رشته: ارتوپدی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۳۷، گذراندن دوره تخصصی ارتوپدی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۴۲، دریافت نشان جراحی عمومی در سال ۱۳۴۲، گذراندن دوره دو ساله ارتوپدی در دانشگاه پاریس.

مرتبه علمی:

استاد دانشگاه علوم پزشکی مشهد از سال ۱۳۵۴ تاکنون.

زمینه های علمی و تحقیقاتی:

طرح اسپلنو پورتوگرافی در زمینه جراحی کبد و عروق وریدی کبد و بیماریهای مربوط به هیپرتانسیون پورتال راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۰ پایان نامه دکترا.

ابداع:

تکنیک اختصاصی برای آمپوتاسیون استئومیوتراپی در زمینه ارتوپدی و تروماتولوژی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

جراحی عمومی، جراحی ارتوپدی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

ارتوپدی تروماتولوژی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

اهری، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ احمد اهری در سال ۱۲۶۸ ه. ش (۱۳۰۵ ه. ق) در شهرستان سرسبز اهر دیده به جهان گشود. او در زادگاهش دوس مقدماتی را فرا گرفت. وی در سال ۱۳۲۷ ه. ق سطح مقدماتی و دروس فقه و اصول را در حوزه علمیه تبریز شروع کرد. وی در سال ۱۳۳۸ ه. ق بار سفر به سوی عتبات عالیات بست و مدت سی و دو سال از محضر بزرگان کسب علم و فضل کرد. او به طور رسمی به عنوان استاد حوزه پذیرفته شد. آیت الله اهری در مدت اقامتش در حوزه علمیه نجف به تالیف کتابهایی نیز پرداخت که به جهت تنگدستی موفق به چاپ اثرش نشد. آیت الله اهری در سال ۱۳۷۰ ه. ق به جهت زیارت مرقد امام رضا(ع) و دیدار اقوام به ایران مسافرت کرد و در زمانی که در آذربایجان بود، به خلا- حضور علماء بزرگ پی برد. به همین جهت وقتی بزرگانی از اهالی تبریز از محضرش درخواست اقامت در شهر را کردند، با نهایت رغبت پذیرفت و تا آخر عمر به خدمت اسلام و مومنان آن دیار مشغول شد و مرجعیت دینی یافت. گروه: علوم انسانیرشته: الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب: پدر شیخ احمد اهری آقا حسین از مؤمنین آن شهر بود و در محله قدیمی شهر زندگی ساده و بی آلایشی داشت. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: در آن زمان شهر اهر با وجود اینکه وسعت و آبادی امروزی را نداشت؛ لکن شهری عالم خیز بود و مکتب‌های بزرگ درسی در آنجا دایر می‌شد. مکتب‌های «ملا جلیل» و «ملا فرج» که آوازه آنها در منطقه آذربایجان پیچیده بود، متعلق به این دوره است. هر چند این مکتب‌ها در زمان تحصیل شیخ احمد اهری به مدارس دینی و علمی منظم تبدیل شده بود؛ لکن تا اوائل قرن چهاردهم هجری، قمری همچنان با نام «مکتب خانه» پر رونق بود. تحصیلات رسمی و حرفه ای: شیخ احمد اهری در زادگاهش دروس مقدماتی را فرا گرفت و پس از تکمیل ادبیات، مدرسه دینی تازه تأسیس شده اهر را به مقصد تبریز ترک گفت. وی در سال ۱۳۲۷ ه. ق سطح مقدماتی و دروس فقه و اصول را در حوزه علمیه تبریز شروع کرد و در آن زمان بیش از ۲۲ سال نداشت. آقا شیخ احمد اهری یازده سال نیز در حوزه تبریز به تحصیل پرداخت. آقا میرزا علی اکبر اهری، عموی آقا احمد اهری بود و عنایت ویژه‌ای به وی داشت. کتاب «قوانین الا-صول» را که در آن زمان بسیار مورد توجه حوزه‌ها بود، خود به برادر زاده‌اش آموخت و پایه علمی وی از همانجا بود که

استحکام یافت. آقا شیخ احمد اهری در حوزه علمیه تبریز در درس‌های سطح حوزه تبخّر یافت و گاه به تدریس نیز پرداخت. در سال ۱۳۳۸ ه. ق آقا شیخ احمد اهری هجرتی دیگر پیش روی داشت. او از دیر زمان آوازه حوزه علمیه نجف را شنیده بود و آرزوی درک آن مرکز بزرگ علمی را داشت. در این سال وی بار سفر به سوی عتبات عالیات بست و فصل نوینی در زندگی‌اش آغاز شد و به این ترتیب آقا شیخ احمد اهری برای مدتی زیاد در آنجا سکونت گزید و از محضر بزرگان کسب علم و فضل کرد. آن مقطع، دوره‌ای بسیار پربار و پررونق برای حوزه علمیه نجف اشرف بود؛ چرا که تنها در این زمان در شهر نجف استادان بسیار متبخر در علوم مختلف، حضور داشتند و جلسات درس و بحث علمی خود را در سطح بسیار عالی دایر کرده بودند، وی حدود ۱۰ سال از عمرشان را صرف تحصیل و کسب دانش از محضر بزرگان انجام داده‌اند. استادان و مربیان: از اساتید معروف آن زمان چون: آقا شیخ عبد الرحیم کلبری، آقا سید ابو الحسن انگجی و آقا میرزا علی اکبر اهری بهره برد. از اساتید نجف حضرات آیات چون: شیخ الشریعه اصفهانی، میرزا محمد حسن نائینی، میرزا علی شیرازی (فرزند شیرازی بزرگ) آقا ضیاء الدین عراقی، آقا شیخ محمد حسن غروی اصفهانی و آقا سید ابو الحسن اصفهانیهمسر و فرزندان: فرزندان شیخ احمد اهری عبارتند از آقایان: ۱- مرحوم حجه الاسلام شیخ جواد اهری، استاد شیخ محمد کاشفی درباره ایشان می‌گوید: «آقا میرزا جواد اهری، آن موقع که با ایشان آشنا شدم، نابینا شده بود. بسیار خوش بیان بود. دارای لهجه جالب و شوخ طبع هم بود. از او درباره نجف اشرف و سایر مطالب متفرقه که می‌پرسیدیم، با زبانی شیوا و رسا مطالب را بیان می‌کرد. اهل قلم بود و یکی دو اثر هم از او هم چاپ شد. وی در حدود سال ۱۳۹۵ ه. ق در تبریز درگذشت و در قبرستان امامیه به خاک سپرده شد.» ۲- مرحوم آقا محمود. ۳- مرحوم آقا حسین. زمان و علت فوت: شیخ احمد اهری در اثر کهولت سن در روز پنجشنبه (۱۸/ صفر/ ۱۳۸۸) ه. ق مطابق با اردیبهشت ۱۳۴۸ ه. ش در سن هشتاد و یک سالگی در تبریز به رحمت ایزدی پیوست. مراسم تشییع با شکوهی از سوی مردم و روحانیت معظم آذربایجان به عمل آمد و پیکر پاک ایشان جهت مراسم خاکسپاری به شهر مذهبی قم حمل و در مقبره العلمای قبرستان ابو حسین به خاک سپرده شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: شیخ احمد اهری در سال ۱۳۷۰ ه. ق به جهت زیارت مرقد امام رضا (ع) و دیدار اقوام به ایران مسافرت کرد و مدتی فارغ از درس و بحث علمی روزهایش را سپری کرد. وی ابتدا به مشهد مقدس سفر کرد و به زیارت مرقد مطهر امام رضا (ع) شتافت. آنگاه به دیدار بزرگان حوزه علمیه مشهد از جمله زعیم بزرگ، آیت الله میلانی رفت و از آنجا به شهر مقدس قم آمد. در آن زمان حوزه علمیه قم نیز پویا بود و بزرگانی چون: آیت الله حجّت کوه کمره‌ای و آیت الله سید حسین بروجردی عهده دار اداره حوزه بزرگ آیت الله حائری بودند. آیت الله اهری مدتی در قم ساکن شد. هنگام ورود نیز از جانب این بزرگان مورد استقبال قرار گرفت؛ اما به درخواست آنها که اقامت در حوزه علمیه قم بود، پاسخ مثبت نداد. آیت الله اهری از قم به تبریز رفت و مدتی در زادگاهش با اقوام خود سپری کرد. در زمانی که در آذربایجان بود، به خلأ حضور علماء بزرگ پی برد. به همین جهت وقتی بزرگانی از اهالی تبریز از محضرش درخواست اقامت در شهر را کردند، با نهایت رغبت پذیرفت و تا آخر عمر به خدمت اسلام و مؤمنان آن دیار مشغول شد و مرجعیت دینی یافت. موقعیت و مقام علمی و اجتماعی آیت الله اهری که سرپرستی حوزه علمیه تبریز را نیز عهده دار بود، ارادت و عشق مردم به شخصیت والای ایشان و توجه علمای نجف اشرف و بزرگان حوزه علمیه قم، همه موجب شد که وی در اکثر حوادث اجتماعی و سیاسی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم شرکت کند و راهنمایی مردم در جریانات را بر عهده گیرد. موارد زیر نمونه‌هایی است از زندگی این بزرگوار، از نگاه مدارک: ۱- در تلگراف‌ها، آیت الله حکیم و آیت الله خوئی (از نجف اشرف به تبریز) درباره فاجعه مدرسه فیضیه و اهانت رژیم شاه به مقدسات اسلامی در تاریخ ۱۴ / ۱ / ۴۲ شمسی، آیت الله اهری را یکی از مخاطبین قرار دادند و خواهان حمایت ایشان از قوانین الهی شدند. ۲- آیت الله خوئی در تلگرافی دیگر، به تاریخ آذر / ۱۳۴۲ ش، درباره بازداشت جمعی از علماء و وعاظ آذربایجان، خواستار فعالیت موثر مرحوم آیت الله اهری برای آزادی آنان شد. ۳- آیت الله اهری به همراه دیگر علمای برجسته تبریز در پی تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، از

پیشگامان در مخالفت با این قانون بود. به همین خاطر همراه با سایر علمای تبریز خواستار لغو لوایح سه گانه شد. فعالیت‌های آموزشی : شیخ احمد اهری بیش از بیست سال در کنار کسب علوم مختلف به تدریس پرداخت به گونه‌ای که در حوزه علمیه نجف که آن زمان افراد برجسته‌ای می‌توانستند در صحنه‌های علمی حاضر شوند، وی به طور رسمی به عنوان استاد حوزه پذیرفته شد. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می‌آید : با تأسیس صندوق قرض الحسنه و تشکیل هیئت رسیدگی به وضع مستمندان، وسیله خیر و سعادت برای برخی از مردم شهرهای آذربایجان شد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : زندگی شیخ احمد اهری پر بار و همراه با خیر و برکت بود. خصوصاً وقتی مقیم تبریز شد و به طور رسمی مرجعیت و امامت جمعه و اداره امور مؤمنان را عهده دار شد، این خیر و برکت چندین برابر شد. وی که از لحاظ خانوادگی «اهری» محسوب می‌شد، در بین آقایان تجار و بازاری‌ها نفوذ فراوان داشت و از این موقعیت به نفع فقرا بهره می‌برد. شاگردان : تلاش‌های شیخ احمد اهری در حوزه علمیه نجف، نتیجه پرباری داد. در محضر این عالم وارسته، هزار دانشجوی علوم اسلامی تربیت شدند و در خدمت تبلیغ دین اسلام قرار گرفتند. دهها نفر نیز به مدارج عالی علمی، استادی و اجتهاد راه یافتند که بسیاری از آنها سهم ارزنده و تعیین کننده‌ای در حوادث و جریان‌های نیم قرن اخیر داشتند و بی گمان مهمترین آن، شکل‌گیری نظام اسلامی و جایگزین شدن ارزشهای دینی به جای ارزشهای غیر دینی در ایران است؛ زیرا برخی از شاگردان آیت الله اهری حتی در رأس حرکت‌ها و رهبری جریان‌های مردمی به سوی واقعیت‌های دینی بودند. اسامی برخی از شاگردان وی به این ترتیب است: (۱۶) ۱- مرحوم سید مصطفی مولانا (از مراجع و اساتید تبریز). ۲- مرحوم میرزا احمد سرابی. ۳- شیخ محمد غروی قزوینی (ساکن قم). ۴- مرحوم میرزا کاظم تبریزی. ۵- سید علی میر غفاری (آذر شهر). ۶- آقا شیخ عیسی اهری (ساکن تهران). ۷- آقا شیخ محمد کاشفی (ساکن قم). ۸- شیخ عمران علیزاده تبریزی. ۹- مرحوم میرزا احمد زنجانی. ۱۰- مرحوم میرزا علی اکبر قاری تبریزی. ۱۱- آقا شیخ رضا توحیدی تبریزی. ۱۲- آقا میرزا محمود انصاری تبریزی. آثار : ۱ حاشیه بر رسائل ۲ حاشیه بر مکاسب ۳ رساله در اجتهاد و تقلید تقریرات فقه استاد نائینی ۴ رساله علمیه ۵ رساله‌ای در قاعده لاضرر ولاضرار

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/بخش زندگینامه <http://www.hawzah.net>

اهوازی ارجانی، ابوالحسن علی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۳۸/۳۱۸ - ح ۳۸۴ ق)، پزشک. ملقب به رییس، و معروف ابن المجوسی. در اهواز یا ارجان (بهبهان) متولد شد. پدرش زرتشی بود. وی از جمله اطباء بزرگ اسلامی ایرانی و بنا به قول جورج سارتن یکی از سه پزشک بزرگ خلافت شرقی بود که خدمت به سزایی به طب اسلامی و دنیای طب کرده است. طب را نزد ابو ماهر موسی بن سیار آموخت و با پزشکان بیمارستان عضدی بغداد مانند ابوالحسن علی بن ابراهیم بن بکس و ابوالحسن بن کشکریا معروف به تلمیذستان و ابویعقوب الاهوازی و ابو عیسی بقیه و نظیف القس رومی، بنو حسنون و ابوالنصر الدحنی چشم‌پزشک و ابوالخیر و ابوالحسن بن تفاح جراح معاصر بود. اثر وی: «کامل الصنعة الطبیة الملکی» یا «کتاب ملکی» است که از جمله کتب جامع طب عربی و بنا به قول سارتن یک دایرةالمعارف طبی بود. این کتاب مشتمل بر بیست باب بود که نیمی از آن به طب نظری و نیمی دیگر به طب عملی اختصاص داشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۱۱/۵)، تاریخ الحكماء قفطی (۳۲۱)، تاریخ طب (۴۷۷-۴۴۳/۲)، ریحانه (۲۲۱/۵)، دایرةالمعارف فارسی (۳۱۷/۱)، کشف الظنون (۱۳۸۰)، مقدمه بر تاریخ علم (۷۸۰-۷۷۹/۱)، هدیة العارفين (۶۸۳/۱).

اهوازی، ابوعلی حسن

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۴۶-۳۶۲)، متکلم، قاری و محدث. معروف به ابن یزداد. در اهواز به دنیا آمد. و در سال ۳۹۱ ق به شام رفت و تا آخر عمر آنجا بود. ابوعلی در علم قرآات مشهور بود و قرآن را به روایات بسیار قرائت می کرد و سرآمد قاریان شام بود. وی بر علی بن حسین غضائری و بر شنبوذی و ابو حفص کتانی قرائت کرده بود و هذلی و غلام هزاس و احمد سمرقندی و ابوالحسن مصینی و دیگران بروی قرائت کرده‌اند. او همچنین از نصر بن احمد مرجی حدیث شنید و افرادی همچون خطیب بغدادی از وی حدیث روایت کرده‌اند. در دمشق در گذشت. کتاب «الاقناع» را در قرآات شاذ پرداخت. او را کتب دیگری نیز هست مانند: «الایضاح فی القرائت»؛ کتاب «البيان فی شرح عقود اهل الايمان»؛ «الفوائد و العوائد» یا «الفوائد و القلائد»، در نصیحت پادشاهان؛ «قراءة الحسن البصری»؛ «النیر الجلی فی قراءه زید بن علی»؛ «الوجیز فی القرائت الثمانیه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲/ ۲۱۸)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸/ ۱۰۷۳)، سیر النبلاء (۱۸- ۱۳/ ۱۸)، کشف الظنون (۲۰۰۴، ۱۹۹۴، ۱۷۷۳، ۱۳۲۳، ۱۳۰۳، ۲۱۱، ۱۴۰)، لسان المیزان (۲/ ۴۴۲-۴۳۹)، معجم الادباء (۳۹- ۳۴/ ۹)، معجم المؤلفین (۲۴۸- ۲۴۷/ ۳)، الوافی بالوفیات (۱۲/ ۱۲۲)، هدیة العارفين (۲۷۶- ۲۷۵/ ۱).

اهوازی، ابویعقوب

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، طبیب. از مردم اهواز و از بیست و چهار طبیبی بود که عضدالدوله دیلمی برای بیمارستان عضدی بغداد انتخاب کرد. رویه‌ی وی در درمان بسیار نیکو بود. از تاریخ تولد و وفات و اطلاعی در دست نیست. تألیفی دارد موسوم به «رسالة فی اثبات ان السومالی المطیب احز من التریاق».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ الحكماء قفطی (۵۸۴)، تاریخ طب (۶۷۰-۶۶۹/۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹/ ۱۱۲۹).

اهوازی، حسن، ابومحمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سوم ق)، فقیه و محدث امامی. حسن در مکتب امام رضا (ع) و امام جواد (ع) پرورش یافت و در صف اصحاب آن بزرگان قرار گرفت. وی علی بن مهزیار، اسحاق بن ابراهیم و عبدالله بن محمد را به محضر امام رضا (ع) برد و ایشان را با مقام ولایت و انجام خدمت آشنا ساخت. او با مشارکت برادرش، حسین بن سعید، سی کتاب در بیان احکام اسلام و شرح مسایل حلال و حرام تالیف کرد که البته آن کتابها بیشتر به نام برادرش است، تا وی. از آثار او: «الصلاه»، «الطلاق»، «النکاح»، «الوصایا»، «المثالب». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اختیار معرفه الرجال (۵۵۱)، رجال ابن داود (قسم ۵۵۲-۵۵۱/۱)، رجال النجاشی (۱۷۶-۱۷۱/۱)، الفهرست للطوسی (۵۳)، معجم رجال الحدیث (۳۴۹-۳۴۲/۴).

اهوازی، حسین

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۰۰ ق)، فقیه و محدث امامی. نیای وی از موالی امام سجاد (ع) بود. به قول شیخ طوسی وی و برادرش، حسن، از اصحاب امام رضا (ع) و امام جواد (ع) و امام هادی (ع) بودند. حسین با برادرش کتابهای سی گانه‌ی مشترکی تالیف کردند. به قم رفت و در آنجا در منزل حسن بن ابان سکنی گزید. حسین از امام رضا (ع) و جواد (ع) و هادی (ع) و نیز محدثان بسیاری که شمار آنها را تا صد و یازده تن یاد کرده‌اند، روایت کرده است. ابراهیم بن مهزیار، احمد بن محمد بن خالد برقی، محمد بن جعفر بن بطه‌ی قمی و حسین بن حسن بن ابان قمی و بسیاری دیگر از اهوازی حدیث شنیدند و از او روایت کردند. وی در قم درگذشت. از جمله کتابهای سی گانه‌ی حسین و حسن عبارت‌اند از: «الوضوء»، «الصلاه»، «النکاح»، «الطلاق»، «الوصایا»، «الفرائض»، «التجارات»، «الاجارات»، «الشهادت»، «الزهد»، «التقیه»، «المثال»، «الملاحم»، «المومن».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اختیار معرفه الرجال (۵۵۲-۵۰۸، ۵۵۱)، اعیان الشیعه (۲۷/۶)، الذریعه (۲۷۹-۲۷۸/۲۳، ۷۳/۱۹)، رجال الطوسی (۴۱۲، ۳۹۹، ۳۷۲)، رجال النجاشی (۱۷۶-۱۷۱/۱)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۴۰۶)، الفهرست للطوسی (۱۰۵-۱۰۴)، لسان المیزان (۵۲۵-۵۴۲/۲)، مجالس المومنین (۴۲۳/۱)، معجم رجال الحدیث (۲۴۴-۲۴۳/۵)، معجم المؤلفین (۱۰/۴).

ایازی، علی نقی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی نقی ایازی

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

زندگینامه علمی

اینجانب سید علی نقی ایازی در خانواده ای روحانی متولد شدم . پس از گذراندن مقطع ابتدایی و راهنمایی در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه مشهد مقدس شدم و بطور همزمان در سال ۱۳۶۶ دروس جدید را بصورت متفرقه ادامه دادم و تا پایان ادبیات در حوزه علمیه مشهد بودم . از ابتدای سطح به قم هجرت کرده و در مدرسه شهاییه قم ادامه تحصیل دادم ، تا اینکه پس از اتمام مقطع متوسطه در سال ۱۳۶۹ در کنکور سراسری دانشگاه پذیرفته شدم و به ناچار برای ادامه تحصیل دروس حوزوی و دانشگاهی به وطن خود مشهد مقدس عزیمت نموده و همزمان با دروس سطح عالی حوزه ، در دانشگاه فردوسی رشته پژوهشگری علوم اجتماعی ادامه تحصیل دادم . از سال ۱۳۷۳ دروس خارج فقه و اصول را در محضر اساتیدی همچون آیت الله مرتضوی ، حجج الاسلام آقایان رضا زاده و اشرفی شاهرودی آغاز کرده و قریب به ده سال دروس خارج فقه و اصول را تلمذ کردم و همچنین تحصیلات دانشگاهی را تا مقطع کارشناسی ارشد به اتمام رساندم .

ایازی، محمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد علی ایازی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

استاد سید محمد علی ایازی متولد ۱۳۳۳ شمسی یکی از قرآن پژوهان معاصر است که تحصیلات حوزوی خود را از سال ۱۳۴۷ از حوزه علمیه مشهد آغاز کرد. پس از گذراندن دوره ادبیات و مقداری از سطح به حوزه علمیه قم وارد شد و از استادان سطح آقایان: محقق داماد، فاضل ، ستوده، صلواتی و سلطانی از درس خارج اصول آیات عظام: وحید خراسانی ، آقا موسی زنجانی و فاضل لنکرانی یک دوره را تمام کرد. همچنین از درس فقه آیات عظام: منتظری و شیخ جواد تبریزی (به مدت ۱۵ سال) و نیز اندکی از درس حاج شیخ مرتضی حائری و اراکی استفاده برد. درس فلسفه را گرچه در آغاز با درس آیت الله حسن زاده آملی شروع کرد، اما مدت ۱۰ سال در خدمت آیت الله جوادی آملی اسفار و تمهید القواعد و شرح فصوص الحکم را تلمذ کرد و نیز از محضر سید جلال الدین آشتیانی در فلسفه و عرفان بهره برد. در کنار تحصیلات و از همان سال های نخست ورود به حوزه، به درس تحقیق و پژوهشهای تحقیقی در زمینه قرآن توجه بسیار داشت و مدت ۳ سال در درس تفسیر آیه الله خزعلی و درس فلسفه جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن شهید مطهری و در کارهای تحقیقاتی با این شهید در سال ۵۵ تا ۵۷ شرکت داشت. او در کنار تحصیل و تحقیق از کارهای فرهنگی و تالیف نیز غافل نبود و به ویژه پس از دوره های متمادی تحصیل فقه و اصول و فلسفه ، بیشتر وقت خود را به تحقیقات قرآنی اختصاص داده است و در این زمینه افزون بر مقالات گوناگون در مجلات و همایش ها، کتاب های بسیاری را تالیف کرده است.

ایپکچی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

خلاصه: دکتر مهدی ایپکچی سال ۱۳۰۶ ه.ش دارای مدرک دکترای در رشته بیوشیمی از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۴۵ و عضو هیئت علمی دانشکده علوم دانشگاه فردوسی مشهد با مرتبه علمی استادی می باشد.

گروه: علوم پایه

رشته: بیوشیمی

تحصیلات رسمی و حرفه ای: مهدی ایپکچی دارای مدرک کارشناسی شیمی و کارشناسی ارشد شیمی از دانشگاه تهران و دکترای در رشته بیوشیمی از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۴۵ می باشد.

خاطرات و وقایع تحصیل: اخذ مدرک دکترای شیمی از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۴۵ ه.ش از مهمترین مقاطع علمی زندگی مهدی ایپکچی می باشد.

فعالیت‌های ضمن تحصیل: مهدی ایپکچی ضمن تحصیل به مطالعه و تحقیق پیرامون موضوعاتی چون اثرهورمونهای استروئیدی در سلولهای سترولی موش و انسان، مکانیسم کاهش دهندگی گلوکز، تری کلیسیریدهای عصاره میوه نوعی درخت سرو پرداخته است.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی: بررسی اثرهورمونهای استروئیدی در سلولهای سترولی موش و انسان، مکانیسم کاهش دهندگی گلوکز، کلسترول، تری کلیسیریدهای عصاره میوه نوعی درخت سرو، تهیه اسیدسیتریک و تخلیص آن از ملاس به روش میکروبیولوژی، مکانیسم داروهای لاغرکننده بر روی موش، اثر بیولوژیکی ویتامین در بدن، نقش پروستاگلاندین‌ها و مشخصات آنها، روشهای اندازه‌گیری کلسترول در سرم خون، استاد راهنمای ۴ پایان‌نامه دکترای. تألیفات تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲ تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۵ زمینه علمی تألیفات: بیوشیمی، شیمی صنعتی، شیمی مواد غذایی و اصول صنایع شیمی. مقالات تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵ زمینه علمی مقالات: بیوشیمی و تغذیه.

وقایع میانسالی: مهدی ایپکچی پس از اخذ مدرک دکترای بیوشیمی از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۴۵ ه.ش به ایران بازگشت و به عنوان عضو هیئت علمی دانشکده علوم دانشگاه فردوسی مشهد استخدام شد و مرتبه علمی استادی را کسب نمود.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: مهدی ایپکچی عضو هیئت علمی دانشکده علوم دانشگاه فردوسی مشهد پس از طی مرحله استادیاری و سپس دانشیاری به مرحله علمی استادی تمام وقت پایه ی ۱۶ گروه شیمی و زیست شناسی این دانشکده رسید.

فعالیت‌های آموزشی: مهدی ایپکچی در گروه علوم دانشگاه‌های فردوسی مشهدی به تدریس دروس رشته بیوشیمی پرداخته و استاد راهنمای ۴ پایان‌نامه دکترای و چندین پایان‌نامه کارشناسی ارشد بوده است.

سایر فعالیت‌ها و برنامه‌های روزمره: مهدی ایپکچی در کنار تدریس به مطالعه و تحقیق پیرامون موضوعاتی چون تهیه اسیدسیتریک در تلخیص آن از ملاس به روشهای میکروبیولوژی، مکانیسم داروهای لاغر کننده بر روی موش پرداخته است.

آرا و گرایش‌های خاص: مهدی ایپکچی از جمله متخصصان رشته بیوشیمی می باشد که دراموری چون بیوشیمی، شیمی صنعتی،

شیمی مواد مواد غذایی و اصول صنایع شیمی و بیوشیمی تغذیه دارای تخصص می باشد.

آثار:

۱ بیوشیمی صنعتی

۲ بیوشیمی و تغذیه

۳ شیمی مواد غذایی و اصول صنایع شیمی

ایچی صفوی، معین‌الدین، محمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۹۰۶/۹۰۵ - ۸۳۲ ق)، مفسر، محدث و عالم شافعی. وی از اهالی ایچ از توابع فارس بود. از آثار وی: «جامع البیان» یا «جوامع التبیان فی تفسیر القرآن»، مشهور به «تفسیر صوفی»، یا «تفسیر ایچی»، که در سال ۱۷۸۹ م در لاهور چاپ شده است؛ «بیان المعاد الجسمانی والروح»؛ «شرح اربعین النووی»؛ «شعب الایمان»، در اخبار.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۶۸/۷)، ایضاح المکنون (۳۰۳/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۸۷/۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۷۲)، ریحانه (۲۱۱) - ۲۱۰/۱، کشف الظنون (۶۱۰، ۴۵۲، ۶۰)، معجم المؤلفین (۱۵۳/۱۰).

ایچی، قاضی عضدالدین

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۷۰۸/۷۰۱ - ح ۷۵۶ ق)، متکلم، اصولی، فقیه شافعی و نحوی. از معاصران حافظ است که در ایچ از توابع اصطهبانات متولد شد. صوفی مشرب بود و شاگردان بسیاری داشت، شمس‌الدین کرمانی و سیف‌الدین ابهری و سعدالدین تفتازانی از شاگردان وی بودند. در زمان سلطنت آل مظفر در شیراز به قضاوت اشتغال داشت. حافظ او را در زمره‌ی یکی از مفاخر علمی پنجگانه‌ی فارس ستایش کرده است. کتب بسیاری در فلسفه و کلام و اصول دین و اخلاق به زبان عربی دارد. آنگاه که از سوی شیخ ابواسحاق نزد امیر مبارزالدین برای انصراف وی از حمله به شیراز رفت مورد احترام فوق‌العاده وی قرار گرفت و امیر از او درخواست کرد که کتاب «المفصل» زمخشری را که در نحو است به فرزندش شاه شجاع تعلیم دهد. در مذهب خود بسیار متعصب و با امامیه شدیداً مخالفت می‌ورزید. کار او به سختی رسید و توسط والی کرمان زندانی شد و در زندان قلعه در میان کرمان درگذشت. از تألیفات او: «المواقف»، در علم کلام، که به نام خواجه غیاث‌الدین محمد بن رشیدالدین وزیر تألیف کرده و میرشریف جرجانی نیز شرحی بر آن نوشته است؛ شرح «مختصر الاصول» ابن حاجب؛ «الفوائد الغیائیه»، که اختصاری است از قسمت سوم «مفتاح العلوم»؛ «تحقیق التفسیر فی تکثیر التنویر»؛ «الرساله العضدیة»، در وضع؛ «المدخل فی علم المعانی والبیان والبدیع»؛ «العقائد العضدیة».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: از سعدی تا جامی (۴۸۲-۴۸۰)، الاعلام (۶۶/۴)، ایضاح المکنون (۵۶۵، ۳۷۸/۱)، بزرگان شیراز (۲۹۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۹۵/۳)، تاریخ گزیده (۶۹۹)، حبیب السیر (۲۲۱/۳)، دایرةالمعارف فارسی (۳۲۳/۱)، روضات الجنات (۵۱-۴۷)، ریحانه (۱۴۴-۱۴۲/۴)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۴۶/۲)، کشف الظنون (۱۸۹۱، ۱۷۶۴، ۱۲۹۹، ۱۱۴۴، ۸۹۸، ۱۰۴، ۴۱، ۳۷)، الکنی واللقاب (۴۷۲/۲)، لغت‌نامه (ذیل / عبدالرحمن)، معجم المؤلفین (۱۱۹/۵)، هدیة العارفین (۵۲۷/۱)، هفت اقلیم (۱۶۹-۱۶۸). (۱/).

ایدرم، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن ایدرم

محل تولد: رودسر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اخذ مدرک سال دوم ریاضی فیزیک راهی حوزه علمیه قم، مدرسه امام صادق علیه السلام مشهور به خلخالی شدم. در مدت چهار سال مقدمات را در آن جا فرا گرفتم. بنام ترین استادمان در این مرحله جناب حجه الاسلام جراثیمی بود. البته، بیشتر دروس این مرحله را پیش خودم خواندم؛ همچنین فراگیری را محدود به درسهای ارابه شده نکردم. در مرحله سطح ۱ و ۲ هم بیشتر دروس را بجز بخشهایی از آن، پیش خود خواندم از اساتید این مرحله می توانم آیات و حجج اسلام: وجدانی، اعتمادی، محفوظی و محقق داماد را نام ببرم که مدتی بخشهایی از سطح را پیش ایشان فراگرفتم. در مرحله خارج که از سال ۶۷ شروع شد، بخشهایی از فقه و اصول را نزد آیات عظام: منتظری، صانعی، موسوی اردبیلی، صالحی مازندرانی، احمدی فقیه یزدی فرا گرفتم. از سال ۶۹ هم تحقیق و پژوهش را در جلسه حزب الله در مباحث تاریخی شروع نمودم. کمی بعد به پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام رفتم و مدت چهار سال با آنجا به همکاری پژوهشی پرداختم. سپس در سال ۷۵ به همکاری با پژوهشکده فرهنگ و اندیشه پرداخته و تا چهار سال این همکاری ادامه داشت. از سال ۷۸ تا کنون نیز با موسسه فرهنگی و هنری عصر سبز همکاری دارم. در ضمن، سال ۷۶ تا ۷۹ هم با حوزه هنری همکاری داشته ام.

ایران پرست، نورالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۲۸۹، اصفهان.

نورالله ایران پرست مؤسس و مدیر کتابفروشی دانش و صاحب امتیاز و ناشر «دانش» (سه سال منتشر شد) فرزند مرحوم محمدعلی داعی‌السلام در ۱۲۸۹ در اصفهان متولد شد. سال‌های نوجوانی را در هند گذرانید و تحصیل کرد. سپس به ایران آمد و کتابفروشی دانش را در خیابان سعدی ایجاد کرد. از جمله آثار او تصحیح گلستان سعدی است.
برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

ایرانپور، ابراهیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابراهیم ایران پور مبارکه

محل تولد: مبارکه اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۶ در روستائی بنام مبارکه در میان یک خانواده مذهبی که به تدین معروف اند متولد شدم و تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در همان روستا به پایان رساندم و به خاطر علاقه ای که به علوم اسلامی داشتم و در زادگاه ام این مکان فراهم نبود و از طرفی وضع اقتصادی پدر بزرگوارم که یک کشاورز و کارگری بیش نبود اقتضای رفتن به شهر نبود آن هم با سخت گیری ساواک آن زمان برای رفتن به حوزه علمیه و مشکلات دیگر، تا اینکه با توسلات و دست تقدیر و عنایات پروردگار و تمایلات باطنی خدادادی به شناسایی عمیق معارف و حقایق اسلام این توفیق حاصل گردید و به حوزه علمیه اصفهان رهسپار شدیم و مقدار اندکی از نیاز علوم صرف و نحو- منطق معانی و بیان و بدیع تامین نمودم و برای تکمیل آن در رشته فقه و اصول و تفسیر توفیق تشرف به حوزه مبارکه علمیه قم و همجواری حضرت معصومه (س) حاصل گردید. امید است که در آن مهد علم بتوانیم کمال استفاده علمی و عملی را ببریم و پایان کار ختم به خیر و ترویج و نشر علوم آل محمد علیهم السلام باشد و آخر الامر حشر با این خاندان را داشته باشیم و به شفاعتشان نائل گردیم

ایراندوست تبریزی، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فرانسه از دانشگاه تبریز، کارشناسی ارشد و دکترای زبان و ادبیات فرانسه از دانشگاه مونیخ فرانسه.
مرتب‌ه علمی:

دانشیار زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ادبیات تطبیقی (ادبیات فارسی و ادبیات فرانسه)، ویراستاری ۵ کتاب از دانشگاه‌های تبریز و سهند.
تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

ادبیات تطبیقی (ادبیات فارسی و ادبیات فرانسه).

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ایرانی، عبدالمحمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۴ - ۱۲۵۰ ق)، شاعر، نویسنده، مورخ و روزنامه‌نگار. ملقب به مؤدب السلطان. در اصفهان متولد شد. در هفت سالگی پدرش را از دست داد و در حجره‌ی تجارتی برادران خود به کار مشغول شد و همزمان در مدارس قدیم اصفهان نیز به تحصیل پرداخت. در هفده سالگی به شیراز و بوشهر سفر کرد و پس از یک سال اقامت به عتبات رفت. پس از بازگشت به اصفهان، به نمایندگی شرکت اسلامی، که برای ترویج صنایع وطنی در اصفهان تأسیس شده بود، به بادکوبه رفت و چند سال در آنجا ماند. در سال ۱۳۳۲ ق که به مصر رفته بود، ابتدا در اسکندریه و سپس در قاهره به انتشار روزنامه‌ی «چهره‌نما» پرداخت. به همین سبب به چهره‌نما مشهور شد. در سال ۱۳۲۷ ق به اروپا رفت و در سال ۱۳۰۹ ش به ایران مراجعت نمود. پس از مرگش روزنامه‌ی «چهره‌نما» به مدیریت فرزندش منوچهر مؤدب‌زاده ایرانی چاپ می‌شد. ایرانی سرانجام در مصر درگذشت. از آثار وی: «رساله‌ی احقاق الحق»؛ «زرتشت باستانی و فلسفه‌ی او»؛ «تاریخ مفصل افغان»؛ «پیدایش خط و خطاطان»؛ «امان التواریخ»؛ «فوائد التواریخ».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ تذکره‌های فارسی (۴۹۳ - ۴۹۲ / ۲)، تاریخ جراید (۱۹۹ - ۱۹۰ / ۲)، تذکره‌ی القبور (۲۴۷)، زندگینامه‌ی رجال و

مشاهیر (۳۱۸ - ۳۱۷ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۹ - ۴ / ۷).

ایرانی، مصیب

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مصیب ایرانی

محل تولد: سنقر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۳/۹

زندگینامه علمی

اینجانب مصیب ایرانی تحصیلات ابتدائی و راهنمایی را در شهرستان سنقر به اتمام رسانده و در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه امام خمینی (ره) شهر کرمانشاه شده، همزمان با دروس حوزه مدرک دیپلم متوسطه اخذ نموده و بعد از پایان مقدمات در سال ۱۳۷۵ وارد حوزه علمیه قم شدم و در دروس آقایان حجت الاسلام احدی و استاد دریا باری شروع به ادامه دروس حوزه نمودم. همزمان در قم و حضور در دروس اساتید مذکور دوره تربیت مربی (دفتر تبلیغات) و آموزش مبلغین این مرکز و حضور در موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) دوره امام شناسی با گرایش اندیشه سیاسی (کارشناسی ارشد) به پایان رساندم. در حال حاضر نیز دروس خارج فقه استاد قاضی زاده و شرح منظومه استاد دریا باری را تلمذ می‌نمایم.

و سلام توفیقات روز افزون را از ایزدمنان خواهانم خداوند ما را از الطاف خود و اولیائش محروم نکند..

ایروانی، ابوالقاسم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۳۷ - ۱۱۵۱ ش)، پزشک، عالم و شاعر. در ایروان متولد شد و نزد حسین علیشاه تربیت یافت. از اطبای عهد عباس میرزای نایب‌السلطنه بود و از علوم عقلیه و نقلیه و حکمت الهی و عرفان اطلاع کامل داشت. از آقا سید علی صاحب «شرح کبیر» اجازه‌ی روایت داشت. در تبریز درگذشت و در مقبره‌ی سید حمزه دفن شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۱۰۵۱/۲)، دانشمندان آذربایجان (۲۹)، مکارم الآثار (۱۰۴۱/۴).

ایروانی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج میرزا علی آقا صاحب حاشیه (مکاسب) ابن العالم الجلیل الشیخ عبدالحسین ابن علی اصغر بن محمد باقر ایروانی نجفی از افاضل علماء معاصر تهران بود.

آن مرحوم از مراجع و مدرسین بزرگ حوزه علمیه نجف بوده‌اند که در سال ۱۳۰۱ ق تولد یافته و مقدمات علوم را از بعضی افاضل

فراگرفته، آنگاه حاضر حوزه درس علامه خراسانی صاحب (کفایه) و علامه یزدی صاحب (عروه الوثقی) و در کربلا بدرس مرحوم آیه‌الله‌التقی میرزا محمد تقی شیرازی شده و بمقام بلندی از فقه و اصول رسیده و بعد از فوت مرحوم میرزا به نجف مراجعت و متصدی تدریس خارج گردیده و بسیاری از فضلاء که از مراجع علمی و تقلیدی معاصرند از محضرش استفاده نموده تا در عصر روز دوازدهم ربیع‌المولود ۱۳۵۴ ق از دنیا رفته و در حجره کازرونی واقع در صحن شریف به خاک رفته است.

از تألیفات ارزنده‌ی علمی اوست کتاب (بشری‌المجتهدین) در اصول و حاشیه بر مکاسب مطبوع و کتاب الطهاره و کتاب صلوه و کتاب حج و کتاب خمس و رساله‌ای در فروع علم اجمالی و الذهب المسکوک فی لباس المشکوک و خیر الزاد الی یوم المعاد.

(۱۳۵۴ - ۱۳۰۱ ق)، عالم، فقیه و مدرس. از چهارده سالگی، بعد از وفات پدرش، به تحصیل علوم دینی روی آورد. پس از تحصیل مقدمات در اندک مدتی سطوح را به پایان رساند. آنگاه معقول را نزد شیخ علی محمد نجف آبادی خواند و در حوزه‌ی درس اصول آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و حوزه درس فقه آیت‌الله یزدی در نجف شرکت جست. سپس به کربلا رفت و در درس آیت‌الله میرزا محمد تقی شیرازی حاضر شد و به مقام بلندی از فقه و اصول رسید. پس از فوت آیت‌الله شیرازی به نجف بازگشت و عهده‌دار تدریس خارج فقه و اصول گردید و بسیاری از علمای وقت از محضرش استفاده کردند. وی در نجف درگذشت و در حجره‌ی کازرونی واقع در صحن شریف علوی دفن شد. از آثار وی: «کتاب بشری‌المجتهدین»، در اصول؛ «تحریر الاصول»، در دو مجلد؛ «کتاب طهاره»؛ «کتاب صلاة»؛ «کتاب الحج»؛ «کتاب خمس»؛ «الذهب المسکوک فی اللباس المشکوک»؛ «خیر الزاد الی یوم المعاد»؛ «عقد اللثالی فی فروع العلم الاجمالی»؛ «نهایه النهایه فی شرح الکفایه»؛ حاشیه‌ی «مکاسب» و «هدیه الصبیان». [۱]

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان الشیعه (۸/۲۶۱)، الذریعه (۲۴/۴۰۸، ۲۴/۴۵، ۱۰/۲۲۰، ۶/۱۸۸)، ریحانه (۶۵-۶۴/۶)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱/۳۱۹)، شهیدان راه فضیلت (مقدمه/ ۹-۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴/۳۸۳)، لغت‌نامه (ذیل/ علی حائری)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰۹-۳۰۸/۴)، معجم المؤلفین (۱۱۸-۱۱۷/۸).

ایروانی، یوسف

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ یوسف ایروانی از افاضل علماء معاصر تهران، در سال ۱۳۲۹ ق در نجف متولد شده و در بیت علم پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و سطوح از محضر بزرگان نجف مرحوم آیه‌الله آقا ضیاء‌الدین عراقی و آیه‌الله حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی و آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیه‌الله العظمی خوئی و مقداری از آیت‌الله میرزا عبدالهادی شیرازی و آیات دیگر استفاده نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌الله اصفهانی در سال ۱۳۶۶ ق به تهران مهاجرت و در مسجد (قندی) خیابان خانی آباد به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

آثار معظم له از این قرار است: ۱- مستند الفتوی فی شرح عروه‌الوثقی ۲- تقریرات و دراسات اساتید نجف اشرف مرحوم والدش علامه ایروانی و اساتید دیگر.

دارای اجازات اجتهاد و روایاتی از آیات عظام نجف آیه‌الله میرزا عبدالهادی شیرازی و مرحوم علامه کاشف‌الغطاء و علامه تهرانی صاحب الذریعه می‌باشد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

ایزد پناه، عباس

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عباس ایزد پناه

محل تولد: قزوین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

آدرس اینترنتی

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۴ سوم راهنمایی را به پایان رساندم و در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه قم شدم. تا سال ۱۳۶۴ دروس سطح را همراه با فلسفه و کلام و تفسیر به پایان رسانده و وارد دوره اشارات بوعلی و درس خارج فقه اصول شدم. در سال ۱۳۶۴ کتاب اصول سیاستها و احزاب را انتشار دادم و در سال ۱۳۶۷ وارد فوق لیسانس فلسفه و الهیات دانشگاه شدم. مدت ۲ سال در دانشگاه تربیت معلم تبریز تدریس فلسفه و کلام و در سال ۱۳۷۲ وارد دانشگاه قم شدم. ابتدا عضو هیأت علمی - پژوهشی شدم و پس از آن به تدریس پرداختم. از سال ۱۳۷۲ مقالات علمی من از کنگره علامه طباطبایی تبریز آغاز شد و مقاله در کیهان در دو شماره به چاپ رسید. در سال ۱۳۷۳ مقاله ام در دانشگاه امام حسین (ع) پذیرفته شد که بررسی تحریف شناسی عاشورا در پرتو انسان شناسی بود. پس از آن مدت حدود ۸ سال مقالات علمی ام در روزنامه های اطلاعات، کیهان و مجلات علمی به چاپ رسید که به حدود ۹۰ مقاله می رسد. در سال ۱۳۸۰ وارد دوره دکتری فلسفه تطبیقی شدم همزمان با آن در دانشگاه قم فلسفه علم، فلسفه اخلاق و کلام و عرفان تدریس می کنیم و در ضمن در سال ۱۳۸۳ طی ۶۰ برنامه علمی رادیو معارف به بررسی مبانی جنبش نرم افزاری پرداختم و پس از آن در معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات حدود ۱۰ کارگاه علمی برگزار کرده ام. این فعالیت هم اکنون به یاری حضرت حق ادامه دارد. هم اکنون دهها طرح و برنامه در دست تحقیق و تالیف دارم که در شرایط مقتضی ان شاء الله ارائه خواهند شد. گرایش عمومی اینجانب فلسفه علم، هنر و ادبیات و علوم دین است. آنچه که دغدغه اصل من در تحقیقات تألیفات است اصل جامع نگری به مسائل و تحقیق همه جانبه است. منابع زندگینامه: پایگاه اندیشوران حوزه

ایزدپور، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا ایزد پور

محل تولد : قم

شهرت : ایزدی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ با رها نمودن تحصیلات متوسطه در سطح دوم دبیرستان و در رشته علوم تجربی، به حوزه علمیه قم وارد شده و تا سال ۱۳۷۰ شمس‌العلوم مقدماتی و سطوح حوزوی را به پایان رسانده و از همان سال به تحصیلات خارج فقه و اصول مبادرت ورزیدم، تحصیلات عالی فقه و اصول را برای مدت ۱۶-۱۵ سال ادامه داده و اکنون نیز در حلقه اصول استاد معظم حضرت آیت الله وحید مشارکت دارم. همزمان با تحصیلات فوق، سالها در حوزه علمیه به تدریس کتابهایی همانند، الموجز، اصول الفقه، لمعه، رسائل و مکاسب و عقاید و در دانشگاه صنعتی امیرکبیر و تهران به تدریس مبانی نظری اسلامی و اخلاق کاربردی اشتغال داشته‌ام.

ایزدجو، تقی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تقی ایزدجو

محل تولد : آشتیان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۴۶ در آشتیان هستم سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه آشتیان شدم پس از دروس مقدماتی (جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، منطق مظفر، مختصر، مختصر المعانی، شرح لمعه و اصول فقه) و شرکت در دروس جنبی عقاید و تاریخ اسلام و نهج البلاغه که توسط حضرات حجج الاسلام محمدرضا آشتیانی و محمدجعفر امامی عصر روزهای چهارشنبه برگزار می‌شد در سال ۱۳۶۵ راهی حوزه علمیه قم شدم. و در امتحانات کتبی شورای مدیریت (که گویا اولین سال برگزاری آن بود) شرکت کردم و با نمره عالی قبول شدم و در امتحانات شفاهی که از سیوطی، مختصر و مغنی تا لمعتین و وصولین برگزار شد قبول شدم. و در مدرسه رسول اکرم (ص) واقع در خیابان شاه ابراهیم ساکن شدم. اولیه دورس لمعه و اصول را در قم در محضر استاد وجدانی فخر و صالحی اطفالی به پایان بردم. کفایه را پای درس استاد اعتمادی ششم و مکاسب را در حضور مرحوم پایانی تلمذ کردم و رسایل را از حضور استاد تهرانی بهره بردم. در طی سال‌های ۶۵ تا ۶۹ پای درس تفسیر آیت الله جوادی که آغاز دوره تفسیر ایشان بود حاضر می‌شدم. سال ۶۵ سطح ۴ و ۵ و ۶ را امتحان دادم سال ۶۶ تا سال ۱۳۶۹ پایه‌های ۷ و ۸ و ۹ قدیم را گذراندم و فقط امتحان شفاهی پایه آخر مانده بود که به علت سفر به شهرستان ایذه از طرف مرکز مدیریت حوزه علمیه برای تدریس دروس حوزوی در سال ۷۳ انجام شد. در سال ۱۳۷۰ به دعوت مسئول حوزه علمیه شهرستان ایذه از شهرستانهای استان خوزستان به این شهرستان هجرت کردم که با

هماهنگی حوزه علمیه قم (شورای مدیریت) بود و در شهرستان ایزده به تدریس مقدمات از سیوطی، مغنی اللیب، حاشیه، مختصر المعانی و قسمت متاجر عصر پرداختم و پس از گذشت سه سال از تدریس در این شهرستان در سال ۱۳۷۳ به علت قبولی در دانشگاه (مجتمع آموزش عالی قم) در رشته فلسفه در مقطع کارشناسی به قم بازگشتم. و طی چند سال در این مقطع مدرک تحصیلی آن را به دست آوردم. در سال ۷۳ پس از بازگشت از ایزده و در کنار تحصیل در دانشگاه پای درس اصول آیت الله سبحانی و اصول آیت الله مکارم حاضر می‌شدم (البته نه به طور کامل). و به علاوه در قسمت تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی قم در بخش معجم بحارالانوار مشغول به کار شدم که حاصل آن همکاری‌ها در چند جلد چاپ شده و در سال ۷۵ به عنوان کتاب سال برگزیده شد با پایان یافتن کار تدوین معجم بحارالانوار با استاد منطقه ۲ سازمان تبلیغات شروع به همکاری کردم و به عنوان مسئول بخش نقد و بررسی کتاب برای مناطق اهل سنت به مدت دو سال به انجام وظیفه پرداختم و هنگامی که به بی‌فایده بودن این کار پی بردم از این نهاد جدا شدم. و در سال ۱۳۷۶ با هدف تعلیم و تربیت نسل جوان و جویای حقیقت به استخدام آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران در آمدم که هنوز هم همکاری با این نهاد ادامه دارد. در سال ۱۳۸۰ در مقطع کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام دانشگاه قم پذیرفته شدم و پس از پایان دروس تئوری و در حالیکه پایان‌نامه را رو به پایان داشتم به علت برخی مشکلات از ادامه تحصیل دست کشیدم و در سال ۱۳۸۲ تدریس در دانشگاه را آغاز کردم. و هم‌اینک نیز تدریس دروس معارف ۱ و ۲ اخلاق اسلامی و متون را هر ترم تدریس می‌نمایم. تحصیلات حوزوی سال ۷۶ برای ارائه به آموزش و پرورش مدرک سطح ۲ را اخذ کردم و برای سطح ۳ نیز در سال ۱۳۸۰ موضوع گرفته بودم ولی پیگیری نکردم. در سال ۱۳۶۹ در بخش گزینش قضات فیضیه مدرکم را کامل کردم و در سال ۷۰ دعوت به دوره شدم ولی نرفتم اما اکنون طی سال‌های اخیر این مدرک را دوباره ارائه داده و به احتمال زیاد امسال (۱۳۸۶) جذب قوضه قضائیه شوم برای اشتغال به امیر خطیر قضا.

ایزدهی، سجاد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید سجاد ایزدهی

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

زندگینامه علمی

ساکن شهر بابل متولد سال ۱۳۴۹

ایزدی یزدی، سیروس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: استاد رشته: روانپزشکی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دیپلم تخصصی روانپزشکی از دانشگاه علوم پزشکی تهران و کالج سلطنتی روانپزشکان انگلستان در سالهای ۱۳۴۷ و ۱۳۵۲. مرتبه علمی:

استادیار گروه روانپزشکی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۷، ارتقاء به مراتب علمی دانشیاری و استادی در سالهای ۱۳۵۴ و ۱۳۶۴.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اپیدمیولوژی در روانپزشکی، سردمزاجی، شهرنشینی، نوروز جنگ، ارزشیابی استرس، علل فرار نوجوانان، علل گرایش به مواد مخدر، هذیان حسادت، لکنت زبان، افسردگی مقاوم به درمان، استاد راهنمای ۴۶ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱۰

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

شخصیت از دیدگاه مکاتب، جنبه‌های مختلف روان‌شناسی زن، مبانی بیولوژیک رفتار انسان تعامل عوامل زیستی روانی، اجتماعی، زبان و نقش اسطوره و تاریخ در تکوین شخصیت و شناخت روان پزشکی در رابطه با بیماریهای زنان و مامایی، مسائل نوجوانان، مبانی روان‌شناختی کهن سالی، اصول گروه درمانی، خواب و اختلالات آن، الکتورانسفالوگرافی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳۳، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

جنبه‌های مختلف روانپزشکی با تأکید بر اهمیت تعامل عملکرد و ساختار سیستم عصبی مرکزی و تکوین رفتار عادی و غیر عادی. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

ایزدی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین ایزدی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۷/۱

ایزدی، میرزا اسحاق

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت الله حاج میرزا اسحاق ایزدی در سال ۱۲۵۱ (سوم صفر ۱۲۹۰ هجری قمری) ، در قزوین متولد گردید. پس از دوران کودکی ، جهت کسب علوم دینی نزد اساتید و پدر خود مشغول به تحصیل شد. پس از آنکه سطوح را در قزوین آموخت ، در سال ۱۳۱۳ با برادرش آیت الله حاج میرزا باقر به اصفهان عزیمت کرد. او مدت سه سال به کسب فقه ، اصول ، حکمت ، رجال و هیات پرداخت و از اساتید آن سامان بسیار بهره برد. سپس در سال ۱۳۱۶ رهسپار نجف گردید و با کسب علوم عالیہ اسلامی به درجه اجتهاد رسید. وی در سال ۱۳۲۶ هـ ق به قزوین بازگشت و در زادگاه خویش به تدریس علوم پرداخت. همچنین در ۲۴ خرداد ۱۳۱۰ از طرف دولت وقت محضرخانه ی شماره یک اسناد رسمی را به میرزا اسحاق واگذار گردید و تا پایان حیات آن مسئولیت به عهده داشت و چون مرد دقیقی بود و در انجام معاملات منتهای دقت را می کرد ، از آن جهت هیچ گاه دیده یا شنیده نشد که یک معامله فاسد در محضر وی انجام شده باشد. آیت الله حاج میرزا اسحاق ایزدی سرانجام در نوزدهم آبان ۱۳۲۲ شمسی دارفانی را وداع گفت. گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : حاج میرزا اسحاق فرزند خلف حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ مولا عبدالله بن ملا محمدباقر بن ملا سلیمان ایزدی ، که همگی از سلسله خاندان روحانیت با نفوذ بودند. تحصیلات رسمی و حرفه ای : میرزا اسحاق ایزدی پس از دوران کودکی ، جهت کسب علوم دینی نزد اساتید و پدر خود مشغول به تحصیل شد. پس از آنکه سطوح را در قزوین آموخت ، در سال ۱۳۱۳ با برادرش آیت الله حاج میرزا باقر به اصفهان عزیمت کرد. او مدت سه سال به کسب فقه ، اصول ، حکمت ، رجال و هیات پرداخت و از اساتید آن سامان بسیار بهره برد. سپس در سال ۱۳۱۶ رهسپار نجف گردید و با کسب علوم عالیہ اسلامی به درجه اجتهاد رسید. استادان و مربیان : میرزا اسحاق ایزدی ابتدا نزد پدر خود تحصیلات مقدماتی و سطوح را فراگرفت. سپس به اصفهان رفته و نزد آیت الله حاج شیخ محمدتقی معروف به آقا نجفی و آیت الله سیدمحمد درجه ای که هردو از اساتید به نام و طراز اول آن روز بودند ، به کسب کمال فقه ، اصول ، حکمت ، رجال و هیات پرداخت. وی همچنین در نجف اشرف محضر درس آیت الله العظمی آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و آیت الله حاج سید کاظم طباطبایی را درک نمود. او از سوی آیت الله حاج سید کاظم طباطبایی اجازه اجتهاد دریافت نمود. زمان و علت فوت : میرزا اسحاق ایزدی در نوزدهم آبان ۱۳۲۲ شمسی دارفانی را وداع گفت و در شهر قم به خاک سپرده شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در ۲۴ خرداد ۱۳۱۰ از طرف دولت وقت محضرخانه ی شماره یک اسناد رسمی را به میرزا اسحاق واگذار گردید و تا پایان حیات آن مسئولیت به عهده داشت و چون مرد دقیقی بود و در انجام معاملات منتهای دقت را می کرد ، از آن جهت هیچ گاه دیده یا شنیده نشد که یک معامله فاسد در محضر وی انجام شده باشد. فعالیتهای آموزشی : میرزا اسحاق ایزدی پس از آنکه تحصیلات خود را نجف اشرف به پایان رساند ، در سال ۱۳۲۶ هـ ق به قزوین بازگشت و در زادگاه خویش به تدریس علوم پرداخت. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : میرزا اسحاق ایزدی در سال ۱۳۳۱ جهت زیارت خانه خدا به مکه مشرف شد و پس از مرگ عمویش ، حاج ملا- علی اکبر معروف به سیادهنی که از اکابر معروف قزوین بود ، در اندک مدتی مرجعیت تامه یافت و به حل و فصل امور اجتماعی مسلمین پرداخت. او در این زمان دفتری مرتب نموده و کلیه معاملاتی که در محضر وی انجام می شد را ثبت می کرد و این موضوع باعث اعتماد مردم قزوین شده بود. علاوه بر فعالیت های ذکر شده ، وی به عنوان یک روحانی روشنفکر ، زمینه مطالعاتی و تحقیقاتی نیز داشته و آثاری از خود به یادگار نهاده است. آثار : رساله در استصحاب رساله در توبه رساله در مبحث قطع

ایلاقی، شرف‌الدین، شرف‌الزمان ابو عبدالله محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۳۶ ق)، طیب. اصل وی از ایلاق نیشابور بود و در باخزر و بلخ اقامت داشت. وی از شاگردان مشهور ابوالعباس لوکری بود که در مسائل نظری و علمی حکمت توانا و در طب نیز ماهر بود. او در جنگ قطوان نزدیک سمرقند کشته شد. در برخی آثار او را شاگرد ابن سینا نوشته‌اند که با توجه به سال مرگ وی احتمالاً درست نیست. تصنیفات بسیار پدید آورد مانند: «الفصول الایلاقیه»، در کلیات طب که به نامهای «اختصار القانون» یا «مختصر القانون» ابوعلی سینا و یا «شرح ایلاقی» نیز آمده است. آثار دیگری نیز به وی نسبت داده‌اند از جمله: «اللواحق»؛ «دوست نامه»؛ «سلطان نامه» و «اعداد الوفی».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام: (۲۲/۸)، اعیان الشیعه (۱۰۱/۱۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/۲۹۴)، تاریخ طب (۲/۶۹۵)، تاریخ نظم و نثر (۷۲۸)، الذریعه (۲/۵۰۹)، ریحانه (۱/۲۱۱)، سرآمدان فرهنگ (۲۱۰-۲۰۹/۱)، کشف الظنون (۱۲۶۶، ۷۷)، لغت‌نامه (ذیل / ایلاقی)، معجم المؤلفین (۱۲/۱۲۳، ۸۲/۹).

ایلیخانی، اصغر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: دامپزشکی، دانشکده: -، دانشگاه: آزاد اسلامی کرج.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات عالی و دکترای دامپزشکی از دانشگاه تهران.

مرتبه علمی:

استاد دامپزشکی دانشگاه آزاد اسلامی کرج.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بیماریها و جراحی‌های مختلف در سگ، تدریس در بخش جراحی دانشکده دامپزشکی TROPETSREDNO واقع در پرتوریا کشور آفریقای جنوبی به مدت ۳ ماه، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۸ پایان‌نامه دکترای رشته دامپزشکی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

جراحی عمومی و اختصاصاً دام‌های کوچک.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۴، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

علوم دامپزشکی، بیماریهای درونی، جراحی دامهای کوچک.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

ایماندل، کرامت‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بهداشت محیط، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای داروسازی، متخصص در رشته بهداشت محیط، متخصص در رشته کلینیکال پاتولوژی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بهداشت محیط زیست، کیفیت آب، آلودگی آب، ارزشیابی گندزداها، آلودگی هوا، عفونت بیمارستانی، راهنمایی مشاوره و

نظارت بر ۳۵ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

بهداشت مواد غذایی، شیمی و میکروبیولوژی آب و فاضلاب، گندزداها، ضد عفونی کننده‌ها و پاک کننده‌ها.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۱

زمینه علمی مقالات:

بهداشت محیط زیست، آب، هوا، فاضلاب، گندزداها.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

ایمانی مقدم، رحمت‌الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

زندگینامه علمی

اینجانب رحمت الله ایمانی فرزند حیدر علی سال ۱۳۴۱ در خمینی شهر (هما یون شهر - سده-) به دنیا آمده، تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را در مدارس پرتو، کورش کبیر و صائب به پایان برده و سال ۱۳۵۷ سال سوم دبیرستان در برنامه های ضد رژیم و تظاهرات و... شرکت نموده، سال چهارم دبیرستان (رشته فرهنگ و ادب) با پیروزی و تثبیت انقلاب اسلامی به پایان رسانده و سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شده و با اسکان در مدرسه مهدیه - خ باجک - در مدرسه وثوق «المهدی (عج)» - صفائیه - شروع به درس نموده و پس از چهار سال وارد دروس آزاد حوزه علمیه قم شده و در دروس آزاد حوزه - مدرسه فیضیه و مدرسه آیه الله گلپایگانی - شرکت کرده و در سال ۱۳۷۰ سطح عالی را به پایان رسانده و در دروس خارج فقه و اصول شرکت نموده و مدت چهار سال به درس خارج اصول استاد بزرگوار فاضل لنکرانی دام عزه شرکت نموده و پس از آن در درس فقه استاد بزرگوار حضرت آیت الله تبریزی قدس سره شرکت نموده (این درس ۱۵ سال به طول انجامید و چه استفاده های مهم فقهی، علمی، رجالی و... که از این استاد بهره مند شدیم خداوند درجات او را متعالی گرداند و با اولیاء و اوصیایش مخصوصا امیرالمومنین علی ابن ابی طالب (ع) محشور گرداند که او در دفاع از حریم ذات احدیت و ولایت سخت کوشا بود.) و در اصول وحید خراسانی «دام عزه» شرکت نموده (این درس از سال ۶۹ شروع و هم اکنون ادامه دارد) در دروس اساتید اخلاق مانند استاد مظاهری، استاد اشتهاردی و استاد مصباح شرکت نموده و از سال ۱۳۷۶ به اصرار یکی از دوستان در مدرسه علمیه معصومیه مشغول تدریس شدم (این درس چهار سال ادامه داشت) در سال ۱۳۷۷ با راهنمایی یکی از دوستان وارد مرکز فرهنگ و معارف قرآن شده (که این مرحله شروع تحقیقات علمی ماست) و با آموزش کوتاه مدت - دو هفته ای - با بخش تشکیل پرونده علمی دایره المعارف قرآن کریم شروع به همکاری کرده این بخش (بعد از تعیین مدخلها و موضوعات دایره المعارف) مهمترین کار علمی دایره المعارف است که با تحقیق و بررسی کامل موضوع و مدخل خاص از کتب لغات، تفسیر، روایات، تاریخ و دیگر کتب مربوط به موضوع و گرفتن کپی، عکس، مطالب و جمع آوری آن در یک پرونده علمی و تهیه گزارش از کار علمی، فهرست منابع و مدارک پرونده آماده ارزیابی و بررسی می شود و بعد از آن، ارزیابی و اشکالات و ایرادات وارده را رفع یا جواب داده پرونده برای نوشتن مقاله تحویل بخش تدوین مقالات می شود. بنده در بخش تشکیل پرونده نزدیک به بیست پرونده علمی تشکیل داده و در بخش ارزیابی نزدیک به بیست پرونده را ارزیابی و پس از سه سال فعالیت در آن بخش وارد بخش مقابله و باز بینی علمی شده و الآن در آن بخش به فعالیت مشغول هستم که علاوه بر مقابله و باز بینی علمی و غنی سازی مقالات به کتاب شناسی جلد دوم تا ششم دایره المعارف قرآن کریم هم مشغول بوده (هر جلد بیش از هشتصد منبع دارد) و همزمان کار یکسان سازی منابع و پانوشتها را انجام داده که نام بنده در ردیف همکاران علمی دایره المعارف قرآن کریم که اکنون پنج جلد آن چاپ و جلد ششم آماده چاپ می باشد آمده است در کنار کار تحقیقاتی قرآن از سال ۶۴ تا حال هر سال ماه مبارک رمضان و محرم و صفر به تبلیغ احکام و معارف اشتغال دارم و از سال ۷۰ تا به حال بعنوان روحانی کاروانهای سوریه، عمره و حج با سازمان حج و زیارت همکاری می کنم به حول وقوه الهی تا به حال ۱۴ سفر حج و عمره سه سفر سوریه مشرف شده ام.

در طول سالهای جنگ تحمیلی (۵۹-۶۷) هر سال یکی دو بار بصورت رزمی و تبلیغی به جمع رزمندگان اسلام پیوسته و در عملیات محرم مورد اصابت ترکش خمپاره قرار گرفته و مجروح شده و الآن افتخار جانبازی جنگ تحمیلی را دارم.

ایمانی، حسین

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین ایمانی

محل تولد: همدان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

اینجو، عضالدوله، جمال‌الدین حسین

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۳۵ ق)، فرهنگ‌نویس. از علویان شیراز بود که ظاهراً نسب خود را به شیخ ابواحسق اینجو پادشاه معروف فارس در سده‌ی هشتم قمری می‌رساند. پدرش از ارکان دولت دکن بود. علوم متداوله را در خدمت اساتید عصر آموخت و از مقربان درگاه حسین نظام شاه صاحب احمدنگر شد، و نظام‌شاه دختر او خدیجه را به عقد خود درآورد و مقام پدرزن خود را بالا برد. تا حیات نظام‌شاه با احترام زیست. پس از وفات او پسرش مرتضی بن حسین بحری جانشین وی شد و چون مادر شاه بر امور مسلط بود جمال‌الدین را به زندان انداخت. اما بعداً امور به دست مرتضی افتاد، او را از زندان بیرون آورد و کارهای مهم را به او سپرد. پس از مدتی از او رنجید و او را با دخترش خدیجه به رامپور تبعید کرد. وی به آگره نزد جلال‌الدین اکبر بن همایون تیموری رفت و از مقربان درگاه او شد. زمانی که جهانگیر پسر اکبر به تخت سلطنت نشست او را والی بهار کرد و لقب عضالدوله به او داد. در سال ۱۰۳۰ ق به علت کهولت سن از کار کناره گرفت و در اکبرآباد ساکن شد. اثر وی: «فرهنگ جهانگیری» در لغت فارسی است که آن را در سال ۱۰۳۲ ق تألیف کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۳۸۰-۳۷۶/۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۹۷)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۲۳-۱۲۲/۲).

ایوبی، مونسه

قرن: ۷

جنسیت: زن

ملیت: ایران

قرن هفتم هجری، ملقب به جلیله‌السلطنیه از زنان محدث. وی دختر ملک عادل ابوبکر ایوبی و از زنان نامدار و بلندهمت این خاندان بود. عبدالله بن موسی زواوی، فقیه معروف، از او حدیث نقل کرده است.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی‌گوی

منابع زندگینامه: منابع: اعلام النساء ۱۲۷ / ۵؛ تاریخ مشاهیر کرد، ۱۸۶ / ۳؛ خیرات حسان، ۸۹-۸۸ / ۱.

آبادانی، فرهاد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مدرس.

درگذشت: ۱ فروردین ۱۳۵۹.

فرهاد آبادانی تحصیلات خود را در دانشگاه‌های هند به پایان رسانید و پس از آن استاد زبان‌های ایرانی و فرهنگ پیش از اسلام در دانشگاه اصفهان گشت. مقاله‌های او در زمینه‌ی فرهنگ پیش از اسلام و تاریخ ایران باستان در مجله‌های تحقیقی و بیشتر در مجله‌های «هوخت»، «مهر»، «نامه‌ی سخنوران سپاهان»، «باستان‌شناسی» و «فرهنگ و هنر» چاپ شده است. وی در کتاب گوشه‌ای از فرهنگ ایران باستان مقاله‌ای درباره کتیبه‌ی داریوش دارد.

فرهاد آبادانی همچنین برای دومین کنگره‌ی تحقیقات ایرانی مقاله‌ای را به رشته‌ی تحریر درآورد. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

آبان، محمد

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، نساج و طراح. در هنر خود شهره و هم عیار نساجان و طراحان معروف زمان خود، از قبیل غیاث، حسین عبداللّه، یحیی و معزالدین بود و استادی چیره‌دست به شمار می‌آمد. برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱/ ۱).

آبری سیستانی، ابوالحسن محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۶۳ ق)، مورخ، حافظ و محدث شافعی. وی به خراسان، شام، جزیره و حجاز سفر کرد. از ابن خزیمه‌ی نیشابوری، ابوالعبّاس سراج نیشابوری، زکریا بن احمد بلخی، محمد بن یوسف هروی و محمد بن سهل قهستانی و دیگران حدیث شنید. علی بن بشری لیشی سجستانی، یحیی بن عمار سجستانی و دیگران از وی روایت کرده‌اند. اثر معروف او: «مناقب الامام الشافعی» است که تذکره‌نویسان آن را در نوع خود کم‌نظیر دانسته‌اند.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۱/ ۵۶)، تاریخ سیستان (۲۹)، تذکره الحفاظ (۹۵۵-۹۵۴/ ۳)، دائرة المعارف البستانی (۱/ ۲۰)، سیر

النبلاء (۳۰۱- ۲۹۹/ ۱۶، ۵۰۰، ۱۲/ ۱۰)، كشف الظنون (۱۸۳۹)، مرآة الاطلاع (۱/ ۱)، معجم البلدان (۱/ ۶۷)، معجم المؤلفین (۲۳۲- ۲۳۱/ ۹)، الوافی بالوفیات (۲/ ۳۷۲)، هدیة العارفين (۲/ ۴۸).

آبسکونی، ابوالعلاء احمد

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم ق)، محدث. از مردم آبسکون واقع در سواحل دریای مازندران بود. به صور در ساحل مدیترانه رفت و در آنجا مسکن گزید. ابوالعلاء از محمد بن حمید و ابوزرعه رازی حدیث شنید و بسیار حدیث نقل می‌کرد. عبدالله بن عدی حافظ از او روایت کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵۷- ۵۶/ ۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱/ ۱۰)، دائرةالمعارف البستانی (۱/ ۲۰)، معجم البلدان (۶۸/ ۱).

آبندونی گرگانی، ابوالقاسم عبدالله

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۶۸- ۲۷۴ ق)، حافظ و محدث. از مردم آبندون گرگان بود. حاکم نیشابوری او را یکی از ارکان حدیث و خطیب بغدادی او را ثقه می‌داند. سمعانی او را پرهیزکار و امین می‌خواند. آبندونی از ابوخلیفه جمحی و ابوالعباس سراج و همطبقه‌ی آنان روایت می‌کرد. ابوبکر اسماعیلی، دوست آبندونی، ابوبکر بن شاه مروزی و ابونعیم حافظ از او روایت کرده‌اند.

حاکم در تاریخ خود از او یاد کرده است. آبندونی شاگردان کمی را می‌پذیرفت. در سال ۳۵۰ ق به بغداد رفت و در آنجا ساکن شد. او دارای کتب و آثار مدونی بوده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵۸- ۵۷/ ۱)، تاریخ بغداد (۴۰۸- ۴۰۷/ ۹)، سیر النبلاء (۲۶۳- ۲۶۱/ ۱)، معجم المؤلفین (۲۰- ۱۹/ ۶).

آبی رازی، موفق الدین، حسن

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم ق)، فقیه و محدث. مشهور به خواجه آبی. وی در قریه راشده شنست ری ساکن بود. وی بر فقیه عالیمقام امیرکیا فرزند ابوالجیم مصدري قرائت کرد. خواجه آبی فقیهی صالح و مورد اعتماد بود.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲/ ۲۸۲)، ری باستان (۲/ ۲۹۸)، ریاض العلماء (۱/ ۳۳۸)، شهیدان راه فضیلت (۱۳۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۶/ ۶)، فهرست منتجب‌الدین (۵۵-۵۴).

آبی، ابوسعید، ابوسعید منصور

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۳۲/ ۴۲۲/ ۴۲۱ ق)، فقیه، ادیب، شاعر و مورخ امامی. در آبه یا آوه از توابع ساوه متولد شد. و پس از کسب معلومات متداول زمان در ری به وزارت ابوطالب مجدالدوله دیلمی رسید، و با صاحب بن عباد دوستی داشت. به گفته‌ی منتجب‌الدین از شاگردان شیخ طوسی بود. عبدالرحمان نیشابوری از او روایت می‌کرد. برادر او، ابومنصور محمد بن حسن آبی، نیز از ادیبان و دانشمندان قرن پنجم است که در خدمت ملوک طبرستان دارای منصب وزارت بود. آثار ابوسعید عبارت‌اند از: «نزهة الادب»؛ «نثر الدرر»؛ «تاریخ ری».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۸/ ۲۳۷)، اعیان الشیعه (۲/ ۲۵۲، ۹/ ۸۵)، دائرةالمعارف البستانی (۱/ ۲۵-۲۶)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱/ ۱۲)، الذریعه (۱۰۸، ۵۲-۵۱/ ۲۴، ۳/ ۲۵۴)، ری باستان (۲/ ۳۹۴)، ریاض العلماء (۵/ ۲۱۹)، ریجانه (۷/ ۱۳۵-۱۳۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۹۶-۱۹۵/ ۵)، فهرست منتجب‌الدین (۱۶۱)، فوائد الرضویه (۶۶۸-۶۶۷)، کشف الظنون (۱۹۳۹، ۱۹۲۷، ۲۹۵)، الکنی واللقاب (۲/ ۴)، معجم الادباء (۶/ ۲۳۸)، معجم البلدان (۱/ ۶۹)، معجم المؤلفین (۱۳/ ۱۲)، نشر دانش (س ۱۳، ش ۶، ص ۲۸)، هدیة الاحباب (۹۶)، هدیة العارفين (۲/ ۴۷۳).

آبی، ابوعبدالله جریر

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۸۸- ۱۱۰/ ۱۰۹/ ۱۰۷ ق)، محدث. در آبه یا آوه، از قراء نزدیک ساوه، متولد شد و در ری سکونت گزید و بدین سبب او را محدث ری نامیدند. جریر دانشی وسیع داشت و مورد وثوق بود، اهل حدیث برای استفاده به او روی می‌آوردند و خود از کسانی چون عبدالملک بن عمیر، سلیمان اعمش و منصور بن الْمُعْتَمِر حدیث شنیده بود و کسانی نیز چون اسحاق بن راهویه، احمد بن حنبل، یحیی بن معین و عثمان بن ابی شیبۀ از او حدیث شنیده‌اند.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲/ ۱۱۱)، انساب سمعانی (۱/ ۵۹)، تاریخ الکبیر (۲/ ۲۱۴)، تاریخ بغداد (۷/ ۲۵۳-۲۶۱)، تقریب التهذیب (۱/ ۱۲۷)، الجرح والتعديل (ج ۱، ق ۵۰۷-۵۰۵/ ۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱/ ۱۲)، ری باستان (۲/ ۲۹۳)، سیر النبلاء (۱۸-۹/ ۷)، طبقات ابن سعد (۷/ ۲۶۷)، مجالس المؤمنین (۱/ ۸۸)، معجم البلدان (۱/ ۶۹).

آبی، تاج‌الدین علی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم ق)، فقیه. قاضی تاج‌الدین، به آورده منتجب‌الدین در «فهرست»، از فقیهان عصر خویش بوده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۸۸ / ۶)، فهرست منتجب‌الدین (۱۳۴)، معجم رجال الحدیث (۱۲/ ۳۲).

آبی، سید حسین

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۷۲۹ ق)، مترجم. از احوالات وی اطلاع چندانی در دست نیست، فقط از اشاراتی که خود در کتابش به احوال خویش نموده است معلوم می‌شود که اصلاً از سادات به (بین قزوین و همدان) بوده و در جوانی به کاشان و سپس به اصفهان رفته است و در همان جا مقیم و با حکام آنجا محشور شده است. اثر وی ترجمه‌ی آزادی است از «محاسن اصفهان» نوشته‌ی مفضل مافروخی، از عربی به فارسی، در ۷۲۹ ق که آن را به خواجه غیاث‌الدین محمد پسر خواجه رشیدالدین فضل‌الله تقدیم کرده است. عباس اقبال آشتیانی آن را تصحیح و منتشر کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ در ایران (۵۴)، تاریخ نگاران ایران (۱/ ۳۶۸)، الذریعه (۲۰/ ۱۲۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۸ / ۸)، مولفین کتب چاپی (۸۶۰- ۸۵۹ / ۲).

آبی، عزالدین، زین‌الدین، ابومحمد حسن

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س هفتم ق)، فقیه امامی. وی معروف به فاضل آبی و ابن‌زینب یا ابن‌زیب یا ابن‌ریب و از شاگردان محقق حلی بود که با استاد خود مباحثاتی داشته و در بسیاری موارد با وی مخالفت کرده است. از آثار او «کشف الرموز» است، در شرح «مختصر نافع» که در رمضان سال ۶۷۲ ق از کتابت آن فارغ شده است. آبه روستایی در بخش جعفر آباد ساوه است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲۸۲، ۸۵ / ۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۲ / ۱)، الذریعه (۳۵ / ۱۸)، ریاض العلماء (۱۵، ۱۱ / ۷، ۱۴۷ - ۱۴۶ / ۱)، ریحانه (۳۹ - ۳۸ / ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۸ / ۷)، فوائد الرضویه (۶۴، ۹۵)، الکنی واللقاب (۱۵۵ / ۳، ۴ / ۲)، هدیه الاحباب (۹۶).

آبی، مجدالدین، صاعد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم ق)، فقیه و واعظ. وی از فقیهان و واعظان شیعی قرن ششم ق است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳۷ / ۶)، فهرست منتجب‌الدین (۱۰۰).

آبی، محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم ق)، ادیب و محدث. مشهور به ادیب آبی. وی استاد منتجب‌الدین است و منتجب‌الدین در «فهرست» گوید که از محضرش استفاده روایی برده‌ام. از آثارش: «المنتخب»؛ «ندبه‌الوالد علی المولود». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: الذریعه (۱۰۴- ۱۰۳ / ۲۴، ۳۶۶ / ۲۲)، ریاض العلماء (۸۷ / ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۶۰ / ۶)، فهرست منتجب‌الدین (۱۷۰).

آپاسای منشی

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح س سوم م)، منشی دربار ساسانی. در شهر قدیمی شاپور، در بیست و چهار کیلومتری شمال غربی کازرون دو ستون مربوط به یک آتشکده‌ی کوچک ضمن ویرانه‌ها پیدا شد که روی آن ۱۶ سطر به پهلوی ساسانی و اشکانی از بهرام اول (۲۷۲ تا ۲۷۵ م) نوشته شده بود بدین مضمون: «در فروردین ماه از سال ۴۸ از تاریخ آتش اردشیر و سال سی از آتش شاپور شاه مؤبدان سال ۲۴. این است پیکر مزداپرست خداوندگار شاه شاهان ایران و غیر ایران... اردشیر.. نوه‌ی پاپک. این آثار توسط «آپاسای» منشی از شهر حران.. برای پادشاه خود... شاپور... ساخته است. وقتی که شاهنشاه این پیکر را دید به آپاسای منشی خلعت بخشید از طلا و نقره و یک باغ و یک معبد». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: تمدن ساسانی (۶۶- ۶۵ / ۱).

آتشی شیرازی، محمد کاظم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۸۹-۱۲۰۸ ق)، فقیه و مجتهد. دائی نگارنده‌ی «فارسنامه‌ی ناصری» است. سالها تحصیل مراتب علمیه کرد تا به دریافت درجه اجتهاد نایل گشت. در ۱۲۴۵ ق از شیراز به کرمان رفت و در آنجا ساکن شد و سالها به نشر معارف اسلامی پرداخت و عهده‌دار امامت مسجد گنجعلی خان بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فارسنامه‌ی ناصری (۲/ ۹۵۸).

آتشی مراغه‌ای

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، فقیه، ادیب و شاعر. در عهد فتحعلی شاه شیخ‌الاسلام مراغه و از شعرای معروف آن شهر و متخلص به آتشی بوده است. وی کتب زیادی تألیف کرده است، دیوانی هم دارد که اکثر اشعار آن به زبان ترکی است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان آذربایجان (۲)، الذریعه (۲/ ۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۹/ ۱۳)، فرهنگ سخنوران (۲)، مستدرکات اعیان (۳/ ۳).

آجُری، ابوحفص عمر

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۴۴ ق)، محدث. از کسانی چون ابوخلیفه فضل بن حُباب جُمَاحی و زکریا بن یحیی ساجی حدیث شنیده است. و به نقل سمعانی، حاکم نیشابوری در تاریخ خود گفته است: ابوحفص با ما از استادان حدیث شنید و چند سالی در نیشابور زندگی کرد، آنگاه به آهنگ عراق از نیشابور خارج شد و... خبر مرگ او را از ری دریافت داشتیم.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۶۰-۵۹/ ۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱/ ۲۱).

آجنگانی، ابوالفضل محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، فقیه و متکلم. در آجنگان، از روستاهای سرخس، متولد شد. از بزرگان اهل مناظره و از استادان فقه و کلام بود. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
 منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۶۰/ ۱)، دائرةالمعارف البستانی (۴۰/ ۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۲۲/ ۱)، معجم البلدان (۱۳۰/ ۱)، نام‌آوران فرهنگ (۹۱).

آجودان باشی، ابراهیم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۳۲۳ ق)، مترجم. ملقب به امیر تومان فرزند میرزا علی اکبرخان آجودانباشی. وی «تیاثر ضحاک» نوشته‌ی سامی بیگ عثمانی را که یکی از نمایشنامه‌های ضداستعماری است به فارسی ترجمه کرد. اهمیت این نمایشنامه از جهت داشتن محتوای ضداستبدادی و انتشار آن مقارن با شکل‌گیری نخستین حرکت‌های مشروطه‌طلبانه است. از این گذشته، انتخاب یک داستان اساطیری-تاریخی برای تنظیم یک نمایش ابعاد نمایشی اساطیر ایرانی را هم برای ایجاد «نمایش ملی» به ایرانیان نشان می‌داد. میرزا ابراهیمخان آجودانباشی ترجمه‌ی نسبتاً خوبی از این اثر به دست داده است به طوری که ذکاءالملک فروغی از آن بسیار تعریف کرده است.
 برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
 منابع زندگینامه: ادبیات نمایشی (۲۷۴- ۲۷۳/ ۲)، ایدئولوژی نهضت مشروطیت (۳۴۲).

آخری، ابوالفضل خزیمه

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۴۸ ق)، فقیه و متکلم معتزلی، ادیب و لغوی. نامش محمد و به خزیمه معروف بود. اهل آخر، قصبه‌ای در دهستان، میان گرگان و خوارزم، بود. در ناحیه‌ی دهستان از کسانی چون ابوالفتیان عمر بن عبدالکریم رؤاسی و بندار بن عبدالواحد دهستانی و دیگران حدیث شنید. در مرو به روایت حدیث اشتغال داشت و در همان جا نیز درگذشت.
 برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
 منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۶۱/ ۱)، دانشنامه‌ی ایران اسلام (۳۸/ ۱)، معجم البلدان (۵۵۹/ ۲، ۷۰/ ۱).

آخری، ابوالفضل عباس

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، محدث. از مردم آخر، قصبه‌ای در دهستان، میان گرگان و خوارزم بود. وی امام جماعت مسجد عتیق در مرز دهستان بود و از کسانی چون عبدالرحمان بن ابی‌حاتم، ابوبکر شعرائی، موسی بن العباس آزادواری و دیگران نقل حدیث می‌کرده،

و حمزه بن یوسف سهمی از او حدیث روای کرده است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۱/ ۶۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱/ ۳۸)، معجم البلدان (۲/ ۵۵۹، ۱/ ۷۰).

آخری، ابوالقاسم اسماعیل

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، فقیه و محدث. در آخر، قصبه‌ای در ناحیه دهستان میان گرگان و خوارزم، متولد شد و به مصر سفر کرد. وی از احمد بن بهزاد سیرافی و ابوالفوارس صابونی و دیگران حدیث روایت می‌کرد. ابوالقاسم حمزه بن یوسف سهمی نیز از او روایت کرده و «اصول» او را ستوده است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۱/ ۶۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱/ ۳۸)، لسان المیزان (۸/ ۶۷، ۶۰۵- ۱/ ۶۰۴)، معجم البلدان (۲/ ۵۵۹، ۱/ ۷۰).

آخوند خراسانی، ملا محمد کاظم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۹- ۱۲۵۵ ق)، فقیه، اصولی، مجتهد بزرگ تشیع و از بنیانگذاران انقلاب مشروطیت. پدرش ملا حسین اهل هرات و ساکن مشهد بود. وی مقدمات علوم را در مشهد آموخت و از آنجا به سبزوار رفت و مدتی در محضر درس حاج ملاهادی سبزواری حاضر گشت. در بیست و دو سالگی به تهران آمد و علوم عقلی را نزد میرزا ابوالحسن جلوه و دیگران فراگرفت و در سال ۱۲۷۸ ق به نجف رفت و به حوزه درس شیخ مرتضی انصاری پیوست. مدتی نیز در درس شیخ راضی، سید مهدی قزوینی و سید علی شوشتری شرکت جست و پس از وفات شیخ انصاری به خدمت میرزای شیرازی درآمد. آخوند اسلام است که شاگردان بسیاری را تربیت کرده است. وی یکی از سه تن روحانی نجف بود که از مشروطیت حمایت کرد و این عمل او منجر به موفقیت آزادیخواهان در انقلاب مشروطیت شد. در سال ۱۳۲۹ ق زمانی که روسها بر آزادیخواهان ایران با ارسال اولتیماتوم‌های پشت سر هم سخت گرفته بودند، به قصد آمدن به ایران حرکت کرد، ولی در راه ناگهان درگذشت، شایع شد که او را مسموم کرده‌اند. وی در مقبره‌ی حاج میرزا حبیب‌الله رشتی مدفون گردید. آثار او عبارت‌اند از «کفایه الاصول»، دو جلد، از مراجع معتبر علم اصول، «حاشیه بر رسائل» و «حاشیه بر مکاسب» که نقدی است بر آثار شیخ مرتضی انصاری؛ «حاشیه بر اسفار»؛ «حاشیه بر شرح منظومه»؛ «رسالاتی در مشق، رضاع...»؛ «الاجاره»؛ «الاجتهاد والتقلید»؛ «الفوائد الاصولیه» و «تکمله التبصره». از آثار خیر آخوند احداث سه مدرسه‌ی بزرگ و متوسط و کوچک در نجف است. وی ضمناً به انتشار چهار مجله‌ی «اخوت»، در «دره‌النجف»، «العلم» و «نجف اشرف» کمک بسیار کرد. وی در نزد فقها و دانشمندان علوم دینی به «صاحب الکفایه» شهرت دارد. و فرزندان او کلمه «کفائی» را برای نام خانوادگی خویش انتخاب کردند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/ ۲۳۴)، اعیان الشیعه (۶- ۵/ ۹)، تاریخ برگزیدگان (۴۳/ ۴۲)، خدمات متقابل اسلام و ایران (۵۰۰- ۴۹۹)، الذریعه (۸۸/ ۱۸، ۳۲۴/ ۱۶، ۲۲۰/ ۶، ۴۱۲/ ۴، ۱۲۲/ ۱)، ریحانه (۴۲- ۴۱/ ۱)، شرح حال رجال (۴/ ۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۹۳- ۹۲/ ۷)، معجم المؤلفین (۱۱/ ۱۵۵)، مؤلفین کتب چاپی (۱۶- ۱۴/ ۵).

آخوند زاده

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزای فتحلی بن میرزا محمد تقی. پدر وی کدخدای ده خانه از حوالی شبستر بود. فتحعلی در ده سالگی (۱۲۳۶ ه.ق.) از تبریز با مادر خود به ارسباران و از آنجا به قفقاز رفت، و بعد نزد پدر زن خود حاج علی اصغر قرجه‌داغی در دفترخانه مترجم زبانهای اسلامی گردید. آخوندزاده مردی دانشمند بود و در غالب مباحث علمی و فلسفی و دینی اظهار نظر و موجبات جهالت شرقیان و بدبختی آنان را گوشزد کرده است. وی بیشتر آثار خود را درباره انتقاد از اوضاع اجتماعی و اصول اداره استبدادی ایران نگاشته، و با آنکه در خدمت دولت تزاری بوده، و از شاگرد مترجمی به مترجمی و از درجه سلطانی (سروانی) تا سرهنگی ارتقا یافته بود، تا پایان عمر محبت صادقانه‌ای به ایران داشت. از جمله آثار وی مرثیه منظوم درباره مرگ پوشکین شاعر روسی، درامها، داستان ستارگان فریب خورده (از سال ۱۲۷۴- ۱۲۶۷) به زبانهای فرانسوی، انگلیسی، آلمانی و روسی ترجمه شده است. رساله «خواب شگفت» او در انتقاد اوضاع اجتماعی در برلین چاپ شده. نامه‌های کمال‌الدوله نیز بدو منسوب است.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

آدرنگی، مسعود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: استاد، رشته: داروسازی صنعتی، دانشکده داروسازی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی و داروسازی در سال ۱۳۵۰، درجه S.E.C در داروسازی صنعتی از دانشگاه لیون فرانسه در سال ۱۳۵۲، دیپلم تخصصی D.E.R.S در رشته درموفارماسی از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۵۶، دکترای تخصصی ETAT در داروسازی صنعتی در سال ۱۳۶۱.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه دانشگاه علوم پزشکی تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پزشکی، داروسازی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر حدود ۱۰۰ پایان‌نامه و دکترای تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

داروسازی، فیزیولوژی پوست و داروهای پوستی، اصول فارماکوسینتیک بالینی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۵۵، تعداد مقالات به زبان خارجی ۱۲

زمینه علمی مقالات:

داروسازی صنعتی و فرآورده‌های بهداشتی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

آدم بن ابی‌ایاس

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۲۱/ ۲۲۰ - ۱۳۲ ق)، حافظ و محدث. برای تحصیل حدیث به عراق و شام و مصر و حجاز رفت و از روایانی چون شعبه بن حجاج، مسعودی، مبارک بن فضاله و عبدالله بن مبارک حدیث شنید. در چهار «صحیح» از صحاح ششگانه از جمله «صحیح بخاری» از وی روایت شده است. ابوحاتم رازی، اسماعیل سمویه، هاشم طبرانی و گروه بسیاری از او حدیث نقل کرده‌اند. احمد بن حنبل او را یکی از ضابطین حدیث می‌داند و ابوحاتم رازی او را ثقه‌ای امین و عابد می‌شمرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۳۰ - ۲۷/ ۷)، تاریخ الکبیر (۳۹/ ۲)، تذکره الحفاظ (۴۰۹/ ۱)، تقریب التهذیب (۳۰/ ۱)، تهذیب

التهذیب (۱۷۷/ ۱)، الجرح والتعديل (ج ۱، ق ۲۶۸/ ۱)، سیر النبلاء (۳۳۸ - ۳۳۵/ ۱۰)، المعارف (۲۲۸).

آدم بن عبدالله قمی

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دوم ق)، محدث. از اصحاب امام صادق (ع) بود و از آن امام کسب فیض کرد. شیخ طوسی در «رجال» خویش از او یاد کرده و به گفته‌ی ابن حجر او را ستوده است. برقی او را با پسوند اشعری توصیف کرده است. وی در قم درگذشت و در حدود مقبره‌ی شیخان دفن شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲/ ۸۶)، رجال البرقی (۲۷)، رجال الطوسی (۱۴۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۶۳/ ۱)، لسان المیزان (۵۱۰/ ۱)، معجم رجال الحدیث (۱۲۱/ ۱).

آدم بن یونس نسفی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س پنجم ق)، فقیه امامی. شیخ فقیه و ثقه‌ی عادل که تصنیفات شیخ ابوجعفر طوسی را بروی قرائت کرد. ابن حجر در «لسان المیزان» تحت عنوان رجال شیعه‌ی امامیه از او نام می‌برد.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲/ ۸۶)، فوائد الرضویه (۴۱)، فهرست منتجب‌الدین (۱۱)، لسان المیزان (۱/ ۵۱۲)، معجم رجال الحدیث (۱/ ۱۲۴).

آدمی استرآبادی، ابوالقاسم علی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، فقیه و محدث. او را آدمی اسدآبادی و همچنین آدمی همدانی نیز نامیده‌اند. او در طلب حدیث مسافرت کرد و از فاروق خطّابی و ابوبکر قطیعی و برخی دیگر حدیث شنید.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۱/ ح ۶۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱/ ۴۵).

آدمی چاچی، ابوبکر احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، فقیه و محدث. آدمی در چاچ (ناحیه‌ای در شمال شرقی سیر دریا، ظاهراً مطابق ناحیه‌ی تاشکند) و نواحی اطراف آن زندگی می‌کرد و به روایت حدیث اشتغال داشت. وی به عراق و حجاز سفر کرد و از حبیب بن مغیره چاچی، حامد بن داوود چاچی، عبیدالله بن واصل بخاری، ابوحاتم محمد بن ادريس رازی و محمد بن عبدالله بن یزدی مُقَرّی و دیگران حدیث شنید.
ابوالفضل محمد بن محمد چاچی، و ابوجعفر محمد بن علی غزال و همطبقه ایشان از وی روایت کرده‌اند.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۱/ ۶۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱/ ۴۵).

آدمی خوارزمی، ابوالفضل محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۶۲/ ۵۶۱ق)، مفسر، نحوی، لغوی و محدث. ملقب به زین‌المشایخ. او در ادبیات از پیشگامان و در زبان عرب خحجت به حساب می‌آید. لغت و علم اعراب را از زمخشری آموخت و پس از او بر جایش نشست. او حدیث را نیز از زمخشری و دیگران شنید. در ترسل و نقد شعر دست داشت. از آثارش: «تفسیر القرآن»؛ «شرح الاسماء الحُسنى»؛ «مفتاح التنزیل»؛ «تقویم اللسان»، در نحو؛ «الاعجاب فی علم الاعراب»؛ «الهدایه فی المعانی والبیان»؛ «اعجاز القرآن»؛ «اسرار الادب و افتخار العرب». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۲۷/ ۷)، کشف الظنون (۲۰۴۰، ۱۸۲۹، ۱۷۶۰، ۵۹۵، ۴۸۸، ۴۶۹، ۴۰۰، ۱۳۲، ۱۲۰، ۹۱، ۸۴، ۵۱)، معجم الادباء (۵/ ۱۹)، معجم المؤلفین (۱۳۸- ۱۳۷/ ۱۱)، الوافی بالوفیات (۴/ ۳۴۰)، هدیة العارفین (۲/ ۹۸).

آدمی رازی، ابوسعید سهل

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۲۵۵ق)، محدث شیعه. شیخ طوسی او را از اصحاب سه امام دانسته است: امام جواد، امام هادی و امام عسکری-علیهم‌السلام. نجاشی و ابن‌داوود و شیخ طوسی او را ضعیف‌الروایه شمرده‌اند. احمد بن محمد بن عیسی اشعری او را غالی خواند و از قم بیرون راند. از آن پس وی در ری زیست. از آثار وی: «کتاب التوحید»؛ «کتاب النوادر». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲/ ۸۶)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱/ ۴۵)، رجال ابن‌داوود (قسم ۴۶۰/ ۲)، رجال البرقی (۵۸)، رجال النجاشی (۴۱۸- ۴۱۷/ ۱)، ریحانه (۱/ ۴۴)، الفهرست لابن‌الندیم (۴۰۹)، الفهرست للطوسی (۱۶۴)، معجم رجال‌الحدیث (۳۵۳- ۳۳۷/ ۸)، معجم المؤلفین (۴/ ۲۸۴).

آدمیت، فریدون

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

متولد ۱۲۹۹ و فارغ‌التحصیل دانشکده حقوق دانشگاه تهران. دکترای خود را در رشته‌ی تاریخ سیاسی از دانشگاه لندن دریافت کرد. خدمات اداری را از ۱۳۱۹ در وزارت امور خارجه آغاز نمود و مشاغل مختلفی را در آن وزارتخانه احراز کرد، تا سرانجام به مستشاری سفارت و معاونت نمایندگی دائمی ایران در سازمان ملل متحد منصوب شد. در تهران نیز مدتی مدیرکل اداره‌ی سازمانهای بین‌المللی بود. چندی با سمت سفیر کبیر در هلی نو اقامت داشت و زمانی نیز سفیر ایران در هلند بود. در کنار مشاغل سیاسی و اداری خود به کار تحقیق و تتبع در تاریخ جدید ایران پرداخته است. نشریه‌ی وزارت امور خارجه که حاوی نکات مهم تاریخی است با مدیریت وی منتشر می‌شد. او دارای تألیفات متعددی است که از همه مهمتر کتاب امیرکبیر و ایران است که چند بار به چاپ رسیده است. در این کتاب، گذشته از منابع دست اول، با استفاده از آرشیو وزارت امور خارجه ایران و انگلیس اسناد مهمی

را ارائه نموده است. این کتاب از معتبرترین کتبی است که تاکنون در این زمینه چاپ شده است. کتاب دیگری نیز به نام فکر آزادی و مقدمه‌ی نهضت مشروطه انتشار داده است که این نیز تاریخی و تحقیقی است. کتاب ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران از آثار دیگر اوست. آدمیت پس از بازنشستگی فراغت بیشتری برای تحقیق در تاریخ قاجار و نهضت مشروطیت پیدا کرد و آثار زیادی انتشار داد. کتاب افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده‌ی دوران قاجار را تنظیم نموده که از تحقیقات سودمند اوست. وی را یکی از تاریخ‌نگاران دوره‌ی جدید ایران می‌دانند که آثارش برای پژوهش تاریخی در دوره‌ی قاجاریه مفید و باارزش است. علاوه بر کتاب، رسالات و مقالات بسیاری نوشته که همگی از لحاظ روش علمی تاریخ‌نگاری به سهم خود اهمیت دارد.

برگرفته از کتاب: شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)

آدینه اصفهانی، جواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۳۹ ق)، حکیم، فقیه و زاهد. از مبرزین شاگردان جهانگیرخان قشقائی بود. وی از مدرسین حکمت در مدرسه صدر و مسجد ذوالفقار اصفهان بود و متون معقول و منقول را تدریس می‌کرد. خط او نیز پخته و شیرین بود. همچنین از نجوم و هیئت سر رشته داشت. استاد جلال همایی و آقامیرزا محمود مفید اصفهانی از شاگردان نامور وی بودند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره القبور (۲۴۲-۲۴۱)، همایی نامه (۲۲).

آذر تبریزی مرتضوی، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۱-۱۲۵۰ ش)، ادیب و شاعر، متخلص به آذر. مردی میهن‌دوست بود. مدتی به استانبول مسافرت کرد. در آنجا با سید جمال‌الدین اسدآبادی ملاقت کرد و از او چیزها در زمینه سیاست آموخت. چنان که در انقلاب مشروطه‌ی ایران از مؤسسين جدی انجمن آذربایجان در تهران شد و در ۱۳۱۱ ش به عضویت انجمن ادبی آذربایجان درآمد. آذر مردی وارسته و آزادیخواه بود. وی در مقبره‌الشعراء مدفون است. «دیوان» اشعارش شامل بیش از یک‌هزار بیت می‌باشد. «اوراق پریشان» از آثار او است که در ۱۳۳۴ ش در تبریز چاپ شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۶/۷۰)، سخنوران آذربایجان (۱۸۸-۱۸۷)، فرهنگ سخنوران (۳)، مؤلفین کتب چاپی (۲۲۳/۱).

آذر کیوان

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

یکی از روحانیان بزرگ زرتشتی (قر. ۱۱ ه.ق) از مردم شیراز یا حوالی آن (ف. پته ۱۰۲۷ ه.ق). وی با گروهی از مریدان خود به هندوستان شتافت. آذر کیوان مؤسس فرقه‌ایست مذهبی که ترکیبی است از ادیان زرتشتی، اسلام، برهمنی و مسیحی. وی را «ذوالعلوم» لقب داده‌اند و منظومه‌ای به نام «جام کیخسرو» در شرح مشاهدات وی، بدو منسوب است.

(۱۰۲۷-۹۴۲ ق)، مؤسس فرقه‌ی آذر کیوان. در فارس زاده شد. نسبش به بهمن پسر اسفندیار می‌رسد. از شخصیت‌های بسیار مشکوک تاریخ است. گویند در کودکی اهل ریاضت بود. در اواخر عمر به هند رفت و در شهر پته اقامت گزید و نحله‌ای تازه به نام خود پدید آورد که ترکیبی از مذاهب زرتشتی، اسلام، به ویژه تشیع، برهمنی و مسیحیت بود. عده‌ای بدو گرویدند این فرقه معتقد بود که حقیقت همه‌ی ادیان یکی است، به شرایع عمل نمی‌کردند. طرفداران آذر کیوان به فلسفه‌ی اشراق توجه خاصی نشان می‌دادند تا آنجا که برخی آثار شیخ شهاب‌الدین سهروردی را به فارسی ترجمه کردند. مریدانش به آذر کیوان کراماتی نسبت داده‌اند. از جمله آثار وی: «مکاشفات»، «جام کیخسرو»، «آیینی اسکندر»، «تخت طاقدیس»، «پرتو فرهنگ». دکتر زرین کوب از اصل وجود چنین مردی را منکر است و می‌گوید: «اما آنچه از احوال او و از تحصیلات و مسافرت‌هایش نقل کرده‌اند موجب حصول اطمینان به تاریخی بودن شخص او به نظر نمی‌آید...». از آثار منسوب به فرقه‌ی آذر کیوان «دساتیر» و «دبستان المذاهب» است که بنا به رای اکثر صاحب‌نظران از مجعولات و اغراقات خالی نیست. [۱]

بر گرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] ایضاح المکنون (۴۴۲ / ۱)، تذکره‌ی روز روشن (۶)، در قلمرو وجدان (۳۶۹-۳۶۸)، طرائق الحقائق (۲۵۲ / ۲)، فرهنگ شاعران زبان پارسی (۱۲-۱۱)، لغت نامه‌ی (مقدمه / ۶۲-۵۷ و ذیل / آذر کیوان).

آذر یزدی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی آذر یزدی، در روز دوم خمه‌ستورته‌ی سال ۱۳۰۰ شمسی در خرمشاه از توابع بزد در یک خانواده‌ی جدید الاسلام دیده به جهان گشود. مختصرخواندن و نوشتن را در خانه از پدر و قرآن را از مادر بزرگ فراگرفت. در سن چهارده پانزده سالگی، همراه با کار رعیتی و یا شاگرد بنایی، مدت یک سال و نیم، صبح‌های تاریک به مدرسه‌ی خان می‌رفت و تا طلوع آفتاب نزد یک «آشیخ» که او هم روزها در گیوه‌فروشی کار می‌کرد، با سه شاگرد دیگر یادگرفتن عربی را با اصرار پدر شروع کرد، «نصاب» را حفظ نمود و تا «انموزج و الفیه» خواند که بعد آن را رها کرد. آذر یزدی، پس از اتمام تحصیلات مقدماتی، چندی در رشته‌ی علوم قدیمه به تحصیل پرداخت و با زبان عربی و انگلیسی آشنایی یافت.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب: پدر مهدی آذر یزدی، حاج علی اکبر رشید، به شغل زراعت اشتغال داشت و به امور دینی و مذهبی سخت متعصب بود و چون از ذوق و قریحه‌ی شاعری برخوردار بود، دیوانی از اشعار در مدایح و مرثیاتی ائمه اطهار از خود به جا گذاشت. خاطرات کودکی: مهدی آذر یزدی، با ذکر خاطراتی از دوران کودکی خود می‌گوید: «اولین بار که حسرت را تجربه کردم،

موقعی بود که دیدم پسرخاله‌ی پدرم که روی پشت بام با هم بازی می‌کردیم و هر دو هشت سال بودیم، چندتا کتاب دارد که من هم می‌خواستم و نداشتم. به نظرم ظلمی از این بزرگتر نمی‌آمد که آن بچه که سواد نداشت، آن کتاب‌ها را داشته باشد و من که سواد داشتم، نداشتم باشم. کتاب‌ها، گلستان و بوستان سعدی، سیدالانشاء، نوظهور و تاریخ معجم چاپ بمبئی بود که پدرش از زرتشتی‌های مقیم بمبئی هدیه گرفته بود. شب قضیه را به پدرم گفتم. پدرم گفت، اینها به درد ما نمی‌خورد، اینها کتاب‌های دنیایی‌اند. ما باید به فکر آخرتمان باشیم. شب رفتم توی زیرزمین و ساعت‌ها گریه کردم و از همان زمان عقده‌ی کتاب پیدا کردم، که هنوز هم دارم. - یک وقتی کار کوچه و صحرا کم شد، قرار شد من بروم سر کار بنایی و گلکاری کار کنم. این کارها هم اغلب توی شهر بود و به این ترتیب من با شهر یزد آشنا شدم. در یزد با اینکه بچه‌ها و بزرگ‌ها ما را دهاتی حساب می‌کردند و لهجه و لحن حرف زدن ما را مسخره می‌کردند، ناراحت نبودم، چون راست می‌گفتند: ما دهاتی بودیم و خیلی چیزها را نمی‌دانستیم. اما رفت و آمد توی شهر برای من تازگی داشت. نان نازک بازاری و پالوده یزدی و بعضی میوه‌ها که قبلاً هرگز ندیده بودم و زندگی شسته رفته‌ی شهری‌ها مرا به شهر جذب می‌کرد. به خاطر همین یک روز گفتم: دیگر به صحرا نمی‌روم. پدرم اوقاتش تلخ شد، ولی مادرم با کار در شهر موافق بود. از کار بنایی به کار در کارگاه جوراب بافی کشیده شدم. صاحب کارگاه با «گلباری‌ها»، صاحبان یگانه کتابفروشی شهر، خویشی داشت و او هم جداگانه یک کتابفروشی تأسیس کرد و مرا از میان شاگردهای جوراب بافی جدا کرد و به کتابفروشی برد. دیگر گمان می‌کردم به بهشت رسیده‌ام، تولد دوباره و کتاب خواندن من شروع شد. در این کتابفروشی بود که فهمیدم چقدر بی‌سوادم و بچه‌هایی که به دبستان و دبیرستان می‌روند، چقدر چیزها می‌دانند که من نمی‌دانم. برای رسیدن به دانایی بیشتر، یگانه راهی که جلو پایم بود خواندن کتاب بود. سه چهار سال کار در این کتابفروشی، هوس نوشتن و شعرگفتن و با بچه‌های درس خوانده هم‌رنگ شدن را در من به وجود آورد.»

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: خانواده‌ی مهدی آذر یزدی، جزء خانواده‌ی جدیدالاسلام‌ها بودند؛ یعنی قبلاً زرتشتی بودند و سه چهار نسل پیش مسلمان شدند، خانواده‌ای کم‌جمعیت با مردمی فقیر. پدر او جز کار و رعیتی و باغبانی، درآمد دیگری نداشت، کم سواد بود و خیلی خشک و وسواسی و متعصب.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: پدرم مهدی آذر یزدی، کم سواد و خیلی متعصب بود و مدرسه‌ی دولتی و کار دولتی و لباس‌کت و شلوار را حرام می‌دانست، به همین علت او را به مدرسه نگذاشت. مختصرخواندن و نوشتن را در خانه از پدر و قرآن را از مادر بزرگ فراگرفت. در منزل هم قرآن، مفاتیح الجنان، حلیه المتقین، عین الحیات، معراج السعاده، نصاب الصبیان و جامع المقدمات را خواند. در سن چهارده پانزده سالگی، همراه با کار رعیتی و یا شاگرد بنایی، مدت یک سال و نیم، صبح‌های تاریک به مدرسه‌ی خان می‌رفت و تا طلوع آفتاب نزد یک «آشیخ» که او هم روزها در گیوه فروشی کار می‌کرد، با سه شاگرد دیگر یادگرفتن عربی را با اصرار پدر شروع کرد، «نصاب» را حفظ نمود و تا «انموزج و الفیه» خواند که بعد آن را رها کرد. آذر یزدی، پس از اتمام تحصیلات مقدماتی، چندی در رشته‌ی علوم قدیمه به تحصیل پرداخت و با زبان عربی و انگلیسی آشنایی یافت.

سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: مهدی آذر یزدی، با ذکر خاطراتی از فعالیت‌های گوناگون خود می‌گوید: «- در بحبوه‌ی جنگ دوم و یکی دو سال از شهریور ۱۳۲۰ گذشته بود که ناگهان آمدم تهران، حال ناگزیر می‌بایست کاری پیدا می‌کردم تا بتوانم با آن زندگی کنم و این کار حتماً می‌بایست کاری مطبوعاتی می‌بود. در تهران با چند کتابفروشی از راه مکاتبه آشنا بودم، ولی نمی‌خواستم بروم و بگویم کار می‌خواهم ناشناسانه تقاضای کار کردن را سهل‌تر می‌یافتم. بیشتر با مقالات «هاشمی حائری» انسی پیدا کرده بودم. با خودم گفتم، یک روزنامه نویس مشهور با همه ارتباط دارد. نامه‌ای به ایشان نوشتم و گفتم که کار مطبوعاتی می‌خواهم. آقای هاشمی قدری توپ و تشر زد و ملامت کرد که به تهران می‌آیید چه کنید؟! ما خودمان از این شهر در

عذاییم و از این حرف ها. بعد کم کم آرام شد و گفت، شما سه شنبه ی آینده بیا یک فکری برایت می کنم. سه شنبه ی بعد، آقای حسین مکی را در همان اداره (ظاهراً روزنامه ایران) صدا کرد و گفت، بیا، این همشهری ات آمده. با آقای مکی در یزد آشنا شده بودم. آقای مکی گفت، در خیابان ناصرخسرو با چاپخانه ی حاج محمدعلی علمی صحبت کرده ام، برو آنجا و بگو مکی مرا فرستاده. همان روز رفتم و در چاپخانه ی علمی مشغول به کار شدم و تا امروز همچنان در کتابفروشی های متعددی مشغول کار هستم (حالا در هشتادسالگی، کارم بیشتر تصحیح نمونه های چاپی کتاب است). - با اینکه در این مدت چهل و هفت سال اقامت در تهران، از کتاب دور نشده ام، ولی به کارهای مختلفی دست زده ام و هر وقت از هر جا بد می آوردم، چاپخانه ی علمی دوباره پناهگاه من بود. دو بار کتابفروشی دایر کردم و هر دو بار ورشکست شدم. دوبار با یکی از کسانی که در چاپخانه آشنا شده بودم شریک شدم و به کار عکاسی حرفه ای پرداختم و هر دو بار مغبون و پشیمان شدم. یک بار یک عکاسخانه را خریدم، ولی بعد از یک سال واگذار کردم، چون با وضع من جور نمی آمد. در کتابفروشی های خاور، ابن سینا، امیرکبیر (دوبار)، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، روزنامه ی های آشفته و اطلاعات و چاپخانه ی علمی (سه چهار نوبت و هر نوبت به مدت شش ماه تا چندسال) کار کردم. هر وقت نمی توانستم با جایی جور بیایم، از کار موظف و مستمری گرفتن دست برمی داشتم و فقط کار فردی غلط گیری و فهرست اعلام نویسی و ... را انجام می دادم (کاری که همچنان به آن مشغولم). - اولین بار که به فکر تدارک کتاب برای کودکان افتادم، سال ۱۳۳۵ یعنی در سن ۳۵ سالگی ام بود. در این سال، در عکاسی یادگار یا بنگاه ترجمه و نشر کتاب کار می کردم و ضمناً کار غلط گیری نمونه های چاپی را هم از انتشارات امیرکبیر گرفته بودم و شب ها آن را انجام می دادم. قصه ای از «انوار سهیلی» را در چاپخانه می خواندم که خیلی جالب بود، فکر کردم اگر ساده تر نوشته شود، برای بچه ها خیلی مناسب است. جلد اول «قصه های خوب برای بچه های خوب» خود به خود از اینجا پیدا شد. آن را شب ها در حالی می نوشتم که توی یک اتاق ۲ × ۳ متری زیر شیروانی، با یک لامپای نمره ده دیوارکوب زندگی می کردم. نگران بودم کتاب خوبی نشود و مرا مسخره کنند. آن را اول بار به کتابخانه ی ابن سینا (سر چهار راه مخبرالدوله) دادم. آن را بعد از مدتی پس دادند و رد کردند. گریه کنان آن را پیش آقای جعفری، مدیر انتشارات امیرکبیر بردم. ایشان حاضر شد آن را چاپ کند. وقتی یک سال بعد کتاب از چاپ درآمد، دیگران که اهل مطبوعات و کار کتاب بودند، گفته بودند که خوب است. به همین خاطر، آقای جعفری پیوسته جلد دوم آن را مطالبه می کرد. کم کم این کتاب ها به هشت جلد رسید، البته قرار بود ده جلد شود، ولی من مجال نوشتن آن را پیدا نکردم.»

جوایز و نشانها: مهدی آذر یزدی، در سال ۱۳۴۳ از سازمان یونسکو جایزه ای دریافت کرد و در سال ۱۳۴۵ دو اثر وی به عنوان اثر برگزیده ی «کتاب کودک» انتخاب شد

آثار:

۱ تصحیح مثنوی معنوی مولوی

۲ چهل حدیث

۳ خاله گوهر

۴ خودآموز شطرنج

۵ خودآموز شطرنج

۶ خودآموز عکاسی

۷ خودآموز عکاسی

- ۸ دستور طب‌اخ‌ی و خانه داری
- ۹ شعر قند و عسل
- ۱۰ فرهنگ لغات و اصطلاحات محلی یزد
- ۱۱ قصه های پیامبران
- ۱۲ قصه های تازه از کتاب های کهن
ویژگی اثر : دوره ی ده جلدی.
- ۱۳ قصه های خوب برای بچه های خوب
ویژگی اثر : دوره ی هشت جلدی.
- ۱۴ قصه های ساده
- ۱۵ گربه ی تنبل
- ۱۶ گربه ی ناقلا
- ۱۷ لبخند
- ۱۸ لبخند
- ۱۹ مثنوی بچه خوب
- ۲۰ منظومه ی بابای من
- ۲۱ منظومه ی نوروزنامه
- ۲۲ یاد عاشورا

منابع :

اذر یزدی به روایت آذر یزدی ، روزنامه ی پیمان یزد ، سال هفتم ، شماره ی ۶۲۸۲ سخنوران نامی معاصر ایران ، تألیف : سیدمحمدباقر برقی ، ج ۱ ، قم : نشر خرم ، ص ۴۴

آذر، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۱ ش)، پزشک. دکتر آذر در مشهد متولد شد و در همان جا تحصیلات مقدماتی خود را به پایان رسانید و سپس به تهران آمد و ابتدا در دارالفنون و سپس در مدرسه‌ی طب ادامه‌ی تحصیل داد و در ۱۳۰۷ ش گواهینامه‌ی دکترای پزشکی را دریافت کرد و جزو اولین گروه دانشجویان برای تکمیل تحصیلات عازم فرانسه شد و پس از گذراندن امتحانات تشریح و بافت‌شناسی در دانشگاه لیدن دوره‌های انگل‌شناسی و میکروب‌شناسی را نیز به پایان رسانید. درس تکمیلی بیماریهای گوارشی را نیز خواند و پایان‌نامه خود را درباره «ناراحتیهای ناشی از اشکال جریان و جذب و دفع هوا و بخارات دیگر معده و امعاء» تهیه و سرانجام در ۱۳۱۳ ش به دریافت دانشنامه دکترای پزشکی از دانشگاه پاریس، و مدال برنز، نائل گردید و سپس به ایران آمد و ریاست

بیمارستانهای رازی و وزیری را بر عهده گرفت، در ضمن استاد کرسی پزشکی بالینی شد. دکتر آذر مدتی نیز وزیر معارف شد. اثر او عبارت است از: «بیماریهای عفونی» [۱].

متولد ۱۲۸۰ در مشهد. پدرش میرزا علی آقا تبریزی مجتهدی بلند پایه بود و در دوره‌ی اول از طرف روحانیون و طلاب مشهد به نمایندگی مجلس انتخاب شد. مهدی آذر پس از انجام تحصیلات مقدماتی و متوسطه وارد مدرسه‌ی عالی طب شد و درجه‌ی دکترای دریافت نمود. سپس از طرف دولت برای ادامه‌ی تحصیل عازم اروپا شد و از دانشگاه پاریس در رشته‌ی طب عمومی و امراض داخلی تخصص گرفت. پس از مراجعت به ایران وارد دانشگاه تهران شد و به مقام دانشیاری و استادی دانشکده‌ی پزشکی رسید. در وزارت بهداری هم شاغل مقامات مختلف شد و مدتها ریاست بیمارستان رازی با او بود. در ۱۳۲۹ سپهبد رزم‌آرا که در آن وقت نخست‌وزیر بود سرزده از بیمارستان رازی بازدید کرد. وضع آشفته‌ی بیمارستان و شکایت مراجعین رئیس دولت را عصبانی نمود. از دکتر آذر توضیحاتی خواست و او نیز با پاسخ درشت و تند خود نخست‌وزیر را عصبانی تر کرد. رزم‌آرا در جواب جسارت رئیس بیمارستان بر صورت او سیلی نواخت و دستور داد مأموران دژبان توقیفش کنند. خبر سیلی خوردن استاد دانشگاه و رئیس بیمارستان رازی موج اعتراض شدید اطباء و استادان دانشگاه را به دنبال داشت و دانشکده‌ی پزشکی به حال تعطیل درآمد. دکتر جهان‌شاه صالح وزیر وقت بهداری سخت به تلاش افتاد تا قضیه را فیصله دهد. سرانجام رزم‌آرا حاضر شد در جمع استادان دانشگاه حضور یافته و از عمل خود اظهار ندامت نماید و بدین ترتیب ماجرا خاتمه یافت. دکتر مهدی آذر در این جریان معروفیت بیشتری یافت، از طرف مخالفین رزم‌آرا مورد حمایت قرار گرفت و به همکاری دعوت شد. در ۱۳۳۱ دکتر مصدق در کابینه‌ی خود سمت وزارت فرهنگ را به او سپرد. مادام که مصدق در مقام نخست‌وزیری بود او هم وزارت فرهنگ را اداره می‌کرد. در مرداد ۱۳۳۲ بدنبال سقوط مصدق او نیز دستگیر و زندانی گردید. چند ماهی در حبس ماند تا اینکه مورد عفو قرار گرفت و آزاد شد، ولی کار دانشگاهیش را به او ندادند و او بدون سر و صدا به طبابت پرداخت و دور از غوغای سیاسی به زندگی خود ادامه داد تا اینکه بار دیگر فعالیت سیاسی را آغاز کرد و از افراد فعال در جبهه‌ی ملی گردید. چند بار با تعرض روبرو و بازداشت شد، ولی از مبارزه دست برنداشت. آذر طبیبی حاذق، استادی دانشمند و انساندوست بود. در پیشه‌ی طبابت هیچگاه طمع و حرص و ولعی از او دیده نشده است. وی در سال ۱۳۷۳ درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: زندگینامه‌ی مشاهیر رجال پزشکی معاصر (۱۱۱-۱۰۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳۵۶-۳۵۵/۶).

آذرباد مهر اسپندان

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم م)، موبد زرتشتی. وی در عهد شاپور دوم (۳۷۹-۳۰۹ م) می‌زیست. او برای اثبات حقانیت دین تن به آزمایش دینی داد و پیروز به درآمد. اثر وی به نام «اندرژ آتورپات امهر اسپند یا مارسپندان» است که بیست و یک نسک یا کتاب را شامل و دایرةالمعارف بزرگ علوم دینی زرتشتی محسوب می‌شده است. متن پهلوی و پازند و ترجمه‌ی گجراتی و انگلیسی آن در ۱۸۶۹ م در بمبئی منتشر شد و ترجمه‌ی فرانسوی آن در ۱۸۸۷ م. به چاپ رسید.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایران در زمان ساسانیان (۷۲، ۸۸)، تاریخ ادبی ایران (۱/ ۱۵۴)، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام (۱۸۴، ۱۸۳، ۱۸۲)

۱۸۱، ۱۶۸، ۱۵۵-۱۵۴، ۱۳۵، ۶۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۱۳۹)، تاریخ نظم و نثر (۹)، تمدن ساسانی (۱/ ۱۴۴)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱/ ۴۷)، سبک شناسی (۱/ ۱۲)، مجمل التواریخ و القصص (۶۷، ۵۱).

آذربال، آفاق

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیهوشی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

آذربایجانی، گوهر بیگم

قرن: ۱۳

جنسیت: زن

ملیت: ایران

(ز پیش از ۱۳۰۷ ق)، ادیب و شاعر. وی در فضل و عفت مشهور بود. از آثارش: «دیوان» شعر است. از اشعار او است:
اگر به باد دهم زلف عنبر آسا را
به دام خویش کشم آهوان صحرا را
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: ریاحین الشریعه (۵/ ۴۲)، ریحانه (۱/ ۴۴)، دانشمندان آذربایجان (۳۲۰)، الذریعه (۹/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۷۸۲)، مشاهیر زنان (۱۹۹).

آذرخشی، حسنعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۸ ش)، پزشک، نویسنده و شاعر، متخلص به شکیبا. در دارالفنون و دبیرستان ادب به تحصیل پرداخت و سپس به رشته‌ی پزشکی روی آورد و برای تکمیل این رشته به فرانسه رفت. وی علاوه بر پزشکی با شعر و شاعری نیز انس و الفت داشت. دوبار به سفر حج رفت. وی در وزارت بهداری سرپرست امور مبارزه با تریاک شد. از آثار او است: «آفت زندگی، مبارزه‌ی با تریاک و الکل و سیفلیس و فحشا».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فرهنگ سخنوران (۵۱۰)، مؤلفین کتب چاپی (۶۷۹-۶۷۸/ ۲).

آذرخشی، رضا

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۲۹۰ ش)، مترجم. از اهالی مشهد. در اواخر قرن سیزدهم افرادی در مشهد به فکر ایجاد سالنها و گروههای نمایشی افتادند. اعتبارالسلطنه غفاری سالنی در سال ۱۲۹۰ ش تأسیس کرد که جایگاه اجرای نمایش شد. در همین سالها رضا آذرخشی که در اداره‌ی نظمیه‌ی مشهد کار می‌کرد، به ترجمه‌ی چند نمایشنامه دست زد و آنها را شخصاً به روی صحنه آورد. برخی از ترجمه‌های او عبارت‌اند از: «الله»؛ «از دریچه‌ی سفارت»؛ «ایالت چهل و نهم»؛ «تصویر»؛ «در زندان و در آزادی»؛ «سرگشتگی جانگداز»؛ «توفان»؛ «عدالت»؛ «فضول».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه ادبیات نمایشی (۶۸/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱۲۸-۱۲۷/۳).

آذر مهر، فاطمه

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

فاطمه آذر مهر در سال ۱۳۳۳ در تهران به دنیا آمد. در سال ۱۳۵۸ در رشته زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. از سال ۱۳۶۴ فعالیت علمی و فرهنگی خود را در مؤسسه انتشارات «فرهنگ معاصر»، برای تهیه و تدوین فرهنگ‌های دو زبانه انگلیسی _ فارسی و انگلیسی آغاز کرده و در حال حاضر نیز در آن مؤسسه مشغول به کار هستند. کتاب "فرهنگ معاصر انگلیسی _ فارسی" تالیف فاطمه آذر مهر (یکی از مؤلفین)، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه: علوم انسانی رشته: زبان و ادبیات انگلیسی تحصیلات رسمی و حرفه ای: فاطمه آذر مهر در سال ۱۳۵۸ در رشته زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: فاطمه آذر مهر از سال ۱۳۶۴ فعالیت علمی و فرهنگی خود را در مؤسسه انتشارات «فرهنگ معاصر»، برای تهیه و تدوین فرهنگ‌های دو زبانه انگلیسی _ فارسی و انگلیسی آغاز کرده و در حال حاضر نیز در آن مؤسسه مشغول به کار هستند. جوایز و نشانها: کتاب "فرهنگ معاصر انگلیسی _ فارسی" تالیف فاطمه آذر مهر (یکی از مؤلفین)، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. آثار: فرهنگ معاصر انگلیسی _ فارسی ویژگی اثر: تالیف، با همکاری محمد رضا باطنی، این کتاب در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنائی با کتاب: «فرهنگ معاصر انگلیسی _ فارسی»: فرهنگ معاصر انگلیسی _ فارسی؛ محمدرضا باطنی، با دستیاری فاطمه آذر مهر؛ تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۱. از جمله اهمیت‌های «فرهنگ معاصر انگلیسی _ فارسی» این است که مدخلهای انگلیسی و معادلهای فارسی آن با تکیه بر پنج فرهنگ معتبر از زبان زنده روز گرفته شده است. توجه این فرهنگ بیشتر بر برشها ظریف معنایی است و برای دستیابی این هدف، سعی شده است که معانی واژه‌های انگلیسی از متن مثالهای واقعی که در فرهنگهای مذکور ضبط شده، استخراج و طبقه بندی شود. نکته قابل توجه دیگر در ارتباط با «فرهنگ معاصر انگلیسی _ فارسی» این است که این فرهنگ بر اصل برابری پایه گذاری شده است و چون در فرهنگهای دوزبانه، بر خلاف فرهنگهای یک زبانه، تعریف واژه به تنهایی مشکل چندان را برای مراجعه کننده حل نمی‌کند، لذا

نهایت تلاش به عمل آمده تا با بهره‌گیری از فرهنگهای دیگر، برابری دقیق فارسی برای معانی گوناگون واژه‌های انگلیسی انتخاب و ثبت شود. این موارد، در کنار هماهنگی در ارائه مطالب و شیوایی نگارش موجب شده تا کارایی فرهنگ مورد نظر در ترجمه از انگلیسی به فارسی، افزایش یابد.

آذرنوش، آذرتاش

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات عربی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

آذری ناکامی، قباد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: دامپزشکی آذربایجان، دانشکده: دامپزشکی، دانشگاه: تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

آذری قمی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ احمد آذری قمی یکی از ستارگان... آسمان فضیلت حوزه علمیه و شهرستان مذهبی قم است که در حدود ۱۳۴۲ قمری در قم چشم به جهان گشوده و پس از پرورش و خواندن اولیات و ادبیات سطوح را از مدرسین حوزه علمیه فراگرفته و آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و در آن سامان از محضر آیات عظام آقا میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله العظمی خوئی و دیگران استفاده نموده و پس از چند سال اقامت به وطن مراجعت و از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله نایب الامام آقای خمینی و آیت‌الله محقق داماد بهره‌مند شده و در ضمن در مواقع مقتضی ماه رمضان و محرم و صفر برای ارشاد و تبلیغ اسلام و تنویر افکار به تهران مسافرت نموده ولی چند سالیست که به واسطه مشاغل زیاد آن برنامه را تعطیل و از طرف حجة الاسلام والمسلمین آقای آذری دیگر به خدمات دینی و مبارزات بر علیه امپریالیسم و رژیم منفور شاه مخلوع ادامه و برای همین هم چند سالی از طرف عمال کثیف و جنایتکار طاغوتی تبعید به اردستان و بعضی از نواحی دیگر شده که سر این جان چند تن از عزیزانش در اثر تصادم از دست رفته است بالجمله جناب آقای آذری از افراد بسیار شایسته و لایق و پرهیزکار و مراتب فضل و تقوایش مورد تایید مراجع بزرگ بالاخص حضرت آیه‌الله العظمی امام خمینی است و از طرف معظم‌له به اتفاق بعضی دیگر منصوب به سرپرستی آستانه مقدسه حضرت معصومه (ع) و هم نظارت در دادگاه انقلابی میباشد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

آذری، علاءالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تاریخ از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۸.

مرتبه علمی:

تدریس دروس مختلف از جمله تاریخ ایران باستان، تاریخ مغول و قاجاریه، تاریخ قرون وسطی در دانشگاه‌های تهران و اصفهان از

سال ۱۳۴۸، دانشیار دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

جغرافیای تاریخی، تاریخ و فرهنگ، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

جغرافیای تاریخی ورامین. تاریخ روابط ایران و چین، سیری در تاریخ و فرهنگ ایران.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

روابط خارجی، جغرافیای تاریخی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

آذری، قدرت الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قدرت الله آذری مؤسس و مدیر بنگاه مطبوعاتی آذری درگذشت (۲۰ اردیبهشت ۱۳۷۲). من نزدیک به سی سال با او آشنا و دوست بودم. حدود پانزده سال ازین مدت کتابدار انجمن کتاب بود. نوجوانی بود که با شور و شوق در آنجا به کار آغاز کرد و با دلسوزی و علاقه مندی امور مربوط به مشترکان و پخش مجله راهنمای کتاب را انجام می داد. مرحوم تقی زاده معرف او بود. ابتدا

در بنگاه ترجمه و نشر کتاب در تهران و سپس در مؤسسه فرانکلین در تبریز کار می‌کرد و چون به تهران آمد به یاری و همکاری ما شتافت. جوانی دلسوز و صدیق و کاردان بود. تصدی کتابداری در انجمن کتاب موجب علاقه مندی او به گردآوری و مجموعه سازی مجله ها و روزنامه های قدیمی شد. درین رشته تبحر و ممارستی به دست آورد. چون انجمن کتاب و مجله راهنمای کتاب در پایان سال ۱۳۵۷ بی سرانجام ماند و کتابخانه اش را به بنگاه ترجمه و نشر کتاب بردند، آذری هم چند صباحی به آنجا کشانیده شد. ولی دوران خدمت او در آن مؤسسه مدتی دراز نپایید و سرنوشت او "ما را از مدرسه بیرون کردند" شد. زیرا معلوم نشد که آن کتابخانه را از انجمن به کجا فرستادند. او برای اعاشه خانواده خویش مغازه کوچکی در اول خیابان امیرآباد گرفت و به مجله فروشی - کاری که در آن استادی و مهارت پیدا کرده بود - پرداخت. البته آغاز این دوره از زندگی او با سختی روبه رو شد. در آن روزها هیچ قدرت و بنیه مالی نداشت و با قرض توانست در آن دکه کار را شروع کند. بی تردید بسیاری از مجموعه هایی که کتابخانه های کشور از نشریات ادواری دارند نتیجه رنجها و کوششهایی است که آذری در راه جور کردن آنها متحمل شده بود. بنابراین همه استفاده کنندگان از نشریه ها باید آموزش آن مرد فرهنگ دوست را بخواهند. مدیر مجله با تأسف بسیار، به فرزندان و همسرش تسلیت می‌گوید و اظهار شادمانی می‌کند که فرزندان برومندش دنباله کار پدر را از دست نمی‌گذارند و آن مرکز را سرپا نگاه خواهند داشت. ۱. محمد امین ادیب طوسی (۱۲۸۳ - ۱۳۶۱ ش) به تازگی از دوستم مصطفی مقربی شنیدم که محمد امین ادیب طوسی استاد بازنشسته دانشگاه تبریز دو سه سال پیش در گذشته است (۵ خرداد ۱۳۶۱). آن مرحوم سال های دراز رشته ادبیات را در دبیرستان ها و پس از آن حدود پانزده سال در دانشگاه تبریز تدریس می‌کرد. چند سال هم در بغداد درس گفته بود. از خدمات فرهنگی او همکاری در انتشار مجله ماهتاب است. این مجله تقریباً نشریه انجمن ادبی آذربایجان محسوب می‌شد. آن انجمن را مرحوم ادیب السلطنه سمیعی به هنگامی که استاندار آذربایجان بود تشکیل داده بود. مجله ماهتاب که به صاحب امتیازی جواد ناطق (پدر مهندس ناصح ناطق) منتشر می‌شد، بیش از دوازده شماره انتشار نیافت؛ مجله ای بود ادبی و تحقیقی و دارای مقاله های خوب. ادیب طوسی مخصوصاً علاقه ای مخصوص به تحقیق در متون ادبی و لهجه های فارسی داشت و مقاله هایی چند در این زمینه دارد که همه در نشریه دانشکده ادبیات تبریز به چاپ رسیده است. کتابهایی که از آثار ادیب طوسی طبع شده است عبارتند از: ۱۳۱۲ دستور نوین، تهران ۱۳۱۲ ایام کودکی (شعر)، تهران ۱۳۱۳ پیام فردوسی (شعر). ۱۳۱۷ - ۱۹ انتقام عشق؛ تبریز (سه جلد) ۱۳۲۰ آموزش و پرورش از نظر غزالی، تبریز ۱۳۲۱ دخمه های سیاه یا کلبه بدبختان، تبریز. ۱۳۳۲ رابطه اوزان شعر فارسی با اوزان ترانه های محلی ایران، تبریز. ۱۳۴۱ دیوان ادیب طوسی، تبریز. ۱۳۴۲ فرهنگ لغات بازیافته (ذیل برهان قاطع)، تبریز (دوجلد). ۱۳۴۹ فرهنگ لغات ادبی، تبریز دوجلد. بی تاریخ بودا در هند بی تاریخ تخت سلیمان ادیب طوسی شعر می‌سرود و نمونه اشعارش در تذکره های معاصران نقد شده است. ۱ - آینده، سال ۱۳، شماره ۱-۳ (فروردین - خرداد ۱۳۶۶)، صص ۱۹۸-۱۹۹

آذینی اصفهانی، احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سوم و چهارم ق)، محدث. از مردم اصفهان و ساکن نصیبین بود. ابراهیم بن محمد، حافظ اصفهانی، در سفر خود به نصیبین از او حدیث شنیده و نوشته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۱/ ۶۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱/ ۷۰).

آذیوخانی، ابوسعده، فضل

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۷۰ ق)، محدث. در آذیوخان، از توابع نهاوند، به دنیا آمد. در علم حدیث بسیار متبحر بود و خطیب بغدادی و دیگر حافظان «اصول» او را به رشته‌ی تحریر درآوردند. وی در بغداد از عبیدالله بن عمر بن احمد بن شاهین واعظ و دیگران حدیث شنیده و در نهاوند عبدالله بن احمد سمرقندی حافظ از او تحصیل حدیث کرد. وی در بغداد درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۱/ ۶۲)، دائرةالمعارف البستانی (۱/ ۶۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱/ ۷۰)، مراصد الاطلاع (۱/ ۳)، معجم البلدان (۱/ ۷۰).

آرام، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد آرام (۱۲۸۱-۱۳۷۸ ش)، مترجم و نویسنده. در محله چاله میدان تهران متولد شد. پس از پایان تحصیلات متوسطه از دارالفنون، در سال ۱۳۰۴ احمد آرام به تدریس فیزیک و شیمی پرداخت. او متوجه شد که درس‌های تجربی بصورت نظری و بدون فعالیت آزمایشگاهی تدریس می‌شود. ایشان به ابتکار جدیدی دست زد و کتابی با عنوان هدیه سال نو «مجموعه تجربیات فیزیکی و شیمیایی» منتشر کرد. «هدیه سال نو» نخستین کتاب آموزشی در کارهای آزمایشگاهی شامل آزمایش‌های فیزیک و شیمی است که استاد احمد آرام آن را در بهمن سال ۱۳۰۴ تألیف کرده است. احمد آرام سپس به رشته حقوق روی آورد ولی پس از چندی آن را رها کرد و به پزشکی تمایل یافت، ولی این یک نیز چندان پای بندش نکرد و در آخرین سال آن را نیز رها کرد و به فعالیت‌های فرهنگی و ترجمه روی آورد. وی به همراه دکتر نصیری از بنیانگذاران تألیف کتاب‌های درسی در ایران است و مدتی به عنوان معاون وزیر آموزش و پرورش در دهه ۲۰ هجری شمسی فعالیت داشته است.

استاد آرام یکی از نخستین مؤلفان کتاب‌های درسی و آموزشی بود که هم به تنهایی و هم با کمک دیگران کتاب‌های فیزیک و شیمی دبیرستان را تألیف کرد. علاقه‌ای که به امیرکبیر داشت نام مجموعه‌ای از کتاب‌های خود را به نام «مجموعه امیر» نامگذاری کرد. احمد آرام تا حدود سال ۱۳۳۰ نزدیک به چهل جلد کتاب درسی و آموزشی نوشت.

احمد آرام یکی از پرکارترین مترجمین معاصر است که بیش از یکصد و چهل اثر از زبانهای انگلیسی فرانسه و عربی ترجمه کرده است. وی در ترجمه کتاب‌ها، دقت می‌کرد تا معادل‌های فارسی مناسب برای واژه‌های خارجی بیابد و از اصطلاحات و واژه‌های فرنگی استفاده نکند. خود وی در این باره می‌گوید: من در زمینه طب کتابی ترجمه کرده‌ام که حدود ۱۲۰۰ صفحه دارد. در این کتاب سعی کرده‌ام حتی یک کلمه فرنگی نیاورم. البته کار بسیار مشکلی است، ولی من این کار را انجام دادم.

مرحوم احمد آرام روز ۱۴ فروردین سال ۱۳۷۸ در آمریکا درگذشت و طی مراسمی در روز ۲۲ فروردین و پس از انتقال به تهران

تدفین شد. وی در سال ۱۳۸۲ به عنوان یکی از چهره های ماندگار برگزیده شد. آثار :

وی بیش از یکصد و چهل اثر از زبانهای انگلیسی فرانسه و عربی ترجمه کرده است. برخی از آثار ترجمه ایشان شامل: اثبات وجود خدا؛ سه حکیم مسلمان (نوشته حسین نصر)؛ علم و تمدن در اسلام (نوشته حسین نصر)؛ پیدایش و مرگ خورشید؛ تکامل فیزیک (تألیف آلبرت اینشتین)؛ تاریخ تمدن (نوشته ویل دورانت)، انتقال علوم یونانی بعالم اسلامی (تالیف دلیسی اولیوی)؛ مشرق زمین گاهواره تمدن هگل و مبانی اندیشه معاصر تاریخ علم (تالیف جرج سارتن)؛ شش بال علم؛ متفکران اسلام (نوشته بارون کاراد)؛ حدس ها و ابطال ها (نوشته کارل پوپر)؛ هگل و مبانی اندیشه معاصر (نوشته امیرمهدی بدیع)؛ یونانیان و بربرها (نوشته امیرمهدی بدیع)؛ هیئت؛ لغتهای قرآن؛ معلم نمونه؛ اندیشه های کلامی شیعه (نوشته مارتین مکدرموت) می باشد.

آرام، شهناز

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

دکتر شهناز آرام در سال ۱۳۳۵ در شهر یزد بدنیا آمد. در سال ۱۳۵۳ دیپلم تجربی خود را از شهر یزد اخذ کرد در همان سال در رشته پزشکی دانشگاه اصفهان پذیرفته شد و در سال ۱۳۶۰ در رشته پزشکی فارغ التحصیل شد و در سال ۱۳۶۵ تخصص زنان و مامایی را از دانشگاه علوم پزشکی اصفهان دریافت داشت. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه علوم پزشکی اصفهان است. گروه: علوم پزشکی رشته: زنان و زایمانگرایش: زنان و مامائوالدین و انساب: پدر شهناز آرام، مرحوم علی آرام و دارای شغل آزاد بود و مادرش نیز خانه دار بوده است. " برادر اول دبیر ریاضی و بازنشسته آموزش و پرورش یزد است. برادر دوم مهندس برق و در اصفهان مشغول به کار است. خواهرم نیز لیسانس ادبیات فارسی می باشد. "خاطرات کودکی": دوران کودکی در یزد بودم و در دبستان و دبیرستان اشرف (سابق) تحصیل کرده ام. از دانش آموزان درس خوان و فعال بودم. "تحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات رسمی دکتر شهناز آرام به قرار زیر است: • دیپلم تجربی در سال ۱۳۵۳ • پزشکی عمومی پزشکی عمومی. • ۱۳۶۰ • زنان و مامایی تخصص. ۱۳۶۵ خاطرات و وقایع تحصیل: " مهمترین وقایع دوران تحصیل پزشکی عمومی من زلزله طیس بود که تقریباً همزمان با شروع انقلاب اسلامی بود. من در آن زمان به عنوان دانشجوی پزشکی در خدمت زلزله زدگان بودم. "همسر و فرزندان: همسر دکتر شهناز آرام، آقای جعفر گلشاهی (؟) دارای مورد تخصصی قلب و عروق و هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان می باشد. ماحصل این ازدواج سه فرزند می باشد. فرزند اول دختر، پزشک عمومی فرزند دوم رزیدنت سال دوم رشته زنان و مامایی در دانشگاه علوم پزشکی تهران فرزند سوم پسر و دانشجو رشته دندانپزشکی دانشگاه اصفهان است. وقایع میانسالی: دکتر شهناز آرام از مهمترین واقعه دوران میانسالی خود وقوع انقلاب اسلامی ایران را متذکر می شود. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: • عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه علوم پزشکی اصفهان •، اجرای کمیته تحقیقات تنظیم خانواده •، پزشک معتمد بیمارستان شریعتی •، پزشک معتمد بیمارستان شهید بهشتی •، عضو کمیسیون پزشکی قانونی •، داوری پایان نامه های کارشناسی ارشد •، رابط پژوهشی گروه زنان •، رییس بخش زنان بیمارستان الزهرا •، رییس بخش زنان بیمارستان امین •، عضو کمیسیون شورای عالی پزشکی •، عضو کمیته علمی بررسی مقالات ششمین کنگره بیهوشی و مراقبتهای ویژه •، عضو کمیته کانسر زنان استان •، عضو کمیته کاهش سزارین •، عضو کمیته مرگ و میر بیمارستان شهید بهشتی •، عضو کمیته مشورتی دانشکده پزشکی •، عضو هسته آموزش گروه زنان •، عضو هیئت تحریریه مجله زنان مامایی و نازایی •، عضو هیئت مدیره سازمان نظام پزشکی •، عضو هیئت ممتحنه دانشنامه تخصصی رشته زنان و زایمان •، عضو کمیته تحقیقات تنظیمات خانواده •، مسئول آموزش

دستیاران گروه زنان و مامایی • هیئت ممتحنه تخصصی بالینی ارتقاء گواهینامه تخصصی •، کارشناسی مقاله جهت فصلنامه علمی پژوهشی باروری و ناباروری و برگ ضمیمه دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۱۳۸۴-۱۳۸۵ •، برگ ماموریت اداری جهت کارهای وزارتخانه و ۲۱ برگ ضمیمه آن تهران، ۱۳۷۹-۱۳۸۵ •، پزشک معتمد دانشگاه علوم پزشکی اصفهان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ۱۳۷۹-۱۳۸۵ •، کارشناس سازمان نظام پزشکی و عضو هیات بدوی انتظامی سازمان نظام پزشکی، ۱۳۷۹-۱۳۸۵ •، مدیر گروه زنان و مامایی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ۱۳۸۰-۱۳۸۴ •، عضو کمیته علمی سمینار تازه های باروری و ناباروری از منظر ایمونولوژی اصفهان، ۱۳۸۲-۱۳۸۲ •، عضو کمیته علمی سومین همایش مراقبتهای ویژه پزشکی ایران اصفهان، ۱۳۸۲-۱۳۸۲ •. رئیس بخش زنان و مامایی بیمارستان الزهرا (س) بیمارستان الزهرا، ۱۳۷۹-۱۳۸۰. فعالیتهای آموزشی: ارتقاء مهارت‌ها •: participation in national workshop on training family planning counseling methods • اولین سمینار رزمی و اورژانس • اولین همایش سالانه سونوگرافی در زنان و مامایی • روش تدریس و ارزیابی دانشجو • سمینار انکولوژی زنان • سمینار انکولوژی زنان • سمینار تغذیه در پزشکی • سمینار روشهای ختم حاملگی • سمینار کاربرد لیزر در بیماریهای زنان • سومین کنگره سراسری بازآموزی زنان و مامایی • شرکت در کارگاه آموزش روش تحقیق • شرکت در کارگاه آموزش کلینیکال فارماکولوژی • شرکت در کارگاه ارزشیابی پیشرفت تحصیلی • شرکت در کارگاه بازآموزی ترویج تغذیه با شیر مادر • کارگاه آموزشی روش تدریس و ارزیابی دانشجو • کارگاه آی.یو.دی و پاپ اسمیر • کارگاه تغذیه با شیر مادر • کارگاه مقاله نویسی در زمینه بهداشت باروری • کنفرانس علمی متخصصین زنان • کنفرانسهای علمی متخصصین زنان و مامایی • کنگره رایج طبی و جراحی کودکان • مشاوره تنظیم خانواده • مقاله نویسی در زمینه بهداشت باروری • هجدهمین کنگره علمی جراحان ایران مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: دکتر شهناز آرام در سال ۱۳۶۵ با همکاری یکی دیگر از اعضاء گروه بخش زنان و مامایی بیمارستان بهشتی را راه اندازی کرد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره •: شرکت در جلسات کمیسیون پزشکی قانون پزشکی قانون، ۱۳۸۲-۱۳۸۵ • شرکت فعال در جلسات کمیته ترویج زایمان طبیعی در معاونت درمان معاونت درمان، ۱۳۷۹-۱۳۸۵ • شرکت فعال در جلسات کمیته تخصصی سزارین در معاونت درمان معاونت درمان، ۱۳۷۹-۱۳۸۵ • شرکت فعال در جلسات کمیته تخصصی سزارین در معاونت درمان معاونت درمان، ۱۳۷۹-۱۳۸۵ • شاگردان: شهناز آرام از سال ۱۳۶۵ تاکنون شاگردان و دانشجویان زیادی را تحت تعلیم خود داشته است. آرا و گرایشهای خاص: دکتر شهناز آرام، متخصص زنان و دانشیار دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، در خصوص جدیدترین روش های جلوگیری از بارداری که در دنیا ارائه شده است، می گوید: «قرص ضد بارداری به نام یاسمین با سطح هورمونی پایین یکی از جدیدترین قرص های پیشگیری از بارداری است که به خصوص در زنان حساس به قرص های ضد بارداری کاملاً موفق و تأثیرگذار بوده است.» جوایز و نشانها: برتریها، جوایز و نشانها •: تشکر و قدردانی به خاطر برگزاری سمینار بزرگداشت روزهای جهانی شیر مادر و تنظیم خانواده •، تشکر و قدردانی به خاطر تلاش و تدبیر ارجمند و تجارب مفید در برنامه تامین سلامت خانواده •، تشکر و قدردانی به خاطر زحمات بی دریغ وی در بیمارستان الزهرا •، تشکر و قدردانی به خاطر مشاوره با پزشکی قانونی پزشکی قانونی استان •، تشکر و قدردانی به خاطر همکاری با دفتر آموزش مداوم •، تشکر و قدردانی به خاطر امور آموزشی و اجرایی در بخش زنان بیمارستان الزهرا •، تشکر و قدردانی به خاطر برگزاری انتخابات نظام پزشکی ریاست دانشگاه علوم پزشکی •، تقدیر نامه به خاطر سخنرانی در سمینار دی. آی. سی و درمانهای آن •، تقدیر نامه ویژه مدرسين و اعضاء هیئت علمی •، تقدیر و تشکر به خاطر سخنرانی در واحد مامایی در کارگاه مادر و نوزاد در معرض خطر •، تقدیرنامه برای برگزاری کارگاه باروری و ناباروری •، صحیفه سپاس برای طراحی و برگزاری امتحانات مورد فوق تخصصی. چگونگی عرضه آثار: دکتر آرام مقالات متعددی را در مجلات علمی داخلی و خارجی به چاپ رسانیده است. (حدود ۳۰ مقاله)

آرانی کاشانی، محمدعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۴۴ ق)، فقیه. معروف به ملا-علی آرانی. از اهالی ده آران از توابع کاشان بود. پس از کسب فیض از محضر علما و کسب اجازه از ملا احمد نراقی در ۱۲۱۷ ق به گلپایگان رفت و سپس در ۱۲۴۲ ق به تهران آمد، پس از آن در قم اقامت گزید. آثار او عبارت‌اند از: «الدرة البهية»، منظومه در اصول فقه که در ۱۲۴۲ ق، منطبق بر تعداد ابیات کتاب، سرودن آن را به پایان برده؛ «الغرة الجلیة فی شرح الدرّة البهية»؛ «المقاصد المهمة»؛ «مطلع الانوار»، در سه جلد، که جلد یکم آن در دسترس نیست، جلد دوم آن درباره‌ی پادشاهان ایران از کیومرث تا روزگار نویسنده (۱۲۳۹ ق) است، و جلد سوم در سرگذشت دانشمندان و سرایندگان معاصر نویسنده تا سال ۱۲۲۶ ق.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۸۵، ۱۵۱، ۲۱/ ۳۴، ۱۶/ ۹۱، ۸/ ۴۲۴، ۴/)، فوائد الرضویه (۵۷۷)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۶۵۷-۶۵۶). (۱/).

آرانی کاشانی، ملا محمدعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۵ - ۱۲۵۰ ق)، فقیه. در آران کاشان متولد شد. مقدمات را نزد پدرش فراگرفت و در تهران نزد سید حسین کاشانی تحصیل کرد. پس از آن به عراق رفت و از محضر فاضل ایروانی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی بهره جست و اجازه یافت. سپس به ایران بازگشت و در زادگاهش متوطن شد و به ترویج معارف اسلامی پرداخت. از آثارش: «عرائس الاحکام»، در شرح «الفیه»؛ «حاشیة القوانين»؛ «حاشیة الرسائل»؛ شرح «الدرة» سید بحر العلوم؛ رساله‌ای در «اجتهاد و تقلید».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۴۲، ۱۵/ ۲۷۲، ۱/)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۴۱ - ۱۵۴۰/ ۱۴).

آرمین، کمال‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۴ ش)، پزشک و نویسنده. وی پس از پایان تحصیلات مقدماتی، در دبیرستان ثروت در تهران تحصیلات متوسطه را گذراند و پس از آن تحصیلات عالی خود را در دانشکده‌ی پزشکی تهران به پایان رساند. پایان‌نامه‌ی تحصیلی او در زمینه‌ی «روند چسبندگی سخت‌شامه در کاسه‌ی سر کودک‌کان و اهمیت جراحی آن» بود. پس از پایان تحصیلات عهده‌دار مشاغل مختلف گردید،

مانند: دستیار آسیب‌شناسی، رییس درمانگاه آسیب‌شناسی، دانشیار کرسی آسیب‌شناسی، استاد بی‌کرسی. او مردی وارسته بود و تا جایی که می‌توانست مشکلات مادی دانشجویان خویش را به طرق گوناگون رفع می‌نمود. از آثار وی: «آسیب‌شناسی لنفوگراولوماتوز بدخیم در ایران»؛ «آسیب‌شناسی آزردهی گانگلیون استر»؛ «سرطان‌شناسی»؛ «آسیب‌شناسی آزردهی سیستم ریکولوآندوتلیال»؛ «بیماریهای دهان و دندان»؛ «آسیب‌شناسی آزردهی سورنال غده فوق کلیوی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۸- ۲۷/ ۱)، زندگینامه مشاهیر رجال پزشکی معاصر (۳۸۲، ۱۴، ۱۳/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۹- ۸۸/ ۵).

آرندی نائینی، حسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۷۰- ۱۱۹۰ ق)، عارف، حکیم و ریاضیدان. در آرند، از تابع نائین، متولد شد. در دهات نائین به شبانی روزگار می‌گذرانید تا آنکه حاج محمد حسن نائینی، از مشایخ سلسله‌ی اویسیه، او را تشویق به تحصیل علم و تکمیل نفس کرد. پس از آن به اصفهان رفت و شصت سال در فقرو قناعت در یکی از حجره‌های مدرسه‌ی نیماورد اصفهان در تنهایی و تجرد زیست. ظاهراً شاگرد ملا محراب گیلانی و آخوند نوری بو. در عرفان و حکمت الهی و انواع علوم ریاضی تبحر داشت. او را از مشایخ سلسله‌ی نعمت‌اللهیه می‌دانند. میرزا محمد حسن صفی‌علیشاه از شاگردان او است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره القبور (۲۶۳- ۲۶۲)، طرائق الحقائق (۲۴۰- ۲۳۹/ ۳)، المآثر والآثار (۱۶۹).

آریا، غلامعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر غلامعلی آریا در سال ۱۳۱۶ در شهر فسا به دنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکتری رشته ادیان و عرفان از دانشکده الهیات دانشگاه (؟) است. وی هم‌اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری می‌باشد.

گروه: علوم انسانی

رشته: الهیات و معارف اسلامی

گرایش: ادیان و عرفان

والدین و انساب: خانواده پدری غلامعلی آریا از تیره فائده‌های چهرلنگ بختیاری بودند که در اثر اختلافی که بعد از فتح اصفهان با کریم خان زند پیدا کرده بودند به روستای خیرآباد در سه کیلومتری شهر فسا تبعید شد. بنابراین نیای دکتر آریا در حدود دو قرن پیش در آنجا سکنی گزیده‌اند. خانواده مادری دکتر آریا نیز از روستای مجاور بنام کوشک قاضی بود.

خاطرات کودکی: دوران کودکی غلامعلی آریا با جنگ جهانی دوم و نابسامانی‌های موجود مصادف بود ایشان از آن دوران

چنین می‌گوید: "دوران کودکی من مصادف با جنگ جهانی دوم بود از این رو دولت مرکزی قدرتی چندانی برای تامین امنیت و بهداشت نداشت. ناامنی، دزدی و بیماری لاقول در ناحیه فسا و مناطق فارس وجود داشت. افزون بر این قحطی و ملخ خوراکی نیز مزید بر علت بود. بیشتر خانواده‌های روستای ما مهاجرت کردند و تنها چند خانواده نسبتاً متمکن باقی ماندند. این تعداد خانواده‌ها را اندک هم از دزدان گوناگون در امام نبودند. من خودم شاهد بودم که گروهی از دزدان از ده مجاور به خانه ما هجوم آوردند و شبانه از گاو و گوسفند و هرچه که بود به غارت بردند."

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: خانواده غلامعلی آریا علاوه بر کشاورزی به دامداری سنتی و عصارای نیز مشغول بودند پدرش هم زمینهای مالکان غیر بومی را اجاره می‌کرد و به کشاورزی می‌پرداخت.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: غلامعلی آریا کلاس سوم ابتدایی را تا سوم متوسطه را در شهر فسا گذراند. سپس در شیراز وارد دانشسرای مقدماتی گردید. کارشناسی رشته حقوق را از دانشگاه تهران و کارشناسی ارشد و دکتری رشته ادیان و عرفان را از دانشکده الهیات دانشگاه تهران اخذ کرد. او همچنین دبیری ادبیات را از دانشسرای عالی تهران دریافت کرده است.

خاطرات و وقایع تحصیل: غلامعلی آریا از خاطرات دوران تحصیل خود چنین به یاد دارد: "مهمترین خاطرات من مربوط به دوران تحصیل در فسا می‌باشد که می‌بایست روزانه در هوای سرد و بارانی و بدون امکانات از روستا تا شهر حدود نیم فرسنگ صبح زود برویم و غروب برگردیم. معمولاً روزانه نان محلی را برای نهار می‌بردیم و گاهی هم شاگردان غیر بومی آن را از ما می‌زدیدند."

فعالیت‌های ضمن تحصیل: فعالیت‌های حین تحصیل غلامعلی آریا به دو بخش تقسیم می‌شود. اولی در دوره دبیرستان بود که با تدریس خصوصی و یا کار در تابستانها سپری شد و دیگری تحصیل در دانشگاه بود که در حین تحصیل در مدارس تهران و مراکز تربیت معلم تدریس می‌کردند.

استادان و مربیان: نخستین معلم غلامعلی آریا پیرزنی بود که در روستای خیر آباد به او خواندن قرآن و الفبای فارسی را آموخت. اساتید غلامعلی آریا در دانشکده حقوق، مرحوم دکتر حمید عنایت و در دانشکده الهیات در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری، دکتر فتح الله مجتبابی بود که در زندگی علمی وی نقش بسزایی داشته‌اند.

همسر و فرزندان: غلامعلی آریا در سال ۱۳۴۰ با همسرش (بازنشسته آموزش و پرورش) ازدواج کرد که ماحصل این ازدواج ۶ فرزند می‌باشد که دو فرزند آخرش در دانشگاه مشغول تحصیل هستند و دو فرزند بزرگتر دارای تحصیلات عالی می‌باشند و دو فرزند دیگرش در شرکتهای نیمه دولتی به کار مشغول هستند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مشاغل و سمتهای اداری غلامعلی آریا به قرار زیر است: مدیر دبستانهای روستای بیضای فارس، نماینده فرهنگ (آموزش و پرورش) دبستانها کام فیروز و ابرح و رامجرد فارس از سال ۱۳۳۷-۱۳۴۲، مدیر گروه ادیان و عرفان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری، رئیس دانشکده تربیت معلم همان واحد، معاون آموزش واحد شهر ری از سال ۱۳۸۱ تاکنون، رئیس دانشکده معارف اسلامی (خواهران) دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، مدیر گروه کارشناسی ارشد ادیان و عرفان دانشکده معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.

فعالیت‌های آموزشی: سوابق تدریس غلامعلی آریا به ترتیب زیر است: مدیر و آموزگار نواحی اطراف شیراز از سال ۱۳۳۷، از سال ۱۳۴۳-۱۳۴۵ آموزگار دبستانهای شیراز، از سال ۱۳۴۶ آموزگار دبستانهای شهر تهران، از سال ۱۳۵۰ دبیر دبیرستانهای شهر تهران (تدریس ریاضی)، از سال ۱۳۵۳ مربی مراکز تربیت معلم (تدریس ادبیات و معارف اسلامی)، پس از انقلاب فرهنگی تدریس در دانشگاههای شهید بهشتی، تربیت معلم، دانشگاه تهران و سرانجام از سال ۱۳۶۴ به بعد ضمن تدریس در دانشگاههای مذکور در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری (با درجه استادی). او همچنین مسئولیت دانشکده الهیات دانشگاه تهران شمال را هم بر عهده

دارد و دروس ادیان و تاریخ تصوف و متون عرفان را تدریس می‌کند.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می‌آید: غلامعلی آریا در تاسیس دبستانهای نوبنیاد جعفر آباد بیضا و درودزن ابرج سهم بسزایی داشتند. ایشان در دوران اشتغال در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد ادیان و عرفان را به راه انداخت. دکتر آریا همچنین بانی همین رشته (ادیان و عرفان) در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال می‌باشد.

سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: غلامعلی آریا در کنار تدریس با دایره المعارف بزرگ اسلامی در تالیف مقاله‌های عرفانی همکاری داشته است. او همچنین در فرهنگستان زبان و ادب فارسی در بخش شبه قاره بطوره پاره وقت به فعالیت می‌پردازد.

جوایز و نشانها: غلامعلی آریا چندین مورد لوح تقدیر به خاطر انتخاب او بعنوان استاد نمونه دریافت کرده است. چگونگی عرضه آثار: - تعداد مقالات ارائه شده در همایشها به همراه سخنرانی: بیش از ۵ مورد - تعداد مقالات منتشر شده در مجلات علمی: بیش از ۷ مورد

آثار:

۱ آشنایی با تاریخ ادیان

ویژگی اثر: پدیدآورنده: غلامعلی آریا ناشر: پایا - ۱۳۸۲

۲ برگزیده متون عرفان فارسی

ویژگی اثر: تهران - ۱۳۸۰

۳ تاریخ فرق اسلامی و مذاهب کلامی

ویژگی اثر: پدیدآورنده: غلامعلی آریا ناشر: پایا - ۱۳۸۲

۴ جغرافیای تاریخی، حافظ ابرو (تصحیح و تعلیق بخش سرزمین فارسی)

ویژگی اثر: زیر چاپ

۵ سلک السلوک

ویژگی اثر: پدیدآورنده: غلامعلی آریا، ضیاء الدین نخشی ناشر: زوار - ۱۳۸۲

۶ شیخ روزبهان فسایی

ویژگی اثر: انتشارات روزبهان ۱۳۶۳

۷ طریقه چشتیه هند و پاکستان

ویژگی اثر: پدیدآورنده: غلامعلی آریا ناشر: زوار - ۱۳۸۳

۸ طوطی نامه

ویژگی اثر: پدید آورنده گان: ضیاء بخشی، منوچهری و دکتر مجتبایی، غلامعلی آریا-۱۳۷۲

۹ فارسی (۲) دوره تکمیلی

ویژگی اثر: پدیدآورنده: غلامعلی آریا، بشیر خزامی پور، علی النقی بافنده، رضا خوشنویسان، مصطفی سالاری (خطاط) ناشر:

سازمان نهضت سوادآموزی - ۱۶ مهر

۱۰ کلیاتی در مبانی عرفان و تصوف، مطابق سرفصلهای کارشناسی ادبیات و گرایش دبیری رشته الهیات

ویژگی اثر: پدیدآورنده: غلامعلی آریا ناشر: پایا - ۱۳۸۲

۱۱ متون روضه العقول (مرزبان نامه کهن)

ویژگی اثر: تصحیح-با همکاری دکتر مجتبابی- خوارزمی زیر چاپ

آریان، قمر

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

قمر آریان، در سال ۱۳۰۱ شمسی در شهر مشهد قدم به عرصه‌ی هستی نهاد. لات ابتدایی و متوسطه را در شهر مشهد به پایان رسانید. سپس به تهران رهسپار گردید و به دانشکده ادبیات راه یافت و در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی به تحصیل پرداخت و پس از طی مراحل مربوطه به دریافت لیسانس توفیق حاصل کرد. پس از آن در خلال خدمات آموزشی، دوره‌ی دکترای ادبیات را گذراند و در سال ۱۳۳۷ فارغ‌التحصیل گردید. خانم دکتر آریان، پس از اخذ مدرک لیسانس، با عنوان دبیر در دبیرستان‌ها به تدریس اشتغال ورزید. وی سال‌ها از عمر خویش را صرف تدریس در دانشگاه‌ها کرد. علاوه بر تألیف چندین کتاب، مقالات ادبی و تحقیقی نیز در مجله‌های سخن، راهنمای کتاب، یغما، مروارید و مهرگان به چاپ رسانیده است.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: قمر آریان، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر مشهد به پایان رسانید. سپس به تهران رهسپار گردید و به دانشکده ادبیات راه یافت و در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی به تحصیل پرداخت و پس از طی مراحل مربوطه به دریافت لیسانس توفیق حاصل کرد. پس از آن در خلال خدمات آموزشی، دوره‌ی دکترای ادبیات را گذراند و در سال ۱۳۳۷ فارغ‌التحصیل گردید.

همسر و فرزندان: قمر آریان، همسر نویسنده‌ی توانا دکتر عبدالحسین زرین کوب می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: قمر آریان، مدت‌ها ریاست هنرستان هنرهای زیبای دختران را بر عهده داشته و هم‌زمان به فعالیت‌های فرهنگی خود ادامه می‌دهد.

فعالیت‌های آموزشی: قمر آریان، پس از اخذ مدرک لیسانس، با عنوان دبیر در دبیرستان‌ها به تدریس اشتغال ورزید. وی سال‌ها از عمر خویش را صرف تدریس در دانشگاه‌ها کرد.

سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: قمر آریان، علاوه بر تألیف چندین کتاب، مقالات ادبی و تحقیقی نیز در مجله‌های سخن، راهنمای کتاب، یغما، مروارید و مهرگان به چاپ رسانده است. وی دانشمندی محقق و مترجمی توانا و شاعری خوش قریحه و در شعر و شاعری از استعداد و توانایی کافی برخوردار است و اشعارش بیشتر در قالب دوبیتی به نظم درآمده و در قالب قصیده و غزل کمتر از او شعری مشاهده گردیده است. او به زبان‌های فرانسه، انگلیسی و عربی آشنایی دارد.

آرا و گرایشهای خاص: رساله‌ی دکترای قمر آریان، درباره‌ی مسیحیت و آیین مسیح و تأثیر آن در ادبیات و شعر فارسی است. وی درباره‌ی نقش زن در قصه‌ها و افسانه‌های تورات و قرآن نیز به پژوهش پرداخته و آثاری را در این زمینه خلق کرده است. --

آثار:

۱ ترجمه‌ی جهان اسلام

ویژگی اثر: تألیف: برتولد اشپولر.

۲ ترجمه ی شرق نزدیک در تاریخ

ویژگی اثر: تألیف: فیلیپ حتی.

۳ چهره ی مسیح در ادبیات فارسی

ویژگی اثر: تحقیق درباره ی تأثیر مسیحیت در ادبیات ایران.

۴ کمال الدین بهزاد

ویژگی اثر: تحقیق در احوال و آثار بهزاد و محیط هرات عهد شاهرخ.

منابع:

۱ دانشنامه ی زنان فرهنگساز ایران و جهان (زن از کتبه تا تاریخ)، تألیف: پوران فرخزاد، ج ۱، تهران انتشارات زریاب، ص ۶۷۲
سخنوران نامی معاصر ایران، تألیف: سیدمحمدباقر برقی، ج ۱، قم: نشر خرم، ص ۸۹

آرین پور، یحیی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۳۶۴ - ۱۲۸۶ ش)، نویسنده و شاعر، متخلص به دانش. در تبریز متولد شد. نیای پدریش عباس میرزا بود و از طرف مادر سلسله نسبش به خواجه نصیرالدین طوسی می‌رسد. آرین پور در شرح حال خود در «کتاب امروز» می‌گوید: روز و ماه و حتی سال تولدم را به درستی نمی‌دانم، آنچه از این بابت در شناسنامه‌ام آمده راه به جایی نمی‌برد زیرا مستند به بیاض و یادداشت پشت جلد کتابی نیست. وی در مدرسه‌ای در تبریز که اسماعیل امیر حیزی مدیریت و تعلیمات آن را بر عهده داشت، تحصیل کرد. از همدرسان وی، دکتر رعدی آذرخشی، دکتر علی اصغر حریری، محمد حسین شهریار و دیگران بودند. از معلمان وی ابوالقاسم فیوضات، تقی رفعت و سید احمد کسروی. تقی رفعت نخستین شخصی بود که وی را با ادبیات نو آشنا ساخت. وی هنگامی که در کلاس ششم دبیرستان تحصیل می‌کرد شش شماره از «مجله ادب» را انتشار داد. او سی سال در دارائی خدمت کرد. از آثار وی: ترجمه‌ی «ناصر خسرو و اسماعیلیان» برتلس؛ «از صبا تا نیما»؛ «از نیما تا روزگار ما».[۱]

محقق، مترجم، مورخ.

تولد: ۱۲۹۷، تبریز.

درگذشت: ۲۴ آبان ۱۳۶۴، تهران.

یحیی آرین پور تحصیلات خود را از مکتبخانه و سپس در دبستان تمدن تبریز آغاز نمود. علوم متوسطه را در دبیرستان محمدیه همان شهر ادامه داد. آموزگاران وی در دبیرستان محمدیه ابوالقاسم فیوضات، تقی رفعت، سید احمد کسروی بودند. از همان زمان قصیده‌گویی و غزل‌گویی را با تخلص «دانش» آغاز کرد. بعدها برخی از قطعه‌ها و ترجمه‌های شعری او در مجله‌های «سخن» و «یغما» به شکل پراکنده به چاپ رسید.

در اواسط سال ۱۲۹۸ که در کلاس ششم دبیرستان تحصیل می‌کرد، شش شماره از مجله‌ی «ادب» را انتشار داد، شش شماره‌ی دیگر آن مجله تحت نظر اسماعیل امیر حیزی منتشر شد. در اواسط سال ۱۲۹۹ وارد خدمت وزارت دارایی در تبریز شد و تا مرداد ۱۳۳۲،

یعنی مدت سی و سه سال پیایی را در آن وزارتخانه مشاغلی داشت. زبان روسی را در آموزشگاهی در تبریز فراگرفت و با زبان‌های انگلیسی و فرانسوی نیز آشنا بود. پس از بازنشستگی به عنوان مترجم در راه‌آهن دولتی ایران مشغول به کار شد و همزمان به تحقیقات علمی خود ادامه داد. در سال ۱۳۴۶، کتاب ناصر خسرو و اسماعیلیان تألیف ایران‌شناس روس (برتلس) را ترجمه کرد. کتاب دیگر او خاطرات سیمونیچ، وزیر مختار روس بود. اما اثر دیگر او از صبا تا نیما نام دارد (۱۳۵۰) که تاریخ یک قرن و نیم (سده‌ی سیزدهم و نیمه‌ی اول سده‌ی چهاردهم هجری) ادب ایران است. وی سرانجام پس از یک سال بیماری جانکاه جان سپرد و در بهشت زهرا مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه: [۱] آدینه (ش ۱، ص ۱۱)، آینه (س ۱۲، ص ۱۱۶-۱۱۵)، چیستا (س ۳، ص ۳۲۲).

آزاد سرو

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، از راویان «خداینامه». وی با احمد بن سهل (وف ۳۰۷) از بزرگان کامکاریان که داعیه‌ی امارت داشت در مروب سر می‌برد. فردوسی سالها بعد از او از کتابش که در «اخبار رستم» نوشته بود و از روایتش راجع به قتل رستم استفاده کرد. البته توجه فردوسی به نظم «شاهنامه» و مرگ احمد نزدیک هفتاد سال فاصله داشت و یقیناً آزاد سرو در طول این ایام جهان را بدرود گفته بود. بنابراین فردوسی مستقیماً از آزاد سرو روایت نکرده است، بلکه از «دفتر» بهره جسته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۶۱۶، ۴۸۹، ۴۷۳، ۱/۴۷۳)، حماسه‌سرایی در ایران (۹۹-۹۷)، دایرة‌المعارف فارسی (۱۱۳-۱۱۲، ۱/۶۳).

آزاد قزوینی، میرآزاد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، مجتهد اصولی، فیلسوف، حکیم و شاعر. برادر کوچک میر سید علی قزوینی و از سادات قزوین بود. او نزد شیخ محمدتقی شهید ثالث و برادرش ملا-محمد صالح برغانی فقه و اصول خواند و در حوزه‌ی درس آخوند ملا آقا حکمی قزوینی حکمت آموخت، سپس عازم هندوستان شد و ساکن آن سامان گشت. طبعی موزن داشت و اشعار لطیفی سرود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی روز روشن (۷)، فرهنگ سخنوران (۵)، مستدرکات اعیان (۳/۳)، مینو در (۲/۳۵۶).

آزاد همدانی، علی محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۳۲۴ - ۱۲۶۳ ش)، شاعر، متخلص به آزاد. در همدان متولد شد. پدرش حسین از اهالی ناحیه‌ی خوانسار اصفهان بود. وی از پانزده سالگی به تحصیل ادبیات فارسی و عربی پرداخت. منطق را بدون معلم و فقه و اصول و فلسفه را از اساتید فن آموخت و با زبان انگلیسی، فرانس و اسپرانتو آشنا شد. وی تحصیلات خود را در همدان و تهران گذراند و به خدمت وزارت فرهنگ و آموزش و پرورش درآمد و متجاوز از چهل سال به خدمت مشغول بود. وی سالها رییس انجمن ادبی همدان بود. آزاد خط شکسته را خوب می‌نوشت و شعر نیز می‌سرود. ابتدا اسیر و سپس آزاد تخلص می‌کرد و از مریدان سید محمد یوسف‌زاده معروف به غمام همدانی بود که بدین سبب به غمامی نیز شهرت داشت. از آثار او: کتاب «عشق و ادب»، در دو جلد در شرح داستان فردوسی که ناتمام مانده است، جلد اول آن در ۱۳۱۳ ش در تهران به چاپ رسید. [۱]

شیخ علی محمد غمامی آزاد همدانی (و. ۱۳۰۲ ه.ق.) وی به فنون ادب فارسی و طبعی سرشار و بیانی جذاب و شیرین داشت. آزاد یکی از با ذوق‌ترین نویسندگان هم عصر خویش بود و سراسر عمر را در خدمت فرهنگ کشور گذراند و مردی نیک نام و درستکار بود.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] از نیما تا روزگار ما (۲۳۸-۲۳۷)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۷۶-۲۷۲/۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۵۹/۳)، سخنوران نامی معاصر (۹۹-۹۴/۱)، شرح حال رجال (۱۷۱/۶)، فرهنگ سخنوران (۶)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۷/۴).

آزاد، حسین خان

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۵۵ ق.). پزشک، نویسنده و شاعر. وی فرزند میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله بود. تحصیلات خود را در رشته‌ی پزشکی در دانشگاه لندن به پایان رساند. پس از بازگشت به ایران جزو پزشکان دربار ناصری درآمد و از ظل‌السلطان پسر ناصرالدین شاه لقب حکیم‌باشی گرفت. اما چون استبداد قاجار و وضع نامطلوب سیاسی و اجتماعی ایران را تاب تحمل نداشت، به فرانسه رفت و تا پایان عمر در پاریس به سر برد. وی مجموعه‌ی نفیسی از نسخ خطی فارسی گردآوری کرده بود که پس از مرگ او توسط انتشاراتی «کوارچ» در لندن حراج شد. اثر وی: ترجمه‌ی «مثنوی» مولوی است از فارسی به فرانسه. دو مجموعه منتخب از اشعار آزاد به نامهای «گلزار معرفت» و «صبح امید» جداگانه به فرانسه ترجمه و در ۱۹۰۶ و ۱۹۰۷ م در لیدن منتشر شده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۹/۱)، شرح حال رجال (۳۷۸/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۶-۶۸۵/۲)، یادگار (س ۳، ش ۴، ص ۲۱-۱۹).

آزادانی، ابوالرحمان قتیبه

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سوم ق)، استاد قرائت قرآن و محدث. از اهالی آزادان، قریه‌ای در اصفهان بود. وی شاگرد و راوی علی بن حمزه‌ی کسائی در قرائت بود. آزادانی گوید: یک بار قرآن را از ابتدا تا انتها بر کسائی قرائت کردم و کسائی نیز قرآن را از ابتدا تا انتها بر من قرائت کرد. او از لیث بن سعد و شعبه و دیگران حدیث شنیده و یونس بن حبیب از وی روایت کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۱/ ۶۳)، دائرةالمعارف البستانی (۱/ ۶۹)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱/ ۸۲)، معجم البلدان (۱/ ۷۲).

آزادواری جوینی نیشابوری، ابو عبدالله محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۱۳ ق)، محدث. در خراسان از ابن راهویه، اسحاق بن ابراهیم حنظلی، و محمد بن رافع؛ و در عراق و حجاز از دیگران حدیث شنید. یحیی بن منصور قاضی و ابوعلی حافظ از او روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۱/ ۶۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱/ ۸۵)، سیر النبلاء (۴۶۹-۴۶۸/ ۱۴)، معجم البلدان (۱/ ۱۹۹).

آزادواری جوینی، ابوموسی هارون

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سوم ق)، ادیب و فقیه. در نیشابور از ابو عبدالله محمد بن ابراهیم پوشننجی و ابراهیم بن عبدالرحمان بن سهل آزادواری حدیث شنید. حاکم ابو عبدالله حافظ از او روایت کرده و او را فقیه و ادیب شمرده و گفت است که وی پیش از سال ۳۱۰ ق در ری و بغداد به جمع‌آوری احادیث اشتغال داشته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۱/ ۶۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱/ ۸۵).

آزادواری، ابوموسی ابراهیم

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، مدث. وی منسوب به آزادوار، قریه‌ای در حوالی جَوین، از نواحی نیشابور، بود. او از ابو حذافه‌ی سهمی نقل حدیث می‌کند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۱/ ۶۳)، دائرةالمعارف البستانی (۱/ ۶۹)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱/ ۸۵)، معجم البلدان (۱/ ۷۲).

آزردگان، فیروز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه عملی: استاد، رشته: داروسازی، دانشکده: داروسازی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای داروسازی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۳، درجه MPH آمار حیاتی از دانشکده بهداشت دانشگاه علوم

پزشکی تهران در سال ۱۳۴۸، درجه آمار حیاتی (جمعیت‌شناسی) از کارولینای شمالی آمریکا در سال ۱۳۵۰.

مرتبه عملی:

استادیار گروه اپیدمیولوژی و آمار دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۵۱، دانشیار در سال ۱۳۵۶، استاد دانشگاه علوم پزشکی

تهران از سال ۱۳۶۹ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرحهای بهداشتی در زمینه کودکان، طرحهای مختلف آمار حیاتی و داروئی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر تعداد زیادی پایان‌نامه

دکتر.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه عملی تألیفات:

بهداشتی، اپیدمیولوژی، نمونه‌برداری آماری.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۶، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۸

آمار حیاتی، K.A.P. نوزادان، اپیدمیولوژی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

آزرم، طالب

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: هماتولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در سال ۱۳۵۴، دکترای تخصصی داخلی در سال ۱۳۱۶، فوق تخصص هماتولوژی از ایران در سال ۱۳۶۳، دوره‌های آموزشی در زمینه پیوند مغز استخوان در ایتالیا و آمریکا.

مرتب علمی:

استادیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم اصفهان در سال ۱۳۶۰، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در سال ۱۳۷۰.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پیوند مغز استخوان، لیزوزیم در تشخیص و درمان لوسمی‌های حاد، بررسی ضایعات مفصلی در بیماران هموفیلی، مطالعه اثرات فرآورده‌های گیاهی ضد سرطان، بررسی انواع و شیوع فوریت‌های بیماران انکولوژی، بررسی زونا در افراد مبتلا به بیماری هوچکین، بررسی ۷۶ مورد PTcr مزمن و تازه‌های درمان آن، بررسی ۵۴ مورد سرطان معده در اصفهان، مطالعه ۵۰ مورد بیماری CLL در اصفهان، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۲ پایان‌نامه دکترای پزشکی عمومی و ۸ پایان‌نامه دکترای تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

اصول هماتولوژی در روش‌های آزمایشگاهی، هماتولوژی بالینی، معاینه فیزیکی، پیوند مغز استخوان.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۶۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

بیماری‌های خون، سرطان، طب داخلی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

آزموده، عذرا

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

عذرا آزموده متولد ۱۳۳۶ ه.ش تهران، پس از اخذ دیپلم در ۱۳۵۴ دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه ملی ایران (شهید بهشتی)، تخصصی زنان و زایمان از دانشگاه تهران و نیز تحصیلات فلوشیپ در رشته نازایی و IVF از دانشگاه تهران در ۱۳۷۵ و گذراندن مدت کوتاهی در مینی‌لاپاراتومی AT در فیلپین به عنوان دانشیار در بیمارستان میرزا کوچک خان تهران مشغول به کار است. گروه: علوم پزشکی رشته: زنان و زایمان تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: عذرا آزموده تحصیلات ابتدایی را در دبستان نجفی قدسی در سال ۱۳۴۳ و تحصیلات متوسطه را در دبیرستان صیانت و امامیه گذراند. و پس از اخذ دیپلم در ۱۳۵۴، وارد دانشگاه شهید بهشتی شد وی دارای دکترای پزشکی عمومی از آنجا، تخصص زنان و زایمان و فلوشیپ در رشته نازایی و IVF از دانشگاه تهران (۱۳۷۵) می‌باشد. وی دوره کوتاه مدت آموزش در مینی‌لاپاراتومی TL را در فیلپین گذرانده است. خاطرات و وقایع تحصیل: اخذ تخصصی

در زمینه زنان و زایمان موجب شد که دکتر عذرا آزموده از آن پس در این رشته به تحقیق و مطالعه و ادامه تحصیل بپردازد. فعالیتهای ضمن تحصیل: عذرا آزموده در کنار مداوا و تدریس به تحقیق، و مطالعه و تالیف آثاری در زمینه زنان و زایمان، و نازایی و IVF نیز پرداخته می پردازد. وقایع میانسالی: عذرا آزموده پس از اخذ تخصص در رشته زنان و زایمان به عنوان عضو هیئت علمی بیمارستان میرزا کوچک خان استخدام شد. وی هم اکنون در آنجا سمت دانشیاری دارد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: - دانشیار گروه زنان و زایمان بیمارستان میرزا کوچک خان - نماینده معاونت درمان وزارت بهداشت در مسائل اورژانس بیمارستانها - معاونت آموزشی بیمارستان میرزا کوچک خان از سال ۱۳۷۲ در IPPF در زمان معاونت دکتر زالی - تدریس در دانشکده مامایی و پرستاری دانشگاه تهران - عضو کمیته کشوری شروع تغذیه با شیر مادر در سال ۱۳۷۸ فعالیتهای آموزشی: عذرا آزموده پس از اخذ تخصص در رشته زنان و زایمان به عضویت هیئت علمی بیمارستان میرزا کوچک خان در آمده وی هم اکنون در آنجا دانشیار است. و نیز مدتی را در دانشکده مامایی و پرستاری دانشگاه تهران مشغول به تدریس بوده است. سایر فعالیتهای برنامه های روزمره: عذرا آزموده در کنار مداوا و رسیدگی به امور مربوط به مسئولیت های خود به مطالعه و تحقیق و تالیف نیز می پردازد. چگونگی عرضه آثار: عذرا آزموده مقالات خود را در مجلات معتبر داخلی و بین المللی به چاپ رسانیده است. ایشان دارای تحقیقات و تالیفاتی در زمینه ناباروری، IVF و بیماریهای مربوط به زنان و زایمان می باشد که مجلات معتبر داخلی و بین المللی به چاپ رسیده است.

آستارایی، اسحاق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۹۱ ق)، فقیه و مدرس. در قصبه ارچوان آستارا متولد شد. پس از تحصیل ادبیت در زادگاهش، به لنکران رفت و از آنجا به اردبیل مهاجرت کرد. وی نزد افتخارالعلماء و شیخ عبدالله تحصیل علوم کرد و در سال ۱۳۴۰ ق به خراسان مسافرت کرد و از محضر درس آقا شیخ حسن بررسی و میرزا ابوالقاسم حکمی و آقا بزرگ حکیم و ادیب نیشابوری و میرزا هاشم بهره برد و در ۱۳۴۵ ق به قم رفت و در حوزه درس آیت الله حائری و آیت الله حجت و آیت الله خوانساری و آیت الله بروجردی حاضر شد. از ابتدای تأسیس مدرسه حجتیه قم عهده دار امور مدرسه بود. در قم درگذشت و در مقبره ابوالحسن در بقعه العلماء دفن شد. از آثار وی: «تقریرات» درس آیت الله حائری و «تقریرات» درس آیت الله حجت در کفایه و فقه و مکاسب. [۱]

مرحوم مبرور حجه الاسلام آقای آستارایی از افاضل حوزه و مبرزین اصحاب و خواص رفقاء مرحوم آیت الله حجت به فضل و دانش معروف و به متانت و حسن افعال موصوف بوده است والدش مرحوم آقاعباس تاجر قفقازیست در قصبه ارچوان نزدیک شهر آستارا متولد شده و پس از گذراندن ایام کودکی در همانجا به تحصیل ادبیات پرداخته و در سال ۱۳۳۶ ق به لنکران آمده و از آنجا به اردبیل مهاجرت کرده و نزد مرحومین افتخار العلماء و شیخ عبدالله تحصیل مقدمات نموده و در سال ۱۳۴۰ ق به خراسان مسافرت و از محضر درس مرحوم آقاشیخ حسن بررسی و میرزا ابوالقاسم حکمی و آقابزرگ حکیم و ادیب نیشابوری و میرزا هاشم استفاده نموده و در سال ۱۳۴۵ ق مهاجره به قم و از محضر مرحوم آیت الله حائری و آیت الله حجت و خوانساری استفاده کامل نموده و هم به درس مرحوم آیت الله العظمی بروجردی حاضر شده و از اول تاسیس مدرسه حجتیه تصدی امور مربوط به مدرسه از تمام جهات از طرف مرحوم آیت الله حجت به ایشان محول بوده است.

از آثار اوست مقداری از تقریرات درس مرحوم آیت الله حائری و تقریرات درس مرحوم آیت الله حجت در کفایه و وقفه و مکاسب

اجازاتی هم از آیات عظام گذشته داشته است در ماه ذی‌الحجه ۱۳۹۱ قمری از دنیا رفته و در مقبره ابو‌حسین در بقعه العلماء مدفون گردیده است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار الحجّة (۲/ ۴۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۵- ۵۴/ ۲).

آستارایی، حسین

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم ق)، عالم، حکیم و صوفی. ظاهراً از شاگردان میرداماد است. وی دارای مؤلفات و تعلیقات بسیار است که صاحب «ریاض العلماء» برخی از آنها را در رشت دیده است. از آثارش: «تعلیقات بر «شرح الهیاکل» علامه دوانی؛ «رسالة المصطفویة فی تحقیق الخیر والشر علی مسلک الحکماء والصفویة»؛ که به فارسی و عربی تألیف شده؛ رساله‌ای در «وحدت الوجود»؛ به فارسی بر مذاق صوفیه و حکمای اشراق؛ رساله‌ای در «تفسیر اسماء الله الحسنی»؛ به فارسی؛ «حدیقه الانوار» در جواب شبهه‌ی ابن کمونه در قدم حوادث یومیه؛ تعلیقات بر رساله «جام گیتی نما» قاضی امیرحسین میبیدی، به فارسی، در حکمت.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۶/ ۳۸۱)، ریاض العلماء (۲/ ۹۶).

آسوده شیرازی، محمد مهدی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۰- ۱۲۶۵ ق)، حکیم، ادیب و شاعر، متخلص به آسوده. از اهالی شیراز و پدرش بازرگان بود، اما خود او به حکم ذوق و گرایش فکری، به شاعری روی آورد و به تحصیل علوم ادبی و حکمت و ریاضیات پرداخت و در فنون شاعری چون عروض و بدیع و قافیه و نقدالشعر مهارت یافت. در اواسط عمر به عزلت گرایید و به مصاحبت اهل ذوق و عرفان روی آورد. وی در تمام قلبهای شعری اعم از قصیده، غزل، قطعه، رباعی، مثنوی و مسمط طبع آزمایی کرده است و مثنوی به نام «عرفان الحکم» و مثنوی در تقریظ «سالارنامه» دارد. «دیوان آسوده» اثر دیگر او است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار عجم (۳۵۴- ۳۵۳)، حدیقه الشعراء (۳۷- ۳۲/ ۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۰- ۲۵/ ۱)، الذریعه (۲۴۶/ ۱۴۳، ۱۹/ ۲۴۷، ۱۵/ ۶، ۹/ ۶)، ریحانه (۱/ ۴۸)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۵۴، ۱۱۳۵، ۹۸۰/ ۲)، فرنگ سخنوران (۶)، مؤلفین کتب چاپی (۳۵۸- ۳۵۷/ ۶)، مرآت الفصاحه (۲۶- ۲۵).

آستینانی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج میرزا محمدحسن آشتیانی (ف. تهران ۱۳۱۹ ه.ق.) از اعیان علما و مجتهدان با فضل و دیانت و از شاگردان شیخ مرتضی انصاری بود. وی به تهران آمد و حوزه درس او مرجع استفاده بسیاری بوده است. کتاب «بحرالفوائد فی شرح الفرائد و التقریرات» وی در سال ۱۳۱۵ ه.ق. در تهران چاپ سنگی شده و کتاب «ازاحه الشکوک» نیز به چاپ سنگی رسیده است. آشتیانی در تهران وفات یافت و جنازه او را به نجف بردند و در مقبره شیخ جعفر شوشتری دفن کردند. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

آشتیانی اعتصام‌الملک، یوسف

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۶ - ۱۲۵۳ ش)، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. اصلاً آشتیانی بود و در تبریز متولد شد. پس از فوت پدرش، که از مستوفیان آذربایجان بود، به اعتصام‌الملک ملقب گردید. در تبریز ادبیات فارسی و عربی و قدری از فقه و اصول و حکمت قدیم و زبان فرانسه و عربی را آموخت. در ترجمه از عربی و فرانسه توانا بود. در جوانی مطبوعه‌ی سربی را در تبریز دایر کرد. وی در دوره‌ی دوم مجلس وکیل بود و مدتی ریاست کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی را داشت. از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۴۱ ق مجله‌ی ادبی علمی و اخلاقی و سیاسی «بهار» را انتشار داد. در تهران درگذشت و در آرامگاه خانوادگی در قم دفن شد. بعضی از تالیفاتش که به زبان عربی است ظاهر در مصر چاپ شده است. از عربی و فرانسه نیز چند کتاب به فارسی ترجمه کرده است. از آثار وی: «تربیت نسوان» که ترجمه‌ای است از «تحریر المراه»؛ «تیره‌بختان»، اثر ویکتور هوگو؛ ترجمه «خدعه و عشق»، اثر شیلر شاعر آلمانی برگردان از ترجمه فرانسوی؛ ترجمه‌ی «سفینه غواصه» اثر ژول ورن؛ ترجمه‌ی «حال تولستوی»؛ «سیاحتنامه‌ی فیثاغورث در ایران»؛ «فهرست کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی»؛ «قلائد الادب»، در شرح «اطواق الذهب» زمخشری، به عربی؛ «الثوره الهندیه»، ترجمه به عربی. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: از صبا تا نیما (۱۱۷ - ۱۱۳ / ۲)، ایضاح المکنون (۲۳۷/۲)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۷/۱)، الذریعه (۱۶۱/۱۷)، ۳۸۹/۱۶، ریحانه (۸۵۰/۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۰۵ - ۲۰۳ / ۱)، شرح حال رجال (۴۹۴ - ۴۹۳ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۸۱ - ۸۸۰ / ۶)، معجم المؤلفین (۲۷۷/۱۳)، یادگار (س ۳، ش ۳، ص ۳۵)، یادداشتهای قزوینی (۲۶۴/۸).

آشتیانی، باقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج میرزا باقر بن العلامه المتبحر حاج میرزا احمد آشتیانی دام‌ظله از علماء معاصر تهران و افاضل خاندان آشتیانی میباشند. تولد ایشان در آخر ۱۳۲۳ ق در تهران واقع شده و پس از فراغت از سطوح اولیه در سال ۱۳۴۰ ق مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر مرحوم آیت‌الله مشکینی و آیت‌الله آقا ضیاء‌الدین عراقی و آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله نائینی فقها و اصولاً استفاده

نموده آنگاه به تهران مراجعت و در مدرسه مروی بتدریس معقول و منقول اشتغال یافت.

از تألیفات ایشان است کتب زیر:

- ۱- کتاب النکاح ۲- کتاب الطلاق ۳- کتاب الصوم ۴- کتاب القضاء ۵- تعلیقاتی بر فرائد ۶- شرح مبسوطی بر کفایه ۷- تعلیقاتی بر متاجر شیخ ۸- تعلیقاتی بر خمس و زکوه مرحوم حاج آقا رضا همدانی ۹- تعلیقاتی بر صلوه آن مرحوم ۱۰- تعلیقاتی بر حج جواهر ۱۱- رساله‌ای در لباس مشکوک ۱۲- رساله‌ای در زکوه الفطر ۱۳- رساله‌ای در میراث الزوجه ۱۴- رساله‌ای در حبوه ۱۵- رساله‌ای در قضاء احکام ۱۶- رساله‌ای در مسالک وحدت وجود ۱۷- رساله‌ای در جبر و تفویض و امر بین الامرین ۱۸- رساله‌ای مختصری در صلوه جمعه ۱۹- رساله‌ای در اجتهاد و تقلید ۲۰- رساله‌ای در احکام و اقسام آبها ۲۱- رساله‌ای در نجاسات و احکام آنها ۲۲- رساله‌ای در احکام مساجد ۲۳- رساله‌ای مفصلی در احیاء موات ۲۵- رساله‌ای در خلع و مبارات ۲۶- رساله‌ای در تصویر مالکیت یا عدم مالکیت بعضی عناوین کلیه ۲۷- رساله‌ای در قاعده ید ۲۸- رساله‌ای در قاعده من ملک ۲۹- رساله‌ای در شروط ۳۰- رساله‌ای در کفو ۳۱- رساله‌ای در جواب تحیت ۳۲- حواشی بر شرح اللمعه ۳۳- حواشی بر قوانین.
- برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

آشتیانی، جعفر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۲۴ ق)، دانشمند و حکیم. ملقب و مشهور به میرزای کوچک. برادرزاده و داماد میرزای بزرگ آشتیانی بود. او از برجستگان علما و حکمای زمان خود بود و در ادبیات و ریاضیات بر افاضل عصرش مقدم. در فقه و اصول شاگرد عم خود حاج میرزا حسن آشتیانی بود. معقول و طب و نجوم و حساب و هندسه و اصول عرفان را نیز از آقا علی حکیم زنوزی و میرزا ابوالحسن جلوه و دیگر حکما فراگرفت. در تهران درگذشت و در زاویه صحن حضرت عبدالعظیم دفن شد. او تألیفات بسیاری داشت. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم) منابع زندگینامه: ریحانه (۲۷۴/ ۵).

آشتیانی، حسن، محمدحسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۹ - ۱۲۴۸/ ۱۲۴۳ ق)، عالم اصولی و مجتهد. در آشتیان متولد شد و در نجف تحصیل کرد و از شاگردان شیخ مرتضی انصاری بود. پس از اتمام تحصیلات و رسیدن به مقام اجتهاد، به تهران آمد و به تشکیل حوزه و تدریس مشغول شد. شهرت میرزای آشتیانی به سبب مخالفتش با اعطای امتیاز توتون و تنباکو به بیگانگان، معروف به قرارداد رژی، و کوشش او در لغو این امتیاز بود که سرانجام با ارشاد و حمایت قاطع میرزای شیرازی منجر به لغو قرارداد گردید. وی سفری نیز به دیدار میرزای شیرازی در سامرا رفت و مورد استقبال قرار گرفت. وی در تهران درگذشت و پس از تشییع جنازه با شکوه پیکرش به نجف حمل و در مقبره شیخ جعفر شوشتری مدفون گشت. حاج شیخ مرتضی آشتیانی، شیخ مصطفی آشتیانی، میرزا هاشم آشتیانی و میرزا احمد آشتیانی از

فرزندان او هستند. از آثار میرزای آشتیانی: «بحرالفوائد فی شرح الفرائد»، که حاشیه‌ی مفصلی است بر رسائل شیخ انصاری؛ «مباحث الالفاظ»، در اصول؛ «ازاحه‌الشکوک فی حکم اللباس المشکوک»؛ «کتاب القضاء»؛ «کتاب الاوانی الذهب والفضه»؛ «کتاب الوقف» و «احیاء الموات»؛ «رساله فی نکاح المریض»؛ «الاجزاء»؛ «کتاب الاجاره»؛ «الخلل».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۸-۳۷/۵)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹۸-۹۷/۱)، دایرةالمعارف فارسی (۱/۱۵۵)، الذریعه (۱۳۹/۲۵، ۳۰۱/۲۴، ۲۴۸/۷، ۱۳۷/۵، ۴۴/۳، ۵۲۷، ۳۹، ۲۷۴، ۱۲۲/۱). ریحانه (۱/۴۹)، شرح حال رجال (۳۱۷-۳۱۶/۱)، علماء معاصری (۷۱-۷۰)، فوائد الرضویه (۶۸، ۴۵۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۶۴-۳۶۳/۴)، لغت‌نامه (ذیل / محمدحسن)، المآثر والآثار (۱۵۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۳۹-۵۳۷/۲)، معجم المؤلفین (۹/۱۸۶)، یادگار (س ۳، ش ۴، ص ۱۶).

آشتیانی، فضل‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۸۲-۱۲۹۸ ق)، حکیم و قاضی. مشهور به آشتیانی. پس از تحصیل مقدمات علوم اسلامی به محضر درس میرزا محمدحسن آشتیانی راه یافت و در زمینه معقول حوزه درس میرزای جلوه و میرزا حسن کرمانشاهی را دریافت. پس از فراغ از تحصیل به خدمت قضایی درآمد و مستشار دیوان عالی کشور شد. اما هیچ‌گاه رابطه‌ی او با علم و حکمت قطع نشد. هرگاه که میرزا مهدی آشتیانی به سفر می‌رفت یا بر اثر بیماری توان درس گفتن نداشت به اصرار به جای وی در مدرسه‌ی سپهسالار قدیم درس می‌گفت. در تهران درگذشت و در جوار حضرت عبدالعظیم دفن شد. از آثارش: رساله‌ای مختصر در «حدوث عالم جسمانی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: گلزار معانی (۱۵-۷).

آشتیانی، محسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۷۰ ق)، خطاط و منشی. در علم انشاء مهارت داشت و نستعلیق را نیکو و استوار می‌نوشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۳/۶۲۰).

آشتیانی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج میرزا محمدحسن بن میرزا جعفر بن میرزا محمد آشتیانی از اعیان علماء و مجتهدین عصر گذشته ما که با فضل و دیانت و وثاقت معروف و از شاگردان مبرز و ممتاز شیخ الطائفه علامه انصاری بوده و بعد از وفات استادش در سال ۱۲۸۲ ق به تهران مهاجرت نموده و حوزه درس او مورد توجه و مرجع استفاده بسیاری از اطباء عصر بوده تا در سال ۱۳۱۹ ق که بدرود حیات گفته و جنازه‌اش پس از یکسال حمل به نجف اشرف و در مقبره شیخ جعفر شوشتری بخاک رفته است. آثار علمی او از اینقرار است:

۱- بحر الفوائد فی شرح الفرائد ۲- کتاب اجاره ۳- کتاب اجزاء احکام الاوانی ۴- کتاب احیاء الموات- ازاحه الشکوک عن حکم لباس المشکوک ۵- کتاب الوقف ۶- قضا و شهادات و کتب دیگری که طبع نشده است.

آن مرحوم دارای چهار فرزند عالم و دانشمند بوده است: ۱- مرحوم آیه‌الله العظمی حاج شیخ مرتضی آشتیانی که ترجمه و شرح احوالش در ضمن علماء مشهد خواهد آمد.

۲- مرحوم آیه‌الله حاج آقا میرزا آشتیانی معروف بافتخار از علماء و دانشمندان بنام این خاندان بوده و در قضایای مشروطیت ایران در یکی از منازل شهر ری مقتول و در مقبره صحن مطهر در جنب کفش کن زنانه که بنام مقبره افتخار آشتیانی معروف است مدفون گردید دارای تالیفاتی بوده که یکی از آنها بنام: افتخار نامه در غزوات حضرت ولایت ماب مولی الکونین امیرالمؤمنین بنهج فردوسی بطبع رسیده است.

۳- مرحوم آیت‌الله حاج میرزا هاشم آشتیانی غالباً وارد در امور سیاست بودند و تالیفاتی در ادعیه و زیارت از ایشان بیادگار مانده و در سن ۹۲ سالگی برحمت ایزدی پیوسته و در ارض اقدس رضوی مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

آشتیانی، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرتضی ابن العلامة الجلیل آیت‌الله العظمی حاج میرزا محمدحسن بن العالم العامل میرزا جعفر آشتیانی از مشاهیر علماء و مجتهدین و روسا حوزه علمیه مشهد مقدس بوده‌اند.

تولدش در سال ۱۲۸۱ قمری روز وفات علامه انصاری شیخنا المرتضی ره صاحب فرائد و مکاسب بوده و مرحوم والدش به واسطه کثرت علاقه به استادش مرحوم شیخ وی را به نام او موسوم نموده و همت بر تربیت او گماشت تا اولیات و سطوح را فراگرفت و از محضر مرحوم والدش استفاده کافی نمود و در خدمت آن مرحوم به مکه مشرف و پس از مراجعت در نجف اشرف اقامت و از مجالس ابحاث مرحوم حاج میرزا حبیب‌الله رشتی و آیت‌الله حاج میرزا حسین حاج میرزا خلیل و مرحوم آخوند خراسانی بهره‌مند شده تا به مدارج عالیه اجتهاد و فقاہت رسیده و به ایران مراجعت و در تهران به تدریس و اقامه جماعت مشغول تا در سال ۱۳۴۰ قمری به ارض اقدس رضوی مشرف و در آنجا به تدریس و اقامه جماعت و اصلاح امور مردم موفق و در سال ۱۳۵۳ قمری به حکم اجبار به تهران و چند سالی در زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) مجاور تا سال ۱۳۶۰ ق که مشرف به اعتاب عالیات و دو سال در کربلا به تدریس مشغول و به واسطه کسالت مزاج مراجعت به ایران و ثانیاً به مشهد مقدس مشرف و به وظائف شرعی قیام تا در ۲۴ ذی‌حجه ۱۳۶۵ قمری که به رحمت ایزدی پیوستند و در پائین مبارک حضرت رضا (ع) درب حرم مطهر مدفون گردیدند.

نگارنده گوید مرحوم علامه آشتیانی عالمی بود ربانی و فقیهی بود سبحانی و اخلاص بسیاری به اهل بیت عصمت علیهم السلام داشت و در تمام موالیده و اعباد مذهبی در منزلش مجلس جشن منعقد و در وفیات آنان مجلس سوگواری می‌گذاشت و خود با

آن کبر سن از مردم پذیرائی کرده و گاهی مدیحه‌خوانی می‌نمود توسلش بسیار و به زیارت جامعه کبیره مداومت داشت برای او منامات و مکاشفات و نوادر آموزنده بود یکی از مناماتش مربوط به مرحوم آیت‌الله حاج سید محسن صدرالعلماء بود که در ترجمه او نگاهشتم و یکی دیگر هم مربوط به خود ایشانست که بسیار جالب است.

مکاشفه آیت‌الله آشتیانی

در شهر ری در ایام اقامتش برای این بنده فرمود در مشهد مقدس که بودم روزی حمام رفتم و خضاب کرده و خوابیدم که خضابم رنگ بگیرد پس دیدم ملک‌الموت آمد و مرا قبض روح کرد و مردم از مردنم خبردار شدند اجتماع کرده و پس از تغسیل و تشییع آورده و دفن کردند شخصی به من گفت بیا نزد این غریب برویم من گفتم من می‌ترسم در زیر خاک و میان قبر نمی‌روم گفت نه باید برویم پس مرا به قبر وارد نمود و لحد گذارده شد چنان وحشت مرا گرفت ناگاه دیدم قبرم وسیع شد و دری از بالای سرم باز و به من گفته شد حضرت رسول و ائمه علیهم‌السلام تشریف می‌آورند و دیدم آن جناب و حضرت زهرا و دوازده امام علیهم‌السلام آمدند و در عقب سر آنان چهارده نفر از علماء بزرگ که آخرین آنها مرحوم پدرم بود آمدند ناگاه دیدم دری از پائین گشوده و دو نفر با قیافه هولناکی وارد و به حضرت رسول (ص) عرض کردند اجازه می‌فرمائید از او سؤال کنیم فرمود نه از من پرسید عرض کردند سمعا و طاعه.

یا رسول الله من ربك فرمود الله جل جلاله ربی من نیك فرمود انا نبی نفسی تا آخر عقاید.

پس گفتند حال اجازه می‌فرمائید از او پرسیم فرمود نه از پرس عموم علی سوال کنید پرسیدند پس از پایان باز کسب اجازه کردند فرمود نه از دخترم پرسید، پرسیدند و هر کدام جواب می‌دادند می‌گفتند نه از حسن و از حسین تا آخر حضرت مهدی پرسید و آنها می‌پرسیدند و حضرات جواب می‌دادند تا بعد از جوابهای چهارده معصوم علیهم‌السلام معروض داشتند حالا پرسیم فرمودند آری و ارفقابه با وی مدارا کنید. مرحوم آشتیانی فرمود از تلقین حضرت رسول (ص) و ائمه علیهم‌السلام من روان شده و عقایدی که از هول و ترس از یادم رفته بود به یادم آمد پس تا پرسیدند من ربك فورا گفتم الله جل جلاله ربی گفتند من نیك گفتم هذا محمد بن عبدالله (ص) نبی.

من امامك گفتم هذا علی بن ابی‌طالب امامی و هر جوابی که می‌دادم پیغمبر (ص) من علماء مخصوص پدرم خوشحال و خندان می‌شوند تا پس از پایان سؤال و جواب پیغمبر (ص) حرکت نموده و از همان در که آمده رفتند و در اثر آن حضرت حضرات ائمه علیهم‌السلام یکی بعد از دیگری رفته و قبر تاریک می‌شد گفتم لابد علماء و پدرم آمده‌اند که من تنها نباشم دیدم آنها هم بعد از ائمه علیهم‌السلام رفتند و چنان قبر تاریک و وحشتناک شده و از خواب بیدار شدم.

برادر ارجمندشان جناب مستطاب حجه‌الاسلام والمسلمین آیت‌الله آقای حاج میرزا احمد آشتیانی که ترجمه‌شان در ص ۳۶۴ جلد چهارم گذشت در روز چهارشنبه پانزدهم جمادی‌الثانی ۱۳۹۵ وفات نموده و با تجلیل و تشییع فراوان از تهران حمل به شهر ری و در جوار حضرت عبدالعظیم در مقبره برادرش مرحوم آقا میرزا مصطفی افتخار آشتیانی مدفون گردیدند.

از یادگارهای ایشان گذشته از کتب و تالیفات دو فرزند دانشمند به نام آیت‌الله حاج میرزا محمدباقر آشتیانی و حجه‌الاسلام آقامیرزا محمدصادق آشتیانی می‌باشد.

(ح ۱۳۶۵ - ۱۲۸۱ ق)، فقیه و اصولی. او از محضر پدر بهره کافی برد و همراه وی به مکه رفت. در بازگشت در نجف ماند و از مجالس درس میرزا حبیب‌الله رشتی و آخوند خراسانی و دیگران سود جست. وی از بزرگ‌ترین فقهای زمان خود به شمار می‌آمد و از علمای بانفوذ ایران بود. در جنبش مشروطیت شرکت داشت و در قضیه‌ی بانک روس و حوادثی که منتهی به لغو امتیاز آن گردید، نیز دخالت بسزایی داشت. مدتی که در مشهد اقامت داشت (۱۳۵۳ - ۱۳۴۰ ق)، ریاست و سرپرستی حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد را برعهده داشت. در سال ۱۳۶۰ ق به عراق رفت و دو سال مقیم کربلا بود. و سپس به ایران آمد و تا پایان عمر در مشهد زیست.

کتابی در باب «اجاره»، بر مبنای تقریرات او، باقی است. میرزا محمود آشتیانی و اسماعیل آشتیانی فرزندان او هستند. [۱]
بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه: [۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۷- ۳۵ / ۱)، شرح حال رجال (۲۶۰ / ۶)، گلزار معانی (۲۰- ۱۶)، گنجینه‌ی دانشمندان (۹۶- ۹۵ / ۷).

آشتیانی، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا مهدی آشتیانی، حکیم، عارف و دانشمند شیعی در حدود سال ۱۲۶۶ ش (۱۳۰۶ ق) در تهران متولد گردید. پدرش میرزا جعفر ملقب به میرزا کوچک از شاگردان آقا محمد رضا حکیم قمشه‌ای و مادرش دختر حاج میرزا حسن آشتیانی، مجتهد معروف تهران بود. ایشان پس از فراگیری مقدمات، خارج فقه و اصول را نزد شیخ فضل‌الله نوری و آقا سید عبدالکریم مدرس آموخت. وی از آن پس سال‌ها در تهران مُدّرس فلسفه و عرفان بود و عنوان مدرس رسمی مدرسه سپهسالار را داشت. در این میان شاگردان فرهیخته‌ای تربیت نمود که میرزا ابوالحسن شعرانی، دکتر عبدالجواد فلاطوری، دکتر محمدابراهیم آیتی، سیدجلال آشتیانی، مهدی حائری یزدی و بدیع الزمان فروزانفر و... از آن جمله‌اند. آیت‌الله میرزا مهدی آشتیانی در سال ۱۳۲۵ ش برابر با سال‌های ۱۳۶۶ - ۱۳۶۵ هجری قمری، به استدعای فضلا و طلاب حوزه علمیه قم چندی به قم مهاجرت کرد و به تدریس و افاضه پرداخت و استاد شهید مرتضی مطهری در آن مدت قلیل توفیق استفاده از محضر او را داشت. میرزا مهدی آشتیانی بی‌گمان یکی از متبحرترین شارحان و مدرسان فلسفه بود ولی ذوق عرفانی او بر مشرب عقلی‌اش غلبه داشت و این همه در آثار و شروح و حواشی او که البته از حد شرح و تفسیر بسیار فراتر می‌روند و خود، آثار مستقلی به شمار می‌روند، به خوبی هویداست. از این عالم برجسته و محقق توانا آثار متعددی بر جای مانده که: حاشیه شرح منظومه منطق و حکمت، اساس التوحید درباره قاعده "الواحد" در وحدت وجود از آن جمله است. میرزا مهدی آشتیانی سرانجام در دوم اردیبهشت ۱۳۳۲ ش برابر با نهم شعبان ۱۳۷۲ ق در ۶۶ سالگی درگذشت و در حرم حضرت معصومه (س) مدفون گردید.

آشتیانی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا مهدی آشتیانی در سال ۱۳۰۶ قمری به دنیا آمد. از همان اوان کودکی آثار هوش و استعداد در وی آشکار بود، طوری که در سن پنج سالگی به تلاوت کامل قرآن مجید موفق گردید. میرزا مهدی علوم ادبی مانند صرف، نحو، معانی، بیای، بدیع و همچنین منطق و مقدمات فلسفه را نزد پدر دانشمند خود فرا گرفت و سپس به درس اساتید تهران در علوم و معارف مختلف حاضر شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ و فلسفه

والدین و انساب: از پدر و مادری پرهیزگار در ذیقعه سال ۱۳۰۶ قمری میرزا مهدی پا به عرصه وجود گذاشته شد. پدر و نیاکان

میرزا مهدی همه از علمای بزرگ اسلام بوده‌اند. در رأس این خاندان آیت‌الله العظمی حاج میرزا حسن آشتیانی (ره) معروف به میرزای آشتیانی است. میرزای آشتیانی به عنوان رئیس علمای تهران در جنبش شکوهمند تحریم تنباکو نقش فوق‌العاده‌ای را ایفا می‌کرد. ایشان که نماینده میرزای بزرگ شیرازی نیز بود در انجام رساندن هدف قیام و رهبری مردم دخالت مستقیم داشت. آن بزرگوار در سال ۱۳۱۹ قمری درگذشت. از شاگردان مبرز میرزای آشتیانی، برادرزاده‌اش، مرحوم آیت‌الله حاج میرزا جعفر آشتیانی است که افتخار دامادی استاد را نیز داشته است. او پدر فیلسوف عالی مقام میرزا مهدی آشتیانی می‌باشد.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: از همان اوان کودکی آثار هوش و استعداد در وی آشکار بود، طوری که در سن پنج سالگی به تلاوت کامل قرآن مجید موفق گردید. میرزا مهدی علوم ادبی مانند صرف، نحو، معانی، بیای، بدیع و همچنین منطق و مقدمات فلسفه را نزد پدر دانشمند خود فرا گرفت و سپس به درس اساتید تهران در علوم و معارف مختلف حاضر شد. آشتیانی برای آموختن فقه و اصول، نزد بزرگانی همچون آقا شیخ مسیح طالقانی، آخوند ملا عبدالرسول مازندرانی، آقا سید عبدالکریم لاهیجی و شهید حاج شیخ فضل‌الله نوری زانو زد و نیز ریاضی را نزد آقا شیخ عبدالحسین سیبویه، میرزا اغفار خان نجم الدوله، میرزا جهانبخش منجم بروجردی و آقا شیخ محمد حسین ریاضی فرا گرفت. ایشان همچنین طب قدیم را از محضر میرزا محمد حسین حکیم و آقا میرزا ابوالقاسم نائینی و طب جدید را از میرزا علی اکبر خان ناظم الاطبا و میرزا ابوالحسن خان رئیس الاطبا آموخت. میرزا مهدی با جدیت تمام همه علوم و معارف فوق را نزد دانشمندان و بزرگان عصر آموخت و از بسیاری اساتید خود به اخذ اجازه و گواهی‌نامه علمی نائل شد. ایشان اگرچه در فقه و اصول و ریاضی و طب صاحب نظر و دارای مقامی ارجمند بود، ولی آنچه بیشتر برای او جاذبه داشت گام نهادن در وادی علوم عقلی و فلسفی بود. میرزا مهدی آشتیانی طی سال‌ها تلاش مستمر و کوشش مداوم در حوزه سالخورده نجف و در جوار آستان قدس علوی، مضجع حضرت امیرالمؤمنین (ع) موفق به اخذ اجازه اجتهاد از همه اساتید خود شد. استادان و مربیان: میرزا مهدی آشتیانی برای آموختن فقه و اصول، نزد بزرگانی همچون آقا شیخ مسیح طالقانی، آخوند ملا عبدالرسول مازندرانی، آقا سید عبدالکریم لاهیجی و شهید حاج شیخ فضل‌الله نوری زانو زد و نیز ریاضی را نزد آقا شیخ عبدالحسین سیبویه، میرزا اغفار خان نجم الدوله، میرزا جهانبخش منجم بروجردی و آقا شیخ محمد حسین ریاضی فرا گرفت. ایشان همچنین طب قدیم را از محضر میرزا محمد حسین حکیم و آقا میرزا ابوالقاسم نائینی و طب جدید را از میرزا علی اکبر خان ناظم الاطبا و میرزا ابوالحسن خان رئیس الاطبا آموخت. از اساتید وی در مباحث فلسفه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: سیدالحکماء آقا میرزا ابوالحسن جلوه مرحوم آقا میرزا حسن کرمانشاهی آقا میر شهاب نیریزی میرزا هاشم اشکوری نام برد. از اساتید وی در نجف اشرف عبارتند از: آیت‌الله آخوند خراسانی آیت‌الله سید محمد کاظم یزدی آیت‌الله سید محمد فیروز آبادی آیت‌الله میرزا حسن نائینی آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی

همسر و فرزندان: همچنین از یادگارهای میرزا مهدی آشتیانی فرزند دانشمندش، مهندس جلال‌الدین آشتیانی می‌باشد که از اساتید و نویسندگان توانای کشورمان به شمار می‌رود. فرزند دیگر ایشان، آقای میرزا جعفر آشتیانی است.

وقایع میانسالی: در ماه ذیحجه سال ۱۳۶۸ ه. ق در منزل مرحوم آیت‌الله حجت (ره) بودم و مرحوم میرزا مهدی آشتیانی در آنجا وارد بودند. مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری برای دیدن ایشان آمدند و بعد از تعارفات و تشریفات، آیت‌الله حجت به آیت‌الله بروجردی گفتند که آقای میرزا مهدی آشتیانی مکاشفه عجیبی دارند و مناسب است خودشان نقل کنند. مرحوم آشتیانی فرمودند: من مبتلا به یرقان هستم و برای همین مسافرت به خارج هم نموده‌ام ولی علاج نشده است. در سال ۱۳۶۵ ق که توده‌ای‌ها - نهایت تسلط را در شمال و غرب ایران داشتند - به مشهد مشرف می‌شدم. در اتوبوس حالم منقلب شد به طوری که مسافری و راننده خیال کردند من سگته کرده‌ام. ماشین را متوقف کردند و مرا بیرون آوردند و در آن حال دیدم که در عرفات هستم و انوار بسیاری از آسمان به زمین می‌آید و دیدم که مردم به یک طرف متوجه هستند. پرسیدم چه خبر است؟

گفتند: حضرت رسول (ص) تشریف آورده‌اند. من به آن طرف رفتم و دیدم چهارده خیمه در کنار یکدیگر نصب است. خیمه بزرگی بود که متعلق به حضرت رسول (ص) بود من در آن خیمه مشرف شدم و حضرت را زیارت کردم. خواستم از کسالت خود و حوائج دیگرم بگویم. گفتند: چون زائر فرزندانم رضا (ع) هستی برو به خیمه‌ایکه متعلق به اوست. پس من به خیمه آن حضرت شرفیاب شدم و سه حاجت خود را اظهار کردم. اول راجع به کسالتم، فرمودند مقدر شده که این کسالت با تو باشد تا از دنیا بروی، دوم راجع به فتنه توده‌ای‌ها، فرمودند به همین زودی شر آنها مرتفع خواهد شد و تا شما با قبور و مجالس سوگواری ما ارتباط دارید در امان هستید و سوم راجع به حاجت شخصی بود که فرمودند: این حاجت هم رواست.»

زمان و علت فوت: سرانجام بعد از سال‌ها تحقیق و تدریس و عمری سراسر پارسائی مرغ روح میرزا مهدی آشتیانی، عارف فرزانه و فیلسوف و حکیم عالی‌قدر، پس از یک بیماری طولانی در حوالی ساعت ده صبح روز پنجشنبه، سوم اردیبهشت ۱۳۳۲ ش، برابر با نهم شعبان ۱۳۷۲ ق در تهران و در حالی که مشغول افاضه مطالبی در مسئله «شق القمر» بود و گاه گاه بلند می‌فرمود: یا رحمن و یا رحیم یا ارحم الراحمین»، به عالم قدس پرکشید و خطه خاک را از انوار آن وجود تابناک محروم ساخت. یکر مطهر آن مرحوم به قم منتقل شد و پس از تشییع با شکوهی، در جوار کریمه اهل بیت (ع)، حضرت فاطمه معصومه (س)، نزدیک مرقد مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری (ره) در مسجد بالاسر مبارک به خاک سپرده شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: میرزا مهدی آشتیانی حدود ۳۰ سال در مدرسه سپهسالار و مدرسه میرزا محمدخان قزوینی تدریس داشت. معمولاً روزی سه ساعت و گاهی چهار ساعت تدریس می‌کردند. علامه سید جلال الدین آشتیانی نوشته‌اند: دوازده دوره الهیات شفا و چهار دوره طبیعیات این کتاب عظیم را تدریس نموده‌اند. تمهید القواعد را پنج بار و شرح فصوص را تا قبل از سال ۱۳۱۶ ش در طول هجده سال، شش دوره و مجلدات اسفار را در دوره‌های متوالی درس داده‌اند. تسلط ایشان به مبانی حکمت و عرفان و تبحر در آثار ملاصدرا باعث می‌شد تا محفل درس او مورد توجه اهل فضل قرار گیرد. علامه سید جلال الدین آشتیانی باز نوشته‌اند: «مرحوم استاد آقا میرزا مهدی سه سال ایام عید را به مقصد زیارت حضرت معصومه (س) در قم به این شهر مسافرت کردند؛ و در سفر اخیر مغفور له، حضرت امام خمینی درس اسفار خود را تعطیل کردند و فرمودند، آقای آشتیانی در رتبه اساتید من هستند...»

فعالیت‌های آموزشی: میرزا مهدی آشتیانی طی سال‌ها تلاش مستمر و کوشش مداوم در حوزه سالخورده نجف و در جوار آستان قدس علوی، مضجع حضرت امیرالمؤمنین (ع) موفق به اخذ اجازه اجتهاد از همه اساتید خود شد. ایشان مدتی را نیز در نجف اشرف به تدریس معقول اشتغال یافت و آن گاه به ایران بازگشت.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: میرزا مهدی آشتیانی در اوائل شباب تدریس منظومه می‌کرد.

شاگردان: اگر چه میرزا مهدی آشتیانی به علت مسافرت‌های زیاد و کسالت طولانی به صورت پیوسته و شایان نمی‌توانست به افاده پردازد، ولی حوزه درس و محفل بحث او تا اواخر عمر شریفش ادامه داشت و جویندگان معارف ناب از زلال دریای علومش استفاده‌ها بردند. نام برخی از شاگردان زبده وی چنین است: ۱- آیت‌الله سید علی سیستانی. ۲- آیت‌الله میرزا ابوالحسن شعرانی. ۳- آیت‌الله علامه سید جلال الدین آشتیانی. ۴- آیت‌الله دکتر مهدی حائری یزدی. ۵- آیت‌الله علامه محمد تقی جعفری. ۶- آیت‌الله آخوند ملا علی همدانی. ۷- آیت‌الله شیخ ابوطالب تجلیل تبریزی. ۸- آیت‌الله شهید مرتضی مطهری. ۹- پرفسور عبدالجواد فلاطوری. ۱۰- استاد بدیع الزمان فروزان‌فر. ۱۱- دکتر محمد تقی دانش‌پژوه. ۱۲- دکتر مهدی محقق. ۱۳- دکتر ابراهیم آیتی. ۱۴- دکتر محمد صادقی. ۱۵- دکتر محمد جعفر لنگرودی. ۱۶- دکتر موسی جوان. ۱۷- دکتر سید صادق گوهرین. ۱۸- حکیم حاج شیخ علی محمد جولستانی. ۱۹- حکیم شیخ محمدرضا ربانی تربتی. ۲۰- شیخ عبدالکریم روشنا تهرانی. ۲۱- آقا شیخ جعفر خندق آبادی. ۲۲- آقا میرزا محمد علی ادیب تهرانی. ۲۳- آقا شیخ علی محقق کاشمیری. ۲۴- آقا سید مهدی لاجوردی

کاشانی. ۲۵ - آقا سید هوشنگ میرمطهری. ۲۶ - آقا سید محمد تقی نقوی. ۲۷ - آقا سید محمد حسین آل طیب شوشتری و بسیاری دیگر

آرا و گرایشهای خاص: یکی از ویژگی‌های برجسته میرزا مهدی آشتیانی این بود که در یک محدوده جغرافیایی نمی‌ماند و مسافرت‌های متعددی را به مراکز علم و دانش جهان داشت. او طی سفری به بخارا مدت یک سال در آنجا اقامت گزید و به تدریس حکمت و فلسفه اسلامی مبادرت ورزید. بعد از آن به مصر، اسکندریه، برلین، پاریس، رم، هند، بلژیک و دیگر نقاط اروپا مسافرت کرد و با فلاسفه و اندیشمندان آن دیار مباحثاتی را انجام داد. ملاقات‌های ایشان که در واقع نماینده فلسفه و عرفان اسلامی بود - در آشنایی فلاسفه غرب با مبانی بلند و ژرف فلسفه اسلام و ایران تأثیر مطلقاً داشت.

آثار:

۱ اساس التوحید

ویژگی اثر: اساس التوحید، ط تهران، دانشگاه تهران. این کتاب که قبلاً با مقدمه آقای منوچهر صدوقی سُها چاپ شده بود اخیراً با مقدمه و تصحیح آیت‌الله سید جلال الدین آشتیانی مجدداً به چاپ رسیده است.

۲ ترجمه اسفار اربعه

۳ ترجمه‌ای بر اشارات بوعلی

۴ تعلیقه بر اسفار اربعه

۵ تعلیقه بر اشارات بوعلی

۶ تعلیقه بر شفاء بوعلی

۷ تعلیقه بر فصوص ابن عربی

۸ تعلیقه بر فصوص فارابی

۹ تعلیقه بر مصباح الانس

۱۰ تعلیقه بر منطق منظومه سبزواری

۱۱ حاشیه بر فرائد الاصول

۱۲ حاشیه بر فرائد الاصول تعلیقه بر حکمت منظومه سبزواری

۱۳ حاشیه بر کفایه الاصول

۱۴ حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری (ره)

۱۵ رساله در اثبات معراج جسمانی

۱۶ رساله‌ای در اثبات معاد جسمانی

۱۷ رساله‌ای در جبر و تفویض

۱۸ رساله‌ای در حقیقت کتاب و میزان به مذاق عرفا، ط تهران، ۱۳۵۲

۱۹ رساله‌ای در شق القمر

۲۰ رساله‌ای در علم اجمالی و طلب و اراده

۲۱ شرح بر مشکلات حافظ

۲۲ شرح حدیث عمران صابی

منابع زندگینامه: <http://www.iranologyfo.com>

آشتیانی پور، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی دانشیار، رشته: آشپزشناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

آشنا، محمدطاهر

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۸۱ ق)، مورخ و شاعر شیعی، متخلص به آشنا. ملقب به عنایت‌خان و خان زمان. اصل وی از تربت خراسان بود. او و پدر و جدش در دستگاه گورکانی هند دارای اعتبار و نفوذ بودند و در پرورش شاعران و ادیبان پارسی‌گوی شهرت فراوان داشتند. آشنا در درگاه شاهجهان صاحب منصب بود و در اواخر پادشاهی او عهده‌دار سرپرستی کتابخانه‌ی شاهی شد. وی در اوایل سلطنت اورنگ زیب در کشمیر گوشه‌گیری کرد و سرانجام در همان جا درگذشت. از آثار وی: «دیوان» اشعار؛ سه مثنوی منظوم، که از آن جمله مثنوی در صعوبت راه کشمیر است؛ خلاصه‌ی «پادشاه‌نامه» ملا عبدالحمید لاهوری تحت عنوان «ملخص»، به نثر در احوال سی سال پادشاهی شاهجهان.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۴۵، ۴۸۳-۴۸۲/۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۸)، الذریعه (۱۰۰۰، ۹/۷)، شام غریبان (۳۹)، فرهنگ سخنوران (۷)، لغت‌نامه (ذیل / آشنا)، نشتر عشق (۱۱۹-۱۱۸/۱)، یغما (س ۹، ش ۲، ص ۸۲).

آصف قزوینی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۳۶ ق)، فقیه. در قزوین متولد شد. مراتب علمی را تا تحصیل اجتهاد در اصفهان طی کرد. سپس به قزوین و از آنجا به تفلیس رفت و به تدریس فقه و اصول پرداخت. چند سال بعد دوباره به اصفهان رفت و دچار فتنه‌ی افغان و محاصره‌ی اصفهان و قحط و غلا گردید و کمر همت به یاری برادران دینی بست و مواسات بسیاری با آنان کرد. از آثار او است: شرح «خطبه همّام» از خطب امیرالمؤمنین (ع)، که برخی آن را ستوده‌اند و بهترین شرح دانسته‌اند.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲/ ۸۷)، تذکره‌ی القبور (۱۱)، الذریعه (۲۲۶/ ۱۳، ۷/ ۱۱۳)، ریحانه (۴۴۸-۴۴۷/۴)، طبقات اعلام

الشیعه (قرن ۱/ ۱۲)، فوائد الرضویه (۵۳)، مینو در (۲/ ۷۶۳).

آغاسی وزیراف، دربندی، حیدر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۲۵۷ ق)، نویسنده، مورخ. از جمله آثار وی: «مجمع الملوک فی ذکر سلاطین عجم»، در تاریخ. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۱۰۷۰-۱۰۶۹/ ۲).

آغزونی، ابو عبدالله، عبدالواحد

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۰۰ ق)، محدث. نسبتش به آغزون از قریه‌های بخارا است. از کسانی چون سفیان بن عَیْنَه و شریک بن عبدالله نخعی و محمد بن مسلم طائفی و دیگران حدیث شنیده بود و محمد بن سلام بیکندی و کعب بن سعید قاضی و دیگران نیز از او حدیث روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۱/ ۶۴)، دائرةالمعارف البستانی (۱/ ۱۱۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱/ ۱۰۸)، معجم البلدان (۷۴/ ۱)، نام‌آوران فرهنگ (۹۵).

آغنه دوست، فاطمه خاتون

قرن: ۱۰

جنسیت: زن

ملیت: ایران

(قبل از ۹۶۲ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به دوستی. وی دختر درویش قیام سبزواری بود. آغادوست در ادبیات و علم عروض و قواف و بصیرت کافی داشت و دارای طبعی سرشار بود. در تذکرها با نامهای آقا یا آغادوست نیز آمده است بیت زیر از او است:
ز آشنایی تو عاقبت جدایی بود

فغان که با تو مرا این چه آشنایی بود

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی روز روشن (۱۱)، الذریعه (۹/ ۹)، ریاحین الشریعه (۳/ ۳۲۲)، زنان سخنور (۱/ ۱۹۷)، فرهنگ سخنوران (۱۰)، مرآت الخیال (۳۳۷)، مستدرکات اعیان (۳/ ۴)، مشاهیر زنان (۵).

آفرانی، ابواحمد، محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۲۲ ق)، فقیه و محدث. از لیث بن نصر کاجری نَسَفی حدیث شنید و کتاب «مَوَّطأ» را از او روایت کرد. آفران قریه‌ای است نزدیک نَسَف و ابواحمد در آنجا درگذشت. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۱/ ۶۵)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱/ ۱۰۹)، معجم البلدان (۱/ ۷۴).

آفرانی، ابوالطیب، عبدالملک

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۳۸ ق)، فقیه، ادیب و شاعر. ابوالطیب از مردم آفران، قریه‌ای در نزدیکی نَسَف، بود. از احمد بن حامد مقرئ نَسَفی و ابوالفوارس احمد بن محمد بن جمعه و لیث بن نصر کاجری نَسَفی حدیث شنید و به مرو رفت و در آنجا فقه آموخت و از ابوالعباس معدانی و ابوالحسن محمودی و ابوزید فقیه مروزی حدیث شنید. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۱/ ۶۵)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱/ ۱۰۹).

آفرانی، ابوالفضل، شعبی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۸۳ ق)، محدث. ملقب به شاه. از اهالی آفران، دهی در نزدیکی نَسَف بود. وی از دانشمندان روزگار خود و در گردآوری حدیث بسیار ساعی بود. از ابویعلی عبدالؤمن بن خلف، محمد بن محمود بن عتیق و دیگران روایت نقل کرده است. ابوالعباس جعفر بن محمد بن المُعْتَر مُسْتَعْفِرِی و دیگران از او روایت کرده‌اند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۱/ ۶۵)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱/ ۱۰۹)، نام‌آوران فرهنگ (۹۶).

آفرانی، ابوبکر، محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۱۳ ق)، فقیه و محدث. در بخارا اقامت داشت و از ابوصالح خلف بن محمد خیام و برخی دیگر حدیث شنید. او در سن هشتاد سالگی در بخارا درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۱/ ۶۵)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱/ ۱۰۹)، نام‌آوران فرهنگ (۹۵).

آفرانی، ابوتمام، عبدالسلام

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۰۰ ق)، ادیب، شاعر و فقیه. برادر ابوالطیب آفرانی و از مردم آفران، دهی در نزدیکی نَسَف بود. در فقه پیرو مذهب شافعی بود و از اصحاب شافعی نیز آموخته بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۱/ ۶۵)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱/ ۱۰۹).

آفرانی، ابومحمد، جبرئیل

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سوم ق)، محدث. ابومحمد اهل آفران، قریه‌ای در یک فرسنگی نَسَف، بود. با محمد بن اسماعیل بخاری دوست بود و عبدالعزیز بن حاتم آفرانی شاگرد او بوده و از او روایت کرده است. ابومحمد، خود، از قُتیبَةُ بن سعید و دیگر محدثان بزرگ روایت نقل می‌کرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۱/ ۶۵)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۱۰- ۱/ ۱۰۹)، نام‌آوران فرهنگ (۸۷).

آقا خان کرمانی، عبدالحسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۷۰- مقتول ۱۳۱۴ ق)، نویسنده، مترجم، روزنامه‌نگار و شاعر. وی نوهی دختری مظفر علیشاه کرمانی بود و در کرمان به دنیا آمد. پس از فراگیری صرف و نحو و معانی و بیان به تکمیل ادبیات، ریاضیات و حکمت الهی کوشید. میرزا عبدالحسین در حدود ۱۳۰۲ ق همراه شیخ احمد روحی به اصفهان مهاجرت کرد و از آنجا به تهران آمد و به تدریس و تفسیر قرآن اشتغال ورزید. وی مدتی با حاجی میرزا یحیی دولت‌آبادی و شیخ مهدی شریف کاشانی مصاحبت داشت. سپس به همراه روحی به رشت رفت و از

آنجا رهسپار استانبول شد. او در استانبول با روزنامه‌ی «اختر» با مدیریت آقا محمدطاهر تبریزی، همکاری کرد و مقالاتی در آن روزنامه نوشت. میرزا آقاخان و شیخ احمد روحی و میرزا حسن خان خبیرالملک نامه‌های بسیاری از قول سید جمال‌الدین اسدآبادی به علمای نجف و سامرا و ایران نوشتند و خواستار همبستگی و مبارزه با استبداد ناصرالدین شاه شدند و همچنین از اعمال میرزا علی‌اصغر خان صد اعظم انتقاد کردند. به همین دلیل صدر اعظم در صدد دستگیری آنان برآمد و با متهم کردن آنان به دست داشتن در شورش ارمینان، دولت عثمانی آنان را تحت‌الحفظ به طرابوزن تبعید و زندانی کرد. با پیش آمدن واقعه‌ی قتل ناصرالدین شاه در ۱۳۱۳ ق، سوءظن دولت ایران نسبت به این افراد بیشتر شد و عاقبت بر اثر اصرار میرزا محمود خان علاءالملک دیبا، سفیر کبیر ایران در عثمان، به ایران فرستاده شدند و سرانجام به دستور محمدعلی میرزای ولیعهد در تبریز به قتل رسیدند. از آثار وی: «آئینه سکندری»، در تاریخ ایران، از ماقبل تاریخ تا رحلت پیغمبر (ص)؛ «جنگ هفتاد و دو ملت»؛ «عهدنامه‌ی مالک اشتر و دستور حکومت»، شرح و ترجمه؛ «نامه‌ی باستان»، منظوم، بر وزن «شاهنامه»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اختر (ج ۱، س ۳-۱، مقدمه ص ۱۱)، ادبیات نوین (۳۰)، از صبا تا نیما (۳۹۴-۳۹۰/۱)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۴۹۷-۴۹۳)، ستارگان کرمان (۳۷۲-۳۶۸)، شرح حال رجال (۲۵۷-۲۵۳/۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۲۳۲/۲، ۱۵۸۶، ۱۰۶۷، ۸۷۰، ۹۲/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۵۶-۷۵۴/۳)، یادگار (س ۳، ش ۴، ص ۵۴)، یغما (س ۲، ش ۶، ص ۲۵۹-۲۵۵).

آقا میری دزفولی، محمدطاهر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۱۸ ق) فقیه. وی از نوادگان سید عبدالباقی معروف به سید آقا میر است. در دزفول متولد شد. پس از تحصیلات مقدماتی در دزفول در ۱۲۶۰ ق به نجف رفت و نزد شیخ مرتضی انصاری تلمذ کرد و سرانجام داماد وی گشت. و در همان‌جا در گذشت. از آثار وی: تحریر «تقاریر» شیخ انصاری در اصول؛ «خلل و موارد»؛ حاشیه‌ای مفصل بر «شرح لمعه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: گنجینه‌ی دانشمندان (۱۴۴-۱۴۳/۵).

آقا نجفی اصفهانی، محمدتقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۲/۱۳۳۱-۱۲۶۲ ق)، عالم شیعی و مجتهد. معروف به آقانجفی. وی نوه‌ی شیخ محمدتقی رازی اصفهانی صاحب «هدایه‌المسترشدین» بود. در اصفهان متولد شد و مقدمات را از پدرش شیخ محمدباقر اصفهانی فراگرفت. در نجف در محضر میرزا محمدحسن شیرازی، حاج شیخ مهدی نجفی و حاج سید علی شوشتری به تکمیل تحصیل پرداخت و به مقام اجتهاد رسید و به اصفهان بازگشت در زمان پدر مرجعیت تام یافت. وی در کمک به مدرم و تأمین وسایل آسایش ایشان کوشا بود، حدود شرعی را اجرا می‌کرد و نسبت به حسن جریان زندگی و تحصیل طلاب علوم دینی اهتمام می‌ورزید. وی در جنبش تنباکو از آغازگران

مبارزه بود. مخالفتش با مظالم ظل‌السلطان و مأمورن انگلیسی سبب تبعید وی به تهران شد. اما در تهران نیز همچنان به فعالیت سیاسی خود ادامه داد و دوباره او را به اصفهان بازگرداندند. سرانجام در اصفهان درگذشت و در جوار مرقد امامزاده احمد نوده‌ی امام محمدباقر (ع) به خاک سپرده شد. آثار او را بیش از صد دانسته‌اند، از آن جمله: «آداب العارفين»؛ «الاجتهاد والتقليد»؛ «اسرار الآيات»؛ «اسرار الاحکام»؛ «اصول الدین»؛ «انوار العارفين»؛ «تأویل الآيات الباهرة فی العترة الطاهرة»؛ «بحر الحقائق»؛ «جامع الانوار»؛ «المتاجر»؛ «مفتاح السعادة» [۱].

آقا نجفی (و. ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۲۶۲ ه.ق - ف. ۱۱ شعبان ۱۳۳۲ ه.ق) شیخ محمدتقی بن حاج شیخ محمدتقی بن عبدالرحیم، از علمای بزرگ و متنفذ اصفهان و دارای تألیفات متعددی است در فقه و اصول فقه و کلام. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه [۱] الاعلام (۶/ ۲۸۸)، اعیان الشیعه (۹/ ۱۹۶)، تذکره القبور (۱۸- ۱۶)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱/ ۱۱۹)، الذریعه (۳۳۲، ۳۳۱، ۳۳۰، ۳۲۹، ۳۲۸، ۳۲۷، ۳۲۶، ۳۲۵، ۳۲۴، ۳۲۳، ۳۲۲، ۳۲۱، ۳۲۰، ۳۱۹، ۳۱۸، ۳۱۷، ۳۱۶، ۳۱۵، ۳۱۴، ۳۱۳، ۳۱۲، ۳۱۱، ۳۱۰، ۳۰۹، ۳۰۸، ۳۰۷، ۳۰۶، ۳۰۵، ۳۰۴، ۳۰۳، ۳۰۲، ۳۰۱، ۳۰۰، ۲۹۹، ۲۹۸، ۲۹۷، ۲۹۶، ۲۹۵، ۲۹۴، ۲۹۳، ۲۹۲، ۲۹۱، ۲۹۰، ۲۸۹، ۲۸۸، ۲۸۷، ۲۸۶، ۲۸۵، ۲۸۴، ۲۸۳، ۲۸۲، ۲۸۱، ۲۸۰، ۲۷۹، ۲۷۸، ۲۷۷، ۲۷۶، ۲۷۵، ۲۷۴، ۲۷۳، ۲۷۲، ۲۷۱، ۲۷۰، ۲۶۹، ۲۶۸، ۲۶۷، ۲۶۶، ۲۶۵، ۲۶۴، ۲۶۳، ۲۶۲، ۲۶۱، ۲۶۰، ۲۵۹، ۲۵۸، ۲۵۷، ۲۵۶، ۲۵۵، ۲۵۴، ۲۵۳، ۲۵۲، ۲۵۱، ۲۵۰، ۲۴۹، ۲۴۸، ۲۴۷، ۲۴۶، ۲۴۵، ۲۴۴، ۲۴۳، ۲۴۲، ۲۴۱، ۲۴۰، ۲۳۹، ۲۳۸، ۲۳۷، ۲۳۶، ۲۳۵، ۲۳۴، ۲۳۳، ۲۳۲، ۲۳۱، ۲۳۰، ۲۲۹، ۲۲۸، ۲۲۷، ۲۲۶، ۲۲۵، ۲۲۴، ۲۲۳، ۲۲۲، ۲۲۱، ۲۲۰، ۲۱۹، ۲۱۸، ۲۱۷، ۲۱۶، ۲۱۵، ۲۱۴، ۲۱۳، ۲۱۲، ۲۱۱، ۲۱۰، ۲۰۹، ۲۰۸، ۲۰۷، ۲۰۶، ۲۰۵، ۲۰۴، ۲۰۳، ۲۰۲، ۲۰۱، ۲۰۰، ۱۹۹، ۱۹۸، ۱۹۷، ۱۹۶، ۱۹۵، ۱۹۴، ۱۹۳، ۱۹۲، ۱۹۱، ۱۹۰، ۱۸۹، ۱۸۸، ۱۸۷، ۱۸۶، ۱۸۵، ۱۸۴، ۱۸۳، ۱۸۲، ۱۸۱، ۱۸۰، ۱۷۹، ۱۷۸، ۱۷۷، ۱۷۶، ۱۷۵، ۱۷۴، ۱۷۳، ۱۷۲، ۱۷۱، ۱۷۰، ۱۶۹، ۱۶۸، ۱۶۷، ۱۶۶، ۱۶۵، ۱۶۴، ۱۶۳، ۱۶۲، ۱۶۱، ۱۶۰، ۱۵۹، ۱۵۸، ۱۵۷، ۱۵۶، ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۵۳، ۱۵۲، ۱۵۱، ۱۵۰، ۱۴۹، ۱۴۸، ۱۴۷، ۱۴۶، ۱۴۵، ۱۴۴، ۱۴۳، ۱۴۲، ۱۴۱، ۱۴۰، ۱۳۹، ۱۳۸، ۱۳۷، ۱۳۶، ۱۳۵، ۱۳۴، ۱۳۳، ۱۳۲، ۱۳۱، ۱۳۰، ۱۲۹، ۱۲۸، ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۲۵، ۱۲۴، ۱۲۳، ۱۲۲، ۱۲۱، ۱۲۰، ۱۱۹، ۱۱۸، ۱۱۷، ۱۱۶، ۱۱۵، ۱۱۴، ۱۱۳، ۱۱۲، ۱۱۱، ۱۱۰، ۱۰۹، ۱۰۸، ۱۰۷، ۱۰۶، ۱۰۵، ۱۰۴، ۱۰۳، ۱۰۲، ۱۰۱، ۱۰۰، ۹۹، ۹۸، ۹۷، ۹۶، ۹۵، ۹۴، ۹۳، ۹۲، ۹۱، ۹۰، ۸۹، ۸۸، ۸۷، ۸۶، ۸۵، ۸۴، ۸۳، ۸۲، ۸۱، ۸۰، ۷۹، ۷۸، ۷۷، ۷۶، ۷۵، ۷۴، ۷۳، ۷۲، ۷۱، ۷۰، ۶۹، ۶۸، ۶۷، ۶۶، ۶۵، ۶۴، ۶۳، ۶۲، ۶۱، ۶۰، ۵۹، ۵۸، ۵۷، ۵۶، ۵۵، ۵۴، ۵۳، ۵۲، ۵۱، ۵۰، ۴۹، ۴۸، ۴۷، ۴۶، ۴۵، ۴۴، ۴۳، ۴۲، ۴۱، ۴۰، ۳۹، ۳۸، ۳۷، ۳۶، ۳۵، ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱).

آقابزرگ تهرانی، محمد محسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۸۹ - ۱۲۹۳ ق)، کتاب شناس، محقق، فقیه و محدث شیعی. آقا بزرگ تحصیلات مقدماتی خود را در تهران در مدارس دانگی و پامنار و فخریه آغاز کرد و ادبیات و فقه و اصول و منطق آموخت و در ۱۳۱۵ ق عازم نجف شد و نزد حاج میرزا حسین محدث نوری تحصیل علم حدیث کرد. و در حوزه درس آخوند ملا کاظم خراسانی، شریعت اصفهانی، سید محمد کاظم یزدی و میرزا محمدتقی شیرازی به تکمیل فقه و اصول پرداخت. در سال ۱۳۲۹ ق به کاظمین رفت تا مقدمات تدوین بزرگ‌ترین دایرةالمعارف کتاب شناسی شیعه، یعنی «الذریعة الی تصانیف الشیعة» را آماده سازد. این دایرةالمعارف در واقع جوابی به جرجی زیدان، ادیب مسیحی عرب بود که مدعی شده بود که نقش شیعه در فرهنگ اسلامی بسیار اندک است. آقابزرگ برای تهیه‌ی «فهرست الذریعه» در نجف چاپخانه‌ای به نام مطبعة السعادة دایر کرد. ولی دولت عراق مانع کار وی شد. وی برای تکمیل «الذریعه» سفرهای بسیار کرد و از بیشتر کتابخانه‌های عمومی عراق و ایران و سوریه و فلسطین و مصر و حجاز و بسیاری از کتابخانه‌های خصوصی بازدید کرد. حاج آقا بزرگ از بسیاری از محدثین فرق و مذاهب گوناگون اجازه‌ی نقل حدیث داشت، از جمله: میرزا حسین نوری، سید محمدعلی شاه عبدالعظیمی، شیخ علی خاقانی، شیخ علی کاشف الغطاء، سید حسن صدر، شیخ محمدعلی ازهری مالکی، شیخ عبدالوهاب شافعی، شیخ ابراهیم الاحمدی، شیخ عبدالقادر طرابلسی، شیخ عبدالرحمن حنفی. بسیاری از بزرگان نیز از او اجازه‌ی نقل حدیث گرفته‌اند، مانند: حاج آقا حسین بروجردی، سید عبدالحسین شرف‌الدین عاملی، شیخ عبدالحسین امینی، سید عبدالهادی شیرازی، شیخ محمدرضا آل‌یاسین، سید محمدصادق بحر العلوم، سید شهاب‌الدین مرعشی. وی پس از یک بیماری طولانی در نجف درگذشت و طبق وصیتش، در کتابخانه خود که آن را وقف علما کرده بود به خاک سپرده شد. مهمترین آثار وی عبارت‌اند از: «الذریعة الی تصانیف الشیعة» در ۲۶ جلد؛ «طبقات اعلام الشیعة»، از سده‌ی چهارم تا چهاردهم ق. در یازده جزء که ادامه کتاب «وفیات الاعلام» سید حسن صدر در سه قرن اول بود؛ «مصنفی المقال فی مصنفی علم الرجال»؛ «هدیة الرازی الی المجدد شیرازی»؛

«النقد اللطیف فی نفی التحریف عن القرآن الشریف»؛ «توضیح الرشاد فی تاریخ حصر الاجتهاد»؛ «المشیخة»؛ «ضیاء المفازات فی طریق مشایخ الاجازات»؛ «مستدرک کشف الظنون».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آئینه (س ۶، ش ۴-۳، ص ۲۵۳-۲۴۷ و ش ۸-۷، ص ۵۹۶-۵۸۸)، الذریعه (۱/ مقدمه و ۲۰/ مقدمه)، ریحانه (۵۴-۵۲/ ۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۹-۱۸/ ۱)، سواد و بیاض (۵۸۹-۵۸۷)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۸۰-۲۷۹/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳۵-۲۳۲/ ۵)، نام‌آوران فرهنگ (۳۵۳).

آقابزرگ ساوجی، محمدحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۵۷ ق)، عالم، مدرس و مجتهد. معروف به آقابزرگ یا شیخ آقابزرگ ساوجی. در حوزه‌ی درس حاج میرزا حبیب‌الله رشتی و حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی به درجه‌ی اجتهاد رسید و در مدارس مروی و سپهسالار جدید به تدریس پرداخت و گروه بسیاری در حوزه‌ی درس او که غالباً حوزه‌ی ادب و فقه و اصول بود حاضر می‌شدند. وی در علوم معقول از استادان بزرگ بود. در سلوک نیز پیرو آخوند ملا-فتحعلی اراکی بود. سرانجام در تهران درگذشت و جنازه‌ی وی را به قم بردند و در یکی از حجرات صحن جدید که اینک به مقبره‌ی پروین اعتصامی شهرت دارد دفن کردند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: گنجینه‌ی دانشمندان (۲۹۴/ ۵).

آقانهانی، مرتضی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرتضی آقا تهرانی

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مرتضی آقا تهرانی در سال ۱۳۳۶ در اصفهان متولد شد. تحصیلات مقدماتی علوم حوزوی را در مدرسه حقانی قم و زیر نظر شهیدان گرانقدر، قدوسی و بهشتی به اتمام رسانید.

ایشان از رزمندگان پر تلاش دوران دفاع مقدس بوده و همزمان دروس متوسطه و عالی فقه و اصول، فلسفه و تفسیر را در مکتب بزرگانی چون حضرات آیات بهجت، مظاهری و مصباح یزدی (دامت برکاتهم) فرا گرفته است. تحصیل در مؤسسات باقرالعلوم، در

راه حق، امام خمینی (ره) و اخذ فوق‌لیسانس روانشناسی در قم، فوق‌لیسانس فلسفه غرب و دکترای فلسفه عرفان از دانشگاه بینگ همتون آمریکا، کارشناسی ارشد مطالعات اسلامی از دانشگاه لگ کایل کانادا بخش دیگری از کارنامه درخشان علمی ایشان است. حجت‌الاسلام والمسلمین تهرانی، ۵ سال به عنوان امام جمعه شهر نیویورک و مسئول مؤسسه اسلامی این شهر فعالیت نمودند و پس از بازگشت از آمریکا تا به امروز به تدریس و تبلیغ در حوزه و دانشگاه و تحقیق و پژوهش در گستره فقه، اصول، اخلاق، عرفان و علوم تربیتی پرداخته است.

منابع زندگینامه: مرکز تحقیقات علوم کامپیوتری علوم اسلامی

آقا جان اصفهانی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، طراح و معمار. طراح نقش آفرین و معمار و رسام دوره‌ی فتحعلی شاه و محمدشاه قاجار بود. او در طرح نقشه و ایجاد ساختمانهای آن دوره، صاحب ابتکار بود و در آرایش و پیرایش داخلی و خارجی قصرها و ابنی، دست پر کمال داشت. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱/۷).

آقاجانی، علیرضا

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۰۱۶ ق)، فقیه و محدث شیعی. وی از شاگردان میرزا محمد استرآبادی بود که در مکه پس از قرائت کتاب «تهذیب الاحکام» بر او، به دریافت اجازه روایت نایل شد. وی پدر محمد بن علیرضا آقاجانی، حکیم و فیلسوف بزرگ عصر خویش است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۹۸/۱۱).

آقاجانی، محمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۰۷۱ ق)، عارف، حکیم و فیلسوف. اصل وی از استرآباد یا مازندران بود. در قم مسکن گزید و در محضر ملاصدرای شیرازی شاگردی کرد. وی منکر وحدت وجود و برخلاف سید داماد وجود را اعتباری نمی‌داند. از آثار وی: «شرح القیسات» محقق داماد، که کتاب بزرگی در حدود ۸۰ هزار سطر است؛ «الانوار شاهیه» در کلام؛ تعلیقات «الهیات شفا»؛ رساله در «ابطال الهیولی»؛ رساله در «حدوث الدهری»؛ «ریاض الطالبین».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۹۱-۱۳/۳۹۰)، راهنمای کتاب (س ۲۱، ص ۳۳۸-۳۳۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۹۴-۴۹۳/۱۱).

آقاخان

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقاخان اول مشهور به آقاخان محلاتی ابن شاه خلیل‌الله رئیس فرقه اسماعیلیه (و. ایران ۱۸۰۰ م. - ف. هند ۱۸۸۱ م.) چون حاج عبدالمحمد محلاتی رفتاری کرد که آقاخان آن را نپسندید، و از آنجا که حاج میرزا آقاسی وزیر اعظم وقت حاج عبدالمحمد را مورد توجه قرار داده بود، این امر بر آقاخان گران آمد و قلعه بم را تسخیر کرد. ولی فیروز میرزا حکمران کرمان قلعه را از او باز ستد و او را روانه تهران کرد (۱۲۵۵ ه.ق.). اگر چه حاج میرزا آقاسی در ظاهر با وی به ملاطفت رفتار میکرد، ولی چون عبدالمحمد مذکور را واداشت تا شفیع او گردد، کدورت پیشوای اسماعیلیه مرتفع نگردید و به بهانه سفر مکه از تهران به مقابله او شتافت و پس از دو جنگ، آقاخان به جانب لار رفت و از آنجا راه هند پیش گرفت و تا زمان مرگ رئیس فرقه اسماعیلیه بود.

آقاخان دوم. پس از پدر خود، آقاخان اول جانشین او شد. (ف. ۱۸۸۵ م.) آقاخان سوم. پس از آقاخان دوم، تنها پسرش به نام آقا سلطان به عنوان آقاخان سوم جانشین او شد. (ف. ژنو ۱۳۳۶ ه.ش / ۱۹۵۷ م.) آقاخان چهارم پس از آقاخان سوم بنا به وصیت او نوه پسر وی شاه (پرنس) کریم‌خان پسر علی‌خان (ف. ۱۹۵۷ م.) به پیشوایی اسماعیلیه منصوب شد و امروزه نیز همین سمت را داراست.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

آقاخان محلاتی اول، محمدحسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۹۸-۱۲۱۹ ق.)، رئیس طایفه اسماعیلیان نزاری. معروف به حسنعلی شاه و ملقب به آقاخان اول. در کهک به دنیا آمد. حسنعلی پسر شاه خلیل‌الله، معروف به سید کهکی، از درباریان دوره قاجار بود. پس از قتل پدرش، بر اثر لطف فتحعلی شاه، با یکی از دختران شاه وصلت کرد و حکومت قم و محلات به مدت دو سال به وی سپرده شد. در عهد وزارت حاج میرزا آقاسی عهده‌دار حکومت کرمان بلوچستان شد. منتها به علت خصومتی که میان آقاخان و حاج میرزا آقاسی بود، در زمان جنگ هرات، وی در قلعه‌ی بم متحصن شد، ولی تاب مقاومت نیاورد و تسلیم شد. پس از عفو شاه، حاج میرزا آقاسی از پا نشست؛ آقاخان نیز خانواده‌ی خود را به بهانه‌ی زیارت به عتبات فرستاد و خود نیز راه بلوچستان و کرمان را در پیش گرفت و با حمایت انگلیس، اسنادی دایر بر انتصاب خود به حکومت کرمان به اطراف فرستاد، اما شکست خورد. سپس راهی هندوستان گردید و در بمبئی مقیم شد و آن جا را مرکز فرقه‌ی اسماعیلیه ساخت، و در همان جا درگذشت. از حسنعلی شاه کتابی به جا مانده به نام «عبرت‌افزا» که در این کتاب وی ابتدا درباره‌ی نسب خانوادگی خود که به خلفای فاطمی می‌رسد صحبت می‌کند، سپس قتل پدر خود در یزد و به دنبال آن زندگینامه‌ی خود را شرح می‌دهد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ و عقاید اسماعیلیه (۶۱۲-۶۱۰، ۵۹۱-۵۷۴)، حدیقه الشعراء (۱۲۱۴-۱۲۰۸/۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۴۱-۱۱۰/۱)، الذریعه (۲۱۲/۱۵)، شرح حال رجال (۳۵۸-۳۵۴/۱)، مکارم الآثار (۶۶۹-۶۶۲/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۱۲/۱).

آقاخوری، امیر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ارتدینسی، دانشکده: دندانپزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

آقاسردار، نجف قلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۰۳ ق)، مورخ و مترجم. وی پس از پایان تحصیلات ابتدایی و مقدمات برای ادامه‌ی تحصیلات به بیروت رفته و از آنجا به فرانسه رهسپار شد. مدتی برای تکمیل انگلیسی در لندن صرف وقت کرده در بازگشت وارد خدمت وزارت دارایی شده و یک دوره نیز به وکالت مجلس انتخاب شد. وی از شاگردان فرصت‌الدوله شیرازی صاحب «آثار عجم» است. از آثارش: ترجمه‌ی «تاریخ انگلستان»؛ ترجمه‌ی «تاریخ روسیه»؛ «تاریخ سیاسی نفت»، «دره‌ی نجفی»، در عروض و بدیع و قافیه؛ «راه آهن ایران»؛ ترجمه‌ی «شناسایی دام و دد»؛ «عالم حیوانات»؛ «فراماسیون در انقلاب فرانسه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۳۵/۱۴، ۱۱۴/۸)، مؤلفین کتب چاپی (۵۴۶-۵۴۴/۶).

آقاسی، محمدرضا

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۳۴ ق)، محدث و شاعر. مشهور به آقاسی. او خواهرزاده‌ی ابوطالب خان نهاوندی بود. وی از پدرش علامه مجلسی روایت می‌کرد. او در فتنه افغان درگذشت. وی شعر نیز می‌سرود. گزیده‌ای از اشعار او در «تذکره‌ی غنی» آمده است. از آثارش: «ارشاد الحنفاء فی وصف الخلفاء»؛ «معراج النفس».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تلامذه العلامة المجلسی (۱۲۰)، الذریعه (۲۶/۴۲، ۲۱/۲۳۷، ۳۶۳/۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۶۲/۱۲)، مرآت الاحوال جهان‌نما (۱/۱۲۵).

آقاسی، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدرضا آقاسی هشتم. فرزند ششم یک خانواده ی مذهبی. ۲۴ فروردین سال ۱۳۳۸ در منزل پدری مان، واقع در تهران، خیابان خیرام، پشت امامزاده سید نصرالدین، به دنیا آمدم. مرحوم پدرم، با آنکه سواد بی آن صورت نداشت، اما قاری قرآن بود و از مریدان مرحوم آیت الله «حاج سید احمد طالقانی آل احمد» که روحانی سرشناس محل ما بود و پدر جوانمرد فاضل؛ زنده یاد» جلال آل احمد، از طرفی، مادرم حدود چهل سال است افتخار مدّاحی حضرت قمر بنی هاشم (علیه السلام) را دارد.

از زمان بچگی کلمات را به هم می بافتم. مشخصاً از سنین سیزده چهارده سالگی. تقریباً بیست ساله بودم که انقلاب شروع شد. قبل از انقلاب، دو سالی هنرجوی «هنرستان هنرهای زیبا»ی شهر تهران بودم. منتها، از آنجا که به نحوه ی آموزش متون درسی و مدیریت خشک و بی بهره از ظرافت های تعلیم و تعلم هنری اولیاء امور هنرستان اعتراض داشتم، با مدیر، ناظم و بعضی از اساتید آنجا برخورد پیدا کردم. روی همین حساب هم، دو سال پیاپی مرا مردود کردند و دست آخر سال سوم؛ اخراج ام کردند. بعد از آن ماجرا، مدتی در تسلیحات ارتش کار می کردم. این وضع ادامه داشت تا حوالی تابستان ۱۳۵۷ که با اوج گیری مسائل انقلاب، از تسلیحات هم زدم بیرون.

از همان شب اول پیروزی انقلاب در بیست و دو بهمن ۵۷، در کمیته ی انقلاب؛ مستقر در مسجد امامزاده سید نصرالدین تفنگ به دوش کشیدم و شدم یکی از صدها هزار جوان پاسدار انقلاب.

شعار محوری آن روزهای انقلابیون این بود؛ «امروز ایران- فردا، فلسطین». بر مبنای همین باور، دوره های مقدماتی جنگ چریکی را در تهران آموزش دیدم. در آذرماه ۵۸ بود که به جمهوری عربی سوریه رفتیم. آنجا در یکی از پادگان های متعلق به جناح نظامی «سازمان آزادی بخش فلسطین»- معروف به قوای العاصفه- مستقر شدیم و مریدان زنده ی فلسطینی، یک دوره ی تخصصی از رزم پارتیزانی را به ما آموزش دادند. در پایان آن دوره ی آموزشی، روزی که می خواستیم به سمت مرز حرکت کنیم، نیروهای مسیحی لبنانی طرفدار ارتش اسرائیل؛ معروف به فالانژها، مستقر در مرز مشترک سوریه- لبنان، راه عبور را به روی ما بستند و از ورود اکیپ ما به خاک لبنان جلوگیری شد. به ناچار، من به اتفاق تعدادی از دوستان به تهران برگشتیم تا دستکم خودمان را به جبهه های نبرد افغانستان برسانیم؛ که تازه چند ماهی بود توسط یکصد و چهل هزار چکمه پوش سپاه چهلم ارتش سرخ اتحاد شوروی اشغال شده بود.

پنج. پاییز سال ۱۳۶۵ بود که یکی از رفقای ما، در ستاد پشتیبانی مهندسی جنگ جهاد سازندگی، سر وقت ام آمد با این پیشنهاد که؛ «اگر آمادگی داری، بیا با هم برویم برای دوره ی آموزشی کار با بلدوزر و ماشین آلات سنگین. جبهه بلدوزرچی لازم دارد». خوب، ما هم رفتیم در واحد مهندسی- رزمی ستاد پشتیبانی جنگ جهاد تهران اسم نوشتیم. مدتی در کهریزک، دوره ی کار با ماشین آلات سنگین را دیدیم. بعد هم اعزام شدیم به جبهه ی جنوب. مدتی در شوش دانیال مستقر بودیم. بعد هم رفتیم سمت جزایر

مجنون و دست آخر هم دشت شلمچه.

شش.

انتخاب قالب شعری برای بیان ادراکات و احساسات شاعرانه ام، احتمال مثنوی به این خاطر بود که در این قالب، برای فُورانِ شور درونی شاعر، به نسبت دیگر قالب های شعری، میدان به مراتب وسیع تری وجود دارد. مثنوی دریاست، مثنوی اقیانوس است. وقتی بخواهی بیایی توی چنین وادی هایی، «شرط اول قدم آن است که مجنون باشی». باید ایمان داشته باشی که ذاتاً فقیری و غنی مطلق خداست و باب جود و عطای خدا، آل محمّد (علیهم السلام) هستند. باید کاسه ی گدایی برداری، بروی در خانه ی اهل بیت (علیهم السلام) را بزنی. احساس استغنا و بی نیازی هم نباید داشته باشی. در چنین صورتی؛ مطمئن باش اهل بیت (علیهم السلام) تو را دست خالی از در خانه شان بر نمی گردانند. هر چه شکسته تر و زارتر در خانه شان بروی، کاسه ی گدایی تو را پُرتر می کنند. حالا در رابطه با معروف ترین شعری که خلاق در این ملک مرا به آن می شناسند؛ یعنی شیعه نامه، فقط می توانم بگویم که من شیعه نامه را از کرم اهل بیت (علیهم السلام) دارم، نه از خودم؛ که هیچ ام و هیچ.

هفت.

بیشتر سرمایه ها و ردیف بودجه های مصوّب برای شعر اصیل انقلاب، به سمینارها و سمپوزیوم ها و کنگره ها و کنفرانس ها و - به قولی امروزی ها همایش ها- ی پر از اسراف و تبذیر و بی حاصل مثلاً فرهنگی- هنری و چاپ کاتالوگ ها و بولتن های لوکس و چهار رنگ بی خاصیت و یک بار مصرف اختصاص داده شد. بعضی دستگاه ها هم که بعد از انقلاب به وجود آمدند و خود، به عنوان نهاد های هنری- تبلیغاتی این انقلاب مطرح شدند، زدند به بی راهه ی فرو رفتن در مسائلی، که بیشتر در حوزه ی مسؤولیت وزارت بازرگانی و وزارت مسکن و شهرسازی است، تا یک نهاد مدّعی ترویج اندیشه و هنر اسلامی! من از بیان حرف حق پرورایی ندارم و خوفی هم ندارم که اگر به خوشایند این حضرات حرف نزّم، نان نداشته ام آجر شود! همین قدر گفته باشم، یکی از همین قماش دستگاه های متولّی اندیشه و هنر اسلامی، یک بار عکس العمل تند ی را نسبت به من نشان داد... حقوق ام را قطع کردند و ضمن ارسال یک دستورالعمل اکید، مرا به صحن و سرای دستگاه شان ممنوع الورد فرمودند! یک بیت نثارشان کردم و سپردم شان به قهر مولا علی (علیه السلام). که:

از آن روزی که در خون پر گشودم به دار الکفر ممنوع الوردم آثار استاد محمّدرضا آقاسی در حوزه ی شعر به حدود ۶-۷ هزار بیت می رسد، که یکی از مشهور ترین آنها مثنوی بلند شیعه نامه است.

محمّدرضا آقاسی، شاعر و مثنوی سرای اهل بیت عصمت و طهارت، در سن ۴۶ سالگی، بامداد سه شنبه سوم خرداد ماه ۸۴ به علت عارضه قلبی در مرکز تخصصی قلب تهران دار فانی را وداع گفت. پیکر وی ۵ خردادماه از مقابل معراج شهدای تهران تشییع و در قطعه ۴۴ شهیدان بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

آقا کوچک برو جردی، علی اکبر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۲۷۹ ق)، عالم، فقیه و محدث. از اهالی قمیسه و در اصفهان ساکن بود. پس از کسب مقدمات سالها در تحصیل نحو و صرف و معانی و بیان و حدیث و رجال و علوم دینی و معارف صرف اوقات کرد تا به درجه ی اجتهاد رسید. از آثار وی «رساله در استصحاب» که تحریر تقریرات پدرش بود و به انضمام «قواعد الشریفیه ی» پدرش به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بروجرد (۴۲۳-۴۲۲/۲)، تذکره القبور (۱۴)، ریحانه (۵۷-۵۶/۱)، المآثر والآثار (۱۶۲).

آقاگلزاده، فردوس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فردوس آقاگلزاده در سال ۱۳۳۵ به دنیا آمد. وی پس از اتمام دوره دبیرستان، وارد دانشگاه علامه طباطبایی شد و در رشته زبان و ادبیات انگلیسی به تحصیل پرداخت. او تحصیلات مقطع کارشناسی ارشد و دکتری را در رشته زبان شناسی همگانی از دانشگاه تربیت مدرس و تکمیل تحقیقات دکتری را در دانشگاه لیورپول انگلستان سپری کرد. وی پس از اتمام تحصیلات خود، به عنوان عضو هیات علمی گروه زبان شناسی دانشگاه تربیت مدرس فعالیت خود را آغاز کرد. او همچنین با نشریات و مجلات تخصصی همکاری نزدیک داشته و ضمن آن در همایشها و سمینارهای عملی، مقالات بسیار ارزشمندی را ارائه داده است. گروه: علوم انسانی رشته: زبان و ادبیات انگلیسی گرایش: زبانشناسی همگانی تحصیلات رسمی و حرفه ای: فردوس آقاگلزاده پس از اتمام دوره دبیرستان، وارد دانشگاه علامه طباطبایی شد و در رشته زبان و ادبیات انگلیسی به تحصیل پرداخت. او تحصیلات مقطع کارشناسی ارشد و دکتری را در رشته زبان شناسی همگانی از دانشگاه تربیت مدرس و تکمیل تحقیقات دکتری را در دانشگاه لیورپول انگلستان سپری کرد. موضوع رساله وی "مقایسه و نقد رویکردهای تحلیل کلام و تحلیل انتقادی در تولید و درک متن" می باشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: فردوس آقاگلزاده از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱ سرپرست کتابخانه دانشکده، از سال ۱۳۷۶ جانشین معاونت پژوهشی دانشکده و از سال ۱۳۷۵ تا کنون سرپرستی آزمایشگاههای زبان را به عهده داشته است. فعالیتهای آموزشی: فردوس آقاگلزاده عضو هیات علمی گروه زبان شناسی و استادیار دانشگاه تربیت مدرس می باشد. از جمله دروسی که وی در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری تدریس می نماید عبارتند از: تجزیه و تحلیل کلام و کاربرد شناسی، تطور زبان فارسی، مقدمات زبانشناسی، زبان انگلیسی (مقطع کارشناسی ارشد و دکتری)، سایر فعالیتهای برنامه های روزمره: فردوس آقاگلزاده با نشریات و مجلات تخصصی همکاری نزدیک داشته و ضمن آن در همایشها و سمینارهای عملی نیز شرکت کرده است. آرا و گرایشهای خاص: تخصص اصلی فردوس آقاگلزاده تجزیه و تحلیل کلام و کاربردشناسی بوده اما به صورت جنبی بر روی جامعه شناسی زبان، ادبیات و زبانشناسی، گویش شناسی مطالعات و پژوهشهای خود را نیز متمرکز نموده است. آثار: نقش جامعه شناسی زبان و راهبردهای آن در تدریس زبان "مجله رشد زبان، شماره ۱۴، تهران ۱۳۷۹، تقویت مهارت شنیداری به روش نوین تحلیل متن، نخستین همایش بررسی روش های نوین آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان، چاپ شده در مجموعه مقالات، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۰. دوزبانگی و چند زبانگی از دیدگاه روانشناسی زبان (به زبان انگلیسی، " دومین کنفرانس بین المللی علوم شناختی، تهران ۱۳۸۱، سازگاری صورت و محتوا در آیات قرآن مجید از نگاه زبانشناسی، "همایش قرآن و علوم روز دانشگاه بیرجند، ۱۳۷۹، مفاهیم فرهنگ و زبان "کنفرانس تعاملات علمی و فرهنگی ایران و غرب، دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی، تهران، ۱۳۷۹، نقش عوامل زبانشناختی و فرازبانی در گفتگو و تفاهم فرهنگی ایران و آفریقا، "کنفرانس ایران و آفریقا، دانشگاه تربیت مدرس، ویژگیهای متون ادبی از دیدگاه زبانشناسی "مجله آموزش زبان، شماره ۲، مشهد، ۱۳۷۹، ویژگیهای متون ادبی از دیدگاه زبانشناسی، "همایش ترجمه ادبی در ایران دانشگاه فردوسی مشهد، بهمن ماه ۱۳۷۸

آقالر آذربایجانی، ولی‌الله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۲۷۵ ق)، طیب و شاعر، متخلص به ولی. میرزا ولی‌الله آذربایجانی اصلش از هشترود تبریز است. از جانب اولیای دولت لقب حکیم‌باشی نظام داشت و اطبای زمان به دانش و تبحر او در طب معترف بودند. بیمارستان دولت با لوازم آن به او سپرده شد بود و از طرف ناصرالدین شاه به جمع شیوه درمان فرنگی و ایرانی و تألیف کتابی در یک جلد در این زمینه مأمور شد. در میان مردم به میرزا آقالر مشهور بود. در مجموعه‌ی «قلندر شاه» بعضی از اشعار عربی و فارسی او موجود است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۲۰۴۲-۲۰۴۱/۳)، فرهنگ سخنوران (۹۸۸)، گنج شایگان (۴۸۱-۴۷۸).

آقامیری دزفولی، اسدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج سید اسدالله معروف بامام بن سید نورالله بن سید اسدالله بن سید محمد حسین بن العلامه سید عبدالباقی مشهور بسید آقا میر دزفولی یکی از فضلاء نامدار خوزستان و فقهاء عظام اهواز بوده است.

وی در دزفول متولد شده و پس از فراغت از مبادی علوم مهاجرت بنجف اشرف نموده و از محضر علمین آخوند خراسانی و علامه یزدی استفاده کامل نموده و چند سالی هم در تهران بتحصیل پرداخته و از درس علماء آن سامان بهره‌مند شده آنگاه باهواز منتقل و رحل اقامت افکنده و بوظائف دینی قیام و مورد احترام و تجلیل قرار گرفت و در مسجد جامع آن شهر باقامه جماعت و تدریس پرداخت تا در سال ۱۳۵۷ ق وفات نموده و جنازه‌اش حمل بنجف و در وادی‌السلام مدفون گردید.

فرزند ارشدش حجه‌الاسلام آقای حاج سید هبه‌الله امام از علماء محترم و متصف بفضائل اخلاق و تا هم‌اکنون در مسجد جامع اهواز بجای والدش بامامت اشتغال دارد.

(وف ۱۳۵۷ ق)، فقیه. معروف به امام. وی از نوادگان سید عبدالباقی معروف به سید آقا میر است. در دزفول به دنیا آمد. پس از فراغت از خواندن علوم مقدماتی عازم نجف اشرف شد و در حوزه درس آخوند خراسانی و علامه یزدی شرکت کرد و از آنان استفاده کامل برد. چند سالی هم در تهران به تحصیل پرداخت. سپس به اهواز منتقل شد و در آنجا عهده‌دار وظایف دینی گشت.

در همان‌جا درگذشت. پیکرش به نجف حمل و در وادی‌السلام دفن شد. [۱]

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۴۱ / ۳).

آقاجفی قوچانی، سید حسن، محمد حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۳-۱۲۹۵ ق)، فقیه، حکیم و ادیب. در خسرویه‌ی قوچان به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در قوچان، سبزوار و مشهد به پایان رسانید و در بیست سالگی به اصفهان رفت و نزد آخوند کاشانی و میرزا جهانگیرخان قشقایی حکمت و فلسفه و نزد آخوند شیخ عبدالکریم گزی، و سید محمدباقر درچه‌ای فقه و اصول خواند. سپس از اصفهان به نجف رفت و نزد آخوند محمدکاظم خراسانی، شریعت اصفهانی، محمدباقر اصطهباناتی تلمذ کرد و در سی سالگی به اجتهاد رسید و پس از بیست سال توقف در نجف به قوچان بازگشت و متجاوز از بیست و پنج سال در قوچان مقام فقاہت و رتق و فتق امور مذهبی مردم و اداره‌ی حوزه‌ی علوم دینی را برعهده داشت. وی در قوچان درگذشت و آرامگاهش از زیارتگاه‌های قوچان است. از آثار وی: «شرح دعای صباح»، «عذر بدتر از گناه»، درباره‌ی مشروطیت؛ «سفری کوتاه به آبادیهای قوچان»؛ «سیاحت غرب»؛ در کیفیت عالم برزخ و سیر ارواح؛ «سیاحت شرق» که مهمترین اثر آقا نجفی و شرح حال خود او از کودکی تا مقام اجتهاد است؛ «حیوة الاسلام فی احوال آیة‌الله الملک‌العلام»، در شرح زندگی آخوند خراسانی؛ «شرح کفایة‌الاصول». [۱]

حسن بن سید محمد نجفی صاحب (کتاب سیاحت شرق و سیاحت غرب) از علماء بنام شهرستان قوچان بوده است. وی در سال ۱۲۹۵ قمری در قریه (خروه) از توابع قوچان متولد شده و پس از رشد به مکتب رفته و شروع به درس فارسی نموده و آن را تکمیل و بعد با عدم رغبت و میلی که به ادامه درس داشت ولی روی اصرار پدرش به تحصیل ادامه داده و مدتی در مدرسه قوچان مقدمات را کاملاً خوانده و بعد در سن ۲۰ سالگی از راه کویر لوت به یزد و از آنجا به اصفهان آمده و در یکی از حجرات مسجد شاه و مسجد عربون اقامت و منظومه سبزواری را در خدمت مرحوم آخوند کاشی و رسائل را از شیخ عبدالکریم گزی و حکمت و فلسفه را از میرزا جهانگیر خان قشقایی و فقه را از مرحوم آقا نجفی مسجد شاهی فراگرفته و در درس خارج حاج سید محمدباقر درچه‌ای شرکت و با مشقات بسیاری مواجه شده و به مراقبت و تزکیه نفس خویش پرداخته و بعد از چهار سال توقف در اصفهان در سال ۱۳۱۸ قمری در سن ۲۳ سالگی پیاده به نجف اشرف مشرف شده و به درس مرحوم آخوند خراسانی و حاج سید محمدکاظم یزدی و شریعت اصفهانی حاضر شده و هم از محضر مرحوم آقا شیخ محمدباقر اصطهباناتی در فلسفه استفاده نموده تا در سن سی سالگی به مقام فقاہت و اجتهاد رسیده و بعد از بیست سال اقامت در عتبات عالیات در سال ۱۳۳۸ قمری به قوچان مراجعت و به ارشاد مردم و رتق و فتق امور دینی مردم و حوزه علوم دینی قوچان اشتغال داشته تا بعد از بیست و پنج سال خدمات شایسته در قوچان در شب جمعه ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۳۶۳ قمری در سن ۶۸ سالگی وفات نموده و در منزل خودش مدفون و تاکنون قبرش مزار و مورد احترام مردم قوچان است. مرحوم آقا نجفی قوچانی که افتخار این شهرستان بلکه استان خراسان است دارای آثار نفیس و ارزنده‌ای می‌باشد که بعضی طبع و برخی غیره مطبوع مانده است و آنها از اینقرار است.

۱- سفر غرب (سیاحت غرب) ۲- سیاحت شرق ۳- شرح ترجمه رساله تفاحیه ارسطو ۴- کتاب عذر بدتر از گناه.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۲۲۱- ۲۲۰/۶)، نشر دانش (س ۴، ش ۲، ص ۲۷-۱۸).

آقانجفی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۲۴ ق)، عالم دینی، فقیه و مفسر. در نجف اشرف به دنیا آمد. پس از پرورش در محضر پدر که از علمای همدان بود و خواندن مقدمات و سطح به حوزه درس علمای بزرگ نجف چون آیت‌الله نائینی و آیت‌الله اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله غروی اصفهانی راه یافت و از آنان بهره‌ی کامل گرفت. پس از نیل به مقامات عالی به همدان مهاجرت کرد و به ترویج مذهب و تألیف و تصنیف پرداخت. از آثار وی: تفسیر شریف «انوار درخشان» است که در پانزده جلد عرضه شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲/ ۲۴۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۱۶-۴۱۵/۷).

آقسرای، جمال‌الدین محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۷۷۰ ق)، طیب، عارف و محقق. وی در شهر آقسرای قونیه در مدرسه معروف به سلسله یا مسلسل مدرّس بود. او معاصر با میر سید شریف جرجانی بود. شاگردان او سه طبقه بوده‌اند که یکی در حین رفتن به مدرسه و دیگری در داخل مدرسه و سومی در خارج آن، کلمات استاد را استماع می‌نمودند و از روی تقلید حکمای یونان یکی را مشائون نام داده و دیگری را هم رواقیون می‌نامیدند. از آثارش: «حاشیه کشاف»؛ «ایضاح الايضاح» یا «شرح الايضاح»، در معانی و بیان؛ «حل الموجز» یا شرح «موجز القانون» ابن نفیس، در طب؛ «شرح اللباب»، در نحو، به نام «کشف الاعراب» که در ۷۴۰ ق در شیراز از تألیف آن فراغت یافت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۲/ ۴۳۳)، ریحانه (۱/ ۵۸)، لغت‌نامه (ذیل / آقسرای)، کشف الظنون (۱۹۰۰، ۱۵۴۴، ۱۴۷۸، ۱۱۹۲، ۶۸۷، ۲۱۰، ۳۶)، معجم المؤلفین (۲۷۳، ۱۹۲، ۱۱/ ۱۶۶) هدیه العارفی (۲/ ۱۶۶).

آل احمد، جلال‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جلال‌الدین سادات آل احمد، معروف به جلال آل احمد، فرزند سید احمد حسینی طالقانی در محله سید نصرالدین از محله‌های قدیمی شهر تهران به دنیا آمد، او در سال ۱۳۰۲ پس از هفت دختر متولد شد و نهمین فرزند پدر و دومین پسر خانواده بود. پدرش در کسوت روحانیت بود و از این رو جلال دوران کودکی را در محیطی مذهبی گذراند. تمام سعی پدر این بود که از جلال، برای مسجد و منبرش جانشینی پیرورد. جلال پس از اتمام دوره دبستان، تحصیل در دبیرستان را آغاز کرد، اما پدر که تحصیل فرزند را در مدارس دولتی نمی‌پسندید و پیش‌بینی می‌کرد که آن دروسها، فرزندش را از راه دین و حقیقت منحرف می‌کند، با او مخالفت کرد: «دبستان را که تمام کردم، دیگر نگذاشت درس بخوانم که: «برو بازار کار کن» تا بعد ازم جانشینی بسازد. و من رفتم بازار. اما دارالفنون هم کلاسهای شبانه باز کرده بود که پنهان از پدر اسم نوشتم.» پس از ختم تحصیل دبیرستانی، پدر او را به نجف نزد برادر بزرگش سید محمد تقی فرستاد تا در آنجا به تحصیل در علوم دینی پردازد، البته او خود به قصد تحصیل در بیروت به این سفر رفت، اما در نجف ماندگار شد. این سفر چند ماه بیشتر دوام نیاورد و جلال به ایران بازگشت. در «کارنامه سه ساله» ماجرای

رفتن به عراق را این گونه شرح می دهد: «تابستان ۱۳۲۲ بود، در بحبوحه جنگ، با حضور سربازان بیگانه و رفت و آمد وحشت انگیز U.K.C.C و قرقی که در تمام جاده ها کرده بودند تا مهمات جنگی از خرمشهر به استالینگراد برسد. به قصد تحصیل به بیروت می رفتم که آخرین حد نوک دماغ ذهن جوانی ام بود و از راه خرمشهر به بصره و نجف می رفتم که سپس به بغداد و الخ اما در نجف ماندگار شدم. میهمان سفره برادرم. تا سه ماه بعد به چیزی در حدود گریزی، از راه خانقین و کرمانشاه برگردم. کله خورده و کلافه و از برادر و پدر». پس از بازگشت از سفر، آثار شک و تردید و بی اعتقادی به مذهب در او مشاهده می شود که بازتابهای منفی خانواده را به دنبال داشت. «شخص من که نویسنده این کلمات است، در خانواده روحانی خود همان وقت لامذهب اعلام شده دیگر مهر نماز زیرپیشانی نمی گذاشت. در نظر خود من که چنین می کردم، بر مهر گلی نماز خواندن نوعی بت پرستی بود که اسلام هر نوعش را نهی کرده، ولی در نظر پدرم آغاز لا مذهب بود. و تصدیق می کنید که وقتی لا مذهبی به این آسانی به چنگ آمد، به خاطر آزمایش هم شده، آدمیزاد به خود حق می دهد که تا به آخر براندش.» آل احمد در سال ۱۳۲۳ به حزب توده ایران پیوست و عملاً از تفکرات مذهبی دست شست. دوران پر حرارت بلوغ که شک و تردید لازمه آن دوره از زندگی بود، اوج گیری حرکت های چپ گرایانه حزب توده ایران و توجه جوانان پرشور آن زمان به شعارهای تند و انقلابی آن حزب و درگیری جنگ جهانی دوم عواملی بودند که باعث تغییر مسیر فکری آن احد شدند. همه این عوامل دست به دست هم داد تا جوانکی با انگشتی عقیق با دست و سر تراشیده، تبدیل شد به جوانی مرتب و منظم با یک کراوات و یکدست لباس نیمداز آمریکایی شود. در سال ۱۳۲۴ با چاپ داستان «زیارت» در مجله سخن به دنیای نویسندگی قدم گذاشت و در همان سال، این داستان در کنار چند دیگر در مجموعه "دید و بازدید" به چاپ رسید. آل احمد در نوروز سال ۱۳۲۴ برای افتتاح حزب توده و اتحادیه کارگران وابسته به حزب به آبادان سفر کرد: «در آبادان اطراق کردم. پانزده روزی. سال ۱۳۲۴ بود، ایام نوروز و من به مأموریتی برای افتتاح حزب توده و اتحادیه کارگران وابسته اش به آن ولایت می رفتم و اولین میتینگ در اهواز از بالای بالکونی کنار خیابان. "آل احمد که از دانشسرای عالی در رشته ادبیات فارسی فارغ التحصیل شده بود، او تحصیل را در دوره دکترای ادبیات فارسی نیز ادامه داد، اما در اواخر تحصیل از ادامه آن دوری جست و به قول خودش «از آن بیماری (دکتر شدن) شفا یافت». به علت فعالیت مداومش در حزب توده، مسؤولیتهای چندی را پذیرفت. خود در این باره می گوید: «در حزب توده در عرض چهار سال از صورت یک عضو ساده به عضویت کمیته حزبی تهران رسیدم و نمایندگی کنگره.... و از اوایل ۲۵ مأمور شدم زیر نظر طبری «ماهنامه مردم» را راه بیندازم که تا هنگام انشعاب ۱۸ شماره اش را در آوردم حتی شش ماهی مدیر چاپخانه حزب بودم.»

در سال ۱۳۲۶ به استخدام آموزش و پرورش درآمد. در همان سال، به رهبری خلیل ملکی و ۱۰ تن دیگر از حزب توده جدا شد. آنها از رهبری حزب و مشی آن انتقاد می کردند و نمی توانستند بپذیرند که یک حزب ایرانی، آلت دست کشور بیگانه باشد. در این سال با همراهی گروهی از همفکرانش طرح استعفای دسته جمعی خود را نوشتند. آل احمد با نثر عصیانگرش اینگونه می گوید: «روزگاری بود و حزب توده ای بود و حرف و سخنی داشت و انقلابی می نمود و ضد استعمار حرف می زد و مدافع کارگران و دهقانان بود و چه دعوای دیگر و چه شوری که انگیخته بود و ما جوان بودیم و عضو آن حزب بودیم و نمی دانستیم سر نخ دست کیست و جوانی مان را می فرسودیم و تجربه می آموختیم. برای خود من «اما» روزی شروع شد که مأمور انتظامات یکی از تظاهرات حزبی بودیم (سال ۲۳ یا ۲۴؟) از در حزب خیابان فردوسی تا چهارراه مخبرالدوله با بازوبند انتظامات چه فخرها که به خلق نفروختم، اما اول شاه آباد چشمم افتاد به کامیون های روسی پر از سرباز که ناظر و حامی تظاهرات ما کنار خیابان صف کشیده بودند که یک مرتبه جا خوردم و چنان خجالت کشیدم که تپدم توی کوچه سید هاشم و "..... در سال ۱۳۲۶ کتاب «از رنجی که می بریم» چاپ شد که مجموعه ۱۰ قصه کوتاه بود و در سال بعد «سه تار» به چاپ رسید. پس از این سالها آل احمد به ترجمه روی آورد. در این دوره، به ترجمه آثار «ژید» و «کامو»، «سارتر» و «داستایوسکی» پرداخت و در همین دوره با دکتر سیمین

دانشور ازدواج کرد. «زن زیادی» نیز به این سال تعلق دارد. در طی سالهای ۱۳۳۳ و ۱۳۳۴ «اورازان»، «تات نشینهای بلوک زهرا»، «هفت مقاله» و ترجمه مائده های زمینی را منتشر کرد و در سال ۱۳۳۷ «مدیر مدرسه» «سرگذشت کندوها» را به چاپ سپرد. دو سال بعد «جزیره خارک- در یتیم خلیج» را چاپ کرد. سپس از سال ۴۰ تا ۴۳ «نون و القلم»، «سه مقاله دیگر»، «کارنامه سه ساله»، «غرب زدگی» «سفر روس»، «سنگی بر گوری» را نوشت و در سال ۴۵ «خسی در میقات» را چاپ کرد و هم «گرگدن» نمایشنامه ای از اوژان یونسکورا، «در خدمت و خیانت روشنفکران» و «نفرین زمین» و ترجمه «عبور از خط» از آخرین آثار اوست. آل احمد در صحنه مطبوعات نیز حضور فعالانه مستمری داشت و در این مجلات و روزنامه ها فعالیت می کرد. نکته ای که در زندگی آل احمد جالب توجه است، زندگی مستمر ادبی او است. اگر حیات ادبی این نویسنده با دیگر نویسندگان همعصرش مقایسه شود این موضوع به خوبی مشخص می شود. جلال در سالهای فرجامین زندگی، با روحی خسته و دلزده از تفکرات مادی به تعمق در خویشتن خویش پرداخت تا آنجا که در نهایت، پلی روحانی و معنوی بین او و خدایش ارتباط برقرار کرد. او در کتاب "خسی در میقات" که سفرنامه ی حج اوست به این تحول روحی اشاره می کند و می گوید: "دیدم که کسی نیستم که به میعاد آمده باشد که خسی به میقات آمده است". . . این نویسنده پر توان که همواره به حقیقت می اندیشید و از مصلحت اندیشی می گریخت، در اواخر عمر پر بارش، به کلبه ای در میان جنگلهای اسالم کوچ کرد. جلال آل احمد، نویسنده توانا و هنرمند دلیر به ناگاه در غروب روز هفدهم شهریور ماه سال ۱۳۴۸ در چهل و شش سالگی زندگی را بدرود گفت. ویژگی های آثار

به طور کلی نثر آل احمد نثری است شتابزده، کوتاه، تاثیر گذار و در نهایت کوتاهی و ایجاز. آل احمد در شکستن برخی از سنت های ادبی و قواعد دستور زبان فارسی شجاعتی کم نظیر داشت و این ویژگی در نامه های او به اوج می رسد. اغلب نوشته هایش به گونه ای است که خواننده می تواند بپندارد نویسنده هم اکنون در برابرش نشسته و سخنان خود را بیان می کند و خواننده، اگر با نثر او آشنا نباشد و نتواند به کمک آهنگ عبارات، آغاز و انجام آنها را دریابد، سر در گم خواهد شد. از این رو ناآشنایان با سبک آل احمد گاهی ناگزیر می شوند عباراتی را بیش از چند بار بخوانند.

آثار

آثار جلال آل احمد را به طور کلی می توان در پنج مقوله یا موضوع طبقه بندی کرد: الف- قصه و داستان. ب- مشاهدات و سفرنامه. ج- مقالات. د- ترجمه. ه- خاطرات و نامه ها. الف- قصه و داستان ۱- دید و بازدید ۱۳۲۴: نخست شامل ده بود، در چاپ هفتم دوازده داستان کوتاه را در بردارد. جلال جوان در این مجموعه با دیدی سطحی و نثری طنز آلود اما خام که آن هم سطحی است، زبان به انتقاد از مسایل اجتماعی و باورهای قومی می گشاید. ۲- از رنجی که می بریم ۱۳۲۶:

مجموعه هفت است که در این دو سال زبان و نثر داستانهای جلال به انسجام و پختگی می گراید. در این مجموعه تشبیهات تازه، زبان آل احمد را تصویری کرده است. ۳- سه تار ۱۳۲۷:

مجموعه سیزده است. فضای داستانهای سه تار لبریز از شکست و ناکامی قشرهای فرو دست جامعه است. ۴- زن زیادی ۱۳۳۱: حاوی یک مقدمه و نه داستان کوتاه است. قبل از جلال، صادق چوبک و به تصویر شخصیت زنان در داستانهای خود پرداخته اند. زنان مجموعه زن زیادی را قشرهای مختلف و متضاد مرفه، سنت زده و تباه شده تشکیل می دهند. ۵- سرگذشت کندوها ۱۳۳۷: نخستین داستان نسبتاً بلند جلال است با شروعی به سبک قصه های سنتی ایرانی"، یکی بود یکی نبود غیر از خدا هیچکس نبود" این داستان به بیان شکست مبارزات سیاسی سالهای ۲۹ تا ۳۱ حزبی پرداخته است. ۶- مدیر مدرسه ۱۳۳۷:

این داستان نسبتاً بلند به نوعی میان خاطرات فرهنگی آل احمد است. خود او در این مورد گفته است: "حاصل اندیشه های خصوصی و برداشت های سریع عاطفی از حوزه بسیار کوچک اما بسیار موثر فرهنگ و مدرسه" مدیر مدرسه، گزارش گونه ای

است از روابط افراد یک مدرسه با هم و روابط مدرسه با جامعه". آل احمد در مدیر مدرسه به نثر خود اعتماد کامل دارد. قلم دیگر در دستش نمی لرزد و چنین می نماید که اندیشه هایش نیز، در چارچوبی خاص، شکل نهایی خود را یافته است. به رغم این تکوین اندیشه، جلال شکست را باور کرده است، لذا به دنبال گوشه ای خلوت می گردد. ۷- نون والقلم ۱۳۴۰: یک داستان بلند تاریخی که حوادث آن مربوط به اوایل حکومت صفویان است. زبان نون والقلم به اقتضای زمان آن نسبتاً کهنه است. ۸- نفرین زمین ۱۳۴۶:

رومانی روستایی است که بازتابی از جریانهای مربوط به "اصلاحات ارضی" در آن بیان شده است. ۹- پنج داستان ۱۳۵۰: دو سال پس از مرگ آل احمد چاپ شده است. ۱۰- چهل طوطی اصل (با سیمین دانشور) ۱۳۵۱: مجموعه شش قصه کوتاه قدیمی از "طوطی نامه" که با تحریری نو نگاشته شده است. آل احمد در نامه ای خطاب به حبیب یغمایی، مدیر مجله ادبی یغما می نویسد: "و من که جلال باشم وقتی خیال دکتر شدن و ادبیات را در سر داشتم به اینها دسترسی یافتم. قرار بود درباره "هزار و یک شب" و ریشه های هندی و ایرانی قصه هایش چیزی درست کنم به رسم رساله، که نشد". ۱۱- سنگی بر گوری ۱۳۶۰:

رومانی است کوتاه و آخرین اثر داستانی آل احمد محسوب می شود. موضوع آن فرزند نداشتن اوست.

ب- مشاهدات و سفرنامه ها اورازان ۱۳۳۳، تات نشینهای بلوک زهرا ۱۳۳۷، جزیره خارک، در یتیم خلیج فارس ۱۳۳۹، خسی در میقات ۱۳۴۵، سفر به ولایت عزرائیل چاپ ۱۳۶۳، سفر روس ۱۳۶۹، سفر آمریکا و سفر اروپا که هنوز چاپ نشده اند. ج- مقالات و کتابهای تحقیقی گزارشها ۱۳۲۵، حزب توده سر دو راه ۱۳۲۶، هفت مقاله ۱۳۳۳، سه مقاله دیگر ۱۳۴۱، غرب زدگی به صورت کتاب ۱۳۴۱، کارنامه سه ساله ۱۳۴۱، ارزیابی شتابزده ۱۳۴۲، یک چاه و دو چاله ۱۳۵۶، در خدمت و خیانت روشنفکران ۱۳۵۶، گفتگوها ۱۳۴۶. د- ترجمه عزاداریهای نامشروع ۱۳۲۲ از عربی، محمد آخرالزمان نوشته بل کازانووا نویسنده فرانسوی ۱۳۲۶، قمارباز ۱۳۲۷ از داستایوسکی، بیگانه ۱۳۲۸ اثر آلبر کامو (با علی اصغر خبرزاده)، سوء تفاهم ۱۳۲۹ از آلبر کامو، دستهای آلوده ۱۳۳۱ از ژان پل سارتر، بازگشت از شوروی ۱۳۳۳ از آندره ژید، مائده های زمینی ۱۳۳۴ اثر ژید (با پرویز داریوش)، کرگدن ۱۳۴۵ از اوژن یونسکو، عبور از خط ۱۳۴۶ از یونگر (با دکتر محمود هومن)، تشنگی و گشنگی ۱۳۵۱ نمایشنامه ای از اوژن یونسکو؛ در حدود پنجاه صفحه این کتاب را جلال آل احمد ترجمه کرده بود که مرگ زودرس باعث شد نتواند آن را به پایان ببرد؛ پس از آل احمد دکتر منوچهر هزارخانی بقیه کتاب را ترجمه کرد. ه- خاطرات و نامه ها نامه های جلال آل احمد (جلد اول ۱۳۶۴) به کوشش علی دهباشی، چاپ شده است که حاوی نامه های او به دوستان دور و نزدیک است.

آل احمد، شمس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شمس آل احمد از دانشمندان معاصر ایران است. او در رشته فلسفه و علوم تربیتی تحصیل کرده و مدت ها به عنوان دبیر آموزش و پرورش خدمت کرده است. وی در دانشکده نیز رشته کتابداری را تدریس کرد. سپس با تاسیس موسسه انتشاراتی رواق به کار نشر پرداخت.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

والدین و انساب: شجره خانوادگی شمس آل احمد، پس از ۳۵ نسب به حضرت امام سجاد (ع) می‌رسد. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: شمس آل احمد در مرحله پانچار و در یک خانواده مذهبی تهران رشد و نمو کرد. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: شمس آل احمد، فوق لیسانس فلسفه و علوم تربیتی را از دانشسرای عالی تهران اخذ کرد. فعالیتهای ضمن تحصیل: شمس آل احمد ضمن مقدمات آکادمیک به عکاسی نیز علاقمند شد و با این زمینه دوره عکاسی سینما را در آلمان گذراند.

فعالتهای آموزشی: شمس آل احمد فلسفه شمس را مدتی در دانشکده رشته کتابداری تدریس کرد و پس از آن در مدرسه بهیاری ادبیات را به دانشجویان آموزش داد. او در مورد فعالتهای آموزشی بر این عقیده است که هر کس که در هر زمانی خوب بنویسد و حاشیه نگر نباشد، حتما مطالبی را از او در حافظه تاریخی مردم خواهد ماند و این یکی از خصوصیات همیشگی ادبیات و فرهنگ در جهان است.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می‌آید: شمس آل احمد پس از آنکه دوره عکاسی و سینما را در آلمان سپری کرد، موسسه انتشاراتی رواق را تاسیس و به کار نشر پرداخت.

همفکران فرد: یکی از همفکران اصلی شمس آل احمد، برادرش جلال بود که همانند دو دوست باهم رفتار می‌کردند. این مناسبات دوستانه چنان بود که گاه باهم به سفرو سیر و سیاحت و نیز کوه پیمایی می‌رفتند. همفکران دیگر او، عبدالکریم روشن، جلال الدین فارسی و ربانی املشی هستند.

آرا و گرایشهای خاص: شمس آل احمد بر این عقیده است که «یک اتفاق مبارک و بزرگ در ادبیات داستانی مادر حال رخ دادن است. این نوع از ادبیات کم کم دارد از صورت مکالمه‌ای به محاوره‌ای نزدیک می‌شود. یعنی از کاغذ فاصله می‌گیرد و به زبان و لحن می‌رسد، که خیلی دلنشین است. زیرا مخاطب این نوع آثار احساس نمی‌کند کسی برایش بر روی کاغذ تعیین تکلیف کرده است. او حس می‌کند که نویسنده به طور رو در رو با او در حال گفت‌وگو است».

آثار:

۱ از چشم برادر

ویژگی اثر: شمس آل احمد این اثر را تنظیم و ویرایش کرده است.

۲ حدیث انقلاب

ویژگی اثر: شمس این اثر را تنظیم و ویرایش کرده است.

۳ خاطرات سفر کوبا

ویژگی اثر: شمس این اثر را تنظیم و ویرایش کرده است

۴ طوطی نامه

ویژگی اثر: شمس آل احمد این اثر را تنظیم و ویرایش کرده است

آل اسحاق، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ علی آل اسحاق در ۲۵ تیر سال ۱۳۱۸ ش. در خوئین، از توابع زنجان، خانواده مذهبی‌اش را با میلاد خود پر از شور و شادی کرد. پدرش نام علی را برای وی برگزید. علی از همان هشت سالگی که با پدر به قم آمد، شروع به تحصیل نمود و مقدمات را در محضر آیه الله سید حسن بدلا (رئیس ائمه جماعت) و استادان دیگر به پایان برد. وی در شانزده سالگی در سال ۱۳۳۴ ش به نجف اشرف می‌رود و در مدرسه آیه الله بروجردی اقامت می‌گزیند و دروس حوزه را تا رسیدن به مرحله اجتهاد ادامه داد و به گفته خانواده ایشان، از دو عالم بزرگ: آیه الله سید محسن حکیم و آقا بزرگ تهرانی، اجازه اجتهاد گرفت. او در شب جمعه ۲۴ خرداد سال ۱۳۸۰ ش بر اثر سکته قلبی دار فانی را وداع می‌گوید.

گروه: علوم انسانی

رشته: الهیات و معارف اسلامی

والدین و انساب: پدر شیخ علی آل اسحاق، حاج شیخ عبدالکریم خوئینی، از عالمان بزرگ عصر خود به شمار می‌رود. وی از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی بود. روحیه مبارزاتی شدیدی داشت و با عمال و وابستگان حکومت طاغوتی رضاخان، که با منافع مردم در تضاد بود، به شدت مقابله می‌کرد؛ به عنوان نمونه در مقابل دو خان، که می‌خواستند زمین‌های کشاورزی مردم را به تصرف خود درآورند، ایستادگی کرد و توانست آنان را از تصرف در اموال مردم باز دارد. مادر علی که از سلاله پاک پیامبر بود، زنی صبور در مقابل مشکلات و دوستدار علم و فضیلت بود.

خاطرات کودکی: برادر شیخ علی آل اسحاق می‌گوید: در نزدیکی‌های خانه ما تعدادی بوقلمون آورده بودند. من و بچه‌های دیگر، از جمله علی، به تماشای آن‌ها رفتیم و نزدیک غروب برای انجام فریضه مغرب به خانه برگشتیم. رسم خانه ما این بود که نمازها را در خانه به جماعت و با امامت پدر برگزار می‌کردیم و تمامی افراد خانواده، چه مردان و چه زنان، در نماز جماعت شرکت می‌کردند. هنگامی که پدر می‌خواست اقامه نماز کند، علی شروع به گریه کرد. وقتی پدر علت گریه‌اش را پرسید، گفت: «من هم بوقلمون می‌خواهم.» و به گریه خود ادامه می‌دهد. پدر بدون عصبانیت و با آرامش کامل رو به فرزند می‌کند و می‌گوید: نماز مغرب را با خلوص نیت بخوان و هر حاجتی که داری از خدا بخواه؛ خداوند است که حاجات را برآورده می‌کند. علی همین کار را انجام می‌دهد. پس از تمام شدن نماز، در خانه به صدا در می‌آید. هنگامی که من در را باز کردم، یکی از همشهریان را که یک بوقلمون در دست داشت، دیدم. او به خانه وارد شد و علی به خواسته خود رسید. از این خاطره به خوبی می‌توان فهمید که محیط رشد علی چگونه بوده است؛ او در خانواده‌ای پرورش می‌یابد که اهل خانه مقید به نماز اول وقت بودند و تحت تربیت پدری بودند که نام و یاد خدا را گره‌گشای مشکلات و برآوردن حاجات می‌دانست و روشن است که تنها از چنین خانواده‌هایی، مردانی شایسته و الگو چون آقا شیخ علی آل اسحاق، برخوانند خاست.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: تربیت فرزندان یکی از وظایف مهم هر پدر و مادری است. مرحوم شیخ علی آل اسحاق نیز با جدیت فراوان می‌کوشید تا به این وظیفه خود عمل کند. از این رو، او هیچ‌گاه از سفارش به فرزندان خود دریغ نمی‌ورزید و واضح است که این سفارش‌ها، راه‌گشای افکار تمامی جوانان خواهد بود؛ چنان که گفته است...: «اسلام رابه دقت بشناسید و آن طوری که دسته‌بندی کرده‌ام، به دقت مطالعه کنید. تاریخ زندگی پیامبر اسلام و ائمه (ع) را هر چند سال یک بار بررسی نمایید. تا می‌توانید با هم دوست و با محبت باشید و بر سر مسائل جزئی با هم اختلاف نکنید. در این انقلاب، تا وقت درس است، درس بخوانید و سپس خدمت کنید. به مادران که خیلی رنج کشیده است، کمک کار باشید، پس از ازدواج رابطه صمیمی خود را با مادران قطع نکنید. والسلام. با چشم گریان و دستی لرزان. خداحافظ».

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: شیخ علی آل اسحاق در سال ۱۳۲۶ ش. از زنجان به قم مهاجرت کرد تا در آن شهر به تدریس علوم اسلامی و سایر فعالیت‌ها پردازد؛ وی در آن سال، هشت بهار از عمرش گذشته بود. وی از همان هشت سالگی که با پدر به قم

آمد، شروع به تحصیل نمود و مقدمات را در محضر آیة‌الله سید حسین بُدَلّا (رئیس ائمه جماعات) و استادان دیگر به پایان برد. وی در شانزده سالگی در سال ۱۳۳۴ ش. در حالی که دو سال از فوت پدر مهربانش می‌گذشت، تصمیم گرفت به عراق برود و در آنجا به تحصیل ادامه دهد؛ اما تیرگی روابط دو کشور ایران و عراق، باعث شد که این سفر انجام نشود. به همین سبب به حضرت معصومه (س) پناه برد و با توسل به آن حضرت، توانست مجوز اقامت در عراق را دریافت کند و به عتبات عالیات سفر نماید. او به نجف اشرف می‌رود و در مدرسه آیة‌الله بروجردی اقامت می‌گیرند. آقا شیخ علی آل اسحاق در نجف اشرف در محضر شیخ صدرای بادکوبه‌ای «مکاسب» را فرا گرفت و کتاب «رسائل» را، به همراه ۳ نفر دیگر به طور خصوصی در محضر آیة‌الله آقا جواد تبریزی، آموخت. وی جلد اول «کفایه» را نزد آیة‌الله حسین راستی کاشانی، آیة‌الله حسین وحید خراسانی، آیة‌الله حاج شیخ علی فلسفی (که اکنون در مشهد ساکن است) و جلد دوم آن را با پیشنهاد آیة‌الله محمدباقر حکیم نزد آیة‌الله شهید محمدباقر صدر به اتمام رساند. وی که به مقام علمی شهید صدر پی برده بود، در جلسات درس دیگر او، که کتاب‌های «فلسفتنا»، «اقتصادنا» و برخی مباحث دیگر را تعلیم می‌داد، شرکت می‌کند و همان دروس را در مسجد هندی نجف برای عموم محصلین تدریس می‌نماید. شیخ علی، «شرح تجرید» را در محضر آیة‌الله شهید سیداسدالله مدنی و «فلسفه» را در محضر آیة‌الله شیخ عباس قوچانی و همچنین علم طب را از مرحوم سیدحسین حکیم فرا گرفت. به علاوه، دو سال در درس خارج فقه آیة‌الله سیدابوالقاسم خوئی و سید محمود شاهرودی شرکت جست و سپس به مدت ۱۲ سال، دو دوره درس خارج فقه آیة‌الله میرزا محمدباقر زنجانی را گذراند. پس از تشریف فرمایی امام خمینی به نجف، در درس خارج فقه ایشان و نیز در درس «ولایت فقیه» امام شرکت کرد و تا سال ۱۳۵۳ ش. که حکومت بعث عراق امام را دستگیر کرد، در محضر ایشان بود. شیخ علی دروس حوزه را تا رسیدن به مرحله اجتهاد ادامه داد و به گفته خانواده ایشان، از دو عالم بزرگ: آیة‌الله سیدمحسن حکیم و آقابزرگ تهرانی، اجازه اجتهاد گرفت.

خاطرات و وقایع تحصیل: پس از رحلت آیة‌الله حکیم وی نمایندگی امام راحل در همان منطقه را بر عهده گرفت. او در بخشی از خاطراتش ارتباط نزدیک با امام را این چنین بیان می‌دارد: «آن روزها در حوزه علمیه نجف اشرف من موقعیت خوبی داشتم؛ داماد مرحوم آیة‌الله العظمی آقامیرزا باقر زنجانی (ره) بودم و نمایندگی از طرف مرحوم آیة‌الله العظمی حکیم (ره) در شهر سنجار استان موصل عراق را داشتم. و امام راحل با مرحوم پدرم حضرت آیة‌الله آقای شیخ عبدالکریم خوینی آشنایی کامل و علاقه داشتند و آن روز دل و جرأت می‌خواست که کسی به امام اظهار محبت کرده، در کنارش قرار گیرد. من با تمام نامایماتی که برایم فراهم شده بود، شب و روز در کنار آن رادمرد الهی قرار گرفته، با تمام نیرو آنچه در توان داشتم، در خدمت ایشان بودم. در تمام جلسات عمومی و از اولین روز شروع درس فقه و نماز جماعت‌ها و گاه در جلسات خصوصی شرکت می‌کردم. مدتی مسئولیت پرداخت شهریه را بر عهده گرفته و مدتی در جلسه استفتائات به دستور ایشان شرکت می‌کردم و شبانه‌روز حداقل پنج بار به خدمتشان می‌رسیدم. خلاصه اخبار رادیوهای عربی و خارجی را در مسیر راه بیان می‌کردم. لذت‌بخش‌ترین خاطره یک شب زمستانی بود که امام مرا جهت تجدید کتابت صورت نمایندگی نمایندگان خود در سطح جهان خواسته بودند. آن شب تا اذان صبح مشغول نوشتن شده و از این که امام چنین اعتمادی را به من نموده و از میان دوستان مرا انتخاب فرموده، بیش از حد خوشحال و خرسند بودم.» وی درباره حساسیت امام به بیت‌المال چنین می‌گوید: «در نجف، روزی به منزل امام رفتم. برخلاف همیشه درب خانه امام بسته بود و صدای فریاد امام به گوش می‌رسید. درب خانه را زدم، خادم درب را باز کرد و گفت: امام بسیار ناراحتند. وقتی وارد شدم، فهمیدم ناراحتی امام به خاطر آن است که آقاسیدمصطفی ۲۵۰ درهم (یک چهارم دینار) به گوجه‌فرنگی نویر داده است و امام می‌فرمود: چرا هنوز که گوجه ارزان نشده، آن مقدار پول را از سهم امام به گوجه داده است؟ سپس به او فرمود: همین الآن برو گوجه‌ها را پس بده.»

استادان و مربیان: از استادان شیخ علی آل اسحاق که دروس مختلف را در محضرشان آموخته بود می‌توان به افراد زیر اشاره کرد:

شیخ صدرای بادکوبه ای آیه الله حسین راستی کاشانی آیه الله حسین وحید خراسانی آیه الله حاج شیخ علی فلسفی آیه الله محمدباقر حکیم آیه الله شهید محمدباقر صدر آیه الله شهید سید اسدالله مدنی آیه الله شیخ عباس قوچانی آیه الله سید ابوالقاسم خوئی مرحوم سید حسین حکیم سید محمود شاهرودی آیه الله میرزا محمدباقر زنجان‌ی امام خمینی

همسر و فرزندان: شیخ علی آل اسحاق دارای ۵ فرزند بود: سه دختر و دو پسر. یکی از پسران او در جبهه‌های جنگ به شهادت رسید که نامش «محمدجواد» بود. محمدجواد جوانی فعال، پرشور، و خداجوی بود و در مسجد اباذر (واقع در محله زاویه قم) در عرصه‌های مختلف به فعالیت مشغول بود؛ همانند جمع‌آوری کمک‌ها به رزمندگان، جذب جوانان برای امور فرهنگی و مذهبی و... اکنون نیز کتابخانه آن مسجد به نام همین جوان فعال مزین است. پسر دیگر ایشان «رضا» نام دارد که هم اکنون در حال تحصیل است. دامادهای این عالم پرتلاش عبارتند از: ۱- مهندس ابوالحسن آل اسحاق، که در جبهه جنگ به فیض شهادت نایل شد. و برادر وی به نام حسین پس از او به افتخار دامادی عموی خود یافت. ۲- دکتر ساحلی است، که در محله نیروگاه قم، مطب دارد. و به درمان بیماران توفیق یافته است. ۳- آقای دهقان که کاردار وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران در ژاپن می‌باشد.

وقایع میانسالی: این مرد مجاهد و نستوه که تا آخرین نفس بر آرمان‌های خود پافشاری کرد و یک لحظه از خدمت به دین و نظام اسلامی غفلت نورزید، در اواخر عمرش به خاطر مرض قند و ناراحتی قلبی، کمتر موفق به فعالیت‌های اجتماعی می‌شد؛ اما دغدغه تهاجم آشکار فرهنگی و گسترش فساد در میان جوانان و... آراکش را از او ربوده بود؛ به طوری که شب جمعه ۲۴ خرداد سال ۱۳۸۰ ش. در تماس تلفنی با برادرش درباره اوضاع فرهنگی گفت و گو می‌کند.

زمان و علت فوت: شیخ علی آل اسحاق ساعت ۲ نیمه شب ۲۴ خرداد ۱۳۸۰ ش نیز بر اثر سکته قلبی دار فانی را وداع می‌گوید. پیکر مرحوم شیخ علی (ره) روز شنبه ۲۶ خرداد با شرکت گسترده مردم از مسجد امام حسن عسکری (ع) تا حرم مطهر حضرت معصومه (س) تشییع شد و شرکت کنندگان در غم از دست دادن این یار دلسوز امام، اشک ماتم ریختند. پس از تشییع، بدن مطهرش در گلزار علی بن جعفر (ع)، در قطعه مخصوص پدر شهیدان به خاک سپرده شد.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: شیخ علی آل اسحاق نیز مانند بسیاری از روحانیون دیگر که مردم را به انقلاب فرا می‌خواندند، همیشه در سفرهای تبلیغی خود، ضمن تبیین اهداف نظام اسلامی، مردم را با انقلاب و امام آشنا می‌کرد. در همین راستا وقتی در شهر خرم‌آباد در مسجد علوی سخنرانی نمود و مواضع انقلاب را بیان کرد، دستگیر شد. (۳) در اوایل سال ۱۳۵۶ ش. به مدت ۳ ماه در، یافت آباد تهران به تبلیغ و فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی پرداخت. همچنین، صندوق قرض‌الحسنه‌ای تأسیس کرد تا سهمی در رفع مشکلات مادی مردم آن‌جا داشته باشد. همزمان با پیروزی انقلاب در شهر سنجان، واقع در استان مرکزی مشغول تبلیغ شد. پس از پیروزی انقلاب بر اساس احساس وظیفه و با تجربه‌ای که در مناطق سنی‌نشین داشت، به استان سیستان و بلوچستان سفر کرد و با تشکیل بسیج مردمی و ایجاد وحدت میان شیعه و سنی، توانست توطئه‌های ضدانقلاب را در آن سامان خنثی کند. نتیجه فعالیت‌های وی، تصرف صدا و سیمای آن ناحیه به دست نیروهای انقلاب بود و از آن طریق خبر پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی با شور و شعف خاصی به گوش هموطنان رسید. پس از آرام شدن اوضاع، به استان مرکزی بازگشت و در سمت مسئول کمیته انقلاب اسلامی همان منطقه به فعالیت خود ادامه داد. آشوب‌های کردستان موجب شد که شیخ علی چندین بار برای ایجاد آرامش در آن منطقه، با نیروهای تحت فرمان خود به آن‌جا برود. پس از آن به تهران دعوت شد و مسئولیت بخش فرهنگی کل کمیته‌های انقلاب اسلامی را بر عهده گرفت. با پیروزی انقلاب اسلامی، عده زیادی به دنبال فرصت بودند تا این انقلاب نوپا را تضعیف کنند و آن گونه که می‌خواهند، انقلاب را تغییر دهند. آنان برای رسیدن به همین هدف، جوانان پاکدل و ساده را فریفته، با شعارها و افکار انحرافی، آنان را گمراه می‌ساختند. شیخ علی آل اسحاق که این خطر را به خوبی حس کرده بود، به مقابله با این جریان برخاست و با پاسخ به شبهات و جذب جوانان نقشه‌های آنان را خنثی می‌ساخت. وی بعدها نیز در ارگان‌های مختلف، از جمله: سپاه پاسداران،

جهاد سازندگی، اداره بهداری و بهزیستی در شهرهای مختلف کلاس‌هایی را تشکیل داد. گذشته از این‌ها، شیخ علی دو سفر تبلیغی نیز به خارج از کشور داشت؛ یک بار به آذربایجان سفر کرد و بار دیگر به لبنان رفت. همچنین مدت ۱۰ تا ۱۱ سال از طرف آیه‌الله گلپایگانی امام جماعت مسجد اباذر واقع در منطقه زاویه قم بود. او رابطه بسیار صمیمی با جوانان مخصوصاً طلاب جوان داشت؛ به طوری که حتی در اردوهای زیارتی نیز همراه آنان بود.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می‌آید: وی در زمان مرجعیت آیه‌الله حکیم، نماینده ایشان در استان موصل عراق در شهرهای سنجار و طلعفر بود و به مدت ۱۱ سال در فصل تابستان، دهه محرم، دهه صفر و ماه رمضان به آن‌جا می‌رفت. از آن‌جا که مردم آن مناطق کرد بودند، او قبل از اعزام در طی سه ماه زبان کردی را فرامی‌گیرد. شیخ علی، در ایام تبلیغ، در جلسات مناظره و مباحثه با اهل سنت آن ناحیه شرکت می‌جست. این تلاش‌ها، باعث گرایش و جذب عدّه زیادی به مذهب تشیع گردید؛ به طوری که توانست مسجد و مدرسه علمیه بسازد.

سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: از فعالیت‌های شیخ علی آل اسحاق به خوبی آشکار است که وی به امور فکری، فرهنگی و دینی مردم بسیار حساس بوده است. اگر چه وی در طول عمر خود فعالیت‌های فرهنگی، مبارزاتی داشت، اما بنا بر احساس وظیفه در برابر اقشار کم درآمد و طلاب، اقدام به فعالیت‌های اقتصادی کرد. یکی از آن فعالیت‌ها، گرفتن امتیاز صادرات و واردات از طریق مرز آذربایجان بود. وی درآمد حاصله را در امور فرهنگی و حمایت از طلاب و دیگر موارد لازم صرف نمود. همچنین به منظور خدمت به طلاب، یکی از مؤسّسین تعاونی طلاب نیز بود. او که برای پیشبرد اهداف اسلام از هیچ کاری دریغ نورزیده بود، وقتی جنگ نابرابر عراق بر ایران تحمیل شد، باز هم وظیفه خود را به خوبی انجام داد و بارها و بارها در جبهه‌های حق علیه باطل شرکت جست و دوشادوش رزمندگان اسلام اسلحه به دست گرفت و به ستیز با دشمنان دین خدا برخاست. وی در تشکیل بسیج عشایر و سازماندهی نیروهای مقاوم بومی در منطقه جنوب نیز نقش خود را به خوبی ایفا نمود.

شاگردان: وی شیخ علی آل اسحاق مبارز ترکیه‌ای (یکی از آنان است. وی پس از انقلاب در دانشگاه‌های مختلف از جمله: دانشگاه شهید بهشتی تهران، دانشگاه تبریز و دانشکده امام حسین (ع) به فعالیت پرداخت و به عنوان استاد دانشگاه، معارف دین اسلام را برای دانشجویان مطرح می‌کرد. همچنین در مدارس علمیه از جمله: مدرسه امام خمینی (ره)، مدرسه حجتیه (برای طلاب خارجی)، مدرسه الهادی و مدرسه صدوقی (برای طلاب ایرانی) درس اخلاق و دروس دیگر می‌گفت. فقه و اصول را نیز در خانه‌اش تدریس می‌نمود. همچنین برای پاسخ به شبهه‌های مطرح شده، کلاسی در مدرسه فیضیه تحت عنوان «احکام اجتماعی قرآن و تبیین مسائل روز» تشکیل داده بود.

آرا و گرایشهای خاص: زندگی شیخ علی آل اسحاق رنگ خدایی داشت و این، در اعمال و رفتارش هویدا بود. رابطه روحی و معنوی با ائمه اطهار داشت. زهد و پارسایی او زبانزد و کاملاً به زخارف دنیا بی‌توجه بود. با وجود این که موقعیت رسیدن به پست‌ها و مقامات متعددی داشت، ترجیح می‌داد ساده زندگی کند. هر کس وارد منزلش می‌شد؛ ساده‌زیستی را به خوبی در او و زندگی‌اش مشاهده می‌کرد. با اهل خانه بسیار مهربان بود. خانواده‌اش چنان با اخلاق خوش و رفتار اسلامی او انس داشتند که تحمل فقدان او، بر ایشان، بسیار دشوار بود.

چگونگی عرضه آثار: شیخ علی آل اسحاق آثار دیگری نیز دارد که به چاپ نرسیده است؛ از جمله: ۱. قرائت امام خمینی (ره) از ولایت مطلقه فقیه یا حکومت جهانی فرامین الهی؛ ۲. تقریرات اصول فقه مرحوم آیه‌الله العظمی محمد باقر زنجانی؛ ۳. النکاح علی المذاهب الخمسه (عربی)؛ ۴. الفقه الاسلامی (الحلقه الاولى، عربی)؛ ۵. آخرین نظریات علمای اصول در محور کفایة الاصول از مرحوم آخوند تا امام؛ ۶. مبانی فکری امام امت یا اصول سیاسی، اجتماعی اسلام؛ ۷. بهترین راهنمای حج (مطابق با فتاوی امام خمینی)؛ ۸. معالم دین یا تنظیم مضامین عالی دعای ندبه.

آثار:

- ۱ آشنایی با مکتب وحی
- ۲ اخلاق و رفتار یا اصول تزکیه و حکمت
- ۳ اسلام از دیدگاه دانشمندان جهان
- ۴ اصول خود سازی یا اخلاق در مکتب وحی الهی
- ۵ جبهه یا دانشگاه خود سازی
- ۶ زمینه اسلام‌شناسی
- ۷ کنترل زبان
- ۸ مسئولیت امت از دیدگاه امام
- ۹ یاد خدا عامل انقلاب

آل آقا، ابوتراب

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوتراب بن العالم الجلیل آقای آقا شمس‌الدین بن العلامه آقا محمدهادی بن آقا محمدصالح آل آقا (حفید آیت‌الله العظمی وحید بهبهانی) از علماء بزرگ معاصر کرمانشاه است
معظم له در حدود سال ۱۳۱۹ قمری در کرمانشاه متولد شده و در بیت اصیل آل آقا پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و متون فقه و اصول مهاجرت به نجف اشرف نموده و سالیان دراز در باب مدینه علم اقامت و از محاضر آیات عظام نجف چون مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی و آقا ضیاء‌الدین عراقی و اعلام دیگر استفاده نموده تا به مدارج عالی علم و کمال رسیده و در این اواخر به حکم ضرورت به کرمانشاه وطن خود مراجعت و به اقامه جماعت و انجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

آل بحر العلوم، ابراهیم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قرن: ۱۳
جنسیت: مرد
ملیت: ایران
ابراهیم بحر العلوم (۱۳۲۰/ ۱۳۱۹ - ۱۲۴۸ ق)، فقیه، ادیب و شاعر. در نجف به دنیا آمد. تفسیر و فقه و اصول و کلام و ادبیات را از پدر آموخت. از او به عنوان شاعر کبیر آل بحر العلوم یاد شده است. مناعت طبع او مورد ستایش همگان بود. شیخ محمد سماوی نجفی صاحب کتاب «الطلیعه» و شیخ عبدالمحسن کاظمی و شیخ عبدالحسین خیاط نجفی از شاگردان وی در ادبیات و شعر می‌باشند. از آثارش «دیوان» شعری است که با اجازه در فرزندش سید حسن و سید محمد در صیداء به چاپ رسید.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/ ۲۹)، اعیان الشیعه (۱۳۳- ۱۲۹/ ۲)، الذریعه (۹/ ۶۴۴)، معجم المؤلفین (۲۴- ۲۳/ ۱)، مکارم الآثار (۴/ ۱۳۳۳).

آل بحر العلوم، جعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۳۷۷- ۱۲۸۱ ق)، فقیه، اصولی، رجالی و محدث. در نجف به دنیا آمد. در کودکی پدر را از دست داد و تحت سرپرستی جدش، سید علی، قرار گرفت. پس از فراگیری مقدمات علوم سطوح عالی فقه و اصول را نزد سید محمد کاظم یزدی و سید محمد بحر العلوم و آخوند خراسانی خواند و به دریافت اجازه نایل شد. او در تاریخ و رجال و درایه چیره دست بود. از آثار وی: «تقریرات یزدی و خراسانی»، در مباحث فقهی و اصولی؛ «تحفه العالم فی شرح خطبه المعالم»، در دو مجلد، جلد اول در شرح خود خطبه که تواریخ معصومین علیهم السلام و مشاهد آنان است و جلد دوم در شرح سی و نه حدیث که در صدر کتاب معالم بعد از خطبه در فضل علم و علما نگاشته شده؛ «تحفه الطالب»؛ «اسرار العارفين»، در شرح دعای کمیل؛ «بغیه الطالب»؛ «حدائق العارفين». بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۴۵۱، ۴۴۸، ۳/ ۵۱، ۲)، علماء معاصرین (۲۷۶- ۲۷۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۹۹- ۲۹۸/ ۲)، معجم المؤلفین (۳/ ۱۴۵).

آل بحر العلوم، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۳۵۵- ۱۲۸۲ ق)، عالم، مورخ، ادیب و شاعر. در نجف به دنیا آمد. ادبیات و مقدمات علوم را نزد پدر آموخت. فقه و اصول را نزد سید محمد کاظم یزدی و شیخ الشریعه اصفهانی و شیخ عبدالله مازندرانی فراگرفت. بیشترین شهرت او در شعر و ادب و تاریخ است. او همچون پدرش شاعری توانمند بود. از آثارش: «التاریخ المنظوم»، حدود ۱۰۰۰ بیت، در تاریخ و فیات مشاهیر علما و پاره‌ای از حوادث مهم و تاریخی و مدائح ائمه- علیهم السلام؛ «دیوان» شعر. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴/ ۶۲۶)، الذریعه (۳/ ۲۸۹)، معجم المؤلفین (۳/ ۱۹۴- ۱۹۵).

آل بحر العلوم، حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۳۰۶- ۱۲۲۱ ق)، فقیه، اصولی، متکلم، ادیب و شاعر. در نجف زاده شد و همان جا نشو و نما یافت و مراحل علمی را پیمود. فقه و

اصول و کلام را نزد شیخ حسن فرزند شیخ جعفر کاشف الغطاء و شریف العلماء مازندرانی و شیخ مرتضی انصاری و شیخ محمدحسن نجفی صاحب «جواهر» آموخت. وی از صاحب «جواهر» به دریافت اجازه نایل شد. کتاب ارزشمند «جواهر الکلام» محصول همکاری وی با استادش می‌باشد. عالمانی چون سید میرزا جعفر حایری و سید محمد موسوی ساروی و شیخ فضل‌الله مازندرانی و میرزا صادق تبریزی و میرزا محمد همدانی از شاگردان وی هستند. در سفری که برای مداوای چشم به ایران آمد پس از زیارت مشهد حدود دو سال در بروجرد نزد اقوامش ماند. پس از وفات برادرش، سید علی، از سوی خاص و عام به ریاست حوزه‌ی نجف و مرجعیت شیعه برگزیده شد. سید حسین در شعر و ادب نیز شهرت بسزایی دارد، و «دیوان» اشعاری از او باقی مانده که به ترتیب حروف تهجی است و در آن اشعار جدش سید بحرالعلوم را نیز تخمیس کرده است. در فقه و اصول نیز کتابهایی از وی به جا مانده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲۰- ۱۸/ ۶)، الذریعه (۱۲۶/ ۹)، شهیدان راه فضیلت (۴۹۶)، فوائد الرضویه (۱۵۶- ۱۵۵)، معجم المؤلفین (۵۰/ ۴)، مکارم الآثار (۷۲۵- ۷۲۳/ ۳).

آل بحرالعلوم، محسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۳۱۸- ۱۲۴۷ ق)، فقیه، اصولی و ادیب. نزد پدرش و عمویش، سید علی صاحب «البرهان القاطع»، و شیخ مرتضی انصاری و میرزا حسن شیرازی فقه و اصول خواند. او دارای دقت نظر بود. او را آثاری در فقه و اصول است و چندین رساله تصنیف کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴۷/ ۹)، شهیدان راه فضیلت (۴۹۶)، علماء معاصرین (۷۰- ۶۹)، فوائد الرضویه (۳۷۴)، معجم المؤلفین (۱۸۳/ ۸).

آل بحرالعلوم، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۳۲۶- ۱۲۶۱ ق)، فقیه، اصولی و حکیم. در نجف به دنیا آمد. فقه را نزد عمویش، سید علی، و شیخ راضی نجفی و سید حسین ترک کوه کمری و اصول را نزد میرزا عبدالرحیم نهاوندی و فلسفه را نزد میرزا محمدباقر نجفی آموخت. وی از عمویش، سید علی، به دریافت اجازه نایل گشت و پس از درگذشت او در سطح عالی به تدریس پرداخت و سرانجام عهده‌دار ریاست حوزه‌ی نجف گردید. او به امور اجتماعی و سیاسی حوزه و رفع مشکلات مردم اهتمام می‌ورزید. شوق او به تحقیق و تألیف تا بدانجا بود که بینائی خود را نیز در این راه از دست داد. وی کتابخانه بزرگی در زمینه فقهی و اصولی و روایی بنیاد نهاد. او پس از نشستن به سوگ دو فرزند عالم و فاضل خود، سید مهدی و سید میرعلی، در نجف از دنیا رفت. از آثارش: «بلغه الفقیه»، شامل ۱۶ رساله

فقیه؛ «مصباح العباد»، رساله عملیه مبسوط؛ «الوجیزه»، مختصر «مصباح العباد»؛ «مواقف حاسمه فی تاریخ التضحیه و الفداء».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴۰۹-۴۰۸/۹)، الذریعه (۵۱/۲۵، ۱۱۴/۲۱، ۱۴۸/۳)، شهیدان راه فضیلت (۴۹۷)، علماء معاصرین (۹۴-۹۳)، المآثر والآثار (۱۸۳)، مؤلفین کتب چاپی (۷۷۹/۵)، مکارم الآثار (۱۶۳۷-۱۶۳۶/۵).

آل بحر العلوم، محمدتقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۸۹-۱۲۱۹ ق)، فقیه اصولی. از فقیهان نامی آل بحر العلوم بود. در نجف به دنیا آمد. نزد پدر مقدمات علوم را فراگرفت. و فقه و اصول را نزد شیخ محمدحسن نجفی صاحب «جواهر» طی کرد. موقعیت علمی وی به گونه‌ای بود که پس از مرگ پدر به رهبری دینی و اجتماعی عراق دست یافت. وی داماد سید علی طباطبائی صاحب «ریاض»، و پدر سید علی نقی معروف به آقا کوچک است که در شعر و ادب دست داشت و در کربلا کشته شد. سید محمدتقی در کربلا درگذشت و در نجف به خاک سپرده است. از آثارش کتاب «قواعد الاصول» است در «اصول الفقه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۸۸/۶)، اعیان الشیعه (۱۹۷-۱۹۶/۹)، الذریعه (۱۷۸/۱۷، ۲۰۴/۲)، شهیدان راه فضیلت (۴۹۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۸-۲۱۷/۱۳)، فوائد الرضویه (۴۳۲-۴۳۱)، معجم المؤلفین (۱۳۰-۱۲۹/۹)، مکارم الآثار (۶۶۲-۶۶۱/۳).

آل بحر العلوم، محمدرضا

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۵۳-۱۱۸۹ ق)، فقیه، اصولی، محدث و رجالی. در نجف به دنیا آمد. مقدمات علوم و ادبیات را نزد پدر خواند. فقه و اصول را نزد عالمانی چون شیخ جعفر کاشف الغطاء و شیخ محمد سعید دینوری و شیخ محمدتقی ملاکتاب تکمیل کرد و از ایشان به دریافت اجازه نایل شد. او پس از پدر عهده‌دار سرپرستی حوزه‌ی نجف و مرجعیت دینی شد. از آثارش: «اصول الفقه»؛ «شرح الشرایع»؛ «شرح اللمعه»؛ «کشف القناع فی اصحاب الاجماع»؛ «الفقه الاستدلالی»؛ «الفوائد الرجالیة».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲۸۲/۹، ۱۹/۷)، الذریعه (۳۳۸، ۲۸۶/۱۶، ۲۰۵-۲۰۴/۲، ۱۲۰/۲)، شهیدان راه فضیلت (۴۹۶-۴۹۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۷۳-۵۷۱/۱۳)، فوائد الرضویه (۱۸۲)، مکارم الآثار (۱۴۴۶-۱۴۴۵/۴).

آل بحر العلوم، محمدصادق

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، فقیه، اصولی، ادیب و شاعر. در نجف متولد شد. تحت نظارت پدر مقدمات علوم را فراگرفت. و سطوح عالی فقه و اصول را نزد میرزای نایینی و سید ابوالحسن اصفهانی و سید محسن قزوینی، و تفسیر را نزد بلاغی و علم حدیث و درایه را نزد شیخ ابوتراب خوانساری آموخت. و از نایینی و شیخ آقا بزرگ تهرانی و سید محسن امین و سید حسن صدر اجازه روایت گرفت. وی کتابخانه‌ای بنیاد نهاد که در آن کتابهای خطی نفیسی گردآوری شد. او آثار بسیاری در فقه و اصول و شعر و ادب پدید آورد. از جمله: «دلیل القضاء الشرعی، اصول و فروع»؛ «السلاسل الذهبیه»، کشکولی ادبی و تاریخی و رجالی؛ «المجموع الرائق من ازهار الحداق».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۵۵/ ۲۰، ۲۱۱/ ۱۲، ۲۵۹/ ۸).

آل بحر العلوم، مهدی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۵ - ۱۳۰۲ ق)، فقیه اصولی. از عالمان بنام آل بحر العلوم بود. در نجف به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات، سطوح عالی فقه و اصول را در حوزه‌ی درس سید محمد بحر العلوم، صاحب «بلغه»، و شیخ عبدالهادی همدانی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی آموخت. شاگردان بسیاری در حوزه‌ی درس او تربیت شدند. او عالمی پرکار و اهل نقد و نظر و تألیف بود. وی در نجف درگذشت. از آثار او: حاشیه‌ای بر «معالم الاصول» و «منظومه» ای در اصول است که شرحی بر آن نگاشته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۵۶/ ۱۰)، علماء معاصرین (۷۰-۶۹)، معجم المؤلفین (۳۰/ ۱۳).

آل بحر العلوم، میر علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۱۵ ق)، فقیه و نحوی. در علم و تقوا به درجه کمال رسید. در زمان حیات پدرش از دنیا رفت. پدرش در آخر رساله ولایت در کتاب «بلغه الفقیه» از او تمجید نموده و او را غواص دریای فقه خوانده است. از آثارش: کتاب «کشف الاسرار فی شرح الاظهار»، در نحو.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۱۳- ۳۱۲/ ۸)، الذریعه (۱۷/ ۱۸)، شهیدان راه فضیلت (۴۹۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۳۰ - ۱۵۲۹/ ۱۴).

آل بحر العلوم، هاشم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۸۴-۱۲۵۵ ق)، فقیه اصولی. در نجف زاده شد. نزد پدر خود، سید علی صاحب «برهان»، و میرزای شیرازی مقدمات و سطوح عالی فقه و اصول را آموخت. از آثار وی: «التقریرات» استادش میرزای شیرازی در اصول است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: شهیدان راه فضیلت (۴۹۷)، الذریعه (۳۸۷-۳۸۶/۴)، مکارم الآثار (۱۵۱۵/۵).

آل داوود، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

خلاصه: سیدعلی آل داوود در سال ۱۳۳۱ در شهر خور بیابانک به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه تا سال پنجم دبیرستان را در زادگاهش سپری کرد و سال آخر را در شهر اصفهان به پایان رسانید، به تهران آمد و در رشته حقوق سیاسی در دانشگاه تهران مدرک لیسانس گرفت. سپس تحصیل در مقطع فوق لیسانس رشته جامعه‌شناسی را در دانشگاه تهران آغاز کرد ولی آن را نا تمام گذاشت. آل داوود مصحح دیوان شعرای قدیم، نسخه‌شناسی، مقاله‌نویس و ویراستار، شاید کارنامه پر بار وی، امروزه مایه رشک و غبطه افرادی است که راه کوبیده شده و هموار «تحصیلات رسمی» را تا آخر رفتند. و دست آخر، تبدیل به کارمندان پشت میز نویس شدند. بدون تحقیق و تالیف و بدون جای پای در تاریخ و ادب و فرهنگ ایران. وی هم اکنون عضو هیات علمی دایره المعارف بزرگ اسلامی است.

گروه: علوم انسانی

رشته: ادیان خارجی

گرایش: ادیب، محقق و نسخ‌شناس و ویراستار

والدین و انساب: پدر سیدعلی آل داوود زنده نام سید عبدالحسین آل داوود از کارکنان وزارت معارف (سابق) و پدر بزرگش، اسدالله منتخب السادات یغمایی، شاعر نامدار آن اقلیم (خور) بوده است. منتخب السادات نواده دختری یغمایی جندقی شاعر بزرگ عصر قاجار بود و بدین طریق نسب سیدعلی ال داوود، هم از طریق پدر و هم از طریق مادر به یغمایی جندقی می‌رسد.
تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: سیدعلی آل داوود، تحصیلات متوسطه را تا سال پنجم دبیرستان در زادگاهش (خور) و سال آخر را در دبیرستان ادب در شهر اصفهان به پایان رسانید. به تهران آمد و در رشته حقوق سیاسی در دانشگاه تهران به ادامه تحصیل پرداخت و موفق به اخذ درجه لیسانس شد. بعد از آن، راغب شد تا در رشته جامعه‌شناسی تحصیل را ادامه بدهد، در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، و چند قدم مانده به اخذ درجه فوق لیسانس، به قول خودش: «از آن منصرف شده و تا امروز دیگر پیگیر تحصیلات رسمی نبوده‌ام».

فعالیت‌های ضمن تحصیل: سیدعلی آل داوود از همان زمان تحصیل در دبیرستان بنیاد فرهنگ ایران کار می‌کرد. نخستین مقاله سیدعلی آل داوود جوان در «کتاب طوس» - نشریه وزین و سنگین - چاپ شد و پایه و مایه علمی او را به همگنانش نشان داد. با این حال، محقق جوان ما، صلاح ندید بنای معیشت خود را بر کار سنگین و کم برکت تحقیق (از لحاظ مادی) بگذارد. از این رو،

کار در وزارت فرهنگ و هنر (سابق) را نیز رها کرد و بر آن شد که از تحصیلات خود در رشته وکالت دعاوی استفاده کند. هر چند که بخش اعظم عمر او عملاً در کتاب و قلم و دایره‌المعارف‌ها سپری شد نه در دفتر وکالت و دادگاه‌ها. استادان و مربیان: سیدعلی آل داوود زیر نظر استادی بزرگ: پرویز ناتل خانلری که استعدادپرور بود و وسعت مشرب داشت. استادانی مثل محمدپروین گنابادی، حسین فریدجم و دکتر مهرداد بهار بنای فکری و علمی او را شکل دادند.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: سیدعلی آل داوود از ۱۳۶۵ به سمت مؤلف و ویراستار در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی (زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی) به کار مشغول شد و در عرض کمتر از بیست سال، بیش از یکصد مقاله علمی سنگین در موضوعات مختلف برای آن دایره‌المعارف نوشت و چند برابر این تعداد مقالات را ویرایش کرد. اوقاتی از هفته را نیز در فرهنگستان زبان و ادب فارسی به کار پرداخت. «دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره هند» را تدوین و ویرایش کرد: نخستین کتاب‌های او نیز در همین سال‌ها از چاپ درآمد.

فعالیت‌های آموزشی: سیدعلی آل داوود اکنون عضو هیات علمی دایره‌المعارف بزرگ اسلامی است.

سایر فعالیت‌ها و برنامه‌های روزمره: از کارهای تحقیقی سیدعلی آل داوود در سه سال گذشته باید به این موارد اشاره کرد: «برگزیده اعجوبه و محبوبه»، از جمله داستان‌های کهن عامیانه و از زمره داستان‌های خواندنی و مفید در ادب قدیم فارسی است. آل داوود این «برگزیده» را از متن خطی آن (موجود در کتابخانه مجلس) استخراج و همراه با مقدمه مفصل و شرح لغات و اصطلاحات چاپ کرده است.

آرا و گرایش‌های خاص: وی در مورد پژوهش در نسخه‌های خطی می‌گوید: «در انتشار نسخه‌های خطی، طبیعتاً باید نسخه‌های مختلف آن اثر، با هم مقابله و تصحیح و سپس منتشر شوند. این نقدها را بر آثاری می‌نویسم که مقابله شده‌اند و جزو آثار مطرح محسوب می‌شوند. هر کتاب مطرحی را باید یک منتقد که به آن حوزه مسلط است، نقادی و بررسی کند و ببیند که چاپ تازه این کتاب تا چه حد توانسته به اهداف خودش نزدیک باشد، اگر متن است، منتقد باید ببیند این متن درست تصحیح شده یا نه؟ اگر در حوزه تحقیقاتی است باید دید محقق آخرین حرف‌ها و تازه‌ترین حرف‌ها را در مورد یک اثر زده یا نه، مهم این است کتابی که در حوزه تاریخ و یا ادب منتشر می‌شود آخرین مباحث این موضوع را مطرح کرده باشد، اگر تکراری و مثل حرف‌های گذشتگان باشد، طبعاً آن اثر تحقیقی واجد ارزشی نیست». زندگی در میان متون و اشتغال مداوم به کار تصحیح و بازشناسی، نسخ قدیم، سیدعلی آل داوود را بدل به مسافر خستگی‌ناپذیر نسخه‌های کهن ساخته است.

جوایز و نشانها: بزرگداشت حامیان نسخه‌های خطی در کتابخانه مجلس، از بسیاری مصححان و پژوهشگران نسخه‌های خطی تقدیر شد که نام سیدعلی آل داوود نیز در آن فهرست بود. خود او با فروتنی در این مورد می‌گوید: «این تقدیر در واقع بابت نقدنویسی در مجله نشر دانش (وابسته به مرکز نشر دانشگاهی) است. یکی از کارهای اصلی این نشریه، نقد و بررسی نسخه‌های خطی است که توسط مصححان منتشر می‌شوند. در این نشریه یکی از کارهای من نوشتن نقد و بررسی روی آثار خطی است که منتشر شده‌اند. من در این چند سال بیش از شصت نقد در مورد این آثار نوشته‌ام. آنچه موجب این تقدیر شد در واقع سلسله نقدهای من بود».

چگونگی عرضه آثار: مقالات فراوان سیدعلی آل داوود را می‌توان در نشریات و کتاب‌های وزینی چون نشر دانش، نامه فرهنگستان، تحقیقات اسلامی، کتاب طوس (توس)، ارج نامه ایرج (با استخراج و فهرست نویسی درخشان سیدفرید قاسمی از آثار استاد ایرج افشار)، نامه بهارستان ... و مجله کانون وکلای دادگستری سراغ کرد. این آخری، مجله‌ای ویژه در زمینه تاریخ و مطالعات حقوقی است. سیدعلی آل داوود، رشته و حرفه معیشتی خود را نیز مثل کاردل، بسیار جدی دانسته و در آن مسیر نیز فکر و قلم خود را به کار گرفته است. از جمله: مجموعه آثار یغمای جندقی (جلد اول: دیوان اشعار غیر از فکاهیات؛ در سال ۱۳۵۷ و جلد

دوم شامل مکاتیب، در سال ۱۳۶۲)، شرح احوال و آثار یغمای جندقی (در سال ۱۳۶۲)، شرح احوال و اشعار حریف جندقی (در سال ۱۳۶۶)، دو سفرنامه از جنوب ایران (به سال ۱۳۶۷). او این آزمودگی در نسخه های قدیم و کارورزی با ادبیات کهن ایران را در فضای ماهنامه وزین «یغما» (۱۳۵۷-۱۳۲۷) آموخته بود و از ۱۳۵۲ تا چند سال بعد، مدیر داخلی آن مجله و یار و یاور عمومی دانشمندش حبیب یغمایی بود. آل داوود جوان در محیط آن نشریه، با غنایی از ادب و فرهنگ ایران آشنا شد که در نوع خود منحصر به فرد بود.

آثار:

۱ احوال و اشعار حریف جندقی

ویژگی اثر: تهران، انتشارات فتحی، ۱۳۶۶

۲ اسرار الشهود، اثر شمس الدین اسیری لاهیجی

ویژگی اثر: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۸

۳ برگزیده اشعار یغمای جندقی

ویژگی اثر: تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۵، چاپ دوم ۱۳۶۹

۴ تاریخ الفی، تاریخ ایران و کشورهای همسایه در بین سالهای ۸۵۰ تا ۹۸۴ هـ ق

ویژگی اثر: تهران، انتشارات فکر روز، ۱۳۷۸

۵ دو سفرنامه از جنوب ایران

ویژگی اثر: تهران، امیر کبیر، سال ۱۳۶۸، چاپ اول و چاپ دوم ۱۳۷۸

۶ دیوان اشعار صفایی جندقی

ویژگی اثر: تهران، انتشارات افرینش، ۱۳۷۰

۷ دیوان حافظ با مقدمه

ویژگی اثر: تهران، انتشارات هیرمند، ۱۳۶۷

۸ دیوان هنر جندقی

ویژگی اثر: انتشارات تالار کتاب، ۱۳۶۶، تهران

۹ مثنوی شمس و قمر، اثر خواجه مسعود قمی

ویژگی اثر: اسلام آباد پاکستان، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۷

۱۰ مجموعه آثار یغمای جندقی جلد اول و دوم

ویژگی اثر: انتشارات توس، چاپ اول، ۱۳۵۷، چاپ دوم ۱۳۶۷ تهران، جلد دوم این کتاب در تاریخ ۱۳۶۲ منتشر شد.

۱۱ نامه اقبال (۴۵ گفتار در زمینه مطالعات و تحقیقات ایرانی)

ویژگی اثر: تهران، انتشارات هیرمند، ۱۳۷۷

۱۲ نامه های امیر کبیر و انضمام رساله نوادر الامیر

ویژگی اثر: تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۱

۱۳ یوسف و زلیخا و شمس و قمر، اثر خواجه مسعود قمی

ویژگی اثر: تهران، انتشارات آفرین، ۱۳۶۹ منابع زندگینامه: <http://www.iranologyfo.com>

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۹-۱۲۴۸ ق)، ادیب، فقیه و عارف. در نجف به دنیا آمد. مقدمات را در خدمت برادر خویش، سید هاشم، فراگرفت و ادبیات را در محضر شیخ احمد قفطان خواند. سپس به مجالس درس شیخ انصاری و شیخ مهدی آل کاشف الغطاء و میرزای شیرازی حاضر شد، تا در فقه و اصول به اجتهاد رسید. در اخلاق نیز مدتی نزد ملا حسینقلی همدانی رفت و از محضرش بهره‌ها گرفت. بیشترین شهرت وی در زمینه ادبیات است بدان پایه که او را سیویه ملقب کردند. جماعتی از ادباء از شاگردان وی به حساب می‌آیند، از جمله: شیخ جعفر بدیری. در نجف وفات کرد و در صحن علوی دفن شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: مکارم الآثار (۱۳۴۰-۱۳۳۹/۴).

آل طیب شوشتری، عبدالسلام

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۳۰ ق)، عالم دینی، فقیه و واعظ. در شوشتر به دنیا آمد. در خدمت برادرش آقا سید محمد مهدی آل طیب و آقا شیخ محمد کاظم ابن الشیخ تلمذ نمود تا به درجه اجتهاد رسید و از این دو عالم بزرگ اجازه اجتهاد گرفت. او از دیگر آیات نیز بهره گرفت. چون حاوی کمالات نفسانی بود و در پارسایی و تقوا پیشتاز، مواعظ و نصایح وی بسیار مؤثر بود. او را تألیفات و تصنیفات چندی در فقه است، از جمله: حاشیه استدلالی بر «عروة الوثقی» طباطبائی یزدی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: گنجینه دانشمندان (۴۱۵/۵).

آل طیب شوشتری، محمدمهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۲-۱۳۱۱ ق)، فقیه، محقق، واعظ و زاهد. از خاندان سید نعمت‌الله جزایری است. در شوشتر به دنیا آمد. تحصیلات سطوح نهایی را نزد عم خویش آقا سید بزرگ آل طیب و حاج شیخ محمد کاظم شوشتری به پایان رساند و از محضر حاج شیخ محمد رضای دزفولی نیز بهره برد و از او اجازه اجتهاد دریافت کرد. وی در زهد و پارسایی و موعظه و خطابه یگانه دوران خود بود. او عهده‌دار مرجعیت اهالی شوشتر بود. در شوشتر از دنیا رفت و همان جا دفن شد. آثار بسیاری از او به یادگار ماند که از جمله آنها: شرحی بر «کفایة الاصول»؛ شرحی بر «معالم الاصول»؛ «معالی الاخلاق»؛ «الوسیلة الکبری فیما یعم به البلوی»، فارسی، در اصول دین و فروع از طهارت تا آخر عبادات و نیز معاملات؛ شرحی بر وصیت‌نامه حضرت امیرالمؤمنین (ع) به فرزندش امام حسن (ع).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۸۲/ ۲۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۱۵- ۴۱۴/ ۵).

آل طیب، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدتقی فرزند سید جلیل و عالم زاهد آقا سید علی محمد آل طیب جزایری شوشتری از افاضل سادات و احفاد علامه بزرگوار و محدث عالی‌مقدار سید نعمت‌الله جزایری است.

وی در سال ۱۳۲۹ قمری در شوشتر متولد شده و در بیت فضل و دانش پرورش یافته و مقدمات را در خدمت مرحوم والدش خوانده و قسمتی از سطوح را نزد علامه آقا سید بزرگ آل طیب خوانده و از اساتید دیگر آن زمان استفاده کرده و پس از آن به دزفول عزیمت نموده و از محضر علامه بزرگوار حاج شیخ محمدرضا معزی بهره‌مند شده و از شاگردان خاص آن مرحوم گردیدند و ایشان علاقه مخصوص به ایشان داشتند و اجازه اجتهاد بر ایشان نوشتند که عین آن نزد برادر عزیزش حاج سید کاظم آل طیب موجود است و در ایام تابستان که شیخ به بروجرد می‌رفتند برای گرمی هوای دزفول ایشان را همراه خود می‌بردند و ایشان هم از این فرصت استفاده کرده از محضر و درس آیت‌الله العظمی بروجردی (ره) که در آن موقع در بروجرد بودند استفاده کرده و کسب فیض می‌نمودند و مدتی هم در قم از محضر مرحوم آیت‌الله حجت بهره‌مند شده و بعد از وفات شیخ به شوشتر آمده و بعد از چندی به اهواز رحل اقامت افکنده و به اقامه جماعت و تدریس و خدمات دینی پرداخته تا در روز پنجشنبه دهم ماه رمضان هزار و سیصد و شصت و پنج قمری سال فوت آیت‌الله العظمی اصفهانی از دنیا رفته و جنازه‌اش حمل به نجف اشرف و در وادی السلام در جوار جدش حضرت امیرالمؤمنین علیه‌الصلوة والسلام مدفون شده است.

خدایش رحمت کند که در استقامت رای و بودن فهم از ابناء ممتاز و در بیت شریف آل طیب مشار بالبنان بوده ولی متاسفانه که عمرش کوتاه و در سن ۳۶ سالگی از دنیا رفته ولی خوشبختانه به مضمون آیه شریفه «ما ننسخ من آیه او ننسها ناتی بخیر منها او مثلها» ما هیچ آیه را منسوخ نکرده یا واپس نکردیم مگر اینکه بهتر از آن یا مانند آن را آوریم.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

آل طیب، محمدحسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدحسین شوشتری مشهور به آقا سید بزرگ آل طیب طاب ثراه از اعظام علماء خوزستان جامع علوم مختلفه و صاحب ملکات فاضله و مکارم اخلاق و متعبد و زاهد بوده‌اند

در سال ۱۲۷۵ قمری در شوشتر متولد شده و سلسله نسبش به این کیفیت به علامه جزایری منتهی می‌شود.

السید محمدحسین بن السید محمدجعفر بن السید محمدحسین بن السید جعفر بن السید طیب بن السید محمد بن السید نورالدین بن العلامة المحدث السید نعمت‌الله جزایری قدس‌الله‌اسرارهم.

وی علوم ادبیات را در شوشتر از مرحوم حجة الاسلام آقا سید محمدعلی شیخ الاسلام و آسید محمد معلم آموخته و در فقه و اصول از محضر آیات عظام حاج سید عبدالصمد جزایری و حاج شیخ عبدالکریم شوشتری که از اجله تلامذه شیخ انصاری بوده و بعضی علماء دیگر در (ریاضیات و هیئت و نجوم) از عالمان جلیلان حاج سید محمد بنی هاشمی و حاج سید حسن منجم و در علم طب از دو عالم بزرگوار حاج سید حسین حکیم بن العالم الزاهد آیت الله حاج سید علی شوشتری وصی علامه انصاری و سید جعفر سید الاطباء همدانی استفاده کامل نموده و در علوم دیگر نیز حظی وافر داشتند و خط ثلث و نسخ و کتبه را بسیار خوب و زیبا می نوشت و در این فن استادش میر اسدالله قاضی مرعشی که از شاگردان مرحوم میرزای وصال شیرازی است بوده.

و آنجناب جمع نموده بود بین حدت ذهن و قوت حافظه را لذا با قلت مراجعه به کتاب به واسطه ضعف چشم مستحضر از مطالب فنون کثیره متنوعه بوده و غوامض آنها را به آسانی حل می نمود و می فرمود تحریر اقلیدس را درس نخواندم.

ولی به فکر و ذهن خودم عباراتش را حل و مطالبش را فرا گرفته ام و اوقات خود را به تدریس و عبادت صرف می نمود و قلیل المعاشره با مردم بود و غالب علماء شوشتر رشته تحصیلاتشان بلاواسطه یا با واسطه به آن بزرگوار منتهی می شود یک سال استخراج نجومی نموده و تقویم نوشته است.

در کثرت عبادت قلیل النظر بلکه یگانه عصر خود بشمار می رود نوافل مرتبه از او فوت نمی شد مداومت به زیارت عاشوراء به طریق احتیاط و نماز حضرت جعفر طیار و زیارت جامعه و بعضی صلوات مستحبه داشت در هفته یک ختم قرآن می نمود و روزی هزار صلوات می فرستاد و ایام البیض هر ماه را تا آخر عمرش روزه می گرفت عمل افتتاح را بجا می آورد و چند سال ماه رجب و شعبان را روزه گرفته و وصل به ماه صیام می نمود.

اول شب را کمی می خوابید و زود برمی خواست و به عبادت می پرداخت.

و دارای مقامات معنوی و الهامات غیبی بود و با قرآن استخاره نموده و غالباً مراد شخص را بیان می کرد و صلاح و فساد آن کار را توضیح می داد.

در معالی اخلاق ممتاز در عصر خویش بود و هیچگاه سائلی را محروم نمی کرد و با او با ملاطفت حرف می زد و در صورت عجز از قضاء حاجت او از وی عذرخواهی می کرد.

با مناعت طبع و عزت نفس زندگی می کرد و در امر معاش قانع و شاکر بود و از حقوق شرعی کمتر تصرف می کرد و در امر به معروف و نهی از منکر در مواقع مقتضیه قلبی قوی داشت و از ریاست عامه کناره می گرفت و متصدی مرافعات و فصل خصومات نمی شد و از فتوا دادن نیز خودداری می کرد و در اواخر عمر منزوی گردید.

و تمام اوقات را مصروف به عبادت می کرد و بالجمله فضائل و کمالات نفسانیه و مکارم اخلاق و محاسن اطوار آن بزرگوار و جدیت او در عبادات و التزام او به مستحبات مهمه و اعراض او از زخارف دنیویه به اندازه ای است که سزاوار است کتاب مستقلی در این خصوص نوشته شود و آنچه در اینجا نوشته شده گذشته از اینکه مبالغه نیست به نحو ایجاز تحریر گردیده است.

در شب پانزدهم شوال ۱۱۵۰ قمری در حالی که مشغول ذکر پروردگار بود از این سرای فانی به دار باقی ارتحال نمود.

دارای فرزندان بنام سید عبدالله و سید ابوالحسن و سید نعمت الله بوده که هر سه وفات نموده و یک فرزند بنام آقا سید محمدحسن از او مانده که ترجمه اش خواهد آمد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

آل عصفور، احمد

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۱۳۱ - ۱۰۸۴ ق)، فقیه، متکلم، محقق و نویسنده. در شاخوره به دنیا آمد و علوم مقدماتی را در آنجا فراگرفت. آنگاه نزد استادان بزرگ آن عصر مراتب عالی فقه و اصول را به پایان رساند و به درجه‌ی اجتهاد نایل آمد. وی از برجسته‌ترین شاگردان شیخ سلیمان ماحوزی بود که فقه و اصول و حکمت را نزد وی آموخت. ریاضیات را نزد شیخ محمد بن یوسف بحرانی فراگرفت. در بسیاری از دانشهای روزگار خود مهارت داشت. علی‌رغم دیگر عالمان آل‌عصفور که اخباری بودند وی به عقل‌گرایی تمایل داشت و کتابهایی در زمینه‌ی علوم عقلی تألیف کرد. همچنین در فصاحت زبان و بلاغت سخن و حاضر جوابی مشهور بود. در آشوب بحرین، و تاخت و تاز اعراب هوله، به قطیف مهاجرت کرد. اما بر اثر شنیدن خبر به تاراج رفتن کتابخانه‌اش بیمار شد و در ۴۷ سالگی در قطیف درگذشت. گفته‌اند که ۲۳ تألیف معتبر داشته است که همگی با کتابخانه‌ی وی، علی‌رغم تلاشهای پسرش شیخ یوسف صاحب «حدائق» که برای حفظ کتابخانه کرد، در فتنه‌ی بحرین از بین رفت. کتاب «اثبات الجزاء الذی لایتنجزاء» و «الجزء الذی لایتنجزی» از جمله کتابهای او است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴۶۴ - ۴۶۳/۲)، الذریعه (۱۰۴، ۷/۵، ۹۰، ۸۸ - ۸۷/۱)، ریحانه (۲۳۰/۱)، شهیدان راه فضیلت (۴۶۳ - ۴۶۲)، فوائد الرضویه (۱۳).

آل عصفور، خلف

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ح ۱۲۸۰ ق)، عالم، نویسنده، فقیه و محدث. در بوشهر متولد شد و پس از آموزشهای مقدماتی در ۱۳۰۶ ق به نجف مهاجرت کرد و در حوزه‌ی علمیه‌ی آنجا به آموختن سطوح عالی دانشهای متداول روزگار پرداخت. او در درس عالمان و فقیهان بلند پایه چون آخوند ملا محمد کاظم خراسانی شرکت کرد و در ۱۳۱۴ ق به بوشهر بازگشت. پس از درگذشت پدرش، در ۱۳۱۵ ق، به امامت جماعت و دیگر امور شرعی پرداخت. صاحب آثاری در فقه و کلام است، از آن جمله: «الانوار الجعفریه»؛ «قصده السبیل»؛ «منتخب الفوائد».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۲۹ - ۳۲۸/۶)، الذریعه (۴۱۹، ۲۲، ۹۹، ۱۷/۱۷، ۴۲۳/۲)، معجم المؤلفین (۱۰۴/۴).

آل علی شاهرودی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید حسین آل علی شاهرودی والد ماجد آیت‌الله حاج سید جواد آل علی شاهرودی از علماء بزرگوار و دانشمندان خدمتگزار شاهرود بوده است که از خدمات معروف ایشان تأسیس حوزه علمیه سامری بوده که بعد از رحلت آیت‌الله العظمی مجدد شیرازی و

انقراض حوزه علمیه سامره در سال ۱۳۵۳ ه.ق تا سال ۱۳۶۵ ه.ق دائر نموده و حدود دویست طلبه در آن اشتغال داشتند تا سال ۱۳۷۳ قمری که از دنیا رفته و در صحن مبارک علوی در حجره شمال غربی دفن شده‌اند.

آن بزرگوار دارای چهار فرزند پسر و سه دختر بوده است، فرزند بزرگ ایشان حاج آقا ضیاءالدین آل علی حسینی شاهرودی بود که در زمان آن مرحوم و بعد از او در مسجد جامع شاهرود و مسجد نخل اقامه جماعت داشته و مؤمنین از مواعظ حسنه ایشان بهره‌مند می‌شدند و یک سال بعد از فوت والدش در نجف اشرف ایامی که برای زیارت عتبات عالیات آمده بودند واقع شده و در مقبره والدش مدفون شده است.

فرزند دوم ایشان حضرت آیت‌الله حاج سید جواد آل علی است که ترجمه و آثارش را در صفحات بعد خواهید خواند.

فرزند سوم ایشان مرحوم حجة الاسلام حاج آقا علی آل علی است که در طهران اقامت داشتند و چندین سال راهنمای صدها نفر حجاج طهرانی بوده و در سال ۱۳۵۸ شمسی برابر سال ۱۳۹۸ قمری در مدینه طیبه بدرود حیات گفته و در بقیع شریف نزدیک قبور ائمه بقیع علیهم السلام به خاک رفته. در سال ۱۳۸۹ قمری که نگارنده در هند بودم ایشان از مکه به هند آمده و حدود یک ماه در بمبئی و حیدرآباد و دیگر شهرها با ایشان بوده و خاطراتی شیرین از آن سفر دارم.

فرزند چهارم ایشان آقای دکتر نورالدین آل علی است، که نیز در نجف متولد شده و خلاصه‌ای از بیوگرافی ایشان را که به دستم رسیده است در ذیل می‌خوانید: دکتر سید نورالدین آل علی

متولد: ۱۳۲۰

سال ۱۳۴۳ فارغ‌التحصیل رتبه اول رشته زبان و ادبیات عرب از دانشگاه تهران.

سال ۱۹۶۵ فوق لیسانس از دانشگاه قدیس یوسف لبنان و سال ۱۹۶۹ دکترای خود را با درجه بسیار عالی از دانشگاه الجزائر دریافت داشته است.

از سال ۱۹۷۰-۱۹۶۶ به سمت استادیاری در دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه الجزایر به تدریس مشغول شده و از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۲ با سمت وابسته فرهنگی ایران در الجزایر انجام وظیفه نموده است. در سال ۱۹۷۶-۱۹۷۳ راینز فرهنگی ایران در کشورهای اسلامی شمال افریقا (الجزائر، مراکش و تونس) بوده و از سال ۱۹۷۹-۱۹۷۶ راینز فرهنگی ایران در مصر، او مؤسس مرکز فرهنگی ایران در قاهره، و ناشر بیش از ۲۰ اثر و تألیف از مخطوطات و تالیفهای دانشمندان مصری در ارتباط با فرهنگ و تاریخ ایران در مدت سه سال در مصر است.

در دانشگاههای الازهر، قاهره و عین شمس زبان و ادبیات فارسی و ادبیات تطبیقی تدریس نموده است از سال ۱۹۸۳ تا به حال در دانشکده علوم و مطالعات بین‌الملل در شهر مونتره در ولایت کالیفرنیا به تدریس عربی و تاریخ اسلام مشغول است. او دارای دو فرزند پسر با نامهای امین و هادی است. تألیفات زیر از آثار چاپ شده او است:

۱- فارابی موطنه و ثقافته، مجله البحث العلمی جامعه محمد الخامس الرباط عدد ۲۶ نوامبر ۱۹۷۶.

۲- از زردشت تا زریاب (به فرانسه) مجله المجاهد نوامبر ۱۹۷۱-الجزائر.

۳- الصحافه الفارسیه مصر (عربی)- مجله المنتدی شماره‌های یکم و دوم سال ۱۹۷۸ قاهره.

۴- ایران و مصر در گذرگاه تاریخ- مجله المنتدی شماره یکم سال ۱۹۷۸ و شماره ۲ سال ۱۹۷۹ قاره.

۵- هنرهای ایرانی در شمال افریقا- مجله هنر و مردم شماره ۱۵۷ سال ۱۳۵۵ تهران- ایران.

۶- الامام الصادق کما عرفه علماء الغرب (عربی)، چاپ مؤسسه الوفاء بیروت- لبنان ۱۹۸۸.

۷- فضائل الانام من رسائل حجه الاسلام الغزالی (عربی و فرانسه)- چاپ الدار التونسیه للنشر- تونس ۱۹۷۲.

۸- التعریب و اثره فی الثقافتین الفارسیه و العربیه با مقدمه‌ای از رئیس مجمع لغت عرب قاهره. چاپ: دارالثقافه للطباعه والنشر قاهره

۱۹۷۸.

۹- معربات الرشیدیه (قاموس کلمات فارسی تعریب شده) ترجمه و تحقیق با اشتراک دکتر امین عبدالمجید بدوی. چاپ: درالثقافه للطباعه والنشر قاهره ۱۹۷۸.

۱۰- دروس اللغة والادب الفارسی (۲ ج) چاپ: الشركه التونسیه للتوزیع تونس ۱۹۷۲.

۱۱- الصلات الثقافیه بین ایران و العرب- چاپ: مطبعه الانجلو المصریه قاهره ۱۹۷۵.

۱۲- جوانب من الصلات الثقافیه بین ایران و مصر جمع و تقدیم- چاپ: درالثقافه للطباعه والنشر قاهره چاپ اول ۱۹۷۵ چاپ دوم ۱۹۷۸.

۱۳- اسلام در غرب (تاریخ اسلام در اروپای غربی)- چاپ دانشگاه تهران ۱۳۷۰.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

آل گداعلی بیگ، محمدصالح

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۸۸- ۱۱۸۷ ق)، فقیه، اصولی، مرجع دینی و خطاط. جدش امیرفضل علی خان مشهور به گداعلی بیگ نوری از خوانین بزرگ بروجرد و سلطان آباد بود که در روزگار دولت صفوی به عراق مهاجرت کرد و در کربلا ساکن شد و با خواهر سید میرزا صالح شهرستانی ازدواج کرد. شیخ محمدصالح از شاگردان برجسته‌ی سید ابراهیم قزوینی، صاحب «ضوابط» بود که در فقه و اصول شهره‌ی عام و خاص شد و از مراجع بنام کربلا گشت. از آثار وی: کتیبه‌ی داخل گنبد حضرت سیدالشهداء (ع) به خط ثلث بوده که در آئینه کاری از بین رفته است.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۶۴- ۶۶۳/ ۱۳).

آل محمد، محمدجعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای عفونی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اهواز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۱، دکترای تخصصی بیماریهای عفونی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۲،

کارشناسی ارشد (M.P.H) در انستیتو سلطنتی هلند در سال ۱۳۵۲ و کارشناسی ارشد C.T.M در دانشگاه لندن در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

شوگ، برونشیت مزمن و آمفیزم، سل استخوان، مننژیت سلی، مننژیت باکتریال، تدریس دروس مختلف بهداشتی شامل، بهداشت عمومی، اپیدمیولوژی آمار، بیماریهای عفونی، بهداشت حرفه‌ای استاد راهنمای ۵ پایان‌نامه دکترای پزشکی. تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تدوین جزوات درسی در علوم مختلف بهداشتی و بیماریهای عفونی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

بررسی مقایسه‌ای تست جلدی مانتو، هیف.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

آل یاسین، اشرف

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

اشرف آل یاسین در سال ۱۳۳۶ در اراک متولد شد. وی پس از اخذ دیپلم در ۱۳۵۴ از زادگاه خود، وارد دانشگاه تهران شد. وی دارای دکترای پزشکی عمومی ۱۳۶۰، تخصص زنان و زایمان ۱۳۶۵ و فلوشیپ نازایی از دانشگاه علوم پزشکی تهران (۱۳۷۴) است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار رشته نازایی دانشگاه علوم پزشکی تهران است. گروه: علوم پزشکی: زنان و زایمانگرایش: نازایی

آثار: آیا هیپوپرولاکتینمی یک عامل اصلی در ایجاد نازایی است. ویژگی اثر: دکتر اشرف آل یاسین مقاله مذکور را در مجله دانشکده پزشکی تهران در شماره یکم و در سال ۱۳۷۸ منتشر کرده است. ۲. بررسی اثر سن زن به عنوان یک فاکتور موثر در موقعیت روش تزریق داخل سیتوپلاسمی اسپرم در بخش نازایی بیمارستان شریعتی ویژگی اثر: مقاله مذکور توسط دکتر اشرف آل یاسین در مجله زنان و مامایی ایران مربوط به دانشگاه پزشکی مشهد در سال ۱۳۷۹ به چاپ رسید ۳. بررسی عوامل خطر سازه در بروز سندرم تحریک بیش از حد تخمدان در بیماران نازایی مراجعه کننده به مرکز ناباروری بیمارستان شریعتی تهران ویژگی اثر: دکتر اشرف آل یاسین مقاله حاضر را در مجله دانشکده علوم پزشکی کرمان در دوره هشتم، شماره دوم به چاپ رسانیده است. ۴. بیماریهای التهابی لگن ویژگی اثر: کتاب بیماریهای التهابی لگن از جمله تألیفات دکتر اشرف آل یاسین است که به طور مشترک یا دکتر آقا حسینی در سال ۱۳۷۵ انجام داده است.

آل احمد طالقانی، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدتقی (آل احمد) طالقانی فرزند مرحوم آیت‌الله حاج سید احمد طالقانی که به امر زعیم اعظم آیت‌الله بروجردی رهبری شیعیان مدینه را به عهده داشتند تولد ایشان در ۱۳۲۵ ق واقع شده و چند سالی در قم تحصیل نموده و بعد به نجف اشرف مهاجرت و از محضر آیت‌الله اصفهانی و دیگران بهره‌مند شده و بر حسب امریه، مرحوم آیت‌الله بروجردی به مدینه طیبه عزیمت نموده و به خدمات دینی و روحی و ارشاد شیعیان مدینه و راهنمایی حجاج بیت‌الله الحرام اشتغال داشته تا در ۱۴ شعبان ۱۳۷۲ ق وفات و در قبرستان بقیع به خاک رفته است.

(۱۳۷۲- ۱۳۲۵ ق)، عالم دینی و مرجع شیعیان مدینه. در تهران به دنیا آمد. پس از طی مقدمات و سطوح اولیه در اوایل تشکیل حوزه علمیه به قم رفت و پس از پایان سطوح به نجف اشرف مهاجرت کرد و از حوزه‌ی درس و بحث آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله عراقی استفاده کرد. وی داماد آیت‌الله حاج شیخ محمدتقی آملی بود. در سال ۱۳۷۰ ق به امر آیت‌الله بروجردی رهبری شیعیان مدینه را عهده‌دار شد و در آنجا به نشر احکام جعفری پرداخت و راهنمای حجاج بیت‌الله الحرام گشت. آل احمد بطور ناگهانی در مدینه درگذشت و در قبرستان بقیع دفن شد. [۱]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار الحجۃ (۳۴۹- ۳۷۸ / ۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۶۶ / ۷).

آلاشتی سوادکوهی، عباسعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، فقیه اصولی. از علمای عصر آقا محمدخان قاجار بود. در جوانی از آلاشت به تهران آمد. بعد از سه سال اقامت در تهران به قزوین رفت و هفت سال در آنجا به درس و بحث پرداخت. آنگاه به عراق رفت و در محضر درس آقا سید علی طباطبائی صاحب «ریاض» پانزده سال به تحصیل و تکمیل علم فقه و اصول پرداخت. سرانجام به دریافت اجازه اجتهاد از وی نایل گشت. آقا سید علی طباطبائی او را به بازگشت به ایران مکلف کرد و وی در امتثال امر استاد به تهران آمد ولی پانزده روز بعد از ورود، وقت صبح در سن چهل و پنج سالگی بطور ناگهانی درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: التدوین فی احوال جبال شروین (۲۷۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۹۵- ۶۹۴، ۶۹۴- ۶۹۳ / ۱۳).

آلاشتی سوادکوهی، عبدالباقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۱۳۱۱ ق)، فقیه، قاضی و عالم دینی. از بزرگان سوادکوه بود و از جمله عالمان پرهیزکار آن سامان به حساب می‌آمد.

در محضر ملا محمد اشرفی شاگردی کرد. وی عهده‌دار منصب قضا در دیار خود و مرجع دینی مردم سوادکوه بود. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: التدوین فی احوال جبال شروین (۲۸۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۲۱/ ۱۴).

آل آقا تهرانی، عبدالله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۱۷ ق)، فقیه و عالم دینی. از احفاد وحید بهبهانی است. در تهران به دنیا آمد. در سال ۱۳۴۴ ق به قم رفت و در خدمت ادیب تهرانی و میرزای همدانی درس خواند. وی دروس خارج فقه و اصول تحلیلی را از محضر آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت استفاده برد. او از طرف آیت‌الله حایری سرپرستی بیمارستان سهامی را که بیمارستان طلاب بود به عهده داشت. وی سرانجام برای انجام خدمات دینی به تهران عزیمت کرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار الحجّه (۲۵۹- ۲۵۸/ ۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴/ ۳۷۰).

آل آقا کرمانشاهی، ابوتراب

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۱۹ ق)، فقیه. در کرمانشاه متولد شد. در خاندان اصیل آل آقا پرورش یافت. پس از خواندن مقدمات و ادبیات و متون فقه و اصول به نجف مهاجرت کرد و در محضر آیت‌الله اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی تلمذ کرد تا به مدارج عالی رسید. سپس به کرمانشاه بازگشت و به ترویج امور دینی پرداخت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: گنجینه‌ی دانشمندان (۶/ ۳۵۸- ۳۵۹).

آل طاهر، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالقاسم آل طاهر، پس از تکمیل مقدمات و حفظ تمامی قرآن در خونسار نزد اساتید محل به امر مرحوم والد خود به نجف اشرف مهاجرت نموده و چند سالی از محضر علماء و رجال علمی کسب علم و دانش نموده تا به مرتبه اجتهاد رسیده و پس از آن به خونسار مراجعت و به خدمات دینی از ارشاد مردم پرداخته و برای اصلاح دو طائفه بزرگ بختیار به منطقه بختیار مسافرت و میان آنها التیام داده و صفا و دوستی کامل ایجاد و با اصرار مردم آن سامان و احساس وظیفه دینی در دولت آباد توقف و خدمات

ارزنده‌ای نموده و در آن محل دورافتاده و نبودن امکانات کمال مراقبت را در تربیت فرزندان خود مبذول داشته و آنها را به تحصیل وامی دارد.

و چون آن مرحوم علاقه و استعداد در فرزند ارشد خود حاج شیخ احمد مشاهده می‌کند ایشان را برای ادامه تحصیل به اراک فرستاده و مدت چهار سال از محضر مرحوم آیت‌الله حاج سید مصطفی محسنی اراکی کسب دانش نموده سپس با کسب اجازه از پدر به اصفهان رفته و مدت ۱۴ سال از محضر اساتید و آیات اصفهان مانند مرحوم آیت‌الله آقانجفی اصفهانی و مرحوم آخوند ملا محمد کاشی بهره‌مند شده و پس از فوت مرحوم والدش که حوادث ناگواری برای جامعه روحانیت انفاق افتاد روحانیون با مشکلات سختی مواجه شدنی برای اینکه بتواند در گوشه و کنار به خدمات روحانی خود انجام وظیفه نماید.

مدت چند سال در یکی از قراء خمین در ملک شخصی خود رحل اقامت افکند. و با اخلاق ملکوتی خود موفق می‌شود قتل و غارت و دزدی را در قسمتی از طوایف بختیاری برانداخته و خدمات ارزنده‌اش در تمام آن نواحی زبازرد خاص و عام قرار گیرد تا عده‌ای از تجار محترم خمین با معیت حضرت آیت‌الله حاج شیخ محمد امامی اراکی به ایشان مراجعه و تقاضای آمدن به شهر خمین را از آن مرحوم می‌نمایند.

و ایشان پس از موافقت استخاره قبول و با تجلیل و احترام زیاد وارد خمین و در مسجد جامع به انجام وظائف دینی و روحانی مشغول و به حسن اخلاق و رفتار نیک موفق می‌شود چهل نفر از مسیحیان و یهود آنجا را به دین اسلام هدایت و وارد نمایند تا در سال ۱۳۷۴ قمری از دنیا رفته و در مقبره شخصی دفن شدند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

آل طیب شوشتری، محمد حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۲۹ ق)، فقیه، مجتهد و ادیب. در شوشتر متولد شد. در محضر عموی خود سید محمدباقر آل طیب علوم مقدماتی را خواند، و نزد پدرش و شیخ محمد کاظم ابن الشیخ سطوح عالی فراگرفت. سپس به دزفول مهاجرت کرد و از محضر شیخ محمدرضا دزفولی در زمینه فقه و اصول و حدیث بهره برد. آنگاه به قم رفت و چند سال در محضر آیت‌الله حائری و آیت‌الله حجت و آیت‌الله خوانساری تلمذ کرد و پس از دریافت درجه اجتهاد به زادگاهش بازگشت و به ترویج مذهب و نشر معارف اسلامی پرداخت. وی از آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و حاج شیخ محمد کاظم شیرازی نیز دارای اجازه بود. او در علم هیئت و علوم عقلی مهارت داشت و در فلسفه از شاگردان میرزا مهدی آشتیانی بود. از او آثار زیادی در فقه و اصول و حکمت و ادبیات باقی مانده، از جمله آثار وی: منظومه «ریاض المرضیه» که متضمن «الفیه» ابن مالک نحوی است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۰۷-۳۰۶/۲۶)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۱۴-۴۱۲/۵).

آل طیب شوشتری، محمد حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۰-۱۲۷۵ ق)، فقیه اصولی، منجم، ریاضیدان و طیب. مشهور به آقا سید بزرگ. از فرزندزادگان سید نعمت‌الله جزایری است. در شوشتر متولد شد و در محضر آقا سید محمدعلی شیخ‌الاسلام و آقا سید محمدعلی معلم ادبیات و در نزد آقا سید عبدالصمد جزایری و شیخ عبدالرحیم شوشتری، از شاگردان شیخ مرتضی انصاری، فقه و اصول را آموخت و در نزد سید جعفر سید الاطباء همدانی طب را فراگرفت. وی در نجوم و ریاضی و خوشنویسی مهارت کامل داشت. او عمر خویش را در ریاضت و عبادت و تدریس بسر برد. از آثار وی تقویمی است که خودش استخراج کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: گنجینه دانشمندان (۴۱۲-۴۱۰/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۶۵-۴۶۳/۱۴).

آل طیب، عبدالسلام

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید عبدالسلام آل طیب از علماء اعلام معاصر شوشتر است که در سال ۱۳۳۰ قمری در شوشتر متولد شده و پس از پرورش در خدمت والد ماجدش به تحصیل پرداخته و مدتها در خدمت برادر معظم له آیت‌الله آقا سید محمدمهدی آل طیب طابت تربته و مرحوم آیت‌الله فی العالمین آقای حاج شیخ محمدکاظم طاب ثراه تلمذ نموده تا به درجه اجتهاد رسیده و آن دو بزرگوار اجازه اجتهاد او را به خط مبارک خود مرقوم فرمودند و در خلال این مدت از محاضر دیگران از آیات عظام و مراجع تقلید انام استفاده نموده.

و پس از فراغ از تحصیل به تألیف و تصنیف و حاشیه استدلالی بر عروۃ‌الوثقی علامه طباطبائی نوشته به نظر مرحوم آیت‌الله العظمی آقای حجت کوه‌کمری رسانیده و آن مرحوم تقریظی که اثبات و تصدیق اجتهاد ایشان را می‌کند مرقوم فرموده و تمجید وافر از تحقیقات ایشان می‌نماید.

بالجمله معظم له حاوی کمالات نفسانیه از علم و عمل و تقوی و ورع و جامع بین فن فقاہت و وعظ و صاحب تألیفات در فقه و غیره می‌باشند.

بیانات و نصایح و مواعظ منبری ایشان همه دلنشین و جالب قلوب مستمعین است و در ماه رمضان و شبهای ایام عاشوراء مسجد ایشان به آن وسعت بسیار که دارد پر می‌شود و هزارها نفر در خارج و اطراف مسجد از اهالی شهر و اطراف آن برای استفاده حاضر می‌شوند و صدای ضجه و ناله از مردم بلند می‌شود از این جهت بسیار کم‌نظیر است حقا منابرش منابر مرحوم حاج شیخ جعفر شوشتری را مجسم می‌کند.

مکاشفات و منامات عجیب و غریبی برای ایشان و منابرشان دیده شده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

آل طیب، محمدحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فقیه.

تولد: ۲۹ ذی‌قعدة ۱۳۲۹ ق.، شوشتر.

درگذشت: ۲۵ تیر ۱۳۷۳ (۶ صفر ۱۴۱۵ ق.)، شوشتر.

آیت‌الله محمدحسن آل‌طیب، فرزند آیت‌الله آقا سید محمد حسین آل‌طیب معروف به آقا سید بزرگ، پیش از هفت سالگی خواندن و نوشتن را آموخت. سپس تحصیل علوم دینی را آغاز کرد. وی ادبیات و مقدمات را نزد عمویش، آیت‌الله سید محمدباقر آل‌طیب فراگرفت. ریاضیات، هیئت، علوم نجوم و بخشی از طب را نزد پدر خود کسب کرد و برای تحصیل علوم فقه، اصول و حدیث به دزفول رفت و از محضر آیت‌الله محمدرضا معزی دزفولی استفاده کرد. سپس به شوشتر برگشت و از محضر آیت‌الله محمدکاظم شیخ شوشتری بهره‌ها گرفت. آنگاه به حوزه‌های علمیه قم و تهران هجرت کرد و از مراجع آن عصر همچون آیت‌الله العظمی عبدالکریم حائری، آیت‌الله سید محمد حجت کوه کمره‌ای و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری، به تکمیل علوم دینی پرداخت و از محضر میرزا مهدی آشتیانی حکمت و فلسفه را آموخت. همچنین در ریاضیات، خوشنویسی و ادبیات عرب تبحر داشت. وی سپس به تدریس علوم دینی روی آورد.

آیت‌الله آل‌طیب از مراجعی چون آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، آیت‌الله محمد کاظم شیرازی، آیت‌الله ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله سید محمدهادی میلانی و آیت‌الله سید محمود شاهرودی اجازه اجتهاد داشت. از جمله تألیفات ایشان می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: تضمین اشعار الفیه ابن مالک که بیش از ۶۰۰ شعر است که در آنها به بررسی علوم گوناگون اسلامی می‌پردازد، قاعده لاتعاد، تحریر عروۃ الوثقی، نوشتارهایی در علم اصول، فقه، ریاضیات و نجوم، منظومه‌ای در حکمت.

آیت‌الله محمدحسن آل‌طیب در هشتاد و شش سالگی جان سپرد و در بقعه‌ی مقام صاحب‌الزمان (ع) به خاک سپرده شد. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

آل‌طیب، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدحسن آل‌طیب بن العالم الجلیل السید محمد مهدی آل‌طیب از علماء بزرگوار معاصر در شوشتر است. وی در ماه ذی‌العقدة الحرام ۱۳۲۹ قمری در شوشتر متولد شده و در مهد علم و فضیلت پرورش یافته و دروس مقدماتی را از عموی معظم خود مرحوم آیت‌الله آقا سید محمدباقر آل‌طیب خوانده. و سطوح عالی را از والد بزرگوارش و مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدکاظم ابن‌الشیخ فراگرفته سپس به دزفول مهاجرت و از محضر آیت‌الله حاج شیخ محمدرضای دزفولی که از مراجع تقلید بوده‌اند در فقه و اصول و علم‌الحدیث استفاده نمود. آنگاه به قم آمده و چند سالی از محضر مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری و آیت‌الله حجت و آیت‌الله حاج سید احمد خوانساری بهره‌مند شده و با دریافت اجازات اجتهاد و روایتی و غیره به وطن مراجعت و تا هم‌اکنون به وظائف دینی و روحی از اقامت جماعت و ارشاد مردم و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام و تربیت محصلین علوم دینی و سرپرستی حوزه علمیه شوشتر اشتغال دارد.

نگارنده گوید: مترجم معظم عالمی جامع و فقیهی کامل و در فروع مختلفه فقهیه استحضاری وافر دارد و در مکارم اخلاق و محامد آداب و سرعت انتقال و سلامت نفس و خفض جناح قلیل النظیر است در شوشتر و نواحی آن مرجع و ملجأ مردم و طلاب و فضلاء و در نهی از منکر و امر به معروف و مبارزه با فساد سعی بلیغ و اهتمامی عجیب دارند.

از اثر ایشانست منظومه ریاض المرضیه که تضمین الفیه ابن مالک نحوی نموده‌اند در علم کلام و اخلاق و بعضی از مباحث فقهیه که آن را نگارنده شرح مزجی نموده و بنام (بستان الرازی) منتشر ساختم و از ابیات آن که در قدح غاصبین حق آل محمد (ع) گفته ابیات زیر است:

یا سیدی ارواحنا فدا کا
 لقد بغی و اعتد یا عبد اکا
 عن رتبه الخلافة احذف جاز ما
 ثلاثهن تقض حکم لازما
 و الاول النفاق فیه قدرا
 جمیعہ و هو الذی قد قصرا
 والثانی منقوص و نصبه ظہر
 و هو الی الناکذا ایضاً یجر
 و ما لاول علمت مطلقا
 للثانی والثالث ایضا حقا
 الی آخر

دارای اجازاتی جامع و کاملی از نامبردگان ذیل می‌باشند.

- ۱- آیت‌الله العظمی اصفهانی
 - ۲- آیت‌الله آقا ضیاء‌الدین عراقی
 - ۳- آیت‌الله حاج شیخ محمد کاظم شیرازی
 - ۴- آیت‌الله العظمی حاج سید محمد هادی میلانی
 - ۵- آیت‌الله حاج شیخ آغا بزرگ تهرانی.
- معظم له در علم هیئت و مباحث عقلیه هم مهارت تامی دارند و هیئت را از والد خود فرا گرفته و علم فلسفه و حکمت را از مرحوم حکیم ربانی علامه میرزا مهدی آشتیانی آموخته‌اند و تألیفاتی هم در فقه و اصول و مباحث متفرقه دارند و هم منظومه‌ای در بعض حکمت الهیه و رساله‌ای در حدیث لاتعاد. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

آل عصفور، حسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۶۱ ق)، فقیه. شیخ حسن امامی اخباری بوشهری، پس از فوت پدر از بحرین به بوشهر و شیراز رفت و چندی در آنجا بود و

سپس به بوشهر بازگشت و در آنجا متوطن شد. وی مرجع اخباری‌ها و امام جماعت و قاضی و مفتی بود و در همان جا نیز فوت کرد. و در خانه‌اش مدفون گشت. از آثارش: «الفوائد»؛ «رساله‌ی عملیه»، در عبادات؛ شرح منظومه‌ی پدرش که «شارحه‌ی الصدور» نام داشت؛ «مناسک الحج».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۵۷/ ۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۴۸- ۲۴۷/ ۲)، الذریعه (۲۱۴/ ۱۱).

آل عصفور، حسین

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(شهادت ۱۲۱۶ ق)، فقیه، محدث، متکلم و شاعر. از سوی مادر نوه‌ی شیخ حسین ماحوزی بود. نزد عمویش یوسف آل عصفور درس خواند. و از او و عموی دیگرش عبدعلی آل عصفور روایت می‌کرد. او در شاخوره اقامت داشت و به تدریس و مرجعیت دینی و تحقیق و تألیف اشتغال یافت. از بزرگ‌ترین فقهای اخباری زمان خود بود، این که برخی او را مجدد دین در آغاز سده‌ی سیزدهم قمری دانسته‌اند گویای موقعیت علمی و فقهی و نقش وی در ترویج دیانت است. بر بیشتر دانشهای متداول روزگار خود احاطه‌ی کافی داشت طالبان علوم دینی از همه جا به ویژه از قطیف و احساء به حوزه‌ی درس او می‌آمدند. از این رو شاگردان بسیاری در این حوزه پرورش یافتند و خود از عالمان بنام دین شدند. شیخ‌احمد احسائی از او روایت می‌کند. او در پارسایی شهره بود و بویژه در عرض اخلاص به امام حسین (ع) و شهیدان کربلا کوشش بسیار داشت و اشعار بسیاری در رثای آن حضرت می‌سرود و دارای «دیوان» است. وی را شهید نیز نامیده‌اند چون توسط یکی از خوارج کشته شد. کتابهای بسیاری در موضوعات مختلف روایی، کلامی و فقهی نوشته است. تألیفات او را بیش از پنجاه کتاب دانسته‌اند که جز معدودی در دست نیست. از جمله: «اجازة»؛ «الاشراف»؛ «انوار اللوامع»؛ «باهرة العقول»؛ «مصایح اللوامع»؛ «الحدق الناظرة» یا «عیون الحقائق الناظرة»، در تتمیم «الحدائق الناظرة»؛ «منظومه فی ظن و اخواتها»؛ «منظومه فی الفقه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آینه‌ی دانشوران (۳۵۸)، الذریعه (۱۲۷، ۱۲۲/ ۲۳، ۲۱/ ۹۱، ۳۷۹، ۱۵/ ۳۶۰، ۶/ ۲۹۲، ۴/ ۴۰۴، ۳/ ۱۵، ۲/ ۴۳۹، ۱۰۲، ۱/ ۱۸۸، ۱/ ۴۱۷- ۴۷۰، ۸/ ۵۹، ۱/ ۴۵۶- ۴۶۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۲۹- ۴۲۷/ ۱۳)، فوائد الرضویه (۱۴۹- ۱۴۸)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۸۶۴)، مکارم الآثار (۵۷۳- ۵۶۹/ ۲).

آل عصفور، خلف

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۰۸ ق)، فقیه، محدث، متکلم، نویسنده و از عالمان اخباری. در بحرین متولد شد. پس از فراگیری علوم به قطیف مهاجرت کرد و در آنجا ساکن شد. پس از چندی به بوشهر رفت. وی نزد عمویش یوسف آل عصفور درس خواند. به پیروی از اندیشه‌های اخباریان، تنها سنت (حدیث) را قابل استناد می‌دانست و معتقد بود که قرآن به دلیل این که فقط معصومان (ع) می‌توانند آن را

دریابند، نمی‌تواند مورد استناد باشد. وی در بوشهر درگذشت. اثر وی شرحی مفصل بر «بحارالانوار» است. او حاشیه‌هایی بر جلد چهارم «بحارالانوار» دارد. از او «مجموعه‌ی رسائل» نیز باقی است. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۶/ ۳۳۰)، شهیدان راه فضیلت (۴۶۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۰۱-۵۰۰/ ۱۳).

آل عصفور، سلمان

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد ۱۲۶۱ ق)، عالم و فقیه. ساکن شیراز بود و در آنجا از مراجع مردم فارس به حساب می‌آمد. وی پس از درگذشت عمویش شیخ حسن بن حسین در ۱۲۶۱ ق از دنیا رفت. تصانیف بسیاری از وی باقی مانده که از جمله آنها: «مصارع الشهداء» و «مقاتل السعداء، در وفیات ائمه (ع)، در ده هزار بیت؛ «کتاب الزیارات»؛ «وفاء امیرالمؤمنین (ع)»، که در ۱۴۳۶ ق به طبع رسید. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: الذریعه (۱۱۸-۱۱۷/ ۲۵، ۹۸/ ۲۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۰۳/ ۱۳).

آل عصفور، محمد

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۱۸۶-۱۱۱۲ ق)، عالم، فقیه و محدث. پدر شیخ حسین آل عصفور و برادر شیخ یوسف آل عصفور در ماحوز متولد شد و در بحرین می‌زیست. در علم و تقوا مشهور، و در آن سامان عهده‌دار امور شرعی و فقهی بود. از شیخ حسین ماحوزی اجازه‌ی روایت داشت. وی قبل از برادرش یوسف آل عصفور در همان سال وفات وی درگذشت. از جمله آثار وی: «مرآت الاخبار فی احکام الاسفار»؛ «اصول الدین»؛ رساله‌ای در نماز. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: الذریعه (۲۶۲-۲۶۱/ ۲۰، ۱۹۲/ ۲)، ریحانه (۴۷۱/ ۸، ۲۳۲/ ۱)، شهیدان راه فضیلت (۴۶۲-۴۶۱)، فوائد الرضویه (۳۸۵).

آل عصفور، یوسف

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۱۸۶-۱۱۰۷ ق)، فقیه، متکلم، محدث، محقق، نویسنده و رجال شناس. از فرزندان احمد بن ابراهیم از شخصیت‌های معروف روحانی و علمی این خاندان بود. وی در شاخوره‌ی بحرین زاده شد و در مکتب خانه و نزد پدر خواندن و نوشتن و مقدمات علوم را

آموخت. هنگام فتنه خوارج در بحرین، و مهاجرت پدرش احمد به قطیف، در شاخوره ماند و پس از چندی به آنان پیوست. در آنجا نزد شیخ حسین ماحوزی و شیخ احمد بن عبدالله بلادی و شیخ احمد بن علی به آموختن علوم دینی مشغول شد. فوت پدر و سنگینی معیشت خانواده مانع ادامه‌ی تحصیل وی شد. پس به بحرین و سپس به مکه رفت و یکبار دیگر نزد شیخ حسین ماحوزی بازگشت. از آنجا به بحرین، کرمان و شیراز رفت. و چون شیراز دچار خشم و غضب نادرشاه گشت به فسا رفت. در فسا برای تأمین نیازهای زندگی به کشاورزی پرداخت و با فراغت نسبی به کار تدریس و تحقیق مشغول گشت و تألیف مشهورترین اثر فقهی خود «حدائق» را آغاز کرد. اما پس از آشوب خونینی که در فسا رخ داد و میرزا محمدعلی، حاکم وقت فسا، که به وی التفات داشت کشته شد و دارایی و کتابهای خود وی نیز به غارت رفت به اصطهبانات و سپس به عراق رفت و در کربلا اقامت گزید و در این شهر به آرامش و امنیت و رفاه دست یافت و کتاب «حدائق» و چندین کتاب دیگر را تمام کرد. وی تا پایان عمر در آنجا زندگی کرد و حیات خود را صرف تدریس و تعلیم و تحقیق و تألیف کتابای فقهی، روایی و کلامی و عبادی کرد. او استاد سید علی طباطبائی صاحب «ریاض» و از مشایخ روایی علامه بحر العلوم است. در کربلا بر اثر طاعون درگذشت. بنابر وصیتش استاد وحید بهبهانی بر وی نماز گزارد و در کنار تربت امام حسین (ع) به خاک سپرده شد. از جمله آثار وی: «اعلام القاصدین»؛ «الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة»، در فقه استدلالی؛ «سلاسل الحديد فی تقييد ابن ابی الحديد»؛ «الدرر النجفیة من الملتقطات الیوسفیة»؛ «انیس المسافر و جلیس الخواطر»؛ «لؤلؤة البحرین فی الاجازة لقرتی العین».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۹/ ۲۸۶) ایضاح المکنون (۲/ ۲۰، ۱/ ۱۰۳)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۴/ ۲۲۹)، الذریعه (۳۸۰- ۳۷۹/ ۱۸/ ۲۱۱، ۱۲/ ۲۱۰، ۸/ ۱۴۰، ۶/ ۲۸۹- ۲۹۰، ۴۶۵- ۴۶۶، ۲/ ۲۳۹)، روضات الجنات (۸/ ۱۸۶- ۱۹۰)، ریحانه، (۸/ ۴۷۲)، (۳۶۰- ۳۶۱/ ۳)، (۱/ ۲۳۴)، شهیدان راه فضیلت (۴۶۶)، طرائق الحقائق (۱۸۶- ۱۸۰/ ۱)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۴۰۷- ۱۴۰۶/ ۲)، فوائد الرضویه (۷۱۳- ۷۱۶)، گنجینه‌ی دانشمندان (۶/ ۳۲۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۷۹- ۸۷۶/ ۶)، مصفی المقال (۵۰۵)، معجم المؤلفین (۲۶۹- ۲۶۸/ ۱۳)، هدیه الاحباب (۱۷۲)، هدیه العارفین (۲/ ۵۶۹).

آفته، عیسی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عیسی آفته، در بیرجند به دنیا آمد. پس از عزیمت به مشهد در سن پانزده سالگی، شوق نقاشی در وجودش شعله ور شد و دست تقدیر او را به خدمت استاد بزرگ نقاشی خراسان، محمدرضا قزلباش که سالیان طولانی در افغانستان و ایران کار کرده بود، کشاند و مدت ها نزد آن استاد، شاگردی کرد. استاد آفته به دلیل جذبه و کشش آستان قدس رضوی و نیاز گنجینه‌ی عظیم کتابخانه‌ی آن، در آنجا مشغول به کار شد و با عشق و علاقه‌ی بسیار شروع به مرمت و ساختن جلد کتاب های خطی کرد و بعدها با راهنمایی اساتید به کپی برداری از نقاشی هنرمندان بزرگی که آثارشان زینت بخش کتاب های ذیقیمت آستان قدس بود، پرداخت.

گروه: هنر

رشته: هنرهای تجسمی

تحصیلات رسمی و حرفه ای: عیسی آفته، پس از عزیمت به مشهد در سن پانزده سالگی، شوق نقاشی در وجودش شعله ور شد

و دست تقدیر او را به خدمت استاد بزرگ نقاشی خراسان، محمدرضا قزلباش که سالیان طولانی در افغانستان و ایران کار کرده بود، کشاند و مدت ها نزد آن استاد، شاگردی کرد.

فعالیت‌های آموزشی: عیسی آلفته، پس از شاگردی در نزد استاد قزلباش، به دلیل جذبه و کشش آستان قدس رضوی و نیاز گنجینه‌ی عظیم کتابخانه‌ی آن، در آنجا مشغول شد و با عشق و علاقه‌ی بسیار شروع به مرمت و ساختن جلد کتاب‌های خطی کرد و بعدها با راهنمایی اساتید به کپی برداری از نقاشی هنرمندان بزرگی که آثارشان زینت بخش کتاب‌های ذیقیمت آستان قدس بود، پرداخت.

آرا و گرایش‌های خاص: عیسی آلفته، غیر از شیوه‌ی گل و مرغ، در نقاشی آبرنگ، تذهیب، جلدسازی، جلد روغنی و قاب آئینه نیز دستی قوی دارد و آثار بارز و آفریده است که هم اکنون زینت بخش برخی از موزه‌های جهان می‌باشد.

جوایز و نشانها: عیسی آلفته، در نمایشگاه‌های بسیاری شرکت کرده و جوایزی دریافت نموده است.

۲۱ مرداد ماه سال ۱۳۷۰ هجری شمسی: استاد عیسی آلفته طراح و تذهیب‌کار پرآوازه ایرانی به دیار باقی شتافت.

منابع زندگینامه: عیسی آلفته و نقاشی بهار، مجله‌ی کیهان فرهنگی، ۱ فروردین ۱۳۶۵

آلوزانی، سوره

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دوم). محدث. از قریه آلوزان سرخس بود. وی از محمد بن حسن شیبانی (م ۱۹۸ ق) که از شاگردان ابوحنیفه و ناشر فقه حنفی است، روایت کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دائرةالمعارف البستانی (۱/ ۱۴۵)، معجم البلدان (۱/ ۷۵).

آلیاری، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ، دانشکده: علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه: تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

فارغ‌التحصیل از دانشگاه استانبول در رشته تاریخ، کارشناسی ارشد در زمینه‌های تاریخ آسیا و تاریخ اسلام قرون وسطی، دکترای

تاریخ در سال ۱۳۴۵.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مسائل تاریخی از جهت روشن شدن دهلیزهای تاریک تاریخ. نظارت بر ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

اوضاع سیاسی و اقتصادی و اجتماعی تاریخ ایران بعد از اسلام.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

در مورد مسائل تاریخی بویژه از جهت روشن شدن دهلیزهای تاریک تاریخ

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

آملی اصفهانی، ابراهیم

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۹۸ ق)، محدث، فقیه، اصولی، متکلم و شاعر. نزد پدرش، خلیفه سلطان، که از علما و دانشمندان بنام عهد خویش بود تلمذ کرد. وی تعلیقات و حواشی بسیاری بر کتابهای فقهی و کلامی و اصولی نوشت که بهترین آنها حاشیه‌ای بر «شرح لمعه»، تا کتاب طهارت، است. او همچنین حواشی متفرقه‌ای بر کتاب «المدارک» نوشته که از آنها گستره‌ی فکر و اندیشه و دقت نظر و حسن سلیقه او پدیدار است. وی با اینکه در سه سالگی بینایی خود را از دست داده بود با پشتکار و جدیت به دنبال دانش رفت و بر بسیاری از صاحبان دیده تفوق یافت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۳۶- ۱۳۵/ ۲)، ریاض العلماء (۵۳/ ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲- ۱۱/ ۱)، معجم المؤلفین (۲۴/ ۱).

آملی بخاری، ابوصالح، خلف

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۶۱ ق)، محدث. معروف به ابوصالح خیام. اهل آمل بود که در بخارا زندگی می‌کرد. و چون پیشه او خیمه‌دوزی بود به خیام شهرت یافت. او را بُندار حدیث ماورالنهر می‌گفتند. او از صالح بن محمد جزره و نصر کندی و فرح بن ایوب و دیگر مشایخ دیارش حدیث نقل کرده. حاکم نیشابوری و ابن منده و محمد بن احمد غنجار از او روایت کرده‌اند. فقط ابوسعید ادریسی ثقه بودن او را کمرنگ جلوه داده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ الاسلام (حوادث ۲۸۱- ۲۸۰/ ۳۸۰- ۳۵۱)، سیر النبلاء (۱۶/ ۷۰)، لسان المیزان (۷۷۲- ۷۷۱/ ۲)، معجم البلدان (۱/ ۷۸)، الوافی بالوفیات (۱۳/ ۳۶۲).

آملی طبرستانی، اولیاء الله، محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۷۶۴ ق)، مورخ و شاعر. معروف به ملا اولیاء. مدتها در بغداد تحصیل کرد. سپس به عراق عجم و طبرستان بازگشت و به جهت مرگ اردشیر بن حسن حکمران مازندرانی که ممدوح ظهیرالدین فاریابی بود دلتنگ شد و از استرآباد به خوارزم رفت و چندی در آن سامان زیست. «تاریخ سلاطین مازندران» که نثری ساده و روان دارد از تصنیفات او است. بعدها سید ظهیرالدین مرعشی، از آن زمان تا حیات خود، ذیلی بر آن نوشت. ملا- اولیاء گاهی شعر می‌سرود و بیشتر در قالب رباعی طبع آزمایی می‌کرد. از آثارش: «تاریخ رویان».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۵۱۱- ۵۱۰/ ۳)، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران (نودونه- صد)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۷۰۹)، مؤلفین کتب چاپی (۵/ ۳۸۹)، مجمع الفصحا (۳/ ۱۱۷۳).

آملی طبری، ابوعبدالله احمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۷۵ ق)، محدث و واعظ. معروف به غلام خلیل. اصل وی از طبرستان است. در بصره متولد شد و در بغداد سکونت داشت و شیخ بغداد بود. از دینار و قره بن حبيب و سهل بن عثمان و شیبان حدیث شنید، و محمد بن مخلد و عثمان سَمَک و احمد بن کامل و گروهی از او حدیث روایت کرده‌اند. محمد بن محمد کندی از راویان او است. ابن غضائری و نجاشی او را محدثی ضعیف شمرده‌اند. در بغداد درگذشت، در فقدش بازارها بسته شد و زن و مرد و کودک از منازل خارج شدند تا بر وی نماز گزارند. جنازه‌اش به بصره حمل و در آنجا دفن و بنایی بر آن افراشته شد. از آثارش: کتاب «الوصول الی معرفة الاصول»؛ کتاب «الکشف».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳/ ۱۱۸)، تاریخ بغداد (۵/ ۷۸- ۸۰)، تنقیح المقال (۱/ ۷۷)، الجرح والتعديل (ج ۱، ق ۱/ ۷۳)، رجال ابن داود (قسم ۲/ ۴۲۳)، رجال النجاشی (۱/ ۲۴۳)، سیر النبلاء (۱۳/ ۲۸۲- ۲۸۵)، لسان المیزان (۱/ ۴۱۲- ۴۱۴)، معجم رجال الحدیث (۲/ ۲۲۴)، معجم المؤلفین (۲/ ۱۱۳).

آملی، ابراهیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، کاتب. ملقب به صدرالکتاب. یک نسخه‌ی دیوان رودکی به قلم کتابت جلی متوسط به خط وی موجود است که در تهران چاپ شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۱۴/ ۱).

آملی، ابوالحسین احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۲۱- ۳۳۳ ق)، فقیه، ادیب، شاعر و محدث. در آمل به دنیا آمد. وی برادر یحیی ملقب به ناطق بالحق و از پیشوایان زیدیه‌ی طبرستان و معاصر صاحب بن عباد بود. و با برادر کوچک‌تر خود به برادران هارونی معروف بودند. پدر وی شیعه‌ی اثنی عشری بود و خود او و برادرش نیز نخست دارای این مذهب بودند و بعد از فرقه‌ی زیدیه‌ی پیوستند. آملی در پی کسب دانش به بغداد رفت و نزد دایی خود ابوالعباس احمد بن ابراهیم درس خواند. بعد به همدان رفت و نزد قاضی القضاة عبدالجبار همدانی درس خود را به پایان رساند و در فقه و اصول و نحو و لغت عربی و حدیث و درایت تبحر یافت و آراء فقهی او از سوی زیدیان ایران و کوفه و حجاز و یمن پذیرفته شد. وی در فصاحت شهره بود، چنانکه نثر وی را در کتابی که در پاسخ قابوس و شمگیر درباره‌ی فضایل امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) نوشت معجزه مانند دانسته‌اند. در دیلمستان با او به خلافت بیعت کردند و مدت حکومتش بیست سال طول کشید. آثار او عبارتند از: «التجريد»، و شرح آن؛ «دیوان» اشعار؛ «سیاسة المریدین»؛ «کتاب الافادة»؛ «کتاب البلغه»؛ «کتاب النصر».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/ ۱۱۲)، اعیان الشیعه (۲/ ۵۷۰)، تاریخ طبرستان (۱۰۱، ۹۸)، تاریخ گیلان و دیلمستان (۲۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶- ۱۵/ ۵)، معجم المؤلفین (۲۰۹/ ۱).

آملی، ابوعبدالرحمان، عبدالله

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۷۳/ ۲۶۹ ق)، حافظ و محدث. از قعنبی و ابن معین و دیگران حدیث شنیده است. بخاری در خوارزم به خدمت او رسید و کتب او را بررسی کرد. گذشته از بخاری که از او در «صحیح» خود حدیث نقل کرده، قاضی محاملی و ابن بَجیر و ابراهیم بن خُزیم نیز از وی روایت کرده‌اند، و او را ثقه دانسته‌اند. آمل (چهار جوی) از نواحی مرو و زیر آمودریا است. در «تاریخ بغداد» نسبت او به جای آملی، ایلی ذکر شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۱/ ۶۷)، تاریخ بغداد (۴۴۵- ۴۴۴/ ۹)، تقریب التهذیب (۱/ ۴۱۰)، تهذیب التهذیب (۱۷۱- ۱۷۰/ ۵)، دائرةالمعارف البستانی (۱/ ۱۴۷)، سیر النبلاء (۱۲/ ۶۱۱)، معجم البلدان (۱/ ۷۸).

آملی، جمال‌الدین، محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س پنجم ق)، محدث. وی از مردم طبرستان بود که در سلک شاگردان شیخ الطائفه محمد بن حسن طوسی در آمد و از وی روایت کرد. علامه بحر العلوم در «فوائد الرجالیه» به این نکته اشارت کرده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم) منابع زندگینامه: طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۸۳- ۱۸۲/ ۵).

آملی، حیدر

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۷۲۰- وف بعد از ۷۸۲ ق) فقیه و عارف شیعی امامی. وی از نوادگان علویان مازندران بود و به صوفی شهرت داشت. در طلب علم از آمل که زادگاه وی بود به استرآباد و خراسان و اصفهان رفت. پس از ۲۰ سال به آمل بازگشت و وزیر فخرالدوله پادشاه مازندران شد و به جاه و جلال فراوان رسید. در سی سالگی شور حقیقت‌جویی در وی پدید آمد و برای تزکیه‌ی نفس، عیال و فرزند و مال و مکنت را گذارده و به قصد حج و زیارت بارگاه پیامبر (ص) از آمل خارج شد، به اصفهان رفت و مدتی به تصفیه‌ی باطن پرداخت و به نورالدین اصفهانی دست ارادت داد و از انفاس او بهره‌مند گردید. سپس آهنگ حج کرد و قصد مجاورت داشت امّا به علت نابسامانی حال جسمی‌اش به عراق سفر کرد و پس از زیارت نجف و کربلا در بغداد رحل اقامت افکند و از محضر مولانا نصیرالدین کاشانی مشهور به حلّی و دیگر علما و عرفای شیعه‌ی امامیه استفاده برد و در ۷۶۱ ق فخرالمحققین، پسر علامه حلّی، به وی اجازه داد. سید تا پایان عمر به تزکیه‌ی نفس و تصنیف کتب پرداخت. از آثار وی: «التأویلات»، در تفسیر قرآن؛ «جامع الاسرار و منبع الانوار»؛ «نص النصوص»، که شرحی بر «فصوص الحکم» ابن عربی است؛ «الارکان فی فروع شرایع اهل الایمان»؛ «اسرار الشریعه و اطوار الطریقه و انوار الحقیقه»؛ «امثله التوحید و ابنیه التجرید»؛ «رافعه الخلاف عن وجه سکوت امیرالمؤمنین عن الاختلاف»؛ «محیط الاعظم»؛ «الکشکول فیما جرى لآل الرسول»؛ «رساله فی العلوم العالیه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲۷۳- ۲۷۱/ ۶)، ایضاح المکنون (۲/ ۱۹۲)، جامع الاسرار و منبع الانوار (مقدمه)، دنباله‌ی جستجو در تصوف (۴۱- ۱۳۸)، الذریعه (۲۸۱- ۲۸۰/ ۲۴، ۱۶۲- ۱۶۱/ ۲۰، ۱۸/ ۸۲، ۱۵/ ۳۲۶- ۳۲۷، ۱۵/ ۳۹- ۳۸، ۵/ ۷۳- ۷۲/ ۲)، روضات الجنات (۳۶۸- ۳۶۵/ ۲)، ریاض العلماء (۲۲۵- ۲۱۸/ ۲)، ریحانه (۴/ ۱۰۴، ۳/ ۴۷۵، ۱/ ۶۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۰- ۶۶/ ۸)، الکنی واللقاب (۲/ ۹)، مجالس المؤمنین (۵۴- ۵۱/ ۲)، معجم المؤلفین (۴/ ۹۱).

آملی، رکن‌الدین

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۸۶۰- ۸۰۰ ق)، ریاضیدان، منجم، فقیه و محدث. سید رکن‌الدین در آمل متولد شد. چندی در فارس و کرمان و هند به سر برد. وی گذشته از ریاضی و نجوم در فقه و حدیث نیز دست داشت و چون به خاندان مرعشی مازندران پیوسته بود کتابی در شرح احوال دانشمندان این خاندان نوشت. تألیفات دیگر او عبارت‌اند از: «زیج جامع سعیدی»، در تنقیح «زیج ایلخانی» خواجه نصیرالدین طوسی، به نام سلطان ابوسعید تیموری؛ و «پنجاه باب سلطانی» به اسم بابرخان بهادر در هرات. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۷/ ۳۵)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۰۸- ۱۰۷/ ۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۷۱)، الذریعه (۳/ ۱۹۸)، ریحانه (۱/ ۶۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۰- ۶۶/ ۸)، فوائد الرضویه (۱۶۶- ۱۶۵)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۲۴)، نام‌آوران فرهنگ (۵۶۶- ۵۶۷).

آملی، کاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

آملی، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۹۱- ۱۳۰۴ ق)، عارف، حکیم، فقیه و اصولی. در تهران متولد شد. پس از آموختن صرف و نحو و منطق، سطوح فقه و اصول را نزد پدرش و شیخ‌رضا نوری آموخت. درس «شوارق» شیخ‌علی نوری را نیز دریافت. حکمت و فلسفه را نزد میرزا حسن کرمانشاهی تحصیل کرد و چهار سال از حوزه درس معقول و منقول شیخ عبدالنبی نوری استفاده برد. در ۱۳۴۰ به عراق رفت و محضر آقاضیاء عراقی، علامه نائینی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی را دریافت. وی پس از نیل به اجتهاد در ۱۳۵۳ ق به تهران بازگشت و حوزه‌ی درس حکمت و فقه و اصول دایر کرد. او از اصحاب بزرگ آقا سید علی قاضی طباطبائی بود. آقا شیخ محمدتقی آملی در تهران درگذشت. آثار او عبارت‌اند از: «اثبات صنایع از ماتریالیسم تا ایدئالیسم»؛ «تقریرات اصول نائینی»؛ «حیات جاوید»، در اخلاق؛ «خداشناسی»؛ «دررالفوائد»؛ تعلیقه‌ای بر «شرح منظومه‌ی سبزواری»؛ «رسالة فی الرضاع»؛ «رسالة فی قاعدة لاضرر»؛ «کتاب الصلوة»؛ «مصباح الهدی فی شرح عروة الوثقی»؛ «تعلیقه علی مکاسب و البیع»؛ حاشیه بر «شرح اشارات» بوعلی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: خدمات متقابل اسلام و ایران (۶۱۸)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۵۲/۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۷۲-۳۷۱/۴)، مؤلفین کتب چاپی (۲۴۵-۲۴۳/۲).

آملی، محمدسلیم

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دوازدهم ق)، شارح و مترجم. وی «دعای مشلول» را شرح و ترجمه کرده است. این کتاب همراه «ترجمه دعاء السمات» علامه مجلسی که در حدود ۱۰۰۰ سطر است با خط یک نویسنده گردآوری شده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: الذریعه (۴/۱۰۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۱۸/۱۲).

آملی، ملا محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۶-۱۲۶۳ ق)، فقیه و اصولی. از خاندان بنی جوان (جوان ظاهراً نام یکی از شعرای دوره‌ی صفویه است). در آمل به دنیا آمد. پس از تحصیل مقدمات در زادگاهش در هفده سالگی به تهران آمد و نزد میرزا حسن آشتیانی، میرزا ابوالقاسم کلانتری و سید صادق طباطبایی به تحصیل فقه و اصول پرداخت. حکمت و فلسفه را نیز نزد میرزا ابوالحسن جلوه و آقا علی مدرس آموخت. آنگاه خود حوزه‌ی درس دایر کرد. در ۱۳۲۰ ق امامت مسجد مجد در تهران به وی محول شد. ملا محمد آملی از مخالفان مشروطه بود و پس از پیروزی مشروطه خواهان زندانی و سپس به آمل تبعید شد و چند سال بعد به تهران آمد و به تدریس پرداخت. آثار او عبارت‌اند از: «تلخیص الفرائض»؛ حاشیه بر «شمسیه»؛ «اخبار الاسرار فی مراحل الابرار».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۴/۴۲۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵/۶۳۱).

آملی، هاشم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۱-۱۲۹۲ ش)، عالم و مدرس. مراحل ابتدایی تحصیلات را در شهر خویش و سطوح را در مدرسه سپهسالار (مدرسه عالی شهید مطهری کنونی) تهران فراگرفت. برای تکمیل تحصیلات عالی به قم رفت و نزد آیت‌الله حائری، آیت‌الله حاج میر سید علی یشربی، حاج میرزا محمدعلی شاه‌آبادی و حاج سید محمد حجت کوه کمری تلمذ کرد. سپس به نجف رفت و نزد استادانی چون

آقا سید ابوالحسن اصفهانی، میرزای نائینی و آقا ضیاءالدین عراقی فقه و اصول را فراگرفت. سپس به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۸۱ ق به قصد معالجه و دیدار بستگان و دوستان و دعوت جمعی از استادان به قم عزیمت نمود و به تدریس فقه و اصول پرداخت آثار وی: «کشف الحقایق»؛ «المعالم المأثوره»؛ «مجمع الافکار»؛ «منتهی الافکار»؛ «بدایع الافکار فی الاصول».[۱] فقیه.

تولد: ۱۳۲۲ (۱۲۸۲ ق.)، توابع لاریجان آمل.

در گذشت: ۷ اسفند ۱۳۷۱.

آیت‌الله العظمی هاشم آملی پس از طی تحصیلات ابتدایی برای کسب علوم دینی به تهران رفت و مورد توجه آیت‌الله سید حسن مدرس واقع شد. ایشان در فرصت کوتاهی ادبیات، منطق و سطوح عالی را به پایان رسانید. اساتید وی در این برهه، آیت‌الله سید محمد تنکابنی و آیت‌الله یدالله نظریاکی بوده‌اند.

در همین ایام که حوزه علمی قم با استقرار آیت‌الله العظمی عبدالکریم حائری یزدی شکل گرفته بود، ایشان برای تحصیلات عالی به قم عزیمت کرد و به فراگیری علوم اسلامی پرداخت. در این دوران علاوه بر حضور در محفل درس آیت‌الله مؤسس، در جلسات درس اساتید دیگر از جمله آیت‌الله سید علی یشربی کاشانی و آیت‌الله شاه‌آبادی و آیت‌الله کوه کمره‌ای نیز شرکت کرد. پس از پنج سال تحصیل و تدریس در حوزه علمی قم با اخذ درجه اجتهاد از آیت‌الله العظمی حائری و آیت‌الله حجت کوه کمره‌ای برای ادامه تحصیل عازم نجف شد و در درس آیات عظام محمد حسین نائینی، ضیاءالدین عراقی و سید ابوالحسن اصفهانی شرکت کرد.

ایشان توانست در این دوره کلیه مطالب دروس اساتید خود را تقریر نماید و در مدت کوتاهی با توصیه اساتید خود پس از چندین سال تدریس سطوح عالی به تدریس خارج پرداخت. همچنین در سال ۱۳۸۱ ق. عازم قم شد و در آنجا به تدریس فقه و اصول پرداخت.

از جمله آثار ایشان که به رشته تقریر درآمده و به طبع رسیده به شرح زیر هستند: کشف الحقایق عن الفقه الجعفری فی المکاسب که تقریر درس بیع و خیارات ایشان است که بعضی از مجلدهای آن به چاپ رسیده است (جلد چهارم به تحریر سید جعفر حسینی طبرسی در نجف در سال ۱۳۸۰ ق. به چاپ رسیده است)، العالم المأثوره در طهارت؛ منتهی الافکار حاوی مباحث الفاظ اصول فقه (به عربی، جلد دوم، نجف، ۱۳۸۰ ق.). همچنین برخی از آثار قلمی ایشان به شرح زیر است، بدایع الافکار فی الاصول یک دوره مباحث اصول فقه تقریر درس آیت‌الله العظمی ضیاءالدین عراقی (به زبان عربی) است. از این دوره مباحث الفاظ به طبع رسیده است. کتاب الرهن؛ کتاب الاجاره؛ کتاب الصوم؛ رساله النیة؛ رساله الخلل فی الصلاة؛ حاشیه‌ای بر التحصیل بهمینار که در زمان تلمذ ایشان نزد استاد نظریاکی تألیف شده است، تعلیقه عروه الوثقی.

آیت‌الله العظمی میرزا هاشم آملی به دنبال یک بیماری طولانی در هفتم اسفند ماه ۱۳۷۱ در گذشت.

یکی از مدرسین عالی قدر و علماء بزرگ حوزه علمی جناب حجه الاسلام والمسلمین آیت‌الله آقای آقامیرزا هاشم آملی است وی در حدود ۱۳۲۳ قمری در یکی از قراء لاریجان آمل به دنیا آمده و تحصیلات مقدماتی را در آمل از جناب ثقه الاسلام آقا شیخ احمد آملی و ثقه الاسلام آقا سید تاج فراگرفته سپس به تهران آمده و کتب فلسفه شوارق و منظومه. و اشارات و امور عامه و الهیات اسفار را از استاد این فنون مرحوم میرزا طاهر تنکابنی و میرزا یدالله نظریاکی آموخته و سطوح وسطی شرح لمعه و قوانین را از حجه الاسلام آقا شیخ حسین آملی و حاج شیخ محمدعلی لواسانی و میرزا عبدالله غروی آملی و سطوح عالی را از مرحوم حجت الاسلام آقای میرزا محمد رضا فقیه لاریجانی و حجت الاسلام آقای آقا سید محمد تنکابنی فراگرفته آنگاه عزیمت قم نموده و چند سالی از محضر و اباحت فقه و اصول مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت استفاده نموده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف و مدت سی سال

از محضر وحید عصر مرحوم آیت‌الله آقا ضیاء‌الدین عراقی و آیت‌الله میرزا حسین نائینی و آیت‌الله العظمی اصفهانی استفاده کافی و وافی نموده تا به درجه اعلاء اجتهاد ارتقاء یافته و ضمناً در همان حوزه مقدسه برای جماعتی از محصلین و فضلاء تدریس فقه و اصول را می‌نمود در مدت بیست سال چهارده دوره اصول و چهارده دوره مکاسب شیخ انصاری را تدریس نموده تا بعد از فوت مرحوم آیت‌الله اصفهانی در عهد ریاست آیت‌الله العظمی بروجردی به قم مراجعت نموده و تشکیل حوزه تدریس داده و در مدت دوازده سال دو دوره اصول و خیرات مکاسب را تا آخر و طهاره را از عروه در قم تدریس نموده و اکنون نیز در مسجد اعظم حوزه درس را دارند و عده‌ای از فضلاء شمال و غیره به درسشان حاضر شده و از بیاناتشان استفاده می‌کنند از آثار ایشانست ۱- کتابی در اصول ۲- کتابی در فقه از صلوه، زکاه، قضا، اجاره، غصب، رهن، بیع در پنج مجلد.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه: [۱] کیهان فرهنگی (س ۱۰، ش ۱، ص ۵۹)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۴-۵۳/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۷۴۵-۷۴۴/۱۶).

آمنه حسن آبادی

قرن: ۵

جنسیت: زن

ملیت: ایران

(س پنجم و ششم ق)، محدث. وی زنی شایسته و دیندار از اهالی اصفهان بود. از ابو حفص سمسار اصفهانی حدیث استماع می‌کرد و عبدالکریم سمعانی تعدادی حدیث از او نقل کرده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: ریاحین الشریعه (۳/۳۲۳)، مشاهیر زنان (۹).

آموزگار یگانه، زاله

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فرهنگ و زبانهای باستان، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران خلاصه شرح حال تخصصی سوابق تحصیلی:

کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه تبریز، دکترای فرهنگ و زبانهای باستانی از مدرسه مطالعات عالی سوربن پاریس در سال ۱۳۴۶.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان و ادبیات فارسی، فرهنگ و اساطیر ایران باستان، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۰۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

زبان و ادبیات فارسی، فرهنگ و زبانهای باستانی، تاریخ و فرهنگ.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

زبان، تاریخ، فرهنگ و اساطیر ایران باستان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

آموزگار، جهانگیر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۸ ق)، نویسنده و مترجم. پسر حبیب‌الله آموزگار در اصطهبانات فارس متولد شد. در رشته‌ی اقتصاد و ادبیات به اخذ مدرک کارشناسی نایل شد. برای تکمیل تحصیل به آمریکا رفت و دکترای خود را در هر دو رشته گرفت. پس از بازگشت به ایران مشاور اقتصادی شد. ولی مجدداً به آمریکا رفت و به تدریس در دانشگاه مشغول شد. وی مدتی نماینده‌ی اصطهبانات در مجلس بود و یک چند نیز وزیر بازرگانی شد. از آثار او است: «کلیما یا سایه‌ی خوبان»، ترجمه‌ای از کتاب آندره موروا. [۱]

(۱۳۵۹-۱۲۶۹ ش)، روزنامه‌نگار و مترجم. در اصطهبانات فارس متولد شد. به شیراز رفت و مقدمات فقه و اصول و منطق را فراگرفت. در ۱۲۹۰ ش به تهران آمد و به جرگه‌ی مطبوعات وارد شد و سردبیر روزنامه‌های «آفتاب»، «صدای ایران»، و مدیر مجله «رهنما» و صاحب امتیاز مجله «علم و اخلاق» شد. سپس به ریاست مدرسه‌ی دولتی ادب منصوب گردید مدتی هم ریاست فرهنگ شیراز را بر عهده داشت. در وزارت دادگستری نیز یک چند مشاغل گوناگونی عهده‌دار شد. در سال ۱۳۳۰ ش وزیر فرهنگ و پس از آن چند دوره سناتور شد. از همکاران مجله‌ی «آینده» و جزء مؤسسان و شریکان دوره‌ی چهارم آن مجله بود از جمله‌ی آثار وی: «آموزش و پرورش»، «ابومسلم خراسانی»، ترجمه از عربی؛ «اصلاحات اجتماعی»؛ «تاریخ اسلام»؛ «رهنمای تربیت»، ترجمه از عربی؛ «زن در جامعه»؛ «فرهنگ آموزگار». [۲]

روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۲۷۰، تهران.

درگذشت: فروردین ۱۳۵۹.

حبیب‌الله آموزگار اصطهباناتی، فرزند محمدحسین اصطهباناتی، تحصیلات مقدماتی خود را در مدارس تهران پشت سر گذاشت و سپس به دارالفنون وارد شد و پس از فراغت از تحصیل به استخدام وزارت فرهنگ درآمد. وی مدتی ریاست مدرسه‌ی دولتی ادب و پس از آن ریاست معارف فارس و ریاست تعلیمات ولایات را به عهده داشت. در زمان داور به وزارت عدلیه منتقل شد و به مشاغل مختلفی از عضویت استیناف و ثبت کل و بازرسی قضایی دست یافت. وی همچنین مدتی مستشار دیوان کشور بود.

حبیب‌الله آموزگار اصطهباناتی، مدتی نیز در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران تدریس نمود. مدتی در وزارت دادگستری در سمت‌های مختلف مشغول به کار بود. سال‌ها در مجلس سنا به عنوان نماینده‌ی منصوب شده بود و در کابینه‌ی حسین علاء که در ۲۹ اسفند سال ۱۳۳۰ تشکیل شد به عنوان وزیر فرهنگ معرفی گردید. این کابینه بر اثر تظاهرات مردم و اعتصابات ادارات و بازار به منظور ملی شدن صنعت نفت دیری نپایید و در دهم اردیبهشت سال ۱۳۳۱ سقوط کرد. حبیب‌الله آموزگار در دوره‌ی چهارم مجلس شورای ملی نیز نماینده بود.

آموزگار در تهران به عرصه مطبوعاتی وارد شد و به سردبیری روزنامه‌ی «آفتاب» و روزنامه‌ی «صدای ایران» و همچنین به مدیریت مجله‌های «رهنما» و «علم و اخلاق» رسید. آموزگار مدتی نیز صاحب امتیاز روزنامه «جهان آینده» بود.

علامه بر تألیف برخی از کتب درسی، از آثار وی که قسمتی به صورت تألیف و قسمتی دیگر به صورت ترجمه است، می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره کرد: آموزش و پرورش (۱۳۱۶)؛ ابومسلم خراسانی (جرجی زیدان، ترجمه با همکاری عبدالحسین میرزا، سه جلد)؛ اصطلاحات اجتماعی (۱۳۰۷)؛ تاریخ اسلام (۱۳۳۴)؛ جهان و روح آفرینش (۱۳۳۳)؛ رهنمای تربیت یا اصول تعلیم (اثر عمر بیک مصری، ترجمه‌ی کتاب هدایه‌ی المدرس، تألیف و ترجمه، ۱۳۰۱)؛ زن در جامعه (۱۳۱۱)؛ عالم ارواح (تلخیص و ترجمه از کتاب الارواح طنطاوی، ۱۳۰۷)؛ صرف عربی، عمده‌ النحو (نحو عربی)، فرهنگ فارسی آموزگار (چاپ اول: ۱۳۳۶)؛ منطق آموزگار (۱۳۰۱)؛ لغت عربی به فارسی آموزگار، فلسفه‌ی روحی (۱۳۰۸)؛ ملکه اسلام.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آینده (س ۴، ش ۵، ص ۳۳۷)، مؤلفین کتب چاپی (۴۴۴-۴۴۳/۲).

[۲] آینده (س ۴، ش ۱، ص ۲۳۷)، تاریخ جراید (۳۹-۳۸/۴)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۴-۴۳/۱)، الذریعه (۲۳/۷۶)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱/۵۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۴-۴۸۲/۲).

آنی، محسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیوشیمی، دانشکده: داروسازی، دانشگاه: علوم پزشکی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد بیوشیمی از ایران در سال ۱۳۵۴، دکترای بیوشیمی بالینی از دانشگاه لندن کالج چلسی در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان از سال ۱۳۵۸، دانشیار دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تداخل هورمون‌ها و سیستم‌های آنزیمی مغز در طی دوران تکامل مغز، متابولیسم مواد شیمیایی، بررسی مقایسه‌ای تداخل آلومینیم و کروم در متابولیسم آهن، ارزشیابی مواد مغذی غذاهای کودکان در داروخانه‌های ایرانی، بررسی شیوع کم‌خونی تغذیه‌ای در کودکان دبستانی، بررسی میزان مس، روی و فعالیت سرولوپلاسمین در انواع مختلف سرطان، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴۶ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۷، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲۲

زمینه علمی مقالات:

زمینه‌های مختلف بیوشیمی، متابولیسم عناصر شیمیائی، رابطه بین غلظت ویتامین H و فراکسیونهای مختلف چربی سرم، اثر داروهای ضد چاقی بر میزان گلوکز خون و متابولیسم بافت چربی، اثر آلومینیم بر پارامترهای مرتبط با متابولیسم بافت استخوانی. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

آوانسی ماسئیان

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۰ - ۱۲۴۲ ش)، مترجم. آوانسی یا هوانس خان ماسئیان ملقب به عمادالوزاره و بعد ملقب به مساعدالسلطنه از ارامنه‌ی ایران بود که در تهران متولد شد. پس از اتمام تحصیلات در تهران و پاریس در اداره‌ی انطباعات و دارالترجمه‌ی دولتی به عنوان مترجم زبان انگلیسی و فرانسه مشغول به کار شد. مدتی نائب اول سفارت ایران در برلین بود، ولی با شروع جنگ جهانی اول به ایران آمد. در دوره‌ی ششم نماینده‌ی ارامنه‌ی جنوب در مجلس شد. پس از آن نیز مدتی وزیرمختار ایران در لندن و سفیر ایران در توکیو شد. در سال ۱۳۱۰ ش از توکیو احضار شد، ولی در راه بازگشت در منچوری درگذشت. آوانس خان احاطه‌ی کاملی به زبانهای ارمنی، انگلیسی، فارسی، فرانسه و آلمانی داشت. آثار وی عبارت‌اند از: ترجمه‌ی آثار شکسپیر به ارمنی؛ «سفرنامه‌ی آنتوان و روبرت شرلی»، ترجمه‌ی منظوم بخشی از «شاهنامه» به ارمنی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: شرح حال رجال (۱۷۴- ۱۷۳/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۰/۱).

آوجی، ابوعبدالله، محمد

قرن: ۱۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(؟)، محدث. از پدرش نقل حدیث می‌کرد و ابونصر محمد بن یوسف فقیه از او روایت کرده است. حاکم حدیث او را در امالی خود آورده است. ابوعبدالله از مردم آوج یا آوه قریه‌ای در نزدیکی قزوین بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵۶/۱)، معجم البلدان. (۶۷/۱).

آوی، ابوالحسین، طاهر

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س پنجم ق)، محدث شیعی. وی شاگرد ابوعبدالله احمد بن محمد بن عیاش جوهری صاحب «مقتضب الأثر» بود و کتاب «اخبار ابی هاشم جعفری» را بر او خواند. ابوعبدالله حسین بن حسن جرجانی از وی روایت کرده است. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۶ / ۵).

آوی، ابوالفتوح، احمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۷۰۵ ق)، فقیه، محدث و کاتب. وی از شاگردان علامه حلی و فرزندش فخرالمحققین بود و از هر دوی آنان اجازه داشت. علامه حلی در اجازه‌نامه‌اش از او تمجید بسیار کرده است. از آثارش استنساخ از نسخه «نهج البلاغه» سید ابوالرضا فضل‌الله راوندی و نگارش حواشی بر آن است. از دیگر آثارش شرح «قصیده العینیة السینائیة» است. او مجموعه‌ای از «نهج المسترشدین» و «مبادیء الاصول» حلی را نوشت و نوشته‌ها را بر فخرالمحققین خواند و از او اجازه گرفت. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۶ / ۷، قرن ۵ / ۸).

آوی، تاج‌الدین، ابوالفضل محمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(شهادت ۷۱۱ ق)، ادیب، عالم و پیشوای مذهبی. اصل او از آوه و محل تولدش کوفه و محل نشو و نما او نجف است. در آغاز کار واعظ بود. سلطان محمد اولجاتیو به او عقیده بست و مقام ریاست نقیبان همه بلاد اسلامی را به وی سپرد. رشیدالدین وزیر به دشمنی وی برخاست و با گرد کردن مخالفین و تطمیع سید جلال‌الدین ابراهیم بن مختار، سید تاج‌الدین و دو پسرش شمس‌الدین حسین و شرف‌الدین علی را تسلیم جلال‌الدین کرد و او به فرمان رشید وزیر ناجوانمردانه دو پسرش را پیش از وی کشت و سپس تاج‌الدین را به شهادت رساند. در این واقعه آثار تعصب بسیار به ظهور رسید. آستانه وی در کنار دجله بین عزیزیه و صویره در راه کوت و بغداد است، و یکی از زیارتگاه‌های شیعیان در اطراف بغداد به حساب می‌آید. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ گزیده (۶۰۸)، روضة‌الصفاء (۴۳۹- ۴۳۸ / ۵)، ریاض العلماء (۳۹ / ۷)، شهیدان راه فضیلت (۱۳۴- ۱۲۹)،

طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۸۷-۱۸۶ / ۸)، مجالس المؤمنین (۱/ ۵۱۸)، یادداشتهای قزوینی (۲/ ۳).

آوی، حسن

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س هشتم ق)، عالم و محدث شیعی. جدش رضی‌الدین محمد است. وی از خواجه نصیرالدین طوسی و علامه حلی روایت کرده است. و خود از مشایخ تاج‌الدین محمد بن قاسم بن معیه بوده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ریاض العلماء (۳۲۶-۳۲۵، ۳۰۴-۳۰۳ / ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۰-۴۹ / ۸).

آوی، حسین

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۷۲۹ ق)، مترجم. از زندگی او اطلاع چندانی در دست نیست اما از اشاره‌ای که به زندگی خود در کتاب ترجمه‌ی «محاسن اصفهان» کرده معلوم می‌شود که در اصل از سادات آوه- آبه کنونی بین قزوین و همدان- بوده است. در جوانی به کاشان و از آنجا به اصفهان سفر کرد در آن شهر مقیم شد و با بزرگان و متنفذین آن شهر همچون افراد خاندان صاعدی و خواجه شمس‌الدین محمد بن نظام‌الدین یزدی و امیر مظفرالدین شیخ علی و حکام آن دیار جلیس و همنشین بود. از آثارش: ترجمه‌ی «محاسن اصفهان» ما فروخی که به نام غیاث‌الدین محمد بن خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی ترجمه کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۸۷۷)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۸۵۹-۸۶۰).

آوی، داعی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س پنجم ق)، محدث. او جد سوم رضی‌الدین محمد بن محمد بن محمد آوی است. داعی در مدت طولانی عمر خویش فرصت یافت تا از سید مرتضی و شیخ طوسی و سلار بن عبدالعزیز دیلمی و ابن‌البراج و تقی حلبی جمیع کتابها و تصانیف آنان را روایت کند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: خاتمه مستدرک الوسائل (۲/ ۳۳۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۵ / ۵).

آهی، مجید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند میرزا ابوالقاسم خان در ۱۲۶۵ متولد شد. بعد از انجام تحصیلات ابتدائی و متوسطه به کمک عموی خود که منشی سفارت روسیه در تهران بود، برای ادامه‌ی تحصیلات به پترزبورگ رفت و در آنجا مجدداً دوره‌ی متوسطه و عالی را در رشته‌ی حقوق به پایان رسانید. پس از مراجعت به ایران چندی در وزارت امور خارجه مصدر خدماتی شد و تا ریاست اداره ترقی کرد و بعد به ریاست شیلات شمال منصوب شد. در ۱۳۰۱ با علی‌اکبر داور محشور و نزدیک شد و از پایه‌گذاران حزب رادیکال و دنباله‌روی خط سیاسی داور بود. در ۱۳۰۱ با کمک و مساعدت حزب رادیکال، به معاونت وزارت معارف منصوب گردید و ضمناً در مدارس عالی حقوق و علوم سیاسی تدریس می‌نمود.

در ۱۳۰۶ در تشکیلات نوین دادگستری با تربیه‌ی ۹ قضائی به مستشاری دیوان عالی تمیز منصوب گردید و قریب ۶ سال در آن سمت باقی ماند. در ۱۳۱۲ استانداری فارس به عهده‌ی او قرار گرفت و در احیاء آثار باستانی فارس جد و جهدی از خود معمول داشت. در ۱۳۱۴ وقتی علی منصور ظاهراً به اتهام اخذ رشوه از شرکت کامپاکس برکنار و بازداشت شد، آهی به جای او به وزارت طرق منصور گردید و قریب سه سال در آن شغل مستقر بود و اتصال خطوط راه‌آهن شمال و جنوب در دوران تصدی او انجام گرفت. در نیمه‌ی دوم سال ۱۳۱۷ برکنار و زندانی شد. علت برکناریش سوءظنی بود که رضاشاه به او داشت چون تحصیلکرده‌ی روسیه بود و با سفیر کبیر شوروی حشر و نشر زیادی داشت، شاه به او ظنین شده بود. در یکی از ملاقات‌ها به رضاشاه گفته بود مردم از حکومت رضایت ندارند. همین جلسه موجب عصبانیت فوق‌العاده‌ی شاه شد و دستور داد شهربانی او را توقیف کند و پرونده‌ی او در دادگستری برایش درست کردند تا سرانجام بر اثر مجاهدت دکتر احمد متین‌دفتری وزیر دادگستری محاکمه‌ی او سرنگرفت و از وی رفع اتهام گردید و مدتی بیکار ماند تا اینکه در تیر ماه ۱۳۱۹ در کابینه‌ی علی منصور به سمت وزیر دادگستری تعیین و معرفی شد. در شهریور ۱۳۲۰ پس از حمله‌ی شوروی و انگلیس به مرزهای ایران، علی منصور از نخست‌وزیری کناره‌گیری کرد. رضاشاه ریاست دولت را به آهی تکلیف نمود ولی او زیر بار نرفت و به لطائف‌الحیل او را راضی کرد که باید در این موقع خطیر یکی از رجال باتجربه و پرسابقه در رأس دولت قرار بگیرد و شاه این پیشنهاد را پذیرفت و ریاست دولت را به فروغی واگذار کرد. شغل آهی در کابینه‌ی جدید همچنان وزارت دادگستری بود. دولت فروغی از نخستین روزهای تشکیل با مشکلات بسیار بزرگی مواجه بود که از همه مهمتر ترك مخاصمه و تعیین تکلیف رضاشاه و بالاخره انعقاد پیمان‌نامه‌ی با دولتین شوروی و انگلیس بود. آهی در حل مشکلات نقش مهمی داشت. در حقیقت قائم‌مقام نخست‌وزیر و کارگردان دولت بود. در مذاکرات با سفراء شوروی و انگلیس آهی نقش آفرین شد. پس از استعفا و خروج رضاشاه از ایران، فروغی مجدداً با رأی تمایل نمایندگان مجلس به ریاست دولت رسید و آهی همچنان در کابینه با سمت وزیر دادگستری باقی ماند.

فروغی بعلت کسالت و کهولت غالباً قادر به حضور در مجلس شورای ملی نبود و تمام وظایف او را در مجلس، آهی انجام می‌داد. در سومین ترمیم کابینه باز هم شغل او محفوظ ماند و به هنگام طرح پیمان سه‌جانبه‌ی بین ایران و متفقین، دفاع اصلی از آن به دوش او قرار گرفت. در اوایل اسفند ۱۳۲۰ در چهارمین ترمیم کابینه، فروغی شغل آهی را تغییر داد و او را به وزارت اقتصاد و خواروبار و کشاورزی منصوب نمود. پس از معرفی هیئت دولت جدید، مجلس با اکثریت ضعیفی دولت را تأیید کرد ولیکن رأی مجلس مورد قبول فروغی واقع نشد و طبعاً خود و وزیران استعفا دادند. علی‌سپهلی جانشین فروغی در هیئت وزیران خود، آهی را به سمت وزیر دادگستری معرفی نمود و ضمناً برای سفارتش در مسکو از دولت شوروی تقاضای آگرمان کرد و در اوایل ۱۳۲۱ به مسکو رفت و

قریب چهار سال در آنجا سفارت داشت. در ۱۳۲۵ در اثر بیماری به تهران بازگشت و سرانجام در همان سال در اثر بیماری سرطان درگذشت.

(۱۳۲۵-۱۲۶۵ ق)، مترجم. پسر میرزا ابوالقاسم آهی سفیر ایران در مسکو بود. در تهران متولد شد. تحصیلات خود را در رشته‌ی حقوق و اقتصاد در مسکو به پایان رسانید. مشاغل گوناگونی را عهده‌دار شد. استاد مدرسه‌ی علوم سیاسی تهران، معاون وزارت معارف، وزیر راه و دادگستری، سفیر ایران در مسکو از ۱۳۲۱ ش تا پایان عمر در اواخر عمر به علت کسالت شدید به تهران بازگشت و در تهران درگذشت. [۱]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] یادگار (س ۳، ش ۳، ص ۲۸).

آهی، مه‌ری

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

مدرس، ادیب.

تولد تهران.

درگذشت: اسفند ۱۳۶۶.

مه‌ری آهی، فرزند مجید، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه‌ی ژاندارک تهران به پایان رسانید و در سال ۱۳۱۰ در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه فارغ‌التحصیل شد. در سال ۱۳۱۱ پدرش به سفارت کبیر ایران در اتحاد جماهیر شوروی منصوب گردید و مه‌ری آهی همراه پدر عازم روسیه شد و مدت سه سال در دانشگاه لومونوسوف مسکو به تحصیل زبان و ادبیات روسی پرداخت. پس از مراجعت به ایران در سال ۱۳۲۷ برای ادامه تحصیل خود در این رشته به انگلستان و فرانسه رفت و مدت هفت سال به تحصیل پرداخت و به اخذ دکتری در رشته‌ی زبان و ادبیات روسی نایل آمد. پس از مراجعت به ایران به تدریس زبان و ادبیات روسی در دانشکده ادبیات تهران و ادبیات تطبیقی مشغول شد و به ریاست مرکز زبان‌های خارجی دانشگاه تهران منصوب گردید. وی همچنین با زبان‌های فرانسوی، انگلیسی و ادبیات این زبان‌ها آشنایی داشت.

مه‌ری آهی، علاوه بر تدریس به فعالیت‌های دیگری نیز می‌پرداخت. وی از اعضای مؤسس جمعیت راه نو، شورای کتاب کودک، انجمن کتاب و شورای عالی جمعیت زنان ایران بود و از همین رو در برخی کنفرانس‌های بین‌المللی به نمایندگی از ایران حضور داشت. در سال ۱۳۳۶ در کنفرانسی که در مسکو از طرف سازمان ملل متحد تشکیل شد شرکت جست.

در سال ۱۳۳۸، از طرف کمیته ارتباطات برای شرکت در سمینار زنان و کودکان به نیویورک دعوت شد و سپس بنا به دعوت سازمان ملل در کنفرانس جمعیت‌های غیر دولتی شرکت نمود و نیز چهار دوره به عنوان نماینده‌ی ایران در کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد منصوب گردید و همچنین به نمایندگی ایران در دو همایش مربوط به حقوق بشر به مغولستان و مانیل اعزام شد. در سال ۱۳۴۳ جزو هیئت نمایندگی ایران برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و نمایندگی ایران در کمیسیون سوم (کمیسیون امور اجتماعی و اقتصادی) انتخاب شد و انجام وظیفه نمود. در همین سال بنا بر دعوت دانشگاه هاروارد در سمینار تابستانی آن شرکت کرد.

از ترجمه‌های وی می‌توان به این آثار اشاره نمود: مجموعه‌ای از قصه‌های آندرسن (مجموعه قصه، ۱۳۲۰)، پدران و پسران (اثر

ایوان تورگینف)، جنایت و مکافات (اثر فتودر داستایوسکی)، قهرمان کوچک (اثر نویسندگان خارجی، ۱۳۴۱). وی همچنین کتاب داستان کودکان هرکس خانه‌ای دارد را به رشته‌ی تحریر درآورد.

(وف ۱۳۶۷ ش)، مترجم. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در مدرسه‌ی ژاندارک تهران به پایان آورد و در سال ۱۳۲۰ ش در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی فارغ‌التحصیل شد. در سال ۱۳۲۱ ش همراه پدر که به سفارت ایران در شوروی (سابق) منصور شده بود عازم روسیه شد و مدت سه سال در دانشگاه لومونوسوف مسکو به تحصیل زبان و ادبیات روسی پرداخت. پس از مراجعت به ایران در سال ۱۳۲۷ ش برای ادامه تحصیل خود در این رشته با انگلستان و فرانسه مسافرت نمود پس از بازگشت به تدریس زبان و ادبیات روسی در دانشکده ادبیات تهران پرداخت. از جمله آثارش: ترجمه‌ی «آندرسن»؛ ترجمه «پدران و پسران» تورگینف؛ ترجمه «قهرمان عصر ما» لرمانتف؛ ترجمه «قهرمان کوچک». [۱]

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه: [۱] مؤلفین کتب چاپی (۴۷۱ - ۴۷۰ / ۶).

آیه‌اللهی، محمدباقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدباقر بن آیت‌الله العظمی میر عبدالباقی معروف به (حاج عالم) از دانشمندان معاصر شیراز است. وی در بیستم ماه شعبان ۱۳۲۲ ق در شهرستان لار متولد شده و پس از خواندن مقدمات در سال ۱۳۳۳ ق منتقل به شیراز و تحصیلات اولیه را تمام و به سطوح پرداخته و پس از تکمیل آن مقداری از درس خارج مرحوم والدش و نیز آیت‌الله حاج شیخ علی ایبوردی و آیت‌الله آشیش محمد محلاتی و آیت‌الله میرزا محمدصادق شیرازی رحمهم‌الله استفاده نمود. در سال ۱۳۴۶ ق مهاجرت به نجف و مدتی از محضر آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت‌الله مشکینی بهره‌مند شد. و به واسطه عروض کسالت مراجعت به شیراز نمود. پس از بهبودی به اصفهان مسافرت و مدت یک سال از مرحوم آیت‌الله آقا میرزا محمدصادق احمدآبادی و آیت‌الله آقا شیخ محمد خراسانی و آیت‌الله حاج میرزا رحیم ارباب استفاده نمود.

در سال ۱۳۴۹ ق به قم آمده و از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی حایری یزدی مستفیض و در تابستان همانسال به مشهد مقدس مشرف و از درس و محضر آیت‌الله العظمی حاج آقا حسین قمی و آیت‌الله حاج میرزا محمد کفائی درک فیض کرده و در سال ۱۳۵۱ ق به شیراز بازگشت و تاکنون که هفتاد و دو سال از عمر شریفش می‌گذرد در شیراز به خدمات دینی از اقامه جماعت و ترویج دین و تدریس و غیره اشتغال دارد.

دارای اجازات عدیده اجتهادی و روایتی از آیات عظام و مراجع بزرگ گذشته می‌باشند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

آیه‌اللهی، محمدکاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد کاظم بن آیت‌الله العظمی میرزا عبدالباقی آیه‌اللهی شیرازی برادر مترجم مذکور از علماء متقی معاصر شیراز است. وی در سال ۱۳۳۲ ق در شیراز متولد و ایام کودکی را در تحت تربیت و پرورش مرحوم والدش گذرانیده و بعد از آن به تحصیل پرداخته و متون فقه و اصول را از مرحوم آیت‌الله حاج شیخعلی ابیوردی صاحب کتاب (یزبگیا) و آیت‌الله حاج شیخ بهاء‌الدین محلاتی فراگرفت.

در سال ۱۳۶۴ ق به قم مهاجرت و از محضر مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله حاج سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله صدر استفاده نموده و آنگاه به شیراز مراجعت و تا حال به وظائف دینی از اقامه جماعت و تدریس و تبلیغ احکام اشتغال دارند.

دارای آثار عدیده علمی و غیره می‌باشد که فهرست آن را می‌نگارم: ۱- تقریرات درس آیت‌الله حجت ۲- تقریرات مرحوم آیت‌الله خوانساری ۳- تقریرات درس مرحوم آیت‌الله بروجردی ۴- رساله‌ای در اجازه ۵- رساله‌ای در غصب ۶- رساله‌ای در شرکت ۷- رساله‌ای در ارث زوجه ۸- رساله در وصیت ۹- رساله‌ای در منجزات مریض ۱۰- رساله‌ای در اقرار مریض ۱۱- رساله در صلوة الجمعه ۱۲- کتاب الصلوة بیاناتی.

دارای اجازه عدید از مراجع گذشته و معاصر می‌باشند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

آیت قزوینی، محمدحسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به آیت. سلسله نسب وی منسوب به علمای مسجد جامع قزوین بود. از علوم ادبی و عربی و حکمت بهره داشت. مدتی در عراق و خراسان و فارس مسافرت کرد و با محمدخان دشتی مصاحبت داشت و در ۱۲۸۶ ق دیباچه‌ای بر «دیوان» دشتی نوشت. مدتی نیز در خدمت اسدالله میرزا، از نوادگان ظل‌السلطان، بود و بعد از وفات وی جزو شعرا و ادبای دارالخلافة تهران شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۶۴-۶۳/۱)، الذریعه (۱۳/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۴)، مینو در (۳۵۸-۳۵۷/۲).

آیت نجف آبادی، میر سید علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم مجاهد آیت‌الله میرسید علی آیت نجف‌آبادی در سال ۱۲۴۷ش (۱۲۸۷ق) در نجف آباد اصفهان به دنیا آمد. ایشان بعد از سن بیست سالگی در اثر حادثه‌ای، به علم و دانش علاقه‌مند شد و وارد حوزه علمیه اصفهان گردید. وی در اصفهان از محضر استادانی همچون: سید محمد فشارکی، سید ابوالحسن جلوه و سید مهدی نحوی استفاده برد و پس از آن رهسپار نجف اشرف گردید. آیت

اللّه نجف آبادی در نجف از محضر استادان بزرگی همچون: سید اسماعیل صدر، میرزا محمد تقی شیرازی، حاج آقا رضا همدانی، آخوند ملا- محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم یزدی کسب فیض کرد و در مدت کوتاهی با طی مراحل رشد، در فقه، اصول، فلسفه و عرفان و اخلاق به مقام تبخر و استادی رسید. وی از آن پس عازم اصفهان گردید و حلقه درس خود را تشکیل داد. آیت‌اللّه نجف آبادی یکی از مشهورترین استادان حوزه اصفهان در دوره سرکوب این پایگاه دینی توسط رضاخان بوده است. ایشان به فریضه امر به معروف و نهی از منکر اهمیت خاصی می‌داد و با حاکمان مستبد محلی و خوانین زورگو مبارزه می‌کرد. همچنین در مقطعی که ایران توسط بیگانگان اشغال شد، آیت‌اللّه نجف آبادی با خود کامگی روس‌ها مجاهده و مبارزه زیادی کرد؛ در نتیجه خانه‌اش توسط اوباش تحریک شده و مزدوران و مأمورانشان غارت شد و خودش نیز در کنسولگری شوروی در اصفهان زندانی گردید. در آن ایام که در اثر حضور متفقین در ایران، قحطی و گرانی بیداد می‌کرد، ایشان و عالم دیگر اصفهان، میرسید حسن چهارسوقی، ابتکاری به خرج داده و مشترکاً طی اعلامیه‌ای از مردم مسلمان و بازاریان متمکن خواستند در نقاط مختلف شهر، انجمن‌های خیریه تشکیل داده و از بینوایان، بیکاران و گرسنگان، حمایت برنامه‌ریزی شده کنند. این برنامه در بین مردم بسیار مؤثر واقع شد؛ به گونه‌ای که اغلب انجمن‌های خیریه فعلی اصفهان نیز از بقایای همان انجمن‌ها هستند. در کنار فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، حلقه درس آیت‌اللّه نجف آبادی، محفل فضلا و فرهیختگان بود و شاگردان نامداری در آن پرورش یافتند که حضرات آیات ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی، شیخ احمد فیاض، حیدرعلی صلواتی، سید روح‌اللّه خاتمی، سید علی علامه فانی و سید مرتضی پسندیده از آن جمله‌اند. ایشان مسائل فقه و اصول را به خوبی تجزیه و تحلیل می‌کرد و در کلام نیز تبخر وافی داشت. آیت‌اللّه میرسید علی آیت نجف آبادی سرانجام در ۳۰ بهمن ۱۳۲۱ ش برابر سیزدهم صفر ۱۳۶۲ ق در ۷۴ سالگی در اصفهان وفات یافت و پس از تشییع باشکوه، در قبرستان تخت فولاد مدفون گشت. این عالم مجاهد و فقیه سترگ، جدّ مادری شهید دکتر حسن آیت، نماینده مجلس شورای اسلامی در دوره اول و عضو حزب جمهوری اسلامی است که در چهاردهم مرداد ۱۳۶۰ ش توسط منافقین کوردل به شهادت رسید.

برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

آیت‌اللّه زاده مازندرانی، محمدباقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۰ - ۱۲۶۳ ش) حاکم شرع و شاعر. وی فرزند شیخ محمد مازندرانی و نواده‌ی شیخ زین‌العابدین مازندرانی بود که هر دو از مراجع تقلید بوده‌اند. در کربلا متولد شد. پس از گذراندن مقدمات، تحصیلات عالی را در خدمت آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و شیخ الشریعه‌ی اصفهانی تکمیل کرد و موفق به دریافت درجه‌ی اجتهاد گردید. در تشکیلات نوین دادگستری ایران در زمان داور، حاکم شرع خراسان و تهران بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: چهارصد شاعر برگزیده پارسی گوی (۱۰۹).

آیت‌اللّه زاده، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات عربی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: تهران
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

آیت‌اللهی لاری، علی‌اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۸۱-۱۳۱۴ ق)، مجتهد و پیشوای دینی. وی از اهالی جهرم بود و ابتدا نزد برادر بزرگتر خویش، آقا سید محمد، و سپس نزد سید عبدالباقی شاگردی کرد، آنگاه از این دو مجتهد و سپس از مراجعی همچون آقا سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیای عراقی و حاج آقا حسین قمی اجازه‌ی اجتهاد گرفت. بعد از پدر جانشین وی شد. سالهای دراز به ترویج دین مبین و نشر معارف اسلامی و کمک به فقرا و دستگیری از پافتادگان و یتیمان گذرانید. ریاضت پیشه و مستجاب‌الدعوه و زاهد و متقی بود که با سادگی تمام زندگی می‌کرد. او از مردان مبارز و شجاع بود. چند روز پیش از رحلتش اصحاب خود را از مرگ خویش آگاه ساخت. وی در شهر جهرم بدرود حیات گفت، و در بقعه «قبر آقا» کنار پدر و برادرش مدفون گشت. [۱]

مرحوم حاج سید علی‌اکبر بن آیت‌الله حاج سید عبدالحسین بن العالم الجلیل السید عبدالله ابن سید عبدالرحیم بن السید محمد آیه‌اللهی مجتهد لاری جهرمی از علماء معروف این ناحیه است.

وی در جهرم متولد شده و پس از خواندن مقدمات و سطوح وسطی و نهائی در جهرم و شیراز علوم تحلیلی و اجتهادی را از آیات عظام و مدرسین بزرگ معاصر خود فرا گرفته تا به مدارج عالی علم و اجتهاد رسیده و پس از فوت مرحوم والدش بجای او نشسته و سالهای متمادی در جهرم به خدمات دینی و ترویجات مذهبی و نشر معارف اسلامی و مساعدت به فقراء و دستگیری از پافتادگان و سرپرستی یتیمان و معاشرت با تهی‌دستان و بینوایان گذرانیده است.

معظم له عالمی مرتاض و مستجاب‌الدعوه و زاهد و متقی و بی‌اعتنا به مال بود و با سادگی تمام زندگی می‌کرد و در خانه وی بر روی عموم باز بود و در عین حال دائم‌الذکر بود و جز به هنگام ضرورت سخن نمی‌گفت و چون بر فراز منبر می‌نشست و لب به موعظه می‌گشود دل از عارف و عامی می‌ربود و داد سخن می‌داد چند روز قبل از مرگش دوستانش را از مرگ خویش خبر داد و در تیرماه هزار و سیصد و چهل (ماه صفر ۱۳۸۱) در شهر جهرم لبیک حق را اجابت گفت و رخت به سرای باقی کشید.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] بزرگان جهرم (۱۴۲-۱۴۱، ۱۳۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۹۰۳-۹۰۲/۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۷)، ۵-۴/۵.

آیتی بیرجندی، محمدابراهیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد ابراهیم آیتی در سال ۱۳۳۳ هجری قمری در قریه گازار از توابع بیرجند در خانواده‌ای روحانی و شیعه متولد شد و اهل خانه را از قدوم خویش شاد کرد این فرزند محمد ابراهیم نام گرفت. وی از هفت سالگی برای فراگیری از قرآن مجید و خواندن کتابهای فارسی مذهبی و اخلاقی و از قبیل اینها وارد جلسات استادان آن زمان در شهر خود گردید. در سیزده سالگی به شهر بیرجند رفت و ادامه تحصیل خود را در کنار اساتید بیرجند گذراند. در هیجده سالگی در مدرسه باقریه شهر مشهد به قمستی از فصول و منطق تحت نظر استادان مجرب بودند. وی به درجه دکترا نایل گردید و در تمام طول تحصیل به تحصیلات حوزوی بسنده نشد. وی در سن ۵۱ سالگی در اثر سانحه تصادف در سال ۱۳۸۴ قمری جان خویش را از دست دادند.

گروه: علوم انسانی

رشته: الهیات و معارف اسلامی

والدین و انساب: پدر محمد ابراهیم آیتی شیخ محمد قائنی پیشنماز روستای گازار بود که به امور شرعی مردم رسیدگی می‌کرد. او در سلک روحانیت و در امور دینی خود و مردم کوشا بود. وی که توفیق تربیت در دامن مادر متدین پیدا نموده بود رشد کرد و به سن تحصیل رسید.

خاطرات کودکی: محمد ابراهیم آیتی مقدمات عربی از پدرش شیخ محمد قائنی یاد گرفت تا اینکه به نه سالگی که رسیدند پدر در سوم ماه رمضان ۱۳۴۲ مرحوم شد.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: هفت ساله بودم که پدرم مرحوم شیخ محمد قائنی مرا برای فراگیری قرآن مجید و خواندن کتابهای فارسی مذهبی و اخلاقی از قبیل عین الحیات و جلاء العیون و حلیه المتقین مرحوم مجلسی نزد «آخوند ملا عبدالله گازاری» برد و به وی سپرد. مقدمات عربی را از مرحوم پدرم فرا گرفتم، نه ساله بودم که پدرم در سوم ماه رمضان سال ۱۳۴۲ قمری مرحوم شد. پس از آن شرح «قطر الندی» و «القیه» ابن مالک «سیوطی» و «شرح جامی» را نزد همان ملا عبدالله و «محمد ابراهیم بویکی» خواندم. سیزده ساله بودم که با اجازه مادرم برای ادامه تحصیل به شهر بیرجند رفتم و مدت پنج سال در مدرسه معصومیه کتابهای «حاشیه» ملا عبدالله یزدی و «شرح شمسیه» در منطق، «شرح نظام» «معنی الیب» در صرف و نحو و قسمتی از «مطول» در معانی و بیان و بدیع و «معالم» و قسمتی از «قوانین الاصول» میرزای قمی در اصول، «تبصره» علامه حلی و «شرح لمعه» شهید ثانی در فقه و مختصری حساب و هیأت و مقداری از شرح «سبعه معلقه» را خواندم. در این مدت پنج سال در شهر بیرجند از محضر مرحوم حاج شیخ محمد باقر آیتی بیرجندی و آیه‌الله حاج شیخ محمد حسین آیتی و مرحوم شیخ غلامرضا فاضل و آقای حاج شیخ محمد علی ربیانی و مرحوم حاج ملا محمد دهکی استفاده بردم و شاگردی آنها را نمودم. هیجده ساله بودم که برای ادامه تحصیل به مشهد مقدس مشرف و در مدرسه باقریه ساکن شدم و بقیه شرح لمعه و مطول و قسمتی از فصول و قسمت منطق شرح منظومه حاج ملا هادی سبزواری و آنگاه تمام سطح مکاسب، رسائل شیخ انصاری و کفایه آخوند خراسانی را در محضر استادان فرا گرفتم. ضمناً هیئت قدیم را نزد مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی و آقا شیخ مجتبی قزوینی و آیه‌الله میرزا حسین فقیه سبزواری و آیه‌الله ادیب نیشابوری و مرحوم حاج شیخ حسن پایین خیابانی و برخی اساتید دیگر خواندم. در همان حال با درس خارج فقه و معارف مرحوم آقا میرزا مهدی اصفهانی آشنا شدم و با شوق فراوان در حدود دو سال به درس پر بهره ایشان می‌رفتم و در همین اوقات به درس شرح منظومه آقا میرزا مهدی فرزند مرحوم آقا بزرگ حکیم می‌رفتم و از این راه با فلسفه قدیم آشنا شدم. آشنایی من با متون عالی فلسفه قدیم از قبیل شرح اشارات، شفای بوعلی و اسفار مرحوم آخوند ملاصدرا در خارج از محیط طلبگی بود. آیتی پس از فراگیری دروس حوزه‌های علوم دینی به دانشگاه راه یافت و او در همان دانشکده معقول و منقول تهران تحصیل کرده بود و موفق به اخذ درجه دکتری شده بود. ایشان علاوه بر علوم اسلامی و ادبیات عرب به زبان انگلیسی نیز احاطه کامل داشت و از این راه با اندیشه‌های غربی و متون و روش تحقیق آنان آشنا گردید.

خاطرات و وقایع تحصیل: حوزه‌های درس هرگاه محدود به چند نفر و کم جمعیت بود غالباً در اطاق‌های مسکونی مدارس و درس‌های سطوح عالی و خارج که جمعیت بیشتری در آن شرکت می‌داشت بیشتر در مدرس‌های نسبتاً وسیع مدارس که فرش آن در تابستان و زمستان منحصر به حصیر بود و یا در شبستان‌های مساجد که نیز در تابستان و زمستان حصیر فرش و بسیار سرد بود و هرگز بخاری نمی‌دید، تشکیل می‌گردید. کسانی که اهل کار و تحصیل بودند تقریباً تمام وقتشان به درس خواندن و مطالعه کردن و مباحثه کردن همان درسها و (اگر خود از فضیلتی حوزه بودند) به درس گفتن برگزار می‌شد و فقط در هفته‌ای دو روز پنجشنبه و جمعه تعطیل بود، که آن هم احیاناً با درس‌های تعطیلی از قبیل ریاضیات و هیئت و تفسیر و حدیث و جز اینها می‌گذشت. زندگی طلبگی بسیار ساده و در عین حال پرنشاط برگزار می‌شد. در آن تاریخ کمتر افکار اجتماعی به محیط طلبگی راه داشت و گیر و داری هم اگر پیش می‌آمد از حدود حجره‌های مدارس تجاوز نمی‌کرد. تا در بیرجند بودم با اینکه مدرسه معصومیه اوقاف زیادی داشت، به طلبه مدرسه چیزی نمی‌رسید و متصدیان اوقاف تمام درآمد موقوفه را می‌خوردند و زندگانی ساده طلاب منحصر از کمک‌های پدران و مادرانشان می‌گذشت. اما در مشهد مقدس چون از طرفی موقوفات مدارس سرشارتر بود و از طرف دیگر متصدیان اوقاف آنجا مانند متصدیان اوقاف بیرجند نبودند مختصر حق السکوت و قوت لایموتی به طلاب داده می‌شد و روزی که وارد مشهد شدم متصدی اوقاف مدرسه باقریه آقا شیخ جواد شیخ الاسلامی اصفهانی به دیدن من آمد و از همان روز مبلغ سی ریال (که شهریه کامل آن مدرسه بود) حقوق ماهیانه برای من قرار ساخت و این مبلغ در آن تاریخ برای زندگی طلبگی متوسط یک نفر به خوبی کفایت می‌کرد.

فعالیت‌های ضمن تحصیل: از امتیازات بسیار ارزنده حیات علمی محمد ابراهیم آیتی این است که او هرگز خود را در علوم متداول حوزه‌ها و مجامع علمی محدود نساخت. گو اینکه راز موفقیت هر اندیشه‌ور دلسوز و تلاشگر و کاوشگر پر توفیق این است که خودجوش و زیرکانه بیابد چه چیزی را باید بخواند و کدام راه را برود. بدینسان او در تاریخ دوره اسلامی و تاریخ پیامبر و اهل بیت نیز تلاش فراوان کرد و یکی از متخصصان این رشته در آمد و از تألیفات ایشان نیز این نکته آشکار خواهد شد.

استادان و مربیان: از استادان محمد ابراهیم آیتی در زمینه‌های مختلف درسی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: آخوند ملا عبدالله گزاری ابن مالک محمد ابراهیم بویکی میرزای قمی علامه حلی شهید ثانی باقر آیتی بیرجندی شیخ محمد حسین آیتی غلامرضا فاضل شیخ محمد علی ربانی حاج ملا محمد دهکی ملا هادی سبزواری شیخ انصاری آخوند خراسانی شیخ هاشم قزوینی مجتبی قزوینی حسین فقیه سبزواری ادیب نیشابوری حسن پایین خیابانی میرزا مهدی اصفهانی میرزا مهدی فرزند مرحوم آقا بزرگ حکیم آخوند ملاصدرا

هم دوره ای‌ها و همکاران: از دوستان محمد ابراهیم آیتی، شهید مطهری، آیه‌الله بهشتی و آیه‌الله طالقانی بود و با هم مراد علمی و مباحثه داشتند.

زمان و علت فوت: محمد ابراهیم آیتی در سوم جمادی الثانی ۱۳۸۴ قمری مطابق با هفدهم ۱۳۴۳ شمسی بر اثر سانحه تصادف جان خویش را از دست دادند. پیکر ایشان در قبرستان ابوحسن قم دفن گردید.

فعالیت‌های آموزشی: محمد ابراهیم آیتی پس از فراگیری دروس حوزه‌های علوم دینی به دانشگاه راه یافت و در کنار تدریس به تحصیل نیز پرداخت. در سال ۱۳۳۴ شمسی در دانشکده علوم معقول و منقول مشغول به تدریس شد و درس‌های تاریخ اسلام، تمدن اسلام، فقه (دوره لیسانس) و فقه الحدیث (دوره دکتری) را درس می‌داد.

سایر فعالیت‌ها و برنامه‌های روزمره: از دوستان محمد ابراهیم آیتی، شهید مطهری، آیه‌الله بهشتی و آیه‌الله طالقانی بود و با هم مراد علمی و مباحثه داشتند. در آن زمان نوای بیداری در بعضی از مجامع علمی و فرهنگی برخاسته بود و حرکت‌های خودجوش ارزشمندی برای شناخت درست اسلام ایجاد شده بود. کار مهم اندیشه‌وران آن روز تغذیه فکری این مجامع بود و استاد آیتی یکی

از کسانی بود که در انجام این مهم کوشا بود. در انجمن اسلامی مهندسان، جلسات ماهانه دینی که شهید مطهری نیز سخنرانی داشت شرکت داشت و به سخنرانیهای ارزشمندی می‌پرداخت و این سخنرانیها بلافاصله تایپ و تکثیر می‌شد و با استقبال فراوانی نیز روبرو گشت. یکی از تلاش‌های تحسین برانگیز ایشان تلاش در راه انتشار کتابهای مذهبی بود که از آن جمله تلاش گروهی ایشان و همراهانش منشأ ایجاد «شرکت انتشار» گردید. باری او در راه اصلاح ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه خویش از هیچ خدمتی فروگذار نکرد و با قلم و زبان و دست خویش هر آنچه کرد برای احیای فکر دینی و اندیشه الهی بود. او همچنین در پرداختن به برخی موضوعات اسلامی و پیراستن نقص‌ها و خرافه‌ها متون اصیل و استواری را عرضه کرد.

آرا و گرایشهای خاص: از خصوصیات محمد ابراهیم آیتی تحقیق‌های نو و بدیع است. او در تاریخ به بررسی و کنکاشی ارزنده پرداخت و نکات ابهام و نقاط کور را شناسایی کرد و به بحث و بررسی در آن پرداخت. . معظم له دارای ملکات نفسانیه و جامع علوم عقلیه نقلیه، مروج طریقه جعفریه بود.

آثار:

۱۲۱ افکار جاوید محمد

ویژگی اثر: این کتاب ترجمه‌ای از متن انگلیسی

۲ آندلس یا تاریخ حکومت مسلمین در اروپا

ویژگی اثر: به طوری که ایشان در مقدمه کتاب ذکر می‌کنند این اثر حاصل تحقیق و تدریس سال‌های ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ دوره لیسانس دانشکده معقول و منقول تهران است و ایشان در این کتاب تاریخ حوادث مهم هشت قرن حکومت مسلمین در اروپا را به تفصیل بیان کرده‌اند که شامل تاریخ حکومتها، دست‌نشاندهگان حکام عباسی و غیر آن می‌باشد. این کتاب در سال ۱۳۴۰ در ۳۵۷ صفحه چاپ شده است.

۳ آئینه اسلام

ویژگی اثر: ترجمه‌ای است از متن عربی آن اثر نویسنده توانای مصری دکتر طه حسین که در تهران وسیله شرکت انتشار به چاپ رسیده است.

۴ بررسی تاریخ عاشورا

ویژگی اثر: این خصلت او در کتاب بررسی تاریخ عاشورا به خوبی ظهور کرده است یعنی او در این قضیه مطیع و دنباله‌رو هیچ کس نیست و آزادانه و زیبا بر اساس مبانی اصیل و اساسی قرآن و عترت و با عقل سلیم و ذهل جوال خویش به میدان آمده و به راستی به نقد احیاگری در جریان عاشورا دست زده است. خمیر مایه این کتاب را مجموعه هفده سخنرانی دکتر آیتی در رادیو ایران در سال‌های ۱۳۴۳ - ۱۳۴۲ تشکیل می‌دهد. این اثر به همت استاد علی اکبر غفاری تنظیم و چاپ شده و تاکنون در حدود ۱۰ نوبت تجدید چاپ شده است.

۵ تاریخ پیامبر اسلام

ویژگی اثر: این کتاب تحقیقی است مستند، گسترده و دقیق بر اساس متون کهن در پیرامون حیات اشرف مخلوقات هستی حضرت رسول اکرم (ص) که مؤلف در تنظیم آن زحمات فراوانی را متحمل شده‌اند. این کتاب با تعلیقات و اضافاتی از دکتر ابوالقاسم گرجی از طرف دانشگاه تهران چاپ شده و چندین بار تجدید چاپ گردیده است.

۶ ترجمه البلدان یعقوبی

ویژگی اثر: این کتاب نیز به وسیله بنگاه ترجمه و نشر کتاب در سال ۱۳۵۶ در ۲۱۱ صفحه چاپ شده است.

۷ ترجمه تاریخ یعقوبی

ویژگی اثر: این کتاب در دو جلد ضخیم چاپ شده است و از ترجمه‌های ارزشمند متون تاریخی به حساب می‌آید به طوری که در سال ۱۳۴۲ این ترجمه به عنوان کتاب سال شناخته شد. متخصصان ترجمه نسبت به ترجمه‌های دقیق و اصولی مرحوم آیتی اعتماد خاصی دارند. این اثر نیز چندین بار تجدید چاپ شده است.

۸ تصحیح تفسیر شریف لاهیجی

ویژگی اثر: مرحوم استاد آیتی جلد ۳ و ۱۴ این تفسیر را به صورت زیبا و اصولی تصحیح نموده‌اند و در سال ۱۳۴۰ از طرف اداره اوقاف تهران به چاپ رسیده است.

۹ خطبه‌های رسول اکرم (ص)

ویژگی اثر: به زبان عربی نگارش یافته و تاکنون چاپ نشده است.

۱۰ راه و رسم تبلیغ

ویژگی اثر: مقاله‌ای است که در کتاب گفتار ماه جلد دوم، ص ۱۷۴ - ۱۴۹ به چاپ رسیده است.

۱۱ سرمایه سخن

ویژگی اثر: این کتاب به انگیزه تقویت و غنی سازی سخنرانیهای اسلامی تهیه شده است و مجموعه ۸۰ مقاله درباره مناسبت‌های مذهبی است که سی مجلس آن درباره ماه مبارک رمضان، بیست و پنج مجلس درباره ماه محرم و صفر و بیست و پنج مجلس دیگر در مناسبت‌های دیگر سال می‌باشد. این اثر به همت مرحوم آیتی و یکی از دوستانش به نام سید محمد باقر سبزواری تهیه و تنظیم شده و در سال ۱۳۳۹ به چاپ رسیده است.

۱۲ سیمای امیرالمؤمنین از مسجدالحرام تا مسجد کوفه

ویژگی اثر: این کتاب سخنرانی استاد در جلسه ماهانه دینی است که ابتدا در کتاب گفتار ماه، ج ۳ ص ۱۶۴ - ۱۲۹۶ چاپ شده و سپس به صورت جداگانه به زیور طبع آراسته گردیده است.

۱۳ شهدای اسلام

ویژگی اثر: به عربی است و تاکنون چاپ نشده است.

۱۴ فهرست ابواب و فصول اسفار

ویژگی اثر: این مقاله در یادنامه ملاصدرا به چاپ رسیده است.

۱۵ کتاب و سنت

ویژگی اثر: در کتاب گفتار ماه جلد اول، ص ۲۲۵ تا ۲۵۲ به چاپ رسیده است.

۱۶ گفتار عاشورا

ویژگی اثر: با همکاری عده‌ای از اندیشه وران.

۱۷ مجموعه سخنرانیها در مورد شخصیت‌های برجسته عالم اسلام

ویژگی اثر: و مقالات و سخنرانیهای علمی و تحقیقی ارزشمندی که برآستی شایسته است در یک مجموعه ارزشمند گرد آید. فراهایی از اندیشه استاد آیتی

۱۸ مرجعیت و روحانیت

ویژگی اثر: این کتاب را نیز با همکاری عده‌ای از نویسندگان تألیف کرده است.

۱۹ مقولات عشر

ویژگی اثر: این کتاب رساله تز دکترای آن مرحوم می‌باشد و در روزنامه ۱۳۷۱ / ۶ / ۵ مورد بررسی و تبیین قرار گرفته است.

۲۰ همه مسؤول یکدیگریم

ویژگی اثر: مقاله‌ای است در کتاب همه مسؤول یکدیگریم که بحث زیبایی درباره امر به معروف و نهی از منکر نموده است. کتاب توسط انتشارات تشیع در سال ۱۳۵۶ به چاپ رسیده و مقاله در کتاب گفتار ماه، ج ۱ ص ۷۶ - ۴۵ نیز چاپ شده است.

آیتی قائنی، ضیاءالدین محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۹۷ - ۱۳۱۰ ق)، فقیه، متکلم، ادیب و شاعر، متخلص به آیتی. در روستای مهموئی از توابع قاین متولد شد. مقدمات علوم را در بیرجند آموخت. سپس به مشهد رفت و به تحصیل در حوزه علمیه آنجا پرداخت علوم ادبی را نزد شیخ عبدالجواد نیشابوری و مقداری فقه و اصول را از پدر خود آموخت. در سال ۱۳۳۱ ق به مکه رفت و در این سفر از قفقاز، سوریه، ترکیه و عراق دیدن کرد. در بازگشت به اصفهان رفت و مدت دو سال در حوزه‌ی این شهر درسهای فقه و اصول را آموخت و از محضر اساتیدی چون سید علی نجف‌آبادی و شیخ محمد الهی گنابادی استفاده کرد، سپس به نجف رفت و مدت پنج سال نزد آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاء عراقی دروس خارج فقه و اصول را آموخت. در سال ۱۳۴۳ ق به بیرجند بازگشت و به اقامه جماعت و تدریس و تألیف پرداخت. علاوه بر بهره کافی در زمینه دانشهای مختلف طبع شاعرانه‌ای هم داشت و حدود بیست هزار بیت شعر سروده است. آثار وی: شرح «کفایة الاصول» علامه خراسانی؛ «درالفرید فیما روی عن السبط الشهید»، در خطب و مواعظ و اشعار سیدالشهداء (ع)؛ «مقامات معنوی»؛ «مقامات الابرار»؛ «بهارستان»، شرح حال رجال قاینات و قهستان؛ «تتمیم بهارستان»؛ «دیوان در غلطان»؛ «فوائد العقول».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان قائن (۳۷۷ - ۳۶۷ / ۱)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۴۸۸ - ۴۸۶ / ۲)، الذریعه (۱۳ / ۲۲)، صد سال شعر خراسان (۵۵ - ۵۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۶۸ - ۲۶۶ / ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۸ - ۶۸۷ / ۲).

آیتی، عبدالحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالحسین بافقی یزدی (۱۲۸۸ ق - ۱۳۷۴۱ ق / ۱۳۳۲ ش) معروف به آیتی و متخلص به «ضیایی»، «آواره» و «آیتی»، از شعرا، محققان، نویسندگان و قرآن پژوهان معاصر که پس از ورود و درنگ ۱۸ - ۲۰ ساله‌ی او در سلک بهائیت و طی مدارج تبلیغ در آن مسلک و دریافت لقب رئیس المبلغین و القاب دیگر و الواح تشویقی از عباس افندی و شوقی افندی و به سر بردن چند سالی با آنها، با دیدن کژیها و ناراستیها، دوباره به اسلام و تشیع بازگشت و شرح حال این دوران سرگشتگی فکری و به تعبیر خود فریب خوردگی را در کتاب کشف الحیل (۳ جلد، تهران، ۱۳۷۰ - ۱۳۱۰ ش با تجدید چاپهای مکرر) نوشته و این زندگی پرتلاطم از

او شخصیت پرآوازه و حقیقت جو ساخته است. او فرزند حاج ملا محمد بن محمد بن حاج بزرگ، در خانواده‌ی علم و عرفان به دنیا آمد. پدرش حاج (ملا-) آخوند تفتی از ائمه‌ی جماعت و خطبای فرهیخته‌ی یزد، و در زادگاه خویش نیز امام جماعت و مرجع حل و فصل امور شرعی مردم بود. زادگاهش قصبه‌ی تفت از نواحی یزد بود. تحصیلات مقدماتی را در مکتب خانه‌ی زادگاهش آغاز کرد و اولین معلمش پدرش بود. در سال ۱۳۰۳ ق به یزد رفت و پس از فراگیری صرف و نحو و علم بلاغت و منطق در ۱۳۰۵ ق به قصد ادامه‌ی تحصیلات، سفر به عتبات عالیات کرد، و به فراگیری فقه و اصول پرداخت. یک سال بعد پدرش درگذشت و او به درخواست مادر به زادگاهش بازگشت و نظر به ابراز علاقه‌ی هم ولایتی‌ها مسند پدر را که امامت جماعت و وعظ و خطابه بود عهده دار شد. در سی و سه سالگی که امامت جماعت مسجد تفت و تصدی امور شرعی را عهده دار بود، بعضی از مبلغان بهایی کتابهای این فرقه را به ترفند، به تعبیر خودش، به مطالعه‌ی او رساندند و چون مطالعه‌ی این کتابها آشکار شد، یکی از رقبای روحانی، او را به بد دینی و انحراف عقیده متهم کرد و آزار و ایداء و بدنامی و رنجهای روحی همراه آن، او را به دامان بهائیت سوق داد. خود در این مورد می‌گوید: «... دستار از سر برافکندم و ریش خود را از بن برکندم و به جهانگردی پرداختم. چون محرم اسرار شدم و مقام عالی یافته بودم رئیس المبلغین شدم».

ابتدا مدتی در تهران و رشت و اردستان و کاشان به کارهای فرهنگی و تاسیس مدارس و تبلیغ بهائیت پرداخت و سپس چند بار به عکا (مقر سران بهائیت) مسافرت کرد و از طرف عباس افندی (عبدالبهاء) به «آواره» مشهور گردید و به دستور یا درخواست او و سایر روسای مرکز به تالیف کتاب مآثر البهائیه پرداخت (نام کامل آن الکواکب الدریه فی مآثر البهائیه) که در تاریخ ظهور و تشکیل بهائیت است. خود در مورد این کتاب می‌گوید: «چون خواستم طبع کنم عباس افندی نسخه‌ی آن را طلبید و دستوراتی داد. ناچار بسیاری از آن را تغییر دادم و بنده سه دفعه در تحت نفوذ حضرات به تحریفات و جعلیات مبتلا شد و اینک می‌گویم آن کتاب که بعداً به کواکب الدریه موسوم شده، در دو جلد، به کلی از درجه‌ی اعتبار ساقط است...» اما چون تغییرات دلخواه سران بهائیت در آن وارد شده طبیعی است چنانکه در مقاله‌ی دانشنامه‌ی ایرانیکا (به انگلیسی، جلد سوم، ذیل «آیتی» آمده است) «این کتاب هنوز اثر عمده‌ای در موضوع خود به شمار می‌آید».

به نوشته‌ی دایره‌المعارف تشیع: «... پس از فوت عباس افندی (۱۳۴۰ ق)، شوقی افندی جانشین او آواره را به عکا احضار نمود و آواره از طریق بادکوبه و اسلامبول به عکا و از آنجا به دستور شوقی و برای تبلیغ، مسافرتی به انگلستان و فرانسه نمود. آواره در اواخر عمر عباس افندی و سپس در اوایل شوقی افندی به میزان زیادی از سوء اخلاق و فساد روسا و مبلغین فرقه‌ی بهائیت اطلاع حاصل نمود و از کرده‌ی خود پشیمان شد؛ و در مسافرت به اروپا و در مراجعت هنگام اقامت در مصر، در احوالات آنها و مخصوصاً در علل و جهات انصراف میرزا ابوالفضل گلپایگانی و میرزا نعیم و میرزا علی اکبر رفسنجانی [با ریاست محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام، در این عصر، اشتباه نشود] که از بهائیان اصلی و از مبلغین به نام آنها بودند، از فرقه‌ی بهائیت تحقیق و تفحص بسیار نمود و یقین حاصل کرد که آن سه تن با وجود تحمل زحمات و مشقات در طریق بهائیت و انجام تبلیغات فراوان برای این فرقه اخیراً از آن تبری جسته و از عمل خود نادم گشته بودند. آواره نیز هنگام اقامت در مصر زمزمه‌ی مخالفت آغاز و به جمع آوری اسناد و تصاویر و تهیه‌ی یادداشتهای لازم علیه بهائیت مبادرت نمود و با ورود به تهران مخالفت خود را آشکار کرد و به تالیف کتاب کشف الحیل اقدام نمود. این کتاب در سه جلد [و گاه چاپ شده در یک مجلد، چاپ تهران ۱۳۰۷ - ۱۳۱۰] و حاوی شرح و تفصیل کافی راجع به حیلها و نیرنگهای بهائیان تدوین گردیده و ... سند ارزنده و گوهر گرانبهائی است...» (دایره‌المعارف تشیع، ج ۱، ص ۲۴۲)

به نوشته‌ی دایره‌المعارف بزرگ اسلامی او در سال ۱۳۴۸ ق / ۱۹۲۹ م در تهران اقامت گزید و به خدمت وزارت معارف (آموزش و پرورش) درآمد، و به عنوان دبیر به تدریس در دوره‌ی متوسطه پرداخت. با طبع و ذوق سخنوری که داشت، به

پژوهشهای ادبی روی آورد و نشریه ای ادبی / انتقادی به نام نمکدان [که بعضی منابع برآند که مقالات مختلف اغلب یا تمامی ۶۱ شماره ی آن را خود او با اسامی مستعار گوناگون نوشته است] در سال ۱۳۰۸ ش منتشر کرد که در واقع گاهنامه بود و انتشارنامنظم آن چند سالی دوام آورد . مجموعه ی آثار او مشتمل بر ۱۷ کتاب است که عمده ترین آنها ترجمه ی تفسیر آمیز قرآن کریم است که به کتاب نبی (به ضم نون) یا قرآن فارسی [یا به قول خود آیتی ، به نقل از یکی از فضلا که در مقدمه ی ترجمه اش آورده فارسی قرآن، که دقیق تر و به ادب شرعی نزدیک تر از قرآن فارسی است] مشهور است . از دو کتاب الکوکب الدریه و کشف الحیل نیز نام بردیم . کتابی نیز به نام تکمیل کتاب کشف الحیل و بیان الحق و نیز جزوه ای به نام ضمیمه ی کشف الحیل دارد و آتشکده ی یزدان (تاریخ یزد) ، و تاریخ فلاسفه ، و فرهنگ آیتی و اثر قرآنی دیگری به نام قصیده ی قرآنی و ترانه ی روحی (که چون تاریخ نشر آن در منابع شرح حال او نیامده نمیتوان راجع به صحت کلی آنکه در کدام مرحله ی حیاتش نوشته / سروده است ، قضاوت کرد) .

برگرفته از کتاب: بررسی ترجمه های امروزی فارسی قرآن کریم

آیتی، عبدالمحمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد عبدالمحمد آیتی در سال ۱۳۰۵ شمسی در شهر بروجرد دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و دوره متوسطه را در شهر بروجرد به پایان رسانید. پس از تحصیل در حوزه قم (بمدت دو سال) به تهران رفته و تحصیلات خود را در دانشکده معقول و منقول پی گرفت. آیتی سرانجام در سال ۱۳۲۸ با رتبه اول در رشته معقول و منقول را به پایان رساند و به دریافت مدرک لیسانس توفیق یافت. استاد پس از فارغ التحصیل شدن به استخدام وزارت فرهنگ در آمد و به تدریس ادبیات در مقطع دبیرستان پرداخت، تا آنکه در سال ۱۳۵۹ بازنشسته شد. او هم اکنون عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی می باشد. ایشان چندین تالیف و ترجمه در کارنامه علمی خود در زمینه های زبان و ادبیات عربی و فلسفه دارد. ترجمه کتاب "تاریخ ادبیات زبان عربی" عبدالمحمد آیتی ، در دوره دوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

تحصیلات رسمی و حرفه ای: عبدالمحمد آیتی تحصیلات ابتدایی و دوره ی متوسطه را در شهر بروجرد به پایان رسانید. پس از چندی رهسپار قم شد و به تحصیل علوم دینی پرداخت. تحصیلات او در حوزه علمیه قم مدت دو سال به طول انجامید ، سپس به تهران رفته و تحصیلات خود را در دانشکده معقول و منقول پی گرفت. آیتی سرانجام در سال ۱۳۲۸ با رتبه اول در رشته معقول و منقول فارغ التحصیل شد و به دریافت لیسانس توفیق یافت.

فعالتهای ضمن تحصیل: وضعیت معیشت عبدالمحمد آیتی به گونه ای بود که در کنار تحصیل مجبور بود پشتوانه ای برای تحصیلش فراهم سازد. از این روی ، چندی در قنادی و زمانی در نجاری به کار پرداخت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: عبدالمحمد آیتی رئیس شورای علمی دانشنامه تحقیقات ادبی فرهنگستان نیز بوده است.

فعالتهای آموزشی: عبدالمحمد آیتی پس از فارغ التحصیل شدن به استخدام وزارت فرهنگ در آمد و به تدریس ادبیات در مقطع دبیرستان پرداخت. او چندی در بابل و مدتی نیز در خرم آباد انجام وظیفه کرد. استاد عبدالمحمد آیتی در تاریخ ۱۳۷۰/۲/۱۷ به

عضویت پیوسته شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی در آمده است. سوابق تدریس: - مدرّس ادبیات داستانی در دانشگاه فارابی (۱۳۵۶)؛ - مدرّس ادبیات داستانی و عربی در دانشگاه دماوند (۱۳۵۷-۱۳۵۸)؛ - بازنشسته آموزش و پرورش (۱۳۵۸).
جوایز و نشانها: ترجمه کتاب "تاریخ ادبیات زبان عربی" عبدالمحمد آیتی، در دوره دوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

آثار:

۱ آمرزش ابوالعلا معری

ویژگی اثر: (ترجمه)، ۱۳۴۷

۲ الغارات در حوادث سال‌های معدود خلافت علی(ع)،

ویژگی اثر: ۱۳۷۱

۳ بسی رنج بردم، بازنویسی شده از فردوسی

ویژگی اثر: ۱۳۷۶

۴ تاریخ ابن خلدون (ترجمه)

ویژگی اثر: ۱۳۶۳-۷۱

۵ تاریخ ادبیات زبان عربی (ترجمه)

ویژگی اثر: تالیف حنا الفاخوری-برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره دوم کتاب سال-آشنایی با کتاب این کتاب، ترجمه «تاریخ الادب العربی» تألیف حنا الفاخوری است. کتاب، سیر تحوّل و دگرگونیهای ادبیات زبان عربی طی بیش از ۱۵۰۰ سال را بررسی می کند. آشنایی با این بررسی، گذشته از فایده آن برای فرهنگ عربی، در ارتباط با ادبیات و فرهنگ فارسی نیز مفید است، چرا که رابطه دیرینه ادبیات فارسی با ادبیات عربی و تاثیر ادبیات عرب بر زبان فارسی، ضرورت آشنائی با تاریخ ادبیات عربی و شیوه امروز و آمیخته با نقد و تحلیل را ایجاب می کند. مؤلف در این کتاب پس از ذکر مقدماتی، سراسر تاریخ ادب عربی را به شش دوره تقسیم کرده است: عصر جاهلی، عصر خلفای راشدین و اموی، عصر عباسی در شرق، عصر عباسی در غرب، عصر مغول و ترک، و عصر نهضت. آنگاه طی هر یک از این ادوار به بررسی سبکهای جدید نظم و نثر در هر دوره، که خود بازتابی از حوادث و انقلابهای آن دوره بوده، پرداخته است.

۶ تاریخ دولت اسلامی در اندلس، محمّد عبدالله عنان

ویژگی اثر: (ترجمه)، ۱۳۶۶-۱۳۷۱؛

۷ تاریخ فلسفه در جهان اسلامی

۸ تحریر تاریخ و صاف به زبان ساده

۹ تقویم البلدان (ترجمه)

ویژگی اثر: نوشته ابوالفداء

۱۰ داوری حیوانات نزد پادشاه پریان

ویژگی اثر: (ترجمه)، ۱۳۸۳

۱۱ در تمام طول شب،

ویژگی اثر: شرح چهار شعر بلند نیمه-۱۳۸۳

- ۱۲ درباره فلسفه اسلامی
ویژگی اثر: ترجمه
- ۱۳ درباره فلسفه اسلامی
ویژگی اثر: ترجمه
- ۱۴ شرح خسرو شیرین نظامی گنجوی
- ۱۵ شرح منظومه مانلی و پانزده قطعه دیگر
ویژگی اثر: ۱۳۷۵
- ۱۶ شرح و ترجمه معلقات سبع
ویژگی اثر: ۱۳۷۱
- ۱۷ شکوه سعدی در غزل
ویژگی اثر: ۱۳۶۹
- ۱۸ شکوه قصیده
ویژگی اثر: ۱۳۶۴
- ۱۹ قرآن مجید
ویژگی اثر: (ترجمه)، ۱۳۶۷
- ۲۰ قصه باربد و بیست قصه دیگر از شاهنامه
ویژگی اثر: ۱۳۸۰
- ۲۱ کشتی شکسته (ترجمه)
ویژگی اثر: اثر تاگور
- ۲۲ گزیده شرح مقامات حمیدی
ویژگی اثر: ۱۳۸۳
- ۲۳ گزیده از نثر پارسی
- ۲۴ گزیده غزلیات سعدی
- ۲۵ گزیده و شرح خمس؟ نظامی
ویژگی اثر: ۱۳۷۳-۱۳۵۵
- ۲۶ گنجور پنج گنج
ویژگی اثر: ۱۳۷۴
- ۲۷ معجم الأدبا، یاقوت حموی
ویژگی اثر: (ترجمه)، ۱۳۸۱
- ۲۸ معلقات سبعة (ترجمه)
- ۲۹ مقالاتی در مجله راهنمای کتاب و آموزش و پرورش

منابع زندگینامه: زندگینامه: عبدالمحمد آیتی^{۳۱} سخنوران نامی معاصر ایران، سید محمد باقر برقی، جلد ۱، ص ۱۳۸

قرن: ۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

۵۳۹ یا ۵۴۰ ق، از زنان محدث دیندار و نیکو کردار. وی در ناحیه‌ی دهستان از نواحی مازندران و جرجان می‌زیست و از ابویعقوب بن یوسف بن محمد بن ابراهیم مقری دهستانی استماع حدیث کرد. سمعانی از او حدیث شنیده است. برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۱۹ / ۱.

آئینه وند، صادق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ و ادبیات اسلامی، دانشکده: علوم انسانی، دانشگاه: تربیت مدرس
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
دارای تحصیلات عالی و دکترا در رشته تاریخ و ادبیات اسلامی از دانشگاه القدیس یوسف لبنان.
مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تاریخ اسلام، تاریخ شیعه، فرهنگ و تمدن اسلامی، علوم حدیث، علوم قرآن، سیره، ادبیات عرب، علوم سیاسی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی تألیفات:

تاریخ اسلام، ادبیات سیاسی، علم‌التاریخ، تاریخ شیعه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

ادبیات، تاریخ، فقه، فرهنگ و تمدن اسلامی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی محمد شیرازی (و. شیراز ۱۲۳۵ ه.ق. / ۱۸۱۹ م. - مقت. تبریز ۱۲۶۶ ه.ق. / ۱۸۵۰ م.) ابن سید محمد رضای بزاز. پدرش در کودکی وی، وفات یافت و او تحت سرپرستی دایی خود حاج سید علی به شغل پدر مشغول شد، ولی چون مجذوب مسایل مذهبی بود، توانست عده‌ای را به سوی خود جلب کند و پس از مدتی توقف در بوشهر به شیراز بازگشت و تجارت را رها کرد و سفری به کربلا رفت و قبور ائمه را زیارت کرد و چند بار در سر درس سید کاظم رشتی حاضر شد و مورد توجه سید قرار گرفت. پس از فوت سید مورد اقبال عده‌ای از شاگردان او گردید. در سن ۲۵ سالگی (۱۲۶۰ ه.ق.). تحولی در فکر او ایجاد شد و نخست دعوی «باییت» کرد و سپس «مهدویت» کرد. در مدتی اندک ۱۸ تن به او گرویدند و آنان به حروف «حی» موسوم‌اند. بعدها دعوت او بالا گرفت و به سبب شورش‌های پیپی در مازندران، زنجان، و تبریز گروه بسیار از بایان به قتل رسیدند. به دستور میرزا تقی‌خان امیر کبیر و موافقت ناصرالدین شاه، در تبریز مجلس مباحثه‌ای بین علما و باب با حضور ولیعهد تشکیل شد (۱۲۶۳ ه.ق.) و علما حکم قتل باب دادند و او را تیرباران کردند. از آثار او از «بیان» (عربی)، «بیان» (فارسی)، «دلائل السبعه»، احسن القصص باید نام برد. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

بابا افضل کاشانی

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۶۷ ق)، حکیم، نویسنده، عارف، ادیب، شاعر، متخلص به افضل. معروف به بابا افضل. ولادت او در مرق بین اصفهان و کاشان اتفاق افتاد. بابا افضل بیشتر در زادگاه خود به اعتکاف، تدریس، تألیف، تحقیق و مباحثه روزگار می‌گذرانید. نسبت تعلیم خواجه نصیر طوسی با یک واسطه به او می‌رسد. وی مدتی از عمر خود را به علت رشک حاسدان و سخن‌چینی آنها در زندان گذرانده است که با توجه به گفته‌های صفا حبس وی سخت مورد تردید است شیوه نثر بابا افضل بسیار پخته و به اصول متقدمان نزدیک است. در رسالات خود کوشیده لغات فارسی را به جای اصطلاحات عربی قرار دهد. وی چند رساله در تصوف و سلوک و حکمت به زبان فارسی دارد با متنی بسیار فصیح. مجموع رسائل وی تحت عنوان «مصنفات بابا افضل» نشر یافته است، این رسایل بیانگر اندیشه‌های حکمی و تفکرانی است که بر نویسنده دست می‌داده است و همچنین بیان‌کننده مواعظ و حکم و حقایق عرفانی است. مدفن وی در مرق کاشان است. تاریخ وفات وی را به اختلاف ۷۰۷، ۶۰۶ و ۶۶۴ ق نوشته‌اند که صحیحتر آن همان است که در بالا ذکر شد. آثار بسیاری از وی به جا مانده است، از آن جمله‌اند: «المفید للمتسفید»؛ ترجمه‌ی «رساله‌ی نفس» ارسطو؛ «جاودان نامه» یا «جاویدنامه»؛ «ره‌انجام نامه»؛ یا «آغاز و انجام»؛ «انشاء نامه»؛ «مدارج الکمال»؛ «ساز و پیرایه شاهان پرمایه»؛ «منهاج المبین»؛ «عرض نامه»؛ «مبادی موجودات نفسانی»؛ «مکتوبات»؛ «رباعیات»؛ «رساله در منطق»؛ ترجمه‌ی «رساله تفاحه»، ارسطو. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۸۷- ۱۱۸۲، ۴۳۴- ۴۲۶، ۲۵۲- ۲۵۰ / ۳)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۴۵۹- ۴۵۱) تاریخ کاشان (۵۶۳- ۵۶۲، ۴۳۹)، حبسیه در ادب فارسی (۱۲۳- ۱۲۲)، دایرةالمعارف فارسی (۳۵۷/۱)، الذریعه (۱۱۶/۹)، رباعی و رباعی‌سرایان (۲۱۵، ۲۱۲، ۱۹۲)، ریاض العارفین (۱۶۴)، ریحانه (۲۱۳- ۲۱۲ / ۱)، سبک‌شناسی (۱۶۵- ۱۶۲ / ۳)، طبقات اعلام

الشیعه (قرن ۲۰/۷)، فرهنگ ادبیات فارسی (۶۳-۶۲)، فرهنگ سخنوران (۷۶)، کشف الظنون (۱۶۴۰، ۵۷۸)، لغت‌نامه (ذیل/ بابا افضل کاشانی) مؤلفین کتب چاپی (۳۹۵-۳۹۳/۵) مجمع الفصحا (۲۵۹-۲۵۵/۱)، مخزن الغرائب (۷۷/۱)، هفت اقلیم (۴۵۲-۴۴۹/۲)، یغما (س ۴، ش ۹، ص ۴۱۷-۴۱۴).

بابا نعمت الله نخجوانی

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۲۰ ق)، صوفی و مفسر حنفی. معروف به شیخ علوان. وی اهل نخجوان بود و در اواخر عمر به سرزمین عثمانی رفت و در آق شهر ساکن شد، به همین جهت به علوان آق شهری نیز معروف شد. او از عرفای طریقت نقشبندیه بود و در آق شهر درگذشت. آثار وی عبارتند از: «فواتح الالهیه و مفاتح الغیبیه الموضحة للكلم القرآنیة و الحکم الفرقانیة»، در تفسیر، که در سال ۹۰۲ ق به پایان رسیده است؛ حاشیه بر «انوار التنزیل و اسرار التأویل»؛ شرح بر «گلشن راز»، به فارسی؛ «هدیه الاخوان»، در تصوف. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۲/۹)، تاریخ نظم و نثر (۲۸۲)، ریحانه (۲۱۷/۱)، کشف الظنون (۲۰۲۸، ۱۲۹۲، ۱۸۹)، لغت‌نامه (ذیل/ بابا نعمه الله)، معجم المؤلفین (۱۱۱/۱۳)، هدیه العارفین (۴۹۷/۲).

باباپور، محمد مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد مهدی باباپور

محل تولد: قائم شهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد مهدی باباپور متولد ۱۳۴۳ در روستای گل افشان از توابع قائمشهر (مازندران) به دنیا آمدم تحصیلات ابتدایی را در همان روستا و دوران راهنمایی و دبیرستان را در رشته علوم تجربی در همان شهرستان به اتمام رساندم. پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه تهران شدم و پس از دو سال یعنی سال ۶۵ وارد حوزه علمیه قم شدم. پس از ۸ سال دروس سطوح حوزه را اتمام کردم و به مدت ده سال در خارج فقه و تفسیر علوم آیت الله جوادی آملی و دو سال در جامع اصول آیت الله صالحی مازندرانی کسب فیض نمودم. در کنار تحصیل حوزوی از سال ۶۸ تحصیلات دانشگاهی را آغاز نمودم. کارشناسی علوم سیاسی را در دانشگاه باقرالعلوم قم و کارشناسی ارشد علوم سیاسی را در دانشگاه شهید بهشتی تهران و دکتری علوم سیاسی در دانشگاه تهران گذراندم و هم‌اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی می‌باشم. در کنار تحصیل دروس حوزوی و دانشگاهی تدریس در حوزه و دانشگاه را به

مدت ۱۵ سال طی نمودم. در مرکز جهانی علوم اسلامی و جامعه الزهراء درس‌های مختلفی را ارائه نمودم. در زمینه فعالیت‌های تحقیقاتی و پژوهشی نیز پنج جلد کتاب چاپ گردیده و دو جلد آماده چاپ می‌باشد. و ده‌ها مقالات علمی و راهنمایی و مشاوره ۲۰ پایان نامه در سطح کارشناسی ارشد حوزه را نیز برعهده داشتم.

بابازاده، علی اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اکبر بابازاده

محل تولد: آذرشهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

این حقیر تا پایان ششم ابتدایی در مدرسه علوی آذر شهر تحصیل داشتم. همه ساله شاگرد اول، در پایان کلاس ششم در منطقه در امتحان نهایی ممتاز شدم. یک سال در مدرسه طالبیه تبریز تا پایان سیوطی و جامی تحصیل کرده سپس در قم به تحصیل پرداختم. سطح را در ۷ سال به پایان رسانده و در سال ۱۳۵۱ در امتحانات خارج حوزه قبول شدم و از مدرسین و مراجع فعلی حوزه تلمذ نموده و بیش از ۲۰ سال دوره خارج دیده‌ام و به طور کتبی تاییدیه دارم. از تمام مراجع تقلید و شخص مقام رهبری در امور حسبی و کالت و نمایندگی دارم. در موسسه بسیار وزین علمی (دار التبلیغ سابق) که همچون علامه طباطبایی، آیت الله مکارم، آیت الله سبحانی، شهید مطهری، آیت الله شبیری و سایر رجال علمی و سیاسی از اساتید آنجا بودند، شش سال دوره عادی سپس دو سال دوره تخصصی و عالی را به پایان رسانده و پیوسته جزو دانشجویان ممتاز بودم. در این میان از من درخواست شد که برای ادامه تحصیل و به عنوان مبادله دانشجو به آمریکا بروم که به جهت عائله مندی نپذیرفتم. مدت یک سال و اندکی مدیریت مرکز تحقیقات و تالیفات موسسه امام صادق علیه السلام را به عهده داشتم که خود استعفا دادم. چهار سال در سازمان امور اداری استخدامی کشور در شعبه تحقیقاتی قم عضو ارشد و فعال پژوهشی و نگارشی بودم و چند اثر توسط حقیر نگارش شده از جمله (ولایت فقیه) که کتاب درسی برای موسسات و وزارتخانه‌ها می‌باشد. تا به حال ۲۸ جلد کتاب چاپ شده و تعدادی مقالات چاپ شده تقدیم داشته‌ام. در این میان کتاب (تحلیل سیره فاطمه زهرا سلام الله علیها) و اخیرا کتاب (سیری در سیره فاطمه زهرا «س» (رسما از طرف شورای مدیریت حوزه به عنوان کتاب درسی حوزه‌های بانوان سراسر کشور می‌باشد از مجموع کتاب‌هایم تا به حال سه عنوان کتاب‌های برتر و برگزیده حوزه علمیه انتخاب شده و مورد تقدیر مراجع بزرگ و گاهی تشویق و مقدمه آنان قرار گرفته‌ام. به ویژه از سوی رهبر معظم انقلاب مورد تفقد واقع شده (هم نماینده ایشان تلفنی از برخی نوشته‌هایم تقدیر داشتند و هم رئیس بیت قم و معاونت فرهنگی معظم له جناب آقای مروی به همراه دیگران برای تفقد و تشویق و ابلاغ سلام و پیام به منزل آمدند). در حوزه علمیه از طرف شورای مدیریت و مدارج علمی حوزه در جایگاه استاد راهنما و استاد مشاور در خدمت فضلاء و دانشمندان حوزه در نگارش رسائل علمی و پایان نامه انجام وظیفه می‌کنم. در ضمن از اعضای نخستین نخبگان حوزه می‌باشم. مقاطع کوتاهی در دانشکده سپاه قم در رشته (حقوق) و (احکام و فقه) برای مدیران سپاه تدریس داشتم که به جهت مسافرت‌های زیادی که دارم ادامه ندادم.

در حوزه علمیه در سال‌های آغازین درسم به تدریس حاشیه و معالم می‌پرداختم که سپس به جهت اشتغال زیاد در محورهای مختلف تحصیلی از ادامه آن خودداری نمودم. ناگفته نماند که دروس متوسطه را به طور متفرقه به پایان رساندم و حتی یک ساعت در کلاس نبوده‌ام. بنده در مسیر تحصیل و تعلیم روزانه ۱۶ ساعت مشغول کسب علم بودم. نظم، اخلاص، انگیزه، پشتکاری و ... از ابراز موفقیت من بودند. از خداوند متعال می‌خواهم با نیت خالصانه در مسیر اهل بیت نگه داشته و عاقبت بخیری را روزی من گرداند و السلام علیکم و رحمه الله

بابایی، اصغر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اصغر بابایی ساخمرسی

محل تولد: ساخمرس ساری

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب اصغر بابایی ساخمرسی ساکن استان مازندران، شهرستان نکاء، روستای مرس کوچک، تحصیلات دوران ابتدایی را در روستای مرس کوچک یا محل تولد پشت سر گذاشته‌ام. و تحصیلات دوران راهنمایی و دوران متوسطه را در شهرستان نکاء به پایان رسانده‌ام و در رشته‌ی فرهنگ و ادب موفق به اخذ دیپلم شده‌ام. در سال تحصیلی ۱۳۶۴-۱۳۶۳ وارد حوزه شده‌ام و در حوزه‌ی امام صادق (ع) شهرستان نکاء مشغول تحصیل علوم دینی شده‌ام. در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه امام خمینی (ره) گرگان شدم و تا سال ۱۳۷۱ در آن حوزه مشغول تحصیل بوده‌ام و از آن تاریخ به بعد وارد حوزه علمیه قم مقدس شده‌ام و تاکنون مشغول تحصیل علوم حوزوی بوده‌ام.

در ضمن در سال ۱۳۷۳ از طریق کنکور وارد دانشگاه شده‌ام و در رشته‌ی حقوق، در دانشگاه مفید قم موفق به اخذ مدرک لیسانس شده‌ام و پس از آن در رشته‌ی مهارت‌های تبلیغ نیز زیر نظر دفتر تبلیغات، رشته‌ی تخصصی تبلیغ و شیوه‌های کلاس داری و علوم تربیتی را در ۵۶ واحد درس پشت سر گذاشته‌ام. در راستای علوم حوزوی نیز تا پایه‌ی دهم امتحانات کتبی و شفاهی را به پایان برده و با نوشتن پایان‌نامه‌ی سطح ۳ حوزه و دفاع از آن، حدود هشت سال شرکت در درس خارج و هفت نوبت مصاحبه‌ی درس خارج، اصول و فقه.

بابایی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ علی بابایی

محل تولد: پلدختر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۴/۸/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۱۴ در خلیل اکبر (یکی از روستاهای پل دختر) متولد شدم، تحصیلات ابتدائی را در پلدختر گذراندم. در سال ۱۳۳۳ وارد حوزه علمیه خرم آباد شدم و از سال ۱۳۳۳ تا ۱۳۴۲ در آنجا بودم و از محضر آیت الله کمالوند بهره بردم و از سال ۱۳۴۲ به قم مهاجرت نمودم و در محضر اساتید آنجا به کسب علوم دینیه پرداختم و ضمن تحصیل بنا به فرموده حضرت امام ره و سایر علمای اعلام به مبارزه با رژیم شاه پرداختم و بیش از ۱۶ سال با رژیم مبارزه کردیم و در جنگ فیضیه شرکت داشته ام و ضرباتی به فک و کتف اینجانب وارد شد که هنوز هم آثار آن موجود است و بعد از پیروزی انقلاب همان مسئولیت هایی را که ذکر کردیم عهده دار بوده ام و نسبت به انقلاب و دستورات رهبر کبیر انقلاب هیچ گونه مسامحه و کوتاهی تاکنون نداشته ام و هم اکنون مسئول حوزه علمیه امام صادق که موسس آن خودم بوده ام می باشم. این حوزه تعداد ۵۰ نفر طلبه برادر و ۴۰ نفر خواهر دارد. و فعالیت آنها بسیار خوب می باشد.

بابایی، علی اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اکبر بابایی

محل تولد: اراک

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

این جانب علی اکبر بابایی متولد ۱۳۳۳ در اراک پس از آموختن قرآن و برخی کتاب های مذهبی در مکتب خانه و تحصیلات ابتدایی در مدارس دولتی و دروس مقدماتی حوزه مانند صرف و نحو در حوزه علمیه اراک در سال ۱۳۵۳ ه.ش وارد حوزه علمیه قم شدم و تا سال ۱۳۵۹ ه.ش سایر دروس مقدماتی و سطوح عالی حوزوی را فرا گرفتم و در سال ۱۳۶۰ به دروس خارج اصول و فقه راه یافتم، مدت کوتاهی از درس خارج اصول آیت الله مکارم و خارج فقه آیت الله تبریزی استفاده کردم ولی عمده تحصیلات خارج فقه و اصول این جانب از درس های خارج فقه و اصول آیت الله وحید خراسانی بوده است حدود ۱۲ سال در درس خارج اصول و حدود ۲ سال در درس خارج فقه معظم له شرکت کرده ام همزمان با تحصیلات خارج فقه اصول در برنامه های درسی مؤسسه در راه حق و پس از اتمام دوره عمومی تحقیقات خود را در رشته تخصصی تفسیر علوم قرآنی در این مؤسسه آغاز کردم و

تا سال ۱۳۷۳ ادامه یافت از سال ۱۳۷۳ تا کنون در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که قبلاً دفتر حوزه و دانشگاه نامیده می‌شد به پژوهش در موضوع مباحث علوم قرآنی با گرایش منطق فهم قرآن اشتغال داشته‌ام و نتیجه آن تألیف کتاب‌های: روش شناسی تفسیر قرآن. مکاتب تفسیری ج ۱ و ۲ تاریخ تفسیر قرآن بوده است.

بابکی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد بابکی

محل تولد: دماوند

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۳ پس از اتمام مقطع سیکل وارد حوزه علمیه قم شدم و به فراگیری علوم حوزوی روی آوردم؛ از آن تاریخ تاکنون در حوزه به درس و بحث و مطالعه، تحقیق و تدریس اشتغال دارم. جز ایام تبلیغی و مانند آن از اشتغالات علمی سرباز نزد، تحصیلات مقدماتی و سطح را تا سال ۱۳۶۵ ادامه دادم و از سال ۱۳۶۶ به درس‌های خارج فقه و اصول راه یافتم و از محضر بزرگانی چون حضرات آیات نجفی مرعشی، تبریزی، فاضل لنکرانی، وحید خراسانی، مکارم شیرازی، کوکبی، انصاری شیرازی، مصباح یزدی، جوادی آملی و حسن زاده آملی استفاده بردم و هم اکنون به تدریس سطوح عالی حوزه و تحقیق در عرصه‌های مختلف فقهی اشتغال دارم

بابویه

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ منتجب‌الدین در فهرستش گوید: وی مردی فقیه و صالح و مقری بوده، نزد شیخ بزرگوار ما شمس‌الاسلام حسن بن حسین بن بابویه قرائت نموده او را کتابی است در اصول و فروع که آن را «صراط‌المستقیم» نامیده و من آن کتاب را بر او قرائت نمودم. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

بابوردی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق.

تولد: ۱۲۸۷، اهر.

درگذشت: ۸ اسفند ۱۳۶۶، تهران.

حسین بایوردی پس از طی دوره‌ی تحصیلات ابتدایی به عنوان اولین سرباز وظیفه‌ی قراچه‌داغ در سال ۱۳۰۷ خدمت نظام را در تبریز آغاز کرد و به تدریج مدارج مختلف خدمت از سربازی تا سرهنگی را گذراند و در سال ۱۳۳۷ بازنشسته شد. مقاله‌های او در مجلات «بررسیهای تاریخی»، «وحید»، «یغما»، «ارتش» و «ژاندارمری» منتشر شده و از تألیفات او تاریخ ارسباران (۱۳۴۱) و تاریخ پناهندگان ایران به چاپ رسیده است. تاریخ ارسباران حاوی تاریخچه‌ی خانواده‌ی بایوردی و قرآینی مربوط به آنها از سال ۹۰۰ ق. تا عصر حاضر است. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

باجفلی، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: رادیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

باخرزی، ابوالحسن، ابوالقاسم علی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۶۷ ق)، ادیب، شاعر و فقیه شافعی. مشهور به رییس علی حسن خان و ملقب به تاج الرؤسا. در باخرز و نیشابور به فراگیری علم پرداخت و سفری دور و دراز به شهرهای ایران و عراق کرد. وی در جوانی کاتب طغرل بیگ و شاگرد شیخ ابومحمد جوینی بود. اما به میل خود از دربار بیرون رفت و در سلک عارفان درآمد. وی در مجلس شادخواری به دست والی باخرز کشته شد. باخرزی به زبان فارسی و عربی «دیوان» شعر داشته که «دیوان» فارسی او از میان رفته است و همچنین در شعر فارسی مجموعه‌ی رباعیاتی به نام «طرب خانه» داشته که ظاهراً آن هم در میان نیست. از شعر فارسی او جز یک قصیده و چند قطعه چیز دیگری در دست نیست. از دیگر آثار او کتاب «دمیة القصر و عمره اهل العصر» که از کتابهای معروف ادبیات عرب و ذیلی است بر «یتیمه الدهر» ثعالبی. گویند علی بن زید بیهقی بر آن ذیلی تحت عنوان «وشاح الدمیة» نوشته است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۸۱/۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۳۸-۱۰۳۷/۲)، تاریخ نظم و نثر (۵۳-۵۲)، دایرةالمعارف فارسی (۳۶۲/۱)، الذریعه (۱۱۸/۹)، رباعی و رباعی سرایان (۱۰۷-۱۰۶) ریحانه (۲۱۹-۲۱۸/۱)، سیر النبلاء (۳۶۴-۳۶۳/۱۸)، فرهنگ

ادبیات فارسی (۸۳-۸۲)، فرهنگ سخنوران (۴۰۱)، کشف الظنون (۲۰۴۹، ۱۱۰۳، ۷۷۸، ۷۶۱)، الکنی و الالقاب (۶۳/۲)، لغت‌نامه (ذیل / باخرزی)، معجم الادباء (۴۸-۳۳ / ۱۳)، معجم البلدان (۳۷۶/۱)، معجم المؤلفین (۶۵/۷)، وفيات الاعیان (۳۸۹-۳۸۷ / ۳)، هدیة العارفین (۶۹۲/۱).

باخرزی، ابونصر احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۳۵ ق)، ادیب. به قول صاحب «دمیة القصر» وی از بزرگان و مفاخر باخرز و دارای شعرى دقیق و روان بود. مدتی نیز وزیر امیر بیغو حسن بن موسی در خراسان بود. بالاخره در قریه‌ی بنداشیر به قتل رسید. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: الاعلام (۱۱۲/۱).

باخرزی، اسماعیل

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، نویسنده و لغوی. وی مؤلف کتاب «خلاصه اللغات و تفسیر المشکلات»، در لغت عربی به فارسی است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۸۱۴).

باخرزی، سیف‌الدین، ابوالعالی سعید

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۵۹-۶۲۹ ق)، فقیه، شاعر، صوفی. ملقب به شیخ الاسلام. وی را از مشایخ صوفیه و مریدان و اصحاب عارف مشهور، نجم‌الدین کبری، (۶۱۸-۵۴۰ ق) دانسته و گفته‌اند که نجم‌الدین او را بعد از اعطاء خرقة به بخارا فرستاد. باخرزی در بخارا زیست و طریقه کبرویه را نشر داد و در همان جا وفات یافت. وی با عده‌ای از اصحاب شیخ نجم‌الدین مانند: شیخ مجدالدین بغدادی، فریدالدین عطار و شیخ سعدالدین حمویه و نجم‌الدین ابوبکر عبدالله بن محمد، معروف به دایه و رضی‌الدین علی لالای غزنوی معاصر بوده. سیف‌الدین در نظم و نثر صاحب اثر است و «دیوان» شعر دارد. پاره‌ای از رباعیات وی ضمن مجموعه رباعیات ابوسعید ابوالخیر در تهران به چاپ رسیده است. از وی رساله‌ای به فارسی در معنی عشق و اشعار متوسطی بازمانده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اوراد الاحباب (۳۰۳-۳۰۰ و صفحات دیگر)، تاریخ ادبیات در ایران (۸۵۸-۸۵۶ / ۲)، تاریخ گزیده، (۶۷۲-۶۷۱)،

حبيب السیر (۶۱/۳)، دنباله جستجو در تصوف (۱۱۲-۱۰۸)، الذریعه (۴۸۶-۴۸۵/۹)، رباعی و رباعی‌سرایان (۱۵۵-۱۵۴)، سفرنامه‌ی ابن بطوطه (۴۴۶-۴۴۵/۱)، فرهنگ سخنوران (۴۸۱)، لغت‌نامه (ذیل-باخرزی)، مجمل فصیحی (ذیل/ سالهای ۶۵۸، ۵۷۶)، نفحات الانس (۴۳۴-۴۳۳)، هفت اقلیم (۱۶۶-۱۶۵/۲).

بادکوبه‌ای، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۸-۱۲۹۳ ق)، فقیه، فیلسوف و دانشمند. وی نوه‌ی سید موسی حسینی لاهیجی بود و در قریه‌ی خوددلان بادکوبه متولد شد. سید حسین مقدمات و ادبیات را نزد پدرش آموخت و پس از فوت پدر به تهران آمد و در مدرسه‌ی صدر اقامت کرد و در مجلس درس ابوالحسن جلوه، فیلسوف مشهور شرکت جست و ریاضی و فلسفه را از وی و میرزا هاشم اشکوری آموخت. او بعد از هفت سال تحصیل به نجف رفت و در کلاس درس آخوند خراسانی شرکت کرد و فقه را از حوزه‌ی آیت الله آقا شیخ محمد حسن مامقانی فرا گرفت. وی تا آخر عمر نیز در نجف به تدریس پرداخت و در همان جا درگذشت و در جوار مرقد حضرت امیرالمؤمنین (ع) به خاک سپرده شد. فرزندش سید محمد بادکوبه‌ای از علمای بزرگ شمال و مقیم در غازیان بندر انزلی و مروج مذهب در آن ناحیه بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۹/۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۲۷/۳).

بادکوبه‌ای، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقا سید محمد بادکوبه‌ای فرزند علامه‌العلام والحکیم القمقام آیه‌الله آقای آقا سید حسین بادکوبه‌ای بن العالم الجلیل السید رضا بن السید موسی الحسینی الباد کوبه‌ای اللاهیجی از علماء اعلام معاصر شمال و مقیم در غازیان بندر پهلوی میباشد. معظم‌له در خاندان فضیلت متولد و تربیت یافته و از مرحوم والد مذکورش و آیات و مراجع دیگر استفاده نموده آنگاه بایران مراجعت و در غازیان رحل اقامت افکنده و اکنون بیش از بیست سال است که در آن ناحیه باقامه جماعت و ترویج دینی اشتغال دارد.

والد ماجدش مرحوم آیه‌الله آقا سید حسین بادکوبه‌ای در قریه (خود دلان) از قرای بادکوبه در سال ۱۲۹۳ ق متولد شده و در نزد والد عالمش تربیت یافته و مقدمات و ادبیات را فرا گرفته و پس از فوت والدش مهاجرت بطهران و در مدرسه صدر اقامت نموده و ریاضیات و فلسفه را از فیلسوف بزرگ مرحوم آقا سید ابوالحسن جلوه و میرزا هاشم اشکوری فرا گرفته و کلام را از اساتید این علم در مدت هفت سال با جدیت تمام فرا گرفته آنگاه مسافرت بنجف کرده و در درس آیه‌الله العظمی آقای آخوند خراسانی در اوائل تألیف کفایه‌اش حاضر شده و فقه را از محضر آیه‌الله آقا شیخ محمد حسن مامقانی استفاده نموده و در علم و حکمت مشار بالبنان گشته و جماعت بسیاری از فضلاء گردش جمع شده و از تحقیقات و نظریاتش استفاده مینمودند تا آنکه در شب ۲۸ شوال المکرم

۱۳۵۸ ق در حمام حضرتی نجف وفات نموده و در جوار جد گرامش حضرت علی علیه‌السلام مدفون گردیدند. معظم‌له دارای چهار فرزند عالم و دانشمند میباشند که اسامی آنها را مینگارم: ۱- آیه‌الله آقا سید محمد مذکور ۲- آیه‌الله آقا سید حسن ساکن نجف ۳- آقا سید احمد علیل ۴- آیه‌الله آقا سید محمد باقر مقیم آبادان. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بارانی، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا بارانی

محل تولد: سیرجان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

زندگینامه علمی محمدرضا بارانی

وی در سال ۱۳۴۴ در شهرستان سیرجان به دنیا آمد و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در سال ۱۳۶۳ شمسی مدرک دیپلم را دریافت نمود. او همچنین در زمان جنگ تحمیلی عراق بر ضد جمهوری اسلامی ایران، به همراه هم‌زمان خود حدود یک سال در جبهه‌های جنگ و دفاع مقدس نیز حضور داشته است.

الف - تحصیلات حوزوی:

ایشان در سال ۶۳ پس از اخذ دیپلم به شهر مقدس قم آمده و وارد حوزه علمیه قم شده و به تحصیلات حوزوی پرداخت که شرح آن در زیر می‌آید:

۱. دروس دوره آغازین حوزه مانند جامع المقدمات، المغنی، سیوطی، مختصر المعانی و برخی دورس جنبی را در مدرسه حقانی گذراند.

۲. دروس سطح را نزد اساتیدی چون حجج اسلام؛ سید محمد سعیدی، سید احمد خاتمی، سید هاشم حسینی بوشهری، مدرسی یزدی، پایانی، اعتمادی، آیت‌الله استادی، آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی، آیت‌الله محفوظی و آیت‌الله سبحانی به پایان رساند.

۳. دروس خارج فقه و اصول را نزد آیات عظام؛ فاضل لنکرانی، سبحانی، خاتم یزدی، جوادی آملی و وحید خراسانی گذرانده است.

ب- تحصیلات دانشگاهی:

ایشان هم‌زمان با تحصیلات حوزوی به تحصیلات دانشگاهی و کلاسیک روی آورد و مراحل زیر را پیموده است.

۱. کارشناسی «الهیات و معارف اسلامی» را در سال ۱۳۷۳ شمسی دریافت نمود.

۲. کارشناسی ارشد «تاریخ» را در سال ۱۳۷۹ با عنوان پایان‌نامه «شیعه در ایران عصر ایلخانان» به پایان رساند.

۳. دکتری Ph.D «تاریخ اسلام»؛ سال ۱۳۸۱ در دانشگاه اصفهان به عنوان دانشجوی دکتری تاریخ اسلام پذیرفته شد و در سال

۱۳۸۶ از پایان‌نامه دکتری با موضوع «بررسی تاریخی تعامل فکری و سیاسی امامیه با فرقه‌های معتزله، اشاعره و حنابله در عصر آل بویه در بغداد» دفاع کرده است. ج - مسئولیت‌های علمی:

۱. عضو هیئت علمی جامعه المصطفی‌العالمیه از ۱۳۸۲ تاکنون

۲. مسئول انجمن تاریخ پژوهان از ۱۳۸۰ تاکنون که یکی از انجمن‌های علمی حوزه می باشد.

۳. مسئول انجمن علمی ایرانی تاریخ اسلام از سال ۱۳۸۷ تاکنون که از انجمن‌های علمی وزارت علوم است.

۴. مدیر گروه تاریخ جامعه الزهراء (س) از سال ۱۳۸۶ تاکنون

۵. مسئول دبیرخانه انجمن‌های علمی حوزه از ۱۳۸۱ تا پایان ۱۳۸۶

۶. عضو هیئت تحریریه فصل نامه علمی تخصصی «نامه تاریخ پژوهان» وابسته به انجمن تاریخ-پژوهان

۷. عضو هیئت تحریریه فصل نامه تخصصی «سخن تاریخ» وابسته به گروه تاریخ مدرسه عالی امام ره

۸. مدیر گروه تاریخ جشنواره کتاب سال حوزه از ۱۳۸۲ تاکنون

۹. مدیر مسئول فصلنامه تخصصی «نامه تاریخ پژوهان» از سال ۱۳۸۲ تاکنون

۱۰. سردبیر فصلنامه دانشجویی «سخن تاریخ» از سال ۱۳۸۵ تاکنون

۱۱. مسئول کمیسیون تاریخ اسلام مرکز جهانی علوم اسلامی از ۱۳۸۳ تاکنون

۱۲. عضو هیئت موسس انجمن تاریخ پژوهان از انجمن‌های علمی حوزه

۱۳. عضو هیئت موسس انجمن علمی ایرانی تاریخ اسلام از انجمن‌های علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

۱۴. عضو شورای علمی مرکز تخصصی تاریخ حوزه از ۱۳۸۲ تا مهر ۱۳۸۵

۱۵. عضو شورای گروه سیره پژوهشکده تاریخ و سیره دفتر تبلیغات از ۱۳۸۱ تا آذر ۸۴

۱۶. عضو شورای پژوهشی گروه تاریخ جامعه الزهراء از تابستان ۱۳۸۵ تاکنون

۱۷. مسئول علمی نخستین «همایش بین المللی تشیع و خاورشناسان» در سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۵

۱۸. دبیر علمی همایش «نکوداشت استاد علی دوانی» در سال ۱۳۸۶.

۱۹. عضو شورای علمی «همایش بین المللی پیامبر اعظم (ص)» در دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۸۵

۲۰. عضو شورای علمی همایش سراسری «قرآن و تاریخ» دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۸۵

۲۱. دبیر گروه تاریخ مدرسه عالی امام خمینی (ره) در سال ۱۳۸۱

۲۲. مسئول علمی دومین «همایش بین المللی تشیع و خاورشناسان» در سال ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ - تدریس

ایشان در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد تدریس داشته اند که به قرار ذیل است.

(۱) تدریس درس مختلف تاریخ مانند؛ تاریخ پیامبر(ص)، تاریخ ائمه (ع)، تاریخ عباسیان، تاریخ امپراطوری عثمانی، تاریخ اسلام در مصر و شام، تاریخ اسلام در مغرب و اندلس، تاریخ نگاری در اسلام، تاریخ اسلام و خاورشناسان و تشیع در آثار خاورشناسان در مدرسه عالی امام خمینی(ره) وابسته به جامعه المصطفی‌العالمیه از سال ۱۳۷۹ تاکنون.

(۲) تدریس درس تاریخی مانند؛ تاریخ عباسیان، تاریخ عثمانی، تشیع در آثار خاورشناسان و تاریخ اسلام در مغرب و اندلس در دانشگاه اهل بیت(ع) در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶.

(۳) تدریس درس تاریخی مانند؛ تاریخ امویان، تاریخ عباسیان، تاریخ عثمانی، تشیع در آثار خاورشناسان و تاریخ اسلام و خاورشناسان در مرکز آموزش‌های اسلامی وابسته به حوزه - گروه تخصصی تاریخ در سال‌های ۱۳۸۲ تاکنون

(۴) تدریس درس تاریخ اسلام و خاورشناسان در مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی در سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵.

- ۵) تدریس دروس تاریخی تاریخ عثمانی و تشیع در آثار خاورشناسان در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در سال ۱۳۸۵.
- ۶) تدریس درس تشیع در آثار خاورشناسان در دانشگاه پیام نور قم در سال ۱۳۸۷. هـ پژوهش های منتشر شده:
۱. «گرایش ایرانیان به تشیع در قرن هفتم هجری»؛ منتشره در فروردین ۱۳۸۰ در نشریه تخصصی معرفت شماره ۴۰.
 ۲. «نقد و بررسی گرایش ایلخانان به اسلام و تشیع»؛ منتشره در نشریه تخصصی تاریخ در آینه پژوهش شماره اول پاییز ۱۳۸۱.
 ۳. «معرفی و نقد سفرنامه ابن فضلان» منتشره در نشریه تخصصی تاریخ در آینه پژوهش شماره پنجم فروردین ۱۳۸۳.
 ۴. «اختلاف روایات و راهکارهای حل آن» منتشره در مجموعه مقالات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در سال ۱۳۸۰.
 ۵. «زندگینامه علمی فرهنگی امام هادی(ع)» در مجموعه مقالات دفتر تبلیغات اسلامی ۱۳۸۴.
 ۶. «دین حنیف، ماهیتی مستقل یا روح ادیان الهی» منتشره در نشریه تخصصی مذاهب و فرق اسلامی «طلوع» پاییز ۱۳۸۴.
 ۷. «جامعه شناختی نهاد حکومت پیامبر(ص)» منتشره در مجموعه مقالات همایش بین المللی پیامبر اعظم (ص) دانشگاه اصفهان پاییز ۱۳۸۵.
۸. «احناف» در دائرة المعارف قرآن در دائره المعارف قرآن وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی سال ۱۳۸۶.
 ۹. «التأثیر الفکری المتبادل بین الامامیه و المعتزله فی عصر البویهین» که مجوز انتشار آن از نشریه بین المللی علوم انسانی در تاریخ ۴/۷/۱۳۸۶ دریافت شده است.
 ۱۰. بررسی و تحلیل تعامل فکری سیاسی امامیه با اشاعره در بغداد دوره آل بویه (سده‌های چهارم و پنجم هجری) انتشار در نشریه شیعه شناسی وابسته به موسسه شیعه شناسی، ۱۳۸۷.
 ۱۱. مدخل بسر بن سفیان در دائره المعارف قرآن انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه و - پژوهش های آماده نشر:
- الف) مقالات
۱. امام هادی (ع) و علم و دانش
 ۲. تأثیر حمله مغول بر جغرافیای انسانی ایران
 ۳. تأثیر حدیث نگاری بر تاریخ نگاری
 ۴. سیر تاریخی اندیشه ولایت فقیه
 ۵. تبیین تاریخی (تألیف و ترجمه قسمتی از کتاب استنفورد)
 ۶. حرکت و پویایی در تاریخ (تألیف و ترجمه قسمتی از کتاب استنفورد)
 ۷. سبب در تاریخ (تألیف و ترجمه قسمتی از کتاب استنفورد)
 ۸. تاریخ‌نگاری قرن‌های ۴ تا ۶ هجری
 ۹. نقش مروان بن حکم در صدر اسلام
 ۱۰. بررسی تاریخی حادثه انذار عشیره
 ۱۱. رویکرد امامیه و حنابله درباره باورهای کلامی در بغداد دوره آل بویه
 ۱۲. دیدگاه امامیه و اشاعره در باره دانش ها
 ۱۳. دیدگاه امامیه و حنابله درباره دانش ها
 ۱۴. دیدگاه امامیه و معتزله درباره دانش ها
 ۱۵. رویکرد حنابله در رقابت با دیگر فرقه های

۱۶. همگرایی و واگرایی حنابله با دیگر فرقه های
۱۷. فرایند اقتداریابی اشاعره در دوره آل بویه
۱۸. فرایند تعامل و تقابل سیاسی امامیه و معتزله
۱۹. فرایند تعامل و تقابل فکری امامیه و اشاعره
۲۰. فرایند تعامل و تقابل فکری امامیه و معتزله
۲۱. مصلحت اندیشی سیاسی و مذهبی آل بویه
۲۲. معتزله در فرایند اقتدار سیاسی و فکری ب) کتاب ها
۱. بررسی تاریخی تعامل فکری و سیاسی امامیه با فرقه‌های معتزله، اشاعره و حنابله در عصر آل بویه در بغداد (رساله دکتری که تا چند ماه آینده منتشر خواهد شد).
۲. تشیع در ایران عصر ایلخانان؛ (پایان نامه کارشناسی ارشد است که در حال آماده سازی برای انتشار است).
۳. تاریخ امپراطوری عثمانی (کتاب درسی)؛ در حال انجام است.
۴. تشیع در آثار خاورشناسان (کتاب درسی)؛ در حال انجام است. ز- سخنرانی علمی و شرکت در همایش ها و میزگردها
۱. ارایه مقاله در همایش «بررسی کتاب الصحیح من سیره النبی الاعظم (ص)» توسط پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در سال ۱۳۷۹.
۲. ارایه مقاله در «همایش بین المللی پیامبر اعظم (ص)» در دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۸۵.
۳. شرکت در میزگرد «امام رضا (ع) و گروه های دوران شیعی» در انجمن پژوهان در سال ۱۳۸۵.
۴. شرکت در میزگرد «باز کاوی اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر امام رضا (ع)» در انجمن تاریخ پژوهان در سال ۱۳۸۵.
۵. شرکت در میزگرد «تولید علم در تاریخ» توسط انجمن تاریخ پژوهان و نهضت نرم افزاری در سال ۱۳۸۳.
۶. شرکت در میزگرد «نقد نظریه از امامیه تا اثنی عشریه» که این نظریه از سوی خاورشناس مشهور اتان کلبرگ مطرح شده است و جلسه نقد این نظریه که توسط نهضت نرم افزاری و انجمن تاریخ پژوهان در سال ۱۳۸۵ برگزار گردید.
۷. شرکت در میزگرد نقد کتاب «موسوعه التاريخ الاسلامی» نوشته استاد یوسفی غروی که توسط انجمن تاریخ پژوهان و دبیرخانه کتاب سال حوزه در ۲ اسفند ۱۳۸۶ برگزار شد.
۸. سخنرانی علمی در همایش تولید علم با عنوان «جایگاه مطالعات تاریخی در حوزه» در سال ۱۳۸۳.
۹. سخنرانی علمی در انجمن معلمان تاریخ استان قم با عنوان «آسیب شناسی تدریس تاریخ» در سال ۱۳۸۵.
۱۰. شرکت در میزگرد «چالش های فراوی شیعه پژوهی غربیان» برگزار شده در دومین همایش بین المللی تشیع از دیدگاه خاورشناسان، ۱۳۸۷. ح- راهنمایی و مشاوره رساله و پایان نامه
۱. راهنمایی بیش از ۳۶ رساله دفاع شده و در حال نگارش
۲. مشاوره ۱۵ (پانزده) رساله دفاع شده و در حال نگارش
۳. داوری ۵ (پنج) رساله ارشد

بارع زوزنی، ابوالقاسم اسعد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۹۲ ق)، شاعر و محدث. معروف به بارع. اصل وی از زوزن از نواحی خواف بود و در نیشابور سکونت داشت. ابوالقاسم به عراق رفت و در آنجا شهرتی بسزا یافت. او در نیشابور در گذشت. بارع یگانه‌ی روزگار در خراسان و عراق بود. از ابو عبدالرحمان بن محمد الداودی و اباجعفر محمد بن اسحاق بحاثی حدیث شنید و ابوالبرکات فراوی و ابومنصور شحامی از وی روایت کرده‌اند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/۲۹۴)، لغت‌نامه (ذیل / بارع زوزنی)، معجم الادباء (۹۶-۹۰/۶).

بارفروشی سمنانی، ابراهیم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابراهیم بن ملا بابا بارفروشی سمنانی عالمی فقیه از شاگردان شریف‌العلماء مازندرانی بوده و بعد از وی به سمنان آمده و به وظائف دینی و روحی قیام نموده تا حدود ۱۲۸۰ ق از دنیا رفته و جنازه‌اش را به کربلا حمل و در رواق شریف مدفون شده است. و ایشانست والد عالم جلیل معمر مرحوم آقا شیخ میرزا هادی سمنانی متوفی ۱۳۲۸ ق. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

بازرگان، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۳-۱۲۸۶ ش)، استاد دانشگاه، محقق، اسلام‌شناس و قرآن‌پژوه. مهندس بازرگان در تهران به دنیا آمد و پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در سال ۱۳۰۷ ش با اولین گروه اعزامی دانشجویان به فرانسه عزیمت کرد. او در رشته‌ی ترمودینامیک فارغ‌التحصیل شد و در سال ۱۳۱۳ ش به ایران بازگشت. و در سال ۱۳۱۵ ش درس ترمودینامیک (ماشینهای حرارتی) را در دانشکده‌ی فنی بنیان نهاد و به عنوان دانشیار به تدریس این رشته پرداخت. چند سالی نیز ریاست دانشکده‌ی فنی را عهده‌دار بود و همکاری خود را با نوشتن مقاله‌ی «مذهب در اروپا» با کانون اسلام در سال ۱۳۱۹ ش شروع کرد. بازرگان با سمت معاون وزارت فرهنگ در دولت دکتر مصدق انجام وظیفه کرد. سپس از سوی دکتر مصدق به ریاست هیأت مدیره موقت شرکت ملی نفت منصوب شد و برای مأموریت خلع ید از شرکت نفت انگلیس به آبادان رفت. بازرگان زمانی که مدیر کل سازمان آب تهران بود، اولین راه‌اندازی انشعاب آب تهران را بدون کمک مهندسین خارجی انجام داد. او به خاطر امضای نامه‌ی اعتراض آمیز به انتخابات غیر قانونی مجلس به دستور سپهبد زاهدی نخست‌وزیر کودتا، برکنار شد. بازرگان یکی از مهمترین پایه‌گذاران و نقش آفرینان نهضت مقاومت ملی بود و با کشف چاپخانه نهضت مقاومت ملی در سال ۱۳۳۴ ش به همراه عده‌ای دیگر از سران نهضت مقاومت دستگیر و زندانی شد. در سال ۱۳۴۱ ش بار دیگر به ده سال زندان محکوم شد. در سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ ش، مهندس از چهره‌های درخشان درجه‌ی اول جنبش انقلابی مردم ایران بود. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، به طور مخفیانه به عضویت «شورای انقلاب» درآمد و آنگاه مأمور تشکیل کابینه و تأسیس دولت موقت انقلاب شد. مهندس بازرگان با حکم رهبر و

پیشنهاد شورای انقلاب به نخست وزیر منصوب شد، ولی در آبان ماه ۱۳۵۸ ش استعفا داد. او در انتخابات نخستین دوره‌ی مجلس به نمایندگی از طرف مردم تهران به مجلس شورای اسلامی راه یافت. سرانجام در ضمن سفر طبابتی در ژنو در گذشت و بعد از انتقال پیکر او به تهران، در قم دفن شد. از آثار وی: «علمی بودن مارکسیسم»؛ «بررسی نظریه‌ی اریک فروم»؛ «بازیابی ارزشها»، در چهار جلد؛ «مطهرات در اسلام»؛ «راه طی شده»؛ «ذره‌ی بی‌انتهای»؛ «بعثت و تکامل»؛ «جمله‌شناسی قرآن»؛ «آفات توحید»؛ «بازگشت به قرآن»، در چهار جلد؛ «بینهایت کوچکها»؛ «ترمودینامیک صنعتی»؛ «حکومت جهانی واحد»؛ «عشق و پرستش یا ترمودینامیک انسان»؛ «مرز میان دین و سیاست».[۱]

محقق، نویسنده، استاد.

تولد: ۱۲۸۶، تهران.

درگذشت: ۳۰ دی ۱۳۷۳، سویس.

مهدی بازرگان، فرزند حاج عباسقلی آقا تبریزی بازرگان تهرانی، در سال ۱۳۰۷ با نخستین گروه دانشجویان ایرانی به اروپا رفت و در رشته‌های مهندسی ماشین و مهندسی نساجی از فرانسه فارغ‌التحصیل شد، پس از بازگشت به ایران، در همان رشته‌ی تخصصی خود در دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد. در سال ۱۳۲۰ با پای گذاشتن در کانون اسلام به فعالیت‌های سیاسی و دینی رو آورد. از سال ۱۳۱۴ (تا ۱۳۳۰) در دانشکده‌ی فنی دانشگاه تهران بر کرسی استادی نشست و از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۱ همزمان ریاست این دانشگاه را نیز به عهده داشت.

وی زمان دولت دکتر محمد مصدق به عنوان رییس هیئت مدیره‌ی موقت شرکت ملی نفت و سپس به عنوان مدیر عامل سازمان آب تهران به فعالیت می‌پرداخت.

مهندس مهدی بازرگان نخستین بار در سال ۱۳۳۴ گرفتار زندان شد و پس از آزادی، در بهمن ۱۳۴۱ دوباره دستگیر و به ده سال زندان محکوم شد. پس از آزادی از بند، در آبان سال ۱۳۴۶ به کار در شرکت‌های مهندسی روی آورد تا آن که بار دیگر در شهریور سال ۱۳۵۷ دستگیر شد. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سوی امام خمینی (ره) به عضویت شورای انقلاب درآمد و زمانی کوتاه پس از آن به عنوان نخست وزیر دولت موقت منصوب شد، اما با تسلیم استعفانامه‌ی خود در اعتراض به اشغال سفارت آمریکا از سوی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام از سمت نخست وزیر کناره‌گیری کرد.

وی در گذر عمر خود با گروه‌هایی چون «کانون اسلام»، «کانون مهندسی ایران»، «انجمن اسلامی مهندسين»، «جامعه‌ی تعلیمات اسلامی» و «مؤسسه‌ی دین و اخلاق» در زمینه‌های مذهبی همکاری بسیار داشت.

فهرستی از آثار وی به شرح زیر است: مطهرات در اسلام (چاپ دوم، ۱۳۳۳)؛ سیر تحول در قرآن، راه طی شده (۱۳۲۷)، این کتاب به دفعات به چاپ رسیده است؛ اسلام با کمونیسم، عشق و پرستش یا ترمودینامیک انسان (۱۳۳۵)؛ بررسی نظریه‌ی اریک فروم؛ بی‌نهایت کوچکها؛ مذهب در اروپا؛ یادداشت‌هایی از سفر حج؛ از خداپرستی تا خودپرستی؛ اسلام و جوانان (۱۳۴۱)؛ انسان و خدا (۱۳۳۹)؛ بازی جوانان با سیاست؛ ترمودینامیک صنعتی (۲ جلد، ۱۳۳۳-۱۳۳۱)؛ حکومت واحد جهانی (۱۳۴۲)؛ خداپرستی و افکار روز؛ خودجوشی؛ ضریب و تبادل مادیات و معنویات؛ مرز میان دین و سیاست مسئله‌ی وحی.

پیکر مهندس بازرگان بنا بر وصیت خودش در قم به خاک سپرده شد.

فرزند حاج میرزا عباسقلی خان، در ۱۲۸۶ در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در مدارس ثروت و سلطانی پایان داد و دوره‌ی متوسطه را در دارالمعلمین مرکزی که بنیانگذار آن ابوالحسن فروغی بود پایان بخشید. در سال ۱۳۰۷ بازرگان در کنکور اعزام محصل به اروپا شرکت کرد و با نمرات عالی جزء ده نفر اول شد و به پاریس رفت. مدت پنج سال مدرسه لیسه و مدرسه سانترال را طی کرد و مهندس معدن شد و مدت یک سال هم در کارخانجات نساجی انگلستان استاژ و کارآموزی داد و در سال ۱۳۱۴ به

ایران بازگشت و لدی‌الورود به خدمت وظیفه اعزام شد و دوره مزبور را پایان داد. شورای عالی وزارت فرهنگ تحصیلات بازرگان را معادل درجه دکترا تشخیص داد و بلافاصله برای تدریس به دانشکده فنی دعوت به کار شد. در آن تاریخ استادان دانشگاه می‌توانستند با حفظ سمت دانشگاهی در سازمان‌های دیگر نیز استخدام شوند. مهندس بازرگان ابتدا در راه آهن اشتغال ورزید و سپس به اتفاق احمد علی ابتهاج، محسن فروغی، کاظم جفرودی و مهندس مشایخی به بانک ملی وارد شدند و اداره ساختمان را تحویل گرفتند. مهندس بازرگان عهده‌دار قسمت تأسیسات بانک ملی شد. در سال ۱۳۲۱ بازرگان به معاونت دانشکده فنی انتخاب گردید و در ۱۳۲۴ پس از فوت غلامحسین رهنما، برای مدت سه سال به ریاست دانشکده فنی انتخاب شد و در سال ۱۳۲۷ شورای استادان دانشکده فنی برای سه سال دیگر ریاست او را تمدید نمودند. مجموعاً مدت شش سال ریاست دانشکده فنی با او بود.

در سال ۱۳۳۰ که دکتر مصدق زمام امور را در دست گرفت و صنعت نفت را ملی نمود، سه هیئت برای خلع‌ید از شرکت نفت ایران و انگلیس تعیین شد. یک هیئت از مجلس سنا که عبارت بودند از: آقایان مرتضی قلی بیات، دکتر احمد متین دفتری، محمد سروری، ابوالقاسم نجم و دکتر شفق. از مجلس شورای ملی اعضاء هیئت مختلط برای نظارت در امر خلع‌ید عبارت بودند از: آقایان دکتر عبدالله معظمی، دکتر علی شایگان، اللهیار صالح، حسین مکی و ناصرقلی اردلان. از طرف دولت نیز اشخاص زیر برای خلع‌ید تعیین گردیدند: محمدعلی وارسته، مهندس کاظم حسینی، مهندس مهدی بازرگان، دکتر عبدالحسین علی‌آبادی و محمد بیات.

بازرگان همزمان با انتخاب در هیئت خلع‌ید به معاونت وزارت فرهنگ منصوب گردید. قرار بر این شد که هیئت خلع‌ید برای اداره امور شرکت ملی نفت هیئت مدیره موقتی از بین خود انتخاب نمایند. نظر به آقای دکتر محمود حسینی تعلق گرفت ولی ایشان برای قبول چنین سمتی اختیاراتی خواستند که هیئت مختلط و دکتر مصدق با آن مخالف بودند. سرانجام در اثر تلاش آقای مهندس حسینی، آقای مهندس بازرگان برای ریاست هیئت مدیره موقت تعیین شد و نامه‌ای از طرف دکتر مصدق به دانشگاه تهران بشرح زیر نوشته شد:

دانشگاه تهران- چون لازم است آقای مهندس بازرگان رئیس و استاد دانشکده فنی تا مدتی وظیفه‌ی فعلی خود را که عضویت هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران است ادامه دهند و نخواهند توانست در اول سال تحصیلی جاری وظایفی را که در دانشگاه به عهده دارند انجام نمایند، مقتضی است موافقت فرمائید ایشان با حفظ عنوان و سمت و حقوق در دانشگاه برای مدت یکسال ریاست هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران را عهده‌دار باشند و مراتب را نیز به ایشان ابلاغ نمایید.

نخست‌وزیر- دکتر محمد مصدق

آقای مهندس بازرگان در کتاب شصت سال خدمت و مقاومت در مورد مأموریت خطیر خود چنین نوشته‌اند: اداره شرکت ملی نفت ایران، با اوضاع و شرایطی که خلع‌ید صورت گرفت کار عظیمی بود و حالت «پرش در تاریکی» داشت. ولی به خواست خداوند و همت مردم ایران، مرحله اول مدیریت که حفظ سازمان و بهره‌برداری از تأسیسات عمومی بود بخوبی انجام گرفت خلع‌ید صددرصد انجام گرفت. مدیریت سرتاسر شرکت نفت سابق به دست ایرانیان افتاد. جای هفتصد متخصص فنی و اداری و مالی را عده‌ای در حدود ۷۰ نفر ایرانی پر کردند که تقریباً ۵۰ نفر از کارمندان متخصص شرکت و بیست نفر از داوطلبان انتقال یافته از مرکز بودند. اما مشکل اخلاقی و فرهنگی بود که به تدریج و پس از پیروزی با آن روبرو می‌شدیم و اسم آن را باید دوران «غنایم‌گیری» گذاشت. حسادت‌ها، برتری‌جوئی‌ها، رقابت‌های ناسالم و ملاحظات غیرمسئولانه، منفعت‌طلبی‌های شخصی، میدان مساعد پیدا کرده بود.

حالا کارها براه افتاده و خطرات و مشکلات اولیه مرتفع شده بود و همه پهلوان میدان شده بودند. این مسئله منحصر به آنجا نبود، بلکه مربوط به کل مملکت و از نوع سیاسی و اداری و اقتصادی بود که علیه دولت مصدق اعمال می‌شد. اشکال عمده و گره کار هیئت مدیره این بود که همکاران حاضر نمی‌شدند یک نفر را به عنوان مدیرعامل ثابت تعیین کنند و دست او را برای پیشبرد کارها

و اجرای تصمیمات باز بگذارند در حالی که به قول دکتر متین دفتری، یک دکان سبزی‌فروشی هم نمی‌تواند بدون مسئول و مدیر کار کند تا چه رسد به آن دستگاه عظیم و پیچیده شرکت نفت.

البته دکتر مصدق به ضرورت این امر توجه داشت ولی ملاحظات سیاسی-اجتماعی مرکز و علاقه او به رعایت نظرات بعضی از نمایندگان، دستش را بسته بود. او درگیر توطئه‌های داخل و خارج بود و در چند جبهه مبارزه می‌کرد. آقای مکی که در روز عزیمت دکتر مصدق و همراهان به آمریکا جهت حضور در شورای امنیت سازمان ملل، اسم خود را در هیئت اعزامی از رادیو نشنید، از همان لحظه ناسازگاری را شروع کرد؛ چون عقیده داشت که «مصدق را من آورده‌ام و نفت را من ملی کرده‌ام». مکی در همه امور برای خود حق آمریت قائل بود. وی به عنوان یکی از اعضای هیئت مختلط، شأن خود را بالاتر از آن می‌دانست که در جلسات هیئت مدیره بطور منظم حضور و مشارکت داشته باشد. بدون مشورت با سایر اعضای هیئت با مسئولین مربوطه دستور صادر می‌کرد. به عنوان مثال دستور تغییر مسیر اتوبوسرانی یا انتقال یک کارگر شاکی، از شهری به شهر دیگر.

آقایان اعضای هیئت مختلط که برای حل و فصل مشکلات و یاری هیئت مدیره در میان احساسات پرشور مردم و کارگران به آبادان آمده بودند نسبت به یکدیگر برتری طلبی می‌کردند، در یک مورد یکی از اعضای هیئت مختلط که استاد دانشگاه هم بود، از اینکه مهندس حسینی بیش از او مورد احترام و ابراز احساسات واقع شده بود در موقع ناهار با خشم زیاد او را مورد بی‌مهری و عتاب شدید قرار داد. بعد از ظهر همان روز که جلسه در منزل من تشکیل شده بود درگیری دیگری با لحن ناهنجارتری میان آقای مکی و مهندس حسینی بر سر انتخاب یا اعتماد به بعضی از مسئولین و مشاورین شرکت روی داد در حالی که رانندگان و کارکنان از پشت پنجره با بهت و حیرت شاهد آن صحنه‌ی تأسف آور بودند! به هر حال، حضور و خدمت من در خوزستان حدود ۹ ماه بیشتر نبود.

مأموریت مهدی بازرگان در سمت ریاست هیئت مدیره موقت صنعت ملی شده نفت قریب ۹ ماه طول کشید. عدم هماهنگی و دسته‌بندی‌هایی که در داخل هیئت خلع‌ید به تبعیت از اختلافات و رقابت‌های سیاسی و اداری مرکز پدیدار شده بود. همچنین انعکاس و تأثیرات غیر مستقیم که اختلاف و کارشکنی‌های مخالفان دولت و سیاست‌های مرکز در اوضاع داشت او را وادار به کناره‌گیری نمود و مجدداً به دانشگاه بازگشت و دو سه ماهی در دانشکده فنی اشتغال به کار داشت تا اینکه دکتر مصدق تصمیم گرفت به آب لوله‌کشی تهران سر و صورتی بدهد، از این رو مهندس بازرگان برای تصدی آب لوله‌کشی تهران انتخاب شد و در مدت قلیلی کار لوله‌کشی را به ثمر رسانید و آب تصفیه شده را به قسمتی از خانه‌های شهر تهران رسانید.

کودتای ۲۸ مرداد ماه ۱۳۳۲ و ساقط کردن دولت ملی مصدق، تغییراتی در شئون مملکت ایجاد کرد. این کودتا برای این انجام گرفت که مسئله نفت به صورتی که منافع دولت‌های خارجی در آن ملحوظ شود حل گردد. بنابراین قرار شد کنسرسیومی که اکثر سهام آن متعلق به انگلیس و آمریکا باشد تشکیل شود و نفت ملی شده ایران به آن کنسرسیوم واگذار گردد. لذا لازم بود انتخابات دوره هجدهم هرچه زودتر با نمایندگانی که از طرف دولت تعیین و انتخاب می‌شوند، قرارداد بین ایران و کنسرسیوم تصویب شود. در چنین اوضاع و احوالی عده‌ای در صدد برآمدند حداقل ابراز وجود کنند و اعتراضی بنمایند. نامه‌ای به عنوان وزیر کشور یا رئیس انجمن مرکزی انتخابات نوشتند و در آن نامه درخواست شده بود دستور فرمایند شرایط آزادی انتخابات تأمین شود. از جمله امضاء کنندگان نامه مهندس مهدی بازرگان رئیس آب تهران بود. این نامه به دولت گران آمد که یکی از مدیران که با دولت همکاری دارد این نامه را امضاء کند. نتیجه‌ی مذاکرات مهندس بازرگان با دولت بر این محور قرار گرفت که ایشان از ریاست سازمان آب تهران استعفا بدهند، و استعفا دادند. دولت زاهدی و دولت‌های بعد از آن تمام مساعی خود را به کار بردند تا استقلال دانشگاه را که سنگری علیه طرح‌های سرکوب‌گرانه آنها بود بگیرند و نگذارند در مراکز کشور جزیره امنی وجود داشته باشد. بعد از کودتای ۲۸ مرداد عده‌ای از علاقمندان به دکتر مصدق «نهضت مقاومت ملی» را تشکیل دادند. در هفتم شهریور ۱۳۳۲ کمیته

مخفی نهضت مقاومت اعلامیه‌ای منتشر کرد و خط مشی خود را در سه اصل بشرح زیر اعلام نمود:

۱- ادامه نهضت ملی و اعاده استقلال و حکومت ملی.

۲- مبارزه علیه هر گونه استعمار خارجی اعم از سرخ و سیاه.

۳- مبارزه علیه حکومت‌های دست‌نشانده‌ی خارجی و عمال فساد.

تدریجاً احزاب ملی نیز به نهضت ملی پیوستند. نهضت مقاومت ملی به پیروی از راه مصدق، آرمان‌های او را عامل اساسی ایجاد اتحاد و همبستگی اقشار جامعه در راستای مبارزه علیه رژیم کودتا می‌دانست.

تظاهرات روز ۱۶ مهر به نشانه اعتراض به محاکمه مصدق، شایگان و رضوی صورت گرفت. در آن روز بازار تهران، دانشگاه و مدارس تعطیل گردید. این تظاهرات به طول انجامید و مأمورین انتظامی و چاقوکشان دولتی با دانشجویان و مردمی که به صفوف آنها پیوسته بودند به زد و خورد پرداختند. تعداد زیادی مجروح و دستگیر شدند. این تظاهرات بازتاب وسیعی در رسانه‌های خبری اروپا و آمریکا داشت. تظاهرات دیگری روز ۲۱ آبان به وقوع پیوست. نقش اول را دانشجویان در دست داشتند. بازار تهران نیز به حمایت دانشجویان تعطیل گردید. دولت کودتا عده‌ی زیادی را دستگیر و سرانجام سقف قسمتی از بازار را خراب کرد. در روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲ در اعتراض به تجدید روابط ایران و انگلیس و ورود نیکسون به ایران، از روز شنبه ۱۴ آذر با ایراد سخنرانی در کلاس‌ها شروع شد. عصر آن روز در دانشکده‌ها تظاهرات پرشوری انجام پذیرفت. روز دوشنبه ۱۶ آذر عده‌ی زیادی از افراد نظامی وارد محوطه دانشگاه شدند. دانشجویان در کلاس‌های خود تظاهرات می‌کردند و سرانجام برخورد بین دانشجویان و سربازان از دانشکده فنی که مرکز عمده فعالیت دانشگاه بود شروع شد. به همین دلیل دستگاه قصد داشت که با سرکوب دانشجویان این دانشکده زهر چشم خود را نشان دهد. بنابراین تیراندازی در دانشکده فنی شروع شد و در نتیجه سه نفر از دانشجویان به درجه شهادت نائل شدند. کمیته دانشگاه عزای عمومی و تعطیل اعلام کرد. در مراسم برگزاری سومین روز شهادت دانشجویان چند هزار دانشجو و هزاران نفر از مردم تهران در حالی که جاده تهران- میدان شوش را سربازان محاصره کرده بودند و مانع حرکت مردم بودند، شرکت کردند. در خیابان مقابل امامزاده عبدالله، بین مردم و سربازان زد و خورد در گرفت و عده‌ای مجروح شدند. اعتصاب دانشگاه دو هفته ادامه یافت و حادثه ۱۶ آذر به عنوان یک روز «مقاومت تاریخی» در تاریخ دانشگاه ثبت شد و در همان ایام انتخابات دوره هجدهم مجلس شورای ملی آغاز گردید و نهضت مقاومت ملی دوازده نفر از اعضای خود را که بیشتر آنها در زندان بودند برای نامزدی انتخابات معرفی کرد. این دوازده تن عبارت بودند از: مهندس احمد رضوی، دکتر عبدالله معظمی، دکتر علی شایگان، محمدعلی انگجی، دکتر کریم سنجابی، اللهیار صالح، مهندس احمد زیرک‌زاده، سرهنگ احمد اخگر، جلالی موسوی، محمود نریمان، اصغر پارسا و مهندس کاظم حسینی.

سرانجام دولت تصمیم گرفت عده‌ای از استادان دانشگاه را اخراج کند که عبارت بودند از: دکتر عبدالله معظمی، دکتر یدالله سبحانی، دکتر قریب، دکتر عابدی، دکتر جناب، مهندس عطائی، مهندس خلیلی، مهندس انتظام، دکتر نعمت‌اللهی، دکتر بیژن، دکتر میربائنی و مهندس مهدی بازرگان.

با تمام مقاومتی که از طرف دکتر سیاسی رئیس دانشگاه برای ابطال تصمیم دولت نسبت به اخراج استادان انجام گرفت، مع الوصف تصمیم به تغییر او گرفته شد و احکام اساتید اخراجی را رضا جعفری وزیر فرهنگ وقت امضاء کرد. اخراج اساتید هیچگونه اثری در مبارزات دانشجویان نکرد و حملات به دولت کودتا شدیدتر شد و سرانجام دولت تصمیم به بازداشت عده‌ای گرفت که عبارت بودند از: آیت‌الله حاج آقا رضا زنجانی، دکتر یدالله سبحانی، مهندس عزت‌الله سبحانی و مهندس مهدی بازرگان. در شهرستان‌ها نیز عده‌ای بازداشت شدند. زندانی شدن مهندس بازرگان و هم‌سنگران وی قریب پنج ماه به طول کشید و مجدداً به دانشگاه بازگشتند و همچنان به مبارزه خود علیه رژیم ادامه دادند.

در سال ۱۳۳۹ محمدرضا پهلوی طی نطقی از آزادی انتخابات سخن گفت و در نتیجه سران و کارگردانان سابق جبهه ملی و دیگر دستجات و جمعیت‌های سیاسی در صدد برآمدند فعالیت سیاسی را بطور علنی شروع کنند. بدین منظور رهبران نهضت مقاومت ملی از جمله مهندس بازرگان، دکتر یدالله سحابی و آیت‌الله سید محمود طالقانی همراه با سران فعالان جبهه ملی سابق و همکاران دکتر مصدق از قبیل سید باقرخان کاظمی، دکتر غلامحسین صدیقی، دکتر عبدالله معظمی، اللهیار صالح، سید محمود نریمان، مهندس احمد زنگنه، دکتر کریم سنجابی و داریوش فروهر. پس از چند جلسه بحث و گفتگو درباره تأسیس یک سازمان سیاسی در برگیرنده‌ی همه‌ی نیروهای ملی موافقت شد. سرانجام روز ۳۰ تیرماه ۱۳۳۹ طی اعلامیه‌ای خبر تشکیل جبهه ملی دوم انتشار یافت. مهندس بازرگان در این سازمان سیاسی، عضو شورای عالی بود.

اولین برنامه جبهه ملی دوم، شرکت در انتخابات دوره بیستم مجلس شورای ملی بود که آنهم با مخالفت شدید دکتر اقبال نخست‌وزیر شروع شد و در نتیجه عده‌ای از سران جبهه ملی دوم از جمله مهندس مهدی بازرگان در مجلس سنا متحصن شدند. مدت این تحصن پنج هفته به طول انجامید و پس از انتخابات و افتتاح مجلس از طرف شاه اجازه دادند متحصنین به خانه‌های خود بروند. نتیجه انتخابات زمستانی دوره‌ی بیستم بین حزب ملیون و حزب مردم تقسیم شد و سرسپردگان رژیم و کسانی که در کودتای مرداد ماه ۱۳۳۲ مشارکت فعال داشتند، به مجلس راه یافتند. از ملی‌گراها فقط اللهیار صالح از کاشان انتخاب شد. صالح هنگام طرح اعتبارنامه‌ها، انتخابات دوره‌ی بیستم را مخدوش دانست و تقاضای ابطال انتخابات را نمود. در اردیبهشت ماه ۱۳۴۰ دولت شریف‌امامی سقوط کرد و دکتر امینی با حمایت همه‌جانبه کندی، به ریاست دولت انتخاب گردید و سرانجام مجلس را منحل نمود. دکتر امینی در نخستین روزهای حکومت خود، آزادی اجتماعات و نطق و بیان را آزاد کرد. در نتیجه روز ۲۸ مرداد ماه ۱۳۳۲ یک میتینگ بزرگ در میدان جلالیه از طرف جبهه ملی تشکیل شد که قریب یک صد هزار نفر در آن شرکت داشتند.

نهضت آزادی در ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۴۰ چند روز پس از معرفی کابینه دکتر امینی تشکیل شد. نهضت آزادی از عناصر ترکیب‌دهنده جبهه ملی نبود، آنها با تمام احزاب و دستجات ملی همکاری داشتند.

در اواخر دی ماه ۱۳۴۰ عده‌ای از دانش‌آموزان دبیرستان‌های تهران از جمله دارالفنون و البرز در اعتراض به تعطیل مجلس تظاهراتی برپا کردند که منجر به خراج چند تن از دانش‌آموزان گردید و چون اقدام برای بازگشت اخراج شدگان به نتیجه نرسید. روز اول بهمن چند دانشکده دانشگاه تهران در اعتراض به تعطیل مجلس و پشتیبانی از دانش‌آموزان اخراجی کلاس‌های درس را تعطیل کردند و به تظاهرات پرداختند. شاه دستور سرکوب دانشجویان را صادر کرد. کماندوها پس از یورش به محوطه دانشجویان را تا کلاس درس دنبال کردند و عده زیادی از جمله چند تن از استادان را کتک زدند، وسایل آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌ها و میکروسکوپ‌ها را شکستند، کتابخانه‌ها را ویران نمودند و کتاب‌ها را پاره کردند. آمار مجروحین این حمله وحشیانه از ۶۰۰ نفر تجاوز کرد. دکتر احمد فرهاد رئیس دانشگاه این یورش سببانه را محکوم کرد و از ریاست دانشگاه استعفا داد. روزهای بعد مدارس تهران تظاهراتی در اعتراض به حمله کماندوها به دانشگاه برپا کردند که به خیابان‌ها کشیده شد. روز سوم بهمن یکی از دانش‌آموزان دبیرستان علمیه پشت بهارستان به شهادت رسید و عده‌ی زیادی مجروح شدند. سرتیپ محسن مبصر رئیس پلیس تهران و سرهنگ اکسیر معاون پلیس در این حملات عامل اصلی بودند و قتل را که توسط پلیس انجام گرفته بود به گردن دیگری انداختند.

جبهه ملی دوم در ۱۳۳۳ بدون توفیق در برنامه‌های خود، به انحلال انجامید و در نتیجه مهندس بازرگان و دکتر سحابی پس از بحث و مذاکره زیاد به این نتیجه رسیدند که فعالیت سیاسی و تشکیل یک حزب و جمعیت در شرایط موجود مملکت، لازم و واجب است ولی مرام و ایدئولوژی این جمعیت با حزب باید مبنی و مأخوذ از اسلام باشد. بر همین اساس تصمیم به تأسیس نهضت آزادی ایران گرفته شد. ایدئولوژی نهضت آزادی ایران حفظ اصالت نهضت ملی در چهارچوب وحدت با جنبش نوین اسلامی بود و

تدریجاً نهضت آزادی توانست رسالت تاریخی خود را در آن مرحله از رشد جنبش به بهترین وجهی انجام دهد به طوری که پس از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به مرحله متکامل تری ارتقاء یابد و نهضت آن مکتب مجاهدپروری بشود که از درون خود مجاهدین پرافتخاری را به ملت تقدیم نماید. بطور خلاصه مرانامه نهضت آزادی در چهار اصل خلاصه می‌شد: ۱- مسلمان بودن نه به این معنی که یگانه وظیفه‌ی خود را روزه و نماز می‌دانیم بلکه ورود ما به سیاست و فعالیت اجتماعی من باب وظیفه ملی و فریضه دینی بود. دین از سیاست جدا نیست. ۲- ایرانی بودن ۳- تابعیت از قانون اساسی ۴- مصدقی بودن.

از نظر حزب نهضت آزادی، مصدق یگانه رئیس دولتی بود که در طول تاریخ ایران محبوب و منتخب واقعی اکثریت مردم بود و قدم در راه خواسته‌های مردم برداشت. ضمناً لازم به یادآوری است که مهندس بازرگان قبل از اعلام تشکیل نهضت آزادی، تصمیم خود را در نامه‌ای بوسیله‌ی دکتر غلامحسین مصدق به استحضار دکتر محمد مصدق رسانیده و پاسخی دریافت داشتند. متن نامه و پاسخ آن به شرح زیر است:

۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۰

جناب آقای دکتر مصدق پیشوای نهضت ملی ایران

با استحضاری که از وفاداری و ایمان مداوم مردم نسبت به اصول نهضت ملی ایران دارید و علاقه و انتظاری که در دل‌های فرزندان وطن به احیای آزادی و تأمین استقلال کشور عزیز وجود دارد و با توجه به تحولات اخیر جهانی، عده‌ای از افراد مؤمن و مبارز که در طول هشت سال اختناق از ادامه راه پیشوای محبوب و تعقیب خواسته‌های مردم آرام ننشسته بودند، در صدد برآمدن با توکل به عنایت خداوندی و به سرمایه شرف و غیرت و همت مردم آزاده ایران جمعیتی بنام «نهضت آزادی ایران» تشکیل دهند. یقین دارم از پشتیبانی و راهنمایی‌های پیشوای بزرگ خود پیوسته برخوردار خواهیم بود.

با تقدیم صمیمی‌ترین درود و سلام دوستان و ارادتمندان

از طرف مؤسسين نهضت آزادی ایران- مهندس مهدی بازرگان

پاسخ نامه بشرح زیر است:

احمدآباد- ۲۵ اردیبهشت ۱۳۴۰

جناب آقای مهندس مهدی بازرگان

قربانت شوم. مرقومه محترمه مورخ ۲۱ جمادی، مبشر تشکیل جمعیتی بنام نهضت آزادی ایران عز وصول بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. تریکات صمیمانه خود را تقدیم می‌کنم و تردید ندارم که این جمعیت تحت رهبری شخص شخیص جنابعالی موفق به خدمات بزرگی نسبت به مملکت خواهد شد و بنده توفیق جنابعالی و همکاران محترمتان را در این راه از خداوند مسئلت دارم. دکتر محمد مصدق

استقبال مردم مخصوصاً جوانان از عضویت در نهضت آزادی بیش از انتظار شد و گروه کثیری از طبقات مختلف جامعه، دانشگاهیان، بازاریان و کسبه و کارمندان دولت به نهضت پیوستند. گروهی از فعالین نهضت آزادی در اروپا و آمریکا دوره‌های آموزش چریکی در الجزیره دیدند.

فکر مقاومت مسلحانه در برابر رژیم کودتا از اواخر ۱۳۴۲ پس از سرکوب آخرین مقاومت ملی مذهبی و متلاشی شدن نیروهای اپوزیسیون و شکست نهضت ملی و از بین رفتن امکانات مبارزه از طریق قانونی، شکل گرفت به طوری که در سال ۱۳۴۳ همه گروه‌ها و دستجات مخالف رژیم با افکار و ایدئولوژی‌های گوناگون به یک نتیجه‌ی واحد رسیدند که تنها راه مبارزه با رژیم شاه، مبارزه‌ی مسلحانه است. ترور حسنعلی منصور نخست‌وزیر، در مقابل در ورودی مجلس شورای ملی در اول بهمن ماه ۱۳۴۳ و به گلوله بستن شاه در کاخ مرمر از طرف یکی از افراد گارد محافظ دربار، اخطار آغاز مبارزه‌ی مسلحانه علیه رژیم کودتا بود. سازمان

چریکی مجاهدین خلق ایران توسط سه تن از اعضای نهضت آزادی ایران: محمد حنیف نژاد، سید محسن و علی اصغر بدیع‌زادگان در شهریور ۱۳۴۴ پایه‌گذاری شد.

سازمان فدائیان خلق ایران سابقه‌ی عضویت یا همکاری با حزب توده را داشتند ولی عناصر تشکیل‌دهنده‌ی مجاهدین خلق ایران از اعضای رادیکال نهضت آزادی بودند.

ناگفته نماند بنیانگذاران نهضت آزادی سه نفر بودند که عبارت بودند از دکتر یدالله سبحانی، آیت‌الله طالقانی و مهندس مهدی بازرگان. ریاست نهضت عملاً با بازرگان بود.

واکنش نهضت آزادی ایران در روز سوم بهمن ماه ۱۳۴۱ در برابر رفراندوم، بسیار شدید بود. شورای مرکزی نهضت آزادی اعلامیه‌ای زیر عنوان «ایران در آستانه‌ی یک انقلاب بزرگ!» منتشر کرد. فرازهایی از اعلامیه‌ی مزبور به این شرح بود:

... عامل این انقلاب، نه دهاتی‌ها هستند، نه شهریها، نه ملت، نه مجلس و نه دولت. یک نفر است، شخص پادشاه مملکت!

این انقلاب یک پدیده‌ی نوظهور تاریخ است! زیرا انقلاب دو طرف دارد و انقلاب‌کننده‌ی آن تو سری خورده، زجر کشیده، محروم شده، خشمگین و مظلوم اجتماع است. انقلاب را در برابر طبقه‌ی قاهر غاصب حاکم ظالم انجام می‌دهند اما امروز هیئت حاکمه و دستگاهی انقلاب می‌کنند که تا دیروز خود از طریق ارباب‌ها، مالک‌ها و مأمورین دولت، یگانه حامی نظام ارباب رعیتی و فئودالیت و وکیل‌ساز و برخوردار از اقتصاد اجحاف مالکیت و سرمایه‌داری بود و در مرحله‌ی نهائی عامل تمام فشارها و فسادها (... انقلاب از این بزرگتر نمی‌شود که با یک گردش کوچک زمان، ضارب خودش مدافع مضروب بی‌زبان بشود.

اقبال‌ها و شریف‌امامی‌ها می‌آیند تا آنچه حزب و دموکراسی و انتخابات است به لجن‌مالی و رسوائی بکشند. با اشاعه فساد و تعمیم و توسعه اختلاس‌های کلان به کلیه دستگاه‌های لشکری و کشوری، پرده ننگ را آنقدر بالا می‌زنند و ارکان دولت و سلطنت را علی‌رغم ادعاهای ثبات سیاسی و اجتماعی ایران آنقدر متزلزل می‌نمایند که داخل و خارج متوحش می‌شوند. می‌ترسند مبادا ملت پرمدعای ایران کاسه صبرش لبریز شود و معجزه انقلاب و قیامی آزاد سر بزند.

سیاست توافق به باز کردن یک سوپاپ خطر دیگر، در این دیگ زنگ خورده پوسیده است (... دولت امینی را روی کار می‌آورند و سیاست آمریکا علاقه‌ای به شخص و طبقه ندارد. آنها برنامه می‌خواستند، طالب اصلاحات ارضی و مبارزه با فساد بودند، برای اینکه جلوی کمونیسم را بگیرند. بنابراین مسافرتی به اروپا و آمریکا به عمل آمد و وعده و قول و قرار مبادله شد. که شخص اول مملکت شخص اول و وسط و آخر مملکت و مجری ظاهر و باطن برنامه باشد. نخست‌وزیر رفت و نوکر حلقه بگوشی به جایش نشست، فقط یک مدعی در میان است، باید او را از میدان برد، اسلحه را از دست و زبانش گرفت...

هر فرد عادی از خود می‌پرسد اگر رفراندوم یا مراجعه به آرای عمومی کار مجاز و صحیحی است، پس چرا همین دستگاه در محاکم به قول خودش قانونی ذی صلاحیت، جناب آقای دکتر مصدق را به جرم رفراندوم، محکوم و محبوس کرد و دکتر اقبال نوکر جان‌نثار، ملیون ایران را به عنوان رفراندومچی بودن از حق نماینده شدن محروم کرد. اگر این کار بد و خلاف قانون است، پس چطور شاه مملکت رفراندومچی می‌شود؟ سبحان‌الله، این چه بام دو هوائی است؟!

انقلاب باید از درون باشد نه بیرون. کشاورزانی که با گوسفند و گرگ آشنا هستید فریب نخورید و گرگ خود را بشناسید. همزمان با انتشار این اعلامیه، مأمورین ساواک ابتدا مهندس مهدی بازرگان و آیت‌الله طالقانی و دکتر سبحانی را دستگیر کردند. چند روز بعد عده‌ای از دوستان و همکاران آنها را در نهضت آزادی به زندان انداختند و سرانجام محاکمه‌ای برای آنان ترتیب داده شد و کیفرخواستی تنظیم گردید.

کیفرخواست دادستان ارتش پس از تشریح موارد اتهام و نتیجه‌ی تحقیقات از متهمین به این شرح بود:

... نوع بزه و انطباق با قانون: عمل سه نفر متهمین ردیف‌های ۳- ۲- ۱ (مهندس مهدی بازرگان، دکتر یدالله سبحانی و آیت‌الله

طالقانی) جزء مؤسسين جمعيت نهضت آزادی می‌باشند و این جمعیت، مرام و رویه آنان ضدیت با سلطنت مشروطه ایران می‌باشد و همچنین متهمین ردیف ۸- ۷- ۶- ۵- ۴ و ۹ (مهندس عزت‌الله سحابی، دکتر عباس شیبانی، احمدعلی بابائی، ابوالفضل حکیمی، سید مهدی جعفری و پرویز عدالت‌منش که عضو نهضت آزادی نیست) از جهت عضویت مزبور، جنائی منطبق با بند ۱ ماده ۱ قانون مقدمین علیه امنیت و استقلال کشور و از جهت اهانت‌های مکرر و گستاخانه به مقام شامخ سلطنت از درجه جنحه و منطبق با ماده ۸۱ قانون مجازات عمومی می‌باشد و صدور حکم مجازات آنها با رعایت ماده ۲ الحاقیه به اصول محاکمات جزائی مورد تقاضاست. تاریخ و محل وقوع جرم: تهران اردیبهشت ماه ۱۳۴۰ از تاریخ تشکیل جمعیت نهضت آزادی. ضمناً پرونده‌ای بنام افرادی که پرونده آنها تاکنون ارجاع نشده یا دستگیر نشده‌اند مفتوح است. دادستان- سرهنگ فخر مدرس.

محاكمه سرانجام انجام گرفت و متهمین و وکلای مدافع آنها که از برجسته‌ترین حقوقدانان کشور بودند، داد سخن دادند به طوری که بعضی از اعضای دادگاه تحت تأثیر قرار گرفتند. سرانجام در روز ۱۶ دی ماه ۱۳۴۲ دادگاه بدوی نظامی بدون ورود در ماهیت امر و دفاع وکلای مدافع و متهمین، پایان کار خود را اعلام و متهمین را به جرم اقدام بر ضد امنیت کشور و اهانت به مقام سلطنت به مجازات‌های زیر محکوم کرد:

۱- مهندس مهدی بازرگان و آیت‌الله طالقانی، هر یک ده سال زندان تأدیبی.

۲- دکتر یدالله سحابی، دکتر عباس شیبانی و احمدعلی بابائی، هر یک شش سال زندان مجرد.

۳- مهندس عزت‌الله سحابی، ابوالفضل حکیمی و محمد مهدی جعفری، هر یک چهار سال زندان مجرد.

۴- پرویز عدالت‌منش که عضو نهضت آزادی ایران نیست، یک سال حبس تأدیبی.

دادگاه تجدید نظر سران نهضت آزادی بسیار طولانی شد و مجموعاً ۷۶ جلسه تشکیل گردید. آراء صادره به شرح زیر بود:

متهم ردیف یک (آقای مهندس بازرگان)، متهم ردیف ۳ (آیت‌الله طالقانی)، ردیف ۴ آقای عزت‌الله سحابی، ردیف ۵ دکتر عباس شیبانی، ردیف ۶ آقای احمدعلی بابائی، ردیف ۷ مهندس ابوالفضل حکیمی، ردیف ۸ آقای مهدی جعفری، ردیف ۹ آقای پرویز عدالت‌منش. حکم دادگاه بدوی تأیید شد. در مورد متهم ردیف ۲ آقای دکتر یدالله سحابی با توجه به عدم پیشینه کیفری، ۳۸ سال سابقه فرهنگی، کبر سن و معیل بودن متهم و نحوه دفاعیات، با رعایت ماده ۵ مکرر از قانون مجازات عمومی از جهت اهانت به مقام شامخ سلطنت و عهده‌دار بودن ریاست شورای جمعیتی که رویه آن ضدیت با سلطنت مشروطه است، به چهار سال زندان مجرد محکوم می‌شود.

در تاریخ ۲۵ تیرماه هشت تن محکومین طی نامه‌ای از زندان قصر تقاضای فرجام‌خواهی کردند. در ۱۵ مرداد به آنها اطلاع داده شد که شاه با تقاضای آنها موافقت نکرده و حکم محکومیت آنها قطعی است. محاکمه مهندس مهدی بازرگان و سایر سران نهضت آزادی در یکی از بیدادگاه‌های محمدرضا پهلوی یکی از محاکمات مهم و پر سر و صدای پنجاه سال اخیر است و می‌توان گفت که بعد از محاکمه‌ی دکتر مصدق و یاران او دارای اهمیت و اعتبار خاصی است. پاسخ‌گوئی بازرگان و سایر متهمین به یاوه‌سرانی آقای دادستان بسیار جالب و حائز اهمیت بود. دفاعیات وکلای سران نهضت آزادی تماماً بدون ترس و واهمه، سستی این محاکمه را عریان ساخت.

بازرگان مخالف سلطنت مشروطه نبود و این مطلب را چندین بار در دادگاه عنوان کرد. او مخالف دخالت‌های شاه در تمام شئون مملکتی بود. بازرگان از دیکتاتوری شاه سخن گفت و بدون ترس و واهمه، آنچه را لازم تشخیص می‌داد در دادگاه بیان نمود.

پس از محاکمه‌ی سران نهضت آزادی و محکومیت آنان در دادگاه و عدم قبول فرجام‌خواهی، چهار تن از وکلای مدافع سران نهضت آزادی ایران به اتهام توهین به مقام سلطنت به شرح زیر بازداشت و محاکمه شدند: سرتیپ علی اصغر مسعودی، سرهنگ عزیزالله امیر رحیمی، سرهنگ دکتر اسمعیل علمیه و سرهنگ علی اصغر غفاری. افسران مزبور هر کدام به مجازات‌هایی که بیش از

یک سال بود محکوم گردیدند و نتیجه‌ی این محاکمه علاوه بر تحمل زندان، اخراج از ارتش بود.

بازرگان مبارزات سیاسی خود را از بعد از کودتای ۲۸ مرداد ماه ۱۳۳۲ آغاز کرد. این مبارزه با مخالفت با انتخابات مجلس هیجدهم و سپس قرارداد با کنسرسیوم که نتیجه‌ی آن واگذاری صنعت نفت به آمریکا و انگلیس بود آغاز شد و سرانجام در مخالفت با انقلاب سفید شاه و مردم، بازرگان و یاران وی دستگیر و محاکمه شدند.

بازرگان پس از آزادی از زندان، مبارزات خود را ادامه داد و از نیمه‌های سال ۱۳۵۶ این مبارزات بصورت حادی آغاز گردید. در سال ۱۳۵۷ بازرگان به محکومیت مجدد آیت‌الله طالقانی طی اعلامیه‌ای شدیداً اعتراض نمود و بازداشت شد و قریب ده روز در زندان بسر برد و روز ۲۶ شهریور از زندان آزاد شد. روز ۲۹ مهر ماه، مهندس بازرگان به اتفاق دکتر میناچی برای ملاقات با آیت‌الله خمینی به پاریس عزیمت نمود. در روز هشتم دی ماه، امام خمینی فرمانی برای حل و فصل مشکلات نفت برای بازرگان صادر نمودند. در این فرمان آمده بود:... جنابعالی که در اداره صنایع نفت دارای سوابق و تجارب هستید یک هیئت پنج نفری مرکب از جناب حجت‌الاسلام حاج شیخ اکبر رفسنجانی و جناب آقای مهندس کتیرائی و دو نفر را با نظر خودتان و مشورت آقایان تعیین نمایید و این هیئت تحت سرپرستی جنابعالی، مناطق نفتی را بازرسی نموده و در امر تولید نفت نظارت نمایند. پس از صدور فرمان امام، کارکنان اعتصابی صنعت نفت ایران برای تولید نفت مورد نیاز داخلی، به سر کار خود بازگشتند. روز سوم بهمن ماه بازرگان اعلام کرد بختیار باید استعفا کند، در غیر این صورت باید ارتش را بکار گیرد.

روز چهارم بهمن ماه مهندس بازرگان طی مصاحبه‌ای نحوه‌ی تشکیل شورای انقلاب و دولت موقت اسلامی را تشریح کرد و گفت الگوئی که ما برای حکومت اسلامی در نظر داریم دوران رسالت و رهبری ده ساله‌ی حضرت محمد (ص) در مدینه و دوران پنج ساله‌ی امام حضرت علی (ع) در کوفه است.

روز ۱۶ بهمن ماه ۱۳۵۷ امام خمینی مهندس بازرگان را بعنوان رئیس دولت موقت تعیین کردند و فرمانی در این مورد شرف صدور یافت.

در همان روز مهندس بازرگان رئیس دولت موقت در پاسخ مصاحبه‌ی شاپور بختیار که گفته بود رئیس دولت موقت را بازداشت می‌کنم، گفت از این اخطار نمی‌ترسم، اگر تهدید می‌خواهند بکنند به چیز دیگری ما را تهدید کنند، این چیز خیلی کوچکی است، اگر عملی شود بنده شخصاً خیلی ممنون می‌شوم چون راحت می‌شوم.

در روز شانزدهم بازرگان نخست‌وزیر موقت، برنامه و وظایف دولت موقت را بیان کرد و گفت از وظایف عمده دولت موقت اینست که یک همه‌پرسی برپا کند تا نظر مردم را درباره‌ی تغییر رژیم و تحول آن به جمهوری دموکراتیک اسلامی بپرسد. سپس این وظیفه را خواهد داشت که انتخابات مجلس مؤسسان را برگزار کند، مجلسی که قانون اساسی آینده را تدوین خواهد کرد. وظیفه‌ی سوم نیز انتخابات مجلس خواهد بود که به موجب قانون اساسی جدید تشکیل می‌شود و پس از این مجلس دولت رسمی تعیین خواهد شد.

روز شانزدهم جامعه‌ی روحانیت اعلام کرد برای تأیید بازرگان راهپیمائی بزرگ روز پنجشنبه ۱۹ بهمن در تهران و شهرستان‌ها انجام خواهد گرفت.

در همان روز شاپور بختیار به دنبال انتخاب بازرگان به ریاست دولت موقت گفت در ایران تنها یک حکومت وجود خواهد داشت. ساخت ایران تجزیه‌ناپذیر است. اگر بختیار تنها به حرف زدن اکتفا کند یک مسئله است. اگر بخواهد دست به عملی دیگر بزند مسئله‌ی دیگری مطرح می‌شود.

در اجرای خواسته‌ی امام روز نوزدهم بهمن ماه مبنی بر راهپیمائی مردم در تأیید دولت موقت، میلیون‌ها تن از مردم برای حمایت از آیت‌الله خمینی و دولت موقت اسلامی، در تهران و شهرستان‌ها به خیابان‌ها آمدند و راهپیمائی گسترده‌ای در سراسر ایران برپا

نمودند. تنها در تهران متجاوز از دو میلیون نفر در این راهپیمایی مشارکت داشتند. غیر از تمام طبقات مردم روحانیون، اصناف، احزاب سیاسی و همافران در این رفراندوم شرکت داشتند. در پایان راهپیمایی تهران قطعنامه‌ای در ۷ ماده قرائت شد و مردم یکپارچه آن را تأیید کردند. در بعضی از شهرستان‌ها راهپیمایی مردم به آتش و خون کشیده شد. به دنبال راهپیمایی مردم در تأیید دولت بازرگان، بختیار اعلام کرد در کشور واحدی چون ایران دو دولت را نمی‌پذیرد و دولتی را که گویا مهندس بازرگان در صدد تشکیل آن است، به رسمیت نمی‌شناسد.

روز بیستم بهمن ماه مهندس مهدی بازرگان نخست‌وزیر دولت انقلابی، طی یک سخنرانی که در دانشگاه تهران ایراد کرد، برنامه‌ی دولت موقت را اعلام کرد. بازرگان در نخستین سخنرانی‌اش در برابر مردم گفت مأموریتی که رهبر انقلاب به من داده است، پرمخاطره‌ترین و سنگین‌ترین مأموریت در عمر ۷۱ ساله‌ی مشروطیت ایران است که به نخست‌وزیر ایران داده شده است. آنگاه بازرگان افزود: خطوط اصلی و وظایف دولت موقت به قرار ذیل است:

۱- احراز و انتقال قدرت ۲- ارائه و اثبات حقانیت (همان رفراندوم) ۳- احیاء و اداره و اصلاح مملکت ۴- انتخابات مجلس مؤسسان و ارجاع به آراء عمومی برای تدوین و تصویب قانون اساسی جدید ۵- انتخابات مجلس شورای ملی ۶- استعفا و تحویل کار به رئیس‌جمهور و دولت رسمی بعدی.

روز ۲۱ بهمن ماه، فرماندار نظامی تهران و حومه اعلامیه‌ی شماره ۴۰ را انتشار داد و اعلام نمود ساعت منع عبور و مرور در تهران را افزایش داده و رفت و آمد را از ساعت ۱۶/۳۰ تا ۵ بامداد ممنوع اعلام کرد. در همان روز متعاقب اعلامیه‌ی شماره ۴۰، فرمانداری نظامی اعلامیه‌ی شماره ۱۱ را صادر نمود. در این اعلامیه آمده بود: فرمانداری نظامی تهران و حومه به حکم وظیفه و مسئولیت سنگینی که به عهده دارد نمی‌تواند در مقابل عملیات ضد انسانی و وحشیانه عناصر اخلاک‌گر و فریب خورده بی تفاوت بماند، علیهذا بدینوسیله ساعت عبور و مرور شبانه را تا ساعت ۱۱ روز یکشنبه ۲۲ بهمن تمدید می‌نماید. به دنبال این اعلامیه، امام خمینی پیام مهمی انتشار داد و اعلامیه‌های حکومت نظامی را خدعه و خلاف شرع دانست و مردم به هیچوجه به آن اعتنا نکردند و در نتیجه مردم به خیابان‌ها ریختند.

روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن، تهران و سایر شهرها تبدیل به میدان جنگ شد. لشکر گارد بطور ناگهانی به نیروز هوایی حمله کرد و مردم نیز به کلاتری‌ها یورش بردند و غالب کلاتری‌ها به تصرف مردم درآمد. مهندس بازرگان طی پیامی اعلامیه‌های فرمانداری نظامی را توطئه علیه انقلاب خواند.

سرانجام در ساعت ۱۰/۵ بامداد روز ۲۲ بهمن، شورای عالی ارتش با شرکت رئیس ستاد، وزیر جنگ و غالب فرماندهان تشکیل جلسه داد و پس از بحث و مذاکره، اعلامیه صادر و متذکر شد برای جلوگیری از هرج و مرج و خونریزی، بیطرفی خود را در مناقشات فعلی اعلام و به یگان‌های نظامی دستور داده شد که به پادگان‌های خود مراجعه نمایند. به دنبال اعلامیه شورای عالی ارتش و جمع‌آوری سربازان تمام تهران و شهرها به دست مردم انقلابی افتاد و سرانجام صدای انقلاب در روی صفحه تلویزیون نقش بست و بدین ترتیب رژیم ۲۵۰۰ ساله‌ی شاهنشاهی و آخرین سلسله‌ی سلطنتی ایران سقوط کرد.

بازرگان سیاستمداری مسلمان و مبارزی خستگی‌ناپذیر بود. وی در سی‌امین روز دی ماه ۱۳۷۳ در تهران وفات یافت. تألیفات بازرگان بشرح زیر می‌باشد: ۱- مطهرات در اسلام ۲- سیر تحول در قرآن ۳- ره طی شده ۴- اسلام یا کمونیسیم ۵- عشق و پرستش یا ترمودینامیک انسان ۶- نظریه اریک فروم ۷- بی‌نهایت کوچکها ۸- مذهب در اروپا ۹- یادداشت‌هایی از سفر حج ۱۰- از خداپرستی تا خودپرستی ۱۱- اسلام و جوانان ۱۲- انسان و خدا ۱۳- بازی جوانان با سیاست ۱۴- ترمودینامیک صنعتی ۱۵- حکومت واحد جهانی ۱۶- خداپرستی و افکار روز ۱۷- خودجوشی ۱۸- ضریب و تبادل مادیات و معنویات ۱۹- مرز میان دین و سیاست ۲۰- مسئله وحی ۲۱- انقلاب در دو حرکت ۲۲- شصت سال خدمت و مقاومت (خاطرات مهندس مهدی بازرگان، جلد

(اول).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] ایران فردا (اسفند ۱۳۷۳، ویژه‌نامه درگذشت مهندس بازرگان)، خاطرات بازرگان (شصت سال خدمت و مقاومت)، مؤلفین کتب چاپی (۳۷۳-۳۷۲/۶)، نشر دانش (س ۱۵، ش ۱ و ۲، ص ۸۲).

باستان، نصرت الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۶-۱۲۸۲ ش)، چشم‌پزشک. در تهران و در خانواده‌ای ظاهراً از اهالی آذربایجان متولد شد. تحصیلات مقدماتی را ابتدا در مکتب‌خانه و سپس در مدرسه‌ی صفائیه و تربیت فراگرفت، پس از آن دارالفنون را به پایان رسانید. نصرت الله دوره‌ی پزشکی را در مدرسه‌ی طب تهران و در سال ۱۳۰۷ ش گذراند. و در سال ۱۳۰۷ ش جزء اولین گروه محصلین اعزامی به اروپا، به فرانسه رفت و در دانشگاه‌های بردو و پاریس دوره‌ی پزشکی عمومی را خواند و در رشته‌ی چشم‌پزشکی متخصص شد. در سال ۱۳۱۵ ش به ایران بازگشت و به تدریس در رشته‌ی پزشکی پرداخت و مشاغل را عهده‌دار شد. وی غیر از تألیفاتی که در رشته‌ی تخصصی خود داشت اهل ذوق و قلم بود. از دیده‌ها و شنیده‌های خود داستانهای کوتاه طنزآمیزی نوشت و از آن نوشته‌ها دو مجموعه به نامهای: «افسانه زندگی» و «چهل تیکه» منتشر ساخت. از آثار وی در پزشکی: «اورام ملتحمه»؛ «بیماریهای چشم و درمان آن»؛ «بیماریهای گوش و حلق و بینی و حنجره»؛ «تراخم»؛ «چشم و بیماریهای آن»؛ «کیمیا پزشکی» [۱].

مدرس، پزشک، ادیب.

تولد: ۱۲۸۲.

درگذشت: آذر ۱۳۶۱.

نصرت‌الله باستان تحصیلات مقدماتی خود را در مکتب و نزد میرزا علی‌اکبر و با خواندن عم جزء آغاز کرد. پس از مدتی مکتب را ترک گفت و به مدرسه‌ی صفائیه و سپس به مدرسه تربیت رفت. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی وارد دارالفنون شد (شرح این بخش در کتاب افسانه زندگی آمده است) سپس وارد خدمات دولتی شد و در نقلیه‌ی قشون مشغول به کار شد. در سال ۱۳۰۷ در میان اولین گروه محصلین اعزامی به اروپا رفت. در شهر بردو فرانسه مشغول به تحصیل شد و بالاخره پس از هفت سال اقامت در کشور فرانسه، و گذراندن دوره‌ی دکترای دانشگاه پاریس در سال ۱۳۱۵ به تهران مراجعت کرد. در همان موقع در بیمارستان‌های سینا و شهرداری مشغول به چشم‌پزشکی شد. کتابی در ششصد صفحه تحت عنوان بیماری‌های چشم و درمان آن نوشت. وزارت فرهنگ این کتاب را به چاپ رسانید. سپس به ریاست بخش چشم‌پزشکی بیمارستان وزیری منصوب شد و در سال ۱۳۲۸ به مقام استدای کرسی بالینی نایل آمد و در این سمت بعدها به بخشی از بیمارستان هزار تخته‌خوابی (این بیمارستان به نام امام خمینی تغییر نام داده است) منتقل شد و از شرکای بیمارستان مهر در تهران شد. اثر دیگر دکتر باستان در زمینه‌ی پزشکی نازایی و فرزند زیادی (۱۳۴۸) است.

دکتر باستان بخشی از کتاب افسانه‌ی زندگی یا خواب پریشان (۱۳۴۴) را به شرح گذشته و حکایت دوران مدرسه اختصاص داد و در بخش دیگر به خیال پردازی درباره‌ی آینده و مرگ پرداخت (اقتباسی از کمدی الهی دانته، نویسنده ایتالیایی). کتاب دیگر او چهل تیکه (۱۳۵۱)؛ حاوی ۴۵ قطعه‌ی طنزآلود از ماجراهای زندگی خود اوست. از آثار دیگر اوست: اورام ملتحمه (۱۳۱۵)؛

بیماری‌های گوش و حلق و بینی و حنجره (با همکاری دکتر مصطفی بهشتی شیرازی، جلد اول، تهران، ۱۳۲۷)؛ تراخم (با همکاری دکتر حمید محسنین و دکتر سهراب داروگر، جلد اول، تهران، ۱۳۴۱)؛ چشم و بیماریهای آن (تهران، ۱۳۳۵)؛ کیمیا پزشکی. دکتر باستان در سال ۱۳۲۳ نیز نشریه‌ی «باستان» را منتشر می‌کرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۰/۲)، زندگینامه‌ی مشاهیر رجال پزشکی (۳۲۱-۲۱۹/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۶۳-۵۶۲/۶).

باستان حق، محمدحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: غدد، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

باستانی پاریزی، محمدابراهیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد ابراهیم باستانی پاریزی فرزند شیخ علی اکبر، در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی در روستای پاریز کرمان دیده به جهان گشود. استاد تحصیلات ابتدایی را در پاریز به پایان برد و دوره دبیرستان را تا سوم متوسطه در سعیدآباد سیرجان به انجام رسانید و در کرمان وارد دانشسرای مقدماتی شد و دیپلم گرفت. در خلال تحصیل، در حالی که بیش از هفده سال نداشت، با روزنامه روح القدس همکاری کرد و آثار نظم و نثرش را در آن به چاپ رساند. دکتر باستانی برای ادامه‌ی تحصیل راهی تهران شد و در دانشسرای عالی در رشته تاریخ و جغرافیا به تحصیل پرداخت و به دریافت لیسانس توفیق یافت و تا درجه دکترا پیش رفت. در تهران فعالیت مطبوعاتی خود را گسترش داد و با روزنامه‌ها و مجلات همکاری نزدیک داشت. استاد مدتی در دبیرستان‌های کرمان مشغول خدمت بود اما سرانجام به تهران آمد و به کار تدریس در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران مشغول گردید. از ایشان آثار زیادی تاکنون به چاپ رسیده است.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

گرایش: ایران دوره اسلامی

والدین و انساب: محمدابراهیم باستانی پاریزی، فرزند حاج شیخ علی اکبر معروف به حاج آخوند بود.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: از آنجایی که پدر محمد ابراهیم باستانی پاریزی فردی باسواد بود، وی را روانه‌ی مدرسه‌ای در همان قریه‌ی پاریز نمود. این مدرسه در منزل شخصی به نام ملا محمدحسن قرار داشت - این فرد همان کسی است که سال‌ها بعد باستانی پاریزی آثار، نوشته‌ها و نامه‌هایش را تحت عنوان «آثار پیغمبر دزدان» جمع‌آوری و چاپ کرد -، در سال ۱۳۱۳ پدر

باستانی پاریزی مدرسه ای ساخته و او کلاس پنجم را در همین مدرسه به پایان رساند. پاریزی کلاس ششم ابتدایی را در سیرجان و در دبیرستان بدر سپری نمود. وی پس از به پایان بردن دوره ی تحصیل در مقطع ابتدایی ، به مدت ۲ سال ترک تحصیل کرد ، اما در این فاصله در محضر کلاس پدر حاضر می شد و به آموختن ادبیات و عربی می پرداخت. او در سال ۱۳۱۸ برای ادامه ی تحصیل عازم سیرجان شد و سه سال اول دبیرستان را در آنجا گذراند ؛ علی رغم آن که وی تصمیم داشت بجای تحصیل به اداره پست و تلگراف رود ، اما با توصیه یکی از معلمان خود برای ادامه ی تحصیل به دانشسرای مقدماتی کرمان ، که به کوشش رئیس فرهنگ وقت (رهبر کسروی) شبانه روزی شده بود ، وارد شد. با توجه به اینکه این دانشسرا تنها به محصلان رتبه ی اول و دوم اجازه ی ادامه ی تحصیل در دانشسرای عالی تهران را می داد ، پاریزی توانست شاگرد دوم این دانشسرا شده و به تهران رود. سال ششم را در دبیرستان رشدیة ی آن روز خواند و سپس در دانشسرای عالی تهران در دانشکده ادبیات به ادامه ی تحصیل در رشته ی تاریخ پرداخت. پس از آن باستانی پاریزی به کرمان رفت ، اما مجددا در سال ۱۳۳۷ برای دوره دکترای تاریخ به تهران بازگشت و توانست این دوره را نیز به پایان برد.

خاطرات و وقایع تحصیل : تحصیلات دوره ی دبیرستان محمد ابراهیم باستانی پاریزی در سیرجان مصادف با جنگ جهانی اول بود. این سال ها برای کشورمان سال های سختی بود ، چرا که جنگ جهانی باعث گردید فقر و گرسنگی بر همه جا سایه افکند. با سقوط رضا شاه در سال ۱۳۲۰ ، پاریزی تصمیم گرفت از کلاس نهم (سوم دبیرستان) ترک تحصیل نماید و در پستخانه پاریز به جای مدیر قبلی که در همان زمان بازنشسته شده بود استخدام شود ، اما چیزی که باعث شد او از این کار منصرف شود ، مقاله ای بود که در روزنامه « بیداری » به چاپ رساند ، او در این مقاله جوابیه ای در مقابل مقاله مرتضی برازجانی که از معلمان مدارس کرمان بود تنظیم نمود. این مقاله در احوال حضرت فاطمه زهرا (ع) و کیفیت زندگی او تنظیم شده بود ، پاریزی در جواب نوشت « اینکه زنهای امروز از این بانوی بزرگ سرمشق نمی گیرند ، تقصیر مردان است که زن ها را به گونه ای دیگر می پسندند ، تقصیر زن ها نیست ... » در همان زمان یک معلم کرمانی به نام منصوری که برای توزیع کوپن به پاریز آمده بود با خواندن این مقاله او را از خدمت در پست و تلگراف برحذر داشت .

فعالیت های ضمن تحصیل : محمد ابراهیم باستانی پاریزی پس از به پایان بردن دوره ی ابتدایی ، به مدت دو سال ترک تحصیل نمود و در همین سال ها مجله ی خطی به نام « ندای پاریز » با سه مشتری منتشر کرد.

استادان و مربیان : از معلمین دوره ی ابتدایی محمد ابراهیم باستانی پاریزی می توان آقایان : سید احمد هدایت زاده نبوی پاریزی ، یحیی سالمی پاریزی و میرزا غلامحسین سعیدنیا معروف به ناظم را نام برد. از معلمین پاریزی در سه سال اول دبیرستان می توان آقایان : سید عبدالحسین حجازی ، ابوالقاسم ارجمند ، محمد صنعتی ، جلال پور ، صفوت و چند تن دیگر را نام برد که در شکل گیری معلومات و ذوق وی تاثیرگذار بوده اند. همچنین او در تابستان با مراجعت به زادگاه خود ، از محضر پدرش نیز که محل تردد رجال ادب ، سیاست و اهل ذوق بودند استفاده های زیادی می نمود ؛ از کسانی که در این مجلس حاضر می شدند اسماعیل مرآت ، هادی حائری ، عطیفه ، مایل تویسرکانی ، صادق انصاری - از رؤسای اسبق معروف کرمان - هادی اشتری ، ابوالفا معتمدی ، آقاسید محمدرضا مدنی ، سیدجلال هجری رفسنجانی ، شیخ عبدالمحسن محسنی - که از خوشنویسان به نام و از شعرای سیرجان بود - و مرتضی خان ستوده و بسیاری از رجال صاحب ذوق سیرجان و زیدآباد و همچنین معلمان کرمان می توان نام برد. پاریزی در فاصله ی دو ساله ی تحصیل در دانشسرای مقدماتی کرمان از محضر آقایان : فنایی ، الفت ، سید حسین مدنی پور ، دکتر پورحسینی ، دکتر بقایی ، بهمن اوف ، صباحی محمد طاهری ، محمد طاهری ، محمد صرافی ، رغبتی ، محمد علی بابایی ، مهندس کارآموز و چند تن دیگر نیز استفاده نمود. او در سال ششم ادبی دبیرستان رشدیة نزد معلمین معروفی همچون محمد جواد تربتی ، عضدتی ، محیط طباطبایی ، دکتر گوهرین ، محمد علی خلیلی به کسب علم پرداخت. پس از واردشدن در دانشسرای عالی و

دانشکده ادبیات، در رشته ی تاریخ محضر استادان بزرگواری چون نصرالله فلسفی، رشید یاسمی، سعید نفیسی، عباس اقبال آشتیانی، دکتر سعادت، دکتر مجیر شبانی، دکتر بینا، فاضل تونی، دکتر احمد بهمنش، دکتر احمد مستوفی و دکتر محمدحسن گنجی را درک نمود. باستانی پاریزی دوره ی دکترای تاریخ را زیر نظر استادانی چون دکتر محسن عزیزی، ابراهیم پورداود و سعید نفیسی به پایان برد.

همسر و فرزندان: محمد ابراهیم باستانی پاریزی پس از اتمام تحصیلات عالی در سال ۱۳۳۷ به کرمان بازگشت و در همین سال با یکی از معلمان دبیرستان دخترانه بهمنیار کرمان ازدواج نمود که حاصل این ازدواج یک دختر و یک پسر می باشد و هر دو فارغ التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران هستند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: محمد ابراهیم باستانی پاریزی به مدت سه سال سرپرستی دبیرستان دخترانه « بهمنیار » را به عهده داشت. در سال ۱۳۳۷ بعد از اخذ مدرک دکتری، ابتدا در موزه ایران باستان شروع به کار نمود و چون دکتر خوانساری مدیر داخلی مجله « دانشکده ادبیات » دانشگاه تهران برای استفاده از فرصت مطالعاتی به اروپا رفته بود، وی را به عنوان غلط گیر مجله به دانشکده ادبیات منتقل نمودند. حدود ده سال مدیریت مجله « دانشکده ادبیات » را به عهده داشت تا اینکه در سال ۱۳۴۹ برای فرصت مطالعاتی به اروپا رفته و به همین خاطر از کار مستعفی شد.

فعالتهای آموزشی: محمد ابراهیم باستانی پاریزی در پاییز ۱۳۳۰ پس از اتمام تحصیلات عالی به سمت دبیری دبیرستان های کرمان منصوب شد و سه سال نیز سرپرستی دبیرستان دخترانه بهمنیار را به عهده گرفت. در سال ۱۳۳۷ بعد از اخذ مدرک دکترا، به دانشکده ادبیات دانشگاه تهران رفت و به کار تدریس پرداخت.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: محمد ابراهیم باستانی پاریزی در کنار فعالیت های آموزشی، با نوشتن مقاله و شعر، با مطبوعات نیز همکاری داشتند. وی در دوره دانشسرای مقدماتی در روزنامه « بیداری ایران » مقاله ای در رثای معلم دانشسرا، مرحوم ادیب بامداد نوشت و در همین سال ها با انتشار روزنامه « روح القدس » در کرمان مقالات خود را به چاپ رساند. در دوران تحصیل در دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات به عنوان مترجم عربی با روزنامه « کیهان » همکاری خود را برای ترجمه روزنامه های معروف مصر « المصری، الاهرام، آخرساعه، اخبار الیوم » و امثال آن آغاز نمود. پس از اتمام تحصیلات عالی به توجه به آنکه در کرمان به شغل دبیری مشغول بود، در روزنامه « بیداری کرمان » که تحت مدیریت سید محمد رضا هاشمی - بعد از سید محمد هاشمی - مقالاتی را منتشر کرد، پس از آن با به دست آوردن امتیاز مجله ای به نام « هفتواد » از سال ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۷ در چاپخانه یارمند کرمان ۱۷ شماره ی آن را به چاپ رساند. بعد تحصیلات دوره ی دکترا مقالاتی را در مجلات « یغما، دانشکده ادبیات، بررسی های تاریخی، وحید، گوهر، هفت هنر » و امثال آن منتشر نمود که بلافاصله در مجله ی « خواندنی ها » نقل می گردید. « سپید و سیاه »، « راه نمای کتاب » و مجله « باستان شناسی » نیز مقالات او را چاپ می کردند. از جراید شهرستان ها مثل « پارس شیراز »، « اندیشه کرمان »، « خراسان مشهد »، « استوار قم » در افغانستان مجله « آریانا »، « نوای ملت » خوزستان و امثال آن نیز اشعار و نوشته هایش را چاپ می کردند. در ستون انتقاد روزنامه اطلاعات مقالاتی را چاپ نمود که این مقالات در کتاب جداگانه ای به نام « زیر این هفت آسمان » تجدید چاپ شد. بعد از انقلاب نیز با بسیاری از جراید و مجلات مثل « نهیب آزادی »، « ماهان »، « حدیث کرمان »، « آینده » و « چیستا » نیز به همکاری پرداخت. استاد باستانی پاریزی در شعر و شاعری نیز دستی داشته که مجموعا سه بار اشعار او در سال های ۱۳۲۷ تحت عنوان « یادبود من »، در سال ۱۳۴۰ تحت عنوان « یاد و یادبود » و در سال ۱۳۶۳ با نام « یاد بود » چاپ گردید. اشعار وی در سال های تحصیل معمولا در جراید تهران، خصوصا « توفیق » با سبکی خاص در دوبیتی عرضه می گردید.

آرا و گرایشهای خاص: محمد ابراهیم باستانی پاریزی عمر خویش را بر سر معرفی و شناخت هر چه بیشتر سرزمین کرمان گذاشته

اند، به قول یکی از اساتید: «... و ندیده‌ام که او [پاریزی] روزی از یاد مردم کرمان و سرزمین آن خالی باشد، اگر کتابی یا مجله‌ای به دستش می‌افتد، نخست می‌خواهد بداند که آیا در آن مطلبی در باره کرمان هست یا نه؟ اگر در کنگره‌ای و مجمعی علمی پیشنهاد سخنرانی با او می‌کنند، تمام هم او آن است که در موضوعی سخن بگوید که به وجهی، ولو بسیار دور با کرمان ارتباط داشته باشد و چنین موضوعی را، هر چند دور از ذهن باشد، پیدا می‌کند و در آن باره سخن می‌گوید. او عاشق کرمان و مردم آن است و عشقش عرضی و مجازی نیست که از او جدا شود با شیر اندرون شده و با جان خواهد بود. او تنها عاشق کرمان و منطقه‌ی آن نیست، ایران و مردم آن را نیز به همان اندازه دوست دارد، کسی نمی‌داند که در ذهن باستانی، ایران اصل است یا کرمان، پاریز فرع است یا کرمان؟ و اگر کسی به اوضاع جهان واقف نباشد و فقط نوشته‌های پاریزی را بخواند خیال خواهد کرد که کرمان دل ایران است و پاریز دل کرمان.» تاریخ در نظر باستانی پاریزی امری طولی و زمانی نیست که حوادث در آن به دنبال هم و در توالی یکدیگر قرار گرفته باشند، در اندیشه‌ی او زمان تبدیل به مکان و طول مبدل به عرض شده است و حوادث زمانی مانند اشیاء مکانی در جنب هم قرار دارند نه در پشت سر هم؛ در نظر باستانی حوادث تاریخ جز «به درد گواه و شاهد برای امور مبتلا به فعلی مردم نمی‌خورند و گذشته مقدمه حال است و اگر تاریخی نتواند مشکلی را از حال حل کند، بی‌فایده و بی‌حاصل است.» باستانی پاریزی به عنوان یک مورخ ادیب معتقد است که در تمدن چند هزاره ساله‌ی ما که هزار و پانصد سال با زبان فارسی امروزی همراه بوده است، غیر عادی نیست اگر تاریخ با ادب آمیخته شده باشد، بیشتر کتب ادب فارسی ما حاوی قسمت مهمی از تاریخ اجتماعی ماست و یاد می‌کند از عباس اقبال که می‌گفت: «دیوان معزی نیشابوری، خودش یک تاریخ سلجوقی است.» از طرف دیگر شعر و ادب، در نگارش تاریخ یک چاشنی‌ای به نوشته می‌دهد تا خواننده را به دنبال کردن بحث تشویق و ترغیب کند. او می‌گوید: «البته مرزی هست میان شعر و ادب با تاریخ و سرگذشت که این مرز باید رعایت شود و نکته همین جاست که کسی از مرز خود تجاوز و از خط سیر خود عدول نکند.» پاریز معتقد است از شعر و ادب در تاریخ و پیوند این دو مظهر بزرگ فرهنگ ایرانی، چیزی نیست، مگر ادامه‌ی سنت و روال فرهنگی قدیم و تاریخ نویسی هزارساله‌ی ما و اینک یک دانشجوی کم استعداد، به همان راه قدم نهاده، و چنان می‌نماید که مورد تشویق همه قرار گرفته است. دکتر باستانی پاریزی در مورد تاریخ و تعریف آن برخلاف دیدگاه اروپاییان که معتقدند «تاریخ علم ساختن آینده است» و یا به قول ابن خلدون «تاریخ عبرت است»، با تاریخ نگاری منظم و کرونولوژیک فاصله دارد، او می‌گوید: «جامعه از تاریخ چه می‌خواهد؟ جامعه مایل است که تاریخ مثل بسیاری از منابع دیگر فرهنگی یک مملکت برای هر یک از افراد آن ملت یک «شخصیت ثابت» و قابل اعتنا و در خور احترام پدید آورد، چه، ثابت شده است که در برابر حوادث و پیش آمده‌های روزگار، تنها کسانی پایدار و بردبار و خوددار و حلیم و چاره جو هستند که از یک «شخصیت ثابت» برخوردار باشند. اشخاصی که از جهت روانی نتوانند شخصیت خود را توجیه کنند، و نقص شخصیت، و بیماری تزلزل، و فساد شخصیت داشته و درباره‌ی هویت خود دچار تردید باشند، هرگز افراد قابل اطمینانی برای یک جامعه نخواهد بود...». او معتقد است که دوران نوشتن تاریخ‌های کرونولوژیک به روال سابق سپری شده است و با توجه به آنکه دوران مطبوعاتی‌ها، روزنامه نویسان، رپورترها، فیلم بردارهای تلویزیون، مشغول نوشتن و تنظیم تاریخ کرونولوژیک ایران و دنیا هستند خیلی مستندتر و مفصل‌تر از تاریخی که فی‌المثل «هدایت» صاحب روضه‌الصفای ناصری برای قاجاریه نوشت، یا شرف‌الدین یزدی صاحب ظفرنامه برای تیمور، یا اسکندر بیگ منشی صاحب عالم آرا برای شاه عباس. همچنین او می‌گوید: «تاریخ واقعی را وقتی می‌شود نوشت که بسیاری از اسناد محرمانه سیاسی آزاد شده باشد و این معمولاً بیش از سی سال وقت می‌طلبد، به عبارت دیگر، تاریخ واقعی امروز را نسل آینده خواهد نوشت. ما اگر همت و علاقه و بینش و توانایی و متد داشته باشیم، بتوانیم تاریخ قرن پیش را بنویسیم، خود کاری است که در حد معجزه است!»

آثار:

۱ آثار پیغمبر دزدان

ویژگی اثر: نخستین کتاب باستانی پاریزی به نام «آثار پیغمبر دزدان» در سال ۱۳۲۳ یعنی زمانی که در دانشسرای مقدماتی بود چاپ شد. او درباره‌ی این کتاب می‌گوید: «در یکی از تابستان‌ها وقتی مرحوم احمدآقا معین زاده رفسنجانی به پاریز آمد، نامه‌های زیادی از پیغمبر دزدان داشت، که آنها را رونویس کردم و از جاهای دیگر و اشخاص دیگر نیز شنیده‌ها را یادداشت کرده و در سال ۱۳۲۳ مقدمه‌ای بر آن نوشتم و مرحوم سعیدی یزدی مدیر کتابفروشی گلپهار کرمان آن را چاپ کرد و این نخستین کتاب من بود که به چاپ می‌رسید.»

۲ آسیای هفت سنگ

۳ از پاریز تا پاریس

ویژگی اثر: باستانی پاریزی خاطرات مسافرت به اروپای خود را (فرصت مطالعاتی) در مجلات «وحید» و «یغما» منتشر نمود، که بعد از مدتی به صورت کتاب «از پاریز تا پاریس» درآمد.

۴ اژدهای هفت سر

ویژگی اثر: «اژدهای هفت سر» مقاله مفصلی است که باستانی پاریزی با عنوان «خودمشت مالی» به جهت تصحیح اشتباهات گذشته تنظیم نمود.

۵ اصول حکومت آتن

ویژگی اثر: در سال ۱۳۳۷ در دوره‌ی دکترای به عنوان تکلیف درسی، رساله «اصول حکومت آتن» را که از رسالات ارسطو است، به فارسی ترجمه نمود که چند سال بعد با مقدمه استاد دکتر غلامحسین صدیقی منتشر شد.

۶ ترجمه اخبار ایران (از ابن اثیر)

۷ تصحیح و تحشیه تاریخ شاهی قراختائیان

۸ تصحیح و تحشیه تاریخ وزیری

۹ تصحیح و تحشیه جغرافیای کرمان وزیری

ویژگی اثر: پس از انتشار این کتاب توسط باستانی پاریز، بلافاصله به عنوان مسائل اجتماعی در تاریخ و جغرافیای کرمان توسط «بوسه» به زبان آلمانی ترجمه و در شماره ۵۰ مجله اسلام (Derislam) چاپ گردید.

۱۰ تلاش آزادی

ویژگی اثر: «تلاش آزادی» تاریخچه‌ای است از مشروطیت تا سقوط قاجار، که ابتدا به عنوان مقدمه کتاب «ایران باستان» نوشته پیرنیا چاپ گردید سپس به صورت جداگانه چاپ شد.

۱۱ تن آدمی شریف است ...

ویژگی اثر: این کتاب تحقیقی درباره‌ی مظالم و گرفتاری‌هایی است که بر تک تک اعضای بدن آدمی وارد می‌شود. قسمت اول کتاب ناتمام مانده و اختصاص دارد به موی و سر و گوش و ابرو و چشم، و قسمت‌های دیگر نیز هنوز به چاپ نرسیده است. نام این مجموعه از شعر «تن آدمی شریف است ...» از شعر سعدی گرفته شده است.

۱۲ جامع المقدمات

ویژگی اثر: پاریزی کلیه‌ی مقدمه‌هایی را که برای کتاب‌های دیگر نوشته است، در یک مجموعه جمع کرده و تحت عنوان «جامع المقدمات» به چاپ رسانده است.

۱۳ حماسه کویر

ویژگی اثر: «حماسه کویر» متن اضافه شده ی یک سخنرانی درباره ی «قائم مقام» بود که به صورت کتابی هشتصد صفحه ای در آمد.

۱۴ خاتون هفت قلعه

۱۵ دوره مجله هفتواد

۱۶ ذوالقرنین (کوروش کبیر)

ویژگی اثر: در سال ۱۳۳۰ هنگام ورود ابوالکلام آزاد، وزیر فرهنگ هند به ایران، به ترجمه ی رساله ی معروف او که در تفسیر آیاتی از قرآن کریم است، مبادرت کرد و این رساله تحت عنوان «ذوالقرنین یا کوروش کبیر» به چاپ رسید که تا کنون چهار بار تجدید چاپ شده است. در باب این رساله، پاریزی معتقد است که شاید آخرین نظر در مورد کوروش از سوی ابوالکلام مطرح شده است، این نظر را برخی پذیرفته اند و بعضی تردید کرده اند، او می گوید: «من البته مدافع آن نظر نیستم، کاری که من کردم علاوه بر ترجمه ی متن، یک مقدمه ی مفصل تحت عنوان «کوروش در روایات ایرانی» بر آن نوشتم که احتمالاً مفصل ترین تحقیق است که برای اولین بار در مورد کوروش بر اساس روایات اسلامی، ایرانی و شرقی چاپ شده است».

۱۷ راهنمای آثار تاریخی کرمان

۱۸ زیر این هفت آسمان

۱۹ سلجوقیان و غز در کرمان

ویژگی اثر: این کتاب از روی نسخه کتاب «بدیع الزمان» که مربوط به قرن هشتم هجری و از روی نسخه چاپ شده «هوتسما» (مستشرق فرنگی) تنظیم شده است.

۲۰ سنگ هفت قلم

ویژگی اثر: پاریزی در کتاب «سنگ هفت قلم» نقش زن را به شکلی خاص در تاریخ مطرح کرده است و در این کتاب جای پای زن را در همه جا جستجو نموده است، به همین خاطر در مقاله «زن و جنگ» در «نای هفت» معترف است که از سرنوشت زن در تاریخ غافل نبوده است.

۲۱ سیاست و اقتصاد عصر صفوی

ویژگی اثر: سیاست و اقتصاد در عصر صفوی نتیجه یک سخنرانی در اصفهان بود که به تدریج به صورت کتاب در آمد.

۲۲ شاه منصور

۲۳ فرماندهان کرمان

۲۴ فرمانفرمای عالم

۲۵ کوچه هفت پیچ

۲۶ گنجعلی خان

۲۷ محیط سیاسی و زندگی مشیرالدوله

۲۸ منابع و مآخذ تاریخ کرمان

۲۹ نای هفت بند

۳۰ نشریه فرهنگ کرمان

۳۱ نون جو و دوغ گو

ویژگی اثر: این کتاب در احوال کسانی است که در تاریخ به خوردن نون جو از آنها یاد شده است، یعنی آنهایی که با نان جوین خویش ساخته اند و آلوده ی منت کسان نشده اند. این کتاب ابتدا مقاله ای بود در یادواره استاد محیط طباطبایی، که یک سالی معلم او بود، به این مقاله بعد ها مطالبی اضافه شد و به صورت کتابی مفصل درآمد. در همین کتاب به مناسبت آنهایی که ترک دیار گفته و مهاجرت اجباری بر آنها تحمیل شده بود، خصوصا در عصر صفوی یادی به میان آمده و به کتابی نهصد صفحه ای در آمد.

۳۲ هشت الهفت

۳۳ وادی هفت واد

۳۴ یاد و یادبود

ویژگی اثر: مجموعه شعر

۳۵ یادبود من

ویژگی اثر: مجموع شعر

۳۶ یعقوب لیث

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

باستی، هوشنگ

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای عفونی، دانشکده: پزشکی دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۰، دیپلم تخصصی بیماریهای عفونی از

دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۳، گذراندن دوره تخصصی بیماریهای گرمسیری و انگلی از دانشگاه لیورپول انگلستان در

سال ۱۳۵۰، کارشناسی روزنامه نگاری از دانشگاه تهران و کارشناسی ارشد اداری از دانشگاه شهید بهشتی.

مرتبه علمی:

استادیار رسمی در سال ۱۳۴۳، دانشیار دانشکده علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۵۲ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

علت یابی ایجاد کم‌خونی پلاکتی در بیماران مالاریائی و تحقیق در زمینه میکروبهای مولد اسهال‌های عفونی راهنمائی، مشاوره و

نظارت بر ۲۶ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

بیماریهای عفونی و موارد پرستاری و مراقبت.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۸، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای عفونی، عفونت و بیماریها، بررسی و تحقیق در تعدادی از بیماران انتخابی بستری در بیمارستان بخش های عفونی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

باشی، بهزاد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مترجم.

تولد: ۱۳۱۱.

درگذشت: مهر ۱۳۷۰.

بهزاد باشی فارغ‌التحصیل رشته‌ی علوم سیاسی از دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران بود. در جوانی به زندان افتاد و موسیقی را پیش خود و پدرش (پیش از زندان) و در زندان‌های کودتای ۱۳۳۲ آموخت و با موسیقی کلاسیک به همین ترتیب آشنا شده بود.

فعالیت مطبوعاتی وی از سال ۱۳۳۵ آغاز شد و حدود سی سال به طول انجامید. مدتی مترجم بخش خارجی روزنامه‌ی «کیهان» و سردبیر اخبار خارجی خبرگزاری پارس بود. علاوه بر چندین نشریه‌ی دیگر و سازمان رادیو و تلویزیون هم همکاری داشته است.

بهزاد باشی ده سال آخر عمر را بر ترجمه‌ی کتاب پنج جلدی تاریخ جامع موسیقی که حجم آن بیش از چهار هزار صفحه است، صرف کرد که در سه جلد در سال ۱۳۶۹ منتشر شد. از ترجمه‌های دیگر وی می‌توان از: یوهان سباستیان باخ (آلبرت شوایتزر)؛

زندگی‌نامه سوکارنو؛ خاطرات مک میلان؛ خاطرات سارا چرچیل؛ از استالین تا خروشچف؛ تاریخچه‌ی سینما؛ تاریخچه‌ی هواپیما؛ تاریخ موسیقی؛ زندگی شومان (نوشته جون شیسل)؛ آمریکای بزرگ و حقوق بشر؛ جامعه‌ی فئودالی؛ خنیاگری و موسیقی ایرانی؛

سلفای موسیقی ایران نام برد که همه آنها را از انگلیسی ترجمه کرده است.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

باطرقانی اصفهانی، ابوبکر احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۶۰-۳۷۲ ق)، قاری و محدث. شیخ القراء زمان خود بود. نسبتش به باطرقان از توابع اصفهان می‌رسد. قرآن را با روایات مختلف

بر بزرگان قرائت، تلاوت کرد، و از ابو عبدالله بن منده و ابراهیم بن خرشید قوله و ابو مسلم بن شهدل و ابوجعفر ابهری و بسیاری

دیگر حدیث شنید. ابوعلی حداد و عبدالعزیز نخشی و ابوعلی وحشی از او روایت کرده‌اند. سالیانی امام مسجد بزرگ شهر بود.

سعید بن ابی رجاء و حسین بن عبدالملک ادیب و محمد دقاق و عبدالسلام بن محمد حسن آبادی و دیگران از شاگردان وی در

قرائت بوده‌اند. از آثار وی: «طبقات القراء» و «الشواذ» در قرآت؛ کتاب «المسند»، در حدیث.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۸۶/۱)، ایضاح المکنون (۷۹/۲)، سیر النبلاء (۱۸۳- ۱۸۲/ ۱۸)، معجم الادباء (۱۰۲- ۱۰۰/ ۴)، الوافی بالوفیات (۲۸۸/۷)، هدیه العارفين (۷۳/۱).

باطنی، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر محمدرضا باطنی در سال ۱۳۱۳ در اصفهان به دنیا آمد. ایشان مدرک کارشناسی ارشد و دکتری رشته زبان و ادبیات انگلیسی را از انگلستان دریافت کرد. او تا سال ۱۳۶۰ استاد زبان شناسی در دانشگاه تهران بود و از سال ۱۳۶۴ تاکنون، ریاست واحد پژوهش مؤسسه فرهنگ معاصر را به عهده دارد. کتاب "فرهنگ معاصر انگلیسی _ فارسی" تألیف محمد رضا باطنی (با همکاری همکارانش)، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه: علوم انسانی رشته: زبان و ادبیات انگلیسی تحصیلات رسمی و حرفه ای: محمد رضا باطنی کارشناسی زبان انگلیسی را از دانشسرای عالی (دانشگاه تربیت معلم فعلی) و کارشناسی ارشد و دکتری در زبان انگلیسی را از انگلستان دریافت داشت. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: دکتر محمدرضا باطنی تا سال ۱۳۶۰ استاد زبان شناسی در دانشگاه تهران بود و از سال ۱۳۶۴ تاکنون، ریاست واحد پژوهش مؤسسه فرهنگ معاصر را به عهده دارد. جوایز و نشانها: کتاب "فرهنگ معاصر انگلیسی _ فارسی" تألیف محمد رضا باطنی (با همکاری همکارانش)، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. چگونگی عرضه آثار: تألیفات و ترجمه های فراوانی در زبان شناسی و علوم از محمد رضا باطنی به چاپ رسیده است. آثار: ۱ پیرامون زبان و زبان شناسی ویژگی اثر: تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۷۲ توصیف ساختمان زبان فارسی ویژگی اثر: تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۴۸۳ زبان و تفکر ویژگی اثر: تهران: زمان، ۱۳۵۴۴ ساخت و کار ذهن ویژگی اثر: (ترجمه)؛ انتشارات فرهنگ معاصر ۵ فرهنگ معاصر انگلیسی _ فارسی ویژگی اثر: این کتاب در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است ۶ نگاهی تازه به دستور زبان ویژگی اثر: تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۷۱

باغ نوی شیرازی، شمس‌الدین حبیب الله

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۹۴/ ۹۹۵ ق)، فقیه، متکلم، شاعر و ادیب. معروف به میرزا جان. چون در محله باغ‌نو شیراز می‌زیست به باغ‌نوی معروف بود. او شاگرد جمال‌الدین محمود از دانشمندان زمان خود و از معاصران علامه جلال‌الدین دوانی بود. شمس‌الدین در علوم زمان بخصوص در حکمت و منطق دست داشته است و یکی از آخرین حکمای بزرگ ایران است که پیرو طریقه‌ی اشعریان و از شافعیان متعصب بود و در کلام و اصول نیز دست داشت. وی چند سالی قبل از وفات به هندوستان رفت و همان جا درگذشت. از تألیفات

او: «انموذج الفنون»؛ «تعلیقات بر شرح «مختصر العصدی»؛ «حاشیه بر شرح جدید قدیم»؛ «تجرید الکلام»؛ «حاشیه بر شرح مطالع»؛ «حاشیه‌ی بر حاشیه‌ی شرح مطالع»؛ «حاشیه بر اثبات الواجب دوانی»؛ «حاشیه بر محاکمات قطب‌الدین شیرازی بر شرح اشارات»؛ «حاشیه بر شرح اشارات خواجه نصیرالدین طوسی» و «حاشیه بر مطول».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۷۲/۲)، بزرگان شیراز (۳۳۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۰۵/۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۸۹)، الذریعه (۱۰/۶)، روضات الجنات (۱۲/۳)، ریحانه (۶۳/۶)، صبح گلشن (۴۸۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۹۶۰-۹۵۹/۲)، فرهنگ سخنوران (۹۰۰)، کشف الظنون (۱۸۵۳، ۱۷۱۶، ۸۴۲، ۶۸۵، ۴۷۶، ۴۷۵، ۱۸۵، ۹۵)، الکنی و الالقاب (۲۲۱/۳)، لغت‌نامه (ذیل / حبیب)، معجم المؤلفین (۱۸۸/۳)، هدیه‌ی الاحباب (۲۵۲)، هدیه‌ی العارفین (۲۶۳-۲۶۲/۱).

باغچه بان، جبار

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مبدع روش آموزش ناشنویان در ایران و پایه‌گذار آموزش و پرورش پیش از دبستان و از پیشگامان فرهنگ و ادبیات کودکان. او در ۱۲۶۴ش در ایروان، از ایالات قفقاز، به دنیا آمد. پدر و جد وی از اهالی تبریز بودند. پدرش قناد، معمار و مجسمه‌ساز بود و در نقل داستانهای کهن و اشعار شاهنامه تبحر داشت. مادر بزرگش، بنفشه، زنی با کفایت، طیب محل و شاعر بود. این دو نقش مهمی در پرورش استعداد های هنری و خلاقیت جبار داشتند. تحصیلات جبار به شیوه سنتی و مکتبخانه‌ای بود. او در پانزده سالگی مجبور به ترک تحصیل شد و به حرفه‌های پدرش روی آورد. در ۱۲۸۴ش، به دلیل درگیریهای مذهبی، به زندان افتاد. در آنجا، هفته‌نامه ملانهیب و سپس ملباشی را می‌نوشت و مصور می‌کرد و به کمک همزنجر و همبندش برای فروش به خارج از زندان می‌فرستاد. زندان در افکار و معتقدات او تغییرات بنیادی پدید آورد و از آن پس، با عشق به آرمان صلح و انساندوستی، فعالانه وارد زندگی فرهنگی و اجتماعی شد. باغچه‌بان تعلیم و تربیت زنان و کودکان را مهم می‌شمرد و به رغم مخاطرات موجود، پنهانی به تدریس سرخانه دختران می‌پرداخت. از اولین آثار او برای کودکان داستانهای منظوم «قزیللی یا پراق» (برگ زراندود) و «بایرامچیلیق» (مژده‌رسانی عید) است. این آثار، با نام جبار عسکرزاده، متخلص به عاجز، در ۱۲۹۰ش در ایروان چاپ شد. وی، در همین اوان، با نوشتن مقالات و سرودن اشعار، همکاری خود را با روزنامه فکاهی ملانصرالدین آغاز کرد و در ۱۲۹۱ش به نشر هفته‌نامه فکاهی لک‌لک در ایروان پرداخت. با آغاز جنگ بین‌الملل اول و کشمکشهای خونین میان مسلمانان و ارامنه، ناگزیر به ترکیه مهاجرت کرد. در آنجا، ابتدا تحویلدار و سپس فرماندار شهر ایگدیر شد؛ ولی چندی بعد ناگزیر به قفقاز بازگشت. وی در ۱۲۹۷ش، در شهر نوراشین، از توابع ایالت ایروان، مدرسه‌ای تأسیس کرد که به علت آشفتگی اوضاع دیر نپایید. در ۱۲۹۸ش، بر اثر شدت گرفتن خونریزیها در قفقاز، با خانواده خود به ایران آمد. باغچه‌بان خدمات فرهنگی خود را، به عنوان معلم کلاس اول، در مدرسه احمدیه مرند آغاز کرد و دیری نگذشت که نحوه کار وی و پیشرفت شاگردانش جلب توجه نمود. اولین اثر او در ایران نمایشنامه «خرخر» است که برای شاگردانش نوشت و در مدرسه اجرا کرد. در ایران زمان، امتیاز تأسیس یک دبستان دخترانه را گرفت؛ ولی، به سبب مخالفت‌های متعصبان، موفق به افتتاح آن نشد. در ۱۲۹۹ش، به جهت حسن شهرتش، بنا به دعوت رئیس فرهنگ آذربایجان، به تبریز رفت و در آنجا به کار خود ادامه داد. در این زمان، با روش تازه خویش نوشتن کتاب اول را برای کودکان آغاز نهاد. باغچه‌بان برای تدریس مواد گوناگون درسی، وسایل سمعی و بصری ساخت و کتاب الفبای آسان را برای تدریس فارسی به ترک‌زبانان

بزرگسال نوشت. وی، با همکاری همسر و همکارش، صفیه میربابایی، به تدریس دختران در کلاسهای مخصوص نیز موفق شد. وی، در این زمان، «جمعیت حمایت معلمین» و «جمعیت تئاتر» را تأسیس کرد و نمایشنامه‌های انتقادی، از جمله حیات معلمین و ارکک خالاقیزی (خاله قزی‌نر)، را نوشت. باغچه‌بان در ۱۳۰۳ ش، بنا به پیشنهاد رئیس فرهنگ آذربایجان، کودستانی به نام «باغچه اطفال» در تبریز تأسیس کرد و نام خانوادگی خود را از عسکرزاده به باغچه‌بان تغییر داد. وی، برای کودکان، بازیها و کاردستیهای جدید و تزئینات و صورتکهای گوناگون ساخت و شعر، سرود و نمایشنامه نوشت، و به یاری همسرش، که با موسیقی آشنا بود، در کودکان نمایشهای آهنگین اجرا کرد. در ۱۳۰۵، با توجه به حالات یک کودک ناشنوا در «باغچه اطفال» به فکر تدریس به ناشنوایان افتاد و کار تدریس به کر و لاله‌ها را با سه پسر ناشنوا آغاز کرد. باغچه‌بان در آموزش ناشنوایان هیچگونه تجربه قبلی یا دسترسی به کتاب و مقالاتی در این باره نداشت. او، در پرتو تجربه شخصی، به نقش مهم حس باصره و لامسه در آموزش زبان به ناشنوایان پی برد. صداهای زبان فارسی را به دو دسته حنجره‌ای (آوایی) و تنفسی (بی‌آوا) و هر یک از این دو گروه را به ممتد و غیر ممتد تقسیم کرد. وی «الفبای دستی گویا» را، که در نوع خود در جهان بی‌نظیر است، بر پایه ویژگی صداها و شکل حرفها ابداع کرد. در این الفبا، بر خلاف بعضی الفباهای دستی دیگر، از یک دست استفاده می‌شود. این نشانهای دستی، ضمن اینکه کمک به لبخوانی است، وسیله‌ای برای تعلیم و اصلاح تلفظ نیز هست. باغچه‌بان، به‌رغم خدمات فرهنگیش، مجبور به ترک تبریز شد و در ۱۳۰۶ به دعوت رئیس فرهنگ فارس به شیراز رفت. در همان سال، «کودکستان شیراز» را تأسیس کرد و به نوشتن شعر، چیستان و نمایشنامه‌های گوناگون پرداخت که، از آن میان، مجموعه شعر زندگی کودکان و نمایشنامه گرگ و چوپان را در ۱۳۰۸ و نمایشنامه پیرو ترب و خانم خزوک را در ۱۳۱۱ خود مصور و چاپ کرد و وسایل و بازیهای گوناگونی برای پرورش حافظه، حواس و اندامهای تکلم ساخت. برنامه کودکانستانش شامل ورزش، گردش در کوه و صحرا، تمرین رختشویی، تعلیم بنایی و خشت‌زنی و مجسمه‌سازی و کار بافتنی و آداب معاشرت و غیره بود. در همین زمان، کار تئاتر را نیز ادامه داد و با همکاری نصرالله شادروان، چندین نمایشنامه انتقادی به صحنه آورد. از این رو می‌توان گفت که در دهه اول قرن چهاردهم در کشور ما از نظر آغاز آموزش و پرورش ابتدایی و آموزش کودکان استثنائی و ایجاد فرهنگ و ادبیات کودکان برجستگی چشمگیری داشته‌است. در پایان ۱۳۱۱، باغچه‌بان به تهران آمد. او قصد داشت مؤسسه‌ای برای پژوهشهای روانشناسی و تربیتی تأسیس کند که به دلیل نداشتن پشتیبانی مادی و معنوی از آن منصرف شد. در این ایام، ناگزیر مدت کوتاهی در یک کارخانه سیگارپیچی مشغول کار شد. در آذر ۱۳۱۲، باغچه‌بان، با چاپ اعلانی در روزنامه اطلاعات درباره آموزش ناشنوایان، اولین کلاس ناشنوایان را، در مطب دوستش، با یک شاگرد، دایر کرد. تعداد شاگردان به تدریج به پنج نفر افزایش یافت. در پایان سال تحصیلی، وزارت فرهنگ، با احساس رضایت از نتیجه آموزش ناشنوایان، ماهانه‌ای به مبلغ چهل تومان برای دبستان مقرر داشت و «دبستان کر و لاله‌ها» رسماً آغاز به کار کرد. در همان سال، باغچه‌بان تلفن گنگ یا سمعک استخوانی را اختراع کرد و به ثبت رسانید. این سمعک وسیله انتقال صوت از طریق دندان به مرکز شنوایی است. در ۱۳۱۴، وزارت فرهنگ «دستور تعلیم الفبای» او را منتشر کرد که امروز نیز از روش پیشنهادی در آن («روش باغچه‌بان») در کلاسهای دبستانی و بزرگسالان استفاده می‌شود. در ۱۳۲۲، با کمک افراد خیر، «جمعیت حمایت کودکان کر و لاله‌ها» را در تهران تأسیس کرد که در تیر ۱۳۲۳ به ثبت رسید و بعدها کلمه کور از عنوان آن حذف شد. در بهمن همین سال، ماهنامه زبان را منتشر کرد و در آن روش تازه خویش را در اختیار آموزگاران کلاس اول گذاشت. کتابهای اول دبستان و کتاب سرباز را، با روش تازه، در همین سال منتشر کرد. در اسفند ۱۳۲۸، اساسنامه و برنامه کامل و دقیق تحصیلات پنجساله ناشنوایان برای آموزش زبان و حرفه، روش شفاهی توأم با الفبای دستی گویا، به کوشش باغچه‌بان، تهیه و به تصویب رسید. او، در ۱۳۳۰، «کانون کر و لاله‌ها» را پایه‌گذاری کرد. در ۱۳۳۲، نخستین کلاس تربیت معلم ناشنوایان را، با همکاری دانشسرای مقدماتی، در آموزشگاه خود تأسیس کرد و بدین ترتیب، اولین گام در تربیت رسمی معلمان کودکان استثنائی برداشته شد. در

۱۳۴۳، کتاب حساب را برای کودکان ناشنوا و روش آموزش کر و لالها را برای آموزگاران نوشت. در کتاب اخیر، ضمن توضیح صداهای زبان فارسی و روش آموزش تلفظ و لبخوانی، اصول «زبان مصور» را به تفصیل شرح داده است. زبان مصور مجموعه‌ای علائم بصری است که با استفاده از آن می‌توان ساختار زبان را به ناشنوایان آموخت. در همین زمان، «گاهنامه»، وسیله‌ای بصری برای آموختن چگونگی بلند و کوتاه شدن روزها، را ساخت. آموزشگاه باغچه‌بان، در زمان حیات وی، از هر نظر گسترده و مجهز شد. با اجرای برنامه تربیت معلم ناشنوایان، مدارس و کلاسهای ویژه و هنرستانها و کلاسهای بزرگسالان (اکابر) و باشگاهها و مراکز پژوهشی و خدمات ویژه، از جمله دوره‌های تربیت رابط ناشنوایان در تهران و شهرستانها تأسیس شد و ناشنوایان به مراکز آموزش عالی راه یافتند. باغچه‌بان در اواخر عمر، «جمعیت سلام» یا «گرامیداشت» را با نیت تشویق مردم به تجلیل از نیکوکاران در زمان حیاتشان، تأسیس کرد و جزوه «آدمی اصیل» را در این باره منتشر ساخت. از کتابهای شعر و نمایشنامه و داستانهای کودکان باغچه‌بان به زبان فارسی که اثر به چاپ رسیده است. از جمله آثار چاپ نشده او در این حوزه نمایشنامه آهنگین مجادله دو پری است. همچنین در روشهای تدریس خواندن و نوشتن و آموزش ناشنوایان، سیزده اثر از وی منتشر شده است. آثار او به زبان ترکی بالغ بر دوازده کتاب است که از آن میان، ترجمه رباعیات خیام، به نام رباعیات آذری خیام، ارزش خاصی دارد. رباعیات باغچه‌بان، که در ۱۳۳۷ به چاپ رسید، آینه افکار و فلسفه زندگی اوست. باغچه‌بان در ۴ آذر ۱۳۴۵ درگذشت.

منابع زندگینامه: پایگاه یاد یار

باغداساریان، آراییک

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۳۱۸.

درگذشت: ۱۳۶۴.

آراییک باغداساریان در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به کارهای مختلفی نظیر گرافیک، نقاشی و غیره مشغول بود. از آثار اوست: شیوه طراحی با قلم و مرکب (نوشته خوزه پارامان، ۱۳۶۵)؛ شیوه یادگیری طراحی (۱۳۶۵). بر گرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

بافقی علی، شرف‌الدین

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شرف‌الدین علی بافقی از سخنوران نامی و مشاهیر اهل فضل و استاد وحشی بافقی بوده از یزد بشیراز رفته و بتحصول علم پرداخته پس بهند رفته و محل توجه اکابر گردیده و بعد از مراجعت در دربار شاه طهماسب صفوی ۹۳۰ تا ۹۸۴ قمری تقرب یافته و در واقعه‌ی قتل بایزید پسر سلطان سلیم با چهار پسرش این رباعی را در قزوین گفته و بنظر شاه رسانده و مورد اکرام شاهانه گردید.

دست ستم سپهر بیداد نما

سر پنجه فتنه داشت از میخ بلا

چون دعوی زور پنجه با بخت تو کرد
اقبال تو ساخت دستش از پنجه جدا
بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

باقی یزدی، ابوالحسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف قبل از ۱۲۴۴ ق)، عالم دینی، فقیه، محدث و رجالی. از شاگردان علامه وحید بهبهانی و سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض» است. بافتی در جنگ روس و ایران شرکت داشت. از آثارش: «الوجیزه فی الدراییه»، مرتب بر مقدمه و شش فصل است که به گفته‌ی شیخ آقا بزرگ تهرانی از این کتاب مهارت علمی مؤلف در حدیث و رجال و دیگر علوم آشکار می‌شود. وی از تألیف این کتاب در ۱۲۳۷ ق فراغت یافته است. در نسخه‌ای از این کتاب که در ۱۲۴۴ ق کتابت شد به وفات مؤلف قبل از ۱۲۴۴ ق تصریح شده است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۴۸/۲۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/۳۴).

باقی، اسدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ملا-اسدالله بافتی برادر مرحوم حاج شیخ محمد تقی عالمی بارع و عابدی ناسک و زاهدی کم نظیر و دارای کرامات و مقامات معنوی بوده و بعضی وی را از جهاتی از مرحوم برادرش برتر میدانستند.

نگارنده در سفریکه آن مرحوم بمشهد مشرف و بری آمدند او را در منزل مرحوم برادرش زیارت کردم آثار صفا و معنویت از سیمایش هویدا بود در سال ۱۳۶۹ قمری سفری به یزد رفتم و از آنجا برای دیدن آن عالم ربانی ببافق مسافرت نموده و دو هفته‌ای توقف و از محضرش استفاده کردم. و مدت ده شب در حسینیه امامزاده سهل بن علی منبر رفته و انجام وظیفه نمودم. مردم بافتی بآن مرحوم علاقه مخصوص و نظر خاصی داشتند و برای وی کراماتی قائل بودند و او را نمیدیدند مگر اینکه دست و پیرا بوسیده و چیزی بعنوان تبرک میخواستند و او هم مرتب از جیب خود بمردم پول یا خرما و یا نبات و بادام و غیره میداد و ابدا تمام نمیشد و نمیدانم کیسه و جیب آن بزرگوار بکدام سیلو و انبار و خزینه راه داشت. شبها یا نمی‌خوابید یا بسیار کم می‌خوابید مسجدی داشت که بآنجا رفته و تا بصبح مناجات و عبادت مینمود. مزرعه‌ای داشت بنام حجتیه که نان و لباس کرباس خود را از آن مزرعه تحصیل مینمود.

از اشیاء نفیسه که نزد ایشان دیدم بادامی بود که بطور طبیعی در روی آن حک شده بود الله محمد علی فاطمه حسن حسین تا آخر ائمه علیهم‌السلام که نوشته بود (مهدی و لشگرش) و نیز انگشتر عقیق یمنی بسیار ظریف و نفیسی که آنرا اهدائی و اعطائی حضرت صدیقه کبری علیهاسلام میدانست و بر روی آن آیات رزق منقوش بود. (و من یتق الله يجعل له مخرجا و یرزقه من حیث لایتحسب و

من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شیء قدرا). میفرمود توسلی بحضرت زهرا سلام الله علیها نموده و از حضرتش چیزی خواستم پس روزی در منزل نشسته بودم که گفتند کسی شما را میخواند در منزل رفتن زنی را دیدم در چادر و پوشیه سیاه که اصلا در بافق چنین لباسی معمول نبود گفت این را خانم برای شما داده بسته کوچکی بمن داد و رفت من از او پرسیدم خانم کیست بسته را باز کردم دیدم این انگشتر است. فوراً بخود آمدم که این زن با این لباس و چادر که بود و خانم کیست از عقب او آمد هرچه جستجو کردم اثری از او نیافتم و از هر کس استفسار کردم گفتند چنین زنی با این نشانی ندیدم دانستم این اعطائی از طرف بی بی دو جهان شفیعہ روز جزا حضرت صدیقہ طاہرہ سلام الله علیهاست.

دیگر از یادگارهای آن بزرگوار بحقیر دعائی است که میترسم اگر در اینجا یاد نکنم بمیرم و آن مخفی بماند و البته با من تعهد کرد که بنا اهل ندهی و من معتقدم که موفق نمیشود باین دعا مگر خواص از دوستان اهل بیت علیهم السلام و آن دعا اینست. میفرمود از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است این دعا.

دعاء کفن میت

قال رسول الله صلی الله علیه و آله. من كتب هذا الدعاء والقی فی کفن المیت او وضع فی یدہ لایعذب فی قبره والله والله والله.

بسم الله الرحمن الرحیم. اللهم ان قدومی الیک فاکرمنی فان الضیف اذا نزل بقوم یکرّم و انت اولی بالکرامه الهی مادمت حیا عصیتک و انت احسنت علی (الی) فالان انقطع عصیانی فلا تقطع احسانک عنی یا رب اعتقنی من النار بمحمد و آله الاطهار الابرار الاخیار و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین.

نگارنده گوید از آن تاریخ تاکنون بیش از چند نفری را که یاد میکنم موفق نشدم این دعاء را باو بدهم.

۱- مرحوم آیه الله العظمی حجت ۲- مرحوم آیه الله العظمی صدر ۳- مرحوم آیه الله مجاهد حاج سید ابوالقاسم کاشانی.

۴- مرحوم آیه الله حاج سید حسین قاضی که یک ماه مانده بفوتش این دعا را از حقیر گرفت و گویا پیش بینی مرگ خود را کرده بود.

۵- مرحومه مغفوره صبیبه جوانم که مناسب است خوابی که بعد از فوت آن مرحومه یکی از بستگان بی اطلاع دیده بود بنگارم.

۶- آیه الله حاج شیخ محمد رضا طوسی نجفی.

دیدن صبیبه ام در خواب و دعاء مذکور

در دهم ماه رجب سال ۱۳۹۱ قمری بود که نگارنده مبتلا- بداغ و مرگ ناگهانی صبیبه ام مرحومه فاطمه رازی که همسر آقا سید حسین تقوی طهرانی از سادات اخوی تهران که جوان متدین و پرهیز کاریست شدم و خدا شاهد است که مرگ او چه ضربه ای بر من و بیت من وارد و چه داغی بر دل من و مادرش و کلیه بستگانم گذارد زیرا در میان ۹ فرزندانم مزایائی از تقوا و مواظبت بجامعه و توسل و عاشوراء و غیره داشت.

در آن ناراحتی عجیب که خود داشتم و انقلاب مادرش و همسر و تمام فامیل را میدیدم و از همه چی غافل بودم دیدم گویا بمن گفته میشود چرا دعاء را نمینویسی اینجا جای آنست. پس فوراً در هنگامیکه مشغول غسل وی بودند، دعاء را نوشته و بخاله صبیبه ام دادم و گفتم این را در کفن و یا دست راست او بگذار او هم گذارد کسی جز او و یکی دو نفر دیگر اطلاع نداشت و نمیدانستند چیست مدت دو سه ماه از این حادثه گذشت یکی از خویشان و ارحام که هیچ از این جریان خبر نداشت در تهران آن مرحومه را در خواب دید که در باغ بسیار زیبایی است و لباس سفید گل دوزی شده ای شبیه لباس سفید عروسهای ایران پوشیده و بی اندازه زیباست پرسید از او بگوئید چگونه گذشت و وضع تو چگونه است. گفت بسیار خوبم و اینجا منزل من است گفتم جریان خود را بگو گفت وقتی من مردم میدیدم که شما چگونه ناراحتید و گریه میکنید میگفتم اگر برای من است منکه حال خوب است تا مرا بقم آورده و در مقبره ام گذاردند و قبر مرا کنند بمن گفتند باید اینجا بروی گفتم من میترسم گفتند باید بروی گفتم پس چشمم

را می‌بندم که نبینم ناگاه متوجه شدم در قبرم هستم وحشت مرا گرفت بمن گفته شد نترس چشمت را باز کن پیغمبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم آمده است بیادم آمد نامه‌ئی پدرم برای پیغمبر نوشته و در دستم گذارده‌اند گفتم چشمم را باز کرده و نامه را تقدیم میکنم... و آن نامه همین دعاء مذکور است... خداوند مرحوم حجه‌الاسلام بافقی و برادر بزرگوار مذکورش و ما را با نبی اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم و اهل بیتش محشور گرداند.

درخت خرما می‌ترسد

از نوادری که در بافق دیده و شنیده‌ام این قضیه است در منزل مرحوم حاج ملا اسدالله درخت خرما بزرگی بود و فرمود سالها بود که این درخت با این هیکل خرما نمیداد و هرچه او را تلقیح میکردیم (تلقیح خرما گرد مخصوصی از خرما نر است که بخرمای ماده میزنند تا بار بدهد) اثر نمی‌کرد فرمود با دخترم تبانی کردم که من نردبان گذارده و ریسمانی برداشته با اره میروم که سر درخت خرما را ببرم تو بیا بگو میخواهی چکنی گفتم میخواهم سر این خرمای بی‌ثمر و فایده را ببرم و چوب او را بسوزانم زیرا فقط هیکل بزرگ کرده تو بیا شفاعت کن. پس من از نردبان بالا رفته و ریسمان بر گردن درخت بسته و اره گذاردم که سر درخت را ببرم دخترم آمد گفت بابا چه میکنی گفتم میخواهم سر این درخت بی‌فایده را ببرم گفت بابا امسال او را بمن ببخش اگر خرما نداد سال بعد منم شما را کمک میکنم در بریدن و من گفتم بخدا قسم که خرما ندهد حتما سر او را بریده و میسوزانم آنرا پس از این تهدید درخت خرما از آن سال مرتب بار آورد و خرمای خوبی داد و مقداری از آن خرما باین نگارنده داد که بری آورم.

پس به آن مرحوم گفتم مگر درخت خرما تهدید را حس میکند و یا ترس دارد و تا اگر سرش را بریدند خشک میشود فرمود آری درخت خرما برزخ میان نباتات و حیوانات است چند خاصیت از خواص حیوانات در اوست:

۱- می‌ترسد چنانچه حیوانات می‌ترسند.

۲- اگر سرش را ببرند دیگر سبز نمیشود مانند حیوانات که اگر سرش را ببرند میمیرد درخت خرما هم میمیرد.

۳- اگر سرش را آب بگیرد خفه میشود مانند حیوانات خشکی که اگر زیر آب بروند غرق شده و میمیرند.

۴- تلقیح لازم دارد یعنی باید گردی از خرمای نر بخرمای ماده بزنند تا ثمر بدهد مانند حیوانات که باید نر با ماده جفت شود تا تولید مثل کند، و در روایات نبوی صلی‌الله علیه و آله هست که فرموده: اوصیکم بعتمکم النخله سفارش میکنم شما را درباره درخت خرما... انتهی.

مرحوم ثقه‌الاسلام بافقی در حدود سال ۱۳۷۵ قمری در بافق وفات نموده و در همانجا مدفون گردید اشعار بسیاری درباره حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه الشریف سروده و منبر بسیار شیرین و مؤثری داشت.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بافقی، محمد تقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۵-۱۲۹۲ ق)، عالم دینی و فقیه. در بافق به دنیا آمد و در خانواده‌ای با تقوا تربیت یافت. برای تحصیل به یزد رفت و در مدرسه مصلی، ادبیات و سطوح را نزد حاج میرزا سید علی مدرس لب خندقی و دیگران فراگرفت. بافقی از ترس حکومت مستبد آن روز یزد گریخت و به نجف رفت و مورد توجه و تشویق آیت‌الله طباطبایی یزدی قرار گرفت و مدت ۱۹ سال در نجف اقامت کرد و از محضر آیت‌الله یزدی و آیت‌الله کفایی خراسانی و حاج سید احمد کربلایی استفاده برد. آن گاه به ایران مراجعت و در قم سکنی

گردد. وی در قم اقدام به تأسیس حوزه‌ی علمیه کرد و از آیت الله حایری که آن روز در اراک بودند تقاضا کرد که حتماً قم را مرکز قرار دهند و برای انجام این کار قدمهای مؤثری برداشت، و با ایشان همه‌گونه مساعدت، و طلاب و واردین را همه‌گونه تشویق و ترغیب می‌نمود. وی در ۱۳۴۶ ق به واسطه امر به معروف و نهی از منکر به تهران تبعید شد و رحل اقامت در ری افکند و تا پایان عمر در شهر ری ماند. مؤلف «گنجینه‌ی دانشمندان» کتابی در شرح حال وی به نام «التقوی و ما ادریک ما التقوی» نگاشته که به چاپ رسیده و به زبان اردو نیز ترجمه و نشر یافته است. [۱]

مرحوم مبرور حجه‌الاسلام والمسلمین آیت‌الله مجاهد و عالم متقی حاج شیخ محمدتقی بن حاج محمدباقر تاجر بافقی یزدی از علماء بزرگوار و مجاهدین پرهیزکار زمان معاصر ما و مربی و پدر روحانی نگارنده و از افرادی بودند که حقیقه حق عظیمی بر حوزه علمیه قم و مردم ایران دارند زیرا اگر اصرار آن مرحوم بمرحوم آیت‌الله حایری موسس حوزه و همکاریهای ایشان نبود حوزه تأسیس نمیشد و آن مرحوم یگانه مشوق و غمخوار طلاب و محصلین علوم دینی و وحید زمان در امر بمعروف و نهی از منکر و فرید دهر در قدس و ورع و ربیع الایام در حال و حقیقت و اویس الیمان در صفا و معنویت و سلمان عصر در زهد و ولایت و بوذر اوان در شجاعت قلب و رشادت و ترویج و حمایت از امام زمانش بود.

شرح احوال و مقامات معنوی او در این مختصر ننگجد رساله‌ی مستقلی بنام (التقوی و ما ادریک ما التقوی) نوشته و منتشر نموده‌ام. در اینجا هم بطور اجمال می‌نگارم.

وی در سال هزار و سیصد و نود و دو قمری در بافق یزد متولد شده و در دامن مادر علویه و پدر متدین خود پرورش یافته و از همان اوقات با کمال پاکی و پرهیزکاری زنده‌گانی نموده و از زادگاه خود برای تحصیل به یزد و پس از چند سال بواسطه ابراز حریت و شجاعت و ابلاغ اعلان مرحوم آیت‌الله طباطبائی یزدی بر علیه عالم مفتون بدنیا و حب جاه مورد تعقیب دولتیان واقع و بناچار با پای پیاده شبانه مهاجرت به نجف نموده و در آن سرزمین هم کسب روزی حلال و هم تحصیل تا بمقام منبع اجتهاد و معنویت رسیده و چند سالی از اصول مرحوم علامه خراسانی و چندین سال از فقه مرحوم علامه یزدی استفاده کرده و در سال ۱۳۳۷ قمری مهاجرت به قم و نقشه‌ی تأسیس حوزه علمیه را طرح تا ورود مرحوم آیت‌الله حایری که موجب شد آن مرحوم تصمیم بماندن در قم و انتقال حوزه اراک را باین سرزمین مقدس نماید و با ایشان همه‌گونه مساعدت و از طلاب و واردین از محصلین تشویق و ترغیب نموده تا سال ۱۳۴۶ قمری که بواسطه امر بمعروف و نهی از منکر تبعید به تهران و رحل اقامت قهری بری افکند و بخدمات دینی پرداخته تا در دوازدهم جمادی‌الاولی سال ۱۳۶۵ قمری که در اثر عمل جراحی در بیمارستان فیروزآبادی با پیش‌بینی قبلی خودش از دنیا رفته و با تشییع مفصلی حمل به قم و در مقبره آیت‌الله حایری مدفون گردید.

از کلمات اوست که می‌فرمود علی بن مهزیار اهوازی بیست سال از اهواز بمکه رفت تا حضرت ولی عصر امام زمان علیه‌السلام را زیارت کند چرا یک مرتبه و یا شب نیمه ماه شعبان بکربلا نیامد تا حضرتش را در کنار قبر جدش حضرت امام حسین علیه‌السلام ملاقات کند، و آن مرحوم از متشرفین زمان بود که کرارا این توفیق نصیبش گردیده بود چنانچه حقیر در آثار الحجه والتقوی و بستان الرازی نگاشته‌ام.

حاج شیخ محمدتقی بافقی یزدی اباذر زمان خود بود که حوزه علمیه قم را به امر و اشاره حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه الشریف با دعوت از مرحوم آیت‌الله حائری یزدی به اقامت در قم بنیان‌گذاری کرد و خود از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۶ قمری هجری معاون مرحوم حائری و پدر مهربانی برای طلاب و محصلین آن زمان و آن دوره بود و آقایان طلاب تمام نیازمندیهای خود را به ایشان مراجعه و رفع نیازشان می‌شد.

مرحوم بافقی گذشته از مقام علمی و فقاہت و زهد و پارسائی مردی مجاهد بر علیه بیدادگران و مبارز با منکرات و متظاهرين گناه بود و از ملامت هیچ‌کس ملامت کننده از شاه و روحانی و اقشار دیگر کمترین خوف و هراسی نداشت و با ستمگران و طاغوتان و رژیم

پلید دولت رضاخان (زندیق) سرسختانه مبارزه می‌کرد و تنها کسی بود علنا جنایات و مظالم شاه را اعلان و برای وی پیامها و نامه‌های داغ سوزنده‌تر از هر آتشی می‌فرستاد.

امام خمینی که بسیار مورد علاقه مرحوم بافقی مجاهد بود از اصحاب و مریدان خاص آن مرحوم بود و غالباً در مدرسه فیضیه یا نقاط دیگر که آن مرحوم اقامه جماعت می‌کرد به ایشان اقتدا می‌نمود و در شبهای جمعه که آن مرحوم به مسجد جمکران می‌رفت با ایشان همراهی می‌نمود.

مرحوم مجاهد بافقی برای امام بهترین مربی و آموزنده‌ترین مدرسین اخلاقی بود که درس شهامت و شجاعت و صبر و استقامت را در حوادث و رویدادهای مبارزه از زندان و تبعید و شکنجه و آزار می‌آموخت.

این نویسنده در خاطر دارم که امام در عصرهای پنجشنبه و جمعه در مدرسه فیضیه درس اخلاق یعنی درس انسان‌سازی می‌فرمود و عنوان درسش آیه کریمه (یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و لتنظر نفس ما قدمت لغد اتقوا الله ان الله خبیر بما تعلمون) بود ای گرویدگان پرهیز کنید و باید هر انسانی بیاندیشد که برای آتیه‌اش چه پیش فرستاده و پرهیز کنید که خداوند آگاه است که چه می‌کنید.

امام غالباً وقتی می‌خواست یک انسان کامل و مؤمن حقیقی و مجاهد واقعی را بعنوان الگو و نمونه زمان معرفی کند که شیاطین تسلیم او شده و به او ایمان می‌آورند می‌فرمود سفری به شهر ری زاویه مقدسه (حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام) نموده و او را زیارت کنید. و خودشان در هر ماه یک یا دو بار برای زیارت و دیدار مرحوم بافقی مجاهد که در آنوقت در آنجا تبعید بودند راهی ری می‌شدند در خاطر دارم که بعضی از روشنفکران و اهل معنی در آن زمان که از دور یا نزدیک به شهر ری می‌رفتند به زبان حال و قال می‌سرودند.

چه خوش بود که براید بیک کرشمه دو کار

زیارت شه عبدالعظیم (ع) و دیدن یار

(یعنی اباذر زمان و مسلمان دوران حجه‌الاسلام مجاهد حاج شیخ محمدتقی بافقی)

امام در مدت شش سال که مرحوم بافقی در قم با رژیم کثیف شاه و عمال خائن و ستمگران او در شهرستان علمی و مذهبی قم (فرماندار و رئیس شهرداری و...) مبارزه و امر به معروف و نهی از منکر می‌کرد از نزدیک به ایشان مراد و از کردار و گفتار او تمامی درس شهامت و مجاهده با ستمگری و مبارزه با گناه بود سرمشق می‌گرفت و خود را آماده برای قیام و نهضت بزرگ می‌نمود.

و مرحوم بافقی هم چون مؤمن پاکدل و یکی از مصادیق حقیقی (المؤمن ینظر بنورالله) در سیما و چهره درخشان امام آثار نبوغ با طاغوتیان و مجاهده در راه حق مشاهده می‌کرد و در موقع اقامتش در قم عنایت مخصوص به امام داشت و در پاره‌ای از امور سفارش وی را به مرحوم آیت‌الله حائری می‌کرد و بعد از گرفتاری و تبعیدش به شهر ری به محصلین و دیگران توصیه آن بزرگوار را می‌نمود و حتی خود این نویسنده را که به ارشاد و رهنمویی معظم له برای تحصیل به قم آمدم به آشنائی و مراد و با امام تاکید فرمود. و به همین سبب این حقیر از اوائل ورودم به قم در سال ۱۳۵۷ قمری با آن بزرگوار آشنا و مورد تشویق و محبتشان قرار گرفته و تا این زمان که حدود چهل سال است افتخار ارادت به ساحت قدسشان را دارا و یکی از جان‌نثارانشان می‌باشم.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار الحجة (۲۸۱- ۲۸۰/ ۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۶۲۱- ۶۱۹/ ۴، ۱۷۸، ۱۷۷- ۳/ ۱۷۷).

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مجاهد ربانی و آیت سبحانی حاج شیخ محمدتقی بافقی یکی از آیات بزرگ و علمای معروف قرن اخیر در شهرستان قم بود. در سال ۱۲۹۲ در بافق یزد متولد شد و در خاندانی از محبین به اسلام و اهل بیت نشو و نما نمود. بافقی در آغاز از شاگردان میرزا سید علی مدرس (لب جندقی) در شهرستان یزد بود.

بافقی جوانی پرشور، فعال و مجاهد بود، و با مخالفین اسلام و روحانیت در ستیز! نوشته اند به دنبال یک سلسله فعالیت‌های اسلامی علیه ستمگران در یزد تحت تعقیب عمال دولتی قرار گرفت. ناگزیر پای پیاده یزد را به سوی نجف اشرف ترک نمود. مقدم او را علمای نجف مخصوصاً علامه یزدی گرامی داشتند و از مجاهدت و فعالیت‌های اسلامی او خرسند گشتند. بافقی سالها در نجف از محضر آخوند خراسانی و علامه یزدی و سید احمد کربلایی به تکمیل خارج اصول فقهی و دروس اعتقادی مشغول بود تا در فنون علمی به درجه اجتهاد ارتقاء یافت و در مراجعت به ایران ساکن قم گردید.

مرحوم بافقی دانشمندی فعال و پرشور و مجاهدی نستوه بود. موقعی که آیت الله حائری در اراک بود، برای هجرت او به قم و تأسیس حوزه فعالیت‌های چشم گیری می نمود و سرانجام هم با همکاری امثال این مجاهد ربانی حوزه علمیه قم به خوبی پی ریزی شد. هدف این علما و مجاهدین تأسیس پایگاهی عظیم در راه گسترش حقایق مذهبی و علوم اسلامی، و هم سدی عظیم در مقابل افکار و اعمال استعمارگران و نوکر جدید آنها رضا خان قلدر بود. مرحوم بافقی در امر به معروف و نهی از منکرات به خوبی کمر همت بست و با شجاعت و شهامت در مقابل اعمال ضد اسلامی و خفت بار ننگین پهلوی قدعلم نمود. در قم امثال ایشان و در مشهد آیت الله قمی رحمه الله علیه علیه مظالم، بی عفتیها و بی ناموسی های دربار مردم را هشدار دادند. در شب نوروز ۱۳۰۶ شمسی که خاندان ننگین سلطنت بدون حجاب در صحن مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها اجتماع نمودند. امثال آیت الله بافقی با شجاعت و حرارت ضمن سخنرانی و با پخش اعلامیه های متعدد بدون ترس واهمه وظیفه اسلامی خویش را به خوبی ایفاء نمودند.

سرانجام این ایت مجاهد به دستور عمال رضاخانی به تهران (و شهر ری) تبعید شد!! دوری معظم له از حوزه قم و علمای هم فکر برای او عذابی الیم و رنجی قلبی بود. هر چند در شهر ری نیز از وظایف و تعهد دین خویش دست برد نداشت. اما متأسفانه به علت دیکته کردن دستورات اجانب ناراحتیهای گوناگون به وسیله رضا خان وایادی او به حوزه ها و اعلام شیعیان یکی پس از دیگری روی آور می شد. نوشته اند با حادته مسجد گوهر شاد مرحوم بافقی قلبش از کار افتاد و در بیمارستان فیروز آبادی بعد از یک عمل جراحی متأسفانه جان سپرد.

منابع زندگینامه: <http://www.shaaer.com/nikan.htm>

بافی خوارزمی، ابو محمد عبدالله

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۹۸ ق)، ادیب، نحوی، شاعر و فقیه شافعی. نسبتش به باف از توابع خوارزم می‌رسد. خطیب بغدادی گوید که اصل وی از بخارا است، لذا، به وی بافی بخاری نیز می‌گویند. او شاگرد ابوعلی بن ابی هریره مروزی و ابواسحاق مروزی است. بافی شاعری

ماهر بود و در فنون ادب مهارت داشت و فصیح، بدیهه‌گو و نیکو محضر نیز بود. وی متصدی منصب تدریس در بغداد بود و کتب شافعی را درس می‌گفت و شاگردان از دور و نزدیک برای استفاده به محضرش می‌آمدند. به گفته‌ی خطیب او در زمان خود فقیه‌ترین مردم در مذهب شافعی بود. وی در بغداد در گذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۶۵- ۲۶۴/ ۴)، تاریخ الاسلام (حوادث ۳۵۸- ۳۵۷/ ۴۰۰- ۳۸۱)، تاریخ بغداد (۱۴۰- ۱۳۹/ ۱۰)، ریحانه (۲۲۲/۱)، سیر النبلاء (۶۹- ۶۸/ ۱۷)، لغت‌نامه (ذیل / ابومحمد)، معجم البلدان (۳۸۸/۱).

باقرپور، یوسف علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

یوسفعلی باقر پور

محل تولد: بهشهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

مشغول دبیرستان شده بودم که تصمیم به ورود به حوزه علمیه گرفتم. (۱۳۵۵) پس از ورود و گذشت چند سال در مقطع دبیرستان را به صورت متفرقه و در عرض سه سال گذراندم. (۱۳۵۹-۶۱). در سال ۶۱ در دانشگاه تهران رشته الهیات پذیرفته شدم که چون مشغول تحصیل در سطح حوزه بودم و آن دو را منافی هم می‌دیدم از دانشگاه انصراف دادم تا اینکه به درس خارج وارد شدم و یکسال از آن گذشت. در دانشگاه شرکت کردم و در پردیس قم دانشگاه تهران در رشته حقوق قضائی پذیرفته شدم (۱۳۶۴). پس از آن و در سال ۱۳۶۸ در تربیت مدرس الهیات و معارف اسلامی دارالشفاء (دانشگاه قم) شرکت کردم و تا سال ۱۳۷۱ دوره ارشد را طی کردم. ضمناً در سال ۱۳۷۶ در ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه مفید پذیرفته و در سال ۱۳۷۹ فارغ التحصیل شدم. در سال ۱۳۸۴ در رشته دکتری حقوق جزا و جرم شناسی واحد علوم و تحقیقات تهران پذیرفته و هم اکنون مشغول تحصیل در دکتری می‌باشم.

از سال ۱۳۷۱ مشغول تدریس در دانشگاه می‌باشم. از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹ دروس معارف اسلامی و اخلاق و دروس الهیات و معارف اسلامی را تدریس می‌کردم و از سال ۱۳۷۹ به بعد عموماً به تدریس دروس حقوق جزای عمومی، اختصاصی، جرم شناسی، کیفر شناسی و ... مشغول می‌باشم. در حوزه علمیه ابتدا در حوزه علمیه رستمکلد تا کتاب معالم را خواندم ضمن اینکه دروس مقدمات را تدریس می‌کردم از سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه قم شدم و کتب لمعتین، رسائل، مکاسب، و کفایه، اصول فقه، قوانین و نیز کتب بدایه، نهایه، اشارات و مصباح الانس را از اساتید معظم و بزرگواری چون آیت الهل اشتهاردی، آیت الله ستوده، استاد اعتمادی، آیت الله جوادی آملی، نآیت الهل حسن زاده آملی و آیت الله گرامی و ... استفاده کردم. در دروس خارج که از سال ۱۳۶۳ شروع کردم از دروس آیت الله وحید خراسانی و آیت الهل مکارم شیرازی و آیت الله جوادی آملی و آیت الله فاضل لنکرانی و ... بهره بردم و می‌برم. ضمناً دروس حوزه را به صورت خصوصی از ابتدا تا شرح لمعتین تدریس نموده ام و ...

باقرزاده، عبدالرحمن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالرحمان باقرزاده

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

این حقیر عبدالرحمن باقرزاده در سال ۱۳۴۹ در روستای آغوزین از توابع شهرستان بابل و در خانواده ای متوسط، کشاورز و مذهبی متولد شدم. از همان کودکی به قرآن و مسائل دینی علاقمند بودم. لذا در مدتی کوتاه و در سایه لطف الهی و استعداد خدادادی قرآن را فرا گرفتم. در مدرسه نیز همواره شاگردی ممتاز از نظر پیشرفت درسی بودم لذا همواره مورد تشویق قرار می گرفتم که وارد مدرسه علمیه شدم. علاقه وافر قلبی و تشویق های مزبور دست به دست هم داد تا پس از اتمام اول راهنمایی در سال ۱۳۶۱ راهی مدرسه صدر بابل شوم. مدت یک سال در مدرسه مزبور از محضر اساتید معظم آیات و حجج اسلام شیخ هادی روحانی (ره)، سید حسن محقق بهشتی (ره)، شیخ محمد حسن قائمی و سید مرتضی برهانی استفاده کردم. سپس در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه جعفریه رستمکلا به شهر شده و تحت انفاس قدسی عالم نامدار مازنداران مرحوم آیت الله شیخ ابوالحسن ایازی (قدس) به تلمذ و خوشه چینی پرداختم.

مدت پنج سال حضور در آن مدرسه، دوران طلایی عمر تحصیلی حقیر به حساب می آید. علاوه بر استفاده علمی از محضر آن فقیه فرهیخته و نامور، مورد عنایت و محبت زیاد آن بزرگوار بودم به طوری که سال ها بعد از مهاجرت به قم و تا پایان عمر آن عالم فرزانه، از محبت ها و توجهات خاص ایشان بهرمنند بودم. ضمن آنکه در مدرسه مزبور مدت مدیدی خوشه چین محضر فرزند بزرگوار آن عالم بزرگ یعنی حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد جواد ایازی (مدیر فعلی مدرسه علمیه رستمکلا) نیز بوده ام.

در سال ۱۳۶۷ عازم حوزه علمیه قم شده و سطوح عالی را از محضر آیات عظام شیخ مصطفی اعتمادی، سید علی محقق داماد، وجدانی فخر و شیخ محسن دوزدوزانی فرا گرفتم و بعد از آن نیز به مدت ۱۰ سال در درس خارج آیت الله مکارم شیرازی و چند سالی را هم در دروس آیات عظام وحید خراسانی و علوی گرگانی حضور پیدا کردم. از سال ۱۳۸۱ نیز در جایگاه امامت جمعه شهرستان رامسر مشغول انجام وظیفه می باشم. علاوه بر مسئولیت امامت جمعه در حوزه علمیه اعم از برادران و خواهران و نیز دانشگاه به تدریس مشغولم. حقیر دارای دو فرزند پسر به نام های محمد مهدی و محمد جواد می باشم که ثمره ازدواج اینجانب در سال ۱۳۶۷ می باشند.

باقرزاده، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا باقرزاده

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه شد و پس از پنج سال که در ورامین و کاشان مشغول تحصیل بود وارد قم گردید. دروس سطح را از اساتید معظم: اسلامی، محامی، بنی فضل، اعتمادی استفاده کرد. در درس خارج از محضر حضرات آیات: وحید خراسانی، تبریزی، مکارم شیرازی و ... استفاده کرد. در کنار دروس حوزه فوق لیسانس حقوق بین الملل و دکترای علوم سیاسی را در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) گذرانده است. وی عضو هیات علمی موسسه فوق، مدیر گروه حقوق و سیاست مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه و مدیر گروه حلقه نقد فقه و حقوق و سیاست در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی بوده است. از وی مقالات متعددی در حوزه های حقوق و سیاست در مجلات و روزنامه های کثیرالانتشار به چاپ رسیده است. همچنین کتاب "ضمانت اجراهای صلح و امنیت بین المللی در ارتباط با کشورهای در حال توسعه" جزوات تدریس قانون اساسی، حقوق بشر در اسلام و مبانی حقوق از آثار وی می باشد. وی مشغول تدریس در حقوق و سیاست در حوزه و دانشگاه است.

باقری بنابی، یوسف

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، عالم دینی، فقیه و مدرس. در بناب به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات قسمت عمده‌ی سطوح را نیز در شهر بناب و حوزه‌ی علمیه تبریز خواند. وی بقیه سطوح را در نجف در محضر آیت الله مشکینی و آیت الله اهری فراگرفت. آن گاه در درس خارج علامه نایینی و آقا ضیاءالدین عراقی و حاج شیخ عبدالله مامقانی حاضر شد تا به مدارج عالیہ رسید و به اجازه اجتهاد نایل شد. آن گاه وی به زادگاهش بازگشت و بر اثر اصرار اهالی در آنجا اقامت گزید و مرجع امور مردم و دعاوی ایشان گشت. آیت الله باقری بنابی برای تربیت طلاب و محصلین مدرسه‌ای بزرگ تأسیس کرد و خود عهده‌دار تدریس علوم مختلفه در حوزه شد چنانکه اکثر علمای بزرگ بناب و حومه در خدمت ایشان تلمذ کرده‌اند. از آثارش: «ثمرات الفؤاد»، شرح «تفسیر» فرات کوفی، در چند مجلد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: گنجینه‌ی دانشمندان (۲۲۴- ۲۲۱/ ۳).

باقری بیدهندی، ناصر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ناصر باقری بیدهندی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای ناصر باقری بیدهندی به سال ۱۳۳۷ هجری شمسی در روستای بیدهند قم در خانواده ای متدین و شهید پرور چشم به جهان گشود. قرآن را در کتب آموخت و سپس به مدرسه رفت و در اولین روز در کلاس دوم به تحصیل پرداخت. نامبرده بعد از گذراندن تحصیلات جدید به سبب عشق و علاقه فراوانی که به اهل بیت عصمت و طهارت «علیهم السلام» و روحانیت اصیل شیعه داشت در سلک روحانیت درآمد و در مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی تا مرحله سطوح عالی را با موفقیت پشت سر گذاشت. پس از آن در دروس خارج آیات عظام: سید محمد روحانی، محمد فاضل لنکرانی، ناصر مکارم شیرازی، علی مشکینی، جعفر سبحانی، میرزا جواد تبریزی و دیگران به مدت هفده سال شرکت و بهره مند شد. در ضمن با مباحث منطق و فلسفه استادان گرامی حوزه نظیر آیت الله یحیی انصاری و آیت الله گرامی و دکتر احمد بهشتی و تا حدودی آیت الله حسن زاده آملی کسب فیض کرد.

همچنین در بحث اخلاق از محضر آیت الله مظاهری و دیگران سود گرفت. مشار الیه همگام با تحصیلات حوزوی در سطوح متوسطه و عالی به پژوهش و تحقیق روی آورد و تاکنون ده ها کتاب و رساله در موضوعات مختلف به زبان فارسی و عربی از خود به یادگار گذارده و هم اکنون نیز به این مهم با کوشش زیاد اشتغال دارد و شمار قابل توجهی از آثار ایشان به زبانهای زنده دنیا ترجمه شده است. معظم له علاوه بر تألیف و تحقیق به تدریس نیز اشتغال دارد و به عنوان استاد مشاور، سامان دهی خطوط پژوهشی برخی از پایان نامه ها را نیز به عهده گرفته است. و در تعدادی از مراکز فرهنگی عضویت و فعالیت داشته و دارد.

باقری نجفآبادی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ غلامرضا بن حاج ابوالقاسم بن حاج حسین بن حاج محمدعلی بن حاج یوسف که از شیراز به نجف آباد منتقل شده و تا به حال اولاد و احفادش در نجف آباد و غیر آن موجود می‌باشند.

والد این دانشمند مرحوم حاج ابوالقاسم در اواخر عمرش از نجف آباد به حاجی آباد منتقل شده و اولاد و احفادش در آنجا پراکنده شده‌اند در سال ۱۳۴۰ قمری در حاجی آباد مذکور متولد شده و در سن پنج سالگی پدر را از دست داده و تا سن ۱۶ سالگی در تحت تربیت مادر و برادر دروس فارسی را خوانده آنگاه به قم آمده و مقدمات و سطوح اولی را از جناب آقای شیخ حیدرعلی و حاج شیخ ابوالقاسم نجف آبادی و حجه الاسلام حاج سید مرتضی علوی و حاج شیخ محسن الهی لاهیجی و دیگران خوانده سپس در سال ۱۳۶۴ ق به نجف مشرف و سطوح نهائی را در خدمت آیت الله حاج شیخ محمدحسین اصغرخانی و مرحوم آیت الله حاج سید یحیی یزدی و آیت الله مرحوم حاج شیخ عبدالحسین رشتی و معقول را از مرحوم آیت الله حاج شیخ صدرا بادکوبه‌ای فرا گرفته و به درس خارج مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت الله العظمی خوئی و آیت الله آملی مدظلهما و مرحوم آیت الله آقا شیخ محمدعلی کاظمینی و مرحوم آیت الله العظمی آقاسید عبدالهادی شیرازی و مرحوم آیت الله العظمی حکیم قدس الله اسرارهم شرکت کرده و از خرمهای علم و دانش آنان استفاده‌ها برده تا به مدارج علم و کمال رسیده و به تدریس متون فقه و اصول از لمعه و مکاسب و کفایه پرداخته و هر کدام را از دو دوره تا ده دوره تدریس نموده و از سال ۱۳۹۱ قمری تاکنون منحصرًا به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارند.

معظم‌له تا اواخر سال ۱۳۹۱ قمری در نجف به وظائف علمی مشغول بودند تا در آن اوقات مانند هزاران نفر دیگر از دانشمندان و غیره از طرف دولت شوم بعثی عراق اخراج به ایران و در قم رحل اقامت افکنده به تدریس و مباحثات علمی اشتغال یافته‌اند.

آثار و تالیفات علمی ارزنده‌ای دارند که از نظر فضلاء می‌گذرانم.

- ۱- یک دوره کامل اصول از تقریرات بحث آیت الله خوئی ۲- اکثر ابواب فقه ۳- شرح عروه الوثقی. ۴- رساله‌ای در ارث زوجه ۵- رساله در اعتقادات ۶- مقالاتی در عدالت اسلامی ۷- داستان کاروان کربلا.
- برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

باقری همدانی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ علی اصغر بن کربلانی شعبان باقری همدانی در تاریخ ۱۳۴۳ هجری قمری در یکی از مضافات دره جزین از توابع همدان متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات در سال ۱۳۵۸ قمری والی به سلک روحانیت گشته و پس از اكمال سطوح عالی از محضر آیات عظام حوزه چون مرحوم آیت الله العظمی بروجردی و آیت الله حاج شیخ عبدالنبی عراقی و آیت الله گلپایگانی و آیت الله نجفی مرعشی و آیت الله شریعتمداری و آیت الله داماد و بعضی دیگر استفاده نموده و بالاخص اختصاصی و انقطاع فوق العاده‌ای به مرحوم آیت الله عراقی مذکور داشت و در تمام جلسات دروس معظم‌له شرکت می‌نمود و مورد توجه و علاقه شدید آن مرحوم بود و از وی به دریافت اجازه اجتهاد مفتخر گردیده است.

ایشان اجازات دیگری از مراجع بزرگ نجف اشرف و قم چون مرحوم آیت الله حکیم و آیت الله گلپایگانی و آیت الله شریعتمداری و آیت الله مرعشی نجفی و مرحوم آیت الله آملی طهرانی و دیگران دارد.

آثار علمی ایشان عبارت است از جزواتی در اصول عقاید و مطالب منبری و نیز قسمتی از دراسات اساتید غیر منظم دارد.

وی از راه منبر خدماتی انجام داده و جلسات تفسیر و موعظه در قم و خارج از قم داشته و دارد و همه ساله مانند صدها نفر دیگر از فضلاء در ماه رمضان و محرم برای تبلیغ احکام دین و ترویج مذهب به اطراف مسافرت نموده و وظائف دینی و روحی خود را انجام

می‌دهد ادام‌الله توفیقاته.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

باقری، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی باقری

محل تولد: اردبیل

شهرت

تابعیت: ایران

زندگینامه علمی

اینجانب علی باقری متولد ۱۳۴۳ در شهرستان اردبیل تحصیلات ابتدایی راهنمایی و دبیرستان را در مدارس تهران به اتمام رسانده و بمدت یکسال پس از اخذ دیپلم به حوزه علمیه تبریز رفته و در مدرسه ولی عصر (عج) مشغول تحصیل شدم و بعد از آن بمدت یکسال به حوزه علمیه تهران وارد شده و در مدارس علمیه باهنر و شهید بهشتی مشغول تحصیل بودم و از کلاس درس منطق ملا عبد الله آیت الله حق شناسی و سایر اساتید بهره بردم و در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و مکاسب در رسائل کفایه را از محضر آیت الله دوزدو زانی - آیت الله پایانی - آیت الله راستی - آیت الله صالحی مازندرانی - آیت الله قدیری - آیت الله راستی بهر مند شدم. در همزمان به دوره های آموزشی مؤسسه در راه حق وارد شده و به تحصیل نهایی الحکمه، اقتصاد- فلسفتنا و.... در این مؤسسه پرداختم. بعد از اخذ دیپلم متوسطه بطور متوسط هر سال در جبهه های جنگ نیز حضور می یافتم و در چندین عملیات شرکت داشتم.

پس از پایان جنگ وارد دانشگاه مفید(ره) قم شدم و به تحصیل دوره کارشناسی اقتصاد پرداختم و در این ایام به تحصیل دروس خارج فقه و اصول نیز مشغول شدم و از محضر اساتید بزرگواری همچون آیات عظام وحید خراسانی(دام عزه)، جواد آقا تبریزی(ره) آیت الله جوادی آملی (دام عزه) بهره وافر بردم هر چند از اساتید دیگر نیز استفاده کرده ام. دوره کارشناسی اقتصاد را در سال ۱۳۷۲ به پایان رسانده و در همان سال در آزمون، کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه تهران پذیرفته شدم اما به دلیل تحصیل دروس حوزوی، و در دانشگاه مفید(ره) دوره کارشناسی ارشد را ادامه دادم و در سال ۱۳۷۵ پایان نامه دوره فوق لیسانس را با موضوع مبانی عدالت اقتصادی در اسلام و سایر مکاسب دفاع نمودم و در آزمون ورودی دوره دکتری اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه السلام پذیرفته شده و مشغول تحصیل شدم و دوره آموزشی مقطع دکترا با برگزاری امتحان جامع و موفقیت در آن به پایان رسید و مشغول انجام پروژه تحقیقی در موضوع هدف گذاری سیاستهای پولی شدم و هم اکنون مراحل نهایی پایان نامه را انجام می دهم. از نظر تدریس دروس حوزوی عمراً قبل از تحصیلات دانشگاهی بوده است و به تدریس ادبیات و منطق پرداختم و دروس دانشگاهی را نیز در مقطع کارشناسی تدریس نموده ام دروس مانند، اقتصاد پول بانک- اقتصاد فرد- اقتصاد کلان، مبانی فقهی اقتصاد و اسلامی- نظام های اقتصاد صدر اسلام- تاریخ عقاید اقتصادی - معارف اسلامی. مالیه عمومی را در دانشگاه مفید(ره)- دانشگاه آزاد تهران و شهرستان نراق و آموزش های مدیریت دولتی تدریس نموده ام. در زمینه های تحقیقات علمی نیز پروژه تامین اجتماعی در اسلام با تکیه بر منابع مالی اقتصاد ایران با همکاری حجة الاسلام کباء الحسینی به انجام رسانیدم این پروژه توسط سازمان تأمین

اجتماعی، تأمین شد و مدیریت آن را دانشگاه مفید بر عهده داشت این تحقیق علمی برنده دو جایزه گردید یکی بعنوان تحقیق برتر فرهنگی سال ۱۳۸۰ و پژوهش برگزیده سال ۱۳۸۲ حوزه اقتصاد اسلامی مورد تقدیر قرار گرفت تحقیقات علمی دیگری نیز در حوزه اقتصاد انجام دادم که منتشر نشده است یک مقاله تحت عنوان بررسی تطبیقی عدالت اقتصادی در مجله مفید از اینجانب به چاپ رسیده است و در سال ۱۳۷۷ منتشر گردیده و استاد واحد پایان نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان نقش بازده سرمایه گذاری های سازمان تامین اجتماعی در تاخیر زمان سربسری منابع و مصارف» را نیز در ۱۳۸۴ بر عهده داشتم.

باقری، مهری

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر مهری باقری در سال ۱۳۳۴، در تهران متولد شد. وی پس از اخذ دیپلم وارد دانشگاه تهران شد و تحصیلاتش را در زمینه ادبیات فارسی ادامه داد. در سال ۱۳۵۰ ه.ش کارشناسی ارشد زبانهای باستانی و زبان شناسی را از دانشگاه تهران دریافت کرد او در ۱۳۵۳ عضویت هیات علمی دانشگاه تبریز در آمد. در سال ۱۳۵۵ دکتری ادیان و عرفان را از دانشگاه تهران اخذ نمود. نامبرده از آن پس در دانشگاه تبریز به امر تدریس اشتغال دارد. وی در سال ۱۳۸۰ در نخستین همایش چهره های ماندگار برگزیده و معرفی شد. گروه: علوم انسانی رشته: زبان شناسی عمومی گرایش: فرهنگ و زبانهای باستانی اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: مهری باقری در سال ۱۳۲۴ هجری شمسی در تهران چشم به جهان گشود. و این زمانی بود که دانشگاه تهران رو به گسترش نهاده بود و تحت تاثیر افکار ناسیونالیسی، علمی چون تاریخ، باستان شناسی و زبان شناسی (زبانهای باستانی) مورد توجه قرار گرفت. تحصیلات رسمی و حرفه ای: مهری باقری، تحصیلات ابتدایی را در دبستان خواجه نظام الملک به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال ۱۳۴۳ از دبیرستان شاهدخت اخذ کرد. پس از اخذ دیپلم وارد دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۴۷ ه.ش کارشناسی زبان و ادبیات فارسی گرفت. در سال ۱۳۵۰ کارشناسی ارشد در رشته زبانهای باستانی و در سال ۱۳۵۵ دکتری ادیان و عرفان را از دانشگاه تهران دریافت کرد. عنوان پایان نامه: الف - کارشناسی ارشد: روایات داراب هرمز دیار ب - دکتری: آفرینش و رستاخیز در ادیان ایرانی پیش از اسلام و دریافت مشابهت های آن با ادیان مسیحی خاطرات و وقایع تحصیل: از وقایع مهم روزگار تحصیل دکتر مهری باقری در مقطع دکتری، تدریس و استخدام در دانشگاه تبریز بود. فعالیتهای ضمن تحصیل: مهری باقری علاوه بر تحصیل در مقطع دکتری در دانشگاه تهران، به تدریس در دانشگاه تبریز می پرداخت. او همچنین در این زمان از شرکت در مجامع علمی داخلی و بین المللی غافل نمی شد. همسر و فرزندان: مهری باقری متاهل و دارای دو فرزند می باشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: - عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه تبریز - مدیر گروههای آموزشی ایران شناسی بنیاد ایران شناسی - مدیر گروه فرهنگ و زبانهای باستانی دانشگاه تبریز - عضویت در هیئت ممیزه دانشگاه پیام نور دانشگاه پیام نور تهران - ریاست کتابخانه دانشکده های ادبیات فارسی و زبانهای خارجی - علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز - استاد اعزامی وزارت علوم تحقیقات و فناوری برای تدریس ایران شناسی و زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه بارسلون اسپانیا - عضویت در هیئت مدیره انجمن زبان و ادبیات فارسی - عضویت در هیئت تحریریه مجله ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز - عضویت در هیئت تحریریه مجله ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ارومیه - عضویت در هیئت تحریریه مجله گوهر گویا (انتشارات انجمن ترویج زبان و ادبیا فارسی) - عضویت در شورای عالی کتابخانه های آذربایجان شرقی - عضو پیوسته انجمن فولکور در آکادمی علوم و ادبیات فنلاند - عضویت در هیئت مشاوران

انجمن جهانی فولکور، دانشگاه هلسینکی - فنلاند - عضویت هیئت تحریریه مجله فولکور دانشگاه میسور هندوستان - عضویت در هیئت مشاوران بین المللی مجله فولکور دانشگاه منچستر انگلستان - معاون انجمن جهانی تحقیقات در زمینه فرهنگ عامه و روایات سنتی و رئیس بخش آسیا و اقیانوسیه در مجمع یاد شده. فعالیت‌های آموزشی: مهری باقری از سال ۱۳۵۳ به عضویت هیات علمی در دانشگاه تبریز در آمد. او در دانشکده ادبیات و نیز در دانشکده زبانهای خارجی این دانشگاه به تدریس دروس ادبی، تاریخ ادیان و عرفان اسلامی پرداخته است. مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می آید: مهری باقری دوره کارشناسی ارشد رشته فرهنگ و زبانهای باستانی را در دانشگاه تبریز از تاسیس کرده اند. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: مطالعه، تحقیق و تدوین کتبی در زمینه فرهنگ و زبانهای ایران پیش از اسلام از امور مورد علاقه مهری باقری می باشد. آرا و گرایشهای خاص: مهری باقری در زمینه زبان شناسی به اصوات زبان فارسی و تحولات آن توجه خاص نشان داده و در زمینه فرهنگ علاوه بر تحقیقاتی در زمینه فرهنگ عامه، به عرفان اسلامی نیز نگاه خود را معطوف داشته است. جوایز و نشانها: - استاد نمونه کشوری در سال ۱۳۸۵ - نهاد ریاست جمهوری - وزارت علوم و تحقیقات و فناوری - نخبه برگزیده سال ۱۳۸۶ - نهاد ریاست جمهوری - ستاد بزرگداشت - مرکز امور زنان و خانواده - پژوهشگر نمونه دانشگاه تبریز - استاد منتخب در رشته زبان شناسی و ادبیات - نخستین همایش چهرهای ماندگار مهرماه ۱۳۸۰ چگونگی عرضه آثار: مهری باقری دارای ۸ تالیف، ۲۳ مقاله چاپ شده در نشریات معتبر داخلی، ۱۰ مقاله انگلیسی چاپ شده در نشریات خارجی، یک مقاله اسپانیولی چاپ شده در نشریه دانشگاه کمپولتنسه مادرید می باشد. ایشان همچنین دارای ۲ طرح تحقیقاتی انجام یافته است. وی ۱۷ مقاله در سمینارهای داخلی و ۲۹ مقاله در سمینارهای خارجی ارائه کرده است. آثار: ایران: تاریخ، فرهنگ، هنر و ویژگی اثر: پدیدآورنده: علی بهرامیان، حسن رضایی باغ بیدی، عبدالحسین زرین کوب، زهره زرشناس، مهری باقری، سیدحسین نصر، قمر آریان، اصغر دادبه، روزبه زرین کوب، یونس کرامتی، علی بلوکباشی، احمد پاکتچی، محمدحسن گنجی، محمدحسن سمسار، فاطمه لاجوردی، محمد کاظم موسوی بجنوردی (زیر نظر) ناشر: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات - ۰۴ مرداد، ۱۳۸۵۲ تاریخ زبان فارسی و ویژگی اثر: کتاب تاریخ زبان فارسی شامل تاریخ تحولات زبان فارسی از ادوار پیش از اسلام تا فارسی امروزی است. ۳. تاریخ زبان فارسی، رشته ادبیات و ویژگی اثر: پدیدآورنده: حسن انوری، مهری باقری ناشر: دانشگاه پیام نور - ۱۳۸۲۴ دین های ایران باستان و ویژگی اثر: تهران - نشریه قطره ۱۳۸۵۵ دین های ایران پیش از اسلام و ویژگی اثر: دکتر مهری باقری در کتاب دین های ایران پیش از اسلام به بررسی انواع دین های رایج، در جهان ایرانی (آریایی) پیش از اسلام می پردازد. ۶. طرح شناسی تاریخی زبان فارسی و ویژگی اثر: کتاب طرح شناسی تاریخی زبان فارسی یا تحولات تاریخی اصوات زبان فارسی، به سیر تحول و دگر گونی دستگاه اصوات زبان فارسی در طول تاریخ می پردازد. ۷. کارنامه اردشیر بابکان و ویژگی اثر: ترجمه از پهلوی - تهران نشر قطره ۱۳۷۸۸ مقدمات زبانشناسی و ویژگی اثر: پدیدآورنده: مهری باقری ناشر: قطره - ۰۱ خرداد، ۱۳۸۶۹ مقدمات زبانشناسی، رشته زبان و ادبیات فارسی و ویژگی اثر: پدیدآورنده: مهری باقری ناشر: دانشگاه پیام نور - ۱۳۸۳۱۰ واج شناسی تاریخی زبان فارسی و ویژگی اثر: تالیف - تهران نشر قطره ۱۳۸۰

منابع زندگینامه: بنیاد ایرانشناسی

باقریان ساروی، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد باقریان ساروی

محل تولد: بهشهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در آغاز پاییز سال ۴۲ وارد حوزه علمیه کوهستان بهشهر شدم و در سال ۴۴-۴۳ در قم و سپس به مدت دو سال در رستمکلاهی بهشهر تحصیلات مقدماتی را گذرانده و در سال (پاییز) ۴۸ مجدداً وارد قم شدم و دروس سطح را در خدمت اساتیدی همانند مرحوم فاضل هرنندی و علوی گرگانی و دوزدوزانی و آیت الله فاضل لنکرانی و موسوی تبریزی (سید ابوالفضل) و مرحوم آیت الله سلطانی (کفایه ج ۱) و آیت الله حائری (سید محمد کاظم) (کفایه ج ۲) گذرانده و درس خارج را که از سال ۵۰ شروع شد نزد اساتیدی همچون وحید خراسانی و مرحوم میرزا هاشم آملی و حسین نوری همدانی و فاضل لنکرانی گذراندم. یک دوره کامل خارج اصول را نزد آیت الله فاضل لنکرانی گذرانده و درس‌ها را به صورت عربی نوشته‌ام. و در سال ۶۹-۷۰ برای تدریس به گرگان رفته و مدت نه سال در مدرسه علمیه امام باقر(ع) گنبد و مدرسه امام خمینی گرگان و مدرسه سعدیه رامیان به تدریس از سیوطی تا اصول فقه و شرح لمعه پرداخته‌ام و مجدداً وارد قم شده و دروس رسائل و مکاسب و کفایه را تدریس داشته‌ام. ولی اکنون نزدیک به یک سال است که به سبب بیماری توفیق تدریس عمومی را ندارم ولی کارهای تحقیقاتی را که از شش سال پیش در مرکز پژوهش‌های اسلامی (فرهنگ و معارف قرآن) شروع کرده‌ام ادامه می‌دهم و در نگارش و تدوین فرهنگ قرآن شرکت دارم که هم اکنون آن اثر ۸ جلد به چاپ رسیده است.

باقولی اصفهانی، ابوالحسن علی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۵۳۵ ق)، ادیب، نحوی و مفسر. مشهور به جامع العلوم و معروف به جامع باقولی. در علم نحو و فنون اعراب پیشگام افاضل عصر خود بود. از آثار وی: «شرح الجمل» یا «الجواهر فی شرح جمل عبدالقاهر»، در نحو؛ «المجمل»؛ «الاستدراک» بر ابوعلی فارسی؛ «البيان فی شواهد القرآن»؛ «علل القراءات»؛ «كشف المشكلات و ايضاح المعضلات في علل القرآن»؛ «شرح اللمع»؛ «تفسير جامع العلوم» یا «تفسير القرآن».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۹۰/۵)، الذریعه (۲۶۹-۲۶۸/۴)، روضات الجنات (۲۴۱/۵)، ریحانه (۳۸۲/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۸۶-۱۸۵/۶)، الکنی و الالقاب (۱۳۸/۲)، كشف الظنون (۱۴۹۳، ۱۱۶۰، ۶۰۳، ۲۶۳)، لغت‌نامه (ذیل / ابوالحسن)، معجم الادباء (۱۶۷-۱۶۴/۱۳)، معجم المؤلفین (۷۵/۷)، هدیة العارفین (۶۹۷/۱).

باقی، محمد علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد علی باقی

محل تولد: شهرضا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۸/۱۱/۲۲

زندگینامه علمی

بعد از اتمام تحصیلات دبیرستان و پیش دانشگاهی در رشته ریاضی در سال تحصیلی ۱۳۷۷ شمسی وارد حوزه علمیه مقدسه قم شده و تحصیلات مقدماتی تا پایه ششم را در مدرسه مبارکه حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام به پایان رسانده ، سپس پایه هفتم تا دهم را در کلاسهای آزاد که در مدرسه مبارکه حضرت آیت الله مرحوم گلپایگانی برگزار می شد ادامه دادم و اکنون به فضل الهی در دروس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله العظمی محمد علی اسماعیل پور دام ظلله مشغول انجام وظیفه هستم. در زمینه تبلیغی نیز از سال ششم به بعد تاکنون در ایام ماه مبارک رمضان و محرم الحرام به حسب وسع خود به این عمل شریف اقدام نموده ام.

بالا مجتهد دینوری، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم آقا میرزا محمد آقا مجتهد معروف به بالا مجتهد بودند شاگرد مرحوم شیخ محمد حسن صاحب جواهر و جامع معقول و منقول و ریاضیات و فلکیات و بعضی علوم غریبه و دارای تصانیف نفیسه که بعضی از آنها در انقلاب مشروطیت در تبریز از بین رفته و کتابی که در ریاضیات تألیف کرده بود (مرحوم ناصرالدین شاه از ایشان می گیرند برای طبع و نشر دیگر بدست نمی آید) و آنچه از آثار ایشان وجود دارد کتاب (الفصول المهمه) در حکمت و کتاب معقول دیگر بنام (التیقضات) موجود است و بطبع نرسیده و بعضی حواشی بر شفاء شیخ الرئیس و بعضی نوشتجات دیگر و باقی آنچه نوشته در فقه و اصول از بین رفته این شخص دارای رساله عملیه و مرجع تقلید جمعی بوده و شخصی با ورع و متقی و مرتاض و کراماتی از او مشاهده می شده شرحش موجب اطناب است رضوان الله علیه. والد ماجدش مرحوم آقا میرزا محمدعلی آقا مجتهد یکی از علمای معروف و مشهور شهر تبریز داماد حاج میرزا علی اصغر شیخ الاسلام تبریز بود فقیه و متقی و با ورع و در مسجد بزرگی نزدیک مدرسه طالبیه مخصوص محصلین علوم دینی اقامه نماز جماعت می فرمود دارای تألیفات من جمله شرح تبصره علامه است:

اکنون از این خانواده جلیله روحانیت دو نفر باقی که هر دو برادرند فرزندان مرحوم آقای حاج میرزا احمد آقا مجتهدند برادر بزرگ حضرت آیت الله آقای حاج میرزا کاظم آقا دینوری در تبریز مقام عالی روحانی دارند و دیگری حقیر علاءالدین دینوری زادگاهم تبریز پس از طی دوره مقدماتی از مجلس درس مرحوم آیت الله آقای حاج سید محمد آقا مولانا و مرحوم آیت الله آقای حاج سید مرتضی خسرو شاهی و اساتید دیگر استفاده کرده‌ام و در سفر مشهد مقدس رضوی که مدتی آنجا ماندم یکی از اساتید

مرحوم مغفور آقا شیخ آقا محلاتی رضوان الله علیه بود که از درسشان بهره‌مند بودم شرح زندگانی خودم را در اثری بنام: (الشاب و الحیاه) بطور مبسوط نوشته‌ام و (خدمات گزیده) در محاکمه و بررسیهای تاریخی اثر فارسی و (علی معلم العربیه و مصلح البشریه) مشتمل بحث‌های علمی و انتقادی موجود است
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

بامداد، پروین تکین

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

پروین تکین بامداد در سال ۱۳۰۴، در تهران دیده به جهان گشود. در شانزده سالگی تحصیلات متوسطه را در دانشسرای دختران به پایان رسانید. با آنکه به نام شاگرد اول به دانشسرای عالی معرفی شد ولی به عذر اینکه هنوز به هجده سالگی نرسیده او را نپذیرفتند. تا اینکه دبیران دانشسرای شایستگی او را برای تحصیلات عالی گواهی کردند و توانست به تحصیلات خود ادامه دهد. او لیسانس زبان انگلیسی را از دانشسرای عالی را اخذ نمود. پروین بامداد که در هنر نقاشی نیز آوازه ای داشت از شاعران بانوان پرآوازه‌ی زمان خود بود و آثار بسیاری در زمینه شعر و ادب از او در مجلات تهران به چاپ رسیده است. او ابتدا اشعارش را با نام مستعار «سیمرغ» انتشار می داد ولی بعدها از نام خود استفاده می کرد. وی علاوه بر شعر و نقاشی با قلم و سوزن نیز مهارت دارد. گروه: علوم انسانی رشته: زبان و ادبیات انگلیسی والدین و انساب: پروین تکین بامداد فرزند حاجی خان تکین مدیر چاپخانه ارتش و دکتر بدرالملوک بامداد می باشد. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: مادر پروین تکین بامداد کتابهایی در مسائل آموزش و پرورش نوشت و سفری برای مطالعات فرهنگی و به دست آوردن اطلاعات تازه علمی به آمریکا رفت و پس از دریافت دانشنامه دکترا از دانشگاه کلمبیا و بازگشت به تهران، دبستان و دبیرستان نمونه ای تاسیس کرد. او چندی روزنامه «زن امروز» را منتشر کرد. و پس از درگذشت حسین صبا مدیر روزنامه «ستاره ایران» و شوهر اول خود همسر حاجی تکین شد و پس از او با آقای بامداد ازدواج کرد و پروین از این پیوند دوم متولد گردید. تحصیلات رسمی و حرفه ای: پروین تکین بامداد در شانزده سالگی تحصیلات متوسطه را در دانشسرای دختران به پایان رسانید. با آنکه به نام شاگرد اول به دانشسرای عالی معرفی شد ولی به عذر اینکه هنوز به هجده سالگی نرسیده او را نپذیرفتند. تا اینکه دبیران دانشسرای شایستگی او را برای تحصیلات عالی گواهی کردند و توانست به تحصیلات خود ادامه دهد. او لیسانس زبان انگلیسی را از دانشسرای عالی را اخذ نمود. فعالیت‌های ضمن تحصیل: پروین تکین بامداد از کودکی به شعر گرایش پیدا نمود، مادرش در این باره چنین می گوید: «پروین از یازده سالگی گاه گاهی شعرهایی نزد من می آورد با آنکه سروده هایش بی بهره از اندیشه و ذوق نبود ولی وی را از من پنهان می کرد و برای خود شعر می سرود.» همسر و فرزندان: پروین تکین بامداد با مهندس قدسی ازدواج کرد که ثمره آن پسری به نام سهیل است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: پروین تکین بامداد که در هنر نقاشی نیز آوازه ای داشت از شاعران بانوان پرآوازه‌ی زمان خود بود و آثار بسیاری در زمینه شعر و ادب از او در مجلات تهران به چاپ رسیده است. او ابتدا اشعارش را با نام مستعار «سیمرغ» انتشار می داد ولی بعدها از نام خود استفاده می کرد. وی علاوه بر شعر و نقاشی با قلم و سوزن نیز مهارت دارد.

منابع زندگینامه: شاعران تهران از آغاز تا امروز، تالیف مجید شفق، ج ۱، تهران: انتشارات سنایی، ص ۱۳۳ - دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان (زن از کتیبه تا تاریخ)، تالیف: پوران فرخزاد، ج ۱، تهران: انتشارات زریاب، ص ۳۷۹

بایسنغر

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند شاهرخ پسر تیمور (۸۳۷-۸۰۲) که خود از خوشنویسان و هنرمندان بود و اهل هنر را تشویق بسیار می‌کرد و در کتابخانه‌ی او پیوسته چهل تن از خوشنویسان و مذهبیان و مصوران مشغول کتابت و تذهیب و تصویر بودند. بایسنغر میرزا در خطوط اصول (شش-قلم) شاگرد شمس‌الدین محمد بن حسام هروی معروف به شمس بایسنغر بوده است و خود در خط محقق و ثلث از استادان برجسته. کتیبه‌ی پیش طاق مسجد گوهرشاد مشهد به خط ثلث اوست که در بیست سالگی نوشته و از قدرت و قوت قلم سحر و معجزه‌ای به یادگار گذاشته است. کتابت بزرگترین قرآن موجود به خط محقق نیز اثر ارزنده‌ی اوست که هم‌اکنون بعضی صفحات آن در موزه‌ی آستان قدس رضوی و کتابخانه‌ی سلطنتی و کتابخانه‌ی ملی و موزه‌ی ایران باستان و کتابخانه‌ی ملک و بعضی مجموعه‌های خصوصی موجود است و منسوب به او می‌دانند و بعضی از اوراق آن هم در امامزاده‌ی در قوچان بوده است چه در حدیق‌الحقایق است که:

«... از زلزله جز همان امامزاده سلطان ابراهیم بن علی بن موسی‌الرضا (در قوچان) چیزی باقی نمانده و بعضی اوراق قرآن خط میرزا بایسنغر بن میرزا شاهرخ ابن امیر تیمور گورکانی در آنجاست. گویند نادرشاه افشار از سمرقند به آنجا آورده از عجایب آثار است: طول صفحه دو ذرع و نیم، عرض یک ذرع و ده گره، طول سطر یک ذرع، عرض سطر پنج گره، بین‌السطور یک چارک اندازه‌ی قلم صد یک ذرع، و شاه شهید در سفر خراسان دو صفحه از آن را برای اطاق موزه به تهران آورد». حدایق‌الحقایق ج ۳، ص ۳۱۳.

بایسنغر میرزا در سنین جوانی (سی و پنج سالگی یا سی و هشت سالگی) در هرات بدرود حیات گفت. مولف «حیب‌السیر» درباره‌ی او می‌نویسد: «به مجالست ارباب عالم و کمال به غایت مایل و راغب بود و در تعظیم و تبجیل اصحاب فضل و هنر در هیچ وقتی از اوقات اهمال و اغفال نمی‌نمود و خردمندان کامل از اطراف و اکناف ایران و توران به هرات آمده در آستان مکرمت آشیانش مجتمع می‌بودند، و بلغای وافر کیاست و فصحای صاحب فراست از اصار و امصار عراق و فارس و آذربایجان به درگاه عالم پناهش شتافته صبح و شام ملازمت می‌نمودند و آن شاهزاده عالی شأن در تربیت و رعایت تمامی آن طایفه گرامی کوشیده همه را به وفور انعام و احسان مسرور و شادمان می‌ساخت و هر کس از خوشنویسان و مصوران و نقاشان و مجلدان در کار خویش ترقی می‌کرد به همگی همت، به حالش می‌پرداخت».

بایسنغر میرزا دوست‌ترین و بانی زیباترین مکتب کتاب‌سازی در ایران بوده است و در هیچ دورانی به اندازه‌ی زمان او نسخه‌های نفیس و زیبا نوشته و تصویر نشده است به طوری که در کمتر کتابخانه‌ای در جهان ممکن است از کتابهای کتابخانه‌ی بایسنغر نسخه‌ای یافته نشود.

(۸۳۷-۸۰۲ / ۸۰۱ ق)، خطاط، ادیب و شاعر. در سال ۸۲۰ ق پدرش سمت قاضی القضاة دربار خود را به او داد و در سال ۸۳۵ ق تبریز را تصرف کرد و در همان سال حاکم استرآباد شد. در اواخر عمر به علت اینکه اخترشناسان عمر او را چهل سال بیشتر تخمین زده بودند، به میگساری پرداخت و دست به کارهای ناشایست زد. وی ذوقی ادبی و هنری داشت و اشعار و آثار فارسی را به دقت مطالعه می‌کرد و در سرودن اشعار فارسی و ترکی نیز مهارت داشت. مجلس او مجمع شاعران، مورخان، خوشنویسان و نقاشان ایرانی بود. خود در خط استاد بود و شاگرد شمس‌الدین محمد هروی خوشنویس. خطوط محقق و ثلث را به مهارت می‌نوشت و اوراق قرآنی که به خط خود نوشته، هنوز در دست است و رقم استادانه او بر طاق و اطراف سر در مسجد گوهرشاد که آیاتی از قرآن مجید نوشته، ظاهر است. میر علی، خوشنویس معروف، و بسیاری دیگر از خوشنویسان آن عصر در کتابخانه او کار می‌کردند،

بایسنقر در نقاشی و تہذیب نیز دست داشته و بانی زیباترین مکتب کتابسازی در ایران بوده است. نسخه‌ای از شاهنامه به دستور وی فراهم شد و خود مقدمه‌ای بر آن نوشت که به «دیباچه بایسنقری» و یا «شاهنامه‌ی بایسنقری» معروف شد. در تذکره‌ی «صبح گلشن» سال ولادت او ۸۳۵ ق و سال وفاتش ۸۶۵ ق ذکر کرده است. از آثار او: کتیبه‌ی پیش طاق مسجد گوهرشاد مشهد به خط ثلث که در بیست سالگی نوشته است. [۱]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۵۲-۱۰۵۱/۴)، از سعدی تا جامی (۷۲۹-۷۲۸، ۵۵۵، ۵۳۸، ۵۳۷-۵۳۷)، پیدایش خط و خطاطان (۹۸-۹۹)، تاریخ ادبی ایران (۱/۱۸۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۴/۱۳۱)، تاریخ نظم و نثر (۷۹۸-۷۹۷)، تاریخ هنرهای ملی (۸۰۹-۸۰۶/۲)، تذکره الخطاطین (۵۲-۴۵/۱)، تذکره الشعراء (۳۹۲-۳۹۰)، حبیب السیر (۶۴۴، ۶۳۴، ۴۶/۴)، خوشنویسان و هنرمندان (۱۲۹، ۱۲۸، ۱۲۷)، دایرةالمعارف فارسی (۱/۳۸۷)، الذریعه (۹/۱۲۵)، روضه السلاطین (۳۳-۳۲)، سرآمدان فرهنگ (۲۱۶-۲۱۵/۱)، صبح گلشن (۵۶)، فرهنگ سخنوران (۱۲۴)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۶۹)، گلستان هنر (نوزده، سی و هفت، سی و هشت، ۲۹)، لغت‌نامه (ذیل / بایسنقر)، مجالس النفاث (۱۲۵) مناقب هنروان (۵۸، ۵۹، ۱۰۶)، هنر عهد تیموریان (۴۸۲-۴۸۱).

بجنوردی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۹۵-۱۳۱۶ ق)، فقیه، ادیب و نویسنده. در شهرستان بجنورد به دنیا آمد و همان جا تحصیلات مقدماتی کرد و سپس به مشهد رفت و در آنجا علوم عقلی و نقلی را نزد حاج فاضل خراسانی و آقا بزرگ حکیم و آقازاده‌ی خراسانی و آیت الله قمی، و ادبیات را نزد ادیب نیشابوری اول فراگرفت. سپس به نجف رفت و در محضر آیت الله اصفهانی و میرزای نائینی و آقا ضیاءالدین عراقی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت، و در شمار مدرسان نجف درآمد. وی تا آخر عمر به تحقیق و تألیف و تدریس مشغول بود. میرزا حسن با شعر آشنایی کامل داشت و خود نیز شاعر بود. تألیفاتی در فقه و اصول از وی به جای مانده است، از آثارش: «منتھی الاصول»؛ «القواعد الفقهیه»؛ «حاشیة العروة الوثقی»؛ «ذخیره المعاد»؛ «رسالة فی اجتماع الامر و النهی»؛ «کتاب فی الحکمة» که شرحی است بر «الاسفار الاربعه» صدر المتألهین. [۱]

آیه الله آقای حاج میرزا حسن بن السید آقا بزرگ ابن السید علی اصغر بن السید فتحعلی بن السید اسماعیل موسوی بجنوردی داماد معظم مرحوم آیه الله حاج سید حسین اصفهانی (داماد آیه الله العظمی آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی) از علماء طراز اول معاصر حوزه علمیه نجف و دارای مقام علم و عمل و دقت نظر میباشد.

معظم له عالمی محقق و فقیهی مدقق و جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول میباشد تولدش در سال ۱۳۱۶ قمری در بجنورد و از آنجا بمشهد و مدت ۱۳ سال از محضر مرحوم آقا زاده کفائی و آیه الله قمی و حاج فاضل و دیگران استفاده کرده آنگاه مهاجرت بنجف اشرف نموده و در حوزه درس مرحوم آیه الله نائینی و آیه الله عراقی و مخصوصاً آیه الله العظمی اصفهانی شرکت کرده تا به اعلی درجه فقاہت و اجتهاد رسیده است.

تألیفاتی در فقه و اصول دارد که بطبع رسیده و مورد استفاده فضلاء حوزه نجف و قم میباشد و آنها از این قرار است:

۱- منتھی الاصول ۲- القواعد الفقهیه ۳- حاشیه بر عروه الوثقی ۴- حاشیه بر وسائل ۵- رساله اجتماع امر و نهی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۲۷۵/۷، ۱۸۴/۳).

بجنوردی، محمد تقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیه‌الله حاج شیخ محمد تقی بجنوردی و فرزندش مرحوم آیه‌الله حاج شیخ مرتضی بجنوردی که هر دو از علماء بزرگوار مشهد و مخصوصاً مرحوم حاج شیخ محمد تقی صاحب حسینه که اکنون در کوچه آنمرحوم در بالا خیابان واقع و در ایام عاشورا روضه خوانی میشود در آن صاحب کرامات باهرارت و مقامات معنوی بوده است. مآثر و آثار ص ۱۵۸ گوید: شیخ محمد تقی بجنوردی مجاور مشهد مقدس رضوی در عدالت مسلم مردم آن ولایت است بل و غیرها شرح مقامات عالیه وی را از تاریخ علماء خراسان تألیف صدرالافاضل و فخرالامثال آقا میرزا عبدالرحمن مدرس آستانه رضویه دام علاه باید خواند و در جلد اوسط مطلع الشمس شیرازی ذکر این بزرگوار بر سبیل اختصار کردیم. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بحائی زوزنی، ابوجعفر محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۶۳ ق)، ادیب، قاضی و شاعر. یکی از بزرگان و شاعران صاحب تصنیف است که در هجویه‌سرایی توانا بود. بحائی در مدرسه «سیوری» غزنه ساکن بود و در آنجا به کتابت مشغول بود. در مخزنه درگذشت. از آثار وی: «بحر القلوب»؛ «نحو القلوب»؛ «دیوان» شعر؛ شرح «دیوان بحتری».

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۶۹۲/۲، ۱۶۵/۱)، معجم الادباء (۲۹- ۱۸/ ۱۸)، معجم المؤلفین (۴۱/۹)، الوافی بالوفیات (۱۹۹- ۱۹۷/ ۲).

بحر العلوم، محمد مهدی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۱۲- ۱۱۵۵ ق)، فقیه، محدث، مفسر و مجتهد. وی در کربلا به دنیا آمد. هنوز به هفت سالگی نرسیده بود که خواندن و نوشتن را فراگرفت و سطوح اولیه را در مدت سه یا چهار سال تمام کرد و هنوز، به دوازده سالگی نرسیده بود که در محضر والدش به تحصیل خارج اصول پرداخت و از محضر وحید بهبهانی و شیخ یوسف بحرانی نیز استفاده کرد. بحرالعلوم به پانزده سالگی نرسیده بود که به درجه‌ی اجتهاد نائل شد و استادانش به اجتهاد او شهادت دادند. سپس به نجف رفت و در درس علماء نجف حضور یافت

و مشهور شد. پس از چندی به بروجرد رفت. در اواخر سال ۱۱۹۳ ق مجدداً به نجف اشرف مراجعت کرد. وی چنان بر احکام آن مذاهب تسلط علمی داشت که اهل سنت او را از خود می‌دانستند. درباره‌ی وی گفته‌اند که از کسانی که به آخرین مرحله‌ی ترقی رسیده و در فضایل ادبی و علوم عقلی و نقلی بر همگان فائق آمده است. او در شعر و ادب نیز گوی سبقت را از دیگران ربوده، منظومه‌ی فقهی او شاهد زنده است. برخی از آثار وی: «مصاییح»، در فقه؛ «تحفه‌ی الکرام»، در تاریخ مکه و بیت الحرام؛ «رساله در عصیر عنبی»؛ «الفوائد الرجالیه»؛ «شرح باب حقیقه و مجاز»؛ «فوائد اصولیه»؛ «رساله در مناسک حج و عمره»؛ «رساله در قواعد احکام مشکوک»؛ «رساله در انفعال آب قلیل»؛ «الدره‌ی البهیة»، در نظم بعضی مسائل اصولیه؛ «دیوان» شعر، در مدح و رثاء اهل البیت. بحرالعلوم علاوه بر آثار علمیه و تألیفات نفیسه، آثار بنایی و خدمات مذهبی و اجتماعی نیز دارد که برخی از آنها عبارتند از: تعیین مشاعر حج و مواقیت احرام، بنا سور مسجد کوفه، بناء حجرات در اطراف مسجد کوفه، بناء مأذنه‌ی صحن علوی؛ تجدید ساختمان مسجد شیخ طوسی در نجف، تعیین مقام امام زمان (عج) در مسجد سهله و...

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام: (۳۳۴/۷)، ایضاح المکنون (۲۴۲، ۲۰۶/۲، ۴۶۱/۱)، تاریخ بروجرد (۲۵۰- ۱۷۲/۲)، دایرة‌المعارف فارسی (۳۹۰/۱)، الذریعه (۸۳- ۸۲/۲۱، ۱۲۷/۹، ۴۶۳- ۴۶۲/۳)، ریحانه (۲۳۵- ۲۳۴/۱)، شرح حال رجال (۶/۴)، الکنی و الالقاب (۷۱- ۶۷/۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۸۷/۳)، معجم المؤلفین (۶۱/۱۲)، هدیة العارفین (۳۵۱/۲).

بحرالعلوم رشتی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید حسن بن العالم الجلیل السید حسین الملقب به بحرالعلوم معروف به حاج آقا میر مقتول در سال ۱۳۲۷ ق بن العلامة الکبری والایة العظمی السید عبدالباقی رشتی (متوفی حدود ۱۳۰۸ قمری) از علماء مشهور معاصر رشت می‌باشند. وی در حدود سال ۱۳۱۴ قمری در رشت متولد شده و در اوائل بلوغ والد ماجدش آیت‌الله حاج سید حسین بحرالعلوم را که سبط آیت‌الله علامه آسید علی آل بحرالعلوم طباطبائی صاحب کتاب (البرهان القاطع) بودند و در فتنه مشروطه با فرزند جوانش آقا سید جواد در قزوین شهید شدند.

از دست داده و خود با شوق فراوان مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح را در رشت و غیره خوانده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و پس از تکمیل سطوح از محضر آیات عظام چون مرحوم آیت‌الله آقا میرزا حسین نائینی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله حاج شیخ شعبان رشتی و آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین اصفهانی و دیگران استفاده کامل نموده تا به مقام منبع علم و اجتهاد رسیده آنگاه مراجعت به وطن و تا حال حاضر در مسجد (گلشن) واقع در بازار رشت به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: آیت‌الله بحرالعلوم عالمی ظریف و خوش مجلس و محاوره و غیور و متعصب در دین می‌باشند و حقیر در حادثه‌ای چند شبانه‌روز در (قل قلعه) تهران در خدمت ایشان و علماء دیگر مرکز و شهرستانها بوده و از مطایبات و ظرافات معظم له استفاده نموده‌ام.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

بحر العلوم رشتی، عبدالباقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید عبدالباقی جد آیت‌الله بحر العلوم معاصر از علماء بزرگ رشت و شاگردان صاحب جواهر و دیگران بوده و بعد از سال ۱۳۰۶ ق در گذشته و در کتاب (المآثر و الآثار) وی را از مراجع عصر ناصرالدین شاه قاجار شمرده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

بحر العلوم رفیع، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت‌الله حاج میرزا علی بحر العلوم رفیع گیلانی (یکی از دامادهای مرحوم آیت‌الله العظمی حاج آقا حسین طباطبائی قمی) ابن مرحوم آیت‌الله حاج میرزا مهدی رفیع (برادر مرحوم آیت‌الله حاج آقا رفیع مذکور) می‌باشد. وی در سال ۱۳۰۰ ق در رشت متولد شده و پس از خواندن مقدمات و سطوح به نجف اشرف عزیمت نموده و از محاضر و دروس آیات عظام آخوند ملا-محمد کاظم خراسانی و علامه طباطبائی یزدی استفاده نموده آنگاه برشت برگشته و بخدمات دینی مخصوصاً قضاء حوائج مؤمنین و حل و فصل بسیاری از معضلات اجتماعی مردم پرداخته و همواره محضرش در تهران و رشت مورد استفاده عالی و دانی بوده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

بحر العلوم، محمد تقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم حاج سید محمد تقی بحر العلوم از علماء بنام نجف و در مسجد شیخ طوسی اقامه جماعت مینمود و در نجف اشرف و بالاخص حوزه علمیه محبوبیت خاصی داشت و مورد احترام و تجلیل تمام مقامات بود. خبر فوتش که بقم رسید از طرف زعیم بزرگوار و مرجع اعلی حضرت آیت‌الله العظمی آقای نجفی مرعشی مدظله در شب اول ماه رجب در حسینیه معظم له مجلس فاتحه عظیمی برقرار و عموم مراجع و آیات و علماء معاودین و مقیمین حوزه شرکت نمودند. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بحر العلوم، مهدی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

الحاج السید مهدی بحر العلوم بن العلامه السید مرتضی بروجردی قدس الله سره اشهر مشاهیر رجال این سلسله و عموی جد آیه الله بروجردی است.

آن بزرگوار علامه دهر و وحید عصر مردمک چشم علماء روزگار و اعجوبه چرخ کج مدار و دارای فنون بسیار و جامع معقول و منقول و مرجع استفاده جمع کثیری از اکابر عصر خود بوده و صاحب کرامات ظاهره می باشد که در کتب مبسوطه دارالسلام و نجم الثاقب و مستدرک حاجی نوری و دارالسلام عراقی و سایر کتب مسطور است.

گروهی انبوهی از یهود در اثر اخلاق فاضله و کرامات باهره اش مذهب شیعه را قبول کردند و فیض یابی او بحضور مبارک حضرت ناموس دهر امام عصر عجل الله فرجه و جعلنا من اعوانه و انصاره متواتر می باشد و بالجمله جلالت قدر و بلندی مقام آن یگانه‌ی زمان برتر از آنستکه زبان را قدرت تقریر و یا خامه را نیروی تحریر باشد.

شیخ جعفر کاشف الغطاء با آن همه جلالت و نبالت و ریاست و فقاقت مطلقه که داشته از راه تبرک خاک نعلین رسید را با گوشه عمامه خود پاک کردی.

از محقق قمی صاحب قوانین که خود از آیات باهرات است منقولست که گفت وقتی بسید عرض کردم که این تبحر عجیب را در فقه و سایر فنون از کجا آوردی و حال آنکه هردوی ما شاگرد آقا باقر وحید بهبهانی هستیم در جواب فرمود این فیض از مولایم حضرت صاحب عجل الله فرجه الشریف رسیده (و کیف لا اکون كذلك وقد ضمنی الی صدره الشریف) و کیفیت تشریفش را در مسجد کوفه برای میرزای قمی نقل میکند.

ولادت این بزرگوار در شب جمعه ماه شوال ۱۱۵۴ یا ۱۱۵۵ در کربلا واقع شده و مرحوم والدش سید مرتضی گوید شب ولادتش در خواب دیدم که حضرت رضا علیه السلام بتوسط محمد بن اسمعیل بن بزیع شمعی فرستاده و محمد هم آن شمع را در پشت بام منزلم افروخت که نور آن بهمه جا رسید وفات آن بزرگوار در سال ۱۲۱۲ قمری در پنجاه و هفت سالگی در نجف الاشرف واقع و قبر شریفش در مسجد شیخ طوسی نزدیک قبر شیخ زیارتگاه است و عدد لفظ غریب (۱۲۱۲) ماده تاریخ وفات اوست و در نخبه المقال گوید:

والسید المهدی الطباطبائی

بحر العلوم صفوه الصفاء

والمرتضی والده سعید

مات غریبا عمره مجید

یعنی مدت عمر او عدد لفظ مجید (۵۷) و سال وفات او هم عدد لفظ غریب (۱۲۱۲) است تألیفات آن بزرگوار از این قرار است ۱- الاثنی عشریات در مراثی که دوازده قصیده و هر قصیده دوازده بیت است ۲- الاجازات ۳- الاجتماع الامر والنهی ۴- ارجوزه فی الجمل والعقود ۵- اصاله البرائه ۶- تاریخ مکه و مسجد الحرام موسوم به تحفه الکرام ۷- الفوائد الرجالیه. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بحر العلومی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ادیب.

تولد: ۱۲۹۶.

درگذشت: ۲۶ آبان ۱۳۶۸.

حسین بحر العلومی سال‌ها در دبیرستان‌ها و سپس در دانشگاه تدریس می‌کرد. استاد ادبیات دانشگاه تهران و اصفهان بود. رساله دکترای او تصحیح دیوان کمال‌الدین اسماعیلی اصفهانی بود و توفیق یافت آن را به چاپ برساند. کار دیگر او تدوین و تألیف کتاب انجمن آثار ملی است. وی مقاله‌هایی نیز در مجله‌های «کارنامه‌ی انجمن آثار ملی»، «تماشا»، «فرهنگ و هنر» و «پشتون» می‌نوشت. وی در هفتمین کنگره‌ی تحقیقات ایرانی، مقاله‌ای تحت عنوان «تحقیقی در احوال و آثار پیر هرات» ارائه داد. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

بحرانی، ابوالحسن سلیمان

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۱۲۱ - ۱۰۷۵ ق)، فقیه، محقق، محدث، خطیب و شاعر امامی. معروف به محقق بحرانی. در ماحوز بحرین به دنیا آمد. در هفت سالگی «قرآن» را حفظ کرد. او در محضر درس علمای بحرین حاضر شد. شیخ سلیمان بن علی بن سلیمان بحرانی و شیخ سلیمان بن علی شاخوری و شیخ صالح بن عبدالکریم در تکوین حیات علمی وی نقش بسزایی داشتند. وی از شاگردان علامه مجلسی بود و از او و دیگر علمای معاصرش همچون علامه سید هاشم بحرانی، صاحب «البرهان فی تفسیر القرآن» و شیخ احمد بن محمد بن یوسف بحرانی و سید محمد بن ماجد بحرانی ماحوزی حدیث نقل کرده است. او در حفظ و دقت و سرعت انتقال در جواب و مناظره مشهور، و حوزه‌ی درسش انتقال در جواب و مناظره مشهور، و حوزه‌ی درسش مرجع استفاده‌ی دانشمندان بود. ابوالحسن در روز جمعه نیز بعد از نماز، صحیفه‌ی سجادیه را تدریس می‌کرد. شیخ عبدالله بن حاج صالح سماهیجی و شیخ احمد بحرانی پدر صاحب «حدائق» از شاگردان وی بودند. در دونج، یکی از روستاهای ماحوز درگذشت و در مقبره‌ی شیخ میثم، جد ابن میثم، شارح نهج‌البلاغه، دفن شد. وی متجاوز از شصت تألیف دارد که از آن جمله: «بلغۃ» یا «بلغۃ المحدثین»، در رجال؛ «جواهر البحرین»، تاریخ علمای بحرین؛ حاشیه «تهذیب الاحکام» شیخ طوسی؛ حاشیه «خلاصۃ الاقوال» علامه حلی؛ حاشیه «مشرق الشمسین» شیخ بهائی؛ «سر المکتوم فی حکمه تعلم علم النجوم»؛ «الشفاء فی الحکمه النظریه»؛ «معراج اهل الکمال الی معرفۃ الرجال» یا «المعراج»، در شرح «الفهرست» شیخ طوسی؛ «هدایه القاصدین الی عقائدالدین»؛ شرح «الباب الحادی عشر»؛ «النکت البدیعه فی فرق الشیعه»؛ «اربعون حدیثا فی الامامه من طرق العامه»؛ کشکول «ازهار الرياض»، در ادب، در سه جلد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۹۱/۳)، اعیان الشیعه (۳۰۷ - ۳۰۲ / ۷)، ایضاح المکنون (۷۲۱، ۶۷۶، ۶۶۹، ۶۱۶، ۱۹۱، ۷۱، ۱۲، ۲ / ۱۵۹، ۱۱۰، ۱۰۴، ۶۶ / ۱)، تلامذۃ العلامة المجلسی (۲۹ - ۲۸)، الذریعه (۳۳ / ۲۵، ۴۶۶ / ۹، ۱۸۲ - ۱۸۱ / ۵، ۱۷۴ / ۴، ۱۴۸، ۱۴۷ - ۱۴۶ / ۳)، روضات الجنات (۲۲ - ۱۷ / ۴)، ریحانه (۲۳۸ - ۲۳۷ / ۵، ۲۳۱ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل / سلیمان)، معجم المؤلفین (۲۶۷ / ۴)، هدیه العارفین (۴۰۵ - ۴۰۴ / ۱).

بحرانی، احمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۰۲ ق)، فقیه، محدث، ادیب و شاعر امامی. به جهت انتساب به دو تألیف گرانسنگ خویش «خمائل» و «ریاض الدلائل» او را گاهی فاضل الخمائل و زمانی فاضل الدلائل نیز گفته‌اند. وی در روستای مقابی بحرین به دنیا آمد. او برای پیمودن مدارج عالی اجتهاد به اصفهان رفت، و در سلک شاگردان مجلسی درآمد. مجلسی در اجازه‌ی خود او را بسیار ستوده است. ملا محمد باقر سبزواری صاحب «ذخیره» برای استفاده از مراتب علمی او هفته‌ای دو روز با وی مصاحبت داشته است. شیخ سلیمان بن عبدالله ماحوزی، صاحب «بلغة الرجال»، و ملا ابوالحسن شریف عاملی فتونی از شاگردان او بودند. وی به مرض طاعون درگذشت و در کاظمین به خاک سپرده شد. از آثارش: «الاستقلالیه»؛ رساله «البداء»؛ «الحسن و القبح العقلیان»؛ «الخمائل»، در فقه؛ «ریاض الدلائل و حیاض المسائل»، در فقه؛ «الرموز الخفیة فی المسائل المنطقیة»؛ «المشکاة المضیئة فی العلوم المنطقیة»؛ «عینیة صلاة الجمعة»، اثری فقهی که در آن ثابت کرده نماز جمعه در عصر غیبت واجب عینی است. از دیگر آثارش «دیوان» شعر است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۲۹/۱)، اعیان الشیعه (۱۷۳- ۱۷۲/۳)، ایضاح المکنون (۴۸۸/۲، ۶۰۱، ۵۸۴/۱)، تلامذة العلامة المجلسی (۱۸- ۱۶) الذریعه (۳۲۵- ۳۲۴، ۲۵۲/۱۱)، ریحانه (۱۴۲- ۱۴۱/۲، ۲۳۰/۱)، روضات الجنات (۱۹۰/۸، ۹۷- ۹۵، ۳۹/۱)، ریاض العلماء (۶۹- ۶۸/۱)، لغت‌نامه (ذیل / احمد)، معجم المؤلفین (۱۶۹/۲)، هدیه العارفين (۱/۱۶۶).

بحرانی، جعفر

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۸۸/ ۱۰۹۱ ق)، عالم، محدث، مفسر و شاعر امامی. ساکن شیراز و حیدرآباد هند بود. وی با شیخ حر عاملی معاصر بود، و از شیخ علی بن سلیمان بحرانی و سید نورالدین عاملی برادر صاحب «مدارک»، روایت نموده است. سید نعمت الله جزایری، در شیراز، نزد وی تلمذ کرده است. سید علی خان، صاحب «السلافة»، نیز از شاگردان او است. شیخ سلیمان بن علی بن ابی ظبیه بحرانی نیز از وی روایت کرده است. بحرانی از دوستان نزدیک شیخ صالح بن عبدالکریم بحرانی بود که هر دو در شیراز ساکن بودند. شیخ صالح در شیراز باقی ماند اما، شیخ جعفر به حیدرآباد هند رفت و مقیم شد و در آنجا مرجعیت عام یافت و عهده‌دار امور دینی مردم شد و همان جا درگذشت. وی تصانیفی در تفسیر و حدیث و علوم عربی دارد که از آن جمله کتاب «اللباب» است. از دیگر آثار وی «دیوان» شعر است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۳۸- ۱۳۶/۴)، الذریعه (۱۹۴/۹)، روضات الجنات (۱۸۸- ۱۸۷/۲)، ریحانه (۲۳۱- ۲۳۰/۱)، الکنی و الالقاب (۹۴- ۹۳/۳)، معجم المؤلفین (۱۴۳/۳).

بحرانی، علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(شهادت ۱۳۱۹ ق)، فقیه امامی. در بحرین به دنیا آمد. نخست شاگرد پدر دانشمند خویش بود. وی به مطرح منتقل شد و در آن شهر رهبر دینی مردم گشت و طائفه حیدرآبادیه را تحت ارشاد خود قرار داد. سپس به بندر لنگه رفت و مقیم این شهر شد، تا آنکه او را زهر دادند و شهید کردند. از آثار وی: «لسان الصدق»؛ در رد «میزان الحق»، یک کشیش مسیحی؛ «منار الهدی فی اثبات امامه ائمه الهدی (ع)» یا «الامامه»، در امامت؛ «قامعه اهل الباطل»؛ رساله‌ای در «التوحید»؛ رساله‌ای در «التقیه»؛ «الاجوبه العلمیه للمسائل المسقطیه» که خواهرزاده و شاگردش، شیخ احمد بن محمد بن سرحان بحرانی آن را جمع‌آوری کرده و به ترتیب کتاب فقه درآورده است، و آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی فتاوی خود را بر این کتاب تعلیق کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۲۳/۵)، الذریعه (۲۴۴/۲۲، ۳۰۵/۱۸، ۱۵/۱۷، ۳۳۰/۲، ۲۷۷/۱)، شهیدان راه فضیلت (۵۰۵-۵۰۴).

بحرانی، ماجد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۰۹۷ ق)، متکلم، فقیه، ادیب و شاعر امامی. پس از فراگیری مقدمات علوم و ادبیات عربی و فارسی، مدارج عالی‌تر را نزد پدر خود که جامع علوم و شیخ الاسلام شیراز بود فراگرفت و به درجه اجتهاد نایل شد. بحرانی پس از کناره‌گیری پدرش، مدتی قاضی و شیخ الاسلام شیراز بود. سپس به اصفهان رفت و در آنجا نیز به کار قضاوت پرداخت. وی از معاصران شیخ حر عاملی بود و با او مکاتبه داشت. شیخ حر در رثای وی قطعه‌ای سروده است. از آثار او: شرحی بر «نهج البلاغه» که ناتمام مانده؛ «التحفه السلیمانیه»، ترجمه عهدنامه مالک اشتر، به فارسی، که به اسم شاه سلیمان صفوی تألیف و در ۱۳۰۱ ق چاپ شده؛ «فصوص سلیمانیه»، شرح فارسی، «دعای بیت المعمور»، که به نام شاه سلیمان صفوی نوشته شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۳۶-۲۳۵/۱۶، ۱۴۵-۱۴۴/۱۴، ۴۴۲-۴۴۱/۳)، ریحانه (۲۳۲-۲۳۱/۱).

بحرانی، هاشم

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۰۷/۱۱۰۹ ق)، فقیه، مفسر، محدث و رجالی امامی. معروف به علامه البحرین. در کتکان از توابع بحرین به دنیا آمد. نسب او را به سید مرتضی علم الهدی و از او به امام موسی کاظم (ع) می‌رسانند. او محدثی متبع بود و در کثرت تتبع او را ثانی مجلسی می‌دانند. دامنه مرجعیت او از بحرین فراتر رفت و در بیشتر شهرهای شیعه‌نشین از وی تقلید می‌کردند. صاحب «جواهر» او و مقدس اردبیلی را، به عنوان نمونه یاد می‌کند و واجد ملکه عدالت می‌داند. سید هاشم بحرانی از کسانی چون شیخ فخرالدین طریحی نجفی

و سید عبدالعظیم استرآبادی نقل روایت کرده و علمایی همچون شیخ حر عاملی از وی روایت کرده‌اند. او دارای بیش از هفتاد و پنج تألیف بزرگ و کوچک دارد که صاحب «ریاض العلماء» اکثر این کتابها را در نزد فرزندش، سید محسن دیده است. از جمله آثار وی: «اثبات الوصیه»؛ «ارشاد المسترشدين»؛ «البرهان فی تفسیر القرآن»، در شش مجلد، گردآوری خبرهایی در زمینه تفسیر از کتابهای ناشناخته کهن؛ «معالم الزلفی فی معارف النشأة الاولى و الاخری»؛ «مدینه المعجزات» یا «مدینه المعاجز»؛ ترتیب کتاب «تهذیب» شیخ طوسی؛ «البهجة المرضیه فی اثبات الخلافة و الوصیه»؛ «نزهة الابرار و منار الافکار فی الجنة و النار»؛ «روضه العارفين»؛ «غایه المرام و حجة الخصام فی تعیین الامام من طریق الخاص و العام»؛ «الدر النضید فی فضائل الحسین الشہید»؛ «تنبيه الاریب»، در رجال «تهذیب».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴۸/۹)، اعیان الشیعه (۲۵۰- ۲۴۹/۱۰)، ایضاح المکنون (۷۱۶، ۶۸۹، ۶۳۴، ۵۰۵، ۴۵۶، ۴۴۲، ۱۴۱، ۱۲۵، ۲/ ۵۹۵، ۴۵۳، ۴۲۱، ۴۱۹، ۳۲۳، ۲۷۹، ۲۰۳، ۱۷۹، ۱/ ۲۴۹/۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۴۹/۵)، الذریعه (۴۸/۷، ۹۳/۳، ۳۹۸/۲)، روضات الجنات (۱۶۹- ۱۶۶/ ۸)، ریاض العلماء (۳۰۴- ۲۹۸/ ۵)، ریحانه (۲۳۳/۱)، فوائد الرضویه (۷۰۶- ۷۰۵)، الکنی و الالقاب (۱۰۸- ۱۰۷/ ۳)، معجم المؤلفین (۱۳۲/۱۳).

بحری، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی بحری

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی بحری (طیبی) فرزند محرم علی بحری (طیبی)، به تشویق والد معظم بعد از پایان دبستان در قم وارد حوزه علمیه قم شدم. کتاب های صرف و نحو و منطق را نزد اساتیدی مانند مرحوم سالک و آقای تهرانی، کتاب معالم را نزد استاد مرحوم فاضل هرنندی و قوانین الاصول را نزد استاد آیت الله میرزا محسن دوزدوزانی و کتاب منطق کبری و بخشی از شرح تجرید را نزد والد، باب حادی عشر را نزد استاد آیت الله صلواتی، شرح لعمه را خدمت آیت الله فاضل هرنندی، رسائل و مکاسب محرمه را خدمت آیت الله سبحانی، بیع مکاسب نیز خدمت آیت الله مشکینی، جلد اول کفایه را نزد استاد سبحانی و جلد دوم را نزد آیت الله سلطانی، با جدیت به پایان رساندم در سن بیست سالگی در امتحان خارج حوزه شرکت کردم. بعد از موفقیت در امتحان کتبی امتحان شفاهی را خدمت آیت الله لطف الله صافی و آیت الله محسن دوزدوزانی با موفقیت به پایان رساندم. سال هزار و سیصد و پنجاه همان سالی که امتحان درس خارج را دادم ازدواج کردم. بحمد الله با شهریه ماخوذه و مبالغی که در ایام تبلیغ، ایامی که حوزه تعطیل بود از طرف حضرت اباعبد الله حواله می شد براحتی از نظر معیشتی زندگی می کردم. یکی از توفیقات الهی که بنده از آن بر خوردار بوده ام این بوده که از وقتی سیوطی می خواندم شروع به تدریس کرده ام و اولین تدریس از دروس صرف و نحو آغاز شد و اولین

درس خارج را که شرکت کردم درس آیت الله العظمی وحید خراسانی بود که قریب بیست و سه صبح و عصر در فقه و اصول معظم له شرکت کردم بعد از انقلاب اسلامی تدریس در دانشگاه را نیز پذیرفتم و تا کنون تدریس در حوزه (جامعه الزهراء) و در دانشگاه ادامه دارد.

(یکی از شاگردان اینجانب اخیراً اعتراف می کرد چند سال نزد اینجانب درس خواند بنده فکر می کردم چند ماه بیشتر درس نخوانده و در انتخابات خبرگان رهبری رأی آورد و به جمع خبرگان رهبری پیوست.)

بخارایی، ابراهیم

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۰۴ ق)، حافظ، قاری و شاعر. وی خطیب مسجد جامع بخارا و از مریدان مولانا خواجگی کاشانی بود، پس از مرگ او مدتی از ملازمان خواجه ابواسحاق جویباری گشت. ابراهیم قرآن را از برداشت و با صدایی خوش می خواند و در سرودن قصیده، غزل، رباعی و قطعه نیز توانا بود. یک «مثنوی» در طریقه‌ی سلسله‌ی خواجگان و سه «دیوان» شعر سروده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۵۸۸-۵۸۷).

بخاری

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۸۳ ق)، نحوی و فقیه حنفی. وی در بخارا متولد شد. خواهرزاده قاضی محمد بخاری بود. در بخارا از دنیا رفت. از آثارش: «المبسوط» در فروع؛ «المختصر»؛ «التجنیس».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۳۲/۶)، ریحانه (۱۹۲/۲)، کشف الظنون (۱۵۸۰، ۱۲۲۳، ۵۶۹)، لغت نامه (ذیل / خواهرزاده)، معجم المؤلفین (۲۵۳/۹)، هدیه العارفین (۷۶/۲).

بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بردزبه، یزدبه

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۵۶-۱۹۴ ق)، حافظ، محدث، فقیه و مورخ. وی ثقه‌ترین محدث اهل سنت است. بردزبه زرتشتی بود که اسلام آورد. ابو عبدالله در بخارا به دنیا آمد و در طلب حدیث به خراسان و عراق و مصر و شام سفر کرد، و از بسیاری مشایخ چون، ابوعاصم و انصاری و مکی بن ابراهیم و عبیدالله بن موسی و ابوالمغیره حدیث شنید. او از حدود یک هزار حدیث بسیاری جمع آوری کرد که از آن

میان هر چه را به راویان آنها اعتقاد داشت در صحیح خویش ثبت کرد و کتاب خود یعنی اولین کتاب «صحیح» را عرضه کرد که محمد بن یوسف فربری از راویان آن است. بخاری از حافظه‌ای شگرف برخوردار بود. ابو عیسی ترمذی، ابوحاتم رازی، صالح جزره، ابراهیم نسفی، ابن خزیمه، ابو زرعه رازی، و مسلم بن حجاج نیشابوری از جمله راویان و شاگردان وی هستند. وی در آخر عمر به واسطه اختلافات فرقه‌ای مذهبی نتوانست در بخارا بماند لذا، به یکی از قراء سمرقند -خر تنگ- رفت و همان جا در گذشت. از آثار وی: «الادب المفرد»؛ «الاسماء و الکنی»؛ «تاریخ اوسط»؛ «تاریخ صغیر» و «تاریخ کبیر»؛ «ثلاثیات البخاری»؛ «الجامع الصحیح»؛ مشهور به «صحیح بخاری»؛ «خلق افعال العباد»؛ «السنن»، در فقه؛ «الضعفاء».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۵۸/۶)، تاریخ بغداد (۳۴- ۴/ ۲)، تهذیب التهذیب (۵۵- ۴۷/ ۹)، الجرح و التعذیل (ج ۳ ق ۱۹۱/۲)، دایره‌المعارف فارسی (۲۳۸- ۲۳۹/ ۱)، روضات الجنات (۲۶۹- ۲۶۴/ ۷)، ریحانه (۲۳۸- ۲۳۷/ ۱)، سیر النبلاء (۴۷۱- ۳۹۱/ ۱۲)، الفهرست لابن الندیم (۳۲۲- ۳۲۱)، کشف الظنون (۱۶۸۴، ۱۵۸۱، ۱۴۷۱، ۱۴۶۹، ۱۴۵۳، ۱۴۴۹، ۱۴۴۸، ۱۴۲۰، ۱۴۰۲، ۱۳۹۲، ۱۰۸۷، ۷۲۲، ۵۷۱، ۵۶۴، ۵۴۱، ۵۲۲، ۲۸۷، ۲۳۸، ۲۲۷، ۱۳۳، ۸۹، ۴۹، ۴۸)، الکنی و الالقاب (۷۱/۲) لغت‌نامه (ذیل/ بخاری)، معجم المؤلفین (۵۴- ۵۲/ ۹)، معجم البلدان (۴۲۲/۱)، الوافی بالوفیات (۲۰۹- ۲۰۶/ ۲)، وفیات الاعیان (۱۹۱- ۱۸۸/ ۴) هدیه العارفین (۱۶/۲).

بخاری، افتخارالدین، طاهر

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۴۲- ۴۸۲ ق)، فقیه حنفی. در بخارا به دنیا آمد و در سرخس از دنیا رفت. از آثار وی: «خلاصه الفتاوی» که خلاصه‌ی «خزانة الوقعات» و «النصاب» خودش است؛ «خزانة الفتاوی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۱۸/۳)، کشف الظنون (۷۱۸، ۷۰۳، ۷۰۲)، معجم المؤلفین (۳۳- ۳۲/ ۵).

بخاری، صفی‌الدین، محمد

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۰۰- ۱۱۵۴ ق)، محدث. او را در حدیث داناترین مردم شام در عصر خودش می‌دانستند. اصل او از بخارا بود و در نابلس فلسطین مسکن داشت. بخاری از مشایخ بسیاری در بخارا و در مصر و شام و حجاز و یمن اخذ مراتب علمی کرد تا آنکه در معرفت حدیث و سند آن و رجال یگانه دوران شد. شیخ محمد بن عبدالرحمان کزبری شافعی از وی اجازه‌ی روایت داشت. او در همان سامان به مرض طاعون در گذشت و در مقابر نابلس دفن شد. در «مکارم الآثار» از وی تحت عنوان سید صفی‌الدین و سید ابوالفضل محمد بن احمد نام برده شده است. از آثار وی: «القول الجلی»، در شرح حال ابن تیمیه؛ «معجم الشیوخ».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۴۱/۶)، ریحانه (۲۳۷/۱)، لغت‌نامه (ذیل / بخاری)، معجم المؤلفین (۵/۹)، مکارم الآثار (۱۱۶- ۱۵۱/۱).

بخاری، ظهیرالدین، ابوبکر محمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۱۹ق)، فقیه و قاضی حنفی. در بخارا قاضی و محتسب بود و از بزرگان مذهب حنفی. از آثارش: «الفتاوی الظهیریة»؛ «فوائد علی الجامع الصغیر الحسامی»، در فقه، که به نام «الفوائد الظهیریة» مشهور است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۱۵- ۲۱۴/۶)، ریحانه (۷۷/۴)، کشف الظنون (۱۲۹۸، ۱۲۲۶)، معجم المؤلفین (۳۰۳/۸).

بخاری، علاءالدین، محمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۸۴۱- ۷۷۹ق)، فقیه حنفی. در خراسان به دنیا آمد و در بخارا نشو و نما یافت. فقه را نزد پدر و عمویش آموخت و ادبیات و علوم عقلی را از سعد تفتازانی و دیگران فراگرفت. سپس به هند سفر کرد و از آنجا به مکه رفت و سرانجام در مصر اقامت گزید و پرآوازه گشت. در اواخر عمر به دمشق رفت و تا پایان عمر در آنجا ماند و در مزه از توابع دمشق از دنیا رفت. به گفته‌ی ابن طولون او امام عصر خویش بود. از آثارش: رساله‌ای در رد ابن عربی به نام «فاضحة الملحدین و ناصحة الموحدین»، و به دنبال آن «الملجمه للمجسمه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۷۶/۷)، کشف الظنون (۱۲۱۵)، معجم المؤلفین (۲۹۴/۱۱)، هدیه العارفين (۱۹۱/۲).

بخاری، عنایت‌الله

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۷۶ق)، مفسر، نحوی و عالم حنفی. از آثار وی: حاشیه بر «تفسیر سورة البقره» بیضاوی؛ حاشیه بر «شرح العضدیة» دوانی؛ حاشیه بر «شرح اثبات الواجب»؛ حاشیه بر «شرح الکافیة» جامی، در نحو؛ حاشیه بر «شرح حکمة العین» مبارکشاه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۱/ ۱۴۱)، معجم المؤلفین (۱۴- ۱۳/ ۸)، هدیه العارفين (۱/ ۸۰۴).

بخت‌آور، فریدون

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: داروسازی، دانشکده: داروسازی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای در رشته داروسازی در سال ۱۳۳۴ از دانشگاه علوم پزشکی تبریز.

مرتبه علمی:

طی مراتب آسیستانی، استادیاری، دانشیاری از سال ۱۳۳۴ تا ۱۳۴۸ در دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تبریز، ارتقاء به

درجه استادی رشته فارماکولوژی دانشگاه علوم پزشکی تبریز از سال ۱۳۴۸.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

گیاهان دارویی، بررسی ترکیبات محرک در گیاهان خانواده اوفوریاها، بررسی شیرین بیان ایران در مقایسه آن با نوع اوفیسینال از

نظر گیاهی و شیمیایی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳۴ پایان‌نامه دکترای.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

مفردات پزشکی و گیاهان دارویی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

گیاهان دارویی، ترکیبات مؤثر گیاهان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

بختیاری، ابوالحسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالحسن بختیاری

محل تولد: تاکستان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در اواخر سال ۱۳۵۶ وارد حوزه علمیه همدان شدم، و مقدمات تحصیلی را شروع نمودم و بعد از یک سال همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی، وارد حوزه علمیه قم شدم و مقدمات صرف و نحو و معالم و مغنی را در مدرسه المهدی آیت الله گلپایگانی فرا گرفتم، اصول فقه مرحوم مظفر را نزد آیت الله اشتهاوردی و صالحی افغانی تلمذ کردم. در سال ۱۳۶۲ ازدواج نموده و در نیروگاه قم مستأجر شدم، همزمان با فراگیری تحصیلات حوزوی مشغول تبلیغ در ایام تبلیغی و رفتن به جبهه شدم.

سطح را نزد اساتید بزرگوار حوزه فرا گرفتم و در سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۴ دوره دوم تخصصی کلام را در موسسه امام صادق (ع) گذراندم و در سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴ در رشته‌ی کارشناسی ارشد دوره مدرسی الهیات و معارف اسلامی را در موضوع پایان‌نامه فلسفه دعا و نقش تربیتی آن گذراندم و اکنون پس از سال‌ها مشغول تدوین پایان‌نامه در سطح چهار حوزوی در موضوع - محو و اثبات بر محور عبودیت و انسان می‌باشم و درس خارج را از سال ۱۳۶۹ - ۱۳۷۰ در نزد اساتید بزرگوار آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله سبحانی گذرانده‌ام و آنچه فعالیت این جانب محسوب می‌شود، اشتغال به تدوین پایان‌نامه فوق و تبلیغ در ایام تبلیغی هستم.

بختیاری، ابوالقاسم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن محمد حسن بختیاری، مؤلف شرح نهج البلاغه متوفی به سال ۱۲۷۲.

بر گرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بختیاری، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

پدرش نیز از علما و فضلا معدود بوده، و در سال ۱۳۱۲ در اصفهان وفات یافته است. وی از شاگردان حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی بوده، و کتب زیر از اوست:

۱ - تفسیر سوره‌ی آل عمران ۲ - تفسیر سوره‌ی انبیاء ۳ - تفسیر سوره‌ی یوسف

بر گرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بختیاری، یعقوب

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن ابراهیم بن جمال‌الدین بن ابراهیم بختیاری حویزی اصفهانی.

از شاگردان سید نعمت‌الله جزائری، و خود عالم فقیه محدث بوده، و در حدود سال ۱۱۴۸ به طوری که سید عبدالله جزائری در تذکره‌ی خود فرماید وفات یافته است.
کتاب زیر از او است:

۱- الاعتبار فی اختصار الاستبصار ۲- شرح شرایع ۳- شرح صحیفه‌ی سجاده ۴- صوافی الصافی، در تفسیر؛ در غره‌ی ذی‌قعدہ‌ی سال ۱۱۴۰ هجری از تألیف آن فراغت یافته است؛ و چندین رساله‌ی دیگر.
برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

بدرالدین تبریزی، ابوالمعر اسماعیل

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س هفتم ق)، حافظ و محدث. از محدثان ثقه قرن هفتم بود. مشیخه‌ی دارالحدیث اربل بدو تفویض شد. پس از آنکه اربل مسخر تاتار شد. بدرالدین به حلب رفت و تا پایان عمر در آنجا بود و همان جا درگذشت. از آثار وی: «الاربعین بدرالدین»، که در ۶۰۱ ق املاء شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: ریحانه (۲۴۱/۱)، کشف الظنون (۵۴).

بدری، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: پاتولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

بدلاء قمی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دارای مقام فضل و دانش و متانت و اخلاق فاضله است والدش مرحوم آقا سید محمد قمی از خانواده‌های علم و شرافت بوده است و آنجناب از احفاد جناب امامزاده شاه بدلا می‌باشد که در بلوک و بخش جابلق مدفون و دارای مزار و قبه و مورد توجه مردم آن ناحیه است.

تولد وی در پنج‌شنبه چهارم جمادی‌الاول ۱۳۲۶ قمری در قم واقع شده و پس از رشد و طی مقدمات سطوح از مرحوم ادیب تهرانی و میرزا علی یزدی فرا گرفته و پس از آن از دروس مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و هم مرحوم آیت‌الله بروجردی و

آیات دیگر استفاده کامل نموده و به تدریس فقه و اصول و هم اقامه جماعت اشتغال دارند. از آثار ایشانست کتابی در دعا و شرایط دعا و اماکن دعا و منتخبی از ادعیه ماثوره. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

بدیع اسطرلابی، بدیع الزمان، ابوالقاسم هبه الله

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۳۴ق)، فیلسوف، طیب، اخترشناس، نقاش و شاعر شیعی. نیاکانش احتمالاً ایرانی و از مردم اصفهان بودند. وی در بغداد زاده و در اصفهان بزرگ شد. او با ابزارهایی که خود ساخته بود سیر نور و اندازه‌ی آن را معلوم کرد و در اثبات درستی کارهای خود از براهین هندسی استفاده می‌کرد. بدیع در کره‌ی سماوی چیزی افزود و کار آن را که سالهای دراز ناقص مانده بود، کامل کرد. خط کشها و قرقره‌هایی که ساخته بود، کاربرد عمومی یافتند و از راه تجربه، سودمندی آنها به اثبات رسید. وی در کاخهای سلجوقی به ساختن جدولهای فلکی سرگرم بود و زیجی به نام «المعرب المحمودی» نوشت و به محمود سلجوقی هدیه کرد. بدیع به شعر حسین بن حجاج علاقه می‌ورزید و آنها را گردآوری کرد و آن را «دره التاج من شعر ابن حجاج» نامید. از او «دیوان» شعری بر جای مانده که درونمایه‌ی بیشتر آنها هجو و لطیفه است. وی در بغداد درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱۴۱۹/۳)، الاعلام (۵۸/۹)، تاریخ بغداد (۳۷۴/۱۵)، دایرة المعارف فارسی (۳۹۶/۱)، الذریعه (۱۳۰/۹)، لغت‌نامه (ذیل / هبه الله)، معجم الادباء (۲۷۵- ۲۷۳ / ۱۹)، وفيات الاعیان (۵۳- ۵۰ / ۶).

بدیع اصفهانی، مصطفی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۱۸ق)، عالم، فقیه، مدرس، ادیب و شاعر. به مناسبت سکونت در محله درب امام، به درب امامی مشهور بود. پدراننش عموماً از دانشمندان اصفهان به حساب می‌آمدند. او نزد حاج ملاحسینعلی تویسرکانی و میرسید محمد شهشهرانی و آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی و حاج شیخ محمد باقر نجفی درس خواند و اجازه اجتهاد گرفت. حاج سید میرزا بدیع در مدرسه نیماورد درس می‌گفت و متجاوز از یکصد دانشمند در محضرش تلمذ می‌کردند و عوام و خواص در وقت نماز بدو اقتدا می‌کردند. او علاوه بر کمالات علمی در هنر خط نیز شهرت داشت و در ادب و شعر توانا بود. از آثار وی: حاشیه بر «ریاض»؛ حاشیه بر «قوانین»؛ رساله‌ای در «خراج»؛ رساله‌ای در «استصحاب»؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره القبور (۲۰۱- ۲۰۰)، حدیقه الشعراء (۲۲۶- ۲۲۵ / ۱)، الذریعه (۱۷۵/۶)، معجم المؤلفین (۴۰/۳).

بدیع، امیر مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۲۹۴.

درگذشت: ۱۳۷۳.

از آثار اوست: یونانیان و بربرها (به زبان فرانسوی، لوزان، ۱۳۴۷، این کتاب توسط احمد آرام ترجمه و یک بار در سال ۱۳۴۳ و بار دیگر در سال ۱۳۶۴ منتشر شده است)؛ هگل و مبادی اندیشه معاصر (تهران، ۱۳۶۳).
برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

بدیع الزمان نطنزی، ابو عبدالله حسین

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۹۹/۴۹۷ ق)، ادیب و شاعر. وی از اهالی نطنز بود و در اصفهان زندگی می‌کرد. او تمام عمر خویش را به معلمی و درس و بحث گذراند و در دو زبان فارسی و عربی ادیبی معروف شد. به همین دلیل او را ذوالبیانین یا ذواللسانین لقب دادند. در شعر فارسی نیز دست داشت بخصوص سرودن اشعار مصنوع، از شعر او جز چند قطعه چیزی باقی نمانده است. تألیفات او عبارت‌اند از «الخلاص» یا «دستور اللغه» و «المرقاة» که هر دو در لغت عربی به فارسی است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۳۱۸/۲)، تاریخ نظم و نثر (۵۶)، الذریعه (۳۱۱/۲۰، ۱۳۱/۹، ۱۶۶، ۱۶۵، ۸/۷، ۲۰۸/۷)، ریحانه (۲۷۱/۲)، فرهنگ سخنوران (۵۳)، کشف الظنون (۷۵۴)، معجم البلدان (۳۳۷/۵)، معجم المؤلفین (۱۹۱/۳).

بدیع الزمان هرندی قهبایی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم و یازدهم ق)، فقیه و محدث. شیخ الاسلام یزد در عصر شاه عباس صفوی بود. از آثارش: «ریاض العابدین فی شرح صحیفه سید الساجدین»، به فارسی است، شرحی ترجمه‌وار و ترجمه‌ای شرح گونه است که به نام شاه صفی تصنیف کرده است.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۵۵۰/۳)، الذریعه (۳۴۸/۱۳، ۳۲۹/۱۱)، ریحانه (۲۴۳/۱)، الکنی و الالقاب (۷۶/۲).

بدیع الزمان همدانی، ابوالفضل احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۹۸/۳۷۸-۳۵۸/۳۵۳)، مقاله‌نویس و شاعر. ملقب به مهذب‌الدین. در همدان تولد یافت. ساکن هرات شد. از شاگردان ابن فارسی رازی و صاحب بن عباد بود و یکی از فضلا و فصحا عصر خود. وی در حدیث هم ثقة بود و مذهب اشعری داشت. با ابوبکر خوارزمی، دانشمند مشهور زمان خود در شهر نیشابور مناظراتی داشت و از این طریق بود که شهرت زیادی به دست آورد و بعد از درگذشت ابوبکر در همه کارهای دیوانی جانشین او شد. بدیع‌الزمان مسافرت‌هایی به سیستان، غزنه و دیگر بلاد خراسان کرد و از امرا و فضلا و مشاهیر زمان تمتعی کامل برگرفت، و ثروتی عظیم اندوخت. در هرات ازدواج کرد و همان جا درگذشت. وی حافظه‌ای قوی داشت و آثاری به نظم و نثر از خود به جای گذاشت و مقامه‌نویسی را رونق و کمالی بسزا بخشید. در واقع او خود نخستین کسی است که مقامه‌نویسی را ایجاد کرده و در این راه پیشوای آیندگانی چون حریری و دیگران شد. آثار وی قریب به چهارصد مقامه می‌شده که برگزیده‌ی آنها پنجاه و نه مقامه است. از دیگر آثار وی: «مجموعه‌ی رسائل»؛ «مناظرات او با ابوبکر خوارزمی»؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۵۸۱-۵۷۰/۲)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۱۵۸-۱۵۳/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۰/۱)، تاریخ الاسلام (حوادث ۳۵۳-۳۴۹/۴۰۰-۳۸۱)، دایرة‌المعارف فارسی (۳۹۶/۱)، الذریعه (۱۳۱/۹)، روضات الجنات (۲۵۰-۲۴۸/۱)، ریحانه (۲۴۴-۲۴۳/۱)، سرآمدان فرهنگ (۲۲۱-۲۲۰/۱)، سیر النبلاء (۶۸-۶۷/۱۷)، فرهنگ ادبیات فارسی (۸۶)، کارنامه‌ی بزرگان (۵۹-۸)، الکنی و الالقاب (۷۶-۷۵/۲)، کشف‌الظنون (۱۷۸۵)، لغت‌نامه (ذیل / بدیع‌الزمان)، معجم‌الادباء (۲۰۲-۱۶۱/۲)، الوافی بالوفیات (۳۵۸-۳۵۵/۶)، وفیات الاعیان (۱۲۹-۱۲۷/۱)، هدیة العارفین (۶۹/۱).

بدیع‌الزمان، احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ع. نادر روزگار) احمد بن حسین همدانی (ف. ۳۹۸ ه.ق.). وی علوم ادبی عرب را در همدان نزد ابن فارس رازی فراگرفت و سپس به خدمت صاحب بن عباد رسید و از او نیز استفاده علمی کرد. «رسائل» (ه. م.) و «مقامات» (ه. م.) وی در ادب عرب ممتاز است. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

بدیعی اندجانی، یوسف

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۸۹۷ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به بدیعی. ملقب به بدیعی معمای. در اواخر دوران تیموری در اندجان متولد شد. در کودکی به سمرقند رفت و نزد صفایی شاگردی کرد و به همین جهت به ملا یوسف صفایی نیز مشهور شد، گرچه، از شهرت صفایی راضی نبود. بدیعی در سرخس درگذشت و در خانقاه شیخ لقمان پرنده دفن شد. مولانا یوسف به علم عروض و صنایع و بدایع شعری و فن معما آگاهی داشت و صاحب «رساله‌ای در معما» و «قصیده‌ی مرآة الصفا» است. از وی «دیوان» شعری نیز بر جای مانده

است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: از سعدی تا جامی (۶۷۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۰/۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۲۳)، تذکره‌ی روز روشن (۱۰۳) - ۱۰۲، حبیب السیر (۳۳۷/۴)، الذریعه (۱۳۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۲۹)، مجالس النفائس (۱۲۲).

بدیعی تبریزی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۸۰ ق)، دانشمند، طیب، ادیب و شاعر. از دوستان مظفر علی نقاش و مردی خوش طبع و خوش مشرب بود، به ترکی و فارسی شعر می‌گفت. وی در سرودن غزل مهارت داشت و این امر از «دیوان» غزلیات بازمانده از وی تأیید می‌شود. برخی «مثلثات منظوم» در لغت را از او دانسته‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آتشکده‌ی آذر (۱۱۱/۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۲۶-۵۲۵)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۸۷-۸۶/۲)، دانشمندان آذربایجان (۶۶-۶۵)، الذریعه (۸۰/۱۹، ۱۳۱/۹)، سخنوران آذربایجان (۲۳۴-۲۳۳)، هفت اقلیم (۲۲۹/۳)، فرهنگ سخنوران (۱۳۰) - ۱۲۹، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۰/۲)، مجمع الخواص (۲۶۰).

بدیعی، منوچهر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر منوچهر بدیعی در فروردین ۱۳۱۸ در اصفهان به دنیا آمد. وی تحصیلات خود در رشته‌ای نامرتب با فن ترجمه ادامه داد و لیسانسش را گرفت. او درس‌های دوره‌ی دکترای همان رشته را نیز تمام کرد، اما چون رساله‌ی پایان دوره‌ی تحصیلی را نگذرانده است درجه و عنوان دکترای ندارد. مشاغلش همواره در همان زمینه‌ی تحصیلات دانشگاهی‌اش بوده و از این رو به ترجمه به عنوان یک شغل و حرفه نگاه نمی‌کند. کتاب "چهره‌ی مرد هنرمند در جوانی" ترجمه منوچهر بدیعی، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: ترجمه

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: منوچهر بدیعی تحصیلات دوره‌ی دبستان و دبیرستان را در همان شهر گذراند و سپس در دانشگاه تهران در رشته‌ای نامرتب با فن ترجمه تحصیل کرد و لیسانس گرفت. درس‌های دوره‌ی دکترای همان رشته را نیز تمام کرد، اما چون رساله‌ی پایان دوره‌ی تحصیلی را نگذرانده است درجه و عنوان دکترای ندارد

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: مشاغل منوچهر بدیعی همواره در همان زمینه‌ی تحصیلات دانشگاهی‌اش بوده و از این رو به ترجمه

به عنوان یک شغل و حرفه نگاه نمی‌کند

جوایز و نشانها: کتاب "چهرهٔ مرد هنرمند در جوانی" ترجمه منوچهر بدیعی، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار: ترجمه‌های منتشر شدهٔ منوچهر بدیعی علاوه بر چهرهٔ مرد هنرمند در جوانی عبارت است از: بیست اثر سینکلر لویس؛ بازار خود فروشی اثر ویلیام تگری؛ جادهٔ فلاندر اثر کلود سیمون؛ آدم اول اثر آلبر کامو؛ ژان باروا اثر روزه مارتن دوگار؛ مقدمهٔ آلبر کامو بر مجموعهٔ آثار روزه مارتن دوگار؛ کتاب کوچکی دربارهٔ جیمز جویس (چاپ دوم آن همراه با بخش هفدهم اولیس اثر جیمز جویس)؛ دو کتاب کوچک دربارهٔ «رابله» و «ناتالی ساروت» و چند مقالهٔ فلسفی و ادبی در نشریه‌های فرهنگ، ارغنون، کلک و سرانجام، آخرین ترجمهٔ منتشر شدهٔ او کتاب قرائتی نقادانه از رمان چهرهٔ مرد هنرمند در جوانی شاهکار جیمز جویس نوشتهٔ دیوید سید است. ترجمه بخشی از اولیس نیز، دیگر اثر ارزشمند اوست. -----

آثار:

۱ آدم اول اثر آلبر کامو

۲ ارغنون، کلک و سرانجام

۳ بازار خود فروشی اثر ویلیام تگری

۴ بیست اثر سینکلر لویس

۵ جادهٔ فلاندر اثر کلود سیمون

۶ چهرهٔ مرد هنرمند در جوانی

ویژگی اثر: ترجمه، این کتاب، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: چهرهٔ مرد هنرمند در جوانی / جیمز جویس؛ ترجمهٔ منوچهر بدیعی. - تهران: نیلوفر، ۱۳۸۰، ۳۸۳ ص. این شاهکار ادبی که در اوایل قرن بیستم میلادی نوشته شده، از نخستین رمان‌هایی است که سیر رشد و تکامل قهرمان داستان را از دوران کودکی تا سن کمال در تمامی ابعاد آموزش و پرورش وی نشان می‌دهد و از این لحاظ با رمان‌های قرن نوزدهم تفاوت دارد. به یک معنا می‌توان گفت که این رمان نخستین سنگ بنای رمان نو است. این رمان، نه تنها رشد جسمانی شخصیت داستان بلکه رشد معنوی و مذهبی و پرورش معنوی مذهبی و فلسفی او را نیز نشان می‌دهد. وصف تأثیر تربیت دینی قهرمان رمان و واکنش‌های او نسبت به این تربیت، که به صورت گوناگون فلسفی و هنری ظاهر می‌شود، یکی از ویژگی‌های برجستهٔ این رمان است. در عین حال، در این رمان به زمینه‌های تاریخی و اجتماعی رشد قهرمان توجه وافر شده است. فضای تاریخی رمان و در نتیجه فضای آموزش و پرورش قهرمان آن، فضای جامعه‌ای است استعمارزده که می‌خواهد آزادی را به دست آورد و در این راه مبارزه‌ها کرده است. این، شاید تنها سند ادبی باشد که تنش عقیدتی و اجتماعی ایرلند را پس از سال‌ها تحمل استعمار انگلیس نشان می‌دهد. از لحاظ تطابق صورت با محتوا، این اثر در حد کمال است. در این رمان به تناسب رشد شخصیت اصلی، زبان رمان از مرتبهٔ کودکان به مرتبهٔ زبان شاگردان و معلمان مدرسه و از آنجا به مرتبهٔ زبان دینی و سرانجام به مرتبهٔ زبان فلسفی، به ویژه زبان فلسفه هنر، تحول می‌یابد. اغلب جویس شناسان معتقدند که چهرهٔ مرد هنرمند در جوانی، در واقع زندگینامهٔ خود نوشت جویس است از دو سالگی تا حدود بیست سالگی، یعنی تا زمانی که برای نخستین بار به پاریس رفت. ترجمهٔ چینی رمانی مهارت و چیره‌دستی فراوان می‌خواهد و مترجم با استادی از عهد؟ این کار برآمده و ترجمهٔ هنرمندانه‌ای ارائه کرده است. بافت متن یکدست و زیباست و با توجه به قرابت واژگانی و نحوی ترجمه با متن اصلی و تناسب نثر ترجمه با سبک

مؤلف، مترجم محترم توانسته است متنی ادبی بیافریند که با متن اصلی، به لحاظ برخورداری از کیفیت ادبی، چندان فاصله ندارد، یا دست کم فارسی زبان را از لذت درک ادبی متن اصلی بی بهره نمی گذارد. نکات فرهنگی، اساطیری، تاریخی و جغرافیایی یا واژگانی و ادبی موجود در کتاب به نحوی شایسته و کامل در بخش «یادداشت‌ها» در پایان کتاب توضیح داده شده که بر فایده این ترجمه می افزاید. خلاصه آن که ترجمه بسیار دشوار این رمان، یکی از موفق ترین ترجمه های زمان حاضر به شمار می آید.

۷ دو کتاب کوچک درباره «رابله» و «ناتالی ساروت» و چند مقاله فلسفی و ادبی در نشریه های فرهنگ

۸ ژان باروا اثر روزه مارتن دوگار

۹ کتاب کوچکی درباره جیمز جویس

ویژگی اثر: چاپ دوم آن همراه با بخش هفدهم اولیس اثر جیمز جویس

۱۰ مقدمه آلبر کامو بر مجموعه آثار روزه مارتن دوگار

منابع:

www.ketabesal.ir

براتی، عبدالعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالعلی براتی

محل تولد: مسجد سلیمان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه شدم حدود ۱۲ سال در دروس خارج حوزه شرکت نمودم. نزدیک به ۱۵ سال در مراکز و مؤسسات پژوهشی و فرهنگی به فعالیتهای پژوهشی مشغول بوده ام از جمله آنها پژوهشکده باقرالعلوم (ع). تاکنون حدود سی مقاله تالیف کرده ام و بیش از یکصد کتاب، مقاله و پایان نامه را نقد، بررسی و ارزیابی کرده ام. در حوزه اطلاع رسانی به ویژه کتابشناسی سالها تجربه علمی و عملی دارم که محصول آن در تولید نرم افزار کتابشناسی هادی با کمک دیگر دوستان و همکاران فنی امروز در دسترس بسیاری از مراکز پژوهش و پژوهشگران و حوزه و دانشگاه است. این نرم افزار اندیشه ای جدید در حوزه فهرست نویسی و مآخذ شناسی در حوزه علوم اسلامی و علوم انسانی را عرضه می کند.

مشاوره و راهنمایی غیر رسمی به طلب، دانشجویان و محققان و نویسندگان در تدوین به ویژه رساله و مقاله از فعالیتهای مهم

اینجانب بوده است و هم اکنون بسیاری از پایان نامه ها حوزه های علمیه خواهران توسط اینجانب مأخذ شناسی می شود. بارها شیوه کتابداری و کتابشناسی مرسوم را به نقد کشیده ام و آن را بویژه در حوزه علوم اسلامی ناکافی می دانم. در مباحث علوم اسلامی و سیاسی به تدریس در آموزش و پرورش (معلمین)، دبیرستانها و دانشگاه نیز چندین سال هست مشغول بوده ام.

برادران آجیلیان، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: میکروبیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای داروسازی از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۵۳، دکترای تخصصی میکروبیولوژی از دانشگاه مشهد در سال ۱۳۶۳ و فوق تخصص فلوی ایمونولوژی از دانشگاه لندن در سال ۱۳۶۶.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه مشهد از سال ۱۳۵۶ تا سال ۱۳۶۷ دانشیار دانشگاه علوم پزشکی مشهد از سال ۱۳۶۷ تاکنون.

زمینه های علمی و تحقیقاتی:

بررسی مایع مفصل مبتلایان به RA، بررسی میزان سیکلوسپورین در سرم، بررسی AIDS در کودکان، بررسی مقاومت امی پنسم و بررسی میزان ایمونوگلوبین ها در کودکان، تدریس دروس میکروبیولوژی و ایمونولوژی در دانشگاه علوم پزشکی مشهد، استاد راهنمای ۴ پایان نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

پزشکی، باکتری شناسی، ایمن شناسی و ایمن شناسی کاربردی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

پزشکی، بررسی HLA در هزار فرد خراسانی، راههای تشخیص بیمای AIDS، روش های تشخیص بیماری سل، سیستم کمپلکس سازگاری سنجی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

برادران، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

برادران، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بافت‌شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

برارپور، ابراهیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابراهیم برارپور

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۶/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی خویش را در مدرسه نوشیروانی بابل با رتبه ممتاز در کلاسهای اول، سوم، چهارم و پنجم گذراندم. تحصیلات راهنمایی را در مدرسه شهید هاشمی نژاد و دبیرستان را در مدرسه طالقانی. در سال ۷۵ در رشته مهندسی کشاورزی دانشگاه آزاد قائم شهر قبول شده و بعد از گذراندن یک ترم تحصیلی با توجه به علاقه وافر به دروس حوزوی و زندگی در فضای معنوی، وارد حوزه علمیه خاتم الانبیای بابل شدم. و سالهای بعد در مدرسه روحیه بابل دروس خویش را تا پایه ۶ به اتمام رساندم و در سال ۸۰ به قم مراجعت کرده و در مدرسه علمیه معصومیه پایه های ۷ و ۸ و در مدرسه علمیه قدیری پایه های ۹ و ۱۰ را به پایان رساندم و الان مشغول به درس خارج هستم. از آنجا که به مطالعه در زمینه های فرهنگی و سیاسی و در خصوص دفاع مقدس علاقه وافر داشته ام عمده تحقیقات خویش را در این زمینه ها مستقر کرده ام و در زمینه سیاسی عضو مجمع تحلیل و بررسی سیاسی سپاه منطقه قم هستم و دوره دو ساله آن را با موفقیت به پایان رساندم و در زمینه دفاع مقدس با ستاد کنگره شهدای روحانی تیب ۸۳ امام صادق (ع) همکاری داشتم و در زمینه فرهنگی با موسسه ولاء و تشکل جمعی از طلاب و بسیجیان شهرستان بابل در راستای اشاعه فرهنگ شهادت و ایثار فعالیت نمودم و اکنون نیز فعال هستم و تاکنون چندین مقاله و کتاب نوشته ام و پروژه های سیاسی در

راستای پژوهشهای علمی انجام داده ام

برای گاوزنی، عبدالحق

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالحق براری گاوزنی

محل تولد: رود بست

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۶ در عهد طاغوت دیپلم علوم تجربی (طبیعی آن زمان) را دریافت کردم (از شهرستان بابلسر). با اینکه در کنکور دانشگاه آن زمان شرکت کرده بودم اما شوق تحصیل حوزوی و دانستن زبان عربی مرا به مدرسه علمیه فریدونکنار که تازه به دست حجة السلام محمودیان نماینده آیت الله العظمی گلپایگانی در فریدونکنار (مسجد صاحب الزمان) دائر شده بود، وارد شدم و به تدریج صدای انقلاب از قم و تهران و... به مازندران هم رسیده بود که البته با حال و هوایی که داشتیم در اولین اعتراضات مردم قم خود را به قم و تهران می کشانیدیم و درس و بحث‌ها تحت الشعاع فعالیت انقلاب قرار گرفته بود و بارها تهدید و تحت تعقیب بودم بالاخره با پیروزی انقلاب اسلامی به حوزه مشهد جهت تقویت ادبیات رفته بودم و در درس حجت هاشمی ادیب معروف شرکت کرده بودم. سیوطی را گذراندم. شوق حوزه قم مرا به قم کشانده بود آغاز جنگ آغاز حال و هوایی دیگر بود و چند سال جنگ به خاطر ارتباط با گردان یا رسول فریدونکنار و حاج حسین بصیر که تا جانشینی لشکر ۲۵ کربلا پیش رفته بود و در کربلای ۱۰ در قله‌های مائوت عراق به شهادت رسیده بود به خاطر ارتباط دامادی و برادرخانمی با ایشان و همراهی با مجاهدان شمال روزگار جنگ را با اهل جنگ محشور بودیم و البته درس و بحثم را در مدرسه گلپایگانی صفائیه می گذراندم.

یکی از خاطراتم اینکه هرگز بحث خبر واحد را از اصول فقه و معالم تا کفایه استاد ندیده بودم و همه‌اش در این قسمت از بحث در جبهه‌ها بودم! دوارن جنگ تمام شد و با دوستان زمان جنگ حاج آقا داود صمدی آملی و حاج آقا مسرور قائم شهری که هم مباحثه‌های اینجانب بودند به درس و بحث مشغول بودیم بعد از اتمام لمعتین از مدرسه گلپایگانی (ره) برای دروس بعدی وارد حوزه (بیرون از مدرسه) شدیم. رسائل را خدمت آیت الله اعتمادی و قسمتی از لمعه را هم با وجدانی فخر گذراندم و در ضمن با نوار دروس فلسفه (بدایه و نهایه را) با مباحثه دوستان گذراندم. کفایه را با اساتیدی چند از آیت الله صالحی مازندرانی و احمدی یزدی و آیت الله راستی پیش بردیم و در درس خارج اصول آیت الله فاضل لنکرانی حفظه الله شرکت کردیم (حدود ۶ سال) و با درس فقه آیت الله جوادی بحث اجاره در مدرسه سعادت و حدود و تعزیرات از آیت الله مرحوم شیخ جواد تبریزی (ره) استفاده کردیم. روزها ساعت ۱۱ حدود ۵ سال با تفسیر آیت الله جوادی آملی در مسجد اعظم همراه بودیم و با آغاز درس مصباح الانس ابن فناری از آیت الله حسن زاده آملی خواستیم تا ما را به حضور بپذیرد نامبرده امتناع کرد، فرموده بودند چون پایینی‌ها را نخواندید نمی‌شود (تمهید القواعد - فصوص الحکم و...) اما اصرار کردیم تا اجازه استفاده از نوارهای فصوص را مرحمت کردند و همراه با

استفاده از درس فصوص به شکل نوار از درس مصباح الانس ایشان استفاده می‌کردیم - حال و هوای عجیبی و شوق زیادی را در این دوران نشان می‌دادیم.

متأسفانه درس مصباح الانس به دلیلی که اینجا مطرح نمی‌کنم تعطیل شد و مایه تاسف ما شد. سه جلد اول اسفار را با آیت الله حسن زاده آملی گذرانیدیم با اینکه جلد اول را با آیت الله جوادی آملی سر کرده بودیم. سال ۷۲ در کنکور سراسری شرکت کردم و در رشته فلسفه غرب در دانشگاه شهید بهشتی تهران قبول شدم، دوره کارشناسی فلسفه غرب در دانشگاه موجب ضعف ارتباط لازم با حوزه تلقی می‌شد و بالا-خره سال ۷۶ کارشناسی را تمام نمودم. در طول این سالها به اندازه یک نماینده پر حرارت مجلس برای مردم زادگاهم چه تلاش‌ها و عمران و آبادی‌ها که نکردم در طول سال تحصیلی علاوه بر تبلیغ در حوزه شهر بابلسر و فریدونکنار زادگاهم (که بین این دو شهر بوده است (رودبست)) چه وقت‌ها و سفرها که هزینه نکردم و ناله اهل خانه به آسمان بلند بود و با توجیه اینکه امروز وقت این کارها هم هست از درس و بحث گاه می‌زدم و چه کارها که نکرده بودم. بحمدالله از احداث مدرسه ابتدایی تا راهنمایی و ساختن مسجدی باشکوه در حدود هزار متر مربع (با بالکس) و به شکل جمکرانی و احداث آسفالت در حدود ۳ کیلومتر در زادگاه خود و تلاش برای آوردن تلفن و آب آشامیدنی و بسیار کارهای عمرانی و محلی دیگر که همین‌ها مرا مدت‌ها معطل خود کرده بود مشغول بودم. با سخنرانی‌های زمان جنگ و بعد از جنگ از مسجد تا میدان شهر فریادگر دفاع از امام و انقلاب اسلامی بودم و بحمدالله با همان روحیه همچنان در سنگرم (الحمدالله الذی هدانا...))

در سال ۱۳۸۰ در کارشناسی ارشد فلسفه غرب در دانشگاه تهران مرکز قبول شدم و مقارن این قبولی همراه با حاج آقا دهقان وارد کار در دفتر نهاد رهبری دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) همراه با تدریس دروس معارف مشغول شدم قبل از دانشگاه بین‌المللی امام (ره) در دانشگاه علوم پزشکی ارتش در تهران به تدریس دروس معارف و اخلاق پزشکی و ریشه‌های انقلاب اسلامی می‌پرداختم. الان بیش از ده سال است که به تدریس دروس معارف مشغولم و همچنان در دفتر نهاد رهبری دانشگاه بین‌المللی در خدمت فعالیت‌های همراه با آمال رهبری می‌باشم.

برازجانی، غلامرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زنان و مامائی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

برازش، علیرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهندس علیرضا برازش در سال ۱۳۳۴ ش در شهر تهران به دنیا آمد. ایشان دارای مدرک کارشناسی ارشد رشته «علوم قرآنی و حدیث» از دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران می‌باشد. کتاب "المعجم المفهرس لالفاظ الاصول من الکافی" تالیف

علیرضا برازش، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه: علوم انسانی‌رشته: علوم قرآنی‌تحصیلات رسمی و حرفه ای: علیرضا برازش پس از طی دوره ابتدائی و متوسطه به دانشگاه علم و صنعت راه یافت و موفق به اخذ درجه مهندسی صنایع (تولید صنعتی) گردید و پس از آن مدرک فوق لیسانس را در رشته «علوم قرآنی و حدیث» از دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران دریافت کرد. جوایز و نشانها: کتاب "المعجم المفهرس لالفاظ الاصول من الکافی" تألیف علیرضا برازش، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

آثار: المعجم المفهرس لالفاظ الاصول من الکافی ویژگی اثر: تألیف-این کتاب در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است-آشنایی با کتاب: «المعجم المفهرس لالفاظ الاصول من الکافی» این کتاب از بهترین معاجم لفظی است که برای کتب حدیث تدوین شده است. مؤلف سخت کوش با مبنا قرار دادن متن معتبری از اصول کافی و با اتکاء بر موازین فهرست‌نگاری موج بات سهولت و سرعت دستیابی محققین را به تمامی کلمات مهم (اسامی و افعال) با توجه به ریشه آنها فراهم کرده و نیز با ارائه یک جدول تطبیقی، محل هر باب را در مهمترین شرحها، تصحیحها و ترجمه‌های اصول کافی به دست داده است ۲ قرآن صاعد مجمع الانوار

برال، ابراهیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۲۹۹، مرتبه علمی: استاد، رشته: علوم آزمایشگاهی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی و دکترای تخصصی علوم آزمایشگاهی از دانشگاه تهران.

مرتبه علمی:

دستیار دانشکده پزشکی دانشگاه تهران در سال ۱۳۲۸، استاد آزمایشگاه بالینی دانشکده پزشکی دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۴،

مدرس دانشجویان دانشکده پزشکی در دوره‌های مختلف تخصصی آزمایشگاه بالینی، تک رشته‌های مختلف آزمایشگاهی و

پوست به مدت چهل سال.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آزمایشگاه بالینی، علوم آزمایشگاهی، استفاده از متد الیزا (Eisa) در آزمایشات ایمونولوژی و هورمونولوژی، تهیه آنزیم پراکسید

از منابع مختلف، رنگ آمیزی پراکسیداز، محیط مخصوص برای کشت مایکوپلاسما، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴۰ پایان‌نامه

دکتر.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

علوم آزمایشگاهی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: متعدد تعداد مقالات به زبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

انجام آزمایشات پزشکی، آزمایشگاه بالینی، موارد لیتوم تراپی در تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

برآوستانی از دورقانی، ابوالفضل، ابومحمد سلمه

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سوم و چهارم ق)، عالم و محدث امامی. او به برآوستان یکی از نواحی قم یا از دورقان از توابع ری منسوب است. از محدثان علمای شیعه بود. مشایخ قم از جمله محمد بن حسن صفار و حمیری و احمد بن ادریس و دیگران از وی روایت کرده‌اند. نجاشی از پانزده کتاب وی نام می‌برد. از آثارش: «ثواب الاعمال»؛ «عقاب الاعمال»؛ «وفات النبی (ص)»؛ «مقتل الحسین (ع)»؛ «ثواب الحج»؛ «المواقیت»؛ «تفسیر سوره یس».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اختیار معرفه الرجال (۳۲۸)، اعیان الشیعه (۲۸۹/۷)، الذریعه (۳۳۲/۲۴، ۲۳۱/۲۳، ۱۷/۵، ۳۴۴/۴)، رجال ابن داود (قسم ۲/۴۵۸)، رجال الطوسی (۴۷۵)، رجال النجاشی (۴۲۲/۱)، ریحانه (۲۴۵/۱)، الفهرست للطوسی (۱۵۹-۱۵۸)، الکنی و الالقاب (۷۷-۷۶/۲).

بربا، علی محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی محمد بربا

محل تولد: تویسرکان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای علی محمد بربا در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان تویسرکان دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری

کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی از یک سو و شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیها از سوی دیگر او را راهی قم گردانید.

و در سال ۱۳۵۵ که سال های اوج خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود و حوزه های علمیه از طرف رژیم منحوس پهلوی به شدت تحت فشار بودند وارد حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود به قم ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت علیهم السلام با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۳ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون مرحوم آیت الله فاضل، مرحوم آیت الله شیخ جواد تبریزی، آیت الله محقق داماد، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد از سال ۱۳۶۶ تا کنون به امر تدریس در دانشگاه پیام نور تویسرکان و دانشگاه آزاد اسلامی تویسرکان مشغول می باشد که حاصل زحمات ایشان پرورش دانشجویان فراوانی می باشد. علاوه بر این وی به مدت ۱۰ سال بر کرسی ریاست دانشگاه آزاد اسلامی تویسرکان تکیه زده بود که در این مدت خدمات ارزنده ای به دانشجویان آن دانشگاه ارائه کرد. در ضمن استاد گرانقدر آقای بریا هیچ وقت از نگارش و پژوهش غافل نماند و آثاری از قبیل "نقش استاد در سلوک روح الله"، "نقد نظری تراویون" و "عرفان و اهل بیت (ع)" را به رشته تحریر در آورده است.

برجی، یعقوب علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

یعقوب علی برجی

محل تولد: نیشابور

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۲

زندگینامه علمی

در سال تحصیلی ۵۳-۵۲ وارد حوزه علمیه "فضل ابن شاذان" نیشابور شدم. ادبیات عرب، معانی بیان، منطق، لمعتین و اصول فقه را در آن حوزه فرا گرفتم. در سال ۱۳۵۸ به حوزه علمیه مشهد هجرت نموده و کتابهای «الرسائل» شیخ اعظم انصاری و کتاب «المکاسب» و نیز «کفایتین» را از محضر اساتید معروف آن دیار فرا گرفتم. و در سال ۱۳۶۱ به منظور ادامه تحصیل در حوزه علمیه قم اقامت نموده و در جوار حرم حضرت معصومه (س) سکنی گزیدم. پایه های درسی حوزه علمیه قم را امتحان داده و با عنوان «عالی قابل تشویق است» قبول شدم. و پس از یک سال (سال ۶۲) آخرین پایه درسی حوزه علمیه یعنی پایه ۹ را امتحان داده قبول شدم و به درس های خارج حوزه علمیه راه یافتم و از میان حوزه های مختلف درسی، خارج فقه حضرت آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی و خارج اصول حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی را انتخاب نموده و تا سال ۱۳۷۵ به مدت ۱۳ سال از محضر درس خارج این دو بزرگوار بهره بردم، در کنار فقه اصول به معقول و فلسفه و کلام نیز پرداختم. «نهایة الحکمه» را از محضر استاد مصباح یزدی،

«منظومه» مرحوم ملا هادی سبزواری را از محضر استاد انصاری شیرازی و «الاشارات و التنبیها» را از محضر استاد علامه حسن زاده آملی و «کشف المراد» را از محضر استاد دکتر بهشتی استفاده نمودم. و در سال تحصیلی ۷۰-۶۹ در کنکور تربیت مدرس قم (دار الشفاء) شرکت نموده و قبول شدم و سال ۷۲ موفق به اخذ کارشناسی ارشد (فوق لیسانس) با معدل ۵۱/۱۸ شده و در تاریخ ۲۰/۷/۷۲ پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان: «بدعت و دیدگاه‌های مختلف درباره آن» را در محضر دکتر محمد باقر حجتی (استاد راهنما)، حضرت آیت الله معرفت (ره) (استاد مشاور)، جناب دکتر بهشتی (ناظر) و جمعی دیگر از اساتید دفاع نموده و با نمره نوزده (۱۹) از ۲۰ و درجه عالی از آن مرکز فارغ التحصیل گردیدم و در سال تحصیلی ۷۳-۷۲ در کنکور دکترای گرایش فقه و اصول دانشگاه امام صادق (ع) شرکت کرده و قبول شدم و در این دانشگاه از محضر اساتید نام آوری همچون حضرت آیت الله مهدوی کنی، آیت الله باقری کنی، حضرت حجج اسلام سید حسن مصطفوی و سید حسین مصطفوی و ... بهره‌ها برده و در تاریخ ۲/۴/۸۰ رساله دکتری را با عنوان «سیر تاریخی نظریه ولایت فقیه» در محضر آیت الله باقری کنی (استاد راهنما)، آیت الله مهدوی کنی (استاد مشاور)، مصباحی، مرعشی (اساتید داور) و جمعی دیگر از اساتید و بعضی از مسؤولان دانشگاه و تعداد زیادی از دانشجویان دانشگاه دفاع کرده و با نمره ۹۶ و درجه عالی موفق به اخذ دکتری در رشته فقه و اصول گردیدم.

برجیان، رحمت‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: آناتومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

برخورداری، قدسیه

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار رشته: اندودنتیکس، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

بردبار، اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۹ مرتبه علمی: استاد، رشته: بیهوشی دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی در رشته بیهوشی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۸ و فوق تخصص D.A.R.C.S. از دانشکده بیهوشی انگلستان در سال ۱۳۴۴، دریافت چندین لوح تقدیر.

مرتبه علمی:

استادیار بیهوشی دانشکده پزشکی اصفهان از سال ۱۳۳۸ تا سال ۱۳۴۵، دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۴۵ تا سال ۱۳۶۴ و ارتقاء به درجه استادی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

شوک‌های خونریزی، مسائل مختلف بیهوشی و تدریس دروس بیهوشی - جراحی و اجرای رانیماسیون در دانشکده پزشکی اصفهان.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شوک، اختلالات آب و الکترولیت و اسید و باز.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

مسمومیت با تریاک مطالعه روی ۲۰۰ مورد، مراقبت در انسدادهای روده و تب بدخیم در بیهوشی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

بردعی، محمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۸۵۰ ق)، متکلم. وی پدر شمس‌الدین بردعی، «شارح هدیة الحکمة»، و از متکلمان مشهور سده نهم است که حاشیه‌ای «بر شرح ایساغوجی» و حاشیه‌ای بر «شرح عقاید نسفی تفتازانی» نوشته است. در «کشف الظنون» از احمد بردعی نام برده شده که احتمال می‌رود با صاحب عنوان یکی باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: کشف الظنون (۱۱۴۷)، لغت‌نامه (ذیل / احمد)، معجم المؤلفین (۱/۱۷۳)، حبیب السیر (۴/۳۸۵).

بردیحی، ابوبکر احمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۰۱ ق)، حافظ و محدث. اصل او از بردیج، از نواحی آذربایجان است. در بغداد ساکن شد. وی از نصر بن علی جهضمی و بکار بن قتیبه و علی بن اشکاب و محمد بن حمدون کرمانی و سعید بن ایوب واسطی و همطبقه آنان در شام و مکه و مدینه و مصر و عراق و جزیره روایت کرده و جعفر بن احمد القطان و سلیمان طبرانی و ابن عدی و ابوبکر شافعی از او حدیث روایت کرده‌اند. دارقطنی او را در حدیث امین و مورد اعتماد توصیف کرده است. وی را یکی از ارکان حدیث شمرده‌اند. او در بغداد از دنیا رفت. از آثار وی: «الأسماء المفردة»، در اسامی گروهی از صحابه و تابعین و اصحاب الحدیث و همچنین شرح‌های آنان و آنانی که از ایشان روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۵۱/۱)، تاریخ بغداد (۱۹۵-۱۹۴/۵)، سیر النبلاء (۱۲۴-۱۲۲/۱۴)، معجم البلدان (۴۵۰-۴۴۹/۱)، الوافی بالوفیات (۲۲۳/۸).

برزانی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم فاضل [مجتهد] زاهد، فوت ۱۳۶۹، قبرش در بقعه‌ی وسط تکیه.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

برزگر جلالی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۴، مرتبه علمی: استاد، رشته: داروسازی، دانشکده: داروسازی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای داروسازی از دانشکده داروسازی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷، دکترای تخصصی فارماسیوتیکس از پلی تکنیک لستر انگلستان در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تبریز از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۶۴، دانشیار دانشکده داروسازی دانشگاه علوم

پزشکی تبریز از سال ۱۳۶۴ و ارتقاء به درجه استادی دانشگاه علوم پزشکی تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی امکان فرمولاسیون مقرون به صرفه از آنتی‌اسیدها، بررسی برخی صفات فیزیوشیمیائی محلول‌های تزریقی و چشمی، طرح ژنریک و بررسی تداخل فیزیوشیمیائی داروهای ضد صرع، طرح ژنریک و پلیمرهای مصرفی در فرمولاسیون فرآورده‌های آنها،

تدریس دروس اشکال داروئی عملی، فیزیکیال فارماسی، بیوفارماسی و فارماکوکینتیک در دانشکده داروسازی تبریز و استاد راهنمای ۳۰ پایان‌نامه دکترای داروسازی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

داروسازی (دیباچه‌ای بر فارماکوکینتیکس).

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی:- تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲۵

زمینه علمی مقالات:

داروسازی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

برزگر فاضلی، اصغر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اصغر برزگر فاضلی

محل تولد: آمل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

این جانب اصغر برزگر فاضلی در سال ۱۳۶۱ پس از اخذ دیپلم (فرهنگ و ادب) وارد حوزه علمیه امام صادق علیه السلام شهرستان نور شدم و پس از گذراندن پایه اول و دوم در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شدم که تا سال ۱۳۶۹ موفق به اتمام پایه ۹ و سطح سه حوزه شدم که در این دوران علاوه بر گذراندن دروس اصلی و جانبی پایه های حوزه دروس فلسفه بدایه و نهایه و برخی دروس تفسیر قرآن و دروس هیئت حضرت آیت الله حسن زاده آملی را نیز گذراندم .

از سال ۱۳۷۰ دروس خارج فقه و اصول حوزه را شروع نمودم که در این مدت علاوه بر ادامه دروس فلسفه اسفار، شرح اشارات ، بخشهایی از شفا ، تمهیدالقواعد ، از سال ۱۳۷۴ در دوره کارشناسی ارشد دانشگاه قم تربیت مدرس دارالشفاء شرکت نمودم که در سال ۱۳۷۷ موفق به اخذ پایان نامه آن شدم و در طی سالهای ۸۲ تا ۸۴ در دانشگاههای کرج و اراک دروس معارف اسلامی را تدریس نمودم .

برزگر، فرامرز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۳۰۹.

درگذشت: ۱۳۷۵.

از آثار اوست: اختناق ایران (تألیف مورگان شوستر؛ ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری؛ تصحیح و مقدمه و حواشی و اسناد محرمانه منتشر نشده در ایران توسط فرامرز برزگر و اسماعیل راین؛ تهران، ۱۳۶۸)؛ اسرار مرگ (موریس مترلینک؛ تهران، ۱۳۷۱) دو هزار دانشمند در جستجوی خدای بزرگ (ریموند روایه؛ تهران، ۱۳۶۱)؛ سرگذشت کشتی اسنارگ: یک سرگذشت زیبا و پرماجرا از خود نویسنده (جک لندن، تهران، ۱۳۳۵)؛ سفرهای من: مشتمل بر زیباترین نوشته‌های هوگو درباره‌ی جهان و طبیعت (ویکتور هوگو؛ تهران، ۱۳۶۳)؛ ماجراجو (جک لندن؛ تهران، ۱۳۶۲).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

برزگر، محمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدعلی برزگر بفروئی

محل تولد: میبد یزد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد علی برزگر بفروئی در سن بیست و هشت سالگی رسماً مشغول تحصیل علوم دینی در حوزه اردکان یزد گردیدم و تا سال ۵۶ در آنجا مشغول بودم در سال ۵۷ موفق به سکنی در قم گردیدم و از اساتیدی مانند آقایان اعتمادی، ستوده، وزیری، محقق، آیات عظام سبحانی، تبریزی، وحید خراسانی بهره علمی بردم و در ضمن تحصیل به تحقیقات در بحارالانوار و کتابهای مربوط به سیره اهل بیت مدت ۹ سال سپری کردم و نیز در دانشگاه جنوب تهران مدت کوتاهی مشغول تدریس علوم اخلاق و معارف بودم که بعلت مشکلی که در تنفس داشتم از ادامه آن محروم گردیدم.

برزویه اصفهانی، ابوجعفر احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۵۴ ق)، نحوی و محدث. مشهور به غلام نبطویه. ساکن بغداد بود. نحو را از فضل بن حباب و محمد بن عباس یزیدی فراگرفت. برزویه از عمر بن ایوب سقطی و ابوالعباس خزاعی و علی بن رستم و محمد بن یحیی بن منده اصفهانی، روایت کرده و ابوالحسن / ابوعلی بن شاذان از وی روایت کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲۰۶/۳)، تاریخ بغداد (۲۲۶/۵)، روضات الجنات (۲۲۲/۱)، ریحانه (۲۴۶/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۰/۴)، الکنی و الالقب (۷۷/۲)، لغت‌نامه (ذیل / احمد)، معجم الادباء (۱۵۳-۱۵۲ / ۵).

برزویه طبیب

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۵۳۲ م)، طبیب و مترجم. از پزشکان معاصر انوشیروان، و زرتشتی مسلک بود. به دستور انوشیروان کتاب «پنجه تتره» (کلیله و دمنه) را از هند به ایران آورد و از زبان هندی به پهلوی ترجمه کرد. پدرش از لشکریان و مادرش از خانواده‌ی یکی از علمای زرتشتی بود. گویند بازی شطرنج را او از هند به ایران آورد. وی با جبریل طبیب، بیادق، صاحب کتاب «الماکول المشروب»، و سرجیوس رأس العینی، طبیب و فیلسوف مشهور، معاصر بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۸/۱)، تاریخ طب (۷۰-۶۶ / ۲)، تمدن ساسانی (۱۱۷-۱۱۵ / ۱)، جستجو در تصوف (۲۷-۱۷)، دایرةالمعارف فارسی (۴۰۵/۱)، لغت‌نامه (ذیل / برزویه)، رای و برهمن (مقدمه).

برغانی علوی قزوینی، عبدالحسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۲۹۰ ق)، فقیه و حکیم. در قزوین به دنیا آمد و همان جا نشو و نما یافت. پس از فراگیری مقدمات، فقه و اصول را نزد پدرش ملاعلی برغانی و عمویش، شهید ثالث و عموی دیگرش ملا محمد صالح برغانی آموخت. حکمت و فلسفه را نیز در محضر ملا آقا حکمی و آخوند ملا یوسف حکمی و آخوند ملاصفر علی لاهیجی تلمذ کرد. سپس به عتبات عراق رفت و در درس سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض» حاضر شد و از حوزه‌ی درس سید محمد مجاهد و شریف العلمای مازندرانی استفاده کرد. در کربلا عهده‌دار مقام زعامت امور شرعی و فتوا و تدریس بود. سپس به قزوین بازگشت و از مدرسان مدرسه صالحیه شد و پس از وفات پدرش از مراجع تقلید گشت. او داماد عمویش، ملا صالح برغانی، و شوهر قره‌العین بود. فرزندش، شیخ رضا، شیخ الاسلام قزوین و متولی اوقاف برغانی‌ها بود. از جمله آثارش: «نفحات الالهام»، در شرح «شرایع الاسلام»؛ شرح «القواعد» علامه‌ی حلی؛ از اول «طهارت» تا «کتاب المتاجر».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۴۷/۲۴، ۱۹/۱۴، ۷۷/۱۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۱۳-۷۱۲ / ۱۳)، مستدرکات اعیان (۳۰۳/۲)، مکارم

الآثار (۱۷۰۹/۵)، مینودر (۷۴۹/۲).

برغانی قزوینی، عبدالوهاب

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۹۴ ق)، فقیه، مجتهد، متکلم، حکیم، واعظ و شاعر. پس از فراگیری مقدمات و ادبیات، فقه و اصول را از پدرش و عمویش شهید ثالث فراگرفت. آن گاه به اصفهان رفت و حکمت و فلسفه را در حوزه‌ی درس آخوند ملاعلی نوری آموخت و پس از وفات ملاعلی نوری به حوزه درس ملاآقا حکمی قزوینی پیوست و از شاگردان درجه اول او به حساب می‌آمد. برغانی سپس به عراق رفت و در محضر درس سید محمد مجاهد و شریف العلمای مازندرانی و شیخ محمد حسن نجفی صاحب «جواهر» تلمذ کرد و به درجه اجتهاد نایل شد. وی با استادش سید محمد مجاهد در جنگ روسیه و ایران شرکت کرد. او چندی در کربلا به تدریس مشغول بود و چون پدرش در گذشت در قزوین و سپس در تهران اقامت گزید. او مرجع تقلید و فتوا و مدرس طلاب علوم دینی بود و تدریس فلسفه و عرفان بعد از فوت ملا آقا حکمی کاملاً بر عهده‌ی او قرار گرفت. از مشهورترین شاگردانش، سید جمال‌الدین اسدآبادی است که در مدرسه صالحیه فلسفه و عرفان را از او اخذ کرد. به گفته‌ی صاحب «المآثر و الآثار»، در طلاقت زبان و ملاحظت بیان و حلاوت لهجه و حسن تفهیم عموماً و در منبر خصوصاً در تمام ایران یگانه بود. از آثار وی: «خصائص الاعلام فی شرح شرائع الاسلام»، به عربی، در پانزده مجلد؛ «مخازن الاصول»، به عربی، در اصول فقه، در بیست مجلد؛ شرح بر «عرشیه» ملاصدرا؛ «دیوان» شعر؛ کتاب «سوز و گداز»، در قالب مثنوی در واقعه کربلا.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/۸۰۸)، المآثر و الآثار (۱۶۳)، مستدرکات اعیان (۳۰۴/۲).

برغانی قزوینی، محمد تقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۶۳/۱۲۶۴-۱۱۸۴ ق)، فقیه و عالم امامی. مشهور به شهید ثالث. در برغان کرج به دنیا آمد. در آغاز در قزوین به تحصیل مقدمات و ادبیات مشغول شد و پس از آن به قم رفت و در مجلس درس میرزای قمی، صاحب «قوانین»، حاضر شد. سپس به اصفهان رفت و در محضر علمایی آن شهر به ادامه تحصیل پرداخت. او از آنجا به عتبات مشرف شد و در حوزه‌ی درس شیخ جعفر کاشف الغطاء و آقا سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض» و پسرش سید مجاهد حاضر شد و علوم دینی را اخذ کرد. برغانی از شیخ جعفر نجفی، صاحب «کشف الغطاء»، و از سید محمد مجاهد، فرزند صاحب «ریاض»، و میرزای قمی، صاحب «قوانین»، به دریافت اجازه‌ی اجتهاد نایل آمد. او در نتیجه‌ی مخالفت با پیروان شیخ احمد احسائی و به تحریک فرقه‌ی بابیه در محراب مسجد جامع الصغیر در حال سجده مجروح و به شهادت رسید و در جوار شاهزاده حسین دفن شد. از آثارش: «عیون الاصول»، در اصول فقه، در دو مجلد؛ «منهج الاجتهاد فی شرح شرایع الاسلام»، فقه استدلالی، در بیست و چهار مجلد؛ شرح بر «لمعتین»؛ رساله‌ای در «نماز جمعه»؛ «رسالة الدیات»، به فارسی؛ «ملخص العقائد»، در علم کلام؛ «مجالس المتقین»، به فارسی، در مواظ.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۸۸-۲۸۷/۶)، اعیان الشیعه (۱۹۷/۹)، الذریعه (۱۸۳-۱۸۲/۲۳، ۲۰۸/۲۲، ۳۶۴/۱۹، ۱۹۰، ۶۸/۱۵-۲۸۵/۸)، روضات الجنات (۳۸۷-۳۸۶/۴)، ریحانه (۲۴۷/۱)، شهیدان راه فضیلت (۴۷۹-۴۷۶)، فوائد الرضویه (۴۳۹)، قصص العلماء (۶۶-۱۹-)، الکنی و الالقاب (۶۴/۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۶۳-۱۶۲/۶)، المآثر و الآثار (۱۴۴)، معجم المؤلفین (۱۳۴/۹)، مکارم الآثار (۱۷۱۶-۱۷۰۷/۵)، مینودر (۸۹۴/۲).

برغانی قزوینی، محمد صالح

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۸۳-۱۲۷۰ ق)، فقیه اصولی و مفسر. وی برادر شهید ثالث بود. در برغان کرج به دنیا آمد. مقدمات علم و ادب را نزد پدرش در برغان خواند و «قرآن» و «نهج البلاغه» را از حفظ کرد و سپس به قزوین رفت. فقه و اصول را نزد علمای قزوین و علوم عقلی را نزد آخوند ملا آقا محمد بیدآبادی فراگرفت. آنگاه به عتبات عراق رفت و در کربلا به حوزه‌ی درس علامه وحید بهبهانی پیوست. بعد از مدتی به زادگاهش بازگشت و از محضر پدر استفاده بیشتر برد. سپس به قم رفت و از حوزه‌ی درس میرزای قمی بهره‌مند شد و پس از آن به اصفهان سفر کرد و در محضر ملاعلی نوری علوم عقلی را تکمیل کرد و بعد در مشهد از حوزه‌ی درس شهید میرزا مهدی خراسانی استفاده برد. وی مجدداً به سوی عراق رهسپار شد و در نجف از شیخ جعفر کاشف الغطاء و در کربلا از سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض»، بهره‌ها گرفت و به درجه اجتهاد رسید. در حدود سال ۱۲۲۰ ق به ایران بازگشت و در تهران سکنی گزید و عهده‌دار کرسی تدریس و فتوا شد و طلاب علوم دینی گرد او جمع شدند. خاندان برغانی با جریان شیخیه و بایه برخوردی جدی داشتند. وی در کربلا- در حال دعا در بالای سر مبارک حضرت سیدالشهدا (ع) از دنیا رفت. از برغانی حدود سیصد کتاب و رساله و حاشیه باقی مانده است که از آن جمله: تفسیر «معدن الانوار و مشکاة الاسرار»، در یک مجلد؛ تفسیر «مفتاح الجنان»، در هشت مجلد؛ تفسیر «بحر العرفان و معدن الایمان»، در هفده مجلد؛ تفسیر «کنز العرفان»؛ «غنیمة المعاد فی شرح الارشاد»، در چهارده مجلد، در فقه؛ «مسالک»؛ «اعمال السنه»، به فارسی؛ «الدره الثمینة»، در مواعظ؛ «منبع البکاء»، به عربی، مقتل؛ «معدن البکاء»، به فارسی، مقتل.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۴/۷)، اعیان الشیعه (۳۶۹/۹)، ایضاح المکنون (۱۴۸/۲-۳۰۴/۱)، الذریعه (۳۲۵، ۲۲۰/۲۱، ۱۵۹/۱۸، ۷۱/۱۶، ۱۳/۷۷، ۹۶-۹۵/۸، ۴۲-۴۱/۳، ۲/۲۴۵)، روضات الجنات (۳۸۷-۳۸۶/۴)، ریحانه (۲۴۸/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۶۱-۶۶۰/۱۳)، الکنی و الالقاب (۶۴/۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۶۲/۶)، المآثر و الآثار (۱۴۴، ۱۸۳)، معجم المؤلفین (۸۶/۱۰)، مینودر (۸۴۵/۲).

برغانی قزوینی، محمد علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۱۷۵- ح ۱۲۶۹ ق)، عالم دینی، فقیه و عارف. معروف به حاج ملا علی برغانی. در برغان کرج به دنیا آمد و نزد پدر مقدمات علوم را آموخت و «قرآن» و «نهج البلاغه» را حفظ کرد. سپس به قزوین رفت و سطوح را نزد دو برادر بزرگتر خود، شهید ثالث و ملا محمد صالح برغانی، تلمذ کرد. آن گاه به اصفهان رفت و فلسفه را از ملا علی نوری اخذ کرد. سپس به عتبات عراق رفت و در کربلا مقیم شد و محضر علامه وحید بهبهانی را درک کرد و بعد از آن در نجف نزد سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض»، و شیخ جعفر کاشف الغطاء مدارج عالی را پیمود و به درجه اجتهاد نایل شد. آن گاه به ایران بازگشت و در تهران مسکن گزید. و یکی از عالمان نام‌آور عهد قاجاری شد. بر اثر مخالفت با فتحعلی شاه به عراق تبعید شد و در کاظمین اقامت کرد و از خواص میرزا محمد اخباری شد. پس از قتل استادش به کربلا رفت و با شیخ احمد احسایی برخورد کرد و تحت تأثیر افکار او قرار گرفت و سالها ملازم وی شد، و از وی نیز اجازه دریافت کرد. وی سالها در کربلا- و نجف و کرمانشاه و قزوین به تدریس و فتوا اشتغال داشت. وی بنیانگذار مکتب جدیدی بین شیخیه و متشرعه می‌باشد.

از مشهورترین شاگردان وی در عرفان و اخلاق ملا حسینقلی همدانی بود. مصنفات بسیاری در تفسیر و عرفان و فقه و حدیث از او باقی است که از آن جمله: «الاعتقادات»، «تذکره العارفین»، «حیاء الایمان فی العرفان»، «رموزات العارفین»، «ریاض الاحزان» که جلد پنجم آن به نام «جنه النعیم» و جلد هشتم آن به نام «جنه الرضوان» است؛ «الصرط المستقیم»، «ضوابط الاصول»، «غنائم العارفین فی تفسیر القرآن المبین»، «فردوس العارفین فی بیان اسرار آل طاها و یاسین»، «لسان العارفین»، «مشکاة العارفین فی معرفه اصول الدین»، «معراج العارفین»، «هموم العارفین و اکسیر الصادقین»، «مجمع الرسائل»، در شرح «المختصر النافع» محقق حلی. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۴۴/ ۲۵، ۲۳۲- ۲۳۱، ۵۸، ۲۱/ ۳۰۷، ۳۰۶- ۱۸/ ۱۶۶، ۱۶/ ۶۴، ۳۱۷، ۲۵۳، ۱۱/ ۱۱۷، ۷/، ریحانه (۱/۲۴۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۶۲/۶)، المآثر و الآثار (۱۴۴)، مستدرکات اعیان (۲/۲۹۹)، مکارم الآثار (۱۷۰۹- ۱۷۰۷/ ۵).

برغانی قزوینی، موسی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

موسی برغانی قزوینی در سال ۱۲۵۹، در قزوین به دنیا آمد. وی علوم اسلامی را نزد علمای زمان خود و همچنین بزرگان خانواده اش فراگرفت. روش تفسیری برغانی قزوینی، کلامی و روایی است که با ذکر آیه به بیان روایات و احادیث وارد شده در پیرامون آن می‌پردازد و سپس نظرات و آراء مفسران پیشین و پدرش ملا صالح را متذکر شده به نقد و بررسی آنها می‌پردازد. گروه: علوم انسانی‌رشته: الهیات و معارف اسلامی‌الدین و انساب: موسی برغانی قزوینی صالحی فرزند ملا صالح برغانی قزوینی (م ۱۲۹۸ق) از علمای قرن سیزدهم هجری در دوران سلاطین قاجار بوده است. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: شیخ موسی برغانی قزوینی از خانواده علم و دانشی است که هر کدام از آن خانواده به نوبه خود با تدریس، تبلیغ و تالیف در زمینه‌های قرآنی و علوم اسلامی خدمتی در خور تحسین به جامعه علمی نموده و یادگارانی از خود برجای گذاشته است. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: شیخ موسی برغانی قزوینی، علوم اسلامی را نزد علمای زمان خود و همچنین بزرگان خانواده اش فراگرفت. آرا و گرایشهای خاص: روش تفسیری موسی برغانی قزوینی، کلامی و روایی است که با ذکر آیه به بیان روایات و احادیث وارد شده در پیرامون آن می‌پردازد و سپس نظرات و آراء مفسران پیشین و پدرش ملا صالح را متذکر شده به نقد و بررسی آنها می‌پردازد. آثار: اسرارالتزیل فی تفسیر القرآن و ویژگی اثر: این کتاب تفسیری است به زبان عربی و در دو جلد تالیف شده است. نسخه اصلی این تفسیر نزد میرزا

حسن صالحی در قزوین موجود است.

منابع زندگینامه: قرآن پژوهان قزوین، مولف: سیدمحمدعلی ایازی، تهران: موسسه نمایشگاههای فرهنگی ایران، ۱۳۸۰، ص ۱۰۴

برغانی، ام کلثوم

قرن: ۱۳

جنسیت: زن

ملیت: ایران

۱۲۲۴- پس از ۱۲۶۸ ق، از زنان فاضل و فقیه. پدرش شیخ محمدتقی برغانی (۱۲۶۴ ق) معروف به شهید ثالث بود که به دستور برادرزاده اش قره‌العین که از سران فرقه بایه بود به شهادت رسید. وی مقدمات علوم اسلامی و ادبیات عرب را نزد عمه پدرش ماه شرف آموخت، سپس فقه و اصول را از پدر و عمویش شیخ محمدصالح برغانی فراگرفت و در حکمت و فلسفه در درس ملا آغا حکمی قزوینی حاضر شد. ام کلثوم با پسر بزرگ عمویش شیخ عبدالوهاب برغانی ازدواج کرد. او در قزوین، تهران و کربلا برای زنان حوزه درس داشت. در سال ۱۲۶۸ ق کتابخانه‌اش را برای همه طلاب علوم دینی وقف کرد و تولیت آن را به دست همسرش و پس از وفات او به دست برادر همسرش شیخ حسن قرار داد. از تالیفات او تغییر سوره‌ی فاتحه‌الکتاب است. بسیاری از مردان و زنان این خانواده اهل علم و فضل و تقوا بودند.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منابع: اعیان‌الشیعه (مستدرکات)، ۶۸ / ۲؛ دایرة‌المعارف تشیع، ۵۰۸ / ۲.

برقانی خوارزمی، ابوبکر احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۲۵- ۳۳۶ ق)، فقیه، محدث، قرآن پژوه، نحوی. معروف به حافظ کبیر. از اهالی خوارزم بود که در بغداد سکنی گزید. در خوارزم ابوالعباس حیری نیشابوری و در هرات از ابوالفضل بن خمیرویه و در جرجان از ابوبکر اسماعیلی و در بغداد از ابوعلی صواف و محمد بن جعفر بندان و در نیشابور از ابوعمرو بن حمدان و ابواحمد حاکم و در دمشق از ابوبکر بن ابی‌الحدید و در مصر از حافظ عبدالغنی حدیث شنید. ابو عبدالله صوری و ابوبکر بیهقی و ابوبکر خطیب بغدادی و ابواسحاق شیرازی و ابوطاهر احمد کرجی و بسیاری دیگر از شاگردان وی بودند. خطیب بغدادی او را ثقه، پرهیزکار و دانای فقه و حدیث توصیف کرده است. ابوبکر تا زمان مرگ خویش از تألیف و تصنیف باز نایستاد. او در بغداد در گذشت. از آثار وی «مسند» ی است که جامع تمامی احادیث «صحیح» بخاری و «صحیح» مسلم است. او احادیث سفیان ثوری و شعبه و ایوب و دیگران را نیز جمع‌آوری کرده است.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۰۵/۱)، تاریخ بغداد (۳۷۶- ۳۷۳ / ۴)، ریحانه (۲۴۹- ۲۴۸ / ۱)، سیر النبلاء (۴۶۸- ۴۶۴ / ۱۷)، کشف الظنون (۱۶۸۲)، لکنی و الالقاب (۷۸/۲)، معجم المؤلفین (۷۴/۲)، الوافی بالوفیات (۳۳۱/۷)، هدیة العارفین (۷۴/۱).

برقعی، حبیب‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: گوش و حلق و بینی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

برقعی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شهرت سلسله‌ای از سادات رضویست که منسوب به جناب موسی المبرقع بن الامام ابی جعفر محمد التقی علیه‌السلامند که قبرش در بلده طیبه قم در محل چهل اختران زیارتگاه عالی و دانی و از امامزاده‌گان مسلم و بلافضل مدفون در قم می‌باشد شرح احوال آن جناب و آمدنش از مدینه به سامره و از آنجا به قم در کتب تواریخ و انساب مذکور است و چون آن بزرگوار در موقع ورودش به قم برقعی به روی مبارک انداخته بود از آنجا شهرت به مبرقع و اولاد او را برقعی خواندند و اکنون اکثر سادات قم منسوب به وی و به این لقب و یا رضوی و مبرقع و غیره معروف می‌باشند و عده‌ای از آنها هم به تهران و سایر نقاط منتقل و ساکن گردیده‌اند.

یکی از معاریف این سلسله در عصر ما مرحوم میرور آیت‌الله حاج میرزا سید حسین برقعی بودند که در صحن مطهر اقامه جماعت داشتند وی سومین فرزند مرحوم آیت‌الله آقاسید عبدالله قمی است که ترجمه‌اش در جلد اول با ترجمه برادر ارجمندش آیت‌الله آقا سید محمد بن عبدالله برقعی گذشت. معظم‌له در سال ۱۳۰۶ در قم متولد شده و مقدمات و سطوح را نزد اساتید قم آیت‌الله آقا شیخ ابوالقاسم کبیر دیده و پس از آن مسافرت به نجف اشرف نموده و از محضر اساتید معروف مانند مرحوم آیت‌الله نائینی استفاده و پس از آن مراجعت به وطن خود کرده و سالها از محضر و درس آیت‌الله حایری و بعد از ورود آیت‌الله بروجردی چند سال هم از محضر آن مرحوم استفاده و در صحن مطهر اقامه جماعت داشتند و هم تدریس فقه و اصول می‌نمودند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

برقعی، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم دینی.

تولد: ۱۳۰۳، قم.

درگذشت: ۶ اردیبهشت ۱۳۷۵.

آیت‌الله سید رضا برقعی پس از طی دوران طفولیت، به فراگیری سواد و تحصیل علم در مدرسه‌های باقریه و حکیم نظامی پرداخت. در سال ۱۳۲۰ پس از فراغت از تحصیل مدرسه حکیم نظامی وارد حوزه علمی قم شد و با استفاده از دورس آیت‌الله سید حسین بروجردی و امام خمینی (ره)، درس خارج را در محضر استادان حوزه علمیه قم به پایان برد. سپس راهی نجف شد و چند سالی

در آنجا در درس آقایان سید یحیی و سید احمد یزدی و دیگران حاضر شد. پس از بازگشت به ایران، در وزارت آموزش و پرورش به شکل دهی و تألیف و تدوین کتابهای درسی دینی دبستان و دبیرستان پرداخت. در این راه آقایان گلزاده‌ی غفوری، حجت‌الاسلام محمدجواد باهنر و آیت‌الله دکتر بهشتی در کنار وی فعالیت می‌کردند. در سال ۱۳۵۴ دفتر نشر فرهنگ اسلامی تأسیس کرد.

از جمله فعالیت‌های اجتماعی ایشان، می‌توان به تأسیس کارگاه قالی بافی، مدرسه راهنمایی، درمانگاه و احداث راه ارتباطی آسفالته اشاره کرد.

تألیف خودآموز قرآن از جمله آثار اوست. وی همچنین با همکاری دکتر باهنر، رساله خداشناسی و کتاب تعالیم قرآن (این کتاب به زبان‌های اردو، انگلیسی و فرانسوی ترجمه شده است) و کتاب اصول دین و احکام را منتشر کردند. کتابچه‌ی دیگر معلم قرآن است که به زبان فارسی و عربی منتشر شده است. رساله احکام دین نیز از آثار ایشان است. بر گرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

برقعی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا سید علی بن آیه‌الله حاج سید عبدالله برقعی رضوی قمی از علماء محترم معاصر تهران بوده و در مسجد امامزاده سید ولی تهران اقامه جماعت می‌نمودند وی سومین فرزند مرحوم آیه‌الله حاج سید عبدالله برقعی می‌باشند که ترجمه‌اش در جلد اول گذشت. در حدود ۱۲۹۸ قمری در قم متولد شده و در بیت علم پرورش یافته و ادبیات و سطوح را از علماء آن زمان قم خوانده از محضر مرحوم آیه‌الله حاج میرزا محمد ارباب و آیت‌الله حاج شیخ ابوالقاسم کبیر و آیت‌الله العظمی حایری و مقداری از آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله علامه نائینی و دیگران فقها و اصولا استفاده نموده و معقول را از مرحوم حاج میرزا علی اکبر حکیم و بعض دیگران فراگرفته و در اواخر مرحوم آیت‌الله حایری منتقل به تهران و بخدمات دینی پرداخته و از اکثر معاشرتها و مجالس اجتناب نموده و در منزل خود به تزکیه و تکمیل نفس و تهذیب اخلاق اشتغال و دارای صفا و معنویت گردیده تا در ۲۷ ماه صفر ۱۳۹۴ قمری که بدرود حیات گفته و با تجلیل حمل به قم و در جوار عمه گرامی خود حضرت معصومه علیهاالسلام مدفون گردیده است.

(۱۳۹۴- ۱۲۹۸ ق)، فقیه، نویسنده و شاعر. مقدمات و سطح را در قم فراگرفت و به حوزه‌ی درسی آیت الله محمد ارباب، آیت الله حاج شیخ ابوالقاسم کبیر، آیت الله حائری، آیت الله اصفهانی و آیت الله نائینی راه یافت، و فلسفه را از حاج میرزا علی اکبر حکیم و دیگران آموخت و در اواخر عمر آیت الله حایری به تهران آمد و به درس و بحث پرداخت. او شعر نیز می‌سرود. برخی آثار وی عبارتند از: «الهی نامه»، «بطون خصمه»، «بطون سته»، شعر؛ «فلسفه‌ی شهادت»، «کمال الانسان و میزان الایمان»، «مثالی نامه»، شعر. [۱] بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] زندگینامه رجال و مشاهیر (۵۸- ۵۶/۲)، فرهنگ سخنوران (۱۳۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۸۸- ۴/۳۸۵)، مؤلفین کتب چاپی (۴/۱۴۱).

برقعی، علی اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی اکبر بن السید الجلیل السید رضی برقی از علماء فضلاء و نویسندگان ادباء معاصر تهران است. وی در شب یازدهم ماه مبارک رمضان سال یکهزار و سیصد و هفده قمری ه در شهرستان دینی و دارالعلم والايمان قم دیده بجهان گشوده و در مکتب قدیم الفباء را آموخته سپس به ترکیب کلمات فارسی که ترکیبی از زبان فارسی و عربی بود چنانکه هم هست پرداخته و از آن پس به فراگرفتن علوم ادبیه و فقه و اصول و منطق و کلام و فلسفه و هیئت همت گماشته و از علوم جدید که در ایران تازه پا می‌نهاد طرفی بسته است.

اساتید معظم له در رشته‌های مختلف غیر از اساتید علوم ادبی بدین نامها می‌باشند.

۱- عالم جلیل و فقیه نبیه آیت‌الله حاج میرزا محمد معروف به ارباب که علاوه بر معلومات عقلی و نقلی محضری دوست داشتنی و بیانی دلنشین داشت.

۲- عالم اصولی خبیر آقای شیخ ابوالقاسم معروف بصغیر

۳- عالم بسیار مدقق و متفکر آقای آقا شیخ ابوالقاسم کبیر

۴- فاضل فکور که هم ادیب بود و هم فقیه آقای شیخ حسن فاضل

۵- فقیه متبحر و اصولی محقق آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی (موسس حوزه علمیه قم) که ۱۵ سال در حلقات درس ایشان شرکت نموده و استفاده کرده است.

۶- آیه‌الله حاج میرزا حسین نائینی که حقیقتاً احاطه عجیبی به چندین علم داشت.

۷- آیت‌الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی (البته از این دو بزرگوار فقط در موقع توقفشان در قم که بعنوان تبعید بسر می‌بردند استفاده نموده است)

۸- در منطق و فلسفه و هیئت استاد یگانه و حکیم فرزانه آقا میرزا علی اکبر حکمی یزدی. مشایخ اجازات ایشان چهار نفرند.

۱- مرحوم آیت‌الله حاج میرزا محمد ارباب که در سال ۱۳۳۷ قمری مرقوم داشته‌اند.

۲- مرحوم ثقة‌الاسلام محدث جلیل حاج شیخ عباس قمی در سال ۱۳۴۲ قمری نوشته‌اند.

۳- مرحوم آیه‌الله آقا میرزا محمد تهرانی سامرائی در سال ۱۳۵۲ قمری نوشته‌اند.

۴- مرحوم علامه تهرانی آقا شیخ محسن معروف به آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه که در تاریخ مزبور مرقوم داشته‌اند. آثار و تألیفات ارزنده‌ی ایشان که بطبع رسیده است باین شرح است:

۱- راهنمای دانشوران در ضبط و تقیید نامها و نسبتها در سه مجلد.

۲- کاخ دلاویز در تاریخ شریف رضی.

۳- کانون احساسات در رستاخیز شگفت‌انگیز امام حسین علیه‌السلام.

۴- مهر تابان در سیرت مولای متقیان امیر مؤمنان علیه‌السلام

۵- جلوه حق

۶- تذکره مبتکران در بنیان‌گذاران علوم و فنون.

۷- بامداد روشن در اسرار صلح امام حسن.

۸- راهنمای دینداران پیرامون چندین بحث جالب دینی.

۹- درج گهر در متن سخنان کوتاه پیغمبر و ترجمه فارسی آن.

۱۰- راهنمای قم در تاریخ قم و تاریخ اماکن مقدسه.

۱۱- چرا از مرگ بترسم، پیرامون واقعیت مرگ و اثبات روح

۱۲- ترجمه کتاب الشیعه و فنون الاسلام تألیف علامه سید حسن صدر. بنام شیعه یا بنیان گذاران فنون و علوم اسلام.

۱۳- مقالات بسیار در موضوع‌های مختلف.

و اما آنچه را که تاکنون بطبع نرسیده است بسیار و از آنها کتب زیر است:

۱- هدایا العقول فی الحکم المأثوره عن العتره و الرسول. این کتاب را بفارسی ترجمه نموده بنام گنجینه‌ی حکمت.

۲- کتاب الروض المنی در دو مجلد فی الحکمه و الادب.

۳- کتاب السراج الوهاج فی اسرار المعراج بعربی.

۴- رساله الناهیه عن الفحشاء در اسرار نماز بعربی

۵- رهبر دانشوران در شناخته شدگان بکنیه و لقب و ترجمه خطبه حضرت فاطمه علیهاالسلام و شرح آن و نام این کتاب جزو

تالیفاتشان در پشت جلد کتاب کاخ دلاویز مذکور است.

(۱۳۶۶- ۱۲۷۸ ش)، فقیه، نویسنده و شاعر، متخصص به کاشف. در شهر قم متولد شد. وی نسبتش به موسی مبرقع، فرزند امام محمد

تقی (ع)، می‌رسد. آموزش مقدماتی را در مکتب فراگرفت و از آن پس به تحصیل علوم عربی، دینی و ادبی پرداخت. از بزرگترین

استادان وی در رشته‌های مختلف، می‌توان از حاج میرزا حسین نایینی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و حاج شیخ عبدالکریم حایری

یزدی نام برد. برقی نزد آقا میرزا علی اکبر حکمی یزدی منطوق، فلسفه و هیئت را فراگرفت. آیت الله ارباب و محدث قمی و شیخ

آقا بزرگ تهرانی از مشایخ اجازه‌ی وی بودند. برقی مشاور آیت الله حایری در برخی از مسائل حوزه‌ی علمیه‌ی قم بود. او در سال

۱۳۱۳ ش یک دبستان و در سال ۱۳۱۵ ش یک دبیرستان در قم بنا کرد. وی به منظور شرکت در کنگره‌ی جهانی صلح به پاریس و

وین دعوت شد و در آنجا سخنرانی کرد که پس از بازگشت به ایران، به شیراز و بعد به یزد تبعید شد. از اشعار وی تنها دو هزار

بیت باقی مانده است. از آثار او می‌توان از «راهنمای دانشوران» در سه مجلد؛ «جلوه‌ی حق» و «مهر تابان»، در سیرت امیرالمؤمنین

(ع)؛ «کاخ دلاویز»، در تاریخ شریف رضی؛ «تذکره‌ی مبتکران»؛ «درج گهر»، در سخنان سید بشر؛ «کانون احساسات»، پیرامون

جنبش امام حسین (ع)؛ «بامداد روشن»، در اسرار صلح امام حسن (ع)؛ «چرا از مرگ بترسم»، پیرامون واقعیت مرگ؛ «هدایا العقول»؛

«تبصره‌ی معلمان»، در نحو؛ «السراج الوهاج»؛ «روض المنی فی المختار من قصار الکلمات امیرالمؤمنین (ع)»؛ «سیاست‌نامه حضرت

علی (ع)»؛ «راهنمای قم»؛ «دیوان» شعر نام برد. [۱]

فقیه، محقق، شاعر.

تولد: ۱۲۷۸ (۱۳۱۷ ق.)، قم.

وفات: ۱۳ مرداد ۱۳۶۶.

آیت الله سید علی اکبر برقی قمی متخلص به «کاشف»، فرزند سید رضی، پس از تحصیلات علوم عقلی و نقلی نزد استادان، شروع به

تدریس نمود. حوزه‌ی درسی به وجود آورد و به دانش‌پژوهی و دانش‌پروری پرداخت.

در بیست سالگی از مراجع زمان اجازه اجتهاد کسب کرد. اساتید او در ادب شیخ جعفر غفرانی و شیخ ابوالقاسم نحوی و در منقول

آقایان محمد ارباب و حسن فاضل و شیخ ابوالقاسم ملا محمد کریم و در خارج از سطح آیات عظام حائری یزدی و حسن نایینی و

سید ابوالحسن اصفهانی و در مقدمات معقول محمد ارباب و در تحصیلات عالی معقول شیخ علی اکبر حکمی یزدی بودند.

در سال ۱۳۱۳ یک دبستان و سال ۱۳۱۵ یک دبیرستان تأسیس کرد و هر دو را به نام سنایی موسوم ساخت. پس از ورود آیت‌الله العظمی حائری یزدی به قم و تأسیس حوزه‌ی علمیه‌ی، آیت‌الله برقی یکی از مشاوران او بود و درباره مشکلات روحانیت و وضع تحصیلی طلاب با او تبادل نظر می‌کرد. آیت‌الله برقی در زمان جنگ جهانی دوم یاور مردم بود و به تشکیل انجمن خیریه همت گماشت و از متمکنین تهران و قم کمک گرفت و در منطقه‌ای که سکونت داشت نانوائی ایجاد کرد. بدین طریق به بینوایان کمک و مساعدت می‌نمود.

در سال ۱۳۲۹ که در ایران جمعیت هواداران صلح به ریاست ملک‌الشعراى بهار تشکیل شد، از آیت‌الله برقی خواستند که به جمعیت صلح در ایران کمک کند و او نیز اولین سخنرانی خود را در مسجد امام خمینی (ره) (شاه سابق) تهران تحت عنوان «صلح و نیروی نگهبان آن» ایراد کرد. شعار «به عدل سوگند، صلح پیروز است» به واسطه ایشان رایج شد. به همین منظور به کنگره‌ی جهانی صلح دعوت شد که یک بار در پاریس و بار دیگر در وین تشکیل شد و به عنوان یک پیشوای روحانی مسلمان سخنرانی کرد. پس از مراجعت از سفر اروپا از قم به شیراز و بعد به یزد تبید شد و این تبعید مدت چهارده سال به طول کشید.

آیت‌الله برقی به شعر و شاعری علاقمند بود و شعر هم می‌گفت. قسمتی از اشعار وی از بین رفته است و فقط حدود دو هزار بیت آن گردآوری شده است.

فهرست آثار ایشان به شرح زیر است: راهنمای دانشوران (سه جلد؛ ۱۳۲۹-۱۳۲۸)؛ راهنمای قم (در تاریخ قم و آثار تاریخی آن؛ با مقدمه رسید یاسمی، ۱۳۱۷)؛ راهنمای دینداران (۱۳۲۴)؛ کانون احساسات (در واقعه کربلا)؛ کاخ دلاویز (یا تاریخ شریف رضی؛ ۱۳۸)؛ مهر تابان (در سیرت علی (ع)؛ ۱۳۱۷)؛ جلوه حق (در سیرت علی بن ابی‌طالب؛ ۱۳۱۹)؛ بامداد روشن (در اسرار واگذاری خلافت حضرت امام حسن (ع) به معاویه؛ ۱۳۲۰)؛ ترجمه شیعه یا پدیدآوردگان فنون اسلام (اثر سید حسن صدر؛ ۱۳۱۹)؛ تذکره مبتکران، درج گهر (در سخنان حضرت سید البشر؛ ۱۳۶۶ ق.)؛ چرا از مرگ بترسم (اثر ابن مسکویه، ترجمه لماذا اخاف الموت، قم، چاپ دوم، ۱۳۲۷)، راه نو در جهان‌شناسی؛ دررالکلم در کلمات قصار علی (ع)؛ سیاست‌نامه حضرت علی (ع).
برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه: [۱] سخنوران نامی معاصر (۲۹۳۱-۲۹۲۴/۵)، فرهنگ سخنوران (۷۵۵)، الذریعه (۱۷/۲۲۹، ۱۰/۶۴، ۹/۸۹۹).
گنجینه‌ی دانشمندان (۳۹۳-۳۸۹/۴)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۳-۴۹۱/۴).

برقی قمی، ابوعبدالله محمد

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۸۳ ق)، ادیب، فقیه و محدث امامی. وی منسوب به برق‌رود از نواحی قم بود. ابن‌ندیم او را از اصحاب امام رضا (ع) و امام جواد (ع) شمرده است. شیخ طوسی وی را از اصحاب امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) و امام جواد (ع) برشمرده است. او در علوم عربی مشهور و به چیرگی در اخبار معروف بود. وی پدر شیخ اجل احمد بن محمد برقی، صاحب «المحاسن»، است. پسرش، احمد بن محمد، از روایان او است. از آثارش: «البلدان و المساحه»، «التأویل و التبعیر»، «التبصره»، «التفسیر»، «التنزیل»، «الرجال»، شامل نام کسانی که از امیرالمؤمنین (ع) روایت کرده‌اند؛ «فضائل القرآن»، «العویص»، «النوادر».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲۷۳/۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۸۰/۱)، الذریعه (۳۶۲/۱۵، ۳/۳۱۵)، رجال الطوسی (۴۰۴، ۳۸۶)،

رجال النجاشی (۲۲۱- ۲۲۰ / ۲)، ریحانه (۲۵۱/۱)، الفهرست لابن الندیم (۳۰۹)، الفهرست للطوسی (۲۹۲- ۲۹۱)، الکنی و الالقاب (۷۸/۲)، لغت‌نامه (ذیل / برقی)، معجم المؤلفین (۲۷۷/۹).

برقی، ابوالقاسم

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، طیب. از پزشکان و منجمان معاصر عضدالدوله‌ی دیلمی بود و طیبی متوسط، در بغداد می‌زیست و شهرتی نداشت. رساله‌ای به نام «حفظ صحت» در کتب تاریخ به او نسبت داده‌اند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم) منابع زندگینامه: تاریخ طب (۶۷۵/۲).

برقی، ابوجعفر احمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۲۸۰ ق)، دانشمند و محدث شیعی. اصلاً از مردم کوفه بود. او در یکی از خانواده‌های ایرانی که به برقی معروف بودند به دنیا آمد، زمانی که نیای بزرگ او توسط حجاج بن یوسف ثقفی زندانی شد و به قتل رسید، جدش، خالد، به همراه پدر خود به برقه از روستاهای قم گریخت. شیخ طوسی او را از اصحاب امام جواد (ع) و امام هادی (ع) می‌داند. وی کاملاً ثقة بود اما، از رویان ضعیف بسیار روایت می‌کرد، و به مراسیل اعتماد داشت. وی به تهمت غالی بودن مدتی از قم تبعید شد. افرادی که برقی از آنها روایت کرده عبارت‌اند از: حضرت عبدالعظیم حسنی، آدم بن اسحاق قمی، حسن بن علی بن فضال، حسن و حسین بن سعید اهوازی، علی بن حکیم و غیره. شاگردان وی عبارت‌اند از: سعد بن عبدالله اشعری، سهل بن زیاد آدمی رازی، علی بن ابراهیم قمی، علی بن حسن مودب، علی بن حسین سعدآبادی قمی، محمد بن ابی‌القاسم ماجیلویه، داماد وی و غیره. برقی در حدود یک صد کتاب دارد. از تألیفات وی: «المحاسن»، در فقه و آداب شریعت؛ بزرگترین و معروفترین کتاب او، که مجموعه‌ی نفیسی از جمیع علوم و فنون است و بسیاری از علما و دانشمندان به شیوه‌ی آن کتاب نوشته‌اند؛ «کتاب العویص»؛ «کتاب التبصره»؛ «کتاب الرجال». در کتاب «تاریخ قم» در جاهای متعددی به نقل از برقی در مورد تاریخ به وجود آمدن شهر قم توضیحات مفیدی را ذکر کرده است؛ «اختلاف الحدیث»؛ «الانساب»؛ «الادب النفس»؛ «المنافع»؛ «المعیشه»؛ «المکاسب»؛ «مذام الاخلاق»؛ «المکارم الاخلاق»؛ «علل الحدیث»؛ «النجوم»؛ «السماء»؛ «البلدان و المساحه»؛ «النبوه»؛ «الطب»؛ «الجمل»؛ «الشعر و الشعراء».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۹۵/۱)، اعیان الشیعه (۱۰۷- ۱۰۵ / ۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۲۲۵- ۱۲۲۴ / ۹)، الذریعه (۲۵۶/۲)، رجال الطوسی (۴۱۰، ۳۹۸)، رجال النجاشی (۲۰۵- ۲۰۴ / ۱)، روضات الجنات (۵۴/۱)، ریحانه (۲۵۱- ۲۵۰ / ۱)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۴۰۵)، الفهرست للطوسی (۴۰- ۳۷)، الکنی و الالقاب (۷۹- ۷۸ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل / احمد)، معجم الادباء (۱۳۵- ۱۳۲ / ۲)، معجم البلدان (۴۶۴- ۴۶۳ / ۱)، معجم رجال الحدیث (۲۷۱- ۲۶۱، ۲۳۰- ۲۲۹ / ۲)، معجم المؤلفین (۹۸- ۹۷ / ۲)، مفاخر

اسلام (۳۸۱-۳۴۰/۱)، الوافی بالوفیات (۳۹۲-۳۹۰/۷).

برکت، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد برکت

محل تولد: کربلا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۷/۱۶

زندگینامه علمی

پس از اخذ دیپلم ریاضی فیزیک در خرداد سال ۱۳۶۲ در همان سال وارد حوزه علمیه شده و در مدرسه علمیه امام عصر (عج) مشغول به تحصیل شد. این مدرسه توسط مرحوم آیت الله حاج شیخ مجد الدین محلاتی در سال ۱۳۵۲ شمسی بنا شده است. پس از گذراندن دوره سطح در نزد اساتید حوزه علمیه شیراز، مرحوم حجة الاسلام محمود مدرس تبریزی، مرحوم حجة الاسلام المسلمین سید احمد آیت اللهی، مرحوم آیت الله محمد علی جعفری، حضرت آیت الله حسن پاکدل، حضرت آیت الله ملک حسینی و مرحوم آیت حاج شیخ محمد الدین محلاتی، در سال ۱۳۷۱ بمدت هفت سال در درس خارج آیت الله مجد الدین محلاتی شرکت نمودم.

در سال تحصیلی ۶۷-۱۳۶۶ به قم رفته و در درس استاد اعتمادی و استاد سید علی محقق داماد شرکت نمودم و همانجا بود که با راهنمایی های استاد علامه سید محمد رضا جلالی حسینی، کار در دحوزه میراث مکتوب را آغاز نمودم. از سال ۱۳۷۴ تاکنون در مدارس مختلف شیراز مشغول به تدریس دروس حوزوی از مقدمات تا کفایه می باشم. از سال ۱۳۶۵ مدیریت کتابخانه مدرسه امام عصر (عج) را بعهده دارم. این کتابخانه اکنون با بیش از سی هزار جلد کتاب چاپی و چاپ سنگی که عمده آنها از کتب مرجع در حوزه علوم دینی و معارف اسلامی است و هزار جلد نسخه خطی، یکی از کتابخانه های معتبر جنوب کشور است که مورد استفاده طلاب و دانشجویان می باشد.

از سال ۱۳۷۷ توفیق امامت جماعت مسجد حضرت ولی عصر (عج) نصیبم گشته است و از سال ۱۳۷۹ مدیریت مدرسه علمیه امام عصر (عج) بر عهده اینجانب قرار داده شده است امید به امام زمان سلام الله علیه که موفق به خدمت باشد. ان شاء الله.

برکلی حنفی، تقی الدین محمد

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۹۸۱- ۹۲۹/۹۲۶ ق)، صوفی، واعظ نحوی، فقیه، مفسر و محدث. وی ایرانی الاصل و از دانشمندان نامی عثمانی بود. ظاهرا چون

حنفی مذهب بود، از ترس صفویه به آن سرزمین رفت. از جزئیات احوالش اطلاعی در دست نیست. وی مؤلف کتابهای بسیاری به زبان عربی و فارسی است که در فنون مختلف نوشته شده است و معلوم می‌شود که در همه‌ی علوم زمان دست داشته است. از آثار وی: تعلیقه بر «اصلاح الوقایه فی فروع» ابن کمال پاشا؛ «اظهار الاسرار»، در نحو؛ «انقاذ الهالکین»، که در سال ۹۶۷ ق تألیف کرده است؛ «ایقاظ النائمین»، که در سال ۹۷۲ به پایان رسانیده؛ «رساله فی عدم جواز اخذ الاجره للقراءه و عدم جواز وقف النقود»؛ «جلاء القلوب»، که در سال ۹۷۱ ق به پایان رسانیده است؛ «صحاح عجمیه»، به فارسی؛ «فرائض» و شرح آن؛ «کفایه المبتدی»، در صرف؛ شرح «لب الالباب فی علم الاعراب» یا شرح «مختصر الکافیه» بیضاوی، معروف به «امتحان الاذکیاء»؛ حاشیه بر «شرح الوقایه» صدر الشریعه ثانی. «دامغه المبتدعین و کاشفه بطلان الملحدين»؛ «آداب البرکوی»، «الاربعون»، در حدیث.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۸۷- ۲۸۶/۶)، ایضاح المکنون (۴۴۲/۱) تاریخ نظم و نثر (۳۹۵)، الذریعه (۱۲۵/۵)، کشف الظنون (۲۰۲۲- ۲۰۲۰، ۱۵۰۰، ۱۲۴۶، ۱۰۷۴، ۵۹۲، ۲۱۵- ۲۱۴، ۱۸۴- ۱۸۳، ۱۱۷، ۱۰۹، ۵۴)، معجم المؤلفین (۱۲۴- ۱۲۳/۹)، هدیة العارفين (۲۵۲/۲).

برنجانی بریمانی، جلال

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای داخلی و اعصاب دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

برنجکار، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا برنجکار

محل تولد: آستارا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

رضا برنجکار در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی در شهرستان آستارا به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در سال ۱۳۶۰ با اخذ دیپلم ریاضی به پایان رساند. در سال ۱۳۶۱ به حوزه علمیه قم وارد شد. تحصیلات حوزه را پس از اتمام سطح و گذراندن هفت سال درس خارج فقه و اصول به پایان رساند. در کنار درس های رایج حوزه به تحصیل کلام، فلسفه، تفسیر و حدیث پرداخت. همچنین تحصیل در رشته فلسفه غرب را در دانشگاه ادامه داد و در سال ۱۳۸۰ موفق به اخذ دکتری فلسفه از دانشگاه تهران گردید.

وی هم اینک عضو هیأت علمی دانشگاه تهران است و در حوزه و دانشگاه مشغول تدریس می باشد. همچنین با بسیاری از مراکز پژوهشی حوزه، همچون مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، دفتر تبلیغات اسلامی و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، مشغول همکاری است. از وی بیش از سی مقاله و چهار کتاب به چاپ رسیده است

بروجردی اصفهانی، منیرالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۲ - ۱۲۶۹ ق)، محدث و فقیه. اصلاً اصفهانی بود و از نوادگان دختری میرزا ابوالقاسم قمی، صاحب «قوانین»، و از شاگردان شیخ محمد باقر مسجد شاهی، فرزند شیخ محمدتقی اصفهانی صاحب «هدایه المسترشدين»، بود و از او اجازه‌ی روایت داشت. بعد از مدتی به عراق و سامرا رفت و مدتی در محضر درس میرزای شیرازی حاضر شد. سپس به اصفهان مراجعت کرد. منیرالدین از استاد خود، شیخ محمد باقر اصفهانی، و از دائی خویش، شیخ حسن کاشف الغطاء، صاحب «انوار الفقاهه»، و شیخ زین العابدین مازندرانی و دیگران روایت کرده است. شیخ ابوالقاسم بن محمد تقی قمی و میرزا فخرالدین شیخ الاسلام قمی، سبط صاحب «قوانین»، از او روایت کرده‌اند. وی در هفتاد سالگی در اصفهان درگذشت و در تخت پولاد به خاک سپرده شد. از جمله آثار وی: «الفروق بین الفریضه و النافله»، که در آن بیشتر از دویست فرق ذکر شده؛ «المحاكمات بین صاحبی القوانین و الفصول»؛ «منظومه‌ی اصحاب الاجماع»؛ «منظومه فی تتمیم الدرۃ البحر العلومیه»؛ «منظومه فی الرجال»؛ و «الالفیه فی تراجم اساتذہ و سیرالعماء». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۴۲/۱۰)، تاریخ بروجرد (۳۹۸ - ۳۹۵ / ۲)، الذریعه (۱۰۹، ۹۱، ۷۶ / ۲۳، ۱۳۴ - ۱۳۳ / ۲۰، ۱۷۷ / ۱۶)، ریحانه (۵۷/۱)، علماء معاصرین (۱۳۴)، معجم المؤلفین (۲۵/۱۳)، مکارم الآثار (۱۹۲۲ - ۱۹۲۱ / ۶).

بروجردی کاشانی، محمد تقی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم و دوازدهم ق)، عالم دینی، محدث ادیب و شاعر. پس از فراگرفتن علوم متداول خود را به اصفهان رسانید و در حوزه‌های درسی آنجا تحصیل خود را تکمیل کرد. وی از محضر علامه مجلسی فائده‌ها برد و از وی اجازه‌ی روایت گرفت و خود به ملا عبدالله کاشانی در ۱۱۰۳ / ۱۱۰۲ ق اجازه روایت داد. او قسمت پایانی عمر را در کاشان گذراند. او را ارادت تمام به خاندان پیامبر علیهم السلام بود، لذا از خود آثاری در مناقب ایشان به جای گذاشت. یکی از این آثار کتاب «عین البکاء» به فارسی، در تاریخ زندگی و شهادت حضرت سیدالشهداء (ع) است که در آن اشعاری از خود و دیگران آورده است و آن را در ۱۰۹۹ ق در کاشان تألیف کرده و در ۱۲۸۴ ق در لکهنو به چاپ رسیده است. اثر دیگر او «لب عین البکاء» است که خلاصه‌ای از کتاب «عین البکاء» او است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۹۱/۹)، تاریخ بروجرد (۱۱۱ - ۱۱۰ / ۲)، الذریعه (۲۸۷/۱۸، ۳۶۷/۱۵).

بروجردی، ابو عبدالله محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۵۹- ۲۷۲ ق)، عالم دینی و محدث. معروف به ابن زیرک بروجردی. ساکن بغداد بود و مورد وثوق. عمیر بن مرداس دورقی و محمد بن ابراهیم بن زیاد رازی از استادان وی در حدیث بودند. ابونعیم اصفهانی و سلامه بن عمر نصیبی و حسن بن عبدالله بن مرزبان ابوسعید سیرافی و عبدالکریم، فرزند مطیع الله خلیفه عباسی، از شاگردان وی بودند. خطیب بغدادی زهد و پارسایی او را ستوده و او را از اهل قرآن به شمار آورده و از ابوالعباس بن فرات نقل کرده که ابن زیرک بروجردی جمیل المذهب بوده و تا هنگام مرگ به تلاوت قرآن اشتغال داشته است. در «تاریخ بغداد» نام جد وی دیزک آمده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ الاسلام (حوادث ۱۹۷/ ۳۸۰- ۳۵۱)، تاریخ بروجرد (۱۸- ۱۴/ ۲)، تاریخ بغداد (۴۰۶- ۴۰۵/ ۲)، لسان المیزان (۴۴۵- ۴۴۴/ ۶).

بروجردی، ابوالحسن عبدالله

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، عالم و محدث. معروف به قاضی ابوالحسن بروجردی. ساکن بغداد بود و از علمای حدیث زمان بهره‌ها گرفت. از استادان وی می‌توان عییدالله بن محمد بن محمد باغندی و حسین بن محمد انصاری و محمد بن عمران دینوری و محمد بن ابراهیم اصفهانی را نام برد. محمد بن جریر طبری نیز از مشایخ او است. در سال ۳۷۱ ق، در بغداد مجلس املائی حدیث داشت. عبدالعزیز بن علی ازجی و عبدالملک بن عمر رزاز و ابومنصور محمد بن عیسی همدانی از شاگردان وی بودند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بروجرد (۳۴- ۲۶/ ۲)، تاریخ بغداد (۳۶۱/ ۱۰).

بروجردی، ابوالفضل محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س پنجم و ششم ق)، حافظ و محدث. معروف به حافظ بروجردی. در زادگاهش مقدمات علوم را فراگرفت و برای تکمیل به شهرهای نهاوند و همدان و اصفهان و بغداد مسافرت کرد و از استادانی همچون محمد بن طاهر مقدسی و ابومحمد عبدالرحمان دونی و یحیی بن عبدالوهاب بن منده استفاده برد. از شاگردان وی می‌توان ابوسعید عبدالکریم سمعانی را نام برد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بروجرد (۶۸-۶۵، ۶۰-۵۸/۲)، سیر النبلاء (۳۱۹/۲۰)، معجم البلدان (۴۸۱-۴۸۰/۱)، وفيات الاعیان (۱۶۹/۶).

بروجردی، ابوتراب

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم فقیه زاهد، در محله شمس آباد ساکن بوده، و در مسجد آنجا امامت می‌نموده، در شب یکشنبه ۱۵ شوال سال ۱۳۲۸ وفات یافته، در تخت فولاد بیرون بقعه مادر شاهزاده مدفون شده است.

وی دارای چندین پسر بوده که از آن جمله است:

۱- حاج میرزا حسن بروجردی که بعداً شرح حال او نوشته می‌شود.

۲- میرزا علی واعظ، از واعظ معروف، و محدثین محترم اصفهان بود. در ۲۵ ربیع الثانی ۱۳۵۸ وفات یافته، در صحن تکیه بروجردی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بروجردی، ابوتمام ابراهیم

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۳۲-۴۴۰ ق)، فقیه، محدث و مدرس. در بروجرد به دنیا آمد. اصل او از صیمره‌ی خوزستان است. پس از فراگیری مقدمات در زادگاهش، برای تکمیل تحصیلات به بغداد و مکه مسافرت کرد. ابوتمام از شاگردان یوسف بن محمد خطیب همدانی و ابواسحاق ابراهیم بن احمد رازی است. وی مدتی در همدان ساکن بود و به همین جهت به همدانی نیز مشهور است. سپس به بروجرد بازگشت و به ریاست ظاهری و باطنی شهر رسید. او در بروجرد به تدریس مشغول شد و شاگردان بسیاری از جمله ابوسعید عبدالکریم سمعانی و ابراهیم بن حسن آدمی را تربیت کرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بروجرد (۶۴-۶۳/۲)، معجم البلدان (۴۹۹/۳).

بروجردی، ابوحفص عمر

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، محدث و قاری. علوم ابتدایی را در زادگاهش، بروجرد، به پایان برد، سپس برای تکمیل به بغداد رفت و در آنجا ساکن شد و در محضر استادان زمان به فراگیری حدیث پرداخت. او به مصر نیز مسافرت کرد و از رجال علمی آنجا نیز بهره گرفت.

از جمله استادان وی ابوالحسن محمد بن محمد بن عبدالله باهلی است. حسین بن شیرک یا شریک بن عبدالله آدمی، از علمای قرائت، نیز از استادان بروجردی است. ابوحفص از مشاهیر محدثان زمان خود شد و خواستاران حدیث و قرائت در مجلس درس وی حاضر شدند. از جمله شاگردان وی ابوالعباس احمد بن محمد جرجانی و جعفر بن محمد بن فضل مارستانی است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بروجرد (۲۱-۱۹/۲)، تاریخ بغداد (۲۵۴/۱۱).

بروجردی، اسد الله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۷۱ ق)، عالم، فقیه و اصولی. مشهور به حجة الاسلام و معروف به مجتهد بروجردی. در زادگاهش پرورش یافت و در خدمت استادانی همچون میرزای قمی، صاحب «قوانین» و سید محمد مجاهد، صاحب «مناهل»، تلمذ کرد. او مدعی برتری خویش بر تمامی علمای عصرش بود. در عهد وی بروجرد مرکز تحصیل علوم شرعی و مجمع افاضل ایران شد، بطوری که، شیخ انصاری در حوزه‌ی درس وی حاضر شد و چون خود به مقام ریاست و اعلمیت رسید در مجالس خویش از این استاد نقل قول می‌کرد. در «تاریخ بروجرد» نام بیست و دو تن دیگر از علمای بزرگ شیعه، تحت عنوان شاگردان حجة الاسلام آمده است. وی در زادگاهش درگذشت و همان جا دفن شد. سه تن از فرزندان وی به نامهای فخرالدین محمد و جمال‌الدین محمد و نورالدین محمد که جد مادری آنان میرزای قمی بود، در زمره‌ی علمای دین و از مجتهدان بزرگ عصر خویش بودند و حجة الاسلام خود برای آنان اجازه‌ی اجتهادی مبسوط نوشت. از آثار وی حاشیه یا تعلیقه بر «قواعد الاحکام» علامه حلی است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲۸۶/۳)، تاریخ بروجرد (۳۴۴-۳۱۸/۲)، الذریعه (۱۷۰/۶)، روضات الجنات (۱۱۰-۱۰۹/۱)، ریحانه (۲۶-۲۵/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲۸/۱۳)، فوائد الرضویه (۴۳-۴۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۹۲-۱۹۱/۳)، لغت‌نامه (ذیل / اسدالله)، المآثر و الآثار (۱۴۰)، معجم المؤلفین (۲۴۲/۲)، مکارم الآثار (۱۹۵۲/۶).

بروجردی، جمال‌الدین محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۰۲ ق)، فقیه، محدث و مفسر. مشهور به مجتهد بروجردی. وی نوه‌ی دختری میرزای قمی، صاحب «قوانین»، و خلف حاج ملا اسدالله حجة الاسلام بود که مقام فقاقت و تبخرش در حدیث و تفسیر مسلم بود. وی از پدرش حجة الاسلام اجازه‌ی اجتهاد داشت. جمال‌الدین در اواخر عمر به مشهد مشرف شد و از آنجا به تهران آمد و چندین سال به ترویج شریعت و ارشاد مردم مشغول بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بروجرد (۳۳۰-۳۲۷/۲)، علماء معاصرین (۳۳۶-۳۳۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۹۲/۳)، المآثر و الآثار (۱۴۳)

-۱۴۲).

بروجردی، حسین، محمد حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۰۶/۱۳۲۰ ق)، عالم دینی، فقیه و مجتهد. علوم خویش را در محضر اساتیدی همچون حاج ملا-اسدالله حجة الاسلام بروجردی فراگرفت، و از جمیع کثیری از علما به دریافت اجازه نایل آمد. در کلام متبحر و در تفسیر محقق و در فقه ماهر و در حدیث مورد اعتماد بود. از آثار وی: «النص الجلی»، در امامت امیرالمؤمنین (ع)؛ «تفسیر قرآن»، مبسوط و مفصل؛ «اسرار التنزیل»؛ «لب الاصول»، در علم اصول فقه؛ «منهاج الولادة» در «اسرار الصلاة».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بروجرد (۴۹۰-۴۸۹/۲)، الذریعه (۴/۲۷۱، ۲/۴۳)، المآثر و الآثار (۱۷۳)، معجم المؤلفین (۹/۲۵۳).

بروجردی، داوود

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۶۵- ز ۱۲۹۴ ق)، عالم، مورخ، ادیب و شاعر. علوم و معارف اسلامی را از استادان عصر فراگرفت. وی ادیب و شاعر نیز بود. از آثار وی: «مظهر المصائب»، در تاریخ زندگانی خمسه طیبه (ع)، که در ۱۲۹۰ ق به رشته تحریر درآمده؛ «سرور المصلین»، در نماز شب و کیفیت و ادعیه آن.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بروجرد (۴۴۲-۴۳۹/۲).

بروجردی، ریحان الله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۲۸ ق)، عالم دینی، فقیه و مجتهد. وی علوم مقدماتی را در بروجرد فراگرفت. سپس برای تکمیل تحصیلات به اصفهان و پس از استفاده از محضر عالمان این شهر به نجف رفت. پس از مدتی به بروجرد بازگشت و چندی نیز در همدان ساکن شد. وی علاوه بر علوم فقه و اصول و حدیث در ادبیات و رجال و تراجم نیز احاطه کامل داشت. او در اواخر از رؤسای مذهبی تهران به شمار می‌رفت و «رساله عملیه» او مورد رجوع مردم بود. از شاگردان وی می‌توان شیخ محمد صادق بروجردی و سید شمس‌الدین محمود مرعشی و شیخ هادی مقدس جعفری و سید عبدالحسین بن سید علی آل کمونه را نام برد از او کتابخانه‌ای به جا ماند که چه از نظر کمیت و چه از نظر کیفیت از بزرگترین کتابخانه‌های تهران به شمار می‌رفت. از آثار وی: «ریحان القلوب»، در اخلاق؛

«فواکه الفقهاء»، در فقه؛ ترجمه‌ی «خلاصه‌ الذاکار»؛ «شموس الطالعه»، در شرح زیارت جامعه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بروجرد (۵۰۸-۵۰۳/۲)، الذریعه (۳۶۵/۱۶، ۲۳۴/۱۴، ۳۴۱/۱۱)، المآثر و الآثار (۱۵۶)، یادگار (س ۳، ش ۱۰، ص ۲۴-۲۲).

بروجردی، عبدالرحیم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۷۷ ق)، فقیه و عالم دینی. علوم و معارف را از استادان بزرگ عصر در بروجرد فراگرفت و سپس برای تکمیل تحصیلات به نجف رفت. از جمله استادان وی حاج ملا اسدالله حجه الاسلام و شیخ محمد شریف بیغشی و شیخ حسن کاشف الغطاء و شیخ موسی کاشف الغطاء و شیخ علی کاشف الغطاء و شیخ محمد حسن نجفی صاحب «الجواهر» و شیخ محمد حسین صاحب «فصول» بودند و در محضر ایشان به درجه اجتهاد نایل شد. سپس به تهران آمد و در این شهر اقامت گزید. حاج شیخ عبدالرحیم بروجردی در تهران به تدریس مشغول شد و حوزه‌ی درسش از حوزه‌های مهم به شمار می‌رفت. جمعی از بزرگان از محضرش استفاده کردند که از جمله ایشان محدث نوری و ملا محمد علی محلاتی و شیخ محمد حسن مامقانی بودند. محدث نوری علاوه بر شاگردی داماد وی نیز بود. شیخ محمد حسن مامقانی در ۱۲۶۳ ق تقریر بحث «الصوم» استادش شیخ عبدالرحیم بروجردی را نوشته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بروجرد (۳۸۲-۳۷۲/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۲۵-۷۲۴/۱۳)، المآثر و الآثار (۱۵۹).

بروجردی، عبدالله

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند حاج محمد رحیم، عالم فاضل مصنف، از اکابر فقها و دانشمندان قرن دوازدهم در اصفهان است.

در ربیع‌الاول سال ۱۱۹۱ وفات یافته، در تکیه‌ی مجلسی جنب مسجد جامع مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

بروجردی، عبدالله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۹-۱۲۵۶ ق)، عالم، فقیه، اصولی و زاهد. در بروجرد به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات، در محضر پدر خویش و حاج ملا اسدالله حجه‌الاسلام تحصیل کرد. سپس برای تکمیل تحصیلات به اصفهان رفت و به حوزه درس شیخ محمد باقر اصفهانی فرزند

شیخ محمد تقی صاحب «هدایه‌المسترشدین» وارد شد و از او بهره‌ها گرفت. پس از فراغت از تحصیل به بروجرد بازگشت و تا پایان عمر در آنجا به تدریس پرداخت. آیت‌الله بروجردی از شاگردان او است. از آثار وی: رساله‌ای در «اجماع»؛ رساله‌ای در «مقدمه‌ی واجب»؛ رساله‌ای در «اجتماع امر و نهی»؛ رساله‌ای در «قطع».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بروجرد (۵۱۲-۵۱۰/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲۰۲-۱۲۰۱/۱۴).

بروجردی، علی اصغر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۷۶-۱۲۳۱ ق)، عالم، متکلم امامی و شاعر، متخلص به اصغر و نیر. در بروجرد به دنیا آمد. مقدمات علوم را در زادگاهش فراگرفت. سپس به نجف رفت و از بزرگانی همچون شیخ محمد حسن نجفی، صاحب «جواهر»، و شیخ محمد حسین، صاحب «فصول»، و سید ابراهیم موسوی، صاحب «ضوابط» و شیخ حسن فقیه، فرزند شیخ جعفر کاشف الغطاء، استفاده کامل برد، و فیض حضور اکثر محدثان و مفسران و حکمای عصر خود را یافت. او شعر می‌سرود و در مثنوی‌اش اصغر تخلص می‌کرد، اما در «دیوان» خود تخلص نیر داشته است. وی آثار سودمندی به جای گذاشت، از جمله: «الافاضات الرضویة»، در نشئات مختلفه، از بدو خلقت تا محشر؛ «البوارق اللامعة»، در خلافت امیرالمؤمنین (ع)؛ «التیمم»؛ «در مکنون»، مثنوی عرفانی؛ «سیف الشیعة»؛ «سیف المجاهدین»، در احکام جهاد و دفاع؛ «شرح منظومه فقهیه»؛ «ضیاء النور»، مثنوی عرفانی و اخلاقی؛ «عقائد الشیعة»؛ «اللؤلؤ المنثور»، در بعضی خطب امیرالمؤمنین (ع)؛ «الآلی الکلام»، در فروع و احکام؛ «مخزن الاسرار»؛ «معدن الحکمة»؛ «منهج الحق»، در مسائل مختلفه بین الفریقین؛ «مهمات الاصول»، در اصول فقه؛ «نور الانوار»، در احوال حضرت قائم (عج).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۶۷/۸)، تاریخ بروجرد (۳۵۲-۳۴۸/۲)، الذریعه (۱۷۶/۱۹، ۳۸۶/۱۸، ۶۳/۱۶، ۲۸۴/۱۵، ۱۲۴۱/۹، ۷۳/۵)، ریحانه (۲۵۳/۱)، لغت‌نامه (ذیل/ علی اصغر بروجردی)، المآثر و الآثار (۲۱۷)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۲-۴۸۰/۴). معجم المؤلفین (۳۸/۷)، مکارم الآثار (۹۲۲-۹۲۱/۳).

بروجردی، فخرالدین محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، فقیه، ادیب و شاعر. همچون دو برادرش از نوادگان دختری میرزای قمی، صاحب «قوانین» بودند که از طرف پدرشان، حجة الاسلام، مجاز به اجازه‌ی اجتهاد شدند. او در بروجرد و حدود آن ریاست داشت. میرزا فخرالدین علاوه بر جنبه‌ی فقاہت از شعر و شاعری نیز بهره‌ی وافری داشت، و «مثنوی» او به نظر اعتماد السلطنه، صاحب «المآثر و الآثار» رسیده است. قصاید و غزلیات او بسیارند که چند غزل از او در «تاریخ بروجرد» در بخش شعرای بروجرد آمده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بروجرد (۳۳۳- ۳۳۰/۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۹۲/۳)، المآثر و الآثار (۱۶۱).

بروجردی، محمد تقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ محمد تقی بروجردی مقیم و متوفی در تهران از علماء محققین و مجتهدین مسلمین معاصر دارای مقام علم و فقاہت و از تلامذہ میرز مرحوم آیہ الله نائینی و آیہ الله آقا ضیاء الدین عراقی و آیہ الله العظمی اصفهانی و دیگران بوده تقریرات استادش مرحوم نائینی را برشته تحریر در آورده و بطبع رسانیده و مورد استفاده فضلاء قم و نجف میباشد.

وی بعد از فوت مرحوم آیہ الله العظمی اصفهانی بایران آمده و در قم بملاقات زعیم اعظم آیہ الله بروجردی رسیده و بنا بر امر و اصرار معظم له در قم اقامت و بتدریس خارج فقه و اصول پرداخته ولی پس از چند سال بنا بر دعوت مرحوم آیہ الله مجاهد حاج سید ابوالقاسم کاشانی قدس الله سره که نسبت بایشان محبت و عنایت خاصی داشت بتهران مسافرت و رحل اقامت افکنده و در مسجد شیشه خیابان حاج شیخ هادی باقامه جماعت و وظائف دیگر روحانی پرداخته و برای عده‌ای از فضلاء و محصلین حوزه تهران تدریس نموده تا در ماه ذی الحجہ ۱۳۹۱ قمری هجری در روز فوت مرحوم آیہ الله حاج میرزا عبداللہ سعید تهرانی فوت نموده و جنازه اش را حمل بقم و با تشییع باشکوهی در جوار دختر والا- گهر موسی بن جعفر علیهما السلام حضرت فاطمه معصومه دفن نمودند جناب حجه الاسلام و خطیب والامقام آقای حاج شیخ ابوالقاسم خزعلی که از مشاهیر مدرسین و خطباء بنام است برادرزاده‌ی ایشانست.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بروجردی، محمد رحیم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۰۹- ۱۲۲۴ ق)، فقیه اصولی و مجتهد. معروف به بالاخیابانی. در آغاز کودکی به تحصیل ادب و زبان عرب مشغول گشت و به خاطر استعداد و مهارتی که در ادبیات عرب داشت، کتابی در همان اوان کودکی در نحو تصنیف کرد که مورد قبول طلاب شد. سپس در محضر علما و فقها حاضر شد و از سید بزرگوار سید شفیع جاپلقی و حاج ملا اسد الله بروجردی استفاضه کرده است. در سال ۱۲۴۱ ق به نجف اشرف رفت و از محضر شیخ محمد حسن نجفی صاحب «جواهر» بهره‌ها برد و در همان اوقات شرحی محققانه بر «مختصر نافع» در فقه تألیف کرد که مورد تحسین و تقدیر صاحب «جواهر» گردید و از او اجازه‌ی اجتهاد گرفت. مدتی در نجف به تحصیل پرداخت و سپس در کربلا- مقیم شد. در سال ۱۲۵۸ ق به اصرار دانشمندان مشهد و بزرگان خراسان و امر صاحب «جواهر» به مشهد رفت و به ترویج علوم و نشر احکام اشتغال ورزید و شاگردان زیادی از محضرش استفاده کردند. وی دو بار به سفر حج رفت و در سال ۱۲۶۶ ق پس از فتنه‌ی سالار در خراسان، امیرکبیر او را به تولیت آستان قدس رضوی منصوب کرد. وی بر اثر بیماری وبا در سن ۸۵ سالگی دار فانی را وداع گفت و در جوار مرقد امام رضا (ع) دفن گردید. از آثار وی: «کتابی در نحو» که در کودکی نوشت، «تقریرات دروس فقه و اصول حاج سید شفیع جاپلقی و حاج ملا اسد الله بروجردی»؛ «شرح المختصر

النافع، «الهدایة الرضویة»، «رساله در اثبات سیادت»، «رساله در بیع فضولی»، «جوامع الکلام» در شرح «قواعد الاحکام» علامه حلی؛ «رساله در اعمال سال»، «رساله در اجازة شیخ میرزا محمد همدانی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲۵۶/۹)، تاریخ بروجرد (۴۸۰- ۴۷۴/۲) الذریعه (۱۷۶/۲۵، ۵۹/۱۴، ۲۵۲/۵)، شرح حال رجال (۲۴۷/۵)، معجم المؤلفین (۳۰۸/۹).

بروجردی، محمد رضا

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ش)، فقیه، اصولی و مدرس. از سادات نوربخشی، و از طرف مادر منسوب به سادات طباطبایی بروجردی است. در بروجرد به دنیا آمد. پس از خواندن مقدمات و سطوح به مشهد رفت و در حدود بیست سال از محضر آیت الله حاج آقا حسین قمی و آیت الله آقازاده کفایی بهره برد. پس از آن به عراق مهاجرت کرد و مدت دوازده سال در نجف اقامت داشت و از حوزه درس آیت الله نائینی و آیت الله آقا ضیاء عراقی و آیت الله اصفهانی استفاده کرد، و همزمان برای عده‌ای فقه و اصول تدریس می‌کرد. وی از آیت الله اصفهانی و آیت الله عراقی اجازه اجتهاد دریافت کرد. سپس به مشهد بازگشت و به تدریس فقه و اصول و ترویج احکام مشغول شد. از آثار وی: رساله‌ای در «اجتهاد و تقلید و عدالت»، که به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: گنجینه‌ی دانشمندان (۱۲۰- ۱۱۹/۷).

بروجردی، محمد رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدرضا بن السید الجلیل فخرالدین الموسوی بروجردی از علماء معاصر مشهد و از سادات نوربخشی از طرف مادر منسوب و به سلسله طباطبایی بروجرد که از آنهاست آیت‌الله العظمی آقای حاج آقا حسین بروجردی اعلی الله مقامه الشریف می‌باشد.

معظم‌له پس از تولد در بروجرد و پرورش در بیت علم و فضیلت و خواندن مقدمات و سطوح به مشهد رضوی مشرف شده و قریب بیست سال از محضر آیت‌الله العظمی حاج آقا حسین قمی طباطبائی قدس الله سره و آیت‌الله میرزا محمد آقازاده کفائی رئیس حوزه علمیه مشهد در عصرش استفاده نموده و بعد مهاجرت به عراق و مدت دوازده سال در نجف اشرف اقامت و از محضر مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی بهره‌مند گردیده و ضمناً برای عده‌ای از طلاب تدریس فقه و اصول داشته تا مبتلا به خونریزی گلو گردیده و برای استشفاء به کربلا مشرف فقه و اصول داشته تا مبتلا به خونریزی گلو گردیده و برای استشفاء به کربلا مشرف و توسل به حضرت سیدالشهداء علیه صلوات الله پیدا نموده و در شب نیمه شعبان المعظم در عالم رویا می‌بیند که حضرت امام حسین (ع) در رواق مطهر تشریف دارند و فرمودند منبر برو منبر برو عرض می‌کند از کتاب جلاء العیون علامه مجلسی بخوانم فرمودند دو مرتبه بخوان بخوان.

پس به موجب مساعدت استخاره به مشهد برگشته و تاکنون حدود بیست سال است که به تدریس فقه و اصول و اقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج احکام اشتغال دارند.

از آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله عراقی اجازه اجتهاد و غیره دارند از آثار ایشانست رساله‌ای در اجتهاد و تقلید و عدالت که برای استفاده اهل علم نشسته و به طبع رسیده است.

ایشان چندین سال در مسجد جامع گوهرشاد در شبستان بزرگ اقامه جماعت داشتند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

بروجردی، مرتضی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علامه بزرگوار حاج سید مرتضی معروف بعلم‌الهدی بروجردی متوفی ۱۲۰۴ یکی از اجداد آیه‌الله بروجردی از مشاهیر این خاندانست که در عصر خود ریاست علمی و دینی و اجتماعی بروجرد باوی بوده و حکام و فرمانداران و زمامداران آنزمان بدیدن او آمده و دست ارادت میدادند. و آن بزرگوار والد ماجد آیه‌الله علی الاطلاق حاج سید مهدی بحرالعلوم است. معروف است روزی آنجناب با اقران خود در حیاط بیرونی مشغول بحث و گفتگو بود و هنوز بسن بلوغ نرسیده و یا در همان حدود بود که فرماندار بدیدن والدش می‌آید و در ورود و یا خروجش ویرا دیده و می‌پرسید این آقا زاده کیست می‌گویند فرزند برومند آیه‌الله علم‌الهدی است. پس فرماندار نزدیک آمده و دست و ویرا می‌فشرد و ابراز علاقه میکند و می‌رود پس از رفتن او آقا سید مهدی خدمت والد آمده و عرض میکند آقا جان بمن اجازه دهید مهاجرت بنجف اشرف و عتبات عالیات کنم پدرش می‌فرماید برای چه پسر من باین فکر افتادی می‌گویند چون فرماندار بمن ابراز علاقه کرد می‌ترسم کم کم بین من و او الفت پیدا شود و نمی‌خواهم با اولیاء دولت و حکام ارتباط و آشنائی پیدا کنم. پس اجازه گرفت و مهاجرت نمود و رسید بآنجائیکه باید برسد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بروجردی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۸۹ - ۱۳۰۰ ق)، مجتهد و نویسنده. در بروجرد متولد شد و دوران مقدماتی تحصیل را در زادگاهش گذراند، سپس به اراک رفت و از محضر آیت‌الله آقا نور عراقی و آیت‌الله حایری بهره گرفت. به همراه آیت‌الله حایری در قم ساکن شد و در تأسیس حوزه‌ی دینی همکار وی گردید. در پایان عمر انزوا اختیار کرد و به تألیف اشتغال ورزید. از آثار وی: «بیان حقیقت»، «درد بی‌درمان یا بدبختی‌های اجتماع»، «اسلام و مستمندان»، «برهان روشن»، «تیره‌بخت»، «اسرار مقبره‌ی سبز»، «اسرار نامه‌ی زرد».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه رجال و مشاهیر (۶۰/۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۸۶/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۵/۶).

بروجردی، نورالدین محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، عالم و فقیه. وی برادر میرزا فخرالدین و آقا جمال‌الدین و هر سه نوهی دختری میرزای قمی، صاحب «قوانین» و مجاز به اجازه‌ی اجتهاد از طرف پدرشان ملا اسدالله حجه الاسلام بروجردی بودند. او از شاگردان مخصوص شیخ انصاری بود و مدتها از حوزه‌ی فقه و اصول وی بهره گرفت. ولی در عنفوان شباب در عتبات عراق قبل از به پایان رساندن تحصیلات در گذشت. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بروجرد (۳۳۰/۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۹۳-۱۹۲/۳)، المآثر و الآثار (۱۶۱).

بروجی، صبغه الله

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۱۵ ق)، مفسر و فقیه متصوف. اصل او از اصفهان بود. در بروج هند متولد شد، و در مدینه ساکن شد و تا پایان عمر در آنجا ماند. از آثار وی: «اراءة الدقائق فی شرح مرآة الحقائق»؛ حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ «باب الوحده»؛ «مالا یسع المرید ترکه کل یوم من سنن القوم»؛ و چند رساله دیگر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۸۷/۳)، ایضاح المکنون (۴۲۰/۲، ۱۶۱، ۵۳/۱)، لغت‌نامه (ذیل / بروجی)، معجم المؤلفین (۱۷-۱۶/۵)، هدیة العارفین (۴۲۵/۱).

برهان بلخی، ابوالحسن علی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۴۸ ق)، فقیه حنفی. مشهور به برهان بلخی. در بلخ زاده شد و در همان شهر برآمد. وی در بخارا از برهان بن مازہ حدیث آموخت و زیارت خانه خدا کرد و پس از بازگشت به بلخ، خانه امیر ترخان را برای او مدرسه قرار دادند و او در آنجا به تدریس و عظ پرداخت اما، بر اثر شورش حنابله‌ی آن شهر مجبور به کناره‌گیری شد، و مدتی نیز در مدرسه خاتونیه برانیه تدریس کرد و سرانجام به دمشق رفت و در مدرسه صادریه به تدریس پرداخت و در همان شهر در گذشت. وی اصحاب بسیاری داشت. مدرسه بلخیه در باب البرید بدو منسوب است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ریحانه (۲۵۴/۱)، سیر النبلاء (۲۷۶/۲۰).

برهان تبریزی، محمد حسین

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۰۶۲ ق)، ادیب، فرهنگ‌نویس و شاعر، متخلص به برهان. در اصل اهل تبریز بود و لکن در هند اقامت داشت. وی مؤلف کتاب «برهان قاطع» و از معاصران سلطان عبدالله قطب‌الدین شاه، پادشاه شیعی مذهب هند، است. وی کتاب «برهان قاطع» را به سلطان مذکور تقدیم کرد. این کتاب با استفاده از «فرهنگ جهانگیری»؛ «فرهنگ سروری»؛ «سرمه‌ی سلیمانی»؛ و «صحاح الادویه‌ی» حسین انصاری و با حذف شواهد و مکررات و افزایش پاره‌ای واژه‌ها از استعاره‌ها و ترکیب‌های لغوی فراهم آمده است، حتی مقدمه‌ی کتاب که در بیان بعضی از قاعده‌های دستور فارسی است از کتاب «فرهنگ جهانگیری» به وجه تلخیص اقتباس شده. برهان در این کتاب واژه‌های فارسی و ترکی یا عربی را که در فارسی وارد شده، آورده است. این فرهنگ شامل نه گفتار و هر گفتار در چند بیان است و مقدمه‌ی آن در نه فایده تنظیم شده است. بعد از شهرت «برهان» کتابهایی در ذکر اشتباه‌ها و تکمیل آن نگاشته شد از جمله: «قاطع برهان»؛ «ساطع برهان»؛ «رافع هذیان».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲۵۱/۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۸۶- ۳۸۴/۵)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۹۰- ۸۸/۲)، دانشمندان آذربایجان (۶۹- ۶۸)، الذریعه (۱۳۳/۹، ۹۹- ۹۸/۳)، ریحانه (۲۵۴- ۲۵۳/۱)، سخنوران آذربایجان (۲۳۸- ۲۳۵)، فرهنگ ادبیات فارسی (۸۹- ۸۸)، فرهنگ سخنوران (۱۳۲)، فرهنگ‌های فارسی (۱۴۹- ۱۴۰)، کاروان هند (۱۶۴/۱)، لغت‌نامه (مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (۷۳۴/۲).

برهان قزوینی، قربانعلی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۰۹ ق)، طبیب و شاعر. مشهور به آق‌الر بیگ. وی از زادگاهش قزوین به اصفهان رفت و در آنجا به تحصیل مشغول شد و از پزشکان مسلم آن دیار گردید. چندی طبیب‌باشی شاهزاده محمد علی میرزا بود و چندی نیز در درگاه نواب علینقی میرزا خدمت کرد. وی با هدایت الله خان گیلانی، والی رشت، معاصر بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سفینه‌ی محمود (۱۸۵- ۱۸۴/۱)، مصطبه‌ی خراب (۳۲).

برهان، علی‌اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اکبر برهان از علماء عالقدر و مروجین عظیم الشان تهران بوده که بحسن عمل و دیانت و سعی در قضاء حوائج مومنین و دستگیری از ضعفا و فقراء و بینوایان معروف و بتهدیب اخلاق و سلوک و ترویج و تشویق طلاب و محصلین موصوف بوده است. وی در سال ۱۳۲۴ قمری در تهران متولد شده و مقدمات و قسمتی از سطوح اولیه را نزد مرحوم آقا سید محمد قصیر و آقا شیخ علی رشتی و مرحوم آیه‌الله حاج سید محمد استرآبادی خوانده و مشرف به نجف اشرف گردیده و خدمت مرحوم آقا میرزا محمد عراقی و حجة الاسلام عالم ربانی مرحوم حاج شیخ مرتضی طالقانی تلمذ نموده و پس از سه سال به تهران مراجعت و بعد از یکسال مشرف به قم شده و کفایه و مکاسب را خدمت مرحوم آیه‌الله آقا شیخ محمد علی حایری قمی و مرحوم آیه‌الله خونساری خوانده و مدتی هم از محضر مرحوم آیه‌الله حایری یزدی استفاده کرده و بعد از آن به نجف مشرف و از محضر مرحوم آیه‌الله العظمی اصفهانی و آیه‌الله العظمی خوئی مد ظله بهره‌مند شده و بعد از سه سال در سال ۱۳۵۸ قمری مراجعت به تهران و به تبلیغات و خدمات دینی پرداخته و با داشتن وکالت مطلقه از مرحوم آیه‌الله اصفهانی و مراجع دیگر نجف و مرحوم آیه‌الله العظمی حجت کوهکمری خدمات بسیاری نموده به طوری که مورد رقابت و غبطه بعضی از اقران خود واقع گردیدند. آثار ایشان در تهران و شهر ری و دماوند و نقاط دیگر بسیار است که ذیلاً می‌نگارم.

۱- مسجد و مدرسه علمیه لرزاده که از مساجد معموره تهران واقع در خیابان لرزاده است که در حال حاضر جناب حجة الاسلام المسلمین آقای حاج میرزا عباسعلی عمید زنجانی داماد معظم آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی مد ظلهم در آن امامت می‌کنند.

۲- دبستان و دبیرستان پسرانه و دخترانه برهان برای پرورش و آموزش پسران و دختران مسلمین.

۳- مدرسه علمیه برهانیه حضرت عبدالعظیم جنب صحن و مسجد جامع ری که با سبکی نوین دارای ۳۴ حجره فوقانی و تحتانی و مدرس و سایر لوازم با مساعدت نگارنده پایان رسیده و سالها دائر و در حال حاضر هم جمعی از محصلین در آن سکونت دارند. آن مرحوم در حالی که شب و روز مشغول ترویج و تبلیغ بود و ساعتی فراغت و لحظه‌ای بیکار نبود آثار قلمی چندی از خود بیادگار گذارد که در اینجا می‌نگارم،

۱- رساله‌ای در عدالت ۲- تعلیقه‌ای بر مکاسب ۳- تفسیر سوره یوسف موسوم با حسن المجالس ۴- بشائر النبویه ۵- رساله در حدیث ایام ۶- ربیع الابرار ۷- پریشان نامه

مرحوم برهان اخلاص فوق العاده‌ای باهل بیت عصمت علیهم السلام داشتند و در تمام ایام موالید و اعیاد و وفیات ائمه علیهم السلام مجلس جشن و سوگواری با شکوهی تشکیل می‌دادند و خود در مدح آنان اشعاری می‌سرودند.

آن مرحوم از مردن و مدفون شدن در ری وحشت داشت چنانچه در بیت چهارم شعرش گفته و بالاخره بمقصودش رسید در نیمه ماه ذی الحجة الحرام سال ۱۳۷۸ قمری پس از انجام مناسک حج در مکه معظمه وفات نموده و در جده نزدیک مدینه الحاج مدفون گردید و در مرگش مردم خیابان خراسان و لرزاده و دیگر نقاط تهران چنان گریستند که کمتر مثلش دیده شد، قصائد بسیاری در فقدانش سروده شد و نگارنده جزوه‌ای بنام (برهان ما) نوشته و در آن ترجمه و آثار او را نگاشتم که در هزار نسخه بطبع رسیده.

(۱۳۷۸ - ۱۳۲۴ ق)، فقیه، و مجتهد و شاعر. در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی نزد آقا سید محمد قصیر و آقا شیخ علی رشتی و حاج سید محمد استرآبادی، به نجف اشرف رفت و مدت سه سال در محضر آقا میرزا محمد عراقی و حاج شیخ مرتضی طالقانی به تحصیل پرداخت. وی پس از بازگشت به تهران، به قم رفت و به تحصیل «کفایه» و «مکاسب» خدمت آقا شیخ محمد علی حایری و آیت الله خوانساری مشغول شد، تا اینکه مجدداً برای ادامه تحصیلات به نجف رفت و از حوزه‌ی درس آیت الله اصفهانی و آیت الله خوئی بهره‌مند شد، و با اخذ وکالت مطلقه از حاج سید ابوالحسن اصفهانی به تهران بازگشت. وی دارای اجازه‌ی اجتهاد و روایت بود و در مسجد لرزاده در جنوب تهران به اقامت نماز جماعت اشتغال داشت. مسجد و مدرسه علمیه‌ی لرزاده در تهران و دبستان و دبیرستان پسرانه و دخترانه برهان و مدرسه‌ی علمیه‌ی برهانیه شهر ری، جنب مسجد جامع ری، از آثار

برهان به حساب می‌آیند. از آثار علمی وی: «حدیث الایام»، در ادعیه؛ «ربیع الآثار»؛ «تفسیر سوره یوسف» موسوم به «احسن المجالس»؛ تعلیقه‌ای بر «مکاسب»؛ «رساله‌ای در عدالت»؛ «بشائر النبویه»؛ «پریشان نامه» در شعر. [۱]
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: [۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲/۶۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۴-۴۹۳/۴).

برهان‌الدین هروی، حیدر

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۷۸۰- ح ۸۳۰ ق)، مفسر، متکلم و ادیب. معروف به صدر هروی. عالم به معانی و بیان بود و از شاگردان ارشد ملاسعد تفتازانی به حساب می‌آمد. در «هدیه العارفین» سال وفات وی ۸۴۵ ق ذکر شده است. از آثارش: حاشیه بر «شرح کشف» استادش، در تفسیر؛ شرح بر «ایضاح المعانی» قزوینی، در معانی و بیان؛ حاشیه بر «فرائض سراجیه» یا شرح «فرائض سجاوندی»؛ شرح «المواقف» قاضی ایجی، در علم کلام.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ریحانه (۲۵۶/۱)، کشف الظنون (۱۸۹۴، ۱۴۷۹، ۱۲۴۷، ۲۱۱)، معجم المؤلفین (۹۲/۴)، هدیه العارفین (۳۴۲-۳۴۱). (۱).

بزدوی، ابوظلحه منصور

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۲۹ ق)، محدث. ابن ماکولا او را ثقه و مورد اعتماد توصیف کرده و گوید که: او آخرین محدثی بود که «الجامع الصحیح» را از بخاری مستقیماً روایت می‌کرد. جعفر مستغفری در «تاریخ نسف» از او یاد کرده و گوید که: ابوظلحه دهقان بزده بود و محدثان روایت او را چون مسموعات نوجوانی او بوده، قابل اعتماد نمی‌دانستند. همشهریانش از وی نقل حدیث کرده و عده‌ای از دیگر نقاط برای شنیدن حدیث به سوی او آمده بودند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۲۸۰- ۲۷۹/ ۱۵)، لسان المیزان (۷۰/۷).

بزدوی، صدر الاسلام، ابوالیسر محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۹۳- ۴۲۱ ق)، قاضی و فقیه حنفی. مشهور به قاضی صدر. وی بعد از برادرش، فخرالاسلام، شیخ حنفیان ماوراءالنهر به حساب

می‌آمد و پیشوای آنان بود و از دیگر نقاط نیز برای امور شرعی به نزد او می‌آمدند. صدر الاسلام مدتی املاء حدیث می‌کرد و عهده‌دار منصب قضای سمرقند بود. عثمان بن علی بیکندی و احمد بن نصر بخاری و محمد بن ابی‌بکر سنجی و دیگران از وی روایت کرده‌اند. در بخارا در گذشت. او در اصول و فروع فقه دارای تصانیفی بود، از جمله آنها: «المبسوط»، در فروع فقه، در چند مجلد؛ «واقعات».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۴۷/۷)، سیر النبلاء (۴۹/۱)، کشف الظنون (۱۵۸۱)، معجم المؤلفین (۲۱۰/۱۱)، هدیة العارفین (۷۷/۲).

بزودی، فخر الاسلام، ابوالحسن علی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۸۲ - ۴۰۰ ق)، فقیه اصولی، محدث و مفسر حنفی. مشهور به ابی العسر. نسبتش به بزده، قلعه‌ای در نزدیک نسف، می‌رسد از بزرگان سمرقند و پیشوای اصحاب ماوراءالنهر و خود صاحب طریقه‌ای در مذهب حنفی بود. سمعانی گوید که دوستش ابوالمعالی محمد بن نصر، خطیب سمرقند، تنها راوی اوست. وی در سمرقند به خاک سپرده شد. او را تصانیف بسیاری است، از آن جمله: «کنز الوصول الی معرفة الاصول» یا «اصول بزودی»، در اصول فقه، که به همراه شرح آن به نام «کشف الاسرار» علاءالدین بخاری چاپ شده است؛ «المبسوط»، یازده مجلد؛ شرح «الجامع الکبیر» شیبانی؛ شرح «الجامع الصغیر» شیبانی؛ شرح «الجامع الصحیح» بخاری؛ «غناء الفقهاء»، در فقه؛ «کشف الاستار» یا «تفسیر القرآن»، در یک‌صد و بیست جزء.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۴۸/۵)، ایضاح المکنون (۳۴، ۳۸۸، ۲/ ۳۴)، سیر النبلاء (۶۰۳ - ۶۰۲ / ۱۸)، کشف الظنون (۱۵۸۱، ۱۴۸۵، ۱۰۱۶، ۵۶۸، ۵۶۳، ۵۵۳، ۴۶۷، ۱۱۳ - ۱۱۲)، معجم البلدان (۴۸۷ - ۴۸۶ / ۱)، معجم المؤلفین (۱۹۲/۷)، الوافی بالوفیات (۴۳۰/۲۱)، و هدیة العارفین (۶۹۳/۱).

بزرگمهر، منوچهر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مدرس، مؤلف، مترجم.

تولد: آذر ۱۲۸۹، تهران.

در گذشت: ۲۷ آبان ۱۳۶۵، آمریکا.

منوچهر بزرگمهر، فرزند میرزا یوسف‌خان ملقب به علیم‌السلطنه از پزشکانی بود که دوره‌ی طب را در فرانسه گذرانده بود. بزرگمهر تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در مدرسه‌ی آمریکایی تهران به پایان رسانید و بعد از آن که دو سال در مدرسه‌ی حقوق به تحصیل پرداخت به سال ۱۳۱۱ برای ادامه‌ی تحصیل به انگلستان رفت و پس از اخذ درجه‌ی لیسانس حقوق از دانشگاه بیرمنگام به ایران بازگشت. ابتدا در وزارت معارف مشغول به کار شد. پس از خدمت نظام وظیفه، در وزارت امور خارجه مشغول

به کار شد. در سال ۱۳۱۸ به استخدام شرکت بیمه درآمد. در سال ۱۳۱۹ به مشهد منتقل شد، مدتی در راه آهن مشغول به کار شد. سرانجام در شرکت نفت (ابتدا در آبادان از سال ۱۳۲۱ الی ۱۳۳۳ و سپس در تهران تا سال ۱۳۴۵)؛ اشتغال یافت. وی بین سال‌های ۱۳۴۵ الی ۱۳۵۵ مشاور حقوقی کنسرسیوم بود. وی از سال ۱۳۴۱ الی ۱۳۴۵ نیز در دانشگاه تدریس می‌نمود.

وی از ابتدای جوانی به ادبیات فارسی و عربی و انگلیسی علاقه‌مند بود. پیش از سفر به اروپا گلستان و کلیله و دمنه را نزد علی محمدخان عامری و مرزبان‌نامه را به فارسی و مدارج القرائه و مبادی العربیه را به عربی و جواهر الادب را به انگلیسی نزد شاهزاده فرهی آموخت. در مقدمات علوم اسلامی از قبیل منطق و معانی بیان و مختصری از فقه و اصول نیز از استادانی مانند شیخ محمد سنگلجی و آقا میرزا محمود شهابی و بدیع‌الزمان فروزانفر و شیخ علی بابا فیروزکوهی استفاده کرد.

پس از مراجعت از اروپا، چنانکه خود در بیان احوال خود گفته است: مدتی تلمذ متروک شد. در ۱۳۲۶ مجدداً در آبادان نزد استادی به نام سید موسی، قدری فقه خواند و در ۱۳۲۸ در تهران نزد عرفان که خود از شاگردان میرزا احمد آشتیانی بود، شرح الفیه و در ۱۳۳۲ در مدرسه‌ی نوربخش بروجرد نزد شیخ علی جواهری مقدرای مطول خواند. پس از مراجعت از خوزستان در ۱۳۳۵ شرح هدایه‌ی میبدی و قدری از شرح منظومه را از عرفان آموخت و در همان سال‌ها در کلاس درس مطول همایی در دانشگاه شرکت کرد.

بزرگمهر با آنکه در فلسفه غربی تحصیل نکرده بود به مطالعه‌ی کتاب‌های فلسفی غربی و ترجمه‌ی آنها پرداخت. تحصیل در انگلستان و آشنایی به زبان انگلیسی، بزرگمهر را به مطالعه و ترجمه‌ی آثار فیلسوفان تجربی مذهب انگلیسی و فلاسفه‌ی جدید غرب سوق داد و از این رهگذر تعدادی کتاب فلسفی به قلم او به زبان فارسی درآمد. این کتاب‌ها و آثار دیگر که فلسفه محور اصلی آنها را تشکیل می‌دهد عبارتند از: پویر (بریان مگی)؛ تحلیل ذهن (برتراند راسل)؛ رساله در اصول علم انسانی (جرج برکلی)؛ رساله درباره‌ی فهم انسانی (اثر جان لاک، تهران، ۱۳۳۵)؛ زبان، حقیقت، منطق (ا. اچ. آیر)؛ ژان پل سارتر (موریس کریستن)؛ سه گفت و شنود (جرج برکلی)؛ فلسفه چیست؟ (مجموعه‌ی مقاله‌های منتشر شده در مجله‌ی «سخن» و بعضی نشریات دیگر)؛ فلسفه‌ی تحلیلی منطقی (مجموعه‌ی مقاله‌های منتشر شده در مجله‌ی «سخن» که قسمتی از آنها به نقد کتاب کاوش‌های عقل نظری تألیف مهدی حائری یزدی اختصاص دارد)؛ فلسفه‌ی نظری (منتخبات از فلسفه اروپایی، دو جلد)؛ کارناپ (آرن نائیس)؛ کانت (فردریک کاپلستون)؛ گذشته‌های فلسفی فلاسفه‌ی تجربی انگلستان (لاک و برکلی)؛ مسائل فلسفه (برتراند راسل)؛ مسائل و نظریات فلسفه (ک. آژدو کیویچ)؛ منطق سمبلیک، ویتگنشتاین (یوستوس هارت‌ناک).

از بزرگمهر در سال‌های جوانی و قبل از آن که به ترجمه و تألیف کتب فلسفی روی آورد، چند کتاب دیگر نیز به نام‌های زیر به جا مانده است: از بیرون گود (۱۳۲۸)؛ دیگ جوش قلندر (۱۳۳۰)؛ عرفان نو (۱۳۲۲) و مرقعات صاحب‌دل که مجموعه مقاله‌های منتشره در روزنامه‌ی «پند» است (۱۳۲۴) (نام مستعاد مطبوعاتی وی «صاحب‌دل» بود).

علاوه بر این ترجمه‌ها و تألیفات، بزرگمهر چندین سال در دوره‌ی فوق لیسانس و دکترای فلسفه دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، به تدریس درس‌هایی مانند فلسفه‌ی تجربی، تفسیر متون فلسفی به زبان‌های اروپایی، منطق جدید و فلسفه‌ی تحلیل منطقی اشتغال داشت و در بعضی دانشکده‌های دیگر نیز تدریس می‌کرد.

منوچهر بزرگمهر همچنین در جلسات درس هفتگی در فلسفه‌ی تطبیقی که از سال ۱۳۵۲ الی ۱۳۵۷ ادامه داشت، با حضور استاد مرتضی مطهری و حمید عنایت (و به پیشنهاد او) شرکت می‌جست. این جلسات بعدها به مجلس درس منظومه بدل شد و دو جلد شرح مبسوط منظومه از آن حلقه‌ی درس و بحث باقی مانده است.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای طیور، دانشکده: دامپزشکی، دانشگاه: تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

بز می همدانی، عقیل

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم ق)، شاعر و طیب. معاصر شاه عباس بود و در ابتدا بز می تخلص می کرد و سپس آن را به کوثری تغییر داد. شاعری پاک‌نیت و درویش مسلک بود و به خاندان امیرالمؤمنین اخلاص و اعتقادی کامل داشت. آثار او: «دیوان» شعر و مثنوی «فرهاد و شیرین».

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۳۰۱-۲۹۸/۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۰۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۷۹-۲۷۸)، الذریعه (۱۸۸/۱۶، ۹۲۴، ۱۳۵/۹)، صبح گلشن (۶۲)، فرهنگ سخنوران (۷۷۲)، لغت‌نامه (ذیل / بز می همدانی)، هفت اقلیم (۵۷۱-۵۷۰/۲)، مجمع الخواص (۸۷).

بزنجانی، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا بزنجان

محل تولد: داراب

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱/۱

بستان، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین بستان

محل تولد: نجف اشرف

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ پس از اتمام دوره راهنمایی وارد حوزه علمیه قم شدم. در سال ۱۳۶۹ پس از اتمام دوره های مقدمات و سطح به درس خارج راه یافتیم. سهم بیشتری از اشتغالات حوزوی اینجانب به فقه اختصاص یافته است و حضور بیش از چهارده سال در درس خارج فقه آیت الله شبیری زنجانی و حضور بیش از هفت سال در جلسه بحث فقهی حجت الاسلام و المسلمین گنجی عمده فعالیت های فقهی رسمی اینجانب بوده است. به میزان کمتری در درس خارج اصول به ویژه درس آیت الله وحید خراسانی و درس حجت الاسلام و المسلمین هادوی تهرانی حضور یافتیم و در کنار این دروس طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۰ به مطالعه و مباحثه فلسفه (بدایه و نهاییه الحکمه) اشتغال داشتم. به موازات دروس رسمی حوزه از سال ۱۳۷۲ تا کنون در رشته جامعه شناسی فعالیت دارم. در بهمن سال ۱۳۷۱ به عضویت دفتر همکاری حوزه و دانشگاه که وابسته به سازمان سمت بود در آمدم. پس از گذراندن دوره آموزشی در سال ۱۳۷۵ شروع به فعالیتهای پژوهشی نمودم که حاصل آن تا کنون تدوین پنج کتاب و بیش از پانزده مقاله در موضوعات جامعه شناسی خانواده، مطالعات زنان، فلسفه علوم اجتماعی و جامعه شناسی دین است. همچنین در سال ۱۳۷۹ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد جامعه شناسی از پژوهشگاه حوزه و دانشگاه شدم و ان شاء الله در آینده نزدیک در دوره تحصیلات تکمیلی (دکتری) در همین پژوهشگاه شرکت خواهم کرد

بسطامی، ضیاءالدین، ابوشجاع عمر

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۷۰ / ۵۶۲ - ۴۷۵ ق)، مفسر، حافظ، محدث، ادیب و شاعر. محدث و مسند بلخ و امام مسجد راغوم یا راعوام بود. بسطامی نزد پدرش و سپس نزد ابوالقاسم احمد خلیلی و ابراهیم بن محمد اصفهانی درس خواند، و در محضر ابوجعفر محمد بن حسین سمنجانی فقه آموخت. او حتی در کهن سالی نیز بر دانش اندوزی حریص بود و از هر کسی چیزی می آموخت. کلامش شیرین و در وعظ و خطابه‌ی او نکته‌ها نهفته بود. سمعانی و فرزندش، ابومظفر، و ابوالفرج ابن جوزی و ابوروح هروی، و بسیاری دیگر، از شاگردان وی به حساب می آیند. وی در بلخ درگذشت. از آثار وی: «ادب المريض و العائد»؛ «لقطات العقول»؛ «مزالیق یا مزالق العزلة» یا «من الف العزلة».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۲۳/۵)، سیر النبلاء (۴۵۴ - ۴۵۲ / ۲۰)، کشف الظنون (۱۶۵۹ - ۱۴۶۴، ۴۸)، معجم المؤلفین (۳۱۳/۷)، هدیة العارفين (۷۸۴/۱).

بسطامی، عبدالرحمن

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالرحمن بن محمد بن علی حنفی المذهب بسطامی المولد مؤلف کتاب الادعیه و کتاب الادویه الجامعه و شمس الافاق در علم الحروف والافاق و مناہج التوسل فی مباحج التوسل بوده و در ۸۵۸ قمری از دنیا رفته است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بسطامی، مطلب

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۹-۱۲۷۴ ق)، فقیه، فیلسوف و عارف. در بسطام به دنیا آمد. پس از تحصیل مقدمات در بسطام و شاهرود برای ادامه تحصیل رهسپار مشهد شد و پس از دو سال استفاده از محضر فقها و فلاسفه آنجا، به تهران آمد و یک سال به فلسفه پرداخت و نزد آقا سید عبدالحمید گروسی و آقا صادق همدانی و آقا سید محمد اصفهانی و میرزا محمد تقی گرگانی تحصیل کرد. سپس به عتبات مهاجرت کرد و مدت چهار سال در سامرا از محضر میرزای بزرگ شیرازی استفاده کرد. بعد به نجف رفت و هشت سال از حوزه‌ی درس میرزا حبیب الله رشتی و آخوند خراسانی بهره برد. سپس به ایران بازگشت و در مشهد به تدریس پرداخت. در اواخر عمر به شاهرود آمد و در آنجا مشغول ارشاد و تدریس شد. از آثار وی: یک دوره «اصول» آخوند خراسانی؛ «مشاهد سبع» یا «ریاض العقول» که مشتمل بر فلسفه علمی و عملی و شرح سفر نفس است. [۱]

میرمطلب بسطامی از علماء بزرگ و معروف گذشته شاهرود بوده‌اند. وی در سال ۱۲۷۴ ق در قصبه بسطام متولد شده و پس از تکمیل تحصیلات مقدماتی در بسطام و شاهرود جهت ادامه تحصیل رهسپار مشهد مقدس گشته و در آنجا دو سالی توقف و از علماء بزرگ آنجا کسب علوم فقه و فلسفه نموده سپس عزیمت به تهران و یکسال هم در آنجا به درس فلسفه اشتغال ورزیده و نزد مرحوم آقاسید عبدالحمید گروسی و آقا صادق همدانی و مرحوم آقا سید محمد اصفهانی و میرزا محمد تقی گرگانی تحصیل کرده و سپس به عتبات عالیات مهاجرت و مدت چهارسال در سامرا از محضر مرحوم آیت الله العظمی میرزا بزرگ شیرازی استفاده نموده و بعد به نجف آمده و از درس مرحوم میرزا حبیب الله رشتی و مرحوم آخوند خراسانی مدت هشت سال استفاده نموده و پس از آن مراجعت به ایران و در مشهد مقدس رضوی به افاضه و تدریس پرداخته تا اواخر عمر که مجدداً به وطن خود شاهرود برگشته و مشغول افاضه و وعظ و ارشاد و تدریس گردیده تا اینکه در سال ۱۳۵۹ قمری به رحمت ایزدی پیوستند.

معظم‌له گذشته از مقامات علمی دارای نفس زکیه و صاحب کشف و کرامت بودند از جمله در یک ماه رمضان که در مسجد خودشان مشغول وعظ و ارشاد بودند سرائر و به وطن مردم پای منبر به ایشان کشف شد و مردم را به صورتهای مختلف دیدند و پس از آن به مسجد و منبر نرفتند و در کنج خلوت و انزوا مشغول به خود شدند تا از دنیا رفتند و دیگر از قضایای منقوله از ایشان این بود که قبل از مرگ خود خبر دادند که در چه وقت خواهند مرد و کجا دفن خواهند شد و گفتند که قبرستان شاهرود به هم خواهد خورد و تفریحگاه خواهد شود و این خبر چند سال قبل به وقوع پیوست ولی هنوز مقبره ایشان دست نخورده و زیارتگاه

مردم است و مردم از نذورات برای او و زیارت قبرش نتیجه‌ها گرفتند. از آثاره او یکدوره اصول مرحوم آخوند است که ظاهراً قبل از کفایه نوشته شده و دیگر کتاب مشاهد سبع یا ریاض العقول که مشتمل بر فلسفه علمی و عملی و شرح سفر نفس است که تاکنون مخطوط مانده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۳۱- ۱۳۰/۷).

بشار

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۶۷- ۹۶ق)، شاعر، خطیب و ادیب. ملقب به مرعش، چون در کودکی گوشواره در گوش می‌کرد. در بصره نابینا متولد شد. اصلاً از شاهزادگان طخارستان بود. از ده سالگی به زبان عربی شعر می‌گفت و چون به سن رشد رسید، از نیش زبان او می‌ترسیدند. بشار بن برد مقدم شعرای زمان خود بوده و دولتهای اموی و عباسی را درک کرده و در این دو دولت مدحها و هجاها گفته، و به هجا بیشتر میل داشته است. مهدی، خلیفه عباسی و خالد برمکی از جمله‌ی ممدوحان او بودند. وی در انواع شعر بخصوص قصیده و رجز دست و ابتکار و ابداع داشت و مقلد نبود. اشعارش را حدود دوازده هزار بیت و بنا به قول خودش دوازده هزار قصیده گفته‌اند. این کور روشندل در شعر تشبیهاتی دارد که بینایان مانند آنرا نمی‌توانند بیاورند. در بعضی اشعارش علاقه‌ی وی به ایران کهن و تمایلات شعوبی او مشهود است. سه جلد از «دیوان» مفصل او در قاهره به چاپ رسیده است. وی در مباهات به نژاد خود و تحقیر عرب و هجو و حکم و امثال مشهور بود و در تغییر سبک شعر عربی بسیار مؤثر بود بشار به کثرت آثار معروف بود به طوری که آثاری نیز به زبان فارسی از او باقی مانده و چند خطابه در نثر دارد. سرانجام در عهد مهدی خلیفه، دشمنانش او را متهم به زندقه کردند، بشار دستگیر و محکوم به تازیانه شد، و سپس او را در باتلاقی در بطائح انداختند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۵- ۲۴/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۵۲، ۱۹۱، ۲۴- ۲۳/۱)، تاریخ ادبیات زبان عربی (۲۹۵- ۲۸۳)، تاریخ الاسلام (حوادث ۹۲- ۸۷/۱۷۰- ۱۶۱)، تاریخ بغداد (۱۱۸- ۱۱۲/۷)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۳۴۲)، حماسه‌سرایی در ایران (۱۶۱- ۱۶۰)، الذریعه (۱۳۸- ۱۳۷/۹)، ریحانه (۲۶۸/۱)، سرآمدان فرهنگ (۲۲۵/۱)، سیر النبلاء (۲۵- ۲۴/۷)، فرهنگ ادبیات فارسی (۹۰)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۲۶۶)، الکنی و الالقاب (۱۸۰- ۱۷۹/۳)، لسان المیزان (۲۸- ۲۷/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ بشار)، معجم المؤلفین (۴۵- ۴۴/۳)، الوافی بالوفیات (۱۴۱- ۱۳۵/۱۰)، وفيات الاعیان (۲۷۴- ۲۷۱/۱).

بشارت، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فقیه

تولد: ۱۳۲۴، در دهاقان شهرضا.

شهادت: ۱۴ مرداد ۱۳۶۰، تهران.

حجت‌الاسلام محمدتقی بشارت، فرزند حاجی بابا، تا خارج فقه و اصول تحصیلات حوزوی داشت پیش از پیروزی انقلاب اسلامی به کار تدریس مشغول بود و از طرف حضرت امام خمینی (ره) و جامعه مدرسین حوزه‌ی علمیه، در امور تبلیغ فعالیت داشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نمایندگی امام در گچساران و نیز جهاد سازندگی را به عهده داشت. همچنین مدتی سرپرست بنیاد شهید و کمیته کهگیلویه و بویراحمد بود. وی از سوی مردم شهر سمیرم به نمایندگی مجلس خبرگان و سپس اولین دوره مجلس شورای اسلامی رسید.

علاوه بر مقاله‌های ایشان در جراید، کتاب خوارج از دیدگاه نهج‌البلاغه را تنظیم نمود و همچنین در ترجمه بخشی از مجموعه ورام نیز سهم داشت.

حجت‌الاسلام بشارت در چهاردهم مرداد ۱۳۶۰ به دست منافقین در جلوی درب منزلش به شهادت رسید. پیکرش در سمیرم به خاک سپرده شد. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

بشر حافی مروزی بغدادی، ابونصر

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۲۷- ۱۵۰ ق)، عارف، صوفی و محدث. در قریه بکرد، یکی از قرای مرو، متولد شد و در بغداد سکونت گزید. وی را از طبقه‌ی اولیا می‌دانند. او در جوانی مردی عیاش بود و به روایت علامه‌ی حلی در «منهاج الکرامه» در اثر ارشاد امام موسی بن جعفر (ع) و به دست آن حضرت موفق به توبه شد. روایتهای متفاوتی در باب گرایش او را به راه عرفانی هست. پسر عمش، علی بن خشرم، محدث معروفی بود و ظاهراً او قواعد طریقت را از وی آموخت. وی معاصر احمد حنبل بود. از مالک و شریک بن عبدالله و حماد بن زید و فضیل بن عیاض و ابن مبارک و عبدالرحمان بن زید بن اسلم و بسیاری دیگر حدیث شنید و کسب فیض کرد. از شاگردان وی می‌توان به نعیم بن هیصم و پسرش محمد بن نعیم، نصر بن منصور بزاز، محمد بن مثنی سمسار، سری السقطی و ابراهیم بن هانی نیشابوری را نام برد. مأثورات و منقولات او در همه کتب عرفان و تصوف آمده است. از آثار وی: «کتاب الزهد». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۶/۲)، اعیان الشیعه (۵۸۱- ۵۷۸/۳)، تاریخ بغداد (۸۰- ۶۷/۷)، تاریخ گزیده (۶۳۹- ۶۳۸)، تذکره الاولیاء (۱۱۴- ۱۰۶/۱)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیری (۳۲)، حلیه‌ی الاولیاء (۳۶۰- ۳۳۶/۸)، روضات الجنات (۱۳۰- ۱۲۵/۲)، ریحانه (۱۸- ۱۶/۲)، سرآمدان فرهنگ (۲۲۶/۱)، سیر النبلاء (۴۷۷- ۴۶۹/۱۰)، طبقات صوفیه سلمی (۴۷- ۳۹)، طبقات الصوفیه هروی (۸۶- ۸۵)، الفهرست لابن الندیم (۲۶۱)، کارنامه‌ی بزرگان (۵۴- ۵۲)، کشف‌المحجوب (۱۳۲- ۱۳۰)، الکنی و الالقاب (۱۷۰- ۱۶۷- ۱/۲)، لغت‌نامه (ذیل / بشر حافی)، معجم المؤلفین (۴۶/۳)، نفعات الانس (۴۵)، وفيات الاعیان (۲۷۷- ۲۷۴/۱).

بشیر تبریزی، نجم‌الدین، ابونعمان

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۴۶-۵۷۰ ق)، مفسر. ملقب به نجم‌الدین و مکنی به ابونعمان و معروف به صوفی و زینی و جعفری. در اردبیل به دنیا آمد. بشیر در بغداد فقه آموخت و از محضر یحیی ثقفی و ابن کلیب و ابوالفتح مندائی استفاده کرد. دمیاطی و محب طبری و ابوالعباس ابن ظاهری و دیگران از شاگردان وی بودند. او در مکه درگذشت. از آثارش: «التفسیر الکبیر» یا «تفسیر نجم‌الدین»، در چند مجلد؛ «الحديث الاربعین فی امور الدین»؛ «احسن الکلام و محاسن الکرام».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۹/۲)، ایضاح المکنون (۳۰/۱)، سیر النبلاء (۲۵۶-۲۵۵/۲۳)، کشف الظنون (۶۴۴، ۴۶۰)، معجم المؤلفین (۴۷-۴۶/۳)، الوافی بالوفیات (۱۶۲-۱۶۱/۱۰).

بشیری، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زنان و مامائی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

بشیری‌بد، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۳۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: انگل‌شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته بیولوژی از دانشگاه کارل فرانتس گراتس اتریش در سال ۱۳۵۲، دکترای تخصصی در رشته انگل‌شناسی از دانشگاه کارل فرانتس گراتس اتریش در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۷ استادیار رسمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و از سال ۱۳۶۷ دانشیار رسمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

قارچ‌شناسی، انگل‌شناسی، اپیدمیولوژی، بررسی اثر ترکیبات دارویی روی برخی بیماریهای انگلی و غیرانگلی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۸ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

انگل شناسی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۶، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۵

زمینه علمی مقالات:

اپیدمیولوژی، موارد آلودگی به بیماریهای انگلی و برخی دیگر از بیماریهای مشترک انسان و حیوان. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

بصیری، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اورولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

بطحایی، هاشم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید هاشم بطحایی

محل تولد: گلپایگان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۳۵ شمسی از گلپایگان وارد حوزه علمیه قم شده و مشغول تحصیل گردیدم و ضمن تحصیل حوزوی با توجه به جو اختناق فرهنگی به ذهنم خطور کرد که باید تحصیلات کلاسیک را نیز ادامه دهم لذا در کلاس های شبانه شرکت کردم و پس از دریافت دیپلم وارد دانشگاه تهران شدم و در سال ۴۷ به درجه لیسانس در رشته فلسفه با نمره ممتاز که مورد تشویق نیز واقع شدم نایل گردیده و در ۱۶ / ۱ / ۴۸ الزاما به خدمت نظام وظیفه اعزام شدم و در کسوت افسری با حفظ سیمای طلبگی در مناطق مختلف خدمت سربازی را سپری نموده و در سال ۵۰ به قم برگشتم و دروس حوزوی را ادامه دادم .

در کنار آن در فوق لیسانس دانشگاه تهران شرکت کرده و پذیرفته شدم و در سال ۵۲ فوق لیسانس (با معدل بالا) را گرفتم ضمنا با آرمانی که از تحصیل دروس کلاسیک در نظر داشتم در سال ۱۳۵۰ وارد آموزش و پرورش قم شدم و در سمت دبیری در دبیرستان های قم تدریس می کردم و به فضل الهی و تاییدات او از دروس حوزه کم و کاستی نداشتم تا در سال ۱۳۶۵ از آموزش

و پرورش به آموزش عالی دانشگاه تهران محل خدمت مجتمع آموزش عالی قم منتقل شده و عضو هیئت علمی آن دانشگاه گردیدم و در تمام این سنوات تنها دو سال از حوزه بدلیل خدمت نظام وظیفه فاصله گرفتم والا تمام سنوات گذشته را اشتغال داشتم. در سال ۴۵ پس از سپری کردن دروس سطح که محضر حضرات علماء تلمذ نموده وارد درس خارج حضرات آیات گلپایگانی و امام و حاج شیخ هاشم آملی شدم. سطوح و لمعتین را از محضر مرحوم آقای ستوده و رسائل را از محضر آقای نوری همدانی و قوانین را از محضر آقای اعتمادی و مکاسب را از محضر آقای منتظری و کفایتین را از محضر مرحوم آقای سلطانی استفاده نمودم و در سال ۱۳۸۰ دکترای رشته فقه و مبانی حقوق را از دانشگاه تهران گرفتم و اینک ضمن اشتغال در دانشگاه تهران - مجتمع آموزش عالی - در حوزه در مقطع درس خارج تدریس می نمایم.

بغدادچی، جلیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تغذیه، دانشکده: بهداشت و تغذیه، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد مهندسی کشاورزی دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۶، مدرک CES در کشاورزی از انسیتوی کشاورزی پاریس، دیپلم DEA در تغذیه از فرانسه و دکترای از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۵۲.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده بهداشت و تغذیه دانشگاه علوم پزشکی تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تغذیه، بیوشیمی، رژیمهای درمانی، بررسی وضع تغذیه‌ای شیرخوارگان، بررسی وضع تغذیه‌ای بیمارستانهای تابعه دانشگاه تبریز، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۵ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

فیزیولوژی تغذیه.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

تغذیه و فیزیولوژی تغذیه.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

بغدادی اسفراینی، ابومنصور عبدالقاهر

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۲۹ ق)، فقیه اصولی، متکلم و ادیب شافعی. در بغداد به دنیا آمد و همان جا نشو و نما کرد. سپس همراه پدر ساکن نیشابور شد و در اثر فتنه غز مدتی نیشابور را ترک کرد. وی در هفده رشته علمی مدرس بود، بخصوص در زمینه‌ی علم حساب از صاحب‌نظران بود. او شعر نیز می‌گفت و اشعار زیادی به جای گذاشت. دستی گشاده داشت و آنچه از مال و ثروت داشت بر جویندگان علم و حدیث انفاق می‌کرد. ابومنصور در فقه شاگرد ابواسحاق اسفراینی بود و بعد از او بر مسند استادش نشست و در مجسد عقیل به املا پرداخت. ابوبکر بیهقی، ناصر مروزی، زین الاسلام ابوالقاسم قشیری و عبدالغفار شیرویی از جمله شاگردان وی بودند. ابومنصور در اسفراین از دنیا رفت و در جوار استادش ابواسحاق دفن شد. از آثارش: «بلوغ المدی فی اصول الهدی»، در اصول فقه؛ «التحصیل»، در اصول فقه؛ «تفسیر القرآن»؛ «تأویل متشابه الاخبار»؛ «التکمله»؛ در علم حساب؛ «الفرق بین الفرق»؛ «الملل و النحل»؛ «مشارق النور»، در کلام؛ «معیار النظر»، در عقلیات؛ «ناسخ القرآن و منسوخه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۷۳/۴)، ایضاح المکنون (۴۸۵، ۳۷۵، ۲۳۴/۲)، ریحانه (۲۷۸-۲۷۷/۷)، سیر النبلاء (۵۷۳-۵۷۲/۱۷)، کشف الظنون (۱۹۷۰، ۱۹۲۱، ۱۸۳۹، ۱۸۲۰، ۱۷۶۹، ۱۴۳۲، ۱۴۱۸، ۱۴۰۱، ۱۳۹۲، ۱۲۷۴، ۱۲۵۲، ۱۰۳۹، ۴۷۱، ۴۶۳-۴۶۲، ۴۴۱، ۳۹۸، ۳۳۵، ۲۵۴)، وفيات الاعیان (۲۰۳/۳)، هدیة العارفين (۶۰۶/۱).

بغلانی، ابوجاء قتیبہ

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۲۴۰-۱۵۰ ق)، محدث. در بغلان از شهرهای طخارستان در نواحی بلخ به دنیا آمد. چون جدش از موالیان حجاج بود، ثقفی نامیده می‌شد. به عراق و مدینه و مکه و شام و مصر سفر کرد و از مالک بن انس و لیث بن سعد و حماد بن زید و عبدالله بن لهیعه و ابوعوانه و سفیان بن عیینه و حفص بن غیاث و جریر بن عبدالحمید و معاویه بن عمار دهنی و بسیاری دیگر حدیث شنید. احمد بن حنبل و ابوداود سجستانی و ابوزرعه رازی و ابوحاتم رازی و بخاری و مسلم و همچنین نسائی و ترمذی در کتب خود، از وی حدیث نقل کرده‌اند و او را ثقه و مورد اعتماد توصیف کرده‌اند. بخاری در «صحیح» خود ۳۰۸ حدیث و مسلم نیز در «صحیح» خود ۶۶۸ حدیث از او آورده‌اند. نسائی مدت یک سال در خدمت او بود و از او بسیار حدیث فراگرفت. عبدالله بن محمد بغوی گوید که قتیبه بن سعید در سال ۲۴۰ ق بلخ را به سوی بغلان ترک گفت و پس از اقامتی کوتاه در بغلان از دنیا رفت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۷/۶)، تاریخ بغداد (۴۷۰-۴۶۴/۱۲)، تاریخ الکبیر (۱۹۵/۷)، تهذیب التهذیب (۳۱۳-۳۱۱/۸)، الجرح و التعديل (ج ۳، ق ۱۴۰/۲)، سیر النبلاء (۲۴-۱۳/۱۱).

بغوی، ابوالطیب محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۱۹ ق)، محدث اهل سنت. خاله زاده‌ی عبدالله بن محمد بغوی است. وی از حماد بن حسن عنبسه و احمد بن عبدالله مکتب و محمد بن شداد مسمعی روایت کرده است. قاضی ابوالحسن جراحی و ابن شاهین از وی روایت کرده‌اند. خطیب بغداد مورد اعتماد بودن وی را ستوده و گوید که جز خوبی از او نمی‌داند. بغوی به پنج واسطه از جابر بن عبدالله از پیامبر (ص) روایت کرده که آن حضرت روز حدیبیه دست امیرالمؤمنین (ع) را گرفت و فرمود: هذا امیر البرره... و آن گاه صدا را بلند کرد و فرمود: انا مدینه العلم و علی بابها....

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۳۷۷/۲)، رحانه (۲۷۲/۱).

بغوی، ابوالقاسم عبدالله

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۱۷- ۲۱۴/ ۲۱۳ ق)، عالم و محدث. اصل وی از بغ یا بغشو از شهرهای خراسان است. ابوالقاسم نوه‌ی دختری احمد بن منیع بغوی است، لذا به ابن منیع نیز مشهور است. در بغداد به دنیا آمد و همان جا سکنی گزید. در زمان خود محدث و مسند عراق بود. وی از احمد بن حنبل و علی بن المدینی و علی بن الجعد و بسیاری از مشایخ بخاری و مسلم روایت کرده است. ابوعلی نیشابوری و ابوبکر اسماعیلی و ابوبکر شافعی و ابواحمد حسینک نیشابوری و ابواحمد حاکم و ابوالحسن دارقطنی و کتانی و ابن شاهین و ابوبکر بن المقرئ اصفهانی و ابوبکر احمد بن عبدان شیرازی، محدث اهواز، و ابوبکر بن شاذان و ابوبکر بن مهندس مصری و ابوبکر جعابی و طبرانی از شاگردان وی به حساب آمده‌اند. عمر طولانی او را مرجع استفاده دو نسل بلکه سه نسل پشت سر هم قرار داده بود. از آثارش: «الجعدیات» است که در آن احادیث بزرگترین استاد خود علی بن الجعد هاشمی را در ۱۲ جزء جمع آوری کرده است. محمد بن احمد لیلی و محمد بن جعفر بغدادی که هر دو از مشایخ صدوق می‌باشند، از راویان این اثرند. از دیگر آثار وی: «معجم الصحابه» یا «معجم کبیر»؛ کتاب «المسند»، در حدیث؛ کتاب «السنن علی مذاهب الفقهاء»، در فقه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۶۳/۴)، تاریخ بغداد (۱۱۷- ۱۱۱ / ۱۰)، ریحانه (۲۷۲/۱)، سیرالنبلاء (۴۵۷- ۴۴۰ / ۱۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۷- ۱۵۶ / ۴)، الفهرست لابن الندیم (۳۲۵)، کشف الظنون (۱۷۳۶- ۶۷۴)، الکنی و الالقاب (۸۸/۲)، لسان المیزان (۷۱/۸، ۱۲۴، ۱۲۰/۴)، لغت‌نامه (ذیل / بغوی)، معجم البلدان (۵۵۳/۱)، معجم المؤلفین (۱۲۶/۶)، الوافی بالوفیات (۴۷۹/۱۷).

بغوی، ظهیرالدین، ابومحمد حسین

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۱۰/۵۱۶-۴۳۶ ق)، فقیه شافعی، مفسر، محدث و عارف. ملقب به محیی السنه و مشهور به ابن فراء، یا فراء. منسوب به بغ یا بغشور، از قریه‌های میان سرخس و هرات در فقه شاگرد قاضی حسین بن محمد مرورودی و در عرفان شاگرد شبلی، ابومحمد مرتعش و عبدالله منازل بود. بغوی چون مجلس درس آراست هیچ‌گاه بی‌طهارت به تدریس آغاز نکرد. از جمله شاگردان وی در حدیث ابوالفتح محمد بن محمد طایی و ابومنصور محمد عطاری و ابوالمکارم فضل‌الله بن محمد نوقانی بوده‌اند. او با غزالی معاصر بود. وی در مرورود، درگذشت و در کنار شیخش، قاضی حسین مرورودی در مقبره‌ی طالقان دفن شد. از جمله‌ی آثار وی: «التهذیب»، «شرح السنه»، «در حدیث؛ «معالم التنزیل»، «در تفسیر؛ «مصاییح السنه»؛ «الجمع بین الصحیحین»؛ «شمائل النبی المختار»؛ «الکفایه فی فروغ الشافعیه»، به فارسی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲/۲۸۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۲۹-۹۲۸، ۲/۲۶۰)، تاریخ نظم و نثر (۱۲۶)، حبیب السیر (۲/۳۱۹)، دائره المعارف الاسلامیه (۴/۲۷)، روضات الجنات (۱۸۱-۱۷۵/۳)، ریحانه (۲۷۲-۲۷۱/۱)، سرآمدان فرهنگ (۱/۱۷۹)، سیر النبلاء (۴۴۳-۴۳۹/۱۹)، کشف الظنون (۱۴۹۹)، الکنی و الالقاب (۸۸/۲)، لغت‌نامه (ذیل / بغوی)، معجم البلدان (۵۵۴-۵۵۳/۱)، معجم المؤلفین (۴/۶۱)، نامه‌ی دانشوران (۲۵۹-۲۵۷/۷)، الوافی بالوفیات (۶۳/۱۳)، وفیات الاعیان (۱۳۷-۱۳۶/۲)، هدیة العارفين (۱/۳۱۲).

بفروئی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم شیخ محمد علی بن احمد بفروئی یزدی حایری عالمی بزرگ و فقیهی فاضل و مدرسی جلیل بوده‌اند. این بزرگوار اصلاً از بفرو و از معمرین و مجتهدین بزرگ و رجال علم بوده است در کربلا. از محضر علامه شیخ محمد حسین یزدی مشهور پباشنه طلائی حایری صاحب کتاب (المقالید) و علامه مولی محمد حسین فاضل اردکانی و در نجف از محضر علامه جلیل شیخنا الانصاری و دیگران استفاده نموده تا از بزرگان عصر خود گردیده و حوزه تدریس تشکیل داده و بسیاری از فضلاء بدرسش حاضر و همگی از تبحر علمی و ورع او تمجید و تجلیل نموده‌اند. در حرم مطهر حسینی علیه‌السلام اقامه جماعت مینمود تا در حدود سال ۱۳۲۴ قمری وفات نموده و در جوار سالار شهیدان مدفون گردیده است.

وی از استادش علامه اردکانی روایت نموده و جماعتی از شاگردان او مانند شیخ علی بن غلامعلی بهبهانی که از علماء بزرگ خرمشهر بوده از او روایت نموده‌اند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بقای اصفهانی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۱-۱۲۵۷ ق)، خطاط، ادیب و شاعر، متخلص به بقاء ملقب به شرف المعالی و اشرف الکتاب از بزرگان و معارف اصفهان بود و در تهران اقامت داشت. بقا خطوط مختلف را خوش می‌نوشت و در نسخ مهارت داشت. شعر نیز می‌سرود و صاحب طبع بود. وی در تهران در گذشت. از آثار او: «آیات یا مراتب و مناقب خسروی» شعر؛ «رساله‌ی هاشمیه»، شعر. از خطوط وی: جزوه‌ی «زیارت جامعه»، سرلوح مذهب، نسخ و رقاع کتابت خفی عالی، با رقم: «بجهت... ۱۲۸۳ تحریر شد... انا العبد سید محمد الاصفهانی»؛ قرآن وزیری جلد روغنی، نسخ کتابت نسخ کتابت خوش، با رقم: «... سید محمد بقاء اصفهانی... ۱۲۹۹»؛ یک رقع به خط نسخ کتابت خوش، با رقم: «... کتبه العبد سید محمد المتخلص بالبقا، سنه ۱۳۱۴»؛ «صحیفه سجاده»، یک سرلوح مذهب، به خط نسخ کتابت خوش و نستعلیق تحریر متوسط و در آخر رقاع خوش، با رقم: «... حرره العبد سید محمد المتخلص بالبقا الملقب بشرف المعالی سنه ۱۳۲۲». سیزده اثر دیگر وی در «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۴۴-۱۱۴۳/۴)، تذکره القبور (۱۴۹)، حدیثه الشعراء (۲۴۹-۲۴۸/۱)، المآثر و الآثار (۲۰۲)، مؤلفین کتب چاپی (۷۸۳-۷۸۲/۵).

بقایای کرمانی، مظفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر مظفر بقایای کرمانی (۱۲۹۰-۱۳۶۶ ش.) یکی از بحث‌انگیزترین شخصیت‌های سیاسی تاریخ معاصر ایران است. او در یک خانواده دارای پیشینه سیاسی در کرمان به دنیا آمد. پدرش، میرزا شهاب، از فعالین انجمن‌های مخفی وابسته به لژ بیداری ایران در دوران محمدعلی شاه و پس از آن در کرمان بود. مظفر در ۱۸ سالگی به خرج دولت برای ادامه تحصیل راهی فرانسه شد و در ۲۷ سالگی به ایران بازگشت. با رواج فعالیت احزاب سیاسی در فضای پس از شهریور ۱۳۲۰، مظفر راه پیشرفت خود را در فعالیت‌های حزبی یافت. او ابتدا به عضویت حزب اتحاد ملی و مدتی بعد به عضویت حزب کار درآمد. با تأسیس حزب دمکرات ایران، به رهبری قوام‌السلطنه، فعالیت سیاسی بقایای وارد مرحله جدیدی شد. بقایای، به سان گروه کثیری از جوانان جویای نام آن زمان، به این حزب پیوست. او در حزب دمکرات قوام به سرعت رشد کرد، برای تأسیس و تصدی شعبه این حزب به کرمان رفت و سرانجام در سال ۱۳۲۶ به عنوان کاندیدای حزب دمکرات از کرمان به مجلس پانزدهم راه یافت. حلقه دوستان بقایای از سال‌های آغازین فعالیت سیاسی اش با حسن پاکروان (سرلشکر و رئیس بعدی ساواک) و مادر فرانسوی او، امینه پاکروان، رابطه نزدیک داشت. این رابطه تا واپسین سال‌های زندگی اینان ادامه یافت. به این حلقه دوستان باید عیسی سپهدی و علی زُهری را افزود. این حلقه با سفارت فرانسه در تهران ارتباط نزدیک داشت. در این میان، پیوندهای بقایای با عیسی سپهدی، دوست دوران فرانسه او، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اسناد به دست آمده تردیدی برجای نمی‌گذارد که سپهدی واسطه انتقال برخی پیام‌های مرموز به بقایای بود که راه سیاسی او را ترسیم می‌کرد. جنجال و شهرت در دوران نخست‌وزیری سپهدی حاج‌علی رزم‌آرا، بقایای سرسخت‌ترین مخالف او بود و به همین دلیل دستگیر و به یک سال زندان محکوم شد ولی در دادگاه تجدیدنظر تبرئه گردید. این مخالفت‌ها و محاکمه‌های جنجالی، که توسط مطبوعات آن زمان انعکاس وسیع می‌یافت، شهرت بقایای را افزایش داد. بدینسان، بقایای در آستانه چهل سالگی به یکی از چند چهره درجه اول سیاسی کشور بدل شد. نفر دوم جبهه ملی ایران در اسفند ۱۳۲۹ رزم‌آرا به قتل رسید و مدت کوتاهی بعد طرح ملی شدن صنعت نفت، که بقایای یکی از امضاکنندگان آن بود، تصویب شد. در این زمان، که مقارن با

نخست‌وزیری حسین علا- است، بقایی در رأس سازمان خلع ید از شرکت نفت انگلیس و ایران قرار گرفت. این حوادث، در اردیبهشت ۱۳۳۰ به تشکیل دولت دکتر محمد مصدق انجامید و اختلافات میان ایران از یکسو و شرکت نفت انگلیس و دولت بریتانیا از سوی دیگر به اوج خود رسید. در این دوران، بقایی خود را به عنوان یکی از چهره‌های اصلی نهضت ملی مطرح می‌کرد و به این عنوان نیز شناخته می‌شد. از جمله، بقایی طی نطقی در مجلس خود را به عنوان «مراقب و محافظ دکتر مصدق پیشوای خودم که به ملت ایران و به ما بزرگترین درس فداکاری را داده» مطرح نمود. جعل بزرگ: اسناد خانه سدان حادثه مهم دیگر که نقش بقایی را در حوادث سیاسی روز برجسته کرد و او را به یک چهره جنجالی و شاخص "ضد انگلیسی" بدل نمود، ماجرای خانه سدان است: ظاهراً در اوایل تیرماه ۱۳۳۰ امیر حسین پاکروان، کارمند شرکت نفت انگلیس و ایران، به بقایی اطلاع داد که اسنادی از اداره انتشارات و تبلیغات شرکت نفت به منزل ن. ر. سدان، نماینده شرکت نفت انگلیس در ایران، در خیابان قوام‌السلطنه منتقل می‌شود. بقایی به همراه سرلشکر فضل‌الله زاهدی، رئیس شهربانی وقت، و جهانگیر تفضلی خانه سدان را تفتیش کرد و اسناد مزبور را به دست آورد. بخشی از اسناد خانه سدان توسط بقایی در روزنامه شاهد، و سایر مطبوعات آن زمان، منتشر شد و جنجال بزرگی به پا کرد. بعدها، در جریان دادگاه لاهه (خرداد ۱۳۳۱) اسناد خانه سدان به عنوان مدارک مداخله شرکت نفت انگلیس در امور داخلی ایران ارائه شد. امروزه، اصالت این ماجرا مورد تردید جدی است و برخی محققین، از جمله آبراهامیان، اسناد فوق، یا بخشی از آن، را جعلی یا دستکاری شده می‌دانند. نگارنده نیز در طی کار چند ساله خود بر روی اسناد خانه سدان، در مجموعه اسناد شخصی بقایی، به این نتیجه قطعی رسید که اسناد فوق کاملاً جعلی است. به عبارت دیگر، اصل اسناد دستمایه قرار گرفته و اسامی و مواردی که مورد نظر بوده به اسناد افزوده شده. در این باره دلایل کاملاً مستندی دارم که در زمان مناسب به صورت مقاله عرضه خواهم کرد. خلیل ملکی: دوستی و دشمنی در این دوران بقایی با خلیل ملکی همکاری نزدیکی را آغاز کرد. ملکی از رهبران حزب توده ایران بود که در سال ۱۳۲۶ انشعاب پریهویی را از این حزب سازمان داد و منادی مشی سوسیالیستی مستقل از مسکو شد. این مشی بعدها به نام نیروی سوم شهرت یافت. پس از مدتی، ملکی به اتفاق هوادارانش به سازمان نگهبانان آزادی، به رهبری بقایی، پیوست و در اواخر اردیبهشت ۱۳۳۰ به اتفاق بقایی حزب زحمتکشان ملت ایران را تأسیس کرد. روزنامه شاهد ارگان این حزب بود. سازمان نگهبانان آزادی و سپس حزب زحمتکشان ملت ایران، با بهره‌گیری از تجارب سازمانی و تئوریک ملکی و دوستانش، توانست در بین روشنفکران و کارگران نفوذی کسب کند. حزب زحمتکشان، که تنها سازمان متشکل عضو جبهه ملی ایران به شمار می‌رفت، نقش اصلی را در مقابله با نفوذ حزب توده به عهده گرفت. مقابله این دو حزب حوادث خشونت‌آمیزی آفرید که در نهایت نهضت ملی ایران را تضعیف نمود. استیضاح زهری در روزهایی که لایحه سلب مصونیت از بقایی مطرح بود، علی زهری دولت را استیضاح کرد. این امر سبب شد که مصدق از اکثریت مجلس، که هوادار دولت او بودند، بخواهد که استعفا دهند و سپس با برگزاری رفراندوم مجلس هفدهم را منحل کرد. در ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ بقایی و زهری دستگیر شدند و به زندان عشرت‌آباد انتقال یافتند. زهری فردای آن روز آزاد شد، ولی بقایی تا کودتا و سقوط دولت مصدق در زندان بود. نقش مرموز حسین خطیبی در اسناد شخصی دکتر بقایی مجموعه‌ای از نامه‌های حسین خطیبی موجود است که واجد اهمیت فراوان تاریخی می‌باشد. حسین خطیبی از دوستان نزدیک بقایی بود که در عین حال با محمدرضا پهلوی و اردشیر زاهدی نیز رابطه نزدیک و صمیمانه داشت. طبق اسناد موجود، خطیبی حداقل از سال ۱۳۲۹ در رأس یک سازمان مخفی اطلاعاتی قرار داشت که در حزب توده دارای عوامل نفوذی بود و با عناصر برجسته اطلاعاتی ارتش پهلوی- و در رأس آنها حسن ارفع، حسن اخوی و حبیب‌الله دیهیمی- مرتبط بود. این سازمان به ظاهر در زیر رهبری عالی بقایی قرار داشت و خطیبی خود را تابع بقایی وانمود می‌کرد. معهدا، کاوش بیشتر نشان می‌دهد که خطیبی در عملیات خود کاملاً مستقل از بقایی بود. در واقع، این سازمان را باید بخشی از شبکه‌هایی به شمار آورد که در ارتباط با سرویس‌های اطلاعاتی غرب فعالیت خود را آغاز کرده بودند. بدینسان، با پیوندهایی عجیب

مواجهیم که پیشینه آن حداقل به سال ۱۳۲۹ می‌رسد؛ زمانی که بقایی به عنوان یکی از رهبران جنبش ملی شناخته می‌شود و از ستیز او با دکتر مصدق خبری نیست. این شبکه نقش مرموزی در تفرقه افکنی های آن زمان داشت. برای نمونه، دکتر مصدق پس از آغاز زمامداری اش، در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۳۰ در مجلس اعلام نمود که فداییان اسلام قصد ترور او را دارند. منبع مصدق شاه بود و شاه از دیهیمی، عضو سازمان دکتر بقایی، شنیده بود. [به شاه] عرض کردم ممکن است بفرمایید چه اشخاصی در صدد از بین بردن من هستند؟ فرمودند: دیهیمی که در سازمان دکتر بقایی است به او اینطور گفته است که فداییان اسلام در صدد قتل دکتر مصدق‌اند و دیهیمی هم به ستاد ارتش اطلاع داده و از ستاد ارتش هم به من گزارش دادند. حسین خطیبی در روز پنجشنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۳۲ توسط مأمورین فرمانداری نظامی دولت مصدق به اتهام کارگردانی عملیات قتل افشارطوس دستگیر شد. او در زندان بطور منظم با بقایی مکاتبه پنهان داشت. توجه کنیم که در این زمان سرهنگ حسن پاکروان، دوست صمیمی بقایی و خطیبی، رئیس رکن دوم ستاد ارتش بود. خطیبی در این نامه‌ها مأمورین انتظامی دولت مصدق را به شکنجه های «قرون وسطایی» علیه خود و سایر متهمین قتل افشارطوس متهم می‌کرد و بدینسان به کمک بقایی کارزار گسترده تبلیغاتی، در مجلس و مطبوعات، به سود او جریان یافت. در این نامه‌ها، خطیبی به نحوی ماجرای دستگیری و بازجویی های خود را بیان می‌دارد که بقایی راهی جز رویارویی نهایی با مصدق و درگیر شدن در نبرد مرگ و زندگی نبیند. به نظر می‌رسد که در این حادثه نیرویی در وراء و مافوق خطیبی در کار است و خطیبی تنها واسطه انتقال پیام اوست. خطیبی در این نامه‌ها طرح توطئه موهوم کودتای مصدق علیه کاشانی، مکی و بقایی و غیره را افشا می‌کند. قابل تصور است که بقایی این نامه‌ها را در اختیار آیت الله کاشانی قرار می‌داد و بدینسان تعارض های آن زمان به سوی رویارویی محتوم سوق می‌یافت. در این نامه‌ها خطیبی زندانی حتی طرح استیضاح دولت مصدق و مفاد آن را به بقایی دیکته می‌کند. کودتاچی کینه توز در ماجرای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیروهای دکتر مظفر بقایی از افرادی بودند که به خانه مصدق حمله بردند. آنان در عملیات کودتا نیز نقش فعال داشتند و به این دلیل مطبوعات پس از کودتا بقایی را یکی از رهبران "قیام ملی" علیه دولت دکتر مصدق عنوان کردند. رفتار بقایی پس از کودتا کینه‌توزانه بود. او طی مصاحبه‌های مطبوعاتی خواستار آن شد که «همکاران دولت سابق و توده‌ای‌ها به شدیدترین وضعی مجازات شوند». هواداران او در کرمان وحشیانه‌ترین تعرض‌ها را به مخالفین خود کردند و از جمله سرگرد سخایی، رئیس شهربانی کرمان، را به طرز فجیعی به قتل رسانیدند. بقایی مدتی پس از کودتا به کرمان رفت و در سخنرانی خود اعلام کرد دست کسی که سرگرد سخایی را به قتل رسانیده می‌بوسد. بقایی، که برجسته‌ترین ویژگی شخصیت او جاه‌طلبی بیمارگونه‌اش بود، انتظار نداشت که زاهدی در سمت نخست‌وزیر باقی بماند. او گمان می‌برد که با پیروزی کودتا مأموریت زاهدی خاتمه یافته و مسند نخست‌وزیری به وی تقدیم می‌شود. شاید، مستقیم یا غیرمستقیم، چنین وعده‌هایی به او داده شده بود. معهذا، چنین نشد. علت ناکامی بقایی در تصدی مناصب عالی دولتی را باید در ارزیابی دقیق مأمورین اطلاعاتی غربی از شخصیت بقایی جستجو کرد. برای نمونه، مأمورین اطلاعاتی آمریکا بقایی را فردی «متلون، زیرک و هوجی» می‌شناختند و به همین دلیل به وی اعتماد نداشتند. بقایی سرخورده از ناکامی سیاسی، سخنانی علیه زاهدی بیان داشت که منجر به تبعید محترمانه او به زاهدان شد. پس از زاهدان مدتی در اراک بود و سپس به کرمان رفت. امیر اسدالله علم، وزیر کشور وقت و دوست محمدرضا شاه پهلوی، از بقایی دعوت کرد که «در صورت تمایل بقیه ایام تبعید را در باغ ملکی ایشان در بیرجند بگذرانند که موجب امتنان و تشکر گردید». علت این رفتار دوگانه را باید در اختلافات میان زاهدی و شاه جستجو کرد. این اختلافات سرانجام به سود دربار پایان یافت و زاهدی، که مورد حمایت آمریکایی‌ها بود، از کشور خارج شد و زمام قدرت بطور کامل به دست شاه افتاد. تلاش نافرجام در سال ۱۳۳۹ بقایی با واسطه شمس پهلوی با شاه ملاقات کرد و پس از مذاکراتی به وی اجازه داده شد که در انتخابات مجلس شرکت کند. در مجموعه اسناد شخصی بقایی طرحی موجود است که در این زمان بقایی برای تجدید فعالیت سیاسی خود تنظیم کرده است. این طرح، که نسخه اصلی آن به خط فرد ناشناسی

است و توسط بقایای اصلاحات مختصری در آن صورت گرفته و سپس تایپ شده، به روشنی گویای اهداف تکاپوی بقایی در این دوران است. مطالب مندرجه و به ویژه درخواست های بقایی روشن می کند که این طرح، که نام مخاطب بقایی در آن مندرج نیست، برای ارائه به مقامات عالی تصمیم گیرنده تنظیم شده است. مخاطب این طرح یا محمدرضا پهلوی است یا مقامات خارجی مرتبط با مسایل ایران. طرح با تحلیلی از ساختار اجتماعی ایران آغاز می شود، عدم تراکم روستاها در ایران را یکی «از عوامل مقاوم [در برابر] کمونیزم» و اختلاف طبقاتی در ایران را «از عوامل مساعد برای نفوذ کمونیزم» ارزیابی می کند. سپس به علل و زمینه های پیدایش کمونیزم در ایران و روش های عملکرد آن می پردازد. در مقابل، عملکرد «دستگاه» حاکمه ایران قرار دارد که «بد» ارزیابی می شود. در مقابل این دو، سازمان نگهبانان آزادی، به رهبری بقایی، به عنوان آلت رناتوی اصلاح طلبانه ارائه می گردد که هدف از آن «جلوگیری از انقلاب سیاسی»، «در جهت حفظ رژیم سلطنت»، است: «این سازمان می تواند در تمام شهرستان های ایران به منزله دریچه اطمینانی برای رفع عصیان ها و نارضایتی های مردم تشکیل گردد.» بخش بعدی طرح به بزرگنمایی خطر کمونیزم در ایران اختصاص دارد و از جمله تأثیر فعالیت رادیو پیک ایران را، که از آذر ۱۳۳۶ توسط حزب توده ایران آغاز به کار کرده بود، معادل «سیصد روزنامه کثیرالانتشار» ارزیابی می کند. بقایی برای مقابله با «خطر کمونیزم» خواستار «امتیاز چند روزنامه منطقی و ضد کمونیست»، «امکان فعالیت حزبی به طور وسیع و علنی»، و «استفاده از کرسی مجلس شورای ملی و سنا به منظور انتقاد سالم» است. او تضمین می دهد که در سازمان نگهبانان آزادی، از آنجا که «رهبری آن انتصابی است»، امکان «رخنه افراد منحرف و غیر ملی» وجود ندارد. بقایی با خط خود به متن پیش نویس چنین افزوده است: «بنابراین، خطری در اثر زیاد شدن مثلا کمونیست ها متوجه سازمان نمی تواند بشود و هرچه بیشتر بیابند امکان هدایت آنها به راه صحیح بیشتر می شود.»

مکتب بقایی در تاریخنگاری

یکی از عرصه هایی که مکتب بقایی بیشترین تأثیر را در آن بر جای نهاد، تاریخنگاری دوران نهضت ملی شدن صنعت نفت بود که به ایجاد تقابلی تند و مطلق گرایانه میان نقش تاریخی دو رهبر نامدار آن، آیت الله سیدابوالقاسم کاشانی و دکتر محمد مصدق، انجامید. این امر تا حدود زیادی بازتاب تعارض های سیاسی روز بود. در یکسو کسانی بودند که با تجدید خاطره اختلافات میان کاشانی و مصدق در واپسین دوران حیات سیاسی این دو، موج ضدیت با دوستان مصدق را دامن می زدند. و در سوی دیگر کسانی بودند که از طریق بزرگنمایی نقش امروزی بقایی و هواداران او "پارانویای بقایی" را می آفریدند. حزب توده ایران و برخی نویسندگان مدافع دکتر مصدق از این گروه بودند. به عبارت دیگر، تاریخنگاری حوادث سال های نهضت ملی به عرصه ای پرتنش بدل شد که بازتاب عمل روزمره سیاسی بود.

بکرآبادی، سعیده

قرن: ۵

جنسیت: زن

ملیت: ایران

ز پیش از ۴۲۷ ق. از زنان محدث. وی دختر احمد بن محمد بن شعیب بود و از ابونعیم و عبدالملک بن محمد بن عدی روایت کرده است.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: تاریخ جرجان، ۵۰۴.

بکوس، ابواسحاق ابراهیم

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، طبیب و مترجم. پزشکی ماهر و ترجمی زبردست بوده و زبانهای سریانی و عبری را خوب می‌دانسته است. در دولت عباسیان کتب زیادی از یونانی به عربی نقل کرده و در بیمارستان عضدی طبابت و تدریس می‌کرده است. در اواخر عمر نابینا شد، با این وصف همچنان به طبابت اشتغال داشت. آثار وی عبارت‌اند از: «کناش کبیر در طب»، «کناش صغیر در طب»، «مقاله‌ای در باب آبله»، «رساله‌ای در تشریح و درمان چشم»، «رساله‌ای در بیماری پوست»، «کتابی در رویا»، «رساله‌ای در آبهای معدنی»، «رساله‌ای در درمان سموم».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ طب (۶۶۴-۶۶۳، ۲۷۰-۲۶۹/۲)، کشف الظنون (۱۵۱۱)، هدیه العارفین (۷/۱).

بلادی بوشهری، عبدالله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیه‌الله فی الارضین آقای آقا سید عبدالله بوشهری بلادی صاحب تألیفات چند بوده و از آنها کشکول بلادیست وی در بوشهر اقامت داشته و اصلاً بحرینی و بلادیست که مهاجرت بایران و بوشهر نموده و در آنجا باقامه جماعت و ترویج دینی و تبلیغ احکام پرداخته تا از دنیا رفته است.

علامه رازی در کرام البرره ص ۷۸۴ گوید: اوست سید عبدالله بن سید علی ابن سید محمد بن سید عبدالله بلادی عالمی بزرگ از اجلاد علماء و مشاهیر عصر خود و استاد شیخ یوسف بحرینی صاحب (حدائق) و ساکن بوشهر بوده که حفیدش در (الغیث الزابد) نقل کرده و گفته او در سال ۱۲۳۳ بدنی آمده و در ۱۲۸۲ وفات نموده و کتابی در ادله اصول الفقه دارد. اولاد او تمامی بنام: آقا سید محمد مهدی و آقا سید مرتضی و آقا سید ابوالقاسم و آقا سید هاشم از علماء بوده و احفادش در بهبهان و خوزستان و تهران و نقاط دیگر میباشند.

شیخ عبدالله بوشهری او فرزند حسن بن محمد علی آل عبدالجبار بوشهری عالمی فقیه بوده منظومه‌ای در اصول فقه بنام (زهره ارض الغری) دارد. آن مرحوم نزد علماء نجف تلمذ نموده تا بدریافت اجازه نائل و عزیمت بسمت وطن نموده ولی قبل از رسیدن به بوشهر در سال ۱۲۹۲ در راه فوت نموده است.

(۱۲۸۲-۱۲۳۳ ق)، عالم. اصلاً بحرینی و بلادی است. جدش از بزرگان علما و مشاهیر عصر خویش بود. سید عبدالله بن بوشهر مهاجرت کرد و در آنجا تا پایان عمر ماندگار شد. وی استاد شیخ یوسف بحرینی، صاحب «حدائق» است، نوهی او در کتاب «الغیث الزابد» شرح حال سید عبدالله بوشهری را آورده و گوید که: فرزندان وی جملگی از علما بوده‌اند و احفادش در بهبهان و خوزستان و تهران و دیگر نقاط هستند. از آثار وی کتابی در «ادله من اصول الفقه» است. [۱]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۸۴/۱۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳/۲۳۷).

بلادی بهبهانی بوشهری، عبدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۹۲- ح ۱۳۷۰ ق)، فقیه، مجتهد و ادیب. در بوشهر متولد شد پس از تحصیل مقدمات به نجف اشرف رفت و سالها در نجف تحصیل علوم دینی کرد و به مقام اجتهاد رسید و سپس به بوشهر بازگشت. سید عبدالله علاوه بر مقام اجتهاد، در زبان و ادبیات عرب نیز تبحر داشت. او از آزادیخواهان و وطن دوستان حافظان استقلال ایران بود. از آثار او: «السحاب اللئالی فی المطالب العوالی»، کشکول، به عربی، در دو جلد؛ «توضیح المآرب»؛ «بصر الحدید فی معرفه الهیئه علی الطرز الجدید»، در هیئت؛ «رحله الحرمین»؛ «الردود الستة»؛ «ضیاء المستضیین»، مجموعه‌ای فارسی؛ «محفظه الانوار»، ترجمه کلمات قصار امیرالمؤمنین (ع)؛ «المسائل الاربعه»؛ «المقالات العشر»، در سیاست اسلامی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۰۰- ۵۹۸/۳)، الذریعه (۳۹۲/۲۱، ۱۵۲/۲۰، ۱۳۰/۱۵، ۱۵۰/۱۲، ۲۳۸، ۱۶۸/۱۰، ۴۹۵/۴، ۱۲۶/۳)، زندگینامه رجال و مشاهیر (۱۰۴/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۹۳۷/۳).

بلادری، ابوجعفر، ابوالحسن احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۷۹ ق)، مورخ، جغرافیدان، ادیب، شاعر و مترجم. اصل و ریشه ایرانی دارد ولی نشو‌نمایش در بغداد بود. از مترجمان مشهور فارسی به عربی است. از گروه انبوهی از مشایخ عراق و دمشق و انطاکیه روایت کرده و از آخرین مشاهیر مورخان فتوحات اسلامی است. او نزد خلفای عباسی هم‌عصرش چون متوکل و مستعین معتز تقرب داشت. در آخر عمر به جهت خوردن میوه‌ی بلادری (بلادر مساوی است با آناکردیوم) مبتلا به اختلال حواس شد و در بیمارستان بغداد جان داد. از آثار وی: «انساب الاشراف»؛ «البلدان الصغیر»؛ «البلدان الکبیر»، ناتمام؛ «عهد اردشیر»؛ «فتوح البلدان».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۵۲/۱)، دایره‌المعارف فارسی (۴۳۸/۱)، ریحانه (۲۷۶- ۲۷۵/۱)، سیر النبلاء (۱۶۳- ۱۶۲/۱۳)، الفهرست لابن‌الندیم (۱۶۴)، کشف‌الظنون (۱۴۰۲، ۱۷۹)، الکنی و الالقاب (۹۳- ۹۲/۲)، لسان‌المیزان (۴۹۰- ۴۸۹/۱)، معجم‌الادباء (۱۰۲- ۸۹/۵)، معجم‌المؤلفین (۲۰۲- ۲۰۱/۲)، الوافی بالوفیات (۲۴۱- ۲۳۹/۸).

بلاغی نایینی، صدرالدین، محمد تقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۰ ش)، فقیه، مترجم، نویسنده، خطیب و شاعر. معروف به سید صدرالدین و مشهور به صدر بلاغی. وی در نابین متولد شد. در سیزده سالگی به اصفهان رفت و مدت شش سال در حوزه درس استادان آن دیار مشغول به تحصیل ادب و منطق و فقه و اصول شد. سپس به شیراز رفت و یازده سال در آن جا به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. در ۱۳۱۸ ش به خراسان رفت و دو سال بعد به تهران آمد و در این شهر مقیم شد. بلاغی در سرودن انواع شعر مهارت داشت و اشعارش از مضامین نو و تازه آکنده بود. از آثار وی: «سخنرانیهای بلاغی در رادیو»؛ ترجمه‌ی «صحیفه‌ی سجادیه»؛ «قصص قرآن» و «فرهنگ قصص قرآن»؛ «برهان قرآن»، رد مهمترین شبهات پیروان کمونیسم.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی سخنوران یزد (۴۴۱-۴۳۲)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۹۲-۹۱)، سخنوران نامی معاصر (۵۴۹-۵۴۳)، فرهنگ سخنوران (۱۴۰)، مؤلفین کتب چاپی (۵۳۴-۵۳۳/۳).

بلاغی، شیخ حسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علامه شیخ حسن بلاغی

در روز چهارشنبه ای از ماه رجب، در یکی از محله‌ها نجف (محلّه براق) در خانه دانشمند عامل و روحانی فاضل، علامه شیخ حسن بلاغی، ستاره ای چشم به جهان گشود که امید آن می رفت تا گمشدگان وادی شب گون نادانی را به کرانه های صبح امید رساند. این نورسیده را محمد جواد نام نهادند. و بدین سان در سال ۱۲۸۲ ق. (۸۰) خداوند نعمتی دیگر به جامعه شیعه عنایت کرد. آل بلاغی یکی از خاندانهای نجیب، شریف و قدیمی شهر نجف بوده اند. این دودمان پاک بسان چشمه ای پربرکت همواره جوشیده و طراوت بخشیده اند و تشنگان را سیراب کرده و همگی به جلال و بزرگی در علم و ادب شهرت داشته اند. جرعه نوش علم و معرفت.

محمد جواد پس از آنکه نشو و نما یافت و دوران کودکی را پشت سر گذاشت در بوستان همیشه سبز حوزه قدم نهاد و شاگردی آن مکتب گردید. علوم مقدماتی را در حضور نورانی علمای نجف فراگرفت و تا ۲۴ سالگی از اساتید بزرگ آن حوزه عظیم، استفاده های علمی و معنوی فراوانی برد.

روان پاک بلاغی که شیفته کسب معارف و درک فضایل بود او را در سال ۱۳۰۶ ق. مجبور به ترک زادگاهش کرد و او با دلی مالا مال از عشق و علاقه به فراگیری دانش و خودسازی، وارد شهر مقدس کاظمین شد تا بتواند در سایه اندیشه های بلند آن دیار، به اهداف عالی اش نایل آید.

ایشان شش سال از عمر مبارکش را در این شهر صرف تحصیل و تهذیب نمود و تا سال ۱۳۱۲ ق. در کاظمین ماند. او در همان شهر با خانواده شریف عالم بزرگوار سید موسی جزایری وصلت نمود.

در سی سالگی به زادگاهش نجف اشرف بازگشت و در درس سرآمدترین استوانه های علمی و عملی عصر خویش حاضر شد و سرزمین سبز فکرش را با زلال آبهای با صفای آن حوزه طراوت بخشید و مدت ۱۴ سال در این دانشگاه بزرگ اسلامی ماند و از باغ و بوستانهای نجف خوشه های فراوان علم و معنویت چید.

شیخ محمد جواد بلاغی که سالهای متمادی را در پی علم و عمل گذرانده بود در سال ۱۳۲۶ ق. وارد شهر مقدس سامرا شد و در درس مرجع مجاهد و رهبر انقلابی، میرزا محمد تقی شیرازی شرکت جست و ده سال بر سفره علمی این مجتهد سترگ و بیدار مهمان بود و با استفاده از جنبه های روحی و معنوی آن بزرگوار، خویشتن را تقویت کرد. این دانشمند وارسته آنچنان شیفته دانش و یاد گرفتن بود که تا ۵۴ سالگی در درس میرزای شیرازی شرکت نمود. راهنمایان رهرو خوبیها

اندیشمندان و فرزاتنگانی که علامه بلاغی در حضور نورانی آنان نشست و آموخت عبارت اند از:

۱. فقیه بزرگوار شیخ محمد طه نجف (متوفی ۱۳۲۳ ق.)
 ۲. فقیه محقق حاج آقا رضا همدانی (متوفی ۱۳۲۲ ق.)
 ۳. عالم و اصولی مدقق شیخ محمد کاظم خراسانی (متوفی ۱۳۲۹ ق.)
 ۴. علامه فقیه سید حسن صدرالدین کاظمی (متوفی ۱۳۵۴ ق.)
 ۵. فقیه بزرگ شیخ محمد حسین مامقانی (متوفی ۱۳۲۳ ق.)
 ۶. علامه محدث میرزا حسین نوری (متوفی ۱۳۲۰ ق.)
 ۷. فقیه عالی‌مقام سید محمد حسن هاشم هندی غروی (متوفی ۱۳۲۳ ق.)
 ۸. مرجع مجاهد میرزا محمد تقی شیرازی (متوفی ۱۳۳۸ ق.) (۸۱)
- پیوند دانش و مبارزه

این متعهد وظیفه شناس از تبار روحانیتی بیدار و آگاه بود که در پی استقلال طلبی کشور عراق از یوغ استعمار انگلیس در سال ۱۳۳۶ ق. - برای بار دوم - آهنگ شهر کاظمین کرد و در جرگه جهاد و دفاع از ثغور اسلامی حضور یافت و به صف مجاهدان پیوست.

آینده ساز دلسوز

اینک نام تنی چند از پروردگان آن فقیه آینده ساز را ذکر می نمایم.

۱. آیه الله العظمی آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی (متوفی ۱۴۱۱ ق.)
۲. آیه الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خویی (متوفی ۱۴۱۴ ق.)
۳. آیه الله العظمی آقای حاج سید هادی میلانی (متوفی ۱۳۹۵ ق.)
۴. علامه ادیب آقای میرزا محمد علی اردوبای نجفی (متوفی ۱۳۸۰ ق.)
۵. علامه سید محمد صادق بحر العلوم (متوفی ۱۳۹۰ ق.)
۶. آیه الله شیخ محمد رضا آل فرج الله نجفی (متوفی ۱۳۸۶ ق.)
۷. آیه الله شیخ محمد مهدوی لاهیجی (متوفی ۱۴۰۳ ق.)
۸. آیه الله شیخ نجم الدین جعفر عسکری تهرانی (متوفی ۱۳۹۵ ق.)
۹. حاج شیخ ذبیح الله محلاتی (متوفی ۱۴۰۵ ق.)
۱۰. آیه الله حاج شیخ محمد رضا طبسی نجفی (متوفی ۱۴۰۵ ق.)
۱۱. میرزا محمد علی مدرس خیابانی
۱۲. استاد ادیب علی خاقانی
۱۳. آیه الله شیخ علی محمد بروجرودی (متوفی ۱۳۹۵ ق.)

۱۴. شیخ مهدی بن داوود الحجار (متوفی ۱۳۵۸ ق.)
۱۵. علامه محقق حاج شیخ مجتبی لنکرانی نجفی
۱۶. آیه الله سید صدرالدین جزایری (متوفی ۱۳۸۸ ق.)
۱۷. شیخ ابراهیم بن شیخ مهدی قریشی
۱۸. شیخ مرتضی مظاهری نجفی
۱۹. آیه الله سید مرتضی لنگرودی (متوفی ۱۳۸۳ ق.)
۲۰. علامه میرزا محمد علی ادبی تهرانی

تراوش قلم

آثار سبز او در زمینه های فقه ، تفسیر ، تاریخ ، اصول فقه ، عقاید و رد یهود و نصارا و مادیون و باییت و بهائیت تدوین یافته است .
نشانه های ماندگار ایشان عبارت است از:

۱. تفسیر آلاء الرحمن ۲. رساله ای در پاسخ به پرسشهایی که از جبل عامل برای ایشان فرستاده و در آن شبهاتی درباره قرآن نموده بودند
۳. الرحلة المدرسیه یا المدرسه السیارة ۴. الهدی الی یدن المصطفی ۵. التوحید والتثلیت ۶. اعاجیب الاکاذیب ۷. انوار الهدی
۸. البلاغ المبین ۹. نصایح الهدی ۱۰. المسیح و الانجیل ۱۱. نسمات الهدی ۱۲. المصاییح فی بعض من ابداع فی الدین فی القرن الثالث عشر ۱۳. مصباح الهدی ۱۴. مسئله فی البداء ۱۵. نور الهدی ۱۶. اجویه المسائل البغدادیة ۱۷. داعی الاسلام و داعی النصرانیة
۱۸. تا ۴۵. مجموعه از تعلیقه ، حاشیه و رساله های فقهی ، در این میان رساله ای در احکام وضو به چشم می خورد که علامه خود آن را به زبان انگلیسی ترجمه کرده است ۴۶. رساله ای درباره اوامر و نواهی در علم اصول ۴۷. رساله ای در نفی تزویج ام کلثوم با عمر بن خطاب ۴۸. رساله ای درباره عدم اعتبار تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام ۴۹. رد بر کتاب ((تعلیم العلماء)) نوشته غلام احمد قادیانی ۵۰. رد بر کتاب ((حیة المسیح)) نوشته غلام احمد قادیانی ۵۱. رد بر کتاب ((ینابیع الکلام)) ۵۲. رساله ای در رد جرجیس سائل و هاشم عربی (این چهار رساله در رد شبه های مخالفان اسلام بویژه مبلغان مسیحی نوشته است.)
۵۳. رساله ای در رد حسیون (رد بر فرقه قادیانیه است.) ۵۴. داروین و اصحابه. (۸۲)

مهتاب ادب

یکی از ویژگیهای شخصیت علمی علامه بلاغی ، جنبه ادبی ایشان است . او دانشمندی ادیب و ادیبی دانشمند بود. نوشته هایش را با قلم و سبکی ابتکاری و جدید و در قالبهای ادبی و شعر، داستان ، رمان و مناظره به رشته تحریر در آورده و برخی از مسائل عقیدتی و فلسفی را در قالب شعر سروده و شعرش حامل پیام بوده است .

ایشان در ثنا و رثای اهل بیت علیهم السلام چکامه هایی چند سروده است . یکی از آنها را که مرثیه ای برای امام حسین علیه السلام است مرور می کنیم :

یا تریب الخد فی رمض الطفوف

لینتی دونک نهبا للسیوف یا نصیرالدین اذ عزالنصیر

و حمی الجار اذ عزالمجیر

و شدید الباءس والیوم العسیر

و شمال الوفد فی العام العسوف

کیف یا خامس اصحاب الکسا

و ابن خیر المرسلین المصطفی

و ابن ساقی الحوض فی یوم الظماء

و شفیع الخلق فی الیوم المخوف

یا صریعا ثاویا فوق الصعید

و خضب الشیب من فیض الوریذ

کیف تقضی بین اجناد یزید

ضامیا تسقی بکاسات الحتوف (۸۳)

- ای کسی که گونه هایت در سرزمین کربلا بر خاک گرم افتاد! ای کاش من به جای تو، جایگاه ضربه های شمشیر می شدم .
 - ای یاور دین هنگامی که یاران اندک شدند! و ای امید بی پناهان هنگامی که پناه دهندگان کم شدند.
 - ای کسی که در روز جنگ و سختی صبر بسیار داری و ای ملجاء وارد شدگان در سالهای خشکی و سخت .
 - چه سان است ای پنجمین اصحاب کساء و ای فرزند بهترین رسولان (حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم)
 - ای فرزند ساقی حوض (حضرت علی علیه السلام) در روز تشنگی ، شفاعت کننده مردم در روز ترسناک .
 - ای کشته افتاده روی زمین و ای کسی که محاسنت با خون گلویت خضاب است .
 - چگونه تشنه ماندی بین لشکر یزید، در حالی که سیرابت می کردند از جام مرگها.
- چکاد تلاش

آموختن زبانهای خارجی با امکانات محدود آن روز، کاری بسیار مشکل بوده است . علامه بلاغی علاوه بر زبان عربی ، زبانهای عبری ، انگلیسی و فارسی (۸۴) را خوب می دانست و به آنها تسلط داشت و فراگیری آنها به شخصیت علمی ایشان برجستگی ویژه ای بخشیده بود.

درباره چگونگی آموختن زبان عبری چنین نگاشته اند: ((زبان عبری را از یهود دوره گرد آموخته است . در آن روزگار گروهی یهودی در شهرهای عراق بودند که مقداری جنس ، پارچه و امثال آن ، بر دوش داشتند و در کوچه و بازار می گشتند و می فروختند. بلاغی از این فرصت استفاده می کرد و درباره مفردات و جمله بندی زبان عبری از آنان چیزهایی می پرسید. گاه مجبور

می شد همه اجناس یک یهودی دوره گرد را بخرد تا از او درباره یک واژه یا ترکیب سخنی بشنود. چون یهودیان در آموختن لغت خود به دیگران بسیار بخل می ورزیدند. بلاغی گاه شیرینی و شکلات می خرید تا اگر بچه ای یهودی ببیند به او بدهد و چیزی از او بپرسد.)) (۸۵)

شکوه گمنامی

گمنام زیست و بی هیاهو، ولی نامش در گمنامی اوست و هنرش در اخلاص والایش ...

شکوه گمنامی و حماسه اخلاص او در شعار معروفش تجلی کرده که می فرمود:

((انی لا اقصدا الا الدفاع من الحق لا فرق عندی بین ان یکون باسمی او اسم غیری .)) (۸۶): من جز دفاع از حق انگیزه ای نداشتم . بنابراین هیچ فرقی نیست که کتاب به نام من یا نام دیگری منتشر شود.

اسوه زهد

درباره ساده زیستی اش گویند:

((اتاقی کوچک داشت و محقر. در آن جز بوریاپی و روفرشی پی که بر آن می نشست هیچ چیز نبود. در زمستان وسایل گرم کردن و در تابستان وسایل سرد کردن نداشت ؛ با اینکه مزاجی ضعیف داشت و بیمار بود. با این احوال ، هیچ گاه از این اتاق بیرون نمی

رفت مگر برای نیازهای ضروری .)) (۸۷)

بحقیقت که ایشان با بی پیرایگی اش اسوه برجسته زهد و پارسایی بود.

خنیارگر بیداری

حیاتش ترکیبی از دو عنصر عقیده و جهاد بود و حرکتش بر مبنای این دو عنصر هیچ گاه گوشه نشینی را نگزید و آرام نگرفت و پیوسته حریت آمیخته با حیات را بر سر و روی جامعه اسلامی می پاشید و خوابهای گران را بر می آشفت گویند:

((برخی از بهائیان جاسوس استعمار در محله ای در بغداد، مکانی را به نام حظیره برای اجتماع خود بنا نهادند. بلاغی با شنیدن این خیر دیگر آرام نگرفت و استراحت را بر خود روا نداشت تا با مراجعه به دادگاه و قانون آنان را به ترک آن محل واداشت و پس از مدتی آنجا را به مسجدی تبدیل کرد و در آن نماز و شعایر حسینی اقامه می شد.)) (۸۸)

این روحانی آگاه ، مرز و بوم را همواره نگهبان بود و برای بیدار ساختن جامعه دل می سوزاند و تمام هستی خود را فدای خدمت به حق و خلق کرد.

وی برای چاپ کتاب ((الهدی)) (در رسوا سازی خدعه ها و توطئه های مبلغان مسیحی) پولی نداشت . بناچار هر چه در خانه داشت به قیمت ارزان فروخت و کتاب را به چاپخانه فرستاد تا خداوند اندک اندک اثاثیه خانه و زندگانی وی را فراهم ساخت (۸۹).

آخرین هجرت

آسمان شهر غم رنگ بود و اندوهبار. اشک هجران بر گونه های شهر جاری بود. زیرا خورشید اندیشه ای رو به غروب بود که هفتاد سال در آسمان علمی شیعه نور بخشیده بود. تقویم عمری رو به پایان می شد که برگ برگ وجودش را وقف خدمت کرده بود.

باد خزان بر باغ پرشکوفه رادمردی وزیدن گرفته بود که سراسر عمرش بهار بود و بیداری فصل فراق در گوش جان علامه آهنگ وداع می نواخت و نسیم ((ارجعی)) (۹۰) جانان در بوستان جاننش وزیدن داشت و در حیاط ((حیاتش)) می رفت که با قفل مرگ بسته شود. او که عمری در وادی رضای حق قدم و قلم زد اکنون مجنون صفت مشتاق نوشیدن جام وصال بود.

سرانجام این چکاد تعبد و تخصص ، فقیه و ادیب فرزانه و مجاهد زاهد، شب دوشنبه بیست و دوم شعبان ۱۳۵۲ ق . (۹۱) ندای

حضرت دوست را لیک گفت و مرغ جاننش با کوله باری از خدمت و خوبی و افتخار به سرای ابدی پر کشید و در آستان دوست جای گرفت. خاکیان را در سوگ و عرشیان را در سرور نشانده. حوزه های علمیه - بویژه طلاب نجف - در این فقدان، غرق در ماتم شد. پس از تجلیل و تشییع، پیکر پاکش را در حجره جنوبی سوم در سمت غربی صحن مبارک حضرت علی علیه السلام، در کنار آرامگاه جواد بن محمد حسینی (مؤلف کتاب مفتاح الکرامه) به خاک سپردند. روحش شاد، راهش سبز و پر رهرو و تربتش از شمع رضای جانان نورانی باد.

آثار:

تفسیر آلاء الرحمن

الرحله المدرسیه یا المدرسه السیاره

الهدی الی یدن المصطفی

التوحید والتثلیت

اعاجیب الاکاذیب

انوار الهدی

البلاغ المبین

نصایح الهدی

المسیح و الانجیل

نسمات الهدی

المصابیح فی بعض من ابدع فی الدین فی القرن الثالث عشر

مصباح الهدی

مسئله فی البداء

نور الهدی

اجویه المسائل البغدادیه

داعی الاسلام و داعی النصرانیه

رساله ای درباره اوامر و نواهی در علم اصول

رساله ای در نفی تزویج ام کلثوم با عمر بن خطاب

رساله ای درباره عدم اعتبار تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام

رد بر کتاب ((تعلیم العلماء))

رد بر کتاب ((حیاه المسیح))

رد بر کتاب ((ینابیع الکلام))

رساله ای در رد جرجیس سائل و هاشم عربی

رساله ای در رد حسیون

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در روز چهارشنبه ای از ماه رجب، در یکی از محله‌ها نجف (محلّه براق) در خانه دانشمند عامل و روحانی فاضل، علامه شیخ حسن بلاغی، ستاره ای چشم به جهان گشود که امید آن می‌رفت تا گمشدگان وادی شب گون نادانی را به کرانه‌های صبح امید رساند. این نورسیده را محمد جواد نام نهادند. و بدین سان در سال ۱۲۸۲ ق. خداوند نعمتی دیگر به جامعه شیعه عنایت کرد. آل بلاغی یکی از خاندانهای نجیب، شریف و قدیمی شهر نجف بوده‌اند. این دودمان پاک بسان چشمه ای پربرکت همواره جوشیده و طراوت بخشیده‌اند و تشنگان را سیراب کرده و همگی به جلال و بزرگی در علم و ادب شهرت داشته‌اند. جرعه نوش علم و معرفت.

محمد جواد پس از آنکه نشو و نما یافت و دوران کودکی را پشت سر گذاشت در بوستان همیشه سبز حوزه قدم نهاد و شاگردی آن مکتب گردید. علوم مقدماتی را در حضور نورانی علمای نجف فراگرفت و تا ۲۴ سالگی از اساتید بزرگ آن حوزه عظیم، استفاده‌های علمی و معنوی فراوانی برد.

روان پاک بلاغی که شیفته کسب معارف و درک فضایل بود او را در سال ۱۳۰۶ ق. مجبور به ترک زادگاهش کرد و او با دلی مالا مال از عشق و علاقه به فراگیری دانش و خودسازی، وارد شهر مقدس کاظمین شد تا بتواند در سایه اندیشه‌های بلند آن دیار، به اهداف عالی‌اش نایل آید.

ایشان شش سال از عمر مبارکش را در این شهر صرف تحصیل و تهذیب نمود و تا سال ۱۳۱۲ ق. در کاظمین ماند. او در همان شهر با خانواده شریف عالم بزرگوار سید موسی جزایری وصلت نمود.

در سی سالگی به زادگاهش نجف اشرف بازگشت و در درس سرآمدترین استوانه‌های علمی و عملی عصر خویش حاضر شد و سرزمین سبز فکرش را با زلال آبهای با صفای آن حوزه طراوت بخشید و مدت ۱۴ سال در این دانشگاه بزرگ اسلامی ماند و از باغ و بوستانهای نجف خوشه‌های فراوان علم و معنویت چید.

شیخ محمد جواد بلاغی که سالهای متمادی را در پی علم و عمل گذرانده بود در سال ۱۳۲۶ ق. وارد شهر مقدس سامرا شد و در درس مرجع مجاهد و رهبر انقلابی، میرزا محمد تقی شیرازی شرکت جست و ده سال بر سفره علمی این مجتهد سترگ و بیدار مهمان بود و با استفاده از جنبه‌های روحی و معنوی آن بزرگوار، خویشتن را تقویت کرد.

این دانشمند وارسته آنچنان شیفته دانش و یاد گرفتن بود که تا ۵۴ سالگی در درس میرزای شیرازی شرکت نمود. راهنمایان رهرو خوبیها

اندیشمندان و فرزاندگانی که علامه بلاغی در حضور نورانی آنان نشست و آموخت عبارت‌اند از:

۱. فقیه بزرگوار شیخ محمد طه نجف (متوفی ۱۳۲۳ ق.).
۲. فقیه محقق حاج آقا رضا همدانی (متوفی ۱۳۲۲ ق.).
۳. عالم و اصولی مدقق شیخ محمد کاظم خراسانی (متوفی ۱۳۲۹ ق.).
۴. علامه فقیه سید حسن صدرالدین کاظمی (متوفی ۱۳۵۴ ق.).
۵. فقیه بزرگ شیخ محمد حسین مامقانی (متوفی ۱۳۲۳ ق.).
۶. علامه محدث میرزا حسین نوری (متوفی ۱۳۲۰ ق.).

۷. فقیه عالیمقام سید محمد حسن هاشم هندی غروی (متوفی ۱۳۲۳ ق.).

۸. مرجع مجاهد میرزا محمد تقی شیرازی (متوفی ۱۳۳۸ ق.).

پیوند دانش و مبارزه

این متعهد وظیفه شناس از تبار روحانیتی بیدار و آگاه بود که در پی استقلال طلبی کشور عراق از یوغ استعمار انگلیس در سال ۱۳۳۶ ق. - برای بار دوم - آهنگ شهر کاظمین کرد و در جرگه جهاد و دفاع از ثغور اسلامی حضور یافت و به صف مجاهدان پیوست.

آینده ساز دلسوز

اینک نام تنی چند از پروردگان آن فقیه آینده ساز را ذکر می نمایم.

۱. آیه الله العظمی آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی (متوفی ۱۴۱۱ ق.).

۲. آیه الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خویی (متوفی ۱۴۱۴ ق.).

۳. آیه الله العظمی آقای حاج سید هادی میلانی (متوفی ۱۳۹۵ ق.).

۴. علامه ادیب آقای میرزا محمد علی اردوبای نجفی (متوفی ۱۳۸۰ ق.).

۵. علامه سید محمد صادق بحرالعلوم (متوفی ۱۳۹۰ ق.).

۶. آیه الله شیخ محمد رضا آل فرج الله نجفی (متوفی ۱۳۸۶ ق.).

۷. آیه الله شیخ محمد مهدوی لاهیجی (متوفی ۱۴۰۳ ق.).

۸. آیه الله شیخ نجم الدین جعفر عسکری تهرانی (متوفی ۱۳۹۵ ق.).

۹. حاج شیخ ذبیح الله محلاتی (متوفی ۱۴۰۵ ق.).

۱۰. آیه الله حاج شیخ محمد رضا طبسی نجفی (متوفی ۱۴۰۵ ق.).

۱۱. میرزا محمد علی مدرس خیابانی

۱۲. استاد ادیب علی خاقانی

۱۳. آیه الله شیخ علی محمد بروجردی (متوفی ۱۳۹۵ ق.).

۱۴. شیخ مهدی بن داوودالحجار (متوفی ۱۳۵۸ ق.).

۱۵. علامه محقق حاج شیخ مجتبی لنکرانی نجفی

۱۶. آیه الله سید صدرالدین جزایری (متوفی ۱۳۸۸ ق.).

۱۷. شیخ ابراهیم بن شیخ مهدی قریشی

۱۸. شیخ مرتضی مظاهری نجفی

۱۹. آیه الله سید مرتضی لنگرودی (متوفی ۱۳۸۳ ق.).

۲۰. علامه میرزا محمد علی ادبی تهرانی

تراوش قلم

آثار سبز او در زمینه های فقه، تفسیر، تاریخ، اصول فقه، عقاید و رد یهود و نصارا و مادیون و باییت و بهائیت تدوین یافته است.

نشانه های ماندگار ایشان عبارت است از:

۱. تفسیر آلاء الرحمن ۲. رساله ای در پاسخ به پرسشهایی که از جبل عامل برای ایشان فرستاده و در آن شبهاتی درباره قرآن نموده

بودند ۳. الرحلة المدرسیة یا المدرسة السیارة ۴. الهدی الی یدن المصطفی ۵. التوحید والتثلیت ۶. اعاجیب الاکاذیب ۷. انوار الهدی

۸. البلاغ المبین ۹. نصایح الهدی ۱۰. المسيح و الانجیل ۱۱. نسمات الهدی ۱۲. المصاییح فی بعض من ابداع فی الدین فی القرن الثالث عشر ۱۳. مصباح الهدی ۱۴. مسئله فی البداء ۱۵. نورالهدی ۱۶. اجویة المسائل البغدادیة ۱۷. داعی الاسلام و داعی النصرانیة ۱۸. مجموعه از تعلیقه ، حاشیه و رساله های فقهی ، در این میان رساله ای در احکام وضو به چشم می خورد که علامه خود آن را به زبان انگلیسی ترجمه کرده است . رساله ای درباره اوامر و نواهی در علم اصول . رساله ای در نفی تزویج ام کلثوم با عمر بن خطاب . رساله ای درباره عدم اعتبار تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام . رد بر کتاب ((تعلیم العلماء)) نوشته غلام احمد قادیانی رد بر کتاب ((حیة المسيح)) نوشته غلام احمد قادیانی رد بر کتاب ((ینایع الکلام)) . رساله ای در رد جرجیس سائل و هاشم عربی (این چهار رساله در رد شبه های مخالفان اسلام بویژه مبلغان مسیحی نوشته است .)

. رساله ای در رد حسیون (رد بر فرقه قادیانیه است .) داروین و اصحابه .

مهتاب ادب

یکی از ویژگیهای شخصیت علمی علامه بلاغی ، جنبه ادبی ایشان است . او دانشمندی ادیب و ادیبی دانشمند بود. نوشته هایش را با قلم و سبکی ابتکاری و جدید و در قالبهای ادبی و شعر، داستان ، رمان و مناظره به رشته تحریر در آورده و برخی از مسائل عقیدتی و فلسفی را در قالب شعر سروده و شعرش حامل پیام بوده است .

ایشان در ثنا و رثای اهل بیت علیهم السلام چکامه هایی چند سروده است . یکی از آنها را که مرثیه ای برای امام حسین علیه السلام است مرور می کنیم :

یا تریب الخد فی رمض الطفوف

لیتینی دونکک نهبا للسیوف یا نصیرالدین اذ عزالنصیر

و حمی الجار اذ عزالمجیر

و شدید الباءس والیوم العسیر

و شمال الوفد فی العام العسوف

کیف یا خامس اصحاب الکسا

و ابن خیر المرسلین المصطفی

و ابن ساقی الحوض فی یوم الظماء

و شفیع الخلق فی الیوم المخوف

یا صریعا ثاویا فوق الصعید

و خضب الشیب من فیض الورید

کیف تقضی بین اجناد یزید

ضامیا تسقی بکاسات الحتوف

- ای کسی که گونه هایت در سرزمین کربلا بر خاک گرم افتاد! ای کاش من به جای تو، جایگاه ضربه های شمشیر می شدم .
- ای یاور دین هنگامی که یاران اندک شدند! و ای امید بی پناهان هنگامی که پناه دهندگان کم شدند.
- ای کسی که در روز جنگ و سختی صبر بسیار داری و ای ملجاء وارد شدگان در سالهای خشکی و سخت .
- چه سان است ای پنجمین اصحاب کساء و ای فرزند بهترن رسولان (حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم)
- ای فرزند ساقی حوض (حضرت علی علیه السلام) در روز تشنگی ، شفاعت کننده مردم در روز ترسناک .
- ای کشته افتاده روی زمین و ای کسی که محاسنت با خون گلویت خضاب است .

- چگونه تشنه ماندی بین لشکر یزید، در حالی که سیرابت می کردند از جام مرگها.

چکاد تلاش

آموختن زبانهای خارجی با امکانات محدود آن روز، کاری بسیار مشکل بوده است. علامه بلاغی علاوه بر زبان عربی، زبانهای عبری، انگلیسی و فارسی را خوب می دانست و به آنها تسلط داشت و فراگیری آنها به شخصیت علمی ایشان برجستگی ویژه ای بخشیده بود.

درباره چگونگی آموختن زبان عبری چنین نگاشته اند: ((زبان عبری را از یهود دوره گرد آموخته است. در آن روزگار گروهی یهودی در شهرهای عراق بودند که مقداری جنس، پارچه و امثال آن، بر دوش داشتند و در کوچه و بازار می گشتند و می فروختند. بلاغی از این فرصت استفاده می کرد و درباره مفردات و جمله بندی زبان عبری از آنان چیزهایی می پرسید. گاه مجبور می شد همه اجناس یک یهودی دوره گرد را بخرد تا از او درباره یک واژه یا ترکیب سخنی بشنود. چون یهودیان در آموختن لغت خود به دیگران بسیار بخل می ورزیدند. بلاغی گاه شیرینی و شکلات می خرید تا اگر بچه ای یهودی بیند به او بدهد و چیزی از او بپرسد.))

شکوه گمنامی

گمنام زیست و بی هیاهو، ولی نامش در گمنامی اوست و هنرش در اخلاص والایش ...

شکوه گمنامی و حماسه اخلاص او در شعار معروفش تجلی کرده که می فرمود:

((انی لا اقصدا الا الدفاع من الحق لا فرق عندی بین ان یکون باسمی او اسم غیری.)) من جز دفاع از حق انگیزه ای نداشتم. بنابراین هیچ فرقی نیست که کتاب به نام من یا نام دیگری منتشر شود.

اسوه زهد

درباره ساده زیستی اش گویند:

((اتاقی کوچک داشت و محقر. در آن جز بوریایی و روفرشی بی که بر آن می نشست هیچ چیز نبود. در زمستان وسایل گرم کردن و در تابستان وسایل سرد کردن نداشت؛ با اینکه مزاجی ضعیف داشت و بیمار بود. با این احوال، هیچ گاه از این اتاق بیرون نمی رفت مگر برای نیازهای ضروری.))

بحقیقت که ایشان با بی پیرایگی اش اسوه برجسته زهد و پارسایی بود.

خنیار بیداری

حیانتش ترکیبی از دو عنصر عقیده و جهاد بود و حرکتش بر مبنای این دو عنصر هیچ گاه گوشه نشینی را نگزید و آرام نگرفت و پیوسته حریت آمیخته با حیات را بر سر و روی جامعه اسلامی می پاشید و خوابهای گران را بر می آشفت گویند:

((برخی از بهائیان جاسوس استعمار در محله ای در بغداد، مکانی را به نام حظیره برای اجتماع خود بنا نهادند. بلاغی با شنیدن این خبر دیگر آرام نگرفت و استراحت را بر خود روا نداشت تا با مراجعه به دادگاه و قانون آنان را به ترک آن محل واداشت و پس از مدتی آنجا را به مسجدی تبدیل کرد و در آن نماز و شعایر حسینی اقامه می شد.))

این روحانی آگاه، مرز و بوم را همواره نگهبان بود و برای بیدار ساختن جامعه دل می سوزاند و تمام هستی خود را فدای خدمت به حق و خلق کرد.

وی برای چاپ کتاب ((الهدی)) (در رسوا سازی خدعه ها و توطئه های مبلغان مسیحی) پولی نداشت. بناچار هر چه در خانه داشت به قیمت ارزان فروخت و کتاب را به چاپخانه فرستاد تا خداوند اندک اندک اثاثیه خانه و زندگانی وی را فراهم ساخت.

آخرین هجرت

آسمان شهر غم رنگ بود و اندوهبار. اشک هجران بر گونه های شهر جاری بود. زیرا خورشید اندیشه ای رو به غروب بود که هفتاد سال در آسمان علمی شیعه نور بخشیده بود. تقویم عمری رو به پایان می شد که برگ برگ وجودش را وقف خدمت کرده بود.

باد خزان بر باغ پرشکوفه رادمردی وزیدن گرفته بود که سراسر عمرش بهار بود و بیداری فصل فراق در گوش جان علامه آهنگ وداع می نواخت و نسیم ((ارجعی)) جانان در بوستان جانش وزیدن داشت و در حیاط ((حیاتش)) می رفت که با قفل مرگ بسته شود. او که عمری در وادی رضای حق قدم و قلم زد اکنون مجنون صفت مشتاق نوشیدن جام وصال بود.

سرانجام این چکاد تعبد و تخصص، فقیه و ادیب فرزانه و مجاهد زاهد، شب دوشنبه بیست و دوم شعبان ۱۳۵۲ ق. ندای حضرت دوست را لیک گفت و مرغ جانش با کوله باری از خدمت و خوبی و افتخار به سرای ابدی پر کشید و در آستان دوست جای گرفت. خاکیان را در سوگ و عرشیان را در سرور نشانند. حوزه های علمیه - بویژه طلاب نجف - در این فقدان، غرق در ماتم شد. پس از تجلیل و تشییع، پیکر پاکش را در حجره جنوبی سوم در سمت غربی صحن مبارک حضرت علی علیه السلام، در کنار آرامگاه جواد بن محمد حسینی (مؤلف کتاب مفتاح الکرامه) به خاک سپردند.

روحش شاد، راهش سبز و پر رهرو و تربتش از شمع رضای جانان نورانی باد. آثار: ۱. تفسیر آلاء الرحمن

۲. الرحلة المدرسية یا المدرسة السیارة

۳. الهدی الی یدن المصطفی

۴. التوحید والتثلیت

۵. اعاجیب الاکاذیب

۶. انوار الهدی

۷. البلاغ المبین

۸. نصایح الهدی

۹. المسیح و الانجیل

۱۰. نسومات الهدی

۱۱. المصایب فی بعض من ابداع فی الدین فی القرن الثالث عشر

۱۲. مصباح الهدی

۱۳. مسئله فی البداء

۱۴. نور الهدی

۱۵. اجویة المسائل البغدادیة

۱۶. داعی الاسلام و داعی النصرانیة

۱۷. رساله ای درباره اوامر و نواهی در علم اصول

۱۸. رساله ای در نفی تزویج ام کلثوم با عمر بن خطاب

۱۹. رساله ای درباره عدم اعتبار تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام

۲۰. رد بر کتاب ((تعلیم العلماء))

۲۱. رد بر کتاب ((حیاء المسیح))

۲۲. رد بر کتاب ((ینابیع الکلام))

۲۳. رساله ای در رد جرجیس سائل و هاشم عربی

۲۴. رساله ای در رد حسیون

بلالی مود، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: استاد، رشته: مسمومیت‌ها، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناس شیمی از دانشگاه تربیت معلم در سال ۱۳۴۳، دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۹، دکترای تخصصی درمان‌شناسی از دانشکده پزشکی دانشگاه ادینبورگ بریتانیا در سال ۱۳۶۰ و فوق تخصص مسمومیت‌ها از بیمارستان سلطنتی ادینبورگ در سال ۱۳۶۰.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علوم پزشکی مشهد از سال تا سال ۱۳۵۸، استادیار دانشگاه ادینبورگ از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۶۰، استادیار دانشگاه مشهد از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۶۴ و دانشیار دانشگاه علوم پزشکی مشهد از سال ۱۳۴۶ تا سال ۱۳۶۹.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی آزمایشگاهی و بالینی قرصهای ایران و مقایسه آن با نمونه‌های خارجی، مقایسه میزان ماده مؤثر فرآورده‌های استامینوفن موجود در بازار، بررسی یافته‌های بالینی و آزمایشگاهی مسمومیت با گاز خردل بررسی اثرات دیررس مسمومیت با گاز جنگی خردل گوگردار و مقایسه روشهای اندازه‌گیری غلظت خونی تئوفیلین و کاربرد آن، تدریس دروس درمان‌شناسی، کنترل مسمومیت‌ها، پزشکی قانونی و مسمومیت‌ها، فارماکولوژی بالینی در دانشگاه علوم پزشکی مشهد و راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه دکترای داروسازی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

کاربرد شیمی در زندگی و مسمومیت‌های کودکان.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: -، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۷۵

زمینه علمی مقالات:

شیمی، سم‌شناسی، مسمومیت‌ها و فارماکولوژی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

بلخی ابوزید، احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۲۲- ۲۳۵ ق)، ادیب، متکلم، فیلسوف شیعه و جغرافیدان. در شامستان، از روستاهای نزدیک بلخ خراسان به دنیا آمد. پدر او از سجستان و معلم کودکان بود. در جوانی به بغداد رفت تا در مذهب امامیه تحقیق کند. در آنجا به محضر یعقوب بن اسحاق کندی راه یافت و نزد او به کسب علوم عقلی پرداخت. وی هشت سال در عراق بسر برد، و در این مدت فلسفه، نجوم، طب، طبیعیات و علم کلام و دیگر دانشها را فراگرفت، سپس از راه هرات به بلخ بازگشت. ابوزید علاوه بر تألیفات گران قدر، شاگردانی نیز داشت از جمله: ابن فریغون، ابوالحسن محمد یوسف عامری، ابومحمد حسن وزیری. برخی از محققان، زکریای رازی را نیز در فلسفه از شاگردان او می‌دانند و رازی به سبب تعلیمات وی به فلسفه نو فیثاغوری متوجه گردید. ابوزید را سومین متکلم بزرگ عالم اسلام می‌دانند. و بعضی منابع وی را در عراق جاحظ خراسان لقب دادند. حدود هفتاد تألیف به او نسبت داده‌اند، از جمله: «صور الاقالیم الاسلامیه»؛ «جمل مصالح الانفس»؛ «العلم و التعليم»؛ «تفسیر ابی زید بلخی»؛ «لغات القرآن»؛ «شرایع الادیان»؛ «رسالة حدود فلسفه»؛ «فضیله علوم ریاضیات»؛ «الاسماء و الکنی و الالقاب»؛ «عصمت الانبیاء». [۱]

احمد بن سهل بلخی، متکلم و فیلسوف خراسان، از شاگردان مشهور کندی (یعقوب بن اسحاق). وی در آغاز قرن چهارم می‌زیست (ف. ۳۲۲ ه. ق.). گذشته از کتبی که در کلام تألیف کرد، کتابهای معتبری نیز در فلسفه و علوم به رشته تحریر درآورد، مانند: حدود الفلسفه، مایصح من احکام النجوم، کتاب الاخلاق الامم، و کتاب مشهور صور الاقالیم در جغرافیا. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۱/ ۱۳۱)، اعیان الشیعه (۲۱۹- ۲۱۶/ ۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۱۱۷)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۶۸- ۶۵)، تاریخنگاران ایران (۴۴- ۴۳/ ۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۰۴۴- ۱۰۴۳/ ۸)، الذریعه (۳۳۰/ ۱۸، ۲۵۵- ۲۵۳/ ۴)، روضات الجنات (۴۹- ۵۰/ ۴)، ریحانه (۷/ ۱۲۰)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۲۲۹- ۲۲۸)، کشف الظنون (۱۴۴۰، ۱۰۸۴، ۶۰۲، ۲۲۷)، الکنی و الالقاب (۱/ ۸۱)، لسان المیزان (۱/ ۲۷۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوزید)، معجم الادباء (۸۶- ۶۴/ ۳)، معجم المؤلفین (۱/ ۲۴۰)، الملل و النحل (۳۶۵)، الوافی بالوفیات (۴۱۳- ۴۰۹/ ۶)، هدیه العارفین (۱/ ۵۹).

بلخی خراسانی، ابوالجیش مظفر

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۶۷ ق)، متکلم شیعی. از متکلمان و دانشمندان بنام شیعه در سده چهارم بود که در بلخ می‌زیست. او از شاگردان ابوسهل نوبختی است. از وی آثار بسیاری به جای مانده است. نجاشی تمام آثار ابوالجیش را از طریق شیخ خود، شیخ مفید، نقل کرده و تصریح کرده که ابوالجیش از مشایخ و اساتید مفید بوده است. از جمله آثار وی: «الارزاق و الاجال»؛ «الاعراض و النکت» یا «النکت و الاعراض فی الامامه»؛ «الانسان»؛ «نقض العثمانیه علی الجاحظ»؛ «فدک».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۶۵/۸)، الذریعه (۳۸۹، ۳۳۸، ۳۳۷-۲۳۶، ۲/ ۵۰۷/۱)، رجال النجاشی (۳۷۴-۳۷۳/۲)، هدیة العارفین (۴۶۳/۲).

بلخی، ابواسحاق، ابراهیم

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۶۲/ ۱۶۱- ۱۱۲ ق)، عارف و محدث. در خاندانی کوفی در بلخ متولد شد. آنچه درباره‌ی زندگی او می‌گویند بیشتر به افسانه شباهت دارد تا واقعیت؛ از جمله آنکه او را فرزند حاکم بلخ دانسته‌اند که بر اثر انقلابی درونی از زندگی اشرافی دست کشید و به درویشی روی آورد. شاید چون خانواده‌اش عرب‌تبار بودند، از ترس ابومسلم ناگزیر به ترک وطن شد و از خراسان به شام رفت (ح ۱۳۲ ق) و پس از آن به سفر در سرزمینهای اسلامی پرداخت. گویا در جنگهای مسلمانان با بیزانس شرکت داشت. وی بر خلاف بسیاری از متصوفه با کار در مزارع، دروگری، خوشه‌چینی، خرمنکوبی و باغبانی روزگار می‌گذرانید و در عین زهد متوجه زندگی نیز بود. به روایتی به خدمت امام باقر (ع) نیز رسید و از برکات و انفاس او بهره گرفت. به روایت ابن‌فهد، وی، زمانی که امام صادق (ع) از کوفه عازم مدینه بود با ایشان ملاقت کرد. در تصوف آوازه‌ای بلند داشت. میان زدگی او و افسانه‌ی بودا شباهتهایی یافته‌اند.

کتاب عامیانه «سیره‌السلطان ابراهیم بن ادهم»، درباره‌ی زندگی اوست. وی را در شمار محدثین مورد اعتماد نیز آورده‌اند. [۱] ابواسحاق ابراهیم بن ادهم بلخی از بزرگان زهاد نیمه اول قرن دوم هجری (مقت. ۱۶۰ یا ۱۶۶ ه.ق.) وی از بلخ به مکه رفت و مجاور گردید. در مکه به صحبت چند تن از اولیا مانند فضیل بن عیاض و سفیان ثوری رسید و سپس به شام رفت و تا پایان عمر بدانجا بود. وی در جنگ دریایی ضد بیزنطیه (بیزانس) به شهادت رسید.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۱/ ۲۴)، تاریخ اسلام (حوادث ۵۹- ۴۳/ ۱۷۰- ۱۶۱)، تاریخ تصوف (۴۳۵، ۲۹۵، ۲۸۱، ۲۷۰، ۱۶۴- ۱۶۲، ۱۵۷، ۵۹)، تذکره‌الاولیاء (۱۰۶- ۸۵/ ۱)، تهذیب التهذیب (۹۴- ۹۳/ ۱)، حلیة الاولیاء (۳۹۵- ۳۶۷/ ۷)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۳۳۶- ۳۳۴/ ۲)، دائرةالمعارف البستانی (۲۱۱/ ۱)، روضات الجنات (۱۶۰- ۱۴۹/ ۱)، ریاض العارفین (۲۱)، ریحانه (۹۸- ۹۷/ ۱)، سیر النبلاء (۳۹۶- ۳۸۷/ ۷)، طبقات الصوفیه هروی (۷۲- ۶۸)، طرائق الحقائق (۱۲۹- ۱۰۹/ ۲)، فضایل بلخی (۱۴۴- ۱۰۸)، مجالس المؤمنین (۲/ ۲۴)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۴۲- ۴۱)، نفحات الانس (۳۸- ۳۷)، الوافی بالوفیات (۳۱۹- ۳۱۸/ ۵)، وفیات الاعیان (۳۲- ۳۱/ ۱).

بلخی، ابو عبدالله محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۱۹ ق)، صوفی و محدث. اصل او از بلخ است. متعصبان، وی را به سبب مذهبش از بلخ راندند و او نیز آنان را نفرین کرد و به سمرقند رفت و در آنجا قاضی شد در ضمن سفر حج در شهر نیشابور مجلس می‌گفت بعد از زیارت خانه خدا به سمرقند بازگشت و در همان جا درگذشت. شیخ الاسلام، خواجه عبدالله انصاری درباره‌ی وی گفته که: «پس از او از بلخ هیچ صوفی

نخاست». از کلام اوست: جاهل را می‌توان با شش خصلت شناسایی کرد: خشم بی‌محل و کلام بی‌ارزش و بخشش بی‌جا و افشاء سر و اعتماد به هر کس و باز نشناختن دوست از دشمن.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۲۱/۷)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیری (۵۸-۵۷)، حلیه الاولیاء (۲۳۳-۲۳۲/۱۰)، طبقات الصوفیه سلمی (۲۱۶-۲۱۲)، طبقات الصوفیه هروی (۳۰۶-۳۰۵)، معجم البلدان (۵۶۹/۱)، نفحات الانس (۱۱۸-۱۱۷).

بلخی، ابوعلی عبدالله

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(مقتول ۲۹۵/۲۹۴ ق)، حافظ و محدث. مشهور به محدث بلخ. وی از قتیبه بن سعید و ابراهیم بن یوسف ماکیانی فقیه و علی بن حجر و هدیه بن عبدالوهاب و محمد بن یحیی ذهلی و همطبقه آنان حدیث شنید. ابوحامد بن شرقی نیشابوری و محدثان نیشابور و ابن قانع و جعابی و ابوبکر شافعی از او حدیث نقل کرده‌اند. خطیب بغدادی او را یکی از پیشگامان حدیث می‌شناسد. وی به دست قرمطیان کشته شد. از آثار وی: کتاب «العلل»؛ کتاب «التاریخ».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۶۱/۴)، تاریخ بغداد (۹۴-۹۳/۱۰)، سیر النبلاء (۵۳۰-۵۲۹/۱۳).

بلخی، جمال‌الدین عبدالله

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۹۸-۶۱۱ ق)، مفسر. در قدس متولد شد و در مصر اقامت گزید و در الازهر تحصیل کرد و سرانجام به زادگاهش بازگشت و همان جا درگذشت. جمال‌الدین صاحب «تفسیر» ی بزرگ است که آن را با عنایت به پنجاه تفسیر نوشته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۷۰/۴)، معجم المؤلفین (۱۲۱/۶).

بلخی، سید اسماعیل

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید اسماعیل بلخی سال ۱۲۹۵ ش. در قریه ((سرپل بلخاب)) در یک خانواده روحانی زاده شد. بلخاب سرزمینی است خوش آب و هوا و کوهستانی که در قسمت جنوبی استان مزار شریف و در مسیر رودخانه ((بلخ آب)) که از ((بامیان)) سرچشمه می‌گیرد قرار گرفته است. این خطه از دیرباز مرکز تشیع و پایگاه ستارگان علم و ادب در ترکستان زمین بوده و امروز پس از گذشت قرن‌ها

نام ستارگانش چشم و چراغ ملت مسلمان به حساب می‌آیند اینک نیم‌نگاهی به گذشته این دیار می‌اندازیم.

فرزانگان بلخاب

بلخاب تا قبل از ورود ((میر سید علی فرزند میر سید جلال الدین بخارایی)) شهرت چندانی نداشته ولی بعد از سال ۸۱۰ ق. با ورود این عالم زبردست و دانشمند نام و آوازه این دره گمنام از ((سمرقند)) تا ((هرات)) پیچید. بدین مناسبت کاروانهایی از عالمان و دولتمردان به قصد زیارت و دیدار این عارف وارسته وارد بلخاب شدند. تا جایی که ((شاهرخ)) به این شخصیت علاقه مند شد و چندین بار وی را از بلخاب به مرکز حکومت خراسان یعنی ((هرات)) دعوت نمود و دخترش را به عقد او درآورد. و در آخرین سفر میرسیدعلی در حالی که شاهرخ در ((شهر ری)) دار فانی را وداع گفته بود بر طبق وصیتش جنازه او را به هرات حمل نمودند و میرسیدعلی ولی بر او نماز خواند!

بلخاب از دیر زمان با حوزه های بزرگ شیعه در نجف، مشهد و قم در تماس بوده و در دشوارترین ایام این قافله از حرکت نیفتاد. بر همین اساس است که مدارس و روحانیت بلخاب از سایر مناطق پیشگام است. و نسبت به سایر مناطق شیعه نشین افغانستان بیشترین طلاب از این منطقه بوده اند.

در این بخش بیش از سی هزار نفر شیعه مؤمن و غیرت مند زندگی می‌کنند و بیش از دهها حسینیه و مسجد وجود دارد و تا قبل از انقلاب بزرگترین پایگاه فرهنگی مردم شمال به حساب می‌آمد.

برخی از بزرگان بلخاب به قرار ذیل است:

بلعمی، ابوالفضل محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۳۰/۳۲۹)، ادیب. در زمان سامانیان می‌زیست. وی پدر صاحب «تاریخ بلعمی» وزیر اسماعیل بن احمد سامانی، بود و یکی از ممدوحان و مشوقان رودکی. بلعمی به رودکی اعتقاد بسیار داشت و حتی وی را در عرب و عجم نظیری نمی‌شناخت و به او صله‌ها و جایزه‌های فراوان می‌بخشید. او بود که رودکی را به نظم «کلیله و دمنه» واداشت. به او بلعمی کبیر هم می‌گفتند. و بلعمی منسوب بود به دیهی به نام بلعمان از نواحی مرو. از آثار او: «تلقیح البلاغه»؛ «المقالات».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۳۹/۷)، پیشاهنگان شعر فارسی (۱۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۱۹، ۳۷۶/۱)، تاریخ برگزیدگان (۱۶۵)، دایرةالمعارف فارسی (۲۷/۱)، ریحانه (۲۸۱-۲۸۰/۱)، سیر النبلاء (۱۹۲/۱۵)، کشف الظنون (۴۸۰)، معجم البلدان (۵۷۶-۵۷۵/۱)، معجم المؤلفین (۲۷۷/۱۰)، الوافی بالوفیات (۵/۴)، هدیة العارفین (۳۴/۲).

بلعمی، ابوعلی محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۸۳/۳۶۳ ق)، مورخ، ادیب و متجرب. وی وزیر منصور بن نوح سامانی و پسر ابوالفضل محمد بن عبیدالله بلعمی بود. در زمان

سامانیان می‌زیست و وزارت عبدالملک بن نوح و منصور بن نوح سامانی را داشت و به دستور پادشاه اخیر «تاریخ طبری» را از عربی به فارسی ترجمه کرد. علت شهرت او به بلعمی به خاطر انتساب او و نیاکان وی به بلعمان از قراء مرو بود. بلعمی در این ترجمه بسیاری از موارد «تاریخ طبری» را تلخیص کرده و در بسی موارد دیگر از منابع جدیدی استفاده کرده است.

کتاب او حکم تألیف جدیدی را پیدا کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱/۶۱۹)، ترجمه‌ی تاریخ یمینی (۹۵)، دایرةالمعارف فارسی (۱/۳۳)، ریحانه (۱/۲۸۰)، زین الاخبار (۱۶۱)، سبک شناسی (۹-۸/۲)، لغت نامه (ذیل/ بلعمی)، گنج و گنجینه (۱۵-۸)، فرهنگ ادبیات فارسی (۹۱)، دستور الوزراء، (۱۱۴-۱۱۳)، الذریعه (۴/۸۶).

بلقیسه

قرن: ۵

جنسیت: زن

ملیت: ایران

پیش از ۴۲۷ ق، از زنان محدث. وی دختر محمد بن احمد بود. از زندگی او اطلاع بیشتری در دست نیست.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: تاریخ جرجان، ۵۰۵.

بلورچیان، بیوک

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: داروسازی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

بلورچیان، جواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۵، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیوشیمی. دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای داروسازی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۳۰، گذراندن دوره تخصصی بیوشیمی از دانشگاه پاریس در سال

۱۳۴۳.

مرتبۀ علمی:

دستیاری بیوشیمی و علوم آزمایشگاهی در دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز در سال ۱۳۳۳، استادیاری بیوشیمی و علوم آزمایشگاهی در دانشکده دانشگاه علوم پزشکی تبریز، پس از طی مرحله دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه علوم پزشکی تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

علوم آزمایشگاهی، بیوشیمی در جنبه‌ها و رشته‌های اختصاصی (نظری و کاربردی) تهیه محلولهای دیالیز برای بیماران کلیوی و به راه انداختن دستگاههای دیالیز کلیه، پیشنهاد الگوهای لازم برای تهیه بیست نوع کیت‌های آزمایشگاهی تشخیص طبی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۰۰ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه - کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

بیوشیمی و فیزیوپاتولوژی انعقاد خون، استفاده از بیوشیمی آنزیمها در تشخیص بیماریها.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۵، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

بیوشیمی و علوم آزمایشگاهی (نظری و کاربردی).

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

بلوریان، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۱، مرتبۀ علمی: دانشیار، رشته: قلب و عروق، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در سال ۱۳۳۷، طی دوره‌های رزیدنتی داخلی، فوق تخصص قلب و

عروق از دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.

مرتبۀ علمی:

استادیار داخلی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در سال ۱۳۴۲، ارتقاء به درجه دانشیاری در سال ۱۳۴۹.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی اثرات داروهای گیاهی روی فشار خون، بیماری قند، قلب و عروق، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳۶ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۳
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه تعداد مقالات به زبان خارجی):
زمینه علمی تألیفات:

بیماریهای قلب، دریچه‌ای اریتمی‌ها و بیماریهای جنب.
مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۷، تعداد مقالات به زبان خارجی:
زمینه علمی مقالات:

روماتیسم بیماریهای قلبی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

بلیانی کازرونی نیشابوری، محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۸۱۰-۷۳۵/۷۲۷ ق)، محدث شافعی. در کازرون به دنیا آمد، در همان جا بالید و تحصیل علم کرد. در لار درگذشت. از آثار وی:

شرح «الجامع الصحیح» بخاری؛ «الاربعون»، در برتری علم؛ «شعب الاسانید فی روایه الکتب و المسانید».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: معجم المؤلفین (۲۲۰/۱۱).

بلیقینی، ابوحنفص سراج‌الدین

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۸۰۴ ق)، عالم و محدث. از مشاهیر علما و محدثان عامه است که «صحیح بخاری» را شرح کرده است. وی تألیفات دیگری نیز

دارد که اکنون در دسترس نیست.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ریحانه (۷/۳).

بمی کرمانی، طیان

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم ق)، شاعر و ادیب. از شاعران بم کرمان است که در نظم و نثر توانا بوده است و اشعاری چند از وی در تذکره‌ها نقل

است که قدرت طبع او از آن مشهود است. صاحب «مجمع الفصحا» احوال وی را با طیان ژاژخای مرغزی درهم آمیخته و اشعار طیان مرغزی را به او نسبت داده است. از آثارش: «دیوان» شعر. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آتشکده‌ی آذر (۶۲۴-۶۲۳ / ۲)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۳۶۰-۳۵۶)، الذریعه (۶۵۳ / ۹)، صبح گلشن (۲۶۳)، فرهنگ سخنوران (۵۹۳)، ستارگان کرمان (۲۶۹-۲۶۳)، مجمع الفصحا (۸۵۰-۸۴۷ / ۲)، هفت اقلیم (۲۷۰-۲۶۸ / ۱).

بناء اصفهانی، محمد امین

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۱۱۲ ق)، نقاش، طراح و خطاط. اهل اصفهان و رسمی‌ساز نقوش مختلف و طراح خطوط کوفی‌ترینی و پیرآموزی و بنایی بود و کاشی‌ها را با تزیینات گوناگون و خطوط شیوا می‌آراست. از آثار او پیرایش صفه‌ی استاد در مسجد جامع اصفهان است که اصل بنای اولیه‌ی آن، در دوران سلجوقی انجام پذیرفته و با تزیینات دوره‌ی صفویه تکامل یافته است. این بنا در ۱۱۱۲ ق ارایش و کاشی‌کاری شده و ارقام آن چنین است: «عمل ابن محمد مؤمن، محمد امین»؛ «عمل ذره‌ی بیمقدار ابن محمد مؤمن»؛ «محمد امین بناء اصفهانی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار ملی اصفهانی (۵۵۱، ۵۴۹)، احوال و آثار نقاشان (۶۵۴ / ۲)، تاریخ اصفهان (۳۶۰)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (۱۱۰-۱۰۹).

بنابی، علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیه‌الله مرحوم آقا شیخ علی بنابی از علماء متبحر و بزرگان فقهاء و مجتهدین بزرگوار و مرجع در احکام و قضاء و زعیمی در امور دین و مجاهدی فی سبیل‌الله بوده و در فتنه شیخ عبیدالله فداکارها نموده و ید بیضائی داشته و به (سیف‌العلماء) ملقب شده و بقاضی مجتهد شهرت یافته و قیام بکارهای بزرگ نموده و در سال ۱۳۰۵ ق در مشهد رضوی از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بنابی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج میرزا محمد بنابی از تلامذه مبرز و با فضل مرحوم آیت‌الله خونساری و آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله

حجت و آیت‌الله العظمی بروجردیست تولدش در بناب که از مضافات مراغه است اتفاق افتاده و در تبریز مقدمات را خوانده آنگاه به قم مهاجرت از محضر اساتید حوزه و چندی هم از مرحوم آیت‌الله حایری استفاده کرده و در زمان زعامت آیت‌الله بروجردی مهاجرت به نجف اشرف نموده و از درس بحث مرحوم آیت‌الله میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله حکیم و آیت‌الله شاهرودی استفاده و حدود بیست سال اقامت نموده تا در این حادثه اخیر اخراج ایرانیان مقیم عراق به ایران آمده و اقامت در قم اختیار نموده‌اند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

بنابی، یوسف

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج شیخ یوسف باقری بنابی از دانشمندان مجاهد و فداکار بنام آذربایجان و مرجع و ملجاء مردم بناب و حومه آنست. معظم‌له در یک خانواده پرصفا و معنویت بدنیا آمده و پس از نشو و نما علوم مقدمات و قسمت عمده سطوح را در شهر بناب و حوزه علمیه تبریز خوانده و بقیه سطوح را در حوزه مقدسه نجف اشرف از محضر آیه‌الله مشکینی و آیه‌الله حاج شیخ احمد اهری استفاده کرده آنگاه در درس خارج آیه‌الله العظمی نائینی و آیه‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیه‌الله حاج شیخ عبدالله مامقانی حاضر و بهره‌مند گردیده تا بمدارج عالیہ علم رسیده و از آیات عظام نجف مفتخر باجازه اجتهاد و غیره شده ولی بواسطه بروز کسالت مزاج بایران و مسقط الرأس خود بناب مراجعت کرده و بنابر اصرار زیاد اهالی بناب و حومه آن مجبور باقامت در آنجا شده و در اثر افکار عالیہ و روشنی که داشت در آن محل نفوذ عجیب پیدا نمود که مدت‌ها مقامات مربوطه دولتی از رسیدگی بشکایات و خصومات مردم بیکار مانده زیرا آن بزرگوار به احسن وجه رفع خصومات و داوری عادلانه نموده و آنها را خشنود روانه میکرد. آیه‌الله باقری بنابی عالمی فعال و خدمتگزار و واقعا مجاهد است برای تربیت طلاب و محصلین مدرسه با عظمتی تأسیس نمود و خود تدریس علوم مختلفه را در حوزه متعهد شده چنانچه اکثر علماء بزرگ بناب و حومه در خدمت ایشان تلمذ کرده‌اند. معظم‌له دارای منطقی شیرین و بیانی جذاب و حافظه‌ای قوی میباشند و روی همین امتیازات و فضائل علمی و معنوی بود که همواره موفق و پیروز میشدند. یکی از مبارزات ایشان منکوب کردن فرقه توده بود که در اکثر اهالی بناب و حومه نفوذ کرده و معتقدات دور از منطق خود را بمردم تزریق میکردند.

۲- مبارزه با حزب پوشالی سیاسی باب و بهاء بوده و تا اندازه‌ای جلوی فعالیت ایشان را گرفت و با انحاء مختلفه آنها را در مضیقه قرار دادند تا مجبور شدند یا از آن محیط فرار یا بتوبه و انابه بگرایند.

۳- مبارزه با فساد بانوان دور از عفت و نجابت. در سال ۱۳۲۴ - ۱۳۲۰ یک عده از زنان بدبخت که در اثر فقر و تنگدستی از راه اعمال منافی عفت ارتزاق مینمودند آنها را در یک منزل با ترتیب خاصی جمع نموده و تحت کنترل شدید قرار داد و تا مدتی معیشت آنها را کفالت و بعد از مدتی تدریجا تمامی آنها را باستثناء یکی که فرار کرده بود شوهر دادند و طرز ترویج آنها هم خیلی جالب بود یک عده از کسانی که فقیر و بی‌بضاعت بوده و در اثر تنگدستی بی همه چیز بودند بهر یکی سرمایه و وسائل ازدواج داده و هریک از زنها را بیکی ترویج و با این طریق صحیح خدمت بزرگی بعفت اجتماع مسلمین انجام دادند.

۴- در عصر تسلط و تهاجم حزب توده منحل (کمونیسم) به آذربایجان معظم‌له با تمام قوا و نیرو و نفوذ خود مبارزات پیگیری با آنها شروع کردند عاقبت در اثر نفوذ تبلیغات ضد کمونیستی ایشان در اهالی بناب و حومه تحت تعقیب مقامات و نیروهای آنان واقع

و باتفاق آراء قضات دادگاه آنها با چند نفر از افراد وابسته محکوم باعدام شدند ولی تقدیر و تأییدات خداوندی تدابیر و تصمیمات شیطانی آنها را نقش بر آب کرد و آنها شکست خورده و منحل گردیده و این روحانی مجاهد از خطر مرگ نجات یافتند.

۵- مبارزه با یک فرد روحانی نما و گرگی بلباس میش و دزد و راه زنی در ماسک و کسوه رهبر که سرلوحه تبلیغات او مبارزه با حوزه‌های علمیه بزرگ جهان شیعه و زعماء مراجع عالیقدر و تحقیر و تخریب مقام با عظمت آسمانی ولایت کلیه الهیه حضرت علی بن ابی طالب علیه الصلوه و علیه السلام ولی الله اعظم است.

این عالم فداکار و مجاهد بزرگوار حدود بیست و سه سال است با این اموی مسلک وهابی مذهب مبارزه دارد و چون سد سکندر جلو اشاعه و نشر تبلیغات ضد توحید و ولایت حقیقی او را گرفته و میگیرند.

آیه الله باقری بنایی مورد تأیید تمام مراجع عظام نجف و قم و مشهد و بالاخص حضرت ولی عصر عجل الله فرجه الشریف میباشد. آثار و باقیات الصالحاتی در بناب و حومه آن تأسیس نموده‌اند که از نظرتان میگذرانم:

۱- قبرستان نو ۲- غسلخانه عمومی ۳- توالتهای عمومی ۴- کمک بساختمان شیر و خورشید ۵- مساعد تبلیغی باسفالت کوچه‌ها و خیابانهای بناب. و هم اکنون در مسجد خودشان اقامه جماعت مینمایند. و آثار علمی ایشان از اینقرار است: ۱- ثمرات الفؤاد شرح تفسیر فرات کوفی در چند مجلد که ناتمام است.

فرزندان ارجمندی در سلک روحانیت دارند که سه نفر آنها در تبریز بتدریس و تبلیغ اشتغال دارند و یکی هم جزو فضلاء محصلین نجف اشرف در آنجا اقامت دارند و یکی هم در لباس کسب و تجارت و از جوانان متدین با احساسات میباشد. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بناکتی، فخرالدین، ابوسلیمان داوود

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۳۱ق)، مورخ. وی منسوب به بناکت از شهرهای ماوراء النهر بود، و از مورخان دوره‌ی مغول و ملک شعرای دربار غازان خان. وی چون از نزدیک با خارجیانی که از شهرهای دور به دربار غازان خان می‌آمدند، سر و کار داشت، اطلاعات جامعی درباره‌ی مذاهب و ملل گوناگون کسب کرد که به تألیف تاریخ او به نام «روضه اولی‌الالباب فی معرفه التواریخ» یا «تاریخ بناکتی» منجر شد. در «کشف الظنون» نام کتاب «روضه اولی‌الالباب فی تواریخ الاکابر و الانساب» نوشته شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ در ایران (۸۶-۸۵)، دایرةالمعارف فارسی (۴۴۹/۱)، الذریعه (۲۴۲/۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۹۲)، کشف الظنون (۹۲۵)، لغت‌نامه (ذیل / بناکتی)، هدیه العارفین (۳۶۰/۱)

بنائی، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی و دکترای تخصصی جراحی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی شیراز در سال ۱۳۶۲، فوق تخصص در رشته جراحی کودکان از دانشگاه‌های علوم پزشکی شیراز و علوم پزشکی تهران و بریستول انگلستان از سال ۱۳۴۵۶ تا سال ۱۳۶۹. مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه علوم پزشکی شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پارامترهای ایمونولوژیک در کودکان مبتلا به تالاسمی ماژور قبل و بعد از عمل اسپلنکتومی بارسیل، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۰ پایان‌نامه دکترا و دکترای تخصصی

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه تعداد) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مراقبت بیمار در جراحی کودکان، بزرگی طحال در تالاسمی، سنگ کیسه صفرا در تالاسمی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۱

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

بنای اصفهانی، محمدرضا

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۰۲۸ ق)، طراح و معمار. از زبردست‌ترین معماران صفویه بود. وی طراح نقشه و معمار مسجد معروف شیخ لطف‌الله است که به امر شاه عباس اول ساخته شد. این بنای با عظمت و پر امتیاز، یکی از شاهکارهای معماری و کاشی کاری استاد محمدرضا است که ساخت آن شانزده سال به طول انجامیده و در داخل محراب کاشی کاری معرق مسجد، به خط نستعلیق چنین رقم نهاده است: «عمل فقیر... محمدرضا بن استاد حسین بناء اصفهانی ۱۰۲۸».

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار ملی اصفهان (۷۰۰، ۶۹۷)، احوال و آثار نقاشان (۷۲۱/۲)، تاریخ اصفهان (۳۵۳)، تاریخ هنرهای ملی (۹۳۶/۲)، سرآمدان فرهنگ (۱۶۰-۱۵۹/۱)، کارنامه‌ی بزرگان (۲۱۲-۲۱۱)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (۴۰۲).

بنایی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی بنائی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

حجت الاسلام و المسلمین علی بنائی در سال ۱۳۳۸ در یکی از محله‌های قدیمی خیابان انقلاب (چهارمردان) قم، در خانواده‌ای اصیل و متدین دیده به جهان گشود. وی با سپری کردن دوره ابتدایی در مدرسه شایگان، تحصیلات خود را در دبیرستان امام صادق(ع) (حکیم نظامی) ادامه داد. او که رایحه تعالی بخش و مسؤولیت ساز حوزه علمیه قم را از نزدیک استشمام کرده بود، در یکی از مدارس نظام مند و موفق آن روزگار (مدرسه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی(ره)) دروس طلبگی را آغاز نمود.

دروس سطح را تا پایان مکاسب و کفایه نزد استادان بزرگوار همچون حضرات آیات: موسوی تهرانی، قدیری، مؤمن، طاهری خرم آبادی، اشتهاوردی و محقق داماد(دامت تأییداتهم) و آیت الله ستوده فرا گرفت. ایشان در این مدت با چهره‌هایی چون آیت الله سید مهدی روحانی، آیت الله احمدی میانجی و آیت الله العظمی بهاء الدینی(ره) آشنا و مأنوس شد و از چشمه سار زلال عرفان و اخلاق آن ستارگان پرفروغ بهره گرفت. وی همچنین از درس‌های تفسیر آیت الله مشکینی و آیت الله جوادی آملی(مد ظلهما) استفاده‌های فراوان و شایان برد و دروس خارج فقه و اصول را از محضر آیات عظام: فاضل لنکرانی، میرزا جواد تبریزی، وحید خراسانی و مکارم شیرازی(دامت برکاتهم) بهره مند شد.

بنائی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ارتوپدی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی جراحی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۵۰، دوره تخصص ستون فقرات در فرانسه.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح بررسی اسکولیوز ستون فقرات در دانش آموزان نمونه، طرح عمل جراحی مهره‌ها و آزاد کردن نخاع.

راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴۷ پایان نامه دکترا.

ابداع:

۳ ابداع در مورد دستگاه بالا بر بیماران، ساخت دستگاه کشش دینامیک ستون فقرات و ساخت دستگاه اکسترنال در زمان جنگ تحمیلی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

زانو و تکنیک جراحی، دردهای کمر و پشت، دیسک و سیاتیک، شکسته‌بندی و عوارض آن، آرتروز.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۷

زمینه علمی مقالات:

آمار، تکنیک‌های جدید ارتوپدی، اوتوداکسن و عفونت‌ها.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

بنت المجلسی

قرن: ۱۱

جنسیت: زن

ملیت: ایران

(س یازدهم و دوازدهم ق)، عالم و فقیه. از ارباب کمال و از علمای روزگار خود به حساب می‌آمد. از آثار وی: «رسائل در مسائل فقیهه»؛ «حاشیه من لا یحضره الفقیه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان‌الشیعه (۶۰۷/۳)، تذکره‌القبور (۲۹)، ریاحین‌الشریعه (۲۲۵/۴)، ریحانه (۳۶۶/۸).

بنت شعری، زینب

قرن: ۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

۵۲۴- جمادی‌الآخر ۶۱۵ ق، ملقب به ام‌الموید از زنان عالم و محدث. وی در نیشابور متولد شد و محضر گروهی از بزرگان علما را درک کرد و از آنان روایت و اجازه دریافت کرد. او از ابو محمد اسماعیل بن ابوالقاسم نیشابوری قارثی، ابوالقاسم زاهر. ابوالمظفر عبدالمنعم بن عبدالکریم بن هوازن قشیری، ابوالفتوح عبدالوهاب بن شاه شادیاخی و ابوالبرکات محمد بن فضل فزاری و دیگران سماع حدیث کرد و حافظ ابوالحسن عبدالغافرین اسماعیل بن عبدالغافر فارسی و علامه ابوالقاسم محمود بن عمر زمحشری (صاحب کشف) به وی اجازه روایت دادند. همچنین از ابونصر محمد بن منصور حرفی و دیگران از طبقه حفاظ و علما حدیث نقل کرد.

کسان بسیاری نیز نزد او حدیث آموختند و از وی اجازه دریافت داشتند. زینب در سن ۹۱ سالگی در نیشابور درگذشت.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۷۷- ۷۵ / ۲؛ تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ۳۷۰.

بنت‌المنشار

قرن: ۱۱

جنسیت: زن

ملیت: ایران

(ز- ۱۰۳۱ ق)، عالم، فقیه، محدث و مدرس. او همسر شیخ‌بهایی بود. فقه و حدیث و علوم دیگر را به زنان تدریس می‌کرد. چون تنها دختر خانواده بود، چهار هزار جلد کتاب از پدر به وی به ارث رسید. و شیخ‌بهایی تمام کتابهای خود و همسرش را وقف کرد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان‌الشیعه (۶۰۷/۳)، تذکره‌القبور (۳۰)، ریاحین‌الشریعه (۲۲۵/۴)، ریاض‌العلماء (۹۴/۵)، ریحانه (۳۶۶/۸)، فوائد الرضویه (۵۱۰).

بنجیری شیرازی، شمس‌الدین عبدالله

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۷۲ ق)، حکیم و شاعر. از حکیمان بنام عصر خود بود و بهره‌ی وافیه از علوم عقلی و نقلی داشت. خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی و قوام‌الدین ابواسحق در خدمت او اکتساب علوم کرده‌اند. سلطان محمد مظفر به او ارادت داشت. شمس‌الدین شعر نیز می‌سرود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۷۶۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۰۰/۳)، الذریعه (۵۴۲/۹)، ریاض‌العارفین (۲۱۲)، ریحانه (۲۴۲/۳)، صبح گلشن (۲۲۵)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۷۲/۲)، مرآت الفصاحه (۳۱۵-۳۱۴).

بندار شیرازی، ابوالحسن، ابوالحسن

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۵۳ ق)، صوفی و عالم به اصول. در ارجان فارس به دنیا آمد در عرفان و تصوف شاگرد شبلی بود. وی استاد و معارض ابن‌خفیف بوده است و خادم ابوالحسن اشعری مؤسس مذهب اشعری. او تصوف را در وفای به عهد می‌دانست، و آن در نظر بندار بدان معنی نبود که آنچه بر زبان می‌آورد، بدان عمل کند؛ بلکه وی معتقد بود که آنچه بر دل می‌گذرد، باید به مرحله‌ی عمل درآورد. اثر وی: «تفسیر بندار» است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان شیراز (۱۳۴-۱۳۳)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (۸۱)، حلیه‌الاولیاء (۳۸۵-۳۸۴/۱۰)، سیرالنبلاء (۱۰۹، ۱۰۸)

۱۶/، شرح شطیحات (۴۲)، طبقات الصوفیه سلمی (۴۷۰-۴۶۷)، طبقات الصوفیه هروی (۵۰۴-۵۰۱).

بنداری اصفهانی، قوام‌الدین فتح

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۴۳-۵۸۶ ق)، مترجم. وی در مولد خود اصفهان تربیت یافت. در سال ۶۲۰ ق به شام سفری کرد و در دمشق به خدمت پادشاه عیسی بن ملک عادل ابی بکر بن ایوب رسید و به امر او «شاهنامه‌ی» فردوسی را به عربی درآورد که به «الشاهنامه» معروف است. وی همچنین کتاب «تاریخ سلاجقه» انوشروان بن خالد، وزیر محمود بن محمد بن ملکشاه، را که عمادالدین اصفهانی به عربی درآورده بود، خلاصه کرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱/۴۷۳)، حماسه‌سرایی در ایران (۲۲۴)، سرآمدان فرهنگ (۱/۱۷۲).

بنداری، فتح

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فتح بن علی بن محمد البلداری (البنداری)، از فضلالی شیعه در قرن هفتم بوده، و کتاب «نصرة الفترة» عماد کاتب را در سال ۶۲۳ مختصر نموده، و آن را: «زبدة النصرة و نخبة العصرة» نامیده، و این مختصر در لیدن با فهرست اعلام و امم و ولایات و شهرها به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

بنکداریان، جعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

بنی مجیدی، منصور

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

منصور بنی مجیدی، شاعر نوپرداز در سال ۱۳۳۴ در روستای سیبلی آستارا دیده به جهان گشود. وی پس از اتمام دوره سربازی، بلافاصله پس از اتمام خدمت در آموزش و پرورش مشکین شهر استخدام و به منطقه ی بيله سوار مغان و سپس پارس آباد اعزام گردید. او از همان ابتدا در مدارس راهنمایی و دبیرستان با همان مدرک دیپلم تدریس می کرد تا اینکه یکسال بعد در دانشگاه گیلان قبول شد و مدرک لیسانس ادبیات فارسی را اخذ کرد. در سال ۱۳۶۵ با انتقال به آموزش و پرورش آستارا با همکاری اکبر اکسیر شعر را به طور جدی دنبال کرد و یکی از اعضای ثابت حلقه فرانو شد. وی از شاعران کلاسیک بشمار می آمد. نامبرده پس از چند دهه فعالیت در عرصه هنر و شعر در ۱۱ تیرماه سال ۱۳۸۷، پس از جدال طولانی با بیماری سرطان، چشم از جهان فرو بست.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: شعر

والدین و انساب: نام پدر: اروج

خاطرات کودکی: " دوران کودکی و نوجوانی را علی رغم موفقیت در درس و مشق، با مشقات و دردهای فراوان پشت سر نهاده ام. شاید هم پیشامدهای ناگوار زمینه ساز مقوله ی شعر و شاعری در من شده است"؛
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: منصور بنی مجیدی، شاعر نوپرداز در سال ۱۳۳۴ در روستای سیبلی آستارا دیده به جهان گشود. او در یک خانواده ی متوسط و کم سواد پا به عرصه ی وجود نهاده.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: منصور در خرداد ماه سال ۵۳ با عنوان شاگرد ممتاز دیپلم ادبی گرفت. او در همان سال در رشته فوق دیپلم علوم انسانی مرکز استان گیلان قبول شد. از آنجائیکه آن زمان هنوز کمک هزینه ی تحصیلی به دانشسرای راهنمایی تربیت معلم نمی دادند از ادامه ی تحصیل باز ماند و به ناچار به خدمت وظیفه اعزام شد و پس از دو سال بلافاصله پس از اتمام خدمت در آموزش و پرورش مشکین شهر استخدام و به منطقه ی بيله سوار مغان و سپس پارس آباد اعزام گردید. وی از همان ابتدا در مدارس راهنمایی و دبیرستان با همان مدرک دیپلم تدریس می کرد تا اینکه یکسال بعد در دانشگاه گیلان قبول شد و مدرک لیسانس ادبیات فارسی را اخذ کرد.

خاطرات و وقایع تحصیل: منصور بنی مجیدی از نحوه شاعر شدنش چنین می گوید: " آنچه به یادمانده است وقتی با بچه های یک کلاس، یک تنه مشاعره می کردم سالهای آخر دوره ی ابتدایی بودم اول بعضی شعرها را بخاطر حروف خاص اش عوض می کردم و این دگرگونی به شکلی صورت می گرفت که کسی از بچه ها متوجه نمی شد بعدها در دبیرستان تنها انشاء نویس کلاس بودم که از روی کاغذ سپید انشاء می خواندم چرا که همیشه، بچه ها انشاءهای مکتوبم را کش می رفتند و آن زمانها هم جوری بود که آدم کسی را لو نمی داد یعنی این کارها به دور از جوانمردی بود"

فعالتهای ضمن تحصیل: منصور بنی مجیدی از خاطرات و فعالیت های ضمن تحصیل خود چنین می گوید: " در دوره ی دبیرستان علی الخصوص در سیکل دوم به بعد جزء دانش آموزان اهل قلم شهر، شناخته شده بودم. انس و الفتم بجای تفریح و ورزش - اگر کارهای اجباری و بی گاری می گذاشت - تنها با کتاب و مطالعه بود. از آنجائیکه راهنمای درست و حسابی نداشتم با هیچ نشریه و مجله ای همکاری نمی کردم. آن زمان تنها کسی در کلاس بودم که از درس شفاهی « عروض و قافیه » دوره ی دبیرستان سر در می آوردم. نه معلم درست و حسابی داشتیم و نه کسی این کتاب را به کلاس می آورد... سالها سپری شد. اولین اثرم سال ۱۳۵۶ با نام « بابا انار دارد » در روزنامه ی فروغ آزادی آذربایجان آن زمان در تبریز چاپ شد و این تلنگری شد برای کارهای بسیار آینده ام، به جرئت می توانم بگویم در طول سه دهه در تمام نشریات و مجلات موجود و معتبر ادبی آثارم چه بصورت شعر و چه بصورت مقاله و نقد همه جا چاپ شده است و دیگر اینکه آنچنان گرم شغل مقدس معلمی بودم که فرصت مجموعه کردن

شعرها را در کتاب‌ها پیدا نمی‌کردم و شاید هم به موقع به صرافت این کارها نیفتادم. تا اینکه سال ۸۰ گاهنامه‌ای به نام «ترلان» در هشتاد و چند صفحه منتشر کردم و بلافاصله اولین کتاب شعرم را - شعرهای سال ۵۷ الی ۸۰ در ۱۲۰ صفحه با نام «بهارى از خاکستر پاییز» در سه هزار تیراژ توسط انتشاراتی «فرهنگ دهبسرا»، منتشر کردم که پس از چند ماه همان سال با همان تیراژ تجدید چاپ شد"

همسر و فرزندان: در سال ۵۳ مقدمات ازدواج منصور بنی مجید فراهم شده و در سال ۵۶ عروسی کرد. از ایشان سه فرزند، دو دختر و یک پسر به یادگار مانده است.

زمان و علت فوت: منصور بنی مجیدی در ۱۱ تیرماه سال ۱۳۸۷ در ساعت ۱:۳۰ نیمه شب پس از جدال طولانی با بیماری سرطان، چشم از جهان فرو بست.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: بعد از پایان تحصیلات در مدارس آستارا به استخدام آموزش و پرورش درآمد و در شهرهای پارس آباد مغان و تالش به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۶۵ با انتقال به آموزش و پرورش آستارا با همکاری اکبر اکسیر شعر را به طور جدی دنبال کرد و یکی از اعضای ثابت حلقه فرانو شد. او در کنار تدریس ادبیات فارسی در دبیرستانهای آستارا سالها در کانون ادبی شهرداری اداره ارشاد این شهر به آموزش فنون شعر و تشویق شاعران جوان پرداخت.

همفکران فرد: استاد منصور بنی مجیدی در جواب سوال: از شاعران قدیم به کدامیک بیش از همه علاقه مندید؟! چنین جواب می‌دهد: "راستش را بخواهید بنده ی حقیر همه چیز را با ادبیات کلاسیک شروع کرده ام و همیشه هم توصیه ام به شاگردان همین مقوله بوده است. چرا که ریشه و فرهنگ گذشته‌ی ما باعث استحکام رو بنا و کیفیت کارهای امروزی ما می‌شود بنا براین خود شخصاً آثار شاعران و نویسندگان قدیم را هرچند خیلی با دقت هم نباشد خوانده ام! به مولوی، حافظ، سعدی، سیف فرغانی، فخرالدین عراقی، فردوسی، صائب تبریزی و ... علاقه‌ی بیشتری دارم و حافظ را معجزه‌ی شعر ایران می‌دانم. ضمن اینکه سیف فرغانی را انقلابی‌ترین شاعر" ... او همچنین در جواب سوال: از شاعران معاصر و یک قرن اخیر به کدامیک علاقه مندید؟ چنین جواب می‌دهد: "اگر دقیقاً صد سال اخیر را در نظر بگیرم حتماً می‌بایست به شاعران عصر مشروطیت توجه‌ای بیشتر داشته باشم ولی دوست دارم از نیما شروع کنم که پرچمدار شعر نو بود هم به لحاظ ساختار هم به لحاظ دیدگاه شاعری که با مطالعه‌ی کامل ادبیات فرانسه و ... به آگاهی سطح بالایی رسیده بود و ادبیات کلاسیک ما را نیز خوب درونی کرده بود و بدنبال راه چاره می‌گشت. خوشبختانه در آن زمان پس از کشمکش‌های فراوان توانست حرف حق خود را به کرسی بنشاند و در این راه رنج فراوان برد. او تنها کارش کوتاه و بلند کردن مصراعها نبود بلکه توانست فضای شعری حاکم را که هزار و چند سال مدام تکرار می‌شد تقریباً عوض بکند. هر چند قبل از او چند تن در تبریز از جمله تقی رفعت، جعفر خامنه‌ای، شمس کسمایی و حتا کسانی دیگر در این راه قدم گذاشته بودند ولی هیچکدام قدرت و مقاومت و استحکام او را نداشت. او بقول خود «آب / در خوابگاه مورچه‌گان ریخته بود» و در مرتبه‌ی دوم به شاملوی عزیز عشق و علاقه فراوان داشتم و بازهم دارم. و شاملو توانست شعر چندین ساله‌ی ایران را از حالت یک نواختی بدر آورد. او با هوش سرشار اش آموزه‌های زیادی را از نیمای بزرگ آموخته بود ولی خود هم معلم و هم متعلم بود و هرگز از آموختن و بکار بستن آنها دست برنداشت. شعر سپید محصول سن زده‌ای نبود که مور و ملخ هم از آن نصیبی نبرند بلکه این صخره‌ی به ظاهر دست‌نیافتنی همه چیزش حساب شده بود. رودی بود بزرگ که حتی می‌شد در کنار و گوشه‌ی آن قایق رانی کرد و هر کس بنا به استعداد و توان ذاتی اش از آن ماهی می‌گرفت. شاملو شعر سیاسی اجتماعی را قرب و منزلت داد و تا پای مرگ، کسی ناله‌ی ننه من غریب از او نشنید. آثارش همه ارزشمند و خود شاهد بزرگی ست برای ادعاهای بزرگ اش، می‌توان از آثار باقی مانده‌ی شاملو و نیما چندین رساله برای تدریس در دانشگاه‌های معتبر جهان تهیه کرد. دیگرانی نیز از جنس خلف اینها بوده اند از جمله: یدالله رویایی، م آزاد، نادر نادرپور، هوشنگ ابتهاج، منوچهر آتشی، علی باباچاهی و

خیلی کسان دیگر که از ذکر نامشان فعلاً شرمندۀ ام " .

آرا و گرایشهای خاص : در شعرهای منصور بنی مجیدی توجه به انسان معاصر و دغدغه‌های آن موج می‌زند بنی مجیدی در غزل ترکی حرفی برای گفتن داشت و از استقبال عموم برخوردار بود در شعرهای فارسی که اغلب در مطبوعات ادبی به چاپ رسیده شاعری اجتماعی و درد آشنا دیده می‌شد او از روح لطیفی برخوردار بود و به کمال انسان می‌اندیشید شعر او، خطابه‌های مکرر درد بود بازبانی ساده و نگاهی انسانی، او به نوعی از قصه - شعر رسیده بود که در عین بلندی گیرا و دلنشین بود. واژگان شعرهایش آمیزه‌ای از کلمات عامیانه و گفتاری بود با طنزی نهان و استفاده سرشار از فولکلور و امثال و حکم شعری سرزنده و شاداب اما دردمند و تفکربرانگیز.

چگونگی عرضه آثار : آثار بنی مجیدی می‌توان به مجموعه شعرهای «بهاری از خاکستر پاییز» (گزیده شعرهای سال‌های ۵۶ تا ۸۰)، «بانوی باد شبنامه پخش می‌کند»، «دیگر نمی‌توانم شاعر بمانم»، «سهم من، همیشه دلتنگی ست» و «قرائت دوم من، تویی» اشاره کرد. دو کتاب بیژن کلکی با عنوان های " ترانه هایی برای الکا پون " و " نیامدی اسم آب یادم رفت " به کوشش بنی مجیدی به چاپ رسیده اند. شعر زیر با عنوان «افعال غیرمنصرف» از اشعار اوست: اینجا پوسیده باشم پوسیده باشی شاید هم پوسیده باشد اگر به هر سازی تن بدهد! نه برای قصد قربت / نه برای رقصیدن تنها دردی همیشگی در کشاله رانم تیر می‌کشد! این ناتمامی زندگی ... برایم هیچ لذتی ندارد! هر روز مثل چای لب زنده یا فنجان دمر شده کنار گذاشته می‌شوم این بغض چندین ساله نه تنها من است که در تو و دیگران نو به نوبه می‌ترکد! -----

آثار :

۱ بانوی باد شبنامه پخش می‌کند

ویژگی اثر : پدیدآورنده: منصور بنی مجیدی ناشر: فرهنگ ایلیا - ۱۳۸۳

۲ بر بام خود آشفته می‌وزم

ویژگی اثر : پدیدآورنده: منصور بنی مجیدی ناشر: فرهنگ ایلیا - ۱۵ اسفند، ۱۳۸۵

۳ بهاری از خاکسر پائیز

ویژگی اثر : مجموعه شعر، چاپ دوم

۴ ترانه هایی برای آلکا پون

ویژگی اثر : مرحوم بیژن کلکی و باز به کوشش منصور بنی مجیدی

۵ دیگر نمی‌توانم شاعر بمانم

ویژگی اثر : پدیدآورنده: منصور بنی مجیدی ناشر: فرهنگ ایلیا - ۱۳۸۳

۶ سهم من، همیشه دلتنگی ست

ویژگی اثر : پدیدآورنده: منصور بنی مجیدی ناشر: فرهنگ ایلیا - ۱۳۸۳

۷ شعر امروز آستارا

ویژگی اثر : پدیدآورنده: منصور بنی مجیدی (شاعر) ناشر: فرهنگ ایلیا - ۲۷ اسفند، ۱۳۸۴

۸ قرائت دوم من، تویی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: منصور بنی مجیدی ناشر: فرهنگ ایلیا - ۱۳۸۳

۹ نیامدی اسم آب یادم رفت

ویژگی اثر: مرحوم بیژن کلکی و باز به کوشش منصور بنی مجیدی

بنی احمد، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بافت‌شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

بنی صدر، نصرالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید نصرالله بنی صدر فرزند مرحوم صدرالعلماء همدانی از علماء معروف و محترم معاصر شهرستان همدان بوده‌اند. وی در آن سامان متولد شده و در بیت سیادت و فضیلت پرورش یافته و مقدمات و سطوح را در همدان و تهران خوانده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات عظام مرحوم آیت‌الله آقا میرزا حسین نائینی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله العظمی اصفهانی و دیگران استفاده نموده و پس از آن مراجعت به همدان و به خدمات روحی و اجتماعی و خدمت به مردم که از اهم مهمات است پرداخته و از بسیاری از بارافتادگان و مستمندان دستگیری نموده تا حدود سال ۱۳۹۱ قمری که در بیروت به رحمت حق پیوسته و به جوار اسلاف پاک خویش شتافته و جنازه‌اش حمل به نجف اشرف و در جوار جد گرامش مدفون شده است.

نگارنده گوید: مرحوم آیت‌الله بنی صدر از علماء متمکن و متنفذ همدان بودند و از غالب مراجع و دانشمندان عراق که به همدان وارد می‌شدند ضیافت نموده و پذیرائی گرم به عمل می‌آوردند منزل وسیع اشرافی که درش به روی همه باز بود داشتند سفری که مرحوم آیت‌الله مجاهد علامه امینی صاحب (الغدیر) به همدان نمودند به ایشان وارد و مورد استقبال معظم‌له و مردم عالم دوست همدان واقع و ده شب در مسجد جامع در پیرامون ولایت مطلقه مولی‌الموحدین امیرالمومنین علی بن ابی‌طالب علیه‌الصلوة والسلام با شرکت تمام علماء و ده‌ها هزار از مردم علی دوست همدان سخنرانی نموده و تاثیر و نفوذ عجیبی در مردم نمودند که پس از گذشت ده‌ها سال هرگز خاطره آن فراموش نشود.

خاطره‌ای از آیت‌الله بنی صدر

مرحوم آیت‌الله بنی صدر دارای حکایات نادره و خاطره‌های عجیبه بودند که یکی از آن را می‌نگارم.

در سفری که در محرم سال ۱۳۶۹ ق به همدان رفتم چند شبی را در ضیافت آن مرحوم به سر برده و از ملکات فاضله و سجایای کریمانه ایشان استفاده نمودم شبی برای حقیر و بعضی از دوستان که بودند حکایتی غریب نقل کردند که عین آن را می‌نویسم.
فرمودند: چند سال قبل سفری برای زیارت به عتبات عالیات نموده و در کربلا معلی مشرف و خواستم برای زیارت به حرم مطهر حضرت ابی‌عبدالله الحسین (ع) مشرف شوم در ایوان حرم به یکی از دوستانم مرحوم آیت‌الله آقاسید محمد طباطبائی که از ائمه جماعت صحن مقدس حسینی بود برخورد کرده و پس از تجدید عهد و احوال‌پرسی گفتم آقا خبر تازه چه دارید.

گفتند حکایت عجیبی دارم که اخیرا واقع شده و هرگز از خاطر من محو نمی‌شود. گفتم آن چیست. گفت چند روز پیش در اینجا نشسته و انتظار ظهر را می‌کشیدم که وقت داخل شده نماز ظهر را بخوانم که دیدم مردی غریب نورانی که لباس متوسطی در برداشت نزد من آمده و سلام کرد و گفت آقای طباطبایی یک اطاق سراغ داری که چند شبی در آن بمانم. من تعجب کردم که این شخص که هیچ وقت او را ندیده و نمی‌شناسم چطور از من منزل می‌خواهد باز گفتم ممکن است از مردم اسم مرا شنیده و یا دیده که من امام جماعت صحن و حرم مطهر هستم.

پس فکر کردم به خاطر آمدن که در نزدیکی منزل ما پیرزنی منزل کوچکی دارد که یک اطاق آن را به مسافری و زائرین کرایه می‌دهد گفتم یک اطاق سراغ دارم اگر خالی باشد پس به آنجا رفته دیدم اتفاقا آن اطاق خالیست.

پس آن مرد را معرفی کرده و در آنجا منزل دادم و چون خواستم بروم. به من گفت آقا اگر عصر کار نداشتید سری به من بزنید. پس رفتم و بعد از ظهر که روز چهارشنبه بود آمدم به سراغ او که بینم کیست و چه کاره است.

و چون ساعتی نزد او نشستم هیبتی از او دیدم که مانع شد ببرسم شما کیستید. پس گفت آیا میل دارید برویم جناب حر شهید را زیارت کنیم گفتم بی‌میل نیستم.

پس حرکت نموده و از میان نخلستانها که راه قدیم حر بود رفتیم در وسط نخلستان صدای مهبی شنیده متوجه شدم که یک افعی بزرگ به سوی ما می‌آید ترسیدم که ممکن است آن حیوان خطرناک جهیده و ما را بکشد با نیش زهر آگین خود.

پس آن مرد نورانی گفت: آقا ترسیدی؟ گفتم: بلی زیرا ما است ممکنست حمله کند و ما را بکشد گفت می‌خواهی الان آن را بکشم. گفتم چطور اولاً اینجا سنگ نیست که بر سر او بزنی علاوه این ما را که تاکنون مثلش را ندیده‌ام با سنگ و چوب کشته نمی‌شود. گفت با هیچکدام بلکه به اذن و اراده خدائی.

پس رو به مار کرده و گفت بمیر به اذن خدا تا این جمله را گفت دیدم آن مار مانند چوب خشک از حرکت افتاده و مرد. تعب کردم. پس گذشته و طولی نکشید به حر رسیدیم و در آن حدود نهر آبی بود که از فرات منشعب می‌شد و آب پائین بود به من گفت وضو داری گفتم آری. گفت تجدید نمی‌کنی گفتم آب پائین و اطراف این نهر گل است. پس خودش دیدم قدم بر سر آب گذارد و روی آب نشسته و وضو گرفت بدون اینکه فرو رود و یا آلوده به گل شود و آمد پس به حرم جناب حر رفته و زیارت نموده و فاتحه‌ای نثار کرده و به سوی شهر برگشتیم اول مغرب بود در صحن او خداحافظی کرده و رفت و من هم آمدم برای نماز ولی از اول نماز مغرب به یاد آن مرد بودم و در اطراف او فکر می‌کردم که آیا شعبده‌باز و یا جادوگر و یا واقعا از اوتاد و مردان حق است.

پس در نماز عشاء فکرم به اینجا منتهی شد که بعد از نماز به سراغ افعی بروم ناگر وجود خارجی نداشت معلوم می‌شود که آن مرد چشم‌بندی و شعبده کرده است.

پس از نماز عشا به اتفاق نوکرم به آنجا رفته و در وسط نخلستان که شب مهتابی بود دیدم کلاغهای زیادی سرو صدا می‌کنند و چون نزدیک شدیم آنها پرواز کرده و بالای نخلها رفتند. پس دیدم نصفی از آن مار را خورده‌اند برگشتم و به منزل رفته و تا صبح در اطراف آن مرد فکر می‌کردم صبح شد پس مشرف به حرم شده و بعد از نماز در اول و روز به منزل آن شخص رفتم و تا وارد شدم گفت شکر خدا را که دیشب رفتی و لاشه مار را که کلاغها نصف آن را خورده بودند دیدی تا از شک در آئی.

پس تعجبم زیاد شد و ساعتی نزد او نشستم. و بعد گفت روز پنجشنبه زیارت اهل قبور مستحب است مایلید به قبرستان کربلا (وادی ایمن) برویم گفتم بفرمائید پس با او به قبرستان رفته و فاتحه خواندیم. پس از آن گفت آقای طباطبائی برادران ما که در قبرستان وادی‌السلام نجف آرمیده‌اند حق دارند.

برویم آنها را زیارت کنیم گفتم آقا تا نجف چهارده فرسخ است دو روز باید در راه باشیم. فرمود آقا ما انشاءالله زودتر می‌رویم

دست خود را به من بده و چشم خود را هم بگذار و یک صلوات بفرست. من همین کار را کردم و تا چشم گشودم دیدم در وادی السلام هستیم. پس فاتحه خواندیم.

پس از آن گفت آقا تا اینجا آمدم خلاف ادب است که جدت حضرت علی (ع) را زیارت نکنیم. گفتم آری ولی من فکر می‌کردم چون علماء و طلاب نجف که غالباً شب جمعه کربلا مشرف می‌شوند مرا می‌شناسند ممکن است مرا دیده و پرسند کی آمده و کجا هستید و کار ما ناتمام بماند.

پس گفت آقا کسی از آشنایان و دوستان شما برخوردار نخواهد کرد و یا شما را نخواهد دید. پس مشرف به حرم مطهر علی (ع) شده و زیارت دوره به جا آورده و بیرون آمدم و هیچکس از دوستان را ندیدم و چون به وادی برگشتیم گفت آقا دستت را به من ده و چشمت را هم بگذار و صلوات بفرست چنان کردم و چشم باز نمودم و دیدم کربلا هستم. نزدیک ظهر بود در راه طاقت نیاورده گفتم تو را به آن خدائی که این مقام را به تو داده کیستی و از کجا به این مقام رسیده‌ای.

گفت آقا من یک بنده خدا هستم که اطاعت خدا نموده و اوامر و نواهی او را عمل کرده و به فرامین اجداد بزرگوار شما عمل کرده‌ام. این را گفت و از من جدا شد و من رفتم به نماز و دیگر آن روز و فردای آن که جمعه بود به واسطه گرفتاریها نتوانستم از آن مرد احوال‌پرسی کنم پس دو روز بعد به سراغ او رفتم و دیدم از دنیا رفته و صاحب خانه او آن پیرزن امور عجیبی از او نقل نمود و پس آمدم رفقا را خبر کرده و جریان احوال او را تعریف و او را با احترام در صحن مطهر دفن نمودیم. نگارنده گوید نظیر این حکایات بسیار از اوتاد و اخیار و ابدال دیده و شنیده‌ام که برای اختصار از ذکر آن می‌گذرم. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

بنی‌فضل، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ مرتضی فرزند آقای حاج یوسف علی بنی فضل تبریزی از چهره‌های درخشان فضلاء و مدرسین حوزه علمیه قم می‌باشد در سال ۱۳۵۲ قمری هجری در تبریز متولد شد و بعد از پرورش مقدمات را در تبریز تکمیل و در سال ۱۳۷۱ قمری مهاجرت به قم نموده و سطح عالی را در محضر اساتید معروف منجمله مرحوم آیت‌الله حاج میرزا محمد مجاهدی تلمذ نمود و مدت سه سال از درس خارج فقه صلوه مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و مدت ۸ سال از درس خارج (مکاسب محرمة و بیع) و خارج اصول (دوره کامل مباحث الفاظ و اصول علمیه) مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی آقای خمینی مدظله بهره‌مند شده و بعد از تبعید معظم‌له از ایران به ترکیه و عراق حدود شش سال خارج فقه طهارت حضرت آیت‌الله العظمی آقای گلپایگانی مدظله و صلوات مرحوم آیت‌الله محقق داماد حاضر شده و ضمناً به تدریس سطوح عالی پرداخته و اکنون مدت ۲۰ سال است که در حوزه اشتغال به تدریس دارند و تاکنون سه دوره تدریس سطح مکاسب و کفایه را نموده و حدود دویست نفر از طلاب و محصلین از محضر درسش استفاده می‌کنند و اکنون قسمتی از کارهای مربوط به آذربایجان در طرف رهبر انقلاب امام خمینی محول به ایشان و سرگرم رسیدگی به امور مذکور هستند.

تالیفات ایشان از این قرار است:

۱- تقریبات کامل خارج فقه و اصول آیت‌الله العظمی آقای خمینی مدظله العالی.

۲- شرح بر کفایه‌الاصول قسمت مباحث الفاظ.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

بوداق قزوینی، منشی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، نویسنده و مورخ. وی نویسنده‌ی کتاب «جواهرالخبار» در شرح حال تیمورلنگ و پیروزی‌های او بر تاقتمش در سال ۷۹۵ ق و وقایع عمومی تا سال ۹۸۴ ق است. وی این کتاب را به شاه اسماعیل دوم هدیه کرد. برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۳۵۶)، الذریعه (۲۵۸/۵).

بوذری، ابراهیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابراهیم بوذری به سال ۱۲۷۴ شمسی در قریه کرود از توابع طالقان دیده به جهان گشود، پدرش ملا علی‌اصغر بود، جد وی مرحوم سلطان محمد بود که قرآن‌های بسیاری به خط زیبای وی موجود می‌باشد. بوذری، ابتدا در مکتبخانه‌ی کرود، شروع به فراگیری دروس فارسی و قرآن کرد و حدود پنج سال داشت به تهران آمد و در منزل مرحوم شیخ محمد آقا بوذری طالقانی که از افاضل زمان و مدرس مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار) بود اقامت گزید. مرحوم شیخ محمد آقا بوذری طالقانی در منزل حوزه‌ی علمیه داشت که فضلا و مدرسین و طلبه‌ها در این منزل آمد و شد داشتند و مرحوم ابراهیم بوذری در این منزل و در چنین محیطی پرورش یافت. ابتدا، ادبیات فارسی، عربی، اصول و فقه را نزد مرحومان شیخ مسیح اوانکی، آیت‌الله کاشانی، حاج میرزا خلیل کمره‌ای و علی شوشتری فراگرفت و از مرحوم شوشتری موفق به دریافت اجازه در امور حسبیه گرفت. در هنر خطاطی، در رشته نستعلیق ابتدا شاگرد مرحوم حاج زین‌العابدین که نواده‌ی مرحوم میرزا زکی خان نوری بوده رفته، سپس نزد مرحوم عماد طاهری (عمادالشریعه) که از شاگردان مرحوم امیرحسین خوشنویس بود به تلمذ پرداخت و بالاخره در محضر عمادالکتاب به کمال رسید. در خط ثلث شاگرد مرحوم امیرالکتاب استاد بی‌نظیر خط که در ادب و شعر و شاعری «شرفی» تخلص می‌کرد رفت و در اندک زمانی گوی سبقت از همگان خود ربود و خط نسخ و رقاء را در محضر آشیخ علی عبدالرسولی (پدر مرتضی عبدالرسولی از شاگردان مرحوم حبیب سماعی) که از شاگردان سید محمدتقی شرف‌المعالی بود به کمال آموخت. مرحوم استاد ابراهیم بوذری، خود از بنیان‌گذاران کلاس‌های انجمن خوشنویسان که سلف انجمن خوشنویسان فعلی ایران می‌باشد بود و در این رشته شاگردان فراوانی که همگی هم‌اکنون از استادان خوشنویس می‌باشند تربیت نمود. وی سالها در دبیرستان‌های مختلف تهران از جمله تمدن و اسلام به تعلیم خط پرداخت و از سال ۱۳۲۷ شمسی به استاد خط دانشگاه روحانی معقول و منقول انتخاب و مشغول تعلیم شد. استاد بوذری بیش از سی سال کارشناس خط در وزارت دادگستری بود و خطاط رسمی کتابخانه مجلس شورای ملی سابق و اداره‌ی مباشرت و دارالانشاء بود که همکاری وی در این ادارات بیش از ۳۷ سال ادامه داشته و در سال

۱۳۴۱ بازنشسته گردید.

آثار چاپی وی تا آنجا که در دسترس نگارنده است عبارتند از: دیوان خواجه شیراز، منتخبات دیوان مسعود سعد سلمان، کتاب تاریخ دبیرستانها، صرف و نحو برای دبیرستانها، جوامع الحکایت مرحوم اوفی ترجیع‌بند مرحوم صفی‌علیشاه، منتخبات مثنوی، پاورقی نقد مرحوم حکمت اشعار مرحوم حاج ذوالریاستین (مونس‌علیشاه)، کتبه‌های آرامگاه شیخ شیراز سعدی، کتبه‌های آرامگاه شاه خلیل‌الله در تفت یزد، کتبه‌های دروازه‌ی قرآن شیراز، وقف‌نامه‌ی بیمارستان نمازی شیراز، تاریخچه‌ی آب شیراز و...

استاد بوذری، واقعاً هنرمندی بی‌نظیر بود که خداوند استعدادی در نهاد او به ودیعه نهاده بود که در کمتر انسانی می‌شود مشاهده کرد، زیرا با توجه به این همه هنر، در رشته آواز و موسیقی از نوادر روزگار بود از صدایی رسا و خوش برخوردار بود و دستگاہها و گوشه‌های آوازهای ایرانی را نزد اقبال‌السلطان، سید حسین طاهرزاده، ابوالحسن صبا فراگرفت که باید یادآور شد که اقبال‌السلطان دو شاگرد بیشتر نداشته که یکی رضاعلی ظلی و دیگری ابراهیم بوذری بوده‌اند.

متأسفانه مشغله‌ی فراوان و گرفتاری‌های استاد به وی اجازه نداد که در رشته‌ی آواز شاگرد بپذیرد و یا آثاری آنچنان از خود به جای نهد تنها چند نواری از وی به جای مانده که در آرشیو وزارت ارشاد اسلامی (فرهنگ و هنر سابق) موجود می‌باشد که امید است روزی پخش و برای هنرجویان مورد استفاده قرار گیرد و چاپ دو کتاب در مورد تعزیه و تعزیه‌خوانی است که از طرف وزارت فرهنگ و هنر (ارشاد اسلامی فعلی) در سال ۱۳۵۴ چاپ کرد و به سرعت نایاب گردید.

مرحوم استاد ابراهیم بوذری در عرفان هم صاحب مکتب و نظر بود و اشعار زیبایی هم سروده که خود جای بحث‌ها و گفتگوهای جداگانه دارد و یکی از دو بیتی‌های استاد را که فی‌البدیه ساخته و آن چنین بوده که روزی دوستی، فندکی به رسم یاد بود توسط دوست مشترکی برای استاد می‌فرستد و مرحوم بوذری به قدری تحت تأثیر این محبت و دوستی قرار می‌گیرد که این دو بیتی را برای وی می‌سراید:

جانا غم هجران تو اندک نبود

در دوستی ما به خدا شک نبود

خود آتش دوریت طی سوختنم

بس باشد و محتاج به فندک نبود

فرزندان مرحوم ابراهیم بوذری پنج پسر و دو دختر می‌باشند به نامهای: علی‌اصغر، یوسف، پروین، منوچهر، علی، شیرین و فریدون که کلیه ایشان از خطی زیبا و خوش برخوردار می‌باشند.

از خاطرات استاد بوذری این که یکسال مرحوم اقبال‌السلطان از تبریز به تهران می‌آید و در سرچشمه منزل مرحوم شیخ محمد بوذری طالقانی که یکی از شب‌های ماه مبارک رمضان بوده مهمان می‌شود. هنگام سحر که در آن زمان از گلدسته‌های مدرسه عالی سپهسالار (شهید مطهری فعلی) برای بیدار شدن مردم، جهت ادای فرائض دینی و صرف سحری، توسط تنی چند از خوش‌صداترین مؤذنان گلدسته‌ها، مناجات سر می‌دادند آن شب مردم متوجه‌ی وضع دیگری شدند چرا که شب‌های گذشته و سال‌های قبل هر یک از مناجات‌کنندگان از گلدسته‌های متعدد این مدرسه می‌خواندند و هر یک جواب یکدیگر را می‌دادند ولی آن شب با خواندن مرحوم اقبال‌آذر در مدرسه و از پایین گلدسته‌ها آن خوانندگان همه ساکت شدند و تنها صدای رسا و خوش مرحوم اقبال‌السلطان به گوش مردم می‌رسید و فردا تمام اهالی خیابان‌های سرچشمه، سیروس، ایران، پامنار، بهارستان، مخیرالدوله و بسیاری خیابان‌های دوردست دیگر از یکدیگر می‌پرسیدند راستی این چه کسی بود که دیشب این چنین زیبا و عالی مناجاب سر داده بود؟ فقط کسانی که ساکن منزل مرحوم شیخ محمدآقا بوذری بودند می‌دانستند که صاحب صدای مناجات اقبال‌السلطان است.

استاد ابراهیم بوذری هم در سال ۱۳۶۵ درگذشت و جهان فانی را بدرود گفت و با آثاری که از خود به جای نهاد، نامش همیشه زنده و جاوید و خدماتش به فرهنگ و هنر کشور در تاریخ ثبت است. روانش شاد.

(۱۳۶۵-۱۲۷۴ ش). موسیقیدان، خواننده، خطاط و ادیب. در روستای کرود از توابع طالقان به دنیا آمد. تحصیل خود را از مکتب خانهای زادگاهش شروع کرد، در سن پنج سالگی به تهران آمد و در مدرسه‌ی سپهسالار اقامت گزید. ادبیات فارسی، عربی، اصول و فقه را نزد شیخ مسیح ایوانکی، آیت‌الله کاشانی، حاج میرزا خلیل کمره‌یی و علی شوشتری فراگرفت. در هنر خطاطی از محضر حاج زین‌العابدین، عماد طاهری، عمادالکتاب و امیرالکتاب بهره برد. وی از بنیانگذاران انجمن خوشنویسان بود. بوذری سالها در دبیرستانهای مختلف به تعلیم خط پرداخت و بیش از سی سال کارشناس خط در وزارت دادگستری بود؛ همچنین خطاط رسمی کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی سابق و اداره‌ی مباشرت و دارالانشاء نیز بود. ابراهیم صدایی رسا و خوش داشت و دستگاہها و گوشه‌های آوازهای ایرانی را نزد اقبال‌السلطان، سید حسین طاهرزاده و ابوالحسن صبا آموخت، مدتی نیز از حبیب‌الله کاشانی تعلیم گرفت و سرانجام اقبال آذر را به استادی انتخاب کرد. در عرفان هم صاحب مکتب و نظر بود، اشعار زیبایی هم سروده است. از آثار چاپی وی: «دیوان» خواجه شیراز؛ «منتخبات دیوان» مسعود سعد؛ کتاب «تاریخ» دبیرستانها؛ «صرف و نحو» برای دبیرستانها؛ «جوامع الحکایات» عوفی کتبه‌های آرامگاه شیخ شیراز و کتیبه‌ی دروازه قرآن شیراز. [۱]

خوشنویس، مدرس خوشنویسی.

تولد: ۱۲۷۴، طالقان.

درگذشت: ۱ بهمن ۱۳۶۵، تهران.

ابراهیم بوذری، فرزند علی‌اصغر طالقانی پس از فرا گرفتن علوم مرسوم زمان مانند ادبیات فارسی و عربی و فقه و اصول و غیره به مطالعه رشته‌ی قضاء پرداخت و از محضر آیت‌الله خلیل کمره‌ای و آیت‌الله کاشانی و همچنین آیت‌الله شوشتری استفاده کرد و از آیت‌الله شوشتری اجازه در امور حسبه گرفت و دارای مدرک اجتهاد شد.

دیری نگذشت که به عرصه‌ی خوشنویسی وارد شد و نکات و دقائق اولیه‌ی خط نستعلیق را در محضر زین‌العابدین ساعت ساز فراگرفت و سپس از استاد حاج آقا محمد مشهور به عماد طاهری که از شاگردان میر حسین خوشنویس باشی بود استفاده برد و برای تکمیل این خط و همچنین برای آموختن خط ثلث، نزد استاد عبدالحمید ملک‌الکلامی مشهور به امیرالکتاب (متوفی ۱۳۲۸) به تملذ پرداخت. وی چندی نیز جهت تکمیل خط نستعلیق در محضر استاد محمدحسین عمادالکتاب سیقی قزوینی (متوفی ۱۳۱۵) حضور یافت. سپس خط نسخ را در مکتب استاد محمدتقی کمال و آقا شیخ عبدالرسولی آموخت.

وی پس از سالها خدمت در دستگاه‌های دولتی سرانجام در سال ۱۳۳۰ بازنشسته شد. وی مدت‌ها به فرمان‌نگاری و خوشنویسی احکام در مجلس شورای ملی و طی خدمتش در وزارت دادگستری به کارشناسی رسمی خطوط و امضای فارسی نیز اشتغال داشت. استاد بوذری به موسیقی نیز علاقه‌مند بود و از جمله اساتید وی در این زمینه اقبال آذر تغزیه‌خوان معروف به اقبال‌السلطان بودند. تجربه‌هایی از او در «ردیف»، «پرده»، «نوا» و ایرانی به یاد مانده است.

بوذری جزء نخستین کسانی بود که بنیاد کلاس‌های آزاد و رایگان خوشنویسی را به وجود آورده و به همراه دیگر استادان (حسین میرخانی و علی‌اکبر کاوه) سرانجام انجمن خوشنویسان ایران را پایه‌گذاری کرد. او تا آخرین لحظات عمر خود در آن انجمن به عنوان مشاور شورای عالی با حفظ مقام استادی و نیز عضویت در شورای تعیین شایستگی مقام استادی به کار ادامه داد.

ابراهیم بوذری ابتدا به سبک میر حسین و بعدا به اسلوب ملک‌الکلامی و عمادالکتاب گرایش پیدا نمود و سرانجام دارای شیوه‌ای خاص خود گردید که به اسلوب مستقل بوذری معروف شد.

از آثار کتابت به جای مانده از وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: ملخص مثنوی؛ منتخب دیوان سعد سلمان؛ جلد اول جوامع

الحکایات؛ پارسی نغز؛ تاریخچه‌ی آب شیراز؛ وقف‌نامه‌ی بیمارستان نمازی؛ وقف‌نامه‌ی موقوفات مسجد فخرالدوله؛ جزوه‌های قرآن چاپ معروف به حاج ضیاء‌الدینی؛ ارمغان پاک؛ دیوان حافظ؛ کتب کلاسیک؛ کتیبه‌ی آرامگاه سعدی؛ کتیبه‌ی شاه خلیل‌الله در یزد؛ کتیبه رو به تهران دروازه شیراز به خط ثلث؛ یک دوره کتاب‌های درسی سال‌های مختلف دبستان و دبیرستان.

برگرفته از کتاب: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه: [۱] استادان موسیقی (۶۳)، تاریخ موسیقی (۲/۶۶۹)، تذکره خوشنویسان معاصر (۱۳۵-۱۳۳)، سرگذشت موسیقی (۱/۳۸۰)، مردان موسیقی (۱۵۲-۱۴۹/۲).

بوستان، مجدالعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۴-۱۳۱۷ ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در خراسان متولد شد و در مشهد نزد آخوند ملا احمد کدکنی و ادیب نیشابوری درس خواند و فرانسه را نزد میرزا حسین تهرانی حیب فراگرفت. در تهران نیز از محضر آقامیرزا مهدی آشتیانی و ضیاء‌الدین درّی اصفهانی استفاده کرد. سپس به خدمات دولتی روی آورد و مدتی نیز تدریس کرد خدمات ادبی و اجتماعی وی با نگارش مقالات در روزنامه‌ها و مجلات مهم مانند «مهر»، «منیر»، «سعادت بشر»، «بهار»، «چمن»، «فکر آزاد» و «خورشید» در خراسان شروع شد، که به انتشار روزنامه «بوستان» در خراسان و عضویت در انجمن فرهنگستان ایران در تهران و همکاری در نشر مجله‌ی «ارمغان» انجامید. برخی از تألیفات وی عبارت‌اند از: «طریقه‌ی ترجمه»، «رساله‌ی خرافات»، «پندنامه منظوم»، «تذکره‌ی منتهیان».[۱]

محقق، روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۷ ذیقعه ۱۳۱۷ ق.

درگذشت: ۲ اسفند ۱۳۶۴.

مجدالعلی بوستان، فرزند شیخ حسن، فارسی و مقدمات عربی را نزد آخوند ملا احمد کدکنی فراگرفت. در سال ۱۳۳۳ ق. (مطابق با ۱۲۹۳ و ۱۲۹۴) در مشهد نزد میرزا حسین تهرانی طیب (ساکن سر قبر میر در محله نوغان) به آموختن زبان فرانسوی پرداخت. از سال ۱۳۰۳ که به تهران آمد از درس آقا میرزا مهدی آشتیانی و شیخ ضیاء‌الدین درّی اصفهانی استفاده نمود.

بوستان به کار معلمی در مدارس جدید خراسان اشتغال داشت. از سال ۱۳۰۶ در تشکیلات جدید عدلیه مشغول به کار شد و سرانجام در شهریور ۱۳۴۷ از کار بازنشسته شد. ابتدا مدعی‌العموم شهرستان ملایر بود و در پایان مستشار دیوان عالی کشور.

وی مقاله‌هایی را در موضوعات مختلف اجتماعی و ادبی برای روزنامه‌های «مهر منیر»، «سعادت بشر»، «بهار»، «چمن»، «فکر آزاد» و «خورشید» که در خراسان منتشر می‌شد می‌نوشت. وی سپس به انتشار روزنامه‌ی «بوستان» در خراسان اقدام کرد. از سال ۱۳۰۷ به بعد در انجمن ادبی ایران و انجمن فرهنگستان ایران و انجمن ادبی حکیم نظامی حضور می‌یافت. وی همچنین در تصحیح دیوان بابا طاهر عریان با اتفاق محمد حسین وحید دستگردی و عبرت مصاحبی نایینی و محمود عرفان همکاری داشت. تألیفات وی عبارت است از: رساله خرافات، دستور شرق (کتاب دستور فارسی که برای مدارس ابتدایی خراسان نوشته شد و چندین بار به چاپ رسید)، پندنامه منظوم (نصحیت مادر به دختر، چاپ سنگی در تهران ۱۳۰۶)، تذکره‌ی منتهیان (جلد دوم طریقه ترجمه). آثاری نیز از وی به چاپ نرسید: اوهام خواس «غلطهای مشهور»؛ ترجمه احوال بزرگان؛ شرح حال شیخ علاءالدوله سمنانی؛ سید حسن مشکانی طبسی (شرح حال)؛ یادداشت‌های قضایی و مقالات ادبی.

بوستان از زمانی که به تهران آمد با وحید دستگردی مدیر مجله «ارمغان» آشنا شد. این آشنایی منتهی به همکاری بوستان در نشر مجله‌ی «ارمغان» شد. وی گاه نوشته‌های خود را با امضاهای «پونه»، «بیابانی»، «عمیدجلال»، «بنده خدا» و «عبد خدا» منتشر می‌ساخت.

مجدالعلی بوستان به هنگام اقامت در خراسان از هواداران کنل محمدتقی خان پسیان بود. وقتی که برای مدت سه سال رییس دادگستری سمنان بود به سبب تماس با تبعید شدگان زمان رضاشاه، تحت تعقیب قرار گرفت و برای مدتی به حالت بازداشت تحت نظر بود. در زمان نخست وزیری دکتر مصدق به سبب وضع خاص و حساس شهر محلات به هنگام انتخابات، از سوی ایشان مأمور نظارت در انتخابات محلات شد که چون طرفداران شهاب خسروانی وجود او را مخل دخالت‌های خود در صندوق‌ها تشخیص دادند، به دادگستری که محل اقامت او نیز بود، حمله بردند و قصد جان او را کردند. ناچار بنا به توصیه فرمانده ژاندارمری و شهربانی ضمن مراقبت ویژه او را از محلات بیرون آورده و راهی تهران کردند.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ جراید (۲۶- ۲۴/ ۲)، الذریعه (۱۷۰/۱۵)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۸۵- ۸۴/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱۸۸- ۱۸۷/ ۵).

بوستانی، ایرانبور

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی عمومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

بوسنجی، عایشه

قرن: ۱۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

(بوسنج یا پوشنگ، شهرکی در ده فرسنگی هرات بوده است). از زنان محدث. وی دختر عبدالله بود و از عبدالرحمن بن محمد بن مظفر بوسنجی (پوشنگی) روایت کرده است. [۱]

۴۶۰- ز ۵۴۱ ق، از زنان محدث، پارسا و نیکوکار. وی دختر عبدالله بن علی بن احمد بلخی بود. او در بوشنج (پوشنگ) متولد شد

و در همان شهر درگذشت. او از پدرش و از امام عبدالرحمن بن محمد داودی و ابومنصور بن عبدالرحمن بن محمد کلار حدیث

فراگرفت و سمعانی از او حدیث نوشته است. [۲]

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: [۱] منبع: اعلام النساء، ۱۵۶ / ۳.

[۲] منبع: اعلام النساء، ۱۵۷ / ۳.

بوشهری، اسماعیل

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۲۸ ق)، فقیه، نویسنده و مدرس. وی بیشتر ایام عمر را در شیراز گذرانده و به تألیف و تدریس اشتغال داشته است. سید محمد تقی شفیع، فقیه کازرونی، از شاگردان او بوده است. وی در بوشهر وفات یافت. از تألیفات او: شرح قصیده «بآل محمد عرف الصواب»؛ شرح «دعاء الاحتجاب»، به روایت «مهج الدعوات» از پیامبر (ص)؛ شرح «دعاء الاحتجاب»، از امیرالمؤمنین (ع)؛ شرح «دعاء الاحتجاب»، از امام حسن (ع)، شرح «دعاء الاحتجاب» از سیدالشهداء (ع)، شرح «دعاء الجوشن الصغیر»؛ شرح «دعاء الصباح». بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱/۲۶۶)، الذریعه (۲۵۲، ۲۴۷-۲۴۶/۱۳).

بوشهری، عبدالله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۹۲-۱۲۵۱ ق)، عالم دینی و فقیه. در بوشهر به دنیا آمد. وی در نجف خدمت علمای بزرگوارى همچون شیخ انصاری و علامه کوه‌کمری تحصیل کرد تا اینکه به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از ایشان نایل آمد. وی در راه بازگشت به بوشهر از دنیا رفت. جنازه‌اش به نجف حمل و در آنجا دفن شد. از آثارش: منظومه‌ای در اصول فقه به نام «زهرة ارض الغری» است. [۱]

وی شیخ عبدالله بن حسن بن محمد علی آل عبدالجبار بوشهری عالمی فقیه و دانشمندی نبیه و دارای منظومه‌ای در اصول فقه بوده و نام او را (زهرة ارض الغری) گذارده بود تحصیلاتش در نجف خدمت علماء بزرگوار آن مانند شیخنا الانصاری و علامه کوه‌کمری و غیره بوده و پیش از رسیدن بوشهر در سال ۱۲۹۲ وفات نموده است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۷۲/۱۲)، طبقات الاعلام الشیعه (قرن ۷۷۵-۷۷۴/۱۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۳۹، ۲۳۸-۲۳۷/۳).

بوشهری، محمد شفیع

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۹-۱۲۷۰ ق)، عالم دینی، فقیه و طبیب. در کازرون به دنیا آمد و در محضر پدر تربیت یافت. آنگاه با پدرش در سال ۱۲۹۱ ق به بوشهر منتقل شد و از آنجا به عراق رفت و به همراه آیت‌الله میرزای شیرازی به سامرا مهاجرت کرد و ده سال از محضر وی حداکثر استفاده را نمود تا در فقه و اصول به پایه‌ی بلندی رسید. وی همزمان به تحصیل طب پرداخت تا آنجا که معالجات غریبه‌ای می‌کرد. در سال ۱۳۱۰ ق به بوشهر مراجعت کرد و عهده‌دار مقام مرجعیت و تدریس شد. در سال آخر عمر سفری به عتبات کرد و

در نجف پس از کسالتی از دنیا رفت و همان جا دفن شد. وی تألیفاتی در فقه و اصول دارد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: گنجینه‌ی دانشمندان (۳/۲۳۸).

به آفرید

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س اول و دوم ق)، مبتدع. اهل خوفا بود و در زمان ابومسلم مذهبی مبتنی بر اصول مهرپرستی و اسلام آورد. اساس مذهب او بر توحید و اعتقاد به معاد بود و عبادت خورشید و به جای آوردن نماز را بدان سوی روا می‌داشت و احکامی دیگر صادر کرد. مبنای آن دین همان دیانت زردشتی بود که با تعلیمات اسلامی آمیخته شده بود. نام این فرقه به آفریدیه یا سیسانیه است. موبدان زردشتی با او مخالفت کردند و شکایت نزد ابومسلم بردند. عبدالله شعبه او را در کوه‌های بادغیس گرفت و نزد ابومسلم برد و او را کشتند. به آفرید صاحب کتابی نیز بوده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آفرینش و تاریخ (۵۷۴-۵۷۳، ۴۱۶، ۲۵۳)، تاریخ ادبی ایران (۴۶۲-۴۵۹/۱)، دایرةالمعارف فارسی (۱/۴۷۶)، سرآمدان فرهنگ (۲۳۱-۲۳۰/۱)، شخصیت‌های نامی (۱۰۷)، لغت‌نامه (ذیل/به آفرید)، الملل والنحل (۱/۱۸۵).

بهاء‌الدینی، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۹ فروردین ۱۲۶۷ (عید غدیر خم ۱۳۲۷ ق.)، قم.

درگذشت: ۲۸ تیر ۱۳۷۶ (۱۳ ربیع‌الاول ۱۴۱۸ ق.)، قم.

آیت‌الله سید رضا بهاء‌الدینی، فرزند صفی‌الدین خدمتگزار آستانه حضرت معصومه و حافظ بسیاری از سوره‌های قرآن مجید و معروف به «کشف‌الایات» بود. وی پس از پشت سر نهادن دوران کودکی، در شش سالگی به مکتبخانه رفت و به فراگیری نصاب، گلستان، خواندن و نوشتن پرداخت و پس از آن به آموختن علوم دینی روی آورد، و توانست مغنی را نزد میرزا محمدعلی ادیب تهرانی، شرح لمعه و فرائد الاصول را در محضر آخوند میرزا محمد همدانی، قوانین الاصول را نزد آیت‌الله آخوند ملا علی همدانی و مکاسب را در مجلس درس آیت‌الله سید صدرالدین صدر بیاموزد.

سپس در نوزده سالگی در درس خارج فقه و اصول آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی حاضر شد. پس از وفات ایشان به درس حضرات آیات عظام: سید صدرالدین صدر، سید محمد حجت، سید محمدتقی خوانساری و حاج آقا حسین بروجردی حاضر شد و مبانی فقهی و اصولی‌اش را استوار ساخت و در بیست و پنج سالگی از آیت‌الله خوانساری اجازه اجتهاد دریافت نمود.

ایشان در کنار تحصیل به تدریس مقدمات و سطوح روی آورد و سیوطی، مغنی، حاشیه، مطول، قوانین (پنج دوره) رسایل، مکاسب و کفایه را تدریس کرد و شاگردان فراوانی را تربیت نمود. سپس خارج فقه و اصول را آغاز کرد و در مدت بیست سال، چند کتاب فقهی و چند دوره اصول را تدریس نمود و مجموع سالهای تدریس وی، شصت سال به طول انجامید.

آیت‌الله بهاء‌الدینی در جنب تحصیل و تدریس به اقامه جماعت و تألیف نیز پرداخت و نوشتارهایی پیرامون قرآن مجید، نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه از او به یادگار ماند و این همه خمیرمایه درسهای اخلاقی وی در حوزه‌ی علمیه‌ی قم را تشکیل داد.

در اسفند ۱۳۷۵ سمیناری در تحلیل از وی در حوزه‌ی علمیه‌ی قم برپا شد و از شخصیت وی تجلیل گردید و کتابی با نام آیت بصیرت در شرح زندگی او منتشر شد.

آیت‌الله بهاء‌الدینی در سن نود سالگی در روز شنبه بیست و هشتم تیر ۱۳۷۶ (سیزدهم ربیع‌الاول ۱۴۱۸ ق.) بدرود حیات گفت و پیکرش پس از تشییع و نماز آیت‌الله فاضل لنکرانی بر آن در مسجد بالا سر حضرت فاطمه معصومه (س) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

بهادری، مسلم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۵، مرتبه علمی: استاد رشته: آسیب‌شناسی دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۳۲، دکترای تخصصی آسیب‌شناسی از دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۳۷، فوق تخصص دپارتمان پاتولوژی و باکتریولوژی دانشگاه ولز انگلستان در سال ۱۳۳۹.

مرتبه علمی:

دستیار کرسی آسیب‌شناسی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۴، دستیار گروه آسیب‌شناسی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۲، دانشیار تمام وقت دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳، استاد تمام وقت گروه آسیب‌شناسی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷، استاد مدعو دانشگاه کالیفرنیا سان‌دیگو در سالهای ۱۳۴۹ و ۱۳۵۲.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام طرح‌های تحقیقی در زمینه پاتولوژی، جایزه بهترین کتاب سال در رشته پزشکی در سال ۱۳۴۶، جایزه بهترین تحقیق پزشکی در سال ۱۳۵۱، جایزه بهترین پژوهش در رشته پزشکی در سال ۱۳۵۳، جایزه بهترین کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۰، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه دکترا و تخصصی در هر سال.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

پاتولوژی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۵۶، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۸

زمینه علمی مقالات:

آسیب‌شناسی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

بهار، مهرداد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ملک مهرداد بهار، فرزند محمدتقی بهار (ملک الشعرا) در سال ۱۳۰۸ شمسی در تهران چشم به جهان گشود. وی از سال ۱۳۲۶ به عرصه‌ی فعالیت‌های سیاسی وارد شد، و پس از ورود به دانشگاه فعالیت‌های خود را گسترش داد، که همین امر باعث اخراجش از دانشگاه شد و چندی بعد منجر به دستگیری او گردید. پس از آزادی از زندان در سال ۱۳۳۸ برای ادامه‌ی تحصیلات به انگلستان رفت و در دانشکده شرق‌شناسی دانشگاه لندن تحصیلات خود را ادامه داد. بهار از سال ۱۳۴۴ به کلی از فعالیت‌های سیاسی کناره گرفت و به وطن بازگشت و در زمینه‌ی فرهنگ ایران باستان به پژوهش پرداخت. وی ده سال در بنیاد فرهنگ ایران و فرهنگستان زبان ایران به کار پژوهش پرداخت و مدیریت گروه اساطیر را به عهده داشت. وی سرانجام در ۲۲ آبان ۱۳۷۳ بر اثر سرطان خون درگذشت.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب: ملک مهرداد بهار، پنجمین فرزند در خانواده‌ی دانش‌پرور شاعر پرآوازه استاد محمدتقی بهار (ملک الشعرا) چشم به جهان گشود. مادر وی شاهزاده خانمی قاجاریه از خانواده‌ی دولتشاه کرمانشاه از نوادگان فتحعلی شاه بود.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: ملک مهرداد بهار، دوران کودکی و نوجوانی را در کنار خانواده و تحت سرپرستی مادرش سپری کرد. محیط فرهنگی خانه که محل رفت و آمد شعرا و ادبا و محفل انس فضلا و بزرگان ادب و سیاست آن روز بود، در روحیه و ساختار و شخصیت او تأثیر بسزایی گذاشت، به طوری که از او انسانی کم نظیر با تمامی خصایل عظیم انسانی و فضایل والای علمی ساخت.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: ملک مهرداد بهار، تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ی «جمشید جم» و دوران متوسطه را در دبیرستان «فیروز بهرام» و «البرز» گذراند. وی در سال ۱۳۲۸-۱۳۲۹ در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پذیرفته شد. در سال دوم دانشکده (۱۳۲۹-۱۳۳۰) به سبب زندانی کردن استاد دانشگاه تهران برای یک سال از دانشگاه اخراج شد. سپس در بهار ۱۳۳۴ پس از چهار سال دوری به دانشگاه برگشت و در سال ۱۳۳۶ در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی فارغ‌التحصیل شد. در فروردین ۱۳۳۸ برای ادامه‌ی تحصیل به انگلستان رفت و در مدرسه‌ی مطالعات شرقی و آفریقایی در رشته‌ی زبان ایران باستان - مطالعات کهن و میانه‌ی ایرانی که شامل تاریخ و فرهنگ و زبان ایران باستان از اوستا و پارسی باستان تا متن‌های فارسی میانه و پارتی بود - تحصیلات خود را پی گرفت. وی پس از چهارسال فوق‌لیسانس خود را در انگلستان گرفت. و دو سال هم بر روی پایان‌نامه‌ی دکترای کار کرد، اما به دلایل مالی مجبور شد به ایران بازگردد (۱۳۴۴). در این سال در دانشگاه تهران دکترای رشته

ی زبان های ایران باستان به تازگی راه اندازی شده بود ، بنابراین بهار رساله ی دکترایش را با عنوان « آفرینش در اساطیر ایرانی بر پایه ی گزیده های زاد سپرم » با دکتر صادق کیا گذراند.

خاطرات و وقایع تحصیل : ملک مهرداد بهار در سال ۱۳۲۶ در کلاس دهم دبیرستان فیروز بهرام وارد حزب توده شد و از رهبران سازمان جوانان آن حزب شد. وی در طول سال های تحصیل فعالیت سیاسی را دنبال نمود و گاه بدین خاطر به زندان نیز افتاد. در ادامه ی فعالیت های سیاسی دیگر به صورت مستقل از آرمان های صنفی - سیاسی دانشجویان ایرانی دفاع می کرد. در سال ۱۹۶۱ در کنفرانس حزب توده در شهر دوسلدورف آلمان ، در دفاع از عدم انشعاب در کنفدراسیون دانشجویان ایرانی و مخالفت با حزب توده ، برای همیشه از این حزب اخراج شد.

فعالیت های ضمن تحصیل : مهرداد بهار در مدت تحصیل در انگلستان ، با جنبش دانشجویی ایران و انتشار نشریه های فرهنگی - دانشجویی همکاری داشت ، همچنین یکی از اعضای هیئت دبیران کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در سال های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۰ ، عضو هیئت تحریریه ی مجله ی پژوهشی چاپ لندن و مدتی هم سردبیر آن بود و با نشریاتی چون « نامه پارسی » همکاری داشت.

استادان و مربیان : ملک مهرداد بهار پس از آنکه تحصیلات متوسطه ی خود را در تهران گذراند ، در رشته ی زبان و ادبیات فارسی ادامه ی تحصیل داد. در این مدت از محضر استادانی چون استاد پورداوود ، استاد بدیع الزمان فروزانفر و بیش از همه پدر ادیب و سخنورش استاد محمد تقی بهار بهره برد. وی ۶ سال هم در دانشکده ی شرق شناسی دانشگاه لندن در رشته ی ایران شناسی به تحقیق و مطالعه ی زبان های پارسی باستان و اوستا و پارسی میانه و پارتی و تاریخ فرهنگ ایران پرداخت. استادانش ، بزرگانی چون پرفسور هینک ، پرفسور مکنزی ، پرفسور مری بویس و پرفسور هارولد بیلی بودند.

همسر و فرزندان : همسر ملک مهرداد بهار ، خانم دکتر زهره سرمد تهرانی ، استاد دانشگاه تهران است. از او دو پسر و یک دختر به نام های کاوه ، میلاد و فرغانه به یادگار مانده است.

زمان و علت فوت : ملک مهرداد بهار بر اثر سرطان خون در روز یکشنبه ۲۲ آبان ماه ۱۳۷۳ در سن ۶۵ سالگی در گذشت و در قطعه ی هنرمندان در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

مشاغل و سمت های مورد تصدی : ملک مهرداد بهار پس از آنکه از لندن به ایران بازگشت به سبب فعالیت های سیاسی هرگز نتوانست در دانشگاه به طور رسمی استخدام شود ، به ناچار در بانک مرکزی با عنوان « دبیر هیئت عامل بانک » استخدام شد ، سپس به صورت کارمند انتقالی از بانک مرکزی در بنیاد فرهنگ ایران به پژوهش پرداخت. از ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۳ ، پس از پیروزی انقلاب اسلامی به بانک برگشت و به کار ترجمه ی متون اقتصادی پرداخت. پس از ۲۳ سال کار در بانک به دلیل ناهم خوانی با روحیه ی استاد در سال ۱۳۶۸ خود را بازنشسته کرد. مهرداد بهار در سال ۱۳۲۶ در کلاس دهم دبیرستان فیروز بهرام وارد حزب توده شد و از رهبران سازمان جوانان آن حزب شد و در طول سال های تحصیل فعالیت سیاسی را دنبال نمود و گاه بدین خاطر به زندان نیز افتاد. بهار در مدت تحصیل در انگلستان ، با جنبش دانشجویی ایران و انتشار نشریه های فرهنگی - دانشجویی همکاری داشت ، همچنین یکی از اعضای هیئت دبیران کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در سال های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۰ ، عضو هیئت تحریریه مجله پژوهشی چاپ لندن و مدتی هم سردبیر آن بود و با نشریاتی چون « نامه پارسی » همکاری داشت. در ادامه ی فعالیت های سیاسی دیگر به صورت مستقل از آرمان های صنفی - سیاسی دانشجویان ایرانی دفاع می کرد ، در سال ۱۹۶۱ در کنفرانس حزب توده در شهر دوسلدورف آلمان ، در دفاع از عدم انشعاب در کنفدراسیون دانشجویان ایرانی و مخالفت با حزب توده ، برای همیشه از این حزب اخراج شد.

فعالیت های آموزشی : ملک مهرداد بهار به سبب فعالیت های سیاسی هرگز نتوانست در دانشگاه به طور رسمی استخدام شود. او

هنگامی که در بانک کار می‌کرد به صورت حق التدریس در دانشگاه تهران تدریس می‌نمود. از سال ۱۳۵۲ در گروه زبان شناسی و زبان های باستانی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به عنوان عضو هیئت علمی مدعو به تدریس پرداخت. در واپسین سال های عمر در گروه تاریخ ادیان دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران در رشته ی ادبیات و عرفان به تدریس پرداخت.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : ملک مهرداد بهار در سال ۱۳۵۱-۱۳۵۲ در فرهنگستان زبان ایران موفق شد پژوهشکده ی زبان های ایرانی میانه و باستان گروه زبان و پارسی میانه را تشکیل بدهد که در آنجا طی هفت سال متون پهلوی بسیاری به یاری او منتشر شد. در کنار فرهنگستان زبان ایران در فرهنگستان ادب و هنر ایران (۱۳۵۱-۱۳۵۲) نیز گروه اساطیر را با هدف تدوین دانشنامه ی اساطیر ایران تشکیل داد.

آرا و گرایشهای خاص : ملک مهرداد بهار نخستین کسی بود که در ایران به پژوهش درباره ی اساطیر ایران پرداخت و در این زمینه شاگردان بسیاری پروراند. در میان پژوهشگران پهنه ی فرهنگ ایران زمین ، گروهی یافت می شوند که تنها توجه خود را منحصر به داده ها و تحلیل های گذشته نمی بینند ، بلکه ترجیح می دهند تا با کندوکاو در دیدگاه های رایج و ارزیابی و سنجش آن ، خود نیز به دیدگاهی مستقل دست یابند. استاد مهرداد بهار از جمله فرهنگ پژوهانی است که می توان وی را در حوزه ی یادشده جای داد. استاد در عین آشنایی با دیدگاه های رایج ایران شناختی و بهره گیری درست و دقیق از هر کدام ، پژوهشگری یکتا و مستقل به شمار می آمد چرا که بر بسیاری از داده ها و نظرگاه های ایران شناسان غربی نقد روا داشته و در برخی از موارد از آنها فاصله می گرفت. کار پراهمیت دکتر بهار متمرکز است بر تاثیر ژرف فرهنگ های بومی ایران و فرهنگ آسیای غربی به ویژه میان رودان بین النهرین بر فرهنگ ایرانی که از چشم بسیاری به دور مانده بود.

آثار :

۱ بند هش

۲ پژوهشی در اساطیر ایران

۳ درباره ی قیام ژاندارمری ایران

۴ سخنی چند درباره ی شاهنامه

۵ واژه نامه ی گزیده های زاداسپرم

منابع :

اروزنامه همشهری ، شنبه ۵ آذر ۱۳۷۹ ، شماره ۲۲۷۶۲ کتاب ماه ، سال دوم ، شماره دوازدهم ، ۲۹ مهر ۱۳۷۸۳ مهرداد بهار (یادنامه ی استاد دکتر مهرداد بهار) ، به کوشش امیر کاووس بالازاده ، تهران : انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ، ۱۳۷۷ ، ص ۱۳۴ نشریه ی نامه ی فرهنگ ، سال چهارم ، شماره ی ۱۶ ، زمستان ۱۳۷۳

بهاری همدانی، محمدباقر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۳-۱۲۷۷ ق)، عارف، فقیه، عالم، محدث و رجالی. در بهار از توابع همدان متولد شد و همان جا نزد پدر خود درس خواند. پس از آن به همدان و بروجرد رفت و به ترتیب نزد محمد اسماعیل همدانی و میرزا محمود طباطبایی بروجردی تلمذ کرد پس از پایان سطوح و قرائت درس خارج به نجف رهسپار شد، و نزد ملا-حسینقلی همدانی تحصیلات خود را ادامه داد و از خواص اصحاب او شد. پس از مرگ استادش، ملا حسینقلی همدانی، و بعد از مدت بیست سال توقف در نجف به همدان بازگشت و تا پایان عمر در آنجا زیست و در همان شهر دفن شد. در «اعیان الشیعه» چهل و چهار تألیف او نام برده شده است. از آثار وی: «ابهی الدرر فی تکملة عقد الدرر»، «البیان فی حقیقه الایمان»، «السلاح الحازم لدفع الظالم»، رد ابن حجر در منع ذم معاویه؛ «نثار اللباب»؛ «الدره الغریبه والتحفه الحسینیه»؛ «تسدید المکارم و تفضیح المظالم»؛ «الطلع النضید فی ابطال المنع عن لعن یزید»؛ «رساله فی احوال أخطب خوارزم»؛ حاشیه بر «قوانین الاصول»؛ «ایضاح الخطاء»، در نکوهش استبداد؛ رساله‌ای در «عدالت».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۵۳۸-۵۳۷/۳)، الذریعه (۵۱/۲۴، ۱۷۹-۱۷۸/۱۵، ۲۰۸/۱۲، ۱۰۴/۸، ۱۷۵-۱۷۴/۶، ۱۷۳/۳، ۴۹۴/۲، ۷۹/۱)، فوائد الرضویه (۴۱۸)، مؤلفین کتب چاپی (۴۶-۴۵/۲)، معجم المؤلفین (۳۷-۳۶/۳).

بهارى، اسماعیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۹۰-۱۳۲۰ ق)، عالم دینی و فقیه. در روستای بهار در دو فرسنگی همدان به دنیا آمد. در سال ۱۳۳۶ ق به تهران آمد و نزد آخوند ملاعلی همدانی و شیخ باقر اصفهانی و آقا سید علی ورامینی به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۴۱ ق به قم رفت و نزد آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله میرزا محمد همدانی سطوح نهایی فقه و اصول به پایان برد و معقول را در خدمت آقا میرزا علی اکبر حکیم یزدی فراگرفت و از محضر آیت‌الله یثربی کاشانی و آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت استفاده کافی برد. در سال ۱۳۶۰ ق به تهران آمد و به ترویج دین و تفسیر قرآن و تدریس فقه و اصول پرداخت. وی در تهران درگذشت و جنازه‌اش به قم حمل و در جنب مقبره آیت‌الله حایری دفن شد. از آثارش: شرح بر «بیع مکاسب» شیخ انصاری؛ شرح بر جلد اول «کفایه»؛ سه رساله در «لباس مشکوک» [۱].

حاج اسمعیل بن العالم الجلیل آقا شیخ محمد رضا بهاری از علماء مبرز تهران و تلامذه با فضل و تقوی مرحوم آیه‌الله العظمی حایری و آیه‌الله آقای حجت کوهکمری رحمهماالله بوده‌اند.

وی در سال ۱۳۲۰ قمری در قریه بهار که در دو فرسخی همدان محل و زادگاه عالم ربانی و سالک سجادی حجه الاسلام و المسلمین آیه‌الله آقا شیخ محمد بهاری صاحب کتاب (تذکره المتقین) که از اوتاد عصر خود بوده بدینا آمد و در سال ۱۳۳۶ قمری عزیمت به تهران نموده و نزد آخوند ملاعلی همدانی و شیخ محمدباقر اصفهانی و آقا سید علی ورامینی بتحصیل پرداخته و در سال ۱۳۴۱ قمری به قم آمده و خدمت علمین مرحومین آیه‌الله خوانساری و آیه‌الله میرزا محمد همدانی سطوح نهایی فقه و اصول را پایان رسانیده و هم معقول را در خدمت مرحوم آقا میرزا علی اکبر حکیم یزدی خوانده و از محضر مرحوم آیه‌الله آقای میرزا سید علی یثربی کاشانی و آیه‌الله حایری و آیه‌الله حجت و مخصوصاً مرحوم آیه‌الله العظمی حایری استفاده کافی نموده و در سال ۱۳۶۰

قمری رحل اقامت به تهران افکنده و در مسجد بازار آهنگرها به اقامه جماعت و تفسیر کلام‌الله و ترویج دین و نشر احکام مبین و تدریس متون فقه و اصول پرداخته تا در سال ۱۳۹۰ قمری که دعوت حق را لیک اجابت گفته و جنازه‌اش حمل به قم و در جنب مقبره آیه‌الله حایری بخاک رفته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار الحجۃ (۲۴۴- ۲۴۳/۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۰۱- ۴۰۰/۴).

بهارى، محمدباقر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدباقر بن جعفر بن محمد معروف به (کافی) ابن محمدیوسف بهاری همدانی عالمی جامع و فقیهی بزرگ و متفنن و متبع بوده است.

وی در بهار همدان متولد شده و پس از پرورش و فراگرفتن مقدمات و سطوح مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر علامه میرزا حبیب‌الله رشتی و حاج میرزا حسین خلیلی و ملا محمدکاظم خراسانی استفاده نموده و کتب بسیاری از تقریرات آنان نوشته و علم سلوک و اخلاق را از علامه شهیر آخوند ملاحسینقلی همدانی آموخته و از جماعتی که از آنهاست خاتم‌المحدثین ثالث مجلسین حاج میرزا حسین نوری روایت نموده و در سال ۱۳۱۶ ق به همدان مراجعت و بدون هیچ مسامحه و فتور قیام به انجام وظائف دینی و روحی نموده تا در سال ۱۳۳۳ ق به رحمت حق پیوسته.

آن مرحوم فقیه و مجتهدی متقی و پارسا و شدید در امر به معروف و نهی از منکر و عارفی سالک و مهابدی بارع و دارای تألیفات و تصنیفات ارجداری بوده که ذیلاً می‌نگارم.

۱- حاشیه بر شرح الفیه در نحو ۲- حاشیه بر شرح قطر ۳- الدرہ الغرویہ مربوط به حضرت ابی‌عبدالله‌الحسین (ع) ۴- مستدرک الدرۃ ۵- بدرالامه (در جفر الاثمه) ۶- الطلع النضید در ابطال منع از لعن یزید ۷- فضائل حمزه و جعفر ۸- فضل عمار ۹- التقیه ۱۰- ابهی الدرر ۱۱- عقدالدرر در امام منتظر ۱۲- البیان در حقیقه ایمان ۱۳- سلاح الحازم در دفع مظالم جواب ابن حجر هیشمی بر منع از ذم معاویه ۱۴- الدعوه الحسینیہ در استحباب گریه بر حسین (ع) ۱۵- اعلان الدعوه ۱۶- نشاب اللباب ۱۷- تنزیه المشاهد ۱۸- تلخیص الرسائل الرجالیہ ۱۹- رساله در عثمان بن عیسی ۲۰- روح الجوامع در رجال ۲۱- کتاب النور در امام مستور ۲۲- القوانین ۲۳- الفوائد الاصولیہ ۲۴- الصحیح و الاعم ۲۵- الحاشیہ الجدیدہ بر فوائد الاصول شیخ انصاری ۲۶- حاشیه بر مکاسب انصاری ۲۷- حاشیه بر رضاعیه شیخ ۲۸- کتاب الصوم ۲۹- کتاب وفاه النبی صلی‌الله‌علیه و آله ۳۰- کتاب العلائم در علامات ظهور حضرت حجه قائم ۳۱- دعوه الرشاد ۳۲- ایضاح المرام ۳۳- اثبات مذهب الاسلام ۳۴- اصول الدین ۳۵- بعث الاموات قبل ظهور الحجۃ ۳۶- رساله العصمه ۳۷- حاشیه علی المقاصد العلیه ۳۸- مفارقه الاجزاء للقبول ۳۹- ترویج الصغیره ۴۰- المولود من الزنا و ده‌ها کتاب و رساله دیگر که اکثراً مخطوط می‌باشد.

آن بزرگوار را در سال ۱۳۳۳ قمری بدرود حیات گفته و به رحمت حق پیوستند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

بهبودی، محمدباقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدباقر بهبودی در سال ۱۳۰۸ ه.ش دیده به جهان گشود. از سال ۱۳۲۷ تحصیلات مذهبی را بطور تمام وقت شروع کرد. ادامه تحصیل خود را تا سال ۱۳۳۷ کشاند و از محضر اساتید آن دوره کسب فیض نمود. بعد از ترک تحصیل به تهران منتقل شد و به تصحیح و تحقیق کتب خطی پرداخت. وی اخراج چهل و پنج جلد بحار و مقابله، تحقیق و پاورقی و تخریج احادیث آن و مقابله با ماخذ، کاملاً به دست ایشان به اتمام رسید. در اثر همین توفیق الهی بود که بیش از سایر همکارانش به نسخه‌ی مولف دست یافت و ۳۶ جلد از این چهل و پنج جلد را با نسخه‌ی مولف مقابله کرد. در جلد ۱۱۰ که آخرین جلد بحار الانوار است، سخنی کوتاه درباره‌ی این کتاب و شیوه‌ی مولف در جمع احادیث تحریر کرده اند که توجه علاقمندان را به آن جلب کرد. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: محمدباقر بهبودی در ادبیات از محضر استاد ادیب محمدتقی نیشابوری معروف به ادیب دوم، در قسمت سطح مختصری از محضر حجت الاسلام سید احمد یزدی معروف به نهنگ و بیشتر از محضر استاد حجت الاسلام حاج شیخ هاشم قزوینی بهره برد. علاوه بر مقداری سطح در یک رشته از دروس تفسیری محضر حجت الاسلام دامغانی را هم درک کرد که روزهای تعطیل به آن پرداختند. در سال ۱۳۳۳ شمسی به قم آمد و بعد از آنکه یک درس در محضر آیت الله خمینی حاضر شد، بدون توقف به نجف رفت. در نجف یک درس در محضر آیت الله خویی و یک درس در محضر آیت الله حکیم انتخاب کرد و تا دو سال به تحصیل و بیشتر مطالعه و تحقیق شخصی ادامه داد و در سال ۱۳۳۵ ترک تحصیل نمود. استادان و مربیان: استادان محمدباقر بهبودی استاد ادیب محمدتقی نیشابوری، حجت الاسلام سیداحمد یزدی، حجت الاسلام حاج سیدهاشم قزوینی، حجت الاسلام دامغانی، آیت الله خمینی، آیت الله خویی، آیت الله حکیم می توان نام برد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: محمدباقر بهبودی از سال ۱۳۳۷ که به تهران منتقل شد، به تصحیح و تحقیق کتابهای خطی و چاپی پرداخت. اولین کاری که شروع کرد تصحیح تفسیر المیزان - جلد هفتم - بود که تا جلد بیستم آخرین جلد ادامه یافت. در آن هنگام، کارمن چندان مورد توجه و علاقه و اعتماد مولف قرار گرفت که رخصت یافت به حکم و اصلاح ادبی آن نیز پردازد. به موازات تفسیر المیزان به تصحیح بحار الانوار پرداخت و از جلد هفدهم تا آخرین مجلد - غیر از دو جلد ۷۷ و ۷۸ همه مجلدات به تصحیح اینجانب و اشراف و نظارت بر متن کتاب و احیاناً حکم و اصلاح تعلیقه‌ی دیگران پایان گرفت. آثار: اسلوب جدید در شناسایی جدید ویژگی اثر: کتابی در تجوید به نام اسلوب جدید در شناسایی تجوید که مقدمه‌ی آن در تاریخ علم قرائت و تجوید بسیار جالب تهیه شده است. به سال ۱۳۲۹.۲ تحقیق و تصحیح بحار الانوار ویژگی اثر: این کتاب اثر محمدباقر مجلسی است. ۳. تحقیق و تصحیح کتاب کنز العرفان ویژگی اثر: این کتاب اثر فاضل مقداد است که تحقیق نسخه و تخریج احادیث و تصحیح اوراق مطبوعه به عهده محمدباقر بهبودی بوده است. ۴. تحقیق و تصحیح کتاب مسالک الافهام فی آیات الاحکام ویژگی اثر: این اثر در دو جلد که قسمت تعلیقات فقهی آن به عهده مرحوم شریف زاده است. ۵. تحقیق و تصحیح کتاب مناقب ابن المغازلی، تحقیق و تصحیح و تعلیقات کتاب الصراط المستقیم ویژگی اثر: این اثر تالیف مرحوم بیاضی در دو جلد است که یک مقدمه از مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی و یک مقدمه از آیت الله سید شهاب امیری مرعشی در اول آن اضافه گردیده است. ۷. تحقیق و تصحیح و تعلیقات کتاب مبسوط ویژگی اثر: کتاب مبسوط از جلد سوم تا جلد هشتم با تحقیق نسخه و تصحیح اوراق مطبوعی و تعلیقات نسبتاً ناچیز و فهرست کامل فروع در حدود ۲۰۰ صفحه. ۸. تحقیق و تصحیح وقایع السنین و الاعوام ویژگی اثر: این اثر تالیف خاتون آبادی با تحقیق نسخه و تصحیح اوراق و مقابله با ماخذ می باشد. ۹. تعلیقه و تحقیق و تصحیح کتاب زبده البیان ویژگی اثر: این اثر تالیف محقق اردبیلی است. ۱۰. صحیح الکافی، قاطع البرهان فی علم المیزان ویژگی اثر: این اثر اولین اثر چاپی او می باشد که در سال ۱۳۲۸ شمسی به چاپ

رسیده است. ۱۲ گزیده کافی، مجلدات ناسخ التواریخ، معرفه الحدیث، میثم تمار ویزگی اثر: این کتاب در سال ۱۳۳۳ به چاپ رسیده است.

منابع زندگینامه: کیهان فرهنگی، به کوشش سید کمال حاج سیدجوادی، سیدمصطفی رخ صفت، روانشاد حسن منتظر قائم، سال سوم، شماره ۷، مهرماه ۱۳۶۵

بهبهانی آل آقا، محمدجعفر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اما آقا محمدجعفر در شب چهارشنبه ۲۶ جمادی‌الاولی ۱۱۷۸ در کربلاء متولد شده و با والدش به ایران آمده و مدتی در دارالمؤمنین قم از محضر پرفیض و اثر جناب میرزا ابوالقاسم قمی صاحب (قوانین الاصول) استفاده نموده و در کرمانشاه بجای والد ماجدش قرار و ریاست تامه و مرجعیت عامه داشته است.

وی تألیفات عدیده به این اسامی داشته است ۱- انیس الطلاب ۲- رساله اصول‌الدین فارسی بنام نهج‌الرشاد فی ارشادالعباد ۳- تکمله در شرح تبصره ۴- الجواهر البهیة ۵- منتخب الاصول ۶- مصابیح شرح مفاتیح فیض ۷- حاشیه بر معالم الاصول ۸- شرح مختصر نافع ۹- شرح عمیدی بر تهذیب الاصول ۱۰- حاشیه بر وافیة الاصول ۱۱- مفتاح الجامع ۱۲- کتاب مقتل عربی ۱۳- کتاب ارث ۱۴- تحفة الابرار در سه مجلد در تاریخ.

فرزندان آقا محمدجعفر بنامهای زیر می‌باشند ۱- محمدصادق ۲- محمدکاظم ۳- آقا عبدالله ۴- آقا محمدتقی مرحوم آقا عبدالله آل آقا از مفاخر علماء خاندان آقا محمدعلی است.

در المآثر والاثار است که آقا عبدالله مجتهد کرمانشاهی از اجله سلاله وحید بهبهانی بوده است. در سال ۱۲۸۹ وفات نموده و در کربلا در صحن باب‌السدره دفن شده است.

از آثار علمی او کتاب (تحفة الجعفریه) است که بنام پدرش نوشته است. وی دارای سه فرزند عالم بنام آقا عبدالمحمد که از شاگردان شیخ زین‌العابدین مازندرانی و به سال ۱۳۰۳ وفات نموده و در مقبره جدش آقا محمدعلی مدفون گردیده است.

آقا عبدالمحمد دارای دو فرزند بنام ۱- حاج آقا عبدالله متوفی ۱۳۴۹ ق که از شاگردان حاج میرزا حسین خلیلی و آخوند خراسانی و علامه یزدی بوده است ۲- حاج آقا علاء‌الدین آل آقا که از علماء محترم این فامیل در کرمانشاه است.

نگارنده گوید: احوال و مآثر و آثار خاندان آقا محمدعلی (و آل آقا) را که فرزند ارجمندش آقا احمد در (مرآت‌الاحوال) و آقای شیخ علی دوانی در (زندگانی وحید) ذکر کرده از عهده این کتاب خارج و ما عده‌ای از آنها را فهرسه ذکر نموده و تفصیل آن را ارجاع به کتب مذکوره و غیره داده و می‌پردازیم بذکر معاصرین خود از این سلسله و دانشمندان دیگر کرمانشاه. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

بهبهانی پور، عبدالحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالحسین بهبهانی پور

محل تولد: عماره

شهرت

تابعیت: عراق

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۸/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۹ دیپلم تجربی گرفتم در سال ۷۰ وارد حوزه علمیه شدم در سال ۱۳۷۴ وارد مؤسسه اما خمینی شدم. در سال ۱۳۸۰ پایان نامه ام را در موضوع اندیشه کلامی شهید صدر دفاع کردم. در سال ۷۸ کتاب تنبیه الاعمه و تنزیه امله اثر محقق نائینی را به عربی ترجمه کردم. با مرکز مطالعات حوزه علمیه مدتی در نوشتن مقاله در زمینه دین پژوهی (کلام) همکاری داشتم و سه مقاله نوشتم. حدود ۴ کتاب به عربی ترجمه کردم و ندین مقاله برای مجلات عربی به ویژه مجله التوحید ترجمه کردم. هم اکنون در رشته مدرسی معارف اسلامی (مبانی نظری اسلام) در مقطع دکتری مشغول به تحصیل هستم البته در کنار تحصیل حوزوی در مقطع خارج فقه و اصول.

اساتید بنده در حوزه علمیه:

۱. استاد مددی.

۲. استاد کعبی.

۳. استاد احمد عابدی.

بهبهانی، اسماعیل

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۹۵-۱۲۲۹ ق)، عالم دینی و فقیه. نیاکانش از بحرین بودند. در بهبهان به دنیا آمد. وی پس از آموختن مقدمات در زادگاهش رهسپار نجف اشرف شد و در مجلس درس استادانی چون صاحب «جواهر» و شیخ انصاری و شیخ حسن آل کاشف الغطاء حاضر شد. مدتی نیز در کربلا در محضر سیدابراهیم قزوینی، مؤلف «ضوابط»، حضور یافت. پس از دریافت اجازه روایت و اجازه‌ی اجتهاد به زادگاهش بازگشت و به تعلیم و تربیت شاگردان پرداخت. پس از چندی مجدداً راهی نجف شد و در سال ۱۲۸۷ ق به درخواست ناصرالدین شاه به تهران آمد و عهده‌دار منصب تدریس و امامت و صدور حکم و فتوا شد. در تهران درگذشت و جنازه‌اش به نجف حمل و در صحن علوی دفن شد. وی پدر سید عبدالله بهبهانی، شهید انقلاب مشروطه، است. از آثار وی: «الرساله العمليه»، به فارسی، که برای استفاده مقلدانش نگاشت و در تهران به چاپ رسید.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۱۳/۱۱)، شهیدان راه فضیلت (۵۳۱-۵۳۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۷-۱۴۶/۱۳)، المآثر والآثار

(۱۴۱، ۱۴۰)، مکارم‌الآثار (۸۶۵-۸۶۳/۳).

بهبهانی، رحیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رحیم بن شیخ هادی بن شیخ صالح بن شیخ محمد اسماعیل بن العلامه آقا محمدعلی بهبهانی از بزرگان علماء و افاضل دانشمندان و مشاهیر این سلسله بوده و در سال ۱۳۴۰ وفات نموده است
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

بهبهانی، سعید

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۱۲۵۱ ق)، فقیه. ولادت و نشو و نما او در کربلا بود. پس از تحصیل مقدمات علوم اسلامی، فقه و اصول را از محضر سیدمحمد مجاهد، متوفی ۱۲۴۲ ق اخذ کرد. به پیروی از حکم جهاد استادش به هنگام حمله روسیه تزاری به سرحدات ایران رفت و در جنگ شرکت جست. در بازگشت از جبهه در قزوین ساکن شد و مدارج اجتهاد را نزد ملا محمدصالح برغانی و شهید ثالث پیمود، و علوم عقلی و عرفان را در محضر ملا آقا حکمی قزوینی تلمذ کرد. سپس به کربلا بازگشت و به تدریس و فتوی اشتغال یافت. او مواعظ استادش، سیدمحمد مجاهد، را در متجاوز از پنجاه مجلس از مجالسی که او به فارسی املاء کرده بود در کتابی به نام «مصباح‌المجالس»، در تاریخ ۱۲۵۱ ق گردآوری کرد.
برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: الذریعه (۱۱۹/۲۱)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۳/۶۰۰).

بهبهانی، سیمین

قرن: ۱۵

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سیمین بهبهانی شاعر و ادیب متولد ۱۳۰۶ تهران

- لیسانس حقوق قضایی دانشگاه تهران

- برنده ده ها جایزه علمی و آکادمیک به خاطر اشعار و غزلیاتش، از جمله جایزه بیژن جلالی

- از معدود شاعرانی که اشعارش به زبان های مختلف دنیا ترجمه شده است.

- گزینه شعر «جامی گناه» او به زبان انگلیسی ترجمه شده و در دانشگاه نیویورک منتشر شده است.

- برخی از آثار او عبارتند از: جای پا، چلچراغ، مرمر، رستاخیز، خطی ز سرعت و از آتش، دشت ارژن و ...

- زن برگزیده سال ۱۳۷۷ از سوی بنیاد جهانی پژوهش‌های زنان

- برنده جایزه لیلیان هیلمن و راشیل هامت از طرف سازمان نظارت بر حقوق بشر ۱۳۷۸

- ترجمه ۱۰۳ شعر او به زبان انگلیسی در مجموعه‌ای تحت عنوان «فنجانی از آفتاب»

- ترجمه ۱۰۲ شعر او در کتابی با عنوان «آن سوی واژه‌ها» در آلمان

ز شب خستگان یاد کن شبی آرمیدی اگر

سلامی هم از ما رسان به صبحی رسیدی اگر

به حجت در این داوری ز دوزخ نشان می‌دهم

به دعوی، زخوش باوری بهشت آفریدی اگر

مهرانه خالقی: برای نوشتن از بهبهانی باید قبل از هر چیز نگاه دوباره‌ای داشت به غزلیات او چه این غزلیات گذشته از تمام ویژگی‌های دیگرشان نشان دهنده حساسیت شاعر به موضوعات سیاسی و اجتماعی پیرامونش است. شاید او تنها غزلسرای معاصر ماست که اگر جنگ می‌شود برای جنگ و اگر زلزله رخ می‌دهد برای زلزله می‌سراید و در این میان محدودیت و دست و پاگیری قاعده وزن و قافیه نه تنها مجال او را تنگ نمی‌کند، بلکه گستره‌ای می‌شود برای او که خود را متعهد به رخدادهای پیرامون خویش نشان دهد که سیمین بهبهانی شاعر درون نیست و گرفتار انتزاعات و تراوشات ذهن نمی‌شود. بلکه شاعر برون است و پیرامون. او برخلاف بسیاری از زنان روشنفکر و نویسندگان و شاعر معاصر، دغدغه خود را کمتر دارد و بیشتر درد اجتماع و جامعه و مردم او را به شعر گفتن وامی‌دارد و شعر برای او عرصه پرداختن به تعهدات و ضرورت‌های انسانی از جنس مردم است و نه خود. علاوه بر این شعر بهبهانی گرچه از لطافت و زنانگی به حد اعلا بهره می‌برد اما فیمینیسیم وزنانه نیست و اگر جایی هم دغدغه‌اش زن بوده است، نه از زاویه تنگ نگاه‌های مرسوم که از نگاه یک طبیعی که درد و محل درد را می‌شناسد به موضوع و مشکلات زنان می‌پردازد و قصد رو در رو کردن زنان با مردان و بهره بردن از این آب گل آلود - بر خلاف بسیاری از روشنفکران زن معاصر - را ندارد.

... سخن آنگه از آب گو، سرابی ندیدی اگر /

بدین خالی آسمان، می‌فروز خورشیدمان /

به پندار و وهم و گمان چراغی خریدی اگر /

و باید از آغازش بنویسیم. روزی که به دنیا آمده است. باید بنویسیم سیمین بهبهانی (خلیلی) به سال ۱۳۰۶ در تهران، در خانواده‌ای صاحب فرهنگ و قلم متولد شد. «و اما گفتم که زاده شدم در خانه بزرگ پدر بزرگ؛ چون پیش از زادنم، مادرم همسر خود را به اشتغال‌اتش وا گذاشته و به خانه پدری بازگشته بود. گویا مادر را تا آستانه مرگ کشیده بود نوزادی که من بودم. زیرا نزدیک به دو منی وزن داشتم! مامای فرنگی خود را باخته بود و پدر بزرگ با پای ناتوان بر بام خانه رفته و اذان گفته بود تا دخترش به سلامت فراغت یابد و یافته بود.

به دایه سپرده بودندم، زیرا مادر چنان ناتوان شده بود که شیر نداشت. و این دایه دختر دایی مادرم بود. (گویا راست است که می‌گویند: «در روزگار پیش، مناصب موروثی بوده‌اند»)

امیر تومان پیر که دیگر کاری نداشت جز اندیشیدن به روزگار گذشته... سرگرمی تازه‌ای یافته بود: نوه نوزاد دومنی که مجبور بودند روزهای عمرش را به دروغ بیفزایند تا از چشم زخم بیگانه آسیب نبیند. و البته دایه مهربان آنگاه که زالوی فربه را به شیر بی‌اشتها می‌دید، تخم مرغی را با خطوط گرد زغالین سیاه می‌کرد و زیر فشار انگشت و پول خرد می‌شکست و گناه بی‌مبالاتی خود را به گردن «چشم شور» عمه و خاله بی‌گناه می‌انداخت و در باور او جز این گریزی نبود! (۱)

بهبهانی اما در کودکی اولین ماتم را تجربه می کند. مرگ پدر بزرگ. چنانچه می نویسد: «پدر بزرگ را دیدم در بستر بی هیچ نگاهی در چشم و بی هیچ کلامی بر لب و بی هیچ نقل و کلوچه ای در دست. مادر شیون می کرد و زنان سیاهپوش نیز. و مرگ در باور من معنای گنگی یافته بود، بی آنکه به واژه آن اندیشیده باشم.»

و شاعر از همین جا طعم تلخ و گس مرگ را تجربه می کند. رؤیای کودکی از سر شاعر می پرد. نقل مکان و آغاز زندگی طاقت فرسای در غربت و ناتوانی. چه «پدر بزرگ میراثی بر جای نگذاشته بود و مادر ناچار بود برای اداره زندگی کار کند. در مدارس تازه پا گرفته آن روزگار به تدریس زبان فرانسه پرداخته بود. یک برادرش به دلایل سیاسی ناچار به گریز از مرگ محتوم و فرار از کشور شده بود و برادر دیگرش در زندان به سر می برد.»

وقت درس و مدرسه آغاز می شود. شاعر را به کودکستان می سپرند. «در گوشه باغی پیوسته به کلیسای انجیلی تهران، در خیابان قوام السلطنه. هنوز هم گاهی از برابر در ورودی آن می گذرم... هر روز صبح در کودکستان، دوشیزه دولیتل را - که کوچک نبود و پیر هم بود - می دیدم که در برابر خدای به چهار میخ کشیده می ایستد و نیایش می کند.»

در همین ایام است که بیماری سختی به جان شاعر می افتد: «در زیر گوش راستم تورمی پدید آمده بود. هر روز کاسه ای تلخابه سیاه برابرم می گذاشتند که: «بنوش!» اما تبم نمی برید.» بعدها این تلخی گله از همروزگارانیش می شود و در این بیت می نشیند:

همچو برگ بید و بیخ کاسنی تلخند، لیک

تلخشان بیرون نکرد آسیب تب از پیکرم

«سرانجام، پزشک با بیشتر دمل را شکافت، روزهای پیاپی، تکه ای تزیب را با محلولی می آغشت و بیرحمانه در جای بیشتر فرو می کرد تا زخم بهبود یافت... پزشک فریاد های کودکانه ام را به «کولی گری» تعبیر می کرد و به مادرم می گفت: «این دختر انتقام تو را از زمانه خواهد گرفت!» (۲)

«کولی گری» شاعر به صورت «کولی واره» ها در آمد و «انتقام» به این بیت بدل شد:

گر بسوزند استخوانم در نیستان همچو نی

گوید: «از ایشان گذشتم» ناله خاکسترم

سالی بعد مادر شاعر به ازدواج دوباره تن می دهد. ازدواج دوم مادر مصیبتی است برای او. چنانکه می نویسد: «در خانه پدر دوم اندوهگین بودم که مبادا مادر نیمی از محبتش را از من باز گرفته باشد. دایه او را بیش از پیش دوست می داشتم و آرامش را در سر نهادن بر سینه اش می جستم که همیشه بوی دود و پیاز می داد...»

با این حال تنها پناه شاعر نیز به دیار عدم می شتابد. «به سفر رفته بودیم، بی دایه، و هنگام بازگشتمان دایه دیگر در خانه نبود. مادرم می گریست و این بیت را زمزمه می کرد:

یک روز صرف بستن دل شد به این و آن

روز دگر به کندن دل زین و آن گذشت»

بهبهانی در ایام دبستان و سال اول آن صاحب برادر و پسری دوقلو از پدر جدیدش می شود. می نویسد: مادرم دختری و پسری توأمان به دنیا آورده بود و من کارت پستال دخترکی همسال خود را به مدرسه بردم و گفتم: خواهر من است؛ مادرم دیشب زاییده و آموزگار رندانه گفت: به همین بزرگی؟ و من در نماندم و گفتم: عکس را با برق بزرگ کرده اند!

تراژدی دیگری اما در سنین جوانی برای شاعر اتفاق می افتد: «برادر توأمان بیمار شد. به بیمارستان بردندش، اما مادر تنها بازگشت. با اندک فاصله پس از او خواهر دوساله هم بیمار شد، همان بیماری. شب را گذراند و صبح به حال خفقان افتاد. از خانه بیرون دویده بودم، بی کفش و با جفتی جوراب که نیمه ای از هر لنگه مچاله و لوله روی برف و گل کشیده می شد و من می

دویدم... سرگشته و ناتوان بازگشتم. پزشک از در خانه بیرون می رفت. سرافکنده و کیفی در دست. کسی بدرقه اش نمی کرد. به اتاق آدم، مادر کنار دیوار نشسته بود. حتی توان گریستن نداشت: مجسمه ای مومیایی و خشک. (۳)

سال بعد اما خداوند برادری دیگر به او می دهد. کودکی رنجور که ناچار به پانسیون می فرستندش و بیماری بچه بیش از پیش می شود و شاعر قبول می کند در ازای شبانه درس خواندن از او مراقبت کند.

اولین شعرهای بهبهانی را مادرش کشف می کند که خود ذوق سرودن داشت. «یک روز که دست نوشته هایم را زیر بالشم یافته و خوانده بود، پرسید: شعر می نویسی؟ سرخ شدم و گریستم این دومین باری بود که در برابر نگاه جست و جوگرش سرخ می شدم و می گریستم.»

مادر شاعر اما اشعار او را برای پروین اعتصامی می خواند و شاعر پرآوازه از ذوق و علاقه، بهبهانی را می بوسد. وقتی رفتند مادر گفت: «او پروین اعتصامی است، بزرگترین شاعر زن. شاید نهانی آرزو می کرد که روزی چون او باشم. در فروردین سال بعد پروین اعتصامی درگذشت، به بیماری حصبه، اما خاطره دیدارش در من نخواهد مرد و شاید گلی بر خاکم برویاند...»

بهبهانی تحصیلات خود را در رشته حقوق قضایی به پایان می برد و از ۱۴ سالگی سرودن را با چهارپاره های نیمایی آغاز می کند و سپس به غزل روی می آورد. و این آغاز تحولی نو در غزل معاصر بود.

شاعر تمام هستی اش شعر است. خودش معترف است که «از آن هنگام که در جامه سپید از خانه پدر بیرون خزیدم در شعر زیستم. اگر صفایی، نوری، طراوتی و رنگ و بویی بوده است در شعر است. در غزل هاست. دیگر جز در شعر با خود راست نگفته ام.»

بهبهانی با نزدیکی شگفت آورش به زبان روزمره مردم و یافتن پاره های موزون در جملات عادی زبان، دموکرات ترین زبان شعر نو کلاسیک فارسی را خلق کرد. شعر او نشانگر درگیری عمیق ذهن شاعر، با رنج ها، شادی ها و مسائل مردم است.

او که به خاطر همین نوآوری ها در زبان و وزن غزل به «بانوی غزل» شناخته می شد و شعر عاشقانه اش، برتر از انواع دیگر شعرش می نشست؛ به تدریج شعرش را به تجلیگاه رنج ها، محرومیت ها و فریادهای مردم بدل کرد. او از معدود شاعران مطرح ایرانی است که به جنگ ۸ ساله عراق و ایران توجه کرده است، و هم درباره قربانیان جنگ و هم دشواری های اجتماعی ناشی از آن شعر سروده است.

واقعیت آن است که سیمین بهبهانی به خاطر زن بودن مسائل مهم را نادیده نگرفته است. در جای جای شعر سیمین بهبهانی توجه به مسائل تبعیض نژادی وطن و دغدغه های انسان معاصر به چشم می خورد. بهبهانی تفکری فرامرزی دارد و استبداد را در هر جای جهان باشد به محاکمه می کشد. او ستایشگر شرافت انسان است.

اعتبار اشعار بهبهانی از مرزهای ایران گذشته است. شعر او تاکنون به زبان های انگلیسی و آلمانی ترجمه شده است. گزینه شعر «جامی گناه» شش سال پیش به زبان انگلیسی توسط فرزانه میلانی و کاوه صفا ترجمه و در دانشگاه نیویورک منتشر شده است و این نقد توسط علی بهبهانی به فارسی برگردانده شده است.

قالب مورد اقبال سیمین بهبهانی غزل است. او با لحنی مالیخولیایی که از حسی ژرف و عشقی رمانتیک و پاس داشتن ساختار بنیادی شعر نشان دارد، غزل سروده است. او درونمایه را گسترش می دهد و سبک را گفتارگونه می کند.

صفدر تقی زاده درباره شعر بهبهانی می گوید: «آنچه که از درونمایه ۱۰۳ شعر این گزیده سر بیرون می آورد، مسائل ناشی از قشری گری و تلفات ناشی از جنگ ایران و عراق است. بهبهانی در غزل جزئیات عینی را محور قرار می دهد. مثلاً مردی که یک پا ندارد، بلکه دردناک تر از یک پاندا شدن، سن کمتر از بیست سال اوست.»

سیمین بهبهانی به تنهایی با زبانی پاک، بی حشو و حافظ گونه، در عرصه غزل می تازد. در غزل او حتی خللی و نقصی نمی بینیم. از نظر تنوع اوزان هیچ کس نتوانسته است تا به امروز به مقام مولانا برسد اما سیمین بهبهانی به تنهایی توانسته است ۴۰ وزن به وزن

غزل فارسی بیفزاید، ضمن اینکه زبان قوی و قدرتمند احمد شاملو و مهدی اخوان ثالث در شهر او جریان دارد و در کنار این زبان، بهبهانی از زبان مردم چشم پوشی نکرده است.»

درباره غزل بهبهانی «محمد حقوقی» می‌گوید: «غزل بهبهانی غزل مکالمه است. در غزل او ترکیبات فوق العاده ای به چشم می‌خورد، شعر او در دوران معاصر تنها شعری است که قابل تفسیر است. حتی شعر سعدی نیز در تاریخ ادبیات ایران قابل تفسیر نیست.» او می‌گوید: «سیمین بهبهانی کلی گویی را در غزل، جزیی سرایی کرده است. او در شعری که برای همسر پوینده و مختاری سروده است هنرمندانه ترین تعابیر را به کار گرفته است. غزل‌های او در نهایت سادگی، فوق العاده و بی نظیر است.»

بهبهانی، شمس‌الدین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۴۷ ق)، عالم دینی و فقیه. او از شاگردان علامه وحید بهبهانی و علامه سیدمهدی بحر العلوم و سیدعلی طباطبایی، صاحب «ریاض» و میرزا مهدی شهرستانی و دیگران بود. ملا نوروز علی بسطامی در «فردوس التواریخ» تصریح کرده که بهبهانی استاد وی بوده است و شرح حال استاد را در کتاب خود آورده است. او در مشهد ساکن بود و در مشهد نیز در گذشت و در صحن رضوی در ایروان حجره‌ای که وی نزدیک به پنجاه سال در آن ساکن بود دفن شد. از آثار وی: شرح یا حاشیه بر «معالم الاصول»، در پنج مجلد، در حدود یکصد و سی هزار سطر؛ حاشیه «قوانین الاصول»، در دو مجلد؛ حاشیه «المطول»؛ «جواهر الکلام فی اصول عقائد الاسلام، نظیر «گوهر مراد».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۷۷/۱۴، ۲۰۷، ۱۷۶، ۶/ ۲۷۷/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/۶۲۷).

بهبهانی، عبدالحسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۴۵/۱۲۲۴ ق)، فقیه اصولی، مجتهد و عالم علوم نقلی و عقلی. متولد کربلا و ساکن همدان بود. وی نزد پدر و برادرش، آقا محمدعلی، سیدمهدی شهرستانی و سیدعلی صاحب «ریاض» درس خواند. در قضیه‌ی وهابیون از عراق به ایران آمد و در کرمانشاه ساکن شد، سپس به مشهد رفت و از آنجا راهی همدان شد و بنا به اصرار علمای آن دیار مدتی در آنجا ماند. سپس به اصفهان و مجدداً به مشهد و یزد رفت. او سالهای پایان عمر خود را در همدان گذراند و همان جا در گذشت. اثر وی: «حاشیه معالم الاصول» است که مفصل‌ترین حواشی تحقیقاتی بود که تا آن زمان بر «معالم» نوشته شده بود.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۰۸-۲۰۷/۶)، روضات الجنات (۹۶/۲)، ریحانه (۳۹۹/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۰۸-۷۰۷/۱۳)، الکنی واللقاب (۱۱۰/۲)، مرآت الاحوال (۱۶۹-۱۶۸).

بهبهانی، عبدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید عبدالله بهبهانی روحانی و سیاستمدار و یکی از دو زعیم روحانی صدر مشروطیت است. وی فرزند سید اسماعیل مجتهد بهبهانی و متولد سال ۱۲۶۰ ه.ق. است. از کودکی تحصیلات خود را به سیره‌ی خانوادگی در مقدمات عربی و فقه و اصول آغاز نمود و در سن ۲۰ سالگی قریب‌الاجتهاد گردید. سپس برای ادامه‌ی تحصیل عازم نجف شد و در حوزه‌ی درس شیخ مرتضی انصاری و میرزای شیرازی حضور یافت و به مقام اجتهاد رسید. در سال ۱۲۹۵ به ایران بازگشت و تدریجاً مقام و موقعیت خاصی در دولت و دربار ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه پیدا کرد. از اواخر دوران سلطنت مظفرالدین شاه که وی مجتهدی متنفذ بود وارد مسائل سیاسی گردید و در کلیه مسائل سیاسی آن روز مداخله می‌نمود. در جریان مشروطیت و صدور فرمان آن سید عبدالله نقش اساسی داشت. پس از فرمان مشروطیت، وی از طرف اقلیت یهود روانه‌ی مجلس شد و در مجلس به اوج قدرت و جلال رسید. بعد از آنکه محمدعلی شاه مجلس را به توپ بست، سید عبدالله بهبهانی به وسیله‌ی سربازان سیلاخوری و قزاق‌ها توقیف و به باغشاه برده شد. به دنبال توقیف نامبرده، انجمن‌های شهرستان‌ها نسبت به توقیف او اعتراض کردند و تلگرافات زیادی به تهران مخابره شد و محمدعلی شاه ناگزیر شد او را به حضور پذیرفته و عذرخواهی کند و با پرداخت دوازده هزار تومان، وی را وادار کرد که از ایران خارج شود. وی نزدیک به هشت ماه در عتبات اقامت داشت و سپس با اجازه‌ی دولت به ایران بازگشت. پس از خلع محمدعلی شاه و تشکیل مشروطیت دوم، بهبهانی به نمایندگی رسید و نفوذش در جامعه و محافل سیاسی ایران چند برابر شد. حزب اعتدالیون که اکثریت را تشکیل می‌داد، از بهبهانی تبعیت می‌کرد ولی دموکرات‌ها که تندرو و انقلابی بودند، با بهبهانی مخالفت می‌کردند. در آنجا اختلاف دو دسته بالا گرفت و در روز جمعه هشتم رجب ۱۳۲۸ ه.ق او را در منزلش به ضرب سه گلوله کشتند. بهبهانی ملایمی تیزهوش و متهور بود. در سخنوری و خطابت نظیر نداشت و به همین دلیل در بین مردم موقعیت خاصی داشت.

سید عبدالله (آیة‌الله) از روحانیون طراز اول تهران (مقت. ۱۲۸۸ ه.ش.) و رهبر شجاع آزادیخواهان در انقلاب مشروطیت. وی رهبری مشروطه طلبان را بر عهده داشت و با همکاری سید محمد طباطبائی با نیروهای استبداد مبارزه کرد و پس از پیروزی انقلاب و استقرار حکومت مشروطه در تیرماه ۱۲۸۸ ه.ش. به وسیله چند تن تروریست در خانه خود به قتل رسید.

محمد تقی بهار «ملک الشعراء» به سال ۱۲۶۵ خورشیدی در شهر مقدس مشهد دیده به جهان باز کرد. او فرزند حاجی میرزا محمد کاظم صبوری «ملک الشعراء آستان قدس رضوی» است.

محمد تقی بهار ابتدا در محضر پدر خود با علم و دانش آشنایی پیدا کرد و آن را نزد او آموخت و پس از فوت وی به محضر ادیب نیشابوری شاعر و ادیب زمان خود رفت و سال‌ها از محضر آن مرد فاضل بهره‌ور گردید، سپس به مدرسه نواب رفت و علوم عربی را در این مدرسه به پایان برد.

محمد تقی بهار، پس از چندی به تهران آمد و وارد کارهای سیاسی شد با انتشار مقالات سیاسی و اشعار مهیج و حماسی و ترانه‌های ملی، هرچه بیشتر به بیداری مردم کمک کرد و چون علاقه و ذوق سرشار در موسیقی داشت، شروع به ساختن تصانیف و ترانه‌های ملی کرد که می‌شود گفت کلیه تصنیف‌های وی جنبه ملی و وطنی و آزادیخواهی دارد.

روی تصنیف‌های ملک‌الشعراء بهار، درویش‌خان، حسام‌السلطنه، رکن‌الدین‌خان و مرتضی‌خان نی داود آهنگ گذارده‌اند.

محمد تقی بهار را بنا به قولی بعد از جامی، بزرگترین سخنور و شاعر پارسی گوی زبان ایران می‌گویند. از آثار برجسته او، غیر از دیوان اشعار سبک‌شناسی تا تاریخ تطور نثر فارسی در سه جلد که گواهی وی بر احاطه و تسلط به فرهنگ و ادبیات و شعر پارسی

است می‌کند.

ملک الشعرا بهار، چندین دوره به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید و سالیان متمادی استاد دانشگاه تهران و یک بار هم در کابینه احمد قوام (قوام السلطنه) وزیر فرهنگ شد.

محمدتقی بهار (ملک الشعرا)، پس از آن همه خدمات پر بار علمی و فرهنگی به میهن خود ایران، عاقبت در سال ۱۳۳۰ خورشیدی در سن شصت سالگی چشم از جهان فانی فرو بست، روانش شاد.

«مرغ سحر»

مرغ سحر ناله سر کن

داغ مرا تازه تر کن

ز آه شرربار این قفس را

برشکن و زیر و زیر کن

بلبل پر بسته ز کنج قفس در آ

نغمه‌ی آزادی نوع بشر سرا

وز نفسی عرصه‌ی این خاک توده را

پر شرر کن

ظلم ظالم، جور صیاد

آشیانم داده بر باد

ای خدا ای فلک ای طبیعت

شام تاریک ما را سحر کن

نوبهار است گل بیار است

ابر چشمم ژاله بار است

این قفس چون دلم تنگ و تار است

شعله فکن در قفس ای آه آتشین

دست طبیعت گل عمر مرا مچین

جانب عاشق نگه، ای تازه گل، ازین بیشتر کن

مرغ بی دل، شرح هجران مختصر مختصر مختصر کن

«در طواف شمع»

دل طواف شمع می‌گفت این سخن پروانه‌ای

سوختم زین آشنایان ای خوشا بیگانه‌ای

بلبل از شوق گل و پروانه از سودای شمع

هر کسی سوزد بنوعی در غم جانانه‌ای

گر اسیر خط و خالی شد دلم، عییم مکن

مرغ جایی می‌رود کانه‌جاست آب و دانه‌ای

تا نفرمایی که بی پروانه‌ای در راه عشق

شمع‌وش پیش تو سوزم گر دهی پروانه‌ای
 پادشه را غرفه آبادان و دل خرم چه باک
 گر گدایی جان دهد در گوشه ویرانه‌ای
 کی غم بنیاید ویران دارد آن کس خانه نیست
 رو خبر گیر این معانی را ز صاحب خانه‌ای
 عاقلانش باز زنجیری دگر بر پا نهند
 روزی از زنجیر از هم بگسلد دیوانه‌ای
 این جنون تنها نه مجنون را مسلم شد بهار
 باش کز ما هم فتد اندر جهان افسانه‌ای

شاعر، مورخ، محقق، روزنامه‌نگار، سیاستمدار و استاد برجسته‌ی دانشگاه، معروف به ملک‌الشعرا، فرزند میرزا محمد کاظم صبوری، متولد ۱۳۰۴ ه. ق در خراسان. پدرش ملک‌الشعرا آستان قدس رضوی بود. بهار مقدمات ادبیات را نزد پدر آموخت و تحصیلات ادبی و عربی را نزد استاد ادیب نیشابوری که از ادباء و شعرا مشهور بود دنبال کرد و اصول ادبیات فارسی و عربی را در مدرسه‌ی نواب در خدمت اساتید فن زمان تکمیل نمود. هنوز سنش به بیست نرسیده بود که پدر خود را از دست داد و به جای پدر به خدمت آستان قدس رضوی درآمد. چون در شعر و شاعری با وجود کمی سن تبحر داشت، از طرف مظفرالدین شاه لقب ملک‌الشعرائی آستان قدس رضوی به او داده شد.

از ۱۳۲۳ ه. ق که آوازه‌ی مشروطیت و آزادی‌خواهی در سراسر ایران طنین‌انداز شد، به سلک آزادیخواهان پیوست و برای برچیدن رژیم دیکتاتوری و حکومت مشروطه با سایر آزادیخواهان همدستان شد و اشعاری در این زمینه سرود که در جراید معتبر آن روز انتشار یافت. در ۱۳۲۸ ه. ق پس از خلع محمدعلی شاه از سلطنت، با کمک سایر دوستان خود حزب دموکرات را در خراسان تأسیس کرد و خود عضو کمیته‌ی مرکزی آن شد و روزنامه‌ی نوبهار را با اعتبار و مسئولیت خویش و به عنوان ناشر افکار حزب دموکرات در مشهد انتشار داد. به اقتضای جوانی و به اعتقاد آزادیخواهی در روزنامه‌ی نوبهار مقالات تندیه علیه بیگانگان و دخالت آنان در امور ایران انتشار می‌داد؛ مخصوصاً پس از اولتیماتوم روسیه‌ی تزاری و اخراج شوستر مستشار آمریکائی و خزانه‌دار کل ایران، لحن این مقالات شدیدتر شد و سرانجام منجر به توقیف روزنامه‌ی نوبهار گردید، ولی پس از مدتی کوتاه به جای آن تازه‌بهار انتشار یافت که جنبه‌ی انتقادی آن بیش از روزنامه‌ی قبلی بود. تازه‌بهار نیز توقیف شد و مدیر جوان و پرشور آن به کلات تبعید گردید. هشت ماه این تبعید به طول انجامید. پس از مدتی دوباره نوبهار منتشر گردید.

در انتخابات دوره‌ی سوم قانونگذاری مردم در گز و کلات و سرخس، بهار را روانه‌ی مجلس نمودند. در مجلس اعتبارنامه‌ی او با مخالفت اعتدالیون مواجه شد، ولی سرانجام به تصویب رسید. جنگ جهانی اول مجلس را تعطیل نمود و قضیه‌ی مهاجرت را پیش آورد. بهار هم جزء مهاجران بود، ولی از قم به تهران بازگشت و روزنامه‌ی نوبهار را انتشار داد و برای بار دوم تبعید گردید و این بار بجنورد تبعیدگاه او شد.

در دوره‌ی چهارم مردم بجنورد او را به نمایندگی مجلس فرستادند. در دوره‌ی پنجم نماینده‌ی مردم کاشمر بود و در مجلس جزء اقلیتی بود که با سلطنت رضاشاه مخالفت می‌کرد. دوست و یار نزدیک مدرس بود. در دوره‌ی ششم از تهران انتخاب گردید. پس از پایان دوره‌ی ششم از کارهای سیاسی کنار رفت و به خدمات فرهنگی پرداخت و در دارالمعلمین عالی به تدریس ادبیات ایران قبل از اسلام مشغول شد و تا شهریور ۱۳۲۰ دور از کارهای سیاسی به تألیف و تدریس پرداخت و مدتی نیز در زندان، و تبعید در اصفهان به سر برد.

از ۱۳۲۰ مجدداً کارهای سیاسی را از سر گرفت و روزنامه‌ی نوبهار را انتشار داد. در ۱۳۲۴ در کابینه‌ی قوام‌السلطنه به وزارت فرهنگ رسید، ولی عمر وزارتش چندان نپائید و خیلی زود جای خود را به دیگری داد. در تشکیل حزب دموکرات ایران که قوام‌السلطنه آن را بنیان نهاد، نقش اساسی داشت و در این زمینه فعالیت بسیار نمود. در انتخابات دوره‌ی پانزدهم از تهران وکیل شد و ریاست فراکسیون حزب دموکرات ایران در مجلس با او بود. عده‌ای از نمایندگان به ریاست او تمایل داشتند، ولی حال مزاجی‌اش اجازه‌ی فعالیت بیشتر به او نمی‌داد. در اواخر دوره‌ی پانزدهم بیمار شد و برای معالجه به سویس رفت. معالجاتی نمود، ولی مؤثر نیفتاد و به ایران بازگشت. سرانجام در ۱۳۳۰ به مرض سل درگذشت.

شخصیت ملک‌الشعرا از جهات مختلف قابل بحث و مذاقه است. او شاعری توانا، نویسنده و محققى دانشمند، روزنامه‌نگاری سرسخت، سیاستمداری بی‌باک و استادی مبرز بود. مجموعاً پنج دوره نمایندگی مجلس شورای ملی بود. جز در دوره‌ی پانزدهم که سنش مقتضی فعالیت‌های شدید نبود، در ادوار دیگر مجلس از متولیان و منقدان امور اجتماعی به شمار می‌رفت. نطق‌ها و خطابه‌هایش در مجلس دولت‌ها را دگرگون می‌کرد. در دوره‌ی پنجم و ششم رسماً جزو فراکسیون اقلیت بود و با سید حسن مدرس لیدر اقلیت، نزدیکی و همفکری داشت. در دوره‌ی چهارم اکثریت را اداره می‌کرد و روی کار آمدن قوام‌السلطنه در ۱۳۰۱ در نتیجه تلاش او و مدرس بود.

شاعری توانا بود. گرچه بیشتر قصیده‌سرا بود، ولی در غزل و رباعی نیز دست داشت. از این گذشته، افکار تازه را او در شعر فارسی وارد کرد و مضامین غیرایرانی را در شعر فارسی آورد. بهار محقق و نویسنده نیز بود. نثرش کمتر از نظم او نیست. شیوه‌ی نویسندگی‌اش مخلوطی از سنت قدیم و روش جدید ایران است. با آنکه به ساده‌اندیشی بیشتر گرایش داشت، ولی استحکام جملات و استعمال لغات فارسی و عربی در جای مناسب خود، شیرینی خاصی به نوشته‌هایش داد. نمونه‌ی سبک شیرین او کتاب سبک‌شناسی است که در سه مجلد است. او در رونق بخشیدن به ادبیات نوین ایران سهم بسزائی دارد. گذشته از تأسیس مجله‌ی دانشکده به تأسیس و تشکیل انجمن ادبی ایران همت گماشت و عده‌ای از محققین و مؤلفین بزرگ ایران مانند عباس اقبال آشتیانی، غلامرضا رشید یاسمی، سعید نفیسی و بدیع‌الزمان فروزانفر از تربیت یافتگان مکتب او می‌باشند. مدت‌ها در دانشسرای عالی و دانشکده‌ی ادبیات در دوره‌ی لیسانس و دکترا تدریس می‌نمود. تألیفات بسیاری دارد که به صورت‌های مختلف به چاپ رسیده است. غیر از مقالات متعدد که در روزنامه‌های نوبهار و تازه‌بهار و مجله‌ی دانشکده انتشار داده است. در جراید مختلف نیز مقالاتی دارد. از آثار برجسته‌ی او تاریخ احزاب سیاسی در دو جلد است. سبک‌شناسی درباره‌ی تحول نثر فارسی از آغاز تا عصر حاضر است. علاوه بر تألیف کتب، در تصحیح و تحشیه‌ی کتب زیر نیز دست داشت: تاریخ سیستان، مجمل‌التواریخ و القصص، جوامع الحکایات و لوامع الروایات عوفی و ترجمه‌ی تاریخ طبری.

علاوه بر اینها در تألیف و نگارش کتب دبیرستانی نیز مشارکت داشت. در اواخر عمر به فعالیت‌های صلح‌جویانه میل زیادی نشان می‌داد و به همین دلیل ریاست جمعیت هواداران صلح را پذیرفت.

(۱۳۳۰-۱۲۶۶ ش)، اندیشمند، نویسنده محقق، روزنامه‌نگار، استاد دانشگاه و شاعر، متخلص به بهار و ملقب به ملک‌الشعراء. در مشهد متولد شد، پدر وی ملک‌الشعراى آستان قدس رضوی بود. بهار تحصیلات مقدماتی را نزد پدر خود آموخت و علوم ادبی و عربی متداول زمان خود را از استادان مشهور خراسان چون ادیب نیشابوری فراگرفت. در نوجوانی پدر خود را از دست داد و از همان اوان شعر می‌سرود. بعد از مرگ پدر، به فرمان مظفرالدین شاه، لقب ملک‌الشعراى آستان قدس رضوی را یافت. وی در نهضت مشروطه‌طلبان مجاهدتها کرد. در سال ۱۳۲۸ ق «روزنامه‌ی نوبهار» و در سال ۱۳۲۹ ق «هفته‌نامه‌ی تازه بهار» را نشر داد. در سال ۱۳۳۳ ق از طرف مردم مشهد به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد و رهسپار تهران گردید. در سال ۱۳۳۶ ق انجمن ادبی دانشکده را با «مجله‌ی دانشکده» که منتسب به همان انجمن بود، تأسیس کرد و در همان سال به تجدید انتشار «روزنامه‌ی

نوبهار» همت گماشت. در سال ۱۳۳۸ ق مدیریت روزنامه‌ی «ایران»، که نیمه‌رسمی بود، به وی محول گردید. از طرف مردم تهران دو بار به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید و در سال ۱۳۲۴ ش به وزارت فرهنگ برگزیده شد. در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران تدریس می‌کرد. و تا پایان عمر در این خدمت باقی ماند. به منظور مداوا به سویس رفت و پس از چندی اقامت در آنجا، به تهران بازگشت و به تألیف و تحقیق و تصنیف پرداخت. وی واپسین قصیده سرای بزرگ فارسی است. در تهران وفات یافت و در گورستان ظهیرالدوله به خاک سپرده شد. از او آثار بسیاری به جای مانده است، از جمله: تصحیح «تاریخ سیستان»؛ «مجموعه التواریخ والقصص» و «سبک‌شناسی»، در سه مجلد؛ «تاریخ احزاب سیاسی»؛ «چهار خطابه‌ی منظوم»؛ «ترجمه‌ی احوال محمد بن جریر طبری»؛ «رساله‌ی زندگی مانی»؛ «بهار و ادب فارسی»، مجموعه‌ی مقالات؛ تصحیح «جوامع الحکایات عوفی» و «تاریخ بلعمی»؛ «دیوان» اشعار، در دو مجلد. [۱]

(تو ۱۲۶۲ / ۱۲۶۰ - شهادت ۱۳۲۸ ق)، مجتهد. اصلاً از اهالی بحرین بود، و در نجف متولد شد. از شاگردان حوزه‌ی درس میرزای شیرازی و آیت‌الله کوه‌کمری بود. به درجه اجتهاد نایل شد. او در تهران از روحانیون بزرگ و در فقه از سرآمدان روزگار به شمار می‌آمد. در زمان مظفرالدین شاه به مخالفت با عین‌الدوله برخاست. وی در مقاصد خویش آقا سیدمحمد طباطبایی را که مورد اعتماد و احترام عامه بود، با خود موافق و همراه گردانید و بعد از به توپ بستن مجلس او و عده‌ای دیگر از سران نهضت به همراه چند تن از بستگان وی دستگیر و به کرمانشاه تبعید شدند و تا پایان سلطنت محمدعلی شاه در تبعید بودند. بعد از استعفای محمدعلی شاه، سید و همراهان وی به تهران بازگشتند، و به مبارزات خود ادامه دادند. سید به مخالفت با تقی‌زاده برخاست و مبارزه بین این دو شروع شد. سید به عدالت و آزادی معتقد بود، و حتی برای تربیت جوانان مدرسه‌ای هم تأسیسی کرد و با تحصیل دختران نیز مخالف نبود و برای ارشاد بزرگسالان نیز به تأسیس انجمن مقدس اسلامی مبادرت کرد. در استبداد صغیر به امر دولت به مشهد رفت و در آنجا هر کمیته‌ای سری تشکیل داد و مشروطه‌خواهی را ترویج کرد. آیت‌الله بهبهانی در تنظیم مواد متمم قانون اساسی، از جنبه‌ی دینی، سهیم و شریک بود. وی در تهران در منزلش به ضرب گلوله شهید شد و جنازه‌اش به سال ۱۳۳۲ ق به نجف حمل و در صحن علوی دفن شد. از آثار وی «رسائل و مسائل»، در فقه، مجموعه‌ای مشتمل بر ۲۵ رساله که در هر رساله به یکی از مسائل فقهی پرداخته است. [۲]

برگرفته از کتاب: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه: [۱] از بهار تا شهریار (۱۳۹ - ۱۱۶)، از نیما تا روزگار ما (۴۸۷ - ۴۷۳)، با کاروان حله (۳۸۴ - ۳۷۳)، تاریخ ادبیات ایران، دوره‌ی بازگشت (۲۴۲ - ۲/۲۴۰)، تاریخ برگزیدگان (۴۵۲ - ۴۴۹)، تاریخ جراید (۳۱۶ - ۴/۳۱۱، ۲۷۲، ۳/۱۷۰ - ۲/۹۸)، چشمه‌ی روشن (۴۵۹ - ۴۴۹)، چون سبوی تشنه (۴۰ - ۳۱)، الذریعه (۱۴۶ - ۹/۱۴۵)، سخنوران نامی معاصر (۵۹۴ - ۱/۵۸۵)، شرح حال رجال (۴/۳۵۰)، صد سال شعر خراسان (۱۵۵ - ۱۳۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۹۵ - ۹۳)، گلزار معانی (۱۶۹ - ۱۶۱) گنج و گنجینه (۷۲۰ - ۷۱۰).

[۲] الاعلام (۴/۱۹۹)، تاریخ برگزیدگان (۱۴۱)، تاریخ بروجرد (۳۸۴)، تاریخ بیداری ایرانیان (صفحات متعدد)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱/۲۵۹)، دایرةالمعارف فارسی (۱/۴۷۶)، شرح حال رجال (۲۸۹ - ۲/۲۸۴)، شهیدان راه فضیلت (۵۳۱ - ۵۲۸)، علماء معاصرین (۳۴۶ - ۲۲۸، ۳۴۵ - ۳۴۶)، فارسنامه ناصری (۲/۱۴۷۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴/۴۰۳)، المآثر والآثار (۱۴۱).

بهبهانی، محمدباقر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۳۷-۱۳۳۲ ق)، عالم و متکلم. ساکن همدان بود و در آنجا معروف به آقای. وی در همدان درگذشت. آثارش: «الرد علی الفادری (پادری) النصرانی»؛ «الرد علی الفضل بن روزبهان» دانشمند اشعری. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: الذریعه (۲۱۶-۲۱۴/۱۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۱۹۹)، معجم المؤلفین (۹۱/۹).

بهبهانی، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدرضا بهبهانی حایری از علماء محترم معاصر تهران بودند و در سال ۱۳۹۱ قمری عزیمت به حج نموده و در مدینه طیبه به رحمت حق و جوار اسلاف طاهرین خود پیوسته و در بقیع شریف مدفون شده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

بهبهانی، محمدعلی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۱۶-۱۱۴۴ ق)، فقیه، متکلم و رجال‌شناس امامی. در کربلا رفت و چندین سال در آنجا با پدر خود به تدریس اشتغال داشت. بعد از ورود به عراق به علت شیوع طاعون و به جهت اصرار اهالی کرمانشاه به ایران آمد و بقیه ایام عمر را در آن ولایت به سر برد، چندان که به آقا محمدعلی کرمانشاهی معروف شد و اعقابش نیز به آن منسوب شدند. بهبهانی از سرآمدان علمای معقول و منقول و محقق بی نظیر در متون فروع و اصول و معارف و ادبیات عرب بود تا آنجا که پدرش او را بهاء‌الدین روزگار خود می‌دانست. آقا محمدعلی، پس از پدر، از مراجع بزرگ ایران بود و تا زنده بود فقیهی به شهرت و بزرگواری وی در ایران وجود نداشت. او در اجرای حدود و احکام، شخصاً اقدام می‌کرد. آقا محمدعلی با صوفیه سخت مخالف بود و در رد آنها «رساله‌ی خیراتیه» را نوشت. در سال ۱۱۹۲ ق به رشت رفت و با هدایت‌الله خان رشتی مصاحب شد و کتاب «مقام» را به نام او تألیف کرد. آقا محمدعلی در کرمانشاه درگذشت، مقبره‌ی وی به نام سر قبر آقا معروف است. از آثار وی: «مقام الفضل»، شامل هزار و دویست مسأله و حاوی مطالب مشکله بسیاری از فقه و تاریخ که حاکی از جامعیت و آگاهی بهبهانی در اکثر علوم و فنون متداول می‌باشد و هر یک از مطالب طرح شده در خور آن است که کتابی مستقل شود؛ «انتخاب الزاد»؛ «تاریخ الحرمین»؛ «سنه الهدایه لهدایه السنه»؛ «سهو الاقلام»؛ «الفائده فی مصرف رد المظالم»؛ «الفضائل فی شرح المدارک»؛ «رساله فی فیض الالهی»؛ «قطع القال والقیل فی انفعال القلیل»؛ «قطع المقال فی رد اهل الضلال»، در رد صوفیه؛ «مساحه البلاد»؛ «مشکاة العارفين»؛ «مظهر المختار»؛ «معتزک الاقوال»؛ «معرفة الائمة»؛ «مفتاح/فتح المجامع بمفاتیح الشرایع»؛ «خوان الاخوان».[۱]

دوانی در زندگانی وحید ص ۳۶۲ گوید: آقا محمدعلی آئینه تمام‌نمای پدر عالیقدرش وحید بهبهانی و نابغه عظیم‌الشأنی است که تاریخ رجال اسلام مانند او را کمتر بیاد دارد

کلیه تراجم‌نویسان و تاریخ‌نگاران قرن ۱۳ و ۱۴ وی را به عظمت و جلالت و نبوغ علمی و فکری ستوده و یاد نموده‌اند. او اول فردیست که از فرزندان وحید از کربلاء به کرمانشاه روی فرمان والد ماجدش مهاجرت و عزیمت نمود و بیت آل آقا از او شروع گردید

معظم له در کرمانشاه خدمات بسیاری نموده از جمله مبارزه با فرقه صوفیه و دراویش (نعمت‌اللهی) و کشتن معصوم علیشاه قطب آن فرقه و غیر از آن که شرحش موکول بکتاب مبسوطی خواهد بود طالبین را ارجاع به کتاب وحید بهبهانی دوانی و مرآت‌الاحوال آقا احمد و غیره می‌نمایم

خلاصه آن بزرگوار با یک جهان عظمت و ریاست و مرجعیت و آقائی بتمام معنی در آخر عمر مبتلا به کسالت (اسهال) شده و در روز جمعه که مصادف با مبعث نبی اکرم صلی الله علیه و آله سال ۱۲۱۶ قمری بود در اثنای نماز ظهرین برحمت ایزدی پیوست تألیفات و آثار علمی آن رادمرد از اینقرار است

۱- منع‌المنع در حلیت جمع بین دوزن فاطمی رد بر شیخ یوسف بحرانی که قائل به حرمت بوده است (نگارنده گوید و حق با شیخ یوسف است زیرا قطعاً و قهراً هر دو و یا یکی از آنها ناراضی و ناراحت خواهد شد و از ناراحتی آنها مادرشان حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها اذیت خواهند شد و ایذاء آن مکرمه هم حرام خواهد بود) ۲- پنج رساله به فارسی در مناسک حج ۳- مظهر‌المختار فی حکم النکاح مع الاعسار ۴- مقام‌الفضل ۵- فتاح‌المجامع شرح مفاتیح‌الشرايع ۶- رساله در امامت ۷- فذالك حاشیه بر مدارك و مسالك ۸- (خوان‌الاخوان اخوا لكشكول والمخلات و ریاض‌الجنان) ۴ مجلد ۹- قطع‌المقال ۱۰- ملتقط‌الدر فی تحقیق الكر ۱۱- معترك‌المقال فی علم‌الرجال ۱۲- رساله علیه علویه در پاسخ مسائل جلیه ۱۳- الرغایب در فوائد غریبه ۱۴- رساله تفضیلیه ۱۵- رساله خیاریه ۱۶- رساله خیراتیة در رد صوفیه ۱۷- تاریخ حرمین شریفین مکه و مدینه در دو جلد بنام ام‌القری ۱۸- الفوائد در اصول عقاید ۱۹- شرح تجرید و ده‌ها رساله دیگر

فرزندان آقا محمدعلی

آن مرحوم دارای ۹ فرزند چهار دختر و پنج پسر به اسامی ۱- آقا محمدجعفر ۲- آقا احمد ۳- آقا اسماعیل ۴- آقا محمود ۵- آقا محمد بوده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان‌الشیعه (۲۶- ۲۵/ ۱۰)، ایضاح‌المکنون (۲/ ۵۰۷). تاریخ بروجرد (۱۵۱- ۱۴۵/ ۱)، الذریعه (۱۷۷/ ۲۵، ۱۴/ ۲۲، ۳۴۸، ۳۴۷، ۲۴۶، ۲۰۹، ۱۷۰، ۱۶۹- ۲۱/ ۵۹، ۳۷۵/ ۲۰، ۱۵۸/ ۱۷، ۴۰۵، ۱۳۰، ۱۰۱، ۱۶/ ۸۹، ۲۶۶، ۱۲/ ۲۳۴، ۹۵/ ۶، ۲۴۹/ ۳، ۳۵۹/ ۲)، روضات‌الجنات (۱۴۵- ۱۴۲/ ۷)، ریحانه (۳۹۹- ۱۹۸/ ۳)، شرح حال رجال (۳/ ۴۲۳)، طرائق‌الحقائق (۱۸۵- ۱۸۴/ ۱)، فوائد‌الرضویه (۵۷۶- ۵۷۴)، الکنی واللقاب (۱۱۰- ۱۰۹/ ۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۵۶- ۳۵۵/ ۶)، مرآت‌الاحوال (مقدمه)، معجم‌المؤلفین (۴۴- ۴۳/ ۱۱)، مکارم‌الآثار (۵۶۷- ۵۶۱/ ۲)، هدیه‌الاحباب (۱۸۳- ۱۸۲)، هدیه‌العارفین (۳۶۸/ ۲).

بهبهانی، وحید

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ‌الفقهاء والمجتهدین قطب‌العلماء والمحققین آیت‌الله‌العظمی فی‌العالمین العلامة‌الکبری و استاد‌الاکبر آقا محمدباقر بن‌العلامة محمد اکمل معروف به آقا و مشهور به (وحید) بهبهانی چنانچه در (فوائد‌البهبهانیه) مخطوط خود در سال ۱۳۶۹ ق گفتیم.

و ان من مدائن الایران
 به قرب بحر الفرس بهبهانی
 قد قام منها علماء الاهل
 کآیه الله (وحید) الفحل
 مجددالدین بعون الاکبر
 فی مائة الثانية والعشر

آن بزرگوار را مجدد دین در قرن دوازدهم گفته‌اند چنانچه آیت‌الله العظمی میرزا محمدحسن شیرازی مجدد قرن سیزدهم بوده است.

ترجمه و شرح زندگانی آن بزرگوار و آثار و خدماتش در خور کتاب بزرگی است و بحمدالله والمنه این کار را یکی از فضلاء بنام جناب حجه الاسلام و خطیب و نویسنده عالیمقام آقای حاج شیخ علی دوانی صاحب (تالیفات عدیده که ترجمه‌اش در ج ۲ ص ۳۶۱ گذشت انجام داده و کتاب نسبتاً بزرگی بنام (وحید بهبهانی) تألیف و طبع و نشر نموده‌اند).

و اجمالاً-ولادت آن بزرگوار در سال ۱۱۱۷ و یا ۱۱۱۸ در اصفهان واقع شده و در سال ۱۲۰۵ ق در سن نود سالگی تقریباً از دنیا رفت و در رواق شریف حسینی قسمت پائین مبارک متصل به حرم مطهر مدفون و دارای صندوق بزرگیست که مورد توجه دانشمندان می‌باشد. و یکی از شعراء آن عصر بنام (شهاب) در رثاء وی که بر قبرش نوشته گفته است.

ندانم باز این شور و مصیبت چیست در عالم
 که افغان خلائق از ثری تا بر ثریا رفت
 همانا ماتم سر خیل اهل اجتهاد است این
 که اهل علم را طاقت ز دل و ز جا شکبیا رفت
 جهان فضل و علم آقا محمد باقر آن کاخر
 جهان را در عزایش خون ز چشم اشک بالا رفت
 هزار افسوس از آن مهر سپهر دانش و عرفان
 که سوی مغرب ظلمت چو مهر عالم آرا رفت
 غرض آن (باقر) علم و سمی قبله پنجم
 شهاب از دار دنیا چون به سوی ملک عقبا رفت
 جناب اکبر اولاد امجادش
 که یا رب هم عدد اسم شریف او ز اسما رفت
 ز کلک فطرت خود در وفات والد ماجد
 بلوح دل رقم زد (باقر علمی ز دنیا رفت)

(تو ۱۱۱۸-۱۱۱۶ و ف ۱۲۰۸-۱۲۰۵ ق)، عالم و فقیه امامی. وی به وحید بهبهانی، آقای بهبهانی، استاد اکبر، معلم البشر و علامه‌ی ثانی و محقق بهبهانی معروف است. در خانواده‌ای مذهبی و دانشمند در اصفهان به دنیا آمد. او از نوادگان دختری مجلسی اول است. مادرش دختر آقا نورالدین، فرزند ملا محمد صالح مازندرانی، است و جده پدری مادرش آمنه بیگم، دختر مجلسی اول است، و لذا محقق بهبهانی از مجلسی اول به جد و از مجلسی دوم به دایی تعبیر می‌کند. پدرش از عالم بزرگ زمان خود و از شاگردان محقق شروانی و علامه‌ی مجلسی و شیخ جعفر قاضی و آقا جمال خوانساری و سیدصدرالدین رضوی قمی و شیخ جعفر

کمره‌ای بروجردی بود. آقا محمدباقر با جدیت تمام به تحصیل علوم پرداخت، تا آنکه سرآمد معصران خویش شد. از استادانش فقط نام پدرش ذکر شده است. وی به همراه پدر از اصفهان به بهبهان رفت و مدتی در آنجا زندگی کرد، سپس راهی عتبات شد و در کربلا سکنی گزید. و تا پایان عمر در آنجا زیست و همان جا درگذشت و در رواق مطهر حضرت سیدالشهداء دفن شد. وحید بهبهانی مجدد مکتب اجتهاد، فقه و اصول شیعه بود و به همین جهت او را استاد اکبر و استاد اساتید فقهای شیعه در دوست سال اخیر دانسته‌اند. عده‌ی زیادی از شیوخ و بزرگان فقهای شیعه از شاگردان او بودند، از جمله: سیدمهدی بحرالعلوم، سیدعلی طباطبایی، صاحب «ریاض»، میرزا مهدی شهرستانی، ملا محمد مهدی نراقی، حاجی ابراهیم کلباسی، میرزا مهدی خراسانی، شیخ ابوعلی حایری و سیداحمد طالقانی. محقق بهبهانی حدود شصت کتاب تصنیف کرد که برخی از آنها عبارتند از: «شرح المفاتیح»؛ «الاجتهاد والاختبار»، در رد اخباریان؛ «اثبات التحسین والتقیح العقلین»؛ «احکام العقود»؛ «اصالة البراءة»؛ «الاستحباب»؛ «مصایح الظلام»، «تعلیقات علی منهج المقال»؛ «ابطال القیاس»؛ «آداب التجارة»؛ رساله‌ای در «الجبر والاختیار»؛ «الفوائد الحائریة»، در فقه؛ «شرح الوافی»؛ حاشیه بر «شرح الارشاد» محقق اردبیلی؛ حاشیه بر «تهذیب»؛ حاشیه بر «شرح القواعد»؛ حاشیه بر «مسالك»؛ حاشیه بر «مدارک»؛ حاشیه بر «معالم الاصول». گویند که بیست مرتبه «المعالم» را درس گفت و در هر مرتبه یک حاشیه جدید بر آن نگاشت. [۱]

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۶/ ۲۷۳)، اعیان الشیعه (۹/ ۱۸۲) تاریخ بروجرد (۴۱۹، ۲۱۷، ۲۱۱، ۲۰۶، ۲۰۱، ۱۷۶، ۱۱۶/ ۲)، تذکره القبور (۱۲)، الذریعه (۱۸/ ۱۰۳، ۱۶۵، ۱۴/ ۷۵، ۷/ ۲۵۴، ۲۲۹، ۲۱۳، ۶/ ۲۰۵، ۴/ ۲۲۳، ۳۰۰، ۲۷۰، ۲۶۹، ۸۶، ۱/ ۷۰)، روضات الجنات (۹۶- ۹۱/ ۲)، ریحانه (۵۲- ۵۱/ ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲/ ۷۴، قرن ۱۷۴- ۱۷۱/ ۱۳)، فوائد الرضویه (۴۰۸- ۴۰۴)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۶۴- ۳۶۳)، الکنی والالقباب (۱۱۰- ۱۰۹/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹- ۱۷/ ۲)، معجم المؤلفین (۹/ ۹۰)، مکارم الآثار (۲۳۵- ۲۲۰/ ۲)، مواد التواریخ (۲۱۷)، هدیة الاحباب (۱۱۰، ۱۰۰)، هدیة العارفین (۳۵۱- ۳۵۰/ ۲).

بهپور شیرازی، علی اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۳۷۳.

درگذشت: ۱۳۶۰.

از آثار اوست: یادداشتهای پنکوفسکی: خاطرات یک افسر اطلاعاتی شوروی که به غرب پناهنده شده بود (به کوشش فردین بهپور؛ تهران، ۱۳۷۲).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

بهجت شیرازی، مصطفی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۵۸ ش)، طیب و شاعر، متخلص به بهجت. وی در شیراز اقامت داشت و در همان جا پس از تحصیل علوم ادبی فارسی به تحصیل علم طب مشغول شد. بهجت شعر نیز می‌سرود. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۹۰-۴۸۸/۱)، فرهنگ سخنوران (۱۴۷).

بهجت نیا، یحیی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر یحیی بهجت نیا در دهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۰۸ هجری شمسی در شیراز بدنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در شیراز وارد دانشکده پزشکی دانشگاه تهران شد و در رشته پزشکی به تحصیل پرداخت. او پس از اتمام تحصیلات پزشکی اش به مدت ۴ سال در مناطق محروم به خدمت پرداخت. دکتر بهجت نیا دوره تخصصی ۴ ساله زنان و زایمان را گذراند و در سال ۱۳۴۸ به عنوان استاد یار دانشگاه تهران استخدام شد. وی در سال ۱۳۶۶ به رتبه علمی استادی زنان و مامائی دانشگاه علوم پزشکی تهران نائل آمد. نامبرده پس از چندین دهه آموزش و پژوهش در سال ۱۳۷۴ بازنشسته شد. گروه: علوم پزشکی: زنان و زایمانوالدین و انساب: پدرحیی بهجت نیا مرحوم دکتر میرزا محمد خان شیرازی ملقب به بهجت الملک که اولین پزشک تحصیل کرده منطقه فارس بود و تحصیلات پزشکی خود را در دانشگاه بمبئی هندوستان گذرانده بود در تاریخ آبانماه ۱۳۰۹ بدرود حیات گفت. مادرش مرحوم اختر الملوک که از خانواده مرفه ای بود سواد چندانی نداشت و فقط قادر بخواندن قرآن و کتب دعا بود. مادری متدین و مهربان و فداکار که در سال ۱۳۴۵ دار فانی را وداع گفت و هم اکنون در صحن مطهر حضرت سید میراحمد که نزدیک بحرم مطهر حضرت شاه چراغ است مدفون میباشد. خواهر بزرگ وی هم در فاصله کمی از مرقد مطهر امامزاده فوق الذکر مدفون است. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: یحیی بهجت نیا در تاریخ دهم اردیبهشت ماه ۱۳۰۸ هجری شمسی در شیراز در محله ای که نزدیک به آستانه سید علاء الدین حسین میباشد در یک خانواده بالنسبه مرفه به دنیا آمد. تحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات رسمی یحیی بهجت نیا به ترتیب زیر است: ۲۶-۱۳۱۶: تحصیلات ابتدئی به ترتیب در دبستان وصال و صدرای شیراز ۲۹-۱۳۲۳: تحصیلات متوسطه در دبیرستان شاهپور شیراز و روزبهان فسا ۳۵-۱۳۲۹: تحصیل در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران ۴۵-۱۳۴۱: تخصص مامائی و زنان در دانشگاه تهران یحیی بهجت نیا در آبان ۱۳۳۵ دوره شش ساله دانشکده پزشکی را با گذراندن رساله ای تحت عنوان تورم های بیضه و نسبت بدخیمی و خوش خیمی آنها با نظارت دکتر کمال الدین آرمین به پایان رساند. دکتر بهجت نیا تحصیلات خارج از کشور نداشت ولی او برای گذراندن بوردهای منقطع به ایتالیا و آمریکا سفرهایی داشته است. خاطرات و وقایع تحصیل: یحیی بهجت نیا پس از اتمام دوره پزشکی عمومی بدلیل ضعف مالی نتوانست دوره تخصصی را در تهران سپری کند وی از آن دوران از زندگی خود چنین یاد می کند: "بعد از اتمام دانشکده پزشکی چون استطاعت مالی کافی نداشتم نتوانستم برای گذراندن دوره تخصصی در تهران بمانم چون در آن زمان برای دستیاران حقوقی در نظر گرفته نشده بود. لذا اجباراً مدت چهار سال از ۱۳۳۶ تا ۱۳۴۰ در نقاط محروم و دور افتاده کشور به ترتیب در گرمی از توابع اردبیل، نور آباد ممستی و اوز لارستان فارس به شغل طبابت مشغول شدم. البته گرمی ۱۸ فرسخ از اردبیل فاصله داشت. البته من به سازمان شاهنشاهی رفتم و آنها گفتند اگر نقاط دور افتاده بروی از سربازی معاف هستی به این ترتیب من به گرمی رفتم و از سربازی معاف شدم. یادم میآید موقعی که به اردبیل رفتم. از همان اول راننده اتوبوس و .. به من احترام میگذاشتند

و با یک سری ماشین‌های قدیمی آمریکایی که در زمان جنگ برای بیابانها به کار میرفت آمدند و مرا بردند و آن موقع اصلاً جاده ای وجود نداشت و آب گرمی هم شیرین نبود. من شب به گرمی وارد شدم و از همان فردا صبح مریض را ویزیت کردم. یک مدت آنجا بودم، مادرم از دوری من ناراحت بود موقعی که خواستم از آنجا بیرون بیایم باور کنید سه چهارم ساکنین آنجا آمدند و مرا بدرقه کردند. یک سرهنگ مرزبانی بود که یک گروهبان را فرستاد که مرا برساند. البته آنجا زندگی خیلی مشکل بود و وضعیت خان بازی شدیدی وجود داشت. من در آنجا به وضعیت نانوائی‌ها و درمانگاه سروصورتی دادم. از آنجا هم به اوز لارستان رفتم. یک خاطره ای که در این جا لازم است بگویم این است که گروهی از کارگران فقیر که به بیماری مالاریا مبتلا بودند در اطراف بیناب و بندر عباس برای کار آمده بودند و در نزدیکی درمانگاه و محل اقامت من در چادر زندگی میکردند و نتیجه این شد که من هم مالاریا گرفتم که بعداً در تهران تحت مداوا قرار گرفتم و خوب شدم". فعالیتهای ضمن تحصیل: یحیی بهجت نیا در دوران رزیدنتی در آموزشگاه دختران، رشته زنان و مامایی را تدریس می کرد. دکتر بهجت نیا همچنین در مورد فعالیت های ضمن تحصیل خود چنین می گوید: "من فعالیت فوق برنامه ای نداشتم و با سیاست هم کاری نداشتم ولی کاملاً موافقم که دانشجو در این فعالیتهای باشد و این چیزی است که در سراسر دنیا وجود دارد البته دانشجویان نباید وظیفه اصلی خودشان یعنی پزشک شدن را فراموش کنند" استادان و مربیان: استاد جهانشاه صالح، دکتر امیر موحدی، مرحوم دکتر سیمین کامیاب، کمال الدین آرمین و دکتر آذر از اساتید یحیی بهجت نیا بودند. وی از کلاس درس دکتر آذر چنین یاد می کند: "من از مرحوم دکتر آذر که خیلی سخت گیر بود ۱۸ گرفتم و در کل دانشجوی خوبی بودم و همیشه جلوی کلاس میشستم و بلافاصله از استاد سؤال میپرسیدم و همه میگفتند سئوالات بهجت نیا تمام نمی شود و از من شاکمی بودند". هم دوره ای ها و همکاران: مرحوم دکتر سیمین کامیاب، خانم دکتر پور رضا، دکتر رسول اکبری، دکتر اشرافی و خانم دکتر چایچیان، استاد یار دانشگاه اسلامی از همکاران یحیی بهجت نیا بوده اند. همسر و فرزندان: یحیی بهجت نیا با خانم آذری از اهالی تبریز - که همکلاسی خواهر زاده اش بود - ازدواج کرد. ایشان دارای دکترای شیمی از کشور فرانسه می باشد. ثمره این ازدواج یک دختر است که فعلاً در آمریکا مشغول تحصیل می باشد. وقایع میانسالی: یحیی بهجت نیا پس از بازگشت در سال ۱۳۴۱ در سن سی و دو سالگی به عنوان دستیار سال اول رشته زنان و مامایی در بیمارستان زنان سابق به ریاست مرحوم دکتر جهانشاه صالح با کلی مشقت مشغول کار شد. دکتر بهجت نیا از آن دوران چنین یاد می کند: "دکتر جهانشاه صالح در آن تاریخ ریاست دانشگاه تهران و دانشکده پزشکی را نیز برعهده داشتند و افرادی را که بعد از فارغ التحصیل شدن برای گذراندن خدمت خارج از مرکز رشته تخصصی خود را آغاز نکرده بودند بعد از بازگشت برای شروع دوره تخصصی به سختی میپذیرفتند. بعد از گذراندن دوره چهار ساله تخصصی زنان از آنجایی که علاقه زیادی داشتم که در دانشگاه تدریس نمایم و شغل علمی را دوست داشتم ولی چون متأسفانه برای رسیدن به این هدف احتیاج به توصیه و سفارش بود و برای من مقدور نبود لذا مدت دو سال به عنوان محقق در درمانگاه نازایی و تنظیم خانواده بیمارستان زنان مشغول کار شدم و بالاخره در سال ۱۳۴۷ در مسابقه ورودی انتخاب هیات علمی شرکت کردم که سال بعد (۱۳۴۸) به عنوان استاد یار غیر رسمی به استخدام دانشگاه تهران در آمدم" مشاغل و سمتهای مورد تصدی: از کارهای مهم یحیی بهجت نیا بعد از انقلاب اسلامی به سال ۱۳۶۲ بر می گردد. او با کمک دکتر شیبانی، بیمارستان زنان سابق واقع در پیچ شمیران که مدتی به نام جهانشاه صالح بود به محل فعلی آن، بیمارستان میرزا کوچک خان (شوروی سابق) منتقل داد که در مدت ششماه با پیگیری و مذاکرات فراوان انجام شد. وی در ایران در انجمن ناباروری و در خارج هم در انجمن ناباروری امریکا عضو می باشد و اکنون هم جز هیئت تحریریه فصلنامه جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی می باشد. دکتر بهجت نیا در سال ۱۳۵۴ رتبه علمی دانشیاری و در سال ۱۳۶۶ درجه علمی استادی در رشته زنان و مامائی دانشگاه علوم پزشکی تهران را کسب کرد. وی در سال ۱۳۷۴ پس از عمری تلاش در عرصه علمی و پژوهشی به افتخار بازنشستگی نائل آمد. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: یحیی بهجت نیا

بخش آندوسکوپی بیمارستان میرزا کوچک خان را راه اندازی کرده است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : یحیی بهجت نیا از برنامه های روزمره فعلی خود چنین می گوید: با اینکه الان یکسال است که من بازنشسته شده ام ، اما دوست دارم کار کنم . من در شوراهاى مختلفی کار میکنم . الان برای کارشناسی به نظام پزشکی میروم . قبلاً- به دادگستری هم میرفتم و سه روز هم در هفته در منزل مطالعه میکنم . گهگاهی هم باید به پارک بروم ولی همیشه دوست دارم کارکنم تا در موقع کار کردن بمیرم . آرا و گرایشهای خاص : توصیه یحیی بهجت نیا به دانشجویان " :اگر هدفتان خدمت باشد در هر رشته ای که هستید وقت را تلف نکنید . سعی کنید به جای رفتار در حیطه روابط بر طبق ضوابط و مقررات و نظم عمل کنید. با عشق و علاقه کار و فعالیت کنید . "چگونگی عرضه آثار : دکتر یحیی بهجت نیا کارهای تحقیقاتی زیادی روی سل دستگاه تناسلی انجام داده است. دکتر ولایتی یک کتابی نوشته است که فصل سل دستگاه تناسلی توسط دکتر بهجت نیا به رشته تحریر در آمده است. وی همچنین در مورد نازایی تحقیقاتی دارد و در این زمینه مقالاتی را ارائه کرده است.

بهجت، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ولادت: آیت الله العظمی محمد بهجت فومنی در اواخر سال ۱۳۳۴ ه.ق. در خانواده ای دیندار و تقوا پیشه، در شهر مذهبی فومن واقع در استان گیلان، چشم به جهان گشود. هنوز ۱۶ ماه از عمرش نگذشته بود که مادرش را از دست داد و از اوان کودکی طعم تلخ یتیمی را چشید.

درباره نام آیت الله بهجت خاطره ای شیرین از یکی از نزدیکان آقا نقل شده است که ذکر آن در اینجا جالب می نماید، و آن اینکه: پدر آیت الله بهجت در سن ۱۶-۱۷ سالگی بر اثر بیماری وبا در بستر بیماری می افتد و حالش بد می شود به گونه ای که امید زنده ماندن او از بین می رود وی می گفت: در آن حال ناگهان صدایی شنیدم که گفت:

« با ایشان کاری نداشته باشید، زیرا ایشان پدر محمد تقی است. »

تا اینکه با آن حالت خوابش می برد و مادرش که در بالین او نشسته بود گمان می کند وی از دنیا رفته، اما بعد از مدتی پدر آقای بهجت از خواب بیدار می شود و حالش رو به بهبودی می رود و بالاخره کاملاً شفا می یابد.

چند سال پس از این ماجرا تصمیم به ازدواج می گیرد و سخنی را که در حال بیماری به او گفته شده بود کاملاً از یاد می برد. بعد از ازدواج نام اولین فرزند خود را به نام پدرش مهدی می گذارد، فرزند دومی دختر بوده، وقتی فرزند سومین را خدا به او می دهد، اسمش را « محمد حسین» می گذارد، و هنگامی که خداوند چهارمین فرزند را به او عنایت می کند به یاد آن سخن که در دوران بیماری اش شنیده بود می افتد، و وی را « محمد تقی » نام می نهد، ولی وی در کودکی در حوض آب می افتد و از دنیا می رود، تا اینکه سرانجام پنجمین فرزند را دوباره « محمد تقی » نام می گذارد، و بدینسان نام آیت الله بهجت مشخص می گردد.

کربلایی محمود بهجت، پدر آیت الله بهجت از مردان مورد اعتماد شهر فومن بود و در ضمن اشتغال به کسب و کار، به رتق و فتق امور مردم می پرداخت و اسناد مهم و قباله ها به گواهی ایشان می رسید. وی اهل ادب و از ذوق سرشاری برخوردار بوده و مشتاقانه در مرثی اهل بیت علیهم السلام به ویژه حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام شعر می سرود، مرثیه های جانگدازی که اکنون پس از نیم قرن هنوز زبانزد مداحان آن سامان است.

باری آیت الله بهجت در کودکی تحت تربیت پدری چنین که دلسوخته اهل بیت علیهم السلام به ویژه سید الشهداء علیه السلام بود،

و نیز با شرکت در مجالس حسینی و بهره مندی از انوار آن بار آمد. از همان کودکی از بازیهای کودکانه پرهیز می کرد و آثار نبوغ و انوار ایمان در چهره اش نمایان بود، و عشق فوق العاده به کسب علم و دانش در رفتارش جلوه گر. تحصیلات: تحصیلات ابتدایی را در مکتب خانه فومن به پایان برد، و پس از آن در همان شهر به تحصیل علوم دینی پرداخت. به هر حال، روح کمال جو و جان تشنه او تاب نیاورد و پس از طی دوران مقدماتی تحصیلات دینی در شهر فومن، به سال ۱۳۴۸ ه.ق. هنگامی که تقریباً ۱۴ سال از عمر شریفش می گذشت به عراق مشرف شد و در کربلای معلی اقامت گزید.

بنا به گفته یکی از شاگردان نزدیک ایشان، معظم له خود به مناسبتی فرمودند:

« بیش از یک سال از اقامت در کربلا گذشته بود که مکلف شدم. »

آری، دست تربیت حضرت ربّ سبحانه هماره بندگان شایسته را از اوان کودکی و نوجوانی تحت نظر جهان بین خود گرفته و فیوضاتش را شامل حال آنان گردانیده و پیوسته می پاید، تا در بزرگی مشعل راهبری راه پویان طریق الی الله را به دستشان بسپارد. بدین سان، آیت الله بهجت حدود چهار سال در کربلای معلی می ماند و از فیوضات سید الشهداء علیه السلام استفاده نموده و به تهذیب نفس می پردازد و در طی این مدت بخش معظمی از کتابهای فقه و اصول را در محضر استادان بزرگ آن دیار مطهر می خواند.

در سال ۱۳۵۲ ه.ق. برای ادامه تحصیل به نجف اشرف مشرف می گردد و قسمتهای پایانی سطح را در محضر آیات عظام از آن جمله مرحوم آیت الله آقا شیخ مرتضی طالقانی به پایان می رساند. با این همه، همت او تنها مصروف علوم دینی نبوده، بلکه عشق به کمالات والای انسانی هماره جان ناآرام او را به جستجوی مردان الهی و اولیاء برجسته و او می داشته است.

یکی از شاگردان آیت الله بهجت می گوید: در سالهای متمادی که در درس ایشان شرکت می جویم هرگز نشنیده ام که جز در موارد نادر درباره خود مطلبی فرموده باشد. از جمله سخنانی که از زبان مبارکش درباره خود فرمود، این است که در ضمن سخنی به مناسبت تجلیل از مقام معنوی استاد خود حضرت آیت الله نائینی (رحمت الله علیه) فرمود:

« من در ایام نوجوانی در نماز جماعت ایشان شرکت می نمودم، و از حالات ایشان چیزهایی را درک می کردم. » استادان برجسته فقه و اصول:

آیت الله بهجت پس از اتمام دوره سطح، و درک محضر استادان بزرگی چون آیات عظام: آقا سید ابوالحسن اصفهانی (رحمت الله علیه)، آقا ضیاء عراقی (رحمت الله علیه)، و میرزای نائینی (رحمت الله علیه)، به حوزه گراندقدر و پر محتوای آیت حقّ حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی (رحمت الله علیه)، معروف به کمپانی وارد شد و در محضر آن علامه کبیر به تکمیل نظریات فقهی و اصولی خویش پرداخت، و به یاری استعداد درخشان و تأییدات الهی از تفکرات عمیق و ظریف و دقیق مرحوم علامه کمپانی، که دارای فکری سریع و جوال و متحرک و همراه با تیز بینی بوده، بهره ها برد.

آیت الله محمد تقی مصباح درباره استفاده آیت الله بهجت از استادان خود می گوید:

« در فقه بیشتر از مرحوم آقا شیخ محمد کاظم شیرازی - که شاگردان مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی و از استادان بسیار برجسته نجف اشرف بود - استفاده کرده، و در اصول از مرحوم آقای نائینی، و سپس بیشتر از مرحوم آقا شیخ محمد حسین کمپانی اصفهانی فایده برده بودند، هم مدت استفاده شان از مرحوم اصفهانی بیشتر بود و هم استفاده های جنبی دیگر. » سیر و سلوک و عرفان:

آیت الله بهجت، در ضمن تحصیل و پیش از دوران بلوغ، به تهذیب نفس و استکمال معنوی همت گمارده، و در کربلا در تفحص استاد و مربی اخلاقی بر آمده و به وجود آقای قاضی که در نجف بوده پی می برد. و پس از مشرف شدن به نجف اشرف از استاد برجسته خویش آیت الله شیخ محمد حسین اصفهانی کمپانی استفاده های اخلاقی می نماید.

آیت الله مصباح در این باره می گوید:

« پیدا بود که از نظر رفتار هم خیلی تحت تأثیر مرحوم آقا شیخ محمد حسین اصفهانی بودند، چون گاهی مطالبی را از ایشان با اعجابی خاص نقل می کردند، و بعد نمونه هایش را ما در رفتار خود ایشان می دیدیم. پیدا بود که این استاد در شکل گرفتن شخصیت معنوی ایشان تأثیر بسزایی داشته است. »

همچنین در درسهای اخلاقی آقا سید عبدالغفار در نجف اشرف شرکت جسته و از آن استفاده می نموده، تا اینکه در سلک شاگردان حضرت آیت الله سید علی قاضی (ره) در آمده و در صدد کسب معرفت از ایشان بر می آید، و در سن ۱۸ سالگی به محضر پرفیض عارف کامل حضرت آیت الله سید علی آقای قاضی بار می یابد، و مورد ملاحظت و عنایات ویژه آن استاد معظّم قرار می گیرد و در عنفوان جوانی چندان مراحل عرفان را سپری می کند که غبطه دیگران را بر می انگیزد.

آیت الله مصباح می گوید:

« ایشان از مرحوم حاج میرزا علی آقای قاضی مستقیماً در جهت اخلاقی و معنوی بهره برده و سالها شاگردی ایشان را کرده بودند. آیت الله قاضی از کسانی بودند که مُمَخَّص در تربیت افراد از جهات معنوی و عرفانی بودند، مرحوم علامه طباطبایی و مرحوم آیت الله آقا شیخ محمد تقی آملی و مرحوم آقا شیخ علی محمد بروجردی و عده زیادی از بزرگان و حتی مراجع در جنبه های اخلاقی و عرفانی از وجود آقای قاضی بهره برده بودند. آیت الله بهجت از اشخاص دیگری نیز گهگاه نکاتی نقل می کردند مثل مرحوم آیت الله آقا شیخ مرتضی طالقانی و دیگران...»

خود آقای بهجت نقل می کردند: شخصی در آن زمان در صدد بر آمده بود که ببیند چه کسانی سحر ماه مبارک رمضان در حرم حضرت امیر علیه السلام در قنوت نماز وترشان دعای ابو حمزه ثمالی می خوانند، آن طور که خاطر هست اگر اشتباه نکنم کسانی را که مقید بودند این عمل را هر شب در حرم حضرت امیر علیه السلام انجام بدهند شمرده بود و بیش از هفتاد نفر شده بودند. به هر حال، بزرگانی که تقید به جهات عبادی و معنوی داشتند در آن عصرها زیاد بودند. متأسفانه در عصر ما کمتر این نمونه ها را مشاهده می کنیم. البته علم غیب نداریم، شاید آن کسانی که بیشتر در حررها این عبادتها را انجام می دادند حالا در خانه هایشان انجام می دهند، ولی می شود اطمینان پیدا کرد که تقید به اعمال عبادی و معنوی سیر نزولی داشته و این بسیار جای تأسف است.»

یکی دیگر از شاگردان آقا (حَجَّةُ الاسلام و المسلمین آقای تهرانی) جریان فوق را به صورت ذیل از حضرت آیت الله بهجت نقل می کند:

« شخصی در آن زمان شنیده بود که در گذشته هفتاد نفر در حرم حضرت امیر علیه السلام در قنوت نماز وترشان دعای ابو حمزه ثمالی را می خواندند، آن شخص تصمیم گرفته بود ببیند در زمان خودش چند نفر این کار را انجام می دهند، رفته بود و شمارش کرده و دیده بود تعداد افراد نسبت به زمان سابق تقلیل پیدا کرده و مجموعاً پنجاه نفر (آن طور که بنده «تهرانی» به یاد دارم) در حرم (اعم از نزدیک ضریح مطهر، و رواقهای اطراف) دعای ابو حمزه را در دعای نماز وتر خود قرائت می کنند. « فلسفه : آیت الله بهجت، اشارات ابن سینا و اسفار ملا صدرا را نزد مرحوم آیت الله سید حسن بادکوبه ای فرا گرفته است. مرجعیت : با اینکه ایشان فقیهی شناخته شده اند و بیش از سی سال است که اشتغال به تدریس خارج فقه و اصول دارند، ولی همواره از پذیرش مرجعیت سرباز زده اند.

آقای مصباح درباره علت پذیرش مرجعیت از سوی ایشان و نیز پیرامون عدم تغییر وضعیت آیت الله بهجت بعد از مرجعیت می گوید:

« بعد از مرجعیت منزل آیت الله بهجت هیچ تغییری نکرده است، ملاقات و پذیرایی از بازدید کنندگان در منزل امکان ندارد لذا در اعیاد و ایام سوگواری، در مسجد فاطمیه از ملاقات کنندگان پذیرایی می شود. اصولاً قبول مرجعیت ایشان به نظر من یکی از کرامات ایشان است، یعنی شرایط زندگی ایشان آن هم در سن هشتاد سالگی به هیچ وجه ایجاب نمی کرد که زیر بار چنین

مسئولیتی نبود، و کسانی که با ایشان آشنایی داشتند هیچ وقت حدس نمی زدند که امکان داشته باشد آقا یک وقتی حاضر بشوند پرچم مرجعیت را به دوش بکشند و مسولیتش را قبول بکنند. و بدون شک جز احساس یک وظیفه متعین چیزی باعث نشد که ایشان این مسؤلیت را بپذیرند. و باید گفت که رفتار ایشان در این زمان با این وارستگی و پارسایی، حجت را بر دیگران تمام می کند که می شود در عین مرجعیت با سادگی زندگی کرد، بدون اینکه تغییری در لباس، خوراک، مسکن، خانه و شرایط زندگی پیش بیاید.»

تا اینکه بعد از فوت مرحوم آقای سید احمد خوانساری (ره) جلد اول و دوم کتاب «ذخیره العباد» (جامع المسائل کنونی) را به قلم خود تصحیح و در اختیار خواص گذاشتند، و پیش از فوت مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی اراکی (ره) اجازه نشر رساله عملیه خویش را دادند، سرانجام وقتی جامعه مدرسین با انتشار اطلاعیه ای هفت نفر از آن جمله حضرت آیه الله العظمی بهجت را به عنوان مرجع تقلید معرفی کرد و عده ای از علمای دیگر از جمله آیت الله مشکینی و آیت الله جوادی آملی و ... مرجعیت ایشان را اعلام کردند، به دنبال در خواستهای مصرانه و مکرر راضی شدند تا رساله عملیه ایشان در تیراژ وسیع به چاپ برسد، با این حال از نوشتن نام خویش بر روی جلد کتاب دریغ ورزیدند.

در همین ارتباط یکی از مرتبین ایشان می گوید: ایشان پیش از در گذشت آیت الله العظمی اراکی چون مطلع شدند جامعه مدرسین نظر به معرفی ایشان را دارند پیغام دادند که راضی نیستم اسمی از بنده برده شود. و بعد از فوت مرحوم اراکی و پیام جامعه مدرسین و اطلاع از انتشار اسمشان فرمودند: «فتاوی بنده را در اختیار کسی قرار ندهید. از ایشان توضیح خواسته شد فرمودند: صبر کنید، همه رساله خود را نشر دهند، بعدها اگر کسی ماند و از دیگران تقلید نکرد و فقط خواست از ما تقلید کند آن وقت فتاوی را منتشر کنید» چندین ماه پس از این رخداد رساله ایشان توسط بعضی از اهل لبنان به چاپ رسید. هجرت:

ایشان بعد از تکمیل دروس، در سال ۱۳۶۳ ه.ق. موافق با ۱۳۲۴ ه.ش. به ایران مراجعت کرده و چند ماهی در موطن خود فومن اقامت گزید و بعداً در حالی که آماده بازگشت به حوزه علمیه نجف اشرف بود، قصد زیارت حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام و اطلاع یافتن از وضعیت حوزه قم را کرد، ولی در طول چند ماهی که در قم توقف کرده بود، خبر رحلت استادان بزرگ نجف، یکی پس از دیگری شنیده می شد، لذا ایشان تصمیم گرفت که در شهر مقدس قم اقامت کند.

در قم از محضر آیت الله العظمی حجت کوه کمره ای استفاده کرده و در بین شاگردان آن فقید سعید درخشید. چند ماهی از اقامت حضرت آیه الله العظمی بروجردی در قم نگذشته بود که آیت الله بهجت وارد قم شد، و همچون حضرات آیات عظام امام خمینی، گلپایگانی و ... به درس فقید سعید مرحوم بروجردی حاضر شد.

آیت الله مصباح در این باره می گوید:

« آیت الله بهجت از همان زمانی که مرحوم آیت الله بروجردی (ره) در قم درس شروع کرده بودند از شاگردان برجسته واز مُسْتَشْکِلین معروف و مبرز درس ایشان بودند. معمولاً استادانی که درس خارج می گویند، در میان شاگردانشان یکی دو سه نفر هستند که ضمن اینکه بیش از همه مطالب را ضبط می کنند احياناً اشکالاتی به نظرشان می رسد که مطرح و پی گیری می کنند تا مسائل کاملاً حل شود، اینان از دیگران دقیق ترند، و اشکالاتشان علمی تر و نیاز به غور و بررسی بیشتری دارد، و ایشان در آن زمان چنین موقعیتی را در درس مرحوم آیت الله بروجردی داشتند.» تدریس:

آیت الله بهجت در همان ایام که در درس آیات عظام اصفهانی، کمپانی و شیرازی حضور می یافت، ضمن تهذیب نفس و تعلم، به تعلیم هم می پرداخت و سطوح عالی را در نجف اشرف تدریس می کرد. پس از هجرت به قم نیز پیوسته این روال را ادامه می دادند. در رابطه با تدریس خارج فقه توسط ایشان نیز در مجموع می توان گفت که ایشان بیش از چهل سال است که به تدریس

خارج فقه و اصول اشتغال دارند و به واسطه شهرت گریزی غالباً در منزل تدریس کرده است، و فضلی گرانقدری سالیان دراز از محضر پر فیض ایشان بهره برده اند. شیوه تدریس:

آیت الله مصباح در مورد روش تدریس ایشان می گوید:

«ایشان در بیان مطالب سعی می کردند ابتدا مسأله را از روی کتاب شیخ انصاری قدس سره مطرح کنند، و بعد هر کجا مطلب قابل توجهی از دیگران مخصوصاً از صاحب جواهر قدس سره در طهارت، و از مرحوم حاج آقا رضا همدانی و دیگران مطالب برجسته ای داشتند آن را نقل می کردند، و بعد هر جا خود ایشان نظر خاصی داشتند آن را بیان می کردند. این شیوه از یک طرف باعث این می شد که انسان از نظر استادان بزرگ در یک موضوع آگاه بشود و در عین حال صرفه جویی در وقت می شد. استادان دیگر هم برای تدریس شیوه های جالبی داشتند که شاید برای مبتدی مفیدتر بود که هر مطلب را از هر استاد جداگانه طرح می کردند، ولی خوب این باعث می شد که وقت بیشتری گرفته بشود و احیاناً مطالبی تکرار بشود.

در ضمن تدریس، در میان نکته هایی که از خود ایشان ما استفاده می کردیم و طبعاً بعضی از این نکته ها چیزهایی بود که ایشان از استادانشان شفاهاً دریافت کرده بودند، به مطالب بسیار ارزنده و عمیق و دارای دقتهای کم نظیری بر می خوردیم.»

آیت الله مسعودی که خود سالها از درس آیت الله العظمی بهجت بهره برده اند درباره ویژگی تدریس ایشان می گوید:

«سبک درس ایشان سبک خاصی است. معمولاً آقایان مراجع و بزرگان در درس خارج یک مسأله ای را مطرح می کنند و اقوال دیگران را یکی یکی ذکر می کنند، سپس یکی را نقد می کنند و دیگری را تأیید، و سرانجام یکی از آن نظرات را می پذیرند، یا نظریه دیگری را انتخاب می کنند. ولی ایشان بر خلاف همه، نقل اقوال نمی کنند بلکه ابتدا مسأله را مطرح می کنند و بعد روند استدلالش را بیان می کنند. اگر شاگرد آراء علماء را دیده و مطالعه کرده باشد، می فهمد که دلیلی را که استاد ذکر می کند چه کسی گفته است، و اشکال یا تأییدی را که می کند می فهمد به سخن چه کسی اشکال یا قول چه کسی را تأیید می کند. لذا هر کس بخواهد در درس ایشان شرکت کند باید مبانی و نظرات آقایان دیگر را دیده باشد.»

آیت الله محمد حسین احمدی فقیه یزدی درباره شیوه درس ایشان می گوید:

«نوعاً ایشان چند مسئله اصلی یا فرعی را که عنوان می فرمودند بعد از توجه به ظرافتهای حدیث و روایت و یا آیه شریفه ای که دلالت بر موضوع بحث داشت، مقایسه ای بین موضوع بحث و سایر بحثهای مشابه می نمودند و دقت عقلی و فکری خاصی در تعادل آن دو انجام می دادند، آنگاه نتیجه می گرفتند که انصافاً نتیجه علمی و جدید بود. و حقیقتاً مطلبی را که ذکر می کردند ناشی از اوج و عظمت دید و فکرشان بود که از ائمه علیهم السلام و اسلام گرفته بود و اجتهاد صحیح نیز هم این گونه بحث و تجزیه و تحلیل کردن است.» موعظه در درس:

حجة السلام والمسلمین قدس، امام جمعه کلاچای که خود سالها در درس ایشان حضور داشته است می گوید:

«روال آیت الله العظمی بهجت این بود که پیش از شروع درس، حدود ده دقیقه موعظه می کرد، ولی نه به عنوان موعظه بلکه به عنوان حکایت حال بزرگان گذشته. و معلوم بود که منظور اصلی آیت الله مصباح یزدی که سالها در درس خارج فقه ایشان شرکت می کردند (۱۵سال)، علاوه بر استفاده علمی، استفاده از روحیه ملکوتی آقا بوده است.»

آیت الله مصباح در این باره می گوید:

«آیت الله بهجت گاهی داستانی را یا حدیثی را نقل می کردند که برای ما تعجب آور بود ایشان چه اصراری دارند که بر مطالب معلوم و روشن تکیه می کنند، از جمله مطلبی که ایشان در تذکرات پیش از درس اصرار می کردند امامت امیر المؤمنین علیه السلام بود، ما تعجب می کردیم که ما مگر در آن حضرت شک داریم که ایشان این قدر اصرار دارند که دلائل امامت حضرت علی علیه السلام را برای ما بیان کنند. یک خورده ته دلمان گله مند بودیم که چرا به جای این مطالب یک چیزهایی که بیشتر حاجت ماست

(در امور اخلاقی و معنوی) مطالبی را نمی گویند. اما بعد از این که به پنجاه- شصت سالگی رسیدیم، در بسیاری از مباحث دیدیم که آن نکته هایی که ایشان چهل سال پیشتر در درسشان درباره امامت علی علیه السلام می فرمودند به دردمان می خورد. گویا ایشان آن روز می دید که یک مسائلی بناست در آینده مورد غفلت و تشکیک قرار بگیرد.

شاید اگر توجه های ایشان نبود ما انگیزه ای نداشتیم درباره این مسائل مطالعه ای داشته باشیم، حتی از نکته هایی که ایشان چهل سال پیش بیان می کردند امروز بنده در نوشته هایم در مورد مسائل اعتقادی یا جاهای دیگر استفاده کرده ام. « جایگاه علمی : گواهی استادان و هم دوره ایها و نیز شاگردان برجسته که بخشی از آن در ذیل می آید نمایانگر دقت نظر و نبوغ برجستگی علمی ایشان است: از آن جمله گویند:

روزی ایشان در درس کفایه یکی از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی به نحوه تقریر مطالب آخوند خراسانی توسط استاد اعتراض می کند، ولی با توجه به اینکه از همه طلاب شرکت کننده در درس کم سن و سال تر بوده در جلسه بعدی پیش از حضور استاد مورد اعتراض و انتقاد شدید شاگردان دیگر قرار می گیرد، ولی در آن هنگام ناگهان استاد وارد می شود و متوجه اعتراض شاگردان به ایشان می گردد. سپس خطاب به آنان می فرماید: « با آقای بهجت کاری نداشته باشید. » همه ساکت می شوند آنگاه استاد ادامه می دهد: « دیشب که تقریرات درس مرحوم آخوند را مطالعه می کردم متوجه شدم که حق با ایشان است » و پس از این سخن، از جدیت و نبوغ آیت الله بهجت تمجید می نماید.

یکی از دانشمندان نجف می گوید:

« ایشان در درس، به مرحوم آیت الله کمپانی امان نمی داد، و پیوسته بحثها را مورد نقد قرار می داد. »
مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری نیز می گوید:

« ایشان با اظهار نظرهای دقیق و اشکالات مهم، چنان نظر استاد را جلب کرده بود که چند روزی مجلس درس از حالت درس خارج شده بود، آن ایرادها برای ما هم مفید بود؛ ولی آقای بهجت برای گریز از شهرت دیگر به انتقاد نپرداختند و اگر ادامه می دادند معلوم می شد اگر بالاتر از دیگران نباشند بی شک کمتر از آنان نیستند. »
مرحوم علامه محمد تقی جعفری می گوید:

« آن هنگام که در خدمت آقا شیخ کاظم شیرازی مکاسب می خواندیم، آیت الله بهجت نیز که اینک در قم اقامت دارند، در درس ایشان شرکت می نمودند، خوب یادم هست که وقتی ایشان اشکال می کردند آقا شیخ کاظم با تمام قوا متوجه می شد، یعنی خیلی دقیق و عمیق به اشکالات آقای بهجت توجه می کرد، و همان موقع ایشان در نجف به فضل و عرفان شناخته شده بود. »
آیت الله سید محمد حسین طهرانی در کتاب انوارالملکوت می نویسد:

« آیت الله حاج شیخ عباس قوچانی، وصی سید علی آقای قاضی می فرمودند: آیت الله العظمی حاج شیخ محمد تقی بهجت در فقه و اصول به درس مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی حاضر می شدند و چون به حجره خود در مدرسه مرحوم سید باز می گشتند بعضی از طلابی که در درس برای آنها اشکالاتی باقی مانده بود به حجره ایشان می رفتند و اشکالشان را رفع می نمودند. و چه بسا ایشان در حجره خواب بودند و در حال خواب از ایشان می پرسیدند و ایشان هم مانند بیداری جواب می دادند جواب کافی و شافی، و چون از خواب بر می خاستند و از قضایا و پرسشهای در حال خواب با ایشان سخن به میان می آمد ابداً اطلاع نداشتند و می گفتند: هیچ به نظرم نمی رسد و از آنچه می گوئید در خاطر من چیزی نیست. »
آیت الله مشکینی می گوید:

« ایشان از جهت علمی (هم در فقه و هم در اصول) در یک مرتبه خیلی بالایی در میان فقهای شیعه قرار دارند. »

حجة السلام و المسلمین امجد می گوید:

«ایشان در علمیت در افق اعلی است. فقیهی است بسیار بزرگ، و معتقدم که باید مجتهدین پای درسشان باشند تا نکته بگیرند و بفهمند، و حق این است که درس خارج را باید امثال آیت الله بهجت بگویند نه آنهایی که به نقل اقوال بسنده می کنند.» تشویق بزرگان به شرکت در درس ایشان:

آیت الله مصباح می گوید:

«اولین چیزی که ما را جذب کرد آن جاذبه معنوی و روحانی ایشان بود. ولی تدریجاً متوجه شدیم که ایشان از لحاظ مقامات علمی و فقاہت هم در درجه بسیار عالی قرار دارد. این بود که سعی کردیم خدمت ایشان درسی داشته باشیم تا وسیله ای باشد هم از معلومات ایشان بهره ای ببریم، و هم بهانه ای باشد که هر روز خدمت ایشان برسیم و از کمالات روحی و معنوی آقا بهره مند شویم. کتاب طهارت را در خدمت ایشان شروع کردیم، ابتدا در یکی از حجرات مدرسه فیضیه چند نفر از دوستان شرکت می کردند، و بعد از گذشت یک سال، یکی دو سالی هم در حجره ای در مدرسه خان (مدرسه مرحوم آیت الله بروجردی) خدمت ایشان درس داشتیم، و بعدها که ضعف مزاج ایشان بیشتر شد از آن به بعد در منزل، خدمتشان می رفتیم که یک دوره طهارت را خدمت ایشان خواندیم، و بعد یک دوره هم مکاسب و خیارات را که تقریباً حدود ۱۵ سال ادامه پیدا کرد. ما در درس ایشان استفاده هایی می بردیم که در بسیاری از درسها کمتر یافت می شد.»

شهید بزرگوار استاد مطهری (ره) نیز به درس ایشان عنایت خاصی داشتند. آیت الله محمد حسین احمدی یزدی در این رابطه می گوید:

«آیت الله شهید مطهری درباره درس آیت الله بهجت به ما خیلی سفارش می کرد و می فرمود: حتماً در درس ایشان شرکت کنید مخصوصاً در اصول، چون آقای بهجت درس آقا شیخ محمد حسین اصفهانی را دیده حتماً در درس ایشان شرکت کنید.» استاد خسرو شاهی می گوید:

«بنده در درس فقه خارج خیارات آیت الله العظمی شیخ مرتضی حائری شرکت می کردم. ایشان اواخر عمر مریض بودند و درسشان تعطیل شد. یک روز وقتی که آیت الله حایری از حرم بیرون می آمدند، به خدمتشان رفتم و پس از سلام عرض کردم: ان شاء الله درس را شروع می فرمایید؟ فرمودند: نه. بعد فرمودند:

«شما که جوان هستید من یک ضابطه ای را در اختیار شما قرار بدهم، و آن اینکه درس کسانی شرکت بکنید که فقط نقل اقوال نکنند، بلکه اقوال را بررسی کرده و نکاتی را در درس بیان کنند که در فعلیت رساندن ملکه اجتهاد خیلی سودمند باشد. چون درسی برای شما مفید است که این ملکه اجتهاد را از قوه به فعلیت برساند، و تنها به نقل اقوال کفایت نکند.»

من همان جا به ایشان عرض کردم: جناب عالی کسی را با اسم برای ما معرفی بفرمایید. فرمودند: «من از اسم بردن معذورم.» عرض کردم: من در درس آیت الله العظمی بهجت شرکت می کنم. ایشان اظهار رضایت نمود و تبسم کردند و فرمودند: «درس ایشان از نظر دقت و محتوا همین قاعده و ضابطه ای را که به شما گفتم دارد، خوب است که در درس ایشان شرکت می کنید. درس ایشان از هر جهت سازنده است هم از جهت علمی هم از جهت اخلاقی، این درس را ادامه بدهید.» تألیفات:

حضرت آیت الله بهجت دارای تألیفات متعددی در فقه و اصول هستند که خود برای چاپ اکثر آنها اقدام نکرده اند، و گاه به کسانی که می خواهند آنها را حتی با غیر وجوه شرعیه چاپ کنند، اجازه نمی دهند و می فرمایند: هنوز بسیاری از کتابهای علمای بزرگ سالهاست که به گونه خطی مانده است، آنها را چاپ کنید نوبت اینها دیر نشده است.

فهرست عمده تألیفات ایشان که برخی نیز با اصرار و پشتکاری برخی از شاگردانشان به چاپ رسیده، عبارتند از:

الف) کتابهای چاپ شده:

۱. رساله توضیح المسائل (فارسی و عربی)

۲. مناسک حج

دو کتاب فوق توسط برخی از فضلا بر اساس فتاوی ایشان تألیف و پس از تأیید آقا به چاپ رسیده است.

۳. وسیله النجاه

این کتاب در بردارنده نظرات فقهی ایشان در اکثر ابواب فقه است که در متن وسیله النجاه آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی (ره) گنجانده شده و نهایتاً جلد نخست آن با تأیید ایشان به چاپ رسیده است.

۴. جامع المسائل

این کتاب مجموعه حواشی ایشان بر کتاب «ذخیره العباد» استادش آیت الله العظمی محمد حسین غروی اصفهانی، و نیز تکمیل آن تا آخر فقه می باشد، که قسمتهایی از آن ابتدا با نام «ذخیره العباد» با حروفچینی نه چندان زیبا و در تعداد نسخه اندک در اختیار برخی از شاگردان و خواص ایشان قرار گرفت، و بعداً جلد اول از این مجموعه که قرار است در پنج مجلد به چاپ برسد، به خاطر کثرت فروع فقهی که توسط حضرت آیت الله بهجت بر اصل کتاب افزوده شده و جامعیت آن «جامع المسائل» نام گرفته و به همت برخی از شاگردان ایشان به چاپ رسید.

ب) تألیفات آماده چاپ و نشر:

۱. جلد اول از کتاب صلوة

آیت الله بهجت در این کتاب با سبکی ویژه و تلخیص مطالب به ترتیب مباحث «جواهر الکلام» به بیان نظریات نو و ابتکاری خویش پرداخته اند.

۲. جلد اول از دوره اصول

این کتاب تقریباً "به ترتیب «کفایه الاصول» نگارش یافته است، و بارها توسط ایشان مورد مذاقه و تجدید نظر قرار گرفته، و نظریاتی نو در بسیاری از مباحث اصول را در بردارد.

۳. تعلیقه بر مناسک شیخ انصاری

این کتاب در بردارنده نظرات ایشان درباره مناسک حج می باشد.

ج) تألیفاتی که هنوز اقدام به چاپ آنها نشده است:

۱. بقیه مجلدات دوره اصول

۲. حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری

که به ترتیب مکاسب شیخ انصاری (ره) از اول تا انجام، و پس از اتمام آن ادامه مباحثی که در مکاسب مطرح نشده بر اساس متن «شرائع الاسلام» نگارش یافته است، ایشان در این دوره از مباحث فقهی نظرات جدیدی را ارائه داده اند.

۳. دوره طهارت

در این کتاب نیز آیت الله بهجت بسان دوره «کتاب الصلوة» به ترتیب مباحث «جواهر الکلام» با تلخیص و نوآوری نظرات خویش را مطرح نموده اند.

۴. بقیه مجلدات دوره کتاب الصلوة

همچنین ایشان در تألیف سفینه البحار با مرحوم حاج شیخ عباس قمی (ره) همکاری داشته اند، و قسمت زیادی از سفینه البحار خطی، به خط ایشان نوشته شده است. شاگردان:

با توجه به اینکه ایشان به خاطر شهرت گریزی عمدتاً در منزل خود تدریس می کردند، با وجود این افراد بسیاری از محضر آن جناب استفاده کرده و می کنند. که برخی از آنان خود صاحب رساله و فتوی می باشند، اینک نام بعضی دیگر از آنان را با حذف القاب ذکر می کنیم:

۱. محمد تقی مصباح یزدی.

۲. عبدالمجید رشید پور.

۳. سید مهدی روحانی.

۴. علی پهلوانی تهرانی.

۵. مختار امینیان.

۶. محمد هادی فقهی.

۷. هادی قدس.

۸. محمود امجد.

۹. محمد ایمانی.

۱۰. محمد حسن احمدی فقیه یزدی.

۱۱. محمد حسین احمدی فقیه یزدی.

۱۲- مسعودی خمینی

۱۳- سید رضا خسروشاهی.

۱۴- حسن لاهوتی

۱۵- عزیز علیاری

۱۶- سید محمد مؤمنی

۱۷- حسین مفیدی

۱۸- جواد محمد زاده تهرانی

۱۹- سید صابر مازندرانی

۲۰- شهید نمازی شیرازی

این عارف برجسته و فقیه ارزشمند در ساعت پانزده و ده دقیقه عصر ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۸ مطابق با ۲۲ جمادی الاولی ۱۴۳۰ قمری دار فانی را وداع گفتند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

بهبخت‌نیا، یحیی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۸، مرتبه علمی: استاد، رشته: زنان و مامایی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

اخذ تخصص در رشته زنان و مامایی در سال ۱۳۴۵.

مرتب علمی:

استادیار در سال ۱۳۴۸، ارتقاء به درجه دانشیاری در سال ۱۳۵۸ و استاد پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۶۶ تا کنون. زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زنان و مامایی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۵۰ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

زنان و مامایی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۳، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

پزشکی، زنان و مامایی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

بهجتی اردکانی، محمد حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای آقا شیخ محمد حسین بهجتی اردکانی از افاضل برجسته و علماء شایسته حوزه‌ی قم است که سالها از محضر آیات عظام مرحوم آیه‌الله العظمی حجت و آیه‌الله العظمی بروجردی و سایر آیات استفاده کامل نموده و بمدارج عالی علم و کمال رسیده است دارای طبع شعر می باشد.

(س چهارم ق)، فقیه، ادیب و شاعر. از علمای شایسته حوزه علمیه قم بود که سالها از محضر آیت‌الله حجت و آیت‌الله بروجردی و سایر آیات استفاده کامل کرد و به مدارج عالی علمی رسید. وی دارای طبع شعر بود و قصیده‌ی مخمسی از وی در «گنجینه‌ی دانشمندان» آورده شده است. [۱]

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۳/۶۷).

بهدار، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا بهدار

محل تولد : دزفول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد رضا بهدار در سال ۱۳۵۰ هجری شمسی در شهرستان دزفول متولد شدم. تحصیلات ابتدائی و راهنمایی و متوسطه خود را در همان شهرستان محل سکونت به پایان رساندم. از همان دوران کودکی و نوجوانی اهتمام فراوانی به مسائل علمی و اعتقادی و دینی داشتم. از همین رو در همان دوران در مسجد محل خود برای کسب معارف دینی در جلسات قرائت قرآن شرکت دائم داشتم. و از اساتید و معلمین دینی کسب فیض می کردم و این خود سبب رشد علمی و اعتقادی فراوانی شد و خود دریچه ای شد برای ورود به حوزه علمیه و کسب معارف بیشتر. از این رو در سال ۱۳۶۶ به صورت غیر رسمی و متفرقه برخی کتب درسی و مقدماتی را پیش اساتید حوزه فرا گرفتم. در این بین مشغول گرفتن دیپلم بودم، که در سال ۱۳۶۹ به صورت رسمی در حوزه آیت الله قاضی واقع در شهرستان دزفول دروسهای مقدماتی حوزه را شروع کردم. در سال ۱۳۷۲ برای ادامه تحصیل دروس سطح یک سال به قم مهاجرت کردم. اما به دلیل ازدواج و مشکلات خانوادگی برای ادامه تحصیل و تدریس به شهرستان برگشتم. بعد از سه سال یعنی سال ۱۳۷۶ دوباره موفق شدم برای ادامه تحصیل به قم برگردم و دروس خارج اصول و فقه را دنبال کنم. در سال ۱۳۷۸ در کنار درس خارج با قبولی در امتحان ورودی رشته تخصصی کلام اسلامی وارد موسسه امام صادق (علیه السلام) شدم و در سال ۱۳۸۱ فارغ التحصیل سطح چهارم حوزه شدم و بعد از آن مشغول پایان نامه هستم. در بین سالهای ۱۳۷۹ تا کنون با برخی از موسسات علمی از جمله پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه و مرکز مطالعات حوزه علمیه ارتباط داشته و مقالات و تحقیقاتی ارائه داده ام. از سال ۱۳۸۱ تا حال به عنوان مدیر گروه کلام و فلسفه مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه مشغول همکاری و نظارت تحقیقات محققین هستم.

بهرام نسب، محمد سهیل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد سهیل بهرام نسب

محل تولد : کرج

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد سهیل بهرام نسب پس از گذراندن دوره دبیرستان در سال ۱۳۷۶ شمسی وارد حوزه علمیه شدم و در سال ۱۳۸۴ مدرک سطح ۱ (کاردانی) را اخذ کردم. کارهای تحقیقی و پژوهشی را از سال ۱۳۸۲ به صورت شرکت در مسابقات مقاله نویسی آغاز کردم و حائز رتبه هابی شدم در سال ۸۳ یک پروژه تحقیقی را با عنوان «مسجد قبا نخستین بنیان تقوی» از مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما مرکز قم، به دست گرفته و به پایان رساندم که در پایان به عنوان کتاب از چاپ خارج شد. علاوه بر این آثار حدود هشت مقاله در موضوعات مختلف دینی در مجلات به چاپ رساندم که از آن جمله است، معرفی فرهنگ رجالی «الموسوعه الرجالیة المیسرة» و «تقیه در فرهنگ شیعه»، (ترجمه قسمتی از کتاب مع شیعه الامامیه فی اعتقادهم) تالیف آیت الله جعفر سبحانی (دام ظلّه)؛ اکنون نیز به طور پراکنده، به نوشتن مقالات در موضوعات مورد علاقه ام مشغولم.

بهرامی خشنودی، مرتضی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرتضی بهرامی خشنودی

محل تولد: بروجرد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۴/۱/۱

بهرامی، فریدون

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: قلب و عروق، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشکده پزشکی دانشگاه پاریس و دکترای تخصصی قلب از دانشکده پزشکی دانشگاه پاریس در سال ۱۳۴۹.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پزشکی و بیماریهای قلب.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۸، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

پزشکی، بیماریهای قلب و عروق.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

بهرامی، محمد حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسین بهرامی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۴/۵/۳

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسین بهرامی در سال ۱۳۵۴ در تهران متولد شدم. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در شهر قم گذراندم و در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه شدم. مقدمات را در مدرسه شهیدین گذراندم. سطح را در حوزه و در محضر اساتیدی از جمله حجج اسلام موسوی تهرانی، اعتمادی (ره)، احمدی میانجی و دیگر اساتید طی کردم. چند سالی نیز در درس خارج اساتیدی از جمله آیات عظام شبیری زنجانی، مکارم شیرازی و وحیدتبریزی شرکت نمودم.

در کنار تحصیل در مراکز سفیران هدایت، جامعه الزهرا و مدرسه امام خمینی (ره) به تدریس پرداخته ام. هم اکنون نیز در مدرسه امام خمینی (ره) و دانشگاه قم در رشته علوم قرآن و حدیث مشغول به تدریس می باشم. سال ۱۳۷۵ و همزمان با سطح، از طریق موسسه امام خمینی (ره) به کارشناسی ارشد پیوسته در رشته الهیات مشغول شده و در سال ۱۳۸۱ با نگارش پایان نامه "اندیشه های حدیثی علامه محمد تقی شوشتری در کتاب النجعه" فارغ التحصیل شدم.

در سال ۱۳۸۲ در دانشگاه تربیت مدرس قم در رشته علوم قرآن و حدیث برای گذراندن مقطع دکتری پذیرفته شدم. و هم اکنون پس از طی دوره آموزشی در آستانه نگارش پایان نامه می باشم. از سال ۱۳۷۷ در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی در بخش شبکه اینترنت مشغول به کار شدم. از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲ مدیر پایگاه اطلاع رسانی حوزه بودم و از سال ۱۳۸۲ تا کنون نیز به عنوان معاون شبکه مرکز مشغول به فعالیت می باشم.

بهرامی، منصور

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای اطفال، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی بیماریهای اطفال از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۱، طی دوره‌های کوتاه مدت تخصصی در دانشگاههای

جانزهاپکینز آمریکا، انستیتو تغذیه حیدرآباد هندوستان، دانشگاه آمریکائی بیروت و حاجت تپه آنکارا.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی علوم پزشکی شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بیماریهای اطفال و تغذیه و بهداشت اطفال، عضویت در کمیته‌های گوناگون تخصصی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۰ پایان‌نامه

تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

همکاری در نگارش ۳ فصل از ۳ کتاب تخصصی در مورد بیماریهای کودکان.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

بهداشت و بیماریهای اطفال.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

بهرامی، ناصر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ناصر بهرامی

محل تولد: کرمانشاه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ناصر بهرامی در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه شدم و در زادگاهم کرمانشاه در مدرسه آیت الله بروجرودی مشغول به فرا گرفتن متون درسی حوزوی شدم. سطح مقدمات را در همانجا به پایان رسانیدم و مشغول به سطوح بالاتر شدم. و دروس بالاتر را مانند کفایه، رسائل، مکاسب را در محضر حضرات آقایان آیت الله زرنندی نماینده ولی فقیه و امام جمعه کرمانشاه، حاج آقا مجتبی میبیدی، حاج آقا عبدالخالق عبداللهی، فرا گرفتم. و در همان مدرسه مذکور مشغول به تدریس سیوطی، مغنی، مقدمات شدم و در مدرسه امام صادق (ع) کرمانشاه لمعه و سیوطی تدریس نموده ام و در سال ۱۳۷۶ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس خارج فقه و اصول را در نزد حضرات آیات مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی، نوری همدانی، جعفر سبحانی، جوادی آملی و به مدت دو سال هم در تفسیر حجت الاسلام سید احمد خاتمی شرکت نمودم و در حال حاضر در درس فقه آیت الله مکارم مشغول هستم. در این مدت مشغول پژوهش بوده و هستم و بیشتر کارهایم را در خانه انجام می‌دهم و کاری را در دست اقدام دارم بنام خطابات قرآنی و امیدوارم خداوند متعال به ما توفیق دهد تا بتوانیم در راه علم و معرفت کوشا باشیم و برای جامعه اسلامی فردی مفید و صالح باشیم.

بهرمان، علی اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۱، مرتبه علمی: استاد، رشته: ارتدینسی، دانشکده: دندانپزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای دندانپزشکی از دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۰ با رتبه اول، دوره‌های دندانپزشکی اطفال در سال ۱۳۴۳ و ارتودنسی در سال ۱۳۴۵ از مرکز دندانپزشکی استیمن نیویورک و دوره Graduate برای اخذ درجه M.S از دانشگاه روچستر نیویورک در سال ۱۳۴۶.

مرتبه علمی:

استاد دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی تکنیک‌های رنگ آمیزی حیاتی در Rat، بررسی شیوع عدم تشکیل جوانه‌های دندان در تهران، بررسی دندانهای انکیلوز شیری، بررسی‌های رشدی سر و صورت در میمون، بررسی‌های رشدی استخوان در میمون با رنگ آمیزی حیاتی به وسیله خاص برشی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲ پایان‌نامه دکتر.

ابداع:

ارانه تکنیک خاصی در درمان شلوغی دندانهای قدامی پائین، تغییر خاصی در دستگاه Hamley به منظورهای ارتودنسی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

دندانپزشکی، رشد و نمو فک و صورت، مسائل درمانهای ارتودنسی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

بهرمن، حیدر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حیدر بهرمن

زندگینامه علمی

با تکمیل دروس ابتدائی و متوسطه در سال ۱۳۶۰ با ورود به حوزه علمیه اصفهان به تحصیل علوم حوزوی مشغول شدم. سالهای اولیه دوره مقدمات را که عمدتاً آشنائی با ادبیات عرب چون صرف و نحو و معانی بیان و لغت و منطق بود به پایان رساندم و با شروع دوره سطح به تدریس علوم مقدماتی مشغول گشتم در کنار آشنائی با کتب فقه و اصول، همچون شرح لمعه و رسائل و مکاسب؛ کتب کلامی همچون باب حادی عشر و شرح تجرید الاعتقاد و نیز کتب فلسفه همچون بدایه و نهاییه و شرح منظومه و قسمتی از اسفار و قسمتی از اشارات ابن سینا را فرا گرفتم سال ۱۳۶۹ با هجرت به شهر مقدس قم و تکمیل دروس سطح وارد مرحله درس خارج فقه و اصول شدم و تا امسال حدود ۱۳ سال است که درس خارج را ادامه می دهم .

از سال ۱۳۷۷ تا کنون مدت ۹ سال است که دوره اول و دوم تخصصی فقه و اصول را در موسسه بقیه الله (عج) سپری می نمودم، در کنار فقه و اصول بحث های تفسیری نیز شرکت می نمودم. در طول مدت تحصیل به تدریس ادبیات منطق و فلسفه و فقه و اصول نیز اشتغال داشتم و عمده آثار قلمی اینجانب مربوط به رساله ها یی است که در طول مدت تحصیل در موسسه تحقیقاتی آموزشی بقیه الله (عج) به نگارش درآمده است.

بهرروز، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا بهروز

محل تولد : استهبان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۸/۲

زندگینامه علمی

اینجناب محمدرضا بهروز در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه شیراز شده و از محضر بزرگانی همچون آیت الله سید عبدالحسین دستغیب (شهید محراب) بهره وافر برده، دروس ادبیات را در محضر آقایان سید محمود و سید احمد آیت الهی از ادیبان متبحر آن دیار فرا گرفته و هم چنین دروس مقدماتی و مقداری از سطح را در محضر آقایان حج السلام سید محمد مهدی و سید علی محمد دستغیب فرا گرفته و در سال ۱۳۶۵ برای ادامه تحصیلات وارد حوزه علمیه قم شده و ادامه دروس سطح را در محضر آقایان حجج اسلام اعتمادی، پایانی، وجدانی، فخر، ستوده، قدیری و اساتید دیگر فرا گرفتیم. در سال ۱۳۶۸ دروس خارج فقه و اصول را شروع کرده و از محضر آقایان آیات عظام فاضل لنکرانی، وحید خراسانی، میرزا جواد تبریزی و مکارم شیرازی حضور پیدا کردم و دوره های فقه و اصول را به پایان رسانده و هم چنین در سال ۱۳۷۰-۱۳۷۴ در رشته تخصصی کلام شرکت کرده و دوره چهار ساله آن را با موفقیت گذراندم و جزء شاگردان ممتاز آن موسسه بوده ام. در بحث فلسفه از محضر اساتید بزرگوار هم چون آیت الله جوادی آملی، حسن زاده آملی، مصباح زاده یزدی و هم چنین از محضر درس جناب آقای انصاری شیرازی بهره وافر بردم و کتاب های بدایه و نهاییه را از محضر آقایان فیاضی تلمذ نمودم و اشارات و تنبیهات را از محضر آیت گرامی و دکتر بهشتی تلمذ نمودم و دروس اسفار و الهیات اسفار را از بزرگانی هم چون آیت الله جوادی، حسن زاده، مصباح و انصاری شیرازی تلمذ نموده ام. و در حال حاضر عضو هیئت علمی پژوهشگاه هستم. از نظر فعالیت های اینترنتی جزء فعالان اینترنتی هستم و فعلا به عنوان مدیر بخش آنلاین مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی مشغول خدمتم. و در سایت ها و مسنجرهای مطرح جهان به پاسخگویی و رفع شبهات دینی مشغولم. که می توان به مسنجر بیلوکس، پال تاک، ال فور ای، ارتباط شیعی و یاهو اشاره کرد و هر روز کاربران زیادی با مراجعه به این سایت ها پاسخ های خود را دریافت می نمایند و از استقبال فراوانی برخوردار است در حال حاضر با همکاری دوستان زیرمجموعه در شبانه روز بیش از ۱۲ ساعته به پاسخگویی به سوالات دینی اشتغال دارم و در گذشته نیز در مدت بیش از چهار سال در سایت های اینترنتی به فعالیت های اینترنتی می پرداختم. در مجموع در کلیه موضوعات اینترنتی حضور فعال داشته ام. در عرصه پاسخ به سوالات کتبی نیز روزانه ایمیل های فراوانی به این مرکز ارسال می شود که تعداد زیادی از این سوالات که مسائل اعتقادی و فلسفی را تشکیل می دهد به کمک دوستان دیگر به پاسخ آن می پردازیم.

بهروز، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیوفیزیک، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اهواز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی در رشته بیوفیزیک.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اهواز.

زمینه های علمی و تحقیقاتی:

انجام چندین طرح در رابطه با فیزیک پزشکی (فیزیک رادیولوژی و رادیوتراپی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳ پایان نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

فیزیک پزشکی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی:-، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

بهروز اقدم، عطاءالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای کلیه، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی تبریز در سال ۱۳۴۵، دکترای تخصصی در رشته نفرولوژی در بیمارستانهای

Pitie و Necker پاریس در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

استادیار گروه داخلی دانشکده پزشکی (عج) دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۵۵، دانشیار بیماریهای کلیه دانشگاه علوم

پزشکی مشهد در سال ۱۳۶۴.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پیوند کلیه، دیالیز، عفونت‌های ادراری، استفاده از فرصت مطالعاتی پانزده ماهه و گذراندن یک دوره تخصصی پیوند کلیه در

بیمارستان سنت لوئیس پاریس، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۴ پایان‌نامه دکترای.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

نفرولوژی و اصول و مبانی کلیه مصنوعی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای کلیه، نفرولوژی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

بهروز کیا، کمال

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کمال بهروز کیا در سال ۱۳۲۹ در تهران به دنیا آمد. ایشان دارای مدرک کارشناسی زبان آلمانی از دانشگاه تهران می باشد. آقای بهروز کیا سال ها در مدرس راهنمایی و دبیرستان مشغول تدریس بوده، و کار ترجمه را از سال ۵۸ شروع کرده است. کتاب "تند پا و باد پا" ترجمه کمال بهروز کیا، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: ترجمه

تحصیلات رسمی و حرفه ای: کمال بهروز کیا سال دوم دبیرستان به ناچار تحصیل را ترک کرد و به کارگری مشغول شد. پس از چندی معلم کلاس دوم یک مدرس ملی شد. از آن پس، روزها درس داد و شب ها درس خواند تا آنکه سرانجام دیپلم متوسطه را دریافت کرد و به دانشگاه تهران، برای تحصیل در رشت زبان آلمانی، راه یافت و در سال ۱۳۵۹ به اخذ درج لیسانس نائل شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: کمال بهروز کیا سال ها در مدرس راهنمایی و دبیرستان مشغول تدریس بوده، و کار ترجمه را از سال ۵۸ شروع کرده است.

جوایز و نشانها: کتاب "تند پا و باد پا" ترجمه کمال بهروز کیا، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

آثار:

۱. آتش بعدی (صد سال آزادی بدون تساوی حقوق)

ویژگی اثر: ترجمه، جیمز بالدوین

۲. بچه های شلوغ

ویژگی اثر: ترجمه، آسترید لیندگرن

۳. بچه های کوچ؟ تیله بازها

ویژگی اثر: ترجمه، گرهارد تاخلت

۴. بدرود ای سرزمین مقدس (۲۲ داستان از نویسندگان معاصر لهستان)

ویژگی اثر: ترجمه

۵. پسرک بی نظم و آدمکهای روی دیوار

ویژگی اثر: ترجمه، گیزلا بونزلز

۶ تند پا و باد پا

ویژگی اثر: ترجمه، اورسولا و لفل، این کتاب در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «تندپا و بادپا»: تند پا و بادپا؛ اورسولا و لفل؛ ترجمه؟ کمال بهروز کیا، تهران: نشر شورا، ۱۳۷۱. تندپا و بادپا کتابی است جذاب و تربیتی با پیامهای آموزشی گوناگون. در این داستان پسرک فقیری از چاقی و کوتاه بودن قدش رنج می برد و برای همین دوست دارد کودک دیگری باشد. پدرش او را با خود به مسافرت می برد و در طول سفر، داستانهای پند آموز و زیبایی برای او تعریف می کند و سرانجام پسرک آگاه می شود که قیافه؟ ظاهری آدمها اهمیتی ندارد. ترجمه؟ کتاب با شیوایی و دقت انجام گرفته، و مترجم نیز انتخاب شایسته ای داشته است.

۷ دایی من

ویژگی اثر: ترجمه، فرانس اریش کستتر

۸ زیباترین تخم مرغ دنیا

ویژگی اثر: ترجمه، هلمه هاینه

۹ فلوت سحر آمیز هانس

ویژگی اثر: ترجمه، کریستین اُندرسن

۱۰ قوی ترین کلاغ دنیا

ویژگی اثر: ترجمه، هلمه هاینه

۱۱ کره خری به نام گریزلا

ویژگی اثر: ترجمه، هاینریش ماریادنبورگ

۱۲ ماشین سحر آمیز

ویژگی اثر: ترجمه، کارل توگورینگ

منابع:

www.ketabesal.ir

بهروزی، علی نقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شاعر، محقق.

تولد: ۱۲۸۱ (۱۳۲۳ ق.)، کازرون.

درگذشت: ۱۴ فروردین ۱۳۶۲، شیراز.

علی نقی بهروزی متخلص به «بهروزی»، فرزند بهروز، پس از اخذ دیپلم در بوشهر و فراگیری ادبیات و زبان انگلیسی، به سال ۱۳۰۲ به بحرین رفت و دو سال به مدیریت و آموزگاری مدرسه اتحادیه ایرانیان اشتغال ورزید و بعد خدمت خود را در سمت‌های معمولی و نظامت و مدیریت در بوشهر و شیراز ادامه داد. وی در سال ۱۳۳۷ بازنشسته شد. با این وجود معلمی در دبیرستان ابن سینا ادامه داد. همچنین دارای گواهینامه زبان انگلیسی از دانشگاه کمبریج بود. علاوه بر انگلیسی، با عربی نیز آشنا بود و به دریافت نشان‌های درجه یک و دو علمی نایل آمد.

در سال ۱۳۰۵ با روزنامه‌ی «تخت جمشید» همکاری کرد و بعد به عضویت در هیئت تحریریه روزنامه‌های «عصر آزادی»، «پیغام»، «پارس» و «بهار ایران» درآمد. در عین حال مقالاتی در مجلات «گل‌های رنگارنگ»، «ارمغان»، «یادگار» و «یغما» انتشار می‌داد. او در سال ۱۳۲۵ امتیاز روزنامه‌ی «دستاویز» را گرفت و چند شماره در شیراز منتشر کرد. وی همچنین عضو «انجمن قلم» و عضو مشورتی روزنامه‌ی «اطلاعات» در استان فارس بود و به عنوان شعار در «انجمن ادبی فارس» حضور می‌یافت و یکی از بنیانگذاران «کانون دانش پارس» بود و تا روزهای آخر عمر در جلسات آن شرکت می‌کرد.

از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۸ به سمت سرپرست کتابخانه حافظیه مشغول کار بود. از تیر سال ۱۳۵۸ به سرپرستی کتابخانه حضرت احمد در ××××× شاهچراغ شیراز اشتغال داشت.

فهرست آثار او به شرح زیر است: جشن‌های ایزدی، تاریخ اعیاد ملی (شیراز، ۱۳۲۴)؛ سده‌ی وفات قآنی (شیراز، ۱۳۳۳)؛ شرح کامل حالات حکیم قآنی (شیراز، ۱۳۳۴، نشریه‌ی سه کانون دانش پارس)؛ شهر شیراز یا خال رخ هفت کشور (شیراز، ۱۳۳۳)؛ تصحیح دیوان رحمت کازرونی (شیراز، ۱۳۳۴)؛ تصحیح دیوان مظفر شیرازی (با همکاری و بازنگری دیگران شیراز، ۱۳۳۷)؛ لطایف و ظرایف ادبی (شیراز، ۱۳۴۲)؛ آثار محلی فارس (شیراز، ۱۳۴۰)؛ فارسنامه ابن بلخی (شیراز، ۱۳۴۳)؛ تاریخچه‌ی شهر شیراز و اماکن تاریخی (تهران، ۱۳۴۷)؛ واژه‌ها و مثل‌های شیرازی و کازرونی (تهران، ۱۳۴۸)؛ بناهای تاریخی و آثار هنری جلگه شیراز (شیراز، ۱۴۳۹)؛ تاریخچه‌ی مسجد جامع سلطانی وکیل (شیراز، ۱۳۵۰)؛ فهرست کتب خطی کتابخانه ملی فارس (دو جلد با همکاری آقای محمدمصدق فقیری، شیراز، ۱۳۵۱)، نوادر تاریخی (جلد اول، ۱۳۵۳)؛ حافظ را بشناسید (شیراز، ۱۳۵۵)؛ سعدی را بشناسید (شیراز، ۱۳۵۵)؛ افتخارات ایران؛ شرح حال و اشعار ناخدا عباس دریانورد (شیراز، ۱۳۵۶)؛ تاریخچه‌ی کتابخانه‌ها و مطبوعات و چاپخانه‌ی فارس (شیراز، ۱۳۵۶)؛ فهرست کتب خطی کتابخانه‌ی آستان حضرت احمد بن موسی شاهچراغ (دو جلد، شیراز، ۱۳۶۰)؛ تاریخچه‌ی ده ساله‌ی کانون فرهنگیان پارس (شیراز، ۱۳۳۳)؛ اشعار نغز؛ گلشکر.

علی نقی بهروزی سرانجام به سال ۱۳۶۲ در شیراز زندگی را بدرود گفت و در دارالرحمه شیراز به خاک سپرده شد. (۱۳۶۲- ۱۲۸۳ / ۱۲۸۱ ش)، شاعر، روزنامه‌نگار و نویسنده. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در کازرون و بوشهر و شیراز به پایان رسانید و موفق به اخذ دیپلم متوسطه شد و زبان انگلیسی را کاملاً آموخت و نایل به دریافت گواهی‌نامه از دانشگاه کمبریج انگلستان شد. بهروزی وارد خدمت وزارت فرهنگ شد و مدت دو سال مدیر مدرسه‌ی ایرانیان در بحرین بود و از آنجا به بوشهر منتقل شد. و به مدیریت و تدریس در مدارس مختلف در بوشهر و شیراز پرداخت. او مقالات ادبی و اجتماعی زیادی در جراید «تخت جمشید»، «عصر ایادی»، «پارس» و مجلات «ارمغان»، «یادگار» و «گل‌های رنگارنگ» منتشر کرد. بهروزی در سال ۱۳۲۵ ش امتیاز روزنامه‌ی «دستاویز» را گرفت و چند شماره‌ی آن را در شیراز منتشر کرد. بعد از بازنشستگی از سال ۱۳۵۰ ش به سرپرستی کتابخانه حافظیه و کتابخانه شاهچراغ، گمارده شد و عضو انجمن ادبی فارس و مؤسس کانون دانش پارس بود و تا آخر عمر در جلسات آن شرکت می‌کرد. وی گاهی شعر می‌سرود و محقق‌ی پرکار بود و بیست و چهار جلد کتاب تألیف کرد و دهها مقاله نوشت. از آثار وی: «آثار محلی فارس؛ جشنهای ایزدی»؛ «نوادر تاریخی»؛ «گلشکر»، لطائف و ظرائف ادبی؛ «سده قآنی»؛ «شهر شیراز یا خال رخ هفت کشور»؛ «فرهنگ لغات محلی فارسی». [۱]

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۳۳۲/۵)، انجمن‌های ادبی شیراز (۴۱۵-۴۱۲)، تاریخی جراید (۳۱-۳۰/۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۹۴-۴۹۰/۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۲۰-۱۱۹/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶۰۴، ۶۰۳/۴).

بهزادی اندوهجردی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده:، دانشگاه: آزاد اسلامی تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه مشهد در سال ۱۳۴۱، کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷، دکترا در رشته زبان و ادبیات فارسی در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۰، دانشیار دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۴ و هم‌اکنون دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فرهنگ جامع اصطلاحات زبان و ادبیات فارسی، اصطلاحات دستور زبان فارسی، اصطلاحات عروض و قافیه، اصطلاحات معانی و بیان و بدیع، نقد ادبی، سبک‌شناسی، مکتبها.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲۰

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شعر، تاریخ ادبیات، سبک‌شناسی، بدیع و بیان، عروض و قافیه، طنز و انتقاد.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

تحقیقات ادبی، نقد و نظر، پژوهش در طنز و هزل، حماسه‌های مذهبی، بدیع و بیان، معرفی بهترین شاعران کرمان، ستارگان کرمان، اختران خراسان، شیرین کاران شیراز، سخنسرایان آذربایجان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

بهشتی تبریزی، رحیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۵۱ ق)، طیب و شاعر. وی از پزشکان معروف تبریز بود که از حوزه‌ی درس لعلی استفاده می‌کرد. وی دارای اخلاق پسندیده بود و بیشتر اوقات فراغت خود را صرف پیشرفت فرهنگ می‌کرد. بهشتی طبع شعر نیز داشت در تبریز درگذشت و در قبرستان طوباییه آن شهر دفن شد. از آثار وی «رساله‌ی مدینه در اخلاق» است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۹۹-۹۸/۲)، سخنوران آذربایجان (۲۴۶-۲۴۵)، فرهنگ سخنوران (۱۵۰)، مؤلفین کتب چاپی (۱۲۲/۳)،

بهشتی رشتی، محمدعلی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۱۲۳۰ ق)، عالم دینی و فقیه. از علمای قرن سیزدهم و از شاگردان سیدعلی طباطبایی، صاحب «ریاض» بود که در کربلا نزد استاد تلمذ می‌کرد. او فتوای استادش را از تصانیف وی جمع‌آوری کرد تا مقلدانش بتوانند به رساله‌ی عملیه‌ی او دسترسی پیدا کنند. بهشتی از میان مسایل گردآوری شده استاد، رساله‌ای فارسی به نام «راه نجات»، با فصولی مرتب در طهارت و نماز و روزه، در سال ۱۲۳۰ ق نگاشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۶۴/۱۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۲۷/۱۳).

بهشتی قزوینی، شریف

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۰۸ ق)، عالم دینی، مدرس، ادیب و شاعر. در قزوین به دنیا آمد. وی پس از فراگیری مقدمات علوم، مدارج عالی را در حوزه‌ی درس شیخ ملا محمدصالح برغانی و شهید ثالث پیمود. سپس به عراق رفت و در کربلا و نجف از محضر استادانی چون شیخ حسن برغانی بهره گرفت و به درجه اجتهاد نایل شد. در بازگشت به موطن خویش از استادان قزوین نیز اجازه اجتهاد گرفت. آنگاه به تدریس و فتوا و ترویج دین پرداخت. بهشتی از مدرسان مشهور مدرسه صالحیه بود، بویژه در تدریس کتاب «مطول» به حدی مهارت داشت که او را مطول‌گوی می‌گفتند. وی و برادرش شیخ ملا عبدالوهاب بهشتی، که او نیز مدرس سطوح فقهیه بود و در حدود ۱۳۰۰ ق از دنیا رفت، هر دو از علما و ادبا و برجستگان قزوین به حساب می‌آمدند. از آثار وی: حواشی بر «مطول»؛ حواشی بر «حاشیه‌ی ملا عبدالله»، در منطق؛ حواشی بر «شرح لمعه‌ی» شهید ثانی؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۰۵/۱۳)، المآثر والآثار (۱۶۵).

بهشتی مقدم، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیرضا بهشتی مقدم

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۷۲ همزمان با ورود به دانشگاه اصفهان در رشته فیزیک کاربردی به حوزه علمیه اصفهان وارد شده با جدیت مشغول تحصیل دروس مقدمات گشتم، بعد از انصراف از تحصیل در دانشگاه، با جدیت بیشتری دروس را ادامه داده، بطوری که در سال دوم، تدریس دروس ادبیات مربوط به سال اول را مشغول شدم و به پایان رساندم. همزمان با لمعه، دروس مکاسب را و همزمان با رسائل شیخ کفایه را و با اتمام لمعه و رسائل، در ادامه مکاسب و کفایه را با دروس خارج حضرت استاد آیت الله العظمی آقا شیخ حسین مظاهری ادامه دادم و این در حالی بود که سال چهارم حوزه بودم. دروس خارج را با لغت عرب می‌نگاشتم و جدیتم در دروس و ارائه مطالب نو (و یا در قالبی نو) چشمگیر بود.

نهایتاً سال ۷۶ به علت مشکلاتی که از طرفی بعضی از اقران و هم صنفی‌ها (روحانیت) بر اینجانب وارد شده بود به حوزه قم منتقل شده و تا سال ۷۹ امتحانات دروس سطح را به پایان بردم (به طوری که هر دو سال را در یک سال آزمون داده‌ام). سال ۷۹ موضوع پایان‌نامه‌ام را «مباحث الفنیة فی فقه الاملیة» قرار دادم که متن طرح پایان نامه خدمت مرحوم استاد راهنمایم حضرت آیت الله محمد هادی معرفت (قدس سره) وقتی ارائه نمودم بسیار بسیار تحسین و ترغیب نمودند، لیکن از طرف دیگر مرحوم آیت الله العظمی آقا میرزا جواد تبریزی بنده را به ادامه دادن دروس خارج بدون توجه به برنامه شورای مدیریت سفارش نموده و مرا از ارائه پایان‌نامه که قسمت عمده کارهای آن صورت گرفته بود، بازداشتند. فی الحال اخذ مجوز تدریس دروس معارف اسلامی (مبانی نظری) از نهاد نماندگی نموده و مشغول به تدریس در دانشگاهها می‌باشم. نیز مایل به تدریس در حوزه مقدس به صورت متمرکز و از تدریس مهم‌تر تحقیق در مباحث تفسیری و فقهی و اصولی و دیگر مباحث جهت خدمت به حوزه مقدسه و انقلاب می‌باشم.

بهشتی مهر، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد بهشتی مهر

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه شدم در سال ۱۳۷۴ وارد حوزه قم شدم و در کنار دروس حوزوی مقطع کارشناسی الهیات را در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی آغاز کردم. در سال ۱۳۷۹ درس خارج مشغول شدم. در سال ۱۳۸۱ در موسسه رشته دین شناسی در مقطع کارشناسی ارشد پیوسته پذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۵ با دفاع از پایان نامه و با رتبه عالی فارغ التحصیل شدم. دروس تحقیقات و پژوهشهای خود را هم پیش از این نام بردم. از سال ۱۳۷۷ با نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاهها همکاری می کنم و در ایام تبلیغ به تبلیغ در دانشگاهها می پردازم. پیش از سال ۷۷ هم در مراکز مردمی به تبلیغ می رفتم مناطق محرومی چون زابل و زاهدان و ایرانشهر را برای تبلیغ انتخاب کرده بودم.

بهشتی، ابراهیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابراهیم بهشتی

محل تولد: دامغان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در حدود سال ۱۳۴۹ به مدرسه علمیه حاج فتحعلی بیگ دامغان وارد شده و بعد از دو سال به حوزه علمیه قم آمدم و در مدرسه علمیه آیت الله گلپایگانی به تحصیل خود ادامه دادم و پس از پایان سطح و چند سالی درس خارج فقه و اصول به شهر دماوند رفتم و مدت چهار سال در آن شهر در مدرسه علمیه امام صادق علیه السلام مشغول تدریس بودم و سپس به قم آمدم و در قم هم مشغول تحصیل و هم تحقیق بودم.

بهشتی، ابوالفضل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالفضل بهشتی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابولفضل بهشتی فرزند جعفر به سال ۱۳۳۹ شمسی در شهر قم در خانواده ای روحانی متولد گردیده، پس از گذراندن تحصیلات عمومی (سطح دیپلم) با پیوستن به حوزه علمیه در دوره سطح از اساتیدی چون حضرت آقایان: ستوده، اعتمادی، پایانی، انصاری شیرازی استفاده برده و سالها نیز در دوره های خارج فقه اصول، فلسفه از محضر آیات عظام: فاضل لنکرانی، وحید خراسانی، تبریزی، حسن زاده آملی و.... بهره گرفتم و پس از پیروزی انقلاب همکاری فعال علمی و فرهنگی با نهادها و مراکز فرهنگی و تبلیغی و انتشاراتی داشته و از بدو تأسیس دفتر تبلیغات اسلامی در بخش های مختلف آن بویژه برنامه ریزی و نظارت و پژوهش فعالیت داشته ام و هم اینک نیز ادامه دارد. و همزمان به تهیه و تألیف آثاری در قالب مقاله و کتاب و انجام سفرهای تبلیغی همت گماشته ام. و در حال حاضر نیز در درس خارج شرکت فعال دارم.

بهشتی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت الله دکتر احمد بهشتی در سال ۱۳۱۴ در میانه از روستاهای بخش شییکوه شهرستان فسا در خانواده ای روحانی متولد شد. ایشان در دوره اول و دوم مجلس شورای اسلامی از سوی اهالی شهرستان فسا به نمایندگی مجلس انتخاب شد. از سال ۱۳۶۵ به طور رسمی به دانشگاه الهیات دانشگاه تهران رفت. در این چند سال، مراحل استادیاری و دانشیاری را پشت سر گذاشت و اکنون به عنوان «استاد» به کار تدریس دروس فلسفه دوره دکترا اشتغال دارند. ایشان به عنوان برگزیده سومین دوره مجلس خبرگان از طرف مردم شریف فارس انتخاب شدند و اکنون در مجلس خبرگان به عنوان رئیس کمیسیون آئین نامه انجام وظیفه میکنند. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی گرایش: فلسفه الهالدین و انساب: پدر احمد بهشتی مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ عبدالمجید بهشتی در روستاهای بخش کردیان جهرم اقامه نماز جمعه و جماعت میکرد. او به قدری در معاشرت با مردم صفا و صمیمیت داشت که کمتر کسی بود که تحت تاثیر تذکرات، مواعظ و رهنمودهایش قرار نگیرد. دکتر بهشتی دروس مقدماتی را نزد ایشان خواند و صرف و نحو و همچنین برخی کتب فقهی را از نزد ایشان بهره مند بردند. مادرشان نیز نمونه زهد، پارسایی، تقوا و تبحر بود. او تربیت اولاد بسیار موفق را برعهده داشت. فرزندانش یکی قاضی بازنشسته، پزشک جراح، مدرس حقوق و سردفتر انساب می باشد. خاطرات کودکی: احمد بهشتی از این دوران چنین یاد میکند: "دوران کودکی بامختصری کشاورزی امرار معاش میکردیم. پدرمان معتقد بود که انسان نباید در زندگی متکی بر مردم باشد. ساده زیستی و قناعت در لباس و پوشاک و خوراک و مسکن روشی بود که پدر و مادر آن را توصیه می کردند. اگر غیر این بود در آن شرایط سخت تحصیل کردن از محالات بود. هنگامی که با برادر کوچکترم که اکنون از شغل قضاوت بازنشسته شده است، با روزی ۲۰ ریال که پدر و مادر تامین می کردند امرار معاش می کردیم. مادرمان از طریق مختصری بافندگی به ما کمک می کرد." اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: ساده زیستی و تقوا و زهد و عبادت و تقلید به فرایض و گذشت و ایثار بر خانواده حاکم بود. مادر محترم احمد بهشتی با آنکه سواد نداشت ولی

بر مسائل فقهی مسلط بود بطوری که به تنهایی پاسخگوی مشکلات زنان بود. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: احمد بهشتی در سال ۱۳۲۸ شمسی به همراه پدر به شیراز آمد و در مدرسه آقاباباخان مشغول تحصیل علوم حوزوی شد. علاقه شدید به سخنوری و نویسندگی در ایشان سبب شد منبرهای پرمایه ایشان طرفداران زیادی داشته باشد ایشان در سال ۱۳۳۸ شمسی به قم وارد شد و در مدرسه دارالشفای به ادامه تحصیل پرداخت. ایشان با داشتن دیپلم متوسطه مشتاق بود که مدرک لیسانس بگیرد. او همانند مرحوم استاد مطهری، دکتر بهشتی، دکتر مفتاح و دکتر باهنر برای اخذ مدرک در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی وارد دانشکده الهیات دانشگاه تهران شد. در سال ۱۳۴۲ به علت اینکه در دوره لیسانس شاگرد اول شده بود، بدون کنکور اجازه یافت که در دوره دکترا ادامه تحصیل دهد. که در سال ۱۳۴۵ فارغ التحصیل دکترای فلسفه شد و رساله دکترای خود را به راهنمایی استاد مطهری، بدون حضور ایشان دفاع کرد. خاطرات و وقایع تحصیل: احمد بهشتی از این دوران خاطرات زیادی را به یاد دارد که می‌توان به دریافت جایزه از دست آیت الله بروجردی بخاطر قبولی در امتحانات عالی حوزه و شرکت در قرعه کشی نظام وظیفه در سال ۱۳۴۴ که منجر به معافیت سربازی وی شد، اشاره کرد. فعالیت‌های ضمن تحصیل: احمد بهشتی در کنار تحصیل فقط در محرم و صفر و رمضان - به منبر میرفت و از این طریق امرار معاش میکرد. استادان و مربیان: احمد بهشتی در دوران تحصیل در شیراز از محضر اساتید و علمای بزرگی همانند حضرات آیات حاج سید حسین آیت اللهی، سید حسن آیت اللهی، شیخ محمد علی موحد، میرزا علی اکبر ارسنجانی، سید نورالدین حسینی، شیخ ابولحسن حدائق، شیخ بهالدین محلاتی، شیخ محمود شریعت زرقانی، حضرت سید حسین جهبذ و ... بهره‌های بسیار برد. درس خارج فقه و اصول را در محضر امام راحل که در مسجد سلماسی برگزار میشد ادامه داد و درس مرحوم آیت الله بروجردی نیز شرکت جست. آبت الله بهشتی در محضر مرحوم آیت الله حاج آقا مصطفی خمینی، استاد مرحوم آیت الله سلطانی طباطبایی و مرحوم آیت الله محقق داماد نیز تلمذ نمود. از اساتید دانشگاهی ایشان می‌توان به استاد مطهری، استاد مشکات، دکتر صدیقی، دکتر حائری و استاد مصلح اشاره کرد. هم دوره‌ای‌ها و همکاران: هم‌دوره‌ای‌های دانشگاه احمد بهشتی: دکتر شیخ، دکتر شکبیا و دکتر مشسائی همکاران در دانشگاه: دکتر حبیبی، دکتر قراملکی، دکتر کوچیان و دکتر مطهری هم‌دوره‌ای‌های وی در حوزه: استادان انصاری، مصباح، ادیب لاری، رفسنجانی و دکتر احمدی همسر و فرزندان: احمد بهشتی متاهل و داری همسر بنام خانم عطیه هاشمی است. ماحصل این ازدواج فرزندان است که اسامی آنها به شرح زیر می‌باشد: دکتر سعید بهشتی، استاد دانشگاه علامه طباطبایی دکتر حمید بهشتی، داندانپزشک دکتر محسن بهشتی (در سال ۷۸ در پایان دوره سربازی در ماموریت به سوی مناطق جنگی به عنوان پزشک وظیفه به درجه شهادت نائل آمد) مهدی بهشتی دانشجوی فلسفه محمد صادق بهشتی دانشجوی علوم سیاسی فاطمه بهشتی، خانه دار طاهره بهشتی، خانه دار و دانشجوی ارشد علوم قرآنی رضیه بهشتی دانشجوی دندان پزشکی‌وقایع میانسالی: از وقایع بوقوع پیوسته دوران میانسالی احمد بهشتی از دست دادن استادش، مرحوم سید نورالدین در سال ۱۳۳۵، فوت پدرشان در سال ۱۳۴۵ و همچنین درگذشت مادرشان (مادر دکتر در سال کشتار حجاج ایرانی در مکه حضور داشته که در آنجا دچار آسیب شدید میشود که بعد از بازگشت به ایران پس از سه روز دار فانی را وداع می‌گوید) می‌باشد. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: احمد بهشتی تا سال ۱۳۵۷ در حوزه علمیه قم به تدریس اشتغال داشت و همچنین به عنوان دبیر در دبیرستان‌ها قم به تعلیم تربیت نوجوانان می‌پرداخت. ایشان در دوره اول و دوم مجلس شورای اسلامی از سوی اهالی شهرستان فسا به نمایندگی مجلس انتخاب شد. از سال ۱۳۶۵ به طور رسمی به دانشگاه الهیات دانشگاه تهران رفت. در این چند سال، مراحل استادیاری و دانشیاری را پشت سر گذاشت و اکنون به عنوان «استاد» به کار تدریس دوره دکترا اشتغال دارند. و بمدت ۱۵ سال مدیر گروه فلسفه بودند. و هم اکنون مدیر گروه فلسفه دین هستند. ایشان به عنوان برگزیده سومین دوره مجلس خبرگان از طرف مردم شریف فارس انتخاب شدند و اکنون در مجلس خبرگان به عنوان رئیس کمیسیون آئین نامه انجام وظیفه میکنند. ضمناً دکتر بهشتی برای چهارمین دوره مجلس خبرگان که از اسفند ۱۳۸۶ شروع و تا سال ۱۳۹۶ ادامه می‌یابد، انتخاب شده

است. فعالیتهای آموزشی: احمد بهشتی از سال ۱۳۶۵ تا کنون در دانشگاه تهران به تدریس مشغول است ایشان در تدریس های حوزوی تمام متون عالی درسی همانند کفایه، مکاسب، خارج فقه و اصول و ... تدریس می کنند. همچنین در دوره های دکترای دانشگاهها اعم از دانشگاه تهران، شهید بهشتی، دانشگاه آزاد اسلامی ... اسفار، شفا، فقه، اصول، کلام و ... را تدریس می کنند. ایشان کار تدریس دروس فلسفه دوره دکترای نیز بر عهده دارد. مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می آید: احمد بهشتی در روستای محل زادگاهش دو مسجد، یک دارالقرآن، یک مرکز تبلیغی بنام حسینه، بیت رقیه ویژه بانوان و یک کتابخانه عمومی و همچنین یک دارالقرآن در روستای موسویه جهرم تاسیس کرده است. ایشان هم اکنون به دنبال تاسیس یک موسسه فرهنگی در قم می باشد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: احمد بهشتی در کنار تالیف و تدریس به تبلیغ و سخنرانی نیز می پردازد. با اینکه فعالیت های تبلیغی اش بسیار کاهش یافته ولی کار تدریس و راهنمایی پایان نامه ها و تالیف کتب و مقالات هم اکنون ادامه دارد. شاگردان: احمد بهشتی در طول ۴۶ سال خدمت خود توانسته است بیش از صدها شاگرد را تربیت کند. بطوری که عده زیادی از آنها در دانشگاهها و حوزه ها به امر تدریس مشغول هستند. و عده زیادی هم در پستها و منصبهای حساس مشغول به خدمت هستند. همفکران فرد: بیشترین و عمده ترین گرایش فکری احمد بهشتی به سوی استاد مطهری و شهید بهشتی و دکتر مفتاح و دکتر باهنر بوده است. و یا به زبان دیگر ایشان همواره این بزرگواران را الگوی خود قرار داده است. جوایز و نشانها: احمد بهشتی در سال ۱۳۴۲ به عنوان شاگرد اول دانشکده الهیات لوح تقدیر و جوایزی را دریافت کرد و توانست بدون کنکور وارد مقطع دکتری شود. ایشان همچنین جوایز و تقدیرنامه های متعددی را به خاطر ارائه مقالات و نشر کتب در زمینه های مختلف دینی و غیره از وزارت فرهنگ و ارشاد دریافت کرده است. چگونگی عرضه آثار: احمد بهشتی با ورودشان به جمع نویسندگان مکتب اسلام، کارها و فعالیتهای قلمی اش گسترش یافت و هم اکنون بیش از ۷۰ جلد کتاب تالیفی و ترجمه ای از ایشان در موضوعات فلسفه، حقوق اسلامی، اقتصاد، ایدئولوژی، تربیت اسلامی، کودک و تربیت، بازی در اسلام، ورزش، زنان، خانواده، قرآن، حکومت و ... که بالغ بر بیش از ۵۰ هزار صفحه تالیف می باشد چاپ و برخی به زبانهای خارجی ترجمه شده است. ضمنا صدها پایان نامه دکترای و کارشناسی ارشد حوزه و دانشگاه را راهنمایی کرده است. آثار: اسلام و بازی کودکان، اسلام و تربیت کودکان (دو جلد)، اسلام و حقوق کودک، اندیشه تربیتی و سیاسی علوی، اندیشه سیاسی نائینی و ویژگی اثر: این کتاب تکمیل مقاله ای است که به ماسبت همایش نائینی در اصفهان نگاشته شده است. کتابی بر مبنای تنبیه الامه عقاید و نظرات سیاسی نائینی را تقریر کرده است. نشر بوستان قلم ۶ انسان در قرآن، پایخ به شبهاتی پیرامون تشیع (ترجمه)، تاملات کلامی، تجرید و ویژگی اثر: نشر بوستان کتاب ۱۰ تربیت از دیدگاه اسلام، تربیت کودک در جهان امروز، ترجمه و تفسیر مجمع البیان (۱۲ جلد)، حکومت در قرآن، خانواده در قرآن، خدا در قرآن، راه تکامل (هفت جلد به همکاری ادیب لاری و محمد امامی)، زنان نامدار (سه جلد)، صنع ابداع و ویژگی اثر: نشر بوستان کتاب ۱۹ علی و قومیت عربی (ترجمه)، عیسی پیام آور اسلام، عیسی در قرآن، غایات و مبادی و ویژگی اثر: نشر دانشگاه تهران ۲۳ فلسفه دین و ویژگی اثر: نشر بوستان کتاب ۲۴ قهرمان علقمه، گامهایی در راه تبلیغ (ترجمه)، گوهر و صدف دین و ویژگی اثر: نشر بوستان کتاب ۲۷ مادر پیامبر (ترجمه، مبارزات ایدئولوژیک، مبانی تربیت بدنی در اسلام، مستضعف در قرآن، منشور عفاف (تفسیر روایی عرفانی سوره نور)، نسل نوحاسته، هستی و علل آن، و حیانت و عقلانیت عرفان

بهشتی، حسین

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم و دهم ق)، قاری، عالم و متکلم امامی. از مشاهیر عصر شاه اسماعیل بود. آنگونه که از «ریاض» نقل شده وی عالمی فاضل و متکلمی برجسته و از شاگردان شمس‌الدین محمد، پسر سیدشریف جرجانی، بود. از آثار وی: کتاب «تجوید القرآن»؛ «کتاب الحساب».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان‌الشیعه (۱۵۹/۶)، الذریعه (۶/۷، ۳/۳۶۶)، ریحانه (۱/۲۹۸)، لغت‌نامه (ذیل / حسین بهشتی).

بهشتی، سیدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۵۴ ق)، عالم، ادیب، لغوی، مفسر، فقیه و محدث. معروف به مفسر. در کربلا متولد شد و همان جا نشو و نما یافت. وی در تهران ساکن و از اعلام معاصر تهران بود. بهشتی در زهد و تقوی کم‌نظیر بود. او متجاوز از بیست و دو سال پی‌درپی در مسجد جامع تهران تفسیر قرآن می‌گفت. در تهران درگذشت و در امامزاده عبدالله شهر ری دفن شد. از آثار وی تفسیر «مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر»، به عربی، در دوازده مجلد است که در تهران به طبع رسید.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: مؤلفین کتب چاپی (۱۷۹-۱۷۸ / ۴)، مقتنیات الدرر (ج ۱ / مقدمه مؤلف).

بهشتی، غلامرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۱، مرتبه علمی: استاد، رشته: جراحی عمومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از ایران، دکترای تخصصی جراحی عمومی از دانشگاه سین سینا تای آمریکا در سال ۱۳۴۳، طی دوره فوق

تخصصی جراحی قلب و عروق در انستیتوی جراحی قلب و عروق در شهر مونترال کانادا در سال ۱۳۴۴.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادیاری دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحقیق در زمینه‌های پزشکی و جراحی عمومی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴۴ پایان‌نامه دکترای تخصصی

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

جراحی عمومی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

بهشتی، محمدحسینی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فقیه.

تولد: ۱۳۰۷، اصفهان.

شهادت: ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران.

آیت‌الله سید محمدحسین بهشتی در محله‌ی لومبان اصفهان چشم به جهان گشود. پدر بزرگ وی، آیت‌الله میر محمدصادق مدرس خاتون‌آبادی، از مراجع عصر خود بود. آیت‌الله بهشتی تحصیلات خود را تا سال دوم دبیرستان در اصفهان گذراند و سپس در سال ۱۳۲۵ به قم رفت. حدود شش ماه در قم بقیه سطح مکاسب و کفایه را تکمیل نمود و از اوایل سال ۱۳۲۶ به درس خارج فقه و اصول در محضر آیت‌الله محقق داماد وارد شد. از اساتید دیگر وی آیات عظام بروجردی، خوانساری، کوه‌کمره‌ای و امام خمینی (ره) بودند.

برای پیگیری تحصیلات دانشگاهی، در سال ۱۳۲۷ با گرفتن دیپلم وارد دانشگاه معقول و منقول شد و تا سطح دکتری ادامه تحصیل داد. در فلسفه نیز پنج سال مستمر (۱۳۳۵ - ۱۳۳۰) در درس علامه‌ی طباطبائی حضور یافت و علاوه بر بحث‌های اصول فلسفه و روش رئالیسم، اسفار و شفا را نیز فراگرفت.

در همان سالها به سبب آشنایی با زبان انگلیسی به عنوان دبیر به تعلیم این زبان در دبیرستان‌ها پرداخت.

در سال‌های ۱۳۲۹ و ۱۳۳۰ وارد عرصه‌ی فعالیت‌های سیاسی شد. تأسیس مدرسه‌ی منتظریه‌ی با همت آیت‌الله قدوسی و با نظارت ایشان از فعالیت‌های دیگری بود که از سال ۱۳۳۹ آغاز شد. از سال ۱۳۴۱ نیز در جریان‌های سیاسی حضور داشت. از جمله اقدامات وی همکاری در ایجاد «کانون دانش‌آموزان قم» بود که بعدها آیت‌الله دکتر محمد مفتاح مسئولیت آن را پذیرفت. در زمستان سال ۱۳۴۲ او را مجبور کردند که از قم خارج شده و به تهران برود.

با ورود به تهران با جمعیت‌های مؤتلفه‌ی اسلامی رابطه سازمان یافته‌ای داشت. در همین جمعیت‌ها بود که به پیشنهاد شورای مرکزی، امام خمینی (ره) یک گروه چهار نفری را به عنوان شورای سیاسی و فقهی تعیین نمود که یکی از آنها آیت‌الله بهشتی بود. بعدها برنامه تغییر کتاب‌های تعلیمات دینی مدارس در رأس فعالیت‌های آنها قرار گرفت.

با دستگیری اغلب رهبران سیاسی نظامی جمعیت‌های مؤتلفه، آیت‌الله بهشتی در اوایل سال ۱۳۴۴ برای راهنمایی مسلمانان آلمان، از ایران به آن کشور رفت و در هامبورگ مستقر شد. در آنجا زبان آلمانی را یاد گرفت. اما فعالیت وی فقط منحصر به آلمان نبود و کشورهای آلمانی زبان (به ویژه اتریش) را نیز در بر گرفت. آیت‌الله در این مدت در تشکیل اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا و نشریه «اسلام مکتب مبارز» همکاری کرد و از ایشان در این دوره، سخنرانیها و جزوات چندی به زبان‌های

فارسی، انگلیسی، عربی و آلمانی باقی مانده است. یک دوره تفسیر قرآن از آغاز تا سوره نساء نیز حاصل همین ایام است. در سال ۱۳۴۹ به ایران بازگشت و با همکاری آیت‌الله مهدوی کنی، آیت‌الله موسوی اردبیلی و آیت‌الله محمد مفتاح به تشکیل جامعه روحانیت مبارز نمود. در سال ۱۳۵۵ هسته‌هایی برای امور تشکیلاتی به وجود آمد و در سال ۱۳۵۶ روحانیت مبارز شکل گرفت. در کنار فعالیت‌های دیگرش، از همان سال بازگشت به ایران (۱۳۴۹) کار تحقیقاتی و علمی را آغاز کرد که تا سالهای انقلاب با همکاری آیت‌الله موسوی اردبیلی و دکتر محمد مفتاح ادامه یافت و اهمیت این کار تحقیقاتی به حدی بود که حتی در سال ۱۳۵۳ در برکه یادداشت کارهای جاری، پنجاه درصد از وقت خویش را فقط به آن اختصاص داده‌اند و بقیه را به بیش از پانزده کار فرهنگی، تحقیقی و اجرائی دیگر. در سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷ نیز، جلسه‌ای در روزهای دوشنبه در منزل ایشان برقرار بود که در آن با حضور چند تن از محققان و فارغ‌التحصیلان رشته‌ی اقتصاد، کتاب کاپیتال (سرمایه) کارل مارکس مورد بررسی قرار گرفت. با عزیمت امام خمینی (ره) به پاریس، آیت‌الله دکتر بهشتی به حضور ایشان رفت و هسته‌ی شورای انقلاب تشکیل شد که وی یکی از اعضای آن بود.

علاوه بر مقاله‌ها و سخنرانی‌ها، تألیفات وی به شرح زیر است: بانکداری و قوانین مالی اسلام؛ عادت (ترجمه از انگلیسی)؛ قانون علیت در جامعه ما؛ نقش ایمان در زندگی انسان؛ کدام مسلک؟! صدای اسلام در اروپا (به پنج زبان)؛ روحانیت در اسلام و در قرآن؛ یک قشر جدید در جامعه ما؛ حکومت در اسلام (حکومت از نظر اسلام) (۱۳۶۷)؛ نماز چیست؟ (۱۳۶۶)؛ اسلام و مکتب‌های معاصر؛ مباحث شناخت در اسلام (۱۳۶۹)؛ شناخت از دیدگاه قرآن؛ امر به معروف و نهی از منکر، آزادی از دیدگاه اسلام؛ مالکیت از نظر اسلام؛ تکامل از نظر اسلام؛ تخریب در اندیشه اسلامی؛ حقیقت و عرفان؛ اسلام دین واقع‌بین؛ قضای اسلامی؛ اقتصاد اسلامی (فارسی و عربی، ۱۳۶۲)؛ توحید در قرآن؛ حج در قرآن (۱۳۶۵)؛ نقش قیامتی انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات)؛ با همکاری محمدجواد باهنر).

از آثار دیگر ایشان که چاپ نشده‌اند: ترجمه کامل تاریخ قرآن نولد؛ ترجمه بخشی از کتاب دانش منطق اثر هگل؛ تحقیق گسترده‌ای پیرامون وحی؛ تفسیر قرآن (نوار).

ضمناً تعداد معدودی نوار از جلسات درس دکتر بهشتی با عنوان (فلسفه‌ی هگل) که از سال ۱۳۵۵ برای طلاب آغاز کرد و نیز یادداشتهای آن به جا مانده است.

آیت‌الله دکتر بهشتی در بمب‌گذاری هفتم تیرماه ۱۳۶۰ در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید. پیکرش در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

استاد دکتر سید محمد حسینی بهشتی اصفهانی از افاضل دانشمندان و اکابر مدرسین و اساتید معاصر و مستخرجین با کمال حوزه علمیه قم است آقای دکتر بهشتی در حدود ۱۳۴۵ قمری در شهر اصفهان به دنیا آمده و پس از خواندن اولیات و قسمتی از سطوح را از مدرسین بزرگ حوزه فراگرفته و آنگاه به دروس خارج فقه و اصول آیات عظام مرحوم آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله محقق داماد و آیت‌الله العظمی نایب‌الامام خمینی و آیت‌الله العظمی آقای شریعتمداری حاضر و از دراسات آنان استفاده کامل نموده و معقول را هم از محضر علامه آیت‌الله طباطبائی آموخته و در رشته‌های مختلف علمی عقلی و نقلی یکی از ستارگان درخشان حوزه علمیه گردیده و چند سالی از طرف مراجع بزرگ برای ارشاد و وظائف روحی و دینی به آلمان مهاجرت و در آنجا رهبری- مسلمین شیعی را نموده و خدمات چشمگیری انجام داده تا در این چند ساله اخیر که مراجعت به ایران و در تهران به تدریس و خدمات دینی پرداخته و هم برای تدریس و سخنرانی در دارالتبلیغ اسلامی قم به دعوت موسس بزرگوار آن حضرت آیت‌العظمی آقای شریعتمداری به قم آمده و ایفاء وظیفه نموده است.

معظم‌له نیز از مجاهدین به نام و مبارزین عیه امپریالیسم و رژیم منفور طاغوتی است که با تمام سخنرانیهایش مظالم و جرائم دولت

را بیان و از اعمال ضد خلقی و مردمی و توحیدی آنان انتقاد نموده است.

استاد بهشتی در انقلاب ایران و پیروزی آن سهم ویژه‌ای دارند و هم اکنون یکی از علماء دولت موقت جمهوری اسلام و از نزدیکان و همکاران جناب آقای مهندس مهدی بازرگان نخست‌وزیر می‌باشد سخنرانها و اعلامیه‌های ایشان جالب و مجموع آن خود کتابی خواهد بود.

آثار و تالیفات عدیده علمی دارند که بعضی از آن مطبوع و برخی هم مخطوط مانده است از تالیفات مطبوع ایشان کتب زیر است.
۱- خدا از دیدگاه قرآن که در ۲۷ شهریور ۱۳۵۲ برابر ۲۵ شعبان ۱۳۹۳ ق به طبع رسیده است.
۲- نماز چیست.

۳- شناخت اسلام که به اتفاق دو نفر از افاضل آقای علی آقای گلزار غفوری- محمدجواد باهنر نوشته‌اند کتابهای دیگری که متأسفانه نام آنها را یاد ندارم.
برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

بهشتیان، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد عباس بهشتیان به سال ۱۳۰۵ش در اصفهان دیده به جهان گشود. وی یکی از سه فرزند ذکور خانواده بود. پدرش مرحوم حیدر علی در شهر ریز (زرین شهر) به شغل برنجکاری و اداره امور عصارخانه ای در آن محل اشتغال داشت. مرحوم بهشتیان دوره تحصیلات را در مدرسه که به مدیریت عالم فاضل ادیب مرحوم میرزا عبدالحسین قدسی اداره می شد سپری نمود. عشق به تاریخ ادبیات فارسی از همان زمان در وی ریشه گرفت و به مرور ایام تبدیل به انگیزه ای مؤثر و مفید گشته، دیگر فعالیت‌های اجتماعی اش را تحت الشعاع خویش قرار داد. بنحوی که در نهایت، پاسداری از موارث فرهنگی و افتخارات ملی این سرزمین هدف غائی و قوه محرکه زندگی گشت.

پس از فراغت از تحصیل بر خلاف دارا بودن مدرک تحصیلات بالا، و توجه زمانه خویش و امکان احراز موقعیتهای گوناگون جهت تصدی مشاغل دولتی، تن به قبول مسؤلیت های اداری نداده، ترجیح داد بطور آزاد به انجام مطالعات و تحقیقاتش در امور تاریخی، ادبی و اجتماعی بپردازد.

همچنین فعالیت در امور زراعی سبب گردید که میزان اطلاعات و تبحر وی در مسائل مربوطه به درخت و درختکاری، متناسب با آب و هوای منطقه اصفهان زیاد گردد. و با فوت پدرش مزرعه های و باتلاقی در حوالی لنجان را خریداری نموده و پس از پنج سال تلاش مداوم، توانست زمین را بصورت قابل قبول جهت زراعت و سکونت درآورد. در تمام دوران زندگی با درآمد حاصل از راه زراعت، باغداری و تولید سرکه و فروش آن زندگی را سر کرد.

عباس بهشتیان یکی از مردان جالب و جذاب و کم نظیر و یکی از یاران و همراهانش او را بحق (آتشفشان خاموش) لقب داده بود. بزرگمهری که آتش مقدس عشق به زاد و بوم پیوسته در اعماق قلبش زنده و جوشان بود. وی به لحاظ روحیه توکل و قناعتی که وجه مشخصه او بوده از هیچ قدرت و مانعی جهت حفظ آثار و بناهای تاریخی هراس نداشت.

استاد مهریار از معاریف که سالهای دراز یار همراه بهشتیان بوده درباره وی می گوید:

«هیچوقت کنار یک منقل پرآتش که شعله می کشد نشسته اید دیده اید که وقتی بادی می وزد چگونه شعله بالا می کشد، شور و

شوق این مردم به وطن رفته رفته چنین شده بود، در کنار که می نشستی حرارت را حس می کردی و گاه بود که می سوختی، بالاخص اگر بادی هم می وزید.

وباز از قلم رفیق شفیق دیگر وی مرحوم استاد منوچهر قدسی که از عهد شباب تا آخرین روزهای حیات با وی بوده می خوانیم. «..... من نسبت به گذشته ایران خاصه اصفهان، آگاهتر از عباس بهشتیان عده ای را ولو به شماره انگشتان یک دست می شناسم اما.....عاشق تر از او در تمام عمر ندیده ایم کسی که به اندازه او در مسائل تاریخی، هنری و مملکتی صاحب سوز و درد باشد و آثار هنری و فرهنگی این سرزمین به ویژه اصفهان را نه تنها دوست بدارد، که به هر کدام تا حد پرستش عاشقانه مهربورزد....» وی با شور فراوانی که در معرفی و شناساندن آثار تاریخی اصفهان داشت با عشق و مهرورزی تمام دانشجویان و علاقمندان را راهنمایی می نمود و نکته به نکته جای جای آثار را که معرفی می نمود.

موضوعات تحقیقی استاد، زمینه های گوناگون را دربر می گرفت که اهم آنها از قرار ذیل است:

- ۱- بحث آثار ملی، که شامل معرفی و بیان تاریخچه بازارها، سراها، مساجد، مدارس و خانه های قدیمی اصفهان می گردد.
 - ۲- تاریخ تخت فولاد که تکایای موجود و از بین رفته را در این قبرستان بررسی نموده و به ذکر احوال دانشمندان و اساتید مدفون در این مزار شریف می پردازد و این کتاب بر صفحه کتاب بخشی از گنجینه آثار ملی، به چاپ رسید.
 - ۳- عصارخانه ها، تحقیق جامعی است از عصار خانه های اصفهان
 - ۴- کبوترخانه های اصفهان، برج کبوتر را معرفی و در مورد فوائد آن در امور کشاورزی اصفهان و روستاها به بحث می پردازد.
 - ۵- تحقیقی در مورد مادی های اصفهان
 - ۶- شرح خانقاه تکیه، علی بن سهل و خلاق المعانی کمال الدین اسماعیل و معماران هنرمندان اصفهان و مقالات متعددی دیگر که در نشریات و مجلات آن زمان به چاپ رسیده است.
- مرحوم بهشتیان که در سالهای فعالیتش به زندگی بس ساده ای با درآمد حاصل از راه زراعت و باغداری و تولید و فروش سرکه می گذشت، قناعت می کرد در سرار عمر بسیاری ساده بی پیرایه زندگی می کرد. به سبک قدیم لباس میپوشید و هرگز در سلک البسه معمول زمان دیده نشد و به تجملات دنیوی کوچکترین علاقه ای نداشت. مردی بسیار تمیز و نظیف بود، حتی در نظافت وسواس داشت، صورتش گلگون و همیشه خندان بود، شوخی و مزاح را دوست می داشت.
- از جمله از اقدامات برجسته استاد بهشتیان با کمک علاقمندان به آثار تاریخی، جلوگیری و ممنوعیت عبور و مرور وسائل نقلیه از روی پلهای خواجه و سی و سه پل و همچنین احیاء و مرمت مزار صائب تبریزی بود.
- ایشان در انجمن آثار ملی و کمیسیون نامگذاری اماکن و معابر اصفهان با توجه و علاقه بسیار زیاد شرکت می کرد. وی برای حفظ محیط زیست و فضای سبز شهر اصفهان اقدامات شایسته ای بعمل آورد.
- سرانجام این استاد گرانمایه در ۱۱ اسفند ۱۳۶۶ فوت کرد و بنا بر وصیت نامه خود در تکیه میرفندرسکی بخاک سپرده شد.

بهشتی زواره، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

بهلول گنابادی، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۲۰ ق)، شاعر. معروف به بهلول. اصل وی بجستان گناباد است. وی در سبزوار متولد شد و همان جا تحصیل علوم قدیمی کرد. سپس بیشتر به وعظ و روضه‌خوانی و مسافرت در ایران و عراق مشغول بود. وی برای مخالفت با قانون اتحاد شکل و تبدیل لباسهای مختلف و معمولی ایرانی به لباس واحد نیم تنه و شاپو، در مشهد سخنرانیهایی کرد که منجر به شورش در آنجا شد که در نهایت وی را به افغانستان بازگشت و در سال ۱۳۴۹ ق به ایران بازگشت. بهلول حافظه‌ای نیرومند داشت. او را منظومه‌ای است در حدود هزار و دویست بیت که خود از آن تعبیر به «مجموعه‌ی دینی» کرده و در آن شرح حال خود و بعضی وقایع زمان خود را به تصویر کشیده است. مجموعه‌ی شعرش به نام «بهلول» به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۴۹-۱۴۸/۹)، سخنوران نامی معاصر (۶۳۴-۶۳۱/۱)، صد سال شعر خراسان (۱۵۷-۱۵۵)، مؤلفین کتب چاپی (۲۶۲/۲).

بهمنش، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۰ ش)، نویسنده، محقق و مترجم. در تهران متولد شد. تحصیلات مقدماتی خود را در زادگاه خویش انجام داد و بعد به فرانسه رفت و به ایران بازگشت و در سال ۱۳۱۴ ش در دانشسرای عالی به تدریس پرداخت و تاریخ ملل قدیم را درس گفت. وی تألیفات و ترجمه‌های زیادی دارد از جمله: ترجمه‌ی «تاریخ مصر قدیم»، «تاریخ یونان قدیم»، «تاریخ ملل قدیم آسیای غربی»، «سیر تاریخ»، «تاریخ جهانی»، در دو مجلد؛ «فرهنگ اساطیر»؛ مسئله‌ی شرق؛ «تارخی اروپا، قرون وسطی و آغاز قرن جدید». [۱] درگذشت: ۱۳۷۱.

احمد بهمنش از تحصیل کردگان دارالفنون بود و جزو محصلان اعزامی به اروپا و فرانسه به تحصیل تاریخ پرداخت. پس از بازگشت چندی در دبیرستان‌ها درس می‌گفت تا این که به دانشگاه منتقل شد و در دانشکده‌ی ادبیات بیشتر تاریخ یونان و روم را بر عهده داشت. بهمنش چند کتاب در زمینه تدریس و مطالعات خود به چاپ رسانیده است. از جمله آثار اوست: تاریخ اروپا در قرون وسطی و آغاز قرون جدید (مخصوص سال چهارم ادبی و دانشسرای مقدماتی)؛ تاریخ جهانی (تألیف شارل دولاندلن، ۱۳۴۷)؛ تاریخ یونان باستان؛ فرهنگ اساطیر یونان و روم (پیر گریمال ۱۳۷۶).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] کیهان فرهنگی (س ۴، ش ۱، ص ۱۰-۳)، مؤلفین کتب چاپی (۳۶۷-۳۶۶/۱).

بهمنی، اردشیر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق، مدرس، ادیب.

تولد: ۱۳۲۳، بهار همدان.

درگذشت: ۸ فروردین ۱۳۷۴، تهران.

اردشیر بهمنی تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در همدان گذراند و در سال‌های بعد از دانشسرای عالی تهران به درجه لیسانس در رشته‌ی زبان و ادبیات پارسی و سپس به اخذ فوق لیسانس ادبیات نائل گردید. مدت ۲۷ سال به تدریس در نقاط مختلف کشور از جمله کرمانشاه، تهران، ارومیه و همدان مشغول بود. دو کتاب به نام‌های دستور زبان فارسی (۱۳۶۴) و رتبت دانش حافظ (۱۳۵۵) از وی به چاپ رسیده است. همچنین از وی مقاله‌هایی درباره‌ی ادبیات فارسی در مجله‌های «ارمغان»، «یغما»، «وحید»، «گلچرخ اطلاعات»، «کیهان فرهنگی» و «نهیب غرب» به چاپ رسیده است.

اردشیر بهمنی به علت خونریزی معده و ناراحتی کلیه بعد از تحمل درد بسیار درگذشت.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

بهمنی، سعید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سعید بهمنی

محل تولد: باجیگران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان تحصیلات متوسطه در سال ۶۱-۶۰ وارد حوزه علمیه قم شدم. ابتدا به مدت سه سال به طور آزاد درس‌های حوزه را از استادان مختلف آموختم و پس از سه سال در حوزه ثبت نام کرده و قبول شدم. دروس سطح را در سال ۶۹ به پایان رسانده و سپس دروس خارج را آغاز کردم. در سال ۷۱-۷۰ در دوره‌های تربیت محقق و مدیر و مبلغ مناطق اهل سنت شرکت کرده و به مدت دو سال دوره عمومی آن را گذراندم و پس از یک سال دوره تخصصی فقه و اصول را طی کردم. این دوره‌ها پس از مدتی به نام رشته‌های تخصصی فوق و مذاهب اسلامی از سوی حوزه علمیه قم به رسمیت شناخته شد.

بهمنی، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدعلی بهمنی در فروردین سال ۱۳۲۱ در شهر دزفول به دنیا آمد. شعر بهمنی نیز البته شاید با خود او متولد شده باشد، گرچه بسیاری بر این عقیده اند که او غزلهایش را وامدار سبک و سیاق نیماست. نخستین شعر از او در سال ۱۳۳۰، یعنی زمانی که او تنها ۹ سال داشت، به چاپ رسید.

محمدعلی بهمنی

برای محمدعلی بهمنی شعر چون موجودی جاندار است که شکل و قالب، لباسهای آن را تشکیل و به آن شخصیت میدهند. با این همه، محمدعلی بهمنی شیفته ی غزل است و غزل گفتن و غزل خواندن و غزل سرودن. میگوید: «غزل، نه تنها در شعر امروز، بتردید در شعر تمام فردها جایگاه ویژه ای خواهد داشت. غزل هستی ایرانی است و خواهد بود. آنچه که مهم است، این است که این امانت حساس را به نسلهای آینده تحویل دهیم.» گرچه به رغم تمام این علاقه به غزل گفتن، بهمنی غزل را هرگز قالب نمیبندد. «چون قالب یعنی محدودیت و هنر را نمیتوان محدود کرد و به خاطر این حرفم بارها زیر تهمت ها رفته ام.» در دیدگاه محمدعلی بهمنی، غزل یک شکل است که میتواند با روزگار خود و با شرایط جدید تغییر کند.

محمدعلی بهمنی در سال ۱۳۷۸ موفق به دریافت تندیس خورشید مهر به عنوان برترین غزلسرای ایران گردید. برخی از مجموعه اشعار وی عبارتند از: باغ لال (۱۳۵۰)، در بیوزنی (۱۳۵۱)، عامیانه ها (۱۳۵۵)، گیسو، کلاه، کفتر (۱۳۵۶)، گاهی دلم برای خودم تنگ میشود (۱۳۶۹)، غزل (۱۳۷۷)، عشق است (۱۳۷۸)، شاعر شنیدنی است (۱۳۷۷)، نیستان (۱۳۷۹)، این خانه واژه های نسوزی دارد (۱۳۸۲)، کاسه آب دیوژن، امانم بده (۱۳۸۰).

بهمنیار

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(بهمن (ایزد) داده (آفریده)) ابن مرزبان مکنی به ابوالحسن، شاگرد ابن سینا (م.ه). وی از زردتشیان آذربایجان بود. کتاب المباحثات شیخ بیشتر در جواب سؤالات اوست. وفات او را در سال ۴۵۸ ه.ق. نوشته‌اند و از جمله آثار اوست: التحصیل (یا التحصیلات)، (تحصیل)، رساله فی مراتب الموجودات که پویر آن را با ترجمه آلمانی به طبع رسانیده، رساله‌ای به عنوان «فی موضوع العلم المعروف بما بعد الطبیعة» که نیز با ترجمه آلمانی همراه مراتب الحروف طبع شده، کتاب المفارقات و النفوس، فی اثبات العقول الفعالة و الدلالة علی عددها و اثبات النفوس السماویة.

(وف ۴۵۸ ق)، فیلسوف و حکیم. وی از زرتشتیان آذربایجان بود که به دین اسلام گروید. او از بزرگترین شاگردان ابن سینا بود و مسلک مشایی را می ستود و با ابن سینا مناظرات و مباحثاتی داشت. از آثار وی: «البهجة فی الحکمه»، «السعادة»، «التحصیل»، در منطق و ریاضی و طبیعی و الهی به طریقه‌ی حکمت مشایی؛ «مراتب الموجودات» به عربی؛ کتاب «المباحثات» شیخ ابوعلی سینا بیشتر در جواب سؤالات او است؛ «المفارقات و النفوس»؛ «فی اثبات العقول الفعالة و الدلالة علی عددها و اثبات النفوس السماویة».[۱]

بر گرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] ایضاح المکنون (۳۰۳، ۲۸۰- ۱۷۹/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۱۹- ۳۱۸/۱)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۲۷۲)، ترجمه تمه‌ی صوان الحکمه (۵۸- ۵۷)، دانشمندان آذربایجان (۷۴- ۷۳)، دایرةالمعارف فارسی (۴۸۰/۱)، الذریعه (۲۹۲/۲۰، ۴۹/۲۰)

۱۹، ۳۹۵، ۱۵۹/۳، روضات الجنات (۶/۲۶۲)، ریحانه (۸/۲۰۰)، سرآمدان فرهنگ (۱/۲۴۱)، لغت‌نامه (ذیل / ابوالحسن بهمنیار)، معجم المؤلفین (۳/۸۱).

بهنام، عیسی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

باستان‌شناس، مترجم، مدرس.

تولد: ۱۲۸۵، در محله‌ی عودلاجان تهران.

درگذشت: ۹ آذر ۱۳۶۳.

عیسی بهنام پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه در تهران در سال ۱۳۰۸ در نخستین گروه دانشجویان اعزامی برای ادامه‌ی تحصیل در رشته‌ی باستان‌شناسی به فرانسه رفت و در طی هشت سال در مدرسه‌ی لوور دانشکده ادبیات مؤسسه‌ی هنر و باستان‌شناسی فرانسه به تحصیل پرداخت. سپس به ایران بازگشت. در سال ۱۳۱۹ به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و به جای اشمیت، ریاست هیئت علمی تخت جمشید را به عهده گرفت و تدریس در دانشگاه تازه تأسیس تهران را از سال ۱۳۲۰ آغاز کرد و رشته‌ی باستان‌شناسی را پایه‌گذاری کرد. وی مدت بیست و سه سال به تدریس در دانشگاه پرداخت. همچنین نشان‌های علمی از دانشگاه‌های بین‌المللی دریافت کرده است.

عیسی بهنام در برگزاری نمایشگاه‌های آثار ایران در پاریس و نمایشگاه جهانی بروکسل و مسکو در شناساندن تاریخ و فرهنگ ایران نقش بسیاری داشته است. از فعالیت‌های دیگر وی، تأسیس موزه‌ی مردم‌شناسی بود. چندی هم منشیگری و مترجمی سفارت افغانستان در تهران را عهده‌دار بود.

از جمله تألیفات وی می‌توان به این آثار اشاره کرد: تاریخ صنایع و تمدن مردم فلات ایران پیش از تاریخ (۱۳۲۰)؛ راهنمای موزه‌ی ایران باستان (به فرانسه و فارسی)؛ راهنمای آثار باستانی پاسارگاد (به فرانسه و فارسی)؛ تمدن ایران پیش از شروع تاریخ، تمدن ایرانی (اثر چند تن از خاورشناسان فرانسوی، ۱۳۴۶)؛ تاریخ صنایع اروپا در قرون وسطی (۱۳۲۷).

همچنین مقاله‌هایی برای مجله‌های «دانشکده‌ی ادبیات»، «هنر و مردم»، «سخن»، «پیام نوین»، «هنر و زندگی»، «ژورنال دو تهران» (به زبان فرانسوی) و «معماری ایران» به رشته‌ی تحریر درآورده است.

از آثار ترجمه‌ی عیسی بهنام می‌توان به این عناوین اشاره کرد: تمدن ایرانی (مجموعه‌ی مقالات خاورشناسان معاصر فرانسوی، ۱۳۳۷)؛ هنر ایران، ماد و هخامنشی (از رمان گریشمن، ۱۳۴۶)؛ باستان‌شناسی ایران باستان (از لویی واندنبرگ، ۱۳۴۵)؛ خانواده‌ی رومانوف، کاروانسراهای ایران.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

بهنیا، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد ۱۳۱۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیهوشی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی ایران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۳۹، طی دوره تخصصی بیهوشی با احراز شاگرد اولی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۶.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

درمانهای جدید بیماری کزاز، طرح تهیه خون بیمار کاندید جراحی و تزریق به او حین عمل جراحی (هموگلوسی ترانسفیوژن) جهت جلوگیری از بیماریهای هیپاتیت و ایدز و صرفه‌جویی در تهیه خون از افراد داوطلب، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳۵ پایان‌نامه تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

فارماکولوژی، داروهای هوشبری، جراحی و بیماریهای کبد.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

تحقیقات بالینی در داروهای بیهوشی، مصرف فارکوتیک‌ها به صورت اپیدوران در داخل نخاع برای کنترل دردهای بعد از عمل، معرفی ضد درد متادون برای اولین بار.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

بهواد، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

بیابانکی، علاءالدوله

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ علا الدوله بیابانکی سمنانی در سال ۶۵۹ در روستای بیابانک سمنان متولد شد. علا الدوله از کودکی مقدمات علوم نزد دایی خود رکن الدین صاین آموخت. و از پانزده سالگی وارد دربار ارغون خان ایلخان مغول شد و به کارهای دیوانی مشغول گشت ۵- ۶۷۴ هـ.ق. و تا سال ۶۸۵ که اردوی او را ترک نمود، به اعمال دیوانی مشغول بود. اما در آن زمان تغییر حالی در علا الدوله رخ داد و ترک مناصب دیوانی کرده به تحصیل و تکمیل معلومات خود رفته و حدیث و سلوک پرداخت و به بغداد رفت و حلقه ارادت شیخ نورالدین اسفراینی برگردن آویخت در این حین چند بار به سفر حج و شامات رفت تا اینکه در سال ۶۸۹ خرقه و اجازه ارشاد خود را از مراد خود چند دریافت نمود. و در خانقاه سکاکیه در سمنان به تعلیم مشغول شد. و نیز خانقاهی بنام برج احرار را با خرج خود ساخت و در آن به تعلیم و تالیف پرداخت و تا زمان مرگ در ۷۳۶ به کار خود ادامه داد. خواجوی کرمانی حکمی از شاگردان وی بود. از علا الدوله در سمنان تالیفات بسیاری باقی است که از آن جمله اند: دیوان اشعار علا الدوله سمنانی، مقاصد المخلصین، و بیان الاحسان لاهل العرفان. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی گرایش: عرفان اسلامی والدین و انساب: شیخ علا الدوله بیابانکی سمنانی در سال ۶۵۹ در روستای بیابانک سمنان متولد شد. پدر و اجداد وی از حاکمان محلی و مردمی مرفه و با فرهنگ بودند. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: علا الدوله بیابانکی سمنانی از یک خاندان ثروتمند سمنان بود چنانکه به قول خود وی «صد هزار از ملک پدری و میراث، صرف و وقف صوفیان کرد». اصل وی از سند بوده است اما در بیابانک سمنان اقامت گزیده بودند و متصدیان امور دیوانی به شمار می رفتند. «مقدمان» این خاندان با عنوان «ملک» مشهور بودند و به همین سبب برخی تذکره نویسان علا الدوله را از ملوک سمنان دانسته اند. پدرش ملک شرف الدین محمد و عمویش ملک جلال الدین از بزرگان دوره ایلخانی به شمار می رفتند و از متصدیان امور دولتی در آن عهد بوده اند. ملک شرف الدین محمود عنوان ملک بغداد (شحنه بغداد) در زمان ارغون را داشت و در زمان غازان خان منصب الغ بیتکچی یافت و در سال ۶۹۵ به زمان غازان خان همانند برادر خود اعلام گردید. تحصیلات رسمی و حرفه ای: علا الدوله بیابانکی سمنانی در سمنان فقه و حدیث را از دایی خود رکن الدین صاین (م. ۷۰۰ هـ.ق) آموخت و به اردوی ارغون خان پیوست اما به سبب تغییر حال و بیداری ناگهانی اردوی وی را ترک ركد و تکمیل تحصیلات خود در فقه، حدیث و علم ادبی و نیز سلوک پرداخت و در سال ۶۸۷ هـ.ق به بغداد رفت و حلقه مریدی شیخ نورالدین عبدالرحمن اسفراینی پرداخت. و خرقه خود را از او، که با واسطه ای به شیخ نجم الدین کبری می رسید پرداخت نمود. و اجازه ارشاد یافت ۶۸۹ هـ.ق و مدتی هم به سفر در فلسطین و شام پرداخت. خاطرات و وقایع تحصیل: حمدالله مستوفی که معاصر علا الدوله بیابانکی سمنانی بود نوشته است که علا الدوله در زمان ارغون خان مغول در مشاغل دولتی روزگار می گذراند (در ۱۵ سالگی) فعالیت‌های ضمن تحصیل: علا الدوله بیابانکی سمنانی در حین تحصیل علوم دینی و ادبی در دربار ارغون به کارهای دیوانی مشغول بود. وقایع میانسالی: چنانکه حمد الله مستوفی نوشته است، علا الدوله بیابانکی سمنانی از ۱۵ سالگی در دربار اباقا و ارغون و به مشاغل دولتی مشغول بود اما در یکی از سفرهای ارغون بر علا الدوله تغییر حالی دست داد چنانکه از خدمت دیوانی منصرف شد، شیخ خود در کتاب العروه این واقعه را در زمان جنگ ارغون و سلطان احمد تکودار در نزدیکی قزوین نسبت داده است (در حدود سال ۶۸۲) اما در سال ۶۸۵ از اردوی خان خارج شد و به سمنان رفت و به تکمیل تحصیلات و اطلاعات خود پرداخت و غلامان و کنیزان خود از ارد و اولاً- خود را صرف تعمیر و ساختن «خانقاهی سکاکیه» منسوب به شیخ حسن سکاکی سمنانی (قرن ۵ هـ.ق) کرد. و به مریدان شیخ نور الدین عبدالرحمن اسفراینی در بغداد پیوست و ۶۸۷ و اندکی بعد به حج رفت و چندبار این زیارت را تکرار نمود. اما کما بیش با دربار ایلخانان ارتباط داشت در برخی از آخرین ایلخانان را در دیوان خود مدح نموده است و حتی میان امیر چوپان و سلطان ابوسعید ایلخانان وساطت نمود. آخرین سفر حج وی به سال ۷۳۲ بوده است. زمان و علت فوت: وفات علا الدوله بیابانکی سمنانی رادر شب جمعه ۲۲ رجب سال ۷۳۶ هجری در ۷۷

سالگی نوشته اند. پیکرش در کنار مقبره عماد الدین عبدالوهاب دفن شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: علا الدوله بیابانکی سمنانی در ۱۵ سالگی در حدود سال ۵-۶۷۳ به خدمت اباقاخان درآمد اشتغال به کارهای دوانی را تا سال ۶۸۵ ادامه داد. وی پس از ترک اردوی ارغون نیز کما بیش با دربار ایلخانان مرتبط بود. فعالیتهای آموزشی: علا الدوله بیابانکی سمنانی از سال ۷۲۰ در خانقاه سکاکیه در صوفی آباد سمنان به ارشاد دراویش پرداختمراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می آید: «جرج احراز» نام خانقاهی بود که علا الدوله بیابانکی سمنانی در آخرین سالهای عمر خود در صوفی آباد سمنان برپا کرد، بودسایر فعالیتها و برنامه های روزمره: تفکر، تالیف و مناظره درباره موضوعات عرفانی، همواره علا الدوله بیابانکی سمنانی را به خود مشغول می داشته است. شاگردان: از میان ارادتمندان متعدد علا الدوله بیابانکی سمنانی خواجوی کرمانی شاعر معروف بود که مدتی از دوران سلوک را در خدمت وی در صوفیاباد گذرانده و در آنجا معتکف بوده و در وصف وی اشعاری سروده است. اخی علی مصری راحتی محمد دهقان و ابوالبرکات تقی الدین علی سمنانی و منهاج بن محمد السراین از دیگر شاگردان علا الدوله بودند. آرا و گرایشهای خاص: علا الدوله بیابانکی سمنانی، سمنانی در تصوف معتقد به اعتدال اجرای احکام دین و انطباق آنها با اصول تصوف بود و در این راه سخت گیر بود و با معتقدان وحدت وجود (بوئزه ابن عربی) مخالفت داشت و از این رو با شیخ کمال الدین عبدالرزاق کاشی که چنین اعتقادی داشته است، مکاتبات و مباحثاتی داشته است. آثار: العروه لاهل الخلوه، بیان الاحسان لاهو العرفان، دیوان علا الدوله سمنانی [صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳ (بخش ۲)، ص ۸۰۸] ویژگی اثر: امامت علا الدوله سمنانی در کتابهای مقاصد المخلصین، مفضح عقاید المدعین، بیان الاحسان لاهل العرفان و فلاح، دلایلی بر اثبات امامت علی (ع) آورده است و برخی این دلایل را نشانه تشیع علا الدوله می دانند. ۴. سلوه العاشقین، فلاح، مشاریح ابواب القدس، مطلع النقط و مجمع اللقط، مفضح عقاید المدعین، مقاصد المخلصین، یسر البال فی اطوار سلوک اهل الحال

منابع زندگینامه: صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، بخش ۲، ص ۸۰۱

بیات، پروین

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: باتریولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

بیات، عزیزالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر عزیز الله بیات در سال ۱۲۹۹ در شهر نهاون بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکترای رشته تاریخ و جغرافیا از دانشگاه پل ساباتیه فرانسه در سال ۱۳۷۸ می باشد. نامبرده عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه شهید بهشتی می باشد.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه ای: عزیز الله بیات تحصیلات مقدماتی را در شهر نهاوند گذراند. وی کلاسهای هفتم، هشتم و نهم را در شهر ملایر سپری کرد. ادامه تحصیلات متوسطه را در همدان پس گرفت و موفق به اخذ دیپلم گردید. ایشان تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشسرای عالی تهران گذراند و مدرک کارشناسی اش را در سال ۱۳۲۳ گرفت. در سال ۱۳۳۲ و به علت نزدیک بودن کرمانشاه به نهاوند از طرف اداره فرهنگ به این شهر رفتم و به مدت ۲۰ سال در این شهر زندگی کردم، چند کتاب هم درباره تاریخ و جغرافیای کرمانشاه نوشتم و منتشر کردم. دکتر بیات با استفاده از بورس تحصیلی که به کارمندان تعلق داشت استفاده کرده و عازم فرانسه گردید. نامبرده در سال ۱۳۴۸ موفق به اخذ مدرک دکترای رشته تاریخ و جغرافیا از دانشگاه پل سایاته فرانسه شد.

خاطرات و وقایع تحصیل: دکتر بیات از خاطرات تحصیلش چنین بیاد دارد: بعد از از دیپلم ترک تحصیل نکردم. پدر بزرگم انسان فاضلی بود، مضاف بر این یکی از دوستان آیت الله مدرس بود و زمانی که به تهران رفت و آمد می کرد در منزل مرحوم مدرس اقامت می کرد. ایشان مرا به ادامه تحصیل تشویق می کرد. ابتدا قرار بود مرا به خارج از کشور بفرستد اما من به دانشسرای عالی که الان به آن تربیت معلم می گویند رفتم و لیسانسم را نیز دریافت کردم.

همسر و فرزندان: عزیز الله بیات دارای ۴ فرزند پسر و یک فرزند دختر می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۵۰ تا کنون رئیس اداره چهارم کارگزینی آموزش و پرورش رئیس اداره مطالعات و برنامه ها

فعالتهای آموزشی: عزیز الله بیات در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا، به تدریس دروس تاریخ تمدن اسلام و گاه شماری در دانشگاههای شهید بهشتی (به عنوان عضو هیئت علمی)، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه الزهرا می پردازد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: دکتر عزیز الله بیات از زندگی خودش چنین اذعان می کند: من ۶۰ سال است که تدریس می کنم و در این مدت که درس داده ام شش ساعت هم غیبت ندارم. من بیش از ۵۰ سال است که فقط یک وعده غذا می خورم و از هر فرصتی برای پیاده روی هم استفاده می کنم، هیچ بیماری هم ندارم.

چگونگی عرضه آثار: دکتر عزیز الله بیات حدود ۴۰ کتاب به رشته تحریر در آورده است.

آثار:

۱ آثار باستانی کرمانشاه

ویژگی اثر: تالیف

۲ از ظهور اسلام تا دیالمه

ویژگی اثر: تالیف

۳ تاریخ ایران

ویژگی اثر: ناشر: امیر کبیر نویسنده: عزیزالله بیات (جلد اول و دوم)

۴ تاریخ ایران از آغاز تا انقراض پهلوی با تجزیه و تحلیل منابع و ماخذ

ویژگی اثر: تالیف

۵ تاریخ تطبیقی ایران (از سلسله ماد تا پهلوی) با تمام دنیا

ویژگی اثر: تالیف-پدیدآورنده: عزیزالله بیات ناشر: امیرکبیر - ۰۶ اردیبهشت، ۱۳۸۵

۶ تاریخ مختصر ایران

ویژگی اثر: تالیف

۷ تاریخ منابع و ماخذ ایران

ویژگی اثر: تالیف-پدیدآورنده: عزیزالله بیات ناشر: امیرکبیر - ۱۳۸۳

۸ تحریر و تحشیه تاریخ گیتی گشای نامی

ویژگی اثر: تالیف

۹ جغرافیا برای دانشسراها و دبیرستانها

ویژگی اثر: تالیف

۱۰ جغرافیای محلی کرمانشها

ویژگی اثر: تالیف

۱۱ زمینه های پیشرفت و پیروزیها و شکستهای ایران

ویژگی اثر: تالیف

۱۲ کتب درسی تاریخ برای دانشسراها و دبیرستانها

ویژگی اثر: تالیف

۱۳ کلیات جغرافیای طبیعی و تمدنی ایران

ویژگی اثر: تالیف-پدیدآورنده: عزیزالله بیات ناشر: امیرکبیر - ۱۳۸۳

۱۴ کلیات گاه شماری در جهان

ویژگی اثر: پدیدآورنده: عزیزالله بیات ناشر: دانشگاه شهید بهشتی - ۱۳۸۱

۱۵ نهاد

ویژگی اثر: پدیدآورنده: حسین زرینی، عزیزالله بیات (زیر نظر) ناشر: دفتر پژوهشهای فرهنگی - ۲۷ تیر، ۱۳۸۵

بیات، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود بیات

محل تولد: نیشابور

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمود بیات در حدود سال ۱۳۵۰ وارد حوزه شهرستان نیشابور و تقریباً بعد از ۳ سال در حوزه مشهد به مدت دو سال و سپس راهی قم شده و تاکنون مشغول بوده‌ام. در سال ۶۳ - ۱۳۶۲ به مدت یک سال تمام از طرف حوزه علمیه قم برای تدریس ادبیات به شهرستان میناب رفتم. در سال ۸۱ - ۸۲ به مدت یک سال در دانشکده علوم قرآنی تدریس قرآن و علوم مربوطه به مقدمات قرآن از قبیل ادبیات بوده‌ام و در خلال تحصیل مقداری هم تدریس داشته‌ام.

در ضمن به مدت سه سال از طرف معاونت تهذیب در مدرسه شهید صدوقی واقع در بلوار صدوق به امر تهذیب مشغول بوده‌ام و در مدارس امام صادق و بقیه الله واقع در حاجی آباد یک سال تحصیلی تقریباً تدریس تجوید و صرف داشته‌ام. اکنون پایان‌نامه سطح چهار را تحویل داده‌ام و مقدمات دفاع انشاء الله فراهم می‌گردد. نیز در دانشگاه علامه طباطبایی تهران مشغول تدریس تفسیر موضوعی هفته‌ای یک روز در هفته می‌باشم.

بیارجمندی خاخورینی خراسانی، یوسف

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۲۸ ق)، دانشمند، محدث و فقیه. در کودکی از زادگاه خود به مشهد رفت و در آنجا به تحصیل پرداخت، پس از چندی جهت تکمیل تحصیلات خود به نجف سفر کرد و نزد نایینی به فراگیری اصول و فقه پرداخت. سپس از محضر شیخ محمدحسین غروی و سیدابوالحسن اصفهانی فیض برد و اجازه‌ی اجتهاد یافت. همچنین در کربلا از محضر آیت الله قمی فیض برد. وی از محدث قمی اجازه‌ی حدیث گرفت. چند دوره «رسائل» و «مکاسب» و «کفایه» را تدریس کرد. پس از آن درس خارج را شروع کرد و به تدریس فقه و اصول پرداخت. برخی از آثار وی عبارت اند از: «شرح کفایه»، «تقریرات نایینی» در فقه و اصول؛ «تقریرات کمپانی»؛ «حاشیه بر مکاسب»؛ «رساله‌ی عملیه»؛ «زبدۃ المسائل»؛ «مدارک العروه».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۳۶/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۸۸۷-۸۸۹/۶).

بیاری، علی اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اکبر بیاری

محل تولد: جعفر آباد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۵/۴

زندگینامه علمی

بنده تا سوم راهنمایی را در محل تولد خواندم. بعد وارد حوزه علمیه قم شدم. همزمان بطور غیر حضوری دیپلم را گرفتم. در مدارس علمیه امام صادق (ع)، امام باقر (ع)، رضویه و معصومیه ادامه تحصیل دادم و در دروس خارج فقه آقایان فاضل لنکرانی، هادوی، کعبی شرکت کردم. در تفسیر آیت الله جوادی آملی هم ۶ سال شرکت داشتم، دوره‌های تربیت مربی دفتر تبلیغات را گذرانده‌ام (شش ماه). در مرکز ادبی حوزه شرکت و دوره ادبیات را گذراندم. در سال ۱۳۷۶ وارد موسسه امام خمینی شدم و دوره

کارشناسی و سپس ارشد را گذراندم. الان در حال تدوین پایان نامه هستم. همزمان فعالیت های تبلیغی هم دارم که عمده آن در دبیرستانهای کشور است از طریق اتحادیه انجمن های اسلامی دانش آموزان و بسیج دانش آموزی.

بیانی، شیرین

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

دکتر شیرین بیانی، فرزند دکتر خانابا بیانی در یازدهم مرداد ماه سال ۱۳۱۷ در تهران متولد شد. پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه در سال ۱۳۳۶ وارد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران شد و در رشته ی تاریخ ادامه تحصیل داد و در دوران تحصیل دانشگاهی، شاگرد اول بود. در سال ۱۳۳۹ موفق به اخذ درجه ی لیسانس از آن دانشگاه شد. در همان سال برای ادامه ی تحصیل به کشور فرانسه رفت و در سال ۱۳۴۱ از دانشگاه سوربن پاریس موفق به اخذ درجه ی دکترای تاریخ با درجه ی « بسیار عالی » گردید. خانم بیانی در سال ۱۳۴۲ با رتبه ی استادیاری تمام وقت وارد کادر آموزشی گروه تاریخ دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۴۶ به مقام دانشیاری ارتقاء یافت. در سال ۱۳۵۳ به مقام استادی « تمام وقت » همان دانشگاه دست یافت و در سال ۱۳۷۳ به رتبه ی پروفیسوری « رتبه ی همراه استادی » رسید. وی هم اینک با رتبه ی ۳۰ استادی به تدریس دوره های قرون وسطی و دوران باستانی ایران در گروه آموزشی تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران مشغول است. خانم شیرین بیانی علاوه بر نگارش چندین کتاب، مقالات زیادی نگاشته است که در مجلات معتبر داخلی و خارجی به چاپ رسیده است.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

گرایش: تاریخ ایران - دوره مغول

والدین و انساب: شیرین بیانی، فرزند دکتر خانابا بیانی است که دارای فعالیت هاو کارهای ارزنده ای بود که به چند مورد از آنها اشاره می کنیم: مؤسس دانشگاه تبریز و توسعه دهنده ی دانشگاه تربیت معلم، استقلال بخشیدن به دانشسرای عالی (تربیت معلم کنونی) عضو شورای عالی و فرهنگ سابق و تدوین و تنظیم اسناد و مدارک موجود در وزارت خارجه و تاسیس کتابخانه برای وزارت خانه و اهدای کتابهای خصوصی به آن. دکتر شیرین بیانی از جانب مادری، نواده ی ملک المتکلمین مشروطه خواه معروف و شهید راه آزادی (که به در باغشاه توسط محمد علیشاه قاجار همراه با میرزا جهانگیر خان صور اسرافیل شهید گردید) و دکتر مهدی ملک زاده از بنیان گزاران طب جدید در ایران و صاحب کتاب « تاریخ مشروطیت » و فرزند ملک زاده ی بیانی کارشناس معروف باستان شناسی و از بنیان گزاران موزه ی ایران باستان می باشد. مادر بزرگ دکتر بیانی از طرف مادری، خورشید کلاه ملکزاده بانویی فرهیخته و شاعر بود و عموی ایشان، دکتر مهدی بیانی استاد دانشگاه تهران، خوشنویس و بنیانگذار انجمن خوشنویسی ایران است. خواهر دکتر بیانی، سوسن بیانی (دارای دکترای رشته باستان شناسی و مشغول تدریس در دانشگاه تهران) است.

خاطرات کودکی: دوران کودکی شیرین بیانی در بهترین و آرام ترین شرایط ممکن خانوادگی سپری گردید در محیطی آکنده از مهر و محبت، صفا، یک رنگی و عشق به ایران و ایرانی و همه انسانها. احترام به سنت های ملی و مذهبی و اصول مذهبی، احترام و

دستگیری از طبقه غیر مرفه جامعه که این اصول در تدوین شخصیت او بسیار موثر بوده است. افراد خانواده همه فرهنگی، اهل ذوق و هنر و دارای تالیفات متعدد بوده اند، که این شرایط خانوادگی نیز در سوق دادن او بسوی دانش و دانشگاه تاثیر بسیاری داشته است. شیرین بیانی در این باره می گوید: یکی از بهترین خاطرات کودکی ام، در هفت سالگی همراه خواهرم در حیاط خانه به بازی مشغول بودم. پدرم با کیفی و بغلی پر از کتاب از دانشگاه به خانه باز گشت. من بسوی او دویدم و سلام کردم. او مرا در میان کتابها در آغوش گرفت و بوسید. من در آن لحظه با خود گفتم "منهم استاد دانشگاه می شوم و هر روز با بغلی و کیفی پر از کتاب به خانه باز می گردم. من مانند پدرم تاریخ خواهم خواند و مانند او استاد خواهم شد" و چنین هم شد من از هفت سالگی در آغوش پدر راه زندگی ام را یافتم و با راهنمایی های مادر، پدر و مادر بزرگ و پدر بزرگم، همه ارزنده و انسان ساز بودند، بدون کوچکترین تردید و تزلزل تاکنون همین را ادامه دادم. دکتر بیانی در خانواده ای بزرگ در خیابان ویلا تهران کوجه شیرین زندگی میکرد بنا به گفته های ایشان: در خانه از صبح باز بود و دوستان و آشنایان در رفت و آمد بودند. در این خانه پدر بزرگ و مادر بزرگ ریاست آن را بر عهده داشتند. بیشتر رفت و آمد ها برای ملاقات پدر بزرگ (دکتر مهدی ملکزاده) بود.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: شیرین بیانی در خانواده ای فرهیخته و ارجمند متولد شد و دوران کودکی بسیار پرباری را در یک محیط گرم خانوادگی، توأم با محبت و دانش سپری نمود. در خانواده او را با نوامیس زندگی چون شرافت و کرامت انسانی، علم دوستی، پاکدامنی، وطن پرستی و هم وطن دوستی و محبت انسانی آشنا کرده و دینداری را به او آموختند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: شیرین بیانی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه منوچهری و متوسطه را در دبیرستان های ژاندارک و انوشیروان دادگر به انجام رسانید. در سال ۱۳۳۶ در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در رشته ی تاریخ به تحصیل ادامه داد و در دوران تحصیل دانشگاهی، شاگرد اول بود. در سال ۱۳۳۹ موفق به اخذ درجه ی لیسانس از آن دانشگاه شد. در همان سال برای ادامه ی تحصیل به کشور فرانسه رفت و در سال ۱۳۴۱ در دانشگاه سوربن پاریس در رشته ی دکترای تاریخ تحصیل و موفق به اخذ درجه ی دکترای تاریخ با درجه ی «بسیار عالی» گردید.

خاطرات و وقایع تحصیل: مهم ترین وقایع دوران تحصیل شیرین بیانی، نصب مجسمه ی ملک المتکلمین نیای مادری شان در میدان «حسن آباد» بود که نام این میدان به میدان «ملک المتکلمین» تغییر یافت. همچنین خاطره ی دیگر خانم بیانی، شاگرد اول شدن در کلاس ششم ادبی در مدرسه انوشیروان دادگر و کل دبیرستان های تهران بود. شیرین از ابتدا تا انتهای دوران تحصیل در علم ریاضی ضعیف و در ادبیات قوی بود. خاطرات تلخ او گاه در کلاسهای ریاضی است و خاطرات شیرین از کلاهای ادبی، که سرانجام نیز در رشته ادبی شاگرد اول بود. یکی از خاطرات جالب شیرین در کلاسهای ریاضی، با وجود نامی که در دبیرستان داشت، و همه او را می دانستند و احترام خاصی برایش قائل بودند در حالیکه معلمان ریاضی، با وجود نامی که در دبیرستان داشت، و همه او را می شناختند، چندان توجهی به او نداشتند البته حق هم داشتند. و در حین تحصیل در دانشگاه به دلیل استادی پدر، همه او را می شناختند و بهمین دلیل شیرین می بایست خوب درس بخواند و خوب رفتار کند که چنین هم می کرد.

فعالتهای ضمن تحصیل: شیرین بیانی ضمن تحصیل فعالیت های همچون به تکمیل زبان فرانسه، مطالعه کتابهایی غیر درسی و ورزش می پرداخت. و در دبستان و دبیرستان او را به عنوان سرپرست انجمن نیکوکاری مدرسه انتخاب می کردند.

استادان و مربیان: از جمله استادان شیرین بیانی می توان به پدر ایشان دکتر خانابا بیانی، عموی ایشان دکتر مهدی بیانی، علی اصغر شمیم و دکتر محمدحسن گنجی اشاره نمود.

هم دوره ای ها و همکاران: هم دوره ایهای شیرین بیانی اغلب قریب به اتفاق فرهنگی و بخصوص دبیر هستند. همسر و فرزندان: شیرین بیانی، همسر دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن نویسنده ی معروف معاصر و استاد دانشگاه تهران است که در سال ۱۳۴۳ با وی ازدواج کرد است. ایشان دارای دو فرزند پسر به نام های رامین، متخصص تغذیه طبی و مهران، متخصص

محیط زیست و مسائل آب می باشند که پس از گذراندن تحصیلات در سوئیس و آمریکا به ایران بازگشته و مشغول به کار شده اند. آنها که در محیطی فرهنگی و سالم پرورش یافته اند علم و انسانیت را ارج می نهند و در این راستا کوشا می باشند.

وقایع میانسالی: شیرین بیانی در دوره ای زندگی می کند که بیش از هر زمان دیگر دارای فراز و نشیب بوده و هست. دنیا در تحولی شگرف و سریع بسر می برد که بخصوص این سرعت، در تاریخ بی نظیر است و او شاهد این دگرگونی هاست. و این وقایع و ماجراهای جهانی و داخلی در گسترش افق دید او از جهت نگرش تاریخی، اهمیت بسزایی دارد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: شیرین بیانی در طول چهل و سه سال فعالیت علمی خود بلافاصله از اتمام تحصیلات در سال ۱۳۴۲ با رتبه استاد یاری در دانشگاه تهران آغاز کرد. هیچ مسئولیتی بجز تدریس در گروه تاریخ دانشگاه تهران نداشته است. وی در سال ۱۳۴۶ به رتبه دانشیاری و در سال ۱۳۵۳ به درجه استاد تمام وقت نائل آمد. و در سال ۱۳۷۳ به رتبه ی پروفیسوری «رتبه ی همراه استادی» رسید. وی هم اینک با رتبه ی ۳۰ استادی به تدریس دوره های قرون وسطی و دوران باستانی ایران در گروه آموزشی تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران مشغول است.

فعالیتهای آموزشی: تدریس در دوره های کارشناسی، کارشناسی رشد و دکتری در گروه تاریخ دانشگاه تهران. عناوین دروس آموزشی ارائه شده توسط شیرین بیانی: کارشناسی: تاریخ ایران در دوره سلوکی و اشکانی • تاریخ ایران از مغولتا کارشناسی ارشد: • بررسی و مطالعه انتقادی ادیان ایران با • تاریخ تحولات سیاسی و مناسبات فرهنگی تمدنی ایران و اسلام • تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی • نقد و بررسی ایران باستان • نقد و بررسی تاریخ مغول تیمور حک دکتري: • بررسی و تحلیل اسنادارشیوی و کتاب • تاریخ اجتماعی ایران • تحول سیاسی اجتماعی بعد از اسلام • مناسبات ایران باستان • هنرها و صنایع ایران بعد از اسلام

مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می آید: شیرین بیانی در تاسیس کتابخانه ملی شهر ندوشن یزد فعالیت مستمری از خود نشان داده است. وی همچنین به مراکز درمانی نیز کمک می کند.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: شیرین بیانی بر این باور است که هر زن ابتدا می بایست به خانه و خانواده بپردازد. چون وی معتقد است که بزرگترین مسئولیت یک زن تربیت فرزندان نیک برای تحویل دادن به جامعه، ترتیب امور همسر برای آمادگی وی در پیشبرد کارهایش است. خانم شیرین بیانی علاوه بر امورات زندگی به نگارش چندین کتاب، مقالات زیادی نگاشته است که در مجلات معتبر داخلی و خارجی چون مجلات: یغما، راهنمای کتاب، بررسی های تاریخی، هستی و ایرانیکا (چاپ دانمارک) به چاپ رسیده است. او گذشته از اینها، سخنرانی چیره دست نیز هست و در مجامع بین المللی علمی از قبیل: کنگره ی بین المللی خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی، کنگره ی بین المللی بیهقی، مطالعات ایران شناسی و از این قبیل به سخنرانی هایی پرداخته که در مجموعه های وابسته به کنگره ها و مجلات معتبر به چاپ رسیده است. او در پیگیری پژوهش های علمی خود به کشورهای فرانسه، انگلیس، سوئیس، ایتالیا، یونان، بلغارستان، لهستان، اسپانیا، پرتغال، آلمان، ترکیه، مصر، کویت، هندوستان، چین، اردن، عراق، امارات متحده عربی و آمریکا سفر کرده و هر بار باره آوردهای سودمندی به وطن بازگشته است.

همفکران فرد: مولانا جلال الدین رومی بلخی در روشنفکری زندگی شیرین بیانی تاثیر داشته است. همچنین پدر و مادر و در بسیاری موارد همسر وی، همفکران او بوده و هستند.

آرا و گرایشهای خاص: درباره گرایش شیرین بیانی می توان گفت که به عرفان گرایش دارد. بدین گونه او اعتقاد دارد که باید بسوی کمال گام برداشت. خودشناسی را ضروری می داند و دانش را چراغ فرا راه عشق را ملاط همه آموز زندگی می داند و انسان را بی عشق نمی تواند تصور کند. در توضیحی افزون تر، شیرین بیانی معتقد است که سنت های ایرانی را با تطبیق با وضع در روز می بایست ارج نهاد و بکار گرفت و مدرنیته را با گزینشی صحیح و مطابق با فرهنگ و تمدن ایرانی به آن پیوند داد. دقت در انتخاب هر دو کاری دقیق و سخت است که همواره خانواده اش به پیروی از آنان در این راه اقدام کرده اند و به نتیجه ای مطلوب

رسیده اند.

جوایز و نشانها: شیرین بیانی به اخذ متجاوز از ده لوح تقدیر از مراکز علمی - فرهنگی و دانشگاهی نائل آمده است. مهمترین آنها لوح تقدیر از انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران می باشد (سال ۱۳۸۲). و همچنین لوح های تقدیری بمناسبت انتخاب کتاب "دین و دولت در ایران عهد مغول" تألیف وی به عنوان کتاب نمونه سال جمهوری اسلامی ایران در سال (دوره پانزدهم کتاب سال) ۱۳۷۵، لوح تقدیر برای انتخاب کتاب او به عنوان کتاب سال دانشگاه تهران در رشته علوم انسانی در سال ۱۳۷۵ در یافت کرده است و همچنین در این راستا موفق به دریافت لوح تقدیر به همراه ۵۰ سکه بهار آزادی گردید که جایزه ی نقدی آن به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اهداء شد تا کمکی برای تأسیس کتابخانه ملی شهر ندوشن یزد باشد.

چگونگی عرضه آثار: شیرین بیانی حدود ۳۵ مقاله نگاشته است که یا به صورت کتاب و مجموعه به چاپ رسیده و یا زیر چاپ است. و قبل از آن در مجلات معتبر داخلی و تعداد اندکی در مجلات معتبر خارجی انتشار یافته است. مقالات ارائه شده در همایشها

- بیانی شیرین "بابا طاهر از اقطاب فرقه قلندریه،" کنگره بزرگداشت بابا طاهر، همدان / ایران، ۰۲-، فروردین، ۱۳۷۹ • بیانی شیرین "پیوند ادبیات و تاریخ در ایران،" کنگره زبان فارسی، شیراز / ایران، ۰۲-، فروردین، ۱۳۷۹ • بیانی شیرین "فرقه قلندریه در دوره ایلخانی،" کنگره بین المللی مغول شناسی، تهران / ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۶ • بیانی شیرین "هویت ایرانی از خلال بوستان سعدی،" کنگره هویت ایرانی، لندن / انگلیس، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۶ • بیانی شیرین "زن در تاریخ بیهقی،" کنگره بین المللی بزرگداشت ابوالفضل بیهقی، مشهد / ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۴۹ • بیانی شیرین "بررسی اوضاع اجتماعی ایران از خلال جامع التواریخ رشیدی،" کنگره بین المللی خواجه رشید الدین فضل الله همدانی، تهران / ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۴۸ -----

آثار:

۱ ایران در برخورد با مغول

ویژگی اثر: از انتشارات کتابخانه ی طهوری در سال ۱۳۵۳.

۲ پنجره ای بسوی تاریخ

ویژگی اثر: مجموعه شانزده مقاله - انتشارات اساطیر - در دست چاپ

۳ تاریخ آل جلایر

ویژگی اثر: از انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳- این کتاب به زبان فرانسه و رساله دکتری وی بوده است که در دانشگاه سوربن پاریس از آن دفاع شده است و بعد ها توسط خود وی به فارسی برگردانده شده است. این اثر بزبان قزاقی نیز ترجمه شده است

۴ تاریخ ایران باستان (دوره ی سلوکی و اشکانی)

ویژگی اثر: از سری تألیفات زیر چاپ.

۵ تاریخ ایران باستان از ورود آریایی ها تا سقوط هخامنشیان

ویژگی اثر: از سری تألیفات زیر چاپ.

۶ تاریخ ایلخانان

ویژگی اثر: از سری تألیفات زیر چاپ.

۷ ترجمه ی کتاب تاریخ سری مغولان

ویژگی اثر: تألیف: چائویی شه، از انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۰- اولین منبع درباره تاریخ مغول و چنگیز خان است که

۱۳ سال پس از درگذشت این خان تدوین شده است. و اصل آن بزبان چینی بوده است.

۸ ترجمه ی کتاب تاریخ عیلام

ویژگی اثر: تألیف: پیر آمیه، از انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۹.

۹ ترجمه ی کتاب چنگیزخان

ویژگی اثر: تألیف: ولادیمیر تسف، از انتشارات اساطیر در سال ۱۳۶۳.

۱۰ ترجمه ی کتاب نظام اجتماعی مغولان

ویژگی اثر: تألیف: ولادیمیر تسف - انتشارات بنگاه ترجم و نشر کتاب - تهران ۱۳۴۶

۱۱ ترجمه ی کتاب نظام اجتماعی مغولان؛ فتودالیسم خانه به دوشی

ویژگی اثر: تألیف: ولادیمیر تسف، از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب در سال ۱۳۴۶.

۱۲ ترجمه ی مهمانخانه ی آنژگارین

ویژگی اثر: تألیف: دسکور. کتاب داستان برای نوجوانان و جوانان در سال ۱۳۳۲- این اثر شیرین بیانی هنگامی که پانزده سال

داشت ترجمه گردید و بکوشش پدرش خانابا به چاپ رسید. دکتر نائل خانلری مقدمه ای بر آن نگاشت.

۱۳ تیسفون و بغداد در گذر تاریخ

ویژگی اثر: تألیف، انتشارات جامی، ۱۳۷۷

۱۴ دین و دولت در ایران عهد مغول

ویژگی اثر: مجموعه ای مشتمل بر سه جلد از انتشارات مرکز نشر دانشگاهی در سال ۱۳۶۷، ۱۳۷۱ و ۱۳۷۵ - برنده جایزه بهترین

کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره پانزدهم کتاب سال در رشته علوم انسانی و اخذ لوح تقدیر بسال ۱۳۷۵ و برنده جایزه

بهترین کتاب سال دانشگاه تهران در رشته علوم انسانی در سال ۱۳۷۵. آشنایی با کتاب: «دین و دولت در ایران عهد مغول»: دین و

دولت در ایران عهد مغول؛ شیرین بیانی؛ تهران: مرکز دانشگاهی، ۳ج، جلد سوم، ۱۳۷۵. دوران فرمانروایی ایلخانان مغول در ایران

را می توان یکی از شگفت انگیزترین و پُرترک ترین ادوار این کشور به شمار آورد. در این عهد است که درخت فتوحات

چنگیزی به بار می نشیند و برای بازماندگانش ثمری شیرین می دهد، ولی این لقمه؟ گلوگیر به سختی قابل بلعیدن بود. در طول

زندگی حکومت ایلخانی، پیوسته دو تلاش متقابل و در ضمن خستگی ناپذیر از جانب حکومت و مردم مشاهده می شود. از یک

سو، تلاش حکومت برای تحکیم هرچه بیشتر مبانی قدرت و قبولاندن آن به اتباع ایرانی و از سوی دیگر تلاش مردم در جهت کمر

راست کردن و تجدید حیات خویش. به بیان نویسند؟ کتاب، پیوستگی دین و دولت در دورانهای گوناگون تاریخ ایران به چشم

می خورد. این پیوستگی که ریشه در قبل از اسلام دارد، با ورود اسلام و به ویژه در دور؟ صفوی به اوج رسیده، در نتیجه دین

آمیخته شده با فرهنگ ملی، مجموع معتقدات ایران را در برمی گرفت. از این رو، مغولان در هجوم به ایران و فتح آن با معتقدات

مردم روبه رو بوده اند که می بایست یا آن را ریشه کن کنند یا با آن کنار آیند و این نبردی بود که تا زمان اسلام آوردن حکومت

مغولی مستقر در ایران، همچنان ادامه داشت. این موضوع خاص و مهم، محتوای کتاب نویسند را تشکیل می دهد که ۳ جلد را

شامل می شود. در جلد اول رویارویی دو طرز تفکر و دو فرهنگ ناهمگون و نابرابر (غالب و مغلوب) روشن می شود. ادام؟ این

نبرد و نفوذ و حضور ایرانیان در امور دیوانی و ادار؟ کشور مطالب جلد دوم را در برمی گیرد. در جلد سوم نیز مسائل سیاست

خارجی حکومت ایلخانی در مرزهای شرقی و مرزهای غربی ایران در روزگاران مطرح شده که جهان اسلام از سویی در رویارویی

با عنصر بیگان؟ مغول و از سوی دیگر در تکاپوی رهایی از تتم؟ جنگهای صلیبی با جهان غرب است.

۱۵ زن در ایران عصر مغول

ویژگی اثر: از انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۲.

۱۶ شامگاه اشکانیان و بامداد ساسانیان

ویژگی اثر: از انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۵.

۱۷ کرمساز دوصد کیش

ویژگی اثر: درباره مولانا جلال الدین_ انتشارات جامی - تهران ۱۳۸۲

۱۸ مجموعه مقالات

ویژگی اثر: از سری تألیفات زیر چاپ.

۱۹ مغولان و حکومت ایلخانی در ایران

ویژگی اثر: انتشارات سمت - تهران ۱۳۷۹

۲۰ هشت مقاله در زمینه ی تاریخ

ویژگی اثر: از انتشارات توس در سال ۱۳۵۲.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

بیانی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی بیانی، در سال ۱۲۸۵ شمسی، در شهر همدان متولد گردید.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب: مهدی بیانی، پسر محمد، او پسر عباسعلی و وی نیز پسر محمدعلی، اصلاً فراهانی بودند.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: مهدی بیانی، در دو سالگی پدرش را از دست داد و پس از آن، همراه مادر و برادران و خاندانش به تهران مهاجرت کرد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: مهدی بیانی، گواهینامه ی ابتدایی را از دبستان اقدسیه و متوسطه را از دارالفنون و لیسانس علوم فلسفی و ادبیات را از دانشسرای عالی و عنوان دکترای ادبیات را از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران اخذ کرد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مهدی بیانی، در سال ۱۳۱۳ در ضمن اشتغال به تدریس دانشکده ادبیات، به مدیریت کتابخانه ی عمومی معارف نیز منصوب گردید. وی در سال ۱۳۱۶، ریاست کتابخانه ی ملی را عهده دار شد و در سال ۱۳۱۹، به مدت یک سال از طرف وزارت فرهنگ به اصفهان مأموریت یافت و در بازگشت به تهران، پس از انجام یک سال مأموریت آموزشی در وزارت پیشه و هنر وقت، دوباره به خدمت کتابخانه ی ملی بازگشت و با سمت مدیر کلی در کتابخانه ی ملی به ادامه ی خدمت پرداخت. آنگاه در سال ۱۳۳۵، به ریاست کتابخانه ی سلطنتی انتخاب شد.

فعالیتهای آموزشی: مهدی بیانی، پس از انجام خدمت وظیفه در سال ۱۳۱۱، به تدریس زبان و ادبیات فارسی و کتابداری کتابخانه ی دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات دانشگاه تهران اشتغال ورزید و با سمت استادی مشغول تدریس تاریخ تکامل خطوط اسلامی و کتاب شناسی نسخه های خطی شد.

مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می‌آید: مهدی بیانی، در سال ۱۳۱۶ سازمان نخستین کتابخانه ملی وابسته به وزارت فرهنگ را بنیان گذارد و خود ریاست آن را برعهده گرفت. وی انجمن حمایت خط و خطاطان را پایه گذاری کرد و این طبقه‌ی هنرمند را به جامعه معرفی کرد.

سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: مهدی بیانی، ضمن فعالیت‌ها و خدمات مختلف خود، مأموریت‌های فرهنگی نیز به کشورهایی چون: هند، پاکستان، افغانستان، لبنان، ترکیه، جماهیر شوروی، لهستان، اطریش، آلمان، دانمارک، هلند، بلژیک، فرانسه، سوئیس، ایتالیا، انگلستان و ممالک متحده آمریکا داشته است. وی سال‌ها عضو انجمن فرهنگی ایران و شوروی بود و مجله‌ی «پیام نوین» زیر نظر او منتشر می‌شد.

آثار:

- ۱ احوال و آثار میرعماد
- ۲ اهتمام در نشر السوانح فی العشق
- ویژگی اثر: تألیف: احمد غزالی.
- ۳ اهتمام در نشر بدایع الازمان فی وقایع کرمان (تاریخ سلاجقه‌ی کرمان)
- ویژگی اثر: تألیف: افضل الدین کرمانی.
- ۴ اهتمام در نشر چهار رساله‌ی فارسی
- ویژگی اثر: تألیف: شیخ شهاب الدین سهروردی.
- ۵ اهتمام در نشر معراجنامه‌ی منسوب به ابن سینا
- ۶ تاریخ پانصدساله‌ی جواهرات سلطنتی ایران
- ۷ تاریخ دریای نور
- ۸ راهنمای گنجینه‌ی قرآن
- ۹ فرهنگ خوشنویسان
- ویژگی اثر: در ۱۲ مجلد.
- ۱۰ فهرست کتاب‌های خطی فارسی کتابخانه‌ی سلطنتی ایران
- ۱۱ فهرست نمایشگاه خطوط خوش کتابخانه‌ی ملی
- ۱۲ نمونه‌ی خطوط خوش کتابخانه‌ی سلطنتی ایران
- ۱۳ نمونه‌ی سخن فارسی

منابع:

۱ مجله‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال ۱۵، شماره‌ی ۵ و ۶، مرداد ۱۳۴۷

بیدآبادی، جعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن حاج سید محمد باقر. عالم فاضل، از رؤسای علما و متفکین. در محله بیدآباد عنوان کلی داشته، و پس از فوت حاج سید اسدالله مرجع شرعیات و متولی مسجد سید بوده، و در زمان تولیت او اقداماتی در تکمیل ساختمان مسجد شده، در سال ۱۳۲۰ در مسافرت عتبات وفات یافته، جنب برادر مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بیدآبادی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقا محمد در محله بیدآباد اصفهان چشم به جهان گشود و در این شهر مراتب رشد و کمال را پیمود. دوران زندگی وی مصادف با سقوط صفویه و انتقال قدرت به افشاریه و پس از آن زندیه بود و او در دوران انحطاط زندیه درگذشت.

بیدآبادی علوم نقلی و عقلی را در محضر ملا اسماعیل خواجه‌بوی (متوفی ۱۱۷۲ ق) و میرزا محمدتقی الماسی (متوفی ۱۱۹۵ ق) فرا گرفت. اما از زمانی که علم رسمی را سر به سر قیل و قال دید و عطش درونی خود را همچنان در اشتداد یافت دست در دامن استاد عرفان و اخلاق سید قطب الدین نیریزی شیرازی نهاد.

آقا محمد بیدآبادی مردی بسیار متواضع و مهربان بود. در فقه مجتهد مسلم و در فلسفه تسلط کامل داشت. در عرفان علمی و عملی بسیار متبحر بود، در زندگی شخصی اش با کمال قناعت و زهد زندگی می کرد. چنانکه نقل است در روزگاری وی در اصفهان قحطی سختی روی داد و مردم را به زحمت انداخت در صورتی که آقا محمد هیچ شکایتی از اوضاع نداشت. وقتی علت را جویا شدند دریافتند که وی و خانواده اش شش ماه تمام با هویج پخته یا خام روزگار گذرانده اند.

از دیگر صفات بارز وی بی اعتنایی و عدم توجه اش به حکام زمانه بود. می گویند کریم خان زند و علیمردان خان زند همواره مایل به دیدار و نشست و برخاست با وی بودند ولی آقا محمد بیدآبادی با قناعت و زهدش هیچ توجهی به آنان نمی کرد.

یکی از تربیت یافتگان بیدآبادی، حاج محمد ابراهیم کرباسی است که به حق یکی از ستارگان جهان تشیع است. حاجی کلباسی که ده سال بیشتر از عمرش نمی گذشت بنا بر وصیت پدرش به خانه آقا محمد بیدآبادی رفت و تحت تربیت و کفالت این عالم ربانی قرار گرفت.

اما اهمیت ویژه بیدآبادی در انتقال فلسفه غنی اصفهان عصر صفوی به روزگار بعد از خودش بود. زیرا با انقراض سلسله صفویه، فلسفه در حوزه اصفهان دستخوش نابودی فراموشی بود ولی آقا محمد بیدآبادی با تربیت شاگردان بزرگی چون ملاعلی نوری توانست علم حکمت را به نسل بعد منتقل کند.

بیدآبادی همچنین در علم کیمیا مهارت داشت و تبدیل فلزات پست به طلا را عملاً در اصفهان انجام می داد و چندین رساله و کتاب در این خصوص از خود بجای گذاشته است. در رستم التواریخ آمده است که: «آن مرحوم نزدیک وفات خود به دیدن جناب قدسی آداب، میرزا محمد علی ولد میرزا مظفر خلیفه سلطانی آمد و خواست علم کیمیا را تعلیمش نماید، آن کربوبی قریحه قبول نمود و فرمود این بار بسیار گران است و مرا تاب و طاقت و توانایی برداشتن این بار گران نیست و اگر متحمل این بار گران بشوم تکلیف بر من شاق می شود و در این باب صلاح خود را نمی دانم پس مرحوم آقا محمد چون غیر آن پاک فطرت از برای این علم

شریف سزاوار با اهلیتی نیافت، چه از اولاد خود چه از دیگران، پس ناچار این امانت خدایی را مانند درّ مکنون در گنجینه دل به خاک برد و آن را به هیچ کس نسپرد.»

بیدآبادی پس از عمری تلاش و مجاهده در طریق حق و تربیت شاگردان زیاد، عاقبت در سال ۱۱۹۸ در اصفهان دار فانی را وداع گفت.

او قبل از مرگش خوابی در جلالت و منزلت میر معصوم خاتون آبادی (متوفی ۱۱۵۱ ق) دیده بود و به همین اساس وصیت نموده بود او را بعد از مرگ در کنار قبر وی دفن نمایند. همچنین بیدآبادی وصیت کرده بود که بر بالای قبر وی گنبد و بارگاهی ساخته نشود. و بر طبق همین وصیت قبر وی تا حدود ۱۲۰ سال بعد از وفاتش بدون گنبد و بارگاه بوده است. تا اینکه مرحوم میرزا سلیمان خان رکن الملک که نایب الحکومه اصفهان و از اولاد خلف بیگ بود، عمارت چهار طاقی بر بالای قبر وی ایجاد نمود. بر مزار وی سنگی بسیار نفیس و ارزشمند قرار دارد که اشعار آقا محمد کاظم واله به خط بسیار زیبایی نستعلیق بر روی آن حک شده است. یکی از کرامات مشاهده شده در تخت فولاد مربوط به ایشان است. مرحوم مهدوی نقل می کنند که هنگام دفن میرزا حسین نایینی در کنار قبر آقا محمد بیدآبادی، به قبر ایشان راهی باز شد و جسد مطهر آقا محمد بیدآبادی سالم بود و هیچگونه تغییری نکرده بود در حالی که ۱۲۷ سال از فوت ایشان می گذشت.

بیدآبادی، مهدی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند سید محمد علی بن سید محمد باقر حجة الاسلام.

عالم فاضل محقق، مؤلف کتابی است به نام «غرقاب» در رجال که در سال ۱۳۰۳ شروع به تألیف آن نموده و تا سال ۱۳۰۹ تألیف آن به طول انجامید.

نسخه‌ای از آن در کتابخانه مرحوم اقبال آشتیانی بوده است. تولد او در ۱۲۷۸ روی داده است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بیرام شیرازی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۰ - ۱۲۶۶ ش)، مورخ، نویسنده و باستانشناس. وی در شیراز به دنیا آمد. پدرانش همگی اهل دانش بودند. پس از تحصیل مقدمات در خدمت شیخ علی ناجی، سید علی یزدی، سید محمد مدرس یزدی و حاج سید ابوطالب مجتهد شیرازی علوم متداول عربی و فارسی را آموخت. وی بسیاری از علوم عصر خود را به وسیله مطالعه کتابهای تاریخ- جغرافی و باستانشناسی فراگرفت و به تحقیق در زمینه‌ی تاریخ ایران پرداخت. شغل او همواره زراعت بود و کشاورزی را بر تمامی مشاغل حتی استادی دانشگاه ترجیح می داد. از آثار وی: «تاریخ مفصل و جامع ایران از بدو پیدایش تا انقراض سلسله‌ی قاجاریه» از این کتاب حدود یکصد صفحه در دست است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۱۶-۵۱۵/۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۴۳/۲).

بیرجندی، علی اصغر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۲۰ - ۱۳۱۰ ق)، مفسر و مدرس. وی از بزرگان و سرآمدان علوم دینی در سده‌ی سیزدهم و اوایل چهاردهم هجری قمری بود و همچنین از مشایخ و استادان حاج محمد باقر بیرجندی. از وی تفسیری دو جلدی به نام «التفسیر بالمأثور» به جای مانده که نظیر «تفسیر البرهان» سید هاشم بحرانی است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۶۵/۴)، ریحانه (۳۰۵/۱).

بیرجندی، غلامرضا

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(شهادت ۱۲۷۰ ق)، عالم و فقیه. در توابع بیرجند به دنیا آمد. در جوانی در خراسان به تحصیل پرداخت و سپس به اصفهان رفت و در آنجا تحصیلاتش را تکمیل کرد. پس از مدتی به بیرجند رفت و با استقبال عمومی مواجه گشت و عهده‌دار مقام مرجعیت منطقه و رهبری و تدریس و قضا و فتوا شد. در فتنه‌ی بایگری او و علامه سید ابوطالب بیرجندی به مقابله برخاستند. در همان اوقات یکی از بایبان در شیری که او می‌خواست بیاشامد زهر ریخت و او را شهید کرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: شهیدان راه فضیلت (۴۸۱ - ۴۸۰).

بیرجندی، محمد باقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۲ - ۱۲۷۶ ق)، عالم دینی، مجتهد و شاعر، متخلص به صافی، و صافی قاینی. در قریه‌ی گازار بیرجند متولد شد. تحصیلات خود را در قاین، مشهد و نجف به پایان برد و از حوزه‌های درسی استادانی چون میرزا علی رضا مدرس سبزواری، حاج میرزا هدایت الله مجتهد ابهری و حاج شیخ محمد تقی بجنوردی و سید مرتضی یزدی قاینی و حاج میرزا حبیب الله رشتی و فاضل ایروانی و حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی و سرانجام میرزای شیرازی بهره گرفت. وی پس از کسب اجازه‌ی اجتهاد و روایت به بیرجند مراجعت کرد. در بیرجند با آخوند ملا ابراهیم حنفی از افاضل اهل سنت در مسأله‌ی امامت مباحثه کرد و این جلسات سبب شهرت

وی شد. او از مشایخ اجازه‌ی آیت الله مرعشی نجفی بود. محمد باقر بیرجندی در بیرجند وفات کرد. از آثار وی: «اکفاء المکائد و اصلاح المفسد»؛ «زهر الرياض»؛ «فصل الخطاب»؛ «وثیقه الفقهاء»؛ در شرح «الارشاد»؛ «نور المعرفه»؛ در عقاید؛ «رساله رجبیه»؛ «ایضاح الطریق»؛ «فوائد الطوسیه»؛ در رجال؛ «وقایع الایام»؛ «کبریت الاحمر»؛ «عوائد الغرویه»؛ «فاکئه الذاکرین»؛ «ذخیره المعاد»؛ «ازاحه الریبه»؛ «مفتاح الفردوس»؛ در مواعظ و اخلاق. [۱]

حاج شیخ محمد باقر مجتهد بیرجندی اعلی الله مقامه الشریف، از معاریف علماء اعلام و فقهاء اسلام بود که صیت فقاہتش در اقطار و بلدان پیچیده و مقام درایتش در علوم اسلامی بهمه جا رسیده بود مصنفات و مؤلفات ایشان مطبوع خواص و عوام و محررات ایشان مورد توجه فضلاء عظام است. تبحرش در فقه برتبه‌ای بود که میفرمود از برای من میسر است بدون مراجعه به کتب مهمات فقه را از طهارت تادیات با اشاره بفتاوی معظم فقهاء در هر مسئله بنویسم.

در وقوف بر اقوایل ارباب ملل و نحل و کتب مذاهب عالمی بی‌بدیل بود پیوسته در مسائل دینی طائفه شیعه و فرقه حنفیه بایشان رجوع داشتند و در مرقومات دولتی هرات از آن جناب بمفتی الفریقین تعبیر میشد و نماز جمعه را در زمان غیبت واجب میدانست بوجهی که ترک نمیمود و غالباً بتدریس فقه و اصول و مطالعه کتب معقول و منقول و اقامه جمعه و جماعت و موعظه و جواب مسائل حلال و حرام عمر عزیز خود را گذرانید.

مؤلفات و مصنفات عدیده برشته تألیف و تصنیف آورد که از آنجمله است:

(نورالمعرفه) در معارف خمسه و در آن جمع کرده است مابین اخبار وارده از ائمه

۱- کتاب معصومین و کلمات محققین از حکماء و متکلمین

۲- کتاب صمصام مهدوی در رد رساله شمس‌الدین هروی در اثبات عقاید شیعه و رد عامه بهترین کتابیست که تألیف شده.

۳- کتاب اکفاء المکائد در رد عقاید باطله بعضی از مشایخ صوفیه.

۴- کتاب زهرالریاض حواشی بر ریاض فقه است.

۵- کتاب فصل الخطاب در اثبات نبوت خاصه از کتاب سماویه.

۶- ذخیره المعاد جامع طرق و اجازات.

۷- کتاب بغیه الطالب در اثبات وجود امام غایب علیه السلام.

۸- رساله رجبیه شرح زیارت رجبیه مشاهد مقدسه.

۹- کتاب وثیقه الفقهاء در فقه استدلالی بر طریقه مدارک، عبادات آن تمام است.

۱۰- فوائد الکاظمیه در علم رجال.

۱۱- کتاب ایضاح الطریق در محاکمه بین اصولیین و اخباریین از فقها.

۱۲- فوائد الطوسیه در علوم رجال.

۱۳- عوائد الغرویه در شرح فوائد الغرویه مرحوم آقا سید ابوطالب قاینی در علم درایه الحدیث.

۱۴- کتاب ازاحه الریبه در وجوب صلوه الجمعه فی زمن الغیبه.

۱۵- نصح الاستغاثه در حرمت افیون و شراب و حشیش که از آن بملاعین ثلاثه تعبیر فرموده.

۱۶- کتاب کبریت الاحمر فی شرایط المنبر در سه مجلد که یکی از آنها بنام مکین الاساس در احوال حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام.

۱۷- کتاب مفتاح الفردوس در اخبار فضائل و مصائب ائمه طاهرین بر نهج کبریت الاحمر.

۱۸- وقایع الایام.

۱۹- فاکهه الذاکرین در ادعیه و زیارات.

۲۰- رساله‌ای در سیر و سلوک.

۲۱- سفینه‌القماش حاوی لطائف بسیار نظیر کشکول شیخنا البهائی و غیر از اینها و از این کتب هفت مجلد بطبع رسیده بقیه مخطوط مانده است.

مرحوم آیه‌الله بیرجندی طبعی روان و ذوقی فراوان داشته و بصافی تخلص مینموده و حدود دو هزار بیت از اشعار ایشان جمع‌آوری شده ولی بطبع نرسیده است.

آن جناب در سال ۱۲۷۶ ق در بیرجند متولد و در ۱۲ سالگی در تحت تربیت برادر بزرگش حاج ملا محمد علی برای تحصیل بقاین رفته و در مدرسه جعفریه مشغول تحصیل شده و در آنوقت چنان اتفاق افتاد که مرحوم خانلرخان اعتصام‌الملک که از برای تعدیل مالیات قاینات و سیستان از طرف دولت مأمور بود بمدرسه‌ی قائن رفته و از فضلاء و طلاب مدرسه سئوالاتی کرده و جماعت فضلاء از جواب عاجز مشارالیه با صغر سن از عهده‌ی جواب برآمده و جوابهای شافی و کافی داد که مرحوم خانلرخان ایشان را اعزاز بمشهد مقدس نموده و در اثر مساعدت آن مرحوم در مدرسه میرزا جعفر در مدرس مرحوم شیخ‌الرئیس شاهزاده ابوالحسن میرزای قاجار ساکن گردید و چند سالی در آنجا اقامت داشت تا از سطوح فقه و اصول فراغت یافت و در خلال این احوال بدرس حکمت و معقول مرحوم میرزا علی رضا مدرس سبزواری نیز حاضر و امور عامه و طبیعیات و الهیات نزد آن مرحوم تلمذ کرده و نیز از محضر مرحوم حاج میرزا هدایت‌الله مجتهد ابهری و مدرس معروف خراسان استفاده نموده و آن مرحوم مکرر میفرمود که من فقط درس را از برای ایشان میگویم زیرا که شیخ بهائی در عالم خواب توصیه او را بمن فرمود، پس از مشهد مهاجرت بنجف اشرف نموده و بدرس مرحوم حاج میرزا حبیب‌الله رشتی و ملا محمد ایروانی و حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی حاضر شده و بعد منتقل بسر من رای گردیده و بدرس مرحوم آیه‌الله العظمی میرزای شیرازی شرکت نموده و علم حدیث را از مرحوم حاج میرزا حسین نوری تکمیل کرده و در سال ۱۳۰۵ ق بعد از تشرف بمکه معظمه بایران مراجعت و در شهر بیرجند اقامت و تأهل اختیار کرده و در اوائل ورودش در مجلس امیر علم خان حکومت وقت با آخوند ملا ابراهیم حنفی که از افاضل نامی اهل سنت بوده در مسئله امامت و دیگر مسائل خلافیه مذهبی در جلسات عدیده مباحثه کرده و در تمام جلسات غلبه و پیروزی با ایشان بوده و این خود وسیله شهرت مقامات علمی ایشان گردیده و در آن شهرستان بوظائف دینی و روحانی قیام نموده تا در سال ۱۳۵۲ ق در شب جمعه ۱۴ ذی‌الحجه الحرام در وقت سحر داعی حق را اجابت گفته و در تشییع جنازه ایشان تجلیلی بعمل آمد که نظیر آن کمتر دیده شده است.

مقارن فوت ایشان کرامات عدیده بظهور پیوست و منامات عدیده دیده شد که بالجمله کاشف از علو- مقام و درجات اوست. معظم‌له از آیات عظام نجف چون حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی و حاج میرزا حسین نوری و آیه‌الله صدر اصفهانی و آیه‌الله سید حسن صدر کاظمینی و دیگر اعلام اجارات جامع اجتهاد و روایتی دارند.

نگارنده این سطور هم بیک واسطه از آن جناب اجازه دارم اعلی‌الله مقامه و رفع‌الله درجاته.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان الشیعه (۱۸۱/۹)، بهارستان آیتی (۳۱۸- ۳۰۵)، الذریعه (۱۲۷/۲۵، ۳۷۷/۲۴، ۹۷/۱۶، ۵۹/۳)، ریحانه (۳۰۴/۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۴۵، ۱۴۴/۲)، علماء معاصرین (۱۶۸- ۱۶۶)، فرهنگ سخنوران (۵۴۱)، فوائد الرضویه (۴۱۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۶۶- ۲۶۳/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹- ۴۸/۲)، معجم المؤلفین (۹۳- ۹۲/۹)، مکارم الآثار (۲۱۰۴/۶).

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۹۳۴ ق)، ریاضیدان، منجم و محدث، حنفی. معروف به فاضل بیرجندی. خواندمیر وی را جامع اصناف علوم محسوس و معقول و حاوی انواع مسایل فروع و اصول در علم نجوم و حکمیات می‌داند. وی ریاضی و حکمت را نزد منصور بن معین‌الدین کاشانی و علم حدیث را نزد خواجه حافظ غیاث آموخت، و از استادانی چون کمال‌الدین شیخ حسین القنوی، سیف‌الدین احمد بن سعدالدین مسعود تفتازانی و کمال‌الدین مسعود شروانی بهره برد. تاریخ وفات او «در تاریخ نظم و نثر» و «کشف الظنون» سال ۹۱۱ ق نوشته شده است. برخی از آثار وی: «شرح الفوائد البهائیه» عمادالدین بغدادی، در حساب؛ «شرح شمسیه فی الحساب»؛ «شرح بیست باب در معرفت اسطرلاب»؛ «رساله تشریح در پرگار»؛ «شرح تحریر مجسطی»؛ «شرح زیج الغیگ»؛ «شرح زبده الاصول»؛ «شرح تذکره خواجه نصیرالدین طوسی»، در هیئت؛ «شرح النقایه» مختصر «الوقایه»؛ رساله «الابعاد و الاجرام»؛ «بیست باب»، در معرفت تقویم.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۰/۸)، بهارستان آیتی (۲۰۷-۲۰۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۷-۳۴۴/۵)، تاریخ نجوم اسلامی (۲۷۶، ۴۱)، تاریخ نظم و نثر (۸۰۷-۸۰۶، ۳۸۵-۳۸۴، ۲۸۳)، حیب السیر (۶۱۶، ۶۱۵/۴)، دایرةالمعارف فارسی (۴۸۶/۱)، الذریعه (۲۵۶/۲۵، ۲۱۶/۲۰، ۵۵/۱۳، ۲۷/۴، ۱۸۸/۳، ۷۱/۱)، ریحانه (۳۰۴/۱)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۱۷۵-۱۷۳)، کشف الظنون (۱۹۷۱)، ۱۸۲۶، ۱۲۹۶، ۳۹۲، ۴۱)، الکنی و الالقاب (۱۱۲/۲)، لغت‌نامه (ذیل / بیرجندی)، مؤلفین کتب چاپی (۸۸۹/۳)، معجم المؤلفین (۲۶۶/۵)، هدیه الاحباب (۱۱۰)، هدیه العارفین (۵۸۶/۱).

بیرشک، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد بیرشک، فرزند محمد در سال ۱۲۸۵ در تهران زاده شد. تحصیلات اولیه را نزد پدر خویش فراگرفت، سپس در سال ۱۲۹۶ به مشهد عزیمت کرد و در مدرسه احمدیه مشغول تحصیل شد. در سال ۱۳۰۰ به تهران آمد و در مدرسه آلیانس فرانسه به تحصیل ادامه داد و فرانسه را به نیکی فراگرفت و از همان ابتدا به ترجمه کتاب‌های فرانسوی مشغول شد. پس از فراغت از تحصیل مدتی رئیس اداره استخدام شهرستان‌ها در کارگزینی وزارت فرهنگ و مدتی رئیس کارگزینی دانشگاه و بانی و معلم گروه فرهنگی هدف بود. استاد بیرشک تاکنون کارهای تحقیقاتی و فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است و آثار او در دسترس عموم قرار دارد. از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۱ مسئولیت زندگینامه علمی دانشوران در شرکت انتشارات علمی و فرهنگی به عهده ایشان بود. سپس به کار ویراستاری کتابهای دانشگاهی و غیردانشگاهی پرداخت، در حال حاضر نیز رئیس بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی است. کتاب "زندگینامه علمی دانشوران" ترجمه احمد بیرشک، در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: نویسندگی

والدین و انساب: احمد بیرشک فرزند محمد می‌باشد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: دوران تحصیل و کودکی احمد بیرشک به دلیل ماموریت‌های پی در پی پدر، دوران پرتلاطمی در زندگی او بوده است. به همین دلیل تحصیلات مقدماتی ایشان پیوسته و منظم نبود.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: احمد بیرشک در ۷ الی ۸ سالگی نزد پدر خود به آموختن زبان فارسی از کتاب گلستان فارسی و پس از آن زبان فرانسوی پرداخت. در ۱۲۹۶ به مشهد رفته و در مدرسه احمدیه این شهر مشغول تحصیل شد و پس از گذشت سه ماه بنا به تشخیص مدیر مدرسه (میرزا حسین خانزاده) از کلاس چهارم به کلاس پنجم ارتقاء یافت. مرحله دوم تحصیلات ایشان به سال ۱۳۰۰ آن هم در مدرسه آلیانس فرانسه تهران بود، لیکن مجدداً به علت نبوغ و استعداد وافر پس از گذراندن یک دوره امتحانات، بنا به تشخیص «مسیو مرل» مدیر مدرسه به کلاس ششم و مجدداً دو الی سه ماه پس از آن به کلاس سوم و دوم یعنی کلاس ماقبل آخر ارتقاء یافت. استاد در سال ۱۳۰۶ به تهران بازگشت. در این سال وی تحصیل در کلاس سوم متوسطه را با موفقیت به پایان برد و بلافاصله در تابستان ۱۳۰۷ شخصاً اقدام به مطالعه کتاب‌های کلاس چهارم و در پایان همان سال توفیق ورود به کلاس پنجم را پیدا نمود. سال پنجم تحصیل استاد در مدرسه شرف بود که مجدداً در تابستان کلاس ششم را خواند. استاد بیرشک پس از پایان دوره متوسطه، در مهر ۱۳۰۸ وارد دارالمعلمین شد و در رشته ریاضیات تحصیلات خود را ادامه داد. در سالهای ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ چند ماه در انگلستان و آمریکا به مطالعه در روشهای آموزش و پرورش گذراند.

خاطرات و وقایع تحصیل: احمد بیرشک یاد می‌کند از روزی که زبان فرانسه را تازه آموخته بود، او می‌گوید: «در همان سال‌های ۱۲۹۲-۱۲۹۳، آنوقت‌ها چند تا لغت یاد گرفته بودم گوشه طاقچه کتاب فرانسه‌ای بود که تصمیم گرفتم آن را ترجمه کنم. رفتم کتاب را آوردم و شروع کردم به ترجمه چهار، پنج سطر اولش. در سطر دوم از «کور سوپریور» (بالترین کلاس) صحبت می‌کرد. من می‌دانستم که «کور» با املاء دیگر یعنی حیاط، «سوپریور» هم یعنی عالی، بنابراین ترجمه کردم: حیاط عالی. البته بعد از اینکه سه، چهار سطر جلو رفتم متوقف شدم. نکته جالب اینکه من در چنین سنی تصمیم داشتم کتاب ترجمه کنم.» احمد بیرشک به دلیل هوش و استعداد قابل توجهش، بعضی از کلاس‌ها را جهشی و به سرعت طی نمود. بیرشک از دوره ابتدایی خود چنین تعریف می‌کند: «بعد از اینکه سه ماه در کلاس چهارم بودم به پدرم گفتم: آقا جان این کلاس برای من کم است، من اینهایی را که می‌گویند می‌دانم. شب که آقای مدیر به خانه ما آمد پدرم گفت: آقای مدیر! احمد خان می‌گوید این کلاس برای من کم است. [آقای مدیر] گفت: خوب امتحانش می‌کنیم، اگر بلد بود می‌بریم کلاس پنجم. بنابراین بعد از سه چهار ماه از کلاس چهارم به کلاس پنجم رفتم.» بیرشک دوره تحصیل در مدرسه آلیانس را نیز به همین ترتیب طی نمود. او در این مدرسه از «مسیو مرل» مدیر مدرسه که فرد بداخلاقی بود تقاضا نمود وی را از کلاس هفتم به کلاس ششم منتقل نماید، مسیو مرل از جسارت بیرشک در بیان خواسته خود خوشش آمد و از طریق آزمون، او را به کلاس ششم ارتقاء داد. این روال در دوره‌های بعدی یعنی پنجم، چهارم، سوم و دوم که کلاس‌های ماقبل آخر بودند برای او تکرار شد. سال تحصیلی ۱۳۰۶-۱۳۰۷ برای بیرشک سال بسیار سختی بود، زیرا از ثبت نام در مقطع متوسطه بازمانده بود؛ او تنها امید خود را در ثبت نام در مدرسه شرف می‌دید، به محض مراجعه به آن مدرسه با جواب منفی مدیر مدرسه مواجه شد، اما اصرار او باعث شد که مدیر نام او را بپرسد، بیرشک پس از معرفی نمودن خود توانست مدیر را قانع نماید و بدین ترتیب در آن مدرسه ادامه تحصیل داد. اینکه چرا مدیر مدرسه با شنیدن نام بیرشک، که به قول او یک «آدم دهاتی» بود از او ثبت نام نمود معمایی بود که بیرشک بعدها به آن پی برد. استاد در این باره می‌گوید: «... در آن ایام در سال سوم، دبیرستان‌های تهران به دنبال این بودند که شاگرد اول تحویل بدهند، مرحوم ذوقی و مرحوم مهران هم برای خاطر دانش‌آموزی به نام عبدالرسول دبیر که می‌خواستند شاگرد اول مدرسه‌شان بشود، دنبال این امتحانات بودند و اسامی شاگرد اول‌ها

را شناسایی می‌کردند، من هم که کاری نداشتم به این کارها آمده و امتحان داده بودم، نه کسی بود که حامی من باشد و نه من احتیاج به حمایت داشتم، بعد اینها رفته بودند و دیده بودند که عبدالرسول دبیر با معدل ۱۵/۸۷ شاگرد اول شده، ولی دو تا ۱۵/۸۷ هست: یکی عبدالرسول دبیر و یکی هم کسی به نام احمد بیرشک؛ این را به خاطر سپرده بودند. این بود که گره از کار بنده گشوده شد...». در مقطع تحصیلی دانشسرای عالی، معلمی به نام «کابریل یارنیر»، به آنها مکانیک درس می‌داد؛ این شخص به دلیل آنکه از نظر علمی در سطح پایینی قرار داشت، شیوه تدریس را رعایت نمی‌نمود و گاه در درس ریاضی، فیزیک تدریس می‌کرد. استاد بیرشک از این کلاس خاطره‌ای به یاد دارد که بسیار شنیدنی است: «یک روز من قطعه کاغذی را روی میز گذاشتم و روی آن محاوره بین دو دانشجو را نگاهشتم: - آیا اینکه به ما تعلیم می‌شود ریاضی است؟ - نه، مسلماً فیزیک است. - اما ما که دانشجوی ریاضی هستیم! - بله، اما استاد ما خیلی فیزیکدان است.» معلم کاغذ را از بیرشک گرفت و بلافاصله شروع به تدریس ریاضی نمود، در امتحان سال آخر با مشخص شدن نتایج، بیرشک متوجه شد که نفر دوم کلاس شده است، زیرا نمره ریاضی هشترومی ۲۰ شده بود و نمره او ۱۴. بیرشک وقتی دلیل امر را از معلم ریاضی خود پرسید، او در جواب گفت: «آیا موضوع کاغذ را فراموش کرده‌اید؟»، و از جیب خود یادداشت بیرشک را بیرون آورد، بعدها «یارنیر» مشوق خوبی برای بیرشک گردید و او را تشویق به ادامه تحصیل در فرانسه نمود، او حتی پیشنهاد داد در صورت موافقت بیرشک، او را به وزیر آموزش و پرورش فرانسه و رئیس دارالمعلمین عالی (اکول تورمال) معرفی خواهد کرد، اما این امر میسر نگردید.

فعالتهای ضمن تحصیل: احمد بیرشک قبل از آغاز تحصیل در کلاس سوم متوسطه همواره به مطالعه می‌پرداخت، استاد خود در این باره چنین می‌گوید: «سرمایه بنده از نظر کتاب عبارت بود از یک «دیکسیونر پتی لاروس»، یک کتاب حساب «بازنان» که کتاب بسیار خوبی بود، یک گرامر «کلودوزه» جلد سوم و کتاب معلم ایشان. بعد هم رفتم به یک کتابفروشی روبروی محلی که الآن شهر و روستاست. در خیابان فردوسی، کتابفروشی مادام پازننود، کتابفروشی فرانسوی. رفتم آنجا دو کتاب داستان خریدم و با این «زرادخانه» مهم! تو سر خودم می‌زدم و تو سر این کتاب‌ها، یعنی طلبه‌وار درس می‌خواندم، مطلب مشکل بود ولی آن قدر می‌خواندم تا بفهمم.»

استادان و مربیان: احمد بیرشک در مورد آموزش‌های دوران کودکی خود چنین می‌گوید: «تحصیلاتم خیلی مرتب نبوده است. اولین و بزرگترین معلم من پدرم بود. او مرد خودساخته‌ای بود و فرزندانش را هم ساخت...» مدیر مدرسه ابتدایی استاد، یعنی آقای میرزا عبدالحسین خان (بعدها سلطانزاده) نیز در ارتقاء وی نقش به‌سزایی داشته است. تحصیلات ابتدایی و متوسطه استاد بیرشک معمولاً به صورت خودآموزی و هر سه ماه یک کلاس بوده است، اما در دوره‌های کوتاه مدت از کلاس معلمانی بهره گرفته است که از میان آنان می‌توان از افراد زیر نام برد: شیخ ابوالقاسم محمودی در دبستان محمدیه مشهد، بدیع الزمان فروزانفر معلم فارسی کلاس پنجم دبیرستان، شیخ علی اکبر خدابنده (جانشین بدیع الزمان فروزانفر)، میرزا حسن خان مشاور (جانشین شیخ علی اکبر خدابنده، وی پیشکار ولیعهد در سوئیس شد)، سیدمصطفی خان طباطبایی (تحصیل کرده آلمان و پسر سیدمحمد طباطبایی از رهبران مشروطه)، معلم شیمی مصور الممالک، نقاش معروف، موسیو بونو معلم ادبیات فرانسه، موسیو پاریه معلم فیزیک (او در سفر بیرجند کشته شد. استاد در رثای او مقاله‌ای به زبان فرانسوی نوشت که در ستاره جهانی چاپ شد، ۱۳۰۸)، حبیب الله مظفری معلم فرانسه. بیرشک در مورد استادان خود در دانشسرای عالی چنین می‌گوید: «استادانم در دانشسرای عالی عبارت بودند از شادروانان غلامحسین رهنما، دکتر شفق، فروزانفر، دکتر لویی لونگ، گابریل یارنیر، استادان ریاضی و ژان اتیه استاد زبان... دکتر لونگ در سه سال دانشسرای عالی، استاد شاخه‌های مختلف ریاضی بود. در نیمه دوم سال آخر گابریل یارنیر برای معلمی مکانیک استخدام شد. ... باری آقای یارنیر بسیار خوش هیكل، شیک، خوش لباس، حراف و زبان‌باز بود، اما در قسمت علمی چندان پرمایه نبود. در درس ریاضی اغلب به فیزیک گریز می‌زد و وقتی ایراد می‌گرفتیم می‌گفت: من خیلی فیزیکدان هستم.»

هم دوره ای ها و همکاران : از همدوره‌ای‌های تحصیل احمد بیرشک می‌توان غلامحسین صدیقی را نام برد. وی در سال ۱۳۰۱ در کلاس چهارم مدرسه آلیانس فرانسه با وی آشنا گردید. وی همچنین در سه سال دانشسرای عالی با محسن هشتودی نیز همکلاس بود.

همسر و فرزندان : احمد بیرشک در سال ۱۳۱۶ با دختر آقای فرزاد ازدواج نمود. اولین فرزند استاد، یعنی خانم دکتر گیتی بیرشک در ۲۷ خرداد ماه ۱۳۱۸ متولد شد. خانم دکتر مهشید بیرشک فرزند دوم ایشان در ۱۹ فروردین ۱۳۲۲ متولد گردیدند، و آخرین فرزند استاد، دکتر بهروز بیرشک در ۱۹ فروردین ۱۳۲۷ به دنیا آمد.

وقایع میانسالی : با توجه به آنکه تجربه تاسیس مدارس به صورت فردی تجربه خوبی دربرداشت، احمد بیرشک تصمیم به تاسیس مدارس نمود که به فرد متکی نباشد، انجام این کار مقارن بود با دوره رضا شاه؛ او را به شهربانی احضار کردند و در آنجا سرهنگ پارسا، رئیس اداره اماکن پس از بازرسی او را از انجام این کار برحذر داشت. این مسئله دو سه بار تکرار شد.

زمان و علت فوت : احمد بیرشک سرانجام در عصر روز چهارشنبه ۱۴ فروردین سال ۱۳۸۱ در سن ۹۵ سالگی چشم از جهان فرو بست.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد بیرشک در ۱۶ بهمن ۱۳۱۲ به خدمت وزارت «معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه» درآمد و به همین منظور برای تدریس ریاضی، فیزیک، علوم طبیعی و زبان از کلاس اول تا ششم متوسطه به ساری اعزام گردید. وی در این زمان مسئولیت امتحانات را نیز به عهده داشت. بیرشک با توصیه حسن فرزان رئیس کل کارگزینی وزارت معارف، به سمت ریاست استخدام شهرستان‌ها منصوب گردید و از همین سال (۱۳۱۴) تا سال ۱۳۲۰ به عنوان مدیر سوم در مدیریت «جامعه لیسانسیه‌های دارالمعلمین عالی» به فعالیت پرداخت. در سال ۱۳۲۰ نیابت انجمن مدارس ایران به استاد بیرشک واگذار گردید، و در سال بعد با استقلال دانشگاه تهران، با اقدام دکتر سیاسی - وزیر معارف و رئیس دانشگاه تهران - به دانشگاه تهران منتقل و ریاست کارگزینی آنجا را به عهده گرفت. در سال ۱۳۲۷ گروه فرهنگی هدف تاسیس و ریاست هیئت مدیره و مدیر عامل این مؤسسه گردید. با تعطیل شدن مدارس ملی در سال ۱۳۳۸ بیرشک «انجمن ملی مدارس هماهنگ» را با عضویت گروه‌های فرهنگی هدف، خوارزمی، آرامنه، زرتشیان تاسیس و خود ریاست آن را تا سال ۱۳۵۸ به عهده گرفت. بیرشک قبل از بازنشستگی در زمان وزارت دکتر خانلری (۱۳۴۱) معاونت وزارت فرهنگ را عهده‌دار بود، اما بعد از مدتی از این مقام استعفاء داد و در اواخر اردیبهشت ۱۳۴۲ بازنشسته شد. وی هجده ماه مسئولیت دانشنامه ایران و اسلام را در بنگاه ترجمه و نشر کتاب (سابق) برعهده داشت. از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۱ مسئولیت زندگینامه علمی دانشوران در شرکت انتشارات علمی و فرهنگی به عهده ایشان بود. سپس به کار ویراستاری کتابهای دانشگاهی و غیردانشگاهی پرداخت، در حال حاضر نیز رئیس بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی است.

فعالیت‌های آموزشی : احمد بیرشک خدمات آموزشی را از سال ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۷ در مدرسه آلیانس تهران آغاز کرد، متعاقباً در ساری و مشهد مشغول تدریس شد. ریاست استخدام شهرستان‌ها در اداره آموزش و پرورش و تدریس در دبیرستان‌های سن لویی، معرفت و دارالفنون و تدریس در دانشکده هنرهای زیبا در رشته معماری و تدریس در دانشسرای عالی از دیگر خدمات ایشان است که می‌توان به آن اشاره کرد.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می‌آید : از فعالیت‌های فرهنگی احمد بیرشک تاسیس مدارس علمی بوده است. دلیل عمده تشکیل چنین مدارسی توسط استاد این بود که مدارسی مانند اقدسیه، تمدن، تدین، اسلام و ... کوتاه زمانی پس از تشکیل منحل می‌شدند. استاد که از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۰ رئیس جامعه لیسانسیه‌های دانشسرای عالی بود، در سال ۱۳۱۵ فکر خود را با تنی چند از دوستان عضو جامعه یادشده در میان گذاشت و چون آن فکر را تایید کردند به منظور از قوه به فعل درآمدن فکر، نامه‌هایی برای تعداد زیادی از اعضای جامعه تهیه کرد که به چاپ رسید و به صورت بخشنامه برای آنان فرستاده شد، تا نیروهای خود را متمرکز

سازند و یک تربیتی نو آغاز کنند. گروه فرهنگی «هدف» ثمره این زحمات بود. مؤسسان گروه مصمم شدند افرادی در گروه پذیرفته شوند که با منظور اساسی یعنی خدمت از راه تعلیم در تربیت و بی‌علاقگی به جنبه مادی، موافق باشند و از طرف اکثریت اعضای موجود شناخته شده باشند؛ لذا در سال ۱۳۲۰ اولین دبیرستان را دایر و در سال ۱۳۳۴ دومین دبیرستان و به همین منوال گروه فرهنگی هدف توسعه پیدا کرد به گونه‌ای که در سال ۱۳۵۳ این گروه دارای ۱۳ مدرسه و ۱۵ هزار دانش‌آموز بود. حدود ۱۲ سال از تشکیل گروه فرهنگی هدف گذشته بود که مدارس ملی دیگری هم یکی پس از دیگری شروع به فعالیت کردند. پیرو این موفقیت‌ها استاد بیرشک همراه با گروهی از همفکران خود اقدام به تاسیس «انجمن ملی مدارس هماهنگ» کردند. هدف از تشکیل چنین انجمنی ارتقاء سطح معلومات دانش‌آموزان و تبادل تجربیات علمی و تعیین یک سلسله معیارها و استانداردهایی بود که می‌بایست هر مدرسه‌ای که بخواهد عضو این انجمن شود تلاش کند به این معیارها برسد و این راهی بود که سرانجام موجبات ارتقاء سطح تعلیم و تربیت را موجب می‌شد.

آرا و گرایشهای خاص: دیدگاه احمد بیرشک در خصوص تالیف و تدوین کتاب دیدگاهی است ساده و روان. او می‌گوید: «من علاقه‌مندم که کتاب‌های خودآموز بنویسم تا جوان‌ها به مطالعه تشویق شوند. باید ساده نوشت، درست نوشت، جذاب نوشت. برای اینکه الگوی کتاب ساده را به مؤلفان نشان دهم خودم تصمیم گرفتم بخش اخترشناسی کتاب خودآموز فیزیک را بنویسم.» لازم به ذکر است که احمد بیرشک از پایه‌گذاران آموزش نوین در ایران می‌باشد.

جوایز و نشانها: کتاب "زندگینامه علمی دانشوران" ترجمه احمد بیرشک، در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. وی در فروردین ۱۳۸۱ نشان دولتی درجه یک دانش را از دفتر ریاست جمهوری دریافت نمود.

چگونگی عرضه آثار: بیرشک تاکنون بیش از ۱۱۰ کتاب که برخی از آنها با همکاری دیگران بوده تألیف و ترجمه کرده است.

آثار:

- ۱ ۳۸ جلد از مجموعه ریاضیات دبیرستانی هدف و مجموعه خرد
- ۲ آثار اصلی ریاضیدان‌های بزرگ یونان
- ۳ اصول مناظره مرايا: پرسپکتیو
- ۴ اقتصاد آموزش و پرورش در عصر پهلوی
- ۵ تاریخ مدارس
- ۶ ترجمه رهبر علم نوشته ایزاک عاصم اوف
- ۷ ترجمه سلطنت قباد و ظهور مزدک نوشته آرتور کریستین سن
- ۸ ترجمه شناخت ژاپن نوشته جون لیو ینگستون و دیگران
- ۹ ترجمه علم قدیم و تمدن جدید نوشته جورج ساتن
- ۱۰ ترجمه علم و زندگی نوشته الس ورت س. اوبورن و دیگران
- ۱۱ ترجمه فرض و اسطوره در فیزیک نظری نوشته هرمان باندی
- ویژگی اثر: این ترجمه با همکاری رضا منصوری می‌باشد.
- ۱۲ ترجمه فرهنگ علم نوشته ئی بی. اوواروف، آیزاکس
- ویژگی اثر: این ترجمه با همکاری ابوالقاسم قلمسیاده انجام شده.

- ۱۳ ترجمه فرهنگ و اندیشه نو، نوشته الیور استالی براس، آلن بلوک
- ۱۴ ترجمه فلسفه ریاضی نوشته استیفن سی. پارکر
- ۱۵ ترجمه کتاب سرگذشت علم، نوشته جورج سارتن
- ۱۶ ترجمه کتاب آموزش در جریان پیشرفت، نوشته پائولو فریره
- ۱۷ ترجمه کتاب آموزش ستم‌دیدگان، نوشته پائولو فریره
- ویژگی اثر: این کتاب توسط احمد بیرشک و سیف الله داد ترجمه گردید.
- ۱۸ ترجمه کتاب آنا‌بایسیس، نوشته گزنفون
- ۱۹ ترجمه کتاب آنیشتاین، نوشته جرمی برنشتاین
- ۲۰ ترجمه کتاب پرسش و پاسخ از کتاب دانش
- ویژگی اثر: این کتاب توسط هادی خراسانی و احمد بیرشک ترجمه گردید.
- ۲۱ ترجمه کتاب پهلوان شیرافکن یا تاتارن تاراسکنی، نوشته آلفونس دوده
- ۲۲ ترجمه کتاب تاریخ آفریقا، نوشته جی. کی. زربور
- ویژگی اثر: این کتاب توسط احمد بیرشک و مرتضی ثاقب ترجمه گردید.
- ۲۳ ترجمه کتاب جهان و اینشتاین، نوشته لینکلن بارنت
- ۲۴ ترجمه کتاب جهان، تالیف جمعی از مؤلفان
- ۲۵ ترجمه کتاب رهبر علم، نوشته آیزاک آسیموف
- ۲۶ ترجمه کتاب ریاضیات نوین، نوشته سربرژمان، رنه بزار
- ۲۷ ترجمه کتاب سرگردان‌های زیر دریا، نوشته کاپیتان دانری، دکومانمان دیریان
- ۲۸ ترجمه کتاب مردی که طلا می‌سازد نوشته کنان دوایل
- ۲۹ ترجمه کتاب‌هایی که دنیا را تغییر دادند، نوشته روبرت پژدونز
- ۳۰ ترجمه کمون پاریس نوشته لئوتروتسکی
- ۳۱ ترجمه میراث ایران نوشته سیزده تن از خاورشناسان
- ۳۲ ترجمه هندسه لیاچفسکتی نوشته اسمو گوژفسکی
- ویژگی اثر: ترجمه از روسی به انگلیسی و کیسین، ترجمه از انگلیسی به فارسی می‌باشد.
- ۳۳ ترجمه هندسه ناقلیدسی نوشته هارولد اولف
- ۳۴ ترجمه یک، دو، سه بینهایت نوشته ژرژ گاموف
- ۳۵ جبر برای پنجم طبیعی
- ۳۶ جبر برای سال پنجم ادبی
- ۳۷ جبر برای سال چهارم طبیعی
- ۳۸ جبر برای سال چهارم طبیعی
- ویژگی اثر: تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
- ۳۹ جبر برای سال دوم دبیرستان
- ۴۰ جبر برای سال دوم دبیرستان‌ها

- ویژگی اثر: تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
- ۴۱ جبر برای سال دوم دبیرستان ها
- ویژگی اثر: تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
- ۴۲ جبر برای سال سوم
- ویژگی اثر: تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
- ۴۳ جبر برای سال سوم دبیرستان ها
- ویژگی اثر: تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
- ۴۴ جبر سال پنجم دبیرستان ها شعبه ریاضی
- ویژگی اثر: تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
- ۴۵ جبر سال پنجم ریاضی
- ویژگی اثر: تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
- ۴۶ جبر سال چهارم ادبی
- ویژگی اثر: تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
- ۴۷ جبر سال چهارم دبیرستان های شعبه ریاضی
- ویژگی اثر: تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
- ۴۸ جبر سال چهارم ریاضی
- ویژگی اثر: تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
- ۴۹ جبر سال ششم ریاضی
- ویژگی اثر: تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
- ۵۰ جبر و مثلثات سال ششم دبیرستان های شعبه طبیعی
- ویژگی اثر: تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
- ۵۱ جدول های لگاریتم
- ویژگی اثر: تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و ا. انواری صورت گرفته است.
- ۵۲ حساب آسان برای سال پنجم دبستان
- ۵۳ حساب آسان برای سال ششم دبستان
- ویژگی اثر: تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و جهانگیر شمس آوری صورت گرفته است.
- ۵۴ حساب برای اول
- ویژگی اثر: تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
- ۵۵ حساب برای دوم دبیرستان ها
- ویژگی اثر: تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
- ۵۶ حساب برای اول دبیرستان ها
- ویژگی اثر: تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
- ۵۷ حساب برای سال اول و دوم دبیرستان ها

ویژگی اثر: تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۵۸ حساب برای سال دبیرستان ها

ویژگی اثر: تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۵۹ حساب برای سال دوم و سوم دبیرستان ها

ویژگی اثر: تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۶۰ حساب برای سال سوم

ویژگی اثر: تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۶۱ حساب برای سال سوم دبیرستان ها

ویژگی اثر: تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۶۲ حساب و دفترداری دوبر برای سال پنجم و ششم دبستان ها

ویژگی اثر: تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۶۳ حساب و هندسه برای سال های پنجم و ششم

ویژگی اثر: تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک، ا. انواری و ب. نحوی صورت گرفته است.

۶۴ خلاصه ریاضیات متوسطه

ویژگی اثر: تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و ا. انواری صورت گرفته است.

۶۵ دانشنامه خودآموز اختر شناسی

۶۶ ریاضیات سال اول دانشگاه

ویژگی اثر: تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و جهانگیر شمس آوری صورت گرفته است.

۶۷ زندگی نامه علمی دانشوران، به ویراستاری چارلز کولسترن گیلپی

ویژگی اثر: ترجمه این کتاب زیر نظر احمد بیرشک صورت گرفته است. این کتاب در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی

ایران، از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «زندگینامه علمی دانشوران»:

زندگینامه علمی دانشوران؛ بودان دوبالوران، پینل فیلیپ؛ زیر نظر احمد بیرشک؛ تهران: انتشارات علمی و فرهنگی با همکاری بنیاد

دانشنام بزرگ اسلامی، ۱۳۷۵، ج۳. - زندگینامه علمی دانشوران مشتمل بر شرح حال، آثار و نظریه های علمی بیش از شش هزار

دانشمند از سراسر جهان است که با تلاش علمی و عملی خود به پیشرفت تمدن بشری خدمت کرده اند. این کتاب مرجع که در

پاسخ به نیاز محققان و دانش پژوهان تدوین شده، تاریخ نه چندان مختصر علم نیز به شمار می آید که خواننده را با سیر علم در

طول تمدن بشر آشنا می سازد و اطلاعات موثقی را دربار زندگی حرفه ای دانشمندان در دسترس دوستداران علم قرار می دهد.

ترجمه؟ این کتاب که حاصل تلاش حداقل ۵۴ نفر از مترجمان و ویراستاران برجست ایران است، ترجمه ای است بی کم و کاست

و خالی از حشو و زواید که سعی شده در آن سبک و سیاق نویسند؟ اصلی حفظ شود. امتیاز خاص این کتاب، کتابشناسی جامعی

است مرکب از دو قسمت، کارهای اصلی و خواندنیهای فرعی است که اطلاعات کافی دربار؟ آثار صاحب مقاله و آثار وابسته به

او را در اختیار خواننده قرار می دهد. چاپ دقیق و بدون غلط، علامت گذاری دقیق برای تلفظ نام مکانها و افراد به زبان انگلیسی و

عنوانهای فرعی قابل رؤیت در هر مقاله از ویژگیهای دیگر این کتاب است.

۶۸ زندگینامه برتراندارسل

۶۹ قرآن چهار زبانه

- ۷۰ کارنامه بزرگان ایران
- ۷۱ کتاب درسی هندسه
- ۷۲ گاهشماری ایرانی ، شاهکار دقت
- ۷۳ گاهنامه تطبیقی سه هزار ساله، تطبیق تاریخ های ایرانی و هجری قمری و میلادی
- ۷۴ متمم حساب برای سال چهارم
- ۷۵ مثلثات برای سال پنجم دبیرستان
- ۷۶ مثلثات برای سال پنجم شعبه ریاضی
- ۷۷ مثلثات برای سال چهارم دبیرستان ها
- ۷۸ مثلثات برای سال ششم ریاضی
- ۷۹ مثلثات برای سال ششم ریاضی
- ۸۰ مثلثات سال پنجم دبیرستان ها شعبه طبیعی
- ۸۱ مثلثات سال پنجم ریاضی
- ۸۲ مثلثات سال ششم دبیرستان ها شعبه ریاضی
- ۸۳ مقاله اختر شناسی
- ۸۴ مقاله تاریخ تمدن
- ۸۵ مقاله تاریخ علم
- ۸۶ مقاله خط فارسی
- ۸۷ مقاله داستان
- ۸۸ مقاله داستان نویسی
- ۸۹ مقاله در زمینه آموزش و پرورش
- ۹۰ مقاله ریاضیات
- ۹۱ مقاله زندگی دانشوران و هنرمندان
- ۹۲ مقاله زیست شناسی
- ۹۳ مقاله سرگرمی های ریاضی
- ۹۴ مقاله سفر به فضا
- ۹۵ مقاله فرهنگ نویسی
- ۹۶ مقاله فیزیک
- ۹۷ مقاله گاهشماری
- ۹۸ مقاله نقد دانشگاه
- ۹۹ مقاله نقد قانون تربیت معلم
- ۱۰۰ هندسه آسان برای سال پنجم دبستان
- ۱۰۱ هندسه آسان برای سال چهارم دبستان
- ۱۰۲ هندسه آسان برای سال سوم دبستان

- ۱۰۳ هندسه آسان برای سال ششم دبستان
- ۱۰۴ هندسه آموزش نظری سال اول
- ۱۰۵ هندسه برای سال اول دبیرستان ها
- ۱۰۶ هندسه برای سال اول دبیرستان ها
- ۱۰۷ هندسه برای سال پنجم دبیرستان ها
- ۱۰۸ هندسه برای سال پنجم ریاضی
- ۱۰۹ هندسه برای سال چهارم ادبی
- ۱۱۰ هندسه برای سال چهارم ادبی دبیرستان ها
- ۱۱۱ هندسه برای سال چهارم دبیرستان ها
- ۱۱۲ هندسه برای سال چهارم ریاضی
- ۱۱۳ هندسه برای سال دوم دبیرستان
- ۱۱۴ هندسه برای سال دوم دبیرستان ها
- ۱۱۵ هندسه برای سال سوم دبیرستان ها
- ۱۱۶ هندسه ترسیمی و رقومی برای سال ششم ریاضی
- ۱۱۷ هندسه ترسیمی و رقومی برای سال ششم ریاضی
- ۱۱۸ هندسه ترسیمی و هندسه رقومی
- ۱۱۹ هندسه چهارم طبیعی
- ۱۲۰ هندسه سال اول آموزش متوسطه عمومی علوم تجربی و ریاضی
- ۱۲۱ هندسه سال پنجم ادبی و طبیعی
- ۱۲۲ هندسه سال چهارم ریاضی
- ۱۲۳ هندسه سال دوم دبیرستان
- ۱۲۴ هندسه سال سوم
- ۱۲۵ هندسه مسطحه برای سالهای ۱ و ۲ دبیرستان های دختران
- ۱۲۶ هندسه و رسم برای سال اول دبیرستان ها
- ۱۲۷ هندسه و رسم برای سال اول دبیرستان ها
- ۱۲۸ هندسه و رسم برای سال دوم دبیرستان ها
- ۱۲۹ هندسه و رسم برای سال سوم دبیرستان ها
- ۱۳۰ هندسه و مخروطات برای سال ششم ریاضی
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
- منابع زندگینامه: کیهان فرهنگی (س ۵، ش ۴، ص ۱۰-۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳۷۲-۳۷۰/۱).

<http://iranologyfo.com>

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۴۰-۳۶۲ ق)، دانشمند، منجم، ریاضیدان، حکیم، فیلسوف، مورخ، لغوی. در خانواده‌ای ایرانی در بیرون خوارزم متولد شد. شهرک زادگاهش در بیرون شهر کاث قرار داشت که یکی از دو شهر مهم این ناحیه بود و شهرت بیرونی وی از همین جا است. او مدتی را در خوارزم به تحصیل معارف و علوم گذراند و نزد استادانی مثل ریاضیدان بزرگ آن عصر، ابومنصور عراق، به فراگرفتن علوم ریاضی پرداخت. ابوریحان با ابوعلی سینا، در موضوعات مختلف مکاتبه داشت. بیرونی بعد از مدتی در اثر یک اتفاق مهم به گرگانج شمال خوارزم رفت و بعد سفری به گرگان کرد و در آنجا به خدمت شمس‌المعالی قابوس بن ابی‌طاهر وشمگیر رسید. در ری با ابومحمود خجندی و کوشیار کیکی ملاقات کرد و بعد به طبرستان نزد ابوالعباس مرزبان بن شروین رفت و یکی از شاهکارهای ریاضی خود را به نام او نوشت. بیرونی در سال ۳۸۷ ق در خوارزم بود و با ابوالوفای بوزجانی که در بغداد بود، مکاتبه کرد و قرار رصدی را گذاشت. ابوریحان در زمان حکومت سلطان محمود به دربار راه پیدا کرد و در سفرهای جنگی محمود به هندوستان و مسافرت‌های ممتد او به آن دیار همراه وی بود. او در ضمن همین سفرها بود که با دانشمندان آن سامان آشنا شد و علاوه بر فراگیری زبان سانسکریت، با علوم و عقاید هندوان نیز آشنا شد. بیرونی با زبانهای سریانی، سانسکریت، فارسی، عبری، عربی آشنا بود. وی در هند فلسفه‌ی یونان را تدریس می‌کرد. اگر چه بیرونی در اکثر رشته‌های علوم زمان خود به پژوهش پرداخت، اما اصولاً به ریاضیات دلبستگی داشت و بیشتر وقت خود را صرف تحقیقات ریاضی کرد. وی بیش از ۱۱۳ کتاب در علوم مختلف پزشکی، هیأت، تاریخ جغرافیا نوشت. از جمله آثار وی: «التفهیم لاوائل صناعة التنجیم»، در ریاضی؛ «تحقیق ماله‌اند»، که پر حجم‌ترین اثر وی است؛ «استخراج الاوتار»؛ «جمع الطرق السائره فی معرفه اوتار الدائره»؛ «مقالید علم الهیئه»؛ «قانون مسعودی»؛ «آثار الباقیه عن قرون الخالیه»؛ «الجواهر فی معرفه الجواهر»؛ «رساله الاستیعاب لوجه الممكنه فی صنعہ لاسطرلاب»، «الاضلال او افراد المقال» و «فهرستی از تألیفات محمد زکریای رازی».[۱]

(قد. ابوریحان محمد بن احمد، ریاضی‌دان و فیلسوف ایرانی و بیرون) (خوارزم) ۳۶۲ ه.ق. / ۹۷۳ م. - ف. غزنین ۴۴۰ ه.ق. / ۱۰۴۸ م.). وی اوایل عمر را در خوارزم معروف به خوارزم شاهیان گذرانید و سپس چند سال در گرگان، در دربار قابوس بن وشمگیر به سر برد و کتاب «الآثار الباقیه» (ه.م.) را به نام آن پادشاه تألیف کرد. پس از چندی به خوارزم بازگشت و در دربار ابوالعباس مأمون به مأمون مدتی بزیست. محمود غزنوی در مراجعت به غزنین ابوریحان را با چند تن از فاضلان دربار خوارزمشاه به غزنین برد (۴۰۸ ه.ق.). پس از آن چند بار به خوارزم سفر کرد و در غالب غزوات محمود به هندوستان در ملازمت او بود و با دانشمندان و حکیمان هند مخالطت کرد و زبان سنسکریت را بیاموخت و دایره معلومات خود را وسعت داد و مواد لازم را برای تألیف کتاب «تحقیق ما للهند» (ه.م.) فراهم آورد. از آثار مهم او جز آنچه گذشت کتاب «التفهیم» (ه.م.) است که آن را به عربی و فارسی (جداگانه) تألیف کرده است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۲۰۶- ۲۰۵/۶)، اعیان الشیعه (۶۵/۹)، تاریخ در ایران (۲۱- ۲۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۲- ۳۳۷/۱)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۲۷۱- ۲۵۴)، تاریخ گزیده (۶۹۰- ۶۸۹)، تاریخ موسیقی (۱۵۴/۱)، الذریعه (۵/۲۲، ۲۷/۱۷، ۱۳۲/۵، ۷- ۶/۱)، روضات الجنات (۳۳۶- ۳۳۴/۷)، ریحانه (۱۱۹- ۱۱۴/۷)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۱۹۷- ۱۷۶)، زندگینامه‌ی علمی دانشمندان (۳۲۷- ۳۵/۱)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۲۸- ۲۱)، فلاسفه‌ی شیعه (۴۰۳- ۳۸۰)، کشف الظنون (۱۷۸۴، ۱۶۲۲، ۱۵۹۴، ۱۴۳۷، ۱۴۳۴، ۱۳۸۵، ۱۳۱۴، ۱۱۲۶، ۱۰۶۵، ۹۰۷، ۷۷۱، ۵۹۴، ۴۸۸، ۴۶۳، ۴۲۴، ۴۰۳، ۳۴۵، ۸۱، ۷۹، ۷۰، ۹)، الکنی و الالقاب

(۸۰- ۷۸/۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوریحان)، معجم‌الادباء (۱۷/۱۸۰)، معجم‌المؤلفین (۲۴۲- ۲۴۱/۸)، نامه‌ی دانشوران (۸۲- ۶۱/۱)، هدیه‌ی العارفین (۶۶- ۶۵/۲).

بیژن، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: انگل‌شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات عالی در دکترای در رشته انگل‌شناسی پزشکی.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده پزشکی دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۴۰.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انگل‌شناسی پزشکی، بیماری‌های گرمسیری، اپیدمیولوژی، مبارزه، تدریس در رشته انگل‌شناسی پزشکی در دانشگاه شهید بهشتی به

مدت ۲۰ سال.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

انگل‌های بیماری‌زای انسان، روش‌های تشخیص اپیدمیولوژی، اکولوژی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲۰

زمینه علمی مقالات:

اپیدمیولوژی و اکولوژی بیماری‌ها.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

بیضاوی فارسی، ابوالخیر، ابوسعید عبدالله

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۹۶- ۶۸۰ ق)، عالم، ادیب، محدث، مفسر و مورخ اشعری شافعی. معروف به قاضی بیضاوی. اهل بیضاوی فارس بود. پدرش

در زمان سلطنت اتابک ابوبکر بن سعد زنگی قاضی القضاة فارس بود و بعد از او این منصب به پسرش رسید. وی بعد از مدتها

اقامت در شیراز، اواخر عمر را در تبریز سپری کرد. قاضی معاصر با علامه حلی امامی و خواجه نصیرالدین طوسی و صلاح‌الدین صفدی بود. او در گورستان چرنداب تبریز مدفون است. بیضاوی در عربی و فارسی تألیفاتی دارد. از جمله: کتاب تفسیر که به «تفسیر بیضاوی» یا «انوار التنزیل و اسرار التأویل» شهرت دارد و شیخ بهایی بر آن شرح نوشته است. «الایضاح»، در اصول دین؛ «تهذیب الاخلاق» در تصوف؛ «شرح التنبیه»، در فقه؛ «شرح الکافی»، در نحو؛ «شرح المصابیح»، در فقه؛ «شرح مطالع»، در منطق؛ «منهاج الوصول الی علم الاصول»، در اصول فقه؛ «طوالع الانوار» و «مطالع الانظار»، در توحید و کلام؛ «غایة القصوی فی درایة الفتوی»، در فقه شافعی؛ «شرح منتخب الاصول»، در لغت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۴۸/۴)، بزرگان نامی پارس (۲۸۱-۲۷۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۰۹، ۲۲۸، ۲۲۳-۲۲۲، ۲۱۸/۳)، تاریخ گزیده (۷۰۶)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۰-۱۳۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۱۸-۵۱۷/۱)، دایرةالمعارف فارسی (۴۹۰/۱)، الذریعه (۱۹۲/۲۴، ۱۷۹-۱۷۸/۲۳)، روضات الجنات (۱۳۰-۱۲۷/۵)، ریحانه (۳۰۶/۱)، شیرازنامه (۱۸۲)، طرائق الحقائق (۶۶۶-۶۶۲/۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۸/۱)، کشف الظنون (۱۹۵۹، ۱۸۸-۱۸۶)، الکنی و الالقاب (۱۱۳/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ بیضاوی)، معجم المؤلفین (۴۰۰/۱۳، ۹۸-۹۷/۶)، نامه‌ی دانشوران (۱۵۱-۱۳۷/۸)، هدیه‌ی الاحباب (۱۱۱-۱۱۰)، هدیه‌ی العارفين (۴۶۳-۴۶۲/۱)، یادداشتهای قزوینی (۱۵-۱۳/۲).

بیضاوی، ابو عبدالله محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۲۴ ق)، فقیه، محدث، مدرس و قاضی. قاضی بیضاوی ساکن بغداد بود. و در آنجا تدریس فقه می‌کرد و مطابق مذهب شافعی فتوا می‌داد مدتی نیز عهده‌دار منصب قضاوت بود. قاضی بیضاوی از ابوبکر بن مالک قطیعی و حین بن محمد عسکری نقل روایت کرده است. خطیب بغدادی از شاگردان او است و از وی استماع حدیث کرده و مورد اعتماد بودن و راستگویی وی را ستوده است. بیضاوی به مرگ ناگهانی در بغداد از دنیا رفت و در مقبره‌ی باب حرب دفن شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۴۷۶/۵)، ریحانه (۳۰۷-۳۰۶/۱)، الکنی و الالقاب (۱۱۳/۲).

بیضاوی، امام‌الدین، ابوالقاسم عمر

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۷۳ ق)، محدث و مدرس. در شیراز ساکن بود و عهده‌دار مقام قضاوت. وی از دانشمندان و قضات بنام عصر خویش بود. او علاوه بر آگاهی از علوم دینی در طریقت و تصوف نیز مقامی داشت که به گفته‌ی صاحب «شیرازنامه» خرقه‌ی طریقت از شیخ الشیوخ وقت، ابهری گرفت. وی پدر بیضاوی معروف به صاحب «تفسیر» است. در شیراز در گذشت و در مدرسه‌ی مقبری دفن شد. از آثار وی: «مشیخه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی هزار مزار (۳۳۹)، ریحانه (۴۰۶/۴)، شیرازنامه (۱۸۲)، معجم المؤلفین (۳۱۴/۷).

بیغشی، محمد شریف

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، عالم، فقیه و مدرس. ملقب به شریف العلماء. اصل او از بیغش، از توابع ملایر است. او از همان‌هاست که شریف‌العلمای مازندرانی متأخر است. ملا محمد شریف شاگرد ملا اسدالله بروجردی، ملقب به حجة الاسلام بود و در تهران سکنی گزید. در «المآثر و الآثار» آمده که گروهی از بزرگان علمای عهد قاجار به شاگردی وی مفتخرند، از جمله: شیخ عبدالرحیم بروجردی که در تهران بود و شیخ محمد رحیم بروجردی و سید محمد باقر عراقی و حاج آقا محسن عراقی و ملا-شیخ علی بروجردی و آخوند ملاحسین آقا باقر و شیخ محمود عراقی که در تهران بوده و میرزا ضیاءالدین قلعه‌ای و ملا احمد خوانساری که ساکن ملایر بوده و ملا محمد علی محلاتی ساکن شیراز و ملا محمد تقی گلپایگانی و حاج سید علی بروجردی و دیگران.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بروجرد (۳۷۳-۳۷۲/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۱۹-۶۱۸/۱۳)، المآثر و الآثار (۱۷۱).

بیغمی، محمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، نویسنده. مشهور به بیغمی. از زندگانی و احوال او اطلاعی در دست نیست و از روی قرآینی که از اثرش به دست می‌آید، می‌توان او را از داستان‌گزاران زمان خود دانست که داستان کهنه‌یی را درباره‌ی فیروز شاه نامی از پهلوانان که پسر ملک داراب معرفی شده، در حفظ داشت و آن را در حضور گروهی حکایت یا املاء کرد و کاتبی به نام محمود دفتر خوان آن را می‌شنید و یادداشت می‌کرد. مولانا این داستانها را از قصاصان دیگر گرفته بود و به نام همان راویان یا گویندگان نقل می‌کرد. حاصل این داستانها اثری شد به نام «دارابنامه» که ترجمه آن به عربی به نام «سیره فیروز شاه بن ملک داراب» در مصر طبع شده است. [۱]

مولانا شیخ حاجی محمد بن شیخ احمد بن مولانا علی بن حاجی محمد طاهری (طامری) از داستانسرایان قرن هشتم و قرن نهم، مؤلف و مدون داراب‌نامه (۲- داراب‌نامه).

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ ادبیات در ایران (۵۱۹-۵۱۷/۴)، تاریخ نظم و نثر (۷۵۸)، دارابنامه (مقدمه)، گنج و گنجینه (۵۰۰-۴۸۶)، مؤلفین کتب چاپی (۲۹۹/۵).

بیکندی بخاری، ابو عبدالله محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۲۲۵ - ۱۶۰ ق)، حافظ و محدث. از اهالی ماوراءالنهر بود. او در طلب حدیث سفرها کرد و پنج هزار حدیث حفظ کرد و به محدث ماوراءالنهر مشهور شد. او از ابواسحاق فزاری و جریر بن عبدالحمید و عیسی غنجار و عبدالله بن مبارک و سفیان بن عیینه و دیگران حدیث شنید. پسرش، ابراهیم بن محمد، و بخاری، در «صحیح» خود، و عبدالله دارمی و محمد بن علی مروزی و ابوطاهر اسباط از روایان وی به حساب آمده‌اند. یحیی بن یحیی گوید که دو گنج خراسان یکی نزد اسحاق بن راهویه و دیگری نزد محمد بن سلام است. او در هر باب از علوم حدیث تصنیفی دارد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۶/۷)، تهذیب التهذیب (۱۸۳ - ۱۸۲ / ۹)، سیر النبلاء (۶۳۰ - ۶۲۸ / ۱۰)، معجم البلدان (۶۳۳/۱)، معجم المؤلفین (۴۲/۱۰)، الوافی بالوفیات (۱۱۵/۳).

بیکندی، ابوالفضل احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۱۲/۴۰۴ - ۳۱۱ ق)، حافظ و محدث. نسبتش به بیکنند، ناحیه‌ای بین بخارا و جیحون، می‌رسد. چون جد مادری اش احمد بن سلیمان است به او سلیمانی می‌گفتند. او از حفاظ بزرگ حدیث بود که در طلب آن به عراق و شام و مصر سفر کرده بود. وی از محمد بن حمدویه مروزی و علی بن سختویه و محمد بن صابر بخاری و صالح بن زهیر بخاری و همطبقه آنان روایت کرده است. جعفر بن محمد مستغفری و فرزندش محمد بن جعفر از بیکنندی روایت کرده‌اند. وی در حفظ و دقت و درایت حدیث کم‌نظیر بود. او را تصانیف بسیاری است و گویند که متجاوز از ۴۰۰ تصنیف داشته است. وی از بیکنند به بخارا رفت تا تصنیفات خود را برای شاگردان برخواند. از جمله کتابهای او کتابی در «اسماء الرجال» است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۶۵/۱)، سیر النبلاء (۲۰۲ - ۲۰۰ / ۱۷)، معجم البلدان (۶۳۳ - ۶۳۲ / ۱)، الوافی بالوفیات (۲۱۷ - ۲۱۶ / ۷)، هدیة العارفين (۷۱/۱).

بیگدلی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر علی بیگدلی در سال ۱۳۲۲ در شهر قم بدنیا آمد. ایشان دارای دکترای تاریخ (با موضوع سلجوقیان و جنگهای صلیبی) از دانشگاه تولوز در جنوب فرانسه است. وی عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه شهید بهشتی می‌باشد. دکتر بیگدلی در سال ۱۳۸۵ پس از ۴۴ سال و شش ماه خدمت در عرصه علم بازنشسته شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

گرایش : تاریخ اروپا

والدین و انساب : پدر و مادر علی بیگدلی فوت شده اند و دارای دو برادر و یک خواهر است.

خاطرات کودکی : علی بیگدلی علاوه بر تحصیل به ورزش دو و پرش علاقه زیادی داشت، بطوری که در این رشته به فعالیت پرداخته و به مقام قهرمانی استان تهران دست یافت. ایشان در موسیقی نیز در زمینه های آواز، تنبک و تار به طور مختصر تحت آموزش بوده است.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی بیگدلی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر محل زادگاهش، قم به تحصیل پرداخت و دیپلمش را اخذ کرد. پس از آن (تجربه کارمندی در سفیدرود) در سال ۱۳۴۶ در رشته حقوق دانشگاه ملی با رتبه ۱۳ پذیرفته شد ولی بدلیل اشتغال داشتن در آموزش و پرورش نمی توانست روزها به تحصیل بپردازد. بالاخره در سال ۱۳۴۷ بصورت شبانه روزی در مدرسه عالی ادبیات و زبانهای خارجی در رشته ادبیات فرانسه به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۵۰ پس از اخذ کارشناسی رشته مذکور عازم فرانسه شد و جامعه شناسی را ادامه داد ولی به علت علاقه به رشته تاریخ در دانشگاه تولوز در جنوب فرانسه به تحصیل رشته تاریخ پرداخت و دوره دکتری را نیز روی سلجوقیان و جنگهای صلیبی کار کرد.

فعالتهای ضمن تحصیل : علی بیگدلی در کنار تحصیل به مدت ۱۲ سال به شغل روزنامه نگاری در روزنامه های اطلاعات، آیندگان و مجله سیاه و سفید اشتغال داشت. بهترین خاطره از دوران خبرنگاری آشنایی با مقامات اجرایی کشور بود. پس از انقلاب اسلامی بیش از ۱۰۰ برنامه مصاحبه رادیویی، تلویزیونی و بیش از ۱۲۰ مصاحبه مطبوعاتی در لیست کارنامه کاری خود دارد.

استادان و مربیان : استاد فروزانفر، دکتر ذبیح الله صفا، دکتر موسی بروخیم و غیره از استادان دکتر بیگدلی بودند بطوری که وی از آنها به عنوان اساتید برجسته و تاثیر گذار در زندگی خود یاد می کند.

هم دوره ای ها و همکاران : همکلاسی های علی بیگدلی به ترتیب از میان ۱۶ نفر، ۶ نفر یهودی، ۴ نفر مسیحی و ۶ نفر مسلمان بود حتی در طول چهار سال تحصیلی برای یک بار هم صحبتی از تفاوت های دینی به میان نیامد.

همسر و فرزندان : علی بیگدلی در سال ۱۳۵۱ با همسر خود که هم اکنون بازنشسته آموزش و پرورش است ازدواج کرد. ماحصل این ازدواج دو فرزند پسر به نامهای سینا (دارای مدرک کارشناسی ارشد عمران) و عطا (دارای مدرک کارشناسی عمران) می باشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی بیگدلی پس از اخذ دیپلم خود در سال ۱۳۴۴ در اداره آب و برق سفیدرود مشغول به کار شد. وی پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد در وزارت راه و ترابری به فعالیت پرداخت و در سن ۳۲ سالگی مدیر کل آموزش گردید. سپس عضو هیئت مدیره یکی از شرکت های تابعه این وزارتخانه شد. از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۱ معاونت اداری مالی هواپیمایی کشور و سازمان هواشناسی را بر عهده گرفت. ایشان همچنین برای مدت کوتاهی مسئولیت معاونت وزیر راه و ترابری را در سازمان هواپیمایی کشور را بر عهده داشتند.

فعالتهای آموزشی : علی بیگدلی از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۱ در بیش از ده دانشگاه و مدرسه عالی به تدریس پرداخت. تخصص ایشان در زمینه تاریخ اروپاست و بیشترین آموزش ایشان در زمینه علوم سیاسی در حوزه تاریخ اندیشه سیاسی و تاریخ روابط بین الملل بوده است و تا مقطع دکترای این رشته به تدریس پرداخته اند و کتب درسی این حوزه را نیز خود نگاشته اند.

چگونگی عرضه آثار : علی بیگدلی دارای ۱۰ کتاب تالیفی و ترجمه است. وی همچنین بیش از ۵۰ مقاله تخصصی منتشر شده در مجلات معتبر علمی دارد.

آثار :

- ۱ تاریخ اروپا در قرون جدید
ویژگی اثر : تالیف- انتشارات دانشگاه پیام نور
 - ۲ تاریخ اروپا در قرون وسطی
ویژگی اثر : تالیف- انتشارات دانشگاه پیام نور
 - ۳ تاریخ اندیشه سیاسی در غرب
ویژگی اثر : تالیف- دو جلد
 - ۴ تاریخ روابط بین الملل
ویژگی اثر : ترجمه
 - ۵ تاریخ سیاسی- اقتصادی عراق
ویژگی اثر : تالیف
 - ۶ تاریخ فرهنگ و تمدن اروپا در دوران جدید
ویژگی اثر : تالیف
 - ۷ تاریخ یونان و روم
ویژگی اثر : تالیف- انتشارات دانشگاه پیام نور
 - ۸ ترورهای سیاسی در تاریخ معاصر ایران
ویژگی اثر : تالیف- دو جلد
 - ۹ شیخ نشین های خلیج فارس و مسئله نفت
ویژگی اثر : ترجمه
 - ۱۰ کروئولوژی مسیحیت و قرون وسطی
ویژگی اثر : تالیف منابع زندگینامه :
- ۱ پرسشنامه تکمیل شده توسط دکتر علی بیگدلی بنا به درخواست بنیاد ایران شناسی- بهار ۱۳۸۶

بیگدلی، غلامحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غلامحسین بیگدلی در سال ۱۲۹۷، در خمسه زنجان دیده به جهان گشود. پس از طی دوران کودکی وارد مدارس جدید شد. آنگاه به تهران عزیمت کرد و در دبیرستان نظام و دانشکده افسری ادامه تحصیل داد و در شهریور ۱۳۲۰ ش. به درجه افسری نایل گردید. بیگدلی در سال ۱۳۲۴ ش. در اثر فعالیت سیاسی برضد رژیم به اتحاد جماهیر شوروی سابق رفت و در مسکو تحصیلات عالی خود را در رشته ادبیات آغاز کرد. وی پس از اخذ دکترای ادبیات، در انستیتوی زبان و ادبیات (نظامی) باکو (آذربایجان شوروی سابق) به پژوهش و تحقیق در زمینه ادبیات فارسی و ترکی پرداخت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به ایران بازگشت و بیشتر اوقات خود را صرف پژوهش و نگارش مطالب تاریخی و ادبی کرد. ایشان برگزیده بیست و ششمین دوره جایزه

کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است. غلامحسین بیگدلی سرانجام در مرداد ماه سال ۱۳۷۷ در سن ۸۸ سالگی، در شهرستان کرج چشم از جهان فرو بست و به دیار باقی شتافت.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب: پدر غلامحسین بیگدلی آقا فتح الله خان بیگدلی اهل خمسه زنجان بود و به کار کشاورزی اشتغال داشت. تحصیلات رسمی و حرفه ای: غلامحسین بیگدلی پس از طی دوران کودکی وارد مدارس جدید شد. آنگاه به تهران عزیمت کرد و در دبیرستان نظام و دانشکده افسری ادامه تحصیل داد و در شهریور ۱۳۲۰ ش. به درجه افسری نایل گردید. بیگدلی در سال ۱۳۲۴ ش. در اثر فعالیت سیاسی برضد رژیم به اتحاد جماهیر شوروی سابق رفت و در مسکو تحصیلات عالی خود را در رشته ادبیات آغاز کرد و با اخذ گواهینامه دکترای ادبیات به پایان رسانید.

خاطرات و وقایع تحصیل: غلامحسین بیگدلی از دوران تحصیل خود و اتفاقی که در زمان حضور رضا شاه در مدرسه افتاد چنین یاد می کند: «من با لباس رسمی (یونیفورم) مدرسه بودم. رضا شاه از عمویم پرسید: این پسر بچه کیست و این چه لباسی است که پوشیده است؟ عمویم توضیح داد. رضاشاه گفت: محمدرضا هم به همین مدرسه می رود ولی لباس مدرسه او این زرق و برق ها را ندارد. عمویم گفت: این برادرزاده من شاگرد اول کلاس است و بنابراین یونیفورم او چیزهایی علاوه دارد.»

وقایع میانسالی: غلامحسین بیگدلی در سال ۱۳۲۴ ش. در اثر فعالیت های سیاسی و پیوستن به احزاب مخالف حاکمیت بازداشت شد و پس از شش ماه حبس در کرمان رهایی یافت و به اتحاد جماهیر شوروی سابق مسافرت کرد، ولی به علت سوءظن مسوولان وقت مدت هفت سال در تبعیدگاه سیبری به سر برد، آنگاه به مسکو رفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ از وی دعوت به همکاری شد و به تهران مهاجرت کرد.

زمان و علت فوت: غلامحسین بیگدلی در مرداد ماه سال ۱۳۷۷ در سن ۸۸ سالگی،

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: غلامحسین بیگدلی پس از اخذ دکترای ادبیات، در انستیتوی زبان و ادبیات (نظامی) باکو (آذربایجان شوروی سابق) به پژوهش و تحقیق در زمینه ادبیات فارسی و ترکی پرداخت.

جوایز و نشانها: غلامرضا اسلامی بیدگلی برگزیده بیست و ششمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است.

آثار:

۱ ادب خزینه

ویژگی اثر: این اثر به زبان ترکی می باشد.

۲ تاریخ بیگدلی - شاملو

ویژگی اثر: این اثر دکتر بیگدلی بنابر نوشته خود وی در ده جلد قرار دارد، و تنها دو جلد از آن در بیش از ۱۲۰۰ صفحه به چاپ رسیده است و سایر مجلدات دیگر هنوز مخطوط است. الف) جلد اول، شامل منشاء ایل و تبار بیگدلی و معرفی سایر انشعابات بیگدلی. ب) جلد دوم، ایل بیگدلی در دوران صفویه. ج) جلد سوم، دوران افشاریه و ایل بیگدلی. د) جلد چهارم، دوران زندو ایل بیگدلی. ه) جلد پنجم، دوران قاجار و ایل بیگدلی. و) جلد ششم، دوران پهلوی و خاندان بیگدلی. ز) جلد هفتم، دودمان بیگدلی - شاملو در دوران معاصر. ح) جلد هشتم، تاریخ شعرای بیگدلی (معرفی بیش از ۸۰ شاعر). ط) جلد نهم، مدارک و اسناد مختلف از خاندان بیگدلی. ی) جلد دهم، معرفی آثار عمرانی و خیریه که توسط بیگدلی ها بنا شده است.

۳ تصحیح دیوان آذر بیگدلی

ویژگی اثر: تصحیح این دیوان با همکاری دکتر حسن سادات ناصری

۴ تصحیح شهریار نامه عثمان مختاری غزنوی

۵ جمشید و خورشید

ویژگی اثر: به اهتمام و ویرایش دکتر بیگدلی.

۶ چهره اسکندر در شاهنامه فردوسی و اسکندر نامه نظامی

ویژگی اثر: این اثر در سال ۱۳۶۹ در تهران به چاپ رسید، که علاوه بر موضوع اصلی (چهره اسکندر) متعرض بسیاری از نگرش و ویژگی های علمی و هنری فردوسی و نظامی شده است.

۷ دیدار با شهریار (استاد سیدمحمدحسین شهریار تبریزی

۸ دیوان حاج محمدصادق خان بیگدلی شاملو

ویژگی اثر: گردآوری دکتر غلامحسین بیگدلی.

۹ کهله یه سلام (به زبان ترکی)

۱۰ گذر عمر

ویژگی اثر: مجموعه اشعار

۱۱ لغتنامه فارسی - ترکی صحاح العجم (نسخه غازان)

ویژگی اثر: به اهتمام دکتر غلامحسین بیگدلی.

منابع:

۱ اینه پژوهش، سال نهم، شماره ۵۴، ص ۶۸۱۲ ماهنامه کلک، شماره ۹۷، شهریور ۱۳۷۷، ص ۱۲۱

بیگدلی، مصطفی قلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیوشیمی بالینی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای داروسازی، از دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تهران، متخصص علوم آزمایشگاه بالینی از دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، دیپلم علوم آزمایشگاهی از انجمن کلینیکال پاتولوژیستهای آمریکا، کارشناسی ارشد و دکترا از دانشگاه شیکاگو در بیوشیمی بالینی، فوق دکترای بیوشیمی بالینی از دانشگاه لویولا آمریکا گذراندن یک سال فرصت مطالعاتی در بیوشیمی سلولی در کلینیک اسکریپس - کالیفرنیا.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

علوم آزمایشگاهی، ساخت معرفهای آزمایشگاهی، اندازه‌گیری کاتکولامینهای مایعات بیولوژیکی، پاسخ بیماران اشتهن لونتال به تحریک.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۶، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۲

زمینه علمی مقالات:

بیوشیمی بالینی و تغذیه، توکسیکولوژی و تعیین سطح خونی داروها، متدولوژی و کنترل کیفی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

بیگم

قرن: ۱۲

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سوم ربیع الاول ۱۱۶۴ ق، از زنان عالم، ادیب و شاعر. وی دختر میرزا محمد صالح حسینی خلیفه سلطانی بود. این بانو در اصفهان درگذشت و در امامزاده اسماعیل این شهر دفن شد.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منابع: تذکره القبور، ۳۴؛ رجال اصفهان، ۱۷۹.

بیگم شیرازی، امسلمه

قرن: ۱۲

جنسیت: زن

ملیت: ایران

(ز ۱۱۶۳ ق)، عارف و نویسنده. از آثار وی «جامع الکلیات»، در سیر و سلوک و عرفان است که در شیراز چاپ شده است. [۱]

ز شعبان ۱۱۶۳ ق. وی کتاب جامع الکلیات را در سیر و سلوک و عرفان به زبان فارسی در چهارده مقاله تالیف کرده است. [۲]

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۶۹/۵)، ریحانه (۳۰۶/۸)، لغت‌نامه (ذیل / امسلمه)، مشاهیر زنان (۱۸-۱۷).

[۲] منابع: الذریعه، ۶۹/ ۵؛ ریحانه‌الادب، ۳۰۶/ ۸؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ۱۱۶؛ فهرست کتابهای چاپی فارسی، ۱۵۰۲/ ۲؛

فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ۷۶۶/ ۲؛ النساء المؤمنات، ۱۵۹؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ۶۵۴/ ۱.

بیگی، ابوطالب

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوطالب بیگی علمدشت در ۱۳۳۱ در کاشان متولد شد. پس از اخذ دیپلم در آنجا (۱۳۴۹) به دانشگاه تهران آمد. وی در سال ۱۳۵۶ دکترای پزشکی عمومی و در سال ۱۳۶۲ تخصص زنان و زایمان گرفت. و از آن پس در گروه زنان و زایمان در بیمارستان آرش مشغول به کار شد. وی هم اکنون با درجه دانشیار مشغول به کار می باشد. گروه: علوم پزشکی: زنان و زایمان: تحصیلات رسمی و حرفه ای: ابوطالب بیگی علمدشت پس از اخذ دیپلم از زادگاه خود کاشان، به دانشگاه تهران آمد (۱۳۴۹). وی در سال ۱۳۵۶.ش دکترای پزشکی دانشگاه تهران و در ۱۳۶۲ موفق به اخذ تخصص در رشته جراحی زنان و مامایی از همان دانشگاه شد. وی هم اکنون به عنوان دانشیار در بیمارستان آرش مشغول به کار است. خاطرات و وقایع تحصیل: اخذ تخصصی در رشته جراحی زنان و زایمان از وقایع مهم زندگی علمی ابوطالب بیگی علمدشت بوده و مسیر تحقیقات ابوطالب بیگی علمدشت را مشخص کرده است. فعالیتهای ضمن تحصیل: ابوطالب بیگی علمدشت علاوه بر تحصیل در رشته جراحی زنان و زایمان، به پژوهش و کار آموزشی در همین باب در دانشگاه تهران و بیمارستان آرش مشغول بوده است. وقایع میانسالی: ابوطالب بیگی علمدشت پس از اخذ تخصص در رشته جراحی زنان و مامایی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۲ به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در بیمارستان آرش مشغول به کار شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: - دانشیار گروه زنان و زایمان دانشگاه تهران و بیمارستان ولیعصر از سال ۱۳۶۲ تا کنون - مسئول امتحانات دانشجویان پزشکی در گروه زنان - مسئول راه اندازی در واحد کولپوسکوپی و سونوگرافی بیمارستان آرش - مسئول بخش اورژانس از سال ۱۳۷۴ تا کنون - مسئول بخش جراحی زنان و زایمان در مانگاههای آموزشی بیمارستان آرش فعالیتهای آموزشی: ابوطالب بیگی علمدشت پس از اخذ تخصص در رشته زنان و زایمان از دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تهران، در سال ۱۳۶۲، به عنوان عضو هیئت علمی در همان جا مشغول به تدریس و تحقیق شد. وی هم اکنون سمت دانشیار دارد. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: ابوطالب بیگی علمدشت در راه اندازی واحدهای کولپوسکوپی و سونوگرافی بیمارستان آرش در تهران نقش اساس داشته است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: ابوطالب بیگی علمدشت در کنار تدریس و مشغولیت های اجرائی، به مطالعه و تحقیق در زمینه بیماریهای داخلی زنان و زایمان مشغول است. آرا و گرایشهای خاص: ابوطالب بیگی علمدشت از جمله متخصصین زنان و زایمان است که به تجهیزات جدید و کاربرد آنها در این رشته توجه خاصی دارد.

بیماری شیرازی، حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، طبیب، جراح و شاعر. وی اهل شیراز بود و به تصریح بیشتر مآخذ به پیشه‌ی جراحی مشغول بود و گویند جراحی بسیار ماهر و حاذق بود. بیماری گاهی شعر نیز می سرود. از اوست:

رشکم کشد هر جا که او در محفلی ساغر زند

مست است و ترسم از جفا بر دیگری خنجر زند

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۲۰-۵۱۹/۱)، سفینه‌المحمود (۵۱۱-۵۱۰/۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۶۰/۲)،

فرهنگ سخنوران (۱۶۰)، مجمع الفصحا (۱۸۱/۴)، مرآت الفصاحه (۱۰۴-۱۰۳)، مصطبه‌ی خراب (۲۳).

بینا، فتح الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۰-۱۲۸۴ ش)، پزشک. در تهران متولد شد. وی دوران ابتدایی را در مدرسه‌ی سابق فرانسویان در تهران به پایان رسانید، سپس وارد دارالفنون شد. در شانزده سالگی گواهی‌نامه‌ی دوره‌ی کامل متوسطه را دریافت کرد. بینا بعد از آن در دانشکده‌ی پزشکی تهران به تحصیل پرداخت، و در سال ۱۳۰۶ ش در بیست و دو سالگی دیپلم عالی دکترا را اخذ کرد و سپس تا سال ۱۳۱۹ ش در اداره‌ی کل بهداشت و درمان تهران به کار پرداخت. از آثار او: «دفتر القبا‌ی بینا»؛ «طب ۳۶ ساله» یا دکتر فرهنگ، دکتر خوشرننگ، دکتر نیرنگ.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۵۲/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۷۶۷-۷۶۶/۴).

بینا، محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن بینا در سال ۱۲۹۰ه.ش در همدان زاده شد. وی پس از طی تحصیلات مقدماتی و متوسطه و فراگیری زبانهای عربی و انگلیسی وارد دانشگاه تهران شد و در رشته علوم عقلی و عرفانی لیسانس گرفت. از آن پس به استخدام اداره فرهنگ همدان در آمد و به عنوان دبیر در دبیرستانها مشغول به تدریس شد. وی رئیس کتابخانه آرامگاه ابوعلی سینا همدان است و تحقیقات بسیاری پیرامون علوم عرفانی و آثار ابوعلی سینا دارد. گروه: علوم انسانیرشته: ادیان خارجیاوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: محسن بینا در سال ۱۲۹۰ه.ش در همدان متولد شد. او در مکتب خانه های همدان شروع به تحصیل مقدمات علوم که چیزی جز قرآن و علوم دینی نبود، کرد. تحصیلات رسمی و حرفه ای: محسن بینا پس از گذراندن تحصیلات اولیه در مکتب خانه های همدان و ادامه تحصیل تا اخذ دیپلم، وارد مدرسه آخوند همدان شد و به فراگیری زبان عربی و انگلیسی پرداخت. سپس وارد دانشگاه تهران شد و در رشته علوم عقلی و عرفانی لیسانس گرفت و از آن پس به تحقیق و تالیف آثاری در زمینه عرفانی اسلامی پرداخت. فعالیتهای ضمن تحصیل: محسن بینا در هنگام تحصیل در رشته علوم عقلی و عرفانی در دانشگاه تهران به مطالعه آثاری عرفانی گذشته ایران و نیز آثار شیخ الرئیس بوعلی سینا پرداخت. استادان و مربیان: محسن بینا در هنگام تحصیل در رشته علوم عقلی و عرفانی در دانشگاه تهران، از محضر اساتید برجسته ای چون مرحوم عصار، الهی قمشه ای، شهابی و ... بهره مند گردید. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: محسن بینا پس از فراغت از تحصیل در رشته علوم عقلی و عرفانی از دانشگاه تهران، به استخدام اداره فرهنگ همدان در آمد و به عنوان دبیر در دبیرستانهای آنجا به تدریس پرداخت. وی در حال حاضر ریاست کتابخانه بوعلی سینا را برعهده دارد. فعالیتهای آموزشی: محسن بینا پس از فراغت از اخذ مدرک لیسانس، به عنوان دبیر در دبیرستانهای شهر همدان به تدریس مشغول شد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: محسن بینا به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری در زمینه عرفان اسلامی و نیز تصحیح متون گذشته عرفانی

ایران بسیار علاقمند بوده و در این زمینه فعالیت چشمگیری داشته است. آرا و گرایشهای خاص: محسن بینا در تصحیح متون عرفانی و تحقیق در عرفان اسلامی ایران، به آثار خواجه عبدالله انصاری و شیخ شبستری توجه ویژه ای دارد.

آثار: ۱ اصول فراگیری قواعد زبان عربی ۲ البدایه و النهایه ۳ تعلیم و تربیت در محدوده های روستایی ۴ سراج الصعود لمعارف الشهود ۵ عیسی از دیدگاه قرآن ۶ مجموعه گل و یزگی اثر: کتاب مجموعه گل، اثری است که استاد محسن بینا در آن شرح اشعار خواجه شمس الدین حافظ شیرازی را با دیدگاهی عرفانی، در آمیخته است. ۷ مرد مشرق ۸ مقامات معنوی و یزگی اثر: کتاب مقامات معنوی اثری است از استاد محسن بینا که در واقع ترجمه کتاب عربی منازل السائرین اثر خواجه عبدالله انصاری عارف ایران قرون چهارم و پنجم هجری است. ۹ موسی از دیدگاه قرآن

بینا، منصور

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: دندانپزشکی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

بینش، تقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مدرس، محقق، مصحح.

تولد: ۱۳۰۰، مشهد.

درگذشت: اسفند ۱۳۷۴، تهران.

تقی بینش، فرزند علیرضا رکن التولیه (از خاندان نقیب)، پس از تحصیلات مقدماتی، تحصیلات عالی‌های خویش را در فیزیک، ادبیات و موسیقی عالی و نظری تداوم بخشید. پس از فراغت از تحصیل به مطالعه و پژوهش در زمینه‌های معارف اسلامی و ادب فارسی پرداخت و از محضر اساتیدی چون دکتر علی‌اکبر فیاض، استاد محمدتقی مدرس رضوی و ادیب هروی استفاده برد. تقی بینش صاحب مقالات و رسالاتی است که در نشریات مختلف به چاپ رسیده‌اند. او مدیریت نشریه «فرهنگ خراسان» را نیز بر عهده داشت.

وی همچنین نزد استاد علی‌اکبر شهنازی و سلیمان روح‌افزا به فراگیری موسیقی علمی و نظری پرداخت. از جمله فعالیت‌های تقی بینش، نسخه‌شناسی موسیقی بوده است.

از جمله آثار تقی بینش تصحیح کتب مختلف در زمینه نظم و نثر فارسی و ادب عربی است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: کتاب المصادر زوزنی (دو جلد)؛ دیوان ظهیرالدین فاریابی؛ دیوان شمس طبری؛ دیوان نظام‌الدین قمر اصفهانی؛ شمارنامه‌ی حاسب طبری؛ کتاب نتیجه الدوله؛ کتاب الابناء فی تاریخ الخلفاء عمرانی (عربی)؛ تصحیح مقاصد الالحان و جامع الالحان عبدالقادر

مراغه‌ای (کتاب جامع الالحان برنده‌ی جایزه‌ی ششمین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی شده است)؛ رساله بنایی به اتفاق دکتر داریوش صفوت؛ «شرح ادوار» عبدالقادر مراغه‌ای همراه با متن عربی «الادوار» صفی‌الدین ارموی؛ سه رساله فارسی درباره موسیقی؛ بخش موسیقی دانشنامه‌ی علایی ابن سینا؛ کنز التحف؛ ترجمه‌ی رساله‌ی موسیقی ایران. مقالاتی از وی نیز در مجلات ادبی به چاپ رسیده است.

تقی بینش در دانشگاه تهران، دانشگاه هنر و مجتمع آموزش عالی سوره تدریس می‌نمود و با دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، دانشنامه جهان اسلام، دانشنامه ایرانیکا و فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی همکاری داشت.
برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

بینوای مشهدی، داوود

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۴۱- ۱۱۹۱ ق)، ریاضیدان، فقیه و شاعر، متخلص به بینوا. وی در مشهد زاده شد و دانش مقدماتی را نزد پدر و محمد تقی اصفهانی فراگرفت. او علم هیأت و نجوم می‌دانست و از ریاضیدانان نامی خراسان و صاحب کتابخانه‌ای بسیار بزرگ و ممتازی بود که در آن زمان در خراسان خیلی شهرت داشت. وی در مشهد درگذشت. از اوست:

چشم بیمار تو شد باعث بیماری دل

باز دارم من از آن چشم پرستاری دل

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سفینه‌ی محمود (۵۷۹- ۵۷۷/ ۲)، شرح حال رجال (۹۹- ۹۸/ ۶)، فرهنگ سخنوران (۱۶۱)، مجمع الفصحا (۱۸۲/۴)، مصطبه‌ی خراب (۲۲- ۲۱)، نگارستان دارا (۶۲- ۶۱).

بیهقی خسروجردی، ابوبکر احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۵۸/ ۴۵۴- ۳۸۴ ق)، فقیه شافعی، حافظ، محدث، مفسر و متکلم اصولی. ملقب به فخرالزمان. در خسروجرد بیهق متولد شد، و در همان جا نشو و نما یافت. وی به بغداد و کوفه و مکه سفر کرد و در نیشابور رحل اقامت افکند، در همان جا درگذشت و در بیهق دفن شد. ابوبکر در علوم گوناگون دارای دستی توانا بود. امام الحرمین گوید که: شافعی بر گردن تمام شافعیان حق دارد جز بیهقی، و این بیهقی است که با کثرت تصنیفاتش در حمایت مذهب شافعی بر او منت دارد. ذهبی گوید که اگر بیهقی می‌خواست قادر به تأسیس مذهب جدید بود. بیهقی از شاگردان ابو عبدالله حاکم نیشابوری و ابوالفتح ناصر مروزی و ابن فورک و ابو علی رودباری و عبدالله بن یوسف بن نامویه است. شیخ الاسلام ابو علی انصاری و ابو عبدالله فراری و ابوالقاسم سحامی و ابوالمعالی محمد فارسی از شاگردان وی بوده‌اند. به خاطر گستردگی دانش و معرفتش به اختلاف، در حدود یک‌هزار ساله تصنیف کرد. از جمله آثار او: «السنن کبیر»، ده مجلد و «السنن صغیر»، دو مجلد، در حدیث؛ «دلایل النبوة»، در سه مجلد؛ «الجامع المصنف فی شعب الایمان»؛

«المبسوط فی نصوص الشافعی»، در ده مجلد؛ «الاسماء و الصفات»؛ «المعارف».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۱۳/۱)، اعیان الشیعه (۵۶۹-۵۶۸/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۷۴/۱)، دائرةالمعارف اسلامیة (۴۳۰-۴۲۹/۴)، روضات الجنات (۲۶۴-۲۶۰/۱)، ریحانه (۳۰۸/۱)، سرآمدان فرهنگ (۹۳/۱)، سیرالنبلاء (۱۷۰-۱۶۳/۱)، الکامل (۱۰۴/۸)، کشف الظنون (۲۰۵۱، ۱۹۵۷، ۱۸۳۶، ۱۷۳۹، ۱۷۲۶، ۱۶۲۱، ۱۵۸۲، ۱۴۵۵، ۱۳۹۳، ۱۳۹۱، ۱۰۴۷، ۱۰۰۷، ۷۶۰، ۷۲۱، ۵۷۴، ۴۰۰، ۲۶۱، ۱۷۵، ۵۳، ۹)، لغت‌نامه (ذیل / احمد بن حسین)، معجم البلدان (۴۲۴/۲)، معجم المؤلفین (۲۰۷-۲۰۶/۱)، الوافی بالوفیات (۳۵۴/۶)، وفيات الاعیان (۷۶-۷۵/۱)، هدیة العارفين (۷۸/۱).

بیهقی، ابوالحسن علی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۵۶۵-۴۹۰ ق)، مورخ، ادیب، محدث، فقیه، متکلم، ریاضیدان و حکیم. مشهور به ابن فندق و فرید خراسان. در سبزواری به دنیا آمد، اما آنچنان که خود بیان می‌کند اصلش به خزیمه بن ثابت که از مشاهیر اصحاب پیامبر (ص) بوده، می‌رسد. ابوالحسن ابتدا فقه و ادب آموخت و سپس به فراگیری علوم حکمت و حساب و نجوم پرداخت. بسیاری از استادان بزرگ عهد خود را در بیهق و نیشابور و مرو و سرخس و دیگر بلاد خراسان دیده و از محضر آنان استفاده کرده است، از آن جمله حکیم عمر بن ابراهیم خیام که وی شرحی از ملاقات خود را با وی در کتاب «تمه صوان الحکمه» آورده است. او از مشایخ ابن شهر آشوب بود. وی کتب بسیاری تألیف کرده و نخستین کسی است که کتاب «نهج البلاغه» را شرح کرده است. یاقوت در «معجم الادباء» در ترجمه‌ی حال او از هفتاد و چهار تألیف وی با اسم و رسم نام می‌برد ولی متأسفانه از آثار فارسی او جز «تاریخ بیهق» و کتابی مختصر در احکام نجومی موسوم به «جوامع الاحکام» و از آثار عربی او: شرحی بر «نهج البلاغه» موسوم به «معارج النهج»؛ جلد اول از «لباب الانساب» و «تمه صوان الحکمه»، در تاریخ حکما که ذیلی است بر «صوان الحکمه» سجستانی. مهمترین کتاب فارسی بیهقی «تاریخ بیهق» است؛ این کتاب در تاریخ و جغرافیای ناحیه‌ی بیهق و ذکر رجال علم و ادب، کتاب، سادات و خاندانهای مشهور آن ولایت است و مشحون به فواید تاریخی است. [۱]

ابوالحسن علی ابن زید مشهور به ابن فندق و فرید خراسان (ف. ۵۶۵ ه.ق.)، حکیم و ادیب و ریاضی‌دان معروف قرن ششم از جمله آثار اوست: تاریخ بیهق (ه.م.)، لباب الانساب، تفسیر نهج البلاغه، جوامع احکام النجوم (ه.م.)، معرفه‌الکرة و ذات الحلق و الاضطراب، قواعد علوم الطب، مناهج الدرجات فی شرح کتاب النجات، تنبیه العلماء علی تمویه المتشبهین بالحکماء، عرائس النفايس فی اصناف العلوم، امثلة الاعمال النجومية.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۱۰۱/۵)، ایضاح المکنون (۷۱۴، ۵۶۳، ۵۵۲، ۵۰۳، ۴۸۶، ۴۶۹، ۴۵۰، ۴۳۰، ۳۹۸، ۳۰۳، ۲۳۴، ۲۲۲، ۱۸۴، ۱۴۴، ۱۱۵، ۹۸، ۸۳، ۶۰، ۲/ ۵۹۹، ۵۶۶، ۵۴۸، ۴۶۶، ۴۶۲، ۴۰۶، ۳۷۳، ۳۶۳، ۳۲۶، ۳۰۰، ۲۵۰، ۲۳۲، ۱۹۲، ۱۸۰، ۱۵۴، ۱۳۰، ۱۲۵، ۱۲۳، ۱۰۷، ۹۷، ۹۲، ۸۳، ۷۴، ۶۶، ۶۵، ۵۳، ۳۶، ۳/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۹۶-۹۹۳، ۳۱۲-۳۱۱/۲)، تاریخ بیهق (مقدمه)، تاریخ در ایران (۱۷-۱۶)، ترجمه‌ی تمه‌ی صوان الحکمه (مقدمه و ۷۲-۷۱)، دائرةالمعارف الاسلامیة (۴۳۱/۴)، الذریعه (۱۸۴/۲۱)، ۱۱۴، ۱۱۳، ۷/ ۱۴۹، ۴/ ۱)، ریاض العلماء (۳۸/۷)، ریحانه (۳۳۵-۳۳۴/۴)، سبک‌شناسی (۳۶۶-۳۶۴/۲)، سرآمدان فرهنگ (۶۲-۶۱

۱/، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۹۰- ۱۸۹/۶)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۱۹- ۱۱۸)، کشف الظنون (۲۰۵۰، ۲۰۱۱، ۲۰۰۷، ۱۸۹۵، ۱۶۸۶، ۱۵۱۴، ۱۴۳۸، ۱۳۶۱، ۱۲۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۰، ۸۲۱، ۷۴۷، ۶۳۴، ۶۰۹، ۲۸۹)، لغت‌نامه (ذیل / علی بیهقی)، مؤلفین کتب چاپی (۲۵۸- ۲۵۷/۴)، معجم الادباء (۲۴۰- ۲۱۹/۱۳)، معجم المؤلفین (۹۷- ۹۶/۷)، هدیه العارفین (۷۰۰- ۶۹۹).

بیهقی، ابوالفضل محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۷۰- ۳۸۵ ق)، نویسنده و مورخ. وی در قریه حارث آباد بیهقی ولادت یافت، بعد از کسب فضایل در نیشابور، به دیوان رسایل محمودی راه جست و در خدمت خواجه بونصر مشکان به کار پرداخت. همچنان در خدمت سلاطین غزنوی بود تا در زمان غزالدوله عبدالرشید که در سال ۴۴۰ ق سلطنت یافت چندی صاحب دیوان انشاء گردید، اما به تهمت حاسدان معزول شد و در سال ۴۴۳ ق که طغرل بر عبدالرشید خروج کرد و او را کشت، بیهقی با جمعی دیگر از درباریان زندانی شد و یک سال در زندان بود. ابوالفضل در اواخر سلطنت فرخزاد از کارهای دیوانی کناره گرفت تا اینکه در سال ۴۷۰ ق وفات یافت. مهمترین اثر بیهقی «تاریخ» مشهور اوست که از امهات کتب تاریخ و ادب فارسی است در شرح سلطنت آل سبکتکین در سی مجلد که در آن از تشکیل دولت غزنوی تا اوایل سلطان ابراهیم بن مسعود سخن رفته است، اما اکنون فقط قسمتی از آن که مربوط به سلطنت مسعود بن محمود غزنوی و تاریخ خوارزم از زوال دولت آل مأمون و افتادن آن به دست سلطان محمود و حکومت آلتون تاش حاجب، در آن سامان تا غلبه‌ی سلاجقه، موجود است. درباره‌ی سبک و شیوه‌ی نگارش این کتاب و مؤلف آن سخن بسیار گفته و نوشته‌اند و از میان همه نوشته‌ها به قول استاد فیاض که بیهقی شناس یگانه روزگار ما بود بسنده می‌کنیم که فرمود بیهقی گزارشگر حقیقت بود. علاوه بر این کتاب ابن فندق کتابی دیگر به نام «زینة الکتاب» در آداب کتابت بدو نسبت داده است. [۱]

ابوالفضل محمد ابن حسین، دبیر فاضل دربار محمود و مسعود غزنوی (و. حارث آباد بیهق ۳۵۸- ف. ۴۷۰ ه. ق.). وی پس از کسب معلومات در نیشابور، به دیوان رسایل محمود غزنوی راه جست، و در خدمت ابونصر مشکان رئیس دیوان رسایل به کار پرداخت، و همچنان در خدمت سلاطین غزنوی به سر می‌برد تا در زمان غزالدوله عبدالرشید (جلوس ۴۴۰) چندی صاحب دیوان انشا گردید، لیکن به تهمت حاسدان معزول و محبوس شد. در سال ۴۴ که طغرل کافر نعمت بر عبدالرشید خروج کرد و او را کشت، بسیاری از خادمان در گاه را در قلاع محبوس ساخت. از آن جمله بیهقی را از حبس سلطان- و به قولی از حبس قاضی غزنین- بیرون آورد و به زندان قلعه فرستاد. بیهقی پس از رهایی از زندان گویا بقیه عمر را در انزوا به سر برد تا بدرود زندگی گفت. اثر معروف او «تاریخ بیهقی» (م.ه) است، دیگر «زینة الکتاب» در آداب کتابت که اکنون در دست نیست در مجموعه‌ای خطی متعلق به کتابخانه ملک (تهران) چند ورق مشتمل بر شرح بغض لغات است که به بیهقی نسبت داده شده.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۳۳۲- ۳۳۱/۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۸۹۲- ۸۹۰/۲)، تاریخ بیهق (۱۷۸- ۱۷۵)، تاریخ بیهقی چاپ دکتر فیاض، (مقدمه)، تاریخ در ایران (۳۱- ۲۹)، تاریخ غزنویان (۹- ۸)، تاریخ نظم و نثر (۶۵- ۶۴)، دایرةالمعارف فارسی (۱/۴۹۷)، سبک‌شناسی (۹۱- ۶۶/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۴- ۱۶۳/۵)، گنج و گنجینه (۹۲- ۸۴)، لغت‌نامه (ذیل / ابوالفضل)، مؤلفین کتب چاپی (۴۱۷- ۴۱۶/۵)، معجم المؤلفین (۲۳۷/۹)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۴۷۰)، نام‌آوران فرهنگ (۱۵۱- ۱۵۰)، الوافی بالوفیات (۲۰/۳)، یادنامه‌ی بیهقی چاپ دانشگاه فردوسی.

بیهقی، ابوالقاسم اسماعیل

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم و پنجم ق)، لغوی، نحوی، فقیه و قاری. معروف به شمس بیهقی. ملقب به شمس الائمه. او جامع علوم و فنون بود و در مرو مسکن داشت. از آثارش: «نقض الاصطلاح»؛ «سمط الثریا»، در معانی غرائب حدیث؛ کتابی در «لغت». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۶۷۵/۲)، معجم الادباء (۱۴۱- ۱۴۰/۶)، معجم المؤلفین (۲۶۴/۲).

بیهقی، ابوالقاسم زید

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۱۷ ق)، فقیه و متکلم امامی. او پدر علی بن زید بیهقی، ابن فندق، صاحب «تاریخ بیهق»، شارح «النهج» است. ابوالقاسم بیهقی از مشایخ ابن شهر آشوب مازندرانی بوده است. از آثارش: «حلیه الاشراف»؛ «لباب الالباب»؛ «حدائق الحدائق»؛ «مفتاح باب الاصول». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۲۷- ۱۲۶/۷)، تاریخ بیهق (۲)، الذریعه (۲۸۰/۱۸، ۸۰/۷، ۲۸۳/۶)، ریحانه (۳۰۹/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۴- ۱۱۳/۶)، فهرست منتجب الدین (۸۱).

بیهقی، ابوالقاسم، ابو محمد اسماعیل

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۰۲- ۳۲۸ ق)، فقیه حنفی. او در اصول و فروع حنفی مقتدای زمان خود بود. از آثار وی: «المجرد فی فروع الحنفیه» به نام «الشامل»، در فروع فقه حنفی، در دو جزء؛ «الکفایه الفقهاء»، مختصر شرح القدوری. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۰۸/۱)، کشف الظنون (۱۵۹۳، ۱۴۹۸، ۱۰۲۴)، هدیة العارفین (۲۰۹/۱).

بیهقی، ابو جعفر احمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ح ۵۴۴ - ۴۷۰ ق)، محدث، فقیه، مفسر و ادیب. معروف به بوجعفرک. وی اهل نیشابور بود. گروهی از نجبا همصحبت وی بودند و جماعتی نزد وی دانش فراگرفتند. او از ابونصر احمد بن محمد بن صاعد قاضی و ابوالحسن علی بن حسن بن عباس صندلی واعظ و دیگران سماع حدیث داشت. تاج‌الدین محمود بن ابی‌المعالی خواری، در مقدمه‌ی کتاب «ضالۀ الادیب» می‌آورد که احمد بن علی بیهقی در ادب و قرائت امام بود و کتاب «صحاح» جوهری، در لغت را، پس از قرائت بر ابوالفضل احمد بن محمد میدانی، حفظ کرد. از جمله‌ی تألیفات او: «المحیط»، در لغات قرآن؛ «ینایع اللغه»؛ «تاج المصادر»، در لغت عرب؛ کتاب «المحیط بعلم القرآن».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۳۲۱ - ۳۲۰ / ۲)، دایرة‌المعارف فارسی (۴۹۷/۱)، روضات الجنات (۲۷۰/۱)، سیر النبلاء (۲۰۸/۲۰)، کشف الظنون (۲۰۵۲ - ۱۶۱۹، ۲۶۹)، لغت‌نامه (ذیل / احمد بن علی)، معجم الادباء (۵۱ - ۴۹ / ۴)، معجم المؤلفین (۴/۲)، الوافی بالوفیات (۲۱۵ - ۲۱۴ / ۷)، هدیة العارفين (۸۴/۱).

بیهودی، حسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(شهادت پس از ۱۳۰۰ ق)، ادیب و شاعر. وی منسوب به بیهود از توابع قاین است. در قاین و سپس در مشهد به تحصیل پرداخت، آنگاه راهی نجف شد و تحصیلاتش را نزد استادان عصر، از جمله علامه شریبانی به پایان برد و بر اقران پیشی گرفت و به مقام اجتهاد رسید. پس از آن به دیار خویش بازگشت و به نشر حقایق اسلامی و اجرای قوانین کیفری اسلام پرداخت. وی با صوفیان طاووسیه زادگاهش به مقابله برخاست و این تقابل آنان را به خشم آورد تا حدی که شبانه به خانه‌اش درآمدند و او را در حالی که خفته بود با ضربات چاقو مجروح و سپس خفه کردند و همسر حامله‌اش را نیز با او کشتند و اموالش را به غارت بردند. وی در هنگام مرگ شصت ساله بود. از او «دیوان» شعری باقی مانده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۳/۵)، بزرگان قاین (۱۳۶ - ۱۳۵)، شهیدان راه فضیلت (۵۴۰ - ۵۳۹)، معجم المؤلفین (۲/۲۴۶).

پارسا تویسرکانی، عبدالرحمان

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شاعر.

تولد: ۱۲۸۸، تویسرکان.

درگذشت: ۲ فروردین ۱۳۶۹، تهران.

عبدالرحمن پارسا تویسرکانی متخلص به «پارسا» فرزند شیخ محمدرحیم رستگار (از نیای پارسا مجنون تویسرکانی)، علوم ابتدایی و متوسطه را در تویسرکان و مازندران و تهران (فارغ‌التحصیل دارالمعلمین مرکزی) به پایان رساند. سپس به تکمیل معلومات خود نزد

استادان فن به تحصیل پرداخت.

پس از پایان تحصیلات، چندی به شغل آموزگاری در دبیرستان‌های تهران و مدرسه عالی سپهسالار پرداخت. مدتی نیز رییس تحقیق امنیه‌ی غرب بود، سپس به شرکت بیمه ایران رفت و تا زمان بازنشستگی (در سمت‌های مختلف و از جمله ریاست روابط عمومی شرکت، مسئولیت مجله‌ی «بیمه» و فعالیت در اداره‌ی انتشارات و مطبوعات بیمه‌ی ایران) در این شرکت کار می‌کرد. از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۹ منشی و نایب رییس انجمن ادبی ایران بود. مدتی نیز رییس انجمن ادبی ایران بود. علاوه بر اینها عضو دائمی و عضو هیئت مدیره فرهنگستان ایران نیز بود. پس از کودتای ۱۳۳۲ نیز مدت یک سال مشاور مطبوعاتی سپهد اردشیر زاهدی (نخست وزیر) بود.

فعالیت مطبوعاتی‌اش را از سال ۱۳۰۹ آغاز کرد. ضمن خدمت مطبوعاتی خود، سردبیری مجله‌ی «معارف» و روزنامه‌ی «کرمانشاه» را به عهده داشت. با نام‌های «گل آقا»، «همشهری» و «شیخ ابوالپشم» نیز مطالب خود را امضا می‌کرد. وی به مناسبت‌هایی نشان‌های ۲۸ مرداد و تاجگذاری دریافت داشت و به کشورهای عربستان سعودی و کویت و بحرین و قطر و عراق نیز سفر کرد.

پارسا شاعری را از دوران جوانی آغاز کرد. شاعری غزلسرا بود و به ساختن قطعه و رباعی نیز می‌پرداخت. یکی از کارهای پارسا به نظم درآوردن حکایت‌ها و مثل‌های اقوام مختلف دنیاست که قسمتی از آنها در مجله‌ی «گوهر» از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ به چاپ رسیده است. دیوان اشعار او که در حدود ده هزار بیت است هرچند به چاپ نرسیده ولی بیشتر اشعارش در جراید کشور به ویژه در مجله‌های «ارمغان» و «وحید» و «گوهر» و در مجله‌های کشورهای پارسی زبان افغانستان و پاکستان منتشر شده است. همچنین قطعه‌هایی از آثار منظم وی به وسیله پرفسور ایلسکی به زبان روسی و پرفسور مولوی به زبان انگلیسی ترجمه گردیده است.

فهرست تألیفات او به شرح زیر است: تصحیح و چاپ دیوان شاهزاده افسر سبزواری؛ تصحیح و چاپ دیوان رضی‌الدین آریتمانی؛ تصحیح دیوان عنصری؛ تاریخ تویسرکان؛ فهرست کتابخانه‌ی مدرسه‌ی عالی سپهسالار تهران؛ تصحیح مقدمه و چاپ قیصرنامه‌ی ادیب پیشاوری؛ رساله در شرح حال خاقانی و رساله در معرفت النفس و مقاله‌های انتقادی و اجتماعی در روزنامه‌ها و مجله‌های فارسی، مقدمه بر کتاب‌های مختلف از جمله کتاب رجال قم و بحثی در تاریخ آن. کتابی نیز درباره‌ی تاریخ تویسرکان تألیف کرده است که به چاپ نرسید.

(۱۳۶۹-۱۲۸۸ ش)، نویسنده و شاعر، متخلص به مجنون. در تویسرکان متولد شد. پدر وی از شاعران و ادیبان نامور بود. پارسا علوم ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش و مازندران و تهران به پایان برد. از آن پس چندی آموزگار و مدتی رییس تحقیق امنیه‌ی غرب بود و سپس به شرکت بیمه‌ی ایران منتقل شد. از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۹ ش منشی و نایب رییس انجمن ادبی و عضو دائمی و عضو هیأت مدیره فرهنگستان ایران نیز بود. پارسا شاعری اجتماعی و غزلسرا بود. غزل را نیکو می‌سرود و در ساختن قطعه و رباعی توانایی داشت. آثارش در مجله‌ها و روزنامه‌ها چاپ می‌شد. از آثار او: تصحیح و چاپ «دیوان» شاهزاده افسر سبزواری؛ تصحیح و چاپ «دیوان» رضی‌الدین آریتمانی؛ تصحیح «دیوان» عنصری؛ «تاریخ تویسرکان»؛ «تحریر هزار صفحه فهرست کتابخانه‌ی مدرسه سپهسالار تهران»؛ تصحیح و چاپ «قیصرنامه» ادیب پیشاوری و همچنین مقالات متعددی در مجلات ادبی که به چاپ رسیده است. یکی از کارهای مهم و قابل توجه پارسا به نظم درآوردن حکایت‌های آموزنده و مثل‌های اقوام مختلف دنیاست که قسمتی از آنها در دوره‌ی شش ساله‌ی مجله‌ی «گوهر» به چاپ رسیده است. «دیوان» اشعار او حدود ده هزار بیت است که تاکنون به چاپ نرسیده است. [۱].

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه [۱]: سخنوران نامی معاصر (۷۱۳-۷۰۸/۲)، کیهان فرهنگی (س ۷، ش ۲، ص ۵۶)، گلزار معانی (۲۴۴-۲۴۲/۱).

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

داوود پارسا

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۴/۱

زندگینامه علمی

پس از اتمام دوران دبیرستان و گذراندن دوره های زبان انگلیسی در موسسه شکوه تهران در سال ۱۳۵۵ و با قبولی در امتحانات کنکور و ورود به مجتمع دانشگاهی فنی و مهندسی در رشته برق عزم داشتم رشته ام را در دانشگاه پلی تکنیک (امیر کبیر فعلی) ادامه دهم که در سال ۱۳۵۷ انقلاب اسلامی رخ داد و تمامی دانشگاههای کشور تعطیل گشت.

در سال ۱۳۵۷ در کمیته امداد امام خمینی (ره) در قسمت تحقیق خانواده شهدا همکاری داشتم و در سال ۱۳۵۸ وارد آموزش و پرورش شدم و چندین سال در رشته دینی و زبان انگلیسی به تدریس مشغول شده و بعنوان مدیر مدرسه و همکاری با معاونت منطقه ۱۴ تهران مسئولیت پذیرفتم. از سال ۱۳۵۲ به بعد گرایش بیشتری به مسائل مذهبی و علاقه به مطالعه کتب دینی پیدا کردم و با حضور در مجالس سخنرانی آیات عظام مکارم شیرازی و سبحانی و مجتبی تهرانی و نوری و عبید زنجانی که هر کدام جلسات جداگانه ای در تهران داشتند بهره مند شدم.

در ابتدای انقلاب اسلامی با استاد علی صفایی حائری آشنا شدم که حاصل این آشنایی بینش جدیدی بود که نسبت به مذهب و دین در من ایجاد شد و با عمق بیشتری مسائل دینی را دنبال کردم و موجب ورود من به حوزه علمیه مجتهدی تهران در سال ۱۳۶۱ و سپس هجرت به قم در سال ۱۳۶۲ و ادامه تحصیل در حوزه علمیه قم گردید.

ادبیات را نزد اساتید: علوی طالقانی، مدرس افغانی، عرفان و اصول و فقه را نزد اساتید: فاضل، محمدی، محامی، محفوظی، موسوی تهرانی، پایانی، و آشیخ علی پناه و دروس خارج را نزد آیات عظام: وحید خراسانی، فاضل، آشیخ جواد تبریزی، مکارم شیرازی و علی صفایی حائری تلمذ نمودم. و چندین سال هم از محضر درس تفسیر آیه الله جواد آملی بهره مند شدم. در طول دوران تحصیلات حوزوی کار تحقیق با گروهی از دوستان در موضوعات: تاریخ، عرفان، تعلیم و تربیت و روانشناسی و تفسیر را دنبال کردم.

از سال ۱۳۶۹ به بعد در دو مقطع تدریس و تبلیغ علوم اسلامی در دانشگاههای تهران و امیر کبیر و علم و صنعت و شریف و علامه و شهید بهشتی و خواجه نصیر الدین و شهید مدرس و علوم پزشکی و دانشگاه قم و در استانها دانشگاه بوشهر و شیراز و قزوین پرداختم و چندین بار بعنوان مبلغ و استاد نمونه از طرف نهاد رهبری در دانشگاهها انتخاب شدم. و همچنین در مدرسه امام خمینی (ره) و حوزه خواهران و دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم به تدریس دروس حوزوی پرداختم.

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۸۲۲ ق)، مفسر، فقیه، نویسنده و صوفی. وی اهل بخارا و از اصحاب درجه‌ی اول خواجه بهاء‌الدین نقشبند و از اولاد عبدالله بن جعفر طیار بود. او نسبتش به حافظ‌الدین کبیر، محمد بخاری می‌رسد. از مشاهیر عرفای سلسله‌ی نقشبندیه است. چون مردی پارسا و دانشمند بود، بهاء‌الدین وی را پارسا لقب داد. پارسا، کتب بسیاری در تصوف دارد که به شیوه‌ی تفکر و تحلیل ابن عربی از مسائل عرفانی، نزدیک است. وی همچنین در نقل حدیث نیز دست داشت و کرامات بسیاری را به او نسبت داده‌اند. در هنگام بازگشت از سفر حج، در مدینه در گذشت و او را در جوار مزار حضرت عباس (ع) به خاک سپردند. وی پسری داشت به نام خواجه حافظ‌الدین ابونصر پارسا که او هم از مشایخ معروف نقشبندیه به شمار می‌رود. از آثارش: «فصل الخطاب لوصول الاحباب»، در محاضرات؛ «الفصول الستة»؛ «اربعون حدیثا»؛ «تفسیر القرآن العظیم»، در یکصد مجلد؛ «رساله‌ی قدسیه»؛ «عقاید حکیم ابوالقاسم اسحق بن محمد بن اسمعیل بن ابراهیم بن زید سمرقندی»؛ «انیس الطالبین و عدة السالکین»؛ «تفسیر سوره‌ی فاتحه‌ی کتاب»؛ «رساله‌ی کشفیه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۷۳/۷)، ایضاح المکنون (۱۹۱/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۸۳-۴۸۲/۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۸۱-۲۸۰)، ۲۲۱-۲۲۰)، تذکره الشعراء (۳۷۹)، حبیب السیر (۵-۴/۴)، الذریعه (۵۰/۱۷، ۲۳۳-۲۳۲/۱۶)، رشحات عین الحیات (مقدمه ۱۱۱-۱۰۱، ۸۸، ۴۴)، ریحانه (۳۱۰/۱)، طرائق الحقائق (۶۲/۳)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۸۲۳)، معجم المؤلفین (۳۰۰/۱۱)، نفحات الانس (۴۰۰-۳۹۷)، هدیه العارفین (۱۸۳/۲).

پارسی نژاد، ایرج

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

خلاصه: ایرج پارسی نژاد در سال ۱۳۱۷ در شهر آبادان دیده به جهان گشود. وی بعد از تحصیلات متوسطه وارد دانشگاه تهران شد و فوق لیسانس خود را در رشته زبان شناسی از همان دانشگاه اخذ نمود، وی برای ادامه تحصیل به انگلستان سفر کرد و با اخذ مدرک دکترای ادبیات تطبیقی از دانشگاه آکسفورد انگلیس تدریس در دانشگاه مطالعات توکیو را به مدت ۱۷ سال شروع کرد. بعد از بازنشستگی و عزیمت مجدد به آمریکا در دانشگاه ucla به تدریس مروری بر ادبیات کلاسیک فارسی به زبان انگلیسی را آغاز نمود. از وی آثار متعددی به جامانده است.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان شناسی

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: ایرج پارسی نژاد پس از پایان تحصیلات متوسطه در زادگاه، برای ادامه تحصیل در رشته ادبیات به تهران می‌آید و موفق به اخذ مدرک فوق لیسانس زبان شناسی دانشگاه تهران می‌شود. شوق تحصیل اما ماجرای تحصیلات پارسی نژاد را به این مختصر ختم نمی‌کند و او را ترغیب به عزیمت به انگلستان می‌کند. او به دانشگاه آکسفورد می‌رود تا در رشته ادبیات تطبیقی ادامه تحصیل دهد. پارسی نژاد موفق به اخذ مدرک دکترای ادبیات تطبیقی از دانشگاه آکسفورد انگلیس می‌شود

استادان و مریبان: از استادان ایرج پارسی نژاد می توان به استاد زرین کوب اشاره کرد.

فعالتهای آموزشی: ایرج پارسی نژاد پس از اخذ مدرک دکترای خود وارد توکیو شد و به مدت ۱۷ سال شروع به تدریس در دانشگاه مطالعات خارجی گردید. وی سخنرانی های متعددی در مراکز گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج از ایران داشت. پس از بازنشستگی عزیمت به آمریکا کرد و تدریس «مروری بر ادبیات کلاسیک فارسی» به زبان انگلیسی در دانشگاه UCLA را آغاز نمود.

آرا و گرایشهای خاص:، آرای ایرج پارسی نژاد هم در مورد اهمیت نقد ادبی در تاریخ ایران روشن تر می شود. به نظر او نقد جدید فقط ابزاری برای بهبود ادبیات فارسی نیست، امری که آن را از نقد پیش از قرن نوزدهم جدا می کند که چیزی جز تملق گوئی و تعریف و تکذیب شخصی نبود، بلکه پیشرفت سیاسی و اجتماعی مملکت نیز پیوندی استوار داشت. به گمانم او نقد ادبی حاصل «مبارزه اجتماعی - انتقادی روشنفکران ایران با استعداد قرن نوزدهم» بود چون ادبیات در شکل گیری فرهنگ ایرانی سهم به سزایی داشته و دارد و «تفکر ادبی» که محصول نگرش عقلایی است، پیش از هر چیز بر ضد نهادهای سیاسی و اقتصادی حاکم دست به اعتراض می زند». پارسی نژاد در تأیید ارتباط میان نقد و پیشرفت مملکت در مقامی مناسب به قول طالبوف استناد می کند: «اگر در اعمال و اقوال دایره منافع ملی «کریستیکه»، یعنی تشریح معایب و محسنات، نباشد در آن ملت ترقی نمی شود». او معتقد است مبحث «نقد ادبی جدید» با آنچه در سنت ادبی فارسی در این زمینه وجود دارد از بنیاد متفاوت است: «آثاری که به عنوان مباحث انتقاد ادبی از گذشتگان ما به جا مانده، همچنان که استاد زرین کوب یاد کرده، یا از نوع «نقد ذوقی» است که شاعران از سر ذوق به کنایه و تعریض به خرده گیری از یکدیگر پرداخته اند، مانند اشاره انتقادی فردوسی به ناتندرستی شعر دقیقی و نکته گیری های عنصری و غضائری از یکدیگر و یا از مقوله «نقد فنی» است که در کتاب های بلاغت و بدیع و قافیه از مقدمات ظاهری کلام سخن رفته. مانند ترجمان ابلاغی از محمد بن عمر رادویانی و حدائق السحر از رشید وطواط و چهار مقاله نظامی عروضی و لباب الالباب محمد عوفی و المعجم فی معاییر اشعار العجم شمس قیس رازی. اما در همه این آثار کمتر نشانی از تحلیل موضوع و قضاوت درباره ارزش ذاتی آثار ادبی دیده می شود.»

چگونگی عرضه آثار: ایرج پارسی نژاد نوشتن را به جد و جهد از دوران دبیرستان آغاز کرده و از همان آغاز نیز گرایش نقد ادبی داشته است. زنده یاد سیروس طاهباز که او نیز متولد آبادان بود، از تأسیس انجمن ادبی دبیرستان رازی آبادان یاد می کرد که مهم ترین کار آن تهیه یک روزنامه دیواری بود و ایرج پارسی نژاد با آن همکاری داشت. ایرج پارسی نژاد در این سال ها علاوه بر تدریس پیوسته، از نگارش مقالات متعدد در حوزه ادبیات و زبان شناسی در نشریات تخصصی ادبیات نیز غافل نمانده و همچنین ارتباط پیوسته اش با مراکز آکادمیک، نشریات تخصصی و همکارانش در حوزه ادبیات در ایران را حفظ کرده و هر از چند گاهی برای کارهای تحقیقی و پژوهشی به ایران می آید. پارسی نژاد در این سال ها علاوه بر حفظ پیوند هایش با جریان نقد ادبی در ایران، از تحقیق و مذاقه در وضع ادبیات کلاسیک ایران در خارج از ایران نیز غافل نمانده و به نقد آنان نیز پرداخته است. از آن جمله است دیدگاهی که او درباره ترجمه امروزی آثار مولانا در آمریکا دارد: «کلمن بارکس برای آن که شعر مولانا را با ذائقه زمانه تطبیق دهد و آن را باب روز بازار آمریکا بگرداند، مضامین عرفانی آن عارف آزاده را از خاستگاه تاریخی و اجتماعی او جدا می کند و آن را با فرهنگ دنیای معاصر تطبیق می دهد. بارکس به جای آن که مفهوم «عشق» در مثنوی را، همان گونه که هست باز نماید، دست به تحریف آن می زند. در سرآغاز فصل ششم زیر عنوان «مهارت منیات جسمانی» وانمود می کند که در طریق تصوف، بر آوردن امیال نفسانی، مرحله ای از وصول به حق و رسیدن به عشق الهی است!

آثار:

۱ تاریخ نقد ادبی در ایران

ویژگی اثر: پارسی نژاد ترجمه ای از کتاب روشنگران ایرانی را با عنوان «تاریخ نقد ادبی در ایران» از سوی انتشارات آیسبک در واشنگتن منتشر کرده و هم اکنون در تدارک جلد دوم «روشنگران ایرانی و نقد ادبی» است. در جلد نخست این کتاب تا هدایت مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته بود و جلد دوم اختصاص دارد به دوره هدایت تا روزگار ما. «

۲ ترجمه به انگلیسی «تاریخ نقد ادبی در ایران»-????-????

ویژگی اثر: انتشار آن از سوی IBEX در مریند آمریکا

۳ روشنگران ایرانی و نقد ادبی در دو جلد

ویژگی اثر: اما یکی از مباحثی که سال هاست به موضوع اصلی نقد ها و نوشته های پارسی نژاد بدل شده، همانا تاریخ نقد ادبی در ایران است. مبحثی که عنوان مهم ترین کتاب او نیز هست. «روشنگران ایرانی و نقد ادبی» اثری تحقیقی از ایرج پارسی نژاد پیرامون شکل گیری جریان نقد ادبی به همت نویسندگان و منتقدانی است که انتشارات سخن مسئولیت چاپ و توزیع آن را به عهده دارد.

منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com>

پارسی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اهواز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی اهواز در سال ۱۳۴۷، برد تخصصی داخلی از دانشگاه علوم پزشکی اهواز در سال ۱۳۵۵، فوق تخصص سرطان های داخلی از دانشگاه آمریکایی بیروت در سال ۱۳۶۸.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اهواز.

زمینه های علمی و تحقیقاتی:

نارسایی ایمنی اکتسابی AIDS بیماری ایمنونوپرولیفراتیو روده کوچک DISPI، کم خونی و حاملگی، عفونت در بیماران مبتلا به کمبود ایمنی، کم خونی تالاسمی و فراوانی آن در خوزستان، تدریس درس پاتوفیزیولوژی خون و سرطان در دانشگاه علوم پزشکی اهواز.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۴، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

سرطان، سرطان پستان، بررسی عفونت در امراض نئوپلاستیک، بررسی مقدماتی در مورد انتشار توکسوپلاسموز انسانی در

خوزستان، گزارش و بررسی یک مورد لنفوم بورکیت فک تحتانی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

بازارگادی، علاءالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۲ ش)، نویسنده و مترجم. از مردم شیراز است. پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در شیراز به انگلستان رفت و موفق به دریافت درجه‌ی لیسانس در رشته‌ی تاریخ عمومی و فوق لیسانس در رشته‌ی تعلیم و تربیت شد. پس از دریافت درجه‌ی فوق لیسانس رشته‌ی علوم سیاسی و اقتصادی از دانشگاه آکسفورد به آمریکا رفت و در رشته‌ی تعلیم و تربیت دکترای گرفت. دکتر بازارگادی پس از بازگشت به ایران به امر تدریس پرداخت. برخی از آثار او: «انشاء انگلیسی»؛ «پیروزی در دست من»؛ «دستور زبان انگلیسی»؛ «گرامر زبان انگلیسی»؛ «یک بحث جدی درباره‌ی خنده و شوخی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۶۰/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۴-۸۲/۴).

پازوکی، شهرام

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شهرام پازوکی متولد تهران است. در سال ۱۳۳۵ در این شهر به دنیا آمده، تحصیلات متوسطه را به پایان رسانده و اواسط دهه ۵۰ در رشته فلسفه دانشگاه تهران قبول شده است. در میانه تحصیل وبا انقلاب فرهنگی وقفه‌ای در روند تحصیلی او ایجاد می‌شود، اما پازوکی که دلمشغولی جدی او حوزه اندیشه بود بیدرنگ بعد از بازگشایی دانشگاه به ادامه تحصیل می‌پردازد و لیسانس فلسفه را در سال ۱۳۶۳ از دانشگاه تهران می‌گیرد. او فوق لیسانس فلسفه را نیز با پایان نامه ترجمه مقدمه و تفسیر کتاب عقل و وحی در قرون وسطی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دریافت کرده و دوره دکترای را نیز با عنوان پایان نامه سیر مابعدالطبیعه در غرب به تفسیر مارتین هایدگر در سال ۱۳۷۳ از دانشگاه تهران گرفته است.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: - پایان تحصیلات متوسطه در تهران - اخذ لیسانس فلسفه از دانشگاه تهران سال ۱۳۶۱ - دریافت فوق لیسانس فلسفه از دانشگاه تهران سال ۱۳۶۷ - اخذ مدرک دکتری فلسفه از دانشگاه تهران سال ۱۳۷۳

خاطرات و وقایع تحصیل: از وقایع دوران تحصیل شهرام پازوکی میتوان به وقوع انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاهها اشاره کرد. فعالیتهای ضمن تحصیل: شهرام پازوکی در خلال سالهای تحصیل علاوه بر آن، تدریس را نیز آغاز می‌کند. او از سال ۶۸ تا ۷۹ در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه تهران و شهید بهشتی درس داده است

فعالتهای آموزشی: شهرام پازوکی از سال ۶۸ تا ۷۹ در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه تهران و شهید بهشتی و از

سال ۷۹ تا کنون، دردوره های دکترای دانشگاه تهران (گروه فلسفه)، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه تهران (دانشکده هنرهای زیبا) در رشته های فلسفه اگزیستانس، فلسفه یونان و مسیحی، عرفان تطبیقی، الهیات تطبیقی، الهیات مدرن، فلسفه هنر و زیبایی، فلسفه تطبیقی در مباحث وجود شناسی و جهان شناسی درس داده است. او همچنین - همکاری با دانشگاه تهران به عنوان مدرس دروس فلسفه غرب، عرفان، فلسفه هنر - همکاری با دانشگاه شهید بهشتی به عنوان مدرس دروس فلسفه غرب، عرفان، فلسفه هنر از سال ۱۳۶۷ تا سال ۱۳۷۵ - همکاری با مؤسسه حکمت و فلسفه ایران به عنوان عضو هیأت علمی و مدرس دروس فلسفه غرب، عرفان، فلسفه هنر از سال ۱۳۷۳ تا کنون در کارنامه خود دارد.

آرا و گرایشهای خاص: شهرام پازوکی همچنان که حوزه های معرفت دینی و عرفان نظری را دنبال می کند، از تطبیق و تطابق آن با شرایط اکنون جوامع انسانی نیز غافل نمانده و دیدگاه های جالبی در این باره یافته است. او می گوید: «برخلاف ذهنیت اشتباه ما که بر این باور هستیم که تکنولوژی غربی بر همه شئون آنها سیطره دارد، غرب خود به واسطه تکنولوژی زدگی، به سمت عرفان و معنویت رفته است؛ زیرا به این نتیجه رسیده که این تکنولوژی نمی تواند برطرف کننده همه نیازهای انسانی، از جمله نیازهای وجودی و معنوی انسان باشد. اشتباه است که فکر کنیم تصور غربیان به واسطه اعمال تروریستی برخی حلقه های بنیادگرا مانند «طالبان»، نوعی بنیادگرایی است، چرا که جهان غرب بین این اعمال خشونت آمیز و روح معنوی عرفانی و پاک اسلام، تفکیک قائل شده است. حتی می توان گفت برداشت کلی آنها از اسلام، برداشتی انسانی و مسالمت آمیز است. غرب به دنبال فضای تکنولوژی زدگی که بر آن حاکم شده است، به دنبال مسکن آرامش دهنده ای است که نوعی آرامش باطنی داشته باشد؛ البته خود به خوبی نمی داند که به دنبال چیست، اما همین قدر می داند که این فضا ارضا کننده نیست و باید به دنبال پاسخ به سؤال های وجودی و معنوی خود باشد. غرب به خاطر این آشفتگی و این که نمی داند به دنبال چیست، به سمت ابتدایی ترین، مبتذل ترین تا متعالی ترین رهیافت های عرفانی رفته است، اما با این حال از سر این تکثر خود دارد به نوعی عرفان پی می برد که ریشه در ادیان دارد. بازخوانی و تدریس آثار عرفایی مانند «ملاصدرا»، «ابن عربی» و... و همچنین بزرگداشت هایی درباره عرفان اسلامی در غرب و استقبال طیف های مختلف مردم به این دست کارها، نشان می دهد غرب در پی دست یافتن به گم گشته خویش است. در آمریکا، چند سالی است که «مثنوی معنوی» جلال الدین مولوی پر تیراژترین کتاب است... غرب در یک کلام دوست دارد بیشتر از عرفان اسلامی بداند و این نشانه بازگشت آن به عرفان و معنویت اسلامی است» پازوکی از این منظر مسیرهای طی شده به وسیله اسلام شناسان غربی را نیز به خوبی زیر نظر گذاشته و مورد نقد و مذاقه قرار داده است. او درباره هانری کربن مستشرق و اسلام شناس معروف فرانسوی می گوید: «کربن که در مطالعاتش به روش هرمنوتیک و پدیدارشناسی متکی بود «معتقد شد» که تشیع باطن اسلام است. به اعتقاد کربن عالم معنوی ایرانی ای وجود داشته است که با ورود اسلام جان تازه ای گرفته است.

چگونگی عرضه آثار: آثار شهرام پازوکی علاوه بر همکاری با دایره المعارف تشیع در نگرش مداخل فلسفه اسلامی، نگارش مقاله های متعدد نظری در نشریه های تخصصی را نیز به چاپ رسانده. تأمل پازوکی در عرفان نظری در ایران او را با ادبیات و فرهنگ پیرامون عرفان نظری در ایران آشنا کرده و روحیه جست و جوگر او را به گنجینه ادبیات کلاسیک ایران نیز تعمیم داده است. او در یکی از نشست های ماهنامه ادبیات و فلسفه درباره عطارسخن گفته و در همایش مولانا به اندیشه نظری او پرداخته و درباره محمود شبستری تحقیقات قابل توجهی کرده و خلاصه از این دریای بی کرانه اندیشه نیز غافل نمانده است پازوکی به زبان های انگلیسی، عربی و آلمانی تسلط و آشنایی دارد و بر اساس این تسلط و آشنایی است که دست به ترجمه مقاله ها و کتبی از این زبان ها به فارسی زده است. او در تدوین فرهنگ فلسفی غرب نیز همکاری داشته و ترجمه مقاله های اصلی دایره المعارف فلسفی پل ادواردز در موضوع های مابعدالطبیعه و هستی شناسی را بر عهده داشته است. «پازوکی همچنین در موضوع هایی چون حکمت یونانی و مسیحی در عالم اسلام و مناسبات تاریخی و ماهوی تصوف و تشیع، دست به کار تألیف و تحقیقات فراوان زده است. او در کنار

تدریس، تحقیق و تألیف از حضور در مجامع علمی حوزه کاری اش نیز غافل نمانده و در همایش ها و گردهمایی های مرتبط در داخل و خارج از کشور، حضور پررنگ داشته است. از آن جمله است شرکت در کنگره نقد فلسفی، دانشگاه علامه طباطبایی، عنوان مقاله: پرسش از فلسفه مسیحی، همایش هنر جدید، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، مقالات هنر جدید و مبادی فکری مدرنیسم، کنگره دکارت و فلسفه جدید، دانشگاه علامه طباطبایی، دکارت، مؤسس مدرنیته، کنگره فارس شناسی، دانشگاه شیراز، تصوف عاشقانه روزبهان بقلی شیرازی، دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم کرمان، بحران معرفت در معماری جدید، سمینار دین و فلسفه، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، عنوان مقاله: فلسفه مسیحی چیست؟، کنگره بین المللی شیخ اشراق، مقایسه میان سهروردی و هایدگر، کنگره نقد تجدد از دیدگاه سنت گرایان، سنت گرایی و بنیادگرایی، کنگره بین المللی ادراک بنا بر نظر ملاصدرا و مکاتب فلسفی غرب، دانشگاه لندن، کنگره بین المللی مولوی، دانشگاه استراسبورگ، کنگره بین المللی مولوی، دانشگاه لندن، کنگره بین المللی عطار، دانشگاه لندن، کنگره معنای صلح در اسلام و مذهب بودا، دانشگاه بانکوک، کنگره بین المللی شاه نعمت الله ولی، دانشگاه لایدن هلند و ... پازوکی همچنین با دایره المعارف تشیع همکاری مستمر داشته و حدود ۵۰ مقاله در مباحث عرفانی در جلد های ۱ تا ۵ این دایره المعارف نگاشته است. تأمل پازوکی در عرفان نظری در ایران او را با ادبیات و فرهنگ پیرامون عرفان نظری در ایران آشنا کرده و روحیه جست و جوگر او را به گنجینه ادبیات کلاسیک ایران نیز تعمیم داده است. او در یکی از نشست های ماهنامه ادبیات و فلسفه درباره عطار سخن گفته و در همایش مولانا به اندیشه نظری او پرداخته و درباره محمود شبستری تحقیقات قابل توجهی کرده و خلاصه از این دریای بی کرانه اندیشه نیز غافل نمانده است: «آیا عطار در تذکره الاولیا ادیب بوده؟ در کتابی که به قول علامه قزوینی کتابی چون آن که دارای ۲ صفت «سادگی و شیرینی» [به غایت] باشد در ادبیات پارسی سراغ نداریم. به نظر من - چنان که از متن تذکره الاولیا فهمیده می شود - قصد عطار از انشای این کتاب، احیا و یادآوری ایمان است. او به دنبال آن نیست که مشخص کند «شبلی» آن «کلوخ» را برحلاج زد یا نه، قاعده آن است که «حلاج را دردی آمد عظیم» چراکه «دیگران ندانستندی و زدندی و او دانستی و زدی» عطار می اندیشد که «جنید حقیقی» کیست او را با «جنید واقعی» کاری نیست. نگرش او به جهان در این نقطه است که رقم می خورد می بالد و به ما می رسد. او درباره مولانا می گوید: «مولانا یکی از متفکران برجسته ایرانی است که می تواند در عرصه های جهانی مطرح شود. مولانا راه نجات انسان و سلوک الی الله را نشان می دهد و به واقع او نه تنها یک شاعر بلکه یک اندیشمند برجسته است. مثنوی تنها یک متن ادبی نیست بلکه فراتر از آن یک اثر عرفانی و استمرار تفکر غزالی در رابطه با «احیای علوم دین» است. مولانا نه اشعری است و نه معتزله، او انسانی است عارف که حصول معرفت بشری را از طریق عقل جزئی محال می داند. معرفت تقلیدی در اندیشه مولانا جایی ندارد، زیرا او قیاس و علم نقلی را اگر منطبق بر معرفت قدسی نباشد، نفی می کند. از منظر عرفانی و در تفکر مولانا، همه علوم منشأ دینی دارند و هیچ علمی در نزد وی شایسته نیست، مگر این که راه رسیدن به خدا را به ما نشان دهد. تفکر مولانا تفکر کلی است و تنها مربوط به ایرانیان نیست؛ بلکه به کل جهان اختصاص دارد. این تصور وجود دارد که تأثیر و تأثرها تنها در عالم اقتصادی و سیاسی رخ می دهد؛ اما دقت نمی کنیم این مسأله در عالم تفکر شدید تر است؛ ولی پنهان.» بد نیست با دیدگاه های شهرام پازوکی درباره حصول به معرفت دینی در اندیشه ایرانی آشنا شویم: معرفت به حقیقت هستی از طریق علم حصولی ممکن نیست. بلکه معرفت حقیقی، معرفت حضوری است که بی واسطه است. عرفان بحث ادیان است. ادیان ابراهیمی ۲ شأن دارند؛ یک جنبه ناظر به احکام شریعت است که جنبه ظاهر است و جنبه ای است که شخص چون در عالم زندگی می کند باید قوانین و مقرراتی را رعایت کند و در مقابل جنبه شریعت، جنبه باطنی به اسم طریقت وجود دارد که یکی از اصطلاحات کلیدی عرفان اسلامی است. همانطور که جان برای تجلی و ظهورش نیاز به تن دارد، طریقت نیز برای تجلی نیاز به شریعت دارد. عرفان فقط در آسمان نیست. بلکه عرفان جنبه باطنی، طریقتی و معنوی همه ادیان است. از آنجا که ادیان از حیث معنا و حقیقت عرفان واحدی دارند، ادیان از وجه جنبه طریقتی

با هم مشترکند، بنابراین شریعت مایه تکرر است. به همین دلیل در ادیان مختلف عارفان آن ادیان چون همدل هستند همزبان هم هستند و این هم زبانی موجب شده تفکر عرفانی خصوصیات خاص خود را داشته باشد. یکی از مشترکات عرفانی ادیان قول به حقیقت واحد هستی است و عالم مظاهر این حقیقت است یعنی اگر از حیث عرفانی، عرفان ادیان مختلف را نگاه کنیم متوجه می شویم عارفان در بحث از پیدایش عالم قائل به ظهور و تجلی هستند. یعنی عالم را جلوه‌گاه حق می دانند و موجود آیت حق است. به عبارتی در عرفان میان خالق و مخلوق نسبت وجودی هست. ما در عرفان نظر تنها نداریم و نظر باید با عمل توأم باشد و هیچ کس با خواندن فصوص الحکم عارف نمی شود و هیچ عارفی را سراغ نداریم که عرفان خوانده باشد ولی اهل عمل نباشد. ایران نسبت خاصی با عرفان و تصوف اسلامی پیدا کرده است. یعنی در تمام شئون فکری و اجتماعی ما تصوف و عرفان وجود دارد. مسیحیت به دلیل این که جنبه طریقتی بسیار غالبی دارد، دینی است که ماهیت عرفانی دارد، ولی در تاریخ مسیحیت آن چنان ظاهر بینی غلبه پیدا کرد که سخنگویان اصلی مسیحیت مطرود شدند و متکلمین مسیحی غلبه پیدا کردند. در میان فیلسوفان رمانتیک آلمانی مانند گوته بحث دین مطرح می شود. آنها بحث دین را به ماهو دین مطرح می کنند و نخستین پایه های اسلام شناسی و هنر شناسی را می گذارند. بحث تجربه دینی به عنوان جایگزین برای عرفان مطرح می شود و جنبه عقاید و کلام دین کنار می رود و همچنین مخالفت های فلسفه مدرن با دین کنار می رود و تأکیدی که روی تجربه می شود به گونه ای طرح مسأله عرفان است. در قرن بیستم بحث تجربه دینی و عرفانی مطرح می شود و در مقابل عده ای می گویند دین فقط تجربه دینی نیست. چون در عرفان تجارب، تجربه بر خاسته از حواس نیست بلکه احوال است. عرفان عین ذوقیات و تجربیات نیست و بالاتر از آن است. از حیث عرفانی احوال معرفت زاست. یعنی شما معرفتی نسبت به هستی پیدا می کنید اما در همه بحث تجربه دینی، مطرح شدن معرفت را نمی بینید. در ایران یک مشکل این است که هم می خواهیم عارفان مسلمان باشند و هم می خواهیم نباشند. ما هر وقت می خواهیم بحث جدی راجع به عرفان کنیم سراغ اسلام می رویم چون به محض این که صحبت از تفکر در اسلام می کنیم باید سراغ عرفان برویم و منابع فکری ما عرفا هستند. ایرانیان پرده از حقیقت معنوی اسلام برداشتند و آنچه در باطن اسلام است، نمایان کردند... -----

آثار:

- ۱ تاریخ تصوف از قرن هفتم تا کنون
- ویژگی اثر: مقاله (دایرة المعارف اسلام)
- ۲ تصوف علوی
- ویژگی اثر: مقاله (مجله عرفان ایران)
- ۳ جامع الاسرار: جامع تصوف، تشیع
- ویژگی اثر: مقاله (مجله عرفان ایران-)
- ۴ دکارت مؤسس مدرنیته
- ویژگی اثر: مقاله (مجله فلسفه دانشگاه تهران-)
- ۵ دکارت و پیدایش مفاهیم نو در هنر
- ویژگی اثر: مقاله (مجله فرهنگستان هنر-خیال-)
- ۶ سیر مابعدالطبیعه در تاریخ فلسفه غرب
- ویژگی اثر: کتاب (تهران- پژوهشگاه علوم انسانی)
- ۷ عرفان صراط مستقیم گفت و گوی ادیان

- ویژگی اثر : مقاله (مجله پل فیروزه)
- ۸ عقل و وحی در قرون وسطی
- ویژگی اثر : کتاب (تهران-پژوهشگاه علوم انسانی)
- ۹ فلسفه مسیحی چیست؟
- ویژگی اثر : مقاله (مجله فلسفه دانشگاه تهران-)
- ۱۰ کتاب خدا در فلسفه
- ویژگی اثر : ترجمه کتاب (تهران-حقیقت)
- ۱۱ گفت و گو و فرا گفت و گو در اندیشه
- ویژگی اثر : مقاله (مجله فلسفه دانشگاه تهران)
- ۱۲ معنای هنر و زیبایی در مثنوی
- ویژگی اثر : مقاله (مجله دانشکده هنر های زیبای دانشگاه تهران-)

پاشایی، محمدتقی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد تقی پاشایی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

محمد تقی پاشایی در فروردین سال ۱۳۳۷ هجری شمسی در شهر مقدس مشهد متولد گردید. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران گذراند و در سال ۵۷ موفق به اخذ دیپلم ریاضی گردید. ایشان در سال ۵۸ جهت تحصیل علوم حوزوی وارد حوزه علمیه اشتهازد شد و بعد از شش ماه در مدرسه علمیه برهان شهرری ادامه تحصیل داد و از سال ۶۴ تا کنون در حوزه علمیه مقدسه قم مشغول تحصیل و تدریس و تحقیق می باشد.

پاک نیا، عبدالکریم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالکریم پاک نیا

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

او در سال ۱۳۴۱ در شهر تبریز به دنیا آمد و در سال ۱۳۵۴ بعد از اتمام تحصیلات دوره ابتدایی دروس جدید، وارد حوزه علمیه شد. پدرش حاج اسماعیل یکی از معماران متدین و عالم پرور آن شهر بود. عبد الکریم دروس مقدماتی حوزه و ادبیات عرب را، از اساتید آن زمان در مدارس علمیه طالبیه، صادقیه، حسن پادشاه و حاج صفر علی، فرا گرفت. با شتاب گرفتن انقلاب اسلامی ایران، در ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ در کنار دیگر طلاب درس را تعطیل، و همراه سایر اقشار مختلف جامعه به جمع انقلابیون پیوست. بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران به تحصیل ادامه داد تا اینکه در سال ۱۳۵۹ برای تکمیل تحصیلات خود در عرصه علوم اسلامی، به شهر مقدس قم هجرت کرد. کتاب های مطول، حاشیه ملا عبد الله، شرح باب حادی عشر را نزد شیخ محمد علی مدرس افغانی و سید هاشم خوئی و شرح لمعه را در نزد شیخ علی پناه اشتهااردی و شیخ کریم ملائی تبریزی خواند.

درس تفسیر قرآن را از آیات عظام دکتر صادقی طهرانی و جواد آملی و دروس سطح عالی فقه و اصول را از بزرگانی همچون آقایان شیخ احمد پایانی، شیخ مصطفی اعتمادی، آقا سید رسول طهرانی و منطق و حکمت را نیز از آیت الله شیخ یحیی انصاری شیرازی و شیخ حسن مجد آموخت. درس خارج فقه و اصول را از محضر حضرات آیات شیخ جواد تبریزی، شیخ حسین وحید خراسانی، شیخ حسین نوری، سید موسی زنجانی، شیخ مسلم ملکوتی و شیخ جعفر سبحانی بهره مند گردید. در کنار تحصیل از سال ۱۳۷۱ به تدریس ادبیات، معانی و بیان، منطق، فلسفه مقدماتی، فقه و اصول و سایر دروس سطوح عالی پرداخت. همچنین از سال ۱۳۶۶ تاکنون در عرصه تبلیغ به مناسب های مختلف در ۱۵ استان کشور به فعالیت های تبلیغی و خدمات در این وادی اشتغال داشته است. بالاخره در کنار این اشتغالات عمده ترین وقت خود را در عرصه پژوهش های علمی و تحقیقی در موضوعات مختلف دینی، تاریخی، تربیتی و اخلاقی - که بیشترین علاقه را داشت - صرف نمود. در این راستا، از رهنمودها و تشویق های استاد محمود مهدی پور بهره برد. حاصل تلاش های وی در قالب کتاب و مقاله، توسط ناشرین مختلف و یا در مطبوعات و رسانه های سراسری چاپ و منتشر شده است. مهمترین موضوعات این آثار عبارتند از: سیره و سخن پیشوایان معصوم (ع)، مناسبت های مذهبی، شرح حال شخصیت های تاثیر گذار در جهان اسلام، اندیشه های اهل بیت (ع) در مسائل اخلاقی، عقیدتی، تربیتی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، مقالات قرآنی، یاران اهل بیت (ع) و غیره.

پاکپور، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی پاکپور

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از اخذ دیپلم اقتصاد، در سال ۱۳۶۳ دروس حوزه را در مدرسه علمیه جلالیه آستانه اشرفیه آغاز نمودم. سال ۶۴ برای ادامه تحصیل به قم آمدم و در مدرسه امام صادق(ع) (نیروگاه) پذیرفته شده به مدت چهار سال دوره مقدماتی را به پایان رساندم. ادامه تحصیل در مدرسه امام باقر(ع) (نیروگاه) و ورود به موسسه در راه حق همزمان با دروس موسسه، در سال ۷۳ دروس سطح حوزه را به پایان رساندم. بعد از دوره پنج ساله اول موسسه در راه حق، (موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی) در مقطع کارشناسی ارشد رشته دین‌شناسی پذیرفته شده و در طول مدت چهار سال پایان نامه خویش را به عنوان «وظیفه‌گرایی از دیدگاه کریستین ام کرسگارد» دفاع کردم. دو سال آخر دوره کارشناسی ارشد در گروه کارورزی فلسفه اخلاق موسسه زیر نظر استاد محمود فتحعلی فعالیت پژوهشی داشته‌ام، همزمان با کار پایان‌نامه در گروه اخلاق مرکز برنامه‌ریزی و تدوین کتب درسی نهاد فعالیت نموده و چند سالی است که به عنوان مسئول گروه اخلاق مشغول فعالیت هستم. بعد از اتمام دوره سطح حوزه چند سالی در درس خارج آیات عظام جوادی آملی، سبحانی، لاریجانی و... شرکت کردم. در طول سال ۸۵ با گروه اخلاق و تربیت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم در غالب پروژه اخلاق کاربردی، همکاری داشته و از فضای علمی آنجا بهره کافی برده‌ام. اکنون در ضمن فعالیت در گروه اخلاق مرکز تدوین نهاد رهبری، در رشته مدرسی معارف اسلامی گرایش اخلاق و عرفان اسلامی در مقطع دکتری مشغول به تحصیل می‌باشم.

پاکدامن، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: ایمونولوژی دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

پاکدین، کامل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کامل پاکدین

محل تولد: مراغه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۷/۱

زندگینامه علمی

بنده از سال ۱۳۵۹ بمدت ۱۲ سال بصورت مستمر در مدرسه علمیه شهیدین قم تحصیل کرده و همزمان با تحصیلات حوزوی و دروس دانشگاهی را هم تا سطح کارشناسی به اتمام رساندم. حدود یک سال و نیم در باکو (آذربایجان شوروی سابق) مشغول تبلیغ بودم. بعد ، یکسال در نهاد رهبری دانشگاهها ، در قسمت بازرسی فعالیت داشتم بعد ، حدود سه سال در مرکز دفتر تبلیغات اسلامی واحد سیره بعنوان محقق مشغول کار بودم. در جامعه الزهرا (سلام الله علیها) و دانشکده سپاه قم تدریس کرده ام . یکسال در دانشگاه معارف اسلامی و تاریخ تشیع تدریس داشتم و اخیرا "چهار سال است که در موسسه پژوهشی رای پرداز مشغول تحقیقات فقهی هستم.

پاکروان، روح‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: زیست‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

سال تولد: ۱۳۰۱، مرتبه علمی: استاد، رشته: زیست‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

زندگینامه

شادروان دکتر سید روح‌الله پاکروان در سال ۱۳۰۱ شمسی در شهرستان خوی چشم به جهان گشود وی تحصیلات مقدماتی خود را تا کلاس دوم دبیرستان در زادگاه خود بانجام رساند و برای ادامه تحصیل به تهران عزیمت نمود و موفق به اخذ دیپلم علمی گردید. ایشان در سال ۱۳۲۹ به دریافت مدرک لیسانس در رشته فیتوپاتولوژی از انستیتوی آکرونومیک فرانسه گردید و در سال ۱۳۳۸ موفق به اخذ درجه دکترای میکروبیولوژی از دانشگاه سوربن فرانسه شد، و دوره‌ی تخصصی خود را در رشته‌ی ایزوتوپها و اثرات آن بر میکروبها در مرکز اتمی فرانسه در سال ۱۳۴۰ به پایان رساند.

وی از نخستین کسانی بود که محیطهای کشت میکروبی را در ایران با استفاده از امکانات محدود آنزمان تهیه نمود و شاگردان زیادی را نیز در این زمینه تربیت کرد. شادروان دکتر پاکروان همه‌ی عمر خود را به دانش‌اندوزی و مهمتر از آن انتقال سخاوتمندانه دانش به عاشقان عمل سپری نمود و سرانجام در روز اول شهریور ماه سال ۱۳۷۲ دار فانی را وداع گفت. مدرس.

تولد: ۱۳۰۱، خوی.

درگذشت: ۱ شهریور ۱۳۷۲، تهران.

سید روح‌الله پاکروان تحصیلات مقدماتی خود را تا کلاس دوم دبیرستان در زادگاه خود به انجام رساند و برای ادامه‌ی تحصیلات به تهران عزیمت نموده و موفق به اخذ دیپلم عملی گردید.

وی در سال ۱۳۲۹ به دریافت مدرک لیسانس در رشته‌ی فیتوپاتولوژی از انستیتوی آکرونومیک فرانسه گردید و در سال ۱۳۳۸ موفق به اخذ درجه‌ی دکترای میکروبیولوژی از دانشگاه سوربن فرانسه شد، و دوره‌ی تخصصی خود را در رشته‌ی ایزوتوپها و اثرات آن بر میکروبها در مرکز اتمی فرانسه در سال ۱۳۴۰ به پایان رساند.

دکتر سید روح‌الله پاکروان از نخستین کسانی بود که محیطهای کشت میکروبی را در ایران با استفاده از امکانات محدود آن زمان تهیه نمود و شاگردان زیادی را نیز در این زمینه تربیت کرد.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

پاکزاد، پرویز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۴، مرتبه علمی: استاد، رشته: ایمنولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی علوم آزمایشگاهی از دانشکده پزشکی علوم پزشکی اهواز در سال ۱۳۵۰، کارشناسی ارشد میکروبی‌شناسی از دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز در سال ۱۳۵۲، دکترای ایمنولوژی از دانشکده پزشکی دانشگاه مانی‌توبا در کشور کانادا در سال ۱۳۵۹.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اهواز در سال ۱۳۶۰، دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اهواز در سال ۱۳۶۳، استاد در دانشکده پزشکی علوم پزشکی شهید بهشتی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آزمایشات ایمنولوژی و سرولوژی و باکتریولوژی، ایمنی نسبت به سرخچه در زنان، جایگزینی میکروبی در نوزادان در ۲۴ ساعت اول تولد، شیوع آنتی‌ژن استرالیائی در استان خوزستان، میزان شدت و کلاس گاماپاتی مونوکلونال در افراد مسن، رابطه تغییرات ایمنوگلوبولین‌های Ige و Siga در ترشحات ریه مجروحین شیمیائی، تدریس در رشته ایمنولوژی به مدت ۲۰ سال، راهنمایی ۶ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

واکسیناسیون و سروترابی، اصول و تفسیر آزمایشهای سرولوژی بالینی، ایمنولوژی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

پیشرفت‌های تازه در تهیه واکسن‌های ریبوزوم، مکانیسم‌های بروز آلرژی فوری، بررسی وضعیت ایمنی نسبت به سرخچه در زنان، دختران در سنین باروری و زنان باردار ساکن اهواز، فاکتورهای حفاظتی در شیر مادر و نقش Ige ترشحی، ایمنولوژی. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

پاکزاد، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

پزشک، مؤلف.

تولد: ۱۳۰۳، یزد.

درگذشت: ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران.

سید رضا پاک‌نژاد، فرزند ابوالقاسم، پس از اخذ دیپلم در رشته‌ی طبیعی، زمانی را به تجارت و روزگاری را به دبیری دبیرستان ایران شهر یزد گذراند. از آن پس چون به علم پزشکی علاقه داشت تحصیلات خود را تا درجه‌ی دکترای طب به پایان رسانید. وی پیش از انقلاب اسلامی، علاوه بر آموزگاری، ریاست بهداری و ریاست هیئت مدیره‌ی یک بیمارستان در یزد را بر عهده داشت. پس از انقلاب مدتی استاد دانشسرای عالی بود. مشاغل دیگر او عبارت بودند از: ریاست بهداری سازمان بیمه‌های اجتماعی، ریاست هیئت مدیره‌ی گروه فرهنگی علوی در یزد و ریاست مرکز پزشکی شماره یک یزد.

دکتر پاک‌نژاد ذوق ادبی داشت و گاهی به سرودن اشعار می‌پرداخت. از تألیفاتش می‌توان به قهقهه‌رایی دو هزار سال اشاره نمود. وی همچنین مقاله‌های متعددی برای روزنامه‌ها و مجله‌ها به رشته‌ی تحریر درآورده است.

دکتر پاک‌نژاد در اولین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی به عنوان نماینده‌ی مردم یزد فعالیت داشت. وی در هفتم تیرماه ۱۳۶۰ در حادثه‌ی بمب‌گذاری حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید. مدفن وی در یزد قرار دارد.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

پایا، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر علی پایا در هشتم خرداد ماه سال ۱۳۳۲ ش. در تهران به دنیا آمد. ایشان دارای دکترای رشته فلسفه از دانشگاه لندن می‌باشد. نامبرده مدرس فلسفه علم و تاریخ اندیشه مؤسسه اسلامی در لندن بوده و هم‌اکنون به عنوان استاد مدعو در دانشگاه تربیت مدرس فعالیت دارد. کتاب "فلسفه تحلیلی: مسائل و چشم‌اندازها" تألیف علی پایا، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: علی پایا تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در تهران سپری کرد. سپس وارد تحصیل در مقاطع دانشگاهی شد و لیسانس برق را از دانشگاه صنعتی شریف و فوق لیسانس فلسفه را از دانشگاه تهران اخذ نمود. وی جهت ادامه تحصیل عازم لندن شد و موفق به دریافت فوق لیسانس فلسفه و تاریخ علم و ریاضیات و همچنین دکترای فلسفه از دانشگاه لندن گردید.

استادان و مربیان: علی پایا فلسفه اسلامی را در محضر اساتیدی چون مرحوم آیت‌الله مطهری و مرحوم آیت‌الله حائری گذرانده است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: دکتر پایا در مشاغل مختلف اجرایی، پژوهشی و آموزشی خدمت نموده است که به برخی از آنها

اشاره می‌شود: عضو هیئت علمی و سرپرست گروه علم و فناوری و جامعه، پژوهشگر و مؤلف کتابهای تاریخ و فلسفه مرکز تحقیقات و تألیف کتب درسی وزارت آموزش و پرورش، مدرس فلسفه علم و تاریخ اندیشه مؤسسه اسلامی در لندن، استاد مدعو دانشگاه تربیت مدرس.

جوایز و نشانها: کتاب "فلسفه تحلیلی: مسائل و چشم‌اندازها" تألیف علی پایا، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد. -----

آثار:

۱ اسطوره چارچوب در دفاع از علم و عقلانیت

۲ ترجمه فارسی کتاب فرگه، هانس اسلوگا

۳ جنبه‌های اخلاقی تحقیقات در حوزه سلولهای بنیادین

۴ فلسفه تحلیلی: مسائل و چشم‌اندازها

ویژگی اثر: تألیف، این کتاب، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب فلسفه تحلیلی: مسائل و چشم‌اندازها فلسفه تحلیلی: مسائل و چشم‌اندازها / علی پایا. - تهران: طرح نو، ۱۳۸۲. ۷۹۷ ص. - (فلسفه و فرهنگ). کتابنامه. - ۶۹۵ - ۷۳۶. ۱. فراتجدد - جنبه‌های اجتماع. ۲. علوم اجتماعی - تحقیق. الف. عنوان. فلسفه تحلیلی یکی از شاخه‌های مهم و اثرگذار فلسفه معاصر است که در ایران نیز با اقبال و توجه فراوان از سوی پژوهندگان و علاقه‌مندان به مسائل فلسفی مواجه است. این کتاب کوششی درخور و شایسته در جهت معرفی «واقع نمایانه» فلسفه تحلیلی به خوانندگان فارسی زبان است. شاکله اصلی کتاب فلسفه تحلیلی مجموعه مقالاتی است که نویسنده آنها را درباره موضوعاتی که با فلسفه تحلیلی ربط و نسبتی مستقیم یا غیر مستقیم دارند به نگارش درآورده است و در هریک از آنها جنبه‌ای خاص از این روش خاص فلسفی را مورد بحث قرار داده است. برای ایرانیان که در میان بسیاری از ملل و اقوام به داشتن ذوق و فطانت فلسفی ممتازند و در پی اندازی بنای رفیع یک نظام فلسفی ویژه سهمی اساسی ایفا کرده‌اند، آشنایی دقیق و نقادانه با فلسفه تحلیلی، امری لازم و مفید است. در مقاله نخست این مجموعه با عنوان «فلسفه تحلیلی چیست؟» ضمن ارائه توضیح درباره برخی رهیافت‌های نادرست که در تحدید حدود فلسفه تحلیلی اتخاذ شده، این پرسش مورد بحث قرار گرفته که آیا ارتباط میان اجزای این نظام فلسفی از نوع شباهت خانوادگی و بنابراین اعتباری و عرضی است یا آنکه رشته‌ای واقعی و اصیل موجب وحدت این اجزا می‌شود. «نگاهی اجمالی به سیر تحولات تاریخی فلسفه تحلیلی» که به دلالت عنوانش به نهضت فکری فلسفه تحلیلی به مثابه یک رویداد خاص در تاریخ اندیشه نظر کرده، مکمل مقاله نخست است که به چستی این پدیدار نظر داشته است. مقاله «فلسفه از دید من» نگاه خاص یکی از فیلسوفان نامبردار تحلیلی را به موضوع کاوش‌های خود توضیح می‌دهد. مقاله چهارم به بررسی نتایج اختصاص یافته است که از آموزه‌های فلسفی ویتگنشتاین (به عنوان یکی از برجسته‌ترین چهره‌های فلسفه تحلیلی) متأخر برای پژوهش‌های حوزه علوم اجتماعی حاصل می‌شود. مقاله «کارنپ و فلسفه تحلیلی» به تفصیل چشم‌انداز تکاپوهای فکری یکی از تأثیرگذارترین فیلسوفان تحلیلی را پیش روی خواننده قرار می‌دهد. در مقاله «جایگاه مفهوم صدق در آراء فوکو» ارتباط مفهوم صدق با دیگر مفاهیم و عناصر اساسی نظام فکری وی همچون قدرت، معرفت، باستان‌شناسی آراء و اندیشه‌ها و تبارشناسی مفاهیم از منظر فلسفه تحلیلی مورد بررسی قرار می‌گیرد. مقاله هفتم به بررسی «شهود» و موقعیت آن در فلسفه تحلیلی معاصر اختصاص یافته است و در آن پس از بحث مختصری درباره معانی مختلف «شهود» امکان یافتن وجه مشترکی میان دیدگاه‌های قدیم و جدید درباره شهود مورد بررسی قرار گرفته است. در مقاله «نقش آزمایش‌های فکری در کاوش‌های علمی و

فلسفی « پس از بحث تفصیلی درباره ماهیت آزمایش‌های فکری، کوشش شده است تا حدود معرفت بخشی این هستارهای ذهنی را روشن سازد

۵ فلسفه‌های بهداشتی و فلسفه‌های غیر بهداشتی ایران

۶ فناوریهای نو (نانو، بایو، اینفو) و فرهنگ

۷ کارگاه بین‌المللی یک روزه اسلام و دموکراسی

۸ گفت و گو در جهان واقعی

پایانی اردبیلی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عمده الفضلاء الفخام و العلماء الاعلام آقای حاج شیخ احمد پایانی در سال ۱۳۴۶ قمری در شهرستان اردبیل متولد شده و بعد از اتمام فارسی و طی مقدمات در مدرسه ملا ابراهیم اردبیل در سال ۱۳۶۶ به قم آمده و سطوح عالی را نزد اساتید معظم قم خوانده و خارج مکاسب را از مرجع عالیقدر مرحوم آیت‌الله العظمی آقای حجت قدس‌الله سره استفاده نموده و پس از فوت آن مرحوم به درس آیت‌الله العظمی بروجردی حاضر شده و یک دوره درس خارج اصول مرحوم آیت‌الله آقا سید محمد محقق یزدی معروف به داماد را فرا گرفته و اکنون به تدریس فقه و اصول و مباحثات خصوصی اشتغال دارند.

وی از فضلاء متین و مدرسین خلیق و باتقوای حوزه علمیه است که علم خود را با حلم و ورع قرین ساخته است. عالم علوم دینی.

تولد: ۱۲۹۶ (۵ رمضان ۱۳۴۶ ق.)، اردبیل.

درگذشت: ۶ اسفند ۱۳۷۵، قم.

آیت‌الله احمد پایانی اردبیلی در حدود پنج سالگی به مکتبخانه رفت و خواندن قرآن مجید و فنون تجوید و قرائت و متون فارسی چون گلستان و نصاب‌الصبيان را فرا گرفت و پس از آن در مدارس دولتی تحصیلات ابتدایی را آموخت. در سن چهارده سالگی به مدرسه علمیه ملا- ابراهیم شتافت و به خواندن ادبیات عرب پرداخت و به لباس روحانیت ملبس شد. در اوایل سال ۱۳۶۶ ق. به مقصد ادامه‌ی تحصیل به حوزه‌ی علمیه‌ی قم آمد و به تحصیل سطوح فقه و اصول پرداخت و مکاسب را نزد آیت‌الله مجاهدی و رسائل را در محضر آیت‌الله سلطانی طباطبایی و کفایة‌الاصول را هم در درس آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی فرا گرفت.

آیت‌الله پایانی اردبیلی همزمان با ادامه‌ی تحصیل، به تدریس کتابهای حاشیه ملا عبدالله و معاصم‌الاصول پرداخت. وی در سال ۱۳۷۰ ق. به درس فقه آیت‌الله حاج سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای حاضر شد و پس از آن در درسهای فقه و اصول آیت‌الله العظمی بروجردی و سپس در درسهای فقه و اصول آیت‌الله سید محقق داماد شرکت جست و مبانی عملی خویش را استوار ساخت. استاد حدود پنجاه سال به تدریس کتابهای مهم فقه و اصول پرداخت.

آیت‌الله پایانی اردبیلی از بدو شروع مبارزات مرجعیت و روحانیت به رهبری امام خمینی (ره) علیه رژیم ستم شاهی، به پیکار با نظام پهلوی پرداخت. پس از انقلاب اسلامی نیز از تأیید و پشتیبانی مواضع حضرت امام دریغ نکرد. از اشتغالات دیگر ایشان شرکت مستمر در جلسه دیرین تفسیر قرآن کریم بود که با حضور جمعی از بزرگان و دانشمندان تشکیل می‌شدند.

آیت‌الله پایانی به غیر از تدریس متوالی، در ایام تعطیلی حوزه‌ی علمیه‌ی قم رخت سفر برمی‌بست و برای تبلیغ شعایر دین به نقاط

دیگر هجرت می‌کرد و به راهنمایی مردم و اقامه جماعت می‌پرداخت و این تا سالیان پایان عمرش ادامه داشت. او دارای اجازه‌ی نقل حدیث و امور حسبیه از استادش آیت‌الله حجت بود.

تألیفات ایشان عبارتند از: تقریرات درس فقه آیت‌الله حجت کوه کمره‌ای (بحث بیع)؛ تقریرات درس فقه آیت‌الله العظمی بروجردی؛ فهرست جامع الشتات میرزای قمی؛ شرح مکاسب به نام «ارشاد الطالی الی حقایق المکاسب» از اول مکاسب محرمه تا اواسط خیارات؛ حاشیه کفایه الاوصل؛ حاشیه‌ی مکاسب (که حاشیه بر مکاسب محرمه (در یک جلد) و حاشیه بر بیع در دو جلد به چاپ رسیده است)؛ «رساله فی احکام الاراضی و اقسام‌ها» که در مجموعه‌ی مقالات کنگره‌ی شیخ انصاری به چاپ رسیده؛ «رساله فی بیع الفضولی» که در مجموعه مقالات کنگره‌ی محقق اردبیلی به چاپ رسید. آنچه از تقریرات ایشان به چاپ رسیده است، عبارتند از: در کلاس درس مکاسب (شرح قسمتی از مکاسب محرمه در سه جلد، نوشته آقای رضا محمودی)؛ در محضر شیخ انصاری (نوشته جواد فخار طوسی)؛ در این کتاب مکاسب محرمه در نه جلد، و نیمی از بیع در هشت جلد و اکثر خیارات در نه جلد شرح گشته و همه آنها نیز به چاپ رسیده است.

آیت‌الله پایانی اردبیلی سرانجام در تاریخ یک شنبه ششم اسفند ماه ۱۳۷۵ در هفتاد سالگی جان سپرد. پیکرش پس از تشییع و نماز آیت‌الله شبیری زنجانی بر آن، در جوار مرقد استادش آیت‌الله سید محقق داماد- که در صحن حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

پایدار، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زنان و مامائی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی، دکترای تخصصی بیماریهای زنان و مامایی از بیمارستان شهر بالیتیمور آمریکا در سال ۱۳۴۷، فوق تخصص پرینتالوژی از نیویورک آمریکا در سال ۱۳۵۴.

مرتبه علمی:

استادیار رشته زنان و مامایی دانشکده پزشکی دانشگاه شیراز از سال ۱۳۴۷ تا سال ۱۳۵۳، دانشیار رشته زنان و مامایی پایه II دانشکده پزشکی دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۳.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تغذیه در حاملگی و اثر آن بر نوزاد، عوارض ناشی از حاملگی‌های چندقلویی، تدریس بیماریهای زنان و مامایی در دانشکده پزشکی شیراز.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۴، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

زنان و مامایی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

پاینده غزنوی، حسین

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، نویسنده و مترجم. وی قسمتی از کتاب «با برنامہ» را از زبان جغتایی، در ۹۹۴ ق ترجمه کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۸۱۶).

پاینده، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

روزنامه‌نگار، داستان‌سرا، مترجم.

تولد: ۱۲۹۲، نجف‌آباد.

درگذشت: ۱۸ مرداد ۱۳۶۳.

ابوالقاسم نجف‌آبادی مشهور به ابوالقاسم پاینده، فرزند رضا، در اصفهان از سال ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۹ به تحصیل علوم قدیم (صرف و نحو عربی، فقه اسلامی و فلسفه یونان) پرداخت.

خدمت مطبوعاتی خود را از سال ۱۳۰۸ در روزنامه‌ی «عرفان» (اصفهان) آغاز کرد. از سال ۱۳۱۱ به تهران آمد و روزنامه‌نگاری را

ادامه داد مدت‌ها با روزنامه‌های «شفق سرخ» و «ایران» همکاری داشت. مدتی نیز مدیر مجله‌ی «تعلیم و تربیت» بود. در سال ۱۳۲۱

مجله «صبا» را بنیاد نهاد و تا سال ۱۳۳۰ انتشار داد. ضمناً با مجلات دیگر از جمله مجله‌ی «معارف اسلامی» نیز همکاری می‌کرد.

ابوالقاسم پاینده در سال ۱۳۳۶ به سبب ترجمه‌ی قرآن مجید به دریافت جایزه نایل آمده است. از ترجمه‌های دیگر او می‌توان به این

عنوان‌ها اشاره نمود: التنبیه و الاشراف (علی بن حسین مسعودی، ۱۳۴۹)؛ تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوک (اثر محمد بن جریر

طبری در شانزده جلد، ۱۳۵۲)؛ اسرار نیک‌بختی (اوریزان ماردن، ۱۳۳۳)؛ تاریخ سیاسی اسلام از آغاز ظهور تا انقراض دولت اموی

(دکتر حسین ابراهیم حسن، سه جلد، ۱۳۱۸)؛ چرا فرانسه شکست خورد (آندره موروا، ۱۳۱۹)؛ در آغوش خوشبختی (لرد آوری

بوری، ۱۳۱۳)؛ زندگانی محمد (ص) (دکتر محمد حسنین هیکل، دو جلد، ۱۳۱۷)؛ مروج الذهب (از مسعودی، دو جلد، ۱۳۴۴)؛

تاریخ عرب (از فیلیپ حتی، دو جلد، تبریز، ۱۳۴۴)؛ نهج الفصاحه (س) (کلمات قصار حضرت رسول، جلد اول: ۱۳۲۶)؛ سخنان

محمد (ص) (کلمات قصار با ترجمه، ۱۳۱۸)؛ عشق و زناشویی (نیکلا حداد، ۱۳۳۵).

در سال ۱۳۲۶ به ریاست اداره‌ی تبلیغات برگزیده شد و در دوره‌ی دوم مجلس مؤسسان نامزد نجف آباد بود. ابوالقاسم پاینده داستان هم می‌نوشت. داستان‌هایش ترکیبی از خاطره و موعظه‌اند و بیشتر به انتقاد از زندگی اداری در سال‌های پیش از ۱۳۲۰ اختصاص دارند. در چند داستان نیز به نشان دادن جنبه‌های مضحک زندگی روستایی و خاطرات دوران کودکی می‌پردازد. از جمله آثار داستان وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: *رمان قاتل* (اصفهان، ۱۳۱۳)؛ *در سینمای زندگی* (مجموعه داستان، ۱۳۳۷)؛ *دفاع از ملا نصرالدین* (۱۳۴۷)؛ *جناب آقای دکتر ریش* (۱۳۴۸)؛ *مرده کشان جوزان و هفده داستان دیگر* (۱۳۵۷)؛ *داستان‌های برگزیده* (۱۳۵۲)؛ و *ظلمات عدالت* (۱۳۵۴). از آثار دیگر او می‌توان به *دستور نوشتن* (اصفهان، ۱۳۰۹) و *تمدن اسلام* (از مجلدات تاریخ ویل دورانت) اشاره نمود.

در ۱۲۹۰ در نجف آباد اصفهان متولد شد. تحصیلات جدید و قدیم را به خوبی ادامه داد و به ادبیات زبان فارسی و عربی تسلط پیدا کرد. زبان فرانسه را هم فراگرفت. به خدمت دولت درآمد، ولی کار اصلی او ترجمه و نویسندگی بود و کارهای ادبی و علمی اولیه‌ی او نشانگر ذوق و تسلط او به زبان فارسی است. چندی در مطبوعات اصفهان به کار ترجمه و نویسندگی اشتغال داشت، بعد به تهران آمد و مدتی به اتفاق علی دشتی و عبدالرحمن فرامرزی در اداره‌ی راهنمای نامه‌نگاری شهربانی اشتغال داشت. بعد از ۱۳۲۰ مستقلاً به انتشار مجله‌ی *هفتگی صبا* که روزهای چهارشنبه منتشر می‌شد مبادرت نمود. این مجله در نوع خود جالب بود و در آن مسائل اجتماعی برای اولین بار در ایران به طور عریان مطرح می‌شد. حتی از لحاظ چاپ عکس‌های لخت و نیمه‌لخت نیز بی‌سابقه بود. داستان‌های عشقی که تحریک‌کننده‌ی جوانان است، هر هفته با آب و تاب تمام انتشار می‌یافت. مخصوصاً عکس‌های ستارگان معروف سینما همه هفته روی جلد و داخل صفحات، و اخبار سینمایی جلب توجه می‌کرد. این مجله خیلی زود با استقبال روبرو شد و تیراژ آن سرسام‌آور بالا رفت و مدیر آن از لحاظ اجتماعی موقعیتی پیدا کرد؛ مخصوصاً تبلیغات مجله هم بی‌سابقه و جالب بود. مجله‌ی *صبا* در عین حال مخالفین سرسختی هم داشت و با تمام قدرت می‌خواستند از انتشار آن جلوگیری کنند، ولی میسر نمی‌شد. مجله‌ی *صبا* چندین سال انتشار می‌یافت تا تدریجاً تازگی خود را از دست داد و تعطیل شد.

پاینده در بین مردم وجهه‌ی زیادی نداشت و دشمنان سرسختی پیدا کرده بود. نسبت‌هایی به او دادند. هرچه تلاش کرد بدنامی مجله را از خود دور کند، نشد. سرانجام به ترجمه‌ی قرآن پرداخت و ترجمه‌ای از قرآن به دست داد که در زمان خود بهترین ترجمه‌ی فارسی بود. در دوره‌ی بیست و یکم پس از چندین سال تلاش، نماینده‌ی نجف آباد شد. در مجلس تک‌روی کرد. گاهی عوام‌فریبی می‌کرد. پس از آن دوره، دیگر به مجلس راه نیافت، از او کتاب‌های زیادی انتشار یافته است که هر یک در حوزه‌ی خود درخور توجه است. ترجمه‌های او روان است. ترجمه‌ی کتاب *در آغوش خوشبختی* یکی از ترجمه‌های سلیس اوست. حیات محمد (ص) و ترجمه‌ی کلمات حضرت رسول (ص) تحت عنوان *نهج الفصاحه* از دیگر کارهای علمی و ادبی او می‌باشد.

مهمترین کار پاینده، ترجمه‌ی قرآن و ترجمه‌ی تاریخ طبری در ۱۶ مجلد است. پاینده قصه و طنز نیز می‌نوشت. در ۷۳ سالگی در تهران درگذشت. از وی کتابخانه‌ی معظمی باقی ماند که غالب کتب آن به زبان‌های فرانسه و عربی بود. ظاهراً این کتابخانه از طرف وراثت به فروش رفت و گویا علی‌رغم میل صاحب آن، در اختیار مؤسسات دانشگاهی و علمی قرار نگرفت.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

پاینده، جعفر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جعفر پاینده

محل تولد: نجف آباد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب جعفر مشهور به پاینده فرزند حسنعلی پس از گذراندن دروس مکتبی در سال ۱۳۴۴ به حوزه علمیه الحجه در نجف آباد وارد شدم و در مدت یک سال و نیم دروس مقدمات و سیوطی و مغنی و منطق را نزد مرحوم حاج شیخ غلام حسین منصور و مرحوم حاج آقا محمود مدرس و دیگر اساتید گذراندم. این مدرسه در آن زمان تحت نظر مرحوم حاج شیخ عباس ایزدی بود و بعضی دروس را شخص ایشان عهده دار بودند. پائیز سال ۱۳۴۶ به حوزه علمیه قم آمدم و در مدرسه حاج ملا-صادق در چهار مردان که تحت نظر مرحوم آیت الله گلپایگانی بود، دروس معالم و مختصر و حاشیه و منطق و ... را نزد آقایان امینی و حاج حسن آقا تهرانی و آدینه وند خواندم و در سال تحصیلی ۱۳۴۷ به مدرسه حقانی تحت مدیریت مرحوم شهید قدوسی وارد شده و دنباله درس معالم و مختصر را نزد آیات: جنتی و خزعلی خوانده و دروس سطح عالی را به ترتیب نزد این آقایان گذراندم؛ حضرات آیات: مرحوم حرم پناهی و آیت الله محمدی گیلانی، درس لمعه آیت الله مومن قمی، درس اصول فقه آیت الله آذری قمی، درس رسائل شیخ مرحوم آیت الله احمدی میانجی، درس مکاسب آیت الله یوسف صانعی، درس کفایه آیت الله جوادی آملی، درس بدایه الحکمه آیت الله حسن زاده آملی، درس هیئت و کلیله و دمنه آیت الله دکتر احمد بهشتی، درس انشاء و نویسندگی آیت الله شهید قدوسی، درس اخلاق و عروه الوثقی آیت الله شهید مفتح و آیت الله انصاری شیرازی، درس منظومه منطق آیت الله مصباح یزدی، ضمناً دروس متفرقه دیگری هم مثل مکالمه عربی، تجوید قرآن و معلومات عمومی تا حد دیپلم در زمینه طبیعی، زبان انگلیسی و تشریح کالبد بدن انسان وجود داشت که از دبیران فرهنگی استفاده می شد. نزدیک پنج سال دروس یاد شده در مدرسه حقانی گذرانده شد و از سال ۵۲ که اوج اختناق در زمان شاه بود، بنده از مدرسه حقانی به مدرسه خان و حجتیه آمدم و سه سال تحت تعقیب ساواک شاه قرار گرفتم و همواره در مسافرت و متواری بودم. سال ۵۵ و ۵۶ در خارج کشور (سوریه و لبنان و کویت و ...) به سر میبردم و بیشتر اعلامیه های امام را در بین ایرانیان زائر و زوار حج پخش می کردم (با جمعی از دوستان). در این پنج سال از نظر دروس حوزه وقفه ای ایجاد شد.

اساتید دروس خارج یا عالی از سال ۱۳۶۰: درس اسفار اربعه تا آخر نزد آیت الله جوادی آملی، قسمتی از اشارات نزد آیت الله حسن زاده آملی، عرفان نظری درس فصوص قیصری نزد آیت الله حسن زاده آملی، درس تمهید القواعد نزد آیت الله جوادی آملی، درس خارج اصول نزد آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله صانعی، درس خارج فقه زکات و مکاسب محرمه و ولایت فقیه نزد آیت الله منتظری، درس خارج قسمتی از طهارت و صلوة نزد آیت الله تبریزی، نوارهای درسی برهان شفا از استاد مصباح یزدی.

پاینده، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود پاینده لنگرودی در سال ۱۳۱۰ خورشیدی در شهرستان لنگرود به دنیا آمد. استاد سالهاست که به عنوان گرافیست و

خوشنویس به خدمات هنری و فرهنگی اشتغال دارد و روزگار را به پژوهش در فرهنگ و تاریخ سرزمین کهنسال گیل و دیلم سپری می‌کند. کتاب "فرهنگ گیل و دیلم" محمود پاینده لنگرودی، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: محمود پاینده لنگرودی دوره تحصیلات دبستان و دبیرستان را در زادگاه خود به پایان برد و در سال ۱۳۳۲ راهی تهران شد و همکاری با مطبوعات را آغاز کرد.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: محمود پاینده لنگرودی سالهاست که به عنوان گرافیست و خوشنویس به خدمات هنری و فرهنگی اشتغال دارد و روزگار را به پژوهش در فرهنگ و تاریخ سرزمین کهنسال گیل و دیلم سپری می‌کند.

جوایز و نشانها: کتاب "فرهنگ گیل و دیلم" محمود پاینده لنگرودی، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

آثار:

- ۱ آیین‌ها و باورداشتهای گیل و دیلم
ویژگی اثر: بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۵
- ۲ خوئینه‌های تاریخ دارالمرز (گیلان و مازندران)
ویژگی اثر: (در دست چاپ)
- ۳ دکتر حشمت جنگلی
ویژگی اثر: انتشارات شعله اندیشه - ۱۳۶۸
- ۴ فرهنگ گیل و دیلم
ویژگی اثر: امیر کبیر ۱۳۶۷- این کتاب در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است
- ۵ قیام غریب شاه گیلانی
ویژگی اثر: انتشارات سحر ۱۳۵۷
- ۶ گل عصیان
ویژگی اثر: مجموعه شعر ۱۳۳۶
- ۷ گیلان در شعر شاعران و مجموعه شعر (فارسی)
ویژگی اثر: (در دست چاپ)
- ۸ لیله کوه
ویژگی اثر: شعر گیلکی ۱۳۵۸
- ۹ مثلها و اصطلاحات گیل و دیلم
ویژگی اثر: بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۲
- ۱۰ مجموعه مقالات گیلان‌شناسی

ویژگی اثر: (در دست چاپ)

۱۱ یه شو بو شوم روخونه

ویژگی اثر: شعر گیلکی - ۱۳۵۸

منابع:

www.ketabesal.ir

پائین شهری، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ محمدحسین پائین شهری - از مجتهدین بزرگ و با تقوای قم بوده و در بقعه جناب علی بن جعفر مدفون می باشد. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

پدرام، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اهواز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی کودکان و فوق تخصص خون و سرطان از دانشگاه منچستر انگلستان.

مرتبه علمی:

دانشیار رشته کودکان دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

خون و سرطان، بیماریهای کودکان، بررسی بیماریهای تالاسمی در استان خوزستان، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۷ پایان نامه

دکترای ۳ پایان نامه تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

بیماریهای خون و سرطان کودکان.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای خون و سرطان کودکان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

پرتو علوی، عبدالعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۹ - ۱۲۸۱ ش)، مترجم، نویسنده و شاعر، متخلص به پرتو. وی در تهران متولد شد. تحصیلات مقدماتی را در مدرسه‌ی اقدسیه به پایان رسانید و سپس وارد دارالمعلمین گردید. وی چندی نیز در عراق و مصر و برلن به تحصیل پرداخت. پس از بازگشت به ایران، ابتدا در وزارت دادگستری و سپس در راه آهن اشتغال یافت و مدتی نیز به تدریس ادبیات و زبان خارجه در هنرسرای عالی مشغول شد. پرتو در سالهای ملی شدن صنعت نفت به صف مبارزان علیه شرکتهای استعماری پیوست، و در این راه زندانی هم شد. او در شعر به جنبه‌های اجتماعی آن می‌پرداخت و هنر خود را در خدمت راهنمایی و ارشاد مردم به کار می‌گرفت. از آثار وی: «خودآموز و گرامر آلمانی»؛ «راست و نو»؛ «زندگی علی بن ابی طالب (ع)»؛ «بانگ جرس»، در شرح مشکلات «دیوان» خواجه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۶۳/۲)، سخنوران نامی معاصر (۷۳۳ - ۷۲۹/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۸۳ - ۸۸۲/۳).

پرتونیا، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: استاد، رشته: چشم پزشکی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی از دانشگاه علوم پزشکی تبریز در سال ۱۳۳۶، دکترای تخصصی چشم پزشکی از دانشگاه علوم پزشکی تبریز در

سال ۱۳۴۳، گذراندن دوره کوتاه ۴ ماهه در بیمارستان کوشن کشور فرانسه در سال ۱۳۵۱.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه علوم پزشکی تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

منزیت‌های سلی در کودکان، عوارض چشمی ناشی از ضایعات گوش، حلق و بینی، کرایوتراپی در چشم‌پزشکی، سردردهای ناشی

از چشم و درمان آنها، تدریس دروس نظری و عملی چشم پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی تبریز، استاد راهنمای ۴ پایان نامه

دکتر.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

چشم پزشکی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۶، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

چشم پزشکی، مشاهده جالبی از بیماری سندرم فوکس، بحثی مختصر از کریوفتالمولوژی، مشاهده یک مورد جالب از رتینوبلاستوم، بررسی و مطالعه معاینه و تشخیص با اولتراسون، مشاهده جالبی از کیست هیداتیک اربیت، گزارش یک مورد اگزوفتالمی ناشی از کیست هیداتیک کاسه چشمی، مطالعه و بررسی گلوکوم انفانتیل، مطالعه کاربرد اکراگرافی در چشم. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

پرتوی آملی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مؤلف.

تولد: ۱۲۹۶، آمل.

درگذشت: خرداد ۱۳۶۷.

مهدی پرتوی آملی تحصیلات ابتدایی خود را در آن شهر و دوره متوسطه را در بابل و ساری و تحصیلات عالی را در دانشسرای عالی تهران در رشته‌ی تاریخ و جغرافیا به پایان رساند و از شهریور ۱۳۱۶ در دبیرستان پهلوی ساری به تدریس مشغول شد و سپس به نظامت و ریاست دبیرستان منصوب گردید. مدت پنج سال در این سمت خدمت کرد و بعد ریاست فرهنگ شهرهای بابل و انزلی و چند بخش فرهنگ تهران را به عهده داشت. او چندی نیز به تدریس پرداخت و مدت ده سال رایزنی فرهنگی در عراق را بر عهده داشت. تألیفات چاپ شده او عبارتند از: فرهنگ عوام آمل، ریشه‌های تاریخی امثال و حکم (دو جلد).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

پرتوی، سیمین

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: پزشکی اطفال، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۶، دکترای تخصصی در رشته کودکان در سال ۱۳۵۹.

مرتبه علمی:

استادیار بخش کودکان دانشگاه مشهد در سال ۱۳۶۱، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۶۹.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام آندوسکوپی فوقانی و تحتانی در کودکان مبتلا به استفراغ، خونریزی گوارش، یبوست و دل درد، بررسی تست دگریلوز، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳۰ پایان‌نامه تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

کبد.

تألیفات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۸، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای گوارشی و کبدی در کودکان و بیماریهای انگلی در کودکان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

پرور، اسماعیل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اسماعیل پرور

محل تولد: شیراز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۲ پس از اخذ دیپلم ریاضی، وارد شهر مقدس قم شده و تحصیل علوم حوزوی را نزد برخی از اساتید این شهر آغاز کردم. از سال ۱۳۷۵ توفیق شرکت در دروس خارج حضرت آیت الله جوادی آملی را یافتم و پاره‌ای از ابواب فقهی و معارف تفسیری را از این استاد فرزانه فرا گرفتم. همزمان با تحصیل علوم فقه و اصول، به پژوهش در مباحث عقلی پرداختم و در سلسله جلسات پژوهشی مرحوم حجت الاسلام سید منیرالدین حسینی شیرازی - بنیانگذار فرهنگستان علوم اسلامی - شرکت کردم و

از نزدیک با اندیشه های ایشان در زمینه ضرورت تدوین و طراحی علوم اسلامی و لزوم دست یابی به مدل اداره جامعه بر پایه احکام دین آشنا شدم و در این میان با برخی از مراکز پژوهشی دیگر مانند مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما نیز همکاری خود را آغاز نموده و چند کتاب و مقاله به رشته تحریر در آوردم .

پرویز، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مورخ، محقق.

تولد: ۱۲۸۶.

درگذشت: ۲۰ آذر ۱۳۶۶.

عباس پرویز، فرزند حسین پرویز (آزادخواه عضو حزب دمکرات از سال ۱۳۲۷ ق. به بعد و از مؤسسان و مدیر کتابخانه‌ی تهران)؛ چندی در فرانسه تحصیل کرد. پس از بازگشت به ایران در سمت معلمی دبیرستان‌ها سال‌های دراز تدریس کرد و کتاب‌های درسی نوشت. وی از سال ۱۳۵۱ به مدت یک سال در مؤسسه‌ی انتشارات دانشگاه تهران به ویراستاری مشغول بود. فهرست تألیفات وی به شرح زیر است: تاریخ اروپا در قرون وسطی (۱۳۱۶)؛ تاریخ اروپا در قرون هفدهم و هیجدهم (برای پنجم ادبی، ۱۳۱۶)؛ تاریخ ایران در قرون نوزدهم و بیستم (۱۳۱۶)؛ تاریخ دو هزار و پانصد ساله‌ی ایران (۱۳۴۳)؛ جغرافیای اقتصادی ایران و انگلیس و فرانسه و آلمان (۱۳۱۸)؛ از طاهریان تا مغول (۱۳۲۰)؛ فهرست تاریخ ایران (۱۳۲۶)؛ تاریخ دیالمه و غزنویان (۱۳۳۶)؛ تاریخ ایران بعد از اسلام تا عصر حاضر، (تاریخ روابط ایران با اروپاییان در دوران سلطنت صفویه و قاجاریه، تاریخ عمومی و اروپا از قرون وسطی تا پایان جنگ بین‌المللی اول، جغرافیای اقتصادی عمومی ایران (برای سال ششم ادبی)؛ از عرب تا دیالمه؛ تاریخ تمدن جدید دنیا و ایران؛ سلاجقه و خوارزمشاهیان؛ قیام ایرانیان در راه تجدید مجد و عظمت ایران؛ کلیات جغرافیا (با همکاری نصرالله فلسفی و علی اصغر شمیم). مقاله‌هایی از وی در نشریه‌ی «بررسیهای تاریخی» به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

پروین

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم هجری، ملقب به شمس‌الحاجیه از زنان فاضل، ادیب و شاعر. وی ربیبه‌ی حاج میرزا حبیب خراسانی (۱۳۲۷-۱۲۶۶ ق)، از علما و شعرای معروف خراسان بود. پروین بسیاری از اشعار میرزا حبیب را جواب می‌گفته است. او در سن بیش از هفتاد سالگی درگذشت. از اشعار اوست:

وصل یار و فصل فروردین خوش است

طرف جوی و لاله و نسرين خوش است

خوش نباشد هر خطی در هر لبی

گرد آن لب آن خط مشکین خوش است

بر گلستان رخت شب تا سحر

همچو بلبل ناله پروین خوش است [۱]

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، ادیب و شاعر. ملقب به شمس الحاجیه. وی نادرتری حاج میرزا حبیب خراسانی بود. پروین بسیاری از

اشعار میرزا حبیب را جواب گفته است. او در سن بیش از هفتاد سالگی درگذشت. [۲]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] منبع: صد سال شعر خراسان، ۱۶۷.

[۲] صد سال شعر خراسان (۱۶۷)، مشاهیر زنان (۴۴-۴۳).

پروین گنابادی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در ۱۲۸۲ در خراسان متولد شد. تحصیلات خود را در مدارس قدیم مشهد گذرانید و از محضر دانشمندان بزرگی مانند ادیب نیشابوری استفاده کرد. در ادبیات فارسی و عربی سرآمد اقران شد. کار اداری خود را از معلمی آغاز نمود و مدت‌ها بدین شغل اشتغال داشت. ریاست چند دبیرستان و دانشسرای مشهد با او بود. در ۱۳۲۲ از طرف مردم سبزوار به نمایندگی مجلس انتخاب گردید و جزء نمایندگان دوره‌ی چهاردهم قرار گرفت. در آن مجلس فراکسیون‌های مختلفی به وجود آمد، از جمله فراکسیون حزب توده که هشت عضو داشت و محمد پروین گنابادی به لحاظ مردم‌دوستی و عواطف شدید اجتماعی و به خیال اینکه آن حزب مدافع زحمتکشانشان است، به آن فراکسیون پیوست. فراکسیون حزب توده ماجراهای زیادی در مجلس آفرید. مشاجرات تندی بین اعضای آن و بعضی از نمایندگان و اعضای دولت در تمام مدت عمر مجلس چهاردهم وجود داشت، ولی گنابادی در این مشاجرات هیچ‌گاه وارد نمی‌شد و فقط در رأی تابع آن بود.

پس از ختم مجلس، از سیاست به کلی گسست و به وزارت فرهنگ بازگشت و از نو به همان کار تدریس اشتغال ورزید، تا عضویت مؤسسه‌ی لغت‌نامه‌ی دهخدا را قبول کرد و تا آخر عمر در آن مؤسسه‌ی علمی اشتغال داشت. در طول عمر خود دست به تألیف چندین کتاب مفید زد و در تصحیح متون کهن تلاش بسیار نمود. ترجمه‌ی مقدمه ابن خلدون در دو جلد از کارهای سترگ اوست. کتاب‌های راهنمای مطالعه، پرورش اراده، دستور زبان فارسی، شیوه‌ی نگارش و فن مناظره از آثار دیگر او به شمار می‌رود. دانشگاه تهران به پاس خدمات فرهنگی وی، در ۱۳۵۵ درجه‌ی دکترای افتخاری به او داد. او همیشه از نظر مالی در مضیقه بود و زندگی را به سختی می‌گذرانید. چون علو طبع داشت، از کسی چیزی قبول نمی‌کرد و با مختصر حقوق بازنشستگی امرار معاش می‌نمود. مردی صالح، زحمتکش و محقق بی‌مدعا بود. حقی که او در تکمیل و تتمیم لغت‌نامه‌ی عظیم دهخدا دارد، بسیار گران است و زحمات هیچ‌کس دیگر شاید به پای زحمات وی نرسد. پروین گنابادی در ۱۳۵۷ در ۷۵ سالگی درگذشت. شاگردان، هواخواهان و ارادتمندانش مجموعه‌ی مقاله‌ای تهیه کرده‌اند و به نام او به خود او تقدیم داشته‌اند.

برگرفته از کتاب: شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد شهریار پرهیزکار، در ۲۵ مرداد ماه سال ۱۳۴۳ هـ.ش در شهر تهران دیده به جهان گشود. اشتیاق خود او به آموختن قرآن و نیز جوّ مذهبی خانواده، یکی از عوامل اصلی در گرایش قرآنی او شد. خود او می گوید: میل و اشتیاق درونی به شنیدن نغمات روحانی، اعم از دعا و قرآن که بویژه توسط مادرم در برخی مواقع به شکلی محزون تلاوت می شد مرا ترغیب می کرد. یکی از تفریحات کودکی من این بود که گوشه ای می نشستم و مسابقه ای قرآنی برای خودم ترتیب می دادم و خود را قاری تجسم می نمودم و احساس می کردم که از من دعوت شده برای اجرای برنامه و در شروع مسابقه باید من بخوانم بعد هم با یک لحن و وضعیت خاصی شروع می کردم به خواندن و خانواده این را دیدند بیشتر توجه شان جلب شد و مرا به جلسات قرآن راهنمایی کردند، استاد شهریار پرهیزکار، در سال ۱۳۵۲ که ۹ سال بیشتر نداشت، با شنیدن پخش چند تلاوت زیبا از مسابقات جهانی در مالزی که از طریق تلویزیون پخش می شد، مجذوب تلاوت قرآن شد و بخصوص تلاوت استاد محمد تقی مروت که رتبه نخست آن سال را در مسابقات مالزی را کسب کردند، بر او اثری ویژه گذاشت و زندگی آینده اش در مسیر قرآن رقم زد.

آقای شهریار پرهیزکار، روحوانی و روانخوانی و مباحث اجمالی در زمینه تجوید مقدماتی را در محضر استاد ادیب و تجوید و صوت و لحن قرآن کریم را همزمان در جلسات استاد مروت آغاز کرد. و سپس با راهنمایی استاد و مروت به جلسات درس استاد مولائی حضور یافت و بدین ترتیب، حفظ قرآن را نیز آغاز نمود. استاد پرهیزکار، اولین بار بصورت رسمی در مسابقات قرآنی که در سال ۱۳۵۶ در مسجد لاله زار و در مقابله با رژیم طاغوت برگزار شد به تلاوت پرداخت در این مراسم که بسیار با شکوه برگزار شد آیاتی از سوره مبارکه یوسف را به زیبایی تلاوت کردند.

آقای پرهیزکار پس از دریافت دیپلم در سال ۱۳۶۰، در دانشگاه شهید بهشتی تهران و در رشته کامپیوتر و نرم افزار تحصیل خود را آغاز کرد و مدرک کارشناسی را دریافت نمود. آقای پرهیزکار در سال ۱۳۶۹ ازدواج کرد که ثمره این ازدواج دو فرزند بنامهای فاطمه و مهدیه است.

استاد پرهیزکار قرآن کریم را در طول سه سال در جلسات حفظ استاد مولائی از حفظ نمود او همچنین در بسیاری از مسابقات داخلی در کشور شرکت کرده و رتبه های ممتاز کسب نموده است.

در سال ۱۳۶۲ در مسابقات بین المللی جمهوری اسلامی ایران در حفظ ۱۵ جزء رتبه نخست را کسب کرد همچنین در سال ۱۳۶۴ در حفظ ۲۰ جزء رتبه دوم را در کشور عربستان بدست آورد در سال ۶۶ هم استاد پرهیزکار در رشته حفظ کل قرآن در مسابقات بین المللی ایران شرکت کرد و رتبه نخست را در این مسابقات از آن خود ساخت. او علاوه بر آن، در سال ۷۱ نیز به رتبه نخست مسابقات کشور عربستان در رشته حفظ کل دست یافت. وی شیرین ترین خاطرات فراموش نشدنی خود را دستیابی حضرت امام خمینی (ره) و تفقد و صمیمیت ایشان را با خود دانسته و خاطره دیگر را ورودشان به داخل کعبه پس از انجام مسابقات عربستان، در سال ۶۶ می داند.

دوره کامل تلاوت ترتیلی با صدای استاد پرهیزکار که از سالها پیش و به برکت نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران ضبط شده است همه ساله از شبکه های مختلف رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی ایران پخش می شود. که بسیار مورد توجه دوستداران و علاقه مندان به قرآن قرار گرفته است. نوار کاست با تکرار تلاوت ترتیل با صدای استاد پرهیزکار برای علاقه مندان به حفظ قرآن کریم تدوین شده است و در دسترس علاقه مندان است. آقای پرهیزکار مانند بسیاری دیگر از اساتید و صاحبزنان امر تلاوت معتقدند که قاری قرآن شایسته است در ابتدای کار از یک قاری مصری برجسته تقلید کند و در این مرحله باید از هرگونه ابداع و

ابتکار سبک نوین پرهیز کند او معتقد است پس از سپری کردن این دوره می توان سبکی نو، ابداع کرد به همین دلیل خود او نیز در ابتدا از مرحوم استاد عبدالباسط سپس مرحوم منشاوی و پس از آن از مصطفی اسماعیل تقلید نموده است. آقای پرهیزکار به قاریان جوانی که در ابتدای راه هستند سفارش می کند که در شنیدن تلاوتها برای یادگیری توجه و دقت بالایی را مبذول دارند؛ یعنی بصورت تفننی به تلاوت گوش ندهند بلکه به تمام ظرایف و ریزه کاری های تلاوت قاری مورد تحقیق گوش بسپارند. استاد پرهیزکار تا کنون در جلسات مختلفی در سطح تهران و یا در دبیرستانهای مختلف در زمینه ای قرآنی تدریس کرده اند ایشان هم چنین در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران دو واحد درس آوا شناسی را تدریس نموده است. آقای پرهیزکار در زمینه فعالیت های قرآنی خود در دوره های تربیت مربی قرآن، در سپاه پاسداران و تصمیم گیری جلسات برخی از نهادهای کشور حضوری فعال داشته است. او در طول ۸ سال دفاع مقدس که دل و جان نیروهای رزمنده لبریز از معنویت بود، در ایامی که مجاهدان این مرز و بوم با عشق به قرآن و اهل بیت (ع) لحظات را سپری می کردند حضور قاریان برجسته کشور در جمع آنان تأثیری بسزا داشت، از این رو استاد پرهیزکار نیز مانند بسیاری از برادران قاری در جمع رزمندگان اسلام در جبهه های مختلف حاضر می شد و با تلاوت آیات وحی دل و جان آنها را از عشق حق حیاتی دوباره می بخشید.

آقای پرهیزکار از اساتید؛ رفعت، شعاعی، مصطفی اسماعیل و شعیب به عنوان قاریان برتر پیشکسوت در کشور مصر یاد می کند. او همچنین در میان اساتید حاضر در کشور مصر از اساتید: شحات محمد انور، الیثی و نعینع به عنوان قاریان برتر کشور مصر نام می برد. وی در توصیه های خود به جوانان معتقد است که فعالیت در امر قرآنی به یک اشتیاق و علاقه خاصی نیازمند است و صرف دوست داشتن را کافی نمی داند؛ باید عشق و علاقه در خود ایجاد کرد تا بتوان با این موتور محرکه که از درون ما را سوق می دهد به سمت انس هر چه بیشتر با قرآن در این عرصه موفق باشیم.

پرهیزگار، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا پرهیزگار استاد بخش زبان و ادبیات انگلیسی در دانشگاه شیراز است. او به ویژه در مورد ترجمه فعالیت می کند. او دانستن یک زبان خارجی را برای ترجمه کافی نمی داند. وی دانش زبان شناسی با شاخه منظور شناسی راجهت ترجمه لازم و ضروری می داند او همچنین نظریه تاویل یا هرمنوتیک را از لوازم ترجمه شمرده است. گروه: علوم انسانی رشته: زبان و ادبیات انگلیسی گرایش: زبان های خارجی فعالیتهای ضمن تحصیل: مهمترین فعالیت ضمن تحصیل محمد رضا پرهیزگار، ترجمه است. او بر این عقیده است که امروزه کسانی که زبان شناسی می خوانند، دو رشته جدید را تحصیل می کنند که بدون اطلاع از این دو رشته، یک ترجمه خوب به دست نمی توان داد. مگر به طور تصادفی، آن دو دانش، یکی دانش زبان شناسی باشاخه منظور شناسی است که همان پراگماتیک و گفتمان و تحلیل سخن کاوی یا دیسکوآنالیزیم است و دیگر شناخت نظریه های متاخر و جدی ادبی است مثل نظریه تاویل یا هرمنوتیک می باشد. وقایع میانسالی: مهمترین امر این دوران رو آوردن محمد رضا پرهیزگار به ام ترجمه است. او که سخت به ترجمه علاقمند است بر این باور می باشد که ما ضمن اینکه نقد ترجمه داشته باشیم، از طریق مطبوعات نیز به طور مرتب ترجمه های خوب را معرفی کنیم تا خوانندگان به سراغ ترجمه های غلط و نادرست نروند. آرا و گرایشهای خاص: محمد رضا پرهیزگار زمینه آفرینش کار فرهنگی را در ترجمه، آشفته می داند. او معتقد است که بعد از انقلاب اسلامی، بسیاری از مردم به دلیل تجربه هایی که در یک زبان خارجی داشتند و یا در دانشگاهها انگلیسی و فرانسه خوانده بودند، به

ترجمه وری آوردند و این تنها ظاهر قضیه است. اینها گمان می‌کردند دانستن یک زبان خارجی برای ترجمه کافی است. اما این درست نیست و آشفته‌گی می‌آفریند. آثار: ترجمه رنگ ارغوانی ویژگی اثر: این رمان تالیف خانم آلیس واکران است.

پریمی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی پریمی

محل تولد: دامغان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجایب علی پریمی دارای تحصیلات حوزوی و دانشگاه می‌باشم. تحصیلات حوزه خود را تا پایه دوم در حوزه علمیه دامغان در سالهای ۶۷-۶۸ سپری نمودم و سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و تاکنون مشغول تحصیل هستم که حدود هشت سال سابقه حضور در دروس خارج فقه و اصول را دارم. همزمان با تحصیلات حوزوی، تحصیلات متوسطه و بعد قبولی در دانشگاه را کسب نمودم و در رشته ادبیات و زبان فارسی مدرک کارشناسی را دریافت نمودم و بعد در دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شدم و از سال ۷۹ تاکنون در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) به عنوان محقق و مسئول کتابخانه تخصصی علوم عقلی مشغول به تحقیق و پژوهش هستم. از سال ۱۳۸۰ تاکنون در دانشگاه‌های مختلف کشور (پیام نور قم، دامغان، صنعتی شاهرود، آزاد اسلامی دامغان، و شاهرود) در رشته فلسفه، دروس عمومی و رشته حقوق مشغول به تدریس هستم.

پزشک، مصطفی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند میرزا آقا طبیب فرزند میرزا عبدالوهاب بن میرزا کوچک طبیب. از اطباء معروف اصفهان که به حذاقت و استادی مشهور، و به حسن خلق و شرح صدر و لطف معاشرت مشهور بود.

در ۲۰ ذی‌حجه‌ی سال ۱۳۸۴ به سن متجاوز از نود سال وفات یافت.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

پزشکی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد پزشکی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۵/۱

پژمان بختیاری، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۳- ۱۲۷۹ ش)، شاعر و مترجم. از مردم تهران بود، مادرش خانم عالم تاج، متخلص به ژاله از دودمان میرزا ابوالقاسم قائم مقام، وزیر محمد شاه بود. وی تحصیلات خود را در مدارس تهران گذراند و در رشته‌های علوم ادبیات و عربی و زبان فرانسه اطلاعات خود را کامل کرد و پس از آن به استخدام وزارت پست و تلگراف درآمد. پژمان در هیجده سالگی به سرودن شعر پرداخت و آثارش در روزنامه‌ها و مجلات مختلف به چاپ رسید. او از شعرای خوش ذوق و تجددخواهی است که آثارش از لطف کلام و انسجام لفظی و معنوی برخوردار است. از آثارش: منظومه‌های «سیه روز»، «زن بیچاره»، «محاکمه‌ی شاعر»، «خاشاک»، و همچنین ترجمه‌ی کتابهای: «وفای زن»، «آتالاورنه»، «پیشه»، «دزد اطفال»، «قمار»، «کرسیل»، «گربه‌ی سیاه». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: ادبیات معاصر (۳۶- ۳۵)، از بهار تا شهریار (۳۸۸- ۳۸۴)، چهارصد شاعر برگزیده پارسی‌گوی (۱۶۷- ۱۶۴)، چون سبوی تشنه (۱۸۰- ۱۷۸)، دویت سخنور (۶۴- ۶۲)، سخنوران نامی (۱۴۴- ۱۳۶/ ۲)، سخنوران نامی معاصر (۸۰۳- ۷۹۸/ ۲)، صدف (۱۴۴- ۱۱۴)، گلزار معانی (۱۸۷- ۱۷۵)، مؤلفین کتب چاپی (۸۲۹- ۸۲۷/ ۲).

پژند بیرجندی، هاید

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: دندانپزشکی، دانشکده: دندانپزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای دندانپزشکی از دانشکده دندانپزشکی علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۵۲، گذراندن دوره اطفال و ارتدسنسی در دانشگاه جرج تاون آمریکا در سال ۱۳۵۵، گذراندن دوره تخصصی دندانپزشکی کودکان دانشگاه ویکتوریا در سال ۱۳۶۵، اخذ درجه S.M دندانپزشکی کودکان از انگلستان، گذراندن دوره یکساله فلوشیپ در بخش اطفال و ارتدسنسی بیمارستان دانشگاهی منچستر

انگلستان در سال ۱۳۶۵.

مرتبه علمی:

دانشیار گروه ارتدسنسی اطفال دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد از سال ۱۳۶۹.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام طرح‌های تحقیقاتی در زمینه‌های بهداشت دهان و دندان کودکان، بهداشت دهان و دندان فک کودکان، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳۵ پایان‌نامه دکترای دندانپزشکی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مطالب ضروری پزشکی برای دندانپزشکی، اطلس دندانپزشکی کودکان.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۷، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

دندانپزشکی کودکان، بهداشت دهان و دندان و پیشگیری.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

پژوهی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

پسندیده، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فقیه.

تولد: ۱۲۷۴ (۱۷ شوال ۱۳۱۳ ق.)، خمین.

درگذشت: ۲۵ آبان ۱۳۷۵، قم.

آیت‌الله سید مرتضی پسندیده به تحصیل علوم اسلامی پرداخت. ادبیات، منطق، کلام، فقه اصول و هیئت و نجوم را نزد عالمان اصفهان از جمله آیت‌الله رحیم ارباب، شیخ علی یزدی، آیت‌الله محمدعلی تویسرکانی آموخت و سالها در محضر آیت‌الله

محمدصادق خاتون‌آبادی درس‌های سطح و خارج و فقه و اصول را گذراند. پس از طی دوره‌های سطح و خارج دروس حوزوی به خمین بازگشت و حوزوی دروس فقه و اصول کلام و منطق و نحو را در آن دیار برپا کرد. حضرت امام خمینی (ره) برادر ایشان، نیز در این دروس از زمره‌ی حاضران به شمار می‌رفتند. مرادات آیت‌الله پسندیده با سران مخالف حکومت رضاشاه و ایستادگی ایشان در برابر خوانین و سرسپردگان حکومت باعث شد تا در زمان اشغال خاک ایران از سوی نیروهای متفق، به اتهام مخالفت و جلوگیری از تأمین نان و خوراک نیروهای اشغالگر، با حکم وزیر کشور رژیم رضا پهلوی به تبعید محکوم شود. وی همراه با عالمان اصفهان در زمان جنگ جهانی اول برای ایستادگی در برابر نیروهای انگلیسی آموزش‌های نظامی را فراگرفت و در اردوی نظامی روحانیون منطقه شرکت کرد. زمانی نیز به اتهام مخالفت با برنامه کشف حجاب محاکمه شد. او همچنین از محضر آیت‌الله سید حسن مدرس نیز فیض برده بود و در مبارزات ملی شدن نفت با آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی و سران نهضت ملی دیدار و مشارکت داشتند. ایشان همواره در مبارزان سده‌ی اخیر شرکت داشت و پس از خیزش خونین پانزدهم خرداد سال ۱۳۴۲ که منجر به دستگیری امام خمینی (ره) گردید، همراه با مراجع دیگر به تهران آمد و در اعتراض گروهی علما شرکت کرد. وی بارها به دادگاه نظامی احضار شد و تحت محاکمه گرفت.

آیت‌الله مرتضی پسندیده در سال ۱۳۵۷ درگذشت. پیکرش روز جمعه بیست و پنجم آبان در قم تشییع شد و همان جا به خاک سپرده شد.

آیت‌الله آقای حاج سید مرتضی بن العلامه السید مصطفی بن السید احمد معروف به پسندیده برادر بزرگوار امام خمینی عالمی با متانت و دانشمندی با فطانت است در سال ۱۳۱۳ قمری در خمین متولد شده و مقدمات را در آنجا خوانده آنگاه مهاجرت به اصفهان نموده و سطوح را از مرحوم مبرور آیت‌الله العظمی آقاسید علی نجف‌آبادی و دیگران فراگرفته و به درس خارج آیت‌الله العظمی آقامیرمحمدصادق خاتون‌آبادی و بعضی از مدرسین بزرگ دیگر اصفهان حاضر شده سپس مراجعت به وطن نموده و به وظائف مقرر دینی و روحی پرداخته تا سال ۱۳۵۸ قمری به قم مهاجرت نموده‌اند.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

پسین حقیقی، جواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی ایران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز در سال ۱۳۳۷، دکترای تخصصی جراحی از دانشگاه تهران.

مرتبه علمی:

عضویت در کادر علمی دانشگاه‌های شهید چمران اهواز و علوم پزشکی ایران از سال ۱۳۴۷، دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی نوع بیماری بیماران جراحی شده، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر حداقل پایان‌نامه دکترها در هر سال.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

در زمینه جراحی و نوع تکنیک و درمان بیماران جراحی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

پشت مشهدی، محمدتقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدتقی بن سید عبدالحی بن سید ابراهیم بن سید ماجد بن سید ابراهیم حسینی پشت مشهدی کاشانی از بزرگان علماء عصر و معاصر علامه جلیل‌القدر ملا احمد (فاضل نراقی) بوده و در سال ۱۲۵۸ وفات نموده.

دارای آثاری مانند (تنقیح‌الاصول) و غیره بوده است.

نگارنده گوید: مرحوم آقا سید محمدتقی پشت مشهدی که قبرش در مقبره صحن جناب حبیب بن موسی (ع) در پشت مشهد کاشان مزار است از علماء ربانی و آیات سبحانی زمان خود و از متشریفین خدمت حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه الشریف بوده چنانچه مرحوم حجة‌الاسلام میرزا محمود میثمی در (دارالسلام) خود در ضمن حکایت شیخ قاسم واعظ گیلانی نقل نموده است.

بعضی از معاصرین درباره وی فرموده‌اند- سیدالفقهاء والمجتهدین و سند الاتقیاء والزاهدین الحاج سید محمدتقی بن میر عبدالحی ابن ابراهیم بن السید ماجدین السید ابراهیم کاشانی علیهم رحمة الباری جامع علوم ظاهری و باطنی و صاحب کرامات و خوارق عادات و محل وثوق عامه ناس از خواص و عوام بوده.

مزار کثیرالانوارش در پشت مشهد کاشان در جنب شمالی صحن سلطان حبیب بن موسی (ع) دارای بقعه و ضریح مطاف کافه مردم و زیارتگاه ارباب نیاز می‌باشد.

علامه محدث ملا حبیب‌الله شریف در (باب‌الالقباب) فرموده: کان عالماً كاملاً فاضلاً فقیهاً اصولياً جامعاً بین العلم والظاهر والباطن مرتاضاً عابداً زاهداً موثقاً به عند الخواص والافاضل من تلامذة (صاحب‌الریاض).

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

پناهی، سعید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: استاد، رشته: جراحی مغز و اعصاب، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه فرایبورگ آلمان غربی در سال ۱۳۴۳، دکترای تخصصی جراحی اعصاب از اتاق پزشکان وست فالن آلمان غربی.

مرتبه علمی:

استاد دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه در زمینه مغز و اعصاب، تدریس اعصاب و تروماتولوژی در دانشگاه علوم پزشکی تبریز و عضویت در انجمن جراحان مغز ایران، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴۰ پایان‌نامه دکترا و دکترای تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ضربه‌های ستون فقرات ترجمه از زبان آلمانی به فارسی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

کیست هیداتیک نخاع، کیست هیداتیک مغز، هماتوم اکسترادورال اشکوب خلفی جمجمه، کیست هیداتیک اشکوب خلفی جمجمه، بررسی ۲۵۰۰ دیسک عمل شده در تبریز.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

پناهی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای عفونی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی در سال ۱۳۴۲، دکترای تخصصی در رشته بیماریهای عفونی از دانشگاه تهران.

مرتبه علمی:

پس از مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی مقایسه‌ای کشت مغز استخوان با کشت خون، مدفوع و ادرار در بیماران سالمونلایی، طرح واکسیناسیون فریمان، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴۰ پایان‌نامه دکترا و ۱۰ پایان‌نامه دکترای تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

پزشکی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۴۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

پزشکی، تحقیقی، آماری.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

پور داوود، ابراهیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد ابراهیم پور داود ادیب، مورخ و سخنور معاصر در سال ۱۲۶۴ ه.ش در شهر رشت به دنیا آمد. وی مقدمات فارسی و عربی را در زادگاهش آموخت و در سال ۱۲۸۴ ه.ش برای تحصیل حکمت و طب قدیم به تهران آمد. پور داود در آغاز نهضت مشروطه برای کسب علوم جدید به بیروت رفت. وی پس از دو سال و نیم اقامت در لبنان به ایران بازگشت و رهسپار فرانسه شد و در پاریس به تحصیل علم حقوق پرداخت. استاد پور داود در سال ۱۳۰۷ به اروپا بازگشت و در سال ۱۳۱۱ به درخواست رابیند رانات تاگور شاعر و فیلسوف هندی به تدریس فرهنگ ایران در دانشگاه ویسوبهارتی شهر شانتی نیکیتان پرداخت. پس از آن پور داود مجدداً مطالعات خود را در اروپا ادامه داد. وی در سال ۱۳۱۶ به دعوت مسئولان دانشگاه تهران، برای تدریس زبانها و ادبیات ایران پیش از اسلام دعوت شد. پور داود از این تاریخ تا زمان بازنشستگی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به تدریس و تحقیق فرهنگ ایران باستان، زبان اوستا و تاریخ حقوق ایران باستان اشتغال داشت. ایشان در سال ۱۳۴۷ در سن هشتاد و سه سالگی در شهر رشت درگذشت.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

گرایش: تاریخ و ادبیات ایران پیش از اسلام،

تحصیلات رسمی و حرفه ای: ابراهیم پور داود مقدمات فارسی و عربی را در زادگاهش آموخت و در سال ۱۲۸۴ ه.ش برای تحصیل حکمت و طب قدیم به تهران آمد. پور داود در آغاز نهضت مشروطه برای کسب علوم جدید به بیروت رفت. وی پس از دو سال و نیم اقامت در لبنان به ایران بازگشت و رهسپار فرانسه شد و در پاریس به تحصیل علم حقوق پرداخت. پور داود پس از شروع جنگ جهانی اول به ایران بازگشت و در کرمانشاه دست به انتشار روزنامه‌ای بنام رستخیز زد و پس از چند ماه مجدداً عازم

اروپا شد و در آلمان با ایران‌شناسان و طرز کار آنان آشنا شد. از این زمان به بعد پورداود به رشته ایران‌شناسی به‌ویژه زبان و فرهنگ ایران علاقه‌مند شد و زندگی خود را وقف مطالعه و پژوهش تاریخ ایران باستان کرد. وی در سال ۱۳۰۳ ه.ش به ایران بازگشت و پس از یک سال و نیم به هندوستان رفت و با دستیابی به برخی از منابع آئین ایران باستان، بخشی از تفسیر اوستا را منتشر کرد و یک سلسله سخنرانی نیز در باره ایران و فرهنگ کهن آن ایراد کرد که در کتابی بنام خرمشاه گرد آوری شد.

زمان و علت فوت: پور داود در سال ۱۳۴۷ در سن هشتاد و سه سالگی در شهر رشت درگذشت.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: استاد پور داود در سال ۱۳۰۷ به اروپا بازگشت و در سال ۱۳۱۱ به درخواست راییند رانات تاگور شاعر و فیلسوف هندی به تدریس فرهنگ ایران در دانشگاه ویسوبهارتی شهر شانتی نیکیتان پرداخت و ضمن اقامت یک ساله خود در هند صد بند از اشعار تاگور را از بنگالی به فارسی برگرداند. پس از آن پور داود مجدداً مطالعات خود را در اروپا ادامه داد. وی در سال ۱۳۱۶ به دعوت مسئولان دانشگاه تهران، برای تدریس زبانها و ادبیات ایران پیش از اسلام دعوت شد. پور داود از این تاریخ تا زمان بازنشستگی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به تدریس و تحقیق فرهنگ ایران باستان، زبان اوستا و تاریخ حقوق ایران باستان اشتغال داشت. وی در سال ۱۳۱۷ به عضویت دائمی فرهنگستان ایران درآمد. پور داود در سال ۱۳۲۴ انجمن ایران‌شناسی را در تهران دایر کرد و پس از دو سال آموزشگاهی برای ایران‌شناسی بوجود آورد که مدت دو سال دوام داشت. استاد پور داود در سال ۱۳۴۱ ه.ش به عضویت شورای فرهنگی (سلطنتی) وقت منصوب شد. در سال ۱۳۴۲ دانشگاه دهلی به او درجه

دکتری افتخاری داد و در سال ۱۳۴۴ به عنوان اولین دانشمند ایرانی به عضویت آکادمی جهانی هنر و دانش برگزیده شد. مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می‌آید: ابراهیم پور داود در سال ۱۳۲۴ انجمن ایران‌شناسی را در تهران دایر کرد و پس از دو سال آموزشگاهی برای ایران‌شناسی بوجود آورد که مدت دو سال دوام داشت

جوایز و نشانها: در سال ۱۳۲۴ دانشگاه تهران طی مراسم بزرگداشتی از خدمات علمی و فرهنگی ابراهیم پور داود قدردانی کرد و به همین مناسبت در سال ۱۳۲۵ یادنامه‌ای مشتمل بر شرح احوال و آثار او به کوشش دکتر محمد معین به زبان فارسی و زبانهای اروپائی منتشر شد. پور داود در سال ۱۳۴۵ جایزه بزرگ تاگور را از دولت هندوستان دریافت کرد و در سال ۱۳۴۶ به دریافت نشان علمی و عنوان شوالیه دوسن سیلوستر (DeSilvester) از دربار واتیکان مفتخر گردید

آثار:

۱ آناهیتا،

ویژگی اثر: تهران (۱۳۴۳)

۲ ایران‌شاه (تاریخچه مهاجرت زرتشتیان به هند)

ویژگی اثر: بمبئی ۱۳۴۴

۳ پوراندخت نامه،

ویژگی اثر: بمبئی (۱۳۰۶)

۴ خرده اوستا

ویژگی اثر: (تفسیر مجموعه اوستا بامتن اوستائی) بمبئی، (۱۳۱۰)

۵ سوشیانت بمبئی

ویژگی اثر: ۱۳۰۶

۶ فرهنگ ایران باستان،

- ویژگی اثر: تهران (۱۳۲۶)
- ۷ گاتها، نخستین بخش از کتاب مینوی اوستا،
ویژگی اثر: بمبئی (۱۳۰۵)
- ۸ گفت و شنود پارسی
ویژگی اثر: (برای دبیرستانهای هند) بمبئی (۱۳۱۲)
- ۹ هرزد نامه،
ویژگی اثر: تهران (۱۳۳۱)
- ۱۰ یزد گرد شهریار،
ویژگی اثر: بمبئی (۱۳۱۲)
- ۱۱ یسپرد،
ویژگی اثر: تهران (۱۳۴۲).
- ۱۲ یشتا بخش نخست
ویژگی اثر: ۱۳۰۷

پور طباطبایی، مجید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مجید پور طباطبائی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۶/۱

زندگینامه علمی

در مورخه یکم شهریور ماه ۱۳۳۶ در تهران متولد شدم، سه سال اول ابتدایی را در قم خواندم از تابستان ۱۳۴۵ به تهران منتقل شدم. دیپلم ریاضی خود را در سال ۱۳۵۴ از دبیرستان محمد علی فروغی تهران دریافت کردم. از سال ۱۳۵۰ مشغول آموختن زبان انگلیسی در مؤسسات انگلیسی شکوه، ملی زبان، انجمن ایران و آمریکا (کانون زبان فعلی) بودم. در همان سال در کنکور سراسر در رشته زبان انگلیسی مدرسه عالی ادبیات و زبانهای خارجی پذیرفته شدم. تحصیل در دوره کارشناسی مدت سیزده سال طول کشید و در سال ۱۳۶۷ از دانشگاه علامه طباطبائی فارغ التحصیل شدم. علاقه به ادبیات و سینما از سال ۱۳۴۹ به واسطه آشنایی و رفاقت با یکی از اقوام (که دانشجوی رشته فیزیک دانشگاه تهران بود) در اینجانب شکل گرفت. (این علاقه منجر به تسلط نسبی به ادبیات و سینمای قبل از انقلاب ایران و جهان شد که البته با هدایت و راهنمایی‌های مرحوم آیت الله حاج شیخ علی صفایی حایری (ره) (مشهور به عین - صاد) شکل و سمت و سوی مناسب شد.

در سال ۱۳۵۷ (اردیبهشت ماه) به خاطر شرکت در فعالیت‌های سیاسی به مدت یک ترم از دانشگاه اخراج شدم که پس از پیروزی

انقلاب اسلامی به دانشگاه باز گشتم. از اواخر سال ۵۹ با آشنایی با مرحوم آیت الله رحمانی خلیلی که به تازگی از نجف به تهران آمده بود علاقمند به آموختن دروس حوزوی گشتم، البته این علاقه بیشتر ریشه در آشنایی با مرحوم آیت الله حاج شیخ علی صفایی حایری که در اواخر سال ۱۳۵۵ در منزل یکی از اقوام که از مکه آمده بود شروع شده بود. از مهر ماه ۱۳۶۰ به طور رسمی از تهران به قم منتقل شدم تا برای آموزش حوزوی خود شکل مناسب و مفیدی فراهم کنم. با توجه به سن (حدود ۲۴ سال) و تلاش برخی از فضلاء حوزه دروس ادبیات را تا پایان سال تحصیلی ۱۳۶۱ به پایان بردم. تیر ماه ۶۱ با زمزمه بازگشایی دانشگاه‌ها به تهران باز گشتم ولی دروس حوزوی را رها نکردم و به طور خصوصی از محضر حجة الاسلام و المسلمین مرحوم شیخ مجتبی عاملی زید عزه متوفای فروردین ۱۳۸۵ در محله سرچشمه تهران دروس معالم و کتابهای اولیه شرح لمعه استفاده کردم.

در اواخر سال ۱۳۶۱ با تشکیل پرونده رسمی در حوزه علمیه قم تصمیم به اقامت دائمی در قم گرفتم و از همین رو از شهریور ۶۲ ادامه دروس سطح را پی گرفتم. اصول فقه مظفر را از استاد فقهی استفاده کردم، و کتابهای مختلف (لمعه) را از بزرگانی چون مرحوم پایانی، حاج شیخ علی پناه اشتهاردی، مرحوم حجة الاسلام محامی (زید عزه) فرا گرفتم. پس از آن فراگیری مکاسب محرمه و رسائل را به طور همزمان از محضر اساتیدی چون حجة الاسلام اعتمادی، موسوی تهرانی (زید عزه) آیت الله حاج شیخ علی صفایی حایری آغاز کردم. پس از اتمام رسائل، کفایه جلد یک را از محضر آیت الله صفایی حایری و جلد دوم را از محضر حجة الاسلام موسوی تهرانی استفاده کردم. بیع و خيارات را هم از محضر مرحوم صفایی حایری بهره بردم. در سال ۱۳۶۹ موفق به پایان دوره سطح و گذراندن امتحانات شفاهی پایه دهم شدم. درس خارج خود را به منظور فراگیری رجال، با همراهی چند تن از فضلاء با حضور در درس خارج (حج) حضرت آیت الله حاج سید موسی شبیری زنجانی شب‌ها یک ساعت پس از نماز مغرب و عشاء در منزل ایشان آغاز کردم. (در آن تاریخ سال هشتم درس حج ایشان بود که با حضور حدود ۱۲ تن ادامه می یافت). همزمان در درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت می کردم. پس از دو سال درس خارج فقه خود را در محضر آیت الله حاج شیخ جواد تبریزی و خارج اصول را در محضر آیت الله مومن ادامه دادم.

در همان سال‌ها حضرت آیت الله مومن مسائل مستحدثه را در روزهای جمعه در منزل خود با حضور ۷ الی ۸ نفر پی می گرفتند که اینجانب نیز در آن حلقه شرکت می کردم. در طول این مدت (از سال ۶۹ تا ۷۸) جمعی از فضلاء به صورت موضوعی بر روی برخی عناوین فقهی کار دسته جمعی انجام می دادند و وقتی در هر موضوع جزئی به نتایجی دست می یافتند، حاصل مطالعه خود را به عرض مرحوم آیت الله حاج شیخ علی صفایی حایری می رساندند و ایشان نتیجه بررسی‌های آنان را مورد نقد و ارزیابی قرار داده و نواقص کار آنان را گوشزد و سمت و سو می داد. افتخار همراهی دوستان در این محفل را نیز داشتم. از سال ۱۳۶۴ به دلیل آن که دروس متداول حوزوی عطش اینجانب و جمعی از دوستان که همگی دروس دانشگاهی را نیمه تمام گذارده و به حوزه آمده بودیم، را پاسخ نمی گفت با هدایت مرحوم آیت الله صفایی حایری به بررسی مطالعه عرفان و فلسفه پرداختیم این سیر مطالعاتی حدود ۳ سال طول کشید که برای اینجانب حاصلی به عنوان بررسی فلسفه افلاطونی و تأثیر آن بر عرفان و فلسفه مسیحیان و مسلمانان را داشت که به دلیل وسواس های اینجانب هنوز برای نشر به هیچ ناشری ارائه نشده است.

از سال ۱۳۶۷ همین جمع به دلالت و هدایت مرحوم استاد به مطالعه تاریخ اسلام رو آوردیم که برای اینجانب حاصلی تحت عنوان (ابوطالب تجلی ایمان) داشت که بعدها با تجدید نظر به چاپ رسید. از سال ۱۳۷۱ با آشنایی با دکتر علی لاریجانی که به واسطه حجة الاسلام مهندس مجتبی همدانی (که از زمان حضور در واحد دانشجویی حزب جمهوری اسلامی در سال‌های ۵۸ - ۶۰ با یکدیگر آشنایی و رفاقت داشتیم) به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و در پی آن صدا و سیما راه یافتیم و در کنار دروس حوزوی به انجام خدماتی نائل آمدم. در سال ۱۳۷۵ با تشکیل دانشکده اصول دین، در اولین دوره آن دانشکده پذیرفته شدم که در سال ۱۳۷۸ از آن دانشکده با نگارش پایان نامه‌ای تحت عنوان جایگاه صحیح مسلم در سیر تدوین حدیث (که از نمره ۲۰ برخوردار شد)

فارغ التحصیل گردیدم. این پایان نامه در ششمین دوره پایان نامه برتر رتبه اول مقطع کارشناسی ارشد در رشته الهیات را به خود اختصاص داد. این رساله بالغ بر ۵ جلد و ۱۵۶۰ صفحه آ- چهار است که هنوز هیچ ناشری خود را برای چاپ و نشر آن به خطر نینداخته است. در پایان خاطر نشان می‌شود که در حال حاضر در حال نگارش پژوهشی تحت عنوان رویارویی خاورشناسان با قرآن در حدود ۱۰۰۰ صفحه برای مرکز فرهنگ و معارف قرآن دفتر تبلیغات اسلامی هستم.

پور منصوری، خلیل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

خلیل پور منصوری

محل تولد: رامسر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شده و در مدرسه رضویه تحصیلات حوزوی خود را ادامه دادم. پس از اتمام دروس سطح حوزوی در سال ۶۶-۶۵ در درس خارج آیت الله منتظری و آیات عظام شرکت و در سال ۱۳۷۲ در کلاس های تخصصی قوه قضائیه شرکت نمودم. از سال ۱۳۶۸ به بعد نگارش و تحقیق را شروع و در همان سال کتاب نظریه الوصف را نگاشته و در سال بعد به چاپ رساندم. پس از آن کتب متعدد و صدها مقاله علمی و قرآنی را تألیف و در مطبوعات کثیرالانتشار چون کیهان به چاپ رساندم.

پور افکاری، نصرت‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روانپزشکی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

پورامینی، محمد باقر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد باقر پور امینی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد باقر پور امینی در سال ۱۳۴۷ متولد شد . تحصیلات ابتدائی تا دبیرستان را در قم گذراند و به سال ۱۳۶۶ مقدمات دروس حوزوی را آغاز کرد . سپس دروس سطح را خدمت اساتید بزرگواری همچون آیات و حجج الاسلام طالقانی (لمعه) ، محمدی خراسانی (لمعه) ، حسینی بوشهری (اصول فقه) ، احمدی میانجی (مکاسب) ، استادی (مکاسب) ، پایانی (مکاسب) ، موسوی تهرانی (رسائل و کفایه) و بیگدلی (کفایه) فرا گرفت . در سال ۱۳۷۲ کارشناسی علوم سیاسی را اخذ نمود . وی از سال ۱۳۷۶ در درس خارج فقه آیت الله زنجانی و اصول آیت الله کوبی شرکت کرد و از سال ۱۳۷۹ تا کنون نیز در درس خارج فقه آیت الله تبریزی و اصول آیت الله وحید خراسانی حضور دارد و همزمان با تحصیلات حوزوی و دانشگاهی ، به فعالیت های تبلیغی ، تدریس و تالیف نیز پرداخته است .

پور جوادی، نصرالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر نصرالله پورجوادی (۱۳۲۲- تهران) دارای مدرک دکتری فلسفه است. وی هم اکنون عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی و استاد رشته فلسفه در دانشگاه تهران می باشد. دکتر نصرالله پور جوادی از چهره های سرشناس و فرهیخته روزگار ما است که در عرصه فلسفه و عرفان و ادب فارسی با خلق آثاری ماندگار ، از خود چهره ای دوست داشتنی و قابل احترام در مجامع علمی به جا گذاشته است . کتاب "دو مجدد (پژوهش هایی درباره محمد غزالی و فخر رازی)" تالیف نصرالله پورجوادی، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

تحصیلات رسمی و حرفه ای : نصرالله پور جوادی دکتر نصرالله پورجوادی در سال ۱۳۲۲ در تهران چشم به جهان گشود و پس از طی مراحل مقدماتی تحصیل برای ادامه تحصیل به ایالات متحده امریکا عزیمت نموده و در سال ۱۹۶۷ (۱۳۴۶) موفق به اخذ مدرک کارشناسی فلسفه از دانشگاه سانفرانسیسکو شد. وی پس از بازگشت به میهن تحصیلات خود را ادامه داده و مدرک کارشناسی ارشد فلسفه در سال ۱۳۵۱ و سپس دکتری فلسفه در سال ۱۳۵۷ اخذ نمود.

استادان و مربیان : در دوران تحصیل اگرچه محضر استادان به نام بهره برد ، اما خود را وابسته به حوزه خاصی نکرد . در میان بزرگان عرصه فلسفه و عرفان بیش از هر کس به پروفیسور ایزو تسو نزدیک شد و در پیش وی فصوص الحکم عربی خواند و به

تشویق وی سوانح غزالی را به انگلیسی ترجمه کرد و روش تحلیلی وی را در امر پژوهش الگو قرار داد اگر چه در کنار استاد ژاپنی نام دارانی چون ، فردرید ، بزرگمهر ، مهدوی ، جلیلی و نصر قرار گرفته بودند ، اما هیچ یک این دانشجوی متفکر پر احساس را به سوی خود جلب نکرد .

وقایع میانسالی : نصرالله پور جوادی سعی می کرد که هویت ایرانی خود را در فرهنگ سرزمین خود پیدا کند ، از این رو پس از دریافت مدرک لیسانس به ایران بازگشت و در دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت . دکتر پور جوادی پس از پایان تحصیلات خود به اسخدام دانشگاه صنعتی شریف در آمد و به تدریس فلسفه پرداخت . با پیروزی انقلاب اسلامی و تعطیلی دانشگاه ها با ستاد انقلاب فرهنگی همکاری خود را آغاز نمود و چون مرکز نشر دانشگاهی در سال ۱۳۵۹ تاسیس شد مسئولیت این مرکز را بر عهده گرفت . تلاش دکتر پور جوادی در مرکز نشر دانشگاهی چشمگیر و ستودنی است .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر پورجوادی خدمت خود را با سمت مربی مرکز تعلیمات عمومی دانشگاه صنعتی شریف در سال ۱۳۵۲ آغاز کرد و تا سال ۱۳۶۶ خدمت خود را در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران پی گرفت و با پشت سر گذاردن مدارج دانشگاهی به اخذ رتبه استادی این دانشگاه نائل شد. دکتر پورجوادی در سال ۱۳۵۸ سرپرستی مرکز تعلیمات عمومی و مدیریت عامل انتشارات دانشگاه صنعتی شریف را به عهده گرفت و در سال ۱۳۵۹ به عنوان سرپرست کمیته ترجمه و تالیف ستاد انقلاب فرهنگی انتخاب شد. همچنین از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۸۳ ریاست مرکز نشر دانشگاهی وابسته به شورای عالی انقلاب فرهنگی را بر عهده داشته است. وی در سال ۱۳۸۱ به دعوت Colgate University در نیویورک به عنوان استاد مدعو در این دانشگاه حضور داشته است. دکتر نصرالله پورجوادی در طول خدمت خود مسئولیت‌های اجرایی و فعالیت‌های اجتماعی متعدد بر عهده داشته است که از اهم آن می‌توان به ریاست مرکز نشر دانشگاهی، عضویت فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تاسیس و سردبیری مجله نشر دانش، تاسیس و مدیریت مجله معارف، عضویت هیات امناء بنیاد دائره‌المعارف اسلامی، عضویت هیات علمی دائره‌المعارف بزرگ اسلامی، عضویت شورای مرکز نشر دانشگاهی، عضویت در شورای مسئولیت اجرایی ستاد انقلاب فرهنگی و عضویت در شورای عالی انقلاب فرهنگی اشاره کرد. دکتر پورجوادی در سمت‌های مختلفی خدمت نموده که به برخی از آنها اشاره می‌شود: - رئیس مرکز تعلیمات عمومی دانشگاه صنعتی شریف - مدیر عامل انتشارات دانشگاه صنعتی شریف - عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی - رئیس بنیاد دانشنامه جهان اسلام - رئیس مرکز نشر دانشگاهی و مدیر مسؤول و سردبیر نشریه نشر دانش از ابتدای تاسیس در سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۸۳. - ۱۳۵۷-۱۳۵۲: مربی، مرکز تعلیمات عمومی دانشگاه صنعتی شریف - ۱۳۶۶-۱۳۵۷: استادیار مرکز تعلیمات عمومی دانشگاه صنعتی شریف - ۱۳۶۶ تاکنون: استادیار، دانشیار، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران - ۱۳۵۸: سرپرست مرکز تعلیمات عمومی، دانشگاه صنعتی شریف - ۱۳۵۸: مدیر عامل انتشارات دانشگاه صنعتی شریف - ۱۳۵۹: سرپرست کمیته ترجمه و تالیف ستاد انقلاب فرهنگی - پائیز ۱۳۸۱: استاد مدعو Colgate University (New York) جذب استادان برای ترجمه و تالیف که حاصل آن بیش از ۱۳۰۰ عنوان کتاب در عرصه های مختلف علم و ادب است و یا تالیف فرهنگ اصطلاحات با بیش از ۳۰ عنوان و همچنین نشر مجلاتی چون نشر دانش ، تاریخ و باستان شناسی ، لقمان ، زبان شناسی ، فیزیک ، ریاضی ، شیمی . معارف و مجله بهداشت از جمله کارهایی است که در طول مسئولیت این عاشق دلباخته فرهنگ اسلامی انجام پذیرفت . وارد کردن کتاب های خارجی در زمانی که مرزها بسته بود و ارتباط با خارج چندان مطلوب نبود ، کاری در خور تحسین بود . دکتر پور جوادی در مدت ۲۴ سال دوران مسئولیت خود هر کاری که کرد ، برای نشان دادن هویت ایرانی ایران مظلوم بود . او بهترین روز های عمر خود را وقف خدمت به فرهنگ و مردم این مرز و بوم نمود و آستین بالا زد و دانشمندان و استادان را به همکاری طلبد و به واقع هر که روی به وی آورد چه خوب یا بد ماند و نرفت . آنان عشق به وطن را به زر و زیور نفروختند و در اثری که فضیلت و انسانیت ره گم کرده ای بیش نیست ، ماندند و به هویت ایرانی خود بالیدند و با

خدمت به فرهنگ کهن سرزمین ایران اسلامی احساس غرور کردند و بازوی علمی وی شدند و آنچنان شد که امروزه مرکز نشر دانشگاهی یکی بزرگترین و معتبرترین موسسه انتشارات دانشگاهی به شمار می رود. بی شک نام نشر دانشگاهی، در کارنامه وی چون نگینی خواهد درخشید و در هر جا از نشر دانشگاهی سخن رانده شود یاد آور نام دکتر پور جوادی خواهد بود. دکتر پور جوادی در جلسات فرهنگستان نیز همواره چهره ای شاخص بود، اظهار نظر های وی، چه موافق و چه مخالف، قابل بحث بود. او می گفت هر کاری که در فرهنگستان صورت می گیرد، باید بنیادی باشد، زیرا معتقد بود که زمان فارسی به کار بنیادی نیازمند است هر چند که زمان طولانی برای آن صرف شود. برای مثال چون صحبت فرهنگ نویسی مطرح می شد، می گفت: امروزه فرهنگ های قدیم پاسخگوی نیاز های جامعه ما نیستند. برای احتیاجات روزمره برای دانشجویان، برای نسل عظیم تحصیل کرده تشنه علم، چند کتاب فرهنگ دست و پا شکسته قدیمی کفایت نمی کند. امروزه فرهنگ نویسی یک علم و به کلی با گذشته فرق دارد. کارهای تیمی باید انجام داد، کارهای روشمند و قانون مند؛ و همواره در جلسات فرهنگستان به این نکته تاکید داشت که اگر کاری می کنیم و یا گروهی را تشکیل می دهیم، باید بدانیم که هدفش چیست؟ برنامه اش چیست و چه کار می کند؟ و اگر نه اگر بی برنامه حرکت کنیم، به نتیجه نخواهیم رسید. معتقد بود که جامعه نیاز به فرهنگ روز آمد دارد و نبود آن کاملاً در جامعه علمی احساس می شود. دانشجوی ما فرهنگ درست و حسابی ندارد. فرهنگی که ما بتوانیم به صورت روز آمد داشته باشیم، سراغ نداریم یعنی وقتی لغت جدیدی وارد زبان می شود، مرتب بتوانیم کاربرد آن را نشان دهیم و داخل فرهنگ بیاوریم، همان کاری که امروزه در اکثر کشور ها رایج است. دکتر پور جوادی به تبع کاری که در نشر دانشگاهی شروع کرده بود، معتقد بود که باید در نشر متون کوشا بود و در این زمینه سیاست روشن و شفاهی داشت. احیای زبان فارسی و هویت این ملت را در احیای آثار معنوی و معرفی آن به نسل جوان می دانست و می گفت ما اکنون می خواهیم با این همه متون که از زبان فارسی داریم چه کنیم؟ سیاست ما در این مورد چگونه خواهد بود؟ در آینده چکار می خواهیم بکنیم؟ سیاست کشور در قبال متون فارسی چیست؟ این مسائل باید روشن شود، تا بدانیم در گنجینه ادب فارسی از قدیم چه داریم و کمبود ها چیست.

آرا و گرایشهای خاص: دکتر نصرالله پور جوادی از چهره های سرشناس و فرهیخته روزگار ما است که در عرصه فلسفه و عرفان و ادب فارسی با خلق آثاری ماندگار، از خود چهره ای دوست داشتنی و قابل احترام در مجامع علمی به جا گذاشته است. وی با نگرشی کاملاً متفاوت به مسائل فلسفی و عرفانی در هر محفل علمی خوش می درخشد و حرفی تازه برای گفتن دارد و بی گراف می توان گفت که وی در این زمینه فردی است صاحب سبک، و روشن ضمیری است آگاه به مسائل روز، علاقه او به کهن سرزمین ایران ستودنی است. مقالات و نوشته های وی چنان محکم، استوار و متکی به منابع اصیل و پر محتوا و گیراست که هر خواننده ای را در کوچه باغ های جهان هستی از خود بی خود می کند و گویی با مخاطب خود سخن می گوید. دکتر پور جوادی که تحصیل غرب را تجربه کرده است و در پی گمشده خود تا قونیه پر کشیده بود، در زیارت مزار مولانا به گمشده خود دست می یابد و با فرهنگ هزار چهار و صد ساله خود عهد و پیمان می بندد تا می تواند در روشن نگهداشتن چراغ فرهنگ سرزمین خود تلاش کند. روح جستجوگر و سرکش او با تحصیل در رشته های پزشکی و فنی در تضاد بود او که تحصیلات دبیرستانی خود را در رشته ریاضی به پایان برده در آمریکا در رشته فلسفه فارغ التحصیل شده بود، روی به عرفان آورد زیرا در عرفان چیزی بود که نیازهای فلسفی وی را پاسخ می گفت. او این راز و رمز درونی را سال های قبل احساس کرده بود به همین جهت چون به گمشده خود رسید، احساس کرد که کلید قفل جهان بینی خود را یافته است وی خود به صراحت به این موضوع اشاره می کند و می نویسد: ۵ سال دوری از ایران و اقامت در غرب احساس شدید غربت را در من به وجود آورده بود و پس از مراجعت به وطن، تصمیم گرفته بودم به مزار مولانا مشرف شوم تا در آنجا با هزار و چهار صد سال فرهنگ و زبان خود دوباره بیعت کنم. مولانا برای من مظهر تمام عیار چهارده قرن فرهنگ اسلامی بود و زبان مثوی که مجلای این فرهنگ بود، زبان من بود وقتی قدم در

صحن مزار گذاشتم ، حال فرزند گمشده ای را داشتم که پس از سال ها در به دری و آوارگی به آغوش مادر باز می گردد . قطره ای بودم که به دریا می پیوستم با آنکه اولین سفر من به قونیه بود ، همه چیز مزار برایم آشکار بود . (ایران مظلوم ، ص ۲۳۵) دکتر پور جوادی در آن زمان ۲۴ سال بیشتر نداشت ، اما روح سرکش او ، او را به دنبال چیزی می کشید که بتواند با آن زندگی کند ، حرف زند راز دل گوید ، هویت اسلامی خود را آنچنان که هست بشناسد و بشناساند . او به کهن سرزمین ایران به عنوان سرزمین اندیشه های معنوی و تفکر فلسفی ، سرزمین ابن سینا ها ، فارابی ها ، غزالی ها ، مولانا ها ، نظامی ها ، سهروردی ها ، سعدی ها ، حافظ ها ، جامی ها و ملاصدرا ها رابه دیده احترام می نگرد و عاشقانه می پرستد و چه زیبا این احساس خود را بیان می کند :

ایران همواره برای من سرزمین اندیشه های معنوی و فلسفی بوده است یک جنبه از این تفکر فلسفی همان است که در فلسفه های ابن سینا و سهروردی و ملاصدرا و فلاسفه و حکمای دیگر متجلی شده ، جنبه دیگر تفکر ایرانی ، چیزی که در دل توده های مردم نفوذ کرده و در خلق و خوی ایرانیان ظاهر گشته همان است که در ادبیات فارسی و بویژه در شعر فارسی جلوه گر شده است . این جلوه از تفکر فلسفی ، در عین حال که اساسا اسلامی است ، واجد خصوصیت ایرانی هم هست و در واقع از لوازم هویت ایران اسلامی است این هویت نیز برخاست از نسبت خاصی است که ایرانی با خدا بر قرار کرده است (ایران مظلوم ص ۲۶۳) . دکتر پور جوادی در تحقیق به دنبال شناخت است با بی طرفی . وی به دنبال القای فکر نیست و این گونه است که خواننده با اعتماد به نوشته های او می نگرد و همین دید متفاوت آثار وی را از دیگران متمایز می سازد . دکتر پور جوادی از نادرستی ها و نارواها می خروشد و عصب خود را نشان می دهد و جوش و خروش او هم از روی دلسوزی است ، دلسوزی به وطن ، به علم ، و به جامعه .

جوایز و نشانها : کتاب "دو مجدد (پژوهش هایی درباره محمد غزالی و فخر رازی)" تالیف نصرالله پورجوادی، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد. ایشان به واسطه خدمات علمی و اجتماعی درخشان مفتخر به دریافت نشان و تقدیرنامه های متعدد شده که از آن بین می توان به دریافت تقدیرنامه دومین کتاب به عنوان نویسنده و منتقد شایسته تقدیر از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، تشویق به واسطه تالیف کتاب رویت ماه در آسمان، لوح تقدیر پنج عنوان کتاب برگزیده شورای انتشارات دانشگاه تهران اشاره کرد.

چگونگی عرضه آثار : از نصرالله پور جوادی ده ها مقاله و کتاب به زبان های فارسی و انگلیسی انتشار یافته است. تاکنون ده ها عنوان کتاب و مقاله، تالیف و ترجمه استاد دکتر پورجوادی به چاپ رسیده و فعالیت های علمی ایشان باعث غنای هر چه بیشتر گنجینه حکمت ، فلسفه و ادب ایران شده است.

آثار :

۱ اشراق و عرفان

ویژگی اثر : ۱۳۸۰

۲ بسحاق اطعمه را بهتر بشناسیم

ویژگی اثر : ۱۳۵۴

۳ بوی جان و شکوه ایران

ویژگی اثر : ۱۳۷۲

۴ حُسن و عشق در ادبیات عرفانی

ویژگی اثر : ۱۳۵۹

۵ داستان مرغان، رساله الطیر احمد غزالی

ویژگی اثر: ۱۳۵۵

۶ در آمدی به فلسفه افلوپین

ویژگی اثر: ۱۳۵۸

۷ دو مجلد (پژوهش‌هایی درباره محمد غزالی و فخر رازی)

ویژگی اثر: تالیف، این کتاب، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: «دو مجلد (پژوهش‌هایی درباره محمد غزالی و فخر رازی)» نصرالله پورجوادی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱. این کتاب حاصل پژوهش‌هایی است که نگارنده در طی حدود شانزده سال، به مرور و به مناسبت‌های گوناگون، درباره پاره‌ای از آثار و آراء و افکار دو تن از شخصیت‌های بزرگ عالم اسلام، یکی ابوحامد محمد غزالی و دیگر فخرالدین رازی، انجام داده است. بیشتر مطالب به نحوی با تصوّف ارتباط دارد. میان ابوحامد و امام فخر، که یکی مجلد رأس قرن ششم به شمار آمده است و دیگری مجلد رأس قرن هفتم، مشابهت‌هایی وجود داشته و اگرچه حدود یک قرن فاصله در میان ایشان بوده، ولی امام فخر به آثار غزالی توجه داشته و همواره در آثار خود با دیده احترام به وی می‌نگریسته است. توجه امام فخر به آثار غزالی را در یکی از رساله‌های کوتاه او که درباره مشکلاتی است که در احادیث کتاب مشکوٰۃ الانوار غزالی بوده است می‌توان ملا-حظه کرد. کتاب در هفت بخش تنظیم شده است. پنج بخش نخست درباره ابوحامد غزالی است و بخش ششم و هفتم درباره فخر رازی.

۸ سلطان طریقت، سوانح زندگی و شرح آثار احمد غزالی

ویژگی اثر: ۱۳۵۸

۹ شعر و شرع (بحثی درباره فلسفه شعر از نظر عطار)

ویژگی اثر: ۱۳۷۴

پور حسن امیری، محمدباقر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد باقر پورحسن امیری

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۲۶ در یک خانواده کشاورز مذهبی متولد شدم. دروس ابتدایی در حد قرائت قرآن و کتب فارسی ادبی از قبیل دیوان حافظ و نصاب و غیره را در مکتبخانه‌های متداول آن زمان آموختم. با توجه به گرایش‌های دینی و مذهبی خانواده و روش و منش شخصی خود همسایه‌ها و هم محلی‌ها به پدرم پیشنهاد نمودند که وارد حوزه علمی دینی شوم. ابتدا به مدرسه صدر اعظم بابل که فعلا بعد از تجدید بنای مفصل به مدرسه خاتم الانبیاء (ص) تغییر نام یافته، وارد شدم و بعد از فراگیری مقداری از جامع

المقدمات در حد صرف میر و مقداری از نجوم از محضر اساتید بویژه مرحوم شیخ اسماعیل قشقاوی که تسلط فوق العاده ای به صرف و نحو داشت در معیت یکی از طلاب منطقه که سید متدینی بود که جنبه سرپرستی و راهنمایی نسبت به من داشت وارد حوزه علمیه قم شدیم و برنامه آموزشی ما با توجه به نبودن یک برنامه آموزشی در آن زمان و انتخاب استاد و حجره، داستان مفصلی دارد. اجمالاً بعد از گذراندن ادبیات در سطح سیوطی و حاشیه و مغنی و غیره وارد لمعتین و قوانین شدم. اساتید این دوره عبارت بودند از آقای صلواتی و مرحوم سید ابوالفضل موسوی تبریزی که تا آخر در شورای عالی قضایی مشغول بود و جناب آقای شیخ مصطفی اعتمادی و غیره و اساتید دوره عالی سطح عبارت بودند از حضرات آقایان نوری همدانی، جعفر سبحانی و فاضل لنکرانی. حکمت و فلسفه را هم در حد منظومه و اسفار از محضر اساتیدی چون آقایان محمدی و امینی گیلانی و آقای جوادی آملی و بعضی دیگر استفاده نمودم؛ ضمناً بعد از فوت آقای بروجردی و گذشتن چند سال وضع حوزه از نظر امتحان، صورت جدیدی به خود گرفت و امتحان حوزه در دو قسمت کتبی و شفاهی در یک تشکیلاتی که زیر نظر مرحوم آیت الله گلپایگانی عمل می کرد اداره می شد و سه رتبه داشت و من قبل از سال پنجاه حدود سال ۴۷ و ۴۸ امتحانات حوزه را در دو مرحله دوم و سوم گذراندم. دروس خارج حوزه را در مقطع فقه و اصول از محضر اساتیدی چون مرحوم آیت الله میرزا هاشم آملی و حضرت آیت الله وحید خراسانی فرا گرفتم؛ ضمناً دروس حوزه مخصوصاً درس های خارج را در دفتر یادداشت می نمودم.

بعد از گذراندن چند سالی از شرکت در درس خارج با توجه به علاقه به کار علمی - تحقیقی از سال ۶۴ با شروع در مؤسسه آل البیت (ع) همراه اشتغال و ادامه تحصیل مشغول کار تحقیقی شدم و بعد از چند ماهی وارد انتشارات جامعه مدرسین گردیدم. ابتدا کارهای مقابله و استخراج و بعد از گذشت مدتی به کارهای نهائی از قبیل تصحیح و انتخاب متن و بررسی نهائی منابع و غیرهما پرداختم و کارهای زیادی شد. از قبیل تصحیح متن و تنظیم فهرست حاشیه مرحوم آقا ضیای عراقی که به تنهایی انجام دادم؛ تصحیح و انتخاب متن مختلف الشیعه علامه که این قسمت مربوط به من بود و رفقای دیگر هم در بخش های دیگر کار می کردند که در مقدمه آن اشاره گردیده و بررسی مجدد سرائر ابن ادریس بعد از تحقیق دیگران و سایر کارها.

تا اینکه مقدمات برگزاری کنگره شیخ انصاری فراهم گردید و تحقیق و بررسی کتب شیخ جزو کار اصلی آن بود و اینجانب توسط حاج آقای انصاری (مسئول بررسی کتب شیخ و مولف موسوعه الفقهیه المیسره) دعوت به همکاری شدم که با رفتن به آن موسسه فصل جدیدی در کار تحقیق برای من باز شد و تقریباً در همه کتاب های شیخ مخصوصاً مکاسب و صلاة و طهارت و غیره که مجموعاً ۲۸ جلد می شود همکاری داشتم.

پور حسینی، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۵ - ۱۲۹۹ ش)، مترجم، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به واصل. وی در کرمان متولد شد. و تحصیلات ابتدایی و متوسطه‌ی خود را در همان شهر گذراند، پس از آن به تهران آمد و در دانشسرای عالی موفق به دریافت لیسانس در رشته‌ی فلسفه و علوم تربیتی شد. سپس به کرمان بازگشت و به تدریس پرداخت و روزنامه‌ی «روح القدس» را در کرمان، به مدت سه سال منتشر کرد. برخی از مشاغل وی عبارت‌اند از: ریاست دانشسرای مقدماتی کرمان، ریاست دبیرستان، ریاست فرهنگ شهید، رفسنجان، کرمان. واصل در سال ۱۳۳۷ ش به وزارت فرهنگ و هنر تهران انتقال یافت و در خلال خدمت اداری، و در رشته‌ی فلسفه و علوم

تربیتی دکتر گرفت و به مقام استادی دانشگاه رسید. مدفن او در کرمان است. از آثار وی:

ترجمه‌ی «اخلاق نیکو ماخس» ارسطو؛ ترجمه‌ی رساله‌ی «سلامان و ابسال»؛ «فیتاغورثیان»؛ «رواقیون»؛ «لغت‌نامه گویش کرمانی»؛ «فلسفه قبل از ارسطو»؛ «اخلاق عملی» و «دیوان» اشعار. [۱]

مدرس، مترجم.

تولد: ۱۲۹۹، کرمان.

درگذشت: ۲۷ آذر ۱۳۶۵، شه‌داد.

سید ابوالقاسم پورحسینی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خویش به پایان برد. آنگاه به تهران آمد و در سال ۱۳۲۲ از دانشگاه تهران در رشته‌ی فلسفه فارغ‌التحصیل شد و به زادگاه خود بازگشت و با شغل دبیری کار فرهنگی خود را آغاز نمود. وی در طول چهل سال خدمت فرهنگی مشاغلی متعدد چون نظامت دانشسرای مقدماتی کرمان، ریاست دانشسرای کرمان و فرهنگ شه‌داد و رفسنجان، معاونت استان کرمان و... برعهده‌اش بود. طی پانزده سال خدمت فرهنگی در استان کرمان حدود ۱۲۲ مدرسه‌ی ابتدایی در این شهر احداث کرد. در سال ۱۳۳۷ به تهران بازگشت و در وزارت فرهنگ و هنر مشغول به کار شد و پس از چندی به ریاست دبیرخانه‌ی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران منصوب شد (۱۳۶۲-۱۳۴۲) و در ضمن به تدریس در این دانشکده نیز می‌پرداخت.

در سال ۱۳۴۸ از دانشگاه تهران در رشته‌ی فلسفه دکتری گرفت. در طی اقامتش در کرمان روزنامه «روح‌القدس» را پی افکند و سه سال متوالی آن را منتشر نمود و دو نشریه را در دانشسرای مقدماتی کرمان فراهم ساخت. مقالات و اشعار او در روزنامه‌های «استقامت»، «صدای کرمان» و «بیداری» چاپ می‌شد.

دکتر پورحسینی شعر نیز می‌گفت و غزلیات، دو بیتی‌ها و قصایدی از او به یادگار مانده است و تخلص او «واصل» بود. وی از سال ۱۳۳۵ به بعد در هیئت مدیره‌ی انجمن ابدی عضویت داشته است.

فهرست آثار دکتر پورحسینی به شرح زیر است: ترجمه‌ی اخلاق نیکوماخوس ارسطو به فارسی و تطبیق آن با کتاب تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق (الطهاره) مسکویه، ترجمه رساله سلامان و ابسال ابن سینا، فراسوی تناقض، افلاطون، مشارب عمده‌ی اخلاقی، فلسفه‌ی اپیکور، فلسفه‌ی رواقی، فلسفه‌ی اخلاق شرح نمط نهم اشارات، فیتاغورثیان، از انتشارات مجله‌ی «دانشکده‌ی ادبیات، رواقیون، رساله‌ای درباره‌ی فلسفه‌ی اخلاقی ابن حکماء کتب و آثار خطی مسکویه به صورت مقاله در مجله‌ی «معارف اسلامی»، ترجمه‌ی اشعار در مجله‌ی «یغما». آثار ترجمه نشده‌ی وی عبارتند از فرهنگ لغات و اصطلاحات کرمان، فلسفه‌ی بعد از سقراط، سقراط، هراکلیتوس، فلسفه‌ی یاسپرس، سلسله مقالات عرفانی، مردمی و نامردمی‌ها.

پیکر دکتر پورحسینی بنا بر وصیت خود در جوار مرقد امامزاده زید به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تذکره‌ی شاعران کرمان (۱۶۸-۱۵۸)، الذریعه (۱۲۴۹/۹)، ستارگان کرمان (۱۲۹-۱۲۴)، سخنوران نامی معاصر (۳۸۱۶-۳۸۱۳/۶).

پوررضاقل ایاق، مریم

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

مریم پور رضا قزل ایاق، متولد (۱۳۱۳) متخصص زنان و زایمان و فوق تخصص نازایی و فیستول های اداری- تناسلی می باشد. او تنها استاد زن در رشته خود است. وی دبیر بورد تخصصی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بوده، و چندین سال است که در کنگره جراحان، دبیر شاخه زنان می باشد. گروه: علوم پزشکی رشته: زنان و زایمانگرایش: نازاییتحصیلات رسمی و حرفه ای: مریم پور رضا قزل ایاق تحصیلات ابتدایی خود را در مدرسه فرانسوی ژاندارک سپری نمود و در همان مدرسه نیز دیپلم (که معادل با دیپلم یازدهم آن زمان بود) گرفت. در مدرسه ژاندارک زبان فارسی تدریس نمی شد و مریم زبان فارسی را همزمان در منزل آموزشی می دید. او برای تکمیل تحصیلات دبیرستانی خود، سال آخر یا ششم متوسطه را در دبیرستان نور بخش که به دبیرستان رضا شاه معروف بود، به طور متفرقه و یا شرکت در آزمون ورودی آن گذراند. امتحان ورودی بسیار سخت برگزار شد و تنها ۱۰ درصد از کسانی که متفرقه امتحان دادند، پذیرفته شدند. مریم پور رضا، پس از اخذ دیپلم در کنکور شرکت کرد، و در بین خانم های داوطلب رشته پزشکی رتبه اول را کسب نمود. او بعد از اینکه دوره پزشکی عمومی را در مدت ۶ سال در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران با موفقیت سپری نمود. دوره تخصص زنان را نیز با پشت کاری عجیب در بیمارستان زنان سابق به اتمام رسانید. دکتر پور رضا چون به زبان فرانسه مسلط بود، برای گذراندن دوره های تکمیلی پزشکی، عازم بلژیک و فرانسه شد. با وجود مشغله کاری و تدریس در دانشگاه خود را بی نیاز از تحصیل علوم جدید ندید، در سال هایی که در بیمارستان میرزا کوچک خان به طبابت و آموزش دانشجویان می پرداخت، دوره بورد سونوگرافی را طی نمود و دوره نازایی را ۳ و ۴ ماهه در خارج از کشور با موفقیت گذراند و موفق به اخذ فوق تخصص نازایی نائل گشت [قانون، ص ۴۳] او در آن مورد اذعان می دارد که مدارک همه از اینجاست و افتخار می کنم که دست پرورده این جامعه و دانشکده پزشکی هستم. یکی دیگر از فوق تخصص های ایشان فیستول اداری- تناسلی است. [همان، ص ۳۵] [خاطرات و وقایع تحصیل: مریم پور رضا قزل ایاق، پزشکی عمومی را با حساسیتها و مراقبتهای پدر گذراند. سال اول دانشکده پزشکی، همواره با راننده در کلاس درس می نشست و پس از بازگشت به منزل، راننده از آنچه که در آن روز گذشته است پدر خانواده را مطلع می ساخت. آنچه که پدر خانواده بسختی می توانست بپذیرد، کلاس درسی با حضور ۱۴ دختر و ۲۵۰ پسر بود. در کشیکهای شب سال پنجم پزشکی نیز پدر خانواده مستخدم را همراه او می ساخت. تا آن که حضور یک شب خارج از منزل دخترش پذیرا شد. در مصاحبه ای که برای پذیرش در دوره تخصص شرکت نمود، با بی میلی مرحوم دکتر مهانشان صالح رئیس بیمارستان زنان برای پذیرش خانمها در رشته تخصص زنان مواجه شد. علت آن نیز بچه داری و شیردهی خانمها عنوان می شد که باعث افت تحصیل آنها می گردد. دکتر پور رضا سعی داشت خلاف آن را نیز ثابت نماید. او سال دوم دوره تخصص را در حالی گذراند که فرزند اولش را باردار بود و سعی می کرد با انجام به موقع وظایفش این مساله را از همکاران خود پنهان دارد. در این خصوص آن قدر حساسیت دات که شب قبل از زایمان خود ۳ عمل سزارین را در بیمارستان انجام داد و صبح روز بعد خود عازم بیمارستان شد و پس از ۲۰ روز مجدداً کار را آغاز نمود. استادان و مربیان: مریم پور رضا قزل ایاق در دوره پزشکی عمومی و دوره تخصص خود را از محضر مرحوم دکتر جهانشاه صالح و استاد امیر موحدی کسب علم نموده است. همسر و فرزندان: مریم پور رضا قزل ایاق در سال ششم دوره پزشکی با یکی از همدموره ای های خود ازدواج نمود. حاصل این پیوند دو دختر بود. که دختر اول در دانشگاه لندن جراح قلب می باشد، و دختر دوم نیز دندانپزشک بوده و مقیم آمریکا است. خانم دکتر قزل ایاق زحمات و حمایتهای همسرش را پیشرفت تحصیلی خود بسیار موثر می داند. او همسرش را در تحصیل فرزندانشان نیز موثر دانسته و نقل می کند: ... اگر شوهری نداشتم که اینقدر به من کمک کند، ممکن بود کار من و تحصیل فرزندانم بسیار افت پیدا کند... وقایع میانسالی: اواخر دوره پهلوی زمانی که حکومت نظامی و اعلام شد، ۸ شب ساعت منع تردد بود، مریم پور رضا قزل ایاق به علت محدودیتی که در ساعات رفت و آمد پیش آمده بود ۶ ماه تا صبح در بیمارستان می ماند و پذیرای مریضان بود و ۶ ماه دیگر را همکارش مرحوم خانم دکتر سیمین کامیاب در بیمارستان به معالجه مراجعه کنندگان می پرداخت. مریم پور رضا قزل

ایاق در سال ۱۳۷۸ در حالی که ۳۰ سال خدمت آموزشی و پزشکی را در دانشگاه تهران را با ۶۵ سال سن پشت سر گذاشته بود بازنشسته شد. روزی که حکم بازنشستگی خود را دریافت نمود، بیمارستان میرزا کوچک خان را با گریه ترک نمود. شبانه به بیمارستان بازگشت و تمام تزهایش را به کتابخانه دانشگاه بخشید. پس از آن به وزارتخانه رفت و استعفای خود را تحویل داد. زمانی که علت استعفا را جویا شدند، دلیل استعفا را چنین تشریح نمود: من فکر می‌کنم کسی باید عضو و دبیر بورد باشد که سمت آموزشی داشته باشد، من از این ساعت سمت آموزشی ندارم. با این استعفا موافقت نشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مریم پور رضا قزل ایاق دو سال، پس از اخذ تخصص در رشته زنان به سمت استاد یار دانشگاه منصوب شد و در بیمارستان زنان مشغول به کار گشت. و به تربیت و آموزش دانشجویان ورزیدنت های پزشکی پرداخت. بعد از ۶ یا ۸ سال دوره استاد یاری، دانشیار و بعد از ۴ سال مقام استادی دانشگاه علوم پزشکی تهران نائل آمد. دکتر پور رضا از سال ۱۳۶۷ دبیر بورد تخصصی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است. دکتر قزل ایاق مطب خود را در آذر ماه ۱۳۴۳ به روی بیماران گشود و همچنان روزی ۸ ساعت به معالجه و مداوای مراجعه کنندگان می پردازد. وی در سال ۱۳۷۸ درحالی که سئوالات خدمتش دانشگاه تهران به ۳۰ سال رسیده بود و بیش از ۶۵ سال داشت، بازنشسته شد و محل خدمت خود را در بیمارستان میرزا کوچک خان ترک نمود. فعالیتهای آموزشی: مریم پور رضا قزل ایاق فعالیتهای آموزشی خود را پس از پایان رساندن دوره تخصص زنان به طور رسمی در دانشگاه تهران آغاز نمود. علاوه بر آموزش دانشجویان دوره عمومی و دانشجویان دوره تخصصی (وزیدنت) در کنگره های و گردهمایی های باز آموزی و علمی نیز به ارائه دستاوردهای علمی رشته خود می پرداخت از آن جمله است: آموزش دوره لاپاروسکوپی در بیمارستان میرزا کوچک خان، آموزش سرطمان تخمدان در کنگره باز آموزی در شیراز، آموزش دوران نازایی و ناباروری در تالار بیمارستان امام خمینی (ره)، سخنرانی در کنگره کپنهاگمراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: مریم پور رضا قزل ایاق در افتتاح بخش نازایی بیمارستان میرزا کوچک خان نقش مهمی داشت. سایر فعالیتهای و برنامه های روزمره: مریم پور رضا قزل ایاق علاوه بر مطالعات تخصصی رشته خود، علاقه زیادی نیز به ادبیات اشعار شاعرانی چون حافظ، سعدی و شاهنامه دارد و آثاری نیز از بر دارد. علیرغم تمایل که به یادگیری موسیقی داشت، زمانی را صرف آن نکرد و از زمان مطالعات تخصصی خود و به روز نمودن آن نکاست. آرا و گرایشهای خاص: مریم پور رضا قزل ایاق، معتقد است در مقام معلم نباید از تحصیل علوم جدید باز ایستاد وی معتقد است که به عنوان مثال استادی که در بیمارستان میرزا کوچک خان است و دوره رادیولوژی را دیده است باید کارگاه MRI و CT را در رشته خودش بگذراند تا بتواند مدارک را تفسیر نماید. وی همچنین در خصوص محدودیت پذیرش در رشته تخصص زنان برای خانمهای معتقد است که با وجود تراکم متخصص زنان در کشور همچنان با کمبود پزشک متخصص در مناطق محروم مواجه هستیم، در حالی که شاید حضور آقایان در این رشته بتواند معضل اعزام پزشک به جاهای دور افتاده را حل نماید. دکتر پور رضا آرا و عقاید مخصوصی دارد. او می گوید که علاقه ای به پست و مقام نداشته و ندارد. وی اعتقاد زیادی به آموزش داشته و معتقد است که یک معلم باید همه علوم رشته خویش را آموخته و به داشته های خود اکتفا نکند. وی به سیاست اظهار بی علاقه ای می کند و اظهار می دارد که بدان جهت پیشنهاد نمایندگی مجلس را رد نموده است. او اذعان داشته که ((...سیاست من؛ مطب من، مریض من، دانشجوی من و دانشگاه من است...)) جوائز و نشانها: در سال ۱۳۷۹ در کنگره ناباروری و نازایی که در بیمارستان امام خمینی (ره) برپا شد، از دکتر مریم پوررضا قزل ایاق به عنوان استاد نمونه تجلیل به عمل آمد و لوح تقدیر و یک کتاب شاهنامه نفیس به وی اهدا شد.

آثار: بیماریهای زنان فوریتهای زنان و زایمان مقالات متعدد، در همایش ها و کنگره های داخلی و خارجی

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

مدرس قرآن.

تولد: ۱۲۸۲ شیراز.

درگذشت: ۱۲ اسفند ۱۳۷۰.

کوکب پوررنجبر، فرزند محمداسماعیل که پزشکی مشهور بوده است، پس از اتمام تحصیلات خود به شغل معلمی تعلیمات دینی در وزارت فرهنگ سابق روی آورد.

از سن شانزده سالگی به جمع‌آوری مستندات در روش‌های تدریس علوم اسلامی پرداخت. در اثنای آموزش تعلیمات دینی در مدارس بود که ایشان اعراب‌گذاری و تصحیح نسخ قرآن چاپ کشورهای پاکستان، هندوستان و دیگر کشورهای اسلامی را آغاز کرد.

کوکب پوررنجبر با تغییر روش‌های تدریس قرآن و زیباسازی صفحات این کتاب آسمانی از سویی و ویراستاری و صفحه‌آرایی متن آموزشی و درک بصری راحت لغات از سویی دیگر تلاش نمود تا آموزش قرآن را به نونهالان و نوآموزان علوم دینی ساده و آسانتر سازد.

فعالیت دیگر استاد پوررنجبر بازنویسی مفاتیح‌الجنان بود. ویژگی این نسخه اعراب‌گذاری کامل کلمات در زیر و بالای حروف بود و روال سنتی حاشیه‌نویسی در متن که دشواری زیادی برای خوانندگان را به همراه دارد، کنار گذاشت و حاشیه در متن صفحات قرار داده شد و از فنون زیبانگاری و هنر خطاطی نیز استفاده نمود.

استاد پوررنجبر در سن بیست و هفت سالگی نابینا شد ولی با دیدن حضرت فاطمه (س) در خواب شفا یافت، و عمر خود را وقف قرآن و علوم دینی کرد. ره‌آورد چهل و شش سال خدمت در مراکز دولتی و ملی ایشان، تأسیس مرکز آموزش ابتدایی (کوکبیه) در شهر مشهد است.

استاد از سالهای ۱۳۳۸ تا ۱۳۶۳ به منظور تدریس قرآن مجید، ساده‌ترین روش ممکن خودآموزی در شش جلد تحت عنوان خودآموز و روش تدریس قرائت مجید را تألیف نمود. این خودآموز توسط انتشارات اسلامی به چاپ رسیده است. از آثار دیگر او تصحیح خودآموز گفتگوی حسین و حسن است.

استاد کوکب پوررنجبر سرانجام در سن هشتاد و دو سالگی روز دوازدهم اسفند ۱۳۷۰ دار فانی را وداع گفت. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

پورزند، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۳، مرتبه علمی: دانشیار رشته جراحی دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی جراحی عمومی و عروق از دانشگاه جرج واشنگتن آمریکا در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

استادیار جراحی دانشگاه علوم پزشکی تبریز از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۶۹، دانشیار جراحی دانشگاه علوم پزشکی تبریز از سال ۱۳۷۰ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

هیپرپاراتیروئیدیسم اولیه، ترومای شکمی، ترومای نافذ شکمی، ترومای شریانی، توده‌های آدرنال، تدریس جراحی عمومی و عروق (پزشکی عمومی و تخصصی) در دانشگاه علوم پزشکی تبریز، دریافت تقدیرنامه به عنوان بهترین رزیدنت جراحی از مرکز بیمارستانی واشنگتن در سال ۱۳۵۵.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۱، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

درماتومیوزیت حاد و بررسی ده مورد آن، گزارش ۷۰ تروماتیسم رگهای محیطی، لاپاراتومی تشخیصی مجدد در مجرومین جنگ ایران و عراق، سندرم PEUTZJEGHRS، جراحی تیروئیدهای بسیار بزرگ، جراحی هیپرپاراتیروئیدیسم اولیه، سرطان رکتوم در سنین قبل از ۴۰ سالگی، گزارش تظاهرات بالینی گوناگون فئوکروموسیتوما، ضایعات عروقی همراه با شکستگی‌ها و اعمال جراحی اورتوپدی، بررسی ۱۴۳ مورد انسداد مجاری صفراوی خارج کبدی، ضایعات کیستیک پانکراس، PRIMARY ADENOID

CYSTIC CARCINOMA OF ESOPHAGUS

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

پورسید آقایی، مسعود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مسعود پورسید آقایی

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

پورعجم، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

پور فرهاد، مسعود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۸، مرتبه علمی: استاد، رشته: رادیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی در سال ۱۳۳۴، دکترای تخصصی در رشته آناتومی در سال ۱۳۳۹ دکترای تخصصی در رشته رادیولوژی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۸.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی در رشته آناتومی دانشگاه تبریز در سال ۱۳۵۰.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحقیق در زمینه‌های آناتومی و مسائل به پزشکی و رادیولوژی، مأموریت عملی به مدت یک سال در رشته تشریح در دانشکده پزشکی پاریس در سال ۱۳۴۰، مأموریت علمی در رشته تشریح به مدت یک سال در لندن در سال ۱۳۵۲.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

کالبدشناسی انسانی کلیاتی در مورد ساختمان تشریحی بدن انسان، کالبدشناسی لگن، ساختمان تشریحی دیواره لگنی و احشاء محتوی لگنی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: - تعداد مقالات به زبان خارجی: -

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

پور محمد، محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن پور محمد

محل تولد: --

شهرت

تابعیت: ایران

زندگینامه علمی

بنده از یک خانواده متوسط روستایی هستم. پدرم کشاورز و مادرم خانه دار است. سه فرزند دارم به ترتیب فاطمه متولد ۱۳۶۸، حسین متولد ۱۳۷۳، محمد مهدی متولد ۱۳۸۱ و همسر من نیز معلم هستند. در رشته خدمات بازرگانی در سال تحصیلی ۶۲-۶۳ دیپلم گرفتم. بلافاصله به حوزه علمیه قم رفتم و در مدرسه علمیه رسول اکرم (ص) به تحصیل علوم حوزوی پرداختم. تحصیلات حوزوی را در مدرسه امام باقر علیه السلام ادامه داده، سطح را تمام کردم و در دروس خارج آیات عظام: فاضل لنکرانی (حج) جوادی آملی (صوم و خمس) و مکارم شیرازی (حدود و ارتداد) سبحانی (نماز و طهارت) و از درس خارج اصول اساتید معظم سبحانی و لاریجانی بهره بردم. البته از درس های آیت الله محفوظی و مرحوم آیت الله خاتم یزدی (ره) نیز استفاده کرده ام. و اسفار را در محضر استاد مصباح یزدی و استاد فیاضی آموختم. در کنار تحصیل در حوزه در این دوره به مدت یک سال در جبهه های نور علیه ظلمت داوطلبانه حضور داشته ام. بعد از جنگ در سال ۱۳۶۸ با شرکت در کنکور سراسری در رشته فلسفه دانشگاه تهران پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۳ از دانشگاه تهران کارشناسی فلسفه غرب را دریافت نمودم. در سال ۱۳۷۳ در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در رشته دین شناسی در مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته شدم و در این دوره به عنوان دانش پژوه ممتاز شناخته شده و پایان نامه خود را نیز در سال ۱۳۷۶ در موضوع «روح القدس در کتاب مقدس ادیان ابراهیمی» با درجه ممتاز دفاع کردم. همزمان در گروه تحقیقات ادیان به مدت ۵ سال در محضر استاد حسین توفیقی و دکتر لگنهاوزن فعالیت داشتم.

با توجه به اینکه از دروس اسفار آیت الله مصباح یزدی بهره مند می شدم از طرف ایشان در سال ۱۳۷۳ مأموریت یافتم تا گزارش جامعی در خصوص فعالیت های علمی در عرصه های علوم عقلی در سطح کشور تهیه نمایم. در نهایت با جمعی از شاگردان ایشان طرح دایره المعارف علوم عقلی اسلامی تهیه گردید و بنده به عنوان مسئول گروه های علمی در آن فعالیت داشتم. این کار زیر نظر آیت الله مصباح به مدیریت حجت الاسلام و المسلمین محسن قمی آغاز شد. با توجه به مأموریت حاج آقای قمی به عنوان ریاست نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، بنده نیز به حسب وظیفه در آن شرایط حساس، مسئولیت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی گیلان را بر عهده گرفتم و با توجه به موفقیت هایی در کار، از سال ۱۳۸۲ با حفظ سمت به عنوان دبیر منطقه ۲ کشوری انجام وظیفه می نمایم و نیز از سال ۱۳۸۱ به عنوان امام جمعه موقت شهرستان ما سال توفیق خدمت دارم.

پورمند، غلامرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۵، دانشکده: دانشیار، رشته: بیماریهای کلیه، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی، دکترای تخصصی ارولوژی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۵۷، فوق تخصص پیوند کلیه از دانشگاه SYUG انگلستان در سال ۱۳۶۳. مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران حال تخصصی از سال ۱۳۵۷، تا سال ۱۳۶۶، دانشیار علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۶۶ تاکنون. زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

درمان با B.C.G درمان سنگهای دستگاه ادراری با موج ضربه‌ای (LWSE) تدریس درس اورولوژی در دانشگاه علوم پزشکی تهران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

هسته استخوانی سنگ‌های ادراری، دیورتیکول مادرزادی مجرا، گزارش ترکیبات سنگ‌های ادراری ایران، دریچه مادرزادی حالبی، فئوکروموستیوم مثانه، عوارض ارولوژی پیوند کلیه.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

پورنامداریان، تقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر تقی پور نامداریان در سال ۱۳۲۰ در همدان متولد شد. وی در سال ۱۳۵۸ در حالی که فعالیت‌های خود را در آموزش و پرورش ادامه می‌داد موفق به دریافت درجه دکتری خود از دانشگاه تهران گردید. دکتر پورنامداریان در حال حاضر استاد زبان و ادبیات فارسی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی میباشد تقی پورنامداریان در زبان و ادبیات فارسی، بویژه در زمینه نقد ادبی و عرفان مهارت و تخصص دارد. او را می‌توان پیرو مکتب کلاسیسیسم دانست، چون بیشتر به بررسی شعر کلاسیک فارسی پرداخته است. کتاب "رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی" تقی پورنامداریان، در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: نقد ادبی

والدین و انساب: پدر تقی پور نامداریان قناد بود شعر هم می‌گفت. اما آنقدر سرگرم شعر و شاعری بود که قنادی را در حاشیه آن انجام می‌داد.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: تقی پورنامداریان تحصیلات خود را از کلاس سوم ابتدایی شروع نموده و در رشته ریاضی در زادگاهش دیپلم گرفت و ته معلمی پرداخت. یکی از معلمان دبستان روستای الفوت (در حوالی همدان) وی را به ادامه تحصیل در دانشگاه ترغیب نمود. پورنامداریان پس از موفقیت در امتحانات دانشگاه در رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران از روستای الفوت به ازندریان منتقل شد. وی پس از انتقال به تهران تحصیلات خود را در دوره فوق لیسانس در پژوهشکده فرهنگ ایران ادامه داد. او اولین دانشجوی پژوهشکده بود که به تشویق دکتر اتوالقاسمی در آزمون ورودی دکتری دانشگاه تهران شرکت نمود و در سال ۱۳۵۸ از پایان نامه دکتری خود دفاع نموده است.

خاطرات و وقایع تحصیل: تقی پورنامداریان از مشکلات رفت و آمد خود به تهران در زمان تحصیل، به خصوص در روزهای برفی و بارانی زمستان، و اقامت در مسافرخانه‌های خیابان ناصرخسرو خاطرات مفصلی دارد.

فعالیت‌های ضمن تحصیل: تقی پورنامداریان در زمان معلمی خود در ازندریان، هر هفته یکی دو روز جهت تحصیل به تهران می‌آمد. بدین گونه فعالیت معلمی او در حین تحصیل نیز ادامه داشت. او که تحصیلات دانشگاهی خود را مدیون اصرار دوستان و همکاران خود در روستای ازندریان میدانند، پس از یک سال خدمت در ازندریان به روستای قروه در جزین همدان منتقل گشت. وی از این روستا نیز مدت دو سال به تهران رفت و آمد داشت. تا اینکه به تهران منتقل شده و سال چهارم دانشگاه رادرتهران مقیم گشت. او در تهران شش سال دیگر به معلمی در دبستان و دبیرستان پرداخت و در این مدت نیز موفق به اخذ درجه فوق لیسانس از پژوهشکده فرهنگ ایران شده است. وی بعد از سال اول دانشجویی در پژوهشکده علاوه بر درس خواندن، تدریس هم داشت و بطور غیر رسمی به دانشجویان در نوشتن رساله نیز کمک می‌کرد. هر چند اشتغال بیش از پیش پورنامداریان در دوره فوق لیسانس و اشتغال بسیار وی در دوره دکتری باعث شد که همسرش ابراز ناراحتی نماید، اما با دفاع از پایان نامه دکتری از وضعیت با ثباتی برخوردار گردید.

استادان و مربیان: تقی پور نامداریان دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی را در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران با درک فیض از محضر اساتیدی چون مرحوم محمد پروین گنابادی - مرحوم دکتر احمدعلی رجایی و دکتر پرویز نائل خانلری - دکتر سیدجعفر شهیدی - دکتر سیدحسن سادات ناصری و خصوصاً ارشادات و راهنمایی استاد دکتر شفیع کدکنی در سال ۱۳۵۸ طی کرده و به اخذ درجه دکتری در این رشته نایل آمد.

همسر و فرزندان: تقی پورنامداریان سال اول که در پژوهشکده فرهنگ ایران دوره فوق لیسانس را می‌گذراند در مدرسه هدف نیز به آموزش خط اشتغال داشت. در این مدرسه با یکی از معلمان آشنا شده و با او ازدواج نمود.

فعالیت‌های آموزشی: تقی پورنامداریان که در حال حاضر استاد زبان و ادبیات فارسی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی می‌باشد، در سال‌های قبل و پس از گرفتن دیپلم، در روستاهای ملایر (جیجان، مانیزان، کسب، ازندریان، الفوت) به شغل معلمی پرداخته است. در آن دوران وی چند ماه در جیجان و دو سال نیز در الفوت، تنها معلم دهکده بود. او در دوران تحصیلات دانشگاهی به فعالیت‌هایی همچون معلمی، اشتغال در پژوهشکده فرهنگ ایران، کمک به دانشجویان در درس و رساله و تدریس در دبستان و دبیرستان می‌پرداخت. تا اینکه از آموزش و پرورش به فرهنگستان ادب و هنر انتقال یافته و بعنوان مامور در بنیاد فرهنگ ایران مشغول گشته است. در سال‌های بعد از انقلاب که بنیادها و فرهنگستان در مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ادغام شده و بعد هم به پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تغییر داد، او و همکارانش تالیف فرهنگ تاریخی زبان فارسی؛ را از سال ۱۳۶۳ آغاز نمودند. در خلال این سالها، که سه سال آن در کره جنوبی به تدریس گذشت، در اکثر دانشگاه‌های تهران از جمله، دانشگاه تهران، تربیت معلم، شهید بهشتی و تربیت مدرس به تدریس پرداخته و به خلق کتب و مقالات متعدد اهتمام ورزیده است.

آرا و گرایشهای خاص: تقی پورنامداریان در زبان و ادبیات فارسی، بویژه در زمینه نقد ادبی و عرفان مهارت و تخصص دارد. او را می‌توان پیرو مکتب کلاسیسیسم دانست، چون بیشتر به بررسی شعر کلاسیک فارسی پرداخته است. از نمونه آثار وی در نقد ادبی به کتاب در سایه آفتاب: اشاره کرد. در این کتاب نویسنده به مشعر فارسی و ساخت شکنی در شعر مولوی پرداخته است. جوائز و نشانها: کتاب "رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی" تقی پورنامداریان، در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. چگونگی عرضه آثار: دکتر تقی پورنامداریان، بیش از ۲۲ مقاله در زمینه رشته تخصصی خود و بیش از ۲ طرح تحقیقاتی را در کارنامه کاری خود دارد.

آثار:

۱ احوال و اندیشه عطار

ویژگی اثر: مقاله

۲ اسباب و صور در غزلهای مولوی

ویژگی اثر: مقاله

۳ استاد زرین کوب و مثنوی

ویژگی اثر: مقاله

۴ بلاغت و گفت و گو با متن

ویژگی اثر: مقاله

۵ پایان بی قراری ماهان

ویژگی اثر: مقاله

۶ پونه های الوند

ویژگی اثر: گزیده شعرهای رضا ذوقی

۷ تاملی در شعر احمد شاملو

ویژگی اثر: کتاب

۸ تصحیح و شرح کتاب منطق الطیر عطار

ویژگی اثر: با همکاری دکتر محمود عابدی بوده و نا تمام است.

۹ تصویر آفرینی در مرزبان نامه

ویژگی اثر: مقاله

۱۰ تفسیری دیگر از شیخ

ویژگی اثر: مقاله

۱۱ جلد دوم: داستان پیامبران در کلیات شمس:

ویژگی اثر: نا تمام است

۱۲ چند نکته درباره شعر شاعران آذری و نظامی

ویژگی اثر: مقاله

۱۳ خانه ام ابری است (نقد و تحلیل شعر نیما)

ویژگی اثر : کتاب

۱۴ داستان پیامبران در کلیات شمس (جلد اول)

ویژگی اثر : جلد ۲ این کتاب در دست تحریر است

۱۵ در سایه آفتاب

ویژگی اثر : نویسنده این کتاب را حاصل بخشی از اندوخته های ذهنی خود - که سبب حصول یک شهود- و ظرایف غریب زبان قرآنی می داند. نویسنده معتقد است در قرآن همه سخن می گویند در عین آنکه متکلم حقیقی همان خداست، و در طول سوره ها توالی و تناوب متکلم دستوری و به اقتضای آن مخاطبها بدون ذکرقرینه، زبان خاصی را به وجود می آورند، که به این ترتیب می توان عادت ستیزیهای گوناگونی را تصور کرد که در زبان قرآن رخ داده است و ساختار آنرا در قیاس با زبان ما درهم شکسته است. دکتر پور نامداریان در فصل اول کتاب به بررسی پاسخ این سوال می پردازد که چه عواملی سبب می شود شاعرانی مثل سنایی: عطار: مولوی و حافظ در غزلهای عارفانه خود رکن رکن معنی داری یا تک معنایی را در شعر کلاسیک بشکنند و از میان چهار عامل موثر در تولید شعر یعنی اوضاع سیاسی و اجتماعی: شخصیت فردی شاعر: میراث ادبی و مخاطب شعر: تحول کدام عامل سبب شکسته شدن سد سنت می گردد و تجدد در ارکان سه گانه شعر کلاسیک (زبان ادبی: صورت و قالب ازپیش معین و معنی داری) را به دنبال خود می آورد. همچنین در این فصل به علت متزلزل بودن رکن معنی داری بوسیله بعضی شاعران می پردازد. نویسنده در بخشی از کتاب با عنوان: صور و اسباب ابهام در غزل های مولوی: کوشیده است تا شباهتهای ساختاری میان غزل های مولوی با ساختار قرآن را که نتیجه اشتراک بافت، یعنی بافت وحی است: نشان دهد. بخش دوم کتاب نیز همین ساخت شکنیها را در مثنوی پی می گیرد. ضمن آنکه به مناسبت: به شیوه داستان پرداری مولوی و تاثیر این بافت در زبان مثنوی اشاره و برای اثبات مطلب و تفاوت مثنوی با کتابهای تعلیمی مشابه چون حدیقه سنایی و مثنویهای عطار مقایسه لازم به عمل می آورد.

۱۶ درس فارسی برای فارسی آموزان خارجی

ویژگی اثر : کتاب

۱۷ دیدار با سیمرغ

ویژگی اثر : کتاب

۱۸ رساله های عرفانی ابن سینا و مثنویهای عطار

ویژگی اثر : مقاله

۱۹ رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی

ویژگی اثر : این کتاب در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شده است - آشنایی با کتاب رمز و داستانهای رمزی این کتاب شامل ۱۶ بخش است که ۱۰ بخش ابتدای آن در حکم مقدمه ای است که خواننده را با زمینه ها و سوابق رمز و جلوه های متعدد و متنوع آن در ادب فارسی و فرهنگ ایرانی - اسلامی آشنا می سازد. در این مقدمه پس از بحث درباره معنی لغوی و اصطلاحی رمز علت رمزی شمردن این داستان ها و سپس رابطه رمز با صور خیال بررسی گردیده است و موارد اشتراک و اختلاف آنها شرح شده و آن گاه نوع برخورد انسان با متعلق معرفت و تأثیر آن در کیفیت بیان مورد مذاقه قرار گرفته است. در ۶ بخش بعدی، کتاب مستقیماً با داستان های رمزی ارتباط می یابد و جدایی داستان رمزی از تمثیل و شباهت آن با رؤیا بیان می گردد. در بخش های ۱۴ و ۱۵ به شرح رمزهایی که در داستان های عرفانی - فلسفی ابن سینا و سهروردی آمده، پرداخته و در بخش ۱۶ به مفهوم کلی «رسالة الطیر» ها اختصاص یافته است. ضمناً خلاصه ای از داستان های مورد بحث در پایان به کتاب منضم

شده است.

۲۰ رهروان بی برگ

ویژگی اثر: مجموعه شعر

۲۱ سفر در مه (نقد شعر احمد شاملو)

ویژگی اثر: کتاب

۲۲ سیری در یک غزل عطار

ویژگی اثر: مقاله

۲۳ شرح گزیده ای از نثرهای شاعرانه عرفانی:

ویژگی اثر: نا تمام است

۲۴ شرح و تحلیل سه رساله از سهروردی

ویژگی اثر: این کتاب در دست تحریر است.

۲۵ شهود زیبایی و عشق الهی

ویژگی اثر: مقاله

۲۶ عالم مثالی شعر حافظ

ویژگی اثر: مقاله

۲۷ عشق و غزل در ادب فارسی

ویژگی اثر: مقاله

۲۸ عطار و ابو سعید ابوالخیر

ویژگی اثر: مقاله

۲۹ غزلهای فارسی فضولی

ویژگی اثر: مقاله

۳۰ فرهنگ تاریخی زبان فارسی

ویژگی اثر: جلد دوم - (با همکاری پژوهشگران مؤسس؟ مطالعات و تحقیقات فرهنگی) در دست تحریر است

۳۱ گزیده ای از آثار شیخ اشراق: همراه با شرح و تحلیل

ویژگی اثر: نا تمام است

۳۲ گزیده ای از غزلهای حافظ همراه با شرح:

ویژگی اثر: نا تمام است

۳۳ گزیده ای از نظم و نثر همراه با شرح:

ویژگی اثر: نا تمام است

۳۴ گمشده لب دریا

ویژگی اثر: مقاله

۳۵ گمشده لب دریا: درباره شعر حافظ:

ویژگی اثر: نا تمام است

۳۶ مجلدات: فرهنگ تاریخی زبان فارسی: (با تنی چند از همکاران)

ویژگی اثر: نا تمام است

۳۷ مسأله معنی در شعر کلاسیک و شعر نو

ویژگی اثر: مقاله

۳۸ نقد و تحلیل هزاره دوم آهوی کوهی

ویژگی اثر: مقاله

۳۹ هماهنگی صورت و معنی در شعر بهار

ویژگی اثر: مقاله

۴۰ هویت ملی و شاهنامه

ویژگی اثر: مقاله

پوریا منفرد، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین پوریامنفرد

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای حسین پوریا منفرد در سال ۱۳۳۱، در مشهد مقدس دیده به جهان گشود. وی پس از طی موفقیت آمیز دوران متوسطه در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه مشهد شد و پس از طی مقدمات از محضر آیت الله علی اصغر حسینی به کرمانشاه مهاجرت کرد و در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ از محضر آیت الله نجومی، آیت الله خامنه‌ای در آن دیار کسب فیض کرد و پس از آن به قم مهاجرت کرد. از دیگر اساتید ایشان می‌توان مرحوم آشتیانی فلسفی را نام برد. ایشان جهت تبلیغ دین مبین اسلام به کشورهای زیادی سفر کرده است که از آن جمله می‌توان فرانسه، برزیل، فنلاند و هلند را نام برد.

پوستی، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۴، مرتبه علمی: استاد، رشته: فارماکولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی از دانشکده دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۱.

مرتبه علمی:

دستیار گروه فارماکولوژی در سالهای ۱۳۴۱-۱۳۴۳، استادیار رشته فارماکولوژی در سال ۱۳۴۴، دانشیار در سال ۱۳۴۸ و استاد

فارماکولوژی در سال ۱۳۵۳.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

استفاده از دو بورس دانشگاهی دولت بلژیک و آمریکا و تحقیق در زمینه‌های داروهای قلبی و عروقی، مسمومیت قلبی برخی داروها

مثل ترکیبات دیژیتال و تئوفیلین و جلوگیری از مسمومیت توسط برخی داروها مثل کاربامازپین، پیدا کردن اثر جدیدی از اسید

اتاکرینیک در روی قلب مجزای خو کچه هندی در زمینه اثرات مستقیم قلبی برخی دیورتیکها، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۰

پایان نامه دکترای پزشکی و داروسازی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

فارماکولوژی، دندانپزشکی و پرستاری.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۴۶، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲۷

زمینه علمی مقالات:

قلبی عروقی بخصوص برخی اثرات مستقیم داروهای مدرن بر روی قلب جدا شده حیوانات آزمایشگاهی مانند اثر مستقیم اسید

اتاکرینیک روی دهلیز مجزای خو کچه هندی.

بر گرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

پوشنگی، ابو عبدالله حسین

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، محدث. وی منسوب به پوشنگ از نواحی هرات است. در «لسان المیزان» به استناد نجاشی او از شیوخ شیعه شمرده

شده. نجاشی گوید که پوشنجی مضطرب‌المذهب بود، اما بر آنچه روایت کرده اعتماد است و ابو عبدالله بن المخمری از رویان

اوست. در «ریاض العلماء» آمده است که شیخ مفید از او روایت کرده و او به نوبه‌ی خود از حیدر بن محمد بن نعیم سمرقندی

روایت کرده است. از آثارش: کتاب «عمل السلطان» است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴۵۰/۵)، خاتمه مستدرک الوسائل (۲۴۱/۳)، الذریعه (۳۴۵/۱۵)، رجال النجاشی (۱۹۰/۱)، ریاض

العلماء (۳۰- ۲۹/ ۲)، لسان المیزان (۴۹۳/۲)، معجم رجال الحديث (۱۹۴- ۱۹۳/ ۵).

پوشنگی، ابو عبدالله محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۹۱- ۲۰۴ ق)، فقیه مالکی، محدث، لغوی و ادیب. از پیشگامان حدیث، در نیشابور، بود. برای کسب علم و دانش سفرها کرد، و ره آوردش تصنیف‌ها بود. او در لغت و کلام عرب پیشتاز بود. از یحیی بن عبدالله بن بکیر و روح بن صلاح و احمد بن حنبل و امیه بن بسطام و بسیاری دیگر حدیث شنید. محمد بن اسماعیل بخاری با اینکه از او مسن تر بود در «صحیح» خود از وی نقل حدیث کرده است. محمد بن اسحاق صاعانی (چغانی) و ابو حامد بن شرقی و ابن خزیمه و یحیی بن محمد عنبری و علی بن حمشاد و خلق بسیاری از او حدیث روایت کرده‌اند. گفته‌اند که در محرم سال ۲۹۱ ق و یا در آخر ذیحجه ۲۹۰ ق در گذشت و ابن خزیمه بر او نماز گذاشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۸۴/۶)، تهذیب التهذیب (۱۰- ۸/ ۹)، الجرح و التعديل (ج ۳، ق ۱۸۷/۲)، سیر النبلاء (۵۸۹- ۵۸۱/ ۱۳)، الوافی بالوفیات (۳۴۲/۱).

پویا، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا مهدی پویای یزدی از علماء معاصر کراچی بودند.

وی در یزد و یا یکی از مضافات آن متولد شده و علوم عربیه و ادبیه را در مدرسه مصلاهی یزد خوانده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی میرزا محمدحسین نائینی و مرحوم آیت‌الله العظمی شریعت اصفهانی و دیگران استفاده نموده و از خواص اصحاب و شاگردان مرحوم میرزای نائینی گردیده و در اواخر آن مرحوم مهاجرت به هندوستان نموده و مدتی در مدارس به خدمات دینی و روحی پرداخته و در تقسیم هندوستان و پاکستان از روی ضرورت به کراچی عزیمت و رحل اقامت افکنده و به ترویج دین مشغول تا در اوائل سال ۱۳۹۴ ق که در همانجا وفات نموده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

پویا، یحیی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۷۳ ش)، پزشک. از اهالی تهران بود، پس از طی دوره‌های ابتدایی و متوسطه در زادگاهش تحصیلات پزشکی خود را در

مدرسه‌ی طب به پایان رساند و پس از آن به مدت دو سال در انستیتو پاستور تهران به کار پرداخت، سپس به فرانسه رفت و موفق به دریافت دانشنامه‌ی بیماری‌های کشورهای گرمسیری، سرم‌شناسی، بیماریهای پوست و آمیزشی شد. پویا همچنین دوره‌ی انستیتو پاستور مدرسه‌ی مالاریالژی را طی کرد و گواهینامه گرفت. وی در سال ۱۳۱۰ ش به ایران بازگشت و عهده‌دار مشاغلی چون: رئیس بهداری و شهرداری، رئیس آموزشگاه و رئیس بخش بیمارستان رازی شد. وی در سال ۱۳۳۸ ش دوباره به پاریس رفت و دیپلم خون‌شناسی گرفت و علاوه بر آن در زمینه‌ی گروه‌بندی خون افراد و فن انتقال خون، گواهینامه‌ی تخصصی دریافت کرد. از آثارش: «بیماریهای خون»؛ «رساله‌ی دفاع از امراض تناسلی»؛ «گروه‌بندی و انتقال خون»؛ «مراسم اولین درس دکتر پویا». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۷۹/۲)، مولفین کتب چاپی (۸۲۳-۸۲۲/۶).

پهلوان، منصور

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

منصور پهلوان

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان موفقیت آمیز دوران متوسطه در سال ۱۳۵۱ هجری شمسی بخاطر عشق و علاقه فراوان وارد حوزه علمیه تهران شد. در کنار تحصیل حوزوی در سال ۱۳۷۲ در مقطع دکترا در رشته علوم قرآن و حدیث از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. در طی مدت تحصیل سفرهای علمی و تبلیغی فراوانی به کشورهای خارجی داشته است. نامبرده در کنار تحصیل به تدریس در دانشگاههای تهران پرداخت و در کنار تدریس به راهنما و مشاوره دانشجویان در مقطع دکترا پرداخت و تاکنون حدود ۲۵۰ مورد مشاوره و راهنمایی در این رابطه ارائه کرده است.

ایشان در طول سالهای عمر خویش خدمات علمی و فرهنگی سیاسی انجام داده است که از آن جمله می توان سرپرستی شبکه ۱ و ۲ سیما، سرپرستی دانشگاه بین المللی اسلامی لندن و مدیر مسئول بررسی مقالات دانشگاه تهران را نام برد.

پهلوانزاده، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای عفونی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی بیماریهای عفونی از دانشگاه علوم پزشکی تبریز در سال ۱۳۴۸، فوق تخصص بیماریهای عفونی و گرمسیری از دانشگاه ایلینویز آمریکا در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

استاد دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی جانبی HBSAG در کارکنان بیمارستانی، بررسی عفونتهای ادراری در بیماران مراجعه کنندن، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۵ پایان‌نامه دکترای عمومی و فوق تخصصی رشته بیماریهای عفونی، تدریس دروس بیماریهای عفونی و بیماریهای گرمسیری در دانشگاه علوم پزشکی تبریز.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

بیماریهای عفونی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۴، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای عفونی، مقایسه اثرات آزمایشگاهی آزلد میلن آمپی‌سیلینی، کنترل عفونی در مناطق جنگ، ویژگیهای منتزیت سلی، گزارش ۸۸ مورد منتزیت سلی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

پهلوانیان، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد پهلوانیان

محل تولد: یزد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب احمد پهلوانیان در سال ۱۳۷۲ بعد از اخذ دیپلم در رشته ریاضی به حوزه علمیه قم مشرف و مشغول به تحصیل شدم، در مدت ۵ سال سطح مقدماتی و عالی را پشت سر گذاشته و بعد از آن به درس خارج اشتغال پیدا کرده و در کنار آن در رشته های

ارتباطات و پس از آن فلسفه و کلام اسلامی در دانشگاه های صدا و سیما و باقر العلوم در مقطع کارشناسی ارشد تحصیل کردم . از جمله دوره های آموزشی غیر رسمی که گذراندم می توان به دوره تربیت مربی کودک و نوجوان ، فیلم نامه نویسی ، نقد فیلم ... اشاره کرد . تاکنون کتب و مقالات متعددی در زمینه های ادبیات ، داستان ، روانشناسی و ارتباطات و فلسفه ، نگارش در آورده ام و در رشته های ادبیات عرب (حوزه) ارتباطات (مبانی جامعه شناسی) و فیلم نامه نویسی در دوره های متعددی تدریس کرده ام .

پیرنیا، مشیرالدوله، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

متولد ۱۲۵۱ ش، فرزند میرزا نصرالله مشیرالدوله. تحصیلات مقدماتی و معمول زمان را به اتفاق برادرش حسین پیرنیا (مؤتمن الملک) تحت مراقبت و نظارت پدر انجام داد و علوم متداول زمان را فراگرفت. سپس برای ادامه‌ی تحصیل عازم روسیه گردید و در رشته‌های نظام و حقوق فارغ‌التحصیل شد. بعد مدتی هم در فرانسه به تحصیل اشتغال ورزید و به خدمت در سفارت ایران در روسیه درآمد و عنوان مستشار سفارت یافت. در ۱۳۱۷ ه.ق پدرش به وزارت امور خارجه رسید و او را به تهران احضار و با لقب مشیرالملک به ریاست دفتر وزارت امور خارجه و منشی مخصوص خود تعیین نمود. در سفر اول مظفرالدین شاه به اروپا، مترجم زبان روسی شاه بود و در این مأموریت توانست لیاقت و کیاست خود را ثابت کند. پس از بازگشت از اروپا، به پیشنهاد پدر و موافقت اتابک صدراعظم، به جای میرزا رضاخان ارفع‌الدوله به وزیرمختاری ایران در روسیه تعیین گردید.

در ۱۳۲۰ ه.ق در مقام وزیرمختاری ایران در روسیه به آن کشور رفت، ولی در مدت توقف خود در تهران کار عمده‌ای صورت داد و آن تأسیس مدرسه‌ی علوم سیاسی بود که به همت میرزا نصرالله خان وزیر امور خارجه این کار انجام یافت. و چهار هزار تومان بودجه‌ی سالیانه‌ی آن از محل معدن فیروزه تأمین گردید. در سفر دوم مظفرالدین شاه به اروپا، در مسکو اقامت داشت. در این سفر نیز موجب رضایت شاه و اتابک را فراهم نمود و خدمات وی مورد رضایت و تقدیر واقع شد. در ۱۳۲۴ ه.ق که زمزمه‌ی مشروطیت در ایران بلند بود، به تهران آمد. پدرش مقام صدارت یافته و از طرف پدر و با موافقت شاه، مأمور تدوین نظام‌نامه‌ی مجلس گردید و از اعضای برجسته‌ی کمیسیون بود.

پس از صدور فرمان مشروطیت و برقراری حکومت قانون از کار کنار رفت و متعاقباً وزیر افخم و اتابک، عهده‌دار نخست‌وزیری گردیدند. مشیرالسلطنه پس از قتل اتابک، به زمامداری رسید و برای اولین بار میرزا حسن خان مشیرالملک به عضویت کابینه دعوت شد. پست وی در کابینه، وزارت عدلیه بود. این کابینه دوام زیادی نداشت و مشیرالسلطنه در ۴ آبان ۱۲۸۶ ش جای خود را به ناصرالملک داد. در آن هنگام میرزا نصرالله خان مشیرالدوله پدر مشیرالملک درگذشت و محمدعلی شاه چند روز پس از فوت میرزا نصرالله خان، لقب مشیرالدوله را به پسرش میرزا حسن خان داد و در کابینه‌ی ناصرالملک وزیر امور خارجه گردید. در همان موقع قرارداد ۱۹۰۷ یا تقسیم ایران به دو منطقه‌ی نفوذ به وزارت خارجه‌ی ایران ابلاغ یا اعلام گردید. ناصرالملک نیز در مقابل اختلاف مجلس و شاه دوام نیاورد و جای خود را به نظام‌السلطنه مافی داد.

نظام‌السلطنه در کابینه‌ی نخستین خود از مشیرالدوله دعوت نمود، ولی در دو ترمیم کابینه، او را به وزارت امور خارجه برگزید. در خرداد ۱۲۸۷ در کابینه‌ی میرزا احمدخان مشیرالسلطنه وزارت علوم و اوقاف به وی سپرده شد و در ترمیم همان کابینه همچنان وزیر علوم و اوقاف بود. در اردیبهشت ۱۲۸۸ در کابینه‌ی ناصرالملک که با سرپرستی سعدالدوله اداره می‌شد، وزارت عدلیه را بر عهده

داشت، ولی چون کشور در حال بحران بسر می‌برد، با سایر وزیران استعفا نمود.

پس از فتح تهران و تشکیل دولت جدید به ریاست سپهدار تنکابنی، مشیرالدوله در کابینه‌ی دوم و سوم وزیر عدلیه بود. در کابینه‌ی چهارم وزیر تجارت گردید. در اسفند ۱۲۸۹ در دو کابینه‌ی سپهدار تنکابنی وزیر عدلیه بود و در ترمیم کابینه به وزارت پست و تلگراف و تلفن منصوب گردید. در مرداد ۱۲۹۰ در هیئت صمصام‌السلطنه بختیاری، وزارت عدلیه به عهده‌ی او محول گردید و در ترمیم همان دولت نیز شغل خود را حفظ نمود.

علاءالسلطنه مازندرانی در کابینه‌ی خود که در دی ماه ۱۲۹۱ تشکیل داد، مشیرالدوله را به وزارت علوم و معارف و اوقاف معرفی کرد. در اسفند ماه ۱۲۹۳ به نخست‌وزیری رسید و وزارت جنگ را نیز عهده‌دار شد. در سال ۱۲۹۶ در کابینه‌ی دیگر علاءالسلطنه، وزیر جنگ بود و این سمت را همچنان در کابینه‌های عین‌الدوله و مستوفی‌الممالک حفظ کرد و امور وزارت جنگ را بر عهده داشت. در تیرماه ۱۲۹۹ برای بار دوم زمامدار گردید و مدت پنج ماه در سمت نخست‌وزیری انجام وظیفه کرد تا بالاخره در آبان ۱۲۹۹ جای خود را به سپهدار رشتی داد. در سوم بهمن ۱۳۰۰ به جای قوام‌السلطنه از طرف مجلس چهارم به نخست‌وزیری رسید و در کابینه‌ی خود وزارت کشور را شخصاً عهده‌دار بود. در خرداد ۱۳۰۲ برای بار چهارم به نخست‌وزیری رسید. در این بار هم وزیر کشور بود. در ادوار دوم و سوم و چهارم و پنجم و ششم نماینده‌ی مردم تهران در مجلس شورای ملی بود، دو نوبت وزیر کشور، هشت بار وزیر عدلیه، سه دفعه وزیر امور خارجه، سه بار وزیر علوم و شش بار وزیر جنگ و یک مرتبه وزیر تجارت و یک نوبت وزیر پست و تلگراف (یعنی روی هم رفته ۲۴ بار وزیر بوده) و پنج دوره‌ی نمایندگی مجلس را بر عهده داشته است. از مورخین و محققین معاصر است که تألیفات ارزنده‌ای از خود به یادگار گذاشته است. مشهورترین اثر وی تاریخ ایران باستان است. در ده سال آخر حیات خود، غالباً به کارهای فرهنگی و علمی اشتغال داشت. در دوران وزارت دادگستری، قوانین مهمی به تصویب رسانید. در ۱۳۱۴ در ۶۳ سالگی درگذشت. فرزندان او نیز مانند پدر نام خانوادگی پیرنیا را برای خود انتخاب نمودند. هیچ یک از فرزندان او به مقام سیاسی مهمی نرسیدند. از دیگر خدمات او تأسیس مدرسه‌ی نظام بود.

(میرزا حسن خان مشیرالدوله (و. ۱۲۵۲ ه.ش. / ۱۲۹۱ ه.ق. - ف. تهران ۱۳۱۴ ه.ش. / ۱۳۵۴ ه.ق.). پسر اول میرزا نصرالله خان مشیرالدوله نائینی (مشیرالدوله)، از رجال دوره اخیر قاجاریه و اوایل پهلوی. وی تحصیلات نظامی و حقوقی خود را در مسکور به پایان رسانید و مؤلف «ایران باستانی» و تاریخ «ایران باستان» (۳ جلد) و «داستانهای قدیم ایران» است. او مکرر سمت سفارت، وزارت و نخست‌وزیری داشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

پیروزمند، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیرضا پیروزمند

محل تولد: شیراز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۴ در شیراز متولد و تا مرحله اخذ دیپلم ریاضی در شیراز اشتغال به تحصیل داشتم. زندگی سیاسی ام از مقطع راهنمایی همگام با خیل عظیم مردم در مقابله با رژیم شاه شروع شد. در دوران دبیرستان در قالب همکاری با انجمن اسلامی و تقابل با گروه‌های ضد انقلاب و ارتباط با سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی (قبل از انشعاب و در دوران نمایندگی آیت ا... راستی) ادامه یافت. توفیق حضور مکرر در جبهه‌های جنگ از همین ایام آغاز و تا سالیانی بعد ادامه داشت. زندگی علمی ام به شکلی هدفمند پس از اخذ دیپلم آغاز شد. در سال ۱۳۶۲ با وجود قبولی در رشته فنی دانشگاه برای ادامه تحصیل به قم آمدم و به موازات فراگیری دروس حوزوی در دفتر فرهنگستان علوم اسلامی قم به پژوهش مشغول شدم. دروس سطح را خدمت اساتید محترمی همچون آیات و حجج اسلام آقایان راستی کاشانی، وجدانی فخر، پایانی، ستوده، احمدی میانجی، حسینی بوشهری، موسوی، اعتمادی و گنجی فرا گرفتم و از سال ۱۳۷۳ در درس خارج فقه آیت الله تبریزی و خارج اصول آیت الله وحید خراسانی توفیق حضور داشته و دارم. در طول این مدت از محضر اخلاقی حضرات آیات: بهاء الدینی، مظاهری، احمدی میانجی، منیر الدین حسینی، شب زنده دار و به ویژه راستی کاشانی به قدر بضاعت بهره برده ام. در دفتر فرهنگستان علوم اسلامی نیز به ویژه از محضر استاد علامه منیر الدین حسینی (ره) بهره فراوان برده در موضوعات زیر مشغول بوده ام:

روشهای سنتی و انحرافی اجتهاد، موضوع شناسی، فلسفه علم و معرفت شناسی، مبانی اقتصاد سوسیالیستی و سرمایه داری، روش سیستمی، الگوی سیستم سازی، فلسفه (با گرایش فلسفه حرکت) مبانی جامعه شناسی، مبانی نظام سیاسی، ولایت فقیه، روش مدل سازی، روش تحقیق، مبادی و مبانی اصول فقه احکام حکومتی و ...

در طول این مدت مسئولیت اجرایی نداشته ام. گذشته از مسئولیتهای پژوهشی گذشته، هم اکنون عضو هیئت علمی دفتر فرهنگستان، معاونت پژوهشهای بنیادی و مسئول گروه اصول فقه احکام حکومتی هستم علاوه بر مسائل بنیادی در موضوعات راهبردی نظام اسلامی نیز با گرایش مسائل علمی فرهنگی در قالب همکاری با برخی مراکز کلان نظام فعالیت داشته ام از جمله به عنوان کارشناس مسائل علمی - فرهنگی - اجتماعی در دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام از سال ۷۶ تا ۸۲، در طول این مدت علاوه بر مشاوره، طرحهای تحقیقاتی را برای آنها به انجام رسانده ام، از سال ۱۳۸۲ تاکنون نیز به عنوان کارشناس مسایل فرهنگی با دبیرخانه شورای انقلاب فرهنگی همکاری دارم و طرحهای تحقیقاتی را نیز در همین ارتباط به انجام رسانده ام.

در سالیان گذشته علاوه بر ارتباط علمی با مراکز مختلف توفیق تالیف کتاب، مقاله و تنظیم طرحهای تحقیقاتی را داشته ام که در دو گرایش بنیادی و راهبردی انجام گرفته است، در موضوعات بنیادی، مباحثی همچون فلسفه علم، روش علم، روش سیستمی، فلسفه فیزیک و ریاضی... و در موضوعات راهبردی به مطالبی همچون، شبکه های اطلاع رسانی، رابطه دین و دولت و فرهنگ، طبقه بندی موضوعات فرهنگی در مهندسی فرهنگی کشور... پرداخته ام.

پیروزمند، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد پیروزمند

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

ما تقریباً سال ۱۳۶۰ بود که وارد حوزه مبارکه قم شدیم هرچند که از قبل با ادبیات عرب آشنایی داشتیم و کتابهای مختلفی را خوانده بودیم ولی برنامه حوزه مقتضی دوباره خوانی بود مقدمات از صرف ساده و جامع المقدمات سپس سیوطی و مغنی و معالم و حاشیه ملا عبدالله که همراه با آن منطق صوری دکتر محمد خوانساری را نیز می خواندیم روزهای خوش علمی آن روزگار بود بعد هم که از مدرسه کرمانیها بیرون آمدیم و بصورت آزاد شرح لمعه را شروع کردیم بعد از آن رسائل بود در کنار رسائل به درس اسفار جناب علامه حسن زاده آملی مدظله العالی حاضر می شدیم از قبل بدایه را اجمالاً و منطق منظومه و حکمت آن را تا اندازه زیادی کار کرده بودیم. درس اسفار اگر چه سنگین بود ولی الهیات مداری آن جاذبه ای شیرین بود تمامی جلد اول اسفار و قسمتی از جلد دوم آن را در محضر مبارک آن بزرگوار خواندیم. رسائل و مکاسب و کفایتین را می خواندیم همزمان با خواندن کفایه بر خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام وحید خراسانی، میرزا جواد آقا تبریزی قدس سره الشریف و سید احمد مددی شرکت می جستیم که تا این زمان ۱۴ سال خارج اصول و ۱۴ سال خارج فقه. بعد از مدتی قسمت قابل توجهی از جلد ششم اسفار لغی الهیات به معنی افصار را با یکی از دوستان مباحثه کردیم - زمانی جناب حسن زاده آملی مصباح الانس را آغاز فرمود با کسب اجازه از محضر مبارکش به خدمتش شتافتم و تا وقتی آن درس برقرار بود رفتن ما نیز برقرار بود تا اینکه ایشان از تدریس عمومی امتناع ورزید ما به درس پنج شنبه و جمعه آقای شیخ محمدرضا نگونام مدظله العالی حاضر شدیم و مصباح الانس را ادامه دادیم. بعد از مدتی ایشان جلد ۹ اسفار در معاد قرآنی را آغاز کردند. هرچند که ایشان معاد صدرایی را بسیار نقد می فرمود اما ما تا آخر جلد کتاب را در درس ایشان حاضر بودیم بعد تمهید القواعد را به تماماً نزد ایشان خواندیم هم زمان جلد دوم اشارات و قسمتی از جلد سوم آن را با دوستان به بحث و بررسی گذاشتیم و در درس حرکت و زمان جلد سوم اسفار جناب ممدوحی حاضر گشتیم و بر مسائل آن بحث بسیار گذاشتیم. زمان گذشت تا تمامی بدایه، نیم از نهیة الحکمة را برای عده ای از عزیزان حوزوی گفتیم و به خاطر تقارن ساعت تدریس فقه در مدرسه معصومیه با ساعت نهیة مجبور به تعطیل نمودن آن شدیم، از کتاب رسائل کتاب قطع و ظن را دو مرتبه و قسمتی از اصالة البرائة و همچنین خیارات، مکاسب و قسمتی از کتاب بیع آن را تدریس کردیم اکنون هم به تدریس مکاسب محرمه و شرح لمعه مشغول هستیم. سالیان متمادی شرح لمعه و اصول فقه را تدریس داشته ایم همچنین حدود چهار، پنج سال درس شرح فصوص استاد محمدرضا نگونام را نیز درک کردیم. اکنون از خداوند متعال با این بضاعت مزجات خویش مسئلت خدمتی اگر چه بسیار ناچیز به مذهب حقه و اسلام عزیز و بندگان مخلص خداوند را داریم، در این زمان پنج شنبه و جمعه در حرم مطهر منطق منظومه را نیز تدریس داریم بحوله تعالی والحمد لله رب العالمین.

پیروزی، محمدباقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۳۰۲.

درگذشت: ۱۳۶۰.

از آثار اوست: ترجمه بینوایان (ویکتور هوگو، تهران، ۱۳۶۸).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

پیرهاشمی، تیمور

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۲۹۹.

درگذشت: ۱۳۶۶.

از آثار اوست: آذری دیلی نین گرامری- دستور زبان ترکی آذری، فارسی- ترکی آذربایجانی (تبریز، دانشگاه تبریز، ۱۳۶۸).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

پیش نماز، محمد باقر

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

پیش‌نماز مسجد شاه. از علمای ازکیا، عالم فاضل متقی، کتب بسیاری از فقه و اصول و اخبار و غیر آن بر طلاب وقف نموده که اکثر از حالت موقوفه خارج شده، لکن هنوز کم و بیش در دست طلاب باقی است.

در سال ۱۱۲۳ وفات یافته، در بقعه تکیه آقا رضی مدفون شد.

مشارالیه جد سادات عاملی ساکن رنان و خوارسگان می باشد.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

پیشوایی یزدی، علی اکبر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۸ ق)، عالم و فقیه. وی در قریه‌ی عزآباد یزد متولد شد. دروس دینی را در یزد در حوزه‌ی درسی آیت‌الله میرزا سیدعلی

مدرس و سیدیحیی و حاج ملا ابراهیم لاری و سید ابراهیم مهریزی فراگرفت. در سال ۱۳۱۷ ق به مشهد رفت و از حوزه‌ی درس

سیدعلی حائری یزدی بهره جست. سپس به سبزوار رفت و از حوزه‌ی درسی حاج میرزا حسین بزرگ و میرزا اسماعیل تهرانی، از

شاگردان حکیم سبزواری، استفاده کرد. در سال ۱۳۲۴ ق به عتبات رفت و از حوزه‌ی درسی علامه یزدی و علامه خراسانی بهره‌مند

شد و سالها مقسم شهریه آیت‌الله یزدی بود. در سال ۱۳۴۱ ق به قم آمد و در تاسیس حوزه علمیه‌ی قم با آیت‌الله حائری همکاری

کرد و به ترویج دین و تدریس مشغول شد. پیشوایی در اواخر دوره‌ی ریاست آیت‌الله بروجردی در قم درگذشت. [۱]

آیت‌الله حاج سید علی اکبر یزدی از علماء اعلام و فقهاء عظام حوزه علمیه قم و فرزند حاج سید رضای عزآبادی یزدیست در سال

۱۲۸۸ قمری در قریه عزآباد که در شش فرسخی یزد است تولد یافته و برای تحصیل به یزد آمده و از محضر علماء بزرگ مانند آیت‌الله میرزا سید علی مدرس و سید یحیی و حاج ملاابراهیم لاری و سید ابراهیم مهریزی و دیگران استفاده نموده و در سال ۱۳۱۷ به مشهد رضوی مشرف و از محضر سید علی حایری یزدی استفاضه کرده آنگاه به سبزوار آمده و از حضرت حاج میرزا حسین بزرگ و میرزا اسماعیل طهرانی که از شاگردان حکیم سبزواری صاحب منظومه بوده‌اند استفاده کرده و در سال ۱۳۲۴ به عتبات مشرف و از محضر علامه یزدی و علامه خراسانی و بعضی دیگر بهره‌مند شده و سالها مقسم شهریه مرحوم آیت‌الله سید یزدی بوده و در سال ۱۳۴۱ به قم مهاجرت و در تاسیس حوزه با مرحوم آیت‌الله حایری همکاری داشته و ضمناً به ترویج دین و اقامه جماعت در مسجد امام و تدریس هم اشتغال داشته تا در اواخر که به واسطه مرگ ناگهانی فرزند برومندش سید مهدی غریق منکسر شده و در اواخر ریاست آیت‌الله بروجردی بدوود حیات گفته و در جوار حضرت معصومه علیهاالسلام مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲/۲۲۷)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲/۹۷).

پیشوایی، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی پیشوائی

محل تولد: -

شهرت

تابعیت: ایران

زندگینامه علمی

- عضو هیئت تحریر مجله درسهای از مکتب اسلام از سال ۱۳۴۹ تاکنون
- مدیریت داخلی مجله درسهایی از مکتب اسلام از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۳
- طی دوره تحصیلات عالی دارالتبلیغ اسلامی و اخذ گواهینامه این دوره در سال ۱۳۴۹
- اشتغال به تحقیق و تألیف از سال ۱۳۵۱ تاکنون
- همکاری با سیمای جمهوری اسلامی ایران (شبکه‌های مختلف)
- همکاری با شبکه رادیو معارف (قم -) کارشناس عالی تاریخ و سیره
- همکاری نزدیک با موسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق (ع) زیر نظر حضرت آیت‌الله سبحانی و عضو هیئت موسس این موسسه از بدو تأسیس
- همکاری با فصلنامه میقات از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۷۵
- همکاری با فصلنامه پیام حوزه تا سال ۱۳۸۰
- همکاری با معاونت امور اساتید دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها (نهاد نمایندگی ولی فقیه) از سال ۱۳۷۳ تاکنون در ارتباط با درس تاریخ اسلام و متون و مدرسین این درس و کتب کمک درسی.
- مدیر گروه پژوهشی تاریخ موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

• سردبیر فصلنامه علمی - تخصصی "تاریخ در آینه پژوهش"

• همکاری با نشریه افق حوزه (هفته نامه خبری حوزه علمیه)

پیشوائی یزدی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج حسن بن آیت‌الله حاج سید علی اکبر مذکور از علماء با ورع و تقوای حوزه است که تمام تحصیلاتش را در قم نزد والد خود و اساتید دیگر دیده و سالها به درس مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی حاضر شده و به امر آن جناب برای ترویج احکام و تبلیغ مردم نورآباد و خرم‌آباد لرستان به آنجا مسافرت و چندین سال در آن سامان این خدمت را به خوبی انجام داده و اکنون در قم مشغول عبادت و بندگی خداست.

نگارنده در سال ۱۳۶۷ ق همسفر مکه وی بودم و تا آنجناب را دیده و شناختم اهل تعبد و تهجد و توسل یافته‌ام بسیار متواضع و بی‌آلایش و با حزم و احتیاط و مقید به آداب و سنن است ادام‌الله توفیقاته.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

پیشوائی، ابوطالب

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیه‌الله آقای حاج سید ابو طالب پیشوائی در سال ۱۳۳۲ ق در شهرستان رشت شروع بتحصیلات علوم دینی نمود و دوره مقدمات و مقداری از سطوح را نزد اساتید وقت مرحوم آقا شیخ عبدالرحیم رشاد و مرحوم حاج شیخ اسماعیل شفتی صرفی باتمام رسانیدند و در سال ۱۳۳۷ هجری برای ادامه تحصیلات عازم عتبات عالیات شدند و در کاظمین محضر مرحوم آیه‌الله آقای حاج سید اسمعیل صدر قدس سره مشرف شده و در باب توقف در حوزه نجف اشرف و سامرا با ایشان مشورت نمودند فرمودند لازم است شما بعد از زیارت عتبات نجف اشرف را انتخاب نمائید، زیرا از زمین نجف علم میجوشد.

بعد از تشرف بنجف سطوح عالی را نزد اساتید وقت مرحوم آقای آقا شیخ اسمعیل تنکابنی و آقا شیخ زین‌العابدین مازندرانی و آقا میرزا مجید گنجه‌ای و آقا شیخ علی اکبر خونساری و آقا شیخ نعمت‌الله دامغانی و آیه‌الله میرزا احمد آشتیانی و مرحوم آیه‌الله آقا میرزا ابوالحسن مشکینی قدس سره باتمام رسانیده سپس در درس خارج فقه و اصول مراجع و علماء وقت مرحوم آیه‌الله العظمی اصفهانی و آیه‌الله العظمی آقا ضیاء‌الدین عراقی حاضر شده و در سال ۱۳۵۰ ق به بندر پهلوی بازگشت نموده و تا حال حاضر باقامه جماعت در مسجد جامع پهلوی و گفتن تفسیر قرآن و ترویج دین مبین اسلام و اقامه نماز جمعه و تربیت طلاب علوم دینی در مدرسه قائمیه بندر پهلوی اشتغال دارند.

آثار معظم‌له در پهلوی و حومه آن از این قرار است: ۱- مسجد قریه بشمن ۲- مسجد قریه قلم گوده ۳- مسجد میان پشته ۴- مسجد سجاد ۵- مسجد قریه سنگاچین ۶- مسجد رضویه ۷- مسجد آذربایجانیه‌های غازیان ۸- مدرسه علمیه قائمیه که با مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی قدس سره و تحت نظر ایشان بنیان گردید که اکنون عده‌ای از طلاب در این مدرسه اشتغال بتحصیلات علوم دینی

دارند و در ضمن محلی است مناسب برای سکونت آقایان مبلغین که در ایام تبلیغ باین شهر وارد میشوند که از طرف ایشان پذیرائی کامل شده و باطراف اعزام میشوند و اکنون یکی از فرزندان معظم له بنام آقای آقا سید محمد جواد پیشوائی که جوان فاضل و نجیب و بسیار متدین و عقیف است در حوزه علمیه قم اشتغال بتحصیل دارند.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

پیکانی، محمد صادق

قرن: ۱۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند ملا-احمد، از افاضل شاگردان شیخ انصاری بوده، و پس از وصول به مقام اجتهاد به اصفهان مراجعت نموده، به تدریس و تألیف اشتغال جسته، امید ترقیات زیادی درباره‌ی او می‌رفته، لکن در جوانی وفات یافته، در ایوانچه‌ی بیرون بقعه‌ی تکیه‌ی آقا حسین خوانساری مدفون شد.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

پیوندی، غلامرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غلامرضا پیوندی

محل تولد: لاسجرد - سمنان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱۴

زندگینامه علمی

دوران ابتدایی و راهنمایی خود را در روستای محل تولدم (روستای لاسجرد سمنان) گذراندم و برای ادامه تحصیل به شهر سمنان عزیمت کردم و دوره دبیرستان را در سمنان بودم که در سال دوم دبیرستان وارد حوزه علمیه صاحب الزمان مهدیشهر سمنان شدم و به مدت سه سال مقدمات را در آن شهر با موفقیت سپری کردم و در سال ۱۳۶۵ برای ادامه تحصیل به قم عزیمت نمودم و از پایه چهارم حوزه در شهر مقدس قم در درس اساتید بزرگوار حوزه علمیه قم حاضر شدم و دوره سطح را با موفقیت به اتمام رساندم و به مدت ۱۰ سال در درس خارج فقه و اصول بزرگان حوزه علمیه قم تلمذ نمودم لازم به ذکر است در مدت ادامه تحصیل در حوزه علمیه قم دوره دبیرستان خود را به صورت متفرقه ادامه و در سال ۱۳۶۹ دیپلم خود را گرفتم و برای ادامه تحصیل در دانشگاه وارد عرصه و رشته حقوق شدم و در سال ۱۳۷۵ دوره کارشناسی خود را با معدل ۴۸/۱۸ در دانشگاه مفید به پایان بردم و در کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی پذیرفته شدم و در پایان دوره یعنی سال ۱۳۷۸ به عنوان نفر اول دوره و با معدل ۶۸/۱۸ و دفاع از پایان نامه خود با نمره عالی موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شدم

لازم به ذکر است موفقیت در علم و دانش و فراگیری آن مرهون زحمات و بزرگواری استادان و علمای بزرگ حوزه علمیه و دانشگاه بوده است که به برخی از اساتید حوزوی و درس هایی که در خدمت ایشان بودم اشاره می کنم

الف شرکت در درس تفسیر تریبی قران به مدت ۱۰ سال حضرت آیت الله جوادی املی (حفظه الله)

ب شرکت در درس خارج فقه (خمس و صوم) به مدت سه سال حضرت آیت الله جوادی املی (حفظه الله)

ج شرکت در درس خارج فقه (دیات) به مدت ۲ سال حضرت آیه الله مکارم شیرازی (حفظه الله)

د شدت در درس خارج فقه (نکاح) به مدت ۲ سال حضرت آیه الله مکارم شیرازی (حفظه الله)

ه شدت در درس خارج اصول به مدت ۵ سال حضرت آیه الله سبحانی (حفظه الله)

همچنین لازم است که از اساتید بزرگوار دوران سطح حوزه نیز از جمله، استاد اعتمادی، تهرانی، محمدی خراسانی، علیدوست و ... نیز یاد می کنم و بهره های علمی خود را مرهون زحمات آنان هستم

پیوندی، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا پیوندی

محل تولد: کاشان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۰ هجری شمسی دیپلم گرفتم و در همان سال به حوزه علمیه کاشان راه یافتم. پس از گذراندن سطح اول در کاشان، در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شده و دروس سطح عالی را تا سال ۱۳۶۹ به اتمام رساندم و در این سالها از محضر اساتیدی چون آیت الله راستی کاشانی، فخر وجدانی، اعتمادی، پایانی، گنجی و خسرو شاهی استفاده فراوانی بردم. در همین سالها به یادگیری ادبیات داستانی و نمایشی پرداختم و در کنار دروس حوزوی به تدوین داستان و فیلمنامه حضور در کلاسهای در این مورد بر اطلاعات هنری افزوده و در ضمن در نشریاتی چون مکتب جبهه و سرگرمی های آموزشی مقالاتی را به رشته تحریر در آوردم.

در سال ۱۳۷۰ به حوزه درسی خارج اصول آیت الله مومن قمی وارد و مدت ۴ سال از محضر استاد استفاده نموده و سپس به محضر درس خارج آیت الله سید عباس خاتم یزدی رفته و مدت ۳ سال نیز در درس فقه این استاد فرزانه به فراگیری فقه آل محمد پرداختم. در سال ۱۳۷۶ در امتحان ورودی دانشکده صدا و سیما شعبه قم شرکت کرده و پس از قبولی در آزمون، در این دانشکده مشغول تحصیل شدم و در سال ۱۳۸۲ با تدوین پایان نامه تحصیلی کارشناسی ارشد تهیه کنندگی از این دانشکده فارغ التحصیل شدم.

در همین حال با همکاری با مرکز پژوهشهای صدا و سیما، و سیمای عربی به تدوین و ساخت فیلمهای مستند پرداخته و توانستم حدود ۱۰ فیلمانه و سریال را تدوین نمایم که با تولید از سوی سیمای عربی در آن شبکه پخش گردید. سردبیری نشریاتی چون

سرگرمی های آموزشی و مربی بسیج عقیدتی سیاسی از فعالیتهای دیگر حقیر بوده و هم اکنون نیز مرتباً در موضوعات مختلف در این نشریات مقاله می نویسم. مقالات دیگری نیز در زمینه شخصیت شناسی در فصلنامه «مربیان» دارم و باز مقالات دیگری در موضوعات علوم قرآنی، تاریخی، داستانی، اخلاقی، اجتماعی دارم که بعضی از آنها در فصلنامه های اندیشه بسیج مربی بسیج اخلاق به چاپ رسیده است. کتابهای «آن سوی پرده» که حاوی دو فیلمنامه است سیمای امام علی علیه السلام و نهج البلاغه «مهمان سپیده» «فریاد سرخ» حاصل فعالیت علمی حقیر در زمینه دین و هنر است. همچنین در تدوین ویراستاری دهها مقاله، و کتاب دیگر نیز همکاری داشته ام.

تابعی، ضیاءالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر سید ضیاء الدین تابعی در سال ۱۳۲۴ در استهبان فارس متولد شد. وی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و دبیرستان در استهبان - شیراز و اخذ دیپلم طبیعی با رتبه اول در استان در سال ۱۳۴۳، وارد دانشگاه تهران شد و تا دریافت دکتری پزشکی عمومی به تحصیل پرداخت. وی دوره فلوشیپ را در دانشگاه آتلانتای آمریکا و بوردا تخصصی پاتولوژی از دانشگاه میامی آمریکا در سال ۱۳۶۱، فوق تخصص همپاتولوژی از دانشگاه الوری در سال ۱۳۶۲ دریافت کرد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه علوم پزشکی شیراز است. وی در نخستین همایش چهره های ماندگار در سال ۱۳۸۰ برگزیده و معرفی شد. گروه: علوم پزشکی رشته: پزشکی عمومی گرایش: آسیب شناسی والدین و انسباب: سید ضیاء الدین تابعی از سادات حسینی است و نسب خانوادگی او به امامزاده سید میر حسین می رسد که در ناحیه پستکوه فسا مدفون است و ایشان از نوادگان حضرت امام محمد باقر (ع) می باشند. خاطرات کودکی: سید ضیاء الدین تابعی از دوران کودکی خود چنین می گوید: "از دوران کودکی خاطره خاصی ندارم جز همان غم و شادی های دوران کودکی در شهری نسبتاً محروم از مزایای اقتصادی، اما مملو از محبت و عاطفه خانوادگی و همشهریان". اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: سید ضیاء الدین تابعی در خانواده ای مذهبی و فرهنگی دنیا آمد. پدرش آموزگار و مادرش خانه دار بود. تحصیلات رسمی و حرفه ای: سید ضیاء الدین تابعی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در دبیرستانهای محقق - مغربی - استهبان و دبیرستان ابوذر شیراز گذراند و پس از اخذ دیپلم طبیعی با رتبه اول استان در سال ۱۳۴۳ وارد دانشکده پزشکی دانشگاه تهران شد. او پس از اخذ دکتری عمومی به آمریکا عزیمت کرد و دوره فلوشیپ را در دانشگاه آتلانتای آمریکا و بوردا تخصصی پاتولوژی را از دانشگاه میامی آمریکا در سال ۱۳۶۱ و در آخر سر فوق تخصص همپاتولوژی را از دانشگاه الوری در سال ۱۳۶۲ دریافت کرد. خاطرات و وقایع تحصیل: سفر سید ضیاء الدین تابعی به آمریکا و تحصیل و دریافت مدارک گوناگون تخصصی و فوق تخصصی از وقایع مهم روزگار تحصیل استاد بوده است. وی همچنین از سفر به کشورهای انگلستان و کانادا نیز خاطرات خوشی را به یاد دارد. ایشان از دوران تحصیل در دبیرستان چنین یاد دارد: "در دوران تحصیلات دبیرستان اغلب دبیران ما نیز دیپلم بودند و تنها سه نفر لیسانسیه در استهبان بود که خوشبختانه دارای معلومات خوب و همگی در آموزش و پرورش اینجانب سهم عمده ای داشته اند". فعالیتهای ضمن تحصیل: سید ضیاء الدین تابعی در حین تحصیل به مطالعه وسیع در زمینه رشته تخصصی اش پیرامون آسیب شناسی و همپاتولوژی و همچنین به یادگیری زبان انگلیسی پرداخت. او عضو انجمن اسلامی دانشکده پزشکی تهران بود که در آنجا اقدام به برگزاری جلساتی با حضور اقایان دکتر شریعتی، استاد شهید مطهری و استاد علامه جعفری می

کرد. استادان و مربیان: دکتر آذرم، دکتر گل گلاب، دکتر محتاط، روشن، شهبازی، دکتر فریدونیان، عزیزی، دکتر بامشاد و دکتر بوذرجمهر مهر، دکتر کیهانی، حکیم، گنج بخش، طباطبائی، حکمت، نجم آبادی، دکتر پزشکان، غروی، نعمت‌اللهی، بهزاد، دکتر شفا، دکتر وثوق، دکتر میر، دکتر آذر، دکتر پیرنیا، دکتر آرمین، شمس‌بهدادی، سجادی، رئیس بهرامی، دکتر قریب، دکتر اهری، دکتر جهان‌شاه صالح، دکتر غفوری، دکتر لشکری، دکتر مرشد و دکتر باقری از اساتید سید ضیاء الدین تابعی می‌باشند. هم‌دوره‌ای‌ها و همکاران: از همکاران سید ضیاء الدین تابعی می‌توان به دکتر دانش‌بند، دکتر رجایی، دکتر حقیقی، دکتر محلاتی، دکتر آزاده، دکتر کومار و اساتید بخش پاتولوژی دانشگاه علوم پزشکی شیراز اشاره کرد. همسر و فرزندان: سید ضیاء الدین تابعی متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم زهرا بیگم معزی می‌باشد. ایشان قبلاً آموزگار بودند که سپس برای تعلیم فرزندان به خانه داری پرداختند. وی نیز سه فرزند دارد: - سید محی‌الدین علی‌تابعی، دانشجوی PHD فیزیک در دانشگاه واترلو کانادا - الهام سادات تابعی MS شیمی معدنی از دانشگاه شیراز - فاطمه سادات تابعی دانشجوی سال سوم رشته برق‌وقایع میان‌سالی: از خاطرات میان‌سالی سید ضیاء الدین تابعی می‌توان به وقوع انقلاب اسلامی و همچنین جنگ تحمیلی اشاره کرد. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: مشاغل و سمت‌های سید ضیاء الدین تابعی به قرار زیر است: - رئیس دانشکده پزشکی شیراز - معاون پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شیراز - ریاست دانشگاه علوم پزشکی شیراز - دبیر‌کنگره بین‌المللی پزشکی جغرافیای دانشگاه شیراز - عضو هیئت امنای دانشگاه - عضو هیئت ممیزه دانشگاه - عضو شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت بهداشت - عضو شورای عالی انتقال خون - رئیس انجمن حمایت از بیماران سرطانی استان فارس - مسئول کمیته ثبت سرطان در بیمارستان نمازی - مدیر گروه پاتولوژی - مدیر گروه اخلاق پزشکی - عضو و دبیر هیئت‌ممتحنه رشته آسیب‌شناسی - دبیر کمیته راهبردی رشته آسیب‌شناسی - عضو وابسته فرهنگستان علوم پزشکی - عضویت در کمیسیون‌ها و شوراهای پزشکی معتبر کشور فعالیت‌های آموزشی: سید ضیاء الدین تابعی پس از فراغت از تحصیل از آمریکا به ایران بازگشت و در دانشگاه علوم پزشکی شیراز به تدریس دروس، هم‌پاتولوژی، آسیب‌شناسی، فیزیولوژی خون، و ایمونولوژی بالینی، بانک خون پرداخت. او همچنین به تحقیق در طرح جامع بیماری تالاسمی در استان فارس، طرح بررسی اورژانس در استان فارس، طرح مطالعه محدوده طبیعی پارامترهای آزمایشگاهی و طرح بررسی اختلالات کروموزومی در لوکیما مبادرت می‌ورزد. مراکز که فرد از بانیان آن به شمار می‌آید: مراکز که سید ضیاء الدین تابعی یکی از بانیان آن بشمار می‌رود به قرار زیر است: - انجمن حمایت از بیماران سرطانی استان فارس - جامعه اندیشمندان و اندیشه‌سازان وابسته به فرهنگستان علوم پزشکی سایر فعالیت‌ها و برنامه‌های روزمره: سید ضیاء الدین تابعی علاوه بر تدریس به تحقیق و تالیف کتب و مقالاتی در زمینه‌های: طبقه‌بندی لیفوما در جنوب ایران، مارکرهای ایمونولوژیک در ۵۰ لوسمی اطفال، میلوآنسیلاستیک می‌پردازد. شاگردان: دکتر لنکرانی (وزیر محترم بهداشت)، دکتر واسعی (معاون محترم پژوهشی وزارت بهداشت)، دکتر ایمانیه (رئیس محترم دانشگاه علوم پزشکی شیراز) و غیره از دانش‌آموختگان و دانشجویان سید ضیاء الدین تابعی بوده‌اند. همفکران فرد: سید ضیاء الدین تابعی از همفکری نزدیکی با دکتر ملک‌زاده، دکتر فاضل، دکتر ولایتی، دکتر لاریجانی، دکتر صدر و دکتر مرندی برخوردار است. آرا و گرایش‌های خاص: ضیاء الدین تابعی گرایش فلسفی دارد. جوایز و نشانها: - دریافت لوح تقدیر از طرف وزارت بهداشت بخاطر کسب مقام استادی ممتازی - معرفی به عنوان چهره ماندگار سال ۱۳۸۰ - صدا و سیما - استاد نمونه آموزشی جشنواره ابن‌سینا دانشگاه علوم پزشکی تهران چگونگی عرضه آثار: - تعداد مقالات منتشر شده در مجلات علمی: ۶۲ مقاله

آثار: ۱ تغییر آزمایشگاهی خون و ویژگی اثر: ۴۰ تست جهاد دانشگاهی شیراز-انگلیسی، ۱۳۶۸۲ تغییر تست‌های آزمایشگاهی ایمنی و ویژگی اثر: ۴۰ تست جهاد دانشگاهی شیراز-انگلیسی، ۱۳۶۹۳ تغییر تست‌های آزمایشگاهی شیمی و ویژگی اثر: ۴۰ تست جهاد

دانشگاهی شیراز-انگلیسی، ۱۳۶۷۴ سلسله کتبی درباب آزمایشات هماتولوژی، شیمی و ایمونولوژی بالینی ویژگی اثر: استاددکتر سید ضیاء الدین تابعی سلسله کتابهایی پیرامون آزمایشهای مربوط به هماتولوژی (خون شناسی)، شیمی، ایمونولوژی بالینی تألیف نموده است که از نظر تخصصی مولف و نو بودن مباحث آنها اهمیت بودند. ۵. طیبیانه ای برای طیبیان ویژگی اثر: استاد تابعی در کتاب طیبیانه ای برای طیبیان اندرزها و توصیه های اخلاقی رابه همکاران خود تحریر کرده و در مورد مسایل عام مربوط به حرفه خود به سخن نشسته است. ۶. فیزیولوژی خود برای دانشجویان ویژگی اثر: استاددکتر سید ضیاء الدین تابعی کتاب فیزیولوژی خون را به عنوان کتابی درسی جهت دانشجویان رشته پزشکی تألیف نموده اند برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

تاج سلمانی

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س هشتم و نهم ق)، مورخ. وی در سال ۸۱۳ ق از طرف شاهرخ مامور شد تا ذیلی بر تاریخ «ظفرنامه‌ی» نظام شامی بنویسد. او نیز وقایع ده ساله ۸۱۷-۸۰۷ ق را در تاریخ سلطنت تیمور و شاهرخ والغ بیگ به صورت ذیلی بر آن افزود. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۴۷۳-۴۷۲/۳)، تاریخ در ایران (۱۷۸)، تاریخ نظم و نثر (۲۳۶).

تاج فارسی، تاج الدین

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۶۳۳ ق)، شاعر و منشی. وی از مردم زیرراه (دهی از دهستانهای بخش برازجان شهرستان بوشهر) بود که در دهلی مسکن داشت و دبیری سلطان شمس الدین دهلوی را عهده دار بود. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن سرایان فارس (۵/۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۳۳۰/۲)، فرهنگ سخنوران (۱۷۷)، لغت نامه (ذیل / تاج الدین)، مجمع الفصحا (۴۶۵-۴۶۴/۱)، مرآت الفصاحه (۱۱۲-۱۱۱).

تاج الحکماء، حسنعلی، حسینعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۵۴-۱۲۰۴ ش)، طیب و شاعر. وی در آغاز شاعری تاج الحکما و طیب تخلص می کرد، سپس تخلص خود را فلسفی قرار داد. سید در نایین متولد شد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش به انجام رساند، سپس برای تکمیل تحصیلات به اصفهان رفت و یک

دوره طب قدیم را در محضر درس میرزا باقر حکیم‌باشی آموخت. مدتی مامور خدمت در بهرداری نایین شد. در اواخر دوره‌ی مظفری به تهران آمد و به تحصیل زبان فرانسه و طب جدید پرداخت تا آنکه در جراحی چشم مهارت یافت. او در نقاشی و موسیقی و تاریخ و جغرافی نیز دست داشت. کتاب چاپ شده‌ی وی: «هفت مقاله‌ی فلسفی در لزوم دیانت». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی سخنوران یزد (۴۸۳-۴۸۱)، الذریعه (۲۳۷/۲۵)، سخنوران نامی معاصر (۲۷۳۷-۲۷۳۴/۴)، فرهنگ سخنوران (۱۷۷)، مولفین کتب چاپی (۶۸۳-۶۸۲/۲).

تاج‌الدوله، طاووس

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، ادیب، شاعر و خطاط. در اصفهان متولد شد. وی از گرجی‌زادگان صفویه و زنی هوشمند و دانا بود. تاج‌الدوله علوم اسلامی و فنون ادب و خط را از معتمدالدوله‌ی نشاط اصفهانی فراگرفت. وی همسر فتحعلی‌شاه و بسیار مورد توجه و اعتنای او بود. تخت طاووس که «تخت خورشید» نام داشت، بعد از وفات تاج‌الدوله، تخت طاووس نامیده شد. سلطان محمد میرزای سیف‌الدوله، که شاعری توانا بود، یکی از سه پسر او است. بعد از مرگ فتحعلی‌شاه، تاج‌الدوله دو مرتبه به حج مشرف شد و سرانجام نجف اشرف را مسکن دائمی خویش قرار داد و در همان شهر درگذشت. طاووس خانم در صحن مطهر حضرت امیرالمومنین (ع)، در آرامگاهی که خود ساخته بود، به خاک سپرده شد. از اوست:

باد از سر کوی تو گذشتن نتواند

پیغام من دلشده را پس که رساند؟

گفتم به صبوری دل خود را بفریم

دیگر دل بیچاره صبوری نتواند [۱]

قرن سیزدهم هجری، از زنان ادیب و شاعر. نام اصلی او طاووس خانم و از زنان صیغه‌ای فتحعلی‌شاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۱۲ ق) بود که بسیار مورد علاقه و توجه وی قرار داشت و از همین رو به او لقب تاج‌الدوله داد. تخت جواهرنشان سلطنتی معروف به تخت طاووس را که تا پیش از عروسی تاج‌الدوله تخت خورشید می‌گفتند از نخستین شب ازدواج شاه و طاووس خانم، تخت طاووس نامیدند. وی خارج از حرمخانه شاهی قصر مجللی مخصوص به خود داشت. شاه و شاهزادگان قاجاری هر ساله از روز اول نوروز تا پایان روز سیزدهم عید مهمان تاج‌الدوله بودند.

تاج‌الدوله نزد شاعر معروف آن زمان، میرزا عبدالوهاب اصفهانی، متخلص به نشاط فنون ادب و هنر را فراگرفت و در رموز نویسندگی به استادی رسید. نامه‌هایی که به شاه می‌نوشت مضامین و دقایق لطیف داشت. برخی از رسایل و مراسلات او را ماه شرف از زنان فاضل و ادیب انجام می‌داد. تاج‌الدوله پس از مرگ فتحعلی‌شاه از بیم نزاع میان شاهزادگان به عالم معروف اصفهان، سید محمدباقر شفتی (۱۲۶۰ ق) معروف به حجت‌الاسلام پناه برد. پس از جلوس محمدشاه قاجار (۱۲۶۴-۱۲۵۰ ق) تاج‌الدوله تمام ثروت و جواهرات خود را به محمدشاه تقدیم کرد که به وی بازگرداند. وی چند بار به سفر حج رفت و در پایان عمر در نجف اشرف سکونت کرد و در همان شهر درگذشت و در صحن مطهر امیر مؤمنان دفن شد. از جمله فرزندان مشهور او احمد میرزا عضدالدوله مؤلف تاریخ عضدی و خورشید کلاه بودند.

تاج‌الدوله طبع شعر داشت. وقتی پسرش بر اثر ابتلا به مرض وبا درگذشت شاه با ارسال بیت زیر به او تسلیت گفت:

از کسی چون بشکند چیزی بلایی بگذرد
 خوب شد بر تو بزد آسایش از مینا گذشت
 و او نیز با یک بیت شعر به شاه چنین پاسخ داد:
 اگر بشکست اندر بزم مستان ساغر مینا
 سر ساقی سلامت دولت پیرمغان برجا
 به خواهش او محمود میرزا کتاب پرورده خیال را به رشته تحریر درآورد. از اشعار اوست:

باد از سر کوی تو گذشتن نتواند
 پیغام من دلشده را پس که رساند
 تا کی به صبوری بفریم دل خود را
 دیگر دل بیچاره صبوری نتواند
 به تاج‌الدوله چون دادم لقب شاه
 گذشت از آن سرم از طارم ماه
 همیشه بخت با او هست و نبود

کسی باذات غیر از سایه همراه [۲] بر گرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] از رابعه تا پروین (۱۶۶-۱۶۴)، تذکره القبور (۳۵)، حدیقه الشعراء (۲۱۷۸-۲۱۷۲/۳)، الذریعه (۶۳۹/۹)، روضه الصفا (۱۳۸، ۱۰۱، ۹۵، ۷۷/۱۰)، زنان سخنور (۱۴۰-۱۳۹)، فرهنگ سخنوران (۱۷۶)، کارنامه‌ی زنان (۱۰۰-۹۸)، مشاهیر زنان (۵۰-۴۹)، ناسخ التواریخ (۱۵۳/۲)، یغما (س ۲، ش ۲ و ۳، ص ۸۷-۸۰).

[۲] منابع: از رابعه تا پروین، ۱۶۶-۱۶۴؛ تاریخ عضدی، ۲۰-۱۷؛ تذکره القبور، ۳۵؛ حدیقه الشعراء، ۲۱۷۸-۲۱۷۲/۳؛ خیرات حسان، ۱۴۵-۱۴۰/۲؛ دایرةالمعارف تشیع، ۱۱-۱۰/۴؛ الذریعه، ۶۳۹/۹؛ ریاحین الشریعه، ۹۵/۵؛ زنان سخنور، ۳۱۲-۳۱۱، ۱۴۰-۱۳۹/۱؛ کارنامه زنان مشهور ایران، ۹۸؛ نقل مجلس، گک ۲۳-۲۱.

تاج‌الکتاب سرخسی، ظهیرالدین

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم ق)، شاعر و منشی. مدتها دیوان انشاء سلطان مسعود غزنوی به رسم او بود. منشآتش مقبول فضلا و مکتوباتش پسند علما واقع می‌شد. وی معاصر تاج‌الدین تمران شاه بود.

بر گرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۶۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۷۷)، لباب الالباب (۱۳۹-۱۳۷/۱)، لغت‌نامه (ذیل / تاج‌الکتاب)، مخزن الغرائب (۴۰۲-۴۰۱/۱)، هفت اقلیم (۳۸-۳۷/۲).

تاج‌بخش، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: میکروبیولوژی، دانشکده: دامپزشکی، دانشگاه: تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای دامپزشکی از دانشکده دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۰، دکترای تخصصی میکروبیولوژی، ایمنولوژی و بیماریهای گرمسیری از انستیتو پاریس و انستیتوی بین‌المللی بیماریهای گرمسیری در سال ۱۳۴۵.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، استاد ممتاز دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ایمونولوژی تیموس، طرح بقای سالمونلا- آبورتوس اوویس در طبیعت، خود ایمنی، ساختار آنتی‌ژن‌های سالمونلائی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴۰ پایان‌نامه دکترا.

ابداع:

واکسن‌های ضد سالمونلا آبورتوس اوویس.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱۰

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: ۴۲

زمینه علمی تألیفات:

میکروبیولوژی، ایمونولوژی بیماریهای واگیردام، بیماریهای مشترک انسان و دام، تاریخ پزشکی ایران، تاریخ علوم، تاریخ دامپزشکی ایران.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۴۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۴۲

زمینه علمی مقالات:

ایمنی بنیادی، ایمنی بافتی، واکسن‌های ضد سالمونلا، اکوبیولوژی، بروسلوز، تاریخ دامپزشکی ایران، تاریخ بیماریهای واگیر و مسیر تحول علم در اسلام و ایران.

بر گرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

تاراج قمش‌های، رضاقلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۳ - ۱۲۴۸ ش)، ادیب، شاعر، متخلص به تاراج. ملقب به پژوهنده. وی تحصیلات مقدماتی را در شهرضا انجام داد و جهت تکمیل آن به اصفهان رهسپار شد. تاراج از کودکی طبع شعر داشت و بیشتر اوقات نزد شیخ اسدالله حکیم قمش‌ای به گفتن و خواندن اشعار مشغول بود. وی در اغلب فنون شاعری بخصوص ماده تاریخ و هزل استاد بوده است. میرزا رضاقلی در ابتدا منشی اداره‌ی حکومتی بود ولی در اواخر عمر از کلیه مشاغل دست کشید. وی حدود پنج‌هزار بیت شعر سروده که حدود دو هزار بیت آن را فرزندش، حمزه پژوهنده، جمع و مرتب کرد و در صدد تکمیل و چاپ آن برآمد. اشعار وی در زمان حیاتش در مجله‌های «ارمغان»، «آینده» و روزنامه‌ی «ندای شهرضا» به چاپ رسید. وی در شهرضا فوت کرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۲۹ - ۱۲۶).

تازه کام، شعبان

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شعبان تازه کام

محل تولد: ساری

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای شعبان تازه کام در سال ۱۳۳۷ هجری شمسی در خانواده‌ی متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان ساری دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۲ و در اوج خفقان حاکم بر کشور از سوی حکومت ستمگر و ظالم شاهنشاهی خصوصا با فشار مضاعف بر حوزه‌های علمیه وارد حوزه علمیه ساری گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره‌ها برد. پس از مدتی تحصیل در حوزه علمیه ساری به شوق زیارت و هم‌جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیها رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۰ به حلقه‌ی دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله مکارم، مرحوم آیت الله شیخ جواد تبریزی، آیت الله صانعی، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

وی پس از طی تحصیلات جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم‌اکنون در دانشگاه گرگان علاوه بر معاونت نهاد رهبری در دانشگاهها به امر تدریس نیز اشتغال دارد. وی در طول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نبوده و آثاری از قبیل "چهل حدیث در باب ازدواج" و "کوثر رسول" را به رشته تحریر در آورده است

تألیفی، هادی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فقیه.

تولد: ۱۲۸۰، همدان.

درگذشت: ۱۳۷۵، همدان.

آیت‌الله حاج شیخ هادی تألهی، فرزند آیت‌الله حاج شیخ مرتضی تألهی (ره) سالها در محضر پدرشان به فراگیری علوم دینی پرداخت. مدرسه‌ی زنگنه همدان پایگاه تحقیق و تدریس ایشان بود. ایشان همچنین از محضر علمائی چون آیت‌الله میرزا علی آقا خلخالی، آیت‌الله شیخ محمد بهاری، آیت‌الله حاج سید علی عرب و آیت‌الله حیدر کسب فیض نمود. حواشی بر قواعد انصاری، حواشی به متاجر شیخ و شرحی بر مجموعه حاج ملا هادی سبزواری از جمله تألیفات ایشان است. آیت‌الله تألهی در سن نود و پنج سالگی به علت کهولت سن درگذشت. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

تاهباز زاده، عبدالرسول

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالرسول تاهباززاده (خیام پور) در سال ۱۲۷۷، تبریز دیده به جهان گشود. پس از تحصیلات مقدماتی در تبریز، به تهران آمد و با گرفتن دیپلم ادبی از دارالفنون به خدمت وزارت فرهنگ در آمد. سپس برای ادامه تحصیل به دارالمعلمین رفت و تحصیلات خود را ادامه داد و در سال ۱۳۱۲ لیسانس فلسفه و ادبیات گرفت. پس از آن ضمن خدمات اداری به اخذ لیسانس و دکتری از دانشگاه استانبول توفیق یافت. پس از آن مدتی به تدریس در دانشکده ادبیات تبریز مشغول گردید. در خرداد ۱۳۲۹ به ریاست کتابخانه دانشکده نیز منصوب شد و در شهریور همان سال از طرف وزارت فرهنگ به ریاست دانشکده انتخاب شد ولی بنا به دلایلی نپذیرفت و تا ۲۵ فروردین ۱۳۴۲ معاونت دانشکده را به عهده داشت و پس از آن مدتی نیز کفیل دانشکده بود. او در ۱۵ تیر ۱۳۴۸ بازنشسته شد. دکتر تاهباززاده در هفتم فروردین ۱۳۵۸ وفات یافت.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب: عبدالرسول تاهباز زاده [خیام پور] فرزند حاجی محمود تاهباز در تبریز متولد گردید.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: عبدالرسول تاهباز زاده پس از تحصیلات مقدماتی در تبریز، به تهران آمد و با گرفتن دیپلم ادبی از دارالفنون به خدمت وزارت فرهنگ در آمد. سپس برای ادامه تحصیل به دارالمعلمین رفت و تحصیلات خود را ادامه داد و در سال ۱۳۱۲ لیسانس فلسفه و ادبیات گرفت. پس از آن ضمن خدمات اداری به اخذ لیسانس و دکتری از دانشگاه استانبول توفیق یافت. زمان و علت فوت: عبدالرسول تاهباززاده در هفتم فروردین ۱۳۵۸ وفات یافت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: عبدالرسول تاهباززاده از سال ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۵ سمت مدیریت دبستان ایرانیان را در استانبول به عهده داشت. در خرداد ۱۳۲۹ به ریاست کتابخانه دانشکده نیز منصوب شد و در شهریور همان سال از طرف وزارت فرهنگ به ریاست

دانشکده انتخاب شد ولی بنا به دلایلی نپذیرفت و تا ۲۵ فروردین ۱۳۴۲ معاونت دانشکده را به عهده داشت و پس از آن مدتی نیز کفیل دانشکده بود. او در ۱۵ تیر ۱۳۴۸ بازنشسته شد.

فعالیت‌های آموزشی: عبدالرسول تاهباززاده پس از آنکه دیپلم ادبی را در دارالفنون دریافت کرد، به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و پس از سه سال تدریس در اهواز برای ادامه تحصیل به تهران بازگشت. با اخذ لیسانس فلسفه و ادبیات فارسی از دانشسرای عالی، در دارالفنون و دیگر دبیرستانها به تدریس پرداخت. و پس از اخذ مدرک دکترای مدتی به تدریس در دانشکده ادبیات تبریز مشغول گردید. وی پس از بازنشستگی با توجه به مقام علمی و خدمات آموزشی و پژوهشی به پیشنهاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی و تصویب دانشگاه از تاریخ دهم دی ماه ۱۳۴۸ به مقام استادی ممتاز نایل آمد. دکتر تاهباززاده در شهریور ۱۳۴۹ به تهران نقل مکان کرد و به مدت یک سال در یکی از مدارس عالی تهران به تدریس اشتغال داشت.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: عبدالرسول تاهباززاده در دوران بازنشستگی تمام وقت خود را صرف تکمیل کتاب «فرهنگ سخنوران» کرد. علاوه بر اثر فوق وی آثار دیگری نیز تالیف و چاپ نموده است.

آثار:

- ۱ تذکره روضه السلاطین
- ۲ ترجمه و تصحیح مجمع الخواص
- ۳ تصحیح و تحشیه تذکره اختر
- ویژگی اثر: جلد اول
- ۴ تصحیح و تحشیه تذکره حدیقه امان اللهی
- ۵ تصحیح و تحشیه ریاض الوفاق
- ۶ تصحیح و تحشیه سفینه المحمود
- ۷ تصحیح و تحشیه نگارستان دارا
- ۸ دستور زبان فارسی
- ۹ رساله عربی برای فارسی
- ۱۰ رساله یوسف و زلیخا
- ۱۱ فرهنگ سخنوران
- ۱۲ مصطبه خراب

منابع:

ازندگینامه رجال و مشاهیر ایران، تالیف: حسن مرسلوند، ج ۲، تهران: انتشارات الهام، ص ۲۴۷

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: پاتولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی کرمان.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

تبریزی نجفی، راضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج شیخ راضی نجفی تبریزی به حجه الاسلام و العلامه المحقق حاج شیخ محمدحسین بن العالم الجلیل الحاج شیخ محمدرضا بن وحید عصره (در احسان) الحاج علی تبریزی از علماء اعلام و دانشمندان عظام حوزه علمیه قم می‌باشند در سال ۱۳۱۵ قمری در نجف اشرف متولد شده و پس از چند سال با والد ماجد به تبریز آمده و در شهر تبریز علوم مقدمات و ادبیات عالی را از اساتید این فنون مانند مرحوم آقا شیخ حسن نحوی و حجه الاسلام والمسلمین آقای اهری و سطوح اصولیه و فقهیه را در خدمت والدشان تکمیل نموده آنگاه در سال ۱۳۴۷ هجری به قم آمده و از چهار استاد بزرگ استفاده کامل نموده و سطوح عالی را از مرحوم میرزا محمد همدانی فرا گرفته و از جلسات درس مرحوم آیت‌الله خونساری و هم آیت‌الله الموسس الحایری استفاده کرده و دروس عقلیه را از مرحوم میرزا محمدعلی شاه‌آبادی آموخته و در سال ۱۳۵۵ قمری پس از فوت مرحوم حایری به تبریز مراجعت و چند سالی اقامت نموده و به تدریس متون فقه و اصول اشتغال و بنابر دعوت مرحوم استادش آیت‌الله خونساری به قم مراجعت و در سال ۱۳۵۹ مشرف به نجف و حدود پنج سال به درس مرحوم آیت‌الله اصفهانی و اندکی آیت‌الله عراقی شرکت و هم تدریس اصول و خارج فقه اشتغال تا در سال ۱۳۶۵ ق برای زیارت ارض اقدس مراجعت به ایران و سرانجام قم را محل اقامت خود قرار داده و به تدریس تحلیلی فقه و اصول می‌پردازند.

والد ماجدش علامه محقق صاحب افکار بدیعه الحاج شیخ محمدحسین از جمله تلامذه بارزه مرحوم علامه یزدی صاحب عروه و مرحوم شریعت اصفهانی بوده است.

جد بزرگوارش مرحوم عالم متقی حاج شیخ محمدرضا بن تاجر با سخاوت و کثیرالاحسان حاج علی بن عبدالنبی بن خلیل تبریزست.

آقای آیت‌الله حاج میرزا عبدالله مجتهدسرایبی از بنی اعمام ایشانند و در عبدالنبی بوی متصل می‌شوند و مرحوم حاج علی نجفی الاصل و تبریزی المسکن دارای مزیف خانه‌ای بود برای نائی و وارد.

مرحوم آیت‌الله حاج میرزا ابوالحسن انگجی که ترجمه‌اش در جلد اول گذشت دای زاده والد آن جناب است و جد مادری ایشان مرحوم آیت‌الله حاج سید کاظم خلخالی سر سلسله جلیله طائفه خلخالیه که از تلامذه میرزای رشتی بوده می‌باشد.

کنیه مترجم ما ابو محمدون است فرزندان محصل و فاضلی به اسامی زیر دارد:

۱- محمد محمود ۲- محمد مسعود ۳- محمدرضا که مشغول تحصیل می‌باشند.

آثار معظم له به قرار زیر است:

۱- المحاورات الاصولیه الضروریه (الجزء الاول) تحت طبع است ۲- تحلیل العروه- الاجتهاد والتقلید ۳- قضاء الفطره یا داوری

وجدان در توحید ۴- الفرقان فی تفسیر القرآن ۵- الفوائد المنتخبه ناتمام ۶- خلاصه الکلام فی فقه الکلام تا باب وضوء ۷- قضاء الفطره فی التمسک امامه العتره ۸- عقد اللقاح فی عقد النکاح ۹- المسائل التداخلیه ۱۰- شرح شرایع باب طهاره و نجاسات و تیمم ناتمام ۱۱- دیوان مختصر غدیریه و مرثی و اندرز و توحید بهاریه ۱۲- الوجیزه فی الاجازه ۱۳- غراف البحر از وسائل الشیعه ۱۴- طبرق الجنه ۱۵- نتایج الافکار کشکول ۱۶- طلوع الفجر در قیام حسینی- مخفی نماند که علامه رازی رحمه الله حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی اکثر این کتب را در الذریعه خود ذکر کرده است.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تبریزی، ابومحمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۱۲ ق)، مورخ و مترجم. وی تاریخ «الامم و الملوک» محمد بن جریر طبری را که شامل تاریخ عالم از آغاز خلقت تا سال ۳۰۹ ق است به فارسی گزارش کرده و وقایع حد فاصل طبری و زمان خود را نیز بدان افزوده است.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: ریحانه (۲۵۷/۷)، لغت نامه (ذیل / ابومحمد).

تبریزی، اسماعیل

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س هفتم ق)، حکیم، عالم. از علمای بزرگ آن دوره که در خدمت اتابک یوسف شاه بن الب ارغو، از اتابکان بزرگ به سر می برده و چند کتاب در حکمت به زبان فارسی نوشته است. از آن جمله: «رساله حیوه النفس»؛ «رساله نصیریه».
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۱۷/۳).

تبریزی، جعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۴ - ۱۲۹۰ ق)، فقیه اصولی شیعی. در زادگاهش رشد و نمو کرد و مقدمات علوم را در آنجا آموخت. سپس رهسپار عتبات عراق شد و مدت ده سال نزد استادانی چون شیخ محمدحسن مامقانی، فاضل شریانی، شیخ الشریعه اصفهانی و آخوند خراسانی به تکمیل تحصیلات پرداخت. در سال ۱۳۲۴ ق به تبریز بازگشت و به ارشاد مردم و تالیف کتاب روی آورد. از آثار وی: «الاجزاء»؛ «البیع»؛ «تذکره العباد لزاد المعاد»، به فارسی، در عبادت و ادعیه؛ «استصحاب»؛ «دلائل الخیرات»، در زکات؛ «روائع الاصول»؛ «کتاب

الطهاره»؛ «کتاب الصلاة»؛ «کتاب المستین»، در اصول دین، به فارسی؛ «مبانی الاصول».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۴۵/۱۹، ۲۵۵/۱۱، ۲۵۰، ۲۴۹-۸/۴، ۴۰/۴)، معجم المؤلفین (۱۴۹/۳).

تبریزی، جواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ جواد تبریزی از علمای محترم و مدرسین معظم درس خارج حوزه علمیه قم می‌باشند... تولد ایشان در حدود سال ۱۳۴۵ قمری در تبریز واقع شد و پس از پرورش و خواندن اولیات و مقدمات سطوح مهاجرت به قم نموده و از محاضر مدرسین بزرگ آیت‌الله العظمی حجت استفاده و در سال ۱۳۷۰ قمری مهاجرت به نجف و از دراسات و ابحاث آیت‌الله العظمی خوئی و آیت‌الله العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی بهره‌های کافی و وافیه برده تا به مدارج عالی علم و اجتهاد رسیده و خود تشکیل حوزه تدریس داده و عده‌ای از فضلاء مانند حجت الاسلام حاج سید عبدالعلی تقوی شیرازی معاصر تهران از محضر و دروسش استفاده نموده تا در سال ۱۳۹۲ هجری که بنا بر فشار دولت بعث عراق به ایرانیان مقیم عراق ناچار به مهاجرت به ایران شده و در شهرستان قم رحل اقامت افکنده و به تدریس خارج فقه و اصول پرداخته و جماعتی از فضلاء از محضرش استفاده نموده و می‌نمایند. ادامه‌الله توفیقه. نویسنده مکرر از ایشان خواستم ترجمه‌ای از خود در اختیار ما گذارد متأسفانه اجابت نفرمودند از باب وظیفه وجدانی سطور فوق را نگاشتم.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

تبریزی، زین العابدین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند محمد علی. از فضلاء قرن سیزدهم هجری است. از آثارش کتب زینة الصالحین، در دعا و آداب و شرایط آن می‌باشد. تاریخ نسخه ۱۲۶۲ می‌باشد.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

تبریزی، صادق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

یکی دیگر از وفادین این شهرستان حجة الاسلام والمسلمین آیت‌الله فی العالمین آقای حاج میرزا صادق تبریزی است معظم له از اکابر علماء ایران و یکی از مراجع امامیه در زمان خود بوده ریاست تامه و مرجعیت تقلید در آذربایجان داشت و او را اعلم وافقه

و ادق نظراً می‌گفتند جمیل الخلق و حسن الخلق حلیم و کریم و حکیم و قور و شدید العزم و القلب و بصیر در امور و صبور در شداید و متصلب در دین و شرعیات و طیب المحاوره و محاضره و ادیب و منشی و شاعر مجید و خوش خط بود.

وی فرزند عالم فقیه و مجتهد و متکلم علامه حجه الاسلام میرزا محمد بن عالم مجتهد میرزا محمد علی قراجه داغی شارح تبصره علامه حلی رضوان الله علیهم بود آباء کرامش تا پشت هفتم و اخوان بزرگوارش تمامی علماء و فقهاء و مجتهدین طراز اول آذربایجان بودند.

در سال ۱۲۷۴ ق در تبریز متولد و پس از طی مقدمات فقه و اصول در زمان قلیل به امثال و اقران فایق آمده و چون سن شریفش به نوزده سالگی رسید در مصاحبت برادر اکبرش حاج میرزا محسن آقا مجتهد در سال ۱۴۸۸ مسافرت به نجف اشرف و مدت اقامتش در آن مکان شریف ۲۴ سال بود و در آنجا یکی از مشایخ عظام و اساتید کرام بوده که فضلاء طلاب به بحث او حاضر می‌شدند در سال ۱۳۱۱ عزیمت مراجعت به تبریز نموده و پس از ورودش به آن سامان و انتشار فضل و علم و تقوا و اخلاق فاضله‌اش محبوب و مطلوب عموم قرار گرفته و ریاست تامه یافته و هم به تدریس فقه و اصول پرداخته و هم در منبر افاده با بیانی شیوا افاضه فیض نموده تا در واقعه مرحوم آیت الله بافقی با علماء دیگر تبریز برای استخلاص آن مرحوم قیام و بعد از آزادی وی مسافرتی به کردستان و سندج کرده و در آنجا مورد تجلیل و تبجیل علماء اهل سنت قرار گرفت و بعد از بیست روز توقف از راه همدان مهاجرت به قم نموده و توطن را اختیار فرمود و در شب جمعه ششم ذی‌القعدة ۱۳۵۱ قمری به روح و ریحان و جنت رضوان خداوند رحمان شتافت.

در صبح جمعه در آن زمان سخت و خفقان آور که عموم تظاهرات مذهبی موقوف بود بالغ بر پانزده هزار نفر از مردم قم و تهران تشییع جنازه‌اش نموده و مرحوم آیت الله عالم ربانی حاج شیخ ابوالقاسم کبیر بر جنازه‌اش نماز خوانده و در رواق حضرت معصومه علیها السلام در قبری که آماده بود از قدیم الایام مدفون گردید، ماده تاریخش به عربی این جمله است: (قد انجاه الله تعالی من ایدی الظلمه) و در فارسی این بیت است: (قوام ملت و دین بوده مقتداء انام)

قصاید و آثار ارزنده دارد که ما تبرکاً بعضی از ابیات آن مرحوم را که درباره مرثیه حضرت علی اکبر علیه السلام سروده می‌نگاریم:

أیا غافلاً والموت لیس بغافل
و سهم المنایا عنک لیس یحول
تروم بطاق العز تبرم عقده
و کل بطاق العز لابد محلول
و من شاهد الدنيا اراها مقیمه
ما تم منها فی السماء عویل
کقتل علی بن الحسین الذی له
لایات نعت الاطهرین شمول
بدی کوکبا من آیه النور ساطعاً
له فی ذرا بیت النبوة تعدیل
هو الکوکب الدری سیماء احمد
به لمعت فانسد فیہ الاقویل
شبهه رسول الله خلقاً و منطقاً
له من علی فی الشجاعة تأویل

و شاهده يوم الطفوف الذی به
 خیول المنايا فی البسیط یحول
 فقام یحامی عن ابیه و اهله
 علی موقف قد حار فیہ عقول
 یخوض المنايا و المنايا تطیعه
 الی حیث مال العزم عنه تمیل
 فیدوا کلیث دامیات اظافره
 و فی یده ماضی الغرار صقیل
 سقی غلۃ السیف المهند و انثنی
 علی ظلماء لم یرومنه غلیل
 یرید لقاء من ابیه لعلمه
 بان البقا من بعد ذاک قليل
 فجاء لتودیع الامام و نفسه
 لاعظم سر فی اللقاء حمول
 فقام الیه ابن النبی مبادرا
 کان الذی یأتی الیه رسول
 و من خلفه للفاطمیات مشیة
 تلوی علی اقدامهن ذیول
 مشین الیه صارخات فتارة
 قیام و اخری للعود تمیل
 فعانقه و الدمع ملاء جفونه
 افی الدمع من عظم المصاب بدیل
 الی ان یقول
 فقال حسین و الدموع بوادر
 و من حوله للباکیات عویل
 اذا لم تجد بدا الی ما ترومه
 فصبرک یابن الاطیین جمیل
 فعاد الیهم حاسرا عن ذراعه
 کحیدرة الکرار حین یصول
 تا آخر قصیده اش.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، طبیب. وی از خاندان پزشکان معروف تبریز بوده که در آن شهر ولادت یافت. وی مؤلف کتاب «کامل علایی» است که آن را برای شاه اسماعیل صفوی (۹۳۰-۹۰۵ ق) تألیف کرده است. این کتاب به فارسی و شامل واژه‌ها و اصطلاح‌های پزشکی بر اساس حروف الفبا می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۳۵۸ / ۵)، تاریخ نظم و نثر (۸۱۴)، الذریعه (۲۵۶ / ۱۷).

تبریزی، غلامحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غلامحسین تبریزی از علماء اعلام و دانشمندان گرام مشهد مقدس و ائمه جماعت جامعه گوهرشادندوری در سال ۱۳۵۳ قمری در تبریز متولد شده و پس از پرورش و خواندن مقدمات و ادبیات سطوح متوسط و عالی را از محضر مدرسین و حجج اسلام تبریز مانند مرحوم آیت‌الله حاج میرزا ابوالحسن انگجی و غیره استفاده نموده و هم مدتی از درس خارج معظم‌له بهره‌مند شده و برای تکمیل مبانی علمیه مهاجرت به نجف اشرف نموده و چندی از درس مرحوم علامه آخوند ملاکاظم خراسانی (صاحب کفایه) و مرحوم آیت‌الله شریعت اصفهانی و مقداری از مرحوم علامه یزدی صاحب عروه مستفیض گردیده تا به درجه عالیه اجتهاد رسیده آنگاه به تبریز مراجعت و مشغول به وظائف دینی از اقامه جماعت و ترویج احکام و امر به معروف و نهی از منکر و غیره گردید و برای همین جهت مورد تعقیب مقامات دولتی آن روز قرار گرفته و مدت هشت ماه در اختفاء به سر برده تا سال ۱۳۵۰ قمری که مهاجرت قهری به آستان قدس رضوی علیه آلاف التحیه والثناء نموده و تاکنون که بالغ بر نود سال از عمر مبارکشان می‌گذرد در مسجد جامع گوهرشاد به اقامه نماز جمعه و جماعت اشتغال دارند و ضمناً تدریس فقه و اصول و غیره می‌نمایند.

مؤلف گوید: حجه الاسلام تبریزی عالمی عابد و متعصب در دین و دارای معنویت و صفاء می‌باشد آثار مطبوع و مخطوط عدیده‌ای دارند که قسمتی از آن را می‌نگارم.

۱- اصول مهذب در مسائل مهمه اصول فقه.

۲- الدروس الدینیه ج ۱ مطبوع.

۳- الدروس الدینیه ج ۲ مطبوع.

۴- الدروس الدینیه ج ۳ مطبوع.

۵- الدروس الدینیه ج ۴ مطبوع.

۶- گوهرهای درخشان مطبوع.

۷- دروس دینیه ج ۷ مطبوع.

۸- دروس دینیه ج ۹ مطبوع.

۹- انوار لامعه مطبوع.

- ۱۰- الدررالشمینه مطبوع.
- ۱۱- مقالات بنام تذاکرات دیانتی در معارف اسلامی.
- ۱۲- مقالات در حقانیت تشیع و رد کسروی.
- ۱۳- ترجمه اعتقادات مفید.
- ۱۴- ترجمه وجوه اعجاز قرآن علامه بلاغی.
- ۱۵- ندای راستی در جواب مردوخ در سه مجلد.
- و از آثار خیر معظم‌له مدرسه علمیه دینیه است که در آن عده‌ای از طلاب و محصلین اقامت و به تحصیل علوم دینی اشتغال دارند. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

تبریزی، لطفعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۶۲ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. نزد پدرش میرزا احمد مجتهد تبریزی اخذ مراتب علمی نمود و در کربلا با پدر خود در خدمت آقا سید علی کربلایی درس خواند، و از محضر صاحب «ریاض» بهره برد تا به مقامات شایسته‌ی علمی ارتقاء یافت. آن‌گاه به تبریز بازگشت و در حیات پدر، امام جمعه آن شهر شد. وی در وبای عمومی، سه سال پیش از وفات پدرش، با دو برادر دیگرش میرزا رضا و میرزا جعفر درگذشت. از آثار وی: «اوثق الوسائل»، در شرح «ریاض المسائل» استادش آقا سید علی طباطبائی، «تفسیر»ی بزرگ در دو جلد؛ کتابی در «زکوه»؛ کتاب «ملاذ الداعی»، در اخلاق و مواعظ به فارسی؛ شرح قصیده‌ی «بانة سعاد» کعب بن زهیر، در مدح پیامبر (ص)؛ شرح قصیده‌ی «برده» بوسیری.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ریحانه ۳۵۳ / ۳، ۳۲ / ۱۰، الذریعه ۳۱۲-۳۱۱ / ۴، ۴۷۳ / ۲، شهیدان راه فضیلت (۵۴۷)، علماء معاصرین (۳۳۳)، مکارم الآثار (۱۶۸۹-۱۶۸۸ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۱۲۹-۱۲۸ / ۵).

تبریزی، محمد جواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد جواد بن السید العلام السید محمد تقی بن السید الجلیل المیرزا ابی القاسم بن العالم الکبیر علی اصغر شیخ الاسلام الطباطبائی تبریزی از علماء بزرگ معاصر تبریزی بودند در نجف اشرف.

وی در سال ۱۳۱۵ قمری در تبریز متولد شده و در بیت شرف خود پرورش یافته و اولیات و مقدمات علوم را نزد افاضل تبریز خوانده آنگاه در سال ۱۳۳۷ قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر مرحوم آیت الله نائینی و آیت الله میرزا علی آقای ایروانی و آیت الله آقا شیخ اسماعیل محلاتی و آیت الله میرزا احمد آشتیانی و آیت الله سید ابوتراب خونساری و غیر آنها استفاده کامل نموده و به مقام منبع اجتهاد رسیده و اشتغال به تدریس در فقه و اصول و حکمت یافته و یکی از مدرسین بزرگ و اعلام نجف و ائمه

جماعت آن سامان گردیده است تا در سال ۱۳۸۷ هجری که مسافرت به ایران و تبریز و تهران نموده و در تهران بعروض سکتہ بدرود حیات گفته و جنازه‌اش با تجلیل شایان حمل به نجف و در جوار جد بزرگوارش به خاک رفته است. از آثار علمی اوست کتب زیر:

- ۱- اصول مباحث الالفاظ ۲- المباحث العقلیه ۳- تقریرات المکاسب ۴- کتاب ماء و سراب در جواب شبهات وارده بر قرآن کریم
 - ۵- کتابی در مقالات روحیه.
- برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

تبریزی، محمدابراهیم

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۴۹ - ۱۱۴۰ ق)، فقیه و ادیب امامی. نسبش حسینی و مسکنش قزوین بود. مقدمات علوم را در خدمت پدرش فراگرفت، سپس به اصفهان رفت و از مجلس درس آقاجمال خوانساری. علامه محمدباقر مجلسی، شیخ جعفر قاضی اصفهانی و میرزا قوام‌الدین محمد سیفی قزوینی بهره‌مند گردید. پس از چندی به قزوین رفت. وی از علامه مجلسی و آقاجمال خوانساری اجازه‌ی حدیث داشت. وی گذشته از علوم دینی در شعر و ادب نیز استاد و به هر دو زبان فارسی و عربی شعر می‌سرود و اشعارش بیشتر مدایح و مراثی بود. محمد قطب ذهبی و شیخ عبدالنبی قزوینی، مولف «تتمیم امل‌الامل» از شاگردان او بودند. وی پدر بزرگوار آقاسید حسین قزوینی و نیای خاندان حاج سید جوادی است. او سرانجام در شهر قزوین در گذشت. برخی منابع جای درگذشت وی را در تبریز و محدث قمی به تصریح قبر وی را در قزوین می‌داند. او را علامه‌ای جامع انواع فنون و عالمی زاهد و باورع و ادیبی شاعر به هر زبان فارسی و عربی دانسته و نوشته‌اند که کتابخانه‌ای بیش از هزار و پانصد جلد کتاب داشته که اکثر آنها را مقابله کرده یا بر آنها حاشیه نوشته است. هفتاد مجلد کتاب به خط خود نوشته که بعضی از آنها از تالیفات خود ایشان است. از جمله آثار وی: «البداء»؛ «تحصیل الاطمینان»، در شرح «زبدہ البیان» که حاشیه‌ای بر «آیات الاحکام» مقدس اردبیلی است؛ «سلاح المومنین»، در دعا؛ «العلم الالهی»؛ «مجموعه الفوائد» متفرقه، مثل «کشکول»؛ «تحقیق الصغیره و الکبیره من الذنوب»؛ «مقامات»، همچون «مقامات حریری».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

- منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲۲۸- ۲۲۷/۲)، تلامذه‌ی علامه المجلسی (۹- ۸)، الذریعه (۲۰/۹۴، ۱۵/۳۱۷، ۱۲/۲۰۹، ۳۹۶، ۵۳، ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۷- ۱۵/۱۲)، فوائد الرضویه (۱۳- ۱۲)، معجم المؤلفین (۱/۱۱۴).

تبریزی، محمدزمان

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۱۲۷ ق)، عالم، فقیه و شاعر امامی. وی پس از اخذ مقدمات و فنون ادب، وارد مدرسه‌ی شیخ لطف‌الله اصفهان شد و از مدرسان آنجا بهره‌مند شد. سپس مدارج علی‌اجتهاد را نزد علمای اصفهان پیمود. فقه و حدیث را از علامه محمدباقر مجلسی و

شیخ جعفر بن عبدالله بن ابراهیم قاضی حویزی فراگرفت و علوم عقلی را در حوزه‌ی درس آقا حسین خوانساری تلمذ کرد. صاحب «روضات الجنات» می‌نویسد: بعید نیست نزد سید امیرقاسم قهپایی و مجلسی اول که از آنان دارای اجازه می‌باشد، تلمذ نموده باشد. مجلسی دوم در پایان «بحارالانوار» اجازه‌ی صاحب عنوان را به ملا مهرعلی جرفادقانی ذکر کرده که وی از قهپایی و مجلسی اول روایت می‌کند. از جمله آثار وی: «فرائد الفوائد» در احوال مدارس و مساجد، که صاحب «روضات الجنات» این کتاب را یکی از منابع خود دانسته؛ شرح «زبدہ الاصول»؛ «کتاب الجنه»، دارای فوائد متفرقه مانند «کشکول»؛ «کتاب المسعار فی الاسعار»، به فارسی و منظوم.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۹/۲۱، ۱۶/۱۴۲)، روضات الجنات (۳۳۷-۳۳۵ / ۳).

تبریزی، موسی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۰۷ ق)، فقیه، مفسر و زاهد. از شاگردان شیخ انصاری و آیت‌الله کوه‌کمری بود. از آثار وی «اوثق الوسائل»، در شرح «رسائل» شیخ انصاری معروف به «حاشیه‌ی میرزا موسی» است که در ۱۲۹۵ ق از تألیف آن فارغ شده و این کتاب به عنوان بهترین شرح «رسائل» مورد استفاده‌ی خواص می‌باشد. از دیگر آثار وی: حاشیه‌ای بر «قوانین الاصول» که پسر خواهرش، میرزا لطفعلی بن میرزا علی، آن را تدوین نمود و محتمل است که همان «غایه المأمول»، در کشف معضلات اصول فقه باشد؛ «تفسیر میرزا موسی»، به فارسی و عربی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۷۸ / ۱۰)، الذریعه (۱۶ / ۱۶، ۱۷۹، ۶ / ۴۷۳، ۲)، ریحانه (۳۵۳ / ۳، ۳۲۵ / ۱)، شهیدان راه فضیلت (۵۴۹)، مؤلفین کتب چاپی (۳۳۳-۳۳۲ / ۶).

تبریزی، هادی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ هادی تبریزی از علماء ابرار شهر ری بوده است.

وی در سال ۱۲۹۱ قمری در آذربایجان متولد شده و مقدمات و سطوح را در تبریز خوانده و مهاجرت به نجف اشرف نموده و سالها از محاضر آیات بزرگ نجف چون مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمدحسن علامه مامقانی و آیت‌الله العظمی آخوند خراسانی و علامه طباطبائی یزدی و مرحوم آقای شریعت اصفهانی و اعلام دیگر استفاده نموده تا بمدارج عالیہ علم و اجتهاد رسیده. و در مصاحبت علامه بزرگوار مامقانی به ایران برای زیارت ارض اقدس رضوی علیه الصلوٰه والسلام در زمان (مظفر الدین شاه قاجار) به ایران آمده و مورد تجلیل دولت و ملت قرار گرفته میفرمود مرحوم مامقانی مشرف زیارت حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام گردیده و نماز مغرب و عشاء را در صحن مطهر بجماعت خوانده جماعتی که نظیرش را ندیدم زیرا سجاده آن مرحوم را نزدیک

کفشن کن مردانه گذارده و تمام صحن و مسجد و بازار مردم ایستاده و به آن مرحوم در جماعت اقتدا نمودند و من چون آن روحانیت و منظره را دیدم از خدا خواستم مجاورت زاویه مقدسه را نصیب من فرماید و بعد از تشریف بزیارت حضرت رضا علیه الصلوه و السلام مراجعت به نجف نموده و پس از فوت مرحوم علامه مامقانی و مرحوم آخوند خراسانی به تبریز آمده و چون در اسکو و میلان شیخی‌ها نفوذ کرده بودند برای هدایت و ارشاد مردم به آنجا رفته و مدتی به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و مبارزه با آن منحرفین نموده تا در سال ۱۳۶۱ قمری و غائله پیشوری و توده‌ئی‌ها که وی را مورد حمله اهانت قرار دادند مجبور به مهاجرت از آذربایجان و مجاورت زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام را اختیار و در صحن مطهر به اقامه نماز جماعت و خدمات دینی پرداخته و حتی برای این که از وجوه شرعیه اعاشه نکند با یکی از اخیار شریک و مغازه‌ای گرفته تا در ماه مبارک رمضان سال ۱۳۷۱ قمری در سن هشتاد سالگی وفات و در صحن مطهر در محل نمازش مدفون و تاکنون قبرش مزار خواص و مؤمنین می‌باشد.

نگارنده گوید: مرحوم حاج شیخ هادی جدا عالمی ربانی و آیتی سبحانی و عبادی زاهد و مجتهدی متعبد و دانشمندی متواضع و خلیق و در شهر ری محبوبیت تامه داشت.

داماد ارجمندش جناب ثقه‌الاسلام والمحدثین آقای حاج میرزا ابوطالب حایری خوئی از افاضل اهل منبر ری می‌باشد که در این ناحیه به خدمات دینی و ترویجی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

تجلی اردکانی، علیرضا

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۸۵ ق)، عالم، ادیب و شاعر، متخلص به تجلی. وی از شاگردان مشهور محقق خوانساری و از بزرگان اردکان بود که در آغاز جوانی به اصفهان رفت و در آنجا به کسب دانش پرداخت و پس از مدتی تعلم، در خدمت محقق مذکور سفری به هند کرد و بعد از مدتی به اصفهان بازگشت و به سبب مقام علمی که داشت در آن شهر شهرت بسیار یافت و به مرتبه‌ی مدرسی مدرسه والده رسید و شاه عباس دوم به سال ۱۰۷۲ ق محلی را در اردکان به رسم سیورغال بدو واگذاشت و او در همان حال که حوزه‌ی درسی خود را اداره می‌کرد به تالیف و تصنیف و سرودن شعر نیز سرگرم بود. تجلی پس از چند سال به مکه و از آنجا به شیراز رفت و همان جا ماند تا بدرود حیات گفت. تجلی در موضوعهای علمی و دینی اثرهایی دارد، از آن جمله است: «رساله» ای به فارسی در منع نماز جمعه و در غیبت امام که ملحقاتی بر آن در رد رساله‌ی ملا محمدباقر خراسانی درباره‌ی وجوب عینی آن افزود که خود حکم رساله‌ی مستقل دارد. از آثار وی: «تفسیری بر قرآن» به فارسی؛ رساله‌ای درباره امامت به فارسی به نام «سفینه النجاه»؛ «دیوان» قصیده و غزل؛ مثنوی به نام «معراج الخیال»؛ «حاشیه المولی عبدالله فی المنطق».

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲۴۰/۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۱۸- ۳۱۷/۵)، تذکره‌ی روز روشن (۱۴۷- ۱۴۸)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۶۵- ۶۳)، تذکره‌ی شعرای کشمیر (۱۶۵- ۱۶۴/۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۷۰- ۱۶۸)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۶- ۱۲/۲)، الذریعه (۲۰۱/۱۲، ۳۰۱/۱۹، ۱۶۷/۹، ۶۱/۶)، ریحانه (۳۲۸/۱)، سرو آزاد (۱۱۶- ۱۱۵)، شام غریبان (۶۰)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۲۴۹/۲)، کاروان هند (۲۰۵- ۲۰۰/۱)، کلمات الشعراء (۳۹- ۳۸)، الکنی واللقاب (۱۱۸/۲)، لغت‌نامه (ذیل/

علیرضا)، مرآت الفصاحه (۱۱۵-۱۱۴)، معجم المؤلفین (۹۳/۷)، نتایج الافکار (۱۲۸-۱۲۶)، نشتر عشق (۲۷۸-۲۷۷/۱)، هدیه العارفین (۷۶۰/۱).

تجلی حسینی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

که خود از شاگردان مرحوم آیت‌الله مدرّس اسفهای در مدرسه جدّه کوچک، کاسه گران و نیماورد اصفهان بوده و به علت داشتن تحصیلات عالیّه حوزوی و درجه اجتهاد و نیز گواهی مرحوم آیت‌الله مدرس، سردفتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق در قریه محمودآباد برخوردار بوده است. وی با صدور حکم و مجوز از وزارت عدلیّه، داور وزیر دادگستری وقت در زمان سلطنت رضاخان پهلوی به اجرای امور شرعی مردم مشغول گردید و پس از وفات در قبرستان امامزاده ابراهیم دستگرد مدفون گشت. او از اولاد سید حسین ابن سید محمّد ابن اقل الطلبة میرسید محمد اسماعیل الحسینی صاحب دست‌نوشته‌های جامع‌المواعظ در سنه ۱۲۸۶ ه. ق. (مدفون به امامزاده واقع در سین برخوار) ابن میر علاء‌الدین محمّد ابن میر بدرالدین محمّد از احفاد میر غیاث‌الدین محمود الحسینی ابن شاه طاهر ابن شاه محمّد ابن شاه جعفر ابن میر ابوالقاسم ابن میر مهدی ابن سید زین‌الدین ابن شاه نعیم ابن شاه نعمت‌الله عمده القضاء و المتشرعین و خادم شرع سید المرسلین مدفون به قریه جز برخوار بوده است.

همسرش مرحوم مغفوره بیگم آغا تجلی الحسینی از سادات گز برخوار و دختر مرحوم آقا سید کاظم ابن آقا میر هدایت‌الله ابن آقا میر محمّدباقر ابن آقا میر عبدالکریم ابن آقا میر علی اکبر ابن آقا میر محمّد ابن آقا سید ابوالحسن الحسینی از سادات امامی الحسینی گز است که نسبش با ۲۷ واسطه به امام همام جعفر ابن محمّد الصادق (ع) می‌رسد. از اولاد سید محمّدعلی دو فرزند به نامهای حاج سید محمّدحسین تجلی حسینی محمودآبادی که در قید حیات و از کارمندان بازنشسته آموزش و پرورش و خانم زهرا بیگم تجلی حسینی متعلقه مرحوم حاج منصور سجادی جزئی فرزند سید حسین می‌باشند. در حال حاضر از آقای سید محمّد حسین تجلی حسینی سه فرزند به نامهای سید محمّدعلی مهندس آرشیستک و سید محمّدحسین و سید محمّدجعفر تجلی حسینی محمودآبادی و از خانم زهرا بیگم چهار فرزند دختر باقی مانده که در قید حیات هستند.

برگرفته از کتاب: فرهنگ تاریخ گز و برخوار

تجلی سبزواری، رجعی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۰-۱۳۰۰ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به تجلی. در سبزواری به دنیا آمد. پس از خاتمه‌ی تحصیلات در رشته ادبیات، به صف مشروطه‌خواهان پیوست. به فرمان حاکم سبزواری دستگیر شد اما، به همراه چند تن از یارانش شبانه گریخت و به مشهد رفت. تجلی از کارمندان وزارت دارایی بود. به سلسله‌ی نعمت‌اللهی گناباد ارادت داشت. تجلی شعر نیکو می‌گفت، به ویژه در سرودن مثنوی و غزل استاد بود. از آثار وی: «ارمغان تجلی»، «تجددنامه»، «طالب‌نامه‌ی تجلی»، «معراج الخیال»، «ذم الاستبداد»، «انقلاب خراسان»، «نیاز تجلی»، «کنگاشنامه»، «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۶۷/۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۵۹-۲۵۸/۲)، مولفین کتب چاپی (۱۰۵-۱۰۴/۳).

تجلیل، ابوطالب

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج میرزا ابوطالب فرزند مرحوم حاج میرزا علی اکبر تجلیل (که از عباد و صلحاء زمان خود و به قوت ایمان و کمالات نفسانیه ممتاز و در شعبان ۱۳۹۱ ق به رحمت ایزدی پیوسته است) از افاضل دانشمندان و مبرزین تلامذه آیت الله العظمی نجفی مرعشی است که پس از فوت مرحوم آیت الله بروجردی جز معظم له به درس دیگری حاضر نشده می باشد دارای مقام علم و تقوا و متانت و فضائل نفسانی است.

در سال ۱۳۴۵ ق در تبریز متولد شده و با تشویق والد بزرگوارش در سلک روحانیت وارد و پس از خواندن مقدمات ادبیه و منطق و کلام و مقداری از سطوح در تبریز در سال ۱۳۶۴ ق به قم مهاجرت نموده و پس از فراغت از سطوح نهائی در سال ۱۳۶۵ ق به درس علامه بزرگوار آیت الله العظمی بروجردی و آیت الله العظمی حجت تا زمان فوتشان حاضر گردیده و نیز در فلسفه از مرحوم آیت الله آقا سید حسن الهی و میرزا مهدی آشتیانی و زعیم مجاهد آیت الله العظمی امام خمینی و علامه و فیلسوف بزرگوار طباطبائی استفاده نموده است.

آقای تجلیل در خلال تحصیل نیز به تدریس مکاسب و کفایه از سال ۱۳۶۶ تا سال ۱۳۹۰ مشغول و از سال ۱۳۹۱ به تدریس خارج عروه و کفایه اشتغال دارد.

از موفقیت آن جناب شرکت (در لجنه ضبط مدارک شیعه) است که حضرت علامه ذوفنون مرجع عالیقدر آیت الله العظمی مرعشی نجفی مدظله برای معاونت ایشان در جمع فضائل امیرالمومنین و ائمه طاهرین علیهم السلام و سائر مدارک شیعه از کتب عامه تشکیل داده و با اطلاع وسیعی که مخصوص معظم له است انجام می گیرد و انصافاً این اقدام ایشان مایه فخر قرن حاضر و آن مقدار مدارکی که تاکنون جمع و مجلدات آن به طور فشرده و اسقاط مکررات اسانید و متون به عنوان ملحقات احقاق الحق منتشر می شود بی نظیر است.

اما آثار آقای تجلیل از مطبوع و مخطوط به قرار زیر است:

- ۱- کتاب البیع مشتمل بر دو قسمت (۱) تقریرات مرحوم آیت الله الکبری حجت ره ۲- و نظریات خودشان که به طبع رسیده است.
- ۲- رساله حجیه الشهره (مطبوع) که در آن حجیه شهره قدما را در فقه با شرایط خاصی اثبات شده و ۱۸ حجت فقهی در آن مورد بحث قرار گرفته است.
- ۳- معجم الثقات و ترتیب الطبقات (مطبوع) که در آن ۱۵۸۸ نفر موثق بالخصوص و ۱۰۰۹ موثق بالعموم از اسانید استخراج و ۱۰۰۸ ممدوح از کتب شیعه جمع آوری شده است.
- ۴- مدارک الحج (مخطوط) مشتمل بر احادیث هر یک از احکام حج و تقسیم آن بر حسب دلالت که با مرحوم آیت الله بروجردی تالیف شده است.
- ۵- صلوه المسافر (مخطوط) تقریرات مرحوم آیت الله حجت که آن مرحوم بر آن تفریظ نوشته اند که طبع شود.
- ۶- تقریرات مرحوم آیت الله بروجردی در صلوه ۷- تقریرات آن مرحوم در وصیت ۸- دراسات الاصول تقریرات مرحوم آیت الله

بروجردی مخطوط ۹- تحریرالاصول تقریرات مرحوم آیت‌الله حجت مخطوط.

۱۰- رساله فی الاستصحاب (مخطوط) ۱۱- فوائد نفیسه فی الاصول (مخطوط) ۱۲- آنچه حجاج باید بدانند (مطبوع) ۱۳- حواشی علی مختصر المحقق (مخطوط) ۱۴- حواشی علی العروه (مخطوط) ۱۵- رساله فی الاجتهاد و التقليد ۱۶- حواشی علی کتب الرجال ۱۷- رساله فی میزان الاستدلال علی الاعتبارات ۱۸- فلسفه حقوق اسلامی و تطبیق آن با حقوق ملل دیگر که بسیار مبسوط است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تجلیل، جلیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جلیل تجلیل در سال ۱۳۱۳ در خوی به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه و کارشناسی خود را در تبریز سپری کرد و برای ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری وارد دانشگاه تهران شد. ایشان علاوه بر تدریس در دبیرستان و دانشگاهها عضو هیئت ممیزه وزارت فرهنگ و آموزش عالی گردید و تا به حال در آنجا فعالیت دارد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب: جلیل تجلیل در سال ۱۳۱۳ در شهر خوی به دنیا آمد. خانواده او همه تبریزی بودند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: جلیل تجلیل تحصیلات ابتدایی و متوسطه و کارشناسی خود را در تبریز سپری کرد و بار تبه اول در سال ۱۳۳۴ در رشته ادبیات از دانشگاه تبریز دوره لیسانس را به پایان رسانید. در سال ۱۳۴۷ موفق به اخذ درجه فوق لیسانس از دانشگاه تهران و در سال ۱۳۴۹ از همین دانشگاه مدرک دکتری خود را اخذ کرد. در همین حین در حوزه علمیه به تحصیلات علوم اسلامی پرداخت.

استادان و مربیان: از استادان جلیل تجلیل می توان به حاج سلطانی، جودی، علی اکبر صبا، میرزا علی سلطان القرآنی، دکتر خیامپور، دکتر مشکور، ترجمانی ران و حسن تاجی طباطبایی اشاره کرد.

همسر و فرزندان: جلیل تجلیل در سال ۱۳۴۰ ازدواج کرد و دارای دو فرزند دختر و پسر می باشد که هر دو آنها لیسانس می باشند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: از مشاغل جلیل تجلیل می توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- عضو هیئت ممیزه مرکزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی حدود ۱۰ سال ۲- عضو هیئت ممیزه دانشگاه تهران حدود ۵ سال ۳- عضو هیئت در شورای گسترش زبان فارسی خارج از کشور حدود ۸ سال ۴- عضویت در شورای گسترش دانشگاههای کشور حدود ۶ سال ۵- عضویت در شورای گروه علوم انسانی وزارت فرهنگ و آموزش عالی ۶- عضویت در شورای نام گذاری شهرداری تهران به نمایندگی فرهنگ و آموزش عالی حدود ۱۰ سال

فعالیتهای آموزشی: جلیل تجلیل از سال ۱۳۳۱ به دبیری از دبیرستانهای آن شهر پرداخت. از سال ۱۳۴۹ به تهران منتقل شد و با مرتبه استادیاری در دانشگاه تهران به تدریس ادبیات مشغول گشت. در سال ۱۳۷۴ به احراز مقام استاد نمونه دانشگاههای کشور مفتخر گردید.

جوایز و نشانها: جلیل تجلیل دارای مدال شاگرد اولی خرداد ۱۳۳۴، از دانشگاه تبریز و نشان و لوح تقدیر استاد نمونه از دانشگاههای کشور از ریاست جمهور کسب کرده است.

چگونگی عرضه آثار: جلیل تجلیل استاد دانشگاه‌های تالیفاتی شامل کتب، مترجم، مصحح، مقالات و سخنرانیهای علمی در مجامع و کنگره‌های مختلف داخلی و خارجی دارد.

آثار:

۱ آزادی در اسلام

ویژگی اثر: در مجله جامعه اسلامی دانشگاهیان ایران در شماره ۳ به سال ۱۳۵۹

۲ آشنایی با تصویر فنی و نمایش هنری در قرآن

ویژگی اثر: این مقاله در مجله مشکوه در شماره های ۱۲-۱۳ در سال ۱۳۶۵ به چاپ رسیده است

۳ ادبیات انقلاب اسلامی

ویژگی اثر: در کیهان فرهنگی در خرداد ۷۱ در ص ۱۲۷ به چاپ رسیده است

۴ از هایلر گلشن

ویژگی اثر: مولانا ابراهیم من شهاب الدین گلشنی که در تحقیق دکتر جلیل تجلیل دارالثقلین در قم ۱۳۷۸ به چاپ رسیده است

۵ از هار گلشن

ویژگی اثر: مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۲ به شماره ۱-۴

۶ اسلام و محیط زیست

ویژگی اثر: در نشریه اولین کنفرانس بین المللی بررسی علمی اثرات نشت نفت در دانشگاه تهران به سال ۱۳۶۳

۷ افسانه تقلید و افسون ابتکار

ویژگی اثر: این در مجموعه سخنرانیهای هفتمین کنگره تحقیقات ایرانی دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۵۵

۸ اقتباسات سعد الدین تفتازانی از عبد القاهر جرجانی

ویژگی اثر: در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تربیت معلم شماره ۱، سال ۵۶

۹ اوصاف الفرس فی الشعر العربی

ویژگی اثر: این مقاله در مجله الاخاء در ۲۳ بهمن سال ۱۳۵۵ به چاپ رسیده است

۱۰ بلاغت پیغمبر اکرم (ص)

ویژگی اثر: در ابعاد زندگانی اسوه بشریت رسول اکرم (ص) در انتشارات دانشگاه رسول اکرم (ص) به سال ۱۳۶۶ به چاپ رسیده

است

۱۱ بلاغت رسول اکرم

ویژگی اثر: این مقاله در مجموعه مقالات سمینار ابعاد زندگی رسول اکرم در سال ۱۳۶۶ به چاپ رسیده است

۱۲ بلاغت قرآنی و پرتو آن در ادب فارسی و عربی

ویژگی اثر: این مقاله در مجله دانشکده ادبیات علوم انسانی در سال ۱۳۷۳ به شماره ۱ تا ۴ به چاپ رسیده است

۱۳ پژوهشی در معجاز

ویژگی اثر: در مجموعه هشتمین کنگره تحقیقات ایرانی در کرمان به چاپ رسیده است و در کتابفروشی انجمن فلسفه درسی و پنج

خطابه در سال ۱۳۵۸ می باشد

۱۴ پیوند دانش و تهذیب در اسلام

ویژگی اثر: این درمجله جامعه اسلامی دانشگاهیان ایران در شماره ۴ به سال ۱۳۵۹

۱۵ تاثیر شاعران ایرانی در شعر فضولی

ویژگی اثر: درپائیز ۷۳ به شماره ۴-۷۳ می باشد

۱۶ تحلیل ابیاتی از جام جم اوحدی

ویژگی اثر: در نشریه اختصاصی گروه زبان و ادبیات فارسی در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ۱۳۶۴ شماره ۲ صص ۱۱۱-

۱۱۴

۱۷ تحلیل اشعار اسرار البلاغه

ویژگی اثر: این کتاب در مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی بهار ۱۳۷۷ به چاپ رسیده است

۱۸ تحلیل های بلاغی عبد القاهر جرجانی از آیات قرآنی

ویژگی اثر: این در دانشگاه تربیت مدرس در مجله مدرس به سال ۱۳۶۸ به چاپ رسیده است

۱۹ ترجمه اسرار البلاغه عبد القاهر جرجانی

ویژگی اثر: این کتاب در سال ۱۳۶۱ در انتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسیده است

۲۰ ترجمه فارسی الغدیر علامه امینی جلد ۲۱

۲۱ ترجمه فارسی الغدیر علامه امینی جلد ۲۲

۲۲ تعهد در شعر اقبال

ویژگی اثر: این مقاله در مجله مدرس دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۶۹ به چاپ رسیده است

۲۳ توصیف اسب در شعر فارسی

ویژگی اثر: این مقاله در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تربیت معلم به شماره ۴، سال ۱۳۵۷ به چاپ رسیده است

۲۴ توصیف کعبه و مدینه و خراسان

ویژگی اثر: مجله مشکوه آستان قدس رضوی در سال ۱۳۶۳/۵

۲۵ جاذبه های شعری خاقانی

ویژگی اثر: در مجله مشکوه در نشریه آستان قدس رضوی ۱۳۶۳/۶

۲۶ جاذبه های شعری خاقانی

ویژگی اثر: در مجله مشکوه در نشریه آستان قدس رضوی در سال ۱۳۶۴/۸

۲۷ جاذبه های شعری خاقانی و هنر های ادبی او

ویژگی اثر: در مجله مشکوه در آستان قدس رضوی به شماره ۷ در سال ۱۳۶۴

۲۸ جرعه ها از جام جم

ویژگی اثر: این مقاله در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی در دانشگاه تهران در پائیز ۱۳۵۵ به چاپ رسیده است

۲۹ جمال شعر نظامی

ویژگی اثر: در مجله آشنا در شماره هفتم در سال ۴ آذرودی ۱۳۷۳ به چاپ رسیده است

۳۰ جمال کمندی در شعر کمال خجندی

ویژگی اثر: در مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت کمال خجندی انتشارات سروش در وزارت ارشاد اسلامی در آذر ۱۳۷۵

۳۱ جناس در پهنه ادب فارسی موسسه تحقیقات مطالعات فرهنگی ۱۳۶۸

- ۳۲ جهات مفاخره در شعر حافظ
ویژگی اثر: این مقاله در مجله تحقیقات فارسی انجمن فارسی دهلی در سال ۱۹۸۵ به چاپ رسیده است
- ۳۳ خاطرات من به شهریار و تحلیل دو مرغ بهشتی او
ویژگی اثر: این مقاله در مجله کلمه به شماره ۱۳۷۱/۲ به چاپ رسیده است
- ۳۴ خصایص سخن امام
ویژگی اثر: مجموعه مقالات سومین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام ۱۳۷۲
- ۳۵ دو مرغ بهشتی
ویژگی اثر: این مقاله در مجله کلمه به شماره ۲ به چاپ رسیده است
- ۳۶ رساله ای در استعارد
ویژگی اثر: آرام نامه، تهران ۱۳۶۱
- ۳۷ سیری در بلاغت نهج البلاغه
ویژگی اثر: این مقاله در مجله دانشنامه دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۶۹/۱ به چاپ رسیده است
- ۳۸ شناخت روش در تحقیقات ادب فارسی
۳۹ طبع روان و فسونگری فردوسی
ویژگی اثر: در مجله مدرس دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۶۹ به چاپ رسیده است
- ۴۰ طیف بیانی در منشور غزل حافظ
ویژگی اثر: مجموعه مقالات کنگره بین المللی بزرگداشت حافظ در پائیز ۱۳۷۱ ص ۱۵۹ به چاپ رسیده است
- ۴۱ عروض نشر همراه ۱۳۶۸
۴۲ عروض و قافیه
ویژگی اثر: در سال ۱۳۷۸ در انتشارات سپهر به چاپ رسیده است
- ۴۳ علاقه های مجاز و رساله ای از عضام الدین
ویژگی اثر: این مقاله در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به شماره ۱۰۷-۱۰۸ در پائیز ۱۳۶۷ سال ۲۵ صص ۵۱-۶۱ به چاپ رسیده است
- ۴۴ علت سازی و علت سوزی در شعر
ویژگی اثر: این در مجله یغما در شماره ۳ در سال ۱۳۵۶ به چاپ رسیده است
- ۴۵ غوری در دیوان حزین
ویژگی اثر: مجله آشنا - شماره ۳۲ به سال ۶ آذر ۷۵ به چاپ رسیده است
- ۴۶ غوری در دیوان حزین
ویژگی اثر: آشنا به شماره ۳۲ در سال ۱۳۷۵ ششم آذر
- ۴۷ فردوسی و تاگور دو حکیم جهانی
ویژگی اثر: این مقاله در مجله کلمه در انجمن تحقیقات فارسی در هند در دهلی نو به چاپ رسیده است
- ۴۸ فک و فعل در اضافه
ویژگی اثر: این مقاله در مجله گوهر در دو شماره پیاپی ۱۱ و ۱۲ در سال ۱۳۵۴ و شماره ۱ در سال ۱۳۵۵ به چاپ رسیده است

۴۹ فنون و صنایع ادبی (عروض)

ویژگی اثر: وزارت آموزش و پرورش سال چهارم ۱۳۶۲

۵۰ کتاب تعلیمات دینی

ویژگی اثر: این کتاب برای مقطع دبیرستان است که در تبریز در کتابفروشی صفوی بازار شیشه گران در سال ۱۳۳۵ به چاپ رسیده است

۵۱ کتابداری نوین در اسلام

ویژگی اثر: دانشگاه بهشهر ۱۳۶۰

۵۲ گزیده متون ادب فارسی

ویژگی اثر: این کتاب را با همکاری چند تن از استادان و همکاران در سال ۱۳۶۲ به چاپ رسیده است

۵۳ معالم المدرستین

ویژگی اثر: این کتاب پژوهش و بررسی تحلیلی مبانی اندیشه های اسلامی در دیدگاه دو مکتب، ترجمه کتاب معالم المدرستین

علامه عسکری در دو جلد در ریزن ۱۳۷۵ به چاپ رسیده است

۵۴ معانی امرونی در غزل حافظ

ویژگی اثر: این مقاله در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۸ در سفینه حافظ به چاپ رسیده است

۵۵ معانی و بیان مرکز نشر دانشگاهی

ویژگی اثر: این کتاب در سال ۱۳۶۲ به چاپ رسیده است

۵۶ معرفت کردگار

ویژگی اثر: این مقاله در جلد ۱ روزنامه ارشاد اسلامی در سال ۱۳۶۳ در بیان ذکر جمیل سعدی به چاپ رسیده است

۵۷ مفاخره در شعر حافظ

ویژگی اثر: این در مجله دانشگاه انقلاب در اردیبهشت ۱۳۶۳ به چاپ رسیده است

۵۸ مفاخره در شهر فارس

ویژگی اثر: ضمیمه مجله انتشارات دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران ۱۳۶۰

۵۹ مقاله شعر از دیدگاه پیغمبر اسلام (ص)

ویژگی اثر: در جشن نمه مدرس اخوی در سال ۱۳۶۴ در انتشارات انجمن استاد به چاپ رسیده است

۶۰ مقایسه لیلی و مجنون نظامی و لیلی و مجنون ففصولی

ویژگی اثر: در انتشارات کنگره بزرگداشت فضولی - تالار وحدت ۱۳۷۴

۶۱ مقدمه بر کتاب عشق در عرفان اسلامی

ویژگی اثر: تالیفات نصرت الله کامیاب تالشی، دارالتقلین چاپ اول ۱۳۷۵

۶۲ ملاحظاتی در مضمون پردازی و هماهنگی تصویر و آهنگ در شعر خاقانی

ویژگی اثر: در دانشنامه مجله دوره عالی در تحقیقات دکتری شماره ۱۲ و ۱۳ به چاپ رسیده است

۶۳ ملاحظاتی در مضمون پردازی خاقانی

ویژگی اثر: این مقاله در مجله مقالات انجمن واره بررسی مسایل ایران در سال ۱۳۶۹ به چاپ رسیده است

۶۴ مهدی کیست

ویژگی اثر: ترجمه من هو المهدی در سال ۱۳۶۰ در قم چاپ ارم به چاپ رسیده است

۶۵ موج تعالی و تهذیب در کلام حافظ

ویژگی اثر: بطور سریال در دو شماره مجله کلمه - ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱

۶۶ تناسی تشبیه

ویژگی اثر: در مجلد انتشارات ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران شماره ۳ و ۲ سال ۱۳۵۳

۶۷ نظرات ادبیه حول التاریخ الطبری

ویژگی اثر: این مقاله در مجله جمهوری اسلامی ایران به زبان عربی در سال ۱۳۷۱ به چاپ رسیده است

۶۸ نگارش روز معیار الاشعار خواجه نصیر طوسی ۱۳۶۹

۶۹ نوعی تشبیه در خسرو شیرین نظامی گنجوی

ویژگی اثر: این مجموعه مقالات کنگره بین المللی بزرگداشت نهمین شده تولد حکیم نظامی در مجله تسف صص ۲۸۶ به چاپ رسیده است

۷۰ هدایت اسلامی در شعر فارسی

ویژگی اثر: این مقاله در مجله گلچرخ در اطلاعات به چاپ رسیده است

۷۱ هشیار سران در ابله دیدار

ویژگی اثر: این مقاله در مجله ویسمن در سال اول به شماره ۱-۱۳۵۴ به چاپ رسیده است

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

تجویدی، ضیاءالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید ضیاءالدین بن العلامه حاج سید علینقی بن حاج سید اسماعیل بن میر محمدعلی تجویدی از علماء ابرار و دانشمندان اخیار و مدرسین کبار معاصر اصفهان است. در سال ۱۳۲۰ قمری در اصفهان در بیت علم و تقوا به دنیا آمده و پس از پرورش و خواندن ادبیات و مقدمات و متون فقه و اصول از محضر و تدریس مرحوم آیت‌الله حاج سید مهدی درجه‌ای و مرحوم آیت‌الله حاج سید علی مدرس نجف‌آبادی و مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدرضا خراسانی استفاده نموده و هیئت از مرحوم آیت‌الله حاج میرزا هدی کرباسی حنفی علامه کبیر آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمدابراهیم کرباسی معاصر و شریک درس و بحث آیت‌الله العظمی آقا سید محمدباقر شفتی) فراگرفته و ضمناً خود به تدریس متون فقه پرداخته است.

معظم له اکنون ظهرها در مسجد مرحوم آیت‌الله حاج آقا رحیم ارباب و شبها در مسجد شیخ الاسلام به امامت و خدمات دینی اشتغال و در مدرسه صدر (مرکز حوزه علمیه اصفهان) به تدریس صلوة حاج آقا رضا همدانی و شرح ریاض مشغول و با علماء بزرگ و مدرسین سترک اصفهان مباحثه کمپانی دارند و در میان دانشمندان اصفهان و مردم با ایمان آن سامان به فضل و پارسائی و تقوی موصوف و مورد توجه عموم می‌باشند.

از باقیات الصالحات ایشان است فرزند برومندش جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج آقا فضل‌الله تجویدی مقیم تهران. وی در سال ۱۳۴۵ قمری در اصفهان به دنیا آمده در بیت فضل و ورع پرورش یافته و پس از خواندن اولیات و سطوح متوسطه از محضر و

تدریس مرحوم آیت‌الله حاج آقا رحیم ارباب و مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمد حسن نجف آبادی استفاده نموده و حکمت را از مرحوم حاج شیخ محمود مفید فرا گرفته و بعد مهاجرت به تهران و از درس و محضر حضرت آیت‌الله العظمی حاج احمد خونساری و شوارق را از مرحوم آیت‌الله حاج شیخ زین‌العابدین سرخه‌ای آموخته و در حال حاضر در مسجد جامع محمدی خیابان دولت شمیران تهران به امامت و ترویج دین و تبلیغ احکام و سایر خدمات و وظائف دینی اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

تحریربان، محمد حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان انگلیسی از دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۴۸، کارشناسی ارشد زبان انگلیسی از دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۰ و دکترای زبان‌شناسی و آموزش زبان از دانشگاه ایندیانا‌ی آمریکا در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس مقدمه زبان‌شناسی، روش تدریس، روش تحقیق، تهیه متون آموزش و تعداد زیادی از دروس دیگر مربوط به زبان‌شناسی و روش تدریس زبان در دانشگاههای شیراز و اصفهان.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

در زمینه آموزش زبان کتابهای Freshman English, ABSIR.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۷

زمینه علمی مقالات:

گسترش دامنه لغات و یادگیری زبان دوم، مقالاتی چند در مورد آموزش زبان و سواد به زبان انگلیسی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

تخشبی، ابوتراب عسکر

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۴۵ ق)، عارف و محدث. از مشایخ بزرگ خراسان و از طبقه اول صوفیان و از مشایخ سلسله طیفوریه بود که با بایزید بسطامی معاصر و با وی ملاقات داشت. با حاتم، اصم، ابوحاتم عطار و احمد بن حنبل هم صحبت و استاد ابو عبدالله الجلاء و ابو عبید بسری بود و از نعیم بن حماد و محمد بن عبدالله بن نمیو حدیث شنید و فتح بن شخرف و عبدالله بن احمد بن حنبل از او روایت کرده‌اند. در بصره فوت کرد. ابونصر سراج در «اللمع» به کتابی از آثار او اشاره دارد و عبارتی نیز از آن نقل می‌کند، اما امروزه چیزی از آن کتاب باقی نمانده است. اقوال وی به صورت پراکنده در آثار پیشینیان آمده است و کراماتی چند به او نسبت می‌دهند و ابیاتی در بیان نشانه‌های محبت نیز هم.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۶- ۲۵/ ۵)، تاریخ بغداد (۳۱۷- ۳۱۵/ ۱۲)، تاریخ گزیده (۶۴۱)، تذکره الاولیاء (۲۹۸- ۲۹۴/ ۱)، تذکره‌ی هزار مزار (۵۱- ۵۰)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (۴۶)، حلیه‌ی الاولیاء (۵۱- ۴۵/ ۱۰)، ریحانه (۴۵/ ۷)، سیر النبلاء (۵۴۶، ۵۴۵/ ۱۱)، طبقات الصوفیه سلمی (۱۴۸- ۱۴۶)، طبقات الصوفیه هروی (۹۰)، طرائق الحقائق (۱۵۱/ ۲)، کشف المحجوب (۱۵۱)، لغت‌نامه (ذیل / ابوتراب نخشی و عسکر)، نفحات الانس (۴۹).

تدین نجف‌آبادی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید چمران اهواز
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

کارشناسی ادبیات فارسی و علوم تربیتی از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۴۰، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران، دکترای ادبیات از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

عرفان و حکمت، تصوف از نظر دانشمندان عصر صفوی و نظارت بر ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

عرفان و حکمت الهی در ادبیات فارسی، فلسفه اسلامی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

ادب عرفانی و جنبه تحقیقی تاریخی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ترابی، اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اکبر ترابی

محل تولد: شهرضا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۲۹

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۸ در خانواده ای مذهبی دیده به دنیا گشوده دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهرستان شهرضا با اخذ دیپلم ریاضی به پایان رسانیدم . در سال ۱۳۵۶ به حوزه علمیه قم وارد و در طی سه سال دوران مقدمات را طی کرده به تحصیل مکاسب و رسائل و کفایه در خدمت اساتید بزرگواری مانند آیت الله ستوده و استاد موسوی تهرانی و استاد اعتمادی پرداختم . در سال ۱۳۶۰ همزمان با درس کفایه به خارج قضا و درس رجال آیت الله جعفر سبحانی حاضر شدم . در سال ۱۳۶۱ در درس فقه و اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی شرکت کردم و مدت ۱۳ سال افتخار شاگردی آن بزرگوار را داشتم . در خلال حضور در درس اساتید فوق به تدریس ادبیات و لمعه و اصول الفقه اشتغال داشته مدت ۲۴ سال فقه و اصول را تدریس کرده ام و از سال ۱۳۸۰ به تدریس مکاسب و رسائل مشغول هستم . در دوران دفاع مقدس مدت ۱۷ ماه در دفتر نمایندگی امام (ره) پس از رحلت امام قدس سره به دفتر نمایندگی ولی فقیه تغییر نام یافت _ در تدارکات سپاه به عنوان معاون، خدمت کرده بارها در جبهه دفاع مقدس همگام با رزمندگان دلاور بسیجی حاضر شدم . از کارهای فرعی علاوه بر تبلیغ و عهده دار بودن سمت روحانی کاروانهای حج و عمره ، در امر تنظیم سوالات امتحانی حوزه و تصحیح اوراق و ممتحن امتحانات شفاهی حوزه نیز همکاری دارم ولله الحمد .

ترابی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی ترابی

محل تولد: سکردوبلستان

شهرت

تابعیت: پاکستان

تاریخ تولد: ۱۳۵۵/۶/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی ترابی فرزند احمد از کشور جمهوری اسلامی پاکستان دارای کد ۱۲۵۲۱۸۴ می باشم بنده در سال ۱۹۷۶م به دنیا آمدم در سن ده سالگی در دارالقرآن واقع در منطقه روندو مشغول به فراگیری کلام الله مجید شدم بعد از سن ۱۲ سالگی مشغول به خواندن دروس دولتی شدم که در همان زمان بخاطر علاقه که به معارف علوم دینی داشتم در یک مدرسه دینی پذیرش شدم و ادامه تحصیلات علوم اسلامی را در کنار علوم دولتی ادامه دادیم. و مدرسه جامعه المنتظر تا حد لمعه ج اول فرا گرفته بودم در این هنگام به تشویق بعضی از استاد شدم برای ادامه تحصیل به کشور جمهوری اسلامی انقلابی ایران شهر مقدس قم آمدم هم اکنون در مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی در سطح ۲ مشغول به ادامه تحصیل می باشم. والسلام

تربتی نژاد، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن تربتی نژاد

محل تولد: گرگان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب بعد از اخذ مدرک دیپلم در رشته ی فنی ماشین افزار با وجود قبولی در کنکور سراسری در رشته مهندسی وارد حوزه علمیه امام خمینی شهرستان گرگان که زیر نظر نماینده ولی فقیه در استان گلستان بود شدم. ادبیات عرب ، منطق مظفر و مختصر المعانی را به مدت چهار سال در نزد اساتیدی چون حجج اسلام رضمان پور ، برقرار، افضلی و ... پشت سر نهادم و فقه و اصول فقه مظفر را نیز در نزد اساتیدی همچون حجج اسلام میر بهبهانی ، افضلی و مرحوم سید علی رئیسی گذراندم. و همچنین مکاسب محرمة را نزد آیت الله محمدرضا میبیدی و رسائل و کفایه را نزد آیت الله نور مفیدی شاگردی نمودم. و در سال تحصیلی ۷۱-۷۲ برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم مشرف شدم و در این سال کفایه ۲ را نزد استاد آیت الله موسوی تهرانی و بقیه ی مکاسب را محضر اساتیدی مثل حجة الاسلام بیگدلی به اتمام رساندم. بعد از اتمام سطح سوم حوزه به مدت ۲ سال در درس خارج اصول آیت الله سبحانی شرکت نمودم و به مدت ۱۱ سال در درس خارج فقه حضرت آیت الله مکارم شیرازی نیز شاگردی نمودم و همچنین لازم به ذکر است که به مدت ۷ سال نیز در درس خارج اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی نیز شاگردی کرده ام.

اما اینجانب دروس دانشگاهی را در سال ۷۳ با قبولی در کنکور سراسری و پذیرفته شدن در امتحانات اختصاصی دانشگاه مفید (مصاحبه ی علمی) در رشته علوم سیاسی مشغول به تحصیل شده ام. در سال ۷۶ کارشناسی را به اتمام رسانده و ۲ سال بعد یعنی

سال ۷۸ با شرکت در کنکور ارشد و کسب رتبه یازدهم در گرایش اندیشه‌ی سیاسی مجدداً در دانشگاه مفید پذیرفته شده و ادامه تحصیل ده‌ام و در سال ۸۱ با دفاع از پایان‌نامه فارغ‌التحصیل شدم. ولی برای ادامه تحصیل در دکتری تا بحال اقدامی نکردم.

تربتی، اسحاق

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۳۷-۱۱۵۷ ق)، فقیه و متکلم امامی. وی در تربت حیدریه به دنیا آمد و در آن شهر و مشهد رضوی تحصیل کرد تا در فقه و اصول و معقول و منقول استادی یافت. پس از آن به تدریس و ارشاد شاگردان پرداخت. تا سالها در آن شهر ساکن بود، در اواخر عمر به سفر حج رفت، اندکی پس از بازگشت از سفر حج از دنیا رفت. از جمله آثارش: حاشیه بر «الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه» شهید ثانی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۹۱/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲۲-۱۲۱/۱۳)، فوائد الرضویه (۴۲)، مکارم الآثار (۱۰۴۲/۴)، منتخب التواریخ (۶۲۵-۶۲۴).

تربتی، حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۳۰۰ ق)، فقیه امامی. وی از اهالی تربت حیدریه بود اما در سبزوار ساکن بود. در میان مردم شهر زعامت و مرجعیت تام داشت. فرزندش، محمدتقی نیز از بزرگان علمای شیعه و از شاگردان میرزای شیرازی بود. از جمله آثار وی: «الاجتهاد و التقليد»، به عربی؛ «الرد علی من ادعی قطعیه صدور الاحادیث المرویه فی الکتب الاربعه»؛ شرح «الروضه البهیه» شهید ثانی، که خود شرحی بر «اللمعه الدمشقیه» شهید اول است؛ شرح «دعاء الندبه» که در آن به رد فرقه‌های بابی و بهایی پرداخته؛ «المحاکمات بین المحققین الاصولیین» که در آن به داوری میان میرزای قمی، شیخ محمدحسین اصفهانی، صاحب «فصول» و برادرش شیخ محمدتقی اصفهانی پرداخته است؛ «النکاح»؛ «الرضاع»؛ «الواقف».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۹۳/۶-۲۷۱/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۹۸، ۲۳۹/۱۴).

تربتی، عباس

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج آخوند ملا عباس تربتی یکی از برجسته ترین و ممتاز ترین چهره های معنوی و مردمی در تاریخ اخیر ایران است. مرحوم حاج آخوند ملا عباس تربتی در سال ۱۲۸۸ قمری مصادف با ۱۲۵۰ یا ۱۲۵۱ شمسی و در پانزده کیلومتری شرقی تربت حیدریه، ده «کاریزک ناگهانی‌ها» متولد گردید. او را باید در زمره متشرع ترین عارفان و عارف ترین متشرعات قرار داد. اواز مردمی ترین شخصیت‌هایی است که در همان حال از عابدترین آنها بوده است. وی در سال ۱۳۲۲ شمسی هجری مطابق با ۱۷ شوال سال ۱۳۶۲ قمری هجری دار فانی را وداع گفت. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب: حاج آخوند ملا عباس تربتی، فرزند مردی به نام «ملا- حسینعلی» اهل «کاریزک» و زنی به نام «شیرین» (دختر لطفعلی) از اهالی «قاین» بود. اطلاعات چندانی از والدین حاج آخوند در دست نیست؛ اما نقل شده که حاج آخوند از از خوبی، دیانت، خانه داری، حلم و بردباری، کاردانی، تمیز کاری و دقت مادرش بسیار تعریف می کرد و نمی شد نام مادرش را ببرد و اشک در چشمانش نیاید. تحصیلات رسمی و حرفه ای: عباس تربتی در سن شش یا هفت سالگی، پدرش او را نخست به مکتب ده، سپس برای تحصیل به شهر تربت فرستاد و نزد مرحوم «حاج ملا عبدالحمید» مقدمات صرف و نحو عربی را به خوبی و با دقت تمام فرا گرفت. اغلب اوقات شب و روز ایشان به فراگرفتن درس و بحث و تکرار و عبادت و فراگرفتن مسائل دینی و خواندن کتب دینی در مواظط و شرح حال انبیاء و اولیاء و عباد و زهاد می گذشت و همه اینها به حکم طبیعت خودش و بدون اجبار دیگری بود. پس از طی مقدمات، به تحصیل سطح فقه و اصول پرداخت و پس از مدتی به مشهد رفته، روزها را کار کرده و شبها درس می خواند. وی پس از بازگشت به روستای محل زادگاهش و نیز پس از ازدواج و آسوده گردانیدن خیال پدر در کار زراعت، به منظور ادامه تحصیل، هر پنج شنبه چند قرص نان خانگی تهیه کرده، و همراه کتابهایش بعد از خواندن نماز ظهر و عصر پیاده به طرف خانه عالمی که متن کتابهای فقه و اصول را در نزد او می خواند به راه می افتاد. شب جمعه و روز جمعه تا ظهر، از استاد به اندازه یک هفته از کتابهایی مانند «معالم» و «قوانین» در اصول و «شرح لمعه» و «شرايع» در فقه درس می گرفت، و ظهر جمعه پس از ادای نماز به سوی ده باز می گشت، و از فردا ضمن اشتغال به کار زراعت به حاضر کردن درسها می پرداخت تا پنج شنبه دیگر که دوباره به محضر استاد برسد. استادان و مربیان: یکی از استادان مهم حاج آخوند ملا- عباس تربتی، ملا محمد کاظم آخون خراسانی است. همسر و فرزندان: حاج آخوند ملا عباس تربتی پس از تحصیل در مشهد به ده خود بازگشته و به کمک پدر خود در کار زراعت مشغول شد و در هنگام فراغت به گفتن مسائل دینی و موعظه کردن مردم می پرداخت، در این مدت نیز با همسری اهل روستای «مزدگرد» (در سه کیلومتری جنوب تربت) ازدواج کرد. وقایع میانسالی: حاج آخوند ملا عباس تربتی مرجع تظلم مردم و خانه اش ملجا دادگستری و پناهگاه آنان بود. چنانکه وقتی از دست حکام و خوانین به وی تظلم می کردند او با قدرت معنوی خودبه شکایت آنان رسیدگی می کرد. از دیگر وقایع این دوره می توان به موارد زیر اشاره کرد: - در سال ۱۲۸۷ شمسی، با کاروان، پیاده به کربلا رفت و این سفر هفت ماه طول کشید. روزی که بازگشت، مرد و زن همگی جمع شدند، به طوری که در خانه جای نشستن نبود. - سفر دوم کربلا مرحوم راشد نقل می کند: در سال ۱۲۹۸ هجری شمسی، با کاروان به همراه حاج آخوند عازم کربلا شدیم که ۵ ماه و ۲۰ روز طول کشید. و گاهی پدرم یکی از پیاده ها را بر آن سوار می کرد. پدرم همان برنامه نمازهای پنجگانه را در اوقات سه گانه با همان دقت و طمأنینه و منبرهای بعد از نماز (البته به طور مختصر) داشت. از هر منزل که راه می افتادیم، آخرین نفر بود که به راه می افتاد تا مطمئن گردد که همه هستند، و با اینکه او قافله سالار نبود، تفقد حال همه را می کرد، چرا که این را وظیفه ی دینی و اخلاقی خود می دانست. بسا می شد کسانی از اهالی منزلهای میان راه، حالت نماز خواندن او را می دیدند و سخنان ساده و بی ریا و مؤثرش را می شنیدند و مجذوب او می شدند؛ و از این رو در بعضی از منازل بین راه کربلا نیز معتقدانی داشت - حاج آخوند در سال ۱۳۰۶ هجری شمسی عازم مکه معظمه شد؛ با اینکه احتمال داشت به ایشان گذرنامه داده نشود با این حال از اینکه به طور غیر قانونی برود امتناع ورزید و گفت: من چنین کاری نمی کنم. با آن که بی نهایت اشتیاق زیارت مکه را دارم ولی بر خلاف معمول و

قانون حاضر نیستیم. ایشان در سایر کارها نیز همین طور بود. سراسر زندگی پر بار ایشان مملو است از فداکاریها، پایبندی به دستورات شرعی و رسیدگی به احوال مردم که بسیاری از آنها به ما نرسیده است. زمان و علت فوت: مرحوم راشد نقل می کند: پدرم در روز یکشنبه ۲۴ مهرماه سال ۱۳۲۲ شمسی هجری مطابق با ۱۷ شوال سال ۱۳۶۲ قمری هجری در حدود دو ساعت از آفتاب گذشته از دنیا رفت. نماز صبحش را همچنان که خوابیده بود خواند و حالت احتضار بر او دست داد و پایش را به سوی قبله کردند و تا آخرین لحظه هوشیار بود و آهسته کلماتی می گفت، مثل این که متوجه جان دادن خودش بود و آخرین پرتو روح با کلمه لا اله الا الله از لبانش برخاست. حدود دو سال قبل از فوت بیمار شدند و در این مدت گاهی در تربت و گاهی در مشهد بودند. حاج آخوند، در تربت حیدریه، در خانه شخصی خود، همان اتاق و محلی که نماز شبهای بسیاری خوانده و «العفو» گفته بود و گریسته بود از دنیا رفت. جنازه حاج آخوند، در مشهد مقدس در آخرین غرفه صحن نو حرم امام رضا علیه السلام (در آن زمان) در زاویه شمال غربی به خاک سپرده شد و چنانکه وصیت کرده بود این آیه قرآن بر سنگ قبرش که بر دیوار آن غرفه نصب شد نوشته شد: «و کلبهم باسط ذراعیه بالوصید؛ و سگ آنها دستهای خود را بر دهانه غار گشوده بود» (آیه ۱۸ سوره کهف) و در زیر آن نوشته شده بود: «مرقد بنده صالح خدا عالم عامل مرحوم حاج شیخ عباس تربتی پسر مرحوم ملا حسینعلی کاریزکی که هفتاد و اند سال عمر خود را به درستی و پاکی و زهد و عبادت و ترویج دین و خدمت به نوع گذرانید...» و این شعر نیز نوشته شده بود: به تاریخش رقم زد، کلک سالک به حق دست ارادت داد عباس بعداً سنگ قبر ایشان توسط حکومت وقت خراب شد و بعد از انقلاب آستان قدس رضوی سنگ قبر جدیدی بر مزار حاج آخوند ملا عباس تربتی نصب کرد. اما عبارات روی این سنگ، عیناً همان عبارات حک شده بر روی نخستین سنگ مزار آن مرحوم نیست. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: حاج آخوند ملا عباس تربتی پس از ازدواج و تکمیل معلومات حوزوی خود، در تمام این ایام، عبادات، نماز شب و روزه ها همچنان جریان خودش را داشت، در کاریزک و در روستاهای دیگر نیز به کارهای دینی، مجالس و منابر مردم رسیدگی می کرد بی آنکه در برابر آنها چیزی قبول کند. زمانی که مرحوم «حاج شیخ علی اکبر تربتی» که از شاگردهای مجتهد حوزه درس مرحوم «آخوند ملا محمد کاظم خراسانی» بود از نجف به تربت حیدریه بازگشت، مرحوم ملا محمد کاظم او را به عنوان «مجتهد جامع الشرایط» معرفی کرد. حاج آخوند در درس «کفایة الصول» ایشان حاضر می شد، مرحوم شیخ علی اکبر پس از آنکه با احوال حاج آخوند آشنا می شود ارادت زیادی درباره او پیدا می کند و اصرار می ورزد که زندگی خود را از ده به شهر تربت منتقل کند. اما حاج آخوند برای رعایت حال پدرش عذر می آورد. پس از آنکه پدرش فوت می کند مرحوم حاج شیخ علی اکبر مطلبی می گوید که در حاج آخوند خیلی مؤثر می شود: ترویج دین بر شما واجب است و این کار در شهر بیشتر میسر است. در این هنگام حاج آخوند تصمیم گرفت که به تربت منتقل شود و این در سال ۱۲۸۹ هجری شمسی واقع شد. پس از انتقال به شهر، مرحوم شیخ علی اکبر به وی تکلیف کرد که به جای او در مسجد به نماز بایستد و امامت کند. حاج آخوند با دلیل علمی امتناع کرد، ولی شیخ علی اکبر با جواب علمی ایشان را قانع کرد که بر شما از لحاظ دینی واجب است که این کار را بکنید. خود مرحوم حاج شیخ هم گاهی در هنگامی که حاج آخوند مشغول نماز بود می آمد و به وی اقتدا می کرد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: چنانکه از عباس تربتی یاد می کنند او فردی پرتلاش و درعین حال اهل ورزش و سوادکاری بود. شاگردان: از جمله شاگردان عباس تربتی می توان به، آیت الله محمد رضا زنجان خراسانی اشاره کرد. همفکران فرد: آیت الله جنتی، آیت الله خزعلی، محمود امجد و حاج آقا حسین قمی از جمله همفکران تربتی می باشند. حاج آقا حسین قمی نیز یکی دیگر از همفکران عباس تربتی بود. آیت الله خزعلی، رئیس بنیاد بین المللی غدیر، در این باره چنین اذعان دارد: آخوند ملاعباس راشد تربتی انسانی عالم و زاهد و در عین حال بیگانه ستیز و آزاده بود. وی افزود: او از مردانی بود که هرگز از خداوند غافل نشد و در هر کاری نخست خدا و رضایت او را مد نظر داشت. وی با بیان اینکه حیات او برای خدا بود گفت: ملاعباس راشد تربتی برای خدا به مردم خدمت کرد و تمام تلاشش این بود که مردم پیشرفت کرده و رو به جلو

حرکت کنند. او ادامه داد: آخوند ملاعباس راشد تربتی با فضیلت‌های ارزشمند اخلاقی خود به قدری در میان مردم نفوذ و تأثیر یافت که تظلم‌خواهی و نیازها را پیش او می‌بردند. آرا و گرایشهای خاص: حاج آخوند ملاعباس تربتی نه فقط به عنوان یک شخص بلکه به عنوان یک شخصیت و به عنوان آدم و انسانی با مجموعه ای از فضیلت‌های کمیاب و نایاب است.

تربتی، عباسعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقا شیخ عباسعلی تربتی عالمی ناسک و دانشمندی زاهد و موصوف بتقوا و ورع و ضرب‌المثل مردم خراسان و برای او کرامات و مقاماتی حکایت کنند.

وی عمری را پاک و قدس واقعی گذرانیده و تبلیغ قولی و عملی و ایفاء وظیفه کرده و باجل موعود بموالیان طاهرین خود ملحق و در جوار حضرت ثامن‌الحجج علیه‌الصلوة والسلام در صحن جدید (نادری) مدفون گردیده است. واعظ نامی و استاد گرامی آقای حاج شیخ حسینعلی راشد فرزند ارجند اوست که شهرتش او را مستغنی از تعریف و ذکر ما نموده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

تربتی، محمد صالح

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۴۶ ق)، مدرس و فقیه امامی. وی در مشهد رضوی و عتبات تحصیل کرد. پس از پایان تحصیلات در عراق، به مشهد بازگشت و تا پایان زندگی در آن شهر به سر برد. وی در مشهد به تدریس و امامت جماعت می‌پرداخت و در ترویج مذهب شیعه می‌کوشید و مردم آن سامان وی را به ریاست و مرجعیت می‌شناختند. پیکرش را پس از مرگ در گورستان قتلگاه به خاک سپردند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۷۰/۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/۶۵۰).

ترجانی‌زاده، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مدرس، محقق.

تولد: ۱۳۱۹ ق.، مهاباد.

درگذشت: اوایل آبان ۱۳۵۹ (۱۴۰۱ ق.)، در تبریز.

احمد ترجانی زده، فرزند ملا حسین فرزند ملا علی قزلیجی ترجانی، خواندن را در کودکی آموخت و تا هشت سالگی توانست قرآن مجید را ختم کند. سپس به خواندن کتب مقدماتی فارسی و مشق خط پرداخت. بعد از آن تحت مراقبت و سرپرستی پدرش به تحصیل مقدمات عربی و ایساغوجی منطق و حاشیه‌ی ملا عبدالله یزدی به تهذیب الکلام شیخ مهاجر و مختصر تفتازانی و قسمتی از مفتاح العلوم سکاکی را در محضر برادر خود ملا محمد قزلیجی فراگرفت. سپس به فراگیری کتب مربوط به اصول فقه و هیأت و ادبیات عرب مشغول بود و تا سن بیست و یک سالگی نزد اساتید این علوم به شاگردی پرداخت. بعد از آن، مدتی مشغول فراگیری حساب و هندسه جدید و قسمتی از جبر و مقابله و فیزیک و شیمی و زبان انگلیسی و فرانسوی بود. از سن بیست و دو سالگی تا سی و چهار سالگی جز تدریس و تعلیم طلاب علوم دینی مشغول دیگری نداشت.

احمد ترجانی زاده به سال ۱۳۱۵ به استخدام وزارت معارف درآمد و مدت شش سال تمام ضمن انجام خدمت، وقت خود را به مطالعه‌ی کتب قدیم و جدید ادبیات فارسی گذراند. ترجانی زاده یک سال در اداره‌ی فرهنگ ارومیه و چهار سال در مشهد یک سال در آذربایجان شرقی و سپس تا خرداد ماه سال ۱۳۲۷ در تهران شغل دبیری و دانشیاری داشت. مدتی هم به نام بازرس عالی وزارت و زمانی به عنوان «خطیب سیار فرهنگ» انجام وظیفه کرد. پس از آن به سمت استادی دانشگاه تبریز منصوب شد و تا سال‌های آخر عمر، استاد دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی این دانشگاه بود. پس از بازنشستگی، از تبریز به تهران آمد. وی به شعر مسلط بود، دیوان شعری از منتشر شده است و مثنوی دختر ترسا در یک صد و سیزده بیت از جمله آثار شعری اوست:

آثار و تألیفات ترجانی زاده به این شرح هستند: تاریخ ادبیات عرب از دوره جاهلیت تا عصر حاضر (به فارسی، چاپ تبریز، ۱۳۴۸)؛ شرحی بر سبعة معلقه (به فارسی)؛ الاستاذ الاجل سعدی الشیرازی (به عربی که به سال ۱۳۲۹ در معداللغات الشرقيه دانشگاه فؤاد قاهره برای دانشجویان و طلاب مصری به صورت خطابه ایراد کرده است، چاپ دانشکده ادبیات تبریز)؛ داستان منظوم مکتب‌دار بصره (به فارسی، ۱۳۴۲)؛ علوم معانی و بیان (به فارسی)؛ کتابی در مسائل و احکام فقهی؛ رساله‌ای در رد معتقدین اقانیم ثلثه؛ آداب المناظره؛ دیوان اشعار؛ رساله الحذف؛ تفسیر جزء عم؛ یاد ایران گذشته؛ چکامه‌ی کاخ ادب؛ مقدمه بر دیوان استاد شهریار؛ و درج مقالاتی در نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات تبریز.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

ترخان، قاسم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قاسم ترخان

محل تولد: بن جی کول، نوشهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

ایشان در سال ۱۳۴۶ ش در روستایی از توابع نوشهر استان مازندران به نام بن جی کول، دیده به جهان گشود و بعد از طی دوره راهنمایی در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه شهرستان نور گردید و همزمان به دروس دبیرستان هم پرداخت و تا مقطع کارشناسی

ارشد در رشته الهیات با گرایش فلسفه و کلام ادامه تحصیل داد و با درجه عالی از دانشگاه قم فارغ التحصیل گردید. ورود به حوزه و اشتغال به کار علمی مانع از فعالیت های وی در عرصه انقلاب اسلامی و جنگ نگردید. طولی نکشید که به حوزه علمیه قم وارد شد و از آن زمان تاکنون که ۲۳ سال به طول انجامید، خوشه چین خرمن بزرگان بوده است و از اساتید و آیات عظام همچون: وجدانی فخر، پایانی، استادی، طاهری خرم آبادی، وحید خراسانی، فاضل لنکرانی، شیخ جواد تبریزی، گرامی، جوادی آملی، حسن زاده آملی، صالحی مازندرانی، مصباح یزدی، فیاضی و... بهره های فراوانی برد. فقه، اصول، تفسیر، کلام، فلسفه، عرفان و زبان انگلیسی از جمله موضوعات و گرایشاتی بود که به صورت تخصصی در حوزه علمیه قم به آن پرداخته شد و محصول این تلاش ۲۵ ساله در حوزه و دانشگاه، ارائه مقالات متعددی است که در مجلات، کنگره ها و سایتهای اینترنتی ارائه شده است و تعداد زیادی هم از آنان در آینده عرضه خواهد شد.

ترشیزی، اسماعیل

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ اسماعیل ترشیزی (کاشمیری) از بزرگان علماء و رؤساء روحانیون عصر از شاگردان آیت الله العظمی میرزای مجدّد شیرازی در سامرا و از رفقاء و اصداق مرحوم آیت الله حاج شیخ حسنعلی تهرانی (مقیم مشهد) بوده و در مشهد مقدس اقامه جماعت در جامعه گوهرشاد داشته و نیز حوزه تدریس تا در حدود ۱۳۲۰ ق وفات نموده. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ترشیزی، علی اکبر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ علی اکبر ترشیزی (کاشمیری) در اوائل ۱۳۰۰ قمری مشرف به سامرا شده و از محضر آیت الله مجدّد شیرازی استفاده نموده تا در آنجا وفات نموده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ترشیزی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ محمدباقر ترشیزی (کاشمیری) از اجلاء علماء تهران و از شاگردان علامه حجة الاسلام حاج سید محمدباقر شفتی اصفهانی و مرجعی بزرگوار در تهران بوده و در حدود ۱۲۷۵ قمری وفات و دو فرزند بنام شیخ محمد معروف به سرخهی و شیخ حسین والد

عالم جلیل معاصر آیت‌الله حاج شیخ زین‌العابدین سرخهی از خود باقی گذارد که آنان را مرحوم ملا عباسعلی سرخهی از تلامذه شیخ انصاری تربیت نمود.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ترشیزی، محمدحسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ محمدحسین ترشیزی (کاشمیری) عالمی جلیل و فاضلی کامل از شاگردان مجدد شیرازی در سامرا و ملازمین علامه آقا شیخ اسماعیل کاشمیری بوده و مضافاً بر تبحر در فقه و اصول ید طولائی در علم طب داشته است.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ترکابادی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۶۹ ق)، فقیه امامی. وی ابتدا در کاشان در خدمت ملااحمد نراقی و حاج سید محمدتقی پشت مشهدی و میرزا ابوالحسن مجتهد و حاج ملا-ابوالقاسم ترکابادی درس خواند. سپس رهسپار عراق گردید و در نجف در مجلس درس شریف‌العلمای مازندرانی آقا سید محمد کربلایی حضور یافت. پس از گرفتن اجازه‌ی اجتهاد از سید محمد کربلایی به زادگاهش بازگشت و در کاشان به امامت نماز و ارشاد مردم پرداخت. از جمله آثار وی: «زبده الاصلاح» که مختصر «صلاح العمل» سید محمد کربلایی است؛ شرح «زبده الاصلاح»؛ «الرساله الجعفریه»، در دیات؛ «معمد الانام»، فقه مبسوط؛ «هلال الاحکام»؛ «محبوب القلوب»، در احوال انبیاء و حکما؛ «مجمع الفوائد» که در آن «جامع الشتات» میرزای قمی را گرد آورده است.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۱/۲۱۲)، مکارم الآثار (۱۹۴۰-۱۹۳۹/۶).

ترکاشوند، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن ترکاشوند

محل تولد: نهاوند

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۶/۷/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۰ پس از اخذ سوم راهنمایی به دلیل سکونت خانواده در کرمانشاه وارد حوزه علمیه امام صادق (ع) آن شهر شدم و در محضر اساتیدی همچون استاد محسنی، شریفی، نظری، به تحصیل ادبیات عرب، منطق، معانی، تفسیر مشغول شدم و البته مدتی نیز اصول را در محضر حضرت آیت الله نجومی تلمذ نمودم.

در سال ۱۳۷۴ به تهران عزیمت نموده و در حوزه علمیه مروی به ادامه تحصیل پرداختم. در نزد استاد قاسمی و اصول را در نزد استاد سعیدی تلمذ نمودم و سپس رسائل را در نزد استاد شریف زاده، مکاسب را در نزد آیت الله مقتدایی و آیت الله هاشمی تبریزی، فلسفه را در نزد استاد طبرستانی تلمذ نمودم و در این مدت در تهران نیز به امور تبلیغی و امامت جماعت اشتغال داشتم. در سال ۱۳۸۰ توفیق سکونت و تحصیل در بلده طیبه قم نصیب گردید و دوره سطح را در نزد اساتیدی همچون آیت الله استادی و مرحوم استاد روستا ارسنجانی و استاد موسوی تهرانی به پایان رساندم. در سال ۸۱ همزمان با ورود به دوره خارج و بهره گیری از محضر آیات عظام مکارم شیرازی و سبحانی تبریزی در مرکز تخصصی علم کلام به عنوان دانش پژوه مقطع سطح ۳ مشغول به تحصیل شدم و از محضر اساتیدی همچون ربانی گلپایگانی مومنی، خسرو پناه، توفیقی بهره مند شدم و پس از پایان دوره به تدوین پایان نامه با عنوان "بررسی مبانی فکری و اعتقادی معاویه" مشغول شدم.

از سال ۱۳۸۱ همزمان با تحصیل به امور پژوهشی و تحقیقی نیز مشغول شده و با مراکز همچون مرکز مطالعات و پژوهشهای حوزه، موسسه تحقیقاتی ولی عصر، موسسه تحقیقاتی طه و ... همکاری داشته و مقالاتی را تدوین نمودم. در سال ۱۳۸۳ ضمن تدوین و آماده سازی یک متن درسی اعتقادی جهت تدریس در حوزه علمیه علوی به تدریس در آن حوزه شریفه نیز مشغول شدم که این همکاری هنوز نیز ادامه دارد و همچنین به تدریس در مرکز جهانی علوم اسلامی و جامعه الزهرا نیز مشغول می باشم. همچنین از سال تحصیلی ۸۵ نیز به صلاحدید مسئولین و بزرگان مرکز تخصصی علوم کلام به عنوان معاونت آموزشی این مرکز مشغول به خدمت گزاری می باشم. از خداوند تبارک و تعالی حسن عاقبت و توفیق شناخت و عمل به تکالیف را خواستارم.

ترکستانی قمی، فخرالدین

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۰۶۵ ق)، متکلم، فقیه، ادیب و شاعر امامی. وی از اهالی ترکستان ماوراءالنهر و سنی مذهب بود. سپس به مشهد مقدس هجرت نمود و پس از اخذ مقدمات و فنون ادب نزد علمای مشهد در اوایل جوانی به تشیع گروید. سپس در قم ساکن شد و مدارج عالی علمی را تا اجتهاد گذرانید و از ائمه فتوی در قم شد. از جمله آثار وی: ترجمه‌ی «توحید المفضل»، به فارسی؛ شرح «حدیث البساط» یا شرح «حدیث الغمامه»، شامل معجزات امیرالمومنین علی (ع)؛ شرح «حدیث الاحتجاج و منهاج الکرامه»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۹۲- ۱۹۱/۱۳، ۹۱/۴)، ریاض العلماء (۳۳۲- ۳۳۱/۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱/۴۳۳).

ترکمان، علی قلی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن قرچقای خان، در ۱۰۲۰ متولد گردیده، از شاگردان آقا حسین خوانساری و شمس‌الدین حکیم جیلانی بوده، عالم فاضل، و ساکن مدرسه‌ی شیخ لطف‌الله بوده است.

کتاب زیر از اوست:

۱ - احیاء الحکمه [مطبوع] ۲ - ایمان الکامل ۳ - خزائن جواهر القرآن ۴ - زیور العارفین ۵ - السعديه ۶ - شرح اثولوجیا ۷ - فرقان الرأیین ۸ - مزامیر العاشقین فی تعریب زیور العارفین؛ و غیره.
برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ترکمانی اصفهانی، مهدی‌قلی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۱۲۳ ق)، عالم و حکیم امامی. وی مقدمات علوم را نزد علمای زادگاه خود در اصفهان آموخت و علوم عقلی را از محضر پدرش و فقه و حدیث را از حوزه‌ی مجلسی دوم فراگرفت. سپس قم را مسکن دائمی خویش قرار داد و به فتوی اشتغال یافت. او نیز مانند پدرش تولیت استانه حضرت معصومه (ع) را داشت. از آثار فرهنگی وی: تاسیس مدرسه‌ی مهدی‌قلی خان در سال ۱۱۲۳ ق و تاسیس کتابخانه در مدرسه‌ی مذکور است. از آثار علمی وی: حاشیه بر کتاب «احیاء الحکمه»؛ حاشیه بر کتاب «فرقان الرأیین و بنیان الحکمتین» پدرش، ملا علیقلی خان بن قراچغای خان؛ «سما الاسماء»، در لغت، به فارسی؛ تعدادی رسائل فلسفی کوچک.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۶/۱۷۴، ۱۲/۲۲۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲/۷۶۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱/۴۴).

ترکه، مظفر

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شاعر و ادیب و واعظ، معاصر شاه عباس صفوی. در هجو ساروتقی (بعداً به نام او اشاره خواهد شد) اشعاری دارد که از آن جمله است:

ساروتقی که امروز ایرانیان مدار است

یاران حذر نمائید الماس لکه دار است

در گنجینه آثار تاریخی اصفهان (۵۴۸) نقل از قصص الخاقانی (۲: ۸۰) گوید:

در دوره شاه اسماعیل اول به منصب قضای دارالسلطنه اصفهان سرافراز بوده، و تولیت مسجد جامع اصفهان و مقبره مشایخ یزد با اجداد او بوده. در سال ۱۰۷۶ جزو منشیان دربار شاه عباس ثانی بوده، مردی ظریف و بذله گو و عیاش بوده است.

نور صادقی در کتاب اصفهان (۵۴۸) در ضمن شرح حال میرزا ابو تراب خطاط اصفهانی گوید: در جنب مسجد لبنان در جوار مزار خواجه صاین الدین ترکه، که از اجله علما و فقها بود. دفن گردیده است. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ترمذی، ابوعیسی محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۲۷۹-۲۰۹ ق)، حافظ، محدث و مصنف. اهل بوغ ترمذ، بر کناره‌ی جیحون، بود. به دنبال حدیث به خراسان و عراق و حجاز سفر کرد و از قتیبه بن سعید و اسحاق به راهویه و محمد بن عمرو بلخی و محمد بن حمید رازی و ابراهیم بن عبدالله هروی و سدید مروزی و صالح بن عبدالله ترمذی و محمد بن ابی‌معشر سندی و بسیاری دیگر حدیث شنید. علم حدیث را از بخاری آموخت و در بسیاری از مشایخ با وی مشارکت داشت. احمد بن اسماعیل سمرقندی و ابو حامد احمد مروزی و احمد بن علی حسنویه و احمد بن یوسف نسفی و اسد بن حمدویه نسفی و عبد بن محمد نسفی و علی بن عمر سمرقندی و ابوالعباس محمد بن احمد محبوب و هیثم بن کلب شاشی و بسیاری دیگر از وی حدیث شنیدند. ادیسی گوید که ابوعیسی در قدرت حافظه ضرب‌المثل بود و حاکم گوید که بعد از بخاری در خراسان از نظر علم و حفظ، خلف شایسته‌ای چون او نبود. در اواخر عمر نایبنا شد و در قریه‌ی بوغ ترمذ درگذشت. وی صاحب یکی از «صحاح» ششگانه است. از آثارش: «الجامع الصحیح» یا «جامع ترمذی»، در حدیث؛ در دو مجلد؛ «الشمائل النبویه»، «التاریخ»؛ «العلل»، در حدیث؛ رساله‌ای در «خلاف و جدل».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷ / ۲۱۳)، الاعلام بوفیات الاعلام (۱ / ۱۹۸)، انساب سمعانی (۴۶۰-۴۵۹ / ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۷۴ / ۱)، تهذیب التهذیب (۳۳۶-۳۳۵ / ۹)، دایره‌المعارف فارسی (۶۳۳ / ۱)، روضات الجنات (۱۹۵ / ۸)، ریحانه (۳۳۲ / ۱)، سیر النبلاء (۲۷۷-۲۷۰ / ۱۳)، شذرات الذهب (۱۷۵-۱۷۴ / ۲)، طبقات الحفاظ (۲۸۲)، العبر (۴۰۲ / ۱)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۴۲۳)، الکامل (۶ / ۷۵)، کشف الظنون (۱۴۴۰، ۱۰۵۹، ۸۶۳، ۵۵۹)، الکنی و الالقاب (۱۱۹-۱۱۸ / ۲)، لسان المیزان (۱۳۴ / ۹)، لغت‌نامه (ذیل / ترمذی)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۲۷۹)، معجم المؤلفین (۱۰۵-۱۰۴ / ۱۱)، النجوم الزاهره (۹۴-۹۳ / ۳)، الوافی بالوفیات (۲۹۶-۲۹۴ / ۴)، وفیات الاعیان (۲۷۸ / ۴)، هدیه الاحباب (۱۱۲)، هدیه العارفین (۱۹ / ۲).

تریاکیان، هارتیون

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ش)، پزشک، محقق، دانشمند و مترجم. از پزشکان ارمنی و از محققین پرکار که علاوه بر طبابت در زمینه‌ی ارتباط گویش گیلکی و زبان پهلوی و روسی و فرانسه و همچنین گویش محلی گیلان آشنا بود. او ظاهراً نخستین فردی از ارامنه است که «گلستان» سعدی را به زبان ارمنی ترجمه کرد و این ترجمه در سال ۱۹۱۸ م به چاپ رسید که نسخه‌ای از آن در کتابخانه‌ی ایروان موجود است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: نامها و نامدارهای گیلان (۹۴-۹۳).

تستری، رضی‌الدین محمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن بهاء‌الدین محمد بن مولی حسن علی بن مولی عبدالله تستری اصفهانی. عالم فاضل محقق، مؤلف «شرح ادعیه السر»، که جهت مریم بیگم یکی از زنان صفویه (عمه‌ی شاه سلطان حسین) تألیف شده است.
مولی عزالدین عبدالله تستری بن حسین صاحب مدرسه‌ی معروفه در بازار اصفهان می‌باشد. شرح حالش در کتب تراجم مذکور، و در تاریخچه‌ی محله‌ی خواجه (۳۶-۵۲) به طور مفصل مسطور است.
در ۱۰۲۱ وفات یافته است. جنازه پس از دفن در امام‌زاده اسماعیل به کربلا منتقل گردید.
برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

تشید، محمد اسماعیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیهوشی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای عمومی از دانشکده پزشکی علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۳۰، دکترای تخصصی بیهوشی از آمریکا در سال ۱۳۳۴، سفر به کشورهای آمریکا، انگلستان، لبنان، و سوئیس در تازه کردن اطلاعات تخصصی.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

روش اندازه‌گیری عمق بیهوشی در بیهوشی مدرن، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۵۰ پایان‌نامه دکترای تخصصی بیهوشی.

ابداع:

لوله‌های ویژه انتوباسیون از راه بینی به شکل S مشهور به لوله دانشگاه تهران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

فارماکولوژی داروهای بیهوشی، انتخاب روش بیهوشی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳۳، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۲

زمینه علمی مقالات:

انستریولوژی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

تعلیمی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۵ ش)، ریاضیدان، منجم، فیزیکدان و ادیب. در تهران متولد شد. بعد از سپری کردن دوره‌ی ابتدایی و متوسطه از دانشسرای عالی در رشته ریاضی فارغ‌التحصیل شد. سپس برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و موفق به اخذ لیسانس از دانشگاه بُردو، و درجه‌ی دکترا از دانشگاه ژنو شد. همچنین در رشته‌های فیزیک ستارگان و جوشناسی موفق به اخذ دانشنامه گردید. تعلیمی مدت دو سال در رصدخانه‌ی ژنو به انجام تحقیقات علمی پرداخت و چون به تعلیم و تربیت علاقه‌ی وافر داشت، وارد انستیتوی ژان ژاک روسو شد و پس از پنج سال تحصیل در رشته‌ی تعلیم و تربیت و روانشناسی، دانشنامه، و در قسمت تعلیم و تربیت تجربی دیپلم عالی اختصاصی دریافت کرد. دکتر تعلیمی پس از هفده سال تحصیل، تحقیق و کسب تجربه در فرانسه و سویس، به ایران بازگشت و به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و عهده‌دار سمت‌هایی چون مترجمی فنی و ریاست دانشکده‌ی ادبیات تبریز شد. از آثار وی: «مبانی آموزش و پرورش نوین»؛ «مربی و طرز تربیت او»؛ «اصول تعلیم و تربیت تجربی و روانشناسی فنکسیونل».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲/۲۶۸)، مولفین کتب چاپی (۳۵۳-۳۵۲/۵).

تفتازانی، سعدالدین مسعود

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۷۹۲- ۷۲۲/ ۷۱۲ ق)، عالم و ادیب. معروف به ملاسعد تفتازانی. در تفتازان- قریه‌ی نزدیک نسای خراسان- متولد شد. وی از شاگردان قطب‌الدین رازی و قاضی عضدالدین ایجی بود. سعدالدین مدتی در سرخس سکونت گزید و به فرمان تیمور به سمرقند رفت. همان جا در گذشت و در سرخس دفن شد. تفتازانی در فنون ادبی، منطق کلام، فقه، اصول، متبحر بود و در بسیاری دیگر از علوم زمان خود دست داشت. از آثار مهم او «شرح العقاید النسفیة»؛ «مقاصد الطالبین»، در کلام و شرح «مقاصد الطالبین»؛ «المطول»، در فصاحت و بلاغت؛ «تهذیب المنطق و الکلام»؛ «شرح الشمسیه»، در منطق؛ حاشیه بر «الکشاف» زمخشری، در تفسیر؛ «ارشاد الهادی»، در نحو؛ «شرح التصریف العزی»، در صرف؛ شرح «تلخیص المفتاح»، در معانی و بیان؛ و مختصر آن شرح به نام

«المختصر»؛ «شرح الاربعین النوویه». [۱]

سعدالدین مسعود بن عمر (و. تفتازان ۷۲۲- ف. سرخس ۷۹۷ یا ۷۹۱ ه. ق.).

وی در ۱۶ سالگی به تصنیف کتب پرداخت. شرح صرف زنجانی و پس از آن مطول را تألیف کرد و در خوارزم متوطن شد و مختصر را به رشته تحریر آورد. ملک پیر محمد با اجازه امیر تیمور تفتازانی را به سرخس فرستاد و او سپس به دعوت تیمور به سمرقند رفت و مورد احترام تیمور گردید.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۱۱۴- ۱۱۳/ ۸)، ایضاح المکنون (۲۸۳/۱)، تاریخ ادبیات ایران (۲۹۵- ۲۹۴/ ۳)، تاریخ نظم و نثر (۸۹۷)، دائره‌المعارف الاسلامیه (۳۳۹/۵)، دایره‌المعارف فارسی (۶۵۰/۱)، روضات الجنات (۳۸- ۳۴/ ۴)، ریحانه (۳۴۰- ۳۳۷/ ۱)، کشف‌الظنون (۱۷۸۰، ۱۷۶۹، ۱۲۲۲، ۱۱۴۵، ۱۱۳۹، ۸۴۷، ۵۱۵، ۴۹۶، ۴۷۴، ۶۷)، الکنی واللقاب (۱۲۲- ۱۲۱/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ تفتازانی)، معجم المؤلفین (۲۲۹- ۲۲۸/ ۱۲)، هدیه الاحباب (۱۱۲)، هدیه العارفین (۴۳۰- ۴۲۹/ ۲).

تفرشی، ابوالحسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۰- ۱۲۶۱ ق)، طیب. در خواران تفرش متولد شد و تا سن هجده سالگی در همان جا فارسی و عربی و حسن خط را آموخت. در سال ۱۲۷۹ ق به تهران آمد، سال بعد وارد مدرسه دارالفنون شد و در سال ۱۲۹۱ ق به گرفتن دیپلم طب نایل گردید. در این سال به سمت حافظ‌الصحه (رییس بهداری) اراک منصوب شد، پس از یکسال طبابت و اقامت در اراک، به تهران بازگشت. تفرشی سمتهای مختلفی را مانند: دانشیار طب در مدرسه‌ی دارالفنون، طیب گارد مخصوص، طیب و معالج محمدرحیم خان علاءالدوله امیرنظام، رییس مریضخانه دولتی کرمانشاه، رییس بیمارستان دولتی (سینای کنونی) عهده‌دار بود. در سال ۱۳۰۲ ق برای مدت کوتاهی به اروپا مسافرت کرد و در پاریس با وضع تشریحات و عملیات آن آشنا شد. وی در تهران درگذشت و در امامزاده حسن مدفون گردید. نامبرده دارای تألیفات و ترجمه‌هایی می‌باشد از جمله: «پاتولوژی»؛ «تراپولیک و دواسازی»؛ «تشریح»؛ «فیزیولوژی»؛ «مسایل عمده‌ی حفظ‌الصحه»؛ «مطلع الطب ناصر».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: شرح حال رجال (۸/ ۶)، مؤلفین کتب چاپی (۱۴۵- ۱۴۴/ ۱)، المآثر والآثار (۲۱۸)، مکارم الآثار (۱۶۵۲- ۱۶۵۱/ ۵).

تفرشی، مصطفی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن‌الحسین‌الحسینی‌التفرشی‌شیخ‌حر‌عاملی‌در‌امل‌الامل‌گوید‌وی‌عالمی‌محقق‌و‌فاضلی‌ثقه‌است‌او‌را‌کتابی‌است‌در‌علم‌رجال‌موسوم‌به‌«نقد‌الرجال»‌روایت‌می‌کند‌از‌مولی‌عبدالله‌شوشتری‌و‌از‌شیخ‌عبدالعالی‌عاملی‌محقق‌کرکی‌از‌پدر‌خود،‌خود‌شیخ‌عبدالعالی‌را‌در‌رجال‌خود‌نام‌برده‌است،‌ولی‌اشخاصی‌را‌که‌متأخر‌از‌شیخ‌طوسی‌بوده‌اند‌جز‌عده‌ای‌کمی‌را‌نام‌نبرده.

صاحب روضات الجنات می‌گوید: من تحقیق نکردم تا به حال روایت احدی از علماء را از او و گمان من اینست که صاحب عنوان از بنی‌اعمام سید فیض‌الله بن سید عبدالقاهر حسینی تفریسی (که ترجمه‌اش گذشت) فقیه متکلم رجالی است بلکه دور نیست که او نیز از جمله مشایخ صاحب عنوان در این فن و غیر آن باشد.

تقدم وی در این صنعت (علم رجال) از امور شایعه‌ایست که احدی انکار نکرده و همچنین کمال وثاقت و عدالت و نهایت ضقط و جلالت او و بس است در اثبات این مراتب اینکه تلمیذ و تربیت شده‌ی مولی‌عبدالله شوشتی مقدس جلیل و نبیل معروف است. نگارنده گوید: تا اینجا بود آنچه را که ما به دست آوردیم از محدثین و فقهاء و مجتهدین قم از روز مهاجرت اشعریین کوفه به آن تا زمان مرحوم میرزا قمی و اکنون می‌پردازیم به ذکر جناب میرزا و دانشمندانی که بعد از وی در قم بوده و یا مدفون در آن شده‌اند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

تفریسی، فیض‌الله

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن عبدالقاهر الحسینی التفریسی القمی از معاصرین اوائل دولت صفویه بود است شیخ حر عاملی در کتاب امل‌الامل می‌فرماید: وی مردی فاضل و محدثی جلیل‌القدر بوده است دارای کتبی است که از جمله آنهاست شرح مختلف و کتابی در اصول دارد که دانی پدرم شیخ علی بن محمود عاملی از مصنف آن مرا خبر داد و آنها را نزد وی خوانده بود در نجف و هم از او اجازه گرفته و تعریف می‌کرد فضل و علم و صلاح و عبادت او را و سید مصطفی تفریسی آتی‌الذکر در رجال خود از وی نام برده و گفته است سید ما که طاهر و کثیر‌العلم و عظیم‌الحلم و متکلم و فقیه و ثقه و عین است مولدش در تفرش قم و تحصیلش در مشهد رضا بوده و امروز از ساکنین قبه جدش مشهد غریست و حسن‌الخلق و سهل‌الخلیقه ولین‌العریکه است و تمام صفات صلحاء و علماء و اتقیاء در او جمع است او را کتبی است که از آن جمله حاشیه بر مختلف و شرح بر اثنی عشریه است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

تفضلی، ابوالقاسم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد ابوالقاسم تفضلی در سال ۱۳۰۰، در مشهد به دنیا آمد. تحصیلات خود را پس از مقطع ابتدایی و متوسطه، در رشته حقوق ادامه داد و در دانشگاه‌های استانبول، پاریس و تهران تا مقطع دکترا به تحصیل پرداخت. مطالعه درباره تصوف و دیدار با بزرگان صوفیه از جمله برنامه‌های استاد تفضلی می‌باشد. اغلب مقالات او از سال ۱۳۲۵ در روزنامه ایران ما به چاپ رسیده است. وی از سال ۱۳۵۶ خود را بازنشسته کرد و به سیر و سیاحت در نقاط مختلف جهان و نگارش کتاب‌های قابل توجهی درباره عرفان و نیز کتاب‌های جنایی بر گرفته از پرونده‌های موکلان خود مشغول شد. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: دکتر تفضلی در خانواده‌ای درویش مسلک و عارف پیشه به دنیا آمد و پرورش یافت. منزل پدر او محفل درویشان و مجلس مثنوی خوانی و تفسیر آن بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: تفضلی تحصیلات خود را پس از مقطع ابتدایی و متوسطه، در رشته حقوق ادامه داد و در دانشگاه‌های استانبول، پاریس و تهران تا مقطع دکترا به تحصیل پرداخت. وی زبان انگلیسی را در دانشگاه کلمبیای نیویورک آموخته است. خاطرات و وقایع تحصیل: دوران تحصیل دکتر تفضلی در ترکیه مصادف با جنگ جهانی دوم و کشتار مردم آنجا بود که استاد تمامی این وقایع را از نزدیک مشاهده کرده بود. استادان و مربیان: عبدالباقی گلپیناری محقق تاریخ و فرهنگ ترک در دانشگاه استانبول و جلال الدین چلبی نواده مطهر مولوی از جمله استادان وی بودند. هم دوره ای ها و همکاران: دکتر زرین کوب از جمله دوستان نزدیک دکتر تفضلی به شمار می آید. وقایع میانسالی: دکتر تفضلی در سال ۱۳۳۴ برای زیارت آرامگاه مولانا و در سالهای ۱۳۴۳، ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ برای حضور در مجالس سماع درویشان در ترکیه حضور یافت و از آن پس به دیدار با مشایخ با مشایخ طریقت مولویه و تحقیق درباره مولوی پرداخت. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: دکتر تفضلی تا سال ۱۳۵۶ (به مدت ۵۵ سال) به کار وکالت اشتغال داشت. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: استاد ابوالقاسم تفضلی در سال ۱۳۰۰، در مشهد به دنیا آمد. تحصیلات خود را پس از مقطع ابتدایی و متوسطه، در رشته حقوق ادامه داد و در دانشگاه‌های استانبول، پاریس و تهران تا مقطع دکترا به تحصیل پرداخت. مطالعه درباره تصوف و دیدار با بزرگان صوفیه از جمله برنامه های استاد تفضلی می باشد. اغلب مقالات او از سال ۱۳۲۵ در روزنامه ایران ما به چاپ رسیده است. وی از سال ۱۳۵۶ خود را بازنشسته کرد و به سیر و سیاحت در نقاط مختلف جهان و نگارش کتاب های قابل توجهی درباره عرفان و نیز کتاب های جنایی بر گرفته از پرونده های موکلان خود مشغول شد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: مطالعه درباره تصوف و دیدار با بزرگان صوفیه از عادات هر روزه استاد تفضلی می باشد. اغلب مقالات او از سال ۱۳۲۵ در روزنامه ایران ما به چاپ رسیده است. وی از سال ۱۳۵۶ خود را بازنشسته کرد و به سیر و سیاحت در نقاط مختلف جهان پرداخت.

تفضلی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۶ مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۸، کارشناسی ارشد زبان های پیش از اسلام از مدرسه زبان های شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن در سال ۱۳۴۰، دکترا در زبان های باستانی ایران از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۵.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷، دانشیار در سال ۱۳۵۲، استاد در رشته فرهنگ و زبان های باستانی ایران در سال ۱۳۵۷.

زمینه های علمی و تحقیقاتی:

زبان شناسی، لهجه شناسی، زبان های باستانی ایران، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۰ پایان نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

زبان‌شناسی ایران، زبان‌ها و ادبیات پیش از اسلام ایران، زبان فارسی، ادیان پیش از اسلام ایران، اسطوره‌شناسی ایرانی، لهجه‌شناسی ایرانی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۹، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۷

زمینه علمی مقالات:

زبان‌شناسی ایرانی، زبان پهلوی (فارسی میانه)، اسطوره‌شناسی ایران، لغت‌شناسی فارسی.

زبان‌شناس، روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۶ آذر ۱۳۱۶، اصفهان.

درگذشت: ۲۴ دی ۱۳۷۵، تهران.

احمد تفضلی، فرزند اسماعیل، فارغ‌التحصیل رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران بود. وی سپس در رشته‌ی فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران در دانشگاه لندن در انگلستان به تحصیل پرداخت و موفق شد کارشناسی ارشد و دکترای خود را در همین رشته کسب نماید. وی استاد دانشگاه تهران و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی بود.

آثار وی عبارتند از: تألیف واژه‌نامه مینوی خرد؛ ترجمه‌ی مینوی خرد؛ تألیف شناخت اساطیر ایران (با همکاری دکتر ژاله آموزگار یگانه، چاپ سوم، ۱۳۷۳)؛ ترجمه نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایرانیان (اثر آرتور کریستن سن، دو جلد، ترجمه با همکاری دکتر ژاله آموزگار یگانه؛ این کتاب در هشتمین دوره‌ی کتاب سال در سال ۱۳۶۹ در موضوع تاریخ و جغرافیا در بخش ترجمه‌ی برنده‌ی جایزه‌ی کتاب سال شده است)؛ گزیده‌های زاد اسپرم (به فرانسوی؛ با همکاری دکتر فیلیپ ژینیو، پاریس، ۱۹۹۳، این کتاب برنده سومین دوره‌ی جایزه‌ی جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شده است). از وی مقاله‌هایی در مجلات «سخن»، «دانشکده‌ی ادبیات تهران»، «دانشکده‌ی ادبیات تبریز»، «راهنمای کتاب» و «کلک» به چاپ رسیده است.

دکتر تفضلی در دی ۱۳۷۵ در گذشت و پیکرش در بهشت زهرا در قطعه ۸۸ به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

تفضلی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق.

تولد: ۱۲۹۷، مشهد.

درگذشت: ۴ مهر ۱۳۶۳، جاده مشهد.

محمود تفضلی، فرزند مصدق‌السلطان، بعد از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود در زادگاهش تحصیلات عالی را در دانشسرای عالی تهران در رشته‌ی باستان‌شناسی دنبال کرد. در امتحانات نهایی دوره‌ی لیسانس با احراز رتبه‌ی اول موفق به دریافت مدال درجه‌ی یک علمی (مدال طلا) گردید و سال‌ها در دبیرستان‌های تهران (دبیرستان البرز و دبیرستان دیگر) با سمت دبیری به

تدریس مشغول بود. وی همچنین مدتی در موزه‌ی ایران باستان کار می‌کرد.

محمود تضلی با نام مستعار «گرسنه» نیز مطالب خود را امضا می‌کرده است. خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۲۱ آغاز کرده و مدت‌ها با روزنامه‌های «نبرد» و «ایران ما» همکاری داشته و زمانی نیز صاحب امتیاز روزنامه «تلاش» بود. وی همچنین مدتی به مدیریت «نامه‌ی موسیقی» برگمارده شد و هفت شماره از آن مجله را منتشر ساخت.

تضلی در کشورهای نپال، ترکیه، یونان و خصوصاً هندوستان تجاربی اندوخته بود. وی به انتخاب وزارت فرهنگ و هنر به ریزنی فرهنگی به ترکیه و هندوستان رفت و چندین سال در این کشورها اقامت داشت. به ویژه به علت تعلق خاطر که به فرهنگ هندوستان داشت، در راه شناسایی ادب این کشور تلاش بسیار کرد. از وی ترجمه‌های ارزنده‌ای به جای مانده است که از آن جمله است: اندیشه‌های نهری (ترجمه از انگلیسی، ۱۳۴۰)؛ نگاهی به تاریخ جهان (سه جلد، ترجمه از انگلیسی، تألیف جواهر لعل نهری، ترجمه از انگلیسی، ۱۳۳۸، نشریه‌ی سفارت هند)؛ ایتر پریسکوم، گزارش سفارتی به دربار شاه‌عباس اول (از ژرژ تکتاندر فن دریابل، ۱۳۵۱)؛ مرآت الممالک، سفرنامه‌ای به خلیج فارس... (از سید علی کاتبی، با همکاری علی گنج‌دلی، ۱۳۵۵)؛ کودتا، نفت، مصدق (ترجمه و گردآوری، ۱۳۵۹)؛ نامه‌های پدری به دخترش (اثر جواهر لعل نهری، ترجمه از انگلیسی، ۱۳۴۱)؛ کشف هند (دو جلد، ترجمه از انگلیسی، تألیف جواهر لعل نهری، ۱۳۵۱)؛ همه‌ی مردم برادرند (ترجمه از انگلیسی، تألیف مهاتما گاندی، ۱۳۴۸)؛ حقیقت من (ترجمه از انگلیسی، تألیف ایندیرا گاندی، ۱۳۶۲)؛ زندگانی بتهوون (اثر رومن رولان، ترجمه از فرانسه، ۱۳۲۸)؛ اتوبیوگرافی فرانکلین (اثر بنجامین فرانکلین، ۱۳۴۲)، زندگانی من (اثر جواهر لعل نهری، با مقدمه دکتر تاراچند، ۱۳۳۵)؛ زندگی یوهان سباستیان باخ (نشریه‌ی شماره‌ی شش اداره‌ی موسیقی کشور، ۱۳۲۹)؛ سفری به مسکو (چاپ دوم، ۱۳۳۲)؛ شاندر پتوفی شاعر انقلاب مجار (ترجمه با مشارکت انکلا بارانی، ۱۳۳۱)؛ گفت و شنود با آقای نهری (۱۳۳۸)؛ مجموعه درباره‌ی مهاتما گاندی پدر ملت هند (۱۳۳۷)؛ مجموعه‌ی اشعار در توحید و حقانیت دین مبین اسلام (۱۳۳۵)؛ نامه‌های تیرباران شده‌ها (۱۳۳۰)؛ شوپن یا شاعر (از گی دوپورتاس، ۱۳۳۶)؛ دوستی، دوستی (یادداشت‌های یک شرکت کننده در جشنواره‌ی برلین، ۱۳۳۱)؛ هفت شاهی (شامل داستان‌های: «یک فاجعه»، «آخور چوبی»، «یک بار سیر شدن»، «تحصیل مجانی در دبیرستان»، «بیچاره‌ها» اثر زیگوند مورتیس، ۱۳۳۱)؛ هند ۱۹۵۹ م. (۱۳۳۷، نشریه اطلاعات سفارت هند).

تضلی در آستانه‌ی وفاتش به عنوان مشاور فرهنگی مؤسسه‌ی جدیدالتأسیس چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی برگزیده شده بود.

محمود تضلی بر اثر تصادف در جاده‌ی مشهد چهارم مهر ۱۳۶۳ به دار باقی شتافت.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

تفلیسی، حسین

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۱۹۷ ق)، عارف و مفسر ایرانی. در اصفهان زندگی می‌کرد. در آن شهر مجلس درسی داشت و هم در آن شهر درگذشت. وی با عارف الهی، آقا محمد بیدآبادی (وف ۱۱۹۷ ق) معاصر بود. اثر مشهور وی «تفسیر القرآن» است که به «تفسیر تفلیسی» شهرت یافته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۵۱/۶)، تذکره القبور (۲۷۹)، الذریعه (۲۶۷/۴)، معجم المؤلفین (۳/۳۱۷).

تقدس، علیرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

درگذشت: ۱۳۶۱.

از آثار اوست: الله الخالق: آفریدگار یکتا (تألیف عبدالحلیم خضره؛ تهران، ۱۳۶۷)؛ تألیف دنیای ناشناخته نیایش: نگرشی بر نیایش امام سجاد سیدالسادین (ع) (تهران، ۱۳۶۶)؛ ترجمه قدس، رؤیای ما، نقاشی‌ها و نوشته‌های کودکان فلسطین (تهران، ۱۳۶۴). برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

تقدیری بشرویه، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی تقدیری بشرویه

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۶/۳

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ به حوزه علمیه ولیعصر (عج) شهرستان خوانسار وارد شدم و علوم مقدماتی را در نزد ابوی مرحوم حضرت آیت الله شیخ هاشم تقدیری سبزواری (ره) تلمذ نمودم. سطح فقه و اصول را در نزد اساتید بزرگوار حضرت حجة السلام والمسلمین نیازی خرم آبادی و حجة السلام والمسلمین رفیعان نیشابوری و دیگر استادان آن حوزه استفاده نمودم. در سال ۱۳۶۹ برای تکمیل دروس حوزه به شهر قم عزیمت نمودم و سطوح عالی رسائل و مکاسب و کفایه را در محضر حضرات اساتید حجة الاسلام موسوی تهرانی، مرحوم آیه الله پایانی (ره)، مرحوم آیه الله صالحی مازندرانی (ره) و دروس خارج حوزه را در محضر حضرات اساتید آیه الله وحید خراسانی، آیه الله شیخ جواد تبریزی، آیه الله جوادی آملی و دیگر بزرگواران بسیاری بهره بردم. در حین تحصیل به جهت علاقه و افرجه تربیت نسل جوان در مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان از محضر استاد هنرمند حضرت حجت الاسلام والمسلمین راستگو؛ شیوه های مهارتی تربیتی و پرورشی را آموختم که تا کنون از سرمایه های علمی آن مرکز در راه تبلیغ و تربیت نسل جوان بسیار بهره مند شده ام و همچنین به عضویت گروه پژوهش کودک و نوجوان صدا و سیمای قم و دوره های نقد ادبی حوزه از محضر استادان حجة الاسلام والمسلمین جواد محدثی و دهنوی در راه خدمت به فرهنگ علمی جامعه از شیوه های نگارش و ویرایش استفاده کردم. و پس از مدتی کوتاه به مؤسسه فرهنگی دار الحدیث توفیق تحقیق و مصدربابی یافتم و چندین سال از علوم حدیث و معارف اهل بیت هم در راه رشد فکری خویش از آن مؤسسه فرهنگی بهره ها بردم. از توفیقات بنده در راه خدمت به

معارف اهل بیت علیهم السلام، ورود به مؤسسه مذاهب اسلامی جهت شرکت در دوره های آموزشی و تخصصی مذاهب اسلامی بوده است. و در تبلیغ و اطلاع رسانی به ویژه در مناطق اهل سنت و مرزی و اجرای برنامه های کلاسی و اردویی و نویسندگی در خدمت بوده ام.

تقدیری، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد تقدیری

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در ۵ مسیر دارای فعالیت بوده‌ام:

۱- تحصیل: تحصیلات دبیرستان تا دیپلم در رشته ریاضی و فیزیک در دبیرستان امام صادق (ع) قم گذراندم پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه مدرسه رسالت شدم و تا لمعتین در آن مدرسه تحصیل کردم از حضور اساتید معظم نکونام، طالقانی (ادبیات)، فشارکی (سیوطی)، (اصول)، کریمی، صالحی افغانی، نکونام، حائری، لمعه (اشتهاردی، محامی وجدانی فخر) استفاده کردم و رسائل را خدمت استاد اعتماد و موسوی تهرانی و مکاسب را خدمت استاد مرحوم پایانی، اشتهاردی، ستوده استفاده کردم و هم زمان فلسفه و بدایه و نهاییه را خدمت استاد فیاضی تلمذ نمودم و سپس وارد درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی و آیت الله هاشم شاهرودی شدم و فقه را نزد آیت الله تبریزی و مکارم و مددی و سید کاظم حائری استفاده کردم و خارج بیع را نزد آیت الله هاشمی شاهرودی گذراندم و اکنون مدت ۵ سال است در درس خارج مکاسب محرمه نزد رهبر معظم انقلاب در تهران مشغول هستم همزمان با تحصیل حوزه کارشناسی ارشد الهیات رشته کلام در تربیت مدرس دانشگاه قم گذراندم و موضوع افسردگی و حزن و اندون (مقایسه تطبیقی) در قرآن، سنت و متون دینی و روانشناسی پایان‌نامه‌ام بود همچنین دو سال و نیم دوره معارف در دانشکده باقرالعلوم (ع) وابسته به دفتر تبلیغات گذراندم.

۲- تحقیق: به طور رسمی از سال ۱۳۷۲ در مؤسسه دارالحدیث جزو محققین همکار در تدوین میزان الحکمه قرار گرفتم که موضوعات تربیتی و اخلاقی و روانشناسی مانند اخلاق، حزن، خانواده، خیر و برکت، محبت و عناوین دیگر را تحقیق کردم که دو عنوان آن محبت در قرآن و حدیث، خیر و برکت در قرآن و حدیث منتشر شده است.

۳- تدریس: همزمان با دو عنوان قبل به تدریس دروس منطق، فقه و اصول، کلام، اخلاق و تفسیر اشتغال داشته‌ام مباحث روش تحقیق و روش تبلیغ از مباحث تدریسی بوده است.

۴- تألیف: علاوه بر کتب چاپ شده در تحقیق مقالاتی برای سمینارها و کنفرانسها ارسال می‌داشتم که بعضاً در همان سمینار قرائت شده و سپس چاپ شده است.

۵- تبلیغ: پس از اتمام لمعتین تبلیغ در مدارس، روستاها، سپس دانشگاهها را شروع کردم که مجموعاً ۲۰ سال تبلیغی سابقه دارم و تا سال ۱۳۷۹ که جهت معاونت فرهنگی آستان حضرت عبدالعظیم به تهران آمدم در ۶ دانشگاه کشور و خوابگاههای آن فعالیت داشته‌ام بدلیل آموزش و پرورش کار با کودکان و نوجوانان و تحصیلات دانشگاهی توانستم در تبلیغ مدارس و دانشگاهها اثرات مؤثری داشته باشم. هم اکنون نیز در مساجد شهری و تهران دانشگاه شاهد و مراکز و مجالس به سخنرانی و تبلیغ اشتغال دارم. در سال ۱۳۷۹ به عنوان معاون فرهنگی آستان حضرت عبدالعظیم (ع) در خدمت آن امامزاده وارد شدم که علاوه بر کارهای مدیریت ریاست مرکز نجوم آستان مقدسی، مسئول حوزه علمیه حضرت عبدالعظیم (خواهران و برادران -) تدریس در این دو حوزه و تحصیل درس خارج درس مقام معظم رهبری شرکت دارم. و علاوه بر تبلیغ مجموعه ای از خواهران و برادران را برای تبلیغ در مدارس آموزش داده‌ام که در مناسبت‌ها به تبلیغ اعزام می‌شوند. همچنین به عنوان استاد راهنما راهنمایی بیش از ده پایان‌نامه در موضوعات اخلاقی - تربیتی روانشناسی راهنمایی کرده‌ام.

تقوی اشتهاوردی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین تقوی اشتهاوردی در اشتهاورد، به سال ۱۳۰۴ ش، در یک خانواده روحانی، چشم به این جهان گشود. او در سال ۱۳۲۵ ش به قم سفر کرد و در مدرسه فیضیه در یکی از حجره‌ها سکونت نمود و مدت هفت سال در آن حجره بود و با ذوق و شوق به تحصیلات خود ادامه داد. یکی از اشتغالات مهم آیت الله تقوی در حوزه علمیه قم، تدریس و تربیت شاگرد بود و در این جهت مهارت و پشتکار از خود نشان داد. از همان آغاز که وارد حوزه شد، در ضمن تحصیل به تدریس دروس سطح حوزه نیز پرداخت. او در ۱۴ مهر ماه ۱۳۷۹ ش دار فانی را وداع گفت. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب: پدر بزرگوار حسین تقوی اشتهاوردی، حضرت آیت الله حاج شیخ یحیی تقوی (۱۲۶۷ - ۱۳۳۸ ه. ش) از علمای برجسته، مخلص و خدمتگذار شهر اشتهاورد (واقع در ۵۲ کیلومتری جنوب غربی شهرستان کرج) بود. این عالم ربانی، در صفات و ارزش‌های اخلاقی، عرفانی و شاگردپروری، در سطح بالایی قرار داشت. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: «صبح‌ها مشغول خرید و فروش و تأمین معاش و رسیدگی به امور خانه بودم و تنها بعد از ظهرها درس می‌خواندم. دیدم با این وضع به جایی نخواهم رسید، نزد پدر رفتم و عرض کردم: اجازه بفرما یا به قم برای ادامه تحصیل بروم و یابه کسب و کار مشغول شوم. ایشان که بسیار علاقه داشت تحصیلات حوزوی را ادامه دهم، اجازه فرمود به قم عزیمت کنم. از این رو در سال ۱۳۲۵ شمسی به قم سفر کردم. یک ماه بود که مرجع معروف، آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی؛ در نجف اشرف رحلت کرده بود. مدتی نیز از آمدن حضرت آیت الله العظمی بروجردی به قم می‌گذشت و روز به روز بر رونق حوزه علمیه قم تحت زعامت آن مرجع عالیقدر، افزوده می‌شد. در مدرسه فیضیه در یکی از حجره‌ها سکونت نمودم و مدت هفت سال در آن حجره بودم، شرایط حجره از نظر بهداشت و آب و هوا و غذا و ساختمان، بسیار بد بود، به گونه‌ای که بیماری روماتیسم گرفتم، در چنین شرایطی با ذوق و شوق به تحصیلات خود ادامه دادم.» تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: پدر و مادر حسین تقوی اشتهاوردی از داشتن نخستین پسر خوشنود شدند و نام این نوزاد فرخنده را حسین گذاشتند. حسین در کنار پدر و مادر مهربان خود پرورش یافت و در پنج یا شش سالگی نزد پدر، تحصیل را آغاز کرد. طبق رسم آن زمان، نخست به یاد گرفتن تلاوت آیات قرآن پرداخت. بر اثر استعداد سرشار، به زودی تلاوت همه آیات قرآن را فرا

گرفت. پس از آن، به تحصیل درس فارسی، که کتاب «معراج السعاده»، تألیف مرحوم آیت‌الله ملا-احمد نراقی؛ بود، پرداخت. قدری ریاضی نیز در محضر پدر آموخت. در این هنگام خواندن و نوشتن را به طور کامل فرا گرفته بود. در دوازده سالگی به خواندن «جامع المقدمات» که اولین کتاب درسی حوزه است، مشغول شد. چون هنوز مدرسه علمیه اشتها در آن وقت مخروبه بود، این کتاب را نیز همراه بعضی از دوستان در مسجد نزد پدرش می‌آموخت. تا این که سال ۱۳۱۵ شمسی فرا رسید. مرحوم حاج شیخ یحیی تقوی، مدرسه علمیه مخروبه را در آن سال تعمیر کرد و حوزه کوچکی در آنجا تشکیل داد. شیخ حسین تقوی، در آنجا همراه بعضی از دوستان، دروس سطح مانند: «لمعه» و «قوانین» را نزد پدر فرا گرفت و در کنار درس، برای تأمین زندگی به کار و کسب نیز اشتغال داشت. حدود شش سال در درس آیت‌الله العظمی بروجردی؛ حاضر شد و از علم وافر او بهره‌مند گردید و تقریرات درس فقه ایشان را در سه جلد به رشته تحریر درآورده که هم اکنون موجود می‌باشد و هنوز به چاپ نرسیده است. همچنین در دوره اصول درس خارج امام خمینی (ره) از آغاز تا پایان شرکت و آن را به طور کامل تقریر کرده است. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام این تقریرات را با عنوان «تنقیح الاصول» در چهار جلد، چاپ و منتشر نموده است. نیز تقریرات درس مکاسب امام راحل را از آغاز تا شرایط متعاقبین، نوشته‌اند که بنا است همین مؤسسه آن را به چاپ رساند. فعالیت‌های ضمن تحصیل: حسین تقوی اشتها دردی با وجود برخورداری از حافظه و استعداد سرشار، می‌توانستند در سطح مراجع تقلید مطرح شوند؛ ولی بیماری طولانی مانع بروز آثار علمی از آن مرحوم گردید؛ چنان که خود می‌فرمود: «اوایل انقلاب اسلامی در ایران، چشم‌هایم آب آورد و بر اثر عمل جراحی و طولانی شدن مداوا، مبتلا به سردرد شدم و از توفیقاتم کاسته شد.» استادان و مربیان: اساتید دروس سطح حسین تقوی اشتها دردی در حوزه قم عبارتند از: ۱- مرحوم شهید آیت‌الله صدوقی یزدی؛ ۲- مرحوم شهید علامه مرتضی مطهری؛ ۳- مرحوم آیت‌الله مجاهدی تبریزی؛ ۴- مرحوم آیت‌الله حاج عبدالجواد اصفهانی؛ ۵- مرحوم آیت‌الله آقا جواد خندق آبادی؛ ۶- مرحوم آیت‌الله آقا میرزا علی اصغر علامه تهرانی؛ ۷- مرحوم آیت‌الله حاج آقا باقر سلطان. آیت‌الله تقوی در درس خارج فقه و اصول مراجع و علمای محقق وقت، شرکت می‌کرد که می‌توان به افراد ذیل اشاره داشت: ۱- آیت‌الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی؛ ۲- آیت‌الله العظمی حضرت امام خمینی (ره). ۳- آیت‌الله العظمی سید محمدرضا گلپایگانی؛ ۴- آیت‌الله العظمی سید محمد حجت؛ و بعضی دیگر و مقداری از درس خارج فقه و فلسفه را در محضر علامه طباطبایی فرا گرفت. البته در میان این بزرگواران بیشتر از درس آیت‌الله العظمی بروجردی؛ و امام خمینی (ره) استفاده کرده است. هم دوره ای‌ها و همکاران: از هم‌مباحثه‌های حسین تقوی اشتها دردی که بسیار با هم بودند، دانشمند و نویسنده محقق عبدالمجید رشیدپور است که خدمات فرهنگی بسیاری داشته است. او در ضمن تحصیل، کتاب‌های مقدماتی و سطح حوزه را نیز تدریس می‌کرد و طلاب از محضرش بهره‌مند می‌شدند. زمان و علت فوت: حسین تقوی اشتها دردی پس از مدت‌ها کسالت، در هفته آخر، حالشان روز به روز وخیم‌تر می‌شود. خود نیز فهمیده بود که در آستانه رحلت قرار گرفته است. پسرش می‌گفت: «ده روز قبل از مرگ، به من فرمود: ده روز دیگر می‌میرم و مصلحت است بروم. در این باره شک نکن. ماه مبارک رجب فرا رسید. روز هشتم حالش منقلب شد. شب آن روز، نماز مغرب و عشا را خوابیده خواند؛ اما هوش و حافظه‌اش هیچ خللی نداشت. حتی دنبال چیزی می‌گشتم، فرمود: فلان جا است. رفتیم، دیدیم همان جا است. وقتی پزشک معالج آمده بود، از او تشکر کرد و به ذکر خدا مشغول شد. با آرامش خاصی نام خدا و شهادتین را به زبان آورد. و حدود ساعت ۱۰/۳۰ شب بود که به لقاء الله پیوست.» او چهارشنبه، ششم رجب سال ۱۴۲۱ ق. (برابر با ۱۴ مهر ۱۳۷۹ شمسی) دار دنیا را وداع گفت. پیکر مطهرش در روز جمعه ۱۵ مهرماه از مسجد امام، با تشییع با شکوه، به طرف حرم حضرت معصومه (س) حرکت داده شد. پس از طواف ضریح، حضرت آیت‌الله آقای حاج شیخ علی پناه اشتها دردی (دامت برکاته) نماز بر آن گزارد. پیکر مطهرش را در قبرستان باغ بهشت (روبه روی گلزار شهدای قم)، در «مقبره العلماء»، به خاک سپردند. مجالس پر شکوهی به مناسبت رحلت آن عالم ربّانی با شرکت مراجع، علما و فضلا و سایر اقشار مردم در قم، تهران و اشتها در

برگزار گردید. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: حسین تقوی اشتهاردی با آن که از مجتهدین و مدرسین بود، اما از وظیفه تبلیغ دین و بیان حلال و حرام و وعظ و ارشاد غافل نمی‌شد. از این رو در ماه مبارک رمضان و محرم، بنا به دعوت اهالی اشتهارد، به آنجا رفته و ضمن اقامه جماعت، به تبلیغ دین می‌پرداخت و مدت‌ها قبل از انقلاب، نماز جمعه را نیز اقامه می‌فرمود. در اشتهارد دو مسجد را اداره می‌کردند و با تلاش‌های شبانه روزی خود تا مدت ۳۵ سال این کار را ادامه دادند. از آن جا که ایشان بر مسائل اسلامی و احکام، بسیار تسلط داشت و مطالب را به گونه روان و همه فهم بیان می‌کرد، لذا توانست تحول خوبی در آن سامان به وجود آورد. در بیان احکام، جدی و قاطع و دقیق بود. با پیش مطالعه عمیق، سخن می‌گفت. برای اوقات مردم ارزش فراوان قائل بود. بیاناتش اثر خاصی داشت و از این رو عده بسیاری تحت تأثیر قرار گرفته و بر ایمان و کمالات خود افزودند. او مکرر می‌گفت: «سه چیز باید از خوب‌هایش باشد و در انتخاب آنها دقت کرد: ۱- پزشک برای درمان بیماران؛ ۲- عالم دانا به مسائل برای پاسخگویی به مسائل مختلف؛ ۳- هندوانه خوب.» این مثال هندوانه را می‌آورد تا روشن کند اگر دکتر و عالم، حاذق و ماهر نباشند، مانند هندوانه نارسیده، قابل استفاده نیستند. فعالیت‌های آموزشی: یکی از اشتغالات مهم حسین تقوی اشتهاردی در حوزه علمیه قم، تدریس و تربیت شاگرد بود و در این جهت مهارت و پشتکار چشمگیری از خود نشان می‌داد. از همان آغاز که وارد حوزه شد، در ضمن تحصیل به تدریس دروس سطح حوزه نیز پرداخت. حدود پانزده سال در مدرسه حقانی و مدرسه آیت‌الله گلپایگانی، کتاب‌های «شرح لمعه»، «مکاسب»، «رسائل» و «کفایه» را تدریس کرد. همچنین در حوزه علمیه حرم آباد نیز یک ماه تدریس کرده است. علاقه وی به دانش و دانش اندوزی به حدی بود که در سال‌های آخر عمر، که بر اثر کسالت، بیشتر در منزل بود، جلسات مباحثه و تدریس در منزل وی انجام می‌گرفت. مرحوم تقوی، مدت‌ها در مدرسه علمیه حاج ملاصادق قم تدریس می‌کرد و شب‌ها در همان جا نماز جماعت را اقامه می‌نمود و روزهای پنجشنبه برای خواهران طلبه تفسیر می‌گفت. سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: حسین تقوی اشتهاردی؛ در ضمن وعظ و ارشاد در اشتهارد، به نیازهای مادی و رفاهی مردم نیز توجه خاصی داشتند و در رفع آن نیازها به جدیت می‌کوشیدند. یکی از خدمات مهمی که با پیشنهاد و جلوداری ایشان شروع و تکمیل گردید، ساخت و تبدیل حمام‌ها و رسانیدن آب آشامیدنی به اهالی بود. مشکل دیگری که در اشتهارد وجود داشت، نداشتن آب آشامیدنی بود. مردم از قنات دوردستی که همان قنات، غسلخانه نیز بود، آب شرب خود را تأمین می‌کردند. لذا آیت‌الله تقوی با راهنمایی و زمینه سازی و با همت مردم، مزرعه‌ای را که دارای آب شیرین بود و در حدود یک فرسخی اشتهارد قرار داشت، خریداری و آب آن را به اشتهارد لوله کشی می‌کرد. شروع این کار در سال ۱۳۴۸ بود و هم اکنون بعد از گذشت سال‌ها از این آب استفاده می‌شود. البته بر اثر افزایش جمعیت، آب‌های دیگری را نیز بر آن افزوده‌اند. او بسیار خرسند بود که قدمی در راه خدمت به مردم برداشته و در این باره می‌فرمود: «وظیفه خود دانستم که اهالی را به یاری خداوند متعال، از این زحمت طاقت فرسا نجات دهم، و آب خوشگوار و شیرین را در دسترس همگان بگذارم.» ارتباط حضرت آیت‌الله تقوی؛ با حضرت امام خمینی (ره) در ابعاد گوناگون بسیار قوی بود. ارتباط مهم او با امام، ارتباط شاگرد و استادی بود. ایشان حدود ده سال (از سال ۱۳۳۱ تا ۱۳۴۱ شمسی) در درس فقه و اصول امام شرکت کرد و علاوه بر فقه و اصول، از فیوضات عرفانی و اخلاقی امام نیز استفاده فراوان برد. شاگردان: شاگردپروری حسین تقوی اشتهاردی را می‌توان از امتیازات ایشان دانست؛ شاگردانی برجسته و کارآمد که اکنون بسیاری از آنها در نظام اسلامی و حوزه‌های علمیه، منشأ خدمت هستند؛ مانند حجج اسلام: فلاحیان، رازینی، یونسی (وزیر اطلاعات فعلی)، تیری، عباسی فرد و بسیاری از رؤسای دوایر قضایی و شیخ محمد رضا آدینه‌وند، صدیقی (دو نفر از علمای حوزه) و محمدی عراقی (رئیس سازمان تبلیغات اسلامی) و... آرا و گرایشهای خاص: مرحوم حسین تقوی اشتهاردی از نظر اخلاقی و معنوی، دارای ویژگی‌هایی بود که در اینجا نظر شما را به چند نمونه جلب می‌کنیم: زهد و وارستگی، عبد خدا و شیفته ولایت، وقار، ادب و متانت، خوش رویی و اخلاق نیک، صبر، مقاومت و شکر، تواضع و فروتنی، نظم و انضباط، یاد آخرت و آرامش پیش از سفر، آثار: اصول المذهب، تقریرات

درس فقه آیت‌الله العظمی بروجردی، تقریرات درس فقه مکاسب، تنقیح الاصول، فروع المذهب، معاشرت از دیدگاه وحی

منابع زندگینامه: سایت حوزه علمیه قم/بخش زندگینامه علما-1/ www.hawzah.net

تقوی شیرازی، محمدشریف

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدشریف بن العالم الجلیل سید محمدحسن بن الفقیه النبیہ سید حسین بن السید الجلیل سید علی ابن الشریف الجلیل سید محسن بن سید شاه حسین بن سید زبیر تقوی برقی رضوی مجتهد ونکی شیرازی نسبش با بیست و چهار واسطه بوسیله جناب موسی مبرقع به حضرت جوادالائمه امام محمدتقی (ع) منتهی می‌شود.

وی در سال ۱۲۷۰ ق در ونک متولد شد و در ۵ سالگی به مکتب رفت و در ۹ سالگی در محضر پدرش به تحصیل مقدمات عربی مشغول شد و در دوازده سالگی برای تکمیل تحصیلات به اصفهان رفت و با مرحوم آیت‌الله آقا سید محمدکاظم یزدی (صاحب عروء) که به اصفهان آمده بود دوستی پیدا کرد و متحدا در محضر درس اساتید اصفهان به تحصیل فقه و اصول و سایر علوم متداوله عصر مشغول شده تا آنکه سطوح را تمام کرده و سپس به درس خارج حاج شیخ محمدباقر اصفهانی حاضر و در ۱۷ سالگی مهاجرت به نجف نموده و از محضر درس مرحومین علمین حاج شیخ لطف‌الله و حاج شیخ زین‌العابدین مازندرانی و فاضل ایروانی و حاج میرزا حبیب‌الله رشتی و آیت‌الله العظمی میرزا محمدحسن شیرازی مدت دوازده سال تکمیل علوم نقلی و عقلی نموده و خود به اصرار طلاب و محصلین حوزه نجف به تدریس پرداخته و جمع کثیری از فضلاء از محضرش استفاده نموده تا اینکه به مرض قلبی مبتلا- و ناچار مراجعت به ایران و شیراز نموده و مورد توجه و احترام و تجلیل شایان علماء و اهالی شیراز قرار گرفته و پس از ورود و پذیرائی علماء او را به مسجد برده و عموم مردم از وی درخواست مجلس بحث و فحوص و تدریس نموده و حوزه علمی تشکیل داده و قریب چهل سال به رتق و فتق امور شرعی و امر به معروف و نهی از منکر اشتغال داشت و نیز کتب عدیده‌ای تألیف و تصنیف نمود که اسامی آنها را یادآور خواهیم شد.

مرحوم آیت‌الله تقوی مزبور از مخالفین سرسخت مشروطه بود و از اینجهت در شیراز تحت فشار مشروطه‌خواهان قرار گرفت و به اصفهان و تهران رفت و پس از شهادت مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ فضل‌الله شهید نوری مسافرت به عراق نموده و با مرحوم علامه خراسانی آخوند ملا محمدکاظم مباحثه و گفتگو نموده و بعد از چندی به شیراز برگشت و بار دیگر مجلس درس تشکیل و در سال ۱۳۴۲ ق به قصد زیارت مشهد مقدس حرکت و در اصفهان مریض و پس از معالجه چندی در مدرسه صدر مجلس درس و بحث قرار داده و پس از دو سال اقامت برای زیارت ارض اقدس به تهران آمده و در آنجا مرضش شدت تا در بیست و هشتم ماه رمضان ۱۳۵۲ ق وفات و جنازه‌اش را با تشییع عظیمی حمل به قم و به امر مرحوم آیت‌الله العظمی حایری تعطیل عمومی و تجلیل فراوان از جنازه‌اش نموده و آن مرحوم بر وی نماز خوانده و حسب الوصیه‌اش در رواق جدش حضرت موسی مبرقع دفن نمودند.

آثار علمی آن مرحوم از اینقرار است ۱- تبصره الناظرین (در دواعی مسیحی) ۲- کشف المرام فی قانون الاسلام (راجع به مشروطه و معایب آن) ۳- کشف البیان فی تربیه الانسان ۴- تذکره المسلمین فی تهیج العامه (در امر به معروف و نهی از منکر) ۵- رساله نقلیه (در نوافل) ۶- رساله در رد طائفه وهابیه ۷- مرآة الاصول (در اصول دین اسلام) ۸- رساله عملیه محشی به حاشیه خود آن مرحوم ۹- یک دوره فقه فارسی از عبادات تادیات (که در شیراز و اصفهان و تهران چاپ شده) ۱۰- قانون الهی که در شیراز به طبع رسیده است.

آن مرحوم فرزندان عدیده‌ای داشتند که تمامی از ارباب دانش و ادب و زبان و قلم بوده‌اند.

۱- مرحوم آیت‌الله حاج سید عنایت‌الله تقوی.

۲- آقا سید عبدالحمید تقوی مدیر روزنامه آرین از نویسندگان معاصر.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

تقوی شیرازی، هدایت‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم حاج سید هدایت‌الله تقوی شیرازی بن آیه‌الله سید محمد شریف مجتهد ونکی بن العالم الجلیل سید محمد حسن بن السید الزکی السید حسین بن العالم العلامة السید علی از مشاهیر علماء معاصر تهران و دارای وجاهت تامه و مرجعیت عامه و در امر بمعروف و نهی از منکر جدی (ولا- یخافه فی الله لومه لائمه) بوده و با مرحوم مبرور آیت‌الله مجاهد حاج سید ابوالقاسم کاشانی قدس الله سره رفاقت تام و صداقت مخصوص و در اهداف مقدس دینی و اجتماعی وی هم آهنگی داشتند.

در حدود هزار و سیصد و بیست (۱۳۲۰ ق) در شیراز متولد شده و مقدمات را در محضر پدر بزرگوارش آموخته و از علماء عصر شیراز نیز استفاده کرده و آنگاه به قم مشرف شده و چندی در درس مرحوم آیت‌الله العظمی حایری یزدی (موسس) حوزه شرکت نموده و مورد توجه و عنایت استاد واقع شده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و در خدمت مرحومین آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله حاج سید میرزا آقا اصطهباناتی و سایرین علوم دینی خود را تکمیل نموده و بدریافت اجازه اجتهاد و روایتی از اساتید مذکور نائل شده آنگاه بشیراز مراجعت و پس از فوت مرحوم والدش سال (۱۳۵۲ ق) بر حسب دعوت بعضی از علماء مرکز به تهران آمده و رحل اقامت افکنده و تا آخر عمر سال ۱۳۹۰ ق به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام پرداخته و چندین نفر از صاحبان ادیان مختلفه کلیمی و مسیحی و بهائی در اثر بیانات سودمند ایشان مشرف به اسلام گردیده‌اند. مسجدش در خیابان ادیب‌الممالک (خیابان ری) معروف بمسجد سنگی، از مساجد معروفه تهران و از مراکز حساس تبلیغی دینی می‌باشد.

وی در سال ۱۳۹۰ ق در تهران در سن هفتاد سالگی رحلت نموده و با تجلیل فراوان حمل به نجف و در دارالسیاده (مقبره علماء) مدفون گردیده است.

دارای سه فرزند برومند بنام حجة الاسلام آقای آقا سید عبدالعلی و آقا سید غلامرضا و آقا سید عبدالحسین می‌باشند و در میان آنان جناب آقا سید عبدالعلی تقوی شیرازی سالها در قم اقامت و اشتغال بتحصیل داشته و از محضر آیات عظام و مدرسین گرام استفاده نموده و پس از فوت والدش به تهران برگشته و اکنون در مسجد والدش بجای آن مرحوم به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

تقوی قزوینی، محمدتقی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علامه حاج سیدمحمدتقی تقوی قزوینی به سال ۱۱۵۹ هـ.ش (ه.ق.)، در قزوین دیده به جهان گشود. پس از آموختن مقدمات، ادبیات عرب، ریاضیات، فقه و اصول به فراگیری علوم کلام و حکمت نزد استادان زمان خود پرداخت. آن گاه به زیارت بیت الله الحرام مشرف شد و برای تکمیل علوم دینی به عتبات عالیات سفر کرد و به کسب کمالات معنوی و طی مراحل عرفانی همت گماشت. سیدمحمدتقی قزوینی علاوه بر کسب علوم زمان خود و مطالعات بسیار، به تالیف آثار متعددی نیز دست زد که آثار قلمی او به سی و دو عنوان می‌رسد. وی سرانجام در سال ۱۲۷۰ هجری قمری دیده از جهان فروبست. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی تحصیلات رسمی و حرفه ای: علامه حاج سیدمحمدتقی قزوینی پس از آموختن مقدمات، ادبیات عرب، ریاضیات، فقه و اصول به فراگیری علوم کلام و حکمت نزد استادان زمان خود پرداخت. آن گاه به زیارت بیت الله الحرام مشرف شد و برای تکمیل علوم دینی به عتبات عالیات سفر کرد و به کسب کمالات معنوی و طی مراحل عرفانی همت گماشت. استادان و مربیان: سیدمحمدتقی تقوی قزوینی علوم کلام و حکمت را از محضر علامه مازندرانی معروف به «جدلی» فراگرفت. وی همچنین از محضر سیدمحمد مجاهد که در اصفهان عهده دار تدریس فقه و اصول بود و نیز از محضر شیخ ابراهیم کرباسی بهره‌های فراوان برد. او پس از آنکه از اصفهان به موطن خود بازگشت، وارد مدرسه صالحیه شد و در محضر درس بزرگانی چون شهید ثالث و شیخ محمد صالح برغانی حائری و نیز ملاآقا حکمی قزوینی حاضر شد، و بعد از آن عازم عتبات عالیات گردید. او ابتدا در کربلا از حوزه درس شریف العلما مازندری حائری (م ۱۲۴۶ق) و سپس از محضر سیدباقر بن سیداحمد قزوینی و ملا اسماعیل عقدایی و سید سلیمان طباطبایی یزدی بهره‌مند گشت و در کاظمین به حوزه درس سیدعبدالله شبر و دیگران ملحق گردید و به مقام عالی علمی نائل گردید و از مشایخ خود و همچنین شیخ احمد احسایی اجازه دریافت کرد. زمان و علت فوت: وفات علامه حاج سید محمدتقی تقوی قزوینی در سال ۱۲۷۰ هجری قمری اتفاق افتاد. جسد وی را پس از تشییع با شکوهی به کربلا حمل نموده و در آنجا به خاک سپردند. سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: سیدمحمدتقی تقوی قزوینی علاوه بر کسب علوم زمان خود و مطالعات بسیار، به تالیف آثار متعددی نیز دست زد که آثار قلمی او به سی و دو عنوان می‌رسد. او همچنین به شعر و شاعری نیز نزدیک بود، مجموعه‌ای از سروده‌های فارسی او در جنگ نفیسی متعلق به کتابخانه امام صادق (ع) قزوین وجود دارد که در آنها با نام «رفیع» و گاه «موفق» تخلص کرده است. آرا و گرایشهای خاص: شیخ جابر کاظمی در کتاب خود سلوه الغریب در مورد سیدمحمدتقی تقوی چنین می‌گوید: «وی در حکمت و فقه و اصول و فنون اسلامی به سرحد کمال رسیده بود و مردم از اقصی بلاد جهت اخذ دعا به زیارت وی می‌شتافتند...» آثار: ارجوزه‌هایی در صرف و نحو، فقه، معانی و بیان، کلام، منطق و عرفان، التجلیات، انوار الاشراق، برهان العصمه، تذکره انبیای بنی اسرائیل مدفون در قزوین، ترجمه نهج البلاغه، خلاصه التفاسیر، ظرایف الحکمه، نهاییه التحرير فی شرح التجرید

منابع زندگینامه: دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، به کوشش بهاء الدین خرمشاهی، ج ۱، تهران: دوستان و ناهید، ۱۳۷۷، ص ۸۰۲۲ ستایش امیر المومنین (در سروده‌های سخنوران قزوین)، پژوهش: محمدعلی حضرتی، قزوین: بحرالعلوم

تقوی مقدم، مرتضی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مرتضی تقوی مقدم

محل تولد: کهکیلویه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۹ در سن ۱۸ سالگی وارد حوزه علمیه قم شدم. قبل از ورود به حوزه مقدمات ادبیات عرب را نزد پدرم آموخته بودم. دوره مقدمات را تا سال ۶۲ به پایان رساندم و از سال ۶۳ به محضر درس لمعه و قوانین حضرت آقای شیخ حسین راستی کاشانی وارد شدم و حقاً از آن محضر پر فیض استفاده کردم. در سال ۶۴ در کنکور سراسری شرکت کرده و با احراز رتبه ۱۵ برای تحصیل جامعه شناسی وارد دانشگاه تهران شدم. همزمان با دروس سطح حوزه، به صورت پاره وقت و پراکنده درس دانشگاه را نیز تا پایان دوره لیسانس ادامه دادم. از آنجا که سطح علمی دانشگاه را پایین تر از تصور قبلی ام می دیدم، بعد از کارشناسی آن را ادامه نداده و محض در دروس حوزه شدم. مکاسب را از محضر مرحوم آقای شیخ احمد پایانی و مکاسب را اغلب از محضر شیخ مصطفی اعتمادی استفاده کردم.

کفایه را در خدمت آقای گنجی فرا گرفتم. در سال ۷۱ وارد مرحله خارج شده و پس از تتبع و شرکت در دروس مشهور، در فقه درس آیه‌الله آقای سیدمحمد هاشمی شاهرودی و در اصول درس آیه‌الله آقای شیخ حسین وحیدخراسانی را پسندیدم و ادامه دادم. ۸ سال درس فقه و ۹ سال درس اصول را مستمراً شرکت کردم. گزیده درس اصول آقای وحید را از نواهی تا آخر برائت در ۱۰ دفتر یادداشت کردم. در حکمت، بخشهایی از منظومه سبزواری را نزد یکی از فضلا خواندم و بدهیه الحکمه را خود مطالعه کرده و نهاییه الحکمه را از نوارهای آقای مصباح استفاده کردم. به مقوله هنر و ادبیات مخصوصاً شعر تعلق خاطر داشته و مطالعاتی در این زمینه داشته ام، در شعر فارسی ممارست ورزیده و علاوه بر تتبع گاهی طبع آزمایی نیز کرده ام. از دریچه شعر به وادی عرفان نیز سری زده و مطالعاتی داشته ام. با حوزه علوم اجتماعی نیز چون رشته دانشگاهیم بود آشنایی دارم، با تاریخ اسلام مخصوصاً تاریخ معاصر نیز بیگانه نیستم.

در سال ۱۳۶۱ کتاب «امرئتان و الرجل» از نوشته های شهیده بنت الهدی صدر را که داستانی آموزنده بود تحت عنوان سرنوشت دو خواهر ترجمه کرده که انتشارات جامعه مدرسین آن را چاپ و منتشر کرد. از سال ۷۴ همکاری با مجله تخصصی فقه اهل بیت را آغاز کردم و مقالات فقهی خود را در آن منتشر کردم اغلب مقالات استاد جناب آقای هاشمی شاهرودی که در این مجله انتشار یافته با قلم این بنده به فارسی تقریر شده است. از سال ۷۸ تا ۸۰ مسئولیت مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی دفتر تبلیغات را بر عهده داشته و تقریباً همزمان با آن مسئولیت مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه نیز به عهده اینجانب واگذار شد. در طول سالهای گذشته مخصوصاً پس از اتمام دروس خارج به تدریس متون فقهی و اصولی نیز اشتغال داشته ام.

تقوی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید حسین تقوی دهاقانی

محل تولد: شهرضا

شهرت

تابعیت: ایران

زندگینامه علمی

اینجانب سال ۱۳۵۵ بعد از اتمام دوره راهنمایی وارد حوزه علمیه شهر رضا شدم. کمتر از یکسال در آن حوزه بخش اعظم ادبیات را خواندم و سپس وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه حقانی مشغول تحصیل شدم و ادبیات را در آنجا تکمیل نمودم و همزمان در حوزه درس را پیگیری نمودم و سپس به دلیل برخی رخ دادها در مدرسه حقانی و شروع انقلاب اسلامی وارد جریانات سیاسی شدم، چندین بار تحت تعقیب ساواک قرار گرفتم و ۶ ماه زندگی مخفی داشتم و سپس با پیروزی انقلاب اسلامی در سازماندهی تظاهرات شرکت نمودم و اعلامیه های امام خمینی (ره) را در سراسر کشور توزیع و نشر نمودم و همزمان درس را با جدیت دنبال نمودم و عمده سطح را نزد اساتید آقایان آیات عظام وحید و تبریزی بهره جسته ام. سپس عمده درس فقه و اصول را به مدت ۱۵ سال از محضر استاد ارجمندم آیت الله مظاهری بهره گرفتم که تقریرات درسی ایشان بنام مشکوه الاصول در سه جلد به زبان عربی و با نظارت ایشان آماده چاپ و بهره برداری است و در صورت توفیق، معارف آموخته از ایشان مجدداً به زیورچاپ آراسته خواهد شد. ضمناً درس فلسفه، معارف قرآنی، تفسیر و فلسفه اخلاق و سایر معارف اجتماعی را بطور مستقیم به مدت ۱۵ سال از محضر استاد مصباح بهره گرفتم.

هم اکنون در سه محور تدریس در سطح رسایل، مکاسب و لمعه، در حوزه مشغول تدریس و الحمد لله در امر نگارش و تحقیق و پژوهش توفیق فراوانی داشت ام. اکنون نیز ترجیح می دهم به طور شبانه روز بر آثار و حیانی و اهل بیت علیهم السلام تحقیق و تلخیص نمایم. ضمناً اینجانب در طول عمر انقلاب اسلامی مسئولیت هایی از قبیل نمایندگی امام در سپاه پاسداران، شرکت در جنگ تحمیلی و افتخار حضور در کنار رزمندگان و مسئولیت کمیته انقلاب اسلامی، خدمت در دادستانی سپاه و معاونت آموزشی دانشکده سپاه را به عهده داشته ام.

تقوی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی تقوی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

زندگینامه علمی

او در سال ۱۳۵۱ در خانواده ای روحانی در قم متولد شد. در سال ۱۳۵۷ در حالی به مدرسه رفت که پس از چند ماه مدارس تعطیل شد. پس از گذراندن سیکل وارد حوزه علمیه قم شد و همزمان با دروس حوزوی در دبیرستان شبانه مشغول به تحصیل شد و پس از اخذ دیپلم در دانشگاه پیام نور موفق، به اخذ مدرک لیسانس در رشته جغرافیا (برنامه ریزی شهری و روستایی) شد.

او دروس سطح را در محضر اساتیدی همچون علیدوست، محمدی، موسوی تهرانی، فقیهی و پایانی به پایان رساند و دروس فلسفه

را در محضر آقای اسحاق نیا فرا گرفت. پس از گذراندن دوره سطح در دروس خارج آیات عظام وحید خراسانی، شیخ جواد تبریزی، کرباسی و هادوی تهرانی شرکت نمود و همزمان در مؤسسه تخصصی کلام اسلامی موفق به گذراندن دوره سطح ۴ حوزه شد. او از سال ۱۳۸۰ به بعد به پژوهش در فقه، اصول و کلام پرداخت و با مؤسساتی مانند مرکز مطالعات و پژوهشهای حوزه علمیه قم، معاونت تبلیغ حوزه علمیه، مجله تخصصی مبلغان، مؤسسه امام صادق زیر نظر آیت الله سبحانی، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی و مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) همکاری نموده و می نماید.

تقوی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۳۴۲.

درگذشت: ۱۳۶۴.

از آثار اوست: زندگی در پرتو اخلاق: ذکرالله (قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۳).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

تقوی، محمد کاظم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد کاظم تقوی

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۵/۲

زندگینامه علمی

اینجانب محمد کاظم تقوی در سال تحصیلی ۱۳۶۲-۶۳ در حالی که در سال اول هنرستان - رشته راه و ساختمان - مشغول تحصیل بودم؛ تحصیل در هنرستان را رها کردم و وارد حوزه علمیه جعفریه رستمکلاء بهشهر در مازندران شدم و پس از سه سال تحصیل در آن حوزه علمیه، در ادامه وارد حوزه علمیه اصفهان - مدرسه ذوالفقار - شدم و تا سال ۱۳۶۹ در آن حوزه بودم و از سال تحصیلی ۷۱-۱۳۷۰ به حوزه علمیه قم وارد شدم و از آن سال تاکنون در این حوزه علمیه مقدسه مشغول تحصیل و استفاده از محضر اساتید می باشم. شرح تحصیل بنده در حوزه علمیه قم بدین صورت است که تمام امتحانات کتبی و شفاهی تا پایه دهم را به پایان رساندم و علاوه بر آن چهار نوبت مصاحبه درس خارج فقه و اصول هم انجام دادم که در پرونده ثبت است.

همچنین برای سطح سوم پایان‌نامه‌ای را انتخاب کردم و مشغول نوشتن آن می‌باشم. بیش از ده سال است که در مقطع خارج فقه و اصول از محضر اساتید بزرگوار بهره برده و می‌برم. در درس خارج فقه؛ چهار سال از محضر حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی، یک سال از محضر حضرت آیت الله العظمی تبریزی (ره)، یک سال از محضر حضرت آیت الله العظمی شبیری زنجانی، یک سال از محضر حضرت آیت الله جوادی آملی و نیز بیش از سه سال از درس تفسیر ایشان بهره بردم و نیز بیش از یکسال از درس‌های کلام جدید این حکیم بزرگوار بهره گرفتم. چهار سال از محضر حضرت آیت الله صانعی استفاده کردم. و اکنون بیش از هفت سال است که از درس‌های خارج فقه فاضل محقق آیت الله سروش محلاتی استفاده می‌برم. از مباحث فقه الحکومه، امر به معروف و نهی از منکر و سال سوم مباحث قصاص است که مشغول می‌باشیم. همچنین یک درس خصوصی قواعد فقهیه و اکنون خارج حج را از محضر استاد محقق و فاضل حضرت حجه الاسلام والمسلمین سیدضیاء مرتضوی استفاده می‌کنم. در درس خارج اصول نیز از محضر اساتید بزرگوار به شرح زیر استفاده کردم! حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی یک سال، حضرت آیت الله سبحانی چهار سال، استاد محقق لاریجانی دو سال، استاد فاضل سروش محلاتی یک سال و نیز یک سال از محضر آیت الله صانعی. علاوه بر درس‌های رسمی حوزه، درس‌های جانبی و حاشیه‌ای هم مورد توجهم بود که بدانها اشاره می‌کنم: دوره تربیت مربی کودکان و نوجوانان، دوره‌ای یک ساله. دوره عمومی موسسه در راه حق - موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی که سال اول و سال دوم را گذراندم ولی به خاطر تعارض درس‌های آنجا با درس‌های حوزه - چون درس‌های بعد از ظهر آنجا به صبح تغییر یافت - از سال سوم رهاش کردم. دوره اول آشنایی با اندیشه‌های امام خمینی، دوره عمومی و دوره تخصصی اندیشه‌های سیاسی امام خمینی - از سوی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی - یک دوره فشرده و کوتاه مدت آشنایی با علوم حدیث در دارالحدیث هم شرکت کردم. ضمناً پس از طی مراحل جذب و گزینش روحانی حج و عمره هم می‌باشم. سال دومی است که در دانشگاه آزاد ساوه درس انقلاب اسلامی را تدریس می‌کنم. چند سالی است که مجوز تدریس از امور اساتید حوزه نمایندگی ولی فقه در دانشگاه‌ها دارم. از سال ۱۳۷۱ تاکنون در مناسبت‌های محرم و ماه مبارک رمضان و بعضی از سال‌ها دهه صفر و دو سال طرح هجرت - در همان سال‌های نخست - به تبلیغ موفق هستم. البته دو سال ماه رمضان و یک سال محرم مشکل داشتم و موفق نشدم. بیش از پنج سال در کارهای اجرایی و قلمی صفحه حوزه روزنامه جمهوری اسلامی و نیز فصلنامه حکومت اسلامی، فعالیت می‌کردم. اکنون - سال تحصیلی ۱۳۸۵-۸۶ در کنار تحصیل و تدریس، در حاشیه به نوشتن برخی مقالات نیز مشغول می‌باشم.

تقوی، نصرالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۶ - ۱۲۴۲ ش)، شاعر، محقق و مصحح. در تهران متولد شد. فقه و اصول و حکمت را در جوانی نزد حاج میرزا حسن آشتیانی و میرزا ابوالحسن جلوه در تهران فراگرفت، و برای تکمیل تحصیلات به عتبات رفت، و در حوزه درس علمای آنجا حاضر شد و موفق به اخذ تصدیق و اجازه روایت و استنباط احکام شرعی گردید. تقوی در ادبیات پارسی و عربی نیز متبحر شد، شعر هم خوب می‌سرود. وی پس از اتمام تحصیلات سفری به مکه کرد و در مراجعت از مکه به اروپا رفت و در قوانین موضوعه‌ی اروپا تحقیقاتی انجام داد. نصرالله به هنگام جنبش مشروطه‌خواهی به آزادی خواهان پیوست و از سران انقلاب مشروطه شد. در سال ۱۳۲۳ ق به اتفاق ملک المتکلمین و نصره‌السلطان کتابخانه ملی را تاسیس کرد و در دوره‌ی اول و سوم مجلس شورای ملی وکیل تهران شد. او سالهای متمادی نیز عضو و رئیس دیوان عالی کشور بود. وی در تهران درگذشت. از آثار وی: «هنجار گفتار»، در معانی و بیان؛

تصحیح «اوصاف الاشراف» و «تازیانه سلوک»، مکتوب احمد غزالی به عین القضاء و «دره التاج»؛ ترجمه‌ی «اشارات» با همکاری سید حسن مشکان طبسی. [۱]

(حاج سید) نصرالله اخوی (و. تهران ۱۲۸۲ ه. ق - ف. تهران ۱۳۶۷ ه. ق. / ۱۳۲۶ ه. ش.). از رجال دانشمند دوره اخیر قاجاریه و اوایل پهلوی، وکیل دوره اول و دوم مجلس شورای ملی از تهران، مدعی‌العموم و رئیس دیوان عالی تمیز و مدرس دانشکده‌های حقوق و معقول و منقول و رئیس دانشکده اخیر. از تألیفات وی «هنجار گفتار» در معانی و بیان فارسی است و متن دیوان ناصر خسرو نیز توسط وی تصحیح شده و به طبع رسیده. کتابخانه‌ای نفیس نیز از او به جای مانده است.

معروف به سادات اخوی تهرانی، فرزند سید محمدرضا سادات اخوی، متولد ۱۲۴۲ در تهران. پس از انجام تحصیلات مقدماتی به آموختن معارف اسلامی و فلسفه پرداخت. علوم منقول را نزد میرزا حسن آشتیانی و علوم معقول را در محضر میرزا ابوالحسن جلوه تحصیل نمود. سپس عازم نجف شد. چند سالی از محضر علمای بزرگ درس خارج گرفت و به مقام اجتهاد رسید. پس از مراجعت به ایران، در مدرسه‌ی سپهسالار قدیم به تدریس فلسفه پرداخت. در نهضت مشروطیت در زمره‌ی آزادیخواهان بود و برای استقرار حکومت قانون، از هیچ اقدامی فروگزاری نمی‌کرد. پس از صدور فرمان مشروطیت و تشکیل مجلس شورای ملی اول، از طرف طلاب و روحانیون و اهل علم به نمایندگی مجلس انتخاب گردید. به علت تسلط به سخنوری، در مجلس گل کرد و در ردیف چند نماینده‌ی متنفذ درآمد. به هنگام تاجگذاری محمدعلی شاه، خطابه‌ی بسیار شیوا و غرائی در مجلس ایراد کرد. اقدامات او و عده‌ای دیگر از وکلاء، نتوانست روابط مجلس با محمدعلی شاه را التیام دهد. مجلس به توپ بسته شد، عده‌ای دستگیر شدند، و تعدادی فرار کردند. او هم در دوران استبداد صغیر در اختفا بسر می‌برد. پس خلع محمدعلی میرزا و رفع بحران، فعالیت خود را از سر گرفت. در انتخابات دوره‌ی دوم از تهران وکیل شد و به نیابت ریاست مجلس منصوب گردید. در دوره‌ی سوم وکیل و نایب‌رئیس بود.

پس از انحلال آن مجلس، به دعوت مشیرالدوله وزیر عدلیه وقت، وارد دادگستری گردید و رئیس شعبه‌ی دیوان عالی کشور شد و سال‌ها در همان سمت باقی ماند. در ۱۳۰۶ که داور دادگستری جدید را بنیاد نهاد و از قدمای عدلیه چند نفری را به خدمت پذیرفت، او با رتبه‌ی ۱۰ قضائی، رئیس یکی از سه شعبه‌ی دیوان عالی کشور شد. در آن تاریخ، داور به یک نفر رتبه‌ی ۱۱ و به ۶ نفر رتبه‌ی ۱۰ قضائی اعطاء کرد. رتبه‌ی ۱۱ قضائی به میرزا رضاخان نائینی که مقام دادستان کل را داشت تعلق گرفت، رتبه‌ی ۱۰ را به نیرالملک کفیل دیوان کشور، محمدرضا وجدانی، حاج سید نصرالله تقوی، صدرالاشراف و شیخ محمد عبده و سید محمد فاطمی داد. در ۱۳۱۲ که صدرالاشراف از دادستانی کل به وزارت دادگستری منصوب شد، جای خود را به تقوی سپرد. در ۱۳۱۵ به ریاست دیوان عالی کشور رسید و مدت ده سال در رأس قوه‌ی قضائیه کشور قرار داشت.

در کنار کارهای قضائی خود مدتی عضو و نایب‌رئیس فرهنگستان بود و سال‌ها در سمت ریاست دانشکده‌ی معقول و منقول، به امر درس در آن دانشکده و مدرسه‌ی حقوق و مدرسه‌ی سپهسالار اشتغال داشت. در ۱۳۲۵ تقاضای بازنشستگی نمود و در این امر اصرار داشت. سرانجام قوام‌السلطنه نخست‌وزیر وقت، در ذیل تقاضای بازنشستگی او شرحی به این مضمون نوشت: «برای اینجانب و دولت و کشور نهایت تأسف حاصل است که از خدمات گرانبهای جناب مستطاب عالی محروم می‌مانیم، لیکن چون زحمات و خستگی ممتد حضرت عالی را مجبور به تقاضای تقاعد نموده، از این جهت که ملاحظه‌ی مزاج و حفظ صحت و سلامت عالی برای ارادتمندان فوق‌العاده مأمول و مطلوب است، ناچار با درخواست حضرت عالی موافقت می‌شود؛ مشروط به اینکه از تجربیات و نظرات اصلاح‌طلبانه در پیشرفت امور دریغ نفرموده، دولت و مملکت را از این جهت قرین مزید قدردانی و تشکر فرمایید.»

تقوی در ۱۳۲۶ در ۸۴ سالگی درگذشت. مردی ادیب، دانشمند و حقوق‌دان بود. در زبان و ادبیات فارسی و عربی استاد بود. تألیفاتی از خود به یادگار گذاشت: از جمله کتاب سیاست، هنجار و گفتار در علم معانی و بیان. دیوان ناصر خسرو را نیز تصحیح

کرده و مقدمه‌ی فاضلانیه و مبسوطی بر آن نوشته است. شعر نیز نیکو می‌سرود. در بحبوحه‌ی دیکتاتورری رضاشاه، قصیده‌ای طولانی در مدح رضاشاه و ذم احمدشاه انشاء نموده است. از لحاظ سیاسی جزو افراد محافظه‌کار و مؤید دولت‌های وقت بود. زمانی که به عضویت دیوان کشور پذیرفته شد، به فراماسونری پیوست و تدریجاً از ارکان و بزرگان آن گردید.

وی از جوانی علاقه‌ی خاصی به جمع‌آوری کتب خطی منحصر به فرد و خطوط خوشنویسان معروف داشت و همین علاقه باعث شد کتابخانه و گنجینه‌ی بزرگی از خطوط خطاطان معروف جمع‌آوری کند. به طوری که مجموعه‌ی او فوق‌العاده جالب و منحصر به فرد بود. بعد از مرگش به فرزندش جمال اخوی رسید و معلوم نشد که آن گنجینه‌ی گرانبها که از موارث بزرگ فرهنگی ایران بود، به چه سرنوشتی دچار شد. مرحوم تقوی در تمام عمر زندگی مرفهی داشت.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ انقلاب مشروطیت (۱۲۹۷/۶، ۲۱۰/۱)، الذریعه (۱۱۹۴/۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۶۹/۲)، سخنوران نامی معاصر (۹۰۷/۲)، شرح حال رجال (۳۱۵/۵)، مولفین کتب چاپی (۵۷۷-۵۷۵/۶).

تقی زاده، لطف الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

زندگینامه علمی

آقای لطف الله تقی زاده در سال ۱۳۴۹ هجری شمسی در خانواده‌ی متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان ملکان دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی از یک سو و شوق ادامه تحصیل در قم، زیارت و هم‌جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیها از سوی دیگر وی را رهسپار قم و در سال ۱۳۸۱ وارد حوزه علمیه قم و مرکز علوم اسلامی جانبازان گردید. از نخستین روزهای ورود ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت (ع) با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگان و ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته تاریخ در مقطع دکترا در سال ۱۳۸۷ از دانشگاه باکو در جمهوری آذربایجان فارغ التحصیل گردید و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان "به حکومت رسیدن ترکان جوان در ترکیه و مناسبات ما با قفقاز" دفاع کرد.

وی پس از سالها تلاش و علم‌اندوزی، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم‌اکنون به تدریس در دانشگاههای آزاد بناب، ملکان، مراغه و عجب شیر مشغول می‌باشد. وی در طول حیات علمی خویش از امرنگارش و پژوهش غافل نمانده است و مقالاتی از قبیل "جنگ جهانی اول و دولت عثمانی" و "ترکان جوان و تفکرات مشروطه خواهی" را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

تقی اسکوئی، موسی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فارماکوگنوزی، دانشکده: داروسازی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای داروسازی از دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تبریز در سال ۱۳۴۹، دکترای فارماکوگنوزی از چلسی کالج دانشگاه لندن در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علوم پزشکی تبریز در سال ۱۳۵۸، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه علوم پزشکی تبریز در سال ۱۳۶۹. زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فرآورده‌های طبیعی، داروهای گیاهی، بررسی اثرات شیمیائی و فیتوشیمیائی داورها، عضویت در کنگره‌های داروسازی ایران، مشاوره و نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه دکترای تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: -

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

فرآورده‌های طبیعی و فیتوشیمی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

تقی زاده، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۷-۱۲۵۶ ش)، مورخ، نویسنده و روزنامه‌نگار. در تبریز متولد شد. اجدادش در قریه‌ای به اسم وند، از توابع قصبه‌ی اردوباد، به دنیا آمده بودند. پدرش پس از تحصیل در نجف در شهر خود مدت بیست و چهار سال حوزه‌ی درس و مقام مقتدایی روحانی داشته است. تقی‌زاده در چهارده سالگی شروع به تحصیل کرد، ابتدا کتابهای فارسی معمول آن زمان و مقدمات عربی و بعد منطق و فقه و اول را نزد علمای تبریز آموخت. وی در بین سنین چهارده تا هجده سالگی به تدریج تحولی در رشته‌ی تحصیلات و افکار او پدید آمد. نخست شوق زیاد به علوم ریاضی قدیم پیدا کرد و بعد به علم کلام و حکمت و طب قدیم روی آورد، و دور از چشم پدر در راه علوم خفیه و تصوف و عرفان قدم نهاد؛ و در بعضی مسلکهای دینی خلاف مشهور، مانند طریقه‌ی شیخیه و غیره، مطالعه و تحقیق کرد. بعد از فوت پدر، در هجده سالگی آزادانه به تحصیل علوم جدید پرداخت و طب و تشریح و غیره را ابتدا نزد میرزا نصرالله سیف الاطبا و بعد نزد دکتر محمد کرمانشاهی، معروف به کفری، آموخت و هم به قدر کافی در زبان فرانسه پیشرفت کرد.

در این اوقات در مدرسه‌ی دارالفنون مظفری تحصیل می‌کرد و در آنجا فیزیک نیز درس می‌داد. تقی‌زاده در سال ۱۳۱۶ ق با همدستی چند نفر، مدرسه‌ای به نام تربیت تاسیس کرد. وی در سالهای ۱۳۱۸ ق و بعد از آن در مدرسه‌ی آمریکایی تبریز به فراگرفتن زبان انگلیسی پرداخت و نزد یکی از معلمان آمریکایی قدری از درجات عالی‌ی علوم طبیعی را از روی کتابهای انگلیسی فراگرفت. در سال ۱۳۲۰ ق به همراهی میرزا محمدعلی خان تربیت و میرزا سید حسین خان عدالت و میرزا یوسف خان آشتیانی اعتصام مجله‌ای علمی و ادبی، به اسم «گنجینه‌ی فنون» که ماهی دو شماره منتشر می‌شد و یک سال دوام یافت، تاسیس کرد. تقی‌زاده پس از امضای فرمان مشروطیت چندین دوره به وکالت مجلس از طرف مردم تبریز برگزیده شد و بعد از به توپ بستن مجلس به اروپا رفت و مجله‌ی «کاوه» را در آلمان منتشر ساخت. او با انتقال حکومت از قاجاریه به پهلوی مخالف بود، اما بعد از انتقال حکومت از قاجاریه به خانواده‌ی پهلوی، چندین مرتبه به وزارت‌های مختلف منصوب شد. تقی‌زاده مدتی نیز در دانشگاه کمبریج و مدرسه‌ی مطالعات شرقی زبان و ادبیات فارسی تدریس می‌کرد. بالاخره در تهران وفات یافت. از آثار وی: «مقدمه‌ی تعلیم عمومی یکی از سرفصلهای تمدن»؛ «از پرویز تا چنگیز»؛ «گاه‌شماری در ایران قدیم»؛ «بیست مقاله»؛ «تمدنات قدیمه»؛ «مانی و دین او»؛ «تاریخ انقلاب ایران»؛ «تحفه الملوک»، یکی از متون قدیم مجهول المؤلف؛ «تاریخ عربستان و قوم عرب در اوان ظهور اسلام».[۱]

فرزند سید تقی، متولد ۱۲۵۶ در تبریز. پدرش در کسوت روحانیت بود. تقی‌زاده از پنج سالگی به تحصیل پرداخت و علاوه بر زبان فارسی و عربی و معارف اسلامی، ریاضیات و فلسفه نیز خواند و تحصیلات رایج مدرسی را خیلی زود پایان برد. مدتی نیز در مدرسه‌ی آمریکائی تبریز به آموختن زبان انگلیسی پرداخت. در بیست سالگی با کمک چند تن از دوستان خود مدرسه‌ی تربیت و کتابخانه‌ای در تبریز دایر کرد. نشریات کشورهای عربی و مخصوصاً عثمانی آن روز در آن کتابخانه توزیع می‌شد. در اوایل ۱۳۲۰ ه. ق مجله‌ای به نام گنجینه‌ی فنون انتشار داد. مقالات این مجله که غالباً ترجمه از نشریات خارجی بود در تنویر افکار عمومی و ایجاد فکر آزادی در مردم تأثیر بسزائی داشت. تقی‌زاده مدتی نیز به سیر و سیاحت پرداخت و از قفقاز و استانبول و مصر و بیروت دیدن نمود و در تمام این مسافرت‌ها بر دانش خود افزود. در وقایع مشروطیت، فعالیت بسیار زیادی داشت و از بارزترین مبارزان راه آزادی و مشروطه در آذربایجان بود.

بعد از صدور فرمان مشروطیت و تشکیل مجلس شورای ملی، از طرف تجار تبریز به نمایندگی مجلس انتخاب شد. در آن تاریخ بسیار جوان بود. در خاطرات خود نوشته: «در همان روز که به مجلس وارد شدم، مرحوم حاج محمد صراف نماینده‌ی مجلس به مرحوم حاج سید مرتضی مرتضوی به شوخی گفت: در تبریز شما آدم حسابی قحط بود که این پسر را به عنوان نماینده به مجلس فرستادید! اما مرحوم حاج سید مرتضی گفت صبر کنید تا همین آقا پسر به حرف بیاید آنوقت خواهی فهمید که تبریزی‌ها چه کسی را به نام نماینده‌ی خود به مجلس اول روانه کرده‌اند.» تقی‌زاده با احاطه به نطق و بیان و افکار روشن و منظم و دقیق خیلی زود در مجلس گل کرد و در مدت کوتاهی توانست خود را بشناساند و مورد توجه مردم قرار گیرد. اقدامات مجلس اول علیه محمدعلی شاه که بالاخره منجر به توپ بستن مجلس شد، تا اندازه‌ی زیادی مولود اقدامات تقی‌زاده و چند نفر دیگر بود. چون در این وقایع جانش کاملاً در خطر بود، ناچار شد به سفارت انگلیس پناه برد. پس از مدتی به اروپا رفت و در آنجا برای سقوط محمدعلی شاه فعالیت کرد و با نشر مقالات متعدد به زبان‌های مختلف، افکار عمومی مردم و دولت‌های بعضی از کشورها را متوجه ایران ساخت. بعد از استبداد صغیر، به ایران بازگشت و در انتخابات دوره‌ی دوم از تهران و تبریز و کیل شد ولی وکالت تبریز را پذیرفت. بعد از خاتمه‌ی انتخابات به اروپا و آمریکا سفر نمود و در ۱۳۳۴ ه. ق به انتشار مجله‌ی کاوه در برلن مبادرت کرد و مدت شش سالی که این مجله به زبان فارسی در برلن انتشار می‌یافت، حاوی مقالات بسیار سودمندی بود.

در دوره‌ی سوم نیز وکیل شد، ولی در مجلس شرکت نکرد. در انتخابات دوره‌ی چهارم که همزمان با قرارداد ۱۹۱۹ در زمان

نخست‌وزیری و ثوق‌الدوله بود، بار دیگر از طرف مردم تبریز به نمایندگی مجلس انتخاب شد. ولی مجلس در دوران نخست‌وزیری مشیرالدوله، سپهدار رشتی و سید ضیاءالدین تشکیل نشد تا سرانجام قوام‌السلطنه در ۱۳۰۰ به تشکیل مجلس چهارم مبادرت ورزید. در ادوار پنجم و ششم هم نماینده‌ی مجلس بود، ولی دیگر آن شور و احساس جوانی را نداشت و به استقبال ماجرا نمی‌رفت. در دوره‌ی پنجم از مخالفین تغییر سلطنت بود. مستوفی‌الممالک در ۱۳۰۵ او را برای وزارت خارجه در نظر گرفت ولی از قبول وزارت عذر خواست و نمایندگی مجلس را ترجیح داد.

در ۱۳۰۷ ش والی خراسان شد و کمتر از یک سال در این سمت انجام وظیفه نمود. سپس وزیرمختار ایران در انگلستان شد و تا اواسط ۱۳۰۸ در لندن بود. در آن سال مخبرالسلطنه هدایت، رئیس دولت تغییراتی در کابینه‌ی خود داد؛ از جمله وزارت فوائد عامه را منحل و به جای آن وزارت طرق و شوارع و وزارت اقتصاد ملی را تشکیل داد. ذکاءالملک فروغی به وزارت اقتصاد و تقی‌زاده به وزارت طرق منصوب شدند. یک سال بعد پس از کنار رفتن مشارالملک از وزارت دارائی، تقی‌زاده وزیر دارائی و سرپرست وزارت راه شد و مهذب‌الدوله کاظمی را از جانب خود کفیل وزارت راه نمود. تا پایان کابینه‌ی حاج مخبرالسلطنه، در وزارت دارائی بود. ولی در شهریور ۱۳۱۲ پس از سقوط کابینه‌ی مزبور، او هم بالطبع از عضویت دولت کنار رفت و به سمت وزیرمختار ایران در پاریس تعیین گردید و تا ۱۳۱۳ در آن سمت بود. در آن تاریخ از مشاغل دولتی معاف شد و برای تدریس به انگلستان رفت و به تدریس زبان و ادبیات فارسی و عربی در مدرسه‌ی السنه شرقی پرداخت.

بعد از شهریور ۱۳۲۰ بار دیگر وارد میدان سیاست شد. در کابینه‌ی ذکاءالملک فروغی با کمک منشی سابق خود علی سهیلی که وزیر امور خارجه بود، به وزیرمختاری ایران در لندن برگزیده شد. علت انتخابش به آن سمت، بیشتر برای استفاده از حسن روابط او با کارگردانان حکومت انگلستان بود، زیرا شخصیت علمی و وجهه‌ی سیاسی تقی‌زاده علت معروفیت او در بین رجال انگلیس و در وزارت امور خارجه‌ی انگلستان بود. در ۱۳۲۱ قوام‌السلطنه او را به عنوان وزیر امور خارجه معرفی نمود، ولی تقی‌زاده تلگرافی عذر خواست و در سمت وزیرمختاری در لندن همچنان باقی ماند. بعد از آنکه نمایندگی‌های سیاسی ایران و انگلیس در دو کشور به سفارتخانه تبدیل شد، تقی‌زاده به مقام سفیرکبری ارتقاء یافت. اقدام برجسته‌ی او در سفارت ایران در لندن، مربوط به وقایع آذربایجان و تخلیه‌ی ایران از قوای متجاوز ارتش شوروی است. او چون رجلی ملی و نامدار، در صدد استیفای حقوق ملت ایران برآمد و با طرح شکایت در سازمان ملل، حقانیت ایران را به ثبوت رسانید و از این طریق بار دیگر در محافل سیاسی ایران، نام وی به عنوان یکی از رجال سیاسی و ملی ایران بر سر زبان‌ها افتاد. با وجودی که مخالفین وی در همان هنگام انگشت روی اشتباهات سیاسی وی می‌گذاشتند، ولی مع‌الوصف اقدام او در کشور حسن اثر داشت.

در دوره‌ی پانزدهم، به پاس خدماتش در سازمان ملل، از طرف مردم تبریز به نمایندگی مجلس انتخاب گردید. در آن تاریخ منصورالملک استاندار آذربایجان و قوام‌السلطنه نخست‌وزیر بود، و در غالب نقاط کاندیداهای حزب دموکرات ایران از صندوق‌ها بیرون می‌آمدند. ولی تقی‌زاده عضو آن حزب نبود و مردم تبریز او را به عنوان یک شخصیت برجسته‌ی آذربایجانی و مستقل، به مجلس فرستادند. تصویب اعتبارنامه‌اش با جنجال توأم بود. عباس اسکندری نماینده‌ی همدان، درباره‌ی صلاحیت و سوابق سیاسی او، پناهنده شدنش به سفارت انگلیس و تمدید قرارداد نفت جنوب در دوره‌ی وزارت دارائی‌اش، به تفصیل سخن گفت و او را برای نمایندگی صالح ندانست. عباس مسعودی در مقام دفاع از شخصیت تقی‌زاده، نطق مفصلی ایراد کرد و به ایرادها جواب گفت. سرانجام مجلس درباره‌ی اعتبارنامه‌ی او تصمیم به اخذ رأی نمود و اعتبارنامه‌اش با اکثریت قاطعی به تصویب رسید. در انتخابات هیئت رئیسه از طرف نمایندگان آذربایجان کاندیدای ریاست شد. سردار فاخر حکمت و ملک‌الشعراى بهار هم کاندیدای حزب دموکرات ایران بودند. ملک‌الشعرا به توصیه‌ی قوام‌السلطنه کنار رفت و حزب دموکرات ایران یک کاندیدا پیدا کرد که سردار فاخر بود. پس از اخذ رأی، سردار فاخر با اکثریت ناچیزی بر کرسی ریاست نشست. تقی‌زاده در دوران نمایندگی در دوره‌ی پانزدهم،

دو یا سه نطق مهم ایراد کرد که در یکی از نطق‌هایش خود را از بعضی اشتباهات سیاسی که به او نسبت می‌دادند، مبرا دانست. در انتخابات دوره اول سنا که مصادف با انتخابات دوره شانزدهم مجلس شورای ملی بود، سناتور شد. و در دوره دوم سنا نیز ریاست داشت. در دوره سوم و چهارم سنا زیر بار مسئولیت نرفت و غالباً فقط ریاست کمیسیون خارجه‌ی مجلس را عهده‌دار می‌شد. در اواسط دوره چهارم سنا، بیمار شد و ناچار از صندلی چرخدار استفاده می‌کرد. در جلسات سنا مرتباً شرکت می‌نمود، ولی از نطق و خطابه‌های شورانگیز که در جوانی ایراد می‌کرد، دیگر آثاری هویدا نبود.

متجاوز از هفتاد سال در صحنه‌ی سیاسی ایران حضور داشت. از روزی که با انتشار مجله‌ی گنجینه‌ی فنون در ۱۳۲۰ ه. ق. وارد سیاست شد، تا سال‌های آخر عمر همواره دست‌اندرکار سیاست بود. در صدر مشروطیت و ادوار اول و دوم مجلس شورای ملی، به عنوان نماینده‌ای پرشور و انقلابی عمل می‌کرد و از همه حیث محبوب مردم بود، ولی مخالفین وی پناهندگی‌اش را به سفارت انگلیس نکوهش کرده‌اند و حتی بعضی از ترورهای سیاسی آن ایام را منسوب به او دانسته و چهره‌ی سیاسی‌اش را زشت و سیاه ترسیم کرده‌اند. هرچه که باشد، نقش او در حیات سیاسی، ملی، علمی و فرهنگی ایران به اندازه‌ی مؤثر و گسترده بوده است که بررسی دقیق و کامل آن محتاج یک اثر مستقل است.

در طول هفتاد سال فعالیت سیاسی، هیچگاه از فعالیت علمی و ادبی غافل نبوده است. لقب علامه را به لحاظ وسعت دامنه‌ی دانش و عمق و دقت اطلاعات علمی‌اش به وی داده‌اند. در ابتدای جوانی فقط تحصیلات قدیمه داشت، ولی این تحصیلات را عمیقاً انجام داده بود. حافظه‌ی بسیار قوی، هوش سرشار، مطالعات مختلف، پی‌گیری و دقت او، وی را در زمره‌ی محققین و دانشمندان طراز اول ایران و در شمار یکی از علمای جهان قرار داد. به زبان‌های ترکی، عربی، فرانسه، انگلیسی و آلمانی تسلط کامل داشت. گذشته از تکلم به آن‌السنه، در زبان و ادبیات آنها تتبع و تعمق نموده بود. گرچه فعالیت‌های سیاسی مجال زیادی برای مطالعه به او نمی‌داد، ولی مع الوصف به واسطه‌ی اقامت طولانی در کشورهای خارجی و استفاده‌ی دقیق، منظم و با برنامه از کتابخانه‌های معتبر دنیا، در زمینه‌ی تحقیق در تاریخ و تمدن ایران، به یکی از صاحب‌نظران کارکشته‌ی معاصر تبدیل شد.

در جنگ بین‌الملل اول با کمک چند تن از دوستان خود، از جمله علامه دهخدا و علامه قزوینی، در آلمان دست به انتشار مجله‌ای زدند که کاوه نام داشت. کاوه که شش سال انتشار یافت، حاوی نکات بسیار سودمند تاریخی و علمی و اجتماعی و سیاسی است. بعضی از مقاله‌های تحقیقی آن مجله در همان تاریخ به صورت کتاب انتشار یافت که مجلس ملی ایران و کشف تلبیس از جمله آنهاست. کتاب‌های گاه‌شماری در ایران قدیم، محاکمات تاریخی تاریخ، از پرویز تا چنگیز، مقدمه‌ی دیوان ناصر خسرو که با مشارکت علامه قزوینی و حاج میرزا نصرالله تقوی تنظیم شده است، مانی و ایران، جنگ فرنگستان و چند اثر دیگر از تحقیقات انتشار یافته‌ی خود اوست.

چند سال قبل درباره‌ی تاریخ مشروطیت سه خطابه در باشگاه مهرگان ایراد نمود که در همان موقع در روزنامه‌های عصر انتشار یافت و بعد نیز به صورت کتابی منتشر شد. سال‌هایی که در لندن به تدریس اشتغال داشت، متجاوز از پنجاه سخنرانی و خطابه‌ی عالمانه و محققانه درباره‌ی تاریخ و تمدن اسلام در کشورهای مختلف جهان و دانشگاه‌ها ایراد نمود که هر کدام در حد خود یک رساله‌ی محققانه است. در ادوار اخیر در دوره‌ی دکترای الهیات و معارف اسلامی تدریس می‌نمود و کلاسش مرکز تجمع شیفتگان علم و ادب و دانش‌پژوهان بود. رویه‌ی اداره‌ی کلاس او بر اساس دموکراسی کامل بود و شاگردان در حین درس استاد، حق داشتند به بحث و سؤال بپردازند. در هر دانشجویی که مایه و علاقه‌ای می‌دید، از هیچ‌گونه کمکی به او دریغ نمی‌ورزید. به مبانی مذهبی و ملی اعتقاد داشت. در جوانی با یک خانم آلمانی ازدواج کرد و تا آخر عمر با او زندگی می‌کرد. صاحب اولادی نشد و

در ۱۳۴۹ در ۹۲ سالگی در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] از نیما تا روزگار ما (۱۲۱-۱۱۲)، تاریخ جراید (۱۳۱-۱۲۵/۴)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۹۰-۲۷۷/۲)، شرح حال رجال (۶۹-۶۶/۵)، نقد حال (۵۳۳-۴۷۰)، یادنامه‌ی تقی‌زاده، یغما (س ۲۶، ش ۴، ص ۱۹۶-۱۹۳، س ۳۰، ش ۷، ص ۴۰۴-۳۹۶، ش ۸، ص ۴۷۹-۴۷۲).

تقی‌زاده، قباد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۳/۱۲۸۲ ش)، نویسنده و مترجم. در تبریز متولد شد. وی برادرزاده‌ی سید حسن تقی‌زاده بود. در مدرسه‌ی اقدسیه به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۰۱ ش برای ادامه‌ی تحصیلات به آلمان رفت و تحصیلات مهندسی خود را در آنجا به انجام رسانید همچنین، با زبانهای فرانسه، آلمانی و انگلیسی آشنا شد؛ سپس به تهران بازگشت و با درجه‌ی ستوان یکمی، در کارخانجات ارتش به کار پرداخت و مدتی نیز به ریاست آن کارخانجات منصوب شد. تقی‌زاده در سال ۱۳۲۸ ش به درجه‌ی سرتیپی رسید. سرانجام بازنشسته شد و به کارهای فرهنگی پرداخت. از آثار وی: «نیروی طبیعی زمین، چوب»، در دو جلد.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: چهره‌های آشنا (۱۵۰)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۷۶/۲)، الذریعه (۹۰۸-۹۰۷/۴).

تقی‌نیا، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: آسیب‌شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

تکشیان، محمدیوسف

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی بیماریهای گوش و حلق و بینی از نیوجرسی آمریکا در سال ۱۳۴۳، فوق تخصص گوش داخلی از دانشگاه جانزهاپکینز آمریکا در سال ۱۳۴۴.

مرتبه علمی:

آسیستان پروفیسور دانشگاه جانزهاپکینز آمریکا در سال ۱۳۴۴، دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه تهران. زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه و تحقیق بسیار در زمینه گوش و حلق و بینی و استاد راهنمای رزیدنت‌های متعدد. تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

گوش و حلق و بینی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

جراحی و گزارش یک مورد گالوس ژوگولاریس دو طرفه در گوش.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

تمدن، خدیجه

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آسیب‌شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

تمیمه

قرن: ۵

جنسیت: زن

ملیت: ایران

پیش از ۴۲۷ ق، از زنان محدث. وی دختر ابوشجاع محمد بن ابراهیم استرآبادی و مادر ابوحاجب محمد بن اسماعیل بن محمد

سترآبادی بود. تمیمه از ابوزرعه یمنی روایت کرده است.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: تاریخ جرجان، ۵۰۷.

تمیمی عرب، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۳۱۳.

درگذشت: ۱۳۶۱.

از آثار اوست: ترجمه شریان‌های باز آمریکای لاتین (ادوارد گالتانو، تهران، ۱۳۶۸).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

تمیمی نیشابوری، علی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۵۳۳ق)، محدث و فقیه شیعی. فقه و حدیث را از پدرش و پدرش از ابوعلی بن شیخ و ابوالوفاء عبدالجبار و دیگران آموخت. او به مقام عالی اجتهاد نایل آمد و در سلسله‌ی مشایخ حدیث شیعه حلقه‌ی واسطی شد. وی از سلسله‌های علمی مشهور بنی‌تمیمی در نیشابور است. خاندان و اجداد و پدران‌ش همگی از شیوخ علمای حدیث و فقهای عصر خویش بوده‌اند. از جمله آثار وی: «ذخیره الاخره» در ادعیه و اعمال، در چهار فصل، به فارسی.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ریاض العلماء (۲۳۶/۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶/۲۰۴)، معجم رجال الحدیث (۱۵۶/۱۲).

تنسر هیربدان، هیربد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح س سوم م)، روحانی دین زردشت. تنسر به جمع‌آوری اوستا همت گماشت. آنچه از وی در دست است نامه‌ای است که به گشنسب شاه پادشاه طبرستان، نوشته و او را در آن به اطاعت از اردشیر تشویق و ترغیب کرده. نامه تنسر حاوی مطالب مهم تاریخی و اخلاقی و سیاسی و اندرز است که در قرن دوم هجری توسط ابن مقفع به زبان عربی ترجمه شده و در قرن ششم هجری ابن اسفندیار آن را به زبان فارسی

برگردانده است. بعضی از محققین معتقدند که نگارش این نامه در زمان خسرو اول انجام شده نه در روزگار اردشیر.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات ایران، پیش از اسلام (۲۳۳- ۲۲۸، ۱۳، ۶۶-۶۵)، تاریخ ادبیات ایران (۱۰۱۹/۲)، تمدن ساسانی (۱۴۷-۱۴۶-۱)، مقدمه نامه‌ی تنسر (۴۲-۵).

تنکابنی قزوینی، ابراهیم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۲۴/ ۱۳۲۳ ق)، نحوی، اصولی، فقیه و عالم شیعی. از نوادگان میرمحمد صالح تنکابنی بود که در قزوین متولد شد. وی پس از کسب مقدمات علوم اولیه، سطوح عالی را از حوزه‌ی درس پدرش و دیگران فراگرفت. سپس در مدرسه صالحیه، علوم عقلی و اصول و فقه را از حوزه‌ی درس شیخ میرزا عبدالوهاب برغانی قزوینی کسب کرد. پس از آن راهی عتبات مقدسه عراق شد و در نجف اشرف ساکن. تنکابنی نخست، به حوزه‌ی درس شیخ مرتضی انصاری و پس از وفات وی، به حوزه‌ی درس میرزا حبیب‌الله رشتی پیوست و در کربلا از محضر درس شیخ زین‌العابدین مازندرانی بهره‌مند شد. حکمت و فلسفه را در حوزه‌ی درس علامه‌ی برغانی آل‌صالحی تکمیل کرد و به مقام اجتهاد نایل آمد، پس از آن به موطن خویش بازگشت و کرسی تدریس و رهبری و فتوی را به خود اختصاص داد. وی آثار و مآثری از خود باقی گذاشت از جمله: مدرسه علوم دینی، موسوم به مدرسه‌ی تنکابنی یا مدرسه‌ی آقا و جنب آن مسجدی به همین نام که موقوفات بسیاری برای آنها تعیین کرد. از آثار قلمی وی: «شرح رسائل»، در چهار مجلد؛ «شرح مکاسب»؛ «شرح مدارک» «تقریرات استادش برغانی» و «رساله‌ای در اخلاق».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۱۵/۲)، دایره‌المعارف الاسلامیه (۲۶۷/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷/۱۴).

تنکابنی، حکیم مؤمن

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا محمد مؤمن بن محمد زمان حسینی تنکابنی. سید حکیم فاضل ادیب. معاصر شاه سلیمان صفوی بوده، و کتاب خود را در طب به نام «تحفه المؤمنین» و بر حسب آنچه مشهور است «تحفه‌ی حکیم مؤمن» را در زمان این پادشاه تألیف نموده که مکرر به طبع رسیده. اولاد او در اصفهان و نجف آباد ساکن می‌باشند.

در صحن مقبره‌ی خواجه، قبر کوچکی است که بر روی او: میرزا محمد مؤمن (حکیم و ادیب و شاعر) متوفی به سال ۹۲۳ مرقوم است، و اتحاد نام، برخی را به اشتباه انداخته، وی را حکیم مؤمن تنکابنی سابق الذکر دانسته‌اند، و حال آن که تاریخ قبر، حکایت از اختلاف آن دو می‌نماید، و او دانشمند دیگری است غیر از حکیم تنکابنی.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

تنکابنی، سلیمان

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۲۵۰ ق)، فقیه، ادیب، متکلم و پزشک ایرانی. مقدمات علوم را در زادگاهش فراگرفت. در جوانی به همراه برادرش، ملا عبدالمطلب، رهسپار عتبات عراق گردید و چندی در شهرهای مقدس آن سرزمین به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. سپس راهی اصفهان شد و بیست و دو سال در خدمت آخوند ملاعلی نوری مازندرانی شاگردی کرد و کتب ملاصدرا را نزد وی فراگرفت. «شرح لمعه» را نزد ملا محمدعلی نوری آموخت. پس از آن خود به تدریس روی آورد و در اصفهان «تجرید الکلام»؛ «شوارق»؛

«شرح لمعه» و «تفسیر قاضی بیضاوی» را درس می‌گفت. میرزا سلیمان به آموختن دانش پزشکی پرداخت و در رشته‌ی پزشکی شاگرد میرزا اسماعیل اعرج اصفهانی بود. میرزا اسماعیل به تنکابنی طب آموخت و خود نیز نزد او شرح «تجرید الکلام» فرا می‌گرفت. میرزا سلیمان در اصفهان به ملامحراب، عارف گیلانی، دست ارادت داد. میرزا سلیمان تنکابنی پدر میرزا محمد تنکابنی، مولف «قصص العلماء»، است. از جمله آثار وی: حاشیه بر «مطول» تفتازانی؛ حاشیه بر «مفاتیح الشرائع» ملامحسن فیض کاشانی؛ حاشیه بر «الفوائد الضیائیة» جامی، حاشیه بر «شرح الاسباب»، در پزشکی؛ حاشیه بر «حکمه العین»؛ حاشیه بر «حیوه القلوب»؛ حاشیه بر «تذکره الائمة»؛ رساله‌ای در وبا و طرز معالجه‌ی آن.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: قصص العلماء (۷۳-۷۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/۶۰۹).

تنکابنی، محمد بن عبدالفتاح

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مولی محمد بن عبدالفتاح تنکابنی، معروف به فاضل سراب.

از علمای کاملین، و فقها و مجتهدین، عالم فاضل محقق زاهد عابد، از شاگردان محقق سبزواری و علامه‌ی مجلسی بوده. در شرح حال او حکایات [حکایت] غریبی نقل شده است که جهت اطلاع باید به رجال اصفهان و روضات و دیگر مواضع مراجعه نمود. کتب زیر از اوست:

۱- اثبات الصانع القدیم ۲- حاشیه بر آیات الاحکام اردبیلی ۳- حاشیه بر ذخیره‌ی سبزواری ۴- حاشیه بر شرح لمعه ۵- حاشیه بر مدارک ۶- حاشیه بر معالم ۷- حجیه‌ی الاجماع و خبر الواحد - حجیه‌ی الاخبار ۸- رساله در حکم رؤیت هلال قبل از ظهر ۹- رساله در وجوب عینی نماز جمعه، به فارسی ۱۰- رساله در نماز جمعه، به عربی ۱۱- رساله در رد آخوند ملا عبدالله تونی که نماز جمعه را حرام دانسته ۱۲- سفینه‌ی النجاة، در اصول دین [مطبوع] ۱۳- ضیاء القلوب در امامت؛ و غیره.

مشارالیه در روز عید غدیر سال ۱۱۲۴ وفات یافته، در اول تخت فولاد مدفون گردید.

مقبره‌ی او به تکیه‌ی فاضل سراب و جویباره‌ی‌ها معروف است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

تنکابنی، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۸-۱۲۸۵ ق)، عالم، مجتهد و فقیه اصولی. در تنکابن متولد شد. در کودکی به همراه برادرش آیت‌الله محمدرضا تنکابنی به قزوین رفت و نزد استادان و علمای آن سامان به تکمیل سطوح پرداخت. بعد از مدتی، به نجف مهاجرت کرد، و از محضر علمایی چون: میرزا حبیب‌الله رشتی و علامه طباطبایی یزدی و آخوند ملا-محمد کاظم خراسانی و علامه‌ی مامقانی بهره‌ها برد، و در فقه و اصول به بالاترین درجه نایل شد. وی با مقام اجتهاد مطلق از نجف به ایران بازگشت و در تهران ساکن شد و به تدریس فقه و

اصول و ترویج مذهب پرداخت. در تهران درگذشت. پیکر وی با تجلیل به شهر ری منتقل و در جوار حضرت عبدالعظیم حسنی دفن شد. [۱]

الشیخ محمدحسین الفقیه الزاهد التنکابنی رحمه الله بن العالم النبیل الشیخ محمد الواعظ التنکابنی برادر ارجمند آیه‌الله تنکابنی مذکور از علماء اعلام و حجج اسلام عموی گرامی علامه فلسفی واعظ می‌باشد در حدود سال ۱۲۸۵ قمری در تنکابن متولد شده و با معیت برادر بزرگوارش به قزوین مسافرت نموده و نزد اساتید و علماء آنجا تکمیل سطوح کرده و بعد از مدتی که بوطن بازگشته، مهاجرت میرزا حبیب‌الله رشتی و مرحوم علامه طباطبائی یزدی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و مرحوم علامه مامقانی قدس الله اسرارهم استفاده کامل نمود و در فقه و اصول بمرتبه اقصی نائل گردیده و با مقام اجتهاد مطلق از نجف مراجعت به ایران کرده و سکونت در طهران را اختیار و به اقامه جماعت و تدریس فقه و اصول و ترویجات دینی اشتغال یافته تا در سال ۱۳۶۸ ق دنیا را وداع و با تشییع مجللی بشهر ری منتقل و در مقبره ناصرالدین شاه قاجار در جوار سیدالکریم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام مدفون گردیده است و این نویسنده ترجمه آن مغفور له را در تذکره المقابر فی احوال المفخر نوشته‌ام.

فرزند ارجمندش جناب حجت‌الاسلام و المسلمین آقای آقا شیخ محمد تنکابنی از ائمه جماعت معاصر تهران است و در مسجد آن مرحوم اقامه جماعت می‌نمایند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲/۲۹۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۱۰-۴۰۹/۴).

تنکابنی، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۸۵-۱۲۸۳ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و مجتهد. در تنکابن به دنیا آمد. مقدمات را در زادگاهش فراگرفت و به قزوین رفت و سطوح را تکمیل کرد. سپس به نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر علمای بزرگی چون آیت‌الله میرزا حبیب‌الله رشتی، آیت‌الله ملا محمد کاظم خراسانی، علامه طباطبائی یزدی، و ملاعلی نهایندی حدود بیست سال استفاده کرد و مجتهد جامع‌الشرایط شد. از آن پس، به ایران مراجعت کرد و در تهران ساکن شد، و در مدرسه‌ی فیلسوف‌الدوله به تدریس خارج فقه و اصول و ترویج دینی پرداخت. او از علما و مجتهدان بزرگ تهران به حساب می‌آمد. پیکر وی پس از مرگ با تجلیل به نجف اشرف منتقل، و در جوار امیرالمومنین (ع) دفن شد. در فقه و اصول آثاری از وی باقی است. [۱]

حاج شیخ محمدرضا بن العلامة المرحوم الشیخ محمد تنکابنی معروف بواعظ رحمهما الله از علماء اعلام و مجتهدین کرام تهران بوده که در عصر خود اعلم و اتقی و ازهد و اورع دانشمندان مرکز بوده است.

در سال ۱۳۸۳ قمری هجری در تنکابن از بلاد شمال ایران و کناره دریای شمال در آخوند محله رامسر دیده بجهان گشوده و در خاندان علم و فضیلت تربیت یافته و مقدمات را در محل خوانده آنگاه بقزوین آمده و سطوح را در آنجا در خدمت علماء آن شهر تکمیل نموده و مهاجرت به نجف اشرف کرده و از محضر آیات عظام مرحوم آیت‌الله میرزا حبیب‌الله رشتی و آیت‌الله خراسانی صاحب کفایه و علامه یزدی صاحب گروه و آخوند ملا علی نهایندی حدود بیست سال استفاده و مجتهد جامع‌الشرایط گردیده و مراجعت به ایران نموده و رحل اقامت به طهران عاصمه تشیع و پایتخت کشور افکنده و در مدرسه فیلسوف‌الدوله واقع در جنب امامزاده سید اسمعیل خیابان سیروس بتدریس خارج فقه و اصول و اقامه جماعت و ترویجات دینی و روحی پرداخته است تا در

هیجده ذی‌الحجه ۱۳۸۵ ق در سن یکصد و دو سالگی بدرود حیات گفته و جنازه‌اش با تشییع کم سابقه حمل به نجف اشرف و در جوار مولی‌الکونین ابن‌الحسنین امیرالمؤمنین علیه‌السلام مدفون گردید و در رثاء و ماده تاریخش شعراء عصر مخصوصاً علی‌اکبر خوشدل شاعر معاصر قصیده‌ای سروده که از نظر اهل ادب می‌گذرانم:

و مخفی نباشد که علامه تهرانی صاحب‌الذریعه ترجمه اجمالی ایشان را در قسم دوم از جزء اول طبقات اعلام‌الشیعه ص ۷۶۸ ذکر کرده است.

آیت‌الله تنکابنی دارای شش فرزند ذکور که از مفاخر دانشمندان به اسامی زیر می‌باشند:

- ۱- استاد بزرگ و خطیب توانا آقای حاج شیخ محمدتقی فلسفی واعظ معروف که ترجمه‌اش در جلد دوم ص ۳۸۷ گذشت.
 - ۲- حجة‌الاسلام حاج میرزا ابوالقاسم تنکابنی که ترجمه‌اش بعد از این خواهد آمد.
 - ۳- حجة‌الاسلام و المسلمین علامه فقیه حاج میرزا علی آقا تنکابنی نزیل مشهد مقدس.
 - ۴- آقای مرتضی فرید.
 - ۵- آقای دکتر احمد فلسفی.
 - ۶- آقای مهدی فلسفی.
- برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
- منابع زندگینامه [۱]: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲/۲۹۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۰۹-۴۰۶/۴).

تنکابنی، محمد مهدی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۲۸۰ ق)، عالم اصولی شیعه. پس از اخذ مقدمات، مدارج عالی فقه و اصول را در حوزه‌ی درس شیخ محمد صالح برغانی و شهید ثالث فراگرفت و علوم عقلی را نزد ملا- آقا حکمی قزوینی تلمذ کرد. سپس مدتی در کربلا و نجف از علمای بزرگ آن سامان کسب فیض نمود و مجدداً به قزوین بازگشت و کرسی تدریس و رهبری را به دست گرفت و مشغول تالیف و تصنیف گردید. تنکابنی صد و یک عنوان رساله و کتاب کوچک و بزرگ دارد. از جمله آثارش: «خلاصه الاخبار»، فارسی در قصص پیامبران و ائمه؛ «ریاض المصائب»، به عربی؛ «طوالع الانوار»، به عربی؛ «وسيله النجاه»؛ «تفسیر البسملة»، به عربی؛ «تفسیر سوره الاخلاص»؛ «سر الایات»؛ «طوالع الانوار»؛ در فضائل ائمه اطهار؛ «مجامع الفقه»، در فقه استدلالی؛ «مجامع الانوار»؛ «الناسخ و المنسوخ».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان‌الشیعه (۷۴/۱۰)، الذریعه (۲/۱۷۷)، مولفین کتب چاپی (۶/۳۸۴).

توتونچی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۰ - ۱۲۹۰ ق)، فقیه و متکلم شیعی. وی در تبریز به دنیا آمد و مقدمات علوم را همان جا فراگرفت. در سال ۱۳۱۴ ق به نجف کوچ کرد و در خدمت استادانی چون محمدحسن مامقانی و شیخ‌الشریعه‌ی اصفهانی به تکمیل دانشهای دینی خود پرداخت. در سال ۱۳۲۴ ق به زادگاهش بازگشت و به تدریس و تصنیف و امامت و ارشاد مردم روی آورد. توتونچی از بزرگان علمای تبریز بود. از جمله آثار وی: «ازاله الوسوس و الاوهام عن قدس ساحه الاسلام»، در رد نصارا و ابطال؛ «بحر الفوائد»، به فارسی؛ «الادله العقلیه»، در اصول؛ حاشیه بر «مکاسب» شیخ مرتضی انصاری؛ «هدایه الانام الی حقیقه الایمان و الاسلام»، به فارسی. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۷۳- ۱۷۲/ ۲۵، ۴۴/۳، ۵۳۰/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۵۹۷)، معجم المؤلفین (۱۸/۴).

توتی

قرن: ۱۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

از زنان شاعر. به نوشته تذکره‌الخواتین وی زنی زیباروی، شیرین زبان و لطیفه‌گو بود. همسرش مردی امردباز بود و با وی بی‌مهری می‌نمود. توتی با گفتن یک رباعی رکیک او را نادم و تائب کرد. تاریخ تولد، زندگی و وفات او معلوم نیست. برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: تذکره‌الخواتین، ۷۶.

توحیدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج میرزا محمدعلی توحیدی تبریزی بن علی بن آغا بن حسن التبریزی از علماء عظام و مدرسین عالی مقام امروزه حوزه علمیه است در سال ۱۳۴۴ ق در تبریز متولد شده و مقدمات را در آنجا دیده‌انگاه به قم مشرف و سطوح را در خدمت اسانید قم خوانده و در سال ۱۳۶۵ قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و بالغ بر بیست و هشت سال توقف و از محاضر آیات عظام مرحوم حاج شیخ محمد کاظم شیرازی و آیت‌الله حکیم و آیت‌الله العظمی میلانی و آیت‌الله العظمی خوئی استفاده و تقریرات درس فقه ایشان را به نام مصباح الفقاهه در شش مجلد به رشته تحریر آورده.

و سه جلد آن را به طبع رسانیده و مورد استفاده فضلاء نجف و قم می‌باشد و معظم درس ایشان در محضر استاد بزرگوار و علامه عصر آیت‌الله خوئی مدظله‌العالی بوده تا ماه رجب سال ۱۳۹۱ قمری که از نجف هجرت به قم نموده و به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارند.

آثار علمی آن جناب از این قرار است ۱- مصباح الفقاهه در ۶ جلد که ۳ جلد آن مطبوع و سه جلد دیگر آماده طبع است ۲- دوره حاشیه بر کفایه ۳- شرح عروه تا آخر صلوه ۴- رساله فی مناسب الفقیه ۵- رساله فی البدایه الطهاره ۶- تفسیر القرآن الکریم ۷- رساله فی الخمس ۸- رساله فی العلم الاجمالی.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

توحیدی بسطامی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ علی توحیدی بسطامی از علماء مبرز و معروف معاصر شاهرود است. وی در سال ۱۳۱۶ ق در بسطام دیده به جهان گشوده و تحصیلات مقدماتی را در بسطام و شاهرود از علماء زمان فرا گرفته و سپس برای ادامه تحصیلات به مشهد مقدس عزیمت نموده و مدت هفت سال از حوزه درس مرحوم آقازاده بزرگ آخوند و مرحوم آیت‌الله العظمی حاج آقا حسین قمی استفاده کرده سپس به قم آمده و مدت یکسال از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی استفاده نموده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف و مدت ۱۶ ساله در آنجا از محضر آیت‌الله نائینی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و مرحوم آیت‌الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نموده و پس از نائل شدن به اعلی درجات اجتهاد با دریافت اجازات عدیده اجتهادی از معظم لهم به ایران مراجعت و در شاهرود رحل اقامت افکنده و در مدرسه قلعه شاهرود به تدریس خارج و در مسجد آن مدرسه به اقامه جماعت و افاضه منبری و وعظ و ارشاد اشتغال دارند ادام الله عمره و توفیقه.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

توحیدی، ابوحيان علی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۴۱۴/۴۰۰ - ۳۱۰ ق)، ادیب، فیلسوف معتزلی، صوفی و شاعر. معروف به فیلسوف الادباء و ادیب الفلاسفه و جاحظ ثانی. اگر چه محل تولد او را به اختلاف شیراز، نیشابور، بغداد، واسط دانسته‌اند، اما احتمال این که در شیراز متولد شده باشد بیشتر است. ابوحيان علوم ادبی را در خدمت ابوسعید سیرافی آموخت و چندی هم در محضر ابوسلیمان منطقی سجستانی بود، در آنجا با گروهی از دانشمندان طراز اول مانند ابوالحسن عامری و ابن مسکویه معاشرت داشت. وی فقه شافعی را از ابوحامد مروودی و ابوبکر شاشی آموخت و نزد استادان صوفی آمد و شد داشت و از راه کتابت زندگانی می‌کرد. ابوحيان مدتی در بغداد اقامت داشت و پس از آن به ری رفت و در آنجا در خدمت ابوالفضل عمید و صاحب بن عباد بود ولی با آنها میانه خوبی نداشت و حتی کتابی در ذم آنها به نام «اخلاق الوزیرین» نوشت ولی با وزراء صمصام‌الدوله یعنی عبدالله بن عریض شیرازی و ابن سعدان میانه خوبی داشت. از جمله اساتید دیگر وی علی بن عیسی رمانی در تصوف و یحیی بن عدی در فلسفه و منطوق و جعفر خلدی و ابن سمعون در حدیث و سایر معارف اسلامی. ابوحيان در نگارش عربی استاد بود و جاحظ را بسیار می‌ستود و کتابی در مناقب و شناخت او نیز تألیف کرد. وی در ادبیات عرب به مقامی رسید که وی را با جاحظ برابر یا برتر می‌شمارند. بعضی او را از زنداقه می‌دانند. او علاوه بر نگارش نثر که در حد اعلائی سلاست و استواری بود شعر نیز می‌گفت. وی در اواخر عمر کتابخانه عمومی خود را آتش زد و علت آن چنانکه خود گفت عدم توجه مردم بغداد در مدت بیست سال اقامت او در آنجا به وی بود چون نمی‌خواست کسانی که قدر او ندانستند پس از مرگ او از آنها بهره‌مند شوند. ابوحيان احتمالاً در خانقاه ابن خفیف در شیراز در گذشت و در کنار مزار شیخ کبیر به خاک سپرده شد. از جمله تألیفات وی: «المقاسبات»، «الصداقه والصدیق»، «الامتع والموانسه»، در سه جزء، «اشارات الالهیه»، «البصائر

والذخائر» یا «بصائر القدماء و بشائر الحکما»، در پنج جزء؛ «تقریظ الجاحظ»؛ «المحاضرات و المناظرات».[۱]

توحیدی، علی بن محمد بن عباس، ادیب و فیلسوف معتزلی قرن چهارم (ف. ۴۰۰ ه.ق.) وی در حسن تنظیم مطالب و سهولت انشای عربی چندان مهارت داشته که او را «جاحظ ثانی» لقب داده‌اند. ابوحنان علوم ادبی را در خدمت ابوسعید سیرافی آموخت و چندی هم در محضر ابوسلیمان منطقی با گروهی از دانشمندان و حکمای عهد معاشرت داشته و مدتی نیز درک خدمت ابن‌العمید و صاحب بن عباد و ابن سعدان را کرده و با ابوعلی مسکویه نیز رابطه داشته است. از آثار مهم او کتاب الامتاع و المؤمنة، کتاب الهوامل و الشوامل، کتاب المقابسات، کتاب البصائر، رساله فی الصداقه است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] الاعلام (۱۴۵-۱۴۴/۵)، ایضاح المکنون (۴۴۰، ۶۵/۲، ۶۰۲/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۲، ۳۵۳، ۳۰۰، ۲۸۶، ۲۶۰/۱)، تاریخ اسلام (حوادث ۴۰۲-۴۰۰/۴۰۰-۳۸۱)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۱۷۲-۱۵۷)، تاریخ نجوم اسلامی (۹۹-۹۸، ۷۰)، تذکره‌ی هزار مزار (۹۷-۹۶)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۲۶-۱۲۴/۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۰۲۹/۸)، دایرةالمعارف فارسی (۲۹/۱)، روضات الجنات (۸۵-۵۶/۸)، ریحانه (۸۴/۷)، سخن و سخنوران (۲۰)، شیرازنامه (۱۵۰-۱۴۹)، کشف الظنون (۱۷۷۸، ۵۲۲، ۲۴۶، ۱۶۷، ۱۴۰)، الکنی واللقاب (۶۱/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن چهارم/۱۲)، لسان المیزان (۶۳۷-۶۳۳/۷)، لغت‌نامه (ذیل / ابوحنان)، معجم الادباء (۵۲-۵/۱۵)، معجم المؤلفین (۲۰۵/۷)، الوافی بالوفیات (۴۱-۲۲/۳۹)، وفیات الاعیان (۱۱۳-۱۰۸/۵)، هدیة الاحباب (۱۴)، هدیة العارفين (۶۸۵-۶۴۸/۱)، یادداشت‌های قزوین (۱۸۰-۱۷۴/۴).

توحیدی، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فقیه.

تولد: ۱۳۳۲ ق.، تبریز.

درگذشت: ۱۳۶۶.

آیت‌الله رضا توحیدی مقدمات را در مدرسه‌ی ملی که زیر نظر علما اداره می‌شد تا کلاس هشتم گذرانید و قسمتی از سطوح عالی‌ه را (رسائل مکاسب) در تبریز طی نمود. در سال ۱۳۶۳ ق. برای تکمیل تحصیلات به نجف رفت و مدت بیست و پنج سال در نجف مشغول تحصیل و تدریس شد. در آنجا از محضر اساتیدی چون آیت‌الله سید محمود شاهرودی و آیت‌الله العظمی خویی و آیت‌الله آقا شیخ حسن حلی و آیت‌الله حکیم و آیت‌الله حسن حمامی و آیت‌الله سید ابراهیم اصطهباناتی معروف به آقا سید میرزا آقا و علمای دیگر در چندین دوره اصول را پشت سر گذاشت و خارج صلوة آقا رضا همدانی را از اول تا آخر و اجاره و حج عروه را از محضر آیت‌الله شاهرودی استفاده نمود و هم قسمت زیادی از فقه و اصول و اخلاق را از محضر آیت‌الله سید محمدهادی میلانی (در موقعی که در کربلا- و نجف بود) بهره‌مند شد و نیز تقریرات علامه نایینی اعم از مباحث الفاظ و عطیه را در محضر علامه حلی استفاده نمود. شانزده سال نیز در یکی از مساجد نجف به اقامه نماز جماعت و تبلیغات دینی پرداخت و به بعد از مدتی به تبریز درآمد و در مسجد توحید به اقامه جماعت و خدمات روحی و دینی اشتغال پیدا نمود.

مشایخ اجازه ایشان عبارتند از آیت‌الله سید محمدهادی میلانی، آیت‌الله شاهرودی، آیت‌الله خویی، آیت‌الله میرزا سید عبدالهادی شیرازی، آیت‌الله حکیم، آیت‌الله شریعتداری.

آثار علمی آیت‌الله توحیدی به شرح زیر است: تفسیر قرآنی به نام اللئالی المنضوده فی تفسیر الایات المأثوره؛ نفحۃ القدیر فی شرح خطبۃ الغدیر؛ القرآن والحجۃ؛ اربعینات؛ الدراسات الدینیہ؛ تقریرات دروس فقه و اصول از آیت‌الله شاهرودی، آیت‌الله خوئی و علامه حلی، شرح حدیث اهل‌بجبه به قلم روز.

رضا بن محمد علی بن عبدالحسین بن محمد حسین معروف بتوحیدی از علماء اعلام و دانشمندان بنام معاصر تبریز است. وی در سال ۱۳۳۲ قمری در بلده تبریز متولد شده و در خاندان عقیف و پاکدامنی پرورش یافته است.

دروان صباوت را در مدرسه ملی که به نظارت علماء اداره می‌شد تا کلاس هشتم گذرانیده و قسمتی از سطوح عالیہ (رسائل و مکاسب) را در تبریز طی نموده و در سال ۱۳۶۳ هجری قمری برای تکمیل تحصیلات از هر گونه علائق مادی دست کشیده به آستان بوسی باب مدینه العلم نجف اشرف علی مشرفها و ساکنها آلف التحیه و الشرف مشرف شده و مدت ۲۵ سال در محضر پر برکت مولای متقیان حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام مشغول تحصیل و تدریس و از محاضر آیات عظام و اساتید کرام آیت‌الله العظمی حاج سید محمود شاهرودی و آیت‌الله العظمی خوئی و آیت‌الله آقا شیخ حسین حلی و آیه الله حکیم و آیت‌الله سید حسین حمامی و آیت‌الله حاج سید ابراهیم اصطهباناتی معروف به آقا سید میرزا آقا و سایر بزرگان در چندین دوره اصول آقایان نامبرده را دیده و خارج صلوه حاج آقا رضا همدانی را از اول تا آخر و اجاره و حج عروه را از محضر آیت‌الله شاهرودی استفاده نموده و هم قسمت زیادی از فقه و اصول و اخلاق را از محضر آیت‌الله العظمی میلانی (در موقعی که در کربلا و نجف بودند) بهره‌مند شده و نیز تقریرات نائینی اعم از مباحث الفاظ و عقلیه را در محضر آقای حلی کامیاب شده و در مدت شانزده سال هم در یکی از مساجد نجف اشرف اقامه نماز جماعت و ضمناً مشغول تبلیغات دینی از مسائل و اصول عقائد و احکام نموده تا چند سال قبل که به وطن مراجعت و در خیابان نادر تبریز در مسجد «توحید» باقامه جماعت و خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

از آثار قلمی و علمی ایشان کتب زیر است که به آن اشاره می‌شود:

- ۱- تفسیر قرآن بنام «اللئالی المنضوده فی تفسیر الایات المأثوره» از اول فاتحه الكتاب تا آخر سوره بقره و سوره الرحمن و سوره الواقعة و سوره الحديد و مجادله و سوره فجر را تمام نموده‌اند.
 - ۲- نفحۃ القدیر فی شرح الخطبۃ الغدیر حاوی یک مقدمه و پنج اصل «توحید، نبوت، عدل، امامت، معاد» و خاتمه در دو مجلد.
 - ۳- القرآن و الحجۃ، کتابی است معادله و موازنه می‌کند حضرت حجت (عج) را با قرآن از حیث آثار و خصایص.
 - ۴- اربعینات کتابی است حاوی چهل حدیث آنهایی که متضمن عدد چهل و مطالبی است.
 - ۵- الدراسات الدینیہ. کتابیست علمی، اخلاقی، دینی، انتقادی، اجتماعی، فلسفی، در حدود پانصد صفحه.
 - ۶- تقریرات دروس فقهیه و اصولیه از آقای شاهرودی و آقای خوئی و آقای حلی.
 - ۷- شرح حدیث اهل‌بجبه بقلم امروز.
- مشایخ اجازه مترجم معظم:

- ۱- آیت‌الله العظمی میلانی. ۲- آیت‌الله العظمی شاهرودی ۳- آیت‌الله العظمی خوئی ۴- آیت‌الله العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی
- ۵- آیت‌الله العظمی حکیم طاب ثراه ۶- آیه الله العظمی شریعتمداری.

نگارنده گوید آیت‌الله توحیدی از علماء متین و دانشمندان موصوف به تقوا و دارای صفات جمیله و خصال حمیده و محاسن اخلاق و محامد آداب و اهل سلوک و معنویت است در محرم و صفر سال ۱۳۹۱ قمری که باعتبار عالیات مشرف بودند چند روزی در کاظمین و سامرا درک مصاحبت ایشان را نموده و از حالات و روحیات ایشان استفاده نمودم، در مشاهد مشرفه توجه مخصوص و حال خاصی دارند ادام الله توفیقه.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

توحیدی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی و دکترای تخصصی داخلی از دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز در سال ۱۳۵۸، فوق تخصص بیماریهای ریه.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام ۸ طرح تحقیقاتی در زمینه‌های بررسی تستهای تشخیصی سرولوژیک در کیست هیداتیک، بررسی انواع سل و استاد راهنمای ۶ پایان‌نامه دکترا و تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: -.

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۷، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

کیست هیداتیک، ادم ریوی، سل غدد لنفاوی، پلورزی‌ها، سل پلور، سرطان در افراد جوان، سرطان ریه.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

توسلی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ علی توسلی نجفی از علماء فعال معاصر است در تربت جام. وی در حدود ۱۲۹۵ شمسی در حومه میانجام متولد شده و دروس ابتدائی را در محل خوانده سپس بمشهد مقدس آمده و ادبیات و سطوح وسطی را نزد اساتید فن تلمذ نموده و ضمناً موفق بدریافت دیپلم گردیده و در حدود سال ۱۳۱۴ شمسی مهاجرت بنجف اشرف نموده و سطح مکاسب را خدمت آیه‌الله العظمی خوئی مدظله و کفایه را نزد آیه‌الله میرزا باقر زنجانی و رسائل را از آیه‌الله آقا سید ابوالقاسم رشتی فرا گرفته و یکدوره خارج اصول را نزد آیه‌الله خوئی و فقه (خارج صلوه حاج آقا رضا) را از آیه‌الله میرزا باقر زنجانی و قسمتی را از مرحوم آیه‌الله حاج شیخ موسی

خونساری استفاده کرده و مدتی هم در حوزه درس آیه‌الله آقا ضیاءالدین عراقی استاد المتأخرین والمعاصرین و آیه‌الله العظمی اصفهانی شرکت و بهره کافی برده و موفق باجازه اجتهاد از آن مرحوم گردیده حدود ۱۵ سال در نجف اشرف با کمال متانت و تقوا بسر برده و مورد الطاف و توجهات مخصوصه آیات عظام و بالخصوص آیه‌الله اصفهانی و نیز آیه‌الله العظمی بروجردی رضوان‌الله علیهما بودند و در حدود بیست سال قبل که از نجف عازم خراسان بودند بر حسب اصرار و اوامر مؤکد آیه‌الله بروجردی رهسپار تربت جام شدند و بی‌نهایت مورد توجه و تقدیر و تشویق آن مرحوم بودند.

و پوشیده نماند که شهر جام در آن اوقات شش هزار نفر که فقط یک پنجم آن شیعه بودند و محیط جام بسیار ظلمانی و ظاهراً از صدر اسلام تا آن تاریخ هیچ عالم جعفری نداشته و حتی مسجدی هم شیعیان آنجا نداشتند و تمام مراسم مذهبی بوسیله‌ی دیگران انجام میشد و بزرگترین جرم و ذنب لایغفر شهادت بولایت بوده و حوادث ناگوار داشته که بیان آن موجب تأثر است و اکنون با حسن تدبیر و فداکاری و شهادت معظم له و روش خاصی که ایشان دارند رشته الفت و اخوت در میان عامه و خاصه برقرار و عده‌ای مستبصر و شهر که اکنون سی و پنجاهار جمعیت دارد و اکثر آن شیعه هستند و بشیعه عزّتی داده شده و بحمدالله در کمال سرافرازی میباشند و گاهی در قسمتی از مسائل حضرات تسنن و علماء عامه بایشان مراجعه مینمایند و بر حسب مشورت و اشاره مرحوم آیه‌الله بروجردی مدرسه علمیه‌ای بنام مدرسه مهدیه طباطبائی بسیار وسیع و در نهایت زیبایی تأسیس نموده‌اند که سالهاست عده‌ای از طلاب مشغول بتحصیل میباشند نان و شهریه بآنها میپردازند و نهایت مراقبت را بتعلیم و تربیت آنان دارند و متصل بآن مدرسه مسجدی ساخته شده بسیار مجلل و باشکوه بنام جامع ثقلین که خارج آن مزین بکاشی کاری و متصل بآن کتابخانه بسیار آبرومندی بهمان نام تأسیس که در حدود چهار صد جلد کتاب تا بحال تهیه شده است و نیز تاکنون موفق بتأسیس مساجدی در قراء اطراف و خاصه دهاتیکه شیعیان آن در اقلیت و قادر به بناء مسجد نبودند و هم چنین چند دستگاه حمام برای همین سنخ اشخاص تأسیس نموده‌اند.

خلاصه جناب آقای توسلی عالمی دلسوز و مهربان و بخصوص اگر کسی از اهل سنت کار مشروعی را بایشان ارجاع نماید بهر وسیله است حتی المقدور انجام میدهند. در امور دینی و دفاع از حریم دین و ولایت و روحانیت متصلب میباشند.

ایادی مرموز و قلمهای مسموم که بحمایت از مسلک ننگین وهابیت و کوییدن مقام شامخ ولایت و روحانیت از سنندج و تهران و جاهای دیگر بدین منطقه بسیار حساس شخصا یا قلماً برای تبلیغ سرازیر شده نتوانسته‌اند حتی یک نفر را گمراه نمایند و گاهی که شنیده‌اند یکی دو نفر از جوانان یا غیر آنان در نتیجه تبلیغات شوم انحرافی پیدا نموده‌اند آرام نگرفته تا آنها را براه آورده‌اند. در بعضی از قراء عده‌ای در حدود ۳۵ نفر خانوار از ملاحظه در نتیجه مجاهدات و خدمات ایشان مستبصر و هدایت و اثنی عشری شده‌اند.

آثار قلمی ایشان عبارت است از قسمتی از تقریرات اساتیدشان که بطبع نرسیده است و نیز کتابی در بحث ولایت در دست تألیف دارند. و در مسجد جامع ثقلین اقامه جماعت نموده و تبلیغ احکام و نشر آثار اهل بیت علیهم السلام مینمایند اطلال الله عمره و ادام الله توفیقه.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

توسلی فرید، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

پزشک جراح.

تولد: ۱۳۱۵.

درگذشت: ۱۲ مهر ۱۳۷۲، آمریکا.

مهدی توسلی فرید در سال ۱۳۴۰ از دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد و در سال ۱۳۴۱ ایران را به قصد ادامه‌ی تحصیل در آمریکا ترک کرد. ابتدا در دانشگاه کمبریج ماسوچوست و سپس در کلرادو و شیکاگو در رشته‌ی طب داخلی و پاتولوژی دوره‌هایی را گذراند. در سال ۱۳۴۳ به ماسوچوست بازگشت و در بوستون در بیمارستان کارنی دوره‌ی رزیدنتی را طی کرد. در سال ۱۳۴۵ کارش را در زمینه‌ی تحقیقاتی هماتولوژی در مرکز پزشکی تافت در نیوانگلند پایه گذارد و مدتی هم در MIT در بخش بیولوژی کارآموزی و مطالعه کرد. در سال ۱۳۵۱ از تافت به کلینیک و مرکز تحقیقاتی اسکریپس در لاهویا-کلیفرنیا منتقل شد و تا سال ۱۳۶۰ در این مرکز فعالیت می‌کرد. سال ۱۳۵۶ مدتی به عنوان استاد میهمان در بیمارستان بیستر پاریس مشغول بود. در سال ۱۳۶۰ از سوی مرکز پزشکی V.A به جکسون میسی سی پی برای کار دعوت شد و تا پایان عمر در آنجا فعال بود.

او از پیشگامان پیوند مغز استخوان است و کشفیات علمی وی راهگشای بسیاری از محققان کنونی خون‌شناسی در دنیاست. بیش از ۴۰۰ مقاله و سخنرانی علمی و تحقیقی نوشت که در نشریات علمی منتشر شد. در شش کتاب در زمینه‌ی کار تخصصی خود نوشت و در تصنیف چندین اثر علمی بیش از بیست فصل سهیم بود. دکتر توسلی فرید در نه نشریه علمی در شورای سردبیری عضو بود. از وی کتاب فارسی فقر علوم در سال ۱۳۶۶ در ایران منتشر شد.

یکی از آخرین کارهای او مقاله‌ای بود که هفته‌ی قبل از درگذشتش در مجله‌ی پزشکی «Bood» انتشار یافت. وی به عنوان محقق میهمان و سخنران در بسیاری از کنفرانس‌های پزشکی در کشورهای مختلف حضور داشت. در سال ۱۳۷۱ از طرف دانشگاه شهید بهشتی برای شرکت و سخنرانی در کنفرانس خون‌شناسی دعوت شد که در آن حضور یافت.

پیکر دکتر مهدی توسلی فرید بنا به وصیتش در ایران به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

توفیق شیرازی، رفیع‌الدین ابراهیم

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۰۲۰-۹۴۷ ق)، مورخ. در شیراز ولادت یافت و در جوانی برای بازرگانی به هندوستان رفت. در دهلی به دربار علی عادل‌شاه راه یافت و به منصب خوان سالاری او رسید و پس از چندی منشی دربار شد. بعد از مرگ وی، در دربار برادرزاده‌اش، ابراهیم عادل‌شاه نیز مقام بلند یافت. اما، پس از چندی مغضوب شد و به زندان افتاد. رفیع‌الدین بعد از رهایی حاکم شهر بیجاپور شد. وی مولف کتابی است به نام «تذکره الملوک» در تاریخ سلسله عادی شاهیان بیجاپور که وقایع مربوط به این سلسله را تا آغاز سال ۱۰۲۰ ق در آن گرد آورده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۳۶۹-۳۶۸).

توفیقی، حیدرقلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ارتوپدی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

توکل، رحیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید رحیم توکل

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از اخذ دیپلم تجربی در سال ۴۹ - ۴۸ در سال ۵۱ شمسی وارد حوزه علمیه قم شدم و در زمان پیروزی انقلاب اسلامی دروس سطح و کفایتین باتمام رسید و در سال ۶۰ - ۵۹ وارد دروس خارج شدم. دو دوره اصول را خدمت حضرت آیت الله العظمی مظاهری (دام عزه) گذراندم و حدود ۴ سال هم در خدمت حضرت آیت الله میرزا هاشم آملی بحث اصول و فقه معظم له شرکت می کردم و در سال ۶۸ موفق باخذ اجتهاد از آن دو بزرگوار شدم البته چند سالی هم بعد از اتمام دو دوره اصول در درس اصول حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی شرکت می کردم تا از مبانی معظم له هم مطلع شوم. از سال ۷۷ به فضل الهی به تدریس خارج فقه مشغول هستم و تا الان (سال ۸۴ - ۸۳) هفت سال خارج فقه را تدریس کرده ام با توجه به این نکته در میاخذ فقهی هر کجا بحث اصول لازم بود، بحث اصول آن را مطرح می کردم تا کاربرد اصولی در مسائل فقهی کار بردی تر انجام شود.

توکل، داوود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

توکل، عبدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالله توکلی

محل تولد: ازنا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه امام صادق (ع) شهرستان ازنا شدم و تا سال ۱۳۶۷ در این حوزه مشغول تحصیل بودم در این مدت از محضر آقایان حجة الاسلام مرادی، مرحوم حجة الاسلام و المسلمین وحید میان آبادی - بهرهمند بودم در این دوره حدود ۱۳ بار هم به جبهه مقدس نبرد حق علیه باطل عازم شدم با قبولی در امتحانات پایه های ۳ و ۵ و ۶ در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه مقدسه قم شدم سطوح مکاسب را نزد آیه الله استادی، آیه محفوظی و مرحوم آیه الله وجدانی به پایان رساندم و رسائل نزد آیه الله اعتمادی و کفایه در محضر مرحوم آیه الله پایانی تلمذ نمودم. در این سالیان در کنار دورس حوزوی مقطع دبیرستان را نیز به پایان رساندم و سال ۱۳۶۹ همزمان درس تفسیر و مقداری هم فلسفه را در محضر آیه الله جوادی آملی کسب فیض کردم. از سال ۱۳۶۹ در دانشگاه تهران - پردیس قم در رشته مدیریت پذیره شدم و تا ۱۳۷۳ مقطع کارشناسی را به اتمام رساندم از سال ۱۳۷۲ وارد پژوهشگاه حوزه دانشگاه شدم و همکاری اینجانب این نهاد مقدس کماکان ادامه دارد.

توکلی زاده، عبدالحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد ۱۳۱۱، مرتبه علمی: استاد، رشته: جراحی عمومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی جراحی عمومی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۹، فوق تخصص جراحی دستگاه گوارش از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۵۱.

مرتبه علمی:

استادیار جراحی دانشگاه مشهد از سال ۱۳۴۸، دانشیار جراحی دانشگاه مشهد از سال ۱۳۵۳ تا سال ۱۳۶۰، استاد جراحی دانشگاه مشهد از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۶۸.

زمینه های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه و تحقیق در جراحی عمومی و استاد راهنمای ۱۶ پایان نامه دکترای و ۶ پایان نامه دکترای تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: -

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۶، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

گزارش ۴۶۶ مورد ولولوس سیگموئید، مواردی از پنوماتوز کتیک روده، بررسی ۴۶۲ مورد کیست هیداتیک، هیپرپاراتیروئیدسم، هیپرپاراتیروئید اولیه حاملگی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

تولمی اصل، سیاوش

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

تونلی، عبدالله

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۷۱ ق)، عالم، زاهد و فقیه. معروف به فاضل تونلی. از پارساترین علمای زمان خود و ثانی مقدس اردبیلی بود. وی از مردم بشرویه خراسان بود. نخست در مدرسه‌ی ملاعبدالله شوشتری اصفهان و سپس در مشهد اقامت گزید. پس از آن با برادرش ملا احمد تونلی در مسیر زیارت عتبات عراق مدتی در قزوین به خواهش ملاخلیل قزوینی ماندگار شدند. او معاصر صاحب «امل الامل» است. سرانجام در راه زیارت در شهر کرمانشاهان وفات یافت و نزدیک پل شاه دفن شد. از تألیفات او: حاشیه بر «معالم»؛ حاشیه بر «مدارک»؛ شرح بر «الارشاد» علامه؛ «الوافیه»، در اصول؛ فهرست «تهذیب» طوسی.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۷۰/۸)، الذریعه (۱۷/۲۵، ۲۳۰/۶)، روضات الجنات (۲۴۰- ۲۳۷/۴)، ریاض العلماء (۲۳۹- ۲۳۷/۳)، ریحانه (۳۵۶/۱)، فوائد الرضویه (۲۵۵)، الکنی و الالقاب (۱۲۸- ۱۲۷/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ فاضل تونلی)، معجم المؤلفین (۱۱۴- ۱۱۳/۶)، هدیه الاحباب (۱۸۵- ۱۸۴).

تونلی، موسی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۹۸ ق)، متکلم، عالم و حکیم امامی. وی از فحول متکلمان و اکابر علما و حکمای امامیه بود. پس از اخذ مقدمات متداوله و علوم اسلامی فقه و حدیث را از مولی محمد مومن که از شاگردان شیخ بهایی بود فراگرفت و از ائمه فتوی و تقلید در مشهد شد. سپس به تدریس پرداخت و عالمان بسیار از محضر وی بهره می‌بردند. مولا محمد صادق نیشابوری از شاگردان وی بود که از وی اجازه داشت. از آثار وی: رساله‌ای در «زکاه»، به فارسی؛ تعلیقات بر کتاب «الاحتجاج» طبرسی؛ حواشی بر «تفسیر صافی» ملامحسن فیض کاشانی؛ شرح مجلس ابن بابویه با رکن الدوله. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: ریاض العلماء (۲۲۰/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۰۵-۶۰۴/۱۱).

تویسرکانی، جعفر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(مآثر و الاثار) ص ۱۶۲ گوید: میرزا جعفر از فضلاء فقها و به درجه اجتهاد نایل بود فرزند هنرمندش شیخ محمد نیز از علماء معتبر آن حدود معدود است. جعفر از علماء و فقهاء این منطقه بوده که در عصر خود قیام به وظائف دینی نموده چنانچه فاضل مراغی در (مآثر و الاثار) ص ۱۶۲ ذکر کرده و بعد از وی فرزند برومندش آقا شیخ محمد از علماء بزرگوار بوده که به جای والدش انجام وظیفه داده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

تویسرکانی، عبدالغفار

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج میرزا عبدالغفار حسینی تویسرکانی فرزند محمد حسین عالم و محقق جلیل، فقیه و مجتهد عالی مقام. که از محضر بزرگان همچون آقا سید محمد شهشهانی وملا حسینعلی تویسرکانی و.... کسب علم نمود. وی مدتی در شهر همدان به ترکیه و کسب معارف پرداخت و آنگاه در سال ۱۲۶۶ ق برای تحصیل مدارج عالی به اصفهان هجرت نمود و تا آخر عمر در این شهر زیست. این عالم بزرگوار در فقه و اصول از شاگردان عالم برجسته مدرس مطلق (میر سید حسن) و در معقول از محضر درس حکیم آقا محمد رضا قمشه ای کسب علم نمود. وی در مراتب علم چنان بود که خواص و عوام به او ارادت می ورزیدند. و به نماز ایشان در مسجد حاج محمد جعفر آباده ای حاضر می شدند. همچنین وی یکی از مشوقین صاحب روضات در تألیف کتاب ارزشمند خویش «روضات الجنات» بوده و خود نیز صاحب آثار ارزشمند همچون:

۱- حواشی بر اسفار

۲- حاشیه بر شرح اشارات

۳- حاشیه بر شرایع و... می باشد.

فرزندان این عالم بزرگوار نیز مانند پدر اهل علم و فضل بودند. از جمله فرزندش حاج میرزا محمد باقر تویسرکانی از فقهاء و علمای پرهیزگار زمان خود که صاحب آثار ارزشمند بوده و فرزند دیگرش حاج میرزا ابوالحسن تویسرکانی عالم فاضل جلیل را می توان نام برد (هر دوی آنان کنار پدر بزرگوارشان مدفون می باشند).

سرانجام این عالم بزرگوار در سال ۱۳۱۹ ق وفات یافت و در تخت فولاد اصفهان در تکیه ای که هم اکنون به نام او مشهور است مدفون گردید. ماده تاریخ فوت وی چنین است.

که مداح شوستر زغفار ذنب مرا سال تاریخ شد

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی القبور (۴۱۵-۴۱۴)، الذریعه (۹۴/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۴۸-۱۱۴۷/۱۳).

تویسرکانی، علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی تویسرکانی فقیهی بزرگوار و عالمی جلیل بود از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و سید محمد حسن مجدد شیرازی و غیر ایشان از فحول علماء و بزرگان محققین و از محضر آنان به مقام بلندی از علم با کمال صلاح و تقوا رسیده آنگاه به وطن خود برگشته و به وظائف دینی قیام نموده تا بعد از سال ۱۳۰۰ قمری در تویسرکان از دنیا رفت.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

تویسرکانی، قاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

درگذشت: اردیبهشت ۱۳۷۲، تهران.

دکتر قاسم تویسرکانی فارغ‌التحصیل رشته‌ی دکترای ادبیات دانشگاه تهران بود و در همین دانشگاه تدریس می کرد. نامه‌های رشیدالدین وطواط به تصحیح او در سلسله انتشارات دانشگاه تهران چاپ شده است. کتاب دیگر او قواعد النحو و هی التدریس فی بعض الصفوف من کلیه المعقول و المنقول (۱۳۷۱) است.

بر گرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

تویسرکانی، محمد حسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسن تویسرکانی از علماء بزرگ و مجتهدین مسلم الاجتهاد یکی از علماء دینی در بروجرد بوده است، علامه رجالی جاپلقی وی را در روضه البهیة خود یاد کرده است و درباره وی در کتاب مزبورش گفته است: (عالم ربانی و محقق صمدانی و الزاهد التارک لنعم الدنیا الفانی و المحقق الذی لیس له ثانی) و فاضل مراغی او را در مآثر و آثار یاد کرده که وی در بروجرد و در سال ۱۳۲۵ هجری وفات نموده و جنازه‌اش حمل به نجف گردیده و در جوار حضرت علی علیه‌السلام مدفون گردیده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

تویسرکانی، محمد علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فقیه زاهد، از شاگردان حاج شیخ محمد باقر نجفی و دیگران، از مدرّسین مدرسه نیم آورد. در ۱۳۲۹ وفات یافته، در بقعه مدفون شد. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

تویسرکانی، محمد نبی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۳۲۰ ق)، فقیه شیعی. در اصفهان و تهران در خدمت استادانی چون محمد جعفرآبادی، ملاحسین علی تویسرکانی، ملا عبدالرحیم اصفهانی، ملا علی کنی، سید اسماعیل موسوی بهبهانی و عده‌ی دیگری از علما درس خواند و از همه‌ی آنها اجازه‌ی اجتهاد گرفت. وی پس از فراغت از تحصیل در تهران ساکن شد و سرانجام همان جا در گذشت. از جمله آثار وی: «جامع المسائل»، در فقه، «لالی الاخبار و الآثار»، در اخلاق؛ «مقداریه»، رساله‌ای به فارسی، درباره‌ی اوزان شرعی. برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۷۹/۱۰)، الذریعه (۳۵/۲۲، ۲۵۸-۲۵۷، ۱۸/۵، ۷۰/۵).

تویسرکانی، محمدشریف

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۲-۱۲۴۲ ق)، فقیه و مجتهد شیعه. وی پس از تکمیل مقدمات علوم و سطوح نزد افاضل تویسرکان، به عتبات هجرت کرد. در کربلا به حوزه‌ی درس شیخ زین‌العابدین مازندرانی حایری رفت و بعد در نجف از حوزه‌ی درس شیخ ملاعلی خلیلی و سید علی آل بحرالعلوم و شیخ محمدحسین کاظمی و سید حسین کوه کمری کسب فیض کرد. تویسرکانی از همه‌ی مشایخ مذکور اجازه‌ی

اجتهاد دریافت داشت و همگی آنها به علو مرتبه‌ی علمی وی تصریح نموده‌اند. سید محمد شریف سالها عهده‌دار تدریس در کربلا و سامراء بود تا اینکه سرانجام در روز عید قربان در سامراء درگذشت و پیکرش در رواق پایین پای امام حسن عسگری (ع) به خاک سپرده شد. از جمله آثار وی: کتاب «الفقه الاستدلالی»، در چند جلد؛ حاشیه بر «رسائل» انصاری؛ حاشیه بر «فوائد الاصول» شیخ انصاری.

السید محمد شریف بن السید محمد طاهر الحسینی تویسرکانی عالمی جلیل و فقیهی فاضل بوده است.

پس از پرورش در مهد علم و سیادت به نجف اشرف مهاجرت نموده و مدتها از محضر بزرگان آنجا مانند شیخ ملا علی خلیلی و السید علی آل بحر العلوم و شیخ محمد حسین کاظمی و آیه الله سید حسین کوهکمری و شیخ زین العابدین مازندرانی و غیر آنها استفاده کرده و از ایشان نائل به دریافت اجازه اجتهاد و غیره گردیده تا در روز عید قربان ۱۳۲۲ قمری در سامرا در سن هشتاد سالگی وفات نموده و در رواق عسکریین علیهما السلام بخاک رفته است.

از آثار اوست فقه استدلالی از طهاره و صلوه و زکوه و الصوم و حج و متاجر نکاح و رضاع و میراث و غیره و نیز حاشیه بر رسائل و رساله‌ای در (مایضمن بصحیه یضمن بفاسده) و غیر اینها.

از باقیات الصالحات ایشان است فرزندان دانشمندی بنام ۱- حجه الاسلام آقای سید ضیاء الدین ۲- حجه الاسلام السید علی نقی ۳-

حجه الاسلام السید مهدی.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۸۴/۱۸، ۱۲/۱۷، ۲۸۷/۱۶، ۱۵۷/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۸۳۶)، معجم المؤلفین (۶۸/۱۰).

تویسرکانی، محمدصادق

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۰۶۲ ق)، ادیب و نحوی امامی. پس از تکمیل مقدمات علوم اسلامی و فنون ادب، به حوزه‌ی درس شیخ بهایی راه یافت و از خواص شاگردان وی در زمینه‌ی معقول و منقول گردید. از جمله آثار وی: «زهر الحدیقه» که شرح مزجی است بر اسلوب «قال اقول» بر «لغز النحو» شیخ بهایی؛ کتاب «النهج الصفی»، در اصول عقاید، به فارسی.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۴۲۰/۲۴، ۶۸/۱۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱/۲۷۶).

تویسرکانی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند سید حسن حسینی اصفهانی. عالم فاضل ادیب، از شاگردان و مخصوصین حاج شیخ محمد باقر نجفی بوده، و در اوایل قرن ۱۴ وفات یافته.

[او] در مقدمه‌ی کتاب بحر المعارف (ترجمه‌ی جلد ۱۵ بحار الانوار) از تألیفات آقا نجفی، فهرست مؤلفات وی را نام برده، کتاب در

سال ۱۲۹۷ به طبع رسیده است، و به خط محمد باقر بن محمد حسن خطاط بروجنی اصفهانی می‌باشد. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

تهامی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۸۵ - ۱۳۱۴ ق)، مجتهد و فقیه. یکی از مراجع بزرگ عالم تشیع در منطقه بیرجند و قاینات و قهستان بود. او از برجسته‌ترین مفاخر حوزه‌ی علمیه‌ی نجف و نخبه‌ی شاگردان آیت‌الله نائینی بود. وی از آیت‌الله نائینی و سایر آیات و حجج آن زمان به دریافت بهترین تصدیق نایل آمد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۰/۱/۲)، یغما (س ۱۸، ش ۴، ص ۱۳، ش ۵، ص ۲۷۳ - ۲۷۲).

تهامی، غلامرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید غلامرضا تهامی، فرزند آیت‌الله تهامی در سال ۱۳۱۰ در شهر بیرجند دیده به جهان گشود. وی در سال ۱۳۳۱ وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و تحصیلات خود را تا مقطع دکترا ادامه داد. دکتر سید غلامرضا تهامی در اوایل دهه ۱۳۳۰ همکاری خود را با «مجله ایران ما» آغاز کرد. دکتر تهامی، پس از بازنشستگی از مشاغل رسمی، در سال ۱۳۶۵، دوباره به ترجمه، تحقیق و ویراستاری - که از علائق اوست - روی آورد. وی بیش از ۱۰۰ عنوان کتاب را ویراستاری کرده که ۳۰ عنوان آن از کتاب‌های «مرکز نشر میراث مکتوب» را شامل می‌شود. کتاب "فرهنگ اعلام تاریخ اسلام" تالیف سید غلامرضا تهامی، در سال ۱۳۸۶ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: حقوق

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: سید غلامرضا تهامی در سال ۱۳۳۱ وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و تحصیلات خود را تا مقطع دکترا ادامه داد.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: سید غلامرضا تهامی تا اوایل دهه ۴۰، ویرایش بیش از ۲۰ عنوان از کتاب‌های «بنگاه ترجمه و نشر کتاب» را برعهده داشت. از جمله برخی ترجمه‌های بدیع‌الزمان فروزانفر. «فرهنگ اعلام تاریخ اسلام» دکتر تهامی در دو مجلد با ۲۸ هزار مدخل و بیش از شش هزار صفحه از سوی شرکت سهامی انتشار، در اسفند ۱۳۸۵ منتشر شده است. دکتر تهامی، پس از بازنشستگی از مشاغل رسمی، در سال ۱۳۶۵، دوباره به ترجمه، تحقیق و ویراستاری - که از علائق اوست - روی آورد. وی بیش از ۱۰۰ عنوان کتاب را ویراستاری کرده که ۳۰ عنوان آن از کتاب‌های «مرکز نشر میراث مکتوب» را شامل می‌شود.

جوایز و نشانها: کتاب "فرهنگ اعلام تاریخ اسلام" تالیف سید غلامرضا تهامی، در سال ۱۳۸۶ به عنوان کتاب سال جمهوری

اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد برگزیده شد.

آثار:

۱ باروی قفقاز، دو قرن مبارزه مسلمانان قفقاز

ویژگی اثر: ترجمه

۲ بحران فرهنگ اسلامی

ویژگی اثر: ترجمه

۳ چین و هنرهای اسلامی

ویژگی اثر: ترجمه

۴ سیاست و دیانت در اسرائیل

ویژگی اثر: ترجمه

۵ فرهنگ اعلام تاریخ اسلام

ویژگی اثر: تالیف. این کتاب در سال ۱۳۸۶ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. دکتر سید غلامرضا تهامی درباره این کتاب چنین می گوید: اعلام در لغت به معنی علم هاست و در زبان عربی به معنی اسلامی خاص است، در فارسی ما اسامی خاص داریم مثل اسم کوه‌ها، شهرها و... در زبان عربی و در اصطلاح نویسندگی آنچه درباره اشخاص و اماکن خاص استرا علم می گویند. در پایان بسیاری از کتاب‌های غالباً مذهبی، اعلام اشخاص یا اعلام اماکن آمده است. در این کتاب هم موضوع همین است. البته فرهنگ به معنای شخصیت هاست مثل «فرهنگ مصاحب»، کلمه قاموس را هم به جای فرهنگ به کار می‌برند یا کلمه معجم. اما در زبان فارسی به آن «فرهنگ» گفته می‌شود و فرهنگ اعلام یعنی کتابی که اسامی خاص یک دوره یا کشور یا یک گروه که معمولاً بر حسب حروف الفبا مرتب شده در آن تنظیم می‌شود.

۶ مسایل هنر و زیبایی شناسی

ویژگی اثر: ترجمه

۷ نگارگری اسلامی

ویژگی اثر: ترجمه

تهامی، فاطمه

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

فاطمه سادات تهامی در سال ۱۳۳۹ در تهران متولد شد. ایشان دارای دکترای رشته علوم قرآنی از دانشگاه تربیت مدرس می باشد. وی از بهمن سال ۱۳۷۱ تا شهریور ۱۳۸۳ عضو هیات علمی دانشکده الهیات دانشگاه تهران و پس از آن، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت معلم بود. کتاب "قرآن و کتاب مقدس، درون مایه‌های مشترک" ترجمه فاطمه سادات تهامی، در سال ۱۳۸۶ از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد. گروه: علوم انسانی رشته: علوم قرآنی تحصیلات رسمی و حرفه ای: فاطمه سادات تهامی دوره ابتدایی و راهنمایی را در تهران گذراند و مقطع دبیرستان را در فرانسه

در کالج بونل به پایان رساند. بعد از بازگشت به ایران، مدرک کارشناسی خود را در رشته الهیات و مدرک کارشناسی ارشد را در رشته علوم قرآن و حدیث از دانشگاه تهران اخذ کرد. سپس در رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس مدرک دکترای خود را گرفت. رساله وی در این دوره با عنوان «نقش ایرانیان در تدوین و نشر حدیث» چاپ و منتشر شد. خاطرات و وقایع تحصیل: فاطمه سادات تهامی از دوران تحصیل خود چنین می گوید: در دبیرستان رشته ریاضی خواندم اما به ادبیات خصوصاً ادبیات کلاسیک و نویسندگان روسی علاقه مندم فلسفه اسلامی و فلسفه غرب را هم خوانده‌ام و در موضوع ادیان بیش از بقیه کار کرده‌ام. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: فاطمه سادات تهامی از بهمن سال ۱۳۷۱ تا شهریور ۱۳۸۳ عضو هیات علمی دانشکده الهیات دانشگاه تهران و پس از آن، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت معلم بود. جوایز و نشانها: کتاب «قرآن و کتاب مقدس، درون مایه‌های مشترک» ترجمه فاطمه سادات تهامی، در سال ۱۳۸۶، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد. چگونگی عرضه آثار: فاطمه سادات تهامی با زبان‌های فرانسه، انگلیسی و عربی آشنایی دارد و مقالات متعددی از این سه زبان ترجمه کرده است و نخستین اثر مستقل او که از سوی انتشارات سهروردی در سال ۱۳۸۵ به چاپ رسید، ترجمه‌ای است از کتاب «قرآن و کتاب مقدس، درون مایه‌های مشترک» نوشته دنیز ماسون.

آثار: قرآن و کتاب مقدس، درون مایه‌های مشترک و ویژگی اثر: تالیف: دنیز ماسون؛ ترجمه فاطمه سادات تهامی - تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی، ۱۰۲۴ صفحه. این کتاب در سال ۱۳۸۶، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شده است. منابع زندگینامه: <http://www.iranologyfo.com>

تهجدی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی تهجدی بن آیت‌الله حاج سید محمد بن العالم الجلیل حاج سید اسماعیل بن حاج سید کوچک بن حاج سید رضی ساوه‌ای عالمی زاهد و متقی و دانشمندی فقیه و متعبد از علماء ساوه بودند و پدراننش جملگی از دانشمندان عظام و حجج اسلام بوده‌اند.

وی در سال ۱۲۶۵ شمسی در ساوه متولد شده و پس از پرورش در بیت علم مهاجرت به نجف اشرف نموده و تحصیلات سطوح خود را به پایان رسانیده و در حوزه مرحوم آیت‌الله نائینی و مراجع معاصر دیگرشان شرکت نموده و در عداد تلامذه برجسته آنان آمده و پس از آن مراجعت به ایران نموده و در قم با مرحوم آیت‌الله العظمی حایری یزدی در تأسیس حوزه علمیه همکاری نموده. و بالاخره اهالی شهرستان ساوه با درخواست زیادی ایشان را به ساوه طلبیده و آن مرحوم چون اصرار مردم ساوه را مشاهده نمودند ناگزیر تقبل نموده و تا موقعی که در قید حیات بودند مصدر امور و رتق و فتق و مورد توجه کامل اهالی قرار داشتند تا در سال ۱۳۲۹ شمسی که برای تحصیلات یگانه فرزند خود دانشمند معظم آتی‌الذکر حاج سید محمد صالح تهجدی عزم نجف نموده. و مدت دو سال در نجف اشرف اقامت و سپس مجدداً به ایران مراجعت و در سال ۱۳۳۵ قمری که برای زیارت عتبات عالیات و دیدار فرزند خود به نجف مشرف شدند در آنجا مبتلا به زخم سیاه در ناحیه شصت پا شده که منجر به قطع پا شده و بعد از دو سال در سن ۷۲ سالگی در سال ۱۳۳۷ شمسی دار فانی را وداع نمودند و از ایشان یک پسر و چهار دختر باقی مانده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

تهرانی صادق، محمد صادق

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۸۸ ق)، شاعر و طیب. وی طیب ناصرالدین شاه قاجار و پدر میرزا علی خان اعلم الممالک بود. در رودخانه‌ی جاجرود هنگام طغیان آب غرق شد. از آثار وی «القیه الفنون»، در بیست فن که در ۱۲۶۵ ق به نظم درآورده و حاج ملا-علی کنی بر آن تقریظ نوشته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۵۷۹، ۲۹۸ / ۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۲۱ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۶ / ۳).

تهرانی عسکری، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در سال ۱۳۶۱ هجری بود که مرحوم مبرور حجة الاسلام والبحر الزاخر القمقام فخر الفرقة المحقه و ذخرا الشیعه الامامیه استاد اساطین العصر و استاد فضلاء الدهر العالم المحقق الامجد والفاضل الفقیه الاوحد مولینا الاجل العلامة المیرزا محمد العسکری التهرانی به قصد زیارت حضرت ثامن الحجج علیه الصلوة والسلام به ایران آمده و در شهر ری چند روزی میهمان مرحوم آیت الله آقا سید محمد حجت کوه کمری که برای معالجه و گذرانیدن تابستان به آنجا آمده بودند شده و پس از تشریف به ارض اقدس به قم آمده و چند روزی اقامت نمودند و با حضرت آیت الله العظمی نجفی مرعشی مراوده داشته و اغلب با وی مصاحبت داشتند.

معظم له از شاگردان میرزا آیت الله سید محمد فشارکی و محقق خراسانی و آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی بوده و از آن مرحوم اجازه اجتهاد مطلق داشته‌اند. تألیفات ارزنده‌ای دارد که از آنست مستدرک البحار در شش مجلد بزرگ در مستدرک اجازات بحار الانوار و از آنهاست صحیفه المهدیه در ادعیه حضرت ولی عصر عجل الله فرجه الشریف.

نگارنده گوید آن مرحوم شیخ المشایخ اجازه عصر ما بودند که غالباً فقهاء و مجتهدین و محدثین از ایشان اجازه حدیث داشتند و برای این حقیر هم اجازه‌ای در سال ۱۳۶۲ قمری مرقوم فرمودند که در کتاب خلاصه الاجازات خود ذکر کرده‌ام.

فرزندان برومندی دارد که از آنهاست حجة الاسلام والمسلمین آیت الله حاج میرزا نجم‌الدین الشریف عسکری که سالها در سامرا در حرم مطهر عسکریین علیهما السلام اقامه جماعت داشتند ولی اکنون چندین سالست که حسب الامر مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محسن حکیم قدس الله سره در مدینه الهادی بغداد به ترویج دین و امامت جماعت اشتغال دارند تألیفات مفیده دارند.

و دیگر جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا ابوالحسن الشریف العسکری که در تهران مقیم و ترجمه‌اش را در ضمن تراجم علماء تهران خواهم نگاشت.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

تهرانی نجفی، خلیل

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۸۰ ق)، طیب و دانشمند. از پزشکان نام‌آور عصر خود در تهران و عتبات بود. پس از مدتی اقامت در کربلا- به نجف اشرف منتقل شد. از وی پنج پسر ماند که سه نفر آنها یعنی میرزا محمد و میرزا حسن و میرزا باقر به پیروی شغل پدر، به طبابت پرداختند پسر پنجم وی حاج ملاعلی فقیه. حاج میرزا خلیل در نجف درگذشت و در خانه‌ی شخصی خود دفن شد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: شرح حال رجال (۴۸۹/۱).

تهرانی، جواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۸- ۱۲۸۳ ش)، عالم دینی. در تهران به دنیا آمد. پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در تهران، در عصر آیت‌الله حایری رهسپار قم شد و سطوح نهایی «مکاسب» و «کفایه» را در محضر آیت‌الله مرعشی نجفی و مدرسان دیگر فراگرفت. به نجف رفت و در آنجا از محضر آیت‌الله حاج شیخ مرتضی طالقانی و آیت‌الله حاج شیخ محمدتقی آملی بهره‌مند شد، و به تهران بازگشت و پس از اقامتی کوتاه به مشهد رفت، و در آنجا از محضر حاج شیخ هاشم قزوینی بهره‌ها برد. از آن پس در حوزه درس خارج آیت‌الله میرزا مهدی غروی اصفهانی حاضر شد و به مدت ده سال تا پایان عمر این استاد در نزد وی بود. بعد از فوت آن مرحوم خود رسماً حوزه‌ی درس خارج تشکیل داد و عده‌ی بسیاری از مبانی علمی و اخلاقی و معارف وی استفاده نمودند. او یکی از مروجان مبانی تفکیک و اصول مکتب تفکیک بود. از آثار وی: «فلسفه بشری و اسلامی»؛ «عارف و صوفی چه می‌گوید»؛ «میزان المطالب».[۱]

مدرس، فقیه

تولد: ۱۲۸۳، تهران.

درگذشت: دوم آبان ۱۳۶۸.

آیت‌الله جوادآقا تهرانی خراسانی، فرزند محمدتقی، در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پس از تحصیل دوره ابتدایی و اخذ گواهی سیکل از مدرسه‌ی ثروت تهران، برای فراگیری علوم دینی راهی قم شد و پس از چند سال سکونت در آن شهر و گذراندن مقدمات و بخشی از سطوح، به نجف اشرف رفت و از محضر آیت‌الله مرتضی طالقانی و آیت‌الله محمدتقی آملی (صاحب درالفوائد، تعلیقه بر شرح منظومه سبزواری) کسب فیض کرد. آنگاه به امر مادرش به تهران بازگشت و پس از مدتی اقامتی کوتاه در تهران، در سن سی سالگی (سال ۱۳۱۳) به مشهد رفت. نخست از حضور آیت‌الله هاشم قزوینی بهره گرفت. از آن پس به حوزه درس خارج فقه و اصول و معارف آیت‌الله میرزا مهدی غروی اصفهانی حاضر گشت و تا پایان عمر ایشان (۱۹ ذیحجه ۱۳۶۵ ق.) یعنی نزدیک به ده سال از محضر ایشان استفاده کرد و مبانی اصولی میرزای نایینی را، و همچنین فقه و معارف اهل بیت (ع) را فراگرفت. این دوره‌ی طولانی باعث شد که میرزای اصفهانی تأثیر فوق‌العاده‌ای بر وی بگذارد، چنانکه تا پایان عمر، در تبیین و ترویج مبانی و خط مشی علمی ایشان کوشش داشت و در کتابها و درسهای خود همواره به تفسیر و تقریر معارف براساس آرا و اندیشه‌های استاد می‌پرداخت و بدین گونه یکی از مروجان مبانی «تفکیک» و اصول «مکتب تفکیک» به حساب می‌آمد.

آیت‌الله تهرانی خراسانی پس از این دوره فراگیری، به تدریس و تألیف پرداخت. سالیانی دراز (حدود چهل سال) به حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد خدمت کرد و خارج فقه و اصول درس و معارف تدریس می‌کرد و به درخواست طلاب و یکی دو دوره به تدریس شرح منظومه‌ی سبزواری پرداخت. سپس به تفسیر قرآن همت گماشت. محل تدریس ایشان غالباً مدرس فوقانی مدرسه‌ی میرزا جعفر بود. پس از بسته شدن مدرسه در مسجد حاج ملا حیدر درس می‌گفت.

از جمله فعالیت‌های اجتماعی او می‌توان به تأسیس اولین خیریه‌ی درمانی مشهد، به نام «درمانگاه خیریه بینویان» بنا به اشارت و مساعدت ایشان و جمعی از دوستان پزشکی وی، در سال ۱۳۳۴ اشاره نمود. هر هفته یک شب در جلسه‌ی هیئت‌ی مدیره‌ی آن شرکت می‌کرد تأسیس نخستین صندوق قرض‌الحسنه ایران نیز که در سال ۱۳۴۲ در مشهد آغاز به کار کرد تا با تأیید و مساعدت ایشان صورت گرفت؛ این مؤسسه بعدها به صورت مجموعه‌ای شامل صندوق قرض‌الحسنه، فروشگاه تعاونی و کتابخانه درآمد. ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دفعات برای دیدار با امام خمینی (ره) در فرصت‌های مختلف، به صورت انفرادی یا با هیئت‌هایی از علما و روحانیون به قم و تهران آمد. ضمناً با وجود کهولت، چندین بار به جبهه‌های دفاع مقدس نیز رفت.

در امر تألیف و نوشتن تلاش داشت برای خود عنوانی قائل نشود و به تعبیرهایی نظیر (ج- زراع) یا «ج» یا «جواد» بسنده می‌کرد و بعدها تحت نام «جواد تهرانی» می‌نوشت. از جمله آثار چاپ شده ایشان این کتاب هاست: فلسفه بشری و اسلامی؛ عارف و صوفی چه می‌گویند؟ (تهران، ۱۳۶۷)؛ میزان الطالب (در دو جلد)؛ آیین زندگی و درسهای اخلاق اسلامی؛ بررسی پیرامون اسلام (رد بر کسروی)؛ اصول و عقاید؛ بهایی چه می‌گوید؛ آئین زندگی در اخلاق اسلامی.

آیت‌الله جواد آقا تهرانی خراسانی در سن هشتاد و پنج سالگی درگذشت.

حجة الاسلام والمسلمین آیت‌الله آقای حاج میرزا جواد تهرانی از علماء ربانی و آیات صمدانی و مدرسین برجسته معاصر مشهد مقدسند (کرارا به معظم‌له مراجعه نمودم که بیوگرافی خود را مرحمت نمایند ولی اجابت نفرمودند) اما وجدان نگارنده اجازه نداد که از ذکر معظم‌له صرف نظر کنم و قطعاً ارباب فضل و دانش و شاگردان آن جناب هم به این امر راضی نیستند که کتاب ما خالی از نام ایشان باشد.

اجمالاً- آن بزرگوار در حدود سال ۱۳۳۰ قمری در تهران چشم به جهان گشوده و در بیت دیانت و تقوا پرورش یافته و پس از خواندن دروس فارسی و جدید و اولیات و ادنیات در عصر مرحوم آیت‌الله حایری یزدی رهسپار قم شده و سطوح نهائی مکاسب و کفایه را از محضر آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله و مدرسین دیگر حوزه استفاده نموده.

آنگاه مهاجرت به مشهد و در جوار سلطان سریر ارتضا حضرت علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیه و الثناء رحل اقامت افکنده و از درس و محضر مرحوم مبرور عالم ربانی و آیت سبحانی آیت‌الله آقای حاج میرزا مهدی غروی اصفانی تا آخر عمر آن مرحوم استفاده فقه و معارف اهل بیت عصمت علیهم السلام نموده.

و ضمناً به تدریس فقه و اصول پرداخته تا بعد از فوت آن مرحوم که خود رسماً حوزه درس خارج تشکیل و عده زیادی از افاضل دانشمندان از مبانی علمی و اخلاقی و معارف آن جناب استفاده نموده و می‌نمایند.

نگارنده گوید: جناب آقای تهرانی از جهت تواضع و محاسن اخلاق و محانمد آداب نسخه اول استادش مرحوم میرزا مهدی اصفهانی می‌باشند و جدا از نوادر دانشمندان عصر محسوب می‌شوند.

آثار و تالیفات علمی چندی دارند که بعضی از آنها مانند کتاب عارف و صوفی چه می‌گوید به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه: [۱] کیهان فرهنگی (س ۹، ش ۱۲، ص ۴۰-۳۹)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۲۷-۱۲۶/۷).

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

زندگینامه حضرت آیت الله حسن تهرانى

تولد و دوران کودکی:

آیت الله شیخ حسن تهرانى در سال ۱۳۱۲ در تهران به دنیا آمد. پدرش مرحوم یوسف تهرانى از کسبه تهران بود که ارادت عجیبی به روحانیت و مرجعیت شیعه داشت. او که خود از زاهدان زمان بود و نماز جماعت و نماز شبش هیچ گاه ترک نمی شد، از شاگردان و دوستان مرحوم شیخ محمد حسین زاهد بود و همواره از این مرد نورانی بهره می برد. دوران تحصیل:

آیت الله تهرانى تحصیلات خود را در دوره ابتدایی در تهران به پایان برد و سپس به مدرسه مرحوم حاج شیخ علی اکبر برهان رفت و به دلیل تلاش فراوان مورد عنایت آن مرد بزرگ قرار گرفت. او مدت دو سال با نظارت مرحوم برهان در آن مدرسه درس خواند و همواره در نماز مرحوم شیخ محمد حسین زاهد حاضر می شد. در این مدت تلاش او به حدی بود که توانست تمام الفیه ابن مالک را حفظ کند. الفیه ابن مالک که در واقع یک دوره ادبیات عرب به شمار می آید، حدود هزار بیت است که بسیاری از طلاب تنها ایات مهم یا حدود نیمی از آن را در حافظه دارند، اما آیت الله تهرانى به گفته خود، هر شب پس از صرف طعام، اشعار را مرور می کرد و تا اشعار مربوط به درس روز را حفظ نمی کرد، به بستر خواب نمی رفت. البته در این زمینه، سفارش های پدرش نیز بسیار مهم بود. پدرش که علاقه وافری به طلاب علوم دینی داشت، از هر گونه خدمت او در گستره های علمی دریغ نمی ورزید، تا آنجا که وقتی به همراه فرزندش به مدت ده روز به مشهد رفت، برای آن مدت کوتاه از یکی از روحانیان مشهد خواست تا به فرزندش دروس حوزه را تعلیم دهد تا پس از بازگشت از سفر، از دیگر دوستان خود عقب نیفتد!

آیت الله تهرانى پس از طی کردن دروس مقدمات، دروس دوره سطح را در مدرسه مرحوم برهان در شهر ری آغاز کرد و پس از مدتی به سفارش یکی از استادان خود، که همواره کوشش شاگرد خود را از نزدیک می دید، به قم مهاجرت کرد تا از محضر استادان آن دیار عالم خیز بهره های بسیار برد. او در قم به محضر استادان بسیار شرفیاء شد و فقه و اصول و فلسفه را تا سر حد اجتهاد فرا گرفت. استادان و دوستان:

آیت الله شیخ حسن تهرانى در سالهای تحصیل خود، به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد. او در شهر ری برای فراگیری معالم الاصول به درس آقا سید حسن آقایی می رفت و بخشی از شرح لمعه را در محضر آقا شیخ محمدرضا بروجردی فرا می گرفت. با ورود به قم، قوانین و باقیمانده شرح لمعه را در محضر آیت الله نوری همدانی فرا گرفت و در درس رسائل آیت الله مشکینی و در درس مکاسب و کفایه آیه الله مجاهدی تبریزی شرکت نمود. تلاش او به حدی بود که دوره سطح را در سه سال به پایان رسانید. آیت الله تهرانى پس از طی دوره سطح، به دروس خارج آیت الله العظمی بروجردی، آیت الله العظمی امام خمینی، آیت الله العظمی محقق داماد، آیت الله شیخ محمد تقی بروجردی، آیت الله العظمی حاج مرتضی حائری و آیت الله العظمی گلپایگانی - رحمه الله علیهم - رفت و در مدت کوتاهی که پس از عزیمت به حج، به عتبات عالیات رفته بود در درس امام (ره) و آیت الله العظمی خویی (ره) شرکت نمود. او اسفار و شفا و تفسیر را نیز در محضر علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره) آموخت.

او در سالهای تحصیل و تدریس خود با طلاب بسیاری رابطه دوستی داشت که از جمله آنها می توان از آیت الله محمد مؤمن،

آیت‌الله ربانی املشی(ره)، آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی و آیت‌الله سید محمد کاشانی به عنوان دوستان و هم‌بحثهای ایشان نام برد. فعالیت‌های علمی و فرهنگی:

آیت‌الله شیخ حسن تهرانی در طول سالهای عمر خود تا هم‌اکنون، تلاش‌های علمی و فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است. او از سالهای آغازین طلبگی به امر تدریس اشتغال داشته است و سالها در حوزه‌های علمیه خواهران به آموختن مبانی فقه و اصول پرداخته است.

از فعالیت‌های مهم او در این عرصه، برگزاری جلسات امتحانات شفاهی و کتبی در حوزه علمیه و تعیین میزان رشد علمی طلاب بوده است که این امر حدود سی سال است که ادامه دارد. همچنین او در امتحاناتی که برای باز شناخت قضات و طلابی که تمایل به شرکت در رشته قضا داشتند، به عنوان طرح‌کننده پرسش‌های امتحانی و ارزیاب حضور داشته است. فعالیت‌های سیاسی:

آیت‌الله شیخ حسن تهرانی از سالهای آغازین نهضت اسلامی مردم ایران همواره در صف اول مبارزه حضور داشته است. او که در جوانی خود را سخت تحت تأثیر فعالیت‌های سیاسی مرحوم نواب صفوی می‌داند، در موقعیتهای گوناگون به افشای ماهیت رژیم منحوس پهلوی و عوامل آن پرداخته است.

بخشی از فعالیت‌های سیاسی او به تلاش‌های او در جلسات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مربوط می‌شود. امضای او در بسیاری از اعلامیه‌های آن نهاد در سالهای پیش از انقلاب، از جمله اعلامیه خلع‌ید شاه از قدرت به چشم می‌خورد.

او در پیش از انقلاب برای اعلام وفاداری به امام(ره) در نجف به خدمت او می‌رسید و در ایران نیز مورد تهدید و بازداشت رژیم سابق قرار می‌گرفت، اما فعالیت‌های سیاسی او به پیش از انقلاب محدود نشد. با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، او نیز به سیل خروشان ملت پیوست و همواره از خط ولایت فقیه دفاع می‌کرد. در سالهای دفاع مقدس، بارها و بارها در جبهه‌ها حضور پیدا می‌کرد و سخنان دلنشین او همواره امیدبخش رزمندگان اسلام بود.

از فعالیت‌های مهم او پس از انقلاب قضاوت در کمیته‌های انقلاب اسلامی بود که بعدها در قالب دادگاه انقلاب فعال شد. همچنین او مدتی با عنوان قاضی دادگاه ویژه روحانیت و قاضی دادگاه انتظامی به فعالیت می‌پرداخت.

آیت‌الله تهرانی در سالهای آخر عمر شریف خویش در بخش امتحانات شورای مدیریت حوزه علمیه قم به ارزیابی وضعیت علمی طلاب می‌پرداخت و امامت جماعت مسجد باغ پنبه قم را بر عهده داشت. او همچنین به تدریس مکاسب و کتاب جواهر نیز اشتغال داشت.

آیت‌الله تهرانی در روز پنج‌شنبه ۱۴ دی ۱۳۸۵ در سن ۷۳ سالگی دار فانی را وداع و به سوی معبودش شتافت

خداوند او را با اولیاء الله محشور کند انشاء الله

تهرانی، حسنعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسنعلی تهرانی (جد حجة الاسلام حاج آقای مروارید معاصر) و او فرزند حاج محمود تاجر تبریزی الاصل تهرانی المسکن صاحب کرامات باهره و مقامات باطنه و ظاهر از بزرگان علماء و مجتهدین عصر خود بوده است.

وی در تهران متولد شده و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از متون فقه و اصول مهاجرت به نجف اشرف نموده و سطوح را تکمیل و از محضر بزرگان استفادۀ نموده آنگاه در معیت استادش علامه ملاعلی نهایندی و شریک به حشش حجة الاسلام حاج

سید عزیزالله تهرانی هجرت به سامرا نموده و به امر آن بزرگوار قبل از درس آن جناب مقداری از نهج البلاغه را برای تلامذه میرزا خوانده و علماء را به سخنان مبارک کلام علی (ع) (علی الکلام) متذکر و متوجه می‌ساخت. و حقا از اتقیاء ابرار و صالحین اختیار بود و از کثرت احتیاط چیزی از حقوق شرعیه مصرف نمی‌کرد و در عصر مرحوم میرزای بزرگ شیرازی از مدرسین سامرا بود و جمع زیادی از افاضل طلاب از محضرش استفاده و در مواقع نبودن سید به جای ایشان اقامه جماعت می‌نمود و تمام ثقات به وی اقتدا می‌کردند و سال بعد از فوت مجدد شیرازی در سال ۱۳۱۴ قمری به تهران برگشته و بعد از توقف کمی مشرف به مشهد مقدس گردیده و رحل اقامت انداختند.

جناب آقای قطب‌المحدثین خراسانی از مرحوم حاج ملاهاشم خراسانی صاحب (منتخب التواریخ) برای نگارنده نقل نمود که وقتی آن مرحوم از اعتبار عالیات مراجعت به تهران کردند همه علماء و رجال دولت و ملت از ایشان دیدن کردند من جمله علی‌اصغر خان اتابک صدر اعظم ناصرالدین شاه و پس از ملاقات در موقع رفتن یک چک ده هزار تومانی (که چند صد هزار تومان امروز بوده) به برادر ایشان مرحوم حلاج میرزا حسینعلی که از تجار تهران بودند می‌دهد برای ایشان ولی آن بزرگوار ناراحت شده و چک را برگردانیده و می‌فرماید از همه بازدید خواهم کرد جز صدراعظم و شاید برای همین هم از تهران به مشهد مهاجرت نمود که مبادا رجال دولت با او مراوده نمایند و مهاجرت به ارض اقدس نمودند.

وی در مشهد موقعیت عجیبی پیدا نموده و مورد توجه عموم طبقات و بالخصوص روحانیت خراسان قرار گرفت و در مسجد جامع گوهرشاد اقامه جماعت می‌نمود و صلحاء و اتقیاء مشهد که با غیر او نماز نمی‌خواندند به وی اقتدا می‌کردند و بسیاری از فضلاء و علماء مشهد به مجلس درسش شرکت نموده و استفاده می‌کردند و آن بزرگوار با این اشتغالات کثیر البکاء و دائم المراقبه بود تا در چهاردهم ماه رمضان ۱۳۲۵ قمری در جوار سلطان سریر ارتضا حضرت علی بن موسی الرضا علیه و علی آبائه و ابنائه آلافا التحیه و الثناء رحلت نموده و در نزدیکی حرم مطهر مدفون گردید در روزی که قرین او در علم و تقوا مرحوم عالم ربانی و آیه سبحانی آقا شیخ محمد بهاری همدانی در بهار وفات نمود.

از آثار علمی آن جناب است تقریرات بحث استادش میرزای بزرگ شیرازی از اول بیع تا آخر خیارات که علامه تهرانی در ج ۴ کتاب الذریعه ص ۳۷۶ ذکر نموده است.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

تهرانی، عبدالحسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالحسین بن علی تهرانی متوفی ماه رمضان ۱۲۸۴ ق و مدفون در کربلا معلی.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

تهرانی، عبدالعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج میرزا عبدالعلی ابن التقی الزکی ملا غلامحسین شهید از علماء مبرز و با تقوا و ورع تهران بوده است. تولدش در تهران واقع و در دوران کودکی مرحوم والد را از دست داده و در خاندان مسجد جامع‌های تهران پرورش یافته و پس از فراغت از اولیات و سطوح به قم مهاجرت و از محضر مرحوم آیه‌الله حایری و رجال علم دیگر استفاده نموده و پس از آن مراجعت به تهران و به تربیت و تهذیب مردم و اقامه جماعت در مسجد بازار و درس اخلاق اشتغال و غالباً بانزوا و دوری از اجتماعات به تزکیه نفس و تصفیه قلب و محاسبه نفس خود پرداخته تا در سال ۱۳۷۱ ق که بقصد مجاورت آستان قدس رضوی عزیمت به مشهد مقدس نموده و چند سال در آنجا اقامت و بتدریس فقه و اخلاق و اقامه جماعت در مسجد بالا سر حضرت رضا علیه‌السلام موفق تا روی بعضی جهات مراجعت به تهران و در مسجد مرحوم میرزا موسی معروف بمسجد بزازها بامامت و ترویج دین و نشر معارف اسلامی پرداخته تا هنگامی که در چند سال قبل اجلش رسیده و بسرای دیگر شتافته است.

از یادگارهای ایشانست دو فرزند فاضل و دانشمند بنام حجت‌الاسلام حاج آقا مجتبی تهرانی و حاج آقا مرتضی تهرانی که هر دو سالهای متمادی در قم و نجف اشتغال بتحصیل علم و کمال داشته و از محضر آیات بزرگ مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله حاج آقا حسین فرید محسنی اراکی و آیت‌الله اراکی و دیگران استفاده کافی در فقه و اصول نموده تا بمدارج عالی فقه و اصول رسیده و تقریرات بعضی از اساتید بزرگوار خود را برشته تحریر و طبع درآورده و اکنون بجای مرحوم والد در تهران به اقامه جماعت و ترویج دین و مباحثات علمی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

تهرانی، عزیزالله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

السید الجلیل الحاج سید عزیزالله تهرانی از شاگردان میرزای شیرازی بوده و در سامرا وفات و حمل به نجف اشرف گردیده.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

تهرانی، محمدحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در سال ۱۳۷۶ قمری بود که مرحوم مبرور شیخ‌العلماء والمحدثین العلامة المتتبع الحاج الشيخ محمدحسن الرازی مشهور به حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه الی تصانیف الشیعه و نقباء البشر و طبقات اعلام الشیعه و غیرها وارد به قم و مورد تجلیل و تکریم آیت‌الله العظمی بروجردی و قاطبه علماء قرار گرفت. این بزرگوار که استاد اجازه و شیخ و جازه متاخرین و معاصرین بوده است، از علماء ابرار است که در حدود هشتاد سال از عمر شریف خود را مصروف تألیف و تصنیف نموده و ساعتی فارغ نبوده است حق عظیمی بر اسلام و مسلمین خاصه بر شیعیان و بالخصوص بر روحانیون جهان دارد در یازدهم ربیع‌الاول ۱۲۹۳ متولد و در ۱۳۸۹ قمری بدرود حیات گفته است.

تولدش در تهران واقع و پس از رشد و طی مقدمات در سال ۱۳۱۳ ق از ایران به عراق مسافرت نموده و از محضر محقق خراسانی

کفائی و شریعت اصفهانی و آیت‌الله یزدی اخذ علوم نموده و تقریرات فقه و اصول آنان را به رشته تحریر آورده و در سامرا از محضر آیت‌الله مجاهد میرزا محمدتقی شیرازی استفاده نموده و بعد به تألیف و تصنیف کتب پرداخته و الحق تألیفات مفیده و ارزنده‌ای از خود به یادگار گذاشت و خدمت شایسته‌ای به مسلمین نمود. نسبت به این نگارنده محبت و توجهی مخصوص داشت و اجازه جامعی برایم به طرق عدیده‌اش مرقوم فرمود در سال ۱۳۷۸ که مشرف به زیارت روضه مرتضویه شدم به زیارتش رفتم وقتی وارد به کتابخانه‌اش شدم دیدم مشغول مطالعه و نوشتن است تا مرا دید و شناخت از جا برخاست و مرا در آغوش گرفت و معانقه گرمی نمود و فرمود کتابخانه مرا می‌بینی که همه‌گونه کتاب دارد ولی انیس من کتاب آثار الحجه تو می‌باشد که از آن بسیار استفاده کرده و می‌کنم.

معظم له دو سفر به ایران آمد برای زیارت مشهد مقدس و در هر سفر چند ماه در قم و تهران و مشهد توقف نموده و از کتابخانه‌های عمومی آستان قدس رضوی و کتابخانه ملک تهران و غیره و کتابخانه خصوصی آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی مدظله استفاده نموده و مواد کتاب ارزنده الذریعه الی تصانیف الشیعه خود را تحصیل آنگاه مراجعت به نجف نمودند. بسیار بی‌آلایش و ساده و باصفا و زودباور بود و از این سادگی وی برخی از مغرضین و منحرفین از ولایت سوء استفاده کرده و در بعضی از تألیفات او دست برده و تحریف کرده و نسبت به بعضی از اعظام روی اغراض نفسانی اسائه ادب نموده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

تیرگری، سیاوش

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حشره‌شناسی، دانشکده: بهداشت، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی دفع آفات از دانشکده کشاورزی کرج دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۸، کارشناسی ارشد حشره‌شناسی از دانشگاه ایالتی

یوتا آمریکا در سال ۱۳۴۱، دکترای علوم دولتی در رشته حشره‌شناسی از دانشگاه یوآتیه فرانسه در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

تدریس در دانشگاه شهید چمران اهواز به مدت ۵ سال، دانشیار دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مبارزه بیولوژیک با حلزونهای آبی ناقل بیماری با مگس‌های حلزونخوار، مطالعه مگس خونخوار سیل، مطالعه عقرب‌های ایران، مطالعه پارازیتوئیدهای (زنبور) شفره مگس خانگی و تولید انبوه آن، مبارزه بیولوژیک با آفات با استفاده از زنبورهای تریکوگراما و تولید انبوه آن، کاربرد زنبورهای گرده افشان یونجه در تولید بذر، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۹ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

دکتر.ا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

مبارزه بیولوژیک با حلزونهای آبی، اصول مبارزه بیولوژیک، مرفولوژی حشرات پیشرفته، اصول طبقه‌بندی حشرات. مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۰
زمینه علمی مقالات:

حشرات مهم پزشکی نظیر خرمگس‌ها، مگس‌های تولید کننده ضایعه میاز انسان و دام، عقرب‌ها، مبارزه بیولوژیک با حلزونهای آبی، حشرات آبی، سنجاقک‌ها حشرات گردافشان، زنبورهای گرده افشان و درباره زنبورهای عسل ایران. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

تیره‌گری، فرخ

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آسیب‌شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی در پاتولوژی پزشکی از دانشکده پزشکی ژنو- لوزان سوئیس در سال ۱۳۴۹، فوق تخصص در پاتولوژی اعصاب از دانشکده پزشکی ژنو سوئیس در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۵۸.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

سارکوم دسترومائی پستان، تومورهای مغزی در اطفال، تدریس دروس علوم پاتولوژی پزشکی در دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران و ارومیه و کرمانشاه و همدان.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: -

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

تومورهای پستان، تومورهای استخوان به زبان‌های فارسی و فرانسه.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم ق)، واقعه‌نویس و شاعر. طبعش خالی از لطف نبوده و طرزش به شعرای هندوستان شبیه بوده است. وی مدتی در خدمت عباس قلی‌خان، حاکم هرات، واقعه‌نویس بوده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی نصرآبادی (۳۷۱)، الذریعه (۱۸۲-۱۸۱/۹)، صبح گلشن (۹۶)، فرهنگ سخنوران (۱۹۸)، گلزار جاویدان (۲۹۳/۱).

ثابتی، خسرو

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: دندانپزشکی، دانشکده: دندانپزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای دندانپزشکی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۳، دوره M.S.C در رشته پرودنتولوژی از دانشگاه لندن در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پرودنتولوژی، دندانپزشکی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر تعداد زیادی پایان‌نامه دکترای و ۳ پایان‌نامه دکترای تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

دندانپزشکی پیشگیری، پرودنتولوژی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۶، تعداد مقالات به زبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

پرودنتولوژی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

ثابتی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی ثابتی

محل تولد: همدان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت الله علی ثابتی در سال ۱۳۰۸ هجری شمسی برابر با سال ۱۳۴۸ هجری قمری در همدان در میان خانواده‌ای متدین و دوستدار خاندان پاک پیامبر(ص) به دنیا آمد. پدرش حضرت آیت الله میرزا محمد همدانی از علمای معروف همدان بود که خدمات بسیاری را در همدان انجام داد وی در زمان مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری سالها در قم به تدریس اشتغال داشته از شاگردان طراز اول آن مرحوم به شمار می‌رفت بعد از درگذشت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری ایشان به همدان عزیمت کرده و در سال ۱۳۲۴ هجری شمسی برابر با محرم سال ۱۳۶۵ هجری قمری دار فانی را وداع گفت. استاد ثابتی در سن هفت سالگی تحصیلات خود را آغاز کرد. او در آغاز به دبستان رفت و در سال ۱۳۲۰ موفق به اتمام آن شد. پس از آن به کسب دروس دینی رو آورد و دروس مقدمات را در خدمت پدر بزرگوارش آغاز کرد؛ اما پس از مدتی پدرش به رحمت پروردگار شتافت و او ناگزیر به حوزه علمیه قم رو آورد تا در آنجا در محضر عالمان و استادان فرهیخته بهره بسیار ببرد. او در سال ۱۳۲۵ برابر با سال ۱۳۶۶ هجری قمری به قم آمد و ضمن اتمام باقیمانده دروس دوره مقدمات، به تحصیل دوره سطح رو آورد. پس از آن به درس خارج آیات عظام و علمای اعلام دوره خود راه یافت و سالها از محضر علم و عمل آنان بهره‌مند شد. او در طی این سالها از تحصیل اخلاق اسلامی و شرکت در درسهای اخلاق نیز غافل نماند و در کنار فراگیری فقه و اصول به تحصیل علوم فلسفی نیز مبادرت ورزید. آیت الله ثابتی در سالهای تحصیل خود به محضر عالمان بسیاری شرفیاب شد. او که جامع المقدمات و بخشی از سیوطی را نزد پدر فرا گرفته بود، در قم در درس مطول آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی شرکت کرد و معلم را نزد او و نیز آیت الله العظمی مکارم شیرازی و امام موسی صدر آموخت. او بخشی از لمعه را نزد شهید آیت الله صدوقی(ره) و بخش دیگر آن و نیز رسائل و مکاسب را نزد آیت الله مشکینی و کفایه را نزد آیت الله میرزا محمد مجاهدی(ره) فرا گرفت. با پایان یافتن دروس سطح به درس خارج آیات عظام بروجردی(ره)، امام خمینی(ره)، گلپایگانی(ره) و اراکی - رحمه الله علیهم - راه یافت و سالهای متمادی از محضر آنان استفاده کرد. همچنین در بخش علوم عقلی، در درس شرح منظومه و شرح اشارات آیت الله منتظری شرکت جست. آیت الله ثابتی در سالهای تحصیل خود با طلاب و فضلاء بسیاری رابطه دوستی داشت و دروس پیش آموخته را مباحثه می‌کرد که از جمله آنان می‌توان به آقایان آیت الله نیری و آیت الله عراقچی اشاره کرد. آیت الله ثابتی در سالهای عمر خود تا به امروز، در عرصه علم و فرهنگ خدمات بسیاری از خود برجای نهاده است. از جمله آنها سفرهای تبلیغی به مناطق گوناگون، عضویت در شواری استفتائات دفتر آیت الله العظمی گلپایگانی(ره)، تدوین کتاب مجمع المسائل (حاوی استفتائات آن مرجع تقلید) و عضویت در شورای استفتائات آیت الله العظمی صافی گلپایگانی(ره) است. همچنین وی سالها به تدریس کتب دوره مقدمات و سطح اشتغال داشته و از این رهگذر، طلاب بسیاری را در مکتب تشیع تربیت کرده است. فعالیتهای سیاسی آیت الله ثابتی در پیش و پس از

انقلاب در فعالیتهای سیاسی حضور داشته است. او بارها به افشای ماهیت رژیم طاغوت در شهرهای گوناگون پرداخت همچنین وی از کسانی بود که به دیدار تبعید شدگان در مناطق گوناگون کشور می‌رفت؛ از جمله آنها، سفر به ایرانشهر و دیدار با رهبر معظم انقلاب که در آن روزگار در تبعید به سر می‌بردند، بود. آیت الله ثابتی هم اکنون در قم حضور دارد و از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است.

ثابتی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد بن العالم الزاهد الممتقی آخوند ملامحمدتقی ثابتی همدانی از اکابر علماء و اعظم اساتید و مفاخر مدرسین حوزه علمیه قم و مشاهیر دانشمندان معاصر همدان بوده‌اند.

وی در سال ۱۳۱۵ ق در قریه (وهنده) دوازده فرسخی همدان متولد شده و در سن ۷ سالگی در خدمت پدر خود به تحصیل علوم پرداخته و با داشتن استعداد فوق‌العاده در مدت چهل روز قرآن را ختم و تا حدود قوانین را از محضر ایشان استفاده نموده و برای ادامه تحصیل به همدان آمده و نزد مرحوم آیت‌الله حاج شیخ علی گنبدی و آیت‌الله حاج شیخ علی دامغانی درس خوانده و پس از آن به تهران مسافرت و در مدرسه سید نصرالدین (واقع در خیابان خیام) اقامت و نزد مرحوم آیت‌الله حاج شیخ علی مدرس و مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالنبی نوری تلمذ نموده. و معقول را از حاج ملا محمد هیدجی (معروف به حاج آخوند) استفاده نموده و در سال ۱۳۴۱ ق به ولایت خود برگشته و از آنجا مهاجرت به قم نموده و از محضر و دروس آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری استفاده نموده تا جائی که یکی از بزرگترین شاگردان آن مرحوم به شمار آمده و خود به تدریس سطوح عالی (وسائل و مکاسب و کفایه) پرداخته و بسیار از فضلاء آن روز که از مراجع و دانشمندان معاصر قم و شهرهای دیگر ایرانند از بحث و درس ایشان استفاده نموده‌اند.

آن مرحوم به واسطه داشتن فضل و تقوا مورد توجه مخصوص آیت‌الله حایری بودند و گاهی در غیاب آن مرحوم به جای ایشان نیابت و اقامه جماعت نموده و وجوه اهل علم و دیگران در نمازش شرکت می‌کردند تا سال ۱۳۵۶ ق که بنابر تقاضا و دعوت مردم همدان به آنجا منتقل و در مسجد جامعه امامت نموده و مورد توجه و اقبال اهالی واقع شدند تا سال ۱۳۶۴ ق که مسافرت به قم و مشهد نموده و در این سفر چندین بار از حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی ملاقات و مباحثه نموده و توجه آن مرحوم را به خود جلب که پس از مراجعت از مشهد آیت‌الله بروجردی نامه‌ای برای ایشان مرقوم که (به نظر من توقف و اقامت شما در قم اصلح است).

بعد از وصول نامه مرحوم بروجردی، بنا را بر حرکت به سوی قم گذاردند لکن اجل مهلتش نداده و در جمعه ۲۲ محرم ۱۳۶۵ ق در سن پنجاه و یک سالگی پس از انجام غسل جمعه و خواندن سوره (والصافات) و فرستادن پانصد صلوات که معمول هر روزشان بود از دنیا رفته و جنازه ایشان با تجلیل بسیار حمل به قم و از مسجد امام با شرکت عموم مراجع و اهل علم حوزه و شهرستان قم و طبقات دیگر تشییع و بعد از طواف حرم مطهر در قبرستان مرحوم حاج شیخ حائری در مقبره خصوصی مدفون و تا چند روز از طرف زعماء حوزه مجالس ختم منعقد و مرحوم اشراقی واعظ بزرگ در پیرامون شخصیت ایشان داد سخن می‌دادند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

ثاقب کرمانی، زین العابدین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۷۱/۱۲۷۲ ق)، طیب و شاعر. پدرش از حکما و اطبای معروف عصر خود بود که اواخر عمر به مشهد رفت، و زین العابدین در آنجا متولد گردید. بعد از آنکه از مشهد به کرمان بازگشتند، ثاقب نزدیک سی سال در کرمان به تحصیل علوم پرداخت سپس به یزد رفت و در آنجا مشغول تحصیل انواع علوم، به ویژه طب شد، و مدت چهل و پنج سال در آن دیار بود. وی در سرودن انواع شعر مهارت داشت. در اواخر عمر به اصرار دوستان، به تدوین «دیوان» اشعارش پرداخت، و قریب چهارهزار بیت از قصاید و غزلیات و مثنویات را جمع آوری کرد، که اکثر آنها مشتمل بر معارف و توحید و مدایح ائمه اطهار (ع) است. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۳۵۷-۳۵۲/۱)، فرهنگ سخنوران (۱۹۹).

ثروت، منصور

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

منصور ثروت در سال ۱۳۲۷ در شهر اردبیل متولد شد. ایشان دارای مدرک دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۸ می باشد و نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه شهید بهشتی می باشد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات رسمی منصور ثروت به قرار زیر است: سوابق تحصیلی دیپلم ادبی در دبیرستان اذربادگان اردبیل ۱۳۴۵ کارشناسی رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز ۱۳۵۲ کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز ۱۳۵۶ دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران ۱۳۶۸

همسر و فرزندان: منصور ثروت متأهل و دارای یک فرزند می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سوابق کاری دکتر منصور ثروت به ترتیب زیر است: از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۹ کارمند دانشگاه تبریز از ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۰ عضو هیات علمی دانشگاه تبریز از سال ۱۳۷۰ تا کنون عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲ مدیر گروه انتشارات فرهنگستان عضو شورای پژوهشی دانشکده عضویت در برخی از گرد هماییهای ملی و بین المللی

فعالیتهای آموزشی: منصور ثروت از سال ۱۳۶۰ تا کنون در مقاطع کارشناسی کارشناسی ارشد و دکتری زبان و ادبیات فارسی مشغول به تدریس در دانشگاه شهید بهشتی؛ دانشگاه هرمزگان و تبریز می باشد.

آرا و گرایشهای خاص: از علایق پژوهشی منصور ثروت می توان به: لغت متون ادبی، نقد ادبی و مکتبهای ادبی اشاره کرد. چگونگی عرضه آثار: ب- مقالات ۲۰ مقاله در مجله های معتبر دانشگاهی و غیر دانشگاهی و ارائه در کنفرانسهای علمی عنوان

های طرحهای پژوهشی و زمان اجرای آن: روشهای اثباتی اهل عرفان

آثار:

۱. آشنایی با مکتبهای ادبی انتشارات سخن

ویژگی اثر: ج اول ۱۳۸۵

۲. تحریر نوین تاریخ جهانگشای جوینی انتشارات امیر کبیر

ویژگی اثر: چ اول ۱۳۶۲ دوم ۱۳۷۸

۳. خردنامه

ویژگی اثر: تصحیح، چ اول ۱۳۶۶ دوم ۱۳۷۱ سوم ۱۳۷۵

۴. درست بنویسیم

ویژگی اثر: دانشگاه تبریز چ اول ۱۳۷۰ دوم ۱۳۷۴

۵. روش تحقیق و مرعع شناسی

ویژگی اثر: انتشارات دانشگاه پیام نور ج اول ۱۳۸۱

۶. روش تصحیح انتقادی متون

ویژگی اثر: انتشارات بایا ج اول ۱۳۷۸

۷. فرهنگ غیاث اللغات

ویژگی اثر: چ اول ۱۳۶۳ دوم ۱۳۷۵

۸. فرهنگ کنایات

ویژگی اثر: چ اول دوم ۱۳۷۶ انتشارات سخن

۹. فرهنگ لغات و تعبیرات عامیانه و معاصر

ویژگی اثر: چ اول ۱۳۶۵ دوم ۱۳۷۸

۱۰. کشور وسط دنیا (ره آورد سفر چین)

ویژگی اثر: انتشارات امیر کبیر چ اول ۱۳۸۰

۱۱. گزیده دیوان خاقانی

ویژگی اثر: انتشارات دانشگاه پیام نور ج اول ۱۳۸۱

۱۲. گنجینه حکمت در آثار نظامی

ویژگی اثر: چ اول ۱۳۶۹ دوم ۱۳۷۵

۱۳. مجموعه مقالات کنگره بین المللی نظامی

ویژگی اثر: چ اول ۱۳۷۲

۱۴. نظریه ادبی نیما

ویژگی اثر: انتشارات بایا چ اول ۱۳۷۵

۱۵. نگارش فارسی (برای دانشجویان زبان انگلیسی)

ویژگی اثر: انتشارات دانشگاه پیام نور چ اول ۱۳۷۴

۱۶ یادگار گنبد دوار

ویژگی اثر: چ اول ۱۳۶۹ دوم ۱۳۷۵

ثعالبی نیشابوری، ابومنصور عبدالملک

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۳۰/۴۲۹ - ۳۵۰ ق)، ادیب، نویسنده و مورخ. وی در دو روش نثر مصنوع و مرسل استاد بوده است. چون شغلش پوستین‌دوزی از پوست روباه بود، به ثعالبی مشهور شد. آثار مشهور او عبارت‌اند از: «یتیمه الدهر»، در شرح احوال شعرای بزرگ عهد مولف از شام تا ماوراءالنهر، که از حیث انشاء بلیغ و از باب اشتغال بر احوال و اشعار بسیاری از شعرای آن عصر، خاصه شعرای تازی‌گوی ایران، اهمیت بسیار دارد. وی این کتاب را به وسیله ذیلی به نام «تمه الیتیمه»، تکمیل کرده است. از دیگر آثار وی: «الاعجاز و الایجاز»؛ «خاص الخاص»؛ «ثمارالقلوب فی المضاف و المنسوب»؛ «نثر النظم»؛ «التمثیل و المحاضره». [۱]

ابومنصور عبدالملک بن محمد نیشابوری (ف. ۴۲۹ ه. ق.). ادیب و نویسنده و مورخ قرن چهارم و آغاز قرن پنجم است. وی در نثر مصنوع و مرسل عربی هر دو استاد بود. از آثار او یتیمه الدهر (ه. م.)، الاعجاز و الایجاز، خاص الخاص، ثمارالقلوب فی المضاف و المنسوب، نثر النظم، کتاب التمثیل و المحاضره و چند کتاب دیگر است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۳۱۱/۴)، تاریخ ادبیات ایران (۶۴۲- ۶۴۱/ ۱)، دایره المعارف فارسی (۷۱۳/۱)، ریحانه (۳۶۵- ۳۶۴/ ۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۳۶/۱)، سیرالنبلاء (۴۳۸- ۴۳۷/ ۱۷)، و فیات الاعیان (۱۸۰- ۱۷۸/ ۳)، هدیه العارفین (۶۳۵/۱).

ثعالبی، ابومنصور حسین

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۱۲ ق)، مورخ و نویسنده. از مردم مرغن، ناحیه غور بود. کتاب «غررانیر» یا «غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم»، که به ابومنصور عبدالملک ثعالبی منسوب شده است، ظاهراً از اوست. این کتاب را مولف به نصر، سپهسالار خراسان، هدیه کرده است. این کتاب مشتمل بر تاریخ از خلقت عالم تا زمان محمود غزنوی است. قسمتی از جزء اول آن را که مربوط به ایران است زوتنبرگ، به سال ۱۹۰۰ م در پاریس منتشر کرده و به ابومنصور عبدالملک ثعالبی نسبت داده است. این قسمت کتاب ثعالبی نسبت داده است. این قسمت کتاب بخصوص از این جهت اهمیت دارد که در بسیاری موارد بیشتر از طبری به ماخذ قدیم «شاهنامه» نزدیک است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دایره المعارف فارسی (۷۱۳/۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۳۷- ۱۳۸/ ۱).

ثعالبی، ابواسحاق، احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۲۶/۴۲۷/۴۳۷ ق)، قاری، مفسر، حافظ، مورخ، فقیه، ادیب و محدث. از اهالی نیشابور بود. وی از ابوطاهر بن خزیمه و ابوبکر بن مهران مقری و ابومحمد مخلصی و همطبقه‌ی آنان روایت کرده است. استادان بسیار دیده و احادیث بسیار شنیده است. ابوالحسن واحدی تفسیر را از او روایت کرده است. در علم قرآن او را یگانه‌ی زمان خود می‌دانستند. از آثار وی: «عرایس المجالس فی قصص الانبیاء»؛ «الکشف و البیان فی تفسیر القرآن» معروف به «تفسیر کبیر» یا «تفسیر ثعلبی»؛ «تاج العرایس»؛ «ربیع المذکرین». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۰۶- ۲۰۵/ ۱)، دایره‌المعارف فارسی (۷۱۳/۱)، الذریعه (۶۷- ۶۶/ ۱۸، ۲۴۳- ۲۴۲/ ۱۵)، روضات الجنات (۲۵۷- ۲۵۵/ ۱)، ریحانه (۳۶۸- ۳۶۷/ ۱)، سیرالنبلاء (۴۳۷- ۴۳۵/ ۱۷)، کشف الظنون (۱۴۹۶، ۱۱۳۱)، الکنی و الالقاب (۱۳۱/۲)، لغت‌نامه (ذیل / احمد)، معجم الادباء (۳۸- ۳۶/ ۵)، الوافی بالوفیات (۳۰۸- ۳۰۷/ ۷)، وفیات الاعیان (۸۰- ۷۹/ ۱)، هدیه العارفين (۷۵/۱).

ثقة الاسلام، عبدالله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن سید محسن بن میر محمد باقر بن میر سید علی مدرس میر محمد صادقی. عالم جلیل، در ۱۲ ربیع الثانی سال ۱۲۸۵ در اصفهان متولد گردیده، مقدمات علوم را در اصفهان نزد علمای این شهر آموخته، در سن هیجده سالگی به عتبات عالیات جهت تکمیل تحصیلات مهاجرت نموده، در آن ارض اقدس مدتی نزد جمعی از دانشمندان تلمذ نموده که از آن جمله است: میرزا محمد علی رشتی، و میرزا محمد حسن شیرازی، و حاج میرزا حبیب الله رشتی، و آقا سید محمد کاظم یزدی، و قسمت عمده تحصیلات او نزد آخوند خراسانی بوده، و از خواص آن مرحوم به شمار می‌آمده، و در ۱۲۳۰ به ایران معاودت نموده، به درس و بحث و اقامه جماعت اشتغال جست.

سرانجام در قبل از ظهر روز ۶ ماه صفر سال ۱۳۸۲ وفات یافته، در تخت فولاد در تکیه میر محمد صادقها جنب تکیه ملک مدفون گردید.

کتاب زیر از تألیفات اوست:

- ۱- ارشاد المسلمین، در نسب نامه خود. و در این کتاب از او استفاده شده است ۲- انیس العارفين، در احوال برزخ و جنت و نار، مطبوع ۳- تقریرات اصولیه اساتیدش ۴- حاشیه بر طهارت شیخ ۵- خلاصه الاصول، از محبت الفاظ تا محبت تعادل و تراجیح ۶- رساله در اصول دین ۷- رساله در لباس مشکوک ۸- رساله در تقلید اعلم ۹- رساله در عدالت ۱۰- رساله در قاعده من ملک شیئاً ۱۱- رساله در قاعده میسور ۱۲- رساله در وضو، طبق رساله شیخ اسماعیل مقری که تمام سطرها اگر خوانده شود مسأله وضو است، و کلمات اول سطرهای هر صفحه غرض از تألیف است، و کلمات وسط سطرها اگر جمع شود مسأله لغز است، و کلمات آخر سطرها بیان ذکر دعایی است به جهت علاج جراحات ۱۳- رساله‌ای در طرق روایت خود و اجازه آنها به فرزندش فاضل بزرگوار آقا سید محمد کاظم ۱۶- کتابی در مجازاتهای معاصی (حدود و دیات و تعزیرات) ۱۵- مبک المؤمنین ۱۶- مشکول، مانند

کشکول ۱۷- مقتصر المقال، در علم رجال ۱۸- نور الایمان، ردّ بر بایته؛ و رسائل عدیده دیگر. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ثقة الواعظین، اسدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فاضل و ادیب و شاعر، و از محترمین اهل منبر اصفهان به شمار می‌رفت. کتب و رسائل چندی تألیف نموده و آنها را در پشت جزوه های که در ترجمه و شرح حدیث کساء نوشته و به طبع رسانیده نام برده است:

۱- آثار باقریه ۲- بغیة الامجاد فی لغات الاضداد ۳- ترجمه و شرح حدیث کساء، مطبوع ۴- درراللمین ۵- دیوان السادات ۶- سرور العباد فی صدق المعاد ۷- سلطان المقاتل ۸- کرامه الائمة فی معرفة الائمة ۹- لثالی الصدق و خیر التحف ۱۰- مجمع الاحزان ۱۱- معاجز القرآن ۱۲- المعراجیة ۱۳- منتخب اللغة؛ و غیره.

در شب شنبه ۲۶ ذی حجة الحرام سال ۱۳۸۰ وفات یافته، در اطاق پدر مدفون شد. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ثقة الاسلام، محمد علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند حاج شیخ محمد باقر بن شیخ محمد تقی رازی اصفهانی.

عالم زاهد فقیه مجتهد اصولی، از مشاهیر علما و فقها و مدرسین اصفهان. مادرش دختر سید صدر الدین عاملی بوده، به دین جهت از طرف پدر و مادر هر دو، نواده شیخ جعفر کبیر است.

در ربیع الاول سال ۱۲۷۱ در اصفهان متولد شده، و در اصفهان و نجف نزد: پدر بزرگوار خود، و آقا شیخ مهدی نجفی، و حاج میرزا حبیب الله رشتی، و میرزای بزرگ شیرازی، و شیخ راضی نجفی تحصیل نموده تا به مقامات عالیه اجتهاد نایل شده، در اصفهان به درس و بحث و اقامه جماعت و تدریس پرداخته.

سرانجام در روز ۳ شنبه چهارم شعبان المعظم سال ۱۳۱۸ وفات یافته، در نجف اشرف در جنب برادر خود آقا شیخ محمد حسین مدفون گردید.

در تاریخ اصفهان و ری (۳۳۵) درباره او گوید: عقل اکمل آقایان مسجد شاه بوده، و به کارهای خوب اقدام نمود، یکی: دادن سالی هزار تومان به دولت، عوض مالیات قهوه خانه‌های اصفهان و بستن آن انجمن مفاسد و کارخانه اتلاف مال و جان و حال و وقت و شرافت و آسایش مردم را. دوم: جلوگیری از خیالات سطحی برادرش آقای حاج شیخ نور الله.

تاریخ فوتش «ثقة الاسلام آوی بالجنان» است.

دیگر از آثار او احداث مدرسه‌ای به نام خودش در محله حسن آباد اصفهان که ظاهراً محلّ مدرسه ساروتقی بوده و در طول زمان خراب شده، ایشان در سال ۱۳۱۷ تجدید بنا کردند.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- حواشی بر کتاب ارشاد الاذهان، که آن را فرزندش حاج شیخ مهدی به دستور او ترجمه کرده و وی حاشیه کرده است ۲- رساله در آداب نماز شب و استخاره، مطبوع ۳- رساله در اصول دین، مطبوع ۴- کتابی در معاصی کبیره، مطبوع ۵- کتابی در ولایت به عربی ۶- رساله عملیه که در آن هزار مسأله از مسائل نماز را ذکر فرموده است. ۷- مناسک حج؛ و غیره. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ثقة الاسلامی، محمد علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: دادیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

ثقة السلام

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(میرزا) علی آقا تبریزی بن (حاج میرزا) موسی، از علمای آذربایجان (و. تبریز ۱۲۷۷- مقت. ۱۳۳۰ ه.ق.). وی در نظم و نثر فارسی مهارت داشت و از تألیفات او «مرآة الکتب» در اسامی مؤلفات شیعه است. او از مشروطه طلبان و آزادیخواهان بود و در تبریز به دست روسهای تزاری به دار آویخته شد. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ثقفی کوفی، ابراهیم

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابواسحق ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی اصفهانی، از بزرگان مؤلفین، و ثقات مصنفین و مؤرخین است، در اول، زیدی مذهب بوده و سپس امامی شده است، در حدود پنجاه و سه مجلد کتاب تألیف نموده.

شرح حالش در معالم العلماء، و معجم الادباء، و روضات الجنات (۲) و دیگر کتب مبسوطاً نوشته شده است.

از کتب اوست: ۱- اخبار زید بن علی ۲- اخبار کشته شدگان از اولاد ابی طالب علیه السلام ۳- قیام حسن بن علی علیه السلام ۴- مقتل الحسین علیه السلام ۵- مقتل امیرالمؤمنین علیه السلام ۶- الجمل ۷- فدک ۸- صفین ۹- حکمین ۱۰- نهروان ۱۱- ما نزل من القرآن فی امیرالمؤمنین علیه السلام ۱۲- المودّة فی ذی القربی ۱۳- کشته شدگان از آل محمد؛ [۱۴- العارات] و غیره. وفات صاحب عنوان در سال ۲۸۰ هجری در اصفهان روی داده است.

در فضیلت او همین بس که ابونعیم اصفهانی در حَقِّش گفته است: کان غالباً فی الرِّفض. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ثقفی نژاد، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد ثقفی نژاد

محل تولد: تبریز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد ثقفی متولد ۱۳۲۳، تبریز، دارای شماره ۴، در یک خانواده مذهبی چشم به جهان گشود. پدرم سلاله الاطیاب آقای سید علی اصغر ثقفی مردی متدین و کاسب کار بود. پس از اتمام دوره مدرسه ابتدایی، در سال ۱۳۳۵ وارد مدرسه طالبیه تبریزی تبریز شدم و مقدمات علوم عربی و ادبیات فارسی و عربی را شروع کردم. دو کتاب ادبی ارزنده گلستان و کلیله و دمنه را از مرحوم آقای حاج میرزا علی نمرودی فرا گرفتم و همزمان جامع المقدمات را در صرف و نحو به پایان رساندم. مقداری از معالم الاصول و جلد اول لمعه را در تبریز به پایان بردم و سپس در سال ۱۳۴۱ بعد از وفات مرحوم آیت الله بروجردی و برای تداوم تحصیل عازم حوزه علمیه قم گردیدم. در مدت ۵ سال متون فقه و اصول، رسائل، مکاسب و کفایه را به ترتیب از آیت الله سبحانی، شیخ ابوالفضل علمانی و آیت الله پایانی و آیت الله سید محمدباقر سلطانی به اتمام رساندم. همزمان در درس فلسفه منظومه سبزواری شهید دکتر مفتاح حاضر می‌شدم و سپس ادامه فلسفه اسلامی را به ترتیب از آیت الله سبحانی، استاد جوادی آملی، شهید مطهری و آیت الله محمد گیلانی، دنبال کردم. همچنین کلام اسلام، کشف الرأء خواجه نصر را از آیت الله آستارائی به پایان رساندم. در علم تفسیر، به تفسیر استاد صالحی نجف آبادی، آیت الله سبحانی حاضر می‌شدم. آن روزها، در شب‌های جمعه و شنبه، در دبیرستان دین و دانش شهید بهشتی، طلاب قم به کلاس زبان و مکالمه عربی شرکت می‌کردند که من هم به مدت ۹ سال از استاد اسدی دبیر زبان و استاد رخشان فر زبان را تکمیل کردم. سپس به مدت ۶ سال در درس خارج فقه آیت الله شریعتمداری و اصول آیت الله مکارم، حاج آقا مرتضی حائری حاضر می‌شدم. هنگامی که دارالتبلیغ اسلامی افتتاح شد در دوره اول و دوم آن موسسه علمی شرکت کرده و سپس دوره تحصیلات تکمیلی را آغاز کردم. در سال ۱۳۵۶ که در دوره تحصیلات تکمیلی دارالتبلیغ اسلامی حضور داشتم، فرصتی پیش آمد که از طرف موسسه علمی دارالتبلیغ اسلامی که حکم دانشگاه اسلامی را داشت به خارج از ایران، کشور آمریکا، با بورسیه تحصیلی اعزام شدم و وارد دانشگاه تمپل Temple فیلادلفیا شدم و در رشته تطبیق ادیان و جامعه‌شناسی دینی وارد دوره فوق لیسانس شدم. پس از اخذ مدرک، تعدادی از دروس دوره دکتری را می‌گذراندم که مقارن پیروز انقلاب مواجه با مبارزه سیاسی جمهوری اسلامی با دولت آمریکا شدیم، در نتیجه تحصیل ناتمام مانده و به خاطر فعالیت‌های سیاسی - اسلامی - ویزای تحصیلی‌ام لغو گردید و به ایران آمدم. در سال ۶۳ که تازه دانشگاه آزاد اسلامی تاسیس شده بود در کنکور دوره دکتری شرکت جستم و به عنوان شاگرد اول کنکور در رشته تاریخ و تمدن اسلام، ادامه تحصیل دادم. رساله دکتری خود را زیر

عنوان: ساختار اجتماعی - سیاسی دولت مدینه با درجه بسیار خوب پذیرفته شد. و از تاریخ به بعد در دانشگاه‌های تهران - آزاد اراک و تهران مرکز مشغول تدریس هستم. در حال حاضر، به عنوان استادیار دانشگاه که به دانشجویی تبدیل می‌شود در دوره ارشد و دکتری دانشگاه دوس علوم اجتماعی - جامعه شناسی دینی تدریس می‌نمایم و از وضع تحصیل و تدریس خود راضی هستم.

ثقفی، خلیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۳ - ۱۲۳۹ ش)، پزشک، نویسنده و مترجم. ملقب به اعلم‌الدوله. وی به شیوه‌ی پدر، که از اطبای مشهور ناصرالدین شاه بود، ابتدا طب را در دارالفنون فراگرفت، سپس برای تکمیل تحصیلات به پاریس رفت و در اوایل سلطنت مظفرالدین شاه به تهران بازگشت و در دستگاه شاهی، مقامی عالی یافت و از سوی شاه به اعلم‌الدوله ملقب شد. پس از فوت مظفرالدین شاه، طبیب مخصوص ملک منصور میرزا شعاع‌السلطنه شد. اعلم‌الدوله در زمان محمدعلی شاه، به اجبار به فرانسه رفت و در پاریس، به کمک برادرش، دکتر جلیل خان ندیم‌السلطان، انجمنی به نام ایران جوان دوم تاسیس کرد و به فعالیت بر ضد محمدعلی شاه پرداخت. پس از فتح تهران، دکتر اعلم‌الدوله به ایران بازگشت و رئیس اولین بلدی‌هی قانونی تهران شد. سپس با سمت ژنرال کنسول به سویس رفت. در این مأموریت سی تن از جوانان بختیاری را به منظور ادامه‌ی تحصیل به اروپا برد. ثقفی در زمان رضاشاه مدتی مدیر کل و سپس وزارت معارف و اوقاف بود. وی در اواخر عمر از کارهای دولتی کناره گرفت و انجمنی به نام انجمنی معرفه‌الروح تجربتی ایران تاسیس کرد. خلیل خان طبیبی حاذق و نویسنده‌ای توانا بود. او به زبان فرانسوی تسلط داشت و مقالات و رسایلی به آن زبان نوشته است. سرانجام در تهران وفات یافت و در امامزاده عبدالله در آرامگاه سعدالدوله دفن شد. تالیفات به جای مانده از وی: «باغ سرور»؛ ترجمه‌ی داستان‌هایی از ادبیات فارسی به فرانسه؛ «کنت مونت کریستو»، جلد دوم ترجمه از فرانسه به فارسی؛ «فرائد اللغه»؛ «خردنامه جاودان»؛ «هزار و یک حکایت»؛ «کلید زندگی»؛ «کلید شناسایی در علم غیرمرئی هفتاد و یک مقاله‌ی معرفه‌الروح»؛ «مقالات گوناگون»، شامل حوادث و وقایع تاریخی عهد قاجاریه، به ویژه در دوران سلطنت ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه، که در اغلب آنها خود وی شاهد عینی و حاضر و ناظر بوده است. [۱]

معروف به اعلم‌الدوله، فرزند میرزا عبدالباقی حکیم‌باشی، متولد ۱۲۳۶. پس از انجام تحصیلات مقدماتی در تهران، به پاریس رفت و در رشته‌ی پزشکی درجه‌ی دکترا گرفت. بعد از مراجعت به ایران به استادی رشته‌ی طب دارالفنون برگزیده شد. مدت‌ها در آن سمت به تعلیم پزشکان ایرانی مشغول بود. در دوران سلطنت مظفرالدین شاه، به جای میرزا محمودخان حکیم‌الملک که ابتدا وزیر دربار و بعد والی گیلان شد، به سمت پزشک مخصوص شاه انتخاب گردید و تدریجاً شاه را عمیقاً زیر نفوذ خود قرار داد و از طرفی چون به حکومت قانون و مشروطه علاقه‌مند بود، در هر فرصت شاه را تشویق به صدور فرمان مشروطیت می‌کرد. مساعی او در تسریع صدور فرمان مشروطیت به گواهی تاریخ بر اهل تحقیق مکتوم نیست. بعد از صدور فرمان مشروطیت، همچنان به کار طبابت و استادی دارالفنون اشتغال داشت. مدتی رئیس انجمن بلدی تهران (انجمن شهر) و زمانی نیز کنسول ایران در سوئیس شد. در ۱۳۲۳ ش در سن ۸۷ سالگی درگذشت. او از مشاهیر و پزشکان دوره‌ی قاجاریه و مشروطیت ایران به شمار می‌رود. مردی بود بسیار فاضل، اهل تحقیق و تتبع، نویسنده‌ای توانا با سبکی روان و شیرین و جذاب. در عمر طولانی خود آثار گرانبهائی از خود به یادگار گذارد که مهمترین آنها عبارتند از: ۱- هزار و یک حکایت؛ ۲- صد و پنجاه مقاله یادگار عصر جدید؛ ۳- خردنامه‌ی

جاویدان؛ ۴- مقالات گوناگون؛ ۵- فوائدالنصایح؛ ۶- تحفه‌ی نوروزی؛ ۷- هزار و یک نصیحت و چند اثر دیگر. اعلم‌الدوله یکی از معتقدان جدی احضار ارواح بود. در تهران، انجمنی به نام انجمن معرفه‌الروح تشکیل داد. از لحاظ اخلاقی و انسانی از افراد کم‌نظیری بود که سال‌ها می‌گذرد و نظیرشان پیدا نمی‌شود. فرزندش حسین اعزاز ثقفی در حفظ و نگهداری و ازدیاد کتب و آثار عتیقه‌ی او جدیتی به تمام معمول داشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] دایره‌المعارف فارسی (۷۱۳/۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۲۳- ۲۱۵/ ۱)، سرآمدان فرهنگ (۲۴۹/۱)، شرح حال رجال (۴۸۹- ۴۸۷/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل / خلیل ثقفی)، مولفین کتب چاپی (۲۸- ۲۴/ ۳)، یادگار (س ۳، ش ۵، ص ۴۸، ۴۵)، یادداشتهای قزوینی (۱۷۸- ۱۷۶/ ۸).

ثقفی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۴۰۵- ۱۳۱۳ ق)، فقیه، مفسر و شاعر امامی. وی در تهران به دنیا آمد و در آن شهر نشو و نما یافت. مقدمات علوم را در خدمت استادانی چون آقامیرزا کوچک، آقا شیخ آقا بزرگ اخوان ساوجیان فراگرفت. در سال ۱۳۴۱ ق رهسپار قم شد و به مجلس درس شیخ عبدالکریم حایری یزدی پیوست. نزدیک هفت سال که در قم بود یک دوره معقول و منقول از سید ابوالحسن رفیعی قزوینی آموخت و چندی نیز از مباحث شیخ محمدرضای اصفهانی مسجد شاهی بهره‌مند شد. وی از دو استادش، حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی و سید ابوالحسن رفیعی اجازه‌ی روایت و اجتهاد داشت. پس از گرفتن اجازه‌ی اجتهاد به تهران بازگشت و تا پایان زندگی به تالیف کتاب، ارشاد مردم انجام وظایف شرعی پرداخت. چون درگذشت، پیکرش را به مشهد رضوی بردند و در آنجا به خاک سپردند. وی پدر زن امام خمینی (ره) بود. از آثار وی: «تقریرات» بحث نکاح آیت‌الله حایری؛ «غرر العوائد» در حواشی بر «درر الفوائد» آیت‌الله حایری؛ حواشی بر «تقریرات منظومه‌ی» سید ابوالحسن رفیعی؛ «دیوان» اشعار؛ «روان جاوید» در تفسیر «قرآن مجید». [۱]

میرزا محمد بن العلامه المتبحر و البحاثه المتتبع صاحب شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور الحاج میرزا ابوالفضل بن العلامه الکبیر صاحب التقریرات و التألیفات الحاج میرزا ابوالقاسم الکلانتر النوری التهرانی معروف به آیت‌الله ثقفی از مفاخر علماء معاصر و افاضل فقهاء عصر حاضر و ساکن خیابان پامنار تهرانست که در همان ناحیه بوظائف دینی و روحی و اقامه جماعت و تبلیغات اشتغال دارند.

والد مرحوم ایشان علامه‌ی شهیر حاج میرزا ابوالفضل فرزند عالم محقق حاج میرزا ابوالقاسم تهرانی است که نام نامی آن دو بزرگوار زینت بخش کتب تراجم است در جمادی‌الثانیه سال ۱۳۱۳ ق- ه در تهران ولادت یافته و از بدو عمر اشتغال بتحصیل علوم دینی داشته مقدمات و ادبیات و سطوح فقه و اصول را غالباً در نزد دو عالم کامل آقا میرزا کوچک و آقا شیخ آقا بزرگ اخوان ساوجیان تاب تراهما پایان رسانده و در سنه ۱۳۴۱ ق- ه برای تکمیل مدارج علم به بلده مقدسه قم هجرت نموده و قریب هفت سال در آن شهر اقامت داشته و در این مدت یکدوره معقول را در نزد سید الحکماء و المجتهدین آقای حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی دامت افاداته فراگرفته و جنابش تصدیق کمال ایشان را در علوم عقلیه و نقلیه نموده است و دو دوره اصول خارج و عمده مباحث فقهیه را از بحث رئیس الشیعه مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی رضوان‌الله علیه استفاده نموده و حضرتش بخط

شریف تصریح بمقام اجتهاد و اعتماد او فرموده و در خلال این احوال چندی از بحث شیخ الفقهاء و المحدثین مرحوم شیخ محمد رضای اصفهانی مسجد شاهی اعلی الله مقامه مستفیض بوده و از ایشان بتحصول اجازه عامه بلیغه مشتمل بر سه طریق متصل بامام علیه السلام با تصریح به اهلیت فتوی فائز گشته است.

مترجم محترم دارای تألیفات و آثار گرانقدری است که ذیلا از نظرتان میگذرد:

۱- غرر العوائد در حواشی بر درر الفوائد مرحوم حایری.

۲- حواشی بر تقریرات منظومه حاج سید ابوالحسن قزوینی.

۳- رساله در عدم جواز رجوع بحکام جور.

۴- روان جاوید در تفسیر قرآن در ۵ جلد که مطبوع میباشد.

۵- حواشی بر سیوطی.

۶- تقریرات نکاح مرحوم آیت الله حائری.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۴۱۹-۴۱۲/۴)، مکارم الآثار (۲۰۴۵/۶).

نقه الاسلام، شفیع

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۰۱-۱۲۱۸ ق)، مدرس و مجتهد. در تبریززاده شد. در سال ۱۳۴۲ ق برای تکمیل معلومات خویش به عراق رفت، و در نجف، از حوزه‌ی درس شیخ محمدحسن اصفهانی، صاحب «جواهر الکلام»، و شیخ علی، نواده‌ی شیخ جعفر، فقه و اصول را آموخت، سپس در پای درس سید کاظم رشتی، پیشوای شیخیه، علوم حدیث و تفسیر را تحصیل و تکمیل کرد و از آنان اجازه‌ی اجتهاد گرفت و بعد به طریقه‌ی شیخیه گروید. پس از بازگشت به وطن، به تدریس اشتغال ورزید و از پیشوایان شیخیه در آذربایجان و صاحب محراب و منبر شد.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: شرح حال رجال (۱۱۷-۱۱۶/۵).

نقه الاسلامی، محمد هاشم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۲-۱۲۸۰ ق)، فقیه و مورخ امامی. وی در مشهد به دنیا آمد و پس از فراگرفتن مقدمات علوم رهسپار نجف شد و در آن شهر از مجلس درس استادانی چون آخوند خراسانی و سید اسماعیل صدر اصفهانی بهره‌مند گردید. پس از بازگشت به مشهد به حوزه‌ی درس آیت الله سید علی حایری یزدی پیوست. وی در مشهد در گذشت. از آثار وی: «رساله‌ی ربا»؛ «رساله‌ی رضاع»؛ «رساله‌ی معاملات»؛ «حسن العاقبه فی سعادة الخاتمه»، به فارسی؛ «غایه الامال فی حسن خواتیم الاعمال»؛ «منتخب التواریخ» در

تاریخ معصومان (ع) و برخی امامزادگان؛ «وسيله الامان من تسويلات الشيطان» که خلاصه «حسن العاقبه» است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: الذریعه (۷۶/۲۵، ۱۵/۷)، منتخب التواریخ (مقدمه).

ثقه الاسلام اصفهانی، محمدعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۸ - ۱۲۷۱ ق)، فقیه امامی. وی در خانواده‌ای که بیشتر آنها عالم دینی بودند به دنیا آمد. نیای او صاحب «هدایه المسترشدين» بود. ثقه الاسلام مقدمات علوم و بخشی از سطح و خارج را در خدمت پدرش و برخی علمای اصفهان فراگرفت. حدود سال ۱۲۸۸ ق رهسپار عراق شد و در نجف و سامراء در خدمت استادانی چون میرزا حبیب‌الله رشتی، میرزای شیرازی و دیگران به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. سپس به زادگاهش بازگشت و در مسجد شاه و مدرسه‌ی عربان به تدریس و تربیت شاگردان پرداخت. پس از درگذشت پدر اقامه‌ی نماز جماعت را نیز به عهده گرفت. از شاگردان او سید محمدجعفر میردامادی سده‌ی و سید جمال‌الدین گلپایگانی و شیخ محمدجواد صافی گلپایگانی و عده‌ای دیگر را می‌توان یاد کرد. در جنبش تنباکو به همراه برادرش آقاجنقی به حمایت از فتوای میرزای شیرازی برخاست. پس از درگذشت پیکرش را به نجف بردند و در بارگاه حضرت علی (ع) به خاک سپردند. از آثار وی: «رساله‌ای در اصول دین و اخلاق»، به فارسی؛ «لسان الصدق»، در مواعظ و اخلاق، به فارسی؛ «حاشیه‌ی مجمع المسائل»؛ رساله‌ی عملیه برای عمل مقلدان؛ «رساله‌ای در معاصی کبیره» به فارسی؛ «رساله‌ای در ولایات» به عربی؛ «رساله در کیفیت نماز شب و استخاره و نماز جعفر طیار».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۰۵/۱۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۱۳۴۸)، مکارم الاثار (۶/۱۹۷۳).

ثقه الاسلام تبریزی، علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۷۷ - شهید ۱۳۳۰ ق)، عالم امامی، مجتهد و شاعر. اصل وی خراسانی بود اما در تبریز در خانواده‌ای اهل علم متولد شد. او در ایران و کربلا و نجف کسب علم کرد و در فقه و اصول و حکمت سرآمد شد. وی به زبانهای فارسی، عربی، ترکی و فرانسه مسلط بود. از جمله استادانش فاضل اردکانی و شیخ مازندرانی و شیخ علی یزیدی بفریوی بوده‌اند. وی پس از فوت پدرش، حاج میرزا موسی، عنوان ثقه الاسلام را یافت. در هنگام حکومت ملی در تبریز فعال بود و عاقبت به امر صاحب منصب روس در میدان مشق تبریز به دار آویخته شد. از آثارش: «ایضاح الانباء فی تعیین مولد خاتم الانبیاء (ص)، و مقتل سیدالشهداء (ع)»؛ «رساله‌ی بث الشکوی»؛ «رساله‌ی لالان»؛ «ترجمه‌ی عتبی»، به درخواست حسنعلی خان امیرنظام؛ حواشی «الغیبه» شیخ طوسی، که تبحر ثقه الاسلام را در ادب و مهارتش را در علم رجال نشان می‌دهد؛ «مرآت الکتب»، در اسامی مولفات شیعه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۵۸/۸)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۱۲۴- ۱۱۷/۲)، دانشمندان آذربایجان (۹۲- ۹۱)، ریحانه (۳۷۰- ۳۶۹/۱)، سخنوران آذربایجان (۲۸۰- ۲۷۴)، شرح حال رجال (۳۷۴- ۳۷۳/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/۵۷۹، قرن ۱۵۴۷- ۱۵۴۶/۱۴)، فرهنگ سخنوران (۲۰۰)، لغت‌نامه (ذیل/علی)، مولفین کتب چاپی (۴۲۰- ۴۱۹/۴)، مکارم الاثار (۲۱۳۷- ۲۱۳۵/۶)، یادداشتهای قزوینی (۱۶۳/۸)، یادگار (س ۳، ش ۴، ص ۱۲)، یغما (س ۵، ص ۲۱۷، س ۷، ص ۲۳۲- ۲۲۴).

نمر، گیتی

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای عفونی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۹، کارشناسی ارشد بهداشت عمومی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۲، دکترای تخصصی بیماریهای عفونی و گرمسیری از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۳.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۵۳، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۷۰.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

استفاده از فاضلاب خانگی تهران با استفاده از تصفیه فیزیکی- شیمیایی و میکروبی، بررسی تحقیقی سل غدد لنفاوی گردن، کاربرد انترفرون در هپاتیت مزمن B و C در بیماران دیالیزی و هموفیلی و تالاسمی، بیماریهای عفونی، کلاژن، تارماکرلوژی، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۱۰۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

فیزیوپاتولوژی بیماران عفونی، بهداشت همگانی، بیماریهای عفونی، داروها و خطرات ناشی از آن در حاملگی و شیردادن، SIDA و ایدز.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای عفونی، فارماکولوژی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر یدالله ثمره در سال ۱۳۱۱ در شهر کرمان بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکتری رشته زبانشناسی از دانشگاه لندن-انگلستان در سال ۱۳۴۸ است. وی استاد بازنشسته دانشگاه تهران، و هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشکده زبانها و ادبیات دانشگاه آزاد اسلامی می باشد. گروه: علوم انسانی رشته: زبان شناسی عمومی والدین و انساب: پدر یدالله ثمره، عنایت الله ثمره نام دارد. خاطرات کودکی: یدالله ثمره در یک خانواده فرهنگی متولد شد و دوره دبستان را تحت نظر پدر و مادرش در دبستان بدر سیرجان تحصیل کرده است. او می گوید: "پدر و مادرم، هر دو، معلم بودند و من تحصیلات اولیه ام را در خانواده پیش پدر و مادر شروع کردم و سپس در مدرسه این دونفر، تحصیلات ابتدایی را به پایان رساندم. پدرم مدیر مدرسه بود و مادرم هم معلم همان مدرسه. بنابراین، اولین معلم من پدر و مادرم بودند. قبل از اینکه به مدرسه بروم، پدرم قرآن و مقداری تعلیمات مذهبی به من آموخت. من شش سال ابتدایی را در مدرسه پدرم به پایان رساندم. مدتی از دوره تحصیلات ابتدایی را در کرمان گذراندم و بعد از انتقال پدرم به یکی از مدارس سیرجان، که به مدیریت آن مدرسه رسید، من هم به آنجا نقل مکان کرده و تا ششم ابتدایی را در آن مدرسه بودم." اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: یدالله ثمره در یک خانواده فرهنگی در شهر کرمان به دنیا آمد. تحصیلات رسمی و حرفه ای: یدالله ثمره پس اتمام تحصیلات ابتدایی، تحصیلات متوسطه اش را در دانشسرای مقدماتی کرمان به پایان رساند و در مهرماه ۱۳۲۹ به عنوان آموزگار پایه یک به خدمت وزارت فرهنگ آن زمان درمی آید. یکی دو سال بعد، دیپلم کامل متوسطه در رشته ادبی را اخذ و چندسالی در وزارت فرهنگ کرمان تدریس کرد. او در سال ۱۳۳۶ به تهران آمد و در کنکور دانشگاه تهران در سه رشته ادبیات فارسی، باستان شناسی و حقوق شرکت کرد و در هر سه رشته قبول شد و از بین آنها ادبیات فارسی را برگزید. در سال ۱۳۳۹ با رتبه اول، از دانشکده ادبیات لیسانس ادبیات فارسی گرفته و بلافاصله وارد دوره دکترای ادبیات فارسی می شود و حدود دو سال ونیم در این دوره تحصیل کرد. استاد در اواسط سال، ۱۳۴۱ از طرف دولت ایران بورس تحصیلی شاگرد اولی دریافت کرد و برای تکمیل معلوماتش به انگلستان عزیمت کرد و در دانشگاه لندن به تحصیل زبان شناسی پرداخت و در سال ۱۳۴۷ با درجه دکترا از دانشگاه لندن فارغ التحصیل شد. خاطرات و وقایع تحصیل: یدالله ثمره در خصوص انگیزه اش از انتخاب زبان شناسی آن هم در سالهایی که در نظام آموزش عالی چیزی به این عنوان اصلاً وجود نداشت می گوید: «ما در دوره لیسانس دو یا سه درس با محتوای زبان شناختی داشتیم. چند تا از این درسها به زبان شناسی و زبان های باستانی مثل پهلوی، فارسی باستان و اوستا و نیز ساختمان این زبانها مربوط می شد. یکی دو درس هم به زبان شناسی نوین مربوط می شد، مثل تاریخ زبان و دستور زبان و غیره که اینها جزو دروس ادبیات بود و با عنوان رشته زبان شناسی تدریس نمی شد. استادان این دروس هم بعضی مانند مرحوم پورداود و مرحوم صادق کیا، زبان های باستانی را درس می دادند و بعضی مثل مرحوم خانلری و مرحوم مقدم مطالبی به اسم زبان شناسی جدید تدریس می کردند. البته چیزهایی که آنها درس می دادند با این زبان شناسی که امروز می شناسیم تا حدودی فرق داشت و آمیزه ای بود از زبان شناسی باستانی و جدید... یادم هست وقتی که از استادهایم خداحافظی می کردم که بروم خارج، بعضی ها به من سفارش می کردند که زبان شناسی بخوانم. از میان این افراد، به خصوص باید از دکتر مقدم، خانلری و کیا یادکنم که مرا خیلی تشویق می کردند. آنها معتقد بودند چون ما متخصص زبان شناسی نداریم و این رشته در آینده مطمئناً در ایران تأسیس خواهد شد برای تدریس آن به متخصص و مدرس نیاز داریم. این بود که وقتی به انگلیس رفتم، تا حدودی با زبان شناسی آشنایی داشتم.» دکتر ثمره درباره خاطراتش از لندن و تحصیل در آنجا چنین می گوید: «یادم هست که وقتی وارد دانشگاه شدم، تا مدتی، حداقل شش ماه، همه چیز برایم سیر و سیاحت بود و تازگی داشت چون با آن سیستم دانشگاهی کاملاً بیگانه بودم.

از رفتار استادها گرفته تا طرز حرف زدن آنها با دانشجو، طرز رفتارشان، معاشرت شان با دانشجویها، تجهیزات کتابخانه ها، آزمایشگاهها و امثال اینها همگی برایم تازگی داشت.» فعالیتهای ضمن تحصیل: یدالله ثمره بین سالهای ۳۸ تا ۳۹ حرف «ها» لغتنامه دهخدا را نوشته و همکاری هایی هم در تألیف فرهنگ معین داشته است. استادان و مربیان: یدالله ثمره در دوران تحصیلات دانشگاهی در ایران از محضر اساتیدی چون بدیع الزمان فروزانفر، دکتر محمد معین، جلال الدین همایی، محمد تقی مدرس رضوی، ابراهیم پورداوود، عبدالحمید فروزانی، دکتر محمد خوانساری، دکتر ذبیح الله صفا، استادخانلری، دکتر مقدم و دکتر صادق کیا کسب فیض کرد و از اساتید دوران تحصیل وی در دانشگاه لندن، می توان از: جی.دی. اوگانور، ا.سی. گیمسون، آر. اچ. رویترز و هالیدی نام برد. وقایع میانسالی: یدالله ثمره در سال ۱۳۴۷ به عضویت هیأت علمی دانشگاه تهران درآمد و در سالهای ۱۳۵۰، ۱۳۶۰ و ۱۳۶۹ به ترتیب به درجه استادیار، دانشیار و استاد نایل گشت. یکی از زمینه های مورد علاقه ثمره آموزش زبان فارسی به خارجیان است و در این زمینه هم خیلی کار کرده است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مشاغلی که یدالله ثمره به عهده داشته اند عبارتند از: کارشناس برنامه ریزی آموزشی در وزارت علوم و آموزش عالی ریاست انجمن زبانشناسی ایران عضویت در هیأت علمی دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۷ استادیار، دانشیار و استاد دانشگاه تهران طی سالهای ۱۳۶۹ - ۱۳۵۰ مدیر گروه زبان شناسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران طی سالهای ۷۵ - ۱۳۷۰ مدیر پژوهشگاه گویش شناسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی طی سالهای ۵۴ - ۱۳۵۱ مدیر گروه علوم انسانی انستیتو علوم بیمارستانی طی سالهای ۵۷ - ۱۳۵۲ عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی عضو دائمی انجمن آواشناسی بین المللی IPA همکاری با موسسات و مراکزی تحقیقاتی: فرهنگستان دوم بمدت ۴ سال، مرکز تحقیقات الکترونیک دانشگاه صنعتی شریف بمدت یک سال، موسسه دانش پژوهش ایران بمدت یک سال، وزارت جهاد کشاورزی مرکز تحقیقات روستاییمدت سه سال، وزارت آموزش و پرورش دفتر تهیه و تدوین کتب درسی و آموزشی بمدت سه سال، بنیاد ایرانشناسی بمدت یک سال، فرهنگستان زبان و ادب فارسی بمدت هشت سال فعالیتهای آموزشی: یدالله ثمره بعنوان دبیر دبیرستانهای ایران از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۴۲ فعالیت داشته است و بعنوان استاد یار، تدریس در دانشگاههای تهران، تربیت معلم، امام خمینی قزوین و انستیتو علوم بیمارستانی تهران از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۷۷ را عهده دار بوده اند. وی همچنین در سال ۱۳۷۷ بعنوان استاد در دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه لندن به تدریس زبان شناسی اشتغال داشته است. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: یدالله ثمره یکی از مؤسسين اصلی آزمایشگاه زبان دانشکده ادبیات دانشگاه تهران می باشد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: یدالله ثمره در نخستین کنگره تحقیقات ایرانی، سومین و چهارمین کنگره تحقیقات ایرانی، سمینار زبانشناسی، سمینار جهانی ISO و همایش ایرانشناسی بنیاد ایرانشناسی شرکت کرده است. همچنین با فرهنگستان علوم بخش گردآوری گویشهای ایران، از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۴ و در مرکز تحقیقات الکترونیک دانشگاه صنعتی شریف و در موسسه توسعه دانش و پژوهش ایران و در وزارت جهاد کشاورزی، مرکز تحقیقات روستایی، در وزارت آموزش و پرورش، دفتر تهیه و تدوین کتب درسی و آموزش فارسی به خارجیان، نیز فرهنگستان زبان و ادب فارسی فعالیت داشته است. شاگردان: یدالله ثمره در باره دانش آموختگان و دانشجویان تحت تعلیم خود چنین می گوید: «الآن ۹۰ درصد افرادی که در دانشگاههای مختلف زبان شناسی درس می دهند، یا پرورش یافتگان داخل هستند یا لااقل فوق لیسانس خود را در اینجا گرفته اند و برای گرفتن دکترا به خارج رفته اند. مثلاً دکتر سیمین کریمی فوق لیسانس خود را همین جا گرفت. دکترایش را همین جا تا حد رساله گرفت و بعد رفت خارج و رساله اش را در آنجا نوشت و دکترایش را از آنجا گرفت و حالا هم در دانشگاههای آمریکا درس می دهد.» و البته شاگردان دیگری چون دکتر حسن پوراقدم که مشغول تدریس در آمریکا است، یا چند نفر دیگر از دانشجویانش که حالا در دانشگاههای انگلیس تدریس می کنند ثمره سالها تلاش و کوشش یدالله ثمره می باشد. همفکران فرد: یدالله ثمره با دکتر باطنی و دکتر میلانین همفکری نزدیکی دارد. آرا و گرایشهای خاص: یدالله ثمره درباره زبان شناسی می گوید: «زبان شناسی از ابتدای پیدایش تا امروز در مسیر رشد بوده است. زبان شناسی فارسی در مسیر تکامل

بوده است. به طور کلی اولین هدف زبان شناسی در ایران این بود که به زبان فارسی و زبان شناسی زبان فارسی خدمت کند. در این راهکارهای زیادی صورت گرفته و مقالات و کتابهای نسبتاً قابل توجهی نوشته شده است. «جوائز و نشانها: - دریافت لوح تقدیر از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای ترجمه کتاب "زبانهای خاموش" در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران - تندیس سخن، دانشگاه علامه طباطبائی در سال ۱۳۸۳ - مدال زرین دانشگاه تهران-تهران در سال ۱۳۸۵ بمناسبت تجلیل و قدردانی از خدمات علمی. چگونگی عرضه آثار: از یداله ثمره تعداد زیادی مقاله تحقیقی و فرهنگی و زبان شناسی در نشریات مختلف مانند: نشریه دانشکده ادبیات، نشریه کنگره ایران شناسی، مجله وحید، مجله رودکی و غیره به چاپ رسیده است. - تعداد مقالات منتشر شده در مجلات علمی: ۱۷ مقاله - شرکت در مجامع علمی: ۷ مورد آثار: ۱ *A Course In Colloquial Farsi* ویژگی اثر: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۹۷۷۲ *The Arrangement Of Segmental Phinemes In Farsi* ویژگی اثر: انتشارات دانشگاه تهران، شماره ۱۵۷۷۳ *The verb system In Zeynabadi Dari* ویژگی اثر: این مقاله در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۷ به چاپ رسیده است ۴ آرایش واکه ای واژه های ویژگی اثر: این مقاله در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۴ به چاپ رسیده است ۵ آموزش زبان فارسی ویژگی اثر: آزفا ۱، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سال ۱۳۶۶. این کتاب یک دوره ۵ جلدی است که به زبان فارسی و انگلیسی نوشته شده و تاکنون به ۱۶ زبان ترجمه شده است ۶ آموزش زبان فارسی ویژگی اثر: آزفا، وزارت و فرهنگ و ارشاد اسلامی، سال ۱۳۶۷ آموزش زبان فارسی ویژگی اثر: این کتاب در آزفا و تحت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سالهای ۶۹-۱۳۶۷ به چاپ رسیده است ۸ آواشناسی زبان فارسی، آواها و ساخت آوایی هجا ویژگی اثر: مرکز نشر دانشگاهی، سال ۱۳۶۴۹ پاره ای ویژگیهای دستوری دری ویژگی اثر: این مقاله در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۶ به چاپ رسیده است ۱۰ تحلیل ساختاری فعل در گویش گیلکی کلاردشت ویژگی اثر: این مقاله در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۷ به چاپ رسیده است ۱۱ تحلیل سبکی حافظ و معرفی غزلی تازه منسوب به او ویژگی اثر: این مقاله در چهارمین کنگره تحقیقات ایرانی در سال ۱۳۵۴ به چاپ رسیده است ۱۲ تحلیلی بر رده شناسی زبان، ویژگیهای رده شناختی زبان فارسی ویژگی اثر: این مقاله در مجله زبان شناسی در سال ۱۳۶۹ به چاپ رسیده است ۱۳ تهیه و تدوین بخشی از حرف «ه» لغت نامه دهخدا ویژگی اثر: مجلدات ۷۵ تا ۱۰۴۱۴ دریای خلیج فارس در صوره الارض ابن حوقل ویژگی اثر: این مقاله در مجله دانشکده ادبیات در دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۸ به چاپ رسیده است ۱۵ دریچه ای به زبان فارسی ویژگی اثر: انتشارات المهدی، سال ۱۳۷۳۱۶ راهنمای تدریس زبان فارسی ویژگی اثر: این کتاب در آزفا و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۶۹ به چاپ رسیده است. (این کتاب تاکنون به زبانهای فرانسه، آلمانی، روسی، اسپانیایی، ترکی استانبولی، هندی و... ترجمه شده است) ۱۷ راهنمای زبان فارسی ویژگی اثر: انتشارات المهدی، سال ۱۳۷۴-این دو کتاب که برای دانشگاههای قزاقستان، تاجیکستان و ازبکستان نوشته شده توسط مرحوم پروفیسور رستم اوف به زبان قزاقی و خط سیریلیک برگزیده شده است. ۱۸ زبانهای خاموش ویژگی اثر: ترجمه، با همکاری دکتر بدر الزمان قریب، پژوهشگاه علوم انسانی، سال ۱۳۶۵- این کتاب، برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در ۱۳۶۶ از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد برگزیده شد، ۱۹ ساختمان فونولوژیکی در فارسی ویژگی اثر: این مقاله در نخستین کنگره تحقیقات ایرانی در دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۰ چاپ شده است ۲۰ ساختمان واجی «وند» در فارسی ویژگی اثر: این مقاله در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۱ به چاپ رسیده است ۲۱ شناخت نظام آوایی زبان ویژگی اثر: (ترجمه)، فرهنگ معاصر. (زیر چاپ). ۲۲ طرح آوایی واژه هایی دو هجایی در فارسی ویژگی اثر: این مقاله در سومین کنگره تحقیقات ایرانی در بنیاد فرهنگ ایران در سال ۱۳۵۲ به چاپ رسیده است ۲۳ طرح حرف نویسی و واج نویسی زبان فارسی ویژگی اثر: این مقاله در سمینار جهانی (*Internation Standadization Organization*) در لندن در آوریل ۱۹۹۷ به چاپ رسیده است ۲۴ نظام آوایی زبان ویژگی اثر: نظریه و تحلیل، فرهنگ معاصر

، سال ۱۳۶۸۲۵ همکاری در تهیه و تدوین فرهنگ فارسی ویژگی اثر: این کتاب تالیف محمدمعین است .

ثمری، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد ثمری

محل تولد: گلپایگان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۲ با مدرک سیکل وارد حوزه علمیه قم شدم و در موسسه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی مشغول به تحصیل شدم. ادبیات و فقه و اصول تا اواسط رسائل و مکاسب را از محضر اساتید معظم صلواتی، تقوی، استادی، مقتدایی، تهرانی، و در ادامه از محضر آیت الله ستوده و آیت الله اعتمادی بهره‌مند شدم. در سال ۱۳۵۹ با تاسیس مدرسه عالی تربیتی و قضایی طلاب قم توسط شهدای بزرگوار بهشتی و باهنر در آزمون ورودی مدرسه مذکور شرکت نموده و به مدت یک سال از محضر اساتید آیت الله شاهرودی دکتر احمدی و بقیه اساتید اقتصاد اسلامی فلسفه روانشناسی ادبیات و بقیه دروس را با معدل ۱۸ و اخذ مدرک کارشناسی به پایان رساندم .

در سال ۶۰ در آموزش و پرورش مشهد مشغول تدریس در مراکز تربیت معلم مشهد شدم. از سال ۶۳ مدتی به عنوان عضو هسته گزینش آموزش و پرورش خراسان و سپس معاون پرورشی آن اداره در ضمن تدریس در مراکز تربیت معلم و شرکت در درس کفایه آیت الله مرتضوی تا سال ۶۵ که برای ادامه تحصیل به قم منتقل شدم انجام وظیفه نمودم. از سال ۶۵ ضمن تدریس در دبیرستان‌های قم در درس خارج فقه و اصول آیات عظام منتظری، سبحانی، وحید خراسانی، فاضل لنکرانی و نوری همدانی به مدت ۱۵ سال شرکت نمودم.

مدت ۵ سال با نظارت آیت الله نوری همدانی بحث حج و مسائل مستحدثه را به صورت استدلالی زیر نظر اساتید بزرگوار ممدوحی و خلیلی بررسی نمودم. از سال ۷۶ به عنوان روحانی حج و عمره در خدمت زائرین بیت الحرام می‌باشم و در طول سال علاوه بر تدریس از منبر و خطابه در مساجد شهر مقدس قم و بقیه شهرها برای تبلیغ معارف اسلام بهره‌مند می‌باشم به علاوه مدت ۳ سال است به عنوان استاد تاریخ اسلام در دانشگاه تدریس دارم.

ثمینی، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فارماکولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

فارغ‌التحصیل از دانشگاه تبریز با درجه D.Phorm. در سال ۱۳۴۹، دکترا در رشته فارماکولوژی از دانشگاه لندن در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

داروشناسی و داروسازی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳۰ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

فارماکولوژی، فارماکولوژی داروهای آنتی‌هیپرناتیو، دارو و درمانی بیماریهای پوستی، شیمی درمانی، فارماکولوژی داروهای

دیورتیک، تست‌های فارماکولوژی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: -، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۶۰

زمینه علمی مقالات:

زمینه‌های مختلف فارماکولوژی، فارماکولوژی عضلات، فارماکولوژی گیرنده‌ها.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

ثنائی، غلامحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: بهداشت حرفه‌ای، دانشکده: بهداشت، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای داورسازی و گذراندن دوره‌های آموزشی در کشورهای انگلستان، ژاپن، یوگسلاوی و آمریکا.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحقیق در زمینه‌های مختلف بهداشتی همچون بهداشت محیط، بهداشت حرفه‌ای، مبارزه با ناقلین مالاریا، تدریس در رشته بهداشت

حرفه‌ای و خصوصاً سم‌شناسی صنعتی و سایر عوامل زیان‌آور محیط کار، طرحهائی شامل مسمومیت در کارگران صنعت چاپ،

مسمومیت با سرب در کاشی سازان، تماس رانندگان تاکسی با سرب در هوای تهران، مسائل بهداشتی در صنایع لاستیک و سایر مسائل مربوط به مسمومیت کارگران در صنایع شیمیایی و سموم صنعتی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۰۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۹

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شیمی تجزیه‌ای حشره‌کش‌ها و آفت‌کش‌ها و کاربرد آنها، سم‌شناسی صنعتی، روشهای شیمیایی مبارزه با بندپایان در ارتباط بهداشت و بهداشت حرفه‌ای.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲۲

زمینه علمی مقالات:

بهداشت حرفه‌ای سموم حشره‌کش، سموم صنعتی، گازهای جنگی، مبارزه با مالاریا، مسمومیت با فلزات و مواد آلی در صنایع مختلف مثل باطری سازی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

نواب همدانی

قرن: ۱۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

وی دختر عبدالله و شاعری ظریف و شوخ بود و در همدان می‌زیست.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۱۸۵ / ۱.

جابری انصاری، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند حاج میرزا علی مستوفی بن محمود.

فاضل ارجمند گرامی، ادیب مؤرخ شاعر، از مشاهیر فضلا و دانشمندان اصفهان، و از خاندان علمی و ادبی، در ۱۸ رجب ۱۲۸۷ در شیراز متولد شده، و در ۵ جمادی الثانیه سال ۱۳۷۶ در اصفهان وفات یافته، در ایوان داخلی بقعه بابا رکن الدین مدفون گردید.

در اصفهان خدمت جمعی از افاضل همچون: میرزا محمد حسن نجفی، و آقا سید محمد باقر درچه‌ای، و آخوند کاشی تلمذ فرموده، و در این بین به تألیف و تصنیف اشتغال جسته، کتب زیادی تألیف نموده، و اغلب آنها را به طبع رسانیده است.

اینک به اسامی برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- آثار الحسان، در بدایع اشعار نسوان ۲- اوصاف المستحسنه ۳- آگهی شهان از کار جهان، ۴ مجلد ۴- آفتاب درخشنده ۵- اسرار الانصار ۶- اسرار تاریخی قاجاریه ۷- بدایع و نوادر ۸- تاریخ اصفهان، مختصر ۹- تاریخ اصفهان و ری ۱۰- تفسیر حسن، تفسیر قرآن مجید ۱۱- تهذیب الاخلاق ۱۲- ترجمه وفيات الاعیان ابن خلکان که به دستور ظل السلطان انجام داده ۱۳- ترجمه فقه ابوحنیفه ۱۴- تسهیل و صاف ۱۵- دیوان اشعار ۱۶- رساله در حقیقت معراج ۱۷- صعود المسعود ۱۸- عشق حقیقی و مجازی، منظومه فارسی ۱۹- گزارش شرح حال سعدی و حافظ ۲۰- گنجینه الاسرار ۲۱- گوهر شب چراغ، جلد اول آن مطبوع ۲۲- لثالی السمط فی معالی النبی و السبط ۲۳- منشآت ۲۴- نوش دارو، در اخلاق ۲۵- نور الثقلین، در مناقب رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم؛ و رسائل عدیده دیگر از مطبوع و غیر مطبوع، حدود سیزده مجلد.

مرحوم انصاری در کتب خویش به نام جمعی از مشاهیر خاندان خویش که در اصفهان ساکن بوده‌اند اشاره می‌کند. ذیلاً نام آنها در این کتاب جهت متمیم مطلب تذکر داده می‌شود:

۱- خواجه کمال ابوالفتح جابری فرزند خواجه جلال الدوله، معاصر شاه اسماعیل و مشرف خزانه سلطنتی.

۲- میرزا باقر فرزند میرزا محمد علی کلانتر اصفهان، و واقف خانه‌ها و املاکی در اصفهان.

۳- رئیس برکه، با فضایل متوافر، و از زمره اخیار و صاحبان خیرات بوده.

۴- جلال الدین. از وزرای تراکمه و از اسخیای معروف بوده، معاصر سلطان الوند بهادر.

۵- میرزا حسین جابری، کلانتر و حکمران اصفهان در عهد نادر شاه، و مقتول به امر او.

۶- میرزا داود، در دستگاه سلاطین صفویّه بوده، شاعر و ادیب و بانی تکیه حاج میرزا داود در جویباره است.

۷- ربیع الدین، معاصر با نادر شاه و فرزند رفیع الدین.

۸- رفیع الدین ابن مهدی مستوفی الممالک ایران.

۹- میرزا سلمان اعتماد الدوله بن علی، ادیب و نویسنده و شاعر معاصر شاه طهماسب صفوی.

۱۰- میرزا عبدالله فرزند میرزا سلمان، ادیب و شاعر.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

جابلقی، عبدعلی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم ق)، فقیه. پدر وی از شاگردان برجسته‌ی محقق کرکی بود. عبدعلی از ایران به هند رفت و در آنجا ساکن شد. وی مدتی در خدمت سلطان سلیمان میرزا بود و متولی آستان قدس رضوی. محمدباقر داماد از وی روایت کرده است. از جمله آثار وی شرح بر «الفیه» شهید است که آن را به درخواست سلیمان میرزا، فرزند شاه طهماسب صفوی، سلطان حیدرآباد، برای خواهرش پری خانم نوشته است.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۱/۸)، الذریعه (۱۱۲- ۱۱۳/ ۱۱۱)، روضات الجنات (۲۱۵- ۲۱۴/ ۴)، ریحانه (۳۷۵/۱)، ریاض العلماء (۱۵۱/۳)، فوائد الرضویه (۲۳۸).

جایلقی، علی اصغر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

۱۳۱۳-۱۲۳۱ ق)، فقیه، مدرس و محدث امامی. در روستای جایلقی به دنیا آمد و چون پدرش از دانشمندان بزرگ دینی حوزه‌ی علمی بروجرد بود، مقدمات علوم را در جایلقی آموخت، سپس به بروجرد رفت و در آن شهر فقه و اصول و حدیث و رجال و تفسیر و منطق و کلام و حکمت و درایه را نزد پدر و حجه‌الاسلام بروجردی و شیخ مرتضی انصاری فراگرفت و از پدر و برادرش اجازه‌ی روایت یافت. سید علی اصغر پس از چندی اقامت در بروجرد به شهر قم رفت و به تحقیق و تالیف و تدریس پرداخت و درین شهر درگذشت و در جوار حضرت معصومه (ع) به خاک سپرده شد. از آثار وی: «حج استدلالی»؛ «جامع المقاصد» در اصول فقه استدلالی؛ «طبقات الرواه»، در دو جزء؛ «طرائف المقال»، در علم رجال.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بروجرد (۴۲۲/۲)، الذریعه (۷۳/۵)، چهل سال تاریخ ایران (۷۷۳، ۲۱۸)، «المآثر و الآثار (۱۶۲).

جایلقی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ محمد اسمعیل بن المرحوم آقا محمد صادق صادقی جایلقی از علماء و دانشمندان میرز و مشهور بفضل و تقوای تهران می‌باشد. وی در سال ۱۳۱۳ ق در یکی از قراء جایلقی که از مضافات اراک است بدنیا آمده و پس از رشد و طی مقدمات به اراک مسافرت نموده و از ابتداء با حضرت آیت‌الله آقای حاج شیخ محمد علی اراکی رفیق بحث و شریک تحصیل بوده و از محضر مرحوم آیت‌الله حاج میرزا محمدعلی خان و آیت‌الله حاج شیخ محمد سلطان العلماء استفاده سطوح نهائی نموده و از اول ورود مرحوم آیت‌الله العظمی حایری یزدی در اراک حاضر جلسات درس فقه و سطوح آنجناب شده و پس از مهاجرت و انتقال ایشان به قم مهاجرت بحوزه علمیه نموده و تا سال ۱۳۵۴ ق از مرحوم آیت‌الله مؤسس استفاده و هم چند ماهی از محضر مرحوم آیت‌الله نائینی (در موقع تبعیدشان به قم) بهره‌مند شده و در سال مزبور منتقل به تهران و در خیابان صفاری رحل اقامت افکنده و تا حال حاضر که هشتاد سال از سن شریفش می‌گذرد به اقامه جماعت در مسجد (صفاری) و ترویج دین و خدمات مذهبی و تدریس فقه و اصول اشتغال دارد. از آثار ایشان است تقریرات درس فقه و اصول کاملی مرحوم آیت‌الله حایری.

فرزند برومند ایشان جناب ثقه‌الاسلام آقا شیخ خلیل‌الله صادقی جایلقی تهرانی از فضلاء محصلین حوزه علمیه قم است که مدت ده سال در مشهد مقدس بتحصیل اشتغال داشته از محضر مدرسین بزرگ استفاده نموده آنگاه به قم مشرف و چندین سال است که از محضر آیات عظام و مدرسین والا مقام حوزه کسب فیض و کمال می‌نمایند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

جایلقی، محمد حسن

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دوازدهم ق)، فقیه امامی. وی از مردم شفت گیلان بود. در جوانی به اصفهان رفت و در خدمت بعضی از استادان این شهر چون میرزا حبیب‌الله و میرزا هدایت‌الله به تکمیل تحصیلات پرداخت. پس از چندی که استادان وی به فرمان نادرشاه متصدی امور شرعی جاپلق شدند، او نیز در روستای دره‌باغ مسکن گزید. محمدحسن در جاپلق با دختر هدایت‌الله ازدواج کرد و نتیجه این ازدواج پسری شد به نام ابوالقاسم که بعدها به میرزای قمی شهرت یافت. محمدحسن گذشته از علوم دینی در علوم ادبی نیز مهارت داشت و از نخستین استادان فرزندش بود. ملا محمدحسن به دلیل اقامت طولانی در جاپلق به جاپلقی مشهور شد. از جمله آثار وی: «کاس السائلین» که به تقلید از «کشکول» شیخ بهائی نوشته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۳۲/۱۷)، قصص العلماء (۱۸۰)، مکارم الاثار (۹۱۲/۳).

جاربردی، فخرالدین، ابوالمکارم احمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۴۶ ق)، فقیه و ادیب شافعی. وی از فضلای شاگردان قاضی بیضاوی و از داناترین دانشمندان تبریز بود و اوقات خود را بیشتر به تدریس و تالیف در زمینه علوم عقلی و نقلی صرف می‌کرد. بین جاربردی و قاضی عضدی ایچی مشاجرات بسیاری در علوم بود. وی در تبریز درگذشت. از تالیفات او: «الحواشی علی الکشاف» زمخشری؛ شرح «المنهاج» بیضاوی؛ حاشیه بر «شرح المفصل» ابن حاجب، در نحو؛ «شرح اصول البزدوی»؛ «شرح الحاوی الصغیر» قزوینی، و فروع فقه شافعی؛ «شرح الشافیه»، ابن حاجب، در صرف؛ «شرح الهدایه للمرغینانی» در فروع حنفیه؛ «المغنی»، در نحو. [۱]

(منسوب به جاربرد) ابوالمکارم فخرالدین احمد ابن حسن بن یوسف، دانشمند معروف قرن هشتم (ف. تبریز ۷۴۶ ه. ق.). وی پیوسته موظبت بر تحصیل علوم می‌کرد و به افاده طالبان علم ممارست داشت.

او ساکن تبریز بود و در همانجا درگذشت. جاربردی نزد قاضی بیضاوی صاحب تفسیر معروف تلمذ کرده و با قاضی عضدالدینی ایچی معارضات و مناقضات داشته. وی تألیفات بسیار دارد از جمله: شرح شافیه ابن الحاجب در علم صرف، کتاب السراج الوهاج که شرح بر کتاب منهاج استادش قاضی ناصرالدین بیضاوی است در علم اصول، تعلیقات بر کشاف. المغنی که رساله‌ایست در نحو. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۱۰۷/۱)، حبیب السیر (۲۳۲/۳)، روضات الجنات (۳۴۷-۳۴۵/۱)، ریحانه (۳۸۰/۱)، کشف الظنون (۶۲۶، ۱۰۲۱، ۱۴۷۸، ۱۸۷۹، ۲۰۳۶، ۲۲۲)، لغت‌نامه (ذیل / احمد)، الکنی و الالقاب (۱۳۷/۲)، معجم المؤلفین (۱۹۹-۱۹۸ / ۱)، هدیه العارفین (۱۰۸/۱).

جامی، غیاث الدین

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، طراح و نقاش. طراح نقوش احتمالا بافنده‌ی فرش نفیسی است که در وسط آن شمس‌هی فوق‌العاده‌ای بافته شده و در متن آبی آن، مظهره‌ی شکارگاه جلب نظر می‌کند و تعدادی شکارچی و حیوانات به قرینه در آن بافته شده، با رقم: «شد از سعی غیاث‌الدین جامی - بدین خوبی تمام این کار نامی» سنه ۹۲۹.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۴۱۳ / ۱).

جامی، محمد علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند عین علی فروشانی. عالم فاضل، ادیب کامل، و شاعر متبحر، از اعقاب شیخ حر عاملی، در سال ۱۲۲۰ در قریه‌ی فروشان وفات یافته.

وی را منظومه‌ای است نظیر «حمله‌ی حیدری»، مشتمل بر احوالات حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در بحر تقارب، قریب بیست و پنج هزار بیت. [به نام جام گیتی نما]

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

جامی، معین‌الدین محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۸۳ ق)، شاعر و ادیب. نسبش به پنج پشت به شیخ‌الاسلام احمد جامی و از طرف مادر به ملک شمس‌الدین ابوبکر کرت، از پادشاهان آل کرت می‌رسد. خواجه معین‌الدین خود از بزرگان خراسان به شمار می‌رفت. وی در جام درگذشت و در مقبره‌ی نیایش شیخ احمد جام به خاک سپرده شد. وی از ادبا و شعرای نامی زمان خود بود و در نظم و نثر فارسی دست داشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۲۱۹).

جان احمدی، فاطمه

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

فاطمه جان احمدی در تاریخ ۱۳۴۳ در خرم آباد مرکز استان لرستان دیده به جهان گشود. وی پس از طی تحصیلات مقدماتی و

متوسطه وارد دانشگاه شهید بهشتی شد و موفق به دریافت لیسانس کارشناسی تاریخ گردید. کارشناسی ارشد خود را در دانشگاه الزهرا ادامه داد و مدرک دکترای تاریخ با گرایش تاریخ اسلامی را از دانشگاه تربیت مدرس اخذ نمود. در حال حاضر علاوه بر تدریس در گروه تاریخ دانشگاه الزهرا معاونت آن گروه را نیز بر عهده دارد. زمینه های تدریس ایشان تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جهان اسلام تا قرن ۴ هجری و به طور تخصصی تاریخ فاطمیان در مغرب و مصر اسلامی، تاریخ اسماعیلیه مستعویه در مصر و یمن و گسترش اسلام در شمال آفریقا و جنوب اروپا است.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه ای: فاطمه جان احمدی در سال ۷۶ در کنکور سراسری شرکت و در مقطع کارشناسی (۶۸-۷۲) رشته تاریخ دانشگاه شهید بهشتی پذیرفته شد، در سال ۷۲ پس از شرکت در کنکور کارشناسی ارشد تاریخ به دانشگاه الزهراء راه یافت و در سال ۷۵ از پایان نامه خود به نام « بررسی اوضاع اقتصادی ایران در دوره خلافت عباسیان » دفاع کرد. در پایان همین سال پس از شرکت در آزمون پذیرش دکتری تربیت مدرس موفق به راه یابی دوره دکتری تاریخ، گرایش اسلام در این دانشگاه شد و در سال ۸۲ از رساله خود در زمینه « مبانی مشروعیت و ساختار خلافت فاطمیان » دفاع نمود.

همسر و فرزندان: فاطمه جان احمدی در اواخر سال دوم دبیرستان ازدواج کرد و وقتی وارد دانشگاه شد دو فرزند پسر داشت. فعالیتهای آموزشی: فاطمه جان احمدی تدریس در گروه تاریخ دانشگاه الزهرا معاونت آن گروه را نیز بر عهده دارد. زمینه های تدریس ایشان تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جهان اسلام تا قرن ۴ هجری و به طور تخصصی تاریخ فاطمیان در مغرب و مصر اسلامی، تاریخ اسماعیلیه مستعویه در مصر و یمن و گسترش اسلام در شمال آفریقا و جنوب اروپا است. چگونگی عرضه آثار: فاطمه جان احمدی دارای مقالات متعددی با محوریت تاریخ اسلام است، ایشان در سمینارهای متعدد داخلی و خارجی شرکت داشته و در کنفرانسهای مختلفی مقالاتی را ارائه داده است.

آثار:

۱ تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی

ویژگی اثر: دفتر نشر معارف (وابسته به نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاهها) - تیر ۱۳۸۷

جان محمدی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین جان محمدی

محل تولد: بیجار

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۸/۱۲/۷

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۸ در یکی از روستاهای شهرستان بیجار متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در روستا گذراندم و سپس برای تحصیلات دوره راهنمایی به مدرسه تیزهوشان شهرستان قروه رفتم. بعد از اتمام دوره راهنمایی و قبولی در آزمون دبیرستان تیزهوشان و دبیرستان سپاه سنندج، این دومی را انتخاب کردم و در رشته علوم تجربی ادامه تحصیل دادم. پس از آن با اتمام دوره پیش دانشگاهی در رشته علوم انسانی وارد حوزه علمیه شدم. طلبه سطح دو حوزه بوده و هم زمان در گرایش "فلسفه روش" ادامه تحصیل می‌دهم و به کار تحقیق و نویسندگی نیز اشتغال دارم. در ضمن از زندگی جدید شهری هم تقریباً بیزارم و عاشق تجربیات باطنی هستم. تا خدا چه خواهد و چه تدبیر کند.

جانقربانی، محسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اپیدمیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی کرمان.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی از دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۷، دکترای اپیدمیولوژی از دانشگاه گلاسکو انگلستان در سال ۱۳۶۴.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری رشته اپیدمیولوژی دانشگاه علوم پزشکی کرمان در سال ۱۳۵۲.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

افشاء تشخیص و پیش آگهی به مبتلایان سرطان، سکنه مغزی، سرطان‌های پوست در مصدومین شیمیایی جنگ، اثر سیگار بر روی قند خون، تصادفات رانندگی، دیسمنوره، اعتبار روشهای تشخیص شستشو و برس کشیدن ناژه‌ای، زخم معده، علل مرگ و میر در بخش مغز و اعصاب، WART، impetigo استرس، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

اپیدمیولوژی، اصطلاحات پزشکی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۴

زمینه علمی مقالات:

اپیدمیولوژی دیابت، بیماریهای قلب و عروق سرخک، سل، تصادفات رانندگی، فشار خون، سکنه مغزی، اختلاف جنسی در مرگ

و میر [recrd linkage](#).

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

جاودان، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد جاودان

محل تولد: میناب

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد جاودان، صرفاً به دلیل تقاضای مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی این زندگینامه را تحریر می‌نمایم و خود را در موقعیت تحریر «زندگینامه علمی» نمی‌دانم. در سال ۱۳۴۸ هجری شمسی در خانواده‌ای روحانی و تازه از نجف بازگشته، در حوالی رودان، از شهرهای کوچک و شرقی استان هرمزگان به دنیا آمدم. پدرم حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای شیخ عبدالله جاودان، نخستین معلم و استاد علمی و اخلاقی من، به گفته خود، از حدود چهار سالگی به علم من مبادرت نمودند. تا حدود هفت سالگی خواندن، نوشتن، قرائت قرآن، اشعاری از سعدی و حافظ، کتب مقدماتی «جامع المقدمات» یعنی، امثله و شرح آن، صرف میر و التصریف را نزد ایشان فرا گرفتم. از هفت سالگی وارد دبستان شده و معلم مدرسه مرا به عنوان دانش‌آموز کلاس دوم ابتدایی ثبت نام کردند، هر چند نظر او کلاس پنجم بود و گویا مدیر مدرسه موافق نبود. از کلاس چهارم تا سوم راهنمایی را در مدارس قم و پس از آن مجدداً به رودان بازگشته و از مدرسه شهید بهشتی رودان در سال ۱۳۶۷ دیپلم علوم تجربی را اخذ نمودم.

بحمدالله در تمام مدت تحصیل دانش‌آموز موفق بودم. در تمام این دوران دو گونه فعالیت داشتم: ۱. فعالیت‌های قرآنی و شرکت در مسابقات قرآن، که در قم مقام اول کسب نمودم و نیز در استان مرکزی دوم شدم. در استان هرمزگان نیز چندین بار به مقام اول رسیدم و در مسابقات کشوری نیز در دوره دبیرستان به مقام ممتاز دست یافتم. ۲. ادامه تحصیلات حوزوی در ایام فراغت و در نتیجه تا اخذ دیپلم کتب حوزوی مثل جامع المقدمات (تماماً)، سیوطی، مختصر المعانی، حاشیه ملا عبدالله (در منطق)، معالم الاصول، بخشهایی از لمعتین. در همین مدت البته کتب مختلف جامع المقدمات و بخش‌هایی از سیوطی و گاهی کتبی در منطق را نیز تدریس می‌نمودم. بیشتر کتب مذکور را نزد ابوی معظم و بخش‌هایی از کتاب حاشیه ملا عبدالله و نیز کتاب الارث شرح لمعه را نزد استاد فاضل و متقی حضرت حجت الاسلام عبدالعلی جاویدان، که در آن ایام امام جمعه شهر رودان و نماینده مردم حضرت امام خمینی (ره) بودند فرا گرفتم. خداوند خیر دنیا و عقباً را نصیبشان گرداند. انشاء الله. قصدم آن بودم که با اخذ دیپلم و ورود به دانشگاه، همزمان علوم حوزوی را نیز ادامه دهم. همان سال اخذ دیپلم (۶۷) در کنکور شرکت نموده و برای تحصیل در تهران قبول شدم.

اما به دلیل حضور در جبهه‌های جنگ امکان ورود به دانشگاه سلب شد و در همان سال وارد حوزه علمیه بندرعباس گردیدم و همزمان به تحصیل و تدریس مشغول گردیدم. البته در سطح شهر بندرعباس نیز با قرائت قرآن در مجالس عمومی و نیز دایر کردن جلسه تعلیم فنون تجوید و قرائت قرآن به ترویج قرآن در جامعه پرداخته و بحمدالله برکات معنوی قابل توجهی داشت و برخی از شاگردان آن جلسات اکنون به عنوان استاد مشغول ترویج قرآن هستند. سال ۱۳۷۲ وارد حوزه علمیه قم و نیز دانشگاه مفید قم (در رشته فلسفه غرب) شده دروس حوزوی را تا مقطع خارج فقه و اصول ادامه دادم و در تمام امتحانات کتبی و شفاهی ظرف ۳ الی ۴

سال شرکت نموده و با موفقیت پیش رفته. در سال ۱۳۷۶ به اخذ لیسانس فلسفه غرب و در ۱۳۷۹ به اخذ فوق لیسانس در همان رشته از دانشگاه مفید موفق شده و در همان سال در رشته کلام (گرایش فلسفه دین و کلام جدید) در مقطع دکترای تربیت مدرس قم، دانشگاه قم، قبول شده و اکنون در آستانه دفاع هستم.

از سال ۱۳۷۶ وارد مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب گردیده و در گروه مذاهب اسلامی (بیشتر با گرایش تشیع اسلامی) به تحصیل و تحقیق پرداختم. و به عضویت هیئت علمی آن مرکز پذیرفته شده و مقالات متعددی را در آن مرکز تحریر یا ترجمه نمودم. در سال ۱۳۸۴ به عنوان فلوشیپ (Fellowship) دانشگاه هاروارد در آمریکا پذیرفته شده و به مدت یک سال در آن دانشگاه، به عنوان عضو هیئت علمی آن دانشگاه، به همراه خانواده حضور یافتم. در آنجا به تحقیق، تدریس برای برخی از دانشجویان ایران (به عنوان سخنرانی نه تدریس) مشغول بودم. همچنین به مدت یک سال در مرکز اسلامی شهر Boston (مرکز ایالت ماساچوست) به سخنرانی دینی - علمی (تفسیر سوره حشر) و نیز آموزش قرآن و تدریس یک دوره کامل تجوید پرداخته.

سخنرانی‌ها و برنامه قرآن با استقبال فراوان مواجه گردید. اعتبار علمی فلوشیپ یاد شده، فوق دکتر است. آنچه عامل اصلی این توفیق بود، پس از لطف خداوند مساعی استاد مکرم جناب استاد آیت الله دکتر مدرسی طباطبایی، استاد تمام دانشگاه پرینستون در نیوجرسی آمریکا بود که با معرفی اینجانب به آن دانشگاه زمینه پذیرش مرا در آن دانشگاه فراهم نمود. حضور من در آمریکا تجارب علمی، معنوی و آفاقی و اجتماعی ارزشمندی برایم به همراه داشت. به ویژه حضورم در مرکز اسلامی در جمع شیعیان ایرانی و پاکستانی. استقبال آنان از برنامه‌های این جانب فوق‌العاده بود و اصرار زیادی بر ماندن من حداقل برای یک سال دیگر را داشتند. هنوز نیز با آنان در ارتباط هستم. انسان‌های پاک، مومن، خداخواه و ایران دوست. خدایشان خیر دهد. در این سال‌ها علاوه بر تدریس در موضوعاتی چون کلام اسلامی، کلام جدید و فلسفه دین، فرق اسلامی، تشیع امامی و فرق تشیع و مذاهب اسلامی، فلسفه اسلامی و... پروژه‌های تحقیقی متعددی اعم از مقاله و کتاب را به انجام رسانده‌ام که بسیاری از آنها منتشر شده‌اند. چندین پایان نامه را نیز مشاوره یا داوری نموده‌ام. هم اکنون عضو هیئت علمی گروه فلسفه دانشگاه مفید هستم. همچنین به صورت نیمه وقت با مرکز ادیان همکاری دارم که زعم از تدریس و پژوهش است (عضو هیئت علمی نیمه وقت مرکز هستم). متأسفانه بیش از دو سال است به علت مشغله علمی دانشگاهی و سفر خارج از کشور وقفه‌ای در تحصیلات حوزوی‌ام پیش آمده است که امیدوارم در سال آینده مجدداً آن دروس را از سر گیرم و البته بیشتر قصد تدریس دارم. امیدوارم خداوند توفیق دهد. از خداوند منان که همواره مددکارم بوده است می‌خواهم توفیق بیشتری را در جهت اهداف انسانی - الاخص به حقیر عنایت فرماید.

جاویانی، کاوس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیهوشی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی بیهوشی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۹، تکمیل رشته بیهوشی از طرف دانشگاه تهران در کشور انگلستان در سال ۱۳۵۴ به مدت یک سال.

مرتبه علمی:

استادیار پیمانی دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۵۰، استادیار رسمی آزمایشی در سال ۱۳۵۲، استادیار رسمی قطعی در سال ۱۳۵۷، ارتقاء به درجه دانشیاری علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۶۵.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انواع بیهوشی در اعمال مختلف جراحی، طرح بیهوشی توام آلترین و کتالار مجرای اعمال جراحی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۰ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

بیهوشی، بیهوشی و جراحیهای پستان (تومورها و سایر بیماریها).

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

بررسی تازه روی یک نوع فسفو گلیریت در گلوبول قرمز، بیهوشی و خطر مرگ‌های زایمانی.

بر گرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

جاوید کبیری، غلامحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مدرس، محقق کتابداری.

تولد: ۱۳۲۳، مشهد.

درگذشت: ۳ آبان ۱۳۷۴، مشهد.

غلامحسین جاوید کبیری در سال ۱۳۵۱ موفق به اخذ درجه‌ی لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه مشهد گردید و در ادامه‌ی آن به اخذ درجه‌ی فوق لیسانس کتابداری از دانشگاه تهران نایل آمد. سوابق خدمت حرفه‌ای او با شروع فهرست‌نویسی در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه صنعتی (آریا مهر سابق)؛ از سال ۱۳۵۱ الی ۱۳۵۴، آغاز شد. سپس به سمت سرپرست کتابخانه‌ی مرکز تحقیقات هسته‌ای سازمان انرژی ایران (۱۳۶۱-۱۳۵۴) منصوب گردید.

در سال ۱۳۶۳ به سمت ریاست کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه فردوسی مشهد انتخاب شد. با کوشش و فعالیت‌های وی و دیگر همکارانش نظام فهرست‌نویسی متمرکز در کتابخانه‌های دانشگاه مشهد به اجرا درآمد. و از آن پس سازماندهی و آماده‌سازی کل مجموعه کتب فارسی، عربی و لاتین کتابخانه‌های دانشگاه مشهد در کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز استناد انجام گرفت. از دیگر فعالیت‌های پژوهشی او تدوین طرح فهرستگان کتاب‌های فهرست شده در دانشگاه مشهد بود که با سرپرستی و نظارت وی و کوشش همکارانش اولین جلد آن در سال ۱۳۶۲ منتشر شد. سپس دو جلد دیگر نیز به زیور طبع آراسته شد.

از سال ۱۳۶۴ فعالیت‌های آموزشی ایشان به عنوان مدرس و سپس مربی گروه کتابداری آغاز شد و تا پایان عمر به انجام خدمات آموزشی اشتغال داشت.

از غلامحسین جاوید کبیری آثاری بر جای مانده است: طرح تشکیلات کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه مشهد (مشهد، ۱۳۶۲)؛ طرح پیشنهادی برای ایجاد مرکز سفارش و تهیه‌ی مدارک (کتب و مجلات) (با همکاری حسن جاویدی و رحمت‌الله فتاحی، مشهد، ۱۳۶۲)؛ صورت کتاب‌های فهرست شده در کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد (درهمکرد ده ساله ۱۳۶۲-۱۳۵۲) (با همکاری محمد جوان خندان، محمدعلی خاکساری، محمدرضا شالچیان، ملیحه ناظم، نقیب نقوی، مشهد، ۱۳۶۲)؛ نظارت بر بررسی اجمالی مسائل کتابخانه‌های دانشگاه مشهد (گروه تحقیق: حسن جاویدی، رحمت‌الله فتاحی، مهری پریخ، مشهد، ۱۳۶۳)؛ پیرامون نقش آموزشی کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه فردوسی مشهد (با همکاری رحمت‌الله فتاحی، مشهد، ۱۳۶۳)؛ فهرست توصیفی انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد از بدو تأسیس تا مهر ۱۳۶۲ (با همکاری محمدعلی خاکساری و رحمت‌الله فتاحی، ۱۳۶۴)؛ صورت کتاب‌های فهرست شده در کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد (درهمکرد دو ساله ۱۳۶۴-۱۳۶۲) (با همکاری حسن جاویدی، محمدعلی خاکساری، رحمت‌الله فتاحی، عاطفه عطرچی و ملیحه ناظم، ۱۳۵۶)؛ نظارت بر تحقیق کتاب فهرست پایان‌نامه‌های فارغ‌التحصیلان دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، جلد اول (مشهد، ۱۳۶۷)؛ صورت کتاب‌های فهرست شده در کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد (درهمکرد سه ساله ۱۳۶۷-۱۳۶۴) (با همکاری رحمت‌الله فتاحی، محمدعلی خاکساری، حسن جاویدی، ملیحه ناظم و محمد بنکدار، مشهد، ۱۳۶۹).

غلامحسین جاوید کبیری به سبب حمله‌ی قلبی در سوم آبان ۱۳۴۷ دار فانی را وداع گفت.
برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

جاویدان نژاد، صادق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

خلاصه: صادق جاویدان نژاد دارای دکترای رشته بیوشیمی و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران با درجه دانشیار می باشد.

گروه: علوم پایه

رشته: بیوشیمی

گرایش: داروسازی

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: صادق جاویدان نژاد عضو هیئت علمی و دانشیار گروه بیوشیمی در دانشکده پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی تهران است.

جاویدان، اسماعیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۳۲۲.

درگذشت: ۱۳۷۰.

از آثار اوست: بررسی زبان، مبحثی در زبان‌شناسی همگانی (جورج یول، مترجمان اسماعیل جاویدان و حسین وثوق، تهران، ۱۳۷۰).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

جاویدان، محسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۳۰۹.

درگذشت: مهر ۱۳۷۱.

تألیف و ترجمه کتاب تاریخ اختراعات (از اختراع چرخ تا مغز الکتریکی، ۱۳۶۷)؛ و تاریخ پزشکی ایران (تألیف گود) و چند کتاب در زمینه‌های علمی و پزشکی از جمله آثار اوست. او مدتی با مجله‌ی «شکار و طبیعت» و مدتی هم با مجله‌ی «سخن علمی» همکاری داشت.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

جاویدان نژاد، صادق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: داروسازی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

جاویدی صباغیان، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

جباریان، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا جباران

محل تولد: ملایر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در پنجم آذر ۱۳۳۷ هجری شمسی در ملایر به دنیا آمدم پدرم کشاورز بود و خود نیز تا سن ۲۰ سالگی که دروس دبستان و دبیرستان را به پایان بردم در کنار او کشاورزی می کردم. در سال ۱۳۵۶ تحصیلات حوزوی خود را در مدرسه علمیه ولی عصر (عج) بروجرد آغاز کردم در پاییز ۱۳۵۹ از بروجرد به قم آمدم و تا سال ۱۳۶۵ جز در دو مقطع کوتاه که مسئولیت مدرسه علمیه ولی عصر (عج) بروجرد و مسئولیت مدرسه علمیه امیر المومنین (ع) ملایر را به عهده داشتم، پیوسته در قم مشغول تحصیل بودم و در کنار تحصیل، کتب مقدماتی را نیز تدریس می کردم از سال ۱۳۶۵ به قصد شرکت در دفاع مقدس به منطقه غرب رفتم و به تناسب تجربه و تخصص خویش مسئولیت سازمان تبلیغات اسلامی بوکان را به عهده گرفتم تا سال ۱۳۶۸ در بوکان خدمت کردم آنگاه به قصد ادامه تحصیل به قم بازگشتم ولی پس از مدتی کوتاه در خرداد ۱۳۶۹ به مهاباد عزیمت کردم و به مدت ۱۵ ماه در سازمان تبلیغات اسلامی مهاباد به خدمت اشتغال داشتم پس از بازگشت مجدد به قم تا سال ۱۳۷۵ به تحصیل پرداختم. در طول مدت تحصیل سطح از محضر بزرگانی چون مرحوم آیت الله شیخ محمد ابراهیم نجفی بروجردی، شیخ علی جواهری، شیخ رحمت الله صاحب الزمانی و شیخ غلامرضا مولانا در بروجرد و اکابری چون مرحوم وجدانی فخر، اعتمادی تبریزی، ستوده، کمره ای، نبوی و عالمی در قم بهره بردم و در خارج فقه و اصول از محضر آیات وحید خراسانی، مکارم شیرازی، سبحانی تبریزی و مروجی بروجردی و گنجی در حد وسع خویش بهره مند شدم. از سال ۱۳۷۵ به علل شخصی از شرکت در کلاس درس محروم شدم و مطالعات شخصی خود را در فقه و تاریخ ادامه دادم و نوشته های ناچیزی عرضه کردم. ترجمه را از سال ۱۳۶۰ و نوشتن را از سال ۱۳۷۱ آغاز کردم و در دو زمینه تقریر و تألیف چند کتاب نوشتم.

جباران اصفهانی، ابومنصور محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۴۱۶ ق)، ادیب، لغوی و شاعر. وی در ری به دنیا آمد و در اصفهان ساکن شد و به بغداد سفر کرد. جباران از ندیمان صاحب بن عباد و اصحاب ابوعلی فارسی نحوی بود. از جمله آثار وی: «انتهاز الفرص فی تفسیر المقلوب من کلام العرب»؛ «ابنیه الافعال»؛ «الشامل فی اللغه»؛ «شرح الفصیح»؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ریحانه: ۲۸۵- ۲۸۴/ ۵)، کشف الظنون (۱۳۳)، معجم الادباء (۲۶۲- ۲۶۰/ ۱۸)، معجم المؤلفین (۳۱- ۳۰/ ۱۱)، الوافی بالوفیات (۱۸۰/۴).

جبریل دوم

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

پدرش طیب. پدرش طیب عضدالدوله دیلمی بود. طب را نزد پدر آموخت و در بغداد ماند و مانند اجدادش شهرت بسزایی پیدا کرد و در بیمارستان عضدی و دربار به خدمت مشغول شد. جبریل در طول خدمت صاحب بن عباد را مداوا و نزد او مقام والایی پیدا کرد. او در میافارقین دفن شد. از آثار او: کتاب «المطابقه بین قول الانبیاء و الفلاسفه»؛ دو رساله «الکافی»، درباره‌ی خون، در پنج مجلد؛ «رساله‌ی فی الم الدماغ بمشارکه المعده و الحجاب». [۱]

جبرائیل پزشکی عضدالدوله. (ف. ۳۹۷ ه.ق. / ۷-۱۰۰۶ م.)

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ طب (۶۱-۶۰/۲)، تاریخ حکماء قفطی (۲۱۰-۲۰۲)، معجم المؤلفین (۱۱۵/۳).

جبرئیلی، محمدصفر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد صفر جبرئیلی

محل تولد: بیجار

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد صفر جبرئیلی در سال ۱۳۶۲ تحصیلات حوزوی را در کرج و سپس شهرری آغاز کرده و در قم ادامه داده ام که هنوز هم اشتغال دارم. طبق سنت حوزه از سال‌های آغازین تحصیل به تدریس نیز اشتغال داشته‌ام. و لذا کتاب‌های ادبیات، منطق، فقه و اصول نیز در شهرری، کرج و قم تدریس کرده‌ام. با اینکه با سیکل وارد حوزه شدم اما در کنار آن چهار سال دبیرستان را ادامه دادم و با اینکه به جهاتی زمینه ورود به دانشگاه را داشتم اما علاقه به حوزه و درس آن موجب نرفتن به آن مرکز علمی شد. با شروع مراکز تخصصی حوزه به جهت علاقه و دغدغه‌ای که در مباحث کلامی داشتم در مرکز تخصصی کلام شرکت کردم و مدت چهار سال در سطح چهارم اشتغال به تحصیل داشتم و از اساتید بزرگوار چون آیت الله سبحانی، حجج اسلام ربانی گلپایگانی، فیاضی و دیگران استفاده کردم. بعد از گذشت یک سال از اتمام تحصیل برای تدریس در آن مرکز دعوت شدم. اکنون سومین سال است که در آنجا برای سطح ۲ و ۳ تدریس دارم. به علاوه در مرکز جهانی مرکز تخصصی فلسفه، و فرق و مذاهب نیز اشتغال به تدریس دارم. در بعضی مدارس حوزه نیز این توفیق را داشتم که به جهت کثرت اشتغال از ادامه آن محروم شدم. به جهت علاقه‌ای که به تحقیق داشتم از دهه هفتاد رسماً^۱ به نوشتن و تحقیق پرداختم که بعضی از مقالات در مجلات علمی چاپ شده

است. با توجه به احساس نیاز در کنار درس در زمان های خاص به تبلیغ و منبر و از جمله در دانشگاه اشتغال دارم. با مراکز علمی و تحقیقی نیز ارتباط و همکاری داشته و دارم. در خارج اصول حضرت آیت الله سبحانی و در خارج فقه در درس آیت الله شبیری زنجان به بهره برده ام که دومی هنوز ادامه دارد.

جبل عاملی، پرویز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اورولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

جبله خراسانی

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دوم ق)، محدث. شیخ طوسی او را در شمار راویان حدیث و از اصحاب امام صادق (ع) یاد کرده و درباره اش گفته: «یحیی بن سالم از او حدیث روایت کرده است».
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: رجال الطوسی (۱۶۴)، معجم رجال الحدیث (۳۵/۴).

جبلی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالواسع، بدیع الزمان بن عبدالجامع بن عمران بن ربیع غرجستانی، شاعر ایرانی (ف. ۵۵۵ ه.ق.) از خاندانی علوی در غرجستان ولادت یافت، و در علوم زمان مخصوصا علوم ادبی کسب کمال کرد، و در شاعری ممتاز شد. سپس به مدح شاهنشاه عصر از غوریان و سلجوقیان و غزنویان پرداخت. از ممدوحان وی طغرل تکین بن محمد است که در ۴۹۰ ه.ق. بر خوارزم استیلا یافت. دیگر بهرام شاه بن مسعود غزنوی است که عبدالواسع در آغاز شهرت خود چهار سال در دستگاه او به سر می برد، و چون بهرام شاه از سنجر استمداد کرد و سنجر به یاری او در ۵۱۰ به غزنین لشکر کشید، عبدالواسع به خدمت او پیوست و چندی در درگاه او اقامت داشت و مورد علاقه سلطان بود. شعر او به لهجه عمومی زمان - که تا آنگاه با زبان عربی آمیزش بیشتری یافته بود - نزدیک شد. وی به کلام آراسته مصنوع و پیرایه های لفظی و زیورهای معنوی توجه بسیار داشته. جبلی در شعر عربی هم دست داشت. دیوان او در تهران به طبع رسید.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

جداری عیوضی، رشید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر رشید جداری عیوضی در سال ۱۳۰۷ در تبریز متولد شد. ایشان دارای دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران (در سال ۱۳۴۶) می باشد. وی فعالیت‌های آموزشی خود را در سال ۱۳۴۰ با رتب؟ مربی در دانشگاه تبریز آغاز کرد و در سال ۱۳۵۶ به سمت استادی منصوب شد. کتاب "دیوان حافظ" تصحیح، رشید جداری عیوضی، در دوره شانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای: رشید جداری عیوضی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تبریز گذراند و در سال ۱۳۳۳ از دانشگاه تبریز لیسانس زبان و ادبیات فارسی اخذ کرد. در سالهای ۱۳۴۰ و ۱۳۴۶ موفق به دریافت فوق لیسانس و دکترای خود از دانشگاه تهران گردید.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: رشید جداری عیوضی فعالیت‌های آموزشی خود را در سال ۱۳۴۰ با رتب؟ مربی در دانشگاه تبریز آغاز کرد و در سال ۱۳۵۶ به سمت استادی منصوب شد.

جوایز و نشانها: کتاب "دیوان حافظ" تصحیح، رشید جداری عیوضی، در دوره شانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار: دکتر عیوضی علاوه بر مقالات متعددی که در نشریات و کنگره های علمی ارائه داده، آثار دیگری به رشته تحریر در آورده است.

آثار:

۱ تصحیح دیوان پیام تبریزی

ویژگی اثر: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، ۱۳۵۱

۲ تصحیح دیوان حافظ براساس سه نسخ؟ کامل کهن

ویژگی اثر: تصحیح، با همکاری دکتر اکبر بهروز، مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، ۱۳۵۶. این کتاب در دوره شانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «دیوان حافظ» دیوان حافظ / تدوین و تصحیح رشید عیوضی - تهران: نشر صدوق، ۱۳۷۶ - ۲ ج. این نکته مورد اتفاق است که اشعار حافظ در زمان حیات وی تدوین نشده و علاقه جامعان دیوان به تکمیل باعث شده است که حتی در کهنترین نسخه کامل شناخته شده موجود نیز که فقط بیست و یک سال پس از وفات خواجه تدوین شده است اشعاری راه یابد که انتساب قطعی آنها به خواجه دشوار می نماید. همچنین محققان اتفاق نظر دارند در این که غالب اختلاف ضبط ها ناشی از بررسی مداوم حافظ در اشعار خود و تهذیب و تنقیح آنها بوده است و معلوم نیست ضبط کدام غزل در کدام نسخه کهن مطابق با آخرین نظر حافظ باشد. بنابراین در تدوین و

تصحیح دیوان باید روشی اختیار شود که مصحح را به سرمنزل مقصود یعنی تهیه نسخه‌ای کمال مطلوب، نزدیکتر گرداند و حصول این نیت جز با اتکا به «منابع قابل اعتماد» و «اعمال روشی دقیق و احتیاط آمیز در تدوین و تهیه متن» امکان پذیر نخواهد بود. هم اکنون هشت نسخ؟ کامل و دو نسخ؟ ناقص و دو منتخب در دست است که در فاصل؟ زمانی ۱۵ تا ۳۵ سال بعد از وفات خواجه نوشته شده اند و این «گنجینه عظیم» منابع قابل اعتمادی است که نیل به نسخ؟ نهایی دیوان حافظ را نوید می دهد. مصحح محترم از میان نسخ مورد اشاره، هشت نسخ؟ کامل را برای تهیه نسخ؟ حاضر کافی تشخیص داده است. تاریخ استنساخ این هشت نسخه از ۸۱۳ تا ۸۲۷ هجری قمری است، یعنی در فاصله زمانی ۲۱ تا ۳۵ سال پس از درگذشت حافظ، و فعلاً این هشت نسخه را می توان کاملترین، کهن ترین و قابل اعتمادترین منابع اشعار حافظ دانست. کتاب دیوان حافظ تصحیح دکتر رشید عیوضی در دو جلد تدوین شده است. در جلد اول مصحح در مقدمه ای شیوه کار خود را تشریح کرده و در ادامه، متن کامل دیوان را - به ترتیب از غزلیات، قصاید، مثنویات، ترکیب-بند، قطعات و فردیات و رباعیات - آورده است. جلد دوم کتاب، بخشی به ذکر نسخه بدلها اختصاص یافته و بخشی دیگر نیز شامل یادداشتهای مصحح می شود.

منابع:

www.ketabesal.ir

جد بابائی مقدم، محمد حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: قلب و عروق، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اهواز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشکده پزشکی اهواز در سال ۱۳۴۵، دکترای تخصصی بیماریهای داخلی از دانشگاه شهید بهشتی در

سال ۱۳۵۶ و فوق تخصص بیماریهای قلب و عروق از دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۶۷.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

متابولیسم اسیداوریک، بررسی ۲۰۰ مورد بیماریهای انفارکتوس و بستری در CCU اهواز، سرپرستی تعداد زیادی پایان‌نامه،

تدریس بیماریهای داخلی و قلب در دانشگاه علوم پزشکی اهواز.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

تغییرات آنزیمی در انفارکتوس.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

جذبی اصفهانی، هبه‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۲۷۴.

درگذشت: ۱۳۶۴.

رساله در باب ولایت و راه هدایت (تألیف، ۱۳۷۲)؛ کتاب توضیح شرح فارسی بر کلمات قصار بابا طاهر عریان تألیف ملا سلطانمحمد سلطانعلی شاه گنابادی (تهران، ۱۳۴۴).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

جراح زاده، منوچهر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

منوچهر جراح زاده، شاعر و نویسنده معاصر، در سال ۱۳۱۲ در بندر انزلی بدنیا آمد. وی از چهره های فعال عرصه مطبوعات بود، شعر می گفت و داستان می نوشت و به طنز می پرداخت. ایشان در روز شنبه ۱۵ شهریور ماه سال ۱۳۸۲ در تهران درگذشت.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: شعر

زمان و علت فوت: منوچهر جراح زاده، شاعر و نویسنده معاصر، روز شنبه ۱۵ شهریور ماه سال ۱۳۸۲ در تهران درگذشت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: منوچهر جراح زاده بازنشسته بانک بود و "موج سازان" عنوان کتابی است در عرصه شغلی وی که در آن مروری دارد بر عملیات بانکی. تلاشهای دیگرش در این زمینه، وی را شایسته دریافت عنوان نیروی باشزرنسته فعال در عرصه بانکداری در سال ۱۳۸۰ کرد. وی از چهره های فعال عرصه مطبوعات بود، شعر می گفت، داستان می نوشت و به طنز می پرداخت. با تبلیغات هم میانه خوبی داشت. متن تبلیغاتی برای مبلغان تلویزیونی تدارک می دید.

چگونگی عرضه آثار: مرحوم منوچهر جراح زاده هنگامی که نفس در سینه اش حبس شد و از منزل بر دوش یاران، دوستان و خویشان شعر سکوت و سکون را سرود و طنز زندگی را با قصه مرگ در آمیخت، یک دو جین تألیف از خود میراث ماندگار کرده بود. عنوان های همچون قلندر فدریا، هر دمبیل، انزل چی و میم و جیم برخی امضاءهای جراح زاده پای آثار طنز وی در مطبوعات بوده

اند.

آثار:

- ۱ بر بافت های خون
ویژگی اثر: مجموعه شعر انقلاب
- ۲ بوسه بر آتش
ویژگی اثر: مجموعه شعر
- ۳ تلاوت فواره ها
ویژگی اثر: مجموعه شعر
- ۴ توفان در فنجان
ویژگی اثر: مجموعه طنز
- ۵ چلچله های جزیره
ویژگی اثر: داستان بلند
- ۶ خانه های شنی
ویژگی اثر: داستان کودکان
- ۷ خواب های قایقی
ویژگی اثر: داستان پیرامون فصاحت سلمان رشدی
- ۸ زنده های بی مزار
ویژگی اثر: مجموعه شعر طنز
- ۹ گیل آواز
ویژگی اثر: دو بیتی های تمثیلی
- ۱۰ نیمکت سنگی
ویژگی اثر: داستان جنگ
- ۱۱ یابو و هیاهو
ویژگی اثر: مجموعه داستان
- ۱۲ یک آسمان شعر
ویژگی اثر: پیرامون شعر

جرادینی رازی، علی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، متکلم، فقیه و محدث امامی. وی از مردم خراذین یا جرادین ری بود. از زندگی وی و روزگاری که در آن بوده، چیزی نمی‌دانیم. نجاشی (م ۴۵۰ ق)، با چهار واسطه از وی روایت می‌کند. بیشتر رجال‌نویسان شیعه وی را به غلو متهم و نکوهش کرده‌اند و احادیثی را که از وی روایت شده ضعیف دانسته‌اند. علامه حلی نام وی را خراذینی آورده و در دیگر کتب رجال تحت عنوان خراذینی نیز آمده. وی در ری مقیم بود و در همان جا درگذشت. از جمله آثار وی: «آداب و المروات»؛ «الرد علی سلمانیه» یا

«سلیمانیه» که یکی از فرق غالی شیعه است. این کتاب که ردی بر غلات شیعه است غالی بودن وی را نفی می‌کند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۰۱/۱۰، ۱۲/۱)، رجال ابن داود (قسم ۴۸۴/۲)، رجال النجاشی (۷۹-۷۸/۲)، ریحانه (۱۲۳/۲-۳۹۹/۱)، ری باستان (۳۳۱/۲)، الفهرست للطوسی (۲۲۳)، لغت‌نامه (ذیل / جرادینی)، معجم رجال الحدیث (۶۸/۱۲).

جرجانی اصفهانی، ابو عبدالله محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، عالم و متکلم امامی. وی اصلاً از مردم جرجان بود که در اصفهان سکنی داشت. او در ابتدا معتزلی بود که به دست عبدالرحمان بن احمد جیرویه رجوع به مذهب امامیه کرد. نجاشی در کتاب «رجال» خود وی را ستوده و می‌نویسد: از اصحاب جلیل و عظیم‌القدر است. از جمله آثار وی «الجامع فی سائر ابواب الکلام کبیر»، «المسائل و الجوابات فی الامامه»، «موالید الائمة (ع)»، «مجالس مع ابی علی الجبائی»، «الامامه»، «النقض علی الجبائی»، در امامت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۸۹/۲۴، ۲۳۶/۲۳، ۳۶۶/۱۹، ۳۳۵/۲)، رجال النجاشی (۲۹۸-۲۹۷، ۴۷/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۸۲-۲۸۱، ۴۷/۴)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۳۳۲)، معجم رجال الحدیث (۲۴۶/۱۶).

جرجانی، ابوالحسن علی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۶۲/۳۶۶-۲۹۰ ق)، ادیب، شاعر، خطاط، مورخ، مفسر و فقیه شافعی. از جرجان به همراه برادرش ابوبکر محمد به نیشابور آمد و در این شهر حدیث شنید و دانشهای مختلف را آموخت، تا آنجا که نعالی او را در خوشنویسی و شعر و نثر با ابن مقله و بحتری و جاحظ برابر دانسته است و ابن خلکان نیز شعر وی را ستوده. ابتدا قاضی جرجان بود و بعد قاضی القضاة ری و از نزدیکان خاص صاحب بن عباد شد. در هفتاد سالگی در ری درگذشت. جنازه‌اش به جرجان منتقل شد. یاقوت حموی و ذهبی وفات وی را در دهه آخر قرن چهارم ذکر کرده‌اند. از آثار او: «الوساطة بین المتبئی و خصومه»، «تفسیر القرآن»، «تهذیب التاریخ»، که گویا همان کتاب «صفة التاریخ» است؛ «مجموعه‌ی رسائل»، «کتاب الوکالة»، «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۵/ ۱۱۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۴-۳۵۵/۱)، تاریخ الاسلام (حوادث ۲۷۳-۲۷۱/۲۷۱-۴۰۰/۳۸۱)، تاریخ نیشابور (۱۷۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۷/ ۹۴۶)، ریحانه (۱/ ۴۰۲)، سیر النبلاء (۲۱-۱۹/۱۷)، الکامل (۷/ ۸۸)، کشف الظنون (۱۴۷۱، ۷۸۲)، الکنی والالقب (۲/ ۱۴۴)، لغت‌نامه (ذیل / علی)، معجم المؤلفین (۷/ ۱۲۳)، معجم الادباء (۳۵-۱۴/۱۴)، هدیه العارفین (۱/ ۶۸۴)، وفيات الاعیان (۲۸۱-۲۷۸/۳).

جرجانی، ابوبکر عبدالقاهر

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۷۴/۴۷۱ ق)، ادیب، نحوی و لغوی شافعی. از پیشوایان نحو و ادبیات عرب و از مشاهیر علمای اعیان و بنیانگذار علم معانی و بیان بود. در جرجان متولد شد و نحو را در جرجان نزد ابوالحسین محمد بن حسن ابن اخت استاد ابوعلی فارسی، فراگرفت. وی اشعار نغز و طرفه هم می‌گفته، عبدالقاهر در جرجان درگذشت. از آثار وی: «اسرار البلاغه»؛ «دلایل الاعجاز»؛ «الجمل»؛ «التممه»؛ «المغنی فی شرح الايضاح»؛ «المقتصد»؛ «اعجاز القرآن صغیر»؛ «العمده فی تصریف الافعال»؛ «العوامل المئه»؛ «المفتاح فی شرح الصحاح»؛ «اعجاز القرآن».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۷۴/۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۵۵/۱)، دایره المعارف فارسی (۷۳۴/۱)، روضات الجنات (۸۹-۸۵/۵)، ریحانه (۴۰۱/۱)، سیر النبلاء (۴۳۳-۴۳۲/۱)، کشف الظنون (۱۷۶۹، ۱۱۷۹، ۱۱۶۹، ۷۵۹، ۶۰۲، ۴۵۴، ۴۵۳، ۲۱۲، ۱۲۰، ۸۳)، الکنی و الالقاب (۱۴۵-۱۴۳/۲)، لغت‌نامه (ذیل / عبدالقاهر)، معجم المؤلفین (۳۱۰/۵)، هدیة العارفین (۶۰۶/۱).

جرجانی، اسماعیل، ابوبکر احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۷۱-۲۷۷ ق)، فقیه، حافظ و محدث شافعی. یگانه زمان خود و شیخ شافعیان جرجان بود. از دوازده سالگی به دنبال حدیث رفت. از ابراهیم حلوانی و یوسف بن یعقوب قاضی، صاحب «سنن»، و ابن خزیمه و احمد بن محمد بن مسروق و محمد بن یحیی مروزی و جعفر فریابی و عمران سختیانی و سراج و بَعَوی و همطبقه آنان در خراسان و حجاز و عراق و دیگر نقاط حدیث شنید. حاکم و ابوبکر بَرَقانی و حسین باشانی و ابوسعید نقاش و ابوالحسن طبری و ابوبکر جَرَجَرانی و دیگران از وی حدیث شنیدند. از اسماعیلی تصانیفی به جا مانده که نشانگر تبحر او در فقه و حدیث است. در جرجان درگذشت. از آثار وی: «الصحيح»، منطبق با اصول بخاری، در چهار مجلد؛ «معجم الشيوخ»؛ «مسند عمر»، در حدیث.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۸۳/۱)، تاریخ الاسلام (حوادث ۴۹۲-۴۸۹/۳۸۰-۳۵۱)، سیر النبلاء (۲۹۶-۲۹۲/۱۶)، الکامل (۱۱۱/۷)، کشف الظنون (۱۷۳۵)، معجم المؤلفین (۱۳۵/۱)، الوافی بالوفیات (۲۱۳/۶)، هدیة العارفین (۶۶/۱).

جرجانی، تاج‌الدین حسن

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۹۳۵ ق)، عالم و فقیه امامی. ملقب به تاج‌الدین. وی پس از اخذ فنون ادب و علوم متداول، مدارج عالی اجتهاد را نزد محقق کرکی پیمود. در کاشان می‌زیست و به تدریس و فتوا اشتغال داشت. از مشهورترین شاگردان جرجانی، مولی شاه‌علی یزدی است که دارای اجازه روایت از وی بود. صاحب «ریاض العلماء» وی را از افاضل عصر خویش و اکابر علمای شیعه خوانده است. از جمله آثار وی کتاب «الفقه الفارسی» که یک دوره فقه از طهارت تا دیات است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۹۴/۱۶)، ریاض العلماء (۲۹۵/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۹-۴۸/۱۰).

جرجانی، جمال‌الدین

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۹۲۹ ق)، دانشمند، فقیه، متکلم، ادیب و محدث امامی. وی در استرآباد به دنیا آمد و مقدمات علوم را در این شهر فراگرفت، سپس به هرات رفت و نزد ملاحسن حسابی به تحصیل علوم دینی پرداخت و شرح «اللوامع» و کتابهای دیگری را در محضر درس او فراگرفت. وی چندی به وزارت رسید، گویا با امیر غیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی مجادله و درگیری داشت، گویند وی با محقق کرکی مجالست و موانست داشت و از محقق کرکی «شرح قوشچی» را آموخت. از جمله آثار وی، شرح «تهذیب الاصول» علامه می‌باشد که در ۹۲۹ ق از تالیف آن فراغت یافت. این شرح در میان اصولیان شیعه بسیار معروف است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۶۶/۱۳)، روضات الجنات (۲۱۱/۲)، فوائد الرضویه (۸۴).

جرجانی، زین‌الدین، ابوالبراهیم، اسماعیل

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۲۱-۴۳۴ ق)، طبیب. در جرجان متولد شد. مدتی از عمر خود را در خراسان و چندی نیز در خوارزم، در خدمت قطب‌الدین محمد و اتسز خوارزمشاه گذراند و ریاست بیمارستان خوارزم را به عهده گرفت. وی در علوم مختلف استاد بود. جرجانی علم حدیث را از ابوالقاسم قشیری و طب را از ابن ابی‌صادق آموخت. او بعد از ابن‌سینا، نخستین کسی است که در آثار خود همه مباحث علم طب را چنانکه قدما می‌اندیشیده‌اند با تحقیقات مورد مطالعه قرار داده و همه مباحث پزشکی را در کتابهای خود گردآوری کرده است. از آثار او: «خفی علائی»؛ «الطب الملوکی»؛ «زبد الطب»؛ «ذخیره‌ی خوارزمشاهی»؛ «یادگار»؛ «اغراض الطیبه و المباحث العلائیه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۰۸/۱)، اعیان الشیعه (۳۱۹-۳۱۸/۳)، ایضاح المکنون (۶۱۱/۱)، تاریخ ادبیات ایران (۹۴۷، ۹۴۴، ۳۱۶-۳۱۴/۲)، تاریخ گزیده (۶۸۶)، تاریخ نظم و نثر (۱۲۵-۱۲۴)، تاریخ طب (۷۶۲-۷۱۶/۲)، ترجمه‌ی تمه‌ی صوان الحکمه (۱۰۲-۱۰۰)، الذریعه (۱۰/۱۰، ۲۵۱/۲)، ریحانه (۱۹۱-۱۹۰/۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۶۱)، کشف الظنون (۸۲۵-۸۲۴)، لغت‌نامه

(ذیل / اسماعیل)، معجم البلدان (۱۴۲/۲)، معجم المؤلفین (۲۶۴/۲).

جرجانی، شریف‌الدین، علی

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۸۱۶ - ۷۴۰ ق)، شاعر، متکلم، حکیم و محدث حنفی. در قریه‌ی طاعون استرآباد تولد یافت. در همان جا به کسب علوم پرداخت و برای تکمیل تحصیلات به شیراز رفت و در آنجا نزد قطب‌الدین رازی و محقق دوانی بود و از استادش قطب‌الدین روایت کرد. پسرش و جلال‌الدین محمد بن عبدالعزیز الشافعی و شیخ منصور بن حسن کازرونی نیز از او روایت کرده‌اند. قاضی نورالله به گواهی شاگردان جرجانی، سید محمد نوریبخش و شیخ محمد بن ابی‌جمهور احسایی، او را شیعه می‌داند. شاه شجاع در سال ۷۷۹ ق او را به شیراز برد و در مدرسه‌ی دارالشفاء به تدریس گماشت. جرجانی بعد از فتح شیراز به دست تیمور گورکانی به سمرقند فرستاده شد و در این شهر با سعدالدین تفتازانی محاورات و مباحثاتی داشت. بعد از مرگ تیمور به شیراز آمد و در همان جا درگذشت. از جمله آثار وی: «الاصول المنطقیه»؛ «المترجمان فی لغات القرآن»؛ «حاشیه بر شرح مطالع»؛ «حاشیه‌ی شرح حکمه العین»؛ «حاشیه آداب البحث»؛ «رساله‌ی القدر»؛ «حاشیه شرح شمسیه»؛ «حاشیه مشکاه المصابیح»؛ «رساله در تقسیم علوم»؛ «رساله در وجود»؛ «شرح التذکره النسیری»؛ «تعریفات».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۶۰ - ۱۵۹ / ۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۲، ۹۱، ۸۸، ۴ / ۲۹۲، ۲۹۱ - ۳ / ۲۹۱)، تاریخ نظم و نثر (۱۹۱ - ۱۹۰)، حبیب السیر (۵۴۷ - ۵۴۶ / ۲)، رشحات عین الحیات (۱۹۰ - ۱۸۶ / ۱)، روضات الجنات (۲۹۴ - ۲۸۷ / ۵)، دایره المعارف فارسی (۷۳۴/۱)، الذریعه (۱۸۵، ۱۳۷، ۱۳۶، ۱۳۳، ۱۲۸، ۱۲۵، ۷۶، ۷۵، ۷۳، ۷۲، ۶ / ۷۰، ۴۲/۱۵، ۷۳/۲۳، ۲۲۲/۲۴، ۳۲۴، ۳۰۸، ۱۹ / ۲۰۵/۵، ۳۸۴/۲۲، ۴۹/۱۷، ۵۶/۲۵)، ریحانه (۲۱۷ - ۲۱۳ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹/۹)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۶۲ - ۱۶۱)، کشف الظنون (۲۲۹)، الکنی واللقاب (۳۶۰ - ۳۵۸ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل / جرجانی)، مجالس المومنین (۲۲۰ - ۲۱۷ / ۲)، معجم المؤلفین (۲۱۶/۷)، هدیه الاحباب (۱۶۱)، هدیه العارفین (۷۲۹ - ۷۲۸ / ۱).

جرجانی، شمس‌الدین، محمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۸۳۸ ق)، ادیب نحوی، متکلم و نویسنده. ملقب به میر سید شمس‌الدین و معروف به ابن شریف. در شیراز متولد شد. وی پس از تحصیل دانش، برخلاف مذهب پدر، تشیع اختیار کرد. شمس‌الدین ادیب و حکیمی زبده بود و آثار بسیاری تالیف و تصنیف کرد، از جمله: شرح «هدایه الحکمه» ابهری؛ شرح «ارشاد الهادی» تفتازانی، در نحو؛ شرح «الفوائد الغیاثیه»، «غره» و «دره» در منطق. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۸۰/۷)، الذریعه (۱۷۵/۱۴، ۸۱/۱۳، ۷۷/۷)، ریحانه (۲۴۶/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹/۹)، لغت‌نامه (ذیل / جرجانی)، مجالس المومنین (۲۲۱ - ۲۲۰ / ۲)، هدیه العارفین (۱۸۹/۲).

جرجیس

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دوم ق)، طیب. وی در جندی شاپور می‌زیست، و ریاست دانشگاه پزشکی دانشکده‌ی جندی شاپور را داشت. منصور، خلیفه‌ی وقت، او را برای معالجه و درمان خودش احضار کرد، او گرچه از رفتن امتناع کرد، اما مجبور شد و به بغداد رفت و بعد از درمان منصور، چهار سال در آنجا ماند. منصور از او خواست مسلمان شود، ولی وی امتناع کرد و به کیش اجداد خود باقی ماند. جرجیس پس از برگشتن به جندی شاپور، یکی از شاگردان خود را به نام عیسی بن شهلافا را به بغداد فرستاد تا جانشین وی در آنجا باشد. از آثار وی چند کتاب طبی است که به دستور منصور از یونانی به عربی ترجمه شد، از جمله: کتاب «الکناش المعروف» [۱].

(پزشک منصور، ف. ۱۵۲ ه.ق. / ۷۶۹ م.)

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ طب (۵۴-۵۲/۲)، دایره‌المعارف فارسی (۳۹۳/۱)، الفهرست ابن‌نَدیم، ترجمه (۵۲۷).

جرفادقانی، ابوشرف ناصح

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س هفتم ق)، نویسنده، مورخ و شاعر. وی در خدمت الغباربیگ از ممالیک اتابکان آذربایجان به سر می‌برد و از دبیران و شاعران فاضلی بود که در نظم و نثر تازی و پارسی توانایی داشت. او به سفارش ابوالقاسم علی بن حسن، وزیر جمال‌الدین الغبار «تاریخ عتبی»، معروف به یمینی را به نثری مصنوع و استادانه، به سال ۶۰۳ ق از عربی به فارسی ترجمه کرد. ابوشرف در سرودن شعر نیز استاد بود. در مقدمه «تاریخ یمینی» از ترجمه دو مجموعه شعر به نام: «روضه الحزن» و «شعله القابس» و در خاتمه‌ی کتاب از کتاب دیگری موسوم به «تحفه الآفاق فی محاسن اهل العراق» نام برده شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات ایران (۱۰۱۲-۱۰۱۱ / ۲، ۶۴۱/۱)، تاریخ در ایران (۴۹)، تاریخ‌نگاران ایران (۲۶۱)، ترجمه‌ی تاریخ یمینی (مقدمه/ ۲۸-۲۴، ۱۱)، دایره‌المعارف فارسی (۵۹۹/۱)، سبک‌شناسی (۳۸۶/۲)، سرآمدان فرهنگ (۲۵۳-۲۵۲ / ۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۲۳)، کشف الظنون (۲۰۵۳-۲۰۵۲)، گنج و گنجینه (۲۶۸)، لغت‌نامه (ذیل / جرفادقانی)، مولفین کتب چاپی (۴۹۷-۶/۴۹۵).

جرقویه‌ای اصفهانی، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ محمدرضا جرقویه‌ای اصفهانی حایری از علماء میرز و مجتهدین بزرگ معاصر کربلاء بودند. تولد آنجناب در جرقویه اصفهان واقع شده و پس از پرورش و خواندن مقدمات و اولیات به اصفهان آمده و سطوح و متون فقه و اصول را در آنجا از مدرسین بزرگ آموخته سپس مهاجرت به نجف اشرف نموده و به درس آیات بزرگ چون مرحوم آیت‌الله العظمی شریعت اصفهانی و آیت‌الله محقق میرزا محمدحسین نائینی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین اصفهانی و دیگران شرکت و استفاده نموده آنگاه به کربلا منتقل و از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی حاج آقا حسین قمی بهره‌مند و از خواص اصحاب معظم له گردیده و خود ضمناً شروع به تدریس فقه و اصول و معقول و کلام نموده و عده‌ای از افاضل کربلا از جلسات و دراستش کسب علم و فیض کرده تا در سال ۱۳۹۲ قمری که دعوت حق را لیک اجابت گفته و در جوار مولی‌الکونین ابی‌عبدالله‌الحسین (ع) مدفون گردیده است.

آثار و تألیفات عدیده علمی دارد که بعضی به طبع رسیده و برخی هم مخطوط مانده است.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

جرموقی خراسانی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۹ - ۱۲۷۹ ق)، فقیه، اصولی، ادیب و شاعر. به جرموق از روستاهای خراسان انتساب دارد. وی از علمای بزرگ کاظمین به حساب می‌آید. او در علوم عربیت و در فنون عقلی و در قواعد فقهی و اصولی ماهر بود. سید محمد مهدی صاحب «احسن الودیع» از شاگردان جرموقی است. در کاظمین درگذشت و طی تشییع باشکوهی در نجف دفن شد. از آثار وی: شرح «کفایه الاصول»، در فقه؛ رساله‌ای در «متنجس»؛ «الاسئله الکاظمیه»؛ «دیوان» شعر؛ حواشی غیر مدون بر کتب علمیه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۵۵/۸)، الذریعه (۱۸۸/۶، ۹۱-۹۰/۲)، علماء معاصرین (۱۲۶-۱۲۵).

جزایری شوشتری نجفی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۴ - ۱۳۰۷ ق)، فقیه اصولی. در شوشتر به دنیا آمد. مقدمات را در زادگاهش فراگرفت، سپس به نجف رفت و نزد فضلالی آنجا تحصیل سطوح کرد و پس از آن در محضر میرزا محمدحسین نائینی و آقا ضیاءالدین عراقی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی حاضر شد و تقریرات آنان را در فقه و اصول به رشته‌ی تحریر درآورد. پس از مدتی به علت کسالت به تهران آمد و تا آخر عمر در این شهر ساکن شد. وی در تهران درگذشت و در ابن بابویه دفن شد. از آثار او: «تنبيه الجاهلین»، در اصول دین؛ «منهج اليقين»، عربی منظوم در اصول و فروع دین.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۰/۳)، الذریعه (۲۰۰/۲۳، ۴۴۲، ۴۴۱-۴/۴)، مؤلفین کتب چاپی (۳۸۱/۱).

جزایری شوشتی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۸۴ - ۱۲۹۱ ق)، عالم دینی و فقیه شیعی. معروف به سید آقا. از نوادگان سید نعمت‌الله جزایری بود. در شوشتی به دنیا آمد. پدرش مرجع دینی مردم شوشتی بود. سید احمد پس از تحصیل مقدمات به نجف رفت و در حوزه‌ی درس آخوند خراسانی و آقا سید محمد کاظم یزدی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. از مشایخ روایت او کمال‌الدین دولت‌آبادی، معروف به میرزا آقا، و سید عبدالصمد شوشتی و ثقة‌الاسلام مازندرانی و محمدرضا دزفولی بودند. آیت‌الله مرعشی نجفی و محمدجعفر شوشتی و شیخ احمد محلاتی شوشتی از وی اجازه حدیث داشتند. از آثار وی: «الاجازات»، «تعوید اللسان»، در تجوید قرآن؛ «تقویم المعرفة»؛ حاشیه بر «الروضه البهیة» شهید ثانی؛ «الرجال»؛ «العجالة»؛ «الفوز العظیم»، در شرح حال جد بزرگش سید حسین بن عبدالکریم؛ کتابی در شرح احوال و آثار جدش سید نعمت‌الله جزایری.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۷۱/۱۶، ۲۲۱/۱۵، ۹۵/۱۰، ۹۰/۶، ۴۰۳، ۲۲۷، ۴/ ۱۲۳/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۴۸، ۹۶/ ۱۴).

جزایری شوشتی، حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۹۱ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. از نوادگان سید نعمت‌الله جزایری بود. در شوشتی به دنیا آمد، همان جا نشو و نما کرد و سپس به نجف مهاجرت کرد و در نزد شیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر» و سید علی شوشتی درس خواند و با شیخ مرتضی انصاری مصاحبت داشت. قبرش در مقبره‌ی استادش سید علی شوشتی است. از او فرزندان به جای ماند که همگی از علمای دینی بودند. از آثار وی: «فواکه الاحکام»، در فقه، در هشت مجلد؛ «فواکه الاصول»، در اصول، در دو مجلد؛ «فوز العباد»، در فقه، که رساله‌ی عملیه او است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۸/۶)، الذریعه (۳۷۰-۳۶۹، ۳۶۵/ ۱۶)، فوائد الرضویه (۱۳۵)، معجم المؤلفین (۸/۴).

جزایری شوشتی، عبدالصمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۷ - ۱۲۴۳ ق)، فقیه اصولی و محدث. از نوادگان سید نعمت‌الله جزایری بود. در شوشتی به دنیا آمد. مقدمات علوم را در زادگاهش فراگرفت، سپس به عراق رفت و در نجف به مجلس درس شیخ انصاری و میرزای شیرازی پیوست. از بزرگانی چون

میرزا حبیب‌الله رشتی و حاج شیخ جعفر شوشتری و حاج ملاعلی میرزا خلیلی اجازه گرفت. پس از چندی به شوشتر بازگشت و عهده‌دار مرجعیت امور مذهبی مردم شد. وی در نجف به خاک سپرده شد. شوشتری در اغلب زمینه‌های علوم اسلامی کتابهایی نوشته است. از جمله آثار وی: «الاجازات»؛ نظم «کافی» ابن حاجب، در نحو؛ «التحفه النظامیه»؛ تعلیقه بر «رسائل» شیخ انصاری؛ «فصل الخطاب»، در تفسیر آیه «ان الله اشتری...»؛ حاشیه‌ی «الروضه البهیة» در شرح «اللمعه دمشقیة»؛ «شرح نتیجه الأنظار»، منظومه عبدالرحیم شوشتری؛ «المحاكمات» میان صاحب «قوانین» و صاحب «فصول»؛ «نقد البیان و بناء التبیان»؛ «رسالة المنطق».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۷/۸)، الذریعه (۲۷۴- ۲۷۳/ ۲۴، ۱۳۳/۲۰، ۲۲۹- ۲۲۸/ ۱۶، ۹۹/۱۴، ۹۵/۶، ۴۷۸/۳، ۲۱۷، ۱۶۴/ ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۳۳- ۱۱۳۲/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۰۸- ۴۰۷/ ۵)، مکارم الآثار (۱۲۰۶- ۱۲۰۵/ ۴).

جزایری شوشتری، عبدالکریم

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۱۵ ق)، فقیه عارف و شاعر. از نوادگان سید نعمت‌الله جزایری بود. در کودکی نزد جدش، سید عبدالله، درس خواند و پس از مرگ او از عموهای خود بهره جست. سید عبدالکریم از علامه وحید بهبهانی و علامه بحر العلوم اجازه‌ی عامه داشت. وی در سفرش به مشهد از میرزا مهدی شهید خراسانی نیز استفاده حکمیات نمود و اجازه گرفت. جزایری پس از بهره‌جوئی از مجالس درس استادان خود به شوشتر بازگشت. او در نجف درگذشت و همان جا دفن شد. از آثار وی: «کشف الغطاء عن حال الغناء»؛ «الدرر المنثوره فی احکام المأثوره»؛ «مفتاح الجنه»، در اصول و فروع؛ «مفتاح الایمان»، به فارسی؛ «تنبیه الغافل فی حکم الجاهل»؛ «گرز آتشی بر فرق مرتشی»، در حردمت رشوه؛ «هدایه الانام الی ما یتخرج من الاجسام»؛ «نهایه الکفایه»، در شرح مقدمه «بدایه الهدایه»؛ شرح «الغیه ابن مالک»؛ «الجنه العاصمه للصوصارم القاصمه»؛ «هشت بهشت»، به فارسی، در آداب زیارت، قصائد بسیاری در مدح ائمه معصومین (ع).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۲/۸)، الذریعه (۱۷۲/۲۵، ۴۰۵/۲۴، ۳۲۵، ۳۱۹/۲۱، ۴۴/۱۸، ۱۳۶/۸، ۴۴۳/۴، ۲۵۵/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/ ۷۶۰)، مکارم الآثار (۵۵۳- ۵۵۲/ ۲).

جزایری شوشتری، عبدالله

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۷۳ ق)، ادیب، محدث، مورخ و فقیه شیعی. یکسر مذهب اخباری داشت و منکر طریقه‌ی اجتهاد بود. وی از مشایخ اجازه‌ی روایت سید نصرالله مدرس بود و خودش نیز از پدرش و سید امیر محمدحسین خاتون آبادی روایت می‌کرد. از آثار وی: «الاجازه الکبیره»؛ «اجوبه مسائل السید علی نهاوندی»؛ «الانوار الجلیه»؛ «التذکره فی التاریخ تستر»؛ «تاریخ شوشتر»؛ «حاشیه ریاض السالکین»؛ «حاشیه نقد الرجال»؛ «شرح مفاتیح الحکام»، ملا محسن فیض؛ «شرح نخبه‌ی فیض»؛ «الذخیره الباقیه»؛ «الحاشیه علی اربعین البهائی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۸/۱۷)، الذریعه (۳۸۲-۳۸۱/۲۱، ۲۵۴/۲۰، ۱۰۲/۱۴، ۱۵/۱۰، ۸۴۲، ۶۹۴، ۹/۲۵، ۱۳/۶، ۸۹/۴، ۲۴۵-۲۴۳/۳، ۴۲۴-۴۲۳/۲)، روضات الجنات (۳۷۲، ۲۵۳-۲۴۹/۴)، ریحانه (۳/۱۱۵)، فرهنگ سخنوران (۷۱۶-۷۱۵)، فوائد الرضویه (۲۵۷-۲۵۶)، الکنی واللقاب (۲/۳۳۲)، لغت نامه (ذیل / جزایری)، معجم المؤلفین (۶/۱۶۰).

جزایری شوستری، علی اصغر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۴۸/ ۱۳۴۲ ق)، عالم دینی، فقیه و نویسنده. معروف به حکیم. جدش سید علی یار دمساز و وصی شیخ انصاری بود بطوری که از او به مراد شیخ تعبیر می کردند. سید علی اصغر از مروجین دین و از نویسندگان اسلامی بود. آثار بسیاری دارد که از آن جمله: «مختصر مغنی اللیب»؛ شرح «عیون الاخبار» شیخ صدوق؛ ترجمه «الآلی الاخبار» شیخ محمد نبی تویسرکانی؛ مجموعه‌ای در ادعیه و زیارات؛ «الدر الثمین فی مقدمه التضمین».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۳/۳۷۵، ۶۶/۸، ۲۰۱-۲۰۰، ۱۳۱، ۴/۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۱۵۷۴)، گنجینه دانشمندان (۴۱۰/۵).

جزایری شوستری، محمدحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۹۲-۱۳۱۹ ق)، عالم دینی و فقیه امامی. از نوادگان سید نعمت‌الله جزایری بود. پدرش محمد مهدی و جدش ملا عبدالصمد هر دو از علمای شیعه بودند. سید محمدحسن در شوشتر به دنیا آمد و مقدمات علوم را در زادگاهش فراگرفت. سپس رهسپار قم شد و به مجلس درس آیت‌الله حائری یزدی راه یافت. سرانجام به خوزستان بازگشت و در اهواز ساکن شد و عهده‌دار مرجعیت امور شرعی مردم شد. وی در بارگاه علی بن مهزیار مدفون است. از آثارش: «نوید اسلام»، در علائم ظهور، ترجمه «بشاره الاسلام» سید مصطفی کاظمی؛ «فلسفه‌ی غیبت».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۴/۳۹۱، ۳۰۹/۱۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۴۴۴)، مؤلفین کتب چاپی (۶۵۷-۶۵۶/۲)، مکارم الآثار (۱۲۰۶/۴).

جزایری شوستری، محمدشفیع

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۷۴ - ۱۲۱۱ ق)، عالم دینی، فقیه و رجال‌شناس امامی. از نوادگان سید نعمت‌الله جزایری بود. در شوشتر به دنیا آمد و پس از نشو و نما به اصفهان رفت و در محضر استادانی چون محمدابراهیم کلباسی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت و سرانجام از وی اجازه اجتهاد گرفت. سید محمدشفیع گذشته از فقه در علم رجال نیز مهارت داشت. پیکر وی در تخت پولاد اصفهان مدفون است. از آثارش: «کشف الریاض» که حاشیه‌ای است بر «ریاض المسائل» سید علی طباطبائی؛ حاشیه‌ی «نقد الرجال» میرمصطفی تفرشی؛ «رساله‌ای در منجزات مریض»؛ تحقیقات متفرقه در نحو و فقه و رجال.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره القبور (۳۷۱ - ۳۷۰)، الذریعه (۳۶/۱۸)، معجم المؤلفین (۳۹۲/۱۳، ۷۰/۱۰)، مکارم الآثار (۲۰۶۲/۶، ۴۱۱ - ۴۰۸/۲).

جزایری شوشتری، محمدعباس

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۰۶ - ۱۲۲۴ ق)، عالم دینی، فقیه امای و شاعر. معروف به علامه مفتی یا مفتی میرعباس، مفتی دیار هند. وی از نوادگان سید نعمت‌الله جزایری بود. جد وی محمدجعفر از شوشتر به هند مهاجرت کرد و در لکهنو ساکن شد. محمدعباس در لکهنو به دنیا آمد و همان جا نشو و نما یافت. وی در کلام از شاگردان سلطان العلماء سید محمد بن دلدار علی نصیرآبادی و در فقه شاگرد سید حسین بن دلدار علی بود و از ایشان اجازه گرفت. پس از دریافت اجازه به تألیف و تدریس روی آورد و شاگردان بسیاری تربیت کرد که شماری از آنها از مراجع دینی مردم در هند شدند. علامه میر حامد حسین، صاحب «عبارات» از شاگردان او است. جزایری به زبان فارسی و عربی و اردو کتاب می‌نوشت و در شعر فارسی و عربی دستی توانا داشت. از جمله آثار وی: «الشریعه الغراء»، در فقه؛ «الدرة البهیة فی اثبات حقیقه التقیة»؛ «رشحه الافکار فی تحدید الأکرار» در فقه؛ «ظل ممدود و طلح منضود»، مکاتبات و اشعارش به عربی و فارسی؛ «اوراق الذهب»، در شرح حال استادش سید العلماء؛ «روایح القرآن فی فضائل أمناه الرحمن»؛ «شمع المجالس»، در مرثیة سیدالشهداء (ع)، به عربی و فارسی؛ «الجواهر العبقریة»؛ ترجمه‌ی جلد دهم «بحار» (قدیم)؛ «تعلیقہ الروضه البهیة»؛ «المن والسلوی»، در زهد و تقوی؛ «اجناس الجناس»؛ «رطب العرب»، دیوان شعر عربی؛ «بنیاد اعتقاد»، منظومه‌ی بی زبان اردو؛ مثنوی «نان جو».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴۱۳ - ۴۱۱/۷)، ایضاح المکنون (۳۷۷/۱)، الذریعه (۲۳۲ - ۲۳۱، ۱۸۷/۱۴، ۲۳۶/۱۱، ۹۱/۸، ۴۷۶ - ۴۷۵/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۱۲ - ۱۰۱۰/۱۴)، فوائد الرضویه (۵۴۹ - ۵۴۸)، مستدرکات اعیان (۲۹۸/۲)، معجم المؤلفین (۱۲۰/۱۰)، مکارم الآثار (۷۷۸ - ۷۷۷/۳)، هدیة العارفین (۳۹۰/۲).

جزایری شوشتری، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۰ - ۱۲۹۸ ق)، فقیه، ادیب و شاعر امامی. وی از نوادگان سید نعمت‌الله جزایری بود. جد بزرگش محمدجعفر از شوستر به هند مهاجرت کرد و در لکهنو سکنی گزید. سید محمدعلی نیز در آنجا به دنیا آمد و مقدمات علوم را در آن شهر فراگرفت. در سال ۱۳۲۵ ق رهسپار عتبات عراق شد و در نجف نزد استادانی چون آخوند خراسانی، آقا سید محمد کاظم یزدی، آقا ضیاءالدین عراقی تحصیل کرد. پس از شش سال به زادگاهش بازگشت و در بنیاد علمی شعبه‌ی عربی کالج به تدریس پرداخت و شاگردانی چون سید علینقی نقوی، میرزا یوسف حسین، شیخ محمدبشیر انصاری و سید ثمرحسین را می‌توان نام برد. در سال ۱۳۵۵ ق به عراق رفت با شیخ آقا بزرگ تهرانی دیدار کرد. وی در شعر دست توانایی داشت و به سه زبان فارسی و عربی و اردو شعر می‌سرود. از جمله آثار وی: «الافادات المحمدیه»؛ «تخمیس قصیده‌ی علویه» به عربی که سروده‌ی پدرش بود؛ شرح «یوان امریء القیس»، به اردو؛ شرح «رنات الطرب فی قصائد العرب»، به اردو؛ «مزامع العرب فی الجاهلیه»؛ «دیوان» شعر به عربی؛ «ضبط الغریب من لغة العرب». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۱۴/۱۵، ۲۹۲، ۱۳/ ۱۶۵، ۲۵۴/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۶۲ - ۱۴۶۰ / ۱۴)، مستدرکات اعیان (۱۸۸/۱، ۲۹۸/۲).

جزایری شوستری، مصطفی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۸۴/۱۲۸۳ - ۱۳۲۱ ق)، فقیه و نسابه. معروف به امامزاده. وی در دو سالگی با پدرش به شوستر کوچ کردند. درین شهرنشو و نما کرد و مقدمات علوم را نزد کسانی چون پدر و پسر عمویش، سید محمدعلی، فرزند سید بزرگ و دیگران فراگرفت. در سال ۱۳۴۴ ق به نجف رفت و به مجلس درس شیخ نعمت‌الله دامغانی و دیگر عالمان پیوست. پس از چندی به شوستر بازگشت و به انجام خدمات دینی مشغول شد. چندی به کشورهای آفریقایی سفر کرد. پس از بازگشت، چون پدرش به اهواز رفته بود، به آنجا مهاجرت کرد. اندکی پس از درگذشت پدر، به نجف رفت و از مجلس درس آقا ضیاءالدین عراقی و حاج سید ابوالقاسم خویی بهره‌ها برد و چندی نیز از محضر درس آق سید ابوالحسن اصفهانی استفاده کرد. سپس برای بار دوم و این بار به نمایندگی از طرف آیت‌الله بروجردی برای تبلیغ اسلام راهی آفریقا شد. پس از چندی به نجف بازگشت و در این شهر درگذشت. از جمله آثار وی: «بوستان پیغمبر» یا «خاندان سادات جزایری»، که زندگینامه‌ی سادات جزایری است؛ «گلستان پیغمبر» که زندگینامه‌ی سادات مرعشی شوستر است؛ «تفسیر آیات بینات النازله»، در فضایل اهل بیت سید کاینات؛ «تقریرات» برخی از دروس خودش.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۲۰/۱۸، ۲۳۶/۴).

جزایری شوستری، نورالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، عالم، ادیب و نویسنده‌ی امامی. از جمله آثار وی: «خصایص الزینییه»، در شرح حال زینب کبری (ع)، به فارسی است و عالمان بزرگی چون آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و حاج میرزا حسین شهرستانی و شیخ العراقین در تقریظات خود از آن ستایش کرده‌اند. این کتاب در سال ۱۳۴۱ ق در نجف به چاپ رسیده است. این اثر به اردو نیز ترجمه و چاپ شده. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۶۷/۷)، مؤلفین کتب چاپی (۶۴۸-۶۴۷/۶).

جزایری شیرازی، محمد مؤمن

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۱۳۰-۱۰۷۴ ق)، عالم، محقق، متکلم، محدث، فقیه و شاعر امامی. وی در شیراز به دنیا آمد و در آن شهر به کسب علم و تحصیل معارف پرداخت، سپس به دیگر شهرها سفر کرد و از محضر بزرگانی چون مولی شاه محمد شیرازی و مولی مسیح الزمان فسوی و حکیم محمد هادی بهره گرفت و از علامه مجلسی و شیخ حر عاملی و امثال آنها به دریافت اجازه نایل شد. سید عبدالحی در «نزهة الخواطر» استادان وی را در هر رشته به تفصیل آورده است. محمد محسن شیرازی از شاگردان او است. تألیفات و آثار وی بالغ بر سی و نه کتاب و رساله است که برخی از آنها به چاپ رسیده. از جمله: «مجالس الاخبار و مجالس الاخیار» در هفت جلد؛ «خزانة الخیال المشحونه من طرق المعانی والالفاظ الموزونه بامثال اللال»، در سه مجلد؛ «طیف الخیال فی مناظره بین العلم والمال»، و شرح آن «تعبیر طیف الخیال»؛ «تمیمه لفوائد»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴۵/۱۰)، ایضاح المکنون (۵۳۶، ۴۲۹، ۲/ ۴۲۸، ۳۴۷-۳۲۲/۱)، الذریعه (۳۵۸-۳۵۷/۱۹، ۱۹۶/۱۵، ۱۵۶/۷، ۴۳۵، ۲۱۰-۲۰۸/۴)، فوائد الرضویه (۶۰۰-۵۹۹)، معجم المؤلفین (۶۹/۱۲)، هدیه العارفین (۳۱۰/۲).

جزایری نجفی، احمد

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۵۱-۱۱۴۹ ق)، عالم، فقیه، محقق و نویسنده‌ی امامی. وی منسوب به «جزایر» خوزستان است. وی پس از فراگیری مقدمات در زادگاه خود، روانه‌ی عتبات شد و در نجف به تحصیلات خود ادامه داد. در این شهر نزد علمای بزرگ شیعه درس خواند و از آنها اجازه گرفت. بسیاری از بزرگان وی را ستوده‌اند. از جمله یوسف بن احمد بحرانی در «لؤلؤ البحرین» وی را فاضلی محقق و باریک‌بین خوانده و سید عبدالله بن نورالدین بن نعمت‌الله جزایری در اجازه‌ای که برای وی نوشته از وی به عنوان «خاتمه المجتهدین» یاد کرده است. از آثار وی: «الارتدادیه»، کتابی فقهی درباره‌ی برگشتن از دیانت اسلام و ارتداد؛ «تبصره المبتدئین»، در احکام طهارت و نماز؛ «الشافیه»، در نماز؛ حاشیه بر «کافی»؛ «قلائد الدرر فی بیان آیات الاحکام بالاثر» که کتابی تفسیری و فقهی استدلالی درباره‌ی بیان و تفسیر آیاتی از قرآن مجید؛ «میزان المقادیر» که کتابی فقهی استدلالی همراه محاسبات ریاضی که اوزان و مقادیر شرعی در زکوة را با واحد اندازه‌گیری بیان کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴۸۰-۴۷۹/۲)، تلامذه العلامه المجلسی (۱۱۹، ۱۱۱، ۱۰۶)، الذریعه (۳۱۸-۳۱۷/۳، ۲۳، ۱۶۲-۱۶۱/۱۷-۱۳/۱۱، ۱۸۱/۶، ۳۲۱-۳۲۰/۳، ۴۳۷، ۱/۱۴۰).

جزایری، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تغذیه، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

جزایری، صدرالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج سید صدرالدین جزایری شوشتری ابن العلامه الجلیل السید حسین بن العالم النبیل السید محمد علی بن العلامه السید عبداللّه بن العالم العلام السید علی اکبر بن العلامه المحدث (صاحب کتاب الاجازه) السید عبداللّه بن العالم الجلیل السید نورالدین بن العلامه الکبری و الایه العظمی السید نعمت اللّه جزایری موسویست.

معظم له از مشاهیر علماء مبرز معاصر تهران است که بعلم و فقاہت و فضل و وجاہت موصوف و متصف میباشد.

تولدش در هفتم ذی‌الحجه ۱۳۱۳ ق در نجف اشرف واقع شده و در حدود چهار سالگی در مدرسه مروی رفته و ادبیات و سطوح را تقریباً تا ۱۲ سال در تهران خدمت مرحوم والدش و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد تنکابنی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمد رضا نوری و آیت‌اللّه آقا میرزا احمد آشتیانی بیابان رسانیده و در ماه شعبه ۱۳۲۵ ق به مشهد مقدس مشرف و قریب هفت سال خدمت جمعی از علماء آنجا مثل مرحوم حاج فاضل و مرحوم آیت‌اللّه آقا محمد آقا زاده کفائی و مرحوم آیت‌اللّه العظمی قمی و دیگران تلمذ نموده و از آنجا بعثت عالیات مشرف و مدت ده سال در نجف اشرف خدمت مرحوم آیت‌اللّه نائینی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی تلمذ نموده و غالباً از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج سید عبدالغفار مازندرانی کسب فیض نموده و از کلمات نفیسه و شریفه ایشان که نوعاً استفادات معارف و اخلاقیات از کتاب ایشان بود استفاده نموده و پنجسال هم در کربلا از محضر مرحوم آیت‌اللّه قمی فقها و اصولاً بهره‌مند شده آنگاه برای زیارت والد ماجدش به تهران آمده و بالضروره رحل اقامت افکنده به اقامه جماعت در مسجد عباس آباد بازار و تدریس فقه و اصول و سایر وظائف دینی و روحی تا حال حاضر اشتغال دارد.
نگارنده گوید: مترجم گرامی از مدرسین و اساتید مبرز و ماهر مدرسه مروی می‌باشند و حوزه درس فقه و اصولشان مورد استفاده‌ی فضلاء و محصلین تهران بوده و میباشد ادام اللّه توفیقه و ظله.

(۱۳۸۶-۱۳۱۳ ق)، عالم دینی و فقیه امامی. سید صدرالدین در نجف به دنیا آمد و در چهار سالگی همراه پدر به تهران آمد و از همان سال در مدرسه مروی به تحصیل ادبیات و سطوح، در نزد پدرش و آیت‌اللّه سید محمد تنکابنی و آیت‌اللّه شیخ محمدرضا نوری پرداخت و «شرح اشارات» را در محضر آیت‌اللّه میرزا احمد آشتیانی فراگرفت. ۱۳۲۵ ق به مشهد رفت و از حوزه‌ی درس

آقازاده و آیت‌الله حاج آقا حسین قمی مدت هفت سال بهره گرفت و سپس به عتبات رفت و مدت ده سال در نزد علامه نایینی و حاج شیخ محمدحسین اصفهانی به فراگیری فقه و اصول پرداخت. وی پس از آن مدت پنج سال نیز نزد آیت‌الله قمی در کربلا به تحصیل فقه و اصول ادامه داد. آنگاه به تهران آمد و از مدرسان و استادان فقه و اصول مدرسه مروی شد. از آثار وی «یادداشت‌هایی در عقاید و مساله ولایت اهل بیت (ع)» را می‌توان نام برد. [۱]

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه: [۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۷۲/۱۴)، علماء معاصرین (۲۳۰-۲۲۹)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۲۲-۴۲۱/۴).

جزایری، علی اصغر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی اصغر بن السید الجلیل و العالم النبیل حاج سید محمد حسین بن العلم العلام حاج سید محمد کاظم بن العلامه آیت‌الله آقا سید محمد علی موسوی جزایری از علماء اعلام معاصر تهران و مشاهیر احفاد علامه جزایری است.

وی در ۲۲ جمادی الثانی ۱۳۱۴ ق در نجف اشرف متولد شده و پس از دوران صبا در معیت مرحوم والدش به تهران آمده و از محضر مرحوم حجة الاسلام حاج شیخ مسیح طالقانی مدرس مدرسه مروی متوفی ۱۳۲۷ ق که ماده تاریخ فوتش کریمه‌ی (لن) یستنکف المسیح ان یکون عبدالله و آیت‌الله حاج صید محمد تنکابنی و آیت‌الله حاج شیخ مرتضی آشتیانی و آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی نوری استفاده نموده و در اوائل تاسیس حوزه علمیه به قم آمده و از محضر مرحوم آیت‌الله حایری و بعد مقداری از آیت‌الله العظمی بروجردی بهره‌مند گردیده و مسافرتی هم به نجف اشرف نموده و مدت کوتاهی از محضر مرحوم آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی و آیت‌الله العظمی اصفهانی مستفیض گشته و در تهران بوظائف دینی از اقامه جماعت در مسجد (حاج میرزا شفیع) در اول خیابان جنوبی خیام و ترویج دین اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

جزایری، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد موسوی جزایری از اجله علماء و مجتهدین شوشتر است که در سال ۱۳۳۴ قمری در شهر شوشتر به دنیا آمده‌اند.

معظم له در بحث و تدریس و تألیف یدی طولاً دارند و از ارباب نظر و تحقیق می‌باشند.

اکثر اوقات خود را صرف اشتغالات علمیه نموده و فضلاء محل از ابحاث علمیه و افادات عالیه فقهیه و اصولیه ایشان مستفیذ هستند و در شوشتر مرجع مردم می‌باشند.

تألیفات آنجناب شرحی بر عروة الوثقی و رساله مستقلی در فروع علم اجمالی بنام الجواهر الغوالی مطبوع دارند و نیز رساله‌ای در قاعده لا ضرر نوشته‌اند.

تبصرة الاحباب در نحو اجازات اجتهاد و روایت از اعظام علماء و مراجع تقلید داشته‌اند.

معظم له سطوح عالیہ را از مرحوم آیت‌الله آقا سید مهدی آل‌طیب و آیت‌الله حاج شیخ محمد کاظم شیخ و دروس خارج را از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله آقا ضیاء‌الدین عراقی و آیت‌الله حاج سید ابوالقاسم خوئی استفاده نموده‌اند. حاج شیخ هادی امینی در کتاب معجم و رجال‌الفکر والادب اجمالی از ترجمه وی را در تحت عنوان جزایری موسوی نوشته‌اند. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

جزائری، نعمت‌الله

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(قس. نعمه‌الله): جزائری. سید نعمت‌الله بن عبداللہ جزائری شوشتری (ف. ۱۱۱۲ ه.ق)، از اکابر متأخرین علمای امامیه که در فقه و حدیث و تفسیر و ادب و علوم عربی متبحر و استاد بود. وی از شاگردان علامه‌ی مجلسی و ملامحسن فیض کاشانی است و از تألیفات او: انس‌الوحید، حاشیه‌ی استبصار، حاشیه‌ی شرح جامی، شرح روضه کافی، شرح کبیر، نورالانوار و هدیه‌المؤمنین است. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

جزری، سلمی

قرن: ۹

جنسیت: زن

ملیت: ایران

ثلث اول قرن نهم هجری، از زنان دانشمند و محدث. وی دختر شمس‌الدین محمد ابن الجزری، (۸۳۴ / ۸۳۳ ق)، محدث، مورخ، متکلم و قاری متبحر اهل سنت، و خواهر فاطمه جزری و عایشه جزری بود. این بانو در هوش و استعداد و حافظه کم‌نظیر بود. برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: اعلام‌النساء، ۲ / ۲۵۵ تاریخ مشاهیر کرد، ۱ / ۱۲۱؛ ریحانة‌الادب، ۴۱۰-۴۰۸ / ۱.

جزری، شمس‌الدین، ابوالخیر محمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۸۳۴/۸۳۳ ق)، محدث، متکلم شافعی، قاری و مورخ. معروف به ابن جزری. در دمشق به دنیا آمد و همان جا نشو و نما یافت. وی در زهد و تقوی معروف بود و در سیزده سالگی قرآن را حفظ کرد و بعد از آن اوقات خود را صرف تحصیل حدیث کرد. جزری در نوزده سالگی به قاهره رفت و در سیزده قسم قرائت، مهارتی به دست آورد. از ابوالفدا و ضیاء‌الدین و شیخ‌السلام بلقینی اجازه‌ی فتوی گرفت. او در دوره‌ی تیموری به سمرقند دعوت شد و تا زمان امیر تیمور در ماوراء‌النهر ماند و بعد از مرگ وی به دارالسلطنه هرات شتافت و در آخر عمر به شیراز رفت و متصدی قضاوت شیراز شد و همان جا درگذشت. برخی از آثار وی: «المقدمه الجزریه»، در تجوید؛ «التمهید فی علم التجوید»؛ «النشر فی القرآت العشر»؛ «غایه‌النهاییه فی طبقات القراء»؛ «اسنی المطالب

فی مناقب علی بن ابی طالب؛ «الهدایه فی علم الروایه»؛ «المصعد الاحمد فی ختم مسند الامام احمد»، در حدیث؛ «التاریخ»؛ «عقد اللالی فی الاحادیث المسلسله العوالی».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۷۵- ۲۷۴ / ۷)، ایضاح المکنون (۷۲۳، ۵۴۴، ۴۸۱، ۴۴۷، ۲۲۷، ۱۱۰، ۲ / ۵۳۹، ۳۱۵، ۱۶۸، ۱۵۱، ۸۱، ۲۶، ۸، ۱ /)، حبیب السیر (۵۴۸/۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۴۷۶- ۴۷۵ / ۳)، دایرة‌المعارف الاسلامیه (۱۲۰- ۱۱۸ / ۱)، روضات الجنات (۱۰۷- ۱۰۶ / ۸)، ریحانه (۴۱۰- ۴۰۸ / ۱)، کشف الظنون (۲۰۴۲، ۲۰۲۸، ۱۹۵۲، ۱۸۵۹، ۱۸۰۳، ۱۷۹۹، ۱۶۹۹، ۱۴۹۷، ۱۳۲۳، ۱۱۵۰، ۱۱۳۲، ۱۱۱۸، ۱۱۰۵، ۷۴۳، ۶۶۹، ۶۲۱، ۵۲۰، ۴۸۴، ۴۲۱، ۳۸۹، ۲۹۵، ۲۹۰، ۲۷۷، ۲۱۱، ۲۰۰، ۱۵۲، ۱۵۰، ۱۲۸، ۱۱۴، ۵۳)، الکنی و الالقاب (۱۴۶/۲)، لغت‌نامه (ذیل / جزری)، معجم الموفین (۲۹۲- ۲۹۱ / ۱۱)، هدیه الاحباب (۱۱۹)، هدیه العارفین (۱۸۸- ۱۸۷ / ۲).

جزری، عایشه

قرن: ۹

جنسیت: زن

ملیت: ایران

ز اواسط قرن نهم هجری، از زنان فقیه و محدث. وی دختر ابن الجزری، شمس‌الدین محمد (۸۳۴ / ۸۳۳) محدث، مورخ، متکلم و قاری متبحر بود و مردان را از پشت پرده درس می‌داد. خواهرانش فاطمه جزری و سلمی خاتون جزری از زنان دانشمند زمان خود بودند.

بر گرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منابع: تاریخ مشاهیر کرد، ۱۲۴ / ۱؛ خیرات حسان، ۱۶۸ / ۳.

جزری، فاطمه

قرن: ۹

جنسیت: زن

ملیت: ایران

نیمه دوم قرن نهم هجری، از زنان محدث. وی دختر ابن الجزری (۸۳۴- ۸۳۳ ق)، محدث، مورخ، متکلم و قاری متبحر اهل سنت بود. او قرآن مجید را از حفظ داشت و طلاب مرد و زن را درس می‌داده است. خواهرانش سلمی خاتون جزری و عایشه جزری از زنان دانشمند زمان خود بودند.

بر گرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منابع: تاریخ مشاهیر کرد، ۱۲۴ / ۱؛ خیرات حسان ۱۸ / ۲.

جزمه‌ای قزوینی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد جزمه‌ای از علماء میرز و معروف شهرستان قزوین بوده‌اند. آن مرحوم در قزوین متولد شده و پس از رشد و خواندن اولیات و ادبیات و سطوح در زادگاهش به نجف اشرف مهاجرت نموده و چندین سال در آن سامان از محضر آیتین علمین علامتین آیت‌الله آخوند خراسانی صاحب کفایه و آیت‌الله آقا سید کاظم یزدی صاحب عروه استفاده نموده تا به درجه رفیعہ اجتهاد و دریافت اجازه اجتهادی از معظم لهما شده که نسخه هر دو نزد نگارنده موجود است.

سپس به قزوین مراجعت کرده و به خدمات دینی از اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و امر به معروف و نهی از منکر پرداخته و سرسختانه با منکرات و فحشاء و عاملین آن مبارزه کرده و تا پای ریشه کن کردن فساد و مفسدین چه یهود و چه غیر آن مقاومت می نمود و در موضوع کشف حجاب نیز در برابر رضاخان و عمالش مبارزه منفی نموده و از شهر مهاجرت و تا مدتی به شهر نیامده تا این موضوع نسبتاً راکد و متوقف شد.

و آن بزرگوار در اثر تقوا و پرهیزکاری و پارسائی در نزد مردم محبوبیت داشت و او را مستجاب الدعوه می دانستند. زیرا سالی در قزوین باران نیامد باغات و کشتها خشکید و مردم و کشاورزان به وحشت و هول و هراس قحطی و کمبود افتادند پس آن مرحوم بنا بر دستور والد ماجدشان مرحوم حاج سید ابوالقاسم جزمه‌ای به نماز استسقاء و باران رفته و دعا نموده و باران مفید و سودمندی بارید و مردم بخصوص کشاورزان از نگرانی درآمدند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

جزی برخورداری، محمد علی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نویسنده کتاب «فتح‌نامه‌ها» که وقایع قرن ۱۱ هجری را نوشته از رجال و شخصیت‌های تاریخی گز است. در سال ۱۰۸۷ و در زمان شاه عباس دوم و شاه سلیمان صفوی، در جنگ‌های خراسان، آذربایجان، ازبکستان، تبریز و دیار بکر بوده که ۹۸ رقعہ از تعداد زیادی از این «فتح‌نامه‌ها» در مجموعه ادبیات الذریعه جلد ۴۴ و در فصل‌های ۱۶۴ و ۱۶۵ و تحت عنوان منشآت دیوانیہ اعلام الشیعہ قرن ۱۱ ثبت بذکره و نام نویسنده آنها اشاره گردیده است.

برگرفته از کتاب: فرهنگ تاریخ گز و برخوردار

جعفر پیشه فرد، مصطفی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مصطفی جعفر پیشه فرد

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد شهر اصفهان در سال ۱۳۴۰ می باشم. سال ۱۳۵۸ در رشته ریاضی فیزیک از دبیرستان ادب اصفهان موفق به اخذ دیپلم گردیدم. اواخر دوره دبیرستان در کنار دروس دبیرستان و همزمان با دوران خفقان و مبارزات علیه نظام ستم شاهی و شرکت در جلسات مذهبی به همراه شهیدان بزرگوار همچون مصطفی ردانی پور و شهیدان عبدالله و رحمت الله میثمی با الهام از اندیشه های متعالی امام خمینی (قدس سره) شروع به خواندن دروس حوزوی و جامع المقدمات کردم. سال ۱۳۵۸ به طور رسمی وارد حوزه علمیه اصفهان شدم. تا سال ۱۳۶۱ دروس مقدماتی را نزد اساتید گرانقدر آن حوزه کهن شامل: جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، معالم الاصول و بخش هایی از مختصر المعانی، بدایه الحکمه، منظومه، منطق، شرح لمعه و غیره را به پایان بردم. در سال تحصیلی ۶۱ توفیق ورود به حوزه علمیه پر رونق و با نشاط قم نصیب گردید و ادامه دروس سطح را که از اصفهان شروع شده بود نزد اساتید برجسته و مبرز حوزه در آن زمان همچون آیات و حجج بزرگوار، ستوده، وجدانی فخر، اشتهاردی، اعتمادی، سید علی محقق داماد، مسعودی، صالحی افغانی (حفظهم الله) به پایان بردم و از سال ۱۳۶۵ در دروس خارج فقه و اصول آیات عظام حوزه، به ویژه حاج شیخ جواد تبریزی، حاج شیخ محمد تقی بهجت، شبیری زنجانی، وحید خراسانی و غیره شرکت جستم.

ضمناً در طول دوران تحصیل همزمان با تحصیل در فقه و اصول از دروس حکمت اساتید بزرگوار حسن زاده آملی، جوادی آملی، انصاری شیرازی و مصباح یزدی بهره جسته و موفق به تلمذ کتاب های منظومه، اسفار، تمهید القواعد، شرح فصوص الحکم، و غیره شده ام. در کنار خوشه چینی از محضر اساتید حوزه و تحصیلات حوزوی، در دوره اول کارشناسی ارشد تربیت مدرس دارالشفاء قم نیز به سال ۱۳۶۷ شرکت کردم و در سال ۱۳۷۱ با دفاع از پایان نامه آن دوره را با عنوان " پدیده و علیت " موفق به اخذ مدرک آن گردیدم. در بخش تدریس همزمان با تحصیل در حوزه اصفهان به لطف الهی درس و بحث متون خوانده شده را آغاز کردم و این برنامه همواره تا حال حاضر، با عنایت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تداوم داشته است و از دروس مقدماتی و ادبیات تا شرح لمعه و سطوح عالی همچون حلقات الاصول، رسائل و مکاسب و کفایه تا خارج فقه و اصول و همچنین دروس منقول همچون بدایه و نهایت الحکمه و اسفار اربعه را، به فضل پروردگار در مراکز مختلف علمی حوزه، همچون فیضیه، دارالشفاء، مدرسه حجتیه، مدرسه شهیدین، جامعه الزهرا، یا دانشگاه ها ارائه کرده ام و هم اینک به عنوان هیئت علمی و عضو گروه فقه و اصول مرکز جهانی توفیق خدمت دارم؛ ضمن آنکه از سال ۱۳۷۶ همکاری با بخش استفتانات کتبی و شفاهی دفتر مقام معظم رهبری، نصیب شده است. در بخش پژوهش و تحقیق، کار رسمی تحقیق و قلم زدن حقیر به طور رسمی از حدود سال ۷۲ با همکاری با ستاد مبارزه با مواد مخدر و تالیف کتاب اضرار به نفس، با کمک بعضی از دوستان شروع شد و در ادامه به همکاری در بخش تحقیقات دبیرخانه خبرگان و برخی مراکز پژوهشی دیگر پرداختم که حاصل آن ارائه چندین جلد کتاب بوده است، ضمن آنکه توفیق تهیه ده ها مقاله برای کنگره ها و نشریات معتبر داخلی و خارجی و روزنامه ها را داشته ام و اکنون افتخار عضویت در تحریریه برخی از مجلات مثل مجله حکومت اسلامی را دارا می باشم.

جعفر پور، عبدالجواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه اهواز در سال ۱۳۵۰، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی از دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۲ و دکترای زبان‌شناسی از دانشگاه جرج تاون آمریکا در سال ۱۳۵۹.

مرتب علمی:

استادیار زبان‌شناسی دانشگاه شیراز از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۶۶ و دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه شیراز از سال ۱۳۶۷.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه و بررسی تحلیلی و تطبیقی روش و محتوای کتابهای زبان انگلیسی مدارس، بررسی ارزشیابی توان صحبت کردن و درجه اعتبار نمرات آزمون گران و تهیه فرهنگ بسامدی و دستور ساختار توصیفی زبان فارسی نوشتاری معاصر با استفاده از کامپیوتر، تدریس دروس زبان انگلیسی، آزمون، روش تدریس مسائل زبان‌شناسی، ارزشیابی، مقدمه زبان‌شناسی، دستور پیشرفته، گفت و شنود، درک مطلب و فنون یادگیری.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی تألیفات:

تهیه مجموعه آموزشی فارسی به دیگر زبانان

A basic Course in Reading English for University students, A Course
in testing English as foreign language readings,
pronunciation exercises and writing exercisis.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۲

زمینه علمی مقالات:

نقدی بر یکی از آزمونهای انگلیسی امتحانات نهائی وزارت آموزش و پرورش، دیکته چیست و چه می‌سندد؟ و مقالاتی چند به زبان انگلیسی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

جعفرزاده اصفهانی، محسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد:-، مرتب علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

جعفری پور، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن جعفری پور

محل تولد: رفسنجان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۱/۱

جعفری تبار، مجید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجة الاسلام والمسلمین استاد مجید جعفری تبار در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی در شهر مقدس قم در خانواده‌ای روحانی چشم به جهان گشود و از همان خردسالی تحت تربیت پدر بزرگوارشان مرحوم آیت الله حاج شیخ محمود جعفری تبار خواندن قرآن را آموختند.

ایشان قرائت و تحقیق مصطلح قرآنی را از سن ۱۰ سالگی آغاز نموده و انس و ممارست زیاد با آیات و کتب تفسیری باعث شد تا بتواند کل قرآن کریم را با ۲۰ روایت - ۱۴ روایت مشهور و ۶ روایت غیر مشهور حفظ نماید.

استاد جعفری تبار در زمینه تفسیر، علوم و معارف قرآنی، صاحب آثار متعددی می‌باشند و همین احاطه به علوم قرآنی باعث گردیده تا سبک زیبای تلاوت ایشان مبتنی بر «تطابق لحن با معنی» استوار گردد و همین امر موجب گردیده تا شنونده در هنگام شنیدن تلاوت ایشان به درک عمیق‌تری از آیات الهی نایل گردد. تأثر شدید مستمعین در جلسه تلاوت آیات آخر سوره بقره که در شب شهادت حضرت علی (ع) مصادف با چهلمین شب درگذشت پدر استاد جعفری تبار - اجرا شده تأیید کننده این مطلب است. این تلاوت و نیز تلاوت سوره توحید که به وجوه مختلف تلاوت شده است از زیباترین تلاوت‌های ایشان می‌باشد.

ایشان در شهرهای مختلف ایران به تلاوت پرداخته ولی عمدتاً جلسات تلاوت خود را در مسجد رفعت قم برگزار می‌کند. جلسات مرکزی فنون قرائت و معارف قرآنی در سال ۱۳۶۹ زیر نظر ایشان تأسیس شد.

منابع زندگینامه: <http://www.ommolketab.net>

جعفری تبار، مجید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجة الاسلام والمسلمین استاد مجید جعفری تبار در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی در شهر مقدس قم در خانواده‌ای روحانی چشم به جهان گشود و از همان خردسالی تحت تربیت پدر بزرگوارشان مرحوم آیت الله حاج شیخ محمود جعفری تبار خواندن قرآن را آموختند.

ایشان قرائت و تحقیق مصطلح قرآنی را از سن ۱۰ سالگی آغاز نموده و انس و ممارست زیاد با آیات و کتب تفسیری باعث شد تا بتواند کل قرآن کریم را با ۲۰ روایت - ۱۴ روایت مشهور و ۶ روایت غیر مشهور حفظ نماید.

استاد جعفری تبار در زمینه تفسیر، علوم و معارف قرآنی، صاحب آثار متعددی می‌باشند و همین احاطه به علوم قرآنی باعث گردیده تا سبک زیبای تلاوت ایشان مبتنی بر «تطابق لحن با معنی» استوار گردد و همین امر موجب گردیده تا شنونده در هنگام شنیدن تلاوت ایشان به درک عمیق‌تری از آیات الهی نایل گردد. تأثر شدید مستمعین در جلسه تلاوت آیات آخر سوره بقره که در شب شهادت حضرت علی (ع) مصادف با چهلمین شب درگذشت پدر استاد جعفری تبار - اجرا شده تأیید کننده این مطلب است. این تلاوت و نیز تلاوت سوره توحید که به وجوه مختلف تلاوت شده است از زیباترین تلاوت‌های ایشان می‌باشد.

ایشان در شهرهای مختلف ایران به تلاوت پرداخته ولی عمدتاً جلسات تلاوت خود را در مسجد رفعت قم برگزار می‌کند. جلسات مرکزی فنون قرائت و معارف قرآنی در سال ۱۳۶۹ زیر نظر ایشان تأسیس شد.

منابع زندگینامه: <http://www.ommolketab.net>

جعفری تبریزی، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدتقی جعفری تبریزی یکی از چهره‌های درخشان علم و فضیلت و اساتید فلسفه و حکمت معاصر طهرانست. وی در حدود شصت و شش سال قبل یعنی در سال ۱۳۶۵ قمری برابر هزار و سیصد و چهار شمسی در تبریز به دنیا آمده و در دامن پدر و مادر متدین و با صداقت پرورش یافته، و با آنکه آنها اهل سواد نبودند ولی دارای صفای قلب و پاکی طینت بودند و توان و بنیه مالی نداشتند که وسائل تحصیل ایشان را فراهم کنند زیرا به شغل نانوائی اشتغال و با عفت اداره عائله خویش را می‌نمودند.

ایشان پس از خواندن دوره ابتدائی وارد مدرسه طالبیه تبریز شده و به خواندن ادبیات مشغول و چون بنیه مالی پدرش ضعیف بود با برادر بزرگترش میرزا محمد جعفر نصف روز را کار و نصف دیگر در مدرسه طالبیه درس خوانده و ادبیات را از مرحوم آقای اهری آموخته. سپس به طهران عزیمت نموده و از درس و بحث مرحوم آقا میرزا مهدی آشتیانی و حاج شیخ محمدرضا تنکابنی سطوح عالی را به پایان رسانیده و پس از آن به قم آمده و در مدرسه دارالشفای اقامت و از محضر آیات آن زمان چون آیت الله حجت و حاج سید محمدتقی خونساری و دیگران استفاده کرده و پس از یکسال چون پدرش وفات کرده بود به تبریز آمده و پس از چند ماه به امر مرحوم آیت الله حاج میرزا فتح شهیدی مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر و دراسات مرحوم آیت الله حاج شیخ کاظم شیرازی و حاج شیخ محمدعلی کاظمینی و غیر آنها استفاده نموده و حدود یکسال و نیم از محضر عالم ربانی و حکیم متاله حاج شیخ مرتضی طالقانی بهره‌مند شده است.

خاطره عجیب آقای جعفری از استادش شیخ مرتضی طالقانی

استاد جعفری در مجله ۷ کیهان فرهنگی به خبرنگار مجله چنین گوید: من روزی که آخرین روزهای ذیحجه بود برای درس به خدمتشان رسیدم همینکه وارد شدم و روبروی معظم له نشستم فرمودند برای چه آمدی آقا؟

عرض کردم آمدم که درس را ادامه دهید فرمود برو آقا درس تمام شد. چون ماه محرم رسیده بود من خیال کردم ایشان می‌فرمایند که تعطیلات (۱۴ روزه محرم) رسیده است لذا درس را تعطیل کرده‌اند و به ذهنم نمی‌آید که ایشان خبر از مرگ خود می‌دهد و همه آقایان که در نجف بودند می‌دانستند ایشان کسالتی ندارند. پس عرض کردم دو روز به محرم مانده است و هنوز درسها تعطیل نشده است. فرمودند الله اکبر می‌دانم آقا می‌دانم به شما می‌گویم درس تمام شد (خر طالقان رفته پالانش مانده) روح رفته جسدش مانده.

پس متوجه شدم که ایشان خبر از مرگ خود می‌دهد سخت منقلب شدم و عرض کردم چیزی بفرمائید برای یادگار اول کلمه لا اله الا الله را با یک قیافه روحانی و رویه ابدیت گفت و اشک از دیدگان مبارکش به محاسن شریفش جاری شد و این بیت را سرود.

تا رسد دستت به خود شو کارگر

چون فتد از کار خواهی زد به سر

بار دیگر کلمه لا-اله الا الله را با حالتی عالی تر گفت من برخاستم و هرچه کردم دستش را کشید پس خم شد پیشانی و محاسن مبارکش را بوسیدم چند بار واثر قطرات اشک مقدس آن مسافر ابدیت را در صورتم احساس کردم و رفتم و روز بعد در مدرسه صدر که من در آنجا درس می‌خواندم و محرم ۱۳۶۴ وارد شده بود به یاد سالار شهیدان امام حسین علیه السلام نشسته بودم که مرحوم (حجة الاسلام) حاج شیخ محمدعلی واعظ خراسانی آمد و خبر محنت اثر فقدان و رحلت آن عالم بزرگ ربانی را داد پس همگی به مدرسه سید شتافتیم و دیدیم تمام مراجع بزرگ و مدرسین و فضلاء حاضر و آن مرحوم را از آنجا تشییع کردیم.

نگارنده گوید: صریح تر از ایشان در اخبار از مرگش مرحوم آیت الله استاد المتاخرین حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی معروف به کمپانی بودند که در کتاب خاطرات شریف خود نقل نموده و اینجا هم مناسب دیدم باز گو کنم.

برای نگارنده حکایت کرد آقا حاج سید محمدرضا میبیدی یزدی مقیم گرگان که از علماء بنام معاصر آن سامانست که استاد ما مرحوم آیت الله حاج سید یحیی مدرسه یزدی فرمودند که چون استاد ما مرحوم آیت الله آقا ضیاءالدین عراقی درگذشت و سه روز برایش درسها تعطیل شد روز چهارم به منزل مرحوم آیت الله حاج شیخ محمدحسین اصفهانی (کمپانی) رفته و عرض کردم آقا سه روز است درسها تعطیل شده خواهش داریم که فردا درس را شروع نمائید که بیکار نباشید.

فرمودند: آسید یحیی خودم هم تصمیم داشتم فردا شروع کنم ولی امروز صبح داشتم تعقیب نماز صبح می‌خواندم و بیدار بودم ناگاه دیدم آقا ضیاء آمد درب اطاق و فرمودند شیخ محمدحسین آماده باش آخر این هفته نزد ما خواهی آمد و من تا آخر هفته بیشتر زنده نیستم و چنین شد و با آنکه سالم بود آخر هفته شب جمعه درگذشت و از دنیا رفت. و نیز استاد ما مرحوم آیت الله حجت که در آثارالحجه مفصلاً نقل کردم از مرگ خود خبر داد.

خلاصه استاد جعفری حدود ده سال در نجف اقامت نموده و از محضر و ابحاث آیات عظام و مدرسین بزرگ چون حاج شیخ کاظم شیرازی و حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله و دیگران استفاده نموده و با مرحوم شهید آیت الله حاج سید محمدباقر صدر روابط نزدیک و دوستانه و اشتراک درسی و عقیدتی داشته و در ضمن تحصیلات فقهی و اصولی و فلسفی با فرهنگ غرب هم آشنا شده و کتب آنان را مطالعه و بررسی نموده و در آنجا تقریرات درس استادش آقای خوئی را در طلب و اراده و جبر و اختیار والامر بین الامرین را عربی به رشته تحریر آورده و به چاپ رسانیده سپس در عصر آیت الله العظمی بروجردی به ایران و قم آمده و پس از رسیدن محضر آن مرحوم و اصرارشان در اقامت در حوزه و تدریس کردن برای عدم مساعدت آب و هوای قم با موافقت ایشان به مشهد عزیمت نموده و حدود یکسال در آنجا اقامت و به تدریس پرداخته و پس از آن به تهران مهاجرت و رحل اقامت افکنده و به تألیف و تدریس در دانشگاه و مدرسه مروی و غیره اشتغال و تا حال تحریر موفق به وظائف روحی و علمی خود می‌باشند.

تألیفات استاد جعفری

در عصر حاضر کمتر کسی به تألیفات و تصنیفات استاد جعفری می‌رسد و گذشته از تألیفاتی که از دید خوانندگان می‌گذرد. مکاتبات و مراسلاتی با پروفسور راسل استاد و فیلسوف فرانسوی دارد و نیز مصاحبات با پرفسور یانگ امریکائی و دیگر علال فارسی مراکشی و دکتر حسوانی در مه ایتالیائی و دکتر کلاوز آلمانی و دکتر بیدفورد آلمانی و چارلیز ادامز امریکائی و برخی دیگر داشته است.

اما تألیفات چاپ شده ایشان

- ۱- الامر بین الامرین که در نجف به طبع رسیده.
- ۲- الرضاع.
- ۳- تعاون الدین و العلم. چاپ تهران.
- ۴- وجدان چاپ تهران
- ۵- جبر و اختیار چاپ تهران
- ۶- آفرینش انسان چاپ تهران
- ۷- علم در خدمت انسان چاپ تهران
- ۸- اخلاق و مذهب چاپ تهران
- ۹- فیزیک و متافیزیک
- ۱۰- رابطه علم و حقیقت چاپ تهران
- ۱۱- توضیح و بررسی مصاحبه با فراند راسل- انتشارات تهران.
- ۱۲- نقد و بررسی برگزیده افکار راسل، چاپ تهران.
- ۱۳- بینش حضرت حسین علیه‌السلام- انتشارات تهران.
- ۱۴- منابع فقه، مشتمل بر امارت اهل کتاب و مواد زکوه و غیره.
- ۱۵- ارتباط انسان و جهان در سه جلد
- ۱۶- انسان از دیدگاه قرآن چاپ اصفهان.
- ۱۷- ایده‌آل زندگی و زندگانی ایده‌آل چاپ تحقیقات تهران.
- ۱۸- نگاهی به امام علی علیه‌السلام مشتمل بر مباحث علی (ع) و سیاست علی (ع) و... چاپ تهران.
- ۱۹- تفسیر نقد و تحلیل مثنوی در ۱۵ جلد چاپ حیدری.
- ۲۰- مجموعه مقالات به نام... انتشارات تهران.
- ۲۱- مولوی و جهان‌بینی‌ها انتشارات تهران.
- ۲۲- فلسفه و هدف زندگی انتشارات صدر تهران.
- ۲۳- تفسیر نهج‌البلاغه ۱۴ جلد آن به طبع رسیده و بقیه در دست طبع است.
- ۲۴- طرحهائی در انقلاب فرهنگی، انتشارات پیشوا تهران.
- ۲۵- علم از دیدگاه اسلام، انتشار سازمان پژوهشهای علمی و فلسفی.
- ۲۶- حیات معقول.
- ۲۷- زیبایی از نظر اسلام.
- ۲۸- شرحی بر احتجاج حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام با عمران صابی در الهیات چاپ تهران.

۲۹- حیات نقطه اسلامی فلسفه و علم و احساسات و مذهب، چاپ تهران.

۳۰- علیت و اختیار از دیدگاه علامه طباطبائی.

و حدود بیست جلد تألیف مخطوط دیگر که هنوز به طبع نرسیده است.

(الهیکل قسط من الثمن بل تمام الثمن)

این دانشمند فرزانه با این همه آثار و فضائل بسیار ساده و بی‌آلایش و پیرایه است عمامه‌ای کوچک و جثه‌ای متوسط بلکه ضعیف و لباسی مقتصد دارد و اگر کسی قبلا او را ندیده باشد و برای اولین بار ببیند برای او ارج و ارزشی تصور نمی‌کند چون نمی‌داند که این مرد با این هیکل متوسط و قد کوتاه دارای این همه آثار بزرگ است و چه افکار روشنی دارد چنانچه خود ایشان مسافرت خود را به سمنان بنا بر دعوت علامه حایری سمنانی نقل و به این موضوع اشاره نموده است.

در مصاحبه‌ای که با کیهان فرهنگی با معظم‌له شده فرمودند روزی نامه‌ای به توسط یکی از دوستان از مرحوم علامه حایری رسید به دستم که مرا دعوت به سمنان کرده بودند برای دیدار و ملاقات با ایشان.

پس به اتفاق یکی از رفقا عازم سمنان شده با قطار به آنجا رفتم وقتی در ایستگاه سمنان پیاده شدم جمعیت بسیاری را دیدم که گویا به استقبال آمده‌اند و در همانحال که پیاده شدیم آقای روحانی دیگری که دارای هیکل بزرگ و لباس جالبی بود از واگن پیاده مردم به سوی او هجوم آوردند و گفتند برای سلامتی علامه استاد جعفری صلوات پس من به رفیقم گفتم خوب شد نزدیک بود بلائی به سرم بریزد. پس آمدم در میدان ایستگاه به هر درشکه و وسیله نقلیه که گفتم ما را ببر منزل علامه حایری گفت نمی‌توانم چون ما باید میهمانهای علامه حایری را ببریم.

پس به یک درشکه که کرایه‌اش یک تومان بود گفتم ده تومان می‌دهیم ما را ببر به خانه علامه پس با چند نفر دیگر سوار کرد و چون قدری راه رفتیم دیدم خود علامه حایری عصازنان به طرف ایستگاه می‌آید پس به درشکه‌چی گفتم آقای علامه ایشانست. گفت آری، گفتم همین جا ما را پیاده کن و خدمت ایشان رسیدم فرمودند مردم چه شدند گفتم چه مردمی فرمودند مردم را به استقبال شما فرستادم گفتم الان می‌آیند خدمت شما. پس آن مرحوم با کیاست و فراست دریافتند و فرمودند پس تقصیر قیافه و هیکل و لباس شماست و حتما مردم عوضی گرفته‌اند این چه قیافه‌ایست حتما به خودتان برسید و یک مقداری خودت و لباست را جمع و جور کن و مردمی که به استقبال آمده بودند قیافه و لباس ما را دیده احساس کرده بودند که حتما پیشواز آن آقای خوش هیکل آمده‌اند.

پس به سوی او هجوم آوردند که حضرت آقای جعفری بفرمائید منزل آقا علامه که در انتظار شماست و آن آقا متحیر مانده و گفتند جعفری کیست و علامه کدام است؟

پس مردم متوجه شدند که اشتباه کرده‌اند و عوضی گرفته‌اند. پس مانند لشکر شکست خورده پراکنده و به منزل علامه که تهیه نهار دیده بودند آمدند و خلاصه چند روزی که در خدمتشان بودیم بسیار لذت روحانی بردیم و از ایام خوش زندگانی من بود.

پس از مسائلی که با آن مرحوم مورد بحث قرار گرفت موضوع قصیده هبوطیه و عینیه ابن سینا که بیت بیت و مطلعش اینست:

هبطت الیک من المکان الارفع

ورقاء ذات تعزز و تمنع

و من در استقبال آن ابیات گفتم به هشتاد و هفت بیت می‌رسد و از نظر آن علامه نقاد و صراف ادبیات فارسی و عربی گذرانیده که مورد تحسین و تصدیق ایشان قرار گرفت که از نظر عزیزان می‌گذرانم.

طلعت الیک النفس احسن مطلع

مشعوفه و هو ذات تلوع

غابت و لم تعری حصولا انما
 عرفت حضوریا و لم تتبرقع
 ان العویصه فی حدیث النفس من
 تعریفها بالاسطقس الارفع
 و به تعالی النفس حتی جاوزت
 عن کل قید للکمال الابدع
 بل ان قد تمنوا ان استعل کل ما
 فی الکون غامض سره المتنوع
 فتعود عالمه بکل خفیه
 فی العالمین فخرقها لم یرقع
 منحوا لها فوق الکمال فاصبحت
 کالواجب الاعلی الغنی الامنع
 فیقول ما معنی الحراک من الحمی
 العالی الی قعر الحضیض الاوضع
 قد انشا و اشعرا بلاجبر و لا
 کره فحاروا فر الروی الامنع
 واطن ان صعودها و هبوطها
 لم یعرفا عند اللیب الالعی
 واستهون الصلصال زعما انه
 شبه المعالم و الطلول الخضع
 فیخال ما وصلت الیه حضیضها
 فیقول منکسرا بغير ترفع
 هبطت الیک من المحل الارفع
 ورقاء ذات نعزز و تمنع
 لو حقق الشیخ ابن سینا حقه
 و جرى بفکرته و عقل اروع
 لرای التکامل فی صمیم تعلق
 الفس البسیطه بالحسوم الخضع
 تا آخر ابیات او که برای اختصار از نقل تمام آن خودداری کردیم.
 برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

جعفری فرانی، حسین

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین جعفری فرانی

محل تولد: اردستان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات مقطع ابتدائی را در زادگاهم (روستای فرانی از توابع شهرستان اردستان واقع در استان اصفهان گذراندم و برای ادامه تحصیل در مقطع راهنمائی و دبیرستان راهی شهر اصفهان شدم در سال ۱۳۵۸ در رشته علوم تجربی در دبیرستان صارمیه اصفهان موفق به دریافت دیپلم شدم در سال ۱۳۶۱ پس از سپری کردن دوران نظام وظیفه برای تحصیل در حوزه به شهر مقدس قم عزیمت نمودم و از این سال تحصیلات حوزوی را در مقطع ادبیات آغاز کردم. در سال ۱۳۶۹ دوره سطح را تمام کردم و در حلقه درس خارج آیات عظام شرکت نمودم که در حال حاضر نیز به صورت مختصر ادامه دارد در کنار دروس فقه و اصول در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی نیز مدتی شرکت نمودم.

در سال ۱۳۷۰ همزمان با تحصیلات حوزوی تحصیل در دانشگاه را آغاز نمودم و در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ مدرک دانشگاهی در رشته حقوق از دانشگاه مفید شدم و در سال ۱۳۷۶ نیز با شرکت در آزمون سراسری کارشناسی ارشد در رشته حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تهران (پردیس قم) پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۸ با دفاع از پایان نامه با عنوان (فلسفه مجازات از دیدگاه اسلام و نظام غرب) فارغ التحصیل شدم در همین ایام به فعالیتهای اجرائی و فعالیت های کم و بیش علمی اشتغال داشته ام.

جعفری قدس، احد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: داخلی نفرولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی ایران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز در سال ۱۳۴۶، دکترای تخصصی بیماریهای داخلی و دکترای فوق تخصصی بیماریهای کلیه از آمریکا از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۵۶، دریافت مدارک مورد تخصصی بیماریهای داخلی و مورد فوق تخصصی نفرولوژی از آمریکا.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

دیالیز، بیماریهای کلیه، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۹ پایان‌نامه دکترا و ۲ پایان‌نامه تخصصی و فوق تخصصی. ابداع:

روش دیالیز CAPD در آمریکا در سال ۱۳۵۶.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی:-، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۵۲

زمینه علمی مقالات:

دیالیز صفاقی، پیوند کلیه، اریترپوئیتین، کلیه و حاملگی، دیالیز و پیوند در ایران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

جعفری یزدی، جعفر

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، مورخ و شاعر، متخلص به جعفری. از مورخان دوره‌ی شاهرخ بود. از وی سه اثر تاریخی بزرگ به جای مانده است که عبارت است از: «تاریخ کبیر»، از آغاز خلقت تا وقایع سال ۸۴۰؛ «تاریخ یزد»؛ «تاریخی واسط» که به نام شاهرخ به پایان رسانید. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات ایران (۴/۴۷۴)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۵۴۸-۵۴۷/۲)، تاریخ نظم و نثر (۲۵۳)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۷۶-۷۴)، دایرة‌المعارف فارسی (۱/۵۹۹)، الذریعه (۱۹۸/۹، ۳/۲۴۶)، فرهنگ سخنوران (۲۱۳)، فهرستواره کتابهای فارسی (۹۱۷، ۹۱۶، ۲/۵۸۶)، کشف الظنون (۳۰۹)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰۴/۲)، یغما (س ۱۵، ش ۷، ص ۴۱۸-۴۱۵).

جعفری، اباذر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اباذر جعفری

محل تولد: هشتروند

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد سال ۱۳۵۱ در شهرستان هشتروند از توابع تبریز. مهاجرت به شهر قم در سال ۱۳۵۴ آغاز تحصیلات ابتدایی از سال ۱۳۵۸ در قم تا سال اول دبیرستان در دبیرستان امام صادق (ع) قم. ورود به حوزه علمیه مقدسه در سال ۱۳۶۷ و آغاز تحصیلات در مدرسه علمیه رسالت تا سال سوم و ادامه تحصیلات در مدرسه امام محمد باقر (ع) و سپس شرکت در دروس عمومی حوزه مبارکه تا اتمام سطح و تحصیل خارج. ورود به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در سال ۱۳۷۵ و تحصیل در دوره کارشناسی ارشد پیوسته آن موسسه و فارغ التحصیل در سال ۱۳۸۰. همزمان اشتغال به فعالیت پژوهشی در دائرة المعارف علوم عقلی اسلامی این موسسه به مدت ۷ سال. اشتغال به فعالیت تحقیقی و مدیریتی در مرکز فرهنگ و معارف قرآن وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. به مدت ۴ سال همکاری با استاد پاسخگویی به مسائل دینی در امور پژوهشی و ساماندهی اطلاعات پرسش و پاسخ مراکز پاسخگویی دینی بمدت ۴ سال. تدریس دروس تفسیر، تفسیر موضوعی و روش تفسیر در دانشگاه.

جعفری، ابوالقاسم زید

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم ق)، محدث و متکلم امامی. معروف به جعفری. پس از تکمیل مقدمات و فنون ادب نزد افاضل علمای خاندان خود، فقه و حدیث را از حوزه‌ی درس امام شمس‌الاسلام ابو محمد حسن ابن بابویه معروف به حسکا، جدّ شیخ منتجب‌الدین، فراگرفت و به مقام علمی نائل شد. سپس به تألیف و تدریس پرداخت و کرسی فتوی را به دست گرفت و جمعی از علمای امامیه در حوزه‌ی او تربیت یافتند. از جمله آثار وی: «الدعوات عن زین العابدین (ع)» که این کتاب غیر از ادعیه‌ی «صحیفه‌ی سجاده» است؛ «المغازی والسير».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۹۱/ ۲۱، ۲۰۲/۸)، فهرست منتجب‌الدین (۸۰)، معجم رجال‌الحديث (۳۳۵/۷).

جعفری، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین جعفری فرانی

محل تولد: اردستان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات مقطع ابتدائی را در زادگاهم (روستای فرانی از توابع شهرستان اردستان واقع در استان اصفهان گذراندم و برای ادامه

تحصیل در مقطع راهنمایی و دبیرستان راهی شهر اصفهان شدم در سال ۱۳۵۸ در رشته علوم تجربی در دبیرستان صارمیه اصفهان موفق به دریافت دیپلم شدم در سال ۱۳۶۱ پس از سپری کردن دوران نظام وظیفه برای تحصیل در حوزه به شهر مقدس قم عزیمت نمودم و از این سال تحصیلات حوزوی را در مقطع ادبیات آغاز کردم. در سال ۱۳۶۹ دوره سطح را تمام کردم و در حلقه درس خارج آیات عظام شرکت نمودم که در حال حاضر نیز به صورت مختصر ادامه دارد در کنار دروس فقه و اصول در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی نیز مدتی شرکت نمودم.

در سال ۱۳۷۰ همزمان با تحصیلات حوزوی تحصیل در دانشگاه را آغاز نمودم و در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ مدرک دانشگاهی در رشته حقوق از دانشگاه مفید شدم و در سال ۱۳۷۶ نیز با شرکت در آزمون سراسری کارشناسی ارشد در رشته حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تهران (پر دیس قم) پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۸ با دفاع از پایان نامه با عنوان (فلسفه مجازات از دیدگاه اسلام و نظام غرب) فارغ التحصیل شدم در همین ایام به فعالیتهای اجرائی و فعالیت های کم و بیش علمی اشتغال داشته ام.

جعفری، حمیدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حمیدرضا جعفری

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۲/۱۰/۱۸

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۳ بعد از اتمام خدمت سربازی به حوزه علمیه تهران وارد شدم و در مدرسه امین الدوله خدمت حضرت آیه الله حق شناس دام ظلّه مشغول فراگیری علوم حوزوی شدم. بعد از اتمام پایه ششم در سال ۱۳۷۶ به مدت یکسال در مدرسه امام حسین علیه السلام تهران مشغول کار آموزشی بودم. بعد از آن به قم مقدسه آمدم.

در سال ۱۳۷۸ در دروس مکاسب و رسائل مدرسه آیه الله گلپایگانی مشغول تحصیل شدم و در همان سالها در کلاسهای به اصطلاح تابعه که از طرف دفتر آیه الله فاضل (ره) برگزار شده بود شرکت داشتم تا اینکه در سال ۱۳۸۳ وارد مرکز تخصصی فقه و اصول ائمه اطهار و در حال مشغول می باشم. در ضمن به طور غیر حضوری در مؤسسه امام خمینی (ره) در رشته کلام مشغول تحصیل می باشم.

جعفری، رسول

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید رسول جعفری شیاده

محل تولد: شیاده

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید رسول جعفری شیاده معروف به جعفری فرزند مرحوم سید علیجان جعفری شیاده در سال ۱۳۳۱ ه. ش در روستای شیاده از توابع شهرستان بابل به دنیا آمدم. دوران کودکی را در آنجا سپری کردم اما با وجود مدرسه دولتی در آن جا، از تحصیل در آن محروم بودم؛ زیرا مرحوم پدرم چنین می پنداشت که در مدارس دولتی نه تنها بچه ها تربیت اسلامی پیدا نمی کنند که بی تربیت نیز می شوند! و بی دین بار می آیند لکن چون خود او سواد قرآنی یا خواندن و نوشتن داشت، مرا نیز بر این اساس خوانا و نویسا بار آورد؛ لذا در سن شانزده سالگی یعنی در اواخر سال تحصیلی ۱۳۴۷ ه. ش، که به مدرسه علمیه مسجد آقا عباس آمل به عنوان طالب علم مراجعه کردم.

زمینه تحصیل علوم حوزوی را داشتم و در سال بعد به حوزه علمیه مسجد جامع شهرستان آمل منتقل شدم و چون همزمان با دوران خدمت سربازی بود و می بایست کارت تحصیلی دوره آموزش و پرورش دریافت می کردم و این مشروط به داشتن حداقل مدرک ششم ابتدایی بود و من از آن محروم بودم، به ناچار به راهنمایی مرحوم آیت الله سعیدی کاشمیری مدیر حوزه علمیه مسجد جامع، در کلاس ششم ابتدایی به صورت متفرقه یا کلاس شبانه در دبستان سعدی مشغول تحصیل شدم و پس از سه ماه در امتحانات خرداد ماه ۱۳۴۹ شرکت کردم و قبول شدم.

قبولی در این آزمون که به آسانی و صرف کمترین هزینه و وقت همراه بود، مرا وسوسه یا تشویق کرد که همزمان با ادامه تحصیل دروس حوزوی - و البته به صورت قاچاق و به دور از چشم مدیریت مدرسه! - و هم چنان به صورت متفرقه، دروس دبیرستانی را پی گیری کنم و بنا بر این در خرداد سال ۱۳۵۰ در کلاس اول دبیرستان نیز قبول شدم. در همین سال - یعنی سال ۱۳۵۰ - برای ادامه تحصیل به تهران مهاجرت کردم و در مدرسه حاج شیخ عبدالحسین پاچنار یا مدرسه آذربایجانی ها مشغول شدم. در این مدرسه که با اشراف مرحوم آیت الله خسروشاهی اداره میشد، در مدت سه سال تحصیلی، قسمتی دیگر از مقدمات و نیز سطح و همزمان کلاس هشتم و نهم دبیرستان - نظام قدیم - به اتمام رسید. در سال ۱۳۵۳ به حوزه مقدسه قم وارد و مشغول تحصیل شدم و در سال ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ قسمتی از مقدمات را تدریس می کردم و در این سال ها تا سال ۱۳۶۰ که البته در اثر انقلاب و پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به طور طبیعی با تعطیلی دروس حوزوی همراه بود، لمعتین، اصول فقه، رسائل و مکاسب و کفایه و در علوم عقلی، بدایه الحکمه و نهایه الحکمه مرحوم علامه طباطبایی را به پایان رسانیدم.

در سال ۱۳۶۰ توفیق حضور در در س های خارج فقه و اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی و بعدها آیت الله شیخ جواد تبریزی را یافتم. در سال ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ در کلاس های عربی و انگلیسی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم شرکت کردم و به مدت دو سال، همزمان با تحصیل علوم حوزوی دوره مکالمه و انشاء زبان عربی و انگلیسی را به پایان بردم. در سال ۱۳۶۳ دوره آموزش یا معلمی زبان انگلیسی را در بخش زبان نیروی هوایی جمهوری اسلامی در تهران به اتمام رسانیدم و مدتی نیز در قسمت آموزش زبان دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم به تدریس این زبان اشتغال داشتم اما چون به نظر می رسید اشتغال به تدریس زبان با اشتغال به تدریس و تدرس دروس حوزوی برخورد دارد، از آن صرف نظر کردم.

در سال های ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۸ ضمن تحصیل در درس های خارج فقه و اصول و شرح منظومه مرحوم حاج ملا هادی سبزواری نزد حضرت آیت الله انصاری شیرازی و اسفار اربعه تا جلد چهارم را نزد حضرت آیت الله حسن زاده آملی (دام ظلّه) تلمذ کردم که در آن سال (۱۳۶۸) به علت منع پزشکان از تدریس حضرت آیت الله حسن زاده آملی، حوزه علمیه از افاضه این فیض الهی محروم شدم. در سال ۱۳۶۱ به مدت چهار سال تحصیلی، به صورت هفتگی جلسات ادبی فارسی به همراه دوستان برگزار می کردم و در این ارتباط، مقالات ادبی و وصفی و تحقیقی و اشعاری چند آفریده شد. در سال ۱۳۶۹ در ماه مبارک رمضان برای اولین بار به عنوان مبلغ عرب زبان به لبنان اعزام شدم که این مساله به لطف خداوند در ایام تبلیغی محرم و رمضان و گاه تعطیلات تابستان ادامه یافته است و هم چنان ادامه دارد.

البته در خلال این سال ها یعنی در سال ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ دو بار به عنوان مبلغ به یونان اعزام شدم که برای ایرانیان، مهاجران عرب و پاکستانی به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی تبلیغ می کردم. هم چنین چند بار در سوریه مشغول تبلیغ بوده ام. از سال ۱۳۷۴ نیز به عنوان مبلغ عرب زبان دان در ایام حج تمتع و عمره، توفیق تشریف دارم. ضمن اینکه در قسمت روحانیون کاروان ها نیز چند بار به عنوان حج تمتع و عمره مفرده تشریف حاصل کردم. در سال ۱۳۷۰ باتفاق تنی چند از دوستان به صورت گروهی مشغول تحقیق، تدوین و مباحثه در زمینه موضوعات فقهی شدم که با اشراف حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی صورت می گرفت و در سال ۱۳۷۶ این تحقیقات شکل دیگری به خود گرفت و به مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام که با دستور معظم له تاسیس شد، منتقل شد و از آن تاریخ تا کنون بنده توفیق همکاری با آن مرکز را دارم که در این ارتباط رساله های فقهی تنظیم و تدوین شده است. ضمنا به تدریس لمعتین، اصول فقه، شرح منظومه مرحوم سبزواری و بعدها در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی به تدریس سطوح عالی: مکاسب محرمه، رسائل، کفایه و مکاسب اشتغال داشته و دارم. در ضمن در برخی از مدارس علمیه قم در زمینه ادبیات فارسی و دروس حوزوی مشغول تدریس بوده و هستم. و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب .

جعفری، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی جعفری

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۵۹ قم دوره ابتدایی: دبستان فیض و شاهد نور علم قم دوره راهنمایی: مدرسه تیزهوشان (مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان)

دوره دبیرستان (رشته ریاضی فیزیک): مدرسه تیزهوشان (مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان) ورود به حوزه علمیه قم: ۱۳۷۴ (پس از اشتغال به دروس حوزوی، ادامه دبیرستان را به صورت داوطلب آزاد امتحان دادم و در سال ۱۳۷۷ دیپلم ریاضی گرفتم)

اتمام کتبی و شفاهی پایه ۱۰ حوزه علمیه در سال ۱۳۸۱

اساتید سطح حوزه: استاد حسینی عاملی و حسینی خراسانی (ادبیات عرب) - استاد ناصری، استاد مدنی و استاد مسعودی (شرح لمعه) - استاد سلیمانی و استاد محمدی پور (اصول) - مرحوم آیت الله احمدی میانجی (مکاسب محرمه) - آیت الله استادی (رسائل) - آیت الله موسوی تهرانی (کفایه) - استاد علیدوست (مکاسب) از سال ۱۳۸۱ حضور در درس خارج آیت الله وحید خراسانی دریافت لیسانس حقوق با احراز رتبه اول گروه از موسسه امام خمینی (ره) در سال ۱۳۸۳
 اتمام دوره عالی زبان انگلیسی دانشگاه باقرالعلوم (ع) در سال ۱۳۸۳ دریافت فوق لیسانس حقوق خصوصی با احراز رتبه اول گروه از دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۵ و انتخاب پایان نامه به عنوان پایان نامه برتر دانشکده
 شروع به تدریس در دانشگاهها از سال ۱۳۸۵ اتمام خدمت سربازی در اردیبهشت ۱۳۸۷ اشتغال به تحصیل در دوره دکتری تخصصی (Ph.D) حقوق خصوصی در دانشگاه قم از مهر ۱۳۸۷
 مدیریت گروه فقه و حقوق پژوهشکده باقرالعلوم (ع) از خرداد ۱۳۸۷

جعفری، محمد صابر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد صابر جعفری

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه شدم، مدرک تحصیلی ام سیکل بود. کمی بعد، در کنار دروس حوزه، دیپلم گرفتم، در رشته علوم سیایی دانشگاه باقرالعلوم ثبت نام کردم ولی انصراف دادم. درس های حوزه را با شرکت در رشته تخصصی کلام (موسسه امام صادق علیه السلام) ادامه دادم. با پایان تحصیل آنجا جزء گروه اولی بودم که در مرکز تخصصی مهدویت شرکت جسته و کم کم حوزه فعالیتیم را بیشتر به این موضوعات اختصاص دادم. چند مقاله در مجله تخصصی کلام اسلامی و چند مقاله هم در فصلنامه تخصصی انتظار ارائه دادم. هم اکنون معاون پژوهشی مرکز تخصصی مهدویت و بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) هستم، ضمناً جزء هیئت تحریریه فصلنامه علمی تخصصی انتظار از بدو تشکیل بوده ام. اکنون جزء هیئت تحریریه فصلنامه شرق موعود (فارسی)، الموعود (عربی) و Bright future (انگلیسی) هستم.

جعفری، وهاب

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

گذری بر زندگی نامه حجة الاسلام جعفری دانشمند محترم حضرت حجة الاسلام و المسلمین میرزا وهاب جعفری از فضلا و نویسندگان حوزه علوم دینی در سن ۷۶ سالگی در شهر قم بدرود حیات گفت.

ایشان در ذی قعدة ۱۳۵۳ ق / ۱۲ اسفند ۱۳۱۳ ش در روستای بیلوردی از توابع شهرستان هریس (استان آذربایجان شرقی) دیده به جهان گشود. پدرش حاج خلیل فرزند محمد از کشاورزان و پارسایان بود. میرزا وهاب مقدمات را در شهر تبریز نزد میرزا عمران عزیزاده، شیخ مصطفی اعتمادی و شیخ حسین نجفی فرا گرفت و شرح لمعه را نزد میرزا محمد توتونچی و سید محمد کاظم طباطبائی (مفید) به پایان رساند. وی پس از پنج سال توقف در تبریز در حدود سال ۱۳۵۵ ش رهسپار حوزه قم شد و در مدرسه حجتیه سکنی گزید و دروس سطوح را نزد حضرات آیات شیخ احمد پایانی اردبیلی، سید محمد باقر سلطانی طباطبائی، سید جواد خطیبی تبریزی و شیخ ابوالفضل علمائی سرابی سپری کرد و به درس خارج حضرات آیات سید کاظم شریعتمداری و سید محمد شیرازی راه یافت. در ضمن علوم عقلی را نزد سید حسن قاضی طباطبائی، شهید شیخ مرتضی مطهری و دکتر مهدی حائری یزدی و دروس تفسیری را از محضر سید محمد حسین تبریزی (علامه طباطبائی) استفاده نمود.

جعفری از استادش شیرازی اجازه اجتهاد و از سید شهاب الدین مرعشی، سید عبدالله موسوی شبستری و سید صادق شیرازی اجازات روایی دریافت کرده بود. آثار قلمی ایشان عبارتند از:

۱- ترسیم از شخصیت بزرگ اسلامی عبدالله بن عباس، چاپ شده در قم؛

۲- داستان های مروج الذهب، قم، ۱۳۷۶ ش؛

۳- اهل بیت (علیه السلام) در نهج البلاغه، قم، ۱۳۸۱ ش؛

۴- عبرت های تاریخ، قم، ۱۳۸۱ ش؛

۵- ذکر در قرآن و نهج البلاغه، قم، ۱۳۸۵ ش؛

۶- ده فرمان قرآن، نشر اندیشه هادی، قم، ۱۳۸۶ ش؛

۷- چهل حدیث، تاکنون مخطوط می باشد؛

۸- تقریرات درس فقه، نیز مخطوط است.

شایان ذکر است نامبرده نیم قرن درحوزه علمیه قم سکونت داشته و در طول این سال ها علاوه بر تدریس مقدمات و برخی از کتب سطح در خدمت اسلام مرجعیت و مشغول ترویج مذهب و تقدیم خدمات اجتماعی نیز بوده است.

حجة الاسلام جعفری در پی بیماری در غروب روز سه شنبه ۲۴ ربیع الاول ۱۴۲۹ ق / ۱۳ فروردین ۱۳۸۷ ش در سن ۷۶ سالگی در شهر قم دیده از جهان فرو بست. پیکرش صبح روز پنجشنبه تشییع و در جوار علی بن جعفر (علیه السلام) به خاک سپرده شد.

نویسنده: عبدالحسین جواهر الکلام

منابع زندگینامه: آینه پژوهش شماره ۱۱۲.

جعفریان، رسول

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رسول جعفریان

محل تولد: خوراسگان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

دوره دبستان را در زادگاهش "خوراسگان" گذراند و سپس برای ادامه تحصیل به اصفهان آمد و دوره راهنمایی را در این شهر آغاز کرد. پس از چندی تحت تأثیر سفرهای تبلیغی مبلغان حوزه علمیه قم و کلاس های روخوانی قرآن در خوراسگان به درس دینی علاقه مند شد و از آن پس به مدرسه ذوالفقار رفت و مطالعه دروس جدید را در مدارس شبانه ادامه داد. وی در مدت اقامت در اصفهان، به صورت آزاد از مدارس دینی دیگری چون «نیم‌آورد»، «نوریه»، «وجده کوچک» استفاده می کرد.

رسول جعفریان در سال ۵۷ هجری شمسی و در آستانه پیروزی انقلاب، برای ادامه تحصیلات حوزوی، راهی شهر مقدس قم شد. نخست به مدرسه خان رفت و سپس در مدرسه رسالت، به ادامه تحصیل پرداخت. وی در قم از درس اساتیدی چون آیت الله جوادی آملی، آیت الله مصباح یزدی، آیت الله ممدوحی، آیت الله گرامی و نیز آیت الله جعفر مرتضی جبل عاملی کسب فیض کرد. سال ۵۸ هجری شمسی با آثار و موسسه آیت الله مصباح یزدی آشنا شد و در کلاسها و دوره آموزشی آن موسسه شرکت کرد و با بازگشایی دانشگاهها، در سال ۵۹ هجری شمسی به تدریس معارف اسلامی و تاریخ اسلام در دانشگاههای اصفهان و تهران مشغول شد. اولین اثر استاد جعفریان در سال ۶۴ هجری شمسی تحت عنوان «پیش درآمدی بر شناخت تاریخ اسلام» منتشر شد و از آن پس تاکنون، ضمن همکاری با موسسات پژوهشی و تأسیس کتابخانه اسلام و ایران در قم، به کوشش های پی گیر خود در زمینه تألیف، تصحیح، ترجمه و نیز تحقیق در تاریخ اسلام، ایران و تشیع همچنان ادامه می دهد.

جلالی طباطبائی، مصطفی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: قلب اطفال، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی ایران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

جلالی مقدم، مسعود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

خلاصه: مسعود جلالی مقدم در سال ۱۳۳۰ در تهران متولد شد. گرچه تحصیلات متوسطه را در رشته ریاضی به پایان برده بود، اما مجذوب مباحث دین پژوهی شد و در رشته فلسفه و ادیان و عرفان از دانشگاه تهران دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد را گذراند. او دکترای خود را نیز در دو رشته یکی در رشته ادیان و عرفان تطبیقی از دانشگاه تهران و معارف اسلامی از دانشگاه آزاد اسلامی گرفت.

گروه: علوم انسانی

رشته: ادیان خارجی

گرایش: ادیان، اساطیر و عرفان

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: - پایان تحصیلات متوسطه در رشته ریاضی - دریافت مدرک کارشناسی فلسفه محض از دانشگاه تهران - دریافت کارشناسی ارشد در رشته ادیان و عرفان - دریافت مدرک دکترا در رشته معارف اسلامی از دانشگاه آزاد اسلامی - دریافت مدرک دکترای ادیان و عرفان تطبیقی از دانشگاه تهران

استادان و مربیان: از استادان مسعود جلالی مقدم میتوان به استاد فرزانه دکتر فتح الله مجتبابی اشاره کرد که وی نیز راه استاد خویش فتح الله مجتبابی را پی گرفته و در حیطه مطالعاتی اش به شناخت جامع از مقوله پژوهش ادیان دست یافته است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: - مدیر بخش «ادیان، اساطیر و عرفان» دانشنامه ایران در مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی - مدیر گروه ادیان و عرفان (کارشناسی ارشد) دانشگاه آزاد اسلامی (واحد شهر ری) - عضو شورای علمی مرکز گفت و گوی ادیان حوزه های مطالعاتی جهت گیری اصلی ادیان جلالی مقدم در حال حاضر به نگارش مقالاتی برای دانشنامه ایران و دایرةالمعارف بزرگ اسلامی مشغول است و به عنوان پژوهشگر با بخش ادیان مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی همکاری دارد (بخش ادیان و عرفان دانشنامه ایران از تیرماه ۱۳۷۷ کار خود را آغاز کرده و از همان ابتدا مدیریت آن بر عهده جلالی مقدم بوده است. مباحث مربوط به ادیان و اساطیر تمام جهان و عرفان اسلامی در این بخش مطرح می شود. اساس کار بر ترجمه از منابع معتبر و دایرةالمعارف های موثق خارجی است، ولی در مورد عرفان اسلامی قاعده بر تلخیص از مقالات تألیفی دایرةالمعارف بزرگ اسلامی است.)

آرا و گرایشهای خاص: مسعود جلالی مقدم درباره دو موضوع دانش ادیان و گفت و گوی ادیان می گوید: «دانش ادیان و گفت و گوی ادیان هر دو به حوزه دین مربوط اند و دارای اشتراکاتی هستند، اما شیوه عملی این دو متفاوت است. گفت و گوی ادیان از همان زمان که جوامع بشری تشکیل شد و انسان ها به نوعی با هم ارتباط پیدا کردند، مطرح شد و شاید حرکت جوامع به سمت دهکده جهانی ضرورت گفت و گوی ادیان را واجب تر کرده است. مجاب کردن دیگران، تفهیم و تفهم و نزدیکی و تقرب سه هدف اصلی گفت و گوی ادیان است. در شیوه مجاب کردن دو طرف گفت و گو سعی در پیدا کردن نقاط ضعف طرف مقابل از یک طرف و از طرف دیگر اثبات حقانیت خود دارند که در عالم اسلام این شیوه گفت و گو احتجاج خوانده می شود. در شیوه تفهیم و تفاهم نیز که زمینه عملی برای گفت و گوی ادیان فراهم می آورد، دو طرف گفت و گو هدفشان این است که شناخت روشن تری نسبت به هم به دست آورند و جنبه معرفتی دارد. گفت و گو با هدف نزدیکی و تقرب جستن نیز جنبه اخلاقی دارد. وقتی دو طرف گفت و گو سعی می کنند اشتراکاتشان را پیدا کنند، همین منجر به شناخت و ارتباط نزدیک تر می شود و از اختلاف ها، دشمنی ها و کینه ها کاسته می شود. وحدت انسانیت، وحدت ایمان و وحدت حقیقت به عنوان مقدماتی است که از طریق تحقق آن ها وحدت دینی امکان پذیر است. تا زمانی که اختلاف های ملی و فرهنگی وجود داشته باشد، سودای رسیدن به وحدت فرهنگی و ادیان نتیجه ای نخواهد داشت؛ چرا که رسیدن به تساهل و تسامح مقدمات زیادی لازم دارد. رویکردهای مختلفی در بحث های مربوط به دین وجود دارد و نخستین آن، رویکرد کلامی یا الهیاتی به دین است که تلاشی برای اثبات حقانیت یک دین است. رویکرد بعدی، رویکرد فلسفی است و زمانی که گرایش به تأیید دین دارد، دیندارانه است. رویکرد سوم، یعنی پدیدارشناسی را باید رهیافتی خاص غیر از رهیافت محض علمی در نظر گرفت. رویکرد علمی به دین نیز شامل سه بخش است: رویکرد توصیفی که شخص باید دوره تاریخی خود را توصیف کند؛ چرا که هیچ پدیده اجتماعی ای بدون تاریخ وجود ندارد، بنابراین، در اینجا بحث رویکرد تاریخی مطرح می شود و از آنجا که در این مرحله باید مقایسه و تطبیق را هم انجام دهیم، رویکرد تطبیقی یا مقایسه ای به وجود می آید. جامعه شناسی و مردم شناسی دین رویکردهای کمکی هستند. کتاب world religion dialogue برجسته ترین نمونه جدید شناخت تطبیقی ادیان به شکل گفت و گوی ساختگی است. در این شیوه

ساختگی به طرح مسائل و اعتقادات آئین‌ها و دین‌های مختلف پرداخته می‌شود و ۶ نماینده از ۵ دین مسیحیت، اسلام، یهودی، هندو و دو نماینده از دین بودا به گفت و گو می‌پردازند. جلالی معتقد است دانش ادیان می‌تواند به شکل گفت و گوی ادیان مطرح شود و همچنین گفت و گوی ادیان می‌تواند معرفت دانش ادیان در بالاترین شکل باشد.

چگونگی عرضه آثار: پژوهش‌ها و تألیف‌ها و ترجمه‌های مسعود جلالی مقدم همه در زمینه ادیان است. در میان آثار او می‌توان به کتاب‌های آئین زروانی، تنها بازماندگان خوارچ، درآمدی بر جامعه‌شناسی دین، آرای جامعه‌شناسان بزرگ دین، سه گام کیهانی و... و همچنین ده‌ها مقاله در نشریه‌های علمی - پژوهشی معتبر اشاره کرد. جلالی در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی مدخل‌های آسوریان، آفتاب پرستی، اباضیه، ابتریه، ابراهیم بن بن محمد، بن ابی یحیی، ابن ابی العوجاء، ابن حرزهم، ابن حوشب، ابن عاشر، ابوالعباس، ابن کرامه، ابو حاتم رازی، احمد، ابوالحسین بصری، ابوزکریا ورجلانی، ابو قره، ابومسلمیه، اشرف جهانگیر و... را نگاشته است. یکی دیگر از آثار جلالی «درآمدی بر جامعه‌شناسی دین» است. امروزه جامعه‌شناسی دین جایگاه مهمی در مباحث دین‌شناسی دارد.

آثار:

۱ آئین زروانی

ویژگی اثر: چاپ گوته، - (تجدید چاپ) امیرکبیر، - کتاب «آئین زروانی» جلالی نیز به بررسی مکتب فلسفی، عرفانی زرتشتی بر مبنای اصالت زمان می‌پردازد. این کتاب که از آثار تألیفی جلالی مقدم است در دو بخش تاریخ، اصول فلسفی و عرفانی آئین زروانی تألیف و تدوین شده است. به گفته او در این کتاب توضیحاتی به لحاظ تاریخی و فلسفی از مکتب زروانی به خوانندگان ارائه می‌شود و مباحثی در باره این که چرا در ایران پیش از اسلام به ثنویت توجه شد و آیا در آن دوران مسأله یگانه‌گرایی مطرح نبوده است و ایرانیان به سمت مبدأ واحد توجه نداشتند و... در آن به صورت مبسوط شرح داده می‌شود. هدف نگارنده از تألیف این کتاب، پاسخ به همه این مجهولات و آشنا کردن خوانندگان با این مباحث بوده است. در دیباچه این کتاب آمده است: «با این فلسفه و تأثیر دیرپایی که مکتب زروانی داشته غفلت ایرانیان از آن شاید قابل توجیه نباشد. اکنون در دانشگاه‌های ما که فلسفه دوران باستان را تدریس می‌کنند، به فلسفه سال پیش یونانیان می‌پردازند؛ جلوتر که بیابند فلسفه‌هایی را که در روم، پیش و پس از آغاز مسیحیت مطرح شد، می‌آموزند، ولی در همین کلاس‌ها هیچ خبری از فلسفه‌های ایرانی نیست گویا در ایران چشمه‌های تفکر خشکیده بوده و تنها در مغرب زمین اندیشه و فلسفه امکان حیات داشته است. در این باره باید کاری انجام شود. باید تاریخ قدیم فلسفه و عرفان را دوباره به محک زد. قسمت‌های ناشناخته و تاریک این تاریخ را باید دوباره روشن کرد و مذهب زروانی در این میان جایگاهی مهم دارد، زیرا از فلسفه‌ای پیچیده و جالب توجه به زمینه‌ای عرفانی برخوردار است.» کتاب آئین زروانی نگاهی دارد به مکتب فلسفی - عرفانی زرتشتی بر مبنای اصالت زمان. کتاب حاضر از؟ گفتار سامان یافته است و گفتارها در جمع به?? فصل بخش می‌شود. موضوع متن بررسی و ریشه‌یابی آئین کهن ایران (آئین زرتشتی) است به گمان مولف، آئین زرتشت یک آئین بسامان مذهبی بود که از جهان بینی فلسفی دیرپایی بهره داشت و در جای جای ایران زمین میان عامه و متفکران پیرو داشت. نفوذ این آئین از ماوراء مرزهای شمال شرقی ایران کهن تا بین‌النهرین باستانی ادامه داشت.

۲ اسلام

ویژگی اثر: پژوهشی تاریخی و فرهنگی (تألیف گروهی) سازمان چاپ وزارت ارشاد

۳ تاریخچه ادیان و مذاهب در ایران

ویژگی اثر: امیرکبیر،

۴ تاریخچه ادیان در جهان

ویژگی اثر: کتاب «تاریخچه ادیان در جهان» (نخستین گام در شناخت تاریخ ادیان) تازه ترین ترجمه این محقق و مترجم به شمار می آید. او با ترجمه این کتاب به طور فشرده اطلاعات جامعی را درباره تاریخچه ادیان در جهان در اختیار خوانندگان و علاقه مندان قرار می دهد. جلالی مقدم درباره این کتاب می گوید: «تا امروز در ایران کتاب های متعددی درباره تاریخ ادیان به زبان فارسی به چاپ رسیده است اما جز یک کتاب، هیچ یک از آنها خلاصه نیستند. تنها کتاب خلاصه ای هم که در این زمینه موجود است از مجموعه کتاب های «چه می دانم» است که انتشارات علمی به چاپ رسانده است که آن هم از ترجمه مناسبی برخوردار نیست و بسیار مخدوش است.» به گفته او، هدف از ترجمه این کتاب، شناساندن اجمالی تاریخ ادیان به خوانندگان و علاقه مندان در این زمینه بوده است.

۵ تنها بازماندگان خوارج

۶ جستاری در تاریخ و معتقدات اباضیه

ویژگی اثر: نگاه سبز،

۷ در آمدی بر جامعه شناسی دین

ویژگی اثر: این کتاب که در سال ۱۳۳۳ توسط نشر مرکز به چاپ رسیده، شامل یک دیباچه و ۲ فصل است. از منظر جامعه شناختی سؤالاتی چند در مورد دین ایجاد می شود. از جمله این که دین چیست؟ چرا آدمیان دیندارند؟ دین به انسان چه می دهد؟ دین بر انسان به عنوان یک موجود اجتماعی چه تأثیری دارد؟ و در روابط مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی چه نقشی دارد؟ از جنبه های گوناگونی می توان به بررسی دین پرداخت. اما رویکرد جامعه شناسی در صدد است با دوری از هر گونه پیشداوری و قضاوت به آثار اجتماعی دین در جامعه پردازد. دین وابستگی شدیدی با یکایک وجوه فرهنگی و نیز سیاسی و اقتصادی دارد و بر آنها تأثیر می گذارد و از آنها متأثر می شود. فصول بعدی این کتاب به رویکرد جامعه شناسی دین اختصاص دارد. همانطور که در دیباچه کتاب آمده هدف نویسنده هموار کردن راه دانش دین شناسی در ایران است. آنچه که در این کتاب درج شده تنها یک گام در این راه است. جدا از محتوای کتاب که به قول نویسنده تنها یک گام به جلو است، از نظر شکلی نیز لغت نامه، فهرست اعلام و منابع برای مطالعه بیشتر در پایان کتاب عرضه شده است.

۸ درسهایی از بینش روانی

ویژگی اثر: (ترجمه) نشر یاران شید،

۹ رساله در آئین و یشنو پرستی دین هندوی

ویژگی اثر: نشر مرکز،

۱۰ سه گام کیهانی

۱۱ کرانه های هستی انسان در پنج افق مقدس

ویژگی اثر: کتاب دیگر جلالی است که به تحقیق تطبیقی در انسان شناسی پنج دین بزرگ می پردازد و انتشارات امیر کبیر آن را در یک جلد به چاپ رسانده است. این کتاب درباره انسان شناسی است و از نگاه ادیان به ابعاد مختلف انسان می پردازد، به طوری که از پیدایش انسان تا عناصر سازنده او، احوال و سرانجام انسان مورد بررسی قرار می گیرد. به گفته جلالی، از آنجا که بحث انسان شناسی از جمله مباحث مهم فلسفه امروز است، باید بتوان به دور از نگاه فلسفی، با نگاه ادیان نیز به سراغ این موضوع رفت و از این منظر به مسأله انسان شناسی نیز پرداخت. او در این کتاب، افتراق ها و اشتراکات دو دیدگاه فلسفی و ادیان را درباره انسان مورد بررسی قرار می دهد، با هدف آن که بتواند به دیدگاه جامع دینی درباره انسان دست یابد.

۱۲ گزارشی از تاریخ ادیان و مذاهب در ایران

ویژگی اثر: جلالی در این کتاب وضعیت مراحل دین در ایران را در سه بخش پیش از اسلام، از اسلام تا حمله مغول و از حمله مغول تا عصر کنونی مورد بررسی قرار داده است

۱۳ مکتب فلسفی - عرفانی زرتشتی بر مبنای اصالت زمان

ویژگی اثر: چاپ گوته،

۱۴ نماز در فرهنگ دوم

ویژگی اثر: مرکز تحقیقات، مطالعات... صدا و سیمای جمهوری اسلامی،

۱۵ هاله انسانی و رنگ های کوکبی

ویژگی اثر: (ترجمه) انتشارات گوتنبرگ، منابع زندگینامه: <http://www.iranologyfo.com>

جلالی، بیژن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

بیژن جلالی شاعر معاصر در اول آذرماه سال ۱۳۰۶ خورشیدی، در تهران به دنیا آمد. وی از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۱ چند ماهی در رشته‌ی فیزیک دانشگاه تهران و چند سال در رشته علوم طبیعی دانشگاه‌های تولز و پاریس درس خواند. البته همه آنها نیمه‌کاره ماند زیرا علاقه به شعر و ادب، مسائل فکری و ادبی و گشت و گذار آزاد در زمینه‌های فلسفه، هنر و ادبیات، او را از انضباط و نظم درس خواندن دور کرد. از این شاعر چندین کتاب و مجموعه شعر به یادگار مانده است. وی در روز آدینه ۲۴ دی ماه ۱۳۷۸، در هفتاد و دو سالگی، زندگی را بدرود گفت.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: شعر

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: بیژن جلالی در آخرین شب آبان‌ماه ۱۳۰۶ به عبارتی، اول آذرماه سال ۱۳۰۶ خورشیدی، در تهران به دنیا آمد.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: بیژن جلالی از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۱ چند ماهی در رشته‌ی فیزیک دانشگاه تهران و چند سال در رشته علوم طبیعی دانشگاه‌های تولز و پاریس درس خواند. البته همه آنها نیمه‌کاره ماند زیرا علاقه به شعر و ادب، مسائل فکری و ادبی و گشت و گذار آزاد در زمینه‌های فلسفه، هنر و ادبیات، او را از انضباط و نظم درس خواندن دور کرد. در بازگشت، در رشته زبان و ادبیات فرانسوی دانشگاه تهران، نام نوشت. دوره لیسانس را به پایان برد و از سال ۱۳۲۵ تا مدتی، به کارهای گونه‌گونی پرداخت همسر و فرزندان: بیژن جلالی، ازدواج نکرد زندگی‌اش در سکوت و با آرامش و تلالویی خاص ادامه داشت زمان و علت فوت: بیژن جلالی چند روزی پس از نیمه آذرماه، دچار سکته مغزی شد که بیش از یک ماه را در اغما گذراند و در روز آدینه ۲۴ دی ماه ۱۳۷۸، در هفتاد و دو سالگی، زندگی را بدرود گفت.

فعالیت‌های آموزشی: بیژن جلالی در دبیرستان‌ها انگلیسی درس داد چندی هم مسئول آزمایشگاه دبیرستان ایرانشهر بود. زمانی هم در موزه مردم‌شناسی وزارت فرهنگ به کار پرداخت، چون دوره مردم‌شناسی را در موزه مردم‌شناسی پاریس گذرانده بود سرانجام به کار در شرکت فرانسوی آنتروپوز مشغول شد و با استفاده از بورس این شرکت، یک دوره اقتصاد نفت را در پاریس به

پایان برد، کار اداری رسمی را در شرکت نفت و شرکت پتروشیمی پی گرفت و در سال ۱۳۵۹ بازنشسته شد. علاقه به شعر و ادبیات، فلسفه، فکر و عرفان، زندگی در محیط فرهنگی خاندان هدایت، گفت و گو با دایی‌اش صادق هدایت و تاثیرپذیری از او و اقامت پنج‌ساله دوره جوانی در فرانسه، پیوندهایی میان جلالی و نوشتن به وجود آورد - گاه به فارسی، گاه به فرانسوی. البته ابتدا آنها را جدی نمی‌گرفت، اما پس از اینکه به ایران بازگشت و توانست با فراغ بیشتری بخواند، بیندیشد و بنویسد، تامل‌های شاعرانه‌اش نظم گرفت و توانست از ادای معانی ذهنی خود برآید. او از آغاز دهه ۱۳۴۰ این تامل‌ها را به نشر سپرد. سروده‌هایش، در مجموع با تلقی مثبت و گشاده‌روییانه‌ای از اهل شعر و ادب معاصر رو به رو شد، هرچند شعرهایش همه سپید بود و به نسبت همسالانش، تا حدی دیر به انتشار آنها پرداخت.

آرا و گرایشهای خاص: بسیاری از منتقدان، نگرش «جلالی» در شعرهایش را نگرشی «اشراقی» دانسته‌اند و خود او در مورد مضمون شعرهایش گفته است: «در شعرهای من نوعی گفت و گو دنبال شده، گاه با خداوند، گاه با جهان، گاه با طبیعت. از این جهت، همیشه این نوشته‌ها یک روی تاریک و یک روی روشن دارند. زمینه مشترک آنها ادامه نوعی اندیشه است. یعنی اندیشه و فکری را بیان می‌کنند یا زمینه را در ما برای ایجاد اندیشه فراهم می‌کنند. ولی این گفت و گوها همیشه به صورت نیمه تمام می‌ماند و حدس می‌زنم در خواننده، حالت انتظاری را به وجود می‌آورد. آنها حالت منطقی ظاهری و فرمولی ندارند و بدین جهت، دست و پاگیر خواننده نیستند. بعد از پایان هر قطعه راه برای رشد و ادامه اندیشه باز است.

چگونگی عرضه آثار: بیژن جلالی نخستین شعرهایش را در دهه چهل منتشر کرد که نخستین کتاب شعرش روزها (۱۳۴۱) و آخرین شان «دیدارها» بود که دو سال پس از مرگش منتشر شد. «دیدارها» گزیده‌یی از شعرهایی است که «جلالی» در فاصله سالهای ۷۵ تا ۷۸ (سالی که درگذشت) سروده بود. اکنون شعرهایی از این کتاب را با هم می‌خوانیم. چه امید بخش است سفیدی کاغذ آنگاه که اندوه خود را به او نگفته‌ام دومینیکو اینجینتو - مترجم ایتالیایی - هم برگزیده‌ای از شعرهای جلالی را با عنوان «بیدار» ترجمه کرده است، که از سوی نشر سوی مؤسسه‌ی علوم ترجمه در دانشگاه ناپل با نام اریل اکسپرس به چاپ خواهد رسید. عبدالله طاهر برزنکی گزیده‌ای از شعرهای جلالی را به عربی ترجمه و در لبنان منتشر کرده است. همچنین مریوان حلبچه‌ای گزیده‌ای از شعرهای این شاعر را به همراه دو مصاحبه‌ی او به کردی ترجمه کرده است، که از سوی نشر رخنه چاودیر در کردستان عراق منتشر خواهد شد.

آثار:

۱ آب و آفتاب

ویژگی اثر: (۱۳۶۲)

۲ بازی نور (به انتخاب شاپور بنیاد ۱۳۶۹)

ویژگی اثر: گزینه شعرها

۳ درباره شعر (به انتخاب شاعر ۱۳۷۷)

ویژگی اثر: گزینه شعرها

۴ دل ما و جهان

ویژگی اثر: (۱۳۴۴)

۵ دیدارها (گزینه شعرها از ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۸).

ویژگی اثر: گزینه شعرها

۶ رنگ آب‌ها

ویژگی اثر: ۱۳۵۰

۷ روزانه‌ها

ویژگی اثر: (۱۳۷۳)

۸ روزها

ویژگی اثر: ۱۳۴۱

جلالی، عباس

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عباس جلالی

محل تولد: روستای جواران کرمان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۲ هجری شمسی به شهرستان سیرجان یکی از شهرهای استان کرمان مهاجرت و پس از فراگیری مقدمات در سال ۱۳۵۵ هجری شمسی وارد حوزه مقدسه قم شد و با شرکت در دروس اساتیدی چون مرحوم مدرس افغانی، مرحوم عرفانیان، استاد باکوئی، مرحوم وجدانی فخر، مرحوم ستوده، آیت ... فاضل لنکرانی و بالاخره آیت ... وحید خراسانی، به تحصیل علوم حوزوی پرداخت.

در کنار دروس حوزوی به دلیل اشتیاق فراوان نسبت به فراگیری زبان عربی روز، در سال ۱۳۶۳ هجری شمسی در محضر اساتیدی چون: دکتر ابو یاسر، دکتر ابو حارث، استاد کورانی لبنانی، زبان عربی را آموخت و پس از چندی به فراگیری زبان انگلیسی نیز همت گماشت که به اخذ پایان نامه عالی از هر دو زبان نائل شد. از همان آغاز، به ترجمه متون عربی علاقه فراوان داشت از این رو، از مقالات آسان مجله کودکان «الهدی» شروع نموده و رفته رفته وارد متون دشوارتر شد و در موضوعات گوناگون به ترجمه عربی جدید پرداخت.

در همین راستا جهت تسهیل امر آموزش فضلا و طلاب، ۳ جلد کتاب درسی عربی جدید حوزه به نام «المدخل الی تعلم المکالمه العربیه» با قرائت متن، توسط دو تن از اساتید بزرگ همان مرکز استاد ابو عقیل الحیدری، استاد ابوذر الحکیم، همزمان توسط ایشان به فارسی ترجمه شد که در ۴۵ نوار کاست در واحد صوت و نوارخانه دفتر تبلیغات موجود است. همچنین به دعوت سازمان حج و زیارت، و در جهت تسهیل آموزش و آشنائی مدیران کاروان های آن سازمان به زبان عربی جدید، کتاب «گفتگو» در ۱۲ نوار کاست توسط ایشان ترجمه شده.

جلالی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی عمومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی ایران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۱، فوق تخصص در رشته جراحی عمومی از دانشگاه تمپل شهر فیلادلفیای آمریکا.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحقیقی در زمینه جراحی، طرح در زمینه گاستروآنترولوژی، شناسائی ۴ بیماری نسبتاً نادر در جهان برای اولین بار در ایران، شناسائی یک گیاه دارویی برای اولین بار در ایران، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۵ پایان‌نامه فوق دکترا و تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

فرهنگی، علمی و سیاسی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

کلیه مقالات در زمینه پزشکی، اکثراً در مورد جراحی است.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

جلالی، محسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج سید محسن جلالی بن آیت‌الله آقا سید علی جلالی از مشاهیر علماء و ائمه جماعات کربلاء معلی بوده‌اند. معظم‌له در سامری به دنیا آمده و در بیت علم و تقوی پرورش یافته و به اتفاق والد ماجدش مهاجرت به کربلاء در عصر زعامت و مرجعیت مجاهد بزرگوار عالم ربانی آیت‌الله العظمی آقا میرزا محمد تقی شیرازی نموده و پس از تکمیل مقدمات و سطوح وسطی و نهائی در

رشته‌های معقول و منقول مشرف به نجف اشرف شده و از محضر و دراسات آیت‌الله محقق میرزا حسین نائینی و مرحوم آیت‌الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی فقها و اصولا استفاده نموده تا به مدارج عالیہ اجتهاد رسیده آنگاه به کربلا مراجعت و در سال ۱۳۶۱ در جلسات بحث خصوصی مرحوم آیت‌الله حاج میرزا هادی خراسانی که (ابوالزوجه) ایشان بودند شرکت نموده و در ضمن به تدریس و اقامه جماعت در حرم مطهر حسینی (صبحها) و صحن و حرم حضرت ابوالفضل علیه‌السلام (شبها و ظهرها) پرداخته تا روز اربعین (۲۰ صفر) ۱۳۹۱ قمری از دنیا رفته و طبق وصیتش جنازه‌اش را بعد از تجلیل و تشییع فراوان حمل به نجف اشرف و در جوار امیرالمومنین علیه‌السلام به خاک سپردند.

مترجم گوید: مرحوم آیت‌الله جلالی عالمی مہذب و پارسا و متحلی به اخلاق حسنه و در زهد و ورع در عصر خود کم نظیر و نسبت به مستمندان رحیم و دلسوز و حتی المقدور در مساعدت به ایشان کوتاهی نمی‌کرد. دارای آثار ارزنده بوده که فهرست آنها را می‌نگارم.

۱- حاشیه بر کفایه.

۲- تنبیه الامه الی احادیث الائمہ.

۳- المنتخب من الاحادیث و الخطب.

۴- مصباح الہدی فی اصول دین المصطفی.

۵- حقیقہ التناسخ و ابطالہ فی الفلسفہ.

۶- تقریرات دروس اساتیدش در فقه و اصول.

گذشته از آثار علمی دارای پنج فرزند فاضل و صالح می‌باشند که اسامی آنان را یاد می‌نمایم.

۱- حجت‌الاسلام آقا سید محمد تقی جلالی.

۲- حجت‌الاسلام آقا سید محمد حسین جلالی.

۳- حجت‌الاسلام آقا سید محمدرضا جلالی.

۴- حجت‌الاسلام آقا سید محمد جلالی.

۵- آقا سید محمد جواد جلالی.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

جلایر، طهمورث

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: انگل‌شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.

بر گرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

جلوه، ابوالحسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۴ - ۱۲۳۸ ق)، فیلسوف، حکیم مشائی و شاعر، متخلص به جلوه. معروف به میرزای جلوه. در احمدآباد گجرات متولد شد. در خاندان دوستدار علم و ادب پرورش یافت. پدرش از شعرای عهد فتحعلی شاه قاجار بود و مظهر تخلص می‌کرد. اصل او از مردم نائین است. جد اعلای وی سید الحکما میرزا رفیع‌الدین نائینی، استاد علامه مجلسی است. جلوه تحصیلات خود را در اصفهان گذراند و در مدرسه‌ی کاسه‌گران به تحصیل حکمت و فلسفه پرداخت. بعد از فراغت از مقدمات به تحصیل فنون علوم معقول از طبیعی و ریاضی، خاصه الهی مشغول شد. پس به تهران آمد و در مدرسه‌ی دارالشفا سکنی گزید و مدت چهل و یک سال در آنجا تدریس کرد. یکبار نیز با امیرنظام گروسی به تبریز رفت. وی سراسر عمر مجرد زیست. از آثار وی: «دیوان» اشعار؛ «رساله در تاریخ صوفیه»؛ «اثبات الحركة الجوهریه»؛ «حاشیه شرح ملخص چغمینی»؛ «حاشیه شرح هدایه اثیری»؛ «حاشیه علی المشاعر»؛ «الربط الحادث بالقديم» و «حاشیه فائده فی تحقیق حركة الجوهر».[۱]

(بخش ۱) (میرزا) ابوالحسن بن سید محمد طباطبائی از مردم نائین (و. احمدآباد گجرات (هند) ۱۲۳۸ - ف. ۱۳۱۴ ه.ق.). وی به اتفاق خانواده خود (که ایرانی بود) به ایران آمد و پس از توقف در اصفهان و فراگرفتن حکمت اسلامی و فلسفه شرق به تهران شد و مقرب دربار ناصرالدین شاه قاجار گردید. جلوه علاوه بر تبحر در حکمت اسلامی طبع شعر نیز داشته و دیوان اشعار او چاپ شده. از آثار علمی او حواشی بر کتاب اسفار تألیف صدرالدین شیرازی در حکمت است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه [۱] ادبیات معاصر (۴۰ - ۳۸)، الذریعه (۱۳۴/۱۱، ۲۰۲/۹، ۱۳۸، ۱۲۶، ۶/ ۱۲۶، ۸۹/۱)، ریحانه (۴۲۰ - ۴۱۹/۱)، سخنوران نامی معاصر (۹۹۷ - ۹۹۴/۲)، شرح حال رجال (۴۱ - ۴۰/۱)، علماء معاصرین (۳۷۹ - ۳۷۵)، الکنی والالقباب (۴۹/۱)، المآثر والآثار (۱۶۱ - ۱۶۰)، مؤلفین کتب چاپی (۱۴۹ - ۱۴۶/۱)، نامه‌ی دانشوران (۳۷ - ۳۱/۳)، یادگار (س ۳، ش ۳، ص ۲۹ - ۲۸).

جلیلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ مصطفی بن العالم الجلیل آقا شیخ مرتضی جلیلی کرمانشاهی از علماء اعلام و حجج اسلام و دانشمندان با متانت و وقار حوزه علمیه قم است که صبحها در مسجد موزه آستانه مقدسه فاطمیه علیهاسلام اقامه جماعت دارند و در هنگام مسافرت آیت‌الله العظمی شریعتمداری به جای ایشان در همان محل امامت و نیابت می‌نمایند. در ذی‌القعده الحرام در سال ۱۳۱۹ ق در کرمانشاه متولد و در مهد تربیت والد ماجد نشو و نما یافته و مقدمات و سطوح اولیه را در کرمانشاه دیده و در سن بیست سالگی مشرف به نجف اشرف و مدت ده سالی تقریباً توقف نموده و سطوح عالی را از مدرسین نجف آموخته و در سال ۱۳۴۸ ق به قم مهاجرت و مدت هفت سالی از مجلس درس آن مرحوم و سایر علماء استفاده نموده و هم مدت بیست سال از اباحت فقه و اصول مرحوم آیت‌الله حجت و پانزده سال از دروس مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی بهره‌مند شده و هم ضمناً تدریس فقه و اصول نموده است.

آیات عظام گذشته قم و نجف اشرف مراتب علمی و اجتهاد معظم‌له را تصدیق نموده و اجازاتی که به نظر این مؤلف رسیده است برای آن جناب صادر فرموده‌اند و حقا ایشان واجد مقام علم و کمالات نفسانی و ملکات معنوی و از افراد موفق می‌باشد.

آثار علمی ایشان که حقیر دیده‌ام به قرار زیر است:

- ۱- رساله قاعده لاضرر که تقریرات درس مرحوم آیت‌الله حجت است.
 ۲- حواشی بر کفایه الاصول ۳- حواشی بر جواهر الکلام ۴- حواشی بر عروه الوثقی . ۴- حواشی بر منظومه سبزواری.
 برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

جلیلی کرمانشاهی، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شاعر، ادیب.

تولد: ۱۲۹۸، کرمانشاه.

درگذشت: ۳۰ آبان ۱۳۵۸.

محمدحسین جلیلی کرمانشاهی متخلص به «بیدار»، فرزند آیت‌الله هادی کرمانشاهی رییس حوزه‌ی علمیه‌ی کرمانشاه ابتدا چند سالی در مدارس همان شهر به تحصیل علوم جدید اشتغال داشت و به اقتضای خانوادگی نزد پدر و علامه حیدرقلی خان سردار کابل و آزاد همدانی به تحصیل علوم مذهبی اسلامی پرداخت و ادبیات عرب و حدیث و فلسفه و فقه را فراگرفت. و سپس برای تکمیل مطالعات خود در سال ۱۳۱۸ به تهران آمد و در دانشکده‌ی علوم معقول و منقول ثبت نام نمود و این رشته را تا اخذ لیسانس از آن دانشکده در سال ۱۳۲۲ ادامه داد. پس از آن به کرمانشاه بازگشت. ابتدا در یکی از شعب بانک ملی ایران به کار پرداخت اما بعد از مدتی استعفا داد. به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و به تدریس ادبیات در دبیرستان‌ها اشتغال ورزید.

از آثار اوست: کرمانشاهان باستان (با همکاری دکتر مسعود گلزاری)، اباکار الافکار، تاریخ ایل و طایفه زنگنه، تاریخچه‌ی اوقاف در کرمانشاه، تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا مشروطیت، یک دوره صرف و نحو و دستور زبان فارسی، ترجمه زبده النصره و نخبه العصرة، تألیف بنداری اصفهانی که در سال ۱۳۶۵ به نام تاریخ سلسله‌ی سلجوقی از طرف انتشارات بنیاد فرهنگ ایران طبع و نشر شد. دیوان اشعارش را یدالله عاطفی جمع‌آوری و با مقدمه‌ی غلامرضا کیوان سمیعی به چاپ رسانید و چند اثر دیگر که به چاپ نرسیده است.

محمدحسین جلیلی کرمانشاهی در سال ۱۳۵۸ به بیماری سرطان مثانه بدروود حیات گفت و در بهشت زهرای تهران به خاک سپرده شد.

محمدحسین جلیلی متخلص به بیدار فرزند مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدهادی کرمانشاهی از ادباء و فضلاء معاصر کرمانشاه است.

وی در سال ۱۲۹۸ شمسی در کرمانشاه متولد شده مقدمات و ادبیات و سطوح عالیه را در کرمانشاه از محضر والد معظم خود و آقای آیت‌الله حاج شیخ حسن علامی و مرحوم سردار کابلی فراگرفته و در علوم جدید فارغ‌التحصیل از دانشکده حقوق می‌باشد. بیدار شاعری فرزانه و ادیبی کم‌نظیر است.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

جلیلی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روانپزشکی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

بورد تخصصی روانپزشکی از مرکز روانپزشکی رازی در سال ۱۳۵۲، گذراندن دوره آموزشی یک ساله الکتروآنسفالوگرافی در کشور آمریکا.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه آزاد ایران در سال ۱۳۵۵، دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اپیدمیولوژی بیماریهای روانی، خلاقیت و بیماریهای روانی، اعتیاد، افسردگی، بیماریهای روانی ناشی از جنگ، استاد راهنمای ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

روانپزشکی عمومی، افسردگی، پسیکوپاتولوژی، الکتروآنسفالوگرافی و دستگاه عصبی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۹۷، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

روانپزشکی عمومی، اپیدمیولوژی، الکتروآنسفالوگرافی، بیماریهای حلقی، بیماریهای روانی ناشی از جنگ، صرع و داروهای روانگرا.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

جلیلی، شجاع‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شجاع‌الدین ابن حجة الاسلام حاج شیخ بهاء‌الدین (معروف به نظام‌العلماء) بن مرحوم آیت حاج شیخ محمدصالح جلیلی کرمانشاهی از علماء اعیان و مشهور استان کرمانشاه و عالمی متین و باوقار و اخلاقی بودند.

تولدشان در سال ۱۳۱۸ ق در شهر کرمانشاه واقع شده و پس از گذراندن دوران کودکی در دامن والد ماجدش خدمت مرحوم آقا شیخ حسن کربلایی و آقا شیخ احمد نجفی کرمانشاهی مقدمات و سطوح را به پایان رسانیده و در سال ۱۳۳۹ عزیمت به نجف اشرف نموده و از دراسات فقه آیت‌الله العظمی اصفهانی و اصول آیت‌الله آقا ضیاء‌الدین عراقی و حکمت و معقول را خدمت عالم

جلیل مرحوم آقا شیخ مرتضی طالقانی که یکی از اوتاد و زهاد عصر خود بود استفاده نموده‌اند.

و بعد از پنج سال اقامت و مجاورت به واسطه اغتشاش اوضاع عراق و تبعید آیات عظام نجف به ایران اجباراً به وطن خود برگشته و مدت یکسال توقف و در خلال آن مشرف به مکه شده و بعد از مراجعت به قم آمده و از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی حایری یزدی و آیت‌الله یثربی و آیت‌الله حاج شیخ ابوالقاسم اصفهانی مدت یک سال بهره‌مند گردیده.

و در سال ۱۳۴۶ مجدداً به نجف مهاجرت تا سال ۱۳۵۰ توقف و از محضر آیتین اصفهانی و عراقی مستفیض شده و پس از رسیدن به مقام شامخ اجتهاد و دریافت اجازه به کرمانشاه بازگشته و به انجام وظایف دینی و روحی از قبیل اقامه جماعت و تعلیم و تربیت عده‌ای از محصلین کرمانشاه نموده و در سال ۱۳۸۵ ق اقدام به تأسیس مدرسه علمیه (عمادالدوله) که تا هم‌اکنون از مدارس دائر کرمانشاه و در تحت سرپرستی فرزند برومندش حاج آقا حسام‌الدین اداره می‌گردد.

وی در روز یکشنبه دوم ربیع‌الثانی ۱۳۹۳ ق دار فانی را وداع گفته و با تجلیل فراوان تشییع و حمل به قم گردیده و در آنجا نیز عموم مراجع و آیات عظام و حوزه علمیه تشییع نموده و در مقبره فاطمیه بین مسجد اعظم و صحن عتیق مدفون گردیدند. دارای آثار قلمی چندیست که به آن اشاره می‌گردد.

۱- تقریرات دوره کامل فقه آیت‌الله اصفهانی به نام (درالفقیهه) ۲- دوره کامل اصول آقا ضیاءالدین عراقی بنام (درالنجفیه) ۳- رساله‌ای در لاضرر ۴- کتابی در توحید ۵- کتابی در اثبات امامت و ولایت ۶- مجموعه‌ای در تمام مجالس منبر آن مرحوم در ماه مبارک رمضان و دهه عاشوراء
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

جلیلی، عبدالرحیم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ عبدالرحیم بن عبدالرحمن بن عبدالاحد بن عبدالجلیل معروفترین شخصیت‌های خانواده جلیلی مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالرحیم کرمانشاهی است وی از اعظام فقها و مراجع تقلید دوره ناصری محسوب بوده و در سال ۱۲۳۲ هجری قمری در کرمانشاه متولد شده علوم مقدماتی و سطوح را در کرمانشاه فرا گرفته و مدتی در بروجرد از محضر فقیه ملا اسدالله بروجردی کسب فیض کرده سپس برای تکمیل تحصیل به نجف اشرف مشرف گردیده مرحوم شیخ عبدالرحیم غالب تحصیلات عالی خود را در خدمت مرحوم شیخ حسن بن شیخ جعفر کاشف‌الغطاء مؤلف کتاب انوارالفقاهه انجام داده پس از مرحوم شیخ حسن از محضر درس مرحوم صاحب جواهر مستفیض گردیده و از بزرگان اساتید مانند صاحب جواهر و شیخ علی کاشف‌الغطاء و سید علینقلی کربلائی و سید علی صاحب برهان قاطع باخذ اجازه اجتهاد نائل آمده مرحوم حاج شیخ عبدالرحیم مرجع تقلید مردم کرمانشاه بوده و منصب قضاء و حل و فصل دعاوی اهالی را به عهده داشته حدود سی جلد کتاب و رسائل مختلف در فقه و اصول از خود به یادگار گذاشته که مهمترین آنها عبارتند از: کشف‌الاسرار در شرح دره بحرالعلوم- لمعات الانوار در مقدمات صلوة- کتاب البیع- کتاب الاجاره- مجمع‌المسائل- دقایق‌الاصول- رساله درر با رساله در استعمال اوانی ذهب و فضه- اثنی عشریه در حل مشکلات اخبار و احادیث- رساله در کیفیت زیارت عاشورا- کتاب سرالاسرار در وقایع جانگداز طف مرحوم علامه سید محسن عاملی در کتاب اعیان‌الشیعه در جزو ۳۷ صفحه ۱۲۷ شرح احوالات حاج شیخ عبدالرحیم مفصلاً اشاره نموده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

جلیلی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد بن عبدالجلیل در معقول و منقول صاحب نظر بوده و دارای تألیفاتی چون شرح اصول کافی است حاج آقا محمد شکسته نستعلیق را خوش می‌نوشته و کتب بسیاری به خط خوش خود استکتاب کرده است حاج آقا محمد به عربی و فارسی شعر می‌سروده و بارق تخلص می‌کرده در سال ۱۲۸۱ قمری در کرمانشاه فوت نموده و جنازه او را به نجف اشرف برده و در وادی السلام مدفون شد

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

جلیلی، محمدهادی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدهادی بن شیخ عبدالرحیم - حاج شیخ محمدهادی جلیلی کرمانشاهی در سال ۱۲۸۸ قمری در کرمانشاه دیده به جهان گشوده تحصیلات مقدماتی و سطوح را طبق معمول آن زمان در زادگاه خود فراگرفت و در سال ۱۳۰۸ ق برای تکمیل تحصیلات خود به نجف اشرف عزیمت نمود و در نجف اشرف به حلقه درس غالب بزرگان عصر چون میرزا حبیب‌الله رشتی و حاج شیخ هادی تهرانی و سید محمد بحرالعلوم صاحب بلعه‌الفقیه راه یافت و سرانجام در ملازم درس مرحوم آیت‌الله آخوند ملا - محمد کاظم خراسانی گردید مرحوم حاج شیخ محمدهادی پس از نیل به مقام منبع مرجعیت و دریافت اجازات متعدد از اساتید خود به زادگاه اصلی خویش کرمانشاه مراجعت نموده و تا قبل از تشکیل دادگستری به قضاوت شرعی و حل و فصل امور مردم اشتغال داشت مرحوم آیت‌الله جلیلی بر حسب تقاضای مرحوم آیت‌الله اصفهانی حوزه علمیه کرمانشاه را تأسیس نمود و به تربیت طلاب علوم دینی همت گماشت تدریس بحث خارج و اداره امور طلاب را بعهدہ گرفت تا اواخر عمر شریف خود به تدریس و تألیف کتب فقهی و اصولی اشتغال داشت تألیفات مغفور له بالغ بر بیست مجلد کتاب و رساله است که مهمترین آنها عبارتند از تتمیم کشف‌الاسرار: در این کتاب مرحوم والد ماجدشان دره بحرالعلوم را شرح نموده و قبل از اتمام فوت نموده مرحوم حاج شیخ محمدهادی از مصرع (و سن فیها لحد موسع) تا آخر منظومه را شرح نموده و فصولی در احکام نماز جماعت بر آن افزود.

دیگر از تألیفات ایشان کتاب الطهاره - کتاب القضاء - رساله در مزارعه و مساقات - کتاب الطلاق - رساله در مشتق - رساله در برائت - رساله در حجیت ظن - رساله در میراث زوجه - رساله در اجتماع امر و نهی - رساله در تعادل و تراجیح رساله در مسئله ضد - کتاب القضاء - می‌باشد مرحوم شیخ محمدهادی رئیس مطاع و دارای محبوبیتی خاص در بین اهالی کرمانشاه و اطراف آن بود، نه تنها مورد اعتماد و احترام مسلمانان بودند بلکه اقلیت‌های مذهبی هم به ایشان ارادت می‌ورزیدند مرحوم آیت‌الله جلیلی در سال ۱۳۷۵ قمری در ماه مبارک رمضان در حال اداء فریضه ظهر در نجف اشرف به رحمت ایزدی پیوستند و در وادی السلام دفن شدند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

جلیلی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشکده: هیات و معارف اسلامی، دانشگاه: فردوسی مشهد
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

جمادی، سیاوش

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سیاوش جمادی، بهمن ۱۳۳۰ در تهران به دنیا آمد. وی پس از طی تحصیلات مقدماتی به دانشکده حقوق دانشگاه تهران وارد شد و مدرک کارشناسی رشته حقوق را در سال ۱۳۵۳ و کارشناسی ارشد خود را در ادبیات انگلیسی و فلسفه غرب، از دانشگاه علامه طباطبایی را در سال ۱۳۵۵ دریافت کرد. سیاوش جمادی، تاکنون ۱۰ عنوان کتاب و مقاله را تالیف و ترجمه کرده است. کتاب "زمینه و زمانه پدیدار شناسی" تالیف سیاوش جمادی، در سال ۱۳۸۶ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای: سیاوش جمادی دوره ابتدایی و تحصیلات متوسطه خود را در جهرم و شیراز گذراند و در سال ۱۳۴۹ پس از اخذ مدرک دیپلم در رشته طبیعی، به دانشکده حقوق دانشگاه تهران وارد شد و مدرک کارشناسی خود را در سال ۱۳۵۳ اخذ کرد. جمادی، در سال ۱۳۵۵ مدرک کارشناسی ارشد خود را در ادبیات انگلیسی و فلسفه غرب، از دانشگاه علامه طباطبایی دریافت کرد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سیاوش جمادی حدود ۱۳ سال به عنوان مشاور حقوقی در شهرداری تهران خدمت نموده است و پس از آن به هیچ کار دولتی اشتغال نداشته و زندگی خود را از راه تدریس و تألیف و ترجمه گذرانده است.

جوایز و نشانها: کتاب "زمینه و زمانه پدیدار شناسی" تالیف سیاوش جمادی، در سال ۱۳۸۶ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد برگزیده شد. همچنین کتاب "سیری در جهان کافکا" تالیف وی در دوره بیست و دوم کتاب سال معرفی و برگزیده شده است.

چگونگی عرضه آثار: از سیاوش جمادی، تاکنون ۱۰ عنوان کتاب و مقاله، تالیف و ترجمه شده است. مقاله‌های وی، عموماً در نشریاتی چون همشهری، شرق، اعتماد، فصلنامه خوانش، خردنامه و... به چاپ رسیده‌اند.

آثار:

۱ پاورقی و نقد کتاب در مطبوعات از جمله: پاورقی «خشت اول» (فلسفه به زبان ساده) در همشهری، نقد و تفسیر «کیفر آتش» (الیاس کانتی)، «ترس و لرز» (کی یرکگور)، «یادداشت‌های زیر زمینی» (داستایفسکی) و غیره در فصلنامه خوانش، «طرح، روش و

- مضامین هستی و زمان» و «گذار پدیدار شناسی: شرح اندیشه‌های امانوئل لویناس» در کتاب ماه فلسفه و مقالاتی در خردنامه، همشهری، شرق، اعتماد
- ویژگی اثر: در دست ترجمه
- ۲ تئوری زیبایی شناسی، از تئودور آدرنو
- ویژگی اثر: در دست ترجمه
- ۳ چه باشد آنچه گویندش تفکر، از مارتین هایدگر
- ویژگی اثر: در دست چاپ
- ۴ داستان عامه‌پسند: فیلمنامه کویتین تاراتینو
- ویژگی اثر: (ترجمه از انگلیسی)
- ۵ زبان اصالت در ایدئولوژی آلمانی
- ویژگی اثر: اثر تئودور آدرلو (۱۳۸۵)
- ۶ زمینه و زمانه پدیدارشناسی
- ویژگی اثر: (تالیف) ۱۳۸۵. برنده بیست و پنجمین دوره کتاب سال در فلسفه. این کتاب در سال ۱۳۸۶ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.
- ۷ سیری در جهان کافکا
- ویژگی اثر: تالیف: برنده کتاب سال ادبیات در بیست و دومین دوره (۱۳۸۲) آشنایی با کتاب: سیری در جهان کافکا سیری در جهان کافکا / سیاوش جمادی. - تهران: ققنوس، ۱۳۸۲. ۳۳۵ ص: - مصور کتابنامه؛ ۳۲۵ - ۳۳۰؛ همچنین به صورت زیرنویس. کافکا بی‌شک یکی از اثرگذارترین نویسندگان قرن بیستم است که در حوزه‌های مختلف ادبیات، نقد ادبی و فلسفه تأثیر قابل توجهی داشته است. شناخت عمیق و آزادمنشانه و رویارویی جدی با اندیشمندان بزرگ این قرن صرفاً ضرورتی که مبتنی بر انتخاب ما باشد، نیست بلکه فراتر از نیاز و ضرورت است، این اندیشمندان خود را بر تفکر زمانه ما تحمیل کرده‌اند و ما باید شناختی همه‌جانبه و محققانه از آنها داشته باشیم. نویسنده کتاب سیری در جهان کافکا با چنین دیدی به سراغ تحلیل و بررسی اندیشه و هنر کافکا رفته و با مطالعه دقیق آثار او و مهمترین کتابهایی که درباره او و تفکرش نوشته شده است، تصویری گویا، روشن و جامع از او به دست داده است. زبان عالمانه و در عین حال رسای کتاب و تسلط قابل توجه نویسنده بر ذهن و زبان کافکا، این کتاب را در زمره یکی از موفق‌ترین آثاری که نویسندگان ایرانی مستقلاً درباره متفکران و هنرمندان مغرب زمین نگاشته‌اند در آورده است. کتاب در دو بخش تنظیم شده است. در بخش نخست نویسنده درباره بیماری و هنر کافکا، پیوند جنون با مضمون و سبک هنر او، جنگ نفسانی در جهان کافکا و پیوند هنر و زندگی کافکا سخن گفته است و در بخش دوم که به تفسیر دینی جهان کافکا اختصاص دارد، به این مضامین پرداخته می‌شود که تا چه حد می‌توان در آثار کافکا نمادها یا استعاره‌هایی یافت که نفیاً یا اثباتاً به الوهیت و مابعد الطبیعه اشاره‌ای داشته باشند. کندوکاو در اینکه تا چه حد کافکا و ادبیات او به یهودیت و مسیحیت رسمی التفات دارد از مضامین مهم آن است. در این بخش سعی شده است تا از طریق نوعی همداستانی با جهان کافکا، به مدد نوشته‌های خصوصی و ادبی او، اعتبار آرای مفسرانی که در انتساب مقاصد نهفته در آثار کافکا به مضامین یهودیت و فرقه‌های عرفانی مربوط به آن اصرار می‌ورزند، بررسی شود
- ۸ سینما و زمان، همراه با فیلمنامه داستان عامه‌پسند از کویتین تاراتینو (۱۳۷۷)
- ویژگی اثر: ترجمه و تالیف

۹ متافیزیک چیست؟

ویژگی اثر: اثر مارتین هایدگر (۱۳۸۳) تشویق شده در بیست و سومین دوره کتاب سال در رشته فلسفه غرب (ترجمه همراه با شرح آرای هایدگر)

۱۰ نامه‌هایی به میلنا از فرانتس کافکا (۱۳۷۸)

ویژگی اثر: ترجمه

۱۱ نقد و تفسیر آن، از فرانتس کافکا

ویژگی اثر: در دست چاپ

۱۲ نیچه

ویژگی اثر: در آمدی به فهم فلسفه ورزی او. اثر کارل یاسپرس (۱۳۸۳)

۱۳ هایدگر و سیاست، اثر میگل دیستگی (۱۳۸۱)

۱۴ هستی و زمان اثر مارتین هایدگر (۱۳۸۶)

ویژگی اثر: ترجمه

۱۵ یادبود ایوب در جهان کافکا (همراه با آثاری از کافکا)

ویژگی اثر: ترجمه و تالیف (۱۳۷۹)

منابع:

www.ketabesal.ir <http://www.ibna.ir/vdcccxiqs.ybqe.0.laa2.html>

جمال، اشرف السادات

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

دکتر اشرف السادات جمال در سال ۱۳۳۳ در شهرستان کاشان متولد شد. وی تحصیلات عالی خود را در سال ۱۳۴۹ در رشته پزشکی دانشکده پزشکی دانشگاه اصفهان آغاز کرد و در سال ۱۳۵۶ فارغ‌التحصیل شد. وی در سال ۱۳۶۶ موفق به اخذ درجه تخصصی در رشته زنان و زایمان از دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران گردید. سپس تحصیلات فلوشیپ خود را در رشته پریناتولوژی دانشگاه کینگ- کالج (لندن- انگلستان) در سال ۱۳۷۴ به پایان رساند. ایشان هم اکنون به عنوان عضو هیئت علمی و دانشیار گروه زنان و زایمان در بخش پره ناتالوژی در بیمارستان شریعتی (وابسته به دانشکده پزشکی دانشگاه تهران) مشغول به کار می‌باشند. گروه: علوم پزشکی رشته: زنان و زایمانگرایش: پریناتولوژی تحصیلات رسمی و حرفه ای: اشرف السادات جمال تحصیلات ابتدایی را در دبستان فاطمه زهرا و تحصیلات متوسطه را در دبیرستان فاطمه الزهرا طی نمود و در سال ۱۳۴۹ موفق به اخذ مدرک دیپلم گردید. تحصیلات عالی خود را در سال ۱۳۴۹ در رشته پزشکی دانشکده پزشکی دانشگاه اصفهان آغاز کرد و در سال ۱۳۵۶ فارغ‌التحصیل شد. وی در سال ۱۳۶۶ موفق به اخذ درجه تخصصی در رشته زنان و زایمان از دانشکده پزشکی

دانشگاه علوم پزشکی تهران گردید. سپس تحصیلات فلوشیپ خود را در رشته پریناتولوژی دانشگاه کینگ - کالج (لندن - انگلستان) در سال ۱۳۷۴ به پایان رساند. وی دوره‌های تکمیلی سونوگرافی زنان و مامایی و فلوشیپ پریناتولوژی کوتاه مدت را در بخش رادیولوژی بیمارستان میرزا کوچک خان دانشگاه علوم پزشکی تهران و کالج لندن (کشور ایران و انگلستان) گذراند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سمت های اجرائی و مدیریت اشرف السادات جمال (از گذشته تاکنون) به قرار زیر است: ۱- مسئول گروه پریناتولوژی رشته زنان و زایمان از سال ۱۳۷۷ تاکنون ۲- کارشناس نظام پزشکی از سال ۱۳۷۵ تاکنون ۳- همکار صدا و سیما جهت فعالیت فرهنگی ارتقا سلامتی زن از سال ۱۳۷۹ تاکنون ۴- عضو شورای پژوهشی گروه زنان از سال ۱۳۷۴ ۵- مدرس بهداشت خانواده و تنظیم خانواده از سال ۷۵-۱۳۷۱ ۶- مسئول کارورزان در آموزش از سال ۱۳۷۰ تاکنون فعالیتهای آموزشی: دکتر جمال عضو هیئت علمی و دانشیار گروه زنان و زایمان در بخش پره ناتالوژی در بیمارستان شریعتی (وابسته به دانشکده پزشکی دانشگاه تهران) است.

آثار: بهداشت بلوغ، ویژه دختران و ویژگی اثر: پدیدآورنده: فروزنده داورپناه، اشرف السادات جمال، معصومه علی محمدیان (مترجم) ناشر: جوانه رشد - ۱۳۸۳

جمال‌الدین ابوالحجاج یوسف

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۴۲ ق)، محدث و عالم دینی. وی معاصر با امیر شیخ حسن چوپانی بود. شیخ جزری در وصف او نوشته: «که بعد از او، مثل او دانشمندی دیده نشده است». از آثار وی کتابی است به نام: «تهذیب الکمال»، در اسماء رجال. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم) منابع زندگینامه: حبيب السیر (۲۳۲ - ۲۳۱ / ۳)، كشف الظنون (۱۵۰۹)، هدیة العارفين (۵۵۷ - ۵۵۶ / ۲).

جمال پور، بهرام

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۳۱۹.

درگذشت: ۱۳۶۷.

از وی کتابی در باب فلسفه و تاریخ تحت عنوان انسان و هستی (تهران، ۱۳۷۱) به جای مانده است. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

جمالی اردستانی، پیر فضل الله

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

پیرفضل الله جمالی اردستانی مشهور به پیرجمالی از شاعران و مولفان و عارفان معروف قرن نهم و بنیانگذار طریقت صوفیانه پیرجمالیه می باشد که اوایل قرن نهم در اردستان متولد شد. و به تحصیل در علوم ادبی پرداخت و از آغاز به سرودن شعر و نگارش نثرهای ادبی علاقه مند شد. و به طریقت سهرورد بر روی آورد و نثر پیر مرتضی اردستانی سالها به سلوک مشغول شد و پس از سیاحت بسیار، طریقت پیرجمالیه را بنیان گذارد و کتب سیاسی را نگاشت که مهمترین آنها درباره تصرف مصباح الارواح و فتح الابواب و حقیقه الاداب و نیز دیوان اشعار وی می باشند. پیرجمالی در سال ۸۷۹ (یا بنا به قولی در ۹۰۱) درگذشت. گروه: علوم انسانی رسته: الهیات و معارف اسلامی گرایش: عرفان اسلامی تحصیلات رسمی و حرفه ای: پیرجمالی از کودکی اصول عرفان و علوم ادبی (شعر و نثر) را به خوبی آموخت. وی پس از سالها سلوک در طریقت سهروردیه طریقت پیرجمالیه را بنیان گذاشت. وی تا پیش از این نزد پیرمرتضی اردستانی به تحصیل و کسب مراتب معنوی مشغول بود و مدتی را نیز در ولایات مختلف به گردش پرداخته بود. فعالیتهای ضمن تحصیل: پیرجمالی از آغاز تحصیل به سرودن شعرهایی می پرداخت و بعدها تخلص جمالی را برای خود برگزید. استادان و مربیان: نسب تعلیم و استادان پیرجمالی به شیخ شهاب الدین سهروردی می رسید. اما استاد بلافصل وی پیرمرتضی اردستانی بوده است. وقایع میانسالی: پیرجمالی بیشتر دوران عمر را به سلوک گذراند و درعین حال به تالیف کتب عرفای و سرودن اشعار و نثرهایی ادبی پرداخت چنانکه سال ۸۶۸ کتاب مصباح الارواح، در سال ۸۷۲ کتاب فتح الابواب را نگاشت. و مدتی را به سیاحت پرداختن و علت فوت: وفات پیرجمالی در سال ۸۷۹ اتفاق افتاد. اما برخی از جمله ادگار بلوشه، اتحال معتقدند که وی در ۹۰۱ ه. ق در گذشته است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: پیرجمالی پیش از تاسیس طریقت پیرجمالیه به درجه ی عرفانی «پیر» (مرشد کامل) دست یافته بود. فعالیتهای آموزشی: پیروان پیرجمالی در مرکز و شرق ایران (بوئزده هرات) پراکنده بودند. مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می آید: جمال الدین فضل الله جمالی اردستانی مؤسس طریقت صوفیانه پیرجمالیه به شمار می رود. شاگردان: پیروان پیرجمالی طریقتی صوفیانه بنام «پیرجمالیه» را تشکیل می دادند. که در قرن نهم در خراسان و هرات رواج داشت. همفکران فرد: در زمینه شعر، غزل عارفانه پیرجمالی در حد اشعار بزرگانی چون قاسم انوار تبریزی، شاه داغی شیرازی و شمس مغربی بوده است. آرا و گرایشهای خاص: پیرجمالی با چند واسطه، شاگرد شیخ شهاب الدین سهروردی بود و احتمالاً طریقتی که پدید آورد، تحت تاثیر طریقت سهروردیه می باشد. آثار: استقامت نامه، بیان الحقایق فی امواد، تنبیه الغافلین، حقیقه الاداب [صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ص ۴۵۵]، دیوان قصاید و غزلیات و رباعیات، رباعیات در شرح منظومه صفوت اهل تحقیق اضل الدین کاشانی، سیر المرسلین یا حقایق احوالی المصطفی و ویژگی اثر: که مثنوی بزرگی است شامل هفت منظومه: ۱- مصباح الارواح (تالیف ۸۶۸) ۲- احکام المجبین، ۳- نهاییه الحکمه ۴- بدایه المحبه ۵- هدایه المعرفه ۶- فتح الابواب (تالیف ۸۷۳) ۷- شرح الواصلین (تالیف ۸۷۶). ۸- فتح الابواب، فرصت نامه، قدرت نامه، کشف الارواح یا یوسف و زلیخا (در تفسیر سوره یوسف)، کلیات، کنزالدقایق و میزان الحقایق، مدح الفقر، مرآت الافراد و ویژگی اثر: (مجموعه ۴۹ رساله) ۱۶ مرآت الحیب، مشکوه المجین، مصباح الارواح، معلومات اسرار القلوب، مفهومات انوار القلوب، مکاتیب [نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ج ۱، صص ۲۴۴-۵ و ج ۲، ص ۷۷۵] و ویژگی اثر: کلیات پیرجمالی شامل چند رساله مرکب از نظم و نثر، مثنویات، ترجیحات، غزلیات و رباعیات. اما مصباح الارواح و فتح الابواب درباره رموز عرفانی و اصول طریقت عرفانی پیرجمالیه است. [صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ص ۴۵۵] رضا قلی خان هدایت وی را از نظر کثرت اشعار صوفیانه پس از شیخ فریدالدین عطار نیشابوری، پرکارترین شاعر صوفی دانسته است. و از کتابهای مشهور وی اشعاری را آورده است. [هدایت، تذکره ریاض العارفین، ص ۷۲] ۲۲ منظومه رو حالقدس، منظومه شرح الکنوز و کشف الرموز (تالیف ۸۶۴)، منظومه محبوب الصدیقین، منظومه مهر افروز

و آفتاب ظلمت سوز، منظومه مهر قلوب، ناظر و منظور، نصره نامه، نور علی نور

منابع زندگینامه: رضا قلی خان هدایت، تذکره ریاض العارفین، به تصحیح مهر علی گرگانی، تهران: کتابفروشی بوذرجمهری، بی تا، ص ۷۲۲، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ص ۴۴۵۳ نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ج ۱، ص ۲۳۵

جمالی، قربان

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قربان جمالی

محل تولد: محمود آباد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب بعد از اخذ دیپلم در رشته علوم تجربی سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه روحیه بابل شدم و در عرض سه سال خوشه چینی از خرمن علم استاد حاج آقا محمدی لمعتین را تمام نموده و در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه قم شدم. دوره عالی سطح حوزه را در ۷ سال به اتمام رساندم و همینطور ۱۰ سال درس خارج فقه و اصول از محضر آیات عظام: فاضل لنکرانی - جوادی آملی - سبحانی و همینطور ۱۲ سال در درس تفسیر استاد جوادی آملی شرکت نموده و بهره‌های علمی فراوانی بردم. در دوره چهار ساله تخصصی تفسیر علوم شرکت نموده و با دفاع از پایان‌نامه با موضوع «تعامل ایمان و عمل در قرآن و سنت» با راهنمایی مرحوم آیت الله معرفت در سال ۱۳۸۱ مدرک سطح ۴ را گرفتم و فعلاً اشتغال به کارهای پژوهشی و نیز تدریس در دانشگاهها می‌باشم. در سطح کارشناسی دوره عمومی در گرایش‌های تفسیر موضوعی قرآن، تاریخ تحلیلی صدر اسلام، اندیشه اسلامی ۱ و ۲ و آیین زندگی را تدریس می‌کنم و در سطح کارشناسی ارشد دروس علوم قرآن ۱ و ۲ و ۳، علم رجال، فق‌الحديث، حدیث شیععه و سنی تدریس می‌کنم که تقریباً ۱۰ ترم تحصیلی تدریس می‌کنم. و همینطور به عنوان عضو کمیته تخصصی گروه راهنمایی و مشاوره و داوری پایان‌نامه‌های ارشد را انجام می‌دهم. و الان نیز راهنمایی و مشاوره چندین پایان‌نامه را در دانشگاه در دست دارم. در باب کتاب و مقالات و پاسخ به شبهات نیز کارهای مختصری انجام دادم. یک کتاب تألیف نمودم و با عنوان «تدبیر معیشت از دیدگاه آیات و روایات» که چاپ شده است. در مقاله با عنوان «تدبیر معیشت از دیدگاه اسلام ۱ و ۲» و مقاله برگزیده اجلاس نماز با عنوان «سیمای اخلاقی نماز گزاران».

جمالی، مصطفی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مصطفی جمالی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱۲/۱

زندگینامه علمی

دوران دبستان و راهنمایی را به خوبی گذرانده و در دوران ابتدایی به جهت هوش و حافظه بالا- دو سال ابتدایی را در یک سال گذرانده و همواره در مدرسه جزو شاگردان خوب بودم. کار علمی جدی بنده از هنرستان کارآموز واقع در منطقه نارمک تهران آغاز شد. در اینجا به جهت فضای حاکم آنوقت که فضای جبهه و جنگ بود در کنار درسهای هنرستان که بنده در رشته برق مشغول به تدریس بودم، به عضو انجمن اسلامی هنرستان در آمده و در سالهای اولیه در کلاس درس اعتقادی و اخلاقی درون انجمن با اساتید و واعظان شهر تهران شرکت می کردم.

در آن ایام در سال سوم و چهارم هنرستان نوعا با دوستان جلسات مباحثه و مطالعات آثار شهید مطهری را داشتیم و از همان ایام به بیان بعضی از مباحث استاد شهید در جلسات می پرداختم. در همان ایام عازم به جبهه شده و در آنجا هم به مطالعات و مباحثات در جمع دوستان مشغول بودم. در سال پایانی هنرستان در کنکور دانشگاه شرکت کرده و قبول شدم و در همان ایام به جهت علاقه به مباحث مذهبی و اعتقادی قصد آمدن به حوزه را هم داشتم. لذا در آن ایام بر اساس ضرورت عمل به وظیفه راه حوزه را انتخاب کرده و با عنایت امام زمان (عج) به سربازی این مکتب جهاد و مبارزه نایل شدم.

در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شده و در مدرسه رضویه مشغول به درس و بحث طلبگی شدم و با داشتن حجره در اتاق مدرسه بصورت محض دروس مقدمات را آغاز نموده و از اساتید متعددی از جمله استاد عرفان، استاد علیدوست، استاد عالمی و دیگر اساتید استفاده کرده ام. در کنار دروس متداول حوزوی به مطالعات بیرونی هم مشغول بوده و در کلاس های جنبی و آزاد همچون کلاس های نهج البلاغه و تفسیر و اخلاق شرکت کرده و از اساتیدی همچون آیت الله مظاهری در اخلاق استفاده نموده و البته در کلاس های خصوصی اخلاق هم شرکت می کردم.

در این ایام با مباحث حضرت استاد حاج آقای صفاری آشنا شده و توفیق شرکت در مجالس این استاد گرانسنگ را پیدا کرده و استفاده های زیادی از مباحث و افکار این استاد بردم. پس از گذراندن دوران مقدمات، دوران سطح حوزه را از اساتید حوزه به خوبی استفاده کرده و دروس لمعه و اصول مرحوم مظفر را پشت سر گذاشته و سپس دروس رسائل و مکاسب و سپس کفایه الاصول را پشت سر گذاشتم و با جدیت در فرا گرفتن مباحث و مباحثه مستمر توانستم به خوبی تمامی دروس سطح را طی کنم.

پس از دروس سطح، وارد درس خارج شده و حدود ۷ سال دروس خارج فقه و اصول را در محضر بزرگانی همچون آیات و حجج اسلام آقایان: وحید خراسانی، تبریزی، جوادی آملی، سبحانی و میرباقری گذرانده و دلیل این تعدد استاد در درس خارج هم به جهت آشنایی با سبک درس این اساتید بود، چرا که معتقد بودم هدف درس خارج آشنایی با شیوه اجتهاد است نه گذراندن یک دوره کامل مباحث فقه و اصول. در کنار درس اصول و فقه به مباحث فلسفه هم پرداخته و در سال ۸۲ به جهت کامل کردن مباحث به دانشکده تربیت مدرس قم رفته و در آنجا با مباحث فلسفی غربی آشنا شده و در رشته فلسفه و کلام مقطع کارشناسی ارشد را گذراندم. از مهمترین فراز زندگی علمی بنده آشنایی با تفکرات دفتر فرهنگستان و مخصوصا استاد بی نظیر حضرت آیت

الله سید منیرالدین حسینی الهاشمی بوده است. بنده به جهت روحیه وظیفه‌مداری با موسسات گوناگون مطرح در قم ارتباط برقرار کرده و پس از سنجش و مقایسه آنان با توجه به نیازمندیهای نظام اسلامی تشخیص دادم که این موسسه به دنبال حل مسائل مهم نظام اسلامی می‌باشد. لذا از سال ۷۱ با این موسسه آشنا و در کلاسهای آموزش آن شرکت کرده و کم‌کم جزو محققین این موسسه شروع به کار کرده و مستقیماً در جلسات مباحث حضرت استاد سید منیر، در موضوعات مختلفی همچون فلسفه، مدل، روش تحقیق، موضوعات کاربردی و ... شرکت و استفاده فراوانی برده‌ام.

البته بنده در کنار کار تحقیقاتی در دفتر فرهنگستان، کارهای علمی و مقالات متعددی در مجلات و همایش‌ها ارائه داده و به تالیف چندین کتاب مبادرت داشته‌ام و در کنار تحقیق به کار تبلیغ و سخنرانی‌های تخصصی در دانشگاه‌ها مشغول می‌باشم.

جمالی، نصرت‌الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نصرت‌الله جمالی

محل تولد: گلپایگان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۴/۱۰

زندگینامه علمی

نصرت‌الله جمالی در خانواده‌ای مذهبی و اهل علم و دانش در روستای ورزنه گلپایگان پرورش یافته و هر روز با صوت دل‌نشین قرائت قرآن پدر از خواب بیدار می‌شد. خانواده او اگر چه روحانی رسمی نبودند ولی نسل اندر نسل اهل قرآن و مکتب رفته‌گذشتگان بوده‌اند و محل مراجعه مردم برای مشکلات علمی و نوشتاری. سال ۱۳۴۲ آغاز مرحله آموزش کلاسیک او بود. قرآن و نوشتن را پیش از آن از پدر مهربان آموخته؛ بعد از اتمام ۹ سال از تحصیل، سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه قم شده و در مدرسه جانی‌خان (جهانگیرخان) ساکن گشت و برای تحصیل به مدرسه آیت‌الله العظمی گلپایگانی می‌رفت با پشتکاری که از خود نشان داد در کلاس دیپلمه‌های این مدرسه وارد شد چند سال را در این مدرسه و بعد در مدرسه رضویه دوران مقدماتی را سپری کرده سپس وارد دروس فقه و اصول موجود در دروس عمومی حوزه شد. در کنار دروس حوزوی دیپلم خود را نیز به طور متفرقه (ثبت نام برای امتحان) گرفت. جریان انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام حرکت تحصیلی را کند کرد و در ایام تبلیغی از سال هزار و سیصد و پنجاه و چهار به سخنرانی و تبلیغ پرداخت. بعد از پیروزی انقلاب در کنار دروس حوزوی دانشگاه شد و رشته زبان و ادبیات عرب را انتخاب کرد که به درس‌های حوزوی لطمه نزنند. بعد از اتمام سطح در دروسهای خارج فقه و اصول، اخلاق و تفسیر و فلسفه شرکت کرد و از اساتیدی چون: مرحوم مدرس افغانی، مرحوم ستوده، مرحوم مشکینی و آقایان دوزدوزانی، محقق داماد، اعتمادی، موسوی تهرانی، موسوی تبریزی، صافی گلپایگانی، سبحانی، وحید خراسانی و ... استفاده کرد. در دانشگاه مورد توجه اساتیدی چون دکتر انوار، دکتر موسوی و دکتر جعفری قرار گرفت و برای دانشجویان هم‌رشته اش نیز مبادی العربیه را مباحثه می‌کرد. او علاوه بر مدارج علمی حوزوی خارج بعد از کارشناسی، در رشته‌ی علوم قرآن و حدیث، نایل به اخذ کارشناسی ارشد

از دانشکده اصول الدین شد و از اساتیدی چون مرحوم معرفت و مرحوم علامه عسکری بهره گرفت و پایان نامه خود را درباره ی « انقراض امت ها در قرآن و نهج البلاغه » ارائه داد با نمره عالی پذیرفته شد. او دارای ۱۰ اثر چاپی که اولین آن : کتاب « سرزمین های اسلامی » چاپ عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۸ که بین ۷ نوشته در همین موضوع ، رتبه ی اول را در هیأت علمی آن نهاد به دست آورد یک سکه طلا برنده شد. این کتاب تا چند سال در ارتش تدریس می شد. بقیه آنها درباره فرهنگ اسلامی است که عبارتند از : «عوامل سقوط حکومت ها در قرآن و نهج البلاغه» ، «اعتکاف» ، «اخلاق تبلیغی» ، «فرازی از سیره تبلیغی امام علی» ، « عقل و عاقل» ، «زن در نهج البلاغه» ، «اندرزنامه» ، «روش گفتمان یا منظره» و آخرین کتاب چاپی او : «روش گفتمان یا جدل و استدلال در قرآن» است که در سال ۱۳۷۶ در دانشکده علوم قرآنی قم تدریس و در سال ۱۳۸۶ منتشر شد. نامبرده دارای چند مقاله چاپی و غیر چاپی است به اضافه چند نوشته ی منتشر نشده از دیگر آثار اوست که با توجه به شغل فرهنگی او در سازمان فرهنگ و ارتباطات برای امور کارشناسی نوشته شده است. در ضمن نام او به عنوان دین پژوهان حوزوی در کتابی به همین نام توسط معاونت پژوهش حوزه علمیه قم آمده است. دو مقاله از نامبرده به نام : «نامه ای به مادر افغانستان» و «روش گفتمان یا منظره» و چند شعر مذهبی در سایت ها آمده است. متن بعضی از کتابهایش نیز در کتابخانه های اینترنتی آمده است.

جمالی زواره، منصور

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۲، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: پاتولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۵۰، دکترای تخصصی پاتولوژی از دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۵۹.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه های علمی و تحقیقاتی:

پاتولوژی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۲ پایان نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

بافت شناسی، پاتولوژی دستگاه گوارش.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

پاتولوژی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

جمشیدی، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی ارتوپدی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه شیراز در سال ۱۳۴۲، دکترای تخصصی ارتوپدی از دانشگاه میشیگان آمریکا در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۲، ارتقاء به درجه دانشیاری پزشکی علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۶۸.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اجرای طرح تشکیل بانک استخوان در دانشگاه علوم پزشکی تهران و طرح‌هایی چند در مورد ارتوپدی و استخوان با همکاری

دانشگاه تهران راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه دکترای تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

اورژانس‌های ارتوپدی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

دررفتگی استخوان و مچ دست، کاربرد گرافت‌های استخوان در مجروحین جنگی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

جمشیدی، محمود رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود رضا جمشیدی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حجة الاسلام و المسلمین محمود رضا جمشیدی در سال ۱۳۴۴ هجری شمسی در قم و در میان خانواده‌ای پرهیزگار و دوستدار خاندان پیامبر گرامی اسلام به دنیا آمد. پدرش به پیشه تولید و عرضه لوازم تأسیسات اشتغال داشته از آن راه روزگار می‌گذراند. مادرش نیز زنی پاکدامن بود که به اهل کرامت بودن و پرهیزگاری شهرت داشت و نقش بسیاری در تربیت فرزند خود بر عهده داشت. حجة الاسلام و المسلمین جمشیدی دروس کلاسیک خود را تا مدرک دیپلم و تا سال ۱۳۶۲ به پایان رسانید و سپس به دروس حوزوی روی آورد. البته پیش‌تر بخشی از جامع المقدمات را در ۱۲ سالگی آموخته بود و مدتی نیز در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به فعالیت پرداخته بود. او در سالهای دبیرستان کتب شهید والا-مقام مطهری(ره) و علامه سید محمد حسین طباطبایی(ره) را بارها خوانده بود و از مطالعه دیگر کتب اسلامی نیز باز نمانده بود. وی تحصیلات دوره سطح را در مدت چهار سال به پایان رسانید و سپس به درس خارج فقه و اصول استادان مبرز و برجسته حوزه علمیه قم راه یافت و در کنار آن از تحصیل فلسفه و علوم عقلی نیز باز نماند. تحصیلات دوره سطح او در مدرسه رضویه قم بود و در طول سالها تحصیل در ایام فراغت و تابستان به حوزه‌های علمیه شهرهایی نظیر مشهد می‌رفت و در آنجا نیز به مباحثه و مطالعه دروس خود می‌پرداخت و گاه از محضر استادان بهره می‌برد و همچنین زبان لاتین را به خوبی آموخت. حجة الاسلام و المسلمین جمشیدی در طول سالهای تحصیل به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد. او جامعه المقدمات را نزد آیه الله عابدی، سیوطی و مطول را نزد آیه الله علوی مغنی را نزد حجة الاسلام و المسلمین طالقانی و حاشیه ملا- عبدالله و معالم الاصول را نزد حجة الاسلام و المسلمین هادوی فرا گرفت. برای آموختن شرح لمعه به درس حضرات آیات راستی کاشانی و کریمی جهرمی رفت و اصول فقه را نزد حجة الاسلام و المسلمین محسن وحید خراسانی -فرزند آیه الله العظمی وحید خراسانی- فرا گرفت. رسائل را نزد استادان صادق لاریجانی، سید رسول تهرانی و میرباقری و کفایه الاصول را نزد استاد صادق لاریجانی آموخت. وی همچنین مکاسب محرمة را نزد حجة الاسلام و المسلمین اسلامیان و کتاب بیع و خیارات را از محضر حضرت آیت الله حاج شیخ ابوالحسن مصلحی اراکی بهره برد. او بدایه الحکمه و نهایه الحکمه را نزد حجة الاسلام و المسلمین میرباقری و اسفار اربعه را نزد آیه الله جوادی آملی فرا گرفت. در بخش خارج نیز به دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات و آیات عظام مددی، شیخ محمد شاه آبادی، فاضل لنکرانی، شیخ جواد تبریزی و وحید خراسانی راه یافت و سالها از محضر آنان بهره‌مند شد. حجة الاسلام و المسلمین جمشیدی در طول سالیان تحصیل، دروس فرا گرفته را با فضلالی بسیاری مباحثه کرد که از جمله آنان می‌توان حجج اسلام سلیمانی، صادقی، الهی، سبحانی، برنجکار و محمود منتظری را نام برد. حجة الاسلام و المسلمین جمشیدی تا کنون فعالیتهای علمی و فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است. او مدت بسیاری در گروه کلام جدید که با ارشاد آیه الله مصباح یزدی و به ریاست حجة الاسلام و المسلمین شیخ صادق لاریجانی تشکیل می‌شد شرکت داشت. این گروه ضمن ترجمه مباحث کلام جدید غرب به مطالعه و کاوش در آن می‌پرداخت و آن را در جلسات مختلف به بحث و تبادل نظر می‌نهاد. حجة الاسلام و المسلمین جمشیدی در سالهای تحصیل خود عضو شورای دبیری نشریه راه انقلاب بود. این نشریه ویژه کودکان و نوجوانان بود. وی در طول سالیان تحصیل خود همواره به تدریس نیز اهمیت بسیاری داد و بارها کتب دوره سطح را تدریس نموده است که این مسأله، هم اکنون نیز ادامه دارد او نوشته‌های بسیاری را برای چاپ آماده کرده است که از جمله آنها می‌توان به کلیات تطبیقی علم رجال، تقریرات دروس اساتید خود، حاشیه بر مکاسب، حاشیه بر کفایه الاصول و حاشیه بر رسائل اشاره کرد. از فعالیتهای مهم وی در این عرصه دبیری ستاد اصلاح ساختار حوزه بود که به

دنبال فرمان امام(ره) که به «منشور روحانیت» شهرت یافت، تشکیل شد. وی در این ستاد فعالیتهای ارزنده بسیاری را به انجام رساند. او همچنین سالها قائم مقامی حوزه علمیه خواهران را پذیرفت و در آن مرکز نیز خدمات بسیاری را به انجام رساند که این خدمت هم اکنون نیز ادامه دارد. حجة الاسلام و المسلمین محمود رضا جمشیدی همواره با سیل خروشان ملت ایران برای نابودی نظام طاغوت همگام بوده از دوران نوجوانی به فعالیتهای انقلابی اهتمام ویژه‌ای داشت. او در سالهای تحصیل خود در مدرسه رضویه با چاپ نشریه‌ای، به شبهات سیاسی و اعتقادی سید مهدی هاشمی معدوم پاسخ می‌گفت و همواره از خط مستقیم ولایت پاسداری می‌کرد. از فعالیتهای او در این عرصه عضویت در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود که در آن موقعیت، امری خطیر و مهم می‌بود و در سالهای بعد، نتایج مثبت بسیاری بر جای نهاد. حجة الاسلام و المسلمین جمشیدی در طول سالهای دفاع مقدس بارها و بارها به جبهه شتافت و در عملیات‌های مهم بسیاری حضور یافت تا در کنار تحصیل علم، وجود خود را به ادای وظیفه و عمل صالح نیز زینت بخشد. از تلاشهای مهم او پس از پیروزی انقلاب اسلامی توان به عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و مسؤولیتهای اجرای وی در این نهاد مقدس اشاره کرد که نتایج مثبت آن در سالهای کنونی ظاهر شده و همگان را به تحسین و داشته است.

جمعه

قرن: ۱۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

از زنان محدث. وی دختر احمد بن محمد بن عبید و از اهالی نیشابور بود. و ابوحامد اسفراینی او را می‌ستود و گرامی می‌داشت. به بغداد سفر کرد و در آنجا از ابوعمر بن حمران و ابواحمد حافظ و عبدالله بن محمد بن عبدالوهاب رازی و بشر بن محمد یاسین و ابوبکر طرازی حدیث روایت کرد. ابومحمد خلال و عیدالعزيز بن علی ازجی و ابوالحسین محمد بن محمد شروطی از او حدیث روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء ۱ / ۲۰۵.

جناب اصفهانی، فتح‌الله

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۴۸/۱۱۴۶ ق)، شاعر و ادیب. از بزرگان عهد صفوی بود که زمان نادرشاه را درک کرده است. نسبتش به امیرنجم ثانی می‌رسد. در جوانی به هندوستان رفت و بعد به وطن بازگشت و در خوزان که یکی از بلوکات اصفهان است، ساکن شد و به دستور شاه طهماسب صفوی به منصب کلانتری اصفهان رسید. جناب از طرف نادرشاه مأموریتی به خراسان یافت و پس از مدتی به امر وی در راه تهران و کاشان کشته شد. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره النبور (۲۴۱)، الذریعه (۲۰۶- ۲۰۵ / ۹)، ریحانه (۴۳۰/۱)، سفینه‌المحمود (۱۸۸- ۱۸۷)، صبح گلشن (۱۰۸- ۱۰۷)، فرهنگ سخنوران (۲۲۵- ۲۲۴)، لغت‌نامه (ذیل / جناب اصفهانی)، مجمع الفصحا (۲۰۵- ۲۰۴ / ۴)، نگارستان دارا (۱۷۷- ۱۷۶)

(۱۷۶).

جناب حسینی اصفهانی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۹- ۱۲۸۷ ق)، فقیه، حکیم، نویسنده و روزنامه‌نگار. وی از سادات و معاریف رجال ادبی و ریاضی اصفهانی بود. در نزد علماء این سامان در فقه و اصول و طب و بخصوص ریاضی و در هیأت جدید و قدیم سرآمد معاصران شد، و تمام عمر خود را صرف تحصیل علوم و اشاعه آن از راه روزنامه و کتاب کرد. میر سید علی در سال ۱۳۲۴ ق روزنامه «الجناب» را با چاپ سنگی در اصفهان منتشر کرد. سرانجام در تهران درگذشت و در امامزاده عبدالله دفن شد. از جمله آثار او: «الاصفهان»؛ «راهبر برای مسافران اصفهان»؛ و «فعالتهای فرهنگی بنادر جنوب (بوشهر) در شیخ نشین دوی».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ جراید (۲۴۸- ۲۴۵ / ۱)، تذکره القبور (۲۴۱- ۲۴۰)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۰۳/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۱۷۳- ۱۷۱ / ۴)، یادگار (س ۴ ش ۴، ص ۵۶).

جناب‌دی، ابوالفتح

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۳۲ ق)، طیب و شاعر. وی از پزشکان عهد شاه اسماعیل بود و در غزلسرای نیز استاد بود.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۶۶۶).

جنابی، ابومحمد مصطفی امیر

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۹۹ ق)، مورخ اصل وی از جنابه فارس بود، در روم متولد شد. مدتی متولی تدریس در مدرسه بروسه سلطانیه بود، سپس قاضی حلب شد. ابومحمد در دیار بکر از دنیا رفت. علاوه بر اینکه از عالمان بزرگ عهد مرادخان ثالث بود، در سرودن اقسام شعر به عربی و ترکی نیز استاد بود. از آثارش: «العلیم الزاخر فی اخبار الاوائل والاواخر»، در دو جلد و معروف به «بحر العلم» یا «تاریخ جنابی»؛ «رساله فی بناء ایاصوفیه و قلعه قسطنطنیه»؛ «السیع السیار».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۳۱/۸)، ریحانه (۱/ ۴۳۱)، کشف الظنون (۱۱۸۱- ۹۷۶- ۸۵۱- ۲۹۱- ۲۲۴)، لغت‌نامه (ذیل / جنابی)،

معجم المؤلفین (۲۴۷- ۲۶۴/ ۱۲)، هدیة العارفین (۴۳۷- ۴۳۶/ ۲).

جنتی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد جنتی

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۰۳/۱۲/۳

زندگینامه علمی

آیة الله احمد جنتی در سوم اسفند ۱۳۰۵ هجری شمسی در روستای لادان از بلوک ماریین، واقع در سه کیلومتری غرب شهرستان اصفهان، چشم به جهان گشود. پدرش مرحوم ملا هاشم از روحانیون وارسته و بزرگی بود که از شنبه تا چهارشنبه در شهر اصفهان حضور داشت و به تدریس علوم حوزوی می‌پرداخت و روزهای پایانی هفته را در روستا به سر می‌برد. مردم روستای او که بیشتر کشاورز و دامدار بودند و عمدتاً از نظر اخلاقی در جایگاه مناسبی قرار داشتند، اگر دچار اختلافی می‌شدند برای حل و فصل مسائل خود به او مراجعه می‌کردند، وی تا پایان عمر رابطه‌اش را با حوزه علمیه اصفهان قطع نکرد و از محضر عالمان بزرگی همچون حاج آقا رحیم ارباب و حاج سید علی نجف آبادی بهره برده بود در آمدش منحصر به وجوه شرعی و یا از طریق وعظ و خطابه بود. او یک فرزند بیشتر نداشت. مادر آیة الله احمد جنتی نیز زنی پاک و صبور بود و علاوه بر خانه داری، قرآن و برخی از کتب دینی را تدریس و بعضی از جلسات مذهبی را نیز اداره می‌کرد و با صبر و قناعت، زندگی می‌گذارند. در زادگاه آیة الله جنتی و کل آن منطقه مدرسه‌ای وجود نداشت؛ از این رو او به مکتب خانه رفت و خود، اندکی از دروس جدید را خواند و بعدها در قم، مقداری زبان انگلیسی فرا گرفت. او دوره ادبیات عرب و مقدمات سطح را تا سال ۱۳۲۴ در حوزه علمیه اصفهان خواند. دوران نوجوانی او با اختناق رضاخانی همراه بود: پوشیدن لباس روحانی برای بسیاری از طلاب ممنوع شده بود؛ آنها می‌بایست برای پوشیدن آن لباس، مجوز دریافت کنند و تنها به تعداد کمی از آنان مجوز داده می‌شد. عمامه‌ها را از سر طلاب برمی‌داشتند؛ کلاه‌های نم‌دی را پاره می‌کردند؛ از سر زنان چادر بر می‌داشتند؛ مجالس روضه به تعطیلی کشیده شده بود و مساجد به خلوتی می‌گرایید و ... آیة الله جنتی خود، از نزدیک شاهد چنین روزگاری بود. او پس از تکمیل مقدمات و طی کردن برخی از دروس سطح، به حوزه علمیه قم آمد تا از محضر عالمان و فرزندان آن دیار نیز بهره ببرد. با ورود به قم به تکمیل دروس دوره سطح پرداخت و در درس خارج بزرگانی همچون آیة الله العظمی بروجردی (ره) و امام خمینی (ره) شرکت می‌جست. در این مدت از شرکت در بحث‌های اخلاق و تفسیر نیز غافل نماند. او در این مدت در مدرسه فیضیه و حجتیه حجره داشت. آیة الله جنتی بخشی از دروس مقدمات را نزد پدرش و بخشی را نزد مرحوم سید ابوالقاسم هرنندی خواند. او بخشی از معانی و بیان را نزد مرحوم سید محمد باقر ابطحی و بخشی دیگر را نزد حاج شیخ احمد فیاض فرا گرفت و معالم را نزد مرحوم حاج شیخ علی مشکاتی آموخت. در قم شرح لمعه را نزد مرحوم شهید صدوقی آموخت و برای آموختن بخشی از رسائل و قوانین به نزد مرحوم آیة الله بهاء‌الدینی رفت. بخشی از کتاب مکاسب را نزد مرحوم حاج سید محمد باقر طباطبایی بروجردی فرا گرفت. و برای آموختن کفایه به نزد مرحوم حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی و

مرحوم مجاهدی رفت. بخشی از مکاسب را نیز نزد مرحوم حاج آقا روح الله کمالوند آموخت. با تکمیل دوره سطح به درس خارج بزرگانی چون آیه الله العظمی بروجردی (ره)، آیه الله العظمی گلپایگانی، آیت الله العظمی حجت کوه کمره‌ای (ره) و آیه الله العظمی امام خمینی (ره) رفت و سالها در درس فقه و اصول ایشان به طور جدی شرکت کرد. او در طی این سالها در بعضی از درسهای اخلاق نیز شرکت می نمود، تا علاوه بر آموختن علم، عمل به آنها را نیز فراگیرد. آیه الله احمد جنتی در دوران تحصیل خود با فضائلی چون شهید سعیدی، شیخ محسن حرم پناهی، شهید مفتاح، سید کرامت الله ملک حسینی، شیخ ابوالقاسم خزعلی و شیخ محمد علی موحدی کرمانی به مباحثه درس می پرداخت و با بزرگانی چون شهید بهشتی، شهید قدوسی، آیه الله مصباح یزدی، آیه الله سبحانی، آیه الله مشکینی و آیه الله امینی رابطه دوستانه و مصاحبت داشت. آیه الله جنتی تا کنون آثار علمی و فرهنگی فراوانی از خود بر جای نهاده است. او مدت چهارده سال در مدرسه علمیه حقانی به تدریس دروس دوره مقدمات و سطح پرداخته است. مدرسه علمیه حقانی، مدرسه‌ای بود که با هزینه یکی از تاجران با تقوای زنجان و با مدیریت شهید قدوسی آغاز به کار کرد. این مدرسه که بسیاری از بزرگان کنونی حوزه، در اداره آن شرکت داشتند، با ابتکار شهید بهشتی و با طرحی نو و شیوه‌ای تازه در تدریس و تحصیل و با برنامه‌ای منسجم و امروزی، به تربیت و آموزش طلاب از مقدمات تا سطح می پرداخت که بسیاری از مدیران و متصدیان امور قضایی و اصحاب فرهنگ و پژوهشگران امروز جامعه در آن پرورش یافتند. طلاب این مدرسه در بسیاری از فعالیتهای علمی و سیاسی دوره طاغوت و پس از آن، در اداره و برنامه‌ریزی علمی و فرهنگی سیاسی انقلاب اسلامی شرکت کردند و این حاصل تلاش استادان این مجموعه، از جمله آیه الله احمد جنتی بود. آیه الله جنتی به ترجمه برخی از کتب حدیث پیشینیان، از جمله «اثبات الهداه»، «ایقظ الهجعه»، «تحف العقول» و «المواعظ العدیة» پرداخته است. فعالیتهای علمی و فرهنگی و تحصیل فقه و اصول مانع فعالیتهای سیاسی آیه الله جنتی نگردید. فعالیتهای سیاسی در پرورنده زندگانی او گاه بیشتر و بهتر می درخشد. آیه الله احمد جنتی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، در سخنرانیها، اجتماعات عمومی و جلسات خصوصی همواره به افشای ماهیت پلید حکومت پهلوی و ضرورت براندازی این حکومت وابسته می پرداخت. او که خود سالها شاگرد مرجع عالی قدر شیعه، امام خمینی (ره) بود، همواره دیگران را به پیروی از راه امام (ره) دعوت می کرد. از سوی دیگر در درون حوزه، ضمن ملاقات با علما و مراجع، آنها را از آخرین اخبار حرکت انقلابی امام و مردم با خبر می ساخت. او با عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، به برنامه ریزی هماهنگ برای برپایی راهپیمایی‌ها، نوشتن اعلامیه‌ها و ارتباط با دیگر مراکز مرتبط با نهضت امام خمینی (ره) - همانند جامعه روحانیت مبارز - می پرداخت. آیه الله جنتی همواره ارتباط خود را با امام (ره) حفظ می کرد تا با الهام گیری از ایشان، از آخرین فعالیتهای مبارزاتی در قم، نجف و دیگر شهرها اطلاع پیدا کند. او بارها در قم، رفسنجان و جزیره خارک مورد تهدید و تعقیب رژیم شاه قرار گرفت و چند بار در قم بازداشت شد. او سه نوبت به زندان رفت و مجموعاً سه ماه زندانی شد و یک بار هم دستگیر و به مدت سه سال به اسدآباد همدان تبعید شد. فعالیتهای وی پس از انقلاب نیز ادامه یافت. با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، آیه الله جنتی در مسؤلیتها و سنگرهای گوناگونی به ایفای نقش پرداخت. نخستین مسؤلیت او پس از پیروزی انقلاب، قضاوت در دادگاه‌های انقلاب با حکم امام خمینی (ره) بود. بر کناری و گاه اعدام قضاوت دوران حکومت شاه، فقدان قوانین و آیین نامه‌های اجرایی در دادگاهها، عدم آشنایی افراد مؤمن و انقلابی با سیر اجرایی کار قضاوت و مشکلات متعدد دیگر، کار در دستگاه قضایی سالهای نخستین انقلاب را دشوار ساخته بود. با وجود این مشکلات، بزرگانی چون شهید قدوسی، شهید بهشتی و آیه الله جنتی در این عرصه پای نهادند به تدوین و اصلاح ساختار قضایی کشور پرداختند. دستگاه قضایی منسجم امروز کشور ما، حاصل تلاش این عزیزان در آن سالهاست. از مسؤلیتهای مهم آیه الله جنتی عضویت در شورای نگهبان قانون اساسی، از نخستین روزهای تشکیل این نهاد مقدس است. شورای نگهبان از نهادهای مهم انقلاب به شمار می آید که با وجود آن، می توان گفت توطئه‌هایی چون داستان مشروطه تکرار نخواهد شد و همواره، مصوبات مجلس، از صافی فقه اسلام و قانون اساسی خواهد گذشت.

این نهاد همواره مورد هجمه دشمنان انقلاب قرار گرفته است. آیه الله جنتی در طول عمر ۲۴ ساله این نهاد، بارها با عنوان عضو فقیه این شوری، به دفاع از این نهاد و مبانی انقلاب اسلامی پرداخته است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

جندی شاپوری، جبریل

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۱۳ ق)، طبیب و مترجم. از اطباء مشهور جندی شاپور و اولین طبیبی است که نخستین کتاب طب را از زبان یونانی به عربی ترجمه کرد. جبریل مدتی طبیب بیمارستان جندی شاپور و مدتی طبیب دربار هارون الرشید و امین بود. وی مدت ۲۳ سال در بغداد بود و در سقوط بغداد و قتل امین، مردم خانه‌اش را غارت کردند و او ترک خدمت دربار گفت و با این کار مورد غضب مامون قرار گرفت و مدتی محبوس شد، سپس در زمانی که اطبا از معالجه‌ی حسن بن سهل، وزیر مامون، درمانده بودند، جبریل آزاد شد و او را معالجه کرد و از آن پس به شدت مورد احترام قرار گرفت. جنازه‌اش در شهر مداین در دیری به خاک سپرده شد. آثار وی: «المطعم و المشرب»؛ «مدخل طب»؛ «باء»؛ «صنعه البخور»؛ «کناش»؛ در طب؛ «المدخل الی صناعه المنطق».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۰۱- ۱۰۰/۲)، تاریخ الحکماء قفطی (۲۰۲- ۱۸۳)، تاریخ طب (۵۸- ۵۶/۲)، دایره‌المعارف فارسی (۳۹۳/۱)، معجم المؤلفین (۱۱۳/۳).

جنید بغدادی، ابوالقاسم جنید

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۲۹۸/ ۲۹۷- ۲۲۰ ق)، محدث و صوفی. معروف به سید الطایفه، طاووس العلماء و سلطان المحققین. شهرت قواریری و خزازی وی به جهت اشتغال او به خزفروشی و آبگینه‌فروشی بود. اصل وی از نهاوند و منشاء و مولدش بغداد بود، در همین هر زندگی کرد و در همان جا بدرود حیات گفت و در قبرستان شونیزیه بغداد دفن شد. جنید خواهرزاده سری سقطی بود و در فقه بر مذهب ثوری بود و از معاصران و مصاحبان شبلی، حارث محاسبی و محمد بن علی قصاب بود. او همچنین از مشایخ تازی تصوف علی الاطلاق است. اگر بخواهیم در قرن سوم دو سه نمونه برای تصوف انتخاب کنیم، جنید در صدر آنها قرار می‌گیرد. جنید در میان مشایخ وقت این مزیت را داشت که علم را با حال جمع می‌کرد، چنانکه اگر کسی علم او را می‌دید آنرا بر حال وی ترجیح می‌داد و اگر حالش را می‌دید آنرا بر علمش رجحان می‌نهاد. از جمله آثار وی: «امثال القرآن المحبّه»؛ «المقصد الی الله تعالی»؛ «معانی الهمم فی الفتاوی الصوفیه»؛ «السرّ فی انفس الصوفیه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۳۸- ۱۳۷/۲)، تاریخ بغداد (۲۴۹- ۲۴۱/۷)، تاریخ گزیده (۶۴۶)، تاریخ نظم و نثر (۷۵۳، ۶۳۰)، تذکره الاولیاء (۳۶- ۳۵/۲)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (۵۱)، تعلیقات اسرار التوحید (۶۹۳)، جستجو در تصوف (۱۲۱- ۱۱۴)، حلیه الاولیاء

(۲۸۷- ۲۵۵/۱۰)، دائرةالمعارف الاسلامیه (۱۵۱/۷)، دائرةالمعارف البستانی (۵۷۶/۶)، دائرةالمعارف فارسی (۷۶۷/۱)، روضات الجنات (۲۴۸- ۲۴۲/۲)، ریحانه (۴۳۴- ۴۳۲/۱)، سیرالنبلاء (۷۰- ۶۶/۱۴)، صفة الصفوة (۱۶/۲)، طبقات الصوفیه سلمی (۱۶۳- ۱۵۵)، طبقات الصوفیه هروی (۲۰۲- ۱۹۵)، الفهرست لابن الندیم (۳۴۸)، الکامل (۱۳۸/۶)، کشف الظنون (۱۸۰۶، ۱۷۲۷)، کشف المحجوب (۱۶۱)، لغتنامه (ذیل / جنید)، معجم المؤلفین (۱۶۲/۳)، نفحات الانس (۷۹- ۸۲)، وفيات الاعیان (۳۷۵- ۳۷۳/۱)، هدیة العارفين (۲۵۸/۱).

جنید شیرازی، عیسی

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، مترجم. در نیمه‌ی اول قرن نهم می‌زیست. کتاب «شدالازار» پدرش را به نام «ملتسم الاحباء خالصاً من الریا» ترجمه کرد، این کتاب به «تذکره‌ی هزار مزار» مشهور است. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم) منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات ایران (۱۰۶۱- ۱۰۶۰، ۱۱۵۲- ۱۱۵۱/۳)، تذکره‌ی هزار مزار (مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (۶۴۶/۴).

جوادی آملی، عبدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد فرزانه و حکیم متأله، حضرت آیت‌الله جوادی آملی در سال ۱۳۱۲ (ه.ش) در خانواده‌ای روحانی در شهرستان آمل متولد شدند. پدر ایشان از علما، واعظ و زهاد مشهور آمل بودند. پس از گذران تحصیلات دوران ابتدایی در سال ۱۳۲۴ (ه.ش) شوق پدر و فرزند به دروس دینی موجب شد تا ایشان در حوزه‌ی علمیه آمل مشغول تحصیل شوند. وی در مدت پنج سال نزد اساتید مبرز و متقی که بعضاً شاگرد مرحوم آخوند خراسانی بودند تا حدی سطوح عالی‌ی مقدمات، فقه، اصول و حدیث را فراگرفتند. سپس در سال ۱۳۳۰ (ه.ش) از آمل به تهران هجرت نموده و با راهنمایی پدر بزرگوارشان به حضور آیت‌الله شیخ محمدتقی آملی (ره) که از اعظام عصر بود، رسیدند و از آن طریق به مدرسی مروی راهنمایی گردیدند و سطوح عالی و معقول را در آن محضر شریف فراگرفتند. این سیر علمی تا سال ۱۳۳۵ (ه.ش) ادامه یافت و در آن دوره، کتابهای منظومه، اشارات و بعضی از اسفار را نزد اساتید مبرزی همچون آیت‌الله شعرانی (ره) و آیت‌الله الهی قمشه‌ای (ره) فراگرفتند و نیز مقداری از خارج فقه و اصول را نزد استاد والامقام، آیت‌الله شیخ محمدتقی آملی (ره) تلمذ کردند و در سال ۱۳۳۵ (ه.ش) به دلیل جامعیت حوزه‌ی علمیه قم، وارد قم، شهر کریمه‌ی اهل بیت، حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیها) شدند و در آنجا از محضر آیت‌الله العظمی السید محمدحسین البروجردی بهره بردند و نیز از درس فقه فقیه نامدار، آیت‌الله محقق داماد (ره) به مدت سیزده سال، و از محضر استاد، امام خمینی (ره) یک دوره‌ی اصول به مدت هفت سال را درک کردند. همچنین ایشان به حضور استاد مسلم، علامه طباطبایی (ره) رسیدند و مباحث تکمیلی اسفار، خارج حکمت متعالیه عرفان اسلامی و مباحث عالی‌ی تفسیر حدیث و قرآن را در جلسات خصوصی از محضر آن استاد گرانقدر فراگرفتند. ایشان از اوان حضور در تهران و نیز پس از هجرت به قم و تاکنون که حدود چهل سال می‌باشد، انواع دروس

معقول و منقول را تدریس کرده‌اند؛ به گونه‌ای که اکنون از بزرگترین رهبران فکری جهان اسلام، در ابعاد مختلف اسلامی به شمار می‌آیند و شاگردان فراوانی در علوم مختلف اسلامی برای عالم اسلام تربیت نموده‌اند.

از توفیقات الهی ایشان، مداومت با معارف الهی خصوصاً قرآن مجید است که انواع حقایق دینی را از طریق تفسیر قرآن در جهان اسلام منتشر کرده‌اند.

آیت الله جوادی آملی و وقف :

واقف بزرگوار، حکیم متأله و اندیشمند گرانقدر استاد آیت‌الله جوادی آملی است که نامشان ما را از هر گونه تعریف و توصیفی در ابعاد شخصیتی ایشان بی‌نیاز می‌کند و چهره معنوی و علمی ایشان در قلمرو فرهنگ و معارف اسلامی درخشان‌تر از آن است که این قلم را توان تصویر باشد. دیدگاهها، مقاصد و منویات واقف محترم که در قالب عبارات بلیغ و مشرب عمیق عرفانی در وقف‌نامه مطرح شده است قابل توجه و تعمق است. بویژه توجه دادن خواننده گرامی به این نکته مفید و لازم به نظر می‌رسد که در این وقف‌نامه یکبار دیگر آیین و سنت نیکوی وقف‌نامه‌نویسی که به عنوان یک سند فقهی، حقوقی و تاریخی همواره در گذشته مورد توجه واقع می‌شده است مدنظر قرار گرفته و علاوه بر آن به ظرایف وقف و اهمیت آن در شریعت نبوی (ص) و نیات واقف و خصوصیات عین موقوفه و تکلیف آینده و سایر موارد فقهی و حقوقی آن به سبکی آموزنده اشاره شده است؛ اموری که متأسفانه در وقف‌نامه‌های جدید یا متروک مانده و یا به صورت ناقص بدان پرداخته می‌شود. در هر صورت اصل وقف‌نامه خود مشکلی است عطفشان و از بیان عطار بی‌نیاز. سردبیر وقف‌نامه حضرت آیت الله جوادی آملی بسم الله الرحمن الرحیم و ایاه نستعین الحمد لله الذی یأخذ الصدقات و یرببها و صلی الله علی رسولہ الذی یطهر نفوس المتصدّقین و یرزقها بها، و علی اهل بیتہ الذین استنوا بسنتہ (ص) فیها، واللعن علی اعدائهم الذین نبذوها وراء ظهورها. بعد از ثنا و تحیت چنین گوید، عبد محض خدایی که حق مطلق و هستی صرف است: هیچ موجود امکانی مالک چیزی نبوده. ذاتا، وصفا و فعلاً بلکه اثرا، فانی در ذات، صفت، فعل و اثر خداوند می‌باشد، اسناد هر گونه هستی به غیر خداوند مجاز است؛ و اگر اسناد شأنی از شئون هستی به غیر خدا صحیحاً بررسی شود، سبک مجاز از مجاز می‌باشد؛ زیرا وقتی اسناد اصل هستی به غیر خدا، مجاز بود، اسناد شأنی از شئون آن به غیر خدا، مجاز مضاعف خواهد بود. این مطلب عمیق توحیدی، در دنیا برای موخّدان راستین، چونان رسول گرامی (ص) حلّ شد، قل لا املک لنفسی نفعاً ولا ضرّاً... لیس لك من الامر شیء... و برای دیگران در معاد، روشن می‌گردد، یوم لا تملک نفس لنفس شیئا. زیرا، قیامت، ظرف ظهور چنین حقیقت توحیدی است، نه وعائی برای حدوث آن. البته، در دنیا برای حفظ نظام انسانی، بسیاری از امور، به غیر خدا اسناد مالکانه داده می‌شود، و بر همین اساس، اشخاصی مالک، و اشیائی مملوک، و عقود و ایقاعاتی، ممضی، و عهدی ایفاء می‌گردد. انسان مؤمن که به خداوند هستی ایمان آورد و با او بیعت نمود، یعنی جان، مال و همه شئون مجازی خود را به خداوند بیع کرد، بعد از آن هر گونه تصرّفی را در ذات، وصف، فعل و اثر خود، مسبوق به اذن خدا قرار داده و تصرّف در شأنی از شئون هستی خویش را بدون اذن او غاصبانه می‌داند، و از خود چیزی ندارد، تا آن را مورد معامله قرار دهد، و اگر چنین کرد، حتماً به عنوان امثال فرمان مالک حقیقی خواهد بود. لذا اینجانب عبدالله واعظ جوادی معروف به جوادی آملی، نه به عنوان مالک و ولی، و نه به عنوان خلیفه مالک یا وکیل و نائب او، بلکه به عنوان عبد آبق که به مولای شفیق و رفیق خود برگشت، درباره خانه ملکی و متصرّفی شهر قم، عهد و قراری با مولای غیب و شهودم بستم که ذیلاً بعد از فصول دهگانه، مشروح می‌شود. ۱- مهم‌ترین هدف بعثت، تزکیه نفوس و تعلیم کتاب آسمانی و حکمت است، نمونه‌های وافر از هر دو رشته علمی و عملی در قرآن مجید بیان شد، یکی از بارزترین مصداق تزکیه همانا تأدیه صدقه می‌باشد، و کاملترین مصداق صدقه، وقف است که اصل آن ثابت و فرع آن با دوام اصل مزبور، جاری خواهد بود، و هیچ صدقه‌ای چون وقف، چنین مزیت جاودانه را واجد نیست. اطلاق صدقه بر وقف، حبس، سکنی، عمری، رقبی، و نیز بر زکات مال و زکات فطر و نظائر آن برای آن است که امور مزبور، نشانه صداقت ایمان و صدق متصدّق و واقف

می‌باشد. ۲- فضیلت صدقه که وقف مصداق بارز آن است، در این است که خداوند شخصا او را می‌پذیرد، و دریافت می‌نماید چنانکه فرمود: *أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ*، بنابراین دریافت رسول اکرم (ص)، مظهر اخذ خدا خواهد بود، و جمع بین آیه مزبور و آیه *خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ* بها، آن خواهد شد که، و ما *أَخَذْتَ إِذْ أَخَذْتَ*، ولكنَّ اللَّهَ أَخَذَ. ۳- چون صدقه که، وقف، فرد کامل آن می‌باشد، مظهر نفس از اوساخ، و مُزَكِّي روح از ادناس و اقدار است، امید آن خواهد بود که چنین روح طاهر از دَرَن و رِین، توانای ادراک صحیح وحی الهی باشد، زیرا، سروش غیب را جز طاهران طائر باغ ملکوت و طائران طاهر از دَنَس مُلک، مَس نمی‌کنند،... لا یَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ. ۴- از آن جهت که صدقه و وقف، که مصداق بارز آن است، بسیار ظریف و شفاف می‌باشد، با اندک غبار گرد مَنَت و اذیت، غبارین و متوسخ شده، و شایسته صعود به بارگاهی که جز، کلم طیب، چیزی به اوج عروج آن بار نمی‌یابد، الیه یصعد الکلم الطیب، نخواهد بود، لذا ندای قرآن مجید چنین است: یا ایها الذین آمنوا لا تبطلوا صدقاتکم بالمنّ و الاذی. ۵- چون صدقه جاری همانند سنت ساری از آثار سودمند می‌باشد، و تا برقرار است، روح صاحب آن در دارالقرار قریرالعين خواهد بود، و خداوند، قادم را چون غابر می‌نگارد، نکتب ماقدّموا و آثارهم، و جزء اعمال بر متوفی محسوب می‌گردد، اجر جزیل آن در قرآن و سنت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام کاملاً بیان شد،... والمتصدّقین والمتصدّقات... اَعِدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا... يُضَاعَفْ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ - لیس یتبع الرجل بعد موته من الاجر، الا ثلاث خصال: صدقه اجراها فی حیاته، فهی تجری بعد موته، و سنّه هدی سنّها، فهی یعمل بها بعد موته، او ولد صالح یدعو له - و چون معیار در ثواب، همان اثر صالح است، ذکر امور سه گانه در این حدیث یا امور شش گانه در حدیث دیگر، از باب تمثیل است، نه تعیین، لذا علم صائب، فرزند صالح، سنت صحیح، وقف جاری، سیرت ساری و مانند آن مایه روح و ریحان روح رائج الی الله خواهد بود. ۶- چون اثر نافع صدقه که وقف مصداق روشن آن می‌باشد، همانند دیگر واقعیت‌های دینی، هنگام احتضار ظاهر می‌شود، محرومان از چنین فیض فوزآوری، درخواست ارتجاع به دنیا را بجای تسریع رجوع الی الله، و رجعت به وطن اصلی، مطرح می‌کنند، و به شیوه نکوهیده *آتَسْبِدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ*، اَنَا لِلَّهِ وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ را، به، رَبِّ ارْجِعُونِ...، مبدل ساخته، و تمنی کاذب را به جای رجای صادق، در سقیفه خیال و قیاس و گمان و وهم نشانده، آنگاه چنین می‌گویند: *فَأَصْدَقَ وَأَكْنَ مِنَ الصَّيِّحِينَ* - و به منظور پرهیز از چنین استبدال ناپسند، صاحب ولایت کبری، حضرت علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین، علیه افضل صلوات المصلین فرمود: *الصَّدَقَةُ وَالْحَبْسُ ذَخِيرَتَانِ فِدَعَوْهُمَا لِيَوْمِهِمَا*. ۷- از آن جهت که اهل بیت طهارت و عصمت صلوات الله علیهم اجمعین، قرآن ناطقاند، و در تمام حسنات، امامت امت را به عهده دارند، و قبل از دیگران به وحی الهی مؤمن و به حکم آن معتقد، و به احکام آن عامل اند، لذا رسول گرامی (ص) و اهل بیت معصوم (ع) آن حضرت (ص) اقدام به وقف کرده‌اند، درباره پیامبر گرامی (ص) چنین آمده است: *تَصَدَّقَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) بِأَمْوَالٍ جَعَلَهَا وَقْفًا، وَكَانَ يُنْفِقُ مِنْهَا عَلَى أَضْيَافِهِ، وَأَوْقَفَهَا عَلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ...* و درباره حضرت امیرالمؤمنین، علیه السلام، آمده است: *كَانَ عَبْدًا لِلَّهِ، قَدْ أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ، عَمِدًا إِلَى مَالِهِ فَجَعَلَهُ صَدَقَةً مَبْتُولَةً تَجْرِي بَعْدَهُ لِلْفُقَرَاءِ وَقَالَ: اللَّهُمَّ انْمَا جَعَلْتَ هَذَا لِتَصْرِفَ النَّارَ عَن وَجْهِی وَ لِتَصْرِفَ وَجْهَی عَنِ النَّارِ، وَ حَضْرَتِ صَدِّيقِهِ كَبْرِي، فَاطِمَةَ زَهْرًا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا، أَمْوَالِي رَا وَقَفَ فَرَمُودَهُ وَ تَوَلَّيْتُ أَنْ رَا بَه حَضْرَتِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع)، آنگاه به امام مجتبی حسن بن علی علیهما السلام، سپس به سید شهدا حضرت حسین بن علی علیهما السلام، روحی لمضجعه الشریف الفداء و بعد از آن حضرت به فرزند بزرگ تر که علوی و فاطمی باشد، نه علوی محض، سپرد، و همچنین از سائر معصومین علیهم السلام رسیده است که مال خود را به عنوان وقف، صدقه جاری قرار داده‌اند، حتی درباره حضرت سید شهدا (ع) رسیده است که نواحی قبر شریف خود را از اهل نینوی و غاضریه به شصت هزار درهم ابتیاع فرمود، و آن را بر ایشان تصدق نمود. ۸- چون اصحاب متعهد اهل بیت طهارت و عصمت، همواره، به آن ذوات مقدس اَتساء داشته‌اند، لذا هر صحابی متمکن، اقدام به وقف می‌نمود، چه اینکه از جابر روایت شده لم یکن من الصحابة ذو مقدره الا وقف وقفا. ۹- همان طوری که وقف، فضیلت فراوان دارد، هدم آن به فروختن، هبه*

کردن، ارث بردن و مانند آن، ردیلت وافر را به همراه دارد که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام درباره وقف چشمه یثع چنین فرمود: ... هی صدقه، بتة بتلا فی حجج بیت‌الله و عابری سبیل، لاتباع و لا-توهب و لا-تورث فمن باعها او وهبها فعليه لعنة الله والملائكة والناس اجمعین، لايقبل الله منه صرفا ولا عدلا. ۱۰ - شرح صدر، سعه نظر، جامعیت اسلام و همگانی و همیشگی بودن آن، ایجاب می‌نماید که جهانی بیندیشد، و سراسر گیتی را مشمول لطف خود قرار دهد چنانکه رسول گرامی چنین دینی، رحمه للعالمین معرفی شد. لذا وقف بر جامعه بشری، اعم از مسلم و کافر، ذمی و حربی مادامی که اعانت بر عصیان و تعاون بر اثم نباشد، جایز است و آیه مبارک و کریم، لاینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین، گواه آن می‌باشد. اکنون که خطوط کلی صدقه جاری، طی ده فصل بیان شد، به اصل مطلب می‌پردازم، و آن اینکه وقف صحیح شرعی - جامع همه شرایط واقف، موقوف‌علیه، موقوف و وقف - نمودم خانه ایتبای، ملکی و متصرفی خودم را که واقع است در: قم، خیابان ارم (آیه‌الله نجفی مرعشی) پشت مسجد آیه‌الله گلپایگانی، جنب مدرسه علمیه سعادت (جنوب و جنوب شرقی) برای مدرّسان، محققان، مؤلفان، پژوهشگران علوم و معارف الهی مانند تفسیر، فلسفه الهی، کلام، فقه، اصول و سائر دانش‌های دینی، الی ان یرث الله الارض و من علیها. تولیت آن مادامت‌الحوه، در اختیارم می‌باشد، و بعد از توفی و ادراک لقاء الله، به فرزندم جناب حاج شیخ مرتضی واعظ جوادی است، چنانکه تولیت مدرسه علمیه سعادت را که در اختیارم است و تعیین متولی بعد از من نیز به اختیارم می‌باشد، بعد از وفاتم، در اختیار مشارالیه خواهد بود، و تولیت مدرسه و خانه وقفی بعد از عمر طولانی نامبرده، به فرزند روحانی از خاندان اینجانب می‌باشد، و اگر خدای نخواست، از این خاندان، کسی روحانی نشد، به فرزند بزرگ این خاندان خواهد بود. تمام کتاب‌ها و سائر لوازم کتابخانه و تلفن، در اختیار مرکز تحقیقاتی اسراء است. ایجاب و قبول، اقباض و قبض، حاصل، و صیغه وقف به طور جامع همه مطالب لازم اعم از مرقوم و غیر آن جاری شد، ربنا تقبل منا و خذ منا و طهرنا به والحمد لله رب العالمین، الذی یرث الارض و من علیها. منبع: میراث جاویدان برگرفته از کتاب: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

جوادی پور، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود جوادی پور در سال ۱۲۹۹ در تهران به دنیا آمد. شهریور ۱۲۹۹ در تهران به دنیا آمد و در دبستان سلطانی و علامه و سپس هنرستان صنعتی ایران - آلمان - دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران - آکادمی هنرهای زیبا شهر مونیخ در کشور آلمان غربی در زمینه های نقاشی و گرافیک درس خوانده است. از سال ۱۳۳۲ تا سال ۱۳۳۸ در دانشکده هنرهای زیبا - دانشکده هنرهای ترسیمی هنرستان هنرهای زیبا به تدریس هنر پرداخت. آغاز گر هنرهای چاپی (گرافیک) در کشورم به آغاز گر چاپ رنگین در ایران بود. آغاز گر گشایش اولین مرکز هنرهای تجسمی، مولف کتابهای درسی در زمینه های - بهداشت - علمی - ادبیات فارسی و قرائتی برای سالهای اول تا پنجم دبستان و دوران راهنمایی می باشد. بر پا کننده بیش از ۳۰ نمایشگاه فردی و ۴۰ نمایشگاه گروهی می باشد.

گروه: هنر

رشته: هنرهای تجسمی

گرایش: هنرهای تجسمی - موسیقی

والدین و انساب: پدر محمود جوادی پور، علینقی جوادی پور و مادرش از خانواده ابراهیمی بود در تهران به دنیا آمده در حدود امکانات زمان خودش درس خوانده بود به زبان فرانسه آشنایی داشته است.

خاطرات کودکی: محمود جوادی پور از دوران کودکی خود اینچنین یاد می‌کند: از دوران کودکی خاطرات بسیاری دارم. در خانه ما همیشه آرامش و صلح و صفا برقرار بود. پدر و مادر هر دو خوشخو و مهربان و دانا بودند. برادرم از من پنج سال بزرگتر بود و خواهرم پنج سال کوچکتر از من بود خواهر دیگری داشتم که ده سال از من کوچکتر بود و مدتی پیش در گذشت. برادرم و من از کودکی در یک اطاق زندگی می‌کردیم در اطاقمان انواع افزارهای آهنگری بخاری خراطی و انواع دیگر موجود بود و غالباً در همان اطلاق به ساختن انواع و اقسام مسائلی که در ارتباط با درسهای مدرسه بود و یا جنبه های تفریحی داشت می‌پرداختیم و همیشه سرمان گرم بود.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: در خانواده محمود جوادی پور همیشه یگانگی و مهربانی حکمفرما بود. همیشه همراه برادرانش مشغول ساختن چیزی بود که پدر و مادر مشوقشان بودند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: محمود جوادی پور تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان سلطانی و علامه و تحصیلات متوسطه را در هنرستان صنعتی ایران - آلمان آغاز کرد. از سال ۱۳۳۲ تا سال ۱۳۳۸ دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران تحصیلات تکمیلی خود را آغاز نمود. همچنین در آکادمی هنرهای زیبا شهر مونیخ در کشور آلمان غربی در زمینه های نقاشی و گرافیک درس خوانده است.

خاطرات و وقایع تحصیل: محمود جوادی پور از خاطرات خود اینچنین یاد می‌کند: از دوران هنر آموزی در هنرستان صنعتی ایران و آلمان خاطرات بسیار خوب و دلپذیری دارم. استاد درس ادبیات ما نیما یوشیج بود. البته آن زمان نیما شهرت امروزش را نداشت و مشهور نبود. روزی در کلاس دوم هنرستان مشغول گذراندن امتحان ادبیات فارسی بودیم، شاگردی که جلوی من نشسته بود تقلب می‌کرد. نیما متوجه شد از همان پشت میزش دفتر کلاس را که به طرف متقلب پرتاب کرد و دفتر به او اصابت نکرد و محکم به من خورد. نیما خیلی ناراحت شد از من عذر خواهی کرد و متعاقباً ۵ نمره از امتحان او کم شد و ۴ نمره به نمره من اضافه شد.

فعالیت‌های ضمن تحصیل: در تمام دوران زندگی محمود جوادی پور چه در دبستان چه در دوران متوسطه و دانشگاه همیشه در کنار تحصیل به کار نیز اشتغال داشت. در دوران ابتدایی با اولین گروهی که از کشور فرانسه برای تهیه فیلم های آموزشی به ایران آمده بودند کار کرد. با گروهی که برای اولین بار در ایران به ساختن سینمای پرداخته اند همکاری داشته است. مدتی بعنوان (آپاراتچی) نمایش دهنده فیلم های سینمایی به نمایش دادن فیلم های محکمی در سالن نمایش مدرسه دارالفنون کار کرده است - با کرایه بالا اطاقی بعنوان کارگاه به ساختن انواع آلات تزئینی با چوپ برای خانمها پرداخته است. سالها با فروش آثار هنری اش در زمینه تامین هزینه تحصیل و زندگی اش فعالیت داشت. حتی در زمان گذراندن دوران تحصیلی اش در کنار تحصیل به کار پرداخت.

همسر و فرزندان: حاصل ازدواج موفق آقای محمود جوادی پور دو دختر به نام نیوشا و مانیا است که نیوشا در رشته آموزش هنر در آلمان درس خوانده و مانیا در رشته مهندسی معماری در کشور کانادا شهر تورنتو ادامه فعالیت دارد.

وقایع میانسالی: دور ماندن محمود جوادی پور و همسرش از فرزندان مهم‌ترین وقایع زندگی آنها به شمار می‌رود.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: از فعالیت‌های محمود جوادی پور می‌توان شرکت در: دانشگاه تهران دانشکده هنرهای زیبا هنرستان صنعتی ایران و آلمان دانشکده هنرهای تزئینی هنرستان هنرهای زیبای دختران همچنین در سال ۱۳۶۰ اقدام به بازگشایی کلاسی نمود که تا سال ۱۳۷۳ ادامه داشت. در این کلاس بیش از ۵۰۰ دانشجو یا هنرجوی کوچک و بزرگ داشت که بیشتر آنها به دانشکده های هنری راه یافتند.

فعالیت‌های آموزشی: محمود جوادی پور استاد در رشته های نقاشی، هنرهای چاپی در هنرستان هنرهای زیبای دختران، دانشکده

هنرهای تزینی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران و همچنین در کلاس آزاد مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می‌آید: آغازگر هنرگرافیک در کشور از سال ۱۳۲۲ آغازگر و براه اندازی چاپ رنگی در ایران از سال ۱۳۲۳ آغازگر تاسیس اولین مرکز هنرهای تجسمی بنام آپادانا کاشانه هنرهای زیبا در تهران سال ۱۳۲۸ سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: از دیگر فعالیتهای محمود جوادی پور می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: خلق آثار هنری در زمینه ی نقاشی و گرافیک مطالعه دایم در زمینه هنر تجسمی نوشتن مطالبی در مورد هنر و در ارتباط با هنرهای تجسمی کارهای مختلف برای تامین کمبود هزینه های لازم زندگی روزمره

آرا و گرایشهای خاص: گرایش محمود جوادی پور از آغاز طفولیت به خلاقیت بود. در وحله اول به هنر موسیقی و دوم به هنر نقاشی و بعد از این دو به هر کاری که در آن مسئله سازندگی و خلاقیت مطرح می‌شد.

جوایز و نشانها: تندیس با علامت خورشید سال ۱۳۸۴ بمناسبت دومین جشنواره تصویر سازی، کتابهای درسی تندیس با پیکره بزکوهی، سال ۱۳۸۴، بادمان پنجمین نمایشگاه سالانه کتابهای درسی تندیس با علامت خورشید سال ۱۳۸۴ اولین جشنواره کتاب کودک تندیس کره بلورین سال ۱۳۸۵ اولین بخش هنرمندان ایران، مجموعه فرهنگی تلاش وزارت کار لوح تقدیر پنجمین همایش، معرفی چهره های ماندگار تقدیر نامه از شورای کتاب کودک تقدیر نامه بمناسبت شرکت در نمایشگاه گل و گیاه از طرف شهرداری تهران لوح تقدیر از طرف وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دکتر عطاء الله مهاجرانی بمناسبت فعالیتهای هنری لوح تقدیر بمناسبت چهره ماندگار از طرف ستاد چهره های ماندگار لوح سپاس بمناسبت شرکت در نمایشگاه بنیاد آفرینش های معنوی نیاوران لوح تقدیر بمناسبت فعالیتهای هنری از طرف سازمان صدا و سیما لوح تقدیر بمناسبت احراز مقام ریاست نمایشگاه از طرف رئیس فرهنگستان هنر تقدیر نامه بمناسبت طرح آرم شرکت ملی نفت ایران دریافت جایزه و مدال در مراسم تجلیل از اینجانب خرداد ماه سال ۱۳۸۶ از طرف فرهنگستان هنر

چگونگی عرضه آثار: آثار محمود جوادی پور در زمینه هنر نقاشی و هنرهای چاپی است که در نمایشگاههای مختلف گاهی بصورت فردی و زمانی بصورت گروهی عرضه می‌گردد. در مجلات و کتب هنری از آنها یاد می‌شود و در موزه ها و نزد کلیکتورها نگهداری می‌شود. از سال ۱۳۲۰ که رسماً به فراگیری هنرهای تجسمی روی آورد بسیاری از آثار نقاشی اش توسط افراد هنر دوست، کلکتورها، موزه هنرهای تجسمی خریداری شد و یا به نقاط مختلف برده شد.

منابع زندگینامه: ۱- تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط استاد محمود جوادی پور بنا به درخواست بنیاد ایران شناسی، پاییز ۱۳۸۶

جوادی، عبدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ عبدالله جوادی دامت برکاته در سال ۱۳۴۱ ق بمقم المحمیه مهاجرت نموده و مدت هفت سال از محضر مرحوم آیه الله العظمی حایری حاج شیخ عبدالکریم طاب الله ثراه و آیات دیگر استفاده نموده تا بدرجه اجتهاد رسیده و با دریافت اجازات در سال ۱۳۴۸ ق بابه مراجعت و اقامت دائمی نموده و تا حال حاضر باقامه جماعت و وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

تألیفات و نوشته‌های ایشان از این قرار است:

۱- رساله‌ای در لباس مشکوک.

۲- رساله در قاعده ید که از محضر درس مرحوم آیه الله نائینی استفاده نموده.

۳- رساله‌ای در قاعده لاضرر.

۴- جزواتی بعنوان حاشیه بر مکاسب و حواشی بر دررالفوائد آیه‌الله حایری.

۵- رساله مستقلی در ارث.

۶- رساله‌ای در رد مسلک باب و بهاء.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

جوادی، قاسم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قاسم جوادی

محل تولد: پاکدشت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب قاسم جوادی در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه قم شدم بعد از طی دروس رسمی حوزه که فقه و اصول و ادبیات بود در سال ۵۶ در درس خارج شرکت کردم، همزمان با دروس رسمی حوزه از سال ۵۴ تا ۶۸ فلسفه و عرفان نظری را نزد اساتید متعددی گذراندم، سپس دوره‌های زبان انگلیسی دفتر تبلیغات را گذراندم و سرانجام در دوره دین‌شناسی مؤسسه امام خمینی شرکت کردم و در کنار درسهای حوزه، تاریخ را خودم مطالعه کردم و از مباحث تاریخ به مباحث مذاهب اسلامی کشیده شدم و از سال ۵۵ درسهای حوزه را تدریس کردم و از سال ۶۲ تا کنون در دانشگاههای متعدد نظیر دانشگاه کرمان، تهران، فردوسی، مقدس اردبیلی، مفید و باقرالعلوم تدریس داشته‌ام

جوادی، محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن جوادی

محل تولد: ابهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

محسن جوادی در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی در شهرستان ابهر به دنیا آمد، او در سال ۱۳۶۰ هجری شمسی وارد حوزه علمیه قم شد و دروس حوزه را فرا گرفت، در کنار دروس متداول حوزه در دانشگاه تربیت مدرس تهران رشته فلسفه را پیگیری کرد و در سال ۱۳۷۸ هجری شمسی موفق به اخذ مدرک دکترا در این رشته شد، وی هم اکنون ریاست دانشگاه تربیت مدرس قم را بر عهده دارد و به کار تحقیق، تدریس و تألیف نیز مشغول است.

جوادیان، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: چشم پزشکی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

جوادیان، عزت‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: انگل شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

جواری، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدحسین جواری در سال ۱۳۴۶ در اهر بدنیا آمد. ایشان در سال ۱۳۷۷ مدرک دکتری در رشته ادبیات فرانسه و تطبیقی را از دانشگاه سوربن پاریس - فرانسه با موفقیت اخذ کرده اند. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تبریز می باشد. گروه: علوم انسانی رشته: زبان و ادبیات فرانسه تحصیلات رسمی و حرفه ای: محمدحسین جواری، تحصیلات ابتدایی را در دبستان شمس به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال ۱۳۶۴ از دبیرستان مدرس اخذ کرده اند. ایشان مدرک کارشناسی در رشته زبان و ادبیات فرانسه را از دانشگاه تبریز و از دانشگاه ژول ورن آمین فرانسه و کارشناسی ارشد ادبیات فرانسه و تطبیقی را در سال ۱۳۷۳ از دانشگاه ژول ورن آمین فرانسه دریافت نموده اند و در سال ۱۳۷۷ مدرک دکتری در رشته ادبیات فرانسه و تطبیقی را از دانشگاه سوربن پاریس - فرانسه با موفقیت اخذ کرده اند. عنوان پایاننامه: الف - کارشناسی ارشد: سنت - تقلید - نوآوری در پالکنهای رب گریه (رمان جدید) ب - دکتری: پایان رمان نو - مسائل زیبایی شناسی و مسائل دریافت ادبی از ورای آثار رب گریه. وقایع

میانسالی: محمد حسین جواری و از سال ۱۳۷۷ بعنوان عضو هیات علمی در گروه زبان فرانسه دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی مشغول خدمت شده اند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سمتهای اجرایی محمدحسین جواری: قبلی: رئیس آموزش دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی - رئیس کتابخانه دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی فعلی: مدیر گروه آموزشی زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه تبریز فعالیتهای آموزشی: فعالیتهای آموزشی محمدحسین جواری در دانشگاه تبریز به قرار زیر است: تدریس دروس کارشناسی و کارشناسی ارشد چگونگی عرضه آثار: فعالیتهای پژوهشی محمدحسین جواری به ترتیب زیر است: تعداد مقاله های منتشر شده: ۱۵ مورد تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها: ۱۴ مورد تعداد کتابهای تالیف شده: ۲ مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد: ۹ مورد

جوان آراسته، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین جوان آراسته

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

به سال ۱۳۴۱ در مشهد مقدس در خانواده ای مذهبی چشم به جهان گشود. در سال ۱۳۵۶ پس از اتمام مقطع راهنمایی توفیق ورود به حوزه علمیه را پیدا نمود و بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در سال ۱۳۵۸ از زادگاه خود، به قم مهاجرت کرده. ابتدا در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی و سپس با بازگشایی مدرسه حقانی در آن جا به تحصیلات حوزوی ادامه داد. دروس سطح عالی حوزه را در محضر اساتیدی همچون حضرات آقایان راستی کاشانی و اعتمادی (رسائل) بنی فضل و کاشانی (مکاسب) و ستوده (کفایه) فرا گرفت. از سال ۱۳۶۷ در درس خارج اصول فقه از محضر حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی و در درس خارج فقه از حضرات آیات فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی و حاج شیخ جواد تبریزی استفاده کرد. در فاصله سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰ با شرکت در مباحث تفسیر قرآن استاد فرزانه حضرت آیت الله جوادی آملی بیش از پیش با قرآن مأنوس و از این محفل معنوی بهره برد. در کنار دروس حوزوی از سال ۱۳۷۰ تصمیم به ادامه تحصیلات جدید گرفته، دروس دبیرستان را در سال ۱۳۷۴ به پایان رسانده و در همان سال موفق به ورود به دانشگاه تهران (پردیس قم) در رشته حقوق گردید. پس از اتمام سه ساله دوره کارشناسی حقوق، در سال ۱۳۷۷ در مقطع کارشناسی ارشد حقوق عمومی همان دانشگاه پذیرفته و در اردیبهشت سال ۱۳۸۰ فارغ التحصیل گردید.

جوان، حمیدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حمیدرضا جوان

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۲/۷/۱

زندگینامه علمی

دروس حوزوی را از سال ۱۳۵۹ در تهران مدرسه آیت الله مجتهدی آغاز کردم و مقدمات را در آنجا گذراندم. سپس لمعتین و اصول فقه مظفر را در قم نزد آیت الله اشتهاوردی و حسینی بوشهری خوانده و در سال ۱۳۷۶ رسماً وارد حوزه علمیه قم گردیدم. تا سال ۱۳۸۱ سطح را به اتمام رساندم از سال ۱۳۷۸ همزمان در درس خارج شرکت داشتم و تاکنون مشغول به درس خارج فقه و اصول می باشم. حدود سه سال در بخشهای عقیدتی سیاسی و بخش تحقیقات استراتژیک ستاد فرماندهی کل قوا به فعالیتهای آموزشی و پژوهشی مشغول بوده ام و مقالات و جزواتی را تدوین و تألیف نموده ام. در سالهای اخیر تحقیقی نیز در رابطه با تکلیف و اباحی گری داشته ام و اکنون نیز به آن مشغول هستم.

دروس دانشگاهی را در مقطع کارشناسی در رشته مهندسی عمران در سال ۱۳۸۵ به اتمام رسانده ام و حدود پنج سال در دانشگاه امام حسین (ع) عضو هیئت علمی بوده و در ضمن دوره کارشناسی ارشد در دو رشته مدیریت ساخت و علوم سیستم ها را تا نیمه های دوره گذراندم که بخاطر علاقه شدید به دروس حوزوی آنها را به اتمام نرسانده و فعالیت خود را بر روی دروس حوزوی متمرکز نمودم.

جوانرودی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۳ - ۱۳۰۰ ق)، منشی، خطاط، ادیب و دانشمند. از اهالی جوانرود بود. تحصیلات خود را در مدارس کردستان ایران و عراق شروع کرد و در شهر کرکوک علوم دینی را نزد علامه علی حکمت افندی به کمال رساند و به ایران بازگشت و در آبادی بالک از قرای مریوان به مدت یازده سال تدریس کرد، سپس به دره تفی رفته و تا هنگام مرگ در آنجا ماند و به تدریس و خدمت اجتماعی و دینی ادامه داد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ مشاهیر کرد (۲/۲۶۳)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳/۲۹).

جوانی گلوچه، رسول

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رسول جوانی گلوچه

محل تولد: تبریز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب از سال ۱۳۷۴ وارد حوزه علمیه شدم. دوران مقدمات حوزه را در حوزه علمیه ولی عصر عج شهربستان بناب واقع در آذربایجان شرقی به پایان رساندم. بعد از ورود به قم مشغول دروس سطح حوزه گردیده از دروس اساتید معظم حوزه استفاده کردم. در همان سالهای اولیه ورود به حوزه علمیه به خاطر علاقه ای که داشتم، در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآنی نیز مشغول به تحصیل گردیده و موفق شدم دروس سطح ۲ این رشته را نیز در تاریخ ۱۳۸۳ به پایان رساندم.

در ضمن موفق گشتم چندین ترم جزو نفرات ممتاز باشم. و با یک سال تاخیر در تاریخ ۸۵ نیز با قبولی در امتحانات ورودی تحصیل در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآنی را در مقطع کارشناسی ارشد پی بگیرم هم اکنون نیز سه سال است در دروس خارج فقه و اصول مشغول به تحصیل می باشم که هم اکنون که در سال ۸۶ می باشم سومین سال تحصیل در دروس خارج را می گذرانیم. در طی این دوران در ضمن تحصیل در دروس متداول و تخصصی در واحد تحقیقات و پژوهشهای فرهنگی حوزه، قسمت قرآن و تربیت و کلام و فلسفه مشغول پاسخ گوئی به سوالات بودم. که بیش از سه سال سابقه دارم.

مقاله ای با عنوان جوان و بحران هویت اینجانب در هفته نامه پرتو سخن به چاپ رسید. و مقاله ای نیز با عنوان جوان و هویت در مجله علمی تخصصی معرفت در حال انتشار می باشد. مقاله دیگری نیز با عنوان (کرامت انسان در سیره نبوی) برای موسسه نشر آثار حضرت امام ره نیز نوشته ام که در حال چاپ و انتشار می باشد. اینجانب در سایت اسلامی حضرت استاد هادوی تهرانی نیز به عنوان محقق پاسخ به سوالات اینترنتی مشغول می باشم. همینطور در پژوهشکده علمی - کاربردی باقرالعلوم مربوط به سازمان تبلیغات اسلامی هم مشغول به تحقیق می باشم. اخیرا نیز از پژوهشکده صدا و سیمای مرکز قم جهت همکاری در پروژه ای قرآنی دعوت گردیده ام.

جوهر تراش، ناصر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی ایران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

جوهر کلام، عبدالعزیز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مؤلف، محقق.

تولد: ۱۲۷۰.

درگذشت: مرداد ۱۳۶۵.

از آثار اوست: آثار الشیعه (چهار جلد، ۱۳۴۲ به بعد)؛ تاریخ تهران (۱۳۲۵)؛ بازدید کتابخانه‌های هندوستان (۱۳۲۶)؛ جواهر الآثار (ترجمه مثنوی، پنج جلد، ۱۳۳۶، به بعد)؛ دائرةالمعارف الامامیه (شش دفتر، ۱۳۳۹-۱۳۳۶)؛ فهرست کتابخانه‌ی معارف (نسخه‌های خطی، دو جلد، ۱۳۱۴-۱۳۱۳)؛ کتابخانه‌های ایران پیش از اسلام تا این عصر (۱۳۱۱).
برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

جواهری، عبدالرسول

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۸۷-۱۳۰۱ ق)، فقیه اصولی. نیای وی شیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر» بود. وی از پارسایان معروف نجف بود که پس از طی دوره‌های مقدماتی، دروس عالی فقه و اصول را از محضر شیخ محمدکاظم خراسانی، سید محمدکاظم طباطبایی یزدی و عده‌ای از دیگر استادان و رجال حدیث را از محضر سید ابوتراب خوانساری و معقول را از محضر شیخ عبدالهادی شلیله‌ی بغدادی فراگرفت. سپس به تدریس فقه و اصول پرداخت و دانشمندان زیادی از محضر او استفاده کردند. در مقبره‌ی صاحب «جواهر» در نجف به خاک سپرده شد. از آثار وی: ترجمه‌ی «انیس الموحدین» کلباسی از فارسی به عربی.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۸۲/۴)، مستدرکات اعیان (۱۳۱/۳).

جورابدوز، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد جورابدوز

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۲ بعد از گرفتن دیپلم وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه ابوالصدق آن روز مشغول به دروس حوزوی

شدم مقدمات سیوطی و مغنی و منطق را در آن مدرسه به پایان رساندم و در همین ایام در دین تفسیر آیت الله جوادی آملی شرکت می‌کردم و این درس در مدت ۹ سال ادامه داشت. اصول فقه و معالم را نزد استاد محمدی خراسانی و لمعه را نزد مرحوم استاد وجدانی و خاتمی و عندلیب شیرازی به اتمام رساندم. سپس در درس رسائل آیت الله اعتمادی شرکت کردم و در همین زمان مکاسب را نزد استاد دوزدوزانی خواندم و شرح منظومه را نزد استاد فاضل گلپایگانی خواندم و در درس اسفار آیت الله جوادی آملی شرکت کردم. کتاب کفایه الاصول را نزد آیت الله قدیری خواندم و بعد از اتمام ۲ جلد کفایه در درس خارج آیت الله العظمی وحید خراسانی در فقه و اصول از سال ۷۲ شرکت کردم که این درس خارج هنوز هم ادامه دارد. در سال ۷۱ در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه در رشته مدیریت دولتی در مقطع لیسانس را گذراندم و مقاله در زمینه مدیریت اسلامی نوشتم و مدتی در موسسه تحقیقی مهدویت شرکت کردم و مقاله‌ای در کلام در زمینه فرقه انحرافی بهائیت نوشتم و آن فرقه و عقاید آنها را مورد نقد و بررسی قرار دادم.

جوزجانی، ابوعبید عبدالواحد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۳۸ ق)، طیب و ریاضیدان. از مردم جوزجان بود، و در فنون حکمت و فقه بیشتر از طب تبحر داشت. ابوعبید در سال ۴۰۳ ق هنگامی که ابوعلی سینا از دهستان به جرجان می‌رفت به خدمت او پیوست و تا پایان حیات آن استاد در خدمتش به سر برد. جوزجانی شاگرد ابن سینا و محرض وی در تصنیف کتب و گرد آوردنده‌ی تألیفات شیخ بعد از وفات او بود. شهرت ابوعبید بیشتر در ریاضیات است. از جمله کارهای او یکی «تکمیل قسمت ریاضیات از کتاب نجات ابوعلی» است و علاوه بر آن، قسمت ریاضی و موسیقی از کتاب «دانشنامه علائی» را به همین سیاق بر آن کتاب افزود. از دیگر آثار او: «تمه‌ی سرگذشت ابن سینا»، که قسمت نخستین آن به قلم خود شیخ است و ابوعبید حوادث حیات شیخ را بعد از سال ۴۰۳ ق بر آن افزود و «شرح رساله‌ی حی بن یقظان». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات ایران (۳۱۸/۱)، تاریخ طب (۶۹۴-۶۹۳/۲)، تاریخ الحكماء قفطی (۵۶۳-۵۶۲، ۵۶۰)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۲۱۴)، دایرةالمعارف فارسی (۳۲/۱)، ریحانه (۴۳۶/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۲۷/۵)، لغت‌نامه (ذیل / ابوعبیدالله)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۶۶-۱۶۵)، معجم المؤلفین (۲۰۷/۶).

جوزدانی اصفهانی، فاطمه

قرن: ۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

۵۲۴-۴۳۰ ق، از زنان دیندار و نیکوکار و محدث. وی در عصر خود تنها محدثی بود که معجم صغیر و معجم کبیر طبرانی را از ابوبکر بن ریزه و نیز کتاب الفتن نعیم بن حماد مروزی را روایت می‌کرد و حافظان حدیث از قبیل محمد بن احمد صیدلانی، محمد بن حامد مضرى از او حدیث می‌شنیدند. وی برای سمعانی اجازه نوشته و در اصفهان در گذشته است.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۶۸ / ۴.

جوهر

قرن: ۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

۴۶۰-۵۳۰ ق، از زنان پارسا و محدث. وی دختر عبدالله بن عبدالکریم بن طلحه القشیری و از اهالی نیشابور بود. از جدش ابوالقاسم حدیث شنید و سمعانی در نیشابور از او استماع حدیث کرد.
برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۲۲۴ / ۱.

جوهرناز

قرن: ۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

قرن ششم هجری، از زنان محدث. وی دختر مضر بن الیاس بن مضر بن محمد تمیمی و اهل هرات بود. زنی نیکو کردار بود و از جدش الیاس بن مضر و از ابواسماعیل عبدالله بن محمد انصاری حدیث شنید و سمعانی در هرات نیز از او حدیث شنیده و نوشته است.
برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۲۲۶۱.

جوهری فارابی، ابونصر اسماعیل

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۰۰ / ۳۹۸ ق)، ادیب و لغوی، مشهور به جوهری. در فاراب متولد شد. وی نزد دایی خود ابوبراهیم اسحاق فارابی تحصیل کرد و سپس در طلب علم به بغداد و شام و حجاز سفر کرد و در مراجعت چندی در دامغان اقامت گزید و پس از آن به نیشابور رفت و برای همیشه در آنجا رحل اقامت افکند. ابونصر در بغداد نزد ابوسعید سیرافی و ابوعلی فارسی تحصیل کرد. گویند در آخر عمر مبتلا به اختلال حواس شد، و به خیال پرواز افتاد، و لنگه در را زیر بغل گرفت، و از محل بلندی خود را پائین انداخت، جوهری در نیشابور در گذشت. وی نخستین کسی است که لغات عرب را به ترتیب حروف هجا مرتب کرد. علاوه بر مقام شامخی که در لغت عرب دارد، علم عروض را تکمیل کرد، و شعر هم می گفت. وی خطی بسیار نیکو داشت، به حدی که تمییز خط او از خط ابن مقله ممکن نبود. معروفترین اثر وی: «صحاح اللغة» به عربی؛ «مقدمه در نحو»؛ «عروض الورقه»، که در علم عروض است؛ «بیان

الاعراب».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۱۰-۳۰۹/۱)، تاریخ ادبیات ایران (۳۵۴/۱)، تاریخ الاسلام (حوادث ۲۸۳-۲۸۱، ۴۰۰، ۳۸۱)، دایرة المعارف فارسی (۷۷۵/۱)، الذریعه (۱۱/۱۵)، روضات الجنات (۴۹-۴۳/۲)، ریحانه (۴۴۰-۴۳۸/۱)، سیر النبلاء (۸۲-۸۰/۱۷)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۶۶)، کشف الظنون (۱۰۷۳-۱۰۷۱)، الکنی واللقاب (۱۶۳-۱۶۱/۲)، لسان المیزان (۶۱۶-۶۱۴/۱)، لغت نامه (ذیل / جوهری، بارانی)، مؤلفین کتب چاپی (۵۸۳-۵۸۲/۱)، معجم الادباء (۱۶۵-۱۵۱/۶)، معجم البلدان (۲۵۵/۴)، معجم المؤلفین (۲۶۸-۲۶۷/۲)، الوافی بالوفیات (۱۱۴-۱۱۱/۹).

جوینی، ابو محمد عبدالله

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۳۸/۴۳۷/۴۳۴ ق)، نحوی، مفسر، فقیه شافعی. ملقب به رکن الاسلام. وی پدر امام الحرمین بود. عبدالله در جوین متولد شد. ادبیات را نزد پدر در زادگاهش آموخت. سه بار به نیشابور رفت و فقه و اصول را نزد سهل بن محمد ضعیلو کی فراگرفت، و سپس در مرو از محضر قفال مروزی استفاده برد. و از ابونهم اسفراینی نیز بهره گرفت. رکن الاسلام در بغداد در محضر ابوحسین بن بشران حاضر شد. وی در سال ۴۰۷ ق به نیشابور بازگشت و به تدریس و فتوی مشغول شد و در همان جا درگذشت. از آثار وی: «التبصرة»، «التذکره»، «التفسیر الکبیر» یا «تفسیر الجوینی» مشتمل بر انواع علوم؛ «الفرق والجمع» یا «الجمع والفرق»؛ «الفروق والسلسله»؛ «مختصر المختصر» یا «مختصر الجوینی»؛ «موقف الامام والمأموم».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۹۰-۲۹۱/۴)، دایرة المعارف فارسی (۷۷۶/۱)، روضات الجنات (۱۵۸-۱۶۰/۵)، ریحانه (۴۴۴/۱)، سیر النبلاء (۶۱۸-۶۱۷/۱۷)، کشف الظنون (۱۹۱۰، ۱۶۲۶، ۱۶۲۱، ۱۲۵۸، ۹۹۶، ۶۰۱، ۴۴۶-۴۴۵، ۳۸۵، ۳۳۹)، معجم البلدان (۲۲۴-۲۲۳/۲)، معجم المؤلفین (۱۶۵/۶)، وفيات الاعیان (۴۸-۴۷/۳)، هدیة العارفين (۴۵۱/۱).

جوینی، عزیزالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران، تحصیل مقدمات (سطح)، منطق و فلسفه، فقه و اصول، تفسیر و کلام، ریاضی و هیئت قدیم تا درس خارج از مدرسه میرزا جعفر مشهد.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان و ادبیات فارسی، زبان‌شناسی، علوم قرائی، نقد و تحلیل مباحث دستوری در فرهنگ‌های فارسی، بررسی تفسیر سوره‌آبادی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه دکترا و ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تصحیح و شرح نهج البلاغه، تصحیح فرهنگ عربی-فارسی، مصادرالغه، فرهنگ مجموعه العربی، شرح خمسه نظامی، تغییر نسفی و تفسیر مفردات قرآن.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: خیلی زیاد، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

زبان‌شناسی، ترجمه انگلیسی و عربی، علوم قرآنی، نقد و بررسی کتب، شرح متون نظم و نثر.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

جوینی، معین‌الدین محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۸۳ / ۷۸۱ ق)، ادیب، صوفی و شاعر، متخلص به معین. در برخی از تذکره‌ها تخلص و شهرت وی معینی ذکر شده است. اهل خراسان بود و در انداده، از توابع جوین، به دنیا آمد. او شاعری توانا بود و قصاید وی در نعت باری تعالی همراه با مشرب تحقیق و غزل‌هایش پر از مایه‌های عرفانی است. وی همچنین در فن تصوف، مواعظ و پند، دقایق حدیث و تفسیر استاد بود و نزد مولانا فخرالدین خالدي اسفراینی، مؤلف «شرح فرایض»، کسب علم کرد و در تصوف پیرو خاندان شیخ سعدالدین یوسف حمویی شد. او سفری به عراق و آذربایجان کرد و مورد توجه خواجه غیاث‌الدین محمد فضل‌الله وزیر قرار گرفت و ساکن همدان شد. سپس به بغداد و از آنجا به مکه و مدینه رفت و بعد از آن به خراسان بازگشت. سرانجام در جوین درگذشت و همان جا دفن شد. از آثارش کتاب «نگارستان» است که آن را به تقلید «گلستان» سعدی، در عهد سلطان ابوسعید مغول و به نام وزیرش غیاث‌الدین محمد، نگارش کرد. در «ریحانۃ الادب» آمده است که کتاب به نام سلطان ابوسعید نوشته شده اما صاحب «تاریخ ادبیات در ایران» نویسنده‌ی آن را سعیدالدین یوسف حمویی دانسته است. این کتاب در ماوراءالنهر شهرتی عظیم یافت زیرا زمانی که الغ بیگ گورکان به بحرآباد رفت مشایخ آنجا این کتاب را پیشکش او کردند و سلطان به نویسندگان دستور داد تا کتاب را به خوبترین خط بنگارند. معین‌الدین علاوه بر قطعات و ابیات فراوانی که در «نگارستان» آورده، قصاید و غزل‌های مستقلی نیز سروده است. تقی‌الدین کاشی از مجموع اشعارش هزار بیت غزل و قسمتی از قصاید را یافته و بخشی از آنها را در «خلاصۃ الاشعار» نقل کرده است. «احسن القصص»، شرح سوره‌ی یوسف و قصه‌ی یوسف و زلیخا، اثر دیگر اوست.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۶۹-۱۲۶۸، ۱۰۴۵-۱۰۴۱/۳)، تاریخ عصر حافظ (۱/۲۹)، تاریخ مغول (۵۲۵)، تاریخ نظم و نثر (۷۷۱)، تذکره الشعراء (۳۸۵-۳۷۹)، دایرةالمعارف فارسی (۲/۲۸۱۲)، الذریعه (۳۰۸-۳۰۷/۲۴، ۱۰۷۹/۹)، ریحانه (۳۵۲/۵، ۴۴۴/۱)، صبح گلشن (۴۳۵)، فرهنگ سخنوران (۸۶۴)، کشف الظنون (۱۹۷۶)، لغت نامه (ذیل / معین الدین جوینی)، هفت اقلیم (۳۰۶-۳۰۵/۲).

جهاد اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقا سید علی بن سید جعفر خراسانی. فاضل و ادیب، از آزادی خواهان و روزنامه نویسان صدر مشروطیت بوده، در ۱۹ جمادی الاولی سال ۱۳۶۵ وفات یافته، در تخت فولاد جنب فاضلان مدفون گردید.

مرحوم جهاد اکبر مدتها به سمت مدعی العموم در دادگستری یزد خدمت نمود.

مرحوم آیتی در رثا و ماده تاریخ وفاتش گوید:

کس در جهان نیامده کز این جهان نرفت

کس خانمان نساخت کز آن خانمان نرفت

سال وفات خواستمش پیر عقل گفت

جز با جهاد اکبر کس بر جنان نرفت

روزنامه جهاد اکبر مدت دو سال یا کمی بیشتر منتشر می شده، و نویسندگی آن به عهده میرزا محمد علی علم فرزند آخوند ملا علی اکبر فشارکی بوده که مردی فاضل و دانشمند بوده، و قبل از سال ۱۳۶۰ در اصفهان وفات یافته است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

جهان قاجار، زبیده

قرن: ۱۳

جنسیت: زن

ملیت: ایران

(ز ۱۳۰۴ ق)، ادیب، عارف و شاعر، متخلص به جهان. ملقب به جانباجی و فرشته. وی همسر علینقی خان قراگزلو، ملقب به نصره‌الملک بود. او زنی خیر و عارف مسلک و از مریدان حاجی میرزا علینقی همدانی بود و زندگی به دور از تجمل داشت و بذل و بخششهای بسیاری می کرد. چندین بار به زیارت عتبات رفت. وی اشعاری نیکو می سرود. از او «دیوان» شعری به جای مانده است. [۱]

حدود ۱۳۰۵ ق، زبیده خانم، معروف به فرشته از زنان زاهد، عارف و شاعر. وی دختر بیست و هفتم فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ - ۱۲۱۲ ق) بود و مادرش ماه آفرین خانم نام داشت. به نوشته تاریخ عضدی در میان تمام فرزندان پسر و دختر فتحعلی شاه هیچکدام به زهد و تقوی و پاکی و اخلاص وی نبودند و از همین رو همه شاهزادگان به او لقب فرشته دادند. زبیده در جوانی به عقد علی

خان نصرت‌الملک قراگوزلو درآمد. مدتی بعد به همراه همسرش به همدان رفت و در آنجا در سلک عرفان حاج میرزا علینقی همدانی، عارف معروف، درآمد و از مریدان خاص او گردید. در طول بیش از شصت سال اقامت در همدان، از ثروت خود به دستگیری مستمندان و عمران و آبادی منطقه پرداخت. کاروانسرای مدور برای اقامت زوار در قریه تاج‌آباد با شراکت حاج میرزا علینقی همدانی بنا کرد.

پلی بر روی روان رود احداث نمود، دو دانگ قریه‌ی لاله‌چین را برای تعزیه‌داری و روشنایی کربلا-وقف نمود، بقعه و صحن امامزاده یحیی واقع در همدان را تعمیر کرد و همه ساله مبلغی برای متولی، قاری و روشنایی بقعه باباطاهر- که مدفن حاج میرزا علینقی همدانی نیز در آنجاست- مقرر نمود. زبیده دایم‌الذکر، شب زنده‌دار و اهل ریاضت و در سفر و حضر به دور از تجمل و تشریفات ظاهری بود. یک بار به زیارت حج، بیست مرتبه به زیارت عتبات و ده مرتبه نیز به زیارت مشهد رضوی مشرف شد.

وی دارای طبعی توانا بود و دیوانی حاوی قصیده، غزل و مرثی داشته که اشعار زیر را مؤلف تاریخ عضدی از آن نقل کرده است:

در ده به من ای ساقی زان می دو سه پیمانه

کز سوز درون گویم شعری دو سه مستانه

خواهم که در این مستی خود نیز رود از یاد

غیر از تو نماند کس نه خویش و نه بیگانه

از عشق رخ جانان، گشته است «جهان» حیران

مستانه سخن گوید این عاشق دیوانه

خواهم از ساقی مهوش تا نماید لطف عام

هر زمان ریزد به کام خشک من جامی دگر

گرچه نتوان لنگ لنگان پا نهم در کوی دوست

لطف او گر شامل آید می نهم گامی دگر

در شب هجران گدازم همچو شمع

روز وصلت سرفرازم همچو شمع

در رهت استاده‌ام از روی شوق

تا بیایی جان ببازم همچو شمع

از غمت با آتش هجران همی

که بسوزم که بسازم همچو شمع [۲]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان الشیعه (۴۳۳/۷)، حدیقه الشعراء (۲۱۴۳- ۲۱۴۰/۳)، خیرات حسان (۱۴- ۱۱/۲)، الذریعه (۴۰۱، ۴۰۰، ۲۱۲/۹)، ریاحین الشریعه (۲۶۷- ۲۶۶/۴)، ریحانه (۳۶۱/۲)، طرائق الحقائق (۳۲۹- ۳۲۵/۳)، فرهنگ سخنوران (۲۲۷)، الکنی واللقاب (۲۸۹/۲)، لغت‌نامه (ذیل/زبیده).

[۲] منابع: از رابعه تا پروین، ۹۵- ۹۳؛ اعیان‌الشیعه، ۴۳/۶؛ تاریخ عضدی، ۳۴- ۳۰؛ حدیقه‌الشعراء، ۲۱۴۳- ۲۱۴۰/۳؛ خیرات حسان، ۱۴- ۱۱/۲؛ الذریعه، ۴۰۱- ۴۰۰، ۲۱۲/۹؛ ریاحین‌الشریعه، ۲۶۸- ۲۶۶/۴؛ زنان سخنور، ۱۶۴- ۱۶۲/۱؛ زنان نامی ایران و اسلام، ۷۳- ۷۱؛ طرائق الحقائق، ۳۲۷- ۳۲۵/۳؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ۲۷۵/۳؛ کارنامه زنان، ۸۷؛ لغت‌نامه‌ی دهخدا، ش ۲۱۷/۱۱۰؛ دیوان.

جهانبخش، بیژن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: بهداشت، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

جهانبگلو، امیرحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مترجم، مدرس، مولف.

تولد: ۲۵ بهمن ۱۳۰۲، تهران.

درگذشت: ۲۰ خرداد ۱۳۷۰، تهران.

امیرحسین جهانبگلو از دبیرستان شرف فارغ‌التحصیل شد. ابتدا در وزارت دارایی مشغول به کار شد و ده سال بعد از دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل گردید و چهار سال بعد از آن برای ادامه‌ی تحصیل به فرانسه رفت. در سال ۱۳۲۸ از دانشگاه سربین پاریس لیسانس فلسفه و منطق دریافت کرد و سه سال بعد با درجه‌ی دکترای اقتصاد از همین دانشگاه به تهران بازگشت و در همان وزارت دارایی به کار مشغول شد. دکتر امیرحسین جهانبگلو بعد از این تاریخ سمت‌های مختلفی را در ادارات و وزارت‌خانه‌های گوناگون به عهده داشت، از آن جمله وزارت دارایی، شرکت نفت و سازمان اوپک، شرکت گاز و غیره. دکتر امیر جهانبگلو بیشتر عمر خود را از سال ۱۳۵۰ به تدریس در دانشگاه تهران پرداخت. از جمله آثار ترجمه‌ی شده‌ی وی، می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: غول‌های غلات (دن مورگان)؛ سیاست از نظر افلاطون (الکساندر کویره)؛ ضربه‌ی آینده (الونی تافلر)؛ تاریخ اجتماعی دوره‌ی مغول (بخش سوم تاریخ غازان‌خان و مقدمه‌ی جامع التواریخ و رساله‌ی او از کتاب اللطائف، ۱۳۳۷)؛ سپیده دم (مانوئل روبلس)؛ فن صحنه‌سازی تئاتر (لئون موسیناک، ۱۳۳۵)؛ مردی که زیر زمین زندگی می‌کرد (ریچارد وایت، ۱۳۳۵).
برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

جهانسوز، محمد مهدی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد مهدی جهانسوز پسر مرحوم محمدجواد میرزا (و. کرمانشاه دوازدهم ربیع‌الاول ۱۲۹۲ ه.ق) پس از تحصیل مقدماتی در حوزه‌ی درس ملا- اکبر خراسانی از شاگردان حاج ملا- هادی سبزواری و آقا میر شهاب شیرازی به آموختن فنون ادبی پرداخت، سپس به خدمت حسنعلی خان امیرنظام گروسی حاکم کرمانشاه درآمد. مرآت سالی چند در نزد بعضی از فرمانروایان ایالات به

خدمت انشاء (منشیگری) اشتغال ورزید، به بیشتر بلاد ایران مسافرت کرد. پس از سفری به اروپا به تهران بازگشت و به خدمت دولتی درآمد و حائز مقامات عالی اداری شد. در نظم و نثر خاصه نگارش نامه‌های دوستانه و فنون محاوره و حضور جواب و ایراد امثال توانائی و شهرت بسزا داشت. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

جهانشاهی قاجار، ایرج

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ویراستار.

تولد: ۱۳۰۵، تهران.

درگذشت: ۲۹ تیر ۱۳۷۰، تهران.

ایرج جهانشاهی قاجار تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهرهای ملایر و اهواز انجام داد. سپس به دریافت لیسانس جغرافیا و تعلیم و تربیت از دانشکده‌ی ادبیات دانشسرای عالی نایل آمد. در سال ۱۳۳۸ از مؤسسه تحقیقات و مطالعات اجتماعی دانشگاه تهران درجه فوق لیسانس گرفت و دوره‌ی یک ساله را در رشته‌ی آموزش بزرگسالان در دانشگاه منچستر انگلستان گذراند. همچنین در دوره‌های کوتاه مدتی در کشورهای آمریکا، پاکستان و تایلند درباره‌ی ادبیات کودکان به مطالعه پرداخت. و از سال ۱۳۲۴ به عنوان معلم در آموزش و پرورش مشغول به کار شد. سپس مدتی نیز به دبیری و ریاست دبیرستانی رسید.

از جمله فعالیت‌های وی، تأسیس مرکز تهیه خواندنی‌های نوسودان بود که بعدها به مرکز انتشارات آموزشی تغییر نام داد. نشر مجله‌های «بیک کودک»، «بیک معلم و خانواده»، «بیک نوآموز»، «بیک دانش آموز»، «بیک نوجوانان»، «بیک جوانان» از ابتکارات او بود. چندی هم مدیریت مجله‌ی «آموزش و پرورش» را بر عهده داشت. از سال ۱۳۵۷ سرپرستی شورای ویراستاری فرهنگنامه کودکان و نوجوانان را در شورای کتاب کودک به عهده گرفت. در سال ۱۳۶۱ همکای خود را به عنوان مشاور گزینش و تألیف و ترجمه و ویرایش کتاب‌های ادبیات کودکان و نوجوانان با انتشارات فاطمی و واژه آغاز کرد و تا آخرین لحظات زندگی نسبت به تهیه‌ی آثاری برای کودکان و نوجوانان فعال بود. کتاب‌های بخوانیم و بنویسیم هم یادگار اوست. تألیف او عبارتند از: گل‌های وحشی (۱۳۲۵)، شاخ‌های ملوس (۱۳۴۵)، ازوپ در کلاس درس (۱۳۶۱) قلم موی جادو (۱۳۶۲)، چشم چشم دو ابرو (۱۳۶۳)، بازی‌های ورزشی (۱۳۶۳)، قصه‌های من و بابام (کتاب برگزیده شورای کتاب کودک در (۱۳۶۲).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

جهانگیر فیض آبادی، محمدجعفر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدجعفر جهانگیر فیض آبادی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد جعفر جهانگیر فیض آبادی مشهور به فیض آبادی در خانواده ای مذهبی و عاشق اهل بیت(ع) به دنیا آمد. در سال ۱۳۵۰ هجری شمسی وارد حوزه علمیه مشهد شد دروس مقدمات و لمعتین را از نزد آیت الله حجت هاشمی و فاضل هرنندی آموخت. پس از آن شور و شوق فراوان او به ادامه تحصیل و استفاده از اساتید بزرگ آن روزگار سبب شد از دیار خویش به حوزه علمیه قم مهاجرت نماید، در بدو ورود در سال ۱۳۵۸ پای درس مرحوم آیت الله ستوده نشست (شخصیتی که هزاران طلبه از محضر او بهره جستند و عالمان بزرگی تقدیم حوزه‌های علمیه کرد) پس از آن و در سال ۱۳۶۲ به تحصیل درس خارج مشغول گردید و از شاگردان سرشناس آیات عظام مرحوم شیخ جواد تبریزی و مرحوم محمد فاضل لنکرانی گردید. ذوق خدمت به طلاب علوم دینی سبب شد دوباره به جوار بارگاه ملکوتی ثامن الحجج(ع) باز گردد. ایشان هم اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد است و در کنار آن به تدریس در حوزه علمیه و دانشگاه‌هایی نظیر فردوسی مشغول می‌باشد تا در پرورش و تهذیب طلاب و دانشجویان دین خویش را اداء نماید.

جهانگیر، عیسی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عیسی جهانگیر

محل تولد : عجب شیر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۵ در شهرستان عجب شیر واقع در استان آذربایجان شرقی به دنیا آمدم - تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آنجا گذراندم سپس برای ادامه تحصیلات به قم رفتم. در سال ۱۳۷۰ دارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه شهیدین مشغول تحصیل علوم دینی گشتم. از جمله اساتید برجسته ای که در حوزه علمیه قم از آنها کسب علم کرده ام آیت الله مروّجی، آیت الله جوادی آملی، آیت الله میرزا جواد تبریزی، آیت الله مصباح یزدی و حجت الاسلام و المسلمین صادق لاریجانی می باشند. در سال ۱۳۷۶ همزمان با تحصیلات حوزوی وارد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شدم. کارشناسی و کارشناسی ارشد جامعه شناسی را در این زمینه به پایان رساندم.

جهانگیر، محمدصادق

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدصادق جهانگیر

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمدصادق جهانگیر فیض آبادی، در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی در تهران، در خانواده دوستدار اهل بیت (ع) به دنیا آمد. پدر او اسماعیل نام داشت. شیفتگی به تحصیل علوم دینی سبب گردید تا ایشان در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه مشهد گردد. سطح یک را در دیار مشهد سپری کرد و پس از آن جهت تحصیل علم بیشتر رهسپار قم گردید و از محضر اساتید برجسته حوزه علمیه قم بهره‌ای فراوان برد سطح ۲ را از محضر آیات ستوده، دوزدوزانی و اعتمادی فرا گرفت، سطح عالی را در محضر مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله العظمی مکارم شیرازی تلمذ نمود. پس از آن به جوار بارگاه ملکوتی ثامن الائمه برگشت تا در آنجا به خدمت و تحصیل و تدریس پردازد.

جهانگیری دهقان، بهمن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیهوشی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی، دکترای تخصصی آنستزیولوژی و رانیماسیون.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آنستزیولوژی، رانیماسیون راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۶ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

آنستزیولوژی در اعمال جراحی مغز و پی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

آنستزیولوژی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

جهانگیری، بیژن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد ۱۳۱۴، مرتبه علمی: استاد، رشته: فارماکولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشکده پزشکی تهران در سال ۱۳۳۸، دکترای تخصصی فارماکولوژی پزشکی از دانشگاه تهران در

سال ۱۳۴۲، فوق تخصصی فارماکولوژی از دانشگاه‌های لیژ بلژیک در سال ۱۳۴۴ و YALE آمریکا در سال ۱۳۵۴.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده پزشکی دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۳، دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۲ و استاد

دانشکده پزشکی دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۲ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

درمان دارویی افزایش فشار خون شریانی، داروهای متضاد کلسیم، روش قوم به قوم در درمان هیپرتاسیون اصلی، آسپرین و تراکم

پلاکتی، فارماکوتراپوتیک زوال عقل پیری، کاربرد آنتی‌بیوتیک‌ها در بیماری‌های غیر عفونی، هورمون رشد عصبی،

فارماکوتراپوتیک میکروبیهای مزاحم در بارداری، فارماکوتراپوتیک کتانسرين، تنظیم عصبی و غددی اشتها و اثر هورمونهای

گوارشی، واکسن ضد حاملگی، اثرات بیولوژیک مواد نادر، گزارش‌های نوین در تحقیقات مربوط به داروهای ضد صرع، تدریس

دروس فارماکولوژی در دانشگاه تهران، برنده جایزه بهترین تحقیق علوم پزشکی پایه از دانشگاه تهران و البرز در سال ۱۳۵۱.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: ۳

زمینه علمی تألیفات:

حیوانات آزمایشگاهی (روش‌های کار با حیوانات)، بحث زخم معده تجربی، صفرا و فارماکولوژی دندانپزشکی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳۳، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲۴

زمینه علمی مقالات:

فارماکولوژی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

جهانگیری، محسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن جهانگیری در سال ۱۳۰۸ در قزوین زاده شد. وی علاوه بر تحصیلات حوزوی دارای دکترای فلسفه محض از دانشگاه تهران (۱۳۵۲ ه.ش) است. وی عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و استاد آنجا از سال ۱۳۶۹ می باشد. دکتر محسن جهانگیری در سال ۱۳۸۱ در دومین همایش چهره های ماندگار به عنوان چهره ماندگار در رشته فلسفه برگزیده و معرفی شد. گروه: علوم انسانی رسته: فلسفه و موضوع اجتماعی و شرایط زندگی: تحصیلات رسمی و حرفه ای: محسن جهانگیری در محضر علامه طباطبایی با بزرگانی چون امام موسی صدر، استاد جلال الدین آشتیانی، دکتر آیت الله بهشتی و شهید مطهری همکلاس بوده است. خاطرات و وقایع تحصیل: اخذ مدرک دکترای فلسفه محض از دانشگاه تهران با عنوان «مقایسه وحدت وجود در عرفان ابن عربی و وحدت جوهر در فلسفه اسپینوزا» با راهنمایی دکتر فرید و مشاوره دکتر نصر و دکتر جلیلی در سال ۱۳۵۳ دفاع کرده است. فعالیتهای ضمن تحصیل: محسن جهانگیری پیش از اخذ لیسانس (تا سال ۱۳۳۶) در دبیرستانهای تهران تدریس می کرد. و نیز در محضر دانشمندان و علمای عصر خود در قم، اصفهان و تهران حاضر می شد و تلمذ می نمود. استادان و مربیان: آیت الله خوانساری، آیت الله کوه کمره ای، آیت الله بروجردی و آیت الله طباطبایی در حوزه علمیه قم آقای مفیدی در اصفهان، دکتر شهابی، دکتر مشکوه، دکتر حمیدی سبزواری، دکتر هوشیار، دکتر جلالی، دکتر شعرانی، دکتر فرید، دکتر یحیی مهدوی در دانشگاه تهران از استادان محسن جهانگیری بوده اند. هم دوره ای ها و همکاران: محسن جهانگیری در محضر علامه طباطبایی با بزرگانی چون امام موسی صدر، استاد جلال الدین آشتیانی، دکتر آیت الله بهشتی و شهید مطهری همکلاس بوده است. وقایع میانسالی: محسن جهانگیری پس از اخذ مدرک دکترای فلسفه محض در سال ۱۳۵۲ از دانشگاه تهران، به تدریس در دانشگاههای شهید بهشتی (از سال ۱۳۵۲) و تهران (به عنوان عضو هیئت علمی) از سال ۱۳۵۴ پرداخت. وی در سال ۱۳۶۹ به عنوان استاد شناخته شد. و در سال ۱۳۸۱ به عنوان چهره ماندگار در رشته فلسفه در دومین همایش چهره های ماندگار برگزیده و معرفی شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: معلم دبیرستانهای تهران تا سال ۱۳۳۶ ه.ش استاد فلسفه در دانشگاه شهید بهشتی (۱۳۵۲-۱۳۵۴) استاد فلسفه در دانشگاه تهران و عضو هیئت علمی (تا کنون -۱۳۵۴) فعالیتهای آموزشی: فعالیتهای آموزشی محسن جهانگیری عبارتند از: تدریس در دبیرستانهای تهران تا سال ۱۳۳۶ ه.ش تدریس فلسفه در دانشگاه شهید بهشتی (۱۳۵۴-۱۳۵۲ ه.ش) تدریس فلسفه در دانشگاه تهران (تا کنون -۱۳۵۴) سایر فعالیتهای و برنامه های روزمره: محسن جهانگیری در کنار تدریس، به مطالعه، تحقیق و تالیف و ترجمه آثاری در زمینه فلسفه غرب و عمدتاً اسپینوزا و فلسفه اسلامی به ویژه ابن عربی می پردازد. آرا و گرایشهای خاص: محسن جهانگیری دیدگاهی مقایسه ای و تطبیقی به فلسفه اسلامی و غرب دارد. چنانکه تز دکترای وی مقایسه وحدت وجود در عرفان ابن عربی و وحدت جوهر در فلسفه اسپینوزا بوده است.

اخلاق اسپینوزا ویژگی اثر: اسپینوزا از فلاسفه اخلاق گرای غرب در قرون جدید در تاریخ فلسفه می باشد. ۴ کتاب محیی الدین ابن عربی
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

جهانگیری، نادر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

جهانگیری، یحیی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

یحیی جهانگیری

محل تولد: سهرورد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۹/۱/۱

زندگینامه علمی

یحیی جهانگیری سهروردی به سال ۱۳۵۹ در سهرورد زنجان دیده به جهان گشود روستایی که مهد پرورش عرفان، فلسفه و هنر اسلامی است شیخ اشراق سهروردی شیخ عمر شهاب الدین سهروردی و احمد خطاط سهروردی از زادگان این دیارند. ایشان به خاطر نبوغ علمی همواره مورد تحسین اهالی و معلمان بود علی رغم علاقه معلمان به تحصیل او در دبیرستانهای نمونه وی راه مطالعه علوم حوزوی را آغاز نمود. سال سوم به دعوت مسئولین حوزه خدابنده به تدریس رسمی نیز مشغول شد، در حالیکه ۱۷ سال بیشتر نداشت.

تدریس همزمان با تحصیل او را از آگاهی یابی به علوم جدید باز نداشت لذا همگام با حوزه دبیرستان را نیز تمام نمود و به یادگیری زبان انگلیسی پرداخت. با پایان دوره مقدمات عازم قم شد و افزون بر دروس رسمی ضمن قبول شدن در مرکز تخصصی کلام اسلامی در آنجا مشغول شد و فارغ التحصیل گشت. اینک ایشان فارغ التحصیل رشته ادیان از دانشگاه در مقطع ارشد و خارج حوزوی بوده و به زبانهای انگلیسی و عربی مسلط میباشد. مصاحبه با مطبوعات و شبکه سحر به زبان انگلیسی و کسب جوایز در مسابقات شعر از سوابق ایشان است. ایشان علاوه بر اینها به تبلیغ در مناطق محروم و دبیرستانها و پایگاههای بسیج و کانونها مشغول بوده و با سایت شخصی پاسخگوی پرسشها می باشند.

جهرمی، عبدالجبار

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ عبدالجبار مجتهد جهرمی از دانشمندان بزرگ این شهرستان بوده مرحوم والدش که از تجار و بازرگانان بود به عراق عرب رفته و در آنجا مجاور اماکن مشرفه شد. وی در عراق تحصیل علوم دینی نموده تا به مدارج اجتهاد رسیده آنگاه به شیراز مراجعت و در محله سرباغ شیراز سکونت نموده و در مسجد میرزا محمد تاجر به امامت پرداخته و در مسجد حسینیہ حاج قوام‌الملک به تدریس اشتغال داشت تا بعد از ۱۳۱۳ قمری که وفات نمود.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

جیبی، سلمان

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سلمان جیبی

محل تولد: رمن تابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۵ در روستای رمن تابل در یک خانواده مذهبی به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در شهرستان بابل به پایان بردم. به دلیل علاقه زیاد به مسائل دینی از دوران نوجوانی در جلسات مذهبی شرکت فعال داشتم و این علاقه وافر به اهل بیت و عصمت و طهارت علیهم السلام و روحانیت موجب شد تا در سال ۱۳۶۱ برای فراگیری علوم اسلامی وارد حوزه علمیه قم شدم. از این سال تا ۱۳۷۰ به فراگیری دروس مقدمات و سطح نزد اساتید برجسته حوزه پرداختم و از سال ۱۳۷۰ در دروس خارج اساتید بزرگی چون: آیت الله مکارم شیرازی، آیت الله خرازی و آیت الله کریمی شرکت می‌کنم.

در کنار تحصیل به فعالیت های علمی و پژوهشی و نیز سفرهای تبلیغی، فرهنگی، علمی و تدریس به داخل و خارج پرداختم. در این راستا با مراکز علمی و پژوهشی مختلف همکاری می‌کردم و از سال ۱۳۷۷ به صورت تخصصی در زمینه ماخذ شناسی و کتاب شناسی فعالیت داشتم که تا کنون توفیق ارائه خدمات ماخذ شناسی به بیش از چهار صد نفر در موضوعات مختلف علوم اسلامی جهت تدوین پایان نامه های کارشناسی ارشد و رساله دکتری را پیدا کرده ام.

جیلانی اصفهانی، محمد رفیع

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم فاضل، و فقیه جامع، در متولد شده، پس از تحصیل مقدمات به اصفهان مهاجرت نموده، و سال‌ها به تکمیل فضایل و معلومات خود گذرانیده. در نجف به درس سید بحر العلوم و دیگران حاضر شده.

کتاب زیر از اوست:

- ۱- اصل الاصول، در شرح معالم، مفصل ۲- جواهر الاصول، حاشیه بر معالم تا آخر تعادل و تراجیح ۳- حواشی بر دره‌ی بحر العلوم
 - ۴- رساله در جمعه ۵- کشف المدارک، تعلیقه بر مدارک، مطبوع ۶- اللثالی الثمنیه در شرح نهج البلاغه؛ و غیره.
- صاحب عنوان در حدود سال ۱۲۴۵ به بعد در نجف وفات یافته.
- برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

جیلی، رفیع‌الدین، ابوحامد عبدالعزیز

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۴۱ ق)، فیلسوف. وی از مردم فیلمان گیلان بود که در حکمت، کلام، فقه، علوم طبیعی و طب از مشاهیر روزگار بود. او به سال ۶۳۷ ق به قاضی القضاتی دمشق رسید، اما چندی بعد در بعلبک به چاهی ژرف افکنده شد و هنگام فرورفتن به وضع دهشتناکی در گذشت. از آثار وی: «شرح الاشارات والتنبیها» و «اختصار الکلیات» از کتاب قانون ابن سینا.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۳/۲۵۶).

جیهانی، ابوعبدالله احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۸۵ ق). ادیب و جغرافیدان. اهل جیهان از توابع ماوراءالنهر بود و به مدت دو سال وزیر منصور بن نوح سامانی. ابوعبدالله کتابی در جغرافیا، نام: «المسالک والممالک»، به عرب تألیف کرده که مقدسی وصف مفصلی از آن کرده است. از دیگر آثار وی: «آیین»؛ «مقامات کتب العهود والخلفاء والامراء»؛ «کتاب الزیادات فی کتاب الناسی فی المقالات» و «رسائل».[۱]

ابوعبدالله احمد بن محمد بن نصر، از رجال ادب و سیاست اواخر قرن چهارم ه. وی از سال ۳۶۵ ه. ق. به وزرات منصور بن نوح سامانی انتخاب شد و در ۳۶۷ از وزارت معزول گردید و عتبی (ه.م.) به جای او منصوب شد. جیهانی کتابی در جغرافیا تألیف کرد به نام کتاب «المسالک والممالک» (ه.م.) و «کتاب رسائل» نیز از اوست.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ ادبیات ایران (۳۵۱/۱)، ریحانه (۴۴۸/۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۲۰/۱)، الفهرست ابن ندیم ترجمه (۲۲۸)،

کشف الظنون (۱۶۶۴)، لغت‌نامه (ذیل / احمد)، المسالك والممالک (۳۰۴)، معجم المؤلفین (۱۶۵/۲).

چخوف، آنتوان

قرن: ۱۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

«آنتوان چخوف» نویسنده‌ای، بشردوست، آزادیخواه و روشنفکر بود و داستان‌های وی حکایت از افکار مترقی او می‌نماید. او با فساد و دروغ، خودنمایی، سرشکستگی، منفی‌بافی، کوتاه‌نظری، تحمل‌ظلم، آزادیخواهی دروغی و بالاخره صفات منفی با کمال خشونت مبارزه می‌کند و جامعه‌ی عقب‌مانده را به آینده‌ی درخشان و زندگانی سعادت‌مندانه امیدوار می‌سازد و برای رسیدن به اصول مترقی افکار برجسته‌ای به خوانندگان آثار خود تلقین می‌کند. «آنتون پاولویچ چخوف» Anton – Tchekhov درام‌نویس و داستان‌سرای معروف روسی در ۱۷ ژانویه‌ی سال ۱۸۶۰ در شهر «تاگان‌روگ» در شمال قفقاز در آغوش یک خانواده‌ی بی‌چیز و معتقد به سنن و آداب قدیمی و ملی به دنیا آمد و در دوم ژوئیه‌ی سال ۱۹۰۴ در ۴۴ سالگی در «بادن وایلر» محلی واقع در جنگل سیاه درگذشت. جد چخوف از سرف‌هایی بود که با صرفه‌جویی و کار زیاد آزادی و حیات خود و خانواده‌اش را از ارباب خویش بازخرید کرده بود. پدرش با داد و ستد جزئی‌ای که داشت نمی‌توانست هزینه‌ی زندگی خانواده را تأمین نماید و از این رو «آنتون» کوچک، در آغاز زندگی با قیافه‌ی شوم فقر آشنا گردید و به اثرات مخرب آن پی برد. با آنکه چخوف در سختی و فشار زندگی می‌نمود لکن با عزت‌نفسی که داشت کوچکترین گله و شکایتی ابراز نمی‌کرد و با کار و کوشش فراوان، تحصیلات مقدماتی خود را در «ژیمنازیوم» مسقط‌الرأس خاتمه داد و برای تحصیل در دانشکده‌ی پزشکی عازم مسکو شد و در سال ۱۸۷۹ در نوزده سالگی وارد دانشگاه مسکو گردید و به تحصیل طب پرداخت. وی تنها به تحصیل در دانشکده اکتفا نکرد و با وجود ذوق فطری به نوشتن داستانها و ناول‌ها و مقالات در مطبوعات فکاهی سرگرم شد و به این جهت وقتی در سال ۱۸۸۴ درجه‌ی دکترای طب را گرفت شغل طبابت را با حرفه‌ی نویسندگی توأم ساخت ولی بعدها تمام اوقات خود را وقف نوشتن کرد و از این راه مقام شامخی در دنیا به دست آورد. چخوف جز در دوره‌ی عمومیت بیماری و یا در سالهای ۱۸۹۲ و ۱۸۹۳ به طبابت نپرداخت. نخستین داستانهای او با نام مستعار «چخوف» انتشار یافت و در سال ۱۸۸۶ برخی از داستانهایش به صورت کتابی به نام «داستانهای رنگارنگ» منتشر شد، این کتاب موفقیت بسیار کسب کرد. در سال ۱۸۸۷ وی نخستین نمایشنامه‌ی خود را به نام «ایوانف» تحریر کرد. «آنتون چخوف» بر اثر فقر و استیصال دوران کودکی و زحمات شبانه‌روزی دوران جوانی در سی سالگی مبتلا به بیماری خانمانسوز سل گردید که تا پایان حیات کوتاهش مونس این نویسنده‌ی بزرگ بود و بالاخره هم باعث مرگ وی شد. با آنکه چخوف مریض بود و با آنکه خودش هم طیب و از مرض خود اطلاع داشت با این وصف دمی از کار و کوشش دست بر نمی‌داشت و تقریباً تمام ساعات فراغت خود را سرگرم نوشتن بود و برای مطالعه‌ی روحیات و احوال عموم مردم و طبقات مختلف به مسافرتها و گردشهای پر زحمتی تن می‌داد، چنانکه در سال ۱۸۹۰ راه سخت و دور و دراز سیبری را در پیش گرفت و در آنجا وضع تبعیدها را مطالعه کرد و از این سفر ره‌آوردی به نام «جزیره‌ی ساخالین» برای ستمدیدگان رژیم تزاری به ارمغان آورد که در سال ۱۸۹۱ منتشر شد. این کتاب تا حدودی رژیم پلیس تزار را که محکومین را به جزیره‌ی ساخالین می‌فرستاد تخفیف داد. چخوف در سال ۱۸۹۱ تا ۱۸۹۷ با پدر و مادرش در ملکی که در نزدیکی مسکو خریده بود زندگی کرد. در سال ۱۸۹۷ که در معرض تهدید مرض سل قرار گرفت ناگزیر شد قسمت اعظم اوقات خود را در کریمه و خارجه بگذراند. وی در سال ۱۸۹۶ نمایشنامه‌ی خود را به نام «مرغ نوروژی» در مسکو انتشار داد، اما این اثر در «پترزبورگ» با عدم موفقیت روبرو شد و دو

سال بعد در سال ۱۸۹۸ در مسکو نیز از این نمایشنامه تجلیل شایانی شد. «آنتون چخوف» در سال ۱۹۰۰ بر اثر توجه نویسندگان و دانشمندان و قاطبه‌ی ملت به وی و در نتیجه‌ی نفوذ و شهرت انکار ناپذیر خود به عضویت افتخاری آکادمی روسیه انتخاب شد و مورد تقدیر فراوان قرار گرفت. «عمووانیا» در ۱۸۹۹ و «سه خواهران» در ۱۹۰۱ و «باغ گیلاس» در سال ۱۹۰۴ از جمله نمایشنامه‌های او بود که در مسکو با موفقیت روبرو شد. وی در سال ۱۹۰۱ با یک هنرپیشه به نام «اولگا کپنیر» ازدواج کرد. موقعی که دولت روسیه عضویت به نام «ماکسیم گورکی» نویسنده‌ی معروف روسیه را از آکادمی لغو کرد «آنتون چخوف» نیز استعفا داد. در محیط تناتر از نمایشنامه‌های وی با اشتیاق زیاد استقبال شد و اغلب از نمایش نامه‌های وی در صحنه نمایشگاه آکادمی مسکو به معرض تماشا گذارده شد و در سایر پایتخت‌های اروپا هم مورد نمایش و تحسین تماشاگران قرار گرفت. در جهان هنر و ادب پیروزی روزافزون چخوف افتخارات زیادی برای وی فراهم آورد و آکادمی برای مجموعه‌ی داستانهایش جایزه‌ی «پوشکین» را به وی اهداء کرد. چخوف به نویسندگی خود ادامه می‌داد که بیماری وی شدیدتر شد و به دستور پزشکان ناگزیر به نقاط جنوبی فرانسه رفت و با آنکه کار کردن برایش زیان داشت دست از کارهای ادبی نکشید و پس از مدتی اقامت در آن کشور به مسافرت خود در ایتالیا و آلمان ادامه داد و بالاخره به وطن خود بازگشت و در سال ۱۹۰۴ با مرض سل از دنیا رفت. از آثار او می‌توان «علامت زمانه»، «خاطرات یک دختر جوان»، «چاق و لاغر»، «اطلاع»، «مرگ کارمند»، «متلون»، «موژکیها»، «سرگذشت غم انگیز»، «انسان در غلاف»، «بدبختی»، «پشتیبانی»، «آزادیخواه»، «نماینده‌ی مجلس»، «حقیقت خالص»، «رشته فرهنگی»، «چگونه زن قانونی گرفتیم»، «یک مرد جوان»، «طبیعت پر معما»، «جنگ تن به تن»، «داستان کسالت آور»، «رؤیاهای»، «در تبعیدگاه»، «وانکا»، «میل بخوابیدن»، «اطاق شماره‌ی ۶»، «یک واقعه‌ی جالب»، «مرغابی دریایی»، «مرد ناشناس»، «خاطرات یک استاد»، «عمو وانیا»، «تمشک تیغ دار»، «مشاور مخصوص»، «خواب آلود»، «اندوه»، «جنایتکار»، «مشاور مخصوص»، «خواب آلود»، «اندوه»، «جنایتکار»، «دشتهای»، «خانه‌ای با اشکوب»، «تیفوس»، «بیست و پنج روبل» را نام برد. «چخوف» نویسنده‌ای، بشردوست، آزادیخواه و روشنفکر بود و داستان‌های وی حکایت از افکار مترقی وی می‌نماید. ای با تمام قوا از آزادی دفاع کرد، برای دسترسی مردم به حقوق خود کوشش نموده و با انتقاد از اصول اجتماعی و وضع موجود مردم را به سوی ترقی فکری و اخلاقی سوق داده است. وی با فساد و دروغ، خودنمایی، سرشکستگی، منفی بافی، کوتاه نظری، تحمل ظلم، آزادیخواهی دروغی و بالاخره صفات منفی با کمال خشونت مبارزه می‌کند و جامعه‌ی عقب مانده را به آینده‌ی درخشان و زندگانی سعادت‌مندانه امیدوار می‌سازد و برای رسیدن به اصول مترقی افکار برجسته‌ی او به خوانندگان آثار خود تلقین می‌کند.

چغمینی، محمود

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۴۵ ق)، منجم، ریاضیدان و طبیب. از مردم چغمین خوارزم بود. آثار وی: «المخلص فی الهیئة»، مشتمل بر یک مقدمه و دو مقاله که بر آن شروح زیادی نوشته‌اند از جمله: «شرح میر سید شریف جرجانی»؛ «شرح قاضی زاده رومی»؛ «شرح طرق الحساب فی مسائل الوصایا»؛ «قانونچه»، در طب.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۵۹/۸)، تاریخ ادبیات ایران (۲۷۴/۳)، تاریخ نجوم اسلامی (۳۲۶، ۵۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۶۳، ۷۸)، دایرة‌المعارف فارسی (۸۰۳/۱)، ریحانه (۴۴۹/۱)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۲۲۰-۲۱۹)، سرآمدان فرهنگ (۲۶۷/۱)، کشف الظنون

(۱۸۲۰-۱۸۱۹)، مؤلفین کتب چاپی (۸۶-۸۵/۶)، معجم المؤلفین (۱۹۸/۱۲)، هدیه الاحباب (۱۱۹).

چلبی بیگ علامی، کمال‌الدین، ابوالفضل

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم و یازدهم ق)، حکیم و شاعر، متخلص به شیدا و فارغ. اصل وی از تبریز بود و علت شهرتش به علامه آن بود که از دانشمندان معروف عصر خویش بود. پدرش در زمان شاه طهماسب اول کلانتر آن دیار بود ولی، بعد از ترک منصب یا عزل از آن شغل به هند رفت و در نزد اولاد بهرام میرزای صفوی تقرب یافت. اما فرزندش، ابوالفضل، قدم در راه تحصیل گذاشت و به شیراز رفت و در حلقه درس مولانا میرزا جان قرار گرفت، بعد از آن به سعایت حاسدان به قزوین رفت و مدت‌ها در همنشینی خواجه افضل‌الدین محمد ترک که کسب فیض کرد. وی برخی از فصول شفا و اشارات را مطالعه کرد و چون شهرت فضلش به همه جا رسید، اکبرشاه او را به حضور طلبد و مورد توجه قرار داد. ابوالفضل در هند مشهور شد و سرانجام در همان جا درگذشت. او به گفتن شعر نیز توجه خاص داشت و معانی عجیب و افکار غریبی در طرز غزل ابداع کرد. از وی «دیوان» شعری به جای مانده است. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۷۱۰)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۴۹۰-۴۸۵/۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۵۹-۱۵۸)، ریحانه (۱۶۷/۴)، کاروان هند (۹۷۹-۹۷۲/۲)، هفت اقلیم (۲۳۷/۳).

چنگانی، حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن حیدر بن حسن بن غلام چنگانی اصفهانی. فاضل مدقق بوده، و در سال ۱۲۷۸ کتاب «منیة اللیب در شرح تهذیب» را جهت خود استنساخ نموده، و بر آن تعالیقی دارد که دلالت بر وفور علم و دانش او می‌کند. بر گرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

چوبک، محمدصادق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۷-۱۲۹۵ ش)، نویسنده و مترجم. در بوشهر متولد شد، بعد از تحصیلات مقدماتی با پدر خود به شیراز و تهران مسافرت کرد. وی در تهران دوره‌ی کالج را به پایان رسانید و از کالج آمریکایی البرز فارغ‌التحصیل شد. وی مدتی رییس کتابخانه‌ی شرکت نفت بود. او زبان انگلیسی را خوب آموخت و در ادبیات فارسی و انگلیسی مهارتی یافت. حکایات و داستانهای اجتماعی کوتاه و مفیدی به سبک جدید نوول دارد. مکتب داستان‌نویسی وی ناتورالیسم است که حد فاصل شیوه‌ی ادگار آلن پوی آمریکایی و چخوف

روسی است. برخی از آثار وی: «خیمه شب بازی»؛ «انتری که لوطیش مرده بود»؛ «سنگ صبور»؛ «تنگسیر»؛ «چراغ آخر».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ادبیات امروز ایران (۱۱۵-۱۱۱/۱)، چون سبوی تشنه (۲۰۴-۲۰۳)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۱۶۶-۱۶۳)، شخصیت‌های نامی (۱۵۲، ۱۵۱)، صدسال داستان نویسی در ایران (۱ و ۲۵۲-۲۴۱/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۲-۴۸۳/۳).

چهاردهی، محمدعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۴-۱۲۵۲ ق)، فقیه امامی. در چهارده از روستاهای لاهیجان به دنیا آمد و مقدمات علوم را در زادگاهش فراگرفت. در قزوین به تکمیل تحصیلات پرداخت و پس از چندی به عتبات مهاجرت کرد، در نجف از مجلس سید حسین کوهکمری بهره برد. وی از ملا-علی خلیلی تهرانی روایت می‌کرد. شیخ آقابزرگ تهرانی از چهاردهی اجازه‌ی روایت داشت. وی از مشایخ آیت‌الله شهاب‌الدین مرعشی نجفی بود. از جمله آثار وی: «الادعیه والاذکار»؛ «التذکره الغریبه»، در نمازهای مستحبی و ادعیه؛ ترجمه‌ی «صحیفه سجادیه»، به فارسی؛ «تعقیبات الصلوة»؛ ترجمه‌ی «نواقض الروافض»؛ حاشیه بر «خلاصه الحساب»؛ حاشیه بر «روضه البهیة»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل» سید علی طباطبائی؛ حاشیه بر «فرائد الاصول» شیخ انصاری؛ حاشیه بر «قوانین الاصول» میرزای قمی؛ حاشیه بر «منهج المقال» میرزا محمدعلی استرآبادی؛ «ذریعه العباد»، در اصول و فروع و ادعیه؛ «الرساله الغریبه فی جواب الطبریة»، در اصول دین؛ شرح «قصیده مطالع الانوار» که منظومه‌ای است در مدح آل‌عبا؛ شرح «نهج البلاغه» به فارسی؛ شرح «قواعد الاحکام»؛ «زبدۃ العبادات» که رساله‌ی عملیه او به فارسی است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴۴۴-۴۴۳/۹)، الذریعه (۴۵/۱۶، ۱۴۱/۱۴، ۳۰، ۱۲/۲۹، ۲۲۰/۱۱، ۳۱/۱۰، ۹۶، ۶/۸۴، ۲۱۹، ۱۴۳، ۱۱۲/۴، ۳۹۲/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۴۹-۱۵۴۸/۱۴)، معجم المؤلفین (۶۷/۱۱)، مکارم الآثار (۱۴۰۷-۱۴۰۶/۴).

چهارسوقی، محمد ابراهیم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن سید محمد صادق بن امیر زین العابدین خوانساری

پدرش آقا سید محمد صادق خوانساری از علما و دانشمندان اصفهان است که در شب ۲۹ شعبان ۱۲۸۹ وفات یافته و در بقعه تکیه مادر شاهزاده، جنب پدر مدفون گردیده است.

وی را: ۱- شرحی است بر زبده شیخ بهائی ۲- کتاب الاحباط و التکفیر، ۳- شرح بر شرایع در ۵ جلد

اولاد او در اصفهان و کاظمین ساکن می‌باشند.

بر گرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

چهارسوقی، محمد مهدی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در ۸ رمضان المبارک ۱۲۵۱ متولد، و در ۱۳ ذی حجه ۱۳۲۴ وفات یافته، در بقعه پدر مدفون گردید.
کتب زیر از اوست:

ترجمه الفیه به نام فرائض الیومیة ۲- تعلیقہ بر لمعة الدمشقیة ۳- تکمیل شرح الفیه که پدرش نوشته، به نام مکمل البقیة من احسن العطیة ۴- دلیل المصلین ۵- شرح بر تبصره علامه ۶- شرح بر نفلیه شهید؛ و غیره.

ماده تاریخ وفاتش این است:

تاریخ وفاتش طلبیدم ز خرد

فرمود که آه نور مهدی غاب

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

چهارسوقی، محمدباقر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی اصفهانی مشهور به «صاحب روضات» عالم فاضل مجتهد، ادیب و محقق رجالی برجسته از علمای بزرگ شیعه در قرن سیزدهم فرزند عالم برجسته حاج میرزا زین العابدین موسوی خوانساری (مدفون در تکیه شیخ محمد تقی رازی) می‌باشد.

این عالم بزرگوار در خوانسار متولد شد و تحصیلات خود را در اصفهان نزد علمای بزرگی چون سید محمد شهشهانی، سید صدرالدین عاملی، شیخ محمد تقی رازی (صاحب حاشیه)، سید محمد باقر حجت الاسلام، حاج محمد ابراهیم کلباسی و ... انجام داد. در نجف اشرف از بزرگانی چون سید ابراهیم قزوینی کسب علم نمود و از بزرگانی چون شیخ محمد کاشف الغطاء و ... اجازه دریافت نمود. پس از بازگشت به اصفهان به تدریس، تحقیق، تألیف و عبادت روزگار سپری نمود.

در عهد خود مرجعیت قضا و فتوی را داشت و در مسجدی که در محله چهارسوق به نام وی نام گذاری شد امام جماعت بود. در تقوی و دیانت مورد تأیید تمامی علما و مردم زمانش بود. در مقامات عرفانی او آورده اند ظل السلطان می خواست مالی را به آقا میرزا محمد باقر واگذار کند، صاحب روضات گفته بود قریه توکل آباد من برای کفاف مخارج خود و خاندانم کافی است. ظل السلطان ابتدا تصور می‌کرد که واقعا توکل آباد یکی از روستاهای آباد اصفهان است وقتی پرس و جو کرد فهمید که مقصود او توکل به خداوند است.

ایشان در شب دوشنبه ۹ جمادی الاول ۱۳۱۳ هـ. ق در گذشت و بنا بر وصیتش در تخت فولاد در جوار قبر میرزا حسین خان کشیکچی به خاک سپرده شد.

به جهت احترام و تجلیل از مقام برجسته وی به همت میرزا سلیمان خان رکن الملک و فرزندان این عالم بزرگوار بقعه ای بر سر

قبرش بنا گردید.

تألیفات ایشان عبارتند از: احسن العطیه یا شرح برالفیه، تسلیه الاخوان، حاشیه بر شرح لعمه، حاشیه بر قوانین، رساله در ضروریات دین، رساله در شرح حدیث حی، رساله در امر به معروف و نهی از منکر، رساله عملیه، قصاید عربی و فارسی در مدح و فضیلت اهل بیت پیغمبر، مجالسی در مصائب حضرت سید الشهداء و کتابهای ارزشمند بسیار دیگر.

او تألیفات چندی در فقه، اصول و کلام دارد. از جمله: «روضات الجنات»، در احوال علما و سادات؛ «احسن العطیه» در شرح «الالفیه» شهید اول؛ «تسلیه الاحزان» فارسی، در مصیبت؛ حاشیه بر «شرح لمعه»؛ «ارجوزه»، در اصول فقه؛ «اقسام اسباب البلیا النازله فی هذه الدنيا علی الشقی و السعید»؛ «تفصیل ضروریات الدین و المذهب»؛ «حاشیه قوانین الاصول»؛ «قره العین و سرور النشأتین»؛ «رساله عملیه»؛ «رساله فی الامر بالمعروف و نهی عن المنکر».

مشهورترین کتاب ایشان «روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات» به عربی است که بیش از ده سال از عمر خویش را مشغول تحقیق و تألیف این کتاب ارزشمند نموده است. این کتاب از کتاب های رجال شناسی بسیار محققانه و عمیق بوده و مورد استفاده بسیاری از محققین و رجال شناسان قرار گرفته و بسیاری از بزرگان حواشی و فهرست ها بر این کتاب نموده اند. شهرت این کتاب به حدی بود که پس از درگذشت این عالم بزرگوار به مرور زمان این خاندان به «صاحب روضات» و فرزندان بزرگوارش به «سادات روضاتی» معروف گشتند.

چهارسوقی، محمدهاشم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۸ - ۱۲۳۵ ق)، مجتهد و نویسنده. وی برادر کوچکتر میرزا محمدباقر خوانساری، مؤلف «روضات الجنات»، بود. وی پس از مدتی از زادگاه خویش، خوانسار، برای کسب تحصیل به اصفهان آمد و در زمره‌ی علمای طراز اول اصفهان قرار گرفت. بسیاری از علمای روحانی اصفهان از شاگردان او بودند. وی در سن ۸۱ سالگی در نجف درگذشت و در وادی السالم به خاک سپرده شد. از آثار وی: «الاحکام الایمان»؛ «رساله‌ی عملیه»؛ «مجمع الفوائد، معدن الفوائد، مخزن الفوائد»؛ «مجموعه‌ی الرسائل»؛ «میزان الانساب»؛ «اصول الدین»؛ «التجوید»؛ «اصول آل الرسول»، در اصول فقه؛ «حاشیه ریاض»؛ «حاشیه قوانین» و چند اثر دیگر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۵۳/۷)، اعیان الشیعه (۸۳/۱۰)، الذریعه (۲۲/۲۷۵، ۱۹/۴۵، ۶/۱۰۲، ۴/۱۴۸، ۱۹۶، ۱۷۷/۲، ۱/۲۹۶)، ریحانه (۱۹۲ - ۱۹۱/۲)، شرح حال رجال (۲۵۴ - ۲۵۳/۶)، علماء معاصرین (۶۷)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۹/۵)، المآثر والآثار (۱۴۵)، مؤلفین کتب چاپی (۷۵۳ - ۷۵۲/۶)، معجم المؤلفین (۱۲/۸۶).

چهارسوقی، مسیح

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در شب جمعه ۲۷ شوال ۱۲۵۵ متولد، و در شب شنبه ۹ ذی حجه سال ۱۳۲۵ وفات یافته، در بقعه پدر خویش مدفون گردیده.

وی مؤلف چندین کتاب و رساله مختصره و بیاض ادعیه و یک عشریه و جزوات منبری می‌باشد.

ماده تاریخ وفاتش را مرحوم فتح الله جلالی ضمن قطعه‌ای چنین گوید:

یکی آمد ز غیب ناگه و گفت

بریاض جنان نمود مکان

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

چهرگانی انزابی، مرتضی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت الله مرتضی چهرگانی انزابی، در سال ۱۲۹۳ ق. در قریه چهرگان از منطقه انزاب آذربایجان شرقی متولد شد. وی در روزگار خود در عرصه های علمی و اجتماعی از جمله نادر محسوب میشد و پس از گذراندن دوران کودکی در زادگاه خود و پس از طی مراحل تحصیلات ابتدایی پیش پدر روحانی اش، برای ادامه تحصیل به شهر خوی رهسپار شد و پس از ۵ سال اقامت در آن شهر، به شهر تبریز رفت و از محضر اساتید بزرگ آن زمان، مانند مرحوم آیت الله انگجی و میرزا حسن مجتهد استفاده برد و پس از اتمام دروس سطح و برای تکمیل تحصیلات عالی حوزه به نجف اشرف مهاجرت کرد و حدود ۱۹ سال در نجف اقامت کرد و در فقه و اصول به مراتب والایی رسید. وی در دوازدهم رجب سال ۱۳۸۱ ق به ملکوت اعلی پیوست. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب: خانواده مرتضی چهرگانی انزابی از سه قرن گذشته تاکنون، مفتخر به کسوت مقدس روحانیت و خدمت به دین و مردم بوده است. پدرش مرحوم میرزا علی چهرگانی معروف به «آقاعلی» از علمای نجف و مدرّس حوزه های علمیه مشهد مقدس و از علمای خدمتگزار منطقه ارونق و انزاب بود. او و پدرانش، طبق یادداشت هایی که به جای مانده تا دوازده نسل یعنی حدود سیصد سال، از عالمان نجف دیده و مفتخر به کسوت روحانی بودند و به خاطر علاقه به زادگاهشان، - که مهد علم و ادب بود - بازگشته، به ارشاد و هدایت مردم می پرداختند. جدّ اعلای این خاندان، که در سیصد سال پیش امام جمعه خامنه بود، مدرسه ای دایر می کند و به تربیت طلاب علوم دینی مبادرت می ورزد. تحصیلات رسمی و حرفه ای: مرتضی چهرگانی انزابی پس از گذراندن دوران کودکی در زادگاه خود و پس از طی مراحل تحصیلات ابتدایی پیش پدر روحانی اش، برای ادامه تحصیل به شهر خوی رهسپار شد و پس از پنج سال اقامت در آن شهر، به شهر تبریز رفت و از محضر اساتید بزرگ آن زمان، مانند مرحوم آیت الله انگجی و میرزا حسن مجتهد، استفاده برد و پس از اتمام دروس سطح، برای تکمیل تحصیلات عالی حوزه به نجف اشرف مهاجرت کرد. حدود ۱۹ سال در نجف اقامت کرد و در فقه و اصول به مراتب والایی رسید. فعالیت های ضمن تحصیل: تحصیلات مرتضی چهرگانی انزابی صاحب اجازه های اجتهاد و نقل حدیث و اجازه در امور حسیه از آیات عظام گرفتند ذیل بود: ۱. آقاضیاءالدین عراقی؛ ۲. فتح الله شریعت اصفهانی؛ ۳. سید محسن طباطبائی حکیم: در سال ۱۲۶۴ در نجف متولد شد و در ۲۷ ربیع الاول سال ۱۳۹۰ ق (۱۳۴۸ ش) در همان شهر رحلت کرد. قبر آن مرحوم در کنار کتابخانه اش است. ۴. حاج سید محمد هادی میلانی. استادان و مربیان: اساتید مرتضی چهرگانی انزابی در تبریز: ۱. آیت الله میرزا ابوالحسن انگجی، ۲. آیت الله میرزا حسن آقا مجتهد (مجتهد بزرگ) اساتید در نجف: ۱. آیت الله سید کاظم یزدی (صاحب عروة الوثقی)، ۲. آیت الله میرزا فتح الله شریعت اصفهانی (معروف به شیخ الشریعه اصفهانی)، ۳. آیت الله محمد کاظم خراسانی (صاحب کفایه)، ۴. آیت الله آقاضیاءالدین عراقی (۱۲۸۹ - ۱۳۶۱ ق). همسر و فرزندان: مرتضی چهرگانی انزابی دوبار ازدواج کرد. دانشمند گرامی، حاج حسین آقا انزابی (نواده ایشان) در

این زمینه می‌نویسد: «مرحوم مبرور در روزگاری که مقیم نجف اشرف بود، با خانواده‌ای وصلت انتخاب نموده که ثمره آن ازدواج مبارک، فرزند بزرگ ایشان حضرت آیت الله شیخ عبدالحسین غروی (۱۲۸۶ - ۱۳۷۳ ش. از علمای بزرگ تبریز و نماینده مجلس خبرگان رهبری در دوره اول، آرمیده در وادی السّلام قم) بوده است... به هنگام مراجعت به آذربایجان، به امر بزرگان و علمای تبریز راضی به اقامت در شهر تبریز گشته. پس از ماندگاری با خانواده‌ای از سادات، یعنی سادات حسینی کوه کمره‌ای - که شاخه‌ای از آنان مقیم روستای چهرگان بوده‌اند - حدود سال ۱۲۹۰ هجری قمری عقد ازدواج بسته است که حاصل این سنت الهی دو فرزند برومندش، یعنی مرحوم حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمدحسین انزابی (روحانی مبارز و نستوه و یار دیرین رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی و نماینده مردم شریف تبریز در مجلس شورای اسلامی در سه دوره متوالی و انیس مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه‌ای، فوت به سال ۱۳۷۸ شمسی و مدفون در وادی رحمت تبریز) و حاج غلامعلی انزابی (از مؤمنین و دینداران بازار تبریز و تهران، مقیم تهران) است.» مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مرتضی چهرگانی انزابی، در مدت اقامت نزدیک به پنجاه سال در محله شتربان (دوچی) تبریز، در سه وعده صبح و ظهر و شام به اقامه نماز جماعت اشتغال داشت و به موعظه و ارشاد مردم می‌پرداخت و مراقب عقد معاملات و ازدواج آنان بود و پیوسته با ذکر و تسبیح و حمد ذات اقدس خداوند ملازمت داشت. فعالیت‌های آموزشی: «مرتضی چهرگانی انزابی بالاخره پس از تکمیل دروس خارج و اخذ مدارک اجتهاد از اساتید میرز حوزه نجف، به تبریز مراجعت کرده و تا آخر عمر در تبریز به تدریس علوم دینی برای طلاب علوم دینی و ارشاد و موعظه، اشتغال داشته است و الحق زهد و روحانیت را تا آخر عمر مراعات می‌کرد.» چگونگی عرضه آثار: مرتضی چهرگانی انزابی دلی مالمال از محبت به اهل بیت عصمت و طهارت داشت. لذا در سال‌های اقامت در عراق، از زیارت عتبات عالیات، به ویژه سامرا، غافل نبود؛ به طوری که بعضی تحریرات فقهی خود را در این سامان، در محضر مرقد مطهر عسکرین و در پایگاه امامت و غیبت حضرت امام عصر (ع) نگاشت؛ چنان که به نوشته آقا بزرگ تهرانی در الذریعه، نسخه‌ای از نگاشته‌های حاج شیخ مرتضی در کتابخانه این شهر - که وابسته به حرم است - نگهداری می‌شد. حاج شیخ مرتضی چهرگانی انزابی از مقام علمی و فقهی قابل اعتنایی برخوردار بود. او تقریرات درس‌های فقیه بارع، آیت الله مرحوم شریعت اصفهانی و دیگر بزرگان نجف که در محضر درسشان بود، در چند جلد تحریر کرد که این تقریرات، ارزشمندترین میراث فقهی و علمی ایشان شناخته می‌شود. آنچه اکنون در اختیار بازماندگانست، به سه بخش تحریر، تنسیخ و تألیف تقسیم می‌شود. از جمله آثار وی که در زمینه استنساخ می‌باشد به شرح ذیل می‌باشد: ۱۰. استنساخ دو رساله از مرحوم شریعت اصفهانی، به سال ۱۳۲۶ ق؛ ۲۰. استنساخ دو رساله فقهی از مرحوم شریعت اصفهانی به سال ۱۳۲۸ ق. آثار: الرسالة العصریه، تحریر رساله فی الحق و الحکم، تحریر کتاب الصوم الموسّس العام و الفقیه المحقق شیخ محمدهادی طهرانی، رساله فی اصول الدین، رساله فی الاستصحاب، رساله فی التعادل و التراجیح، رساله فی التکلیف، رساله فی الخلل الواقع فی الصلوٰه، رساله فی الخیارات، رساله فی الرّضاع، رساله فی الرهن، رساله فی الظن، رساله فی المكاسب، رساله فی الوظائف المقرّرة للجاهل، رساله فی صلوٰه المسافر، رساله فی علم الاصول الفقه، کتاب القضاء، کتاب الوصایا، منجزات المریض

منابع زندگینامه: سایت حوزه علمیه قم / بخش زندگینامه علما ۱۶ - www.hawzah.net/

چهره نما

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج عبدالمحمد مؤدب السلطان ایرانی پور علی زاده، ادیب فاضل، و شاعر و نویسنده و مورخ، در اصفهان متولد شده، و در این شهر مقدمات علوم را آموخته، به مصر مهاجرت نموده و تا آخر عمر در آنجا ساکن بوده و از محترمین ایرانیان ساکن مصر به شمار می‌رفته. روزنامه چهره نما را در آنجا می‌نوشته و مدت سی و دو سال مرتباً انتشار داده است. در حدود سال ۱۲۹۱ متولد، و در اول شعبان ۱۳۵۴ در قاهره وفات یافته، و هم در آنجا مدفون گردید. کتب زیر از تألیفات اوست:

- ۱- احقاق الحق ۲- امان التواریخ ۳- پیدایش خط و خطاطان ۴- زردشت باستانی و فلسفه او ۵- فؤاد التواریخ. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

چیزری، علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ علی (مدرس) نهاوندی از علماء اعلام و مدرسین عظام تهران بودند. وی از شاگردان مبرز مرحوم علامه خراسانی صاحب کفایه الاصول و علامه طباطبائی یزدی صاحب عروه و بعد از آنان از تلامذه و شاگردان و اصحاب خاص مرحوم آیت‌الله العظمی و المجاهد میرزا محمدتقی شیرازی بودند که پس از فوت آن بزرگوار به تهران آمده و در مدرسه سپهسالار و مروی بتدریس فقه و اصول اشتغال داشتند تا در قضایای اتحاد شکل و کشف حجاب که از تهران به شمیران منتقل و چندی در تجریش اقامت و در مسجد همت واقع در بازار به اقامه جماعت و تربیت افراد پرداخته و چون آنجا هم از مفاسد عمومی مصون نماند در چیزری که نسبتاً از مظاهر فساد برکنار بود رحل اقامت افکنده و حوزه علمیه تشکیل و افراد صالحی تربیت نمود تا از دنیا رفت و در جنب امامزاده آنجا مدفون گردیده است. نگارنده گوید: آیت‌الله چیزری عالمی ربانی و آیتی سبحانی خالی از هوا و تظاهرات و دارای نفس قدسی و ملکات فاضله اخلاقی و خصال حمیده و صفات پسندیده و سیمائی ملکوتی بود کرارا از محضرش استفاده نموده و از بیاناتش بهره‌مند شده‌ام. از جمله مطالبی که از ایشان شنیدم این بود که فرمودند یکی از شاگردان و اصحاب حضرت امام صادق علیه‌السلام به آن حضرت عرض کرد وقتی من بمحل خود می‌روم اهل قربه من می‌گویند برای ما امامت کن شما اجازه می‌فرمائید. حضرت فرمود (ان لم یکن نظرک بالوراک فتامم) اگر نظرت به پشت سرت نیست. یعنی قلت و کثرت و کم و کیف مأمومین در تو تأثیر نمی‌کند امامت کن. و این عجیب حدیثی است باید تمام ائمه جماعت این حدیث شریف را نصب‌العین قرار داده و درباره آن فکر نمایند. فرمودند: این حدیث را برای مرحوم آیت‌الله آقا میرزا محمدتقی شیرازی که مجسمه زهد و تقوا بود خواندم رنگ ایشان پرید و مدت هیجده شبانه‌روز از منزل بیرون نیامده و کسی را نزد خود نپذیرفت و مشغول باصلاح خود بود. از آثار آن بزرگوار که بطبع رسیده است.

کتاب تنبیه‌الغافلین است که در شهریور ۱۳۱۲ شمسی منتشر گردیده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

حاتم شیرازی، محمدمهدی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، طیب و شاعر. وی با صاحب «مرآت الفصحا» معاصر بود. حاتم شغل طبابت داشت و گاهی شعر می‌سرود از اوست:

ابرویش همچو هلالی است که سلخ رمضان

شایق دیدن او پادشه و درویش است

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حقیقه الشعراء (۳۹۷/۱)، مرآت الفصاحه (۱۴۶-۱۴۵).

حاتمی قزوینی، ابوالحسن علی

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سوم و چهارم ق)، محدث و عالم امامی. وی زمان غیبت صغری را درک کرده و پدرانیش از محدثان شیعه بودند. علمای بزرگ رجال حاتمی را ثقه دانسته‌اند. وی از احمد بن ادریس، علی بن سلیمان زراری روایت می‌کرد، شیخ صدوق و تلعبیری و حسین بن احمد شیبان از او حدیث روایت کردند و تلعبیری از وی به دریافت اجازه نایل آمده. وی کتابهای بسیاری در ابواب فقه نگاشته است. از آثار وی: «مصابیح النور»؛ «البيان والایضاح»؛ «العلل»؛ «یوم و لیلۃ»؛ «الصفوة فی اسماء امیرالمؤمنین (ع)».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۵۸، ۴۴، ۱۵)، رجال الطوسی (۴۸۲)، رجال النجاشی (۹۳-۹۲/۲)، الفهرست للطوسی (۲۱۳).

حاتمی لنکرانی، مجتبی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فقیه.

تولد: ۱۳۳۰ ق.، اصفهان.

درگذشت: ۲۳ فروردین ۱۳۶۵.

آیت‌الله مجتبی حاتمی لنکرانی در اوایل جوانی به نجف مهاجرت نمود و در آنجا از محضر آیت‌الله محمد حسین نائینی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله محمدحسین غری و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و علامه محمدجواد بلاغی و دیگران استفاده نمود. وی سپس به تدریس در حوزه پرداخت.

ایشان مدتی در سامره اقامت داشت تا در ذی‌القعدة ۱۳۹۱ ق. به اجبار دولت عراق، آنجا را ترک گفت و به اصفهان آمد و تا پایان عمر به تدریس علوم مذهبی مشغول بود.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

حاج حسینی نبوی، محمد حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسن حاج حسینی نبوی

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۷/۱

زندگینامه علمی

محمد حسن حاج حسینی نبوی در سال ۱۳۳۵ هجری شمسی در رهنان اصفهان به دنیا آمد او در سن سیزده سالگی (۱۳۴۸ ه ش) دروس حوزه را آغاز کرد، استاد در مورد علت آمدنشان به حوزه میگوید: علت اینکه آمدم طلبه شدم این است که قدیم ها قبل از اینکه بچه ها مدرسه بروند چیزهایی می خواندند که اسمش «پنجل حم» بود بعد هم آموزش فارسی، ابتدا بچه ها قرآن یاد می گرفتند و بعد فارسی ما پیش یک سید روحانی می رفتیم و پنجل حم می خواندیم ایشان روی ما حساس شده بود که طلبه شویم، به دلیل اینکه وقتی می خواست برود مسجد چند مرتبه در راه (مغازه پدرم در راه مسجد ایشان بود) به پدرم می گفت این را بفرست طلبه بشود، این پسر هوشش خیلی خوب است، اصرار ایشان باعث شد بالاخره بعد از کلاس ششم ابتدائی پدرم بگوید که این آقا سید می گوید: خوب است که طلبه شوی اگر می خواهی و علاقه مندی می گذارم طلبه بشوی". استاد نبوی در همان ابتدا، خود را با مطالعه کتب مختلف مانوس کرد و توانست توشه ای گرانبها برای خود و دیگران جمع آوری کند او در این باره میگوید: من خیلی علاقمند به مطالعات عمومی بودم مدتها در مباحث مدیریت کار کردم، مدتی کار شخصی کردم، یعنی اینجور نبود که کلاس یا درس بروم، خودم کار کردم در حدی که حداقل در بعضی جاها تدریس می کنیم". استاد نبوی دروس حوزه را در شهر اصفهان آغاز کرد و پس از مدتی به قم هجرت نمود، او در این باره میگوید: در اصفهان درسم را بطور آزاد شروع کردم پیش یک بنده خدائی درس می خواندیم (حوزه در آن زمان خیلی بی برنامه بود) بعدها برنامه ای در اصفهان درست شد و آیت الله حاج آقا حسن امامی (خدا حفظشان کند) با بعضی دیگر از آقایان استارت این برنامه را زدند ما از اولین طلبه هایی بودیم که در این برنامه شرکت کردیم پنج سال در اصفهان بودم و از محضر آقایان حاج آقا حسن امامی، شیخ علی اکبر فقیه، ابراهیمی، عبودیت استفاده کردم و بعد هم به قم آمدم و اصول الفقه و لمعه را شروع کردم. لمعه را خدمت آقای فاضل هرنندی خواندم رسائل و مکاسب را خدمت آیت الله مظاهری خواندم، البته گاهی هم از آقای ستوده (رحمه الله) استفاده می کردم کفایه را هم خدمت آیت الله مظاهری خواندم درس خارج را خدمت آیت الله سبحانی شروع کردم و ایشان آن زمان که تدریس می کردند هفت یا هشت شاگرد بیشتر نداشتند که برای ما خیلی مفید بود چرا که خیلی خوب می توانستیم اشکال کنیم و استفاده بیشتری ببریم چند سال خدمت آیت الله شیخ جواد تبریزی و آیت الله مکارم و آیت الله وحید و آیت الله جوادی آملی بهره بردم در بحث فلسفه مدتی خدمت آقای انصاری شیرازی بودم مدتی هم خدمت آیت الله جوادی آملی در درس اسفار شرکت کردم".

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مسعود حاج حسینیان

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای مسعود حاج حسینیان در اول شهریور سال ۱۳۴۱ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در تهران دیده به جهان گشود. نامبرده پس از فراغت از تحصیل در دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در زادگاه خویش، در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۷ و همزمان با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی وارد حوزه علمیه تهران گردید از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره‌های علمی فراوان برد اما شوق زیارت کریمه اهل بیت حضرت معصومه سلام الله علیها و تحصیل در حوزه علمیه قم او را راهی آن دیار گردانید پس از مدتی تحصیل در قم این بار راهی مشهد مقدس و وارد حوزه علمیه آنجا شد. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد همچون گذشته با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه آن دیار حاضر شد و از محضر ستارگان آن دیار همچون آیت الله فلسفی، آیت الله مروارید، آیت الله سیدان کسب فیض کرد. ایشان ضمن تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی مشهد به تحقیق و پژوهش مشغول می‌باشد و تا کنون در این زمینه از هیچ کوششی دریغ نکره است.

حاج سید جوادی، کمال

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر کمال حاج سید جوادی در سال ۱۳۳۰ در تهران متولد شد. ایشان پس از دریافت دکتری رشته تاریخ و همچنین دکترای رشته فلسفه، تحصیلات حوزوی را نیز از سال ۱۳۴۷ در تهران آغاز کرد. او دارای اجازه روایتی از مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی و مرحوم آیت الله علامه شیخ محمدتقی شوشتری می‌باشد. تصحیح کتاب "زبدۃ التواریخ" کمال سید جوادی، در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: کمال حاج سید جوادی پس از اخذ دیپلم ریاضی و مدرک کارشناسی فنی و کارشناسی ارشد در رشته فرهنگ و تمدن اسلامی به درجه دکتری در رشته تاریخ و همچنین دکترای فلسفه نائل آمد. وی تحصیلات حوزوی را نیز از

سال ۱۳۴۷ در تهران آغاز کرد و دارای اجازه روایتی از مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی و مرحوم آیت الله علامه شیخ محمد تقی شوشتری می باشد.

استادان و مربیان: کمال حاج سید جوادی از مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی و مرحوم آیت الله علامه شیخ محمد تقی شوشتری اجازه روایتی را دریافت داشت.

جوایز و نشانها: تصحیح کتاب "زبدۀ التواریخ" کمال حاج سید جوادی، در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. -----

آثار:

۱ اخوان المسلمین مصر در امتحان تأریخ

۲ دستورنویسی فارسی در شبه قاره

۳ زبدۀ التواریخ

ویژگی اثر: تصحیح این کتاب در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «زبدۀ التواریخ»: زبدۀ التواریخ؛ حافظ ابرو؛ تصحیح سید کمال حاج سید جوادی؛ تهران: نشر نی، ۱۳۷۲. ج ۲. زبد؟ التواریخ، چهارمین ربع از کتاب حافظ ابرو به نام مجمع التواریخ السلطانیه است. این کتاب که به شرح وقایع دوران شاهرخ تیموری پرداخته و نکات مهم تاریخ سیاسی - اجتماعی جامعه ایرانی در دهه های نخستین قرن نهم را نمایان می سازد یکی از مهمترین منابعی به شمار می رود که باید مورد توجه و نظر پژوهشگران این دوره از تاریخ کشورمان قرار گیرد. در تصحیح کتاب مذکور، مصحح، از چهارنسخه خطی معتبر استفاده کرده و بهره گیری از منابع و متون نگاشته شده در عصر مؤلف جهت توضیح و تشریح ابهامات، از موفقیت های چشمگیر مصحح است. در مقدمه کتاب، طی ۹ بخش، مورخان نیم؟ اول قرن نهم هجری، از جمله حافظ ابرو و تألیفات وی، نسخ خطی زبدۀ التواریخ، ویژگی ادبی نثر زبد؟ التواریخ و روش کار مصحح تشریح شده است. وجود فهرس متعدد و مختلف از ویژگی های برجسته این اثر است.

۴ صبح آفرینش

۵ میراث جاودان، کتیبه ها و سنگ نبشته های فارسی در پاکستان

ویژگی اثر: ۲ جلد

حاج شریفی خوانساری، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا حاج شریفی خوانساری

محل تولد: خوانسار

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد رضا حاج شریفی خوانساری در سال ۱۳۴۱ شمسی در شهرستان خوانسار در حجر علم و ورع تولد و پرورش یافتم؛ پدرم آیت الله حاج شیخ غلامعلی حاج شریفی خوانساری - دام ظلّه - پدر بزرگ مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد ابراهیم حاج شریفی خوانساری - قدس سره - و جدم مرحوم آخوند ملا علی اکبر حاج شریفی خوانساری - قدس سره - همگی از علمای عاملین بوده اند. در مدارس ملی رزاقپور و کامکار قم تحصیل نمودم. بر اثر جو آکنده از معنویت و تقوای خانوادگی فکر بهترین شغل برای آینده ام که رضای بیشتر خداوند و نیل افزونتر به کمال و معنویات و خدمت به دین مبین اسلام در آن باشد، مرا بر آن داشت که از سال ۱۳۵۵ شمسی مشغول تحصیل علوم دینی در حوزه علمیه قم بشوم و خود را در سلک سربازان حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - در آورم. علوم اولیه و ادبیات را از محضر مرحوم علامه حاج شیخ محمد علی مدرس افغانی و برخی دیگر از اساتید حوزه استفاده کردم. سطح را از حضور حضرات آیات: آقای حاج شیخ علی پناه اشتهاوردی و آقای حاج شیخ مصطفی اعتمادی بهره مند گردیدم، و سطح عالی را خدمت حضرات آیات: آقای حاج شیخ محمد تقی ستوده و آقای حاج شیخ احمد پایانی به پایان رساندم.

علوم کلام، تفسیر، رجال و درایه را نیز از خدمت حضرات آیات: آقای حاج شیخ جعفر سبحانی و آقای حاج شیخ علی پناه اشتهاوردی بهره بردم. خارج فقه و اصول را هم از محضر آیات عظام: آقای حاج سید محمد رضا گلپایگانی، آقای سید شهاب الدین نجفی مرعشی، آقای حاج سید رضا صدر، آقای حاج سید محمد روحانی، آقای حاج شیخ محمد تقی بهجت، آقای حاج سید محمد شاهرودی و آقای حاج شیخ حسین وحید خراسانی استفاده کافی نمودم. حکمت و عرفان را نیز از خدمت آیت الله حاج آقا رضا صدر بهره مند شدم. در کنار درس و بحث معمول حوزه، علاقه شدیدی به خواندن کتب گوناگون در علوم و فنون مختلف داشتم. ساعت‌های متوالی و بسیاری از اوقات تا پاسی از نیمه شب و گاه تا اذان صبح همچنان سرگرم مطالعه و پژوهش بودم، و کرارا اتفاق می افتاد که شام خوردن را فراموش می کردم؛ حتی در تعطیلات تابستان و دیگر تعطیلات حوزه، تنها کارم مطالعه و تحقیق تمام وقت در کتاب ها بود، هرچند از کثرت آن دیدگانم کم سو شد، ولی هیچ وقت از آن سیر نشدم و خسته نگشتم و موفق به خواندن کتاب های بسیار زیادی در: تفسیر، علوم قرآنی، حدیث، تاریخ، اخلاق و... شدم و بر برخی از آنها حواشی زدم. اواخر سال ۱۳۶۲ شمسی در زیارت حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا - علیه آلاف التحیه و الثناء - درخواست توفیق انجام خدمات سودمندی به دین مبین اسلام را نمودم که باقیات الصالحاتی محسوب شود و بحمد الله حاجتم مقرون اجابت قرار گرفت و از همان سال در حاشیه تعلیم و تعلم دروس حوزه به نویسندگی نیز پرداختم و نخستین اثر خود را در سال ۱۳۶۵ شمسی به عنوان «سیمای ابوذر غفاری» تمام نمودم که استاد مرحوم آقای حاج آقا رضا صدر هم مقدمه اش را نگاشت (که کاملترین و تحقیقی ترین کتاب پیرامون زندگانی ابوذر است) و تا کنون توفیق تالیف، تحقیق، و تصحیح کتاب هایی در موضوعات مختلف رایافته ام و همچنان مشغولم و با امامت جماعت در مسجد حضرت ابوالفضل (ع) در خیابان باجک دو قم و رسیدگی به امور مسلمین انجام وظیفه نموده و با شماره تلفن: ۷۷۲۷۴۸۹ پاسخگوی مسائل شرعی و شبهات علمی و اعتقادی داخل و خارج از کشور می باشم؛ و لله الحمد و له الشکر.

حاج مجتهد، احمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ ملا احمد معروف به حاج مجتهد بن عباس اصفهانی قائمی ترشیزی عالمی کبیر و متقی از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و علامه سید حسین کوه‌کمری بوده و در سامرا از محضر آیت‌الله مجدد شیرازی استفاده نموده آنگاه به ترشیز (کاشمر) مراجعت و از بزرگان علماء آن سامان گردیده و خدمات شایسته به شرع مقدس نموده تا در سال ۱۳۲۳ قمری وفات و بجای او فرزند بزرگوارش مرحوم حجة الاسلام میرزا محمدرضا قرار گرفته و در آن سامان مرجعیت دینی یافته تا در سال ۱۳۴۰ وفات نموده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حاج مجتهد، حسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن معروف به حاج مجتهد از شاگردان میرزای رشتی بوده و بعد ۱۳۱۰ وفات نمود. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

حاج آخوند، غلامرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت‌الله شیخ محمدجواد بن العلامه حاج ملا غلامرضا مجتهد قمی از اکابر علماء و اعظام مجتهدین شهرستان قم معروف به حاج آخوند در سال ۱۲۹۵ قمری در نجف متولد و در ۷ سالگی به قم آمده و مقدمات را نزد مرحوم سید میرزای اصفهانی و سید محسن قمی خوانده و فقه و اصول را نزد والد خود آیت‌الله حاج ملا غلامرضا و آیت‌الله حاج آقا احمد طباطبائی تحصیل نموده و در سن ۲۰ سالگی به تهران آمده و از محضر مرحوم میرزا آشتیانی و حاج شیخ علی نوری و میرزا محمود حکمی و شیخ عبدالحکیم سبزواری فرا گرفته و بعد از سه سال به قم مراجعت و پس از یکسال توقف در سال ۱۳۱۹ قمری به نجف اشرف مسافرت و از علامه یزدی و آخوند خراسانی استفاده کافی و وافی نموده و بعد از چهارده سال توقف در سال ۱۳۳۳ به قم معاودت نموده و به جای والد ماجدش به امامت و خدمات دینی پرداخته تا در اوائل ریاست آیت‌الله بروجردی که دعوت حق را اجابت گفته و در خاک مقدس قم و قبرستان شیخان مدفون شده است.

آثار و تالیفات مطبوع و مخطوط آن مرحوم از این قرار است:

۱- صراط المستقیم جلد اول در اثبات صانع و توحید. ۲- جلد دوم در فروع دین ۳- در معاملات ۴- عدم جواز تقلید میت بدوا و استمرار ۵- سعادت بشر در اثبات نبوت مطلقه و خاصه ۶- آئینه حق در ولایت مطلقه و خاصه ۷- کیمیا در معاد جسمانی ۸- توحید قمی در اصول عقاید در دو جلد ۹- یاقوت در رد مادیین و طبیعین.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حاجبی، غلامرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غلامرضا حاجبی

محل تولد: بندر عباس

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۶۰/۷/۱

زندگینامه علمی

بعد از اتمام دوره پیش دانشگاهی در رشته ریاضی و فیزیک و رها کردن قبولی دانشگاه، در سال ۱۳۷۹ وارد حوزه علمیه شدم. ابتدا در مدرسه علمیه نبی اکرم (ص) شرق تهران قبول شدم و به مدت ۵ سال دوره مقدمات رابه پایان رساندم. در این دوره ۵ ساله از اساتیدی همچون آیه الله نجفی تهرانی و مقدم قوچانی و حجج الاسلام آقایان: اسکندری، جان نثاری، دکتر قربانعلی و... استفاده کردم. از ابتدای ورود به حوزه شوق عجیبی به تحقیق و نوشتن داشتم لذا برای هر درس تحقیقی به دفتر و استاد مربوطه تحویل می دادم. که شامل تحقیق در اخلاق، منطق، فقه و اصول و معانی بیان بود. پس از پایان مقدمات ملبس شدم و وارد حوزه علمیه قم گشتم اما لازم به ذکر است که در سال سوم و چهارم طلبگی، بر اساس فرموده مقام عظمای ولایت در سال خدمت رسانی و پاسخگویی ۲ جزوه نوشته و به چاپ رساندم که بتوانم مقداری به منویات آن عظیم الشان نزدیک گردم. و ابتکاری که در این نوع نوشته ها داشتم این بود که چهل حدیث در مورد خدمت رسانی و پاسخگویی را انتخاب کرده با ترجمه روان و سند آن ذکر شود و با داستان مربوط به آن تکمیل گردد که تفسیر حدیث به داستان می باشد. در این مدت نوشته جاتی درباره امر به معروف و نهی از منکر، نماز جماعت، معجم الذنوب (گناهان)، آیات النبی، تهیه کرده ام که مجالی برای طبع و چاپ نداشتم. از ابتدای ورود به حوزه علمیه قم و آشنائی با آیه الله غرویانی، در نوشتن فرهنگ مسجد و نوشتن مقالات برای مسجد همت گماشتم. معظم له در نوشتن و تالیف تشویق و مساعدتهای وافری کرده اند و ترجمه اصول کافی را به اینجانب سپرده اند که به کمک جمعی از دوستان به پایان رسانده ایم. کتاب اخلاق جوانان از دیدگاه پیامبر اعظم (ص) در سال پیامبر اعظم (ص) را نوشته و با مساعدت یکی از دوستان در تیراژ ۵۰۰۰ نسخه چاپ و در آموزش و پرورش بندرعباس به مسابقه گذاشتند. همین که در تالیفات جمعی و ترجمه ای جمعی و گروهی شرکت دارم. بنده سردبیر نشریه آموزش داخلی محراب نور وابسته به دفتر مطالعات و پژوهشهای مرکز رسیدگی به امور مساجد می باشم. در پایه هشت حوزه مشغول به تحصیلم و.....

حاجی ابراهیمی، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا حاجی ابراهیمی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه تحصیلاتم را در مدارس دولتی گذرانده، در شانزده سالگی دیپلم ریاضی گرفته، در همان سال وارد دانشگاه شدم. در اثنای انقلاب فرهنگی به حوزه قم آمدم و تحصیلات طلبگی را به صورت غیر رسمی شروع کردم، با بازگشایی دانشگاهها به ادامه تحصیل پرداخته، در سال ۱۳۶۵ در رشته مهندسی شیمی (گرایش پتروشیمی) از دانشگاه صنعتی اصفهان فارغ التحصیل شدم و در سال ۱۳۶۶ در کارشناسی ارشد مهندسی هسته ای در دانشگاه صنعتی شریف وارد شدم و در کنار دروس حوزه به ادامه تحصیل پرداختم؛ در سال ۱۳۶۸ به طور رسمی وارد حوزه علمیه قم شده و رسماً طلبه شدم از آن زمان به این سو عمده وقتم به تحصیلات حوزوی طی شده و در اثنای تحصیلات حوزوی مجدداً دوره کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی را در دانشکده تربیت مدرس قم و سپس دوره دکترای فلسفه و کلام اسلامی را در دانشکده الهیات دانشگاه تهران طی کردم. در سالهای تحصیلات حوزوی در کنار تحصیل، تدریس نیز جزو اصلی ترین کارهای علمی حقیر بوده است، این تدریس مشتمل بر صرف، نحو، بلاغت منطق، اصول و فلسفه بوده است و هم اینک نیز عمده وقت حقیر به تدریس و تدوین می گذرد.

حاجی احمدی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود حاجی احمدی

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در تحصیلات کلاسیک در رشته ریاضی - فیزیک با گرفتن دیپلم در دبیرستان جامع سعدی اصفهان در سال ۱۳۵۸ اولین مرحله را سپری کردم و در همان سال در رشته فیزیک وارد دانشگاه اصفهان شدم و بعد از چند ترم تحصیل به علت علاقه به دروس حوزوی با انصراف از دانشگاه به تحصیل در حوزه اصفهان پرداختم و در مدت کمی مقدمات را با موفقیت سپری نموده و منطق و فلسفه را نیز با خواندن کتاب‌هایی مانند شمسیه - شرح مطالع - منظومه و نهاییه الحکمه و بدایه الحکمه ادامه دادم و سپس برای تحصیل در مقطع سطح به حوزه علمیه قم آمدم و با شرکت در دروس اساتید بزرگوار آن حوزه مانند آیت الله پایانی - تهرانی - محقق - اعتمادی - جوادی آملی ضمن خواندن کتاب‌هایی لمعه - رسائل مکاسب و کفایه از تفسیر و اسفار آیت الله جوادی آملی بهره بردم.

سپس از دروس خارج آن حوزه شریف به مدت ده سال با شرکت در دروس آیات عظام محقق داماد - وحید تبریزی بهره بردم.

سال ۱۳۶۹ در امتحان مرکز تربیت مدرس قم (دانشگاه قم) شرکت نموده و در دوره کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی پذیرفته شدم و با سپری کردن بالغ بر ۷۴ واحد درسی و پایان‌نامه در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ کارشناسی ارشد شدم و سپس بنا بر اقتضات خانوادگی و ضرورت برای انجام فعالیت به دانشگاه اصفهان آمدم.

از سال ۷۶ تاکنون در گروه معارف اسلامی دانشگاه اصفهان مشغول به کار هستم و فعلاً عضو هیئت علمی این گروه می‌باشم و در ضمن با دانشکده معارف قرآنی اصفهان همکاری علمی دارم و به طور مداوم به تدریس در آنجا اشتغال دارم. در سال ۱۳۸۵ در امتحان دکتری پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در گرایش علوم قرآن و حدیث شرکت نمودم و بعد از موفقیت در آزمون کتبی و امتحان شفاهی فعلاً به عنوان دانشجو در آن مرکز پذیرفته شده‌ام.

حاجی اسماعیلی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حاجی اسماعیلی

محل تولد: وسفونجر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده دوران ابتدائی و راهنمایی را در روستای وسفونجر از بخش خلیجستان قم سپری نمودم و در ضمن تحصیل مانند دیگر بچه های روستائی به کار کشاورزی مشغول بودم و بعد از اتمام تحصیلات راهنمایی نیز مدتی در روستا مشغول کشاورزی نمودم و در سال شصت و هشت برای تحصیلات طلبگی به قم آمدم، شوق اصلی من برای آمدن به حوزه سید بزرگواری بودند بنام آقای تقوی که در روستا بودند و خودشان مقداری دروس حوزوی خوانده بودند و معلومات خوبی داشتند که بنده در مدتی که در روستا درس می‌خواندم بعد از تمام شدن درس با چند نفر دیگر خدمت ایشان می‌رسیدیم و آموزش قرآن می‌دیدیم و در ضمن نکات اخلاقی خوبی نیز ایشان می‌فرمود به جهت اینکه از شاگردان خصوصی آیت اله سید حسین فاطمی بودند و از این رو نقش موثری در تربیت بنده داشتند به هر حال با مساعدت ایشان به قم آمدم و مشغول درس طلبگی شدم و بعد از اتمام سال تحصیلی در قم در تعطیلات تابستان، با برخی از دوستان به مشهد می‌رفتیم و تعطیلات را مشغول مباحثه و مطالعات آزاد می‌شدیم. بعد از اتمام پایه پنج حوزه کم کم به امر تبلیغ نیز پرداختم ابتدا در تابستان برای دانش آموزان تدریس می‌نمودم و سپس در ایام ماه مبارک رمضان و محرم به تبلیغ می‌رفتیم از آنجا که به کار با کودکان علاقه مند بودم یک دوره آموزش تربیت مربی کودکان و نوجوانان را در سال هفتاد و سه گذراندم و سپس در همان مرکز در بخش تحقیقات مشغول کارهای قرآنی شدم و یک کار گروهی را مشغول شدیم که آیات قرآن از اول تا آخر به صورت سؤال و جواب طرح می‌کردیم برای نوجوانان که جزء اول آن به صورت کتاب منتشر شد و چند جزئی هم به صورت جزوه ولی کار ناتمام باقی ماند در سال هفتاد و هفت همزمان با درس معمول حوزه در رشته تخصصی علوم قرآنی دفتر تبلیغات دوره محقق و نویسندگی علوم قرآنی را گذراندم در سال هفتاد و هشت پس از اتمام سطح به

درس خارج مشغول شدم و اصول را با استاد احمد عابدی که با خواهش خودمان در منزلشان گذاشته بود شروع کردم و فقه را در درس آیت الله جوادی آملی در فیضیه شرکت می کردم و بعد از درس با دوستان مباحثه می نمودم سال هشتاد و یک در دوره کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس قم پذیرفته شدم و مدت دو سال این دوره را گذراندم و سپس پایان نامه خود را به نام وحی و تجربه دینی به راهنمایی استاد ربانی گلپایگانی که چند سالی در درس کلام ایشان در فیضیه شرکت می کردم تدوین نموده و دفاع کردم در کنار فقه و اصول به تفسیر علاقه زیادی داشتم و چند سال در درس تفسیر آیت الله جوادی آملی و استاد خاتمی شرکت می کردم و اکنون نیز دوره مهارت های بیان تفسیر را می گذرانم. و مشغول کارهای تحقیقاتی در زمینه قرآنی هستم.

حاجی رحیمیان، محمدحسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسن حاجی رحیمیان

محل تولد: شبستر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از اخذ دیپلم از دبیرستان شهدا با عنایت به علاقه وافری که به علوم حوزوی داشتم و با تشویقات ابوی مرحوم که از علماء و روحانیون عامل و مهذب و متقی بودند جهت فراگیری علوم حوزوی به قم مقدسه هجرت نمودم. ابتدا در مدرسه حضرت امام خمینی (ره) با مدیریت حجت الاسلام والمسلمین عطایی مشغول به تحصیل شدم و مقدمات را در مدارس حضرت امام صادق (ع) و مدرسه مبارکه رضویه پایان بردم و سطح را در خدمت حجت الاسلام والمسلمین تهرانی و محمدی (اصول)، حضرت آیت الله پایانی و وجدانی (فقه) بهره بردم و پس از اتمام سطح از دروس خارج اصول حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی، علوی گرگانی، مرحوم حضرت آیت الله العظمی تبریزی بهره‌مند شدم و فقه را در حضور آیت الله العظمی مکارم شیرازی، آیت الله سبحانی و حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی تلمذ نموده و اکنون نیز از محضر این بزرگواران کمال استفاده را می‌برم. در تفسیر لیاقت شاگردی علامه حضرت آیت الله جوادی آملی و حضرت حجت الاسلام والمسلمین سید احمد خاتمی را داشته‌ام. در عین حال برخی موارد تحقیقی و نوشتن کتاب و مقالات پرداخته و اکنون نیز مشغول تدوین کتابی در زمینه موفقیت‌های استاد یا استاد موفق و نیز با توجه به آمار سازمان ملی جوانان که حدود ۱۴۲/۱۳۷/۲ نفر دختر متولدین ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۰ که اکنون ۲۶ تا ۳۱ ساله زیاد می‌باشند و اهمیت اجتماعی بودن این بحران و استفاده بهینه از فرصت و تبدیل بحران به فرصت و نیز وجود بانوان بیوه به تعداد زیاد و جهت پیشگیری از مشکلات جامعه و حل این معضل اقدام به کتابی به نام «ازدواج مجدد» نموده‌ام با عنایت به اهمیت موضوع و کار فرهنگی همه جانبه اینجانب با کمال خرسندی علاقمند به راهنمایی‌ها و ارشادات علمی و معنوی بزرگان می‌باشم.

حاجی رسولی، بهزاد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

بهزاد حاجی رسولی

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۴ شمسی در شهر اصفهان متولد شدم و از آنجائی که از همان دوران کودکی علاقه به علوم اسلامی و مذهبی داشتم پس از گذراندن دبیرستان در سال ۱۳۵۴ شمسی علی رغم مشکلات و موانع، وارد حوزه علمیه اصفهان شدم (در مدرسه ذوالفقار و مدرسه صدر بازار) و نزد اساتید بزرگ مشغول به فرا گرفتن ادبیات و علوم اسلامی (مانند فلسفه، منطق، فقه، کلام و...) شدم. سال ۱۳۶۰ شمسی برای تکمیل تحصیلات خود عازم حوزه علمیه قم گردیدم و در آنجا علوم فلسفه، عرفان، رجال، فقه، اصول، دوره تخصصی تبلیغ، و... را فرا گرفتم و پس از اتمام سطح وارد درس خارج شدم و نزد بزرگانی مانند آیات عظام فاضل، وحید، تبریزی، مکارم شیرازی، و غیره دروس منقول خود را تکمیل کردم. در فلسفه توفیق استفاده از محضر اساتید بسیاری، برای حقیر فراهم شد از جمله: استاد جوادی آملی، حسن زاده آملی و ...

بنده ضمن تحصیلات خود به تبلیغ، تدریس، و مشغول بودم که بعضی از آنها مطبوع شده است و بسیاری از آنها هنوز مخطوط باقی مانده است.

حاجی زاده، یدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

یدالله حاجی زاده

محل تولد: زرنند کرمان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب یدالله حاجی زاده فرزند محمد متولد ۱۳۵۴ در روستای سینک از توابع شهرستان زرند به دنیا آمدم. پدرم کشاورز و مادرم خانه دار می باشد تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در شهرستان زرند به پایان رساندم سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه صالحه کرمان شدم. همزمان تحصیلات کلاسیک خودم را هم ادامه دادم. در سال ۱۳۷۵ موفق شدم در رشته ادبیات دیپلم بگیرم سال ۱۳۷۶ وارد حوزه علمیه قم شدم.

در سال ۱۳۷۹ همزمان با تحصیلات حوزوی در دانشگاه باقرالعلوم (ع) مشغول تحصیل در رشته تاریخ شدم دروس حوزوی را تا اتمام سطح به پایان رسانده و مشغول درس خارج هستم. در سال ۱۳۸۳ در مقطع ارشد تاریخ اسلام در دانشگاه باقرالعلوم مشغول تحصیل شدم و در حال حاضر مشغول تدوین پایان نامه ام هستم. با برخی از مراکز علمی از جمله بخش فرهنگ و معارف قرآن دفتر تبلیغات حوزه همکاری دارم. همچنین در مرکز مطالعات حوزه بعضاً به سوالات تاریخی و سؤالات بخش مهدویت پاسخ می دهم. بعضاً در ایام تبلیغی ماه محرم، ماه رمضان و ایام تابستان به تبلیغ می روم.

حاجی صادقی، عبدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالله حاجی صادقی

تابعیت: ایران

زندگینامه علمی

سپاس بی کران و شکر خدا را بر همه نعمت هایش به ویژه نعمت هدایت و ولایت که کاملترین مرحله آن با تمسک به قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام تحصیل می شود و درود و صلوات الهی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام و علماء و مصلحان بزرگ به ویژه حضرت امام خمینی ره که با نهضت خود اسلام ناب محمدی ص را احیاء کرد و با درود به ارواح پاک شهدای عزیزی که به اسلام و مسلمین عزت و اقتدار بخشیده و کفر و نفاق را ذلیل کردند.

این بنده ناچیز و متنعم به الطاف رب العالمین از اینکه در برابر نعمت های بی شمار الهی و دولت حقه و فرصت های فراوانی که در اختیار داشتم، نتوانستم تکلیف و وظیفه خود را انجام دهم، شرمنده و در عین حال چشم امید به مغفرت و رحمت خدا دارم و آنچه در این گزارش خواهم آورد اولاً نسبت به عنایات خدا و زمینه ها و فرصت هایی که اسلام و انقلاب برای همه ما فراهم کرده است بسیار ناچیز می باشد و ثانیاً اگر احتمالاً در برخی موارد اندک موفقیتی هم حاصل شده باشد آن را لطف و امداد الهی می دانم نه نتیجه عملکرد خویش، چرا که به قول آن روحانی شهید بزرگوار «توان ما به میزان امکانات در دست ما نیست، بلکه توان ما به میزان اتصال ما به خداست»

اینجانب در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه اصفهان (مدرسه ذوالفقار) شدم و دروس مقدماتی و پایه را در محضر اساتید بزرگوارى مانند آیت الله سید حسن امامی و حجت الاسلام و المسلمین علی اکبر فقیه گذراندم و سال ۱۳۵۸ به حوزه علمیه قم وارد شدم و سطوح عالی را در محضر اساتید برجسته ای نظیر مرحوم آیت الله ستوده، آیت الله اعتمادی و آیت الله اشتهاوردی به پایان رساندم و حدود ده سال در درس خارج اصول و فقه آیات عظام شرکت کردم که بیشترین آن دروس آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله مظاهری می باشد و این در حالی بود که بنا به اقتضات زمان و جنگ تحمیلی مدتی از حضور در حوزه علمیه محروم ماندم لکن از امدادهای دیگر خدا بهره مند گشتم.

در سال ۱۳۶۹ در کنار دروس حوزوی در کنکور کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس پذیرفته شدم و هم زمان به عنوان عضو هیات علمی دانشکده شهید محلاتی به تدریس هم اشتغال داشتم. در سال ۱۳۷۵ به عنوان نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه امام حسین علیه السلام منصوب شدم و هم زمان در کنکور علوم قرآن و حدیث (مقطع دکتری) پذیرفته شدم. در سال ۱۳۷۸ به قم بازگشته و مسئولیت گروه الهیات دانشکده شهید محلاتی را پذیرفته و در سال ۱۳۸۱ دوره دکتری را به پایان رساندم و از همان سال تا به حال مسئولیت پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه (ریاست) را بر عهده دارم.

بعد از جنگ مهمترین اشتغالات علمی اینجانب عبارت بودند از:

۱. تدریس در مقطع کارشناسی ارشد، کارشناسی، مراکز حوزوی در موضوعات مختلفی مانند علوم قرآن، روش های تفسیر، تفسیر موضوعی و تربیتی (برخی از سوره ها)، فلسفه اسلامی، فلسفه و نظام سیاسی اسلام، دروس معارف و ...
۲. تحقیق و تالیف در موضوعاتی که به نظر حقیر مورد نیاز جامعه می باشد که فهرست حدود سی عنوان از کتاب ها، مقالات و جزوات درسی به پیوست می باشد.

۳. سرپرستی اجرایی مراکز علمی و خدمت گذاری به نخبگان و فرهیختگان علوم اسلامی و حوزوی.

بار دیگر اقرار می کنم تا به حال نتوانسته ام همچون سربازی شایسته و مقبول برای مولایم باشم امید است با توفیق الهی در آینده مقداری جبران کنم.

حاجی علی لالانی، عبدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالله حاجی علی لالانی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از پایان دوره ابتدایی وارد هنرستان فنی و حرفه‌ای شدم و بعد از ۵ سال دوره دبیرستان (نظام قدیم) دروس جدید را رها کرده و در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه قم شدم. تا سال ۶۸ سطح حوزه را به پایان رساندم و در دروس خارج حوزه شرکت کردم. از اواسط دروس سطح حوزه وارد بحث‌های فلسفه و تفسیر (دروس آیت الله جوادی آملی و حسن زاده آملی) شدم. و در سال ۱۳۷۰ با شروع دروس تخصصی حوزه به رشته تخصصی تفسیر وارد شدم و همزمان تدریس در دانشگاهها را شروع کردم که تا به حال نیز ادامه دارد. بعد از دفاع از پایان نامه حوزه و رساله پایان نامه‌های علمی کارشناسی ارشد با دانشگاه آزاد اسلامی اراک و مرکز جهانی همکاری داشته‌ام که حدود ۱۳ پایان نامه راهنما و ۱۰ پایان نامه مشاور و حدود پنجاه پایان نامه را داوری کرده‌ام. از سال ۱۳۸۰ با نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاهها همکاری داشته و در بخش ارزشیابی اساتید دروس معارف فعالیت داشته‌ام. و از سال ۱۳۸۳ در مرکز تخصصی تفسیر و مرکز جهانی علوم اسلامی به تدریس تفسیر و علوم آن مشغول هستم و اخیراً عضو هیئت علمی

مرکز جهانی علوم اسلامی شده‌ام.

حاجی، غلامرضا

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مشهور به حاجی آخوند از علماء بزرگ و فقهاء سترک این سرزمین است که در عصر خود در اولین صف علماء قم بود علاوه بر فضل ظاهر قدس باطن نیز داشت در ابتدای جوانی به اتفاق مرحوم حاج سید صادق مسافرت به نجف اشرف نموده و در آنجا در محضر آیه‌الله مجدد شیرازی مرحوم میرزا محمدحسن و حاج میرزا حبیب‌الله رشتی قدس سرهما مشغول تحصیل شده و از مباحث فقه و اصول آن دو بزرگوار استفاده نمود تا به مقام منبع اجتهاد رسید آنگاه با مصاحبت همان دوست مذکورش در سال ۱۲۹۸ ق روی به وطن آورد و در این شهرستان دینی مشغول تدریس و افاضه و ترویج دین و اقامه جماعت بود تا در سال ۱۳۳۲ وفات نمود و در ایوان آئینه صحن اتابکی قم مدفون گردید از آثار آن مرحوم است حاشیه‌ای بر فرائد شخینا الانصاری رحمه‌الله علیه که به طبع رسیده و مورد مراجعه فضلاء می‌باشد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

حاجیان، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی حاجیان

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۶/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای مهدی حاجیان در سال ۱۳۵۶ در خانواده‌ای کاملاً مذهبی و دوستدار اهل بیت علیه السلام در تهران چشم به جهان گشود، شوق فراوان او به تحصیل علوم دینی سبب شد تا پس از اتمام تحصیلات دوران متوسطه در سال ۱۳۷۶ وارد مدرسه عالی شهید مطهری گردد. پس از اتمام دروس این مدرسه در سال ۱۳۸۵ به جرگه تحصیل کنندگان درس خارج پیوست.

وی تا کنون از محضر بزرگانی چون استاد هادوی تهرانی، جاودان، انصاری شیرازی، مرعشی شوشتری کسب فیض کرده و بهره‌های علمی فراوان برده است. نامبرده در مقطع دکترا در رشته فلسفه تطبیقی از مدرسه عالی شهید مطهری فارغ التحصیل گردیده و با تلاش فراوان در حوزه علمیه قم مشغول تحصیل می‌باشد. ایشان سالهای متمادی است علاوه بر پژوهش علمی به تدریس در دانشگاه‌های تربیت معلم تهران، آزاد تهران، پیام نور تهران و علمی فرهنگی مشغول به تدریس می‌باشد.

حاجی آقا محمدی، هوشنگ

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک تشعشعات، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: -، علوم پزشکی تهران. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

حاذق جهرمی، شکرالله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۳۷ ق)، طیب و شاعر. در آغاز جوانی برای تکمیل تحصیلات طبی به شیراز مسافرت کرد و با محمدعلی دانشور نزد حیدر میرزا به کار و تحصیل پرداخت و در مطبخخانه خیریه‌ی حیدریه‌ی فارس به کارآموزی اشتغال یافت. حاذق علاوه بر طبابت، در ادبیات عربی و فارسی و علوم متداول زمان دست داشته و قریحه سرشاری در سرودن انواع شعر از غزل و قصیده و قطعه و مثنوی داشته است. وی در بقعه‌ی امامزاده اسماعیل واقع در محله صحرا دفن شد. از آثار وی: «تجوید قرآن با ذکر موارد اختلاف قراء سبعه»؛ «دیوان» اشعار؛ «رساله در علوم فیزیک و شیمی»؛ «رساله در فن عروض و بدیع».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان جهرم (۱۲۷-۱۲۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۹۰-۱۸۹/۲).

حاذق، نورالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۱-۱۲۷۴ ش)، جراح و چشم‌پزشک. در دولت آباد اصفهان متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس شرافت، ایمانیه و علیه سپری کرد و وارد مدرسه‌ی عالی طب شد. پس از فراغت از تحصیل به خدمت در ژاندارمری پرداخت. حاذق بعد از کسب رتبه‌ی اول در مسابقه انتخاب جراح ممتاز برای تهران، به آمریکا رفت و در آنجا به تکمیل دانش پزشکی پرداخت. وی علاوه بر تخصص در جراحی چشم‌پزشکی به زبانهای فرانسه، انگلیسی و روسی تسلط کامل داشت. نورالله چهار سال آخر عمر به بیماری سرطانی مبتلا بود. سرانجام در تهران در گذشت و در بهشت زهرا دفن شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۵۲-۵۱/۳).

حاذقی، کامبیز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: میکروبی‌شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی در سال ۱۳۳۹، دکترای تخصصی در رشته میکروبیولوژی و بهداشت در سال ۱۳۴۳، دوره فوق تخصصی میکروبیولوژی از سال انستیتو پاستور به مدت یک سال.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی آنتی‌ژنهای ساده، آنتی‌ژنهای سلولهای هسته‌دار خونی انسان، عفونت به وسیله *H.pylori* و زخمهای پپتیک معده، عفونتهای قسمت فوقانی دستگاه ادراری، یک سال تحقیق در انستیتو چستریتی لندن بر روی آنتی‌ژنها، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

میکروبیولوژی پزشکی.

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای عفونی و میکروبیولوژی پزشکی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

حارثی عاملی، عزالدین حسین

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۹۸۴-۹۱۸ ق)، فقیه امامی، مفسر، محدث، متکلم و محقق. پدر شیخ بهایی بود. اصلاً از جبل عامل و ساکن اصفهان و قزوین بود. نسبت او به حارث اعور همدانی، از خواص امیرالمؤمنین علی (ع) می‌رسد. حارثی با خانواده خود به دعوت شاه طهماسب صفوی از موطن اصلی به اصفهان آمد و مدتی در آن شهر به تدریس و افادات علمی مشغول شد و بعد به درخواست شاه صفوی در قزوین متوطن شد. عزالدین در پایان عمر به بحرین رفت و در آنجا مسکن اختیار کرد و همان‌جا درگذشت و در دیه مصلی، از توابع هجر بحرین، دفن شد. وی از شاگردان برتر شهید ثانی و سید حسن بن جعفر کرکی بود و در اکثر علوم اسلامی روزگار خود توانا و یگانه دهر بود. فرزندش شیخ بهایی و شیخ حسن بن شهید ثانی، صاحب «المعالم»، و سید حسن بن علی بن شدمحم حسینی و شیخ

رشیدالدین اصفهانی و بسیاری دیگر از شاگردان شیخ حسین می‌باشند. از آثار وی: شرح «القیه» الشهید؛ «مناظره مع بعض علماء حلب»، در امامت؛ «دیوان» شعر؛ شرح «قواعد الاحکام» علامه، «درایه الحدیث» یا «وصول الاخبار الی اصول الاخبار»؛ «تحفه اهل الایمان»، در قبله؛ کتاب «الاربعین»، در اخلاق؛ رساله‌ی «الوسواسیه»؛ رساله‌ی «الرضاعیه»؛ «الغرر والدرر»؛ «جوابات الاعتراضات العشره»؛ «رساله فی الاعتقادات حقه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲/۲۶۰)، اعیان الشیعه (۵۶/۶)، ایضاح المکنون (۱/۳۴۶، ۵۱۶)، تکمله امل الآمل (۱۸۶-۱۸۲)، الذریعه (۷۰/۱۵، ۳۸/۱۱، ۲۴۹/۹، ۱۶۳-۱۶۲، ۶/۱۷۵/۵، ۴۱۴/۱)، روضات الجنات (۳۳۶-۳۹۲/۲)، ریحانه (۱۳۰-۱۲۶/۴)، فوائد الرضویه (۱۴۰-۱۳۸)، الکنی واللقاب (۱۰۵-۱۰۲/۲)، لغت‌نامه (ذیل / حسین)، معجم المؤلفین (۱۷/۴)، هدیة العارفین (۱/۳۲۰).

حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۸۳۴/۸۳۳ ق)، مورخ و جغرافیدان. اصلش از بهدادین خواف بود، و علت اینکه بعضی او را هروی خوانده‌اند شاید بدین خاطر است که مدت زیادی را در هرات زیست. تربیت و تحصیل وی در همدان صورت گرفت. وی از همان دوران جوانی به خدمت امیر تیمور گورکان پیوست و مورد التفات امیر قرار گرفت. بعد از تیمور ملازم شاهرخ میرزا و بایسنقر میرزا شد و به نام آنان به تألیف و تصنیف پرداخت. او از مورخان موثق دور تیمور بود و در ضبط دقیق وقایع و صحت گفتار معروف. شهاب‌الدین در شهر زنجان وفات یافت و نزدیکان مزار اخی فرج زنجانی دفن شد. آثار او عبارت‌اند از: «ذیل جامع التواریخ رشیدی»؛ «ذیل تاریخ طبری»؛ «تاریخ آل کرت»؛ «تاریخ طغاتی‌مور»؛ «تاریخ سرداران»؛ «تاریخ امیرارغون شاه»؛ «تاریخ شاهرخ»؛ که تمامی کتابهای تاریخی مذکور و چند کتاب دیگر مجموعه‌ای تاریخی را تشکیل می‌دهند به نام «مجموعه حافظ ابرو» و شامل تاریخ جهان از آغاز آفرینش تا سال ۸۳۰ ق است، به نام «مجمع التواریخ سلطانی» و «زبدۀ التواریخ». [۱]

شهاب‌الدین عبدالله بن عبدالرشید مورخ نامی دوره تیموری (ف. ۸۳۴ ه.ق.). وی در دربار امیر تیمور بود و در سفرها نیز در رکاب او حرکت میکرد و پس از تیمور نزد شاهرخ پایه ارجمند یافت و مقرب شاه گردید و همواره در سفر و حضر ملازم بود. حافظ ابرو به رموز و آیین تاریخ نویسی آگاه بود و مخصوصاً از احوال و امور روزانه سیاست زمان خود اطلاع کافی داشته و در نوشته‌های خود تا حد امکان آنچه را که می‌دیده یا از اشخاص موثق می‌شنیده معتبر دانسته و کمتر به افسانه و حکایت پرداخته است و در منقولات خود غالباً جانب حقیقت و راستی را گرفته. وی زبانهای عربی و ترکی را می‌دانسته و در سرودن شعر نیز به دست داشته. آثار مهم او عبارتند از: کتاب جغرافا (۸۱۷)، ذیل ظفرنامه شامی، تاریخ شاهرخ، ذیل جامع التواریخ رشیدی.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ ادبیات در ایران (۴۸۹-۴۸۶/۴)، تاریخ در ایران (۹۴-۹۳)، تاریخ نظم و نثر (۲۳۸-۲۳۷)، حبیب السیر (۸/۴)، دایرةالمعارف فارسی (۸۲۷/۱) الذریعه (۲۳/۱۲، ۴۹/۱۰، ۱۱۵/۵)، ریحانه (۱۰-۹/۲)، سرآمدان فرهنگ (۲۹۶-۲۹۵/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۸/۹)، کشف الظنون (۹۵۱)، الکنی واللقاب (۱۶۶/۲)، گلستان هنر (۳۰)، لغت‌نامه (ذیل / حافظ ابرو)، هدیة الاحباب (۱۲۲-۱۲۱).

حافظ الصحه، مسیح

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند میرزا موسی خان ناظم الأطباء.

طیب حاذق، و پزشک ماهر، و فاضل محبوب، از فارغ التحصیلان دارالفنون بوده، و جمع کرد بین طب جدید و قدیم، و در تداوی بیماران و تفقد و دلجویی از حال ایشان الحق بی نظیر بود.

در ۲۷ ربیع الثانی سال ۱۳۶۱ به سن متجاوز از هفتاد سال وفات یافته، در تخت فولاد جنب پدر مدفون شده. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حافظ الصحه، حسام‌الدین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۳۱۳ ق)، پزشک و دانشمند. معروف به مسیح‌الملک و مشارالدوله. در شیراز به دنیا آمد. در نزد پدر علوم و تهذیب اخلاق را فراگرفت و سپس به تهران آمد و پس از تحصیل طب جدید به شیراز بازگشت و پس از چندی دوباره به تهران بازگشت و جزو طبای دربار سلطنتی شد و پس از چندی، مشارالدوله لقب گرفت. وی که به زبان فرانسه مسلط بود همواره به مطالعه کتب طب قدیم و جدید اشتغال داشت.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲/۲۴۰)، شرح حال رجال (۱/۳۱۵).

حافظ القرآن فراهانی، کاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم کربلایی کاظم از اهالی ساروق فراهان (حافظ القرآن) عجیب زمان بود.

وی که مدت چند ماهی در منزل نگارنده بود در قم مردی عامی و بی‌سواد و پیرمردی سالخورده و کهن سال و دارای سر کوچک و پیشانی پرچین کوتاه و رنگی گندمی تیره بود و دانشمندان روانشناس می‌گفتند در مغز این مرد هیچگونه استعداد و نیروی حفظ و درکی وجود ندارد.

این مرد با این کیفیت به طوری قرآن شریف را حافظ بود که برای غیر معصوم و امام که حجت خداست میسور نیست و این بنده صدها بار او را تجربه و آزمایش نمودم نشد که تأمل و فکر کند و جواب بدهد هر آیه‌ای از آیات شریفه قرآن را که می‌پرسیدند اگر از آیات مکرره بود فوراً می‌گفت این آیه مشابه دارد.

و در فلاخن سوره و فلاخن سوره هست در سوره فتح مثلاً- آیه قبلش این و آیه بعدش اینست و در سوره احزاب هم هست و قبل و بعدش اینست. و اگر غیر مکرر بود فوراً می‌خواند و می‌گفت در آن سوره است و قبل و بعدش چنین است و مشابه ندارد. آیات را بسیار تند می‌خواند و غالباً در شبانه‌روز دو مرتبه قرآن را ختم می‌نمود و بالعکس هم می‌خواند یعنی از آخر سوره شروع می‌کرد تا به اول می‌رسید.

سوره بقره بزرگترین سوره قرآنی را از آیه شریف (آمن الرسول...) می‌خواند تا به اول سوره مضافاً بر این حفظ با اینکه سواد عربی و فارسی و حتی از دو خواندن قرآن را نداشت هر آیه را که سؤال می‌کردند بدون تأمل و توقف سریعاً می‌خواند و می‌گفت در کدام سوره است.

آن آیه را نشان هم می‌داد یعنی می‌گفتند کربلائی کاظم این آیه را از قرآن نشان بده و هر قرآن کوچک و بزرگ خطی و چاپی بدست او می‌دادند با گرفتن یک قبضه از قرآن همان آیه مطلوب را ارائه می‌داد چشمش ضعیف و مانند جسمش ناتوان و کم‌دیده شده بود.

نیازمند به کمک و عصاکش بود غالباً پسر کوچکش دست او را می‌گرفت یا کس دیگر. روزی نگارنده دست او را گرفته و نزد پرفسور صدوقی چشم‌پزشک معروف بردم و پرفسور او را معاینه و گفت چشمش دو آب آورده یکی آب سفید (آب مروارید) که هنوز نرسیده و یکی آب سیاه که پر نشده و حتماً باید عمل شود.

گفتم آقای پرفسور ایشان را می‌شناسی گفت خیر گفتم در روزنامه‌ی اطلاعات و کیهان و مجله خواندنیها او را معرفی و شرح حال او را طبع و نشر نمودند گفت در اثر گرفتاری وقت مطالعه جرائد را ندارم شما ایشان را معرفی کنید گفتم ایشان با اینکه سواد فارسی و عربی و قرآنی و غیره ندارد حافظ القرآن است.

تعجب کرد گفت اگر آیه‌ای از قرآن سؤال کنم فوراً جواب می‌دهد. گفتم امتحانش مجانی است.

گفت عمو بگو آیه خمر در کجاست فوراً گفت در سوره‌ی مائده آیه ۹۰ (یا ایها الذین آمنوا ان الخمر والمیسر والانصاب والازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون) و آیه قبلش لا یؤاخذکم الله باللغو فی ایمانکم... و آیه بعدش انما یرید الشیطان یوقع بینکم العداوة...

بر تعجب دکتر افزوده شد. گفتم آقای پرفسور مهمتر اینکه این آیه و هر آیه را که سؤال کردید فوراً از قرآن نشان می‌دهد دکتر گفت این عجیب‌تر است بعد گفت عمو جان می‌توانی این آیه را از قرآن نشان دهی گفت آری دکتر یک قرآن خطی مذهب (طلائی) از قفسه کتابهایش بیرون آورد و به دست وی که پشت دستگاه معاینه چشم نشسته بود داد و گفت این آیه را نشان بده.

کربلائی کاظم قرآن را گرفت فقط با یک قبضه و دفعه باز و به دست دکتر داد و گفت این آیه خمر دیدیم درست است پرفسور گفت وای بر ما چرا با داشتن مانند اینها گامی برای دین یا دنیایمان بر نمی‌داریم اگر چنانچه این در کشورهای خارجه اروپا و امریکا بود همه روز او را در معرض (نمایش) گذارده و برای دیدن او هزارها بلیط می‌فروختند و بسیار عجیب و بهت‌آور بود که با چشم نابینا و آب آورده‌اش که بدون دست گیر راه رفتن برایش مشکل بود آیات را از قرآنهاى مختلف بدون ورق زدن قرآن آورده و نشان می‌داد.

کلیه مراجع تقلید نجف مانند مرحوم آیت‌الله العظمی آسید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله العظمی خوئی و آیت‌الله العظمی شیرازی و آیت‌الله آقای آقا میرزا مهدی شیرازی و آیت‌الله العظمی میلانی و آیت‌الله آمیرزا هادی خراسانی در کربلا و آیات و مراجع بزرگ حوزه علمیه قم چون مرحوم آیت‌الله العظمی بروجرودی و آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله صدر و آیت‌الله فیض و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله و دیگران و علماء بزرگ همدان و کرمانشاه و اراک و ملایر و تهران و مشهد و غیره وی را دیده و آزمایش و امتحان نموده و گفتند این امر غیر عادی و غیر طبیعی است.

اجتماع علماء کربلاء برای امتحان وی در منزل آیت‌الله آمیرزا مهدی شیرازی

مرحوم آیت‌الله حاج شیخ هادی جلیلی کرمانشاهی در کرمانشاه پس از دیدن او وی را به عراق اعزام نمود و چون به کربلاء وارد شد علماء در منزل مرحوم آیت‌الله آمیرزا مهدی شیرازی اجتماع نموده و از وی سؤال کرده و پاسخ همه را داده تا یکی از آقایان سؤال می‌کند کربلاء کاظم آیه... الذی خلقکم من نفس واحده ثم خلق منها زوجها... در کدام سوره است.

فوراً می‌گوید آیه این طور نیست گفتند پس چطور است گفت الذی خلقکم من نفس واحده و خلق منها زوجها و این آیه اول سوره نساء است که اولش این است یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحده... گفتند ابن هشام در مغنی در باب (ثم) آیه را با (ثم) ذکر کرده و استشهاد و استدلال به آن نموده گفت من مغنی و ابن هشام نمی‌شناسم این آیه ثم ندارد. و آیه به این معنی در سه سوره از قرآنست اول سوره چهارم آیه یک که خواندم.

دوم سوره هفتم اعراف آیه ۱۸۹ که این طور است هو الذی خلقکم من نفس واحده و جعل منها زوجها در اینجا هم ثم ندارد و خلق هم ندارد بلکه جعل دارد.

سوم سوره سی و نهم زمر آیه هشتم خلقکم من نفس واحده ثم جعل منها زوجها... در اینجا (ثم) دارد ولی الذی یا هو الذی ندارد... آقایان علماء همه مبهور شده وقتی مغنی آوردند دیدند حرف کربلائی کاظم درست و ابن هشام نحوی اشتباه کرده است. خلاصه خبر او منتشر و در جرائد ثبت و نشر گردید و همگان گفتند این فوق‌العاده و معجزه و خارق عادت است. حافظ شدن کربلائی کاظم

نگارنده در سال ۱۳۶۵ ق وی را در مدرسه فیضیه قم ملاقات وقتی دیدم طلاب و محصلین و فضلاء اطراف او جمع شده و مرتب از او سؤال و او فوراً جواب می‌دهد او را دعوت به منزل نموده و چندی از او پذیرائی و از کیفیت حافظ شدن او پرسیدم مشروحاً توضیح داد. و من ضبط کردم و اکنون برای روشن شدن دل پیروان مکتب ولایت و کور شدن چشم منکرین ولایت تکوینی مانند (بوالفضول قمی‌ها) رو که خود را علامه معرفی و مشهور ساخته ولی عاری از علم و معرفت است. در اینجا می‌نگارم. نگارنده: کربلائی کاظم چگونه حافظ قرآن شدی.

کربلائی کاظم گفت: ماه رمضان یک نفر عالم از طرف آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم یزدی به قریه ما آمد و درباره احکام دین و خمس و زکوة صحبت کرد و گفت هر کس حساب سال نداشته باشد و یا زکوة مالش را ندهد نماز و روزه اش درست نیست و همه عباداتش عاقل و باطل است.

من بعد از منبر آن آقا به خانه آمده و به پدرم گفتم زکوة می‌دهی. گفت زکوة چی. این حرفها را از کجا یاد گرفته‌ای گفتم: این آقا که از قم آمده می‌گوید هر کس زکوة مالش را ندهد نماز و روزه اش باطل و مالش حرام است. گفت آن آقا برای خودشان می‌گویند. من هیچ وقت مال خودم را به کسی نمی‌دهم. من گفتم بابا من هم پیش شما نمی‌مانم چون مال شما حرام است. و از پدرم قهر کرده به قم آمدم پدرم عقب من فرستاد و مرا برد.

به او گفتم زکوة می‌دهی می‌مانم نمی‌دهی می‌روم گفت این فضولی‌ها به تو چه مربوط تو برو کارت را بکن. گفتم من برای شما کار نمی‌کنم چون مالت حرام است فرار کردم آمدم به تهران و مدتی در دولاب تهران عملگی کردم باز پدرم کسی را فرستاد و مرا برد. باز به او گفتم: اگر مالت را حساب نکنی و زکوة آن را نمی‌دهی این بار جائی می‌روم که دیگر مرا نیابی.

بالاخره پیرمردهای آبادی جمع شده و به پدرم گفتند کاظم بزرگ شده شاید می‌خواهد خودش مستقلاً برای خود کار کند. تو یک قطعه زمین و قدری بذر (گندم) به او بده تا خودش بکارد. پدرم قبول کرد یک قطعه زمین و هشت بار گندم به من داد. من فوراً آن گندم را نصف کردم چهار بارش را به فقراء دادم و چهار بارش را کاشتم خداوند برکت زیادی مرحمت کرد. و در موقع خرمن باز نصف کردم محصول خود را با بینوایان و فقراء و به همین کیفیت زکوة خود را بیش از معمول و حق زکوة می‌پرداختم و برکت

زیادی هم داشت.

تا سالی گندم را درو کردم و خرمن نمودم و بعد از چند روز که خرمنم را کوبیده و باد می‌دادم نزدیک ظهر شد و باد ایستاد و هوا گرم شد. گفتم باشد عصری که هوا خنک شد می‌آیم و باد می‌دهم پس پشته‌ای علوفه برای گوسفندانم جمع کرده و به پشت گرفته و به سمت آبادی روانه شدم در وسط راه به دو سید جوان نورانی بسیار خوشگل و زیبا برخوردم. به آنها سلام کردم و گفتم امامزاده می‌روید.

گفتند آری. گفتم منم بیایم با شما گفتند بیا و من خیال می‌کردم آنها راه امامزاده را بلد نیستند ولی دیدم خیر از من جلوتر می‌روند رفتیم تا به امامزاده‌ای که او را شاهزاده حسین می‌گویند رسیدیم من پشته را زمین گذارده با آنها به حرم آن امامزاده رفتم آنها فاتحه می‌خواندند.

و من صندوق قبر را می‌بوسیدم و دور می‌گشتم ولی آنها این کار را نمی‌کردند بعد از آنجا بیرون آمده به امامزاده دیگر که نزدیک آنجاست و او را شاهزاده جعفر می‌گویند رفتیم و من در حرم دور می‌زدم و قبر را می‌بوسیدم ولی آنها ایستاده و فاتحه می‌خواندند. تصرف ولایتی

بعد به من گفتند آن بالا را بخوان گفتم من سواد ندارم و خواندن نمی‌دانم گفتند نگاه کن به آن کتیبه خوانا می‌شوی. نگاه کردم کتیبه‌ای دیدم که نه قبلاً بود و نه بعداً و به خط سفید نورانی نوشته بود در دور حرم.

«ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض فی سته ایام ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار یطلبه حیثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامرہ الا له الخلق والامر تبارک رب العالمین ادعوا ربکم تضرعاً و خفیئاً انه لا یحب المعتدین و لا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها و ادعوه خوفاً و طمعاً ان رحمت الله قریب من المحسنین.

و بعد مرا نگاه داشته یکی از آنها دست به صورت من تا سینه‌ام کشیده و سوره الحمد را خوانده و به من فوت کرده و قرآن را به تمامی در سینه من هشتند (یعنی گذاشتند) و من غش کردم و افتادم وقتی به هوش آمدم که شب بود و برخاستم برای آبادی آمدم و چون بده رسیدم یکی از اهالی آبادی بنام کلبعلی مرا صدا زد و گفت کاظم کجائی چرا نمی‌روی خرمند را جمع کنی گفتم دو نفر آقا آمده بودند به امامزاده من هم با آنها رفتم آنها تمام قرآن را هشتند تو سینه من. کلبعلی گفت پسر مگر دیوانه شده‌ای.

تمام قرآن را آقا شیخ عبدالکریم مجتهد یزدی هم از حفظ ندارد گفتم امتحان کنید مردم ده رسیده و جریان را شنیده مرا به خانه‌ی ملای ده بردند او گفت کاظم دروغ نمی‌گویدی حسابش درسته از وقتی از پدرش سوا شده هر سال زکوتش را داده و می‌دانم که او تا حال هیچ سواد نداشته و درس نخوانده است. پس قرآن جلوی من گذارده گفتند بخوان گفتم از رو نمی‌خوانم از حفظ پیرسید. پس از سوره الرحمن پرسید خواندم و بعد سوره یس و بعد سوره مریم. پس از آن از سوره بزرگها پرسیدند خواندم.

ملای آبادی ما قرآن را که در جلویش بود و با خواندن مطابقه و مقابله می‌کرد قرآن را بوسید و به طاقچه گذارد و گفت: بچه‌ها کاظم کارش شده است. که مردم بر سر من ریخته و لباس بدن مرا پاره پاره کردند و اگر ملا مرا از دست مردم نجات نداده و در اطاق زن و بچه خود نبرده و در را روی من نبسته بود مردم ده گوشت تن مرا هم به عنوان تبرک و نظر کرده شده می‌کنند. و ملا مردم را به زحمت از خانه بیرون کرده و نزد من آمد و گفت کاظم اگر جان خودت را دوست داری شبانه از این محل برو و الاصبح مردم تو را به عنوان تبرک تکه تکه می‌کنند. گفتم گوسفندها و خرمنم را چکنم گفت من می‌گویم کسان تو آنها را جمع و حفظ کنند.

پس به من خرجی داده و شبانه از ده به ملایر خدمت مرحوم حجة الاسلام حاج میرزا شهاب ملایری رفته و جریان را گفتم کم کم خبر من به تویسرکان و همدان و کرمانشاه و عراق و غیره رسید.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حافظ غیاث

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۸۷۹ق)، عالم و محدث. از پیشوایان علم و عرفان و از محدثان بنام روزگار سلطان میرزا حسین بایقرا بود. حافظ در هرات می‌زیست و سالهای بسیاری در آنجا به افاده مشغول بود و همان جا در گذشت و در مزار شیخ بهاء‌الدین عمر دفن شد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: حبيب السیر (۳۳۷/۴)، لغت‌نامه (ذیل / حافظ غیاث).

حافظی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۹۸۴ - ۹۳۰ق)، فقیه و شاعر، متخلص به حافظی. شاعر عهد شاه طهماسب صفوی بود. کتاب «التحفه الطهماسبیه» را که منظومه‌ای ۲۰۰ بیتی است به فارسی در اصول دین به امر آن پادشاه به نظم درآورد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۸۰/۴)، الذریعه (۴۵۰/۳)، ریحانه (۱۶/۲)، لغت‌نامه (ذیل / حافظی).

حاکم بیهقی، ابوعلی حسین

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۳۵۲ق)، محدث. از مشایخ شیخ صدوق است که از محمد بن یحیی صولی روایت کرده است. شیخ صدوق در مجلس ۹۴ از کتاب «الامالی» و همچنین در کتاب «عیون اخبار الرضا (ع)» بارها از حاکم بیهقی حدیث آورده و گوید که در سال ۳۵۲ ق به نیشابور در خانه‌اش از وی شنیده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴۱۸/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۵/۴)، معجم رجال الحدیث (۱۹۵ - ۱۹۴/۵).

حاکم حسکانی، ابوالقاسم، عبیدالله

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۴۷۰ ق)، متکلم، فقیه، محدث و قاضی. مشهور به ابن حداد یا ابن حذاء. او از نوادگان عبدالله بن عامر، فاتح خراسان، بود. برخی وی را حنفی پنداشته‌اند، اما بیشتر رجال‌نویسان شیعی بر تشیع وی حکم کرده‌اند. او معاصر صدوق دوریستی بود و از جد خود و از ابوالحسن علوی و ابوعبدالله حاکم و ابوطاهر بن محمش و ابن فنجویه دینوری و همطبقه‌ی آنان روایت می‌کرد. وی از ملازمان ابوبکر بن حارث اصفهانی نحوی بود و از احمد بن علی بن منجویه نیز بهره گرفت، اما فقه را از قاضی ابوالعلاء صاعد بن محمد آموخت. ابن شهر آشوب در «معالم العلماء» به شرح حال او پرداخته است. از آثار وی: «تصحیح خبر ردالشمس لعلی (ع)»؛ «خصایص علی بن ابی طالب (ع) فی القرآن» و «شواهد التنزیل لقواعد التفضیل»؛ «دعاء الهداء الی اداء حق الموالات»، ذکر حدیث غدیر خم.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۳۷- ۱۳۶/ ۸)، الذریعه (۲۴۳- ۲۴۲/ ۱۴، ۱۹۶/ ۸، ۱۶۶/ ۷، ۱۹۵- ۱۹۴/ ۴)، ریاض العلماء (۲۵۷- ۲۵۶/ ۳)، سیر النبلاء (۲۶۹- ۲۶۸/ ۱۸)، الغدیر (۱۴۶/ ۱)، معجم رجال الحدیث (۷۵- ۷۴/ ۱۱)، هدیة الاحباب (۱۱۶).

حاکم نیشابوری، ابواحمد محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۳۷۸- ۲۹۰ ق)، حافظ و محدث. مشهور به محدث خراسان و حاکم کبیر. در نیشابور نشو و نما یافت. پس از بیست سالگی به طلب حدیث برآمد و در خراسان و عراق و شام و جزیره و حجاز و جبال از خلق بسیاری چون احمد ماسرجسی و ابوخرزیمه و عبدالله بن زیدان و ابوبکر باغندی و ابوالقاسم بغوی و ابوالعباس سراج و عباس بن شاذان رازی و علی بن عبدالحمید غضائری و ابن ابی حاتم رازی حدیث شنید. ابوعبدالله حاکم نیشابوری و ابوعبدالرحمن سلمی و محمد بن علی اصفهانی جصاص و محمد جارودی و ابوبکر ابن منجویه و ابوسعید محمد کنجرودی از شاگردان و راویان وی بودند. در ۳۳۳ ق عهده‌دار منصب قضاوت شد و در ساس مدتی حکم کرد و مدتی نیز در طوس قضاوت نمود و مدتی نسز در طوس قضاوت نمود. سرانجام در ۳۴۵ ق به نیشابور بازگشت و ملازم منزل و مسجد شد و خود را آماده تصنیف کرد و در پایان عمر بینایی خود را نیز از دست داد. وی در نیشابور در گذشت. او را تصانیف بسیاری است. از جمله آثار وی: «الاسماء والکنی» یا «الکنی فی المحدثین والوزراء والولاء»، در چند مجلد؛ کتاب «العلل»؛ کتاب «الشروط»؛ «المخرّج علی کتاب المزنی»؛ «الشیوخ والابواب»؛ شرح «جامع الصحیح» بخاری؛ شرح «صحیح» مسلم؛ شرح «جامع» ترمذی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۴۴/ ۷)، تاریخ الاسلام (حوادث ۶۳۸- ۶۳۷/ ۳۸۰- ۳۵۱)، سیرالنبلاء (۳۷۷- ۳۷۰/ ۱۶)، طبقات الصفوفیه سلمی (۱۰۰)، الکامل (۱۳۶/ ۷)، کشف الظنون (۱۳۹۱)، لسان المیزان (۵۶۶- ۵۶۴/ ۷)، معجم المؤلفین (۱۱/ ۱۸۰)، الوافی بالوفیات (۱۱۵/ ۱).

حاکم نیشابوری، ابوعبدالله محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۰۵ - ۳۲۱ ق)، حافظ، محدث، فقیه و عارف. معروف به ابن البیع و مشهور به شیخ المحدثین. در نیشابور متولد شد. از همان دوران کودکی به تحصیل علم و دانش پرداخت. وی در طلب علوم عصر بویژه دانش حدیث که پرجاذبه‌ترین دانش‌های آن روزگار بود به نقاط مختلف عالم اسلامی از نیشابور تا عراق و حجاز و مارواءالنهر و دیگر بلاد خراسان سفر کرد، و در نیشابور و دیگر بلاد از حدود دو هزار تن از مشایخ سماع حدیث داشته است. در شناختن و نقد حدیث در آن روزگار کسی همتای او نبود. یکی از استادان وی حاکم ابواحمد نیشابوری است. ابو عبدالله در تصوف نیز از محضر ابوالحسن پوشنجی و جعفر بن نصیر و ابو عمر و زجاجی و ابو عثمان مغربی کسب فیض کرد. وی در عصر سامانیان به روزگار وزارت عتبی در سال ۳۵۹ ق چندی قضاوت نیشابور را عهده‌دار بود. برخی نویسندگان یادآور شده‌اند که وی نقش میانجی سیاسی میان سامانیان و آل بویه را نیز عهده‌دار بوده است. مشهورترین عنوانی که وی بدان شناخته می‌شود «الحاکم» است. بنا به گفته‌ی ابن خلکان، این عنوان به اعتبار مقامی است که در قضاوت داشته است و به گفته‌ی محدث قمی در «الکنی واللقاب»، حاکم در اصطلاح محدثان به کسی اطلاق می‌شود که احاطه به جمیع احادیث داشته باشد. بسیاری از محدثان عامه چون او را متشیع دانسته‌اند، نقل حدیث - غدیر - «من کنت مولاه...» و حدیث «طیر» و نگارش کتاب «فضایل حضرت زهرا (س) را از نقاط ضعف او شمرده‌اند. آنه مسلم است این که وی اگر چه در باطن شیعی مذهب بود، اما در ظاهر مسلمانی سنی و بر مذهب امام شافعی بوده و مانند اغلب شافعیان به اهل بیت رسول و امیرالمؤمنین علی (ع) ارادتی خاص داشته است. او بر اثر سکنه در نیشابور درگذشت. از آثار او: «تاریخ نیشابور»؛ «المستدرک علی الصحیحین»؛ «معرفة علوم الحدیث»؛ «مُرَکَبُ الاخبار»؛ «المدخل الی الاکلیل»؛ «فضایل فاطمة الزهراء»؛ «فضایل الشافعی»؛ «المدخل الی الصحیح»؛ «مفاخر الرضا»؛ «فوائد الشیوخ»؛ «الامالی». [۱]

عبدالمجید طالقانی. خطاط معروف ایرانی (ف. ۱۱۸۵ ه.ق.). وی از مردم طالقان بود و در آغاز جوانی به اصفهان رفت و چندی در کسوت فقر گذراند. سپس به مشق خط پرداخت و از نستعلیق شروع کرد. پس از اندک زمانی به خط شکسته مشغول شد و در این هنر استاد مسلم گردید. خط شکسته را درویش کامل کرد، قواعد این خط را استوار نمود و زیبایی و شیوایی آن را به حد اعلی رسانید. از گرانبهاترین آثار او جز مقطعات و مرقعات متعدد نسخه «کلیات سعدی» است که در کتابخانه سلطنتی ایران موجود است. وی شاعر بود و در شعر «خموش» و «درویش» تخلص می‌کرد و دیوان غزلیاتش موجود است. وی در جوانی (سی و پنج سالگی) درگذشت و از معروفترین شاگردانش میرزا کوچک است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۱۰۱/۷)، اعیان الشیعه (۳۹۱/۹)، تاریخ بغداد (۴۷۴ - ۴۷۳/۵)، تاریخ نیشابور (مقدمه/۴۲ - ۳۰)، دایرة المعارف فارسی (۸۲۸/۱)، الذریعه (۱۹۹/۲)، روایات الجنات (۲۶۶/۷)، ریحانه (۴۲۷/۷)، سیر النبلاء (۱۷۷ - ۱۶۲/۱۷)، کشف الظنون (۱۴۴)، الکنی واللقاب (۱۷۰ - ۱۷۲/۲)، لغت‌نامه (ذیل / ابن بیع)، مؤلفین کتب چاپی (۵۸۳ - ۵۸۲/۵)، معجم المؤلفین (۲۳۸ - ۲۳۹/۱)، الوافی بالوفیات (۳۲۱ - ۳۲۰/۳)، وفیات الاعیان (۲۸۰ - ۲۸۱/۴).

حاکمی، اسماعیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اسماعیل حاکمی، در سال ۱۳۱۵ در آبادان متولد گردید. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آبادان و شیراز به پایان برد. در سال

۱۳۳۴ پس از اخذ دیپلم ادبی از دبیرستان سلطانی شیراز به دانشکده ادبیات و علوم انسانی وارد گردید و پس از اتمام دوره لیسانس به سال ۱۳۳۷ وارد دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی شد و در سال ۱۳۴۳ به اخذ درجه دکتری از دانشگاه تهران نائل آمد. دکتر حاکمی از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۷ به خدمت در وزارت آموزش و پرورش پرداخت و سپس به سال ۱۳۴۷ به درجه استادیاری و سال ۱۳۵۲ به دانشیاری و سرانجام به سال ۱۳۶۲ به مرتبه استادی دانشگاه تهران نائل گردید. استاد بعد از ۲۲ سال خدمت مداوم دولتی در مهر ماه ۱۳۶۹ درجه استادی ممتاز دانشگاه تهران را حائز گردید.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای: اسماعیل حاکمی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آبادان و شیراز به پایان برد. در سال ۱۳۳۴ پس از اخذ دیپلم ادبی از دبیرستان سلطانی شیراز به دانشکده ادبیات و علوم انسانی وارد گردید و پس از اتمام دوره لیسانس به سال ۱۳۳۷ وارد دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی شد و در سال ۱۳۴۳ به اخذ درجه دکتری از دانشگاه تهران نائل آمد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: اسماعیل حاکمی در طول ۳۲ سال خدمت علمی و فرهنگی، متصدی سمت های: ریاست دبیرستان، مدیریت گروه، معاونت دانشگاه علامه طباطبایی، ریاست کتابخانه مرکزی دانشگاه را عهده دار بود.

فعالیت‌های آموزشی: اسماعیل حاکمی از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۷ به خدمت در وزارت آموزش و پرورش پرداخت و سپس به سال ۱۳۴۷ به درجه استادیاری و سال ۱۳۵۲ به دانشیاری و سرانجام به سال ۱۳۶۲ به مرتبه استادی دانشگاه تهران نائل گردید. استاد بعد از ۲۲ سال خدمت مداوم دولتی در مهر ماه ۱۳۶۹ درجه استادی ممتاز دانشگاه تهران را حائز گردید.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: حضور در کنگره ها و سمینارهای بین المللی چون کنگره سعدی و حافظ و سمینار استادان فارسی هند - سمینار اقبال در پاکستان و دانشگاه کابل و دانشکده الهیات استانبول از جمله فعالیت دیگر اسماعیل حاکمی می باشد. جوایز و نشانها: در سال تحصیلی ۷۰-۶۹ اسماعیل حاکمی عنوان استاد ممتاز را به خود اختصاص داده و توانست لوح تقدیر دریافت نماید.

منابع:

۱ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره پیاپی ۱۱۴-۱۱۳، سال ۲۸، بهار و تابستان ۱۳۶۹، ص ۳۱۳
بر گرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

حالت، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالقاسم حالت، فرزند محمدتقی حالت در خانواده‌ای متمدن و مذهبی متولد شد. وی از کودکی به موسیقی و نقاشی و شعر و نویسندگی علاقه تام داشت و چون امکان پرورش ذوق و استعداد و رشد و ترقی خود را در موسیقی و نقاشی در خانواده مشاهده نکرد به شعر و نویسندگی روی آورد و طولی نکشید که در این هنرها پیشرفت شایانی کرد و از بزرگان آن گردید.

درباره اولین شعری که حالت سرود، خود وی می گوید: «روزی در مدرسه با یکی از دوستان همکلاسم قهر کرده بودم و چون خیلی نسبت به هم صمیمی بودیم بالاخره طاقت نیادم و با یک قطعه سه بیتی از او معذرت خواستم، این قطعه که اولین شعرم بود و متأسفانه الان هیچ به یادم نیست موثر واقع شد و قهر ما را به آشتی تبدیل نمود... اثر این شعر مرا بر آن داشت که شاعری را دنبال

کنم، لذا از کلاس ششم ابتدایی گاهگاهی شعر ساختم، مخصوصا تابستان‌ها که مدرسه تعطیل بود و فراغت بیشتری داشتم و می‌توانستم هم شعر بسازم و هم دنبال چاپ آن بروم اما روزنامه‌های ادبی آن ایام که عبارت بودند از «نسیم شمال» و «کانون شعرا» و «توفیق» همه از چاپ اشعارم خودداری می‌کردند، چون بسیار ناپخته بود، ولی این امر به هیچ‌وجه باعث دلسردی من نمی‌شد... تا دو سه سال بعد که کم‌کم بعضی از اشعارم در روزنامه‌ها چاپ شد.»

پس از چندی که اولین اثر ابوالقاسم حالت در یکی از جراید چاپ گردید، درصدد برآمد که خود را به کانون و انجمن‌های ادبی نزدیک نماید، به همین سبب بعضی شب‌ها به انجمن ادبی ایران که ریاست آن با شاهزاده محمدهاشم افسر بود می‌رفت و در یکی از همین شب‌ها یکی از اشعار خود را در این انجمن ادبی قرائت می‌کند که صدای آفرین و احسنت رسا و پرطنطنه شیخ‌الملک اورنگ که در آن زمان نایب رئیس انجمن بود به قدری وی را تحت تأثیر قرار داد که تا صبح خواب به چشمانش راه نیافت. از این زمان به بعد وی در راه شهرت و ترقی گام‌های بلندی یکی پس از دیگری برداشت.

باری ابوالقاسم حالت، در کلاس‌های چهارم دبیرستان مروی درس می‌خواند و چون اواخر سال تحصیلی بو و محصلین در حالی که کتاب‌های خود را جهت تمرین دروس زیر بغل نهاده و عازم محوطه باغ ملی که درختان زیادی داشت و محلی مصفا بود می‌رفتند، حالت هم کتاب خود را برداشت عازم این محل گردید. در خیابان خیام نزدیک باغ ملی با مرحوم حسین توفیق صاحب امتیاز روزنامه توفیق برخورد می‌کند و از طرف دعوت می‌شود که با هیئت تحریریه این روزنامه همکاری نماید وی از نخستین شماره روزنامه فکاهی توفیق تا مدت پنج سال متوالی سردبیری این مجله فکاهی را به عهده داشت.

حالت بعد از وقایع شهریور ۱۳۲۰ با بسیاری از جراید از جمله روزنامه‌های: «امید»، «قیام ایران» و مجله «تهران مصور» همکاری می‌کند.

در مورد انگیزه ترانه می‌گوید: «یک شب مرحوم دهقان پیشهاد کرد که برای تماشاخانه تهران تصنیف بسازم اولین تصنیف من که توسط حمید قنبری به عنوان پیش سپرده در تماشاخانه تهران خوانده شد و خیلی معروف گردید، تصنیف «چاقوکش‌ها» بود که با این شعر شروع می‌شد:

بچه‌ی چاقوکشم و گردنم کلفته

هر جا من باشم باید خون راه بیفته

بقیه‌اش حرف مفته

بعد از تصنیف «وکالت خانم‌ها» را ساختم که مرحوم مجید محسنی خواند. از آن به بعد این کار را هم دنبال کردم و اغلب تصنیف‌هایی را که می‌ساختم توسط حمید قنبری، جمشید شیبانی و مرحوم مجید محسنی خوانده و اجرا می‌گردید. البته بعضی تصنیف‌های جدی و ادبی هم برای جامعه بارید ساختم که در آن زمان خانم ملکه حکمت شعار اجرا می‌کرد.»

ابوالقاسم حالت در سال ۱۳۲۵ بنا به دعوت کمپانی «اورگرین پیکچر» به هندوستان سفر کرد و در بمبئی به کار دوبلاژ فیلم پرداخت و مدتی نتوانست در کار تصنیف‌سازی فعال باشد. تا این که مرحوم مهدی خالدی، مرحوم جواد بدیع‌زاده، مرحوم نصرالله زرین‌پنجه، مرحوم علی زاهدی، مرحوم یوسف کاموسی، مرحوم علی‌اکبر پروانه و خانم دلکش جهت ضبط صفحه از ایران به بمبئی رفتند و حالت به عنوان یادگار برای این هیئت ایرانی تصنیف «شیرین» را ساخت، و علی زاهدی آن را اجرا کرد. این تصنیف اینطور شروع می‌شود:

شیرین، شیرین، سروقد و سیمین برو گل پیکری تو

در مذاق از شکر شیرین‌تری تو

ابوالقاسم حالت، در بهار سال ۱۳۲۷ به وطن بازگشت و در آن زمان، سرپرستی اداره کل انتشارات و رادیو با ابوالقاسم پاینده بود،

از وی دعوت به عمل آورد تا برای رادیو تصنیف بسازد و پس از یک ماه که با رادیو همکاری کرد، چون به استخدام شرکت نفت درآمده بود، عازم آبادان شد و این همکاری قطع گردید. وی از شعرای دانشمند و باذوق می‌باشد که به سه زبان عربی و انگلیسی و فرانسه تسلط کامل دارد و چندین کتاب از نویسندگان انگلیسی و فرانسوی را ترجمه کرده است.

در اینجا نام چند آثار این شاعر فاضل و ادیب و مترجم را یادآور می‌شوم:

- ۱- ترجمه کلمات قصار حضرت علی (ع) به زبان انگلیسی و فارسی و رباعیات فارسی.
- ۲- کتاب بهار زندگی (ترجمه از انگلیسی به فارسی).
- ۳- پیشروان موشک‌سازی (ترجمه از انگلیسی به فارسی).
- ۴- جادوگر شهر زمرد (ترجمه از انگلیسی به فارسی).
- ۵- شبخ در کوچه میکل آئز (ترجمه از فرانسه به فارسی).
- ۶- پروانه و شبنم (شامل قصاید ادبی به سبک سنایی).
- ۷- فکاهیات حالت (در دو جلد شامل اشعار فکاهی).
- ۸- رقص کوسه (شامل بیست داستان کوتاه).

در اینجا یادآور می‌شوم، گفتگویی را که با منوچهر همایون‌پور که از دوستان صمیمی حالت بود، به اطلاع خوانندگان گرامی برسانم، همایون‌پور، می‌گفت:

«در تابستان سال ۱۳۳۲ وقتی که زنده‌یاد مهدی خالیدی همکاری خود را با خانم دلکش رها کرد و به فکر ابداع برنامه‌های دیگر افتاد، اولین کاری که طرح و شروع به اجراء آن کرد، همکاری با آوازخوان‌های مختلف بود، یکی از افرادی را هم که برای همکاری دعوت کرد من بودم، در آن ایام برنامه‌های موسیقی قبل از ظهر جمعه انحصاراً در اختیار ایشان بود که مورد علاقه اکثریت دوستداران موسیقی بود.

از کارهای بسیار ظریف و دقیق و هنرمندانه ایشان انتخاب آهنگ و شعر متناسب برای سبک و ذوق آوازخوان‌ها با رعایت و شناخت کل هنر آن‌ها بود با توجه به این موضوع که من در امر شعر و کلام و مضمون و آهنگ دقت داشتم و با آگاهی به طرز فکر و در عین حال انس و الفت و آشنایی که میان ما بود در انتخاب کلام و مضمون و آهنگ این تصنیف توجه خاص به من کرد. تصنیفی را با آهنگی متناسب و شعری از شاعری را برای من در نظر گرفت که می‌توان به جرأت و با دلایل متقن اظهار کرد که از آغاز ترانه‌سرایی در دوران مختلف تاکنون از لحاظ پیوستگی مضمون شعری و انتخاب کلام و صنایع بدیعی در نوع خود اگر نه بی‌نظیر که غلو و گزافه‌گویی زیاده از حد معقول نیست، ولی کم‌نظیر است.

عنوان این تصنیف «گلباران» است و به صورت‌های مختلف در تمام جمله‌ها و با عنایت به صنتح «التزام» که یکی از صنایع بدیعی است، کلمه «گل» با ترکیب‌های مختلف به کار گرفته شده است و «گل» کرده است.

در انتخاب آهنگ این تصنیف که نت آن با خط زنده‌یاد نزد اینجانب موجود است و شاید در تجدید چاپ کتاب ایشان در جزء کارهای وی افزوده شود نیز حد اعلائی تناسب ذوقی و موسیقائی را با توجه به ذوق و سلیقه من به کار برده بود.

آهنگ این تصنیف در مایه ابوعطا و از آوازهای مورد علاقه من است، تصنیف از دو بخش تشکیل شده است.

بخش اول، با ضرب (ریتم) ۴/۴ و با الهام از یک آهنگ کردی است.

بخش دوم، با ضربی شاد و ریتمیک و در ضرب ۸/۶ است.

این تصنیف در روز جمعه و قبل از ظهر در رادیو اجرا و منتشر شد. گرچه حسرت و افسوس بر گذشته نه کاری عاقلانه است و نه سودی از آن عاید خواهد شد. اما از جهاتی جای دریغ است که در آن ایام اوضاع و احوال صنعت ضبط به صورت ابتدایی بود و

در دسترس عموم نبود و این ترانه چون خیلی از کارهای من به فراموشی سپرده شد. افسوس دیگر این که در اوقات جمع آوری و چاپ آثار ایشان اولاً آگاهی نداشتیم، در ثانی کسالت ایشان در سال‌های اخیر و بعضی مسائلی که ذکر آن‌ها جایز نیست و ملال آور است ارتباط و مرادده چون روزگار گذشته برقرار نبود.

گفتنی است، در بزرگداشتی که برای آقای ابوالقاسم حالت، در زمستان سال ۱۳۷۰ گذاشتند، درباره تصنیف‌سرایی ایشان و توضیح و شناساندن این رشته سخن را به دست کسی سپردند که اصلاً در کار تصنیف‌سرایی و تاریخ و سیر آن آگاهی نداشتند و این کار به صورتی که دیده شد در واقع انجام گردید.

البته این چنین بزرگداشت‌ها در زیر یک سقف و با حضور دو بیست، سیصد یا هزار نفر برای مردی با پنجاه سال سابقه کارهای ادبی و هنری مختلف همچون افزودن یک ظرف آب به رودخانه‌ای است. البته ترتیب دهندگان آن بزرگداشت نه تنها در مورد تصنیف‌سرایی ایشان که درباره بزرگترین کار بی نظیر وی که همانا برگرداندن نهج‌البلاغه به زبان انگلیسی و عربی و سرودن یک رباعی متناسب با همان معنی و مفهوم که کاری بس دشوار و ابداعی نو آیین است و تا این زمان کسی دانش و هنر دست یا زیدن به چنین کاری شگرف را نداشته است، به طرز جامع و دلخواه حرفی و سخنی گفته نشده به هر تقدیر ظهور چنین مردانی یک امر مألوف و معتاد نیست، گوینده این مطالب را اعتقاد بر آن است که این چهره هم به دلایلی از تصاویری است که در قاب زمان حال نمی‌گنجد و طبق معمول روزگار آیندگان هنرمند و هنرشناس می‌آیند و این تصور بزرگ را در جای خود قرار می‌دهند.

عمر و زندگی افراد عادی با روز و ماه و سال سنجیده می‌شود، اما عمر دانشمند، نویسنده، محقق، شاعر و هنرمند این چنین نیست و حیات این قبیل افراد و نوادر روزگار عبارت است از تعداد و اندازه آثار آنان در طول مدت زندگانی.

متأسفانه در شب یک شنبه سوم آبان‌ماه ۱۳۷۱ این استاد بزرگ ادبیات دار فانی را وداع گفت، روانش شاد. هنوز خیلی از نوباوگان ذوق و اندیشه او در باغ ادب و هنر ایران- زمین به گل ننشسته‌اند، و اینک تصنیف «گلباران» و شرح صنایع بدیعی و لطایفی که در آن به کار رفته است.

(۱) در فصل گل که گردد گلباران گلشن

وہ چه گل‌ها کز خون دارم من بر دامن

ز غم گل‌خسارم

شده گلکاری کارم

بهر گلی رخ را گلگون مکن از خون

در راه یک لیلی خود را مکن معجون

تا از درون دل غم را کنی بیرون

در پای سر کن در کش می گلگون

(۲) گل‌عداری گه گل پیش او چون خار است

گل بهر اغیار و خار از بهر یار است

دل او زارم خواهد

گل من خارم خواهد

بهر گلی تا کی آری به خواری سر

چون بی‌وفا شد گل خاری از او خوشتر

هر سو در این گلشن گلی هست و گل پیکر

این گل نشد سر کن با نوگل دیگر
 (۳) دلبرا رو که دیگر دلی در بر نیست
 شوق گل چیدن دیگرای گلی در سر نیست
 دگر این دل افسرده
 دگر این گل پژمرده
 ای نوگل خندان، من از تو بی‌زارم
 رو رو که من یارا مستغنی از یارم
 آسوده از یارم فارغ از اغیارم
 هم بر کنار از گل هم ایمن از خارم
 در جای جای ترانه کلمه‌ی گل به صورت جناس تام آمده است.
 گل گلشن جناس مذیل است.
 گل و خار طباق و تقابل و مراعات نظیر است.
 اغیار و یار هم جناس زاید و هم طباق است.
 و ترکیب‌های دیگری چون: نوگل، گلی، گلرخسار، گلغذار، گلگون به صورت‌هایی که دیده می‌شود در این ترانه گل کرده است
 و واقعاً سراینده، با این «گل‌ها»، گل کاشته است.
 در گلستان که زاغان نغمه‌پردازی کنند
 گوش گل را گوشواری بهتر از سیماب نیست
 «رضی دانش»

شادروان استاد ابوالقاسم حالت، گذشته از آنکه در سرودن انواع و اقسام شعر پارسی از قصیده و غزل و مخمس و چهارپاره و طنز و رباعی و غیره ماهر و مسلط و از بعضی جهات بی‌بدیل بود، در ترانه‌سرایی نیز دستی قوی و ذوقی لطیف داشت و بر روی آهنگهای بسیاری از هنرمندان رادیو ایران منجمله امین‌الله رشیدی آهنگساز و خواننده رادیو ترانه‌هایی زیبایی سروده بود که نمونه از آنها ذیلاً می‌آید.

«برباد رفته»

من آن گلم که دور از چمنم

چنین پریشان که منم

چو یار دور از وطنم

چرا جدا ز گلشنم

باد سحر از چمنم برده بدر

بجا گذرم

چه رَوَد بَسْرَم؟

ز رهی که رَوَم نَبُود خبیرم

همره طوفان میگذرم

رهرو راهی پر خطرم

تیره جهان شد در نظرم
 شد جانم آزرده
 شد رویم پژمرده
 مانده جدا از باغ و چمن
 رنگ صفا رفت از رخ من
 دیده بسوی من بفکن
 تا بینی احوالم
 این بخت و اقبالم
 تا شده‌ام جلوه‌گر از باغ جهان
 رفتم و شد چهر من از دیده نهان
 نه کسی، نفسی، گذرد به برم
 که شکایت دل بر او بیرم
 نه ز بوی خوشم اثری
 نه وجود مرا ثمری
 نه کسی پی دیدن من
 نه دل پی چیدن من
 نه گلی شده همدم و همبر من
 نه گیاه بسرم شده سایه فکن
 همه نرگس و لاله چه شد؟
 آه از دوری همنفسان
 چو کسی ز میان برود
 گویی رفته ز یاد کسان
 نه دل و نه هوس
 منم و غم و بس
 چه بود ثمرم چه بود اثرم
 همره طوفان میگذرم
 رهرو راهی پر خطرم
 تیره جهان شد در نظرم
 شد جانم آزرده
 شد رویم پژمرده

(۱۳۷۱ - ۱۲۹۴ / ۱۲۹۳ ش)، نویسنده، شاعر، روزنامه‌نگار و مترجم. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات خود را در همین شهر به پایان رسانید و از همان کودکی به شعر و ادب علاقه‌ی فراوانی داشت. از سال ۱۳۱۴ ش به طور رسمی به شعر و شاعری پرداخت و از سال ۱۳۱۷ ش با روزنامه‌ی فکاهی «توفیق» همکاری کرد. بحر طویل‌های او با امضاهای هدهدمیرزا و اشعارش با امضای خروس

لاری، شوخ، فاضل مآب و ابوالعینک، به چاپ می‌رسید. حالت با نشریات بسیاری چون: «امید»، «تهران مصور»، «قیام ایران» و «خبردار»، همکاری داشت و ملک‌الشعرا بهار او را به کنگره‌ی نویسندگان ایران دعوت کرد. او در ترانه‌سازی توانا بود و علاوه بر آن شاعری محقق و مترجمی زبردست بود و به زبانهای انگلیسی و عربی و فرانسه، مسلط. از وی ترجمه‌های متعددی به جای مانده است. از آثار او: «دیوان» اشعار؛ «پروانه و شب‌نم»؛ «تذکره‌ی شاهان شاعر»؛ «کلمات قصار حضرت علی (ع)»؛ ترجمه‌ی «تاریخ کامل ابن‌اثیر»؛ «تاریخ فتوحات مغول»، اثر جرج ساندوز؛ «تاریخ تجارت»، اثر اریک. ن. سیمونز؛ «زندگی من»، اثر مارک تواین؛ «بهار زندگی»، اثر کلاویس هاستی کارول. [۱]

شاعر، مترجم.

تولد: ۱۲۹۸، تهران.

درگذشت: ۳ آبان ۱۳۷۱، تهران.

ابوالقاسم حالت (با نام اصلی ابوالقاسم عبدالله فرد) متخلص به «حالت»، فرزند محمدتقی حالت، تحصیلات خود را در تهران از دبیرستان مروی به پایان رساند. از سال ۱۳۱۴ به شاعری پرداخت و در انجمن‌های ادبی و از جمله انجمن ادبی ایران راه یافت. در سال ۱۳۱۷ در هفته‌نامه‌ی «توفیق» که تازه فکاهی شده بود با مدیر آن، حسن توفیق، همکاری کرد (از نخستین شماره‌ی روزنامه فکاهی توفیق تا مدت پنج سال متوالی سردبیری این مجله فکاهی را به عهده وی بود) و این همکاری را تا آخرین شماره‌ی «توفیق» که به مدیریت حسن توفیق انتشار می‌یافت، ادامه داد در مدت این همکاری، بحر طویل‌های وی به امضای «هدهد میرزا» و اشعارش به امضاهای «خروس لاری»، «شوخ»، «فاضل مآب» و «ابوالعینک» در توفیق به چاپ می‌رسید.

بعد از وقایع شهریور ۱۳۲۰ علاوه بر هفته‌نامه‌ی «توفیق» با هیئت تحریریه برخی از جراید دیگر نیز همکاری می‌کرد. در هفته‌نامه‌های «امید»، «قیام ایران»، «خواندنیها» و «خبردار»، آثاری فکاهی به نثر و نظم داشت. در مجله‌ی «تهران مصور» نیز با امضای «فاضل مآب» قطعاتی را سرود.

ولی اشعاری که برای درج در هفته‌نامه «آیین اسلام» می‌ساخت همه جدی (غیر فکاهی) بود که از تاریخ شانزدهم فروردین ۱۳۲۳ به بعد هر هفته پنج رباعی که ترجمه‌ی منظوم کلمات قصار حضرت علی (ع) بود. همچنین یک قصیده اخلاقی و عرفانی از وی در آن هفته‌نامه دیده می‌شد. بیشتر قصاید او در همکاری با هفته‌نامه‌ی مذکور سروده شده است.

از جمله مشغولیت‌های دیگر وی ترانه‌سازی بود. در واقع با سرودن ترانه‌های فکاهی از اوضاع سیاسی و اجتماعی آن دوره انتقاد می‌کرد. این ترانه‌های به عنوان پیش‌پرده در تماشاخانه‌ی تهران به وسیله‌ی مجید محسنی، حمید قنبری، جمشید شیبانی و در تماشاخانه‌ی گهر به وسیله‌ی عزت‌الله انتظامی اجرا می‌شد.

در انجام کارهای هنری جامعه‌ی باربد نیز که به مدیریت اسماعیل مهرتاش اداره می‌شد. شرکت داشت. در بهار سال ۱۳۲۵ آثار فکاهی خود را در دو جلد تحت عنوان فکاهیات حالت منتشر کرد. در همین سال به نخستین «کنگره‌ی نویسندگان ایران» دعوت شده که به ریاست ملک‌الشعرا بهار تشکیل شده بود. این کنگره از چهارم تا دوازدهم تیر ۱۳۲۵ ادامه داشت و در این کنگره دو شعر جدی قرائت کرد: قصیده‌ای تحت عنوان «ستمگر و ستمکش» و یک مثنوی به نام «توپ فوتبال».

ابوالقاسم حالت در سال ۱۳۲۵ بنا به دعوت شرکت «اورگرین پیکچر» به هندوستان سفر کرد و در بمبئی به کار صدابگردانی فیلم پرداخت و مدتی نتوانست در کار تصنیف‌سازی فعال باشد. تا اینکه مهدی خالدی به همراه گروهی برای ضبط صفحه از ایران به بمبئی رفتند و حالت به عنوان یادگار برای این هیئت ایرانی تصنیف «شیرین» را ساخت و علی زاهدی آن را اجرا کرد. ابوالقاسم حالت در بهار سال ۱۳۲۷ به ایران بازگشت و در آن هنگام، سرپرستی اداره‌ی کل انتشارات رادیو تهران با ابوالقاسم پاینده بود که از وی دعوت به عمل آورد تا برای رادیو تهران تصنیف بسازد و پس از یک ماه که با رادیو همکاری کرد، چون به استخدام

شرکت نفت درآمده بود، عازم آبادان شد و این همکاری قطع گردید. وی سپس به عضویت در هیئت تحریریه به مجله‌ی «اخبار هفته» منتشره در آبادان درآمد. بیشتر اشعار جدید و داستان‌هایش در این مجله طبع شده است.

پس از ملی شدن صنعت نفت و متوقف شدن صدور آن به مدت سه سال، حالت در این فاصله به تحصیل زبان فرانسوی پرداخت و به دنبال آن کتاب شبخ در کوچه میکال آنژ فرانسوی ترجمه و در مجله‌ی «تهران مصور» به چاپ رسانید.

حالت در اواسط سال ۱۳۲۷ به تهران منتقل شد و در اداره‌ی روابط عمومی شرکت نفت انجام وظیفه نمود و در مدیریت مجله‌ی «صنعت نفت» را به عهده گرفت و در عین حال همکاری خود را با مطبوعات همچنان حفظ کرد تا در سال ۱۳۵۳ بازنشسته گردید. وی همچنین با مجله‌ی «گل آقا» همکاری داشت.

حالت در آغاز انقلاب اسلامی، سرود جمهوری اسلامی را ساخت و در نوزدهم آبان ۱۳۷۰ طی مراسمی که در تالار باشگاه بانک ملی برای بزرگداشت او برگزار شد از وی تجلیل به عمل آمد.

ابوالقاسم حالت در رشته‌ی زبان و ادبیات تحصیلات عالی کرد و به سه زبان عربی و انگلیسی و فرانسوی تسلط داشت و چندین کتاب از نویسندگان انگلیسی و فرانسوی را ترجمه کرد. برخی آثاری که از وی طبع و نشر شده بدین شرح است: دیوان حالت (شامل قطعات، مثنویات، قصاید، غزلیات و رباعیات)؛ کلیات سعدی (با ترجمه‌ی اشعار عربی آن به فارسی)؛ تذکره‌ی شاهان شاعر؛ گلزار خنده (مشمتم بر اشعار فکاهی که از نیمه سال ۱۳۱۷ تا آخر سال ۱۳۱۸ سروده شده)؛ فکاهیات حالت (دو جلد)؛ دیوان خروس لاری (شامل اشعار طنزآمیز)؛ دیوان ابوالعینک؛ دیوان شوخ؛ بحر طویل‌های هدهد میرزا؛ عیالوار؛ رقص کوسه (شامل بیست داستان کوتاه)؛ مقالات طنزآمیز؛ فروغ بینش یا سخنان حضرت محمد (ص) (با ترجمه‌ی فارسی و انگلیسی و رباعیات فارسی)؛ راه رستگاری یا سخنان حسین بن علی (ع) (با ترجمه فارسی و انگلیسی و رباعیات فارسی)؛ کلمات قصار حضرت علی (ع) (این کتاب مختصری از شکوفه‌های خرد است، با ترجمه به فارسی و انگلیسی و رباعیات فارسی، ۱۳۳۳)؛ کلمات قصار حسین بن علی (ع) (این کتاب چاپ دوم راه رستگاری است)؛ ترجمه تاریخ کامل ابن اثیر؛ تاریخ فتوحات مغول (نوشته ج. ج. ساندرز)؛ تاریخ تجارت (اثر اریک ن. سیمونز)؛ ناپلئون در تبعید (خاطرات ژنرال برتران، استنساخ و تنظیم یادداشت نگاری از پل فلوریو دولانگل)؛ زندگی من (اثر مارک تواین)؛ زندگی بر روی می‌سی‌سی‌پی (اثر مارک تواین)؛ پیشروان موشک‌سازی (تألیف بریل ویلیامز و ساموئل اشتاین)؛ بهار زندگی (اثر کلاویس هاستی کارول، ۱۳۳۷)؛ جادوگر شهر زمره (نوشته‌ی ال. فرانک باوم)؛ مینوتوش مشاور نرون (نوشته‌ی میکا والتاری)؛ پسر ایرانی، سرگذشت واقعی داریوش سوم و اسکندر (نوشته‌ی ماری رنولت)؛ فرعون (نوشته‌ی الویز جارویز مک‌گردد)؛ شبخ در کوچه میکال آنژ (ترجمه از فرانسوی به فارسی)؛ پروانه و شبنم (شامل قصاید ادبی به سبک سنایی، ۱۳۳۶)؛ رقص کوسه (شامل بیست داستان کوتاه، ۱۳۳۳).

ابوالقاسم حالت، بر اثر سکته‌ی قلبی دار فانی را وداع گفت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ جراید (۲/۱۴۷)، سخنوران نامی معاصر (۱۰۶۲-۱۰۵۴/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳۸-۲۳۷/۱).

حالی، میرک

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، حکیم و شاعر، متخلص به حالی. معروف به حافظ. از مردم روستای سمعی، از توابع هرات بود و ساکن بخارا. پدرش

از ملازمان و محرمان جامی، شاعر معروف، بود و از آن جهت که حافظ قرآن بود، به حافظ ملقب شد. میرک در علوم متداول دست داشت و در حکمت، شاگرد مولانا غیاث‌الدین بود. وی غزل را نیکو می‌سرود. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۶۳۲).

حامد حسین، محمدتقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۰۶ - ۱۲۴۶ ق)، عالم امامی، فقیه، محقق، مفسر، محدث، متکلم و ادیب. وی را با نسبت‌های موسوی نیشابوری، کنتوری، هندی و کلهنوی نوشته‌اند. حامد حسین در لکهنو به دنیا آمد. وی از ارکان علمای امامیه بوده است. کلام را در محضر پدرش، مفتی سید محمدقلی، و فقه و اصول را نزد سید حسین بن دلدار علی نقوی، و معقول را در خدمت سید مرتضی بن سید محمد و ادب را در حوزه مفتی سید محمد عباس فراگرفت. او تصنیفات فراوانی دارد با مراجعه به کتاب «عبارات» وی معلوم می‌شود که کسی به پایه او در فن کلام بخصوص در باب امامت بدان منوال کار نکرده است. کتابخانه‌ی ارزشمند میرحامد حسین یکی از خزاین گرانبهای شرقی در دوران اخیر است. این کتابخانه حاوی هزاران جلد کتاب است که برخی از آنها از دستنویسهای قدیمی است. از آثار وی: «عبارات الانوار فی امامة الائمه الاطهار»؛ «اسفار الانوار عن وقایع افضل الاسفار»؛ «استقصاء الافحام و استیفاء الانتقام فی رد المنتهی الکلام»؛ «الشریعة الغراء»، در فقه: «الشعلة الجواله»؛ «شمع المجالس»، قصاید عربی و فارسی در مرثی؛ مثنوی «شمع و دمع»، به اردو؛ «الظلل الممدود والطلح المنضود»؛ «افحام اهل الیمن فی رد ازالة الغین».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۸۱/۴)، ایضاح مکنون (۹۲/۲)، الذریعه (۲۱۵ - ۲۱۴/۱۵، ۲۳/۱۰، ۲۵۷، ۳۱/۲)، ریحانه (۳۷۹ - ۳۷۷/۳)، فوائد الرضویه (۹۲ - ۹۱)، لغت‌نامه (ذیل / حامد حسین)، معجم المؤلفین (۷۱۷/۳).

حامد برقی، غلامعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: رادیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

حامد نیا، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین حامد نیا

محل تولد: سبزوار

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

بنام حق اینجانب طلبه حقیر حسین حامد نیا پس از دوره دبیرستان که دو رشته تجربی و ادبیات و علوم انسانی تحصیلات کلاسیکی را طی کرده و در سال ۱۳۶۷ شمسی وارد حوزه علمیه مقدسه قم شدم و دوره ادبیات عرب را بمدت چهار سال در مدرسه المهدی (عج) که تحت نظر مرحوم مرجع عالی قدر آیت الله سید محمدرضا گلپایگانی اداره می گشت گذرانده که اساتید ادبیات ما عمدتاً از تلامیذ استاد... حاجتی هاشمی خراسانی و مرحوم مدرسی افغانی... والحمدلله بهره های علمی ادبی فراوانی در آن مدرسه بودم و پس از آن وارد مدرسه علمیه امام محمدباقرعلیهم السلام به تولیت مرحوم حاج آقا دیباجی اداره می شد که الحمدلله معنویت و قوت درسها و تدریسها و اساتید بزرگواری در آن مدرسه مشغول بودند لمعتین و معالم الاصول و اصول مرحوم علامه مظفر که از شاگردان شیخ محمد حسین غروی اصفهانی بودند و نیز بدایه المعارف را خدمت شاگردان خاص حاج آقا جوادی آملی تلمذ کرده و بحمدالله در این سه سال هم برکات علمی و معنوی به عنایات الهی و حضرت ولی عصر (عج) نصیبمان گشت و پس از ۷ سال وارد سطح گشته مکاسب و رسائل شیخ انصاری را در خدمت اساتیدی چون احدی امیرکلائی و علم الهدی و موسوی تهرانی و نکونام و استاد احمد امینی شیرازی و کفایه را محضر شیخ مصطفی اعتمادی زانوی تلمذ زده و بخاطر علاقه به معقولات و درسهای فلسفه بدایه الحکمه را در خدمت استاد رضائی و نهاییه الحکمه را در خدمت استاد عباسی و منظومه مرحوم سبزواری را بمدت ۲ سال در خدمت بهرام دلیر نقده ای و جلد اول اسفار را در خدمت استادان روز بهانی و غروی و جلد دوم اسفار را در خدمت استاد گرانقدر و معظم علی زمانی و بخشی شواهد الربوبیه و حکمت الشراق و شرح آن را خدمت آقا زاده آیه الله جوادی آملی (شیخ مرتضی) و ۲ سال درس خارج فقه دیات و نکاح در خدمت آیه الله مکارم شیرازی و یکسال اصول خدمت محمد علی گرامی و دو سال قصاص در خدمت آیه الله صانعی و دوره قصاص مجدد در خدمت مرجع آیه الله استاد محمد علی اسماعیل پور شهر رضائی و درس قضا بمدت یکسال شرکت در دروس حضرت آیه الله نوری همدانی و درس خارج اصول آیه الله شمس الواعظین فرمودرایی (شیخ شمس) و تعادل و تراجیح در خدمت حضرت آیه الله وحید خراسانی و مکاسب خارج شیخ انصاری بمدت ۲ سال در درس آیه الله فاضل لنکرانی و دروس مترق دیگر چون درس الاهیات خدمت استاد سید رضا اسحاق نیا و مشغول ملاحظات و تدریس ادبیات عرب و منطق مظفر و تفسیر قرآنی و کتاب الصلوه را بمدت ۲ سال در درس سید احمد خاتمی و غیره ، انشاءالله که با توجهات حضرت بیه الله (عج) در آینده عضو مفید و خادم قرآن و اسلام و مکتب تشیع باشیم و قریب ۱۴ سال تمام در ایام تبلیغ مسافرت تبلیغی اعزام شده ام و نیز ۲ سال شرکت در درسهای تخصصی تاریخ و تفسیر حکمت و کلام و فقه و اصول حوزه اجتهادیه محسنیه داشته ام .

حامدی، عبدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۲ - ۱۲۸۱ ش)، پزشک. در تهران متولد شد. پس از پایان تحصیلات مقدماتی، تحصیلات متوسطه را در دبیرستان تدین و دارالفنون به پایان رساند، سپس به آموختن پزشکی در مدرسه‌ی طب پرداخت. در سال ۱۳۰۴ ش در مدرسه‌ی دفع آفات حیوانی، به کار پرداخت و برای اولین بار به تهیه‌ی سرم سرطان ضد طاعون در ایران مبادرت کرد و بعد از آن برای ادامه‌ی تحصیل به فرانسه رفت و در رشته‌ی دامپزشکی به تحصیل پرداخت. در ضمن زیر نظر پرفسور رامن به مطالعه در فن سرم‌سازی پرداخت و به ایران بازگشت و به کار در اداره‌ی دامپزشکی مشغول شد. دکتر حامدی در سال ۱۳۱۶ ش اقدام به انتشار مجله‌ی «دامپزشکی» کرد و پس از آن به تدریس در دانشکده‌ی دامپزشکی مشغول شد. وی در تهران جهان فانی را وداع گفت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ جراید (۲۶۵-۲۶۴/۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۵۸-۵۷/۳).

حایر، محمدتقی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ محمدتقی بن رمضانعلی حایری عالمی فاضل بود و بعد ۱۲۲۸ وفات نمود.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حایری تهرانی، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۰/۱۳۷۰ - ۱۲۹۸ ق)، فقیه و نویسنده. وی در تهران متولد شد. تا دوازده سالگی تحصیلات مقدماتی را نزد پدر فراگرفت و سپس در مدرسه‌ی مروی تهرن به فراگیری علوم دینی و ادبی پرداخت. پس از چندی به نجف رفت و در خدمت مراجع بزرگ آنجا تکمیل مبانی علمی کرد، در سی سالگی به اجتهاد رسید. در کربلا و عراق به ترویج دین و تبلیغ احکام پرداخت و به ایران بازگشت و در قم اقامت کرد. در تاسیس حوزه‌ی علمیه‌ی قم با آیت‌الله حایری همکاری داشت و به تقاضای جمعی از مولفین به تهران عزیمت کرد و در این شهر درگذشت. پیکرش را به کربلا-حمل، و در جنب در قاضی‌الحاجات دفن کردند. از آثار وی: «شرح اصول کافی، جزء اول»؛ «رساله‌ی رضاع»؛ «موائد الکریم لزوار عبدالعظیم حسنی (ع)»؛ «رساله‌ی ادائیه»؛ «شرحی بر حاشیه‌ی ملا عبدالله»؛ «کتاب الصلوه» و «مباحث الفاظ». [۱]

آیت‌الله مرحوم حاج شیخ عباس بن التقی الزکی حاج ملا حاجی حایری تهرانی از علماء عظام تهران بودند و در اوائل تاسیس حوزه علمیه در قم اقامت داشتند و در تشیید حوزه و تشویق طلاب کوتاهی نمی‌کردند مرحوم آیت‌الله العظمی حایری موسس حوزه هم بایشان عنایت و نظر مخصوصی داشتند و در موقع کسالت و مواقع دیگر ایشان را بجای خود برای نماز می‌فرستادند.

تولدش در سال هزار و دویست و نود و هشت در تهران واقع شده و تا سن ۱۲ سالگی در مهد تربیت والد ماجدش مرحوم حاج ملا حاجی که از اخیار و اتقیاء تجار تهران بودند تربیت شده سپس در مدرسه مروی به فراگرفتن علوم دینی و ادبی پرداخته و در سلک

اهل علم و ادب درآمده و پس از چندی به نجف مشرف و در خدمت مراجع بزرگ آنجا تکمیل مبانی علمی نموده و در سن سی سالگی بحد کمال علمی و درجه علیای اجتهاد رسیده و در کربلا و عراق به ترویج دین و تبلیغ احکام پرداخته و بعد از چندی به ایران آمده و در قم سکونت نموده و بخدمات دینی و روحی مشغول تا به تقاضای جمعی از مومنین تهران عزیمت به آن سامان نموده تا سال ۱۳۷۰ ق که از دنیا رحلت و بسرای ابد خرامید. بازار تهران در مرگش تعطیل و جنازه او را بسر دوش گرفته و از بازار با گریه و زاری عجیبی تا حضرت عبدالعظیم آورده و بعنوان امانت گذاردند و پس از چندی حمل بکربلا- و در جنب درب قاضی الحاجات در مقبره شخصی خودش بخاک سپردند.

نگارنده گوید: خاطر هست که آن مرحوم در شبهای شنبه بحضرت عبدالعظیم علیه السلام آمده و در مسجد بالای سر و یا رواق مطهر اقامه نماز جماعت می کردند و جماعت بسیاری از وجوه مردم تهران و ری به نماز ایشان آمده و استفاده می کردند. مرحوم آیت الله حایری تهرانی تألیفات عدیده‌ای داشتند که ذیلا می نگارم:

۱- شرح اصول کافی که جزو اول آن به طبع رسیده. ۲- رساله رضاع. ۳- موائد الکریم و الزوار عبدالعظیم حسنی علیه السلام ۴- رساله ترتیبیه. ۵- رساله در وصیت ۶- اسرار الصلوه ۷- رساله ادائیه ۸- رساله در اسلام ابوطالب ۹- اصول و فروع دین مختصر و مفصل ۱۰- کتاب الصلوه و بسیاری از ابواب فقه ۱۱- شرح زیارت عاشورا ۱۲- شرح زیارت جماعه کبیره ۱۳- شرحی بر حاشیه ملا عبدالله ۱۴- شرح صمدیه ۱۵- مباحث الغاظ.

از باقیات الصالحات آن مرحوم است فرزند فاضل برومندش حجت الاسلام حاج آقا مهدی حایری تهرانی که ترجمه‌اش در جلد دوم خواهد آمد.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۹۸/۱۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۹۱ - ۹۹۰/۱۴)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۶۷-۶۶/۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۲۷-۴۲۶/۴)، معجم المؤلفین (۵۹/۵).

حایری سمنانی، محمد صالح

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۹۱ - ۱۲۹۷ ق)، عالم، مجتهد، نویسنده و شاعر. در کربلا متولد شد. و مقدمات علوم دینی را نزد آخوند، ملاعباس اخفش و ملاعلی سیبویه آموخت. سپس به نجف رفت و در حوزه‌های درسی آخوند خراسانی و حاج میرزا حسین جلیل تهرانی، به فراگیری فقه و اصول پرداخت، و فلسفه را نیز نزد حاج ملا اسماعیل بروجردی حایری فراگرفت و در جوانی به اجتهاد رسید. برای معالجه‌ی چشم به ایران آمد و مدتی در تهران ماند، سپس به بابل رفت و در آنجا اقامت کرد و مرجع تقلید مردم شد. پس از چندی از بابل به سمنان تبعید شد و در آن شهر به اقامه‌ی نماز جماعت و تدریس مشغول شد. پس از رحلت، جنازه‌اش به مشهد حمل و در جوار امام رضا (ع) دفن شد. او در سرودن انواع شعر دست داشت، خصوصا در قصاید عربی و غزلیات و قصاید فارسی و انشاء مدایح و مراثی اهل بیت (ع). وی حدود سیصد تالیف و رساله دارد که برخی از آنها عبارت‌اند از: «سبیکه الذهب»، که «کفایه الاصول» علامه خراسانی را به نظم در آورده؛ «دیوان الادب»؛ «تاریخ معارف امامیه متضمن مذاهب اسلامی»، در ترجمه‌ی کتاب «ظلامه العتره الطاهره».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۳۵/۱۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۶۹-۶۸/۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۳۸-۳۳۵/۵).

حایری طباطبایی، علینقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۸۹ ق)، فقیه اصولی و عالم امامی. معروف به حاجی آقا. از نوادگان سید علی طباطبایی صاحب «ریاض» بود. در کربلا ولادت یافت و در همان شهر تحصیلات خود را به انجام رسانید و به ریاست عملیه آنجا منصوب شد. سید علینقی در کربلا درگذشت و در مقبره‌ی پدرش در بازار حضرت ابوالفضل (ع) دفن شد. از آثار وی: «الدره فی العام و الخاص»؛ «الدره الحائریه»؛ در شرح «الشرائع»؛ کتاب «البیع»، کتابی مبسوط همراه «الخیرات»؛ «رساله فی طهاره و الصلاه و الصوم و الحج»؛ «اصول الفقه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۸۲/۵)، اعیان الشیعه (۳۶۷/۸)، الذریعه (۱۹۲/۱۵، ۹۷/۸، ۱۹۲/۳، ۲۰۸/۲)، ریحانه (۶/۲)، لغت نامه (ذیل / علینقی)، معجم المؤلفین (۶۹/۷).

حایری طبرسی مازندرانی، ابوعلی محمد

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۱۵-۱۱۵۹ ق)، مورخ و فقیه اصولی امامی. معروف به ابی علی. اصل وی از طبرستان و زادگاهش کربلا بود. ابوعلی از شاگردان محمد باقر وحید بهبهانی، سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض» و سید محسن کاظمی اعرجی بود. وی در عراق درگذشت. از آثار او: «زهر / ازهار الریاض»؛ «عقد اللالی البهیة»، در رد اخباری‌ها؛ «منتهی المقال»، در رجال؛ «العذاب الواصب» یا «نقض نواقض الروافض».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۲۴/۹)، الذریعه (۲۹۱/۲۴، ۱۴-۱۳/۱۳، ۲۴۰/۱۵، ۷۱/۱۲)، ریحانه (۲۱۰/۷)، الکنی و الالقاب (۱۲۴/۱)، معجم المؤلفین (۵۸-۵۷/۹).

حایری کرمانی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت الله مرحوم حاج شیخ محمدعلی حایری از علماء حوزه علمیه و اصحاب خاص مرحوم آیت الله العظمی بروجردی رحمه الله بودند که در سال ۱۳۰۸ در کرمان متولد و مقدمات و ادبیات را در آن سامان دیده و قبل سنه ۱۳۳۵ ق از راه شیراز عازم نجف اشرف شده و به واسطه کسالت مزاج یکسال در آنجا توقف و سطوح وسطی را خوانده آنگاه به کرمان مراجعت و بعد از چند سال اقامت

و تمام کردن سطوح عالی در سال ۱۳۳۵ به مشهد مشرف و از تدریس فقه و اصول مرحومین علمین آیت‌الله قمی و آقازاده خراسانی استفاده نموده و پس از یکسال مراجعت به کرمان و در سال ۱۳۳۹ باز از راه قم مشرف به نجف و از حین ورود تا هشت سال از فقه و اصول مرحوم آقا ضیاء و فقه مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله اصفهانی استفاده برده و در سال ۱۳۴۷ مراجعت به کرمان و به وظائف و خدمات دینی و تدریس و امامت در مسجد جامع کرمان پرداخته و در سال ۱۳۵۶ به واسطه محذورات اعراض از کرمان و پس از دیدن اوضاع مشهد و بلاد دیگر پناه به قم حرم اهل بیت علیهم‌السلام آورده و شروع به تدریس نموده و با مرحوم آیت‌الله صدر و آیت‌الله زنجانی و آیت‌الله صادقی قمی مباحثه کمپانی و خصوصی گذارده و بعد از ورود آیت‌الله العظمی بروجردی به ایشان پیوسته تا در اواخر ریاست آن مرحوم به رحمت حق و اصل و در جوار حضرت معصومه علیهاسلام مدفون گردیده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حایری گلپایگانی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجة الاسلام و المسلمین آیت‌الله آقای حاج سید محمد بن السید الجلیل و العالم النبیل آیت‌الله حاج میرزا هدایت‌الله حایری گلپایگانی از علماء محترم و میرز معاصر تهران است. وی در سال ۱۳۲۲ قمری در گلپایگان متولد شده و در بیت علم و عزت پرورش یافته و پس از خواندن اولیات و ادبیات در محل خود به اراک آمده و پس از انتقال حوزه به شهرستان قم مهاجرت بلده طیبه قم نموده و حدود چهار سال از محضر آیات عظام و مدرسین بزرگ چون مرحوم آیت‌الله حاج سید محمد تقی خونساری و آیت‌الله آقا میرزا سید علی یثربی و دیگران استفاده نموده و از آنجا مهاجرت به نجف اشرف و از محضر آیات بزرگ مانند آیت‌الله محقق نائینی و آیت‌الله العظمی اصفهانی بهره‌مند گردیده و در سال ۱۳۵۳ قمری به ایران و شهرستان گلپایگان مراجعت کرده و مدت بسیت سال توقف و بخدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و تاسیس مدرسه علمیه و تربیت طلاب و محصلین و غیره پرداخته تا سال ۱۳۷۳ ق به تهران منتقل و تاکنون بوظائف مقرر شرعی از اقامه نماز جماعت در مسجد (فخر الحاجیه) خیابان راه آهن و تدریس و مباحثات کمپانی با اقران خود اشتغال دارد.

دارای دو فرزند فاضل و دانشمندی می‌باشند که اجمالا به آنها اشاره می‌شود:

۱- مرحوم مغفور حجت‌الاسلام آقا سید جمال‌الدین حایری که از فضلاء حوزه علمیه‌ی قم بودند و پس از فراغت از تحصیل در تهران اشتغال بخدمات دینی و روحی داشتند و در ماه شعبان ۱۳۸۶ ق در سن جوانی بدرود حیات گفته و در مقبره شیخان قم مدفون گردیدند.

۲- جناب حجت‌الاسلام آقای حاج سید مرتضی حایری که نیز تحصیلات خود را در قم تکمیل و سالها از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله العظمی گلپایگانی و دیگران استفاده و به تهران منتقل و اکنون در مسجد مرحوم برادرش در سلسبیل تهران خیابان هاشمی (مسجد رضوی) بجای آن مرحوم به اقامه جماعت و انجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارند. مرحوم مترجم معظم ما نیز از آیات عظام و علماء اعلام گلپایگان بوده‌اند که شرح احوال و آثارش در جلد چهارم گنجینه در باب گلپایگان خواهد آمد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

حایری گلپایگانی، هدایه‌الله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید هدایه‌الله فرزند آیت‌الله آقا میرعباس (که از علماء بزرگ و شاگردان مرحوم آیت‌الله انصاری بوده و تقریرات فقه و اصول معظم له را تحریر و اکنون موجود است).

در سال ۱۲۷۴ قمری در بیت علم و تقوا چشم به دنیا گشوده و در تحت تربیت چنان پدری (که مکرر می‌فرموده من در بین چهارده فرزند ذکورم نور ایمان و شوق به تحصیل را در میرزا هدایت‌الله مشاهده کردم) پرورش یافته و حتی شبها نزد خودش می‌خوابانید تا هنگام سحر با کمال رغبت برای تهجد برمی‌خواست.

تحصیلات مقدمات و سطوح را نزد والد محترمش و سایر اساتید انجام داده و در سال ۱۲۹۵ مهاجرت بنجف اشرف نموده و از محضر آیت‌الله طباطبائی یزدی و آیت‌الله خراسانی قدس سرهما حداکثر استفاده را نموده و در بین فضلاء معاصر علماء و عملاً مشار بالبنان بوده است.

جناب آیت‌الله حاج سید کاظم گلپایگانی از استادشان مرحوم آیت‌الله آقا سید محمدصادق اصفهانی که از فحول علماء عصر خود بودند نقل نمودند که ایشان می‌فرمودند مرحوم آمیرزا هدایه‌الله در هر جلسه از فضلاء که شرکت می‌کرد از حیث تقوی و فضیلت وزنه‌ای بشمار می‌رفت و در موقع مراجعت به ایران اجازاتی به ایشان داده شده که در آنها مخصوصاً در اجازة مرحوم آیت‌الله العظمی سید اعلی‌الله مقامه ترغیب به تقلید از ایشان شده بود و لذا در همان اوان معظم له اجازات را خواسته و ملاحظه نمودند که در مقام تصدیق اجتهاد ایشان تعبیر (بل فوق رتبة الاجتهاد) شده و باز پس از جمله (و بحرم علی التقلید و علی العوام الرجوع الیه) و امثال این تعبیرات گردیده.

مرحوم آیت‌الله آقا سید جمال‌الدین گلپایگانی قدس سره به فرزند ارجمندش جناب آقای حاج سید محمد حایری مذکور در اوائل تشریف به نجف اشرف برای تحصیل در مقام نصیحت و تشویق فرموده بودند که مرحوم پدرت مردی بود که در بین فضلاء معاصرش مخصوصاً از جهت تقوی و ورع شخصیت ممتازی داشت و در موقع حرکت به ایران مرحوم سید اظهار تأسف می‌کرده و می‌فرموده که من در بین شاگردانم افقه از میرزا هدایت‌الله سراغ ندارم و به این شاگرد ارادت دارم.

اجمالاً آن مرحوم در سال ۱۳۰۵ به واسطه ابتلا به تب لازم به حکم اجبار مراجعت به ایران که پس از معالجه باز مشرف شوند لکن مقدرات ایشان را پای‌بند و دیگر وسیله مراجعت بر ایشان فراهم نشده و باقی عمر را در گلپایگان اقامت و در حدود امکانات محل به تدریس علوم و ارشاد و هدایت مردم بسر بردند و با اصرار زیادی که حتی بزرگان از علماء معاصرشان داشتند زیر بار قضاوت نرفتند و تا اواخر عمرشان می‌فرمودند شکر خدا را می‌کنم که من به الکفایه هست و من ملتزم نیستم که زیر این بار سنگین بروم.

از سیاست بکلی بر کنار و منزوی و تارک معاشرت هم نبودند با خواص علماء معاصرشان که اکثراً از شخصیت‌های بزرگ علمی و در طراز مراجع وقت بودند بعنوان افاده و استفاده و با عوام با کمال حلم و تواضع برای انجام حوائج دینی و دنیوی آنها معاشرت می‌کردند تا صبح روز بیست و یکم شعبان المعظم ۱۳۳۷ قمری هجری که در اثر بیماری حصبه بدرود حیات گفته و دعوت حق را اجابت نمودند

و قبرشان در نزدیک امامزاده احمد بن عمران واقع و بقعه برایشان بنا کردند که مورد توجه و مزار عمومی گلپایگان و حومه آنست. و چون بنای قدیمی مندرس و گنجایش برای اجتماعات زیاد نداشت در سال ۱۳۹۰ ق تجدید بناء وسیعی گردید که جوابگوی اجتماعات مذهبی و حتی اقامه جماعت در ماه مبارک رمضان برای اهالی محل و مجاور می‌باشد

آن مرحوم در گلپایگان و حومه آن ریاست عجیبی داشته و نافذالکلمه بوده تا از دنیا رفته و قبرش اکنون یکی از مزارات مهم گلپایگان است و اخیراً صندوقی برای قبر او از تهران برده و در روی قبرش نصب نموده‌اند. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حایری لاهیجی، ابوالقاسم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۹۶ ق)، فقیه. وی پس از اخذ مقدمات علوم اسلامی، مدارج عالی اجتهاد را نزد سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض» و فرزند وی، سید مجاهد، و محمد صالح برغانی گذراند. او دارای اجازه از استاد خود سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض» بود. وی در جهاد علیه روسیه با استادش، محمد مجاهد همراه بود. سالها کرسی تدریس را در کربلا به خود اختصاص داد. از آثار وی: «ریاض المومنین فی احوال المعصومین (ع)»؛ «رساله فی صلاه الجمعه»؛ «اصول الفقه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴۰۴/۲)، الذریعه (۳۳۹-۳۳۸/۱۱، ۲۱۹/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۸-۴۷/۱۳).

حایری مازندرانی، زین‌العابدین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۰۹-۱۲۲۷ ق)، عالم و فقیه امامی. در بارفروش (بابل) مازندران ولادت یافت و در همان شهر نزد سعید العلماء مازندرانی درس خواند. وی پس از آن به کربلا رفت و در آنجا نزد سید ابراهیم قزوینی، صاحب «ضوابط» و شیخ محمد حسین اصفهانی، صاحب «فصول»، به تحصیل فقه و اصول پرداخت و سپس در محضر شیخ محمد حسن نجفی، صاحب «جواهر» و شیخ انصاری این علوم را تکمیل کرد. شیخ زین‌العابدین علاوه بر مرجعیت تقلید بسیاری از مردم هند و ایران و عراق، به تدریس و فتوی نیز مشغول بود. زین‌العابدین در کربلا وفات یافت و در صحن مطهر دفن شد. از آثار وی: «رساله فی الصلاه»؛ «مناسک الحج»؛ «ذخیره المعاد»، به فارسی معروف به «سؤال و جواب»؛ «زینه العباد».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۰۶/۳)، اعیان الشیعه (۱۶۸-۱۶۷/۷)، الذریعه (۵۶/۱۵، ۹۳/۱۲، ۲۰/۱۰)، ریحانه (۱۴۶-۱۴۵/۵)، لغت نامه (ذیل / مازندرانی)، المآثر و الآثار (۱۵۰)، معجم المؤلفین (۱۹۸/۴)، مکارم الآثار (۸۴۴/۳).

حایری مازندرانی، مجید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۵ ش)، مترجم. در تهران متولد شد. وی در دارالفنون، تحصیل کرد، سپس وارد دانشکده‌ی حقوق شد، و نزد پدر، اصول فقه و علوم قدیمی را فراگرفت. مازندرانی چندی به اورپا رفت و در پاریس دکترای حقوق گرفت و به تهران بازگشت و مشغول امر وکالت شد. از آثار او: ترجمه‌ی کتاب معروف «مانون لسکو» اثر آبه پرود از فرانسه به فارسی. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: مولفین کتب چاپی (۱۹۳-۱۹۲/۵).

حایری مازندرانی، هادی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۳-۱۲۷۰ ش)، شاعر، نویسنده و فیلسوف. در تهران متولد شد. علوم ادبی را نزد استادان عصر، از جمله ادیب الممالک فراهانی فراگرفت. سپس علوم جدید را در مدرسه‌ی دارالفنون و مدرسه‌ی عالی سیاسی و حقوق به انجام رسانید، سپس به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و چندی به مشاغل، ریاست تعلیمات و بازرسی اوقاف و اداره‌ی نگارش و بازرسی سیار در شهرستانها، پرداخت و در شهرستانها به ایجاد آموزشگاه‌ها و سایر موسسات فرهنگی اقدام کرد. حایری، شاعر توانا بود. آثار وی: «دیوان» شعر حدود پنج هزار بیت؛ قسمتی از اشعارش تحت عنوان «برگ سبز» منتشر شده است؛ «کتابی در فلسفه»؛ «کتابی در تاریخ فلسفه و فلاسفه». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: الذریعه (۱۲۸۶-۱۲۸۵/۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۹۰۷-۳۹۰۳/۶)، فرهنگ سخنوران (۹۹۳).

حایری یزدی، عبدالکریم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۵-۱۲۷۶ ق)، مجتهد، مرجع و بنیانگذار حوزه علمیه قم. حایری در قریه‌ی مهرجرد/میگرد میبید، از توابع اردکانی یزد متولد شد. پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در زادگاه خود، نزد مجدالعلماء اردکانی و آقا سید یحیی مجتهد یزدی به عراق رفت و از محضر سید محمد طباطبایی فشارکی و آیت‌الله شیرازی درس آموخت و در نجف از محضر ملامحمد کاظم خراسانی و آیت‌الله یزدی بهره برد و به درجه‌ی اجتهاد نایل آمد، سپس به ایران بازگشت و در اراک حوزه‌ی علمیه دایره کرد و به تدریس مشغول شد. سپس به علت عدم تمایل در درگیریهای سیاسی زمان مشروطیت، چند سالی به نجف و کربلا رفت و به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۳۱ ق به دعوت حاج سید اسماعیل اراکی به اراک رفت و به تدریس علوم دینی، فقه و اصول پرداخت. حایری بعد از پنج سال به قصد زیارت به مشهد رفت و در راه بازگشت در قم توقف کوتاهی کرد و علمای شهر با ایشان ملاقات کردند. بنا به اصرار و دعوت علمای آن شهر در آنجا اقامت کردند. بنا به اصرار و دعوت علمای آن شهر در آنجا اقامت کرد و حوزه‌ی علمیه قم را بنیان گذارد. امام خمینی، آیت‌الله گلپایگانی، آیت‌الله مرعشی نجفی، آیت‌الله اراکی و آیت‌الله شریعتمداری از شاگردان وی بودند. او در قم در گذشت و در جوار حرم حضرت معصومه دفن شد. از جمله‌ی تاسیسات و آثار خیریه‌ی او: «بیمارستان قم»؛ «قبرستان تازه و غسلخانه‌ی شهر قم» و «احداث کتابخانه مدرسه‌ی فیضیه» و «تاسیس قلعه‌ی مبارک آباد و سد رودخانه‌ی قم». آثار علمی او عبارتند

از: «تقریرات»؛ «درر الفوائد فی الاصول» یا «درر الاصول»؛ «کتاب الرضا (ع)»؛ «کتاب الصلوه»؛ «کتاب الموارث»؛ «کتاب النکاح»؛ «حاشیه‌ی انیس التجار»؛ «حاشیه‌ی عروه الوثقی»؛ «ذخیره‌ی المعاد»؛ «مناسک حج»؛ «وسیلہ النجاه»؛ «منتخب الرسائل»، شامل فتاوی فقہی ایشان. [۱]

آیة‌الله حاج شیخ عبدالکریم بن محمد جعفر مهرجردی یزدی، مرجع تقلید شیعیان (و. مهرجرد یزد ۱۳۷۶ ه.ق. - ف. قم ۱۳۵۵ ه.ق. / ۱۳۱۵ ه.ش.) وی در عتبات نزد حاج میرزا محمدحسن شیرازی، میرزا محمد تقی شیرازی، شیخ فضل‌الله نوری، آخوند ملا کاظم خراسانی و سید کاظم یزدی تلمذ کرد و از محضر سید محمد فشارکی استفاده نمود. پس از بازگشت به ایران حوزه علمیه قم را تشکیل داد. از آثار اوست: ۱- تقریرات، و آن تحریر تقریرات سید محمد فشارکی است، ۲- درر الفوائد فی الاصول، ۳- کتاب الرضاء ۴- کتاب الصلوه، ۵- کتاب الموارث، ۶- کتاب النکاح.

مرحوم حاج شیخ عبدالکریم بن محمد جعفر در سال ۱۲۷۶ قمری در قریه مهرجرد از مضافات میبد که از توابع اردکان یزد است متولد شده و تحصیلات مقدمات خود را در اردکان یزد خدمت مجدالعلماء اردکانی و دیگران نموده و بعد از آن به یزد آمده و در مدرسه خان سکونت و در نزد مرحوم حاج میرزا سید حسین وامق و آقا سید یحیی مجتهد یزدی تحصیل سطوح نموده آنگاه در اوان شباب و جوانی مهاجرت به عراق و سر من رای که به زعامت و ریاست علی‌الاطلاق مرحوم آیت‌الله میرزا محمدحسن شیرازی اداره می‌شد وارد شده و رحل اقامت افکنده و در نزد جماعتی که از آنها بود استاد مرحوم آقا سید محمد طباطبائی فشارکی اصفهانی تلمذ نموده و هم از محضر آیت‌الله مجدد استفاده و بعد از فوت آن دو بزرگوار به نجف اشرف آمده و از مرحومین علمین خراسانی صاحب کفایه و یزدی صاحب عروه استفاده کافی کرده تا به مقام رفیع اجتهاد ارتقاء یافته سپس به کربلاء معلی توطن نموده و به تدریس و تربیت عده‌ای از فضلاء پرداخت تا آنگاه که به دعوت مرحوم حاج سید اسماعیل عراقی فرزند مرحوم آیت‌الله حاج آقا محسن عراقی در سال ۱۳۳۲ قمری به اراک آمده و حوزه درس تشکیل و جماعتی از فضلاء بلاد و شهرستان اراک به محضرش شتافته و از دروس فقه و اصولش استفاده می‌کردند و بیش از هشت سال این حوزه به گرمی دایر و گذشته از آن مرحوم رجال بزرگی چون مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمد سلطان العلماء و آیت‌الله آقا نورالدین عراقی و آیت‌الله حاج میرزا محمد علیخان و آیت‌الله حاج آقا مصطفی فرید محسنی و دیگران تدریس می‌نمودند.

آیت‌الله حایری پس از پنج سال توقف در اراک به قصد زیارت حضرت ثامن الحجج علیه الصلوه والسلام به جانب مشهد عزیمت و در ایاب و ذهاب چند روزی در قم توقف نموده و علماء قم به زیارتشان نائل شده و از محضرشان بهره‌مند گردیده و دانستند چه شخصیت ارزنده‌ای در نزدیکی آنها وجود دارد.

آیت‌الله حایری مراجعت به اراک نمودند و تا سال ۱۳۴۰ توقف و تدریس و رسیدگی به امور مسلمین نمودند تا سال مزبور که برای زیارت حضرت معصومه علیهاالسلام و گذرانیدن ایام نوروز به سوی قم حرکت کردند.
آمدن آیت‌الله به قم

موقعی که خبر حرکت مرحوم حایری به قم رسید مردم به تشویق و تحریک مرحوم بافق و علماء دیگر، اکثر علماء قم و طبقات دیگر به استقبال آن مرحوم رفته و تا امامزاده شاه جمال که در ۴ کیلومتری قم در مسیر راه اراک واقع است استقبال نموده و پس از رسیدن آن مرحوم خیر مقدم گفته و در همان یک ساعتی که برای استراحت در آنجا توقف فرمودند اولین زمزمه اقامت ایشان را در قم نموده و از آنجا با تجلیل فراوان حرکت و در منزل مرحوم آیت‌الله حاج شیخ مهدی پائین‌شهری نزول نمودند و چنانچه سابقاً هم اشاره کردم ماده تاریخ ورود ایشان به قم نام شریف آن جناب (الشیخ عبدالکریم الحایری الیزدی) ۱۳۴۰ می‌باشد به این کیفیت:
الف (۱) ل (۳۰) ش (۳۰۰) ی (۱۰) خ (۶۰۰) ع (۷۰) ب (۲) و (۴) ل (۳۰) ک (۲۰) ر (۲۰۰) ی (۱۰) م (۴۰) الحایری (۲۶۰) الف (۱) ل (۳۰) ی (۱۰) ز (۷) د (۴) ی (۱۰) جمع این اعداد حروف هزار و سیصد و چهل، قال علیه‌السلام (الاسماء تنزل من السماء)

حرکت از اراک روز بیست و دوم ماه رجب المبارک و ورودشان به قم روز بیست و چهارم ماه مزبور بوده است و در آن هنگام که بسیاری از مردم ایران از تهران و اصفهان و کاشان و اراک و نقاط دیگر برای تحویل حمل به قم آمده بودند و جمعی از علماء و خطباء نامی هم به همین عنوان مشرف بودند به زیارت و دست‌بوسی ایشان آمده و ضمناً تقاضای اقامت در قم را از معظم له نمودند که این شهر مذهبی را مرکز و محل توقف خود قرار داده و تشکیل حوزه دهند و مخصوص چندین نفر از خطباء و وعاظ نامی تهران مانند مرحوم مبرور حاج شیخ محمد سلطان الواعظین تهرانی که سمت ریاست گویندگان تهران را داشت به زیارت آمده بودند چون اصرار مردم را دیدند به توقف آن مرحوم در منبرهائی که در صحن مطهر و حرم منور می‌رفتند بیشتر مردم را تشویق نموده و تحریک به نگه داشتن آن مرحوم در قم نموده و در آن ایام در اغلب محافل و مجالس قم سخن از آیت‌الله حایری و اقامت در قم بود و از تمام علماء و خطباء جدی‌تر بر این موضوع مرحوم حاج شیخ محمدتقی بافقی بود که از نجف سوابق درخشان آن مرحوم را داشت و با آن دیدگان ملکوتی حق‌بین و آتیه‌بین خود می‌دید که اگر آن مرحوم در قم اقامت کند یکی از علائم فرج آل محمد علیهم‌السلام که ظهور علم و تشکیل حوزه علمیه است در قم بارز و واقع خواهد شد پس بیش از دیگران اصرار بر این امر داشت.

در خاطر دارم که مرحوم بافقی برای این نگارنده و جمعی دیگر می‌فرمود که مرحوم آیت‌الله حایری با اینکه در سفر مشهدشان وضع مدارس مهجور ویران قم را از فیضیه و دارالشفای دیده که چگونه دانشگاه روحانی و محل تدریس و افاضات مرحوم محدث بزرگوار ملا محسن فیض و ملا عبدالرزاق فیاض لاهیجی و صدرالمتالین شیرازی و دیگران به مرکز گدایان و فقراء و دیوانه‌گان و بیماران تبدیل شده و ابراز تأسف نموده و می‌گفتند که چه می‌شد اگر این مدارس هم از غربت بیرون می‌آمد، ولی به نظر مبارکشان مشکل و گران می‌آمد که ممکن باشد حوزه را از اراک به قم منتقل نمایند.

فرمودند وقتی به ایشان اصرار کردم برای توقف موانعی ذکر کردند جواب آنها را دادم و آخر ایشان را به این کلمه قانع نموده و منصرف از مراجعت به اراک کردم.

گفتم شما این اخباری را که از حضرات معصومین علیهم‌السلام راجع به آخرالزمان که «قم مرکز علم و دانش خواهد شد (و منها تفیض العلم الی سائر البلدان) و اینکه در آن زمان علم در نجف چون ماری به زمین فرورفته و از قم بیرون خواهد آمد» دیده‌اید فرمودند: آری گفتم آیا قبول دارید و یا شبهه می‌کنید فرمودند: قبول دارم.

گفتم نمی‌خواهید که تأسیس این اساس به دست شما گردد و برای همیشه این سکه به نام شما زده شود و باقیات الصالحات شما باشد فرمودند چرا گفتم تصمیم به توقف بگذارید و به اراک پیام دهید هر کس مایل باشد به قم بیاید.

و گذشته از مرحوم بافقی عده دیگری از بزرگان قم چون مرحوم آیت‌الله حاج میرزا محمد ارباب و آیت‌الله حاج شیخ محمدرضای ساوه‌ای و مرحوم حاج سید حسن متولی‌باشی آستانه مبارکه فاطمیه و حاج میرزا محمود روحانی و دیگران از افراد مؤثر و علاقه‌ای که عموم مردم قم و زوار آن سال ابراز داشتند مرحوم حایری را به حال تردید درآورده و فرمودند استخاره خواهیم کرد که آیا صلاح است در قم مانده و به فضلاء و محصلین حوزه اراک که انتظار بازگشت را دارند بنویسیم به قم بیایند.

پس با اینکه کمتر به قرآن مجید تفأل زده و استخاره می‌نمودند صبحگاهی که به حرم مطهر مشرف شدند با قرآن شریف استخاره کردند آیه ۲۹ سوره مبارکه یوسف علیه‌السلام آمد (إذهبوا بقمیصی هذا و القوه علی وجه أبی یأت بصیرا و أتونی باهلمکم أجمعین) و اول جمله‌ای که در اول صفحه قرآن بود ذیل آیه و أتونی باهلمکم اجمعین بود پس با عزمی راسخ و قلبی مطمئن بنا را بر توقف گذارده و به منزل مرحوم حاج سید علی مصطفوی تاجر قمی که علماء و طبقات تجار و اصناف دیگر مجتمع و انتظار نتیجه و تصمیم نهائی آنجناب را داشتند آمده و اظهار مطلب فرمودند، مردم بی‌اندازه مسرور شده و یکی از بزرگان دانشمند گفت:

و ترتجیه من الرحمن سائله

حتی استجیب لما ترجوه داعیها

مرحوم حاج میرزا عبدالحسین صاحب الداری بروجردی که مقسم مرحوم حایری بود در اراک برای نگارنده گفت که: چون پیام ایشان به اراک رسید اول کسی که به اتفاق آقای حاج میرزا هدایت‌الله وحید گلپایگانی به ایشان پیوست بنده بودم که بعد از دو ماه که شهریه محصلین حوزه اراک را پرداختم به قم آمده و خدمتشان رسیدم فرمودند: ما ماندنی شدیم اگر شما هم بخواهید بمانید خدا کریم است بروید خانواده خود را بیاورید.

پس آقای حاج میرزا هدایت‌الله به اراک رفته و رفقا و أصحاب آیت‌الله را از قضیه اطلاع داده و خانواده خود و مرا به قم آورد و کم کم رفقای اراک به قم آمده و رفته رفته حوزه علمیه قم تأسیس گردید و پیش‌بینی‌ها و پیش‌گوئیهای حضرات ائمه معصومین علیهم‌السلام مصداق یافت.

خدمات و آثار مرحوم آیت‌الله حایری پس از توقف در قم با همت والا و سجایای حسنه و اخلاق فاضله خود، فضلاء اراک و تهران و شهرستانهای دیگر را دور خود جمع نموده و کم کم حوزه علمیه رو به افزایش گذاشت تا بیش از هزار نفر طلبه و محصل جدی جمع شده و از محضر آیت‌الله و مدرسین دیگر استفاده می‌نمودند و اما آثار آن مرحوم به شرح زیر است:

- ۱- حوزه رسمی علمیه قم که تا آمدن وجود ذیجود حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه الشریف باقی خواهد بود.
- ۲- بیمارستان سهامی و فاطمی که از ثلث مرحوم حاج سید محمد فاطمی برای طلاب تأسیس شد.
- ۳- سد رودخانه قم پس از آمدن سیل و خرابی بسیار از منازل کوچه حرم و غیره.
- ۴- بناء قلعه مبارک آباد که امروز به نام کوچه رهبر معروف است برای افرادی که منازلشان در سیل ویران شد.
- ۵- تعمیر مدارس فیضیه و دارالشفای که رو به ویرانی گذارده بود چنانچه در جلد اول اشاره کردیم.
- ۶- کتاب دررفوائد در علم اصول فقه که غالباً در درس اصولشان عنوان می‌فرمودند.
- ۷- کتاب صلوة که مطبوع و مورد نظر فقهاء می‌باشد.
- ۸- کتابخانه مدرسه فیضیه که تفصیل آن در جلد اول گذشت.
- ۹- غسلخانه در جنب رودخانه قم.
- ۱۰- قبرستان آیت‌الله حایری معروف به قبرستان حاج شیخ و قبرستان نو.
- ۱۱- معظم تلامذه و اصحاب برجسته آیت‌الله حایری.

بزرگترین آثار و ثمرات حوزه علمیه و مکتب و مؤسسه مرحوم آیت‌الله حایری رجال علمی قم و ایرانست زیرا هر کدام دارای مقام فضل و دانش و کمال و تقوا و غالباً حائز اجتهاد مطلق و یا مجتهد متجزی و نویسنده نامی و گویندگان سامی می‌باشند و تمام آنان از درس و بحث آن فقید معظم حیات آن مقام شامخ را نموده‌اند:

مرحوم حایری رحمه‌الله از نوابغ و فحول علمی چنانیست که از حوزه او مجسمه‌های فضیلت و استوانه‌های شرافت و مجتهدین جامع الشرایط و علماء عالیقدر و مدرسین کرام و اساتید عظام بیرون آمده است.

و حوزه او مانند حوزه وحید بهبهانی و شیخنا الانصاری و میرزای شیرازی و شیخنا الاستاد الخراسانی و استاد المعاصرین آقا ضیاءالدین عراقی قدس‌الله اسرارهم رادمردان بزرگ و دانشمندان سترگی برخاسته‌اند.

این نگارنده در اینجا فهرست اسامی معظم آنها را با محل سکونتشان نگاشته و ترجمه احوال و مآثر و آثارشان را در این جلد و جلد دوم می‌نگارم انشاء‌الله تعالی، و مخفی نباشد که بسیاری از آنان دار فانی را وداع و جماعتی هم در قید حیات و از زعماء و مراجع بزرگ معاصر می‌باشند.

شماره، اسم و شهرت، محل اقامت

- ۱- مرحوم آیت‌الله حاج سید میرزا آقای ترابی، دامغان
- ۲- آیت‌الله حاج سید ابراهیم علوی خوئی، تهران
- ۳- آقا شیخ ابراهیم ریاضی، نجف آباد
- ۴- آیت‌الله حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی، تهران
- ۵- حاج سید ابوالحسن اسلامبولچی، تهران
- ۶- مرحوم حاج سید ابوالحسن روحانی قمی، نجف
- ۷- حاج میرزا ابوالفضل خراسانی، تهران
- ۸- آیت‌الله حاج میرزا ابوالفضل زاهدی، قم
- ۹- حاج سید ابوالقاسم فقیه ارسنجان، شیراز
- ۱۰- مرحوم شیخ ابوالقاسم اصفهانی، قم
- ۱۱- آیت‌الله حاج شیخ اسماعیل جاپلقی، تهران
- ۱۲- مرحوم آیت‌الله حاج شیخ اسماعیل بهاری، تهران
- ۱۳- آیت‌الله حاج سید احمد خونساری، تهران
- ۱۴- آیت‌الله حاج سید احمد زنجانی، قم
- ۱۵- مرحوم آیت‌الله حاج سید احمد لواسانی، تهران
- ۱۶- آیت‌الله حاج آقا بزرگ، کنگاور
- ۱۷- مرحوم آیت‌الله حاج سید جعفر شاهرودی، تهران
- ۱۸- مرحوم آیت‌الله حاج آقا حسن فرید محسنی، قم
- ۱۹- مرحوم آیت‌الله حاج آقا میرزا حسن یزدی، نجف
- ۲۰- آیت‌الله حاج میرزا حسن معینی، شهر ری
- ۲۱- آیت‌الله حاج سید حسن اصفهانی، تهران
- ۲۲- مرحوم آیت‌الله حاج سید حیدر طاهری، خرم‌آباد
- ۲۳- مرحوم آیت‌الله حاج سید ابوتراب طاهری، خرم‌آباد
- ۲۴- آیت‌الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای، تهران
- ۲۵- آیت‌الله حاج شیخ راضی تبریزی، تهران
- ۲۶- آیت‌الله حاج آقا رضا زنجانی، تهران
- ۲۷- آیت‌الله حاج آقا رضا مدنی کاشانی، تهران
- ۲۸- آیت‌الله العظمی آقای حاج روح‌الله خمینی، نجف
- ۲۹- مرحوم آیت‌الله حاج روح‌الله کمالوند، خرم‌آباد
- ۳۰- آیت‌الله حاج روح‌الله خاتمی، اردگان
- ۳۱- آیت‌الله حاج ریحان‌الله گلپایگانی، تهران
- ۳۲- آیت‌الله حاج سید سجاد علوی، گرگان
- ۳۳- آیت‌الله العظمی آقای سید شهاب‌الدین نجفی مرعشی، قم

- ۳۴- مرحوم حاج میرزا شهاب همدانی، ملایر
- ۳۵- مرحوم حاج سید شمس‌الدین ابهری، تهران
- ۳۶- مرحوم آیت‌الله صدرالدین صدر، قم
- ۳۷- مرحوم آقا ضیاء‌الدین خونساری، قم
- ۳۸- مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عباسعلی شاهرودی، قم
- ۳۹- مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عباس تهرانی، قم
- ۴۰- آیت‌الله آقا شیخ عباس حایری، تهران
- ۴۱- آیت‌الله آقا شیخ عباس انصاری همدانی، تهران
- ۴۲- آیت‌الله حاج میرزا عبدالله تهرانی، تهران
- ۴۳- آیت‌الله حاج میرزا عبدالله مجتهدی، تبریز
- ۴۴- آیت‌الله حاج میرزا عبدالله سرابی، تبریز
- ۴۵- مرحوم حاج میرزا عبدالحسین صاحب الداری، قم
- ۴۶- مرحوم حاج میرزا عبدالعلی تهرانی، تهران
- ۴۷- آیت‌الله حاج میرزا سید علی یشربی، کاشان
- ۴۸- آیت‌الله آقای آخوند ملاعلی همدانی، همدان
- ۴۹- آیت‌الله حاج علی محمد مزلقانی، همدان
- ۵۰- مرحوم آیت‌الله حاج شیخ علی اصغر صالحی، کرمان
- ۵۱- مرحوم آیت‌الله حاج میرزا علی مهربانی، کرمان
- ۵۲- مرحوم آیت‌الله حاج سید علی اکبر برقعی، تهران
- ۵۳- آیت‌الله آقای فضلعلی، قزوین
- ۵۴- مرحوم آیت‌الله فاضل لنکرانی، قم
- ۵۵- آیت‌الله حاج میرزا فخرالدین جزایری، تهران
- ۵۶- آیت‌الله حاج سید کاظم شریعتمداری، قم
- ۵۷- آیت‌الله آقا سید کاظم گلپایگانی، نجف
- ۵۸- آیت‌الله حاج آقا مجتبی عراقی، قم
- ۵۹- مرحوم آیت‌الله آقا سید محمد حجت، قم
- ۶۰- مرحوم آیت‌الله آقا سید محمد داماد یزدی، قم
- ۶۱- مرحوم آیت‌الله میرزا محمد همدانی، همدان
- ۶۲- آقا شیخ محمد غروی، سنقر
- ۶۳- آقا آیت‌الله سید محمد صدرالعلماء، قم
- ۶۴- آیت‌الله حاج میرزا محمد ثقفی، تهران
- ۶۵- آیت‌الله میرزا محمد ثابتی، همدان
- ۶۶- آیت‌الله حاج میرزا محمدباقر مهاجرانی، همدان

- ۶۷- میرزا محمدتقی اشراقی، قم
- ۶۸- آیت‌الله حاج سید محمدتقی خونساری، قم
- ۶۹- آیت‌الله حاج سید محمد جلالی، مشهد
- ۷۰- آیت‌الله حاج سید محمد حسن یزدی، قم
- ۷۱- حاج شیخ محمد حسن فرید گلپایگانی، تهران
- ۷۲- آیت‌الله، حاج شیخ محمدحسین شریعتمدار، ساوه
- ۷۳- آیت‌الله العظمی حاج سید محمدرضا گلپایگانی، قم
- ۷۴- آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمدرضا طبسی، قم
- ۷۵- آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمدعلی عراقی، قم
- ۷۶- آیت‌الله العظمی حاج سید محمود روحانی، قم
- ۷۷- آیت‌الله العظمی حاج میرزا مصطفی صادق، قم
- ۷۸- آیت‌الله العظمی حاج سید مصطفی خونساری، قم
- ۷۹- مرحوم حاج سید محی‌الدین طالقانی، تهران
- ۸۰- حاج سید محمدرضای طالقانی، قم
- ۸۱- حاج میرزا مهدی بروجردی، قم
- ۸۲- آیت‌الله حاج سید مهدی کشفی، تهران
- ۸۳- آیت‌الله حاج سید مهدی انکجی، تهران
- ۸۴- آیت‌الله آقا شیخ مهدی کوچه حرمی، قم
- ۸۵- آیت‌الله حاج سید هادی روحانی، رودسر
- ۸۶- آیت‌الله میرزا هاشم آملی، قم
- ۸۷- حاج میرزا هدایت‌الله وحید، تهران
- ۸۸- حاج سید یحیی یزدی، نجف
- ۸۹- حاج سید یحیی بفروئی، بفروی یزد
- ۹۰- آقا سید یحیی اسلمبولچی، تهران

و صدها نفر دیگر که ذکرشان موجب اطناست و انشاءالله ترجمه هر یک در این کتاب و جلد دوم خواهد آمد.

رحلت مرحوم آیت‌الله حایری

مرحوم آیت‌الله حایری از اوائل ورودش به قم تا آخر عمرش که حدود پانزده سال بوده است مواجه با حوادث سهمگین و ناملایمات فراوانی بوده است که در جلد اول آثارالحجه نگاشته‌ام ولی در اینجا برای بعضی از محذورات از شرح آن معذورم و این نواب ضربات بسیاری در روح و قلب آن بزرگوار وارد نموده که در اواخر او را از پا درآورده و بسیار ضعیف نموده بود تا جائی که گاهی تمنای مرگ نموده و می‌فرمود دیگر مردن سرفغلی دارد (فیاموت زرنی ان الحیاء ذمیمه) ای مرگ بیا که زندگی مرا کشت و در اواخر عمرش بسیار خلوت و اعراض و انزوا را دوست می‌داشت و غالباً در غیر وقت درس و تحصیل طلاب در سالاریه مرحوم متولی بزرگ پدر جناب آقای مصباح التولیه متولی معزول که به ایشان نهایت ارادت و اخلاص را داشت به سر می‌برد و روز به روز بر ضعف و کسالتش افزوده می‌شد زیرا دیگر برای مرد غیور و متدین با دین آن حملات و تهاجم به قرآن مقدس و نوامیس

مسلمین و حوزه روحانیت جای تحمل و صبر و طاقت نبود و به گفته یکی از مراجع و اساتید بزرگ حوزه آن مرحوم به مرض دق از دنیا رفت خلاصه ضعف بالای ضعف و غصه بر غصه ایشان اضافه می‌شد تا در شب هفدهم ذی‌القعدة هزار و سیصد و پنجاه و پنج قمری از دنیای فانی فارغ و از ناملایمات آن راحت گردید (در سن هشتاد و سه سالگی).

مرحوم آیت‌الله آقای حاج سید صدرالدین صدر رضوان‌الله‌علیه قصیده‌ای در مرثیه و تاریخ فوتش سروده‌اند که در میان قصائد و مرثیاتی بسیاری که در ضایعه فوت ایشان گفته شده بیشتر مرضی خدا و مورد توجه آن مرحوم واقع گردیده است.

عبدالکریم آیت‌الله قضی

وانحل من سلک العلوم عقده

اجذب ربع العلم بعد خصیبه

و هد ارکان المعالی فقهه

کان لاهل العلم خیر والد

و بعده امست یتامی ولده

کو کب سعد سد العلم به

دهرا و غاب الیوم عنه سعده

فی شهر ذی القعدة غاله الردی

بسهمه یالیت شلت یده

فی حرم الائمة الاطهار فی

شهر الحرام کیف حل صیده

دعاه مولاه فقل مورخا

لدی الکریم حل ضیفا عبده

فرمود پس از انشاد این قصیده در عالم رؤیا دیدم در باغی هستم که فوق‌العاده از حیث اشجار و اثمار و ازهار و انهار جاریه و خیابانها زیبا و بی‌نظیر بود و من در خیابانها قدم می‌زدم شخصی از مقابل به من رسیده و گفت میل دارید آقای حاج شیخ را ملاقات نمایند گفتم کدام حاج شیخ گفت حاج شیخ عبدالکریم حایری گفتم کمال میل را دارم.

آن شخص جلو افتاد و گفت بفرمائید سه چهار خیابانی طی کردیم رسیدیم به فضائی که وسط باغ بود و به حوضی برخوردیم که اطراف آن گل کاری بود و در سمت راست آن فضا عمارتی بود که سه چهار پله از زمین باغ بالا بود و درهای چندی به طرف باغ داشت نگاه کردم دیدم در آخر اطاق گوشه دست راست حاج شیخ را دیدم تکیه به در داده و به باغ نگاه می‌کند من سلام کردم و با عجله بالا رفتم و وارد اطاق شدم ثانیاً سلام کردم جواب دادند و بعد از پذیرائی من احوال‌پرسی کردم فرمودند حالم خوبست و احوال آقایان و حوزه را پرسیدند گفتم الحمدلله خوبست خوشحال شدند و در این حال پیشخدمت وارد شد و برای ایشان چائی آورد فرمودند برای آقا هم بیاور، رفت و یک استکان چائی برای من آورد و در تمام این جریانات من تصور می‌کردم حاج شیخ زنده است و به باغ آمده‌اند گفتم تنها تشریف آورده‌اید میل مبارک باشد من هم خدمت شما باشم فرمودند خیر شما کار دارید و با شما کار دارند و باید بروید و بعد هر دو دست را بلند کرده فرمودند من تنها نیستم خیر تنها نیستم در آن وقت متوجه شدم که فوت کرده‌اند باز احوال‌پرسی کردم و ایشان هم احوال‌پرسی نمودند و بعد توجهی به باغ انداختم و ایشان همچون فهمیدند که من به منظره باغ مجذوب شده و از نزاهت و طراوت آن استعجاب می‌کنم. کمی بلند شده و هر دو دست را بلند و به طرف من اشاره کردند فرمودند (لدی الکریم حل ضیفاً عبده).

منظره‌ای از تشییع جنازه‌ی مرحوم آیت‌الله حایری

و یکی دیگر از قصائد و ماده تاریخ‌های خالص که با صدق نیت گفته شد در فوت آن مرحوم ابیات زیر است

عجب از سیرت بی‌ارزش دنیای دنی

صلح ناکرده ز اول دل دانا با او

زهد و دنیاطلبی ساز نیابند به هم

نشده یک قدمی سازش دنیا با او

بی‌مکارم نرسد فایده علم بکس

گرچه علم و هنرش بوده چو دریا با او

گشت از حوزه علمیه روان سوی جنان

آنکه شد ماحصل دانش و تقوا با او

نشیدیم در این ملک چو او مردی راد

همه اسباب شرف بوده مهیا با او

خود اگر داشت کسی دیده بینا می‌دید

رسم و آئین تدین که هویدا با او

همه کس را نرسد رتبه همپائی وی

«فیض روح‌القدس بود به پیدا با او»

گفتم این چامه که داور بکشد روز پسین

خط بطلان بخط جرم خطاها با او

اثر عمیق فوت مرحوم حایری

قال رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: اذامات العالم تلم فی الاسلام ثلثة لا یسدها شیء و قتی عالمی از دنیا رود رخنه‌ای در دیوار اسلام واقع شود که چیزی آن را مسدود نکند.

وقال صلی‌الله‌علیه‌وآله و سلم: اذا مات العالم بکت علیه السموات والارضون اربعین صباحا و قتی عالمی از دنیا رود آسمانها و زمین‌ها بر او چهل صبح گریه می‌کند در کتب اخبار و احادیث و تفسیرهای فریقین وارد شده است که مرگ عالم ربانی و مرجع با تقوی تأثر عمیقی در جامعه و جهان هستی دارد به طوری که آسمانها و زمین‌ها و هوام و حشرات و وحوش و طیور و درندگان برای فقدان او متأثر شده و گریه می‌کنند.

ای بسا کس مرد و کس آگه نشد

از عیانش مبدئی و مختمی

لیک اندر مرگ مردان بزرگ

عالمی گرید برای آدمی

عالمی گردد قرین درد و رنج

گر بمیرد برگزیده عالمی

آیتی چون حایری رفت از جهان

یک جهان گردد غریق ماتمی

رحلت و فوت مرحوم آیت‌الله حایری در چنان بحران و کوران عصر تاریکی که تمام دست‌ها و قوای مرموز استعمارگران و دشمنان دین و استقلال کشور بر علیه قرآن و اسلام فعالیت می‌کرد و روزی نبود که بدعت تازه و منکری بر مردم ضعیف‌الایمان تحمیل نشود بزرگترین ضایعه بود زیرا که تمام علماء و دانشمندان بزرگ و فعال و متعصب و متنفذ را یا تبعید و یا زندانی و یا خانه‌نشین و یا از بین برده بودند و تنها مرد میدان مجاهده بود که با مبارزات منفی و مثبت خود دشمنان و بیگانه‌پرستان را عقب رانده و از تهاجم و حمله اساسی آنها جلوگیری می‌کرد.

آیت‌الله حایری با آن متانت و بردباری و تقیه و محافظه‌کاری که مشروحاً بیان شد دشمن را که همواره می‌گفت همه را از میان بردم اگر این یکی را هم می‌بردم از اسلام و دین آسوده شده و از حدود و قیود آئین و مذهب آزاد و راحت می‌شدم به زانو درآورده و مجذوب خود گردانیده بود.

در صبح هفدهم ذی‌القعدة ۱۳۵۵ قمری که این خبر در قم و وسیله تلگراف و تلفون در تهران و سایر بلاد منتشر شد عموم مردم متأثر شده و جهان در نظر ملت متدین و شیعیان متعصب تاریک شده و انتظار بلیات و مصائب دیگر را احساس نمودند که این نگارنده آن را در جلد اول آثار الحجۃ مشروحاً نگاهشتم طالبین به آنجا مراجعه کنند.

تشییع جنازه در آن موقع موقوف و کلیه تظاهرات و مظاهر دینی و شعائر مذهبی تعطیل بود لکن مردم قم عموماً زن و مردم عالم و جاهل و طبقات مختلف مردم دولتی و غیره چنان آشفته و پریشان بودند و به سر و صورت می‌زدند و فریاد می‌کشیدند که گویا صاعقه‌ای از آسمان آمده و تمامی را سوزانیده است در آن خفقان عجیب و شرایط سخت تشییعی از جنازه آن مرحوم شد که کم‌نظیر بوده و مرحوم آیت‌الله حاج میرزا فخرالدین شیخ‌الاسلام قم بر ایشان نماز خوانده و در جوار حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها در مسجد بالا سر همانجائی که خود نماز می‌خواندند و درس می‌گفتند مدفون شده و اشعار مرحوم آیت‌الله صدر را که ذکر شد بر روی سنگ قبرش منقوش نمودند (لدی الکریم حل ضیفا عبده).

رجال علم و تقوائی که در اطراف قبرش مدفون می‌باشند

یکی از مزارات و قبوری که بعد از حضرت فاطمه معصومه علیها‌السلام در قم زیارت می‌شود قبر مرحوم آیت‌الله حایری است و کمتر کسی مشرف به قم برای زیارت می‌شود که قبر آن مرحوم را زیارت نکند در شبانه روز هزارها نفر به زیارت قبر او می‌روند، در اطراف قبرش شخصیت‌های برجسته علمی و مردان با فضیلت و تقوا بسیاری مدفون می‌باشند که غیر از دو قبر مرحومین آیتین خونساری و صدر قبور دیگران اثر و مظهری ندارد و ما فهرست آنها را در اینجا می‌نگاریم و ترجمه و آثارشان را در جای خود آورده و خواهیم آورد:

۱- آیت‌الله آقا سید محمد بن آیت‌الله آقا سید عبدالله برقی متوفی ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۵۰ قمری ترجمه‌اش قبلاً گذشت.

۲- آیت‌الله آقا شیخ محمد بن آیت‌الله شیخ زین‌العابدین مازندرانی متوفی ۲۳ ج ۱۳۵۰.

۳- آیت‌الله آقا شیخ ابوالقاسم کبیر متوفی اواسط ماه جمادی‌الثانی ۱۳۵۳ قمری

۴- آیت‌الله حاج سید احمد عراقی بن آیت‌الله حاج آقا محسن عراقی متوفی ۱۰ ذی‌الحجه ۱۳۵۶ قمری.

۵- آیت‌الله حاج سید حسین کوچه حرمی متوفی ۱۵ ذی‌القعدة ۱۳۵۷ قمری.

۶- آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی حایری قمی متوفی دوشنبه ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۳۵۸ قمری.

۷- آیت‌الله حاج شیخ محمدتقی بهبهانی متوفی دوم ربیع‌الثانی ۱۳۶۰ قمری.

۸- آیت‌الله حاج شیخ مهدی پائین‌شهری متوفی جمعه نوزدهم شعبان ۱۳۶۰ قمری.

۹- آیت‌الله حاج سید حسین شوشتری متوفی ۱۸ محرم ۱۳۶۲ قمری.

۱۰- آیت‌الله حاج سید فخرالدین سبط میرزای قمی متوفی سوم شعبان ۱۳۶۲ قمری.

- ۱۱- آیت‌الله حاج شیخ عیسی لواسانی متوفی دوم صفر ۱۳۶۴ قمری.
- ۱۲- آیت‌الله حاج سید محمدباقر قزوینی متوفی ۲۸ صفر ۱۳۶۴ قمری.
- ۱۳- آیت‌الله سید محمدصادق بهبهانی متوفی ذی‌القعدة ۱۳۶۴ قمری.
- ۱۴- آیت‌الله حاج شیخ محمدتقی بافقی متوفی ۱۲ جمادی‌الاولی ۱۳۶۵ قمری.
- ۱۵- آیت‌الله حاج سید محمدتقی خونساری متوفی ۷ ذی‌الحجه ۱۳۷۱ قمری.
- ۱۶- آیت‌الله حاج سید صدرالدین صدر متوفی ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۷۳.
- ۱۷- آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی عراقی.
- ۱۸- آیت‌الله حاج میرزا مهدی بروجردی.
- ۱۹- آیت‌الله حاج آقا روح‌الله کمالوند
- ۲۰- آیت‌الله حاج سید احمد لواسانی
- ۲۱- آیت‌الله حاج شیخ عباس تهرانی
- ۲۲- آیت‌الله حاج شیخ محمد حسن طالقانی
- ۲۳- آیت‌الله حاج میرزا رضی تبریزی
- ۲۴- آیت‌الله حاج سید مهدی کشفی بروجردی
- ۲۵- مرحوم حجه‌الاسلام میرزا محمدتقی اشراقی فرزند مرحوم آیت‌الله حاج میرزا محمد ارباب متوفی ۲۵ ماه رمضان ۱۳۶۸ قمری
- ۲۶- مرحوم حجه‌الاسلام آخوند ملا عبدالله متوفی ۱۳۵۷ قمری
- ۲۷- آیت‌الله حاج میرزا سید حسن برقی رحمه‌الله
- ۲۸- آیت‌الله حاج شیخ عبدالجواد صافی گلپایگانی
- ۲۹- آیت‌الله حاج میرزا محمود اصولی تبریزی
- و ده‌ها نفر دیگر که نزدیکی قبر آن مرحوم مدفونند و گذشته از علماء مردان صالح و نیکوکاری چون مرحومین اخوان سلامت حاج شیخ علی‌اصغر و حاج شیخ علی‌اکبر سلامت رضوان‌الله علیهم اجمعین.
- کرامت حضرت امام حسین علیه‌السلام نسبت به مرحوم حایری
- از خصایص و امتیازات مرحوم آیت‌الله حایری قدس‌الله‌سره کثرت توسلش بود به خداندان جلیل عصمت و طهارت بالاخص بمولینا الکوین نورالثقلین امام المشرقین حضرت ابی‌عبدالله الحسین علیه‌الصلوة والسلام حتی در مجلس درس فقه‌اش مرثیه‌خوانی چون مرحوم حاج شیخ ابراهیم صاحب‌الزمانی تبریزی را که از اوتاد زمان بود تعیین کرده بود که هر روز قبل از درسش ذکر مصیبتی کند و بعد از آن خودش به منبر رفته و تدریس می‌نمود در ایام عاشوراء روضه‌خوانی داشت و روز عاشوراء خود در جلوی هیئت اهل علم پا برهنه و گل به پیشانی و صورت مالیده حرکت می‌کرد وقتی بعضی از نزدیکانش از علت این توسل و تمسکش به سفینه‌النجاة امت حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام پرسید جواب می‌فرمایند من هرچه دارم از آن حضرت دارم و بعد قصه کرامت حضرتش را درباره خودش شرح می‌دهد که این نگارنده در سفرم به اراک از دو نفر مرد موثق و عادل شنیدم که عیناً آن را در ج ۲ کتاب آثارالحجه ص ۲۰۸ نگاشته و اینجا هم که جای آنست می‌نگارم.
- آقای حاج دفتری مباشر کارهای آیت‌الله حاج مصطفی محسنی که مرد موثق و متدینی است با تأیید مرحوم مبرور آقای آیت‌الله حاج آقا حسن فرید محسنی که مرحوم آیت‌الله حایری در منزل مرحوم آیت‌الله حاج آقا مصطفی در اراک هنگامی که سرپرستی حوزه عراق را داشتند پس از نقل خواب آن مرحوم که در آثارالحجه نوشته‌ام فرمودند هنگامی که من در کربلا بودم شبی در عالم

خواب دیدم که شخصی به من گفت شیخ عبدالکریم کارهایت را بکن که تا سه روز دیگر خواهی مرد. من از خواب بیدار شدم متحیر بودم گفتم البته خوابست تعبیر ندارد اتفاقاً شب سه‌شنبه بود روز سه‌شنبه و چهارشنبه را مشغول به درس و بحث بودم تا خواب از خاطر من رفت روز پنجشنبه تعطیلی دروس با بعضی از رفقا به ناحیه باغ مرحوم سید جواد رفتیم در آنجا قدری گردش و مذاکره علمی نموده تا ظهر نهار را صرف و ساعتی خوابیدیم در آن موقع لرز شدیدی به من عارض شد رفقا آنچه عبا و روانداز بود بر من انداختند باز می‌لرزیدم پس از ساعتی تب بسیار سوزانی کردم و کم کم حس کردم که حال بسیار خراب است به رفقا گفتم مرا زودتر به منزل برسانید.

رفقا وسیله‌ای فراهم کرده و مرا به شهر آورده و به منزل رسانیدند در آنجا بی‌حال و حس افتادم کم کم حواس ظاهره‌ام از کار افتاد یک مرتبه به یاد خواب سه شب قبل افتادم علائم مرگ را در خود مشاهده کردم و ناگهان دیدم دو نفر ظاهر شده و از راست و چپ من نشستند و به هم نگاه کردند و گفتند اجل او رسیده مشغول قبض روح او شویم.

من در آن حال مرگ را معاینه کردم از راه قلب توجهی به ساحت مقدس حضرت سیدالشهداء امام حسین علیه الصلوٰة والسلام نموده عرض کردم مولای من از مرگ هراس و ترس ندارم ولکن از این می‌ترسم که دستم خالیست کاری نکرده و زادی تهیه ننموده‌ام شما را به حق مادران حضرت صدیقه طاهره علیهاالسلام شفاعت کنید که خدا مرگ مرا تأخیر اندازد تا فکری به حال خود نمایم.

و تا از راه دل این توسل را نمودم دیدم شخصی وارد شد و نزد آن دو آمده و گفت حضرت سیدالشهداء فرمودند شیخ عبدالکریم به ما توسل نمود و ما هم نزد خدا شفاعت کردیم که عمر او را دراز و اجل او را تأخیر اندازد و خداوند تعالی اجابت فرمود شما روح او را قبض نکنید.

پس آن دو به هم نگاه کرده و رو به آن شخص نموده و گفتند سمعاً و طاعه و از جا حرکت کردند و سه نفری صعود نمودند. پس در آن هنگام احساس کردم که حالم بهتر شده صدای گریه و زاری و ناله خانواده خود را شنیدم که به سر و صورت خود می‌زدند آهسته دست خود را حرکت دادم و چشم خود را گشودم دیدم چشم مرا بسته و رویم چیزی کشیده‌اند، خواستم پایم را جمع کنم ملتفت شدم که شصت مرا هم بسته‌اند.

پس دستم را بلند کردم برای برداشتن چیزی که رویم بود شنیدم می‌گویند ساکت شوید گریه نکنید که حرکت دارد و آرام شدند و روی مرا برداشتند و چشمم را گشودند و پایم را فوراً باز کردند با دست اشاره به دهانم کردم که آبم دهید. پس آب به دهانم ریختند و کم کم از جا برخاسته و نشستم و تا پانزده روز ضعف مفرط و کسالت داشتم، از آن حالت الحمدلله به کلی رفع نفاهم شده و بهبودی یافتم و این از برکت مولایم حضرت حسین علیه‌السلام بود. آری به خدا قسم.

مرا بغیر حسین ملجأ و پناهی نیست

در این عقیده یقینم که اشتباهی نیست

ره نجات حسین است و دوستی حسین

به سوی حق به جز از این طریق راهی نیست

اگر تو حکم غلامی من کنی امضا

به هیچ محکمه خوفم ز دادگاهی نیست

بیت آیت‌الله حایری

بیت و خانواده آن مرحوم بیت علم و تقوا و فضیلت است دارای دو پسر و سه دختر بوده‌اند پسران جناب آیت‌الله آقای حاج آقا مرتضی حایری و جناب حجه‌الاسلام آقای حاج آقا مهدی حایری که ترجمه هر یک خواهد آمد و اما دختران

۱- همسر مرحوم حجة الاسلام حاج شیخ محمد توسرکانی

۲- همسر مرحوم حاج شیخ احمد همدانی

۳- همسر مرحوم آیت الله حاج سید محمد محقق داماد یزدی بودند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار الحجّه (۱۷-۱۳/۱)، الذریعه (۱۳۲/۸-۳۷۸/۴)، ریحانه (۶۸-۶۶/۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۶۳-۵۹/۳)، مولفین کتب چاپی (۹۱۷-۹۱۵/۳).

حایری یزدی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی بن میرزا محمد رضا بن میرزا ابی الحسن بن میرزا محمد علی جعفری یزدی حایری بزرگ فقیهی متبحر و مجتهدی جامع بوده است.

وی در یزد متولد و در اصفهان از محضر علامه آقا شیخ محمد تقی اصفهانی استفاده نموده و پس از آن مهاجرت به کربلا و از محضر فاضل اردکانی تا وصول به مقام اجتهاد بهره‌مند شده و پس از آن به ایران مراجعت و مجاورت مشهد مقدس را اختیار و به تدریس و اقامه جماعت و وظائف شرعیه اشتغال داشته تا هنگام وقوعه توپ بستن روسها آستان قدس را که نتوانسته این منظره را مشاهده نماید ناچار به یزد منتقل و در بعضی از نواحی شهر ساکن تا در سال ۱۳۳۰ قمری بدرود حیات گفته و در حرم جدش امامزاده جعفر عریضی مدفون شده و فرزند صالحی چون حجة الاسلام والمسلمین آقا سید علیرضا متولد ۱۳۰۴ قمری مجموعه کمالات را بجا گذارد.

معظم‌له نیز سطوح را در ایران به پایان رسانیده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف در سال ۱۳۳۰ ق نموده تا سال ۱۳۳۶ توقف و از محضر علماء بزرگ چون آیت الله العظمی آقا سید محمد کاظم یزدی و دیگران استفاده و پس از آن به یزد مراجعت و به انجام وظائف شرعی و روحی مشغول تا در چند سال اخیر که بدرود حیات گفتند.

وی دارای طبعی سرشار بود و به عربی و فارسی اشعاری سروده که از آن است این بیت:

فانهض و شمر للمعالی مسرعا

اذلیس للانسان الا ما سعی

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

حایری، ابوالقاسم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت الله آقا شیخ ابوالقاسم حایری از علماء ماهر کربلا بوده و بعد ۱۲۸۴ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حایری، احمد

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ احمد بن شیخ محمدعلی سلطان الحایری فاضلی جلیل بود و بعد از ۱۲۱۴ در کربلا وفات نمود.
بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حایری، جواد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ جواد بن شیخ راضی بن شیخ محسن سلطان حایری عالمی فاضل بود و بعد از ۱۲۵۳ وفات نمود.
بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حایری، طاهر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید طاهر بن میرزا مهدی بن سید محمدباقر موسوی قزوینی حایری فقیهی متقی از علماء جلیل کربلا بوده و در سال ۱۳۲۹ وفات نمود.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حایری، عبدالرحیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۷-۱۲۵۳ ش)، مجتهد، نویسنده و شاعر. در شهر کربلا در خاندانی با فضیلت متولد شد. تحصیلات مقدماتی را در حوزه‌ی علمیه‌ی کربلا طی کرد و در آنجا از محضر استادانی چون: شیخ زین‌العابدین، ملا اسماعیل بروجردی و میرزا محمد هاشم خوانساری اصفهانی کسب فیض کرد. در هفده سالگی کتابهای زیادی نوشت و موفق به دریافت بیش از سی اجازه‌ی روایتی و اجتهادی شد. سفری به مکه داشت و در طول راه با علمای اهل تسنن ملاقات و بحث کرده است. در تهران و دیگر شهرها، چون قم، اراک و مشهد، جامعه‌ی اخوان اسلامی را بر اساس اخوت اسلامی تاسیس کرد. وی یکی از پیشنهاد کنندگان ملی کردن صنعت نفت به رضاخان بود. حایری به فارسی و عربی شعر می‌سرود. از جمله آثار او: «هدایه‌ی العامه فی اثبات الامامه»؛ «منظومه‌ی موجز

المقال»، در علم درایه؛ «منظومه‌ای در علم رجال»؛ «منظومه‌ای در بیع فضولی»؛ «ودایع الاسرار و بدایع الاخبار»؛ «دیوان قصاید و غزلیات»؛ «حکم تشریح احکام دین»، در تصوف؛ و «غنائم التبیان در تفسیر قرآن».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۵۵-۱۵۱)، کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۲، ص ۵۳-۵۲).

حایری، محمدسعید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ محمد سعید حایری بن شیخ محمدحسین عالمی جلیل و مدرسی فاضل و مدیر (مدرسه هندی) بود و حدود ۱۳۵۰ وفات نمود.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حایری، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام والمسلمین آیت الله آقای شیخ مرتضی بن آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی مؤسس حوزه علمیه قم از اکابر علماء فعلی و آیات عظام حوزه علمیه و شهرستان قم می باشد که به زیور علم و حلم و متانت و صفا آراسته است وی در ماه ذی الحجه ۱۳۳۴ ق در اراک متولد شده و فنون ادب و صرف و معانی و بیان را از مرحوم حاج میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و آقا شیخ ابوالقاسم نحوی فرا گرفته و مقداری از سطوح و متون فقهیه و اصولیه را در خدمت آیت الله العظمی نجفی مرعشی و آیت الله صالحی کرمانی خوانده و چندی هم از محضر والد معظم بهره مند شده و پس از آن حدود ۱۵ سال از دروس فقه و اصول آیت الله العظمی حجت و آیت الله خونساری استفاده نموده و هم چند سالی به درس آیت الله العظمی بروجردی شرکت کرده و ضمناً به تدریس سطوح عالی و اکنون خارج فقه و اصول اشتغال دارند و در مسجد امام قم اقامه جماعت می نمایند. از آثار و تالیفات ایشانست ۱- رساله‌ای در حدیث رفع ۲- رساله‌ای در مسئله تعاقب ایادی ۳- کتاب ابتغاء الفضیله.

این کتاب شرح بر وسیله مرحوم آیت الله اصفهانی که ملفقی از چند کتاب فقهی قدماء، تذکره، شرایع، لمعه، قواعد و غیر آن می باشد و آن ۶ جلد است که جلد اول به نام ابتغاء الفضیله به طبع رسیده است.

۴- شرح بر عروه الوثقی تا مبحث اغسال سه جلد ۵- دوره اصول به نام مبانی الاحکام فی اصول شرایع الاسلام سه جلد ۶- حاشیه بر کفایه ۷- حاشیه بر مکاسب ناتمام ۸- رساله مبسوطی در صلوه جمعه نظیر ابتغاء الفضیله.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حایری، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج آقا مهدی بن العلامه الورع حاج شیخ عباس بن الزکی الصالح التقی حاج ملا حاجی تهرانی حایری از علماء اعلام و افاضل کرام حوزه علمیه قم دارای فضل و دانش و اخلاق حمیده و صفات پسندیده است.

در سال ۱۳۰۴ شمسی در کربلاء معلی متولد شده و در معیت والد مبرورش به ایران آمده و پس از طی مقدمات ادبیات در تهران خدمت حاج شیخ محمدحسین زاهد خوانده و قسمتی از سطوح را خدمت حاج سید صدرالدین جزایری دیده و در سال ۱۳۲۷ شمسی مهاجرت به قم نموده و بعد از تکمیل سطح به درس آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله امام خمینی و آیت‌الله شریعتمداری و مرحوم آیت‌الله محقق داماد و آیت‌الله اراکی حاضر شده و از خرمن علمشان استفاده نموده و نیز اصول و فلسفه و کلام را خدمت علامه طباطبائی تلمذ نموده.

جناب آقای حایری از مراجع بزرگ نجف اجازات اجتهاد و غیره دارد، دارای پشتکار عجیب و همتی بلند می‌باشد. نوشته‌هایی از دراسات و تقریرات دروس اساتید خود مخصوص علامه‌ی طباطبائی دارد، مضافاً یک سلسله مقالات دارند که در مکتب تشیع و مکتب اسلام و معارف جعفری به چاپ رسیده است و آنها به شرح زیر است:

۱- کتابی در سیر قرآن و تفسیر که بعضی مقالات آن در مکتب تشیع به چاپ رسیده است.

۲- کتابی در سیره عقاید و مذاهب که قسمتی از آن در مکتب تشیع به چاپ رسیده است.

۳- کتابی در سیر کتابخانه در اسلام.

۴- کتابی در روش تبلیغات اسلامی که قسمتی از آن در مکتب اسلام به چاپ رسیده است.

۵- کتابی در اخلاق و کلید خوشبختی که قسمتی از آن در معارف جعفری به چاپ رسیده است.

۶- اخلاق از نظر قرآن و دستورات اجتماعی اسلام.

مترجم معظم چون تهرانی‌الاصل و ریشه‌دار و از خاندان فضل و شرافت است فکری عمیق دارد در خدمات اجتماعی و باقیات الصالحات نیز سعی بلیغ و کوششی فراوان نموده تا از خود آثاری نیز در موضوع گذارده است.

۱- کتابخانه مدرسه حجتیه که در سال ۱۳۳۰ شمسی به همت ایشان تاسیس گردید که در ضمن کتابخانه‌های حوزه اشاره شد.

۲- در تحت نظر آیت‌الله العظمی میلانی در سال ۱۳۴۱ شمسی و بعضی مدرسین دیگر اقدام به تاسیس مدرسه حقانی (منتظریه) که در باب مدارس فعلی قم مشروحا گذشت.

۳- در عصر زعامت آیت‌الله العظمی بروجردی مدت سه سال در مدرسه فیضیه برنامه غذاخوری به کمترین قیمتی...

۴- تاسیس دبستان نمونه برای دختران در خیابان بهروز قم تا فرزندان روحانیین با برنامه‌های دینی و تعلیم و تربیت صحیح پرورش یابند.

۵- اداره و سرپرستی دبیرستان دین و دانش قم.

۶- تاسیس یک کتابخانه سیار اسلامی حایری تهرانی.

۷- اعزام مبلغین در شبهای جمعه و پنجشنبه به اطراف و نواحی قراء و قصبات تهران و قم.

۸- ساختمان یک مدرسه علمیه برای آقایان طلاب واقعه در خیابان آذر جنب شاهزاده زید.

۹- ساختمان طبقه دوم مدرسه رضویه.

۱۰- چاپ و نشر کتب دینی و اخلاقی و عقاید برای نشر معارف اسلامی.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حائری پور، محمد مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد مهدی حائری پور

محل تولد: کاشان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از طی تحصیلات راهنمایی و اول دبیرستان در کاشان وارد حوزه علمیه مرحوم آیه‌الله العظمی یثربی ره کاشان شدم سال ۱۳۶۳ پس از سه سال گذراندن ادبیات عرب در سال ۱۳۶۶ به حوزه علمیه قم آمدم و به درس های فقه و اصول (لمعه و اصول فقه) پرداختم و همزمان دیپلم گرفتم. و تا سال ۱۳۷۲ سطح را به پایان بردم. در دس خارج یک دوره اصول نزد آیه‌الله سبحانی از شاگردان حضرت امام خمینی ره گذراندم و همزمان حدود ۲ سال در بحث های خارج فقه ایشان شرکت کردم. در سال ۱۳۷۶ در کنار درس خارج به رشته تخصصی علوم قرآن و تفسیر روی آوردم و مدت چهار سال در این دوره بودم. از سال ۱۳۷۰ همزمان با پایان دوره سطح به تدریس دروس حوزوی هم می پرداختم که هنوز ادامه دارد. در سال ۱۳۸۰ وارد مرکز تخصصی مهدویت شدم و به عنوان اولین دوره این رشته به تحصیل پرداختم که حدود سه سال طول کشید. و فعلا- با موسسه آینده روشن هم در زمینه مهدویت همکاری می کنم. در دهه هفتاد مدت دو سال در مرکز ادبی حوزه (زیر نظر آقای جواد محدثی) دوره نگارش عمومی و تخصصی را مقداری نزد آقای محدثی و بیشتر نزد سید ابوالقاسم حسینی (ژرفا) گذراندم. فعلا مقداری به درس خارج و بیشتر به تدریس در حوزه مشغول هستم. والحمدالله رب العالمین.

حائری شیرازی، محمدتقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا محمدتقی بن میرزا محب علی بن ابی‌الحسن میرزا محمدعلی گلشن حایری شیرازی زعیم ثوره عراق که مجسمه علم و تقوا و فضیلت بوده و در سال ۱۳۳۸ در کربلا وفات نموده است شرح آن بزرگوار محتاج به کتاب مستقل و مجال بیشتر است و این وجیزه ظرفیت و قابلیت ترجمه آن بزرگوار را ندارد.

میرزا محمدتقی بن میرزا محبعلی بن ابی‌الحسن میرزا محمدعلی (متخلص به گلشن) حایری شیرازی زعیم نهضت و ثوره عراق از اشهر مشاهیر عصر خود در علم و تقوی و غیرت دینی بوده است.

تولد آن بزرگوار در شیراز ولی نشو و پرورش او در کربلا بوده و اولیات و مقدمات را در آنجا خوانده و به درس علامه شهیر فاضل

اردکانی شرکت نموده و پس از مهارت و تبحر در علوم عقلی و نقلی با شریک و رفیق درسش مرحوم سید استاد آیت‌الله علامه آقا سید محمد فشارکی اصفهانی مهاجرت به سامره و از محضر آیت‌الله العظمی میرزا محمدحسن مجدد شیرازی استفاده و ضمناً برای عده‌ای از فضلاء شاگردان میرزا تدریس و تقریر درس استاد را نموده تا بعد از فوت آن مرحوم که برای مرجعیت و زعامت و تدریس و فتوا معین گردیده و عده بسیاری از بزرگان مراجع تقلید از محضرش استفاده و کسب علم و اجتهاد نمودند. پس آن بزرگوار از سامره به کربلا- منتقل و تشکیل حوزه علمیه داده و جماعتی از اکابر و اعظام وقت اطرافش را گرفته و از تحقیقات و دقت نظر و تعمق فکر و اصابت رأی او بهره‌مند شده تا در سال ۱۳۳۸ ق که دعوت حق را لبیک اجابت گفته و در صحن شریف حسینی (ع) مدفون و اکنون قبر پاکش مزار اهل فضل و ایمان و مشهور همگانست. آثار علمی آن بزرگوار از اینقرار است.

۱- حاشیه مکاسب ۲- رساله صلوة الجمعة ۳- رساله الخلل ۴- المنظومه الرضاعیه ۵- دیوان اشعار فارسی در مدائح و مرثیاتی اهل بیت علیهم السلام.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حائری قمی، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ محمد علی حائری قمی، یکی از مدرسین و علمای بزرگ قم در قرن اخیر است، فقیهی محقق و مجتهدی اصولی، دانشمندی زاهد و متقی با معاصر با مرحوم حاج شیخ بود. مرحوم حائری قمی در سال ۱۲۹۹ در شهرستان قم متولد شد و پس از پیمودن مقدمات علوم وارد تهران شد و مدتها از محضر آیت‌الله آشتیانی بزرگ استفاده نمود و سپس عازم نجف اشرف گردید و سالها از محضر آخوند خراسانی، علامه یزدی و اعلام دیگر بهره‌مند بود و بعد از آنکه به درجه اجتهاد و استادی رسید حدود ۲۵ سال در کربلا- و سامرا از مدرسین و مروجین مکتب بود. وی با مرحوم میرزای مجاهد خیلی مأنوس بود و با همدیگر اخوت و صمیمیت زیادی داشتند و سالها از همکاران میرزا محمد تقی در سامرا بود.

نوشته‌اند در سال ۱۳۴۹ به قصد زیارت ثامن الحجج روحی له الفداء عازم ایران شد و بعد از زیارت به زادگاه خویش آمد و در جمله همکاران آیت‌الله حائری قرار گرفت. مرحوم قمی شخصیت جامع و مرجعی کامل و مجتهدی مدرس بود. از دیدگاه علما و فقها پس از فوت مرحوم حاج شیخ تنها معظم له لایق زعامت و اعلیت بود که متأسفانه اجل مهلتش نداد، بعد از ماهها کسالت سرانجام در سال ۱۳۵۸ وفات نمود و در مسجد بالا سر جنب علما مدفون شد.

منابع زندگینامه: <http://www.shaaer.com>

حائری مجد، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی حائری مجد

محل تولد: قم

شهرت: حائری

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۴/۴/۲۸

زندگینامه علمی

سال ۱۳۷۴ اخذ دیپلم و ورود به دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی. سال ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ انتشار هفته نامه (نور علی نور) در موضوع فرهنگ قرآنی در بیست شماره. سال ۱۳۷۸ پایان تحصیلات کارشناسی. فروردین ۱۳۷۹ ورود به مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما با انجام پژوهش معراج در محراب ویژه آیت الله اشرفی اصفهانی و شمیم تربیت اسلامی در خانواده. اسفند ۱۳۸۱ پس از به دست گیری پروژه ای ناتمام روز شمار در این زمان اولین مجله از پروژه روز شمار با نام روز شمار قمری ویژه رجال و وقایع اسلامی منتشر شد. آبان ۱۳۸۲ در ادامه کار روز شمار در این تاریخ روز شمار شمسی با محوریت تاریخ ایران از اواخر قاجار تا سال ۱۳۸۲ در بحث آزاد و رویدادهای گوناگون به چاپ رسید.

آذر ۱۳۸۴ سومین مجله روز شمار تاریخ تحت عنوان روز شمار میلادی به سرانجام رسید لازم به ذکر است هر چند این سه جلد کاری گروهی بود ولی کلیه مراحل نظارت و ارزیابی بازنویسی و تطبیق مجدد تاریخ ها و درستی محتوای آنها را شخصاً انجام دادم جمع سه کار در حدود ۱۳۳۰ صفحه چاپی و نزدیک به ۴۰۰۰ صفحه تایپی بود؛ این سه کار همزمان در همان سال به صورت نرم افزار تاریخ ایران، جهان و اسلام برنامه ریزی و تولید گردید که کار را برای بهره برداران آسان کرده است. در حال حاضر از یک سال قبل با کمک چند محقق همکار به تصحیح و اضافه روز شمار قمری که دارای نقص های محتوایی و تاریخی است مشغول هستیم. از دی ماه ۱۳۸۰ تا اردیبهشت ۱۳۸۴ به همکاری با ماهنامه گنجینه که در زمینه برگزیده متون کهن فارسی اخلاق عرفان قرآن تاریخ و معرفی شخصیت های فرهنگی و فعالیت می کرد پرداختم و در ابتدا ۱۵ شماره مقالات قرآنی تاریخی و رجال را هر شماره در حدود ۴۰ الی ۵۰ صفحه تهیه و گردآوری می کردم از ابتدای سال ۱۳۸۲ تا اردیبهشت ۱۳۸۴ بخش قرآن و تفسیر هر شماره ۲۰ الی ۳۰ صفحه موضوعات مربوطه را ارائه می دادم که چاپ و نشر یافت.

حائری یزدی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت الله حاج شیخ مهدی حائری یزدی، فرزند حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، در سال ۱۳۰۲ در قم متولد گردید. وی دروس معقول و منقول را تا سرحد اجتهاد در حوزه های علمیه قم و تهران و فلسفه غرب را در آمریکا، کانادا و آلمان فراگرفت. دکتر حائری یزدی به نمایندگی از آیت الله بروجردی، رسیدگی به امور شیعیان را در آمریکا به عهده گرفت. او همچنین در آمریکا به تالیف تدریس و تحصیل و انجام وظایف مذهبی اشتغال داشت و در ده ها کنگره علمی و فلسفی شرکت جست و به ایراد سخنرانی پرداخت. استاد در سال ۱۳۵۸ به ایران بازگشت و تا سال ۱۳۶۲ به تدریس فلسفه و کلام اسلامی پرداخت. دکتر حائری یزدی سرانجام در روز پنجشنبه هفدهم تیر سال ۱۳۷۸ شمسی در تهران به درود حیات گفت.

گروه: علوم انسانی

رشته : فلسفه

گرایش : فلسفه آنالیتیک/تحلیلی

والدین و انساب : پدر مهدی حایری یزدی آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری مؤسس حوزه علمیه قم بود. مهدی حایری یزدی در شهر قم و در خانواده ای یزدی الاصل متولد شد.

خاطرات کودکی : مهمترین استاد دوران کودی مهدی حائری یزدی پدرش بود . که مقدمات علوم دینی را به وی آموخت . آیت ... عبد الکریم حائری در سالهای ۱۳۱۶-۱۳۰۱ مرجع تقلید مهم به شمار می رفت . وی مؤسس حوزه علمیه قم و دارای شاگردان بسیاری بود. روحیه علمی پدر و فضای مذهبی خانواده، بی شک تاثیر عمیقی بر مهدی حائری داشته است.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : دوران کودکی مهدی حائری یزدی با وزارت جنگ و نخست وزیری رضا خان سردار سپه معاصر بود. در این زمان روابط ایران و امریکا در حال افزایش و روابط با انگلستان رو به کاهش بود. احمد شاه قاجار نیز همواره در سفرهای خارجی به سر می برد . و قدرت اصلی کشور در دست رضا خان بود. وی برای فراهم آوردن مقدمات سلطنت خود، علاوه بر مطرح نمودن جمهوری خواهی در ۱۳۰۳ ه . ش ، به کسب محبوبیت در میان مردم و از جمله روحانیان مشغول بود. البته در همان هنگام روحانیان و علمای قم مخالفت خود را اعلام نمودند. مدتی بعد با الفای لایحه جمهوری ، رضا خان با ترفند های خاصی فرماندهی کل قوا را بدست گرفت و مدتی بعد سلسله قاجار را سرنگون ساخت (اوایل آبان ۱۳۰۴ ه . ش). رضا شاه پهلوی در ۱۳۰۴ ه . ش به تخت نشست. در ۶ آذر ۱۳۱۱ قرار داد نفتی داریسی را بطور - یکجانبه الغا نمود. این امر موجب خصومت میان ایران و شرکت ملی نفت ایران و انگلیس ، و در نتیجه دولت انگلستان، شد. وی حق کاپیتولاسیون دولتهای خارجی در ایران را نیز ملغی نمود تا محبوبیت و حمایت مردمی را به خود جلب نماید. شهر قم در زمان تولد مهدی حائری یزدی یکی از شهرهای مهم مذهبی ایران شده بود. زیرا پدرش ، آیت ... عبدالکریم حائری یزدی که در بین سالهای ۱۳۰۱ تا ۱۳۱۶ ه . ش از مراجع تقلید بود، حوزه علمیه قم را بنیان گذارده بود و بسیاری از رهبران مذهبی ایران از جمله امام خمینی (ره) از شاگردان وی بودند. بنابراین مهدی حائری با این شخصیت ها آشنایی داشت.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : مهدی حائری یزدی پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی نزد پدر، به شاگردی آیت .. بروجردی در حوزه علمیه قم پرداخت. وی در آنجا فقه و اصول و منطق و حکمت فرا گرفت. وی در سال ۱۳۲۷ به اخذ درجه اجتهاد نائل آمد. بعد در ۱۳۳۹ ه . ش بعنوان نماینده آیت ... بروجردی به واشنگتن رفت . و به فلسفه غرب علاقه مند شد و شروع به تحصیل در آن رشته نمود. وی لیسانس خود را از دانشگاه جورج تاون واشنگتن ، فوق لیسانس خود را از دانشگاه هاروارد و دکتری خود را در دانشگاه میشیگان تحصیل نمود و در دانشگاه تورنتوی کانادا در سال ۱۹۷۹ رساله دکتری خود را نوشت .

خاطرات و وقایع تحصیل : دوره تحصیل مهدی حائری یزدی مصادف است با اواخر سلطنت رضا شاه (۱۳۲۰-۱۳۰۴ ه . ش) و نیز اوایل سلطنت محمد رضا شاه پهلوی (۱۳۵۷-۱۳۲۰ ه . ش) در ایران . در این دوره بتدریج فشار بر روحانیون افزایش می یافت. مراکز علمی ایران رو به افزایش بود و ارتباط علمی دانشگاههای ایران با انگلستان و امریکا رو به رشد بود. آیت ... حائری پس از اخذ درجه اجتهاد در ۱۳۲۷ ه . ش، بعنوان نماینده آیت ... بروجردی به آمریکا رفت (۱۳۳۸ ه . ش) و در آنجا تحصیلات تکمیلی خود را ادامه داد .

فعالتهای ضمن تحصیل : مهدی حائری یزدی در هنگام اقامت در امریکا و کانادا به شکل گیری انجمن های اسلامی دانشجویان در آنجا یاری نمود. اعضای این انجمن ها نقش مؤثری در به ثمر رساندن انقلاب اسلامی داشتند. وی در کنار این فعالیت ها به مطالعه فلسفه غرب مشغول بود.

استادان و مربیان : تحصیلات مهدی حایری یزدی در حوزه علمیه قم نزد این بزرگان بوده است: ۱- حجه الاسلام شیخ ابوالقاسم

نحوی (ادبیات). ۲- آیت الله شیخ مرتضی حایری یزدی (سطوح فقه و اصول) ۳- آیت الله العظمی سید محمد رضا گلپایگانی (سطوح عالی فقه و اصول) ۴- آیت الله العظمی سید محمد حجت کوه کمری (خارج فقه و اصول) ۵- آیت الله العظمی سید محمد تقی خوانساری (۱۳۰۵-۱۳۷۱ ه.ق) خارج فقه و اصول ۶- آیت الله العظمی حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی، (۱۲۹۰-۱۳۸۰ ه.ق) خارج فقه و اصول. ۷- حضرت امام خمینی (ره) (۱۲۸۱-۱۳۶۸ شمسی)، حکومت و فلسفه. استاد دکتر حایری یزدی و آیت الله سید رضا صدر از نخستین شاگردان درس اسفار امام خمینی بودند و طی مدت ده سال، همه کتاب اسفار را - به استثنای مبحث « جواهر و اعراض »- نزد امام خمینی (ره) خواندند.

وقایع میانسالی: در زمانی که مهدی حائری یزدی در آمریکا به سر می برد، در ایران بتدریج پایه های انقلاب اسلامی بنیان گذاری می شد. حائری، بر اساس خاطرات خود سیاست های دربار محمد رضا شاه را، از جمله توهین به روحانیون و بویژه امام خمینی و نیز تغییر تقویم اسلامی به تقویم شاهنشاهی نکوهش نموده است.

زمان و علت فوت: مهدی حایری یزدی روز پنج شنبه هفدهم تیر ۱۳۷۸ شمسی برابر ۲۴ ربیع الاول قمری در تهران بدرود زندگی گفت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مهدی حائری یزدی پس از اخذ درجه اجتهاد از حوزه علمیه قم، بعنوان نماینده آیت ا... بروجردی در شورای عالی فرهنگی به تهران آمد و همزمان با آن در مدرسه علمیه سپهسالار و بعد در دانشگاه تهران مشغول به تدریس شد. هنگامی که در ۱۳۳۹ از سوی آیت ا... بروجردی بعنوان نماینده وی به واشنگتن رفت، نیز پس از اخذ مدرک دکترای فلسفه، به تدریس در دانشگاه های هاروارد، مک گیل (کانادا)، تورنتو (کانادا)، میشیگان (آمریکا)، دانشگاه جورج تاون (واشنگتن آمریکا) و آکسفورد (انگلستان) پرداخت. وی بعد از انقلاب اسلامی نیز علاوه بر استادی در بیشتر دانشگاه های مذکور، موقتاً بعنوان سفیر ایران در واشنگتن منصوب گردید. اما بدلیل مشکلات کار از این مقام کنار رفت.

فعالتهای آموزشی: برخی از فعالیت های آموزشی مهدی حایری یزدی را می توان بشرح زیر برشمرد: ۱- از سال ۱۳۲۲ به بعد در مدرسه سپهسالار جدید (دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران)، تدریس در رشته الهیات، فلسفه، درایت الحدیث، شرح اصول کافی. ۲- از سال ۱۳۴۴ به بعد در مدرسه سپهسالار قدیم، تدریس متون منظومه، اسفار و اشارات و رسایل. ۳- در سال تحصیلی ۱۹۶۴ - ۱۹۶۵ در مرکز تحقیقات ادیان جهانی دانشگاه هاروارد، تدریس معارف اسلامی. ۴- در سال تحصیلی ۱۹۷۱ - ۱۹۷۲ در دانشگاه میشیگان و فقه اسلامی. ۵- در سال ۱۳۵۶-۱۳۵۷ دانشگاه فردوسی مشهد به تاسیس دو کرسی به هزینه ایران (یکی برای زبان و ادبیات فارسی و دیگری فقه شیعه) در آمریکا مامور شد. استاد که در آن وقت در مرکز مطالعات کندی وابسته به دانشگاه جرج تاون به تدریس مشغول بود، به عنوان «استاد مامور از دانشگاه فردوسی» برای تصدی کرسی فقه شیعه معرفی شد، زیرا بنا بر ترتیباتی که اتخاذ شده بود، استادان زبان فارسی می بایست به عنوان فرصت مطالعاتی هر سه ماه یک بار از دانشگاه فردوسی به دانشگاه جرج تاون مامور به کار شوند، ولی دارنده کرسی فقه شیعه عنوان دائمی داشت. مسئولان اداری این امر، نخست جلال متینی (رییس دانشگاه فردوسی) و بعد پرویز آموزگار بودند. لذا استاد در سال تحصیلی ۱۹۷۹ - ۱۹۸۰ در آن دانشگاه به تدریس مشغول بود، ولی این برنامه پس از پیروزی انقلاب تداوم نیافت و قرار دادی که به دستور مصادر اولیه مملکت بین دانشگاه فردوسی و دانشگاه جرج تاون منعقد شده بود، پس از پیروزی انقلاب، لغو شد. ۶- استاد دکتر حایری یزدی، به سال ۱۳۵۸ به ایران بازگشته و به تدریس و تالیف و تصنیف ادامه داد و پس از یکی دو سال به انگلیس رفت و در آنجا چندی در آکسفورد به تدریس فلسفه پرداخت. وی همچنین در دانشگاه های متعدد دیگری در آمریکا (از جمله دانشگاه دولتی نیورک، دانشگاه یل و غیره)، کانادا (از جمله تدریس فلسفه اسلامی و ادبیات فارسی در موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل و مونترآل و تدریس ادبیات فارسی (تاریخ بیهقی) در دانشگاه تورنتو در سال های ۱۹۷۵ - ۱۹۷۴) و بعد ها در آلمان و انگلستان به

ایراد سخنرانی و مشارکت در سمینارها و کنگره های علمی پرداخت. ما عاقبت برای همیشه به ایران بازگشت و مدتی به تدریس فلسفه تحلیلی در انجمن حکمت ادامه داد تا آن که عاقبت از دانشگاه تهران بازنشسته شد و فقط در منزل به تدریس و افاضه می پرداخت.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مهدی حائری یزدی پس از اخذ مدرک دکترای خود، عمده وقت خود را در تدریس و تالیف صرف نمود. و بدین منظور بطور مداوم به ایران و انگلستان و گاهی امریکا سفر می نمود.

شاگردان : سید حسن امین، دکتر سید حسن افتخارزاده، دکتر جواد مناقبی و نیز دکتر غلامحسین عمادزاده (عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی) از جمله شاگردان مشهور علامه مهدی حائری یزدی بودند. دکتر حائری از طریق شضاگردان و آثارش تاثیر شایان توجهی بر فیلسوفان اسلامی گذاشته است. وی آشکار کرده است که چگونه می توان شیوه های فلسفی مختلف بویژه تحلیل فلسفی و استفاده از منطق جدید را در بحث از موضوعات نظری و عملی مهم به خدمت گرفت. از این رو بیشتر شاگردان وی علاقه مند به مباحث منطق جدید (غربی) و فلسفه تحلیلی می باشند.

آرا و گرایشهای خاص : مهدی حائری یزدی تحصیلات سنتی دینی را در ایران گذراند و علاقه مند به یک دسته از سنتهای فلسفی گردید به ویژه اندیشه های که ریشه در آرای اندیشمندان اشراقی (شیخ شهاب الدین سهروردی) صاحب مکتب عرفانی ایرانی داشت. او در دیدگاهش که به دور از تقلید و تعصب بود، فلسفه اسلامی سده های میانه و نو را با فلسفه رایج غرب در هم آمیخت. ویژگی پژوهش های دینی او، مرتبط با رهیافتی تحلیلی (آنالیتیک) بود. حتی هنگامی که به جنبه های دشوار عرفان نظر داشت، رهیافتی معمول از میان فیلسوفان اسلامی سده های میانه و فیلسوفان معاصر غربی را به کار می بست تا رهیافت سنتی. حائری از طریق شاگردان و آثارش تاثیر شایان توجهی بر فیلسوفان اسلامی گذاشته است. او نشان داد که چگونه می توان شیوه های فلسفی مختلف را در بحث از موضوعات نظری و علمی مهم به خدمت در آورد، به ویژه اینکه نشان داد چه اندازه فلسفه غربی در ترکیب با فلسفه اسلامی کار آمد می تواند باشد. وی معتقد بود که علمای اسلامی باید از دیدگاههای فلسفه غرب آگاهی یابند تا بتوانند رابطه میان آنها با فلسفه اسلامی در یابند و تاثیرات متقابل آنها را بر یکدیگر به درستی تشخیص دهند. وی با فراگیری هر دو نوع فلسفه در سطح عالی از و بنیانگذاران فلسفه تطبیقی بشمار می رود. در عین حال علاقه وی به اندیشه برخی از متفکرین اسلامی همچون شهاب الدین سهروردی، ملاصدرا و خواجه نصیر الدین توسی مشهور است. وی افکار این بزرگان و حتی افکار عرفانی را به روش فلسفه تحلیلی و منطق غربی جدید تحلیل می نمود و این ابتکاری است که وی مدعی آن بود. -----

آثار :

۱ آفاق فلسفه از عقل ناب تا حکمت احکام

ویژگی اثر : مجموعه گفتگوهای دکتر حائری است که توسط انتشارات فرزانه منتشر گردیده است. [هفته نامه باور، دوره جدید، شماره ۸، ۱ مرداد ۱۳۸۱، ص ۱]

۲ آگاهی و گواهی

ویژگی اثر : ترجمه و شرحی انتقادی از رساله عربی تصویر و تصدیق اثر صدرالدین شیرازی - (ملاصدرا) است، که با تئوری پردازیهنای دکتر مهدی حائری در باره دو موضوع مهم (تصور و تصدیق) همراه است وی بر اساس تقسیم بندی این دو موضوع علوم را تقسیم بندی می نماید. [غلامحسین عمادزاده ((کاوشهای عقل نظری)) هفته نامه باور، دوره جدید، شماره ۸، ۱ مرداد ۱۳۸۱، ص ۳]

۳ الحججه فی الفقه

- ویژگی اثر: آخرین کتاب دکتر حائری الحجه فی الفقه نام دارد که در چهار جلد درباره علم اصول می باشد. (میراث عقل ناب) هفته نامه باور، دوره جدید، شماره ۸، ۱ مرداد ۱۳۸۱، ص ۱۵]
- ۴ تقریرات در س خارج فقه آیت الله العظمی سید محمد کوه کمری
- ۵ تقریرات درس خارج اصول مرحوم آیت الله العظمی بروجردی
- ویژگی اثر: در چهار مجلد که مجلد اول آن با نام الحجه فی الفقه (مباحث الفاظ) از سوی موسسه «الرساله» در قطع وزیری در ۲۸۰ صفحه منتشر شده است.
- ۶ تقریرات درس خارج فقه آیت الله العظمی سید احمد خوانساری
- ۷ تقریرات درس خارج فقه مرحوم آیت الله العظمی بروجردی
- ۸ حکمت و حکومت

ویژگی اثر: این کتاب در کتر مهدی حائری یزدی در باره فلسفه سیاسی و مبانی نظری مشروعیت قدرت سیاسی است. فصلهای مهم کتاب عبارتند از: تمایز هستی و استی، توصیف هر یک از این دو، دو گانگی هستی و چیستی و بویژه فصل هفتم: جامعه اسلامی و جامعه دموکراتیک. دکتر مهدی حائری در این کتاب ژ، پس از ترسیم نظام عالم هستی و نظام احسنی که باید باشد و رابطه میان این دو عالم در زمان خلقت، جایگاه پیامبران را در معرفی نظام احسن (نظام تشریح) به مردم، مشخص نموده و وظیفه عقلی مردم را اطاعا از آنان می داند. بنابر این از نظری عقل است که مردم را به اطاعت از پیامبر و امامان راهنمایی می نماید و نه جبر و قوه اجرائی. دکتر حائری وجوب امر به معروف و نهی از منکر را یک ضرورت عقلی می داند و نه قهری-وی در ادامه به مبانی فقهی و عقلی حکومت پیامبر در مدینه پرداخته و رهنبری وی را ناشی از بیعت مردم و تایید این بیعت از سوی خداوند می داند. وی از این طریق به جایگاه مردم در مشارکت در امور سیاسی و اقتصادی در کشور اشاره نموده است. در ادامه در فصل جامعه شناسی اسلامی، انسان را اصل می داند نه جامعه را. و بنابر این در فصل انسان شناسی اسلام انسان را خلیفه... و اشرف مخلوقات معرفی می کند و به استقالاتا فردی و رابطه فرد و جامعه می پردازد. وی در بحث از جبر و اختیار وجود اختیارت فردی را برای اجرای قوانین شرعی ضروری می داند، زیر که به نظر وی در غیر اینصورت تکالیف قانونی امری بی معنی خواهد بود. وی معنی یافتن تنبیه و پاداش در برابر قوانین را تنها در سایه اختیار می داند و از بحث اختیار به آزادی و آزادی سیاسی می پردازد. ((پلورالیسم سیاسی)) از دیگر فصلهای جالب این کتاب است که در باره کثرت پذیری و تحمل آرای گوناگون در جوامع اسلامی می باشد. سعید رضوی فقیه، جمهوری نو (نظری به رساله حکمت و حکومت، هفته نامه ناور، دوره جدید، شماره ۸، ۱ مرداد ۱۳۸۱، صص ۱۳-۱۲. و نیز ((جامعه اسلامی و جوامع دموکراتیک هفته نامه باور، دوره جدید، شماره ۸، ۱ مرداد ۱۳۸۱، صص ۱۰-۶])

۹ رساله علم حضوری (k nowledge BY presence)

ویژگی اثر: تز دکتری فلسفه تحلیلی دکتر مهدی حائری می باشد (۱۹۷۸ م) [زندگی نامه و مدارج علمی آیت .. دکتر مهدی حائری یزدی، هفته نامه باور، دوره جدید، شماره ۸، ۱ مرداد ۱۳۸۱، ص ۲۰]

۱۰ علم کلی (یا فلسفه مابعد الطبیعه)

ویژگی اثر: اگر چه اولین تالیف فلسفی اوست (۱۳۳۵). اما بدلیل در برگرفتن بحث های مختلف فلسفه کلاسیک اسلامی و نیز پرداختن به فایده فلسفه در مقدمه کتاب، مدخل خوبی برای پژوهندگان فلسفه کلاسیک اسلامی است. این کتاب در دانشگاه ها یک کتاب درسی بشمار می رود.

۱۱ علوم قرآن

ویژگی اثر: خش آغازین این کتاب، تقریرات برادر ایشان آیت الله شیخ مرتضی حایری یزدی است.

۱۲ کاوش های عقل عملی

ویژگی اثر: از دیگر کتابهای مهم دکرت حائری است. موضوع کتاب تفاوت‌های اساسی میان اخلاق و فلسفه و نیز علم اخلاق و فلسفه اخلاق می باشد. دکرت مهدی حائری فلسفه اخلاق را در این کتاب به فلسفه علم اخلاق و ما بعد الطبیعه اخلاق تقسیم می نماید. وی به شبهه هیرم (فیلسوف انگلیسی) مبنی بر وجود گسست میان باید‌ها (اخلاق) و هست‌ها (فلسفه) پاسخهای قانع کننده ای داده است. فصلهای کتاب عبارتند از: آنتولوژی بایستی - استی، منطق صورت بایستی ها و استی ها، منطق نماده بایستی ها و استی ها، و در نهایت بخشی از متون کلام اسلامی در مورد حسن و قبح و عقل این کتاب از لحاظ روش شناسی دارای سه ویژگی است که عبارتند از: ارائه مباحث به روش فلسفه تحلیلی (بر اساس تحلیل منطقی و نه فلسفی)، ارائه مباحث تطبیقی بین حکمت اسلامی و فلسفه غربی، و نهایتاً برخورد مبتکرانه و اجتهاد یا مسائل فلسفی و عدم اکتفا به نقل و شرح آرا دیگر فیلسوفان [سید علی رضوی (صدر)، کتابشناسی کاوشهای عقل عملی، هفته نامه باور، دوره جدید، شماره ۸، مرداد صص ۴-۵]

۱۳ کاوشهای عقل نظری

ویژگی اثر: کاوشهای عقل نظری یکی از مهمترین کتابهای دکرت حائری است. که شامل یک دوره کاذم از موضوعات مهم در فلسفه اسلامی است. در این کتاب به فلسفه اسلامی کنونی و مسائل آن نیز پرداخته شده است. پیوستگی در تفکر و نیز ضابطه مندی کلام و نوشتار دکرت حائری در این کتاب و دیگر آثار وی از ویژگیهای بارز فلسفه نویسی اوست. [غلامحسین عماد زاده ((کاوشهای عقل نظری)) هفته نامه باور، دوره جدید، شماره ۸، ۱ مرداد ۱۳۸۱، ص ۳]

۱۴ کودک اندلسی

ویژگی اثر: اولین تالیف دکرت حائری یزدی بوده که در سن شانزده سالگی منتشر نمود. این داستان در باره دوران حکومت مسلمانان بر سرزمین اندلس می باشد. [میراث عقل ناب، هفته نامه باور، دوره جدید، شماره ۸، ۱ مرداد ۱۳۸۱، ص ۱۵].

۱۵ متافیزیک (مجموعه مقالات)

ویژگی اثر: عناوین این مقالات عبارتند از: خداشناسی برتر، آنتولوژی توحیدی چیست؟ برهان صدیقین (این سه مقاله در کتاب روش راستین یکتا شناسی یا آنتولوژی توحیدی بطور جداگانه منتشر شده اند)، مقاله خدا در فلسفه کانت وجود و ماهیت در فلسفه ابن سینا رابطه میان وجود و ماهیت امکان عدم (نقدی بر برخی واشی علامه طباطبایی بر اسناد صدرالمتهلین و نیز جوابیه هایی در جواب جوابیه های علامه طباطبایی) موجه سالبه الممول چیست، و قضیه و علم تصدیقی

۱۶ هرم هستی

ویژگی اثر: معروفترین کتاب دکرت حائری در باره منادی هستی شناسی تطبیقی است. این کتاب حاصل تدریسهای وی در انجمن حکمت و فلسفه است (۱۳۵۹ ه. ش). فصلهای کتاب عبارتند از: هستی و استی - آنتولوژی غربی و هستی شناسی اسلامی - برهان صدیقین از طریق منط صورت - در پیرامون هستی - مخروط وجود در فلسفه اسلامی - قواعد آنتولوژی توحیدی - آنتولوژی کانت و اپیستمولوژی - هرم هستی - کلی طبیعی - حمل: این همانی - فردبالذات - امکان به معنی فقر. مولف در این کتاب با تقسیم انواع وجود به وجود مطلق و مطلق وجود معتقد است که بسیاری از مشکلات فلسفه غرب و شرق را حل نموده است. دو تئوری ((هرم هستی)) و نیز ((آنتولوژی توحیدی)) که زیر بنای نظریات دیگر دکرت حائری را تشکیل می دهد در این کتاب مطرح شده اند. [میراث عقل ناب، هفته نامه باور، دوره جدید، شماره ۸، ۱ مرداد ۱۳۸۱، ص ۱۴]

منابع زندگینامه:

۱ روزنامه انتخاب، ۱۸ تیر ۱۳۷۹ - آینه پژوهش، سال دهم، شماره ۵۷، مرداد و شهریور ۱۳۷۸ زندگی نامه و مدارج علمی آیت ... دکرت مهدی حائری یزدی، هفته نامه باور، دوره جدید، شماره ۸، ۱ مرداد ۱۳۸۱، ص ۲۰۳ عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ

روابط خارجی ایران، چاپ ششم، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۷، صص ۸-۳۸۳ و ۴۵۱۴ علی اصغر شمیم، ایران در دوره سلطنت قاجار، چاپ هفتم، تهران: موسسه انتشارات مدبر، ۱۳۷۵، صص ۴۵-۶۳۸۵ محمد رضا ارشاد، فیلسوف قرن بیستم. همشهری، چهارشنبه ۲۲ تیر ۱۲۷۹، ص ۹۶ نفیسه کوهنورد، کاوشگر عقل نظری. همشهری، پنجشنبه ۲۰ تیر ۱۳۸۱، ص ۱۶

حائری، آمنه

قرن: ۱۳

جنسیت: زن

ملیت: ایران

۱۲۴۳ ق، از زنان فاضل و مجتهد. دختر آقا محمدباقر بن محمد اکمل اصفهانی، معروف به وحید بهبهانی. وی شاگرد پدر خویش و همسر سید علی طباطبایی صاحب ریاض و مادر سید محمد مجاهد و سید مهدی طباطبایی بود. از تالیفات او مبحث حیض از کتاب ریاض همسر خویش است. وی در کربلا درگذشت و نزد فرزندش سید محمد مجاهد دفن شد. برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منابع: اعیان الشیعه، ۱۵۵ / ۱۰ / ۴۴۳، ۹؛ دایرةالمعارف تشیع، ۲۳۵ / ۱؛ وحید بهبهانی، ۲۵۹.

حائری، آمنه بیگم

قرن: ۱۳

جنسیت: زن

ملیت: ایران

(وف ۱۲۴۳ ق)، فاضل و مجتهد. دختر آقا محمدباقر بن محمد اکمل اصفهانی معروف به وحید بهبهانی. وی شاگرد پدر خویش بود و همسر سید علی طباطبائی صاحب «ریاض» و مادر سید محمد طباطبائی مجاهد و سید مهدی طباطبائی. از تالیفات او مبحث «حیض» از کتاب «ریاض» همسر خویش است. وی در کربلا درگذشت و در همان جا دفن شد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۵۵ / ۱۰ / ۴۴۳، ۹)، مشاهیر زنان (۸-۷).

حائری، عبدالهادی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: مطالعات اسلامی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

زندگینامه

دکتر شادروان عبدالهادی حائری استاد برجسته‌ی تاریخ معاصر ایران در سال ۱۳۱۲ هجر شمسی به دنیا آمد. وی که نوه‌ی حضرت آیت‌الله حائری یزدی بود سالها در خارج از کشور و در دانشگاه‌های کانادا و آمریکا مشغول تدریس و تحقیق بود و در سال ۱۳۵۷ به ایران مراجعت نمود و در دانشگاه فردوسی مشهد به عنوان استاد و رئیس گروه تاریخ مشغول به تدریس و تحقیق شد.

ایشان در زمینه‌های تاریخی، بخصوص تاریخ معاصر ایران دارای آثار ارزشمند و مهمی است که در محافل علمی و دانشگاههای داخل و خارج از کشور معروف می‌باشد.

تألیفات گوناگون وی در زمینه مسائل تاریخی به زبانهای انگلیسی و فارسی به بیش از ۴۰ مورد می‌رسد.

مرحوم دکتر حائری یکی از مردان نامی دانشگاههای کشور بوده و مهمترین آثار فارسی او «تشیع و مشروطیت در ایران»، «رویاری اندیشه گران ایران با دورویه تمدن بورژوازی غرب»، «تاریخ جنبش و تکاپوهای فراماسیونری در کشورهای اسلامی»، «ایران و جهان اسلام»، «آنچه گذشت»، «نقشی از نیم قرن تکاپو» (خاطرات خود استاد) و... نام برد. از وی بیش از ۳۶ مورد ملاقات ارزشمند تاریخی به زبان انگلیسی در نشریات داخلی و خارجی به چاپ رسیده است.

دکتر حائری سرانجام بعد از یک دوره بیماری طولانی ۲ ساله در سن ۶۰ سالگی در تاریخ بیست و چهارم مرداد ۱۳۷۲ چشم به جهان فروبست.

مدرس، مورخ.

تولد: ۱۳۱۴، قم.

درگذشت: ۲۳ تیر ۱۳۷۲، مشهد.

عبدالهادی حائری، فرزند میرزا احمد حائری (و نوهی دختری آیت الله عبدالکریم حائری یزدی بنیانگذار حوزه‌ی علمیه‌ی قم) پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، لیسانس خود را در رشته‌ی الهیات از دانشگاه تهران گرفت. پس از آن چند سال در اداره‌ی بهداشت مشهد مشغول به کار بود. در همان دوران بود که وی کتابی تحت عنوان ابن مقفع که به قلم حنا الفاخوری عرب نوشته شده بود و از زبان عربی به فارس ترجمه و توسط انتشارات زوار چاپ کرد. در سال ۱۳۴۳ با کسب یک بورس دانشگاهی به کانادا رفت.

عبدالهادی حائری در دانشگاه مگیل کانادا مقاطع فوق لیسانس و دکتری را در رشته‌ی اسلام و خاورشناسی گذراند و علاوه بر دو سال تدریس در این دانشگاه مدت چهار سال در دانشگاه کالیفرنیا در برکلی به تدریس و تحقیق مشغول شد و در کنفرانس‌ها و کنگره‌های بین‌المللی از جمله در بلژیک، کانادا، آمریکا، مکزیک و آلمان نتایج تحقیقات خود را در قالب مقاله‌های مختلف ارائه داد.

دکتر حائری در سال ۱۳۵۷ به ایران آمد و با عنوان دانشیار در گروه تاریخ دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد به تدریس تاریخ دو سده‌ی اخیر ایران، خاورمیانه و دیگر سرزمین‌های اسلامی پرداخت.

تخصص اصلی دکتر حائری در زمینه‌ی انقلاب مشروطیت و نقش علمای شیعه در آن بود که نتیجه تحقیقاتش در این زمینه در قالب کتاب تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق به دو زبان انگلیسی و فارسی منتشر شد.

از آثار دیگر دکتر حائری می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: نخستین رویارویی اندیشه گران ایران با دو رویه‌ی تمدن بورژوازی در کشورهای اسلامی؛ ایران و جهان اسلام؛ پژوهش‌هایی تاریخی پیرامون چهره‌ها؛ اندیشه‌ها و جنبش‌ها؛ نقشی از نیم قرن تکاپو (خاطرات ایشان). مقاله‌های وی به زبان‌های فارسی و انگلیسی در مجله‌های گوناگون و از جمله در فصلنامه‌ی «مطالعات تاریخی» به چاپ رسیده است.

کتاب نخستین رویارویی‌های اندیشه گران ایران با دو رویه‌ی تمدن بورژوازی غرب در هفتمین دوره‌ی کتاب سال کشور برنده‌ی جایزه شد.

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: خاورشناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

حائری، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: داروشناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای فیزیولوژی و فارماکولوژی از دانشگاه استراسکلاید گلاسکو.

مرتبه علمی:

استادیار گروه فارماکولوژی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در سال ۱۳۶۲ و ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تأثیر داروی گیاهی بر وضعیت اندوکرینی ماده، وضعیت عدم ترک در رابطه با هورمون‌های جنسی، تدریس در دانشگاه‌های مختلف کشور، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۰ پایان‌نامه دکترای تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

فرهنگ فارماکولوژی (ترجمه از انگلیسی به فارسی).

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

مقالات متعدد انگلیسی و فارسی ارائه شده در مجامع کشوری و بین‌المللی در زمینه‌های اندوکرینولوژی، نوروفارماکولوژی، فارماکولوژی دارو-درمان، فیزیولوژی و فارماکولوژی دستگاه‌های مختلف بدن.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

حائری، محمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد علی حائری

محل تولد: سبزوار

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب از سال ۱۳۵۵ در حالی که مدرک سیکل را گرفتم وارد حوزه علمیه سبزوار شدم و پس از یک سال وارد حوزه علمیه قم شده در مدرسه مرحوم آیت الله گلپایگانی پس از امتحان ورودی پذیرش شدم و تا سال ۱۳۶۶ در آنجا مشغول به تحصیل بودم و سپس در درس مکاسب و کفایه آیت الله ستوده شرکت کردم و خلاصه پس از اتمام دوره سطح و اتمام آن در سال ۱۳۷۳ و اتمام امتحانات آن دوره و شش سال شرکت در دروس خارج فقه و اصول و فلسفه مثل شرح منظومه، بدایه الحکمه و نهایه الحکمه نزد آیت الله فاضل، آیت الله مکارم شیرازی، آیت الله سبحانی و آیت الله جوادی آملی و آیت الله انصاری شیرازی و دکتر احمد بهشتی، وارد فضای تحقیق شدم که در سال ۱۳۶۹ کتاب مسالک الافهام که مولف آن شهید ثانی است. این کتاب شرح کتاب شرایع الاسلام سه جلد آن با محققین آن مرکز همکاری داشتم و پس از آن کتاب قواعد الفقهیه آیت الله فاضل را برای تحقیق متون آن به دست گرفتم. و پس از آن کتابی به نام علل و عوامل ظهور و سقوط تمدنها در منابع اسلامی را شروع به نوشتن کردم، بعد به عنوان پایان نامه هم از من پذیرفته شد و هیئت داوران نمره عالی به آن دادند. مدتی با بخش تحقیق و پژوهش ستاد اقامه نماز استان قم همکاری داشتم.

حائری، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود حائری

محل تولد: سمنان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمود حائری فرزند رضا در سال ۱۳۴۴ در شهر سمنان به دنیا آمدم و در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه شهرستان سمنان شدم و پس از آن به قم آمده و در حوزه علمیه قم مشغول به تحصیل شدم و از سال ۱۳۷۱ شروع به درس خارج نمودم که در این زمینه از اساتید به نام آیت الله جوادی آملی، امین شیرازی، وجدانی فخر، اعتمادی، محقق داماد و غیره بهره ها بردم و نیز در زمینه های اجرایی دین فعالیت داشته ام از قبیل دفتر تبلیغات، محقق دانشگاه باقرالعلوم (ع) ارزیاب و مسئول بوده ام.

حائری، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فقیه

تولد: ذی‌الحجه ۱۳۳۴ ق.، اراک.

درگذشت: اسفند ۱۳۶۴.

آیت‌الله مرتضی حائری، فرزند آیت‌الله العظمی عبدالکریم حائری یزدی، مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی قم، متون ادب و صرف و معانی و بیان را از ابوالقاسم نحوی فراگرفت و مقداری از سطوح و متون فقهیه و اصولیه را در خدمت آیت‌الله سید شهاب‌الدین نجفی مرعشی و آیت‌الله صالحی کرمانی خواند و چندی هم از محضر والد خود بهره‌مند شد. بعد از طی مراحل سطح، مدت پانزده سال از درس خارج فقه و اصول آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و نیز از درس خارج آیت‌الله سید حسین بروجردی استفاده کرد و سپس در حوزه‌ی علمیه‌ی قم به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت. وی در مسجد امام قم اقامه‌ی جماعت می‌نمود. ضمناً ایشان دارای طبع شعر بود و اشعاری در توحید و مدح اهل‌بیت عصمت و طهارت از او به جا مانده است.

از آثار ایشان می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: رساله‌ای در حدیث رفع؛ رساله‌ای در تعاقب ایادی؛ کتاب ابتغاء الفضلیه (این کتاب شرحی است بر وسیله نجاه آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی که تلفیقی از چند کتاب قدماء، تذکره؛ شرایع؛ لمعه؛ قواعد و غیر آن می‌باشد و آن شش جلد است که جلد اول به نام ابتغاء الفضلیه به طبع رسیده است)؛ شرتح بر عروه الوثقی تا مبحث اغسال؛ سه جلد؛ دوره اصول به نام مبانی الاحکام فی اصول شرایع الاسلام؛ سه جلد؛ حاشیه بر کفایه؛ حاشیه بر مکاسب (ناتمام)؛ رساله مبسوطی در صلوة جمعه.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

حائریان اردکانی، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مغز و اعصاب، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی و طی دوره رزیدنتی در دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دوره الکتروانسفالوگرافی در بیمارستان امام خمینی تهران به مدت ۶ ماه، دوره الکتروانسفالوگرافی در دانشگاه اسلو به مدت یک سال.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحقیق در زمینه مغز و اعصاب راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴ پایان‌نامه دکترا در هر سال.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: متعدد، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای مغز و اعصاب و الکتروانسفالوگرافی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

حب حیدر اردبیلی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۸۲- ۱۲۹۵ ق)، عارف، پیشوای فرقه‌ی ذهبیه. در اردبیل متولد شد. در بیست و سه سالگی وارد فرقه‌ی ذهبیه شد و پس از طی مراتب سلوک و مقامات عالی‌ی عرفانی و ارتقاء به مقام ارشاد و شیخی، به جانشینی پیرو مراد خویش، میرزا احمد تبریزی، وحید الاولیا، رسید و سی هشتمین پیشوای فرقه‌ی ذهبیه شد. وی در شیراز درگذشت. از آثار او: ساختمان مجلل خانقاهی برای فرقه‌ی ذهبیه در شیراز، که آرامگاه وحید الاولیا و قبر خودش در آنجا قرار دارد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۷۵/۳)، شرح حال رجال (۲۴۵- ۲۴۴/۶).

حبلرودی رازی، نجم‌الدین خضر

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۸۵۰ ق)، متکلم و فقیه امامی. در حبلرود ری متولد شد و در نجف ساکن. وی از شاگردان شمس‌الدین محمد بن سید شریف جرجانی بود و معاصر با علامه دوانی و شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی. از آثار وی: «التحقیق المبین فی شرح نهج المسترشدین»، در اصول؛ «جامع الاصول»، در شرح کتاب «الفصول فی الاصول»؛ «حقایق العرفان فی خلاصه الاصول و المیزان»؛ «توضیح الانور»؛ «تحفه المتقین فی اصول الدین»؛ «جامع الدقائق»، در منطق؛ «القوانین»؛ «جامع الدرر»، در شرح «الباب الحادی عشر» علامه، خلاصه‌ی آن: «مفتاح الغرر».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۲۳/۶)، الذریعه (۳۳۷- ۳۳۶/۲۱، ۴۱/۵، ۴۹۱/۴، ۴۸۴/۳)، روضات الجنات (۲۵۱/۳)، ریاض العلماء (۲۳۹- ۲۳۶/۲)، ریحانه (۱۳۸- ۱۳۷/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۶- ۵۵/۹)، لغت نامه (ذیل / خضر)، معجم المؤلفین (۱۰۲/۴).

حبیب اصفهانی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۱۵ ق)، ادیب، نویسنده، زبان‌شناس و شاعر، متخلص به داستان. در قریه‌ی بن از توابع چهارمحال اصفهان متولد شد. در اصفهان به تحصیل علوم پرداخت. بعد از تحصیل ادبیات و فقه و اصول در بغداد، به تهران آمد و پس از چندی به استانبول رفت و در آنجا مقیم شد. میرزا حبیب با شیخ احمد روحی و یاران او معاشرت داشت و در نهضت آزادمردانی که برای بیداری ایرانیان در کوشش بودند همکاری داشت. وی بیشتر اوقات خود را به تدریس و آموزش زبان فارسی در استانبول می‌گذراند و علاوه بر زبان فارسی به زبان ترکی و فرانسه مسلط بود. گاهی نیز به سرودن شعر می‌پرداخت. در اواخر عمر برای معالجه به آبهای بوسا رفت و همان جا درگذشت و در گورستان چکرگه دفن شد. از آثار وی: «برگ سبز»، «خط و خطاطان»، «دستور سخن»، «دبستان پارسی»، «رهنمای فارسی»، «غرائب عقائد ملل»، «دیوان» اشعار؛ ترجمه‌ی کتاب «حاجی بابا»، [۱]

اصفهانی (میرزا) متخلص به داستان، دانشمند ایرانی (ف. بورسه ۱۳۱۱ ه.ق.) وی به جرم دهری بودن و اتهام سیاسی از ایران به استانبول تبعید شد و تا سال فوت غالباً در مکتب سلطانی آن شهر به تدریس زبان و ادبیات فارسی مشغول بود. از آثار او دستور سخن، تصحیح و طبع دیوان اطعمه ابواسحاق حلاج شیرازی، تصحیح و طبع دیوان البسه قاری، منتخب کلیات عبید زاکانی با مقدمه فرانسوی فرته، غرائب عوائد ملل، برگ سبز، خط و خطاطان (ترکی)، دبستان فارسی، خلاصه رهنمای فارسی، رهبر فارسی، ترجمه مولیر به فارسی به نام «مردم گریز» و ترجمه «حاجی بابا» است و دیوان شعری هم دارد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] از صبا تا نیما (۴۰۵- ۳۹۵/۱)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۵۹۹/۲)، تذکره‌ی القبور (۲۴۷)، شرح حال رجال (۳۱۴- ۳۱۳/۱)، مولفین کتب چاپی (۴۷۰- ۴۶۹/۲).

حبیب الهی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود حبیب الهی

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۴۴ هجری شمسی در شهر اصفهان در خانواده‌ی روحانی به دنیا آمدم. مرحوم پدرم از شاگردان بنام مرحوم آیت الله خادمی اصفهانی محسوب می‌شدند. با تشویق ایشان بعد از اخذ مدرک دیپلم در سال ۱۳۶۲ بلافاصله وارد حوزه علمیه

اصفهان شدم و با جدیت تمام دروس مقدمات را نزد مرحوم پدر فراگرفتم و سپس دروس سطح را نزد اساتیدی همچون مرحوم آیت الله امامی گذراندم. در سال ۱۳۶۹ علاقه شدیدی به فراگیری علوم اسلامی در سطح بالاتر مرا به شهر مقدس قم کشانید و ادامه دروس سطح را نزد اساتیدی همچون آیت الله پایانی، وجدانی و حجه الاسلام موسوی تهرانی گذراندم. در سال ۱۳۷۵ وارد درس خارج فقه و اصول شده و از محضر اساتیدی همچون آیت الله مکارم شیرازی و مرحوم آیت الله تبریزی در فقه و از محضر آیت الله سبحانی در اصول بهره بردم همزمان با شروع درس خارج در سال ۱۳۷۶ در رشته کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شدم و بعد از دو سال به عنوان نفاول آن دوره پس از دفاع پایان نامه فارغ التحصیل گردیدم. هم اکنون علاوه بر تحصیل در خارج فقه و اصول به تدریس فلسفه و کلام در مدرسه عالی امام خمینی (ره) نیز مشغول هستم.

حبیب خراسانی، حبیب

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۷ - ۱۲۶۶ ق)، فقیه، مجتهد، عارف و شاعر، متخلص به حبیب. مشهور به شهیدی و آقا. وی از خاندان شهید ثالث بود که در مشهد متولد شد. پس از تحصیلات مقدماتی و فراگیری زبان فرانسه، جهت تکمیل تحصیلات به عراق رفت. در سامرا شاگردی میرزا حسن شیرازی کرد و در نجف به محر حاج میرزا حبیب‌الله رشتی رسید. در عراق توسط میرزا مهدی گیلانی، معروف به خدیو، به جمع مریدان غلامعلی خان هندی پیوست و بعد از مرگ مرشدش، مرید میرزا خدیو شد. میرزا حبیب پس از بازگشت به مولد خویش، راه عراق را پیش گرفت و به ارشاد مردم پرداخت و در میان مردم محبوبیتی خاص پیدا کرد. سید حسن مشکان طبسی از شاگردان وی بود. میرزا حبیب در مشهد درگذشت و در صفا شاه طهماسب دفن شد. وی طبع و ذوق شاعری داشت و به زبان فرانسه، مسلط بود. از آثار او: «دیوان» شعر و «گنج گهر».[۱]

حبیب خراسانی (حاج میرزا) ابن حاج میرزا هاشم بن میرزا هدایت‌الله بن میرزا مهدی خراسانی شهید، عالم و شاعر خراسانی (و. مشهد ۱۲۶۶ ه.ق. - ف. ۱۳۲۷ ه.ق.). وی پس از طی دوره کودکی در دامان علم و ادب و فضل تربیت یافت و سرآمد اقران گردید و صاحب ملکات فاضله بود و از عرفان وقوفی تام داشت. دیوان کامل اشعارش به طبع رسیده. غزلیات وی شور و حالی مخصوص دارد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۵۶۲ - ۵۶۱/۹)، سخنوران نامی معاصر (۱۰۸۰ - ۱۰۷۴/۲)، سرآمدان فرهنگ (۲۸۸ - ۲۸۷/۱)، شرح حال رجال (۷۷ - ۷۶/۶)، مولفین کتب چاپی (۴۹۵/۲).

حبیبی احمدآبادی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی حبیبی احمدآبادی

محل تولد: کربلاء

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه المهدی (عج) که زیر نظر حضرت آیت الله گلپایگانی (ره) بود مشغول به تحصیل شدم. بعد از دو سال به مدرسه علمیه رسالت منتقل شدم و تا اتمام لمعتین در آن مدرسه به درس خود ادامه دادم. با پیروزی انقلاب اسلامی و نیاز شدید به دبیران دینی، دو سال اول انقلاب را در دبیرستان‌ها و دانشسراهای محلات و بوشهر به تدریس کتاب‌های دینی و آموزش قرآن پرداختم و بعد از آن برای ادامه تحصیل به قم بازگشتم و سر درس رسائل و مکاسب حاضر شدم. در کنار تحصیل در فرصت‌های مناسب برای تبلیغ به جبهه‌ها اعزام می‌شدم، ولی با توجه به مطالعات و تحقیقات جنبی که در علوم قرآنی داشتم و تجربیات و موفقیت‌های کسب شده در امر تدریس و کلاس‌داری و نیاز شدید به معلمین قرآن (با توجه به نهضت قرآنی که به برکت انقلاب اسلامی راه افتاده بود) تمامی همت و وقت خود را صرف برگزاری دوره‌های تربیت معلم قرآن کریم نمودم.

با تاسیس بخش قرآن سازمان تبلیغات اسلامی، همکاری خود را با آن بخش شروع کردم و ضمن تدریس در دوره‌های تربیت معلم قرآن کریم، ویژه معلمین آموزش و پرورش که از سراسر کشور در تابستان‌ها در تهران جمع می‌شدند برای برگزاری دوره‌های ضمن خدمت معلمین قرآن به شهرها اعزام و به تدریس مهارت‌های تدریس قرآن کریم می‌پرداختم.

با گسترش فعالیت‌های قرآنی بخش قرآن و تبدیل آن به دار القرآن الکریم سازمان تبلیغات اسلامی و کانون‌های قرآن در مراکز استان‌ها و شهرستان‌هایی که سازمان تبلیغات اسلامی در آن شهرستان‌ها نمایندگی داشت، از طرف دار القرآن به آن مرکز جهت برگزاری دوره‌های تربیت معلم قرآن کریم اعزام می‌شدم تا معلمین مورد نیاز برای آموزش قرآن در تابستان‌ها و ماه مبارک رمضان، آموزش لازم را دیده باشند و به تدریس یکنواخت قرآن کریم در سراسر کشور بپردازند.

برای آموزش یکنواخت قرآن کریم در سراسر کشور، ابتدا با همکاری دو تن از اساتید دار القرآن کریم، جزوه آموزش قرآن کریم تهیه نمودیم. سپس آن جزوه در دو سطح: یک برای خردسالان و دو برای بزرگسالان توسط این جانب تکمیل و برای معلمین قرآن نیز کتاب راهنمای تدریس روخوانی قرآن کریم تألیف نمودم که بعدها اصلاح و تکمیل شد و الحمد لله اکنون به عنوان کتاب مشهور برای آموزش قرآن در اختیار علاقمندان می‌باشد، به طوری که هر سال بیش از دویست هزار جلد روخوانی قرآن کریم و ده هزار جلد راهنمای تدریس روخوانی قرآن کریم چاپ و منتشر می‌شود.

همزمان با فعالیت‌های قرآنی در شهرستان‌ها، کانون قرآن سازمان تبلیغات اسلامی قم را تاسیس و دوره‌های متعدد تربیت معلم قرآن کریم در طول سال برای طلاب ایرانی و غیر ایرانی و عموم علاقمندان قرآن کریم برگزار می‌نمودیم که الحمد لله با استقبال بسیار طلاب مواجه می‌گردید.

در کنار فعالیت‌های قرآنی، کار تحقیقات در زمینه‌های مختلف علوم قرآنی را ادامه دادم و ضمن تکمیل کتاب‌های قبلی، کتاب‌های دیگری را تألیف که در ادامه آورده‌ام.

در سال ۱۳۷۶ واحد قرآن مرکز مدیریت حوزه علمیه قم را راه‌اندازی و اقدام به برگزاری دوره‌های تربیت معلم قرآن کریم ویژه طلاب علوم دینی (ایرانی و غیر ایرانی) نمودم که دوره‌های مذکور در سطح عالی و به صورت استدلالی برگزار می‌شد.

کتاب رسم و ضبط مهارت‌های تدریس قرآن کریم این جانب رتبه تشویقی کتب برگزیده حوزه را در اولین سال تشکیل این نهاد به خود اختصاص داد و امسال نیز به عنوان خادم قرآن در استان قم انتخاب شدم.

خداوند را شاکرم که در حدود ۲۵ سال فعالیت های قرآنی بیش از پنجاه هزار نفر علاقمندان تدریس قرآن کریم ، معلمین آموزش و پرورش ، طلاب علوم دینی ایرانی و غیر ایرانی اعم از خواهر و برادر ، دوره های آشنایی با مهارت های تدریس قرآن کریم را نزد این جانب طی کرده اند ، و بیش از صد هزار نفر از کتاب های رسم و ضبط و مهارت های تدریس قرآن کریم استفاده کرده اند ، و بیش از دو میلیون نفر از کتاب های آموزش قرآن این جانب بهره مند شده اند .

اکنون به یاری خداوند در کنار حضور در درس خارج فقه آیت الله العظمی فاضل لنکرانی به تدریس و تحقیق نیز مشغول می باشم .

حبیبی تبار، جواد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جواد حبیبی تبار

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱۰/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۶ همزمان با تحصیلات کلاسیک به تحصیل علوم حوزوی مشغول شدم. دروس مقدمات را نزد علامه فقید مدرس افغانی (ره) تلمذ کردم، سپس لمعه و معالم و شرح باب حادی عشر را از محضر پر فیض آیت الله اشتهاردی (دام عزه) استفاده کردم. رسائل را نزد آیت الله اعتمادی (دام عزه) و مکاسب را نزد مرحوم آیه الله ستوده (ره) خواندم. بخشی از کفایه را نزد آیه الله دوزدوزانی و بخشی دیگر را نزد حضرت آیه الله فاضل لنکرانی استفاده کردم. اسفار را نزد آیه الله انصاری شیرازی (دام عزه) بهرمنند بودم و در درس اخلاق معظم له نیز حضور داشتم مدتی عرفان را نزد آیه الله شاه آبادی مستفیض بودم. تفسیر را از محضر آیه الله جواد آملی و مدتی فلسفه را نزد استاد دکتر محقق داماد (دام عزه‌ها) بهره بردم، و از محضر آیات علوی کاظمینی، وحیدی شبستری و خوانساری در خارج فقه و اصول بهره‌مند بوده‌ام و هم‌اینک از محضر آیات وحید خراسانی و فاضل لنکرانی (دامت برکاتهما) استفاده می‌کنم. تحقیقات خود پیرامون مسائل و موضوعات حقوق به ویژه حقوق اسلامی را از سال ۱۳۶۴ آغاز نمودم و از محضر اساتید بزرگوار چون دکتر کی‌نیا، دکتر محقق داماد، دکتر آخوندی، دکتر سپهوند، دکتر گودرزی، دکتر یآوری، دکتر جهانگیر ثانی، جناب آقای شهری، و جمع دیگری از اساتید استفاده برده‌ام. فن خطابه را نزد مرحوم حجت الاسلام و المسلمین فلسفی و روانشناسی خانواده را نزد حجت الاسلام و المسلمین آل اسحاق و دکتر نبی صادقی خواندم.

از اینجانب یک جلد کتاب در اصول فقه، یک جلد در تفسیر، یک جلد در مدیریت، یک جلد در حقوق خانواده، یک جلد در امور حسبی، یک جلد در آیین دادرسی کیفری و دو جلد در موضوعات دیگر به چاپ رسیده است. ۸ جلد در حقوق مدنی، ۴ جلد در متون فقه، ۴ جلد در موضوعات حقوق به صورت رساله علمی به صورت دست نویس وجود دارد. اینجانب سالهاست که در مراکز حوزوی و دانشگاهی ذیل تدریس و یا فعالیت علمی دارم: ۱. اداره کل آموزش قضات قوه قضائیه، که در قم و مراکز

استان ها تا کنون حدود یک هزار نفر از قضات شاغل کشور در کلاس های درس اینجانب حاضر بوده اند. ۲. دانشگاه تهران - پردیس قم - صدها نفر از قضات و وکلای داگستری و مشاورین حقوق کشور که از این مرکز علمی، در رشته های حقوق و فقه و مبانی حقوق اسلامی فارغ التحصیل شده اند در کلاس های درس اینجانب حضور داشته اند. ۳. دانشگاه قم درس های رویه قضایی و آئین دادرسی مدنی در این دانشگاه برای دانشجویان محترم تدریس شده است. ۴. مرکز تخصصی حقوق و قضاء اسلامی حوزه مقدسه قم، تقریباً از بدو تاسیس این مرکز تخصصی با تدریس حقوق مدنی و آیین دادرسی کیفری در خدمت صدها دانش پژوه آن بوده و هستم. ۵. مرکز جهانی علوم اسلامی، در این مرکز برای طلاب محترم خارجی که رشته حقوق تحصیل می نمایند تدریس داشته ام از جمله برای هشتاد نفر از قضات بالقوه افغانستان. ۶. مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، در این مرکز در کمیسیون آسیب شناسی قوانین مدنی کشور عضویت و با دوستانی چون آقایان دکتر وحدتی شبیری، دکتر عبدی پور، دکتر ارسطا و دکتر قشقایی به کارشناسی در رابطه با قوانین مدنی و آسیب های آن پرداخته ام. ۷. کمیسیون تدوین پیش نویس قانون احوال شخصیه شیعیان بحرین، در این کمیسیون پیش نویس قانونی در زمینه احوال شخصیه به معنی اعم آن شامل مقررات راجع به ولادت، نسب، نکاح، طلاق، ارث، وصیت، وقف مورد بررسی و تصویب علمی قرار گرفت. ۸. صدا و سیما، سالهاست که به عنوان کارشناس حقوق اسلامی در رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی فعالیت داشته و ارائه برنامه داشته و دارم. علاوه بر موارد مذکور در حوزه های علمیه بندرعباس، نهاوند و قم به تدریس متون ادبی و نیز کتب لمعه، معالم، اصول فقه، باب حادی عشر، رسائل و مکاسب اشتغال داشته ام.

حیبی، حشمت‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: زنان و مامایی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

حیبیان نقیبی، مجید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مجید حیبیان نقیبی

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مجید حبیبیان نقیبی با گذراندن دوران ابتدائی، راهنمائی و دبیرستان در شهرستان بابل، دیپلم رشته ریاضی فیزیک را در سال ۱۳۶۱ دریافت نمودم. در شهریور همان سال به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمدم و در سال ۱۳۶۳ برای تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه بابل شدم که به واقع حضور در جمع با انگیزه طلاب انقلابی در محضر اساتید بزرگوارى چون آیت الله فاضل استرآبادی، سعادت بزرگی بود که خداوند متعال ارزانیم داشت.

دروس مقدماتی و بخشهایی از سطح را در محضر ایشان آموختم. از سال ۱۳۶۷ برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم آمدم و تا سال ۱۳۶۹ بقیه دروس سطح را در محضر اساتید بزرگوارى چون حضرات آیات اعتمادی، دوزدوزانی و استادی تلمذ نمودم و از آن سال تا کنون در دروس خارج فقه و اصول از محضر آیات عظام وحید خراسانی، میرزا جواد تبریزی (ره)، فاضل لنکرانی (ره)، سید محمود هاشمی شاهرودی و سید جعفر کریمی به قدر توان بهره مند شده و می شوم.

در کنار تحصیل از سالهای اول تحصیل حوزوی، به تدریس دروس مختلف حوزوی تا پایه ششم اشتغال داشتم. از سال ۱۳۶۹ به همراه تحصیلات و تدریس حوزوی، در دانشگاه مفید قم و در رشته اقتصاد نظری به تحصیل دروس دانشگاهی پرداختم. در سال ۱۳۷۴ برای ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد در رشته توسعه اقتصادی و برنامه ریزی در دانشگاه تهران ادامه تحصیل دادم و در سال ۱۳۷۷ از این مقطع فارغ التحصیل شدم. از سال ۱۳۶۷ در کنار تحصیل و تدریس در حوزه و دانشگاه به امر پژوهش نیز پرداختم که حاصل آن کتاب، طرح تحقیقاتی و مقالاتی است که منتشر و ارائه شده است.

در حال حاضر نیز در کنار تحصیل در حوزه عضو هیئت علمی دانشگاه مفید قم می باشم و به تحقیق در موضوعات اقتصاد اسلامی و تدریس در آن دانشگاه اشتغال دارم.

حبیب تفلیسی، شرف الدین، ابوالفضل

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۲۹ ق)، دانشمند و طبیب. وی از بزرگان علم و حکمت بود و در معالجات صاحب رای. چند اثر از او به فارسی و تازی باقی مانده، از آن جمله: «کامل التعمیر» به فارسی که برای قلع ارسلان رومی تالیف کرده است؛ «بیان الطب»، به فارسی؛ کتاب «القوافی»، به فارسی؛ «کفایه الطب»، به عربی؛ «بیان التصریف»، به عربی؛ «بیان الصناعات»؛ «قانون الادب»، در لغت از عربی به پارسی؛ «بیان النجوم»، در هیات و نجوم به پارسی؛ «جوامع البیان»؛ «وجوه القرآن» و «حجه الابدان»، در طب. [۱]

تفلیسی، ابوالفضل ابراهیم بن محمد مکنی به ابوالفضل و ملقب به کمال الدین، در حکمت، هیئت و نجوم، هندسه، لغت، تفسیر و طب و غیره نامبردار و صاحب تصانیف است (ف. حدود ۶۲۵ ه. ق). آثار عمده وی از این قرار است: تقویم الادویه، تلخیص علل القرآن، بیان النجوم، قانون الادب فی ضبط کلمات العرب (به فارسی)، کامل التعمیر (به فارسی). جوامع البیان (به فارسی). ترجمان قوافی (به فارسی)،

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ ادبیات در ایران (۹۹۹-۹۹۸/۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۲۸)، لغت نامه (ذیل / حبش ابن ابراهیم، حبش ابن محمد، حبیب تفلیسی)، الذریعه (۲۵۴، ۲۵۳، ۱۹۶، ۱۸/۱۷)، سبک شناسی (۳۹۵-۳۹۳/۲)، کشف الظنون (۱۳۸۰-۱۳۷۹، ۲۶۲، ۲۶۱)، معجم المؤلفین (۱۸۹/۳)، هدیه العارفین (۲۶۳/۱).

حبیب ثقفی طوسی بغدادی

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۸۵ ق)، محدث و عالم امامی. علامه حلی در «خلاصه الاقول» او را حبیب خوانده اما نجاشی وی را تحت عنوان حبیب بن مبشر، برادر جعفر بن مبشر با کنیت ابو عبدالله آورده است. حبیب از عامه روایت می‌کرد و احادیث بسیار از آنها می‌آورد. او را کتابی نفیس به نام «اخبار السلف» است. برادر وی از بزرگان معتزله بود. صاحبان «تاریخ بغداد» و «تهذیب التهذیب» در وصف او گویند: فقیهی طوسی الاصل و برادر جعفر بن مبشر متکلم است. او از فرزندان بغداد بود و از استادان روایت یونس مودب و وهب بن جریر و عده‌ای دیگر. اسحاق بن بنان انماطی و ابوبکر قاضی مروزی و عده‌ای دیگر از وی روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴۰۵/۹)، تاریخ بغداد (۲۷۲/۸)، تهذیب التهذیب (۱۸۰/۲)، رجال النجاشی (۳۴۴/۱).

حجاج اسفراینی، ابوالحسن علی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س پنجم ق)، ادیب، شاعر. از رجال بزرگ عهد غزنویان، پدرش از وزیران مشهور محمود است و از ممدوحان فرخی سیستانی وی به زبان عربی شعر می‌گفت و در تذکره‌ها اشعاری از او باقی مانده. مترجم «تاریخ عتبی» فضل و کمال او را ستوده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۵۳۸)، ترجمه‌ی تاریخ یمینی (۲۱۷)، سرآمدان فرهنگ (۱/ ۶۴)، فرخی سیستانی (۱۱۸ - ۱۱۷)، لغت‌نامه (ذیل / ابوالحسن اسفراینی).

حجازی خمینی‌شهری، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد مهدی بن سید محمد حسن بن سید محمد علی بن سید حسنعلی بن سید محمد بن سید محمدرضا بن سید محمد علی بن سید مهدی بن سید تراب بن حیدر بن کاظم بن سید هدایت‌الله بن سید مهدی بن سید ابراهیم بن سید زین‌العابدین بن سید ابراهیم بن سید کریم‌الدین بن سید رکن‌الدین بن سید زین‌الدین بن سید صالح بن سید محمد بن سید محمود بن سید حسین بن سید حسن بن سید احمد بن سید ابراهیم بن سید عیسی بن سید حسن بن سید یحیی بن سید ابراهیم بن سید حسن بن سید عبدالله بن الامام موسی الکاظم علیه الصلوه والسلام.

معظم‌له که بسی واسطه به حضرت باب‌الحوائج الی‌الله امام هفتم حضرت موسی بن جعفر علیها‌السلام منتهی می‌شود از علماء مبرز و

محترم اصفهانست.

شجره‌نامه ایشان که به امضاء و تصحیح آیات عظام اصفهان و غیره توشیح گردیده به نظر حقیر رسید. و نسب فوق از آن اتخاذ شده است.

وی در سال ۱۳۲۰ قمری هجری در سده به دنیا آمده و در بیت علم و سیادت پرورش یافته و خدمت مرحوم والدش مقدمات را خوانده و قبل از پانزده سالگی از آن و شرایع الاسلام فارغ شده و سطوح را از مرحوم آیت‌الله حاج شیخ علی یزدی و مرحوم آیت‌الله آقا میرزا احمد اصفهانی و آیت‌الله حاج میرزا رحیم ارباب خوانده و سطوح عالی را از مرحوم آیت‌الله آقا شیخ محمدحسین فشارکی و آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریمی کزی و حساب و هندسه را از آقای حاج آقا رحیم ارباب آموخته و دروس خارج فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌الله آقا شیخ محمدرضا مسجدشاهی و آخوند گزی و آقای فشارکی استفاده نموده و بعداً قریب هفده سال در درس خارج مرحوم آیت‌الله حاج میرزا محمدصادق خاتون‌آبادی شرکت و دو دوره اصول و طهاره و صلوه و مکاسب و غیره را به ترتیب تکمیل نموده تا به مرحله اجتهاد رسیده‌اند.

حکمت و فلسفه را هم از مرحوم حاج میرزا جواد آدینه‌ای و حاج شیخ محمد خراسانی و حاج شیخ اسدالله قمشه‌ای فرا گرفته تا بعد از فوت استادش مرحوم خاتون‌آباد به تدریس سطح و خارج فقه و اصول اشتغال یافته و در حال حاضر در خمینی شهر به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و بیان احکام موفق می‌باشند.

دارای ۹ فرزند ذکور که اکثریت در سلک روحانیت و مشغول به تحصیل فقه و اصول و علوم اسلامی به اسامی ذیل می‌باشند.

۱- جناب حجة الاسلام آقا سید محمدتقی حجازی ۲- حجة الاسلام آقا سید محمدحسن حجازی ۳- حجة الاسلام آقا سید محمد ۴- آقا سید محمدعلی ۵- آقا سید احمد ۶- آقا سید محمدرضا.

از تألیفات معظم له ۱- دوره اصول الفقه ۲- اکثر کتب فقهیه ۳- رسالاتی در متفرقات. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

حجازی دزفولی، صدرالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۳/ ۱۳۲۲- ۱۲۷۳ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به حجازی. در تهران متولد شد. پدرش از علمای خوزستان و قطب سلسله‌ی ذهبیه بود. حجازی در نه سالگی باتفاق پدر خود به دزفول رفت و علوم متداول را نزد پدرش فراگرفت. در مجلس موسسان اول نماینده بود، بعدها دو دوره‌ی متوالی به نمایندگی مجلس انتخاب شد. حجازی طبع شعری نیز داشت و اشعاری می‌سرود. وی همچنین در مجله‌ی «ارمغان» به نشر مقالات ادبی، تحقیقی و انتقادی می‌پرداخت. او حدود بیست جلد کتاب تألیف کرده است. از جمله‌ی آثار او: «شکرستان تاریخ شش هزار ساله‌ی خوزستان»، «ظهور محمد (ص)»، ترجمه از انگلیسی؛ «نعم الظهر فی طلب اکسیر».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سخنوران نامی معاصر (۱۰۹۶- ۱۰۹۴/ ۲)، مولفین کتب چاپی (۵۳۷- ۵۳۶/ ۳).

حجازی راد، الله کریم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

الله کریم حجازی راد

محل تولد: اسلام آباد غرب

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۶/۲

زندگینامه علمی

از سال ۷۳ که وارد حوزه علمیه قم شدم ادامه درس و بحث خود را که کرمانشاه شروع کرده بودم پی گرفتم سال ۱۳۸۰ بنا به ضرورت به تحریریه پرتوسنجی رفتم و تا سال ۸۳ آنجا بودم همزمان در دفتر جریان شناسی معاصر مشغول پژوهش و تحقیق و گردآوری موضوعات مختلف شدم که حاصل آن پژوهشها منتشر شده و از سال ۸۲ سردبیری نشریه داخلی نیروی دریایی سپاه پاسداران به عهده ام گذاشته شد که حدود سه سال و اندی هم مشغول این کار بودم. و همزمان از دروس حوزوی نیز غافل نبودم و کلاسهای فقه و اصول و خارج فقه و اصول و تفسیر قرآن کلام، فلسفه و ... می رفتم در سال ۸۰ گواهی نامه علمی سطح دو را اخذ کردم و اکنون نیز برای گواهی نامه سطح سه ثبت نام کرده ام و مشغول تدارک آن هستم و همچنان تحصیل را ادامه می دهم.

حجازی، ایرج

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ایرج حجازی

محل تولد: لردگان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ایرج حجازی در سال ۱۳۵۳ در روستای تل ماران از توابع شهرستان لردگان (استان چهارمحال و بختیاری) در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمدم. دوران کودکی را همانند بیشتر کودکان روستایی گذراندم. در سال ۱۳۶۸ برای تحصیل علوم دینی راهی اصفهان شدم و در مدرسه علمیه ذوالفقار که دارای برنامه‌ها و نظم خاصی بود مشغول به تحصیل شدم و از محضر بزرگان و اساتیدی همچون آیت‌الله مرحوم سید احمد امامی، آیت‌الله سید حسن امامی، حجج اسلام آقایان حجت ابطحی، مصطفی بهرمن، سید ابوالحسن درخشان (حسینی) و ... و در قم از محضر بزرگانی همچون سید هاشم حسینی بوشهری، حسینی خراسانی، علی محمد خراسانی، احمد عابدی، نجف لک زایی، غلامرضا بهروزلک، محمدجواد ارسطی بهره بردم. در سال ۱۳۷۷ در دوره تاریخ اسلام شرکت کردم و در سال ۱۳۷۹ وارد دانشگاه باقرالعلوم(ع) شدم و در رشته علوم سیاسی مشغول به تحصیل شدم و در سال

۱۳۸۳ در دوره کارشناسی ارشد علوم سیاسی با گرایش مسائل ایران به تحصیل ادامه دادم. و در سال ۱۳۸۶ فارغ التحصیل شدم.

حجازی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۲۹۷، ملایر.

درگذشت: ۲ خرداد ۱۳۵۹، تهران.

حسین حجازی تحصیل کرده‌ی بیروت بود. دوران خدمات اداری او در وزارت راه گذشت. در آنجا مدت سه چهار سال سردبیری «نامه‌ی راه» را بر عهده داشت و در آن مجله‌ی نوشته‌های ادبی و اجتماعی را از نشریات خارجی ترجمه و نشر می‌کرد. پس از آن از سال ۱۳۲۳ به چاپ و نشر مجله‌ی «جهان نو» پرداخت. صاحب امتیاز مجله و گرداننده و پخش کننده‌ی آن خودش بود. «جهان نو» مدت سیزده سال منتشر شد. در قسمتی از سال‌های اول انتشار آن، مرتضی کیوان سردبیر آن بود. سپس امین عالیمرد با وی همکاری می‌کرد.

«جهان نو» عاقبت در سال ۱۳۳۳ از انتشار باز ماند. تا اینکه مجدداً در سال ۱۳۴۵، به قطع وزیری و به طور ماهیانه تجدید انتشار یافت.

حسین حجازی در چند سال اواخر عمر کتابخانه‌ی شهرداری تهران را تأسیس کرد. از ترجمه‌های مستقل او که به چاپ رسیده است عناوین زیر هستند: بزرگترین شخصیت در تاریخ بشریت (م. زمیر)؛ انسان آینده (لئونارد داروین، ۱۳۲۱)؛ عصمت عروس می‌شود (نوشته‌ی گرین ویشرین، ۱۳۴۱).

(۱۳۵۹-۱۲۷۹ ش)، روزنامه‌نگار و مترجم. در ملایر متولد شد. تحصیلات خود را در بیروت گذراند. دوران خدمات اداری او در وزارت راه گذشت و در آنجا حدود چهار سال سردبیری «نامه‌ی راه» را بر عهده داشت و در آن نوشته‌های ادبی و اجتماعی خارجی را ترجمه و نشر می‌کرد. چندی نیز سردبیر مجله‌ی «راه نو» بود. وی پس از آن در سال ۱۳۲۳ ش به چاپ و نشر مجله‌ی «جهان نو» پرداخت، این مجله در سال ۱۳۳۳ ش از انتشار بازماند. تا اینکه از سال ۱۳۴۵ ش به طور ماهنامه مجدداً انتشار یافت. حسین حجازی در اواخر عمر کتابخانه‌ی شهرداری را تأسیس کرد. از آثار وی: ترجمه‌های «بزرگترین شخصیت در تاریخ بشریت»،

از م. زمیر؛ «انسان آینده»، از لئونارد داروین؛ «عصمت عروس می‌شود»، نوشته‌ی گرین ویشرین. [۱]

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه: [۱] آینده (س ۶، ش ۱۲-۹ ص ۹۳۰-۹۲۲)، مولفین کتب چاپی (۲/۷۲۲).

حجازی، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آناتومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکتر از دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، فوق دکتر با تخصص در رشته آناتومی از دانشگاه LOMD LINDA آمریکا.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

حجازی، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مهدی حجازی

محل تولد: شهرضا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۰۳/۱/۱

زندگینامه علمی

نا به سامانی های واپسین روزهای حکومت قاجار در کام زمانه شراره می ریخت ، سال ۱۳۰۳ هجری بود . در کانون کهن علم و فلسفه شهر باستانی قمشه (شهرضا) و در خانه عالم بزرگ شهر «حاج سید فضل الله حجازی» لبخندها می شکفت و تولد سید مهدی حجازی را با شادی می آمیخت ، او دوران کودکی را در خانواده ای که در علم و تقوا سابقه دیرین داشت سپری کرد و از تربیت های علمی و اخلاق پدر و نیاکان خویش پرتو گرفت. در آغاز جوانی برای تحصیل علوم دینی رهسپار اصفهان گردید. سالها در اصفهان با تلاش پیگیر ، ساده زیستی ، خودسازی و باور پولادین ، رشته های مختلف فرهنگ اسلامی را فرا گرفت ، استادان او در اصفهان عبارت بودند از: آیت الله حاج شیخ عباسعلی ادیب اصفهانی ، آیت الله میرزا علی آقای شیرازی ، آیت الله حاج شیخ محمد حسن نجف آبادی ، آیت الله طیب ، آیت الله خادمی ، آیت الله حاج آقا صدر کوهپایه ای ، آیت الله حاج شیخ احمد فیاض . آیت الله حجازی در سال ۱۳۷۰ هجری برای تعالی بیشتر علمی و کسب تخصص فراتر فرهنگی و نیل به درجه عالی اجتهاد رهسپار نجف اشرف شد . وی علی رغم تنگناهای مادی در طول ۱۷ سال سکونت در نجف اشرف به فراگیری پیگیر علوم اسلامی پرداخت و از محضر مراجعی چون: حضرت امام خمینی ، آیت الله العظمی حکیم ، آیت الله العظمی خویی ، آیت الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی ، آیت الله العظمی حاج سید عبدالاعلی سبزواری ، آیت الله العظمی حاج سید جواد تبریزی ، آیت الله العظمی حاج سید یحیی یزدی رحمه الله علیهم اجمعین بهره کافی گرفت. دستیابی به درجه اجتهاد یکی از فرازمنندترین فله های ارتقای علمی و فقهی در حوزه های علمیه رسیدن به رتبه اجتهاد و گرفتن اجازه اجتهاد از مراجع بزرگی که به ایشان اجازه اجتهاد داده اند عبارتند از: آیت

الله العظمی سید یحیی حسینی یزدی نجفی، آیت الله العظمی حاج سید محمد جواد طباطبائی تبریزی نامبرده در اول نوشته خویش آیت الله حجازی را این گونه وصف می کند: سید مهدی حجازی، دانشمند فاضل، تقوا پیشه پیراسته، برگزیده بزرگان، پشوانه دانشمندان اسلام، رهرو راه استوار صاحب ذوق آراسته به مرتبه اجتهاد رسیده اند. آیت الله العظمی سید ابوالمعالی حاج سید عبدالاعلی سبزواری، ایشان نیز در مرقومه خویش درباره آیت الله حجازی می نویسد: حجه الاسلام حجازی با آراستگی اخلاق معارف اسلامی را فرا گرفته است، مبانی احکام را استوار ساخته و به درجه اجتهاد رسیده است.

حجازی، نصرت الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد ۱۳۱۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آسیب شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۳۵، فوق تخصص آسیب شناسی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۰.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه های علمی و تحقیقاتی:

تحقیق در آسیب شناسی و مسائل گوناگون پزشکی، دریافت جایزه و تشویق به خاطر نوشتن مقالات پزشکی و تخصصی از آمریکا در سال ۱۳۵۲.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: -

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: -، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

پزشکی (پوست)، آسیب شناسی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

حجت حایری طباطبایی، ابوالقاسم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۹ - ۱۲۴۲ ق)، عالم و فقیه اصولی امامی. معروف به حجت در کاظمین به دنیا آمد و در همان جا نشو و نما یافت. از شاگردان شیخ مرتضی انصاری بود و در کربلا فقه و اصول تدریس می‌کرد. وی با میرزا محمد حسن مولی علی علیاری تبریزی و سید ابراهیم بن سید محمد تقی معاصر بود و چند تن از علمای هند و تبریز از وی اجازه گرفتند. میرزا ابوالقاسم فردی زاهد و خوش خلق بود. در کاظمین وفات یافت و در بقعه‌ی سید مجاهد در کربلا دفن شد. از آثارش: «اجازه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴۰۴ - ۴۰۳ / ۲)، الذریعه (۱۳۹ / ۱)، ریحانه (۲۲ / ۲)، لغت نامه (ذیل / حجت طباطبایی).

حجت حایری، عبدالحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید عبدالحسین بن السید علی بن السید ابی‌القاسم ملقب (بالحجة) ابن سید حسن معروف (بالحاج آقا) ابن سید محمد مجاهد حایری فقیهی فاضل و عالمی جلیل و مرجعی معروف در کربلا بود

و در سال ۱۳۶۳ وفات نمود و مخفی نماند که (آل طبائی) از بیوتات علمی معروفه کربلا بودند و زعامت و ریاست و مرجعیت عامه آنها از عصر جد گرامشان علامه بزرگ آقا سید علی صاحب ریاض متوفی ۱۲۳۱ و بعد از او فرزندش علامه مجاهد آقا سید محمد متوفی ۱۲۴۲ و پس از وی فرزندش علامه سید حسن سپس فرزند وی علامه آقا سید ابوالقاسم ملقب (به حجت) و متوفی ۱۳۰۹ ق ثابت بوده است.

و مرحوم آیت‌الله آقا سید ابوالقاسم حجت دارای دو فرزند بودند ۱- بنام آیت‌الله آقا سید محمدباقر حجت ۲- آیت‌الله آقا سید علی والد مترجم ما.

سید استاد ما آیت‌الله العظمی آقای نجفی مرعشی مدظله می‌فرمودند یکی از خطباء بنام کربلا در خواب دید حضرت صدیقه طاهره سلام‌الله‌علیها را که فرمودند برو به پسر من سید محمدباقر حجت بگو کسی که مادری چون من دارد دیگر به عایشه مادر نمی‌گوید آن عالم خطیب از خواب بیدار شده و صبح اول وقت به خانه آقا سید محمدباقر مذکور آمده و می‌گوید آقا جان آیا تا زگی شعری گفته‌ای می‌گوید آری قصیده‌ای در مدح حضرت صدیقه سلام‌الله‌علیها و طعن به عایشه گفته‌ام می‌گوید بخوانید سید قرائت می‌کند تا می‌رسد به این بیت که خطاب به عایشه نموده است

یا امنا فسبک محرم

لاجل عین الف عین تکرم

پس آن خطیب خواب خود را بیان کرده و می‌گوید فوراً شعرت را عوض کن پس آن بیت را تغییر داده و می‌گوید (فیا حمیر اسبک محرم)...

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حجت، اسدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اسدالله بن المرحوم العلامة الایه المیرزا محمد حجت از مشاهیر علماء و اعظام دانشمندان معاصر همدانست.

وی در دوم شهر رمضان المبارک ۱۳۱۳ ق در همدان متولد شده و تا سن نوزده سالگی در تحت سرپرستی و تربیت والد ماجدش پرورش یافته و از آن بزرگوار استفاده نموده و در سال ۱۳۳۲ قمری به اصفهان مسافرت و متجاوز از چهار سال از بحث خارج مرحومین حجتین آیت‌الله آقا سید محمدباقر درچه‌ای و آیت‌الله آقا شیخ عبدالکریم گزی استفاضه فرموده و به تصدیق آیات عظام درجه اجتهاد نائل شده و به همدان مراجعت و مدت دو سال توقف و به بحث و استفاده پرداخته آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و حدود سه سال اقامت و از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی نائینی و زعیم اعظم شیعه آیت‌الله العظمی اصفهانی و سایر آیات عظام بهره‌مند گردیده سپس به همدان بازگشت و از آنجا به قم مشرف و مدت یکسال از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم یزدی مؤسس حوزه استفاده نموده و پس از آن به همدان برگشته و به مباحثه در محضر مرحوم آیت‌الله والدش و تدریس طلاب علوم دینیه اشتغال ورزیده تا سال ۱۳۶۱ قمری که والدش به رحمت ایزدی پیوسته و از آن تاریخ تاکنون به جای آن مرحوم به اقامه نماز جماعت و تدریس علوم شرعیه و سایر وظائف دینیه اشتغال دارند.

از آثار ایشان چند رساله در فقه و اصول می‌باشد که هنوز به طبع نرسیده است و دیگر حواشی بر رساله عملیه مرحوم والد مبرورش. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

حجت، آقامیرزا

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت‌الله آقامیرزا حجت، در سال ۱۲۴۰ قمری در اصفهان متولد شد. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب: آقامیرزا حجت، با شش واسطه به فیلسوف بزرگ اسلامی ملاصدرای شیرازی می‌رسد. پدرش آخوند حاج میرزا حسن ملقب به حجت بوده است. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: آقامیرزا حجت، مقدمات علوم را نزد پدر فراگرفت. سپس مدتی از محضر درس علامه سیداسدالله اصفهانی بهره برد. سپس به حوزه‌ی درس میرزا شفیع چابلقی که از علمای برجسته‌ی بروجرد بود وارد شد و طولی نکشید که از شاگردان ممتاز گردید. وی آنگاه پس از طی این مراحل، برای تکمیل معلومات به نجف عزیمت نمود. استادان و مربیان: آقامیرزا حجت، از محضر پدر، علامه سیداسدالله اصفهانی و میرزا شفیع چابلقی بهره‌های فراوان برد. همسر و فرزندان: آقا محمد، آقا بهاء‌الدین، آقا فضل‌الله و آقا ابوجعفر، پسران آقامیرزا حجت می‌باشند. زمان و علت فوت: آقامیرزا حجت، در سال ۱۳۲۲ قمری، پس از اینکه برای بهبود حال و باگرفتگان شهر نهند، نماز خاص برگزار کرده بود، در اثر بیماری و با دعوت حق را لیک گفت و به دیار باقی شتافت. فعالیت‌های آموزشی: آقامیرزا حجت، به نهند دعوت گردید و پس از اقامت، در مدرسه‌ی مقام محمود به تدریس اشتغال ورزید. آثار: حاشیه بر کتاب المواقف قاضی عضدالدین ایجی، حاشیه بر کتاب کنز‌العرفان فاضل مقداد، رساله‌ی عملیه، شرح بر اسفار صدرالمتألهین

حجت، محسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام والمسلمین آقای سید محسن بن علامه الکبری والایه العظمی السید محمد بن علامه السید علی کوه کمری عالمی کامل و فاضلی بارع و در اخلاق و وقار ثانی آن پدر بزرگوار است در حدود سال ۱۳۳۵ ق در نجف متولد و با والد معظم به تبریز آمده و بعد از چند سال توقف به قم مهاجرت نموده و مقدمات و سطوح را از اساتید مبرز حوزه فراگرفته و به درس والد خود شرکت نموده و با اجازه و امر آن جناب به نجف مسافرت و چند سالی از دروس فقه و اصول آیات عظام خوئی و حاج شیخ کاظم شیرازی و میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت الله حاج سید محسن حکیم و دیگران استفاده کامل نموده و در سال ۱۳۷۰ ق سفری به عزم زیارت والد و معالجه کسالت به ایران و قم آمده و مورد استقبال اهل علم و حوزه علمیه قرار گرفته و پس از آمدن در خدمت والد به شهر ری و توقف سه ماه مراجعت به نجف و تا چند سال بعد از فوت پدر توقف آنگاه به قم مراجعت و تاکنون به تدریس فقه و اصول و تالیف و اقامه جماعت در مسجد حجتیه اشتغال دارد.

و اما آثار و تالیفات علمی مطبوع و مخطوط ایشان از این قرار است:

۱- الجزء الاول من نهج الطالب مطبوعه.

۲- الجزء الثاني من نهج الطالب مطبوعه.

۳- کلمه موجزه مطبوعه.

۴- کلمه ثانیه مطبوعه.

۵- کلمه التقه مطبوعه.

۶- الرساله العلمیه مطبوعه.

و تالیفات مخطوط از این قرار است:

۱- تبصره فی کفاید الاصول.

۲- تبیان فی فرائد الاصول.

۳- ولایه الفقیه.

۴- مباحث الالفاظ.

۵- لبس اللباس السواد فی ایام شهادت امام الشهدی ابی عبدالله الحسین علیه السلام

۶- قاعده لاضرر ۷- حقیقه التجرشی ۸- المعنی الحرفی.

۹- الحکم فی اللباس المشکوک ۱۰- الاستصحاب ۱۱- العلم الاجمالی و فروعه.

۱۲- قاعده الید ۱۳- مکاتبات الائمہ علیهم السلام.

۱۴- صحابه النبی الاکرم و ائمه الدین علیهم السلام.

۱۵- سلمان الفارسی ۱۶- ثقاه الرواه.

۱۷- الاربعین فی حیاه سلمان الفارسی.

۱۸- فاطمه بنت الامام کاظم علیهما السلام.

۱۹- قصار الکلمات فی الاحکام ۲۰- تعلیقه علی العروه الوثقی.

۲۱- تفسیر اوائل سور القرآن المجید.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حجت، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مولینا الامجد و سیدنا الممجد و الحبر المعتمد العلامة الكبرى آية الله العظمى السيد محمد بن العالم الكامل السيد علي بن السيد الاعلام السيد علينقى بن السيد محمد الحسينى الكوه كمرى.

اصلا از قریه کوه کمر که یکی از قراء تبریز است می باشد منشاء و تولدش تبریز مرکز استان آذربایجان از سادات و خانواده های اصیل و نجیب کوه کمر تبریز است که به گفته نقیب السادات و نسابه کبری عصر حاضر علامه فقیه آیت الله نجفی مرعشی سادات کوه کمر بخصوص سادات حسینی آن که آیت الله حجت از آنهاست و از طرف مادر منسوب به آنها هستم به صحت نسب و شرافت حسب در غایت شهرت و در هر عصری مورد توجه عامه و خاصه مردم بوده اند.

نسب عالی ایشان به سید اجل سید محمد مصری ملقب به حجازی از فرزندان علی اصغر بن الامام زین العابدین علی بن الحسین علیهما السلام موصول و تا آن بزرگوار بیست و پنج واسطه دارد.

آن جناب حاوی فروع و اصول و جامع معقول و منقول و عالم عامل و فقیه کامل و محدث فاضل و حکیم ماهر و اصولی محقق و رجالی مدقق و عابد زاهد جلیل القدر عظیم الشأن دارای کمالات نفسانیه عالیه و حایز مقامات معنویه سامیه که در مضممار مسابقه حاوی قدح معلی بوده و گوی سبقت از اکابر وقت ربوده و از مراجع تقلید و رؤساء فرقه محقه اثنا عشریه و مدیر و مدبر حوزه علمیه قم صانه الله عن الحدیثان گردیده بود.

در ماه شعبان ۱۳۱۰ هجری در شهر تبریز متولد و در مهد تربیت پدر و حجر مادر عقیقه ای نشو و نما نموده تا وقت تحصیل و از آن استعداد سرشار و هوش و ذکاوت و ادراک و سرعت انتقال و فهم و قوه دراکه فوق العاده به سرعت زیاد و مدت کوتاهی تحصیلات مقدماتی لازمه و ادبیات معموله را مدتی در همان شهر خوانده و پس از آن فقه و اصول و ریاضیات و معقول و طب قدیم و تجرید و مقدار وافی از علوم جدید فیزیک و شیمی و سایر فنون متنوعه را از اجلاء علماء و اکابر دانشمندان فضلاء آن شهر دیده و اغلب تحصیلات فقهی و اصولی سطوح او نزد والدش مرحوم سید علی آقای کوه کمری بوده است.

خود این نگارنده از آن جناب شنیدم که می فرمود شرح کبیر موسوم به ریاض را به تمامه نزد پدرم خواندم و جلدین شرح لمعه را با مطالعه تنها درست کردم و دو دوره آن را در تبریز درس گفتم و پس از تکمیل سطوح به نجف اشرف عزیمت نمودم.

مرحوم آیت الله حجت پس از تکمیل مقدمات سطوح و فنون ادبیات و متون متداوله سنه ۱۳۳۰ پس از گذشتن بیست سال از عمرش به نجف اشرف مهاجرت نموده و در حوزه درس علامه یزدی صاحب عروه حاضر شده و رجال و حدیث را از عالم رجالی مرحوم آقا سید ابوتراب خونساری فرا گرفته هم از محضر مرحوم آیه الله شریعت اصفهانی استفاده کامل فرموده و هم از مرحوم حاج شیخ علی قوچانی و حاج شیخ علی گنابادی و آیت الله میرزا حسین نائینی و آیت الله فیروزآبادی و وحید عصر آقای آقا ضیاء الدین عراقی و اجلاء دیگر بهره مند شده تا در سال ۱۳۴۹ که به قم آمده و یکی از اعظم علماء و مدرسین آن حوزه مقدسه بود، آیت الله مؤسس مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حایری توجهی مخصوص به آن عالم و فقیه کامل نمود و در تکریم و بزرگداشت وی سعی بلیغ مبذول داشت. تا بعد از رحلت آن مرحوم آیت الله حجت در جای وی تدریس می کرد و سایر فقهاء و علماء حوزه نیز تقدمش را مراعات نموده و بدینگونه آوازه علم و فضیلتش شایع و همان موقع از مراجع بزرگ تقلید و زعمای عالیقدر حوزه محسوب گشت، و در حفظ حوزه و اداره امور طلاب و امتحانات آنان کوششی فراوان داشت.

و آن مرحوم با اینکه از نجف مبتلا به چندین کسالت، درد سینه و ضعف قلب و فشار خون و سوء هضم بود و پیوسته از سوزش بیماری می‌سوخت و فوق‌العاده در ناراحتی به سر می‌برد و چندین مرتبه برای معالجه به شهر ری و بیمارستان فیروزآبادی مسافرت کرد معذک تا آخر ایام زندگانی به تدریس و جواب استفتاآت و رسیدگی به امور مسلمین و پرداخت نان حوزه علمیه که آن مرحوم به عهده داشت و مخصوصاً امر ساختمان مدرسه بزرگ (حجتیه) و غیره را رها نکرد.

آثار و باقیات الصالحات و معنویت آن مرحوم

تالیفات ذیقیمتی در فقه و اصول و رجال و حدیث بخصوص مستدرک البحار در چند مجلد از خود به یادگار گذاشت ولی متأسفانه هنوز هیچکدام چاپ و منتشر نشده است. آثار ارزنده و ارجدار آن بزرگ مرد دین و فضیلت گذشته از تالیفات سودمند، تربیت علماء و دانشمندان بسیار و از آنهاست مدرسه عالی حجتیه که بهترین یادگار آن مرحوم و نشانه علو همت و نیت پاک آن رادمرد بزرگ است.

اما معنویت آن بزرگوار به اندازه‌یست که در این کتاب گنجایش ندارد، شمه‌ای از آن را در جلد اول آثارالحجه نگارش داده‌ام و به طور اجمال در زمان ما بسیار کم‌نظیر و بی‌عدیل از هواها عاری و از تظاهرات فراری و جداً مصداق حقیقی «مخالفاً لهواه مطیعاً لامر مولا» صائناً لفسه حافظاً لدینه» بود در این خصایص هرچه بیشتر گشتم مثل او را کمتر یافتیم و چون بسیار کتوم و تودار بود نزدیکترین افراد به او هم آن طور که باید وی را نشناختند و آن جناب در زمان ما از افرادی بود که به فیض تشریف و لقاء حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه الشریف نائل آمده بود و بعد از وفاتش معلوم شد که آن بزرگوار چه نابغه‌ای در علم و تقوا و چه نادره‌ای در صفا و معنویت بودند.

فوت مرحوم آیت‌الله حجت و ضایعه جبران‌ناپذیر

حوزه علمیه قم و دانشگاه روحانی تشیع از اول تأسیس آن تا سال ۱۳۷۲ که ۳۳ سال از عمرش می‌گذشت ناظر حوادث مؤثر و وقایع عالم سوزی بوده لکن هیچکدام از این حوادث و ضایعات پس از فوت مرحوم آیت‌الله حایری مؤثرتر از دو حادثه ناگوار، فقدان آیت‌الله خونساری و آیت‌الله العظمی حجت نبوده است.

اولاً خودش این پیش‌بینی را نموده و کراراً از روز فوتش که دوشنبه سوم جمادی‌الاولی است خبر می‌داد و حتی در روز مذکور از ظهر می‌پرسید و دو ساعت قبل از حادثه فوتش جمعی از علماء حوزه را طلبید و دستور داد مهر مخصوص ایشان را بشکنند و فرمود این مهر دیگر لزومی ندارد و تربت پاک حسینی علیه‌السلام خواست و بر زبان گذارد و گفت آخر زادی من الدنيا تریبه الحسین علیه‌السلام و بعضی از آقایان که این مناظر را دیدند روی مقدسی یا جهات دیگر در شکستن مهر ایشان گفتند آقا استخاره بفرمائید خود با قرآن شریف استخاره کرده و با صدای بلند انا لله و انا الیه راجعون گفتند آقایان تعجب کردند مگر چه آیه‌ای آمده، آقا قرآن را به دست آیت‌الله زنجانی دادند دیدند اول سطر قرآن این آیه است «له دعوة الحق» پس قرآن را همه آقایان نگریسته و از فراست و کیاست آن جناب متحیر شدند و غافل از این بودند که آن مرحوم محدث است و مصداق این حدیث شریف است که حضرت صادق علیه‌السلام در ذیل حدیثی که در رجال کشی مسطور است و سابقاً هم تمام آن را نوشتم فرمودند «فانا لانعد الفقیه منهم فقیها حتی یکون محدثاً قیل له یابن رسول‌الله او یکون المؤمن محدثاً قال بلی یکون مفهما والمفهم محدث».

نه تنها آن مرحوم از مرگ خود خبر داد و می‌دانست که در آن روز باید به اجداد طاهرین خود ملحق شود بلکه عده‌ای از اهل معنی و معنویت هم چه در قم و چه در تهران و چه در نقاط دیگر در شب و روز حادثه قبل از انتشار به وسیله اطلاعات و رادیو و غیره فهمیده بودند که بعضی از آن را در آثارالحجه نقل کردم و منجمله جناب حجة‌الاسلام والمسلمین علامه متبوع آقای حاج سید محمدحسن میرجهانی سلمه‌الله فرمودند در روز دوشنبه سوم جمادی‌الاولی یعنی همان روز حادثه ساعت یازده قبل از ظهر در مشهد مقدس در حجره‌ای که در صحن جدید داشتم خواب قیلوله بودم ناگاه دیدم حضرت ثامن الحجج علیه‌الصلوة والسلام با حالی

پیشان از حرم مطهر بیرون آمده و عازم است که به جایی رود عرض کردم بعد از تقدیم سلام و اخلاص آقا جان چرا مضطربی و کجا تشریف می‌برید فرمودند به قم می‌روم گفتم برای چه فرمودند سید محمد حجت از دنیا رفته است. پس از خواب پریدم و یک ساعت بعد رادیو فوت آن مرحوم را خبر داد.

مرگ آن بزرگوار اثر عمیقی در مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی داشت و اصحاب جرئت نمی‌کردند که ناگهان این خبر موحش را به ایشان بدهند تا خود آن مرحوم از وضع آقایان احساس بلیه کردند پرسیدند چه خبر است این سر و صدا برای چیست کم کم به عرض رسانیدند و ایشان فرموده بودند کرم شکست. آقای حجت برای من کمک و پشتیبانی بود و دیگر بارهای ایشان هم برعهده من آمد و گریستند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

حجت، ناصرالدین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن سید هاشم حسینی نجف‌آبادی. عالم زاهد جلیل، مؤلف کتاب «حجّه البالغة فی تنبیه القلوب الراقئة» در رد نبیل زاده مبلغ بهائی، کتاب نامبرده از کتب بسیار مفید در این موضوع است، و در مشهد به طبع رسیده.

مؤلف دانشمند آن در ۱۲۹۶ در نجف‌آباد متولد شده، و در مولد خود و اصفهان و نجف و مشهد تلمذ نموده، و عمده‌ی تحصیلاتش نزد آقا سید محمد باقر درچه‌ای و آخوند کاشی بوده، پس از نیل به مقام اجتهاد به موطن خود مراجعت نموده، و به نشر احکام و ترویج دین و دفع شبهات مخالفین، در کمال سعی و جدیت اشتغال جست، تا سرانجام در شب ۱۶ ربیع‌الثانی سال ۱۳۶۰ وفات یافته، در بقعه‌ای مخصوص در جنب مسجد خود در پهلوی قبر پدر مدفون گردید.

گاهی شعر می‌گفت و در آن «حجت» و «ناصر» تخلص می‌فرمود.

پدرش نیز از علماء معروف است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حجت، هادی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

هادی حجت

محل تولد: کرمان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب هادی حجت در سال ۱۳۴۷ در شهر کرمان متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در دبستان احمدی و صفاری و راهنمایی را در مدرسه آیت الله سعیدی کرمان پشت سر گذاشتم. پس از یکسال تحصیل در رشته علوم تجربی در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه کرمان شدم و در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم (مدرسه کرمانیها) گردیدم. در سال ۱۳۶۷ در امتحانات سراسری حوزه موفق به احراز رتبه اول پایه سوم گردیدم. در کنار دروس حوزوی در تابستان به صورت متفرقه دروس مقطع متوسطه را امتحان و در رشته علوم انسانی دیپلم گرفتم. و همراه با دروس حوزوی از سال ۱۳۷۰ در مقطع کارشناسی رشته فلسفه دانشگاه شهید بهشتی را آغاز کردم. و در سال ۱۳۷۵ در رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس تهران پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۷ با معدل ۹۲/۱۹ فارغ التحصیل گردیدم. پایان نامه این مقطع با عنوان "بررسی و طبقه بندی فقه های مربوط به ترجمه های قرآن کریم به زبان فارسی" رتبه سوم کشوری را در رشته علوم قرآن و حدیث کسب کرد.

در همان سال در مقطع دکترای رشته علوم قرآن و حدیث مرکز تربیت مدرس قم پذیرفته شده و همزمان از سال ۱۳۷۶ در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن حوزه نیز مشغول به تحصیل شدم. و ۴ سال دوره آموزشی آن را با موفقیت به اتمام رساندم. سال ۱۳۸۳ موفق به اخذ دکترا از مرکز تربیت مدرس قم گردیدم. از سال ۱۳۷۹ به عنوان عضو هیأت علمی در دانشکده علوم حدیث شهر ری به تدریس مشغول گردیده ام و هم اکنون عضو هیأت علمی و معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی این دانشکده ام.

حجتی کرمانی، عبدالحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا عبدالحسین کرمانی در خانواده زرتشتی قدم به عرصه وجود گذارده و در او ان بلوغ تحت تأثیر شکوه و سازندگی و حقانیت تعالیم اسلام قرار گرفته و در محضر مرحوم آیت الله حاج شیخ علی عالم بزرگ آن روز (عموی مرحوم آیت الله حاج میرزا محمدرضا کرمانی) به آئین مقدس اسلام مشرف گردید و پس از چندی به امر مرحوم حاج شیخ علی به نجف اشرف رهسپار شده و بیش از بیست سال اقامت در عتبات عالیات و فراگرفتن علوم اسلامی و کسب کمالات معنوی در زمان مرحوم آیت الله العظمی حایری (مؤسس حوزه علمیه قم) رهسپار به قم گردیده و سالیان درازی در قم اقامت داشت تا به درخواست اهالی کرمان و امریه آیت الله حایری بوطن اصلی خود شهر کرمان برگشته و در مسجد تاریخی ملک به اقامه جماعت و ترویج احکام اسلام پرداخت نکته قابل توجه در زندگانی این عالم بزرگ این بود که به مصداق (کونوا دعاء الناس بغیر السنتکم) مشی و روش و برنامه زندگی. توکل و بی‌هوائی تقوا و پاکی و دستگیری از بیچارگان و مستمندان و بالاخره پیروی عملی وی از تعالیم عالییه اسلام مبعلی عملی و عینی برای اسلام بود

مردم کرمان به او علاقه و عشق فراوانی داشتند و او را به عنوان (سلمان زمان) می‌خواندند و هنگامی که پس از عمری پاکی و قداست و عبادت خالق و خدمت به خلق در هفتم ذی‌قعدة ۱۳۷۷ ق دار فانی را وداع گفت شهر کرمان یک پارچه عزا و ماتم شد و مدت یک ماه مجالس ختم و عزاداری برقرار بود و در آن هنگام دکتر ناظرزاده کرمانی که از شاگردان آن مرحوم بود در یکی از روزنامه‌های معروف کشور تحت عنوان (سلمان زمان در گوشه کرمان از دنیا رفت) مقاله مبسوطی در پیرامون خصایص اخلاقی و معنوی مرحوم حجتی کرمانی نوشت

معظم له دارای چهار پسر و پنج دختر بودند که دو نفر از پسران آن مرحوم از پدر پیروی نموده و در سلک روحانیت درآمدند و

بحمدالله هر دو از زبندگان و برجستگان فضلاء عصر حوزه علمیه قم روحانیت کرمان می‌باشند.

(وف ۱۳۷۷ ق)، عالم و مدرس. در کرمان در خانواده‌ی زرتشتی متولد شد. در جوانی تحت تاثیر تعالیم اسلام قرار گرفت و در محضر آیت‌الله حاج شیخ علی به آیین اسلام گروید. پس از چندی به نجف رفت و مدت بیست سال در عتبات به فراگیری علوم اسلامی پرداخت. میرزا عبدالحسین پس از بازگشت به ایران سالیان طولانی در قم اقامت داشت تا اینکه به درخواست اهالی کرمان و پیشنهاد آیت‌الله حایری به کرمان رفت. وی در مسجد تاریخی ملک به اقامه‌ی نماز جماعت و ترویج احکام اسلام پرداخت و آنچنان به زهد و پرهیزکاری معروف شد که وی را «سلمان زمان» لقب دادند. حجتی در کرمان درگذشت. [۱]

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه: [۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳/۸۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۴۶-۳۴۵/۶).

حجتی، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه‌الاسلام حاج شیخ ابوالقاسم حجتی رشتی ابن‌العلامة شیخ محمدحسین از علماء محترم رشت بودند که مهاجرت به قم نموده دارای کمالات نفسانی و معنوی بوده‌اند تولدش در قریه (لشت نشارد) رشت واقع شده و بعد از تحصیل مقدمات در سن ۱۷ سالگی به نجف اشرف مهاجرت نموده و سطوح را در خدمت اساتید وقت مانند آیت‌الله شیخ عبدالحسین رشتی و آیت‌الله اصطهباناتی و مرحوم شیخ فتاح نموده آنگاه به درس مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله حاج شیخ شعبان رشتی حاضر و بعد از دوازده سال اقامت به درجه اجتهاد رسیده و مراجعت به گیلان نموده و به ترویج دین و اقامه جماعت و احیاء مساجدی در رشت پرداخته و بعد از بیست سال توقف مهاجرت به قم و به درس آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت و هم به تدریس سطوح فقه و اصول پرداخت تا ۲۳ محرم در سال ۱۳۸۸ ق که به داغ فرزند برومندش مرحوم حاج شیخ حسن حجتی واعظ توانا و خطیب زبردست گیلان که در راه اصفهان در اثر تصادف ماشین با فرزندش بدرود حیات گفته مبتلا و این داغ او را چنان شکست که دیگر نتوانست قد راست کند به فاصله چندی او هم بدرود حیات گفته و در جوار فرزند مذکورش در قبرستان شیخان قم مدفون گردید از آثار قلمی ایشانست ۱- تفسیر سوره یوسف ۲- شرح احوال ائمه علیهم‌السلام که مخطوط مانده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حجتی، سید محمدباقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر سیدمحمد باقر حجتی (متولد بیست و پنجم اسفند ماه ۱۳۱۱ - بابل)، نام‌آشنایی در میان محققان و مدرسان علوم قرآنی است که نیم قرن از عمر پرمایه خویش را صرف تعلیم و تدریس در این حوزه معنوی کرده است. او از معدود روحانیانی است که در کنار طی مدارج حوزوی نزد علمای دینی، تحصیلات عالی را نیز تا دریافت درجه دکترای حکمت و فلسفه از دانشگاه تهران (در سال ۱۳۴۶) ادامه داده و در هر دو حوزه تحصیل، مقام و جایگاه ویژه‌ای یافته است. سیدمحمدباقر در کنار این دو حوزه معرفتی، در

شاخه کتابداری نیز، خدمات قابل توجهی را برای فهرست نویسی کتب دینی به ثمر رسانده و نخستین تلاشهای جدی برای تدوین نسخ خطی کتابخانه دانشکده الهیات - که سالها سرپرستی آن را نیز بر عهده داشته - توسط او انجام شده است. گروه: علوم انسانی رسته: الهیات و معارف اسلامی گرایش: علوم قرآنی و حدیث‌ال‌دین و انساب: سید محمد باقر حجتی، فرزند مرحوم حضرت حجه الاسلامی والمسلمین سید محمد حجتی، فرزند مرحوم حضرت آیه العظمی سید محمد باقر حجتی مازندرانی بار فروشی ملا محلی است. جدشان حضرت الیه العظمی سید محمد باقر حجتی از مراجع تقلید در مازندران و از شاگردان آیات عظام سید محمد کاظم طباطبایی و محمد کاظم خراسانی و ملا عبدالله مازندرانی در حوزه علمیه نجف بوده است. پدر دکتر حجتی از علما و ائمه جماعت خوشنام شهرستان بابل بوده که هم اکنون یاد و مزار او و مقام و مزار جدش سخت مورد احترام مردم شهرستان مذکور است. خاطرات کودکی: سید محمد باقر حجتی در خانواده ای مذهبی به دنیا آمد و به فراخور محیط، از کودکی با مشی دینی خانواده، راه و رسم شریعت و دینداری آموخت و تحصیلات ابتدایی را در بابل آغاز کرد در مدرسه نیز شوق آموختن علوم قرآنی در او با حضور خانمی به نام صبوری که معلم قرآن مدرسه بوده و مشوق سید محمد باقر خردسال بیشتر می شود «چون تنها کسی که در کلاس درس ایشان بیش از دیگران به روخوانی قرآن آشنا بود، مرا شناسایی کرده بودند [و] همواره تشویق می کردند. لکن این خانم شیدای قرآن - به علت بیماری سل - در جوانی دنیای فانی را وداع گفت و این بنده در همان دوران کودکی آن چنان از مرگ زودرس این آموزگار دلسوز قرآن، گرفتار افسردگی و اندوه مداوم بودم که نمی توانستم باور کنم جای ایشان در دبستان خالی است و همواره خاطره علاقه بی حد و حصر ایشان به قرآن و تقوی و عفت ... در ذهنم تجدید می شود و مرا افسرده و متأثر می کند» تحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات رسمی سید محمد باقر حجتی از زبان ایشان به قرار زیر است: من از همان اوان کودکی در کنار پدرم (پدرم امام جماعت یکی از مساجد بابل بود و مجلس تفسیر قرآن نیز داشت) بودم و عشق و علاقه به قرآن، از همان دوره در من ایجاد شد. به همین دلیل بعد از چند سال تحصیل در حوزه بابل به قصد ادامه تحصیلات حوزوی، به مدرسه مروی تهران رفتم. در همان زمان به دانشگاه تهران راه یافتم و بعد از اخذ مدرک لیسانس وارد مقطع دکترا شدم (در آن زمان دوره فوق لیسانس وجود نداشت). در سال ۱۳۴۶ با ارائه پایان نامه موفق به اخذ درجه دکترا در رشته فلسفه شد مخاطرات و وقایع تحصیل: از وقایع مهم سید محمود باقر حجتی سفر وی به سوریه و انجام تحقیقات و مطالعاتی پیرامون علم حدیث و زبان عربی بود. فعالیت‌های ضمن تحصیل: سید محمد باقر حجتی در کنار تحصیل در رشته الهیات در دانشگاه تهران، به تحصیل علوم قرآنی و حدیث در حوزه علمیه مشغول بود. استادان و مربیان: سید محمد باقر حجتی در طی این دوران در محضر استادان بنام مدرسه مروی همچون سید صدرالدین رضوی، حاج میرزا ابوالقاسم گرجی، علامه شعرانی، علامه محمد تقی جعفری و علامه مرتضی مطهری، میرزا باقر آشتیانی، سید ابوالقاسم رفیعی قزوینی و ... به تلمذ و تحصیل می پرداخت و در بیرون از مدرسه نیز سیر حکمت و فلسفه اسلامی را نزد علامه مرتضی مطهری دنبال می کند. همزمان با تحصیل در مدرسه مروی، با تشویق دوستان و آشنایان، در آزمون ورودی دانشکده معقول و منقول - که اکنون با نام دانشکده الهیات و معارف شناخته می شود - شرکت می کند و به جمع دانشجویان رشته فقه و مبانی علوم اسلامی دانشگاه تهران می پیوندد. دوره لیسانس را در محضر استادان نامی دانشکده همچون میرجلال الدین محدث ارموی، مهدی الهی قمشه ای، سید مهدی حمیدی، سید محمد باقر سبزواری، احمد ناظرزاده کرمانی، سید کمال الدین نوربخش، محمد باقر هوشیار، محمد عبده بروجردی، مجتبی مینوی، سید حسن تقی زاده و دیگران با کسب امتیازات و نمرات عالی به پایان می برد و دوره دکترا را نیز در رشته حکمت و فلسفه اسلامی همان دانشگاه با احراز مقام اول به اتمام می رساند. در دوره دکترا نیز از محضر استادان شیخ محمد علی حکیم، حاج حسین علی راشد، محمود شهابی و غلامحسین صدیقی و احمد فریدد استفاده می کند. وقایع میانسالی: سید محمد باقر حجتی پس از اخذ دکترا در سال ۱۳۴۶ به عنوان استادیار به استخدام دانشگاه تهران منصوب شد، وی برخلاف رشته تحصیلی اش، به دلیل علاقه وافر به علوم قرآنی به تدریس در رشته زبان و ادبیات

عرب و ترجمه و قرائت و تفسیر قرآن پرداخت و به تدریج پایه گذار رشته علوم قرآن و حدیث در دانشگاه تهران بعد از انقلاب اسلامی شد و از آن زمان تاکنون علاوه بر تدریس و تألیف و ترجمه، مدیریت دانشکده الهیات و معارف اسلامی / گروه علوم قرآن و حدیث، را بر عهده دارد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سید محمد باقر حجتی از سال ۱۳۳۹ ه.ش استاد گروه الهیات و معارف اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه تهران بوده است. وی مدتی مدیر گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران و دانشگاه تربیت مدرس و عضو فرهنگستان دمشق (مجمع اللغة العربیه) و سایر مجامع و انجمن های علمی قرآنی بوده است. ریاست دایره کتابداری و راهنمایی و کتاب یابی کتابخانه دانشگاه الهیات و معارف اسلامی تهران از سال ۱۳۴۴-۱۳۶۶ ریاست کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۸ مدیریت گروه فرهنگ عربی و علوم قرآنی از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۵ و مدیریت علوم قرآن و حدیث از سال ۱۳۶۵ تا کنون در دانشگاه تهران مدیریت گروه علوم قرآن و حدیث از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۰ در دانشگاه تربیت مدرس معاونت پژوهشی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۸۰ عضویت هیئت گزینش کتاب از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۳ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی عضویت کمیته برنامه ریزی الهیات در شورای عالی برنامه ریزی از تاریخ ۱۳۶۴ تا ۱۳۸۲ از سوی وزارت فرهنگ و آموزش عالی داور و عضو کمیته تخصصی علوم انسانی جشنواره خوارزمی از تاریخ ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۳ عضویت شورای پژوهشی دانشگاه تهران از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ عضویت کمیته تخصصی علوم انسانی معاونت پژوهشی دانشگاه تهران از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۴ مشاور سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی از تاریخ ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۴ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی عضویت شورای پژوهشی دانشگاه امام صادق و مسئولیت پژوهشی گروه علوم قرآن و حدیث همین دانشگاه در سال ۱۳۷۳ عضویت فرهنگستان دمشق «مجمع اللغة العربیه به دمشق» در سال ۱۳۶۵ رسامبه عنوان عضو این فرهنگستان از جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد. فعالیتهای آموزشی: سید محمد باقر حجتی از سال ۱۳۳۹ به تدریس علوم قرآنی و حدیث در دانشگاه تهران و دیگر دانشگاههای معتبر ایران از جمله دانشگاه تربیت مدرس مشغول بوده است. عناوین دروس آموزشی ارائه شده توسط ایشان: کارشناسی ارشد علوم قرآنی ۱ علوم قرآنی ۲ دکتری تحقیق درباره ترجمه قرآن تفسیر ۲ مقدمه کتاب و روشهای تفسیری ۱ سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: مطالعه، تحقیق و تألیف کتابها و مقالات علمی بی شمار در زمینه علوم قرآنی و حدیث حاصل فعالیت های سید محمد باقر حجتی بوده است. آرا و گرایشهای خاص: سید محمد باقر حجتی از جمله دانشمندی است که تحصیلات دانشگاهی جدید را با تحصیلات حوزوی قدیم همراه کرده و با تلفیق این دو. آثاری بدیع آفریده است و دیدگاهی نوین به علوم قرآنی حدیث بخشیده است. جوایز و نشانها: * جایزه احراز رتبه اول در مسابقه مقاله نویسی راجع به کودکان و نوجوانان از حوزه علمیه قم در سال ۱۳۵۶ به مناسبت نگارش مقاله (کارآیی تشویق و تنبیه در تربیت کودکان و نوجوانان). * جایزه و لوح تقدیر بهترین پژوهش کاربردی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۴ به مناسبت نگارش مقاله تحقیق درباره ابن عباس و مقام وی در تفسیر که در شماره ۱۷ و ۱۸ مجله مقالات و بررسی ها در سال ۱۳۵۳ چاپ و منتشر شده است. * جایزه و لوح تقدیر به مناسبت انتخاب کتاب پژوهشی در تاریخ قرآن کریم به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۳ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی * جایزه و لوح تقدیر به مناسبت طرح و تدوین کتاب "فهرست موضوعی نسخه های خطی کتابخانه های جمهوری اسلامی ایران" که در سال ۱۳۷۰ حائز رتبه اول طرحهای علوم انسانی در پنجمین جشنواره خوارزمی شناخته شد. * جایزه و لوح تقدیر کتاب فوق الذکر: علاوه بر اینکه این کتاب حائز رتبه اول طرحهای علوم انسانی را دریافت کرد، در ۱۳۷۱ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کتاب سال شناخته شد. * جایزه و لوح تقدیر به مناسبت انتخاب ایشان به عنوان استاد ممتاز دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۹. * جایزه و لوح تقدیر استاد نمونه کشور در سال تصیلی ۱۳۷۲-۱۳۷۱ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد و آموزش عالی. * لوح تقدیر به مناسبت خدمتگزاری به ساحت قرآن کریم و معرفی دکتر سید محمد باقر حجتی، به عنوان یکی از خادمین قرآن کریم در سال ۱۳۷۳ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. * دریافت اجازه روایت از

دانشمندان برجسته مصری محمد غزالی در سال ۱۳۶۷ در ایام اقامت در الجزایر ضمن شرکت در بیست و دومین کنفرانس اسلامی در الجزایر. برگزیده شده به عنوان چهره ماندگار علوم قرآن و حدیث در دومین همایش چهره های ماندگار سال ۱۳۸۱ دریافت جایزه و لوح تقدیر و نشان درجه یک پژوهش در سال ۱۳۸۴ از سوی دانشگاه تهران. دریافت لوح تقدیر به مناسبت انتخاب کتاب "فهرست موضوعی نسخ های خطی عربی در کتابخانه جمهوری اسلامی ایران" تألیف سید محمد باقر حجتی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران (در دوره دهم) از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چگونگی عرضه آثار: مقالات چاپ شده در نشریات معتبر علمی: - مقالات بزبان فارسی: ۷۴ مقاله - مقالات بزبان عربی: ۱۶ مقاله - مقالات بزبان انگلیسی و ترکی: ۵ مقاله - بقیه مقالات: ۲۱ مقاله استاد راهنما پایان نامه های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری: بیش از ۳۰۰ پایان نامه

آثار: ۱ آداب تعلیم و تعلم در اسلام (ترجمه کتاب «منیة المرید فی آداب المفید و المستفید» شهید ثانی) ویزگی اثر: تألیف- نشر بنیاد قرآن -۱۳۶۰۲ آداب تعلیم و تعلیم در اسلام ویزگی اثر: ترجمه -۱۳۵۹۳ ابلیس فی القرآن و الحدیث ویزگی اثر: تألیف- بزبان عربی-۴ ابن عباس و مکانته فی التفسیر و المعارف الاخری ویزگی اثر: ترجمه، دارالروضه، ۱۳۷۸۵ ابن عباس و مکانته فی التفسیر و المعارف الاخری ویزگی اثر: تألیف، دارالروضه، ۱۳۶۹۶ اسباب النزول ویزگی اثر: تألیف -دفتر نشر فرهنگ و ارشاد اسلامی ۷ اسلام در کنار مصیبت دیدگان و افسرده دلان (ترجمه «مسکن الفؤاد عند فقد الاحبّه والاولاد» از شهید ثانی) ویزگی اثر: ترجمه -۱۳۶۳۸ اسلام و تعلیم و تربیت (بخش اول: تربیت - بخش دوم: تعلیم) در دو مجلد ۹ پژوهشی در تاریخ قرآن کریم ویزگی اثر: تألیف - انتشارات نهضت زنان مسلمان -برنده جایزه کتاب سال ۱۳۶۳ -تاریخ قرآن» اصطلاح تازه ای است که اول بار «تئودور نولدکه» مستشرق بزرگ آلمانی آنرا بکار برد و مرحوم ابو عبدالله زنجانی در پی این نامگذاری کتابی تحت عنوان «تاریخ القرآن» به نگارش آورد و قبل از انقلاب نیز رساله ای در همین زمینه توسط استاد محمود رامیار تألیف گردید. برای تدوین کتاب «پژوهشی در تاریخ قرآن کریم» سالها توسط مؤلف محترم کوشش محققانه ای بعمل آمده است. کتاب با بحث از عناوین و اسامی قرآن کریم آغاز شده و سپس به وحی الهی سخن به میان آورده است. آنگاه تحقیق فشرده ای در زمینه نزول قرآن و اولین و آخرین آیات نازل شده ارائه می دهد. سپس فصولی تحت عنوان «آیه» و «سوره» به تحلیل مباحث مخلف پیرامون این دو عنوان پرداخته است. بحث پیرامون فواتح سور، حروف مقطعه و شمار حروف و کلمات و آیات و پیدایش خط و خط عربی و امی بودن پیامبر از دیگر مباحث این کتاب است. سپس به نگارش قرآن در زمان پیامبر و بعد آن و موضوع جمع آوری آیات پرداخته و قرائت قرآن و قاریان آن را به تفصیل تشریح نموده است. جمع و ترتیب و تدوین قرآن و تاریخ آن موضوع دیگری است که مؤلف محترم به تفصیل به آن مبادرت ورزیده است. تاریخ شیوه نگارش قرآن و اعراب گذاری کلمات و ارائه نمونه هائی از قرآن قدیمی و خطوط مختلف ادامه بحث می باشد. کتاب با فهرست های ارزنده ای تکمیل گردیده است. ۱۰ پژوهشی در تاریخ قرآن کریم ویزگی اثر: برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ۱۱ تاریخ شیعه ویزگی اثر: ترجمه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸۱۲ تاریخ شیعه ویزگی اثر: ترجمه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸۱۳ تاریخ ادیان ویزگی اثر: ترجمه -دفتر نشر فرهنگ اسلامی در سال ۱۳۷۶۱۴ تعلیم و تربیت اسلامی ویزگی اثر: تألیف -۱۳۶۲۱۵ تفسیر کاشف ویزگی اثر: ترجمه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸، جلد ۱ این کتاب با همکاری عبدالکریم بی آزار شیرازی ترجمه شده است. ۱۶ تفسیر کاشف در ۷ جلد ویزگی اثر: تألیف، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸۱۷ تفسیر سوره واقعه ویزگی اثر: تألیف -۱۳۶۱۱۸ تقدیم و تصحیح پاره ای از رسالات حکمی و عرفانی حکیم قاینی ویزگی اثر: این کتاب در دست طبع و انتشار است. ۱۹ توضیح البرهان در تجوید قرآن ویزگی اثر: ترجمه -دفتر نشر فرهنگ و اسلامی و سازمان همت در سال ۱۳۸۱۲۰ چهارده مقاله ویزگی اثر: این کتاب که اکثر گفتارهای آن مربوط به تفسیر و علوم قرآن است -۱۳۶۱۲۱ در حریم کعبه حاوی حکمت های عرفانی مناسک حج ویزگی اثر: تألیف - بزبان عربی -مرکز تحقیقات حج

۱۳۷۷۲۲، در حریم کعبه حاوی حکمت‌های عرفانی مناسک حج و بیژگی اثر: ترجمه، مرکز تحقیقات حج، ۱۳۷۸۲۳ در آمد به تحقیق در اهداف و مقاصد سوره های قرآن کریم و بیژگی اثر: ترجمه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸۲۴ در آمد به تحقیق در اهداف و مقاصد سوره های قرآن کریم و بیژگی اثر: ترجمه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۹۲۵ روانشناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی (ترجمه کتاب «الدراسات النفسیة عند المسلمین و الغزالی بوجه خاص» از دکتر عبد الکریم عثمان) در دو مجلد و بیژگی اثر: ترجمه - ۱۳۶۱۲۶ سه مقاله در تاریخ تفسیر و نحو تا اواخر قرن دوم هجری ۲۷ سیری در سیره نویسی و مروری بر احوال و آثار پارهای از سیره نویسان و بیژگی اثر: تالیف، مشهد کنگره جهانی حضرت رضا(ع)، ۱۳۷۱۲۸ سیری در سیره نویسی و مروری بر احوال و آثار پارهای از سیره نویسان و بیژگی اثر: ترجمه، مشهد کنگره جهانی حضرت رضا(ع)، ۱۳۷۸۲۹ فهرست موضوعی نسخه های خطی عربی در ۴ جلد کتابخانه های جمهوری اسلامی و بیژگی اثر: ..، تالیف، انتشارات سروش، ۱۳۷۶۳۰ فهرست موضوعی نسخه های خطی عربی در کتابخانه های جمهوری اسلامی ای و بیژگی اثر: تالیف، تهران سازمان مدارک انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶، این کتاب در دوره دهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «فهرست موضوعی نسخ های خطی عربی در کتابخانه جمهوری اسلامی ایران»: فهرست موضوعی نسخه های خطی عربی کتابخانه های جمهوری اسلامی ایران و تاریخ علوم و تراجم دانشمندان اسلامی / نگارش سید محمد باقر حجتی به کوشش سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی. - تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، سروش (انتشارات صدا و سیما)، ۱۳۷۰. ج. بالای عنوان: کشف الفهارس و وصاف المخطوطات العربیه فی مکتبات فارس. مندرجات: ج ۱، علوم قرآنی، قرائت و تجوید. کتابخانه های کشور ما هزاران نسخه بسیار ارزشمند کتابهای عربی و اسلامی را تا کنون حفظ کرده است. ولی متأسفانه هنوز بطور شایسته معرفی نشده و جهان عرب و غیر آن از این ذخائر گرانبها اطلاعی ندارند. مسلماً فهرست کردن و معرفی آنها امری ضروری و خدمتی شایان به معارف اسلامی و نشان دهنده اهتمام و عنایت ایرانیان به میراث فرهنگی اسلامی است. گرچه مستشرقان مانند سزگین و بروکلیمان در این زمینه کارهایی به انجام رسانیده اند ولیکن این کتاب با شیوه خاص خود در زبان فارسی حقاً اثری ابتکاری و منحصر بفرد است. و بدون تردید راه همواری را پیش روی محققان اسلام و اسلام شناسان قرار می دهد. امید است با همت والای مؤلف محترم و به وجود آمدن امکانات، بیش از پیش شاهد تکمیل و عرضه بقیه مجلدات این اثر نفیس به بازار دانش و تحقیق باشیم. ۳۱ فهرست موضوعی نسخه های خطی عربی کتابخانه های جمهوری اسلامی و بیژگی اثر: ترجمه، انتشارات سروش، ۱۳۷۸۳۲ فهرست موضوعی نسخه های خطی عربی کتابخانه های جمهوری اسلامی ای و بیژگی اثر: ترجمه، تهران سازمان مدارک انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸۳۳ فهرست نسخ خطی و بیژگی اثر: فهرست بسیاری از نسخه های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران توسط استاد دکتر سید محمد باقر حجتی تهیه شده است که بالغ بر دهها جلد بوده اند. ۳۴ فهرست نسخه های خطی و عکسی (کتابخانه دانشکده الهیات و معرف اسلامی دانشگاه تهران) در دو جلد و بیژگی اثر: تالیف - انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۸۳۵ فهرست نسخه های خطی کتابخانه (دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران) و بیژگی اثر: تالیف - انتشارات دانشگاه تهران - ۱۳۴۵۳۶ فهرست نسخه های خطی کتابخانه ملی ملک در شش جلد و بیژگی اثر: تالیف - ۱۳۵۲ توسط انتشارات آستان قدس رضوی ۳۷ گامی فراسوی روانشناسی اسلامی و بیژگی اثر: ترجمه - دفتر نشر فرهنگ و ارشاد اسلامی ۳۸ گزیده کتاب آداب تعلیم و تربیت در ایلام و بیژگی اثر: تالیف - چاپ توسط وزارت آموزش و پرورش - ۱۳۶۱۳۹ مجموعه بحثهای تربیتی و بیژگی اثر: تالیف - ۱۳۶۲۴۰ مختصر تاریخ القرآن الکریم و بیژگی اثر: این کتاب به اهتمام رایزنی فرهنگی ایران در دمشق با تیراژ چندین هزار. ۴۱ مدخلی بر کاوش در تاریخ ادیان و بیژگی اثر: ترجمه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷۴۲ مدخلی بر کاوش در تاریخ ادیان و بیژگی اثر: ترجمه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸۴۳ مقدمه ای بر تاریخ قرائات قرآن کریم و بیژگی اثر: ترجمه، سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، ۱۳۷۸۴۴ مقدمه ای بر تاریخ قرائات قرآن کریم و بیژگی اثر: ترجمه، سازمان حج و اوقاف

وامور خیریه، ۱۳۶۶۴۵ میثاق در قرآن و ویژگی اثر: تالیف-با همکاری جناب آقای دکتر عبدالکریم بی آزار شیرازی-۱۳۶۴۴۶ نمی
ازیم اسرار قران کریم ترجمه «من اسرار القرآن» اثر دکتر مصطفی محمود ویژگی اثر: ترجمه -
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

حجتی، عبدالرحیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبد الرحیم حجتی

محل تولد: تربت حیدریه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۱/۱

حجتی، محسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی عمومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

حججی، احمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد حججی بن ملاحسین بن ملا محمد عالمی جلیل القدر و عظیم الشان و کثیرالعلم و العمل بوده‌اند.
وی در خاندانی که بسیار علاقمند به علم و روحانیت بود در شهرستان نجف آباد متولد شده و بعد از رسیدن به حد بلوغ و رشد و
اتمام تحصیلات ابتدائی خود عازم به نجف اشرف گردیده و پس از مدتی اقامت در جوار ائمه اطهار (ع) و درک درس اساتید
بزرگ حوزه علمیه نجف اشرف به واسطه اخلاص و محبت به خاندان عصمت و طهارت و ایمان راسخ و جدیت در تحصیل به
مقام اجتهاد رسیده و مورد توجه معاصرین خود قرار گرفته.

ولی به واسطه کسالت و فوت والدش حسب الامر و وصیت پدرش برای سرپرستی عائله والدش به نجف آباد آمده و در اصفهان از
مجلس درس عالم جلیل حاج میرزا محمدصادق اصفهانی و مرحوم فشارکی استفاده نموده و مورد توجه مخصوص ایشان قرار
گرفته و ضمناً خود به تدریس پرداخته و هم در مدرسه تحریریه اقامه جماعت و در نجف آباد جلسات تبلیغی تشکیل داده و صدها

نفر را به مبانی اسلامی آشنا نموده است.

از آثار بزرگ آن مرحوم تأسیس حوزه علمیه نجف آباد است که در اثر زحمتهای پی‌درپی و طاقت‌فرسا شبانه‌روزی آن مرحوم دائر و غالب علماء و مروجین آن ناحیه مانند مرحوم آقا شیخ ابراهیم ریاضی و حاج سید محمود سجادی و مرحوم منصور و غیره از آثار حوزه علمیه ایشانست و این هم از برکت خوابی است که دیده بودند و آن چنان بود که فرمود خواب دیدم شبی که باز به نجف اشرف برگشته‌ام و پس از زیارت حضرت علی (ع) به ایوان آمده و دیدم جمعی از روحانیون در زاویه ایوان در اطراف منبری نشسته و انتظار دارند پرسیدم از علت اجتماع آنها گفتند حضرت امیرالمومنین علی (ع) برای گفتن درس تشریف می‌آوردند.

پس رفتم کنار منبر نشستم که خوب بیانات حضرت را بشنوم پس دیدم حضرت از حرم بیرون آمده و به طرف منبر تشریف آوردند و من برخاستم بازوی حضرت را گرفته تا بر منبر بالا رفتند و بعد از اتمام منبر هم باز بازوی مبارکش را گرفته تا پائین آمدند و از خواب بیدار شدم دیگر از آثار آن مرحوم قبله نجف آباد بود که تا آن زمان مردم مستقیم نماز می‌خواندند و حال آنکه (تیامن) و انحراف داشت و ایشان با تبلیغات بسیاری مردم را متوجه به قبله واقعی نمود.

سوم از آثار ایشان مسجدیست به نام ایشان که اکنون معروف و مشهور می‌باشد دارای هشت فرزند بودند که از آنها سه نفر ذکور می‌باشند.

وی در ماه صفر سال... در نجف آباد از دنیا رفته و در همانجا مدفون و اکنون قبرش مزار و مورد توجه عموم می‌باشد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

حداد عادل، غلامعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غلامعلی حدادعادل در سال ۱۳۲۴ در تهران متولد شد. و پس از اخذ دیپلم از دبیرستان علوی در ۱۳۴۲، لیسانس فیزیک از دانشگاه تهران (۱۳۴۵) و فوق لیسان از دانشگاه شیراز (۱۳۴۷ ه.ش) گرفت اما توسط ساواک از دانشگاه اخراج شد. اما از سال ۱۳۴۸ دوباره به تحصیل در رشته علوم اجتماعی در دانشگاه تهران پرداخت. و در سال ۱۳۵۴ در فلسفه دکتری گرفت. وی مدرس فلسفه دانشگاه تهران، مدیر بنیاد دایره المعارف اسلامی و رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی و رئیس مجلس شورای اسلامی در دوره هفتم است. ترجمه کتاب "تمهیدات" غلامعلی حداد عادل، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه: علوم انسانی رشته: فلسفه‌ال‌دین و انساب: غلامعلی حداد عادل فرزند رضا است. تحصیلات رسمی و حرفه ای: غلامعلی حداد عادل پس از اخذ دیپلم از دبیرستان علوی تهران ۱۳۴۲، لیسانس فیزیک از دانشگاه تهران ۱۳۴۵، فوق لیسانس فیزیک از دانشگاه شیراز ۱۳۴۷، توسط ساواک از دانشگاه اخراج شد و دوباره از ۱۳۴۸ در مقطع لیسانس علوم اجتماعی وارد دانشگاه تهران شد. و تا اخذ مدرک دکترای فلسفه از دانشگاه تهران در ۱۳۵۴ تحصیل کرد. عنوان تز دکتری وی نظرکانت درباره مابعدالطبیعه بوده است. خاطرات و وقایع تحصیل: اخراج غلامعلی حداد عادل از دانشگاه شیراز توسط ساواک از وقایع مهم زندگی علمی و مبارزاتی وی بوده است. فعالیت‌های ضمن تحصیل: غلامعلی حداد عادل در هنگام تحصیل در دوره فوق لیسانس فیزیک در دانشگاه شیراز، به طور همزمان به تدریس دروس نظری و عملی فیزیک در همان دانشگاه مشغول بوده است. استادان و مربیان: غلامعلی حداد عادل در رشته فیزیک از محضر استاد دکتر حسابی و دکتر جناب و در فلسفه از حضور عالمانی چون دکتر یحیی مهدوی، دکتر احمد فردید، دکتر سید حسین نصر، دکتر بزرگمهر و دکتر محمد خوانساریوشهید مطهری بهره برده

است. وقایع میانسالی: غلامعلی حداد عادل پس از اخذ دکتری فلسفه از دانشگاه تهران به تدریس در مرکز تعلیمات عمومی دانشگاه صنعتی شریف پرداخت. پس از انقلاب نیز مسئولیت های گوناگون اجرایی راعهده دار بود که از آن جمله مدیریت بنیاد دایره المعارف اسلامی، ریاست فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تدریس کلام جدید در حوزه علمیه قم و دانشگاهها اشاره نمود. وی اخیرا در دوره هفتم مجلس شورای اسلامی به ریاست مجلس نیز منسوب شده است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: قبل از پیروزی انقلاب اسلامی: عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف بعد از پیروزی انقلاب اسلامی: معاون تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، عضو شورای سرپرستی صداوسیما، مشاور وزیر و معاون رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش، مدیر عامل بنیاد دایره المعارف اسلامی، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، عضو هیئت علمی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران نماینده مردم تهران در دوره ششم (عضو کمیسیون فرهنگی)، دوره هفتم (رئیس مجلس) و دوره هشتم مجلس شورای اسلامی فعالیتهای آموزشی: عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف (قبل از انقلاب اسلامی) عضو هیئت علمی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران (بعد از انقلاب اسلامی) مدرس کلام جدید در حوزه علمیه قم و دانشگاهها. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: غلامعلی حداد عادل دکنار تدریس و مسئولیت های اجرایی به مطالعه و تحقیق و تالیف آثاری در زمینه فلسفه و اسلام می پرداخت. آرا و گرایشهای خاص: غلامعلی حداد عادل در فلسفه بیشتر بر آرای کانت و تحلیل آنها تمرکز دارد. جوایز و نشانها: ترجمه کتاب "تمهیدات" غلامعلی حداد عادل، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. غلامعلی حداد عادل در هفتمین همایش چهره های ماندگار در آبان ماه ۱۳۸۷ بعنوان چهره برگزیده در رشته فلسفه انتخاب گردید.

آثار: ۱ تمهیدات و ویژگی اثر: ترجمه- این کتاب در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «تمهیدات»: کتاب ترجمه «پروله گومنا» دومین مرجع فلسفه نظری کانت، فیلسوف مشهور آلمانی است. ترجمه بر اساس شش ترجمه انگلیسی و نظر به ترجمه عربی و فرانسه کتاب، با رعایت دقتهای لازم و در کمال شیوایی و رسایی صورت گرفته است. ترجمه این کتاب قدم مهمی در راه معرفی متون کلاسیک فلسفه به زبان فارسی و حل مشکلات این زبان برای ترجمه اصطلاحات فلسفه کانت است. کتاب علاوه بر ترجمه متن تمهیدات، مشتمل بر شرح حال کانت، نظر کانت در باره مابعدالطبیعه و غرض وی از تألیف تمهیدات است ۲ جدائیها ۳ دانشنامه جهان اسلام و ویژگی اثر: (جلد ۲ و ۳ و ۴ - زیر نظر ۴) درسهایی از قرآن و ویژگی اثر: ۴ جلد ۵ فارسی دوره راهنمایی و ویژگی اثر: (با همکاری دیگران) ۶ فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی ۷ نظریه معرفت در فلسفه کانت

حداد نیشابوری، ابوحفص عمرو

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۷۰ / ۲۶۷ ق)، زاهد ملامتی و محدث. از مردم روستای کوردآباد نیشابور بود. دکان آهنگری داشت. در نتیجهی تغییر حالتی که به او دست داد، همه کارها را رها کرد. ابوحفص از مشایخ بزرگ تصوف و صاحبان نظریه ملامت در عرفان است. وی از رفقای احمد بن خضرویه، و ابوعثمان حیری و شاه شجاع کرمانی بود. او مردی عامی بود و زبان عربی را نمی دانست در پنهان کردن زهد خود و ریاضت نفس کوشا بود. جاذبه سخنان او در باب فتوت، همه صوفیان بغداد را شیفتهی او کرد. ابوحفص از

شخصیتهای جنجالی تاریخ تصوف ایران است از حفص بن عبدالرحمان فقیه حدیث شنید و ابوعثمان حیری و حمدون قصار از وی روایت کردند. نام او را عمر بن سالم و عمرو بن سلم و عمرو بن مسلم نیز نوشته‌اند.
بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۴۳/۲)، تاریخ بغداد (۲۲۳- ۲۲۰/ ۱۲)، تاریخ نیشابور (۲۲۶، ۲۲۴)، تذکره الاولیاء (۳۳۱- ۳۲۲/ ۱)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (۴۶- ۴۵)، تعلیقات اسرار التوحید (۶۵۳)، جستجو در تصوف (۳۴۹- ۳۴۲)، حلیه الاولیاء (۲۳۰- ۲۲۹/ ۱۰)، خاندان نوبختی (۸۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۰۲۵- ۱۰۲۴/ ۷)، ریحانه (۶۳/۷)، سیر النبلاء (۵۱۳- ۵۱۰/ ۱۲)، طبقات الصوفیه سلمی (۱۱۵)، طبقات الصوفیه هروی (۱۱۳)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۳۱۶)، نفحات الانس (۵۷- ۵۶).

حداد، ابو علی حسن

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن احمد بن حسن بن احمد بن محمد مهره.
از مشایخ علم قرائت و تجوید و حدیث در اصفهان بوده، در ۴۱۹ متولد، و در ذیحجه ۵۱۵ وفات یافته است.
بر گرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

حداد، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین حداد سال ۱۳۳۹ در شهرستان ساوه به دنیا آمد. او فارغ‌التحصیل رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران بود. وی نزدیک به ۳۰ اثر تألیف و تدوین کرده و هفت جلد کتاب پژوهشی از وی در دست انتشار است.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: حسین حداد فارغ‌التحصیل رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران بود. همچنین از سال ۱۳۶۸-۱۳۵۹ در روستاهای دورافتاده همدان، ساوه و قزوین خدمت کرد.

آرا و گرایشهای خاص: پژوهشگر و مدیر دفتر پژوهش‌های مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری، سیدمهدی شجاعی در مراسم یاد بود حسین حداد خاطر نشان کرد: تلقی من درباره حسین حداد این گونه است. او به واقع می‌دانست آنچه را که انجام می‌دهد، به عنوان توشه‌ای با خود به آن دنیا می‌برد. آنچه او انجام می‌داد، اعتلا- بخشیدن به ادبیات متعهد بود. در ادامه جواد محقق با بیان خاطره‌ای از حسین حداد گفت: هر کدام از این نشست‌ها برای ما می‌تواند تلنگری باشد تا در زمان حیات قدر یکدیگر را بدانیم و قضاوت‌های مان بر اساس عدل و انصاف باشد. همچنین پس از مرگ هم دچار تملق‌گویی نشویم. او همچنین با تأکید بر این که ضروری است این دست بزرگداشت‌ها را در زمان حیات افراد داشته باشیم، خاطر نشان کرد: بزرگداشت کسی به معنای نفی نقد آثار آن فرد نیست. از سویی اگر کسی نقدی بر آثار دیگری داشت، آن را به حساب دشمنی و موارد منفی نگذاریم. امیرحسین

فردی هم با یادآوری خاطراتی از حداد گفت: زندگی وارسته حسین حداد برای ما الگویی است و همواره این را به ما یادآوری می‌کند، که بار امانت انقلاب اسلامی را به سلامت به مقصد برسانیم. فردی با بیان این که اتحاد و انسجام یکی از دغدغه‌های حسین حداد بوده است، افزود: او از غربت نسل جنگ در انقلاب اسلامی حرف می‌زد؛ نسلی که تا آخرین لحظه در جبهه‌های جنگ از آرمان‌های خود دست نکشید. در سوگ‌نشست حسین حداد، عباس براتی‌پور چند شعر خواند، و همسر حداد نیز به بیان خاطراتی از زندگی مشترک خود با او پرداخت.

جوایز و نشانها: مراسم یادبود حسین حداد با عنوان «خواب خاطره» در سالن اجتماعات انجمن قلم ایران در اردیبهشت ماه ۱۳۸۶ برگزار شد.

چگونگی عرضه آثار: درباره تألیفات حداد هم اشاره شد که نزدیک به ۳۰ اثر تألیف و تدوین کرده و هفت جلد کتاب پژوهشی از وی در دست انتشار است. -----

منابع:

۱) بانک رسانه‌ها - روزنامه همشهری، ۱-۲-۱۳۸۶، شجاعی: کار حداد اعتلا بخشیدن به ادبیات متعهد بود"

حداد، هاشم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جناب حاج سید هاشم موسوی حداد در سال ۱۳۱۸ ق. در کربلا چشم به جهان گشود. پدرش سید قاسم و مادرش زنی از قبیله جنابی‌های کربلا به نام هدیه می‌باشد.

جدش سید حسن از شیعیان هند بوده و به کربلا مهاجرت کرده است. در آنجا به سقایی مشغول و به حیا و پاکدامنی زبانزد بوده است.

از حکایتهای عبرت آموزجد ایشان آنکه:

اعراب غیرتمند اطراف کربلا- بعضی اوقات زنان خود را به همراه آقا سید حسن به کربلا می‌فرستادند تا لوازم مورد نیاز را تهیه کنند.

در تمام راه تا شهر کربلا- حتی یک بار هم بی اختیار نگاه سید حسن به آنها نمی‌افتاد و این نشان از شدت احتیاط و توجه وی داشت. ایشان در کربلا خانه‌ای را سقایی می‌کرد به قدری در هنگام آب رسانی خویشتن دار بود که از وقت داخل شدن به منزل تا خارج شدن سرش را به طرف دیوار بر میگرداند تا زنی را نبیند خواه در آن منزل کسی باشد یا نباشد.

عارف فرزانه حاج سید هاشم پس از رشد و شکوفایی، در همان کربلا مشغول تحصیل شد. درسهای طلبگی را تا سیوطی خواند. سپس راهی دیار مولی الموحدین، امیرالمؤمنین علیه السلام شد.؛ تا علاوه بر تحصیل، از محضر عارف کامل و بی بدیل، میرزا علی قاضی طباطبائی تبریزی، استفاده و همچنین در مدرسه هندی نجف خدمت کند.

حاج سید هاشم حداد، زندگیش با فقر و سختی می‌گذشت.

حدود دوازده سال در منزل پدر زن خود زندگی می کرد. چنان زندگی زاهدانه داشت که می گوید ما زیرانداز و روانداز نداشتیم و در سرما برای گرم نگهداشتن خود، نیمی از زیلوی کف پوش اتاق را به روی خود می انداختیم. ایشان با جدیت مشغول کار بود؛ ولی مراجعه فقیران و نسیه دادن به مشتریها که گاهی بر نمی گردانند و نصف کردن در آمد با شاگرد خود، چیزی برای وی باقی نمی گذاشت.

حال ایشان به گونه ای بود که نمی توانست بر خلاف این رویه عمل کند؛ چرا که استفاده از محضر استاد عارف علامه قاضی چنین اجازه ای به ایشان برای جمع مال و رد فقیر و نسیه ندادن به ایشان نمی داد. ایشان به نیازمندی که می رسید، دست در جیب می کرد و بدون شمارش پول می داد و گاهی هر چه داشت به آن مستمند می داد.

از خدمت کردن به دوستان بسیار خوشحال می شد و از هیچ کاری چه تهیه کردن غذا، شستن ظرف ها و جارو کردن اتاق فروگذار نمی کرد. در هدیه دادن دست بازی داشت و به دوستان هر چه بود می داد. سجاده، تسبیح، انشگتر. به طور معمول از فروشندگان فقیری که کنار صحن می نشستند، خرید می نمود و همیشه از عطر استفاده و اغلب در اتاقش عود روشن می نمود. غذایش نان با کمی سبزیجات بود.

عارف کبیر و موحد بی نظیر جناب سید هاشم حداد به بیماری مبتلا شد و نزدیکان هر چه تلاش کردند سودی نکرد خود آقا می فرمود: حال من خوب است شما چرا اینقدر خود را به زحمت می اندازید. ولی نزدیکان تحمل نداشتند. ایشان را در بیمارستان کربلا بستری کرده تحت معالجه طیب مخصوص خودشان، سید محمد شروقی قرار گرفت. روز دوازدهم رمضان حدود سه ساعت به غروب آقا می فرماید: مرا مرخص کنید! سادات در منزل، منتظر می باشند.

دکتر می گوید: امکان ندارد.

آقا می گوید: تو را به جده ام فاطمه زهرا علیها السلام قسمت می دهم! بگذار بروم؛ سادات منتظر هستند و من تا یک ساعت دیگر از دنیا می روم.

دکتر با شنیدن قسم، او را مرخص می نماید. ایشان به منزل می آیند. جمعی آنجا بودند و در مورد آیه «انا سنلقى علیک قولا ثقیلا» از آقا می پرسند. وی می فرماید: جبرئیل در برابر عظمت رسول الله ثقلی ندارد تا از آن تعبیر به قول ثقیل گردد. مراد از قول ثقیل، اوست.

«لا هو الا هو».

بعد درخواست حنا میکند و به رسم دامادها حنا می بندد و می گوید اتاق را خلوت کنید و رو به قبله می خوابد.

لحظاتی می گذرد و اطرافیان وارد اتاق می شوند می بینند ایشان جان به جان آفرین تسلیم کرده است. دکتر بر طبق گفته آقا، در همان ساعت به منزل ایشان آمد و دید حاج سید رو به قبله خوابیده است. گوشی را بر قلب او گذارده، می بیند قلب از کار افتاده است. گوشی را به گوشه ای پرت کرد و های های شروع به گریه می نماید.

آقا را شبانه غسل و کفن کردند، جمعیت انبوهی غیر منتظرانه و نشناخته برای تشییع از کربلا و اطراف با چراغهای زنبوری آمدند. ایشان را پس از طواف در حرم حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام و حضرت ابا الفضل العباس علیه السلام، در وادی الصفای کربلا در مقبره شخصی که برای ایشان تهیه شده بود، به خاک سپردند.

این عبد صالح خدا بعد از ۸۶ سال زندگی در این دنیا وظیفه انسانیت و عهد الهی را به انجام رساند و با کوله باری از بندگی و یگانه پرستی در دوازدهم ماه مبارک رمضان سال ۱۴۰۴ ق. به سوی معشوق رهسپار گردید.

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی مغز و اعصاب، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی جراحی اعصاب از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۵۳، گذراندن دوره‌های انجمن جراحی اعصاب اروپا در شهر مونپلیه فرانسه در سال ۱۳۵۶ و در شهر منچستر انگلستان در سال ۱۳۵۷ و در شهر لوین فرانسه در سال ۱۳۵۷. دریافت دیپلم ناسیونال الکتروآنسفالوگرافی فرانسه در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

پس از طی دوره استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

جراحی اعصاب به خصوص درمان اسپاسم و بارکینون، جراحی اعصاب اطفال و ستون فقرات، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۳ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

جراحی اعصاب.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

جراحی اعصاب.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

حدایق شیرازی، یوسف

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۲ - ۱۲۹۱ ق)، عالم و دانشمند. در شیراز متولد شد. پس از پایان تحصیلات مقدماتی در مدرسه‌ی حکیم، به فراگیری فقه و اصول پرداخت و به عراق رفت و در شهرهای سامرا، نجف و کربلا، در حوزه‌ی درس میرزا محمد تقی شیرازی، حاج سید اسماعیل صدر و آخوند خراسانی و میرزا احمد شیرازی حاضر شد و از محضر آنان کسب فیض کرد. علم حدیث را نزد میرزا حسین نوری فراگرفت و از وی اجازه دریافت کرد. پس از آن به شیراز آمد و فلسفه را نزد حکیم کازرونی آموخت و مدرسه‌ی مقیمیه و مسجد

عتیق را مرمت کرد و در مدرسه‌ی منصوریه به تدریس پرداخت. وی در شیراز بدرود حیات گفت. [۱]
 یوسف بن العالم الجلیل شیخ ابوالحسن کازرونی بحرانی از علماء و دانشمندان مشهور معاصر شیراز بودند.
 تولد ایشان در ۱۲۹۱ ق در شیراز واقع شده و پس از تحصیل مقدمات در مدرسه حکیم به فقه و اصول پرداخته و پس از تکمیل متون مهاجرت به نجف اشرف نموده و از آنجا به سامرا و در درس مرحوم آیت‌الله العظمی مجدد شیرازی حاضر و استفاده نمود.
 پس از آن مرحوم در سال ۱۳۱۲ ق به کربلا آمده و از محضر آیت‌الله العظمی حاج سید اسماعیل صدر و در نجف از درس و بحث علامه خراسانی و حکمت را از حکیم ربانی میرزا احمد شیرازی بهره‌مند شده و در ۱۳۱۸ به شیراز مراجعت و برای تکمیل معقول به حوزه درس مرحوم حاج سید علی حکیم کازرونی شرکت کرده و علم حدیث و رجال را هم از خاتم‌المحدثین حاج میرزا حسین نوری در نجف فرا گرفته و موفق به دریافت اجازه روایتی جامعی از ایشان شده و پس از ورود به شیراز و تکمیل معقول مدرسه مقیمیه را که از مدارس قدیمه شیراز بوده مرمت نموده و در مدرسه منصوریه به تدریس پرداخته و همت به تعمیر مدارس و مساجد قدیمه گماشته و مدرسه حکیم و مسجد عتیق را عمارت و حرم سید علاءالدین حسین را نیز مرمت نمود بمعونه و مساعدت اهل خیر و مردم متدین و نیکوکار شیراز جزاهم الله خیر الجزاء.

مرحوم حدائق در ماه شوال ۱۳۶۲ ق در شیراز وفات نمود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۳۷- ۲۳۶/۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۸۵/۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۴۱- ۴۴۰/۵).

حدائق، ضیاءالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شاعر.

تولد: ۱۳۲۲، ق. شیراز.

درگذشت: ۳۰ بهمن ۱۳۶۶.

ضیاءالدین حدائق معروف به «ابن یوسف»، فرزند آیت‌الله یوسف حدائق، پس از تحصیل مقدمات علوم در مدارس جدید و مدرسه‌ی علمیه‌ی منصوریه، به سال ۱۳۴۵ ق. برای تکمیل علوم معقول و منقول به اصفهان، قم، تهران و مشهد رفت و مدت پانزده سال در تهران اقامت گزید و با گرفتن لیسانس دانشکده‌ی معقول و منقول، در مدرسه‌ی علی سپهسالار و مدرسه خان مروی به تدریس پرداخت. او از علمای تهران اجازه گرفت، سپس به عتبات عالیات رفت و از علمای آنجا نیز موفق به اخذ اجازه‌ی اجتهاد شد. سپس به شیراز مراجعت کرد. وی در جلسات کانون دانش پارس و انجمن صدر شرکت می‌جست. آثار چاپ شده او عبارتند از: رساله‌ای درباره نهج‌البلاغه؛ رساله صدرالدین شیرازی؛ فهرست کتب خطی کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی (یک جلد)؛ فهرست کتب خطی کتابخانه‌ی مدرسه‌ی عالی سپهسالار (دو جلد)؛ کتاب النظائر و المقتبسات، گمشده‌ها در «مصاریعی که مثل سائر شد».

ضیاءالدین بن حاج شیخ یوسف مذکور مشهور به ابن یوسف از نویسندگان و دانشمندان بنام و مؤلفین عظام شیراز است.

وی در ۱۳۲۳ ق متولد شده و در بیت علم پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات به تحصیل سطوح منقول و معقول پرداخت و مدت پانزده سال در تهران از محضر درس فحول علماء استفاده نموده و جامع معقول و منقول شد و مدتی در مدرسه

عالی سپهسالار و مدرسه خان مروی بتدریس و افاده اشتغال داشت و پس از آن مسافرتی به نجف اشرف نموده و با مذاکرات علمی که با مراجع بزرگ تقلید و آیات عظام نمود موفق به دریافت اجازه اجتهاد گردیده و به شیراز مراجعت و به تدریس و تالیف و ارشاد و هدایت مردم پرداخت تالیفات عدیده ارزنده دارد که آنها را متذکر می‌شوم.

۱- رساله نهج البلاغه چیست (چاپ شده)

۲- فهرست کتب خطی مدرسه عالی سپهسالار در دو جلد (چاپ شده)

۳- فهرست کتب خطی ادبی کتابخانه مجلس شورای ملی (چاپ شده)

۴- گمشده‌ها

۵- النظائر والمقتبسات.

از رباعیات ایشانست این دو رباعی.

دیدار تو ای دوست مرا جان بخشد

گفتار روانبخش تو ایمان بخشد

شایسته ز چون توئی بود آیت حسن

کایمان و روان ز رویت احسان بخشد

من از دل و جان طالب دیدار توام

آشفته و مدهوش ز رفتار توام

با اینهمه بندگی و عجزی که مراست

از چیست که محروم ز دیدار توام

(تو ۱۳۲۳ ق)، مجتهد، نویسنده، شاعر و فهرست‌نگار. در شیراز به دنیا آمد و تا بیست و سه سالگی در شیراز، مقدمات علوم و ادبیات فارسی و عربی را در مدارس رحمت، شعاعیه و منصوریه و نزد پدر آموخت. در سال ۱۳۴۵ ق برای تکمیل تحصیلات علوم معقول و منقول به اصفهان، قم، مشهد و تهران سفر کرد. مدت پانزده سال در تهران اقامت گزید. وی در رشته‌ی علوم معقول لیسانس گرفت و به مقام مدرس رسید. پس از سی این مراحل در مدارس سپهسالار و مروی به تدریس پرداخت. پس از آن به عراق رفت و بعد از گذراندن امتحان به کسب اجازه‌ی اجتهاد نایل شد و به شیراز بازگشت و مقیم آن شهر گردید. وی گهگاهی شعر نیز می‌سرود. آثار به جای مانده از او: «رساله‌ی صدرالدین شیرازی»؛ «فهرست کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی»؛ «فهرست

کتابخانه‌ی مدرسه‌ی سپهسالار»؛ «نهج البلاغه چیست؟»؛ «گمشده‌ها»؛ «النظائر و المقتبسات». [۱]

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه: [۱] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۴۰- ۲۳۸/۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳/۸۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۴۲- ۴۴۱/۵)، مولفین کتب چاپی (۵۶۱- ۵۶۰/۳).

حدیدی، جواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جواد حدیدی در پنجم آذر ماه سال ۱۳۱۱ ش. در قم متولد شد. ایشان پس از اتمام تحصیلات حوزوی در شهرستان قم، در

سال ۱۳۳۳ در رشته ادبیات فرانسه و دبیری ازدانشگاه تهران فارغ التحصیل شد و به عنوان دبیر در دبیرستانهای مشهد به کار مشغول شد. وی در سال ۱۳۳۶ به اخذ درجه تحصیلی معادل لیسانس ادبیات فرانسه از دانشگاه ژنو نائل گشت. همچنین وی به عنوان ریاست اداره آموزش مشهد و ریاست کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی و مدیر مسوول و صاحب امتیاز مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی و معاونت دانشکده و ریاست دانشکده ادبیات و علوم انسانی و مدیر کل برنامه ریزی زبان فرانسه برای دانشگاههای کشور و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی و مدیریت گروه ادبیات تطبیقی در طول سالهای متمادی به خدمت مشغول بوده و هستند و از ایشان کتابها و مقالات بسیاری به زبانهای فارسی و فرانسه منتشر شده است. تعدادی از کتبهای تالیفی و ترجمه ای ایشان به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد برگزیده و معرفی شده است که از آن جمله می توان به ترجمه کتاب "حدیث عشق در شرق" و ترجمه کتاب "از سعدی تا آراگون" اشاره کرد. گروه: علوم انسانی رشته: زبان و ادبیات فرانسه خاطرات کودکی: یکی از سرگرمیهای جواد حدیدی در دوره سرخوردگی از مکتب، شکار خرچنگ در قناتهای اطراف شهر بود که در عالم کودکانه او کاری بسیار دلاورانه به شمار می رفت. بچه های همبازی او گفته بودند شاخک خرچنگ بعد از صد سال عتیقه می شود، جواد تقریباً نمی دانست صد سال چقدر طول می کشد، ولی تقریباً می دانست عتیقه چیزی است مانند طلا. جواد در آن دوران کودکی شاخکهای بسیار گردآورد که سالها ماند ولی هیچیک از آنها عتیقه نشد. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: جواد حدیدی خود در این زمینه می گوید: پدر و مادرم هیچ کدام سواد نداشتند. در نتیجه آموزش و تعلیم و تدبیت و مدرسه مشکلاتی داشت. در آن زمان هم، لا اقل در قم، این طور رواج داده بودند که مدرسه های جدید بچه ها را بی دین بار می آورد. پدر من هم که آدم متدینی بود مرا به مدرسه نگذاشت بلکه ابتدا نزد شاباجی فرستاد و بعد مرا به مکتب. تحصیلات رسمی و حرفه ای: جواد حدیدی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه سنایی قم به پایان رساند. سپس از ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۰ در مدرسه فیضیه به تحصیل تحصیلات سنایی قم به پایان رساند. سپس از ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۰ در مدرسه فیضیه به تحصیلات حوزوی پرداخت. در سال ۱۳۳۰ تحصیل در رشته ادبیات فرانسه را در دانشگاه تهران آغاز نمود. و در همین دوران به صورت همزمان تحصیلات خود را در دانشسرای عالی تهران ادامه داد، که در سال ۱۳۳۳ موفق شد دو مدرک لیسانس رشته ادبیات فرانسه و دبیری را اخذ کند. پس از دو سال برای ادامه تحصیل به کشور سوئیس عازم شد و در سال ۱۳۳۶ با اخذ درجه تحصیلی معادل لیسانس ادبیات فرانسه از دانشگاه ژنو بازگشت. خاطرات و وقایع تحصیل: جواد حدیدی ضمن تحصیل در دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات، بعد از امتحانات سال اول پدرش را که به ذات الریه مبتلا شده بود از دست داد و مسئولیت مادر و برادر کوچک و خواهر و فرزندان یتیم خواهری دیگرش به عهده او افتاد. فعالیتهای ضمن تحصیل: جواد حدیدی ضمن تحصیل در حوزه، برای امرار معاش تدریس می کرد، همچنین تدریس زبان فرانسه به یکی از طلبه های حوزه علمیه را به عهده داشت به نام صلواتی که استاد حدیدی در حوزه بوداستادان و مربیان: دکتر سپهبدی، دکتر بروخیم، خانم نفیسی، خانم آندریو، خانم پاکروان، دکتر خوانساریو قایع میانسالی: یک کلیه جواد حدیدی بر اثر شیمی درمانی از کار افتاده بود و ضایعه ای هم در کبد ایشان وجود داشت، به همین دلیل حدیدی تن به جراحی داد و یک کلیه و قسمتی از کبد و کیسه صفراى ایشان را در آوردند که این عمل با موفقیت همراه بود. جواد حدیدی پس از انقلاب برای تدوین برنامه های آموزشی رشته زبان و ادبیات فرانسه دانشگاههای کشور مأمور خدمت در ستاد انقلاب فرهنگی شد. وی از آن دوران چنین یاد می کند: "این مأموریت از بهمن ۱۳۶۰ تا اواخر سال ۱۳۶۲ به درازا کشید. در این مدت سه برنامه مختلف (ادبی، مترجمی، دبیری) تدوین و پیشنهاد کردم که مورد تأیید قرار گرفت و پس از بازگشایی دانشگاهها به اجرا درآمد. در سال ۱۳۶۳ به درخواست خود بازنشسته شدم. ولی، طبق قراردادی، در مرکز نشر دانشگاهی، با سمت مدیر گروه تخصصی زبان و ادبیات فرانسه مشغول به کار شدم." زمان و علت فوت: جواد حدیدی بر اثر بیماری در تاریخ دوشنبه ۲۸ مرداد ماه سال ۱۳۸۱ در تهران در گذشت. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: جواد حدیدی از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۳ سمت ریاست اداره آموزش دانشگاه مشهد و در طی

سالهای ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۴ سمت ریاست کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد را به عهده داشت. سال ۱۳۴۴ همچنین مدیر مسوول و صاحب امتیاز مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی را به عهده داشت. وی در طی سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۲ مسوولیت معاونت دانشکده و در طی سالهای ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۸ سمت ریاست دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد را به عهده داشت. حدیدی در سال ۱۳۵۷ عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی شد و هم اکنون مدیریت گروه ادبیات تطبیقی را به عهده دارد. از اردیبهشت ۱۳۶۷ تاکنون با مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، و از فروردین ۱۳۷۵ تاکنون با مرکز ترجمه قرآن مجید به زبانهای خارجی، همکاری دارد. فعالیتهای آموزشی: جواد حدیدی از سال ۱۳۳۳ به عنوان دبیر در دبیرستانهای مشهد به خدمت مشغول شد. نمود و خدمات آموزشی خود را در دانشگاه مشهد آغاز کرد. ایشان از سال ۱۳۴۴ به مرتبه استادی نایل آمدند. همچنین بعد از بازنشستگی در سال ۱۳۶۳ به فعالیت های آموزشی خود در برخی از دانشگاههای تهران ادامه دادند. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: جواد حدیدی مجله لقمان، نشریه ایران شناسی مرکز نشر دانشگاهی به زبان فرانسه را تأسیس کرده است بطوری که انتشار آن همچنان ادامه دارد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: عضویت در مجامع بین المللی: ۱. عضو انجمن نویسندگان فرانسوی زبان، ۱۹۷۵ ۲. عضو انجمن ایران شناسی اروپا، ۱۹۸۷ ۳. عضو انجمن مطبوعات فرانسوی زبان، ۱۹۸۸. جوایز و نشانها: حدیدی اولین جایزه علمی خود را در سال ۱۳۳۳ به عنوان مدال درجه یک علمی، برای احراز رتبه اول در دانشسرای عالی وزارت فرهنگ سابق کسب کرد. جایزه ادبی نویسندگان فرانسوی زبان در ۱۹۷۸، برای کتاب و جایزه بهترین تحقیق در علوم انسانی برای (پژوهش خیام در ادبیات فرانسه) دانشگاه مشهد، ۱۳۵۲. و جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای ترجمه حدیث عشق در شرق ۱۳۷۳. و جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای کتاب از سعدی تا آرگون (در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران) ۱۳۷۴. و عنوان؛؛ شوالیه در افتخارات فرهنگی؛؛ وزارت فرهنگ فرانسه ۱۹۹۴. چگونگی عرضه آثار: شرکت در مجامع علمی به شرح زیر: ۱. کنگره بین المللی بخشهای زبان فرانسه دانشگاههای جهان، ۸ تا ۱۴ مه ۱۹۷۲، کانادا. ۲. بیست و نهمین کنگره بین المللی خاورشناسان، تابستان ۱۹۷۳، پاریس ۳. سی امین کنگره بین المللی خاورشناسان، ۳-۸ اوت ۱۹۷۵، مکزیک ۴. اجلاس سالانه انجمن نویسندگان فرانسوی زبان، ۱۹۷۵، پاریس ۵. کنگره بین المللی دوستمین سالگرد مرگ ولتر و روسو، ۷ تا ۹ ژوئن ۱۹۷۸، فرانسه ۶. اجلاس سالانه انجمن نویسندگان فرانسوی زبان، ۸ نوامبر تا ۳ دسامبر ۱۹۸۴، پاریس ۷. اجلاس سالانه انجمن نویسندگان فرانسوی زبان، ۲۲ تا ۲۸ نوامبر ۱۹۸۶، فرانسه ۸. بزرگداشت ششصدمین سالگرد مرگ حافظ در یونسکو، ۲۹ و ۳۰ نوامبر ۱۹۸۸، فرانسه ۹. کنگره بین المللی انجمن مطبوعات فرانسوی زبان، ۳-۱۱ نوامبر ۱۹۸۸، گویان ۱۰. سی و سومین کنگره بین المللی خاورشناسان، ۱۹-۲۵ اوت ۱۹۹۰، کانادا ۱۱. کنگره بین المللی انجمن مطبوعات فرانسوی زبان، ژوئن ۱۹۹۲، لیموز ۱۲. کنگره بین المللی شعر در کشورهای حوزه مدیترانه، ۲۸-۳۰ مه ۱۹۹۳، دلفی ۱۳. کنگره بین المللی عطارم دانشگاه استراسبورگ، فرانسه، ۲-۴ آوریل ۱۹۹۶ ۱۴. کنگره بین المللی جامی و خیام، دانشگاه استراسبورگ، فرانسه ۲۸-۳۰ آوریل ۱۹۹۹ ۱۵. تدریس در دوره های دکتری و فوق لیسانس بخش خاورشناسی دانشگاه استراسبورگ، مارس ۲۰۰۰. آثار: ۱. *de sa'dia aragon ۲ les portes de l'eau ۳* ۱. *traduction commentaire et lerixue de la surate al- bagara ۴ voltaire et I'islam ۵* ۱. لکریم ذلک الکتاب لاریب فیه ویژگی اثر: ترجمه معانی الفاتحه و البقره فی الفرنسیه ۶ از سعدی تا آرگون ویژگی اثر: تالیف، این کتاب در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «از سعدی تا آرگون»: از سعدی تا آرگون: (تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات فرانسه)؛ جواد حدیدی؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳. این کتاب، داد و ستد فرهنگی ایران و فرانسه را در مدت چهارقرن در بر می گیرد و به دوره ای مشخص یا شاعری معین اختصاص نیافته است. مطالب کتاب از هماهنگی و انجام دقیقی برخوردار و نحو؟ تنظیم کتاب

شناسی و فهرستها نیز دقیق است و به دو بخش اصلی تقسیم شده است. در بخش اول، از نویسندگان قرون هفدهم و هجدهم سخن رفته است و بخش دوم کتاب، دوره های پس از انقلاب فرانسه را در بر می گیرد و تا مرگ لویی آراگون، یکی از شیفتگان بزرگ ادبیات فارسی، ادامه می یابد. مؤلف نتیجه تجربیات و مطالعات خود را در طول سی سال به کار گرفته و با استفاده از کتب تاریخ ادبیات غرب و حتی دست نوشته های نویسندگان فرانسوی، آرای خود را استنتاج کرده است ۷ اسلام از نظر ولتر ۸ ایران در ادبیات فرانسه ۹ برخورد اندیشه ها ۱۰ ترجمه قسمتی از قرآن مجید به زبان فرانسه و تالیف ۱۰ مقاله فارسی و فرانسه برای درج در ترجمان وحی و ویرایش کلیه مطالب مجله ترجمان وحی و ویژگی اثر: از سال ۱۳۷۳ تاکنون در مرکز ترجمه قرآن مجید به زبانهای خارجی، مانند؛ ترجمه و تفسیری روایی از قرآن مجید به زبان فرانسه؛ ۱۱ ترجمه مقالات فرهنگ آثار ویژگی اثر: ترجمه حدود ۱۰۰ مقاله در انتشارات سروش از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۳۱۲ حدیث عشق در شرق (از سده اول تا سده پنجم هجری) ویژگی اثر: مولف کتاب ژان-کلود واده است که حدیدی آنرا ترجمه کرده است. این کتاب در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «حدیث عشق در شرق»: حدیث عشق در شرق؛ ژان کلود واده؛ ترجمه؟ جواد حدیدی؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲. در شرق، عشق، از دیرباز مفهوم متعالی و برتری داشته است. این نکته ای است که مؤلف کتاب «حدیث عشق در شرق» می خواهد به اثبات آن بپردازد. او در جست و جوی وجوه اشتراک و مشابهت میان ادبیات عاشقان؟ شرق اسلامی از یک سو، و ادبیات غرب مسیحی از سوی دیگر است. انتخاب بجا و شایسته؟ مترجم این اثر توانسته است تا حدودی جای خالی چنین آثاری را در ادبیات پژوهی یا عرفان پژوهی پر کند. نثر دقیق و استوار و سبک بیان مترجم، این کتاب را جزو نمونه های ممتاز نثر فارسی در ربع قرن اخیر قرار داده است. کتاب حاضر به زبان فرانسه تألیف شده اما در ترجمه اشعار عربی به فارسی، مترجم بیشتر اشعار را از منابع اصلی استخراج کرده و به شیوایی به فارسی برگردانده است. دقت مترجم در حصول اطمینان از صحت ارجاعات و اقوال، در مقایسه با آثار دیگری که در سالهای اخیر به فارسی ترجمه شده است، بی نظیر می باشد. نکات فنی چاپ و دیگر خصوصیات صوری نیز زیبا و چشم نواز می نمایند ۱۳ دروازه های آب (هفده گفتار) ۱۴ رهروان حقیقت و ویژگی اثر: در دست آماده سازی ۱۵ شاعران فرانسوی در مکتب عارفان ایرانی ۱۶ مجله لقمان و ویژگی اثر: مجله ای است به زبان فرانسه که توسط مرکز نشر دانشگاهی منتشر می گردد، هدف این مجله نشر فرهنگ ایرانی و فارسی است در زمینه های مختلف مذهبی، فلسفی، عرفانی و ادبی. که در حال حاضر به هفده کشور جهان فرستاده می شود و نزدیک به دویست و پنجاه مشترک خارجی دارد. ۱۷ میراث سوم و ویژگی اثر: مولف کتاب روزه - گارودی است که حدیدی آنرا ترجمه کرده است. ۱۸ نظارت بر تدوین ۲۴ عنوان کتاب درسی برای رشته های مختلف زبان فرانسه دانشگاه های کشور، نگارش و ویرایش مقاله و ویژگی اثر: ویرایش حدود ۸۰۰ مقاله در مرکز دائر، لمعارف اسلامی از سال ۱۳۶۷ تاکنون، مانند مقاله؛ بولن ویلی یه؛ ۲۰ نگاهی در آینه و ویژگی اثر: این کتاب در حوزه زندگینامه نویسی از آثار ارزشمندی است که در دهه ۷۰ چاپ شده است.

منابع زندگینامه: حدیدی، جواد- نگاهی در آینه، انتشارات نیلوفر ۴ کتاب ماه (ادبیات و فلسفه)- سال ۴- شماره ۱۰ و ۱۱، مرداد و شهریور ۱۳۸۰۵ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی- دانشگاه فردوسی مشهد، ویژه سپاسداشت و ارج شناسی استاد دکتر جواد حدیدی، سال ۳۴، شماره ۲۱، بهار و تابستان ۱۳۸۰

حر عاملی، احمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد ابن حسن بن علی مشغری، از دانشمندان شیعه عهد صفوی (و. ۱۰۴۰ ه.ق. - ف. پس از ۱۱۲۰ ه.ق.) وی برادر محمد شیخ الاسلام مشهور است. او پس از مرگ برادر در ۱۱۰۴ به مقام شیخ الاسلامی رسید و در ۱۱۱۵ به دستور شاه سلطان حسین صفوی به اصفهان رفت.

از آثار او: تاریخ صغیر، تاریخ کبیر، تفسیر قرآن، جواهر کلام، حاشیه بر مختصر نافع را باید نام برد.
بر گرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

حرم پناهی قمی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت الله مرحوم شیخ مهدی بن علامه آقا حسن حفید آیت الله حاج ملا آقا حسین قمی از علماء ابرار قم بوده‌اند در دهم ماه شعبان ۱۳۱۹ ق در قم متولد شده و ادبیات و سطوح را از والد خود و مرحوم آیت الله شیخ ابوالقاسم کبیر فرا گرفته و فقه و اصول خارج را از مرحوم آیت الله حایری و هم مقداری از آیت الله اصفهانی استفاده نموده و در سن ۲۷ سالگی به درجه رفیع اجتهاد رسیده ولی غالباً از اجتماعات کناره گیری نموده و به عبادت و بندگی خدا پرداخته تا در جمادی الثانی ۱۳۷۴ دعوت حق را اجابت و در جوار حضرت معصومه علیها السلام به خاک رفته است.
بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حرم پناهی، محسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حضرت آیت الله حاج شیخ محسن حرم پناهی در سال ۱۳۰۸ هجری شمسی در یک خانواده روحانی در قم متولد شد. تحصیلات: از چهار سالگی به آموختن قرآن، و تا دوازده سالگی در کنار قرآن، فارسی و ریاضی را فرا گرفت و از سیزده سالگی به آموختن علوم دینی پرداخت.

دروس مقدماتی و سطح حوزه را نزد اساتید معظمی مانند حضرات آیات آقایان فرهادی، فاضل کاشانی، بدلا، حاج شیخ یوسف احمدی همدانی، حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی سده‌ای، شهید صدوقی، حاج شیخ محمد علی کرمانی و مجاهدی تلمذ کرد.
پس از اتمام سطح، درس خارج را از محضر آیات عظام مرحوم بروجردی؛ (۱۴ سال) مرحوم گلپایگانی؛، مرحوم حجت؛، مرحوم حاج سید محمد تقی خوانساری؛، مرحوم اراکی؛، مرحوم امام خمینی ۱ بهره برد. تدریس:
وی تدریس را از زمانی که در درس سیوطی شرکت می‌کرد با تدریس عوامل ملامحسن آغاز و در ادامه کلیه سطوح حوزه را از مقدمات، سطح و درس خارج تدریس کردند و تا آخر عمر شریفشان به تدریس اشتغال داشتند. تالیفات:
آثار تألیفی ایشان را می‌توان در کتاب «معالم جامع احادیث شیعه» و در مجله «نورعلم» مشاهده کرد، تالیفات دیگری از آن حضرت در زمینه تقیه، ولایت فقیه و... موجود است که هنوز به چاپ نرسیده است. مبارزات:

وی از همان زمانی که امام خمینی ۱ مبارزه را آغاز کرد با توجه به افکار ضدطاغوتی که داشت به هیأت سیاسیون پیوست و در جلساتی که اعضاء جامعه مدرسین قبل از انقلاب تشکیل می‌دادند شرکت می‌کرد.

از فعالیتهای قبل از انقلاب ایشان می‌توان به سفرهای تبلیغی ایشان به ورامین - آشتیان و تهران اشاره کرد که در ورامین به علت سخنرانی‌های روشنگرانه به شهربانی وقت احضار شدند که با تدبیر و پشتیبانی مردم شهربانی نتوانست وی را جلب کند بلکه به جلسات خود ادامه داد.

حضرت آیت‌الله حرم پناهی مدرس حوزه علمیه قم و از اعضاء موسس و عضو جامعه محترم مدرسین در شانزدهم ماه رجب ۱۴۲۳ برابر با دوم مهرماه ۱۳۸۱ در ساعت شش بعداز ظهر بعلت عارضه قلبی دعوت حق را لیک گفت و به ملکوت اعلی پیوست.

روحش شاد و یادش گرامی باد

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حری، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عباس حری در پانزدهم اسفند ۱۳۱۵ در خانواده‌های روحانی در مشهد به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان شهر گذراند. پس از گذراندن سه سال اول دبیرستان وارد دانشسرای مقدماتی شد و پس از اتمام دوره دو ساله دانشسرا برای معلمی در یکی از روستاهای شهرستان کاشمر (در جنوب خراسان) مأموریت یافت. در واقع در سال ۱۳۳۵ بود که به جرگه معلمی پیوست. پس از دو سال خدمت در روستای ریوش از بخش کوهسرخ (کاشمر) به شهر کاشمر منتقل شد و هفت سال نیز در آنجا خدمت کرد. در این مدت مدرک ششم دبیرستان را که به «دیپلم کامل» میانجامید (در مقابل اتمام دو سال دانشسرا که «دیپلم ناقص» نامیده میشد). به صورت آزاد گرفت و در همین زمان به فراگیری زبان انگلیسی نیز پرداخت (زبان خارجی مرسوم آن زمان فرانسوی بود و انگلیسی تازه باب شده بود). در سال ۱۳۴۲ ازدواج کرد و در سال ۱۳۴۵ به مشهد انتقال یافت و در همان سال در آزمون ورودی دانشگاه مشهد شرکت جست. در آزمون ورودی رشته تاریخ رتبه اول و در رشته زبان و ادبیات انگلیسی رتبه پنجم را کسب کرد. بنا به علاقهای که داشت وارد رشته زبان و ادبیات انگلیسی شد و در سال ۱۳۴۹ مدرک لیسانس خود را گرفت. پس از فراغت از تحصیل، در همان سال بنا به درخواست خود به تهران انتقال یافت و در آزمون ورودی فوق لیسانس کتابداری دانشگاه تهران شرکت کرد و پذیرفته شد. در سال ۱۳۵۲ فوق لیسانس خود را گرفت و در سال ۱۳۵۳ از آموزش و پرورش به دانشگاه تهران انتقال یافت و به عنوان مربی در گروه کتابداری این دانشگاه به تدریس پرداخت. در همان سال از سوی دانشگاه مأموریتی یکساله برای توسعه اطلاعات خود به ایالات متحده گرفت و در همان زمان در آنجا، در دانشگاه کیس وسترن، برای مقطع دکتری نام نویسی کرد و پذیرفته شد. وی در مدت چهارده ماه دروس دکتری را با موفقیت گذراند و تمام وقت خود، به جز زمان کلاس هایش، را در کتابخانه میگذراند. طبق مقررات میبایست به ایران بازمیگشت و چنین کرد. در سال ۱۳۵۸ برای تکمیل دوره و گذراندن رساله دکتری بار دیگر عازم همان دانشگاه شد و سرانجام در سال ۱۳۶۰ با مدرک دکترای کتابداری و اطلاع رسانی به کشور بازگشت گروه: علوم انسانی رشته: کتابداری والدین و انساب: مادر عباس حری از مردم تهران و پدرش اهل خراسان و مشخصاً اهل مشهد بود. از ناحیه پدر نسب وی به شیخ حُرّ عاملی، صاحب وسایل الشیعه، میرسد. خانواده او از لحاظ اقتصادی متوسط بود. مادر بزرگ مادریش از مردم خیابان خراسان (شهر تهران) و محله تیر دوقلو بود که همراه دخترش با این نیت که بقیه عمر رادر جوار مرقد

حضرت رضا(ع) سپری کند به مشهد کوچ کرده و در آنجا ساکن شده و طلبه جوان را برای همسری دخترش برگزیده بود. خانواده پدریاش پشت اندر پشت روحانی بودند. وصلت مادر و پدرش به چهار پسر و چهار دختر انجامید. پدرش مورد اعتماد و احترام اهل محل و راهگشای بسیاری از مسائل خانوادهها و حکم اختلافات خانوادگی، اجتماعی، و اقتصادی بود. پدرش در اواخر عمر مبتلا به سرطان کبد شد و در سال ۱۳۴۲ چشم از جهان فروبست و چند سال بعد مادر نیز به او پیوست. خاطرات کودکی: کودکی عباس حری در دامان خانواده گذشت و در شش سالگی وارد مدرسهای نیمه دینی شد. مدرسهای که به سبک امروزی اداره میشد ولی بر دروس و علوم دینی تأکید داشت. مدیر و معاون مدرسه و تعدادی از معلمان آن روحانی بودند. مدرسه در نزدیکی محل سکونت وی قرار داشت. به طور مبهم، سربازان روس را به یاد می‌آورد که در آن سالها مشهد را به سمت شهرهای شمالی خراسان ترک میکردند تا به روسیه بازگردند. کلاس ششم ابتدایی را باید در مدرسهای دیگر میگذراند که کمی از منزل آنان دورتر بود. ساختمان این مدرسه قبلاً کارخانه کبریت سازی بود و یکی از سرگرمیهای دانشآموزان این بود که از منزل کبریت می‌آوردند و چون دیوارهای ساختمان مدرسه آغشته به گوگرد بود، هر چوب کبریت را که به دیوار میکشیدند شعله ور میشد و این کار برای کودکان آن سنین لذت بخش بود و در عین حال باید پیوسته منتظر تنبیه از سوی مسئولان مدرسه نیز میبودند. از کلاس پنجم ابتدایی با کتابهای پدرش آشنا شد. یکی از کتابهایی که از آن زمان به یاد دارد کتاب مجمع البحرين است. طرز یافتن لغت در این کتاب را از پدرش فرا گرفت و شاید به دلیل همین متفاوت بودن، بیش از سایر کتابها به یادش مانده باشد. کتاب دیگری که خطی بود در سال ششم ابتدایی مورد استفاده او قرار گرفت. این کتاب ورق اول نداشت، ولی آنچه در آن آمده بود درباره خوبیهای بهشت و زشتیهای جهنم بود. از آن به عنوان یک کتاب داستان لذت میبرد و گاه اگر کسی به منزل آنان سر میزد برایش تعریف میکرد. زن میانسال مهربانی یک روز در میان برای کمک به مادرش به خانه آنها می‌آمد و هر وقت فرصت مییافت از وی میخواست تا آن کتاب را با صدای بلند برایش بخواند. هر زمان که به زشتیها و رویدادهای هراس آور جهنم میرسید آن زن با صدای بلند گریه میکرد. این کار هراز چندگاهی تکرار میشد. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: عباس حری پنجمین فرزند خانواده بود. در دوران کودکی و اندکی پس از آن آثار جنگ و اشغال در جامعه و طبعاً در شرایط خانوادگی نیز کاملاً مشهود بود. نان جو که غذای پایه محسوب میشد چنان بود که گویی از آرد نیخته تهیه شده بود؛ همه چیز در آن پیدا میشد. چای خود را با کشمش که آن هم با چیزهای اضافی همراه بود میخوردند. آن زمان همه اینها برایش عادی بود. چنین میاندیشید که زندگی همین است و واقعاً برای بسیاری از مردم نیز چنین بود. وصله کردن لباس و جوراب کار عادی مادر بود. خیاطها عادت داشتند که کت و شلوار افراد را پشت و رو کنند. میوه جزو ضروریات زندگی محسوب نمیشد. وظایف دخترها، سوای مدرسه و درس، تمیز کردن لامپ زده چراغها و ساییدن و برق انداختن سماور و سینی و ظروف برنجی بود که با گرد آجر صورت میگرفت. پودر شستشو هم چوبک بود. در زندگی روستایی خاک و گل کنار جوی نقش چوبک را ایفا میکرد. پول بسیار اندک و مخارج بسیار بالا بود. این برداشتی امروزی است و گرنه در آن ایام و در گرماگرم دوران کودکی زندگی همانی بود که بود. تحصیلات رسمی و حرفه ای: عباس حری سه ساله اول (سیکل اول) دبیرستان را که تمام کرد وارد دانشسرای مقدماتی شد تا برای شغل معلمی آماده شود. در دوره دو ساله دانشسرا در دوره زبان عربی که در مهدیه مشهد برگزار میشد نامنویسی کرد و همه روزه عصرها در حجرههای درس حضور مییافت و طی این مدت کتاب سیوطی را به پایان برد. پس از اتمام دوره دانشسرا به روستایی دور دست اعزام شد تا کار معلمی را آغاز کند. ششم دبیرستان و زبان انگلیسی را در دوره‌های که در شهرستان کاشمر معلم بود به پایان برد و پس از انتقال به مشهد در ۱۳۴۵ وارد دانشگاه مشهد شد، لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی را در سال ۱۳۴۹ گرفت و بلافاصله تقاضای انتقال به تهران کرد و در رشته فوق لیسانس کتابداری شرکت جست و پذیرفته شد. پس از پایان این دوره و انتقال از وزارت آموزش و پرورش به دانشگاه تهران، مدت چهارده ماه که به ایالات متحده اعزام گردید دروس دوره دکتری را به پایان

رساند و به ایران بازگشت و در سال ۱۳۵۸ مجدداً برای اتمام دوره مأموریت یافت و سال ۱۳۶۰ پس از اخذ مدرک دکتری به ایران بازگشت و کار تدریس خود را در دانشگاه تهران ادامه داد. خاطرات و وقایع تحصیل: در دوره متوسطه، دبیرستان شاهرضا (مشهد) که محل تحصیل عباس حری بود زیر نظر مدیریت سخت گیر، و در عین حال مهربان، اداره میشد. سختگیری برای دبیرستانی که دانشآموزان آن، گاه از دبیران درشتتر و قد بلندتر بودند، به جز با سختگیری ممکن نبود. رئیس دبیرستان را هرگز کسی بدون ترکه نمی دید. این ترکه، که چندان هم نازک نبود، پیوسته در حال نوسان بود، حتی وقتی که رئیس دستهایش را در پشت به هم قفل کرده بود. گاه برخی دانشآموزان را آنقدر به کف دستشان ترکه میزد که خون میافتاد. آنوقت خدمتگذار را صدا میزد که با مرکور کوروم محل آزردهگی را التیام ببخشد. علی رغم این رفتار، دانشآموزان بدون استثناء او را دوست داشتند. کسی خنده او را نمیدید. شبی نمایشی کمدی در دبیرستان اجرا میشد که همه دانشآموزان در تالار بزرگ آن حضور داشتند. رئیس دبیرستان نیز در انتهای سالن ایستاده بود. به قسمت بسیار خنده آور نمایش که میرسید، دانشآموزان به جای آنکه به صحنه چشم بدوزند، سر خود را به عقب بر میگردداند که خنده رئیس را ببینند. در تاریکی تالار، دندانهای سفیدش را میدیدند و قند در دلشان آب میشد. در دوره دانشسرا، گردش علمی خطه شمال خاطرهای ماندنی به جای گذاشت. همه مسافران همسن و سال و دوست و آشنا بودند که همراه رئیس و معاون دانشسرا سفری سیزده روزه را گذراندند و گوشه گوشه آن خاطره بود. دوره لیسانس در دانشگاه مشهد دوران پرتلهاب سیاسی بود و گروه بندیهای دانشجویی، مطالعه در عرصههای مختلف، خواندن آثار کلاسیک غربی به زبان اصلی، مطالعه کامل متن اصلی نهجالبلاغه و صحیفه سجّادیه در این دوره اتفاق افتاد. استمرار مطالعات در دوره کارشناسی ارشد و در فضایی متفاوت ادامه یافت و عرصههای جدیدی در مطالعه وی گشوده شد. در دوره دکتری در نخستین قسمت که به تنهایی به ایالات متحده اعزام شد، فرصت مغتنمی بود که همه اوقات خود را در کلاس درس یا در کتابخانه بگذرانند. باز بودن کتابخانههای دانشگاهی تا نیمه شب این فرصت را فراهم کرده بود که با ولع و اشتیاق آثاری را که میاندیشید دیگر به آنها دست نخواهد یافت مطالعه کند. فعالیتهای ضمن تحصیل: عباس حری در دوره تحصیل در دانشسرای مقدماتی بود که کار نوشتن را آغاز کرد. روزنامههای دیواری راهاندازی کرد که فاصله انتشار آن هر دو هفته یک بار بود و کتابچه خاطرات سفر علمی به خطه شمال از نخستینهای این فعالیتهاست. در همین دوره بود که به کانون نشر حقایق اسلامی پیوست که اداره آن را مرحوم محمدتقی شریعتی پدر روانشاد دکتر علی شریعتی بر عهده داشت. در دوره لیسانس در مشهد کار نوشتن جدیتر شد و آثاری از وی در روزنامههای محلی از جمله روزنامه خراسان درج گردید. مجموعه آثار چاپ نشدهای از آن دوران هنوز نزد وی باقی است. دوره لیسانس با کار آموزگاری در مدارس مشهد نیز همراه بود. در دوره فوق لیسانس در تهران، علاوه بر تحصیل، در دبیرستانهای تهران به تدریس اشتغال داشت و در عین حال به صورت پاره وقت با کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران و نیز مرکز آموزش کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان همکاری میکرد. کار نوشتن در این دوره حال و هوای جدیدی یافت. استادان و مربیان: عباس حری از دوره ابتدایی مرحوم مؤمن زاده، مدیر مدرسه، و روانشاد ریاحی معلم کلاس پنجم را به خاطر دارد، که اولی فردی مهربان و دومی معلمی سخت گیر بود و به دلیل اندام درشتش دانشآموزان از او بسیار میترسیدند. در دوره دبیرستان روانشادان زوّار که رئیس دبیرستان و تقی بینش که دبیر بود از جمله کسانی هستند که بیش از همه به خاطرش مانده است. در دوره لیسانس استادانی چون دکتر احمدعلی رجایی، دکتر غلامحسین یوسفی، و دکتر متینی و دکتر مختاری را به یاد دارد و در دوره فوق لیسانس شاگرد کسانی چون مرحوم محمدتقی دانش پژوه، روانشاد فرشته انوار و خانمها نوش آفرین انصاری، پوری سلطانی، زهرا شادمان، و آقای علی سینایی بوده است. در دوره دکتری استادانی چون روانشاد دکتر حسن شرا، دکتر کنرادراسکی و دکتر ویلیام گافمن، بیش از همه، وی را تحت تأثیر قرار دادهاند. هم دوره ای ها و همکاران: عباس حری از همدوره‌های ابتدایی و متوسطه به کسانی چون حسن امینی، حسین نجمیان، محمدرضا شجریان؛ در دوره دانشسرا علی رئوف و حسین نجمیان، و در دوره لیسانس

خانم ناهید بنی اقبال، اسداله آزاد، و ناصر انصاری را بیش از همه به یاد دارد. از دوره فوق لیسانس آقایان بهاءالدین خرمشاهی، کامران فانی، نوراله مرادی، علی میرزایی، و عبدالحسین آذرنگ را به خاطر می‌آورد. در دوره دکتری با آقایان دکتر شاهرخ افشارپناه، دکتر سید صادق، دکتر جعفر مهرداد، و خانم دکتر مهرانگیز حریری، بیش از دیگران مراوده داشته است. همکاران امروز بسیار زیادند و نام بردن آنها ممکن است سبب سهوالقلم و در نتیجه شرمساری شود، ولی نمیتواند از کسانی چون خانمها نوش آفرین انصاری و دکتر نرگس نشاط و آقایان دکتر رحمتاله فتاحی، دکتر جعفر مهرداد، و محمود حقیقی که همکاری فعالانهتری با آنان دارد به خیر یاد نکند. همسر و فرزندان: عباس حری در سال ۱۳۴۲ با بانویی از شهر کاشمر ازدواج کرد که حاصل آن دو فرزند پسر بوده است. این دو فرزند یکی در رشته پزشکی و دیگری در رشته دندانپزشکی از دانشگاه تهران فارغالتحصیل شدند و هم اکنون دارای همسر و فرزند بوده و به طبابت اشتغال دارند و مادرشان نیز سرگرم کدبانویی است. این خانواده چهار نفره افت و خیزهای بسیار فراوان در طول زندگی داشتهاند و سختترین ایام را نیز بدون گلایه و در نهایت شکیبایی از سرگذراندهاند. بردباری شان شایان قدرشناسی است مشاغل و سمتهای مورد تصدی: ۱۳۳۵ آغاز کار معلمی، کاشمر ۱۳۳۵ - ۱۳۵۳ معلمی و دبیری در آموزش و پرورش ۱۳۴۲ ازدواج، کاشمر ۱۳۴۹ لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی، مشهد ۱۳۵۱ - ۱۳۵۳ همکاری با بخش آموزش کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۵۲ فوق لیسانس کتابداری، تهران ۱۳۵۲ عضو کمیته تحقیق گروه کتابداری دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران ۱۳۵۲ - ۱۳۵۶ عضو کمیته آموزش انجمن کتابداران ایران ۱۳۵۳ انتقال از آموزش و پرورش به دانشگاه تهران ۱۳۵۳ - ۱۳۵۵ دبیر انجمن کتابداران ایران ۱۳۵۳ تاکنون عضو هیات علمی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران ۱۳۵۳ تاکنون عضو شورای کتاب کودک ۱۳۵۴ - ۱۳۵۵ عضو کمیته انتخاب و خرید کتاب دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی ۱۳۵۴ - ۱۳۵۶ سرپرست امور دانشجویی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران ۱۳۶۰ دکترای کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشگاه کیس وسترن، کلیولند، اوهایو، ایالات متحده امریکا ۱۳۶۱ تاکنون عضو کمیته اجرایی فرهنگنامه کودکان و نوجوانان ۱۳۶۳ - ۱۳۷۰ همکاری با دانشنامه جهان اسلام ۱۳۶۳ - ۱۳۷۰ ویراستار و مترجم بنیاد دایرهالمعارف اسلامی ۱۳۶۴ - ۱۳۷۰ سرپرستی ترجمه دانشنامه مک گروهیل با انتشارات امیرکبیر ۱۳۶۵ - ۱۳۷۰ مدیر بخش اطلاعات بنیاد دایرهالمعارف اسلامی ۱۳۶۵ - ۱۳۶۹ مدیر بخش ویراستاری امیرکبیر ۱۳۸۰ تاکنون سردبیر و عضو هیات تحریریه مجله روانشناسی و علوم تربیتی ۱۳۶۵ - ۱۳۸۰ مدیر بخش اطلاعات دفتر پژوهشهای فرهنگی ۱۳۷۰ - ۱۳۷۳ عضو کمیته علمی و سیاستگذاری اصطلاحنامه فرهنگی فارسی (اصفا)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی ۱۳۷۰ - ۱۳۷۳ مشاور فنی کتابخانه ملی ۱۳۷۰ تاکنون عضو شورای تحصیلات تکمیلی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی ۱۳۷۲ - ۱۳۷۵ عضو وابسته گروه علوم انسانی فرهنگستان علوم ۱۳۷۲ - ۱۳۷۹ مشاور اصطلاحنامه علوم قرآنی، قم ۱۳۷۳ - ۱۳۷۹ مشاور اصطلاحنامه فارسی فلسفه اسلامی، قم ۱۳۷۳ - ۱۳۷۹ عضو کمیته ملی اطلاع رسانی کمیسیون ملی یونسکو ۱۳۷۳ - ۱۳۷۴ عضو کمیته علمی هشتمین همایش ملی در حوزه اطلاع‌رسانی ۱۳۷۳ - ۱۳۷۵ عضو مجمع هماهنگی نظامهای اسنادی ۱۳۷۳ - ۱۳۷۷ نایب رییس کنگره بینالمللی کتابداران و اطلاع‌رسانان مسلمان ۱۳۷۳ - ۱۳۸۰ معاون پژوهش کتابخانه ملی ۱۳۷۳ تاکنون عضو کمیته منطقیهای آسیا و اقیانوسیه، ایفلا ۱۳۷۴ دبیر همایش بینالمللی کتابداران و اطلاع‌رسانان مسلمان (کاملیس) در تهران ۱۳۷۴ - ۱۳۷۹ مدیر گروه پژوهشی انتشارات سمت ۱۳۷۴ - ۱۳۸۰ مدیر گروه آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی ۱۳۷۴ - ۱۳۸۰ طراحی، توسعه، سرپرستی و سرویراستاری دایرهالمعارف فارسی، کتابداری و اطلاع‌رسانی (ج ۱) ۱۳۷۴ - ۱۳۸۰ مدیر مسئول و سردبیر مجله فصلنامه کتاب ۱۳۷۴ تاکنون عضو شورای سردبیران مجلههای دانشگاه تهران ۱۳۷۵ - ۱۳۷۷ عضو شورای برنامه ریزی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران ۱۳۷۵ - ۱۳۸۱ عضو کمیته انتخاب کتاب برگزیده سال ۱۳۷۵ تاکنون عضو شورای آموزشی و پژوهشی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی ۱۳۷۶ دبیر نخستین همایش بینالمللی جوان مسلمان و رسانه ۱۳۷۶ رییس

کمیته تولید علم، تدوین و ارایه آن؛ دانشگاه تهران ۱۳۷۶ - ۱۳۷۷ ویراستار مجله علوم تربیتی ۱۳۷۶-۱۳۷۸ عضو هیات تحریریه نشریه سخن سمت ۱۳۷۶ - ۱۳۸۴ مشاور اطلاع‌رسانی رئیس جمهور ۱۳۷۶ - ۱۳۸۴ عضو شورای عالی اطلاع‌رسانی کشور ۱۳۷۷ - ۱۳۸۱ مشاور پژوهش‌های کاربردی دانشگاه تهران ۱۳۷۷ - ۱۳۸۲ عضو شورای انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۷ تاکنون عضو هیات مشاوران عالی کتابخانه ملی ۱۳۷۸ تاکنون عضو هیات تحریریه مجله علوم کتابداری و فن آوری اطلاعاتی ایران (انگلیسی) ۱۳۷۹ - ۱۳۸۰ سرپرست کتابخانه دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی ۱۳۷۹ تاکنون مدیر مسئول مجله پل فیروزه (دفتر پژوهش‌های فرهنگی) ۱۳۸۰ - ۱۳۸۲ معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی ۱۳۸۰ تاکنون عضو هیات تحریریه مجله انگلیسی علم و فناوری اطلاعات (شیراز) ۱۳۸۰ تاکنون عضو انجمن برنامه‌ریزی آموزشی ۱۳۸۱ دبیر گروه کتابشناسی و نسخه‌شناسی اولین همایش ملی ایران‌شناسی ۱۳۸۱-۱۳۸۳ عضو کمیته منتخب جذب هیات علمی دانشکده روانشناسی علوم تربیتی دانشگاه تهران ۱۳۸۱ - ۱۳۸۳ عضو کمیسیون ارزیابی نشریات دانشگاه تهران ۱۳۸۱ تاکنون مدیر مسئول مجله اطلاع‌شناسی ۱۳۸۲ تاکنون معاون پژوهشی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی ۱۳۸۲ تاکنون سردبیر مجله کتابداری (دانشگاه تهران) ۱۳۸۲ تاکنون عضو هیات مؤسس انجمن مطالعات جامعه اطلاعاتی ایران ۱۳۸۳ تاکنون عضو پیوسته انجمن مطالعات جامعه اطلاعاتی ایران ۱۳۸۲ - ۱۳۸۳ مدیر گروه پژوهشی رسانه کتاب، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات ۱۳۸۳ تاکنون عضو شورای علمی بنیاد ملی اطلاعات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ۱۳۸۳ تاکنون مدیر کمیته واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۱۳۸۳ تاکنون دبیر گروه کتابشناسی و نسخه‌شناسی دومین همایش ملی ایران‌شناسی ۱۳۸۳ عضو کمیته علمی - فنی اطلاع‌رسانی سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی؛ وزارت جهاد کشاورزی ۱۳۸۴ عضو انجمن کتابخانه‌های عمومی استان تهران ۱۳۸۴ تاکنون رئیس انجمن ترویج علم ایران ۱۳۸۴ - تاکنون عضو شورای تخصصی گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۸۴ عضو کمیته تخصصی رشته روانشناسی و علوم تربیتی موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۸۴ عضو کمیته تدوین آیین نامه جامع ارتقاء علوم انسانی - اجتماعی و هنر دانشگاه تهران ۱۳۸۴ عضو هیات ممیزه نظارت بر فعالیتهای اعضای هیات علمی بنیاد دایره المعارف اسلامی ۱۳۸۵ عضو هیات ممیزه مرکزی وزارت علوم و تحقیقات و فناوری ۱۳۸۵ عضو کمیسیون تخصصی علوم انسانی وزارت علوم و تحقیقات و فن آوری ۱۳۸۵ عضو کمیته راهبردی نظام اطلاع‌رسانی دانشگاهی وزارت علوم و فناوری ۱۳۸۵ عضو کمیته کارآفرینی دانشگاه تهران فعالیتهای آموزشی: تدریس در دانشگاه تهران، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد واحد شمال، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه الزهراء، دانشگاه شیراز، دانشگاه اهواز، و دانشگاه مشهد در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی در مقاطع لیسانس، فوق لیسانس، و دکتری و هدایت بیش از ۱۵۰ پایان نامه کارشناسی ارشد و دکتری که فرد از بنیان آن به شمار می‌آید: - همکاری در راهاندازی بنیاد دایره‌المعارف اسلامی در خدمت جناب آقای دکتر مهدی محقق - راه اندازی واحد اطلاعات دفتر پژوهش‌های فرهنگی - راه اندازی واحد اطلاعات بنیاد دایره‌المعارف اسلامی - راه اندازی مجله اطلاع‌شناسی - راه اندازی دایره‌المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی - راه اندازی بانک مطالعات ایران‌شناسی - راه اندازی کمیته واژه‌گزینی کتابداری و اطلاع‌رسانی در دوره اخیر فرهنگستان زبان و ادب فارسی سایر فعالیتهای برنامه‌های روزمره: - داوری مقالات مجلات علمی - داوری کتاب سال دانشگاهی - داوری کتاب سال جمهوری اسلامی ایران - داوری پژوهش‌های فرهنگی - داوری طرح‌های تحقیقاتی - داوری آثار جشنواره خوارزمی - داوری پایان‌نامه‌های ارشد و دکتری - بررسی کارهای علمی دانشجویان - شرکت در جلسات مستمر پژوهشی، آموزشی و هیات‌های ممیزه دانشگاه و وزارت علوم، و جلسات مختلف دیگر دانشگاهی و وزارتی - همکاری با بنیاد ایران‌شناسی - کارهای قلمی (مقاله و کتاب) شاگردان: شاگردان دوره‌های دانشگاهی عباس حری بسیار کثیرند که طی بیش از ۳۳ سال کار دانشگاهی در مقاطع مختلف به تحصیل اشتغال داشته‌اند. از میان این شاگردان، از قدیم به جدید به نام‌هایی چون کاظم حافظیان، ابراهیم عمرانی، محمد حسن خوشنویس، فرخ امیرفریار، محمدحسن رجبی، نرگس نشاط، زهیر حیاتی،

رحمتاله فتاحی، هاجر ستوده، کیوان کوشا، برمیخوریم که هریک در عرصه و زمینهای فعالیت داشته و از کامیابی هایی برخوردار بوده و رهاوردهای ارزندهای نیز داشتهاند همفکران فرد: از همفکران عباس حری در عرصه‌های مختلف علمی، از جمله کسانی که با اندیشه‌هایش نزدیکی بیشتری داشته اند نخست سرکار خانم دکتر نرگس نشاط و سپس خانمها نوش آفرین انصاری، نوراله مرادی، کامران فانی، محمدحسن رجبی، دکتر رحمت اله فتاحی و دکتر علی رئوف در این زمره قرار میگیرند. آرا و گرایشهای خاص: عباس حری بسیار علاقه‌مند به نظریه پردازی در عرصه اطلاعات و اطلاعشناسی است و به همین دلیل از دهه ۱۳۶۰ به بحث درباره نظریه‌های اطلاعات از جمله نظریه ریاضی، نظریه معنا شناختی، نظریه سبیرنتیکی، و اخیراً نظریه کوانتومی اطلاعات پرداخته و در این زمینه آثاری نیز عرضه کرده است. به رویکردهای دیگری نیز، با استفاده از استدلال استعاری، در زمینه اکولوژی اطلاعات، اختلاف پتانسیل اطلاعاتی، و نیز روش اطلاع شناختی پرداخته است. وی در گذشته نیز در نقد عالم سوم پوپر، تحلیل نظر ابن خلدون در باب تألیف، وجست و جوی مبانی تحلیل استنادی غرب در علم الحدیث و علوم اسلامی قلم زده است. جوایز و نشانها: ۷ دریافت لوح تقدیر به مناسبت انتخاب به‌عنوان استاد پیشکسوت از سوی انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران و دانشگاه تهران؛ ۷ دریافت لوح تقدیر به مناسبت انتخاب کتاب «آیین نگارش علمی» به عنوان کتاب برگزیده دانشگاهی از طرف دانشگاه تهران، ۱۳۸۰ ۷ دریافت لوح تقدیر و جایزه به مناسبت برنده شدن کتاب «مروری بر اطلاعات و اطلاع‌رسانی» به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۲ چگونگی عرضه آثار: آثار عباس حری به صورت تألیف، ترجمه، مقاله، یادداشتها و نگارشها، سخنرانی، مصاحبه و طرحهای پژوهشی می باشد. آثار: ۱ "تالیف مقاله: روانشناسی خواندن. "ویژگی اثر: دایره المعارف کتابداری و اطلاع رسانی. ج ۱، ص ۹۲۶ - ۹۲۷.۲ "تالیف مقاله: راههای ارتقای میزان مطالعه. "ویژگی اثر: جهان کتاب. ۷ و ۸، اسفند ۱۳۷۵، ص ۵ - ۷.۳ "تالیف مقاله: رایانه و رسم الخط فارسی. "ویژگی اثر: پیام کتابخانه. ۱، بهار ۱۳۷۲، ص ۶ - ۱۱.۴ "تالیف مقاله: روند به کارگیری روشهای پژوهش در پایان نامه های کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه تهران (۱۳۴۸- ۱۳۷۸). "ویژگی اثر: با همکاری افسانه محسن زاده. مجله روانشناسی و علوم تربیتی. ۱. بهار و تابستان ۱۳۸۲، ص ۵۵ - ۷۶.۵ "تالیف مقاله: زنجیره داوری ربط در فرایند انتقال اطلاعات. "ویژگی اثر: اطلاع شناسی. ۵، پاییز ۱۳۸۳، ص ۱۷۷ - ۱۹۳.۶ ۱۹۳.۶ A. study of Subject Consistency Between the National Library of Iran & Humanities Libraries Cataloging & Classification Quarterly . Vol ۴۳, By Narges Neshat & Abass Horri , ویژگی اثر: ۱, ۲۰۰۶, pp.۶۷-۷۶۷ Bibliometric Overview of Library and Information Research Productivity in Journal of Education for Library and Information Science. Vol ۴۵, no ۱, winter : ویژگی اثر: ۱, ۲۰۰۴ Education in the Islamic Republic of Iran A General overview. Tehran: : ویژگی اثر: ۱, ۱۹۹۳۹ The Correlation of Market Place Priorities and Educational Proceedings of : ویژگی اثر: ۱, ۱۹۹۳۹ The Correlation of Market Place Priorities and Educational International Conference for Library and Information Science Educators in The Asia and Pacific Region, by Abbas Horri and Narges Neshat. Selangor, Malasiya, ۱۱ - ۱۲ June ۲۰۰۱.۱۰ The Relationship between Scholarly Publishing and the Counts of Academic Inlinks to by : ویژگی اثر: ۱, ۲۰۰۴ scientometric. (۲), ۱۳-۲۲.۱۱, ۲۰۰۴: آیین گزارش نویسی. ویژگی اثر: تهران: دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه های عمومی کشور، ۱۳۷۱.۱۲ تالیف کتاب: آیین نگارش علمی. ویژگی اثر: تهران: دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه های عمومی

"ا:کولوژی اطلاعاتی و نظام اجتماعی". ویژگی اثر: اطلاع‌شناسی. ۴، تابستان ۱۳۸۳، ص ۷ - ۱۷.۳۴. تالیف مقاله "اهمیت اطلاعاتی پایان نامه ها." ویژگی اثر: پژوهشنامه آموزشی. ۲، زمستان ۱۳۶۹، ص ۶-۱۱.۳۵. تالیف مقاله "اهمیت و ضرورت به کارگیری منابع خارجی در تحقیقات کشور." ویژگی اثر: فصلنامه کتاب. ۴، زمستان ۱۳۷۶، ص ۷-۱۲.۳۶. تالیف مقاله "بررسی پایگاه مطالعات ایران شناسی،" ویژگی اثر: با همکاری دکتر نرگس نشاط، در مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ایران‌شناسی تهران: بنیاد ایران‌شناسی؛ ۱۳۸۳۳۷. تالیف مقاله "بررسی تاثیر پذیری اصطلاحنامه از ورود اصطلاحات جدید با رویکردی بر اصطلاحنامه اریک." ویژگی اثر: با همکاری مهدیه میرزا بیگی. مجله کتابداری. ۲ (بهار و تابستان ۱۳۸۵) ۳۸. تالیف مقاله "بررسی رابطه میان مجلات منتشر شده حوزه های تخصصی و ارتقا علمی متخصصان کشور." ویژگی اثر: مجله روانشناسی و علوم تربیتی. ۲، بهار ۱۳۷۴، ص ۳۳ - ۴۴.۳۹. تالیف مقاله "بررسی راهکارهای عملیاتی کردن طرح نظام ملی اطلاع رسانی در دانشگاههای کشور." ویژگی اثر: با همکاری فاطمه زندیان. کتابداری. ۳۸، شماره ۴۱، بهار و تابستان ۱۳۸۳، ص ۹۱ - ۱۲۴.۴۰. تالیف مقاله "بررسی فرایند اطلاع جویی پیوسته دانشجویان کارشناسی ارشد علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهها." ویژگی اثر: با همکاری حمید کشاورز. کتابداری. ۳۸، شماره ۴۱، بهار و تابستان ۱۳۸۳، ص ۱ - ۲۴.۴۱. تالیف مقاله "بررسی فعالیتهای علمی و پژوهشی اعضای هیات علمی رشته کتابداری و اطلاع رسانی ایران تا پایان سال ۱۳۷۸." ویژگی اثر: فصلنامه کتاب. ۲ (تابستان ۱۳۷۹) ص ۹ - ۳۶.۴۲. تالیف مقاله "بررسی کارایی علمی پژوهشی سمینارهای تخصصی برگزار شده در ایران." ویژگی اثر: در سمینار تحقیق و توسعه (۲۶ - ۲۸ تیر ۱۳۶۸)، مجموعه مقالات سمینار تحقیق و توسعه. تهران: سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران، ۱۳۶۸.۴۳. تالیف مقاله "بررسی گرایش موضوعی آثار علمی و پژوهشی رشته کتابداری و اطلاع رسانی، از آغاز تا پایان سال ۱۳۷۷،" ویژگی اثر: در فهرست رایانه‌ای: کاربرد و توسعه مجموعه مقاله‌های همایش تهران: مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد؛ تهران: مرکز اطلاع رسانی و خدمات علمی وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۹.۴۴. تالیف مقاله "بررسی میزان همگونی تدریس مواد با تولید و هدایت آثار توسط اعضای هیئت علمی رشته کتابداری و اطلاع رسانی." ویژگی اثر: با همکاری نجمه سالمی. مجله روانشناسی و علوم تربیتی. ۳۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۲، ص ۴۷ - ۷۰.۴۵. تالیف مقاله "بررسی وضع پیشینه در پایاننامه های کارشناسی ارشد دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی." ویژگی اثر: مجله روانشناسی و علوم تربیتی. ۱ - ۴، ۱۳۷۵، ص ۳۳ - ۳۷.۴۶. تالیف مقاله "بررسی وضعیت مجلات منتشر شده در ایران در طول برنامه پنجساله اول توسعه ۶۸ - ۷۲." ویژگی اثر: کتابداری. دفتر بیست و ششم و بیست و هفتم، ۱۳۷۶، ص ۲۱ - ۳۷.۴۷. تالیف مقاله "تبلور اطلاعات در تکنولوژی." ویژگی اثر: ریزپردازنده. ۸ و ۹، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۰، ص ۵ - ۸.۴۸. تالیف مقاله "تحلیل استنادی و شباهتهای آن با علمالحدیث." ویژگی اثر: نشر دانش. ۲، بهمن و اسفند ۱۳۶۲، ص ۱۱ - ۱۷.۴۹. تالیف مقاله "تحلیل استنادی." ویژگی اثر: دایره المعارف کتابداری و اطلاع رسانی. ج ۱، ص ۶۱۶ - ۶۲۰.۵۰. تالیف مقاله "تحلیل ساختاری توصیف گره‌های فارسی پایگاه های اطلاعاتی پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران،" ویژگی اثر: با همکاری شکوفه آخوندی. مجله کتابداری. سال چهارم، دفتر ۴۵ (بهار و تابستان ۱۳۸۵) ۵۱. تالیف مقاله "تشکیل بانک اطلاعات فرهنگی." ویژگی اثر: چاپ و انتشار. ۱، اردیبهشت ۱۳۷۳، ص ۳۸ - ۴۱.۵۲. تالیف مقاله "چگونگی حمایت از مالکیت فکری در کشورهای اسلامی،" ویژگی اثر: در سخنرانیها و مقالات همایش ملی بررسی حقوق مالکیت ادبی و هنری، با همکاری سازمان جهانی مالکیت فکری (تهران: دانشگاه تهران؛ خانه ادبیات، ۱۳۸۳، ص ۲۹۹ - ۳۱۳).۵۳. تالیف مقاله "چهل سال عشق و تفکر و تلاش." ویژگی اثر: زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی ... نوش آفرین انصاری. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳، ص ۳۹ - ۴۷.۵۴. تالیف مقاله "دایره المعارف کتابداری و اطلاع رسانی، ضرورت دنیای نو." ویژگی اثر: همشهری. ۲۷ مرداد ۱۳۷۵.۵۵. تالیف مقاله "درباره ادبیات کودکان." ویژگی اثر: پویه، نشریه آموزشی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. ۲، پاییز ۱۳۵۳، ص ۵ - ۱۲.۵۶. تالیف مقاله "دستیابی به اطلاعات در

پژوهشهای کشورهای اسلامی. "ویژگی اثر: نشریه علوم تربیتی. شماره ۲، ۱۳۶۷، ص ۱-۵۷. تالیف مقاله: "ده سال تلاش".

ویژگی اثر: نامه انجمن کتابداران ایران. ۴، زمستان ۱۳۵۴، ص ۵۰۸-۵۱۴. تالیف مقاله: "رفتار استنادی نویسندگان مقاله های مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران از آغاز تا پایان سال ۱۳۷۹". "ویژگی اثر: با همکاری نرگس نشاط. مجله روانشناسی و علوم تربیتی. پاییز و زمستان ۱۳۸۱، ص ۱-۳۳.۵۹. تالیف مقاله: "سیاستگذاری اطلاع رسانی. "ویژگی اثر: رهیافت. ۲۵، پاییز ۱۳۸۰، ص ۶-۱۲.۶۰. تالیف مقاله: "شناسایی الگوهای روابط فرارشته ای مقالات تالیفی رشته کتابداری و اطلاع رسانی در ایران، با همکاری غزاله قنایز چیان و امیر حسین غائبی. "ویژگی اثر: مجله روانشناسی و علوم تربیتی. س. ۳۶، ۱ و ۲ (بهار و تابستان ۱۳۸۵): ۱۷-۳۵۶۱. تالیف مقاله: "ضرورت تبیین بهره وری در فعالیتهای کتابداری و اطلاع رسانی. "ویژگی اثر: کتابداری: نشریه علمی در تحقیقات کتابشناسی، کتابداری و اطلاع رسانی. ۲۶ و ۲۷ (۱۳۷۶): ۲۱-۳۷.۶۲. تالیف مقاله: "عنوان نوشته. "مروری بر اطلاعات و اطلاع رسانی. "ویژگی اثر: تهران: دبیرخانه هیئت امنای کتابخانههای عمومی کشور، نشر کتابخانه، ۱۳۷۲، ص ۱۷۷-۱۸۰.۶۳. تالیف مقاله: "قیمت کتاب در طول برنامه پنجساله اول توسعه ۱۳۶۸-۱۳۷۲. "ویژگی اثر: فصلنامه کتاب. ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۴، ص ۹-۲۳.۶۴. تالیف مقاله: "کاربرد چند رسانه ایها در اطلاع رسانی پزشکی. "ویژگی اثر: کامپیوتر. ۵، ۱۳۷۳، ص ۱۲-۱۸.۶۵. تالیف مقاله: "کتاب و عالم سوم پوپر. "ویژگی اثر: نشریه علوم تربیتی (ویژه کتابداری). ۳ و ۴، ۱۳۶۶، ص ۱-۱۱.۶۶. تالیف مقاله: "کتابداری و مدیریت جدید. "ویژگی اثر: نامه انجمن کتابداران ایران. ۳، پاییز ۱۳۵۴، ص ۴۲۵-۴۳۴.۶۷. تالیف مقاله: "مدیریت دانش و مدیریت اطلاعات در کتابداری. "ویژگی اثر: کتاب ماه کلیات. آذر ۱۳۸۳، ص ۸-۱۱.۶۸. تالیف مقاله: "مروری بر دو راهنما. "ویژگی اثر: فصلنامه کتاب. ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۳، ص ۱۱۸-۱۲۱.۶۹. تالیف مقاله: "مروری بر مفاهیم و نظریه ها در قلمرو اطلاع شناسی. "ویژگی اثر: اطلاع شناسی. پاییز ۱۳۸۲، ص ۹-۳۴۷۰. تالیف مقاله: "مسائل و مشکلات ذخیره پیش همارا و بازیابی پس همارا در نظام رایانه ای. "ویژگی اثر: فصلنامه کتاب. ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۳، ص ۸-۱۵.۷۱. تالیف مقاله: "مصرف و تولید اطلاعات. "ویژگی اثر: در سمینار نقش اطلاعات علمی و فنی در خدمات دفاع مقدس (۱۸ و ۱۹ خرداد ۱۳۶۶)، مجموعه مقالات و سخنرانیهای ارائه شده. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، معاونت صنایع خود کفایی، مدیریت تحقیقات و آموزش، مرکز اطلاعات علمی و فنی، [۱۳۶۶]. ۷۲. تالیف مقاله: "مطالعه تأثیر استفاده از اینترنت بر رفتار پژوهشی اعضای هیات علمی دانشگاه تهران. "ویژگی اثر: با همکاری مریم اسدی. کتابداری. ۴۰، ۱۳۸۲، ص ۱۲۳-۱۷۱.۷۳. تالیف مقاله: "مطالعه رفتار اطلاع یابی اینترنتی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید بهشتی. "ویژگی اثر: مجله کتابداری (پاییز و زمستان ۱۳۸۳): ۱-۴۰.۷۴. تالیف مقاله: "مطالعه عملکرد نهادها و برنامه های پژوهشی در حوزه اطلاع رسانی ایران. "ویژگی اثر: رهیافت. ۲۵، پاییز ۱۳۸۰، ص ۷۸-۹۳.۷۵. تالیف مقاله: "مطالعه میزان همبستگی موضوعی پایان نامه ها و مقالات فارسی در رشته کتابداری و اطلاع رسانی ایران. "ویژگی اثر: مجله روانشناسی و علوم تربیتی. ۳۲، بهار و تابستان ۱۳۸۱، ص ۴۳-۷۴.۷۶. تالیف مقاله: "نظام چند سطحی در ذخیره و بازیابی رایانه ای اطلاعات اسلامی. "ویژگی اثر: فصلنامه کتاب. ۳ (پاییز ۱۳۷۵) ص ۸-۱۳.۷۷. تالیف مقاله: "نظر ابنخلدون در باب تألیف. "ویژگی اثر: نشر دانش. ۴ (خرداد و تیر ۱۳۶۳) ص ۲۰-۲۷.۷۸. تالیف مقاله: "نظریه کوانتومی اطلاعات. "ویژگی اثر: اطلاع شناسی. سال سوم، ۳ و ۴ (بهار و تابستان ۱۳۸۵). ۷۹. تالیف مقاله: "نقش خبرنامه. "ویژگی اثر: پژوهشنامه آموزشی. ۱ (پاییز ۱۳۶۹) ص ۶-۱۲.۸۰. تالیف مقاله: "نقش کتابخانه ها در تحقق جوامع اطلاعاتی و معرفتی. "ویژگی اثر: مجله کتابداری. سال چهارم، دفتر ۴۵ (بهار و تابستان ۱۳۸۵) ۸۱. تالیف مقاله: "واقع گرایی در ادبیات کودکان. "ویژگی اثر: گزارش شورای کتاب کودک (نشریه داخلی). شماره ۱، ۱۳۵۳۸۲. تالیف مقاله: "وجه معرفتشناختی پوزیتیویسم منطقی و جایگاه آن در مطالعات کتابداری و اطلاع رسانی. "ویژگی اثر: اطلاع شناسی. (بهار ۱۳۸۳)، ص ۵-۱۶.۸۳. تالیف مقاله: "وحدت در کتابشناسی. "ویژگی اثر: نامه انجمن کتابداران ایران. ۲، تابستان ۱۳۵۵، ص ۲۰۷-۲۱۹.۸۴.

تالیف مقاله "وضعیت کتابداری و اطلاع‌رسانی در ایران." ویژگی اثر: کتاب ماه کلیات. ۵، اردیبهشت ۱۳۸۲، ص ۴ - ۱۷.۸۵

تالیف مقاله "آیین بدنویسی." ویژگی اثر: آینه پژوهش. ۳، مهر و آبان ۱۳۷۰، ص ۲ - ۵.۸۶ ترجمه کتاب: اصطلاحنامه فرهنگ، ارتباطات، و اطلاعات، ویژگی اثر: از اصطلاحنامه یونسکو، گردآوری جین اچسن؛ ترجمه عباس حری و عبدالحسین آذرنگ با همکاری پروانه گودرزی. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۷۵.۸۷ ترجمه کتاب: راهنمای تهیه و گسترش اصطلاحنامه یکرزبان، ویژگی اثر: تألیف درک آوستین و پیتر دیل، ترجمه عباس حری. تهران: مرکز اسناد و مدارک علمی ایران، ۱۳۶۵.۸۸ ترجمه کتاب اصطلاحنامه بین‌المللی توسعه فرهنگی یونسکو. ویژگی اثر: با همکاری پروانه گودرزی. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۷۷.۸۹ ترجمه مقاله: «انعکاس انتشارات اسلامی در چند نمایه». ویژگی اثر: تألیف ا. ستاروس. رحمان. نشریه علوم تربیتی. ۱ - ۴، سال ۱۳۶۵، ص ۷۳ - ۹۲.۹۰ ترجمه مقاله: «برنامه اطلاعاتی جهان اسلام: اصول نظری». ویژگی اثر: تألیف اولی محمد عبدالحمید. در اکمل‌الدین احسان اغلو و دیگران. شبکه اطلاع‌رسانی در کشورهای اسلامی. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۶۹، ص ۱ - ۲۰.۹۱ ترجمه مقاله: «پوزیتیویسم و تحقیق در کتابداری و اطلاع‌رسانی». ویژگی اثر: تألیف مایکل هریس. مروری بر اطلاعات و اطلاع‌رسانی. تهران: هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور، دبیرخانه، ۱۳۷۲، ص ۲۶۹ - ۲۸۹.۹۲ ترجمه مقاله: «جامعیت دستیابی موضوعی در شبکه‌های بین‌المللی». ویژگی اثر: تألیف ف. و. لنکستر. در اکمل‌الدین احسان اغلو و دیگران. شبکه اطلاع‌رسانی در کشورهای اسلامی. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۶۹، ص ۵۹ - ۷۳.۹۳ ترجمه مقاله: «خواندن به قصد لذت». ویژگی اثر: تألیف ال. ای. جی. استرانگ. نامه انجمن کتابداران ایران. ۴، زمستان ۱۳۵۲، ص ۴ - ۱۵.۹۴ ترجمه مقاله: «سیاست اطلاعاتی جهان سوم برای قرن بیست و یکم». ویژگی اثر: تألیف ضیاء‌الدین سردار. دانشمند، ویژه‌نامه اطلاعات. شهریور ۱۳۶۹، ص ۸۵ - ۸۷.۹۵ ترجمه مقاله: «فراسوی مرزهای زمان و مکان». ویژگی اثر: تألیف رابرت وج ورث. گزیده مقالات ایفلا (ترکیه: ۲۰ - ۲۶ اوت ۱۹۹۵). زیر نظر عباس حری. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۵، ص ۱ - ۸.۹۶ ترجمه مقاله: «کتابخانه‌ها در جمهوری خلق چین از سال ۱۹۴۹ به بعد». ویژگی اثر: تألیف تی ماجان. خبرنامه انجمن کتابداران ایران. ۳، پاییز ۱۳۵۰، ص ۶ - ۱۶.۹۷ ترجمه مقاله: «کتابشناسی علوم ابن کفانی». تألیف ج. ج. ویتکام. تحقیقات اسلامی (یادنامه دکتر احمد طاهری عراقی). ۱ و ۳، ۱۳۷۰، ص ۱۶۱ - ۱۷۲. ۹۸ ترجمه مقاله: «گاه شماری در کتاب تاریخ الاطباء اسحاق بن حنین». ویژگی اثر: تألیف ف. و. زیمرمان. فصلنامه کتاب. ۱، بهار ۱۳۷۵، ص ۸۱ - ۸۹.۹۹ ترجمه مقاله: «مسئولیت اجتماعی دانشمندان». ویژگی اثر: تألیف برتراند راسل. فردوسی. ۹۹۸، بهمن ۱۳۴۹، ص ۱۰ - ۱۱.۱۰۰ ترجمه مقاله: «مک لوهان، جوانان و ادبیات». ویژگی اثر: تألیف الینور کامرون. نامه انجمن کتابداران ایران. ۱۰، بهار ۱۳۵۲، ص ۴ - ۱۵.۱۰۱ ترجمه مقاله: «وضع کنونی بشر». ویژگی اثر: نویسنده اریک فرم. فردوسی. ۹۹۳، آذر ۱۳۴۹، ص ۱۶ - ۱۹ و ترجمه ۱۷۲ مقاله برای جلد‌های مختلف دانشنامه جهان اسلام. تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۶۴ - ۱۳۷۰. ۱۰۲. سخنرانی در رابطه با: " رسانه کتاب در ایران و چشم انداز جهانی آن." ویژگی اثر: کتاب هفته. ۲۸ آذر ۱۳۸۳، ص ۱۸.۱۰۳ سخنرانی در رابطه با: افتتاحیه: ارتباط با منابع جهانی اطلاعات. ویژگی اثر: دانشگاه تهران با همکاری شرکت اطلاع‌رسانی نباء. دانشکده فنی دانشگاه تهران: ۱۳۷۶۱۰۴ سخنرانی در رابطه با: افتتاحیه کتاب و کتابخوانی. ویژگی اثر: فرهنگسرای اندیشه: ۱۳۷۵۱۰۵ سخنرانی در رابطه با: پردازش و انتقال اطلاعات. ویژگی اثر: یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران: نمایشگاه اطلاع‌رسانی و فن آوری اطلاعات: ۱۳۷۷۱۰۶ سخنرانی در رابطه با: " جامعه‌شناسی پژوهش. " ویژگی اثر: همایش پژوهش و فرهنگ و جامعه. اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان؛ ۱۳۷۸۱۰۷ سخنرانی در رابطه با: " جایگاه کتابداری در عصر اطلاعات. " ویژگی اثر: انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران؛ شاخه خوزستان. آبان ۱۳۸۳۱۰۸ سخنرانی در رابطه با: " راههایی برای مشارکت بهینه در دومین مرحله اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی. ویژگی اثر: نخستین نشست تخصصی. تیر ۱۳۸۳۱۰۹ سخنرانی در رابطه با: " اطلاعات خرد، اطلاعات کلان و نظام ملی اطلاع

رسانی، "ویژگی اثر: در سمینار توسعه نظام مدیریت در اطلاع‌رسانی و کتابداری (۴-۵ آبان ۱۳۷۱). ۱۱۰ سخنرانی در رابطه با: "اطلاعات و توسعه،" ویژگی اثر: در سمینار اطلاع‌رسانی تحقیق و توسعه. تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، شهریور ۱۳۷۱. ۱۱۱ سخنرانی در رابطه با: "اطلاعات و گردش آن." ویژگی اثر: مرکز اطلاع‌رسانی جهاد سازندگی: شهریور ۱۳۷۳. ۱۱۲ سخنرانی در رابطه با: "ایجاد شرایط مناسب آموزشی برای بهبود و ارتقاء انشاءنویسی." ویژگی اثر: ارائه شده در سمینار آموزش انشاء. (نیشابور: مرکز تربیت معلم شیخ طوسی، ۳۰-۳۱ اردیبهشت ۱۳۷۲). ۱۱۳ سخنرانی در رابطه با: "ایجاد مرکز ملی اطلاعات پزشکی در ایران: طرح پیشنهادی،" ویژگی اثر: در اولین سمینار نیاز کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی در ایران (۱۶-۱۷ اسفند ۱۳۶۷). مشهد: دانشگاه علوم پزشکی مشهد، [۱۳۶۷]. ۱۱۴ سخنرانی در رابطه با: "اینفوترایی (اطلاع‌درمانی) و جایگاه آن در اطلاع‌رسانی پزشکی،" ویژگی اثر: در ششمین همایش ملی اطلاع‌رسانی پزشکی (اصفهان ۱۰-۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۳). ۱۱۵ سخنرانی در رابطه با: "تبلور اطلاعات در تکنولوژی و برخورد جهان سوم با اینگونه اطلاعات،" ویژگی اثر: در کنفرانس تکنولوژی و اطلاعات (۳ تیرماه ۱۳۶۹). تهران: سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران، ۱۳۷۱. ۱۱۶ سخنرانی در رابطه با: "تشکیل بانک اطلاعات فرهنگی، گامی در جهت مقابله با تهاجم فرهنگی." ویژگی اثر: اطلاعات. ۳۰ بهمن ۱۳۷۲. ۱۱۷ سخنرانی در رابطه با: "جایگاه ترویج علم در جامعه اطلاعاتی" ویژگی اثر: دوره آموزش روزنامه‌نگاری و جامعه اطلاعاتی. اسفند ۱۳۸۴. ۱۱۸ سخنرانی در رابطه با: "دایره‌المعارفها: نگاه از درون" ویژگی اثر: دایره‌المعارف زن ایرانی. جهاد دانشگاهی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. مهر ۱۳۸۳. ۱۱۹ سخنرانی در رابطه با: "روابط متقابل قوانین ملی و بین‌المللی حق مؤلف،" ویژگی اثر: در همایش حق مؤلف (اسفند ۱۳۸۰). ۱۲۰ سخنرانی در رابطه با: "رویکرد اکولوژیکی به جامعه اطلاعاتی،" ویژگی اثر: در همایش جامعه اطلاعاتی، ۱۳۸۲. سخنرانی افتتاحیه. کارگاه آموزشی پنجمین نمایشگاه کتاب و بانکهای اطلاعاتی: شرکت مهندسی رز سیستم؛ ۱۳۷۶. ۱۲۱ سخنرانی در رابطه با: "سواد اطلاعاتی و اخلاق اطلاع‌رسانی." ویژگی اثر: پژوهشکده فرهنگ و هنر و ارتباطات، گروه رسانه‌های الکترونیک. اردیبهشت ۱۳۸۳. ۱۲۲ سخنرانی در رابطه با: "ضرورت اصلاح برخی رویه‌های فرهنگی در ایران برای نیل به جامعه اطلاعاتی،" ویژگی اثر: در همایش علمی ایران و جامعه اطلاعاتی در سال ۱۴۰۰ هجری شمسی (۲۵-۲۷ آذر ۱۳۸۱). ۱۲۳ سخنرانی در رابطه با: "طرح پیشنهادی برای تشکیل بانک اطلاعات فرهنگی." ویژگی اثر: ارائه شده در اولین سمینار ملی فرهنگ و توسعه. (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۲۴-۲۶ مهر ۱۳۷۲). ۱۲۴ سخنرانی در رابطه با: "علم اطلاع‌رسانی و اهمیت آن." ویژگی اثر: گردهمایی مسئولین مراکز اطلاع‌رسانی مجتمع‌ها و شرکتهای تابعه شرکت ملی صنایع پتروشیمی. تهران: ۱۳۷۶. ۱۲۵ سخنرانی در رابطه با: "کتابداری و اطلاع‌رسانی در رویارویی با دوگانگی اطلاعات با اشاراتی بر: سیاستهای کلان اطلاع‌رسانی در ایران." ویژگی اثر: مشهد: دانشگاه فردوسی: خرداد ۱۳۷۸. ۱۲۶ سخنرانی در رابطه با: "مبانی رشته‌ها." ویژگی اثر: در دانشگاه امام رضا. مشهد، ۲/۹/۸۵. ۱۲۷ سخنرانی در رابطه با: "مروری بر بانک مطالعات ایران شناسی." ویژگی اثر: ارائه شده در دومین همایش ملی ایرانشناسی (تهران: بنیاد ایرانشناسی، ۳۰ آذر - ۳ دی ۱۳۸۳). ۱۲۸ سخنرانی در رابطه با: "نقش اطلاعات در برنامه ریزی خرد و کلان." ویژگی اثر: ارائه شده در دومین سمینار نقش اطلاعات و ارتباطات در تحول اداری (تهران: وزارت جهاد سازندگی، ۶-۷ مهر ۱۳۷۳). ۱۲۹ سخنرانی در رابطه با: "نقش تخیل در آثار کودکان و نوجوانان." ویژگی اثر: اثر: نشست ماهانه نقد آثار غیر تخیلی. کتاب ماه کودک و نوجوان؛ ۱۳۸۲. ۱۳۰ سخنرانی در رابطه با: "نقش خدمات اطلاعاتی در پیشرفت فرهنگی." ویژگی اثر: در سمینار بررسی تحلیلی موانع و عوامل مؤثر در پیشرفتهای فرهنگی (بیرجند، ۱۱-۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۵). ۱۳۱ سخنرانی در رابطه با: "نقش نظام آموزشی در توسعه کمی و کیفی نشر" ویژگی اثر:، در دومین گردهمایی نقش اطلاع‌رسانی در توسعه فرهنگی: کتاب و فن آوری اطلاعات (۲۵-۲۶ بهمن ماه ۱۳۸۰). ۱۳۲ سخنرانی در رابطه با: "نمایه‌ها به عنوان ملاکهای ارزشگذاری نوشته‌های علمی،" ویژگی اثر: در همایش روش‌شناسی و فنون تحقیق (۲۱-۱۹ بهمن ۱۳۷۶). محل

ندارد ۱۳۳ سخرنانی در رابطه با: " هنر حر بودن . " ویژگی اثر : ارائه شده در دومین کنگره فرهنگ عاشورا (۱۱ - ۱۳ خرداد ۱۳۷۵). ۱۳۴. سخرنانی در رابطه با : ضرورت نظام مند بودن فعالیتهای اطلاع رسانی و ویژگی اثر : . وزارت جهاد سازندگی ، مرکز تحقیقات اطلاع رسانی . اتاق فکر ؛ ۱۶ دی ۱۳۸۵؛ ۱۳۵ طرحهای پژوهشی: بررسی عوامل موثر بر تغییر رشته دانشجویان دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی در سال تحصیلی ۸۲-۸۳ (در دست اجرا) طرحهای پژوهشی: بررسی وضعیت اعتبار ویژه اعضای هیات علمی دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران و تاثیر آن بر تولیدات علمی آنان ، ۱۳۸۵ (در دست اجرا) طرحهای پژوهشی: بررسی وضعیت شیوه نامه های تدوین پایان نامه ، نشر مقاله در مجلات ، و انتشار کتاب در دانشگاه تهران و ارائه الگو برای این گونه تولیدات ، ۱۳۸۵ (در دست اجرا) طرحهای پژوهشی: طراحی «نظام ملی اطلاع رسانی»، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران؛ ۱۳۷۳-۱۳۷۵ طرحهای پژوهشی: طراحی کتابخانه تخصصی و کانون ارجاعی در حوزه ساختمان و مسکن؛ ۱۳۷۶ طرحهای پژوهشی: طراحی و اجرای بانک اطلاعات پژوهشهای فرهنگی؛ ۱۳۷۴-۱۳۷۷ طرحهای پژوهشی: طراحی و اجرای پایگاه پایان نامه های دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی؛ ۱۳۸۲-۱۳۸۳ طرحهای پژوهشی: طراحی و اجرای پروژه کامپیوتری کردن فهرست نویسی کتابهای فارسی ؛ دفتر پژوهشهای فرهنگی؛ ۱۳۶۷-۱۳۷۱ طرحهای پژوهشی: طراحی و راه اندازی پایگاه اطلاعات عکس و عکاسی (دفتر پژوهش های فرهنگی)؛ ۱۳۷۲ طرحهای پژوهشی: طراحی، راه اندازی و توسعه پایگاه مطالعات ایران شناسی؛ ۱۳۷۶- طرحهای پژوهشی: مجری طرح بررسی استنادهای مقاله های مجله روانشناسی و علوم تربیتی؛ ۱۳۷۹-۱۳۸۰ طرحهای پژوهشی: مجری طرح بررسی استنادهای مقاله های مجله روانشناسی و علوم تربیتی؛ ۱۳۷۹- مشارکت در طراحی و توسعه «شورای عالی اطلاع رسانی»؛ ۱۳۷۵ طرحهای پژوهشی: مشاور امور کتابداری طرح فهرستگان ایران . سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران : ۱۳۶۸ ۱۴۹ طرحهای پژوهشی: ناظر طرح بررسی کتابخانه های هنرستانهای کشور و چگونگی استفاده هنرجویان از آنها. وزارت آموزش و پرورش ؛ معاونت آموزش فنی و حرفه ای ؛ ۱۳۷۲ طرحهای پژوهشی: ناظر طرح توسعه کتابخانه ای عمومی کشور، هیئت امنای کتابخانه های عمومی؛ ۱۳۸۳ ۱۵۱ طرحهای پژوهشی: ناظر طرح فهرست مطالب شهید و شهادت در مطبوعات فارسی ایران. بنیاد شهید انقلاب اسلامی؛ ۱۳۷۷ ۱۵۲ طرحهای پژوهشی: ناظر طرح فهرستگان علوم انتظامی . مرکز مطالعات و پژوهشهای ناجا؛ ۱۳۷۶ طرحهای پژوهشی: نظارت بر طرح نمایه سازی وصایای شهدا . بنیاد شهید انقلاب اسلامی ؛ ۱۳۷۶ ۱۵۴ طرحهای پژوهشی: نظارت بر طرح مسائل کتابخانه های آموزشگاهی ایران (وزارت آموزش و پرورش)؛ ۱۳۷۰-۱۳۷۱ طرحهای پژوهشی: همکاری در طرح بررسی چگونگی دستیابی اعضای هیات علمی دانشکده علوم دانشگاه تهران به مدارک و اطلاعات علمی؛ ۱۳۵۲ مصاحبه « همه چیز برای کتاب نخواندن مهیاست». ویژگی اثر : جام جم . ۱۳ آذر ۱۳۸۴، ص ۱ و ۱۶۱۵۷ مصاحبه «اطلاعات علمی» . ویژگی اثر : فرهنگ و صنعت. ۵۲، خرداد ۱۳۸۴. ۱۵۸ مصاحبه «این گفتگو پشت پرده ندارد». ویژگی اثر : خبرنامه انجمن کتابداری و اطلاع رسانی ایران . س. پنجم ، شماره ۱، (بهمن و اسفند ۱۳۸۴). ۱۵۹ مصاحبه «بانک اطلاعات فرهنگی». ویژگی اثر : فرهنگ و سینما. اردیبهشت ۱۳۶۹، ص ۱۴ - ۱۶. ۱۶۰. ۱۶۱ مصاحبه «جایزه ترویج علم ایران». ویژگی اثر : مصاحبه. خبرنامه داخلی انجمن ترویج علم ایران. دی ماه ۱۳۸۵؛ ۱۶۱ مصاحبه «چه کسانی کتاب نمیخوانند و چرا؟» ویژگی اثر : ایران. ۲۳ اردیبهشت ۱۳۷۵. ۱۶۲ مصاحبه «دایره المعارفها جلوگاه جهان بینی جوامعند». ویژگی اثر : کیهان فرهنگی. ۱۲۷، خرداد، تیر ۱۳۷۵، ص ۱۰۷-۱۰۹. ۱۶۳ مصاحبه «درباره فصلنامه کتاب»؛ ویژگی اثر : آبان ۱۳۷۵. ۱۶۴ مصاحبه «سرگذشتهامه و آثار» ویژگی اثر : آرشو شفاهی . سازمان اسناد و کتابخانه ملی ، معاونت اسناد، ۱۳۸۴؛ ۱۶۵ مصاحبه «کتابخانه عمومی و توسعه فرهنگی». ویژگی اثر : پیام کتابخانه. ۲ و ۳، تابستان و پاییز ۱۳۷۱، ص ۲۹-۳۲. ۱۶۶ مصاحبه «کتابداری یا اطلاع رسانی» . ویژگی اثر : لیر: فصلنامه انجمن علمی - دانشجویی کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاه تهران . دوره دوم ، ۴ (زمستان ۱۳۸۴). ۱۶۷ مصاحبه «معلم دورترین روزها». ویژگی اثر : ایران. ۲۷ آبان ۱۳۸۳. ۱۶۸ مصاحبه «ناکامی همایشها در بهبود اوضاع» ویژگی اثر : . ایران. ۴ مهر

۱۳۸۳.۱۶۹ یادداشت ها و نگرشها": اشاره‌های به فلسفه کتابداری. "ویژگی اثر: فصلنامه کتاب. ۱، بهار ۱۷۰ یادداشت ها و نگرشها: "زمزمه کتابخانه ملی در شصت سالگی. "ویژگی اثر: اطلاع رسانی: نظام ها و فرایندها. تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸، ص. ۱۱۸-۱۲۰

۱۷۱ یادداشت ها و نگرشها": لجاجت علمی. "ویژگی اثر: اطلاع رسانی: نگرش ها و پژوهش ها. تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸، ص. ۱۶۴-۱۶۶

۱۶۶ یادداشت ها و نگرشها": مدیریت رسانه ها. "ویژگی اثر: اطلاع رسانی: نگرش ها و پژوهش ها. تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸، ص. ۲۳۱-۲۳۵

۱۷۳ یادداشت ها و نگرشها": هدایت گری در آموزش متوسطه. "ویژگی اثر: اطلاع رسانی: نظام ها و فرایندها. تهران: نشر کتابدار، ۱۳۸۷، ص. ۲۰۲-۲۰۳

۱۷۴ یادداشت ها و نگرشها": آموزش کتابداری در ایران. "ویژگی اثر: پیام کتابخانه، ۴، زمستان ۱۳۷۲، ص ۱۸-۲۱

۱۷۵ یادداشت ها و نگرشها": اطلاع باوری. "ویژگی اثر: فصلنامه کتاب. ۴، تابستان ۱۳۷۵، ص ۵۱۷۶

۱۷۶ یادداشت ها و نگرشها": اطلاع رسانی، رسالت آموزش عالی. "ویژگی اثر: فصلنامه کتاب. ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۳، ص ۵-۷

۱۷۷ یادداشت ها و نگرشها": اطلاع شناسی. "ویژگی اثر: فصلنامه کتاب. ۳، پاییز ۱۳۷۲، ص ۳۹۳-۳۹۵

۱۷۸ یادداشت ها و نگرشها": اقتصاد اطلاعات. "ویژگی اثر: نشریه علوم تربیتی. ۳-۴، سال ۱۳۶۸، ص ۱-۴

۱۷۹ یادداشت ها و نگرشها": انتقال تجربه ها در دایره المعارف نگاری ایران معاصر. ویژگی اثر: کتاب ماه کلیات. ۱۲، آذر ۱۳۷۷، ص ۸۱.۸۰

۱۸۱ یادداشت ها و نگرشها": ایدز تکنولوژیکی. ویژگی اثر: اطلاع رسانی: نگرشها و پژوهشها. تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸، ص ۲۳۶-۲۳۸

۱۸۱ یادداشت ها و نگرشها": اینترنت در کتابخانه "ویژگی اثر: کتاب ماه کلیات. ۴۱ و ۴۲، اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۰، ص ۴۰-۴۱

۱۸۲ یادداشت ها و نگرشها": برنامه ریزی آموزشی. "ویژگی اثر: کتاب ماه کلیات. ۴۱ و ۴۲، اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۰، ص ۴۰-۴۱

۱۸۳ یادداشت ها و نگرشها": برنامه مدیریت نظامهای اطلاعاتی. "ویژگی اثر: فصلنامه کتاب. ۳، پاییز ۱۳۸۰، ص ۵-۶

۱۸۴ یادداشت ها و نگرشها": تأمل در مصرف. "ویژگی اثر: فصلنامه کتاب. ۱، بهار ۱۳۷۷، ص ۵-۶

۱۸۵ یادداشت ها و نگرشها": تداخل در وظایف سازمانی. "ویژگی اثر: اطلاع رسانی: نگرشها و پژوهشها. تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸، ص ۲۲۸-۲۳۰

۱۸۶ یادداشت ها و نگرشها": تکثر یا وحدت. "ویژگی اثر: اطلاع رسانی: نگرشها و پژوهشها. تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸، ص ۲۸-۳۰

۱۸۷ یادداشت ها و نگرشها": جوان مسلمان، رسانه و موج چهارم. "ویژگی اثر: فصلنامه کتاب. ۳، پاییز ۱۳۷۶، ص ۷-۹

۱۸۸ یادداشت ها و نگرشها": در جستجوی هویت. "ویژگی اثر: اطلاع رسانی: نگرشها و پژوهشها. تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸، ص ۱۳-۱۶

۱۸۹ یادداشت ها و نگرشها": دسترس پذیری. اطلاع رسانی: نگرشها و پژوهشها. ویژگی اثر: تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸، ص ۲۲۲-۲۲۷

۱۹۰ یادداشت ها و نگرشها": رویارویی با رسانه ها. "ویژگی اثر: اطلاع رسانی: نگرشها و پژوهشها. تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸، ص ۲۳-۲۷

۱۹۱ یادداشت ها و نگرشها": سیاست مجموعه سازی. "ویژگی اثر: اطلاع رسانی: نگرشها و پژوهشها. تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸، ص ۲۱۹-۲۲۱

۱۹۲ یادداشت ها و نگرشها": ضرورت تبیین بهره وری در فعالیتهای کتابداری و اطلاع رسانی. "ویژگی اثر: فصلنامه کتاب. ۳، پاییز ۱۳۷۹، ص ۱۲-۱۸

۱۹۳ یادداشت ها و نگرشها": عمر مجلات. "ویژگی اثر: اطلاع رسانی: نظامها و فرایندها. تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸، ص ۱۷۰-۱۷۲

۱۹۴ یادداشت ها و نگرشها": گزارش سفر مالزی. "ویژگی اثر: فصلنامه کتاب. ۱، بهار ۱۳۷۵، ص ۱۴۳-۱۶۰

۱۹۵ یادداشت ها و نگرشها": مرگ کتاب. "اطلاع رسانی: نگرش ها و پژوهش ها. ویژگی اثر: تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸، ص. ۱۶۷-۱۶۹

۱۹۶ یادداشت ها و نگرشها": نیروی انسانی کتابخانه ملی. "ویژگی اثر: اطلاع رسانی: نظام ها و فرایندها. تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸.۱۹۷

۱۹۷ یادداشت ها و نگرشها": هدایت گری در آموزش. "ویژگی اثر: اطلاع رسانی: نظام ها و فرایندها. تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸، ص. ۱۹۹-۲۰۱

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات عربی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۲، دکترای زبان و ادبیات عربی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۴.

مرتبه علمی:

مربی زبان و ادبیات عربی در سال ۱۳۴۸، استادیار در سال ۱۳۵۶، دانشیار در سال ۱۳۶۳ و استاد زبان و ادبیات عربی دانشکده

ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۹.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

عضو فرهنگستان بین‌المللی زبان و ادبیات عربی سوریه، تدریس در دانشگاه تهران، تربیت ۲۰۰ عضو هیأت علمی برای دانشگاه‌های

کشور، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۵۰ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

زبان و ادبیات عربی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

زبان و ادبیات عربی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

حریری، علی‌اصغر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۴ ش)، شاعر، نویسنده، روزنامه‌نگار و پزشک. در شهر تبریز به دنیا آمد و علوم ابتدایی و متوسطه را در همان شهر

فراگرفت. وی از همدرسان شهریار و غلامحسین رعدی و حسینی پسیان بود. از آنجا به تهران آمد و در رشته‌ی حقوق به تحصیل

مشغول شد. پس از اخذ لیسانس به تبریز بازگشت و در آنجا به انتشار روزنامه‌ی مستعجل «اردیبهشت» پرداخت. حریری پس از

چندی به تهران آمد و با استاد ملک‌الشعرا بهار و هاشم افسر مصاحبت کرد و با رموز شعر و شاعری آشنا شد. وی به اروپا سفر کرد

و در رشته‌ی طب و داروسازی به تحصیل پرداخت و به درجه‌ی دکتری نایل آمد. سپس به تهران آمد و چندی با سمت دانشیاری

در دانشکده‌ی پزشکی مشغول کار شد. سپس به اروپا مراجعت کرد و در پاریس اقامت گزید. و برای برخی از مجلات پایتخت از جمله «یغما» و «وحید» مقاله می‌نوشت.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: تاریخ جراید (۱۱۳/۱)، سخنوران نامی معاصر (۱۱۱۳-۱۱۱۱/۲)، فرهنگ سخنوران (۲۵۰).

حریری، قاسم

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قاسم بن علی بن محمد عثمان حریری حرامی مکنی به ابومحمد از ادبای مشهور ایرانی، از مردم بصره (و. قریه میشان نزدیک بصره ۴۴۶- ف. بصره ۵۱۵ یا ۵۱۶ ه.ق.). وی از ائمه‌ی عصر خویش بود و در مقامه نگاری مهارت تام داشت و «مقامات حریری» از شاهکارهای ادب عرب از اوست.
برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

حزین لاهیجی، محمدعلی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۱۸۱-۱۱۰۳ ق)، ادیب، عارف و شاعر، متخلص به حزین و معروف به شیخ علی حزین. وی در اصفهان متولد شد. بعد از هجوم افغانه در سال ۱۱۳۵ ق به اصفهان، از آن شهر فراری شد و سرگردان، تا اینکه در سال ۱۱۴۶ ق از ترس نادرشاه به هند رفت و تا آخر عمر حدود سی و پنج سال در هندوستان زندگی کرد و در سال ۱۱۸۱ ق در حدود هفتاد و هشت سالگی در بنارس در گذشت و در همان شهر دفن شد. او از احفاد شیخ زاهد گیلانی، عارف معروف، بوده است و خطوط را بسیار نیکو می‌نوشت و صاحب کمالات صوری و معنوی بود. او سرگذشت خود و حوادث و وقایع عصر خویش را با احوال و اوضاع سیاسی به قلم شیوایی نوشته است. حزین با اکثر علوم و فنون آشنایی کامل داشت. تالیفات متعددی در نظم و نثر به عربی و فارسی داشته که مهمترین آنها عبارت‌اند از: «تذکره‌ی شعرا»، «تاریخ حزین»، «دیوان» اشعار؛ «کلیات» شامل قصاید، قطعات و مثنویهای «صفر دل»؛ «چمن و انجمن»؛ «مطمح الانظار»؛ «فرهنگنامه»؛ و «تذکرات العاشقین»، در برابر «لیلی و مجنون». [۱]

(ع. بخش ۱) (شیخ) محمدعلی بن ابوطالب لاهیجی اصفهانی (و. اصفهان ۱۱۰۳ ه.ق. / ۱۶۹۱ م. - ف. بنارس (هند) ۱۱۸۱ ه.ق. / ۱۷۶۷ م.). وی از اعقاب شیخ زاهد گیلانی است. اجدادش در لاهیجان سکونت داشتند و پدرش از آنجا به اصفهان رفت و محمدعلی در آن شهر تولد یافت، و در حمله افغانان از اصفهان بیرون شد، و پس از سفر در بلاد ایران و عراق و حجاز و یمن به هند شتافت و تا پایان عمر در آن ناحیه بود. حزین کتابی در احوال شاعران به نام «تذکره حزین» و سرگذشتی به نام «تاریخ حزین» دارد که هر دو حاوی اطلاعات سودمندست. حزین دیوان اشعار خود را در چهار قسمت مدون کرده، و آن مشتمل بر انواع مختلف شعر است سخن او متوسط و مقرون به سادگی و روانی و حد فاصلی است میان سبک شاعران قدیم و سبک هندی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۱۸۹/۷)، اعیان الشیعه (۶/۱۰)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۸۵-۱۸۲، ۹۴-۹۳/۴)، تاریخ ادبیات ایران، دوره‌ی بازگشت (۳۸۱-۳۷۹/۲)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۳۵۹-۳۵۵/۱)، تذکره المعاصرین (۸۲-۴۲)، لغت نامه (ذیل/حزین لاهیجی)، دایرةالمعارف فارسی (۸۴۳/۱)، الذریعه (۱۰۰۱-۱۹۰/۲۱، ۲۳۵/۹، ۳۵۶/۳)، ریاض العارفین (۶۸)، ریحانه (۴۲-۴۱/۲)، سبک شناسی (۳۰۶-۳۰۵/۳)، سرآمدان فرهنگ (۳۰۱/۱)، سفینه‌المحمود (۶۲۵-۶۲۴/۲)، سیری در شعر فارسی (۱۵۰-۱۴۸)، شاعری در هجوم منتقدان در شرح احوال و آثار حزین، شام غریبان (۸۷-۸۶)، شخصیت‌های نامی (۱۶۰-۱۵۹)، شرح حال رجال (۲۲۹/۳)، طرائق الحقائق (۵۲۰/۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۸۱-۱۸۰)، فرهنگ سخنوران (۲۵۲)، گنج سخن (۱۳۷-۱۳۴/۳)، مولفین کتب چاپی (۱۰۴-۱۰۲/۴)، مخزن الغرائب (۸۰۵-۸۰۱/۱)، معجم المؤلفین (۱۹/۱۱)، نامها و نامدارهای گیلان (۳۹۷-۳۹۶).

حسابی، عبدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: دندانپزشکی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای دندانپزشکی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۷، فوق تخصص (M.P.H) در رشته مدیریت بهداشتی در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۱ و دانشیار تهران از سال ۱۳۵۱.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بهداشت دهان و دندان، کلیات پزشکی، بیماریهای دندان، تدریس دروس بیماریهای دندان، تشخیص و بهداشت دهان در دانشگاه

تهران، اصول بهداشت عمومی و کلیات پزشکی در دانشگاه ابوریحان و راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه دکترای.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

بهداشت دهان، مقدمه‌ای بر تشخیص عمومی برای دندانها، کلیات پزشکی، کتاب بیماریهای دندان.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۵۶، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

ضعف عضلانی وخیم، اثرات اضافه کردن فلوراید به آبهای شیرین.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

حسابی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۳ - ۱۲۸۱ ش)، فیزیکدان و استاد دانشگاه. در تهران متولد شد. در سال ۱۲۸۶ ش به بیروت عزیمت کرد و تحصیلات خود را تا سال ۱۲۹۷ ش در مدارس شبانه‌روزی فرانسویها و سپس آمریکاییها گذراند و به دریافت درجه‌ی کارشناسی نایل شد، سپس در رشته‌ی مهندسی راه فارغ‌التحصیل شد. وی برای ادامه‌ی تحصیل به فرانسه رفت، ابتدا در رشته‌ی برق، در مدرسه‌ی عالی الکتریسیته تحصیل کرد، پس از آن از دانشگاه سوربن به اخذ درجه‌ی دکتری فیزیک نایل شد. سپس به ایران آمد و به خدمات مهمی پرداخت، از جمله: تاسیس درالمعلمین عالی، ایجاد اولین ایستگاه هواشناسی، نصب و راه‌اندازی اولین دستگاه رادیولوژی در ایران، واژه‌گزینی علمی، نوشتن قانون دانشگاه و تاسیس دانشگاه تهران، تاسیس دانشکده‌ی علوم و ریاست آن، پایه‌گذاری مدارس عشایری، تاسیس اولین رصدخانه‌ی تعقیب ماهواره در شیراز، شرکت در پایه‌گذار مرکز مخابرات اسدآباد همدان، تصدی وزارت فرهنگ در دولت مصدق، تعیین ساعت ایران، پایه‌گذاری موسسه‌ی ژئوفیزیک دانشگاه تهران، تاسیس مرکز اتمی، پایه‌گذاری مرکز تحقیقات و راکتور اتمی دانشگاه تهران در زمان ریاست دانشکده‌ی علوم. حسابی استاد ممتاز دانشگاه تهران و مرد سال از سوی انستیتوی زیست‌نگاری بین‌المللی در سال ۱۳۶۹ ش بود. وی علاوه بر تحقیق و انتشار مقاله و کتابهای علمی در دوره‌های اول تا سوم مجلس سنا، نماینده‌ی انتصابی شهر تهران بود. در تهران درگذشت. در تفرش دفن شد. برخی از آثار وی: «دارالفنون آمریکایی بیروت»؛ «نامهای ایرانی»؛ «دیدگانی فیزیکی»؛ کتابی در «الکترودینامیک»؛ «نگره کاهنربایی»؛ کتاب «دیدگان گوانتیک»؛ کتاب «فیزیک حالت جامد»؛ کتاب «وندها و گهواژه‌های فارسی»؛ «فیزیک دوره‌ی اول متوسطه».[۱]

متولد ۱۲۸۲، فرزند معزالسلطان است. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در مدارس فرانسوی و آمریکائی بیروت به اتمام رسانید و از دانشکده‌ی آمریکائی بیروت در رشته‌ی ریاضیات فارغ‌التحصیل گردید. مدتی در پاریس و شیکاگو ادامه‌ی تحصیل داد و درجه‌ی مهندسی راه و ساختمان و دکترای فیزیک دریافت کرد. در آمریکا مدتی دستیار اینشتین ریاضیدان و فیزیکدان معروف بود و رابطه‌ی خود را تا آخر عمر او حفظ کرد. پس از مراجعت به ایران، به استادی دانشگاه جدیدالولاده‌ی تهران برگزیده شد و تدریجاً به معاونت و ریاست دانشکده‌ی علوم رسید. مدتی هم ریاست دانشکده‌ی فنی تهران با او بود. در ۱۳۳۰ در کابینه‌ی دکتر محمد مصدق به وزارت فرهنگ منصوب شد، ولی دوران وزارت او طولانی نبود. مجدداً به دانشگاه بازگشت و به تدریس پرداخت. در انتخابات دوره‌ی اول سنا که در ۱۳۲۸ انجام یافت، سناتور انتصابی تهران شد. او از رجال دانشمند و از فیزیکدانان خوب ایران است. علاوه بر این، در مجامع بین‌المللی نیز شهرت داشته است. او در فارسی‌نویسی سلیقه‌ی خاصی دارد و نظریات خود را در این باره نوشته است. در زمینه‌ی فیزیک تألیفاتی دارد که در دانشگاه تدریس می‌شد. خیابان و چهارراه حسابی در شمیران به نام او نامگذاری شده است. در ۱۳۷۱ درگذشت.

محقق، فیزیکدان.

تولد: ۱۲۸۱، تهران.

درگذشت: ۱۲ شهریور ۱۳۷۱، ژنو.

محمود حسابی، فرزند عباس معزالسلطنه اهل تفرش، در سن چهار سالگی که سفارت ایران در بغداد به پدر بزرگ ایشان واگذار شده بود به همراه خانواده به آن شهر رفت. پس از دو سال اقامت در بغداد به همراه خانواده به دمشق رفت و پس از یک سال به شهر بیروت عزیمت نمود. در سن هفت سالگی در مدرسه‌ی فرانسوی در بیروت به طور شبانه‌روزی مشغول تحصیل شد.

محمود حسابی تحصیلات ابتدایی را در همان مدرسه به پایان رسانید. با آغاز دوره‌ی متوسطه که مقارن با شروع جنگ جهانی اول بود مدرسه‌ی فرانسویان در بیروت تعطیل شد و از آن پس در منزل از یک معلم خصوصی درس گرفت و از مادر زبان فارسی آموخت و از جمله قرآن، گلستان و بوستان سعدی و غزلیات حافظ و منشآت قائم مقام فراهانی را مطالعه نمود. وی پس از دو سال برای ادامه‌ی تحصیل به مدرسه‌ی آمریکایی بیروت وارد شد. ابتدا به دلیل عدم آشنایی به زبان انگلیسی وی را در کلاس اول ابتدایی ثبت نام کردند ولی در آخر سال تحصیلی زبان انگلیسی را به خوبی فراگرفت و در امتحانات عمومی مدرسه شرکت و مربیان پذیرفتند که به کلاس پنجم ارتقا یابد. پس از آن در کالج آمریکایی بیروت ثبت نام کرد. وی موفق شد که پس از اتمام کالج تحصیلات عالی خود را شروع کند. در سال ۱۲۹۹ لسانس علوم و ادبیات خود را از آنجا دریافت کرد. سپس در دانشکده‌ی مهندسی بیروت به تحصیل مشغول شد و مدرک مهندسی راه و ساختمان خود را از آن مدرسه در سال ۱۳۰۱ دریافت کرد. وی همچنین به تحصیل علوم پزشکی و نجوم و ریاضی در دانشگاه آمریکایی بیروت پرداخت و در رشته‌های زیست‌شناسی و برق به تحصیل مشغول شد. وی سپس در سال ۱۳۰۵ در مدرسه‌ی عالی معدن در پاریس مدرک خود را دریافت و در سال ۱۳۰۶ دکترای فیزیک خود را از دانشگاه سربن پاریس اخذ نمود. از جمله فعالیت‌های وی پیش از آن که به ایران باز گردد، میتوان به این موارد اشاره کرد: تعیین نقشه‌ی راه‌های لبنان، ۱۹۲۱ م؛ انجام وظیفه به عنوان مهندس راه و ساختمان در اداره‌ی راه سوریه، ۱۳۰۲؛ مهندسی برق در راه آهن برقی دولتی فرانسه، ۱۳۰۴. دکتری حسابی در سال ۱۳۰۶ به ایران بازگشت و در ابتدا در وزارت فواید عامه از دی ماه همان سال استخدام گردید. از جمله فعالیت‌های وی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: تأسیس مدرسه‌ی مهندسی وزارت راه و تدریس در آن در سال ۱۳۰۷؛ نقشه‌کشی و نقشه‌برداری راه‌های ساحلی ایران میان بنادر خلیج فارس از بوشهر تا بندر لنگه در سال ۱۳۰۷؛ تأسیس دارالمعلمین عالی (دانشسرای عالی) (۱۳۰۷)؛ ایجاد اولین ایستگاه هواشناسی (۱۳۱۰)؛ تأسیس اولین بیمارستان خصوصی ایران (گوهرشاد)، ۱۳۱۲؛ تهیه نقشه راه تهران به شمشک؛ نصب و راه اندازی اولین دستگاه رادیولوژی کشور (۱۳۱۰)؛ شروع وازه‌گزینی علمی (۱۳۱۲)؛ تأسیس و همکاری در قانونگذاری دانشگاه تهران (۱۳۱۳)؛ تأسیس دانشکده‌ی فنی (۱۳۱۳)؛ و به عهده‌گیری ریاست آن تا سال ۱۳۱۵ و تدریس آن را به عهده گرفت و به تدریس فیزیک در آن پرداخت؛ تأسیس نخستین رصدخانه برای پی‌گیری اطلاعات ارسالی از ماهواره‌ها در شیراز؛ تعیین ساعت ایران؛ تأسیس مؤسسه‌ی ژئوفیزیک دانشگاه تهران؛ تأسیس مرکز اتمی ایران؛ پایه‌گذاری اولین مدارس عشایری، کردستان، ۱۳۳۰؛ اولین رییس هیئت مدیره‌ی خلع ید از شرکت نفت انگلیس در دوران نخست وزیری دکتر محمد مصدق؛ مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران؛ وزیر فرهنگ در دولت دکتر محمد مصدق؛ تدریس در دانشگاه تا سن نود سالگی؛ عضو دائمی شورای اتمی شیکاگو؛ عضو آکادمی علوم نیویورک؛ عضو پیوسته شورای دانشگاه؛ عضو شورای عالی فرهنگ؛ عضو انجمن اصطلاحات علمی؛ رییس انجمن پژوهش فضای ایران (هنگام تشکیل آن)؛ رییس انجمن ژئوفیزیک ایران (هنگام تشکیل آن) پایه‌گذاری انجمن موسیقی ایران، تشکیل فرهنگستان زبان ایران؛ تدوین قانون و تشکیل مؤسسه‌ی استاندار؛ تحقیق و مطالعات علمی در دانشگاه‌های جهان در کنار دانشمندانی نظیر پروفیسور انیشتن، شرودینگر، بورن، فرمی و چند فیزیکدان دیگر و تبادل نظر با برتراند راسل و آندره ژید. وی تنها ایرانی شاگرد پروفیسور آلبرت انیشتن بود و با زبان‌های فرانسوی، انگلیسی، آلمانی و عربی آشنایی و نسبت به زبان‌های سانسکریت، یونانی، لاتین، پهلوی، اوستا، ترکی و ایتالیایی اشراف داشت، علاوه بر نگارش مقاله‌ها و رساله‌هایی و قرائت برخی از آنها در کنفرانس‌های بین‌المللی، از جمله تألیفات وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: حساسیت سلول‌های فتوالکتریک؛ رساله‌ی راه ما به زبان فرانسوی، ۱۹۳۵ م؛ نام‌های ایرانی (۱۳۲۹)؛ فیزیک جدید و فلسفه ایران باستان (۱۳۴۳)؛ توانایی زبان فارسی (۱۳۵۰)؛ کتاب فیزیک دوره‌ی اول متوسطه (۱۳۱۸)؛ دیدگانی فیزیک (مبحث تداخل و پراش نور، گردآورنده نیره حمزه و مهدی خاتمی، جلد اول، ۱۳۴۱، نشریه‌ی ۷۲۴ دانشگاه)؛ الکترودینامیک، فیزیک، نگره‌ی کاهنربایی؛ فیزیک حالت جامد؛ دیگانی کوانتیک؛ دارالفنون امریکایی بیروت (بیروت،

۱۲۹۴، م.

در سال ۱۳۶۶ در کنگره‌ی شصت سال فیزیک ایران از خدمات دکتر حسابی به عنوان «پدر فیزیک نوین ایران» قدردانی شد، جوایز دیگر استاد عبارتند از: استاد ممتاز دانشگاه تهران، ۱۳۵۰، دریافت نشان افتخار «کومان دو لژیون دونور»، بالاترین نشان علمی فرانسه، به مناسبت ارائه‌ی فرضیه بی‌نهایت بودن ذرات، نامزدی دکتر حسابی به عنوان مرد سال از سوی مؤسسه‌ی زیست‌نگاری بین‌المللی (آمریکا).

پروفسور محمود حسابی در ۱۲ شهریور سال ۱۳۷۱ هنگام معالجه‌ی بیماری قلب در بیمارستان دانشگاه ژنو بدرود حیات گفت. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه: [۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۹۰-۸۸/۳)، کیهان فرهنگی (س ۴، ش ۷، ص ۱۵-۴)، مولفین کتب چاپی (۲۴-۲۳/۶)، میراث ماندگار (۳ و ۹۸-۸۳/۴).

حسام الواعظین، محمد رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند حاج میرزا محمد علی علاقبند بن ملا اسماعیل بن علی بن جعفر بن حسن اصفهانی. واعظ جلیل، و فاضل محدث خبیر، ادیب شاعر و خطاط، از خطبای طراز اول اصفهان بلکه ایران به شمار می‌رفت.

در ۱۳۰۱ متولد، و در شب جمعه ۱۳ ربیع الاول سال ۱۳۸۱ وفات یافته، در یکی از اطاق‌های تکیه‌ی سید العراقین مدفون گردید. در اصفهان خدمت: آقا سید محمود کلشادی، و ملا محمد حسین کرمانی، و آقا سید محمد باقر درچه‌ای تحصیل نمود. سال‌ها در طهران ساکن، و به وسیله‌ی شمس العرفا در سلسله‌ی فقر [!] وارد شده و به تصفیه‌ی نفس پرداخته، سپس به اصفهان مراجعت نموده و به وعظ و ارشاد پرداخته، الحق واعظی شیرین بیان، و محدثی طلیق اللسان بود. شعر خوب می‌سرود، و خط نستعلیق را در نهایت استادی می‌نوشت.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حسن بگی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی حسن بگی

محل تولد: اراک

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای علی حسن بگی در سال ۱۳۴۸ در شهر علم و صنعت، در خانواده‌ای مذهبی، دوستدار اهل بیت علیهم السلام قدم به عرصه گیتی گذاشت، دوران تحصیلات متوسطه را با موفقیت به پایان رساند که در کنار تحصیلات متوسطه از شرکت در جلسات مذهبی و هیئت‌ها را غافل نماند و با عشق هرچه تمامتر به خدمت گذاری و تبلیغ در امر دین پرداخت. لذا با این مقدمه و شوق فراوان به فراگیری علوم دینی سبب شد در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه اراک گردید پس از مدتی شوق ادامه تحصیل بیشتر او را به قم کشاند و پس از اتمام موفقیت آمیز دروس سطح در سال ۱۳۷۰ در پای درس اساتید بزرگی چون آیت الله مکارم و وحید خراسانی حاضر گشت و از محضر این بزرگان کسب فیض کرد. در کنار تحصیل به تدریس دروس دینی در حوزه علمیه قم و اراک مشغول تدریس شد و طلاب فراوانی از تدریس ایشان بهره های علمی بردند.

حسن بگی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

از فضلا و مورخان و دانشمندان عصر خود که در اواسط قرن دهم احسن التواریخ را تألیف و وقایع سالهای ۹۰۰ تا ۹۸۵ ه.ق. را تا تفصیل سلطنت شاه طهماسب در آن ثبت کرده است. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

حسن پور، ابوالقاسم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالقاسم حسن پور

محل تولد: گناباد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای ابوالقاسم حسن پور در سال ۱۳۳۶ هجری شمسی در خانواده ای متدین و کاملاً مذهبی در شهرستان گناباد دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی تشویق خانواده و اطرافیان و علاقه خود به فراگیری علوم دینی وارد حوزه علمیه گناباد گردید از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد اما شوق زاید الوصف او به تحصیل او را به مشهد مقدس کشاند و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) از درس بزرگان آن دیار همچون آیت الله مرتضوی، آیت الله صالحی و آیت الله رضا زاده بهره ها برد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته

علوم قرآنی در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۹ از دانشگاه رضوی فارغ التحصیل گردید و پایان نامه خود را با عنوان "کمال انسان در قرآن" به اتمام رسانید. ایشان ضمن تبلیغ و تدریس، به امر تحقیق و پژوهش هم مشغول می باشد و در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس و درس و قلم و کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که مقالات "المعجم فی لغت القرآن" و "اهل البيت فی القرآن الکریم" و... از جمله آثار ایشان است.

حسن زاده آملی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام والعلم الاعلام آقا شیخ حسن حسن زاده آملی متولد ۱۳۰۷ شمسی از افاضل ممتاز حوزه علمیه صاحب تقویم رسمی و تألیفات ارزنده است. تولدش در آمل واقع شده و در مهد علم و تقوا تربیت یافته و دروس مقدماتی را تا متوسطه خوانده و بدروس علمیه عربی پرداخته و سپس بتهران عزیمت نموده و از اساتید بزرگ تهران چون مرحوم آیه الله آملی و آیه الله شعرانی و آیه الله حاج میرزا احمد آشتیانی و آیه الله حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و دیگران در رشته های علوم عقلی و نقلی استفاده نموده آنگاه بقم مهاجرت و رحل اقامت افکنده و از محضر آیات عظام حوزه علمیه چون آیه الله آملی حاج میرزا هاشم و دیگران بهره مند گردیده و در مدرسه علمیه سعادت بتدریس فقه و اصول اشتغال دارد.

دارای تألیفات عدیده ای مانند تقویم حسن زاده و ۵ جلد شرح نهج البلاغه مرحوم میرزا حبیب الله هاشمی خوئی از جلد ۱۵ تا جلد ۱۹ میباشد. و کتابی در ولایت و غیره دارند که ۱۵ مجلد آن بطبع رسیده و بقیه آماده برای طبع میباشد.

مرحوم آیه الله حاج میرزا ابوالحسن شعرانی تقریظ مفصلی برای شرح ایشان مرقوم که در اول جلد ۱۵ شرح نهج البلاغه خوئی مذکور میباشد و در آخر جلد ۱۴ شرح مزبور درباره ی معظم له چنین نوشته اند:

(ثم ان حضره الفاضل الادیب العالم الاریب الجامع بین العلوم العقلیه والنقلیه والحائز للملکه العلمیه والعملیه الشیخ المؤمن الشیخ حسن الاعلی ضاعف الله قدره و اجزل اجر له تصدی لشرح باقی کتاب نهج البلاغه و هو الحری به والمتوقع منه و هو کما قال بعض الانصار کما قیل عذیقها المرجب و جذیلها المحکل فقد جربته سنوات عند قرائه مختلف العلوم علی حاز الرتبه القصوی و فاز بالقدح المعلی و نرجو من الله له التوفیق و لنا.

العبد ابوالحسن الشعرانی

تألیفات و تصحیحات

آثار عرفانی و اخلاقی

لقاء الله

وحدت از دیدگاه عارف و حکیم

انه الحق

ولایت تکوینی

عرفان و حکمت متعالیه

الهی نامه متن الهی نامه

انسان در عرف عرفان
 کلمه علیا در توقیفیت اسماء
 اصول و امتهات حکمی و عرفانی
 تصحیح رساله مکاتبات
 تصحیح و تعلیق تمهید القواعد
 تصحیح . تعلیق شرح فصوص قیصری
 تصحیح و تحشیه رساله تحفه الملوک فی السیر و السلوک
 مفاتیح المخازن
 شرح فصوص الحکم
 مشکاه القدس علی مصباح الأنس
 شرح طایفه ای از اشعار و غزلیات حافظ
 نور علی نور در ذکر و ذاکر و مذکور
 باب رحمت
 نامه ها برنامه ها
 قرآن و عرفان و برهان از هم جدایی ندارند
 آثار فلسفی و منطقی
 اتحاد عاقل به معقول
 نصوص الحکم بر فصوص الحکم
 رساله جعل
 صد کلمه
 تصحیح اسفار اربعه
 تصحیح و تعلیق کتاب نفس شفاء
 رساله ای در تضاد
 رساله ای در اثبات عالم مثال
 رساله ای در حرکت جوهری
 ممد الهمم فی شرح فصوص الحکم
 رساله نفس الأمر
 نهج الولاية
 درر القلائد علی غرر الفرائد
 النور المتجلی فی الظهور الظلی
 مفاتیح الأسرار لسلاک الأسفار
 سرح العیون فی شرح العیون
 گشتی در حرکت

- الحجج البالغه على تجرد النفس الناطقه
 گنجینه گوهر روان
 رساله ای در اثبات عالم مثال
 رساله مُثل
 تصحیح و تعلیق شرح اشارات
 ترجمه و شرح سه نمط آخر اشارات
 تصحیح و تعلیق شفا
 ترجمه و تعلیق الجمع بین الرأیین
 رساله اعتقادات
 الأصول الحکمیّه
 رساله رؤیا
 من کیستم
 رساله فی التضاد
 دروس معرفت نفس
 نثر الدراری علی نظم اللثالی
 آثار فقهی
 رساله ای در مسائل متفرقه فقهی
 تعلیقات علی العروه الوثقی فی الفقه
 وجیزه ای در مناسک حج
 آثار تفسیری
 تصحیح خلاصه المنهج
 انسان و قرآن
 آثار کلامی
 خیر الأثر در رد جبر و قدر
 تقدیم و تصحیح و تعلیق رساله قضا و قدر محمد دهدار
 لیلۃ القدر و فاطمه علیها السلام
 رساله فی الإمامه
 رساله ای در کسب کلامی
 فصل الخطاب فی عدم تحریف کتاب ربّ الأرباب
 رساله حول الرؤیا
 آثار روایی
 تصحیح نهج البلاغه
 تصحیح سه کتاب (ابی الجعد ، نثر اللثالی ، طب الأئمه)

- تکمله منهاج البراعه
 مصادر و مأخذ نهج البلاغه
 انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه
 شرح چهل حدیث در معرفت نفس
 رساله ای در اربعین
 آثار ریاضی و هیوی
 دروس معرفه الوقت و القبلة
 رساله کلّ فی فلکک یسبحون
 رساله ای در تناهی ابعاد
 تصحیح کتاب الإستیعاب فی صنعہ الأضطراب للبیرونی
 تعیین سمت قبله مدینه
 الصحیفه العسجدیه فی آلاتِ رصدیه
 الکوکب الدرّی فی مطلع التّاریخ الهجری
 رساله سی فصل
 تعلیق تحفه الأجلّه فی معرفه القبلة
 رساله قطب نما و قبله نما
 تعلیقه بر رساله مولا مظفر
 رساله میل کلی
 رساله ظلّ
 رساله تکسیر دایره
 تصحیح کتاب المناظر فی کیفیتہ الابصار
 رساله ای در اختلاف منظر و انکسار نور
 رساله فی تعیین البعد بین المکزین و الأوج
 رساله فی الصّبح و الشّفق
 رساله ای پیرامون فنون ریاضی
 رساله ای در مطالب ریاضی
 دروس هیأت و دیگر رشته های ریاضی
 تصحیح و تعلیق شرح جعینی
 تصحیح و تعلیق تحریر اصول اقلیدس
 تصحیح و تعلیق اُکر مانالاؤس
 تصحیح و تعلیق تحریر اُکر تاووذوسیوس
 شرح زیج بهادری
 تصحیح و تعلیق شرح بیرجندی بر زیج الغ بیک

- تصحیح و تعلیق شرح بیرجندی بر بیست باب
تصحیح و تعلیق تحریر مجسطی
استخراج جداول تقویم
تصحیح و تعلیق الدرّ المکنون و الجوهر المصون
دروس معرفت اوفاق
شرح قصیده کنوز الأسماء آثار ادبی
تقدیم و تصحیح و تعلیق نصاب الصّبیان
تصحیح کلیله و دمنه
تصحیح و اعراب اصول کافی
دیوان اشعار
قصیده ینبوع الحیاء
مصادر اشعار دیوان منصوب به امیر المؤمنین
تعلیق بر باب توحید حدیقه الحقیقه
تصحیح گلستان سعدی
تعلیق بر قسمت معانی مطوّل
امثال طبری
آثار متفرقه
تقدیم و تصحیح و تعلیق خزائن
هزار و یک نکته
هزار و یک کلمه
مجموعه مقالات
ده رساله فارسی
کشیکل
مصاحبات مناجات علامه حسن زاده
- الهی، تا تو لیک نگویی من کجا الهی گویم؟
- الهی، همه گویند: بده و حسن گوید: بگير
- الهی، همه از تو دوا خواهند و حسن از تو درد
- الهی، همه، حیوانات را در کوه و جنگل می بینند و حسن در شهر و ده
- الهی، عمری آه در بساط نداشتم و اینک جز آه در بساط ندارم
- الهی، شکر است که دنیا را آخرتم شد
- الهی، من در ذات خود متحیرم چه رسد به ذات تو
- الهی، شیدایی جانان را با حور و غلامان چه کار
- الهی، روزم را چون شبم روحانی بگردان و شبم را چون روز نورانی

- الهی، در جوانی شکستم که پیری، خود شکستگی است
- الهی، آن که تو را دوست دارد، چگونه با خلق ات مهربان نیست؟
- الهی، اگر من بنده تو نیستم، تو که مولای من هستی!
- الهی، گرگ و پلنگ را می توان رام کرد با نفس سرکش چه کنم؟
- الهی، اگر ستارالعیوب نبود، ما از رسوایی چه می کردیم!؟
- الهی، قربان لب و دهانم بروم که به ذکر تو گویا

توصیه‌هایی از علامه حسن زاده آملی

دهان روح و تن

انسان دو دهان دارد: یکی گوش که دهان روح او است و دیگر دهان که دهان تن او است. این دو دهان خیلی محترم‌اند. انسان باید خیلی مواظب آن‌ها باشد. یعنی باید صادرات و واردات این دهنها را خیلی مراقب باشد. آن‌هایی که هرزه خوراک می‌شوند، هرزه کار می‌گردند. کسانی که هرزه شنو می‌شوند، هرزه گو می‌گردند. وقتی واردات انسان هرزه شد، صادرات او هم هرزه و پلید و کثیف می‌شود. یعنی قلم او هرزه و نوشته‌هایش زهر آگین خواهد داشت. حضرت وصی، امیرالمؤمنین، علیه السلام فرمود: عمل نبات است و هیچ نبات از آب بی‌نیاز نیست و آب‌ها گوناگون‌اند. هر آبی که پاک است، آن نبات هم پاک و میوه‌اش شیرین خواهد بود و هر آبی که پلید است، آن نبات هم پلید و میوه او تلخ است.* خود عمل، حاکی است که از چه آبی روییده شده است. وقت اندک و کار بسیار

بدان که باید تخم و ریشه سعادت را در این نشأ، در مزرعه دلت بکاری و غرس کنی. این جا را دریاب، این جا جای تجارت و کسب و کار است و وقت هم خیلی کم است. وقت خیلی کم است و ابد در پیش داریم. این جمله را از امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کنم، فرمود: «ردوهم ورود الهیم العطاش» یعنی شتران تشنه را می‌بینید که وقتی چشمشان به نهر آب افتاد چگونه می‌کوشند و می‌شتابند و از یکدیگر سبقت می‌گیرند که خودشان را به نهر آب برسانند، شما هم با قرآن و عترت پیغمبر و جوامع روایی که گنج‌های رحمان‌اند این چنین باشید. بیایید به سوی این منبع آب حیات که قرآن و عترت است. وقت خیلی کم است و ما خیلی کار داریم. امروز و فردا نکنید. امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر پرده برداشته شود و شما آن سوی را ببینید، خواهید دید اکثر مردم به علت تسویف، به کيفر اعمال بد این‌جا خودشان مبتلا شده‌اند.» تسویف یعنی سوف سوف کردن، یعنی امروز و فردا کردن، بهار و تابستان کردن، امسال و سال دیگر کردن. وقت نیست، و باید به جد بکوشیم تا خودمان را درست بسازیم.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

حسن زاده، عبدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالله حسن زاده

محل تولد: آمل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۵۴ قدم به حوزه علمیه قم گذاشتم. دروس حوزه از ادبیات، معانی بیان، منطق، کلام، فلسفه، اصول، فقه و عرفان را گذراندم. سالیانی هم در درس خارج شرکت کردم. از سال ۶۳ پا به عرصه ادبیات و هنر گذاشتم. در این زمینه درس های ادبیات معاصر، آیین نگارش و ویرایش، ادبیات دراماتیک، داستان نویسی، نمایش نامه نویسی، فیلمبرداری، فیلمنامه نویسی، نقد و تحلیل فیلم، کارگردانی سینما، طراحی و نقاشی، عکاسی و ادبیات کودکان و نوجوانان را گذراندم. اکنون به عنوان مدیر مسئول و سردبیر سلام بچه ها و پوپک و سردبیر سنجاچک و حدیث زندگی، فعالیت می کنم.

حسن عطار

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در محله امام زاده اسماعیل عطّاری می کرده، در دواشناسی استاد بوده، مثنوی به نام «خروسیه» دارد. مردی لطیفه گو و حاضر جواب بوده، قبل از ۱۰۸۳ فوت شده است.
برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

حسن لغذه

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوعلی حسن بن عبدالله، معروف به لغذه (به ضم اول و سکون ثانی و فتح ثالث) یا لذکه، از ائمه نحو و ادب و لغت، و هم طبقه با ابوحنیفه دینوری، و شاگرد زجاج (متوفی ۳۱۰) بوده، و با او در علم مخالفت داشته، در [اواخر عمر خود را] عراق از حیث علم و ادب بی نظیر بوده است.
کتب زیر از اوست:

۱- التسمیة ۲- خلق الانسان ۳- خلق الفرس ۴- دیوان اشعار ۵- الرد علی ابن قتیبة فی غریب الحدیث ۶- الصفات ۷- مختصر النحو ۸- النوادر ۹- نقض علل النحو ۱۰- الهشاشة و البشاشة؛ و غیره.
سال وفاتش معلوم نیست.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

حسن لو، امیرعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

امیر علی حسن لو

محل تولد: زنجان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در شهر زنجان تحصیلات حوزوی را از مدرسه ولیعصر (عج) زنجان آغاز کرده و دروس مقدمات را نزد اساتید بزرگ و معروف این شهر نظیر استاد شیخ سلطانه‌علی اصحابی و شیخ توکل بیات در مدت اندکی به پایان برده و برخی از دروس مقدماتی دیگر از جمله معانی بیان را در محضر استاد شیخ ابوالفضل مصطفوی تلمذ نمودم.

متون اصولی و منطق و فقه را در محضر آیة الله حاج بیوک خاتمی و آیة الله شیخ تقی خاتمی و آیة الله شیخ ابراهیم محمدی تلمذ نمودم و اندکی در محضر آیة الله صائینی از شاگردان بزرگ علامه طباطبائی از اصول و دروس عرفانی که در تابستان برگزار می‌گردید و متن تدریس عرفانی که «رسالة الولاية» علامه طباطبائی بود مدت دو سال استفاده کردم. در کنار تحصیل در حوزه به تحصیل در دبیرستان شبانه نیز غافل نمانده و دیپلم را از دبیرستان اخذ و پس از اتمام لمعتین (پایه ششم) در زنجان به کنکور سراسری شرکت و در رشته تاریخ اسلام و علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم پذیرفته شده و در رشته تاریخ ادامه تحصیل داده و به اخذ مدرک کارشناسی تاریخ موفق شدم.

در کنار تحصیل در دانشگاه در حوزه نیز دروس حوزوی را ادامه داده و دروس سطح را در محضر اساتید بزرگ حوزه قم حضرات آیات: احمدی میانجی، پایانی، وجدانی فخر، حسینی بوشهری و... به پایان رسانیدم و اشتغال به درس خارج در محضر آیات عظام: وحید خراسانی، شبیری زنجانی، تبریزی، و جوادی آملی داشته و در کنار مشغله تحصیلی از تحقیق و پژوهش نیز غفلت ننموده و موضوعات و مقالات مختلفی را در قالب طرح و پژوهش به انجام رسانیده است. اکنون در رشته تاریخ تمدن اسلامی مقطع کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل بوده و با مراکز مختلف پژوهشی همکاری دارم. لازم به یادآوری است در فلسفه و عرفان نیز از اساتید بزرگوار جناب استاد فیاضی از دروس اشارات و نهاییه و بدایه و حضرت آیة الله شیخ یحیی انصاری قسمتهایی از اسفار اربعه را تلمذ نموده و کسب فیض شده است.

حسن نوری اسفندیاری، حسینعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۰ ش)، پزشک و نویسنده. در تهران متولد شد. تحصیلات مقدماتی و متوسطه را در همین شهر گذراند و برای ادامه تحصیل به اروپا رفت. از دانشکده‌ی طب شهر ساربوک آلمان اجازه نامه‌ی طبابت گرفت، و تا سال ۱۹۳۳ م در بیمارستانهای لیزیک در سلان و برلن مشغول کار شد، سپس به ایران بازگشت و در سال ۱۳۱۲ ش به خدمت وزارت جنگ درآمد. در ضمن به

تدریس در دانشکده‌ی طب نیز مشغول شد. بعدها به درجه سرتیپی رسید و مدتی نیز برای مطالعه به امریکا رفت. آثار وی: «دوره‌ی بهداشت نظامی»؛ «طرز جلوگیری از بیماریهای مقاربتی»؛ «کمکهای نخستین قبل از رسیدن پزشک».
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۹۵/۳)، مولفین کتب چاپی (۹۲۶-۹۲۵ / ۲).

حسنابادی، قمرستی

قرن: ۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

ز ۵۳۱ ق، از زنان محدث. وی دختر عبدالرزاق بن عبدالکریم بود که از زاهر بن طاهر بن محمد بن محمد شحامی روایت می‌کرد و علی بن احمد بن عبدالواحد مقدسی نیز اجازه از او حدیث روایت می‌نمود.
برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۲۲۱ / ۴.

حسن آبادی، آمنه

قرن: ۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

قرن پنجم و ششم هجری، از زنان محدث. وی زنی شایسته و دیندار از اهالی اصفهان بود. او از ابوحنیفه سمسار اصفهانی استماع حدیث کرد و عبدالکریم سمعانی نیز در اصفهان از او کمی حدیث شنید.
برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۱۴ / ۱؛ ریاحین الشریعه، ۳۲۳ / ۳.

حسناش، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی عمومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

حسن زاده، جعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد ۱۳۲۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: گوش و حلق و بینی، دانشکده: پزشکی دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دکترای تخصصی گوش و حلق و بینی از کشور انگلستان.

مرتبه علمی:

استادیار گروه گوش و حلق و بینی بیمارستان قائم مشهد در سال ۱۳۶۰، ارتقاء به درجه دانشیاری در دانشکده پزشکی دانشگاه

علوم پزشکی مشهد از سال ۱۳۶۹.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی ضایعات عصبی در مجروحین جنگی، بررسی دوزاژ جنتامایسین به عنوان داروی اتوتوکسیک و یافتن اندازه مناسب برای

عدم صدمه گوش داخلی بیماران، استاد راهنمای ۱۲ پایان‌نامه دکترای پزشکی و تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

بیماریهای بینی از دیگانه‌شناسی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۱، تعداد مقالات به زبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای گوش، حلق و بینی، بررسی تاریخی اولین جراحان هر بخش از گوش و حلق و بینی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

حسن زاده‌راد، عبدالرسول

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: استاد، رشته: آسیب‌شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی آسیب‌شناسی پزشکی از دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۴۰ و فوق تخصص (D.P.H) از دانشگاه

آمریکایی بیروت در سال ۱۳۴۵.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی وضع تغذیه در مدارس شهر مشهد، بررسی وضع بهداشتی روستاهای خراسان، تدریس دروس بهداشت مادر و کودک، بهداشت و تنظیم خانواده، اپیدمیولوژی و جمعیت‌شناسی و آسیب‌شناسی در دانشکده‌های پزشکی و علوم تربیتی و مامائی دانشگاه مشهد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

بهداشت مادر و کودک، مراقبت‌های بهداشتی مدارس، اصول اپیدمیولوژی، آسیب‌شناسی اجتماعی و بهداشت و تنظیم خانواده، جامعه‌شناسی پزشکی و بهداشتی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

بررسی حوادث شهر مشهد، پزشکی اجتماعی چیست و چه می‌گوید؟ و اهمیت شیر مادر و نقش آن در بهداشت عمومی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

حسنى اردکانى، عبدالرسول

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالرسول حسنى اردکانى

محل تولد: اردکان فارس

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عبد الرسول حسنى اردکانى در اردکان فارس شهرستان سپیدان متولد شدم. پس از اخذ مدرک تحصیلی ششم ابتدایی، با رتبه اول در میان ۳۶ نفر دانش آموز، در مدرسه آقا بابا خان شیراز سه سال طلبه بودم. در سال ۴۳ به قم آمدم و با آیت الله مکارم و آیت الله ربانى شیرازى آشنا شدم دو دوره درس خارج اصول آیت الله مکارم شرکت کردم. مقداری از اصول را نزد آیت الله فاضل لنکرانى و آیت الله سبحانى استفاده کردم. با تایید ستاد انقلاب فرهنگى و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مدت ۱۲ سال در دانشگاه تهران معارف اسلامى تدریس نمودم. مدت ۸ سال در دانشگاه آزاد قم و سه سال در دانشگاه قم تفسیر قرآن و نهج البلاغه تدریس نموده ام. شرح لمعه و رسائل را نیز در حوزه تدریس نموده ام. از محضر آیت الله گلپایگانى، نوری همدانى، محمدى گیلانى، انصاری شیرازى و مقداری هم از محضر استاد مطهرى استفاده کرده ام.

دارای مدرک لیسانس از دانشگاه قم می باشم سال ۱۳۶۱، بیشتر از همه اصول و فقه و تفسیر و عقاید را از محضر حضرت آیت الله مکارم شیرازی بهره مند شده ام. مدت ده سال از سال ۶۴ تا سال ۷۴ مسئول تبلیغات اسلامی راه آهن استان مرکزی از قم تا نزدیک درود انجام وظیفه تبلیغی داشته ام. قائم مقام معاونت تهذیب و اخلاق حوزه علمیه قم مرکز مدیریت هستم. در ماه محرم ۵۶ به جای حضرت حجت الاسلام و المسلمین آیت الله مجد الدین محلاتی شیرازی در ایرانشهر دهه عاشورا سخنرانی داشتم روز سوم بود، عصرها جلسه عقائد برای نسل جوان داشتم بعد از جلسه متوجه روحانی بزرگواری شدم که در گوشه حسینیه نشسته بودند نزدیک رفته سلام و احترام کردم فرمود "سید علی خامنه ای" هستم به ایرانشهر تبعید شده ام. تا روز ۱۳ محرم که در ایرانشهر بودم شبانه روز در خدمتشان بودم شب ها که سخنرانی می کردم حضور داشتند. چند بار با اساتید دانشگاه شرفیاب محضر ایشان شدم که مورد لطف و عنایت خاص قرار دادند.

حسینی آملی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی حسینی آملی

محل تولد: آمل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۴/۱/۱

آدرس اینترنتی

زندگینامه علمی

فرزندی از پدر و مادری متدین در سال ۱۳۵۴ دیده به جهان گشود او را علی نامیدند او فرزند سوم خانواده بود دوران کودکی و نوجوانی را در فضایی بی آلایش روستا سپری کرد و با اتمام دوره راهنمایی عازم شهری بزرگ و معروف که تاریخ طولانی در تشیع داشت و مرکز حوزه های علمی شیعه به حساب می آمد (قم) گردید و در مدرسه شهیدین (بهشتی و قدوسی ره) مشغول به تحصیل در علوم دینی شد. در حدود ده سالی که در این مدرسه ساکن بود مراحل مقدمات و سطح دروس حوز های علمیه را به پایان برد و هم زمان با شروع به تحصیل کتاب مکاسب و رسائل شیخ اعظم انصاری ره در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی مشغول به تحصیل در دوره کارشناسی معارف اسلامی گردید. بعد از اتمام دروس سطح حوزه در دوره تخصصی فقه و اصول مدرسه شهیدین شرکت کرده و از سوی دیگر همزمان با آن در دوره کارشناسی ارشد دین شناسی مؤسسه امام خمینی قبول شده که ادامه آن منجر به قبولی در رشته ادیان در سطح دکتری همان مرکز شد. لازم به ذکر است او از زمانی که توانایی تبلیغ را پیدا کرده است به مدت ده سال هر زمان که فرصتی حاصل می شد به تبلیغ در جامعه و دانشگاه های کشور نیز می پرداخت

حسنی برقعی، عماد الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عماد الدین حسنی برقعی (مبرقعی)، به سال ۱۳۰۰ در مشهد چشم به جهان گشود. عماد دوازده ساله بود که شعر سرود و بر اثر تشویق پدرش در این فن پیشرفت فراوان نمود. عماد تنها شاعر و گوینده نبود. او با ادبیات جهان آشنایی داشت و با آنکه رغبتی به فراگیری زبان خارجی نداشت اما آثار ادبی مغرب زمین را می خواند و بر برخی از آنها ارج می نهاد. گه گاه که حال و حالتی داشت با صدایی گرم و شور انگیز نغمه می سرود. و همچنین بر آهنگ های موزون دوستان موسیقی دان خود شعر می گذاشت.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: شعر

والدین و انساب: نسبت عماد الدین حسنی برقعی به موسی مبرقع پسر امام محمد تقی (ع) ملقب به جواد می رسد. عماد الدین از طرف پدر و مادر هر دو سید است. پدرش سید محمد تقی معین دفتر از صاحب منصبان آستان قدس رضوی و مادرش بی بی حرمت از خانواده ای صاحب ذوق و اهل ادب بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: عماد الدین حسنی برقعی دوازده ساله بود که شعر سرود و بر اثر تشویق پدرش در این فن پیشرفت فراوان نمود.

فعالیت‌های ضمن تحصیل: عماد الدین حسنی برقعی از ابتدای نوجوانی سعی داشته است هر چه بتواند هنر بیشتری در خود خلق کند. استادان و مربیان: عماد الدین حسنی برقعی بر اثر تشویق پدر توانست یکی از شعرای معروف و شوریده حال خطه خراسان شود. همسر و فرزندان: عماد الدین حسنی برقعی یک بار ازدواج نمود ولی همسرش هشت ماه پس از ازدواج فوت کرد و شاعر دیگر همسری اختیار نکرد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: عماد الدین حسنی برقعی تنها شاعر و گوینده نبود. او با ادبیات جهان آشنایی داشت و با آنکه رغبتی به فراگیری زبان خارجی نداشت اما آثار ادبی مغرب زمین را می خواند و بر برخی از آنها ارج می نهاد. گه گاه که حال و حالتی داشت با صدایی گرم و شور انگیز نغمه می سرود. و همچنین بر آهنگ های موزون دوستان موسیقی دان خود شعر می گذاشت.

آرا و گرایشهای خاص: دکتر غلامحسین یوسفی درباره شعر عماد الدین حسنی برقعی و سبک او چنین اظهار نظر می کند: «عماد که به شعر ایرج و ساده گوئی و صداقت وی علاقه و توجهی بارز نشان می دهد خود نیز در شعر زبانی روان، گویا، گیرا، زنده، و پر احساس بکار می برد؛ که در عین حال فصیح و شیواست.» مهدی اخوان ثالث نیز درباره شعر عماد چنین می گوید: «سخن عماد چنانکه دیوانش گواهی می دهد، اغلب فصیح و بلیغ و بلند است. اما اگر گواهی ترک اولی و فتوری در کلامش دیده شود، بیشتر از آن جهت است که: او بعد از سرودن و فرود آمدن از حال سرایش و تغنی در موالید طبع خود کمتر تجدید نظر و آرایش یا به قول خودش (رتوش) روا می دارد... و اما نظیر این فتور گاهگاه و اندک در سخن همه کس حتی بزرگانی چون فدروسی و سعدی و حافظ نیز هست. کدام ژرف بین بی غرضی است که منکر این امر باشد؟ اگر اصالت و قدمت نسخه را یکسو نهمیم، بسیاری موارد هست که حتی در دیوان حافظ، تصرف مردم بعضی شعرها را را حال خوشتر داده... این امر طبیعی است که چشمه

ها و جویبارها نیز جوشش و زلال آبشان همیشه به یک حال نیست... از این رو من معتقدم که این فراز و فرودها در شعر شاعران اصیل امری طبیعی است و کمتر جای چند و چون دارد، زیرا حال آدمی هم همیشه به یک منوال نیست.»

آثار:

۱ ورقی چند از دیوان عماد

ویژگی اثر: مهدی اخوان ثالث در مقدمه این کتاب شرح حال و زندگی نسبتاً کاملی از عماد را تحریر نموده و منتشر گردیده که بارها تجدید چاپ شده است.

منابع:

از بهار تا شهریار، تالیف حسنعلی محمدی، ج ۲، تهران، انتشارات ارغنون، ص ۵۱۸

حسنی خوئی، مهدی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالمی فقیه و دانشمند بزرگوار بود در خوی متولد شد و در تبریز رحل اقامت افکند و سادات خوئی در تبریز از اولاد او هستند این عالم جلیل از شاگردان صاحب جواهر و شیخ محسن خنصر و شیخ انصاری می‌باشد از تألیفات او حاشیه بر قوانین میرزا و قواعد علامه است در تبریز از دنیا رفت و جنازه او حمل به نجف اشرف و در وادی السلام مدفون گردید. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسنی رازی، ابوتراب، صفی‌الدین مرتضی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم ق)، عالم بن قاسم. (س ششم ق)، عالم امامی و محدث. از مشایخ روایت شیخ منتجب‌الدین بود، که ایشان نیز از شیخ طوسی روایت می‌کرد. به نوشته‌ی «قصص العلما» و برخی منابع دیگر، با حجة الاسلام غزالی نیز معاصر بود. از تألیفات وی: «تبصره العوام»، به فارسی در عقاید مذاهب مختلف؛ «فصول تامه در هدایت عامه» به عربی. برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۷۷/۱۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۶۶- ۲۲۳/۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۳۰، ۷۲)، الذریعه (۳۲۰- ۳۱۸)، (۳/)، روضات الجنات (۱۵۸- ۱۵۶/ ۷)، ریحانه (۱۳۸/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۹۷، ۲۴۹/ ۶)، فهرست منتجب‌الدین (۱۶۳)، معجم المؤلفین (۲۱۶- ۲۱۵/ ۱۲).

حسنی طباطبائی، عبدالمحمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اپیدمیولوژی، دانشکده: دامپزشکی، دانشگاه: تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای دامپزشکی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۲، دکترای تخصصی در رشته پیشگیری بیماریهای دام و طیور از دانشگاه دیویس کالیفرنای آمریکا در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اپیدمیولوژی، باکتری‌شناسی، تدریس بیماریهای باکتریائی دام و اپیدمیولوژی در دوره‌های دکترای و تخصصی دامپزشکی، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۱۸ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترای.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۷

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای باکتریائی دام، اپیدمیولوژی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

حسنى کاظمى، احمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید احمد بن سید حیدر بن ابراهیم الحسنی الکاظمی عالمی فقیه از بزرگان عصر خود بوده وی در ۲۲۲ ق متولد و در ۱۲۹۵ ق وفات نموده و والد او سید حیدر جد سلسله (آل حیدر) است در کاظمین شیخ صالح حریری در آخر قصیده رثائیه خود که درباره او سروده ماده تاریخ وفاتش را چنین گفته.

فان دعوتم فتاریخی مجیبکم

فعیش احمد فی دارالنعیم صفا

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حسنی گلستانه، محمود

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س هشتم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به محمود. وی از سادات حسنی اصفهان بود که به گلستانه مشهورند. مولف کتابی است به نام: «انیس الوحده و جلیس الخلوه»، در اخلاق، در این کتاب سودمند برخی از اشعار فارسی و تازی خود را آورده است و پیداست که در شاعری توانا بوده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۲۱۷)، الذریعه (۲۶۹/۲)، کشف الظنون (۱۹۹).

حسنی، عطاء الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر عطاءالله حسنی، متولد ۱۳۳۱ است. وی پس از اخذ مدرک دیپلم ادبی از دارالفنون تهران، تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته کارشناسی تاریخ در دانشگاه شیراز آغاز کرد و در سال ۱۳۵۴ به پایان رسانید. وی مدرک کارشناسی ارشد تاریخ را از دانشگاه علامه طباطبایی و دکترای همان رشته را از واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی (در سال ۱۳۶۹) دریافت کرد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی می باشد.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه ای: سوابق تحصیلی عطاءالله حسنی به ترتیب زیر است: ۱- دیپلم ادبی - دبیرستان دارالفنون تهران (۵۰- ۱۳۴۹) ۲- لیسانس تاریخ - دانشگاه شیراز (۱۳۵۴) ۳- فوق لیسانس تاریخ-دانشگاه علامه طباطبایی (۱۳۶۴) ۴- فوق لیسانس زبان و ادبیات فارسی- دانشگاه تهران (۱۳۶۶) ۵- دکتری تاریخ- واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی (۱۳۶۹)

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سوابق کاری و اجرایی و مدیریتی عطاءالله حسنی به قرار زیر است: رئیس مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی از ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰ - عضو هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی از ۱۳۷۹ تا کنون (هم اکنون دانشیار دانشگاه مذکور می باشد) - مدیر گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی از ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲ - مدیر گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی از ۱۳۸۶ تا کنون عضویت در مراکز علمی و پژوهشی - عضو هیئت تحریریه مجله رشد تاریخ از ۱۳۶۷ تا کنون - عضو هیئت تحریریه مجله تاریخ اسلام از ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۵ - عضو هیئت تحریریه مجله تاریخ دانشگاه تهران - عضو هیئت تحریریه مجله تاریخ دانشگاه لرستان از ۱۳۸۵ تا کنون

فعالیت‌های آموزشی: سوابق تدریسی و آموزشی عطاءالله حسنی به ترتیب زیر است: دانشگاه تربیت معلم (۱۳۶۴) دانشگاه شهید بهشتی (از سال ۱۳۶۹ تا کنون) استاد مدعو در دانشگاه مطالعات بین المللی شانگهای (۲۰۰۶-۲۰۰۷) SISU

آرا و گرایشهای خاص: علایق پژوهشی عطاءالله حسنی: -تاریخ فرهنگی و اجتماعی ایران-تاریخ دوره صفویه - تاریخ ایلات و

عشایر - تاریخ عثمانی - تاریخ جنبش های اجتماعی - اشعار اجتماعی (فارسی، ترکی) زمینه تخصصی: - تاریخ ایران عصر صفوی و ایلات و عشایر

چگونگی عرضه آثار: استاد راهنمای رساله های دکتری: ۳ رساله استاد راهنمای رساله های ارشد: ۹ رساله استاد مشاور رساله های دکتری: ۶ مورد استاد مشاور رساله های کارشناسی ارشد: ۱۴ مورد تعداد مقاله های فارسی: ۲۵ مقاله تعداد مقاله های خارجی: بیش

از ۲ مورد

آثار:

۱ ازمنها

ویژگی اثر: آماده چاپ، دفتر شعر

۲ اسنادی از دانشگاه ملی ایران ۱۳۵۸-۱۳۳۸

ویژگی اثر: تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۹

۳ بهار نامه

ویژگی اثر: سرپرستی مدارس جمهوری اسلامی ایران در ترکیه، نوروز ۱۳۷۶

۴ پیرامون آموزش های غیر حضوری

ویژگی اثر: تهران: انتشارات اداره کل آموزش های ضمن خدمت وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۷

۵ تاریخ فرهنگی ایل شاهسون بغدادی

ویژگی اثر: تهران: انتشارات ایل شاهسون بغدادی، ۱۳۸۲

۶ تاریخ معاصر جهان: هند، ژاپن، چین، انگلستان، آفریقای جنوبی، مکزیک

ویژگی اثر: تهران: دفتر تحقیقات و برنامه ریزی کتاب های درسی ویژه مراکز تربیت معلم، ۱۳۶۷

۷ دستمایه پژوهشگران

ویژگی اثر: تهران: ضمیمه درسنامه گروه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۶۸

۸ زندگی، شخصیت، و محیط فضولی (ترجمه از ترکی استانبولی نوشته پروفیسور عبد القادر قاراخان).

ویژگی اثر: آماده چاپ

۹ گفتگو: تاملاتی در علم تاریخ نگاری اسلامی (با دکتر غلامحسین زرگری نژادو دکتر هاشم آقاجری)

ویژگی اثر: بکوشش حسن حضرتی. تهران: نقش جهان، ۱۳۸۰

۱۰ مطلع الاعتقاد فی معرفه المبدأ و المعاد (از ترکی استانبولی نوشته محمد بن سلیمان فضولی)

ویژگی اثر: ترجمه، تهران: انتشارات بین المللی الهدی، ۱۳۷۹

حسینی، علی اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اکبر حسینی

محل تولد: لنگرود

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۷/۱۲/۴

زندگینامه علمی

اینجانب علی اکبر حسنی فرزند حبیب الله، اسفند ماه ۱۳۱۷ در لنگرود گیلان متولد شدم و تا کلاس هفتم دبیرستان را همان جا گذراندم. در سال ۱۳۳۲ پدرم مرا به قم فرستاد و در مدرسه علمیه خان، حجره ای برایم فراهم شد. به سرعت و با پشتکار، مقدمات از امثله، صمدیه، سیوطی، مغنی، مطول، معالم، قوانین و لمعتین را نزد علما و مدرسین آنروز خواندم؛ رسائل و مکاسب شیخ انصاری (ره) را نیز خوانده و امتحان دادم.

در سال ۱۳۳۹ با اتمام کفایتین بمدت یکماه و نیم در درس خارج علمی و استدلالی آیت الله شیخ عباسعلی شاهرودی (ره) و نیز آیت الله اراکی (ره) شرکت کردم و همه مطالب را به عربی نوشته و مورد تشویق واقع شدم که متأسفانه در حملات ساواک به فیضیه، در دوم فروردین ۱۳۴۲ از بین رفت. بعد از فوت آیت الله بروجردی (ره) در درس امام خمینی (ره) شرکت کردم. بعد از سه سال که تبعید ایشان به ترکیه و عراق پیش آمد، به درس مراجع آن زمان آیات عظام گلپایگانی (ره)، شریعتمداری (ره)، حائری (ره)، محقق داماد (ره) و میرزا هاشم آملی (ره) می رفتم. برخی از کتب آیت الله حکیم (ره) و آیت الله خوئی (ره) را استفاده و مطالعه می کردیم؛ اسفار را نزد علامه طباطبائی (ره) خواندم و فلسفه تطبیقی را نزد آقای مهدی حائری (ره) و برخی دروس تکمیلی را نزد مراجع فعلی خواندم.

حسنی، کریم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کریم حسنی

محل تولد: زنجان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۵/۱/۲۰

زندگینامه علمی

در بیستم فروردین سال ۱۳۵۵ شمسی در زنجان متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در شهر زنجان مدرسه ابتدایی در مدرس سپری نمودم. دوره راهنمایی را در مدرسه شهید رجائی و سپس به مدرسه حافظ منتقل شدیم و دوره راهنمایی نیز در همان شهر با موفقیت به اتمام رسید.

دوره دبیرستان در رشته علوم انسانی در مدرسه قدس شهر زنجان به پایان رسید و علیرغم موفقیت در کنکور دانشگاه طلبه شدم. و در حوزه علمیه زنجان از سال ۷۴-۷۳ به مدت چهار سال و یک نیمسال دوره ۶ ساله را تمام و موفق به کسب مدرک سطح یک حوزوی گشتم و سپس عازم شهر مقدس قم گردیدم. سپس سطح دو حوزه را در محضر اساتیدی چون: سید محمد نجفی،

حضرت آیت الله بوشهری مدیر حوزه علمیه گذراندم. بعد از اتمام دروس مکاسب و کفایه به درس خارج مشغول و از محضر اساتیدی بزرگ بهره مند شدم.

درس خارج اصول که توسط آیت الله سبحانی صبح ها از ساعت ۸ الی ۹ در مسجد اعظم برگزار می گردد، مشغول شدم و هر روز بعد از ساعت ۹ الی ۱۰ صبح در مسجد اعظم فقه را در محضر آیت الله مکارم شیرازی پرداختم و هم اکنون نیز ادامه دارد. در ورودی دانشگاهی در سال ۱۳۷۹ همزمان با ورود به قم در دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام قم قبول و به رشته تاریخ مشغول شدم. پس از اتمام ۱۳۶ واحد موفق به اخذ کارشناسی تاریخ از آن دانشگاه گردیدم. یادآور می شود که همزمان با دروس حوزه ای به دروس دانشگاهی که بعد از ظهرها برگزار می گردید مشغول بودم.

بعد از اتمام کارشناسی بلافاصله به فکر مقطع کارشناسی ارشد افتاده و در کنکور شرکت نمودم. ولی مجاز نشدم و از ورود به دانشگاه بازماندم. ولی سال بعد با لطف خداوند متعال کمر همت را بسته و مجددا در کنکور شرکت نموده و به حمد خداوند متعال موفق به ورود در دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام در رشته تاریخ اسلام مقطع کارشناسی ارشد گردیدم. هم اکنون هم دروس کارشناسی ارشد را باموفقیت سپری و در حال انتخاب موضوع برای پایان نامه می باشم.

حسینیه

قرن: ۲

جنسیت: زن

ملیت: ایران

قرن دوم هجری، از زنان فاضل، عالم و متکلم. وی از کنیزانی بود که به اسارت مسلمانان درآمد و در زمان هارون الرشید (۱۹۳ - ۱۷۰ ق) مسلمان شد و در اخبار، روایات و اصول اعتقادات، معلومات فراوانی کسب کرد. شیخ ابوالفتوح رازی (۵۲۵ - ۴۸۰ ق) مناظره‌ای که او در مجلس هارون کرده در رساله فارسی خود آورده است. به نوشته رازی وی مذهب اهل سنت را طبق عقاید خودشان رد کرد و مذهب شیعه را ثابت نمود. برخی نویسندگان بر این نظرند که اصولاً شخصیتی به نام حسینیه وجود خارجی نداشته است و رازی برای طرح نظرات کلامی مذهب شیعه، چنان داستانی را ساخته و پرداخته کرده است، چنانکه سید بن طاووس در کتاب طرائف خود از زبان یک نفر اهل ذمه چنین کاری نموده است. [۱]

(ز ۱۹۳ ق)، دانشمند، عارف، متکلم و حکیم. وی از زنان ایرانی تبار بود که به اسارت مسلمانان درآمد و بعضی او را تربیت شده‌ی خاندان عصمت و طهارت (ع) دانسته‌اند که از محضر امام صادق (ع) بخصوص بهره‌مند گردیده است. وی در اخبار مذاهب چهارگانه عامه و علم کلام و قوف کامل داشته است. حسینیه در حضور هارون الرشید با شیخ ابواسحاق نظام معتزلی و محمد بن ادریس شافعی و ابویوسف قاضی مناظره کرد و بر آنها پیروز شد. شیخ آقا بزرگ تهرانی در «احیاء الدائر» هنگام شرح حال شیخ ابراهیم استرآبادی می‌نویسد: وی در ۹۸۵ ق در سفر حج رساله‌ی این مناظره را نزد بعضی از سادات علوی دمشق یافت و به ایران آورد و به نام شاه طهماسب ترجمه کرد. علامه مجلسی ترجمه‌ی این رساله را به فارسی در انتهای کتاب «حلیه المتقین» خود به طور کامل ذکر کرده است. [۲]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] منابع: اعلام النساء، ۲۶۴ / ۱؛ ریحانه‌الادب، ۴۵ / ۲؛ زنان سخنور، ۱۱۴ / ۱؛ النساء المؤمنات، ۳۰۲ - ۳۰۰.

[۲] اعیان الشیعه (۴۰۹ / ۵)، تاریخ نظم و نثر (۷ / ۹۷، ۱۲۰ / ۴)، روضات الجنات (۱ / ۱۶۳)، ریاحین الشریعه (۴ / ۱۴۸)، ریاض العماء

(۴۰۶/۵)، ریحانه (۲/۴۵)، لغت نامه (ذیل / حسنیه)، مشاهیر زنان (۷۵).

حسیبی، کاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق.

تولد: ۱۲۸۵.

درگذشت: آبان ۱۳۶۹، تهران.

کاظم حسیبی پس از تحصیلات متوسطه، مدرسه‌ی علوم سیاسی تهران را برای ادامه‌ی تحصیل برگزید و در سال ۱۳۰۷ جزو محصلین اعزامی به فرانسه رفت. رشته‌های مهندسی راه آهن و ذوب آهن و مس را گذرانید و چون به ایران آمد در دانشگاه جنگ و دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد. چندی هم در اداره‌ی معاون و بنگاه آبیاری و بانک صنعتی کار می‌کرد. در دوره‌ی هفدهم از تهران به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. در تمام دوران فعالیت‌های سیاسی دکتر محمد مصدق از او پیروی می‌کرد. او از اعضای فعال حزب ایران بود و در ملی شدن صنعت نفت فعالیت داشت. چند خطابه و رساله هم در همین موضوع از او چاپ شده است. رساله‌ای هم درباره‌ی خط و رسم الخط به چاپ رسانید و در آن از تغییر خط طرفداری کرد. رساله‌ی مذکور چگونه خط را باید اصلاح کرد نام دارد (آذر ۱۳۴۵).

فرزند حاج محمدعلی تاجر چای، در ۱۲۸۵ در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدائی را در مدرسه‌ی کمالیه و تحصیلات متوسطه را در مدرسه‌ی دارالفنون به پایان رسانید و در ۱۳۰۴ ش به اخذ دیپلم با احراز رتبه اولی نائل آمد. آنگاه وارد مدرسه‌ی عالی حقوق گردید و دوره‌ی مدرسه‌ی مزبور را پایان بخشید و در آن مدرسه هم شاگرد اول شد.

کاظم حسیبی در ۱۳۰۷ ش در مسابقه اعزام محصل به اروپا شرکت کرد و نفر اول شد و به فرانسه اعزام گردید و پس از طی دو سال دوره‌ی عمومی وارد دانشکده‌ی پلی تکنیک پاریس شد و دوره‌ی مذکور را به پایان رسانید و بعد، دو سال هم دوره‌ی مدرسه‌ی معدن را گذرانید و در ۱۳۱۸ به ایران بازگشت و در اداره کل معادن وزارت پیشه و هنر استخدام گردید و در همان سال به خدمت نظام وظیفه رفت (یادنامه‌ی صفحه‌ی ۱۱۴). چندی هم در بنگاه آبیاری و بانک صنعتی و معدنی ایران اشتغال داشت.

مهندس حسیبی در ۱۳۲۰ وارد دانشگاه تهران شد و با سمت دانشیار در دانشکده فنی مشغول تدریس گردید و بعد به مقام استادی رسید و علاوه بر تدریس در دانشگاه تهران، در دانشگاه جنگ هم تدریس می‌نمود.

مهندس کاظم حسیبی پس از شهریور ۱۳۲۰ کانون مهندسین ایران را با همکاران دیگر مهندس خود تشکیل داد و بدین ترتیب وارد مسائل سیاسی شد. اعضاء کانون مهندسین بعداً حزب ایران را تشکیل دادند. در دوره‌ی پانزدهم مجلس شورای ملی که لایحه دولت در مورد نفت به مجلس داده شد، حسیبی بیلابین کامل ۴۵ ساله شرکت سابق نفت ایران و انگلیس را تهیه کرد که توسط حسین مکی در چند جلسه مجلس ایراد گردید و در نتیجه‌ی این نطق طولانی، عمر مجلس پانزدهم پایان پذیرفت و لایحه‌ی دولت به تصویب نرسید.

پس از تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت و نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق، مهندس حسیبی چندی معاون و قائم‌مقام وزارت دارائی بود. در سفر نخست‌وزیر به شورای امنیت و دیوان دادگستری لایحه، مهندس حسیبی جزو هیئت بود و در تمام مدت زمامداری مصدق، وی مشاور امور نفتی نخست‌وزیر بود. در دوره‌ی هفدهم مجلس، حسیبی از تهران به وکالت مجلس انتخاب شد

و غیر از عضویت کمیسیون نفت از طرف مجلس شورای ملی عضویت خلع‌ید را عهده‌دار گردید. در کلیه مذاکراتی که بین دکتر مصدق و هیئت‌های مختلف پیرامون نفت انجام می‌گرفت، حسینی دخالت کامل داشت و نظریه‌ی نهائی تصمیم‌گیری از طرف او صادر می‌شد. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مهندس حسینی تحت تعقیب قرار گرفت. مدتی به حالت اختفاء در تهران بسر برد و سرانجام در قم دستگیر و به زندان انتقال یافت. قریب یک ماه در زندان بسر برد تا آزاد شد. پس از آزادی از زندان به کاری دعوت نشد حتی تدریس او را در دانشگاه لغو کردند. وفات وی در ۱۳۶۹ در تهران پس از یک بیماری ممتد اتفاق افتاد. دوستان و یاران وی پس از مرگش یادنامه‌ای برای او انتشار دادند که مبین مقام علمی و انسانی و مذهبی او بود.

برگرفته از کتاب: شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)

حسین آبادی، محمد جواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم آقا شیخ محمد جواد از علمای اعلام، و فقهای اسلام، و از شاگردان شیخ محمد حسن صاحب جواهر، و مجاز از ایشان بوده، تاریخ اجازة: ۱۲۶۵، و مجاز از شیخ مرتضی انصاری می‌باشد. وی را تألیفات چندی است که از آن جمله است:

۱- بحر البكاء، فارسی ۲- بساتین الریاحین، در اصول فقه ۳- ترجمه ی رساله ی نجاه العباد ۴- ترتیب و تلخیص خلاصه (الاقوال) علامه حلّی که به طبع رسیده است. ۵- الرسالة الاحمدیّه، به نام فرزندش آقا شیخ احمد صاحب عنوان ۶- الریاحین، در فقه استدلالی ۷- سراج الوهاج، در شرح نتایج الاصول تألیف سید ابراهیم قزوینی ۸- کنوز اللثالی، در اصول فقه ۹- النتائج، در اصول فقه [تقریرات سید ابراهیم قزوینی].

در ذی قعدة سال ۱۳۱۲ وفات یافته، و در تکیه ی آقا حسین خوانساری، در قبری که حاج شیخ محمد باقر اصفهانی جهت خود تهیه نموده بود مدفون گردید (قبر در زیر دیوار مابین تکیه آقا حسین و مادر شاهزاده در سردابه واقع است).

مشارالیه مدّت چهارده سال در طهران ساکن بوده، و در مسجد سراج الملک امامت و تدریس می‌نموده است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

حسین خان ناظر، عبدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: میکروبیولوژی و بهداشت، دانشکده: دامپزشکی، دانشگاه: شیراز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی در رشته میکروبیولوژی از دانشگاه بریستول انگلستان در سال ۱۳۵۳.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده دامپزشکی دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی میکروبیولوژی و بیماریهای عفونی دام، بهداشت، میکروبیولوژی مواد غذایی، تحقیق در زمینه مقاومت‌های آنتی‌بیوتیکی قابل انتقال بر روی باکتریهای E.coli و Salmonella جدا شده از حیوانات اهلی، طیور و مواد غذایی، راهنمایی و مشاوره و نظارت بر ۵۶ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: -

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۸، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۹

زمینه علمی مقالات:

میکروبیولوژی، بیماریهای عفونی و بهداشت مواد غذایی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

حسین زاده، علی محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی محمد حسین زاده

محل تولد: آبادان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

آبادان، جایی بود که در سال ۱۳۵۹ دیپلم گرفتم، عشق فراگیری به معارف دین من را به کیلومترها آن طرف‌تر، به قم کشاند. در ابتدا در مدرسه رسالت مشغول به تحصیل شدم، اما چند ماهی از شروع درس نگذشته بود که آژیر جنگ نواخته شد. وظیفه و تکلیف شرعی خود دیدم که به جبهه بروم، حدود سه سال پی‌در پی در منطقه جنگی حضور داشتم. در سال ۱۳۶۲ مجدد به قم بازگشتم مقدمات را در مدرسه رضویه و دوره سطح را در نزد اساتید بزرگواری همچون هادوی، آل‌غفور، استادی، طاهری خرم آبادی، شب‌زنده‌دار، پایانی، اعتمادی، گنجی و غیره گذراندم و از حضور آنان حداکثر استفاده را بردم. بعد از آن یک دوره خارج اصول و برخی از مباحث فقهی را در نزد آیت الله سبحانی دام عزه فراگرفتم در ضمن در درس خارج فقه و تفسیر آیت الله جوادی آملی دام عزه شرکت داشتم و بهره‌های فراوان از آن بردم. در سال ۱۳۷۶ به دوره تخصصی کلام رفتم و در سال ۱۳۸۰ با نمره عالی فارغ التحصیل شدم و پایان‌نامه سطح چهار را به نام «رابطه فقه و کلام» دفاع کردم فعالیت پژوهشی خود را از سال ۱۳۶۹ آغاز کردم

و در مراکز متعددی همچون مرکز تحقیقات جامعه مدرسین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، مرکز مدیریت خواهران و موسسه امام صادق(ع) بوده‌ام. آثاری از آنها به چاپ رسیده است. از سال ۱۳۷۴ تاکنون در دانشگاه‌های مختلف به عنوان استادیار گروه معارف اسلامی و در حوزه‌های علمیه مختلف تدریس نموده‌ام.

حسین زاده، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسین زاده

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

محمد حسین زاده در مرداد ۱۳۴۰ در شهر مقدس قم به دنیا آمد. پس از اتمام دوزره راهنمایی حدود سالهای ۱۳۵۳.۵۴ دروس حوزه را دنبال کرد و در طی پنج سال و اندی در سال ۱۳۵۹ توانست به درس خارج فقه و اصول راه یابد. در دوره تحصیل سطح علاوه بر دروس رایج، فلسفتنا، اقتصادنا، عربی جدید، انگلیسی و نیز اخلاق و تفسیر را در محضر اساتیدی فرهیخته آموخت. فقه و اصول را در مقطع عالی سطح از محضر بزرگانی همچون آیت الله پایانی و آیت الله اعتمادی و آیت الله کافی فرا گرفت. از سال ۷۴ تا ۷۹ به مدت ۱۵ سال در درس خارج فقه و اصول اساتید برجسته ای چون حضرات آیات عظام مظاهری، شبیری زنجانی، و... مشارکت فعال داشت در طول تحصیل و پژوهش به طور مستمر در دروس اخلاق و فلسفه و تفسیر و عقاید حضرت آیت الله مصباح شرکت کرد و از آغاز تحصیلات حوزوی بلکه پیش از آن از راهنمایی های معظم له بهره بسیاری برد به علاوه او در درس های اسفار حضرت آیت الله جوادی نیز چند سالی حضور داشت و از دروس عرفان ایشان نیز استفاده کرد. حدود سال ۱۳۶۵ به عضویت در گروه تخصصی فلسفه باقرالعلوم(ع) به ریاست استاد مصباح در آمد و به تحقیق در حوزه فلسفه پرداخت. از جمله ثمرات این تلاش آماده ساختن درس های اسفار ج ۶ و نیز شناخت شناسی استاد آیت الله جوادی آملی بود در سال ۱۳۷۱ معادل دکترای فقه و اصول معارف مدرک داخلی موسسه امام خمینی و بالاخره دکترای معرفت شناسی را از حوزه دریافت نمود. در سال ۱۳۶۹ برای شرکت در کنفرانس مربوط به فلسفه و نیز گذراندن دوره ای غرب شناسی، همراه با هیئتی به کانادا مسافرت کرد. دولت آمریکا از دادن ویزا خودداری کرد و نتوانستند در آن نشست شرکت کنند. اما دوره ذکر شده در کانادا برگزار شد. در سال ۱۳۷۴ علاوه بر تحقیق در رشته فلسفه در بنیاد باقرالعلوم، تدریس خارج فقه و اصول را شروع کرد که تاکنون ادامه دارد. در سال ۱۳۷۷ عضو هیئت علمی گروه فلسفه موسسه امام خمینی(ره) گردید. او اکنون در سمت دانشیار به پژوهش و تدریس اشتغال دارد.

حسین زاده، محمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد علی حسین زاده

محل تولد: هشتروند

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

دوران ابتدائی را در مکتب خانه های زادگاهم سپری کرده و در تايخ ۱/۲/۱۳۵۳ جهت تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه قم شدم. ضمن تحصیل دروس حوزوی به دروس جدید نیز پرداختم. در سال ۱۳۶۹ با دفاع از پایان نامه خود از مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز فارغ التحصیل شدم و دروس حوزه را تا دو سال خارج فقه و اصول ادامه داده و در سال ۱۳۶۸ به تهران عزیمت کردم. از سال ۱۳۶۸ به تدریس دروس معارف در دانشگاههای تهران، علامه طباطبائی، پلیس و آزاد اسلامی پرداختم و در کنار کارهای اجرائی و تدریس و امامت، به نوشتن مقالات و ترجمه و تالیف و جزوات درسی نیز اشتغال داشتم. در حوزه علمیه قم از محضر اساتید معزز آقایان: شماعی همدانی، هاشمی تبریزی، وجدانی فخر، عبائی خراسانی، موسوی خرم آبادی، اعتمادی، میرزا محسن دوزدوستانی، سید علی محقق داماد، راستی کاشانی، آیت الله مکارم شیرازی و آقای میرزا جواد تبریزی و ... بهره مند شدم. از سال ۱۳۶۵ تبلیغ دین مقدس اسلام را شروع و اکنون نیز در حد توان به تبلیغ دین اسلام مشغول می باشم.

حسین زاده، منصور

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق، روزنامه نگار.

تولد: ۴ بهمن ۱۳۲۰، بجنورد.

درگذشت: ۴ بهمن ۱۳۶۸، تهران.

منصور حسین زاده تحصیلات عالی خود را در دانشکده‌ی علوم ارتباطات اجتماعی به پایان رسانید. مدتی در مدارس شهرستان بجنورد به آموزگاری پرداخت. در سال ۱۳۳۵ برای معالجه‌ی بیماری کلیوی و پیوند کلیه راهی آمریکا شد و پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ به ایران بازگشت و در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مشغول به کار شد. از سال ۱۳۶۲ در روزنامه‌ی «کیهان» مشغول شد و به کار روزنامه‌نگاری پرداخت. به عنوان یک روزنامه‌نگار و محقق با سرویس فرهنگی - هنری روزنامه «کیهان»، «کیهان بچه‌ها»، «کیهان فرهنگی» و «کیهان علمی» همکاری داشت و نتایج بخشی از مطالعات تحقیقی خود را نیز در شماره‌های مختلف «کیهان سال» ارائه کرد.

در آبان ماه ۱۳۶۸ به عنوان مأمور از روزنامه‌ی «کیهان» به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتقل شد تا به تلاش‌های مستمر خود برای نشریه‌ای تخصصی در زمینه‌ی روزنامه‌نگاری عینیت بخشد. وی در واقع بانی نشر فصلنامه‌ی مطالعاتی و تحقیقاتی در وسایل

ارتباط جمعی به نام «رسانه» شد که از سوی مرکز گسترش آموزش رسانه‌ها پس از فوت وی از سال ۱۳۶۹ انتشار یافت. از جمله آثار وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: تاریخ مجلات کودکان و نوجوانان (این کتاب در دهمین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران به عنوان کتاب برگزیده اعلام شد) و چاپ «قصه‌ی انسانها» در «کیهان بچه‌ها». برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

حسین مقدم، یحیی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید یحیی حسین مقدم

محل تولد: نکاء

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۹/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از گذراندن دوره مکتب‌خانه در روستای محل ولادت (سوچلما از توابع شهرستان نکاء) وارد حوزه علمیه رستمکلا (از توابع شهرستان بهشهر مازندران) شدم و از محضر آیت الله ابوالحسن ایازی تا سال ۱۳۴۹ شمسی استفاده کردم، دوره مقدمات و قسمتی از لمعین و معالم الاصول را در آن حوزه خواندم.

و در سال ۱۳۴۹ هجری شمسی روز شهادت امام همام موسی بن جعفر (ع) وارد حوزه علمیه قم عشاء آل محمد (ص) صانها الله عن الحوادث شدم و دروس سطح را در محضر اساتید بزرگواری که قبلاً نام آنها ذکر شده تلمذ نمودم. تا اینکه از حدود سال ۵۴ و ۵۵ در درس خارج آیت الله العظمی میرزا هاشم آملی و آیت الله مکارم و آیت الله مشکینی و اساتید دیگری که نام آنها را قبلاً ذکر کردم شرکت نمودم. و مدت سه سال بعد از پیروزی انقلاب در موسسه در راه حق از محضر آیت الله مصباح یزدی استفاده کردم. لازم به ذکر است در ایام تابستان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و بعد از آن تا سال ۱۳۶۳ هجری شمسی در روستای بادالسبر از توابع شهرستان نکاء در محضر آیت الله سید خلیل محمدی بادالسبری مشغول تحصیل بوده و در ضمن تدریس نیز می‌نمودم.

حسین نژاد خاکی، یوسف

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

یوسف حسین نژاد خاکی

محل تولد: ---

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

وضعیت تحصیلات کلاسیک: دوران ابتدایی و راهنمایی تا اول دبیرستان را قبل از ورود به حوزه علمیه طی کردم. از سال ۱۳۶۷ در کنار سال دوم حوزه به تحصیلات متوسطه نیز مشغول شدم و سال ۱۳۷۰ در رشته فرهنگ و ادب دیپلم گرفتم. دوران دوم تا چهارم دبیرستان را در شهر مقدس قم به صورت متفرقه گذراندم. در سال ۱۳۸۰ با مدرک کارشناسی حوزه وارد دانشگاه تربیت مدرس قم شدم و تا دی ماه ۱۳۸۴ پایان نامه را نیز در موضوع رابطه عرفان، اخلاق و توسعه به اتمام رساندم و انشاء الله به زودی از آن دفاع می‌کنم. وضعیت تحصیلات حوزوی: در سال ۱۳۶۶ در امتحان ورودی حوزه علمیه قم قبول شدم. از سال ۶۶ تا ۷۵ ده سال دروس سطح را گذراندم. از ابتدا در مدرسه رضویه حجره داشتم؛ در دوران سطح نزد اساتیدی مانند زیبایی نژاد، صفایی بوشهری، فاضل، علیدوست، اسحاق نیا، مغیثه، محمدی خراسانی، اشتهاردی و... شاگردی کردم. از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۸۲ در درس خارج آقایان عظام حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی و آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی و آیت الله سبحانی و حجت الاسلام و المسلمین سید محمد مهدی میرباقری شرکت کردم. تحصیلات و تخصص های تجربی: از سال ۱۳۷۱ تا کنون در دفتر فرهنگستان علوم اسلامی قم، به صورت هم عرض سه کار تدوین، اجرایی و آموزشی انجام داده ام. ضمن یادگیری تدوین اولیه جزوات (پیاده کردن نوار، ویرایش علمی، فهرست زدن و...) به تدوین چند مقاله و کتاب پرداخته ام. در کار آموزشی از سال ۷۱ تا ۷۶ دوره عمومی (معادل کارشناسی) و دوره عالی (معادل کارشناسی ارشد) مباحث آموزشی فرهنگستان را گذرانده ام. در کار اجرایی چند سال سابقه مسوولیت آموزشی این مرکز را دارم. ضمناً در آموزش فرهنگستان از سال ۷۷ تا کنون سابقه تدریس نیز دارم و به آموزش تدوین نیز پرداخته ام و جزواتی نیز در زمینه آموزش و ویرایش، فهرست و روش پیاده کردن نوار دارم. شرکت در همایش ها و جلسات علمی: به لطف خداوند حدود ۲ سال است که پس از بیانات مقام معظم رهبری در دانشگاه ها مانند دانشگاه صنعتی اصفهان، دانشگاه امام حسین (ع) تهران و... به عنوان سخنرانی علمی و یا به عنوان استاد معین کمیسیون های علمی از طرف دفتر بسیج دانشجویی تهران یا دفتر جنبش نرم افزاری دفتر تبلیغات دعوت می‌شود.

حسینعلی پور، حمید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حمید حسینعلی پور

محل تولد: جلفا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۶ هجری شمسی به تبریز آمدم و در مدرسه طالبیه تبریز زیر نظر حجة الاسلام آقای وثوقی به دروس حوزوی مشغول شدم (آقای وثوقی هم اکنون از اساتید حوزه های علمیه تبریز هستند) جامع المقدمات، باب رابع مغنی، حاشیه، معالم و بخش اوامر قوانین میرزای قمی را در تبریز خواندم. در سال ۱۳۴۹ به قم آمدم و از آن زمان تاکنون در قم هستم. اولین استادم آیه الله علوی گرگانی

بود که در درس شرح لمعه او حاضر می‌شدم و در درس لمعه آیه الله محفوظی هم شرکت کردم و بقیه را از آقای شیخ علی پناه اشتهاردی درس گرفتم. استاد رسائل و مکاسب و کفایه ام آقایان میرزا یدالله و حاج میرزا محسن دوزدوزانی بودند. از افراد دیگری هم این کتابها را درس گرفته‌ام، لکن عمده این حضراتند. از سال ۱۳۵۸ در درس خارج آیه الله تبریزی و نوری شرکت کردم در درس آیه الله نوری همدانی فقط چهار سال شرکت داشتم ولی در درس آیه الله تبریزی بیش از ۱۲ سال مرتب نشسته‌ام. شرح منظومه را از آیه الله شیرازی انصاری خواندم. نهایتاً الحکمه را از آیه الله مصباح خوانده‌ام. شرح اشارات جلد دوم و سوم را از آیه الله حسن‌زاده آملی درس گرفته‌ام. شرح فصوص قیصری و مصباح الانس را نیز از ایشان خوانده‌ام. سه جلد اول، دوم و سوم اسفار را هم از ایشان درس گرفته‌ام. بخشی از جلد ۶ و ۷ را از آیه الله جوادی آملی تلمذ کرده‌ام. تمهید القواعد را از آیه الله جوادی آملی خوانده‌ام. دروس عرفان و فلسفی را با توضیحات کامل، یادداشت دارم. همه دروس اعتقادی آیه الله سبحانی را گذرانده‌ام و در درسهای اعتقادی پنجشنبه‌های آیه الله مکارم شیرازی شرکت می‌کردم و در امتحان پایانی این دروس، با نمره خوب قبول شدم و به همین مناسبت برای ما جوایزی در نظر گرفته و جوایزی هم اکنون با مهر مدرسه امیرالمؤمنین موجود است. در یک دوره دو ماهه دروس حضرات اساتید در مدرسه حقانی پس از انقلاب اسلامی شرکت کردم. برخی از اساتید آن کلاسها عبارت بودند از: آیه الله نوری همدانی، آیه الله تسخیری که درباره مارکسیسم تدریس می‌کرد، آقای سیدمنیرالدین هاشمی شیرازی که درس اقتصاد می‌گفت، آقای خاک که درباره سازمان مجاهدین خلق (منافقین) تدریس می‌کرد و...

حسینک نیشابوری، ابواحمد حسین

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۳۷۵ - ۲۹۰ ق)، حافظ و محدث. معروف به حسینک و ابن منبیه. از عمر بن ابی‌غیلان و ابوالقاسم بغوی و باغندی و ابن خزیمه و همطبقه‌های آنان حدیث شنید. حاکم و برقانی و ابوسعید کنجرودی و بسیاری دیگر از شاگردان وی بودند. حسینک از محدثان ثقه اهل سنت بود و در انجام فرایض کوشا. گویندگان پیوسته هر شب هفت سوره از قرآن را قرائت می‌کرد. در سفر و حضر نماز شب وی ترک نمی‌شد. وی پس از هشتاد و چند سال زندگی از دنیا رفت.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ الاسلام (حوادث ۵۷۲ - ۵۷۱ / ۳۸۰ - ۳۵۱)، تاریخ بغداد (۷۵ - ۷۴ / ۸)، تاریخ نیشابور (۱۶۰)، ریحانه (۴۵/۲)، سیر النبلاء (۴۰۹ - ۴۰۷ / ۱۶).

حسینی ادیانی، مسلم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مسلم حسینی ادیانی

محل تولد: قائم شهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۱/۱

حسینی ارسنجانی، محمدحسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدحسن حسینی ارسنجانی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۹/۱/۱

زندگینامه علمی

جمعی از اساتید سطوح عالی، تفسیر، فلسفه، منطق و کلام: آیات عظام سلطانی، فاضل لنکرانی و آیات حسینی ارسنجانی، حاج شیخ یحیی انصاری، سید محمد کاظم آیت الهی، خزئی، مشکینی، ستوده، جوادی آملی، مجدالدین محلاتی، دوزدوزانی، شب زنده دار، و کریمی جهرمی؛ اساتید خارج فقه و اصول، آیات عظام: گلپایگانی (ره) (۵ سال فقه)، مرتضی حائری یزدی (ره) (۵ سال فقه)، حسینعلی منتظری (۱۵ سال فقه)، هاشم آملی (ره) (۴ سال اصول). تدریس سیوطی، معالم و لمعتین و نهج البلاغه.

حسینی اسحاق نیا، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید رضا حسینی اسحاق نیا

محل تولد: تربت حیدریه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

سید رضا حسینی اسحاق نیا در اوائل سال ۱۳۴۲ ه.ش در خانواده ای مذهبی دیده به جهان گشوده و اولین جرقه های علاقه به دین را پدرم مرحوم حاج سید محمود اسحاق نیا که عمری را به نیکنامی سپری نمود و «عاش سعیدا و مات سعیدا» با تربیت عملی خود ضمیر صاف کودکانه من را روشن نمود. پدر بزرگ اینجانب مرحوم حاج سید احمد فرزند حاج سید اسحاق از دوستان صمیمی

مرحوم حاج آخوند ملا عباس تربتی بوده است چنان که در کتاب فضیلت های فراموش شده به قلم فرزند برومند وی که خود نیز ستاره ای است که از این شهر در آسمان علم و معرفت درخشیده یعنی خطیب دانشمند مرحوم حاج شیخ حسن علی راشد، به آن اشاره شده است و به شهادت اشخاص با اطلاع و مورد وثوق از معدود کسانی بوده که مرحوم حاج آخوند در منازل ایشان غذا تناول می نموده است.

از سن شش سالگی به مدت دو سال در مکتب آقای حاج معلم، قرآن و دروس متداول در مکتب خانه های قدیمی را فرا گرفته و سپس تحصیلات جدید را از کلاس سوم آغاز نموده و مقطع ابتدایی را در دبستان بیهقی و دوران راهنمایی را در مدرسه راهنمایی علی تمدن و دوران دبیرستان را در دبیرستان رازی شهرستان گذارندم. تقریباً همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی فراگیری علوم حوزوی را در کنار دروس دبیرستان حدود بیش از ۲ سال در مدارس علمیه مرحوم هراتی و مرحوم فولاد شروع نموده و سپس بعد از اخذ مدرک دیپلم در سال ۱۳۶۰ هجری شمسی برای ادامه تحصیل به حوزه مقدسه علمیه قم هجرت نمودم.

و بنا به گفته پیر هرات خواجه عبد الله انصاری که «الهی دود از آتش چنان نشان ندهد و خاک از باد که ظاهر از باطن و شاگرد از استاد» چون هر کس که دارای چیزی شده است آن را از استاد کسب نموده است، لذا از این فرصت استفاده نموده و به ذکر اساتید بزرگوار که از خرمن پر فیض آنها به فراخور استعداد و قابلیت خویش خوشه چینی نموده ام پرداخته و از این راه سپاس فراوان خود را نثار ساحت مقدس ایشان می نمایم. مقدمات حوزوی از قبیل ادبیات عرب و منطق و بلاغت و مقداری از سطح را در تربت در محضر اساتیدی چون حجج اسلام آقایان حاج شیخ احمد معلم و حاج آقا سعیدی، حاج سید علی آقا ربانی آموخته و بیشترین استفاده را از حوزه درس جناب حجت الاسلام و المسلمین حاج آقا رحمانی نمودم که تلاش جدی و مستمر و شور و نشاط ایشان در طریق تعلیم به طلاب اعجاب آور و تحسین برانگیز می باشد. در اواخر مدت تحصیل در تربت حیدریه علم کلام و مقداری از فلسفه را خدمت مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ صدر الدین ربانی با وجود کسالتی که داشتند قرائت نمودم و از آن زمان تا کنون سخت تحت تاثیر معنویت آن مرحوم قرار دارم. وی به خاطر کسالت های متعدد و شدیدی که اواخر حیات پر برکت خود داشت و هم چنین ابتلائات گوناگون به حق، مصداق «البلاء للولاء کالذهب للذهب» بود یعنی:

پس از عزیمت به حوزه علمیه قم، بقیه دوره سطح و سطح عالی را در محضر اساتیدی چون حجج اسلام آقایان حاج سید احمد طباطبایی تربتی و حاج آقا قاضی زاده تربتی و حاج شیخ مصطفی اعتمادی تبریزی سپری نموده و حدود ده سال در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: فاضل لنکرانی و حاج شیخ جواد تبریزی و وحید خراسانی شرکت نمودم. در کنار فراگیری دروس عمومی حوزه در دروس تخصصی فلسفه و عرفان به مدت هیجده سال حضور پیدا کرده و گر چه در محضر اساتید بزرگ در این رشته مانند آیت الله حسن زاده آملی مقداری تلمذ نموده ام و لیکن عمده استفاده من در فن مزبور از محضر آیت الله انصاری شیرازی بوده است تقریباً از همان شروع به تحصیل علوم دینی، در جنب آن به تعلیم طلاب نیز اشتغال داشته ام و اینک هم به تدریس معقول و منقول در سطح عالی در حوزه علمیه قم مشغول می باشم. در کنار تحصیل و تدریس احیاناً به کار تألیف نیز پرداخته ام و آنچه تاکنون به زیور طبع آراسته شده دوره علم منطق تحت عنوان منطقیات در چهار مجلد است که شرح مبسوطی بر یکی از متون قدیمی در این رشته می باشد. آنچه در این سطور به رشته تحریر در آمده شمه ای از بحار بیکران الطاف و توفیقات خداوندی است که به این بنده نا چیز ارزانی فرموده است. از سال ۷۸ تا کنون علاوه بر تدریس در حوزه مبارکه قم هفته ای یک روز در تهران مقطع کارشناسی ارشد رشته عرفان به تدریس اشتغال دارم و نیز مسوولیت علمی مقالات بخش فلسفه و کلام دایره المعارف قرآن کریم را عهده دار می باشم. ضمناً گواهی علمی سطح چهار حوزه را دارم.

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شب ۱۳ ربیع‌الاول سال ۱۳۵۰ ق در نجف اشرف متولد شده.

مرحوم پدرش حاج سید علی اشکوری از شاگردان آیت‌الله شیخ ضیاء‌الدین عراقی و آیت‌الله شیخ شعبان گیلانی بود و مقداری از تقریرات اصولی و فقهی آقا ضیاء را نوشته است.

جدش سید حسن بن سیدعلی بن سید معصوم حسینی اشکوری از یکی از محال گیلان به نجف اشرف هجرت نموده و از شاگردان آیت‌الله آخوند خراسانی بود و حدود سال ۱۳۶۷ در نجف بدرود حیات گفت.

نزد اساتید برجسته‌ی نجف تحصیلات مقدمات و سطوح را به پایان رساند و در خصوص علوم ادبی عرب تخصص پیدا نموده و کوشش زیادی کرده است.

در سن هیجده سالگی ترک تحصیل نموده از نجف به بغداد رفتند و چهارسال به کسب اشتغال داشته و وضع مادی و کسبشان بسیار خوب بود، اما چون در خود قدرت انجام کارهای علمی می‌دیدند خود لازم دانستند که در این راه بذل مساعی کنند لذا به نجف بازگشته و به ادامه‌ی تحصیل پرداختند.

در نجف اشرف از سال ۱۳۷۸ ق به کار نویسندگی و تحقیق و تصحیح کتابهای علمی عربی پرداخته و در راه احیاء و زنده نمودن کتب قدما تا توانستند جدیت کرده و در ظرف چند سال پاره‌ای از کتابهای مهم را تحقیق و چاپ نمودند.

در اثر پیش‌آمدهائی ناگزیر به سال ۱۳۹۱ ه به قم هجرت نموده و مشغول به تالیف و تحقیق شده‌اند.

بیشتر اوقاتشان صرف می‌شود در تالیف کتاب «مولفات الامامیه العربیه» که بیش از صد جلد می‌باشد، و کتاب «الاسماء و مصادر» که بیش از پنجاه جلد می‌باشد و «فهرست کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی» که حدود بیست جلد می‌باشد.

سید احمد حسینی اشکوری فرزند عالم ربانی و زاهد سبحانی حاج سید علی فرزند سید حسن اشکوری در شب سیزدهم ربیع‌الاول ۱۳۵۰ قمری در نجف اشرف به دنیا آمده و در آنجا نشو و نما یافته و علوم اولیه و اولیات علوم دینی را نزد افاضل علماء و مدرسین نجف خوانده و دروس عالی را نیز به سبک سنتی معموله در نجف اشرف در خدمت جماعتی از بزرگان آن سامان به اتمام رسانده. و اکثر از درسهای خصوصی استفاده کرده و پس از فراغت از آن در سال ۱۳۸۰ ق به تالیف و به تحقیق پرداخته و شوق مفرطی به مطالعه و تحقیق آثار بزرگان داشته و موفق به مطالعه و بررسی صدها کتاب نویسندگان و مولفین شده و مسافرتها به داخل و خارج کشور برای مطالعه و دیدن کتب مطبوعه و غیره نموده است.

در اواخر ۱۳۹۱ قمری منتقل به ایران و در قم رحل اقامت افکنده و به تالیف و تحقیق و مباحثات پرداخته و از بسیاری از شهرها و استانها دیدن نموده و درباره کتب مخطوطه کاوش و تفحص به عمل آورده و از کتابخانه‌های عمومی و خصوصی دیدن کرده و بر بسیاری از مصادر صالحه و کتب مخطوطه قدیمه که از موارث اسلامی بوده راه یافته و استفاده نموده و دهها کتاب که از دانشمندان قدیم بوده به تحقیق ایشان به عراق و ایران و بیروت به طبع رسیده است.

و از کارها و تاسیسات ایشانست (مجمع الذخائر الاسلامیه) در قم و از تألیفات به چاپ رسیده معظم له کتب زیر است:

۱- الامام الحکیم در سال ۱۳۸۵ ق در نجف اشرف به طبع رسیده.

۲- الامام الثائر در سال ۱۳۸۶ ق در نجف اشرف به طبع رسیده.

۳- الامام الشاهرودی در سال ۱۳۸۶ ق در نجف اشرف به طبع رسیده.

- ۴- فهرست مخطوطات رشتی که به کتابخانه آیت‌الله الحکیم اهداء شده.
- ۵- فهرست مخطوطات خزینه امیرالمؤمنین علیه‌السلام که در سال ۱۳۹۱ ق به طبع رسیده.
- ۶- زندگانی شریف مرتضی در سال ۱۳۸۵ ق به طبع رسیده.
- ۷- دلیل المخطوطات که جزء اول آن در سال ۱۳۹۷ در قم به طبع رسیده.
- ۸- التعریف بالتراث مقالاتی که در مجله هادی چاپ شده.
- ۹- فهرست مخطوطات کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی که جزء اول آن در سال ۱۳۵۷ به طبع رسیده است.
- ۱۰- فهرست مخطوطات کتابخانه آیت‌الله مرعشی (ره) که تاکنون بیست جلد آن به طبع رسیده است.
- ۱۱- تراجم الرجال در قم چاپ شده.
- ۱۲- اجازات الحدیث علامه مجلسی در سال ۱۴۱۰ ق در قم چاپ شده.
- ۱۳- تلامذه شاگردان مجلسی در قم چاپ شده.
- از کتابهایی که به عربی ترجمه نموده‌اند
- ۱- القرآن فی الاسلام در سال ۱۳۹۳ ق در بیروت چاپ شده.
- ۲- رابطه العالم الاسلامی.
- و از تألیفات چاپ نشده ایشان کتب زیر است:
- ۱- مهذب الذریعه الی تصانیف الشیعه.
- ۲- المفصل فی تراجم الاعلام.
- ۳- حدیث جوله.
- ۴- نهج البلاغه فی الشعر العربی.
- ۵- معجم الاعلام الامامیه.
- ۶- مولفات الزیدیه.
- ۷- قضیه حیاتی.
- ۸- من کل لون (از هر رنگی).
- ۹- فهرست مخطوطات کتابخانه حکیم در نجف.
- ۱۰- التراث العربی در کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
- ۱۱- اجازات الحدیث.
- ۱۲- معجم المولفات القرانیه.
- ۱۳- احسن الموائر فی اعلام القرن الخامس العشر.
- برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حسینی اشکوری، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی حسینی اشکوری

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

سید علی حسینی اشکوری در سال ۱۳۳۷ هجری شمسی در خانواده‌ای روحانی در مشهد مقدس چشم به جهان گشود. پدرش مرحوم آیت ا... سید محمد اشکوری از عالمان ربانی و فیلسوفان عارف و یکی از چهره‌های برجسته زهد و تقوی به شمار می‌رفت و جد پدری ایشان مرحوم آیت ا... سید اسد الله اشکوری از رجال برجسته علم و از پیشوایان عصر خویش بود. جد مادریشان آیت الله سید محمد باقر فیض است. نامبرده پس از گذراندن دوره ابتدایی وارد حوزه علمیه نجف اشرف شد و دوره مقدمات، سطح و سطح عالی را طی نموده و به درس خارج استادان بزرگ و نام آوری چون آیت الله شهید سید محمد باقر صدر راه یافت پس از آن در حوزه علمیه قم از محضر علما و مراجع بزرگ همچون آیات عظام حاج آقا رضا صدر، کوبکی، سید عباس خاتم یزدی، وحید خراسانی، گلپایگانی (قدس سره) و منتظری بهره بسیار برد. وی هم اکنون یکی از چهره‌های علمی حوزه و از محققان، نویسندگان و اساتید حوزه و دانشگاه می‌باشد. او از آغاز نوجوانی و در سالهای پیش از انقلاب همواره با نهضت اسلامی و همگام با انقلابیون در صف مبارزان قرار گرفت و برای آرمانهای آن از هیچگونه فداکاری دریغ نورزیده و در همین راستا توسط حزب بعث عراق دستگیر و شکنجه‌های فراوانی متحمل شد و همواره طرفدار آزادی و آزاداندیشی بوده است وی دفاع از انقلاب و اصول آن و دفاع از زجر کشیدگان و پایه گذاران نهضت بزرگ اسلامی و محرومان و پاسداری از آزادیهای مشروع مردم و دست آوردهای انقلاب را وظیفه خویش می‌شمارد.

حسینی اصفهانی، غیاث‌الدین علی

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(یا محمد) بن علی امیران حسینی، از فضیلتی قرن نهم هجری است. در بدخشان ساکن بوده، و در سال ۸۷۹ کتاب معروف خود را به نام «دانشنامه‌ی جهان» در حکمت طبیعی در ضمن ده فصل، و خاتمه در تشریح، به نام سلطان محمود بن ابوسعید بهادرخان بن میران شاه بن امیر تیمور گورکانی تألیف نموده است. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حسینی اصفهانی، محمد حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن محمد صادق، خطیب ادیب، و عالم جلیل، مؤلف کتاب «مشرق التوحید» در اصول دین به فارسی، که آن را به اسم فتح علی شاه قاجار در سال ۱۲۵۰ تألیف نموده است.
برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

حسینی اصفهانی، محمد علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن محمد اسماعیل حسینی بیرجندی، عالم زاهد، مؤلف رساله در صبح و شفق، و متوفی به سال ۱۳۰۵.
برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حسینی بهشتی، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدرضا حسینی بهشتی متولد ۱۳۳۶ در قم است. بعد از دوره دبیرستان به تهران آمده و پس از سه سال و نیم تحصیل رشته پزشکی آن را رها می‌کند. به علت علاقه اش به علوم اسلامی، با بازگشایی دانشگاه‌ها تغییر رشته می‌دهد و به سراغ رشته فلسفه غرب می‌رود. در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد را می‌گذراند. پایان نامه کارشناسی ارشد را در مورد مونا دلوژی لایب نیس می‌نویسد. برای دوره دکترا به آلمان می‌رود و از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۶ در آلمان تحصیل می‌کند. در سال ۱۳۶۶ به ایران بازمی‌گردد و از همان سال در گروه فلسفه دانشگاه تهران تدریس فلسفه را آغاز می‌کند.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

والدین و انساب: سید محمد رضا حسینی بهشتی فرزند شهید بهشتی است. او درباره پدرش می‌گوید: «آنچه را که می‌توانم به عنوان عصاره ای که در ذهنم از ایشان باقی مانده است بیان دارم اینست که در بیست و چند سال تماس مداوم من با آن شهید او را به تمام معنی (مؤمن) یافتم. دردل او و اندیشه او و عمل و کردار او هر چه بیشتر دقیق می‌شدی آثار این روشنی و گرمای ایمان را بیشتر حس می‌کردی و جوشش عشق به خدا و خدمت به خلق خدا را که از ورای پندار و گفتار و کردارش حس و لمس می‌شد، ناخودآگاه مرا به سوی شخصیت ایشان جذب می‌کرد و می‌کشید. «آیت الله شهید بهشتی» سراپا عرفان بود، اما عرفانی بی‌هیاهو که اثر عمیق خویش را در شیوه برخورد ایشان با مسائل و مشکلات و دشواری‌های راه بخوبی می‌توانستیم ببینیم. آنچه ایمان در دل او رسوخ داشت که در این چند سال ندیدم که هیچ حادثه ای او را حتی اندکی به تزلزل وادارد و براستی که هیچ حادثه ای او را حتی اندکی به تزلزل وادارد.» و به راستی که محمد رضا بهشتی بی‌آن که هویت مستقل خویش را از دست داده باشد، این صفات پدر را در خویش زنده نگاه داشته و پرورانده است.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: - تحصیلات ابتدایی و متوسطه در زادگاه - تحصیلات نیمه تمام در رشته پزشکی - دریافت

کارشناسی فلسفه از دانشگاه تهران - دریافت کارشناسی ارشد فلسفه از دانشگاه تهران - عزیمت به آلمان برای ادامه تحصیل - دریافت دکترای فلسفه از دانشگاه هامبورگ آلمان ۶۶-۱۳۶۰ - آشنایی با زبان های عربی، آلمانی، انگلیسی و اندکی یونانی و لاتینی

مشاغل و سمتهای مورد تصدی :- مدیر مؤسسه مطالعاتی تاریخ خاورمیانه از ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۹ - مدیر مؤسسه پژوهشی فرهنگی «نوارغون» از ۱۳۷۷ تا کنون - عضو پیوسته فرهنگستان هنر - مسئول گروه فلسفه فرهنگستان هنر - عضو هیأت امنای مؤسسه مطالعات اجتماعی (وزارت علوم و تحقیقات و فناوری) - عضو هیأت امنای پژوهشگاه علوم انسانی - عضو هیأت امنای مؤسسه انجمن و حکمت

فعالیت‌های آموزشی : تدریس در دانشگاه تهران گروه فلسفه از سال ۱۳۶۶ تا کنون

مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می آید : بعد از بازگشت از آلمان فعالیت های پژوهشی اش را روی فلسفه متمرکز می کند. پس از مدتی با همکاری دوستانش مؤسسه پژوهشی نو ارغون را تأسیس می کند. به غیر از مقالات مختلفی که در مجله های تخصصی یا در مطبوعات منتشر کرده، گاه شمار تاریخ معاصر خاورمیانه با همکاری او منتشر شده است.

آرا و گرایشهای خاص : سید محمدرضا حسینی بهشتی با اشاره به این که مفهوم طبیعت به عنوان نرم و جهت دهنده در عرصه زندگی اجتماعی و فردی است اعتقاد دارد: «مفهوم طبیعت در پیوند با دو مفهوم خدا و انسان قرار دارد که هر سه این مفاهیم نقش مؤثری در تلقی ما از خود و موجودات پیرامون ما دارد. اگر ما به مواجهه انسان و طبیعت نگاه کنیم. ما پیش از سه دهه اخیر با سه نوع مواجهه روبرو بودیم یکی مواجهه نظری با طبیعت که انسان کنجکاو می خواهد به شناخت طبیعت پردازد و نظر به طبیعت کند. در آغاز این نگاه به طبیعت و عالم ممکن است با این هدف صورت بگیرد که خود نگرش طبیعت به عنوان بالاترین ارزش تلقی می شود یعنی نظر به خاطر نظر صورت می گرفت و ایده آل دانش نظری در یونان باستان نظر برای نظر بود. در سده های میانه نظر به عنوان نظر دیگر ارزش ندارد و اگر نظر در خدمت ایمان قرار می گرفت ارزش داشت و شیخ بهایی نیز می گفت از صفحه دل هر علمی را که در جهت رستگاری نیست پاک کنید که این همان نگاه ارسطویی است. در عصر جدید اتفاق عجیبی در حال افتادن است و آن این که دانش نظری در خدمت غایات عملی انسانی قرار می گیرد یعنی در جهت سعادت مادی انسان است و بیکن معتقد است همه مشکلات از جهل است یعنی ما نمی توانیم آینده را پیش بینی کنیم و آن را در جهت غایات خود قرار دهیم.» بهشتی با اشاره به این که در عهد باستان انسان نمی توانست آقا و سید طبیعت باشد ولی در دهه های اخیر تاریخ نگاری علم یعنی نگاه علم هم به خودش عوض شده است می افزاید: «بیکن معتقد است طبیعت، در اختیار ماست به شرطی که حرف از آن بیرون بکشیم و گرنه جواب نخواهد داد و ضربه ای که می توانیم به آن بزنیم آزمایش است و در این صورت است که شناخت علمی داریم. مواجهه های انسان با طبیعت عبارتند از: مواجهه نظری، تکنیکی - علمی، زیبا شناختی، اخلاقی - عملی.» محمدرضا بهشتی علاوه بر تدریس و تحقیق، به عرصه های عمومی تر حوزه مطالعاتی اش نیز توجه ویژه دارد و بویژه درباره وضع آموزش فلسفه در ایران دیدگاه های جالبی را ارائه می دهد: «آموزش فلسفه در ایران در دو حوزه صورت می گیرد که عبارتند از؛ مدارس سنتی و دانشگاه ها. در دانشکده الهیات تمرکز بر فلسفه اسلامی است ولی دانشکده ادبیات بیشتر به فلسفه غرب می پردازد. مهم ترین مسأله در مواجهه با آموزش فلسفه، ابهام در هدف گذاری و شناخت جایگاه فلسفه است. ما در برنامه آموزشی مان برخلاف کشورهای خارجی، هیچ دوره خاصی نداریم که فارغ التحصیل فلسفه بتواند پس از گذراندن آن فلسفه را آموزش دهد. در طریقه منتقل کردن مطلب نیز خلأ وجود دارد؛ در طول دوره پژوهشی فرد آموزش لازم را برای انجام کارهای پژوهشی نمی بیند و با کمترین تکنیک ها نیز در مسیر آموزش آشنا نمی شود. مشکل ما در آموزش فلسفه این است که نه ورود ما به مطلب مشخص است و نه خروج و نه طی مسیر و بر این اساس، با رهیافت مشخصی نیز روبه رو نیستیم و آشنا شدن با رهیافت ها را نیز در جایی پیدا نکرده

ایم. یکی از کمبودهای جدی به لحاظ آموزشی و پرورشی، کمبود منابع داخلی و بویژه منابع خارجی است. مجلات و مقالات در رشته فلسفه هنوز هیچ جایگاهی ندارند و ما هنوز با شیوه‌های جدیدتر برقراری ارتباطات آشنا نیستیم. ما جلسات چند استاد (محقق) را پیرامون یک موضوع نداریم و برای استفاده از اساتیدی که بیرون از حوزه‌های آموزشی ما پرورش پیدا کرده‌اند مشکل زبان داریم، اما با فرض حل مشکل زبان، راه‌های ارائه موضوع آن‌ها نیز با ما متفاوت است. در مورد طرح‌های پژوهشی قوی و بویژه جمعی، و گره خوردن کار پژوهشی در داخل دانشگاه‌ها با نیازهای بیرونی که موجب ایجاد نشاط در گروه‌ها می‌شود نیز کاری انجام نشده است. همچنین رابطه‌ای میان دانشگاه‌ها با دانشگاه‌های داخل و خارج، پژوهشگاه‌ها و مؤسسه‌های غیر دولتی مانند NGO ها نیز وجود ندارد. در کارهای آموزشی و پژوهشی، نخستین قدم، جدی گرفتن گروه‌های کار دانشجویی و پیوند میان این گروه‌ها است و بعد مطالعه و شناسایی راه‌های موجود و انتخاب این راه‌ها و سپس حرکت و اجرا که باید با ارزیابی مجدد و نقادانه صورت بگیرد.

چگونگی عرضه آثار: بررسی تطورات تاریخی قواعد کلی فلسفی با تأکید بر فلسفه اسلامی عنوان یکی از گزارش‌های سید محمد رضا حسینی بهشتی در دانشگاه تهران است. تدوین و تألیف چند جزوه درسی مربوط به آموزش زبان از جمله آموزش مقدماتی زبان یونانی و آموزش مقدماتی زبان لاتین نیز از دیگر آثار بهشتی در فضای آموزشی دانشگاه تهران بوده است. او علاوه بر حضور مستمر در فضاها، در سال‌های گذشته با نگارش مقالات متعدد نظری دیدگاه‌های خویش را به فضاها، عمومی‌تر اندیشه نیز کشانده است. برخی از مقالات او عبارتند از: نگرشی تاریخی به تحول مفهوم آرخه از پیش سقراطیان تا ارسطو؛ سقراط، پس کار تو چیست؟؛ فلسفه و بحران محیط زیست؛ زیباترین مثلث‌ها؛ دو نظریه در زیباشناسی طبیعت؛ صلح و عدالت در بستر دینی؛ جایگاه نقد سوم در نظام استعلایی کانت و... بهشتی همچنین با دانشنامه جهان اسلام نیز ارتباط دارد و برخی مدخل‌های فلسفی آن را می‌نگارد، از آن جمله است مدخل تاریخ قرآن کریم «تئودور نولدکه و مدخل تامس پیوس» -----

آثار:

۱. Methodologische Ueberlegungen Zum Wandel des Naturbegriffs Techno Verlag ۱۹۹۷

۲ انسان‌شناسی فلسفی

ویژگی اثر: ترجمه، نوشته هانس دیرکس، کتاب انسان‌شناسی فلسفی، با رویکردی آموزشی و نه تنها فلسفی، متن‌هایی از متفکران غربی را متناسب با مسائل بنیادی زندگی گرد آورده است. مطالعه این کتاب در راستای سرفصل‌های درس انسان‌شناسی برای استادان محترم معارف پیشنهاد شده است.

۳ دروس گفتارهای فلسفی

ویژگی اثر: مؤسسه دانش و توسعه علوم انسانی

۴ سرآغازهای فلسفه در یونان

ویژگی اثر: انتشارات هرمس

۵ شرحی بر تمهیدات کانت،

ویژگی اثر: اثر: ماکس آپل؛ مرکز نشر دانشگاهی

۶ گزیده مقالات گادامر

ویژگی اثر: انتشارات هرمس

۷ متون برگزیده در هرمنوتیک

ویژگی اثر: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

حسینی تهرانی، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۳۰۵.

درگذشت: ۱۳۷۴.

از آثار اوست: امام شناسی: بحثهای تفسیری، فلسفی، روانی (تهران، ۱۳۶۲)؛ ترجمه رساله بدیعه در تفسر آیه الرجال قوامون علی النساء (ترجمه توسط چند تن از فضلاء؛ تهران، ۱۳۶۳)؛ داستان‌های عبرت‌انگیز (جمع‌آوری و تنظیم مهدی شمس‌الدین، قم، ۱۳۷۳)؛ رساله بدیعه فی تفسیر آیه الرجال قوامون علی النساء (تهران، ۱۳۶۶، ۱۳۶۰)؛ رساله حول مسئله رویه الهلال، موسوعه علمیه‌ی فقهیه فی لزوم اشتراک... (۱۳۷۱)؛ مقدمه و شرح رساله سیر و سلوک (منسوب به بحرالعلوم مهدی بن مرتضی الطباطبائی نجفی، تهران، ۱۳۷۲)؛ روح مجرد: یادنامه موحد عظیم‌شان و عارف کبیر حاج سید هاشم موسوی حداد (تهران، ۱۳۷۳)؛ مقدمه و تذیل هدیه غدیریه: دو نامه سیاه و سپید (تألیف محمد رفیع بن عبدالواحد طبسی، مشهد، ۱۳۷۴)؛ رساله نوین درباره‌ی بناء اسلام، سال و ماه قمری و تفسیر آیه‌ی ان عده الشهور عند الله اثنا عشر شهدا فی کتاب الله یوم خلق السموات و الارض منها اربعه حرم ذلك الذین القیم: بحث تفسیری، روائی، فقهی و تاریخی (تهران، ۱۳۶۴)؛ رساله فکاحیه: کاهش جمعیت ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین (تهران، ۱۳۷۳)؛ رساله لب اللباب در سیر و السلوک اولی الالباب (تهران، ۱۳۶۶)؛ مکاتیب حکمی و عرفانی میان آیتین علمین: حضرت آیه الحق و التوحید حاج سید احمد کربلانی و حضرت آشیخ المحقق حاج شیخ محمدحسین اصفهانی... (تهران، ۱۳۷۳)؛ معادشناسی (تهران، ۱۳۶۱)؛ لمعات الحسین: برخی از کلمات و مواعظ و خطب حضرت سیدالشهداء ابی عبدالله الحسین (ع) (تهران، ۱۳۷۱)؛ ولایت فقیه در حکومت اسلامی (از منشآت محمدحسین حسینی تهرانی، تنظیم و گردآوری از محسن سعیدیان و محمدحسین راجی، تهران، ۱۳۷۳)، نور ملکوت قرآن (مشهد، ۱۳۶۸)؛ نگرشی بر مقاله بسط و قبض تئوریک شریعت دکتر عبدالکریم سروش (تهران، ۱۳۷۴)؛ مهر تابان: یادنامه و مصاحبات تلمیذ و علامه محمدحسین طاطبایی تبریزی (تهران، ۱۳۷۵).
برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

حسینی حایری، عزالدین حسین

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۹۱۷ ق)، عالم امام، ادیب و شاعر. اصل وی از خراسان بوده است. با شیخ ابراهیم کفعمی معاصر بود و به گفته‌ی علامه مجلسی بر کفعمی سمت استادی داشت و با وی مراسلات نظمی و نثری داشت. کفعمی در حاشیه‌ی «مصباح الاثمه» خویش او را به عزالاسلام و المسلمین ابوالفضائل می‌ستاید. از آثار وی: «تحفه الابرار فی مناقب الاثمه الاطهار (ع)»، مشتمل بر احادیثی از شصت کتاب ارزشمند عامه؛ «حاشیه‌ی عمده‌الطالب فی نسب آل ابی‌طالب»؛ اشعاری در منقبت اهل بیت (ع) و رثاء امام حسین (ع).
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۷۳- ۱۷۱/۶)، بحار الانوار (۱۸/۱)، الذریعه (۱۵۰/۶، ۴۰۶- ۴۰۵/۳)، ریاض العلماء (۱۷۶- ۱۷۵/۲)، ریحانه (۱۳۱/۴)، لغت نامه (ذیل / حسین).

حسینی خلغالی، ملا حسین

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۱۴ ق)، متکلم و مفسر. از شاگردان بنام میرزا جان شیرازی بود و استاد عبدالکریم بن سلیمان کورانی. تالیفاتی چند به فارسی و عربی از وی به جای مانده، از جمله: حاشیه بر «انوار التنزیل» بیضاوی؛ «رساله فی المبدأ الاول و صفاته»؛ حاشیه بر رساله «اثبات الواجب» دوانی؛ حاشیه بر «شرح العقاید العضدیه» دوانی؛ حاشیه بر «شرح تهذیب المنطق» دوانی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۳۹۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۶- ۱۶۵/۱۱)، کشف الظنون (۱۱۴۴، ۸۸۸، ۵۱۶، ۱۹۲)، معجم المؤلفین (۳۱۹، ۲۲۱/۳)، هدیه العارفین (۲۹۱/۱).

حسینی درکه‌ای، عزیزالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۷۰ ق)، مجتهد و دانشمند. تحصیلات مقدماتی را در مدرسه پامنار تهران به پایان رساند و در سال ۱۳۱۶ ق راهی نجف شد و از محضر آخوند خراسانی و حاج سید محمد کاظم یزدی و شریعت اصفهانی و میرزا محمدتقی شیرازی استفاده کرد و به مرتبه‌ی والایی از علم رسید و درجه اجتهاد دریافت کرد. وی به امر میرزا محمدتقی شیرازی به تهران مراجعت کرد و از رؤسای روحانیت شد و در تهران به امامت جماعت و بحث و درس مشغول شد. مقبره‌ی وی در نجف اشرف است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۰۷/۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۵۲- ۴۵۱/۴).

حسینی رهقی، نصرالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید نصرالله حسینی رهقی

محل تولد: رهق کاشان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۵/۱

زندگینامه علمی

در اول مرداد سال ۱۳۳۸ شمسی در روستای رهق کاشان به دنیا آمدم و در سال ۱۳۴۴ وارد دبستان روستا شده و در سال ۱۳۵۰ پس از اخذ گواهینامه پایان تحصیلات ششم ابتدایی از دبستان معزی روستای رهق در مهرماه سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه حضرت آیت الله مدنی کاشانی در کاشان شدم و دروس مقدمات را نزد اساتید آن مدرسه تلمذ نمودم و تا سال ۱۳۵۸ در کاشان مشغول تحصیل و تدریس بودم و نزد بزرگوارانی به نام آقایان حاجی رضا تفویضی، آقای بهشتی، آقای شیخ محمد وحیدی، آقای صادق‌زاده، مرحوم آیت الله اعتمادی آقای لطفی کاشانی، شیخ عبدالله موحدی، آقای مصطفی صمدیان بیدگلی، آقای علوی، آقای مناقب، آقای صراف‌زاده، آیت الله خراسانی، آیت الله علم الهدی، آیت الله یثربی امام جمعه کاشانی، آیت الله سید مهدی لاجوردی و شیخ عبدالحسین تفویضی آیت الله مصطفوی کاشانی و... سطوح مقدمات و سیوطی، مغنی و حاشیه و معالم و مختصر و مطول و لمعتین و رسائل و مکاسب و اصول فقه را تلمذ نمودم و همزمان به تدریس مقدمات و سیوطی و حاشیه و معالم مشغول بودم.

از سال ۱۳۵۵ مسئول امور رسیدگی به طلاب مدرسه میانچال و آقابزرگ از طرف آیت الله مدنی بودم که تقریباً حکم ریاست مدرسه را داشت. در عید قربان سال ۱۳۵۶ ملبس به لباس روحانیت شدم و همزمان علاوه بر تحصیل و تدریس به تبلیغ و امامت جماعت و فعالیت‌های فرهنگی مذهبی و سیاسی مشغول شدم و با شروع مجدد فعالیت‌های نهضت امام خمینی پس از شهادت مرحوم حاجی آقا مصطفی خمینی (ره) وارد مبارزات سیاسی شده و در جلسات و تظاهرات به سخنرانی و نیز به پخش اعلامیه‌های امام و علماء مشغول بودم و بارها به دهات اطراف شهر برای راه‌اندازی تظاهرات و تشکیل مجالس سیاسی مسافرت نموده و در سال ۱۳۵۷ هم بعد از ۲۷ شب سخنرانی و فرار و گریز با محاصره محل سخنرانی توسط نیروهای اطلاعات و شهربانی در حال فرار پس از سخنرانی دستگیر شدم و پس از انتقال به شهربانی و پذیرایی توسط کماندوهای مستقر در شهربانی و بازجویی‌های ممتد که تا صبح ادامه داشت به واسطه فشار مردم و علماء به خصوص حضرت آیت الله مدنی کاشانی و آیت الله یثربی و کمک‌های یکی از نیروهای شهربانی که فرد مؤمنی بود و از مبارزان بود و آن شب افسر نگهبان شهربانی بود که بعدها هم به عنوان اولین رئیس شهربانی شهر منصوب شد به نام سروان سفرجی بعد از یک روز آزاد شدم در حالی که بازجویی که ساعت ۲ بعد از نیمه شب از بنده بازجویی می‌کرد و مدعی بود نوارهای سخنرانی از اول ماه رمضان آن شب را گوش کرده می‌گفت حکم شما اعدام است ولی چون به سن قانونی (بیست سالگی) نرسیده‌اند حداقل ده سال زندانی برای شما حتمی است.

اما پس از پیروزی انقلاب تا یک‌سال در کاشان ماندم و علاوه بر تحصیل مشغول فعالیت‌های انقلابی و رفتن به روستاهای اطراف و تشکیل جلسات سخنرانی و ارشاد مردم و تبلیغ و توحید و ترویج انقلاب بودم که اثر زیادی هم داشت. اما در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه قم شدم و در دروس حوزه علمیه شرکت نموده و دروس سطح را تکمیل و به پایان رساندم و در درس مکاسب و کفایه مرحوم آیت الله ستوده و رسائل آیت الله اعتمادی و آیت الله وجدانی فخر و آیت الله سید ابوالفضل موسوی تبریزی و آیت الله دوزدو زانی و آیت الله فاضل لنکرانی و منظومه آیت الله انصاری شیرازی و... شرکت نمودم و در سال ۱۳۶۰ در اولین دوره درس خارج اصول آیت الله صانعی و درس خارج فقه حج آیت الله فاضل لنکرانی و درس خارج آیت الله منتظری شرکت کردم و هم‌زمان در درس‌های جنبی حوزه که توسط بزرگان و علمائی مانند آیت الله مکارم، سبحانی، یزدی و مشکینی و مصباح یزدی تشکیل می‌شد شرکت نمودم ضمناً در برنامه‌ای که توسط دفتر تبلیغات در مسجد الوندیه در چهارمردان تشکیل می‌شد شرکت مستمر داشته و در آنجا از افاضات بزرگانی همچون مرحوم آیت الله بهشتی (ره)، آقای هاشمی رفسنجانی، رهبر انقلاب آیت الله خامنه‌ای، شهید باهنر و آیت الله یزدی و... بهره بردیم.

و در سال ۵۸ در حزب جمهوری اسلامی قم مشغول فعالیت شدم و در دفتر رئیس وقت آقای معادیخواه قم انجام وظیفه می‌کردم و

در امتحانی که از طلاب حوزه علمیه گرفته شد شرکت نمودم و سطح حوزه تا کفایه را امتحان داده و قبول شدم و در مصاحبه حضوری هم در خدمت مرحوم آیت الله ربانی املشی امتحان دادیم. و در نتیجه از سال ۱۳۵۹ هم زمان با درس حوزه در مدرسه عالی تربیتی و قضایی هم شرکت نمودم و در سال ۱۳۶۱ مدرک کارشناسی علوم انسانی دریافت نمودم و در آنجا هم از محضر بزرگانی مانند آیت الله سبحانی، معرفت و مکارم و امین و هاشمی شاهرودی و دکتر شریعتمداری و... استفاده کای و وافی را بردیم. در سال ۵۹ هم زمان با شروع جنگ تحمیلی در سپاه پاسداران اسلامی شاهرود به عنوان مسئول آموزش و بسیج آنجا و به منظور تصفیه نیروهای بنی صدر از طرف ستاد مرکزی سپاه اعزام شده و چند ماهی مشغول خدمت بودم که با شروع دروس مدرسه عالی تربیتی و قضایی طلاب به قم بازگشتم ولی هم زمان در عقیدتی سیاسی هنگ ژاندارمری قم و گروهان ژاندارمری قم مشغول شده و با آنها همکاری مستمر به عنوان مسئول آموزش و مسئول دفتر عقیدتی و اداره کننده کلاس‌های عقیدتی داشتم. در سال ۱۳۶۱ پس از فارغ التحصیلی از مدرسه عالی طلاب قم وارد آموزش و پرورش شهرستان کاشان شده و تا سال ۱۳۶۶ در مدارس و دبیرستان‌ها و تربیت معلم کاشان مشغول تدریس بودم و هم زمان در حوزه علمیه آیت الله مدنی به تدریس کتب حاشیه و معالم و سیوطی مشغول بودم و چندین دوره این کتاب‌ها را تدریس نموده و درس حاشیه ما از شلوغ‌ترین درس‌های حوزه کاشان بود چون به شیوه جدید و با استفاده تخته سیاه و... انجام می‌شد و هم زمان در این مدت به عنوان مسئول عقیدتی سیاسی گروهان ژاندارمری کاشان مشغول بودم و نیز به عنوان مسئول اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان با حکم از طرف نمایندگی حضرت امام (ره) در اتحادیه مرکز انجام وظیفه می‌نمودم.

و نیز در انجمن اسلامی معلمان شهر به عنوان عضو شورای مرکزی و مسئول آن انجام وظیفه می‌نمودم و در مدت جنگ تحمیلی چند بار به جبهه‌ها در منطقه کردستان اعزام شده و به عنوان مسئول و مبلغ به پایگاه‌های مختلف در آنجا اعزام می‌شدم و نیز هم زمان به عنوان عضو ستاد جمع‌آوری و جذب کمک‌های مردمی به جبهه و جنگ مشغول انجام وظیفه بودم. و در سال ۱۳۶۶ به قم مراجعت نموده و در درس‌های حوزه علمیه شرکت نموده و به مدت یک سال هفته‌ای دو روز به کاشان برای تدریس می‌رفتم اما از سال ۱۳۶۷ به آموزش و پرورش قم منتقل شه و از آن زمان در دبیرستان‌ها و مراکز آموزش عالی فرهنگیان قم و تربیت معلم‌های قم مشغول فعالیت می‌باشم و هم زمان در درس‌های حوزه علمیه شرکت نموده و در درس‌های آیات عظام مکارم شیرازی، سبحانی، نوری همدانی، منتظری، صانعی، فاضل لنکرانی، شبیری زنجانی، موسوی اردبیلی، علوم گرگانی و شریعتی نیاسری و جوادی آملی و... شرکت نموده‌ام. و در سال ۱۳۶۸ در امتحانی که از طلاب حوزه علمیه گرفته شد شرکت نموده و قبول شده در تربیت مدرس مدرسه دارالشفاء نیز مشغول تحصیل شدم و در سال ۱۳۷۰ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی شده و از پایان نامه تحصیل با موضوع بلوغ شرعی در مذاهب مختلف اسلامی، دفاع نمودم. لازم به ذکر است که در این مدت در تمام امتحانان حوزه علمیه شرکت نموده و قبول شده‌ام و در سال ۱۳۸۴ به عنوان طلاب ممتاز شمرده شدم به علت موفقیت در چهار مرحله پی در پی امتحان و مصاحبه شفاهی درس خارج که در هر نوبت یک فقه و یک اصول را امتحان دادم.

و در این مدت در اکثر دوره‌های ضمن خدمت آموزش فرهنگیان قم به عنوان مدرس به تدریس دروس تعلیم و تربیت و معارف اسلامی و روش تدریس دینی و قرآن و تاریخ و... مشغول بوده‌ام. و نیز در مصاحبه و امتحان اساتید دانشگاه‌ها که نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها اجرا می‌کند شرکت نموده و قبول شده و گواهینامه تدریس در رشته‌های مختلف را اخذ نموده‌ام و برای اخذ مدرک سطح چهار حوزه علمیه قم (دکتر) در امتحانات و مصاحبه‌های آنها نیز شرکت داشته و پایان‌نامه کارشناسی ارشد بنده به عنوان تحقیق سطح سوم حوزه پس از دفاع از آن پذیرفته شده و هم اکنون مشغول تهیه و تنظیم و نوشتن پایان‌نامه‌ای برای سطح چهارم حوزه تحت عنوان «حرمت ربا در مذاهب مختلف اسلامی» می‌باشم که امید است به زودی بتوانم از آن دفاع نمایم. البته در این مدت جزوهای درسی متعددی تحت عنوان‌های تعلیم و تربیت اسلامی، تحول بینش دینی، فن خطابه و تبلیغ تفسیر قرآن و روش

تدریس روخوانی و تجوید و غیره... تهیه نموده‌ام و در اختیار دانشجویان و معلمان قرار داده‌ام گرچه کدام از آنها چاپ شده است.

حسینی زفره ای، محمدباقر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد باقر حسینی زفره ای

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سن پنج سالگی یعنی در سال ۱۳۲۷ به‌مراه والدینم از زفره اصفهان به کربلا رفتم و یکسال در آنجا ماندیم و پس از یکسال به ایران بازگشته و بعللی که ذکر آن مفصل است عازم گرگان و در یکی از روستاهای آن به نام مرزنکلاقه مقیم گشتیم و در مدرسه آن روستا مشغول تحصیل شدم و تا ششم ابتدایی درس را ادامه داده و پس از آن درس را رها کرده به کار کشاورزی مشغول و در سال ۱۳۴۴ عازم سربازی شدم و پس از پایان خدمت ازدواج کرده و به تشویق یکی از روستائیان جهت تحصیل علوم دینی عازم مشهد مقدس گشتم و دو سال در مشهد جامع المقدمات را نزد اساتید آنجا خوانده و سپس عازم قم گشته و از سال ۱۳۵۰ در قم مشغول تحصیل و از سال ۱۳۶۰ علاوه بر تحصیل دروس حوزوی به تألیف کتاب مبادرت کرده که تا کنون حدود سی جلد کتاب نوشته‌ام که بیست جلد از آنها چاپ شده و ده جلد دیگر آن نیز آماده چاپ است.

حسینی زنجانی، حسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید حسن بن سید حبیب‌الله حسینی زنجانی متوفی حدود ۱۲۵۰ ق عالمی فاضل بوده است.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی سبزواری، اسماعیل

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سیداسماعیل بن سید اسدالله مذکور در اصفهان عالمی فقیه از شاگردان علامه میرزا حبیب‌الله رشتی بوده و در سال ۱۳۲۲ قمری وفات نموده است.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی شاهرودی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد حسینی شاهرودی در جمادی‌الثانی ۱۳۴۴ هجری در نجف اشرف متولد شده و در بیت علم و ورع پرورش یافته. و پس از فراگرفتن اولیات مقدمات را خدمت علامه شیخ علی شهر بابکی و شیخ شمس زنجانی خوانده و سطوح وسطی و عالی را از مرحوم آیت‌الله آقا شیخ عبدالحسین رشتی و والد ماجدش فرا گرفته و پس از آن در درس خارج مرحوم والدش آیت‌الله العظمی شاهرودی فقهاً و اصولاً در سنین ۱۶ سالگی حاضر شده و تقریر درس آن مرحوم را نموده. و ضمناً به تدریس سطوح و بعد به درس خارج فقه و اصول پرداخته و تا حال تحریر اشتغال دارد و عده‌ای از افاضل از محضرش استفاده می‌کنند تألیفات علمی او عبارت است از «تقریرات الاصول» والدش و کتاب صلوٰۃ الجمعة و کتابهای دیگر و مخفی نیست که جناب مستطاب آیت‌الله زاده شاهرودی گذشته از مقامات علمی و اجازه اجتهادی که از مرحوم والد مبرورش دارد موصوف به اخلاق حسنه و ملکات فاضله و محامد آداب و محاسن اخلاق و در واقع ثانی پدر بزرگوار خود می‌باشد.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی شهرستانی، عبدالرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۳۳۹ ق.، کربلا.

درگذشت: ۱۱ مرداد ۱۳۷۶، مشهد.

آیت‌الله حاج سید عبدالرضا حسینی شهرستانی، فرزند حجت‌الاسلام سید زین‌العابدین شهرستانی، بود. وی پس از پست سر نهادن دوران کودکی به سال ۱۳۴۶ ق. وارد مدرسه‌ی جعفریه شد و به یادگیری خواندن و نوشتن و علوم ابتدایی پرداخت و پس از آن به تحصیل علوم دینی روی آورد و مقدمات و سطوح را نزد حضرات آیات شیخ علی اکبر سیبویه و شیخ جعفر رشتی فرا گرفت. سپس به یادگیری رسائل و مکاسب و کفایه و علوم هیئت و ریاضیات نزد حضرات آیات شیخ محمد رضا اصفهانی و سید محمد طاهر بحرانی پرداخت و خارج فقه و اصول را نیز در محضر آیات عظام سید محمدهادی میلانی، میرزا مهدی شیرازی، سید عبدالحسین حجت و شیخ مرتضی آشتیانی آموخت. ایشان در کنار تحصیل به تدریس سطوح عالی پرداخت و پس از سالیان فراوان تدریس سطح، در سال ۱۳۹۲ ق. تدریس خارج فقه را آغاز کرد. سپس به مشهد هجرت کرد.

آیت‌الله حسینی شهرستانی علاوه بر تحصیل و تدریس، به اقامه‌ی جماعت در صحن حسینی (ع) پاسخگویی به مسائل دینی

پرداخت. وی در برابر نفوذ و تبلیغات فکری و سیاسی و ایجاد شبهات دینی از سوی کمونیست و چپگرایان عراق سخت ایستادگی کرد و به منظور استحکام بنیان‌های فکری جوانان، اقدام به تأسیس مجله‌ی «اجوبه المسائل الدینیة» کرد و در آن - با همیاری و همکاری حضرات آیات سید محمدباقر صدر، سید حسن شیرازی، سید عبدالصاحب حکیم و استاد احمد امین - به صدها پرسش فکری و اعتقادی جامعه پاسخ داد و حوزه‌ی خوانندگان خود را به فراسوی مرزهای عراق گسترانید. دامنه نفوذ این مجله در آن سال‌های پر اختناق عراق باعث شد تا رژیم بعث، پس از آزار و اذیت‌های فراوان و زندانی ساختن فرزندش جلو انتشار آن را بگیرد و او را هم از عراق بیرون نماید.

ایشان به جز تدریس، تألیف، اقامه‌ی جماعت و تبلیغ شعائر دینی، با همیاری و مساعدت گروهی از علمای بزرگ و تجار کربلا دست به بنیاد مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه‌ای زد که برخی از آنها عبارتند از مدرسه الامام الصادق. (این مدرسه برای دانش‌آموزان بر مبنای تعالیم اسلامی در سال ۱۳۷۱ ق. تأسیس شد و تا سال ۱۳۹۵ ق. ادامه یافت)؛ مدرسه اسلامی (در این مدرسه به دانش‌آموزان دروس فقه؛ حدیث تفسیر و عقاید آموزش داده می‌شد)؛ درمانگاه کودکان؛ الجمعیه الهیة الاسلامیة؛ المكتبة الجعفریة (این کتابخانه با پنج هزار کتاب چاپی و خطی در مدرسه هندی گشایش یافت)؛ لجنه الثقافة الدینیة (که پاسخگویی به شبهات و پرسشهای دینی را بر عهده داشت و در خلال پانزده سال فعالیت خویش، توانست صدها سؤال را پاسخ دهد).

از تألیفات آیت‌الله حسینی شهرستانی می‌توان این آثار را نام برد: مقالید الهدی فی شرح العروة الوثقی (هفت جلد، که سه جلد آن به چاپ رسیده است)؛ حیاة الامام الحسین بن علی (ع)، الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، السجود علی التربة الحسینیة؛ صلاة الجمعة فی عصر الغیبة؛ النوروز فی السلام نوروز در تاریخ و دین؛ اجوبه المسائل الدینیة (چهارده جلد که دو جلد آن به نام امید جوان ترجمه و چاپ شده است)؛ اجوبه المسائل فی التفسیر (دو جلد)؛ اجوبه المسائل فی العقائد؛ تقویم هجری (از سال ۱۳۶۳ تا ۱۴۶۳ ق.). تألیفات مخلوط ایشان عبارت است از: المهدی الموعود و دفع الشبهات عنه؛ الطريق القویم الی جنه النعیم (پیرامون امامت)؛ دفع الشبهات و حل المشکلات؛ غایة التقرب فی شرح منظومه التهذیب؛ حاشیه بر مکاسب؛ حاشیه بر رسائل؛ حاشیه بر معالم؛ حاشیه بر قوانین؛ حاشیه بر شرح لمعه؛ الطريق المستقیم فی بیان اصول الدین؛ عقاید المؤمنین فی اصول الدین.

در سال ۱۳۹۷ ق. به علت فشارهای رژیم بعثی، وی عراق را به قصد ایران ترک کرد و در مشهد اقامت گزید و به تدریس سطوح عالی و عقاید، امامت جماعت (در مسجد الحمید) و تأسیس مجله «الارشاد» - که از آن هفت شماره منتشر گردید پرداخت. اما در سال ۱۴۰۰ ق. به دنبال سکت‌های ناقص توان کار و کوشش از او سلب شد و تا پایان عمر خانه‌نشین شد.

آیت‌الله حسینی شهرستانی سرانجام پس از هفتاد و هفت سال زندگی در یازدهم مرداد ۱۳۷۶ (۲۷ ربیع‌الاول ۱۴۱۸ ق.) چشم از جهان فروبست و پیکرش در روز سه شنبه بیست و هشتم ربیع‌الاول، پس از تشییع و نماز آیت‌الله شیخ حسنعلی مروارید بر آن، در صحن آزادی حرم امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

حسینی شیرازی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید میرزا آقا بن احمد المستوفی بن محمود الحسینی الشیرازی فاضلی متقی و زاهد داماد آیت‌الله العظمی میرزای شیرازی بوده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی شیرازی، اسماعیل

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید اسماعیل بن سید رضی بن سید اسماعیل الحسینی شیرازی عالمی جلیل و فقیهی بارع و ادیبی مشهور والد آیت‌الله العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و پسرعموی میرزای بزرگ مجدد شیرازی بوده ولادتش ۱۲۵۸ و فاتهش در ۱۳۰۵ واقع شده است و اوست صاحب مولودیه امیرالمؤمنین (ع) که در جلد اول در ضمن ترجمه والد مبرورش ذکر نمودم.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی شیرازی، صادق

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت‌الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی روز ۲۰ ذی‌حجه ۱۳۶۰ق در کربلای معلا دیده به جهان گشود.
وی دروس دینی و حوزوی را از بزرگان علما و مراجع در حوزه‌ی علمیه فرا گرفت و به درجات عالی اجتهاد نائل شد.
عالم اسلامی ایشان را فقیهی جامع، اصولی مبرز و آشنا به علوم معقول و منقول می‌شناسند و به پرهیزکاری و زهد و ورع و فضایل اخلاقی ایشان اعتراف دارند.
ایشان در بیت مجدد شیرازی رحمه‌الله علیه که خاندان علم و فضیلت و پرهیزکاری و اجتهاد است رشد یافت.
نگارش آثار متعدد و گوناگون برای سطوح مختلف مردم از خصوصیات ایشان می‌باشد که در ادامه فهرست آنها خواهد آمد.
ایشان همچنین برای فقها و مجتهدان درس‌ها و مباحثی را در فقه و اصول با استدلال علمی و دقیق و با روشی متین و زیبا و علمی به رشته تحریر در آورده‌اند.
بیش از ۳۰ سال است که در بحث خارج فقه و اصول ایشان جمعی از علما و دانشمندان و فضلا حاضر می‌شوند و برخی از مدرسان خارج در حوزه علمیه قم و سوریه و شماری از مبلغان نقاط مختلف دنیا از شاگردان این عالم فرزانه می‌باشند.

خاندان آیت‌الله العظمی شیرازی

آیت‌الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی از فرزندان زید بن علی بن الحسین بن علی امیرالمؤمنین سلام‌الله علیهم است و در خاندانی پرورش یافته که در طول یکصد و پنجاه سال اخیر در فقاہت و مرجعیت معروف و شاخص بوده‌اند. در زیر به نام برخی از این اختران تابناک اشاره می‌نماییم:

۱. بزرگ مرجع آیت‌الله العظمی حاج سید محمد حسن شیرازی قدس سره معروف به مجدد شیرازی صاحب نهضت مشهور تنباکو در ایران (وفات وی در سال ۱۳۱۲ق می‌باشد)؛

۲. بزرگ مرجع آیت‌الله العظمی میرزا محمد تقی شیرازی قدس سره رهبر انقلاب ۱۹۲۰م در عراق (وفات وی در سال ۱۳۳۸ق می‌باشد)؛

باشد)؛

۳. بزرگ مرجع آیت الله العظمی حاج سید علی شیرازی قدس سره فرزند مجدد شیرازی از بزرگان و مراجع شیعه در نجف اشرف (وفات وی در سال ۱۳۵۵ق می باشد)؛

۴. آیت الله العظمی آقا سید اسماعیل شیرازی قدس سره (وفات وی در سال ۱۳۰۵ق می باشد)؛

۵. بزرگ مرجع حضرت آیت الله العظمی آقا سید عبدالهادی شیرازی (وفات وی در ۱۱ صفر ۱۳۸۲ق می باشد)؛

۶. بزرگ مرجع آیت الله العظمی سید میرزا مهدی شیرازی قدس سره (پدر ایشان) از بزرگان مراجع شیعه در کربلای معلا (وفات وی در ۲۸ شعبان ۱۳۸۰ق می باشد)؛

۷. بزرگ مرجع آیت الله العظمی سید محمد حسینی شیرازی اعلی الله درجاته (برادر معظم له) که در ۲ شوال ۱۴۲۲ق به رحمت ایزدی پیوست؛

۸. آیت الله شهید سید حسن شیرازی اعلی الله مقامه (یکی دیگر از برادران معظم له) بنیانگذار حوزه علمیه در کنار حرم مطهر حضرت زینب کبری سلام الله علیها که در ۶ جمادی الثانی ۱۴۰۰ق در بیروت با ترور ناجوانمردانه دژخیمان بعث عراق به شهادت رسید.

استادان

ایشان مراحل مختلف دروس علمی را زیر نظر بزرگان علما و مراجع در حوزه علمیه کربلا دنبال کردند و به درجات بالای اجتهاد دست یافتند. برخی از استادان ایشان عبارتند از:

۱. پدر بزرگوارشان حضرت آیت الله العظمی میرزا مهدی حسینی شیرازی قدس سره .

۲. برادر بزرگوارشان حضرت آیت الله العظمی حاج سید محمد حسینی شیرازی قدس سره .

۳. آیت الله العظمی آقا سید هادی میلانی قدس سره .

۴. آیت الله العظمی آقا شیخ محمد رضا اصفهانی قدس سره .

۵. آیت الله شیخ محمد شاهرودی قدس سره .

۶. آیت الله حاج شیخ محمد صدقی مازندرانی قدس سره .

۷. آیت الله حاج شیخ جعفر رشتی قدس سره .

۸. آیت الله سید کاظم مدرسی قدس سره .

مؤسسات

از جمله اهتمامات خاص ایشان توجه به امر مؤسسات دینی، فرهنگی، خیریه و خدماتی است. صدها مؤسسه دینی و فرهنگی، مساجد، حسینیه ها، شبکه های تلویزیونی، شبکه های ماهواره ای، رادیو، حوزه ها، زائرسرا، سایت های اینترنتی، مدارس، کتابخانه ها، مراکز انتشاراتی و درمانگاه ها تحت عنایات و ارشادات ایشان مشغول به فعالیت می باشند.

توجه به اخلاق و تهذیب

این بزرگ مرد علم و اخلاق نسبت به تربیت علمی و اخلاقی طلاب و فضلا اهمیت شایانی قائل است. دروس اخلاق ایشان که در کشورهای عراق، کویت و ایران ایراد شده است زبانزد همه علاقه مندان مکتب اخلاقی اسلام می باشد و از محضر مبارکش شمار فراوانی از فضلا و علما استفاده کرده اند. شایان ذکر است که درس های اخلاق ایشان به صورت جزوه و کتاب چندین مرحله به چاپ رسیده است. اخلاق اسلامی و نمونه ایشان زینت بخش شخصیت والای علمی معظم له می باشد و هر شخصی که با ایشان

معاشرت داشته باشد خلق نیک و فضایل انسانی و خوشرویی معظم له، اولین چیزی است که توجه او را جلب خواهد کرد. دوری از مظاهر دنیا در کنار تقوا و ورع، توکل بر خدا، تواضع فراوان در برابر مردم، اخلاق نیکو، احترام به کوچک و بزرگ، صبر، پایداری و ثبات قدم، تحمل مشکلات در راه اعلائی کلمه حق، نشر و معرفی فرهنگ اهل بیت عصمت و طهارت سلام الله علیهم، دوستی برای خدا و در راه خدا، خدمت به مردم و مدارا با آنان و محاسبه نفس شعار این بزرگوار می باشد که خود، قبل از دیگران به این امور عمل می نماید.

تالیفات

ایشان تألیف و تصنیف را در سن جوانی آغاز کرده و تاکنون نیز آن را دنبال می کند. همچنین در موضوعات و ابواب مختلف فقهی، اصولی، اعتقادی، فرهنگی و تاریخی تألیفاتی دارند که در این جا به برخی از آثار ایشان اشاره می شود: - بیان الفقه: در چند مجلد که جلد اول آن در باب اجتهاد و تقلید می باشد و ۷۲ مسأله از کتاب اجتهاد و تقلید را شامل می شود و دارای ۷۰۰ صفحه می باشد. این کتاب در لبنان به چاپ رسیده و از تألیفات آن مرجع بزرگوار در کربلای معلست. - بیان الأصول «۱۰ جلد»: ۶ جلد آن (مجلدات مربوط به قاعده «لا ضرر ولا ضرار» و استصحاب «قطع ظن» «تعادل و ترجیح») به چاپ رسیده است. این کتاب شامل مباحث علمی، دقیق، استدلالی و مفصل در علم اصول بوده، از تألیفات ایشان در شهر مقدس قم می باشد و تاکنون چندین مرتبه به چاپ رسیده است. - توضیح شرائع الاسلام «۴ جلد»:

شرح توضیحی بر کتاب شرائع الاسلام تألیف محقق حلی قدس سره شامل هزاران تعلیق و توضیح در ابواب مختلف فقهی نظیر عبادات و معاملات و ایقاعات و غیره می باشد. این کتاب از تألیفات ایشان در کربلای معلست بوده و مورد توجه بسیار حوزه های علمیه و مجامع علمی و دانشگاهی قرار گرفته و حتی به عنوان کتاب درسی و مرجعی مهم تعیین گردیده است. - شرح تبصره المتعلمین «۲ جلد»:

شرحی بر کتاب تبصره المتعلمین فی أحكام الدین مرحوم علامه حلی رحمه الله علیه بوده و ابواب مختلف فقه از طهارت تا دیات را مورد بررسی قرار می دهد. این کتاب از تألیفات ایشان در کربلای معلست در سال ۱۳۸۲ق می باشد و تاکنون چندین بار تجدید چاپ گردیده و اولین بار در نجف اشرف در سال ۱۳۸۲ق به چاپ رسیده است. - شرح بر کتاب سیوطی «۲ جلد»:

شرح تعلیقی است بر کتاب البهجة المرضیة فی شرح الألفیة تألیف جلال الدین سیوطی. این کتاب از کتب علمی و درسی حوزه های علمیه و از تألیفات ایشان در کربلای معلست در سال ۱۳۸۶ق می باشد. در پی استقبال فراوان طلاب سطوح حوزه چندین بار تجدید چاپ شده است.

- شرح اللمعة الدمشقیة «۱۰ جلد»:

شرح تعلیقی جامع و کامل بر کتاب شرح اللمعة الدمشقیة تألیف شهید ثانی قدس سره که از مهم ترین کتب درسی در حوزه علمیه می باشد و ان شاء الله به زودی چاپ خواهد شد. - موجز در منطق:

در این اثر اصول علم منطق به روشی آسان و روشن برای نوآموزان حوزه نوشته شده و در بعضی از حوزه ها جزء برنامه درسی قرار گرفته است. این کتاب از تألیفات ایشان در کربلای معلست در سال ۱۳۸۴ق می باشد ● کتاب های اعتقادی:

از جمله کتب مهم در دفاع از مذهب اهل بیت علیهم السلام می توان به مجموعه کتاب هایی اشاره کرد که این عالم ربانی و مرجع بزرگوار تحریر نموده است. - علی سلام الله علیه در قرآن «۲ جلد»:

در این کتاب ۷۱۱ آیه شریفه از قرآن کریم که در بیان فضیلت و عظمت حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب سلام الله علیه و در شأن ایشان نازل شده مورد بررسی قرار گرفته است. تمامی این فضایل برگرفته از مصادر و کتب معتبر عامه می باشد و بر اساس ترتیب سوره های قرآنی، از سوره حمد تا سوره اخلاص می باشد. جمع آوری و تدوین آن در کربلای معلست انجام شده است. -

فاطمه زهرا سلام الله علیها در قرآن:

شامل آیاتی است که پیرامون حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها نازل شده است. این کتاب بنابر مصادر و کتب عامه و در شهر مقدس قم در سال ۱۴۰۸ ق تألیف شده است. تعداد صفحات این کتاب ۳۶۰ صفحه می باشد و چندین بار تجدید چاپ شده است. - اهل البیت سلام الله علیهم در قرآن:

این کتاب نیز شامل آیاتی است که در شأن و مقام باعظمت اهل بیت علیهم السلام نازل شده و از مصادر و کتب معتبر عامه جمع آوری گردیده و از سوره فاتحه تا کوثر را شامل می شود و از تألیفات ایشان در کویت است و شامل ۴۰۷ صفحه می باشد. - شیعه در قرآن:

موضوع این اثر آیات شریفه ای از قرآن کریم است که درباره شیعیان حضرت علی بن ابی طالب سلام الله علیهما نازل شده. در این کتاب تمامی شأن نزول ها، تأویل ها و تفسیرهای آیات از کتب و مصادر عامه آورده شده است. - حضرت مهدی سلام الله علیه در کتب اهل سنت:

این کتاب شامل مجموعه زیادی از روایات نبوی پیرامون حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف است و تمامی مصادر آن از کتاب های عامه می باشد. این اثر ارزشمند از تألیفات ایشان در کربلای معلست و در ۱۲۶ صفحه چندین بار چاپ شده که نخستین چاپ آن مربوط به سال ۱۴۰۰ ق در مؤسسه الوفای لبنان می باشد. - حقائق عن الشیعه: (شیعه و اتهامات ناروا) این کتاب در اثبات عقاید و رد برخی شبهاتی است که از طرف دشمنان مذهب مطرح شده و ایشان در این کتاب با بیانی روشن، زیبا و آسان به این شبهات پاسخ داده اند. کتاب مذکور از تألیفات آن بزرگوار در کربلای معلست که در ۸۰ صفحه چندین مرتبه به چاپ رسیده است ●. کتاب های فرهنگی:

در این بخش به معرفی آثار فکری و ارشادی معظم له می پردازیم: - قیاس در شریعت اسلامی:

این کتاب مسأله مهم قیاس و احکام آن را در شریعت و دین اسلام مورد بحث و بررسی قرار می دهد و از تألیفات ایشان در شهر مقدس کربلاست. - منزلت نماز جماعت در اسلام:

این کتاب شامل مجموعه ای از احادیث شریفه در فضیلت نماز جماعت و بیان فلسفه و احکام آن است و ایشان در سن جوانی در کویت تألیف کرده اند. - روزه:

فلسفه روزه و احکام آن که به صورتی ساده و روان در کربلا تألیف شده و در نجف اشرف به چاپ رسیده است. - حج

شامل احکام و مسائل مربوط به حج به صورت ساده و روان که در کربلای معلست تألیف شده است.

- مقدماتی در اقتصاد اسلامی:

در این کتاب که در کویت و ایران به چاپ رسیده ویژگیهای مهم اقتصاد اسلامی بررسی شده و تفاوت آن با دیگر مکاتب اقتصادی به روشنی نمایان شده است. - اقتصاد و مشکل ربا:

بیانگر زیان های ربا در اقتصاد جهانی و راه حل آن می باشد که از تألیفات ایشان در سن جوانی است که در کویت و ایران به چاپ رسیده است. - اسلام و سیاست: (السیاسة من واقع الإسلام)

در این کتاب دیدگاه اسلام درباره سیاست و سیره رسول خدا، امیرالمؤمنین و ائمه طاهرین سلام الله علیهم اجمعین در زمینه مسائل سیاسی شرح و توضیح داده شده است. این اثر از تألیفات ایشان در کربلاست و شامل ۴۱۴ صفحه می باشد و ترجمه آن به نام اسلام و سیاست در ایران به رشته چاپ در آمده است. - شراب و جامعه:

زیان ها و مفسد شراب در جامعه موضوع این کتاب است که ایشان در کربلای معلست در سن جوانی تألیف کرده اند و چندین بار در نجف و قم تجدید چاپ شده است. - زشتی های بی حجابی:

شامل بحثی درباره ضرورت حجاب و مفسد بی حجابی می باشد که از تألیفات ایشان در سن جوانی در کربلای معلست. - داستان های آموزنده:

شامل مجموعه ای از داستان های آموزنده و از نوشته های ایشان در سن جوانی در کربلای معلست که در نجف اشرف در سال ۱۳۷۸ق به چاپ رسیده است. - حدود در اسلام:

این کتاب درباره فلسفه حدود در اسلام و بیان شروط و احکام آن می باشد و از تألیفات ایشان در کربلای معلست که در بیروت به چاپ رسیده است. - راهی به سوی بانک اسلامی:

این کتاب دیدگاه کاملی درباره بانکداری اسلامی ارائه می دهد و مسائل و اشکالات برطرف شدن قانون ربا را در نظام بانکی بررسی می نماید و مسائل و وظایف مهم بانک های اسلامی را با توجه به آخرین نظریات موجود در قانون اقتصاد جهانی روشن و بیان می کند. این اثر ۱۰۴ صفحه دارد و در سال ۱۳۹۲ق در کربلای معلست تألیف شده و در سال ۱۹۷۲م در دارالصادق لبنان به چاپ رسیده است •. رجال و شخصیت ها - مالک اشتر نخعی:

شرح حال شخصیت و سردار بزرگ اسلام مالک اشتر نخعی رضوان الله تعالی علیه است که در کربلا تألیف شده و در سال ۱۳۸۷ق در چاپخانه الغری الحدیثه در نجف اشرف به چاپ رسیده است. - شهید اول:

شرح حال و بیان زندگی مختصری از شهید اول شیخ شمس الدین ابو عبد الله محمد بن جمال الدین مکی فرزند شمس الدین محمد مطلبی دمشقی عاملی جزینی همدانی است. این اثر از تألیفات ایشان در کربلای معلست و ضمن سلسله کتاب هایی تحت عنوان «بزرگان شیعه» می باشد که در نجف اشرف چاپ شده است. - شهید ثانی:

شرح حال مختصر شهید ثانی شیخ زین الدین علی بن احمد الجبل عاملی می باشد. این اثر از نوشته های آن بزرگ مرجع در کربلای معلست و جزء سلسله کتاب های «بزرگان شیعه» است که در نجف اشرف به چاپ رسیده است. - پدر:

این کتاب شامل بخش های آموزنده ای از زندگی مرحوم آیت الله العظمی حاج سید میرزا مهدی شیرازی قدس سره می باشد که به مناسبت چهلمین سالگرد رحلت آن مرجع عظیم به رشته تحریر درآمده است.

شایان ذکر است تعدادی از کتاب های یادشده به زبان های فارسی، انگلیسی، اردو، آذری، کردی، بنگالی، سواحلی، هندی و دیگر زبان ها ترجمه شده و به چاپ رسیده است.

اجازه مرحوم آیت الله العظمی سید محمد شیرازی قدس سره متن اجازه اجتهاد و ارجاع از طرف مرحوم حضرت آیت الله العظمی حاج سید محمد حسینی شیرازی اعلی الله درجاته به حضرت آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی دام ظلّه العالی در امور تقلید.

« ترجمه متن »

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على محمد وآله الطاهرين

اما بعد، همان گونه که از نزدیک مشاهده کردم، حضرت آیت الله حاج سید صادق شیرازی دامت تأییداته به مرتبه بالایی از مقام اجتهاد و همچنین مقام والایی از تقوا و عدالت رسیده است و ایشان را شایسته مقام فتوا و تقلید و هر آنچه یک فقیه عادل عهده دار می شود، می دانم.

بنابراین رجوع به ایشان در کلیه مسائل، مشروط به اجازه مرجع عادل و تقلید از ایشان جایز می باشد، و او را به تقوای بیشتر و احتیاط در کلیه احوال که راه نجات است توصیه می کنم، همان گونه که برادران ایمانی را سفارش می کنم تا به گِرد ایشان جمع شده، از وجودشان در کلیه زمینه ها استفاده کنند. خدای متعال توفیق دهنده و هدایتگر می باشد و تنها او یاری دهنده است. محمد شیرازی

حسینی شیرازی، علی محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی محمد بن میرزا سید ابوالقاسم حسینی شیرازی عالمی متقی و داماد آیت‌الله العظمی میرزا محمدحسن شیرازی بوده و فرزندان دانشمندی بنام آسید میرزا احمد و آمیرزا سید مهدی و آمیرزا سید تقی داشته است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی صادقی بحرانی، ابوعلی ماجد

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۲۸ ق)، فقیه، محدث و شاعر امامی. در بحرین متولد شد و همان جا نشو و نما یافت. در شیراز اقامت اختیار کرد و در آنجا به نشر علم حدیث پرداخت. با شیخ بهایی رابطی دوستانه داشت و از او نقل حدیث کرده است. او استاد ملامحسن فیض کاشانی و شیخ سلیمان ماحوزی بود. وی مدتی نیز در بحرین منصب قضا داشت. گویند اول کسی بود که علم حدیث را در شیراز نشر داد. فیض کاشانی برای فراگیری علم حدیث به شیراز رفت و در محضرش حضور یافت. او در شیراز درگذشت و در شاهچراغ دفن شد. از آثار وی: «التعلیقات علی خلاصه الاقوال فی الرجال»؛ «سلاسل الحدید فی تقیید اهل التقلید»؛ «رساله الیوسفیه»، در اصول؛ رساله در «مقدمه الواجب»؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۲۰/۶)، الذریعه (۳۰۱-۳۰۰/۲۵، ۲۱۰/۱۲)، روضات الجنات (۸۷، ۸۴، ۷۴، ۷۲-۶۷/۶)، ریحانه (۳۷۴-۳۷۳/۳، ۲۳۲/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۸۳-۴۸۲/۱۱)، معجم المؤلفین (۱۶۳/۸)، هدیه العارفین (۱/۲).

حسینی طباطبایی، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فقیه.

تولد: ۱۳۰۷، زابل.

شهادت: ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران.

حجت‌الاسلام سید محمدتقی حسینی طباطبایی، فرزند سید علی، تا سطح اجتهاد به تحصیل پرداخت و موفق شد که همچنین فوق لیسانس خود را در رشته‌ی فلسفه اسلامی از دانشکده الهیات اخذ نماید. پیش از انقلاب اسلامی معلم بود و در حوزه‌ی علمیه‌ی

زابل نیز تدریس می‌کرد. بعد از انقلاب اسلامی در ادامه کار تدریس خود، مسئول کمیته انقلاب اسلامی زابل بود. ایشان در اولین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی به نمایندگی از مردم زابل انتخاب شد. تألیفات وی عبارتند از منطق و منظوم؛ منتهی المیزان؛ احسن البیان و جزوه‌ای به عربی در مدح حضرت علی (ع).

حجت‌الاسلام حسینی طباطبائی در بمب‌گذاری هفتم تیرماه ۱۳۶۰ در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید. پیکر وی در زابل به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

حسینی عربی، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مهدی حسینی عربی

محل تولد: ارومیه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۴/۵/۱۷

زندگینامه علمی

اینجانب سید مهدی حسینی عربی فرزند سید حسن در ۱۷ مرداد سال ۱۳۵۴ در روستای قلقاچی از توابع بخش انزل شهرستان ارومیه در یک خانواده مذهبی و اهل علم به دنیا آمدم. در سال ۱۳۵۷ و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی همراه خانواده به شهرستان سلماس (آذربایجان غربی) نقل مکان نموده و تحصیلات ابتدایی را در مدرسه شهید داهیم آن شهر در سال ۱۳۶۱ آغاز کردم. پس از سپری شدن دوران ابتدایی و سپس دوران راهنمایی در مدرسه شهید مطهری سلماس، بنا به علاقه خود برای شرکت در دروس حوزوی و نیز تشویق های پدر بزرگوارم که خود فردی روحانی و یک خطیب وارسته بود به حوزه علمیه وارد شدم.

دروس اولیه (سطح اول) را در مدرسه حضرت ولیعصر شهرستان بناب بین سالهای ۱۳۷۰-۷۵ گذراندم و از محضر اساتیدی چون آیه الله حاج شیخ عبدالمجید باقری بنابی و حضرات حجج اسلام خیریان، آتش زر، طباطبائی، اعلائی، و ... استفاده نمودم و پس از اتمام دروس سطح اول در مهر ماه سال ۱۳۷۵ وارد حوزه علمیه قم شدم.

دروس سطح دو و سه حوزه را در مدرسه مبارکه فیضیه و مدرسه آیه الله گلپایگانی نزد اساتیدی چون: استاد تهرانی، علیدوست، خسروشاهی، عظیمی، اصغری، قریشی و... سپری کردم و پس از آن در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام سبحانی، شبیری زنجانی، فاضلی گلپایگانی و استاد مهدی هادوی تهرانی شرکت داشتم. در ضمن اشتغال به تحصیل در حوزه علمیه هم زمان تحصیلات کلاسیک را نیز ادامه داده و مدرک دیپلم را از مدرسه شهید زین الدین قم اخذ کردم و سپس مقطع کارشناسی را در رشته تاریخ در دانشگاه باقرالعلوم قم به پایان رسانیدم و در خلال اخذ دیپلم و قبولی در دانشگاه، دوره تربیت مربی کودک و نوجوان را در مرکز تربیت مربی دفتر تبلیغات گذرانده و نیز در دروس مرکز تربیت محقق و نویسنده دفتر تبلیغات در رشته تاریخ اسلام شرکت کردم.

پس از شروع به تحصیل در مقطع کارشناسی در دانشگاه، در بخش فرهنگ نامه مؤلفین اسلامی پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و ابسطه به دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم به عنوان محقق مشغول به کار شدم و همزمان به عنوان عضو ثابت گروه تاریخ مهدویت مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) به کار تحقیق و تألیف پرداختم و با مراکز و مراکز علمی و پژوهش‌های علمی حوزه علمیه قم و مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی در بخش دانشنامه امام خمینی همکاری نمودم و در طی دوره تحقیق در این مراکز، چندین مقاله در موضوعات تاریخ اسلام و تاریخ مهدویت تألیف نموده و در تدوین فرهنگ نامه بزرگ مؤلفین اسلامی که به صورت گروهی در پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت کار می شود حضور دارم که این پروژه هنوز ادامه دارد.

حسینی فر، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا حسینی فر

محل تولد: دزفول

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۰ در خانواده ای مذهبی در شهرستان دزفول متولد شدم . پس از پایان جنگ و اخذ دیپلم ریاضی در سال ۱۳۶۸ در رشته مهندسی صنایع (تولید صنعتی) دانشگاه امیر کبیر تهران پذیرفته شدم . در کنار دروس دانشگاه از محضر برخی از علمای بزرگ تهران استفاده های فراوانی بردم . عشق و علاقه به معارف خاص اهل بیت موجب شد تا پس از تامل بسیار و مشورت با بزرگانی چون حضرات آیات بهجت ، بهاء الدینی ، مشکینی ، مصباح یزدی و بیش از همه راهنمایی های بسیار سودمند حکیم فرزانه آیت الله جوادی آملی ، دانشگاه و رشته مورد علاقه خود را ترک گویم و دروس حوزوی را بی وقفه و با جدیت تمام آغاز کنم . برای آشنایی بهتر با فضای حوزه و اطمینان بیشتر نسبت به تصمیمی که گرفته بودم ، بخش عمده ای از دروس مقدمات را در قم فرا گرفتم و سپس برای ادامه تحصیل به تهران بازگشتم و در مدرسه امین الدوله زیر نظر استاد اخلاق حضرت آیت الله حق شناس (حفظه الله) و نیز مدرسه مروی ، سایر دروس مقدمات و نیز سطح اول حوزه را به اتمام رساندم .

سپس برای ادامه تحصیل به قم مشرف شده و از دروس سطح حضرات آیات و حجج اسلام اعتمادی ، احمدی میانجی ، تهرانی ، محمدی خراسانی ، مروی و نیز دروس فلسفه حجج اسلام سروش محلاتی ، مرتضی جوادی آملی و حسن معلمی بهره بردم . همچنین از درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی بهره های فراوانی نصیب شد . پس از اتمام سطوح عالی ، از سال ۱۳۷۸ به بعد در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام تبریزی ، آقا موسی زنجانی ، و محقق داماد شرکت کرده ام . در کنار دروس عادی حوزه ، همواره این دغدغه اساسی و جدی را داشته ام که از مباحث اخلاقی و معارف خاص اهل بیت ، همچنین از نیازها و ضرورت های کنونی جامعه ، بیگانه و غافل نباشم .

از سال ۱۳۷۹ ضمن همکاری با مؤسسه امام صادق علیه السلام در زمینه پاسخگویی به شبهات ، وارد عرصه تالیف شده و در این

زمینه توفیقاتی نصییم شد. همچنین از سال ۱۳۸۳ توفیقی دست داد تا ضمن تدریس در دانشگاه، ارتباط بیشتر و بهتری با دوستان دانشجو برقرار کنم. از سال ۱۳۸۴، تدریس برخی از درس‌های حوزوی از جمله - عقاید و فلسفه - را آغاز کرده‌ام.

حسینی فسائی، کمال‌الدین

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کمال‌الدین حسینی فسائی از دانشمندان و شعراء قرن دوازدهم هجریست. وی از افضال شاگردان آخوند فدشکوئی محمد مسیح بن اسماعیل و متخلص به (معنی) بوده.

دارای تألیفاتی می‌باشد که از آنها (۱) حاشیه بر معالم الاصول (۲) کتاب شواهد که شرح مطول است (۳) رساله‌ای در حل شبهات کاتبی قزوینی.

از شاگردان وی مرحوم شیخ محمدعلی حزین صاحب تذکره و دیوان حزین می‌باشد، در تذکره‌اش می‌نویسد: راقم کتاب مغنی اللیب را با تفسیر صغیر عروۃ‌الاسلام شیخ ابوعلی طبرسی علیه‌الرحمه و بعضی مقاصد دیگر را در حضور باهرالنورش قرائت و استفاده نمودم.

وی در سال ۱۱۳۴ ق در هنگام محاصره اصفهان از طرف افغانیان زندگی را بدرود گفت و به سرای جاوید شتافت. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حسینی فیروزآبادی، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۲۸۹.

درگذشت: ۱۳۶۸.

مرتضی سید محمد حسینی فیروزآبادی نجفی صاحب کتب زیر است: السبعه من السلف: ابوبکر، عمر،... (قم، ۱۳۷۱)؛ شناسایی هفت تن در صدر اسلام (ترجمه کتاب السبعه من السلف... مترجم عباس راسخی نجفی، قم، ۱۳۷۳) عنایة الاصول فی شرح کفایة الاصول [آخوند خراسانی] (قم)؛ فضائل الخمسه من الصحاح السنه و غیرها من الکتب المعتمده عند اهل السنه و الجماعه (قم، ۱۳۷۲)؛ فضائل پنج تن (ع) در صحاح ششگانه اهل سنت (ترجمه‌ی کتاب فضائل الخمسه... (ترجمه محمدباقر ساعدی، قم، ۱۳۷۴).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

حسینی قلعه بهمن، اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید اکبر حسینی قلعه بهمن

محل تولد: شهرری

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید اکبر حسینی قلعه بهمن فرزند سید غفار در سال ۱۳۴۸ در شهرری متولد شدم. بعد از دوران تحصیلات ابتدایی و راهنمایی در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه ورامین شدم. در سال ۱۳۶۷ به حوزه علمیه شهرری و سپس در سال ۱۳۶۸ به حوزه علمیه قم منتقل گردیدم. از حدود سال ۱۳۷۱ در درس خارج فقه و اصول اساتید گرانقدری چون آیات عظام وحید خراسانی، فاضل لنکرانی (ره) و جوادی آملی بهره وافی برده ام. در سال ۱۳۷۱ وارد دوره کارشناسی الهیات و معارف اسلامی موسسه امام خمینی (ره) شدم و در سال ۱۳۶۷ در دوره کارشناسی ارشد در رشته دین شناسی پذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۱ با ارائه پایان نامه واقع گرایی اخلاقی در نیمه دوم قرن بیستم با نمره عالی (۱۹) فارغ التحصیل گردیدم. در سال ۱۳۸۳ وارد دوره دکتری فلسفه دین گردیدم و هم اکنون نیز به تدوین پایان نامه خود با عنوان واقع گرایی دین در قرن بیستم مشغول هستم. در این ایام در مقاطع مختلف (کارشناسی و کارشناسی ارشد) به تدریس اشتغال داشته‌ام و نیز کتب و مقالاتی را نیز تالیف و ترجمه نموده ام.

حسینی قمی، شرف‌الدین حسین

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۹۹۰-۹۱۳ق)، شاعر، ادیب و خطاط. معروف به میر منشی قمی. وی پدر قاضی احمد و در آغاز منشی سام میرزا در هرات بود. بعدها در مشهد وزیر سلطان ابراهیم میرزا شد و نسبت ابراهیم یافت و بعد از آن به تبریز رفت. سرانجام در آستانه‌ی حضرت عبدالعظیم در گذشت و همان جا دفن شد. استاد وی در خط ثلث مولانا حیدر قمی و در صرف و نحو صدقی استرآبادی بود و هیات و ریاضی را نزد غیاث‌الدین منصور دشتکی آموخت. حسینی در شعر و انشاء نیز مرتبه‌ای والا داشت. مولانا عبدی جنابدی در تاریخ فوت او گفته:

چو تاریخ جستم ز پیر خود

بگفتا: «بهشت برین جای او».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۸۲-۱۲۸۱/۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۷۸-۱۶۷۷/۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۷۲۴-۷۲۳/۲)، گلستان هنر (پنجاه و شش- پنجاه و هفت).

حسینی کازرونی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سیداحمدحسینی کازرونی در سال ۱۳۲۰ در بوشهر دنیا آمد. وی با احراز رتبه اول درمقاطع تحصیلی متوسطه با دریافت دیپلم وارد دانشکده ادبیات دانشگاه شیراز گردید. دوره کارشناسی ارشد و دکترا را در شهر تهران ادامه داد. او به تدریس در مدارس، دانشگاه های آزاداسلامی و دولتی با سمت هیئت علمی و استادیاری ادامه فعالیت دارد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب: سید جواد حسینی کازرونی پدر سید احمد است که به حرفه بازرگانی اشتغال داشته و از انساب حاج سیدمحمدرضا کازرونی از بازرگانان و واقفان بنام واز مساعدین معروف نهضت جنوب بوده است. سکینه کنگانی نام مادر سید احمد بود که ایشان خانه دار بوده اند.

خاطرات کودکی: سیداحمد حسینی کازرونی جوانی زیرک و بلند پرواز بود و پویا و پرتحرک.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: سید احمد حسینی کازرونی دارای خانواده ای آرام و روابطشان بسیار حسنه بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات دبستانی: از مهر ماه ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۳ دوره شش ساله دبستان تحصیلات دبیرستانی: مهرماه ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۹ دوره شش ساله دبیرستانی (دیپلم ادبی) تحصیلات دانشگاهی مقطع کارشناسی: مهرماه ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲ دوره سه ساله در رشته ادبیات فارسی تحصیلات دانشگاهی مقطع کارشناسی ارشد: مهرماه ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۷ دوره دو ساله در رشته ادبیات فارسی تحصیلات در مقطع دکتری: مهرماه ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۰ دوره سه ساله در رشته زبان و ادبیات فارسی

خاطرات و وقایع تحصیل: سید احمد حسینی کازرونی از دوران تحصیل خود اینطور بیان میکند: نفر اول دیپلم ادبی در سال ۱۳۳۹ در استان بوشهر و ورود بدون کنکور درمقطع لیسانس در دانشگاه شیراز و دریافت پاداش ماهانه و معافیت از سربازی و استخدام در وزارت آموزش و پرورش مهرماه ۱۳۴۲. نفر اول دوره های کارشناسی ارشد و دکتری ونخستین فارغ التحصیل رشته زبان و ادبیات فارسی- واحد علوم تحقیقات عالی تهران - در دانشگاه آزاد اسلامی ۱۳۷۰ش بوده ام و در رشته خود نخستین استادیاری هستم که در طول ۱۱سال از استادیاری به درجه استادی ۱۳۷۴-۱۳۷۳ رسیده ام.

فعالتهای ضمن تحصیل: از دیگر فعالتهای سید احمد حسینی کازرونی در امور مقاله نویسی و چاپ در نشریات، شرکت در همایش ها و کنگره های تحقیقاتی و تدریس و طرحهای پژوهشی، مطالعه، ورزش، شرکت در مراسم مذهبی می باشد.

استادان و مربیان: دکتر جلیل تجلیل، دکتراسماعیل حاکمی والا، دکتر عبدالله جاسبی، دکتر موسوی بهبهانی. شادروانان: دکتر صورتگر،خلیل رجایی،دکترعلی اصغر حکمت، حسن سادات ناصری، دکترحسن مینوچهر، دکتر علی محمد مژده، دکتر حسین بحرالعلومی، دکترسیدضیاء الدین سجادی، دکترنورانی وصال، دکتر پوران شجیعی، دکتر مرتضوی، بلادی، مذنّب، بازیار، ایرج کشمیری، ناصر کشمیری، اسلامی مذهب، محمد غدیری، فروتن، مهمنیان، رسول مجد، دکتر یدالله پیمانی، دکتر بیگلربیگی، بیضایی، دوانی، ضیا الدین بلادی.

هم دوره ای ها و همکاران: دکترسید عبدالصاحب امامی، دکتر علی شیخ الاسلامی، دکتر سیدجعفر حمیدی، دکتر محمد موذنی، دکتر علی محمد سجادی، دکتر احمد حاتمی، دکتر احمد ذاکری، دکتر اسماعیل آذر، دکتر حیدری.

همسر و فرزندان: سیداحمدحسینی کازرونی درسال ۱۳۴۴ با خانم صدیقه اله کازرونی از منسوبین خاندانش ازدواج کرد که از وی سه فرزند داشت بعد درسال ۱۳۶۵ با خانم نسرین مهرانی ازدواج کرد و حاصل این ازدواج یک فرزند میباشد اسم و مشخصات

فرزندان وی به شرح زیر می باشد: بهناز حسینی کازرونی، لیسانس شیمی، کارمند مهناز حسینی کازرونی، دکترای دندان پزشکی، شهناز حسینی کازرونی، کارشناس ارشد پرستاری، مقیم آمریکا سیدعلی حسینی کازرونی، دانشجوی مهندسی مکترونیک دانشگاه صنعتی شریف بین المللی کیش

وقایع میانسالی: یکی از وقایع سید احمد حسینی کازرونی فوت همسر اولشان بود که در سال ۱۳۶۳ به علت سرطان مغزی اتفاق افتاد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: دبیر دبیرستان های بندر عباس (۴۴-۱۳۴۲) دبیر دبیرستانها و مدرس مراکز تربیت معلم و مدیر گروه ادبیات فارسی در استان بوشهر (۶۴-۴۴) دبیر دبیرستان ها و مدرس مراکز تربیت معلم و کارشناس و مشاور معاون نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش در تهران (۷۳-۶۴) مدرس و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی دزفول (به ترتیب تایید آنها در سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۲) موسس و مدیر گروه ادبیات فارسی در واحد بوشهر و استخدام رسمی تمام وقت (به ترتیب کارشناسی در ۱۳۷۳ و کارشناسی ارشد ۱۳۷۶ و دکتری زبان و ادبیات فارسی ۱۳۷۸). موسس معاونت پژوهشی و معاون پژوهشی در واحد بوشهر ۸۱-۷۵ رئیس شورای پژوهشی و رئیس انتشارات موسس کتابخانه جدید دانشگاه واحد و سرپرست آن تا سال ۱۳۸۱ عضو شورای پژوهشی واحد از سال ۸۱ عضو شورای پژوهشی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی ۸۱-۷۸ نماینده واحد در استانداری بوشهر در زمان معاونت پژوهشی ممیز علمی در منطقه یک دو دوره ۸۳-۷۹ ممیز و داور علمی در منطقه ۶ خوزستان از ۱۳۸۴ نماینده واحد در سازمان مرکزی از سال ۱۳۸۰

فعالیتهای آموزشی: ۱- شرکت فعال در سمینارها و همایش های معتبر استانی، منطقه ای، کشوری و بین المللی منعقد در کشور بارائه مقاله و سخنرانی های متعدد در مراکز دانشگاهی و سازمانی و درون مرزی و برون مرزی ۲- سخنرانی در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران (بین المللی، کشوری، منطقه ای و استانی) و رادیو فرهنگ ۳- عضو شورای پژوهشی و انتشارات در واحد بوشهر از سال ۱۳۷۵ تا کنون ۴- مدیر و عضو هیات علمی در چندین همایش و سمینار در مناطق یک و شش دانشگاه آزاد اسلامی ۵- استاد راهنما، مشاور و داور بییش از سیصد عنوان پایان نامه در دانشگاه آزاد اسلامی و دولتی ۶- عضو شورای پژوهشی سازمان آموزش و پرورش استان بوشهر در زمان حال ۱۳۸۶ ۷- داور کشوری جهت تایید مقالات ادبی در کنگره ها و مجامع دانشگاهی

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: ۱- تاسیس کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی در واحد دزفول (به ترتیب در سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۲) ۲- کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری همین رشته در واحد بوشهر به ترتیب در سالهای ۷۳-۱۳۷۴ ۳- پست معاونت پژوهشی، تجهیز کتاب خانه، آزمایشگاه ها، انتشارات، لابراتور زبان انگلیسی به ترتیب در سالهای ۷۵-۱۳۷۷ ۴- همکاری در تاسیس چندین رشته دانشگاهی و جذب تعدادی اعضای هیات علمی ph.d در رشته های علوم انسانی و فنی و مهندسی در واحد بوشهر از سال ۱۳۷۲

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: مطالعه و تحقیق، تدریس، نوشتن و پژوهش، تالیف کتاب، مقاله نویسی، معاشرت و در زمان مقتضی در سیر و سفر، انجام طرحهای پژوهشی و کارهای تحقیقاتی، مشاور ناشران در چاپ کتاب همکاری با دانشجویان در امر تحقیق و پژوهش.

شاگردان: دکتر عبدالرسول مهرسای (اورولوژیست - مقیم تهران) - دکتر باقر هوشنگی (پزشک متخصص - مقیم تهران) - دکتر عبدالکریم مشایخی (دکتر در تاریخ، مدرس دانشگاه و رئیس ایران شناسی - مقیم بوشهر) - دکتر مریم بختیار (دکتری در عرفان و استادیار واحد اهواز) - دکتر مالملی (دکتر در ادبیات فارسی و استادیار واحد دانشگاه آزاد اسلامی اهواز) - دکتر شمس الحاجیه اردلانی (مدرس ادبیات فارسی واحد دانشگاه بوشهر) - مریم پرهیزگار دانشجوی دکتری ادبیات فارسی و عضو هیات علمی واحد بوشهر - محمد دادفر (نماینده پیشین بوشهر در مجلس شورای اسلامی) و صدها مدرس، دبیر، پزشک، مهندس و سایر مصادر

دیگر در مشاغل کشوری، سپاهی، لشکری و حرفه های آزاد

جوایز و نشانها: ۱- هیات علمی نمونه واحد در سالهای ۷۳-۸۰ منطقه یک سالهای ۷۸-۸۰ و کشور ۱۳۸۰ دانشگاه آزاد اسلامی همچنین در سالهای پس از ۱۳۸۰ در واحد دزفول و بوشهر ۲- کسب عنوان مقاله نویس برتر در فراخوان « بهبود نظام بازنشستگی کشور» در چهارمین جشنواره شهید رجایی تهران در سال ۱۳۸۰ در سطح کشور ۳- کسب عنوان مقام اول در محور پژوهشی فرهنگی ادبی برتر در استان بوشهر تحت عنوان درون گرایی در شعر جنوب - استان بوشهر در سال ۱۳۷۹ ۴- کسب عنوان پیش کسوت نمونه سطح دستگامی (وزارت آموزش و پرورش) در چهارمین جشنواره شهید رجایی، تهران در سال ۱۳۸۰ در کشور ۵- عضو نمونه کشوری در بخش پژوهش ها و تحقیقات در سومین جشنواره شهید رجایی (شهریور ۱۳۷۹ تهران) ۶- پژوهشگر برتر استان بوشهر در آذر ماه سال ۱۳۸۶ (پژوهشگر برتر سال ۱۳۸۶) واحد دانشگاهی بوشهر ۷- مقاله نویس در چندین همایش منطقه ای دانشگاه آزاد اسلامی (از جمله واحدهای بوشهر، اهواز، بابل، سبزوار و ... در سال ۱۳۸۶) و کشور (در بخش پژوهش ویژه اساتید کشور در نخستین کنگره نهج البلاغه) و کنگره شناخت فرهنگ عمومی (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) ۸- احراز مقام سوم کشوری کتاب « پژوهشی در اعلام تاریخی و جغرافیای تاریخ بیهقی» در سال ۱۳۸۰

چگونگی عرضه آثار: در عرصه مقالات علمی پژوهشی و تخصصی تا سال ۱۳۸۶ بیش از یکصد مقاله در فصل نامه ها، مجلات و نشریات معتبر دانشگاهی و وزارتی و سازمانی چاپ و منتشر گردیده است (تا کنون ۱۵ مقاله تخصصی در خصوص استان بوشهر در کتاب « بوشهر، شهر آفتاب و دریا» و ۴۶ مقاله پژوهشی در کتاب « روزگاران؟؟» چاپ و منتشر شده است. در عرصه کتاب بیش از ۳۳ کتاب در گروه ادبیات و علوم انسانی (دانشگاهی و غیر دانشگاهی) توسط دانشگاه یا ناشران کشوری چاپ و منتشر شده است به سال ۱۳۸۶.

منابع:

۱ تکمیل پرسشنامه تکمیلی توسط دکتر سید احمد کازرونی حسینی بنا به درخواست بنیاد ایران شناسی زمستان ۱۳۸۶

حسینی کاشانی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج سید محمد مهدی طاب ثراه فرزند فقیه محقق آیت الله حاج سید محمد صادق حسینی که از اجله علماء بیت شریف سادات حسینی کاشانی بوده‌اند.

وی عالمی عامل و فقیهی جامع و زاهدی ناسک و متعبدی باورع و متعهد و مدرسی تحریر و در جامعیت معقول و منقول ممتاز بوده و عمده تلمذش نزد فقیه اعظم مرحوم آیت الله آقا سید حسین کوهکمری و آیت الله العظمی میرزای بزرگ شیرازی و غیرهما بوده و جمعی نزد وی تلمذ نموده و از وی مجاز می‌باشند.

مؤلفات ارزنده و نفیسی در علوم متفرقه از قبیل فقه و اصول و حکمت و ریاضی و ادب و غیرها دارد که در کتابخانه نجل جلیش مرحوم علامه بزرگوار آقای حاج سید علی اکبر حسینی و اکنون نزد حفید معظمش آیت الله حاج سید عباس کاشانی حایری دام‌ظله

می‌باشد که انشاءالله به سعی ایشان- به طبع خواهد رسید- مترجم معظم در اواخر عمرش در نجف اشرف اقامت نموده و به تدریس اشتغال داشته و همانجا بدرود حیات گفته و روز وفاتش تجلیل و احترام باشکوهی از جنازه به عمل آمده و بازار نجف اشرف و حوزه‌های درس تعطیل و حسب الوصیتش در بقعه اختصاصی خود در وادی السلام مدفون گردیده است و بقعه او در آنجا معروف و مورد احترام علماء و سایر مؤمنین است.

و یکی از نیاکان این بزرگوار که از چهره‌های درخشان علمی این سلسله است ولی گمنام مانده در حالی که در عصر خود از اکابر علماء و اعظم مجتهدین شیعه عصر خود و از نوابغ و فطاحل دوران و علامه دهر خود بشمار می‌رفته آیت‌الله العظمی آقای آقا میر سید عبدالباقی می‌باشد که در زمان خود شبهه علمیت را حایز بوده ولی در اثر کثرت زهد و تقوی و پرهیزکاری انزوا را اختیار نموده و به هیچ وجه متصدی امر فتوی و تقلید نگردیده- بلکه انس عجیبی به انزوا و گوشه‌گیری و تنهایی داشته و وحشت بسیاری از شهرت و ریاست می‌نموده لذا با یک دنیا شخصیت علمی که داشته گمنام و در اکثر کتب بلا ذکر است و این معنی هم آرزوی مترجم معظم بوده است و در سال ۱۱۹۰ ق هجری در سن متجاوز از صد و بیست سالگی در نجف اشرف وفات نموده و در صحن مطهر حضرت امیر مؤمنان علی علیه‌السلام در ایوان پشت پنجره حرم شریف حسب الوصیتش مدفون گردیده است و روز وفاتش با آنکه شهرتی نداشته شورش و غوغائی عجیب برپا گردیده و مجالس فاتحه در اکثر بلاد منعقد گردیده و امروز جمعی از احفاد ایشان از علماء اعظم و فقهاء گرامی در عراق و ایران و مناطق دیگر می‌باشند که از جمله آنان حضرت آیت‌الله حاج سید عباس کاشانی حایری صاحب‌المصایح که از اجلاء علماء به نام کربلا بوده و اکنون در شهر مذهبی قم اقامت و مورد تجلیل و تبجلیل عموم طبقات می‌باشند.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

حسینی کربلایی اصفهانی، عبدالله بن یحیی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم فاضل، و ادیب و شاعر بوده، در ۱۱۲۶ وفات یافته، در تخت فولاد نزدیک مسجد مصلی مدفون شده است.

بر گرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حسینی کوهساری، اسحاق

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید اسحق حسینی کوهساری

محل تولد: نکا- ساری

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۸/۲/۱۵

زندگینامه علمی

حقیر سید اسحاق حسینی کوهساری در سال ۱۳۲۸ در روستای کوهسار کتن از توابع شهرستان نکا متولد شدم. دوران ابتدائی تحصیل را در حوزه علمیه نکا تحت نظر آیت الله سیموندهی طاب ثراه و سپس به مدت چهار سال در حوزه علمیه امام صادق (ع) قم تحت نظر آیت الله دار ابکلانی ادامه تحصیل داده ام.

در سال تحصیلی ۴۶-۴۷ وارد حوزه علمیه قم شده ام و در مدرسه سعادت تحت نظر آیت الله حسن زاده آملی و جوادی آملی تحت اشراف و نظر آن دو عزیز به تحصیل ادامه داده قوانین را نزد استاد دوزدوزانی، رسائل را نزد استاد اعتمادی، مکاسب را نزد استاد ستوده، کفایتین را نزد آیت الله سلطانی و اسفار را نزد حسن زاده آملی و جوادی آملی و استاد مصباح یزدی گذراندم. تقریباً دو دوره درس اصول و فقه آیت الله میرزا هاشم آملی و مقدار اندکی از محضر آیت الله گلپایگانی و مرتضی حائری و مدت ۸ سال از محضر آیت الله تبریزی و مدت ۶ سال از محضر آیت الله جوادی و مدت ۴ سال از محضر آیت الله منتظری استفاده کرده ام.

تقریباً چند سال قبل از انقلاب وارد مدرسه در راه حق شده و دوره آموزشی دروس معارف و فلسفه و بقیه دروس موسسه را گذرانده و سپس وارد موسسه باقرالعلوم (ع) و بعد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شده ام.

مدت ۱۲ سال به عنوان مدرس دروس معرفت شناسی، انسان شناسی، و خداشناسی با طرح ولایت بسیج دانشجویی افتخار همکاری داشته ام و پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآنی موسسه را دریافت نموده ام.

حقیر از سال ۶۰-۵۹ جز اولین گروهی بوده ام که وارد دانشگاه تهران شده ام و از آن زمان تاکنون به عنوان تدریس معارف اسلامی ۱ و ۲ اخلاق، تاریخ اسلام همکاری داشته ام و اکنون عضو گروه الهیات پردیس قم هستم و درس تفسیر تاریخ قرآن و تاریخ تفسیر و درس های وانسیه را به عهده دارم.

کتاب و مقالاتی هم نگاشته ام که خوشبختانه کتاب تاریخ فلسفه اسلامی به عنوان کتاب درس در مرکز تخصصی فلسفه حوزه تحت مدیریت استاد فیاضی که حقیر افتخار تدریس متن کتاب را بر عهده دارم و مرکز جهانی اهل بیت (جامعه المصطفی کنونی) و دانشگاه معارف اسلامی قم و برخی از دانشگاهها دولتی و آزاد جز کتب درس قرار گرفت و الان تحت چاپ است.

حقیر کارشناسی ارشد فلسفه خبرگان بدون مدرک را هم گرفته ام و اخیراً تز دکتری نقد و بررسی مبانی تفسیر عرفانی را تحت نظر استاد سید محمد باقر حجتی و حبیب الله طاهری و مشاوره دکتر الهیات و دکتر سبحانی گذرانده ام. و اکنون مشغول نگارش تفسیر سوره حمد به عنوان کتاب درس دانشگاه و آماده سازی پایان نامه جهت چاپ می باشم.

در ضمن حقیر افتخار روحانی کاروان در طول بیست سال را دارم و از نظر منبر و نوکری امام حسین قم و خطابه هم موفق هستم و در استانهای مختلف افتخار نوکری را دارم و الان بواسطه عضویت هیئت علمی امکان رفتن به خارج از قم را ندارم تقریباً در لشکر ۱۷ علی ابن ابی طالب و سپاه قم دانشگاه شهید محلاتی افتخار همکاری را در این داشته و دارم.

حسینی مراغی، عبدالفتاح

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، فقیه، محدث امامی و شاعر، متخلص به اشراق در شعر فارسی و فتاح در شعر ترکی. در مراغه تولد یافت و در نجف اقامت اختیار کرد و نزد شیخ موسی و شیخ علی، فرزندان کاشف الغطاء، تحصیل کمال کرد. پس از آن به مشهد سفر کرد و در آنجا دست ارادت به میرمحمد تقی مشهدی داد و بعد از طی مدارج و مراحل سلوک به مراغه بازگشت و به امر شیخ الاسلامی

مراغه مشغول شد. میر عبدالفتاح در سرودن شعر به دو زبان فارسی و ترکی با مضامین عارفانه استاد بود. او در نجف درگذشت و در همان جا دفن شد. از آثار وی: «عناوین الاصول»؛ «قیامت نامه» به ترکی؛ مثنوی «ریاض الفتوح»؛ «دیوان» اشعار؛ «ساقی نامه». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان آذربایجان (۲۵۸)، الذریعه (۸۳- ۸۲/ ۲۲، ۲۲۳/۱۷، ۳۵۰/۱۵، ۱۱۱، ۱۱۰- ۱۲/ ۱۰۴۶، ۸۰۷، ۷۷/ ۹)، ریحانه (۳۷۹/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۴۲- ۴۴۱/ ۱۲)، مکارم الآثار (۱۳۶۶- ۱۳۶۵/ ۴).

حسینی مرعشی، محمد خلیل

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۲۰ ق)، فقیه، ادیب و شاعر. محمد خلیل که به سلطان میرزا نیز مشهور بود، از طرف پدر مرعشی، و از طرف مادر صفوی است. جدش، سید محمد حسین، مدتی در مشهد سلطنت کرد و به شاه سلیمان ثانی معروف شد. میرزا محمد خلیل به عتبات رفت و بعد به هندوستان مهاجرت کرد و در آنجا مقیم شد. از آثار او: «مجمع التواریخ»؛ «حاشیه‌ی تحریر اقلیدس»؛ حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ حاشیه بر «مدارک»؛ حاشیه بر «من لا یحضره الفقیه»؛ و «شرح تذکره‌ی هیئت». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۵/۲۰)، ریحانه (۲۹۲/۵)، مولفین کتب چاپی (۲۹- ۲۸/ ۳).

حسینی منشی، سلیمان

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، ادیب. وی صاحب کتاب «شجره السینیة لثمره الیقینیه» در خواص حرف سین که به نام امیرعلیشیر نوشته است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۲۶۱).

حسینی نایینی اصفهانی، بهاء‌الدین محمد

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۱۳۳- ۱۰۸۰ ق)، متکلم، محدث، فقیه امامی و ادیب. در اصفهان ساکن بود و با فاضل هندی معاصر. او از شیخ حر عاملی اجازه روایت داشت. در اصفهان درگذشت. از آثار وی: «ارتشاف الشافی» و «صفوه الصافی من رغوه الشافی»، تلخیص «الشافی» علم الهدی؛ «اناره الطروس فی شرح عباره الدروس»؛ «تعلیقات اشباه و نظایر سیوطی»؛ «رساله فی صیغ العقود»؛ «تفریح القاصد لتوضیح المقاصد»؛ «تعلیقات شرح صحیفه‌ی سید علی خان»؛ «زواهر الجواهر فی نوادر الزواجر»، نظیر «مقامات» حریری؛ شرح «بدایه الهدایه»

شیخ حر عاملی؛ «شرح صمدیه‌ی شیخ بهایی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۶۱۵/۱)، تذکره القبور (۴۷۷)، الذریعه (۱۹۴/۲۴، ۳۶۲/۱۳، ۶۱/۱۲، ۱۵۳/۴)، روضات الجنات (۱۱۶- ۱۱۵/۷)، ریحانه (۳۹۰/۱)، فوائد الرضویه (۶۰۱)، معجم المؤلفین (۱۹۶/۱۱)، هدیه الاحباب (۱۰۹)، هدیه العارفین (۳۱۶/۲).

حسینی نایینی، شمس‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فقیه.

تولد: ۱۳۱۲، سلطان نصیر نایین.

شهادت: ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران.

شمس‌الدین حسینی نایینی، فرزند سید رضا، تا مقطع سطح به تحصیل حوزوی پرداخت. وی همچنین موفق شد که دکترای خود را در رشته‌ی الهیات اخذ کند. پیش از انقلاب اسلامی تدریس می‌کرد. بعد از انقلاب اسلامی کارشناس مسائل دینی در امور تربیتی و سازمان تحقیقات و برنامه‌ریزی آموزشی بود. در اولین دوره مجلس شورای اسلامی، نماینده‌ی مردم نایین می‌شود. تألیفات وی عبارتند از مقایسه نیایش شیعه با سایر ادیان؛ جهاد در اسلام. از وی مقالات تربیتی در مجلات به چاپ رسیده است.

شمس‌الدین حسینی نایینی در بمب‌گذاری هفتم تیرماه ۱۳۶۰ در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید. پیکر وی در بهشت زهرا به خاک سپرده شده.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

حسینی نجفی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فقیه.

تولد: ۱۳۲۳ ق.، نجف.

درگذشت: ۸ مهر ۱۳۷۵، همدان.

آیت‌الله حاج سید محمد حسینی نجفی، فرزند آیت‌الله حاج سید علی عرب، بود. خانواده‌ی وی در سال ۱۳۳۰ از عراق به ایران آمد و ایشان مدت سیزده سال تحت تربیت علمی و عملی پدر قرار گرفت و پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در سال ۱۳۴۳ ق. برای ادامه تحصیل به نجف اشرف بازگشت و ابتدا نزد آیت‌الله سید محمدهادی میلانی و آیت‌الله عماد رشتی به فراگیری علوم دینی پرداخت. سپس در محضر مراجع حوزه‌ی علمیه‌ی نجف حضرات آیات عظام محمد حسین نایینی، سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله محمد حسین غروی و آیت‌الله سید علی قاضی کسب فیض کرد. سپس به ایران بازگشت و در همدان ساکن شد و به اقامه‌ی نماز جماعت و خدمات دینی و تألیف و تصنیف پرداخت.

از جمله آثار ایشان تفسیر فارسی قرآن کریم با نام انوار درخشان (هیجده جلد) است.

آیت‌الله حاج سید محمد حسینی نجفی سحرگاه یک شنبه هشتم مهر ۱۳۷۵ (۱۵ جمادی‌الاول ۱۴۱۷ ق.) در نود و پنج سالگی بدرود حیات گفت.

پیکرش به مشهد منتقل یافت و در دارالزهد آستان مقدس حضرت امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

حسینی هاشمی شاهرودی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمود حسینی هاشمی شاهرودی

محل تولد: نجف

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۷/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی در سال ۱۳۲۷ هجری شمسی در شهر نجف و در خانواده‌ای مذهبی و از سادات منسوب به امام حسین (ع) چشم به جهان گشود. پدرش مرحوم آیت‌الله سید علی حسینی شاهرودی، از استادان و بزرگان حوزه علمیه نجف بود و خدمات فراوانی را به عالم اسلام ارزانی داشت. آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه علویه نجف به پایان رسانید و سپس به تحصیلات حوزوی روی آورد. او با توجه به موقعیت علمی خانوادگی و نیز با توجه به هوش و استعداد سرشار و کوشش فراوان خود، در مدتی اندک توانست دروس دوره سطح را به پایان رساند. پس از آن به حلقه درس آیت‌الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر پیوست و سالها در خدمت استاد خود، مبانی اجتهاد در اصول و فقه را به خوبی آموخت و در درس دیگر مراجع آن روز نجف - از جمله امام خمینی (ره) - نیز با جدیت شرکت جست و بهره‌های فراوان برد. آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی در طول سالهای تحصیل، در دروس اخلاق خصوصی و عمومی استادان خود شرکت می‌کرد و از محضر آنان بهره‌های فراوان می‌برد. آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی در سالهای تحصیل خود از محضر استادان بسیاری بهره برد. مهم‌ترین و اصلی‌ترین استاد او در درس خارج آیت‌الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر بود. آن شهید سعید که از افتخارات شیعه و مرجعیت به شمار می‌آید، شاگردان بسیاری را به عالم اسلام، تقدیم داشته است. او که از حافظه و استعدادی سرشار برخوردار بود، توانست با نوآوریهای فراوان در فقه و اصول و دیگر علوم اسلامی و به روز ساختن مباحث علوم و نیز نگاشتن کتب درسی در زمینه‌های یاد شده، گام مهمی برای تعالی اسلام و تشیع بردارد و از این رهگذر، شاگردان او، همچون آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی، این خدمات و اندیشه‌ها را پی گرفتند. از دیگر استادان آیت‌الله هاشمی شاهرودی، حضرت امام خمینی (ره) و حضرت آیت‌الله العظمی خویی (ره) را می‌توان نام برد. معظم له سالها در محضر ایشان به تحکیم مبانی اجتهادی خود می‌پرداخت، ضمن اینکه از محضر آنان، در زمینه‌های اخلاقی نیز بسیار بهره می‌برد. آیت‌الله هاشمی شاهرودی در طول دوران تحصیل خود، با طلاب و فضایی بسیاری رابطه دوستی داشت و پس از آن نیز با علمای بسیاری روابط صمیمانه و علمی برقرار نمود

که از جمله آنها می‌توان از آیت‌الله مؤمن و مقام معظم رهبری نام برد آیت‌الله هاشمی شاهرودی تاکنون فعالیت‌های بسیاری را در زمینه‌های علمی و فرهنگی به انجام رسانده است. در یکی از دیدارهای اعضای مجلس اعلای عراق، امام خمینی (ره) با توجه به شناخت خود از ایشان می‌خواهد که تدریس در حوزه علمیه قم را بر هر کاری ترجیح دهد و به تربیت طلاب مستعد در زمینه‌های علمی و اخلاقی پردازد. معظم له نیز با ورود به ایران - در فروردین ۱۳۵۸ - به تدریس درس خارج فقه و اصول می‌پردازد که این تدریس تا هم اکنون نیز ادامه دارد و طلاب بسیاری از محضر ایشان بهره‌مند شده‌اند. ویژگی درس ایشان دقت فراوان، تسلط بر مباحث و نوآوری در برخی زمینه‌هاست. آیت‌الله هاشمی شاهرودی ریاست دو کنگره مهم نقش زمان و مکان در اندیشه امام خمینی (ره) و نخستین کنگره دایره المعارف فقه اسلامی را بر عهده داشت که هر دو کنگره با استقبال بزرگان و فضایی حوزه و دانشگاه و اندیشمندان خارجی و داخلی مواجه شد. از خدمات دیگر ایشان، ریاست مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی با حکم مقام معظم رهبری است. مقام معظم رهبری در حکم خود، خطاب به ایشان می‌فرماید: «جناب عالی را که چهره درخشانی در علم و عمل بوده و بحمدالله از مقام والایی در فقه و علوم مرتبط با آن برخوردارید، برای انجام این اقدام بزرگ، شایسته دانسته و مسئولیت ایجاد و اداره مؤسسه‌ای برای تهیه این دایره المعارف را به جناب عالی محول می‌کنم». آیت‌الله هاشمی شاهرودی در سالهای تحصیل و تدریس، فعالیت‌های سیاسی بسیاری را پدید آورده است. در پی یورش مزدوران رژیم صدام به علما و اندیشمندان در سال ۱۹۷۴ میلادی، آیت‌الله هاشمی شاهرودی به زندان افتاد و شکنجه‌های فراوان بدنی و روحی را به جان خرید. او در پی تظاهرات مردم عراق پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام (ره)، بویژه در نجف، و در گرامیداشت این پیروزی، تحت پیگرد رژیم بعث قرار گرفت و به سفارش شهید صدر (ره) به وطن خود بازگشت تا وکالت عام شهید صدر و نمایندگی او را نزد امام خمینی (ره) بر عهده گیرد. او با ورود به ایران به خدمت امام خمینی (ره) مشرف شد و با موافقت ایشان، رابط امام (ره) و شهید صدر شد و پیامهای علمای نجف را به سمع امام (ره) می‌رساند. او با دستور آیت‌الله خامنه‌ای که در آن زمان با حکم امام (ره) مسئولیت نهضت‌های اسلامی را بر عهده داشت، تشکیلات جامعه روحانیت مبارز و مجلس اعلای عراق را به راه انداخت و آن را مدیریت و سازماندهی کرد. او که به دستور امام (ره) تدریس و بررسی مسائل فقهی، بویژه احیای فقه حکومتی استوار بر ادله استنباط جواهری را بر عهده داشت، در طول سالیان انقلاب از هیچ کوششی در جهت اعتلای انقلاب، دریغ نورزید. آیت‌الله هاشمی شاهرودی سالها از اعضای فقهای شورای نگهبان بود و در این نهاد مقدس به خدمت اشتغال داشت تا اینکه با حکم مقام معظم رهبری به ریاست قوه قضائیه منصوب شد. او در طول مسئولیت خود در قوه قضائیه، تاکنون خدمات بسیاری را انجام داد که توسعه قضایی، تسریع در رسیدگی به پرونده‌ها و ایجاد ارتباط مردمی از جمله آنهاست.

حسینی، ابراهیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید ابراهیم حسینی

محل تولد: دماوند

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

با لطف خدای متعال پس از اتمام دوران ابتدایی در دماوند، برای ادامه تحصیل در مقطع راهنمایی به تهران آمدم و با مشکلات و محدودیتهای نسبتاً زیاد، در نهایت در سال ۱۳۶۲ موفق به اخذ دیپلم شدم و بارها در دوران ابتدایی و راهنمایی شاگرد ممتاز و در دوران دبیرستان موفق بوده‌ام. در سال ۱۳۶۲ با عنایت امام عصر (عج) علیرغم اینکه برای رشته پزشکی دانشگاه تهران در امتحان کنکور شرکت کرده بودم و در مرحله اول قبول شده بودم ولی بدون انتظار برای نتیجه مرحله دوم به حوزه علمیه قم آمده و تحصیلاتم را در مدرسه امام صادق (ع) (واقع در نیروگاه) شروع و به لحاظ آمادگی ذهنی و روحی و شرایط خوب مدرسه توانستیم از تابستان نیز استفاده و در سال ۱۳۶۴ لمعتین را شروع کنیم. البته در سال ۱۳۶۳ ازدواج نموده از اقامت در مدرسه امام صادق بیرون آمدم. در سال ۱۳۶۵ رسائل و مکاسب و پس از آن کفایه را شروع کردم.

مدت دو سال و نیم مسئولیت سازمان تبلیغات اسلامی لارستان را پذیرفتم ولیکن در همان دوران نیز علاوه بر تدریس کم و بیش تحصیل را ادامه می‌دادم. نهایتاً پس از برگشت از لارستان در سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۶۹ دروس سطح را نیز به اتمام رساندم و با نمره ۲۰ از کفایه و نمرات بالا در سایر دروس این مقطع را زیر نظر اساتید محترم آقایان: شیخ علی پناه اشتهاردی، سید احمد خاتمی، پایانی، اعتمادی، محقق (آقا سید علی)، قدیری به پایان رسانده و آماده ورود به مقطع جدید شدم. درس خارج فقه و اصول را از سال ۱۳۶۹ شروع کردم. شروع درس خارج فقه در محضر آیت الله فاضل لنکرانی و درس خارج اصول در محضر آیت الله سبحانی بوده و فیض بردم مدت پنج سال در درس فقه آیت الله فاضل لنکرانی و مدت ۲ سال در درس خارج آیت الله سبحانی شرکت نمودم. سپس در درس خارج فقه و اصول: حضرات آیات وحید خراسانی، شیخ جواد تبریزی، شبیری زنجانی و آیت الله هاشمی شاهرودی حاضر شده و بهره مند شدم. همزمان با شروع درس خارج فقه و اصول، در سال ۱۳۶۹ وارد موسسه در راه حق شده و دوره عمومی معارف اسلامی، فلسفه اسلامی و تفسیر موضوعی و علوم جدید مورد نیاز مانند روان شناسی و جامعه شناسی و زبان انگلیسی به مدت پنج سال گذراندم و در سه نوبت دانش پژوه ممتاز در گروه بودم.

در سال ۱۳۷۴ در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) مشغول تحصیلات تکمیلی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته حقوق اسلامی و حقوق بین الملل شده و با دفاع از پایان نامه خود تحت عنوان اصل منع توسط به زور در اسلام و حقوق بین الملل دفاع نموده و با بالاترین نمره گروه (نمره ۱۹) با امتیاز عالی قبول شدم. (۱۳۷۹) از آن به بعد به عنوان محقق و پژوهشگر موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی و دبیر گروه حقوق فعالیت هایم وارد مرحله جدید شد و در سال ۱۳۸۱ به عنوان عضو هیات علمی موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی کارهای تحقیقی و پژوهشی خود را بیشتر در زمینه فلسفه حقوق و حقوق زن شروع کردم. در سال ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ مسئولیت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه سمنان را پذیرفتم ولیکن ارتباط علمی خود را با موسسه حفظ نموده‌ام. در طول سالیان ۱۳۷۸ تا کنون در دانشگاه مختلف از جمله: دانشگاه امام حسین (ع)، دانشگاه صنعت آب و برق (تهران)، دانشگاه سمنان، دانشگاه های آزاد اسلامی ساوه، آشتیان و نیز حوزه علمیه خاوران (دفتر تبلیغات)، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، مؤسسه باقر العلوم علیه السلام و مدرسه جهانی فقه و اصول و نیز دوره های مختلف طرح ولایت و طرح کوثر (برای دانشجویان سراسر کشور) به تدریس عمدتاً در دروس حقوقی و نیز معارف اسلامی اشتغال داشته و دارم. بعد از انتقال از سمنان به قم در مرکز فرهنگی نهاد نمایندگی با تقبل مسئولیت گروه حقوق و فلسفه احکام بیشترین تمرکز پژوهشی را در زمینه حقوق زن و حقوق بشر داشته با انتشار مقالات مختلف و پاسخ به سوالات دانشجویان چه از طریق نامه یا ایمیل و فعلاً نیز در صدد آمادگی برای امتحان در مقطع دکترای حقوق بین الملل یا فلسفه حقوق هستم.

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روان پزشکی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای روان پزشکی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علوم پزشکی مشهد از سال ۱۳۵۰ تا سال ۱۳۶۴ و دانشیار دانشگاه علوم پزشکی مشهد از سال ۱۳۶۴.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

افسردگی و تست وقفه دگزامتازون، اپیدمیولوژی هیستری تبدیلی و تجسس یک طرفه بودن علائم آن و روش تعیین مقدار لیتیم در سرم بیماران مصرف کننده لیتیم، رویا از نظر فیزیولوژی، روان‌شناسی معاصر و معارف اسلامی، ترک اعتیاد با کلونیدین، بررسی همه گیرشناسی و شایعترین علائم در بیماران مبتلا به اسکیزوفرنی، بررسی نقش مادر در اسکیزوفرنی، بررسی نقش حوادث استرس‌زای زندگی در بروز افزایش فشارخون شریانی بر روی صد بیمار و نقش آرام‌سازی در کنترل علائم، جنبه‌های روان‌پزشکی دیابت قندی، بررسی مشکلات و امکانات پیگیری بیماران روانی، و میزان بهبودی در یک بخش روان پزشکی دانشگاهی و بررسی نقش استرس در بروز سرطان از طریق تحقیق بر روی ۸۳ بیمار مبتلا به سرطان.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۸

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

روان‌پزشکی بالینی، اصول بهداشتی روانی در دو جلد، اصول روان‌شناسی آکادمی، روش‌های پیشگیری از اختلالات روانی، تغییرات آب و الکترولیت و هورمون‌ها در پسیکوزهای عاطفی و اثر لیتیم در بیمارها.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲۱، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

تغییرات آب و الکترولیت و هورمون‌ها در پسیکوزهای عاطفی و اثر درمان کربنات لیتیم درمانی، تشخیص‌های الکتروفیزیولوژیک روانی در بیماری صرع، پیشرفت‌های نوین در طبقه‌بندی اسکیزوفرنی، نقش امید در تکامل نوجوانان، کاردرمانی، تغییرات الکترولیتی در پسیکوزهای عاطفی، مشاوره روان پزشکی در جراحی، مشاوره روان پزشکی در بیماریهای داخلی، جنبه‌های روان پزشکی و بهداشت روانی سل، روشهای پیشگیری اعتیاد، معیارهای بیماری و سلامت روانی، فوریت‌های روان پزشکی در طب عمومی، بررسی انگیزه و عوارض اختیار و شیوع، تظاهرات روانی در معتادین خراسان، بررسی شیوع و اشکالات در افسردگی‌های عضوی، تظاهرات عضوی ناشی از عوامل روانی و شیوع آن در یک درمانگاه عمومی، بررسی جهان‌بینی توحیدی و اصل پاداش و مجازات در ایجاد آمادگی برای جنگ‌های عقیدتی و اثرات روش‌های آرام‌سازی، نقش عوامل عضوی و تنوع علائم بالینی در

مجروحین جنگی بستری شده در یک مرکز روان‌پزشکی دانشگاهی، لزوم پیگیری نظم علائم روان‌پزشکی ناشی از جنگ. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

حسینی، ابوالقاسم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید ابوالقاسم حسینی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

زندگینامه علمی

تولد: تهران/ دوشنبه هفتم خرداد ۱۳۴۱ هجری شمسی / بیست و سوم ذی الحجه ۱۳۸۱ هجری قمری بیست و هشتم می ۱۹۶۲ میلادی. آغاز طلبگی: تهران/ ۱۳۵۹، ادامه در قم ۱۳۶۳. تحصیلات حوزوی: خارج فقه و اصول (یک دوره). استادان اصلی دروس حوزه: پاکتچی، رضی شیرازی، محامی، راستی، طاهری خرم آبادی، احمدی یزدی، مؤمن، نوری همدانی، تبریزی، مددی، سبحانی. تحصیلات دانشگاهی: کارشناسی حقوق از دانشگاه تهران (۱۳۶۷) و کارشناسی ارشد حقوق بین الملل از دانشگاه شهید بهشتی (۱۳۷۱). سوابق علمی: ویرایش حدود ۵۰ کتاب، تألیف و ترجمه و تحقیق و فراهم سازی ۳۰ اثر در زمینه های حقوقی، ادبی، هنری، ادبیات کودکان، تربیت، حدیث، پیشینه شعر از سال ۱۳۵۸ و دارای اشعاری در مجموعه های مختلف و عرضه در ده ها کنگره کشوری، عرضه ده ها مقاله در نشریات گوناگون، نگارش صدها ساعت برنامه رادیویی و تلویزیونی از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷. سوابق عملی: مسئولیت های فرهنگی در آموزش و پرورش، صدا و سیما، سپاه پاسداران، وزارت ارشاد، مرکز تحقیقات اسلامی جانبازان، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، و نشریات گوناگون از سال ۱۳۵۸. اشتغال کنونی: عضو هیأت علمی گروه ادبیات اندیشه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سر ویراستار دانشنامه فرهنگ فاطمی، مشاوره های فرهنگی، اشتغال به ترجمه دوره کامل الغدیر. سفرهای تبلیغی: پنج سال کار مستمر فرهنگی در کردستان، یک دوره عضویت در هیات علمی بعثه مقام معظم رهبری در حج. آشنایی به زبان های دیگر: عربی به طور کامل، انگلیسی در حد ترجمه.

حسینی، اسماعیل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید اسماعیل حسینی

محل تولد: آذربایجان شرقی

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۶/۳/۳۰

زندگینامه علمی

بنده حقیر در استان آذربایجان شرقی، شهرستان اهربخش خاروانا در روستای نجق در سال ۵۶ بدینا آمدم بعد از آنکه به سن هفت سالگی رسیده‌ام، تحصیلات ابتدائی را در همان محل طی کرده و چون در محل خودمان (روستای نجق) مدرسه راهنمایی نبود لذا برای ادامه تحصیلات در مقطع راهنمایی به بخش خاروانا مراجعه کرده و در آنجا مشغول تحصیل در مقطع راهنمایی شدم. بعد از تعطیلات دوره راهنمایی به جهت این که علاقه زیادی حتی از دوران ابتدائی به درس‌های حوزه و علوم دینی داشتم تا در آینده روحانی خوبی باشم حتی در همان محل با این که معلمین اسرار می‌کردند که درس شما خوب است همین دروس را ادامه بدهید با این حال این علاقه شدید مرا از آن درس‌های دوره دبیرستانی منصرف کرد و آمدم به نزدیکترین محل که شهرستان جلفا و هادی شهر بود در آنجا به تحصیلات حوزوی مشغول شدم، بعد از یک سال تحصیل در آنجا دیدم وضعیت آنجا مرا قانع نمی‌کند و بر بنده چنان مفید واقع نمی‌شود، برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه ولیعصر (عج) تبریز انتقال گرفتم و ادامه تحصیلات مقدماتی را در آن حوزه مبارکه گذراندم و در سال ۸۰ به قم آمدم و در خدمت استادانی چون استاد محسن فقیهی و استاد فاطمی و استاد سید حسن خمینی و استاد سیدمحمد ابن الرضا خونساری درس رسایل و مکاسب و کفایه را آموختم و الان در خدمت آیت الله سبحانی و آیه‌الله مکارم شیرازی و استاد محمدابن الرضا درس خارج فقه و اصول را فرامی‌گیرم.

اینجانب بعد از طی دوره مقدماتی علاقه زیادی به تبلیغ و تحقیق داشتم که این علاقه در سال ۱۳۸۵ که از طرف مقام معظم رهبری به سال پیامبر اعظم (ص) نام گذاری گردید مرا شدیداً وادار نمود تا در آن سال بتوانم کتابی در مورد آن حضرت به رشته تحریر درآورم. از آن سال به بعد هم اکنون مدتی است مشغول تحقیق در عنوانهای مختلفی می‌باشم از جمله: (کتابی به نام راهی بسوی سعادت «مواعظ و سفارشات رسول اکرم (ص) به علی (ع) و اباذر» که چاپ شده، و آداب زندگی در سیره رسول اکرم (ص) «اخلاقی-اجتماعی-عبادی-سیاسی وچهل حدیث» که در دست چاپ است و کتابهایی در موضوعات کرامات و معجزات رسول اکرم (ص) و راههای مبارزه با فقر و پزشکی خانواده) که هنوز آنها را باخاطر مشکلات مالی نتوانستم به چاپ برسانم و بنده حقیر حافظ نصف قرآن کریم می‌باشم و به رشته تفسیر و علوم قرآنی بیشتر علاقه داشته و کار می‌کنم که تا در آینده به حول قوه الهی بتوانم در عنوانهای تفسیری تحقیق و تدریس داشته باشم «انشاءالله»

حسینی، جواد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید جواد حسینی

محل تولد: تربت جام

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در اواخر سال ۱۳۵۷ وارد حوزه علمیه کاشان شدم. بعد از اتمام لمعه در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شده به ادامه تحصیل پرداختم. مکاسب را نزد استاد پایانی و رسائل را نزد استاد اعتمادی و کفایتین را نزد استاد مازندرانی به اتمام رساندم. همزمان با تحصیل در همان کاشان از سال ۵۸ به تدریس مقدمات پرداختم و تا سال ۶۲ صمدیه و بخشی از سیوطی را نیز تدریس کردم. با ورود به قم به صورت آزاد، شرح لمعه و حلقات را و در مدرسه امام باقر (ع) معالم را تدریس می‌کردم و بعد از شرح لمعه و معالم به تدریس بدایه المعارف، تفسیر، و مکاسب پرداختم که هنوز هم در مدرسه مذکور و به صورت آزاد ادامه دارد. در تاریخ ۳/۲/۱۳۷۱ موفق به اخذ رتبه دوره اول خارج از دفتر تبلیغات اسلامی شدم.

درس های خارج را هم از محضر آیات عظام: فاضل لنکرانی، میرزا جواد تبریزی (یک دوره اصول) و فقه ادامه دارد و حید خراسانی بهره برده و می‌برم. در سال ۱۳۷۳ در دوره تخصصی کلام شرکت نموده و بعد از چهار سال موفق به اخذ مدرک سطح چهار کلام شدم. از سال ۱۳۷۸ به صورت رسمی دست به قلم بردم و در مرکز مطالعات و پژوهش های حوزه بخش کلام و تفسیر مشغول پاسخگویی به شبهات شدم که تا کنون بیش از ۴۰۰ پرسش، پاسخ داده شده است. قابل ذکر است گاه به جهت تعدد مقالات در مجله مبلغان از اسم مستعار جواد خرمی، حسین تربتی و ... استفاده شده است.

حسینی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

خلاصه: سید حسن حسینی در سال ۱۳۳۵ ه.ش در تهران دیده به جهان گشود. وی اصلاً از اورازان است. و دارای مدرک کارشناسی تغذیه و دکترای ادبیات فارسی است. وی در ادبیات تطبیقی و مقایسه ای فارسی و عربی تحقیقات و تالیفاتی داده و خود نیز صاحب طبع شعر، نثر و دارای روحیه ای مذهبی و عرفانی است. گنجشک و جبرئیل از مجموعه های شعر او، نگاهی به خویش از مصاحبه های او با ادیبان معاصر عرب و «سپهری و سبک هندی» از تحقیقات تطبیقی اوست. وی فروردین ماه سال ۱۳۸۲ به طور ناگهانی و بر اثر ایست قلبی درگذشت.

گروه: علوم انسانی

رشته: ادیان خارجی

گرایش: ادبیات مقایسه ای عربی و فارسی

والدین و انساب: پدر و اجداد سید حسن حسینی از قریه مشهور اورازان بوده اند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: سید حسن حسینی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه در زادگاه خود تهران، در رشته تغذیه در دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت. اما پس از اخذ مدرک کارشناسی، به ادبیات فارسی روی آورد و تا حد اخذ مدرک دکتری در این رشته ارتقا یافت. وی آثار تحقیقاتی در زمینه ادبیات تطبیقی و مقایسه ای به نگارش در آورده است.

خاطرات و وقایع تحصیل: روزگار تحصیل سید حسن حسینی شاهد اواسط و آخرین سالهای نهضت محمد رضا شاه پهلوی و حوادث پیش از انقلاب اسلامی بود.

فعالیت های ضمن تحصیل: سید حسن حسینی در کنار تحصیل در رشته ادبیات فارسی، به مطالعه آثار مذهبی و انقلابی همچون آثار

دکتر علی شریعتی و آیت الله مطهری و نیز شرکت در مبارزات سیاسی می پرداخت.

وقایع میانسالی: سید حسن حسینی پس از اخذ مدرک کارشناسی در رشته تغذیه، به تحصیل در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری در رشته ادبیات در دانشگاه تهران پرداخت. و پس از فراغ از تحصیل به تدریس و پژوهش پرداخت. و تا کنون به این امور اشتغال دارد.

زمان و علت فوت: سید حسن حسینی فروردین ماه سال ۱۳۸۲ به طور ناگهانی و بر اثر ایست قلبی درگذشت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سید حسن حسینی صرف نظر از اینکه به عنان یک محقق در زمینه ادبیات تطبیقی و مقایسه ای میان سبکهای گوناگون ادبیات معاصر و گذشته ایران است. در زمینه مقایسه ادبیات عربی با ادبیات فارسی و بررسی پیوندهای آن به ویژه در زمان معاصر به تحقیق می پردازد. از این گذشته به تدریس ادبیات فارسی و عربی در دانشگاه می پردازد.

فعالیتهای آموزشی: سید حسن حسینی به عنوان یک پژوهشگر ادبیات مقایسه ای و تطبیقی میان ادبیات فارسی و عربی مشهور است و از این رو، دروس مربوط به زبان عربی در رشته ادبیات فارسی را در دانشگاهها تدریس می نماید.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: مطالعه آثار ادبیات معاصر فارسی و عربی و نیز سرودن شعر و نگارش نثرهای ادبی از امور مورد علاقه سید حسن حسینی می باشد. محتوای آثار وی بیشتر مذهبی و عرفان است.

آرا و گرایشهای خاص: حسن حسینی پس از آشنایی با اندیشه های دکتر علی شریعتی و آیت الله مطهری، بازتابی از اندیشه های این دو تن را در شعر و نثر خود یافت. به نظر وی این بازتاب در سراسر شعر معاصر متجلی بود. شعر معاصر که در پی این بود که به لحاظ زبان، ساختار و نگاه معاصر باشد. دکتر حسینی بیشتر در زمینه روابط ادبیات عربی با ادبیات فارسی آثاری از خود منتشر کرده است.

چگونگی عرضه آثار: سید حسن حسینی که به مفهومی علمدار شعر ایدئولوژیک دهه شصت بود و به گفته برخی کارشناسان جریان نوینی را در شعر مذهبی معاصر رقم زد، بنا به وصیت او دکتر قیصر امین پور، آثار او را پس از مرگش منتشر خواهد کرد که تاکنون این مهم با انتشار دو مجموعه «در ملکوت سکوت» و «از شرابه های روسری مادرم» پیگیری شده است که اولی گزینه ای از شعرهای آزاد منتشر نشده و دومی مجموعه ای از شعرهای آزاد با تمرکز موضوعی بر «ستایش حضرت زهرا (س)» است.

آثار:

۱ از شرابه های روسری مادرم

ویژگی اثر: مجموعه ای از شعرهای آزاد با تمرکز موضوعی بر «ستایش حضرت زهرا (س)»

۲ براده ها

ویژگی اثر: این کتاب مجموعه ای ست از نثرهای ادبی، دکتر سید حسن حسینی که بیشتر حال و هوای مذهبی و انقلابی دارند.

۳ ترجمه و شرح فن الشعر

ویژگی اثر: فن الشعر اثری است از استاد احسان عباس ادیب معاصر عرب که درباره شیوه شعر سرایی و آرایه های ادبی است. این اثر توسط دکتر سید حسن حسینی به فارسی ترجمه و شرح داده شده است.

۴ حمام روح

ویژگی اثر: این اثر ترجمه و گزیده هایی است از آثار جبران خلیل جبران ادیب، فیلسوف و عارف بزرگ عرب در روزگار معاصر.

۵ در ملکوت سکوت

ویژگی اثر: مجموعه اشعار آزاد

۶ سپهری و سبک هندی

ویژگی اثر: این اثر درحیطه ادبیات مقایسه ای است که اشعار سهراب سپهری اشعار سهراب سپهری شاعر معاصر را با شاعران سبک هندی که در دوره صفویه می سرودند، مقایسه نموده است.

۷ گنجشک و جبریل

ویژگی اثر: مجموعه شعری است که از دکتر سید حسن حسینی که حال و هوای مذهبی و عارفانه دارد.

۸ نگاهی به خویش

ویژگی اثر: ترجمه مصاحبه های دکتر سید حسن حسینی با شعرا و ادیبان معاصر عرب در کتابی تحت عنوان نگاهی به خویش منتشر شده است. این اثر با همکاری شخصی به نام بیدج به انجام رسیده است.

۹ همصدا با حلق اسماعیل

ویژگی اثر: این کتاب مجموعه ای است از شعرهای دکتر سید حسن حسینی که در فضای انقلاب اسلامی و پیش از آن سروده شده است.

منابع زندگینامه: <http://www.iranologyfo.com/>

حسینی، حسنی نقیب نیشابوری، ابوالمعالی، اسماعیل

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س پنجم ق)، محدث. خاندان او از علویان بزرگ خراسان بودند. پدرش ابومحمد در نیشابور مقام نقابت نقبا را داشت. وی پس از برادرش زید به مقام نقابت نیشابور رسید. او را نسابه‌ی نیشابور نیز می خواندند. ابوالمعالی از معاصرین شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) بود و محضر او را درک کرد. از تألیفات او: «انساب آل ابی طالب» یا «انساب الطالبيه»؛ «زهره الحکایات»؛ «شجون الاحادیث».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳/ ۳۱۸)، الذریعه (۲/ ۳۷۶)، ریحانه (۷/ ۲۶۸)، فهرست منتجب الدین (۱۱ - ۱۰)، لغت‌نامه (ذیل / اسماعیل)، معجم المؤلفین (۲۶۵ - ۲۶۴/ ۲).

حسینی، خورشاه

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۷۲ ق)، مورخ، معروف به ایلچی نظامشاه. ولادتش در ایران و شاید عراق عجم اتفاق افتاد، سپس به هند رفت. وی در دوران سلطنت برهان نظامشاه، فرمانروای احمد نگر، به دکن رفت و به آن پادشاه اختصاص یافت. در سال ۹۵۲ ق از جانب او به سفارت دربار شاه طهماسب در قزوین آمد. ایلچی نظامشاه یک سال و نیم در خدمت شاه طهماسب ماند و در رکابش به گرجستان و شروان رفت و خود نیز سفرهایی در ناحیه‌های ایران و از آن جمله به گیلان و مازندران کرد و تا سال ۹۷۱ در ایران سرگرم تالیف کتاب خود بود و چون به هند بازگشت، به دربار قطب شاهیان گلکنده پیوست و به خدمت ابراهیم قطب شاه درآمد و همان جا

ماند. وی در گلکنده درگذشت. خورشاه مولف کتابی است در تاریخ عمومی از آغاز تا زمان خود که به نام «تاریخ ایلچی نظامشاه» معروف است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۵۹-۱۶۵۴/۵)، تاریخ در ایرن (۸۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۵۵/۱)، دایرةالمعارف فارسی (۵۹۴/۱).

حسینی، صالح

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

صالح حسینی در سال ۱۳۲۵ در سنقر کرمانشاه به دنیا آمد. وی در کودکی با قرآن و دیوان شاعرانی چون سعدی و حافظ آشنا شد. تحصیلات عالی را در دانشگاه شیراز در رشته زبان و ادبیات انگلیسی دنبال کرد، و پس از آن به مدت چهار سال در دانشگاه جورج واشنگتن به تحصیل در زمینه ادبیات آمریکایی پرداخت. دکتر صالح حسینی به غیر از تدریس در دانشگاه شهید چمران اهواز، آثار متعددی از مشاهیر ادبیات آمریکا از جمله ویلیام فاکنر و نور تروپ فرای را ترجمه کرده است. گروه: علوم انسانی‌رشته: زبان و ادبیات انگلیسیگرایش: مترجمیتحصیلات رسمی و حرفه ای: صالح حسینی تحصیلات مقدماتی در مکتب خانه آغاز کرد و پس از مدتی طلبگی و آشنایی به قرآن و حافظ و سعدی وارد مدارس جدید شد. پس از اتمام دوره های ابتدایی و دبیرستان در زادگاهش از سال ۵۲-۱۳۴۵ در دانشکده ادبیات و علوم انسانی شیراز زبان و ادبیات انگلیسی را فرا گرفت. وی به مدت چهار سال در دانشگاه جورج واشنگتن آمریکا به تحصیل ادبیات آمریکایی پرداخت (از سال ۵۸-۱۳۵۴) مشاغل و سمتهای مورد تصدی: صالح حسینی در سال ۱۳۵۸ که از آمریکا به ایران بازگشت. به امر تدریس در دانشگاه سه سال تعطیلی دانشگاه ها، که دو سال از آن را در مرکز نشر دانشگاهی فعالیت می کرد، سایر سالهای عمر خود را در دانشگاه اهواز سپری نمود. دروس عمده ای که وی تدریس می کرده است، عبارت است از: رمان، نقد، مکتبهای ادبی، شعر انگلیسی، بررسی ادبیات معاصر فارسی و ترجمه. آثار: آبشالوم، ابشالوم!، تالیف بررسی تطبیقی خشم و هیاهو و شازده احتجاج، تالیف خانه روشنان و گلشیری کاتب، تالیف فرهنگ برابر های ادبی، تالیف نظری به ترجمه، تالیف نیلوفر خاموش ویژگی اثر: نظری به شعر سهراب سپهری ۷ تالیف واژه نامه ادبی، ترجمه آخرین وسوسه مسیح اثر نیکوس کازانتزاکیس، ترجمه برادران کارازوف اثر داستایوسکی، ترجمه برخیز ای موسی، ترجمه به سوی نانوس رویایی، ترجمه تحلیل نقد اثر نور تروپ فرای، ترجمه خشم و هیاهو، ترجمه دل تاریکی، ترجمه رمز کل: کتاب مقدس و ادبیات اثر نور تروپ فرای، ترجمه گزارش به خاک یونان. اثر نیکوس کازانتزاکیس، ترجمه لرر جیم، ترجمه مجموعه مقالاتی درباره دو بلینی ها

حسینی، عبدالهادی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا عبدالهادی بن سید اسماعیل بن سید رضی الدین بن سید میرزا اسماعیل حسینی فقیهی بزرگوار و مجتهدی عالمقدار و مرجع

بزرگ تقلید شیعیان بعد از رحلت مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی بوده است.

والد ماجدش آیت‌الله سید اسماعیل پسرعموی زعیم‌الشیعه آیت‌الله مجدد شیرازی بزرگ و متوفی سال ۱۳۰۵ ق صاحب میلادیه مولی‌الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام است وی در سال ۱۳۰۵ ق سال وفات مرحوم والدش بدنیا آمده و در تحت پرورش آیت‌الله العظمی مجدد شیرازی تا ۷ سالگی تربیت یافته و بعد از رحلت آن بزرگوار در سایه تربیت آیت‌الله آقا میرزا علی آقا شیرازی فرزند ارجمند مجدد بزرگ شیرازی نشو و نما یافته و اولیات و مقدمات و سطوح را خوانده و در سال ۱۳۲۶ مهاجرت به نجف نموده و از محضر علامه خراسانی و شریعت اصفهانی و شیخ محمدباقر اصطهباناتی و آیت‌الله میرزا علی آقا شیرازی و دیگران استفاده نموده و در سال ۱۳۴۹ ق به تدریس خارج فقه و اصول پرداخته و یکی از مراجع بزرگ تقلید و اساطین فقه گردیده و صدها نفر از افاضل و علماء از محضرش استفاده نموده تا بعد از فوت مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی که اکثر مردم به ایشان رجوع نموده تا در ۱۳۸۳ ق که رحلت نموده و جامعه تشیع را در سوک و ماتم خود عزادار نمودند.

نگارنده گوید: گرچه آن بزرگوار در سال ۱۳۶۹ ق مبتلا به عارضه چشم گردید و در بیمارستان فارابی تهران عمل شد ولی نتیجه معکوس شد و معظم له از دید چشم محروم و نابینا شد ولی به واسطه صفا و معنویت و تقوای عجیبی که داشت، دارای بصیرت باطنی بود و کرامات از وی مشاهده گردید من جمله مهم این نگارنده بود که برای اصلاح آن عریضه‌ای خدمت ولی‌الله اعظم حضرت حجة بن الحسن صاحب‌الزمان روحی له الفداء و عجل‌الله فرجه الشریف نوشتم حواله به آن مرحوم فرموده و به دست وی کفایت گردید.

دارای آثار علمی بسیار است که از آنها (دارالسلام) در فروع اسلام و رساله در لباس مشکوک و کتاب الصوم و کتاب الزکاة و کتابی در نجاسات و طهارت و کتابی در استصحاب و کتابی در اجتماع امر و نهی و حواله و رضا (ع) نوشته و طبع شده است. دارای دو فرزند دانشمند بنام جناب حجة‌الاسلام حاج سید محمدابراهیم و حجة‌الاسلام حاج سید محمدعلی می‌باشد که از فضلاء نجف می‌باشند.

و نیز دامادهای ارجمندی بنام آیت‌الله حاج سید کاظم مقیم قم و آیت‌الله حاج سید مهدی مقیم نجف اخوان مرعشی و حجة‌الاسلام حاج شیخ جواد بروجردی که از معاودین و مقیم تهران می‌باشند دارد. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی حسینی

محل تولد: قم

شهرت: حسینی قمی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۵/۶/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید علی حسینی قمی فرزند سید شمس‌الدین حسینی در خاندانی که در علم و روحانیت به صورت پشت در پشت در قم

متولد شدم پس از تحصیلات ابتدائی و راهنمایی و متوسطه در مدرسه علمیه معصومیه به تحصیل علوم حوزوی مشغول شدم، سطح را پس از هشت سال به اتمام رسانده و در درس خارج غالب اساتید بزرگ حوزه شرکت کرده و اجازاتی دریافت کردم از همان آغاز طلبگی به تبلیغ روی آوردم و در ضمن تحصیل به تالیف و تحقیق و ترجمه روی آوردم.

حسینی، علی اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: دندانپزشکی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

حسینی، فضل الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید فضل الله حسینی

محل تولد: نوشهر

شهرت

تابعیت: ایران

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم. روز آغازین ورودم به حوزه مصادف با آغاز جنگ هشت ساله تحمیلی عراق علیه ایران به رهبری صدام و کمک آمریکا، اروپا، شوروی و هم پیمانانشان بود. پس از چهارماه تحصیل در حوزه علمیه قم به جبهه جنگ رفتم در طول هشت سال جنگ سعی کردم میان درس و جنگ جمع کنم که در طول جنگ بیش از دو سال و نیم در جبهه بودم و پنج سال و نیم درس خواندم مدتی در جبهه در واحد عقیدتی قرار گاه خاتم الانبیاء و دفتر سیاسی نمایندگی امام در نیروی زمینی سپاه کار فرهنگی و سیاسی کردم.

حسینی، محمد جواد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن میر محمد حسین مذکور. از علمای اخیار، نزد پدر در اصفهان تحصیل نموده، و در کربلا به درس میرزا علی نقی طباطبائی، و

در نجف به محضر شیخ انصاری حاضر شده، و از آن دو استفاده نموده، یک دوره فقه، و یک دوره اصول از تقریرات اساتید خود نوشته، سرانجام در سال ۱۲۸۰ در مراجعت از مکه معظمه بین راه وفات یافته، در نجف اشرف مدفون گردید.
برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

حسینی، محمد رضا

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند محمد صالح حسینی، از [فقهای عصر خود و] همدرسان میرزا محمد همدانی معروف به امام الحرمین بوده، و جهت او اجازه‌ای در سال ۱۲۸۱ مرقوم داشته است.
برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حسینی، محمد تقی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد تقی حسینی

محل تولد: شاهرود

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال تحصیلی ۶۰-۶۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و بعد از شش ماه در مدرسه مبارکه رضویه نزد اساتید آنجا مشغول به تحصیل گردیدم و اتمام مقدمات تا سطح در آنجا گذراندم و سطح را نزد اساتید بزرگواری چون مرحوم پایانی آیه الله استادی . موسوی گرگانی . تهرانی . گنجی . میر باقر به اتمام رساندم و بیشتر در درس خارج فقه و اصول آیه العظیمی مرحوم شیخ جواد تبریزی شرکت کردم و بعد از آن در دو موسسه فقه و کلام وارد شدم و به حول و قوه الهی هر دو را به پایان رساندم و به نوشتن پایان نامه دوره فقه و اصول اشتغال دارم و ضمناً در دفتر همکار ، حوزه دانشگاه (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه) در گروه فلسفه علوم اجتماعی یک دوره در این زمینه با دیگر دوستان در گروه به مطالعه و پژوهش حول موضوع فلسفه علوم اجتماعی پرداختم و نیز برای تدریس در دانشگاه امتحان معارف دادم و در مرکز مطالعات نمایندگی ولی فقه در جهاد کشاورزی ضمن کمک به آن مرکز برای تألیف مجله جهاد با همکاری دیگر همکاران کتاب جلوه های خدا محوری در زندگی را در زمینه اخلاق تألیف نموده ام و نیز مقالاتی چاپ نشده از قبیل دین کار و کتاب ناتمامی را تحت عنوان شادی و سرور در اسلام و نیز آسیب شناسی تربیتی در خانواده را دارم . (ذکر حج ، مهشر) و (ارکان استصحاب) و (ضرورت یابی ریشه‌های پژوهشهای فقهی) و تفسیر موضوع مقاله (نسخ در قرآن) فارق بین علوم اجتماعی و تجربی و... را نوشته و در حوزه تدریس به تدریس سطح بصورت نا منظم پرداخته و دو

سال به تدریس در دروس عمومی (روش مناظره) مدرسه مجید (مرکز جهانی) اشتغال داشته ام و نیز یک دوره کلام جدید را در بنیان امام رضا علیه السلام گذرانده ام و کار می‌کنم.

حسینی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود حسینی موسوی بن السید الجلیل و العالم النبیل السید ابوالفضائل امام جمعه حنفیة مرحوم مبرور آیت‌الله سید محمد مجتهد طارمی (مؤلف کتاب انیس الفقهاء که در الذریعة ذکر شده) و در غائله بایه زنجان حکم جهاد داده که شرحی از آن در جلد قاجار ناسخ‌التواریخ موجود است می‌باشد.

مرحوم امام جمعه در سال ۱۳۰۹ قمری تولد یافته و در سال ۱۳۷۴ ق در سن ۶۵ سالگی در تهران به رحمت ایزدی پیوست. معظم له مقدمات و سطوح اولیه را نزد اساتید و مجتهدین زنجان مانند مرحوم حجة الاسلام آخوند ملا سبزعلی و مرحوم حجة الاسلام حاج شیخ جواد طارمی و منظومه حکمت و اسفار را پیش مرحوم علامه میرزا مجید زنجانی تحصیل و سپس از درس خارج مرحوم آقا شیخ غلامحسین فقیه زنجانی و آیت‌الله آخوند ملا باقر باعلی مجتهد معروف زنجان استفاده کرده و مدتی نیز کفایة الاصول مرحوم خراسانی را که تازه طبع شده و پیش علماء مورد اهمیت بود خدمت مرحوم آقا میرزا عبدالله زنجانی که از اجله شاگردان و تلامذه مرحوم میرزای بزرگ شیرازی بودند تحصیل نموده و در همان اوان به دستور مرحوم آخوند ملا غلامحسین فقیه زنجانی در مسجد سلطانی معروف به مسجد سید اقامه جماعت می‌نمودند و فقیه نامبرده مراجعین خود را به اقتداء و حضور در جماعت ایشان امر می‌فرمودند و بالاخره برای تکمیل تحصیلات در سن بیست و یک سالگی در سال ۱۳۳۰ به نجف اشرف مشرف شده و در درس مرحومین آیتین حجتین آقا سید محمد کاظم یزدی صاحب عروة الوثقی و مرحوم شریعت اصفهانی و همچنین درس مرحوم آیت‌الله نائینی حاضر شده و این در هنگامی بود که تلامذه مرحوم نائینی عده معدودی از بزرگان بودند مانند آیت‌الله آسید جمال‌الدین گلپایگانی و آیت‌الله امیرزا مهدی اصفهانی و پس از فوت مرحوم والد ماجدشان و پیش آمد کارهای ضروری به زنجان مراجعت نموده و مشغول افاضات علمی از معقول و منقول گردیده و در مسجد سلطانی به اقامه جمعه و جماعت پرداختند.

پس از زمانی بنا به اشتیاقی که به حوزه مقدس نجف داشتند مجدداً مشرف شده و در حوزه درس مرحوم آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله نائینی حاضر و شرکت نمودند. در این هنگام غائله تبعید مراجع از عراق به ایران پیش آمد می‌کند و حوزه نجف از وجود اساتید بزرگ خالی و از طرفی شهرت مقام شامخ علمی مرحوم آیت‌الله کمپانی زبانزد خواص گردیده بود فرصت را مغتنم شمرده با عده معدودی مانند آیت‌الله خوئی و آیت‌الله میلانی و مرحوم اعتماد رشتی به درس خصوصی آن مرحوم حاضر شده و مجذوب مقام علمی و معنویت این استاد بزرگوار واقع شده و چون حاشیه مرحوم کمپانی بر کفایه هنوز چاپ نشده بود به خط خود از روی نسخه مؤلف استنساخ نمودند که نزد فرزند ارجمند ایشان موجود است و قسمتی از مکاتیب خصوصی که بعد از مراجعت از نجف از مرحوم کمپانی بعنوان ایشان ارسال شده که بعضی از آن مشتمل بر فوائد علمی و دستورات العمل‌های معنویست با خط آن مرحوم باقی مانده است

مرحوم آیت‌الله امام جمعه در سفر دوم نجف موفق به اخذ اجازات اجتهاد گردیده و پس از مراجعت به زنجان مشغول افاضه علمی و ترویج شدند و در مدرسه مسجد شاه که تولیت آنجا از طرف مرحوم شاهزاده عبدالله میرزا به خاندان ایشان نسلاً بعد نسل واگذار

شده بود.

بناء اصلاحات و تنظیم امور طلاب را گذاشته و با تعیین مدرسین برای سطوح متوسطه و عالی و دادن شهریه رونقی بسزا بخشیده و خودشان تدریس خارج طهارت شیخ و مکاسب و کفایه را به عهده گرفته و درس خصوصی نیز از منطق حکمة‌الاشراق و معیارالعلم غزالی و مبدء و معارف صدرالمآلهین گذارده که عده‌ای حاضر شده که از جمله آنان دانشمند متقی جناب آقای حاج رضا روزبه و فرزند معظم ایشان آقای امام جمعه معاصر بوده‌اند.

از صفات عالی و برجسته ایشان ترویج رشته روحانیت و تشویق محصلین علوم دینی بوده و در مبارزه با منکرات از هیچ اقدامی فروگذاری نمی‌نمودند.

در حادثه حزب توده و تجزیه آذربایجان از طرف پیشه‌وری دست نشانده شوریه‌ها و اشغال زنجان یکی از رجال مقتدر خمسه را تشویق به مقاومت و با استمداد از دولت مشارالیه را وادار به دفاع نموده و با جنگهای چریکی در دهات اطراف زنجان و نقاط تمرکز فدائیان توده شهر زنجان را از خطر تجزیه نجات بخشیدند.

از امتیازات ویژه آن مرحوم در وعظ و ارشاد مردم مطالب باز یافته و حقایق علمی که برای عموم طبقات از روحانی و بازاری و حتی مجددین عصر بسیار سودمند و جالب بود و اثر قابل توجه در افراد باقی می‌گذاشته است و به قدری شیوا بود که کمتر گوینده‌ای واجد این امتیاز می‌باشد.

در لحاظ ایمان به مقام شامخ ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام طوری اخلاص داشت که در تشریف به حرم ثامن‌الائمه (ع) با از خود گذشتگی خود را روی آستانه حرم انداخته و می‌بوسید و روی علاقه وافری که به عتبات مقدسه داشت بجز از دو دفعه تشریف به نجف اشرف برای تحصیل دو دفعه دیگر به زیارت ائمه عراق مشرف شدند و آخرین دفعه به دعوت مرحوم آیت‌الله قمی حاج آقا حسین طباطبائی با معیت فرزند ارجمندش امام جمعه معاصر بوده که آن مرحوم برای شرکت در اداره کردن حوزه علمیه نجف معرفی و در جوار امیرالمؤمنین (ع) اقامت نمودند.

مرحوم آیت‌الله امام جمعه بزرگ بعد از مراجعت به زنجان روی علاقه به حوزه علمیه و عتبات ائمه علیهم‌السلام مدتی در قم توقف نمودند در موقعی که فرزند گرامی ایشان آیت‌الله حاج آقا عزالدین امام جمعه معاصر از فیوضات درسی مرحوم آیت‌الله کوه‌کمری و مرحوم آیت‌الله صدر و آیت‌الله خوانساری مستفیض بودند معظم له نیز اکثراً در قم توقف نموده و با آیات عظام و مراجع کرام روابط نزدیک داشتند تا در سال ۱۳۷۴ قمری در مراجعت از مشهد مقدس در تهران پس از کسالت و بیماری ممتدی که سالها ایشان را رنج می‌داد در جمادی‌الاولی به رحمت ایزدی پیوستند.

و موقعیت خاص ایشان در قلوب مردم به حدی بود که با شنیدن خبر فوت ایشان از رادیو تهران اصناف و طبقات مردم زنجان تا اربعین ایشان مجالس فاتحه گذارده و از صاحبان قریحه اشعاری در مرثیه ایشان سروده شده که در دفتر مخصوصی ثبت شده است. محضرشان بسیار قابل استفاده و مورد اشتیاق اشخاص دانش‌دوست بود و هر موقع در تهران می‌آمدند رجال روشنفکر و افراد دانشمند ملازم حضورش بودند و از گفتار باارزش و نفس گرم ایشان مستفیذ می‌شدند مانند مرحوم غلامحسین رهنما و حاج محتشم‌السلطنه اسفندیاری و محمدعلی بامداد و مرحوم ابوالقاسم فیوضات و آقای سید مهدی بهشهری و دیگران و همینطور از بزرگان روحانیان تهران دائماً به محضرشان می‌رسیدند.

تألیفات ایشان با داشتن کسالت ممتد مزاجی و اشتغالات مرجعیت محلی و تدریس و وعظ و ارشاد باز مهما ممکن از تحریر مطالب علمی و دینی غفلت نمی‌کردند و نوشتجاتی که از ایشان باقی مانده به اسامی زیر است.

۱- رساله مختصری در جبر و تفویض که در نجف تألیف شده و از نظر مرحوم آیت‌الله آقای سید جمال‌الدین گلپایگانی گذشته است و در یک مورد به خط خود بر آن حاشیه نوشته‌اند.

۲- ذخرالبشر فی شرح باب حاديعشر که در اواخر عمر تا مبحث امامت نوشته‌اند

۳- تعلیقات بر صحیفه‌ی مبارکه سجادیه صلوات‌الله‌علیه.

۴- حاشیه بر تقریرات کاظمینی که موقع مباحثه خارج مرقوم نموده‌اند.

و آنچه که بخط خود استنساخ نموده‌اند ۱- صحیفه سجادیه که برای تیمن و تبرک با خط ثلث نوشته‌اند ۲- قسمتی از قرآن مجید که به خط خود مرقوم داشته‌اند ۳- حاشیه مرحوم کمپانی بر کفایه که در نجف پیش از چاپ شدن نوشته‌اند ۴- متفرقات از مسائل گوناگون دینی و علمی که جمع‌آوری شده و به طور پراکنده بوده است.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی، میرهادی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

از شخصیت‌های معزز و روحانی و مورد احترام مردم عصر خویش مرحوم آقا میرهادی الحسینی است که نامبرده نیز از سادات و بزرگان و علمای مذهبی عصر خویش در منطقه برخوار و اصفهان بوده و به علت نمایندگی از طرف شیخ بهایی (۱۰۸۳-۹۵۳ هجری قمری) شیخ‌الاسلام عصر شاه عباس اول برای اداره امور شرعی و حسیه مردم و تبلیغات دین تشیع و سایر ائمه اطهار- علیهم السلام- در این منطقه و بلوک برخوار بوده و بعدها نواده‌اش سید ابوالحسن ابن سید محمد ابن میر هادی الحسینی مدفون در بقعه امامزاده شاه نعمت‌الله گز و فرزندانش آقایان میر مهدی، میر هادی، میر محمد آقا سلطان و آقا سید کمال‌الدین ابن سید ابوالحسن که از سادات حسینی منطقه گز و دارای مرجعیت تام بوده‌اند و همان طور که قبلاً نیز یادآوری شده است طبق نمودار ارائه شده با ۲۷ واسطه از اولاد علی العریض و فرزندان امام همام جعفر ابن محمد صادق- علیهما السلام- بوده و به علت امکانات علمی و قومی و نفوذ اجتماعی و حمایت قبلی حکومت صفویه و بخصوص از زمان شاه اسماعیل اول صفوی برخوردار بوده‌اند، همگی در تشکیل شاکله اجتماعی و تاریخی این منطقه سهیم و قسمتی از تاریخ و تمدن منطقه را پایه‌گذاری نموده‌اند.

برگرفته از کتاب: فرهنگ تاریخ گز و برخوار

حسینی، هاشم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید هاشم حسینی

محل تولد: بوشهر

شهرت: حسینی بوشهری

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت الله سید هاشم حسینی بوشهری در سال ۱۳۳۵ در بخش بردخون از حوالی بندر دیر استان بوشهر به دنیا آمد. پدر او روحانی بود و اگر چه بسیاری از دروس رسمی حوزه را نخوانده بود، در منطقه خود مورد اعتماد مردم و به رتق و فتق امور مردم و حل منازعه بین آنها می‌پرداخت و خود از راه کشاورزی روزگار می‌گذراند. مادر او نیز خود دختر عالمی فرزانه بود و در شکل‌گیری شخصیت آیت الله حسینی بوشهری نقش بسزایی ایفا می‌کرد. آیت الله حسینی بوشهری پس از به پایان رساندن دوره دبستان، به تحصیلات علوم دینی روی آورد. مشوق اصلی او در این امر پدرش بود. او تحصیلات خود را در مدرسه علمیه بوشهر آغاز کرد و پس از طی بخشی از دروس مقدمات به حوزه علمیه قم رو آورد. در قم درسهای باقیمانده از دوره مقدمات را فرا گرفت و سپس دوره سطح را آموخت و به درس خارج راه یافت. ضمن اینکه در دروس اخلاق استادان خود شرکت می‌نمود. وی همگام با تحصیل به تدریس آنچه آموخته بود نیز می‌پرداخت. آیت الله حسینی بوشهری در حوزه علمیه بوشهر و قم به محضر عالمان و استادان بسیاری شرفیاب شد. او دروس مقدمات را در مدرسه علمیه بوشهر آغاز کرد و پس از فراگرفتن جامع المقدمات و بخشی از کتاب سیوطی به حوزه علمیه قم وارد شد. وی در قم ادامه کتاب سیوطی و نیز کتب مغنی و معانی و بیان و شرح لمعه را به صورت خصوصی از محضر اساتید آن زمان فرا گرفت. در دوره سطح نیز بخش عمده‌ای از رسائل و مکاسب را نزد مرحوم آیت الله ستوده آموخت. ایشان بخشهایی از رسائل، کفایه و قوانین را از محضر آیت الله میرزا محسن دوزدوستانی بهره برد. او بسیاری از مباحث کفایه را نیز از درس مرحوم آیت الله پایانی استفاده کرد. با اتمام دوره سطح به درس خارج فقه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی، آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله تبریزی رفت. در زمینه اصول نیز مدتی از محضر مرحوم آیت الله میرزا هاشم آملی بهره برد. سپس یک دوره کامل اصول را از خدمت آیت الله مکارم شیرازی و بخشهای بسیاری را نیز از محضر آیت الله وحید خراسانی فرا گرفت. در طی این سالها در بخش حکمت و عرفان به درس آیت الله حسن زاده آملی و آیت الله انصاری شیرازی رفت و اسفار را نزد این عالمان وارسته آموخت. آیت الله حسینی بوشهری از نخستین سالهای تحصیل به امر تدریس اهتمام ویژه‌ای داشت، به گونه‌ای که مصمم بود هر درسی که می‌آموزد، بیاموزاند. از این رو با شروع سیوطی، به تدریس اشتغال داشت که این مسأله هم اکنون نیز ادامه دارد. بسیاری از نوارهای تدریس او همواره مورد استفاده طلاب حوزه علمیه قم است. وی بارها دروس مقدمات، شرح لمعه، رسائل، مکاسب، کفایه و بخشهایی از عروۃ الوثقی را تدریس کرد. در فن خطابه نیز پس از نگارش جزوه‌ای در این زمینه سالیانی چند به تدریس برای علاقه‌مندان به آشنایی با فن سخنوری اشتغال داشتند که در طی این سالها شاگردان بسیار را تربیت کرده‌اند. او در کنار این فعالیتها از تدریس در دانشگاهها باز نمانده و به گونه‌ای مستمر به تدریس در دانشگاههای تهران و قم اشتغال داشته است. آیت الله حسینی بوشهری در عرصه تحقیق و تألیف کتب و مقالاتی را به رشته تحریر درآورده است. آیت الله حسینی بوشهری در طول سالهای مبارزه امام و امت مسلمان ایران بر ضد رژیم پهلوی، همواره با این سیل خروشان همراه بوده است. او مبارزه را از سنین نوجوانی و در بوشهر آغاز کرد و در قم نیز آن را پی گرفت. او اعلامیه‌های امام (ره) را بین مردم منتشر می‌کرد که این مسأله موجب چندین بار دستگیری و بازجویی وی شد.

حسینی‌الهاشمی، قمر

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد ۱۳۱۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.

خلاصه شرح حال تخصصی،

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی، دکترای تخصصی کودکان از دانشکده علوم پزشکی شیراز در سال ۱۳۳۷، بوردا تخصصی کلیه کودکان از آمریکا در سال ۱۳۴۴ و فوق تخصص نفرولوژیست (کلیه) از بیمارستان‌های بستون و فیلادلفیای آمریکا در سال ۱۳۶۹. مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علوم پزشکی شیراز از سال ۱۳۴۴ تا سال ۱۳۵۹ و دانشیار دانشگاه علوم پزشکی شیراز از سال ۱۳۵۹ تاکنون. زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

VTI، AGN، BP در کودکان، تدریس دروس مربوط به بلوک‌های کودکان در دانشگاه علوم پزشکی شیراز. تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

بیماری‌های کلیوی کودکان.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی:-، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

نارسائی حاد کلیه، عفونت‌های ادراری، کاربرد آنتی‌بیوتیک‌ها.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

حسینان، روح الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

روح الله حسینان

محل تولد: شیراز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

تا سوم دبیرستان را در صفاد، یکی از روستاهای آبادیه طی کردم.

سطح را در مدرسه حقانی قم (ادبیات را نزد آیت الله حاج شیخ حسن آقا تهرانی، لمعه نزد فاضل هرنندی، مکاسب نزد آیت الله ستوده، رسائل نزد آیت الله جنتی، کفایه نزد آیت الله احمدی میانجی)

درس خارج را در تهران دو سال نزد آیت الله محمدی گیلانی، یک سال نزد آیت الله صانعی، دو سال نزد آیت الله خامنه ای و یک

سال کتاب قضا و شهادت نزد آیت الله میرزا جواد آقا تبریزی در قم .

حشمت الاطباء، ابراهیم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر ابراهیم حشمت الاطباء، یکی از مردان آزاده، خدمتگزار و نیک نامی بود که در جنبش مشروطیت از مجاهدین صدیق و در قیام جنگل از سران فداکار و نزدیک به میرزا کوچک خان جنگلی بود. وی در جریان نهضت جنگل، به واسطه خدمات پزشکی‌اش، محبوبیت زیادی در لاهیجان کسب کرده بود و در آنجا یک گروه چند صد نفری به نام نظام ملی گرد آورده بود. وی پس از مدت‌ها که به همراه نهضت جنگل مشغول مبارزه بود، از جانب مقامات نظامی دولت، به تسلیم دعوت شد. مقامات نظامی برای دکتر امان نامه‌ای در پشت جلد قرآن نوشتند و برای او ارسال کردند. دکتر حشمت نیز که به مبانی دینی ایمان داشت، سوگند مقامات نظامی را باور کرد و به همراه ۲۷۰ نفر از مجاهدین تحت فرمانش، خود را به قزاقان تسلیم نمود اما بدرفتاری فرماندهان نظامی، در همان لحظات اولیه، دکتر را متوجه اشتباهش نمود. پس از مدت کوتاهی جلسه محاکمه نظامی ترتیب داده شد و بدون اینکه حق دفاعی برای دکتر حشمت قائل شوند، حکمی را که از پیش انشا نموده، قرائت و دکتر را به اعدام محکوم ساختند. سرانجام دکتر حشمت در روز ۲۱ اردیبهشت ۱۲۹۸ ش برابر با یازدهم شعبان ۱۳۳۷ ق در رشت به دار آویخته شد و در همان شهر مدفون گردید.

حفید تفتازانی، سیف‌الدین، احمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۱۶ ق)، فقیه، محدث، مفسر و متکلم شافعی. معروف به شیخ الاسلام. چون از نوادگان محقق تفتازانی بود، به احمد حفید نیز شهرت داشت. وی مدت سی سال در زمان سلطان حسین بایقرا عهده‌دار قضای هرات بود. شاه اسماعیل صفوی، او را با پنج تن از علماء هرات در مرو کشت. وی در بیشتر علوم زمان، بویژه فقه و حدیث و تفسیر یگانه‌ی زمان و فرید عصر بود. از آثار وی: «شرحی بر تهذیب المنطق و الکلام»؛ «تعلیقه بر شرح عقاید نسفیه»؛ «حاشیه بر مختصر»؛ «حاشیه بر مطول»؛ «الفوائد و الفرائد» و «شرح فرائض السراجیه»؛ «حاشیه بر شرح الوقایه لصدر الشریعه».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حبیب السیر (۳۴۹/۴)، روضات الجنات (۳۵۳-۳۵۲/۱)، کشف الظنون (۲۰۲۳، ۱۴۸۰، ۱۲۴۷، ۱۱۴۴، ۵۱۶، ۴۷۵)، الکنی و اللقب (۱۲۲-۱۲۱/۲)، لغت نامه (ذیل / احمد)، معجم المؤلفین (۲۰۶-۲۰۵/۲)، هدیه العارفین (۱۳۸/۱).

حفیظی محمدآبادی، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: داروسازی، دانشکده: بهداشت، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

حفیظی، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مدرس.

درگذشت: ۳ آبان ۱۳۷۰.

محمدعلی حفیظی پس از تشکیل سازمان نظام پزشکی ایران، به همراهی عده‌ای از استادان و طاحب‌نظران در تنظیم قانون نظام پزشکی شرکت کرد. در اولین دوره انتخابات نظام پزشکی به عنوان نماینده تهران در سازمان مرکزی برگزیده شد و در همان دوره به عنوان سردبیر سازمان نظام پزشکی ایران از طرف منتخبین انتخاب گردید. دکتر حفیظی در همه‌ی انتخابات سازمان پزشکی شرکت می‌کرد. دکتر حفیظی مدت هفده سال به عنوان سردبیر کل سازمان نظام پزشکی (از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۶۵) بود. از آثار اوست: راه‌های دانشکده‌ی پزشکی. وی همچنین مدتی سردبیر «نامه‌ی دانشکده‌ی پزشکی» بود.
دکتر حفیظی در سال ۱۳۴۲ به معاونت دانشکده‌ی پزشکی رسید و در سال ۱۳۴۵ به ریاست دانشکده‌ی پزشکی رسید.
برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

حفیظی، محمد مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: جراحی عمومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۳۸ و دکترای تخصصی جراحی عمومی در سال ۱۳۴۲.
مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۶۶.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه در زمینه جراحی، جراحی دستگاه صفراوی و کیسه صفرا، کلاژیوگرافی از راه پوست جهت تشخیص بیماریهای دستگاه صفراوی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳۰ پایان‌نامه دکترای.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲۱، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

جراحی عمومی و جراحی دستگاه گوارش.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

حق شناس، عبدالکریم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم آیت الله میرزا عبدالکریم حق شناس (تهرانی) در سال ۱۳۳۸ ه.ق برابر با ۱۲۹۸ ه.ش در تهران در خانواده‌ای مذهبی دیده به جهان گشود. تحصیلات:

وی تحصیلات مقدماتی و ادبیات را در محضر آیت الله حاج شیخ محمدرضا تنکابنی فرا گرفت و عرفان را نیز از محضر آیت الله شاه‌آبادی تلمذ کرد. ظاهراً بخشی از معقول را نیز غیر از درس آیت الله شاه‌آبادی از محضر آیت الله میرزا مهدی آشتیانی مدرس بزرگ حکمت و فلسفه آموختند. زیرا روزی در بین سخنانشان فرمودند: «ایشان - میزرا مهدی آشتیانی - بخش وجود ذهنی را که می‌فرمودند با عباراتی بسیار مغلق و خراباتی بیان می‌کردند.» که دال بر استفاده ایشان از محضر آن حکیم بزرگ است، اما مدت این کسب فیض مشخص نیست. ایشان همچنین دروس فقه و اصول را در هجرتی که به سال ۱۳۵۸ ه.ق به قم داشتند از محضر بزرگانی چون آیت الله حجت و آیت الله خوانساری و آیت الله العظمی بروجردی فرا گرفتند. مدتی نیز از محضر فقه و اصول امام خمینی بهره‌مند شدند و البته مراداتی در بحث اخلاق با امام راحل نیز داشتند.

وی اجازه اجتهاد خود را از بزرگانی چون آیت الله سید ابوالقاسم خویی، آیت الله سید محمد حجت، شیخ عبدالنبی عراقی و آیت الله شاه‌آبادی دریافت کرد. آیت الله حق شناس از شاگردان آیت الله سید علی حائری، میرزای تنکابنی و شیخ محمدحسین زاهد بود. وی از شاگردان درس عرفان آیت الله شاه‌آبادی و امام خمینی (ره) بود. آیت الله حق شناس افزون بر زبان عربی به زبان‌های فرانسه و انگلیسی هم مسلط بود. هجرت به تهران:

در سال ۱۳۷۳ ه.ق که جناب حاج شیخ محمدحسین زاهد تهرانی معروف به زاهد نفت فروش که در مسجد امین‌الدوله واقع در بازار وفات کردند، بنا به درخواست اهل مسجد و محل، آیت الله بروجردی به آیت الله حق شناس دستور دادند تا برای حل مشکلات دینی و رسیدگی به امور شرعی آن مسجد، به تهران عزیمت کنند. در این زمینه ایشان خود می‌فرمایند: «مردم به قم آمدند و تقاضای کسی را فرمودند. مرحوم امام خمینی قدس سره که آن روز در محضر آقای بروجردی بودند و نسبتشان به حقیر چون پدری به فرزند بود به من فرمودند شما بروید و از آیت الله بروجردی هم درخواست کردند که ایشان هم حکم کنند. ایشان هم حکم فرمودند. حس کنجکاو و مقام گستاخی فرزند به پدر باعث شد که عرضه داشتم: آقا چرا خودتان تشریف نمی‌برید؟ حضرت امام فرمودند: مردم گفته‌اند عبدالکریم. (عین عبارت ایشان است) به جدّم اگر می‌گفتند روح الله من پیشقدم می‌شدم.» بالاخره ایشان به تهران آمدند و تا پایان عمر به تهذیب نفس جوانان و اهل علم و طلاب و کسبه مشغول بودند. ایشان مدتی نیز

رئیس مدرسه فیلسوف‌الدوله و سپهسالار قدیم (شهید بهشتی فعلی) بودند و در آنجا به تدریس مکاسب و کفایه در فقه و اصول و منظومه سبزواری در حکمت همت داشتند. محمد شریف رازی در کتاب خود به نام گنجینه دانشمندان می‌فرماید: «بعد از وفات آیت‌الله بروجردی مؤنن مسجد مزبور که غالباً از مقدسین و اخیار تهراند به قم آمدند و از آیت‌الله بروجردی تقاضا کردند ایشان را به جای آن مرحوم (شیخ زاهد تهرانی) برای امامت آن مسجد انتصاب و اعزام فرمایند. ایشان حسب الامر آیت‌اللهی به تهران عزیمت و تا حال حاضر در مسجد مزبور اقامه جماعت و هم به تدریس فقه و اصول و معقول در مدرسه سپهسالار قدیم و خدمات دینی دیگر اشتغال دارند و نزدیک چهل سال است که این نگارنده ایشان را می‌شناسم و حقا دارای مقام فضل و دانش و تقوا و پاکدامنی و بی‌آلایشی موصوف و در تربیت و تهذیب اخلاق جوانان محیط خود بسیار ساعی هستند تربیت یافتگان او در بازار و حوزه‌های علمی قم و تهران و مشهد بسیار هستند و از روز آشنایی تاکنون مکرره‌ای از وی ندیده‌ام.»

هشیاری و آگاهی:

آیت‌الله حق‌شناس با وجود مشغله فراوان در امور شرعی و دروس حوزوی و تدریس کتب فنی از مسائل روز و سیاسی بی‌خبر نبودند و دقت خاصی داشتند. می‌فرمودند: «با شروع جنگ تحمیلی این شبهه برای من ایجاد شد که مبادا در جبهه به من نیاز باشد به خدمت امام راحل مشرف شدم آیت‌الله شهید صدوقی هم در مجلس حضور داشتند. من دو وجبی زعیم عالیقدر بودم گفتم: بنده مدرس حوزه و امام جماعت مسجد امین‌الدوله هستم. اگر چنانچه وظیفه طور دیگر است دستور می‌فرمایید به جبهه بروم. امام فرمودند: مگر تو می‌توانی تفنگ بلند کنی؟ گفتم: بنده یکبار تفنگ بلند کردم و گلنگدن را کشیدم و ماشه را چکاندم به جای این که من تفنگ را نگه دارم تفنگ مرا مسافتی عقب برد. امام تبسمی کردند و اظهار داشتند: جبهه تو همان مدرسه است و مسجد امین الدوله.»

یکی از شاگردان این عالم می‌گوید: «در آن سالی که حرم مطهر رضوی توسط منافقین کوردل مورد انفجار ناجوانمردانه قرار گرفت سراسیمه به مسجد امین‌الدوله رفتم زیرا از ارادت خاص و عنایت ویژه ایشان به امام هشتم مطلع بودم و نگران آشفستگی روحی استاد حق‌شناس شدم. اما وقتی به آنجا رسیدم و چهره آرام آیت‌الله حق‌شناس را دیدم از نگرانی‌ام کمی کاسته شد. ایشان آرام فرمودند: مقام امام رضا علیه السلام چنان رفیع است که با این حرکت‌های مذبحخانه چیزی از شؤن ایشان کاسته نمی‌شود.»

آثار استاد حق‌شناس:

آثار قلمی و عملی ایشان با وجود تربیت شاگردان بسیار، کم نیست، ولی چند اثر قلمی و علمی نیز از معظم له موجود است: - رساله‌ای در ارث زوجه. - تقریرات فقه مرحوم آیت‌الله حُجت. - تقریرات اصول آیت‌الله خوانساری. - تقریرات فقه و اصول آیت‌الله بروجردی. این عالم ربانی در نهایت، در سن ۸۸ سالگی دار فانی را وداع گفت و پیکر این عالم بزرگوار، در دوم مرداد ماه سال ۸۶ از مسجد ارک تهران واقع در خیابان پانزده خرداد به سوی حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) تشییع شده، و در همان مکان مقدس به خاک سپرده شد. یادگاری از آیه‌الله عبدالکریم حق‌شناس (ره):

زیارت عاشورا، یادگاری از حضرت آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حق‌شناس (ره) سالهای اول طلبگیام بود، تازه با آیت‌الله حق‌شناس آشنا شده بودم. چه جلسات با صفایی بود. خانه محقر استاد در آن جمع قلیل چه صفایی داشت. تازه ایشان به محل ما آمده بودند و هنوز در محل شناخته شده نبودند و حتی شاگردان ایشان هم از محل جدید زندگی ایشان مطلع نبودند. ماه رمضان بود و به واسطه یکی از اساتیدمان که از شاگردان ایشان بود و بعدها مدیریت مدرسه امین‌الدوله را عهده‌دار شد، خدمت معظم له شرفیاب میشدیم. حدود سیزده چهارده نفر بیشتر نبودیم. نماز را پشت سر آقا میخواندیم که جای شما خالی اما همه اینها آن چیزی نیست که می‌خواهم بگویم. آنچه می‌خواهم بگویم مهمترین یادگار زندگی من از درک محضر ایشان است که در این مختصر به

اطلاع شما عزیزان میرسانم و آن در باب ختم زیارت عاشورا است. ایشان میفرمودند: شما چهل روز زیارت عاشورا بخوانید و در آن چهل روز مراقبت شدید نفس را عهدهدار باشید؛ هر حاجتی که از خدا بخواهید به شما داده میشود و اگر از خدا حاجتتان را نگرفتید، بیایید که من برای شما حاجتتان را از خدا میگیرم و من ضامن آن هستم.

در این مختصر نه در این حد و اندازه هستم که کلام استاد را شرح دهم و نه توانایی آن را دارم که چیزی به زبان بیاورم چرا که خیلی دلم گرفته و غمگینم. ذخیره‌های الهی یکی پس از دیگری میروند. اما طریقه ختم زیارت عاشورا در چهل روز از زبان حضرت استاد آیت الله حقشناس به شرح زیر است: مقدمه زیارت باید به شرح زیر به جا آورده شود: ۱- صد مرتبه تکبیر. ۲- لعن و سلام زیارت (اللهم العن اول ظالم ... ، السلام عليك يا ابا عبدالله و علی الارواح التی...) هر کدام یک مرتبه. ۳- زیارت عاشور از اول تا ابتدای صد لعن یک مرتبه. ۴- دو رکعت نماز هدیه به ابا عبدالله الحسین علیه السلام. ۵- صد مرتبه تکبیر. و پس از انجام مقدمه شروع به خواندن زیارت مینمایید به شرح زیر: ۱- خواندن زیارت عاشورا از ابتدا تا انتها به همراه صد مرتبه لعن و صد مرتبه سلام. ۲- دو رکعت نماز آخر زیارت عاشورا که این دو رکعت نماز جزء زیارت است. اما لازم است که نکات زیر در این اربعین حتما رعایت شود: ۱- ایشان میفرمودند: در طول این چهل روز برای سلامتی حضرت بقیه‌الله الاعظم ارواحنا فداه صدقه بدهید. ۲- ایشان تاکید زیادی داشتند که در طول این چهل روز میبایست مراقبه اعمال صورت بگیرد. یعنی واجبات انجام گرفته و محرمات ترک گردد. گریه‌های آیت الله حقشناس وقتی از گناه صحبت میکردند و با لفظ زیبای «بین داداش جون» جوانان را به دوری از گناه توصیه میکردند؛ همراه با این جمله بود که گناه باعث عدم استجاب دعاست. ۳- ایشان میفرمودند: در طول چهل روز کسی جز اهل منزل از انجام زیارت عاشورا توسط شما مطلع نگردد. زیارت را مخفیانه بخوانید تا کسی مطلع نگردد و این سفارش استاد، نکاتی داشت که در این مختصر نمیگنجد. ۴- به یاد دارم که ایشان تاکید میکردند که مابین انجام زیارت عاشورا صحبتی صورت نگیرد. از آنجایی که انجام اعمال زیارت با اوصاف فوق حدود یک ساعت و نیم به طول میانجامد ایشان تاکید داشتند مابین زیارت صحبتی نشود البته ناگفته نماند که این مطلب را ایشان شرط صحت میدانستند لکن بر این مطلب تاکید میکردند و خاطرهای را نیز نقل میکردند که یادش بخیر ... ۵- میفرمودند: بین طلوع و غروب آفتاب زمان انجام عمل است و تاکید میکردند روز چهارشنبه به عنوان یوم الشروع انتخاب شود البته حجه الاسلام والمسلمین جاودان میفرمودند اگر چهارشنبه هم نشد اشکالی ندارد ولی چه بهتر است که چهارشنبه به عنوان یوم الشروع انتخاب شود. البته برای بانوان هم که در طول یک چله ممکن است دارای عذر شرعی باشند نیز دستور میدادند که باید برای ایام دارای عذر، نائب گرفته تا از جانب ایشان زیارت را ادامه دهد. جملات قصار از آیه الله حقشناس:

- شب زنده داری بر عمر و روزیتان میافزاید. - پیامبران و اوصیاء الهی برای این که طمعی به بیت المال نداشته باشند هر کدامشان مشغول کاری بودند. - عاقل بدون ایمان، شیطان است. - عمر شما در اثر خدمت به مردم زیاد میشود. - اگر خدا را میخواهی باید از خودیت خودت بگذری. - باید عمل به دستورات و اوامر معصومین سلام الله علیهم کرد، نه این که ما بتوانیم مثل آنها بشویم. - حضرت ملک الموت علیه السلام به صورت عمل خودمان ظاهر میشود. - در اولین قدم سیر و سلوک، پروردگار متعال آزمایش را شروع میکنند. - مقام مراقبه یعنی این که سالک تمام و کمال در محضر و حضور حضرت حق قرار دارد. - اول سفر الی الله سحرخیزی است. - وسایل وصال به مطلوب را نیز باید دوست داشت. - تنها راه تشخیص وسوسه شیطانی از نفحات قدسی مراقبه است. - اگر تحصیلات علمی شما با علم اخلاق توأم نباشد، منقطع میشود. - خدای متعال میفرماید: ای دنیا! خدمتگزار باش کسی را که خدمتگزار من است. یعنی کسی که (هم او واحد است) و آزار بده کسی را که خدمتگزار توست. - هر انسانی یک تکلیف اجتماعی دارد و یک تکلیف انفرادی. - دین، عمل به بندگی حضرت حق است. - اگر سالک بداند که در شناخت پروردگار چه

چیزی نهفته است دیگر به زرق و برق دنیا اهمیت نمیدهد. - اگر از باب رحمت حق، قصد ورود دارید، باید کمی پول خرج کنید و به فقرا و مسکینان و یتیمان کمک کنید. - موسی علیه السلام ده سال در مدین، شاگردی کرد و استاد شد. بدون استاد نمیشود سیر کرد. - اگر اراه کنی که خودت را حفظ بکنی پروردگار هم در هنگام ارتکاب به معاصی برای تو ایجاد مانع میکند. - اگر آن دین خالص در قلب ما وارد شود تمام آن شلوغیها از قلب مفارقت میکنند. پس دلیل شلوغی قلبی من اینست که از دین خالص در آن خبری نیست. - رسول اکرم صلی الله علیه و آله میفرمایند: اگر کسی ما را دوست دارد باید به دستورات ما عمل کند آیا کافی است کسی بگوید من علی را دوست دارم ولی فعال نباشد و عمل به فرمایشان ایشان نداشته باشد؟! - باید نه آنقدر تنبل باشید که مردم بگویند کل [وبال] بر جامعه است و نه آنقدر فعالیت در دنیا داشته باشید که عرف بگوید چهار دست و پا افتاده روی دنیا.

- روش رسول اکرم صلی الله علیه و آله از طریق اخلاق عملی است. علم رسول خدا علم رهبانیت نیست. - علم حقیقی علمی است که انسان را به هدایت خاصه راهنمایی کند. علمی است که او را به احوال دلش آگاه بکند. - خداوند متعال از جهل نمیگذرد. - حب دنیا و حب خدا در یک دل جای نمیگیرد. باید از یکی از آنها گذشت. - خوش خلقی، خوی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است، مردم را با اخلاق عملی و با روی خوش به اسلام دعوت کنید. - گمشده مؤمن حکمت و دانش است. این از ملاقات با امام زمان (عج) بالاتر است.

- علم را برای عمل کردن یاد بگیرید. علت عدم رسیدن ما به مقامات عالیه اینست که ما عمل در کلاسهای قبل نکردیم. - امر آخرتتان را اصلاح کنید تا امورات دنیای شما اصلاح شود. - آنچه که شما در سفر آخرت همراهتان دارید علم و عمل صالح خود شما است. - قدم به قدم عمل خود را با فرمایشات معصومین سلام الله علیهم منطبق کنید. - تنها یاور شما در مواجهه با حضرت ملک الموت سلام الله علیه عمل صالح شماست. - تعلقات است که مانع پرواز انسان میشود. - توفیق شما در سیر الی الله منوط به اینست که چقدر به افراد جامعه احسان میکنید و این در رأس امور است.

- اهل بهشت حسرت هیچ ساعتی از عمر خود را نمیخورند، الا ساعاتی را که در دنیا در غفلت بودند و ذکر پروردگار متعال را نکرده بودند. - آن نیرویی که بتواند شما را در مقابل شیطان و نفس محافظت کند محبت به پروردگار متعال است. - مباد نعمتهای خدای متعال شما را مغرور کند. - اگر بخواهید از دنیا استفاده کنید باید اول از پله آخرت شروع کنید. - تا زمانی که توجه به حضرت حق دارید در رحمت خداوند متعال هستید. - ابلیس شاگرد نفس است، اگر شما بخواهید این نفس را که استاد شیطان است بکوید و رامش کنید باید خود را فقیر کنید، باید خودتان را در مقابل عظمت حضرت حق هیچ بدانید. - بعد از این مرحله، مرحله شب زندهداری است. این دو راه، راه مبارزه با نفس است. - قلب خانه ملائکه است، صفات رذیله مثل سگهای پارس کنندهای هستند و ملائکه در خانهای که سگ باشد وارد نمیشود.

- آن شیطانی که مسئول نماز شب است از همه قویتر است در وسوسه کردن. اما نسبت به مخلصین اسلحهاش کارگر نیست. مواظب آن شیطان باشید. - هی در صدد نباشید روایت بنویسید و علم دیگری یاد بگیرید، باید عمل هم با آن همراه باشد. اگر به دانستیهایتان عمل نکردید هر روز از پروردگار متعال دورتر میشوید. - هر چقدر ایمان مومن ترقی بکند یک غصهای بر او مسلط میشود که نکند حجابی بیاید و بین او و محبوبش جدایی افکند. - در آخر الزمان شیطان میآید و اول کاری که میکند عقیدهها را میبرد.

این عالم ربانی در نهایت، در سن ۸۸ سالگی دار فانی را وداع گفت و پیکر این عالم بزرگوار، در دوم مرداد ماه سال ۸۶ از مسجد ارک تهران واقع در خیابان پانزده خرداد به سوی حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) تشییع شده، و در همان مکان مقدس به خاک سپرده شد.

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین حقانی

محل تولد: زنجان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۳/۱۲/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسین حقانی اول اسفند سال ۱۳۱۳ شمسی در شهرستان زنجان در یک خانواده مذهبی به دنیا آمدم. پدرم به نام علی از تجار زنجان بوده، علاقه شدیدی به اسلام و تشیع و ائمه اطهار (علیهم السلام) داشت و در اول سال ۱۳۶۲ شمسی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سن ۸۶ سالگی دار فانی را وداع گفتند و از اہم برکات وجودی او مدرسه (المنتظر) معروف به مدرسه منتظریه حقانی بود که در سال ۱۳۳۹ شمسی در شهرستان (مذهبی) قم در حوزه علمیه با نفقه خود و با اخلاص خاصی آنرا تاسیس و بنیان نهاد. دوره ابتدایی را در شهرستان زنجان در مدرسه ای بنام (توفیق) که زیر نظر استادی فرزانه و فاضل و با تقوا بنام رضا روزبه (رضوان الله تعالی علیه) اداره می شد به پایان رساندم و با رتبه ممتاز در کلاس ششم قبول شدم.

همان اوان مصادف بود با بلّیه بزرگی که ایران آنروز در اثر بی کفایتی و بی لیاقتی زمامداران طاغوت گرفتار آن شده بود و آن بلّیه، بلّیه تسلّط حزب توده و نوکران زمامداران شوروی به دبیری مردی بنام (پیشه وری) بود که از ناحیه شمال غربی منطقه آذربایجان به ایران نفوذ کرده تا زنجان و ابهر و نزدیکی های قزوین پیشروی کرده و حکومت خود مختاری را در داخل مملکت ایران آنروز تشکیل داده بود. این جریان بی دینی، زندگی مذهبی و دینی را بر متدینین تنگ کرده بود، آنان ناچار به طرف تهران و سایر نقاط امن ایران مهاجرت می کردند. ابوی اینجانب نیز چون در بازار زنجان تاجر نسبتاً مشهوری بود و همواره مورد اذیت و تعرض مسئولین حزب توده قرار داشت مقدمات مهاجرت خود را از زنجان به تهران فراهم نمود و در سال ۱۳۲۷ شمسی این مهاجرت انجام پذیرفت. من نیز در تهران تحصیلات خود را در دبیرستان فرّخی تا سیکل (کلاس نهم آنزمان) به پایان رساندم از آنجا که پدرم از خانواده علم بود و پدران وی واجداد امی همه از علمای قریه خوئین زنجان بودند بسیار مایل بود که فرزندان او نیز در رشته علوم اسلامی به حوزه های علمیه وارد شده، راه پدران خود را ادامه دهند و از طرفی هم تعصّب خاصّ مذهبی و دینی داشت و از وضع بی دینی حاکم بر مدارس آنروز تهران بسیار ناراحت بود حتّی در زمان ما سالیان سالی تا زمان فتوای مرحوم آیه الله حکیم در نجف اشرف برای اولین بار در عالم فقه و فقهات آنروز طی حکمی خرید و فروش رادیو را جایز اعلام کردند رادیو نداشتیم چون پدرم آنرا مایه فساد و تربیت غیر سالم و دینی می دانست.

از اینرو از ادامه تحصیل اینجانب بعد از خاتمه دوره دبیرستان شدیداً مخالفت می کرد صریحاً به من می گفت: شما یا اینکه به بازار بیائید و مثل ما به تجارت مشغول گردید و یا به قم بروید و سیره پدران خود را در ادامه علوم اسلامی تعقیب نمائید راه سوّمی که ادامه تحصیل کلاسیک دبیرستانها می باشد وجود ندارد زیرا این راه شما را از دین و دینداری و تقوا و کمالات انسانی دور و موجب فساد است. من نیز چون علاقه به تجارت و کسب نداشتم راه ادامه تحصیل علوم اسلامی را در قم انتخاب کردم و در اوائل تیر ماه ۱۳۳۰ شمسی بعد از خاتمه امتحانات کلاس نهم در تهران وارد حوزه علمیه قم شدم. در این هنگام حوزه علمیه قم تازه تعطیلات

تابستانی خود را شروع کرده بود که من تحصیلات علوم اسلامی را در هوای گرم تابستان سال ۱۳۳۰ هجری شمسی در قم شروع نمودم و برای اینکار مستقیماً به منزل یکی از طلاب آنروز قم که از نزدیکان و خویشاوندان ما محسوب می شد وارد شده تا موقتاً ایام تابستان را مشغول به درس و بحث باشم و ایشان نیز مثل اکثریت طلاب آنروز قم وضع مالی خوبی نداشت و صاحب منزل نیز به بیلاقی به شیراز رفته بود و منزل خود را به عنوان اینکه خالی نباشد به ایشان واگذار کرده بود و طلاب بی بضاعت نیز برای اینکه حداقل در ایام تابستان آزادی بیشتری در منزل با بچه ها داشته باشند به این کار علاقه نشان می دادند.

دوره مقدماتی علوم اسلامی را در عرض سه سال (یعنی دوره نحو و صرف و منطق و معانی بیان و علوم بلاغت در حد کتاب معمول حوزه های آنروز) نزد اساتید فن خواندم و بعد از طی دوره مقدمات دوره سطح را شروع و در عرض شش سال آنرا به پایان رساندم. در این دوره از اصول فقه معالم الاصول مرحوم شیخ حسن فرزند شهید ثانی و کتاب قوانین الاصول تالیف مرحوم میرزای قمی جلد اول تا آخر باب نواهی و بعد از آن (شرح لمعتین) تالیف مرحوم شهید ثانی را که یک دوره کامل و مختصر فقه اسلام است در عرض ۵/۲ سال خواندم و سپس (فوائد الاصول) شیخ انصاری (ره) و مجدد الاصول تالیف مرحوم آیه الله آخوند خراسانی را نزد اساتید فن از جمله مرحوم آیه الله مجاهدی گذراندم. این کتاب های متن در فقه و اصول در سطح عالی را نزد اساتیدی بزرگ از قبیل مرحوم آیه الله مجاهدی و آیه الله طباطبائی و غیر این دو از اساتید بزرگ آنروز تلمذ کردم و در عرض این دروس مربوط به فقه و اصول، (لثالی منظومه) مرحوم حکیم سبزواری (رحمه الله علیه) را (منطق و حکمت) را نزد اساتید بزرگ فلسفی آنروز گذراندم. بعد از خاتمه سطح، دروه خارج سطح را نزد مراجع بزرگ آنروز متجاوز از ۲۲ سال شرکت کردم.

در این بیست و دو سال مراجع و فقهاء و مدرسین بنام و معروفی بودند که از محضرشان استفاده نمودم. سه سال در اواخر عمر با برکت مرحوم آیه الله العظمی بروجردی در مسجد اعظم قم که مبحث قضا را شروع کرده بودند و بزرگان و اساتید و علماء بزرگ وقت در پای دروس این عالم فقیه متبحر شرکت می کردند و نوشته همه این دروس را به زبان عربی در اختیار دارم. در عرض این سه سال و بعد از آن نیز یک دوره اصول فقه را در محضر درس امام عزیز و راحل حضرت آیه الله العظمی خمینی (رضوان الله تعالی علیه) در مسجد سلماسی واقع در آخر کوچه آقازاده صبح ها شرکت میکردم و بسیار محضر با برکت و درس مفیدی بود و ضمناً در خارج اصول فقه مرحوم آیه الله محقق داماد در مسجد اعظم قم جلد ثانی (کفایة الاصول) سالها شرکت کردم و از محضر پرفیض ایشان نیز استفاده بردم و نیز یک دوره کامل در دروس اصول فقه مرحوم آیه الله آقای شیخ هاشم آملی (لاریجانی) (قدس سره) شرکت نمودم چون ایشان از نجف آمده و از شاگردان خاص و مستقیم مرحوم آیه الله آقا ضیاء عراقی که یکی از بزرگترین اساتید فن اصول فقه بشمار میرفت و تقریرات مرحوم آقا ضیاء عراقی را نیز به نام (نهایة الافکار) به رشته تحریر در آورده بود و در این دروس اصول فقه ایشان نیز سالها شرکت کردم و بهره ها بردم و نوشته های دقیق این دو درس موجود است به طوری که چند سال قبل از وفات ایشان در منزل خودشان به من فرمودند که نوشته ها را بیاورید من آن را اصلاح و به چاپ برسانم حتی می فرمودند که من هنوز زنده ام اصلاح می کنم و من چون به نوشته های دروس اشتغال داشتم وقت اینکه آنرا دقیقاً آماده بسازم و حتی پیدا نکردم و لذا دوره کامل دروس ایشان از استصحاب تا استصحاب به زبان عربی هنوز موجود است تا این شاء الله موفقیتی باشد آنها را به چاپ برسانیم. و نیز در حدود ۲۳ سال در دروس فقه مرحوم آیه الله العظمی آقای سید محمد کاظم شریعتمداری شرکت کردم و نیز سالیان متمادی در دروس فقه مرحوم آیه الله بروجردی شرکت کردم و همه درسهای ایشان دقیقاً به زبان عربی نوشته شده و موجود است.

در عرض این دروس فقه و اصول در دروس فلسفه مرحوم آیه الله علامه طباطبائی (ره) در درس اسفار ملا صدرا فلسفه متعالی سالها در مسجد سلماسی شرکت کردم و از بزرگان و اساتید حوزه علمیه قم نیز در آن شرکت داشتند و فیض ها بردم (رحمت خدا و درود فراوان بروان پاک او باد). و هیئت قدیم را همراه جمعی از فضلا در مدرسه فیضیه پیش حضرت آیه الله حاج شیخ محمد علی

اردبیلی که در این علم گرچه قدیمی بود اما تبحری داشتند تلمذ کردم و متن درسی آن (کتاب شرح چغمینی) بود که همراه برخی از آلات و ادوات مربوط به تصویر کرات و منظومه شمسی و غیر آن تدریس می نمود. اصل علمی و پژوهشی اینجانب در عرض ۵۴ سال متجاوز از ۷۰۰ دفترچه ۲۰۰ برگی علمی و تاریخی و فقهی و اصولی و کلامی فلسفی بقرار ذیل بود: دروس خارج اصول فقه از کفایه الاصول محقق خراسانی یک دوره کامل از مباحث الفاظ و مباحث عقلی و یک دوره نیز اصول فقه تقریرات مرحوم آیه الله شیخ هاشم آملی (لاریجانی) (قدس سره) از استصحاب تا استصحاب و یک دوره کامل اصول فقه تقریرات امام راحل و در فقه نیز مباحث کثیری از عبادات (طهارت، صلاه، صوم، زکوة، حج، خمس و...) و از معاملات (مکاسب محرمه و بیع تا آخر خیارات از محضر درس مرحوم آیه الله العظمی شریعتمداری که فقه را ایشان با قلم خود تصحیح نموده موجود است بصورت آثار گرانمایی باقی مانده است و مقدار بیشتری از مباحث فقه تقریری از امام راحل مکاسب بیع تا عقد صبی و مقدار بیشتری از مباحث فقه را اساتید گرامی شخصا بازنگری کرده و در آنروز با خط مبارک خود تصحیح فرموده اند که بسیار با ارزش می باشد. روی همین تحقیقات و تقریرات بود که اجازه اجتهاد از طرف مرحوم حضرت آیه العظمی آقای شریعتمداری به اینجانب به عنوان تقریظ بر کتاب طهارت که در آستانه چاپ بود داده شده و متن آن نیز دقیقا موجود است و اصل متن ورقه اجتهاد را نیز حضرت آیه الله سبحانی نوشته و آن متن به امضاء و مهر حضرت مرحوم آیه العظمی آقای شریعتمداری رسیده است و باز روی ملاحظات بالا بنا به تقاضای دانشگاه الزهراء از مرتبه علمی به اینجانب از دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم رتبه خارج دوم را که مساوی با اجتهاد مطلق است به اینجانب نیز اعطا کرده است و متن آن نیز موجود است (البته این اجازه اجتهاد با مطالعه دقیق دروس حضرات مراجع عظام نامبرده تحقیق و بررسی علمی متجاوز از ۱۵۰ دفترچه ۲۰۰ برگی می باشد که با وسواس شدیدی مورد بررسی حوزه علمیه قم قرار گرفته است) و چند سال قبل نیز رتبه استادیاری را که مساوی با دکتری است از وزارت آموزش عالی به اینجانب اعطاء شد و اینک به عنوان هیئت علمی دانشکده الهیات دانشگاه الزهراء به تدریس دروس اختصاصی آن دانشکده (فلسفه - کلام - منطق - عرفان و اصول فقه و فقه و تفسیر و فلسفه اخلاق و نیز به تدریس متون اسلامی در دانشگاه تهران - دانشکده علوم سالهاست که اشتغال دارم و اینک متجاوز از ۴ سال است که مسئولیت دانشکده علوم انسانی و ادبیات و الهیات دانشگاه الزهراء که توسط رئیس دانشگاه آن وقت الزهراء جناب آقای دکتر کوهیان تفویض شده ادامه دارد و ضمنا مدیریت گروه معارف دانشگاه الزهراء نیز بر عهده اینجانب است و در حوزه علمیه اشتغال دارم به طلاب مدرسه منتظریه حقانی نیز برخی از دروس از قبیل تفسیر قرآن و ... را تدریس می نمایم. و در مدت اشتغال به دروس اسلامی از فقه و اصول و فلسفه و عرفان و متون اسلامی و تفسیر به عنوان محبت و تشویق، چند لوح تقدیر از عملکرد دانشگاهی و تدریس و تالیفات و تحقیقات علمی و دینی در دانشگاه الزهراء و دانشگاه تهران (دانشکده علوم) به اینجانب اعطا گردیده است و اخیرا در جلسه مجمع مدیران گروه معارف در نیمه شعبان (سال ۱۴۲۰ مطابق ۳ آذر سال ۷۸) به مناسبت میلاد مسعود امام زمان (عج) در مدرسه دارالشفاء قم با حضور متجاوز از ۲۰۰ استاد و اساتید گروه معارف که توسط نهاد محترم نمایندگی ولی فقیه حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (دام ظلّه) در گروه معارف در دانشگاهها برپا گشته بود از طرف نهاد نمایندگی به عنوان استاد موفق در تدریس معرفی شده و مورد تقدیر قرار گرفتم که من خود را شخصا ناقابل می دانم و در عین حال از همه بزرگان و مسئولین و اساتید گرامی کمال تشکر را دارم.

حقانی، غلامحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مدرس.

تولد: ۱۳۲۰، قم.

شهادت: ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران.

حجت‌الاسلام غلامحسین حقانی، فرزند محمد، تا مقطع اجتهاد به تحصیل حوزوی پرداخت. بعد از انقلاب اسلامی، امام جمعه بندرعباس شد. وی همچنین دبیر شورای هماهنگی دفتر تبلیغات قم و تهران و دبیر شورای هماهنگی دفتر تحکیم وحدت بود. در اولین دوره مجلس شورای اسلامی، به نمایندگی از مردم بندرعباس در مجلس حضور داشت. ایشان همچنین در دانشگاه تربیت معلم به تدریس می‌پرداخت.

آثار ایشان عبارتند از اسلام پیشرو نهضت‌ها؛ و برخی از جزوات مؤسسه در راه حق.

حجت‌الاسلام حقانی در بمب‌گذاری هفتم تیرماه ۱۳۶۰ در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید. پیکرش در قم به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

حقایق نگار خور موجی، جعفر

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۰۱ ق)، مورخ. در خورموج مرکز دشتی متولد شد و در زادگاه خود به تحصیل پرداخت. به شیراز و تهران مسافرت کرد و مورد تفقد و محبت ناصرالدین شاه قاجار قرار گرفت. وی در عراق عرب درگذشت. از آثار وی: «حقایق الاخبار ناصری»، در ذکر تاریخ قاجار؛ «آثار جعفری»، در جغرافی و تاریخ مختصر ایران و بعضی ممالک اروپا؛ «نزهه الاخبار». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار عجم (۵۴۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۸۷-۲۸۶/۲)، ریحانه (۵۴/۲).

حق‌بین، مهوش

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

حقشناس، ابراهیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج سید ابراهیم بن حجه الاسلام والمسلمین آقای حاج سید اسدالله حقشناس یکی از علماء عاملین معاصر است در شهرستان جهرم. وی در حدود ۱۳۲۲ قمری در آن شهرستان متولد شده و پس از خواندن مقدمات و سطوح به شیراز آمده و متون فقه و اصول را از اعلام آنجا آموخته و بیشتر، از مرحوم آیت‌الله حاج میرزا محمدعلی فاضل شریعتمداری استفاده نموده است.

آقای محمد کریم اشراق در کتاب بزرگان جهرم ترجمه آن بزرگوار و والدش را چنین نگاشته است.

پدر حقشناس مرحوم (حاج سید اسدالله) از علماء روشن ضمیر و شجاع و آزاده عصر خود بوده فتوت کم نظیری داشت. در مسجد گازران که از بناهای مرحوم حاج محمدعلی بیگ ذوالقدر است نماز می‌گذازد. آن مرحوم به روشنفکر مشهور بوده است. مردمان از او به نیکی یاد می‌کنند «الا ان اولیاء الله لا یموتون بل ینقلون من دار الی دار»

محمد ابراهیم حقشناس (مترجم معظم ما) مانند پدر، انسانی بافضیلت و راستین می‌باشد. مردم جهرم را ملجأ امور روحانی و بخصوص در مورد درماندگان و بیچارگان و یتیمان سرپرستی دلسوز و پناهگاهی مؤتمن است.

پس از درگذشت آقا سید عبدالحسین حجه الاسلام و شیخ عطاءالله حقدان بنابر اعتماد همگان اداره امور مذهبی مردم را در دست گرفت.

حقشناس علاوه بر امور روحانی و دینی به نیازهای بیچارگان و درماندگان رسیدگی می‌کند و در مسجد گازران نماز برپا می‌دارد و متون فقهی و ادبی می‌آموزاند. گشاده‌روی و پرهیزکار و پاکدل است او در این رهگذر بت‌های خودی را شکسته.

ای خنک آن را که ذات خود شناخت

اندر امن سرمدی قصری بساخت

نگارنده گوید: همانطور که آقای اشراق درباره حضرت آقای حقشناس نوشته است حقیر هم با هر کدام از علماء شیراز و جهرم و غیره استفسار احوال آنجناب نمودم جز مدح و ثناء و نیکی چیز دیگر نشنیدم و وقتی در مشهد مقدس رضوی بیمار شدم معظم له به عیادت آمد و هرچه اصرار کردم که ترجمه و عکس خویش را بدهند که در این گنجینه یاد نمایم نپذیرفته و فرمودند من خود را لایق نمی‌دانم که در ردیف بزرگان نوشته‌گردم و الحق ایشان عالمی ربانی و آیتی سبحانی و دانشمندی بارع و موصوف به تقوا و ورع می‌باشد.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حق‌شناس، ایرج

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: نوزادان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.

بر گرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

حق‌شناس، عبدالکریم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج میرزا عبدالکریم حق‌شناس تهرانی از علماء مبرز و فضلاء بنام و مدرسین کرام معاصر تهران است. وی در سال ۱۳۳۸ ق در تهران متولد و پس از خواندن مقدمات و ادبیات سطوح متوسط و عالی را در تهران در خدمت آیت‌الله حاج شیخ محمد رضا تنکابنی و عرفان و معقول را خدمت مرحوم آیت‌الله شاه آبادی خوانده و در سال ۱۳۵۸ که مرحوم ثقة‌الاسلام حاج شیخ محمد حسین زاهد تهرانی (امام جماعت مسجد امین‌الدوله) تهران وفات نمود مومنین مسجد مزبور که غالباً از مقدسین و متدینین و اخیار تهراند به قم آمده و از آیت‌الله بروجردی تقاضا کردند ایشان را بجای آن مرحوم برای امامت آن مسجد انتصاب و اعزام فرماید.

پس ایشان حسب‌الامر آیت‌اللهی به تهران عزیمت و تا حال حاضر در مسجد مزبور اقامه جماعت و هم بتدریس فقه و اصول و معقول در مدرسه سپهسالار قدیم و خدمات دینی دیگر اشتغال دارد و نزدیک چهل سال است که این نگارنده ایشان را می‌شناسم حقا دارای مقام فضل و دانش و تقوا و به پاکدامنی و بی‌آلایشی موصوف و در تربیت و تهذیب اخلاق جوانان محیط خود بسیار ساعی و تربیت یافتگان مکتب او در بازار و حوزه‌های علمی قم و مشهد بسیار است و از روز آشنائی تاکنون مکروهی از وی ندیده‌ام.

از آثار ایشانست: ۱- رساله‌ای در ارث زوجه. ۲- تقریرات فقه مرحوم آیت‌الله حجت. ۳- تقریرات اصول آیت‌الله خونساری. ۴- تقریرات فقه و اصول آیت‌الله بروجردی.

شریک بحثی در قم داشتند بنام مرحوم ثقة‌الاسلام استاد میرزا حسین نظر لویی تبریزی که از افاضل تلامذه مرحوم آیت‌الله حجه و داماد مرحوم ایه‌الله قزوینی بوده بفضل و تقوا موصوف و مشار بالبنان بود و ایشان علاقه تام و ارادات کاملی بوی داشت او را دعوت نمود که به مشهد مقدس ببرد ولی متأسفانه در تهران مرگ ناگهانی او را ربود و در ری در جوار ابن بابویه با همت عالی معظم له دفن گردید.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

حق‌شناس، منصور

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد ۱۳۱۵، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی داخلی از دانشگاه شیراز و دانشگاه جانزهاپکینز آمریکا در سال ۱۳۴۵ و فوق تخصص بیماریهای خون و سرطان‌شناسی از دانشگاه جانزهاپکینز آمریکا در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی بخش داخلی دانشکده علوم پزشکی دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بیماریهای خون و سرطان‌شناسی، تدریس بیماریهای داخلی، سرطان و آموزش پزشکی در دانشگاههای شیراز و جانزهاپکینز.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی:-، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲۱

زمینه علمی مقالات:

کم خونی و فقر آهن در ایران، کمبود اسید فولیک در سرم، نوتروپنی سیکلیک، بیماری سیکل سل در ایران، بیماری الفاحین در ایران و مقالاتی چند در زمینه رشته تخصصی به زبان خارجی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

حقی، ضیاءالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی عمومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی جراحی عمومی از دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۵۷ و فوق تخصص جراحی قفسه سینه از دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

جراحی قفسه سینه، استاد راهنمای ۱۷ پایان‌نامه دکترای پزشکی و ۱ پایان‌نامه دکترای تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

کله سیستیتیهای حاد به علت تروماتیسیم، آندوسکوپی دستگاه تنفس، تومورها و کیست‌های اولیه در خراسان، بررسی ضایعات ریوی مجروحین جنگ تحمیلی، کارسینوم آلوئولارسل و گزارش ۳ مورد، آشالازی و گزارش نتایج ۲۰ مورد عمل هیلر.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

حقی، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی حقی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۸۱ به بعد در درسهای فقهی حضرات آیات وحید خراسانی و مرحوم آیت الله تبریزی شرکت کردم و همزمان به تدریس درس مکاسب مرحوم شیخ در مدرسه خان و مدرسه امام عصر اشتغال دارم و از سال ۸۳ تاکنون به همراه دوست گرامی جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای سید علی عماد بیرجندی طرحی را که در ارتباط با فقه القرآن با نگاهی متفاوت از آنچه تاکنون رایج بوده آغاز کرده ایم که احتمالاً برای تکمیل آن بین ۱۰ تا ۱۵ سال نیاز به زمان است و می تواند آثار و نتایج علمی خوبی برای محققان حوزوی در برداشته باشد. طرح مذکور در مرحله فیش برداری و مطالعات اولیه قرآنی قرار دارد و در مراحل بعد نیاز به همکاری و یاری تعداد زیادی از محققان حوزه خواهد داشت که امید است مورد عنایت حضرت ولی عصر قرار گیرد.

تنظیم آثار علمی مرحوم والدم که شامل دست نوشته های فراوان فقهی، تفسیری، کلامی و فلسفی است از دیگر دغدغه های اینجانب است که امیدوارم بتوان سر و سامانی به آنها داده و بخشهایی از آن را به جامعه عرضه دارم، انشاء الله. از سال ۷۷ تا ۸۴ نیز بطور مستمر در حلقه جلسه تفسیر جمعی از بزرگان حوزه که بصورت هفته ای ۲روز تشکیل می شد شرکت کرده و بهره علمی فراوانی از محضر آقایان بردم. همچنین با توجه به نیاز فراوان جوانان و نوجوانان به مفاهیم و معارف ناب قرآن و اهل بیت و کمبود کارهای علمی و بی توجهی به این سنین از سوی محققان حوزه ای، طرح چند جلد کتاب آموزشی موضوعات منتخب قرآن همراه با معانی قابل درک و ابزارهای تفهیم و انتقال این مفاهیم به گروههای سنی ۴ تا ۱۸ سال را در دست تالیف و تحقیق دارم که امیدوارم به تدریج تکمیل و به جامعه عرضه گردد. بخشهایی از این موضوعات در موسسه حفظ قرآن کوثر و مدارس تابع آن در سالهای گذشته تدریس شده و نتایج مثبت آن مورد ارزیابی قرار گرفته است و هم اکنون آماده تکثیر و ارائه به سایر مراکز آموزشی کشور است.

حقیقی، بهرام

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیوشیمی، دانشکده: داروسازی، دانشگاه: داروسازی علوم پزشکی اصفهان.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته بیوشیمی از دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۵۰، کارشناسی ارشد در رشته بیوشیمی از دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در سال ۱۳۵۵، دکترا در رشته آنزیمولوژی و بیوشیمی از دانشگاه سیراکسیوس نیویورک در سال ۱۳۶۱. مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی تغییرات روی DNA انسان توسط مواد سرطان‌زا با تهیه منوکلونال آنتی‌بادیهای مناسب و استفاده از روشهای ELISA و بیوشیمیائی، مطالعه آنزیمولوژیکی روی آنزیم G6pd انسان و L.mesenteroids، مطالعه تنظیم آنزیمی روی آنزیم فسفاتیدات فسفوهیدرولاز و ارتباط آن با بیماری کبد چرب، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا. تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲۴

زمینه علمی مقالات:

رابطه بین ساختمان آنزیم G6pd و مکانیسم عمل آن در انسان و در L.mesenteroids، تنظیم هورمونی آنزیم G6PD، تنظیم هورمونی آنزیم فسفاتیدات فسفوهیدرولاز، بیماری کبد چرب و مکانیسم تراکم چربیها در کبد، آنزیم‌های درگیر در ایجاد بیماری کبد چرب، ارائه متدهای حساس HPLC برای اندازه‌گیری میکوتوکسین‌ها در مواد غذایی و برای کورتیزول سرم انسان، تعیین مقدار و ارزیابی اثر آفلاتوکسی B₁ بر DNA انسان و رابطه آن با هیپاتیت B. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

حکمت بوشهری، علی محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۷۹ ق)، طیب، شاعر و روزنامه‌نگار. در بوشهر متولد شد و در زادگاه خود و شیراز تحصیل کرد. حکمت در علم طب دست داشت. وی مدیر روزنامه‌ی «آشتی» و صاحب کتابخانه نفیسی بوده است. از اوست:

مطربا بفرست رحمت، عاشقان عود را

وز درود رود آگه کن دل داوود را

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۹۶۷-۹۶۵/۵، ۲۹۱-۲۸۹/۲).

حکمت نیا، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود حکمت نیا

محل تولد: ابرکوه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۱ هجری شمسی وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدت هفت سال دوه مقدماتی و سطح را طی کردم. سال ۱۳۶۹ همزمان با شروع درس خارج رشته حقوق را در مجتمع آموزش عالی قم (دانشگاه تهران) آغاز کرده که با اتمام دوره کارشناسی در سال ۱۳۷۳ وارد مقطع کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس و پس از فارغ التحصیلی در سال ۱۳۷۸ در دوره دکتری همان دانشگاه مشغول به تحصیل شدم در سال ۱۳۸۳ از رساله دکتری خود با عنوان « مبانی نظری مالکیت فکری با تأکید بر فقه اسلامی » دفاع کردم. زبان انگلیسی را به مدت دو سال در مرکز زبانهای تخصصی دفتر تبلیغات پی گرفته و در سال ۱۳۷۸ از آن مرکز فارغ التحصیل شدم. همکاری علمی خود را با واحد اصطلاح نامه مرکز مطالعات و تحقیقات در سال ۱۳۷۳ آغاز کردم که حاصل سه سال همکاری تدوین اصطلاح نامه علوم قرآنی و اصول فقه به صورت جمعی است. سال ۱۳۷۶ شروع همکاری اینجانب با پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به عنوان مدیر گروه فقه و حقوق بوده است که همچنان ادامه دارد. در این مدت علاوه بر فعالیت در گروه فقه و حقوق، مدیریت بخش حقوقی دانشنامه امام علی (علیه السلام) را عهده دار بوده ام. همکاری با مجلات کتاب نقد، مجله قیاسات، همکاری با پژوهشکده فقه و حقوق دفتر تبلیغات و راه اندازی سردبیری سه شماره اول مجله فقه و حقوق و قائم مقام مدیر مسئول مجله، بخشهای دیگر مدیریت علمی بوده است فعالیت تدریس در دروس حقوق مدنی ۱، ۳، ۴، ۶ و ۸، مقدمه علم حقوق، حقوق تطبیقی، حقوق بین الملل خصوصی، متون حقوقی و زبان تخصصی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد، در دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه تهران (پردیس قم)، دانشگاه قم، دانشگاه مفید، مرکز تخصصی قضا، مدرسه امام خمینی، مدرسه عالی فقه و اصول از سال ۱۳۷۶ تا کنون ادامه دارد

حکمت، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد ۱۳۰۰، مرتبه علمی: استاد، رشته: جراحی و آناتومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی آناتومی و جراح دانشگاه‌های تبریز و تهران از سال ۱۳۳۰ تا سال ۱۳۵۰، استاد دانشگاه شهید بهشتی و تهران از سال ۱۳۳۶ و استاد ممتاز در سالهای ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آناتومی فیزیولوژی و فارماکولوژی سیستم اعصاب خودکار، آناتومی فیزیولوژی سیستم تعادلی شنوایی، فلج عضلات چشم در رابطه با لوچی، تدریس آناتومی در دانشگاه‌های تبریز، تهران، شهید بهشتی و قزوین.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

تشریح قند، عکسبرداری از داخل ستون فقرات با ماده قابل جذب، تشریح دستگاه ادراری و تناسلی. مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

جراحی قلب باز، عوارض پرتوهای عکسبرداری داخل ستون فقرات، تاریخ تشریح در جهان و ایران. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

حکمت، علی اصغر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مورخ، شاعر، مترجم.

تولد: ۱۲۷۱ (۱۳۱۰ ق.)، تهران.

درگذشت: ۳ شهریور ۱۳۵۹، تهران.

علی اصغر حکمت فرزند احمد علی مستوفی (حشمت‌الممالک شیرازی) بود. اجداد وی از علمای شیراز بودند و از طرف مادر نیز نوهی حسن فسایی نویسنده‌ی کتاب فارسنامه ناصری بود و جد او سید علیخان کبیر صاحب شرح صحیفه نام داشت.

علی اصغر حکمت تحصیلات علوم قدیم (مقدمات علوم و ادبیات فارسی و عربی) را در شیراز (در مدرسه‌ی علمیه و منصوریه) فراگرفت. سپس در تهران در دبیرستان کالج آمریکایی به تحصیل ادامه داد. در تاریخ ۱۳۳۷ ق. در وزارت معارف مشغول به کار شد. در سال ۱۳۴۶ ق. به وزارت دادگستری انتقال یافت و در سال ۱۳۰۹ به منظور تکمیل تحصیلات خود به فرانسه و انگلستان عزیمت کرد و از دانشگاه سربن پاریس در رشته‌ی ادبیات فارغ‌التحصیل گردید و به تهران بازگشت.

مشاغل و فعالیت‌های وی به این شرح است: رییس بازرسی وزارت معارف، ۱۲۹۹؛ رییس اداره‌ی کل معارف، ۱۳۰۷؛ مأمور مطالعات در تعلیم و تربیت و قوانین ثبت اسناد در اروپا، ۱۳۱۲ - ۱۳۰۰ (بازگشت به تهران در شهریور ۱۳۱۲)؛ کفیل وزارت معارف، ۱۳۱۲؛ وزیر فرهنگ، ۱۳۱۷ - ۱۳۱۳؛ رییس دانشگاه تهران، ۱۳۱۷ - ۱۳۱۴؛ وزیر کشور، ۱۳۱۸؛ وزیر بهداری، ۱۳۲۰؛ وزیر دادگستری، ۱۳۲۲؛ رییس کمیسیون ملی یونسکو در ایران از سال ۱۳۲۵؛ وزیر مشاور؛ ۱۳۲۶ و ۱۳۳۲ وزیر امور خارجه، ۱۳۲۸ -

۱۳۲۷؛ استاد کرسی تاریخ مذاهب و ادبیات ایران در دانشگاه تهران از سال ۱۳۲۹؛ رییس هیئت نمایندگی ایران در دانشگاه تهران از سال ۱۳۲۹؛ رییس هیئت نمایندگی ایران در کنفرانس عمومی یونسکو منعقد در فلورانس (۱۹۵۰) و دهلی نو (۱۹۵۶)؛ سفیر کبیر ایران در هند ۱۳۳۶-۱۳۳۲؛ وزیر مختار در تایلند، ۱۳۳۵؛ وزیر امور خارجه، ۱۳۳۸-۱۳۳۷؛ رییس هیئت مدیره انجمن آثار ملی، ۱۳۳۳-۱۳۲۴؛ رییس هیئت مؤسسان انجمن آثار ملی و ریاست انجمن، ۱۲۴۴؛ از نخستین اعضای فرهنگستان ایران؛ بنیانگذاری مجله «تعلیم و تربیت» (این مجله از انتشارات وزارت فرهنگ بود و شماره‌ی اول آن در فروردین ۱۳۰۴ منتشر شد)؛ حکمت در بیست و یکم خرداد ۱۳۵۱ کتابخانه شخصی خود را شامل پنج هزار جلد کتاب چاپی، تعداد زیادی نسخ خطی و مجموعه‌های روزنامه (از زمان ناصرالدین شاه تا زمان معاصر) و مجموعه‌های کتاب‌های تفسیر و کتاب‌های مربوط به قرآن (از عربی و فارسی و انگلیسی و تعدادی مرقعات) به کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران اهدا کرد که در مخزنی به نام او نگاهداری می‌شود، شرکت در جلسات کانون دانش پارس (به هنگامی که وی برای تدریس و سخنرانی در دانشکده‌ی ادبیات به شیراز می‌آمد، به پیشنهاد علی سامی ریاست افتخاری کانون دانش به او واگذار شد)، شرکت گاییگاه در جلسات «شب‌های شیراز» در تهران.

از جمله نشان‌های اوست: نشان درجه اول وزارت فرهنگ، ۱۲۹۹؛ نشان لژیون دونور از دولت فرانسه؛ نشان درجه اول همایون، ۱۳۲۵؛ نشان درجه اول نیل از دولت مصر، ۱۳۱۸؛ نشان درجه‌ی اول الکوکب الاردنی از دولت هاشمی اردن؛ ۱۳۲۸، نشان درجه‌ی اول سردار اعلا از دولت افغانستان، ۱۳۲۹؛ نشان رسمی درجه‌ی اول از دولت‌های هلند، دانمارک، انگلستان، ژاپن و ایتالیا.

فهرست آثار او به شرح زیر است: امثال قرآن مجید (فصلی از تاریخ قرآن کریم، ۱۳۳۳)، حروف مقطعه‌ی قرآنی یا فواتح صدور و فصلی از تاریخ قرآن (۱۳۳۱، نشریه مجله «مهر»); تفاسیر بوعلی سینا از قرآن مجید؛ تصحیح و تحشیه کشف الاسرار و عدۀ الابرار خواجه رشیدالدین میبدی معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری؛ سعدی تا جامی (ترجمه‌ی جلد سوم دوره‌ی تاریخ ادبیات ادوارد براون، در منبع دیگر به این صورت از آن یاد شده است: ترجمه‌ی جلد سوم تاریخ ادبی ایران و در منبع دیگری آمده است: چهارمین جلد از تاریخ ادبیات ایران، (۱۳۲۷)؛ شادباش نوری (مجموعه اشعار، ۱۳۲۶)؛ پارسی نغز (مجموعه آثار پارسی سره از نویسندگان ایران قدیم و جدید، ۱۳۲۳)؛ امین و مأمون (ترجمه عربی آثار جرجی زیدان)؛ پنج حکایت از شکسپیر (دو جلد، لاهور، ۱۹۵۷ م.)؛ پنج درام از شکسپیر (دو جلد، تهران، ۱۳۳۳)؛ دوستداران وطن، تقویم معارف از سال ۱۳۰۵ تا ۱۳۰۷ (تحصیح و تحشیه)؛ جام جهان نما؛ رساله‌ی قضایای عامه در «علوم طبیعی» ترجمه از انگلیسی؛ رساله در باب علیشیر نوایی (۱۳۲۶)؛ ایران در فرهنگ جهان (۱۳۲۶)؛ شعر معاصر؛ رستاخیز (اثر لئون تولستوی، ۱۳۳۹)؛ راه زندگی (اثر نیکلا حداد مصری، ۱۳۴۶ ق.)؛ شرح حال و منتخب جامی (ظاهراً همین کتاب با نام زندگی جامی شاعر ایرانی در سال ۱۳۲۰ هم به چاپ رسیده است)؛ مطالعاتی در باب حافظ (با عنوان دیگری: درسی از دیوان حافظ نیز به چاپ رسیده است، ۱۲۲۰-۱۳۱۹)؛ مطالعه تطبیقی رومئو و ژولیت با لیلی و مجنون نظامی (۱۳۱۷)؛ مقدمه و تحشیه و تصحیح مجالس النفائس علیشیر نوایی؛ رساله در احوال «اثر» پرشکفتی شاعر معروف فارسی؛ نقش فارسی بر احجار هند (کلکته، ۱۹۵۷ م.)، چاپ دوم، تهران، ۱۳۳۸)؛ شکونتلا یا انگشتر گمشده (کالیداس، ترجمه، بمبئی، ۱۳۳۶)؛ نه گفتار در تاریخ ادیان (شیراز، نشریه دانشگاه، تهران، ۱۳۴۱)؛ الواح بابل (اثر ادوار شی‌یر، ۱۳۴۱)؛ اسلام از نظرگاه دانشمندان غرب (۱۳۴۰، چاپ دوم)؛ اصول فن مناظره (۱۳۱۶)، افسانه دلپذیر (اثر ویلیام شکسپیر، ۱۳۲۱)، الف لیل و لیل (مقدمه کتاب به قلم حکمت، ۱۳۱۵)؛ گلزار حکمت جلد اول؛ مجله‌ی «تعلیم و تربیت»؛ مجله‌ی رسمی وزارت معارف از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۵. سخن حکمت شامل سه هزار و پانصد بیت از اشعار حکمت با مقدمه‌ی سید حسن سادات ناصری به خط نستعلیق ابراهیم بوذری، سرزمین هند (۱۳۳۷، نشریه‌ی ۵۱۵ دانشگاه تهران)، تاریخ ادیان، دیوان جامی (با مقدمه و تصحیح و اهتمام ایشان). گذشته از این مجموعه مقالاتی که به قلم وی در مجلات مختلف ایران منتشر شده و همه شامل مباحث ادبی و تاریخی است.

علی اصغر حکمت روز دوشنبه سوم شهریور ۱۳۵۹ برابر چهاردهم شوال ۱۴۰۰ ق. در تهران وفات یافت و در شیراز در مقبره‌ی

خانوادگی در حضرت عبدالعظیم «باغ طوطی» به خاک سپرده شد.

فرزند احمدعلی خان حشمت‌الممالک است که در ۱۲۷۲ در شیراز تولد یافت. حشمت‌الممالک از مستوفیان شیراز بود. حکمت تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در شیراز گذرانید و در رشته‌های ادبیات فارسی و عربی مطالعاتی نمود و سپس برای ادامه‌ی تحصیل به تهران وارد شد و ضمن گذراندن مدرسه‌ی آمریکائی، تحصیلات ادبی و فقه و اصول را ادامه داد و نزد حکما و فقهاء درجه اول آن روز مانند مرحوم میرزا طاهر تنکابنی تلمذ کرد.

در ۱۲۹۷ وارد خدمات فرهنگی گردید و با نشر مقالات محققانه و تدریس زبان انگلیسی در مدارس متوسطه، کسب شهرت نمود و وارد فعالیت‌های سیاسی شد و با کمک عده‌ای از دوستان و همفکران خود، به زعامت علی‌اکبر داور حزب رادیکال را بنیانگذاری کردند. تا ۱۳۰۹ در وزارت معارف خدمت می‌نمود و مشاغلی مانند ریاست کارگزینی، بازرسی و اداره کل معارف را تصدی می‌نمود. در این سال به تشکیلات جدید داور در دادگستری وارد شد و پس از چندی برای مطالعه در امور قضائی و ثبتي به اروپا اعزام گردید.

حکمت در اروپا وارد دانشکده‌ی حقوق و ادبیات گردید و درجه‌ی لیسانس از هر دو رشته گرفت. مأموریت دیگر حکمت در اروپا، مطالعه در امر آموزش و پرورش دانشگاه بود. وی در این مدت تحقیقاتی درباره‌ی امر تعلیم و تربیت به عمل آورده و مرتباً گزارش آن را به تهران ارسال می‌داشت.

حکمت در شهریور ۱۳۱۲ به تهران احضار شد و در کابینه‌ی ذکاءالملک فروغی ابتدا کفیل و بعد وزیر معارف و رئیس دانشگاه گردید. حکمت در کابینه‌ی جم نیز وزیر فرهنگ بود تا اینکه در شهریور ماه ۱۳۱۷ از خدمت معاف شد.

دوران پنج ساله‌ی وزارت فرهنگ علی‌اصغر حکمت را باید دوران تحول فرهنگی در ایران نام نهاد. تأسیس دانشگاه تهران، تأسیس دانشسراهای مقدماتی در سراسر کشور، برگزاری جشن هزاره‌ی فردوسی، تأسیس فرهنگستان ایران، بوجود آوردن پیشاهنگی و تغییر برنامه‌های مدارس به اصول تعلیماتی کشورهای خارج، ایجاد تحول در زبان و ادبیات پارسی، توجه به آثار باستانی و تشکیل موزه‌ی ایران باستان و تربیت کادر آموزشی و انتشار نشریات سودمند و توجه به امر ورزش در مدارس، توسعه و تکمیل مدارس ابتدائی و متوسطه از جمله کارهای او بود.

حکمت پس از معافیت از وزارت فرهنگ، شش ماه بلاشغل بود تا اینکه در اسفند ۱۳۱۷ در ترمیم کابینه‌ی محمود جم، به وزارت کشور منصوب شد. در کابینه‌ی دکتر متین دفتری نیز سمت وزارت کشور را عهده‌دار بود. در خرداد ۱۳۱۹ بار دیگر از خدمت معاف گردید و به کار تحقیق و مطالعه پرداخت.

در ترمیم کابینه‌ی فروغی در سی‌ام شهریور ۱۳۲۰، حکمت وزیر بازرگانی و پیشه و هنر شد. در ترمیم دیگر کابینه‌ی فروغی، وزارت بهداری را بر عهده گرفت. در کابینه‌ی سهیلی نیز همچنان وزیر بهداری بود.

در ۱۳۲۲ در نخست‌وزیری دوم علی سهیلی، وزارت دادگستری بر عهده‌ی حکمت قرار گرفت. در کابینه‌ی قوام‌السلطنه در سال ۱۳۲۶ وزارت مشاور یافت. در کابینه‌ی ساعد در ۱۳۲۷ وزیر امور خارجه گردید و در دولت زاهدی وزیر مشاور بود. در ۱۳۳۷ در کابینه‌ی دکتر اقبال مجدداً وزیر امور خارجه شد و آنگاه به سفارت ایران در هند مأمور گردید. علی‌اصغر حکمت گذشته از اینکه پنج سال در سه کابینه وزیر فرهنگ و رئیس دانشگاه تهران بود، دو نوبت وزیر کشور، دو مرتبه وزیر امور خارجه، یک بار وزیر دادگستری، دو بار وزیر پیشه و هنر، دو بار وزیر بهداری، سه دفعه وزیر مشاور و یک بار سفیر کبیر بوده است.

حکمت در سال ۱۳۱۴ که وزیر فرهنگ بود، کشف حجاب را اجرا کرد و در روز ۱۷ دی ماه جشنی در دانشسرای عالی منعقد نمود و چادر و حجاب از سر عده‌ای از فرهنگیان برداشت و شاه نیز حجاب همسر و دختران خود را برداشته، در آن مجمع شرکت کرد. معلمین و دانش‌آموزان مجبور شدند در مدارس بدون حجاب شرکت نمایند و همین مسئله موجب اشاعه‌ی کشف حجاب گردید.

اقدام حکمت در این مورد درخور سرزنش بسیار است. وی در کتابی به نام سی خاطره از عصر پهلوی، اقدام خود را در این زمینه نوشته است و نقش خود را در آن دوران به نمایش گذاشته است. پاداش حکمت در این خوشرقصی، این بود که از کفالت وزارتخانه به وزارت منصوب شد.

حکمت در دو نوبت وزارت امور خارجه‌ی خود دست به یک اقدام فرهنگی زد و آن انتشار مجله‌ی وزارت امور خارجه بود که مقالات تحقیقی و تاریخی زیادی در آن به چاپ می‌رسید و یکی از منابع مهم سیاست خارجی ایران می‌باشد. حکمت در اواخر عمر ریاست یکی از مدارس عالی را بر عهده داشت. وی در جوانی با خواهر سردار فاخر حکمت ازدواج کرده و صاحب سه دختر شد.

او از روز تأسیس دانشگاه تهران، یکی از اساتید و مدرسین دانشکده‌ی ادبیات و علوم معقول و منقول بود و پیوسته با داشتن مشاغل سیاسی، دقیقه‌ای از حضور در سر کلاس غفلت نمی‌ورزید.

دارای تألیفات و تحقیقات بسیاری است که قسمتی از آن به چاپ رسیده است. ترجمه و تحشیه‌ی تاریخ ادبیات ایران تألیف پروفیسور ادوارد براون تحت عنوان از سعدی تا جامی - پارسی نغز، سرزمین هند، نه گفتار در تاریخ ادیان، دو تفسیر یکی از ابوالفتوح رازی و دیگری از خواجه عبدالله انصاری در ده مجلد است. تاریخ ادیان هم از دیگر تألیفات اوست. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

حکمت، علیرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق.

تولد: ۱۳۶۶، تهران.

علیرضا حکمت از خاندان حکمت شیرازی، تحصیلات خود را در شیراز و تهران به پایان رسانید. در پی حوادث دوران پیشه‌وری به شوروی پناهنده شد. در آنجا در دانشگاه مسکو به تحصیل پرداخت و در رشته‌ی ادبیات به اخذ درجه‌ی دکتری نایل آمد و رساله‌ی پایان‌نامه خود را درباره‌ی «شعر ابن یمین فریومدی» نوشت.

حدود سال ۱۳۵۰، بود که توانست از دولت ایران اجازه بازگشت بگیرد و چون به کشور آمد به خدمت در وزارت علوم و آموزش عالی پرداخت.

علیرضا حکمت پس از بازگشت کتابی درباره‌ی تاریخ آموزش و پرورش در ایران باستان نوشت.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

حکمت، میرزا باقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۶۳ ش)، مدرس، مترجم و شاعر. در تبریز متولد شد. پس از فراگیری نحو و معانی و بیان و منطق، زبان فرانسه را در مدرسه‌ی

کمال تبریز آموخت. پس از آن مدتی نیز نزد عبدالحسین فیلسوف و مویدالحکما کسب علم کرد. سپس به تهران آمد و با گذراندن امتحان ورودی وارد دارالفنون شد، اما به علت فوت پدر، تحصیل را رها کرد و به تبریز بازگشت و مدرسه‌ی حکمت را در تبریز دایر کرد. بعد از آن به تهران آمد و عهده‌دار مشاغل مختلفی شد. وی در سرودن شعر توانا بود. از آثار او: «اخلاق حکمتی»؛ «اخلاق نوباوگان»؛ «تاریخ طبیعی، گیاهشناسی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۱۳-۱۱۲/۳)، مولفین کتب چاپی (۶۳-۶۲/۲).

حکمت، نصرالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر نصرالله حکمت، ابتدا تحصیلات خود را در علوم حوزوی تا سطح خارج فقه و اصول (در سال ۱۳۵۸) پایان برد. وی باقی ماندن در این سطح را جایز ندانست و عزم خود را جزم کرد و در مقطع کارشناسی رشته فلسفه دانشگاه تهران پذیرفته شد. او مراتب علمی را به ترتیب تا دکتری در دانشگاه مذکور به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۷۳ موفق به اخذ مدرک دکتری رشته فلسفه از دانشگاه تهران شد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه فلسفه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی می باشد.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

تحصیلات رسمی و حرفه ای: سوابق تحصیلی دکتر نصرالله حکمت به ترتیب زیر است: علوم حوزوی تا خارج فقه و اصول-سال ۱۳۵۸ لیسانس فلسفه-دانشگاه تهران-۱۳۶۴ فوق لیسانس فلسفه -دانشگاه تهران -۱۳۶۷ دکترای فلسفه -دانشگاه تهران -۱۳۷۳ مشاغل و سمتهای مورد تصدی: نصرالله حکمت فعالیت آموزشی خود را از سال ۱۳۷۳ در دانشگاه شهید بهشتی آغاز کرد که تا کنون ادامه دارد. وی دارای رتبه علمی دانشیار است.

فعالیتهای آموزشی: سوابق تدریسی و آموزشی نصرالله حکمت به قرار زیر است: سالهای ۵۲ تا ۵۸ تدریس منطق و فلسفه در حوزه از سال ۷۳ تاکنون تدریس در دانشگاه شهید بهشتی

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: علایق پژوهشی: دین، فلسفه، فلسفه دین، عرفان و ادبیات

آرا و گرایشهای خاص: دکتر نصرالله حکمت، عضو هیأت علمی گروه فلسفه دانشگاه شهید بهشتی، در پاسخ به این پرسش که آیا فلسفه اسلامی در وضعیت حاضر قابلیت پاسخگویی به مسائل جدید جامعه را دارد یا خیر، گفت: «فلسفه اسلامی در دوران ما در وضعیت انجماد قرار دارد. باید تلاش کنیم، انجماد فلسفه اسلامی شکسته شود.» دکتر حکمت افزود: «فلسفه قداست پیدا کرده و منجمد شده و رابطه اش با مسائل قطع شده است. فلسفه، اگر از حالت قداست خارج شود و به طرح پرسش و تأمل درباره پرسشها تبدیل شود، طبعاً با پرسشهای امروز ما هم ارتباط برقرار می کند. پس اگر ما بخواهیم این انجمادها را بشکنیم و فلسفه را به دنیای امروزمان و مشکلات آن برگردانیم، باید حوزه اش را از حوزه دیانت خارج کنیم و آن را به عنوان امری که متعلق به تعقل و تفکر بشر است، در نظر بگیریم.» دکتر حکمت معتقد است که ما نیازمند بحث مسأله‌شناسی هستیم. باید بدانیم که مسأله روز یعنی چه؟ آیا امروز مسأله‌ای داریم که پیشینه نداشته باشد؟» وی تصریح کرد: «فلسفه باید از حالت بسته خارج شود و به اندیشیدن و تأمل آزاد

درباره پرسش‌ها تبدیل شود. ممکن است بگویند، آنچه ما به عنوان فلسفه اسلامی می‌شناسیم بیش‌تر کلام است، تا فلسفه. باید بیندیشیم و اهل تفکر باشیم؛ ولی، این تفکر و اندیشیدن در یک فضای ایمانی خیلی راحت‌تر تحقق پیدا می‌کند.» دکتر حکمت تأکید کرد: «یکی از کاستی‌های جدی کتاب‌های فلسفه اسلامی بی‌توجهی به تاریخ شکلگیری اندیشه‌ها و آرای فلسفی بوده است. بیش‌تر فیلسوفان مباحث را طوری مطرح کرده‌اند که گویا همواره به همین شکل بوده‌اند و هیچ تحولی در آن‌ها صورت نگرفته است. این دشواری و بی‌زمانی از متون تحقیقی به متون تعلیمی راه یافته و دانشجویان را از دستیابی به تصویر روشن مباحث دور می‌سازد.»

چگونگی عرضه آثار: تعداد مقالات منتشر شده در مجلات داخلی و خارجی: بیش از ۲۹ مورد عنوان‌های طرح‌های پژوهشی: ۱- وجود ماهیت در حکمت متعالیه که به صورت کتاب چاپ شده است. ۲- متافیزیک ابن سینا، که در دست انجام است. -----

آثار:

۱ ایمان درمانی

ویژگی اثر: تالیف

۲ تأملی در تاریخ فلسفه عقل

ویژگی اثر: تالیف

۳ ترجمه المصحف المفسر

ویژگی اثر: ترجمه

۴ ترجمه علم اصول (۱)

ویژگی اثر: ترجمه

۵ ترجمه علم اصول (۲)

ویژگی اثر: ترجمه

۶ حکمت و هنر در عرفان ابن عربی

ویژگی اثر: تالیف

۷ زندگی و اندیشه حکیم ابونصر فارابی

ویژگی اثر: تالیف - زیر چاپ

۸ شرحی بر فصوص الحکم

ویژگی اثر: ترجمه

۹ متافیزیک خیال در گلشن راز شبستری

ویژگی اثر: تالیف

۱۰ مسئله چیست؟

ویژگی اثر: تالیف

۱۱ وجود و ماهیت در حکمت متعالیه

ویژگی اثر: تالیف

حکمت‌نژاد، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

حکمی قزوینی، ملاآقا

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۸۵ - ۱۱۸۴ ق)، حکیم متأله و مدرس فلسفه‌ی ملاصدرا. در قزوین متولد شد و برای اخذ علوم به اصفهان رفت و نزد آخوند ملاعلی نوری حکمت و فلسفه‌ی خواند و از بهترین شاگردانش محسوب می‌شد. آخوند نوری او را می‌ستود و دوستان فلسفه را به محضر وی هدایت می‌کرد. سپس به قزوین بازگشت و در مدرسه‌ی صالحیه کرسی فلسفه و عرفان را اشغال کرد و حدود پنجاه سال به تدریس پرداخت. آقاعلی مدرس زوزی، قره‌العین دختر ملا محمد صالح، میرزای شیرازی، سید جمال‌الدین اسدآبادی، میرزا محمد تنکابنی و آقا رضاقلی قزوینی از شاگردان او هستند. ملا آقای قزوینی علاوه بر قدرت بیان از نظر احاطه به مبانی فلسفه صدرالمتألهین کم‌نظیر بود. شیخ احمد احسائی در سفرش به قزوین با او مناظره علمی داشت. آثار او عبارت‌اند از: «رساله‌ای در حدوث عالم»؛ «حواشی اسفار»؛ شرحی بر «عرشیه‌ی» ملاصدرا.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: برگگی از تاریخ قزوین (۱۰۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۱ / ۱۳)، طرائق الحقائق (۴۶۸ / ۳)، قصص العلماء (۸۸)، المآثر والآثار (۱۸۳).

حکمی، علی محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۳ - ۱۲۶۲ / ۱۲۶۱ ق)، عارف، فیلسوف و شاعر. معروف به حکیم. در دهستان کرون، از دهستانهای کرون، از دهستانهای بخش نجف‌آباد اصفهان متولد شد. وی تحصیلات خود را نزد استادان فن، در اصفهان به پایان رسانید و فلسفه را از آقا محمدرضا قمشه‌ای، حکیم معروف، آموخت. سپس به تهران آمد و تا آخر عمر در حجره‌ای واقع در مدرسه‌ی صدر، در جلوخان مسجد شاه به تنهایی زندگی کرد. حکمی از دانشمندان زمان خود بود و در مدرسه‌ی صدر حوزه‌ی درسی داشت. مدتی هم در مدرسه‌ی علوم سیاسی تدریس می‌کرد.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره القبور (۴۴۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۲۰/۳)، شرح حال رجال (۱۷۰/۶).

حکیم

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۳۰ ق)، خطاط و طبیب. اجدادش از پزشکان دربار صفوی بودند و خود وی نیز طبیب بود و نستعلیق را خوش می‌نوشت. شاه عباس از

وی رنجیده‌خاطر شد و او را از اصفهان راند. حکیم مدت دو سال در کاشان در تبعید به سر برد و از آنجا به مشهد و از مشهد به هندوستان رفت و همان جا درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۱/۱۷۰).

حکیم الممالک، علینقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۹۳ ق)، طبیب، شاعر، مترجم و روزنامه‌نگار. ملقب به حکیم الممالک. پدرش از پیشخدمتان فتحعلی‌شاه و ناصرالدین‌شاه بود. پس از مرگ پدرش، شغل او به میرزا علینقی رسید و او با حفظ این سمت، پس از افتتاح مدرسه دارالفنون در آنجا علم طب را آموخت. در سال ۱۲۷۲ ق ضمن این که نایب دوم سفارت ایران در فرانسه بود، به تکمیل علم طب پرداخت. پس از مراجعت، از ندیمان و نزدیکان شاه شد و در سال ۱۲۸۴ ق به لقب حکیم الممالکی نایل گردید و همواره با شاه در سفر و حضر همراه بود. حکیم الممالک مدتی به حکومت بروجرد و بختیاری منصوب شد، در سفر دوم ناصرالدین‌شاه به فرنگ، همراه وی بود و بعدها به حکومت اراک و سپس به ریاست کل اداره‌ی معادن منصوب شد. وی شعر را نیکو می‌سرود و در سفر ناصرالدین‌شاه از تهران به خراسان، مسئول نوشتن سفرنامه‌ای شد که به «روزنامه‌ی حکیم الممالک» معروف شد. از دیگر آثار وی: «ترجمه‌ی زبده الحکمه» دکتر پولاک.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ جراید (۳۲۹-۳۲۷/۲)، شرح حال رجال (۵۰۹-۵۰۵/۲)، فرهنگ سخنوران (۲۷۶)، مولفین کتب چاپی (۶۰۳-۶۰۲/۴) المآثر و الآثار (۱۹۴).

حکیم الهی لواسانی ثانی، شمس‌الدین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۳۶ ق)، کلامی، حکیم و ریاضیدان. در تهران متولد شد. تحصیلات وی در سبزوار، نزد حاج ملاهادی سبزواری بود. در

سال ۱۲۷۶ ق به تهران مراجعت کرد و در همین شهر درگذشت و در صفاییه دفن شد. وی در علم کلام و حکمت و ریاضی مهارت تمام داشت.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: شرح حال رجال (۱۵۲/۲).

حکیم الهی لواسانی، فضل‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۱۳ ش)، ادیب و فاضل. در خانواده‌ای اهل علم و ادب در تهران متولد شد. پس از تحصیل در رشته‌ی فقه و اصول به شغل وکالت پرداخت. در تهران درگذشت.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: شرح حال رجال (۱۷۹/۶).

حکیم الهی، علینقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۴ - ۱۲۹۳ ق)، خطاط، مذهب، مترجم و شاعر، متخلص به حکمت. معروف به مومن دیوان مشیرالکتاب. در تهران متولد شد. نزد پدر تحصیل علم کرد و نزد میرزا علی محمد صفا به فراگیری خط پرداخت. وی در تهران درگذشت و در صفاییه دفن شد. الهی، نسخ و ثلث را خوب می‌نوشت و در تذهیب و نقاشی و حجاری و نجاری نیز مهارت داشت. حکیم الهی در سالهای ۱۳۱۵ - ۱۳۱۴ ق بنا به دستور وزیر علوم، دو نسخه از ترجمه‌های کتب خارجی را برای کتابخانه‌ی سلطنتی نوشت. وی طبع شعر نیز داشت و بیشتر اشعارش به صورت قصیده و اغلب در مدح ائمه (ع) بود. اثر به جای مانده از وی: «لطیفه‌العرفان، الهی نامه»، شعر.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۲۲/۳)، مولفین کتب چاپی (۶۰۸-۶۰۹/۴).

حکیم باشی، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن حکیم باشی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱/۱

آدرس اینترنتی

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۴۵ در تهران به دنیا آمدم و در سال ۱۳۵۴ در مشهد مقدس به فراگیری علوم حوزوی مشغول گردیدیم و پس از گذراندن سطوح عالی حوزه در درس خارج فقه و اصول نزد آیت الله فلسفی و آیت الله مرتضوی طی مدت ۲۰ سال شرکت نمودم. همچنین در درس تفسیر آیات معظم میرزا جواد آقا تهرانی، محمد صادق سعیدی رها و آیت الله سید عزالدین زنجانی شرکت کردم. علوم قرآنی را نیز از آیت الله معرفت آموختم. از حدود ۱۵ سال پیش به تحقیق و نگارش در رشته های فقه، علوم قرآنی و تفسیر پرداختم. هم اینک به تدریس فقه، علوم قرآنی و تفسیر در حوزه علمیه مشهد مقدس و دانشکده علوم قرآنی و مرکز تربیت مدرس قرآن اشتغال دارم.

حکیم ترمذی، ابو عبدالله محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۲۹۶ ق)، عارف، صوفی و محدث. در ترمذ خراسان به دنیا آمد و بیشتر عمر خویش را همان جا گذراند. از کودکی شوق عجیبی به یادگیری علم و دانش داشت، تاریخ چنانکه اشتغال به درس و مطالعه، جای بازی ایام کودکی را گرفت. ابو عبدالله علم حدیث را ابتدا از پدر آموخت؛ به جز او از محضر علی بن حجر، قتیبه بن سعید و سفیان بن وکیع حدیث روایت کرد و یحیی بن منصور قاضی حسین بن علی و دیگر مشایخ نیشابور نیز از وی حدیث نقل کرده‌اند. وی چندی از مشایخ بلخ علم آموخت و بعد از آن با صوفیه خراسان آشنا شد، به صحبت ابوتراب نخشبی، احمد خضرویه و یحیی معاذ رازی رسید و چندی در عراق به کسب حدیث پرداخت و از آنجا از طریق بصره به مکه رفت، در راه بازگشت به ترمذ به خلوت علاقه پیدا کرد و انزوا اختیار کرد. به سبب اقوال او در «ولایت» از بلخ اخراجش کردند، متهم شده بود که مقام ولایت را برتر از نبوت می‌داند، حال آنکه چنین نبود، چه حتی در دو اثر «نوادر الاصول» و «معرفه الاسرار» به برتری انبیاء بر اولیاء تاکید کرده است. از حیث اعتقاد به اهمیت مقام ولایت و از بعضی جهات دیگر، ترمذی تا حدی پیشرو ابن عربی است و ابن به آثار و آراء او توجه تمام داشته است. حکیم بعد از آن از بلخ به نیشابور رفت و این مقارن بود با فعالیت ملامتیه در بلخ، با آنکه با تنی چند از سران این فرقه مراوده داشت با این رویه مخالف بود. او آثار بسیاری از خود بجا گذاشته است، از آن جمله: «نوادر الاصول فی معرفه اخبار الرسول»؛ «ختم الولایه»؛ «رساله‌ی بدوشان ابی عبدالله»؛ «کتاب النهج»؛ «کتاب الرد علی الرافضه»؛ «کتاب العقل و الهوی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۵۶/۷)، تذکره الاولیاء (۹۹- ۹۱/ ۳)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (۶۲- ۶۱)، تصوف اسلامی یا رابطه‌ی انسان و خدا (۲۲۳- ۲۱۷)، جستجو در تصوف (۵۵- ۴۹)، حلیله الاولیاء (۲۳۵- ۲۳۳/ ۱۰)، دایرةالمعارف فارسی (۶۳۳/۱)، دایرةالمعارف الاسلامیه (۲۲۸- ۲۲۷/ ۵)، الذریعه (۳۸۰/۲۴)، ریحانه (۳۳۱/۱)، سیرالنبلاء (۴۴۲- ۴۳۹/ ۱۳)، صفه الصفوه (۳۵۳/۲)،

طبقات الصوفیه سلمی (۲۲۰-۲۱۷)، کشف المحجوب (۱۷۸-۱۷۷)، لسان المیزان (۳۹۵-۳۹۲/۶)، لغت نامه (ذیل / ۱۷۸-۱۷۷)، لسان المیزان (۳۹۵-۳۹۲/۶)، لغت نامه (ذیل / ترمذی)، معجم المؤلفین (۳۱۵/۹)، نفحات الانس (۱۱۹-۱۱۸)، هدیه العارفین (۱۶-۱۵/۲).

حکیم خراسانی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن زین الدین بن محمد صادق گون آبادی.

عالم فاضل، حکیم متأله، فیلسوف ماهر، از اجله‌ی حکما و مدرسین اصفهان، صاحب ملکات فاضله. در اخلاق و آداب و حسن معاشرت ممتاز، و محضرش مجمع ارباب فضل و کمال، و خود از شاگردان آخوند کاشی و جهانگیرخان بوده، در مدرسه‌ی صدر، مجردا زندگی می‌نمود، و جمعی کثیر از فضلا و مستعدین در خدمتش تلمذ می‌نمودند.

در تربت متولد، و از ۱۳۱۶ در اصفهان ساکن بوده، و در غره‌ی ذی‌حجه‌ی ۱۳۵۵ وفات یافته، در جنب استاد خود [آخوند کاشی] در تکیه‌ی ملک مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش این است:

«شمع دانش مرد از مرگ حکیم»

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حکیم شاه قزوینی، محمد

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، حکیم، متکلم، طبیب، نحوی و شاعر. مشهور به حکیم شاه محمد. نخست در شیراز می‌زیست. اجدادش پزشک بودند و خود نیز در پزشکی دست داشت. وی مدتی نیز در مکه زندگی کرد و بنا به تعریف و تحسین مولی ابن الموید که از علمای بنام دربار بایزید دوم، پادشاه عثمانی بود، توسط پادشاه مذکور به استانبول دعوت شد و پزشک دربار گشت و تذکره‌ی «مجالس النفائس» امیرعلیشیر نوایی در سالهای ۹۲۹-۹۲۷ ق به نام سلطان سلیم بن بایزید عثمانی ترجمه کرد. او از شاگردان علامه‌ی دوانی بود و در اکثر علوم زمان خود دست داشت. حکیم مولفات خود را به دو زبان فارسی و تازی تالیف می‌کرد. برخی از آثار وی عبارت‌اند از: «تفسیر سوره‌ی النحل تا آخر قرآن»؛ «ربط السور و الآیات»؛ حواشی بر «تهافت» مولی خواجه‌زاده مصطفی بن یونس، حواشی بر «شرح العقاید نسفی» تفتازانی؛ ترجمه‌ی فارسی و ترکی «حیوه الحیوان» دمیری، به نام «حیوه الانسان» که برای سلطان سلیمان نگاهشته؛ ترجمه‌ی «مجالس النفائس» امیرعلیشیر نوایی یا «ذیل تذکره الشعراء»؛ «شرح عقاید ملاجلال دوانی»؛ شرح «ایساغوجی»، در منطق؛ شرح «کافیه‌ی» ابن حاجب؛ «نصیحت نامه»، به فارسی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۵/۴)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۱۲۳-۱۲۰/۲)، تاریخ نظم و نثر (۲۷۷-۲۷۶)، الذریعه

(۱۰۲/۹)، ریحانه (۴۵۵- ۴۵۴/۴)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۴۵)، کشف الظنون (۱۹۵۸، ۱۸۹۳، ۱۳۷۱، ۱۱۴۶، ۱۱۴۴، ۸۳۲- ۲۰۸)، لغت نامه (ذیل / حکیم شاه)، مجالس النفائس (مقدمه، لا- مج)، معجم المؤلفین (۱۷۰/۱۱)، هدیه العارفین (۲۲۹/۲).

حکیم طباطبائی، یوسف

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید یوسف فرزند بزرگ آیت‌الله حاج سید محسن طباطبائی حکیم قدس‌الله سرهما از آیات عظام و حجج اسلام نجف اشرف بوده است.

مجله مکتب اسلام (۱۲) سال سی‌ام می‌نویسد روز بیست و هفتم رجب روز بعثت پیامبر گرامی اسلام در حالی که مردم در صحن مطهر امیرالمؤمنین علیه الصلوه والسلام مشغول راز و نیاز و ابراز تهنیت و تبریک بودند ناگهان در سرتاسر شهر منتشر شد که فرزند ارشد مرجع بزرگوار و فقیه عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی حاج سید محسن حکیم، آیت‌الله حاج سید یوسف طباطبائی حکیم دعوت حق را لبیک گفت و جان به جان آفرین تسلیم کرد.

انتشار این خبر غم و شادی را به هم آمیخت هر چند از دوران تسلط بعثتها عراق و بالخصوص قسمت سوافل فرات روز خوش و شادی به خود ندیده بودند اما همین شادی که با فرارسیدن بعثت منجی بشریت دست داده بود با غم و تلخی به هم آمیخت و تاثر و تاسف حوزه علمیه نجف و علماء بزرگ و بیوت علمی و دیگر طبقات را به خود گرفت.

حاج سید یوسف حکیم رحمه‌الله در سال ۱۳۲۲ هجری قمری در نجف اشرف دیده به جهان گشود و در دوران جوانی ادبیات و منطق و سطوح عالی را از اساتید متخصص حوزه علمیه نجف فرا گرفته آنگاه از دروس خارج آیت‌الله العظمی حاج سید محمد هادی میلانی و حاج شیخ حسین حلی و آیت‌الله حاج آقا ضیاءالدین عراقی و والد ماجدش آیت‌الله العظمی حاج سید محسن حکیم و آیت‌الله العظمی خوئی مدظله العالی فقها و اصولا- استفاده نموده تا به مدارج عالی اجتهاد رسیده و در رشته سلوک و اخلاقیات از محضر عالم ربانی آیت‌الله حاج سید علی قاضی رحمه‌الله بهره‌مند شده و به مقام معنویت نائل گردیده بود.

مرحوم حاج سید یوسف در دوران مرجعیت گسترده والد بزرگوارش قسمتی از زحمات علمی مرجعیت را به دوش داشت و بررسی استفتاآت و پاسخ به اشکالات بر عهده او بود زیرا بر اثر حضور ممتد در درس مرحوم آیت‌الله حکیم در صحن مقدس و مسجد هندی اقامه جماعت می‌کرد و شیفتگان فقه و اصول را با تدریس خود بهره‌مند می‌ساخت.

وقتی والد ماجدش از دنیا رفت او با اصرار مردم بر نشر رساله و قبول مرجعیت روبرو شد ولی زهد و پارسائی او و وجود مرجع بزرگوار او چون حضرت آیت‌الله العظمی خوئی مدظله العالی (در حوزه علمیه نجف) باعث شد که این مسئولیت را نپذیرفت.

از بعضی از دانشمندان شنیدم که چون آیت‌الله العظمی حکیم رحلت نمود مرحوم حاج سید یوسف به واسطه داشتن محبوبیت و موقعیت خاص بین مردم عراق بالا-خص مقلدین والد بزرگوارش، مواکب عزا و دسته‌جات و عشایر عرب از اطراف و اکناف که برای شرکت عزاء و تسلیت مراجع تقلید نجف و حوزه علمیه هزار ساله نجف و به ویژه بیت جلیل حکیم به نجف آمده بودند اطراف بیت و دارالعلم آن مرحوم جمع گردیده و پس از عرض تسلیت و سوگواری خطاب به آن مرحوم کرده و فریاد می‌زدند و حماسه می‌کردند (سید یوسف قلدناک سید یوسف قلدناک) یعنی ای آسید یوسف ما شما را تقلید می‌کنیم و پس از پدر بزرگوارت رجوع به شما نموده و رشته تقلید شما را به گردن خود بسته‌ایم.

پس آن مرحوم برای قداست نفس و تزکیه روح و پاکی طینت و تهذیب اخلاقی که ذاتا داشت و از استادش مرحوم آیت‌الله قاضی

آموخته بود. از آنان تشکر نموده و فرمودند اما با بودن مجتهد و مرجع تقلیدی چون آیت‌الله العظمی حاج ابوالقاسم خوئی دامت برکاته مرجعیت به مانند من نمی‌رسد همه باید به ایشان رجوع کنیم.

مصائب وارده بر آن مرحوم

نگارنده گوید: بزرگی روح و عظمت نفس و معنویت آن بزرگوار از صبر و ثبات و استقامت و پایداری آن مرحوم در برابر مصائب وارده و آزار و شکنجه‌های روحی که از ناحیه بعثیها و صدام تکریتی لعنهم الله معلوم می‌شود زیرا اگر یکی از آنها بر کوه وارد می‌شد آن را متلاشی کرده و از پای درمی‌آورد اما بنابر فرمایش حضرت امام محمدباقر صلوات الله علیه «الکمال کل الکمال، التفقه فی الدین و تقدیر المعیشه والصبر علی النائبه» چون به کمال و تمام کمال نائل شده بود به گفته بیانیه مکتب اسلام. در دوران زندگی خود فشارهای سختی از جانب حکومت بعث عراق متحمل شد حتی در بیست و هفتم ماه رجب ۱۴۰۳ قمری همه خاندان آیت‌الله حکیم را از پیر و جوان با وضع فجیعی دستگیر کردند و به بغداد فرستادند و پس از مدتها بازداشت گروهی از آنان از جمله مرحوم حاج سید یوسف آزاد شده و در بیمارستان بستری شد و از آن به بعد ماموران امنیتی لحظه‌ای اطراف بیت او را ترک نکردند و حتی نزدیکترین افراد به ایشان نمی‌توانستند با وی تماس بگیرند.

داغهای جانفزا آن مرحوم

مرحوم حاج سید یوسف قدس الله سره پس از بازگشت از بغداد و محصور شدن بعثیها مصائب و داغهای پیاپی دیده و تحمل نموده‌اند که از آنهاست شهادت دو تن از فرزندان جوان و فاضلش بنام ۱- حاج سید کمال حکیم ۲- حاج سید وهاب حکیم و شهادت چند تن از برادران گرامیش که در یک روز در بغداد خراب از طرف حکومت ظالمانه بعث به فیض شهادت رسیدند به نامهای یاد شده:

۱- آیت‌الله حاج سید عبدالصاحب حکیم.

۲- حجة الاسلام حاج سید علاء حکیم.

۳- حجة الاسلام حاج سید محمدحسین حکیم قدس الله اسرارهم و لعن الله اعدائهم و قاتلهم.

و پس از چند سال برادر مبارز دیگرش مرحوم آیت‌الله زاده حاج سید مهدی حکیم را که همواره مورد تعقیب بعثیها و از وطن و زادگاهش آواره بود در یکی از کشورهای آفریقائی (سودان) ترور و شهید کردند که جنازه‌اش حمل به قم و در جوار حضرت معصومه علیها سلام در مسجد بالاسر مدفون گردید.

و آن مرحوم همواره تحت نظر مامورین بعث بوده و چند بار می‌خواستند که ایشان را به بغداد منتقل کنند که با اعتراض شدید آیت‌الله العظمی خوئی مد ظله مواجه شده و منصرف از انتقال ایشان شدند.

رحلت آن بزرگوار

سرانجام آن فقیه نبیه و شخصیت بزرگ علمی و دینی در روز بیست و هفتم رجب ۱۴۱۱ قمری در سن هشتاد و چهار سالگی در نجف اشرف در حالیکه شهرهای عراق زیر بمباران نیروهای چند ملیتی به سرکردگی امریکا بودند و هزاران زن و کودک و پیر و جوان بر اثر این بمبارانها جان می‌باختند. با دلی پر از غصه و اندوه از دنیا رفته و به نیاکان پاکش پیوست.

آثار علمی آن مرحوم

۱- بحث حول علم الاجمالی

۲- خیارات

۳- ابحاث فی التفسیر

این آثار را برخی از ارباب فضل از شاگردان ایشان به نام حاج سید محمدصادق حکیم و آقا سیدطاهر احسائی به رشته تحریر

آورده‌اند.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

حکیم طبسی، محبوب علی

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۸۸۱ ق)، طبیب، عارف و شاعر. اهل طبس و از مریدان سید نسیمی، عارف و شاعر قرن نهم، بود که غزل را نیکو می‌سرود. وی از وطن برید و به سبزوار رفت، و شاگردی امیرشاهی سبزواری را اختیار کرد. بعد از تحصیل در علم طب، در زمره اطباء ملازم سلطان حسین میرزا درآمد. در تذکره «صبح گلشن» از او به نام حکیمی استرآبادی، و در تذکره‌های دیگر، به نام سید حکیمی و محبوب علی یاد شده است. از او «دیوان» شعری به جای مانده است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۳۲۱)، تذکره‌ی روز روشن (۲۲۰)، الذریعه (۲۶۴/۹)، ریاض العارفین (۱۸۷)، صبح گلشن (۱۴۲)، فرهنگ سخنوران (۲۷۶)، مخزن الغرائب (۷۳۵/۱).

حکیم فانوس، استپان

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، پزشک. دکرت استپان هاراتونیان که در گیلان معروف به حکیم فانوس بود، از پزشکان ارمنی مقیم رشت بود. وی علاوه بر پزشکی به کار فلاحت توتون نیز مشغول بود، اول کسی بود که بذر توتون سیگار را در سال ۱۲۵۳ ش از ترکیه به گیلان آورد و در ملک شخصی خویش کاشت. او بود که بذر توتون سیگار را به تنباکوکاران فومن داد تا بکارند و بر اثر مساعی او کشت توتون جانشین تنباکو شد و کارخانه سیگارسازی در رشت بوجود آمد.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: نامها و نامدارهای گیلان (۳۹-۳۸).

حکیم قبلی خویی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، پزشک و شاعر. وی اهل خوی و مقیم تبریز بود. میرزا محمد از معاصران عباس میرزا ولیعهد و از پزشکان مخصوص محمدشاه و ناصرالدین شاه قاجار بود. علم طب را در اصفهان آموخت. از آثار وی: «انوار الناصریه» یا «مرآة الحکمه الناصریه»؛ «رساله در تعلیم آبله زدن»، ترجمه؛ «مجمع الحکمتین و جامع الطیبین»؛ «دیوان» اشعار؛ «خلاصه عباسی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان آذربایجان (۱۲۳-۱۲۲)، الذریعه (۸۷۵/۹، ۲۲۹/۷)، فرهنگ سخنوران (۲۷۵)، مولفین کتب چاپی (۵۶۷-۵۶۶/۵)، یادگار (س ۲، ش ۱، ص ۶۱).

حکیم قمی، سعید

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم ق)، طیب و شاعر. در شاعری نخست تنها و بعد حکیم و گاهی سعید تخلص می‌کرد. وی طیبی حاذق بود و در حکمت نظری نیز مهارتی وافر داشت و شعر هم خوب می‌گفت. حکیم قمی با برادرش، میرزا محمد حسین، از پزشکان ویژه شاه عباس اول به شمار می‌آمدند و مورد قبول عام بودند. حکیم سعید پس از جلوس شاه سلیمان به سعایت بدگویان مؤاخذه شد و به حبس در قلعه‌ی الموت محکوم شد، لیکن پادشاه از وی درگذشت، از آن پس در قم سکونت اختیار کرد و به طاعت و عبادت و طلب علم پرداخت. می‌گویند «دیوانش» متداول و قریب ده هزار بیت بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آتشکده‌ی آذر (۱۲۴۶-۱۲۴۲/۳)، تذکره‌ی روز روشن (۳۵۸-۳۵۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۶۸-۱۶۷)، الذریعه (۴۵۱، ۱۷۹/۹)، صبح گلشن (۹۵)، فرهنگ سخنوران (۲۷۶).

حکیم قمی‌شاهی، نصرالله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند حاج شیخ مرتضی. عالم فاضل حکیم فیلسوف متأله عابد زاهد، از شاگردان حاج ملاحسین علی تویسرکانی در اصفهان، و حاجی سبزواری و جمعی دیگر از علما و حکما بوده، و پس از تکمیل تحصیلات خود به مولد خویش مراجعت کرده، و به تدریس حکمت اشتغال جسته، و عده‌ای کثیر شاگرد تربیت نموده، و در زمان او تدریس حکمت به او منحصر بوده، و ریاست علمی در محل داشته است.

وی را حواشی است بر اوایل امور عامه‌ی اسفار.

تولدش در ۱۲۵۷، و وفاتش در ۱۳۲۴ روی داده، قبرش در امامزاده شاهرضا می‌باشد.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حکیم کازرونی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی حکیم متخلص به رحمت فرزند حاج سید عباس مجتهد طباطبائی کازرونی معروف به حاج مجتهد از فقهاء و مجتهدین و عرفاء و حکماء اشراق و شعراء دانشمند معاصر است.

معظم له در ذی‌حجه ۱۲۷۸ متولد شده و پس از پرورش در سن ۷ سالگی سال ۱۲۸۵ قمری از کازرون به شیراز آمده و مقدمات و ادبیات عربی را در خدمت مرحوم حاج سید محمدعلی کازرونی فراگرفته و حکمت را در محضر درس حاج شیخ احمد معروف به شانہ‌ساز و فقه و اصول را نزد آقا شیخ محمدحسین مجتهد شیرازی آموخته و در سال ۱۳۰۳ قمری به نجف مشرف شده و مدت دوازده سال از محضر مرحوم آخوند ملا- کاظم خراسانی و علامه یزدی صاحب (عروه) و دیگران استفاده نموده و در سال ۱۳۱۵ قمری به موطن و مولد خود کازرون برگشته و اهالی آن شهر مقدم او را گرامی داشته و بنا بر اصرار اهالی تا سال ۱۳۱۹ در آنجا اقامت نموده و بعد از آن به شیراز آمده و در شاه‌چراغ به اقامه جماعت و در مدرسه مقیمیه و منزل خود و مسجد نو به تدریس اسفار اربعه و فصوص الحکم و فقه و اصول پرداخته تا در روز پنجشنبه هیجدهم رجب سال ۱۳۴۳ ق در شیراز به رحمت ایزدی پیوست و در تکیه حافظیه مدفون شد.

از آثار علمی او کتب زیر است.

- ۱- دوره اصول ۲- دیوان اشعار فارسی و عربی (در شیراز چاپ شده) ۳- دو رساله دیگر که چاپ شده
- برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حکیم مهدی، فیض علی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم ق)، طیب و شاعر، متخلص به حکیم. اصل وی از مشهد مقدس بود، از زادگاهش رهسپار هندوستان شد و در آن سامان نزد حاکمان تقرب یافت. فیض علی علاوه بر اینکه در میانه‌ی موزونان از مشاهیر بود، در علم طب نیز آگاهی و وقوف تمام داشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۸۵۳/۹)، کاروان هند (۳۳۰-۳۲۹/۱)، مآثر رحیمی (۱۲۵۲-۱۲۴۳/۴)، مرآت الخیال (۲۶۰-۲۵۸).

حکیم مومن، محمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، پزشک و داروشناس. مشهور به حکیم مومن. پدر و نیای او از طبیبان دربار صفوی و خود پزشک ویژه‌ی شاه سلیمان بود. از آثارش: «تحفه المومنین»، به زبان فارسی در معرفت داروهای مفرد و مرکب. این کتاب چند مرتبه در ایران چاپ سنگی شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۳۶۳-۳۶۲/۵)، الذریعه (۴۷۳/۳)، ریحانه (۶۰/۲)، لغت نامه (ذیل / حکیم مومن).

حکیم یزدی، علی‌اکبر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۲۲ ق)، فقیه اصولی و متکلم. در یزد و تهران درس خواند، در معقول شاگرد آقا محمدرضا قمشه‌ای در منقول شاگرد میرزا ابوالقاسم کلانتری و میرزا محمد حسن آشتیانی بود و از میرزای آشتیانی اجازه اجتهاد داشت. پس از پایان تحصیلات در قم ساکن شد و به تدریس پرداخت. بیشتر آوازه‌ی شهرت او به خاطر مهارت او در حکمت بود. شیخ محمد علی، فرزند محمد جعفر قمی، از شاگردان اوست که «رسائل» شیخ مرتضی انصاری را در خدمت وی فراگرفت. حکمی در قم درگذشت و پیکرش در مقبره‌ی شیخان به خاک سپرده شد. از آثار وی: «الرساله الرضاعیه» یا «الرضاعیات»، به فارسی؛ شرح «الشواهد الربوبیه» ملاصدرا؛ شرح «رسائل» شیخ مرتضی انصاری؛ حاشیه بر «بدایع الاصول».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۸/۱۷۶)، خدمات متقابل اسلام و ایران (۶۱۱)، الذریعه (۱۱/۱۹۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۰۷/۱۴).

حکیم، حسین

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حکیم عالم فاضل، و فقیه کامل، از حکمای الهی در قرن دهم بوده، در سال ۱۰۰۴ وفات یافته، قبرش نزدیک مسجد مصلی در تخت فولاد.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

حکیم، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی حکیم

محل تولد: نجف

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در یازده سالگی پس از شرکت در اولین جلسه تعلیم قرآن که از طرف حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی در سراسر قم بود شرکت کردم در تابستان بعدی اولین تدریس قرآن را آغاز کردم. پس از آن در همان سال تحصیلی علاقمند به حوزه شدم و در سن ۱۲ سالگی وارد حوزه علمیه قم شدم و کنار درس به مسائل رفتاری توجه خاصی داشتم و قبل از آغاز جنگ به مطالعه روانشناسی روی آوردم پس از دو سال جبهه که مسئولیتهای نسبتاً سنگین مانند قائم مقامی سازمان تبلیغات استان خوزستان و مسئولیت توزیع روحانیان به سپاه و ارتش برعهده اینجانب بود که به خاطر مسئله تربیت کادر و نیروی آینده احساس تکلیف کردم به قم برگردم (در اثر اصرار برخی از اساتید) و طرح تربیت الگو و مدرسه آزمایشی راه انداختم هدف از طرح انتقال رفتار و تغییر سریع رفتار در نوجوانان از طریق الگوی همسن طرح بسیار موفق و جامعی بود و کاملاً علمی در کنار اجرای طرح طراحی مدرسه نمونه نیز مد نظر بود ولی متأسفانه جو عمومی علمی نبود این طرح را سازمان تبلیغات قم پوشش حمایتی می‌داد و آموزش و پرورش همکاری می‌کرد به هر حال خیلی بار علمی و عملی داشت تا سال ۱۳۶۶ ادامه یافت و برخی خروجی‌های آن اکنون در حوزه و دانشگاه که برخی پزشک نمونه کشور شدند و سایر رشته‌ها و برخی که در دولت کنون افغانستان در وزارت آموزش و پرورش آن در حد برنامه ریزی درسی مدیر کل و معاون وزیر شدند به هر حال تأسف آور این است که این تجربه مدفون ماند در حالیکه کشور به آن نیاز داشت وضع تربیت اکنون نتیجه عدم برنامه‌ریزی علمی است و تربیت آشفته دینی ما هم از همین امر ناشی می‌گردد.

در کنار دروس حوزه که حتی در جبهه قطع نشد در قم کنار حوزه و مطالعات رفتاری به بررسی متدهای تغییر رفتار در از مدت در بزرگ‌سالان و بحث روان درمانی هم نیز پرداختم در بیمار اضطراب حاد و بسیار وسواس داشتم و نتایج فوق‌العاده جالب بود و حاکی از اهمیت تغییر رفتار پیش از بلوغ و تا ۲۱ سالگی بود در حوزه از روش‌های هم دروس قدیم اصول و دروس حلقه‌های اصول همزمان پیش می‌بردم در سال ۶۸ وارد بحث خارج شدم و در آن زمان نیز اولین تدریس دانشگاه را آغاز نمودم که به اصرار آیت الله اراکی بود چندان مشتاق نبودم و تاکنون بیش از ۱۷۰۰۰ هزار دانشجو را در زمینه‌های مختلف معارف تفسیر قرآن اخلاق و تربیت عقاید و دفع شبهات هر مقطع پرداختم که در هر دانشگاه همیشه از نظر دانشجویی رتبه اول را داشتم در کنار آن بحث خارج تا سال ۸۲ قطع نشد و پس از آن به خارج اعزام شدم و نزدیک یک سال در فنلاند امامت جمعه و تبلیغ و تدریس داشتم و فوق‌العاده با جوانان مسلمان رابطه صمیمانه و با خانواده ما برقرار شد ولی محیط غرب را اصلاً تحمل نکردم برای من حکم زندان را داشت در سال‌های ۱۳۷۶ مدیر گروه کلام واحد کلام و فلسفه را داشتم.

و در سال ۱۳۷۹ مدیر گروه فلسفه و کلام مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران را برعهده‌ام گذاشتند و در همان سال نیز مدیریت گروه اخلاق و تربیت برعهده داشتم که تا سال ۱۳۸۲ ادامه داشت یعنی تا سفر خارج کشور در کنار آن سه دوره تدریس کلام استدلالی در سطح عالی برای تربیت مدرس خواهران داشتم که از نظر روش تدریس از اساتید بزرگ دیگر نیز پیشی گرفته بودم و در دوره سطح سه کلام و فلسفه دفتر تبلیغات تدریس متون قدیم کلام و تدریس عقاید استدلالی را داشتم. و از سال ۱۳۷۵ یا ۷۶ اولین کارهای علمی در اینترنت در کتب با وهابیان و مسیحیان عرب زبان بود شروع و تاکنون ادامه دارد هر وقت فرصت کنم به چت‌های داغ و علمی رفته و مدت چهارماه برای مجمع اهل بیت هم نظارت و هم اداره علمی مباحث اینترنت را برعهده داشتم که استقبال بسیاری داشت والحمدالله رب العالمین.

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۹۰ - ۱۳۰۶ ق)، فقیه، مجتهد و مرجع تقلید. در نجف متولد شد. در شش سالگی پدرش را از دست داد و برادرش سرپرستی او را بر عهده گرفت. وی مقدمات را تا قوانین نزد برادر بزرگ خود و بقیه‌ی علوم را نزد سایر فضلا فراگرفت. پس از اتمام درس سطح، محضر ملا-محمد کاظم خراسانی رسید، و از وی بهره گرفت. آنگاه به تدریس فقه و اصول پرداخت، و مدتی در صحن نجف و مسجد هندی به اقامه‌ی نماز جماعت پرداخت. وی پس از فوت آیت‌الله حاج آقا حسین بروجردی، مرجعیت تام در میان شیعیان دوازده امامی پیدا کرد. آیت‌الله حکیم در هشتاد و چهار سالگی در کاظمین درگذشت و در نجف به خاک سپرده شد. آثار او عبارت‌اند از: «رساله‌ی عملیه»؛ «حاشیه علی العروة الوثقی»؛ «حقایق الاصول تعلیقه علی کفایة الاصول»؛ «دلیل الناسک» یا «راهنمای مناسک حج»؛ «منهاج السالکین» و «منهاج الناسکین».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۶۳/۲۳ - ۱۴۹/۶)، شرح حال رجال (۱۹۲ - ۱۹۰/۵)، مولفین کتب چاپی (۲۲۰ - ۲۱۷/۵).

حکیم، منذر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید منذر حکیم

محل تولد: کربلا

شهرت

تابعیت: ایران

زندگینامه علمی

بسمه تعالی تولد: ۲۹ شوال ۱۳۷۲ هجری قمری (۲۰/۴/۱۳۳۲ش) کربلا- ورود به حوزه علمیه: ۱۳۴۹-۱۳۵۳ ش، نجف اشرف (مقدمات، سطوح، خارج) ۱۳۵۳-۱۳۷۲ش، قم (خارج) اساتید مقدمات و سطوح: آیه الله شهید سید اسد الله مدنی، آیه الله سید محمود شاهرودی، آیه الله شیخ ابوالفضل (علی) اسلامی قزوینی، آیه الله شیخ بشیرحسین نجفی، آیه الله سید نور الدین اشکوری و حجة الإسلام شیخ محمد سعید نعمانی، شهید حجة الإسلام شیخ ماجد بدرآوی، آیه الله سید محمد تقی طباطبائی تبریزی، آیه الله میرزا حبیب الله اراکی، آیه الله شیخ مرتضی اشرفی شاهرودی، آیه الله سید حسن مرتضوی، استاد شهید سید عبد الصاحب حکیم، آیه الله شیخ ابوالحسن انواری زنجان، آیه الله شیخ مصطفی اشرفی، آیه الله سید کاظم الحائری، آیه الله سید محمد مفتی الشیعة، استاد شیخ غلامرضا عرفانیان، آیه الله شیخ علی کاتبی مرندی، و آیه الله فرخنده تبریزی، استاد شیخ عباس طبرسی مازندرانی آیه الله شیخ محمد امین زین الدین، حجة الإسلام دکتر شیخ محمد باقر مقدسی. اساتید اخلاق: آیه الله شهید سید اسد الله مدنی، استاد شهید سید عبد الصاحب الحکیم، استاد شیخ نجم الدین طبرسی مازندرانی، استاد شیخ نجم الدین طبرسی، استاد شیخ نجم الدین طبرسی مازندرانی، شیخ عبد الحسین واعظ خراسانی، آیه الله شیخ ابوالفضل (علی) اسلامی قزوینی. اساتید تفسیر: استاد شیخ نجم الدین طبرسی مازندرانی، شیخ عباس طبرسی مازندرانی، آیه الله سید حسن مرتضوی، آیه الله شیخ بشیرحسین النجفی، آیه الله خزعلی، آیه الله جوادی آملی. خارج اصول در محضر آیات عظام: آیه الله العظمی سید ابوالقاسم خوئی، آیه الله العظمی شهید سید محمد باقر

صدر، آیه الله العظمی شیخ حسین وحید خراسانی، آیه الله العظمی ناصر مکارم شیرازی، آیه الله العظمی میرزا هاشم آملی، آیه الله العظمی سید کاظم حائری، آیه الله العظمی سید محمد مفتی الشیعه اردبیلی. مباحث خارج فقه در محضر محضر آیات عظام: امام خمینی (ره)، شهید سید محمد باقر صدر، سید علی سیستانی، میرزا کاظم تبریزی، شیخ محمد طاهر آل شبیر خاقانی، میرزا جواد آقای تبریزی، شیخ حسین وحید خراسانی، سید کاظم حائری را درک نمودم. تدریس: تمام دروس مقدمات، کتب سطوح اولیه و سطوح عالیّه حوزوی، خارج تاریخ و علوم تاریخ، علوم قرآن و تفسیر، علوم تربیتی و اخلاق، فلسفه و کلام، مباحث جامعه شناسی کلیه دروس معارف در دانشگاه در مقاطع مختلف تحصیلی استاد مشاور و راهنمای و داور در بسیاری از رساله های علمی در مرکز جهانی علوم اسلامی و (جامعه المصطفی العالمیه)، حوزه علمیه قم، جامعه الزهراء، مرکز مدیریت خواهران، جامعه آل البيت (ع)، مؤسسه پژوهشی امام خمینی (قدس). برخی تحقیقات و تألیفات: - المرشد الی تعلیم قراءة القرآن الکریم - اصول عقائد (در دو سطح مقدماتی) - نگاهی به سر فصل ها و متون دروس معارف اسلامی در دانشگاهها - ترجمه ی اصول فلسفه و روش رئالیسم ج ۱ - تحقیق فقه معالم الدین - تحقیق رساله لاضرر شیخ انصاری - تحقیق مقالات الأصول (محقق عراقی) - تاریخ تطور فقه و اصول در مکتب اهل بیت (ع) - حیاة الإمام شرف الدین - عصر الإمام شرف الدین - قراءة فاحصة فی تراث الإمام شرف الدین - عصر الإمام البلاغی - قبسات من حیاة شهید المحراب السید محمد باقر الحکیم - تاریخ عصر غیبت باهمکاری پور سید آقایی - درسنامه عصر غیبت - تاریخ عصر غیبت کبری - النظرية الإجتماعية فی فکر الشهيد السید محمد باقر الصدر (جامعه شناسی قرآنی) - موسوعه اعلام الهدایه (۱۴ جلد) - فی رحاب اعلام الهدایه (۵ جلد) - موسوعه "تاریخ الإسلام (۴ جلد) - قبسات من سیره القادة الهداء (۲ جلد) - دروس تمهیدیة فی تاریخ و سیره قادة الهداء (۲ جلد) - فی رحاب سید المرسلین الرسول المصطفی (ص) برخی طرح های علمی: - نظریه ی اخلاقی اسلام - مبانی نظریه و نظام اخلاقی اسلام - طرح تاریخ و علوم تاریخ در قرآن کریم - طرح پیشنهادی آموزش در مقطع اجتهاد - مبانی و زمینه ها و شیوه ایجاد تحول در حوزه های علمیه - برنامه آموزشی پیشنهادی برای حوزه های علمیه بر محوریت قرآن کریم برخی مسؤولیت ها: مدیریت سازمان تبلیغات اسلامی خوزستان مدیریت حوزه های علمیه اهواز و دزفول مدیریت پژوهش در: مجمع جهانی اهل بیت (ع)، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (بخش عربی) مدیریت برنامه ریزی و آموزش در: سازمان تبلیغات اسلامی خوزستان مجمع اندیشه اسلامی مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران و... مدیریت اولین دوره ی تربیت محقق در مؤسسه ی دائره المعارف فقه اسلامی مدیریت گروه فقه خانواده در جامعه المصطفی العالمیه مدیریت گروه فقه در دانشگاه مجازی المصطفی

حکیم، منوچهر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۹ ش)، پزشک، نویسنده و استاد دانشگاه. پس از پایان تحصیلات ابتدایی، وارد مدرسه ی ثروت شد و دوره ی تحصیلات متوسطه را در آن مدرسه گذراند. سپس به اروپا رفت و پس از تلاش بسیار از دانشگاه پاریس با درجه ی عالی، دانشنامه ی دکتری پزشکی در رشته ی کالبدشناسی گرفت. سپس به ایران بازگشت و به تدریس در دانشگاه پرداخت. از آثار او: «کالبدشناسی انسانی»، «کالبدشناسی بالینی»، «کالبدشناسی دستگاه گوارش»، «کالبدشناسی موضعی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه ی رجال و مشاهیر (۱۲۱/۳)، مولفین کتب چاپی (۳۰۸ - ۳۰۷/۶).

حکیمی - محمد رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد حکیمی در چهاردهم فروردین ۱۳۵۴ (۱۳۱۴ ق) (استاد، تاریخ درگذشت خویش را به اصحاب سرش گفته است و «سر اهل السر مما لا یباح»؛ اما امید است که با دعای همان اصحاب سر، آن تاریخ به تأخیر افتد و استاد دیرتر بزید. ان ذلک علی الله یسیر.)، در مشهد زاده شد. پدرش، حاج عبدالوهاب حکیمی (م ۱۳۶۹ ش)، که از یزد به آستان امام رضا - ع - پناه برده بود، از محترمین بازار مشهد و متشرع و اهل مراقبه بود و از شبهات می‌گریخت. حکیمی در سال ۱۳۲۰ به مکتب و سپس به مدرسه رفت. پس از فرا گرفتن قرآن و صد کلمه (از کلمات قصار امیرالمؤمنین علی - ع - با ترجمه‌ی منظوم)، و نیز مقداری از دیوان حافظ، درسهای دوره‌ی ابتدایی را در مدرسه فرا گرفت. در سال ۱۳۲۶ به حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد وارد شد و بیست سال در آنجا به علم‌اندوزی و خودسازی پرداخت. هشت سال به درسهای مقدمات و سطح و دوازده سال به درس خارج اشتغال داشت و در جنب آن، پانزده سال به تحصیل فلسفه و کلام پرداخت.

ادبیات عرب را نخست در نزد چند تن از طلاب فاضل، و بار دیگر در نزد شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری، معروف به ادیب ثانی (م ۱۳۵۵ ش)، فرا گرفت و تقریرات همه‌ی دروس او را نوشت. اصول فقه و فقه را در محضر آیت الله میرزا احمد مدرس یزدی (م ۱۳۵۰ ش)، که خویشاوندش بود، و آیت الله علی‌نمازی شاهرودی (م ۱۳۶۴ ش)، و دیگر دروس سطح و مقداری از خارج را، از جمله خارج کفایه، در محضر آیت الله شیخ هاشم قزوینی (م ۱۳۳۹ ش)، آموخت. همچنین دوازده سال از افاضات آیت الله شیخ مجتبی قزوینی (م ۱۳۴۶ ش)، بهره برد و جلدین کفایه و خارج فقه و نیز درس معارف اعتقادی و اجتهادی و فلسفه (شرح اشارات و اسفار) و نقد فلسفه را از محضر او فرا گرفت و ضمن تماشای رواق اشراق، همراه مشائیان تمشی کرد. ده سال نیز در درس خارج فقه و اصول آیت الله العظمی سید محمد هادی میلانی (م ۱۳۵۴ ش)، حاضر شد و تقریرات درس اصول وی را بتفصیل و تقریرات برخی از دروس فقه را باختصار نوشت.

شرح باب حادی عشر را از بعضی از فضلا، و شرح تجرید را در محضر شیخ عبدالنبی کجوری (م ۱۴۱۹ ق)، و شرح منظومه را از شیخ غلامحسین محامی بادکوبه‌ای (م ۱۳۳۳ ش)، آموخت، در پی آموختن علوم مرسوم حوزه، در سری هم در علوم دیگر کشید که مبادا چیزی را فروهسته باشد: نجوم و تقویم را در نزد حاج شیخ اسماعیل نجومیان (م ۱۳۵۶ ش)، و اوفاق و رمل را از محضر حاج سید ابوالحسن حافظیان (م ۱۳۶۰ ش)، و حاجی خان مخیری (م ح ۱۳۵۰ ش)، و شیخ مجتبی قزوینی فرا گرفت. گزافه نیست اگر بگوییم از کوچکی آثار بزرگی در مثنوی حکیمی نمایان بود: بالای سرش ز هوشمندی می‌تافت ستاره‌ی بلندی. شاهد اینکه در نوزده سالگی، هنگامی که درسهایش در نزد ادیب ثانی پایان یافته بود، قصیده‌ای به عربی، در بیش از چهل بیت، پاس مقام استاد را، سرود و در شب نوزدهم ۱۳۳۳، به وی پیشکش کرد. آنکه که آن ادیب اریب، آن قصیده‌ی عربی را، از آن طلبه‌ی نوجوان دید، انگشت تعجب به دهان گرفت و او را، علی رؤوس الاشهاد، برکشید و «متنبی جوان» خواند. (شرح این موضوع خواهد آمد).

نیز گفتنی است که استاد حکیمی دو جلد کفایه را در طی یک سال تحصیلی در نزد شیخ مجتبی قزوینی فرا گرفت. شیخ استاد چندان از ذکاوت و سرعت انتقال وی شگفت زده شده بود که گفت: «تاکنون کسی با این استعداد ندیدم که جلدین کفایه را در یک سال بخواند». (معاد جسمانی در حکمت متعالیه، ص ۴۰۲).

این را هم بگویم چندی پس از آنکه حکیمی شرح منظومه را به صورت اجتهادی و انتقادی، در نزد محامی بادکوبه‌ای فرا گرفت، وی دیگر او را نه «حکیمی»، که «حکیم» می‌خواند و می‌گفت: «یا»ی نسبت را از نام حکیمی بردارید؛ او دیگر نه «حکیمی»، که «حکیم» است.

همچنین روزی آیت الله میلانی، در هنگام درس اصول، پس از اینکه بسمله گفت و خطبه خواند، چشم چرخاند و شاگرد جوانش را، که در گوشه‌ای نشسته بود و در دیدگاه استاد نبود، ندید. سکوت کرد و سکوت مجلس را فرا گرفت که مگر چه شده آقا درس را متوقف کرده است! آنگاه فرمود: آقای حکیمی نیستند. افلاطون تا ارسطو حاضر نمی‌شد درس را شروع نمی‌کرد؛ می‌گفت عقل در مجلس درس حاضر نیست.

آری، آن «متنبی جوان»، در نزد ادیب ثانی، و آن «حکیم»، در نظر محامی بادکوبه‌ای، «ارسطوی دوم» و «عقل مجلس درس»، در نزد آیت الله میلانی بود. و دانستی است که حکیمی جوانترین فرد در درس میلانی بود و همگان از او پیشنهاد علمی و حوزوی دیرینه‌تری داشتند. حتی در آن جمع، فاضلانی بودند که حکیمی برخی از متون مقدمات و سطح را نزد آنان خوانده بود.

این را نیز بگویم که استاد حکیمی قدم در سی سالگی نگذاشته بود که علامه شیخ عبدالحسین امینی (م ۱۳۴۹ ش)، در نامه‌ای که از نجف برایش نوشت، وی را با عنوان «العلامة الجلیل» مورد خطاب قرار داد. در این نامه، که با عبارت «با هزاران شوق دیدار» آغاز شده، استاد حکیمی به همکاری مطبوعاتی دعوت گردیده و در آن آمده است:

زیاد از حد مایلیم که از قلم و قدم شما خدمات شایانی نسبت به مولا بوده باشد و شما شریک این اعمال گردید که تحقیقا موجب توفیق است. لذا این زحمت را به عهده‌ی جناب عالی می‌گذارم؛ والا رفقای زیادی در تهران هست که با جان و دل حاضرند که این خدمات را عهده‌دار شوند. و این تصدیع، رمز محبت حقیر است نسبت به شما. (این نامه‌ی بدون تاریخ در حدود ۱۳۴۱ نوشته شده و تصویری از آن در نزد اینجانب هست).

در همین سالها بود که شیخ آقا بزرگ تهرانی (م ۱۳۴۸ ش)، در ضمن اجازه‌ی روایی به استاد حکیمی، از وی با القاب «الفاضل الکامل البارع الاریب والاستاد المحقق الماهر الادیب» یاد کرد. (شیخ آقا بزرگ تهرانی، ص ۶۷. تاریخ ابن اجازه رجب ۱۳۸۲، برابر با آذر ۱۳۴۲ است.) و این اجازه کتبی، پس از اجازه‌ی شفاهی‌ای بود که شیخ در حرم مطهر امام رضا -ع- در جمادی الاول ۱۳۸۲ به استاد حکیمی داده بود.

هیچگاه استاد حکیمی از زندگی آموزشی خود حکایت نکرده است؛ فقط در یک - دو جا، آن هم جایی که می‌خواسته است خاطر نشان کند که با علم اصول مخالف نیست، بناچار، از تحصیلاتش، آن هم فقط تحصیلات اصولی خویش، سخن گفته است: در ایام تحصیل، کفایه و مقداری از درس خارج را نزد آیت الله حاج شیخ مجتبی قزوینی خواندم، و مقداری خارج کفایه را نزد آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی. و هفت سال در درس خارج اصول آیت الله العظمی حاج سید محمد هادی میلانی (۱۳۱۳ ق - ۱۳۹۵ ق)، حاضر می‌شدم و همه‌ی درس را با دقت می‌نوشتیم؛ به طوری که هیچیک از شاگردان ایشان در آن دوره به این تفصیل نمی‌نوشتند. سپس مقداری از مطالب را (از باب «اوامر»)، به عربی برگردانم و در صدد تنظیم و تألیف تقریرات اصول ایشان بر آمدم. بخشی از مقدار عربی شده را نزد ایشان بردم، دیدند و پسندیدند و بسیار تشویق و ترغیب کردند که همه، به همان صورت، آماده شود تا به چاپ برسد. و خود اظهار می‌داشتند که اگر این تقریرات تدوین یابد و تعریب گردد و به چاپ برسد، در شمار بهترین و مهمترین کتب علم اصول جای خواهد گرفت...

باری، این امور بود، لیکن اینجانب پس از تأمل در اینکه در علم اصول فقه کتابهای بسیاری نوشته شده است، و اصول آیت الله میلانی نیز مفصل است، و همچنین پس از اینکه استاد دیگر، مرحوم حاج شیخ مجتبی قزوینی، به چاپ کتابهایی در اصول و تقریرات اصولی، افزون بر آنچه هست، رضایت خاطر می‌دارند، از ترجمه‌ی کامل و چاپ و عرضه‌ی آن تقریرات منصرف گشتیم.

(مکتب تفکیک، ص ۳۶۹-۳۶۸. همچنین استاد در همین باره مرقوم داشته‌اند: «کتاب اصولی را که از افاضات مرحوم آیت الله العظمی میلانی (م ۱۳۹۵ ق)، با تحریراتی از خودم، شروع به نوشتن کردم و مقداری را خدمتشان بردم، پس از ملاحظه فرمودند: «اگر این کتاب را تکمیل کنید و چاپ شود کفایه را نسخ می‌کند.» معاد جسمانی در حکمت متعالیه، ص ۴۰۳).

استاد حکیمی سالها در لباس روحانیت بود، (حکیمی تا سال ۱۳۴۵، که در حوزه‌ی مشهد بود، کسوت روحانیت داشت، اما لباسش را سنگین نکرده بود. به جای قبا یک پالتوی ساده می‌پوشید و عمامه‌اش به دستار شبیه بود.) اما هرگز روحانیت را حرفه‌ی خود نکرد. زیرا پس از آنکه لباس روحانیت به تن کند، لباس زهد و اعراض به تن کرده بود. سرانجام در سال ۱۳۴۵، با رضایت استادش، شیخ مجتبی قزوینی، از حوزه و لباس روحانیت بیرون آمد، اما همواره نگاهش به حوزه است و مخاطبش، نسلهای جوان. حکیمی جوان، در حوزه علمیه‌ی خراسان، در محضر استادانی زانو زد که، همه و همه، پروا پیشه بودند و از دنیا رسته و پشت کرده به جاه و مقام. هر یک، جهانی در گوشه‌ای بودند و همنشین خدا (گفته‌اند: «رسد آدمی به جای که بجز خدا نبیند»، اما از این برتر هم در امکان است و می‌توان گفت رسد آدمی به جایی که همنشین خدا شود. این، ادعایی از جانب انسان نیست، بلکه ارتقایی است که خداوند به آدمی ارزانی داشته و فرموده است: انا جلیس من ذکرنی.) و خدازی («خدازی»، از ساخته‌های استاد حکیمی است و آن را معادل کلمه‌ی «متأله» نهاده و در توضیح آن نوشته است: «انسانی که در شناخت خدا و توجه به خدا و عبادت خدا غرق است؛ برای خدا هست و برای خدا زندگی می‌کند...» خورشید مغرب، ص ۱۹۲. به عبارت دیگر، خدازی کسی است که ترجمه‌ی این آیه باشد: قل ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین. سوره‌ی انعام (۶)، آیه‌ی ۱۶۲). و به دور از تعلقات دنیوی و مرید بازی و آقا منشی و اشرافیگری علمی. استاد حکیمی، حکایت‌هایی از مشی و منش ساده و مردمی آنان نقل می‌کند که امروزه افسانه و مثل شده است و مانند آنها را در کتابهای گذشتگان می‌توان یافت. (شرح حال شماری از این استادان در کتاب مکتب تفکیک آمده است).

از میان آن استادان، آنکه بیش از همه بر حکیمی تأثیر گذاشت و در معماری شخصیت علمیش نقش داشت، شیخ مجتبی قزوینی بود. وی، به گفته‌ی استاد حکیمی، یکی از سه رکن مکتب تفکیک (مکتب تفکیک به نظریه‌ای گفته می‌شود که قائل به تفکیک دین از فلسفه و عرفان است. شرح آن بیاید.) در قرن چهاردهم هجری بود و صاحب کشف و کرامات و مشرف شده به آستان حضرت ولی عصر - عج - و داری اخلاق باطنی و اهل عبادات و ریاضات و مسغرق در خلصات. (برای تحقیق بیشتر درباره‌ی وی رجوع شود به: محمد علی رحیمیان، متأله قرآنی شیخ مجتبی قزوینی خراسانی، مقدمه‌ی محمد رضا حکیمی (چاپ اول: قم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۲). حکیمی دوازده سال از محضر او درس آموخت، اما چهل سال است که به مکارم اخلاقی او رطب اللسان است و هنوز خود را مرید وی می‌داند.

استاد حکیمی در کتاب خورشید مغرب، از چهار تن از متقدمان و چهار تن از معاصران یاد کرده است که به محضر آن حضرت مشرف شدند. چهار فرد اخیر عبارتند از: سید موسی زر آبادی (م ۱۳۵۳ ق)، میرزا مهدی اصفهانی (م ۱۳۶۵ ق)، شیخ علی اکبر الهیان (م ۱۳۸۰ ق) و شیخ مجتبی قزوینی (م ۱۳۸۶ ق). (ر.ک: خورشید مغرب، ص ۲۰۵). از این چهار تن، دو فرد اخیر، استاد حکیمی بودند و دو فرد نخست، استاد استادان او.

به هر رو، حکیمی در محضر استادانی زانوی ادب زد که، به یافت او، به محضر حضرت ولی عصر - عج - حضور یافته بودند. از این روست که وی، شاهکار خویش را (جلد سوم تا ششم الحیاء (کتاب مزبور، تألیف استاد حکیمی و محمد حکیمی و علی حکیمی، از دانشوران حوزه‌ی علمیه‌ی خراسان، است. این کتاب همواره به استاد نسبت داده می‌شود و ما نیز در کتاب حاضر، برای رعایت اختصار، گاه چنین کرده‌ایم؛ اما به گفته‌ی استاد، الحیاء «تألیف مشترک» است.)، به این چهار چهره تقدیم و از آنان چنین یاد کرده است: «عالمان بزرگ ربانی»، «متألهان سترگ قرآنی»، «سره سازان معارف و حیانی»، «پیرایندگان بنیادهای تعقل قرآنی»،

«متعلقان ژرفکاو» و «مربیان تأثیر آفرین». (ر.ک: ترجمه‌ی الحیاء، ج ۳، ص ۴-۳. گفتنی است از آنجا که ترجمه‌ی الحیاء را استاد حکیمی، با دقت بسیار، ویراسته و با متن آن تطبیق داده، در سراسر این کتاب بدان ارجاع داده شده است. به هر حال، ترجمه‌ی الحیاء، اعتبار اصل کتاب را دارد و، مضافاً اینکه، گاه مطالبی افزون بر اصل، به خامه‌ی استاد حکیمی، در آن آمده است.).

هنگامی که حکیمی مدارج عالی علمی را در حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد گذراند، دو راه در پیش داشت: یا مانند دیگر همدرسان خود در حوزه بماند و به تدریس فقه و اصول بپردازد و، نهایتاً، سر از مرجعیت در آورد، و یا اینکه پلی از حوزه به جامعه و جوانان بزند و خوراک فکری برای آنان فراهم آورد و، نهایتاً، به آنجا برسد که اینک رسیده است.

گذشت که استاد حکیمی، مانند همدرسان خود، در حوزه نماند و پلی از حوزه به جامعه زد و، به عبارت خویش، «هجرت الی التکلیف» کرد. وی در خرداد ۱۳۴۵، هنگامی که از سی سالگی گذشته بود، از حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد به تهران آمد، و در واقع، از همه‌ی القاب و مقامات و مزایا و عناوین حوزه چشم پوشید.

استاد حکیمی از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۷ در چند مؤسسه‌ی فرهنگی انتشاراتی در تهران، از جمله بنیاد فرهنگ ایران، شرکت سهامی انتشار و مؤسسه‌ی انتشارات فرانکلین، اشتغال داشت. (برخی از همکاران حکیمی در انتشارات فرانکلین عبارت بودند از: احمد آرام، احمد سمیعی گیلانی، ابوالحسن نجفی، نجف دریابندری، جهانگیر افکاری، اسماعیل سعادت، عبدالمحمد آیتی، غلامعلی حداد عادل و عبدالحسین آذرنگ. کریم امامی، از مسؤولان این انتشارات، در مصاحبه‌ای گفته است: برخی از کارکنان فرانکلین کسانی بودند که به علت فعالیت‌های سیاسی به زندان رفته بودند و در سازمان‌های دولتی نمی‌توانستند شاغل شوند. مؤسسه‌ی فرانکلین این افراد را می‌پذیرفت و ساواک هم تقریباً راضی بود که اینها در فرانکلین مشغول به کار شوند. زیرا می‌خواست در جایی کار کنند که آمد و رفت و روابطشان زیر نظر باشد. یکی از کسانی که تحت نظر ساواک بود، آقای محمدرضا حکیمی بود. عبدالحسین آذرنگ و علی دهباشی (به کوشش)، «سلسله گفت و گوها پیرامون نشر نو فرهنگ»، بخارا (شماره‌ی ۲۱-۲۲، آذر ذ اسفند ۱۳۸۰)، ص ۱۵۷). او، بدرستی و از سر اجتهاد، تشخیص داده بود که باید در مؤسسه‌های فرهنگی داخل شد و تا آنجا که می‌توان «تعالی اندیشه‌ی اسلامی را روشن ساخت». همچنین محض احتیاط و برای اطمینان بیشتر، از دو مرجع تقلید (آیت الله خمینی و آیت الله خوئی)، اجازه گرفت. پس از چند سال فعالیت هم که می‌خواست کناره بگیرد، با استاد مطهری مشورت کرد و او نه تنها کناره‌گیری را صلاح ندانست، بلکه «حرام» شمرد. بدین ترتیب با اطمینان بیشتر به کار مشغول شد و در آن مدت با صحتیح محتوایی شماری آثار و تعلیقه‌نگاری بر چند کتاب مهم، ضمن کار اداری، «تعالی اندیشه‌ی اسلامی را روشن ساخت».

همکاران حکیمی در آن مؤسسه‌ها، او را یک روحانی بی‌عمامه می‌دانستند که بر نمی‌تابد کتابی منتشر شود و کلمه‌ای خلاف دین در آن باشد. به گفته‌ی یکی از همکاران او در انتشارات فرانکلین: «محمدرضا حکیمی همه‌ی دانش و تجربه‌ی خود را معطوف به این می‌کرد که هیچ اصلی از اصول اسلام نقض نشود و نکته‌ای خلاف واقع در نوشته نباشد».

در خود ذکر است که تدریس استاد حکیمی در دانشگاه تهران، در دوره‌ی دکترای ادبیات، از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷، و بنا به دعوات دکتر عبدالحسین زرین کوب بود. در آغاز در حدود سی نفر در این دوره ثبت نام کردند؛ اما دیری نگذشت که بیش از سیصد نفر در کلاسهای استاد حضور می‌یافتند. وی برای نخستین بار به جای متونی چون تاریخ ابن خلکان، که رایج بود، نهج البلاغه را متن درسی قرار داد. استقبال دانشجویان از این کلاس و مرعوبیت ساواک از این ازدحام، منجر بدان شد که با دخالت پلیس و ساواک، تعطیل شود.

همچنین گفتنی است که استاد حکیمی، در پی هجرت تکلیفی از حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد، به جرم فعالیت علیه رژیم شاه، در سال ۱۳۴۵، چند بار در وی و مرند و سلماس و ارومیه بازداشت و زندانی شد. وی آخرین بار در سال ۱۳۵۷ دستگیر و در کمیته‌ی تهران زندانی گردید.

در آثار حکیمی، تا سال ۱۳۵۷ (پیروزی انقلاب اسلامی ایران)، بیشتر از قیام و پیکار سخن رفته و از موضوعات دیگری هم که سخن گفته شده، قیام و پیکار نتیجه گیری و بدان دعوت شده است. (از جمله رجوع شود به: فریاد روزها، سرود جهشها، بیدارگران اقلیم قبله و امام در عینیت جامعه). آهنگ و جهت کلی کتابهای او، تا آن تاریخ، «قیام» است و گفته‌ها و نوشته‌های دیگر مقدمه و زمینه و برای آن است. اما از سال ۱۳۵۷ بدین سو، آهنگ و جهت کتابهای حکیمی تغییر کرد و به «قسط» تبدیل شد. (از جمله رجوع شود به: کلام جاودانه، قیام جاودانه، جامعه سازی قرآنی و الحیاء (بویژه جلد سوم تا ششم)). وی از آن هنگام همواره از قسط سخن گفته و سخنهای دیگر را همچون مقدمه‌ی آن قرار داده و، در واقع، قسط را ترجیح بند سخنان خود ساخته است. بنابراین چکیده‌ی همه‌ی نوشته‌های حکیمی و آهنگ و پیام آن، در یک عبارت، عبارت است از: «قیام به قسط».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

حکیمی فلاطوری، عبدالجواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

پروفسور عبدالجواد حکیمی فلاطوری در سال ۱۳۰۴ در محله بیدآباد اصفهان چشم به جهان گشود. بعد از طی کردن دوران دبستان همزمان با فراگیری علوم متوسطه در جرگه حوزویان درآمد. عبدالجواد در شرح حال احوال خود چنین می گوید: «یادم هست یک زمستان را با کوزه ای شیر و روزی یک یا دو قرص نان به سر می آوردم ولی غرق در اندیشه و خواندن و اندوختن شده بودیم. همان پیمانی که امیرالمؤمنین (ع) از دانشمندان امت گرفته بود که لحظه ای در برابر پرخوری ستمگر و گرسنگی ستم رسیده قرار و آرام نداشته باشید، سرلوحه زندگی خود کرده بودیم. فلاطوری در ۲۱ سالگی برای تکمیل اندوخته های علمی خود به تهران رفت و از محضر فرهیختگانی همچون حاج شیخ محمد تقی آملی و حاج شیخ محمد علی شاه آبادی بهره برد. سپس در پی مباحثی با دانشمند بزرگ حاج شیخ محمد رضا کلباسی پیرامون کتاب جواهر الکلام داشت به اخذ اجازه روایت و گواهی اجتهاد از محضر ایشان نائل آمد. ایشان در سن ۳۰ سالگی به آلمان هجرت نمود و با تحصیل در رشته هایی همچون فلسفه- علوم تربیتی و تطبیق ادیان به درجه دکترا نائل آمد. او به چندین زبان از جمله آلمانی، یونانی، لاتین مسلط بود. در آلمان یک مرکز تحقیقات شیعه شناسی پایه گذاری کرد و مهم ترین منابع فقهی اصولی، کلامی و فلسفی شیعه را در آن گرد آورد. وی تمام کتابها را که حدود ۴۰۰۰ جلد بود شخصاً خریداری کرده بود.

فلاطوری در شناساندن دین مبین اسلام به نحو صحیح در آن کشور اقدامات مؤثری انجام داد. ۶۰ کتاب و مقاله به زبان آلمانی، ۱۵ مقاله به زبان فارسی، ترجمه کتاب های تاریخی از فعالیت های دیگر وی می باشد. وی همواره به این حدیث پیامبر اکرم صلی ... علیه و آله تأکید داشت که: «هر کس علم (علوم حقیقی و معارف واقعی) را به جز در قرآن بجوید خداوند او را به گمراهی افکند». همچنین در مصاحبه های خویش به این نکته اشاره می نمود که موفقیتش در تبلیغ اسلام در غرب به این جهت بوده که به خود قرآن کریم استناد می کرده است. او می گفت: «من اگر در اروپا تبلیغ اسلام می کنم که بحمدالله مقبول افتاده حتی یک ذره از اندیشه عقلی را در تبیین اسلام نمی آورم. خود قرآن بهترین بیان کننده اسلام است. دوری ما از قرآن آسفبار است»

از جمله خدمات بسیار مهم فلاطوری کاری بود که درباره اصلاح کتاب های درسی مدارس کشورهای غربی انجام داد. چنان که کتاب های درسی ۱۷ کشور اروپایی را از پیش داوری های مغرضان و نادانان پاکسازی نمود. وی به استعمارشناسی توجه داشت و ضرورت آن را به خصوص برای شرق اسلامی درک می کرد. از این رو به افکار سید جمال الدین و تجربه های او ژرف می

نگریست. وقتی به او پیشنهاد شده بود که به ایران بیاید و فلسفه و جامعه‌شناسی تدریس کند در پاسخ بی‌درنگ گفته بود: «من اگر پیام قرآن تدریس می‌کنم، نهج البلاغه تدریس می‌کنم.»

استاد فلاطوری نهج البلاغه را شرح قرآن می‌دانست و درباره آن می‌گفت: «علی (ع) چون شمع می‌سوزد تا سوختنش چراغ هدایت دیگران قرار گیرد. آری سخنان مولا شارح کلام الله است و شرح دهنده قرآن و دقایق و اسرار آن.»

به حق در مورد وی گفته شده که «فلاطوری غریب زیست و غریب مرد». ایشان در سال ۱۴۱۷ ه.ق در شهر کُن آلمان وفات کردند و پیکرش بنا به وصیت او به اصفهان منتقل شد و در تخت فولاد در کنار مزار فقیه و حکیم بزرگوار آیت الله العظمی حاج آقا رحیم ارباب به خاک سپرده شد.

حکیمی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود حکیمی در سال ۱۳۲۳ ه.ش در تهران متولد شد و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، برای تحصیل در رشته زبان انگلیسی وارد دانشگاه تربیت معلم شد و پس از مدتی تدریس در مدارس، برای ادامه تحصیل در رشته تعلیم و تربیت به انگلستان رفت و پس از دریافت درجه فوق لیسانس و بازگشت به ایران، به تدریس در مراکز تربیت معلم پرداخت. وی اکنون (۱۳۸۳ ه.ش) بازنشسته است و به کار مورد علاقه خود که همان تحقیق و تالیف در زمینه ادبیات معاصر انقلابی ایران و تاریخ تمدن است، می‌پردازد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: ادبیات دینی و معاصر

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: محمود حکیمی در شهریور ماه سال ۱۳۲۳ ه.ش در محله میدان خراسان در تهران در خانواده‌ای مذهبی متولد شد.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: محمود حکیمی پس از طی تحصیلات متوسطه موفق به دریافت مدرک کارشناسی زبان انگلیسی از دانشگاه تربیت معلم شد. وی پس از و مدتی تدریس در مدارس تهران، به انگلستان رفت و پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد، به تدریس در مراکز تربیت معلم مشغول شد.

فعالیت‌های ضمن تحصیل: محمود حکیمی از روزگار تحصیل به ادبیات فارسی و تاریخ تمدن علاقه داشت و با این گرایش به مطالعه آزاد می‌پرداخت.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: محمود حکیمی سالها در مدارس تهران به عنوان معلم زبان انگلیسی، و پس از بازگشت از انگلستان به عنوان مدرس تعلیم و تربیت در مراکز تربیت معلم به تدریس اشتغال داشته و اکنون نیز مدتی است بازنشسته شده و به تحقیق و تالیف می‌پردازد.

فعالیت‌های آموزشی: محمود حکیمی سالها تدریس زبان انگلیسی مدارس تهران را به عهده داشته، و پس از بازگشت از انگلستان نیز استاد تعلیم و تربیت در دانشگاه‌های تربیت معلم بوده است.

سایر فعالیت‌ها و برنامه‌های روزمره: مطالعه، تحقیق و تالیف و سرودن اشعاری با مضمون ادبیات معاصر و انقلابی ایران و تالیف

کتبی پیرامون تاریخ تمدن از کارهای روزمره محمود حکیمی است.

آرا و گرایشهای خاص: محمود حکیمی در آثار ادبی خود مدافع ادبیات انقلاب ایران است و نیز در تاریخ تمدن به اخلاق گرایی و اصنافی چون صوفیان و پهلوانان توجه خاصی دارد.

جوایز و نشانها: فرهنگسرای نوجوانان در منطقه ۱۸ شهرداری تهران کتابخانه ای را به نام محمود حکیمی نام گذاری کرده است که در سال ۱۳۸۲ ه.ش توسط شخص محمود حکیمی افتتاح شد.

آثار:

۱ تاریخ تمدن جهان باستان یا داستان زندگی انسان

ویژگی اثر: مجموعه ای است ۲۱ جلدی که اولین جلد آن در سال ۱۳۶۰ ه.ش و جلد بیست و یکم آن در ۱۳۸۲ ه.ش منتشر شده است.

۲ غرب بیمار

ویژگی اثر: غرب بیمار نخستین کتاب محمود حکیمی بود که در سال ۱۳۵۱ ه.ش منتشر شد.

۳ مبانی ادبیات دینی کودکان و نوجوانان

ویژگی اثر: این کتاب آخرین و جدیدترین اثر اوست که با همکاری مهدی کاموس آن را به نگارش در آورده است.

۴ همراه با عارفان، عیاران و جوانمردان

ویژگی اثر: کتابی است شامل شرح حالهای بزرگان عرفان، عیاران، جوانمردانی چون پوریای ولی و غلامرضا تختی.

حکیمیان، علی محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی محمد حکیمیان

محل تولد: یزد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۷/۲

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را به ترتیب در مدارس قوامی، آقا و رازی شهرستان یزد با موفقیت گذراندم و در سال ۱۳۵۷ شمسی در رشته صنایع غذایی دانشگاه شیراز پذیرفته شدم. پس از انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۵۹ در کمیته فرهنگی جهاد سازندگی یزد مشغول به خدمت به جامعه روستایی و انقلابی ایران اسلامی شدم. در سال ۱۳۶۰ با پذیرش در مدرسه حقانی قم

مشغول به تحصیل علوم حوزوی گردیدم. پس از بازگشایی دانشگاهها از تحصیل انصراف دادم و تا سال ۱۳۶۳ را در مدرسه حقانی تحت برنامه مدرسه، علوم حوزوی از قبیل ادبیات، اصول، منطق و معانی و بیان را گذراندم. با آغاز درس شرح لمعه در سال ۱۳۶۳ ازدواج کردم و برای مدت ۱۰ سال به دلیل مشکلات، در حوزه علمیه یزد - مدرسه خان - شرح لمعه، رسائل، کفایه، مکاسب و حدود ۳ سال خارج زکات و خمس را گذراندم و در سال ۱۳۷۳ بار دیگر به قم مراجعت نمودم که بحمد الله تا کنون تویق شرکت در دروس خارج فقه و اصول آیات عظام و مراجع تقلید آقایان حاج شیخ جواد تبریزی (درس فقه)، حاج شیخ وحید خراسانی (اصول)، حاج شیخ فاضل لنکرانی (حج)، حاج سید محمد حسن مرتضوی لنگرودی (اصول) را پیدا کردم. شایان ذکر است که در طول تحصیل بخشهایی از کتابهای اصول فقه مرحوم مظفر در اصول، کتاب شرح لمعه در فقه، کتاب مکاسب شیخ در فقه المعاملات را نیز تدریس کرده ام.

لازم به ذکر است که در سال ۱۳۷۳ همزمان با رجعت به قم از طریق کنکور سراسری در رشته حقوق دانشگاه مفید مشغول شدم که مدرک لیسانس را با معدل ۴۹/۱۸ در طول مدت ۳ سال و مدرک فوق لیسانس را نیز بلافاصله با معدل ۳۹/۱۸ گذراندم و در سال ۱۳۷۹ از عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان (دین موجد و آثار و احکام آن در حقوق ایران) دفاع نمودم. این پایان نامه به عنوان سطح ۳ حوزه علمیه قم نیز پذیرفته شد و هم اکنون مشغول به نوشتن رساله سطح ۴ دروس حوزه علمیه قم تحت عنوان (ضمان قهری در فقه امامیه) می باشم و تحصیلات دانشگاهی را نیز در دانشگاه تهران و پردیس قم در رشته حقوق خصوصی ادامه داده و با گذراندن موفقیت آمیز امتحان جامع دکتری مشغول مطالعه موضوع رساله دکتری حقوق خصوصی می باشم. متذکر می گردد که اینجانب در چندین سال اخیر در دانشگاههای (پیام نور قم، مفید قم، مرکز جامعه اسلامی قم) مشغول به تدریس دروس دانشگاهی رشته حقوق در موضوعات حقوق مدنی، حقوق تجارت، متون فقه، آیات الاحکام و اصول بوده و هستم و هم اکنون مسئولیت گروه حقوق پژوهشگاه حوزه و دانشگاه را نیز عهده دار می باشم.

حلبی، علی اصغر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد دکتر علی اصغر حلبی از محققان، مولفان و مترجمان پرکار و کوشای معاصر است و در میان آثار پرشمار او چندین اثر قرآنی دیده می شود که یاد خواهد شد. علی اصغر حلبی فرزند علی اکبر در سال ۱۳۲۳ در اردبیل متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را همراه با مقدمات عربیت و فقه و اصول و منطق و فلسفه در مدارس قدیم همان شهر پیش استادان فرا گرفت. او دارای لیسانس فلسفه از دانشگاه تهران است. سپس چند سال برای ادامه ی تحصیلات عالی به دانشگاه ادینبوره [ادینبورگ] در اسکاتلند سفر کرد و در سال ۱۳۵۹ / ۱۹۸۰ از همان دانشگاه درجه ی دکترای فلسفه و فرهنگ اسلامی گرفت. آثار کتابی ایشان اعم از تالیف و ترجمه نزدیک به چهل اثر است. از آن میان این آثار قرآن پژوهانه است: آشنایی با علوم قرآنی، تاثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی، ترجمه ی تفسیر کبیر فخر رازی که ۴ تا ۵ جلد آن تاکنون (زمستان ۱۳۸۳) منتشر شده است و سرانجام ترجمه ی قرآن مجید که معرفی و نقد آن موضوع این مقاله است. در حال حاضر دکتر حلبی به تدریس در دانشگاه های تهران و تحقیق و تالیف آثار ارزشمند اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب: بررسی ترجمه های امروزی فارسی قرآن کریم

حلبی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج شیخ محمودین صدیق المحدثین مرحوم حاج شیخ غلامرضا معروف به حلبی واعظ از دانشمندان میرز و وعاظ نامی معاصر است در تهران تولد ایشان در روز یکشنبه ۱۳ جمادی‌الاولی ۱۳۱۸ قمری در مشهد مقدس واقع شده و تحصیلات مقدماتی قرآن و کتب فارسی را در مکتبهای بعضی از معلمین نموده و ادبیات نحو و اشتقاق و معانی

بیان را خدمت مرحوم میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری و منطق را خدمت مرحوم حاجی محقق و شرح لمعه را خدمت مرحوم میرزا محمدباقر مدرس رضوی و مقداری از قوانین را خدمت مرحوم حاج میرزا جعفر شهرستانی که از مشاهیر مدرسین مشهد بودند تحصیل نموده آنگاه مدت دو سال دروس عقلی را نزد اساتید بزرگ فلسفه مانند مرحوم شیخ حسن کاشانی و مرحوم شیخ اسدالله یزدی و مرحوم حاج فاضل خراسانی خوانده سپس مدت چهار سال خدمت یگانه استاد فیلسوف عصر مرحوم آقا بزرگ شهیدی قدس سره اشارات و اسفار و بعضی دیگر از کتب فلسفه را تحصیل کرده.

پس از آن سطح کفایه را خدمت مرحوم آیت‌الله آقاشیخ محمد نهاوندی و مرحوم آیت‌الله حاج میرزا احمد کفائی و دروس خارج فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌الله حاج میرزا محمد آقازاده خراسانی و آیت‌الله العظمی آقای حاج آقا حسین قمی قدس سره تحصیل نموده و پس از آن مدت چهار سال در محضر مرحوم آیت‌الله العظمی آقا میرزا محمد مهدی غروی اصفهانی حاضر شده و از اقیانوس علم و عرفان آن بزرگوار اغترات غرفه‌ای نموده و پس از واقعه جان‌گداز مسجد گوهرشاد که در سال ۱۳۱۳ شمسی واقع گردید مدت هشت سال مشغول امور فلاحتی شده و پس از انقلاب محور و آزادی محراب و منبر مجدداً مراجعت به شهر نموده و از تحصیل و تدریس محروم فقط به امر منبر قناعت نموده تا در سال ۱۳۳۱ شمسی که به تهران هجرت و تاکنون که سال ۱۳۵۲ خورشید پست ساکن تهران و از طریق منبر به خدمات دینی و ترویج معارف اسلامی و سایر خدمات دینی اشتغال دارند.

مولف گوید. علامه حلبی از گویندگان نامی و خدمتگذاران سامی عصر حاضر است و اخلاص شدیدی بساحت مقدس حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه الشریف دارد و مبارزات علمی بسیاری با فرق ضد ولایت و منحرفین نموده و با مجادلات حسنه جماعت زیادی را برگردانیده و هدایت به پیروی از ائمه اثنا عشر علیهم‌السلام نموده‌اند از آثار ایشانست انجمن جوانان که برای جلوگیری کردن از تبلیغات سوء فرقه ضاله و مبارزه کردن با آنها تاسیس و افراد بسیار مبرزی تربیت که بحمدالله تاکنون صدها نفر از منحرفین از طریقه حقه را به راه حق هدایت نموده‌اند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حلمی بخاری، علی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم و هفتم ق)، حکیم و عارف. از تألیفات وی: «بحر المعانی و صفو الامانی»، در اخلاق و معارف و تصوف که در سال ۶۰۱ ق به پایان رسانید و در آن نظم و نثر فارسی بسیار جالب بکار برده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۱۲۲).

حلی، ابوالقاسم، نجم الدین جعفر

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(علامه) ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن حسن بن یحیی معروف به محقق اول یا محقق حلی، از بزرگان فقیهان شیعه (ف. ۶۷۶ ه.ق.). وی معاصر نصیرالدین طوسی بود و از او و پدر خویش اجازه گرفت. از تألیفات او شرایع الاسلام، نافع، معتبر، مسالک (در اصول دین)، نکت‌النهائیه (شرح نهاییه شیخ طوسی)، معارج (اصول فقه)، تنبیه (منطق)، و نهج‌الاصول را باید نام برد. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

حلیمی، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسین حلیمی در سال ۱۳۱۹ در شهر همدان به دنیا آمد. وی پس از ورود به مدارس جدید و اتمام دوره دانشسرای مقدماتی همدان و اخذ مدرک متوسطه در رشته ادبیات فارسی به معلمی پرداخت. او در دانشکده هنرهای زیبا در رشته نقاشی به تحصیل پرداخت. به منظور ادامه تحصیل و کسب اطلاعات جدید عازم فرانسه شد. وی با ورود به دانشکده هنرهای تزئینی پاریس (آر دکو) و همچنین در دوره فوق لیسانس هنرهای تجسمی دانشگاه سوربن تجربیات تازه‌ای را شروع کرد. ابتدا از دوره فوق لیسانس رشته گرافیک (کمونیکاسیون - ویزوئل) فارغ‌التحصیل شد، پس از آن فوق لیسانس هنرهای تجسمی و بعد دکترای سیکل سوم را از دانشگاه سوربن در سال ۱۳۶۰ به اتمام رساند و بلافاصله به ایران مراجعه کرد. نامبرده در حال حاضر دانشیار دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران می‌باشد. کتاب "اصول و مبانی هنرهای تجسمی" تألیف، محمد حسین حلیمی، در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: هنر

رشته: هنرهای تجسمی

گرایش: گرافیک

والدین و انساب: محمد حسین حلیمی در سال ۱۳۱۹ در شهر همدان به دنیا آمد. وی در یک خانواده سنتی و مذهبی چشم به جهان گشود و از هفت سالگی نزد پدر بزرگش مرحوم میرزا غلامحسین اسلامبولچی که در انواع علوم و فنون وارد بود پرورش یافت. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: محمد حسین حلیمی در ۱۳۱۹ ه.ش در همدان متولد شد. دوران کودکی وی مصادف با آخرین سالهای حکومت رضا شاه و روی کار آمدن محمد رضا شاه پهلوی بوده است. در آن روزگار بسیاری از دانشجویان و هنرمندان ایرانی برای تحصیل به اروپا، به ویژه فرانسه می‌رفتند. نظام علمی و فرانسه بردانشگاههای کشور نیز اثر گذار بوده است. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: محمد حسین حلیمی پس از ورود به مدارس جدید و اتمام دوره دانشسرای مقدماتی همدان و اخذ

مدرک متوسطه در رشته ادبیات فارسی به معلمی پرداخت. پس از وقفه ای چند ساله برای تکمیل معلومات خود به دانشگاه راه پیدا کرد و در دانشکده هنرهای زیبا در رشته نقاشی به تحصیل پرداخت و از آنجا فارغ التحصیل شد. پس از آن مجدداً در چند مرکز هنری به تدریس پرداخت. با وجود در آمد خوبی که کسب می کرد، از سال ۱۳۵۴ جهت مطالعه و ادامہ تحصیل مقیم پاریس گردید و درجہ کارشناسی ارشد در دو رشتہ هنرهای تجسمی و گرافیک را به ترتیب از دانشگاه سوربن و مدرسہ عالی هنرهای تزئینی پاریس اخذ نمود و در سال ۱۳۶۰ تز دکترای خود را در زمینہ زیبایی شناسی و علوم هنر در دانشگاه سوربن گذراند

استادان و مریبان: محمد حسین حلیمی یکی از یگانه معلم خود را، پدر بزرگش مرسوم میرزا غلامحسین اسلامبوجی می داند که به وی خوشنویسی و برخی از فنون را آموخت. وی در مدرسه آر-دکو، رنگ شناسی را زیر نظر یکی از استادان صاحب نام «ژان فیلیپ لانکلو» تحقیق می نمود و ارزشهای زیبایی شناسی خط اسلامی را در دانشگاه سوربن تحت نظر «الکساندر پادوپولو» تکمیل می کرد. وی همچنین از محضر اساتید و هنرمندان بزرگی همچون مرحوم حسین زرین خط و مرحوم میرخانی و مرحوم یحیی کارگر و شماری دیگر از اساتید هنرمند ایرانی و خارجی استفاده نموده است.

وقایع میانسالی: محمد حسین حلیمی در پاریس در دو زمینه تحقیقاتی فعالیت می کرد. یکی از زمینه های کار ایشان «رنگ شناسی» بود که در مدرسه آر-دکو زیر نظر یکی از استادان صاحب نام با عنوان «شعر رنگ در معماری اسلامی ایران» انجام می شود. تحقیق دیگر در رابطه با ارزشهای زیبایی شناسی خط اسلامی بود که به طور گسترده بر روی عملکرد زیبایی شناسی خط در مسجد جامع اصفهان در دانشگاه سوربن انجام می گرفت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: محمد حسین حلیمی به غیر از تدریس به فعالیتهای گرافیکی و عکاسی که خود آموخته بود می پرداخت و نیز با فعالیتهای گرافیکی، نقاشی و عکاسی زندگی خود را اداره می نمود. نامبرده در حال حاضر دانشیار دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران می باشند

فعالیتهای آموزشی: محمد حسین حلیمی پس از اخذ دیپلم متوسطه در رشته ادبیات فارسی پرداخت. همچنین پس از دریافت درجه لیسانس در دانشکده هنرهای تزئینی، انستیتو تربیت مریبان هنری و مدرسه عالی ساختمان به تدریس پرداخت. دکتر حلیمی پس از مرجعت از فرانسه به ایران نیز در دانشگاه فارابی، مجتمع دانشگاهی هنر و بالاخره دانشکده هنرهای زیبا به تدریس ادامه داد. سایر فعالیتهای و برنامه های روزمره: مطالعه و تحقیق درباره زیبایی شناسی و نظریات مربوط به آن از مشغولیت های اساسی محمد حسین حلیمی بوده است.

شاگردان: بسیاری از فارغ التحصیلان رشته هنرهای تجسمی از دانشگاه تهران، شاگردان محمد حسین حلیمی می باشند. آرا و گرایشهای خاص: محمد حسین حلیمی معتقد است ویژگی های ارتباط تصویری در عالم سیاست، اقتصاد، فرهنگ مذهب و افکار و عقاید مختلف امکان سازندگی و تخریب را بصورت گسترده در اختیار دارد. در واقع این زمینه هنری و فنی به مصداق اسلحه ای است که با آن مبارزه نامرئی انجام می شود. برای مقابله با این اسلحه باید همان اسلحه را بنحو بهتر شناخت و برای مقابله بکار برد. در نتیجه رشته معلمی، هنری گرافیک یا با عنوان جدیدش «کمونیکاسیون ویزوئل» اهمیت مشخص (در عرصه تبلیغات) پیدا می کند. وظیفه یک هنرمند گرافیک را جامعه و نظام اجتماعی و فکری و عقیدتی که در آن حاکم است مشخص می کند. برخلاف یک هنرمند نقاش که می تواند برای خود کار کند، یک گرافیک اگر به این شکل کار کند ممکن است مورد استقبال جامعه قرار بگیرد و یا نگیرد و در هر صورت جامعه تکلیفش را روشن می کند. در هنر گرافیک دو عامل را می توان دید، اول این است که هنرمند به مراحل بالایی از تواناییهای فنی، فرهنگ و هنری رسیده باشد و عامل دوم هم این است که جامعه توانایی استفاده از آن را داشته باشد، زیرا اگر چنین رشدی نباشد هنرمند به میل خود و با باورهای خود کار می کند و نتیجه کارش بهمان

اندازه که تصور می شود مفید و سازنده است برعکس می تواند مضر و مخرب هم باشد. دکتر حلیمی نقاشی را حرفه اول خود می داند و مایل است تا آثاری را که ارتباط مستقیم با فکر و عقیده و دل دارد از طریق نقاشی مطرح نماید. جوایز و نشانها: کتاب "اصول و مبانی هنرهای تجسمی" تالیف، محمد حسین حلیمی، در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. -----

آثار:

۱ اصول و مبانی هنرهای تجسمی

ویژگی اثر: تالیف، این کتاب در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «اصول و مبانی هنرهای تجسمی»: اصول و مبانی هنرهای تجسمی (جلد اول)؛ دکتر محمد حسین حلیمی؛ تهران: ۱۳۷۲. امروزه هنرهای تجسمی را یکی از بهترین و مؤثرترین وسیله های ارتباطی می شناسند و آن را به صورت زبان همگانی و بین المللی در آموزش و پرورش، در زمینه های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، صنعتی و به طور کلی در تمامی فعل و انفعالات فکری مورد استفاده قرار می دهند. هنرهای تجسمی عالی ترین تجلیات زبان بصری شمرده می شود که با آن می توان فراتر از زمان سیر کرد و آینده و افقهای دور را تجسم و تصویر نمود. در این کتاب با معرفی عناصر اولیه تجسمی و بررسی آنها، برخی مثالهای طبیعی یا آثار هنری برای نمونه برگزیده و ارائه شده است. سپس اصول و قواعد را که حاکم بر آثار هنری می باشد حتی المقدور معرفی و با بیان امکانات شکل پذیری و شکل آفرینی عناصر، خصوصیات بصری و بیان تصویری هر کدام مطرح شده است. شاید بتوان گفت که تاکنون در این زمینه کتابی به این جامعیت منتشر نشده است و اولین کتاب علمی و آموزشی هنر می باشد که با آثار دانشجویان ایرانی منتشر می شود. این امر می تواند برای دانشجویان عامل محرک و بسیار خوبی باشد و از سویی برای نویسندگان سرمشقی مناسب. کتاب حاضر با توجه به نیازهای دانشجویان ایران در دو جلد تدوین شده است و می تواند در رفع نیاز جامعه و مراکز آموزش عالی مورد استفاده قرار گیرد.

۲ سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی

۳ سمبل کتاب درخت زندگی حضرت رسول «ص»

۴ شهر اسلامی

ویژگی اثر: ترجمه

۵ شیوه های نقاشی

۶ طراحی آرم دانشگاه علوم پزشکی همدان

۷ طراحی آرم مرکز هنرهای تجسمی

۸ طراحی آرم نمایشگاه بین المللی کتاب تهران

۹ طراحی پوستر اولین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران ۱۴-۲۲ آبان ۱۳۶۶

۱۰ طراحی پوستر کنفرانس بازسازی مناطق

۱۱ مرکز فرهنگی امیر المومنین

۱۲ هنر و رنگ

ویژگی اثر: ترجمه

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

منابع زندگینامه :

www.ketabesal.ir۲ مصاحبه با دکتر محمد حسین حلیمی ، هنرهای زیبا ، آبان و آذر ۱۳۶۸۳ مهدی پروین زاد ، شهید چمران هنری مرد عرصه ای دانش و حماسه و عرفان ، ماهنامه کیهان فرهنگی ، سال بیستم ، خرداد ۱۳۸۲ ، شماره ۲۰۰ ، ص ۱۴

حماد راویه، ابوالقاسم

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۵۶/۱۵۵ - ۹۵ ق)، مورخ، لغوی و شاعر. اصلش از دیلم بود. در عهد بنی امیه در کوفه می زیست. وی در عصر خود، در روایت اشعار و اخبار و وقایع از مشاهیر طراز اول بود. او باید ولید بن یزید و مهدی عباسی مجالست داشت و برای ولید اشعار نیکو می سرود. او همچنین دارای حافظه‌ای قوی بود، به طوری که روزی چندین قصیده از قصاید جاهلی را بدون آنکه کلمه‌ای از کلمات شعای اسلام در آن باشد، برای خلیفه می خواند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۰۲ - ۳۰۱ / ۲)، تاریخ الاسلام (حوادث ۳۸۲، ۱۱۳/۱۶۰ - ۱۴۲)، دایرةالمعارف فارسی (۱/ ۸۶۴)، روضات الجنات (۲۳۷ - ۲۳۵ / ۳)، ریحانه (۲۹۹ - ۲۹۸ / ۲)، سیرالنبلاء (۱۵۸ - ۱۵۷ / ۷)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۱۵۵ - ۱۵۴)، الکنی و الالقاب (۲۷۰ - ۲۶۹ / ۳)، لسان المیزان (۶۶۴ - ۶۶۲ / ۲)، لغت نامه (ذیل / حماد بن شاپور)، معجم الادباء (۲۶۶ - ۲۵۸ / ۱۰)، الوافی بالوفیات (۱۴۲ - ۱۳۷ / ۱۳)، وفيات الاعیان (۲۱۰ - ۲۰۶ / ۲).

حماسی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سیدحسین بن سیدعلی بن سیدهاشم متولد ۱۲۹۸ و متوفی ۱۳۷۹ قمری از آیات باهرات و کبار علماء معاصر نجف و اهل فضل و کمال و تدقیق و از بزرگان دانشمندان و مراجع عراق و موصوف به طهاره ضمیر و صفاء قلب و معنویت و حسن سریره از شاگردان مرحوم آیت الله حاج سید محمدکاظم یزدی و آیت الله شریعت اصفهانی و آیت الله نائینی و غیره بوده است. دارای آثار علمی به اسامی زیر می باشد.

۱- المسائل النجفیه ۲- تقریرات در فقه ۳- تقریرات در اصول ۴- حاشیه بر وسیله النجاه ۵- هدیه المسترشدین.

از باقیات الصالحات ایشان دو فرزند عالم و فاضل برومند است که ذیلا می نگارم.

۱- حجة الاسلام والمسلمین آقا سید محمدعلی متولد ۱۳۴۰ ق که عالمی فاضل و نویسنده‌ی مورخ از ائمه جماعت نجف اشرف و مانند والد ماجدش متصف به خصال حمیده و اخلاق جمیل و از مدرسین فقه و اصول حوزه علمیه است. از تالیفات او: ۱- تاریخ خلافة الاسلامیه ۲- المطالعات فی مختلف المؤلفات ۳- دیوان شعر می باشد.

۲- حجة الاسلام والفاضل العلام آقا سید محسن متولد ۱۳۵۰ فاضلی جلیل و شاعر دقیق الطبع و اشعار زیادی از او در مجلات نجف به طبع رسیده از آثار اوست تقریرات دروس فقه و اصولش و دیوان شعر که از آنست.

دعونی احباء الفواد و مایا
 لعلی استوقی الشعور تناجیا
 دعونی علی رسلی اثیر عوافی
 و خلوا اغادیدی تهزالنوادیا
 فانی قد ذویت و جدا حشاشتی
 فارسلتها دفعا من العین قانیا
 برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

حمدان

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نجاشی گوید که او را کتابی است که روایت می‌کند آن را از وی محمد بن ابی‌عمیر و در مشترکات هم گفته که راوی از او ابن ابی‌عمیر است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

حمدی، برهان‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مدرس، شاعر، محقق.

تولد: ۲۴ ذی‌قعدة سال ۱۳۲۳ ق. (۱۲۸۲)؛ سندج.

درگذشت: ۱۲ آذر ۱۳۶۶.

شیخ برهان‌الدین حمدی فرزند حاج شیخ عبدالمجید عرفان پس از ختم قرآن و خواندن کتاب‌های اخلاقی، دینی و ادبی فارسی، مقدمات علوم (صرف و نحو) را نزد پدر فراگرفت و سپس در محضر اساتیدی چون ملا-صادق منبری، شیخ حبیب‌الله کاشتری (ادبیات عرب) و ملا عبدالعظیم مجتهد (علم حکمت و کلام) به تحصیل علوم پرداخت و سرانجام در سال ۱۳۱۲ به دریافت اجازه‌ی فتوا و اجتهاد و تدریس علوم اسلامی نایل گردید (این اجازه از طرف ملا محمد صادق نیری صادر شد و دو استاد دیگرش ملا عبدالعظیم کاشتری و شیخ حبیب‌الله کاشتری آن را تأیید کردند). وی ابتدا در مسجد رشید قلعه بیگی (نزدیک بازار والی سندج) به تدریس آموزش و پرورش درآمد و پس از سی و سه سال خدمت به سال ۱۳۴۸ بازنشسته شد. در این مدت ایشان در دبیرستان‌ها و دانشسراها مدرس ادبیات فارسی و عربی بودند. مدتی نیز ریاست دبیرستان شاهپور سندج (شهید قصری فعلی) را که در آن زمان تنها دبیرستان شش کلاسه سندج بود بر عهده داشت. وی همچنین اصول کلامی چون مواقف قاضی عضدالدین ایجی و شرح میر سید شریف جرجانی و بحث در تفسیر جلالین و بیضاوی را تدریس می‌کرد. بعدها قریب سه سال به ریاست اداره‌ی اوقاف کردستان منصوب شد. پس از رسیدن به بازنشستگی به دعوت هیئت امنای دانشگاه رازی در دانشکده‌ی تربیت دبیر سندج به

عنوان استاد فارسی برگزیده و مشغول گردید. ایشان کتابخانه‌ی خود را که شامل تعداد بسیاری از کتب نفیس خطی و چاپی بود به کتابخانه‌ی شهر سنندج واگذار نماید. ترجمه‌ها و تألیفات ایشان به شرح زیر هستند: ترجمه مشکوٰۃ‌الانوار امام محمد غزالی، ترجمه رساله الطیر ابن سینا شامل رسالات «فلسفه نماز» و کتاب مرآت الفلسفه در یک جلد به نام فلاسفه و خداشناسی؛ مرآت الفلسفه طنطاوی؛ ترجمه‌ی رساله‌ی حی بن یقضان ابن سینا؛ شیخ اشراق و ابن طفیل؛ ترجمه‌ی عقاید نسفی؛ ترجمه‌ی متسطاب الاربعین فی اصول الدین امام محمد غزالی. آثار چاپ نشده‌ی وی عبارتند از: ترجمه‌ی قصائد سه گانه: لامیه‌ی العرب شنفری و لامیه‌ی العجم طغرابی و لامیه‌ی الکرد عرفان از: حاج شیخ عبدالحمید (پدر برهان‌الدین حمدی)؛ ترجمه‌ی قصیده‌ی «بانث سعاد کعب ابن زهیر» و چند رساله دیگر.

شیخ برهان‌الدین حمدی روز دوشنبه دوازدهم آذر ۱۳۶۶ به سبب بیماری معده و روده و ضیق‌النفس جان سپرد. جنازه‌ی وی در قبرستان تایله سنندج در جوار اقوامش دفن گردیده است. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

حمزه

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

او را از اصحاب حضرت صادق و حضرت کاظم شمرده‌اند و در تعلیقه وحید فرموده که راوی وی احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

حمزه‌ی اصفهانی، ابوعبدالله

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۶۰/۳۵۰ - ۲۷۰ ق)، مورخ و ادیب. در اصفهان تولد یافت. مدتی در طلب علم سفر کرد و اکثر ایام عمر را در زادگاهش گذراند. اگرچه، غالباً به عنوان یک مورخ مشهور نام برده می‌شود اما، وی بیشتر به ادب و لغت توجه داشته است. مشهورترین اثر وی «سنی ملوک الارض و الانبیاء» است، که نمایانگر تفکر شعوبی نویسنده می‌باشد. چه، نامهای ایرانی را به صورت اصلی آن نگاشته است، حال آنکه اغلب مورخان آنها را معرب کرده‌اند. دیگر آثار وی: «التنبیه علی حدوث التصحیف»؛ «کبار البشر»؛ «الامثال»؛ «تاریخ اصفهان».[۱]

اصفهانی، ابوعبدالله بن حسن (و. حدود ۲۷۰- ف. حوالی ۳۶۰- ۳۵۰ ه.ق.). وی مؤلف کتاب سنی ملوک الارض و الانبیاء (سنی ملوک...)، کتاب التصحیف، کتاب کبار البشر و کتاب المثل است که همه آنها در دست است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۳۰۹/۲)، اعیان الشیعه (۲۴۰/۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۳/۱)، تاریخ در ایران (۳۵- ۳۴)، دایرةالمعارف فارسی (۸۶۶/۱)، الذریعه (۲۶۵/۱۷، ۲۸۸- ۲۳۳/۳)، ریحانه (۱۴۳/۱)، سرآمدان فرهنگ (۳۲۱/۱)، فرهنگ ادبیات

فارسی (۱۸۵، ۱۱۷، ۱۱۶-)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۲۳۰)، کشف الظنون (۱۴۶۴، ۳۰۱، ۲۸۲، ۱۶۸)، لغت نامه (ذیل / حمزه)، معجم الادباء (۱۳۶- ۱۳/۹۴)، معجم المؤلفین (۷۸/۴)، هدیه العارفین (۳۳۶/۱)، یادداشتهای قزوینی (۱۶۳/۴).

حموی جوینی، ابواسحاق، صدرالدین ابراهیم

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۷۲۲- ۶۴۴ ق)، عالم شافعی و محدث. مشهور به ابن حمویه. در جوین خراسان و در خانواده‌ای اهل فضل و علم به دنیا آمد و در عراق وفات کرد. او در طلب حدیث به عراق و شام و حجاز و تبریز و طبرستان سفر کرد و علاوه بر درک محضر علمای اهل سنت از محقق حلّی، یحیی بن سعید، ابن طاووس و خواجه نصیرالدین نیز در حدیث بهره برد و از آنان حدیث روایت کرد. به همین دلیل است که بعضی مورخان وی را شیعه دانسته‌اند، اما ابن حجر او را صوفی شافعی می‌داند. گویند غازان خان مغول به دست او اسلام آورد. از آثار و: «فرائد السمطین فی فضائل المرتضی‌البطل و السبطين».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۶۱/۱)، اعیان الشیعه (۲۱۸/۲)، الذریعه (۱۳۵/۱۶)، روضات الجنات (۱۸۸- ۱/۱۸۵)، ریحانه (۷۷- ۲/۷۵)، الکنی و الالقاب (۱۹۶/۲)، لغت نامه (ذیل / ابن حمویه)، معجم المؤلفین (۸۹/۱).

حمیدالدین

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ع. پسندیده دین) ابوبکر بن عمر بن محمود بلخی قاضی و نویسنده معروف (ف. ۵۹۹ ه. ق.). وی قاضی بلخ بود و شهرت او مخصوصاً به وسیله تألیف «مقامات حمیدی» (م. ه) است.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

حمیدی بلخی، حمیدالدین عمر

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۵۹ ق)، ادیب و شاعر. در شهر بلخ می‌زیست و در آنجا سمت قاضی القضاتی داشت و او بود که به انوری بعد از داستان هجو بلخ و غوغای عوام در آن شهر پناه داد. انوری قطعات و قصایدی در مدح قاضی حمیدالدین گفت. قاضی حمیدالدین شعر نیز می‌سرود. از آثار وی: «مقامات حمیدی» که حمیدالدین آن را به پیروی از مقامات بدیع الزمان همدانی و ابوالقاسم حریری و به تقلید از روش و مضامین آنها در بیست و چهار مقاله و خاتمه نگاشت؛ «وسيله العفاه الی اکفی الکفاه»؛ «حنین المستجیر الی حضره المجید»؛ «روضه الرضا فی مدح ابی الرضا»؛ «قدح المغنی فی مدح المعنی»؛ «الاستغاثه الی اخوان الثلثه»؛ «منیه الراجی فی جوهر

التاجی»؛ «مثنوی سفرنامه‌ی مرو». مصحح دانشمند «فضائل بلخ» در تعلیقات خود بر آن کتاب بعد از بحث مستوفی در باب نسب و خاندان قاضی حمیدالدین می‌نویسد: پس با در نظر گرفتن روایات سابق، باید نام مولف «مقامات حمیدی» را ابوبکر حمیدالدین ابوبکر محمود بن عمر بن احمد بن محمد بن ابوذر محمودی دانست.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۲۶۰- ۹۵۷/۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۱۸)، تذکره الشعراء (۹۶)، دایره‌المعارف فارسی (۸۶۷/۱)، الذریعه (۹/۲۲)، ریحانه (۸۱- ۸۰/۲)، سبک‌شناسی (۳۲۹- ۳۲۸/۲)، سرآمدان فرهنگ (۳۲۲- ۳۲۱/۱)، فرهنگ سخنوران (۲۷۹)، فضائل بلخ (تعلیقات، ۴۰۳- ۳۹۴)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۵۳)، الکامل (۹۰/۹)، کشف الظنون (۱۷۸۶)، گنج و گنجینه (۲۰۰- ۱۹۵)، لباب الالباب (۲۰۰- ۱۹۸/۱)، لغت نامه (ذیل / حمیدالدین محمودی)، مولفین کتب چاپی (۶۴۸/۵)، مجمع الفصحا (۵۹۵- ۵۷۳/۱)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۵۵۹)، مقامات حمیدی (مقدمه)، هفت اقلیم (۶۷- ۶۴/۲)، یادگار (س ۱ ش ۷، ص ۲۵).

حمیدی، ابوالقاسم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید ابوالقاسم حمیدی

محل تولد: خشت فارس

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۱/۳/۱۲

زندگینامه علمی

اینجانب در تاریخ ۱۲/۳/۱۳۳۱ در محلی بنام خشت از توابع استان فارس در خانواده‌ی روحانی مذهبی به دنیا آمدم. دوران کودکی و ابتدائی را در محل پشت سر گذاشته، دوران دبیرستان را در محل دیگر که تا زادگاهم ۱۰ کیلو متر فاصله داشت با دوچرخه تا سیکل به اتمام رساندم. در خرداد ماه ۱۳۴۶ وارد حوزه علمیه قم شدم (به لحاظ اینکه اجداد و پدرم همه روحانی بوند) مقدمات را نزد اساتیدی مربوطه خصوصاً جناب آقای فلاح زاده فرا گرفتم - شرح لعمه را نزد سرور مکرم جناب آقای علوی گرگانی و موسوی تبریزی تلمذ نموده - قوانین خدمت جناب آقای دوز دوزانی بودم.

رسائل مرحوم شیخ انصاری را از محضر استاد اعتمادی بهره بردم. مکاسب را نزد حضرات آقایان موسوی تبریزی و ستوده فرا گرفتم. کفایه را نزد آقایان ستوده و سید علی محقق داماد بهره مند شدم. تا زمان در س خارج از محضر همه آیات عظام گلپایگانی، مکارم شیرازی، وحید خراسانی، تبریزی، فاضل لنکرانی و نوری همدانی استفاده فراوان بردم. شرح منظومه را خدمت آقای محمد گیلانی و اسفار را در محضر مرحوم سید رضا صدر و حسن زاده آملی و انصاری شیرازی فرا گرفتم.

تا قبل از انقلاب بر حسب وظیفه در ایام تبلیغ (رمضان، محرم، صفر) به امر خطیر تبلیغ مشغول بودم. دوران انقلاب بر حسب وظیفه به توزیع اعلامیه، رساله حضرت امام و شرکت در راهپیمایی و... سرگرم بودم. بعد از پیروزی انقلاب در سمت های مختلف انجام وظیفه می نمودم: مدت ۱۵ سال در سمت امام جمعه، مدت ۶ سال به عنوان نماینده امام در جهاد سازندگی شهرستان کازرون

فارس، مدت ۶ سال در دانشگاه آزاد اسلامی و پیام نور میمه و وزران از توابع اصفهان تدریس می نمودم (ضمناً در همین سنوات مسؤلیت امامت جمعه و مسؤلیت دفتر فرهنگ اسلامی دانشگاه آزاد میمه را به عهده داشتم). در دوران دفاع مقدس جمعاً ۵ سال و اندی در جبهه های جنگ حضور داشتم. مدت سیزده سال مدیریت و تدریس در حوزه های علمیه کازرون، اندیمشک، فارسان را به عهده گرفته بودم. همه اینها وقتی لذت بخش و خوب است که مورد قبول خداوند تبارک و تعالی قرار گرفته و معصومین علیهم السلام راضی و خشنود باشند از ما و اعمال ما فعلاً هم در مدیریت (حوزه علمیه) به عنوان ناظر و بازرس و مدیریت مدرسه خوابگاهی امام حسین علیه السلام مشغول انجام وظیفه هستم. در حوزه علمیه قم هم مشغول تدریس و تحصیل هستم.

حمیدی، ابو عبدالله محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابو عبدالله محمد ابن ابونصر فتوح بن عبدالله اندلسی معروف به حمیدی (ف. ۴۸۸ ه.ق.). از دانشمندان علم حدیث و صاحب کتاب الجمع بین صحیحی البخاری و مسلم. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

حمیدی، جعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاههای شیراز، تهران و مشهد.
مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

ادبیات، تاریخ، جغرافیا، شعر.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴۸، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

بررسی و تحقیق.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

حمیدیان، سعید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

حمیدیان، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: فیزیک، دانشکده: پیراپزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

حورا

قرن: ۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

از زنان محدث. وی دختر محمد بن محمد بن منصور اصفهانی بود که از ابوطیب حبيب بن محمد بن احمد طبرانی حدیث شنیده و سمعانی نیز از او استماع حدیث کرده است.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۳۰۵ / ۱.

حورستی

قرن: ۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

۵۴۲ق، وی دختر ناصر بن احمد بن محمد بن عبدالله و اهل سرخس بود که از پدرش استماع حدیث کرد و سمعانی در سرخس از

او حدیث نوشت.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۳۰۵ / ۱.

حویزی اصفهانی، قوام‌الدین جعفر

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۱۵ ق)، فقیه امامی، مفسر اخباری و متکلم. اصلاً از حویزه بود و در کمره مولد شد و در اصفهان مسکن گزید. علم حدیث و اخبار را از محمدتقی مجلس فراگرفت و در علوم معقول و منقول از شاگردان آقا حسین محقق خوانساری و محقق سبزواری بود. سید صدر قمی شارح «وافیه» و محمد اکمل بهبهانی، پدر علامه وحید بهبهانی، نیز از شاگردان صاحب عنوان بودند. وی در تمامی عمر شیخ الاسلام و قاضی اصفهان بود به همین جهت در میان علماء به شیخ جعفر قاضی شهرت یافت. او داماد محقق خوانساری بود. از آثار وی: «اصول الدین»؛ حاشیه بر «شرح لمعه»؛ حاشیه بر «الروضه البهیه»؛ «ذخائر العقبی»، در تعقیبات نماز؛ حاشیه بر «کفایه» محقق سبزواری.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۱۵-۱۱۴/۴)، الذریعه (۶/۱۰، ۹۳-۹۲/۶)، روضات الجنات (۱۹۲-۱۸۸/۲)، ریحانه (۸۷-۸۵/۲)، معجم المؤلفین (۱۴۱-۱۴۰/۳).

حویزی، خلف

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۷۴ ق)، متکلم، محدث، ادیب و شاعر امامی. معروف به سید خلف. وی از معاصران شیخ بهایی و میرزا محمد استرآبادی بود و والی حویزه، حویزی مردی زاهدپیشه و در انجام فرائض و نوافل بر خود سخت گیر بود. در نجف دفن شد. از آثار وی: «الاثنی عشریه فی الصلوه»؛ «برهان الشیعه»، در امامت؛ «الحق المبین»، در منطق؛ «البلاغ المبین»، در احادیث قدسی؛ «الحجه البالغه»، در کلام؛ «سفینه النجاه»؛ «الموده فی القربی»؛ «النهج القویم»، در کلمات امیرالمومنین علی (ع)، «حق یقین»، در کلام؛ دو «دیوان» به فارسی و عربی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۳۴-۳۳۰/۶)، الذریعه (۱۶۸/۲۱، ۳۰۰/۹، ۴۰/۷، ۲۵۸/۶)، روضات الجنات (۷۰۴-۶۹۹/۳)، ریحانه (۸۹-۷۸/۲)، فرهنگ سخنوران (۲۸۰)، معجم المؤلفین (۱۰۵/۴).

حویزی، عبد علی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۵۳ ق)، ادیب و شاعر. نزد حکام بصره تقرب داشت و تا آخر عمر در کنف حمایت آنها زندگی کرد. وی مدتی نزد شیخ بهایی تلمذ کرد. از آثارش: «دیوان» شعر، به سه زبان ترکی، فارسی و عربی؛ «قطر الغمام»؛ «حاشیه تفسیر بیضاوی»؛ «المعول فی شرح شواهد المطول»؛ «مناهج الصواب فی علم الاعراب»؛ «رساله فی الرمل»؛ «کتاب فی الحکمه»؛ «کلام الملوک ملوک الکلام»؛ «کتاب فی العروض»؛ «کتاب فی نحو».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۵۶/۴)، ایضاح المکنون (۴۹۹/۱)، الذریعه (۲۴۲/۲۳، ۲۳۸/۲۰، ۲۵۰/۱۱، ۶۹۰/۹، ۱۸۹/۶)، روضات الجنات (۲۱۱-۲۱۰/۴)، ریحانه (۹۰-۸۹/۲)، معجم المؤلفین (۲۶۶/۵)، هدیه العارفین (۵۸۶/۱).

حویزی، عبدالعلی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۰۶۵ ق)، فقیه، محدث، مفسر، ادیب و شاعر امامی. معروف به عبدالعلی عروسی. در حویزه متولد شد و در شیراز ساکن. وی استاد سید نعمت‌الله جزایری و معاصر شیخ حر، عاملی و علامه مجلسی است. از آثار وی: شرح «لامیه العجم» طغرایبی؛ «نور الثقلین»، تفسیری روایی از قرآن، در چهار مجلد؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۶۶-۳۶۵/۲۴، ۶۹۰/۹)، روضات الجنات (۲۷-۲۵/۵)، ریحانه (۱۲۴/۴، ۸۹/۲)، فوائد الرضویه (۲۳۷)، معجم المؤلفین (۲۶۵/۵).

حویزی، فرج‌الله

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۱۰۰-۱۰۳۱ ق)، متکلم، مفسر، ادیب، شاعر و مورخ امامی. از مردم حویزه خوزستان بود و معاصر با شیخ حر عاملی. وی در بیشتر علوم روزگار خویش دست داشت و تالیفاتش دامنه‌ی گسترده‌ای داشت. اکثر رجال‌نویسان او را به داشتن فضل ستوده‌اند. از آثار وی: «ایجاز المقال فی معرفه الرجال» درباره‌ی رجال، در دو مجلد؛ «تذکره العنوان» که به پیروی «عنوان الشرف» شرف‌الدین اسماعیل یمنی است، در نحو و منطق و عروض؛ «التفسیر»؛ «الغایه»، در منطق و کلام؛ «الصفوه»، در اصول؛ شرح «خلاصه الحساب» شیخ بهایی؛ «المناسک الشاهوردیه»، در فقه؛ «دیوان» شعر؛ شرح «تشریح الافلاک» شیخ بهایی؛ «تاریخ».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۴۱/۵)، اعیان الشیعه (۳۹۵/۸)، ایضاح المکنون (۴۹۹، ۲۷۵/۱)، الذریعه (۲۷۶/۲۲، ۸۱۸/۹، ۴۸۷/۲)، روضات الجنات (۳۴۱-۳۹۹/۶)، ریاض العلماء (۳۳۷/۴)، ریحانه (۹۴/۲)، فوائد الرضویه (۳۴۹)، لغت نامه (ذیل / فرج‌الله)، معجم

المولفین (۵۹/۸)، هدیه العارفین (۸۱۶/۱).

حویزی، کرم الله

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۵۴ ق)، فقیه، عالم و نویسنده امامی. اصل وی از حویزه یا هویزه خوزستان بود. علم را در خدمت عمو و پدرزنش، عبدالله بن کرم الله، آموخت. وی عالمی ارجمند و از بزرگوارترین پرهیزکاران و گرامی‌ترین هوشمندان بود. کرم الله شیخ الاسلام شهر خود بود. او در نزدیکی خرم‌آباد درگذشت و در حویزه به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲۹/۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲/۶۱۴)، مکارم الآثار (۵۳/۱).

حیاتی

قرن: ۱۲

جنسیت: زن

ملیت: ایران

(س دوازدهم و سیزدهم ق)، شاعر و عارف. حیاتی آیین و روش عارفان را از همسرش نورعلیشاه آموخت و دارای طبع موزون و قریحه‌ای توانا بود و در نظم و نثر دستی توانا داشت. سروده‌هایش بیشتر آمیخته به گفته‌ها و راه و روش عارفان است. پس از درگذشت نورعلیشاه، با ملا محمد نامی از مردم خراسان ازدواج کرد. شادوران وحیدی در مورد او چنین گفته است: «او بزرگترین شاعره‌ی قرن اخیر است». از آثار او: «دیوان» اشعار در حدود ده هزار بیت، با مقدمه‌ای به نثر بسیار شیوا و فصیح. [۱]

۱۲۱۳ ق، بی‌بی جانی از زنان عارف و شاعر. وی از اهالی هرات و خواهر رونق‌علیشاه و همسر نورعلی شاه از بزرگان صوفیه بود. قواعد و اصطلاحات عرفانی را نزد همسرش فراگرفت. پس از قتل معصوم‌علیشاه (۱۲۱۲ ق)، نورعلیشاه به همراه حیاتی به عثمانی پناهنده شد و بعد از مدتی در شهر موصل درگذشت. چندی پس از مرگ وی همسرش با ملا محمد خراسانی ازدواج کرد. حیاتی طبع شعر داشت و حدود ده هزار بیت شعر گفته که غالباً شامل مضامین و اصطلاحات عرفانی است. دیوان اشعار او مشتمل بر پنجاه الی شصت غزل است که چاپ شده است (۱۳۴۹ ش) از اشعار اوست:

ایا طایر قدس عرش آشیان

مجو دانه از دام این خاکدان

قفش بشکن و بال و پر باز کن

به گلگشت و گلزار پرواز کن

منع دلم از ناله مکن در پی محمل

کز ناله کسی منع نکرده است جرس را [۲]

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: [۱] از رابعه تا پروین (۱۱۱-۱۱۰)، خیرات حسان (۱۱۰/۱)، ریاحین الشریعه (۱۴۱/۴)، زنان سخنور (۱۷۵-۱۷۳)

۱/، ستارگان کرمان (۱۴۹)، طرائق الحقائق (۲۰۲/۳)، مشاهیر زنان (۷۸)، مصطبه‌ی خراب (۴۵).

[۲] منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره نهم، ۵۶؛ از رابعه تا پروین، ۱۱۱-۱۱۰؛ تذکره‌الخواتین، ۹۷؛ خیرات حسان، ۱۱۰؛ دیوان نور علیشاه، ریاحین الشریعه، ۱۴۱؛ زنان سخنور، ۱۷۵-۱۷۳؛ ستارگان کرمان، ۱۴۹؛ شرح زندگانی وحید بهبهانی، ۲۹۸-۲۹۷؛ طرائق الحقائق، ۲۰۲/۳؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ۲۳۰۳/۳؛ مصطبه‌ی خراب، ۴۵؛ نقل مجلس، گ ۳۶-۳۳.

حیاوی، عبدالکریم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اهواز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی بیماریهای داخلی در سال ۱۳۵۷، فوق تخصص غدد مترشحه داخلی در سال ۱۳۶۶، فوق تخصص در رشته آندوکرینولوژی و متابولیسم در سال ۱۳۶۶.

مرتبه علمی:

تدریس علوم پایه فیزیولوژی و پرستاری در دانشگاه لندن، دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحقیق و تدریس در رشته غدد مترشحه داخلی و متابولیسم دیابت، هیپوفیز، پاراتیروئید، متابولیسم پروتئین، طرح علل و همه‌گیری ساده در خوزستان، بررسی گره‌های سرد غده تیروئید با نمونه برداری سوزنی از نظر شیوع سرطان در منطقه خوزستان، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۶ پایان‌نامه دکترای.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۶، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

تاکی کاردی بطنی V.Tac، درمان هیرسوتیسم (پرموئی) با آندروکور، سرطان غده تیروئید، کم کاری غده هیپوفیز، بررسی گره‌های سرد غده تیروئید با نمونه برداری سوزنی در بیماران خوزستان، پرکاری غدد پاراتیروئید به علت آدنوم بزرگ و قابل لمس.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

حیدرپور، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد حیدر پور

محل تولد: شهرضا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب احمد حیدر پور در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح را نزد اساتید مانند آقایان مدرس افغانی، صالحی افغانی، مهدی زاده، اعتمادی، وجدانی فخر و استاد پایانی به پایان رساندم. سپس در درس خارج فقه و اصول آیات عظام وحید خراسانی، سبحانی، جوادی آملی تلمذ نمودم. به دلیل علاقه شدید به علوم عقلی و به ویژه فلسفه در رشته تخصصی کلام و فلسفه حوزه شرکت نمودم و در سال ۱۳۷۶ دوره را به پایان رساندم. در دروس فلسفه استاد فیاضی حضور مستمر داشتم و در سال ۱۳۷۸ در مدرسه معصومیه مشغول به تدریس عقاید شدم و از آن هنگام تاکنون به صورت مستمر به تدریس کلام و فلسفه مشغول هستم. در سال ۱۳۷۷ با مرکز دایره المعارف علوم عقلی شروع به همکاری کردم و از آن زمان تاکنون مشغول تحقیق در کلام و فلسفه اسلامی هستم. ضمناً در سال ۱۳۸۰ از نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها اجازه تدریس اخذ کرده ام.

حیدر نژاد دلیل آبادی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی تبریز در سال ۱۳۵۵، دکترای تخصصی داخلی از دانشگاه علوم پزشکی شیراز در سال ۱۳۶۱.

مرتبه علمی:

استادیار بخش داخلی علوم پزشکی تبریز از سال ۱۳۶۲، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه علوم پزشکی تبریز از سال ۱۳۶۹.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی بیماریهای ریوی، عوارض ریوی مجروحین، دخانیات و بررسی آن در جامعه پزشکی تبریز، اپیدمیولوژی کانسره‌های ریه، بررسی سل لب تحتانی در افراد بزرگسال، مسمومیت‌های شایع، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر بیش از ۱۰ پایان نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

بیماریهای ریه و سل، فیزیوپاتولوژی ریه، ترجمه سل در کودکان، ترجمه استراتژی درمان آسم و ترجمه سؤال و پاسخ در سل (دارو درمانی و بیماریابی)

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

مجروحین شیمیائی (عوارض ریوی)، سل، بیماری‌های ریه و مسمومیتها.

زمینه علمی تألیفات:

فوریت‌های گوش و حلق و بینی و حنجره، بیماریهای گوش و حلق و بینی و حنجره.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۳، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای گوش و حلق و بینی و تنفسی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

حیدری نیک، مجید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مجید حیدری نیک

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

دوره های ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در دبستان ثقفی، مدرسه راهنمایی مترجم الدوله و دبیرستان ابوریحان تهران گذراندم و مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ دیپلم ریاضی فیزیک را از همان دبیرستان اخذ و در دانشگاه ملی ایران (شهید بهشتی کنونی) در رشته کامپیوتر نیز قبول شدم. با تعطیلی دانشگاه ها و همزمان با آغاز جنگ تحمیلی، در سنگر جبهه ها مشغول فعالیت شدم. در سال ۱۳۶۰ همزمان در دو جبهه فرهنگی (معلمی) و رزمی (جبهه ها) فعالیت می کردم. تا سال ۶۳ در آموزش و پرورش منطقه ۱۳ تهران به تدریس اشتغال داشته و پس از حضور یک دوره سه ماهه در جبهه و بازگشت از آنجا در پائیز ۱۳۶۳ وارد حوزه

علمیه قم، مدرسه رضویه شدم. از سال ۶۳ تا ۶۶ علاوه بر مدرسه رضویه از اساتید مدرسه امام و مدارس دیگر نیز استفاده می‌کردم و در نهایت دروس مقدمات، سیوطی، حاشیه، مغنی، معالم و مختصر را از اساتیدی چون حجج اسلام حسینی، عرفان، طالقانی، هادوی، کدیور، صالحی و مدرس افغانی استفاده کردم.

از سال ۶۶ تا ۷۰ لمعه، اصول فقه، رسائل، مکاسب و کفایتین را از اساتیدی چون حجج اسلام: صلواتی، محمدی، هادی زاده، پایانی، اعتمادی، شب زنده دار، محقق داماد، استادی، تهرانی و محسن وحیدی خراسانی بهره بردم. از سال ۷۰ به مدت ده سال درس خارج فقه و اصول را از آیات عظام فاضل لنکرانی، وحید خراسانی، تبریزی، مکارم شیرازی و مومن تلمذ کرده‌ام. در ضمن درس تفسیر قرآن را هم از سال ۷۰ تا ۷۴ از استاد آیت الله جوادی آملی استفاده کردم. از سال ۷۲ تا کنون به عنوان مدرس در دانشگاه های آزاد اسلامی واحد تهران و مرکز شاهد تهران مشغول تدریس معارف و متون و اخلاق و تاریخ و ریشه های انقلاب اسلامی بوده‌ام. همچنین از سال ۸۰ تا ۸۲ در مرکز تخصصی مهدویت به عنوان اولین دوره شرکت داشتم و از سال ۸۲ تا کنون در همان مرکز به عنوان مدرس دروس حکومت دینی و تاریخ تحلیلی اسلام مشغول تدریس هستم. به علاوه در همان مرکز با همکاری تعدادی از دوستان، فصلنامه انتظار را انتشار دادیم و هم اکنون نیز جزء شورای نویسندگان در نشر این فصلنامه فعالیت می‌کنم. افزون بر این در همین مرکز در زمینه ترویج فرهنگ مهدوی به خصوص در نیمه شعبان و ۹ ربیع در اعزام های مختلف به تبلیغ و پاسخ به شبهات پرداخته‌ام.

از سال ۷۲ تا کنون نیز در همکاری با نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه ها به مراکز دانشگاهی مختلف کشور از قبیل دانشگاه جامع هرمزگان، پزشکی بندر عباس، بین المللی و پزشکی قزوین، میرزا کوچک خان رشت، خواجه نصیر الدین طوسی و علامه طباطبایی، علوم بهزیستی تهران و ... اعزام و به تبلیغ و پاسخگویی به شبهات پرداخته‌ام. از سال ۷۶ تا کنون به همراه عده ای از دوستان به شکل تحقیقی و کار گروهی در زمینه تفسیر قرآن و نهج البلاغه و فقه و اصول مشغول فعالیت هستم.

در زمینه نشر فرهنگ شیعه در زمینه نویسندگی نیز فعالیتیم را از سال ۷۰ تا کنون شروع کرده‌ام. ابتدا در ماهنامه آزادگان شرح حال فرزندان و دانشمندان شیعه را نوشته و بعد در روزنامه کیهان به همین کار ادامه دادم و سپس در نشریه های دانشجویی به نشر دیدگاه های خود ادامه دادم. تا اینکه در سال ۸۰ با همکاری عده ای از دوستان در مرکز تخصصی مهدویت به انتشار فصلنامه انتظار مشغول شدم و در بعضی از شماره های این نشریه پیرامون فرهنگ مهدوی مقالاتی را به رشته تحریر در آوردم. هم اکنون چند کتاب پیرامون صلح امام حسن (ع)، پیشینه تاریخی انتظار، تاریخ تحلیلی اسلام در دست نگارش دارم که انشاء الله بزودی کار انتشار آن ها به پایان می‌رسد.

حیدری نیک، مسعود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مسعود حیدری نیک

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اخذ دیپلم در تهران، ابتدا یکسال به صورت متفرقه در سال ۶۳ در حوزه آیت الله مجتهدی تهران و سپس در سال ۶۴ با ورود به حوزه رسماً دروس حوزوی را شروع کردم. سه سال مقدمات را در مدرسه مبارکه رضویه گذراندم سپس دروس اصول فقه و لمعه و مکاسب را نزد اساتید معزز، آقایان محمّدی خراسانی، اشتهاوردی، اعتمادی و پایانی گذراندم؛ کتاب کفایه را نزد آقایان محسن وحید خراسانی و تهرانی تلمّذ نمودم. از سال ۷۱ دروس خارج فقه و اصول را نزد حضرات آیات مکارم شیرازی، وحید خراسانی، جواد تبریزی و فاضل لنکرانی خواندم.

از ابتدای ورود به حوزه و حتی قبل از آن به کتب تاریخی علاقه خاصی داشتم و بدین سبب مطالعاتی داشتم؛ با همین علاقه در سال ۷۱ با همکاری صدا و سیما و حزب الله در قم در قسمت تاریخ مقالاتی را نوشتم. زندگینامه بزرگانی همچون شیخ مفید که بعنوان سیمای فرزندگان صبح های جمعه از رادیو پخش می شد کار همان زمان می باشد. همچنین زندگینامه آقای رضا همدانی و مرحوم نراقی و محقق داماد نیز نوشته شد. سپس در سال ۷۷ اینجانب بعنوان مسئول گروه تاریخ مرکز جهانی علوم اسلامی شدم. در سال ۷۸ تا ۸۰ نیز بعنوان مسئول گروه تاریخ اسلام مدرسه امام خمینی در خدمت دوستان بودم. سال ۷۹ به همت گروهی از پژوهشگران حوزه تاریخ، انجمن پژوهشگران تاریخ حوزه علمیه قم را تأسیس کردیم که سپس بعنوان اولین انجمن علمی به رسمیت شناخته شد و اینک نیز جزء هیئت مؤسس آن می باشم.

بعنوان کار تحقیقاتی تلاش شده که فعلاً مقالات و جزوات جمع آوری شود و در حد بضاعت در تکمیل آن پردازم حکومت از دیدگاه نهج البلاغه، تاریخ در روایات، مشکلات حکومت حضرت علی (ع) از مقالاتی است که تهیه شده است. پژوهش حکومت از دیدگاه نهج البلاغه بعنوان پایان نامه سطح سه حوزه اینجانب بود که تحت نظر استاد راهنما جناب حجت الاسلام آشتیانی در سال ۸۲ دفاع شد (در حوزه). سال ۱۳۷۳ با گزینش امور اساتید نهاد رهبری بعنوان استاد به دانشگاه تهران و دانشگاه شهید بهشتی معرفی شدم و تا سال ۷۸ در دروس معارف، تاریخ اسلام، متون و اخلاق تدریس نمودم.

سال ۷۸ بعنوان استاد در مرکز تربیت محقق و نویسنده دفتر تبلیغات، تاریخ اسلام تدریس نمودم. از سال ۷۸ تا کنون در مدرسه علمیه امام خمینی (ره) بعنوان استاد تاریخ اسلام مشغول تدریس می باشم. سال ۷۶ تا ۷۸ نیز بعنوان مسئول قسمت پاسخگویی به سئوالات کتبی مؤسسه در راه حق، مشغول خدمت بوده ام.

حیدری، حبیب

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حبیب حیدری دستجردی

محل تولد: آبادان

شهرت: حیدری

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در شهرستان آبادان و اصفهان به پایان رساندم و در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و پس از دو سال جهت ادامه تحصیل به قم عزیمت نمودم و از اساتید بزرگوار هم چون جناب آیت الله استادی در فقه و گرگانی در ادبیات، مدرس افغانی در ادبیات عرب و آیت الله سبحانی و جوادی املی و تبریزی و محمدی استفاده نمودم. و پس از شرکت ۴ سال در خارج اصول و فقه به تخصصی کلام در موسسه امام صادق ع تحت اشراف آیت الله سبحانی مشغول به تحصیل شدم و پس از پایان تحصیلات به عنوان محقق دایر المعارف کلام اسلامی با این موسسه همکاری نمودم. در سال ۱۳۸۴ جهت سامان دادن به حوزه علمیه آبادان با جمعی از دوستان به آنجا رفتیم که ضمن تدریس اصول و منطق به اصلاح سیستم آموزشی نیز مبادرت کردم. و همکنون با نهاد رهبری در معاونت امور اساتید معارف اسلامی در بخش ارزشیابی اساتید معارف همکاری می‌نمایم.

حیدری، عباس

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عباس حیدری بهنوئی

محل تولد: شهر بابک

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

عباس حیدری بهنوئی در سال ۱۳۴۴ در یکی از شهرهای تابع استان کرمان، به نام شهر بابک متولد شده پس از اخذ مدرک دیپلم در رشته علوم تجربی در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شد. دوره مقدمات و سطح حوزه را طی کرده و مدت دوازده سال درس خارج فقه و اصول را گذرانده است. اساتید او در فقه و اصول عبارتند از آیت الله وحید خراسانی، آیت الله میرزا جواد آقا تبریزی و آیت الله سید محمد رضا مدرسی مشار الیه همزمان با فقه و اصول از مباحث فلسفی نیز بهره برده است، منظومه سبزواری را نزد حجة الاسلام و المسلمین دکتر پرنده غیبی و نهایتاً الحکمه را نزد آیت الله موسوی گرگانی گذرانده است مباحثی از اسفار ملا صدرا را نزد آیت الله جوادی املی و آیت الله حسن زاده آملی تلمذ نموده است. همزمان با مباحث حوزوی، زبان انگلیسی را تا سطح عالی آن فرا گرفته است. وی پس از شرکت در آزمون سراسری سال ۱۳۷۴ و به دست آوردن رتبه هفتاد و هفت، همزمان در دو رشته پزشکی و علوم سیاسی (به صورت نیمه متمرکز) پذیرفته شد اما تحصیلات خود را در رشته علوم سیاسی ادامه داد و اکنون دانشجوی مقطع دکتری دانشگاه تهران و مشغول تدوین پایان نامه است. علاوه بر پایان نامه دکتری با عنوان «زبان، سیاست و دولت در عصر مشروطه» دو پایان نامه در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد با عناوین «نظام سیاسی از دیدگاه فارابی» و «تحول نظری فقه سیاسی شیعه از مشروطیت تا انقلاب اسلامی» را تدوین و دفاع نموده است.

حیدری، عزیز الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عزیزالله حیدری

محل تولد: شاهرود

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از اخذ دیپلم در رشته ادبی در تهران، در کنکور شرکت نمودم و در رشته علوم تربیتی قبول شدم و تا دو سال در دانشکده علوم تربیتی پارس (در مجموعه دانشگاه علامه (ره) فعلی) تحصیل نمودم و با شناخت حوزه علمیه قم و درک ضرورت دروس حوزوی دانشگاه را ترک کردم اما مطالعات را در رشته علوم تربیتی و روانشناسی ادامه دادم. دروس مقدمات و سطح را در مدرسه رضویه فیضیه و مسجد امام نزد اساتید محترم آقایان حبیبی، مولوی نیا، اشتهاوردی، سلطان محمدی، گیلانی، دکترضیایی، مدرس افغانی، کوه کمره ای، مرحوم آیت الله ستوده، گنجی، مرحوم استاد علی صفایی حائری و درس خارج را نزد آیات عظام مکارم شیرازی، نوری همدانی، مازندرانی و تفسیر را نزد آیت الله جوادی آملی گذرانده ام.

کارهای تحقیقی و نوشتن کتاب و پاسخ به پرسش های کتبی و شفاهی در موسسه در راه حق و ارائه مقالات به مجلات و همکاری با مرکز فرهنگی وابسته به نهاد رهبری در دانشگاه ها، تدریس در دانشگاه (دروس عمومی) و تبلیغات در مناسبت های مرسوم، عمده اشتغالات اینجانب است.

عمده مطالعاتم در تفسیر، حدیث، ابعاد اخلاقی اجتماعی مکتب اصیل اسلام و تشیع و استخراج روش های کاربردی در معارف و سازندگی اخلاقی می باشد.

حیدری، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی بن العابد الزاهد الورع حاج شیخ محمد حیدری کاشانی یکی از چهره های علم و دانش و فضیلت معاصر است در راوند کاشان.

وی در سال ۱۳۰۵ شمسی در شهرستان کاشان به دنیا آمده و پس از تعلیمات ابتدائی دوره مقدمات و ادبیات را در کاشان نزد اساتید بزرگ آن شهر فراگرفته و سپس مهاجرت به اصفهان و با جدیت تمام تفسیر و درایه و هیئت جدید را خدمت مرحوم آیت الله حاج شیخ محمدباقر زند کرمانی خوانده و علم کلام و فلسفه را از مرحوم آیت الله صدر کوپائی و علم تفسیر و اخلاق را نیز خدمت مرحوم حاج میرزا علی آقای شیرازی فراگرفته.

ادبیات و شوارق را از مرحوم ادیب بجنوردی آموخته سپس به قم عزیمت نموده و فلسفه و حکمت و تفسیر را از مرحوم آیت الله

حاج شیخ مهدی مازندرانی و آیت‌الله العظمی امام خمینی و علامه طباطبائی استفاده نموده و مکاسب و کفایه را از آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله و آیت‌الله آقا شیخ عبدالجواد اصفهانی بهره‌مند شده و به درس مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت نموده بعد از آن مرحوم به درس خارج مرحوم آیت‌الله حاج سید محمد محقق داماد حاضر و مورد توجه مخصوص آن مرحوم واقع شده و ضمناً به تدریس فقه و اصول و معقول و تفسیر پرداخته تا سال ۱۳۵۱ قمری که بنابر اصرار مردم (راوند کاشان) احساس وظیفه شرعی نموده و به راوند عزیمت و در آنجا به اقامه جماعت و تبلیغ اشتغال پیدا کرده و از همان اوان مورد نظر دانشمندان معاصر کاشان شده و بنابر دعوت آنان برای تدریس و تفسیر قرآن مجید همه روزه به کاشان رفت و آمد و در مدرسه علمیه یتربی کاشان تدریس متون فقه و اصول و تفسیر برای محصلین و غیره می‌نمایند.

معظم له دارای نوشتجاتی در فقه و اصول می‌باشند که هنوز به طبع نرسیده است.

وی نیز طبع روان و ذوقی سرشار دارند و اشعار عربی و فارسی بسیاری در مدح ائمه علیهم‌السلام مخصوص حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه دارند

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حیدری، علی محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی محمد حیدری

محل تولد: نراق

شهرت: حیدری نراقی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی محمد حیدری در سال ۱۳۳۱ متولد شدم و در سال ۱۳۴۸ وارد حوزه علمیه شدم. از محضر اساتیدی چون آیات عظام گلپایگانی، تبریزی، مکارم و صانعی استفاده‌ها بردم علاوه بر تحصیل به تحقیق و تالیف پرداختم و کتابهایی را به رشته تحریر در آوردم چند سالی نیز به عنوان سرپرست بنیاد شهید و جهادسازندگی تفرش به ادای وظیفه مشغول بودم و هم اکنون با بازگشت به قم به تحصیل و تبلیغ و تالیف مشغول هستم.

حیدری، محمد علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد علی حیدری حسنی

محل تولد: کربلا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اتمام ابتدای و ورود به متوسطه در عراق شهر کربلا مقدس همزمان شروع به فراگیری علوم مقدماتی حوزه علمیه کربلا شده از سال ۱۳۴۸ هـ ش تا سال ۱۳۵۹ هـ ش که مشغول به علوم ادبیات عرب کتاب اجرومیه و شرح بنی عقیل و باب چهارم مغنی اللبسیب به ترتیب استاد شیخ مهدی شریعت زاده و استاد شیخ احمد الشند علوم فقهی رساله عملیه و شرار السلام به ترتیب استاد شیخ مهدی شریعت زاده و استاد شیخ احمد الشند و علم اخلاق اداب متعلمین خواجه نصیر الدین طوسی استاد سید عبد الرضا شهرستان و علم منطق مظفر استاد سید صادق شیرازی و علم هیئت شهید استاد سید محمد علی موسوی بحرانی و علم تفسیر جمع البیان استاد سید مرتضی قزوینی و علم ریاضی و اقتصاد شهید استاد محمد خیرالدین و علوم حدیث و نهج البلاغه و کتب اربعه صمام سته و علم خطابه مرحوم والد مکرم حاج سید محمد حسین حیدری و پس از دستگیری نظام حزب بعث عراق تبعیت پیروی از حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) و تبعید به جمهوری اسلامی ایران شروع به حضور و فراگیری از استاد مرحوم شیخ محمد تقی جعفری در علم منطق و فلسفه و نهج البلاغه از سال ۱۳۶۲-۱۳۶۴ و از سال ۱۳۶۲ تا آخر سال ۱۳۶۴ مشغول به مشاوره و کارشناسی دفتر بررسی ارزشهای حاکم بر نظام اداری در سازمان امور اداری و استخدامی کشور بوده در موضوع مدیریت و کار و پرداخت در اسلام تدوین و تحقیق و نگارش و از سال ۱۳۶۵ وارد به حوزه علمیه قم شده و شروع به فراگیر علوم حوزی سطوح و سطوح عالی و بحث خارج نموده و تا سال ۱۳۷۲ دروس سطوح و سطوح عالی را به اتمام رسانده و در سال ۱۳۷۳ شروع به حضور بحث خارج استاد حاج شیخ باقر ایروانی شده تا سال ۱۳۸۱ هـ ش. و در سال ۱۳۷۷ شروع به تاسیس موسسه تحقیقاتی فرهنگی بضعة المختار الحیاء تراث اهل البیت علیه اسلام نمود و با اخذ مجوز رسمی از اداره کل ارشاد و شورای عالی بر مراکز فرهنگی با شماره ثبت ۲۴۲ مشغول به فعالیتهای تحقیقاتی و فرهنگی نموده.

که بحمد الله والمئید تا بحال سالیانه ده هزار جلد قرآن کریم و پنج هزار جلد مفتاح الجنان به صورت اهداء و رایگان در دست مومنان در داخل جمهوری اسلامی ایران و خارج از کشور توزیع شده. همچنان ده ها از کتابها تحقیق برخی از آنها به چاپ رسانده و برخی از آنها در دست اقدام می باشند. و همچنان مشغول بر تشکیل محافل قرآنی و دعایی و نهج البلاغه و عقائد و اخلاق و نقل احکام داخل و خارج از کشور و پاسخ گوی و حل اختلاف و اصلاح ذات البیع و تبلیغات می باشد.

حیرت بخارایی، محمد اسماعیل

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۶-۱۲۵۴ ق)، مترجم و شاعر، متخلص به حیرت. وی مترجم معروف «تاریخ ایران»، تالیف سر جان ملکم، از انگلیسی به فارسی است. حیرت در بمبئی وفات یافت و در قبرستان ایرانیان آن شهر دفن شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: شرح حال رجال (۱/۱۳۱).

خاتمی اردکانی، روح‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج آقا روح‌الله خاتمی اردکانی از علماء عصر اردکان دارای مقام علم و عمل و تقوا میباشد، معظم له در اردکان متولد شده و پس از خواندن ادبیات در یزد و اردکان باصفهان آمده و سطوح عالی و مسائل و مکاسب و غیره را نزد علماء اصفهان خوانده و مهاجرت بقم نموده و چندین سال از محضر مؤسس حوزه آیة‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی طاب‌الله ثراه استفاده نموده آنگاه باردکان مراجعت و باقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام سیدالمرسلین علیه و علی آله صلوات المصلین و وظائف دینی و روحی پرداخت. وی والد حجه‌الاسلام والمسلمین خاتمی رئیس جمهور اسلامی ایران است.

مؤسس حوزه علمیه‌ی اردکان.

تولد: ۱۰ رمضان ۱۳۲۴ ق.، اردکان.

درگذشت: ۱۰ آبان ۱۳۶۷.

آیت‌الله سید روح‌الله خاتمی دوران طفولیت در اردکان طی کرد، همان جا به مکتب رفت و تا سیزده سالگی فارسی و عربی را آموخت. سپس در سال ۱۳۴۲ ق. به اصفهان رفت و در حوزه‌ی علمیه‌ی آن شهر به تحصیل مشغول شد. از جمله اساتید ایشان در این مرحله حاج میرزا علی آقای شیرازی و شیخ محمد خراسانی و در فقه و اصول به ترتیب آیت‌الله سید محمد نجف آبادی، آقا سید علی نجف آبادی و آیت‌الله رحیم ارباب بودند. در سال ۱۳۵۴ ق. از اصفهان به اردکان بازگشت. آیت‌الله خاتمی قصد داشت به نجف برود که مقدور نگردید. با شروع جنگ جهانی دوم، ایشان به همراه عده‌ای طلبه دیگر مدرسه‌ای را در اردکان ترمیم کردند که به تدریج به حوزه‌ی علمیه‌ی اردکان تبدیل شد.

(ح ۱۳۶۷ - ۱۲۸۵ ق.)، عالم دینی. در خانواده‌ای روحانی در اردکان به دنیا آمد. مقدمات علوم را در زادگاهش فراگرفت، پس از آن برای تکمیل تحصیلات خود به اصفهان رفت و از محضر اساتیدی چون حاج میرزا علی آقا شیرازی، حاج رحیم ارباب، حاج سید علی نجف آبادی و سید محمد نجف آبادی بهره‌ها گرفت و چندین سال در حوزه‌ی درس آیت‌الله حایری یزدی در قم کسب فیض کرد. سپس به اردکان بازگشت و به ترویج دین و تبلیغ احکام پرداخت و در این شهر تشکیل حوزه‌ی علمیه داد. از آثار وی «آیینی مکارم» است. [۱]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آینه‌ی دانشوران (۲۵-۲۴)، کیهان فرهنگی (س ۵، ش ۹، ص ۶۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۶۷-۶۶/۳، ۲۹۱/۱).

خاتمی بروجردی، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ محمدرضا بن العالم الجلیل و الزاهد النبیل حاج شیخ حسن خاتمی بروجردی از علماء مبرز معاصر شهر ری و اصدقاء این

نویسنده است. وی در سال ۱۳۴۱ قمری در بروجرد متولد شده و در مهد علم و فضیلت پرورش یافته و اولیات و مقدمات را در بروجرد خوانده و به قم آمده و با آشنائی و رفاقت با مرحوم والدش حدود دو سالی در قم با این نویسنده محشور و مأنوس بوده و قسمتی از سطوح وسطی را نزد حقیر و دیگران خوانده و در ماه ذی القعدة الحرام ۱۳۶۱ قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و مدت شش سال اقامت و از محضر اساتید بزرگ چون آیت‌الله حاج شیخ غلامحسین اردبیلی و آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی کاظمینی (صاحب تقریرات) استفاده نموده و در مدت کوتاهی در اثر استعداد ذاتی و مطالعه و زحمت گوی سبقت از اقران ربوده و بدرجه سامیه اجتهاد رسیده و از آیات عظام نجف و قم چون مرحوم آیت‌الله حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی کاظمینی و آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله حجت مفتخر به اجازه اجتهاد گردیده و در سال ۱۳۶۵ قمری مراجعت به ایران و قم نموده و مدت سه سالی در قم بتدریس فقه و اصول پرداخته و در سال ۱۳۷۰ قمری بنا بر استدعاء این حقیر برای تدریس مدرسه علمیه برهانیه شهر ری منتقل باین شهر شده و تا هم‌اکنون بتدریس و اقامه جماعت و تبلیغات دینی اشتغال دارد.

مرحوم والدش حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسن کمره‌ای خاتمی از علماء محترم بروجرد و دوستان خالص حقیر بود و محبت تامی نسبت به این کمترین داشت ذکرش در علماء بروجرد گذشت.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خاتمی، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید احمد خاتمی

محل تولد: سمنان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۲/۱۸

زندگینامه علمی

سید احمد خاتمی در هجدهم اردیبهشت ۱۳۳۹ در سمنان متولد شد، پدرش مرحوم سید مهدی خاتمی انسانی متعهد و متدین بوده و در میان اقوام، معروف به تقوی و غیرت دینی بود وی در سال ۱۳۶۴ از دنیا رفت. ما در ایشان خانم طیبه سادات خاتمی، بانویی متدین، مؤمن و مأنوس با قرآن و ادعیه است و هم‌اکنون (آذر ۱۳۸۳) در قید حیات است. خاندان خاتمی از سادات معروف سمنان‌اند و جد اعلای آنان مرحوم سید هاشم همواره مورد علاقه و محبت مردم بوده که همچنان مردم ذکر خیر او را دارند. سید احمد خاتمی در سال ۱۳۵۱ تحصیل علوم حوزوی را در مدرسه علمیه صادقیه سمنان آغاز کرد و به مدت دو سال در آنجا درس مقدماتی را نزد اساتید آن حوزه به پایان برد و در سال ۱۳۵۴ به حوزه علمیه قم هجرت کرد و جهت استحکام بیشتر درس اکثر درس‌هایی را که در حوزه سمنان خوانده بود نزد ادیب بزرگ مرحوم مدرس افغانی که به تازگی از نجف آمده بود، مجدداً تکرار کرد و سپس درس سطح را از اساتید بزرگ حوزه همانند مرحوم آیت‌الله ستوده، آیت‌الله اشتهاردی، آیت‌الله خزعلی، آیت‌الله بنی فضل و... به پایان برد و سپس در درس خارج حضرات آیات شیخ جواد تبریزی، محمد فاضل لنکرانی، میرزا هاشم آملی، وحید خراسانی، شبیری زنجانی و... شرکت کرده و به مدت هفده سال در درس خارج فقه و اصول این حضرات شرکت نمود.

در فلسفه و کلام از حضرات آیات: شیخ یحیی انصاری شیرازی، حسن زاده آملی، جوادی آملی، ابراهیم امینی بهره برده است. در تفسیر از حضرت آیت الله مشکینی، آیت الله خزعلی بهره‌مند شده است و در درس نهج البلاغه از آیت الله حسین نوری همدانی بهره برده است و از درس فلسفی «شناخت» از محضر شهید آیت الله مطهری بهره‌مند شده است و در فن خطابه از محضر خطیب گرانقدر مرحوم حجة السلام و المسلمین آقای شیخ محمد تقی فلسفی استفاده نموده است. تدریس وی از سال ۱۳۶۴، تدریس دروس حوزوی را به صورت عمومی شروع کرده است. اگر چه قبل از آن به طور خصوصی چند دوره کتب مقدمات (جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، مختصر المعانی و...) را تدریس کرده بود. تا کنون ۴ دوره معالم الاصول، ۷ دوره اصول الفقه، ۳ دوره شرح لمعه، ۲ دوره مکاسب، ۳ دوره رسائل و اینک (آذر ۱۳۸۳) مشغول پنجمین دوره تدریس کفایة الاصول است. وی مدت ده سال است که به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارد، دوره اول تدریس خارج اصول را به اتمام رسانده و اینک (آذر ۱۳۸۳) مشغول تدریس دوره دوم خارج اصول است و از کتابهای فقهی بخشهایی از کتاب قصاص و دیات و تقریباً تمام کتاب الحج را تدریس کرده و اینک اشتغال به تدریس خارج کتاب صلوة دارد.

در این مدت صدها طلبه از محضر وی بهره‌مند شده و همچنان استفاده می‌کنند. وی در کنار تدریس علوم مصطلح حوزوی از سال ۱۳۶۵ به تدریس سیره پیامبر و امامان (آذر ۱۳۸۳) در روزهای تعطیل (پنجشنبه‌ها) رو آورد که در سال ۱۳۸۰ یکدوره از این دروس به پایان رسید و اینک سه سال است که پنج شنبه‌ها تفسیر زیارت جامعه را دنبال می‌کند. وی در سال ۱۳۶۷ به دستور برخی از بزرگان حوزه درس تفسیر شروع کرد و اینک شانزدهمین سال این درس است که هر شب پس از نماز مغرب و عشاء، در مدرسه امام مدرسه فیضیه دائر است و تا کنون تفسیر ۸ جزء قرآن به پایان رسیده (تفسیر جزء آخر و ۷ جزء اول) و اینک مشغول تفسیر هشتمین جزء قرآن کریم (سوره انعام) می‌باشند. تا کنون ۱۶۶۰ جلسه تفسیری داشته‌اند، درس تفسیر نهج البلاغه نیز در ایام تعطیل داشته‌اند که حدود دو سال است بحث موضوعی «امام علی (ع) و مخالفان حکومت» را از نگاه مولی در نهج البلاغه دنبال می‌کنند. خوشبختانه نوار کاست این درسها (گرچه نه به کیفیت عالی) موجود است. وی کار اصلی خود را تدریس دانسته و سخت علاقه‌مند به آن است به گونه‌ای که در ایام تحصیل به هیچ وجه کار دیگری را جای آن قرار نمی‌دهد. در سخنرانیهای وی هم قرآن و هم روایات و هم مسائل سیاسی در حد نیاز هست. وی در صدا و سیمای جمهوری اسلامی تا کنون صدها برنامه اجراء کرده است و امت مسلمان ما استقبال خوبی از خطابه‌های وی داشته و دارند. سید احمد خاتمی به عنوان استاد راهنما و داور در رساله سطح چهار و سطح سوم حوزه و نیز به عنوان استاد راهنما در مؤسسه پژوهشی امام خمینی و دانشکده شهید محلاتی سپاه خدمت می‌کنند و تا کنون رساله متعددی را در عرصه معارف دینی، فعالیت‌های سیاسی، راهنمایی و ساماندهی کرده است. سید احمد خاتمی قبل از پیروزی انقلاب همگام با رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی در ستیز با رژیم منحط پهلوی بود و با ایراد خطابه‌های حماس علیه آن رژیم سیاه نقش مفیدی در روشنگری مردم ایفاء کرد و بعد از پیروزی انقلاب عمده راهی را که برای خود برگزید کار فرهنگی بود که از طریق تدریس ق، خطابه، تألیف آنرا دنبال کرد. وی موضع سیاسی خود را "موضع ولایت فقیه" قرار داده است تا زمانی که امام راحل در قید حیات بودند همراهی با آن امام بزرگوار و اینک همراهی با مقام معظم رهبری مدظله العالی وجهه همت اوست. وی در کنار کار فرهنگی در عرصه‌هایی که نیاز بوده است موضع‌گیری‌های مناسب سیاسی داشته که در روزنامه و جرائد کشور منعکس شده است. او در طول ۸ سال دفاع مقدس در مواقع مورد نیاز در جبهه‌های حاضر شده و به وظیفه خود عمل نموده است. سید احمد خاتمی هم اکنون عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، عضو کمیسیون حوزه آن جامعه نماینده مردم کرمان در مجلس خبرگان رهبری، عضو هیأت رئیسه مجلس خبرگان، عضو هیأت مدیره مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، عضو شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت (ع)، عضو شورای سیاستگذاری فرهنگی آن مجمع می‌باشد.

خاتمی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود خاتمی متولد ۱۳۳۱ شهر ری است. وی تحصیلات متوسطه را در تهران گذراند. او کارشناسی فلسفه را از دانشگاه تهران گرفته و با علاقه وافری که به این حوزه اندیشه یافته، مدارج دانشگاهی را بدون وقفه و با جدیت و پشتکار مثال زدنی تا مقطع دکتری فلسفه در این دانشگاه ادامه داده است. وی برای ادامه تحصیل به انگلستان می رود و موفق به دریافت دکترای فلسفه از دانشگاه دورهام انگلستان می شود. همچنین او دوره فوق دکتری فلسفه دانشگاه دورهام را نیز طی می کند. خاتمی از سال ۱۳۷۶ استاد تمام وقت گروه فلسفه دانشگاه تهران بوده است.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

خاطرات کودکی:

تحصیلات رسمی و حرفه ای: - پایان تحصیلات متوسطه در تهران - دریافت کارشناسی فلسفه از دانشگاه تهران - دریافت کارشناسی ارشد الهیات (ادیان و عرفان) - دریافت کارشناسی ارشد فلسفه از دانشگاه تهران - دریافت دکتری فلسفه از دانشگاه تهران - عزیمت به انگلستان برای ادامه تحصیل - دریافت دکتری فلسفه از دانشگاه دورهام انگلستان - ورود به دوره فوق دکتری فلسفه دانشگاه دورهام - خاتمی تحصیلات حوزوی نیز دارد و تحصیل علوم اسلامی معمول را تا اجتهاد در حوزه گذرانده است مشاغل و سمتهای مورد تصدی: محمود خاتمی عضو فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران نیز هست و در گروه اندیشه این مرکز سال هاست که حضور پیوسته داشته است.

فعالیت‌های آموزشی: محمود خاتمی از سال ۱۳۷۶ استاد تمام وقت گروه فلسفه دانشگاه تهران بوده و همچنین درمقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه های تربیت مدرس، علامه طباطبایی و مفید، تدریس فلسفه کرده است. او مدتی نیز به عنوان استاد میهمان (Visiting Professor) گروه فلسفه دانشگاه مک گیل McGill کانادا (۲۰۰۳-۲۰۰۴) به تدریس فلسفه پرداخته و در دوره حضور در انگلستان دستیار پژوهشی (۱۹۹۶-۱۹۹۷) (Research Assistant) فلسفه دانشگاه کمبریج نیز بوده است. - انتخاب شده در فهرست فیلسوفان برتر جهان در سال ۲۰۰۶ - کمبریج انگلستان

آرا و گرایشهای خاص: محمود خاتمی همچنان که حوزه تألیف و تدریس را دنبال می کند، مسائل و مشکلات آموزش فلسفه در ایران را نیز پی گرفته و دیدگاه های سازنده ای در باره آن دارد. او در مقاله «بررسی مشکلات آموزش فلسفه غرب به دانشجویان سال اول فلسفه» که در همایش آسما ارائه کرد، راهی برای معرفی مکاتب و نحله های فلسفی برای دانشجویان، قبل از شروع مطالعات تخصصی شان پیشنهاد کرده بود. او می گوید: «یک ترم انتقالی پیشنهاد دادم شامل ۱۰ واحد نظری و ۸ واحد کارگاهی به منظور آگاهی ورودی ها با طرح کلی و فضای فلسفه، قبل از ورود به مطالعه و مباحث تخصصی. اصلاح برنامه های آموزشی، آموزش زبان خارجی روان برای مکالمه و مطالعه، ارائه مجالس سخنرانی های برنامه ریزی شده، کارگاه اندیشه، ایجاد ارتباط با مراکز آموزشی و پژوهشی دنیا و نظیر این ها نیز از راه های تغییر مسیر فلسفه از وضع کنونی آن در دانشگاه ها و بهینه شدن آن است». خاتمی تاکنون مقالات بسیاری را در حوزه فلسفه به فارسی و انگلیسی نوشته و بسیاری از این مقالات او در معتبرترین نشریات فلسفی دنیا چاپ و منتشر شده است. برایش آرزوی توفیق و طول عمر می کنیم.

جوایز و نشانها: محمود خاتمی امسال استاد نمونه دانشکده علوم انسانی دانشگاه تهران نیز بوده و برای تألیف کتاب «جهان در اندیشه هیدگر» برنده جایزه کتاب سال در حوزه فلسفه غرب نیز شده است. همچنین کتاب «پدیدارشناسی دین» او جایزه کتاب سال را در حوزه دین پژوهی از آن خود کرده است. - پژوهشگر برتر در حوزه دین پژوهی، وزارت فرهنگ و اندیشه اسلامی ۱۳۸۲

چگونگی عرضه آثار: محمود خاتمی بخصوص در میان هم‌نسلان خویش با نگارش مقالات متعدد به زبان انگلیسی و به عبارتی ارائه دائمی پیر در محافل دانشگاهی، از دیگران تمایز یافته و او را به چهره آشنای فیلسوف ایرانی در محافل بین‌المللی فلسفه بدل کرده است. تا آنجا که در سال ۲۰۰۶ دانشگاه کمبریج انگلستان نام او را در فهرست فیلسوفان برتر جهان قرار داد و اعتباری ویژه برای فلسفه امروز ایران پدید آمد. نگارش مقالات متعدد فلسفی به فارسی و انگلیسی از جمله پراگماتیسم و اومانیزم، وجه اومانستی فلسفه هگل، هیدگر و علم جدید؛ رأی هیدگر در باب نسبت تکنولوژی و هنر، لویناس و دیگری، تبیین تاریخی، پدیدارشناسی دین، مفهوم تحلیلی جدید از خود و تجربه عرفانی آن و... از دیگر ویژگی‌های خاتمی، که او را با اکثریت هم‌نسلان خویش در حوزه فلسفه جدا می‌کند، همانا تسلط او در تألیف دیدگاه‌های نظری خویش به زبان غیر فارسی است. تألیف کتب Sadraean Meditation، Basic Issues in Islamic Philosophy و... حضور او در جغرافیایی فراتر از مرزهای داخلی فلسفه در ایران را به ثبت رسانده است. خاتمی همچنان که حوزه تدریس و تحقیق شخصی را دنبال می‌کند از حضور در محافل دانشگاهی و سمینارها و کنفرانس‌های مرتبط با رشته کاری خویش نیز غافل نمانده است. او در سومین دوره از سمینارهای تخصصی گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی درباره «امکان بحث از علیت ذهنی در اندیشه صدرایی» سخن می‌گفت. -----

آثار:

۱ الفبای نسیت

ویژگی اثر: ترجمه، (نوشته برتراند راسل)

۲ پدیدارشناسی دین

ویژگی اثر: سازمان انتشارات، (برنده جایزه کتاب سال در حوزه دین پژوهی). پژوهش «پدیدارشناسی دین» برای «ابتکار در گزینش موضوع و در عین حال بهره‌گیری از منابع اصلی بویژه مآخذ خارجی و نثر و ادبیات مناسب فارسی» به عنوان اثر برگزیده انتخاب شد، بویژه آن که نخستین گام در این زمینه بود. خاتمی در مقدمه خود بر این کتاب آورده است: «پدیدارشناسی دین Phenomenology of religion رهیافتی است با اهمیت در دین پژوهی معاصر که به لحاظ تاریخی، محصول تلفیق دو جریان فکری - پژوهشی پدیدارشناسی هوسرل». او هدف خود را در این کتاب این چنین بیان کرده است: «نیت اصلی نگارنده آن بوده تا به پدیدارشناسی دین نگاهی متناظر یک Metatheoretic کند و شرحی در باب جایگاه و محتوای پدیدارشناسی دین بیان نماید». کتاب «پدیدارشناسی دین» را سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی منتشر کرده است. این کتاب در فصل، به این مباحث: مطالعات دینی: در آمدی به دین پژوهی معاصر - پدیدارشناسی دین: زمینه‌ها - پدیدارشناسی کلاسیک دین - پدیدارشناسی هرمنوتیک دین - دین و محاکات - دین و محاوره - پدیدارشناسی و حقیقت دین.

۳ جهان در اندیشه هیدگر، مؤسسه اندیشه اسلامی

ویژگی اثر: (برنده جایزه کتاب سال در حوزه فلسفه غرب)

۴ در آمدی به فلسفه ذهن

ویژگی اثر: جهاددانشگاهی دانشگاه تهران

۵ زیبایی‌شناسی از منظر پدیدارشناسی،

ویژگی اثر: فرهنگستان هنر

۶ فیزیک و فلسفه

ویژگی اثر: ترجمه، (نوشته ورنر هیزنبرگ)

خاتون آبادی، ابوالفضل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

برادر ایشان: مرحوم حاج میرزا ابوالفضل خاتون آبادی، عالم زاهد مقدس، و فقیه جامع، مدرس مدرسه‌ی ملا عبدالله، و امام جماعت در آن مدرسه و مسجد ساروتقی در بازار، و مورد وثوق و اعتماد قاطبه‌ی اهالی اصفهان بود، و در شب دوشنبه ۱۱ رمضان المبارک ۱۳۸۸ در طهران وفات یافته، جنازه با احترامات لازمه به قم منتقل شده، در آن ارض اقدس مدفون گردید. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خاتون آبادی، عبدالحسین

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن میر محمد باقر بن شاه مراد، عالم فاضل، محقق مورخ، از شاگردان ملا محمد تقی مجلسی و ملا محمد باقر سبزواری است. در شعبان ۱۰۳۷ متولد، و در ۱۰۹۷ یا ۱۱۰۰ وفات یافته، در مزار بابا رکن الدین مدفون گردید. کتب زیر از اوست: ۱- شرح بر شاطبیّه، در علم تجوید ۲- شرح بر شافیه‌ی ابن حاجب ۳- وقایع السنین و الاعوام، مشهورترین تألیفات اوست. ۴- ترجمه‌ی رساله‌ی شهید ثانی در معنی ایمان «حقایق الایمان» و نسخه آن نزد نگارنده موجود است. تاریخ ترجمه: دوشنبه سلخ جمادی الاولی ۱۰۹۸. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خاتون آبادی، محمد شریف

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن محمد صادق. از اطبای معروف قرن دوازدهم هجری در اصفهان است که به حذاقت و استادی معروف بوده، و کتب چندی تألیف نموده، از آن جمله است: ۱- حافظ الابدان، که در ۱۱۲۱ تألیف نموده، و نسخه‌ی آن نزد نگارنده موجود است ۲- شرح طب النبی صلی الله علیه و آله و سلم ۳- شرح طب الائمة ۴- شرح طب الرضا علیه السلام ۵- اربعون حدیثا، در طب، با شرح و بیان؛ و غیره. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خاتون آبادی، محمد صالح

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند میر عبدالواسع. عالم فاضل جلیل‌القدر و عظیم‌المنزله.

از سلسله‌ی سادات خاتون‌آبای، و خود داماد ملا محمد باقر مجلسی، و از شاگردان علامه‌ی مجلسی و ملا میرزای شیروانی بوده، و پس از فوت علامه مجلسی، شیخ الاسلام اصفهان، و سپس امام جمعه‌ی اصفهان گردید، و مقام امام جمعگی اصفهان از آن تاریخ تاکنون در اولاد او باقی است.

و موقعی که فتح علی شاه قاجار مسجد شاه طهران را ساخت یکی از اولاد او را به طهران برده، مقام امام جمعگی آنجا را به او مفوض داشت، که تاکنون در اولاد اوست.

کتب زیادی تألیف فرموده، از آن جمله است: ۱- احوال ملائکه ۲- اسرار الصلاة ۳- اصول العقاید ۴- اسماء علمای سنی که شیعه شده‌اند ۵- ایمان و کفر ۶- انوار المشرقة ۷- تفسیر سوره‌ی اخلاص ۸- تفسیر سوره‌ی فاتحه ۹- تحفه الصالحین ۱۰- تقویم الشرعی ۱۱- تقویم المؤمنین ۱۲- التهلیلیه، در حکم تهلیل آخر اقامه ۱۳- تکمله‌ی مرآة العقول ۱۴- الجامع فی اصول العقائد - جامع العقاید، شاید همان شماره قبل باشد ۱۵- حدائق المقریین، در احوال ملائکه و غیره (فهرست مفصل این کتاب در فهرست کتب خطی کتابخانه‌های اصفهان به شماره‌ی ۲۵ مذکور است) ۱۶- ذریعة النجاح، در اعمال سال ۱۷- رساله در عصمت ائمه علیهم‌السلام ۱۸- رساله در ثبوت هلال در اول رمضان و شوال - رساله در حکم اخلاق ۲۱- شرح بر من لایحضر ۲۲- شرح استبصار ۲۳- شرح حدیث «الهلل اذا طلب فی الشرق» از تهذیب شیخ ۲۴- منهج الشیعه ۲۵- خلف الوعد از مسائل فرعیه؛ و غیره. فوت صاحب عنوان را در ماه صفر سال ۱۱۱۶ [یا ۱۱۲۶] نوشته‌اند، و قبرش در نجف در ایوان علما می‌باشد. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خاتون آبادی اصفهانی، محمدحسین

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۵۱ق)، فقیه، محدث، مفسر، شاعر و خطاط. وی دخترزاده‌ی علامه مجلسی است و از پدر خود که شاگرد خاص میرعماد بود و نیز از آقاجمال خوانساری کسب علوم کرد. او منشی زبردستی بود، و انواع خطوط را نیکو می‌نوشت. سرانجام در اصفهان درگذشت و جنازه‌اش را به مشهد منتقل کردند. در «تاریخ اصفهان» تالیفات چندی از جمله «نجم الثاقب» بدو نسبت داده شده در حالی که در «الذریعه» این کتاب از جمله کتب پدر وی قلمداد شده است.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۳/۶۷۸)، الذریعه (۶۹/۲۴).

خاتونی بجلی، ابوطاهر حسین

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۵۳۲ ق)، شاعر، کاتب. ملقب به موفق الدین، موفق الدوله، معین الملک و معین الدین. وی از بزرگان دولت سلجوقی بود. سبب شهرت او به خاتونی، ظاهراً از آن رو است که چندی متصدی امور و مستوفی گوهر خاتون، همسر محمد بن ملک‌شاه سلجوقی بود. از دوران کودکی و نوجوانی او اطلاعی در دست نیست. بنابراین، می‌توان گفت که ابوطاهر از ابتدای کار خود تا پایان عمر در دربار سلجوقی خدمت کرد و به کار دبیری و خدمت دیوانی مشغول بود. در شهر ساوه کتابخانه‌ای بزرگ به ابوطاهر منسوب بود، وی کتابخانه‌ی ارزشمند خود را وقف جامع ساوه کرد. این کتابخانه‌ی معتبر احتمالاً در حمله‌ی مغول از میان رفت. ابوطاهر نزد بزرگانی چون ابومظفر، محمد ابیوردی و ناصح‌الدین ابوبکر احمد ارجانی تحصیل کرد. ادیبان و شاعران آن روزگار که، او را مدح گفته‌اند، از او با عنوان استاد الموفق یاد کرده که از وی «دیوانی» بر جای نمانده است، ولی در تذکره‌ها و برخی از کتابهای ادب، لغت و تاریخ، ابیاتی از او نقل شده و صاحب «الذریعه» به نقل از «آثار البلاد» قزوینی، «دیوانی» را به وی نسبت داده است. برخی از اشعار فارسی ابوطاهر خاتونی را عمادالدین کاتب به عربی ترجمه کرد. دولتشاه سمرقندی در «تذکره الشعراء» از دو کتاب او نام می‌برد. یکی کتاب «مناقب الشعراء»، که در احوال شاعران پارسی گو است؛ دیگری «تاریخ آل سلجوق» که به ذکر احوال سلاطین و امرای این سلسله اختصاص داشته و متضمن مشاهدات شخصی ابوطاهر بوده، و از آثار دیگر وی «شکارنامه‌ی ملک‌شاه» که مؤلف «راحة الصدور» آن را به خط مؤلف دیده است. آنچه به نام ابوطاهر باقی است رساله کوتاهی است به زبان عربی با عنوان «تنزیر الوزیر الزیر الخنزیر»، در لعن و ذکر مثاب نصیرالملک وزیر سلطان محمد بن ملک‌شاه. در بعضی از تذکره‌ها و برخی تواریخ اسم او را اصم یا معین‌الدین اصم گفته‌اند، و چنین برمی‌آید که شهرت او به اصم به سبب سنگینی گوشش بود، و ظاهراً در دوره سلطنت سنجر یعنی در اواخر عمر به این نام معروف شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۸۹-۸۷)، دایرة المعارف فارسی (۳۲/ ۱)، الذریعه (۲۷۷/ ۹)، سخن و سخنوران (۵۱۷-۵۱۵)، کشف الظنون (۱۸۴۲)، لغت‌نامه (ذیل / ابوطاهر خاتونی)، مجمع الفصحا (۱۴۲، ۱۴۱/ ۱)، المعجم فی معاییر اشعار العجم (۲۸۶-۱۲۲)، یادگار (س ۴، ش ۵، ص ۱۸-۷).

خاجویی اصفهانی، اسماعیل

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۷۳ ق)، فقیه امامی. اصل وی از مازندران بود و در محله‌ی خاجو از محلات اصفهان سکونت داشت. ملا اسماعیل عالمی جامع و حکیمی بارع، که به اخلاق حمیده موصوف بود. خاجویی با نادرشاه افشار معاصر و از شاگردان ملا مهدی نراقی، آقا محمد بیدآبادی و میرزا ابوالقاسم مدرس اصفهانی بود. در اصفهان در گذشت و در مقبره‌ی تخت فولاد دفن شد. از آثار وی: «ابطال الزمان الموهوم»؛ «الامامه»؛ «بشارات الشیعه»؛ «تحقیق الغناء و عظم ائمه»؛ «تحقیق ما لایتم فیہ الصلوه»؛ «تعیین عیدالنوروز»؛ «جامع الشتات فی النوادر و المتفرقات»؛ «الجبر و التفویض»؛ «حاشیه بر آیات الاحکام» اردبیلی؛ «حاشیه بر اربعین» شیخ بهایی؛ «رد صوفیه»؛ «فوائد الرجالیه»؛ «هدایه الفواد الی احوال العباد».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۲۵/۱)، اعیان الشیعه (۴۰۳- ۴۰۲ / ۳)، الذریعه (۱۸۶/۲۵، ۶۰/۵، ۱۱۲/۳، ۷۰- ۶۹ / ۱)، روضات الجنات (۱۲۸- ۱۲۳ / ۱)، ریحانه (۱۰۵/۲)، الکنی و الالقاب (۲۰۰/۲)، لغت نامه (ذیل / اسماعیل)، معجم المؤلفین (۳۹۱/۲)، هدیه العارفین (۲۲۱/۱).

خادم‌الذاکرین، اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اکبر خادم‌الذاکرین

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیق در سال ۱۳۴۱ متولد شدم و در شش سالگی به دبستان و سپس راهنمایی و دبیرستان رفتم، در سال ۱۳۵۹ دیپلم تجربی گرفتم و وارد حوزه علمیه اصفهان شدم. در سال ۱۳۶۱ به قم آمدم و تا الان ۲۵ سال است که در حوزه علمیه قم مشغول به تحصیل و تدریس و تالیف و تحقیق هستم. بیش از ۲۰ سال است که در مدارس حوزه علمیه قم، مرکز جهانی و برخی دانشگاه‌ها به تدریس مشغول هستم و نیز در ایام تبلیغ در داخل و خارج از کشور مشغول فعالیت هستم. به عنوان استاد راهنما، مشاور و داور پایان‌نامه‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد در مرکز جهانی و شورای مدیریت حوزه علمیه قم مشغول هستم. هم‌اکنون مشغول تدریس سطوح عالی (کفایه و مکاسب) در حوزه علمیه قم و مرکز جهانی هستم.

خادم‌علیزاده، امیر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

امیر خادم‌علیزاده

محل تولد: دزفول

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۰ در یکی از محلات قدیمی مرکز شهر دزفول چشم بدنیا گشودم. دوره ابتدایی را در مدرسه سپه دزفول سپری کردم. با آغاز دوره تحصیلی راهنمایی در دبیرستان جندی شاپور (۵۱ - ۱۳۵۰) دوره جدیدی از مطالعه کتب دینی را آغاز کردم. از سال ۱۳۵۲ با قبول سرپرستی جلسه قرائت قرآن مسجد امام جعفر صادق (ع) دزفول دوره جدیدی از زندگی علمی و اجتماعی خویش را آغاز نمودم. مطالعات دینی معمول آن روزگار روح تشنه مرا سیراب نمی کرد لذا از سال ۱۳۵۴ با هدف شناخت اسلام ناب محمدی (ص) آهنگ حوزه علمیه قم را نمودم که میسر نشد چون اشتغالات علمی و فعالیت های فرهنگی - مبارزاتی به شدت اوج گرفته بود و... بهار سال ۱۳۵۷ در اوج مبارزات متنوع بر علیه رژیم ستم شاهی گرفتار ساواک و سپس به زندان محکوم شدم در آنجا نیز بطور مخفیانه و... جلساتی را با دوستان مذهبی ام داشتم. پس از آزادی از زندان در پاییز ۵۷ مرکز فعالیت دینی ام را به مسجد امام حسن عسکری (ع) منتقل کردم و به انتشار روزنامه کوثر (به طور مخفیانه) به کمک برخی از دوستان فداکار پرداختم. این روزنامه بطور مخفی در محافل فرهنگی، مساجد و دانشگاه ها منتشر می شد و از شهادت و جهاد و... می گفت. پس از اخذ دیپلم ریاضی فیزیک در سال ۵۸ و بعداً "فرهنگ و ادب در خرداد ۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم. از سال ۶۱ رسماً تدریس دروس حوزوی همچون جامع المقدمات، سیوطی، مبادی العربیه، حاشیه ملا عبدالله، منطوق مظفر، مغنی اللیب، معالم، اصول مظفر، و... خدمت عزیزان طلاب آغاز کردم که تا سال ۶۹ با تدریس کتاب های شرح لمعه، رسائل و مکاسب ادامه یافت. سال ۶۸ دروس سطح حوزه را به پایان رساندم و سال ۶۹ خارج فقه و اصول را آغاز کردم. در دوره سطح از اساتید بزرگوارى همچون آقایان، وجدانی فخر، اعتمادی، پایانی، ستوده و اشتهاوردی و در مقطع خارج فقه و اصول از اساتید عالی مقامی همچون آیات عظام فاضل لنکرانی، وحید خراسانی، میرزا جواد تبریزی و مکارم شیرازی و... تا کنون بهره برده ام. از آبان ۶۵ تا اسفند ۶۹ در کنار تحصیل و تدریس در حوزه علمیه قم، برای مطالعه و تحقیق در واحد پژوهشی علوم قرآن وابسته به مکتب امیرالمومنین علیه السلام دعوت شدم. پس از تهیه و تدوین طرح جامع وحی از سال ۷۲ تا ۷۹ مدیریت واحد پژوهشی علوم قرآن را در دانشگاه مفید عهده دار بودم که علاوه بر مسئولیت ساماندهی فیش های انبوه علوم قرآنی و «برنامه نرم افزاری علوم قرآنی کاوش» مقالاتی در این زمینه به رشته تحریر در آوردم. در سال ۶۹ مقطع کارشناسی اقتصاد نظری و سپس کارشناسی ارشد (۱۳۷۵) که در سال ۱۳۷۸ در مقطع کارشناسی ارشد رشته علوم اقتصادی از دانشگاه مفید فارغ التحصیل شدم. از سال ۷۰ تا ۷۹ به تدریس دروس معارف در دانشگاه های تهران مشغول بودم. از سال ۱۳۷۴ تا کنون به تدریس دروس تفسیر آیات اقتصادی در قرآن، مبانی علم اقتصاد، مبانی فقهی اقتصاد اسلام، روش تحقیق، پول و بانکداری، نظام اقتصادی صدر اسلام، مالیه عمومی، اقتصاد خرد، اقتصاد کلان و... مشغول بوده ام. از مهر ۱۳۸۵ مشغول تحصیل در مقطع دکتری علوم اقتصادی در دانشگاه علامه طباطبائی شده ام.

خادم الشریعه دزفولی، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدحسین دزفولی از علماء اعلام و دانشمندان کرام حوزه علمیه عالمی عادل و زاهدی فاضل و از قدماء حوزه علمیه است که در حدود سال ۱۳۲۵ قمری در دزفول مسقط الراس شیخنا الانصاری تولد یافته و پس از رشد و طی مقدمات و پایان سطوح چندی از محضر مرحوم آیت الله حاج شیخ محمدرضای معزی دزفولی استفاده نموده و در زمان مرحوم آیت الله حایری به قم مهاجرت و به درس آن مرحوم حاضر شده و پس از فوت وی به حوزه درس مرحوم آیت الله حجت رحمه الله شرکت نموده.

و اعتقاد مخصوصی مانند مولف به مقام علمی و تحقیقات معظم له دارد که غالباً وی را به عظمت یاد می‌کند و از محاضر آیات دیگر چون آیت‌الله خونساری و آیت‌الله صدر هم کسب فیض نموده و بالغ بر ۱۸ سال هم از محضر آیت‌الله بروجردی استفاده کرده و اکنون به مباحثات و مطالعات و توسل به اهل بیت علیهم‌السلام و دوام ذکر اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

خادمی حسینی، ابوالقاسم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید ابوالقاسم خادمی حسینی

محل تولد: --

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه کاشان شدم و مدت نه سال در حوزه علمیه آیه الله مدنی (ره) و آیه الله یثربی (ره) مشغول تحصیل بودم. بعد از آن در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و در دروسهای آیات عظام اعتمادی، پایانی، آیه الله تبریزی، آیه الله وحید خراسانی، آیه الله سبحانی و آیه الله جوادی آملی شرکت نمودم. در سال ۱۳۷۶ در دوره چهار ساله تخصصی تفسیر شرکت و در سال ۷۹ فارغ التحصیل شدم. مدت ۱۲ سال در دروس خارج فقه و اصول شرکت نموده و انشاءالله تصمیم دارم پایان نامه تفسیر را بنویسم به خاطر مشکلاتی تا بحال نتوانستم موضوع پایان نامه را بگیرم.

خادمی کوشا، محمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد علی خادمی کوشا

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۶/۱۵

زندگینامه علمی

کلیه تحصیلات قرآنی (پیش از دبستان) و ابتدائی و ... در شهر قم بود که با تشویق پدر که خود از صنف روحانیت می باشد به

حوزه وارد شد. آغاز ورود به حوزه ۱۳۶۵ بود که از سال دوم آغاز به تدریس در موضوعات نحو و منطق نمود و در موضوعات متفرقه به مطالعه پرداخت. در ایام تابستان به همراه دوستان برخی از موضوعات درسی را آموزش دیده و از سال ۶۸ در درس لمعه استاد وجدانی فخر شرکت نمود و در کنار دروس حوزه اقدام به تحصیلات نیمه کاره مانده فرهنگی نموده و دیپلم را گرفت. از سال ۱۳۷۴ در درس خارج اساتید بزرگی چون استاد آیت الله تبریزی، سبحانی، شبیری زنجانی، مکارم، فاضل شرکت نمود که بیشتر مدت را از درس استاد تبریزی استفاده نمود.

در سال ۷۳ و ۷۴ به صورت رسمی در برخی مراکز حوزه شروع به تدریس نموده و از سال ۷۶ تا کنون مشغول تدریس فقه و اصول در مدارس شهید صدوقی، معصومیه، آیت الله گلپایگانی، مدرسه خان، که از سال ۷۹ به تدریس سطوح عالی (رسائل، مکاسب و کفایه) مشغول گردید. همزمان با درس و تدریس در حوزه مدتی نیز در مراکز آموزش عالی به تدریس مشغول گردید و در سال ۷۹ نیز برای آموزش زبان عربی در مرکز آموزش دفتر تبلیغات شرکت نمود و پس از این ایام در موضوعات علوم قرآنی به مطالعه و تحقیق گذراند و در برخی مراکز قرآنی مانند مرکز تخصصی تفسیر، مدرسه عالی بنت الهدی، موسسه امام خمینی (ره) در رشته علوم قرآنی به تدریس پرداخت ولی همچنان در رشته فقه و اصول در حوزه علمیه به درس و تحقیق و تدریس ادامه داده و هم اکنون نیز به این مهم اشتغال دارد. با توجه به علاقه زیاد به خدمت در نشر فرهنگ اهل بیت (ع) در سال ۱۳۷۸ اقدام به نوشتن کتاب جوان در پرتو اهل بیت (ع) نمود که عمدتاً برای روشنگری و جلوگیری از سودجویی برخی سیاستمداران از توانایی جوانان بود این کتاب به نام مشکلات... تا سال ۱۳۸۰ چاپ نشد و پس از تحویل آن به بوستان کتاب با هزینه ناشر در سال ۸۲ از چاپ خارج گردید البته به غیر از این نوشتار برخی نوشتار دیگر همچنان چاپ نشده باقی است.

خادمی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فقیه.

تولد: ۱۳۱۹ ق.، اصفهان.

درگذشت: ۱۳۶۳، اصفهان.

آیت الله سید حسین خادمی پس از فراگیری مقدمات، برای تکمیل تحصیلات به نجف رهسپار و سالی چند در حوزه‌ی علمیه‌ی آنجا به تحصیل پرداخت و بعداً به اصفهان مراجعت نمود. ایشان رئیس حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان بود. از آثار اوست: رهبر سعادت یا دین محمد (ص) (تهران، ۱۳۱۸).

حاج آقا حسین خادمی یکی از مراجع بزرگ علمی اصفهانست که در روز جمعه سوم شعبان ۱۳۱۹ قمری متولد شده و تا ۱۳ سالگی دوره ابتدائی را فرا گرفته و سپس بتحصیل علوم دینی پرداخته و کتب مقدمات را نزد مرحوم حاج شیخ علی یزدی و آقا میرزا اردستانی و آقا میرزا احمد اصفهانی و رسائل محقق انصاری را نزد مرحوم آخوند ملا عبدالکریم جزوی و حاج میرزا سید علی نجف آبادی و سطح کفایه را خدمت مرحوم آیه الله سید محمد نجف آبادی خوانده و دروس عالی و رشته خارج فقه و اصول را از مرحوم آیه الله حاج میرزا محمد صادق یزدآبادی استفاده کرده آنگاه بنجف اشرف مهاجرت نموده و از محضر درس مرحوم آیه الله آقا میرزا حسین نائینی و آیه الله العظمی اصفهانی و آیه الله آقا ضیاءالدین عراقی بهره‌برداری کافی نموده و در فن کلام و بحث

مذاهب از آیه‌الله آقا شیخ جواد بلاغی استفاده کرده و رجال و درایه را از مرحوم آیه‌الله آقا سید ابوتراب خونساری بهره‌مند شده و بمراتب عالی علمی ارتقاء یافته و بوطن خود مراجعت و تا حال حاضر بافاده و افاضه تدریس خارج فقه و اصول در مدرسه صدر اصفهان و اقامه جماعت پرداخته است.

آثار قلمی ایشان از این قرار است:

- ۱- بحث خاتمه براءت و استصحاب و تعادل و ترجیح و از اول مباحث الفاظ تا مقدمه واجب در اصول.
 - ۲- لباس مشکوک تا قواطع صلوه.
 - ۳- رساله در عدم ارث زوجه مطلقا از غیرمنقول.
 - ۴- حواشی متفرقه در فقه کتاب طهاره و صلوه و زکوه مرحوم محقق همدانی و نیز حواشی بر کتب اصول.
 - ۵- رهبر سعادت (جلد اول).
 - ۶- رهبر سعادت جلد دوم.
- برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

خادمی، شمس‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج سید شمس‌الدین خادمی اصفهانی ملقب به ابوالمعالی برادر ارجمند آیت‌الله عالم ربانی آقای حاج آقا حسین خادمی رئیس حوزه علمیه اصفهان و یکی از علماء و ائمه جماعت معاصر اصفهان می‌باشند والد این دو بزرگوار مرحوم آیت‌الله آقا سید ابوجعفر خادم الشریعه از علماء طراز اول عصر خود فرزند آیت‌الله آقا سید صدرالدین موسوی است که در منتهی‌الآمال محدث قمی مذکور و با ۳۴ واسطه به حضرت موسی بن جعفر علیهاالسلام منتهی می‌شود.

مترجم ما در سال ۱۳۱۶ قمری متولد شده و در هفت سالگی پدر را از دست داده و در حمایت و کفایت والده ماجده‌اش پرورش یافته و دروس فارسی و مقدماتی عربی را در مدرسه علمیه اصفهان تحصیل نموده و به مدرسه صدر وارد گردیده و شرح لعمه و قوانین را نزد مرحوم آقا شیخ علی یزدی و مرحوم آقا سید احمد اصفهانی در مدرسه نیم‌آور تحصیل نموده فرائد و جواهر را از مرحوم آیت‌الله حاج میر محمدصادق میرعمادی استفاده نموده و کفایه را نزد مرحوم آیت‌الله آقا سید محمد نجف آبادی تلمذ نموده و قسمتی از حکمت را نزد مرحوم آق سید محمدعلی تویسرکانی خوانده و هم از مرحوم آیت‌الله آق شیخ عبدالکریم جزئی و آیت‌الله ملاحسین فشارکی بهره‌مند شده سپس مهاجرت به نجف و از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله میرزا حسین نائینی استفاده نموده و بعد مراجعت به اصفهان و به واسطه عارضه کسالت درد چشم از ادامه تحصیل مانده و به اقامه جماعت و خدمات دینی تا کنون اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

خادمی، عین‌الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عین الله خادمی

محل تولد: مازندران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱۰/۱۹

زندگینامه علمی

اینجانب عین الله خادمی در روستای شیر محله از توابع شهر فریدون کنار استان مازندران در یک خانواده متوسط روستایی دیده به جهان گشودم. دیپلم علوم تجربی را در سال ۱۳۵۹ در یکی از دبیرستان‌های شهرستان بابل و لیسانس الهیات و معارف اسلامی را در سال ۱۳۶۶ در دانشکده الهیات معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد و کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت اسلامی را در سال ۱۳۶۹ از دانشکده الهیات دانشگاه تهران و دکترای فلسفه و حکمت اسلامی را از دوره عالی تحقیقات تهران کسب کردم. هم‌اکنون عضو هیئت علمی تمام وقت دانشگاه شهید رجایی می‌باشم و استاد راهنمای بیش از ۸۰ پایان‌نامه در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و ناظر چندین طرح پژوهشی بوده‌ام. اینجانب علاوه بر تدریس در مراکز علمی به فعالیت‌های پژوهشی نیز اشتغال دارم.

خادمی، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد ۱۳۲۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای عفونی، دانشکده: پزشکی دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۵۰، دوره M.P.H (مدیریت بهداشت و بیماریهای واگیر) از دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران، تخصص بیماریهای عفونی از وزارت بهداشت، درمان آموزش پزشکی ایران.

مرتبه علمی:

دستیار بیماریهای داخلی در کلینیک اسکرپس وابسته به دانشگاه کالیفرنیا جنوبی آمریکا، استادیار گروه داخلی دانشگاه آزاد ایران در سال ۱۳۵۴، دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انگل‌شناسی، بیماریهای عفونی و گرمسیری، هپاتیت و تعداد موارد HBSAG مثبت، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۷ پایان‌نامه دکترای تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اپیدمیولوژی بیماریهای واگیر و غیر واگیر، بیماریهای عفونی و گرمسیری.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۴، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

بهداشت و بیماریهای عفونی و گرمسیری.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

خادمیان، عباس

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عباس خادمیان

محل تولد: زرین شهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عباس خادمیان متولد سال ۱۳۴۷ شهرستان زرین شهر اصفهان در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه امام خمینی زرین شهر شده و بعد از طی دوران مقدمات و بخشی از سطح عازم حوزه علمیه مقدسه قم شدم که بعد از اتمام سطح حدود ۵ سال در درس خارج اصول و فقه آیات عظام سبحانی و مکارم حفظهما الله شرکت داشته و همراه آن موفق به گذراندن دوره تخصصی کلام موسسه امام صادق (ع) گشته و بعد از آن دوره تخصصی مهدویت بنیاد مهدی موعود (عج) را طی کردم. و به دنبال آن موفق به دریافت پایان نامه سطح چهار حوزه در موضوع جهانی شدن و مهدویت گردیده ام و به همین جهت اکثر پژوهشها و مقالات در همین راستا چپش شده است. و در کنار پژوهش و تحصیل در سال ۱۳۸۱ موفق به گرفتن مجوز تدریس در گرایش معارف و تاریخ اسلام از نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاهها شده ام که به دنبال آن مشغول خدمت در امر تدریس در دانشگاههای مختلف از جمله آزاد اراک و آشتیان و تحصیلات تکمیلی جامعه الزهراء قم شده ام و فعلا در کنار تحصیل و پژوهش، عضو هیئت علمی موسسه آینده روشن (در موضوع مهدویت) می باشم. در ضمن سابقه تبلیغ بیش از ۲۰ سال در طرح هجرت و دانشگاه و شهرهای گوناگون را دارم. ضمناً دوره تخصصی مذاهب اسلامی را هم در سال ۱۳۷۸-۸۱ گذرانده ام و همین طور دوره تربیت کودکان را، به همین جهت اکثر ارتباط تبلیغی در سطوح جوانان انجام پذیرفته است.

خارزنجی نیشابوری، ابوحامد احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۴۸ ق)، ادیب و لغوی. در خارزنج نیشابور متولد شد و از امامان بی‌همال ادب خراسان در روزگار خود بود. به بغداد سفر کرد و توانایی او در علم لغت مورد تحسین علمای آن سامان قرار گرفت. از آثارش: «کتاب التفصّله»؛ تفسیر ابیات «ادب الکاتب»؛ «تکمله العین».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۰۰/۱)، روضات الجنات (۲۳۰-۲۲۹/۱)، ریحانه (۱۰۷-۱۰۶/۲)، کشف الظنون (۱۴۴۳، ۴۸)، لغت نامه (ذیل / احمد)، معجم الادباء (۲۰۸-۲۰۳/۴)، معجم المؤلفین (۸۵/۲)، هدیه العارفين (۶۳/۱).

خارزنجی نیشابوری، یوسف

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۴۴۵ ق)، فقیه شافعی. وی اهل خارزنج از روستاهای نیشابور بود. در نیشابور کلام و اصول فقه را از اصحاب ابو عبدالله حاکم نیشابوری آموخت سپس به درس جوینی رفت و آمد کرد. پس از آن از زادگاهش به مرو سفر کرد و در آنجا نزد ابوالمظفر سمعانی و ابومحمد عبدالله بن علی صفار دانش آموخت، سپس به نیشابور بازگشت و کتابی در بیست قسم از علوم تالیف کرد، خارزنجی به بغداد نیز رفت و در آنجا از ابواسحاق شیرازی حدیث شنید.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: معجم البلدان (۳۸۵/۲)، معجم المؤلفین (۲۹۳/۱۳)، هدیه العارفين (۵۵۱/۲).

خازن اصفهانی، ابومحمد عبدالله

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، شاعر و منشی. در نوجوانی کتابدار صاحب بن عباد بود. به عللی چند ترک خدمت صاحب کرد و به سفر در بلاد عراق، شام و حجاز پرداخت تا به اصفهان بازگشت و با وساطت استاد ابوالعباس، بار دیگر به خدمت صاحب رسید. وی با ابوبکر خوارزمی مراسله داشته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ریحانه (۲۵۷/۷)، لغت نامه (ذیل / ابومحمد خازن).

خاقانی، سلمان

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ادیب، محقق.

تولد: ۱۳۳۲ ق، سوق الشیوخ (از شهرهای ناصریه عراق).

درگذشت: ۲۴ بهمن ۱۳۶۶، قم.

آیت‌الله شیخ سلمان خاقانی، فرزند شیخ عبدالحسین آل خاقانی، پس از طی دوران کودکی در زادگاه خود در سال ۱۳۴۵ ق. جهت تحصیل به نجف اشرف هجرت نمود و در حوزه‌ی آن شهر تحصیلات خود را شروع کرد. نخست درسهای مقدماتی نظیر صرف و نحو منطق، معانی و بیان و سطوح اصول را نزد برادر بزرگ خود شیخ عبدالمنعم خاقانی فراگرفت. سپس مراحل عالی‌هی تحصیلات خود را آغاز نمود و از محضر اساتیدی چون آیت‌الله محمدحسین اصفهانی، آیت‌الله محمدجواد بلاغی، آیت‌الله محمدعلی کاظمینی، آیت‌الله باقر زنجانی و آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی استفاده نمود.

آیت‌الله خاقانی فعالیت‌های فرهنگی- ادبی خود را از سنین جوانی آغاز کرد. در آغاز این فعالیت‌ها از حرکت‌هایی مانند تأسیس انجمن «منتدی النشر» و انجمن «رابطه‌الادبیه» و بالاخره «کلیه‌الفقه» و تأسیس مجله‌های اجتماعی، سیاسی و ادبی مانند «البیان» «النجف» و غیره بود که توسط افرادی مانند سید هبه‌الدین شهرستانی و شیخ محمدرضا مظفر و دیگر نویسندگان و متفکران آن روز نجف تشکیل شده بود. آیت‌الله خاقانی در بسیاری از این امور شرکت می‌جست.

هنگامی که آیت‌الله امین عاملی حرکت اصلاح طلبانه خود را برای تنزیه عزاداری‌ها و مجالس سوگواری اباعبدالله الحسین (ع) از شوائب وارده و زوائد منافی با شرع و دین اعلان نمود، ایشان به همراه دوستان خود به دفاع از این حرکت پرداخت.

آیت‌الله خاقانی در سال ۱۳۷۵ ق. پس از درگذشت پدرش که از علما و ائمه‌ی جماعت خرمشهر بود در این شهر سکونت گزید و نزدیک به سی سال به ارشاد و هدایت مردم و دستگیری از مستمندان پرداخت. شهرت و آوازه او از ایران به عراق به شیخ‌نشین‌های خلیج فارس رسید و در آنجا نیز مریدانی داشت.

آیت‌الله خاقانی در طرفداری از وحدت اسلامی کوشا بود و فعالیت‌هایی در این زمینه از سخنرانی و پشتیبانی و فعالیت‌هایی در این زمینه از سخنرانی و پشتیبانی از دارالتقریب بین‌المذاهب الاسلامیه در قاهره انجام داد. لیکن در عین حال از مدافعان تشیع و مذهب اهل بیت (ع) بود و همواره با قلم خود از این مکتب دفاع نمود.

کتاب‌هایی که از ایشان بر جای مانده عبارتند از: طریق‌المعرفه، در اعتقادات که مکررا در عراق و بیروت به چاپ رسیده است، مع الخطوط العریضه لمحب‌الدین الخطیب؛ بین‌الحق و الباطل؛ السنه و الشیعه فی المیزان کتابی در رد گفته‌های احسان ظهیرالهی؛ دیوان شعر (گفته می‌شود این کتاب در جریان دفاع مقدس از میان رفت).

خانه‌ی وی در این خرمشهر قرار داشت. در روزهایی که این شهر مورد تجاوز عراق قرار گرفت، خانه او پناهگاه آورگان بود. در آن روزها مردم را به مقاومت دعوت می‌نمود لیکن بعدها که خانه‌ی او هدف مستقیم توپ‌ها و خمپاره‌های عراق قرار گرفت مجبور به ترک دیار گشته و چندی در اهواز و سپس در قم مستقر شد. در گیراگیر جنگ نه تنها خانه‌ی او را غارت شد بلکه اموال مسجد او را نیز به تاراج بردند. قسمتی از کتابخانه‌ی نفیس او به یغما رفت و در بصره به حراج گذاشتند و قسمت دیگر آن، مدت‌ها در زیر خاک‌ها مدفون بود و پس از آزادی خرمشهر به قم منتقل گشت. در این جریان قسمتی از دست‌نوشته‌ی او از جمله دیوان اشعارش از میان رفت.

آیت‌الله خاقانی به عربی شعر می‌سرود، به ویژه در مدح پیامبر (ص) یا معصومین (ع).

آیت‌الله پس از هفتاد و شش سال زندگی، بالاخره در شب بیست و چهارم بهمن ۱۳۶۶ (برابر با بیست و پنجم رجب ۱۴۰۸ ق.) درگذشت و پس از مراسم تشییع، در یکی از حجره‌های صحن اتابکی حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

خاکی شیرازی، حسن

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۲۲ ق)، مورخ. از اهالی شیراز بود که به هندوستان رفت و منصب بخشی از گجرات به او تعلق گرفت، سپس جهانگیر شاه ریاست دیوان صوبه‌ی بهار را به او سپرد. سرانجام در تپنه درگذشت. از آثار او: «منتخب التواریخ» یا «احسن التواریخ»، در تاریخ عمومی که تا وقایع سال ۱۰۲۱ ق را در آن ضبط کرده است. در تذکره‌های «نشر شق» و «صبح گلشن» از شخصی به نام حسن بیگ، متخلص به خالی نام برده شده است که او نیز در زمان جهانگیر پادشاه صوبه‌دار بهار بوده و در نظم و نثر عربی و فارسی دستی داشته و در سال ۱۰۲۱ ق درگذشته است. احتمال می‌رود که این دو تن یکی باشند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۱۷- ۱۷۱۶/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۵۸- ۳۵۷)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۰۳/۲)، الذریعه (۲۲/۳۸۹، ۲۸۹/۹)، صبح گلشن (۱۵۰- ۱۴۹)، نشر عشق (۵۳۴/۲).

خاکی، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا خاکی قراملکی

محل تولد: تبریز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا خاکی قراملکی با ورود به حوزه علمیه قم مطالعات و تحصیلات خود را در درس حوزوی و مباحث آزاد آغاز کردم. پس از طی مدتی از تحصیلات و مطالعات اولین بار در سال ۱۳۷۴ دست به قلم شدم هر چند آنها را به چاپ نرساندم اما با ادامه مطالعه و تحقیق همراه با درس حوزوی اولین مقاله علمی خود در سال ۱۳۸۱ با عنوان تحلیل مفهومی ایدئولوژی به چاپ رساندم. بنده از سال ۱۳۷۳ به مطالعه مباحث اجتماعی به ویژه مباحث سنت و تجدد و غرب شناسی علاقمند شدم مطالعه و تحقیقات قابل توجهی در این حوزه انجام دادم که توانستم در این حوزه به ارائه مقالات و تدوین کتاب نائل آیم.

از سوی دیگر بنده در کنار مطالعات آزاد در رشته تخصصی کلام در سال ۱۳۷۹ وارد مؤسسه تخصصی کلام شده در سطح

کارشناسی ارشد سه سال به طور مرتب مشغول تحصیل در آن نهاد شدم. و در سال ۱۳۸۱ فارغ التحصیل شده و پایان نامه آن را با عنوان تحلیل هویت علم دین و علم مدرن در حال تکمیل است.

در کنار اشتغال به تحصیل در مؤسسه مذکور توانستم در نهاد علمی یعنی دفتر فرهنگستان علوم با برخی از مباحث جدید این نهاد آشنایی پیدا کنم. اینک مشغول تحقیق و پژوهش در حوزه دین شناسی، غرب شناسی و مباحث علم و دین و معرفت شناسی و فلسفه و مبحث علم دین هستم.

خالدی نقشبندی، فاطمه

قرن: ۱۳

جنسیت: زن

ملیت: ایران

۱۲۸۶ - ۱۲۴۱ ق، از زنان فقیه، ادیب و شاعر. وی دختر مولانا خالد ذوالجناحین شهر زوری است و در هوش و استعداد کم نظیر بوده است. او با ادبیات فارسی، عربی و کردی آشنا و دارای طبع شعر و فن نویسندگی و متمایل به طریقت نقشبندی بود. بسیاری از زنان در دمشق از محضر او استفاده شریعت و طریقت کردند. فاطمه در سال ۱۲۸۰ ق به ازدواج یکی از بزرگان دمشق که از مریدان پدرش بود درآمد. در سال ۱۲۸۶ ق به سفر حج رفت و در همان سفر بود که در منی درگذشت جنازه اش را به مکه حمل کردند و در معلا به خاک سپردند.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: تاریخ مشاهیر کرد، ۴۳۲ / ۱.

خالصی، محمدباقر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد باقر خالصی

محل تولد: قائن

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۱/۱/۱

زندگینامه علمی

نام من، محمد باقر، شهرتم خالصی، پدرم مرحوم آیه الله حاج شیخ عباس، در شب جمعه ۱۹ شوال سال ۱۳۶۱ مطابق با آبان سال ۱۳۲۱ در روستای بیهود از توابع شهرستان قائن که در جنوب خراسان قرار دارد، بدنیا آمدم. روستای نامبرده کوهستانی و از نظر آب و هوا معتدل ولی کم درآمد و مردم آن بزرگوار می‌توانند مؤونه یعنی خرجی سال خود را بدست آورند پدرم پس از اتمام مقدمات ادبی و سطوح عالی حوزوی در شهر قائن و سپس در مشهد چند سالی بقصد ادامه تحصیل در نجف سکونت کرد و از

محضر علمای بزرگ آن زمان همچون آیه الله اصفهانی و آیه الله عراقی و آیه الله خوانساری و آیه الله غروی به تلمذ پرداخت و پس از اینکه مریض شد به دستور آیه الله اصفهانی بقصد معالجه به ایران مسافرت کرد و مدتی در تهران ماند و سپس به روستای بیهود آمد.

پدرم پس از ازدواج با مادرم به مشهد مهاجرت کرد و چند سالی در مشهد ساکن شد و در مسجدی در محله نوغان به امامت جماعت پرداخت. یادم هست که در سن ۶ سالگی مرا وادار کرد که نصاب الصبیان را بخوانم و به من دستور داد که قطعاتی از آن را حفظ کنم ولی در همان روز اول شروع بنصاب بخاطر اینکه مقدار معینی درس را خوب حفظ نکرده بودم مرا کتک زد پدرم بخاطر اموری که شرح آن طولانی است دو مرتبه بروستای بیهود برگشت و در این زمان بود که مرا به مدرسه دولتی فرستاد که دروس جدید را فرا گیرم. من در یکسال چهار کلاس به فاصله چند ماه سپری کردم که شرح آن طولانی است. هنگامی که پدرم این مطلب را دید گفت: حیف است که بمدرسه دولتی بروی، در نزد خودم دروس حوزوی بخوان و مرا وادار کرد که امتله و شرح آن را نزد وی شروع کنم و پس از شروع به جامع المقدمات در سن هشت سالگی در همان روستا مرا معمم کرد. و پر واضح است که بچه‌ای در سن من با عمامه و قبا در بین مردم روستا چقدر مورد مسخره قرار می‌گرفت خصوصاً که با همان عمامه و قبا با بچه‌ها بازی هم بکند. در هر حال در سن ۱۳ چهارده سالگی مرا به خوره مشهد برد. و در مدرسه ابدالخان اسکان داده در سال‌های اول تحصیل بخاطر استعداد ذاتی و ساده انگاشتن مطالب علمی چندان در بحث و مطالعه که لازمه درک عمیق علم است اهمیت نمی‌دادم ولی آنچه که مرا از این روش باز گرداند و بطرف جدیت و زحمت سوق داد درس استاد علامه مرحوم ادیب نیشابوری قدس سره بود. ادیب شخصی موقر و مسلط بر مطالب علمی بویژه مطالب ادبی بود.

خلاصه تدریس استادانه و شیرین جلوه دادن علم و دانش و علاوه بر آن تحقیق و توضیح و تبیین مطالب علمی، مرا دگرگون کرد. در سال ۱۳۴۰ پدرم مرا به قم آورد و در مدرسه فیضیه اسکان داد من در قم رسائل و مکاسب را خواندم و پس از خواندن مقداری از کفایه به همراهی یکی از دوستان که از قبل در نجف ساکن بود به نجف رفتم که این قصه بسیار جالب و تفصیل شنیدنی دارد که این مختصر جای بیان آن نیست در نجف پس از اتمام کفایه پا به درس خارج فقه و اصول گذاشتم و توفیق حضور درس محقق و علامه بزرگ استاد الفقها آیه الله سید ابوالقاسم خوئی را پیدا کردم و علاوه بر آن] درسهای دیگری را شروع کردم که دارای تفصیل است. در نجف که بودم بخصوص قبل از تاهل بسیار موفق و اوقات مستغرقی داشتم و شبانه روز پا در درس و یا تدریس و یا نوشتن و یا مطالعه می‌گذشت و می‌توانم بگویم بهترین اوقات عمرم زمان سکونت در نجف بود افکارم یا در تحصیل و تحقیق و یا در عبادت سپری می‌شد ولی این شادی و توفیق با اصرار پدرم به مهاجرت به ایران به آخر رسید زیرا مهاجرتم به ایران و در آخر سکونت در قم مسیر زندگی و برنامه اشتغالات مرا در حدی تغییر داد که این نیز خود جریان مفصلی دارد. مطلبی که در زمان سکونت در نجف پیش آمد ورود مرحوم امام خمینی رحمه الله علیه به نجف بود. شنیدم که ایشان با مرحوم آقا مصطفی وارد بغداد شده‌اند و از آنجا بکاظمین رفته‌اند و من سعی و کوشش کردم که همراه یکی از دوستان اولین ماشین از طلاب ایرانی را راه انداختیم و به دیدار ایشان به کاظمین رفتیم و این امر نیز جریان مفصل و شنیدنی دارد.

گفتم پدرم اصرار ورزید که من از نجف به ایران و به محل سکونت ایشان یعنی سرایان بروم ولی من از این امر جدا "اکراه داشتم ولی بر اثر اصرار و ابرام ایشان پذیرفتم که به ایران بیایم ولی سکونت در سرایان را نپذیرفتم و از ایشان خواهش کردم که محل سکونت در ایران را به خودم واگذارد باز اصرار کرد که در مشهد ساکن شوم ولی من به جهاتی که جای ذکر آن نیست قم را اختیار کردم و از سال ۱۳۵۰ در قم ساکن شدم و در قم علاوه بر اشتغالات علمی برنامه تبلیغ و منبر و سخنرانی نیز پیش آمد که آنهم به برنامه‌هایم افزوده شد که این نیز شرح مفصلی دارد. در ابتدای امر تصمیم گرفتم که بدرس دو نفر که آن زمان در قم شاخص و مورد قبول بودند مدتی حاضر شوم تا اگر حضور در درس آنها بیشتر از تحقیق و بررسی خودم استفاده داشته باشد از آن

استفاده کنم و آن دو نفر آیه الله گلپایگانی و شریعتمدای بودند. البته اولی خارج حج و دومی خارج مکاسب تدریس می‌کردند. ولی پس از یکسال درس‌های آن‌دو را ترک کردم و بتحقیق و بررسی فقهی و اصولی شخصی ادامه دادم و در ضمن به تدریس مکاسب و رسائل و برهه‌ای هم کفایه و برهه‌ای هم خارج اصول در منزل پرداختم که حاصل تدریس اخیر قاعده لا- ضرر و استصحاب و تعادل و تراجیح و اجتهاد و تقلید شد که قاعده لا ضرر بنام رفیع الغرر عن قاعده لا ضرر به چاپ رسید ولی سایر مباحث تا بحال با اینکه آماده چاپ است چاپ نشده ولی تدریس بخاطر پیش آمدن مریضی پدرم و سپس فوت ایشان و پی آمدهای رنج آور و بی حد ناگوار آن به تعویق افتاد و سپس تعطیل شد. امیدوارم خداوند توفیق عنایت فرماید تا دوباره شروع شود.

خالصی، محمدحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: گوش و حلق و بینی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی تهران، دکترای تخصصی بیماریهای گوش و حلق و بینی از دانشگاه پزشکی بردو و پاریس، دوره فلوشیپ بیماریهای گوش در انستیتو بیماریهای گوش وابسته به دانشگاه کالیفرنیا جنوبی آمریکا. مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

درباره شنوائی، بیماریهای گوش، طرح پیوند الکترونیکی عصب شنوائی، اولین مورد پیوند الکترونیکی عصب شنوائی در ایران در مورد بیماریهای گوش و اختلالات شنوائی، استاد راهنمای ۳۰ پایان‌نامه دکترای و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: -

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

فصلی از کتاب **Acoustic Tumors** در مورد بیماریهای گوش و اعصاب گوش.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

بیمارهای گوش و اختلالات شنوائی و بیماریهای حلق.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

خالصی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم مغفور آیت‌الله حاج شیخ مهدی خالصی بن الشیخ حسن خالصی اصلاً کاظمی مسکنا و الخراسانی مدفن از اکابر علماء و مجتهدین و افضال فقهاء بارعین و ناصرین دین مبین بود.

در ایام حکومت عثمانیه با جمعی از علماء مجتهدین مجاهده و از بین امثال و اقران به وظائف اسلامیة و شئون دینیہ قیام و نهضت‌ها با حکومت عراقیه نمود و بدین واسطه کدورت شدیده بین آنان واقع و در شب سه‌شنبه دهم ذی‌القعدة الحرام ۱۳۴۱ وی را گرفته و تبعید به حجاز نمودند و بعد از حج و زیارت حضرت رسول و ائمه بقیع علیهم‌السلام و الصلوات بنا بر دعوت دولت ایران به طرف بندر بوشهر متوجه و اهالی آن سامان باصنافهم استقبال و پذیرائی شایسته نموده و پس از ایامی به اصفهان و بعد به دارالعلم قم وارد و به علامتین اصفهانی و نائینی ملحق گردیده و پس از چندی از قم به خراسان عزیمت و در همه جا مورد استقبال و تجلیل دولت و ملت قرار گرفته و پس از ورود به مشهد قصد توطن نموده و به وظائف دینیہ از اقامه جماعت و تدریس و افتاء و سایر شئون مرجعیت تا آخر عمر اشتغال داشت.

تولدش در پانزدهم ذی‌الحجه الحرام ۱۲۷۷ در کاظمیه واقع شده و در آنجا و نجف و سامری نزد اکابر فقهاء مانند میرزا حبیب‌الله رشتی و شیخ محمدحسین کاظمی تلمذ نموده زندگانی را بر خود حقیر و دنیا را موهون و در آن زهد اختیار فرمود حتی وجوهی که خدمتش می‌آوردند قبول نمی‌کرد اذن می‌داد که ببرید به مستحقین برسانید بالجمله مجسمه اخلاق فاضله قلیل الکلام و در اغلب اوقات متبسم «بشرفه فی وجهه و حزنه فی قلبه» بود.

مؤلفات ارزنده‌ای دارد که بعضی از آن مطبوع و برخی هم مخطوط مانده است فوت ایشان در روز دوازدهم شهر رمضان ۱۳۴۳ قمری در مشهد مقدس واقع گردید و بعد از تشییع عظیمی در جوار حضرت ثامن‌الحجج علیه‌السلام مدفون گردید.

پسری داشت برخلاف آن پدر بزرگوار به نام شیخ محمد خالصی‌زاده که عاق آن مرحوم و ائمه مرحوم علیهم‌السلام بود به توسلات و امور معنوی و معجزات ایمان نداشت نسبت به بسیاری از بزرگان فقهاء شیعه و مراجع و کسانی که با عقاید و مبانی وی توافق نداشتند اهانت می‌کرد نماز جمع را واجب عینی می‌دانست و تکفیر می‌کرد مخالفین آنرا.

نگارنده در کاشان با او مناظراتی داشتم و صریحاً به وی گفتم که وهابی مسلکی نفی نکرد گفت من شفاعت را قبول دارم ولی این توسلات را شرک می‌دانم گفتم وهابی معتزلی هستی، خلاصه نه شیعه شیعه نه سنی سنی، در کاظمین و ایران مرام مخصوصی در میان عده‌ای گذارد و بعضی را از اهل بیت پیغمبر صلی‌الله‌علیهم‌اجمعین منحرف نمود و ائمه معصومین علیهم‌السلام را در نظر آنان کوچک کرد و جداً نسبت به ذوات مقدسه آن اوصیاء کرام و امامان واجب الاحترام علیهم‌السلام مقرر بوده از مصادیق این مأثوره بود که (والمقصر فی حقکم زاهق) محمد بن ادریس شافعی که از ائمه ضلال است درباره این خاندان گوید:

یا اهل بیت رسول‌الله حکم

فرض من الله فی القرآن انزلہ

یکفیکم فی عظیم القدر انکم

من لم یصل علیکم لا صلوة له

و نگارنده بدین ابیات متمثل گشته و می‌گویم یا اهل بیت النبوه صلی‌الله‌علیه و آله و سلم

الذ حیوتی وصلکم و لقاکم

و لست الذ العیش حتی اراکم
 و ما استحسنت عینی من الناس غیرکم
 و لا لذ قلبی یا حبیب سواکم
 علی الراس والعینین جمله سعیکم
 و من ذالذی من فعلکم قد عصاکم
 و ما انا میجنون علیکم باجمعی
 و روحی و مالی یا حبیب فداکم
 و ما غیر کم فی الحب یسکن مهجتی
 و ان شئتم تفتیش قلبی فهاکم

مهدی بن العالم الجلیل شیخ حسن خالصی از اکابر مراجع تقلید و اعظم فقهاء و مجتهدین مجاهد عصر خویش بوده.
 وی در پانزدهم ذی الحجّه الحرام ۱۲۷۷ در کاظمین متولد شده و در ذی قعدہ ۱۳۴۱ در مشهد وفات نموده است.
 برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

خالق پور، مجید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مجید خالق پور

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مجید خالق پور در سال ۱۳۵۶ تحصیلات خود را در حوزه علمیه مشهد آغاز نمودم. با راهنمایی یکی از نوادگان مرحوم آخوند خراسانی صاحب کفایه، سال اول دروس حوزوی را شروع نمودم و در ادامه تالمعتین در یکی از مدارس مشهور و معتبر مشهد معروف به مدرسه موسوی نژاد تحصیلات خود را ادامه دادم. دوره تحصیل ما همزمان بود با انقلاب اسلامی و حقیر نیز همچون سایر طلاب با موج خروشان مردمی چون قطره ای ناچیز همراهی داشتم؛ با پیروزی انقلاب و اوصافی که از تفسیر مقام معظم رهبری شنیده بودم و امتیازات ویژه ای که در قم برای ادامه تحصیل وجود داشت به قصد قم در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شدم. دروس سطح را نزد حضرات آیت الله ستوده، مرحوم آیت الله صالحی مازندرانی و بخشی از کفایه آیت الله اعتمادی، آیت الله علوی گرگانی (مکاسب) آیت الله انصاری شیرازی و آیت الله حسن زاده آملی و آیت الله جوادی آملی جهت درس فلسفه و تفسیر؛ پس از آن وارد دروس خارج حوزه شدم که یک دوره کامل اصول نزد آیت الله میرزا جواد آقای تبریزی و بخشی از فقه نزد آیات عظام تبریزی و آیت الله وحید خراسانی و علوی گرگانی داشتم.

همزمان با تحصیلات خارج فقه و اصول، بخاطر اشتیاقی که به تفسیر داشتم وارد دوره سوم رشته تخصصی تفسیر شدم که این دوره

را با موفقیت طی چهار سال سپری نمودم و فارغ التحصیل گشتم اکنون نیز علاوه بر تحصیل و تحقیق با طلاب غیر ایرانی مرکز جهانی علوم اسلامی مباحثی تحت عنوان تدریس دارم.

خالقی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود خالقی

محل تولد: زرنند کرمان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

درس های حوزه را به طور معمول خوانده و به خاطر علاقه مندی به مباحث تفسیری در مهرماه سال ۷۶ تهیه و پخش برنامه ای قرآنی تحت عنوان (مائده آسمانی) را به صدای مرکز کرمان پیشنهاد دادم که بحمدالله تعالی مورد موافقت مسئولین وقت سازمان مذکور قرار گرفت و از آن زمان روزانه تاکنون در حال پخش است که به واسطه سوره انفال رسیده ایم.

حدود نیمی از این برنامه ۲۵ دقیقه ای به بیان مباحث تفسیر ترتیبی قرآن کریم اختصاص دارد و توسط بنده اجرا می شود. پس از گذشت دو سه سال از اجرای این برنامه با تقاضای شنوندگان مباحث پخش شده جزء سوم قرآن کریم به صورت کتاب چاپ و در اختیار علاقه مندان قرار گرفت. آیات ۹۳ تا پایان سوره آل عمران نیز جلد بعدی کتاب را به خود اختصاص داد و جلد سوم نیز مشتمل بر آیات اول تا ۷۰ سوره نساء طی سال های ۷۹ تا ۸۱ منتشر شده است.

متأسفانه به خاطر کثرت اشتغالات اینجانب به امور اجرایی معاونت آموزش مرکز، فرصت تهیه و نگارش مباحث بعدی به دست نیامده است. امیدواریم تا پایان تابستان سال جاری ۲ جلد دیگر این مباحث آماده شود و در نهایت به حول و قوه الهی به انتشار یک دوره تفسیر قرآن کریم برگرفته از تفاسیر موجود با تکیه بر مباحث اجتماعی و اخلاقی و به صورت ساده و روان که قابل استفاده برای عموم مردم باشد موفق شویم. انشاءالله

خامنه ای، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی فرزند برومند عالم ربانی و آیت سبحانی حاج سید جواد خامنه‌ای و سبط عالم زاهد و مفسر عابد آیت‌الله حاج سیدهاشم میردامادی نجف‌آبادی و رهبر انقلاب اسلامی پس از رحلت امام راحل آیت‌الله العظمی خمینی.

از افاضل دانشمندان حوزه علمیه مشهد مقدس و حوزه علمیه قم می‌باشند. معظم‌له در حدود سال ۱۳۵۰ قمری هجری در مشهد

مقدس رضوی به دنیا آمده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و دروس جدید را ابتداء خوانده آنگاه به تحصیل علوم دینی پرداخته و ادبیات را نزد مرحوم ادیب نیشابوری مدرس بزرگ مشهد آموخته و سطوح وسطی و نهائی را از اساتید حوزه علمیه مشهد فرا گرفته و پس از پایان کفایه و مکاسب به درس خارج آیت‌الله العظمی میلانی شرکت نموده و پس از آن به قم آمده و چندی از محضر آیت‌الله العظمی خمینی و آقای آیت‌الله محقق داماد و علامه طباطبائی استفاده نموده و در واقعه ۱۵ خرداد چهل و دو در مشهد مقدس در اثر سخنرانیها بر علیه رژیم منفور طاغوتی دستگیر و زندانی شد و بعد از آن تبعید به زاهدان و زابل گردید و مکرر گرفتار ساواک رژیم گذشته بوده است. معظم‌له در انقلاب جمهوری اسلامی به اتفاق دو هم سنگرش ۱- مرحوم حاج سید عبدالکریم هاشمی نژاد شهید (باجناق نگارنده) ۲- حاج شیخ عباس واعظ طبسی تولیت آستان قدس رضوی نقش موثری در انقلاب استان خراسان بالاخص مشهد مقدس داشته است.

از مهرماه ۱۳۶۰ شمسی که به ریاست جمهوری اسلامی از طرف ملت غیور و انقلابی ایران انتخاب گردید تا بعد از رحلت امام (ره) در مدت هشت سال به خوبی از عهده این مسئولیت برآمده و خدماتی به انقلاب نمود.

در خاطر دارم یک هفته قبل از ارتحال امام با یکی از دانشمندان که سالها در هندوستان اشتغال به خدمات دینی و فرهنگ اسلامی و نشر معارف اهل البیت علیهم‌السلام می‌نمود و از مرتاضین هند خاطراتی داشت که حوادث و رویدادهای کشور عزیز ما را پیشگوئی کرده بود من جمله گفته بود که پس از درگذشت و رحلت رهبر کبیر انقلاب (سید علی) نامی از خراسان به جای ایشان خواهد نشست و رهبری انقلاب را پس از ایشان متعهد خواهد بود و شد آنچه پیش گوئی کرده بود.

جناب آقای خامنه‌ای بیانی شیوا و حاد و انقلابی دارد و مجموعه سخنرانیهای و خطابات ایشان چه در دوران ریاست جمهوری و چه در دوران رهبری جمع و تدوین گردیده و در روزنامه‌های کثیرالانتشار جمهوری اسلامی و اطلاعات و کیهان و رسالت و غیره منتشر شده و می‌شود.

آثار و تألیفاتی دارند که در اینجا یادآور می‌شوم:

- ۱- نقش مسلمانان در آزادی هندوستان.
 - ۲- صلح امام حسن (ترجمه صلح امام حسن آل یاسین).
 - ۳- آینده در قلمرو اسلام (ترجمه المستقبل لهذا الدین سید قطب).
 - ۴- ادعاء نامه علیه تمدن غرب.
 - ۵- طرح کلی اندیشه اسلامی.
- برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

خان برومند، حیدر علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

از افراد صاحب نام دیگر این خاندان در گز و منطقه اصفهان دانشمند محترم مرحوم حاج حیدر علی خان برومند المفتقر الی الله متولد به سال ۱۲۹۳ و متوفی به ۱۳۷۹ ه. ش است که نامبرده کوچکترین فرزند مرحوم حاج عبدالغفار خان برومند جزئی معروف به حاج نایب و نواده پسری مرحوم حاج محمدحسین خان برومند معروف به حاج سلطان جزئی و نواده دختری مرحوم محمدرضاخان برومند (سرتیپ گزی) بوده که تحصیلات اولیه خود را در سن ۶-۸ سالگی در محل ودر مکتب مرحوم ملامهدی بکائی جزئی و

سایرین در حدود سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۵ هجری شمسی و در محل مسجد جامع گز برخوار آموخته و بعداً جهت ادامه تحصیلات به اصفهان مدرسه قدسیه وارد شده و مقدمات حساب و هندسه و ریاضیات را نزد مرحوم میرزا عبدالحسین قدسی مدیر مدرسه مزبور فرا گرفته و جهت ادامه تحصیلات حوزوی در مدارس صدر بازار و نیم آورد که در آنزمان از مراکز علمی حوزوی و علوم قدیمی بوده وارد و مشغول فراگیری بطوریکه دروس صرف و نحو- انموزج و صمدیه- سیوطی و شرح نظام را در محضر میرزا حسن قدسی و ادامه سیوطی را در کلاس درس مرحوم آخوند ملامحمد علی حبیب آبادی و بعدها مغنی و مَطُول و شرح لمعه را نزد مرحوم آقا شیخ علی مدرس یزدی و معالم و قوانین از تقریرات شیخ مرتضی انصاری را نزد حاج ملا حسن دولت آبادی و متاجر را نزد مرحوم سید مهدی درچه‌ای و تشریح الاصول را نزد سید مرتضی خوانساری و کفایة‌الاصول و قسمتی از متاجر را نزد سید محمد نجف آبادی و فلسفه و معقول و قسمتهائی از درس خارج فقه را نزد حاج سید علی نجف آبادی و شیخ محمدرضا نجفی غروی و اصول فقه را نزد محمد صادق یزدآبادی و فلسفه را نزد مرحوم شیخ محمد حکیم خراسانی که همگی از جمله فقیهان و مدرسان مبرز علوم و معارف اسلامی عصر خویش بوده‌اند آموخته و خود معلم و مدرسی گرانقدر گردیده است.

و از تالیفات ایشان تبیین و شرح فارسی کتاب طریق‌الرشاد فی شرح تجریدالاعتقاد خواجه نصیرالدین طوسی قدس سره که در فن کلام تحریر گردیده و هم چنین شرح کتاب کشف‌المراد‌العلامه حلی فی شرح‌التجرید که توأمان توسط کتابفروشی دین و دانش اصفهان در زمان حیات ایشان چاپ و در اختیار طلاب و علم پژوهان مشتاق قرار گرفته بوده است و بدین ترتیب آن مرحوم خود از مدرسین و دانشمندان و معارف فقهای مقبول القول و معتمد و در زمره محققان و مدرسان و مؤلفان اخیر حوزه‌های علمیه اصفهان در مدرسه صدر بازار و مدرسه سلطانی چهارباغ بوده و در گسترش مبانی علوم و معارف اسلامی سعی و جهد بلیغ می‌فرموده و از اکابر علمای معاصر محسوب می‌شود.

آن مرحوم در سال ۱۳۷۹ در سن ۸۶ سالگی بعلت کسالت و کهولت سن و استراحت در بستر دار فانی را وداع و به جوار رحمت حق پیوسته که امید است خداوند تعالی ایشان را مورد لطف و رحمت واسعه خویش قرار داده و در زمره خدمتگزاران دین حنیف و جامعه اسلامی اصفهان و ایران بپذیرد.

برگرفته از کتاب: فرهنگ تاریخ گز و برخوار

خان صنمی، شعبانعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شعبانعلی خان صنمی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

تقریباً هفده ساله بودم که با ترک دبیرستان وارد حوزه علمیه قم شدم دروس مقدماتی را ابتدا در مدرسه آیه الله گلپایگانی و سپس در مدرسه حقانی و بالاخره در مدرسه رسالت تا پایان لمعتین فرا گرفتم رسایل را نزد آقای اعتمادی و کفایه و مکاسب را نزد آقای

ستوده و مقداری نیز آقای دوز دوزانی به پایان بردم. حلقات اصول الفقه، شهید صدر، به اضافه بخشهایی از شرح نهج البلاغه (جلد اول ۱۳ و ۱۴) و بحار الانوار (کتاب العشره) را به عنوان متون عربی نزد شاگرد آن مرحوم، استاد سید مهدی نبوی - دام ظلّه - آموختم. از دروس خارج، قسمت‌هایی از فقه و اصول را در محضر حضرات آیات، فاضل، وحید و روحانی، میرزا جواد آقا تبریزی... حاضر شدم اما بیشترین استفاده را که سالها به طول انجامید از درس فقه و اصول آیه الله کوکبی داشته‌ام، شاید یک دوره کامل از درس اصول ایشان را درک کرده باشم.

آثار علمی :

کتاب علمی مشاهدات امیر مؤمنان (ع) در ۲ جلد توسط نشر الهادی در سال ۷۳ به چاپ رسید، کتاب علمی خاطرات امیر مؤمنان (ع) در واقع همان کتاب قبلی است که با اضافات و تغییراتی در یک مجلد توسط دفتر تبلیغات (بوستان کتاب) چاپ شد که امسال پنجمین چاپ آن منتشر شد.

کتاب علمی خاطرات امام صادق (ع) که در آستانه چاپ است. کتاب دیگر که در واقع رساله دکترا با عنوان، پدیده حصر مذاهب اربعه ی زیر نظر دانشگاه فردوسی مشهد، واحد فقه و حقوق در حال تکمیل و آماده دفاع می باشد. در سال ۷۸ به فعالیت در بخش های آموزشی پژوهشی دانشگاه دعوت شدم اما به دلیل این که ملبس نبودم نتوانستم از مدارک رسمی حوزه که منوط به پوشیدن لباس بود، استفاده کنم. از این رو برای تهیه مدارک لازم از طریق خبرگان بدون مدرک وزارت علوم، ابتدا در سطح مربی شرکت کرده پذیرفته شدم و با این مدرک عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی قم شدم. و پس از گذشت ۳ سال مجددا در امتحانات تخصصی خبرگان، در مرتبه استاد یاری قبول شدم. و در حال حاضر بیش از یکسال است که در حال نوشتن پایان نامه فوق الذکر هستم.

خانجانی، قاسم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قاسم خانجانی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از گذراندن دوره متوسطه در شهر تهران در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه چیدر تهران شده و تحصیل علوم دینی را در این حوزه آغاز نمودم و تا سال ۱۳۷۱ در این حوزه اشتغال داشتم و پس از آن برای ادامه تحصیل در سال ۱۳۷۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از گذراندن امتحانات و مراحل قانونی در سال ۱۳۷۲ درس خارج را با درس آیت الله مکارم شیرازی و مدتی درس آیت الله سبحانی آغاز نمودم. در سال ۱۳۷۲ همراه با درس خارج در دوره کارشناسی ارشد تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در رشته تاریخ شرکت کردم و در سال ۱۳۷۹ از این دوره فارغ التحصیل و از پایان نامه خود دفاع نمودم. در طول این سال از محضر

مبارک برخی اساتید حوزه چون حضرات آیات میرزا جواد آقا تبریزی و آیت الله وحید نیز بهره بردم و درس خارج آیت الله وحید و آیت الله مکارم را همچنان ادامه می‌دهم.

خانلر بندپی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۵۰ ق)، منشی و خطاط. وی منشی الممالک شاه قاجار بود و نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۱/۱۷۴).

خاور کردشتی، علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۳۲۰ ق)، طیب و شاعر. ملقب به معلم کل. وی در لغت عربی و دانستن معانی و الفاظ مشکل بصیرت کامل داشت و مانند پدر، او نیز طیب بود. از آثار وی: کتاب «در افشان»، در تقلید گلستان؛ «دیوان» اشعار، مشتمل بر قصاید و غزلیات. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: دانشمندان آذربایجان (۱۳۴-۱۳۳)، الذریعه (۲۸۷/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۰۰).

خاوری شیرازی، فضل‌الله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به خاوری. در شیراز به دنیا آمد. بعد از کسب کمالات ندیم فرمانروای فارس شد. پس از چندی به تهران آمد و به دربار فتحعلی شاه راه یافت و عهده‌دار مشاغلی چند شد. خاوری طبعی روان داشت و انواع شعر بخصوص قصیده و غزل را نیکو می‌سرود. آثار وی: «دیوان» اشعار؛ «ذوالقرنین یا تاریخ صاحبقرانی»، در تاریخ قاجار؛ منظومه «یوسف و زلیخا».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۵۴۳-۵۳۵/۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۲۰-۴۱۴/۲)، الذریعه (۴۵-۴۴/۱۰، ۲۸۸/۹)، روضه الصفا (۱۲۹-۱۲۸/۱۰)، سفینه المحمود (۵۶۳-۵۵۷/۲)، شرح حال رجال (۱۷۸/۶)، طرائق الحقائق (۳۳۱-۳۳۰/۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۲۴۶-۹۴۵/۲)، مجمع الفصحا (۲۸۹-۲۸۵/۴)، مصطبه‌ی خراب (۵۵)، نشریه‌ی دانشکده‌ی تبریز (س ۱۶، ص

۲۶۰-۲۵۷)، نگارستان دارا (۸۰-۷۸).

خائفی، پرویز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

پرویز خائفی در سال ۱۳۱۵ ه.ش در شیراز از مادر زاده شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به پایان رسانید و برای ادامه تحصیل وارد دانشکده ادبیات همان شهر گردید. و به دریافت لیسانس در رشته زبان و ادبیات فارسی، و به تدریس در دبیرستان های شیراز اشتغال ورزید. سپس عازم تهران گردید و دوره ی فوق لیسانس را در علوم اجتماعی گذرانید و به سمت مسئول تبلیغات و انتشارات کمیته ی پیکار با بی سوادى منصوب شد. خائفی از آن پس در وزارت فرهنگ و هنر به خدمت پرداخت و یک چند ریاست کتابخانه ی ملی فارس را عهده دار بود و اکنون ضمن تدریس در دانشگاه های آزاد و پیام نور شیراز و چند شهر استان فارس، سرپرست مرکز حافظ شناسی در آرامگاه حافظ نیز می باشد. پرویز خائفی کار شعر و شاعری را از دوران دبیرستان آغاز کرد و از سال ۱۳۲۹ ه.ش با مطبوعات نیز همکاری نمود. گروه: علوم انسانی رشته: علوم اجتماعی والدین و انساب: پرویز خائفی نوه میرزا اسماعیل خائف، شاعر معروف و عالم متبحر شیراز، که فلسفه ملاصدرا را تدریس می کرد و هم صاحب دیوان شعر بود. وی با شوریده شیرازی معاصر بود و هر دو از نعمت بینایی محروم بوده اند. تحصیلات رسمی و حرفه ای: پرویز خائفی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به پایان رسانید و برای ادامه تحصیل وارد دانشکده ادبیات همان شهر گردید و پس از دریافت لیسانس در رشته زبان و ادبیات فارسی توفیق یافت، به تدریس در دبیرستانها شیراز اشتغال ورزید، آنگاه عازم تهران گردید و دوره فوق لیسانس را در علوم اجتماعی گذرانید. فعالیتهای ضمن تحصیل: پرویز خائفی کار شعر و شاعری را از دوران دبیرستان آغاز کرد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: پرویز خائفی پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد، مسئول تبلیغات و انتشارات کمیته پیکار با بی سوادى گردید. خائفی از آن پس در وزارت فرهنگ و هنر انتقال یافت و یک چند نیز ریاست کتابخانه ملی فارس را عهده دار بود و اکنون سرپرست مرکز حافظ شناسی در آرامگاه حافظ نیز می باشد. فعالیتهای آموزشی: پرویز خائفی پس از اخذ لیسانس ادبیات فارسی، به تدریس در دبیرستان های شیراز به تدریس پرداخت. بعدها وی در دانشگاه های آزاد، پیام نور شیراز و چند شهرستان استان فارس پرداخت. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: پرویز خائفی از سال ۱۳۲۹ ه.ش با مطبوعات نیز همکاری نمود و آثار منظوم و مقالاتش همواره در روزنامه و مجله های کشور به چاپ رسیده است. آثار: از لحظه تا یقین (شعر)، این خاک طربناک (شعر)، باز آسمان آبی است (شعر)، بازگشت یادنامه میرزای کاظمی، پند سعدی، حافظ در اوج، حصار (شعر)، مقاله ها و مقابله ها، نگاهی به غزل حافظ

خائفی، عبدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالله خائفی

محل تولد: بندرانزلی

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۰۹/۱۱/۱۴

زندگینامه علمی

معظم له در یک خانواده مذهبی و متدین و زاهد که با گذشت چند دهه هنوز زبانزد خاص و عام می باشد در ۱۴ بهمن سال ۱۳۰۹ شمسی در شهرستان بندر انزلی دیده به جهان گشود. دوران طفولیت و کودکی را تحت تعلیم و تربیت پدر و مادری والامقام و وارسته و پرهیزگار سپری نموده و با فرا رسیدن به سن مدرسه تحصیلات ابتدائی و مقداری از دوره متوسطه را در همان شهر سپری نموده بود که بخاطر علاقه فراوان به تحصیل علوم اسلامی و تشویق پدر بزرگوارشان در سن ۱۵ سالگی وارد حوزه علمیه شهرستان رشت شد و پس از پایان رساندن دوره مقدماتی علوم حوزوی برای کسب مقامات بالاتر عازم حوزه مقدسه قم شده و با تمام کردن دوره سطح از محضر اساتید بنام وقت در درس خارج فقه و اصول مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی بروجردی (رحمة الله علیه) حاضر شده و بهره های فراوان برده ولی عطش درونی ایشان معظم له را در سال ۱۳۴۳ همراه با تبعید پیر و مرادش امام خمینی (ره) به نجف اشرف کشاند که از جمله اولین کسانی بود که برای استقبال امام از نجف به کاظمین آمده بودند. در نجف اشرف از محضر اساتید والامقامی همچون آیه الله العظمی خوئی (ره) به مدت ۲۷ سال، مگر یک روز که آن هم علتی داشت. و به صورت مکاتبه ائی از حضرت آیه الله العظمی سید عبدالاعلی سبزواری (قدس الله اسرارهم) بهره های فراوان نموده که در همان دوران اول به مقام اجتهاد نائل گشتند که در آذر ماه سال ۱۳۷۰ شمسی به وطن عزیز و اسلامی ایران برگشتند و در شهر مقدس قم رحل اقامت افکندند و در طول این سالها طلاب و فضلاء زیادی از کشورهای مختلف عربی از درس خارج فقه و اصول عربی ایشان و همچنین دوستان زیادی نیز از بحث خارج فقه فارسی ایشان که هنوز هم بحث خارج بیع ایشان در مدرس امام فیضیه و بحث اجتهاد و تقلید معظم له که در دفتر ایشان ادامه دارد و مخصوصا از سیره زاهدانه عملی ایشان بهره مند هستند. لازم به ذکر است که حضرت ایشان در تمامی دوران زندگی و طول عمر شریفشان در حال تحصیل و تدریس بوده و هستند که نتیجه آن تحقیقات گسترده ایشان خصوصا در فقه و اصول بصورت متن و حاشیه و تقریرات موجود می باشد که بخشی از آن به زیور طبع آراسته شده و بخش دیگر آماده چاپ و بسیاری بصورت دست نوشته و جزوات موجود است. کتابهای راهنمای ارث و سیستم قضائی اسلام در سال های ۴۳ و ۴۲ چاپ شده و کتاب ارزشمند "بحوث فی ولایة الفقیه" در سال ۱۳۷۸ در اختیار اهل علم قرار گرفته است. همچنین خاطراتی از استاد خود مرحوم امام (ره) به زبان عربی توسط انتشارات کوثر به زیور طبع آراسته گردیده است. جواب با ذکر ادله بر استفتائات مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه ایشان آماده برای چاپ گردید. "الربا و تحلیله با لحیل شرعیه" و شرح بر رسائل ثلاث و حاشیه بر رساله مناسک حج و ... موجود است که انشاءالله جامعه علمی از آن بهره مند خواهند شد. فعالیتهای تدریسی استاد در طول تحصیل تاکنون ادامه داشته که در طی سپری شدن هر مرحله ای از درس مراحل پائین را تدریس می نمودند که از جمله آنها تدریس کتابهای سیوطی، معالم، شرح لمعه و مکاسب و کفایتین و الان درس خارج می باشد که الحمدلله طلاب و فضلائى اکنون از سفره علمی ایشان متنعم هستند.

خجسته‌ی کاشانی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به خجسته. معروف به ندیم باشی. وی دبیری نیکو خط و خوش اخلاق بود. نزد عمومی خویش، ابوالقاسم خان، فروع قواعد و قوانین ادبی و عربی را فرا گرفت. خجسته در سرودن شعر مایل به شیوهی منوچهری بود و اغلب قصاید و مسمط او را به نیکویی پاسخ گفته است. از آثار وی: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۱۸۰، ۲۹۰، ۹)، شرح حال رجال (۱۸۹-۱۸۸/۶)، لغت نامه (ذیل / خجسته‌ی کاشانی)، المآثر و الآثار (۲۰۲)، مجمع الفصحا (۲۷۹-۲۴۸/۴).

خجندی اصفهانی، صاین الدین

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

صاین الدین خجندی اصفهانی مشهورترین شخص آل خجند بود. صاین الدین از عرفا و دانشمندان مشهور قرون ۸ و ۹ هجری قمری به شمار می‌آید. یونواده صدرالدین ترکه خجندی است و تقریباً در دهه پنج از سده ۸ هجری قمری در شهر اصفهان می‌زیست. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب: صاین الدین خجندی از خاندان آل خجند بود. آل خجند در قرن پنجم هجری قمری در خاک ایران تعلیم معارف کردند تاریخ اصفهان گواه این است که چه قدر این خاندان در کار سیاست و دولتمداری دور اندیش و باریک بین بودند و نیز ماهر در سیاست و حکمت و عرفان، حامی فضل و دانش پاسدار زراعت و امارت بودند. همچنین خصلت‌های نجیب آل خجند باعث شده است. که آنها در رونق حمایت میهن دوم خویش یعنی اصفهان جد و جهد تمام به خرج داده و با اعمال فضیلت دوستی و سیاست رعیت پروری نام نیک خود را در تاریخ ایران جاودانه کردند. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: صاین الدین خجندی و خانواده اش به «ترکه» نیز معروف بودند. صاین الدین در این باره آورده است «حال آنست که قوم این فقیر در عراق به علم و تقوا ممتاز بودند. وی به گوشه نشینی و ملاح مخصوص چون امیر بزرگ سایه چتر تسخیر بدان دیار انداخت. وجوه اعیان آن را فرمود کوچانیدن برادر انم در حیات بودند، ایشان را به تربیت مخصوص گردانید به واسطه قدمت نسبی که معلوم فرموده بودند که اجداد بندگان از خجند بوده اند و لقب ترکه از آنجاست. تحصیلات رسمی و حرفه ای: صاین الدین خجندی سالیان دراز نزد برادرش خواجه نصیر الدین محمد ترکه خجندی اصفهانی، درس خوانده و در رشته های مختلفی همانند فقه، علوم غریبه، حروف، تصوف، فلسفه و منطق مهارت خوبی پیدا کرده است. وقایع میانسالی: یکی از وقایع مهم دوران میانسالی صاین الدین خجندی، فتح اصفهانی توسط سپاهیان امیر تیمور گورکانی است. در این بین صاین الدین به همراه برادرانش به عنوان غنایم به شهر سمرقند آورده شده اند و زندگی تازه ای را از سر گرفتند. زمان و علت فوت: صاین الدین خجندی در سال ۸۳۵ هجری قمری در هرات فوت کرد. هر چند که سالهای ۸۳۰ و ۸۳۶ از نیز در مورد وفات او آورده اند لیکن ۸۳۵ دقیقتر می‌نماید. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: صاین الدین خجندی در سال ۸۰۹ هجری قمری توسط شاهرخ گورکانی به عنوان قاضی یزد برگزیده شد. صاین الدین خجندی مدتی هم برمسند قضای شهرنشینی بور نشسته است. فعالیتهای آموزشی: صاین الدین خجندی در زمینه تصوف، عرفان، فقه، کلام، اخلاق، منطق، حروف، شعر و ادب تالیفات گرانمایی به میراث گذاشته است. برخی از محققان که آثار فلسفی صاین الدین را معرفی و تا حدودی بررسی کرده اند او را به عنوان «اسپینوزای ایران» گفته اند. در حقیقت افکار فلسفی و عرفانی صاین الدین در مقایسه با همزمانان خود در سطح بالایی قرار دارد و شایسته ستایش است. سایر

فعالیتها و برنامه های روزمره : شعر و شاعری از جمله فعالیتها و برنامه ریزی های روزمره صاین الدین خجندی بود . غزل صاین الدین خجندی از اندیشه های بلند عرفانی برخوردار است و لطافت شعرو موسیقی آن هم کم نیست . همفکران فرد : قاضی زاده رومی ، شرف الدین علی یزدی ، سید شریف حسین اخلاطی و علاء الدین گیلانی از جمله همفکران صاین الدین خجندی بودند . آرا و گرایشهای خاص : صاین الدین خجندی سبک و سلوک نگارش بسیار جذابی داشت . صاین الدین در نوشتن مطالب عرفانی و فلسفی موفق بوده و در گفتن شعر فارسی و عربی نیز هنر نمایی کرده است . آثار : ۱ نفثه المصدور اول و ویژگی اثر : صاین الدین این کتاب را تقریباً ۸۲۹ هجری قمری ، خطاب به پادشاه گورکانی نوشته است .

منابع زندگینامه : بایمت اف ، لقمان ، درباره احوال و آثار صاین الدین خجندی ، کیهان فرهنگی ، سال هیجدهم ، شهریورماه ۱۳۸۰ ، پیاپی ۱۷۹ ، صص ۴۸-۴۹

خجندی، ابوبکر، محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۸۳ ق)، فقیه شافعی. وی از خاندان مشهور خجندیان بود که در مرو مسکن داشت. خواجه نظام الملک او را به خاطر فضل و بلاغتش جهت تدریس در نظامیه‌ی اصفهان بدان شهر برد و خاندانش در آنجا شهرت و ریاست یافتند. خجندی در اصفهان جاه و مکتب عظیمی یافت. از آثار وی: «روضه المناظر و زواهر الدر». بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه : دایرةالمعارف فارسی (۲۸/۱)، سرآمدان فرهنگ (۱/۱۷۶)، کشف الظنون (۹۳۲)، لباب الالباب (۳۵۴)، لغت نامه (ذیل / خجندی).

خجندی، صدرالدین، عبداللطیف

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۲۳ ق)، شاعر و ادیب. وی از خانواده‌ی خجندیان اصفهان است که در آن شهر صاحب ریاست بوده‌اند. صدرالدین از بزرگان زمان خویش بود که علاوه بر منصب صدارت او را شعری بود مطبوع و در تازی و پارسی و نظم و نثر قدرت او کامل. وی به دست اسماعیلیه کشته شد و اشعاری از او در تذکره «لباب الالباب» نقل شده است. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه : لباب الالباب (۴۰۴، ۳۱۶-۳۱۵/۱)، لغت نامه (ذیل / خجندی).

خدادادیان، اردشیر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تاریخ از ایران.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تاریخ تمدن و فرهنگ ایران باستان، استاد کلیه دروس در این زمینه در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد، استاد خطوط و

زبانهای ایران باستان، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

تاریخ ایران و جهان، کرونولوژی تاریخ جهان.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

تاریخ، تمدن و فرهنگ ایران باستان، زبانهای ایران باستان، کرونولوژی تاریخ جهان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

خدادوست، علی‌اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک‌شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

خدایی، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدرضا خدائی

محل تولد: پلدختر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا خدائی به سال ۱۳۵۱ در شهر پلدختر که اینک شهرستان شده به دنیا آمدم، بخش عمده تحصیلات ابتدائی و راهنمایی و دبیرستان را در همان جا سپری نمودم. پس از مراجعت از جبهه با مطالعه آثار و اندیشه های فیلسوف و متفکر گران مرحوم استاد مطهری رضوان الله علیه عطش طلب علوم دینی در جانم شعله ور گردید تا آنجا که علی رغم قبولی در دانشگاه شهید چمران اهواز رشته دبیری زبان انگلیسی آن را رها نموده و در سال ۱۳۷۱ راهی حوزه علمیه ولی عصر عج الله شهرستان آشتیان شدم.

پیشرفت علمی و معنوی حقیر در مدرسه صاحب الامر آشتیان به گونه ای بود که خیلی سریع مورد رضایت خاصی حضرت آیت الله آشتیانی (میرزا ابوالقاسم) قرار گرفتم. به طوری که وی پس از استماع نخستین منبر بنده فرمودند اگر می دانستم در بین طلاب مدرسه چنین استعدادهایی وجود دارد دیگر از قم روحانی دعوت نمی کردم.

دل بستگی ام به علوم عقلی و برهانی آنچنان بود که با وجود تحصیل در پایه دوم در درس بدایه الحکمه شرکت می کردم و در این بحث گوی سبقت را با فیض باری از سایر دوستان می ربودم. به طوری که روزی استاد درس بدایه الحکمه آیت الله باغبانی به حقیر فرمودند شما از این به بعد نیازی به حضور در کلاس من ندارید و می توانید فلسفه درس بدهید. در سن ۲۴ سالگی موفق به تدریس کتاب معالم الاصول برای حوزه علمیه بروجرد شدم. هم چنین مواد گوناگون ادبیات عرب، منطق، فلسفه و اصول را در حوزه تدریس نموده ام. با مطالعه سیره بزرگانی هم چون مرحوم مفتاح و استاد مطهری از همان ابتدا ارتباطم را با دانشگاه برقرار ساختم و اینک مدت شش سال است که در دانشگاه مشغول تدریس می باشم..

اما بیشترین استفاده علم ام را از چشمه جوشان و زلال حکمت و تفسیر آیت الله جوادی آملی برده ام.

همان طور که در جدول مربوط آورده ام تحقیقات بدیهی در زمینه علم و موجود در قران انجام داده ام که انشاء الله برخی از آنها به زیور طبع آراسته خواهند شد. هم چنین می افزایم که مراحل گوناگون علمی کسب مجوز تدریسی در مواد اندیشه اسلامی ۱ و ۲ و نیز متون اسلامی را در معاونت امور اساتید نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری طی نموده ام و هم چنین مدارج علمی عضویت در هیات علمی دانشگاه را طی نموده ام.

خدیجه‌ی نیشابوری

قرن: ۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

ز ۵۱۲ ق، از زنان محدث. وی دختر اسماعیل بن عمر بود. از پدرش و نیز از ابوعثمان سعید بن محمد بن احمد بحیری حدیث شنیده و در سال ۵۱۲ ه سمعانی را اجازه داده است.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۳۲۴ / ۱.

خدایوچم، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مترجم، محقق.

تولد: ۱۳۰۶، مشهد.

درگذشت: ۲۵ مهر ۱۳۶۵، مشهد.

سید حسین خدیوچم، فرزند سید علی (از مردم اشکذر یزد) یزدی‌الاصل، پس از گذراندن دوره‌ی ابتدایی و متوسطه در سال ۱۳۳۰ موفق به اخذ دیپلم ادبی و در سال ۱۳۳۸ لیسانس خود را در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد گرفت و از دانشگاه سن ژوزف بیروت در رشته‌ی ادبیات عرب به اخذ درجه دکتری نایل گردید.

وی مدت‌ها در دبیرستان‌های شهر زادگاهش به تدریس اشتغال داشت. سپس به تهران منتقل گردید و در پژوهشکده‌ی فرهنگ ایران به تدریس پرداخت. پس از آن به عنوان محقق در کتابخانه‌ی ملی و بنیاد فرهنگ مشغول به کار شد. مدتی نیز رایزن فرهنگی ایران در افغانستان بود.

سید حسین خدیوچم سال‌هایی از عمر خود را به تحقیق و مطالعه در کتابخانه‌های مختلف دنیا، به ویژه کشورهای عربی گذراند. از استاد خدیوچم بیش از سی جلد کتاب در زمینه تحقیق و تصحیح و ترجمه به جا مانده است. وی از محققان آثار غزالی در ایران بود و مهمترین اثرش در اینباره تصحیح و ترجمه‌ی احیاء علوم الدین غزالی است در هشت جلد که برای آن پانزده سال عمر صرف نمود.

از آثار اوست: تصحیح کیمیای سعادت (در دو جلد)؛ جواهر القرآن و وجد و سماع (از امام محمد غزالی)؛ تصحیح حقایق الاخبار ناصری (تألیف محمد جعفر خورموجی)؛ احیاء علوم الدین غزالی (ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی، در هشت مجلد، ۱۳۵۹ - ۱۳۵۱)؛ ترجمه احصاء العلوم (ابونصر فارابی، ۱۳۴۸)؛ ترجمه آن روزها (ترجمه کتاب الایام اثر طه حسین، ۱۳۴۸)؛ عقاید فلسفی ابوالعلاء فیلسوف معره (از عمر فروخ، ۱۳۴۲)؛ هم‌آهنگی مردم (از احمد بن ابی یعقوب اسحاق یعقوبی، ۱۳۴۳)؛ استخراج آب‌های پنهانی (از ابوبکر محمد بن الحسن الحاسب الکرچی، ۱۳۴۵)؛ روز مادر (با همکاری مهستی بحرینی، ۱۳۴۲)، گفت و شنودی فلسفی در زندان ابوالعلاء معری (از طه حسین، ۱۳۴۴)؛ کوشش در چاپ کتاب روضه خلد (از مجدالدین خوافی و به تصحیح مهدی فرخ، ۱۳۴۵)؛ کتاب از نظر شاعران و نویسندگان (۱۳۴۵)؛ روش صحیح نسخه‌های خطی (از صلاح‌الدین المنجد، ۱۳۵۶)؛ مفاتیح العلوم (از ابو عبدالله محمد بن یوسف کاتب خوارزمی، ۱۳۴۶)؛ جبر و مقابله (از محمد بن موسی خوارزمی، ۱۳۴۸)؛ مسیر طالبی یا سفرنامه‌ی ابوطالب خان اصفهانی (۱۳۵۲)؛ معجم شاهنامه (تألیف محمد بن الرضا بن محمد العلوی الطوسی، ۱۳۵۳)؛ و اثرنامه‌ی حافظ (۱۳۵۹)؛ وی همچنین در چاپ کتاب هفتاد سالگی فرخ در سال ۱۳۴۴ با مجتبی مینوی همکاری داشت.

خدمت مطبوعات را از سال ۱۳۴۰ آغاز کرد و با نشریه‌های «سخن»، «نگین» و «راهنمای کتاب» همکاری داشت. به عربی، انگلیسی و تا حدودی فرانسوی نیز آشنا بود و به بیشتر کشورهای اروپایی و عربی و شمال آفریقا سفر کرد.

حسین خدیوچم در مشهد درگذشت و پیکرش در کنار بقعه‌ای که مشهور به گور غزالی است به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

خرازی تهرانی، محسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محسن خرازی تهرانی فرزند مرحوم حاج سید مهدی خرازی، از فضلاء حوزه علمیه قم و مدرسین و مروجین معارف اسلامی و مؤسس مؤسسه راه حق حوزه علمیه قم می‌باشند.

در سال ۱۳۱۶ شمسی برابر سال ۱۳۵۷ قمری (سال هجرت نویسنده این کتاب از تهران به قم) در تهران به دنیا آمده و در بیت سیادت و شرافت و فضیلت پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید در سال ۱۳۷۵ قمری برابر ۱۳۳۴ شمسی به تحصیل علوم دینی پرداخته و مقدمات و ادبیات و دروس اخلاقی را در تهران از مرحوم حاج میرزا عبدالعلی تهرانی و حاج شیخ احمد مجتهدی و آقا میردامادی و حاج میرزا علی آقای فلسفی خوانده سپس مهاجرت به قم نموده و سطوح وسطی و نهائی را از مدرسین حوزه چون حاج شیخ رحمت‌الله فشارکی و حاج شیخ مصطفی اعتمادی و حاج شیخ محمدتقی ستوده و حاج شیخ محمدشاه آبادی و حاج میرزا علی مشکینی و حاج شیخ علی اصغر فقیهی و حاج شیخ محمد کاظم معزی و حاج سید محمدباقر سلطانی به پایان رسانیده و دروس خارج فقه و اصول را از محضر آیات عظام مرحوم محقق داماد و حاج آقا حسن فرید محسنی و حاج سید محمدرضا گلپایگانی و حاج شیخ محمدعلی اراکی مخصوصاً استفاده نموده و مورد توجه خاص معظم‌له گردیده است.

آثار علمی آقای خرازی

الف:

- ۱- کتاب احیاء الموات فی شرح شرایع الاسلام که در سال ۱۳۹۶ قمری به طبع رسیده است.
- ۲- حکمه حول نقض حکم الحاکم که در سال ۱۳۶۶ شمسی که در سه شماره نور علم چاپ شده.
- ۳- حکمه حول العرف نیز در مجله التوحید شماره ۳۴ چاپ شده است.
- ۴- ولایت فقیه در زمان غیبت که در مجله کنگره آستان قدس به طبع رسیده است.
- ۵- حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری از اول بیع تا خیارات.
- ۶- حاشیه بر دو جلد کفایه الاصول.
- ۷- تعلیقه بر نکاح مستمسک العروه.
- ۸- تعلیقه کتاب الهادی فی شرح شرایع الاسلام.
- ۹- کتاب الربا فی شرح ملحقات العروه الوثقی.
- ۱۰- کتاب الخمس فی شرح خمس العروه الوثقی.
- ۱۱- کتاب الضمان فی شرح ضمان العروه الوثقی.

- ۱۲- انواع و اشکال که خلاصه از آن در کتاب بازشناسی خیرهای تجاوز و دفاع به چاپ رسیده است.
- ۱۳- انواع تشریح و احکام آن.
- ۱۴- کتاب الاجتهاد و التقليد.
- ۱۵- تعلیقه بر تعلیقه حاج شیخ محمدحسین اصفهانی بر مکاسب و کفایه.
- ۱۶- تعلیقه بر چند جلد از جامع المدارک.
- ۱۷- شرکت در تدوین کتاب الحکومه الاسلامیه که توسط مؤسسه راه حق با همکاری گروهی از حجج و آیات جمع آوری و تألیف شده است.
- ۱۸- پذیرش و تولی از ولی فقیه.
- ب: اصول عقاید
- ۹۱- بدایه المعارف الالهیه فی شرح عقاید الامامیه تألیف شیخ محمدرضا مظفر در دو جلد که توسط شورای مدیریت حوزه به چاپ رسیده است.
- ۲۰- نمونه‌ای از اصول حکمی عقلی- اعتقادی مستفاد از روایات امام کاظم علیه السلام
- ۲۱- معاد این رساله فارسی برای دبیران استان مرکزی تهیه و تدوین شده و در سال ۱۳۶۲ شمسی به چاپ رسیده است.
- ۲۲- تعلیقه بر شرح تجرید الاعتقاد قسمت الالهیات بالمعنی الاخص.
- ۲۳- تعلیقه بر شرح باب الحادی عشر.
- ۲۴- شرکت در تدوین و تنظیم کتاب اصول دین که توسط مؤسسه در راه حق با همکاری چند نفر از اساتید و فضلاء به چند زبان فارسی عربی- اردو- انگلیسی و غیره به چاپ رسیده است.
- ۲۵- شرکت در تدوین کتاب بیان عقیدتی اسلامی که توسط جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با همکاری جمعی از اعضاء جامعه برای تدریس در دانشگاه‌های کشور جمهوری اسلامی ایران تألیف گردید و توسط مرکز نشر دانشگاهی چند بار به چاپ رسیده است.
- ۲۶- تعلیقه بر الهیات بمعنی الاخص منظومه حاجی سبزواری.
- ۲۷- حاشیه بر قسمتی از درر الفوائد مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدتقی آملی.
- د: اخلاق
- ۲۸- چند مقاله درباره موضوع علم اخلاق که توسط مجله نور علم به چاپ رسیده است.
- ۲۹- شرح خطبه المتقین به زبان عربی.
- ۳۰- شرح رساله الحقوق امام سجاد علیه السلام.
- ه: اقتصاد
- ۳۱- اقتصاد، حاشیه بر جلد دوم کتاب اقتصادنا مرحوم آیت‌الله شهید صدر.
- ۳۲- شرکت در بحث و جمع آوری کتاب التوازن فی الاقتصاد الاسلامیه که توسط مؤسسه راه حق و همکاری گروهی از حجج و آیات جمع آوری و تألیف شده است.
- ۳۳- تأسیس مؤسسه در راه حق در سال ۱۳۴۴-۴۵ با همکاری عده‌ای از اساتید و فضلاء حوزه علمیه قم.
- برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محسن خرازی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۶/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت‌الله سید محسن خرازی در سال ۱۳۱۶ هجری شمسی در تهران در خانواده‌ای مذهبی و مورد علاقه مردم متدین و علمای بزرگ تهران به دنیا آمد، پدرش حاج سید مهدی خرازی نام داشت و اصل و نسب آنها اصفهانی است که به تهران مهاجرت کرده‌اند و از سادات گرامی اصفهان و تهران بوده‌اند و نسب آنها به امام سجاد(ع) و امام حسن مجتبی(ع) می‌رسیده است. آیت‌الله سید محسن خرازی دروس دوران ابتدایی را در تهران در مجتمع فرهنگی برهان فرا گرفت و سپس تحت تربیت و آموزش آقا شیخ محمد حسین زاهد قرار گرفت. او که در مسجد امین الدوله تهران و نیز در مسجد جامع تهران نماز می‌گزارد، به تربیت نوجوانان می‌پرداخت و تأثیر عمیقی در دل آنان می‌نهاد. با درگذشت او، استاد خرازی به بازار تهران رفت و مدتی به کسب و کار پرداخت، اما به زودی بازار را رها کرد و به حوزه‌ی درسی آیت‌الله مجتهدی پای نهاد و بسیار مورد عنایت و علاقه او قرار گرفت. با فراگیری دروس مقدماتی، عزم سفر به حوزه علمیه قم کرد تا در محضر استادان مبرز و برجسته آن حوزه، تحصیلات خود را تکمیل کند؛ البته در این باره نباید نقش سفارش‌های آیت‌الله رفیعی(ره) را نادیده انگاشت. این گونه بود که به همراه آیت‌الله رضا استادی در سال ۱۳۳۶ به قم آمد و با او در یک جا سکونت گزید و به تحصیل پرداخت. در قم باقیمانده دروس ادبیات را به پایان رسانید و سپس به فراگیری دروس دوره سطح در زمینه‌های فقه و اصول، فلسفه و کلام پرداخت و از سال ۱۳۴۱ به بعد، به درس خارج بزرگان و آیات عظام مشرف شد. در طی این سالها از دروس اخلاق استادان مهذب و باتقوای حوزه نیز بهره‌های فراوان می‌برد. آیت‌الله خرازی در سالیان تحصیل خود، محضر استادان و علمای فراوانی را درک کرد او که در تهران تحت عنایت آقا شیخ محمد حسین زاهد قرار داشت، پس از ارتحال او به نزد آیت‌الله مجتهدی رفت و همواره مورد محبت او قرار می‌گرفت. در قم نیز باقیمانده دروس مقدمات را نزد آیت‌الله فشارکی آموخت و در درس شرح لمعه آیت‌الله شیخ محمد تقی ستوده شرکت می‌کرد. رسائل را نزد آیت‌الله شیخ مصطفی اعتمادی و آیت‌الله حاج شیخ محمد شاه آبادی و مکاسب را نزد آیت‌الله میرزا علی مشکینی و کفایه الاصول را نزد آقایان آیت‌الله حاج سید محمد باقر سلطانی و حاج شیخ محمد شاه آبادی و حاج شیخ علی تنکابنی فلسفی فرا گرفت. همچنین برای آموختن فلسفه، کلام و عقاید به نزد آیت‌الله شیخ محمد شاه آبادی می‌رفت و استفاده فراوانی برد. او از سال ۱۳۴۱ به بعد در درس خارج عالمانی چون آیت‌الله العظمی سید محمد رضا گلپایگانی(ره)، آیت‌الله العظمی سید محمد محقق داماد(ره)، آیت‌الله العظمی سید حسن فرید اراکی(ره) شرکت کرد و در درس خارج آیت‌الله العظمی شیخ محمد علی اراکی(ره) تا اواخر عمر ایشان حضور داشت. آیت‌الله خرازی در سالهای فراگیری سطوح با حضرات آیات و حجج اسلام محمد حسن ممدوحی، غلامحسین حقانی، سید مجتبی زنجانی، سید جمال الدین دین پرور مصاحبت و مباحثه داشت و در حال فراگیری دروس خارج با حضرات آیات آقایان استادی و مصلحی و غلامرضا سلطانی مباحثه می‌نمود و با حضرات آیات مظاهری، مصباح و سید محمد

خامنه‌ای رابطه دوستی داشت، اما دوستی که از آغاز تاکنون در کنار او بوده آیت‌الله رضا استادی است. آیت‌الله محسن خرازی در عرصه‌های علمی و فرهنگی، خدمات بسیاری را به انجام رسانده است. از مهم‌ترین خدمات او در این عرصه، تأسیس «مؤسسه در راه حق» بود. در آن روزگار مسیحیت توانسته بود با ابزارهای موجود با محصلان دبیرستانی مسلمان ارتباط برقرار کند و آنان را به مسیر گمراهی و ضلالت بکشاند. رژیم پهلوی نیز خود به گونه‌ای از تشکیلات مسیحیت حمایت می‌کرد و نسبت به موضع‌گیریهای حوزه علمیه، حساسیت خاصی نشان می‌داد. در سال ۱۳۴۳ هجری شمسی آیت‌الله خرازی با توجه به اهمیت مبارزه با افکار انحرافی مسیحی و نیز نظر به ضرورت ایجاد تشکیلات منسجمی برای مبارزه همیشگی با افکار التقاطی مؤسسه در راه حق را بنیان نهاد. این مؤسسه ضمن برقراری ارتباط با جوانان، به حل شبهات و مشکلات آنان می‌پرداخت و اصول اعتقادی را با سبک نوین مطرح کرده آنان را با مبانی و مبادی علوم اسلامی و اصول تشیع آشنا می‌ساخت. در ثمردهی این مؤسسه تلاش با اخلاص و بی‌چشمداشت مادی بزرگانی همچون آیت‌الله استادی، آیت‌الله مصباح یزدی، آیت‌الله مظاهری و آیت‌الله سلطانی را نباید از یاد برد. این مؤسسه بعدها در چند قالب مشغول به کار شد که مسئولیت بخش آموزش به عهده آیت‌الله مصباح یزدی، مسئولیت بخش پژوهش به عهده حضرات آیات مظاهری، استادی، مصلحی و سلطانی و نیز مسئولیت بخش معارف به عهده برخی از فضلا و استادان حوزه نهاد شد. این مؤسسه در آن زمان مورد علاقه و عنایت امام خمینی (ره) و دیگر مراجع و هم‌اکنون نیز مورد عنایت و حمایت مقام معظم رهبری و دیگر مراجع تقلید است و با جدیت تمام به راه خود که شناساندن اسلام واقعی به جوانان و مبارزه با تحریف و التقاط و انحراف است می‌پردازد. از دیگر فعالیت‌های آیت‌الله خرازی در این عرصه، همکاری با مجمع فقهی اهل بیت، درباره مسائل جدید فقهی است که این همکاری تا هم‌اکنون نیز ادامه دارد. آیت‌الله خرازی از سال‌های تحصیل دوره سطح به تدریس نیز می‌پرداخته و از حدود ۲۰ سال پیش تاکنون به تدریس خارج فقه و اصول برای طلاب نیز اشتغال داشته است. آیت‌الله خرازی تاکنون کتابها و رساله‌های گوناگونی نگاشته است. آیت‌الله سید محسن خرازی در پیش و پس از انقلاب اسلامی حامی انقلاب بوده و همواره بر رهبری امام خمینی (ره) و پس از او مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید دارد. شرکت در پاره‌ای از تظاهرات و تماس با برخی از مراجع تقلید آن زمان برای آزادی گروهی از زندانیان که جانشان در خطر بود از فعالیت‌های مهم ایشان در سال‌های پیش از انقلاب است. او در سال ۱۳۵۹ به دعوت اعضاء جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به عضویت آن نهاد درآمد و تاکنون در پیشرفت حوزه علمیه، نقش بسزایی را ایفا کرده است. همچنین با پیشنهاد جامعه مدرسین به نمایندگی مجلس خبرگان رهبری در دوره دوم و سوم از استان تهران درآمد. آیت‌الله سید محسن خرازی هم‌اکنون در قم حضور دارد و به تدریس و تربیت طلاب مستعد و جوان می‌پردازد.

خرازی، هادی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: -، رشته بیوشیمی، دانشکده: -، دانشگاه: -،

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای بیوشیمی از دانشگاه کارل فرانسیس شهر گراتس اتریش، دکترای تخصصی کلینیکال شیمیست.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

شاخص‌های بهداشتی و سلامت، شیوع گواتر و اپیدمیولوژی آن، غدد مترشحه، بیوشیمی، همکاری با مؤسسه پزشکی هسته‌ای تحقیقات غدد مترشحه داخلی به مدت یک سال، گذراندن دوره یکساله بورسیه تحقیقاتی در انستیتو بیوشیمی دانشکده پزشکی دانشگاه گراتس اتریش.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

بیوشیمی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

رابطه بین پروتئین‌های گوگرددار و زمان رشد تومورهای مختلف هیپاتوم در موش، میزان شیوع گواتر در منطقه غرب، مشکلات ناشی از کمبود ید.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

خراسانی، ابوالفضل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالفضل خراسانی

محل تولد: دامغان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

ابوالفضل خراسانی دارای تحصیلات سطح ۴ رشته تخصصی کلام اسلامی از حوزه علمیه قم و کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی از دانشگاه باقرالعلوم قم. حدود ۸ سال سابقه تدریس درحوزه و دانشگاه و ۸ سال سابقه پژوهشی در مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم و دائرةالمعارف علوم عقلی اسلامی، دارای مقاله دردائرةالمعارف قرآن کریم و تألیف بهداشت زندگی در پرتو قرآن، احادیث و علم روز و همکاری با نشریه معارف عقلی و کارشناس برنامه پارسایان رادیو معارف و کارشناس گفتمان دینی در سازمان تبلیغات اسلامی و سابقه تبلیغ و ارشاد ۱۵ سال.

خراسانی، ابوغانم بشر

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دوم و سوم ق)، فقیه. در خراسان متولد شد. از تألیفات وی کتاب «المدونه» است که قدیمی‌ترین کتاب فقه عمومی اباضی بنا بر مذهب ابو عبیده مسلم تمیمی است که توسط شاگرد وی نقل شده است. نسخه‌ی «مدونه» که عمرو بن فتح استنساخ کرد مشتمل بر دوازده جزء بود. عناوین آنها در فهرست کتب اباضی تألیف ابوالقاسم بزادی آمده است. نسخه‌های این کتاب بسیار نادر است. نسخه‌ی منحصر به فردی از آن در تصرف شیخی اباضی در گزاره بود. در فهرست کتب اباضی تصرف شیخی اباضی در گزاره بود. در فهرست کتب اباضی برادی نام کتاب فقهی دیگری نیز از ابو غانم آمده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۰۸۵-۱۰۸۴/۸).

خراسانی، حماد

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دوم و سوم ق)، محدث امامی. وی از راویان حدیث شیعی مذهب بود که از امام جواد (ع) و امام هادی (ع) روایت کرده و علی بن ابراهیم جعفری از او روایت کرده است. در «رجال نجاشی» نام وی حمدان بن اسحاق ذکر شده است. از آثار وی: «علل الوضوء»؛ «کتاب النوادر».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲۲۵/۶)، رجال النجاشی (۳۳۲/۱)، معجم رجال الحدیث (۲۴۸/۶).

خراسانی، عبدالجواد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، عالم، ادیب، نوازنده و دانشمند. معروف به مدرس کبیر. از دانشمندان بنام اصفهان بود و شاگردان و مریدان زیادی داشت. بنا به قول گوینو وزیر مختار فرانسه در ایران در کتاب «سه سال در آسیا»، وی در موسیقی خیلی ورزیده بود و تار را خیلی خوب می‌نواخت. ولی به جهت حرمت موسیقی هنر را مکتوم می‌کرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ موسیقی (۳۸۵/۱)، سرگذشت موسیقی (۱۹/۱)، شرح حال رجال (۲۳۸/۲) المآثر و الآثار (۱۸۳).

خراسانی، عبدالکافی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم ق)، کاتب. وی اهل خراسان بود و چنان که در مطاوی کتاب «اسکندر نامه» برمی آید، این کتاب را وی از روی چند نسخه استنساخ کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۷۲۹)، سبک شناسی (۱۳۱-۱۲۸ / ۲).

خراسانی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی خراسانی

محل تولد: تربت حیدریه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال تحصیلی ۶۸-۶۹ پایه دهم حوزه را به پایان رساندم و سپس در دروس خارج شرکت کردم همزمان با اشتغال به دروس پایانی دوره سطح در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی دامت برکاته شرکت می کردم. در همین سالها دوره عالی زبان انگلیسی موسسه باقرالعلوم دفتر تبلیغات را به پایان رساندم. در سال ۷۰ به دعوت نماینده مقام معظم رهبری در امور اهل سنت بلوچستان به زاهدان رفتم و به مدت ۵ سال مدیریت مدارس دینی اهل سنت بلوچستان را عهده دار بودم در این سالها به اقتضای مسوولیت با متون درسی اهل سنت آشنائی اجمالی پیدا کردم.

همچنین چند متن آموزشی از جمله «آشنائی با انقلاب اسلامی» و «آشنائی با اخلاق اسلامی» و «آشنائی با مذاهب اسلامی» را به عنوان درسهای جنبی مدارس اهل سنت تدوین و تنظیم کردم. در این سالها برخی از اشتغالات دیگر علمی همچون حضور در همایش‌های وحدت نیز وجود داشت. در اسفند ۷۶ به قصد ادامه تحصیل و پژوهش به قم مراجعت کردم و از همان تاریخ فعالیت پژوهشی خود را با مسوولیت گزینش مدخل‌های دایره المعارف آغاز کردم و پس از مدتی در سال ۷۷ مسوولیت بخش تدوین مقالات دایره المعارف و جانشین ریاست دایره المعارف را عهده دار شدم.

در این سالها که طرح دایره‌المعارف قرآن کریم در مرکز مطرح شده بود، آن را سازماندهی کردم و ضمن کار مسوولیت علمی هیأت‌های تحریریه را به مدت ۳ سال مستقیماً عهده دار بودم از سال ۸۰ مدیریت دایره‌المعارف قرآن کریم را عهده دار شدم قابل ذکر است که دایره‌المعارف قرآن کریم بزرگترین دایره‌المعارف قرآنی و اولین دایره‌المعارف در جهان اسلام است که پیش‌بینی می‌شود در ۲۵ جلد منتشر شود. در سال ۸۳ مدیریت مرکز فرهنگ و معارف قرآن که بزرگترین مرکز قرآن پژوهی در کشور است را عهده دار شدم و همزمان مسوولیت گروه دایره‌المعارف‌ها و نیز گروه تفسیر موضوعی را به عهده دارم. این مسوولیت‌ها همچنان ادامه دارد.

خراسانی، محمدباقر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدباقر خراسانی

محل تولد: دامغان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۳ در شهرستان دامغان در خانواده‌ای مذهبی و زحمتکش به دنیا آمدم. پدرم از فعالان قبل از انقلاب که بعد از انقلاب هم در فعالیت‌های جمعی حضوری فعال داشت. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در دامغان گذراندم که البته غالباً در مقاطع تحصیلی از شاگردان ممتاز محسوب می‌شدم. سال ۶۷ وارد حوزه علمیه که ۶ سال در حوزه علمیه دامغان مشغول به تحصیل بودم و از سال ۱۳۷۳ وارد حوزه علمیه قم شدم. که پایه‌های تحصیلی به اتمام رسید و قریب ده سال در درس خارج حضرات آقایان مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی (ره)، نوری همدانی، سبحانی و لاریجانی حاضر و استفاده بردم. سال ۷۹ در رشته علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع) مشغول به تحصیل شدم که از همان ابتداء انجمن علمی علوم سیاسی دانشگاه را به اتفاق جمعی از دوستان راه‌اندازی نمودیم. که بعد از مدتی با فعال شدن سایر انجمن‌های علمی به عنوان دبیر انجمن‌های علمی دانشگاه انتخاب که در همین راستا طرح برگزاری همایش نهضت نرم‌افزاری و تولید علم و دبیرخانه طلبه دانشجویی نهضت نرم‌افزاری پایه‌گذاری گردید. چندین سال به عنوان مسئول دبیرخانه و طرح و برنامه ستاد کنگره شهدای روحانی سراسر کشور مشغول به فعالیت بودم که در کنار این فعالیت‌ها از تبلیغ و تدریس در مناطق مختلف نیز غافل نبودم. در حال حاضر از محققین مرکز فرهنگ و معارف قرآن دفتر تبلیغات اسلامی هستم که با فعال شدن مجمع عالی حکمت اسلامی به عنوان مدیر اجرایی مجمع انتخاب شدم. در حین فعالیت در دانشگاه دو ماهنامه علمی دانشجویی نسل بعد را راه‌اندازی نمودیم و در خلال برگزاری یادواره‌ها، نشریه خبری اجتماعی دیگری نیز راه‌اندازی گردید. در حال حاضر مجوز تدریس درس انقلاب اسلامی و ریشه‌ها از سوی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه صادر که به علت دور بودن مراکز آموزشی مورد پذیرش اینجانب تاکنون واقع نشده است. در حال حاضر علاوه بر فعالیت‌های اجرایی به امور پژوهش و تحقیق به ویژه در حوزه علوم قرآنی مشغول می‌باشم.

خراسانی، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیه‌الله حاج سید محمدرضا خراسانی از مشاهیر علماء و معاریف مراجع و مدرسین معاصر اصفهانست. وی در حدود سال ۱۳۰۲ قمری بدنیا آمده و پس از خواندن مقدمات و سطوح از محضر مدرسین بزرگ چون مرحوم آیه‌الله حاج سیدابوالقاسم ده کردی و آیه‌الله حاج میرزا محمد صادق یزدآبادی و آیات دیگر اصفهان استفاده نموده تا بمدارج عالیه فقاہت و اجتهاد ارتقاء یافته و از مدرسین و مراجع بنام اصفهان گردیده و همه روزه قبل از ظهر در مدرسه صدر و بعدازظهرها در مدرسه چهارباغ تدریس خارج فقه و اصول مینمایند.

و در مسجد فلکه شاه عباس اقامه جماعت نموده و وظائف دینی را انجام میدهند.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

خراسانی، محمدهادی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا محمدهادی بن العالم الجلیل السید علی بن العلامة السید محمد البجستانی الخراسانی النجفی الحایری از علماء مبرز و جلیل کربلاء بوده‌اند.

وی در شب جمعه اول ذی‌الحجه ۱۲۹۷ ق در کربلا- متولد شده و با مرحوم والدش به مشهد مقدس آمده و قرآن را قبل از ده سالگی ختم نموده و به دروس مقدمات و ادبیات خدمت مرحوم والدش و دیگران پرداخته و پس از آن در سال ۱۳۱۵ ق مهاجرت به نجف اشرف نموده و پس از تکمیل سطوح به درس خارج محقق خراسانی مرحوم آخوند ملا محمد کاظم صاحب کفایه و محقق یزدی آقا سید محمد کاظم صاحب عروه و مرحوم علامه شریعت اصفهانی حاضر و استفاده سرشار نموده آنگاه در سال ۱۳۲۰ ق به سامرا منتقل و به درس آیت‌الله العظمی میرزا محمدتقی شیرازی شرکت نموده و در سال ۱۳۳۶ در خدمت استاد مذکورش به کربلا آمده و به امر آن مرحوم در (ثوره) عراق بر علیه انگلیسها شرکت نموده و پس از فوت مرحوم میرزاه به تدریس و اقامه جماعت و تألیف و تصنیف پرداخته تا در دوازدهم ربیع‌الاول ۱۳۶۸ ق که در کربلا- به رحمت حق پیوسته و در مقبره میرزاه موسی وزیر در صحن مقدس حسینی (ع) مدفون گردیده و در ماده تاریخ وفاتش گفته شد.

اروع فی تاریخه (ماجد

هادی البرایا قر فی الخلد)

اما آثار و تألیفات ارزنده آن مرحوم از اینقرار است.

۱- الفتن فی دین المصطفین ۲- اصول الشیعه و فروع الشیعه ۳- الباقیات الصالحات ۴- سراج‌الحاج ۵- ذخیره‌المعاد ۶- دعوة الحق الی ائمة الخلق ۷- رساله فی الشعائر الحسینیة ۸- السبع الثانی ۹- المسائل النفیسه ۱۰- المعجزه والاسلام ۱۱- کراسه فی صلوة الجمعه ۱۲- لله الحجة البالغه ۱۳- معجزات و کرامات ۱۴- المغرقه فی المعرفه ۱۵- القول السدید بشأن الحر الشہید تمام کتب و رسالات مذکوره مطبوع و منتشر می‌باشد.

نگارنده گوید: آن مرحوم در سال ۱۳۶۵ قمری به قصد زیارت حضرت رضا علیه‌الصلوة والسلام به ایران مسافرت نموده و در شهر ری به عیادت مرحوم آیت‌الله العظمی آقای سید محمد حجت قدس سره و زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) آمده و توفیق زیارت و ملاقاتشان را پیدا نمودم و فرمودند رفتم به زیارت قبر امامزاده داود تهران و واقعاً اگر نباشد کرامتی برای آن امامزاده مگر همین که این راه سخت و دشوار خطرناک را هزارها نفر پیر و جوان، کوچک و بزرگ شب و روز می‌روند و به سلامت به مقصود

نائل شده و برمی‌گردند هر آینه کافی می‌باشد برای کرامت و بزرگواری آن.

و گذشته از آثار خالده مذکوره آن مرحوم از باقیات الصالحات است فرزند دانشمند جناب مستطاب رکن الاسلام و عماد الاعلام آقای حاج سید مهدی خراسانی حایری که سالها از طرف مرحوم آیت‌الله العظمی حکیم و آیات دیگر نجف در لندن رهبری جمعی از شیعیان مقیم آنجا را داشتند و اکنون نزدیک یک سال است که به امریکا مهاجرت و به خدمات روحی و هدایت جوانان و محصلین ایرانی و غیره امریکا اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

خراسانی، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم ثقه‌ی جلیل، و فقیه مجتهد عادل عامل، از اجله‌ی علما و فقها و مدرسین و ائمه‌ی جماعت اصفهان بوده، عمری به زهد و عبادت گذرانیده، در ۱۳۵۷ وفات یافته، در بقعه‌ی تکیه‌ی کازرونی مدفون گردید.
برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خردبیر، خدیجه

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: استاد، رشته: دندان پزشکی ترمیمی، دانشکده: دندانپزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

دکترای دندان پزشکی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳، دکترای تخصصی دندان پزشکی از دانشگاه کارولینکای سوئد در سال ۱۳۴۶ و گواهینامه پزشکی در رشته اندو از دانشگاه ایلینویز آمریکا.
مرتبه علمی:

استاد دانشگاه شهید بهشتی از ۱۳۴۶ تا سال ۱۳۵۶، استاد ممتاز سال به خاطر تدریس صحیح.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

درد و کنترل آن در درمانهای اندونتیک، اثرات اژنل روی پالپ دندان، مواد پرکننده کانال ریشه، علل شکست در درمانهای اندو، اندودنتیک تراپی، تدریس دروس ترمیمی، کانال تراپی R.C.T و بهداشت دهان و دندان در دانشگاه شهید بهشتی و استاد راهنمای ۹ پایان‌نامه دکترای.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

روت کانال تراپی R.C.T

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۷، تعداد مقالات به زبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

بررسی بالینی علل شکست معالجات ریشه داندان‌ها، ماهیت ضایعات پوسیدگی، ترکیبات فسفر و اثر آنها در جلوگیری از پیشرفت پوسیدگی دندان، کنترل دردهای ایجاد شده در ضمن درمانهای اندودنتیک. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

خردبیر، محمدحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: گوش و حلق و بینی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

خرده فروش کاشانی، مقصود، مولانا مقصود

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(مقتول ۹۸۷ / ۹۸۳ ق)، شاعر و ادیب. اهل کاشان بود و به شغل خرده فروشی اشتغال داشت. اما در «تاریخ نظم و نثر» و تذکره‌ی «روز روشن» وی به قریه خرده کاشان نسبت داده شده است. او برادر باقر خرده فروش غزلسرا است. در علم سیاق دست داشت و شاگرد میر حیدر معمایی و میر غیاث‌الدین منصور دشتکی بود. به آورده‌ی صاحب تذکره‌ی «روز روشن» با میر غیاث‌الدین منصور به حج و زیارت مشرف شد. مقصود کاشانی با ملا محتشم کاشانی همعصر بود و این دو قصایدی در هجو یکدیگر سروده‌اند. او سرانجام در خانه‌اش در یزد به دست دزدان به قتل رسید. صاحب «الذریعه» مقصود کاشانی خرده فروش و مقصود کاشانی متبحر در علم سیاق را یکی نمی‌داند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۵۱۶)، تحفه سامی (۲۶۸-۲۶۷)، تذکره‌ی روز روشن (۷۵۹-۷۵۸)، الذریعه (۱۰۹۰ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۷۰-۸۶۹)، لغت نامه (ذیل / مقصود کاشانی)، مجمع الخواص (۲۱۴-۲۱۳)، هفت اقلیم (۴۷۸-۴۷۷ / ۲).

خوسند، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۳۷، گواهی تخصصی بیولوژی در سال ۱۳۵۲.

مرتبه علمی:

استادیار بیولوژی در سال ۱۴۴۳، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۵۲.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

چشم‌پزشکی، آستیگماتیسم.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

بیولوژی کارهای عملی میکروسکوپ، بررسی سلول، هسته و میتوز، تولید مثل.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

طرز محافظت و نگاهداری نمونه‌های تشریحی حیوانی گیاهی، بیومیکروسکوپ ساختمان و طرز کار و موارد استفاده آن در

چشم‌پزشکی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

خرسندی شیرازی، اسماعیل

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، مورخ و شاعر، متخلص به خرسندی. اصل وی از کازرون بود اما، در شهر شیراز متولد شد. در سال ۱۲۵۹ ق به

قصد زیارت مشهد وارد تهران شد و در خدمت محمد شاه قاجار به شاهنامه‌خوانی شاه و پیشخدمتی عباس میرزا منصوب گشت. در

آغاز سلطنت ناصرالدین شاه به امر میرزا محمدتقی خان فراهانی به وقایع‌نگاری کرمان مامور شد. چندی در این خدمت باقی بود،

بعد وی را وکیل و ظایف اهل اصفهان کردند. وی در پایان عمر کور شد. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۳۸-۴۳۵/۲)، الذریعه (۲۹۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۰۴)، مجمع الفصحا (۲۴۵)

-۲۴۳/۴، مرآت الفصاحه (۱۹۰-۱۸۹).

خرقی آرائی، حسن آقا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن آقا خرقی آرائی

محل تولد: کاشان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

- اخذ دیپلم تجربی سال ۱۳۶۰ آران و بیدگل. - ورود به حوزه ۱۳۶۰ اتمام سطح ۱۳۶۸ کاشان. - ورود به سطح ۱۳۶۸ و شروع درس خارج فقه آیت الله مکارم شیرازی اصول آیت الله وحید خراسانی. - ورود به دانشگاه دولتی رشته فلسفه ۱۳۷۳ اتمام ۱۳۷۷. - ورود به دانشگاه رشته فلسفه غرب ۱۳۷۷ اتمام ۱۳۸۰ - سیزده سال سابقه و حضور در درس خارج فقه و اصول در قم. - سابقه ۱۲ سال تدریس در دانشگاه‌های متعدد. - سابقه پنج سال تدریس در حوزه در مقاطع متعدد. - دارای دو اثر چاپ شده. - دارای سه اثر چاپ نشده. - صاحب ده‌ها مقاله علمی. - صاحب امتیاز و مدیرمسئول نشریه دو هفته‌نامه ظهور. - دارای دو مجوز اخلاق اسلامی و اندیشه اسلامی (معارف) از نهاد رهبری. - صاحب مقالاتی چند در نشریات معتبر کشور.

- دفاع از پایان‌نامه علمی فلسفی ۱۳۸۰ با ترجمه کتاب انگلیسی پوتنام جنبه‌ها و جمله‌هایی چند از رئالیسم با تفسیر و شرح. - جلسات تفسیر قرآن به طور مرتب. - حضور در جلسات فرهنگی و ادبی و ارائه مقاله و سخنرانی و غیره...

خرم دل، مصطفی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قرآن شناس (مفسر و مترجم قرآن کریم به فارسی) صاحب نظر و سختکوش معاصر، جناب آقای دکتر مصطفی خرم دل از استادان دانشگاه کردستان در سنندج و متولد در مهاباد در سال ۱۳۱۵ ش، و از علمای اهل سنت. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر زادگاهش طی کرده، و همزمان به آموزش علوم دینی به شیوه‌ی حوزوی و سنتی نیز پرداخته است. در سال ۱۳۴۶ از دانشگاه تهران، در رشته‌ی زبان و ادبیات عرب، مدرک کارشناسی (لیسانس) گرفته، و همزمان با دانشجویی به خدمت در آموزش و پرورش هم اشتغال داشته است. در سال ۱۳۵۲ از همان رشته و همان دانشگاه، مدرک فوق لیسانس (کارشناسی ارشد) گرفته، و در سال ۱۳۵۸ به دریافت درجه‌ی دکتری در رشته‌ی فرهنگ عربی و علوم قرآنی از دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران نایل آمده است. سپس چندی در دانشسرای عالی سنندج در دانشکده‌ی تربیت دبیر، و سرانجام در دانشگاه کردستان به تدریس و پرورش دانشجویان و آموزگاران و دبیران پرداخته و سرانجام در سال ۱۳۶۷ ش بازنشسته شده، و در حال

حاضر، مدتی است که به تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی (واحد مهاباد) اشتغال دارد. دکتر خرم دل در زمینه های گوناگون علوم اسلامی، به ویژه قرآن، دارای چند تالیف و ترجمه است. از جمله:

۱- تفسیر نور که چون ترجمه ی قرآن کریم هم به صورت قابل تمایز از مواد تفسیری در دل آن مندرج است، توانستیم آن را جزو ترجمه های امروزمین به شمار آوریم و همانند ترجمه های مستقل و به همان شیوه معرفی و ارزیابی کنیم.

۲- نگارش تفسیر المقتطف (به زبان عربی)

۳- ترجمه ی تفسیر اجتماعی و انقلابی و تحریک انگیز و بیدارگر فی ظلال القرآن، اثر سید قطب (۱۹۰۶-۱۹۶۶ م) (از بزرگان اخوان المسلمین مصر که در راه آرمان انقلابی و اسلامی خود، به دستور ضد بشری جمال عبدالناصر اعدام شد) از عربی، که ترجمه ی ناقصی از آن به قلم شادروان احمد آرام انجام گرفته و به طبع رسیده است. تا کنون (فروردین ۱۳۸۱)، دو، و احتمالاً سه جلد از آن چاپ شده که دو جلد اول شامل ترجمه ی تفسیر سوره های فاتحه، بقره، آل عمران، و نساء است. (دانشنامه ی قرآن و قرآن پژوهی، مقاله ی «خرم دل، دکتر مصطفی»، نوشته ی قرآن شناس کوشا و مترجم قرآن کریم به فارسی (نشر فرزانه، ۱۳۷۷، معرفی شده در همین کتاب) و نیز (مقاله ی تفسیر نور در همین دانشنامه). برگرفته از کتاب: بررسی ترجمه های امروزمین فارسی قرآن کریم

خرم قراچه‌داغی، خرم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۴۱ ق)، طیب و شاعر، متخلص به خرم. وی در زمان فترت، بین سلسله‌ی صفویه و نادرشاه افشار، در کردشت ساکن و جزو غلام‌زادگان کاظم‌خان قرچه‌داغی بود. میرزا خرم در فن طبابت مهارت تمام داشت. وقتی یکی از دشمنان مخدوم او مریض شد و میرزا خرم را برای معالجه خواست، کاظم‌خان خرم را برای کشن مریض روانه کرد ولی او به مقتضای وظیفه طبابت به معالجه‌ی مریض پرداخت و بعد از بهبودی وی برگشت. در نتیجه وی به قصبه‌ی اهر تبعید و همان جا درگذشت. وی دارای «دیوان» حسینی، محمدحسن، فرزند فیروزبخت. (س دهم ق)، خطاط. از کاتبان زبردست گمنام بود. به خط او نسخه‌ای از «دیوان» حافظ به قلم کتابت خوش و به شیوه‌ی میرعلی هروی، در کتابخانه‌ی دانشگاه استانبول است، با رقم: «کاتبها الفقیر الحقیق محمدحسن بن فیروزبخت الحسینی غفر ذنوبهما و ستر عیوبهما. تحریرا فی اواسط رمضان المبارک سنه‌ی احدی و سبعین و تسعمائه فی قریه‌ی رزه من قراء باخرز».

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۶۷۶/۳).

خرمدین، بابک

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

خَرَم در زبان پارسی هر چیزی است که خوشی و شادی و لذت را برای انسان فراهم آورد. اینکه بهار و باغ و بوستان را خَرَم گوئیم

به این دلیل است که مایه‌ی شادی و نشاط‌اند. واژه دین از دینه اوستایی می باشد که به معنی وجدان انسان معروف است. خرم‌دین، بصورت امروزینش دین خرم بمعنای دینی است که در کنار انسان ساز بودنش مایه‌ی شادی و خوشی مردمان شود. تعریف دین به این مفهوم در جای‌جای گاتای زرتشت آمده است، مؤلف کتاب البدء والتاریخ درباره پیروان زرتشت می‌گویند: هرچه انسان خرمی بیشتری بطلبد اندوه اهریمن بیشتر میشود و اهریمن بیشتر درصدد جنگیدن با انسان برمی آید؛ و در تعریف عقاید خرم‌دینان مینویسد که آنها هرچه باعث شادی و لذت باشد و طبیعت انسان به آن علاقه داشته باشد و زیانی به کسی نرساند را مباح میدانند. نهضت حق طلبانه خرم‌دینان را می توان نهضتی بزرگ در تاریخ ایران دانست. زیرا روحیه ملی و ضد بیگانه را در ایران زمین گسترش داد. معنی واژه بابک در واژه نامه پهلوی - اوستایی استاد بهرام فره وشی از پاپک گرفته شده است که پدر عزیز و کوچک معنی می دهد. یکی از بزرگان سرزمین ایران از نیای ساسان نیز بوده است. متاسفانه عده ای از پانترکهای بی سواد دست به جعل نام این بزرگ مرد ایران زده اند و در سایتهای خود از او به عنوان قهرمان ترکان نام می بردند و او را از ترکستان و مغولستان که سرزمین ترکها می باشد خوانده اند. ولی خوشبختانه نام و معنی وی صددرصد ایرانی است و این حرکات فقط کوتاه فکری - عدم آگاهی و تفکری متحجرانه از آنها را برای ما نمایان می سازد. پاپک خرم‌دین از سرزمین آریایی مادهای آذربایجان کجا و بای بک ساختگی عده بچه تجزیه طلب از نوادگان وحشی چنگیز خان مغول کجا؟!؟!؟! بابک از نژادی ایرانی و مسکنش آذربادگان بود، گویا مسلمانش کرده بودند و نام عربیش حسن بود. جنبشی که بابک در ایران آغاز کرد و رسماً نام جنبش خرم‌دینان بر خود داشت، یک ایدئولوژی مشخصی را مطرح میکرد که هدفش براندازی نهائی سلطه‌ی عرب - برقراری مساوات انسانی در ایران - تأمین خوشی برای همگان و بازگشت به شکوه و عظمت ایران باستان بود. ابن حزم مینویسد که ایرانیان از نظر وسعت ممالک و فزونی نیرو بر همه‌ی ملتها برتری داشتند، به همین جهت لقب آزادگان را ممالک دیگر برای ایرانیان برگزیدند. چون دولت باشکوه و سترگ ساسانی بر اثر نبردهای طولانی با امپراتوری روم و هجوم تازیان جنگجو برافتاد و عرب که نزد آنها دنیایه‌ترین قوم جهان بود بر آنها مسلط گردید این امر بر ملت ایران گران آمد و خود را با مصیبتی تحمل‌نشدنی روبرو یافتند، و بر آن شدند که با راههای مختلف به جنگ با اعراب برخیزند. از جمله رهبران آزادی بخش و ملی ایران میتوان سنباد، مقنع، استادسیس، بابک و دیگران را نام برد. دولت ساسانی که نیز که در سالهای پایانی عمرش به سر می برد بدون شک اگر با حمله اعراب روبرو نمی گشت با قیامهایی ملی همچون زمان پارتیان تغییر سلسله می دادند و حکومتی قوی تر و جدید به صورتی کاملاً ایرانی روی کار می آمد همانگونه که پارتیان بر ضد سلوکیان یونانی در ایران قیام کردند و دست بیگانگان را از این سرزمین برچیدند و سلسله قدرتمند شاهنشاهی پارتی را برقرار نمودند

نام خرم‌دین که به پاخاستگان ایرانی برای این جنبش برگزیده بوده‌اند به روشنی نشان میدهد که این یک جنبش مزدکی بوده و همه‌ی شعارها و برنامه‌های مساوات‌طلبانه و ضد بهره‌کشی مزدک را دنبال می‌کرده است. خود مزدک در تاریخ دینی که ادعای پیامبری آن را می کرد از زرتشت گرفته بود و با تغییراتی می خواست آن را به روز کند ولی چون در برابر دین بهی که دارای پایه های بسیار کهن بود قدرتی نداشت نتوانست گسترش یابد. ابن حزم تصریح میکند که خرم‌دینان پیرو بابک یک فرقه‌ی مزدکی بودند. اساس تعالیم مزدک بر آن بود که مردم باید هم در این دنیا و هم در دنیای دیگر به سعادت و شادمانی دست یابند؛ یعنی هم در این دنیا با کسب و کار و کشاورزی و صنعت برای خودشان بهشت بسازند، و هم با انجام کارهای نیکو و خودداری از کارهای بد رضایت خدا را حاصل کنند تا در آخرت به بهشت بروند. نیک در تعالیم مزدک عبارت بود از گفتار و کرداری که به خود یا دیگری منفعتی برساند و سعادت فرام آورده؛ و بد عبارت بود از گفتار یا کرداری که به خود یا دیگران آسیب و گزند وارد آورد یا سبب محرومیت شود. ابن‌الندیم در وصف یکی از ایرانیان مزدکی مقیم بغداد به نام خسرو ارزومگان که ویرا پیرو مذهبی شبیه مذهب

خرم‌دینان نامیده، مینویسد که به پیروانش دستور میداد بهترین لباسها بپوشند، و خودش نیز بهترین لباسها می‌پوشید و به آن افتخار میکرد. مرکز فعالیت بابک در آذربایجان بود ولی نهضتش در تمامی شهرهای ایران مشغول به فعالیت بود. جماعات بزرگی از عربها پس از یورش سپاه اسلام در شهرها و روستاهایش آذربایجان اقامت گرفته بودند. هدف او از میان بردن سلطه‌ی اربابان عرب بود که نزدیک به دو قرن مردم ایران را تاراج میکردند. قبایل عرب همراه با فتوحات عربی به درون آذربایجان و دیگر شهرهای ایران سرازیر شدند. بلاذری درباره‌ی سرازیر شدن عربها به آذربایجان در زمان عثمان و امام علی، مینویسد بسیاری از عشایر عرب از بصره و کوفه و شام به آذربایجان سرازیر شدند و هرگروهی برهرچه از زمین توانست دست یافت و مصادره کرد، و بعضی‌شان زمینهایی را از عجمها خریدند و روستاهائی نیز به این عشایر واگذار شد، و مردم این روستاها به مزارعین اینها تبدیل شدند. بابک به خون‌خواهی ابومسلم خراسانی در سال ۱۹۴ق قیامش را آغاز کرد. او علنا می‌گفت روح ابومسلم در وجودم حلول نموده و با این سخن از سراسر ایران مردان جنگاور و سلحشور به او پیوستند. حس انتقام از عربهای مهاجم تمام وجود بابک را گرفته بود و به همه می‌گفت ایران را دوباره باید احیا کنیم. بسیار از نادانان زاهد بر او خرده می‌گرفتند که خون را با خون نمی‌شورند و او فجایع عباسیان را یک به یک بر می‌شمرد. به قول ارد بزرگ: گذشت را می‌توان در مورد آدمها به کار گرفت اما باید دانست این درس از آن آدمهاست نه کشورها، سکوت در مقابل وحشی‌گری دشمن هیچگاه درست نیست. طبری مینویسد که مردم روستاهای نواحی اصفهان و همدان و ماهسپیدان و مهرگان کدک و جز اینها نیز به دین خرم‌دینان درآمدند. نخستین درگیری ناکام سپاهیان دولت عباسی و بابک در سال ۱۹۸ش گزارش شده و خبر از شکست سپاه عباسی می‌دهد. دومین درگیری ناکام سپاه عباسی و بابک در سال ۲۰۰ش بود که بخش اعظم سپاهیان عباسی را بابک در غرب ایران - نزدیکی‌های همدان - کشتار کرد. اعزام نیروهای عباسی به جنگ بابک در سراسر سالهای ۲۰۰-۲۰۶ش تکرار شد و هر بار از بابک شکست یافتند. در سال ۲۰۳ش در دو نبرد بزرگ، دوتن از فرماندهان برجسته‌ی دولت عباسی به قتل رسیدند؛ و یک فرمانده برجسته نیز شکست یافته فرار کرد. در سال ۲۰۶ش یک افسر برجسته‌ی عرب با ستمت والی آذربایجان اعزام شد و سپاه بزرگی در اختیارش نهاده شد تا به کار بابک پایان دهد. این مرد نزدیک به دوسال با بابک درگیر بود، و در خردادماه ۲۰۸خ در کنار روستای بهشتاباد کشته شد و بخش اعظم سپاهش قتل عام شدند خلیفه‌ی عباسی در اواسط تابستان ۲۱۲ش چندین لشکر به غرب ایران فرستاد، که به گزارش طبری شصت هزار تن از روستائیان ناحیه‌ی همدان را قتل عام کردند، ولی بابک توانست شکستهای سختی بر این نیروها وارد سازد و با تلفات و این متجاوزان را با شکست به بغداد برگرداند. به دنبال این شکستها، خلیفه تصمیم گرفت که امر مقابله با بابک را به یک افسر مانوی مذهب نومسلمان ایرانی معروف به افشین، از خاندان ساسانی واگذارد. افشین چندی پیش برای سرکوب شورشهای مصر اعزام شده بود و مأموریتش را به نحوی بسیار پسندیده انجام داده بود و هنوز در مصر بود. او را خلیفه فراخوانده به مقابله‌ی خرم‌دینان گسیل کرد. افشین در ناحیه‌ی همدان مستقر شد و در غرب و مرکز ایران از همدان و آذربایجان تا اصفهان و ری، با بزرگان روستاها مذاکراتی انجام داد و وعده‌های دروغین برای متفرق کردن آنها از کنار بابک به آنان داد که به ظاهر برآورنده‌ی خواسته‌های روستائیان بود.

افشین پس از آنکه اوضاع غرب ایران را در خلال یک‌سال و نیم با سیاست ضد ایرانی و در جهت حمایت از اعراب و تهدید و هدایای نقدی (که به دهخدایان میداد) آرام کرد، برای به دام افکندن بابک نقشه چید. کاروانی با محموله‌ی امداد مالی و غذایی از بغداد عازم اردبیل شد تا به دژی که محل استقرار سپاهیان خلیفه بود تحویل دهد. بابک بی‌خبر از دامی که افشین برایش چیده بود، تصمیم گرفت که راه را بر آن کاروان بریندد و محموله‌هایش را تصاحب کند. افشین شبانه بدون سروصدا و بدون نواختن کوس و کرانای (شیپور جنگی)، در نزدیکی‌های دژ موضع گرفت؛ زیرا یقین داشت که بابک برای تصرف دژ خواهد آمد. بابک ابتدا یک قرارگاه کوچک سپاهیان خلیفه بر سر راهش را مورد حمله قرار داد و افرادش را کشت، آنگاه به کنار دژ رفته به افرادش استراحت

داد که روز دیگر به دژ حمله کنند. در این هنگام افشین براو شیخون زد. گویا همه‌ی افرادی که همراه بابک بودند کشته شدند، ولی بابک جان سالم ماند (زمستان سال ۲۱۴ش). افشین پس از آن به برزند برگشت و آنجا اردو زد تا با ادامه دادن تماس با کلانتران روستاها کار پراکنده کردن بقایای هواداران روستائی بابک در ایران را دنبال کند. از اوایل سال ۲۱۵ش منطقه‌ی نفوذ بابک که سابقاً به همدان و اصفهان و ری میرسید، از حد مناطق کوهستانی هشتادسر در آذربایجان فراتر نمیرفت. افشین پس از برگزاری مراسم نوروز و سیزده به‌در برای حمله به بابک آماده شد. نخستین حمله‌ی او به هشتادسر با شکست مواجه شد. پس از آن در سراسر ماههای این سال چندین حمله به هشتادسر صورت گرفت که همه ناکام ماند. داستان این نبردها را طبری با استفاده از آرشیو گزارشهای کتبی به تفصیل دقیقی در حجم حدود ۳۰ صفحه ذکر کرده است که همه خبر از رشادتهای بیمانند بابک و یارانش میدهد. در بهار سال ۲۱۶ش سپاه امدادی خلیفه با سی میلیون درهم کمک مالی به برزند رسید؛ و افشین حملاتش به بابک را از سر گرفت. افشین ابتدا به کلانرود منتقل شده در آنجا اردو زد و برگرد خویش خندق کشید. به زودی یک لشکر بابک تحت فرمان آذین- برادر بابک- به سوی کلانرود حرکت کرد. نبرد سپاهیان افشین و بابک در یکی از دره‌های تنگ کوهستانی در گرفت، که تفصیل آن را طبری ذکر کرده ولی نتیجه‌ی آن را معلوم نمیدارد. از آنجا که این تفصیل از روی سند کتبی گزارش افشین نوشته شده، میتوان پنداشت که افشین این بار نیز با شکست مواجه شده ولی شکست خود را در نامه‌اش منعکس نکرده باشد. در این میان لشکرهای امدادی پیوسته از بغداد میرسید. افشین پیشروی آهسته در گذرگاههای کوهستانی به سوی قرارگاه بابک را ادامه داد. او بر هر کدام از گذرگاههای استراتژیک دست می‌یافت دژی بنا میکرد و پیرامونش را خندقی میکشید و لشکری در آن می‌گماشت تا تحرکات احتمالی روستائیان منطقه را زیر نظر بگیرد. بدین ترتیب افشین به قرارگاه بابک در منطقه‌ی بزد در کلیبر نزدیک شد. از این به بعد نام بخاراخدا از فئودالهای بزرگ ایرانی تبار سغد بعنوان یکی از فرماندهان برجسته‌ی سپاه افشین به میان می‌آید. استقرار افشین بر فراز یکی از بلندیهایی مشرف بر بزد در کنار رود رود ماهها بطول انجامید. بابک دسته‌جات مسلحش را به گذرگاههای کوهستانی میفرستاد تا دسته‌جات افشین را به دام افکنند، و خودش در قرارگاهش در برابر دیدگان افشین موضع گرفته بود و همه‌روزه جشن شادی برپا میکرد و افرادش نای و دهل میکوفتند و پایکوبی میکردند و سرود میخواندند و افشین خائن به ایران را به استهزاء میگرفتند. در یکی از روزها بابک مقادیری خیار و سبزیجات و هندوانه برای افشین هدیه فرستاد و به او پیام داد که می‌بینم شما جز کماچ و شوربا چیز دیگری برای خوردن ندارید؛ دلم برایتان میسوزد و امیدوارم این هدایا دلتان را نیز نسبت به ما نرم کند. افشین که میدانست هدف بابک از این کار برآورد نیروی او باشد سردسته‌ی این مأموران را با گروهی از افرادش فرستاد تا سه خندق بزرگ و دیگر خندقها را بازدید کند و خبرش را برای بابک ببرد، شاید بابک دست از مقاومت برداشته و تسلیم شود. در شهریورماه ۲۱۶ش و زمانی که روستائیان سرگرم کار در مزارع و باغستانها بودند، حمله‌ی افشین به شهر بزد (مرکز بابک) با سپاهی عظیم آغاز شد. چون افشین به نزدیکی بزد رسید و بابک فقط سرداران خود را در کنارش دید راهی به جز فریب افشین خائن ندید. به همین جهت شخصی به نزد او فرستاده پیام داد که چنانچه او تعهد بسپارد که به وی و مردانش آسیب نرسد، شهر را به او تسلیم خواهد کرد. افشین پاسخ مساعد داد و بابک شخصا از دژ بیرون آمد تا با افشین مذاکره کند. افشین نیز وقتی دانست که بابک در حال نزدیک شدن به او است به طرف او رفت. چون بابک و افشین در فاصله‌ی از هم قرار گرفتند که میتوانستند صدای یکدیگر را بشنوند، بابک به او گفت: حاضرم که تسلیم شوم ولی مهلت میخواهم که خود را آماده کنم. افشین گفت: چندبار به تو گفتم که بیا و تسلیم شو، ولی قبول نکردی. اکنون نیز دیر نیست، اگر امروز تسلیم شوی بهتر از فردا است. بابک گفت: من تصمیم خودم را گرفته‌ام و تسلیم میشوم؛ ولی باید تعهدنامه‌ی کتبی خلیفه را برایم بیاوری تا اطمینان یابم که چنانچه تسلیم شوم نه به خودم و نه به افرادم گزند نمی‌خواهد رسید. افشین به او قول داد که چنین خواهد کرد. ولی بابک که افشین را فردی خائن و ضد ایرانی می‌دانست افشین را فریب داده بود و در اندیشه پیروزی در جنگ بود. در همان لحظاتی که بابک با افشین در حال مذاکره بود و به

افسرانش پیام فرستاده بود که دست از نبرد بکشند تا به ظاهر با افشین به نتیجه برسد، تیپهای سپاه افشین وارد شهر بد شدند و آتش در شهر افکندند و شهر را ویران کردند. گروهی به فراز کاخ بابک رفتند تا پرچم اسلام برافرازند. گروههای بسیاری در کوچه‌ها در حرکت بودند و آتش به خانه‌ها می‌افکندند و شهرها را ویران کردند و خبر این جنایات بر بابک رسید و سریعاً محل مذاکره را ترک کرده به شهر برگشت شاید بتواند شهر را نجات دهد. ولی دیر شده بود. کشتار و تخریب و نفرت‌افکنی و آتش‌زنی تا پایان روز ادامه یافت، کلبه‌ی مدافعان شهر به قتل آمدند، و افراد خانواده‌ی بابک دستگیر شده به نزد افشین فرستاده شدند. در پایان روز که سپاه افشین به خندقشان برگشتند، بابک و مردانی که همراهش بودند به شهر وارد شدند و پس از دیدن ویرانیه‌ها از شهر رفته در دره‌ئی در کنار هشتادسر مخفی شدند. روز دیگر نیز به روال همانروز تخریب و آتش‌زنی از سر گرفته شد و این کار تا سه روز ادامه داشت تا شهر به کلی سوخت و اثری از آبادی برجا نماند.

افشین به همه‌ی کلانتران روستاهای اطراف، از جمله به دیرها و کلیساهای مسیحیان که در همسایگی آذربایجان در خاک ارمنستان بودند نامه نوشت که هر جا از بابک خبری به دست آورند به او اطلاع دهند و پاداش نیکو دریافت کنند. بابک با دوبرادرش و مادر و همسرش گل‌اندام راهی جنگلهای ارمنستان و آران شدند. کسانی به افشین خبر دادند که بابک و چندتن از یارانش در یک دره‌ی پردرخت و گیاه درمرز آذربایجان و ارمنستان مخفی است. افشین برگرداگرد آن دره دستجات مسلح مستقر کرد تا از هرراهی که بیرون آید دستگیرش کنند. او ضمناً امان‌نامه‌ی خلیفه را که میگفت در آن روزها رسیده به افراد بابک که اسیرش بودند نشان داد، و به یکی از برادران بابک و چندتنی از کسانش که اجباراً تسلیم شده بودند سپرد و گفت: من انتظار نداشتم که به این زودی نامه‌ی خلیفه برسد، و اکنون که رسیده است صلاح را در آن میدانم که برای بابک بفرستم. او از آنها خواست که نامه را برداشته برای بابک ببرند و راضیش کنند که بیاید و خود را تسلیم کند. آنها گفتند که محال است بابک تن به تسلیم دهد؛ زیرا کاری که نمی‌بایست اتفاق می‌افتاد اکنون اتفاق افتاده و جایی برای آشتی باقی نمانده است. افشین گفت: اگر این را برایش ببرید او شاد خواهد شد. سرانجام دوتن از یاران بابک حاضر شدند نامه را ببرند. پسر بابک نامه‌ئی همراه اینها خطاب به پدرش نوشته به او اطلاع داد که اینها با امان‌نامه‌ی خلیفه به نزدش آمده‌اند و او صلاح را در آن میداند که وی خود را تسلیم کند. چون فرستادگان به نزد بابک رسیدند بابک به آنها و به پسرش که نامه به وی نوشته بود دشنام داد و گفت اگر این جوان پسر من بود باید مردانه می‌مرد نه اینکه خودش را به دشمن تسلیم میکرد. به آن دونفر نیز گفت که شما اگر مرد بودید نباید اکنون زنده می‌بودید تا پیام دشمن را به من برسانید؛ زیرا مردن در مردی بهتر است از لذت‌زندگی چهل‌ساله در نامردی. سپس یکی از آنها را دردم کشت و دیگری را با همان امان‌نامه‌ی خلیفه باز فرستاد، و گفت به پسرم بگو که حیف از نام من که برتو است. اگر زنده بمانم میدانم با تو چه کنم. بعد از آن بابک در یکی از روزها با همراهانش از دره خارج شده به سوی ارمنستان به راه افتاد. افراد افشین که از بالا نگاهیانی میدادند آنها را دیده تعقیب کردند. بابک و همراهانش به چشمه‌ساری رسیدند و از اسب پیاده شدند تا استراحت و تجدید نیرو کنند و غذائی بخورند. افراد تعقیب‌کننده بر آن بودند که بابک را غافلگیر کنند، ولی هنوز به نزد بابک نرسیده بودند که بابک وجودشان را احساس کرده خود را بر روی اسب افکند و از جا درپرید. سواران تعقیبش کردند. زن و مادر و یک برادر بابک دستگیر شدند. بابک وارد خاک ارمنستان شد و چون خسته و گرسنه بود به یک مزرعه رفت که چیزی بخورد. سران آن روستا نیز مثل دیگر روستاها پیام افشین را دریافته بودند، و میدانستند که اگر بابک را تحویل دهند جاززه دریافت خواهند کرد. یکی از کشاورزان با دیدن بابک که رخت برازنده دربر داشت و سوار براسبی نیکو بود و شمشیری زرین حمایل کرده بود، گمان کرد که او شاید بابک باشد. لذا خبر به کشیش روستا برد. کشیش چند نفر را برداشته به سرعت خودش را به بابک رساند که در حال غذا خوردن بود. او به بابک تعظیم کرده دستش را بوسیده گفت: من از دوستداران توام، و از تو می‌خواهم که به مهمانی به خانه‌ام بیائی. در این روستا و اطراف آن همه‌ی کشیش‌ها دوستدار تو هستند و اگر با ما باشی آسیبی به تو نخواهد رسید. بابک که خسته و درمانده بود، فریب

احترامها و وعده‌های کشیش را خورد و همراه او وارد خانه‌اش شد. کشیش از همانجا شخصی را به نزد افشین فرستاد تا به وی اطلاع دهند که بابک درخانه‌ی او است. افشین یکی از افرادش را به نزد کشیش فرستاد تا بابک را شناسائی کند و نسبت به درستی پیام کشیش اطلاع یابد. کشیش به فرستاده‌ی بابک رخت طباخان پوشاند، و وقتی آن مرد سینی غذا را برای بابک و کشیش برد بابک از کشیش پرسید: این مرد کیست؟ کشیش گفت: ایرانی است و مدتی پیشتر مسیحی شده و به ما پیوسته در اینجا زندگی میکند. بابک با مرد حرف زد و پرسید اگر مسیحی شده چه ضرورتی داشته که اینجا باشد. مرد گفت: من از اینجا زن گرفته‌ام. بابک به شوخی گفت: از مردی پرسیدند از کجائی؟ گفت: از آنجا که زن گرفته‌ام. به‌رحال کشیش به افشین پیام داد که دودسته‌ی مسلح را به نقطه‌ی مشخصی بفرستد، و روزی را نیز مقرر کرد که بابک را به بهانه‌ی شکار به آنجا خواهد بُرد. این عمل برای آن بود که او نمیخواست بابک را در خانه‌اش تحویل مأموران افشین بدهد، زیرا از آن میترسید که بابک زنده بماند و دوباره جان بگیرد و از او انتقام بکشد. طبق قراری که در پیامش به افشین داده بود، کشیش یکروز به بابک گفت: چند روزی است که درخانه نشسته‌ای و میدانم که از این حالت دلگیر و خسته‌ای. اگر تمایل داری من زمینی دارم که آهوان بسیاری در آنجا یافت میشوند، و چندتا باز شکاری نیز دارم که گاه آنها را با خود به شکار می‌برم. بیا فردا به شکار برویم. بابک در خلال چند روزی که مهمان کشیش بود از او و اطرافیانش رفتارهای نیکویی دیده و کاملاً به او اعتماد یافته بود. افشین دودسته‌ی مسلح از افراد برجسته‌اش را همراه دو افسر از خاندان ایرانی سید به نامهای پوزپاره و دیوداد به محلی که کشیش تعیین کرده بود فرستاد تا کمین کنند و در لحظه‌ی مناسب بر سر بابک بتازند و دستگیرش کنند. بابک در روز مقرر همراه کشیش به شکار رفت ولی خودش شکار پوزپاره و دیوداد گردید. وقتی بازداشتش کردند و دستهایش را از پشت می‌بستند، رو به کشیش کرده به او دشنام داد و گفت: مردک! اگر پول میخواستی من میتوانستم بیش از آنچه اینها به تو خواهند داد بدهم. مطمئنم که مرا به بهای اندک فروخته‌ای. روزی که قرار بود بابک را وارد برزند (اقامتگاه افشین) کنند، افشین مردم شهر و بسیاری از مردم روستاهای دور و نزدیک را در میدان بزرگی در بیرون شهر در دوسو گرد آورد و میانشان فاصله‌ی کافی گذاشت تا بابک بگذرد و همه به او بنگرند و بدانند که کار بابک تمام است. ساعتی که بابک را در زنجیرهای گران از میان دوصف مردم میگذراندند، شیون زنان و کودکان بلند شد که برای رهبر محبوبشان میگریستند و بر سر وسینه میزدند. افشین با صدای بلند خطاب به زنهای شیون‌کننده گفت: مگر شما نبودید که میگفتید بابک را دوست ندارید؟ زنان با شیون جواب دادند: او امید ما بود و هرچه میکرد برای ما میکرد. برادر بابک نیز مثل بابک نزد یکی از کشیشان پنهان شده بود. ویرا نیز آن کشیش به مأموران افشین تحویل داد. موضوع بابک چنان برای خلیفه بااهمیت بود که وقتی خبر دستگیریش را شنید جایزه‌ی بزرگی برای افشین فرستاد و به او نوشت که هرچه زودتر ویرا به پایتخت ببرد. فرستادگان خلیفه همه‌روزه به آذربایجان اعزام میشدند تا با افشین در تماس دائم باشد و او بداند که چه وقت و چه ساعتی افشین و بابک به پایتخت خواهند رسید؛ و برفراز تمام بلندیهای سرراه و در کنار جاده دیدبان گماشت تا هرگاه افشین را ببیند به یکدیگر جار بزنند و همچنان این جارها تکرار شود تا به خلیفه برسد. او همه‌روزه هیئتی را همراه با هدایا و اسب و خلعت به نزد افشین میفرستاد تا قدردانی از خدمت افشین را به بهترین وجهی نشان داده باشد. افشین در دیماه ۲۱۶ش با شوکت و شکوه بسیار زیادی وارد پایتخت خلیفه گردیده به کاخی رفت که به خودش تعلق داشت و بابک را نیز در آن کاخ زندانی کرد. چون هوا تاریک شد و مردم به خواب رفتند، خلیفه به یکی از محرمانش مأموریت داد تا بطور ناشناس به نزد بابک برود و او را ببیند و بیاید او صافش را به او بگوید. آن مرد چنان کرد، و افشین وی را بعنوان مأمور حامل آب به اطاقی برد که بابک در آن زندانی بود. خلیفه وقتی او صاف بابک را از این محرم شنید، برای اینکه بابک را ببیند و بداند این مرد چه عظمتی است که ۲۲ سال مبارزات مداوم و خستگی‌ناپذیرش پایه‌های دولت اسلامی را به لرزه افکنده است، نیم‌شبان برخاسته رخت ساده برتن کرد و وارد خانه‌ی افشین شده بطور ناشناس وارد اطاق بابک شد و بدون آنکه حرفی بزند یا خودش را معرفی کند، دقایقی در برابر بابک بر زمین نشست و چراغ

در برابر چهره‌اش گرفته به او نگریست .

بامداد روز دیگر خلیفه با بزرگان دربارش مشورت کرد که چگونه بابک را در شهر بگرداند و به مردم نشان بدهد تا همه بتوانند ویرا ببینند. بنا بر نظر یکی از درباریان قرار بر آن شد که ویرا سوار بر پیلی کرده در شهر بگردانند. پیل را با حنا رنگ کردند و نقش و نگار بر آن زدند؛ و بابک را در رختی زنانه و بسیار زننده و تحقیرکننده بر آن نشانند و در شهر به گردش در آوردند. پس از آن مراسم اعدام بابک با سروصدای بسیار زیاد با حضور شخص خلیفه برفراز سکوی مخصوصی که برای این کار در بیرون شهر تهیه شده بود، برگزار شد. برای آنکه همه‌ی مردم بشنوند که اکنون دژخیم به بابک نزدیک میشود و دقایقی دیگر بابک اعدام خواهد شد، چندین جارچی در اطراف و اکناف با صدای بلند بانگ میزدند نود نود این اسم دژخیم بود و همه او را میشناختند.

ابن الجوزی مینویسد که وقتی بابک را برای اعدام بردند خلیفه در کنارش نشست و به او گفت: تو که اینهمه استواری نشان میدادی اکنون خواهیم دید که طاقت در برابر مرگ چند است! بابک گفت: خواهید دید. چون یک دست بابک را به شمشیر زدند، بابک با خونی که از بازویش فوران میکرد صورتش را رنگین کرد. خلیفه از او پرسید: چرا چنین کردی؟ بابک گفت: وقتی دستهایم را قطع کنند خونهای بدنم خارج میشود و چهره‌ام زرد میشود، و تو خواهی پنداشت که رنگ رویم از ترس مرگ زرد شده است. چهره‌ام را خونین کردم تا زردیش دیده نشود. به این ترتیب دستها و پاهای بابک را بردند. چون بابک بر زمین در غلتید، خلیفه دستور داد شکمش را بدرد. پس از ساعاتی که این حالت بر بابک گذشت، دستور داد سرش را از تن جدا کند. پس از آن چوبه‌ی داری در میدان شهر سامرا افراشتند و لاشه‌ی بابک را بردار زدند، و سرش را خلیفه به خراسان فرستاد. آخرین گفتار بابک (به نوشته کتاب حماسه بابک اثر نادعلی همدانی): تو این معتصم خیال مکن که با کشتن من فریاد استقلال طلبی ایرانیان را خاموش خواهی کرد. نه! این حماقت است اگر فکر کنی چون افشین وطن فروش را با زر خریده‌ای میتوانی ایرانیان را اسیر کنی. من مبارزه‌ای را آغاز کرده‌ام که ادامه خواهد داشت. من لرزه‌ای بر ارکان حکومت عرب انداخته‌ام که دیر یا زود آن را سرنگون خواهد نمود. تو اکنون که مرا تکه تکه میکنی هزاران بابک در شمال و شرق و غرب ایران ظهور خواهد کرد و قدرت پوشالی شما پاسداران جهل و ستم را از میان بر خواهد داشت! این را بدان که ایرانی هرگز زیر بار زور و ستم نخواهد رفت و سلطه بیگانگان را تحمل نخواهد کرد. من درسی به جوانان ایران داده‌ام که هرگز آنرا فراموش نخواهند کرد. من مردانگی و درس مبارزه را به جوانان ایران آموختم و هم اکنون که جلاد تو شمشیرش را برای بریدن دست و پاهای من تیز میکند صدها ایرانی با خون بجوش آمده آماده طغیان هستند. مازیار هنوز مبارزه میکند و صدها بابک و مازیار دیگر آماده‌اند تا مردانه برخیزند و میهن گرامی را از دست متجاوزان و یوغ اعراب بدوی و مردم فریب برهاند. اما تو ای افشین... در انتظار روزی باش که همین معتصمی را که امروز مانند سگانی در برابرش زانو میزنی و وطن ات را برای او فروختی در همین تالار و روی همین سفره سرت را از بدن جدا کند.

مردی که به مادر خود (میهن) خیانت کند در نزد دیگران قریبی نخواهد داشت و هیچکس به فرد خود فروخته اعتماد نخواهد کرد. و بدینسان نخست دست چپ بابک بریده شد و سپس دست راست او و بعد پاهایش و در نهایت دو خنجر در میان دنده‌هایش فرو رفت و آخرین سخنی که بابک با فریادی بلند بر زبان آورد این بود: "پاینده ایران"

روز اعدام بابک خرم‌دین و تکه تکه کردن بدنش در تاریخ ۲ صفر سال ۲۲۳ هجری قمری انجام گرفت که مسعودی در کتاب مشهور مروج الذهب این تاریخ را برای ایرانیان بسیار مهم دانسته است. اعدام بابک چنان واقعه‌ی مهمی تلقی شد که محل اعدامش تا چند قرن دیگر بنام خشبه‌ی بابک یعنی چوبه‌ی دار بابک در شهر سامرا که در زمان اعدام بابک پایتخت دولت عباسی بود شهرت همگانی داشت و یکی از نقاط مهم و دیدنی شهر تلقی میشد. برادر بابک یعنی آذین را نیز خلیفه به بغداد فرستاد و به نایبش در بغداد دستور نوشت که او را مثل بابک اعدام کند. طبری مینویسد که وقتی دژخیم دستها و پاهای برادر بابک را می‌برید، او نه واکنشی از خودش بروز میداد و نه فریادی برمی‌آورد. جسد این مرد را نیز در بغداد بردار کردند. بدین ترتیب کار بابک پس

از ۲۲ سال پیروزی پی‌درپی و وارد آوردن شش شکست بزرگ بر شش تا از بهترین فرماندهان ارتش عباسی، و پس از امیدهای فراوانی که روستائیان ایران به او بسته بودند، با توطئه‌ی نماینده‌ی عیسا مسیح و یک شاهزاده خائن به پایان رسید. تاریخ بدانند که مدعیان تولیت دین در هردین و مذهبی دشمن توده‌های تحت ستم و همدست زورمنداند، و این امر منحصر به متولیان یک دین خاص نیست، بلکه کشیشان مسیحی نیز با همه‌ی مدعاهائی که ارائه میکنند. امروزه ایرانیان آزاده از ۱۰ تا ۱۳ تیر ماه هر سال بر قلعه سر به فلک کشیده این سردار بزرگ گرد هم می‌آیند و مراسم زادروزش را گرامی می‌دارند. مردم ایران از شهرهای مختلف راهی کلیر در شمال اهر می‌شوند. متأسفانه عده‌ای از ضد ایرانیان متحجر و وطن فروش نیز از این گردهم آیی ملی سو استفاده میکنند و با برافراشتن پرچمهای ترکیه و جمهوری آران (آذربایجان) سعی به انحراف کشیدن این یابود میکنند. این افراد که به پان ترکیسم مشهور هستند باقی مانده سید جعفر پیشه وری گجستک هستند که با امکانات روسهای متجاوز سعی در متلاشی کردن ایران داشت. به همین منظور همه ساله سپاه پاسداران دورادور کل این مراسم را تحت کنترل خود دارند

خرمشاهی، بهاءالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

بهاءالدین خرمشاهی، متولد ۱۳۲۴، قزوین

- انصراف از رشته پزشکی دانشگاه ملی (شهید بهشتی) ۱۳۴۲

- اخذ مدرک لیسانس ادبیات از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ۱۳۴۷

- دکترای کنابداری از دانشگاه تهران

- نویسنده بیش از ۵۰ کتاب و هزار مقاله

- سردبیر نشریه فرهنگ از ۱۳۶۶ الی ۱۳۷۰

- تألیف بیش از ۱۲ جلد کتاب درباره حافظ و حافظ شناسی

- ترجمه قرآن کریم با ۴ هزار یادداشت در ذیل صفحات و واژه نامه ای با ۱۲ هزار لغت

- تألیف فرهنگ شش جلدی انگلیسی - فارسی «واژه پژوهی»

- برخی از تألیفات او عبارتند از: هنری میلر (ترجمه)، شیطان در بهشت (ترجمه)، علم در تاریخ (ترجمه)، هابیل و چند داستان دیگر

(ترجمه)، عرفان و فلسفه (ترجمه)، علم و دین (ترجمه)، تاریخ فلسفه (ترجمه)، کتبی ای بر باد، پوزیتیویسم منطقی، ذهن و زبان

حافظ، فرهنگ موضوعی قرآن مجید، حافظ نامه، چهارده روایت، سیربی سلوک، دایره المعارف تشیع.

تعبیری را درباره بهاءالدین خرمشاهی بپذیریم که می گوید: «خرمشاهی در میان نسلی که در سالهای دهه بیست متولد شدند، در

سالهای دهه چهل به دانشگاه رفتند و در دهه پنجاه به کار تألیف و تحقیق و ترجمه پرداختند، بی شک بی نظیرترین و برجسته ترین

چهره شناخته شده است. کارنامه پر بار و پربرگ او شگفت انگیز است. بیش از ۵۰ کتاب و هزار مقاله زاییده پویش و پژوهش بی

وقفه و عاشقانه اوست. آن هم در زمانه ای که کار تحقیق و تألیف با ناکامی و نابسامانی بسیار همراه است. استادان دانشگاه جز به

تدریس نمی پردازند و کمتر فرصت تحقیق و پژوهش دارند. محققان و نویسندگان ما هم آنچنان درگیر گرفتاریهای پیچیده مادی

و گذران معاشند که امکان پژوهش ندارند. در این زمانه عسرت اگر هم نویسنده ای به پرکاری و کثرت آثار شهره شده، کارش را

نازل و قدرش را ناچیز می دانند و شعار «کوچک زیباست» را سر می دهند...» بسیاری نویسندگانی که دقت و سرعت را در هم

آمیخته اند و هم کمیت و هم کیفیت کارشان درخشان است. خرمشاهی در زمره همین نویسندگان است. آثارش گسترده سرشار از تنوع است، نکته یاب و باریک بین است، کوشا و کوشنده و جستجوگر است. لطف بیان دارد و زبانش جذاب و شیرین و دلنشین است. پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی است، شاعر و مترجم و مصحح و منتقد و ویراستار و دایره‌المعارف نویس است. و هر چند یکبار خود را «مؤلف و مترجمی پراکنده کار» نامیده، اما متفنن نیست. بی شک در دو حوزه تخصصی قرآن پژوهی و حافظ پژوهی کم نظیر است. بهاء‌الدین خرمشاهی متولد فروردین ۱۳۲۴ قزوین است و در آستانه ۶۰ سالگی می گوید: «من به چند روایت و اختلاف در روز دوازدهم فروردین ۱۳۲۴ دیده به جهان گشودم. سالهای ابتدایی عمر و تحصیل را در دبستان رزبان و دو دبیرستان دیگر سپری کردم. رشته طبیعی خواندم. ولی همه عشقم به ادبیات فارسی و علوم قرآنی و علوم اسلامی معطوف بوده و هست.» پدرش اولین معلم علم و ادب و شیوه زندگانی اوست. و اگر عربیتی آموخته باشد از فضل پدر بوده است. از نویسندگان و قرآن پژوهان معاصر و از ویراستاران دایره‌المعارف حاضر. تفسیر مورد بحث در یک مجلد به قطع بزرگ رحلی و شیوه ادبی دایره‌المعارفی شامل تمام قرآن کریم است مؤلف پس از درج هر یک صفحه از مصحف شریف، در ستون مقابل ترجمه فارسی آن را آورده سپس کلمات مشکله و متشابه و غریب هر آیه و مفاهیم کلیدی و مسائل و عبارات دشوار را ذیل آن توضیح می دهد. این ترجمه همراه با تفسیر از سوی مؤسسات انتشاراتی نیلوفر و جامی به طبع رسیده و نزدیک به انتشار است. در پایان این تفسیر واژه نامه قرآنی - فارسی و چند مقاله در زمینه تاریخ قرآن و عدم تحریف آن و مسائل دیگر قرآن پژوهی درج گردیده است. مؤلف از جمله محققین شیعه است که چهار اثر در زمینه قرآن پژوهی و تفسیر نگاشته است که سه دیگر آن عبارتند از: (۱) فرهنگ موضوعی قرآن مجید در یک مجلد به زبان عربی و فارسی با همکاری استاد محقق توانا آقای کامران فانی این اثر شامل تدوین کلمات قرآن بر اساس موضوعی است. شیوه ساده مؤلفان در تنظیم کلمات و لغات قرآن، به ترتیب حرف اول کلمه بر اساس ابجدی یا دقیقتر بگوئیم ابثی است - و نه بر رسم فرهنگهای کهن عربی که از روی ماده اصلی کلمات تنظیم یافته است. لذا مبتدیان و علماء و محققین یک سان بدون زحمت، خواسته خویش را در اندک زمان به دست می آورند. این اثر نزدیک به هشت هزار مدخل از موضوعات قرآنی را با ذکر نام سوره و شماره آیه در برابر آنها دربردارد. طبع اول این اثر در ۱۳۶۴ ش از سوی نشر فرهنگ معاصر (تهران)، و طبع دوم آن در ۱۳۶۹ ش از سوی انتشارات الهدی صورت گرفته است. (۲) قرآن پژوهی: در یک مجلد به زبان فارسی، شامل هفتاد بحث و تحقیق قرآنی است که توسط نشر مشرق در تهران در ۱۳۷۲ ش طبع گردیده است. (۳) تفسیر و تفاسیر جدید در یک مجلد به زبان فارسی (تهران، کیهان، ۱۳۶۴ ش) این اثر توسط عصام حسن به عربی ترجمه گردیده و در بیروت توسط انتشارات دارالروضه طبع و نشر گردیده است (۱۴۱۱/۱۹۹۱ ق). درباره پدرش می گوید: «اولین معلم قرآنی و عربی من پدرم بود. گاهی در ایام تحصیل در دانشگاه بین من و پدرم نامه های عربی رد و بدل می شد که ایشان از این کار بسیار به وجد می آمدند. هر چند که عربی هر دوی ما عجمی بود.» خرمشاهی در سال ۱۳۴۲ ایام دبیرستان را به پایان می رساند و با شرکت در اولین دوره کنکور رد می شود. چرا؟ می گوید: «من می بایست امتحان ادبی می دادم در حالی که دانش آموز رشته طبیعی بودم. اما با خواندن کتابهای ادبی در سال بعد موفق شدم در دانشگاه تهران و دانشگاه شیراز، در رشته ادبیات فارسی قبول شوم. در ضمن در حد فاصل ردی اول و قبولی دوم یک سال فاصله زمانی وجود داشت که من در همان خلال به دانشگاه ملی (آن روزگار) که در همان سال تأسیس شده بود رفتم (۱۳۴۲). وجه تسمیه ملی برای این دانشگاه بیشتر به علت پرداخت شهریه اش بود. لاجرم پدرم از یکی از نزدیکان وام گرفت تا من بتوانم وارد دانشکده پزشکی شوم و شهریه سنگین ۵ هزار تومانی اش را پرداخت نمایم. اما این رشته دانشگاهی برای من چندان دوامی نداشت چرا که من دلی درگیر ادبیات و سری در سودای عربیت داشتم و لاجرم از رشته پزشکی انصراف داده و سال بعد با قبولی در کنکور وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شدم.» او در دانشگاه تهران، نزد اساتیدی چون دکتر پرویز ناتل خانلری، دکتر ذبیح الله صففا، دکتر فره وشی، استاد پورداوود، استاد عبدالحمید بدیع الزمانی کردستانی، دکتر

سید صادق گوهرین، دکتر مهدی محقق، دکتر سید جعفر شهیدی و... تلمذ می‌کند. با این همه خودش دکتر عبدالحمید بدیع الزمانی را دومین معلم قرآنی خود می‌داند و می‌گوید: «هر هفته در محضر و کلاس او سؤالاتی که در حین قرائت قرآن برایم موضوعیت می‌یافت مطرح می‌کردم.» بهاء‌الدین خرمشاهی در سال ۱۳۴۷ از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران فارغ التحصیل می‌شود و پس از گرفتن لیسانس ادبیات، رشته کتابداری را انتخاب می‌کند و پس از آن به انجمن حکمت و فلسفه می‌رود. از مهمترین علائق زندگی بهاء‌الدین خرمشاهی قرآن است و قرآن پژوهی. درباره اش می‌گوید «اصلاً بدین صورت نیست که هر کسی تحصیل کرده باشد بتواند قرآن را بفهمد و گاهی حتی از عهده روخوانی قرآن نیز بر نمی‌آیند تا چه رسد به فهم عبارات و تفسیر قرآن، که در حقیقت این روند روخوانی و فهم عبارات و تفسیر مستلزم یک عمر جهد و ممارست و عشق و علاقه است که عمری پنجاه ساله می‌طلبد تا شخص از عهده آن برآید. بنده شاید به تقریب حدود چهل سال از عمرم را صرف این کار کرده‌ام و فعالیت‌های مستمری در حوزه قرآن پژوهی و حافظ پژوهی نمودم و با یک نگاه اجمالی در می‌یابم که حتی همین مدت طولانی نیز هنوز چندان کافی نیست و عمر بیشتری می‌طلبد تا به فهم دقایق و رموزات قرآن و حافظ، توأمان، پی ببریم. و با آن که ده کتاب قرآنی و پانصد مقاله قرآن پژوهانه نوشته‌ام هنوز فکر می‌کنم که از آن آب و گل اولیه بیرون نیامده‌ام. از خداوند بزرگ مسألت دارم تا ما قرآن را مهجور نگیریم. چرا که مهجور گرفتن قرآن چنین نیست که ما قرآن را نخوانیم یا که کم بخوانیم، بلکه مهجوریت قرآن زمانی آغاز می‌شود که به مفاد قرآن توجه نکنیم و در آن تدبر ننماییم.»

برخی از تألیفات او عبارتند از: هنری میلر (ترجمه)، شیطان در بهشت (ترجمه)، علم در تاریخ (ترجمه)، هاییل و چند داستان دیگر (ترجمه)، عرفان و فلسفه (ترجمه)، علم و دین (ترجمه)، تاریخ فلسفه (ترجمه)، کتیبه ای بر باد، پوزیتیویسم منطقی، ذهن و زبان حافظ، فرهنگ موضوعی قرآن مجید، حافظ نامه، چهارده روایت، سیربی سلوک، دایره المعارف تشیع.

خرمشاهی، جواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم علوم دینی، محقق.

تولد: ۱۲۸۴، کرمانشاه.

درگذشت: ۱ مرداد ۱۳۷۵، کرمانشاه.

آیت‌الله سید جواد خرمشاهی تحصیلات علوم دینی و فقهی خود را نزد آیات عظام بروجردی، گلپایگانی و مرعشی نجفی به پایان برد. وی مدت شصت سال از عمر خود را به ترویج دین اسلام سپری نمود.

از آیت‌الله خرمشاهی کتابهای یک صد گفتار در حقانیت آل محمد (ص)، مفاتیح القرآن (در شش جلد) و فرهنگ قرآن (به چهار زبان عربی، انگلیسی، ترکی و فارسی به جا مانده است).

آیت‌الله خرمشاهی در سن نود و پنج سالگی در کرمانشاه دار فانی را وداع گفت.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

خرزاز قمی، علی بن محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

یکی از دانشوران فرزانه و محدثان و فقیهان قم، علی بن محمد خزّاز قمی است. این دانشمند نامدار، در حدود نیمه دوم سده چهارم و اوائل سده پنجم هجری می‌زیست. به هنگام تولّد، نامش را علی نهادند. تاریخ دقیق طلوع این ستاره تابناک شیعه، در حاله‌ای از ابهام قرار دارد. اما با نظر به دوران حیات استادان وی، همانند شیخ صدوق متوفای ۳۸۱ قمری، و ابن عیّاش جوهری متوفی ۴۰۱ قمری و ابوالفضل شیبانی متوفای ۳۸۷ قمری، می‌توان گفت که این محدث فرزانه، تقریباً در نیمه دوم سده چهارم هجری قمری پا به عرصه وجود نهاده است. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: یکی از محکمترین باورهای شیعه، در مبحث امامت و رهبری معصومین، بعد از رحلت رسول اکرم (ص) این اندیشه ژرف است که از جانب رسول اکرم (ص)، حضرت امیرالمؤمنین (ع) و یازده فرزند او، به عنوان رهبران و امامان ائمت تعیین شدند. پیامبر اکرم (ص) در مکه و مدینه، به دستور خداوند متعال، بارها و بارها مسئله جانشینی علی و فرزندان او را با ائمت مطرح فرمود، به ویژه در حادثه شکوهمند غدیرخم، که رسماً در حضور جمعیت انبوهی علی را به عنوان خلیفه و امام بعد از خود به مردم معرفی کرد؛ ولی با کمال تأسف این توصیه‌ها و دستورات رسول اکرم، نه تنها مقبول کوردلان ریاست طلب و تشنگان قدرت قرار نگرفت، بلکه آنها به خاندان علی (ع) نیز پشت کردند و زمام خلافت را به نا اهلان سپردند. با گذشت زمان آن دلائل روشنی را که شیعه بر حقانیت رهبری حضرت علی (ع) مطرح می‌کرد، مورد بی مهری قرار دادند. یکی از گروه‌های اهل سنت بنام معتزله ضمن اینکه به ظاهر بر این باور است که: حضرت علی (ع) از تمام صحابه پیامبر (ص) با فضیلت‌تر است، فضل هیچ یک از آنها به پایه شأن و منزلت حضرت علی (ع) نمی‌رسد؛ اما دلائل و نصوصی که از رسول‌الله (ص) بر خلافت علی (ع) نقل شده بود را نیز پذیرفت و آنها را تفسیر و توجیه کرد که معنای این نصوص این نیست که خلافت و امامت جامعه اسلامی بعد از رسول اکرم (ص) مختص علی (ع) و حق مسلم اوست؛ بلکه به این معنا است که علی بن ابی‌طالب از دیگران برای بر عهده گرفتن رهبری جامعه، شایسته‌تر است. اینان با طرح مسئله «افضل و مفضل» گفتند: آری ما هم قبول داریم علی (ع) افضل و بهتر از تمام صحابی است؛ ولی برای مصحلتی غیر افضل - ابوبکر - رهبری را به دست گرفت. طرح این مسائل از یک سو و از سوی دیگر چون حکومت‌ها در دست مخالفین شیعه بود، و آنان تبلیغات گسترده‌ای را علیه باورهای شیعه راه انداخته بودند. های و هوی تبلیغات آنها به حدی شد که جمعی از معتقدان به امامت را که اطلاع درستی از تاریخ اسلام نداشتند، دچار لغزش کرد. در این موقعیت خزّاز قمی به عنوان یک عالم روشن ضمیر، متعهد و پاسدار مرز عقاید شیعه، دست به سلاح قلم زد و با تألیف کفایه الاثر از باورهای شیعه به دفاع برخاست او در این کتاب به نقل از جمع زیادی از صحابه رسول‌الله، حقانیت حضرت علی و امامان بعد از او را به زیبایی اثبات کرد، و راه را بر توجیه و تفسیرهای خود خواهانه ارباب اعتزال فرو بست. او با این کتاب جلو انحرافات و شبهات مخالفین را سد کرد. استادان و مربیان: علی بن محمّد خزّاز قمی، توفیق زیستن در روزگاری را داشت که در جای جای جهان اسلام، دانشوران برجسته‌ای را در دامن خود پرورده بود، و پایه‌های دین به وجود آنان ثابت و استقرار می‌یافت. عطش حکمت و دانش، دل و جان این بزرگوار را گداخته بود، و او برای این که جان خویش را از جام آن زلال معرفت سیراب کند، در نزد استادان برجسته حدیث و فقه حاضر شد و از خرمن انبوه دانش آنان توشه‌ها برگرفت. آن طور که از بررسی اثر گرانسنگ او به دست می‌آید، وی از استادان زیادی کسب فیض کرده است. در اینجا به شاخص‌ترین و برجسته‌ترین اساتید ایشان اشاره می‌کنیم. ۱ - مشهورترین استادش، محمّد بن علی بن بابویه قمی، ۲ - محمّد بن عبداللّه، معروف به ابوالفضل شیبانی، ۳ - احمد بن محمد بن حسن جوهری، مشهور به «ابن عیّاش»، ۴ - محمد بن وهبان بصری، ۵ - حسین بن محمد بن سعید خزّاعی، ۶ - علی بن حسین بن مندهزمان و علت فوت: علی بن محمّد خزّاز قمی بعد از تلاش مستمر، در راه استوار ساختن باورهای عمیق ولایتی خویش، و به جای نهادن میراث مکتوبی ارزشمند، در نهایت جان به پیک

جان آفرین پاک تسلیم کرد و به دیار اولیاء دین بال در کشید. سال رحلت این شخصیت سترگ، اطلاع دقیقی در دست نیست. شاید بتوان حدس زد که این بزرگوار در نیمه اول سده پنجم هجری قمری چشم از جهان فرو بسته باشد، مبنای این سخن این است که استاد او، ابن عیاش جوهری در سال ۴۰۱ قمری از دنیا رفت. و نیز علامه تهرانی در اثر ارزشمند خویش، خزّاز قمی را از بزرگان سده پنجم قمری بشمار آورده است، به لحاظ اینکه وی بیشتر حیات علمی خود را در این سده سپری کرد. او در شهر ری وفات یافت و شاید هم در همین شهر سر بر بالین خاک نهاده باشد. شاگردان: با این که علی بن محمد خزّاز قمی از نخبگان عالمان شیعه است، و طبعاً باید گروه زیادی از سرچشمه دانش او بهره برده باشند؛ ولی در کتاب‌های تراجم تنها به نام اندکی از شاگردان حدیثی وی اشاره شده است: ابوالبرکات علی بن حسین جوزی؛ محمد بن حسین بن سعید قمی که در شهر بغداد می‌زیست؛ و محمد بن ابی الحسن بن عبدالصمد القمی. آثار: ۱. الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیة ویزگی اثر: در مسائل فقهی. گویا این کتاب نیز همانند الايضاح - همچون بسیاری از کتاب‌های دیگری که عالمان شیعه تألیف کردند - در کشاکش مبارزات سیاسی علیه مذهب اهل بیت (ع) از بین رفته است و اثری از آنها در دست نیست. ۲. الايضاح فی اصول الدی ویزگی اثر: البته امروزه ما، از سرنوشت این کتاب اطلاعی در دست نداریم. در دانش استدلالی حکام ۳ کفایة الاثر فی النص علی ائمة الاثنی عشر ویزگی اثر: کتاب کفایة الاثر از او، کتابی است که مانند آن در زمینه امامت تألیف نشده، و این اثر بهترین نشانه برفضل و کمال و وثاقت و دیانت مؤلف اوست. این اثر از بهترین و مهمترین تألیفات خزّاز قمی است، کتابی که به مدرک و مأخذ عمده دو کتاب معروف شیعه تبدیل شده است: بحار الانوار و وسائل الشیعه. (۲۹) پیش از این سخن علامه مجلسی را در این باره آوردیم که: «همانند این کتاب در زمینه امامت تا کنون تألیف نشده است.» (۳۰) وی در این کتاب تلاش می‌کند تا با دلایل روشن و غیر قابل انکار حقانیت امامت امامان شیعه از بعد از رحلت رسول اکرم (ص) را اثبات کند و البته در این هدف والای خویش نیز نردبان توفیق را تا اوج پیموده است. او در مطلع کتابش، راز و رمز این تلاش مقدس را چنین می‌نگارد: آنچه انگیزه شد تا من در جهت نوشتن این کتاب گام بردارم، این بود که مشاهده کردم گروهی از عوام بلکه خواص شیعه، در مسئله نصّ و دلیل قطعی بر امامت امامان معصوم، دچار نوعی تحیرند و شبهه افکنی‌های گروه معتزله از اهل سنت، آنها را سردرگم کرده است و کار به جایی رسیده که بعضی از علاقه‌مندان به خاندان پیامبر اکرم (ص) می‌گویند از صحابه پیامبر، و حتی از خود امامان (ع) نیز دلیلی بر این باور شیعه نداریم. چون چنین انحراف و کتمان حقیقت را دیدیم، دامن همت به کمر بستیم تا حقایق را روشن و شک و شبهه مخالفین را بر طرف کنم. این اقدام را فقط برای خشنودی پروردگار عالم و تقوّب به رسول‌الله (ص) و امامان (ع) انجام دادم. در مبحث مهم رهبری معصوم (ع) در جامعه دینی.

منابع زندگینامه: سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما ۱k - www.hawzah.net

خزانه، محمود

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، موسیقیدان و خواننده. معروف به غنه. وی برادر شیخ مرتضی خزانه و از اهالی تهران بود که در علم موسیقی و خوانندگی از استادان درجه اول زمان خود محسوب می‌شد. شیخ محمود به دستگاههای موسیقی احاطه‌ی کامل داشت و خواننده‌ای مقتدر بود. اوج را به حد اعلی می‌خواند و پست را با تحریرهایی که به اصطلاح از توی دماغ می‌داد به خوبی ادا می‌کرد

و از این جهت به شیخ محمود غنه معروف شده بود. وی بیش از هفتاد سال عمر کرد و در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه یا مظفرالدین شاه درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ موسیقی (۶۶۱-۶۶۰/۲)، سرگذشت موسیقی (۳۷۲-۳۷۱/۱).

خزائلی، محمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد علی خزائلی

محل تولد: نجف آباد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حاج شیخ محمد علی خزائلی فرزند عبد الله در ۲۶ دی ماه ۱۳۳۴ هجری شمسی در خانواده ای زحمتکش و کشاورز و مذهبی وابسته به روحانیت در شهرستان شهید پرور و مهد علم و ایشار، نجف آباد چشم به جهان گشود و در دامن مادری پاکدامن و علاقمند به روحانیت و عاشق و دلباخته اهل بیت (ع) بنام حاجیه معصومه مصطفایی، تربیت و پرورش یافت و از آغاز نوجوانی علاقه وافری به روحانیت اصیل و متعهد و مراکز دین و مساجد و حوزه های علمیه داشت و در ضمن فراگیری علوم جدید، در کار کشاورزی همراه با پدر بزرگوارش شرکت داشت. پس از اتمام دوره راهنمایی (سال ۱۳۴۹) در سن شانزده سالگی، تشنگی و شوق زاید الوصف به معارف دینی و نامساعد بودن اوضاع اجتماعی آن زمان و کافی نبودن محیط مدارس دولتی برای تامین خواسته های معنوی و روحانی، ایشان را به حوزه مقدسه علمیه کشاند و با شوق و اشتیاق شروع به تحصیل علوم دین کرد و دروس اخلاق، عقاید، صرف، نحو، ادبیات، منطق، معالم الاصول و معانی و بیان را در محضر اساتید بزرگوارى نظیر: مرحوم آیت الله حاج شیخ عباس ایزدی (پدر خانم خود) امام جمعه فقید نجف آباد اصفهان، حاج دایی خود حجه الاسلام و المسلمین حاج شیخ ابوطالب مصطفایی، مرحوم سید محمد باقر حسنی، حاج سید حسین اسماعیلیان و حاج شیخ محمود واحد فرا گرفت، و برای ادامه تحصیلات دینی و بهره گیری از اساتید بلند مرتبه در علوم بلند پایه در سال ۱۳۵۵ راهی حوزه علمیه قم شد و دوره سطح را خدمت اساتید گرانقدر، آیات: فاضل هرنندی، ستوده، سید علی محقق داماد و سید حسن طاهری خرم آبادی فرا گرفت و همراه دروس حوزوی تحصیلات متوسطه را به انجام رسانید و موفق به اخذ دیپلم گردید. پس از گذراندن سطح عالی علوم حوزوی شروع به فراگیری خارج فقه و اصول نمود و فلسفه، اخلاق، عرفان (کتاب های منظومه، منطق و حکمت، اسفار، فصوص الحکم و مصباح الانس، علم هیئت) را از محضر حضرات آیات: مرحوم ایزدی، انصاری شیرازی، گرامی، جوادی آملی، محمدی گیلانی و حسن زاده آملی به طور کامل در سالیان متمادی فرا گرفت و علم رجال و درایه را خدمت اساتید بزرگوار، آیات: آقا موسی شبیری زنجانی، جعفر سبحانی، و تجلیل تبریزی کسب فیض نمود و تفسیرقرآن کریم را خوشه چین خرمن پرفیض مرحوم آیت الله حاج شیخ عباس ایزدی، و حضرات آیات: خزعلی، مشکینی و جوادی آملی بود.

خارج فقه و اصول را مدت قریب ۲۵ سال خدمت حضرات آیات عظام: گلپایگانی، حاج شیخ جواد تبریزی، حاج شیخ حسینعلی منتظری، حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی، وحید خراسانی و مکارم شیرازی بود و سرانجام به یاری خداوند منان و عنایات خاصه امام زمان (عج) با تلاش و کوشش پیگیر و جدیت تمام به درجه اجتهاد نایل آمد. مبارزات و فعالیت های سیاسی: ایشان در دوران جوانی علاقمند به مسایل سیاسی و اجتماعی و مبارزاتی بود. در مسایل دینی و سیاسی از حضرت امام خمینی (ره) تقلید می کرد و با هدایت و ارشاد و الگوگیری از علمای بزرگ و مبارز در دوران رژیم ستم شاهی از مبارزان و مخالفان سرسخت نظام شاهنشاهی بود و در این رابطه با یورش ماموران ساواک به حوزه ها چندین بار تحت تعقیب و به زندان افتاد و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با الهام گیری از علمای بزرگ و مبارز که در داخل و خارج از کشور فعالیت داشتند و در زندان و تبعید به سر می بردند به نشر و تکثیر رساله های عملیه حضرت امام خمینی (ره) و اعلامیه های افشاگرانه و روشنی بخش می پرداخت. هم زمان با تحصیل در حوزه علمیه قم، شب و روز در فرصت های مناسب سعی می کرد با هدایت حجه الاسلام حاج شیخ محمود واحد اعلامیه های حضرت امام را که از نجف اشرف صادر و به ایران می رسید به درب منازل علما و مدرسان قم برساند و مخفیانه داخل خانه ها آنها بیاندازد.

در شهرستان های مختلف کشور به خصوص مناطق محروم به تشکیل کلاس های روشنگرانه و آگاهی بخش برای نوجوانان و جوانان عزیز میپرداخت و با عشق و علاقه و ایمانی که به تبلیغ و ارشاد داشت در مناطق دزفول و شهر کرد و اصفهان به تبلیغ و ارشاد جوانان می پرداخت. طلاب زیادی با راهنمایی ایشان از شهرستان دزفول و شهرکهای اطراف به حوزه علمیه قم آمدند و بعدا تعدادی از آنها به شهادت رسیدند و تعدادی هم اکنون بحمد الله از فضیلتی آن محل شده اند و در حوزه علمیه قم به تدریس و تحقیق مشغولند.

نامبرده با عشق و ایمانی که به تبلیغ و ارشاد داشت جوانان زیادی را با مبانی و احکام اسلامی و قرآن و مقدمات انقلاب و افکار عالی علمای بزرگ و راستین آشنا نمود. بارها از طرف ماموران ساواک و چماقداران رژیم ستم شاهی در هجوم به مساجد شهرستان های محروم مثل شهرستان بن شهر کرد، به علت جلوگیری از سخنرانی های آتشین و افشاگرانه مورد ضرب و شتم قرار گرفت و شبانه از آن محل در شب تاسوعا با لباس مبدل فراری داده شد. اما استاد در این راستا به خاطر اعتقاد و ایمانی که به برپایی نظام عادلانه الهی و استقرار آزادی قلم و بیان و اندیشه در چارچوب حکومت اسلامی داشت از هیچ تلاش و کوششی فروگذار نکرد، و با استقلال و اراده قوی شب و روز در کنار تحصیل و تدریس در حوزه و دانشگاه، مراکز علمی، محافل و مساجد و مراکز تبلیغی به مبارزه خود علیه رژیم طاغوت ادامه داد تا بحمد الله انقلاب اسلامی به پیروزی رسید. با شروع جنگ تحمیلی در جبهه های مختلف غرب و جنوب چند نوبت به یاری رزمندگان عزیز- که بسیاری از آنان هم اکنون متنعم به نعم الهی در بهشت برین اند شتافت و انجام وظیفه نمود. بعد از پیروزی انقلاب نیز در سنگر قضاوت و تدریس و تحقیقات و ارشاد و تبلیغ قرار گرفت.

تدریس: سابقه تدریس و شاگرد پروی استاد از اوایل دوران طلبگی شروع شد و هر چه را فرا گرفت تدریس نمود و زمانی که رژیم پهلوی درب حوزه علمیه نجف آباد را بست در مساجد اطراف شهر به تحصیل و تدریس مشغول بود و شاگردان زیادی را در دوره ادبیات، فلسفه، اخلاق و تفسیر تا سطح عالی فقه و اصول تربیت نمود و نزدیک به ۳۰ سال است در حوزه علمیه قم و بعضی حوزه های شهرستان ها و مراکز علمی و دانشگاهی اشتغال به تدریس در علوم مختلف داشته و دارند. ایشان چندین مرتبه رسائل و مکاسب و فلسفه و کفایه را تدریس نموده است و الان ۹ سال است مشغول تدریس خارج اصول و مکاسب مرحوم شیخ و فلسفه هستند. همچنین نزدیک ۱۶ سال است در مرکز امتحانات شفاهی از اعضاء هیئت ممتحنه می باشند.

خزعلی، ابوالقاسم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالقاسم خزعلی

محل تولد: بروجرد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۰۴/۱/۱

آیة الله ابوالقاسم خزعلی، در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی در بروجرد، از توابع استان لرستان چشم به جهان گشود. پدرش مرحوم غلامرضا، به شغل ندافی روزگار می‌گذراند و بسیار شیفته خاندان پیامبر (ص) بود؛ به گونه‌ای که شبها فرزند خود را به روضه‌های مخفی و منبرهای استادان با سواد آن روزگار می‌برد تا بذر عشق و محبت به قرآن و اهل بیت: در دل و جان فرزندش شکوفه بزند. اوضاع اقتصادی خانواده آیة الله خزعلی نابسامان بود تا آنجا که مادرش، مرحوم ربابه، مجبور بود محصولات غذایی خانگی، از قبیل ترشی تهیه کند و آن را بفروشد تا کمکی برای مخارج خانواده باشد. آقای خزعلی ده ساله بود که به همراه خانواده و برخی از بستگان به مشهد مقدس مهاجرت کرد و در آنجا روزگار گذراند. دوران تحصیل آیة الله خزعلی، در ۶ یا ۷ سالگی به مکتب خانه محله «سرسوزنی» در بروجرد رفت. معلّم او فردی بود به نام «سید جعفر شیرازی» که در مسجد محله درس می‌گفت. با هجرت به مشهد به دبستان رفت و پس از قبولی در امتحان، در کلاس چهارم ابتدایی مشغول به تحصیل شد و همواره از شاگردان نمونه کلاس بود. پس از پایان رساندن کلاس ششم ابتدایی، به دبیرستان رفت. در آن زمان در مدارس، زبان فرانسوی تدریس می‌شد؛ وی نیز به فراگیری زبان فرانسه مشغول بود که بعدها آن را رها کرد. در سن ۱۷ سالگی - هم زمان با سقوط حکومت رضاشاه و اشغال ایران از سوی متفقین - به کار نوشتن دخل و خرج مغازه‌ای و توزیع جنسها بین کسبه سرگرم بود تا از این راه، به امرار معاش خانواده کمک کند که ناگهان، بارقه‌های اشتیاق به علوم حوزوی و تحصیل حوزه علمیه مشهد دل و جانش را شعله ور ساخت؛ به گونه‌ای که کار و کسب را وانهاد، به تحصیل علوم دینی روی آورد. مقدمات را در حوزه مشهد فرا گرفت و برای تحصیل سطوح به سراغ استادان ممتاز آن دیار رفت. دو سال قبل از ازدواج راهی قم شد تا از محضر بزرگان آن شهر مقدس نیز بهره گیرد و برای نخستین بار در درس خارج فقه آیة الله بروجردی (ره) و خارج اصول امام خمینی (ره) حاضر شد که این مسأله تا سالها ادامه داشت. همچنین وی در زمینه فلسفه و تفسیر نیز از استادان بسیاری در حوزه علمیه قم بهره برد. استادان و دوستان آیة الله خزعلی در طول دوران تحصیل خود از محضر استادان ممتاز و وارسته بسیاری بهره برده است. نخستین استاد وی، مرحوم سید جعفر شیرازی بود که در مکتب خانه به ایشان قرآن و مسائل مذهبی را آموخت. وی از اینکه نخستین استادش یکی از فرزندان پاک حضرت زهرا ۳ بوده اظهار خرسندی می‌کند و آن را به فال نیک می‌گیرد. با شروع به تحصیل در حوزه مشهد، صرف و نحو را نزد شیخ علی اکبر دامغانی فرا گرفت و کتاب مغنی اللیب را نزد محقق قوچانی خواند. معالم و لمعه و قوانین را نزد سید احمد یزدی آموخت. رسائل، مکاسب و کفایه را نزد مرحوم شیخ هاشم قزوینی و بخشی از کفایه را نزد شیخ مجتبی قزوینی فرا گرفت. این دو، از استادان ممتاز حوزه علمیه مشهد در علم و عمل بودند که آثار علمی و معنوی ایشان، هنوز در میان شاگردانشان و در رشد و تعالی حوزه علمیه مشهد باقی است. آیة الله خزعلی در قم، در درس خارج فقه آیة الله بروجردی (ره) و در درس خارج فقه حضرت امام خمینی (ره)

شرکت کرد. وی همچنین مدتی در درس آیه الله بهجت حاضر شد و از محضر این مرد بزرگ نیز کسب فیض کرد. در بخش فلسفه، اشارات را نزد مرحوم حاج شیخ جواد خندق آبادی تهرانی خواند و در درس منظومه و اسفار علامه طباطبایی حاضر شد. آیه الله خزعلی در دوران تحصیل و مبارزه با طلاب و فضیلتی بسیاری همراه بود که از میان آنان می‌توان به شهید آیه الله مطهری، شهید آیه الله بهشتی و آیه الله ربانی شیرازی اشاره کرد. فعالیت‌های علمی و فرهنگی آیه الله خزعلی در سال‌های تحصیل و مبارزه خدمات فرهنگی و علمی شایانی به جامعه اسلامی ارزانی داشته است. مهم‌ترین خدمت فرهنگی ایشان در دوره طاغوت، تنویر افکار عمومی و آگاه کردن جوانان مستعد و انقلابی از خطرهای موجود، همچون جریان‌های التقاطی و تز اسلام منهای روحانیت و مبارزه با جریان روشنفکری غیر متعهد بود. وی در سخنرانی‌های خود همواره بر اسلام ناب و اصیل پای می‌فشرد و جوانان را به انس با علما روحانیت شیعه و پرهیز از فراگیری اسلام از دست دیگران دعوت می‌کرد. در زمینه فعالیت‌های علمی، تنها اثری که از وی به چاپ رسیده، تفسیر سوره فاتحه الکتاب است. همچنین او بر شعرهای عیثیه ابن ابی الحدید درباره امیرمؤمنان ۷ شرحی نگاشته است و در زمینه‌های قرآنی نیز تلاش‌هایی انجام داده است. بیشتر مطالعات و فعالیت‌های ایشان درباره قرآن و نهج البلاغه است. بخش زیادی از زندگی آیه الله خزعلی به مبارزه با رژیم طاغوت مصروف شده است. او در فاجعه مسجد گوهرشاد در مشهد، نوجوانی ده ساله بود که فردای حادثه، با پدرش در محل حاضر شده بود و خود می‌گوید فجایع رژیم پهلوی چنان بود که بر من تأثیر گذاشت و آن شب، تب کردم! از آغازین حرکت‌های ایشان در مبارزه بر ضد رژیم شاه، تبلیغ در رفسنجان و افشای ماهیت شاه بر سر منبر بود که به دست‌گیری ایشان و تبعید به گناباد انجامید. در ماجرای انجمن‌های ایالتی و ولایتی، آیه الله خزعلی همواره در کنار امام (ره) بود و از جمله، حامل پیام ایشان برای علمای نجف آباد شد. همچنین وی در هیجدهم فروردین ماه ۱۳۴۳ به دیدار امام رفت. امام (ره) به تازگی آزاد شده بود و روزنامه اطلاعات در آن زمان مطلبی نوشته بود مبنی بر اینکه امام با دست‌گناه شاه کنار آمده و آزاد شد. این مطلب باعث تأثر امام شده بود در جلسه‌ای که چند روز بعد در فیضیه تشکیل شده بود، آیه الله خزعلی به دستور امام بر سر منبر رفت و ماهیت کذب مطلب روزنامه اطلاعات را افشا کرد. این سخنرانی، در آن روزگار، به دلیل حماسی و مستحکم بودن، مشهور شد. آیه الله خزعلی در طول دوران رژیم شاه، یک بار در زندان قزل قلعه زندانی شد و سه بار تبعید شد. تبعید نخست ایشان به گناوه و دامغان بود که سه سال به طول انجامید. تبعید دوم به زابل بود و در تبعید سوم پنهان شد و روی نشان نداد. در این زمان بود که حضرت آیت الله خامنه‌ای در مخفیگاه به دیدار ایشان رفته و با هم از نزدیک آشنا شدند. آیه الله خزعلی در گزارش‌های ساواک، روحانی افراطی، اخلال‌گر طرفدار خمینی نامیده شده بود. در تبعید سوم وی پنهان شده بود تا ساواک نتواند او را دستگیر کند. در این هنگام خبر شهادت فرزندش در قم به دست او می‌رسد. آیه الله خزعلی در تشییع جنازه فرزندش شرکت می‌کند. او هرگز در تشییع فرزندش، اشک نریخت و خدا را در آن مصیبت سپاس می‌گفت. امضای آیه الله خزعلی در بسیاری از بیانی‌ها در مرجعیت امام (ره) و لزوم مبارزه با رژیم شاه به چشم می‌خورد. همچنین وی در دوره طاغوت، همکاری نزدیکی با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و اعضای آن داشته است و در مبارزات آن مرکز با رژیم شاه به طور جدی شرکت می‌کرده است. از دیگر فعالیت‌های او در پیش از انقلاب اسلامی، حمل پیام‌های امام (ره) به آیه الله سید کاظم شریعتمداری و همچنین دریافت پاسخ آیه الله شریعتمداری به امام (ره) بوده است. حضرت آیه الله خزعلی پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز فعالیت‌های گسترده‌ای برای پیشبرد انقلاب انجام داده است. وی در این سالها، همواره یار صدیق امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیه الله خامنه‌ای بوده و همواره مردم را به پیروی از ولایت مطلقه فقیه، و شناخت هوشمندانه توطئه‌های دشمن و نیز مبارزه با خط نفاق تشویق می‌کرده است. آیه الله در طول دوران جنگ تحمیلی بارها در جبهه‌ها حضور یافت و همواره مایه دلگرمی رزمندگان اسلام بوده است.

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیهوشی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی بیهوشی از بیمارستان امام خمینی دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

استادیار گروه بیهوشی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۵۵، ارتقاء به درجه دانشیاری و مدیر گروه بیهوشی دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی علل مسمومیت‌ها، زایمان بدون درد، بررسی پیوند کلیه، اختلال آب و الکترولیت بعد از اعمال جراحی، احیاء قلبی ریوی نوزادان، بررسی اختلال اسید و باز در بیهوشی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۸ پایان‌نامه دکترا.

ابداع:

طرح ساخت ماسک بیهوشی بینی برای بیهوشی در دندان پزشکی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

فیزیولوژی کلیه برای دستیاران بیهوشی، اختلال آب و الکترولیت برای دستیاران بیهوشی تعادل، اسید و باز در بیهوشی، بیهوشی اطفال.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۴، تعداد مقالات به زبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

بی‌حسی شبکه بازوئی توسط بویوکائین و گزیلوکائین، گزارش موارد پیوند کلیه.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

خسروان، محمد حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر محمد حسین خسروان در سال ۱۳۱۸ در سبزوار بدنیا آمد. از آنجایی که برای ورود به مدرسه سنش به حد نصاب نمی‌رسید پدرش سن او را چند سال بزرگتر یعنی ۱۳۱۳ گرفته بود. او پس از اخذ دیپلم تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه فردوسی

مشهد شروع کرد و موفق به اخذ مدارک به ترتیب کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای رشته زبان و ادبیات فارسی شد. ایشان تا کنون حدود نیم قرن است که در آموزش و پرورش (تربیت معلم) و دانشگاهها به تدریس مشغول است.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب: پدر و مادر محمد حسین خسروان دارفانی را وداع گفتند. وی جمعا چهار برادر و سه خواهر به نامهای علی رضا، علی اکبر، محمد حسین و محمد حسن و فاطمه زهرا، فاطمه صغری، فرخ هستند.

خاطرات کودکی: محمد حسین خسروان کودکی را در سبزوار گذراند او به خواندن قرآن و مطالعه برخی کتابهای موجود، مانند گلستان، عاق والدین و غیره می پرداخت. دکتر خسروان به همراه برادران و خواهران خود در منزل به بازیهای کودکان مشغول بودند که وی از این دوران خاطرات خوبی را بیاد دارد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: محمد حسین خسروان در خانواده ای مذهبی که به ائمه اطهار دل بسته بودند بدنیا آمد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: محمد حسین خسروان از سن چهار سالگی به مکتب رفته و قرآن و آموزه های دینی و همچنین چندین کتاب از جمله عاق والدین، گلستان و غیره را خوانده است. او دوران ابتدایی و متوسطه را در سبزوار طی کرد. ایشان پس از اخذ دیپلم در آموزش و پرورش سبزوار به امر تدریس مشغول شد. دکتر خسروان کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای رشته زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه فردوسی مشهد گذراند.

خاطرات و وقایع تحصیل: محمد حسین خسروان از دوران تحصیل چنین خاطره ای را بیاد دارد: دوران متوسطه دوران عجیبی بود. عده ای با چاقو و پنجه بوکس به کلاس می آمدند. می بایست موی سر کوتاه باشد، سال آخری ها زیر بار نمی رفتند. بیاد دارم که آخرین جلسه امتحان بود که رئیس فرهنگ یک سلمانی آورده بود، که در هنگام نوشتن ورقه، سر ما را به صورت چهار راه در آوردند.

فعالیت های ضمن تحصیل: تمام فعالیت های محمد حسین سروان در راستای تحصیل و ورزش بوده است.

همسر و فرزندان: دکتر محمد سین خسروان متاهل است. وی درباره همسرش چنین متذکر میشود: همسر من خردمند و خانه دار است. تام هم و غمش این بوده و هست که مایه آرامش باشد، به بهداشت و غذا اهمیت زیادی قائل است. ایشان دارای دو پسر و دو دختر دارد که همگی آنها دارا تحصیلات دانشگاهی می باشد.

فعالیت های آموزشی: محمد حسین خسروان حدود نیم قرن است که در کسوت معلمی و استادی به تدریس می پردازد. او تا کنون بیش از ۲۰۰ رساله کارشناسی ارشد و دکترای را راهنمایی کرده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: محمد حسین خسروان در کنار تدریس به تحقیق و مطالعه در زمینه های ادبی و غیره می پردازد. همفکران فرد: دکتر خسروان خود را با همکاران دانشگاهی خود همفکر می داند.

چگونگی عرضه آثار: محمد حسین خسروان بیش از ۳۰ جلد کتاب و مقاله منتشر کرده است. -----

آثار:

۱ افسانه خیر و شر

ویژگی اثر: تالیف

۲ اوج و انحطاط سبک هندی

ویژگی اثر: پدیدآورنده: محمد حسین خسروان ناشر: سخن گستر - ۱۳۸۳. این کتاب چکیده رساله دکتری دکتر خسروان است

۳ تو نیکی می کنی و در دجله انداز

ویژگی اثر : تالیف

۴ خزان و بهار

ویژگی اثر : این اثر مثنوی گرانقدر را نیز با تهیه چند نسخه خطی به بازار عرضه شد. مطالب و حکایت بسیار نغز و ارزنده دارد. نثر شیوا و روان است.

۵ داستانه‌های باستان

ویژگی اثر : تالیف

۶ گلشن توحید

ویژگی اثر : نسخه خطی بود که بر اثر تلاش فراوان چند نسخه خطی از کتابخانه های اینجا و آنجا فراهم آورده و به زیور چاپ آراسته شده. منظوم است بیتی از مثنوی مولوی است. و شاهی "ده" در پنج بیت آن را شرح کرده است.

۷ مضماری دانش

ویژگی اثر : تالیف

خسروپناه، عبدالحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالحسین خسروپناه

محل تولد : دزفول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

عبدالحسین خسروپناه دزفولی در سال ۱۳۴۵ در شهرستان دزفول دیده به جهان گشود وی در کنار دروس متوسطه (رشته تجربی) از سال ۱۳۶۲ تحصیلات حوزوی خود را آغاز کرد و در سال ۱۳۶۸ در مقطع سطح سوم فارغ التحصیل شد دروس حوزوی، را در مقطع سطح سوم از محضر اساتید مجرب در حوزه علمیه دزفول از جمله آیات مکرّم آقای قاضی دزفولی، تدین نژاد، مدرسین، سبط شیخ انصاری بهره برد، از ویژگیهای حوزه علمیه دزفول این بود که علاوه بر دروس رسمی حوزه علمیه به تدریس کتب دیگر ادبی و فقهی و اصولی از جمله شرایع الاسلام، حلقات شهید صدر، قوانین و شرح مطول پرداخته می شد وی در سال ۱۳۶۸ دروس خارج فقه و اصول را در حوزه علمیه قم آغاز کرد و از محضر اساتیدی چون حضرات آیات عظام وحید خراسانی، فاضل لنکرانی در حوزه علمیه قم حدود ۱۲ سال بهره برد. وی در کنار دروس خارج به دروس تخصصی کلام اسلامی نیز اشتغال داشت و در سال ۱۳۷۴ در مقطع دکترای کلام اسلامی با رتبه اول از مؤسسه امام صادق علیه السلام فارغ التحصیل شد و پایان نامه خود را با عنوان انتظارات بشر از دین به اتمام رساند تحصیل فلسفه و تفسیر از دیگر ویژگیهای تحصیلی وی است که از سال ۱۳۶۴ تاکنون ادامه داشته و از محضر اساتیدی چون آیت الله تدین نژاد، آیت الله حسن زاده آملی، آیت الله جوادی آملی، آیت الله مصباح یزدی، آیت

الله سبحانی و آیت الله انصاری شیرازی استفاده های فراوان برده است. وی از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۷ در کنار تحصیلات حوزوی و کلاسیک در سالهای دفاع مقدس به فعالیتهای نظامی پرداخت و در عملیتهای مختلف به عنوان دیده بان و... شرکت جست، از دیگر فعالیتهای ایشان می توان برگزاری جلسات قران در مساجد دزفول برای جوانان و نوجوانان را نام برد ایشان از سال ۱۳۷۰ در کنار تحصیل به فعالیت پژوهشی اشتغال ورزید و فعالیت های فردی و جمعی را دنبال کرد از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶ مدیریت پژوهشی اصطلاح نامه فلسفه مرکز مطالعات تحقیقات دفتر تبلیغات حوزه علمیه و از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۸ مدیریت اداره پژوهشی نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه ها و از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۲ مدیریت اصطلاح نامه عرفان دایرة المعارف علوم عقلی و از سال ۱۳۷۹ مدیریت گروه فلسفه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و از سال ۱۳۷۹ جانشین مرکز مطالعات و پژوهشهای حوزه علمیه قم را به عهده داشت، وی از سال ۱۳۶۲ در کنار تحصیل به تدریس دروس حوزه اشتغال داشته و تا کنون در مدارس علمیه دزفول و قم و مؤسسه امام صادق و مؤسسه امام خمینی جامعه الزهراء به تدریس ادبیات، فقه، اصول، فلسفه و کلام مشغول بوده و هست و نیز از سال ۱۳۶۵ در دانشگاه تربیت معلم دزفول و دانشگاههای شهید چمران اهواز، شهید بهشتی تهران، علامه طباطبائی، تربیت مدرس، دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد و دانشگاه مذاهب به تدریس دروس فلسفی و کلامی اشتغال داشته و از سال ۱۳۷۱ در کنگره ها و همایش های علمی داخلی و خارجی شرکت جست و مقالات دارای امتیاز خود را قرائت کرده است

خسروشاهی، حبیب

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: بافت شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی بافت شناسی از دانشگاه علوم پزشکی تبریز، گذراندن تحصیلات تکمیلی در فرانسه به مدت یک سال در سال ۱۳۴۲.

مرتبه علمی:

استاد دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز از سال ۱۳۴۹ تا کنون.

زمینه های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس پزشکی در رشته های مختلف در دانشگاه تبریز، سرپرست آزمایشگاه بافت شناسی دانشگاه علوم پزشکی تبریز، استاد راهنمای ۲ پایان نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

بافت شناسی انسانی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای پوستی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

خسروشاهی، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مرتضی بن العالم الجلیل السید احمد بن العلم العلام و الحجه الاسلام محمد بن العلامه السید علی ابن آیه الله السید ابوالحسن خسروشاهی از علماء اعلام و مجتهدین عظام آذربایجان و تبریز بوده‌اند، معظم له در تاریخ ۱۴ شوال ۱۲۹۹ قمری در نجف الاشرف متولد شده و سپس باتفاق والد ماجدش به تبریز آمده و مشغول تحصیل گردیده و مقدمات و قسمتی از فقه و اصول را در تبریز فرا گرفته و در سن بیست سالگی برای ادامه تحصیلات عزیمت به نجف نموده و پس از تکمیل تحصیل و نیل به مقام عالی اجتهاد دوباره به تبریز برگشته و دهها سال مشغول انجام وظائف علمی و معنوی از قبیل تدریس طلاب و وعظ و ارشاد در مسجد خود و امر به معروف و نهی از منکر شدند.

در سال ۱۳۱۳ شمسی آن جناب به اتفاق جمعی دیگر از علماء تبریز به علت مخالفت با بعضی از بدعتها به سمنان تبعید و زندانی شده و بعد از چندی آزاد و به همراهی جمعی از علماء که با وی بودند به مشهد مقدس مشرف و عده‌ای از آنها اقامت و معظم له پس از چندین ماه اقامت بنا بر تقاضا و اصرار مردم آذربایجان به تبریز مراجعت نموده و در مسجد بزرگ خود به مبارزه با دشمنان اسلام پرداخته مخصوصاً در زمان فتنه پیشه‌وری‌ها بدون ترس و واهمه با خطابه‌های آتشین خود وظیفه خود را در برابر خائنان و دشمنان بدین مقدس انجام دادند و این مبارزات ایشان تا اندازه‌ای توده‌ای‌ها را عصبانی و ناراحت نمود که تصمیم قتل ایشان را گرفتند که در روز (عید خون) که بنا داشتند عده‌ای از علماء و رجال آذربایجان را بکشند ایشان را هم بقتل آورند که شب معهود بطف پروردگار پیشه‌وری و یارانش فرار و آن فرقه مضمحل گردیده و آقایان مذکور از خطر آزاد شدند.

سید مرتضی متولد ۱۲۹۹ ق بن العالم الجلیل حاج سید احمد آقا از علماء طراز اول و فقهاء طبقه اولی تبریز عالمی تقی نقی و فاضل و فقیهی بارع و جامع و در امر بمعروف و نهی از منکر متصلب و در حفظ قوانین دینی و نوامیس شرعی و حرمت الهیه متعصب و خشن بوده‌اند، آن جناب در ششم ماه رجب ۱۳۷۲ ق بدرود حیات گفت و از خود آثار چندی از تألیفات و پسران دانشمندی بجای گذارد.

تألیفات آن جناب

۱- فوائد الافهام فی شرح قواعد الاحکام که جلد طهارتش تمام شد.

۲- نثرات الکواکب علی خیارات المکاسب.

۳- اهداء الحقیق معنی حدیث الغدیر که به طبع رسیده است و چندین رساله دیگر.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

خشابی، جواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی ارومیه.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی تبریز، دکترای تخصصی بیماریهای کودکان.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طب کودکان، بهداشت، تغذیه بیماریهای ریوی و آلرژی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۸، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

طب کودکان، تغذیه، بیماریهای ریوی، آسم.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

خضری شیرازی، عبدالله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید عبدالله بن سید جعفر بن اسماعیل موسوی خضری شیرازی عالمی فاضل و کامل و متقی از شاگردان میرزا حبیب‌الله رشتی و

میرزا حسین خلیلی و شیخ عبدالله مازندرانی بوده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

خضری، عبدالعزیز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد ۱۳۱۳، مرتبه علمی: استاد، رشته: اورولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی شیراز در سال ۱۳۴۴، دکترای تخصصی اورولوژی از دانشگاه بریستول انگلستان در

سال ۱۳۵۷، درجه M.Sc درباره ایمونولوژی و سرطان از آکادمی علوم جراحی دانشگاه بریستول.

مرتبه علمی:

دستیار تمام وقت بخش جراحی عمومی دانشگاه شیراز از سال ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۸، استاد دانشکده، پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پژوهش در زمینه بیماریهای کلیه، طراحی و ساخت ابزارهای رشته اورولوژی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۱ پایان‌نامه تخصصی و

دکترای حرفه‌ای.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

اورولوژی و بحث تومورهای کلیه.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۵

زمینه علمی مقالات:

تحقیقات محض و بالینی در ارتباط با جنگ تحمیلی در رابطه با رشته اورولوژی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

خطابی، حسین

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم)، منجم و طیب. وی علاوه بر دانش نجوم و طب از علم حساب نیز آگاه بود. خطابی کتاب «تحفه الحساب فی الحساب» را

در سال ۸۹۵ ق به نام بایزید بن سلطان محمد فاتح به پایان رساند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۲۷۱)، کشف الظنون (۳۶۵).

خطاط، نسرین دخت

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

دکتر نسرين دخت خطاط، مترجم و محقق زبان فرانسه، در سال ۱۳۲۳ در تهران بدنیا آمد. وی پس از طی دوره‌های ابتدایی و متوسطه، در دانشگاه تهران در رشته زبان و ادبیات فرانسه ادامه تحصیل داد. او در سال ۱۳۴۷ درجه کارشناسی اش را از همین دانشگاه دریافت کرد و در فاصله سالهای ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۴ در دانشگاه سوربن پاریس در رشته زبان و ادبیات فرانسه، در مقطع فوق لیسانس (کارشناسی ارشد) ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۶۲ تحصیل در مقطع دکترا را در همان دانشگاه در رشته زبان و ادبیات فارسی آغاز کرد و در سال ۱۳۶۶ از دانشگاه سوربن فرانسه دکترای زبان و ادبیات فارسی اش را دریافت کرد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی شهید بهشتی می باشد. گروه: علوم انسانی رشته: زبان و ادبیات فرانسه والدین و انساب: نسرين دخت خطاط فرزند عزت الله خطاط است. تحصیلات رسمی و حرفه ای: نسرين دخت خطاط دوران متوسطه اش را در دبیرستان آزمون تهران در رشته طبیعی و در فاصله سالهای ۱۳۳۶ تا ۱۳۴۲ سپری کرده و سپس در دانشگاه تهران در رشته زبان و ادبیات فرانسه ادامه تحصیل داد. او در سال ۱۳۴۷ درجه کارشناسی اش را از همین دانشگاه دریافت کرد و در فاصله سالهای ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۴ در دانشگاه سوربن پاریس در رشته زبان و ادبیات فرانسه، در مقطع فوق لیسانس (کارشناسی ارشد) ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۶۲ تحصیل در مقطع دکترا را در همان دانشگاه در رشته زبان و ادبیات فارسی آغاز کرد و در سال ۱۳۶۶ از دانشگاه سوربن فرانسه دکترای زبان و ادبیات فارسی اش را دریافت کرد. موضوع پایان نامه او، بررسی یکی از رمان های گوستاو فلوبر نویسنده مشهور قرن ۱۹ فرانسه است که در ایران او را بیشتر به واسطه کتاب «مادام بوآری» می شناسند دوره ای ها و همکاران: نام نسرين دخت خطاط همچنین نام مهوش قدیمی، همکار و یار قدیمی اش را به یاد می اندازد. این دو توانسته اند با همکاری و همیاری یکدیگر آثار بسیار خوب و وزینی را در عرصه ادبیات پژوهش تدوین و ترجمه نمایند که «تاریخ ادبیات فرانسه» (جلد پنجم: قرن بیستم) پیدایش رمان فارسی نوشته کریستف بالایی از آن جمله استمشاغل و سمتهای مورد تصدی: سوابق کاری و مدیریتی نسرين دخت خطاط به قرار زیر است: استاد و مدیر گروه زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه شهید بهشتی نائب رئیس انجمن ایرانی زبان و ادبیات فرانسه سردبیر نشریه PLUME (قلم) عضو هیات تحریریه مجله پژوهشی دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه تهران عضو کمیته تخصصی سمت فعالیتهای آموزشی: نسرين دخت خطاط» از سال ۱۳۵۴ در دانشگاه شهید بهشتی یا همان دانشگاه ملی به تدریس واحدهای درسی رشته زبان و ادبیات فرانسه و درس های ذیل پرداخت: - تاریخ ادبیات، - نقد ادبی، - امثال و تعبيرات، - مکالمه متون نظم و نثر، و نویسندگان بزرگ معاصر پرداخته است که این همکاری همچنان ادامه دارد و بسیاری از شاگردان او حالا از مترجمان و محققان به نام هستند. او هم اکنون با سمت استادیار در دانشگاه شهید بهشتی مشغول تدریس است و در نهمین کنگره جهانی استادان زبان فرانسه در کشور ژاپن که در سال ۱۳۷۵ برگزار شد، با ارائه مقاله ای در باره این زبان شرکت داشت و عضو هیأت برگزارکننده این کنفرانس بود. معروفترین مقالاتی که تاکنون از او به چاپ رسیده اند عبارتند از: - آموزش ادبیات فرانسه، تألیف لقمان، ۱۳۷۱ - تألیف روش سمعی و بصری، تألیف لقمان، ۱۳۷۱ - روش آموزشی متون ادبی، رشد ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه شهید بهشتی می باشد که در در مقاطع دکتری و کارشناسی ارشد (تاریخ ادبیات، نقد ادبی، تحلیلی ادبی، ترجمه ادبی) به تدریس می پردازد. وی همچنین استاد راهنما در پروژه های مقاطع دکتری و کارشناسی ارشد (ادبیات فرانسه و تطبیقی در زمینه نقد مضمونی، تخیل و زبانشناسی) می باشد. آرا و گرایشهای خاص: علایق پژوهشی زبان و ادبیات فرانسه و تطبیقی: تاریخ ادبیات، نقد ادبی، تحلیلی ادبی، ترجمه ادبی جوایز و نشانها: - مؤلف برجسته و نمونه سال ۱۳۷۱ منتخب از سوی دانشگاه الزهرا - تقدیر از طرف دانشگاه شهید بهشتی بخاطر کتاب نقد ادبی در سال ۱۳۷۴ چگونگی عرضه آثار: تعداد مقالات منتشر شده در مجلات و

ژورنال‌های علمی: بیش از ۲۱ مقاله نسرین دخت خطاط» تاکنون کتابهای متعددی را نیز در زمینه ادبیات و ادبیات پژوهشی منتشر نموده که معروفترین آنها عبارتند از: «فرانسه نیمه تخصصی جلد یک و دو (با همکاری) این دو کتاب را مرکز نشر دانشگاهی در سالهای ۱۳۶۳ منتشر کرد که در سال ۱۳۷۶ مجدداً چاپ شد. از دیگر کتابهای او می‌توان به کتاب «امثال و تعبیرات» اشاره کرد که با همکاری دیگر نویسندگان توسط مرکز نشر دانشگاهی در سال ۱۳۶۵ چاپ شد و در سال ۱۳۷۶ مجدداً چاپ گردید. نقد ادبی، آموزش سمعی و بصری، ترجمه تاریخ ادبیات قرن بیستم، پیدایش رمان معاصر از دیگر کتابهای مشهور اوست. از دیگر کتابهای مهمی که در چندساله اخیر در عرصه ادبیات پژوهشی منتشر شده است و نسرین دخت خطاط نقشی کلیدی در پدید آمدن آن ایفا نموده کتاب و یا به عبارت بهتر فرهنگ توصیفی نقد ادبی است که فرانسه به فارسی است و نسرین دخت خطاط آن را به همراه ژاله کهنمویی پور گردآوری کرده است و کتاب را مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران در قطع وزیری به چاپ رسانده و روانه بازار کرده است. آثار: ۱ آموزش زبان فرانسه به روش سمعی و بصری و ویژگی اثر: مرکز نشر دانشگاهی ۲ امثال و تعبیرات، ترجمه تاریخ ادبیات قرن بیستم (ترجمه)، پیدایش رمان فارسی (ترجمه) و ویژگی اثر: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ هفتم - کتاب «پیدایش رمان» فارسی از جمله کتاب‌های اثرگذار در سالهای اخیر در عرصه ادبیات پژوهشی است. کتابی که در سه بخش تدوین شده است و این بخش‌ها عبارتند از: «پیدایش رمان فارسی»، «رمان در اواخر قرن نوزدهم» و «رمان در قرن بیستم» در این کتاب کریستف بالادی تلاش می‌کند تا با مطالعه ای تطبیقی ادبیات فارسی را با ادبیات ترک، عرب و ادبیات پنجاب مقایسه نموده وجوه مشترک آنها را بررسی کند. او نحوه پیدایش رمان‌های تاریخی را ملهم از رمان‌های اروپایی می‌داند و بحران‌های سیاسی، اجتماعی و روشنفکری ادبیات نوین ایرانی را از ابتدای قرن نوزدهم میلادی ارزیابی می‌کند. او در بخشی از کتاب می‌نویسد: «خسروی حقیقتاً تحت تأثیر آثار الکساندر دوما - کنت دو مونت کریستو و سه تفنگدار، که به فارسی ترجمه شده بودند قرار دارد... جالب آن است که بسیاری از مشروطه‌طلبان این دوره همچون نویسنده [خسروی] فوق از خاندان مستبد قاجاری، شاهزادگان و اشراف زادگان هستند. او به همین دلیل مجبور به اختفا و سپس تبعید می‌شود.» ۴ پیدایش رمان معاصر (ترجمه)، تاریخ ادبیات فرانسه و ویژگی اثر: (جلد پنجم: قرن بیستم) نوشته پیربرونل و ایوه بلانژه، وانیل کوتی، فیلیپ سلیه و میشل تروفه، از زبان شناسان و محققان برجسته فرانسه است که نسرین دخت خطاط چنانکه پیش از این آمد آن را به همراه دکتر مهوش قویمی یار دیرینه و همکار آشنای خود ترجمه کرده است. کتاب مذکور که کتابی درسی نیز محسوب می‌شود توسط سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) در پاییز به چاپ رسید. کتاب فوق ترجمه پنجمین و آخرین بخش از یک دوره کامل «تاریخ ادبیات فرانسه» اثر پیربرونل و همکاران او محسوب می‌شود که بخش‌های پیشین آن را مترجمان و محققان دیگری ترجمه کرده بودند. ۶ فرهنگ توصیفی نقد ادبی و ویژگی اثر: این کتاب که از فرانسه به فارسی است و نسرین دخت خطاط آن را به همراه ژاله کهنمویی پور گردآوری کرده است و کتاب را مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران در قطع وزیری به چاپ رسانده است. ۷ نقد ادبی و ویژگی اثر: سمت، چاپ پنجم ۸ نقد ادبی، فرانسه نیمه تخصصی

خطی بحرانی، ابوالبحر جعفر

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۲۸ ق)، ادیب و شاعر. در قطیف متولد شد، به بحرین رفت و از آنجا به اصفهان سفر کرد و نزد شیخ‌بهایب تحصیل کرد. ابوالبحر در شیراز درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۲۴/۲)، اعیان الشیعه (۱۵۸/۴)، الذریعه (۲۹۹/۹)، ریحانه (۱۴۳-۱۴۲/۲)، لغت نامه (ذیل / جعفر)، معجم المؤلفین (۱۴۶/۳).

خطیب اسکافی، ابو عبدالله محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۲۱/۴۲۰ ق)، فقیه، ادیب و لغوی. در اصفهان متولد شد. وی نزد ابوبکر قفال مروزی فقه آموخت و در این فن سرآمد و همچنین در نحو و لغت و ادب نیز مشتهر. به گفته سمعانی، ابتدا از اصحاب رای بود و پس از آن اصحاب حدیث شد. خطیب از ابوبکر قفال و ابونصر محمودی حدیث شنید و ابومنصور سمعانی از وی روایت می‌کرد. از آثارش: «مبادی اللغه العربیه»؛ «نقد الشعر»؛ «لطف التدبیر فی سیاسه الملوک»؛ «دره التنزیل و غره التاویل فی الایات المتشابهه»؛ «شواهد سیبویه»؛ «غلط کتاب العین»؛ «العه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۰۲/۷)، ریحانه (۱۴۴-۱۴۳/۲)، کشف الظنون (۱۹۷۳، ۱۵۷۹، ۱۵۵۵، ۱۴۲۸-۶۹۱)، لغت نامه (ذیل / خطیب)، معجم الادباء (۲۱۵-۲۱۴/۱۸)، معجم المؤلفین (۲۱۱/۱۰)، الوافی بالوفیات (۳۳۷/۳)، هدیه العارفین (۶۴/۲).

خطیب تبریزی، ابوزکریا یحیی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۰۲-۴۲۱ ق)، ادیب لغوی و شاعر. معروف به خطیب. در تبریز متولد شد و در بغداد ساکن. ابوالعلاء معری، ابوالقاسم الرقی، ابومنصور جوالیقی و ابوبکر احمد بن علی، صاحب تاریخ بغداد، از استادان او بودند. در جوانی سفری به مصر کرد و پس از چندی به بغداد بازگشت و به تدریس و تولیت کتابخانه و ریاست علوم ادبی نظامیه آن شهر مشغول شد. در بغداد درگذشت. از آثار وی: شرح «حماسه‌ی» ابی تمام؛ شرح «دیوان» متنبی؛ «شرح سقط الزند»؛ «تهذیب غریب الحدیث»؛ «الکافی فی علم العروض و القوافی»؛ «الملخص»؛ «تفسیر القرآن و الاعراب».[۱]

تبریزی، ابوزکریا یحیی بن علی بن محمد شیبانی از بزرگان لغت و ادب عرب (و ۴۲۱- ف. ۵۰۲ ه. ق.). اصل وی از تبریز است ولی در بغداد نشو و نما یافت و به مصر رفت و سپس به بغداد بازگشت و بدانجا درگذشت. از کتب او شرح دیوان الحماسه لابی تمام در ۴ جزو بزرگ، تهذیب اصلاح المنطق لابن السکیت، شرح سقط الزند للمعزی، اعراب القرآن و غیره است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۱۹۷/۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۳۸/۲)، دانشمندان آذربایجان (۳۹-۳۷)، دایرةالمعارف فارسی (۹۰۶/۱)، ریحانه (۱۴۶/۲)، سیرالنبلاء (۲۷۱-۲۹۶/۱۹)، الکامل (۲۵۸/۸)، کشف الظنون (۱۹۹۱، ۱۸۰۸، ۱۷۴۱-۱۷۴۰، ۱۵۶۳، ۱۳۷۷، ۱۳۳۰، ۹۹۲، ۸۱۲، ۷۷۰، ۶۹۲، ۴۴۶، ۱۰۸)، الکنی و الالقاب (۲۱۵-۲۱۴/۲)، وفیات الاعیان (۱۹۶-۱۹۱/۶)، هدیه العارفین

(۵۱۹/۲).

خطیب رهبر، خلیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر خلیل خطیب رهبر در سال ۱۳۰۲ هجری خورشیدی در شهر کرمان دیده به جهان گشود. ایشان در سال ۱۳۳۶ مدرک دکتری زبان و ادبیات فارسی را از دانشگاه تهران اخذ کرد. در سال ۱۳۳۹ به دانشجویی دانشکده ادبیات، دانشگاه تهران برگزیده شد و در سال ۱۳۴۵ به درجه استادی ارتقاء یافت. وی در سال ۱۳۵۹ پس از ۳۷ سال خدمت آموزش به افتخار بازنشستگی نایل آمد. تصحیح کتاب "مرزبان نامه" ایشان، در دوره سوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: خلیل خطیب رهبر تحصیلات ابتدائی و دوره دانشسرای مقدماتی را در زادگاه خود به پایان رساند و در سال ۱۳۲۴ برای ادامه تحصیل در دانشسرای عالی به تهران آمد. در سال ۱۳۲۸ بارتبه اول به احراز درجه لیسانس در رشته زبان فارسی و گرفتن مدال درجه اول علمی نائل آمد و به دبیری پرداخت. در سال ۱۳۳۶ به اخذ درجه دکتری در زبان و ادبیات فارسی سرفراز گشت

استادان و مربیان: خلیل خطیب رهبر در سالهای تحصیل در دانشکده ادبیات، علاوه بر استفاده از محضر استادان بزرگ دانشگاه تهران از قبیل استاد فقید همایی، از محضر شادروان استاد محمدعلی ناصح رئیس دانشمند انجمن ادبی ایران بهره‌ها برد و در مدت سی و هشت سال آموزش در محضر استاد ناصح، بسیاری از متون نظم و نثر کهن را آموخت و از ذهن توانا و طبع وقاد استاد در حل مشکلات یاری جست.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: خلیل خطیب رهبر در سال ۱۳۳۹ به دانشجویی دانشکده ادبیات، دانشگاه تهران برگزیده شد و در سال ۱۳۴۵ به درجه استادی ارتقاء یافت. در سال ۱۳۵۹ پس از ۳۷ سال خدمت آموزش به افتخار بازنشستگی نایل آمد
جوایز و نشانها: خلیل خطیب رهبر در سال ۱۳۲۸ بخاطر احراز رتبه اول در مقطع لیسانس در رشته زبان فارسی مدال درجه اول علمی را از آن خود کرد. همچنین تصحیح "مرزبان نامه" ایشان، در دوره سوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

آثار:

۱ تصحیح دیوان غزلیات خواجه حافظ شیرازی

۲ تصحیح گلستان سعدی

۳ تصحیح مرزبان نامه

ویژگی اثر: این کتاب برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره سوم انتخاب کتاب سال می باشد. -آشنایی با کتاب: «مرزبان نامه» یکی از آثار ارزنده نثر فنی فارسی، بازنگاشته خامه نویسنده و گوینده و ادیب توانا سعدالدین ورواینی است که در

نیمه اول قرن هفتم میان سالهای ۶۲۲ - ۶۱۷ از گویش طبری باستان به زبان پارسی دری آراسته به صنایع لفظی و معنوی و اشعار تازی و پارسی امثال و اخبار نقل شده پس از دویست و اندسال که از تاریخ تألیف آن توسط مرزبان بن رستم، یکی از شاهزادگان طبرستان می گذشت، در جامه نو به منصفه ظهور آمد. مرزبان نامه از لحاظ شیوه نثر نویسی، پیرو سبک نصرالله بن عبدالحمید منشی ترجمان کليلة و دمنه از عربی به فارسی است. مرزبان نامه دارای یک مقدمه و نه باب است. شیوه داستان پردازی در مرزبان نامه، همان شیوه معهود در ایران و هند. یعنی بیان پند و انتقاد از زبان جانوران و گیاهان است تا شنوندگان را نوشداروی تلخ نصیحت ناگوار نیفتد و فرمانروایان خود کامه را خرده گیری آشکار، به آزار و شکنجه اهل قلم بر نینگیزد. برای تصحیح و تعلیق مرزبان نامه، قریب هفت سال صرف وقت شده است و در ۷۹۵ صفحه، در سلسله انتشارات دانشگاه شهید بهشتی نشر یافته است.

۴ دو رساله در باب حروف اضافه و ربط و مقالاتی در باب مباحث دستور فارسی

۵ گزیده اشعار رودکی و فرخی

۶ گزینه نثر فارسی (سه جلد)

۷ مجموعه ای از نثر فارسی قدیم و جدید

خطیب قزوینی، جلال الدین، ابوالعالی

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۷۳۹ - ۶۶۶ ق)، ادیب و فقیه شافعی. معروف به خطیب دمشقی. اصل او از قزوین است. وی به روم و مصر و شام سفر کرد. مدت‌ها قاضی القضاة آناتولی، قاضی بلاد مصر و قاضی خطیب دمشق بود. وی اقوال اوقاف را صرف نیازمندان و درویشان می کرد. خطیب قزوینی شیرین سخن بود و به ادبیات عربی و ترکی و فارسی کاملاً مسلط بود. در دمشق در گذشت و در مقابر صوفیه دفن شد. از آثار وی: «الایضاح»، در شرح «التلخیص»، در معانی و بیان؛ تلخیص «مفتاح العلوم» سکاکی؛ «السور/ الشذر المرجانی من شعر الارجانی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۶۶/۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۹۵ - ۲۹۳/ ۳)، روضات الجنات (۸۱ - ۸۰/ ۸)، ریحانه (۱۴۸/۲)، کشف الظنون (۲۱۰)، الکنی و الالقاب (۲۱۶ - ۲۱۵/ ۲)، معجم المؤلفین (۱۴۶ - ۱۴۵/ ۱۰)، مینو در (۲۴۳، ۱۲۰/ ۲)، الوافی بالوفیات (۲۴۳ - ۲۴۲/ ۳)، هدیه الاحباب (۱۳۲).

خطیب کرمانشاهی، زکی، محمد زکی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(مقتول ۱۱۵۹ ق)، عالم امامی، واعظ و ادیب. پدر و مادرش اهل سنت بودند. وی در هشت سالگی از نزد ایشان رفت و به اسماعیل خان حاکم همدان پناهنده شد و تحت نظر وی تربیت شد. وی پس از طی مراتب علمی شیخ الاسلام و امام جمعه کرمانشاه شد و جمع بسیاری در اثر مواعظ او هدایت یافتند. در اواخر عمرش به امر نادرشان، قاضی لشکر بود و پس از مدتی در اثر بدگویی

اطرافیان به امر وی کشته شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۶۶/۷)، ریحانه (۱۵۰/۲).

خطیبی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین خطیبی در سال ۱۲۹۵ در تهران متولد گردید. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در دبیرستان ثریا و مدرسه دارالفنون، شعبه ادبی به پایان رسانید. سپس دوره های مختلف عالی دانشکده ادبیات و علوم انسانی را با موفقیت گذراند و در سال ۱۳۲۴ موفق به اخذ دکترای زبان و ادبیات فارسی شد. خطیبی مشاغل مختلفی چون: دبیر دبیرستان، رئیس کتابخانه دانشکده حقوق و استاد دانشکده ادبیات تهران، معاون و ریاست روزنامه رسمی کشور، عضو هیات مدیره جمعیت هلال احمر مرکز و... را به عهده داشته است.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای: حسین خطیبی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در دبیرستان ثریا و مدرسه دارالفنون، شعبه ادبی به پایان رسانید. سپس دوره های مختلف عالی دانشکده ادبیات و علوم انسانی را با موفقیت گذراند و در سال ۱۳۲۴ موفق به اخذ دکترای زبان و ادبیات فارسی شد.

استادان و مربیان: ملک الشعراى بهار، فروزانفر، پورداوود و علی اصغر حکمت از جمله استادان حسین خطیبی بودند.

هم دوره ای ها و همکاران: حسین خطیبی از جمله نخستین کسانی بود که به همراه دکتر معین، دکتر خانلری و دکتر ذبیح الله صفا در دوره دکترای ادبیات فارسی پذیرفته شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: حسین خطیبی به مدت تقریباً سه سال (از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۳) رئیس کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه تهران را به عهده داشت. پس از آن گذشته از وظایف دانشگاهی معاونت و سپس ریاست اداره روزنامه رسمی کشور در مجلس شورای ملی به او محول شد. استاد دکتر خطیبی از ششم شهریور ماه ۱۳۲۶ به سمت افتخاری مدیر عاملی شیر و خورشید سرخ سابق و هلال احمر فعلی منصوب شد و این سمت را به مدت سی و دو سال - تا بهمن ۱۳۵۷ - بدون دریافت هیچ گونه حقوق و پاداشی عهده دار بود که نتیجه آن احداث صدها بیمارستان و درمانگاه و زایشگاه و آموزشگاههای پرستاری و بهیاری و پرورشگاه ایتم و دیگر موسسات خیریه و امدادی بود.

فعالتهای آموزشی: حسین خطیبی پس از اخذ لیسانس به پیشنهاد استاد ملک الشعراى بهار ساعتی چند از درس استاد به واگذار شد. او همچنین پس از دریافت درجه دکترا به دانشیاری کرسی سبک شناسی دانشگاه تهران برگزیده شد و در سال ۱۳۳۰ که استاد ملک الشعراى بهار صاحب کرسی درگذشت، این سمت رسماً به او واگذار گردید که آن را تا اواخر سال ۱۳۵۷ برعهده داشت و به این ترتیب با احتساب دوره دبیری دانشگاه که از سال ۱۳۱۷ آغاز شد، جمعاً چهل سال در سمت تدریس انجام وظیفه کرد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: حسین خطیبی ادیب، روزنامه نگار و شاعر می باشد، با آنکه در شاعری توانا و در کار نظم تبحر دارد، هیچگاه به شعر و شاعری متظاهر نبوده است. وی دارای آثار و تالیفاتی نیز می باشد.

آثار:

۱ فن نثر در ادبیات فارسی

ویژگی اثر: جلد اول این کتاب چاپ و در دانشگاه های کشور تدریس می شود.

۲ منظومه ای در چند هزار بیت در مورد زبان پر ارج فارسی

منابع:

۱ اثر آفرینان (زندگی نامه نام آوران فرهنگی ایران)، زیر نظر: دکتر سید کمال حاج سیدجوادی، با همکاری: دکتر عبدالحسین نوایی، ج ۲، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی فرهنگی ایران، ص ۳۵۱۲ سخنوران نامی معاصر ایران، تالیف: سیدمحمدباقر برقی، ج ۲، قم: نشر خرم، ص ۱۲۹۲۳ شاعران تهران از آغاز تا امروز، تالیف: مجید شفق، ج اول، تهران: انتشارت سنایی، ص ۳۲۶

خطیبی، حسین، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۵/۱۲۹۴ ش)، ادیب، روزنامه‌نگار و شاعر. در تهران متولد شد. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در دبیرستان ثریا و مدرسه دارالفنون، شعبه ادبی به پایان رسانید. سپس دوره‌های مختلف عالی دانشکده ادبیات و علوم انسانی را با موفقیت گذراند و در سال ۱۳۲۴ ش موفق به اخذ دکتری زبان و ادبیات فارسی شد. ملک الشعراء بهار، فروزانفر، پور داوود و علی اصغر حکمت از استادان او بودند. خطیبی پس از آن مشاغل مختلفی را عهده‌دار بود، از جمله: دبیر دبیرستان شرف، رییس کتابخانه‌ی دانشکده‌ی حقوق، استاد دانشکده‌ی ادبیات تهران، معاون روزنامه‌ی رسمی کشور عضو هیات مدیره‌ی جمعیت هلال احمر مرکز. از آثار منظوم وی: «منظومه‌ای در چند هزار بیت در مورد زبان پر ارج فارس»؛ و از تالیفات او: «فن نثر در ادبیات فارسی».[۱]

از دانشمندان زبان و ادبیات فارسی و استاد دانشگاه، در سال ۱۲۹۵ ش در تهران تولد یافت. پدرش آشیخ محمدعلی سال‌ها نایب‌التولیه و مدرس مدرسه‌ی خان مروی بود و امور مدرسه و طلاب و موقوفات را اداره می‌کرد. خطیبی وقتی به سن رشد رسید، تحصیلات خود را آغاز نمود و به کسوت روحانیت درآمد. در سال ۱۳۰۶ آقا شیخ محمدعلی درگذشت. تولیت و مدیریت مدرسه به دیگری واگذار شد و خطیبی به مدرسه‌ی دارالفنون رفت و دیپلم خود را از آن مدرسه اخذ نمود. در سال ۱۳۱۳ وارد دانشکده‌ی ادبیات تهران شد و در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی و فلسفه دانشنامه گرفت و در ۱۳۱۶ که دوره‌ی دکترای زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران تأسیس شد و عده‌ی معین، صفا و خانلری دانشجویان اولین دوره‌ی دکترای زبان و ادبیات فارسی بودند. دروس دوره‌ی دکترای را در سال ۱۳۱۸ پایان برد و به تألیف و تنظیم رساله‌ی دکترای خود پرداخت و ظرف پنج سال تاریخ تطور نثر فارسی را به رشته‌ی تنظیم درآورد و پس از مرحوم ملک الشعراء بهار، اولین تحقیق درباره‌ی سبک‌شناسی در نظم و نثر فاسی به وسیله‌ی او پورداوود، علی اصغر حکمت، بهمنیار و فروزانفر با قید بسیار خوب پذیرفته شد و سمت وی از دبیری دانشگاه به دانشیاری تبدیل یافت و مستقلاً تدریس سبک‌شناسی را در دانشکده‌ی ادبیات عهده‌دار شد. در سال ۱۳۳۰ پس از درگذشت بهار، کرسی و مقام

استادی وی به خطیبی تفویض گردید و از آن تاریخ تا دوران کناره‌گیری به تدریس تاریخ تطور نظم و نثر و دستور زبان فارسی در دوره‌ی لیسانس و دکترا اشتغال داشت.

دکتر خطیبی در کنار شغل دانشگاهی، مشاغل دیگری را نیز عهده‌دار شد. چندی ریاست کتابخانه دانشکده‌ی حقوق با او بود، بعد مدیریت روزنامه‌ی رسمی کشور را عهده‌دار شد. در دوران حکومت دکتر محمد مصدق مدیر کل دفتر نخست‌وزیری بود و تا سقوط مصدق در سمت رئیس کابینه با مصدق همکاری نزدیک داشت. در سال ۱۳۴۲ در دوره‌ی بیست و یکم مجلس شورای ملی از لار او را به مجلس فرستادند و در همان دوره به نیابت ریاست رسید. در ادوار بیست و دوم و بیست و سوم و بیست و چهارم همچنان وکیل و نایب‌رئیس اول مجلس بود. دکتر حسین خطیبی در سال ۱۳۲۸ مدیرعامل شیر و خورشید سرخ شد. در آن تاریخ شیر و خورشید سازمان کوچک و غیرفعال بود. خطیبی توانست در مدتی کوتاه جمعیت مزبور را به سرعت توسعه دهد به طوری که ده‌ها بیمارستان و درمانگاه، پرورشگاه، مؤسسات خیریه و امدادی دیگر در سطح کشور تأسیس و دائر شد.

خطیبی یکی از افراد انگشت‌شماری است که با زبان‌های فارس قدیم و پهلوی آشنائی دارد. وی در میانسالی با دختر سید محمد آیت‌الله‌زاده کاشانی ازدواج کرد و صاحب دو دختر شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] رجال مازندران (۲/۱۶۰)، سخنوران نامی معاصر (۱۲۹۷-۱۲۹۲/۲)، مولفین کتب چاپی (۲/۷۳۳).

خفری جهرمی شیرازی، شمس‌الدین محمد

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۴۲ق)، که فیلسوف، متکلم و شاعر معتزلی. از مردم خفر فارس و ساکن کاشان بود، مدتی نیز در هرات نزد سلطان بایقرا به سر برد و از آنجا به عربستان رفت. پس از چندی به کاشان بازگشت و همان جا در گذشت. وی شاگرد صدرالدین دشتکی شیرازی و استاد سید شاه طاهر بن رضی‌الدین اسماعیل حسینی و معاصر علی بن عبدالعالی بود. خفری در کسب دانش دارای همت عالی بود و شعر نیز می‌سرود. آثار وی: «رساله در اثبات واجب»؛ «منتهی الادراک» در هیات؛ «رساله‌ای در علم رمل»؛ «رساله‌ی الهیات». [۱]

شمس‌الدین محمد بن احمد شیرازی، دانشمند و فیلسوف (ف. حدود ۹۶۰ه.ق). از شاگردان صدرالدین محمد دشتکی و ساکن کاشان بود. از آثار وی تذکره خواجه به نام تکمله‌ی رساله‌ی اثبات الواجب و حواشی بر شرح هدایه‌ی الحکمه است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان الشیعه (۱۱۹/۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۷، ۳۰۴/۵)، تاریخ نظم و نثر (۸۴۱)، حیب السیر (۶۱۱/۴)، الدررعه (۲۴۰/۱۲، ۳۳۱/۴، ۱۰۶/۱)، ریحانه (۱۵۴/۲)، سرآمدان فرهنگ (۳۳۳-۳۲۹/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۸/۱۰)، طرائق الحقائق (۱۳۳/۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۹۷)، الکنی و الالقاب (۲۱۸/۲)، لغت نامه (ذیل / خفری)، مجالس المومنین (۲۳۴-۲۳۳/۲)، معجم المؤلفین (۲۵۴/۸).

خلج، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی دارویی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

خلخال، صادق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام و مدرس گرامی آقای حاج صادق خلخال از فضلاء و اساتید بنام حوزه علمیه قم می‌باشند ولادتش در خلخال واقع شده و پس از نشو و نما و طی دوران ابتدائی و مقدمات به قم مهاجرت نموده و سطوح را نزد مدرسین بزرگ خوانده و سالها از محضر آیت الله العظمی امام خمینی و آیت الله العظمی شریعتمداری و مرحوم آیت الله العظمی بروجردی و بعضی دیگر استفاده کامل نموده و در میان اقران مشار بالبنان گردیده و اکنون به تدریس فقه و اصول اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

خلخال، صالح

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

السید صالح بن السید محمد سعید الخخالی از علماء عصر قاجاریه و فلاسفه زمان ناصرالدین شاه قاجار بوده است.
در کتاب (مآثر و آثار) گوید. وی از بزرگترین شاگردان سیدالحکماء والمتالیهین فیلسوف العصر آقا سید ابوالحسن اصفهانی معروف به جلوه و مدرس مدرسه (دوست علیخان نظام‌الدوله) معروف به مدرسه معیر بوده و تدریس فلسفه و علم کلام و سطوح فقه و اصول می‌نموده است و حقاً که او صاحب ذهن دقیق و فکر عمیق و از آثار علمیه او (شرح دوازده امام) شیخ محی‌الدین عربی است که بنام مؤلف کتاب مزبور نوشته و نیز ترجمه (فرائدالاصول) شیخنا الانصاری به فارسی او را یاد کرده و گفته.
و فاضل الادیب محمدعلی تربیت در کتاب (دانشمندان آذربایجان) ص ۱۰ گوید سید صالح بن محمد سعید در اول ماه صفر ۱۳۰۶ قمری وفات نموده و در مقبره ابن بابویه (شیخ صدوق) مدفون گردیده است و یاد کرده که او دارای سه اثر نفیس است که تمام آن شرح بر کتب مذکوره و شرح بر قصیده یائیه میرفندرسکی متوفی ۱۰۵۰ می‌باشد.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

خلخال، عبدالرحیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۱-۱۲۵۱ ش)، روزنامه‌نگار، مترجم و مصحح. مشروطه‌خواه و همکار سید رضای شیرازی بود که در تحریر و نشر روزنامه‌ی روزانه‌ی «مساوات» همکاری داشت. امروز خلخال‌ی بیشتر به خاطر چاپ نسخه مورخ ۸۲۷ ق «دیوان» حافظ مشهور است. وی در تهران درگذشت. آثار او: «حافظ نامه»؛ «به یکدیگر محبت کنید»؛ «حرص باعث هلاکت است» که هر دو از تولستوی است و از ترکی ترجمه شده؛ «شارل و عبدالرحمان»، اثر جرجی زیدان. [۱]

عبدالرحیم (سید) نویسنده و دانشمند (ف. ۱۳۲۱ ه. ش. / ۱۳۶۱ ه. ق.). وی از آزادیخواهان و مشروطه‌طلبان و همکار سید محمدرضا شیرازی در تحریر و نشر روزنامه مساوات (منتسب به حزب دموکرات در تهران) بود. خلخال‌ی دیوان حافظ را از روی نسخه مکتوب به سال ۸۲۷ ه. ق. تصحیح و منتشر کرده است.

در حدود ۱۲۹۰ ه. ق در خلخال متولد شد. در اوایل عمر برای تحصیل به رشت مسافرت نمود و سالیان دراز در آنجا به تحصیل زبان و ادبیات فارسی و عربی و فقه و اصول و فلسفه مشغول بود. بعد برای تکمیل تحصیلات به تهران آمد و تا ابتدای مشروطیت به طور نامنظم به مطالعه و تحصیل اشتغال داشت. در تهران در اثر رفت و آمد در محافل مختلف با گروه‌های سیاسی آشنا شد و برای استقرار مشروطیت به تلاش و تکاپو افتاد. پس از صدور فرمان مشروطیت به همراهی سید محمدرضا مساوات روزنامه‌ی معروف و تندرو و هتاک مساوات را دائر کردند و تحقیقاً لبه‌ی تیز حملات این روزنامه متوجه محمدعلی شاه بود و یک بار نیز کار آنها به عدلیه کشید ولی گذشت محمدعلی شاه باعث شد مدیر و سردبیر روزنامه مجازات نشوند. پس از به توپ بستن مجلس و اعلام حکومت نظامی و دستگیری عده‌ای از مخالفین حکومت، سید عبدالرحیم خلخال‌ی به اتفاق سید محمدرضا مساوات مخفیانه از تهران فرار کردند. مساوات در تبریز به فعالیت خود علیه استبداد ادامه داد ولی خلخال‌ی به قفقاز مسافرت کرد و در آنجا دست به فعالیت زد و مدتی نیز نزد حاج میرزا عبدالرحیم طالبوف بود و از آنجا به عشق‌آباد رفت.

در ۱۳۲۷ ه. ق به رشت آمد و فعالیت خود را مجدداً آغاز نمود و با معزالسلطان و پیرم و سپهدار که از سران فعالیت در گیلان بودند آشنا شد. پس از سقوط محمدعلی شاه و فتح تهران وارد مرکز شد و به هر کدام از مخالفین محمدعلی شاه کاری داده شد از جمله خلخال‌ی در وزارت دارائی استخدام گردید و ریاست دیوان محاسبات را به او سپردند ولی به علت عدم اطلاع وضع دیوان محاسبات را آشفته‌تر کرد و ناچار او را تغییر دادند و در خزانه‌داری سمتی به او سپردند. بعد به ریاست مالیه غار و فشاپویه منصوب شد. در جنگ بین‌الملل اول در زمره رجال و معاریف و آزادی‌طلبان به کرمانشاه رفت و مدتی نیز در اسلامبول و کرکوک اقامت گزید تا به تهران بازگشته به شغل خود در وزارت مالیه اشتغال ورزید. در سال ۱۳۰۶ ش داور او را به عدلیه انتقال داد و مدتی مستشار دیوان عالی جزای عمال دولت بود. وقتی داور به وزارت مالیه رفت، او نیز همراه او به وزارتخانه‌ی مزبور بازگشت و ریاست اداره‌ی بازرسی کل را به او سپردند.

خلخال‌ی از ادباء و علاقمندان به ادبیات فارسی بود. به حافظ ارادت خاصی داشت. یکی از نسخه‌های قدیمی دیوان حافظ که گویا سی و پنج سال بعد از وفات حافظ کتابت شده بود، در اختیار آن مرحوم بود. پس از تصحیح آن را انتشار داد. چند ترجمه نیز از نوشته‌های تولستوی فیلسوف روسی از او باقی مانده است. وفات او در سال ۱۳۲۱ ش اتفاق افتاد. روی هم‌رفته مردی ادیب، باسواد، آزادی‌خواه و نیک‌نفس بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: تاریخ جراید (۲۰۸/۴)، شرح حال رجال (۲۶۲/۲)، مولفین کتب چاپی (۸۲۳-۸۲۲/۳)، یادگار (س ۳، ش ۵، ص ۴۴-۴۳).

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج سید محمد کاظم در سن شانزده سالگی از خلخال برای تحصیل علوم دینی مهاجرت به شهرستان رشت و سپس به قزوین آمده و در مدرسه علمی قزوین دو سالی توقف نموده و شخص تاجری ماهی سه تومان جهت مخارج ایشان مقرر داشت تا بعد از دو سال عزیمت به نجف اشرف نموده و پس از تکمیل متون فقه و اصول از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی میرزا حبیب‌الله رشتی استفاده نموده و تقریرات و دراسات فقه و اصول آن مرحوم را با نظریات دقیق علمی خود برشته تحریر در آورده (که آماده برای طبع می‌باشد)

آن مرحوم در مدت اقامت نجفش چند مسافرت به ایران نموده و از رشت و خلخال و اردبیل دیدن کرده و در همه جا مورد استقبال و احترام علماء و مردم شهرستانها بودند مخصوصاً در شهرستان رشت مرحوم آیت‌الله حاج مجتهد که از علماء بزرگ رشت بودند مسجد خود را که اکنون در کنار خیابان دائر و به مسجد حاج مجتهد معروف است بمعظم له تفویض نمودند که تا مدت اقامتشان در رشت مردم را از نماز جماعت و منبر خود بهره‌مند فرمایند.

در سال ۱۳۱۹ ق بر حسب تقاضای جمعی مخصوصاً فرزند مرحوم آیت‌الله حاج میرزا جواد آقای مجتهدی برای اقامه جماعت و غیره به تبریز آمده و تا سال ۱۳۳۲ قمری مرجع عالی روحانی بوده و بامامت و تدریس و حل و فصل امور قضائی و شرعی اهالی آذربایجان مشغول بودند. و در ابتداء مشروطه و انقلاب داخلی ایران در تبریز بودند و برای اصلاح امور مسلمین به طهران و شهر ری آمده و با مرحوم آیت‌الله حاج شیخ فضل‌الله شهید نوری ملاقات نموده سپس به نجف اشرف برای مذاکره با مراجع عالیقدر شیعه بالاخص مرحوم آیت‌الله طباطبائی یزدی و آیت‌الله آخوند خراسانی مسافرت نموده آنگاه به تبریز مراجعت و در سال ۱۳۳۲ ق مجدداً با عائله خود از تبریز به نجف اشرف هجرت نموده بتدریس و مباحثات علمی پرداخته و منزلش مجمع فضلاء نجف گردیده و از کثرت علاقه‌اش بمذاکرات علمی در هر مجلسی که شرکت می‌کردند مباحثه علمی در میان آورده و فروعی را مطرح و بتحقیق آن می‌پرداختند تا در سال ۱۳۳۶ ق در سن شصت و هفت سالگی وفات نموده و در صحن مقدس علوی مدفون گردیدند.

مخفی نباشد که آن مرحوم بزرگترین خاندان خلخالی بودند که در ایران و عراق شهرت علمی و تقوائی داشتند و یکی از علماء موفق و متعهد و دائم‌الذکر بودند که از اوائل بلوغ و تکلیف شرعی باین فیض و توفیق نائل و فائز بودند.

برادران آن مرحوم از آیات عظام و علماء اعلام نجف اشرف و تبریز و گیلان بودند که ترجمه هر یک در محل خود خواهد آمد. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خلخال، محمد مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج سید محمد مهدی بن المرحوم آیت‌الله آقای آقا سید فاضل موسوی خلخالی (متوفی سال ۱۳۴۶ ق در تبریز) از علماء محترم معاصر تهران است وی پس از فوت مرحوم والدش در سن چهار سالگی باتفاق والده ماجده‌اش از رشت مهاجرت به نجف اشرف نموده و در بیت علم و فضیلت مرحوم عم گرامش آیت‌الله آقای آقا سید محمد خلخالی «قده» پرورش یافته و علوم مقدماتی را فرا گرفته و سطوح را از محضر مدرسین بزرگ چون مرحوم آیت‌الله حاج میرزا حسن یزدی و آیت‌الله حاج شیخ مجتبی لنگرانی

فراگرفته و دروس خارج را چندی از محضر استاد بزرگ آیت‌الله حاج شیخ حسین حلی و مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شید محسن حکیم فراگرفته و سپس از محضر آیت‌الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی فقها و اصولاً استفاده نموده و تمحض بدروس ایشان یافته و مورد عنایت مخصوص آیت‌الله خوئی مد ظله العالی از جهت فراگرفتن دقائق علمی و مبانی رشیکه معظم له قرار گرفته و مدت چهارده سال تمام از سال ۱۳۷۰ ق تا سال ۱۳۸۴ ق از بحثهای عمومی و خصوصی آن جناب برخوردار شده و در سال مزبور به تهران مسافرت نموده و بنا به تقاضای جمعی از اهالی تهران در مرکز کشور عاصمه جهان تشیع توقف نموده و اقامت ایشان در تهران موجب تاثر عمیق استاد معظم آیت‌الله خوئی دام ظلّه گردید و در ضمن نامه تأثرات خود را بمعظم له ابلاغ داشتند زیرا وجود ایشان را در حوزه علمیه نجف اشرف لازم می‌دانستند و اکنون در تهران نیز به بحثهای علمی اشتغال داشته و در مسجد صدریه واقع در خیابان رسام میدان خراسان اشتغال به اقامه نماز جماعت و انجام خدمات دینی دارند.

دارای آثار و تألیفات ارزنده‌ای بشرح زیر می‌باشند.

۱- یک دوره حاشیه کفایه در اصول غیر مطبوع.

۲- تقریرات درس آیت‌الله العظمی خوئی در مکاسب.

۳- تقریرات دوره کامل اصول معظم له.

۴- تقریرات درس طهارت شرح بر عروۃ‌الوثقی بنام فقه‌الشیعه که دو جلد آن بطبع رسیده و بقیه اجزاء آن آماده طبع است.

۵- شرح عروۃ‌الوثقی کتاب الحج.

۶- رساله‌ای در رضاع و تقیه تقریرات آیت‌الله خوئی.

و اما والد معظم ایشان حضرت آیت‌الله آقای آقا سید فاضل موسوی خلخالی از اجله علماء و مشهور بتقوی و از شاگردان مبرز مرحوم آیت‌الله طباطبائی یزدی و شریعت اصفهانی بودند و در سال ۱۳۳۷ ق پس از نیل بدرجه رفیعہ اجتهاد از نجف اشرف به شهرستان رشت عزیمت نموده و مورد علاقه و توجه عموم گیلانیها واقع گردیده و در مسجد معروف حاج سمیع بامامت جماعت و تدریس اشتغال داشتند و پس از چند سال اقامت در رشت اخیراً کسالتی عارض شد و برای معالجه به تهران و سپس برای تغییر هوا به تبریز حرکت نموده و در آنجا دار فانی را در سال ۱۳۴۶ ق وداع گفته و مدفن معظم له در شهر تبریز در امامزاده معروف به سید ابراهیم قرار دارد.

و آثاری از فقه و اصول تقریر اساتید بزرگ و یا تألیف خود ایشان غیر مطبوع باقی گذارده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خلخالی، محمدباقر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج سید محمدباقر خلخالی فاضلی جلیل و خطیبی بارع بود و در سال (۱۳۳۳) قمری در مشهد مقدس رضوی وفات نموده و در آن آستان به خاک رفته است

تألیفاتی دارد که از آنهاست (النجاة الثمان) در تواریخ مشاهد ثمانیه علی مشرفیهاالسلام.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

خلعتبری، حسام الدین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسام الدین خلعتبری لیماکی

محل تولد: تنکابن

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ بعد از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه قم شدم و بیش از ۲۰ سال به درس و تحقیق و تدریس مشغول شدم. طی ۱۰ سال نخست سطح را به پایان رساندم و از پایان نامه سطح ۳ دفاع کردم و حدود ۱۰ سال در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات مکارم و سبحانی شرکت کردم. در سال ۱۳۷۰ در مرکز آموزش های علمی و فرهنگی موسسه امام خمینی (ره) در مقطع کارشناسی ارشد پیوسته پذیرفته شدم و در مدت ۵ سال این دوره را به اتمام رساندم.

در سال ۱۳۷۳ در اولین دوره امتحانات دروس معارف اسلامی که توسط معاونت امور اساتید معارف برگزار شد شرکت کردم و در دو گرایش تدریس اخلاق و تربیت اسلامی و معارف اسلامی موفق شدم. از سال ۱۳۷۱ تاکنون در دانشگاه های مختلف مانند تهران، علوم پزشکی تهران، شهید بهشتی، بین الملل و آزاد اسلامی تدریس کردم و اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی می باشم. در ضمن در دوره دکترای phd در دانشگاه باقرالعلوم قم در رشته مبانی نظری اسلام پذیرفته شدم و الان مشغول تحصیل هستم.

خلفه نیشابوری، احمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، مورخ. وی فرزند ملخص و مترجم «تاریخ نیشابور» است. خلیفه در ترجمه و تلخیص پدر خود دست برده و بعضی از وقایع سده نهم را نیز وارد کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۷۸۳)، تاریخ نیشابور (۴۷-۴۳).

خلفی، مسلم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مسلم خلفی

محل تولد: الیگودرز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۷/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدائی و راهنمایی را در زادگاه خود (روستای خمر سفلی از توابع الیگودرز) به پایان رسانده و برای ادامه تحصیل در مقطع متوسطه به شهرستان ازنا رفت. در سال ۱۳۶۲ به حوزه علمیه امام صادق (ع) شهرستان ازنا وارد و همزمان چهارسال دوره متوسطه را به صورت متفرقه و غیر حضوری در رشته ادبیات گذرانده و در سال ۱۳۶۸ موفق به اخذ دیپلم گردیده. در این مدت دروس مقدماتی حوزه علمیه مانند جامع المقدمات، سیوطی، معالم، مغنی، مختصر، حاشیه، منطق، مظفر، و نیز لمعه جلد اول را در محضر استاد مرحوم حجة الاسلام والمسلمین وحیدی میان آبادی (ره) به اتمام رساند و پس از آن برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم عزیمت نمودم.

همزمان با عزیمت به قم در دانشگاه علامه طباطبائی در رشته ادبیات عرب پذیرفته شده ولی از تحصیل در آن دانشگاه انصراف دادم. طی سالهای ۱۳۸۸ تا ۱۳۷۰ باقی کتب دوره سطح را به اتمام رسانده و در سال ۱۳۷۰ شروع به درس خارج فقه و اصول نمودم. همزمان در درس تفسیر قرآن آیه الله جوادی آملی شرکت می نمودم. در درس خارج از محضر اساتیدی چون موسوی اردبیلی (۲سال)، فاضل لنکرانی (۵سال)، جوادی آملی (۶سال)، یوسف صانعی (یک سال)، بهجت (یک سال)، وحید خراسانی (یک سال)، ابواب متعددی از فقه و اصول را به اتمام رسانده و پس از حضور مستمر حدود ۱۵ سال در درس خارج فقه و اصول به تحقیقات فردی پرداخته که این پژوهش همچنان ادامه دارد.

همزمان با ادامه تحصیل در درس خارج فقه و اصول حوزه در سال ۱۳۷۱ از طریق کنکور سراسری سازمان سنجش و آموزش کل کشور در رشته حقوق پذیرفته و وارد دانشگاه مفید شدم. از سال ۱۳۸۲ به عنوان معاون پژوهشی دفتر تحقیقاتی یاسین فعالیت نمود که حاصل آن تولید نرم افزارهایی چون: ضحی، نبأ، دایرةالمعارف احکام (طوبی)، صبا (آموزش قرآن برای کودکان)، طاها (زندگی چهارده معصوم علیهم السلام)، کریمه (زندگی حضرت معصومه سلام الله علیها) دبستان قرآن و بود. در سال ۱۳۸۲ با دانشگاه مفید به عنوان پژوهشگر حقوق همکاری نمودم که حاصل آن طرح (شبیه سازی انسان در پرتو فقه و حقوق) بود. در حال حاضر در رشته حقوق بین الملل در مقطع دکتری به تحصیل خود ادامه می دهد.

خلوت، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

خلیفه سلطان، علاءالدین حسین

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۰۶۴/۱۰۶۶-۱۰۰۱ ق)، فقیه، محقق و دانشمند. ملقب به سلطان العلماء. وی از دانشمندان محقق و فقه‌های موجه بود. وی علاوه بر تقدم در علم به سمت وزارت و صدارت شاه عباس اول در اصفهان منصوب شد و پس از مرگ شاه عباس اول در اصفهان منصوب شد و پس از مرگ شاه به قم رفت و به امور علمی و تحقیق و مطالعه پرداخت. سپس در عهد شاه عباس ثانی به صدارت رسید و تا پایان عمر در آن منصب باقی ماند. وی در هنگام مراجعت از فتح قندهار در آستانه‌ی اشرفیه در گذشت. پیکرش را به نجف بردند و در آنجا به خاک سپردند. از اساتید وی می‌توان به پدرش سید رفیع‌الدین محمد و مولی حاج محمود رنانی و شیخ بهایی اشاره کرد. از جمله آثار وی: حاشیه بر «شرح لمعه»؛ حاشیه بر «معالم الاصول» در اصول فقه؛ حواشی بر بعضی ابواب «من لا یحضره الفقیه»؛ حاشیه بر «الکافی» در حدیث؛ حاشیه بر «کشاف» در تفسیر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۶۶/۶)، فوائد الرضویه (۱۵۹)، معجم رجال الحدیث (۱۲۳/۶)، معجم المؤلفین (۵۸-۵۷/۴).

خلیفه سلطانی، ابراهیم

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند سید علاء‌الدین حسین خلیفه سلطان است. مادرش دختر شاه عباس صفوی است. در سال ۱۰۳۸ متولد، و در ۱۰۹۸ وفات یافته است.

مشارالیه در سن سه سالگی (سال سوم سلطنت شاه صفی) به دستور شاه صفی کور شد، و با وجود این، تحصیل علم و دانش نموده و در جمیع علوم و فضائل بر امثال و اقران خویش فائق گردیده است. در کتاب مقتبس الاثر (۲: ۲۹۹) گوید: به ابن الخلیفه مشهور است.

در هر صورت، عالم فاضل و فقیه محدث اصولی بوده، کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- حاشیه بر کتاب روضه [البهیة] تا مبحث تیمم ۲- حاشیه‌ای بر مدارک - حاشیه بر شرح لمعه تا آخر طهارت

در کتاب الذریعه (۶: ۹۰ و ۱۹۶) پس از آن که نام تألیفات او را ذکر می‌کند از قول قزوینی در تیمم امل الآمل فرماید: یظهر منه قوه فکرة و دقة نظره

صاحب عنوان هفت فرزند پسر داشته که عبارتند از: ۱- میرزا جمال‌الدین محمد ۲- میرزا معین‌الدین محمد ۳- میرزا معزالدین محمد ۴- میرزا سید محمد ۵- میرزا کمال‌الدین حسین ۶- میرزا محمد حسین ۷- میرزا فضل‌الله.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خلیفه شوشتری، نظر علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نظر علی خلیفه شوشتری

محل تولد: نجف اشرف

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۰/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب نظر علی خلیفه شوشتری معروف به محمد علی انصاری در سال ۱۳۳۰ هـ. ش مصادف با ۱۳۷۱ هـ. ق در نجف اشرف بدینا آمدم. جد اعلی مرحوم ملا نظر علی شوشتری، خلیفه شیخ انصاری (قدس) اقامه جماعت بوده. بنابراین حداقل ۲۰۰ سال است که آباء و اجداد من اهل علم بوده اند دوران ابتدائی تا دبیرستان را در نجف گذراندم. در سال ۱۳۵۱ هـ. ش با دیگر اعضای خانواده (بر اثر کوچ اجباری نظام حاکم بر عراق) به ایران آمدم و با اینکه در دانشگاه مشهد قبول شده بودم آنرا رها کردم و برای ادامه تحصیل به حوزه قم آمدم چون بنده از سال ۱۳۴۷ هـ. ش مشغول تحصیل در حوزه و دبیرستان بودم. در حدود سالهای ۱۳۵۴-۱۳۵۵ در بحث های خارج اساتید بزرگوارم آقایان: مرحوم شیخ کاظم تبریزی، شیخ حسین وحید خراسانی، شیخ جواد تبریزی حفظهم الله تعالی شرکت نمودم. همزمان با درس و تدریس در کار تحقیق و تألیف به جهت علاقه شدیدی که داشتم مشغول بودم.

خلیفه نیشابوری، محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۷۵۰ - ۶۹۰ ق)، مترجم. وی اهل نیشابور بوده و چنانکه دکتر شفیع کدکنی در مقدمه‌ی «تاریخ نیشابور» تصریح دارند، به سال ۷۱۷ ق در تبریز بوده و در خدمت محمود بن عمر نجاتی نیشابوری، از ادیبان برجسته‌ی عصر، به تلمذ اشتغال داشته است. خلیفه تاریخ مفصل و چند جلدی نیشابور ابن البیع الحاکم را ترجمه و تلخیص کرد. این کتاب چند بار چاپ شده است که بهترین چاپ آن به وسیله دکتر شفیع با مقدمه و تعلیقات مفصل نشر یافته است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم) منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۷۸۳)، تاریخ نیشابور (۴۷-۴۳).

خلیقی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مدرس.

تولد: ۱۳۲۶ ق.، قریه‌ی ماسان (از توابع کامیاران).

درگذشت: ۱۷ اردیبهشت ۱۳۶۲، سنندج.

ملا حسن خلیقی، فرزند عبدالخالق کوله ساره‌ای، پس از رسیدن به سن تمیز قرآن و مقدمات فارسی و عربی را در محضر پدرش آغار کرد و پس از مدتی برای کسب دانش بیشتر به قریه آفریان سفلی رفت و در حضور ملا فیض‌الله زردویی تلمذ نمود. چندی بعد مجدداً به زادگاهش ماسان بازگشت و نزد پدر به تکمیل معلومات پرداخت. به موازات تحصیل، به مطالعه و تحقیق در مثنوی مولانا جلال‌الدین رومی مشغول گردید. در این مورد از عبدالقادر مولانایی که استاد مثنوی‌دان بود استفاده و به ویژه اشعاری را از مثنوی حفظ کرد، علاوه بر اشعار مولوی آثار سعدی و حافظ و متونی از کلیله و دمنه و تاریخ معجم و کتب ادبی دیگر را به خاطر سپرد، تا اینکه به کمک و راهنمایی‌های پدرش در ادبیات فارسی پیشرفت نمود و برای تکمیل تحصیلات راهی سنندج شد و با سید عنایت‌الله هویه‌ای ملاقات کرد. همراه با ایشان به قریه‌ی هویه رفت و مدتی در محضر او علوم پایه (صرف و نحو و منطق و غیره...) را فراگرفت. بعد به ماسان مراجعت و در بین راه گذارش به قریه‌ی دولاب ژاورود افتاد و در آنجا نیز چند ماهی در خدمت ملا غفور دولابی استفاده نمود. آنگاه به ماسان بازگشت و نزد پدرش کتاب جمع‌الجوامع را در اصول به اتمام رسانید و به منظور ادامه و تکمیل علوم و اخذ اجازه‌ی افتاء و تدریس به سنندج رفت و چندی نزد ملا حبیب‌الله کاشتری و ملا عبدالمجید اصولی کسب فیض نمود و عاقباً الامر در مدرسه‌ی مسجد ملا جلال سنندج از محضر حاج ملا محمد مدرس گرجی اجازه گرفت و ملا عبدالعظیم مجتهد و ملا محمد مفتی و شیخ کاشتری و سایر استادان اجازه او را تصدیق و مهر تایید زدند. آنگاه به ماسان بازگشت و پس از توقف کوتاهی به سمت مدرس و امام قریه نجف‌آباد منصوب و مشغول تدریس گردید. چند سال بعد در قریه‌ی سرچی و دیرمولی (یکی پس از دیگری) مدرس شد و با جدیت به حل مسائل شرعی رفع اختلافات مسلمانان می‌پرداخت. بعدها نیز یازده سال در قریه کوله ساوه ورمشت (ناحیه گاورود) در خدمت مردم بود و عاقبت به زادگاهش ماسان رفته اداره‌ی مدرسه و قضاوت حوزه‌ی علمیه‌ی ماسان را بر عهده گرفت. در اواخر عمر به علت کهنولت سن به سنندج نقل مکان نمود و در آنجا سکونت گزید.

ملا حسن خلیقی سال‌ها به کار تدریس مشغول بود و به ویژه تحفه شیخ ابن حجر و صحیحین بخاری و مسلم (فقه و حدیث) را تدریس می‌کرد و تعلیقاتی بر آنها دارد.

ملا حسن خلیقی در هفدهم اردیبهشت ماه ۱۳۶۲ دار فانی را وداع و پیکرش در بهشت محمدی سنندج دفن گردید.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

خلیقی، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فارماکولوژی، دانشکده: داروسازی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای داروسازی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۲، دکترای تخصصی فارماکولوژی از دانشگاه مشهد در سال ۱۳۵۴ و فوق

تخصص نوروبارماکولوژی از دانشگاه جورج تاون در سال ۱۳۵۸.

مرتبۀ علمی:

استادیار فارماکولوژی در دانشگاه مشهد از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۵ و دانشیار فارماکولوژی در دانشگاه علوم پزشکی مشهد از سال ۱۳۶۵.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی الکترولیت‌های سرم در ماه مبارک رمضان در افراد روزه‌دار، بررسی حساسیت‌ها و عوارض دارویی در دندان پزشکی، کاهش ترشح بزاق در مصرف داروها، آنتی‌بیوتیک‌های بتالاکتام و مقایسه اثرات فارماکولوژیکی و عوارض آنها در دندان پزشکی و تدریس دورس فارماکولوژی و نوروفارماکولوژی در دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

فارماکولوژی عمومی و تخصصی و نوروفارماکولوژی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

فارماکولوژی تخصصی و بالینی و پژوهش در نوروفارماکولوژی، مقایسه اثرات ضد تشنجی مشتقات بنزودیازپین با فنوباریتال در روی موش آزمایشگاهی، داروهای سیستم عصبی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

خلیلی یزدی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۲، مرتبۀ علمی: استاد، رشته: بیماریهای پوستی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی از دانشگاه مشهد در سال ۱۳۳۸، دکترای تخصصی پوست از دانشگاه مشهد در سال ۱۳۵۱، فوق تخصص پاتولوژی از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۵۹.

مرتبۀ علمی:

استادیار دانشگاه علوم پزشکی مشهد از سال ۱۳۴۳ تا سال ۱۳۴۶، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی مشهد از سال ۱۳۴۶ تا سال ۱۳۴۵ و استاد دانشگاه علوم پزشکی مشهد از سال ۱۳۶۴.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

شیوع بیماری سالک در مشهد، شیوع بیماری گال در بین جنگ زده گان ساکن مشهد، تدریس دروس بیماریهای پوستی و آمیزشی

در دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شیمی فیزیولوژی پوست.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۶، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

پزشکی (پوست).

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

خلیلی، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۰ - ۱۲۷۲ ش)، روزنامه‌نگار، نویسنده و مترجم. در نجف متولد شد. وی مقدمات علوم عربی و ادبی را در همان شهر فراگرفت. به دنبال پیدایی نهضت ضد انگلیسی در عراق به مبارزه علیه انگلیسی‌ها پرداخت و از طرف آنها به اعدام محکوم شد ولی، از عراق به ایران گریخت و در روزنامه‌ی «رعد» مشغول به کار شد. پس از فرار سید ضیاءالدین مدیر روزنامه‌ی رعد، از ایران، خلیلی روزنامه «اقدام» را بنیان گذاشت، که چندین بار به خاطر قلم تند و گزنده‌ی آن توقیف شد. او در تهران درگذشت. آثار وی: «ترجمه‌ی قسمتی از شاهنامه»، به عربی؛ «ترجمه‌ی بیت به بیت بیشتر کلیات سعدی»، به عربی؛ «روزگار سیاه»؛ «اسرار شب».

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ جراید (۲۲۹-۲۲۶/۱)، شرح حال رجال (۱۳۰-۱۲۹/۶)، مولفین کتب چاپی (۶۵۰-۶۴۷/۳).

خلیلی، محسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

خلیلی، محمدحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسین خلیلی

محل تولد: بهشهر

شهرت: خلیلی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۶/۱

زندگینامه علمی

در سن ۶ سالگی وارد دبستان زادگاه خود شدم و در سن ۱۸ سالگی موفق به اخذ دیپلم تجربی شدم. در سن ۱۹ سالگی (۱۳۶۵ شمسی) با قبولی در امتحان ورودی حوزه علمیه قم، وارد حوزه شده و در مدرسه علمیه منتظریه (حقانی) سطح ۱ و مقدمات را سپری نمودم. سپس مشغول فراگیری دروس سطح ۲ شده و در سال ۱۳۷۵-۱۳۷۶ همه امتحانات کتبی و شفاهی، اصلی و جنبی حوزه تا پایان سطح ۳ را به پایان بردم. در همین حال در فوق لیسانس مدرسی الهیات و معارف اسلامی (گرایش کلام و فلسفه) مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شده و آنگاه در سال ۱۳۷۹ در امتحان ورودی کتبی دکترای تخصصی کلام در دانشگاه مذکور با حیازت رتبه ششم، حد نصاب بورسیه تحصیلی کسب نمودم که بنابه دلالتی ادامه تحصیل در دکترا را واگذار نمودم. در همین زمان تدریس سطوح مختلف دروس حوزوی از مقدمات شروع نموده و به طور خصوصی و سپس بطور رسمی در مدارس حوزه ادامه دادم. از سال ۱۳۷۲ هم تبلیغ و سخنرانی را در استانهای مختلف کشور در ایام تبلیغی آغاز نموده و هم اکنون نیز ادامه دارد.

تألیف چند کتاب و ترجمه و تحریر برخی کتب دیگر نیز از جمله توفیقات حقیر بوده است. مدرک سطح ۳ و سطح ۴ حوزه را نیز دریافت نموده و هم اکنون به عنوان عضو هیئت علمی مدرسه امام خمینی (ره) در مرکز جهانی علوم اسلامی مشغول تدریس هستم.

خلیلی فر، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق.

تولد: ۱۲۹۹.

درگذشت: ۱۶ فروردین ۱۳۵۹، تهران.

حسین خلیلی فر، فرزند شیخ ابراهیم خلیلی از وعاظ گیلان و از همزمان میرزا کوچک خان جنگلی، بود. حسین خلیلی فر تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در رشت به پایان رسانید و جهت ادامه‌ی تحصیل در دانشسرای مقدماتی کشاورزی کرج ثبت نام نمود و پس از اتمام دوره‌ی دانشسرا با اخذ مدال علمی حائز رتبه‌ی اول گردید و سپس تحصیلات خود را در رشته‌ی تاریخ و جغرافیا در دانشسرای عالی ادامه داد و در سال ۱۳۲۲ موفق به اخذ لیسانس در رشته‌ی تاریخ و جغرافیا گردید.

از مهر ماه سال ۱۳۲۳ از طرف وزارت فرهنگ وقت به دبیری دبیرستان‌های اهواز منصوب و شروع به کار نمود. در سال ۱۳۲۵ به

ریاست فرهنگ خرمشهر منصوب گشت و پس از پنج سال خدمت در آن شهرستان به تهران منتقل شد و مسئولیت اداره‌ی تألیف و ترجمه در اداره‌ی کل نگارش را به عهده گرفت.

در سال ۱۳۳۰ همزمان با اوج‌گیری مبارزات ملی برای با انتشار مجله‌ی «دانستیها» گام‌های مؤثری در تنویر افکار عمومی برداشت. به موازات فعالیت‌های سیاسی در امور آموزشی و تألیف کتاب‌های درسی و شرکت در مجامع بین‌المللی مخصوصا در رشته‌ی جغرافیا آثار ارزنده‌ای از خود به یادگار گذاشته است. وی همچنین در نخستین کنگره‌ی جغرافیدانان ایران شرکت داشت. آثار خلیلی فر به شرح زیر است: ترجمه‌ی کتاب اکتشاف دریاها (از رنه لنگدره)؛ تألیف کتاب جغرافیا از قدیم تا امروز (۱۳۳۰)؛ انتشار «سالنامه‌ی فرهنگ خرمشهر» از ۱۳۲۴ مدت پنج سال، انتشار مجله‌ی «دانستیها» از سال ۱۳۳۰ که خود صاحب امتیاز آن بوده است، کتاب جغرافیای کلاس‌های چهارم و پنجم ابتدایی؛ کتاب جغرافیای سه ساله راهنمایی تحصیلی؛ مشارکت در تألیف کتاب‌های دروه‌ی دبیرستان؛ تألیف جغرافیا برای دانشسراها و کلاس‌های تربیت معلم. حسین خلیلی فر، صبح روز شانزدهم فروردین ۱۳۵۹ پس از یک دوره طولانی بیماری درگذشت. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

خمامی زاده، جعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جعفر خمامی زاده یکی از دانشمندان معاصر گیلان است. او به مشاغل همچون معلمی و دبیری اشتغال داشته است. وی در حال حاضر کتابدار کتابخانه ملی گیلان است. گروه: علوم انسانی رشته: کتابداری تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: جعفر خمامی زاده در سال ۱۳۰۸ شمسی پادرمدرسه گذاشت. وقتی که او کلاس ششم ابتدایی بود، امتحانات به صورت استانی برگزار شد. خاطرات و وقایع تحصیل: جعفر خمامی زاده نقل می‌کند که در امتحان شفاهی جغرافیا، نقشه‌ای که روی تابلو بود، نقشه گنگ (نامفهوم) بود. یعنی قاره‌ها سیاه و رودخانه‌ها سفید بوده و چیزی روی آن نوشته نشده بود و خودمان باید در همان نقشه، کشورها و رودخانه‌ها و یا شهرها را مشخص می‌کردیم. استادان و مربیان: یکی از معلمان جعفر خمامی زاده در دوران ابتدایی، سید آقا بزرگ شوشتری است که با عبا و عمامه سر کلاس می‌آمدند. یکی دیگر از دبیران او در دوران دبیرستان، سید محمد تائب بود که تعلیمات دینی و عربی تدریس می‌نمودند. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: جعفر خمامی زاده روزگاری در دبیرستان شهید بهشتی (شاهپور سابق) تدریس می‌کرد. مراکز که فرد از بانیان آن به شمار می‌آید: دبیرستان فرهنگیان یکی از مراکز است که جعفر خمامی زاده در تاسیس آن شرکت داشته و از بانیان آن به شمار می‌آید. این دبیرستان به همت فرهنگی‌های رشت و با هزینه شخصی کسانی همانند جعفر خمامی زاده بنا شده است. آرا و گرایش‌های خاص: جعفر خمامی زاده بر این باور است که در گذشته شاگرد اول‌های دانشگاه‌ها غالبا از گیلان بودند. امروزه متأسفانه این طور نیست تا یکی دو سال قبل ما از این نظر در تبه‌های نزدیک به آخر استان‌ها بودیم. الان در زمانی که دانش‌آموزان کشور ما در المپیادها شرکت می‌کنند و مقام می‌آورند، من ندیده‌ام که کسی از گیلان در این المپیادها شرکت کرده باشد. امیدوار است که گیلان بازم در رده‌های بالای علمی مقامش را حفظ کند. آثار: ترجمه برنج گیلان و ویژگی اثر: این کتاب تألیف رابینواست ۲ ترجمه دریای خزر و ویژگی اثر: این کتاب پایان‌نامه آقای دکتر مفتخرم پایان است که خمامی زاده به هنگام برگرداندن به فارسی چیزهایی به آن افزوده است ۳ ترجمه فهرست روزنامه‌های فارسی و ویژگی اثر: این کتاب تألیف رابینواست ۴ ترجمه کتاب ولایات دارالمرز ایران گیلان و ویژگی اثر: وجه تسمیه این کتاب آن است

که اعراب پس از شکست ایرانیان و فتح بقیه سرزمین های ایران تا قزوین آمدند اما نتوانستند وارد گیلان شوند و آنجا را تصرف کنند. ۵. ترجمه گویش گیلکی و ویژگی اثر: این کتاب تالیف آرتور کریستن سن است ۶. ترجمه وضعیت نوغان در ایران و ویژگی اثر: این کتاب تالیف را بینواست

خمیجانی فراهانی، علی اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار رشته: زبان‌شناسی همگانی، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: تهران
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

خمینی، روح‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، فقیه، عارف.

تولد: ۳۰ شهریور ۱۲۸۱ (۲۰ جمادی‌الثانی ۱۳۲۰ ق. ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۲)، خمین.

درگذشت: ۱۴ خرداد ۱۳۶۸، تهران، بیمارستان قلب.

روح‌الله مصطفوی مشهور به موسوی خمینی، فرزند سید مصطفی موسوی از علمای آن زمان، در پنج ماهگی پدرش را از دست داد. خوانین تحت حمایت عمال حکومت وقت پدرش را در مسیر خمین به اراک به شهادت رساندند. بستگان وی برای اجرای حکم الهی قصاص به تهران (دارالحکومه وقت) رهسپار شدند و بر اجرای عدالت اصرار ورزیدند تا قاتل قصاص گردید.

دوران کودکی را تحت سرپرستی مادرش (بانو هاجر) از نوادگان آیت‌الله خوانساری (صاحب زبده التصانیف)، و نزد عمه‌اش (صاحبه خانم) سپری کرد، ولی در پانزده سالگی هم مادر و همه عمه‌اش را از دست داد.

از نوجوانی به تحصیل معارف روز و علوم مقدماتی و سطح حوزه‌های دینیه و از جمله ادبیات عرب، منطق و فقه و اصول پرداخت و نزد معلمین و علمای منطقه (نظیر میرزا محمود افتخارالعلماء حاج میرزا نجفی خمینی، آیت‌الله شیخ علی محمد بروجردی، آیت‌الله شیخ محمد گلپایگانی و آیت‌الله عباس اراکی و بیش از همه نزد برادر بزرگترش آیت‌الله سید مرتضی پسندیده) فراگرفت و در سال ۱۲۹۸ عازم حوزه علمی اراک شد. پس از تحصیلات بسیاری از دروس در اراک، عازم حوزه علمی قم شد. در قم در علوم فلسفه و اخلاق استادان او آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی و آقا سید ابوالحسن حکیم قزوینی و حاج میرزا جواد آقای ملکی تبریزی بودند و علم منقول و فقه و اصول را از محضر آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی و آقا میر سید علی کاشانی فراگرفت. ایشان در همان اوان در دروس فقه و اصول آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی و آیت‌الله یثربی حضور و به مراتب فقه و اصول احاطه یافت و به اجتهاد رسید.

در سال ۱۳۳۹ ق. که آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی درگذشت، آیت‌الله العظمی خمینی دیگر خود یکی از فضلاء و مدرسین حوزه علمی قم به ویژه در رشته فلسفه، تهذیب نفس و اخلاق گردیده بود که بعدها در تدریس فقه و اصول فقه نیز نام‌آور شد.

ایشان که در همان زمان با محافل و شخصیت‌های ضد درباری ارتباط کامل داشت، در مبارزه علیه حکومت رضاخان در حد اقتضای سن خود کوشش نمود. ایشان علیه رژیم فرزند رضاخان نیز مبارزه و افشاگری می‌کرد و بعد از رحلت آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، آیت‌الله حسن بروجردی را در حد امور و مسائل یاری رساند. بعد از درگذشت آیت‌الله بروجردی حوزه علمیه قم و محافل روحانی دیگر او را به عنوان «آیت‌الله خمینی» شناختند.

در سال ۱۳۴۰ با تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی و طرح لوایح شش گانه شاه، امام خمینی مخالفت قاطع خود را علیه رژیم آغاز کرد. با پیش آمدن واقعه خونین ۱۵ خرداد ایشان به دنبال نطقی که علیه رژیم ایراد نمود، دستگیر و به پادگان عشرت آباد تهران منتقل شد. یک سال پس از آزادی، مجدداً در مخالفت با «کاپیتولاسیون» سخنرانی ایراد کرد که منجر به تبعید ایشان در سیزده آبان سال ۱۳۴۴ به ترکیه شد. پانزده سال به حالت تبعید در نجف اشرف به سر برد. سرانجام پس از شهادت پسرشان - آیت‌الله سید مصطفی خمینی - به دست رژیم و پس از آن که از عراق به پاریس رفت و با فرار شاه، در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ با ورودشان به خاک میهن، استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی را برای مردم ایران به ارمغان آوردند و در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ با حمایت توده‌های میلیونی مردم رژیم شاهنشاهی در ایران را سرنگون ساخت و برای نخستین بار در ایران حکومت جمهوری اسلامی را برقرار ساخت و به عنوان «امام» همه مسلمانان جهان به رسمیت شناخته شد. امام خمینی ده سال پس از تأسیس جمهوری اسلامی در ایران و هدایت انقلاب اسلامی در این مدت در چهاردهم خرداد سال ۱۳۶۸ در تهران درگذشت.

از آثار ایشان میتوان به این عنوان‌ها اشاره نمود: شرح دعای سحر (به عربی، ترجمه سید احمد فهری)، شرح حدیث رأس الجالوت (تألیف ۱۳۴۸)، حاشیه امام بر شرح حدیث رأس الجالوت، حاشیه بر شرح فوائد الرضویه، شرح حدیث جنود عقل و جهل، مصباح الهدایه الی الخلافة والولایه، حاشیه بر شرح فصوص الحکم، حاشیه بر مصباح الانس، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، سر الصلوة (صلوة العارفين و معراج السالکین)، آداب نماز (یا آداب الصلوة)، رساله لقاءالله، حاشیه بر اسفار، کشف الاسرار (در اسرار هزار ساله حکمی زاده، چاپ سوم ۱۳۶۳ ق.)، انوار الهدایه فی التعلیق علی الکفایه، بدایع الدرر فی قاعده نفی الضرر، رساله الاستصحاب، رساله فی التعادل و التراجع، رساله الاجتهاد و التقليد، مناهج الوصول الی علم الاصول (دو جلد)، رساله فی الطلب و الاراده، رساله فی التقیه، رساله فی قاعده من ملک، رساله فی تعیین الفجر فی الیالی المقمره، کتاب الطهاره (چهار جلد)، تعلیقه علی العروه الوثقی، مکاسب محرمة (دو جلد) تعلیقه علی وسیله النجاه، رساله نجاه العباد، حاشیه بر رساله ارث، تقریرات درس اصول آیت‌الله العظمی بروجردی، توضیح المسائل (رساله عملیه)، مناسک حج، تحریر الوسیله (دو جلد)، کتاب البیع (پنج جلد)، تقریرات درس امام خمینی، کتاب الخلل فی الصلوة، حکومت اسلامی یا ولایت فقیه، جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، تفسیر سوره حمد، استفتانات، دیوان شعر، نامه‌های عرفانی، پیامها، سخنرانیها، مصاحبه‌ها و احکام و نامه‌ها (بیست و دو جلد)، وصیت‌نامه‌ی سیاسی الهی، مکاسب المحرمه (عربی، ۱۳۸۱ ق.)، تهذیب الاصول (عربی، دو جلد تقریر امام و تحریر جعفر سبحانی، ۱۳۸۰-۱۳۷۵ ق.). حضرت آیه‌الله العظمی امام سید روح‌الله موسوی خمینی ۲۰ جمادی الثانی ۱۳۲۰ (ه.ق.) در خمین در یک خانواده روحانی به دنیا آمد. والدایشان - آیه‌الله سید مصطفی خمینی - در اواخر ۱۳۲۰ در سن ۴۷ سالگی به وسیله فئودالها شهید شد.

امام، تحت تربیت عمه و مادر دلسوز و مراقب‌های برادر بزرگوارش آیه‌الله پسندیده رشد کرد. و پس از تحصیلات مقدماتی در خمین در ۱۳۳۹ عازم حوزه علمیه اراک شد و سپس در ۱۳۴۰ در محضر آیه‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری به قم عزیمت کرد. او در ۱۳۴۵ ه.ق. سطوح عالی را طی کرده و در محضر درس مؤسس حوزه - آیه‌الله حائری حضور یافت. پس از رحلت مرحوم حائری در ۱۳۵۵، به عنوان استادی گرانقدر و مجتهدی عالم در حوزه درخشید. وی در کنار فقه و اصول به تحصیل پرداخت و از محضر آیه‌الله شیخ محمد علی شاه‌آبادی عارف کامل، بهره‌های روحی فراوانی برد. آوازه شهرت وی به عنوان یک استاد مسلم و صاحب شیوه تدریس و تعلیم، طلاب بیشماری را گرد او جمع کرد. درس اخلاق و روش تدریس و تعلیم وی که موجد روح

فداکاری و شجاعت و تعهد و تقوی در طلاب میشد، موجب تحول عظیمی در حوزه و منجر به تعطیلی درسش از طرف دیکتاتور وقت - رضاخان - گردید. پس از سقوط رضاخان، این درس مجدداً در فیضیه آغاز گشت.

در سال ۱۳۶۴ ه.ق. همزمان با ورود آیت‌الله بروجردی، بزرگترین کرسی تدریس حوزه علمیه به وی اختصاص یافت. مسجد سلماسی و مدرسه فیضیه شاهد حضور انبوهی از مشتاقان معرفت و دهها مجتهد اصولی، ادیب و مفسر در محضرش گشت. او در مسند اجتهاد و فتوی نشست و میلیونها تن به عنوان مقلد و پیرو، سر به فرمانش نهادند و در انتظار صدور حکم و فتوایش نشستند.

در سال ۱۳۴۰ ه.ش. با تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی و طرح لوایح ششگانه شاه - که خود وسیله‌ای برای تثبیت حکومت امریکا در ایران بود - مخالفت جدی و قاطع نمود. حادثه ۱۵ خرداد ۱۳۴۱ پیش آمد که هزاران نفر از مسلمانان انقلابی آماج گلوله‌های سفاکان پهلوی گشتند و خود ایشان به دنبال نطقی کوبنده در مدرسه فیضیه به پادگان عشرت‌آباد منتقل و زندانی شد. ولی پس از یک سال آزاد و هنگام بازگشت به قم در مخالفت با کاپیتولاسیون سخنرانی رسوا کننده‌ای در مسجد اعظم ایراد کرد که منجر به تبعیدش در ۱۳ آبان ۱۳۴۲ به ترکیه گردید. پس از مدتی به نجف منتقل و قریب ۱۵ سال اجباراً در حوزه نجف اقامت گزید. و از همانجا عهده‌دار رهبری فکری و ارشادی مردم بود و در فرصت‌های مناسب اعلامیه‌های لازم را صادر می‌کرد. در ۱۳۵۶ ه.ش. به مناسبت شهادت فرزند برومندش آیه‌الله مصطفی خمینی مجالس ترحیم باشکوه و خونینی برپا گشت که شخصیت امام را بیشتر مطرح و موجب انتقال ایشان به پاریس گردید. و این در حالی بود که احساسات مذهبی مردم به اوج خود رسیده و کنترل از دست رژیم خارج گشته بود و شاه از ایران خارج شده و اساس حکومت اسلامی به رهبری امام و فداکاری مردم مسلمان در ایران پایه‌ریزی شده بود.

آثار و تألیفات گرانبهایی از معظم له در اختیار محافل علمی است که از آن میان می‌توان از «تحریر الوسيله كتاب الصلوة»، كتاب المكاسب، كتاب الطهاره، كتاب الخلل، كتاب البيع (در ۵ جلد)، مصباح الهدایة (شرح دعای سحر)، چهل حدیث برگزیده در اخلاق و عرفان و...» را نام برد و اکنون دعای میلیونها تن از مسلمانان و مستضعفین جهان این است:

خدایا! خدایا! تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار!

(۱۴۱۰ - ۱۳۲۰ ق)، عالم، فقیه، مرجع تقلید، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، عارف و شاعر. در خانواده‌ای روحانی در شهر خمین متولد شد. پدرش در چهل و هفت سالگی به دست مالکین محلی کشته شد و امام تحت سرپرستی و حضانت عمه و مادر و برادرش آیت‌الله پسندیده قرار گرفت. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش آموخت و در سال ۱۳۳۹ ق برای ادامه تحصیل رهسپار اراک شد. پنج سال در آنجا اقامت کرد و تا سطوح عالی را خواند. با عزیمت آیت‌الله حائری یزدی در سال ۱۳۴۰ ق به قم و بنا نهادن حوزه‌ی علمیه، در ساذل ۱۳۴۵ ق به قم رفت و به تحصیل فلسفه و حکمت مشغول شد. فلسفه را از آیت‌الله شیخ محمدعلی شاه‌آبادی فراگفت. سپس به تحصیل دروس خارج از سطح پرداخت و از محضر آیت‌الله حائری کسب فیض کرد و به درجه‌ی اجتهاد رسید. وی از محضر می‌رسید علی یشربی و حاج میرزا جواد ملکی تبریزی و آقا میرزا علی‌اکبر حکمی یزدی و حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و حاج شیخ محمدرضا نجفی مسجد شاهی و آقامیرزا محمدعلی ادیب تهرانی و حاجی سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله بروجردی و حاج سید محسن امین و حاج شیخ عباس محدث قمی و سید ابوالقاسم دهکردی اصفهانی و حاج شیخ محمدتقی بافقی بهره‌مند گشت و اینان از مشایخ وی بودند. امام خمینی از سال ۱۳۶۸ ق به تدریس «کفایه» و «منظومه» و «اسفار» و فقه و اصول پرداخت. وی علاوه بر علوم عقلی و نقلی، تحصیل علم اخلاق را جزو دروس تحصیلی طلاب خود قرار داده بود، و از دیرباز به تدریس اخلاق مشغول بود. در دوره‌ی رضاخان درس اخلاق ایشان مدتی تعطیل شد و پس از سقوط رضاخان، این درس مجدداً در مدرسه‌ی فیضیه دایر گشت. وی علاوه بر مدرسه‌ی فیضیه، در مسجد سلماسی نیز تدریس می‌نمود. در سال ۱۳۴۰ ش که تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی و لوایح ششگانه شاه مطرح شد، با مخالفت جدی امام روبه‌رو گردید و در نتیجه

حادثه‌ی پانزده خرداد ۱۳۴۲ ش پیش آمد. امام به پادگان عشرت‌آباد منتقل و زندانی شد و پس از چندی آزاد گردید و به قم مراجعت کرد. مخالفت ایشان با مسئله کاپیتولاسیون و سخنرانی وی در مسجد اعظم سبب شد که معظم‌له به ترکیه تبعید شود. پس از مدتی به نجف منتقل گشت و قریب پانزده سال در نجف اقامت گزید. از همین زمان عهده‌دار رهبری مبارزات سیاسی شد و در هر فرصتی با صدور اعلامیه‌هایی مردم را به مبارزه‌ی تهییج می‌کرد. با درگذشت ناگهانی فرزند ایشان حاج سید مصطفی خمینی در سال ۱۳۵۶ ش و برگزاری مراسم سوگواری، تبلیغات علیه دستگاه هیئت حاکمه را دنبال کرد. به تدریج دامنه‌ی تظاهرات به خیابانها کشیده شد. در این زمان امام از نجف به پاریس رفت و مبارزات علیه شاه اوج گرفت و شاه مجبور به ترک کشور شد و امام به ایران بازگشت و جمهوری اسلامی را بنا نهاد و رهبری حکومت اسلامی ایران را تا ۱۴ خرداد ماه سال ۱۳۶۸ ش که جان به جان آفرین تسلیم کرد، خردمندانه عهده‌دار بود. پیکر پاک وی با مراسم باشکوهی در محلی که اکنون به نام مرقد مطهر معروف است دفن گردید. امام خمینی از آغاز جوانی به شعر و شاعری پرداخت. از آثار وی: «کشف الاسرار»؛ «تحریر الوسيله»؛ «کتاب الصلوة»؛ «کتاب المکاسب»؛ «تهذیب الاصول»؛ «کتاب الطهاره»؛ «کتاب الخلل»؛ «کتاب البیع»؛ در پنج مجلد؛ «مصباح الهدایه»؛ «چهل حدیث برگزیده در اخلاق»؛ «آداب نماز»؛ «مجموعه‌ی اشعار»؛ که پس از رحلت ایشان در دسترس عموم قرار گرفت. [۱]

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه: [۱] آینه‌ی دانشوران (۱۸۷-۱۸۵)، الذریعه (۵۲/۲۲، ۱۲۳/۲۱، ۱۳/۱۸، ۶۹/۱۳)، سخنوران نامی معاصر (۳۴۷-۳۴۰)، کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۳، ص ۱۵-۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۹-۱۲/۸)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳۲-۲۳۱/۳).

خمینی، مصطفی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجت‌الاسلام والمسلمین آیت‌الله حاج آقا مصطفی خمینی فرزند ارجمند زعیم‌الشیعه آیت‌الله العظمی نایب‌الامام خمینی مدظله العالی یکی از افاضل بنام و مدرسین والامقام حوزه علمیه نجف اشرف و حوزه قم بوده‌اند که در سن جوانی به مرگ مشکوک و اجل غیر غیر طبیعی از دنیا رفت و جهان علم و فضل را در سوگ خود نشانید معظم‌له در دوازدهم ماه رجب‌المرجب ۱۳۴۹ قمری در شهرستان علمی و مذهبی قم به دنیا آمد و در بیت علم و تقوی پرورش یافته و پس از دوران کودکی و خواندن دروس ابتدائی به خواندن مقدمات و ادبیات پرداخته و دروس سطوح را از محضر آیات و مدرسین بزرگواری چون آیت‌الله حائری و آیت‌الله صدوقی و آیت‌الله سلطانی و آیت‌الله حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی استفاده نمود و با آن قریحه سرشار و هوش و استعداد فطری که مخصوص بیت جلیل اوست در مدت کوتاهی از سطوح فارغ شده و در سن بیست و یک سالگی به درس خارج فقه آیت‌الله العظمی بروجردی و درس اصول والد ماجدش و مرحوم آیت‌الله محقق داماد شرکت و از خرمن علوم آنان بهره‌های وافیه برده و کم‌کم مشارالبنان گردیده و خود حوزه درس مستقلی تشکیل و عده چشمگیری به حوزه درس معقول و منقولش حاضر و از بیانات ایشان استفاده نموده تا در روز سیزدهم آبانماه ۱۳۴۳ برابر سوم ماه رجب ۱۳۸۴ قمری ایشان را عمال سفاک رژیم منحوس پهلوی و عوامل سازمان امنیت (به قول خودشان) در منزل حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله غفلتا دستگیر و به شهربانی برده و از آنجا به تهران و به زندان (قرل قلعه) منتقل نمودند.

اما داستان دستگیری ایشان برخلاف تفسیر بعضی از مغرضین از این قرار است. چون در نیمه شب مزبور نایب‌الامام والد معظم ایشان را از قم مأمورین ساواک به امر مستقیم دربار و اربابانشان به تهران و یکسره به ترکیه تبعید نمودند فرزند برومند مذکورش صبح

آنروز برای مذاکره و مشاوره به منزل حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی مدظله آمدند و چون منزل نایب‌الامام در محاصره مأمورین ساواک بود و آن مرحوم هم تحت مراقبت شدید آنها بودند به مجرد ورودشان به منزل آقای مرعشی منزل در محاصره عمال دولت از پلیس و سازمانیها و غیره قرار گرفت و آیت‌الله مرعشی میهمان عزیز خود را به اندرون برده و هنوز چند لحظه‌ای نگذشته و مذاکره‌ای نشده که درخیمان و جلادان بدتر از لشکر چنگیز بدون در زدن از دیوار و بام منزل هجوم آورده که آقازاده را دستگیر کنند آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی روحی فداه پیش آمده و فریاد زدند چه می‌خواهید گفتند فلانی پسر فلانی را فرمودند ایشان میهمان من است و من نمی‌گذارم میهمان مرا بیرید گفتند دستور بردن شما را نداریم و گرنه می‌بردیم. پس خواستند به اطاق مخصوص آقا وارد شوند. آقا جلوی آنها را گرفت پس آن بیشرها از خدا و پیامبر (ص) شرم نکرده و از آن پیرمرد نورانی و مرجع بزرگوار که مبتلا به چندین کسالت قلب و فشار خون و قند و اعصاب بودند و هنوز هستند (عافاه‌الله) از پله‌های اطاق به میان حیات منزل انداخته و آقازاده عزیز را در حالی که میزبانش بیهوش افتاده بود جلب نموده و به شهربانی برده و از آنجا به تهران و زندان قزل قلعه برده و مدت پنجاه و هفت روز در آنجا بازداشت و سپس در روز سه‌شنبه ۲۴ ماه شعبان مطابق هشتم دی ماه ۱۳۳۲ شمسی آزاد و به قم آمده و پس از یک روز مجدداً جلب و تبعید به ترکیه خدمت والد بزرگوارشان شدند.

اما از آن طرف میزبان گرامی ایشان آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی که چند ساعتی بیهوش بودند چندین روز به واسطه این حادثه فشار خونشان بالا رفته و به خطر افتاده و از طرف پزشکان ممنوع‌الملاقات شدند و ایشان پس از اندکی بهبودی کرارا می‌فرمودند دوست داشتم مرا ببرند و میهمان مرا نبرند.

آیت‌الله زاده خمینی حدود ده ماه در خدمت والدشان در تبعیدگاه ترکیه بسر برده و از اباحت خصوصی علمی والدش استفاده می‌نموده تا در تاریخ نهم جمادی‌الثانی ۱۳۸۵ قمری از ترکیه به عراق تبعید و با استقبال گرم حوزه علمیه نجف اشرف وارد به حرم امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام باب مدینه علم گردیده و رحل اقامت افکند و به تدریس فقه و اصول پرداخته و جمع کثیری از فضلاء نجف اشرف از محضرش استفاده نموده تا در هفتم ذی‌قعدة ۱۳۹۷ به مرگ مشکوکی از دنیا رفته و جهان فضل را غرق ماتم نموده و در حوزه‌های علمی نجف و قم را در سوک خود نشانید. نویسنده که از قدیم افتخار دوستی و ارادت و علاقه به آن شهید بزرگوار را داشتم و در محرم و صفر ۱۳۹۰ قمری که از راه قطر به سوریه و از آنجا به عراق و نجف مشرف شدم مکرر توفیق دیدارشان را یافته و از ضیافت گرم ایشان برخوردار شدم بعد از نماز مغرب و عشاء شب هشتم ذی‌قعدة که عازم منزل بودم از جانی خبر نداشتم درب صحن مطهر به یکی از دوستانم برخورد کرده خبر ناگهانی این ضایعه اسفناک را داد پایم لغزیده و حال شوکی دست داد و هرگز باور نمی‌کردم که نخل شکوفای علم و فضل و صداقت و اخلاق و محاسن آدابی چون آیت‌الله حاج آقا مصطفی خمینی عزیز در بهار زندگی به زمین افتاد و ستاره درخشان و چراغ فروزانی مانند او به این زودی غروب و یک جهان فضل و دانش را با خود به گور برد.

یا کوکباً ما کان اقصر عمره

و کذا تکون کواکب الاسحار

در مرگ و شهادت این بزرگوار موج عجیبی سراسر ایران و بالخصوص در نجف و قم و تهران برخاست و طلیعه انقلاب ایران گردید و در واقع شهادت ناگهانی ایشان موجب حیات و نجات ایران و ملت محروم و مستضعف ایران از زیر بار استعمار و رژیم شاهنشاهی و در بدر و آواره شدن پهلوی گردید.

به مجرد شیوع این فاجعه بازارها و کلیه دکاکین قم و تهران و سایر بلاد بسته و حوزه‌های علمی تعطیل و مجالس سوگواری و فاتحه تشکیل و عموم مردم با دل سوزان و دیدگان اشک‌آلود شرکت و صدای گریه و ناله مردم به خصوص علماء و فضلا و محصلین علوم دینی بلند و همه می‌گفتند خدا به داد دل نایب‌الامام رسیده و صبر جزیل و اجر جمیل مرحمت فرماید.

شرح اثر این حادثه بسیار و در کتاب (شهیدی دیگر از روحانیت) منعکس و ثبت می‌باشد خلاصه در تمام ایران مجالس عدیده منعقد و به یاد آن بزرگوار اشک می‌ریختند. در آن هنگام سیل تلگرافات تسلیت از همه طبقات حتی از یاسر عرفات رهبر انقلابی فلسطینی محضر امام مخابره شده مراتب همدردی و تاجر عمیق خود را ابلاغ نمودند.

آثار علمی آنجناب:

- ۱- یکدوره کامل بیع در ده مجلد
 - ۲- کتابی در مبحث اجاره- این کتاب در یورش مأمورین شاه به منزل نایب‌الامام (خمینی) در قم به ضمیمه صدها کتاب خطی دیگر از تالیفات امام و غیره به یغما برده شد.
 - ۳- کتابی در مبحث نکاح
 - ۴- حاشیه بر عروه‌الوثقی مرحوم علامه طباطبائی سید محمد کاظم یزدی
 - ۵- کتاب اصول از اول تا مبحث استصحاب
 - ۶- تفسیر قرآن در حدود چهار هزار صفحه ناتمام
 - ۷- حاشیه‌ای بر اسفار مبارزات فقید سعید و قربانیهای آن
- مرحوم آیت‌الله حاج آقا مصطفی رحمه‌الله. در مبارزات ایران از سال ۱۳۴۱ شمسی یکی از افراد فعال و پرکار و متحرک روحانیون بود و در به حرکت درآوردن نیروهای اصیل و فعالیت و کوششهای طاقت‌فرسائی داشت.
- در سال ۱۳۴۲ شمسی بعد از دستگیری والد بزرگوارش در اثر هجوم وحشیانه جلادان شاه یکی از فرزندان را از دست داد و نیز در حمله دیگری که دژخیمان دربار در سیزدهم آبانماه ۱۳۴۳ به منزل ایشان نمودند فرزند خردسال دیگرش کشته شد.
- آن مرحوم بارها می‌فرمود که در راه آزادی کشته‌های بسیار خواهیم داد و بالاخره پیروزی ثمره پایداری است.
- مزار آن شهید مجاهد
- چون آن فقید دانشمند به مرگ غیر مترقبه ناگهانی مشکوکی از دنیا رفت و جنازه‌اش با یک دنیا تاجر از نجف برای تغسیل و تجدید عهد با جدش حضرت ابی‌عبدالله‌الحسین علیه‌السلام حمل به کربلا و پس از غسل با آب فرات و طواف در حرمین شریفین حضرت حسین و حضرت عباس علیهما‌السلام با بیش از هفتاد اتوبوس تشیع و به نجف اشرف برگردانیده و با تجلیل کم سابقه‌ای از عموم طبقات و تعطیل بازار کلیه دکاکین نجف در معیت حضرت آیت‌الله‌العظمی خوئی مدظله و تمام مراجع و آیات عظام نجف جز والد ماجدش که اندکی تشیع نمودند (به اندازه تشیع‌هایی که از دیگران می‌کرد) به حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین (ع) آورده و پس از نماز خواندن آیت‌الله خوئی و طواف حرم مطهر در میان انبوه اشک و ناله در ایوان مطهر در مقبره علامه مرحوم آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی (کمپانی) در جنب مقبره علامه حلی به خاک رفت عاش سعیدا و مات سعیدا
- حشره‌الله مع السعداء والصالحین
- بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

خنجی، افضل‌الدین، ابوعبدالله محمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۴۶/۶۴۹-۵۹۰ ق)، منطقی شافعی. اهل خونا یا خونج مراغه بود. بیشتر ایام عمر خود را در شام و مصر گذرانید و در مدرسه‌ی صلاحیه‌ی قاهره تدریس می‌کرد و عهده‌دار مقام قضاوت نیز بود. از آثار وی: «کشف الاسرار عن غوامض الافکار»، در منطق که ابن البدیع بندهی و نجم‌الدین کاتبی قزوینی آن را شرح کرده‌اند؛ «الموجز».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۲۴۴/۳)، سرآمدان فرهنگ (۱۶۹/۱)، کشف الظنون (۱۹۰۱، ۱۴۸۶)، هدیه العارفین (۱۲۳/۲).

خواجوی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: رادیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

انترن بیمارستان‌های دانشگاه تهران، انترن بیمارستان برگن‌پاین آمریکا، رزیدنت رادیولوژی دانشگاه پیتسبورگ آمریکا، فلوی سی

تی و سونوگرافی دانشگاه بالتیمور آمریکا، گذراندن دوران سی‌تی‌اسکن، سونوگرافی و ام. آر. آی در ژاپن.

مرتبه علمی:

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان از سال ۱۳۵۷، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

رادیولوژی سونوگرافی و سی‌تی‌اسکن، بررسی کیست هیداتیک به وسیله سی‌تی‌اسکن، سونوگرافی، ضایعات تراشه در مجروحین

جنگ شیمیایی و استاد راهنمای ۶ پایان‌نامه دکترای عمومی و تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

رادیولوژی عمومی، سونوگرافی و سی‌تی‌اسکن.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

وفور سنگ‌های صفراوی در ایران، نحوه بررسی کبد به وسیله سونوگرافی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

خواجوی، ملا محمد اسماعیل

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ملا محمد اسماعیل خواجه‌نوی، یکی از بزرگترین دانشوران قرن دوازدهم هجری است. وی مازندرانی بود اما در اصفهان به تحصیل پرداخت. از اساتید او اطلاع دقیقی در دست نیست او ظاهراً نزد بهاء الدین محمد اصفهانی مشهور به "فاضل هندی" و ملا محمد تنکابنی مشهور به "فاضل سراب" تحصیل می‌کرده است. اواسط زندگی خواجه‌نوی مقارن با حمله افغانها و محاصره اصفهان است. در این سالها (۱۱۳۴-۱۱۳۷) هـ. ق بسیاری از مردم در اثر قحطی جان سپردند و عده دیگری به دست مهاجمان افغان کشته شدند. سقوط سلسله صفویه و بروز قحطی و هرج و مرج و آشفتگی اوضاع و نابسامانی وضع معیشتی مردم موجب از هم گسیختگی حوزه بزرگ علمی، ادبی و هنری اصفهان شد. پس از فرار افغانها از ایران و فروکش کردن آتش فتنه، آنچه باقی ماند خرابی و ویرانی شهر و از دست رفتن هزاران دانشمند و نابودی صدها کتابخانه و مرکز علمی بود. ملا اسماعیل خواجه‌نوی از معدود کسانی بود که با همت والای خود کمر به احیای حوزه علمی اصفهان زد و با رونق بخشیدن به مدارس علمیه و برپایی جلسات درس و تالیفات بسیار، بار دیگر از نابودی حتمی حوزه علمی اصفهان جلوگیری کرد. خواجه‌نوی در فقه، اصول، کلام، حکمت، ریاضی، هیات و ادبیات، مهارت به سزایی داشت و از کسانی بود که فلسفه صدرایی (حکمت متعالیه) را به نسل‌های بعد انتقال داد. از او آثار علمی بسیاری به جای مانده است که از همه مهمتر "مفتاح الفلاح" در شرح دعای صباح، "جامع الشتات"، "ابطال الزمان الموهوم" و "حاشیه بر اربعین" شیخ بهائی را می‌توان نام برد. ملا محمد مهدی نراقی، "آقا محمد بید آبادی"، "میرزا ابوالقاسم مدرس" و "ملا محراب گیلانی" مشهورترین شاگردان خواجه‌نوی به شمار می‌روند. سرانجام این دانشمند عالیقدر به سال ۱۱۷۳ هـ. ق به دیار باقی شتافت و در تخت فولاد اصفهان نزدیک قبرستان فاضلان به خاک سپرده شد. در سالهای اخیر مجموعه تاریخی فرهنگی و مذهبی تخت فولاد بقعه‌ای بر سر مزار او بنیاد نهاده است.

خواجویان، محمد کاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مطالعات اسلامی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد مدرس.

تولد: ۱۳۱۷، مشهد.

درگذشت: ۱۳ آبان ۱۳۷۲، مشهد.

محمد کاظم خواجه‌نوی پس از گذراندن دوره‌های ابتدایی و متوسطه تحصیل، به دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی مشهد راه یافت و در سال ۱۳۴۱ به دریافت دانشنامه‌ی لیسانس تاریخ از آن دانشکده نایل آمد. پس از آن، با سمت دبیری به کار در وزارت آموزش و پرورش پرداخت و مدتی در آبادی فارس تدریس کرد و چندی بعد برای ادامه‌ی تحصیل به فرانسه رفت و طی سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۵۴ دوره‌های فوق لیسانس و دکترای رشته‌ی مطالعات اسلامی را به پایان برد.

دکتر خواجه‌نوی از سال تحصیلی ۱۳۵۷-۱۳۵۶ به تدریس در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد پرداخت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی به گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد منتقل شد و چندی پس از آن ریاست دانشکده‌ی ادبیات این

دانشگاه را پذیرفت. دکتر خواجه‌یون نزدیک به نه سال در این سمت باقی بود و پس از آن نیز تا درگذشت، در سمت معاون دانشجویی دانشگاه مشهد انجام وظیفه کرد. همزمان با آن، عضویت هیئت امنای دانشگاه‌های شمال شرق کشور را داشت و به ویژه سرپرستی شورای برنامه ریزی گروه تاریخ وزارت فرهنگ و آموزش عالی را نیز عهده‌دار بود. این شورا اقداماتی برای بهبود کیفیت وضع مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری انجام داد.

دکتر محمد کاظم خواجه‌یون درس‌های تاریخ صدر اسلام، تاریخ تشیع و تاریخ ائمه را در بخش تاریخ دانشکده‌ی مشهد تدریس می‌کرد و ضمناً به امور اجرایی-اداری دانشگاه فرودسی نیز می‌رسید. وی همچنین از نخستین سال‌های فعالیت کانون نشر حقایق اسلام در مشهد زیر نظر استاد محمدتقی شریعتی به فعالیت‌های مذهبی در این کانون پرداخت. عضویت در هیئت مدیره «انصار الحجه» (مؤسسه‌ی خیریه‌ای که برای رسیدگی به وضع یتیمان فالیست داشت)؛ فعالیت در انجمن حمایت از زندانیان مشهد؛ عضویت در هیئت امنای اداره‌ی اوقاف مشهد از دیگر فعالیت‌های اجتماعی دکتر خواجه‌یون بود.

دکتر خواجه‌یون در زمان ریاست خویش در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، کوشش بسیار کرد تا فضای علمی-پژوهشی دانشکده را سرزنده نگاه دارد. بسیاری از پژوهشگران به تشویق و یاری وی به کارهای پژوهشی پرداختند. وی همچنین نشریه‌ای تخصصی در زمینه‌ی پژوهش‌های تاریخی بنیاد گذارد که از سال ۱۳۶۸ با نام «فصلنامه‌ی مطالعات تاریخی» منتشر شد. مقالات پژوهشی وی در این فصلنامه و نیز مجله‌ی «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی» مشهد به چاپ رسیده است.

دکتر خواجه‌یون درباره‌ی تشیع پژوهشی انجام داد که بنا بود در سلسله انتشارات سازمان «سمت» (سازمان مطالعه و تدوین کتاب علوم انسانی دانشگاه‌ها) چاپ گردد.

دکتر محمد کاظم خواجه‌یون در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۷۲ در مشهد به علت سکته‌ی قلبی درگذشت.

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: خاورشناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فرودسی مشهد
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

خواجوی، ابوالحسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

از دانشمندان و مطلعین از علوم قرآن بوده، رساله‌ای در تجوید بفارسی نگاشته، تاریخ تألیف ۱۲۲۵ هجری می‌باشد.
برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خواجه بمی، محمدحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسین خواجه بمی

محل تولد: بم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد حسین خواجه بمی در سال ۱۳۴۷ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان بزم دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه بزم گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره‌ها برد. از سوی دیگر به شوق زیارت، هم‌جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها و ادمه تحصیل در قم رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۰ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون مرحوم آیت الله فاضل، مرحوم آیت الله شیخ جواد تبریزی، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فقه و حقوق در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۱ از دانشگاه آزاد جیرفت فارغ التحصیل گردید. و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان "احکام مربوط به گناه" دفاع کرد. وی پس از سالها تلاش و علم‌اندوزی در قم، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم‌اکنون به تدریس دروس معارف اسلامی در دانشگاه علوم پزشکی کرمان مشغول می‌باشد. وی در طول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نمانده است و آثاری از قبیل "چگونگی ظهور الهی" و "ایمان عملی" را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

خواجه کریم‌الدینی، مهرانگیز

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: میکروبیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۵۱، دکترای تخصصی میکروبیولوژی از دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۵۴.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تفسیر تست توپرکولین قبل و بعد از تزریق واکسن G.C.B در نوزادان و جوانان، ارزیابی میکروبی عفونت‌های ادراری جهت انتخاب داروی مؤثر به روش کشت آنتی‌بیوگرام و MIC و نحوه پیشگیری از عوارض ثانویه در جانبازان انقلاب اسلامی و بیماران تحت درمان، بررسی باکتریهای بی‌هوازی اختیاری پلاک دندان قبل و بعد از مصرف قرص سدیم فلوراید، بررسی فلور میکروبی

حلق در کودکان خراسان، بررسی تب روماتیسمی و بیماری‌های قلبی روماتیسمی اطفال و راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۳ پایان‌نامه دکترای پزشکی و تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ترجمه و تلخیص قسمتی از کتاب مارتین دل، ترجمه قسمت باکتری‌شناسی کتاب مدیکال میکروبیولوژی، ویرایش کتاب باکتری‌شناسی پزشکی استاد دکتر محمد ناظم، شش جزوه مختلف باکتری‌شناسی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲۱، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

مطالعه اپیدمیولوژی پسودوموناس آئروژنیوزا، بررسی ۶ مورد بیماریزائی و بیروفوس، گزارش ۳۸۳ مورد کشت مثبت برای شیگلا و مقالاتی دیگر به زبان‌های فارسی و انگلیسی در زمینه‌های میکروبیولوژی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

خوارزمی ادیبی، ابوسعید احمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۲۶ ق)، ادیب، شاعر و خطاط. از اهالی خوارزم بود و در فصاحت و بلاغت و نگارش مهارت داشت از خوشنویسان طراز اول به شمار می‌رفت و پیش از زمان یاقوت حموی می‌زیست.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ریحانه (۱۰۰/ ۱)، معجم الادباء (۱۳۵- ۱۳۱/ ۲).

خوارزمی، ابوبکر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۸۳ ق)، شاعر و ادیب. مشهور به طبرخزی. نسبت وی بدان سبب است که پدرش از خوارزم بود و مادرش از طبرستان. وی که خواهرزاده‌ی محمد بن جریر طبری است در خوارزم متولد شد، از زادگاهش به شام رفت و مدتی در حلب ساکن شد. در راه بازگشت در ارجان (بهبهان)، به دیدار صاحب بن عباد رفت و داستان این ملاقات مشهور است و پس از آن به نیشابور آمد و در آن شهر مسکن گزید و همان جا در گذشت. ابوبکر در حفظ اشعار و ایام و اخبار عرب و لغت عرب یگانه روزگار خود بود. از آثار وی: «دیوان» اشعار؛ مجموعه‌ی «رسایل» خوارزمی که به داشتن محاسن بدیعی ممتاز است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۵۲/۷)، اعیان الشیعه (۳۷۹-۳۷۷/۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۰-۶۳۹/۱)، تاریخ اسلام (حوادث ۶۹-۶۸/۴۰۰-۳۸۱)، تاریخ نیشابور (۱۸۵)، الذریعه (۲۴۵، ۲۴۱/۱۰، ۹۸۵، ۳۷/۹)، روضات الجنات (۱۹۳/۷)، ریحانه (۱۸۵-۱۸۳/۲)، سرآمدان فرهنگ (۹۸/۱)، سیرالنبلاء (۵۲۶/۱۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۷۴/۴)، الکامل (۱۶۱/۷)، کشف الظنون (۹۰۲، ۷۷۰)، الکنی و الالقاب (۲۲/۱)، لغت نامه (ذیل/ ابوبکر)، معجم المؤلفین (۱۲۰-۱۱۹/۱۰)، الوافی بالوفیات (۱۹۶-۱۹۱/۳)، وفیات الاعیان (۴۰۳-۴۰۰/۴)، هدیه العارفین (۵۷/۲).

خوارزمی، ابوعلی حسن

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۴۲ ق)، فقیه، ادیب و شاعر شیعی. ملقب به ضریر. پدرش از مردم نیشابور بود که به خوارزم مهاجرت کرد. حسن در این شهر نشو و نما یافت. از جمله آثار وی: «تهذیب دیوان الادب»، «تهذیب اصلاح المنطق»، «زیادات اخبار خوارزم»، «محاسن من اسمہ الحسن»، «دیوان» شعر، دو مجلد؛ «دیوان رسائل».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۱۳-۳۱۲/۵)، الغدیر (۳۰/۴)، کشف الظنون (۱۰۸)، معجم الادباء (۱۹۱/۹)، معجم المؤلفین (۲۹۶/۳)، الوافی بالوفیات (۲۷۲-۲۷۱/۱۲)، هدیه العارفین (۲۷۵/۱).

خوارزمی، عبدالعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

خواص، امیر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

امیر خواص

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجناب امیر خواص دوران تحصیلات ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خود یعنی تهران سپری کرد. سال چهارم دبیرستان در رشته علوم تجربی، همزمان با آغاز تحصیلات حوزوی بود از سال ۶۲ تحصیلات حوزوی را بطور جدی در قم آغاز نمود و در سال ۷۲ دروس سطح را با موفقیت سپری کرد. از سال ۷۳ تا سال ۸۰ به مدت ۷ سال در درس خارج فقه آیت الله جوادی آملی شرکت نمود.

از سال ۱۳۷۱ که مشغول درس کفایه الاصول بودم وارد موسسه در راه حق شدم و در سال ۱۳۷۴ به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) منتقل شدم و در سال ۱۳۷۵ در رشته الهیات و معارف اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۱ با دفاع از رساله خود با عنوان بررسی تطبیقی سعادت از دیدگاه افلاطون، ارسطو غزالی با رتبه ممتاز دفاع نموده و فارغ التحصیل شدم. از سال ۱۳۸۲ به عضویت هیئت علمی موسسه و آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) درآمد. در سال ۱۳۸۳ در رشته فلسفه دین در مقطع دکترا شرکت نموده و پذیرفته شدم و هم اکنون در ترم اول مشغول تحصیل هستم.

کارهای پژوهشی را از سال ۱۳۷۶ آغاز نمودم و حدود ۳ سال در زمینه فلسفه اخلاق به پژوهش و مطالعه پرداختم که محصول آن ترجمه مقالاتی از دایره المعارف فلسفه اخلاق بکر بود که دفتر اول آن در سال ۸۰ از سوی موسسه امام خمینی (ره) منتشر شده است در سال ۷۷ به همراه جناب آقای اکبر حسینی کتاب دین و اخلاق را تالیف نمودیم که این اثر برای چاپ آماده شد اما متأسفانه در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به مدت دو سه سالی مفقود شد و پس از مدت ها که پیدا شد منتظر فرصتی برای به روز کردن آن و چاپ هستیم.

هم چنین کتاب منشأ دین را به همراه آقای سید اکبر حسینی تالیف نموده ام که بزودی منتشر خواهد شد.

مقالات جلد دوم فلسفه اخلاق هم در حال آماده شدن است که به همراه مقالات برخی دوستان چاپ خواهد شد.

کتابها و مقالات دیگری هم تالیف شده است که برخی چاپ شده اند و برخی هنوز منتشر نشده اند. موضوعات و زمینه های تدریس این جانب عبارتند از: فلسفه اسلامی، کلام اسلامی، فلسفه دین، کلام تطبیقی ادیان ابراهیمی و شرقی.

خوافی، فصیح الدین احمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فصیح الدین احمد خوافی مشهور به فصیح در سال ۷۷۷ در خانواده جلال الدین محمد خوافی که از دیوانیان دیوان استیفای تیموریان، بود در هرات به دنیا آمد و منشی گری و خطاطی را نزد پدر آموخت و آغاز به شاعری در او شکوفا شد. او که از سن نوجوانی شغل دیوانی را آغاز کرده بود، از سال ۸۱۸ از خدمت در دیوان علاءالدین علی ترخانی به دیوان شاهرخ بهادر و بایسنقر میرزا منتقل شد و تا سال ۸۳۶ به کار خود ادامه داد. در آن سال وی مورد خشم سلطان شاهرخ و همسرش گوهر شاد خانم قرار گرفت و محبوس شد. تا اینکه در سال ۸۴۵ آزاد و کتاب تاریخی خود را تحت عنوان «مجموعه فصیحی» را به رشته تحریر در آورده و به سلطان تقدیم کرد و اندکی بعد در گذشت.

گروه: علوم انسانی

رشته : تاریخ

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : خاندان فصیح الدین احمد خوفاي اصلا از خواف خراسان بوده اند اما در زمان تولد فصیح ، در هرات می زیستند از این رو فصیح در کتابش ، خود را هروی می داند. پدرش جلال الدین نیز در هرات شغلی دیوانی داشت و در سال ۷۹۶ وفات یافت.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : فصیح الدین احمد خوفاي پس از آموختن فنون دیوانی از جمله ترسل؟؟؟ و خوشنویسی در نزد پدر ، عهد ه دار خدمات دیوانی شد.

وقایع میانسالی : فصیح الدین احمد خوفاي همانند پدر خود از نوجوانی به خدمات دیوانی مشغول شد، او در سال ۸۰۷ پس از جلوس شاهرخ بجای امیر تیمور گورکانی در خراسان ، به همراه سه تن از امرای دیگر مامور تحویل گرفتن خزانه خاصه شاهرخ در سمرقند بود ، شد. وی در این هنگام سی ساله بود . وی در همان سال برای ماموریتی اداری به زاوه سفر کرد . از سال ۸۱۸ هجری قمری از خدمت در دیوان علاءالدین علی ترخان به ملازمت دیوان شاهرخ در آمد و در عین حال در دربار بایسنقر پسر شاهرخ نیز مشغول بود . اما در سال ۸۳۶ معزول و محبوس شد تا اینکه در سال ۸۴۵ آزاد و دوباره استخدام شد و مدتی بعد در گذشت .

زمان و علت فوت : بعد از سال ۸۴۵ از فصیح الدین احمد خوفاي که در آن زمان ۶۸ ساله بود خبری در دست نیست . بعید نیست که فوت او هم در نزدیکی همین سال بوده باشد. زیرا کتاب وی باخبر بار یافتن وی به حضور سلطان شاهرخ در سال مذکور پایان یافته است . چرا که بعید است که از این در تکمیل رساله نامه خود که البته با حوادث مهم ۵ سال آخر سلطنت سلطان شاهرخ (تا سال ۸۵۰) مقارن گشته بود ، دریغ می کرد

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فصیح الدین احمد خوفاي بعنوان کار گزار امور دیوانی در خدمت وابسته گان قسمت مرکزی تیموریان ، یکی از مامورین تحویل گرفتن خزانه خاصه شاهرخ در سمرقند و رئیس مالیات و محاسب خزانه دولتی (۸۰۷)، کار گزار دیوان علاءالدین علی ترخان (تا سال ۸۱۸ ه. ق.) کار گزار و مقامات؟؟؟؟ دیوان شاهرخ و بایسنقر (۸۳۶-۸۱۸) در درگاه تیموریان مشغول به کار بوده است. همه عمر وی به خدمت در دیوان استیفای سپری شده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : فصیح الدین احمد خوفاي شاعر بود و در شعر خود ، که نمونه هایی از آن را در کتاب خود ثبت نموده است ، به « فصیح » تخلص می کرده است .

آثار :

۱ معجل فصیحی

ویژگی اثر : کتابی است شامل وقایع نگاری سالنگارانه که با رعایت اختصار از کتابهای موثق دست چین شده است یا از یادداشتهای مولف از وقایعی که به چشم دیده است . این کتاب در یک مقدمه و در دو مقاله و خاتمه تنظیم شده است بدین شرح مقدمه از هبوط آدم تا ولادت پیغامبر اسلام ، مقاله اول از ولادت پیغامبر تا زمان هجرت ، مقاله سوم از آغاز هجرت تا پایان سال ۸۴۵ ه. ق خاتمه کتاب نیز درباره برخی احوال هرات در سالهای پیش از هجرت است . روش تاریخ نگاری فصیح آن است که هر ضرر را با کمترین کلمات به کوتاه ترین شکل در ضمن وقایع هر سال ضبط کند و بنا بر این عبارات منشیانه در آن بسیار کم و نادر است . اما کتاب از حیث جمع آوری اخبار و اشتمال بر اطلاعات بسیار و آسانی یافتن آنها را ، اثری سودمند است . نشر کتاب ساده و خلاصه و گاهی همراه با اشعاری فارسی و عربی است و فقط دیباچه ای شاعران یاد شده است . فصیحی کتاب خود را در ۱۵ ذیحجه ۸۴۵ به سلطان شاهرخ بهادر تقدیم کرده است .

منابع:

۱ صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ص ۴۹۶۲ نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ج ۱، ص ۲۳۸

خواند میر، غیاث‌الدین

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۸۸۰/۸۸۱ وف ۹۴۲-۹۳۷ ق)، مورخ. وی در شهر هرات ولادت یافت و در همان شهر به تحصیل علوم متداول زمان یعنی طب، تفسیر، شعر، ادب، لغت و تاریخ کمالات پرداخت. غیاث‌الدین نواده‌ی دختری میرخواند، صاحب «روضه الصفا» ست که در بیشتر آثارش از وی یاد می‌کند. خواندمیر در جوانی به دربار سلطان حسین بایقرا راه یافت و مورد توجه و محبت امیرعلیشیر نوایی قرار گرفت و مدتی عهده‌دار وزارت بدیع‌الزمان پسر سلطان حسین بود. وی در سال ۹۳۵ ق به هندوستان سفر کرد و در آنجا مدتی خدمت بابرشاه و همایون‌شاه کرد. در هندوستان درگذشت و بنا به وصیتش در دهلی نزدیک قبر نظام‌الدین اولیاء و امیرخسرو دفن شد. در تاریخ وفات وی اختلاف نظر است، عده‌ای مثل خان بابا مشار و صاحب «تاریخ فرشته» سال مرگ وی را ۹۳۷ ق و ۹۴۱ ق دانسته‌اند ولی، استاد سعید نفیسی نوشته که خواندمیر در سال ۹۴۲ ق برای شاعری ماده‌ی تاریخ سروده، پس سال فوتش باید اواخر سال ۹۴۲ باشد. از آثار او: «دستور الوزراء»، در ذکر احوال وزرای اسلام تا عهد مولف؛ «خلاصه الاخبار فی بیان احوال اخیر» که محتوی است از تاریخ عمومی از زمان خلقت تا سال ۹۰۵ هجری نبوی؛ «مآثر الملوک که متضمن کلام پادشاهان و پیشوایان دین و حکیمان و به نام امیرعلیشیر نوایی تالیف شده است؛ «نامه‌ی نامی»، که مجموعه‌ای از منشآت دیوانی وی است؛ «حبیب السیر فی اخبار افراد بشر»، که مهم‌ترین کتاب وی است و شامل وقایع عمومی از خلقت تا سال ۹۳۰ ق در سه جزء و یک مقدمه و یک خاتمه. این کتاب را در اوایل سال ۹۲۷ ق برای غیاث‌الدین محمد بن یوسف حسینی، از رجال معروف هرات آغاز کرد ولی، مدتی آشفستگی در اوضاع روزگار به وجود آمد در تالیف وقفه افتاد بعدها به دستور حبیب‌الله ساوجی آنرا به نام وی به پایان رسانید؛ «آثار الملوک و الانبیاء» که خلاصه‌ی «حبیب السیر» است؛ آخرین کتاب، کتابی در ذکر مناقب همایون شاه، پسر بابرشاه، است که در سال ۹۳۱ تالیف کرد. صاحب «الذریعه» به وی دیوانی نسبت داده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: از سعدی تا جامی (۶۲۸-۶۲۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۴۵-۵۴۱/۴)، تاریخ در ایران (۹۸-۹۷)، تاریخ نظم و نثر (۲۴۱-۲۴۰)، تحفه سامی (۱۰۹-۱۰۸)، تذکره‌ی روز روشن (۲۵۰)، حبیب السیر (۱۹-۱/۱)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۴۶۴-۴۶۰/۲)، دایرةالمعارف فارسی (۹۲۱/۱)، دستور الوزراء (دیباچه)، الذریعه (۳۰۷/۹، ۱۷۰/۸، ۲۶۹/۷، ۲۴۴/۶)، ریحانه (۱۸۷-۱۸۶/۲)، سرآمدان فرهنگ (۳۴۷/۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۰۱)، فرهنگ سخنوران (۳۲۰)، کارنامه‌ی بزرگان (۲۸۲-۲۸۶)، کاروان هند (۳۹۱-۳۸۹/۱)، الکنی و الالقاب (۲۰۳/۲)، لغت نامه (ذیل / خواندمیر)، مولفین کتب چاپی (۷۴۲-۷۴۰/۴)، معجم المؤلفین (۴۳/۸).

خواند میر، محمود

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، مورخ. وی فرزند خواند میر، صاحب تاریخ «حبيب السیر»، بود که در هرات می‌زیست. او مولف کتابی است در تارخی شاه اسماعیل و شاه طهماسب که آن را در سال ۹۵۷ ق به پایان رسانیده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۳۵۸).

خوانساری نجفی، موسی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ موسی خوانساری از مشاهیر مراجع و اکابر دانشمندان این شهرستان بودند و در نجف اشرف. وی در حدود ۱۲۹۳ قمری در خوانسار متولد شده و پس از بلوغ به اصفهان مسافرت و چند سالی در آنجا تحصیل نموده سپس به نجف مهاجرت و چندی از محضر مرحوم آخوند خراسانی و علامه یزدی و مرحوم آیت‌الله شریعت اصفهانی و بالاخص آیت‌الله محقق نائینی استفاده نموده و ضمناً خود به تدریس فقه و اصول استدلالی پرداخته تا در ۲۶ ذی‌الحجه ۱۳۶۳ قمری در سن هفتاد سالگی در نجف اشرف وفات و در مقبره مرحوم استادش مدفون گردیده است.

از آثار علمی او کتب زیر است که بطبع رسیده است:

۱- حاشیه بر مکاسب

۲- تقریرات اصول مرحوم آیت‌الله نائینی

۳- کتاب صلوة.

آنجناب داماد مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی خوانساری و عدیل حضرت آیت‌الله حاج سید احمد خوانساری مدظله مقیم معاصر تهران بوده‌اند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

خوانساری، ابراهیم

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

برهان الدین ابواسحاق ابراهیم بن زین الدین ابی الحسن علی بن جمال الدین ابو یعقوب یوسف بن یوسف بن علی خوانساری اصفهانی.

از اجله شاگردان شیخ علی کرکی، و از او اجازه دارد. تاریخ اجازه ۹۲۴ می‌باشد.

در الذریعة (۱: ۲۱۲) نقل از ریاض العلماء گوید که آن را در پشت کتاب کشف الغمّه به خط کرکی دیده‌ام.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خوانساری، ابوتراب عبدالعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۶ - ۱۲۷۱ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی و رجالی. وی عالم در علوم عقلی و نقلی بود. در خوانسار متولد شد و در اصفهان تحصیل کرد. در علوم شرعی و حساب و جغرافیا و ریاضیات و هندسه به مقام بلندی رسید. او از شاگردان سید حسین کوه کمری بود که بعد از وفات او مشغول به تدریس شد و در احکام و فتاوی مرجع خاص و عام گردید. محمد مهدی اصفهانی درباره‌ی وی رساله‌ای به نام «مواهب الباری فی ترجمه العلامه الخوانساری» نگاشته است. پیکر وی را پس از مرگ در وادی السلام نجف دفن کردند. از آثار وی: «الاحکام الوضیعه»؛ «اصاله العدم»؛ «اصول الفقه»؛ «البیان»، در تفسیر قرآن؛ «الصریح فی الاحادیث الحسان و الصحاح»؛ «سبیل الرشاد فی شرح نجاه العباد»، در ده مجلد؛ «النجوم الزاهرات»، در اثبات امامت ائمه (ع).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۵۶/۴)، الذریعه (۲۳۸/۲۳، ۱۷۲/۳، ۱۱۷/۲، ۳۰۳/۱)، ریحانه (۱۸۹ - ۱۸۷ / ۲)، علماء معاصرین (۱۴۳ - ۱۳۹)، معجم المؤلفین (۹۰/۳).

خوانساری، جمال، جمال‌الدین محمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۲۵/۱۱۲۱ ق)، فقیه، اصولی، حکیم، محقق، محدث و متکلم. معروف به جمال المحققین. معاصر ملا میرزا شیروانی و علامه مجلسی بود. به همراه برادرش، آقا رضی، نزد پدرش، محقق خوانساری، و دایی اش ملا محمد باقر محقق سبزواری در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان تحصیل کرد و همانند پدرش صاحب تالیفات بسیاری شد، با این تفاوت که تالیفات وی بیشتر نقلی و تالیفات پدرش بیشتر عقلی است. از پدرش محقق خوانساری و سید ابرهیم بن میر معصوم حسینی قزوینی روایت می‌کرد و از ملا محمد تقی مجلسی اجازه‌ی نقل حدیث داشت. علمای بسیاری از وی اجازه روایت داشتند که از آن جمله: محمد اکمل بهبهانی و محمد رفیع گیلانی. وی صاحب طبعی ظریف و نکته‌سنجی دقیق و باهوش، بخصوص در فهم ظواهر حدیث کم نظیر بود. چنانکه تیزهوشی وی را از روی ترجمه‌ی «مفتاح الفلاح» و تعلیقاتی که بر آن نگاشته است و کتاب مزارى که برای شاه سلطان حسین هنگام زیارت امام رضا (ع) و توضیحاتی که برای الفاظ زیارات آورده است، می‌توان فهمید. وی که عالمی متکلم بود، مذاهب چهار گانه‌ی اهل سنت را نقد کرد. او در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد اصفهان مدفون گردید. اغلب منابع تاریخ وفات وی را سال ۱۱۲۵ ق نقل کرده‌اند و آقا بزرگ تهرانی با استناد به ماده تاریخ زیر تاریخ وفات وی را سال ۱۱۲۱ ق می‌داند: «فوتش را بفاتح هاتفی از غیب گفت: کرد ایزد با حسین بن علی حشر جمال یعنی ۱۱۲۱». از آثار وی: ترجمه‌ی «قرآن مجید»؛ ترجمه‌ی «صحیفه‌ی سجادیه»؛ شرح فارسی «غرر و درر»؛ شرح فارسی «مفتاح الفلاح»؛ حاشیه بر «شرح عضدی»؛ حاشیه بر «تهذیب الاحکام»؛ حاشیه بر «بر من لا یحضره الفقیه»؛ «شرح اللمع ش الشرائع»؛ شرح «الشفاء»؛ شرح «اشارات»؛ «شرح حدیث البساط»؛ «النیه»؛ «اختیارات الایام»؛

«اصول الدین»، در امامت؛ حاشیه بر «شرح مختصر الاصول»؛ «جبر و اختیار»؛ شرح بر «حدیث الطینه»؛ در جبر؛ «کلثوم ننه» یا «عقائد النساء» که در آن رسوم و پندارهای معمول میان زنان آن روزگار ایران به نقد کشیده. از دیگر آثار او ترجمه «الفصول المختاره من العیون و المحاسن» معروف به «مجالس» است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲۳۱/۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۱۶/۵)، تذکره القبور (۲۳۸)، الذریعه (۴۴۰/۲۴، ۱۹۲/۱۳، ۸۲/۱۴، ۵۳/۶، ۵۰۶، ۱۲۲، ۴/ ۳۶۷/۱، ۴/ ۱۲۲، ۵۰۶، ۵۳/۶)، روضات الجنات (۲۱۰- ۲۰۸/۲)، ریاض العلماء (۱۱/۷، ۱۱۴/۱)، ریحانه (۵۴/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۸- ۱۴۶/ ۱۲)، فوائد الرضویه (۸۴- ۸۳)، لغت نامه (ذیل/ جمال)، مولفین کتب چاپی (۳۸۳- ۳۸۱/۲)، معجم المؤلفین (۲۵۵/۹، ۱۵۴/۳)، هدیه الاحباب (۱۲۰)، هدیه العارفین (۳۲۱/۲).

خوانساری، رضی‌الدین محمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۱۳ ق)، عالم، فقیه، متکلم و شاعر. برادر کهنتر آقا جمال خوانساری است و هر دو به نام محمد نامیده شده‌اند و هر دو در اصفهان نشو و نما یافتند، و هر دو محضر پدر بزرگوارشان، محقق خوانساری و دایی دانشمندشان، ملا محمدباقر سبزواری، علم آموختند. وی قبل از برادرش در جوانی درگذشت. او از کسانی است که حکم شاه سلطان حسین را در نهی از منکرات امضاء کرد. آقا خلیل اصفهانی قاینی از شاگردان اوست. از آثار وی: «المائده السماویه» یا «الاطعمه و الاشربه» که برای شاه سلیمان صفوی به زبان فارسی تالیف کرد، این کتاب متمم «مشارق الشموس فی شرح الدورس» پدرش آقا حسین خوانساری است؛ «شرح حدیث البیضه»، که در «کافی» آمده است، در احوال سفر و کیفیت غیبت به زبان فارسی، که آن را به نام شاه سلطان حسین صفوی نوشت؛ «شرح کتاب الصوم و الاعتکاف» از «شرح الدورس».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۶/۲۱، ۱۹۳/۱۳، ۲۱۸/۲)، ریحانه (۲۳۰/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۷۴- ۲۷۳/ ۱۲)، فوائد الرضویه (۱۸۳- ۱۸۲)، لغت نامه (ذیل/ رضی‌الدین).

خوانساری، عطاء الله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در ۲۹ ربیع الاول ۱۲۶۶ متولد، و در ۶ جمادی الاولی ۱۳۳۵ وفات یافته. وی مؤلف فهرستی است بر کتاب روضات الجنات.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خوانساری، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد خوانساری (۱۳۰۰ - اصفهان) دارای مدرک دکتری منطق و فلسفه است. وی هم اکنون عضویت پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی و استاد بازنشسته دانشکده ادبیات دانش سرای عالی است. کتاب "ایساغوجی فروریوس و مقولات ارسطو" ترجمه محمد خوانساری، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

تحصیلات رسمی و حرفه ای: محمد خوانساری تحصیلات مقدماتی را در مکتبخانه آغاز کرد. خواندن و نوشتن قرآن کریم را آموخت و برخی از سوره‌های کوتاه را به حافظه سپرد. پس از درگذشت پدر به مدرسه ابتدایی ایران رفت. در سال ۱۳۱۹ از دانشسرا دیپلم گرفت. برای ادامه تحصیل به تهران آمد و در دانشسرای عالی از محضر اساتیدی چون: دکتر رضازاده شفق، جلال‌الدین همایی و مدرس رضوی بهره برد. در سال ۱۳۲۳ پس از نگارش پایان‌نامه زیر نظر دکتر یحیی مهدوی موفق به اخذ مدرک کارشناسی در رشته فلسفه و علوم تربیتی گردید. در سال ۱۳۲۹ لیسانس رشته ادبیات فارسی را گرفت و در سال ۱۳۳۲ موفق به اخذ مدرک دکترای ادبیات گردید. در سال ۱۳۳۷ به عنوان فرصت مطالعاتی به فرانسه رفت. سه سال به تحصیل اشتغال داشت و سرانجام در سال ۱۳۴۰ به اخذ درجه دکتری از دانشگاه پاریس در منطق و فلسفه نایل آمد. تحصیلات علوم قدیم و معارف اسلامی را هم از همان سال اول دبیرستان آغاز کرد. جلد دوم مبادی العریبه و مدارج القراءه را از میرزا عباس نحوی و جامع المقدمات و مقداری از سیوطی را نزد دیگر اساتید فراگرفت. حاج سیدعبدالحسین طیب استاد عقاید و تفسیر وی بود. از فاضل تونی دنباله سیوطی، مغنی، حاشیه ملاعبدالله و شرح هدایه ملاصدرا را آموخت و در جلسات دکتر محمود راهیار نیز شرکت داشت استادان و مربیان: مرحوم جلال‌الدین همایی، مرحوم رضازاده شفق، جلال‌الدین همایی، مرحوم مدرس رضوی، مرحوم دکتر یحیی مهدوی، علی اکبر سیاسی، میرزا عباس نحوی، حاج سیدعبدالحسین طیب، دکتر محمود راهیار، مرحوم فاضل تونی و مرحوم ملک الشعراء بهار از اساتید محمد خوانساری بوده‌اند. وی از یکی از اساتید خود چنین یاد می‌کند: من منطبق را خدمت استاد دانشمند محمدحسین فاضل تونی فرا گرفتم. ایشان بسیار دقیق تدریس می‌کردند و من مطالب ارزشمندی از محضر ایشان دریافت کردم. خاطره ای هم که از ایشان دارم این است که برای مرحوم فاضل نوشتن خیلی سخت بود و در نوشتن کند بودند، همیشه مطلبی را می‌گفتند و دیگران برایشان می‌نوشتند. روزی از ایشان پرسیدم که چرا اینقدر نوشتن برایتان سخت است. ایشان گفتند: همه، خط را در مکتب فرا می‌گیرند. من چون حافظه خیلی قوی ای داشتم، همیشه مطالب استاد را در ذهن جای می‌دادم و نیازی نمی‌دیدم یادداشت کنم، به همین دلیل دستم در نوشتن کند شده است. به هر حال یاد دارم مرحوم فاضل نسخه خطی مغلوطی (پرغلط) از شفای ابن سینا داشتند که می‌خواستند تصحیح کنند. یک نسخه شفای مرحوم مشکاه را امانت گرفتند تا با آن مقابله کنند. ایشان می‌گفتند و من می‌نوشتیم. گاهی هم دکتر بحرالعلومی کار نوشتن را به عهده می‌گرفتند. به هر حال کار تصحیح تمام شد و چاپ شد. بعدها عده ای از دانشمندان بزرگ مصری با هزینه ی گزاف نسخه ای از شفا را تصحیح کردند. به گفته بعضی از بزرگان، از جمله استاد شهید مطهری که قولشان حجت است، تصحیح مرحوم فاضل از تصحیح دانشمندان مصری، بسیار بهتر و ارزشمندتر است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: محمد خوانساری پس از سه سال تدریس در آموزش و پرورش، در سن ۲۶ سالگی با عنایت دکتر علی اکبر سیاسی وارد دانشگاه تهران شد و مشغول تدریس گردید. در آغاز انتقال به دانشگاه چند سالی روان‌شناسی تدریس

کرد. سپس با معرفی فاضل تونی به تدریس منطق مشغول شد و تا سال بازنشستگی همواره تدریس منطق در دانشکده ادبیات بر عهده وی بود. در سال ۱۳۶۱ پس از سی و هفت سال تدریس مداوم به درخواست خود بازنشسته شد. از بدو تأسیس فرهنگستان سوم از سوی شورای انقلاب فرهنگی به عضویت پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی مفتخر شد. جوایز و نشانها: کتاب "ایساغوجی فروریوس و مقولات ارسطو" ترجمه محمد خوانساری، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد. -----

آثار:

- ۱ ایقاظ النائین صدرالمتألهین
- ویژگی اثر: تصحیح و ترجمه، در دست چاپ
- ۲ ترجمه ایساغوجی فروریوس و مقولات ارسطو
- ویژگی اثر: تألیف فروریوس، این کتاب، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد.
- ۳ صرف و نحو و اصول تجزیه و ترکیب
- ۴ صرف و نحو و اصول تجزیه و ترکیب
- ۵ فرهنگ اصطلاحات منطقی
- ویژگی اثر: (به انضمام واژه نام؟ فرانسه و انگلیسی)، ۱۳۷۶
- ۶ مختارات من الادب الحدیث
- ویژگی اثر: ۱۳۴۳
- ۷ منطق صوری
- ویژگی اثر: جلد دوم، ۱۳۵۲
- ۸ منطق صوری
- ویژگی اثر: جلد اول، ۱۳۳۸
- ۹ منطق برای دبیرستانها

خوانساری، محمد تقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در یکی از روزهای اردیبهشت سال ۱۲۶۷ ق. که بهار با ماه رمضان تواءمان گشته بود و غنچه های یاد در آن می شکفتند، در خوانسار شهری که جای جایش چشمه ای سر به بیرون آورده و چون نگینی سبز و بلند با دستهایی گشوده سخاوت را به تمام معنا به رخ می کشد، در خانه سید اسدالله، عالم بزرگ شهر، نورسیده ای پای در حیات نهاد که نام او را محمد تقی گزاردند. سید محمد تقی جوانه ای بود روییده بر شاخه سار تباری که در عرصه علم و زندگی درخت تناوری را شکل داده بودند و این طلیعه نیکویی برای او به شمار می آمد. سلسله نسب او چنین بود سید محمد تقی خوانساری فرزند علامه سید اسدالله و او فرزند

دانشمند محقق سید حسین و او فرزند عالم بزرگوار سید ابوالقاسم، فرزند دانشمند گرانمایه علامه سید حسین و او فرزند عالم فرزانه حاج میرزا ابوالقاسم، فرزند دانشمند گرانمایه علامه سید حسین و او فرزند عالم فرزانه حاج میرزا ابوالقاسم
و در پایان سلسله نیز سرچشمه دانش و عصمت امام موسی بن جعفر علیه السلام قرار داشت .

ایام مکتب آمد، سید محمد تقی در تیزهوشی گوی سبقت از همگان را بود. او در این سنین کم هم جذبه های معنوی را در خود احساس می کرد. او که در مکتب خط را بخوبی آموخت و قرآنی را به خط خود نشوت و آن را وقف مسجد کرد.

حوزه خوانسار که در آن زمان به برکت پدران سید محمد تقی و دیگر فرزانه های علمی اش رونقی داشت، دومین جایی بود که سید محمد تقی در دامنش استواری یافت و قامت راست کرد. سرعت فراگیری سید محمد تقی چنان بود که به هفده سالگی نرسیده، ادبیات عرب و دیگر پایه های مقدماتی علوم اسلامی را فراگرفت. او در همین مدت قسمتهایی هم از فقه و اصول دوره سطح را خواند.

پای درس بزرگان

خوانساری جوان پس از مشورتهایی که با پدر کرد برای تکمیل اندوخته ها رهسپار حوزه دیرپای نجف شد. هجرت به نجف بر شتاب حرکت او افزود. او در نجف پس از تکمیل درسهای ناتمام، در درس محققان بزرگ این رشته ها حاضر شد تا جوانه های اجتهاد که از توانایی در تحقیق ریشه می گیرد در او برویند. خوانساری جوان چهار سال در درس فقه و محقق بزرگ اصولی آیه الله آخوند خراسانی شرکت کرد. در کنار این آدرس به درس فقیه برجسته آیه الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی هم حاضر گشت. بعد از ارتحال این دو او از درسهای اصول آیه الله نائینی، آیه الله آقا ضیاء عراقی و از درس فقه آیه الله در گرفتن اجتهادنامه خود از اساتیدش کوشش نکرد. اما آقا ضیاء عراقی - که بارها مقام این شاگردش را ارج نهاده و گفته بود ((و حفظ مقام و نگهداری شؤ و نوات آقای خوانساری را مانند علمای متاخر بر خود فرض می دانم)) هنگامی که او بعدها به ایران بازگشته بود، اجتهادنامه وی را از نجف برایش فرستاد. افزون بر این آقای خوانساری از این استاد اجازه روایی نیز یافته بود.

بر بلندای حماسه

با شروع جنگ جهانی اول که حکومت عثمانی به نفع آلمان درگیر این جنگ شد و در صف متحدین قرار گرفت، قمر و عثمانیها در حیطه جنگ واقع گردید. در ۲۸ آبان ۱۲۹۳ ق. بصره و حوالی آن به تصرف قوای انگلیس درآمد. موقعیتی حساس بود، دولت عثمانی از روحانیون کمک طلبید علمای شیعه با آنکه استبداد گسترده از طرف آن دولت بر جامعه اکثریت شیعی عراق روبرو بودند، نتوانستند در چنین هنگامه ای ناظر پایمال شدن سرزمین مقدس عراق شوند. این بود که جمع بسیاری از مراجع فتوای جهاد دادند و چون خود در سنین پیری بودند فرزندان شان را به نیابت خویش رهسپار نبرد کردند و گروه دیگری از مجتهدان نیز خود راهی صحنه جهاد گشتند. در ایام محرم فتوای شورانگیز جهاد شراره حماسه را بویژه در جان طلایه داران دانش برانگیخت و در این میان آقای خوانساری نیز کرسی درس و تحقیق را رها کرد و در صف رهسپاران جهاد قرار گرفت. او به گروه مجاهدانی که به همراه آیه الله سید مصطفی کاشانی عازم نبرد بودند، پیوست. این گروه سوار بر کشتی در رود دجله و فرات پیش تاختند و خود را به صفوف مقدم جبهه در حوالی بصره رسانیدند.

آقای خوانساری در سنگرهای جلو جبهه همراه با همدرسان خود آقای سید ابوالقاسم کاشانی و آقای بختیاری زاده مستقر گشت. او در نبرد با هزار تیری که داشت و با مهارتی که در تیراندازی یافته بود سینه سپاهیان دشمن را آماج خشم ساخت و آنگاه که دشمن برای درهم شکستن مقاومت جنوب هجومی سخت را آغاز کرد او پر نشاط برود و خنده های بلندش تعجب دوستان را برمی انگیخت و وقتی هم که سایه رخوت بر گروهی از جنگاوران افتاد باز فریاد او که حرام بودن عقب نشینی در برابر دشمن را اعلام می کرد، پرطنین بود، و شگفت تر زمانی بود که با تنگ تر شدن حلقه محاصره دشمن مجاهدان مہیای مرگ می شدند و او شور

نماز داشت و همگان را به آن می خواند. گویی نماز عاشورایی حسین علیه السلام در ذهنش زندگی یافته بود.

قوای دشمن پیروزیهای شایانی در جبهه فرات به دست آورد. ولی شکست در کوت العماره پای رفتن را از آنان گرفت و به ناچار جبهه جنگ از جنوب به شرق تغییر یافت .

با اشغال بغداد که مقارن با پیروزیهای دیگر متفقین بود، پایان جهاد فرارسید. از آن سو اشغالگران در تعقیب نیروهای مقاومت برآمدند. دستگیریهایی وسیعی آغاز گشت و سرانجام خوانساری جوان هم که در نبرد از قسمت پا مجروح شده بود، دستگیر شد. مجاهدان عرب تنها با سپردن تعهدی آزاد گشتند اما برخورد با مجاهدان دیگر متفاوت بود. انگلیسی ها از آزادی آنان اجتناب ورزیدند. در این میان وساطتهایی نیز برای آزادی آقای خوانساری صورت گرفت ولی بی ثمر بود. اشغالگران اسرای جنگی را در بندر بصره جمع نموده ، آنجا یا کشتی هایی به اسرار تگاههای خود در مستعمراتشان فرستادند و آقای خوانساری و قریب چهارصد تن دیگر از اسراء به جزیره سنگاپور برده شدند. چهار ماه طول کشید تا کشتی آنان در آن سرزمین پهلو گرفت . در سنگاپور، اسرا در زندانی صحرائی قرار داده شدند. در این زندان گروهی از مردمان وحشی جزیره نیز به نام کوکا به چشم می خوردند. آنها به آدمخواری معروف بودند از آن رو هر روز صبح که شیفت زندانبان عوض می شد اسرا سرشماری می شدند. در آن محیط خش آقای خوانساری به تلاش علمی روی آورد. او علاوه بر تدریس منطق و حکمت ، خود نیز به آموختن پرداخت و توانست زبان انگلیسی را از یک راجه هندی بیاموزد. رئیس زندان که متوجه مقام علمی او شده بود با توجه به آشنایی او به زبان انگلیسی از او خواست کتابی گمراه ساز را ترجمه کند. او با آنکه روزهای سختی را پیش روی خود داشت با این درخواست مخالفت نمود. و شاید هم برای انتقام از این سرسختی بود که زندانبانان قصد جان او را کردند. او خود در این باره گفته است :

((روزی همه به بیرون رفته بودند و من تنها بودم . زندانبانان حیوانی وحشی را از آن دم در بر درون زندان ول کردند. حیوان جستی زد و سرعت به طرف من آمد. خیلی نزدیک شد اما کاری به من نداشت . به دم در رفت و دو مرتبه برگشت . چند دفعه این کار را انجام داد ولی کاری با من نکرد.))

بعدها که راجه هندی آزاد شد در آزادی آقای خوانساری کوشید. در نتیجه آقای خوانساری نیز پس از گذشت چهار سال تحمل رنج اسارت ، آزاد گشت .

مرجعیت

آیه الله خوانساری بعد از رهایی از اسارت به زادگاهش خوانسار بازگشت . پس از آن ، آوازه حوزه نوبنیاد سلطان آباد اراک ، در او شیفتگی نخستین را زنده ساخت و از همین رو در حوزه سلطان آباد به احترام آیه الله حائری در درسشان شرکت جست و خود نیز جداگانه به تدریس فقه ، اصول و حکمت پرداخت . دیری نگذشت که او توجه آیه الله حائری را به خود برانگیخت . آقای خوانساری در سلک یاران نزدیک و مشاوران برجسته (هیئت استفتایی) آیه الله حائری قرار گرفت . وی در پی این نزدیکیها نقش برجسته ای در شکل گیری حوزه علمیه قم ایفا کرد و مشوقی در هجرت آیه الله حائری به قم بود. در سال ۱۳۱۵ ش . حوزه قم در ماتم از دست دادن بنیانگذارش به سوگ نشست . در آن موقعیت خطیر آیه الله صدر و آیه الله حجت و همچنین آیه الله خوانساری که سه تن از شاگردان و یاران برجسته آیه الله حائری بودند، برای تصدی مسؤ ولیت حوزه و عهده داری رهبری دینی مردم مورد توجه قرار گرفتند. در این میان آیه الله خوانساری با شایستگی های فراوان اخلاقی و علمی که داشت پیشگام نگشت ، اما شیخ محمد صدوقی و شیخ مجتبی عراقی و تنی چند از دوستانشان در پاگیری مرجعیت ایشان تلاش ورزیدند. درس خارج برای ایشان تدارک گردید و قرار شد ادامه درس استادش حائری را بگوید. رفته رفته این شخصیت برجسته مورد اقبال جامعه ایرانی قرار گرفت و با طرح جواز رجوع در مسائل احتیاطی به ایشان از طرف آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی دامنه مرجعیت او گسترش یافت . اما با این همه او آیه الله صدر و آیه الله حجت برای حاکم نمودن وحدت رهبری دینی مردم و زدودن شائبه های تفرقه ، آیه الله بروجرودی

را به قم خواندند و با اصرار زیاد او را بر این سمند نشانند.

سالهای طولانی تدریس آیه الله خانساری که از حوزه نجف آغاز گشت، جمع زیادی از آموختگان فضل او را همراه داشت. در سالهای آخر تدریس هم درس خارج او چنان با عمق و دقت طرح می شد که تنها شایستگی چند یارای حضور در آن را یافتند. آثار علمی ایشان غیر از آن رساله های فتوایی که نظریات فقهی ایشان را در بر داشت، تقریرات درسهای خارجی بود که شاگردانش جمع آوری کرده بودند. از آن جمله درس طهارت ایشان بود که به همت شاگرد برجسته اش آیه الله محمد علی اراکی و درس صلوة که از سوی شاگرد فرزانه دیگرشان آقا مجتبی عراقی نگارش یافت.

نماز

نماز آیه الله خوانساری حدیث شگفتی داشت. در او چنان باور خدا تجلی کرده بود که در نماز حجاب برمی کشید و روحش به بهشت یاد درمی آمد. او خود در این باره چنین گفته بود: در نماز که می ایستم مثل این که است که با خدا شفاهی صحبت می کنم و انگار رخ به رخ هستم. در پی نمایاندن این چهره معنوی او بود که با درخواست جمعی از دل باوران، آیه الله سید احمد خوانساری، برقراری نماز جماعت فیضیه را به او وا گذاشت. در این نماز پرشکوه حتی مقدسانی که تردیدشان در عدالت امامان جماعت بسیار بود و به هر کس اقتدا نمی کردند، بی هیچ واژه ای با او به نماز می ایستادند. بعضی از شبها هم که آقای خوانساری نمی آمد آیه الله (امام) خمینی که از اساتید بنام حوزه بود اقامه نماز می کرد. از آن رو که نماز جمعه در نظرگاه فقهی آیه الله خوانساری واجب احتیاطی بود در حوالی سال ۱۳۲۰ بعد از سالیان سال این نماز متروک و مهجور مانده بود، از سوی آن فقیه بزرگ در مدرسه فیضیه بپا شد. بعدها فیضیه هم گنجایش خیل آن همه مشتاقان نداشت. برای همین، مکان نماز به مسجد امام حسن عسکری علیه السلام انتقال یافت. برگزاری این نماز چنان پرتاءثیر شد که به دنبال آن در بیشتر شهرها نماز جمعه جانی تازه گرفت.

نماز باران

یکی از حوادث مهم که از آثار شهودی آقای خوانساری از نگاه دینی، نماز بارانی است که او آن را اقامه نمود تا تجلی دعا و نماز را در زندگی به گونه ای ملموس آشکار کند. در شهریور ۱۳۲۰ که متفقین در ایران به طور انبوه حضور یافتند. در آن موقع موجی از قحطی و نابسامانی در کشور به راه افتاد. قسمتی از سپاه متفقین در منطقه خاکفرج قم استقرار یافت و بعد از مدتی کنترل شهر در دست آنان قرار گرفت. اشغال هنوز ادامه داشت که زمینهای مساعد و وسیع شهر قم - که به صورت دیم کشت می شد - با گذشت دو ماه بهاری از سال ۱۳۲۳ هنوز تشنه بودند. با بروز این خشکسالی موقعیت غذایی مردم بحرانی شد. اهالی قم، چاره در خواندن نماز باران دیدند. آنان به جستجوی امامی برآمدند تا آنها را به ساحل اجابت رساند و با خلوص و صفایش خواستن را معنی بخشید. مردم راهی خانه های آقایان صدر، حجت و خوانساری شدند. آقایان صدر و حجت در پاسخ مردم گفتند اگر شما وظیفه های شرعی خود را بجا آورید، آسمان و زمین دستهایشان بر شما گشوده خواهد بود. اما آقای خوانساری نتوانست جواب نه بگوید و مردم هم گمان بردند او موافق با خواندن نماز باران است. به همین علت اطلاعیه هایی در سطح شهر نصب گردید که آقای خوانساری در روز جمعه نماز استسقا خواهد خواند. گروهی ایشان را از پایان بد کار بیم دادند اما او گفت حالا که چنین شده، خواندن این نماز بر من تکلیفی است و هر چه صلاح باشد همان واقع خواهد شد. با نزدیک شدن لحظه موعود بهائیان شهر، متفقین را به انگیزه های این حرکت بدبین نمودند تا جایی که این نیروها در پوششی دفاعی رفتند. در روز موعود، جمعیت از گوشه و کنار شهر روانه شدند تا به صحرای خاکفرج که در نیم کیلومتری شهر قرار داشت و مصلاهی آن محسوب می شد بروند. آیه الله خوانساری هم با طمأنینه و آرامش مخصوص و در حالی که پاها را برهنه کرده و تحت الحنک انداخته بود با عده ای از همراهان به سمت آن نقطه حرکت نمودند. جمعیت افزون بر بیست هزار نفر بود و ۳/۲ ساکنان شهر را در بر می گرفت. با عبور آرام مردم

از کنار پادگان ، شائبه های تردید زدوده شد و توطئه بهائیان بی اثر ماند. آن روز نماز خوانده شد اما اثری از اجابت دیده نشد. آیه الله خوانساری که بارها عطوفت و مهربانی پایان ناپذیر خدا را با همه وجود خود درک کرده بود، بخوبی می دانست که خواستن را با اصرار معنا بخشد. چه آنکه اگر خواهش باشد اجابت حتمی است. او بعد از پایان درس و بحث از شاگردانش خواست که تا همپای او باز به کوی خواهش روند و نماز بارانی دیگر بخوانند. این بار نماز در باغهای پشت قبرستان نوبیاگشت . غروب یکشنبه فرا رسید و آسمان بی تکه ابری سرخ گونگی خورشید را به نظاره نشست . گزارش هواشناسان غربی که در پادگان خاکفرج بودند گویای این بود که بارشی روی نخواهد داد.

دین ناباوران زبان تمسخر گشودند. استاد رسولی در خاطره خود می گوید: ((آن روز گذشت و ما مطابق معمول به نماز جماعت آیه الله خوانساری در مدرسه فیضیه رفتیم . اکنون یادم نیست که به چه مناسبتی شبها در مدرسه فیضیه بعد از نماز جلسه روضه خوانی و سخنرانی بود. مرحوم حاج محمد تقی اشرافی به منبر رفت و هنوز اوایل سخنرانی ایشان بود که باران شروع شد... آن شب باران مفصلی آمد.))

این باران چنان گسترده و بی امان بود که تا آن وقت چنین بارشی را کسی سراغ نداشت . بی سیم های پادگان خاکفرج به کار افتاد و خبر این حادثه شگفت به جهان مخابره شد و در مدتی کوتاه پس از تائید آن از طرف مقامهای رسمی لندن و آمریکا، از طریق رادیو انعکاس جهانی یافت .

حج نمونه

تا شهریور ۱۳۲۸ ش هفت سال می گذشت که ایران از حج محروم بود. در آن سال حضور روحانیان که تشنه تر از همه می نمودند در این حج ، حضوری پر جلوه بود. حضوری آنچنان که حج آن سال را حجة العلماء نامیدند. روحانیان بزرگی چون آیه الله میرزا محمد فیض و تنی چند از علمای برجسته در این حرکت به چشم می خوردند. آیه الله خوانساری هم به دعوت یکی از بازاریان تهران به این کاروان پیوست . در همان روزهای نخست ورود ایشان به مکه او وحدت آفرین گشت و با اعلام ثبوت رؤیت ماه از طرف ایشان اختلاف رخت بریست و وقتی هم که جمعی از شیعیان از او تقاضای برپایی جماعت نمودند، او بی اعتنا به درخواست ایشان ، به نمازجماعت برادران اهل سنت رفت . چه آنکه این حج برای همبستگی بود و دل بستگی و دمیدن روح برادری ، تا در سایه وحدتی ظاهری روحها به وحدت رسند در مدینه نحل اقامت آیه الله خوانساری جای آمد و شد هیئت ها و کاروانهای مذاهب مختلف بود. از جمله آنها هیئت علمای مصر به سرپرستی شیخ حسن البناء، مرشد عام جمعیت اخوان المسلمین بود. گفتگوهای دوستانه اش آغاز گشت و تلاش آیه الله خوانساری در نزدیکی و ایجاد تفاهم هر چه بیشتر بود. در پاسخ به این خبر اخوان وحدت ، خطبای مصری هم با او، همصدا گردیدند.

فتوای شورآفرین

آیه الله خوانساری همگام با آیه الله حاج آقا حسین قمی ، پیشگام مبارزه علیه کشف حجاب ، در این مبارزه شرکت نمود. او در آن جو پراختناق در فتوای روشنگرانه بر زروری بودن حجاب پای فشرده.

با شروع شکل گیری توطئه اشغال فلسطین ، آیه الله خوانساری با فریاد آیه الله کاشانی همونوا بود. او در فتوایی فداکاری و کمک مسلمانان را در قضیه فلسطین و جنگ صهیونیسم واجب شمرد سرانجام فریادها کارساز شد و هزاران فدایی اسلام آماده عزیمت به فلسطین گردیدند اما با سنگ اندازی های دولت وقت این اعزام چشمگیر انجام نپذیرفت .

همگامی آیه الله خوانساری با آیه الله کاشانی مرزهای فراتری پیموده است . او با فتوایی سرنوشت ساز ملی شدن نفت را اعلام کرد و قطع دست غارتگران را از این سرمایه خداداد خواهان گردید. در هنگام برگزاری انتخابات مجلس هفدهم که پس از پیروزی نهضت ملی انجام گرفت ، ایشان بار دیگر به یاری رهبری نهضت آیه الله کاشانی شتافت و در فتوایی مهم شرکت در انتخابات را

ادای وظیفه شرعی دانست و سستی در این راه را عملی مسؤ ولیت آفرین در پیشگاه خدا قلمداد نمود. انتشار این فتوا، تاءثیر بسزایی در انتخابات مزبور گذاشت. و در تهران تاءثیر آن شگفت آورتر بود.

پاییز حزن

سال ۱۳۳۱ ش علما و مردم شهر همدان که از حال نامساعد آیه الله خوانساری با خبر بودند، از او خواستند تابستان را در هوای بیلاقی همدان سپری کند. با قبول این درخواست، آیه الله خوانساری با همراهانش آیه الله اراکی، آیه الله آخوند ملاعلی همدانی، آیه الله خمینی و فرزند بزرگشان سید محمد باقر، مؤلف محترم آقای مجتبی عراقی راهی آنجا گردید. آیه الله خوانساری در استقبالی پرشور وارد شهر شد. در پی اغتنام از انفاس قدسی او مردم شهر از وی تقاضای اقامه جماعت در مسجد جامع کردند. در یکی از آن روزها که او برای برپایی نماز به مسجد می رفت، در بین راه دچار حمله قلبی گشت و سرانجام نزدیکیهای ظهر هفتم ذیحجه ۱۳۷۱ ق به احرام جانان در آمد و لبیک گویان به سرای او شتافت که حج چهره ای از زندگی هر روز است. و چنین شد که رؤیای آیه الله بروجردی نیز تعبیر گشت. او در رؤیای در همان شبهای قبل از وفات آن فقیه نامدار دیده بود که سید مرتضی رحلت کرده و او را به شهر قم می آوردند. قبر او اینک در مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام هم آغوش استادش آیه الله حائری قرار دارد.

خوانساری، نعمت الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۳۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: ایمونولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد قارچ شناسی از دانشگاه ایلینویز آمریکا در سال ۱۳۵۷، دکترای دامپزشکی از دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۹، دکترای ایمن شناسی از دانشگاه ایلینویز آمریکا در سال ۱۳۶۰، فوق تخصص ایمنی شناسی بالینی از دانشگاه کرولینای جنوبی آمریکا در سال ۱۳۶۳، فوق تخصص علوم آزمایشگاهی تشخیص طبی از ASCP در آمریکا در سال ۱۳۷۰.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تولین در ایالت لوئیزیانا، دانشیار دانشگاه ایالتی داکوتای شمالی در آمریکا در سال ۱۳۶۹، استاد دانشگاه داکوتای شمالی آمریکا در سال ۱۳۷۰، استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۷۱ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تیه مواد بیولوژیک برای ایمونوتراپی، افزایش متوسط عمر و جلوگیری از پیری، مکانیسم اثر استرس روی سیستم دفاع بدن، تولید فاکتورهای رشد، تهیه واکسن ایدیوتیپیک برای بروسلا، تخلیص فاکتور سرکوبگر سیستم ایمنی از سرم، مکانیسم تولید سایتوکاین، ایمنی سازی در خارج بدن، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۲ پایان نامه ارشد و دکترا.

ابداع:

۲ مورد در زمینه روش ایمنی انسان در خارج از بدن، استفاده از هورمون رشد در افزایش متوسط عمر.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:

کشت سلول‌های جانوری، روش‌های عملی مهندس ژنتیکی.
مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۹، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳۸
زمینه علمی مقالات:

ایمونولوژی، ایمونوبیولوژی، ایمونوتراپی، مکانیسم پیری، اثر استرس روی سیستم ایمنی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

خوردی‌مور، مریم

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: دندان پزشکی، دانشکده: دندانپزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای دندان پزشکی از دانشگاه مشهد در سال ۴۵۳۱، M.S.C در رشته دندان پزشکی پیشگیری و کودکان از دانشگاه ادینبورگ
کشور انگلستان.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام طرح‌های متعدد تحقیقاتی در زمینه‌های اپیدمیولوژی، دندانپزشکی پیشگیری و دندانپزشکی کودکان، مشاور علمی کتابخانه،
عضویت در هسته پژوهشی دانشکده، ممتحن امتحانات ورودی و خورد دندانپزشکی کودکان و مدیر گروه ارتدسنسی و اطفال،
راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴۳ پایان‌نامه دکترای دندان پزشکی و تخصصی دندان پزشکی کودکان.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

دندان پزشکی پیشگیری، دندان پزشکی اجتماعی و اپیدمیولوژی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

خورشید مریوانی

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

ز دهه چهارم قرن چهاردهم هجری، از زنان ادیب و هنرمند. وی دختر شیخ معروف که لوس و از سادات «ته راته وهن» بود. پدرش به دلیل ناملايمات روزگار از مریوان به سنج مهاجرت کرد و خاتون خورشید در کودکی در خانه یکی از خوانین محترم اردلان به سر برد و او وسایل تحصیلش را فراهم نمود تا جایی که به ادبیات فارسی احاطه یافت و با منطق و زبان و ادبیات عربی نیز آشنا شد.

وی کتابی درباره آداب خانه‌داری و بچه‌داری و تربیت فرزند از ابتدای ولادت تا هنگام بلوغ به زبان فارسی تألیف کرد و یک دیوان شعر نیز از او به جا مانده که هیچکدام چاپ و منتشر نشده‌اند. این بانو در زمینه نقش و نگار و نوع رنگ آمیزی قالی و تهیه رنگهای متنوع آن شهرت داشته و نقشه‌های او را هم‌اکنون در کردستان «خورشیدی» می‌خوانند. خاتون خورشید مادر شاعر معروف کرد «قانع مریوانی» بود. وی قطعه شعری نیز به زبان کردی سورانی دارد که در نصیحت دخترش سروده است.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: تاریخ مشاهیر کرد، ۱۵۵-۱۵۴ / ۲.

خوزانی، محمد ابراهیم

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن غیاث الدین از علمای قرن دوازدهم هجری در اصفهان است. عالم فاضل کامل، متبحر در فقه و اصول و حکمت بوده، اوایل قاضی اصفهان بوده، و سپس قاضی عسکر نادر شاه گردید.

از شاگردان و مجازین از امیر محمد حسین خاتون آبادی و میر محمد باقر خلیفه سلطانی است، و جمعی کثیر از او اجازه روایت یافته‌اند.

در سال ۱۱۶۰ در اصفهان وفات یافته، در مقبره آب بخشان مدفون گردید.

در فوائد الرضویة (۹:۱) درباره او گوید: متمهر در اصول فقه، و حاذق در حکمت و معقول، دقیق الذهن، عمیق الفکر، کامل العلم، شیرین کلام و عذب البیان.

کتاب زیر از تألیفات اوست:

۱- تفسیر آیه و اذا قرء القرآن ۲- تفسیر قرآن ۳- حواشی بر کتب اربعه ۴- رساله در تحریم غنا ۵- رساله در این که درهم و دینار مانند هم است یا قیمت در آنها معتبر می‌باشد؛ ۶- رساله در مشروعیت تلقین میت جهت اطفال؛ و غیره.

در کتاب روضات الجنات (۶۵۲) در ضمن شرح حال حاج شیخ محمد [بن محمد زمان] کاشانی از او نامی برده شده است.

در کتاب راهنمای دانشوران (۲۵۹:۱) گوید: خوزانی (با ضم و سکون) منسوب است به خوزان، و آن نام چندین موضع است، و از جمله قریه خوزان ماریین اصفهان است، و از منسوبین بدانجاست: قاضی محمد ابراهیم خوزانی... و احمد بن محمد خوزانی اصفهانی، در طبقه شعرا.

از اشعار اوست:

خذفی الشباب من الهوی بنصیب

إنّ المشیب إليه غیر حبیب

ودع اغترارک بالخضاب و عاره

فالشیب احسن من سواد خضیب

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خوشایند، محمدحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسین خوشایند

محل تولد: مرند

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۲ علوم حوزوی را از شهرستان مرند شروع کرده علم صرف و نحو را در آنجا و الباقی نحو و منطق و اصول مظفر و معالم الدینی را در شهر تبریز به پایان رساندم. در سال ۱۳۵۵ جهت ادامه تحصیل وارد شهر مقدس قم شدم. سطح فقه و اصول را نزد اساتید آقایان اعتمادی و شیخ احمد پایانی و شیخ وجدانی و موسوی گرگانی به پایان رساندم و پس از حضور به مدت دو سال در جبهه های حق علیه باطل به مدت هفت سال در جلسات خارج فقه و اصول از اساتید محترم و آیات عظام آقایان مکارم شیرازی و شیخ جعفر سبحانی و سید یوسف مدنی مستفیض شدم و درس تفسیر قرآن را از محضر استاد صدر بلاغی و درس فلسفه (بدایه الحکمه و نهایه الحکمه) را از محضر استاد حسینی استفاده نموده‌ام و همچنین درس‌های تاریخ اسلام و کلام اسلامی در زمان دارالتبلیغ از آقای سبحانی و اقتصاد اسلامی را از آقای دکتر احمد بهشتی فیض برده‌ام. از سال ۱۳۶۸ جهت تدریس وارد دانشگاه تهران شدم که هم اکنون در گروه معارف اسلامی دانشگاه تهران به تدریس دروس معارف اسلامی - متون اسلامی - تاریخ اسلام در رتبه استادیاری به تدریس اشتغال دارم. در تاریخ ۱۳۷۰ کارشناسی زبان و ادبیات را نیز از دانشگاه شهید بهشتی دریافت نمودم.

خوشحال، ابوالقاسم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالقاسم خوشحال

محل تولد : لاهیجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

استاد گرانقدر آقای ابوالقاسم خوشحال در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی در خانواده ای کاملاً مذهبی دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در شهر مقدس مشهد گذراند در پی تشویق پدر و علاقه خود به فراگیری زبان عربی و علوم دینی وارد حوزه علمیه مشهد شد و از خرمین بزرگان علم و ادب حوزه علمیه مشهد خوشه چینی کرد.

پس از مدتی تحصیل در مشهد به منظور ادامه تحصیل و بهره گیری از محضر عالمان و دانشمندان قم، بدانجا روانه شد. از نخستین روزهای سکونت در شهر قم، به جد و جهد، در درس بزرگان حوزه علمیه حاضر شد و ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت علیهم السلام از درس بزرگان آن دیار همچون آیت الله فلسفی، شاهرودی بهره ها برد. استاد ضمن تحصیل دروس حوزوی به فکر تحصیلات دانشگاهی افتاد و در رشته کارشناسی ارشد فلسفه از دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید. پس از اتمام تحصیلات به زادگاه خویش بازگشت و بر کرسی تدریس در دانشگاه مشهد تکیه زد، در این مدت دانشجویان فراوانی از محضر ایشان بهره های فراوان علمی برده اند. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیاندیشیده است که کتابهای "امّهات فلسفه اخلاق" و "تصحیح رساله ابهری" از جمله آثار ایشان است.

خوشنویس راد، ابراهیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی مغز و اعصاب، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران. بر گرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

خوشنویس، محمدجعفر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد جعفر خوشنویس

محل تولد : کربلا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۵/۱/۱

زندگینامه علمی

محمد جعفر خوشنویس (معروف به جعفر الهادی) سال ۱۳۲۵ در شهر مقدس کربلا به دنیا آمد و به علت انتساب و ارتباط وی به خاندان دینی و علمی و تمایل شدیدی که به تحصیل و کسب علوم اسلامی داشت پس از طی چند سال در مکتبخانه و در مدارس رسمی به حوزه علمیه پیوست و دروسی را در سطح مقدمات (نحو و صرف و بلاغت) و مراحل از علم کلام و تفسیر و فقه، باب حادی عشر و مجمع البیان و تبصره علامه و عروه و شرایع الاسلام و لمعه و معالم و اصول و فن نگارش عربی به سبک معاصر را نزد اساتید معروف و مبرز حوزه گذراند. پس از ورود حضرت امام (قدس سره) به عراق و به دلایل سیاسی به لبنان رفته و حدود ۵ سال در بیروت به کارهای فرهنگی و تبلیغی از قبیل سخنرانی نگاشتن و نشر مقالات مذهبی در مجلات و روزنامه های اسلامی و شیعی از قبیل: العرفان و الحیاه (بین سالهای ۱۳۴۹-۱۳۵۳ هجری شمسی) پرداخت.

سپس به بحرین هجرت کرده و پس از مکث ۹ ماه در آن کشور که همراه با امامت جماعت و سخنرانی به عربی و فارسی در مجالس مذهبی و اجتماعی و نوشتن و نشر مقاله، و ایراد سخنرانی هایی از طریق رادیوی منامه در مناسبتهای دینی شیعی بود به ایران آمد و در اواخر سال ۵۴ به حوزه علمیه قم وارد شد و در درس کفایه حضرت آیت الله سبحانی در مسجد فاطمی شرکت کرد و به مدت ۱۵ سال به فراگیری علوم مختلف در زمینه فقه، اصول، رجال، درایه، فلسفه، علوم قرآنی و کلام تطبیقی و تلمذ نزد دانشمندان عالیقدر: فقید سعید ستوده (قدس سره) و موسوی تبریزی، دوزدوزانی، و فقید سعید حقی تبریزی پرداخت. درس خارج فقه و اصول را از محضر حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (قدس سره) آیت الله العظمی تبریزی، آیت الله العظمی وحید خراسانی، آیت الله العظمی مکارم شیرازی، آیت الله کوبی، آیت الله سبحانی استفاده نمود.

از اوائل ورود به حوزه شریف قم به تدریس پرداخت و به تعلیم زبان عربی، فن نویسندگی معاصر، خطابه در کنار فقه، اصول، عقائد و تاریخ اسلامی مشغول شد. ایشان به خاطر رغبت و علاقه ای که به نشر فرهنگ اسلامی علی الخصوص بین جوانان داشت به خطابه و ایراد سخنرانی در محافل و مجالس به زبان عربی و فارسی پرداخت و به مرور زمان یکی از فعالیتهای عمده وی تبلیغ از طریق منبر قرار گرفت. در همین راستا بر اثر دعوتهای مختلف به مناطق گوناگون در خود ایران و در دیگر کشورهایمانند لبنان، سوریه، بحرین، دبی، شارجه، چین، مالزی، سنگاپور، سریلانکا، تایلند، ساحل العاج، کرواسی، مکررا سفر کرده و در میان مردم مختلف به سخنرانی پرداخت. به علت تسلط ایشان در دو زبان عربی و فارسی هم در عراق (پیش از حکومت منفور بعث) و قبل از هجرت از عراق و پیش از سالهای (۱۳۴۹-۱۳۵۴ ه.ش) از رادیوی سراسری عراق و همچنین در ایران (پس از انقلاب مبارک اسلامی) در کانال رادیویی ۱، ۲، ۳ فارسی و عربی سراسری و رادیوی قرآن و رادیوی محلی قم و اهواز و کیش و کردستان و سیستان و بلوچستان سخنرانی، میزگرد و مصاحبه های متعددی در مسائل گوناگون اسلامی و اجتماعی داشته، همچنین نظیر این برنامه ها از تلویزیون المنار حزب الله لبنان از وی پخش شده است. تدریس در دانشکده شهید محلاتی سپاه قم به مدت چهار سال و مدتی در دانشگاه شریف صنعتی تهران و جامعه الزهراء قم و موسسه مذاهب اسلامی نیز داشته اند. از همان آغاز جوانی بر اساس علاقه به نویسندگی به نوشتن و نشر کتاب و مقاله هایی به دو زبان عربی و فارسی در مجلات گوناگون داخلی و خارجی همچون: القرآن یهدی، ذکریات المعصومین، نداء الاسلام، منابع الثقافه الاسلامیه (عراق) و المواقف (بحرین) رساله القرآن، پیام قرآن، پرسمان (قم) و البصائر و رساله الحسین و میقات الحج (ایران) و الشهید (لندن) و دعوة الحق (مغرب) المرشد (سوریه و لبنان) پرداخت. وی عضو هیئت علمی مقام معظم رهبری و جامعه اهل البيت العالمیه و دبیر کمیته تبلیغ و معارف مدارج علمی حوزه است و اینک مدیر مرکز تخصصی آموزشی علوم حدیث (در خیابان معلم) وابسته به حوزه علمیه قم می باشد.

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید حسن موسوی خونساری رحمه‌الله از علماء بنام همدان بوده‌اند.

وی از اصحاب و خصصیین و شاگردان مرحوم آیت‌الله العظمی آقای سید محمد کاظم یزدی بوده و مدت یازده سال تمام در نجف اشرف مشغول تحصیل و از اساتید وقت مثل مرحوم حاج آقا رضای همدانی و آیت‌الله العظمی حاج میرزا محمد تقی شیرازی استفاده نموده و چند سالی هم اواخر مرحوم میرزای بزرگ «آیت‌الله مجدد شیرازی» را درک نموده و کراماتی هم نقل کرده‌اند تا آنکه اهالی همدان مسجدی مخصوص او بنا کردند پس در زمان مرحوم آیت‌الله طباطبایی یزدی صاحب عروۀ الوثقی از نجف اشرف حرکت با تجلیل زیادی وارد همدان و مورد توجه قاطبه مردم همدان به طبقات مختلف گردیده و در زمان خود معروف به زهد و تقوی و در اقامه جماعت اول روحانی محسوب بودند و پس از شصت سال خدمت و ترویج شرع در سن نود و دوسالگی در اول ماه شعبان ۱۳۳۷ شمسی به رحمت ایزدی پیوسته و با تجلیل فوق‌العاده جنازه آن مرحوم حمل به نجف اشرف گردیده و در جوار مولی الموحدین امیرالمومنین علیه صلوات المصلین مدفون گردیده است دارای پنج پسر می‌باشد که ترجمه دو نفر از آنها را می‌نگارم.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

خونساری، ضیاءالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام سید ضیاءالدین خونساری از علماء اعلام و افاضل کرام حوزه علمیه و مبرزین شاگردان مرحوم آیت‌الله حایری بودند که از اراک به قم هجرت نموده و تا آخر عمر مرحوم حایری از دروس فقه و اصول وی استفاده کرده‌اند. تولد او در سال ۱۳۱۲ ق- در خونسار واقع شده و پس از طی مقدمات و سطوح به اراک رفته و بعد با انتقال حوزه به قم آمده تا سال ۱۳۵۸ قمری که از دنیا رفته و در جوار امامزاده معروف به شاه محمد قاسم مدفون شده است. در تقوا و علم و فضیلت و جودت ذهن مشار بالبنان بوده و مرحوم آیت‌الله حایری توجه مخصوصی به ایشان داشت در عید فطر ۱۳۵۲ قمری مرحوم آیت‌الله نماز عید را به وی واگذار نموده که در صحن به جماعت انجام دادند. نفوذی در خونسار و حومه آن داشت و در تابستانها که آنجا می‌رفتند فصل دعاوی و خصومات با ایشان بود. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

خونساری، محمد علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آخوند ملا- محمدعلی خونساری قدس‌الله سره متوفی ۱۳۳۲ قمری از علماء برجسته و مجتهدین حوزه علمیه نجف اشرف از شاگردان بزرگ مرحوم آیت‌الله العظمی آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و اکابر مراجع و آیات عظام نجف اشرف و مدرسین به نام آن سامان و دارای دامادهای بزرگوارى مانند مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ موسی خونساری متولد ۱۲۹۳ متوفی ۱۳۶۳. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

خونساری، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم مبرور سیدالفقهاء والمجتهدین و سند العلماء والتمتقین الورع الزکی والمجاهد الصفی والتقی النقی الحاج السید محمدتقی بن سید الاعلام السید اسدالله الموسوی الخونساری قدس الله نفسه الزکیه ابن العلامة الاوحد السید محمد بن المحقق السید حسین بن العلامة الافضل السید ابوالقاسم بن الامام الاکبر العلامة الاجل الحاج السید حسن بن مولا العلامة الحاج میرزا ابوالقاسم (جعفر) ابن السید حسین بن السید قاسم ابن السید محب‌الله بن السید قاسم ابن السید مهدی بن السید زین‌العابدین بن السید ابراهیم ابن السید کریم‌الدین بن السید رکن‌الدین بن السید زین‌العابدین ابن السید صالح (العالم الجلیل الشهیر بالقصیر) ابن السید محمد بن السید محمود بن السید حسین بن السید حسن بن السید احمد بن السید ابراهیم بن السید المجاهد السید عیسی بن السید حسن بن السید یحیی ابن السید ابراهیم بن السید حسن بن السید عبدالله ابن الامام الهمام موسی بن جعفر علیهما السلام

ساروا و قد بعدت عنا منازلهم

هذه المنازل والاثار والطلل

مخبرات بان القوم قد رحلوا

فالان لا عوض عنهم ولا بدل

فسرت شرقا و غربا فی تطلبهم

و كلما جئت ربعا قیل لی رحلوا

ولادت این بزرگوار در سال ۱۳۰۵ قمری در قصبه خونسار واقع و وفاتش در هفتم ذی‌الحجه ۱۳۷۱ قمری در همدان اتفاق افتاد و از آنجا با تشییع کم‌نظیری حمل به تهران و از آنجا به قم و در مسجد بالاسر کنار در قبله و قبر مرحوم آیت‌الله حایری مدفون گردید. نگارنده ترجمه معظم له را درج اول آثار الحججه از ص ۱۴۲ تا ص ۱۶۱ نگاشته و نیز در ص ۳۸۴ ج ۴ کتاب مشاهیر دانشمندان اسلام متذکر شده در اینجا به طور متوسط می‌نگارم. آن جناب پس از طی مقدمات در خونسار در سال ۱۳۲۲ قمری مشرف به عتبات عالیات شده و در درس مرحوم آخوند خراسانی و علامه یزدی شرکت نموده و پس از فوت آنان در درس بزرگانی مانند مرحوم شریعت اصفهانی و آقای آقا ضیاء‌الدین عراقی و آقا شیخ علی قوچانی حضور یافته و در هنگام ثوره عراق با مرحوم آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی و مرحوم آیت‌الله کاشانی به جنگ انگلیس و استعمارگران رفته تا در سال ۱۳۳۳ تبعید به هندوستان شده و بعد از چهار سال گرفتاری به ایران و وطن خود خونسار مراجعت و بعد از اندکی توقف به اراک رفته و در درس مرحوم آیت‌الله حایری حاضر و با معیت آن مرحوم به قم مهاجرت نموده و در تشکیل حوزه قم و حفظ آن تشریک مساعی داشته و بعد از فوت آن مرحوم به اتفاق دو قرین عزیز خود مرحومین آیتین حجت و صدر تا آمدن مرحوم آیت‌الله بروجردی از نگهداری حوزه و سرپرستی و تربیت طلاب و محصلین لحظه‌ای مسامحه نمودند و چه بسیار از افاضل بلکه مراجعی که از حوزه آن مرحوم بیرون آمده‌اند.

نیاکان و اسلاف آیت‌الله خونساری

در میان آن سلسله جلیله ستارگان درخشانی در آسمان علم و دانش و چراغهای فروزانی در طریق هدایت و خداپرستی و گل‌های زینت‌بخشی در مجالس زهد و تقوا یافت شده که هر یک به نوبه خود علم اسلام و پرچم دین را به دوش کشیده و هزاران نفر را از گمراهی جهل و نادانی به شاهراه مستقیم دیانت هدایت نموده و نامهای نیک و یادگارهای ارزنده‌ای از خود به جای گذارده‌اند و جامعه علم و روحانیت را مرهون زحمات و مشقتهای طاقت‌فرسای خویش ساخته‌اند یکی از آن رجال برجسته دانشمند متقی آقا سید ابوالقاسم فرزند آیت‌الله حاج سید حسین است که در سال ۱۱۶۱ در قصبه خونسار متولد شده و در اعلا درجه زهد و تقوا و علم و دانش بوده و به علت شدت احتیاط در دین و اجتناب از پیروی هوا و دنیا سراسر زندگی از اقامه جماعت و ریاست و حکم و فتوا کناره‌گیری نموده و به تمام قوا کوشش در انجام مهمات و قضاء حوائج اخوان می‌فرمود دارای نفسی عجیب و دعائی مجرب که در زمره کراماتش شمرده می‌شد چنانچه مشهور است که به مجرد خواندن یا نوشتن دعاء بیماران شفا می‌یافتند.

در اواسط ماه مبارک رمضان در سال ۱۲۴۰ در قصبه خونسار به رحمت حق واصل شده (از روضات الجنات ص ۱۲۶- الکنی واللقاب ج ۱ ص ۱۳۵).

دیگر از اعظم این خانواده آیت‌الله العلام الحاج سید حسین است که از اکابر محققین اعلام و عظام علماء اسلام دارای اخلاق نیکو و در اعلا- درجه زهد و تقوا و دین در زمان خود بوده زاویه خونسار را به جهت خود اختیار و کمتر از آن قصبه بیرون آمده از مسافرت خودداری می‌فرمود و از این رو نامش بر بسیاری از علماء و دانشمندان مخفی و پوشیده گشته در روز یکشنبه هشتم رجب سال ۱۲۹۱ در قصبه نامبرده رحلت و در جوار منزلش مدفون و قرش مزار مردم خونسار است.

و دیگر ابوالقاسم جعفر بن الحسین است که در ماه صفر روز اربعین سال ۱۰۹۰ در اصفهان متولد مقدمات و سطح را در نزد علماء و دانشمندان اصفهانی تحصیل و در قسمت دروس نهائی خدمت علامه مجلسی تلمذ نموده است و لذا از ایشان در کتب و مصنفاتش تعبیر می‌نماید (شیخی الاعظم و استادی الافخم).

دارای تالیفات و تصنیفات چندیست در کلام و فقه و ادعیه و غیر ذلک و یکی از شاهکارهای ادبی ایشان منظومه عربی میمی که خالی از همزه و الف و متجاوز از سه هزار بیت که در حکم و آداب شرعیه نوشته است.

در حدود سال ۱۱۳۰ به واسطه فتنه افاغنه در اصفهان حرکت نموده و به موجب تقاضای اهالی خونسار را محل اقامت خود قرار داده و در آنجا قیام و اقدام به امورات شرعیه نمود تا در سیزدهم ذی‌القعدة سال ۱۱۵۷ در قریه قودجان که از قراء خونسار است رحلت و به رحمت حق واصل و در همان قریه مدفون و قبرش مزار هر خاص و عام است و در رحلتش اشعاری سرودند که از آن جمله است.

میر ابوالقاسم اعلم ز جهان رحلت کرد

از میان نسخه آداب مسلمانی رفت

سال تاریخ وفاتش ز خرد پرسیدم

گفت دانای ادب عالم ربانی رفت

و در شرح نوابغ و بزرگان این سلسله به تراجم رجال و مشجرات آل الرسول مراجعه شود زیرا که این کتاب را گنجایش آن نیست. یکی از آثار و کرامات باهرات مترجم معظم ما نماز استسقاء اوست که در آثار الحجه مشروحاً ذکر کردم و در جرائد و مجلات آن روز هم مسطور گردیده و حتی به کشورهای دیگر هم مخابره شده است و آن در سال ۱۳۶۳ قمری بود همان سالی که متفقین ایران را اشغال کرده بودند و در قم باران نبارید و باغات و مزارع خشکیده و خطر قحطی و خشکسالی مردم قم را تهدید می‌کرد آن مرحوم دو روز متوالیا برای نماز باران به صحرا رفتند و در روز دوم چنان باران آمد که سیلها روان و جویبارها به راه افتاد و این از

انفاس قدسیه آن مجسمه تقوا و پیکره فضیلت بود.

اشعار دانشمندان درباره نماز باران آن مرحوم

ادباء و فضلاء قم و سایر بلاد در فوت و مدح آن مرحوم بسیار داد سخن داده که برای اختصار چند قصیده آن را می‌نگارم. آقای نبوی قمی که از فضلاء و خطباء به نام حوزه علمیه قم است گوید:

مخزن علم و کمالی مصدر زهد و ورع

زهره افلاک زهدی بهتر از هر اختری

یاور دین را تو یاری خصم او را دشمنی

بی نوایان را نوائی بی کسان را یاوری

قهرمان عرصه میدان علم و دانشی

علم و تقوا را سراسر کشور پهناوری

از محمد وز تقی شد نا نامیت تمام

زین دو نور حق عیان گردیده اینک انوری

ای مجاهد کز سر صدق و صفا کردی قیام

الحق الحق در زمانه مظهر یا قاهری

باید اینسان معدن علم و هنر آید برون

از دبستانی که او آموخت علم و سروری

مایه فخر و مباهاتی تو بر اسلامیان

دشمنان دین و آئین را فروزان آذری

بر سر اسلامیان جاوید بادا سایهات

بخت خصمت تیره گون گردد جهان کافری

عقل عاجز گردد از وصف تو ای یکتاپرست

یکه خواه و یکه جوی و یک‌نوای یک‌سری

علامه ادیب آقای کرمی اهوازی گوید

لهفی علی رجل الحقیقه والتقی

الایة العظمی محمد التقی

بطل اقام عماد دین المصطفی

بجهاده و تعلیمه المتدقی

القت له الدنیا مقالید الوری

فهو الزعیم بمغرب و بمشرق

خونسار مولده و فی النجف استقی

من فیض حیدره السعاده والرقی

کمعاهد الکفار حتی حل من

کید العدی بمحیط اسر ضیق

مازال منتصبا تؤم جماعه
و یشید فی الجمعات احسن منطق
شحت بوابلها السماء فما انثی
من ورده و صلوته حتی سقی
ارخه ماظلت بنوحک امه (۱۳۷۱)
لهوی التقی الا لانک متقی
مرحوم حجه الاسلام حاج سید هادی روحانی رودسری گوید
بهر بهار گل از گل شکفته مالا مال
گل شریعت ایمان شده است محو الحال
گلی فرو شده در گل که تا به یوم قیام
گلاب اوست که هر دم ز دیدگان سیال
برفت آیت عظمای عصر خونساری
فقیه آل محمد همان ستوده خصال
جهاد کرد و اسارت برفت و حبس نشست
که تا ستون دیانت بیابد استقلال
بحفظ حوزه و در تربیت نموده قیام
در آن زمان که شدی بدر حوزه همچو هلال
نماز جمعه بیا کرد نفس قدسی او
به تشنگان حقیقت چشانند آب زلال
هزار و سیصد و هفتاد و یک پس از هجرت
بروز هفتم ذی الحججه با شکوه و جلال
برفت آن تقی متقی و زاهد دهر
به نزد جد گرامش کشیده رخت وصال
نمود ختم بگفتار خویش روحانی
که پیش از این ز تأسف نداشت حال مقام

در شب فوت آن مرحوم آیت الله العظمی بروجردی در خواب می بیند که سید بزرگوار علم الهدی سید مرتضی موسوی شاگرد مبرز شیخ مفید رحمه الله از دنیا رفته و جنازه او را به قم می آورند بسیار متأثر شده و با وحشت از خواب بیدار و انتظار وقوع حادثه ای را می برد که از همدان تلفوناً اطلاع ضایعه فوت معظم له را می دهند پس تعبیر خواب خود را یافته و عموم علماء و محصلین حوزه و مردم متدین قم را برای استقبال از جنازه و تشییع آن اعزام می فرمایند نگارنده هم در مشهد مقدس بودم که آنشب خواب عجیبی دیدم که در حرم مطهر ایستاده ام ولی ضریح و صندوق قبر شریف نیست بسیار نگران بودم از خواب بیدار شده و با یکی از علماء و مراجع مشهد خواب را گفته و گفتم گمانم اینست که یکی از علماء بزرگ از دنیا رفته است تا دو ساعت بعد رادیو خبر این حادثه را داد. فرزندان برومندی دارد که در میان آنان جنابان حجت الاسلام آقای حاج سید محمدباقر و آقای حاج سید محمدعلی به فضل و دانش موصوف و ترجمه آنان در ج ۳ مذکور خواهد گردید.

(۱۳۷۱-۱۳۰۵ ق)، مجتهد، مدرس حوزه و مرجع. در خوانسار متولد شد. پس از تحصیل مقدمات در خوانسار به عتبات رفت و از محضر آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و علامه یزدی بهره جست. سپس در حوزه‌ی درس بزرگانی چون شریعت اصفهانی و آقا ضیاء‌الدین عراقی و آقا شیخ علی قوچانی حضور یافت. وی هنگام انقلاب عراق همراه با آیت‌الله محمد تقی شیرازی و آیت‌الله کاشانی، با انگلیس و استعمارگران به مبارزه پرداخت و در پی آن به هندوستان تبعید شد. آیت‌الله خوانساری بعد از چهار سال گرفتاری به ایران بازگشت و پس از مدت کوتاهی توقف در خوانسار، به اراک رفت و از حوزه‌ی درسی آیت‌الله حایری بهره‌مند شد. پس از مدتی همراه وی به قم مهاجرت کرد و در تشکیل حوزه‌ی قم سعی بسیار کرد. بعد از فوت آیت‌الله میرزا عبدالکریم حایری به اتفاق آیت‌الله حجت و آیت‌الله صدر، تا آمدن آیت‌الله بروجردی، به نگهداری از حوزه و سرپرستی و تربیت طلاب مشغول شد. نماز باران وی در سال ۱۳۶۳ ق در قم بسیار مشهور است. وی سرانجام در همدان درگذشت و در مسجد بالا سر قم دفن شد. [۱]

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

منابع زندگینامه: [۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۵۷/۳)، الکنی و الالقاب، ترجمه (۳۸۵-۳۸۴/۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۲۲-۳۲۱/۱).

خونساری، مصطفی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت‌الله حاج سید مصطفی بن العلامه حاج سید احمد موسوی خونساری از علماء اعلام و آیات عظام حوزه علمیه قم است دارای مقامات علمی و کمالات نفسانی حسبی و نسبی است.

تولدش در ربیع‌المولود سال ۱۳۲۱ قمری در خونسار واقع شده و پس از رشد و تمیز مقدمات را از مرحوم آقا سید علی خونساری دائی خویش خوانده و سطوح را از والد ماجدش فراگرفته و در سال ۱۳۴۰ هجری به قم مشرف و از اول ورود به قم به حوزه درس مرحوم آیت‌الله حایری حاضر و چندین دوره فقه و اصول را نزد آن جناب استفاده نموده تا حائز مقام اجتهاد و استنباط و مورد تصدیق معظم‌له واقع شده و حدود ده ماه هم از مرحومین علمین اصفهانی و نائینی در قم بهره‌مند گردیده و هم مدت کوتاهی از مرحوم آیت‌الله قمی و آقازاده خراسانی و آیت‌الله میرزا محمدصادق اصفهانی و آقا رضای مسجد شاهی اصفهانی استفاده کرده‌اند و از هر خرمی از علوم آنها خوشه‌ها چیده و بهره‌ها برده تا ورود آیت‌الله العظمی بروجردی رحمه‌الله که به ایشان پیوسته و از اصحاب استفتاء و خواص حواریین معظم‌له گردیده و هم تدریس فقه و اصول داشته و دارد.

تالیفات چندی دارد که فهرست آنها را می‌نگارم ۱- الدیانه الاسلامیه در اصول اعتقادات می‌باشد ۲- تقریرات درس مرحوم آیت‌الله حایری در اصول و صلوه و نکاح و مکاسب.

۳- الجواهر المودعه که کتاب نفیسی است ولی هیچکدام آنها تاکنون به طبع نرسیده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

خویی، ابراهیم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۴۷- شهادت ۱۳۲۵ ق)، عالم و فقیه امامی. مشهور به علامه خویی. وی از طایفه دنبلی بود که در شهر خوی متولد شد و در همان جا ساکن بود. او در بیشتر علوم دینی اعلم از فقه، اصول و حدیث تبحر داشت و از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و سید حسین کوه کمری به شمار می‌رفت، و از شیخ محمد حسین کاظمی و شیخ مهدی نجفی کاشف الغطاء روایت می‌کرد. عمر وی به بخشش و داد و دهش و تحکیم اساس دین گذاشت. حاج میرزا ابراهیم در طی حوادث مشروطه در منزل خود در خوی شهید شد و جنازه‌اش مدتی بعد به نجف انتقال یافت. از آثار وی: حاشیه بر «فرائد الاصول» شیخ انصاری؛ «ملخص المقال فی تحقیق احوال الرجال»؛ «شرح چهل حدیث»؛ «الدره النجفیه»؛ شرح «نهج البلاغه»؛ «الدعوات»؛ «رساله‌ای در اصول» [۱].

مرحوم اوردبادی رحمه الله گوید العلامة الا-کبر حاج میرزا ابراهیم خوئی شهید الانقلاب خوی سال ۱۳۲۵ قمری از تلامیذ شیخ الطائفه حجه الحق شیخ انصاری و آیت الله العظمی حاج سید حسین کوه کمریست.

از تألیفات او ۱- حاشیه بر رسائل شیخ مخطوط که نسخه آن در کتابخانه رضویه موجود است ۲- شرح نهج البلاغه ۳- کتاب الاربعین حدیث ۴- کتاب الرجال ۵- کتاب فی الدعوات و این چهار کتاب مطبوع است.

مرحوم آیت الله امینی در ص ۳۴۲ شهداء الفضیله گوید مرحوم حاج میرزا ابراهیم خوئی متولد ۱۲۴۷ قمری از طراز اول راسخین در علم و منضلعین مشارکین در فنون فقه و اصول و کلام و حدیث و حکمت و عرفان و رجال بود و اما اخلاق: پس او قدوه ارباب اخلاق بوده و مردم باید به وی اقتدا و تبعیت بنمایند دارای جود و کرم و علو طبع و مناعت نفس و انفاق فی سبیل الله مقامات و موافقی بود که تاریخ ناطق و تشکر بر آنها ابدیست چنانچه فوائد علمیش مدی الدهر باقی و سرمدیست او را ثروتی مهم بود و در محلی که خدا راضی و دوست می‌داشت صرف می‌کرد.

کسی بر چشمه احسانش وارد نمی‌شد مگر آنکه سیراب برمی‌گشت و احدی به امیدی حضرتش را قصد نمی‌نمود الا آنکه روضه آرزویش با ابر جودش سبز و خرم می‌گشت و از عایدات خود با کثرت آن صرف نمی‌کرد بر نفس خود مگر نصف عشر آن را و همین طور بذل و عطا می‌کرد و اقامه عمود دین و تعظیم شعائر الله می‌نمود. تا اینکه در صبح ششم ماه شعبان ۱۳۲۵ در سن هفتاد و هشت سالگی در صحن خانه خود بضرب گلوله در راه دین با رشد و عقل و مجد و شرف طاهر از دنس به درجه شهادت فایض گشت و فقدا و طامه کبری گشت که چشمه‌ها خون گریست و دلها از عظم خطب فادح و کرب شدید متفطر گردید سوگند با خدای که آن مصیبتی بود که خسارت بر اسلام وارد آورد که به هیچ چیز جبران آن نمی‌شود و بر اساس دین ثلمه‌ای رسید که سد و التیام نمی‌پذیرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۳۰/۱)، اعیان الشیعه (۱۳۵/۲)، ایضاح المکنون (۵۵۳/۲)، الذریعه (۲۱۴/۲۲، ۱۱۳/۱۴، ۲۰۰، ۱۹۹/۸، ۱۵۲/۶، ۴۲۸/۴، ۴۰۹/۱)، لغت نامه (ذیل / دنبلی).

خویی، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۷ ق - ۱۳۷۱ ش)، مجتهد، فقیه، اصولی، مفسر، مدرس و مرجع بزرگ شیعه. آیت الله خویی در خوی متولد شد. در سال ۱۳۳۰

به نجف رفت و پس از تحصیل علوم ادبی و منطق و اصول فقه و کلام و فلسفه، بحث عالی خارج را نزد مجتهدان بزرگی چون آیت‌الله شیخ الشریعه‌ی اصفهانی، شیخ مهدی مازندرانی، شیخ ضیاءالدین عراقی، شیخ محمد حسین غروی، شیخ محمد حسین نایینی، شیخ محمد جواد بلاغی و آیت‌الله سید حسن بادکوبه‌ای، فراگرفت و به درجه‌ی اجتهاد رسید. آیت‌الله خویی مدتی در مسجد الخضراء نزدیک حرم امیرالمومنین (ع) به تدریس بحث خارج «مکاسب» شیخ انصاری، کتاب «صلاه» و بحث خارج «عروه»، همچنین تفسیر قرآن پرداخت. در حوزه‌ی درس ایشان هزاران شاگرد تربیت یافتند که هر یک به عنوان مرجعی در سراسر بلاد اسلامی منتشرند. در عراق درگذشت و در نجف دفن شد. او تالیفات متعددی دارد که برخی از آنها عبارت است از: «اجود الثقریات»، «الامر بین الامرین»، «البیان فی تفسیر القرآن»، «التنبیه علی حکم اللباس المشکوک علیه»، «التنقیح فی شرح العروه الوثقی»، «مدارک العروه»، «الدراسات فی الاصول»، «مصباح الفقاهه»، «تکمله منهاج الصالحین»، «مبانی تکمله‌ی منهاج الصالحین»، «تهذیب و تنمیم منهاج الصالحین»، «مستحدثات المسائل»، «منتخب الرسائل»، «مناسک الحج»، «المسائل المنتخبه»، «فقه القرآن علی المذاهب الخمس»، «المحاضرات فی الفقه الجعفری»، «معجم رجال الحدیث» در بیست و سه جلد و برخی کتب دیگر که هنوز طبع نشده. [۱]

فقیه مرجع مدرس.

تولد: ۱۵ (۱۲۷۸ رجب ۱۳۱۷ ق.)، خوی.

درگذشت: ۱۷ مرداد ۱۳۷۱، کوفه.

آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی، فرزند علی‌اکبر فرزند هاشم موسوی خویی نجفی، در شهر خوی به تحصیل برخی مقدمات پرداخت. در سال ۱۳۳۰ ق. به نجف اشرف رفت و در حوزه‌ی علمیه‌ی نجف به فراگرفتن علوم ادبی و منطق پرداخت. پس از فراگیری کتاب‌های درسی اصولی و فقهی و از جمله نزد پدرش، به تحصیل خارج نزد استادان مختلف و از جمله آیت‌الله شیخ فتح‌الله معروف به شیخ الشریعه اصفهانی، آیت‌الله شیخ مهدی مازندرانی، آیت‌الله شیخ ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله محمدحسین اصفهانی، آیت‌الله محمدحسین نایینی، آیت‌الله شیخ محمدجواد بلاغی، آیت‌الله سید محمدحسین بادکوبی پرداخت. بعد با اجازه آیت‌الله محمدحسین نایینی به تدریس کتب امامیه و غیر امامیه، کتب اربعه (کافی، فقه، تهذیب، استبصار) و جوامع (وسایل بحار، وافی) پرداخت. در سال ۱۳۵۲ ق. بسیاری از علما مانند آیت‌الله نایینی، آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، آیت‌الله عراقی و آیت‌الله بلاغی به مقام علمی و اجتهاد ایشان شهادت دادند. در این زمان بود که آیت‌الله العظمی خویی مجلس بحث خارج خود را در مسجدالخضراء نزدیک حرم حضرت امیر (ع) تشکیل داد و سال‌ها به تدریس بحث خارج مکاسب آیت‌الله شیخ مرتضی انصاری، کتاب صلاه و بحث خارج عروه از سید محمدکاظم یزدی از کتاب طهارت و بعدها نیز به تفسیر قرآن کریم پرداخت. از جمله آیار ایشان می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: «البیان فی تفسیر القرآن؛ اجود الثقریات (دو جلد)؛ تکمله منهاج الصالحین؛ مبانی تکمله منهاج الصالحین (دو جلد) المسائل منتخبه، مستحدثات المسائل؛ تعلیقه علی العروه الوثقی؛ رساله فی اللباس المشکوک؛ نفحات الاعجاز فی الرد علی حسن الایجاز؛ منتخب الرسائل؛ تعلیقه علی المسائل الفقیه؛ منتخب توضیح المسائل؛ تلخیص المنتخب؛ مناسک الحج (به عربی و نیز به فارسی)؛ تعلیقه المنهج الاحکام الحج؛ معجم رجال الحدیث (بیست و سه جلد). تقریرات آیت‌الله العظمی خویی به شرح زیر هستند: تنقیح العروه الوثقی، شش جلد در علم و فقه، دروس فی فقه الشیعه چهار جلد در علم فقه، مستند العروه سه جلد در علم فقه، فقه العتره، دو جلد در علم فقه، تحریر العروه یک جلد در علم فقه، مصباح الفقاهه، سه جلد در علم فقه، محاضرات فی الفقه الجعفری، دو جلد در علم فقه، الدر الغوالی فی فروع العلم الاجمالی، یک جلد در علم فقه، محاضرات فی اصول الفقه، پنج جلد در علم اصول، مصباح الاصول، دو جلد در علم اصول؛ مبانی الاستنباط، دو جلد در علم اصول؛ دراسات فی الاصول، مصابیح الاصول یک جلد در علم اصول، جواهر الاصول، یک جلد در علم اصول؛ الامر بین الامرین، یک

جلد در علم اصول؛ الرأى السدید فی الاجتهاد و التقليد، یک جلد در علم فقه؛ رساله فی التحقيق الکر، یک جلد در علم فقه؛ رساله فی حکم اوانی الذهب، یک جلد در علم فقه.

از کتاب‌های طبع نشده وی میتوان به عنوان‌های زیر اشاره کرد: اضواءالقلوب؛ فقه القرآن علی المذاهب الخمس؛ فهرست جامع الشتات؛ ازاله المحاده عن ملک المنافع المتضاده؛ آثارة العقول؛ قاعده التحوار؛ تعارض.

آیت‌الله العظمی خویی در پی یک بیماری قلبی در بیمارستان ابن‌النفیس بغداد بستری و پس از یک هفته به نجف اشرف بازگشت و پس از گذشت چند روز به علت کهولت سن در ساعت سه بعدازظهر به وقت بغداد در روز هفدهم مرداد ۱۳۷۱ (مطابق با هشتم صفر ۱۴۱۳ ق.) در کوفه چشم از جهان فروبست. پیکر ایشان صبح یک شنبه در نجف اشرف تشییع شد و در مسجد الخضراء (صحن مطهر علوی) به خاک سپرده شد.

منابع: معجم رجال‌الحديث، جلد ۲۲، ص. ۱۷. آیت‌الله العظمی خویی به رحمت ایزدی پیوست، کیهان فرهنگی س. ۹ ش. ۶ (شهریور ۱۳۷۱)، ص. ۵۵. «چهره درخشان علوم مختلف اسلامی، حاج سید ابوالقاسم خویی (ره)»، کیهان، ش. ۱۴۵۷۵ (۲۵ شهریور ۱۳۷۱)، ص. ۱۸. گنجینه دانشمندان، جلد پنجم / شیخ محمد شریف رازی، ص. ۶۵-۶۴ مجلس نشین قدس، یادواره پیشگام شهدای محراب، آیت‌الله قاضی طباطبائی / شعر دوست، با مقدمه‌ای از حجت‌الاسلام سدی حسین موسوی تبریزی گنجینه دانشمندان، جلد دوم / شیخ محمد شریف رازی، ص. ۹-۳.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] کیهان فرهنگی (س ۹، ش ۶، ص ۵۵)، مولفین کتب چاپی (۲۴۲-۲۴۰ / ۱).

خویی، ابو عبدالله، شهاب‌الدین محمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۹۳-۶۲۶ ق)، فقیه شافعی و قاضی. وی در دمشق به دنیا آمد و در آنجا نشو و نما یافت. وی متولی قضاوت در قدس، سپس در حلب و مصر بود. از جمله آثار وی: «اقالیم التعالیم»؛ «الجبرو المقابله»؛ «الیان»؛ «العروض».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۱۹/۶)، روضات الجنات (۷۸-۷۷ / ۸)، لغت نامه (ذیل / ابن خویی)، معجم المؤلفین (۲۵۸/۸).

خویی، شمس‌الدین، ابوالعباس احمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۳۷/۶۳۹-۵۸۳ ق)، قاضی و فقیه شافعی. معروف به قاضی القضاة خویی. از مشاهیر حکما و فقهای شافعی مذهب بود که در آذربایجان تولد یافت. علوم عقلی را نزد فخرالدین رازی فراگرفت و دیگر استادانش علی طوسی، ابن‌الزبیدی و ابن‌الصلاح بودند. در زمان الملک معظم عیسی به شام سفر کرد و در دمشق اقامت گزید و به منصب قاضی‌القضاتی آنجا رسید. وی در علوم شرعی و حکمی دست داشت و به اصول طب و علوم دیگر نیز آشنا بود و در مدرسه‌ی عادلیه، مجلس درس فقه داشت. در دمشق

در گذشت. از آثار وی: تکمیل تفسیر کبیر «مفاتیح الغیب» استادش فخر رازی که موفق نشده بود آنرا به پایان رساند؛ «ینایع العلوم»؛ شرح «الارشاد» محمد عمیدی، در علم خلاف و جدل؛ مختصر «النفائس» محمد عمیدی، در جدول به نام «عرائس النفائس»؛ کتابی در «نحو»؛ کتابی در «عروض». خوبی منظوماتی نیز داشته است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۵۸۸/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۳۶/۳)، ریحانه (۱۹۵/۲)، سیر النبلاء (۶۵- ۶۴/ ۲۳)، کشف الظنون (۲۰۵۱، ۱۹۶۶، ۱۱۱۳، ۹۱۸، ۶۹)، الکنی و الالقاب (۲۲۲- ۲۲۱/ ۲)، لغت نامه (ذیل / احمد)، معجم المؤلفین (۲۱۶/۱)، الوافی بالوفیات (۳۷۶- ۳۷۵/ ۶)، هدیه الاحباب (۱۳۳)، هدیه العارفین (۹۳- ۹۲/ ۱).

خویی، مهدی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۲۷۴ ق)، صوفی، منشی و شاعر. در خوی به دنیا آمد. مدتی برای تحصیل علم ظاهر و باطن به مسافرت و سیاحت پرداخت و در اصفهان از محضر شیخ محمدحسین و شیخ زین العابدین حسن علیشاه، و رییس سلسله‌ی نعمت الهی کسب فیض کرد. نزد آخوند ملاعلی نوری، که حکیم عصر بود حکمت آموخت و بعد از چندی سیر و سلوک و تحصیل، به خدمت محمدشاه رسید و منشی خاصه و کاتب اسرار و محرم او شد. در اواخر عمر، از کار دنیا ملول شد و انزوا گزید. سرانجام در تهران در گذشت. میرزا مهدی در نظم و نثر توانا بود و از اشعارش مقداری قصاید و غزلیات و مثنویات بر جای مانده است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۱۷۵۹- ۱۷۵۵/ ۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۶۵- ۳۶۴)، گنج شایگان (۴۳۷- ۴۳۶)، مجمع الفصحا (۹۲۷- ۹۱۹/۵).

خوینی قزوینی، احمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۰۷- ۱۲۴۷ ق)، فقیه، محقق و محدث شیعی. معروف به حاج ملا آقا. وی در خویین متولد شد. پس از تحصیل علوم اولیه به قزوین رفت و چندی در آنجا تحصیل کرد، آنگاه به اصفهان رفت و در نزد مشایخ آن شهر درس خواند سپس به عتبات عالیه رفت و پس از بازگشت در قزوین مسکن گزید و به امر تدریس و فتوی اشتغال یافت. از آثار وی: «الارث»؛ «مرآت المراد»، در رجال؛ «منظومه دیات»؛ «معراج الوصول الی علم الاصول»؛ در دو جلد؛ «اللوامع»، در فقه، در سه مجلد؛ رساله‌ی «الجبر و التفویض»؛ حاشیه بر «تفسیر الصافی»، تا پایان سوره‌ی بقره؛ حاشیه بر «صیغ العقود» زنجانی.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۷۵/۳)، الذریعه (۲۸۶- ۲۸۵/۲- ۸۴، ۸۳- ۴۴۱/۱، ۵/ ۱۹۶- ۱۹۵)، ریحانه (۱۹۶- ۱۹۵/ ۸، ۲/ ۸)، المآثر و الآثار (۱۴۳)، معجم المؤلفین (۱۷۶/۲)، مکارم الآثار (۱۲۹۷- ۱۲۹۶/ ۴).

خوینی قزوینی، عبدالکریم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۳۷۲ - ۱۲۸۹ ق)، مجتهد، فقیه و نویسنده. در خوین متولد شد. مقدمات را در قزوین فراگرفت، سپس به عراق رفت و نزد علمای آنجا تلمذ کرد. شیخ عبدالکریم پس از پایان تحصیلات به ایران بازگشت و تا سال ۱۳۲۰ ش سمت ریاست حوزه علمی زنجان را بر عهده داشت. در سال ۱۳۲۵ ش به قم رفت و در همان جا درگذشت. و در قبرستان شیخان قم دفن شد. آثار وی: «خودآموز کفایه یا تقریرات آخوند خراسانی»، در دو جلد؛ «رساله‌ی عملیه»؛ «حاشیه بر عروه الوثقی»، ناتمام؛ «کتاب الفوائد».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: آثار الحجّه (۲۲۶/۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۶۱/۳)، مولفین کتب چاپی (۹۱۰/۳).

خوئی زنجانی، اسحاق

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اسحق بن المولی ابراهیم الخوئی الزنجانی متوفی حدود ۱۳۲۴ ق عالمی فاضل بوده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

خوئی، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولدش در نیمه ماه رجب سنه هزار و سیصد و هفده در شهر خوی واقع شده و والد ماجدش مرحوم حجه الاسلام حاج سید علی اکبر موسوی خوئی در سال ۱۳۶۴ قمری در مشهد مقدس برای نگارنده گفت قبل از ولادتش یکی از فضلاء خوی از شاگردان من که طلبه باتقوا و متدینی بود نزد من آمد و گفت حضرت امیرالمومنین علیه السلام را در خواب دیدم و چند پیام برای شما داده و گفت فرمودند به سید علی اکبر بگو نماز و روزه استیجاری را بده و آن خانه را هم مال ایتام نیست مال مدعی است به صاحبش بگذار و حملی که همسرت دارد پسر است نامش را ابوالقاسم بگذار.

آن بزرگوار پس از تولد و نشو و نما در خاندان علم و دانش در سال ۱۳۳۰ با مرحوم والدش به نجف مشرف شده و به ادامه تحصیل پرداخته تا در مدت کوتاهی حاضر درس مرحوم آیت الله نائینی و آیت الله عراقی و آیت الله حاج شیخ محمدحسین اصفهانی گردیده و گوی سبقت از همگان ربوده و تقریرات استادش مرحوم نائینی را به نام (اجود التقریرات) به رشته تحریر و طبع آورده و شهرت علمیش مخصوص در علم اصول زبانزد همه گردیده و حوزه درس مستقلی تشکیل و فضلاء بلاد از همه جا به درسش حاضر و کسب افتخار می نمودند.

از مزایای درس معظم له عربی تدریس کردن بود زیرا با اینکه ایرانی و آذربایجانی بود درس فقه و اصول خود را در مسجد الخضراء عربی سلیس و کتابی و فصیح بدون هیچ وقفه و لکنتی بیان می کرد که عرب و عجم از او استفاده و کامیاب می شدند. مرحوم والدش حجه الاسلام حاج سید علی اکبر موسوی خوئی که از علماء مشهد و ائمه جماعت مسجد جامع گوهرشاد بودند سیدی بسیار جلیل و بزرگوار و به خود می بالید و افتخار می کرد با داشتن چنین فرزند برومندی که از مبرزین علماء و مراجع و مجتهدین شیعه می باشد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

خوئی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید حسن خوئی بن آیه الله حاج سید ابوالقاسم بن آیه الله حاج سید مهدی بن حجه الاسلام سید صادق حسینی خوئی قدس سره دائی معظم آیه الله العظمی فقیه اهل بیت عصمت علیهم السلام فی عصره و جامع العلوم و الفنون فی دهره العلامه الکبری ابوالمعالی سید شهاب الدین النجفی مرعشی مدظله العالی از علماء بنام تبریز بوده اند.

سلسله نسب آن بزرگوار با نسب مرحوم آیه الله حاج سید حسین کوهکمری و آیه الله حجت کوهکمری یکی می شوند و منتهی می شوند بسید حسن که در زنوز نزدیک شهر مرند قبرش مزار مؤمنین می باشد و نسب سید حسن هم منتهی به حضرت علی اصغر فرزند حضرت امام زین العابدین علیه السلام منتهی می گردد. و آیه الله سید مهدی جد آقا سید حسن از اعظام تلامذه شیخنا الانصاری بوده و آیه الله آقا سید ابوالقاسم والدشان از تلامذه فاضل شریانی و آیه الله حاج شیخ محمد حسن مامقانی بوده است. مترجم معظم در سال ۱۲۸۹ در شهر تبریز متولد شده والده ایشان مخدره صالحه بانو حاجیه همای خانم صبیبه مرحوم حاج منجم بانی پل معروف به پل منجم در شهر مذکور می باشد.

اساتید ایشان والدشان و عموی مکرمشان آیه الله آقای حاج سید رضا خوئی و سایر علماء تبریز بوده و بعد به نجف اشرف مهاجرت و سالهای متمادی در درس مرحوم آیه الله حاج سید کاظم یزدی صاحب عروه و آیه الله شریعت تلمذ نموده و پس از وفات آن دو بزرگوار به تبریز آمده و به تدریس و اقامه جماعت و بیان عقاید و احکام دینیه پرداخته.

اجتهاد و روایتی

دارای اجازات عدیده از آیه الله یزدی و آیه الله شریعت و آیه الله فیروزآبادی و آیه الله آقا شیخ زین العابدین مرنندی و آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی می باشد:

آثار قلمی ایشان از این قرار است:

۱- مجالس المواعظ کتابی است به نحو مجلس مجلس ۲- شرح زیارت عاشورا ۳- شرح صحیفه سجادیه ۴- شرح دعاء سمات ۵- حاشیه بر عروه الوثقی ۶- غایه القصوی.

در سال ۱۳۷۹ قمری وفات نموده و پس از مدتی که در مزار سید ابراهیم امانت سپرده شده بود حمل به نجف اشرف و در وادی السلام در قبرستان خانوادگی مدفون گردید. دارای دو پسر به نام آقا سید باقر که از تجار و ساکن مشهد مقدس است ۲- آقا سید عبدالکریم ساکن تبریز و داماد مرحوم آیه الله حاج میرزا مهدی انگجی می باشد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

خوئی، صادق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

صادق بن المرحوم کربلائی علی خوئی از علماء معروف معاصر شهرستان خوی می‌باشد.

وی در سال هزار دویست و هفتاد و هشت شمسی در خوی متولد شده و پس از رشد و خواندن دروس جدید و تدریس در مدارس جدید موفق به تحصیل علوم دینی گردیده و مقدمات و سطوح وسطی را در مدت سه سال در خوی خوانده و پس از آن مهاجرت به قم نموده و سطوح نهائی را از مرحوم آیت‌الله میرزا محمد همدانی رحمه‌الله فرا گرفته و خارج فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی آقای حجت رضوان‌الله تعالی علیه در مدت بیست و سه سال استفاده کامل نموده تا به مدارج علم کمال رسید و به تدریس فقه و اصول پرداخته اما جمع کثیری از اهالی خوی از حضرت آیت‌الله حجت ره تقاضا نمودند که ایشان را برای هدایت و ارشاد مردم اعزام به خوی فرمایند پس به امر معظم له به وطن برگشته و تاکنون به اقامه جماعت و ترویج دین و نشر احکام مبین و تدریس علوم دینی فقهاً و اصولاً اشتغال دارند. آثار علمی ایشان از اینقرار است:

- ۱- دوره اصول من اول الی آخره از تقریرات و دراسات آیت‌الله حجه ره
 - ۲- کتاب طهاره من اول الی آخره از تقریرات و دراسات آیت‌الله حجه ره
 - ۳- کتاب صلوة من اول الی آخره از تقریرات و دراسات آیت‌الله حجه ره
 - ۴- لباس مشکوک من اول الی آخره از تقریرات و دراسات آیت‌الله حجه ره
 - ۵- کتاب صوم من اول الی آخره از تقریرات و دراسات آیت‌الله حجه ره
 - ۶- کتاب خمس من اول الی آخره از تقریرات و دراسات آیت‌الله حجه ره
- برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

خوئی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

از علماء طراز اول و از شاگردان مبرز شیخنا الانصاری کاتب تقریرات او بود که برخی احتمال می‌دادند که بعد از شیخ جانشین او گردد در سال ۱۳۰۹ قمری از دنیا رفت از تألیفات او حاشیه بر رسائل می‌باشد اعیان‌الشیعه جزء ۴۱ ص ۲۵۳ درباره وی گوید الشیخ علی الخوئی النجفی توفی فی النجف اول المحرم ۱۳۰۹ و دفن به وادی‌السلام من کبار تلامیذ الشیخ مرتضی الانصاری کان محققاً مدققاً عمیق النظر فی علم الاصول والفقه کان یدرس بعد استاده الرسائل و یحضر درسه افاضل طلبه العرب و کان و رعاً تقیاً موثقاً به عند اهل العلم و قوراً قلیل الکلام حسن التقریر له رسائل فی حجیه الظن.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

خوئی، علی اصغر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج سید علی اصغر بن المرحوم العالم الجلیل السید مجتبی بن العلامه آیت‌الله آقا سید صادق حسینی صادقی خوئی از علماء محترم و معروف معاصر تهران می‌باشند.

وی در تاریخ ۱۳ محرم الحرام ۱۳۱۲ ق در خوی متولد شده و پس از پرورش در حجر والد ماجد و خواندن مقدمات و ادبیات از مرحوم آخوند حاج ملا علی مدد بدل آبادی (یکی از مضافات شهرستان خوی) و مقداری از سطوح فقه و اصول را از مرحوم حاج شیخ محمد خوئی معروف به ساکن کوچه (درق) و مقداری از پسر عم گرام خود آیت‌الله آقا سید باقر مرحوم استفاده کرده و در تاریخ ۱۳۴۱ ق - ه مهاجرت به نجف اشرف نموده و مدت یکسال رسائل و خیارات مکاسب را از مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالحسین رشتی خوانده و بعد از درس خارج (صلوه) مرحوم آیت‌الله حجت کوهکمری و مدتی از اباحت متاجر مرحوم آیت‌الله ایروانی و ضمناً از محضر و دراسات مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمد حسین اصفهانی (کمپانی) و مرحوم آیت‌الله محقق آقا میرزا حسین نائینی رحمهم الله فقها و اصولاً و مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی بهره‌مند گردیده آنگاه در سال ۱۳۵۰ ق به ایران مراجعت و بواسطه دعوت رسمی اهالی محترم شهرستان خوی و امریه مرحوم آیت‌الله اصفهانی به شهرستان خوی عزیمت نموده و قریب پنجسال در آن سامان بوظائف روحی و دینی از اقامه جماعت و غیره پرداخته و پس از آن بواسطه عدم امنیت به نجف بازگشت و حدود سه سال و اندی بتدریس اشتغال داشته و در سال ۱۳۵۸ ق باز بخوی آمده و مدرسه مخروبه (نمازی) خوی را تعمیر اساسی و بجمع و تربیت طلاب و محصلین از شهر و حومه آن مبادرت نموده و عده کثیری که اکنون در خوی و حومه آن بوظائف مقرره روحانیت اشتغال دارند و از علماء مبرز بشمار می‌روند از محصلین دوره اول (مدرسه نمازی) معظم له (پس از تعمیر آن) می‌باشند و معاریف آنها عبارتند از:

- ۱- حجة الاسلام آقای حاج سید جعفر مرقانی (داماد معظم له)
- ۲- حجة الاسلام حاج شیخ ابوطالب فاضلی مقیم تهران.
- ۳- حجة الاسلام آقای حاج میرزا خلیل قبله‌ای مقیم فعلی تهران.
- ۴- حجة الاسلام حاج شیخ حسن بصیری ساکن خوی.
- ۵- حجة الاسلام آقای حاج سید محمد مصری ساکن خوی.
- ۶- حجة الاسلام میرزا محمدعلی دیلمقانی ساکن تبریز.
- ۷- حجة الاسلام آقای میرزا حسین رائی ساکن تهران.
- ۸- حجة الاسلام میرزا محمود صمیمی ساکن (مکان خوی) و غیر آنها

و در سال ۱۳۶۱ ق به جهت پاره‌ی از محذورات و ناامنی محل به تهران مهاجرت و تاکنون به اقامه جماعت و تدریس و سایر وظائف روحی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: آیت‌الله خوئی مذکور که در حال حاضر هشتاد و دو سال از سن مبارکش می‌گذرد از آیات عظام و علماء اعلام آذربایجان مقیم تهرانند عالمی متین و موصوف بفضل و تقوا و با مرحوم آیت‌الله العظمی حجت (استاد معظم ما) صداقت تام و ارادت تمام داشتند و مورد توجه مخصوص آن مرحوم بودند.

از آثار ایشان است:

۱- تعمیر و بنیان اساسی مدرسه نمازی خوی که خود مخارج اولیه آن را مرحوم مبرور حاج یحیی سلماسی مقیم قم دادند و مابقی

را مردم متدین دیگر مساعدت نمودند. ۲- تأسیس کتابخانه مدرسه نمازی. ۳- اهداء مقداری از کتب به آن کتابخانه. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خوئی، محمد شفیع

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند محمد. در خوی از شهرهای آذربایجان متولد گردیده، و در تبریز و خوی تحصیل نموده تا به درجه‌ی اجتهاد رسیده، پس از جنگ ایران و روس جزو علمای مجاهد وارد شده، و به میدان جنگ شتافته، پس از آن مجبورا ترک آن حدود نموده، و به جهت اشتها و قدرت سید حجة الاسلام به اصفهان آمده، نزد ایشان در کمال احترام می‌زیسته، و پس از آن که مسجد سید ساخته می‌شود مرحوم حجة الاسلام امامت یک وقت مسجد میرزا باقر را به ایشان واگذار نموده، و در کمال زهد و قناعت زندگی نموده، در سال ۱۲۶۵ وفات یافته، در مقبره‌ی کوچک مسجد سید مدفون می‌شود. ظاهرا وی را تألیفاتی بوده که از بین رفته است. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خوئینی، عبدالکریم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم بن العلامه حاج ملا ابراهیم خوئینی زنجان‌ی عالمی با ورع و مجتهدی با کمال بوده که از مسقط الراس خود به زنجان آمده و پس از پایان سطوح به نجف مشرف و از محضر مرحوم آیت‌الله کفائی استفاده نموده و از اجلاء تلامذه آن بزرگوار گردیده و هم از آیات دیگر آنجا بهره‌مند شده و پس از مراجعت به زنجان و خوئین در سال ۱۳۶۶ ق مهاجرت به قم نموده و به تدریس خارج فقه و اصول پرداخته تا سال ۱۳۷۲ که داعی حق را اجابت نموده و در زمین پاک قم به خاک رفته است.

تالیفات و آثاری دارد از جمله: ۱- رساله عملیه ۲- حاشیه بر عروه الوثقی.

۳- شرح بر کفایه الاصول فارسی به نام خودآموز کفایه در دو مجلد که به طبع رسیده است ۴- کتاب الفوائد در مطالب متفرقه.

فرزندان فاضل و صالح و برومندی دارد مانند ۱- جناب آقا شیخ عبدالرحیم خوئینی که از فضلاء حوزه علمیه و شاگردان مبرز آیت‌الله العظمی آقای مرعشی نجفی و آیات حاضر دیگر می‌باشند و دارای مقام علم و عمل و تقوایند.

۲- آقای آقا شیخ احمد ۳- آقای آقا شیخ محمد ۴- آقای آقا شیخ محمود ۵- آقای آقا شیخ هادی ۶- آقای آقا شیخ اسمعیل ۷- آقای آقا شیخ علی ۸- آقای آقا شیخ علی اصغر که تمامی از علماء و فضلاء معاصر قم و نجف و تهرانند و تفصیل ترجمه ایشان و مرحوم والدشان را جناب حجة الاسلام آقای حاج سید ابراهیم موسوی زنجان‌ی در تاریخ علماء زنجان از ص ۳۵۸ تا ۳۶۶ نوشته و به طبع رسانیده است بدانجا مراجعه شود...

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

خیابانی سبحانی، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۹۲ - ۱۲۹۹ ق)، عالم، مجتهد و محدث. محمدحسین در تبریز متولد شد. مادرش شهربانو نوهی فتحعلی شاه بود. پس از فراگیری مقدمات، نجوم و حساب استدلالی را نزد میرزا علی منجم و سطوح عالی فقه و اصول را نزد آیت‌الله انگجی و شرح «اشارات» را نزد شیخ حسین قراچه‌داغی فراگرفت. در سال ۱۳۲۷ ق به نجف رفت و حدود یازده سال از محضر آیت‌الله سید محمدکاظم یزدی، آیت‌الله شریعت اصفهانی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی بهره‌مند شد، و با کسب اجازه‌ی اجتهاد و روایت در سال ۱۳۳۹ ق به تبریز بازگشت و به تدریس علوم دینی پرداخت. پس از فوت در جوار حضرت معصومه (ع) در قم دفن شد. از آثار وی: حاشیه بر «کفایه الاصول»؛ یک دوره «صلاه استدلالی»؛ «خيارات»؛ حایه بر «رسائل».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۶۲/۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۱۵ - ۳۱۴ / ۳).

خیارجی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ محمد از مجتهدین مبرز زمان خود و به زهد و ورع و تقوا موصوف و معروف و در سال ۱۳۴۳ وفات نموده مرحوم والدش آقا شیخ علینقی از اجلاء شاگردان شیخنا الانصاری و صاحب رساله عملیه بوده و در قزوین در عصر خود مرجعیت مطلقه داشته و قریب سیصد نفر از فضلاء به درسش حاضر می‌شدند تا در سال ۱۳۰۲ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

خیارجی، محمدحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

وی فرزند شیخ محمد است وی در قزوین در بیت علم و تقوا در سال ۱۲۸۹ شمسی متولد شد و در حجر فضیلت و دانش پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و سطوح وسطی مهاجرت به نجف اشرف نموده و سطوح را از مدرسین بزرگ آنجا تکمیل آنگاه از محضر و دراسات خارج آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله حاج سید محسن حکیم و آیت‌الله شیخ محمدعلی کاظمینی و آیت‌الله حاج میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت‌الله العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی استفاده نموده و به دریافت اجازات از آنان نائل شده آنگاه به وطن خود مراجعت و به اقامه جماعت و خدمات دینی پرداخته و تا هم‌اکنون اشتغال دارند.

دارای تألیفات عدیده در رشته‌های مختلف مانند رد بر صوفیه و غیره می‌باشد که هنوز به طبع نرسیده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

خیاط، اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اندودنتیکس، دانشکده: دندان پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

خیام، ابوالفتح، عمر

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۴۴۰/۴۱۷- وف ۵۲۵- ۵۱۵ ق)، فیلسوف، ریاضیدان، منجم، نویسنده و شاعر. در نیشابور متولد شد. با میمون بن نجیب واسطی، امام ابوالمظفر اسفزاری، حکیم ابوالعباس لوکری عبدالرحمن خازنی و امام محمد غزالی همعصر بود. وی منجم دربار ملک‌شاه سلجوقی بود. سفرهایی به بلخ، اصفهان، بغداد و مکه داشت اما، بیشتر عمر خود را در نیشابور گذرانید و در همان شهر درگذشت و در جوار امامزاده محمد محروق دفن شد. خیام از شخصیت‌های تاریخی است که در باب او داستانهای مجعول بسیاری ساخته‌اند و همین افسانه‌سازی سبب شده که در باب احوال و اقوال او اتفاق نظری بین پژوهندگان وی نباشد. خیام علاوه بر اینکه در فنون و علوم مختلف، ریاضی، نجوم، هندسه و فلسفه صاحب نظر بود، در شاعری نیز توانا بود و رباعیات او نه تنها در ایران، که در جهان نیز مشهور است و ترجمه‌ی جرالد فیتز از این رباعیات به زبان انگلیسی، باعث شهرت خیام در جهان شد. از آثار وی: «کتابی در جبر و مقابله به زبان عربی»؛ «رساله‌ای در شرح مشکلات اقلیدس»، به عربی؛ «رساله‌ای در طبیعیات»؛ «رساله‌ی فارسی در کلیات وجود»؛ «رساله‌ای در کون و تکلیف»، به عربی؛ «رساله‌ای در تعیین مقدار بیان زیج ملکشاهی»؛ «ترجمه‌ی فارسی خطبه‌ی ابن سینا در توحید»؛ «رساله‌ای در حل بعضی از مسایل جبر و مقابله»، به عربی؛ «رساله‌ی وجود»، به عربی؛ «رساله‌ای در جواب سه سوالی که در حکمت از او شده است»، به عربی؛ «رساله‌ی ضیاء العقلی در حکمت»، به عربی؛ «نوروز نامه»، به فارسی؛ «رباعیات»؛ «سلسله الترتیب»؛ و «قطعه‌هایی به عربی». [۱]

خواجه امام، حجة الحق، حکیم ابوالفتح (یا ابو حفص) عمر بن ابراهیم مشهور به خیام (یا خیامی) نیشابوری، فیلسوف و ریاضی‌دان و منجم و شاعر ایرانی در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم ه. است مولد و منشأ و اصل او نیشابور بود. ملک‌شاه بدو احترام می‌گذاشت ولی رابطه سنجر با او خوب نبود، زیرا سنجر در کودکی مبتلی به آبله شده بود و خیام نزد او رفت و بیرون آمد. وزیر مجیرالدوله از خیام پرسید: او را چگونه یافتی و به چه چیز علاجت کردی؟ امام گفت: این کودک مخوف است! خادم حبشی این سخن بشنید و به سنجر رسانید. چون وی از آبله برست بغض امام در دل گرفت. وی در ترتیب رصد ملکشاهی و اصلاح تقویم همکاری داشت. وفات او بین ۵۰۶ و ۵۳۰ ه. ق. اتفاق افتاده (آرامگاه خیام) خیام اشعاری به پارسی و تازی و کتابهایی به هر دو زبان دارد، از جمله رباعیات (ه.م.) او مشهور جهان است. از آثار او در ریاضی و جبر و مقابله (ه.م.)، رساله فی شرح ما اشکال من

مصادرات کتاب اقلیدس، رساله فی الاحتیال لمعرفة مقدری الذهب والفضة فی جسم مرکب منهما (به طبع رسیده) لوازم الامکنه را باید نام برد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آتشکده‌ی آذر (۶۸۵-۶۷۴/۲)، الاعلام (۱۹۵-۱۹۴)، با کاروان حله (۱۴۲-۱۲۷)، بهشت سخن (۸۷-۷۶/۲)، تاریخ ادبی ایران (۵۶۵، ۳۳۲، ۱۲۵/۱)، تاریخ ادبیات ایران (۴۴۳-۴۴۱، ۸۹، ۶۲، ۳۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۳۵-۵۲۳/۲)، تاریخ برگزیدگان (۴۳۵-۴۳۲)، تاریخ الحکماء قفطی (۳۳۸-۳۳۶)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۳۵۰-۳۰۳)، تاریخ نظم و نثر (۶۱-۶۰)، تحلیل شخصیت خیام، ترانه‌های خیام (مقدمه)، ترجمه‌ی تمه‌ی صوان الحکمه (۷۳-۷۱)، چهار مقاله (مقدمه مصحح، ۱۰۱-۱۰۰)، چشمه‌ی روشن (۱۲۷-۱۰۷)، خیامی نامه، دایرة‌المعارف فارسی (۹۲۹/۱)، دستور الوزراء (۱۷۱-۱۶۹)، دویت سخنور (۹۸-۹۶)، الذریعه (۳۸۰/۲۴-۳۱۵/۹)، رباعی و رباعی‌سرایان (۱۱۰-۱۰۷)، ریاض العارفین (۱۹۲-۱۹۱)، ریحانه (۲۰۱-۱۹۸/۲)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۳۳۵-۳۲۵)، سیری در شعر فارسی (۲۶۸)، شخصیت‌های نامی (۱۸۸-۱۸۶)، شعر العجم (۱۷۸/۱)، صبح گلشن (۱۵۹-۱۵۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶/۲۱۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۰۳-۲۰۱)، فرهنگ سخنوران (۳۲۴-۳۲۳)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۶۳-۱۶۲)، کشف الظنون (۹۷۲)، الکنی و الالقاب (۲۲۳-۲۲۲/۲)، گنج سخن (۲۸۹-۲۸۱)، گنجینه‌ی سخن (۱۳۶-۱۳۱)، لغت نامه (ذیل/خیام)، مولفین کتب چاپی (۶۲۹-۶۲۱/۴)، مجمع الفصحا (۶۰۸-۶۰۷/۲)، مخزن الغرائب (۷۸-۶۴/۲)، مرصاد العباد (۳۱)، مطلع الشمس (۱۷۳/۳)، معجم المؤلفین (۲۷۰-۲۶۹/۷)، مواد التواریخ (۵۹۶-۵۹۵)، نتایج الافکار (۴۶۵-۴۶۱)، نشتر عشق (۴۹۷-۴۹۵/۲)، هدیه الاحباب (۱۳۳)، هدیه العارفین (۷۸۷، ۷۸۵/۲)، هفت اقلیم (۲۵۹-۲۵۶/۲)، یادگار (س ۴، ش ۹ و ۱۰، ص ۹۰)، یغما (س ۶، ص ۷۱-۶۸، س ۷، ص ۳۲۰-۳۱۷).

خیام‌پور، عبدالرسول

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ادیب.

تولد: ۱۳۱۶ (۱۲۷۷ ق.) تبریز.

درگذشت: ۱۲ فروردین ۱۳۵۸، تهران.

عبدالرسول خیام‌پور، فرزند محمد تاهباز، پس از تحصیلات مقدماتی به تهران عازم و در سال ۱۳۰۶ به اخذ گواهینامه از دوره ادبی مدرسه دارالفنون نایل آمد. پس از سه سال خدمت دبیری در دبیرستان شاهپور اهواز در تهران وارد دانشسرای عالی شد و در فلسفه و ادبیات لیسانس گرفت چون در امتحانات رشته‌ی مزبور درجه‌ی اول را حائز شد، به دریافت یک قطعه نشان علمی درجه‌ی اول نایل گردید. پس از آن به سمت دبیری منصوب گردید. بعداً عهده‌دار مشاغل زیر شد: متصدی و مدیر دفتر دانشکده‌ی معقول و منقول، مدیر دبستان ایرانیان در استانبول از سال ۱۳۱۶ الی ۱۳۲۵ (در این مسافرت پس از چهار سال تحصیل در دانشکده‌ی ادبیات از شعبه‌ی ترمولوژی استانبول لیسانس شد و در تیر ۱۳۲۵ به ایران بازگشت)، معلم دستور ادبی و فلسفه در رشت؛ استاد رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشکده ادبیات تبریز از مهر ۱۳۲۶؛ وی همچنین به معاونت دانشکده‌ی ادبیات رسید. وی در خرداد ۱۳۲۹ نیز به ریاست کتابخانه‌ی دانشکده نیز منصوب شد. در پانزدهم تیر ۱۳۴۸ بازنشسته شد و با توجه به موقعیت علمی ایشان، به پیشنهاد دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی و تصویب دانشگاه تبریز از تاریخ دهم دی ۱۳۴۸ به مقام استادی ممتاز نایل آمد.

دکتر عبدالرسول خیام‌پور در شهریور ۱۳۴۹ به تهران نقل مکان کرد و از آن پس به جز یک سالی که در یکی از مدارس عالی تهران به تدریس اشتغال داشت، تمام وقت خود را صرف تکمیل کتاب فرهنگ سخنوران (تبریز، ۱۳۴۰، تهران، ۱۳۷۲، ۱۳۶۸) کرد و در سال‌های آخر عمر به علت بیماری از هر گونه فعالیت فرهنگی نیز محروم شد.

فهرست آثار چاپ شده‌ی وی به شرح زیر است: مجمع الخواص (به قلم صادق افشار، ترجمه از ترکی جغتایی به فارسی، ۱۳۲۷)؛ رساله‌ی عربی برای فارسی (اقتباس و ترجمه از المنجد ۱۳۳۶)؛ دستور زبان فارسی (۱۳۳۳) این کتاب به کرات به چاپ رسیده است؛ یوسف و زلیخا (۱۳۳۹)؛ فرهنگ سخنوران (۱۳۴۰)؛ نگارستان دارا (تألیف عبدالرزاق دنبلی، ۱۳۴۲)؛ ریاض الوفاق (تألیف ذوالفقار علی، ۱۳۴۳)؛ تذکره اختر (تألیف احمد گرجی، ۱۳۴۳)؛ مصطبه خراب (به قلم احمد قاجار، ۱۳۴۴)؛ حدیقه امان‌اللهی (نوشته میرزا عبدالله سنندجی، ۱۳۴۴)؛ تذکره‌ی روضه السلاطین (به قلم محمد بن امیری فخری هروی، ۱۳۴۵)؛ سفینه‌ی محمود (نوشته‌ی محمود میرزا قاجار، ۱۳۴۶) جزوه‌ای تحت نام شیوه انتقاد در مجله راهنمای کتاب (آذر ۱۳۳۹)؛ حالات اسم در فارسی امروزی (۱۳۳۲)؛ خاقانی شروانی (۱۳۲۷). وی همچنین سلسله مقالاتی تحت عنوان «غلط مشهور» تحریر کرده است که در سیزده شماره از شماره‌های سال اول و دوم نشریه «دانشکده‌ی ادبیات تبریز» به چاپ رسیده است.

(۱۳۵۸-۱۲۷۷ ش)، محقق، مصصح، استاد دانشگاه و نویسنده. در تبریز متولد شد. پس از تحصیلات مقدماتی به تهران آمد و با گرفتن دیپلم ادبی از دارالفنون به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و پس از سه سال تدریس در اهواز برای ادامه‌ی تحصیل به تهران بازگشت و موفق به دریافت لیسانس فلسفه و ادبیات فارسی از دانشسرای عالی شد، سپس در دارالفنون و دیگر دبیرستانها به تدریس پرداخت. از سال ۱۳۱۶ ش به مدت نه سال سمت مدیری دبستان ایرانیان را در استانبول بر عهده داشت و در ضمن خدمت، موفق به اخذ لیسانس و دکتری از دانشگاه استانبول شد. پس از مدتی تدریس در دانشکده‌ی ادبیات تبریز، به سمت ریاست کتابخانه و سپس معاونت دانشکده انتخاب شد. در سال ۱۳۴۸ ش بازنشسته شد و به دلیل خدمات علمی و پژوهشی به مقام استادی ممتاز نایل آمد. از آثار وی: تألیف «فرهنگ سخنوران»؛ «دستور زبان فارسی»؛ «رساله‌ی یوسف و زلیخا»؛ ترجمه و تصحیح و تحشیه‌ی «نگارستان دارا» و «مصطبه‌ی خراب» و «تذکره‌ی روضه السلاطین» و «سفینه‌ی محمود» و «ریاض الوفاق». [۱]

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه: [۱] آینده (س ۷، ش ۳، ص ۲۴۵-۲۴۳)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۴۸-۲۴۷/۲)، فرهنگ سخنوران (مقدمه)، مولفین کتب چاپی (۸۴۹-۸۴۷/۳).

خیراللهی، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد خیراللهی حسین آبادی

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۱/۱/۲

زندگینامه علمی

در تاریخ ۲۶/۴/۱۳۳۱ در خانواده ای ساده دنیا آمده ام تحصیلات ابتدائی و دبیرستان در اصفهان دروس حوزوی را در قم آغاز کردم. در زمان جنگ ۳۰ ماه در جبهه ها حضور داشتم پس از آن به منطقه سیستان و بلوچستان رفتم دروس دانشگاهی را تا فوق لیسانس خواندم دارای همسر و چهار فرزند می باشم عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان و علوم پزشکی زاهدان بودم. هم اکنون معاونت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه آزاد اسلامی استان اصفهان مشغول تدریس می باشم. و در مراکز دانشگاهی علوم پزشکی اصفهان، دانشگاه هنر اصفهان، دانشگاه سپهر، دانشگاه آزاد اسلامی دانشگاه علمی کاربردی مشغول هستم. صبحها و شبها در مسجد حضرت صاحب الامر اقامه جماعت و منبر و درس تفسیر و درس نهج البلاغه را با همکاری با نیروی قضائی در بخش حفاظت اجتماعی دارم که امید است همه این فعالیتهای مرضی پروردگار قرار گیرد.

خیر خواه علوی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی خیر خواه علوی

محل تولد: رشت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۱ در خانواده روحانی در شهر رشت متولد شدم. پس از گذراندن دوره ابتدائی و راهنمایی در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه شهرستان رشت شدم و در مدرسه علمیه جامع رشت شروع به تحصیل نمودم. از سال ۱۳۶۶ نیز در کنار تحصیلات حوزه، تحصیلات کلاسیک خود را- بصورت متفرقه- ادامه دادم و پس از ۴ سال دیپلم متوسطه خود را دریافت نمودم. پس از ۴ سال تحصیل در مدرسه علمیه جامع رشت برای ادامه تحصیل علوم دینی در سال ۶۹ وارد حوزه علمیه مشهد شدم و لمعه و اصول را در مشهد به پایان رساندم و قسمت اول از کتاب رسائل نیز از آنجا فراگرفتم. در سال ۷۲ با ورود به حوزه علمیه قم به مدت یکسال نیز در موسسه در راه حق مشغول به تحصیل بودم تا آنکه در سال ۷۴ در رشته تاریخ دانشگاه باقرالعلوم(ع) از طریق کنکور سراسری قبول شدم- این دانشگاه در سال ۷۴ با عنوان موسسه آموزش عالی باقرالعلوم(ع) خوانده می شد- پس از تکمیل دوره کارشناسی تاریخ با مرکز فرهنگ و معارف قرآن آشنا شدم و در بخش تاریخ و اعلام این مرکز مشغول به تحقیق و مطالعه و پس از چندی نگارش مقالات تاریخی شدم.

همچنین در سال ۸۰ با مرکز مطالعات و پژوهش های حوزه آشنا شدم و در گروه تاریخ اسلام این مرکز بعنوان معاون و همکار گروه آغاز به فعالیت نمودم و پس از چند ماه با تشکیل گروه تاریخ معاصر بعنوان مسئول گروه تاریخ معاصر به فعالیت خود در این مرکز ادامه دادم و با عضویت در شورای نویسندگان مجله صباح که از انتشارات مرکز مطالعات بود به ارزیابی و نظارت مقالات تاریخ معاصر و گاه تاریخ اسلام می پرداختم و پس از مدتی اولین مقاله بنده در حوزه تاریخ معاصر و با موضوع نقش کشورهای استعماری در کودتای ۲۸ مرداد در مجله صباح چاپ گردید. پس از آنکه در اواسط سال ۸۳ از سوی بخش تاریخ مرکز فرهنگ و

معارف قرآن کریم در خصوص تصدی امور اجرایی این بخش دعوت به همکاری شدم - ضمن آنکه قبل از آن در نگارش مقالات با این بخش همکاری داشتم - فعالیت و حضور در این مرکز را بیشتر نمودم و تاکنون نیز این همکاری بصورت مداوم در زمینه های اجرائی و تحقیقاتی ادامه دارد. از حدود سال ۸۲ نیز به عنوان استاد مدعو گروه دروس معارف اسلامی دانشگاه آزاد نیز به تدریس تاریخ اسلام در این واحد دانشگاهی مشغول هستم.

خیرخواه، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد خیرخواه

محل تولد: روستای طوسکلاء

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب احمد خیرخواه دوره تحصیلات ابتدایی را در روستای زادگاهم طوسکلاء از توابع شهرستان نکاء گذرانده ام و تحصیل در مقطع راهنمایی را در شهرستان های ساری (مرکز استان مازندران) و گرگان (مرکز استان گلستان) انجام دادم و در سال ۱۳۵۷ همزمان با انقلاب اسلامی به جهت علاقه زیادی که به تحصیل علوم دینی داشتم وارد حوزه علمیه رستمکلاء (حومه بهشهر) شدم که زیر نظر عارف کامل و عالم عامل حضرت آیت الله شیخ ابوالحسن ایازی (رضوان الله تعالی علیه) تاسیس و اداره می شد و دروس آغازین صرف و نحو (ادبیات عرب) را در آن حوزه نورانی فراگرفتم. لازم به ذکر می دانم که فضای تحصیلی در آن حوزه با دو ویژگی تعلیم و تزکیه ممتاز بود و مرحوم آیت الله ایازی با تعلیم و تربیت هزاران تن از طلاب فاضل و روحانیون ارجمند که بسیاری از آنان خود از اساتید شایسته و از محققان و پژوهشگران پرتلاش هستند در توسعه علم و فرهنگ دینی نقش بسیار مفید و ماندگاری را ایفا نمودند. اینجانب در سال ۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و کتاب مغنی اللیب (در ادبیات) را نزد مرحوم استاد مدرس افغانی (ره) و کتاب مطول (در معانی و بیان و بدیع) را محضر آیت الله فشارکی و کتاب رسائل (در علم اصول) را نزد آیت الله اعتمادی و کتاب مکاسب (در فقه) را محضر آیت الله بنی فضل و مرحوم آیت الله پایانی و کتاب کفایه الاصول آخوند خراسانی را محضر مرحوم آیت الله ستوده تلمذ نمودم و دروس خارج اصول و فقه را محضر حضرات آیات فاضل لنکرانی (ره)، صالحی مازندرانی (ره)، ناصر مکارم شیرازی، و جوادی آملی افتخار حضور یافتیم. به جهت علاقه خاصی که به مطالعه و پژوهش در علوم قرآن و تفسیر داشتم و نیز به جهت اهمیت ویژه ای که خود این دانش در مقایسه با دیگر علوم دارد، وارد این رشته تخصصی شدم که با شرکت کنندگان در آن با شرایط ویژه ای و با دو مرحله امتحان گزینش می شوند در این دوره که به مدت چهار سال به طول انجامید از محضر اساتید بزرگوار و حضرت آیت الله معرفت استفاده کردم و موضوع پایان نامه اینجانب (بررسی مترادف در قرآن کریم) است. و همزمان و به موازات حضور در دوره تخصصی تفسیر جهت عینیت بخشیدن به مطالعات و پژوهشهای قرآنی وارد مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم در قم شدم و این مرکز که از مهمترین مراکز مطالعات تحقیقی و کاربردی در محور موضوعات

قرآنی است متشکل از بخش‌ها و واحدهای مختلفی از جمله دائرةالمعارف قرآن کریم، پاسخ به پرسش‌ها و شبهات قرآنی، تفسیر راهنما، قرآن و علم، واحد فرهنگ قرآن و... می‌باشد و اینجانب به اتفاق جمعی از همکاران گرامی در واحد فرهنگ قرآن قریب به ده سال است که به تحقیق و پژوهش در مفاهیم قرآنی مشغول هستیم که با منطبق نظم الفبایی تدوین می‌شود و برای این منظور بیش از دو هزار مدخل که با بیشتر از صد هزار نمایه توسعه می‌یابد بر مبنای معارف برگرفته از قرآن کریم و تفاسیر در قالب برداشت‌های قرآنی و با راهکارهای کاملاً تعریف شده و ضابطه مند مورد تحقیق قرار می‌گیرد. این پژوهش که با نام (فرهنگ قرآن) آغاز شده و ادامه دارد در حقیقت پروژه ای عظیم و در عین حال بی سابقه در حوزه علوم قرآن و تفسیر است که از سوی حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی ارائه شده است و به وسیله تلاش‌های مستمر و دلسوزانه جمعی از همکاران همدل و همراه این مرکز انجام می‌گیرد و به سامان می‌رسد که بنده نیز به عنوان عضوی کوچک از آن مجموعه بزرگوار محسوب می‌شوم. تحقیق مذکور که به مثابه یک موسوعه بزرگ از مفاهیم قرآنی است در حدود ۲۵ جلد خواهد بود که ۱۰ جلد آن تا کنون از چاپ خارج شده است و در دسترس علاقمندان مطالعات قرآنی قرار گرفته است و بقیه مجلدات آن نیز در شرف نهایی شدن قرار دارد. اینجانب جدای از تحقیق جمعی فوق‌مقالاتی را در موضوعات علوم قرآنی، کلامی، معارف دینی و اجتماعی برای دایرةالمعارف قرآن کریم و مرکز مطالعات حوزه علمیه قم و برخی از نشریات نوشته‌ام.

خیری، یارعلی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، حکیم، طبیب و شاعر. در تهران متولد شد. میرزا یارعلی طبیب مخصوص شاه طهماسب صفوی بود. چون اداره‌ی امور اوقاف و خیرات به او محول شده بود به حکیم خیری شهرت یافت. وی در کربلا وفات یافت. از آثار او «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تحفه سامی (۲۴۷)، الذریعه (۱۳۰۵/۹)، ریاض العلماء (۳۳۲/۵) ریحانه (۵۷/۲).

خیری، یوسف

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

یوسف خیری

محل تولد: میاندوآب

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۶۹ وارد حوزه بناب شدم در سال ۷۳ شش پایه ابتدایی را تمام و فارغ‌التصیل شدم و تا سال ۷۵ سطوح را تمام

کرده مشغول دروس خارج فقه و اصول شدم. همزمان با اینها وارد موسسه امام خمینی شدم و امسال (سال ۸۶) از رشته جامعه شناسی با مدرک فوق لیسانس فارغ التحصیل شدم.

ضمناً از سال ۸۷ وارد موسسه ادیان و مذاهب در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان وارد شدم و بمدت دو سال دروس آن را به اتمام رساندم البته پایان نامه نوشتم. در سال ۸۴ پایان نامه سطح سه حوزه را با موضوع موارد پرداخت دیه از بیت المال دفاع کردم. و الان مشغول تدوین رساله سطح چهار حوزه هستم. ضمناً فعلاً در دانشگاه باقرالعلوم در رشته اندیشه معاصر مسلمین مشغول تحصیل دوره دکتری هستم. والسلام.

خبریه، عبدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، آسیب شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

داداش زاده، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا داداش زاده

محل تولد: قائم شهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیر پس از اخذ دیپلم در رشته علوم انسانی در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه شده و از آنجا که با ادبیات عرب تا حد زیادی آشنایی داشته، از این رو در مدت کوتاهی ادبیات عرب در حوزه را به پایان رسانده و تا سال ۱۳۷۰ دوره سطح را پشت سر گذاشتم، با وجود جلسه های مذهبی و فرهنگی در منزلمان در پیش از پیروزی انقلاب اسلامی این جانب با بسیاری از مسایل مذهبی و روز با مربیگری ابوی خود آشنایی داشته، از این رو از سال ۱۳۶۸ رسماً برنامه تبلیغی خود را در قالب سخنرانی در مساجد شهرستان قائم آغاز نمودم و از سال ۱۳۷۰ در مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) نیز به همکاری مشغول شدم که پس از مدت هفت سال کار تحقیقاتی خود را شروع کرده و دستاوردهای چند ساله سخنرانی خود را در قالب چهار کتاب اخلاقی به نامهای راه رستگاری (۲ جلدی)، نعمت زبان، توبه به رشته تحریر در آورده تا مستمعین ایام تبلیغی نیز با مطالب گفته شده در سالهای قبل آشنا شوند.

ناگفته نماند که حقیر از سال ۶۹ تا به حال بی وقفه در دروس خارج فقه و اصول حضرات مکارم شیرازی، میرزا جواد تبریزی،

صالحی مازندرانی، وحید خراسانی، شبیری زنجان‌ی حاضر شدم.

در ضمن با وجود پیشنهاد مشاغلی چون امامت جمعه و دیگر ارگانهای انقلاب، از آنجا که این جانب علاقه وافری به تحقیقات و تألیف کتابهای اخلاقی دارم همواره در صدد تهیه کتابهای دیگری در راستای کمک به فرهنگ جامعه می باشم و یکی از آنها که در حال گرد آوری است کتابی در راستای اخلاق شهروندی از نگاه اسلام می باشد که در حال حاضر بخاطر نبودن بودجه برای تألیف متوقف شده است.

داداش زاده، مصطفی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مصطفی داداش زاده

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۷۱ وارد حوزه علمیه شهرستان بابل - استان مازندران - شدم. بعد از مدتی وارد حوزه علمیه قم جهت ادامه تحصیل شدم و در همین میان به تدریس ادبیات عرب و منطق پرداختم. و در سالهای ۷۵-۷۶ به عنوان شاگرد ممتاز، شناخته شدم و مورد تقدیر نماینده ولی فقیه قرار گرفتم. در سال ۷۸ رتبه سوم در پایه هشتم را کسب نمودم و سرانجام در پایه دهم رتبه اول را بدست آوردم و مورد تقدیر قرار گرفتم. همزمان با ورود به درس خارج حضرات آیات، به تدریس پرداخته، و کتاب *بدایه الحکمه، نهایت الحکمه*، رسائل، را تدریس نمودم و بعد از مدتی وارد تخصصی تربیت مدرس شده و به ادامه تحصیل در گرایش فقه و اصول پرداختم و از آن مرکز نیز رتبه اول را بدست آوردم. در میان تحصیل در رشته فقه و اصول و فلسفه و تفسیر، از آنجایی که احساس نمودم حملاتی بر عقاید شیعه میشود و لکن کتابهای فارسی که به این شبهات پردازد چندان نبود دست به ترجمه برخی از کتب در دفاع از کیان تشیع زدم که مورد استقبال بالا- قرار گرفت و با تیراژ فراوان چاپ و منتشر گردید که دو عنوان از این کتب، *رویکرد عقلانی بر باورهای وهابیت*، و سلفی گری در گذر تاریخ بود. و در ادامه تحصیلات هم اکنون در رشته علوم حدیث با گرایش کلام و عقاید در دانشکده علوم حدیث قم در کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل می باشم.

دادبه، اصغر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اصغر دادبه در سال ۱۳۲۵ در یزد متولد شد. وی دارای لیسانس فلسفه و حکمت (۱۳۴۷)، فوق لیسانس (۱۳۵۰) و دکتری همان رشته (۱۳۵۹) از دانشگاه تهران می باشد. وی عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی و بسیاری مجامع علمی وادبی کشور است. وی در سال ۱۳۸۱ به عنوان چهره ماندگار در عرصه ادبیات عرفانی و فلسفه اسلامی معرفی شد. گروه: علوم انسانی رشته: فلسفه و حکمت اسلامی تحصیلات رسمی و حرفه ای: علی اصغر دادبه پس از اخذ دیپلم در زادگاه خود یزد، به تهران آمد و پس از لیسانس ۱۳۴۷، فوق لیسانس ۱۳۵۰ و دکتری رشته حکمت و فلسفه را در سال ۱۳۵۹ از دانشگاه تهران دریافت کرد و وی ادامه زندگی علمی خود را به تحقیق و تدریس سپری می نماید. خاطرات و وقایع تحصیل: اخذ دکتری در رشته حکمت و فلسفه از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۹ از مقاطع مهم زندگی تحصیلی علی اصغر دادبه می باشد. فعالیتهای ضمن تحصیل: علی اصغر دادبه در حین تحصیل در دوره دکتری در دانشگاه تهران، در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی به تدریس نیز مشغول بوده است. وقایع میانسالی: علی اصغر دادبه پس از اخذ مدرک دکتری فلسفه و حکمت از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۹، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی شد. وی در سال ۱۳۸۱ در دومین همایش چهره های ماندگار در زمینه ادبیات عرفانی برگزیده و معرفی شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: علی اصغر دادبه پس از اخذ دکتری فلسفه و حکمت از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۹ عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی شد. وی پیش از این نیز در دانشگاهها و مؤسسات آموزشی از سال ۱۳۵۳ مشغول به تدریس بوده است. فعالیتهای آموزشی: علی اصغر دادبه از سال ۱۳۵۳ به تدریس در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی اشتغال داشته است. اما پس از اخذ مدرک دکتر در سال ۱۳۵۹، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی شد و به تدریس دروس ادبی، حافظ شناسی و کلام اسلامی و فلسفه هنر پرداخت. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: علی اصغر دادبه در کنار تدریس، به مطالعه و تحقیق در زمینه ادبیات عرفانی ایران و تالیف کتبی در این زمینه اشتغال دارد. آرا و گرایشهای خاص: علی اصغر دادبه از جمله فلاسفه و حکمای است که توجه خاصی به ادبیات به ویژه ادبیات عارفانه و حکیمانانه فارسی دارد. جوایز و نشانها: علی اصغر دادبه در سال ۱۳۸۱، در دومین همایش چهره های ماندگار به عنوان چهره ماندگار در عرصه ادبیات عرفانی و فلسفه اسلامی معرفی شد.

آثار: ۱ تجلی آرای کلامی در شعر نظامی ۲ تصحیح دیوان نجیب کاشانی ۳ فخر رازی ۴ فرهنگ اصطلاحات کلامی ۵ کلیات فلسفه ۶ مفهوم رندی در شعر حافظ
بر گرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

دادجو، یدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

یدالله دادجو

محل تولد: رودسر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب یدالله دادجو در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم در هنگام ورود به حوزه علمیه تلاش کردم در عین پیشرفت علمی و فقهی با علوم جدید نیز آشنایی داشته باشم لذا در آن زمان توفیق اخذ دیپلم علوم تجربی را پیدا کردم. سپس در راستای ارتقای علوم دینی پس از پایان سطح به درس خارج بزرگان دین شرکت کرده و بیش از ۱۲ سال موفق شرکت در دروس خارج فقه و اصول شدم ضمناً در رشته تخصصی کلام اسلامی به تحصیل پرداخته و سرانجام پایان نامه ام را با عنوان تحلیل و بررسی پدیده وحی به پایان برده و دفاع نمودم و موفق به کسب مدرک سطح چهار دکتری شدم از سال ۱۳۸۲ مشغول به تدریس در دانشگاهها هستم و مقالاتی نیز از حقیر به چاپ رسیده و اکنون در حال تألیف کتابی هستم. البته در برخی از حوزه های علمی حوزه علمیه و به طور آزاد نیز توفیق تدریس داشته ام. از جهت تبلیغی نیز تاکنون به لطف خدا موفق به تبلیغ بوده ام.

دادمرزی، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مهدی دادمرزی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۴ در رشته ریاضی فیزیک از دبیرستان خوارزمی (شهید مفتاح) تهران دیپلم گرفتم. همان سال به طور رسمی وارد حوزه علمیه مجتهدی شدم. همزمان در همان سال در رشته علوم انسانی در کنکور سراسری شرکت کردم و در مقطع کارشناسی رشته حقوق دانشگاه شهید بهشتی پذیرفته شدم. در سال ۱۳۶۸ فارغ التحصیل شدم و در همان سال در رشته حقوق خصوصی دانشگاه تهران در مقطع ارشد قبول شدم؛ در سال ۷۰ با دفاع از پایان نامه خود تحت عنوان حکمیت در دعاوی خانوادگی مدرک ارشد خود را اخذ نمودم. در همان سال در کنکور اعزام به خارج برای مقطع دکتری قبول شدم. در سال ۶۹ جهت تکمیل دروس حوزوی به قم مهاجرت کردم و در حوزه مشغول اتمام دوره سطح شدم و عمدتاً این مقطع را در محضر دروس مرحوم آیت الله شمس شاگردی نمودم.

از سال ۱۳۷۲ وارد درس خارج فقه و اصول شدم که به لطف حق همچنان در این مقطع به تحصیل اشتغال دارم. همکاری خود را با دانشگاه قم از سال ۷۰ - ۶۹ شروع نمودم و در هر حال حاضر عضو هیات علمی رسمی قطعی آن دانشگاه و مامور به تحصیل در مقطع دکتری رشته حقوق خصوصی هستم. پیش از این نیز مدیر گروه حقوق خصوصی دانشگاه قم بوده ام. در طول اقامت در قم با جامعه الزهراء (س)، دفتر تبلیغات واحد خواهران، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، مرکز جهانی علوم اسلامی، مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه و دانشگاه آزاد نراق همکاری و عمدتاً تدریس داشته ام. در حال حاضر تنها در دانشگاه قم تدریس می نمایم و با واحد خواهران حوزه علمیه قم جهت نگارش چند جلد کتاب و نیز با پژوهشگاه حوزه و دانشگاه برای نگارش کتاب همکاری دارم. در سال ۱۳۷۲ نیز دوره کار آموزی وکالت

دادگستری خود را در تهران به هدف آشنایی با دانش حقوق در عرصه محاکم به پایان رساندم و لذا با پایان یافتن دوره کارآموزی و علی‌رغم این که محل دفتر وکالت اینجانب از سوی کانون وکلای مرکز، شهر تهران معین شده بود عملاً به جهت تحصیلات حوزوی از اشتغال به این حرفه منصرف شدم.

حوزه پژوهش‌های اینجانب فقه، اصول، حقوق قراردادها و حقوق خانواده می‌باشد. به زبان‌های عربی و انگلیسی نیز تسلط و آشنایی دارم. موضوع رساله سطح چهار این جانب شروط خلاف کتاب و سنت در عقد نکاح دائم است. عنوان رساله دکتری من نیز نظریه ریاست بر خانواده در روابط زوجین می‌باشد.

دارا بکلایی، اسماعیل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اسماعیل دارابکلایی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۱ برای شروع تحصیل علوم حوزوی وارد حوزه علمیه قم شدم تا ۱۳۵۰ مقدمات، سطوح متوسط و سطوح عالی را با موفقیت به اتمام رساندم از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۲ در دروس خارج فقه و اصول آیات عظام: مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری (ره) و مرحوم حاج میرزا هاشم اصلی (ره) و آیت الله العظمی وحید خراسانی دامت برکاته شرکت داشتم. به موازات ادامه تحصیل هر کتابی را که به اتمام می‌رساندم به تدریس آن به صورت خصوصی و عمومی در حوزه علمیه می‌پرداختم. در سال ۱۳۵۲ همزمان با ادامه دروس خارج فقه و اصول در نخستین برنامه هفت ساله آموزشی-پژوهشی موسسه در راه حق- که اینک به موسسه آموزشی-پژوهشی امام خمینی تغییر نام یافت- زیر نظر آیات: مصباح یزدی، مظاهری، خرازی، استادی و دکتر احمدی دامت برکاتهم، شرکت کردم از سال ۱۳۶۱ همزمان با بازگشایی دانشگاه‌های کشور برای تدریس دروس معارف، توسط آیت الله مصباح و دکتر احمدی به دانشگاه‌ها معرفی شدم و در نخستین ترم در دانشگاه اصفهان و از آن به بعد در دانشگاه شهید بهشتی به تدریس دروس اشتغال داشتم که هنوز هم ادامه دارد از سال ۱۳۶۵ با دعوت آیت الله میرمحمدی، ریاست وقت دانشکده الهیات- به دانشکده الهیات راه یافتم و تا سال ۱۳۷۸ دروس مختلف: فقه، اصول، کلام، تفسیر، منطق، فقه الحدیث، احادیث فقهی، تاریخ حدیث، درایه، حقوق خانواده، مبادی فقه و اصول، متون فقهی، تفسیری و ... تدریس کردم. در تابستان سالهای ۷۵ الی ۸۳ برای تدریس دروس فلسفه حقوق، فلسفه سیاست و ... از سوی استاد مصباح به " طرح ولایت " دعوت شدم و دروس یاد شده و غیر آنها را تدریس کردم. چند ترم نیز در موسسه در راه حق و موسسه آموزشی-پژوهشی امام خمینی و دانشکده سپاه قم- به تدریس فلسفه حقوق، مبانی حقوقی، فلسفه سیاست، حقوق و سیاست در قرآن و ... اشتغال داشتم. از سال ۱۳۷۸ تا کنون در دانشگاه شاهد نیز به تدریس دروس معارف، متون، تفسیر، منطق و ... اشتغال دارم. از سال ۱۳۶۱ همزمان با تدریس در دانشگاه در دفتر همکاری حوزه و

دانشگاه- که اخیراً به پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تغییر نام یافت- به مدت ۲۰ سال به کارهای تحقیقاتی اشتغال داشتم، حاصل آن تالیف تعدادی کتاب و تعدادی مقالات و جزوات سمیناری و تحقیقاتی می باشد که در بخش سوابق پژوهشی آمده است. در سال ۱۳۷۵ با گذراندن امتحانات عمومی و تخصصی و مصاحبه علمی و دفاع از رساله به اخذ مدرک دکتری در حد استادیاری از وزارت علوم واحد خبرگان بدون مدرک موفق شدم و از سال ۱۳۷۷ عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه شهید بهشتی شدم. اوائل انقلاب، اوج فعالیت‌های منافقین در لاهیجان و سیاهکل با دعوت حجت الاسلام و المسلمین حاج آقای قربانی- امام جمعه وقت لاهیجان- به لاهیجان رفتم و حدود ۶ ماه در مدارس مختلف منطقه برای پاسخگویی به سوالات: اعتقادی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و ... حضور داشتم در این برنامه بسیاری از گروهکها و منافقین شرکت می کردند که با موفقیت خوبی به پایان رسید. در سال ۶۰-۶۱ در آموزش ضمن خدمت به تدریس عقائد، ولایت فقیه، اقتصاد و... اشتغال داشتم. بطور کلی حقیر در حدود نیم قرن به تحصیل، تدریس، تحقیق، تالیف و پژوهشی، تبلیغ و ارشاد اشتغال داشتم. آخرین عنوان علمی حقیر عبارت است از: اجتهاد حوزوی و دکترای دانشگاهی در فقه و اصول و مبانی حقوق.

دارابی، جعفر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جعفر بن ابی اسحاق العلوی الموسوی الدارابی المعروف به کشفی از بزرگان علماء امامیه در قرن سیزدهم و عالمی محقق و متبحر و دانشمندی جامع و مصنفی بزرگوار بوده است. تولد وی در سال ۱۱۸۹ قمری واقع شده و بر حب علم و دانش پرورش یافته و در دریای علوم و فنون شناور گردیده تا جمع نمود بین علم و ارتعان و ذوق و عرفان را و در عصر خود ممتاز و ریاست عامه و مرجعیت تامه پیدا نمود و او یکی از اعاجیب روزگار و نوابغ دوران و یگانه در فنون تفسیر و عرفان بود و آثار ارزنده و آموزنده که از آنها کتاب شریف (تحفة الملوک) است در سیر و سلوک و عقل و جهل و تعدیل قوای عقلانی و جهلانی به فارسی نوشت که مانند آن تألیف نگردیده است علامه رازی در کتاب (الذریعه) ج ۳ ص ۴۷۱ آن را یاد و تعریف بسیار نموده است و دیگر کتاب (اجابه المضطربین) به فارسی در اصول دین که نیز در ج ۲ کتاب الذریعه ص ۱۲۰ مذکور شده است و دیگر کتاب (البلد الامین) در اصول دین منظوم بیش از هزار بیت که در ج ۳ ص ۱۴۴ کتاب مذکور یاد شده و دیگر کتاب (میزان الملوک) در عدالت سلطان در بین رعیت و دیگر منظومه در علم کلام و کتاب (کفایة الایتام) سه جلد در فقه و کتاب (برق و شرق) در شرح بعضی از احادیث و کتاب (سنابرق) در شرح دعاء ماه رجب دعاء ناحیه مقدسه (اللهم انی اسئلك بمعانی جمیع ما یدعوك) که در آن نسب خویش را ذکر کرده است.

آن بزرگوار در سال ۱۲۶۷ قمری در بروجرد وفات نمود.

ترجمه او را فاضل مراغی در (المآثر والاثار) و میرزا فرصت شیرازی در آثار العجم و دیگران ذکر کرده‌اند وی دارای اولاد عدیده بوده که نوعاً از علماء و دانشمندان فارس و بروجرد و تهران بوده‌اند بدین شرح:

- ۱- سید اسحق ۲- سید صبغۀ الله ۳- سید یعقوب از یک مادر نجفیه ۴- سید مصطفی که مادرش اهل اصطهبانات بوده ۵- سید سینا
- ۶- سید عیسی مادرشان اهل اصفهان بوده ۷- سید حسن ۸- سید علی ۹- سید یحیی مادرشان یزدی بوده ۱۰- سید موسی ۱۱- سید روح ۱۲- آیت الله سید ریحان الله که مادرشان بروجردی بوده و آیت الله سید ریحان الله پدر مرحوم حجة الاسلام حاج سید مهدی

کشفی در عصر خود یکی از رؤساء روحانی و علمی تهران بوده است.

مرحوم حجة الاسلام آسید یحیی کشفی دارابی یکی از فرزندان آن بزرگوار در سال ۱۲۶۶ قمری در موقع ریاست آنجناب در فتنه باییه به شهادت رسیده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

دارابی، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، فقیه، اصولی، عالم و فیلسوف. وی از عالمان بزرگ و فیلسوفان برجسته بود. در معقول و منقول سرآمد و در فقه و اصول نابغه بود. وی در اکثر علوم به مرتبه‌ی بلندی رسیده بود. حکمت را از ملا هادی سبزواری صاحب «منظومه» فراگرفت. وی کتاب «الاسفار» را به خط خود نوشت و حواشی بر آن نگاشت. این حواشی بر تبحر و تحقیق او دلالت می‌کند. از شاگردانش شیخ احمد شیرازی نجفی معروف به شانه‌ساز و میرزا ابراهیم نیریزی می‌باشند. از دیگر آثارش: شرح «دعاء کمیل»، به شیوه‌ی استادش در شرح «دعاء الصباح» و «دعاء جوشن»؛ شرح «قصیده‌ی میرفندرسکی».

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۵/۱۴، ۲۵۹/۱۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۸۴-۹۸۳/۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۰۶/۵).

دارابی، علی اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: رادیوگرافی، دانشکده: دندان پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

دارابی، محمدصادق

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۰۴ ق)، عالم، ادیب، عارف و شاعر، متخلص به عندلیب. معروف به حاج آخوند. در مدینه از دنیا رفت و در بقیع به خاک سپرده شد. از آثارش: شرح «زیاره المفجعه»؛ «دیوان» اشعار؛ «بیت الاحزان».

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار عجم (۱۰۳)، الذریعه (۷۷۲/۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۵۳/۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۰۶/۵)، مرآت الفصاحه (۴۲۸).

دارکی اصفهانی، ابوالقاسم عبدالعزیز

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۷۵ ق)، فقیه شافعی. دارک از روستاهای اصفهان است. پدرش در زمان خود محدث برجسته‌ی اصفهان بود. دارکی در ۳۵۳ ق به نیشابور، و پس از چندی به بغداد رفت و تا پایان عمر در آنجا ساکن شد. وی فقه را از ابواسحاق مروزی و حدیث را از جد مادری خود، حسن بن محمد دارکی، فرا گرفت. او در مسجد دعلج بغداد درس می‌گفت و در جامع بغداد حلقه‌ی فتوی و نظر داشت. وی در مذهب شافعی سرآمد بود. گرچه متهم به اعتزال بود، اما او را در حدیث ثقه‌ای امین می‌دانستند. بیشتر اوقات به استاد حدیث نبوی، برخلاف دو مذهب شافعی و حنفی، فتوی می‌داد و در پاسخ اعتراض می‌گفت: «حدیث شریف مقدم بر فتوای آن دو اما است» و ذهبی در «سیر» گوید که این کلام صحیح است اما به شرط صحت سند. شیخ ابوحامد اسفراینی و جمعی دیگر از شیوخ بغداد و دیگر شهرها همچون ابوطالب فقیه، ابوالقاسم تنوخی از شاگردان وی بودند. ابوحامد اسفراینی او را ستوده و گوید که فقیه‌تر از او ندیده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ الاسلام (حوادث ۵۷۶-۵۷۵/۳۸۰-۳۵۱)، تاریخ بغداد (۴۶۵-۴۶۳/۱۰)، ریحانه (۲/۲۰۵)، سیر النبلاء (۴۰۶-۴۰۴/۱۶)، الکنی و الألقاب (۲/۴۸۳)، وفيات الاعیان (۱۸۹-۱۸۸/۳).

دارکی اصفهانی، ابوجعفر

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۰۷ ق)، محدث. منسوب به دارک از روستاهای اصفهان. از اصحاب اسماعیل بن عمرو بجلی بود و از سلیمان شاذکونی حدیث شنید. طبرانی و ابوالشیخ بن حیان و ابوبکر بن مقری و گروهی دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۱۳۸-۱۳۷/۱۴).

دارکی اصفهانی، ابوعلی حسن

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۱۷ ق) مسند و محدث. به دارک اصفهان نسبت دارد. از محمد بن عبدالعزیز بن ابی‌رزمه و محمد بن حمید رازی و محمد بن اسماعیل بخاری حدیث شنید. قاضی ابوحامد عسال و ابوالشیخ و دیگران از وی روایت کرده‌اند. وی جد ابوالقاسم دارکی شیخ شافعیه است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۴۰۴/۱۶، ۴۸۶/۱۴).

دارمی سجستانی، ابوسعید عثمان

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۸۰ - ۲۰۰ ق)، حافظ و محدث شافعی. ملقب به محدث هرات. در طلب حدیث سفرها کرد از ابویمان و یحیی و حاظی و احمد بن حنبل و یحیی بن معین و علی مدینی و اسحاق بن راهویه و بسیاری دیگر در ایران و عراق و مصر و شام و جزیره و حرمین حدیث شنید. احمد بن محمد حیری و محمد بن صرام و محمد بن یوسف هروی و محمد بن اساق هروی و ابونضر محمد طوسی و احمد عنبری و بسیاری از محدثین هرات و نیشابور از وی روایت کرده‌اند. وی در هرات درگذشت. از آثار وی: «المسند»؛ «الرد علی الجهمیه»؛ «الرد علی بشر المریسی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۶۶/۴)، ایضاح المکنون (۴۸۲/۲)، سیر النبلاء (۳۲۷ - ۳۱۹ / ۱۳)، کشف الظنون (۸۳۸)، لغت نامه (ذیل / عثمان)، معجم المؤلفین (۲۵۴/۶)، هدیه العارفین (۶۵۱/۱).

دارمی سرخسی، ابوجعفر احمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۵۳ ق)، محدث و فقیه اهل سنت. در سرخس متولد شد. و در نیشابور نشو و نما یافت. اکثر اوقات زندگی وی در طلب حدیث گذشت. جهت استماع حدیث به بغداد رفت. وی مدتی در سرخس متولی امور قضا بود. پس از چندی به نیشابور بازگشت و در همان جا زیست تا درگذشت. از نضر بن شمیل و علی بن حسین بن واقد و جعفر بن عون و ابوعاصم نبیل حدیث شنید. وی در حدیث ثقة بود و بخاری و مسلم در «صحیح»‌های خود و عمرو بن علی فلاس و محمد بن المثنی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. احمد حنبل او را زبده‌ترین فقیه خراسانی می‌داند که دیده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۱۶۹ - ۱۶۶/۴)، تهذیب التهذیب (۳۱ - ۳۰/۱)، ریحانه (۲۰۵/۲)، الکنی و الالقاب (۲۲۵/۲)، لغت نامه (ذیل / احمد)، الوافی بالوفیات (۳۹۰/۶).

دارمی سمرقندی، ابو محمد عبدالله

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۵۵-۱۸۱ ق)، مفسر، فقیه و محدث. در سمرقند به دنیا آمد و در همان شهر ساکن بود. به اصرار سلطان، منصب قضاوت سمرقند را پذیرفت، اما پس از اولین مرافعه استعفا داد. در طلب حدیث سفرهای بسیاری کرد و در حجاز و شام و مصر و عراق و خراسان استماع حدیث نمود. از یحیی بن حسان و ابوعلی عییدالله بن عبدالمجید و یزید بن هارون و یعلی بن عبید و جعفر بن عون و وهب بن جریر و نصر بن شمیل و بشر زهرانی حدیث شنید. مسلم و ابوداود و ترمذی، سه تن از صاحبان «صحاح» ششگانه، و نیز ابوزرعه و ابوحاتم رازی و محمد بن بشار بن دار و عیسی بن عمر سمرقندی و دیگران از او استماع حدیث کرده‌اند و همگان به فضل و کمال او اقرار داشتند. در شهر مرو در گذشت و در همان جا دفن شد. از آثار وی: «مسند»، در حدیث؛ «التفسیر»؛ «الجامع الصحیح». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۳۰/۴)، تاریخ بغداد (۳۲-۲۹/۱۰)، تهذیب التهذیب (۲۶۲-۲۶۱/۵)، الجرح و التعديل (ج ۲ ق ۲/۹۹)، ریحانه (۲۰۶/۲)، سیر النبلاء (۲۳۲-۲۲۴/۱۲)، الکنی و الالقاب (۲۲۵/۲)، لغت نامه (ذیل / ابومحمد)، معجم المؤلفین (۷۱/۶).

دارمی، عبدالرحمان

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س پنجم ق)، طبی و ریاضی‌دان. وی نزد ابن البغونش کسب علم نمود و اکثر کتب جالینوس را نزد وی خواند. او را از بزرگان طب و هندسه می‌دانند که در بعضی صناعات دقیقه و اعمال لطیفه نیز مهارتی داشته است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: ریحانه (۲۰۶/۲)، لغت نامه (ذیل / دارمی).

دارینی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد دارینی

محل تولد: دارین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد دارینی در سال ۱۳۴۵ هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان دارین از توابع سبزوار دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۷ همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی وارد حوزه علمیه سبزوار گردید از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس

بزرگان آن دیار بهره‌های علمی فراوان برد اما شوق زیارت و هم جواری با بارگاه ثامن الحجج علیه السلام او را راهی حوزه علمیه مشهد گردانید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه آن دیار حاضر شد و پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۴ به حلقه دروس خارج راه یافت. و از درس بزرگان آن دیار همچون مرحوم آیت الله فلسفی، مرحوم آیت الله معرفت، آیت الله حجتی، آیت الله واعظی خراسانی و... بهره‌ها برد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته علوم قرآن در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۹ از دانشگاه علوم اسلامی رضوی فارغ التحصیل گردید. و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان "هدایت و مبانی آن در قرآن" دفاع کرد. ایشان ضمن تبلیغ به تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی، مشغول است. و در زندگی سراسر علمی خود جز به امر تبلیغ، تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که مقالات متعددی به رشته تحریر در آورده است.

داریوش، هژیر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نویسنده، مترجم، فیلمساز، منتقد، استاد.

تولد: ۱۳۱۷، بندرانزلی (پهلوی).

درگذشت: اوایل مهر ۱۳۷۴، پاریس.

هژیر داریوش پس از پایان تحصیلات در رشته‌ی کارگردانی فیلم از مدرسه‌ی سینمایی ایدک فرانسه و ساختن فیلم کوتاه «وقت دیگر، عشق من» (۱۳۴۰) در فرانسه، به ایران بازگشت و همزمان فعالیت در زمینه‌ی مستندسازی و مطبوعات سینمایی را آغاز کرد. البته فعالیت مطبوعاتی را در واقع از سال ۱۳۳۲ با همکاری مجلات «شاهکارها» و «امید ایران» آغاز کرده بود. از آن تاریخ به طور مداوم به عنوان منتقد فیلم با بسیاری از نشریات از جمله مجلات «علمی»، «ستاره سینما»، «فیلم و هنر»، «پست تهران» همکاری داشته است. او در معرفی فیلم‌هایی چون «شب»، «کسوف»، «زندگی شیرین» و... که در اوایل دهه‌ی ۱۳۴۰ نمایش می‌یافتند و همچنین آشنایی علاقه‌مندان جوان با این نوع فیلم‌ها در مجله‌ی «هنر و سینما» نقشی مؤثر داشت. از مهمترین فیلم‌های کوتاه او در این دوره می‌توان به فیلم داستانی «جلد مار» (۱۳۴۲) با بازی فخری خوروش و جمشید مشایخی و «خیابان» (۱۳۴۶) با بازی خسرو شجاع‌زاده اشاره کرد. در حیطه‌ی مستندسازی مهمترین فیلم داریوش «گود مقدس» (۱۳۴۵) است که در جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم‌های ورزشی در کوئینادامپزو (ایتالیا) جایزه‌ی ویژه‌ی هیئت داوران را به دست آورد. دیگر فیلم‌های کوتاه او عبارتند از: «چهره‌ی (۱۳۴۴) (۷۵)؛ «ولی افتاد مشکل‌ها»، «حماسه‌ی عشقی شب جمعه» (۱۳۴۶)؛ «رنگ بی‌نرنگ»، «مجمسه‌سازی در ایران» (۱۳۴۶)؛ «جام آسیا» (۱۳۴۷). داریوش همچنین در فیلم «هاشم‌خان» (محمد زرین‌دست، ۱۳۴۵) نقش کوتاهی بازی کرد. همچنین او در سال ۱۳۵۱ فیلم «بی‌تا» را کارگردانی کرد. استفاده‌ی مبتکرانه از سکوت در این فیلم به تأثیرپذیری داریوش از سینمای نوین اروپا- به قول خودش «فیلم‌های ساکتی که دیده و پسندیده است» باز می‌گردد.

هژیر داریوش در سال ۱۳۵۱ (مدتی قبل و بعد از آن شاید) مدیر جشنواره‌های رادیو تلویزیون بوده است. از جمله فعالیت‌های دیگر او عبارتند از: تدریس کارگردانی در مدرسه‌ی عالی تلویزیون و سینما (اوایل دهه‌ی ۱۳۵۰)؛ مسئول برگزاری سمینار یونسکو در

زمینه فیلم‌سازی مستند آسیا، دبیر عامل جشنواره‌ی بین‌المللی کودکان و نوجوانان (۱۳۴۵)، دبیر کل نخستین جشنواره‌ی فیلم‌های جوانان آسیا، دبیر کل جشنواره‌ی جهانی فیلم تهران، عضو هیئت داوران جشنواره‌های بین‌المللی تائورمینا، قاهره، کودکان و نوجوان تهران، جشنواره‌ی جهانی فیلم تهران.

هژیر داریوش برای مدتی در سال ۱۳۵۸ به فرانسه مهاجرت کرد و مشاور هنری و طراح برنامه‌ی هنری و سینمایی دانشگاه تولوز بود. عنوان‌های فیلم‌های او به این شرح هستند: «خیابان» (فیلم کوتاه، ۱۳۴۶)؛ «حماسه‌ی عشقی شب جمعه» (فیلم کوتاه، ۱۳۴۶)؛ «مجسمه‌سازی در ایران» (فیلم کوتاه، ۱۳۴۶)؛ «جلد مار»، «گود مقدس»، «چهره‌ی ۷۵» (فیلم کوتاه)؛ «ولی افتاد مشکل‌ها» (فیلم کوتاه)؛ «رنگ بی‌نیرنگ»، «جام آسیا» (مستند کارگردان، ۱۳۴۸)؛ «هاشم‌خان» (بازیگر، ۱۳۴۵)؛ «بی‌تا» (کارگردان، ۱۳۵۲).

جوایز وی عبارتند از: فیلم کوتاه «وقت دیگر، عشق من» برنده‌ی دیپلم افتخار در جشنواره‌ی سن‌سپاستیان شد. «جلد مار» فیلم کوتاه دیگری بود که برنده‌ی جایزه‌ی بهترین فیلم کوتاه از طرف کانون فیلم ایران گردید. «گود مقدس» او برنده‌ی جایزه‌ی ابتکار در جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم‌های فولکوریک در سیه‌تا ایتالیا گردید و جایزه‌ی ابتکار و دیپلم افتخار شهر ماریس در جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم‌های جهانگردی، «جام آسیا» جایزه‌ی مخصوص هیئت داوران و جام نقره در جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم‌های ورزشی در کورتینودامپزو ایتالیا را از آن خود کرد. فیلم کوتاه دیگر او به نام «چهره ۷۵» برنده‌ی جایزه‌ی دوم، لوح نقره در جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم‌های تلویزیونی در برلین شد. وی در موقع تهیه‌ی فیلم «گل شیطان» معاون ترنس یانگ بود.

هنرشناسی فیلم از جمله تألیفات اوست.

هژیر داریوش به دلیل حمله‌ی قلبی در گذشت و در گورستان پرلاشز پاریس به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

داعی الاسلام، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۰ - ۱۲۵۶ ش)، روزنامه‌نگار، زبانشناس، فرهنگ‌نویس و شاعر، متخلص به داعی. وی از سادات نیاکی بود که در لاریجان متولد شد. در آمل و تهران و اصفهان صرف و نحو عربی و فارسی و سایر علوم را فراگرفت و در همان سالها مجله‌ی «الاسلام» را جهت مناظره با عیسویان در اصفهان دایر کرد. داعی پس از آموختن زبان انگلیسی به بمبئی رفت و ضمن فراگیری زبان اردو مجله‌ی «دعوت الاسلام» را به دو زبان اردو و فارسی منتشر ساخت و در سمت استادی در دانشکده حیدرآباد دکن نیز به تدریس ادبیات فارسی پرداخت. وی با زانهای پهلوی، اوستا، گجراتی و سانسکریت آشنا بود. برای مدتی اندک به ایران آمد و مجدداً به هندوستان مراجعت کرد و همان جا وفات یافت. وی طبع شعر نیز داشت و در شاعری پیرو سبک هندی بود. از آثار او: ترجمه‌ی کتاب «نادر شاه»، از انگلیسی به فارسی؛ ترجمه «و ندیداد»، به فارسی؛ «فرهنگ نظام»؛ «دیوان» شعر؛ «شعر و شاعری عصر جدید ایران»؛ «فرهنگ نویسی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ جراید (۲۴۱- ۲۳۳/۱)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۸۷- ۱۸۵)، ریحانه (۲۰۹- ۲۰۸/۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۷۴- ۱۷۲/۳)، شرح حال رجال (۲۵۶- ۲۵۵/۵)، گلزار معانی (۲۳۹- ۲۳۱)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۹۱۰/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳۰- ۲۲۷/۴).

داعی دزفولی، عبدالله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۵۶ - ۱۱۵۸ ق)، عالم، ادیب و شاعر، متخلص به داعی. اصل وی از شوشتر و از طوایف سادات مرعش بود. از فرزندان زادهگان خواجه علی سیاهپوش است. وی از شاگردان سید محمدباقر حجة الاسلام و آقا محمد بیدآبادی بود. قسمتی از اشعارش توسط خودش تدوین یافت و قسمتی از آن شیخ میرزا جعفر انصاری در دو مجلد، شامل غزلیات و توسط قصاید و رباعیات گردآوری شد. از دیگر آثارش: «تخمیس الفرزدیقیه»؛ «مجمع الاخبار و تذکره الابرار»، در تعیین قبور اولاد ائمه (ع) در دزفول؛ «دیوان» شعر. آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی گوید که به نظر من رساله‌ی «آب حیات» از تالیفات اوست. از اوست:

جوانی چه آورد و پیری چه برد

بت خردسال و می سالخورد

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۱۴ - ۳۱۳/۹، ۱/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۷۱ - ۷۷۰/۱۳)، فرهنگ سخنوران (۳۲۸)، لغت نامه (ذیل / داعی دزفولی)، مجمع الفصحا (۲۹۲/۴)، مصطبه‌ی خراب (۶۱ - ۶۰).

داعی علوی حسینی، ابوالخیر

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س پنجم و ششم ق)، محدث و وعظ. وی مولف کتاب «آثار الابرار و انوار الاخیار»، در حدیث است که شیخ منتجب‌الدین آن را به واسطه‌ی استاد خود سید مرتضی بن مجتبی رازی از خود داعی حسینی روایت کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۶۴/۶)، الذریعه (۵/۱)، ریحانه (۲۰۸/۲)، فهرست منتجب‌الدین (۷۱).

داعی نژاد، محمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدعلی داعی نژاد

محل تولد: دزفول

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجناب سید محمدعلی داعی نژاد سال ۱۳۴۲ در شهرستان دزفول متولد گردید. او پس از اخذ دیپلم فنی در سال ۱۳۶۱، در حوزه علمیه دزفول برخی دروس مقدماتی را گذرانده و در حوزه علمیه شیراز و سپس اراک و در نهایت قم به تحصیلات حوزوی ادامه داد. در دروس خارج اصول و فقه آیات عظام وحید خراسانی و فاضل لنکرانی شرکت کرده و فلسفه را (بدایه الحکمه، نهاییه الحکمه، شرح منظومه، شرح اشارات، شفا و اسفار) از دروس اساتیدی همچون آیت الله جوادی آملی، مصباح یزدی، انصاری شیرازی، و فیاضی استفاده نموده و عرفان را (تمهید القواعد، فصوص الحکم و مصباح الانس) از دروس آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن زاده آملی بهره مند گردید. مباحث کلامی همچون الهیات و شرح تجرید را از دروس آیت الله سبحانی و آیت الله مکارم شیرازی فرا گرفته و به مطالعه گسترده در زمینه فلسفه غرب، کلام جدید و اندیشه سیاسی پرداخت. از سال ۱۳۷۲ تاکنون به مدت ۱۴ سال در دانشگاه های شهید بهشتی، دانشگاه تهران، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و در طرح ولایت به تدریس معارف پرداخته و چندین سال در حوزه علمیه قم (موسسه امام خمینی (ره)، مدرسه الهادی و مرکز جهانی) به عنوان مدرس، استاد راهنما، استاد مشاور و استاد داور فعالیت دارد. از سال ۱۳۷۰ تاکنون به مدت ۱۴ سال به پژوهش و مدیریت پژوهشی در مراکز متعددی اشتغال داشته است مراکزی چون موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) (عضو هیأت علمی و مسئول بخش مدخل یابی دایره المعارف علوم عقلی)، دفتر تبلیغات اسلامی (عضو گروه اصطلاح نامه فلسفی)، دفتر مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه علمیه (معاونت پژوهشی) موسسه طه (مدیر نمایه سازی مجلات و روزنامه ها) مرکز جهانی (عضو گروه کلام)، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (عضو و مدیر گروه حلقه نقد و حکمت و دین پژوهی)، نهاد اساتید در دانشگاه ها (ارزیاب و داور پایان نامه های اساتید معارف اسلامی)، نهاد رهبری در دانشگاه ها (مسئول گروه کلام) پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (مدیر مرکز پاسخگویی تلفنی به سوالات دینی) و سردبیری مجله صباح، سردبیر مجله بازتاب اندیشه و سردبیری کتاب اندیشه. از ایشان تا کنون مقالات متعددی در مجلاتی مانند معرفت، حکومت اسلامی، صباح، بازتاب اندیشه، دانشگاه اسلامی، حکومت اسلامی، برگ سبز، آفتاب و در روزنامه هایی مانند جمهوری اسلامی، کیهان و رسالت منتشر شده است.

داعی پاریزی، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی دانشگاه: علوم پزشکی کرمان.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی تهران، دکترای تخصصی کودکان از مرکز طبی کودکان دانشگاه علوم پزشکی

تهران در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کرمان در سال ۱۳۶۷.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

گزارش علامت جدیدی در سندرم داون Hypertrophy Of hyponicim کشف داروی جدیدی بنام Thio – Ben برای درمان سالک، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۳ پایان‌نامه دکترای عمومی و تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

بیماریهای کودکان.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۴، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

پزشکی رشته کودکان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

داماد یزدی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم مبرور آیت‌الله حاج سید محمد داماد معروف به محقق یزدی که به واسطه مصاهرت با مرحوم آیت‌الله العظمی حایری موسس حوزه مشهور به داماد گردیده از آیات عظام و مدرسین کرام حوزه علمیه قم بوده است تولدش در سال ۱۳۲۱ در احمدآباد یزد واقع شده و از مسقط الراس خود به بلده یزد آمده و در نزد مرحوم سید احمد مدرس و حاج سید یحیی واعظ و آقاسید حسین باغ‌گندمی و آقا سید محمدرضا حایری درس خوانده و در سال ۱۳۴۱ به قم مهاجرت نموده و در خدمت آیات عظام یشربی کاشانی و مرحوم حاج سید محمدتقی خونساری و میرزا محمد همدانی و حاج شیخ محمود اردکانی و آقا سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و آیت‌الله حجت و بالاخص مرحوم آیت‌الله العظمی حایری تلمذ نموده و معقول و منقول را از نامبردگان فرا گرفته و آنگاه به تدریس فقه و اصول سطحا و خارجا پرداخته و بعد از ورود مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی نیز شرکت در درس و بحث آن مرحوم نموده و ضمناً عده‌ای از فضلاء برجسته را تربیت و در مسجد بازار مسکرها هم به اقامه جماعت و ترویج دین اشتغال داشته تا در ماه ذی‌الحجه ۱۳۸۸ قمری که به کسالت سکت قلبی در سن ۶۷ سالگی بدرود حیات نموده و با تشییع بسیار مجللی در صحن مطهر فاطمیه علیهاسلام در مقبره‌ای از مقابر شرقی صحن مقابل ایوان آئینه مدفون گردید.

فرزندان برومند و فاضل و بسیار متین به نام حاج آقا علی و آقاسید مصطفی دارد که از اسباط مرحوم آیت‌الله حایری و باقیات الصالحات معظم له و چشم و چراغ حوزه علمیه می‌باشند.

جناب حجه‌الاسلام آقای حاج آقا علی داماد آیت‌الله آقا میرزا هاشم آملی می‌باشند و بسیار آراسته‌اند و در مسجد بازار به جای مرحوم والد اقامه جماعت می‌نمایند ادام‌الله توفیقاتهما و جعلهماالله و ایانا من العلماء العاملين الصالحین الذین لاخوف علیهم و لاهم یحزنون آمین یا رب العالمین.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

داماد، صالح

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۰۳ ق)، عالم امامی و فقیه اصولی. مشهور به عرب، چون پدرش داماد سید علی طباطبائی صاحب «ریاض» بود، او و برادرش حاج مرزا حسین لقب داماد را از پدر به ارث گرفتند. وی از شاگردان دایی خویش، سید مهدی طباطبائی، است. او در قرائت و تعظیم قرآن سعی بسیار داشت و در امر به معروف و نهی از منکر بسیار جدی بود. در غائله‌ی کربلا (ذیحجه ۱۲۵۸ ق) او را اسیرگونه به سوی قسطنطنیه گسیل کردند و در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه بر اثر وساطت به تهران آوردند. وی تا پایان عمر ساکن تهران بود. در نود سالگی در گذشت و جنازه‌اش به کربلا حمل و در آنجا دفن شد. در «المآثر و الآثار» و «الذریعه» نام وی محمد صالح ذکر شده است. از آثار وی: «زهر الریاض»، حاشیه بر «ریاض» جدش؛ «صفاء الروضه»، حاشیه بر «الروضه البهیه فی شح اللمعه الدمشقیه»؛ «المهذب فی الاصول» یا «مهذب القوانین» حاشیه بر «القوانین»؛ رساله‌ای در مساله‌ی تجزی، در اجتهاد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۶۹/۷)، الذریعه (۲۹۵، ۲۹۳/۲۳، ۴۳/۱۵، ۷۱-۷۰/۱۲)، ریحانه (۱۲۰/۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۸۲-۸۸۱/۱۴)، الکنی و الالقاب (۲۲۸-۲۲۷/۲)، المآثر و الآثار (۱۴۸)، معجم المؤلفین (۶-۵/۵).

داماد، محمد باقر

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن شمس الدین محمد حسینی استرآبادی.

عالم فاضل حکیم فیلسوف ادیب شاعر متخلص به «اشراق».

چون پدرش داماد محقق کرکی بوده به داماد شهرت یافته، و این لقب در صاحب عنوان و احفادش تاکنون باقی مانده است.

در جمیع علوم از معقول و منقول و فقه و حدیث و رجال و بالاخص حکمت، از اساتید مسلم به شمار می‌رفته.

کتب زیادی تألیف فرموده که از آن جمله است ۱- اربعه الايام ۲- الافق المبین ۳- امانت الهی، در تفسیر آیه امانت ۴- انموزج العلوم ۵- ایقازات ۶- تفسیر سوره اخلاص ۷- جبل المتین، در حکمت ۸- خلق الاعمال ۹- دیوان اشعار ۱۰- الرواشح السماویة ۱۱- الصراط المستقیم، در حکمت ۱۲- قبسات، در حکمت، و ۳۸ مجلد دیگر.

وفاتش در سال ۱۰۴۰ مابین کربلا- و نجف در راه واقع شده، قبرش در نجف، و ماده تاریخ وفاتش: «عروس علم و دین را مرده

داماد» می‌باشد، و تاریخ‌های: «الرضی» و «الراضی»، که به ترتیب ۱۰۴۱ و ۱۰۴۲ می‌شود اشتباه است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

دامغانی، ابوالقاسم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۳۶ ق)، فقیه اصولی. وی از عالمانی بود که نزد علمای نجف سالها به تلمذ پرداخت تا این که به فضل او، کسانی چون شیخ راضی نجفی و علامه شیخ مهدی آل کاشف الغطاء شهادت دادند و علامه انصاری در اجازه‌ای که به او داد، او را علامه‌ی علماء و عمده‌ی فضلاء و حاوی فروع و اصول نامید. در ۱۲۸۰ ق به ایران بازگشت و مدتی در تهران بود سپس به دامغان رفت و در آن شهر به وظائف دینی رسیدگی می‌کرد تا این که از دنیا رفت و در مقبره‌ی بکیر بن اعین به خاک سپرده شد. از آثارش: «ضیاء الانوار»، رساله‌ای در اصول دین؛ حاشیه‌ی مدون بر «معالم»؛ «تقریرات».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۲۲/۱۵، ۲۰۴/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۵۶)، معجم المؤلفین (۹۹/۸).

دامغانی، ابوعبدالله محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۷۸-۳۹۸ ق)، فقیه و قاضی حنفی. وی در دامغان به دنیا آمد. در دامغان و نیشابور و بغداد فقه آموخت. و از ابوحسین قدوری بهره گرفت. وی از قاضی ابوعبدالله صیمری و محمد بن علی صوری حدیث شنید. عبدالوهاب انماطی و علی بن طراد زینبی و حسین مقدسی از وی روایت کرده‌اند. اصحاب وی که در شهرها پراکنده شدند، عبارت‌اند از: ابوسعید ابن بابشاذ مصری و نور الهدی حسین زینبی و ابوطاهر الیاس دیلمی و ابن سمنانی. وی مدت سی سال پس از ابن ماکولا عهده‌دار امر قضاوت بغداد بود، و مانند قاضی ابویوسف حشمت و جاه و آقایی داشت. دامغانی در بغداد درگذشت. و در جنب ابوحنیفه دفن شد. از جمله آثار وی: «مختصر الحاکم»، در فروع فقه؛ «مسائل الحیطان و الطریق»؛ «الزوائد و النضائر فی غریب القرآن».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۶۳/۷)، تاریخ بغداد (۱۰۹/۳)، سیر النبلاء (۴۸۶-۴۸۵/۱۸)، الکامل (۱۲۹/۸)، معجم البلدان (۲۷/۴)، معجم المؤلفین (۴۹-۴۸/۱۱)، الوافی بالوفیات (۱۳۹/۴)، هدیه العارفین (۷۴/۲).

دامغانی، افتخارالدین، محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۷۵ ق)، علام دینی و مفسر. وی در علوم عقلی و نقلی مهارت داشت. او در نزد شیخ کبیر مدفون است. از جمله آثار وی: «الکاشف»، در تفسیر، در هفت مجلد؛ شرح «العیون» عضدالدین عبدالرحمان؛ «شرح الاشارات» به نام «تنقیح العبارات فی توضیح الاشارات»؛ «المدارک»، در منطق؛ شرح «آداب البحث».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان شیراز (۲۸۰)، تذکره ی هزار مزار (۱۰۹-۱۰۷)، معجم المؤلفین (۷۹/۱۲).

دامغانی، رضا

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضاء دامغانی عالمی مصنف و متکلمی فاضل از علماء معاصر ناصرالدین شاه قاجار دارای آثار ارزنده‌ای می‌باشند که از آنهاست ترجمه (العقاید الوثیئه) در رد نصاری که از تألیفات شیخ محمدطاهر تبریزیست. فاضل مراغه‌ای در (المآثر والاثار) نیز ص ۱۷۰ وی را یاد کرده و او را عالم ربانی مجتهد ذکر کرده و از علماء عصر ناصری شمرده و ظاهراً وفاتش در سال ۱۳۰۶ واقع شده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

دامغانی، محمدرضا

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۳۰۰ ق)، عالم، ادیب و شاعر. وی از شاگردان برجسته‌ی آقا سید ابراهیم قزوینی، صاحب «ضوابط»، و هم دوره‌ی حاج ملا علی کنی بوده و با ملا- آقای دربندی مکالماتی داشته است. او پس از تکمیل تحصیلات خود در کربلا به ایران بازگشت و در دامغان و مشهد به انجمن و وظائف دینی پرداخت. در «المآثر و الآثار» از وی به عنوان مجتهد و عالم ربانی عصر ناصری نام برده شده است. وی از خود اشعاری به جای نهاده و کتاب «منتهی المقال فی علم الرجال» را به خط خویش نگاشته است. [۱] محمدرضا بن حبیب‌الله دامغانی عالمی ادیب و فاضلی ارباب بوده است. وی در کربلا نزد بزرگان علم تلمذ نموده و بعد به ایران برگشته و در دامغان و مشهد در سال ۱۲۸۸ قمری به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال داشته است. اشعاری دارد که از آنهاست:

ستبقی خطوطی فی القراطیس برهه

و ایدی کتاب الخطوط تراب

و ما الدهر الا عیشه بعد عیشه

و ما العیش الا قیعه و سراب

و لا خیر فی الدنیا فان حلالها

علیه حساب و الحرام عقاب

آن بزرگوار بعد از سال ۱۲۹۰ قمری از دنیا رفته است رحمه‌الله‌علیه.

جناب آقای شاه‌چراغی در کتکاب ارمغان دامغان (مخطوط) خود گوید: مرحوم حاج میرزا رضا مشهور به شریعتمدار از علماء بزرگ و مقتدر و باکفایت و معاصر دوره ناصری و از شاگردان مبرز آقا سید ابراهیم صاحب ضوابط و هم‌دوره مرحوم حاج ملا علی کنی معروف بوده است و با مرحوم ملا آقا دربندی مکالماتی داشته‌اند الی آخره.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۵۱-۵۵۰، ۵۴۲-۵۴۱/۱۳، قرن ۷۲۸/۱۴)، قصص العلماء (۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۱۴/۵)، المآثر و الآثار (۱۷۰).

دامغانی، نعمت‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نعمت‌الله دامغانی از علماء اعلام و مدرسین عظام نجف اشرف بوده‌اند وی در حدود سال ۱۲۹۱ قمری در دامغان متولد گردیده و پس از فراگرفتن مقدمات به مشهد مقدس مشرف و مدت بیست و یک سال توقف و سطوح عالی فقه و اصول و حکمت و دروس خارج را از آیات بزرگ حوزه مشهد چون مرحوم آیت‌الله‌زاده کفائی و مرحوم حاج فاضل (حدود بیست سال) استفاده نموده تا به مدارج عالی علم و کمال رسیده و هم در دروس اخلاق و سلوک و عرفان از محضر عالم ربانی و آیت‌الله سبحانی مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی کامیاب گردیده و در سال ۱۳۳۵ قمری مجتهداً مستغنیاً مهاجرت به نجف اشرف نموده و در حوزه‌ی درس آیت‌الله میرزا حسین نائینی و آیت‌الله عراقی شرکت و در عداد خواص اصحاب و معاونین مرحوم آیت‌الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی درآمده و مورد توجه و اعتماد و وثوق کامل معظم له گشته که قسمتی از کارهای مهمه را محول به ایشان فرمودند.

حوزه تدریس فقه و اصول و فلسفه داشتند و جماعتی از علماء و فضلاء معاصر نجف و ایران از محضرش استفاده و تلمذ نموده‌اند تا در سال ۱۳۶۱ قمری که در نجف اشرف بدرود حیات گشته و در ارض مقدس غری در جوار مولی الموحدین مدفون گردیده‌اند. (۱۳۶۱-۱۲۹۱ ق)، عالم و مدرس. در دامغان متولد شد. پس از فراگرفتن مقدمات به مشهد رفت و مدت بیست و یک سال سطوح عالی فقه و اصول و حکمت و خارج را از آیات بزرگ حوزه مشهد همچون آیت‌الله‌زاده کفائی و حاج فاضل آموخت تا به مدارج عالی علم دینی رسید. اخلاق سلوک و عرفان را نیز در محضر حاج شیخ حسنعلی اصفهانی آموخت. در ۱۳۳۵ ق در حالی که مجتهد بود به نجف رفت و در حوزه‌ی درس آیت‌الله نائینی و آیت‌الله عراقی شرکت کرد و به زودی یکی از اصحاب و از معاونان آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی شد. وی در نجف حوزه‌ی تدریس فقه و اصول و فلسفه دایر کرد. به تعلیم علوم دینی همت گماشت. او در نجف در گذشت و در جوار امیرالمومنین (ع) به خاک سپرده شد. [۱] بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳/۱۷۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵/۱۱۷).

دامغانی‌زاده، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدعلی بن العالم الجلیل حاج شیخ علی دامغانی از علماء میرز و معروف معاصر همدان است. وی در روز بیست و یکم شهر ذیقعده الحرام ۱۳۲۴ ق در شهر همدان متولد و در حجر تربیت پدر بزرگوار خود مرحوم (حجة الاسلام والمسلمین) حاج شیخ علی دامغانی قدس سره که از تلامذه مرحوم آیت‌الله حاج میرزا حسین تهرانی و به آیت‌الله

آخوند ملا محمد کاظم خراسانی بوده و به امر حاجی مزبور به همدان مهاجرت نموده و مدت چهل و دو سال تقریباً در آن حدود به ترویج و تدریس اشتغال و غالب فضلاء فعلی همدان از آن مرحوم استفاده نموده‌اند قریب بیست سال بوده و ده سال را در زنگنه معروف به مدرسه بزرگ اشتغال به ادبیات و سطوح داشته و مقداری از سطوح را خدمت حجة الاسلام آقا میرزا ابراهیم خلیلی و مرحوم آقا شیخ حسین شورمینی خوانده و در سال ۱۳۴۸ ق مهاجرت به قم نموده و بقیه سطوح فقه را از محضر مرحوم آیت الله صدر و اصول را از محضر آیت الله آقا میرزا محمد همدانی استفاده نموده است.

و پس از آن در درس فقه مرحوم آیت الله حائری حاضر گردید و در فقه خصوصی و اصول عمومی مرحوم آیت الله آقا شیخ محمدعلی قمی شرکت کرده و مورد عنایت و توجه مخصوص آن مرحوم قرار گرفته و از فقه مرحوم آیت الله فیض هم استفاده نموده.

و پس از فوت مرحوم آقا شیخ محمدعلی قمی درس مرحوم علمین آیتین حجت و خونساری حاضر و استفاده نموده و قریب ده سال در حوزه مقدسه اقامت و همه سال در موقع تعطیل برای زیارت والد ماجد به همدان آمده و در سفر اخیر آن مرحوم فرمودند دیگر به قم نروید.

اجازه خواستند که چندی برای ادامه تحصیل به مراکز علم نجف و کربلا بروند فرمودند مقصود از درس خواندن ترویج است. وقت آن شده که به ترویج و خدمات دینی پردازد.

پس بنا بر امر مرحوم والدش در همدان توقف و در مسجد حاج کلبعلی که جنبه مدرسه هم دارد به تدریس فقه و اصول پرداخته تا در سال ۱۳۶۲ ق که والدش به رحمت ایزدی پیوستند.

پس از یکسال از فوت آن مرحوم با کمک جمعی از اهل خیر اطراف مقبره آن مرحوم را خریداری نموده و به نام مدرسه دامغانی بنا که فعلاً از مدارس معروف علمی شهر همدان و بیش از پنجاه طلبه در آن اشتغال به تحصیل دارند.

و چون نماز جمعه را افضل الافراد واجب تخیری می‌دانند در همان مسجد حاج کلبعلی اقامه جمعه می‌نماید.

آثار قلمی ایشان مختصری از درس اصول آیت الله شیخ محمدعلی حایری قمی می‌باشد. و ضمناً ناگفته نماند که معظم له در استخاره ید طولائی دارند و استخاره بسیار عجیب و در این موضوع مبتلا به الناس و حتی از خارج همدان، تهران و غیره در حوائج مهمه به ایشان مراجعه می‌شود.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

دانا سرشت، اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق:

تولد: ۱۲۹۰، تهران.

درگذشت: ۲۵ فروردین ۱۳۶۸.

علی اکبر داناسرشت (صیوفی)، فرزند حاج علینقی و نوهی حاج علیقلی صرافباشی زنجان‌ی بود. سال‌های کودکی و دوران تحصیل اولیه‌ی علی اکبر داناسرشت مقارن با جنگ با جنگ اول جهانی بود. پس چندی خانواده‌اش به شهر زنجان کوچید. در آنجا به مدرسه ابتدایی - معروف به اسعدیه به سرپرستی مترجمن همایون - رفت تا وقتی که دوباره به تهران آمد. در این سال‌ها همچنین به

یادگیری قرآن کریم و زبان عربی پرداخت. سپس با احساس نیاز به فراگیری علم جدید به علوم ریاضی روی آورد و نزد اساتیدی چون سید حسن مشکان طبسی و سید جلال تهران به تحصیل این علوم پرداخت و از آن زمان تا پایان عمر به تحقیق در این زمینه‌ها اشتغال داشت.

علی‌اکبر داناسرشت در طی عمر خود آثاری را ترجمه کرد که از میان آنها می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: روان شناسی یا علم النفس شفاء (ترجمه جلد ششم شفاء، چاپ دوم، ۱۳۳۰)؛ رساله الغفران یا بهشت و دوزخ معری (ابوالعلاء معری، ۱۳۲۴)؛ تحقیق ماللهند، قسمت فلسفه (ابوریحان بیرونی، ۱۳۳۴)؛ بر سنگ سفید (آنا تول فرانس، ۱۳۲۶)؛ آثار الباقیه (ابوریحان بیرونی، ۱۳۲۱). از آثار دیگر اوست: تاریخ فلاسفه‌ی اسلام (۱۳۱۵)؛ افکار سهروردی و ملاصدرا یا خلاصه‌ای از حکمه الاشراق و اسفار. داناسرشت بر اثر سکتی مغزی درگذشت.

(۱۳۶۸ - ۱۲۹۰ ش)، ریاضی‌دان و مترجم. وی نوهی حاج علی قلی صرافباشی زنجانی بود که در تهران متولد شد و ایام کودکی خود را در زنجان سپری کرد. از اوان کودکی زبان عربی را فراگرفت و به تحصیل علوم ریاضی نزد استادانی چون سید حسن مشکان طبسی، سید جلال تهرانی و بغایری پرداخت و فقه را نزد محمدرضا تنکابنی فراگرفت. وی معاصر با احمد بیرشک و غلامحسین مصاحب بود و به گفته دکتر نجم‌آبادی وی اولین بیرونی شناس بود. بر اثر سکتی مغزی در تهران درگذشت. آثار به جای مانده از وی: ترجمه‌ی «خلاصه حکمه الاشراق و اسفار»؛ «آثار الباقیه»؛ «روانشناسی یا علم النفس شفاء»؛ «تاریخ فلسفه اسلام» [۱].

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۱، ص ۱۷)، مؤلفین کتب چاپی (۶۴۵-۶۴۴/۱).

دانش اصفهانی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ح ۱۳۶۲ - ۱۲۹۰ ق). نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به دانش. در خانواده بازرگان پیشه در شهر استانبول متولد شد. در آنجا زبان فارسی، ترکی و فرانسه را در مکتب رشدی، دبستان ایرانیان و مدرسه فرانسویان آموخت و مدتی عضو هیات تحریریه روزنامه ترکی «اقدام» بود و مدت مدیدی استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه استانبول بود. وی در استانبول یا آنکارا درگذشت و در اسکودار دفن شد. از وی چندین تالیف به زبان فارسی و ترکی باقی مانده است. از جمله: «ترجمه رباعیات عمر خیام»؛ «دستور زبان فارسی»؛ «تعلیم لسان»، ترکی و فارسی؛ «خرابه‌ی مداین»؛ «زرتشت نامه»؛ «سوهان»؛ «نوی صریر».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۱۷/۹)، ریحانه (۲۱۱ - ۲۱۰/۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۸۰ - ۱۷۹/۳)، شرح حال رجال (۷۹/۵)، لغت نامه (ذیل / دانش)، مؤلفین کتب چاپی (۷۳۷ - ۷۳۶/۲)، یادگار (س ۳، ش ۶ و ۷، ص ۵۳ - ۵۰).

دانش آشتیانی، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالقاسم بن العالم الجلیل المتقی الشیخ محمدتقی بن العالم الورع آخوند ملا احمد آشتیانی از علماء اخیار و فضلاء ابرار حوزه علمیه قم است که علم خود را مقرون به عمل و توأم با حلم و وقار نموده است.

تولد آن جناب در سال ۱۳۲۹ قمری در آشتیان واقع شده و در مهد تربیت پدر متقی خود که از علماء آن سامان بود پرورش یافته و در سن ۱۴ سالگی تحصیلات مقدماتی را فرا گرفته و در سال ۱۳۴۴ قمری به قم آمده و به واسطه سوابق دوستی والدش با مرحوم آیت‌الله میرزا محمد فیض در تحت تربیت علمی و اخلاقی ایشان قرار گرفته و چند سالی را در منزل آن بزرگوار به سر برده و با راهنمایی آن مرحوم از روز اول در محضر فضلاء و دانشمندان راه یافته و تکمیل مقدمات را نزد بعضی از فضلاء عصر نموده و ادبیات را از مرحوم ادیب تهرانی و منطق را از آیت‌الله آقا سید مهدی کشفی تهرانی فرا گرفته و سطوح را از آیت‌الله آخوند ملاعلی همدانی و قسمتی از سطح را از مرحوم آیت‌الله حجت و عمده آن را با تمام سطح مکاسب از مرحوم آیت‌الله خونساری بهره‌مند گردیده و قسمتی از کفایه را از آیت‌الله فیض و آیت‌الله حاج سید احمد خونساری خوانده و چند سالی هم در درس مرحوم آیت‌الله حایری حاضر شده و پس از فوت آن مرحوم از محضر بزرگان حوزه چون آیت‌الله حجت و آیت‌الله فیض و آیت‌الله خونساری استفاده نموده و در سال ۱۳۵۸ قمری به اصرار مردم آشتیان به آنجا مسافرت و اقامت نموده و به ترویج دین پرداخته و چند ماهی را هم در سال به قم به سر برده تا در ورود آیت‌الله العظمی بروجردی که رسماً برای تکمیل مبانی علمی و استفاده از محضر علمی آن نابغه زمان و علامه دوران به قم مهاجرت و به درس آن مرحوم شرکت و مورد توجه مخصوص معظم‌له قرار گرفته و تولیت کتابخانه مسجد اعظم را به ایشان محول و تا هم‌اکنون به این سمت باقی و خدمات شایانی به این کتابخانه نموده و رقم کتب را به حدود شصت هزار رسانید.

آثار مرقومه ایشان علاوه بر جزوات درسی به قرار ذیل است:

- ۱- مقالات علمی و اجتماعی و اخلاقی که در پاره‌ای از مجلات و جرائد منتشر گردیده است.
 - ۲- رساله‌ای به نام دو سرمایه نفیس در ترجمه (الثقلان) که شرح حدیث مشهور به ثقلین است که با حواشی نوشته و طبع شده.
 - ۳- رساله‌ای به نام سقیفه در ترجمه کتاب (السقیفه).
 - ۴- نشریه کتابخانه مسجد اعظم در دو مجلد به طبع رسیده.
- بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

دانش پژوه، محمد تقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدتقی دانش پژوه در ۳۰ فروردین سال ۱۲۹۰، در شهر آمل متولد گردید. پس از سپری کردن دوران کودکی، تحصیلات مقدماتی را نزد پدر آغاز کرد و در سن هجده سالگی با فوت پدر برای ادامه تحصیل راهی شهر مقدس قم گردید تا از جلسات درس و بحث علمای حوزه علمیه آن مرکز علمی کسب فیض کند. بعد از دو سال رحل اقامت، به سبب گرفتاری های زندگی نتوانست در قم بماند و به شهر آمل برگشت و در نزد علمای این شهر کسب فیض نمود. دانش پژوه در سال ۱۳۱۶ بار سفر بست و راهی تهران شد. چهار سالی در مدرسه سپهسالار قدیم به تحصیل پرداخت، سپس دوره دانشکده معقول و منقول را در مدرسه سپهسالار جدید (مدرسه عالی شهید مطهری) و دانشسرای عالی را طی کرد تا اینکه سر از دانشکده الهیات دانشگاه تهران در آورد

و در سال ۱۳۲۰ به اخذ درجه لیسانس از این دانشکده نائل آمد. پس از فارغ التحصیل شدن به عنوان کمک کتابدار در کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه تهران مشغول به کار شد. لیسانس حقوق دانش پژوه به او اجازه داد تا به عنوان رئیس کتابخانه دانشکده ادبیات موقعیت خود را تحکیم بخشد. در سال ۱۳۳۲ به ریاست کتابخانه مرکزی آن دانشگاه منصوب گردید و در سال ۱۳۴۳ مشاور فنی کتابخانه مرکزی و در سال ۱۳۲۶ عضو کمیته علمی آن شد. استاد محمدتقی دانش پژوه از سال ۱۳۳۴ در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد. وی سرانجام در روز ۲۷ آذر سال ۱۳۷۵، در تهران در گذشت.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب: محمد تقی دانش پژوه، فرزند میرزا احمد در کای لاریجانی، که از مجتهدان و فقهای به نام آمل و لاریجان بوده است.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: محمدتقی دانش پژوه روزگار کودکی و جوانیش را در رفت و آمد میان روستای ناندال و شهر آمل گذراند، بین خانه پدری و شهری که در آن به مدرسه می رفت. خوشنویسی از دیر باز یک حرفه فامیلی برای محمدتقی محسوب می شد که طی نسلها در خانواده او ادامه یافته بود. نیاکان او به همین شغل در دربار شاهان قاجاریه اشتغال داشته اند، و لذا از این راه خانواده او از همان زمان آشنا به علم و معرفت و با نوشتن و کتابت مانوس بوده اند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: محمدتقی دانش پژوه پس از سپری کردن دوران کودکی تحصیل آغاز کرد و مقدمات ادبی را پس از خواندن «عم جزء»، «قرآن کریم»، «دیوان حافظ» و «نصاب الصبیان» را فراگرفت و در این راه از محضر پدر و دیگر عالمان آن بهره فراوان برد. در سن هجده سالگی با فوت پدر برای ادامه تحصیل راهی شهر مقدس قم گردید تا از جلسات درس و بحث علمای حوزه علمیه آن مرکز علمی کسب فیض کند. بعد از دو سال رحل اقامت، به سبب گرفتاری های زندگی نتوانست در قم بماند و به شهر آمل برگشت و در نزد علمای این شهر کسب فیض نمود. دانش پژوه در سال ۱۳۱۶ بار سفر بست و راهی تهران شد. چهار سالی در مدرسه سپهسالار قدیم به تحصیل پرداخت، سپس دوره دانشکده معقول و منقول را در مدرسه سپهسالار جدید (مدرسه عالی شهید مطهری) و دانشسرای عالی را طی کرد تا اینکه سر از دانشکده الهیات دانشگاه تهران در آورد و در سال ۱۳۲۰ به اخذ درجه لیسانس از این دانشکده نائل آمد.

خاطرات و وقایع تحصیل: یک روز حاجی میرزا احمد در کای (پدر محمدتقی دانش پژوه) دست پسرش را گرفت و او را به مدرسه جدیدالتاسیسی در شهر آمل برد تا نامش را در آنجا بنویسد. اما شرط نام نویسی او را آموختن «شرح الفیه سیوطی» به محمد تقی قرار داد. مدرسه نپذیرفت و میرزا احمد هم فرزند جوانش را مجدداً به خانه آورد و همان دروس حوزه های قدیم را به او توصیه نمود. در همین احوال و در شهر آمل بود که محمدتقی شروع به آموختن زبان فرانسه کرد.

استادان و مربیان: محمدتقی دانش پژوه تحصیلات مقدماتی را نزد پدرش حاج میرزا احمد فراگرفت. او در همین دوران از محضر درس بزرگانی چون میرزا عبدالله طبرسی حضور یافت که موضوع درسش آثار فلسفی سبزواری بود. دانش پژوه در حوزه علمیه قم از محضر استادانی همچون میرزا ابوالفضل گلپایگانی در درس «القوانین المحکمه» میرزای قمی و حضرت آخوند ملا علی همدانی و آیت الله مرعشی نجفی در درس «شرح لمعه» استفاده کرد. استاد در باره محضر درس آیت الله مرعشی نجفی زنجانی چنین می گوید: «هنوز لذات نوادر ادبی را که از آیت الله مرعشی می شنیدم در کام ذهنم هست. او بعد از دو سال اقامت در قم، به آمل برگشت و در نزد ابوالقاسم فرسیوی و آقا محمد عروی دینه ای «مکاسب» و «رسائل» شیخ مرتضی انصاری را فراگرفت. چهار سالی در مدرسه سپهسالار قدیم از محضر میرزامهدی آشتیانی در درس فلسفه بهره برد. همسر و فرزندان: محمد تقی دانش پژوه در سال ۱۳۰۷ ازدواج نمود.

زمان و علت فوت : محمدتقی دانش پژوه در ۲۷ آذر سال ۱۳۷۵ ، در تهران در گذشت.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی : محمدتقی دانش پژوه پس از فارغ التحصیل شدن به عنوان کمک کتابدار در کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه تهران مشغول به کار شد. لیسانس حقوق دانش پژوه به او اجازه داد تا به عنوان رئیس کتابخانه دانشکده ادبیات موقعیت خود را تحکیم بخشد. در سال ۱۳۳۲ به ریاست کتابخانه مرکزی آن دانشگاه منصوب گردید و در سال ۱۳۴۳ مشاور فنی کتابخانه مرکزی و در سال ۱۳۲۶ عضو کمیته علمی آن شد.

فعالیت‌های آموزشی : محمدتقی دانش پژوه از سال ۱۳۳۴ در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران به تدریس منطق و تاریخ فلسفه اسلامی و تاریخ خاورشناسان و روش تحقیق در دوره لیسانس و فوق لیسانس پرداخت و در دوره دکترا نیز تدریس عرفان اسلامی را آغاز کرد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ورود محمدتقی دانش پژوه به دانشگاه سرآغاز ورود او به عرصه تحقیق و پژوهش بود. او در همین راستا و به منظور کسب اطلاعات کتاب شناسی و نسخه شناسی به دستور دانشگاه تهران به شهرهای بغداد ، نجف ، کربلا و کاظمین در کشور عراق و شهرهای مدینه و مکه در عربستان سعودی در سال ۱۳۴۵ و به شهرهای مسکو ، لنینگراد سابق ، تفلیس ، دوشنبه ، تاشکند ، بخارا ، سمرقند و باکو در شوروی سابق و شهرهای پاریس و مونیخ ، لین ، اترخت و استانبول در اروپا و شهرهای کمبریج ، بوستون ، پرنیسول ، آن آربرمیشیگان ، شیکاگو و نیویورک در آمریکا سفر کرد. یادداشتهایی که در این سفرها برداشت آنچه مربوط به کشورهای عربی بود در نشریه کتابخانه مرکزی چاپ شده است و یادداشت هایش درباره نزدیک به شش هزار کتاب در مجلد هشتم نشریه کتابخانه مرکزی چاپ شده است.

آرا و گرایشهای خاص : در زمینه فهرست نگاری کار محمدتقی دانش پژوه فقط منحصر به این نبوده است که به معرفی ظاهری نسخه ها بپردازد بلکه سعی کرده با توجه همه جانبه به آنچه در یک صد سال اخیر در غرب انجام شده و نیز عنایت و تجسس در ضوابط و شواهدی که در خودمان و از میان اصل نسخه ها بر می آید ، قواعد و فنون فهرست نگاری را تنظیم و حتی اسلوبی روشمند و متناسب را عرضه کند . او با توجه به مبانی فهرست نویسی از میان چهل پنجاه هزار نسخه متفاوت الشکل دقایقی را به دست آورده که برخی از آنها بع نظر فهرست نگاران نیامده بود.

آثار :

۱ « النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی » شیخ طوسی

۲ « معتقد الامامیه » صدرالدین شیرازی

۳ « تاریخ الوزراء » قمی

۴ « جامع الحکمه » کاشانی

۵ « رساله امامت » خواجه طوسی

۶ « کسراصنام الجاهلیه » صدرالدین شیرازی

۷ آثار درویش طبسی

۸ آثار علوی

۹ اخلاق محتشمی

۱۰ اسرار شهریاری

۱۱ الاقطاب القطبیه

- ۱۲ المنطقیات الفارابی (جلد سوم)
- ۱۳ النجاه ابن سینا
- ۱۴ بحر الفوائد
- ۱۵ تاریخ اسماعیلیه کاشانی
- ۱۶ تاریخ نگاری فلسفه
- ۱۷ تبصره مساوی
- ۱۸ تحفه
- ۱۹ ترجمه « ادب الوجیز و تولى و تبرى » از خواجه نصیر طوسی
- ۲۰ ترجمه « مختصر نافع » محقق حلی
- ۲۱ ترجمه « النکت الاعتقادیه » شیخ مفید
- ۲۲ ترجمه شرایع
- ۲۳ تصحیح التواریخ رشیدی
- ۲۴ تصحیح زبده التوارخ کاشانی
- ۲۵ جام جهان نما
- ۲۶ جامع التواریخ
- ۲۷ جاویدان خرد
- ۲۸ چند نسخه خصوصی دیگر
- ۲۹ حل مشکلات رساله معینیه
- ۳۰ دفتر ۱۱ و ۱۲ نشریه دانشگاه تهران
- ۳۱ ذخیره شهاب الاخبار
- ۳۲ رساله المعینیه
- ۳۳ روزبهران نامه
- ۳۴ سه گفتار خواجه طوسی
- ۳۵ سوانح الافکار رشیدی
- ۳۶ شرح شهاب الاخبار
- ۳۷ شرح فارسی شهاب الاخبار
- ۳۸ شرح فصوص
- ۳۹ طب ابن هندو
- ۴۰ فرمان مالک اشتر
- ۴۱ فرهنگ ایران زمین
- ویژگی اثر: با مشارکت منوچهر ستوده، مصطفی مقربی، عباس زریاب خویی، ایرج افشار
- ۴۲ فصول خواجه نصیر طوسی
- ۴۳ فلسفه اشراق (حیات النفوس)

- ۴۴ فهرست کتاب های خطی کتابخانه مجلس سنا
- ۴۵ فهرست کتاب های خطی کتابخانه ملی ملک وابسته به آستان قدس رضوی
- ویژگی اثر : با همکاری محمد باقر حجتی ؛ احمد منزوی ، تهران ۱۳۵۲-۱۳۵۴ دو جلد ، دو جلد
- ۴۶ فهرست کتب اهدایی مشکوه به دانشگاه
- ۴۷ فهرست ملی ملل (جلد نهم)
- ۴۸ فهرست موسیقی
- ۴۹ فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم
- ۵۰ فهرست نسخه های خطی کتابخانه آستانه امامزاده عبدالعظیم

منابع :

- آینه میراث ، سال اول ، شماره دوم ، پاییز ۱۳۷۷ ، ص ۷۵۲ روزنامه همشهری ، شماره ۲۰۵۸ ، ۲ اسفند ۱۳۷۸۳ گلزار مشاهیر ، زندگی نامه درگذشتگان مشاهیر ایران ۱۳۵۸-۱۳۷۶ ، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ، ص ۲۷۴

دانش پژوه، مصطفی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مصطفی دانش پژوه

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۵ در شاهرود و در خانواده ای روحانی به دنیا آمدم. پدرم مرحوم آیت الله حاج شیخ علی اصغر دانش پژوه از شاگردان برجسته مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محمود شاهرودی از علمای بزرگ ساکن شاهرود بودند. در سال ۱۳۴۱ در دبستان ملی و اسلامی جعفری شروع به تحصیل کردم. دوران دبیرستان را در دو دبیرستان شاهرود (شریعتی فعلی) و فردوسی گذراندم و در سال ۱۳۵۳ موفق به اخذ دیپلم شدم. پس از گرفتن دیپلم بر اساس احساس و وظیفه شرعی و به رغم مخالفت تقریباً همه معلمان و همکلاسیها، به جای شرکت در کنکور و حضور در دانشگاه ، راهی حوزه علمیه قم شدم. اکثر دروس مقدمات و سطح را بیشتر به صورت خصوصی درس گرفتم. با پیروزی انقلاب اسلامی و سرنگونی رژیم شاهنشاهی و بیشتر با انگیزه حضور تبلیغی در دانشگاه و کار فکری با دانشجویان، در اولین کنکور انقلاب (۱۳۵۸) شرکت کردم و در رشته حقوق دانشگاه تهران (مجتمع آموزشی عالی

قم) نیز، در کنار تحصیلات حوزوی، مشغول به تحصیل شدم.

در خلال انقلاب فرهنگی (۵۸-۶۲) برحسب وظیفه سه سال در شاهرود، مسئولیت عقیدتی سیاسی ارتش را پذیرفته و در کنار آن به تدریس در دبیرستان‌ها و همکاری با سپاه و جهاد و کلاسهای عقیدتی و امثال آن مشغول گردیدم. در سال ۶۲ مجدداً جهت ادامه تحصیلات حوزوی و دانشگاهی به قم باز گشتم. در سال تحصیلی ۶۳-۶۲ باقیمانده سطح را به پایان رساندم و در مهر ماه ۶۳ به درس خارج اشتغال یافتم و در کنار آن در سال ۶۵ موفق به اخذ لیسانس شدم، و چون زمینه هدف اصلی (تبلیغ و کار با دانشجویان) در دوره‌های کارشناسی چندان مهیا نمی‌دیدم، انگیزه‌ای برای ادامه تحصیل دانشگاهی نداشتم. اما در عین حال از مطالعات و پژوهشهای حقوقی هم غافل نبودم.

از سال ۱۳۷۰ با پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که آن موقع با نام دفتر همکاری حوزه و دانشگاه شناخته می‌شد، همکاری علمی ام آغاز شد و با گرایش حقوق بین‌الملل اسلامی مطالعات و تحقیقاتم را ادامه دادم و در کنار آن مدتی هم مسئولیت واحد آموزشی این پژوهشگاه را عهده دار شدم. کتاب «اسلام و حقوق بین‌الملل خصوصی» که از طرف چهارمین کنگره دین پژوهان و پنجمین سمینار کتاب سال حوزه برگزیده شد، نتیجه همین دوره است. کتاب «فلسفه حقوق» که به سفارش موسسه امام خمینی (ره) نوشته شد نتیجه دیگری از پژوهشهای حقوقی این حقیر است. پایان نامه سطح ۴ حوزه- که هم اکنون آماده چاپ است- باعنوان "الجنسیه فی الفقه الاسلامی" اثر دیگر این جانب است. حقوق شناسی عمومی در دو جلد نیز در مرحله ویرایش و آماده چاپ است مقالات و جزوه‌های درسی دیگری نیز از حقیر چاپ و منتشر شده است. به انگیزه همان کار تبلیغی، از سال ۷۰، در کنار ادامه تحصیلات حوزوی و پژوهشهای حقوقی، به تدریس در دانشگاه نیز پرداختم که هم اکنون نیز ادامه دارد. و نیز در موسسه امام خمینی (ره)، مرکز تخصصی قضا و مرکز جهانی علوم اسلامی (مدرسه فقه و اصول).

دانش تبریزی، نجفعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۰۹ ق)، عالم، ادیب و روزنامه‌نگار. وی در فقه و اصول و احادیث و اخبار و علوم ادبی اطلاع کامل داشت. دانش معاصر با ناصرالدین شاه قاجار بود و در ۱۲۷۳ ق از آذربایجان به استانبول رفت و با میرزای سنگلاخ همشین شده و اشعاری را که شعرای آن عهد در مدح سنگلاخ گفته بودند جمع‌آوری و به عنوان «مجمع الاوصاف» چاپ کرد. در آن جا تا ۱۳۰۳ ق کنسول ایران بود. وی در این مدت از ۱۲۹۲ ق اقدام به تاسیس روزنامه‌ی هفتگی «اختر» کرده و مدت بیست و یک سال آن را انتشار داد، تا اینکه پس از کشته شدن ناصرالدین شاه، روزنامه‌ی مزبور از طرف دولت عثمانی توقیف شد. در ۱۳۰۳ ق منصب سرتیبی گرفت و نایب و مترجم اول گردید و یک سال بعد سمت سر کنسولی ایران در مصر را عهده‌دار شد تا این که در ۱۳۰۸ ق به تهران آمد و جزو صاحب منصبان وزارت خارجه گردید و تا پایان عمر در همین سمت باقی ماند تا درگذشت. آثار وی: «مجمع الاوصاف»؛ «مشکوه الحیات فی تفسیر الایات»، «تفسیر آیه ذوالقرنین»؛ «میزان الموازین فی امر الدین»، در رد «میزان لحق» هانری مارتن.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان آذربایجان (۱۴۴-۱۴۳)، الذریعه (۳۲۸-۳۲۷/۲۳، ۲۰/۲۰، ۳۱۵/۹)، شرح حال رجال (۳۳۰/۴)، المآثر الآثار (۱۹۸-۱۹۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۴۳-۵۴۲/۶).

دانش تفرشی، تقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۶ - ۱۲۵۰ ش)، خطاط، منشی و شاعر، متخلص به دانش. ملقب به ضیاء لشکر و مستشار اعظم. معروف به بلور. در تفرش به دنیا آمد. از کودکی نزد ملا- عبدالحمید یزدی و میرزا علی محمد به تحصیل زبان عربی و ادبیات فارسی پرداخت و تعلیم خط گرفت. در یازده سالگی قصیده‌ای در هفتاد بیت به رشته‌ی نظم کشید که سبب شهرتش شد. از آن پس به دبیری میرزا یوسف خان مستوفی الممالک منصوب شد، آنگاه سالها در همین سمت در شهرهای مختلف، در دستگاه ظل السلطان و ناصرالملک و میرزا علی اصغر خان اتابک به خدمت اشتغال ورزید. در سال ۱۳۱۵ ق «تذکره‌ی صدر اعظمی» را در شرح شاعران معاصر اتابک نگاشت و در سال ۱۳۱۹ ق فکاهیات خود را به نام «دیوان حکیم سوری» به چاپ رسانید. در سال ۱۳۲۷ ق به شیراز رفت و چندی ریاست عدلیه و دفتر ایالتی آن شهر را به عهده داشت. تقی خان در نوشتن اقسام خط توانا بود و نمونه‌هایی که از خط او به جا مانده، بیانگر استادی وی است. وی مدعی بود که قانون اساسی ایران را به دستور مظفرالدین شاه یک شب تا صبح نگاشته است. دانش در تهران درگذشت. او در مجموع بیست و دو جلد کتاب نگاشته که همه‌ی آنها به خط اوست و این آثار غیر از «تذکره‌ی نون والقلم» - که در شرح حال خطاطان ایران است - همگی منظوم‌اند و صد هزار بیت شعر را شامل می‌شود. مهمترین آنها عبارت‌اند از: «دیوان» اشعار، مشتمل بر غزلیات، قصاید، قطعات، رباعیات و پهلویات؛ «نوشین روان»؛ «مثنوی اکسیر اعظم»؛ «فردوس برین» و چند اثر دیگر. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: ادبیات معاصر (۵۰ - ۴۸)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۸۰۱ - ۸۰۰ - ۲ / ۳۰۹ - ۳۰۶ - ۱ / ۱)، الذریعه (۳۱۵، ۲۶۲ / ۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۷۸ - ۱۷۶ / ۳)، سخنوران نامی معاصر (۱۳۳۸ - ۱۳۳۳ / ۲)، شرح حال رجال (۴۶ - ۴۵ / ۵)، فرهنگ سخنوران (۳۳۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۱۷ - ۲۱۶ / ۲).

دانش شوشتری، حسنعلی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۷۵ ق)، فقیه و شاعر. از دانشمند بنام روزگار خود بود که در هر دو عرصه علوم عقلی و نقلی یگانه گوهر و مثل خورشید مشهور و معروف بود. وی در اصفهان می‌زیست و علاوه بر کارهای علمی و دینی چون از جودت طبع و حدت ذهن و طلاقت لسان و حاضر جوابی بهره‌مند بود و همچنین به تتبع اشعار قدما رغبت تمام داشت به سرودن اشعار نیز می‌پرداخت. ابیاتی چند از او در تذکره‌ها نقل شده است. از آثار وی: «التبیان فی الفقه» و «حواشی بر قواعد شهید».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی روز روشن (۲۵۶)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۵۵ - ۱۵۴)، الذریعه (۳۱۶، ۲۴۳ / ۹)، صبح گلشن (۱۳۲).

دانش، سیاوش

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴)، نویسنده و مورخ. از جمله آثار وی «ابراهیم کلانتر» که تاریخ میرزا ابراهیم کلانتر از دولتمردان روزگار زندیه است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: راهنمای کتاب (س ۱۲۷ ص ۳۸۹-۳۷۸)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۸۰۸/۲).

دانش، محمد کاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فقیه.

تولد: ۱۳۱۸، دزفول.

شهادت: ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران.

حجت‌الاسلام سید محمد کاظم دانش، فرزند سید محمود، تا مقطع خارج فقه و اصول به تحصیل حوزوی پرداخت. پیش از انقلاب اسلامی، به معلمی اشتغال داشت و عضو هیئت تحریریه‌ی «مکتب اسلام» بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، امام جمعه و مسئول کمیته انقلاب اسلامی شوش شد. در اولین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، نماینده‌ی مردم شوش و اندیمشک بود. از آثار اوست: سیمای فداکاران (در دو جلد)، قورباغه‌ها و غازهای مهاجر. مقالاتی از وی نیز در «مکتب اسلام» به چاپ رسیده است.

حجت‌الاسلام دانش در بمب‌گذاری هفتم تیرماه ۱۳۶۰ در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید و پیکرش در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

دانش آشتیانی، غلامرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فقیه.

تولد: ۱۳۰۹، آشتیان.

شهادت: ۷ تیر ۱۶۳۰، تهران.

حجت‌الاسلام غلامرضا دانش آشتیانی، فرزند ابوالفضل، تا مقطع خارج فقه و اصول به تحصیل حوزوی پرداخت. ایشان همچنین دارای دکترای حقوق اسلامی بود. پیش از انقلاب اسلامی، به تدریس در دبیرستان‌ها می‌پرداخت. وی همچنین مسئولیت یک گروه فرهنگی را داشت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بازرس ویژه‌ی وزارت آموزش و پرورش و در اولین دوره مجلس شورای

اسلامی، نماینده مردم تفرش و آشتیان شد.

از آثار ایشان است: سنت در زمینه فقه و اصول. حجت‌الاسلام آشتیانی در بمب‌گذاری هفتم تیرماه ۱۳۶۰ در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید. پیکر وی در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

دانشبد، خسرو

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: پاتولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی پاتولوژی از دانشگاه کالیفرنیا آمریکا در سال ۱۳۴۴، و فوق تخصص سرجیکال پاتولوژی از دانشگاه واشنگتن آمریکا.

مرتبه علمی:

استادیار، دانشیار و استاد در دانشگاه شیراز در سالهای ۱۳۴۷، ۱۳۴۵ و ۱۳۵۸.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اپاندیوم بافت نرم، پاتولوژی لوزه و آدنوئید، آدامانیوم استخوان ساق پا، کیست هیداتیک استخوان، بررسی پاتولوژی بیماری آبله، تدریس پاتولوژی عمومی و اختصاصی در دانشگاه شیراز، برنده جایزه وزارت علوم در زمینه پاتولوژی در سال ۱۳۵۳.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۷، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۵۰

زمینه علمی مقالات:

بررسی بیماریهای مزمن غیر سلی ریوی در فارس، عفونت، علت مرگ و میر مادران استان فارس، اثر وضع اجتماعی و اقتصادی مادر در رشد جنین، بیوپسی کلیه برای تشخیص آمیلوئیدوز عمومی، ضایعات عروقی و مواد شبه آمیلوئید طحال مبتلایان به منونوکلئوز عفونی، آمیلوئیدوز ثانوی، بررسی پانزده اتوپسی در جنوب ایران و تومورهای آمیلوئیدی مجاری فوقانی تنفس.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

دانش‌پژوه، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد، محقق.

تولد: ۳۰ فروردین ۱۲۹۰، آمل.

درگذشت: ۲۷ آذر ۱۳۷۵، تهران.

محمدتقی دانش‌پژوه، فرزند میرزا احمد، مدرک لیسانس خود را از دانشکده‌ی معقول و منقول دریافت کرد. در سال ۱۳۳۲ به ریاست کتابخانه‌ی مرکزی آن دانشگاه منصوب گردید و در سال ۱۳۴۳ مشاور فنی کتابخانه‌ی مرکزی و در سال ۱۳۲۶ عضو کمیته‌ی علمی آن شد.

استاد در سال ۱۳۴۸ به مقام دانشیاری نیمه وقت دانشکده‌ی الهیات و در سال ۱۳۴۹ به مقام دانشیاری تمام وقت دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران ارتقا یافت.

استاد برای کسب اطلاعات کتابشناسی و نسخه‌شناسی به کشورهای عراق، عربستان سعودی، شوروری، ترکیه، انگلستان، فرانسه و آمریکا سفر کرد و در کنگره‌های علمی در سطح ملی و بین‌المللی فعالانه شرکت جست و نتایج تحقیقت علمی خود را به اهل علم عرضه داشت و سرانجام در سال ۱۳۵۵ بازنشسته شد. وی عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی بود.

دکتر دانش‌پژوه علاوه بر فعالیت‌های علمی و فرهنگی، سال‌ها در مقام استادی، در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری، به تدریس می‌پرداخت. حاصل یک عمر تلاش وی حدود ۳۴۰ مقاله تألیف تحقیقی است که در مجله‌های مختلف و از جمله «هنر و مردم» و «یغما» و «سخن» و «وحید»، «راهنمای کتاب» نشریه «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی تبریز» و «معارف اسلامی» به چاپ رسیده‌اند.

از آثار اوست: آثار درویش طوسی؛ آثار علوی؛ اخلاق محتشمی؛ ترجمه‌ی ادب الوجیز و تولی و تبری از خواجه طوسی؛ اسرار شهبازی؛ الاقطاب القطبیه؛ تصحیح التواریخ رشیدی؛ المنطقیات الفارابی (جلد سوم)؛ تصحیح النهایه و ترجمه‌ی آن؛ بحر الفوائد؛ تاریخ اسماعیلیه کاشانی؛ تاریخ الوزراء قمی؛ تاریخ‌نگاری فلسفه؛ تبصره مساوی؛ تحفه؛ جامع التواریخ؛ جامع الحکمه کاشانی؛ جاویدان خرد؛ چند نسخه خصوصی دیگر؛ حل مشکلات رساله‌ی معینیه (نشریه‌ی ۳۰۴ دانشگاه)؛ دفتر ۱۱ و ۱۲ نشریه‌ی دانشگاه تهران؛ ذخیره شهاب الاخبار؛ رساله المعینیه (عربی، نشریه‌ی ۳۰۰ دانشگاه)؛ رساله‌ی امامت خواجه طوسی (عربی، نشریه ۳۰۲ دانشگاه)؛ روزبهران نامه تصحیح زبده التواریخ کاشانی؛ سوانح الافکار رشیدی (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۳۷)؛ سه گفتار خواجه طوسی (نشریه‌ی ۲۹۶ دانشگاه)؛ ترجمه شرایع (جلد چهارم)؛ شرح شهاب الاخبار؛ طب ابن هندو؛ فرمان مالک اشتر؛ فرهنگ ایران زمین (با مشارکت منوچهر ستوده، مصطفی مقربی، عباس زریاب‌خویی، ایرج افشار)؛ فصول خواجه‌ی طوسی (نشریه‌ی ۲۹۸ دانشگاه به اهتمام وی)؛ شرح فصوص؛ فلسفه‌ی اشراق (حیات النفوس)؛ فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه‌ی مجلس سنا (۱۳۵۶، جلد یکم)؛ فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه‌ی ملی ملک وابسته به آستان قدس رضوی (با همکاری محمدباقر حجتی، احمد منزوی، تهران، ۱۳۵۴-۱۳۵۲، دو جلد)؛ فهرست کتب اهدایی مشکوه به دانشگاه (در نشریه‌های مختلف)؛ فهرست ملی ملل (جلد نهم)؛ فهرست موسیقی؛ فهرست نسخ خطی کتابخانه‌ی آستانه‌ی مقدسه‌ی قم (۱۳۵۵)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی آستانه‌ی امامزاده عبدالعظیم (۱۳۴۶، جلد پنجم)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی دانشکده‌ی ادبیات (مجموعه امام جمعه کرمان، اهدایی احمد جوادی، ۱۳۴۴، به جای شماره‌ی اول سال سیزدهم مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی دانشکده‌ی ادبیات (مجموعه وقفی اصغر مهدوی، ۱۳۴۱)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی دانشکده‌ی ادبیات (مجموعه وقفی علی اصغر حکمت، ۱۳۴۱، ضمیمه سال دهم مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی دانشکده‌ی ادبیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران محمدباقر حجتی با تحقیق و نظارت دانش‌پژوه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۸-۱۳۴۵)؛ فهرست نسخه‌های

خطی کتابخانه‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه تهران (۱۳۴۰)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی دانشکده‌ی هنرهای زیبای کشور (با همکاری یحیی ذکاء ۱۳۴۲، جلد سوم)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی سازمان لغت‌نامه دهخدا (۱۳۴۲)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی مجلس سنا (۱۳۴۱، مستخرج از دفتر دوم نشریه‌ی کتابخانه‌ی دانشگاه تهران)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی مدرسه سپهسالار (تهران، ۱۳۴۶-۱۳۱۵، پنج جلد)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی ملی تبریز (۱۳۴۸ و ۱۳۵۰، جلد چهارم)؛ کسر اصنام الجاهلیه صدرای شیرازی، مجموعه فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های شهرستان‌های ایران (۱۳۵۳-۱۳۵۱، سه جلد)؛ مرقع‌سازی و جنگ‌سازی (مشهد، ۱۳۶۰)، ترجمه مصادقه الاخوان ابن بابویه (۱۳۲۵)؛ معتقد الامامیه، منطق ابن مقفع، میکروفیلم دانشگاه تهران (جلد یکم)؛ نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی ملی رشت (۱۳۴۶، جلد پنجم)؛ نسخه‌های خطی نشریه‌ی کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران (۱۰، ۱۳۵۸-۱۳۳۹، جلد، گاهنامه)؛ ترجمه‌ی نکت اعتقادیه شیخ مفید؛ نکت الاعتقادیه (شیخ مفید، ۱۳۲۴)؛ نوادر التبادر؛ وزارت در عهد سلاجقه از عباس اقبال؛ یک پرده از زندگی شاه تهماسب؛ یواقیت العلوم.

وی در تهران درگذشت و کالبد وی در بهشت زهرا در قطعه‌ی ۸۸ (قطعه‌ی خاص هنرمندان و نویسندگان) به خاک سپرده شد. (۱۳۷۵-۱۲۹۰ ش)، نسخه شناس، محقق و مصحح. وی مقدمات ادبی را پس از خواندن نزد میرزا علی بارفروش در مدرسه‌ی حاج علی اکبر کوچک در آمل و نزد پدرش فراگرفت. از دیگر استادان وی در آمل شیخ ابوالحسن آملی واعظ، میرزا ابوالحسن پیشنماز آملی و آقا میرزا عزیزالله طبرسی بودند. در هجده سالگی بعد از فوت پدر، به تهران آمد. وی از محضر استادانی چون میرزا ابوالفضل گلپایگانی، میرزای قمی، آخوند ملا علی همدانی و آیت‌الله مرعشی بهره برد. دانش‌پژوه در مدرسه‌ی سپهسالار از مضر میرزا مهدی آشتیانی «شفاء»، «اسفار» و «مکاسب» را آموخت. در ۱۳۲۰ ش موفق به دریافت لیسانس شد. از ۱۳۱۹ ش در کتابخانه دانشکده حقوق مشغول به کار شد. از ۱۳۲۱ ش به دبیری دبیرستانهای تهران اشتغال ورزید و سپس به دبیری دانشگاه پرداخت. از سمتهای دیگر وی معاونت کتابخانه‌ی دانشکده‌ی حقوق، ریاست کتابخانه‌ی کتب خطی دانشگاه، ریاست کتابخانه‌ی مرکزی، مشاورت فنی کتابخانه مرکزی، عضویت کمیته‌ی کتابخانه‌ی مرکزی بود. در سال ۱۳۴۸ ش دانشیار نیمه‌وقت دانشکده‌ی الهیات و در تاریخ ۱۳۴۹ ش دانشیار تمام وقت دانشکده‌ی ادبیات شد. در سال ۱۳۳۴ ش شورای دانشگاه تهران وی را برای تدریس درسهای درایه الحدیث و فرهنگ ایرانیان دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی شایسته دانست. در دوره‌های لیسانس و فوق لیسانس به تدریس منطق، تاریخ فلسفه اسلامی و تاریخ خاورشناسان و روش تحقیق و در دوره‌ی دکتری به تدریس عرفان اسلامی پرداخت. در تهران درگذشت. از آثار وی: فهرستهای مختلف کتابخانه‌ی دانشگاه تهران و مجلس سنا؛ ترجمه‌ها: «النکت الاعتقادیه»؛ ترجمه «مصادقه الاخوان»؛ «رساله المعینیه»؛ تصحیح: «ذخیره‌ی خوارزمشاهی» و تصحیح متون متعدد و مقالات مختلف در مجلات وزین. [۱]

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه: [۱] راهنمای کتاب (س ۱۸، ش ۹-۸-۷، ص ۶۸۸-۶۵۹)، مؤلفین کتب چاپی (۲۱۹-۲۱۷/۲).

دانشگر، منوچهر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۸ ش)، محقق و پزشک. در اصفهان متولد شد. تحصیلات متوسطه را در آن شهر و پزشکی را در دانشکده‌ی پزشکی تهران به پایان رساند. در سال ۱۳۲۶ به سمت دانشیار بیماریهای چشم در آموزشگاه بهداری اصفهان منصوب شد. اثر وی: «بهداشت

چشم».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: مؤلفین کتب چاپی (۳۰۹/۶).

دانشگر، هوشنگ

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

دانشمند ایبوردی، ابوالحسن علی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۶۹/۹۶۶ ق)، ریاضیدان، حکیم و شاعر شیعی. در کاشان دیده به جهان گشود. از چنان هوش و ذکاوتی بهره‌مند بود که در چهارده سالگی شرح «تجرید» را با حواشی آن که از متون مشکل حکمت است و کتاب «مجسطی» را در بیست و پنج سالگی درس می‌گفت و حافظه‌ای چنان نیرومند داشت که هر کتاب را یک بار می‌خواند و عبارت آن را هرگز فراموش نمی‌کرد. وی در علوم مختلف بویژه ریاضیات مهارت بسیار داشت چنان که گویند از زمان قدیم هیچ‌کس نکتی در علم ریاضی مانده بود که تنها شش نکتی آن توسط خواجه نصیرالدین طوسی حل شده بود و بقیه را وی حل کرد. ملا ابوالحسن در شعر فارسی نیز استاد بود و غزل را نیکو می‌سرود. فضل خلخالی و شیخ احمد خلخالی از شاگردان وی بودند. در کاشان در گذشت و جنازه‌ی وی به اردبیل منتقل شد و در آن جا دفن گردید. وی در اکثر رشته‌ها تالیفاتی دارد؛ از جمله: «الشوارق فی کلام»؛ «حل ما لاینحل» در حل دوازده مسأله ریاضی؛ «حسنا» در حکمت طبیعی؛ «مشارق» و «مرآت الافلاک»، در حکمت ریاضی؛ «حاشیه بر شمسیه»؛ «حاشیه بر تهذیب»، در منطق؛ «رساله اثبات واجب» به فارسی و «اثبات واجب» به عربی؛ «روضه الجنان» در حکمت؛ شرح «فرايض»؛ «دیوان» اشعار.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۲/ ۵۹، ۵۹۴، ۲۴/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۸۵، ۶۸۳، ۳۴۸/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۴۳- ۴۴۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰/ ۱۴۴)، فرهنگ سخنوران (۳۳۳)، کشف الظنون (۸۴۳)، معجم المؤلفین (۱۰/ ۷)، هدیه العارفین (۷۴۶/ ۱)، هفت اقلیم (۳۲- ۳۱/ ۲).

دانشور علوی، نورالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، نویسنده و مورخ. از جمله آثار وی: «تاریخ مشروطه‌ی ایران و جنبش وطن پرستان اصفهان و بختیاری». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۷۵۱/۱)، فهرستوارهی کتابهای فارسی (۹۰۲/۲).

دانشور فرهود، داریوش

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بهداشت، دانشکده: بهداشت، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه آرانگن آلمان غربی در سال ۱۳۴۸، دوره دستیاری پزشکی از دانشگاه مانیس آلمان غربی در سال ۱۳۵۰، دکترای زیست‌شناسی با گرایش ژنتیک انسانی (انسان‌شناسی) از دانشگاه مانیس آلمان غربی در سال ۱۳۵۱، کارشناسی روان‌شناسی از دانشگاه مانیس آلمان غربی در سال ۱۳۵۲، فوق تخصص ژنتیک پزشکی از سازمان مرکزی نظام پزشکی کلن آلمان غربی، تقدیرنامه از وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی در زمینه کشف و تعریف ترانسفرین جدید. مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس درس ژنتیک انسانی، ژنتیک پزشکی، انسان‌شناسی، رشد و نمو، ژنتیک اکولوژیک، کشف و تعریف یک گونه ترانسفرین (در زمینه ژنتیک انسانی و ژنتیک جمعیت، استاد راهنمای بیش از ۸۰ پایان‌نامه دکترا، دکترای تخصصی و کارشناسی ارشد).

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

خطوط پوستی، انگشت نگاری، واژه‌نامه زیست‌شناسی (۱۶ هزار واژه از انگلیسی به فارسی)، ژنتیک جمعیت‌های انسانی، کودک مونگول و انسان‌شناسی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۸۰

زمینه علمی مقالات:

ژنتیک انسانی، ژنتیک پزشکی، انسان‌شناسی، رشد و نمو و پزشکی قانونی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

دانشور، سیمین

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

(تو ۱۳۰۰ ش)، داستان‌نویس، مترجم، محقق، مدرس دانشگاه و روزنامه‌نگار. در شیراز دیده به جهان گشود و تا پایان دوره‌ی متوسطه در مدرسه‌ی مهرآیین شیراز تحصیل کرد. پس از آن وارد دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۲۸ ش با نگارش رساله‌ی «علم الجمال در ادبیات فارسی» موفق به دریافت درجه‌ی دکتری ادبیات فارسی در این رشته‌ی تحصیلی شد. سپس به آمریکا رفت و از دانشگاه استنفرد کالیفرنیا درجه‌ی فوق دکتری تخصصی در رشته‌ی زیبایی‌شناسی اخذ کرد. پس از بازگشت به ایران تدریس در رشته‌های باستان‌شناسی و تاریخ و هنر دانشگاه تهران و زیبایی‌شناسی در هنرستان عالی موسیقی و هنرهای زیبا پرداخت. وی همچنین عضو هیات نویسندگان مجله‌ی «علم و زندگی» و «کتاب ماه» و مدیر مجله‌ی «نقش و نگار» نیز بود. سیمین با جلال آل‌احمد ازدواج کرد و همپای او به فعالیت‌های فکری و فرهنگی پرداخت. از آثار وی: تحقیقات: «شناخت و تحسین هنر»؛ داستانها: «سووشون»؛ «آتش خاموش»؛ «شهری چون بهشت»؛ «به کی سلام کنم»؛ «غروب جلال»؛ «جزیره سرگردانی»؛ ترجمه‌ها: «سرباز شکلاتی»؛ «دشمنان»؛ «بئاتریس»؛ «داغ ننگ»؛ «بنال وطن».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: چون سبوی تشنه (۲۱۰-۲۰۹)، کیان (س ۶، ش ۴۴، ص ۶۷-۶۶)، کیهان فرهنگی (س ۴، ش ۶، ص ۱۱-۳)، مؤلفین کتب چاپی (۳۸۷-۳۸۶/۳).

دانشور، عباسعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: قلب و عرق، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

دانیال‌زاده، آلبرد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۰، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیوشیمی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکتر در رشته بیوشیمی در سال ۱۳۴۲.

مرتبہ علمی:

استادیار دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۳، دانشیار بخش بیوشیمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و ارتقاء به درجه استادی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی رابطه ویتامین A با سنگهای مجاور ادراری، بررسی لیپوپروتئینهای HDL، LDL، VLDL کلسترول و تری‌گلیسرول‌ها در افراد سالم و بیمار عضویت در فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۶ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی :-

زمینه علمی تألیفات:

اصول بیوشیمی، بیوشیمی قندها، چربیها، پروتئینها، اسیدهای نوکلئیک آنزیمها و نحوه عمل آنزیمها، انرژی بیولوژیکی، متابولیسم قندها، فتوسنتز، متابولیسم چربیها، آمینو اسیدها، نوکلئیک اسیدها و همانند سازی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

بررسی رابطه ویتامین A با سنگهای مجاری ادراری و غلظت موکوپروتئینها در ادرار، تهیه مشتقات نوکلئوتیدهای مونو-دی و تری فسفات و اثر آنها در شناسائی مکانیزم عمل آنزیمها.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

داودی بوشنجی، ابوالحسن عبدالرحمان بن محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۶۷- ۳۷۴ ق)، مسند و محدث. در بوشنج به دنیا آمد و همان جا نزد ابومحمد بن حمویه سرخسی به استماع حدیث پرداخت. در هرات از عبدالرحمان بن ابی شریح و در نیشابور از ابوعبدالله حاکم نیشابوری و ابن یوسف و ابن محمش حدیث شنید و در بغداد از ابن مهدی فارسی و دیگران بهره برد. وی چندی در بغداد ماند و نزد ابوحامد و صعلوکی و ابوبکر قفال فقه آموخت. او از مشایخ مورد احترام خراسان و هم صحبت ابوعلی دقاق و ابوعبدالرحمان سلمی بود. او مجلس وعظ و فتوی و تدریس داشت و صاحب تصانیف بود و در نظم و نثر ماهر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۲۲۶- ۲۲۲/ ۱۸).

داودی لیمونی، سعید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سعید داودی لیمونی

محل تولد: ساری

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سعید داودی لیمونی در سال ۱۳۵۳ شمسی وارد حوزه علمیه شهر رستم کلا (بهشهر) شدم و تا قسمتی از رسائل را در محضر مرحوم آیت الله ایازی خواندم و در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و رسائل را از محضر آیت الله اعتمادی و مکاسب را از محضر حضرات آیات دوزدوانی، مرحوم پایانی و مرحوم ستوده بهره گرفتم. کفایتین را نیز نزد مرحوم آیت الله ستوده خواندم و در دروسهای خارج حضرات آیات مکارم شیرازی، شیخ جواد تبریزی، وحید خراسانی، جوادی آملی و لنگرودی شرکت کردم و مدت ده سال (به طورمتناوب) از این آقایان بهره گرفتم. هر چند بیشترین بهره اینجانب از محضر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (۸ سال) بوده است.

بدایه الحکمه را از محضر استاد فیاضی و نهاییه الحکمه را از محضر آیت الله مصباح یزدی بهره گرفتم و مدت دو سال در درس اسفار آیت الله جوادی آملی شرکت کردم و در دروسهای تفسیر آیت الله جوادی آملی به مدت ۳ سال شرکت کردم دوره تخصصی تفسیر و علوم قرآنی را در مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآنی به مدت چهار سال گذارندم و در این دوره از اساتید گرامی، حضرات آیات: مکارم شیرازی، خزعلی، معرفت، مرحوم طاهر شمس، محقق داماد، شب زنده دار و توفیقی بهره مند شدم. در سال ۱۳۸۱ پایان نامه سطح چهار را در رشته تفسیر با عنوان «جایگاه زن در قرآن کریم» دفاع کردم و مدرک سطح چهار را گرفتم. از سال ۱۳۷۱ در محضر حضرت آیت الله مکارم شیرازی به اتفاق جمعی از محققان به تدوین شرح نهج البلاغه پرداختیم که تا کنون (اردیبهشت ۱۳۸۵) هفت جلد از آن به چاپ رسیده و همچنان ادامه دارد (به نام پیام امام امیرالمومنین علیه اسلام) در این مدت بیش از ده مقاله برای روزنامه ها، مجلات، سمینارها و ... تدوین کردم که به چاپ رسیده است.

علاوه بر تدریس ادبیات و فقه و اصول که چند سال بدان پرداختم، سه سال در دانشگاه آزاد اسلامی اراک در رشته تفسیر و نهج البلاغه تدریس می کردم و اکنون به مدت چهار سال است که در مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآنی به تدریس اشتغال دارم همچنین به مدت چهار سال است که در تدوین موسوعه فقهی مقارن زیر نظر آیت الله العظمی مکارم شیرازی به اتفاق جمعی از محققان به تدوین مقالات می پردازیم که جلد اول آن به پایان رسیده است و چند سالی است که در مرکز مدیریت حوزه علمیه بخش مدارج علمی، راهنمایی و داوری پایان نامه های سطح ۳ و ۴ را به عهده دارم. علاوه بر آن در تدوین کتب و مقالات دیگر به فعالیت مشغول هستم.

داودی، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: استاد، رشته: رادیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۴۴، دکترای تخصصی رادیولوژی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۹، تخصص رادیولوژی از رویال کالج انگلستان در سال ۱۳۵۲، فوق تخصص رادیولوژی در قلب و عروق از لندن در سال ۱۳۵۳، و فوق تخصص در اولتراسوند از انگلستان (لندن) در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علوم پزشکی مشهد از سال ۱۳۴۹ تا سال ۱۳۵۲، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی مشهد از سال ۱۳۴۵ تا سال ۱۳۶۳، دانشیار در دانشگاه لندن از سال ۱۳۵۲ تا سال ۱۳۵۳، استاد دانشگاه علوم پزشکی مشهد از سال ۱۳۶۳ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بیماریهای عفونی غیرقارچی ریه، تومورهای خوش خیم استخوان، ضایعات قارچی ریه، متدهای بررسی سرطان ریه، افزایش فشار خون ریوی، سونوگرافی در بررسی ضایعات شکم، سونوگرافی در زنان و مامائی، تدریس درس رادیولوژی در دانشگاه علوم پزشکی مشهد و استاد راهنمای بیش از ۳۰ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

رادیولوژی و اطلس دستگاه گوارش.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

رادیولوژی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

داور شیرازی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۵ - ۱۲۵۱ ق)، فقیه، عارف، حکیم، تذکره‌نویس، شاعر، متخلص به داور. در شیراز متولد شد. در زادگاهش علوم ادبی و عربی، فقه و اصول و ریاضیات را فراگرفت و در عین حال مشغول ریاضت نیز بود. به کرمان رفت و در آنجا هم چله‌نشینی کرد و هم ریاضیات را تکمیل کرد و در شیراز مدتی به تدریس فقه و اصول و تفسیر کلام پرداخت. داور مدتی امام جماعت شاهچراغ بود و در شاعری استاد فرصت شیرازی و قدسی مشهدی. از آثار وی: «اصلاح الفاظ»، «حاشیه‌ی تفسیر صافی»؛ شرح «زیارت

عاشورا؛ «ضیاء القلوب»؛ «نور الیقین فی شرح الاربعین»؛ «دیوان» اشعار؛ «مرآت الفصاحه»؛ «اساس الکمال»؛ «کنج گوهر»؛ «العشره الکامله»؛ «الاربعین»، در شرح چهل حدیث. [۱]

(شیخ) محمد مفید بن محمد نبی بن محمد کاظم بن عبدالنبی شیرازی، امام جماعت شاه چراغ در شیراز و مردی فاضل (و. ۱۲۵۱- ف. شیراز ۱۳۲۵ ه.ق.). وی استاد فرصت بود افادات او در باب اشعار حافظ در حواشی دیوان حافظ چاپ قدسی مندرج است. قبرش در قبرستان «درسلم» در جنوب شیراز است برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار العجم (۳۳-۲۶)، ایضاح المکنون (۶۸۸، ۴۶۱، ۲۶۵، ۱۰۱، ۲/ ۹۰، ۱/ ۹۰)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۲۶۳- ۲۴۷/ ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۱۷- ۴۹۳/ ۲)، الذریعه (۲۶۸- ۲۶۷، ۱۲۷/ ۱۵، ۱۰۸۸- ۱۰۸۷، ۳۱۹/ ۹)، ریحانه (۳۶۰- ۳۵۹/ ۵)، مرآت الفصاحه (مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (۲۷۱- ۲۷۰/ ۶)، هدیه العارفین (۴۶۹/ ۲).

داوری اردکانی، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر رضا داوری اردکانی متولد ۱۳۱۲، اردکان و دارای دکترای تخصصی فلسفه از دانشگاه تهران است. داوری در سال ۱۳۴۶ استادیار دانشگاه تهران شد و در سال‌های ۱۳۵۰ به مقام دانشیاری نائل آمد و در نهایت در سال ۱۳۶۲ استاد تمام دانشگاه در رشته فلسفه شد. وی هم اکنون عضو پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران می باشد.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

تحصیلات رسمی و حرفه ای: رضا داوری اردکانی اردکان یزد به دنیا آمد و تا پایان دوره اول متوسطه در آنجا به مدرسه رفت. در سال ۱۳۳۰ از دانشسرای مقدماتی اصفهان دیپلم گرفت و در مهرماه همان سال به استخدام وزارت فرهنگ (وزارت آموزش و پرورش فعلی) درآمد و چندین سال در مدارس شهرهای اردکان، اراک، قم و تهران تدریس کرد. در سال ۱۳۳۴ برای تحصیل به دانشگاه تهران وارد شد و در رشته فلسفه به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۴۶ به اخذ درجه دکتری نائل آمد.

وقایع میانسالی: داوری در سال ۱۳۴۶ استادیار دانشگاه تهران شد و در سال‌های ۱۳۵۰ به مقام دانشیاری نائل آمد و در نهایت در سال ۱۳۶۲ استاد تمام دانشگاه در رشته فلسفه شد.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: فعالیت‌های اجرایی رضا داوری اردکانی: سرپرست کمیسیون ملی یونسکو در ایران عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی سردبیر مجله نامه فرهنگ سردبیر مجله فرهنگ مدیر عامل انتشارات علمی و فرهنگی عضو پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران رییس فرهنگستان علوم دبیر سرویس هنری مجله سوره نوجوانان سردبیری مجله ادبیات داستانی دبیر سرویس ادب و هنر کیهان همکاری با چندین نشریه فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی: عضو هیأت مؤسس انجمن قلم ایران عضو هیأت مدیره و بازرسی انجمن قلم ایران در چندین دوره عضو انجمن صنفی روزنامه نگاران عضو انجمن صنفی روزنامه نگاران مسلمان عضو سازمان بسیج مهندسين

فعالیت‌های آموزشی: فعالیت‌های آموزشی رضا داوری اردکانی: استادیار دانشگاه تهران (گروه آموزش فلسفه) دانشیار دانشگاه تهران (گروه آموزش فلسفه) استاد دانشگاه تهران (گروه آموزش فلسفه) رییس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران مدیر

گروه آموزشی فلسفه دانشگاه تهران فعالیت های علمی - پژوهشی : تهیه استاندارد برای دسته سیم خودرو در آزمایشگاه کنترل کیفی مؤسسه عترت
 چگونگی عرضه آثار : سایر تخصص ها براساس اولویت رضا داوری اردکانی : داستان نویسی - نقد و بررسی ادبی -----

آثار :

- ۱ اندیشه و تمدن غربی
- ویژگی اثر : ساقی ۸۰
- ۲ انسان و فلسفه معاصر
- ویژگی اثر : موسسه توسعه دانش و پژوهش ، تهران ۸۳
- ۳ اوتوبی و عصر تجدد
- ۴ تفکر پست مدرن
- ۵ چند نامه به دوست آلمانی، آلبر کامو (ترجمه)
- ۶ درباره علم (ویراست دوم)
- ویژگی اثر : هرمس ۸۰
- ۷ درباره علم
- ۸ درباره غرب (ویراست دوم)
- ۹ درباره غرب
- ویژگی اثر : هرمس ۷۹
- ۱۰ دفاع از فلسفه
- ۱۱ رساله در باب سنت و تجدد
- ویژگی اثر : ساقی ۸۴
- ۱۲ سنت و تجدد
- ۱۳ سیری انتقادی در فلسفه کارل پوپر
- ویژگی اثر : موسسه اندیشه اسلامی ۷۹
- ۱۴ شاعران در زمانه عسرت
- ۱۵ فارابی مؤسس فلسفه اسلامی
- ۱۶ فارابی، فیلسوف فرهنگ
- ویژگی اثر : ساقی ۸۲
- ۱۷ فرهنگ، خرد و آزادی
- ۱۸ فلسفه تطبیقی
- ویژگی اثر : ساقی ۸۳
- ۱۹ فلسفه چیست؟
- ۲۰ فلسفه در بحران

- ۲۱ فلسفه در دام ایدئولوژی
- ۲۲ فلسفه در قرن بیستم، ژان لاکوست (ترجمه)
- ۲۳ فلسفه کارل پوپر (تجدید چاپ)
- ۲۴ فلسفه مدنی فارابی
- ۲۵ فلسفه معاصر ایران
- ویژگی اثر : ساقی ۸۴
- ۲۶ فلسفه و انسان معاصر
- ۲۷ فلسفه، سیاست و خشونت
- ۲۸ ما و راه دشوار تجدد
- ویژگی اثر : ساقی ۸۴
- ۲۹ مبانی نظری تمدن غربی
- ۳۰ مقام فلسفه در تاریخ دوره اسلامی
- ۳۱ ناسیونالیسم و انقلاب
- ۳۲ ناسیونالیسم و حاکمیت ملی
- ۳۳ وضع کنونی تفکر در ایران
- منابع زندگینامه :
- فصلنامه هنر، ج ۳، بهار و تابستان ۱۳۶۲

داوری آشتیانی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق.

تولد: ۱۳۲۲.

درگذشت: ۳ آبان ۱۳۷۲، تهران.

حسین داوری آشتیانی استادیار پژوهشکده‌ی زبان شناسی بود. از وی کتابی به نام ویژگیهای املاکی دست نویس تفسیر قرآن پاک در ۱۷۶ صفحه (تهران، ۱۳۵۷) به یادگار مانده است.

حسین داوری آشتیانی روز سوم آبان ۱۳۷۲ در مسیر عزیمت به محل کارش درگذشت. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

داوری شیرازی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۸۳/۱۲۸۲ - ۱۲۳۸ ق)، خطاط، نقاش، ادیب و شاعر، متخلص به داوری. در شیراز به دنیا آمد. علوم ادبی و عربی و آداب سخنوری و خوشنویسی را در محضر پدر و برادر مهتر خود وقار، آموخت و فنون نقاشی و چهره‌نگاری و نیز زبان و ادبیات ترکی را از شخصی به نام حاجی اسدالله فراگرفت. داوری در سرودن انواع مختلف شعری بویژه قصیده مهارت داشت. خطوط هفت گانه را خوش می‌نوشت و در نستعلیق قوی دست بود. صاحب «طرائق الحقائق» مدت دو ماه نزد وی تعلیم خط گرفته است. او همچنین در هنر نقاشی بخصوص آبرنگ، شیرین قلم و صاحب ابتکار بود و تذهیب و آرایش تصاویر را نیکو می‌دانست. دیوان بیگی، مولف «حدیقه الشعراء»، وی را «شمس القلادهی» خاندان وصال دانسته است. از کارهای هنری این استاد، تذهیب و نقاشی «شاهنامه‌ی» فردوسی است که بعدها توسط لطفعلی خان شیرازی و میرزا آقای نقاش تکمیل شد. داوری در زادگاه خود درگذشت و در کنار میرزای سکوت، در حرم شاهچراغ به خاک سپرده شد. «دیوان» اشعار وی در حدود پانزده هزار بیت دانسته‌اند. در بعضی منابع «رساله‌ای در عروض» و کتابی در «معانی و بدیع» و «فرهنگ» بزرگی به زبان ترکی به وی نسبت داده‌اند. از آثار چهره‌پردازی وی: چهار قطعه تصاویر آبرنگی از قیافه رجال برجسته‌ی دوره‌ی ناصری که در مرقعی با خطوط متنوع ترتیب یافته است؛ تصویر محمد شفیع وصال که بر روی تشکی نشسته است. از خطوط او: یک نسخه شش دفتر «مثنوی» مولانا، به قلم کتابت خفی عالی، با رقم: ... و انا العبد... محمد المتخلص بدآوری ابن المرحوم وصال... سنه ۱۲۶۷؛ یک نسخه «لوايح» جامی، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «... فی سنه ۱۲۷۶... و انا العبد داوری بن وصال»؛ یک نسخه «چهار مقاله‌ی» نظامی عروض، به قلم کتابت خوش، با رقم: «... حرره داوری بن وصال غفر له، سنه ۱۲۷۹»؛ یک نسخه «سحر حلال»، به قلم کتابت خوش، با رقم: «... داوری بن وصال ۱۲۸۲».

چهار اثر دیگر وی در «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است. [۱]

محمد متخلص به داوری سومین پسر وصال از شاعر از قرن سیزدهم (و. ۱۲۳۸ - ف. ۱۲۸۲ ه. ق.). وی در ۱۲۷۹ در تهران بود و در شیراز به بیماری دق درگذشت و در بقعه شاه چراغ شیراز مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار عجم (۳۶۰ - ۳۵۹)، احوال و آثار خوشنویسان (۷۱۶ - ۷۱۲/۳)، احوال و آثار نقاشان (۷۱۵ - ۷۱۳/۲)، اطلس خط (۵۶۶ - ۵۶۵)، بزرگان شیراز (۳۶۳)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۰۷ - ۲۰۵/۴)، تاریخ هنرهای ملی (۹۸۷/۲)، تذکره‌ی روز روشن (۲۵۷ - ۲۵۶)، حدیقه الشعراء (۶۱۳ - ۶۰۴/۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۱۷ - ۵۰۶/۲)، الذریعه (۳۲۰ - ۳۱۹/۹)، ریحانه (۳۲۷ - ۳۲۶/۶، ۲/۲۱۲)، سرآمدان فرهنگ (۳۵۲ - ۳۵۱/۱)، شرح حال رجال (۱۸۸ - ۱۸۶/۶)، طرائق الحقائق (۳۷۹ - ۳۷۶/۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۰۱۱ - ۱۰۰۸/۲)، فرهنگ سخنوران (۳۳۴)، لغت نامه (ذیل / داوری شیرازی)، المآثر و الآثار (۲۰۵)، مؤلفین کتب چاپی (۷۸۲ - ۷۸۱/۵)، مجمع الفصحا (۲۹۹ - ۲۹۳/۴)، مرآت الفصاحه (۲۱۱ - ۲۰۸)، مکارم الآثار (۱۰۷۰ - ۱۰۶۹/۴).

داود پور، مرتضی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرتضی داود پور

محل تولد: بیجار

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال دوم دبیرستان، رشته ریاضی فیزیک در دبیرستان طالقانی شهرستان بیجار را تمام کرده بودم و یکی دوماه سال تحصیلی سال سوم را سپری کردم که شیفته حوزه شده بودم و درس را رها کرده و به حوزه امام صادق(ع) شهرستان بیجار وارد شدم، یک سال و چند ماهی را در آنجا به تحصیل مشغول بودم که احساس کردم اینجا جوابگوی نیازهای معنوی و علمیم نمی تواند باشد، لذا در سال ۱۳۶۹-۷۰ وارد مدرسه جانبازان قم شدم و از ابتدا دوباره دروس حوزوی را با جدیت بیشتر ادامه دادم و مقدمات را در این مدرسه به اتمام رساندم.

در سالهایی که مشغول دروس مقدمات در مدرسه جانبازان بودم، در مدرسه شهید زین الدین قم دیپلم ریاضی را گرفتم. دروس سطح را نیز در مدرسه مرحوم گلپایگانی در خدمت اساتید: موسوی تهرانی، خسروشاهی، سرافراز، عالی و... گذراندم که در این میان بیشتر از محضر حجة الاسلام خسروشاهی و سرافراز بهره مند شدم. در سال ۱۳۷۷ بنابر احساس و وظیفه در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی در رشته معارف و جامعه شناسی مشغول تحصیل شدم و بعد از ۴ سال مرحله کارشناسی را تمام کردم.

در سال ۱۳۸۰ دروس خارج فقه و اصول حوزه را شرکت کردم و در ابتدا حدود یک سال در درس اصول حاج آقا سبحانی شرکت کرده و در درس فقه آیه الله مکارم شیرازی شرکت کردم و در سالهای بعد نیز دروس فقه آیه الله مکارم را تا کنون که قریب ۵ سال است ادامه دادم و حدود ۴ سال هم در محضر آیه الله وحید خراسانی در دروس خارج اصول ایشان توفیق حضور داشته ام و حدود سه سال هم در درس تفسیر آیه الله جوادی آملی زانوی تلمذ بر زمین نهاده ام. در سال ۱۳۸۲ نیز در کنار دروس عمومی حوزه در رشته تخصصی کلام اسلامی در موسسه امام صادق(ع) تحت اشراف حضرت آیه الله سبحانی در سطح ۳ حوزه حضور یافته و در سال جاری نیز آن را تمام کرده و اکنون مشغول پایان نامه آن می باشم.

حدود یک سال است که با مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) در گروه جامعه شناسی همکاری داشته ام که آخرین مقاله به نام «نقش انتظار فرج در کاهش نا هنجاریهای اجتماعی» در کنفرانس همایش بین المللی مهدویت در تهران در جلد اول مجلدات آن چاپ شد. در ضمن مقالات دیگری نیز در گروه از حقیر موجود است.

داوودی تبار، محمدامین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد امین داوودی تبار

محل تولد: نجف اشرف

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۱/۲/۵

زندگینامه علمی

اینجانب محمد امین داوودی تبار در ۵ اردیبهشت ماه ۱۳۵۱ در شهر مقدس نجف اشرف به دنیا آمدم که پس از اندکی در همان اوان طفولیت به همراه خانواده به اجبار راهی سفر به ایران و در شهر مقدس قم سکونت گزیدیم. پدرم روحانی است و برای تحصیل علوم دینی نیز در عتبات عالیات اقامت گزیده بود.

تحصیلات ابتدائی، راهنمائی و اول دبیرستان را در شهر مقدس قم گذرانده ام دیپلم را به صورت متفرقه و در کنار تحصیلات حوزوی گرفته ام در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه قم جهت تحصیلات علوم دینی در مدرسه شهیدین شدم. در آنجا دروس مقدمات و مقداری از سطح را نزد اساتید آن مدرسه تلمذ نمودم و سطوح عالی را نزد اساتیدی چون مرحوم آیت الله احمدی میانجی و حضرت آیت الله صلواتی و جناب حجة الاسلام بیگدلی و ... بهره مند شدم و در خارج فقه و اصول از محضر آیات: صانعی، آقا موسی شیرازی، فاضل لنکرانی و سبحانی در حد توان و بضاعت خویش بهره‌هایی برده و می‌برم. البته در زمان اشتغال به تحصیل سطوح عالی به علت بعضی از مسائل غیر مترقبه و به ناچار مشغول به بعضی از امور اجرایی شده در طی سالیانی چند بیشتر وقت خود را صرف امور اجرایی در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور مینمودم که در این سالها مدتی مسئول دفتر معاونت اطلاع رسانی و مسئول بازاریابی محصولات و تولیدان نرم افزاری این مرکز و پس از آن نیز سالیانی چند مدیر فروش نرم افزارهای مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور در موسسه خدمات کامپیوتری نور وابسته به همین مرکز انجام وظیفه نموده ام.

به حمد الله هم اکنون توفیق انجام کارهای علمی تحقیقاتی و اشتغال به تحصیل و تحقیق پیدا کرده ام و مدیریت موسسه فقه الثقلین نیز به عهده اینجانب میباشد که در آنجا کارهای تحقیق و تصحیح کتاب ارزشمند مصابیح الاحکام مرحوم بحر العلوم که از منابع فقهی بسیار گران سنگ و نادر می باشد در حال انجام بوده و در حال حاضر چاپ اول آن به اتمام رسیده است و به زودی سایر مجلدات آن نیز به زور طبع آراسته خواهد شد.

همچنین کتاب مجمع الفائده و البرهان مرحوم مقدس اردبیلی در حال تحقیق و تصحیح بوده و جلد اول آن نیز به چاپ رسیده و سایر مجلدات نیز در زمانی نزدیک پس از مراحل تحقیق و تصحیح مزین به حواشی حضرت آیت الله صانعی به چاپ خواهد رسید. در کنار کارهای فوق الذکر در بخش تحقیقات پرسش و پاسخ شبکه جهانی نور مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور نیز در حال انجام وظیفه میباشم. شایان ذکر است با توجه به تجربه مفیدی که طی سالیان زیادی حضور در موسسه خدمات کامپیوتری نور نسبت به نیاز کاربران رایانه ای به محصولات فرهنگی پیدا کرده بودم به سفارش برخی از دوستان اقدام به تولید نرم افزار قرآنی با رویکرد عامه مردم با عنوان «سلام» نمودم که به لطف پروردگار مورد استقبال قرار گرفت. این نرم افزار شامل بخشهای مختلف از جمله تفسیر، ترجمه، آموزش و .. میباشد.

داوودی کهکی، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدرضا داوودی کهکی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۶/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا داودی، در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شدم که به مقدمات و سطح پرداختم. در سال ۱۳۷۲ وارد موسسه در راه حق-دروس عمومی- شدم. که پس از دو سال به موسسه امام خمینی(ره) منتقل شد، این دروس آشنایی با مبانی علوم انسانی بود که تا ۱۳۷۷ به طول انجامید. از سال ۱۳۷۷ کارشناسی ارشد رشته تخصصی علوم قرآنی و تفسیر در موسسه امام خمینی(ره) را آغاز کردم. همزمان با گذراندن این رشته، در دوره کارورزی تحقیق که زیر نظر یکی از اساتید برگزار می‌شد شرکت کردم که در موضوع تفسیر موضوعی به مطالعه و تشکیل پرونده می‌پرداختیم. پس از پایان دوره نوبت به نگارش پایان‌نامه رسید، که موضوع پایان‌نامه اینجانب «شادابی و نشاط از دیدگاه آیات و روایات تفسیری» بود و به مدت یک سال از خرداد ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۲ به طول انجامید. پس از دفاع پایان‌نامه که با امتیاز عالی و نمره ۱۸ پذیرفته شد در سال ۱۳۸۳ در دوره تربیت مربی اخلاق زیر نظر حجت الاسلام دکتر آقاهرانی شرکت کردم و در پایان دوره یکسال، تحقیقی پایانی با عنوان «نگاهی به آثار تربیتی بینش در منابع اسلامی» به نگارش درآوردم. در سال ۱۳۸۴ هفته‌ای یک روز تدریس در دانشگاه آزاد گرمسار را آغاز کردم که درس‌های متون اسلامی، تفسیر موضوعی قرآن و تاریخ صدر اسلام و اخلاق اسلامی را در آنجا تدریس کردم. به جهت نبود کتاب درسی مناسب برای تفسیر قرآن جزوهای را خودم تهیه کردم و تفسیر سوره حمد و آیاتی از سوره بقره و اسراء را در آن جای دادم. همزمان با آن داشتن کار اجرایی کتابخانه علوم قرآنی، چند مقاله نیز به نگارش درآوردم که در لیست مقالات آمده است.

داودی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد داودی

محل تولد: خمین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد داودی فرزند شهید محمد عیسی داودی در سال ۱۳۴۵ در روستای جوادیه از توابع شهرستان خمین در خانواده‌ای مذهبی متولد شدم. تحصیلات خود را از سن ۵ سالگی در مکتب خانه‌ای در همان روستا شروع کردم. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را نیز در همان روستا به پایان رساندم و برای ادامه تحصیل به شهرستان خمین رفتم. سال اول دبیرستان را در هنرستان شهید چمران در رشته برق به پایان رساندم. لازم به ذکر است که در طول تحصیل همیشه شاگرد اول بوده‌ام و در امتحانات نهایی راهنمایی، در کل شهرستان شاگرد اول شدم. در سال ۶۲-۶۳ تحصیلات حوزوی را در شهرستان محلات شروع کردم و سال بعد برای ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه قم شدم. در سال ۶۵ همزمان با ادامه تحصیلات حوزوی، وارد موسسه در راه حق شدم و بعد از

پایان دوره تحصیلات پنج ساله در این موسسه، وارد دفتر همکاری حوزه و دانشگاه شدم و تحصیلات خود را در رشته علوم تربیتی در این دفتر شروع کردم. در سال ۷۹، فوق لیسانس را از این دفتر دریافت کردم و در همان سال تحصیلات خودم را در دوره دکتری فلسفه و تاریخ تعلیم و تربیت در دانشگاه تربیت معلم شروع کردم. تحصیلات حوزوی خود را در دوره خارج نیز در محضر اساتید بزرگوار آیات عظام فاضل لنکرانی و آقا سید علی محقق (دام ظلهم) ادامه دادم. طرح سیره تربیتی معصومین (ع) را در سال ۷۶ در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، زیر نظر حجت الاسلام علی رضا اعرافی به همراه چند تن دیگر از دوستان شروع کردیم که بخشی از ثمره آن، کتاب (سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام: تربیت دینی است) می باشد. همچنین در ادامه کار، کتاب (نقش معلم در تربیت دینی) را تدوین کرده ام که در سال ۱۳۸۴ به چاپ رسید. در کنار این کار، بنده در دانشگاه نیز به تدریس معارف اسلامی و اخلاق اسلامی مشغول شده و در حوزه نیز برخی موضوعات تربیتی مانند مدیریت آموزشی، تعلیم و تربیت اسلامی و سیره تربیتی معصومین (ع) را تدریس می کنم.

داویدیان، هاراطون

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: روانپزشکی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

دبوسی، ابوالقاسم علی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۸۲ ق)، ادیب، فقیه و مدرس و عالم شافعی. دبوسیه شهری بین سمرقند و بخارا است. وی از شاگردان محمد بن عبدالعزیز قنطری و ابوسهل ابیوردی و ابومسعود بجلي است. در ۴۷۹ ق برای تدریس در نظامیه وارد بغداد گشت و مجلس آراست و عهده دار تعلیم شد. از او تعبیر به امام و شیخ شافعیه کرده اند. گذشته از قرائت و فقه و حدیث و اصول و لغت، در کلام و مناظره نیز پیشگام بود. هبه الله سقطی و ابوالعز قلانسی و عبدالوهاب انماطی از شاگردان وی بودند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۹۳ - ۹۱ / ۱۹)، الکامل (۱۵۲/۸)، لغت نامه (ذیل / دبوسی)، مدارس نظامیه (۱۴۱، ۱۲۹)، معجم البلدان (۴۹۹/۲).

دبوسی، ابوزید عبدالله، عبیدالله

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۴۳۰-۳۶۷)، فقیه، اصولی و قاضی حنفی. اصل وی از دبوسیه، بین بخارا و سمرقند، است. وی از مشایخ و بزرگان فقه حنفی است که در فقهات ضرب‌المثل بود. او پایه‌گذار علم خلاف است. دبوسی قاضی سمرقند بود و در بخارا درگذشت. در «معجم البلدان» سال مرگ وی ۴۳۲ ق ذکر شده است. از آثار وی: «الاسرار»، در اصول و فروع حنفیه؛ «الامد الاقصی»؛ «تاسیس النظر»، در جدل و اختلاف بین ابوحنیفه و دو پیشوای دیگر: مالک و شافعی؛ «تقویم الادله»، در اصول؛ «الانوار»، در اصول فقه؛ «خزانه الهدی»، در فتاوی؛ «شرح جامع الکبیر» شیبانی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۴۸/۴)، ریحانه (۲۱۳/۲)، سیر النبلاء (۵۲۱/۱۷)، کشف الظنون (۷۰۳، ۵۶۸، ۴۶۷، ۳۵۲، ۳۳۴، ۱۹۶، ۱۶۸، ۸۴)، الکنی و الالقاب (۲۲۸/۲) لغت نامه (ذیل / عبدالله)، معجم المؤلفین (۹۶/۶)، معجم البلدان (۴۹۹/۲)، وفيات الاعیان (۴۸/۳)، هدیه العارفین (۶۴۸/۱).

دبیر الممالک، اسماعیل

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۳۲۰ ق)، خطاط و مترجم. سمت ژنرال آجودانی و مترجمی صدر اعظم را داشت و چون به زبان فرانسه و آلمانی آشنا بود، چند کتاب را به فارسی ترجمه کرد و در وزارت امور خارجه هم سمتی داشت. اسماعیل خان خط نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت. وی تا تاریخ تالیف «تذکره‌ی خوشنویسان» سپهر هنوز در قید حیات بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۶۶/۱).

دبیر اشرافی، هرمز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زنان و مامائی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی، دکترای تخصصی بیماریهای زنان و مامائی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۵۸، فوق تخصص در اندوسکوپي از دانشگاه آتلانتای آمریکا در سال ۱۳۶۷، فوق تخصص سونوگرافی از دانشگاه باری اتریش در سال ۱۳۶۶ و فوق تخصص IVF از دانشگاه وین اتریش در سال ۱۳۶۶.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۶ و دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۶۶.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی مادران منفی در ایران، خونریزیهای سه ماه سوم حاملگی، درمان پرولاکتینوما در حاملگی، مقایسه تأثیر پروفیلاکتیک سفالوتین سدیم از راه ورید با شستشوی موضعی، تغییر در تکنیک لاپاراسکوپي، تدریس درس زنان و مامائی، استاد راهنمای ۶ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی :-

زمینه علمی تألیفات:

مشکلات ناشی از فشار خون حاد حاملگی، بیماران RH منفی حساس شده، تازه‌های پزشکی در حاملگی خارج از رحم، تازه‌های بیماریهای زنان و مامائی، سقط عادت، فوریتها در بیماریهای زنان، هیستریکتومی واژینال و آبدومینال، تیروئید حاملگی، IUD و اثرات آن، شوک عفونی در بیماریهای زنان و چگونگی بررسی علل تب‌های عفونی پس از سزارین.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۴، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

آبسه راجع کلیتورس، مقایسه تأثیر تجویز پروفیلاکتیک سفالوتین سدیم، کاربرد بتاسمپاتومیمتیک‌ها در زایمان زودرس، گزارش یک مورد رحم واژگون شده و پروستا گلاندین‌ها و فشار خون حاد حاملگی. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

دبیر اشرافی، هرمز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

هرمز دبیر اشرافی در سال ۱۳۲۵ در شهر تهران متولد شد. وی دارای فوق تخصص در IVF از دانشگاه وین اتریش در سال ۱۳۶۶ است. ایشان هم اکنون به عنوان عضو هیئت علمی و استاد گروه زنان و زایمان در بخش جراحی ۲ زنان بیمارستان میرزا کوچکخان مشغول به خدمت است. گروه: علوم پزشکی: زنان و زایمان: تحصیلات رسمی و حرفه ای: هرمز دبیر اشرافی تحصیلات ابتدایی را در دبستان دارالفنون آغاز و تحصیلات متوسطه را در دبیرستان نظامی به پایان رساند. تحصیلات عالی خود را در رشته پزشکی دانشکده پزشکی دانشگاه تهران آغاز کرد. وی دارای دکترای عمومی تخصصی بیماریهای زنان و مامائی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۵۸، فوق تخصصی در اندوسکوپي از دانشگاه آتلانتای آمریکا در سال ۱۳۶۷، فوق تخصص سونوگرافی از دانشگاه باری اتریش در سال ۱۳۶۶ و فوق تخصص در IVF از دانشگاه وین اتریش در سال ۱۳۳۶۶ است. وقایع میانسالی: هرمز دبیر اشرافی پس از احراز مدرک دکترای در رشته زنان و زایمان به عضویت هیئت علمی گروه زنان و زایمان در دانشکده علوم پزشکی در دانشگاه تهران در آمد. ایشان هم اکنون به عنوان عضو هیئت علمی و استاد گروه زنان و زایمان در بخش جراحی ۲ زنان بیمارستان میرزا کوچکخان مشغول به خدمت است. وی دارای تحقیقاتی در زمینه بررسی مادران منفی در ایران، خونریزیهای سه ماهه سوم حاملگی، درمان پرولاکتینوز ما در حاملگی و غیره است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: هرمز دبیر اشرافی به عنوان عضو

هیئت علمی و استاد گروه زنان و زایمان در بخش جراحی ۲ زنان بیمارستان میرزا کوچک خان مشغول به خدمت است. فعالیت‌های آموزشی: هرمز دبیر اشرافی با رتبه علمی استادی به تدریس درس زنان و مامائی می پردازد وی همچنین بیش از ۶ پایان نامه دکتری و کارشناسی ارشد را راهنمایی و مشاوره و نظارت کرده است. ایشان همچنین مقالاتی در زمینه های علمی آبه راجعه کلیتورس، مقایسه تاثیر تجویز پروفیلاکتیک سفالوتین سدیم، کاربرد بتاسمپاتومیمتیک ها در زایمان زود رس و غیره دارد. چگونگی عرضه آثار: هرمز دبیر اشرافی در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون اثر ایمونولژیائی هپارین در بیماریهای کلیه و مایع ریه جنین اف - پی - اف و غیره می پردازد.

آثار: اثر ایمونولژیائی هپارین در بیماریهای کلیه و ویژگی اثر: پایان نامه (دکتر) -- دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۱۳۵۱۲ مایع ریه جنین اف - پی - اف و ویژگی اثر: پایان نامه (دکتر) -- دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۱۳۵۸

دبیران قزوینی، نجم‌الدین، ابوالحسن، ابوالمعالی علی

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۷۹ - ۶۰۰ ق)، منجم و حکیم شافعی. در قزوین متولد شد. از اکابر علما و حکما و دانشمندان رصد و ریاضیات شافعیه می‌باشد که با منطق و هندسه و فنون حکمت آشنا و در آلات رصدیه ماهر و متبحر بود. او استاد علامه‌ی حلی و قطب‌الدین محمود شیرازی و شاگرد خواجه نصیر طوسی بود. در نجوم دست داشت و به دعوت خواجه نصیر طوسی به مراغه رفت و در کار رصد با او همکاری کرد. کاتبی در قزوین تدریس می‌کرد، حوزه‌ی درس او مجمع افصال بود وی به تشیع هم گرایش وافر داشت. از آثار وی: «شمسیه»، در قواعد منطق؛ «شرح کشف»؛ «شرح حکمت العین»، در منطق و ریاضی؛ «شرح جامع الدقائق فی کشف الحقائق»؛ در منطق؛ «بحر الفوائد» در شرح «عین القواعد»؛ «المفصل» شرح «المصحل» امام فخر رازی، در کلام؛ «عین القواعد»، در منطق و حکمت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۳۱/۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۴۳ - ۲۴۲ / ۳)، تاریخ گزیده (۷۰۶)، حیب السیر (۱۰۷/۳)، ریحانه (۱۷ - ۱۶ / ۵)، کشف الظنون (۱۶۱۴، ۱۱۸۲، ۱۰۶۳، ۶۸۵، ۵۴۰)، الکنی و الالقاب (۱۰۰/۳)، لغت نامه (ذیل / علی، کاتبی، دبیران)، معجم المؤلفین (۱۵۹/۷)، مینودر (۷۹۹ - ۷۹۸ / ۲)، هدیه الاحباب (۲۲۲)، هدیه العارفین (۷۱۳/۱).

دبیران، حکیمه

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۳، ۱۳۴۸ و ۱۳۶۴.

مرتبه علمی:

پژوهشگر در بخش لغت فرهنگستان زبان ایران در سال ۱۳۵۰، تدریس در دانشگاه‌های مختلف کشور، استاد اعزامی به دانشگاه پنجاب لاهور (اورینتل کالج) پاکستان (کرسی زبان و ادبیات فارسی) به مدت دو سال، دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت معلم تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام تحقیقات ادبی، عرفانی، تدریس در دوره‌های کارشناسی ارشد، عضویت در هیأت امنای دانشگاه‌های منطقه ۲ تهران و نماینده وزارت فرهنگ و آموزش عالی در شورای فرهنگی اجتماعی زنان، نماینده وزارت فرهنگ و آموزش عالی در کمیته هماهنگی تربیت معلم و عضو شورای عالی برنامه‌ریزی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

لغت و شعر.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۵، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

ادبی، بررسی متون، مذهبی، شرح غزلیات عرفانی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

دبیر مقدم، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

خلاصه: دکتر محمد دبیرمقدم در سال ۱۳۳۲ شمسی در کاشان متولد شد. ایشان دارای مدرک دکترای زبانشناسی از دانشگاه ایلینوی (اربانا) آمریکا می باشد. دکتر دبیرمقدم در حال حاضر استاد دانشگاه علامه طباطبایی است. ایشان در زمینه های مختلف از جمله زبانشناسی نظری، زبانشناسی فارسی، معنی شناسی و کاربردشناسی زبان فعالیت پژوهشی داشته و مقالات متعددی نیز به زبانهای فارسی و انگلیسی منتشر کرده است. کتاب "زبانشناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی" تألیف، محمد دبیرمقدم، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان شناسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای: محمد دبیرمقدم تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در کاشان و تهران گذراند. تحصیلات دانشگاهی را

در رشته زبان‌شناسی تا مقطع فوق لیسانس در دانشگاه تهران سپری کرد. آنگاه عازم امریکا شد و دکترای زبان‌شناسی را از دانشگاه ایلینوی (اربانا) امریکا اخذ نمود.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: محمد دبیر مقدم در حال حاضر استاد دانشگاه علامه طباطبایی است. ایشان در زمینه‌های مختلف از جمله زبان‌شناسی نظری، زبان‌شناسی فارسی، معنی‌شناسی و کاربردشناسی زبان فعالیت پژوهشی داشته و مقالات متعددی نیز به زبانهای فارسی و انگلیسی منتشر کرده است.

جوایز و نشانها: کتاب "زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی" تألیف، محمد دبیرمقدم، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد. آثار:

۱ زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی

ویژگی اثر: تألیف، این کتاب، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: «زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی» زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی / تألیف محمد دبیر مقدم. - تهران: سخن، ۱۳۷۸. - ۵۸۰ص: نمودار. واژه نامه. کتابنامه: ص [۵۲۷-] ۵۴۵. اثر حاضر به توصیف عمده ترین رویکرد زبانی در نیم قرن بیستم میلادی می پردازد. دستور زایشی (Generative Grammar) مکتبی مسلط و غالب در زبان‌شناسی نظری امروز است که با آرائی مجموعه ای از نظریه های زبانی، انقلابی در زبان‌شناسی و علوم شناختی به وجود آورده است. کتاب مشتمل بر دوازده فصل است و مؤلف محترم تلاش کرده است به منظور برطرف نمودن خلاء نظری موجود در زبان‌شناسی امروز ایران، با اتکاء به منابع دست اول و گفتگوی حضوری و تبادل نظر با برخی از زبان‌شناسان صاحب‌نظر و تأکید بر جنبه آموزشی کتاب، زمین لازم را برای دانشجویان و پژوهشگران به منظور فهم بهتر متون تخصصی فراهم آورد. کتابنام مفصل، معادل سازی برای اصطلاحات تخصصی و واژه نام دو سوی فارسی و انگلیسی از دیگر امتیازات این اثر است. منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com/>

دبیری نژاد، بدیع‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تربیت معلم تهران، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی از دانشگاه سوربن فرانسه در سال

۱۳۴۴، دکترای زبان‌شناسی از دانشگاه سوربن در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه اصفهان، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۵۷.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ادبیات و زبان‌شناسی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تاریخی، ادبی، کارنامه ساسانیان، سبک نثر آثار تاریخی دوره مغول در ایران.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

ادبی، تاریخی، فرهنگی، دوره مغول، دوره سلجوقی، پیش از اسلام و پس از اسلام.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

دختر صاحب بن عباد

قرن: ۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

قرن چهارم هجری، از زنان فاضل و ادیب شیعه. وی از پدر دانشمندش ادب و دانش آموخت. صاحب، علاقه فراوانی به او داشت و نیز به دلیل محبت و احترام به سادات علوی دخترش را به ازدواج یکی از سادات علوی به نام ابوالحسین علی بن الحسین معروف به اخومسمعی درآورد. دختر صاحب پسری به دنیا آورد که نامش را عباد نهادند. وقتی بشارت تولد نوزاد را به صاحب دادند چند قصیده سرود که مطلع یکی از آنها چنین است:

الحمد لله حمداً دائماً ابداً

قد صار سبط رسول الله لي ولداً

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منابع: دایرةالمعارف تشیع، ۴۲۳ / ۳؛ ریاحین الشریعه، ۲۲۹-۲۲۸ / ۴؛ النساء المومنات، ۲۶۶.

دخلی گیلانی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، مورخ، شاعر. در گیلان متولد شد و همان جا دانش آموخت و سپس به هند رفت و در دربار جلال‌الدین محمد اکبر تقرب یافت مدتی نیز در لاهور به سر برد. وی مردی بسیار خوش خوی و شیرین سخن بود و غزل را نیکو می‌سرود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۶۰۰).

درافشان، محمدحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدحسین درافشان

محل تولد: قزوین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب دوره ابتدایی را در مدرسه اسلامی سعادت در قزوین سپری کردم سپس دوره راهنمایی را در مدرسه نمونه شهر (امیرکبیر) گذراندم و دوره دبیرستان را در هنرستان رشته مکانیک عمومی به پایان رساندم. در اوج انقلاب موفق به کسب دیپلم شدم آنگاه یکسال و نیم در کمیته انقلاب اسلامی مشغول به خدمت بودم. در سال ۵۹-۶۰ به قم هجرت نمودم و در مدرسه علمیه منتظریه (حقانی) مشغول به درس حوزوی شدم. با انتقال مدیریت و دروس مدرسه حقانی به مدرسه شهیدین هما در سال ۱۳۶۳ در مدرسه شهیدین هما ادامه تحصیل دادم و در سال ۱۳۶۷ شروع به درس خارج کردم و از محضر اساتیدی همچون حضرت آیت الله سید کاظم حائری - حضرت آیت الله وحید خراسانی - حضرت آیت الله خرازی - حضرت آیت الله جوادی آملی - حضرت آیت الله شیخ جواد تبریزی - حضرت آیت الله استادی و هم اکنون در درس خصوصی حجت الاسلام و المسلمین سروش محلاتی کسب فیض می نمایم تقریباً یک دوره درس خارج اصول در درس آیت الله سید کاظم حائری شرکت کرده ام.

امتحانات کتبی و شفاهی تمام پایه ها را تا سال ۱۳۷۰ در شورای مدیریت و مدرسه شهیدین داده ام از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۶ در پژوهشکده حوزه و دانشگاه در رشته علوم تربیتی مشغول به تحصیل و تحقیق بوده ام و زبان انگلیسی و تخصصی را در این پژوهشکده گذرانده ام ضمناً در دوره های تابستانی در دانشگاه امام صادق (ع) زبان انگلیسی (مکالمه) و زبان عربی (مکالمه) شرکت کرده و جوایزی کسب کرده ام. از سال ۱۳۷۶ با راه اندازی و تأسیس شبکه معارف به همراه دوستان وارد خانواده صدا و سیما شدم آنگاه در سال ۱۳۷۸ در مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما به کار نظارتی و ارزیابی و تحقیقاتی پرداختم از جمله ارزیابی ها کتابهای مرکز و پایان نامه هایی در موضوعات گوناگون بوده و مشاور علمی ماهنامه گنجینه و فرهنگ اخلاقی معصومین (ع) (۵ جلد - ادامه دارد) بوده ام هم اکنون مشاور و کارشناس برنامه زلال احکام شبکه ۳ سیما هستم و مدتی است مشاور و راهنما در حرم حضرت معصومه (س) را افتخار دارم. ضمناً مدتی استاد راهنما و ارزیاب پایان نامه های جامعه الزهرا (س) بوده ام. هم اکنون در جامعه الزهرا (س) درس حکومت اسلامی و ولایت فقیه - ادیان و مذاهب تدریس دارم.

درایتی، محمدحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدحسین درایتی

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۵-۵۶ وارد حوزه علمیه مشهد شدم و به مدت ۴ سال در مدرسه علمیه حجة الاسلام جناب آقای موسوی نژاد ادبیات عرب، منطق، بیان و... اصول فقه و همچنین عقائد و احکام را به پایان بردم و سپس لمعتین را در محضر استاد جناب آقای صالحی فراگرفتم و رسائل و اکثر مکاسب و مقداری از کفایتین را در محضر استاد آیه الله مرتضوی به پایان بردم و همزمان به تدریس حوزه اشتغال داشته و این امر را در سالهای بعد نیز ادامه دادم.

در سال ۱۳۶۲ به حوزه علمیه قم منتقل شده و ادامه مکاسب و کفایتین را در محضر استاد محقق داماد حاضر شده و در سال ۶۴ دروس سطح حوزه را به پایان بردم. از سال ۶۳ به مدت سه سال به درس خارج اصول آیه الله وحید خراسانی حاضر شدم و از سال ۷۶ تا ۷۴ به درس خارج اصول مرحوم آیه الله تبریزی و از سال ۶۶ تا ۷۹ در درس خارج فقه آن فقید به صورت مستمر حاضر شدم. و همچنین در درس خارج فقه آیه الله منتظری به مدت ۳ سال و همچنین در درس خارج اصول فاضل به مدت یک سال حاضر شدم.

در سال های فوق الذکر نیز به تحصیل فلسفه نیز اشتغال داشته و از محضر اساتیدی مانند: حجج اسلام عبدالهیان، فیاض، شیرازی... در تحصیل کتابهای درایه، نهاییه، منظومه و بخشی از اسفار استفاده ها بردم. همچنین به مدت ۵ سال در درس تفسیر آیه الله جوادی آملی و مشکینی حضور مستمر داشته و بهره ها گرفتم.

از سال ۶۳ با معجم بحار با کار تحقیق آشنا شده و در سال ۶۵ به تصنیف غررالحکم مشغول شدم و در سال ۶۶ کار آن را به انجام رساندم و همزمان، کار معجم غرر را نیز شروع کردم و از سال ۶۶ تا ۷۸ به صورت مستمر در مرکز تحقیقات وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی و در واحد احیاء آثار مشغول انجام کارهای تحقیقی مختلفی شدم که محصول آن همکاری در مختلف الشیعه، تصحیح آصفی، تصحیح سعدالسعود، راه اندازی واحد بزرگ احیاء تک نگاریهای تفسیری و... می باشند.

همزمان با موسسه نشر آثار امام خمینی (ره) در بازنویسی و تنظیم و ویرایش درسهای حضرت امام در شرح منظومه و اشعار، اشتغال داشته و در ادامه با بنیاد معارف اسلامی امام رضا علیه السلام در راه اندازی طرح احیاء آثار قرآنی به مدت ۲ سال همکاری داشته و کار احیاء دو جلد از آن آثار را به انجام رساندم.

از سال ۷۸ در مرکز تحقیقات دارالحديث و با طرح احیاء مجموعه رساله های رجالی و درایه ابوالمعالی کلباسی، کار خود را آغاز نمودم و آن آثار را در ۴ جلد به نام (الرسائل الرجالیه) به انجام رسانده و از سال ۸۰ به عنوان مسئول واحد احیاء، طرح بزرگ تحقیق و تصحیح کافی را با همکاری جمعی از محققان شروع کرده و همزمان به احیاء شروح و حواشی کافی که تاکنون چاپ نشده، دست زده و تا کنون چندین عنوان از آن شروح چاپ شده و چندین برابر آن در حال کار می باشد. و هم چنین طی سالهای جاری حدود ۱۵ عنوان کتاب دیگر در زمینه های رجال، درایه، حدیث و شرح حدیث احیاء و چاپ شده است.

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مصطفی درایتی

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حضرت آیت الله مصطفی درایتی در سال ۱۳۳۴ در خانواده‌ای مذهبی و متدین از شهرستان مشهد به دنیا آمد، دوران تحصیل خویش را با موفقیت پشت سر گذاشت و در سال ۱۳۴۹ به تحصیل علوم دینی پرداخت. دروس مقدماتی را از محضر آیت الله ادیب خراسانی بهره جست. وی پس از مدتی تحصیل در مشهد برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم هجرت کرد و از محضر اساتید بزرگی همچون آیت الله العظمی وحید خراسانی، آیت الله اعتمادی، آیت الله سلطانی، آیت الله منتظری کسب فیض کرد پس از آن به زادگاه خویش بازگشت و در خدمت به طلاب علوم دینی و مردم دیار خویش از هیچ کوششی دریغ نفرمود.

درب امامی، بدیع

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند سید مصطفی بن میر عبدالحمید بن میر سید محمد موسوی.

عالم جلیل، و فاضل ادیب مجتهد فقیه، از مشاهیر علما و مدرّسین اصفهان.

به مناسبت سکونت در محله درب امام بدین لقب مشهور گردید. پدرانش عموماً از فضلا و دانشمندان اصفهان بوده و قبر آنها (پدر و جدّش) در صحن درب امام می‌باشد.

مرحوم حاج میزا بدیع که [به گفته آخوند گزی:] واقعاً بدیع الزمان بوده در مدرسه نیم آورد، تدریس و در مسجد جنب بازارچه وزیر، املامت می نمود، و عمری، به زهد و تقوی و فقر و استغنا گذرانید، و علاوه بر کمالات مذکوره، در حسن خط و ادب شعر نیز شهرت داشته.

در نزد حاج ملا حسین علی تویسرکانی، و میر سید محمد شهشهرانی، و آقا میرزا محمد باقر چهار سوقی، و حاج شیخ محمد باقر نجفی درس خوانده و از هر سه نفر اجازه داشته.

کتاب زیر از اوست:

۱- حاشیه بر ریاض المسائل ۲- حاشیه بر قوانین ۳- دیوان اشعار ۴- رساله در حجّیت استصحاب به اخبار ۵- رساله در خراج و مقاسمه؛ و غیره.

مشارالیه در عصر روز جمعه ۲۱ شعبان سال ۱۳۱۸ به سنّ شصت و هفت سالگی وفات یافته، در تکیه میر سید محمد شهشهرانی در

بقعه مدفون گردید.

مرحوم حاج میرزا حبیب الله نیر در تاریخ وفاتش گوید:

فیا نیر اکتب لتاریخ فوته

بفردوس خلد روح البدیع

و مرحوم سید عبدالوهاب مستشار دفتر، در تاریخ وفاتش گوید:

«بدیع هم به مکان رفیع جای گرفت»

از اشعار اوست:

جام و جانان، شمع و من جمعیم در یک انجمن

جام خندان است و جانان، شمع گریان است و من

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

درب امامی، فتح الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم حاج میرزا فتح الله عالم زاهد، از علمای اخیار، و فضلالی ابرار، در چهارشنبه ۱۷ ربیع الاول سال ۱۳۰۱ متولد، و در صبح شنبه ۱۱ رجب سال سال ۱۳۷۷ وفات یافته، و در بقعه تکیه شهشهرانی مدفون شد.

در نزد پدر خود، و مرحوم جهانگیر خان، و میر محمد تقی مدرس، و آخوند کاشی، و حاج ملا جواد آدینه‌ای، و آخوند گزی، و آقا سید محمد باقر درچه‌ای، و آقا میرزا احمد مدرس در فقه و اصول و حکمت و ادبیات تحصیل نموده، و از مرحوم فشارکی اجازه روایت داشت.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

درب امامی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند سید عبدالعلی موسوی. عالم فاضل، و محدث کامل، از موثقین اهل منبر و محدثین اصفهان به شمار می‌رفت. در عصر روز ۳ شنبه ۲۱ ذی حجه الحرام سال ۱۳۷۲ به سن متجاوز از نود سال وفات یافته، در این اطاق مدفون گردید. از آثارش کتاب «ثمرات الحیات» در دو مجلد، در مواظ و اخبار به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

دربندی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۸۵/۱۲۸۶ ق)، فقیه اصولی و رجالی امامی. مشهور به فاضل دربندی. متولد و بزرگ شده‌ی دربند ایران. مدتی در کربلا زیست. دربندی از شاگردان شریف‌العلمای مازندرانی بود و از معاصران شیخ مرتضی انصاری. در بلاغت و فصاحت عرب و عجم و علوم عربی و رجالی و کلام و حکمت بی نظیر بود. میرزا محمد تنکابنی، صاحب «قصص العلماء»، و میرزا سید محمدرضا موسوی هندی، ملقب به میرزا علی جاه بهادرخان، از شاگردان وی بودند. در تهران در گذشت و در کربلا به خاک سپرده شد. از آثار وی: «اسرار الشهاده» یا «اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات»، و ترجمه قسمتی از آن به نام «سعادات ناصری»؛ «جواهر الایقان»؛ «الجوهرة» یا «جوهر الصناعات»، در اسطرلاب؛ «خزائن الاحکام»؛ «خزائن الاصول»؛ «قوامیس القواعد»، در رجال؛ «قوامیس الصناعات فی فنون الاخبار»، در اخبار و تراجم.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۸- ۱۷/ ۱)، اعیان الشیعه (۸۸- ۸۷/ ۲)، الذریعه (۱۵۳، ۱۵۲، ۷/ ۲۹۱، ۲۸۹، ۵/ ۲۷۹، ۴۶/ ۲)، ریحانه (۲/ ۲۱۶)، شرح حال رجال (۱۳۸- ۱۳۷/ ۴)، قصص العلماء (۱۱۳- ۱۰۷)، الکنی و الالقاب (۲۲۹- ۲۲۸/ ۲)، لغت نامه (ذیل/ فاضل)، المآثر و الآثار (۱۳۹)، معجم المؤلفین (۳۰۹، ۳۰۴/ ۲)، هدیه الاحباب (۱۳۵- ۱۳۴).

دربندی بلخی، ابوالولید حسن

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۵۶ ق)، حافظ، محدث و صوفی. وی از محدثان بنام عامه در سده‌ی پنجم هجری است که برای جمع‌آوری حدیث از بلخ و بخارا تا اسکندریه و قاهره سفر کرد. او در بلخ از علی بن احمد خزاعی و در بخارا از ابوعبدالله محمد بن احمد غنچار و در نیشابور از ابوزکریا مزکی و ابوبکر حیری و در هرات از ابومنصور ازدی و در استرآباد از بندار بن محمد و در عراق از ابوعمر هاشمی و در شام از ابن ابی نصر و در مصر از ابوعبدالله بن نطیف حدیث شنید. ابوبکر خطیب بغدادی و ابوعلی حداد و ابوعبدالله فراوی و زاهر بن طاهر شحامی از وی حدیث روایت کرده‌اند. دربندی در سمرقند در گذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ریحانه (۲۱۸- ۲۱۷/ ۲)، سیر النبلاء (۲۹۸- ۲۹۷/ ۱۸)، معجم البلدان (۵۱۱/ ۲).

درجه‌ای اصفهانی، محمدباقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۲- ۱۲۶۴ ق)، عالم دین و فقیه. در اصفهان ولادت یافت. وی در نجف در محضر استادانی چون شیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر»، و حاج میرزا حبیب‌الله رشتی تلمذ کرد. پس از بازگشت به اصفهان به امر تدریس اشتغال یافت، و در آنجا مدرس منحصر به فرد فقه و اصول به حساب می‌آمد. آیت‌الله حاج آقا حسین بروجردی، مرجع بزرگ شیعه، از شاگردان وی بود.

او پس از فوت آیت‌الله سید اسماعیل صدر مرجعیت یافت و جزء مراجع تقلید شد. درچه‌ای روحانی متقی و وارسته‌ای بود. در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد دفن شد. از آثار وی: حاشیه بر «مکاسب»؛ حاشیه بر «رسائل».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۰۳/۳)، شرح حال رجال (۲۱۸/۵، ۳۰۲/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۲۵-۲۲۴/۱۴)، معجم المؤلفین (۹۶/۹).

درخشان، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۲-۱۲۹۷ ش)، نویسنده و شاعر. وی اصلاً همدانی بود. تحصیلات خود را در رشته‌ی ادبیات فارسی به پایان برد. سپس در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران و مدتی نیز در دانشگاه آنکارا به تدریس پرداخت. وی تا پایان عمر به تحقیق و مطالعه در زمینه‌ی زبان و ادبیات فارسی و معارف اسلامی پرداخت. برخی از آثار وی: «بزرگان و سخن‌سرایان همدان»؛ «سبک نثر فارسی از قرن چهار تا چهارده»؛ تصحیح «دیوان ناصر بخاری»؛ «ینوع الاسرار فی نصایح الابرار»؛ «المستخلص یا جواهر قرآن»؛ «تفسیر جزء سی‌ام قرآن مجید یا عم جزو»؛ «دیوان اشعار کسایی مروزی»؛ «مرآت الحیاه»؛ و تالیف «مقامات رضا (ع)» و «تاثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی» [۱].

سال تولد: ۱۲۹۷، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران
زندگینامه

دکتر شادروان مهدی درخشان در سال ۱۲۹۷ هجری شمسی دیده به جهان گشود. بعد از اتمام تحصیلات متوسطه، و اخذ مدارک کارشناسی و کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سالهای ۱۳۲۸ و ۱۳۳۲، موفق به اخذ مدرک دکترا در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۴ گردید. وی پس از گذراندن رتبه‌های استادیاری و دانشیاری دانشگاه تهران، در سال ۱۳۴۹ به مرتبه‌ی استادی دانشگاه تهران ارتقاء یافت.

مرحوم دکتر درخشان در تمام دوران خدمت خود به تحقیق و تدریس در دانشگاه‌های تهران و آنکارا با جدیت و تلاش تمام به تحقیق و تدریس پرداخت و شاگردان فراوانی را تربیت نمود. از وی ۱۱ جلد کتاب در زمینه‌های زبان فارسی، بزرگان و سخن‌سرایان و معارف اسلامی به یادگار مانده است. همچنین از ایشان حدود ۳۰ مقاله به زبانهای فارسی و انگلیسی در مجلات معتبر داخلی و خارجی در زمینه‌های زبان و ادبیات فارسی به چاپ رسیده است.

سال تولد: ۱۲۹۷، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران
خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال ۱۳۲۸، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۲ و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۴.

مرتبه علمی:

تدریس در دبیرستانهای دامغان، تهران، دانشگاههای تهران و آنکارا، استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۹ تا کنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان و ادبیات فارسی، تصحیح و شرح دیوان ذوالفقار شروانی، تصحیح انتقادی تحفه الملوک، ترکیب‌سازی در مخزن الاسرار نظامی. تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

بزرگان و سخن‌سرایان همدان، سبک نثر فارسی، کسائی مروزی (تحقیق در احوال و اشعار)، درباره زبان فارسی، فن بدیع، تأثیر معارف اسلامی در ادبیات، تصحیح دیوان ناصر بخارائی، تصحیح ینبوع الاسرار فی نصائح الابرار، المستخلص یا جواهر القرآن (عربی-فارسی)، تفسیر جزء سی‌ام قرآن کریم، مقام رض (در شرح حال امام رضا (ع))، مرآت حیات در عرفان.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

پیرامون کلمه شیخ و سید، خالص استرآبادی، دیوان منصور حلاج از کیست؟، تسمیه پسر بنام پدر، رساله ذهبیه، دو اثر نویافته از صائب تبریزی، ایران‌شناسی، مقلدان بوستان، تکرار قافیه در شعرهای حافظ، سبک نثر بلعمی و غیره. مدرس.

تولد: ۱۲۹۷، همدان.

درگذشت: ۱۳۷۲، تهران.

مهدی درخشان بعد از اتمام تحصیلات متوسطه و اخذ مدارک کارشناسی و کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سالهای ۱۳۲۸ و ۱۳۳۲، موفق به اخذ مدرک دکتری در رشته‌ی زبان ادبیات فارسی از دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۴ گردید. وی پس از گذراندن رتبه‌های استادیاری و دانشیاری دانشگاه تهران، در سال ۱۳۴۹ به مرتبه استادی به دانشگاه تهران ارتقا یافت. دکتر درخشان در تمام دوران خدمت خود به تحقیق و تدریس در دانشگاه‌های تهران و آنکارا پرداخت و دانشجویانی را تربیت نمود. از وی یازده جلد کتاب در زمینه‌های زبان فارسی، بزرگان و سخن‌سرایان و معارف اسلامی به یاگار مانده است. همچنین از ایشان حدود سی مقاله به زبان‌های فارسی و انگلیسی در مجلات داخلی (ماهنامه‌های «آموزش و پرورش» و «کیهان فرهنگی»، نشریه‌ی «دانشکده ادبیات و علوم انسانی»، روزنامه‌های «کیهان» و «اطلاعات») و خارجی در زمینه‌های زبان و ادبیات فارسی به چاپ رسیده است. از جمله کتاب‌های او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: تصحیح دیوان ناصر بخارایی؛ دیوان اشعار کسایی مروزی؛ درباره‌ی زبان فارسی؛ بزرگان و سخن‌سرایان همدان (جلد اول، ۱۳۴۱)، این کتاب به صورت دو جلد در سال ۱۳۷۴ چاپ شده است).

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۱۴-۱۲/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳۹۷/۶).

قرن: ۵

جنسیت: زن

ملیت: ایران

۱۰ صفر ۵۳۰ ق، از زنان نیکوکار و محدث. وی دختر اسماعیل نیشابوری بود و از جدش عبدالکریم بن هوار صیرفی و ابوحامد احمد بن حسن ازهری و غیره اخذ حدیث می‌کرد و سمعانی نیز احادیث او را ضبط می‌کرده است. برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه: منابع: اعلام النساء، ۴۱۰ / ۱، ریاحین الشریعه، ۲۴۳-۲۴۲ / ۴؛ کارنامه زنان، ۵۸.

درزی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

خلاصه: دکتر علی درزی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه زبانشناسی همگانی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران می‌باشد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان شناسی

فعالیت‌های آموزشی: سوابق آموزشی دکتر علی درزی به قرار زیر است: زبانشناسی. دانشگاه تهران؛ ۱۳۷۵- تا کنون زبانشناسی
مقدماتی. دانشگاه ایلی نوی، امریکا؛ ۱۹۹۳-۱۹۹۶ زبان فارسی. دانشگاه ایلی نوی، امریکا؛ ۱۹۹۳-۱۹۹۶
آثار:

۱ دانش زبان

ویژگی اثر: (ترجمه). نشر نی ۱۳۸۰

۲ درآمدی بر زبانشناسی معاصر

ویژگی اثر: پدیدآورنده: ویلیام دیلینی اوگریدی، مایکل دابروولسکی، مارک آرنف، علی درزی (مترجم) ناشر: سازمان مطالعه و
تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - ۰۳ دی، ۱۳۸۶

۳ زبان و مسائل دانش

ویژگی اثر: (ترجمه). نشر آگه ۱۳۷۸

۴ زبانشناسی در میان فرهنگها

ویژگی اثر: (ترجمه). جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلم ۱۳۶۷

۵ شیوه استدلال نحوی

ویژگی اثر: پدیدآورنده: علی درزی ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - ۱۹ شهریور، ۱۳۸۵

منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com>**درکوشکی، اسماعیل**

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند محمّد جعفر. حکیم فیلسوف، از علمای معقول، و از اجلّه ی حکما و مدرّسین، و استاد مرحوم آقا سید ابوالقاسم دهکردی بوده، و در روز جمعه ۱۵ شوال سال ۱۳۰۴ وفات یافته، در تخت فولاد روبروی سکوئی اژه‌ایها مدفون گردید. خود از شاگردان ملا اسماعیل واحد العین و میرزا حسن نوری و دیگران بوده است. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

درکه‌ای، عزیزالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج سید عزیزالله حسینی درکه‌ای ابن السید حسین تهرانی عالمی متقی و زاهدی پارسا بود. وی در درکه دو فرسخی تهران متولد شده و در اوائل در مدرسه پامنار بتحصیل پرداخته و در حدود سال ۱۳۱۶ ق مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر مرحوم علامه خراسانی و علامه حاج سید محمد کاظم یزدی و شریعت اصفهانی و میرزا محمد تقی شیرازی استفاده نموده و بدرجه سامیه علم رسیده و در نزد اساتید گرامش به مقامی عالی ارتقاء یافته و بامر مرحوم آیت‌الله مجاهد میرزا محمد تقی شیرازی در سال ۱۳۳۶ ق به تهران مراجعت و قیام بوظائف دینی از اقامه جماعت و خدمات دیگر روحی نموده و یکی از زعماء روحانیت تهران گردیده و در مسجد (چهارسوق بزرگ) بازار بوظائف شرعی از اقامه جماعت و غیره پرداخته تا در روز بیست و پنجم محرم الحرام ۱۳۷۰ ق که روز شهادت حضرت سجاد علیه‌السلام است وفات نموده و با تشییع کم‌نظیری حمل به نجف اشرف گردیده و در آنجا با احترامات عجیب در یکی از حجرات صحن شریف علوی بخاک رفته است. علامه تهرانی صاحب الذریعه درباره وی گوید: (صار رئیساً مبجلاً و زعیماً مطاعاً له نفوذاً و کان من رجال الله الابدال و الاتقیاء الصالحین البرره منذ شبابه و اوائل عمره و نمت ملکاته النفیسه فی النجف علی ید الاوتادین من عمد الشریعه و ارکان الدین و الخلق والورع.

دارای دو فرزند روحانی بودند که ذیلاً یاد می‌گردند:

۱- حجه الاسلام والمسلمین مرحوم حاج سید حسین درکه‌ای از علماء ابرار معاصر ما بودند در تهران و در مسجد چهارسوق بجای مرحوم والدش به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال داشتند. عالمی بود متین و مانند والدش متقی و عابد و دارای مقام فضل و تقوا و موصوف بورع و قدس و مورد توجه مردم تهران بخصوص تجار و اصناف بازار بودند. وی از سال ۱۳۷۰ ق که والدش رحلت نمود بجای ایشان بوظائف دینی پرداخته تا سال ۱۳۹۵ ق که بدرود حیات گفته و به آباء گرامش ملحق گردید.

۲- ثقه الاسلام آقای حاج سید حسن درکه‌ای که سالها در رشته تبلیغات دینی اشتغال و از طریق منبر ترویج می‌نمودند و بعد از فوت مرحوم برادرش به اصرار مردم متدین بجای آن مرحوم اقامه جماعت می‌نمایند. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

درگزی، صید علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۲ - ۱۲۷۲ ق)، ادیب و شاعر. از طایفه‌ی چاپشلو از خوانین و از فضلاء و ادباء و از نسابه‌های معروف خراسان بود. وی مدت‌ها نزد میراز مهدی گیلانی متخلص به خدیو تلمذ کرد و فنون ادب را از وی آموخت. از شاگردان خان مزبور عبدالجواد معروف به ادیب نیشابوری بوده و تا زمانی که صید علی خان زنده بود نامبرده فوق‌العاده مورد تکریم و احترام ادیب می‌بود. وی از معاصران ملک‌الشعراء بهار، صدرالاطباء و سلطان العلماء بوده است و تنها کسی است که بوسیله‌ی ادیب نیشابوری سبک فصیحی قدیم را احیا نمود و از این حیث از شخصیت‌های بزرگ ادب معاصر ایران است. وی حافظه‌ای نیرومند داشت بطوری که پنجاه هزار بیت اشعار فارسی و عربی و ترکی در حفظ داشت و بهتر از هر کس به سبک خراسانی آشنا بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: شرح حال رجال (۱۲۳ / ۶)، صد سال شعر خراسان (۳۶۸ - ۳۶۵).

دروازه‌ای تبریزی، ابراهیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید ابراهیم تبریزی مشهور به (دروازه‌ای) ابن المرحوم آیت‌الله العلامة السید مهدی قدس سرهما از مشاهیر و بزرگان علماء تبریز بوده که در زهد و جلالت شان و مکارم اخلاق و کرم اعراق نادره دوران و از لحاظ علم و قدرت و حلاوت بیان و تربیت صدها تن افراد فاضل و دانشمند مشار الیه بال بیان و در حسن اخلاق و معاشرت و سلوک و رفتار فایق بر اقران.

معظم له در ۱۳۱۳ ق در یکی از بیوتات سیادت و علم و روحانیت متولد و بعد از فراگرفتن مقدمات علمی در جلسات درس مشاهیر علماء تبریز از جمله مرحوم والدش آیت‌الله حاج سید محمد مولانا شرکت نموده سپس مدت‌ها در حوزه درس بزرگان فقهاء و دانشمندان اسلامی تبریز از جمله مرحوم علامه بزرگوار و فقیه عالیقدر آیت‌الله حاج میرزا ابوالحسن انگجی حاضر و به دریافت مدرک کتبی اجتهاد از معظم له نائل بعداً مجتهداً به نجف اشرف عزیمت نموده و در حوزه‌های علمی و درسی بزرگان فقهاء از جمله مرحوم آیت‌الله علامه کمپانی اصفهانی و علامه آقا ضیاء‌الدین عراقی شرکت نموده ولی به جهت فوت والدش و استدعا اهالی تبریز نتوانسته زیاد در نجف بماند لذا به وطن مراجعت و مشغول خدمات دینی و تدریس در قسمتهای مختلفه علمی مانند ادبیات و تفسیر و کلام و فقه و اصول بوده است.

مرحوم دروازه‌ای علاوه بر مهارت در رشته‌های فقه و اصول در ادبیات عربی نیز ید طولائی داشته و تدریس کتابهای معروف ادبی مانند مغنی و مطول و مقامات حریری را از حفظ می‌خواند و از اشعار و کلمات بزرگان این فن به قدری استادانه استشهاد می‌کرد و تمثیل می‌جست که شنونده را به اعجاب و تحیر وامی‌داشت.

وی در حلاوت بیان و قدرت و شیوائی منطق اعجوبه دهر بود در جلسه تفسیر افاضل و اهل علم شرکت می‌کردند و هم افراد عامی و تحصیل نکرده و عجب است که مطالب متنوع تفسیر را طوری القا می‌نمود که همه استفاده می‌کردند و از خرمن علمش

خوشه‌چینی می نمودند.

از آن مرحوم نوشته‌جات زیادی در رشته‌های مختلف علمی به یادگار مانده که متأسفانه تا حال اقدام به طبع و نشر آن نشده از جمله حواشی بر لمعتین مرحوم شهید و حاشیه مکاسب و حواشی بر مغنی و مطول والتفسیر الوجیز و اللطائف الادبیه و تحفه الاخیار فی علائم آخر الاعصار و رساله فی الصلوٰه (که کتابی است عربی علمی و استدلالی) و دیوان شعر عربی.

آن مرحوم در اواخر عمر به جهت کسالت مزاج و ابتلاء به مرض قلب و اعصاب به قصد معالجه به تهران مهاجرت نمود و لکن معالجه‌ها مؤثر واقع نگردید بالاخره نهم ماه رجب ۱۳۸۱ ق با یک سکت قلبی دعوت حق را لبیک گفته و جنازه‌اش را با تشییع و تجلیل کم‌نظیر حمل به قم و در مقبره اتفاق در قبرستان نو به خاک سپردند و مجالس عدیده در قم و تهران و تبریز از طرف مراجع و علماء برای بزرگداشت ایشان برقرار شده و شعراء اشعار نغز و جالبی در سوکش سرودند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

درود آبادی همدانی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۳ - ۱۲۸۰ ق)، عالم دینی. وی پس از تحصیلات مقدماتی به نجف اشرف مهاجرت نموده و درس ملا حسینقلی همدانی را در آنجا درک نمود. سپس به موطن خود بازگشت. از آثارش: «در المنضود فی اجوبه مسائل اليهود»؛ «شرح اسماء الحسنی»، عربی؛ «الشموس الطالعه فی مشارق زیارت الجامعه»، عربی. [۱]

سید حسین بن سید محمدتقی درودآبادی همدانی متوفی ۱۳۴۴ عالمی جلیل و فقیهی فاضل و اخلاقی کامل از شاگردان میرزا بزرگ شیرازی در سامره و میرزا حبیب‌الله رشتی و آخوند ملا حسینقلی همدانی و میرزا حسین خلیلی در نجف اشرف و داماد عالمه سید محمدشاه عبدالعظیمی و دارای مقامات معنوی و سیر و سلوکم و حسن باطن و تقوا و صلاح بوده و در حدود ۱۳۱۹ ق به همدان مراجعت و به خدمات دینی و وظائف شرعی پرداخته تا در سال ۱۳۴۴ ق وفات و در مقبره شخصی مدفون شده است.

آثار و تألیفات او از این قرار است ۱- تنبیه الراقدین و جمال الوافدین در اخلاق ۲- ملخص الاصول ۳- الشموس الطالعه در شرح زیاره الجامعه ۴- القسطاس المستقیم ۵- الرد علی التلیث ۶- الدر المنضود ۷- التحفه الرضویه ۸- تفسیر القرآن ناتمام ۸- شرح اسماء الحسنی وی دارای دو فرزند دانشمندان به نام آقا سید فخرالدین و آقا سید ابوالفضل عارفی بوده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۷۸/۸، ۸۹/۱۳)، مؤلفین کتب چاپی (۷۱۳/۲).

درویش، شماع، علی

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، پزشک و شاعر، متخلص به درویش. وی از پزشکان ماهر و مسلم روزگار خود بود که علاوه بر طبابت شعر نیز می‌سرود و بیشتر در فن معما هنرنمایی می‌کرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۲۳/۹)، مجالس النفایس (۲۵۸-۲۵۷، ۸۳).

دری، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند رجب علی اصلاً از اهالی جوشقان است، پدرش به قصبه در منتقل گردیده و صاحب عنوان در آنجا متولد گردیده. عالم فاضل، و فقیه جامع و حکیم زاهد بوده، در اصفهان تحصیل نموده تا به مقام اجتهاد رسیده، عمری به عزت و قناعت و زهد گذرانیده، و تا اواخر عمر، لباس دهاتی خود را عوض ننموده و با کلاه بوده است، لکن در سالهای آخر عمر به اصرار جمعی از علما معمم شده است.

در مدرسه نیم آورد تدریس و در مسجد نو بازار حجره داشته.

کتاب‌های چندی تألیف نموده است که از آن جمله است: ۱- یک دوره فقه استدلالی فارسی ۲- مناسک حج، عربی استدلالی و مفصل.

در ربیع الاول سال ۱۳۳۶ وفات یافته، در تکیه ملک مدفون گردید.

مرحوم انصاری در تاریخ وفاتش گوید:

فقیه در حسن آن در یکتا

که زندی گفت بر ابر و به مزین

صدف بشکست و جست و جابری گفت

(غیاب الکوکب الدرّی) به تاریخ

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

دری، فرج الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند شیخ عباس (عالم و فاضل و مجتهد بوده، و انواع خطوط را نیکو می‌نوشته) فرزند آقا صبور (شاعر و ادیب بوده، دیوان اشعاری دارد) فرزند محمد سعیدبن محمد زکی.

عالم فاضل محقق زاهد، از شاگردان آقا سید محمدباقر درجه‌ای و آخوند کاشی، و از مخصوصین و اصحاب سر ایشان بوده، ضمناً خدمت جانگیرخان قشقائی و جمعی دیگر از علمای اصفهان تحصیل نموده، سال‌ها در مدرسه‌ی عربها ساکن، و جمعی کثیر از طلاب در خدمت او مستفیض می‌شدند.

سرانجام در ۲۹ ربیع الاول سال ۱۳۸۲ به سن قریب نود سال وفات یافته، در تکیه‌ی حاج آقا باقر قزوینی که به تکیه‌ی خلیلیان معروف است مدفون گردید.

استاد جلال‌الدین همایی در تایخ وفات او قطعه‌ای سروده، از آن جمله است:

واحسرتا که کوکب دری افول کرد
در حالتی که نادره‌ی بی‌مثال بود
شیخ جلیل مافرج الله دری آنک
اندر زمانه قدوه‌ی ارباب حال بود
فرزانه طبع، شیخ پسندیده روزگار
آزاده خوی، مرد ستوده خصال بود
رفت از جهان و داشت به وقت فراق مرگ
حالی چنان که گفتمی عید وصال بود
تاریخ را سنا به میان پا نهاد و گفت
دری ز مخزن علم و کمال بود
برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

دریاب، باقر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

باقر دریاب

محل تولد: نجف اشرف

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

ابتدای تحصیل اینجانب در نجف اشرف بود مرحوم والد ما حاج شیخ حسن اصفهانی رحمه الله علیه که از شاگردان مرحوم آقا ضیاء عراقی و مرحوم آقای نائینی رحمه الله و در نجف از اوان مبارزات سکونت داشت. از ۱۲ سالگی در سلک روحانیت در آمدم یعنی مشرف به پوشیدن لباس مقدس روحانیت شدم. مقدمات را نزد ابوی محترم و برخی دیگر از دروس را همانند حاشیه ملا عبد الله و سیوطی و مغنی را نزد اساتید دیگر خواندم. بخشی از مغنی و بخشی از مطول را نزد مرحوم مدرس افغانی رحمه الله علیه خواندم. بخش مهم لمعتین را نزد مرحوم حجة الاسلام روشنی که یکی از ممتحنین حوزه علمیه قم بودند و آن زمان در نجف بودند خواندم.

لمعه جلد دوم (رحلی) و مکاسب هم مکاسب المحرمه و هم کتاب البیع را نزد آیت الله شیخ مسلم داوری حفظه الله که فعلاً یکی از علمای قم هستند و درس خارج می دهند خواندم اصول الفقه مرحوم مظفر را نزد سید جعفر علم الهدی که یکی از علمای قم هستند خواندم. رسائل را نزد آیت الله شیخ حسن قدیری اصفهانی که فعلاً یکی از علمای قم هستند در نجف خواندم. کفایتین را نزد آیت الله انواری که یکی از شاگردان خوب حضرت آیت الله العظمی خوئی (ره) بودند خواندم. شرح تجرید را نزد آقای حسین پاکستانی

که فعلاً یکی از علمای قم و نجف هستند خواندم در سن ۱۸ سالگی سطح را تمام کردم. لازم به ذکر است در نجف اشرف و همچنین در قم پس از آن که طلبه به رتبه بالاتری ارتقاء می‌یابد، رتبه قبل را تدریس می‌کند که ما هم از این قاعده مستثنا نبودیم و دروس قبلی را تدریس می‌کردیم. مثلاً وقتی رسائل می‌خواندیم اصول فقه تدریس می‌کردیم یا دروس قبلی آن را و همچنین هر درس بالاتری را که می‌خواندیم درس قبلی را تدریس می‌کردیم در ضمن دروس اخلاق از قبیل تدریس کتاب شریف منیه المرید، معراج السعاده و ... تدریس می‌شد در آنها هم شرکت می‌کردیم. در نجف درس اخلاق آیت الله مرحوم شیخ مجتبی لنگرانی (ره) شرکت می‌کردیم. و نیز درس اخلاق شهید محراب حضرت آیت الله مدنی قدس الله نفسه الزکیه شرکت می‌کردیم. ضمناً در دروس جنبی همچون درس تفسیر توسط حجة الاسلام سید علی مؤمنی حفظه الله و حجة الاسلام سید کاظم سراجی - بعضاً در آیه و تجوید نیز شرکت کردم در نزد مرحوم حاج محمد دریوان (طلای نجف اشرف)، تمرین منبر و خطابه و نویسندگی را نیز در نجف آموختم که اساتیدی مجرب همچون حجج اسلام نعمتی، برقی، و دیگران ما را با این فنون آشنا ساختند. بحمد الله تا سن ۱۸ سالگی موفق شدیم در اکثر زمینه‌ها تحصیلات خود را به پایان برسانیم، از سن ۱۸ سالگی به بحث خارج رسیدیم. ابتداء از محضر آیت الله سید میرزا حسن بجنوردی رحمه الله بهره مند شدیم و سپس در درس آیت الله العظمی سیستانی حضور بهم رسانیدم. حدوداً در سالهای ۵۲-۵۳ می‌شد.

سپس جوان ترین درس که در نجف شروع شد درس شهید آیت الله سید عبد الصاحب حکیم (ره) بود که توسط صدام به شهادت رسید. حدود یکسال در آن درس شرکت کردم. سپس به درس حضرت آیت الله شهید سید محمد باقر صدر رضوان الله تعالی علیه حضور بهم رساندم و بهره‌های فراوانی بردم. الحق و الانصاف که این انسان هم از نظر علمی و هم از نظر عملی خود را ساخته بود - چون بیان فوق العاده خوبی داشت و از ابتکارات جدیدی در درسش برخوردار بود - در فقه و اصول ایشان هر دو شرکت می‌کردم. تواضع، محبت، بزرگواری، تقوی، کیاست و ... از وجود این انسان می‌بارید و اواخر روزهای چهارشنبه را اختصاص داده بودند به درس موضوعی تفسیر که تفسیر موضوعی بود و می‌گفتند البته چند جلسه بیش نبود که از طرف هیئت حاکم وقت ممنوع شد. به هر حال درس عالی بود. این انسان عالی مقام آن قدر عاشق امام خمینی رضوان الله تعالی علیه بود. که شب ۲۳ بهمن ۵۷ که ما در نجف در درس ایشان حاضر بودیم تقریباً بیش از نیم ساعت سخنرانی کردند.

تنها درس ایشان تعطیل شد و بجای درس سخنرانی کردند و فرمودند امروز کفر بر اسلام پیروز گردید احدی ها در جنگ احد و بدری ها در جنگ بدر و امروز بر کفر و شرک پیروز گردیدند. و خلاصه مقداری از انقلاب و امام گفتند. (لازم به ذکر است در نجف آن زمان در مسائل سیاسی جز امام خمینی رضوان الله تعالی علیه و مقداری شهید صدر کسی جرات نداشت وارد مسائل سیاسی بشود، سال ۵۷-۵۸ پس از پیروزی انقلاب وارد قم شدم ادامه بحث خارج را در محضر آیت الله العظمی وحید خراسانی فقه و اصول رابه پایان رساندم بیش از پانزده سال درس ایشان حاضر شدم - منظومه سبزواری نزد آیت الله انصاری شیرازی و اسفار را نزد آیت الله جوادی آملی - خواندم و نیز تدریس دروس حوزوی از قبیل اصول فقه و رسائل و مکاسب و کفایتین و ... داشتم.

دریایی، تورج

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر تورج دریایی، دانشیار تاریخ دانشگاه کالیفرنیا در فولرتون و متخصص تاریخ ایران باستان، در سال ۱۳۴۶ در تهران دنیا آمد.

ایشان دارای دکترای تاریخ از دانشگاه لوس آنجلس UCLA در سال ۱۳۷۶ می‌باشد.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: - ابتدایی و متوسطه در تهران و آتن - کارشناسی رشته تاریخ و علوم سیاسی در دانشگاه لوس آنجلس CSUF در سال ۱۳۷۲ - کارشناسی ارشد تاریخ از دانشگاه لوس آنجلس UCLA در سال ۱۳۷۴ - دکترای تاریخ از دانشگاه لوس آنجلس UCLA در سال ۱۳۷۶
همسر و فرزندان: تورج دریایی مجرد است.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: - دانشیار و رئیس بخش تاریخ باستان، دانشگاه ایالتی کالیفرنیا - آمریکا از سال ۱۳۸۳ تا کنون - استادیار بخش تاریخ جهان و باستان، دانشگاه ایالتی کالیفرنیا - آمریکا از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲ - مربی تاریخی ایرانیان - تاریخ خاور نزدیک - تمدن غرب و تاریخ جهان ادیان UCLA آمریکا از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۵ - پژوهشگر مرکز مطالعات خاور نزدیک گوستاو ون گرونباون از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۴ - مطالعه گر بخش فارسی ابتدایی و متوسطه در بخش زبان و فرهنگ خاور نزدیک UCLA از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۳ - مطالعه گر تاریخ عثمانی و جامعه شناسی در خاورمیانه UCLA بخش تاریخ و جامعه شناسی از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۲ - سردبیر مجله تمدن ساسانی - سردبیر مجله ایرانی فارسی قدیم باستانی عضویت در انجمن‌ها و موسسات: - موسسه مطالعاتی ایرانیها در آمریکا - انجمن ایران‌شناسان اروپایی - انجمن تاریخ دانان آمریکایی - انجمن مطالعات خاورمیانه - انجمن سکه شناسان شرقی - انجمن محققان زرتشت شناسی - انجمن خاورشناسان آمریکایی - خاورمیانه قرون وسطایی - انجمن مطالعاتی ایرانیان - انجمن تاریخدانان باستان - هیئت مشاوره: کتابخانه ایرانیکا سری رسوم روشنفکری - هیئت مشاوره: دایره المعارف بزرگ در اسلام

فعالیت‌های آموزشی: تورج دریایی، استاد دانشگاه فولرتن کالیفرنیا در کرسی تاریخ باستان، علاوه بر تدریس و نویسندگی، سردبیر فصلنامه «نامه ایران باستان» مرکز نشر دانشگاهی نیز هست و به تازگی در دانشگاه یو.سی.آی کالیفرنیا به تدریس در کرسی تاریخ ایران باستان مشغول شده که توسط یک ایرانی پایه‌گذاری شده است و به نام «هوارد باسکرویل»، معلم تاریخ آمریکایی نامگذاری شده است که در انقلاب مشروطه در تبریز کشته شد. عنوان دروسی که ایشان تدریس می‌کنند به قرار زیر است: فارسی قدیم (باستانی)، خاور نزدیک در قدیم، زرتشت شناسی، آئین پرستش و تمدن جهان قدیم و قرون وسطایی، تفکر تاریخی، یونان، امپراطوری رومانی، تاریخ قرون وسطایی، تاریخ غذا، سمینار در تاریخ جهان قدیم.

سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: دکتر تورج دریایی به زبانهای سانسکریت، زبان باستان ایران، اوستایی، فارسی میانه و زبانهای پارتی مسلط است.

جوایز و نشانها: - جایزه بین المللی FDCCSUF در سالهای ۸۴، ۸۲، ۸۰، ۱۳۷۹ - بورس تحصیلی موسسه مطالعاتی ایران در آمریکا سالهای ۸۴ - ۱۳۸۳ - جایزه پژوهشی دانشجویی دانشکده در سالهای ۸۳ - ۱۳۸۲ - بورس تحصیلی مرکز مطالعاتی خاور نزدیک گوستاوون گروبنام سالهای ۷۴ - ۱۳۷۲ - بورس تحقیقاتی انجمن سکه شناسی آمریکا - نیویورک ۱۳۷۴ - تقدیرنامه جامعه تاریخی فی آلفا تتا ۱۳۷۱ - اهدا برنامه‌های مسافرتی و سرپرستی بین المللی در سالهای ۷۵ - ۱۳۷۴ - هدیه تحقیقاتی تابستانی، بخش تاریخ ۱۳۷۷ - بورس پیش دفاع پایان نامه UCLA سالهای ۷۷ - ۱۳۷۶ - بورس دفاع پایان نامه UCLA سالهای ۷۸ - ۱۳۷۷ - گواهی مطالعات قرون وسطا از مرکز مطالعات قرون وسطا و رنسانس ۱۳۷۸

چگونگی عرضه آثار: تورج دریایی یکی از نویسندگان کتاب «تاریخ جهان» است که به تازگی توسط انتشارات «هارلن دیویدسن» منتشر شده است. خواندن تاریخ جهان حتماً خیلی وقت شما را می‌گیرد اما این روزها در دنیا تاریخ جهان را با دید دیگری

می‌نویسند که در آن دیگر خبری از حفظ کردن ترتیب حکومت پادشاهان یک سلسله نیست! دکتر تورج دریایی که او را با کتاب «سقوط ساسانیان» می‌شناسیم، یکی از ۶ نویسنده کتاب «تاریخ جهان» است که جلد نخست آن از دنیای باستان تا قرون وسطی را دربرمی‌گیرد. او می‌گوید: «الان در آمریکا مرسوم شده است که تمام دانشجویهای سال اول و دوم یکسری کلاس‌های عمومی را بردارند که «تاریخ جهان» هم از آن جمله است. ۲۰ یا ۳۰ سال پیش در جهان غرب فقط تاریخ تمدن غرب تدریس می‌شد، اما امروزه خیلی روی تاریخ جهان تأکید می‌شود.» جلد اول تاریخ جهان در ۱۷ بخش منتشر شده است. دریایی درباره تقسیم‌بندی نوشته شدن بخش‌های این کتاب می‌گوید: «من به خاطر حوزه تخصصی خود، بیشتر بخش‌هایی را که به تاریخ رم، یونان، هند و ایران مربوط بوده است نوشته‌ام. یکی از همکاران بخش مربوط به مصر، بین‌النهرین و دنیای اسلام را نوشته، یک تاریخدان دیگر بخش مربوط به چین و آسیا را نوشته است و دو نویسنده بخش‌های مربوط به تمدن آمریکای مرکزی و اروپا را نوشته‌اند.» دکتر دریایی تا کنون ۶۶ مقاله، ۲۳ مورد بررسی کتاب و ۵۰ سخنرانی به رشته تحریر درآورده‌اند. -----

آثار:

۱ تاریخ جهان

ویژگی اثر: تالیف

۲ تاریخ و فرهنگ ساسانی

ویژگی اثر: پدیدآورنده: تورج دریایی، مهرداد قدرت دیزجی (مترجم) ناشر: ققنوس - ۲۱ خرداد، ۱۳۸۴

۳ سقوط ساسانیان، فاتحان خارجی، مقاومت داخلی و تصویر پایان جهان

ویژگی اثر: پدیدآورنده: روزبه زرین کوب، منصوره (نظام مافی) اتحادیه، فرحناز امیرخانی (مترجم)، تورج دریایی (مترجم) ناشر:

تاریخ ایران - ۱۳۸۳

۴ شاهنشاهی ساسانی

ویژگی اثر: پدیدآورنده: تورج دریایی، مرتضی ثاقب فر (مترجم) ناشر: ققنوس - ۱۸ تیر، ۱۳۸۶

۵ شهرستان‌های ایران شهر

ویژگی اثر: انتشارات فردا - ۱۳۸۱

۶ طلوع و غروب یک امپراطوری (ساسانی)

ویژگی اثر: لندن ۱۳۸۶

۷ مطالعات ایرانی در مکاتبات حروف W.B, S.H

ویژگی اثر: تهران - ۱۳۸۵

۸ معرفت روح (مقاله ای بر خاطرات احمد تفضیلی دریایی و م.امید سالار)

ویژگی اثر: انتشارات فردا ۱۳۸۳

دزفولی شوشتری، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۷-۱۲۶۰ ق)، عالم، خطیب، ادیب و شاعر، متخلص به حقیر. ملقب به خلیفه. در دزفول به دنیا آمد و همان جا نشو و نما یافت. پس از فراگیری مقدمات مدتی در محضر علمای زادگاهش تلمذ کرد تا به درجه کمال رسید. او را برای خطابه تشویق کردند و وی در این سنگر تا پایان حیاتش باقی ماند. از آثار وی: «تحفه الابرار»، در مدایح و مراثی و خطب؛ «احسن المقال»، در قصص و حکایات؛ «مخزن الدرر»، شعر، که در ۱۳۰۴ ق در بمبئی به چاپ رسید؛ «دینه الاحباب»، در حوادث و اتفاقات دوران حیاتش؛ «دیوان» شعر به نام «دیوان حقیر دزفولی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۲۶-۲۲۵/۲۰، ۲۵۸/۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۱۹/۱۴)، فرهنگ سخنوران (۲۷۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۹۱-۶۹۰/۲).

دزفولی شوشتری، محمدطاهر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۱۳۲۱ ق)، ادیب و فاضل. او از دانشمندان و ادیبان بود. از جمله آثار وی ترجمه «اللاهوف» سید ابن طاووس، ترجمه‌ای است شرح گونه که دلالت بر دانش و اطلاعات گسترده صاحب عنوان دارد. وی در سال ۱۳۲۱ ق این اثر را به انجام رسانده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۷۰-۹۶۹/۱۴).

دزفولی کاظمی، اسدالله

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۲۳۴-۱۱۸۶ ق)، عالم دینی و فقیه محقق. در نوجوانی در محضر پدر مقامات علوم را فراگرفت سپس به جزوه درس استاد وحید بهبهانی و علامه سید مهدی بحر العلوم و شیخ جعفر کاشف الغطاء و سید علی طباطبائی، صاحب «ریاض»، و سید میرزا مهدی شهرستانی راه یافت و بهره‌ها گرفت و از تمامی ایشان به دریافت اجازه اجتهاد نایل آمد. آنگاه که استاد و پدر همسرش، شیخ جعفر کاشف الغطاء، از دنیا رفت مردم بر گرد وی جمع شدند و او در کنار قیام به وظائف مرجعیت به تدریس و تصنیف پرداخت و شاگردانی همچون سید عبدالله شبر و شیخ موسی بن جعفر کاشف الغطاء و برادرش شیخ علی کاشف الغطاء تربیت کرد. وی از پیشروان نظریه حجیت اجماع است. در نجف از دنیا رفت و در کنار مقبره‌ی استادش کاشف الغطاء دفن شد. از آثار وی: «مقابس الانوار و نفائس الابرار فی احکام النبی المختار و عترته الاطهار»؛ «کشف القناع عن وجوه حجیه الاجماع»؛ «منهج التحقيق»؛ «مستطرفات من الکلام»؛ «اللولو المسجور فی معنی الطهور».[۱]

اسدالله بن العلامة الشیخ اسماعیل دزفولی کاظمی از مجتهدین و محققین طراز اول شیعه و از بزرگان فقهاء معروف امامیه در عصر خویش بوده.

وی در حدود ۱۱۸۶ قمری در دزفول تولد یافته و مقدمات علوم را نزد پدرش فراگرفته آنگاه مهاجرت به عراق نموده و از محضر

علامه بزرگ و حیدر بهیانی استفاده کرده و بعد از وفات آن بزرگوار از درس علامه بحر العلوم و علامه شیخ جعفر کاشف الغطاء و صاحب ریاض و آیت‌الله میرزا مهدی شهرستانی تکمیل نموده و شاگردان بزرگی چون علامه سید عبدالله شبر و علامه شیخ موسی کاشف الغطاء و برادرش شیخ علی و نظایر اینان از حوزه‌اش برخاسته است.

شیخ اسدالله دارای ذهنی وقاد و فهمی سرشار و دقت نظر و تحقیقاتش بین علماء مشهور و در تأسیس قواعد فقهی و اصولی قدمش بر سایرین متفق علیه همه اعلام است.

مرحوم شیخ انصاری ره در اواخر اجماع رسائل قبل از نقل کلامش از (کشف القناع) او را ستوده است از وی نقل شده که ۱۲ سال لذت خواب را نبرد و تمام اوقاتش مستغرق تألیف بوده آری این زحمات و مشقتها و رنج‌ها در راه کسب علوم و فضائل سبب شد که علماء و نویسندگان او را در ردیف بزرگترین علماء این مذهب بشمار آرند.

وی بعد از فوت پدر همسرش (علامه شیخ جعفر کاشف الغطاء) به مرجعیت رسید و تألیفات سودمندی از خود گذاشت که معروفترین آنها کتاب مقابسات الانوار و منهج التحقیق و مناهج الاعمال در اصول و کشف القناع و البحر المسجور و نظم زبده‌الاصول شیخ بهائی و حاشیه بر نخبه الطالب شیخ جعفر کاشف الغطاء می‌باشد

وی در سال ۱۲۳۴ قمری در نجف اشرف رحلت نموده و در مقبره خویش نزدیک مقبره شیخ جعفر مدفون گردید و از آن بزرگوار شش فرزند دانشمند و فقیه بنامهای زیر ماند که تمام از اجله و بزرگان بوده‌اند و آل اسدالله که فامیل معروفی در کاظمین می‌باشند از احفاد وی هستند.

اما فرزندان او از اینقرارند:

۱- حجة الاسلام شیخ مهدی ۲- حجة الاسلام شیخ اسماعیل ۳- حجة الاسلام شیخ باقر ۴- حجة الاسلام شیخ تقی ۵- حجة الاسلام شیخ حسن ۶- حجة الاسلام شیخ کاظم.

اسدالله بن شیخ اسماعیل دزفولی کاظمینی صاحب (مقابسات الانوار) متولد ۱۱۸۶ و متوفی ۱۲۲۴ از مشاهیر علماء عصر و اکابر فقهاء زمان خود بوده.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان الشیعه (۲۸۵- ۲۸۳/۳)، تاریخ بروجرد (۲۰۱- ۲۰۰/۲)، الذریعه (۱۸۴/۲۳، ۳۷۵/۲۱، ۵۴/۱۸)، روضات الجنات (۹۹/۱)، ریحانه (۳۹۸- ۳۹۷/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳۵- ۱۳۴، ۱۲۴- ۱۲۲/۱۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۴۱- ۴۱۰/۵)، لغت نامه (ذیل / اسدالله)، معجم المؤلفین (۲/۲۴۱)، مکارم الآثار (۳/۹۷۸).

دزفولی کاظمی، اسماعیل

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۴۶/۱۲۴۷ ق)، عالم دینی و فقیه. در محض پدر نشو و نما یافت و مقدمات علوم را فراگرفت. وی از شاگردان سید عبدالله شبر بود. اجتهاد وی مورد تصدیق اغلب علمای زمانش قرار گرفت. او بسیار مراقب حال بینوایان و فقرا بود. وی بر اثر طاعون در حدود سی سالگی از دنیا رفت. از آثارش: «المنهاج»، در اصول فقه؛ رساله‌ای در «اصول الدین»؛ «رساله‌ی علمیه»، برای مقلدین؛ «مناسک الحج».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳/۳۱۳)، ریحانه (۳/۳۹۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/۱۳۸).

دزفولی کاظمی، حسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۹۸ ق)، عالم دینی، فقیه و نویسنده. فرزند شیخ اسدالله دزفولی صاحب «مقابس» و پدر شیخ محدثی دزفولی فقیه معروف است. وی در محضر پدر و سپس در نزد علمایی چون دانی خود، شیخ حسن کاشف الغطاء، صاحب «انوار الفقاهه»، و شیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر»، و شیخ مرتضی انصاری به تکمیل تحصیلات خویش پرداخت. ظاهراً وی به سبب طاعون درگذشت. از آثارش: «انوار مشارق الاقمار من احکام النبی المختار»، فقه مبسوط، در چند مجلد، که بر اولین آنها استادش، شیخ انصاری، تقریظی مشتمل بر تصدیق اجتهاد وی با خط خویش نگاشته و بر پایان آن مهر نهاده است؛ «مسلك النجاه»، در زکات استدلالی، که در صفحه پشت این کتاب نیز تقریظی لطیف مشتمل بر تصدیق اجتهاد وی به خط علامه انصاری و مهر او به چشم می‌خورد؛ «کتاب النکاح» شرحی بر «الشرايع». از دیگر آثار فقهی او «کتاب الوقف» است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۵/۲۰)، الذریعه (۲۴/۲۹۸، ۲۱/۲۴، ۱۳/۳۱۹، ۲/۴۴۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۰۷-۳۰۶/۱۳).

دزفولی کاظمی، محمدتقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۷-۱۲۵۵ ق)، عالم دینی، فقیه، ادیب و شاعر. وی در نجف از محضر میرزای شیرازی (قبل از هجرتش به سامراء) و شیخ محمدحسن کاظمی بهره برد و اجازه روایت گرفت. آنگاه به کاظمین بازگشت و در راس امور قضاء و حکم و تدریس قرار گرفت. از آثارش: «منتهی الامل»، در شرح «القواعد» حلی، در لفقه؛ «وسيله النجاه»؛ رساله‌ی عملیه برای مقلدین؛ شرح «الکافی» ابن حاجب، در نحو، به نام «شقائق المطالب»؛ «اشعار»ی در مواعظ و اخلاق.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۹۵-۱۹۴/۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۲۵۰)، علماء معاصرین (۹۶-۹۵)، فوائد الرضویه (۴۳۱)، معجم المؤلفین (۹/۱۲۸)، هدیه العارفین (۲/۳۹۰).

دزفولی معزالدینی، محسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۴۹/۱۲۴۵ ق)، فقیه اصولی. وی از شاگردان حجة الاسلام شفتی و داماد سید صدرالدین عاملی بود. در شهرهای خوزستان

فقیه و مرجع دینی بود و از کرباسی و بحرالعلوم و صاحب «ریاض» و صاحب «کشف الغطاء» روایت می‌کرد. در دزفول بدرود جهان گفت و در سرداب مسجدی که در آن امامت می‌کرد دفن شد. از آثارش: «حاشیه المعالم»؛ «شرح الارشاد»؛ رساله فارسی در «اصول دین»؛ و رساله در «طهاره» و «صلاه»؛ چند رساله دیگر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴۶/۹)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۴۶-۱۴۵/۵).

دزفولی موسوی، عبدالله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۵۶-۱۱۵۸ ق)، مورخ و شاعر، متخلص به داعی. از فرزندزادگان خواجه علی سیاهپوش بود. او در محضر سید محمدباقر حجة الاسلام اصفهانی و آقا محمد بیدآبادی تلمذ کرد. از جمله آثار وی: «تاریخ مظهرالدوله»، در رویدادهای خوزستان و بقاع دزفولی و احوالاتی از آن سامان؛ «مجمع الابرار و تذکره الاخیار».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۷۱-۱۳/۷۷۰)، فهرستوارهی کتابهای فارسی (۹۰۴-۲/۹۰۳).

دزفولی، ابراهیم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۱۲۶۵ ق)، عالم دینی و فقیه. اصل وی از دزفول بود، در کرمانشاه متولد شد و در کربلا مسکن گزید. به گفته‌ی شیخ حسن گوهر، وی از شاگردان شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی بود. و از سید کاظم رشتی اجازه داشته است. وی گویا پدر سید احمد بن ابراهیم دزفولی موسوی حائری، صاحب «قسطاس الاوزان»، است. از آثارش: تعلیق بر «الحدائق»؛ رساله‌ای در «عقاید»؛ تقریراتی فراوان از مباحث فقهی که اکثر آنها ناقص مانده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲۲۴/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۲/۱۳).

دزفولی، بشیر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۲۷۰ ق)، فقیه. وی گویا از شاگردان شیخ انصاری بوده و از فتاوی شیخ خود گزینشی کرده و آن را «المنتخب المسائل» نام نهاده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۴۳۴/۲۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/۱۹۹)، معجم المؤلفین (۴۷/۳).

دزفولی، بی‌بی خاتون

قرن: ۱۲

جنسیت: زن

ملیت: ایران

پس از قرن دوازدهم هجری، وی دختر سید اسدالله و همسر سید صدرالدین دزفولی مرتاض بود. او کتاب شفاء الصدور را درباره پند و اخلاق که خلاصه کتاب شفاء الصدور علامه مجلسی اول (۱۱۱۰-۱۰۳۸ / ۱۰۳۷ ق) است تدوین کرد. در پایان کتاب رباعی زیر آمده که به نوشته مؤلف الذریعه از مولی محمدطاهر قمی است:

یا رب تو ز خود پرستیم فارغ ساز

در بوته اخلاص دلم را بگداز

از بال و پرم رشته غفلت بگشای

شاید که کند به اوج مهرت پرواز

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: الذریعه، ۲۰۴ / ۱۴.

دزفولی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، فقیه امامی. معروف به قاضی. از آثارش «فاروق الحق»، در موارد فرق بین مجتهدین و اخباریون، که در آن هشتاد و شش مساله از مسائل دینی مورد خلاف طرفین آورده شده است، و در ۱۲۸۰ ق در نجف از تالیف آن فراغت یافته است. این کتاب یک بار در حاشیه «الحق المبین فی تصویب المجتهدین» شیخ جعفر جناجی نجفی، در تهران، در ۱۳۱۶ ق، به چاپ رسید.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۶/۱۰)، الذریعه (۹۵/۱۶، ۳۸-۳۷ / ۷).

دزفولی، محمدحسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۲۹ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. وی از عالمان بزرگ و مراجع امور دینی در دزفول بود. شیخ محمدحسن در دزفول درگذشت. آنگونه که در «البدایع الجعفریه» آمده وی تصانیفی ارزنده داشته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۷۸/۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۶۷/۱۴)، معجم المؤلفین (۱۹۰/۹).

دزفولی، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۳۵۲ - ۱۲۷۳ ق)، عالم دینی، فقیه، ادیب و شاعر. در محضر عمویش شیخ محمد طاهر، شاگرد شیخ انصاری، و دیگر علمای بزرگ چون آخوند خراسانی شاگردی کرد تا به درجه والائی دست یافت. آیت‌الله شهاب‌الدین نجفی مرعشی از وی روایت کرده است. در بروجرد درگذشت و در جوار امامزاده ابوالحسن دفن شد. از آثارش: «جهد المقل»، در پاسخ سؤالات، فقه استدلالی ملمع؛ «فیض الباری» شرح «مکاسب» محقق انصاری؛ حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری؛ حاشیه «فصول» در علم اصول؛ «کلمه التقوی»، رساله فتوایی؛ رساله‌ی عملیه‌ی فارسی که منتخب «منهج الرشاد» است؛ قسمتی از «اشعار» وی به همراه «مخزن الدرر» در بمبئی چاپ شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲۸۰/۹)، تاریخ بروجرد (۵۵۱ - ۵۴۹ ق)، الذریعه (۱۲۴/۱۸، ۴۰۶/۱۶، ۱۵۷ - ۱۵۶، ۶/ ۱۵۶ - ۳۰۲/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۴۴/۱۴).

دزفولی، محمدطاهر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ محمدطاهر بن العلامه آشیخ محسن بن الفقیه شیخ اسماعیل از بزرگان حمله دین و اکابر فقهاء و از مراجع معروف خوزستان و در قدس و زهد و صلاح و تقوی یگانه عصر خود بوده است.

وی به سال ۱۲۳۰ قمری در دزفول تولد یافت و پس از فراغ از مقدمات در اصفهان از محضر حجة الاسلام حاج سید محمدباقر شفتی و حجة الاسلام حاج ملا محمد ابراهیم کلباسی تلمذ نموده و در نجف اشرف از صاحب جواهر و شیخنا الانصاری نیز استفاده نموده تا به درجه اجتهاد رسیده آنگاه به دزفول مراجعت و بنای تدریس گذاشته و مورد توجه عموم طبقات گردیده و شاگردان مبرزی تربیت نموده و ریاست و مرجعیت تقلید در خوزستان بدو منتهی شده است.

در تکمله. گوید: محمدطاهر بن محسن بن اسماعیل دزفولی از اجله علماء عصر ما در خوزستان و در آن نواحی مرجعیت عامه دارد و آوازه زهد و پارسائی و پرهیزکاری و قدس و فقاهاست او در تمام ایران و عراق رفته و مردم عربستان و خوزستان در تقلید به او رجوع کرده‌اند و از برجستگان شیعه از خاندان علمی قدیمی است

عموی او شیخ اسدالله صاحب مقایس و پدر او شیخ فقیه و نوادگانی اهل فضل و علم دارند و او در فقه و اصول تألیفاتی دارد وی در اوائل سال ۱۳۱۵ قمری در دزفول داعی حق را اجابت نمود و در مقبره اختصاصی خود مدفون گردید فرزند ارجمندش آشیخ عبدالحسین در تاریخ فوتش سرود.

سال فوت او ز قرآن مبین

آمدان العاقبه للمتقين

عاقبت را تا عدد دان چارصد

برخلاف رای اصحاب عدد

از آثار علمی اوست. گذشته از رساله عملیه ۱- شرحی بر شرایع محقق بنام (مشارع الاحکام)

پدر بزرگوارش آقا شیخ محسن هم از بزرگان علماء امامیه و داماد علامه سید صدرالدین عاملی فقیه اصولی و متکلم و از شاگردان حجة الاسلام شفتی اصفهانی بوده و به سال ۱۲۴۵ قمری در دزفول بدرود جهان گفت و در سرداب مسجدی که در آن امامت می نمود مدفون شد

تألیفات او عبارت است از: ۱- حاشیه مفصلی بر معالم ۲- رساله فارسی در اصول دین ۳- رساله در طهاره و صلوئه ۴- رساله در صحت عبادت تارک طریق تقلید و اجتهاد ۵- رساله در جواز بقاء تقلید میت و غیره.

در بیت این بزرگوار مردان فضیلت و رجال علم بسیار بوده و تا حال هم می باشد و اکنون شخصیت علمی این سلسله در عصر حاضر آیت الله میرزا محمدعلی معزی بن آیت الله آشیش عبدالحسین است که یکی از فقهاء و مراجع دزفول می باشد

(۱۳۱۵ - ۱۲۳۰ ق)، فقیه اصولی. وی از بزرگان دینی روزگار خود است که در ایران و عراق به فقاہت شهره بود. شیخ محمدطاهر از شاگردان حاج محمد ابراهیم کلباسی، و شیخ مرتضی انصاری اجازه روایت داشت. وی یکی از مشایخ حدیث سید عبدالصمد شوشتری بوده است. صاحب عنوان در خوزستان به ارشاد و هدایت مردم مشغول بود تا به جوار رحمت حق شتافت. از آثار وی:

«مشارع الاحکام»، در شرح «الشرایع» محقق؛ «رساله‌ی عملیه». [۱]

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان الشیعه (۳۷۶/۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۷۶-۹۷۴/۱۴)، المآثر الآثار (۱۵۲-۱۵۱).

دستجردی، عبدالکریم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ادیب الشریعه، عالم فاضل، و ادیب شاعر متخلص به «سودایی» معروف به حاج آخوند فرزند ملا عبدالرزاق بن اسماعیل.

از شعرای معروف و فضلالی مشهور اصفهان است. در غره‌ی محرم ۱۲۸۱ در قریه‌ی دستگرد خیار متولد گردیده، و نزد آقا میرزا محمدباقر [چهارسوقی] و جمعی دیگر از علما (آقا نجفی مسجد شاهی، میرزا محمد حسن نجفی) تحصیل نموده، و از استاد نامبرده به کسب اجازه مفتخر گردیده.

کتاب و رسائل زیر از اوست:

۱- اجمالی در احوالات پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ۲- ترجمه الدرر، ترجمه‌ی کلمات قصار حضرت علی علیه السلام ۳- خمسه‌ی طیبه، مجموعه‌ی اشعار خود در مناقب و مراثی ۴- دیوان قصاید و غزلیات ۵- دیوان غزلیات و رباعیات ۶- شمس و قهقهه، به بحر خسرو و شیرین نظامی ۷- ضیاء الابصار فی احوال الاطهار ۸- گلزار، نام قسمتی از اشعار اوست، و به طبع رسیده ۹- ملقط اللغه، و در آن ۱۵ هزار لغت عربی به فارسی ترجمه شده است ۱۰- منظومه‌ی انوار سهیلی، معروفترین اثر اوست، و به همین جهت به ناظم السهیلی معروف بود، و نام فامیلی خود را «انواری» نهاد.

در ۱۳۵۲ وفات یافته، در قریه‌ی دستگرد مدفون گردید.
برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

دستجردی، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۰۵ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. در قریه دستجرد اصفهان به دنیا آمد، و در اصفهان خدمت ملا محمد ورزنده‌ای و اقا اسدالله کمال‌آبادی و ملا محمدحسن دهنوی و آقا سید مهدی درچه‌ای و آقا میرزا احمد مدرس اصفهانی و ملا عبدالکریم جزی، صاحب «تذکره القبور»، و آقا رضا مسجد شاهی و آخوند کاشی و حاج ملا محمدجواد آدینه‌ای درس خواند. سپس به نجف مهاجرت کرد و از محضر درس آقا شیخ علی اصغر خطایی و دیگر علمای معروف آنجا بهره‌مند شد. آنگاه به قم رفت و به تدریس فقه و اصول پرداخت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آینه‌ی دانشوران (۲۰۱-۲۰۰).

دستغیب شیرازی، ابوالحسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ح ۱۲۶۰ ق)، حکیم، مجتهد و شاعر، متخلص به دستغیب. در شیراز به دنیا آمد و در آنجا علوم فقه و اصول و منطق و حکمت را فراگرفت. تولیت بقعه‌ی امامزاده‌ی سید میرمحمد بن امام موسی بن جعفر (ع)، با او بود و مدتی تولیت مسجد نصیرالملک را نیز بر عهده داشت نصیرالدین فرصت از شاگردان وی می‌باشد که در محضرش حکمت الهی را فراگرفته است. از آثار وی: حواشی بر «اسفار اربعه» صدرالمتالهین؛ شرحی بر «کلمات قصار» امیرالمومنین (ع)؛ اشعار و خطب عربی و فارسی. [۱]

میرزا ابوالحسن دستغیب مجتهد و حکیم شیرازی بن میرزا احمد بن میرزا مهدی متولد حدود ۱۲۶۰ ق.

سید ابوالحسن دستغیب شیرازی از افاضل علماء و در علوم معقول و ریاضیات مهارت بسزائی داشته و بعد از ۱۳۰۰ وفات نموده

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار عجم (۴۵۰)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۲۹/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۲/۱۴)، طرائق الحقائق (۳۳۲/۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۹۱۵-۲/۹۱۴)، فرهنگ سخنوران (۳۴۰)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۴۳/۵).

دستغیب شیرازی، عبدالحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم، خطیب.

تولد: ۱۲۹۰ (عاشواری ۱۳۲۲ ق.) شیراز.

شهادت: ۲۰ آذر ۱۳۶۰، شیراز.

آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب شیرازی تحصیلات مقدماتی خود را در شیراز به پایان برد و تحصیلات عالی و خارج را نزد اساتید آن زمان در نجف اشرف مانند آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله شیخ محمد کاظم اصفهانی و نیز آیت‌الله میرزا آقا اصفهانی گذراند. پس از گرفتن گواهی‌های متعدد اجتهاد از مراجع نجف اشرف به شیراز مراجعت نمود و به فعالیت در امور دینی و اجتماعی پرداخت.

آیت‌الله دستغیب مسجد جامع عتیق شیراز را که مخروبه شده بود با همکاری مردم تجدید بنا کرد و آنگاه اسباب تجدید حیات حوزه علمی شیراز را مهیا نمود.

سابقه مبارزاتی آیت‌الله دستغیب به زمان حاکمیت رضاشاه برمی‌گردد. همچنین ایشان در قیام خونین و تاریخی پانزده مرداد ۱۳۴۲، در انسجام مردم و حوزه علمی شیراز نقش به‌سزایی بر عهده داشت. ایشان در مسیر این مبارزات چندین بار دستگیر و محبوس یا تبعید شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آیت‌الله دستغیب به عنوان نماینده‌ی اول استان فارس، به عضویت مجلس خبرگان درآمد و در تدوین قانون اساسی نقش مؤثری داشت. آنگاه به درخواست مردم فارس طی حکمی از سوی حضرت امام خمینی (ره)، به عنوان امام جمعه شیراز منصوب شد. وی همچنین ریاست حوزه علمی فارس و نمایندگی امام خمینی (ره) را در آن استان به عهده داشت.

آیت‌الله دستغیب خطیب و نویسنده‌ای توانا بود. شیوه بیان او بسیار روان و بی‌تکلف بود. در همه آثار آیت‌الله دستغیب آیات و روایات بسیار دیده می‌شود. فهرست آثار ایشان به این شرح است: قلب سلیم (متمم گناهان کبیره، ۱۳۵۱)؛ حقایقی از قرآن (در تفسیر سوره شریفه قمر، ۱۳۵۴)؛ معراج؛ ماه خدا؛ صدیقه کبری؛ داستان‌های شگفت؛ هشتاد و دو پرسش (۱۳۳۷)؛ گناهان کبیره (دو جلد، ۱۳۶۰)؛ تفسیر سوره شریفه نجم؛ سید الشهداء (ع)؛ معاد؛ قلب قرآن؛ صلوة الخاشعین؛ گناهان کبیره (دو جلد ۱۳۶۰)؛ استعاده؛ شرح حاشیه بر رسائل شیخ مرتضی مخطوط؛ ازدواج اسلامی و تعداد زیادی از کتب تفسیر و در علوم اسلامی. و آثاری که برخی از آنها چاپ نشده، از جمله شرح و حاشیه بر کفایه و رسائل و مکاسب و تفسیر سوره‌های متعددی از قرآن مجید.

آیت‌الله دستغیب در بیستم آذر ۱۳۶۰ بر اثر توطئه منافقین در شیراز به شهادت رسید.

حاج سید عبدالحسین بن آیت‌الله حاج سید محمدتقی مجتهد بن آیت‌الله العظمی هدایه‌الله دستغیب شیرازی از دانشمندان و آیات بنام معاصر شیراز است.

وی در حدود سال ۱۳۲۸ قمری متولد شده و پس از پرورش صحیح و خواندن ادبیات و سطوح به نجف اشرف مهاجرت نموده و در آنجا از محضر آیات عظام چون مرحوم آیت‌الله حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله العظمی حاج سیدمیرزا آقا اصطهباناتی استفاده کامل نموده و با دریافت اجازات عدیده اجتهاد و غیره به شیراز مراجعت و در مسجد جامع (عتیق) به اقامه جماعت و تبلیغ دین و تنویر افکار پرداخته و خدمات شایان ارزنده‌ای نموده است.

نگارنده گوید آیت‌الله دستغیب از علماء با معنویت و خدمتگذار عصر حاضر است زهد و تقوای معظم له زبانزد خاص و عام و مورد علاقه همگانند از آثار و خدمات اجتماعی ایشان ساختمان و تعمیر اساسی مسجد جامع شیراز که از بناهای عمر و لیث صفار و بیش از هزار سال از تاریخ بنیاد آن می‌گذرد و به واسطه مرور و دهور سال رو به ویرانی گذارده و مسکن مار و مور و حشرات گردیده که معظم له اقدام به تعمیر آن نموده و به طور اساسی آن را مرمت نموده که گویا تازه بنا شده است.

۱- کتاب قلب سلیم که کتاب قطور و بزرگی است در رشته اخلاق و بسیار نفیس و ارزنده می‌باشد و در قم بطبع رسیده است.
 ۲- حقایقی از قرآن ۳- معراج ۴- ماه خدا ۵- صدیقه کبرا علیهاالسلام ۶- کتاب داستانهای شگفت ۷- هشتاد و دو پرسش ۸- گناهان کبیره (مطبوع) ۹- سوره نجم ۱۰- سیدالشهداء ۱۱- معاد ۱۲- صلوٰۃ الخاشعین مطبوع ۱۳- شرح و حاشیه بر کفایةالاصول ۱۴- حاشیه بر رسائل شیخ مخطوط می‌باشد.

نگارنده گوید: آیت‌الله دستغیب از روحانیون فعال و همواره وجودشان موجب ترویج احکام بوده و علاوه بر تدریس فقه و اصول بحث تفسیرش سالهاست که ادامه داشته و گروه کثیری هر شب از فرمایشاتشان بهره‌مند می‌گردند.

(ح ۱۳۲۸ ق- شهادت ۱۳۶۰ ش)، عالم دینی و مجتهد. در شیراز نشو و نما یافت و پس از فراگیری ادبیات و سطوح به نجف رفت و از محضر آیات عظام حاج شیخ کاظم شیرازی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و حاج سید میرزا آقا اصطهباناتی استفاده کامل برد و به دریافت اجازات اجتهاد نایل شد. سپس به شیراز بازگشت و مسجد جامع عتیق را که از بناهای عمرو لیث صفاری است مرمت کامل کرد و در آنجا به اقامت جماعت و تبلیغ دین و خدمات مذهبی پرداخت. از آثار وی: «قلب سلیم»؛ «حقایقی از قرآن»؛ «هشتاد و دو پرسش»؛ «گناهان کبیره»؛ «معاد». [۱]

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه: [۱] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۳۳/۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۴۴-۴۴۳/۵)، مؤلفین کتب چاپی (۷۲۹/۳).

دستغیب شیرازی، محمدباقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۶- ۱۲۶۲ ش)، مجتهد و واعظ شیعی. در شیراز متولد شد و همان‌جا نشو و نما یافت. پدرش روحانی بود و او نیز بعد از اتمام تحصیلات به وعظ و منبر پرداخت. وی در دوره‌های چهارم و پنجم از طرف مردم بندرعباس به مجلس راه یافت. و به مبارزه با استبداد و ظلم پرداخت. در اواخر عمر به شیراز بازگشت و در همان شهر درگذشت و در امامزاده سید میرمحمد دفن شد. از وی کتابخانه‌ای مشتمل بر یک هزار جلد کتاب در جوار مزارش به جای مانده است. از آثار قلمی وی «التوسل الحسینی» است که نظیر «اللهوف» است. [۱]

حاج سید محمدباقر بن میرزا هدایت‌الله مجتهد دستغیب متوفی ۱۳۳۶ شمسی هجری.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۳۱- ۵۲۹/۲)، الذریعه (۴۸۸/۴)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۱۷/۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۴۳/۵)، مؤلفین کتب چاپی (۸۴/۲).

دستغیب شیرازی، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۹-۱۲۹۴ ق)، فقیه و مجتهد. در نجف به دنیا آمد. پس از تحصیل مقدمات در خدمت پدر به شیراز رفت و مدتی در محضر علمای شیراز به تحصیل علوم گوناگون مشغول شد تا اینکه سرانجام به درجه‌ی اجتهاد رسید و در مسجد حاج علی به امامت و ارشاد مردم مشغول شد. وی دو سال تولیت موقوفات شاه‌چراغ را بر عهده داشت. در شیراز از دنیا رفت و پیکرش در نجف دفن شد. [۱]

سید محمدرضا بن میرزا هدایه‌الله مجتهد دستغیب متولد ۱۲۹۴ و متوفی ۱۳۶۹ ق.

آیت‌الله حاج سید محمدتقی مجتهد دستغیب.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۳۳-۵۳۲/۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۴۳/۵).

دستغیب شیرازی، هدایت‌الله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۲۴۰- ح ۱۳۲۰ ق)، فقیه، مجتهد و مدرس. معروف به مجتهد شیرازی. در شیراز به دنیا آمد. پس از تحصیل مراتب علمی در خدمت علمای شیراز به عراق رفت و فقه و اصول را در محضر علمای آنجا به تکمیل رساند. سپس به شیراز بازگشت و عهده‌دار مرجعیت امور مذهبی مردم گشت و در مسجد نصیرالملک در محله اسحاق بیگ شیراز امامت نمود و به نشر علوم دینی پرداخت. [۱]

هدایت‌الله بن میرزا اسماعیل بن میرزا مهدی دستغیب مجتهد شیرازی در حدود ۱۲۴۰ به دنیا آمده و در حدود ۱۳۲۰ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: آثار عجم (۴۳۸)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۲۸/۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۹۱۴/۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۴۵/۵).

دستغیب، ابوالمحمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا ابوالمحمد دستغیب شیرازی ادیب و دانشمند و شاعر ماهر این سلسله.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

دستغیب، عبدالعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالعلی دستغیب محقق و پژوهشگر معاصر است. اودر زمینه فلسفه و نقد ادبی فعالیت می نماید. از او تالیفات و ترجمه های گران سنگی موجود است. وی که سالها به تدریس پرداخته بود پس از بازنشستگی امر تحقیق تفحص در زمینه های فوق را به طرز جدی پی گرفته است.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: عبدالعلی دستغیب در خانواده ای فرهنگی به دنیا آمده است

تحصیلات رسمی و حرفه ای: عبدالعلی دستغیب تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهرهای فیروز آباد و جهرم به پایان برد و در سال ۱۳۲۷ وارد دانشسرای مقدماتی شیراز شد. او در سال ۱۳۳۷ برای تحصیل دانشگاهی به تهران آمد و در دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در رشته فلسفه مشغول به تحصیل شد.

وقایع میانسالی: مهمترین واقعه بوقوع پیوسته در دوران میانسالی عبد العلی دستغیب، این بود که پس از کودتای مرداد ماه ۱۳۳۲ به واسطه فعالیت اجتماعی منتظر خدمت شده است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: عبد العلی دستغیب ابتداء به معلمی در دبستان ها و دبیرستانها کازرون به جهرم و شیراز پرداخت. او در ضمن تدریس به مطالعه فرهنگ عامه (فولکور) و جمع آوری ترانه ها و قصه های عامیانه نیز اشتغال داشت. مدتی نیز یکی از دفاتر اسناد رسمی شیراز دفتر نویس شد و سپس به خدمت اداره بهداشت درآمد و برای انجام خدمات درمانی به تمام نقاط استان فارس سفر کرد. او از سال ۱۳۵۹ که بازنشسته شد در مدارس تربیت معلم و دانشکده هابه تدریس فلسفه و ادبیات فارسی مشغول شد.

فعالتهای آموزشی: مهمترین فعالیت آموزشی عبد العلی دستغیب، نقد ادبی است که از سال ۱۳۳۷ وارد این حیطه ادبی شده است. او در این زمینه آثار متعددی به چاپ رسانیده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: مهمترین فعالیت و برنامه روزمره عبد العلی دستغیب، تحقیق و تفحص است. او مقالات بسیاری در زمینه ادبیات و فلسفه در مجلات گوناگونی همچون سخن، راهنمای کتاب، نگین، فردوسی، نامه فلسفه، آدینه، دنیای سخن و کیهان فرهنگی منتشر کرده است.

همفکران فرد: یکی از همفکران عبدالعلی دستغیب، جلال آل احمد بود. آن دو اکثر در محافل ادبی یکدیگر را می دیدند.

آرا و گرایشهای خاص: عبدالعلی دستغیب معتقد است که هیچ اثر هنری و ادبی درخلاء به وجود نمی آید. بلکه نویسنده در ارتباط با مردم است که دریافت های بدست می آورد و آن را می نگارد. یعنی آنها را از فیلتر احساسات و عواطف خویش عبور می دهد

آثار:

۱ به سوی داستان نویسی بومی در زمینه نقد ادب و هنر

۲ تحلیلی از شعر نو فارسی

۳ ترجمه «چرا مسیحی نیستم؟»

۴ ترجمه دجال

ویژگی اثر: این کتاب تالیف فرید ریش نیچه است.

۵ ترجمه شامگاه بت ها

۶ ترجمه طوفان

ویژگی اثر: این کتاب تالیف شکسپیر بوده و با همکاری دکتر دولتشاهی ترجمه شده است.

۷ چهار سوار سرنوشت

۸ حافظ شناخت

۹ سایه روشن شعر نو فارسی

۱۰ فلسفه تاریخ هگل

۱۱ فلسفه شعر پنهانور

۱۲ فلسفه مارکس

۱۳ فلسفه نیچه

۱۴ هنر و واقعیت در آئینه نقد

۱۵ هیدگر و شاعران

منابع زندگینامه:

۱- اجلال، مرد امروز، کیهان فرهنگی، سال هیجدهم، مهرماه ۱۳۸۰، شماره ۱۸، ص ۱۰

دستگردی، حسن وحید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند قاسم. فاضل محقق، و ادیب اریب، و شاعر گران مایه، از محققین و منتبیین در ادبیات فارسی است. در سال ۱۲۹۸ در قریه دستگرد خیار متولد، و در شب ۲۱ ذی حجه الحرام سال ۱۳۶۱ در طهران وفات یافته، در مقبره امام زاده عبدالله مدفون گردید. در اصفهان خدمت جمعی از علما و ادبا همچون: آخوند ملا محمد کاشی، و آخوند گزی، و آقا سید محمد باقر درچه‌ای، و مرحوم جهانگیر خان قشقائی، و میرزا یحیی مدرس بید آبادی تحصیل نموده، و در اوایل مشروطیت در زمره آزادی خواهان وارد شده، و در این راه کوشش‌ها نموده، سپس به طهران منتقل شده، و از سال ۱۳۳۸ مجله ادبی «ارمغان» را انتشار داده که تا حین الفوت مرتباً انتشار یافته، و پس از مرگ ایشان به همت فرزند دانشمندش آقای محمود وحید زاده متخلص به «نسیم» که از دبیران و صاحب منصبان عالی رتبه وزارت آموزش و پرورش است تاکنون منتشر می‌شود.

در اوایل «لمعه» و سپس «وحید» تخلص می‌نمود، و در روزنامه‌ها به طور مستعار، «ناظر اصفهانی» می‌نوشته. کتب زیر از اوست:

۱- انقلاب ادبی ۲- دیوان قصاید و غزلیات ۳- ره آورد وحید، دو مجلد ۴- سرگذشت اردشیر ۵- سفینه بهترین اشعار ۶- مجله ارمغان ۷- هزار اندرز نظامی، جمع آوری از اشعار نظامی گنجوی ۶- یخچالیه، جلد دوم؛ و غیره.

مشارالیه در طی بیست و سه سال انتشار مجله ارمغان چندین مجلد کتاب ادبی نیز به طبع رسانید که از آن جمله است:

۱- تذکره نصر آبادی ۲- تحفه سامی ۳- دیوان ادیب الممالک فراهانی ۴- تصحیح و تحشیه و طبع خمسه نظامی، و افزودن دو مجلد بر آن (سبعه نظامی). ۵- دیوان جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

دستیاری، مجید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مجید دستیاری

محل تولد: اراک

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در اواخر سال ۱۳۵۸ هجری شمسی به حوزه علمیه قم وارد شدم و در مدرسه علمیه رسالت و سال بعد در مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی و سپس در مدرسه رسالت دروس مقدماتی و ادبیات را فرا گرفتم. شرح لمعتین را خدمت حضرات آیات شب زنده دار، مرحوم آیت الله محامی و حجة الاسلام سیداحمد خاتمی فرا گرفتم. رسائل را از محضر حضرات آیات استادی و اعتمادی بهره برده و مکاسب را در نزد حضرات آیات، پایانی و طاهر شمس (رحمت الله علیه) استفاده کردم. کفایه را نیز در نزد حجة الاسلام گنجی خوانده ام. به علت شوق فراوان به فلسفه و کلام همزمان با رسائل به درس شرح منظومه حضرت آیت الله ممدوحی ایده الله تعالی حاضر شدم و بعد از شرح منظومه، نهایتاً الحکمه علامه طباطبایی و همچنین مجلدات اسفار را در نزد ایشان تلمذ نمودم. دوره تخصصی کلام را نیز در این موسسه به پایان بردم و از آنجا که از مدرک گرایی در حوزه به شدت نگرانم علاقه ای به نوشتن پایان نامه از خود نشان ندادم و اخیراً به سفارش اساتید محترم اقدام به ارائه مدارک نموده تا با طی مراحل اداری، موضوع پایان نامه را اخذ نمایم. به تدریس علاقه فراوانی دارم و از سال دوم طلبگی به تدریس روی آوردم و سالهای متمادی کتب ادبیات را تدریس نمودم و همچنین منطق، شرح لمعتین، تفسیر، فلسفه و کلام را نیز متوالیاً تدریس کردم. در طول زندگی طلبگی به غیر از تحصیل، تدریس و تبلیغ به هیچ کار دیگری اشتغال نداشتم. با پایان دوره سطح، در درس خارج فقه آیت الله تبریزی (ره)، خارج اصول حضرت آیت الله فاضل لنکرانی (ره) و سپس حضرت آیت الله سبحانی شرکت نمودم.

دشت بیاضی کوهستانی، عبدالکریم محمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، ادیب. از معاصران جلال الدین اکبرشاه بود. وی اشعار «نصاب الصبیان» فراهی را با اضافات منظومی که پدرش، فصیح محمد به قصد تکمیل نصاب سروده بود، شرح کرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۴۱۲/۵)، تاریخ نظم و نثر (۲۷۵).

دشکی شیرازی هروی، جمال‌الدین امیر عطاءالله

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۹۲۶-۹۱۷ ق)، محدث، مورخ و شاعر. ملقب به جمال حسینی و معروف به امیر جمال‌الدین محدث اصیلی به جهت شاگردی امیر اصیل. وی پسر عم امیر غیاث‌الدین منصور و از بزرگان حدیث روزگار خود بود و در دیگر علوم دینی دستی توانا داشت. در مدرسه سلطانیه هرات تدریس می‌کرد، و بر منبر خطبه می‌خواند و آشکارا تبعیت خود را از ائمه اطهار (ع) اعلام می‌داشت. وی چندی در نیشابور زیست. از آثار وی: «احوال اولاد امیرالمومنین (ع)»؛ «الاربعون حدیثا من حدیث سید المرسلین فی مناقب امیرالمومنین (ع)»؛ «تحفه الاحباء»؛ «روضه الاحباب فی سیره النبی و الال و الاصحاب»، که به خواست امیرعلیشیر نگاشت. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۴۵/۸)، الذریعه (۲۸۶-۲۸۵/۱۱، ۱۲۴/۶، ۴۰۹/۳، ۴۸۰/۲، ۴۲۱/۱)، روضات الجنات (۱۸۹/۵)، ریاض العلماء (۳۱۶-۳۱۵/۳)، ریحانه (۳۶۹-۳۶۷/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۰/۱۰)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۳۸، ۱۰۵۷/۲)، فوائد الرضویه (۲۶۳/۱)، الکنی و الالقاب (۱۵۴/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۷۴/۴)، معجم المؤلفین (۲۸۵/۶)، هدیه الاحباب (۱۲۰).

دشکی شیرازی، صدرالدین، ابوالمعالی محمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۸۲۸- شهادت ۹۰۳ ق)، حکیم و فقیه امامی. معروف به صدرالدین کبیر و ملقب به صدرالعلماء، صدر الحکماء، صدر الحقیقه و سید الحکماء. نسب وی به زید شهید فرزند حضرت سجاد (ع) می‌رسد. او پدر امیر غیاث‌الدین منصور دشکی است. در شیراز به دنیا آمد. علوم دینی را نزد پدر و و امیر نظام‌الدین احمد بن اسحاق فراگرفت و علوم ادبی را از پسر عمه‌اش امیر حبیب‌الله آموخت و علوم عقلی را نزد سید دانشمند مسلم فارسی یاد گرفت. با قوام‌الدین کرمانی که از شاگردان برجسته‌ی شریف جرجانی است مباحثات و مناظراتی داشت. وی در فن مناظره یگانه عصر خویش بود و مناظرات او با علامه دوانی مشهور است. از شاگردان وی می‌توان به حاج محمود نیریزی و شیخ تقی‌الدین ابوالخیر اشاره کرد. در عهد شاه طهماسب صفوی مدتی منصب صدارت داشت و سرانجام به دست ترکمانان در شیراز شهید شد و در مدرسه منصوریه به خاک سپرده شد. از آثار وی: «اثبات الواجب تعالی»؛ «الحقایق المحمدیه»؛ «الجزر الاصم»، در تحقیق مغالطه معروف به جذر اصم؛ حاشیه بر «تیسیر الوصول الی جامع الاصول»، در فقه شافعی؛ حاشیه بر «شرح تجرید» قوشچی؛ حاشیه «شرح مختصر الاصول» عضدی؛ حاشیه «شرح مطالع»؛ حاشیه «کشاف» زمخشری؛ حاشیه «مطول»؛ رساله‌ای در علم کشاورزی و چندین رساله دیگر.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۹۲/۶)، اعیان الشیعه (۶۰/۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۹، ۸۳/۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۸۵)، الذریعه (۳۷/۲۵، ۳۶، ۳۵-۷/۳۵، ۱۳۵/۶، ۹۲/۵، ۱۰۸/۱)، ریحانه (۴۲۶/۳)، شهیدان راه فضیلت (۱۸۸-۱۸۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۹-۲۱۸/۱۰)، الکنی و الالقاب (۴۱۱/۲)، لغت نامه (ذیل / صدرالدین)، معجم المؤلفین (۲۱۵/۸)، هدیه الاحباب (۱۸۶)، یادداشتهای

قزوینی (۲۵۱/۵).

دشتکی شیرازی، غیاث‌الدین، منصور

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۴۸ - ۹۴۰ ق)، متکلم نامی، حکیم الهی و عالم امامی. معروف به خاتم الحکماء و استاد البشر و عقل حادی عشر (الامام الاثمه) و مشهور به غیاث الحکماء و غیاث‌الدین. نزد پدر و دیگر عالمان زمان دانشهای عقلی و نقلی را فراگرفت. در چهارده سالگی داعیه‌ی جدل و مناظره با علمه دوانی داشت و در بیست سالگی از تحصیل و کسب علوم فراغت یافت و در چهل و سه سالگی از طرف شاه اسماعیل مامور تعمیر رصدخانه مراغه شد. در ۹۳۶ ق به صدارت شاه طهماسب صفوی رسید و پس از مباحثات علمی با محقق کرکی از صدارت کنار رفت و در شیراز اقامت گزید تا درگذشت. وی مدرسه‌ی منصوریه را در شیراز تاسیس کرد. از آثار وی: «اثبات الواجب تعالی» به نام «المشارق»؛ «اخلاق مصنوری»، به فارسی؛ «الاساس»، در هندسه؛ «الاشارات و التلویحات» و «التجريد»، در حکمت؛ «معالم الشفاء» و «مختصر آن الشافیه» در طب؛ «تحفه شاهی»؛ «تعديل الميزان» و مختصر آن «معیار الافکار»، در منطق؛ «جام جهان نما»؛ «آداب البحث و المناظره»، شرح «آداب البحث» عضدایجی؛ «اشراق هیاکل النور عن ظلمات شواکل الغرور»، در شرح «هیاکل النور» سهروردی؛ «کشف الحقایق المحمدیه»؛ «تفسیر سوره‌ی هل اتی»؛ «حجه الکلام»؛ «اللوامع و المعارج» و «سفیر الغبراء و الخضراء»، در هیئت؛ «هئیت دشتکی»؛ «التصوف و الاخلاق»؛ «تکمله المجسطی»؛ «تسطیح الاسطرلاب»؛ حاشیه بر «الهیات شفاء»؛ حاشیه بر «شرح الاشارات»؛ حاشیه بر «شرح حکمه العین»؛ حاشیه بر اوایل تفسیر «الکشاف»؛ «مقالات العارفين»؛ «المحاكمات» بین حواشی پدرش امیر صدرالدین و حواشی علامه دوانی بر «شرح التجريد» و بین حواشی آن دو بر «شرح المطالع» و بر «شرح مختصر الاصول»؛ «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احسن التواریخ (۳۹۴-۳۹۱)، الاعلام (۲۴۵-۲۴۴/۸)، اعیان الشیعه (۱۴۱/۱۰)، ایضاح المکنون (۵۳۳، ۵۱۶، ۵۱۵، ۵۰۵، ۴۸۴، ۴۴۱، ۴۱۵، ۳۷۴، ۲۱۹/۲، ۶۰۱، ۲۹۵، ۲۷۹، ۱۶۰، ۸۴، ۶۸، ۵۰/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۰۴، ۳۴۷-۲۹۹/۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۷۶-۳۷۵)، حبیب السیر (۶۰۴/۴)، الذریعه (۲۵۷/۲۵، ۲۷۸، ۲۱/۲۰، ۱۸، ۳۷۰/۱۸، ۹۱/۱۵، ۱۹۲/۱۲، ۱۸۶/۱۰، ۱۱۰۹، ۷۹۵، ۱۹/۳۷۹، ۴/۲، ۹۶، ۱۰۳-۱۰۴، ۳۵۰/۳-۳۵۱، ۴۴۳، ۱۹۹/۴، ۲۱۱، ۳۴۴، ۴۱۶، ۲۹۵/۵، ۹/۶، ۱۱، ۴۶، ۶۰، ۶۷، ۷۳، ۷۸، ۱۴۳، ۲۱۴، ۳۷۸، ۲۵۲، ۱۰۹، ۱۴/۱)، روضات الجنات (۱۸۸-۱۶۶/۷)، ریحانه (۲۶۰-۲۵۸/۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۵۷-۲۵۴/۱۰)، طرائق الحقائق (۱۲۲-۱۲۱/۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۰۴۰-۱۰۳۹/۲)، فرهنگ سخنوران (۴۴۲)، فوائد الرضویه (۶۶۹-۶۶۸)، کشف الظنون (۲۰۴۷، ۱۵۰۱، ۱۱۴۱، ۱۱۱۷، ۸۸۶، ۴۴۹، ۳۵۰)، الکنی و الالقاب (۴۹۸-۴۹۷/۲)، لغت نامه (ذیل / غیاث‌الدین)، مجالس المومنین (۲۳۳-۲۳۰/۲)، معجم المؤلفین (۱۹/۱۳)، هدیه العارفين (۴۷۵/۲).

دشتکی شیرازی، نظام‌الدین احمد

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۱۵ ق)، حکیم، ادیب و شاعر. ملقب به سلطان الحکماء و سید العلماء. وی پدر بزرگ سید علی خان مدنی شیرازی بود. از تالیفات وی: «اثبات الواجب الصغیر»؛ «اثبات الواجب الکبیر»؛ «اثبات الواجب الوسیط». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: الذریعه (۱۰۳/۱)، ریحاء (۲۰۱-۲۰۰/۶).

دشتی رحمت آبادی، غلامرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ادیان و عرفان، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: فردوسی مشهد
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

تحصیلات عالی حوزوی در حوزه علمیه قم به مدت ۱۵ سال، کارشناسی فقه و مبانی حقوق اسلامی در سال ۱۳۴۲، کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی در سال ۱۳۴۸ و دکترا در رشته ادیان و عرفان در سال ۱۳۵۵.
مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فرق اسلامی و انشعابات آن، ادیان و عقاید ایران باستان، سیری در علوم اسلامی، مذاهب چهارگانه اهل تسنن، یهود و مسیحیت، ادیان هند و بودا، آداب و عقاید عرب جاهلی، ادیان ابتدائی، معارف شیعه، آشنایی با ادیان بزرگ، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: -

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

آئین قربانی در میان اقوام و ملل پیشین و اسلام، منع ازدواج با محارم از دیدگاه اقوام و ملل، سیمای محمد (ص) در تورات و انجیل.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

دشتی فارسی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۹۹/۱۲۹۸-۱۲۴۶ ق)، ادیب، حکیم و شاعر، متخلص به دشتی. وی اهل دشتستان بود از طایفه حاجیان. در محضر پدرش و دیگر فاضلان شریه علوم ادبی و تازی را آموخت پس از فوت ضابط دشتی به حکومت آن نواحی رسید، در دوره‌ی حکومتش به دستگیری از مستمندان و فقیران پرداخت. از جمله آثارش: «دیوان» شعر؛ «نمکدان»؛ «طریق السلوک»؛ «کلام الملوک». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۶۲۲-۶۲۱/۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۴۶-۵۳۸/۲)، الذریعه (۳۱۳/۲۴، ۱۱۱/۱۸، ۳۲۶/۹)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۳۳۶/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۷۱-۴۷۰/۵)، مرآت الفصاحه (۲۱۵-۲۱۴)، مکارم الآثار (۱۲۸۹-۱۲۸۸/۴).

دشتی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج میرزا احمد بن علامه آیت‌الله آخوند ملا-حسن الدشتی النجفی از علماء اعلام و فقهاء عظام و مجتهدین کرام نجف اشرفند که در حادثه شوم دولت بعثی عراق اخراج به ایران و سرانجام رحل اقامت به قم انداخته‌اند.

تولد معظم‌له در یکی از محال فارس دشتی از نواحی شیراز واقع شده و در مهد تربیت والد مجاهدش (که یکی از مراجع عالی مقام فارس و از مجاهدین تاریخ ۱۳۳۵ قمری تقریباً بوده که با مساعدت و همکاری جمعی از آقایان آیات مخصوصاً آیت‌الله حاج شیخ جعفر محلاتی قیام نموده و در مقام دفاع با اردوی انگلیس که در بندر بوشهر پیاده شده بودند جنگیده و با کشته شدن جماعتی از مسلمین و مهاجمین و اسارت بعضی دشمن را خارج کردند) تربیت یافته و مقدمات را نزد والد ماجد و بعضی دیگر از علماء تلمذ نموده و بعد از فوت والدین در تاریخ ۱۳۵۰ قمری به نجف اشرف مهاجرت و بعد از فراغت از سطوح در محضر آیات عظام و اساتید و الامام میرزا ابوالحسن مشکینی و آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله ضیاءالدین اراکی و آیت‌الله حاج شیخ کاظم شیرازی و بالخصوص آیت‌الله میرزا عبدالهادی شیرازی استفاده کرده تا به مدارج عالیه اجتهاد و فقاہت نائل و آیات نامبرده مقام علم و کمال و اجتهاد ایشان را گواهی کرده و اجازاتی مرقوم نمودند که نگارنده آنها را دیده‌ام و آثار علمی آن جناب در اسات و تقریرات ابحاث اساتید مذکور است که مخطوط مانده فقط شرح شرح لمعه دمشقیه ایشان به همت حجه الاسلام حاج سید محمد کلانتر به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

دشتی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد فرهیخته، حجت الاسلام و المسلمین شیخ محمد دشتی در سال ۱۳۳۰ ش (۱۳۷۰ ق) در مازندران به دنیا آمد و پس از فراگیری تحصیلات ابتدایی به آموختن علوم دینی روی آورد. وی پس از تلاش و پشتکار فراوان، در بیست سالگی به درس خارج فقه و اصول حضرات آیات: میرزا هاشم آملی، ناصر مکارم شیرازی، علی مشکینی اردبیلی و عبدالله جوادی آملی راه یافت و مبانی

حکمت و فلسفه را از استادان فن آموخت. حجت‌الاسلام دشتی پس از آن به تالیف و تدریس و تحقیق روی آورد تا اینکه در سال ۱۳۶۷، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمومنین(ع) را بنیان نهاد و با کمک گروهی از محققان، کتاب‌های ذیل را فراهم نمود: فرهنگ سخنان معصومین در ۱۵ جلد، تحلیل تاریخی سیاسی معصومین در ۱۴ جلد و سیره امام علی(ع) در ۱۵ جلد، ترجمه نهج البلاغه، فرهنگ واژه‌ها، موضوعات کلی و معارف نهج البلاغه در ۴ جلد، اسناد و مدارک نهج البلاغه و ده‌ها اثر دیگر. ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی یکسره به تلاش و کوشش در راه احیای شعائر دینی می‌پرداخت و همواره به تبلیغ دین در شهرهای مختلف کشور و تدریس در نهادهای انقلابی و دانشگاه‌ها و سخنرانی همت گماشت تا این که در بازگشت از سفر تبلیغی خویش از کاشان در ۵ اردیبهشت ۱۳۸۰ دچار سانحه تصادف شد و پس از گذشت ده روز، در نیمه همان ماه برابر با ۱۱ صفر ۱۴۲۲ ق در پنجاه سالگی بدرود حیات گفت و در حرم مطهر حضرت معصومه(س) به خاک سپرده شد.

دشتی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد دشتی

محل تولد: نیشابور

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

سال اول راهنمایی را در خرداد ماه ۱۳۵۶ در شرایطی در شهر نیشابور به پایان رساندم که از طرف مدرسه راهنمایی ناصری جهت شرکت در اردوی تابستانی رامسر با هزینه دولت دعوت شدم. این دعوت که نوعی پاداش محسوب می‌شد و از هر مدرسه تنها یک نفر به این اردو دعوت میشد برای بنده به عنوان یک نوجوان روستایی بسیار مطلوب و مسرت بخش بود ولی منوط به اجازه پدرم بود لیکن پدرم به رغم اینکه جهت امضای رضایت نامه به شهر آمد به جهت مسائلی که پیش آمد و در واقع از الطاف خفیه الهی بود به من اجازه شرکت در این اردو را نداد گمان میکنم اگر در آن اردو که گفته می‌شد با حضور ولیعهد طاغوت برگزار می‌شود شرکت کرده بودم طلبه نمی‌شدم. به هر حال با آغاز سال تحصیلی ۵۶-۵۷ بنده به والدینم عرض کردم دیگر به مدرسه نمی‌روم و اگر بناست درس بخوانم می‌خواهم به حوزه علمیه بروم که این تقاضای بنده با استقبال پدر و مادرم مواجه شد و از مهرماه ۱۳۵۶ در حالی که در شهرهای مثل نیشابور و حتی شهرهای بزرگتر کمترین نفسی علیه حکومت به گوش می‌رسید و جو خفقان و پلیسی بر همه جا حاکم بود، وارد حوزه علمیه کهنسال نیشابور یعنی مدرسه گلشن شدم طولی نکشید که در پی درگذشت مشکوک مرحوم حاج آقا مصطفی و برگزاری مجالس ختم آن مرحوم و در همان حال دست به دست گشتن عکسها و نوارهای سخنرانی حضرت امام ره فضای سیاسی کشور ملتهب و رفته رفته راهپیماییهای خیابانی و سخنرانی های اعتراض آمیز علیه طاغوت آغاز گردید که بنده نیز همچون دیگر طلاب و دانشجویان و دیگر اقشار جامعه در این برنامه شرکت می‌کردم تا اینکه انقلاب اسلامی به صورتی غیر مترقبه و تنها در سایه الطاف الهی و به گونه ای معجزه آسا به پیروزی رسید لحظاتی آنچنان شیرین و معنوی و به یاد ماندنی که قلم و زبان از بیان آن قاصر است. مهرماه ۱۳۵۷ در حالی که انقلاب به اوج خود نزدیک می‌شد وارد حوزه علمیه جدید التاسیس

فضل بن شاذان شدم که از نظم و فعالیت علمی بهتری برخوردار بود و تا سال ۱۳۶۰ در این مدرسه به تحصیل مشغول بودم و در همان حال با شروع جنگ تحمیلی آموزشهای نظامی را به طور محدود توسط برادران سپاهی فرا گرفتم. سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه مشهد شدم ولی شلوغی مشهد و عوامل مزاحم تحصیل آزارم می‌داد لذا از سال ۱۳۶۱ با راهنمایی برخی دوستان و اساتید وارد حوزه علمیه مهدیه خوانسار شدم که از نظم و شرایط تحصیلی بسیار مطلوبی برخوردار بود گرچه به دلیل ناهمخوانی دروس ناچار به تکرار برخی دروس شدم که البته خالی از فایده هم نبود در همان سال ۶۱ معمم شدم و برای نخستین بار جهت تبلیغ به جبهه رفتم و از آن پس تا پایان جنگ در ایام تبلیغ و در طی فرصت‌هایی که پیش می‌آمد جهت ادای وظیفه شرعی خود به جبهه اعزام می‌شدم. در سال ۱۳۶۴ در حالی که بخشی از رسائل و مکاسب را خوانده بودم وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه فیضیه حجره گرفتم و در کنار دروس عمومی حوزه در موسسه در راه حق شرکت کردم و در همان حال در رشته ادبیات و علوم انسانی از آموزش و پرورش دیپلم گرفتم دوره لیسانس الهیات و معارف اسلامی و فوق لیسانس رشته تاریخ را در موسسه در راه حق و موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) گذراندم و از سال ۱۳۸۰ پس از طی مراحل کنکور و گزینش در همان موسسه به گذراندن دوره دکتری رشته تاریخ اسلام مشغول شدم که اینک رو به پایان است. در طی این سنوات از سال ۱۳۶۸ به طور مرتب در درس خارج اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی و به مدت یک سال در درس خارج فقه مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی ره و یک سال در درس خارج فقه حضرت آیت الله مکارم شیرازی شرکت کردم. از سال ۱۳۷۸ به جهت کثرت اشتغالات درسی و پژوهشی در رشته تاریخ دروس خارج حوزه را ترک کردم. در طی دوران طلبگی چه نیشابور و چه در مشهد و چه در خوانسار کم و بیش در زمینه دروس حوزوی (صرف و نحو و منطق) تدریس داشتم پس از گذراندن دوره کارشناسی ارشد تاریخ در نهادهای مختلف حوزه علمیه قم نیز به کار تدریس و پژوهش و راهنمایی پایان نامه‌های طلاب و دانش پژوهان اشتغال داشته و دارم.

دعویدار قمی، رکن‌الدین محمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم و هفتم ق)، فقیه و شاعر، متخلص به دعوی. معروف به ملک‌الشعراء، نسب وی به سه پشت به دعویدار قمی می‌رسد. در قم متولد شد و در بدایت حال تصدی مقام شرعی در همان شهر داشت وی از مفتیان زمان خود بوده و به شاعری و ستایشگری بزرگان زمان خود مشغول بود. وی علاوه بر مدح آخرین پادشاه باوندی در تبریز مدتی مدح اتابکان آن سامان گفت. رکن‌الدین با کمال‌الدین اسماعیل رابطه ادبی داشته و قصیده لامیه را در سی و شش بیت در مدح او سروده و بدو فرستاده، کمال نیز پاسخ گفته، همچنین نوشته‌اند که با اثیرالدین اومانی نیز مکاتبه و مشاعره داشته است. دعوی شاعری ذو لسانین بود که در نظم و نثر عربی و فارسی قدرتی تمام داشت. آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آتشکده‌ی آذر (۱۲۵۳-۱۲۵۰/۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۵۲-۳۴۶/۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۷۲)، تذکره‌ی روز روشن (۲۶۱)، دیوان رکن‌الدین دعویدار قمی (مقدمه/ ۳۹-۷)، الذریعه (۳۸۳-۳۸۲، ۳۲۷/۹)، ریاض العلماء (۱۰۶/۵)، سرآمدان فرهنگ (۴۰۰-۳۹۹/۱)، فرهنگ سخنوران (۳۹۴)، فهرست منتجب‌الدین (۱۸۵)، مجمع الفصحا (۶۸۰/۲).

دغولی سرخسی، ابوالعباس محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۲۵ ق)، لغوی، فقیه و محدث. از پیشوایان فقه و لغت و روایت در سرزمین خراسان بود. مدتی در نیشابور اقامت گزید و از محمد بن یحیی ذهلی و عبدالرحمان بن بشر و اقران آنها بهره‌ها برد و در عراق و حجاز از محمد بن اسماعیل احمدی حدیث نوشت و از زعفرانی و سعدان بن نصر و احمد بن سیار و محمد بن عبدالله قهزاد و محمد بن مشکان و محمد بن مهلب سرخسی و عبدالله بن هاشم طوسی و ابوزرعه رازی حدیث روایت کرد. ابوحاتم بن حبان و ابواحمد بن عدی و یحیی بن عمرو بستی و ابوبکر جوزقی و ابوعلی نیشابوری و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابن خزیمه گوید که چون ابوالعباس دغولی دانشمندی ندیده است. از آثار وی: کتاب «الاداب»؛ «فضائل الصحابه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۵۶۲-۵۵۷/۱۴)، الوافی بالوفیات (۲۲۶/۳).

دقاق اصفهانی، ابو عبدالله محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۵۱۶-۴۳۰ ق)، حافظ و محدث. در محله جروا آن اصفهان به دنیا آمد، و از آنجایی که با ابوعلی دقاق دوستی داشت به دقاق دوستی داشت به دقاق مشهور شد. به شهرهای نیشابور، طوس، سرخس، مرو، هرات، بلخ، گرگان، بخارا، سمرقند و کرمان سفر کرد و از خطیب عبدالله بن شیب ضبی و احمد بن فضل باطرقانی و سعید عیار و ابوالفضل عبدالرحمان رازی و ابوالقاسم ابن منده حدیث شنید، و در اصفهان از بیش از هزار شیخ حدیث نگاشت، و در نیشابور و هرات از ششصد نفر استماع حدیث کرد. دقاق «رحله» خود را از متجاوز از هزار شیخ اخذ کرد. او محدثی پرکار بود و در عین حالی که نادار بود متعفی دین دار باقی ماند سلفی و ابوسعید صائغ و ابوموسی مدینی و خلیل بن بدر رازانی از شاگردان وی به حساب آمده‌اند. از آثارش «رحله الدقاق» است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۵۵۰/۱)، سیر النبلاء (۴۷۴/۱۹)، معجم المؤلفین (۲۶۶-۲۶۵/۱۰)، هدیه العارفین (۸۴/۲).

دقاق نیشابوری، ابوعلی حسن

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۱۲/۴۰۵ ق)، عالم، عارف، مفسر، واعظ و شاعر. در نیشابور به دنیا آمد و همان جا نشو و نما یافت. از اکابر عرفا و جامع اصول شریعت و فنون طریقت به شمار می‌رفت. در بیان احادیث و اخبار دستی توانا داشت و در تفسیر و تاویل آیات بصیر و بینا

بود. از کثرت شوق و ذوق و درد و گریه که داشته او را شیخ نوحه گر می‌گفتند. کلمات معروفه‌ای نیز از وی به یادگار مانده است. گویند خواجه عبدالله انصاری مناجات مشهور خود را از کلمات این عارف ربانی اقتباس نموده است. ابوالقاسم عبدالکریم قشیری داماد و شاگرد وی بود. دقاق در نیشابور وفات یافت و او در مدسه‌ی خو در سمت قبله‌ی کهن دز دفن کردند. از آثار وی: «تاویل بعضی از آیات قرآنی»؛ «خلافت»؛ «زهد»؛ «مواعظ»، که بر سیصد و شصت مجلس مشتمل می‌باشد؛ «کتاب الضحایا».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۲۴)، تاریخ نیشابور (۲۲۶، ۲۲۵)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیری (مقدمه، ۲۹)، ریحانه (۲۲۳-۲۲۲/۲)، طبقات الصوفیه هروی (۶۳۱-۶۳۰)، کشف الظنون (۱۴۳۴)، الکنی و الالقاب (۲۲۹/۲)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۴۰۶)، معجم المؤلفین (۲۶۱/۳)، نفحات الانس (۲۹۹-۲۹۷)، وفيات الاعیان (۲۰۸، ۲۰۷، ۲۰۶/۳)، هدیه الاحباب (۱۳۵)، هفت اقلیم (۲۲۵/۲).

دقاق، ابوالعباس احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۱۳ ق)، محدث. از ابوبکر بن ابی شیبه و ابونعیم حلبی و عبدالله ابن شویه مروزی و سفیان بن وکیع بن جراح و بسیاری دیگر حدیث شنید. عمر بن محمد سنبک و ابو عمر بن حیویه و قاضی ابوبکر ابهری و دیگران از وی روایت کرده‌اند. خطیب بغدادی او را در حدیث ثقه و مورد اعتماد دانسته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۲۲۵/۴)، سیر النبلاء (۴۶۳-۴۶۲/۱۴).

دقایقی مروزی، شمس‌الدین محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم ق)، شاعر، ادیب. گویند در موعظه و تذکیر حقایق و دقایق بی‌نظیر و مداح خواجه عمید فخرالدین حمید بود و طبع عالی داشته و لوای فصاحت و بلاغت می‌افراشته. از جمله آثارش: «حنین الاوطان»؛ «بختیار نامه» را به او نسبت می‌دهند؛ «سندباد نامه» نیز که دو تهذیب دارد یکی از وی است دیگری از ظهیری سمرقندی. [۱]

مروزی، شمس‌الدین محمد بن علی، عالم و واعظ و شاعر اواخر قرن ششم ه. وی تا پایان قرن مذکور زنده بود. و هم اوست که سندباد نامه را به نثری مصنوع و مزین تحریر کرده.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۰۲/۲)، الذریعه (۳۲۷/۹)، لباب الالباب (۲۱۵-۲۱۲/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۷۲/۵)، مجمع الفصحا (۶۴۷/۲)، هفت اقلیم (۱۳/۲).

دقی دینوری دمشقی، ابو عمر، ابوبکر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۶۰/۳۵۹ ق)، عارف، حافظ قرآن، قاری و محدث. اصل وی از دینور بود، و در شام می‌زیست و به شیخ شامی‌ها معروف بود. وی از اقران ابوعلی رودباری و شاگرد زقاق کبیر بود و با جنید بغدادی و ابوبکر مصری صحبت داشته است. و از مشایخ وقت، و در میان هم‌طبقه خود به جلالت موصوف بود. قرآن را نزد ابوبکر بن مجاهد فراگرفت و از سعید بن عبدالعزیز حلبی و ابوبکر خرائطی و ابوبکر دقاق حدیث شنید. عبدالوهاب میدانی از راویان دقی است. در صد و بیست سالگی در گذشت. این شخصیت در «تاریخ بغداد» تحت عنوان زقی آمده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۲۶۷- ۲۶۶/ ۵)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (۷۹)، ریحانه (۲/ ۲۲۳)، سیر النبلاء (۱۳۹- ۱۳۸/ ۱۶)، طبقات الصوفیه سلمی (۴۴۸)، طبقات صوفیه هروی (۵۰۷- ۵۰۵)، نفحات الانس (۱۹۳- ۱۹۲)، الوافی بالوفیات (۳/ ۶۳).

دقیقی شاهرودی، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

زندگینامه علمی

مهدی دقیقی شاهرودی از سن ۱۴ سالگی مطالعات دینی خود را آغاز نمود و در سن ۱۶ سالگی در حالی که در دبیرستان مشغول به تحصیل بود تحصیلات خود را رها نمود و پس از قبولی در آزمون ورودی حوزه علمیه قم به صورت طلبه رسمی وارد حوزه علمیه قم گردید و تحصیلات خود را در محضر مدرسان بزرگ علوم دین آغاز نمود. وی صرف و نحو، معانی و بیان، منطق و معقولات، عقاید و ادیان، ادبیات فارسی، فقه و اصول و علوم حدیث و علوم مختلف دینی را از محضر مدرسان فرهیخته حوزه فرا گرفت. دغدغه همیشگی او عدم استفاده از علوم فراگرفته توسط علما و طلاب و جاری نشدن علوم دینی در سطح جامعه بود، او معتقد است اگر فردی علوم را کسب نماید اما آن را به دیگران نیاموزد و دیگران نیز از علوم او استفاده نکنند آن فرد عالم نیست و با جهال تفاوتی ندارد. و از سوی دیگر عدم حضور دانش‌آموختگان حوزه در جامعه زمینه ورود دزدان اعتقادات را فراهم می‌آورد. از این رو در خلال تحصیل از قم به مناطق مختلف از جمله زادگاه خود تهران سفر می‌نمود و در حلقه‌های مختلف درس و گفتگوی دینی با جوانان، نوجوانان و دانشجویان به انتقال یافته‌های خود می‌پرداخت. او پس از چندسال کسب فیض از علما و فحول حوزه خود به تحقیق و تحصیل پیرامون معارف دین پرداخت و برای موفقیت هرچه بیشتر برای یافتن راه صحیح سلوک دینی تحقیقات خود را آغاز نمود و گوهر گمشده وجود خود را در "حوزه نجف" و سرآمدان آن حوزه کهن یافت و از این رو برای شناخت ریشه‌های علم "و عالمان آن سامان" به مسافرت‌های مکرر به آن دیار پاک و تحقیقات گسترده درباره آن حوزه کهن دست یازید. نتیجه تحصیلات و تحقیقات دینی و تلاش‌های علمی وی در حوزه معارف دین ارتباط تنگاتنگ با مجتهدین و عالمان فرهیخته حوزه و کسب اجازات مختلف از آن بزرگواران بود. او در خلال مطالعات دینی تحصیلات کلاسیک خود را نیز ادامه داد و مدرک دیپلم و پیش‌دانشگاهی خود را نیز دریافت نمود و در مقاطع ورشته‌ای مختلف دانشگاه نیز پذیرفته شد اما محصور شدن در نظام آموزشی حوزه و دانشگاه مطلوب او نبود و تحقیقات آزادانه و همراه با حریت در حوزه مسائل دین را برای خود برگزید

که حاصل آن چندین سال تدریس، تحقیق و تبلیغ در حیطه مباحث دینی می باشد. وی نشر فضایل و علوم اهل بیت علیهم السلام، پاسخگویی به مسائل شرعی، شرکت در مناظرات دینی، مسافرت‌های تبلیغی، اداره سایتهای اینترنتی دینی، تدریس در دانشگاه و حوزه، نوشتن و تهیه مقالات مورد نیاز جامعه، رفع اختلافات عموم طبقات جامعه، سخنرانی و برگزاری مراسمات و بزرگداشت‌های دینی، مقابله جدی با منحرفان و شبهه افکنان دینی و... وظایفی است که به عنوان یک طلبه برای خود مقرر نموده است.

دقیقی، ابوالقاسم علی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۱۵- ۳۴۵ ق)، عالم، ادیب و نحوی. از پیشوایان علمای نحو و از شاگردان ابوعلی فارسی و ابوالحسن رمانی و ابوسعید سیرافی بود، و مراجع استفاده‌ی جمعی کثیر. دقیقی در تیه در گذشت. از تالیفات وی: شرح «الایضاح» ابوعلی فارسی؛ «شرح الجرمی»، در نحو؛ «العروض»؛ «المقدمات».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۲۴/۵)، ایضاح المکنون (۵۴۱، ۴۵۱/۲)، روضات الجنات (۲۳۱- ۲۳۰/۵)، ریحانه (۲۲۴/۲)، کشف الظنون (۲۱۲)، الکنی و الالقاب (۲۲۹/۲)، لغت نامه (ذیل / ابوالقاسم)، مجمل فصیحی (ذیل / سالهای ۳۴۵ و ۴۱۵)، معجم الادباء (۵۷- ۱۴/۵۶)، معجم المؤلفین (۱۴۴/۷)، هدیه الاحباب (۱۳۵)، هدیه العارفین (۶۸۶/۱).

دکتر، رضا

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۹۴ ق)، طبیب و مترجم. پس از بازگشت از اروپا به میرزا رضای دکتر معروف شد. وی هنگامی که در دارالفنون در رشته‌ی طب تحصیل می کرد، از شاگردان دکتر پولاک اطریشی بود و چهار سال و نیم نزد وی مشغول به آموختن این علم بود. او همچنین مدت چهار سال در اروپا به تحصیل طب پرداخت. پس از بازگشت به ایران طبیب مخصوص و معلم زبان فرانسه سلطان مسعود، پسر بزرگ ناصرالدین شاه شد. سپس همراه علاءالدوله به عثمانی رفت و پس از بازگشت با سمت حکیم باشی گری با علاءالدوله، که به عنوان حاکم زنجان انتخاب شده بود، به زنجان رفت و بعد به تهران مراجعت نمود و به جای دکتر شلیمر هلندی معلم طب دارالفنون گردید. از شاگردان وی: میرزا علی اکبر خان نفیسی ناظم الاطباء، ابوالحسن خان و سید احمد نصرالاطباء می باشند. از آثار وی: ترجمه‌ی کتاب «پاتولوژی»، تألیف گوئزل.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران (۱/ ۲۸۵)، شرح حال رجال (۹۸- ۹۷/۵).

دکنی انجدانی، شاه طاهر

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۵۶-۹۵۲ ق)، متکلم، دانشمند، شاعر. وی در همدان متولد شد. در محلی به نام خند (خواند) نزدیک قزوین روزگار می‌گذراند، با گذشت زمان به خاطر علم و تقوایی که داشت محبوبیت زیادی یافت. تا حدی که معروفترین امام سلسله نزاری شاخه‌ی محمدشاهی شد. وی وارد دربار شاه اسماعیل صفوی شد در حالی که شاه صفوی از نفوذ او بیمناک بود، چند بار توسط میرزا حسین اصفهانی که از درباریان بانفوذ و حامی شاه طاهر بود، حمایت شد. شاه طاهر پس از آن به کاشان به عنوان مدرس علوم دینی راهی شد، در کاشان علمای اثنی عشری، اخباری از شاه طاهر به دربار فرستادند که باعث شد فرمان قتل وی صادر شود. ولی وی به هند گریخت و به دربار اسماعیل عادلشاه حاکم بیجاپور راه یافت. ولی چون توجهی ندید قصد خانه خدا کرد در راه به پیر محمد شیروانی برخورد و تاثیری در وی گذاشت که باعث خوانده شدنش به احمدنگر دربار نظامشاه شد وی پس از مدتی از معتمدترین یاران نظامشاه شد، در عین حال در آن شهر به ایراد درس در موضوعات مختلف مذهبی می‌پرداخت. وی گویا به خاطر شفا دادن معجزه‌آسای پسر نظامشاه مرتبه‌ای بلند یافت و نظامشاه به تشیع گروید. در بادی امر تبلیغ مذهب اثنی عشری توسط یک امام نزاری شکفت جلوه می‌کند اما باید به خاطر داشت که شاه طاهر و دیگر پیشوایان نزاری آن عهد ناچار به مراعات تقیه به صورت شدید بودند. نظامشاه پس از این تغییر تشیع را مذهب رسمی مملکت خود کرد. وی از دانشمندان و ادیبان و عارفان معروف عهد خود بود. در تفسیر و حدیث و فقه و اصول و حکمت و ریاضی مهارت داشت. دانشهای عقلی را نزد شمس‌الدین محمد خضری فراگرفت و در مجموعه‌ی «منشآت» نامه‌یی به همین استاد می‌بینیم. وی در احمدنگر درگذشت. استخوان او را بعدها به کربلا بردند و در جوار امام حسین (ع) به خاک سپردند. از آثارش: «منشآت شاه طاهر» یا «انشاء روح افزا»؛ حاشیه بر «الهیات شفا»؛ شرح بر «تهذیب الاصول»؛ «شرح باب حادی عشر» در کلام، شرح «رساله‌ی جعفریه»، در فقه؛ حاشیه بر «تفسیر» قاضی بیضاوی؛ رساله‌ی «النموزج العلوم» و رساله فارسی در احوال معاد. «دیوان» شعری هم دارد که اشعاری لطیف را شامل است از آن جمله قصایدی که در مدح علی (ع) و نبی اکرم (ص) دارد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: آتشکده‌ی آذر (۱۲۷۲-۱۲۶۶/۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۳۳-۱۶۲۹، ۶۷۰-۶۶۲/۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۶۷)، تاریخ و عقاید اسماعیلیه (۵۶۰-۵۵۴)، تحفه‌ی سامی (۴۴-۴۳)، دایرةالمعارف فارسی (۱۴۴۴/۲)، الذریعه (۶۴۱، ۵۰۰-۴۹۹/۹، ۱۴۲/۶، ۴۰۶/۲)، ریاض العارفین (۱۰۴-۱۰۳)، ریحانه (۱۷۳/۳)، فرهنگ سخنوران (۵۸۳-۵۸۲)، کاروان هند (۸۰۲-۱/۷۹۱)، لغت نامه (ذیل / طاهر)، هفت اقلیم (۲۰۷-۳/۲۰۳).

دلوی استوایی، ابوحامد احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۳۴-۳۵۸ ق)، ادیب و فقیه شافعی اشعری. اصل وی از استواء، از نواحی نیشابور، است. از ابوحامد حاکم نیشابوری و ابوالعباس احمد انماطی و ابوسعید عبدالله بن محمد رازی حدیث شنید، سپس وارد بغداد شد و از دارقطنی و همطبقه‌ی او حدیث روایت کرد و در آن شهر مسکن گزید. دلوی از جانب قاضی ابوبکر باقلانی، مدتی در عکیرا قضاوت کرد. در فقه شافعی مذهب، و در اصول اشعری مذهب بود. به گفته‌ی خطیب بغدادی، وی ادب شناس بود و از ادیبیت و رعیت حظی تمام داشت، اما حدیث اندکی روایت

کرده است. یاقوت حموی گوید که بسیاری از کتابهای ادبی موجود، به خط اوست. در بغداد درگذشت و در قبرستان شونیزیه دفن شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۳۷۸-۳۷۷/۴)، ریحانه (۲/۲۲۷)، سیر النبلاء (۵۸۲/۱۷)، لغت نامه (ذیل / احمد)، معجم الادباء (۳۹) - ۳۸ / ۵، الوافی بالوفیات (۳۵۱/۷).

دلیر، بهرام

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

بهرام دلیر

محل تولد: نقده

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۰ در جبهه های حق علیه باطل که بطور خدا خواهی با یک روحانی رزمنده هم سنگر شدیم و او در سال ۱۳۶۱ اولین انگیزه را برایم ایجاد نمود که وارد حوزه علمیه شوم سال تحصیلی ۱۳۶۱-۶۲ بود که وارد حوزه علمیه ارومیه شدم در آنجا شاید سه ماه بودم که عازم مدرسه ولیعصر عج تبریز شدم سال تحصیلی ۶۲ را به پایان بردم در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم و درسها را دوباره از اول شروع کردم در ادبیات و قسمتی از معالم الاصول را نزد مرحوم مغفور استاد و ادیب مدرس افغانی خواندم در این ایام تابستان زمستان تحصیلی و تعطیلی اشتغال به درس داشتم مگر در فرصتی که عازم جبهه می شدم. لمعتین را با آیه الله اشتهاردی و آیت الله وجدانی فخر و آیت الله استادی به پایان بردم اصول فقه را با محمدی خراسانی. اما رسایل را با آیت الله اعتمادی و مکاسب را با اساتید متعدد از جمله آیت الله ستوده موسوی تبریزی، کفایه الاصول را با آیت الله اعتمادی و آیت الله محفوظی خواندم.

در کنار تحصیلات ادبیات و بعضی از درسهای دیگر را تدریس می کردم تا اینکه در سال ۱۳۶۷ در درس خارج اصول آیت الله مفتی الشیعه و در فقه درس خمس آیت الله مکارم شیرازی شرکت نمودم و در سال ۱۳۶۸ در درس خارج فقه و اصول المقارن آیت الله خبارن که بمدت شاید ۱۲ سال زحمت ما را کشید و ذره پروری نمود در درس آیت الله فاضل لنکرانی و موسوی اردبیلی کم و بیش شرکت می کردم. تمام امتحانات شورای مدیریت را دادم و مصاحبه ۶ سال در خارج فقه و نیز اصول را هم به پایان رساندم.

در سال ۱۳۷۲-۱۳۷۳ در حوزه علمیه امام خمینی سنقر کلیانی تدریس کردم و در سال ۱۳۷۳ در حوزه علمیه قم تدریس جدی سطح را آغاز کردم که هنوز هم ادامه دارد. درسهایی که طی این مدت تدریس شد در موضوعات مختلف بوده است. لازم بذکر است که در کنار تدریس، درس خارج را با آیت الله جناتی ادامه دادم و بطوری تفصیلی و تحقیقی شروع به تحصیل معقول نمودم با اساتیدی همچون آیت الله حسن زاده آملی و جوادی آملی و قبلا با آیت الله گرامی و بطور مستمر و پی گیر با حکیم دست پرورده

علامه طباطبایی یعنی آیت الله عسگری گیلانی که تا سال ۱۳۸۲ ادامه داشت که در این مدت کل اسفار ملاحظه‌ای بجز (ج ۴) و کل اسفار الهیات و تمام اشارات بوعلی و در عرفان کتاب تمهید القواعد، فصوص الحکم و مصباح الانس را به پایان بردم. اما چگونگی تحصیل این دروس بخصوص با استاد عسگری بدین صورت بود که یک درس در ایام تحصیل بود و یکی هم شبهای تعطیلی به طور مثال ج ۱ اسفار در ایام تحصیلی خوانده می‌شد و ج ۸ در ایام و شبهای تعطیل در پایان سال هر دو جلد به پایان می‌رسید و جدیتی که بود و زحمات طاقت فرسایی که استادم می‌کشید باعث شد که یک دوره معقول را به خوبی به پایان برسانم. در سال شاید ۱۳۷۳ بود که پایان نامه سطح چهار را نوشتم و برای دفاع رفتم اما اتفاق تلخی که در آن جلسه رخ داد، بنده را به طور عجیبی دگرگون نمود که طوری شد که بعد از جلسه تصمیم به ادامه درسهای کلاسیک را گرفتم و به طور متفرقه دیپلم را گرفتم و سپس در کنکور سراسری شرکت کردم و با رتبه‌ای خوب در رشته فلسفه غرب دانشگاه تهران قبول شدم و به مجتمع آموزش عالی قم آمدم و مشغول به تحصیل شدم مدتی خواندم با اینکه در این زمان به طور سخت بحثهای حوزوی خود اعم از تحصیل و تدریس را داشتم ولی بعد دیدم که چیزی از آن رشته عاید نمی‌شود لذا تغییر رشته داده و در علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع) ادامه داده تا اینکه در کارشناسی ارشد علوم سیاسی هم قبول شدم و به پایان رساندم با معدل نزدیک به ۱۹ تمام شد. و در مدت تحصیل دانشگاه چند واحدی هم در طی پنج سال در همان دانشگاه تدریس می‌کردم و در این مدت با هر مشکلی در افتادم و خداوند هم سرافراز از آن مشکل بیرونم می‌آورد. درسهای که تدریس کردم در مدرسه فیضیه بیشتر بوده عبارتند از: رسائل، مکاسب، کفایه الاصول، بدایه الحکمه، نهایه الحکمه، شرح منظومه، اشارات بوعلی سینا و در منزل حکمت عملی مدینه فاضله فارابی، نهج البلاغه، تفسیر و در ایام تعطیل در مدرسه فیضیه، رجال، درایه، کلام و غیره و به صورت آزاد با بعضی از فرهنگیان گلشن راز شیخ محمود شبستری و منازل السائرین که هنوز هم ادامه دارد.

دلیل تجاری، علمی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیهوشی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی تهران، دکترای تخصصی بیهوشی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۱.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۱، دانشیار رشته بیهوشی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران

در سال ۱۳۶۲.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی کاربرد انواع داروهای بیهوشی در موارد خاص بیهوشی در اعمال جراحی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه دکترای تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی :-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی :-

زمینه علمی تألیفات:

رشته‌های مختلف پزشکی و بیهوشی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۸، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

رشته‌های مختلف پزشکی، بیهوشی، مقایسه بین تکنیک‌های مختلف برای اعمال جراحی در رشته‌های جراحی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

دماوندی، علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ملا علی دماوندی از بزرگان علماء و فقهاء معاصر ناصری بوده است وی در عصر شیخ انصاری مشرف به نجف اشرف گردیده و از محضر علامه کوه‌کمری استفاده نموده و تقریرات درس او را نوشته آنگاه مهاجرت به سامره نموده و از محضر میرزای بزرگ شیرازی بهره‌مند گردیده تا یکی از رجال فضل و مبرزین تلامذه سید گشته است و آنجناب گذشته از مقام علم از اجلاء علماء اخلاق و مشاهیر اهل سلوک و عرفان و بسیار متقی و پارسا و زاهد بوده است در سامره حوزه تدریس داشته و جمع زیادی مانند عالم ربانی حاج شیخ حسنعلی تهرانی و آسید عزیزالله تهرانی از محضر و درسش استفاده می‌نمودند و همواره شاگردان خود را توصیه به تهذیب اخلاق و تزکیه نفس می‌نمود و اکثر از شاگردان او از اتقیا و پرهیزکاران بوده‌اند و در جماعت بسیاری از صلحاء و ابرار شرکت می‌کردند تا در ۲۵ ذی‌قعدة سال ۱۳۰۴ قمری در کاظمین از دنیا رفته و در یکی از حجرات صحن شریف مدفون گردیده است.

(وف ۱۳۰۴ ق)، فقیه و عالم دینی. از علما و فقهای بزرگ عصر ناصری است که در زمان شیخ انصاری به نجف رفت و از محضر علامه کوه‌کمری استفاده‌ی بسیار برد و «تقریرات» درس وی را نگاشت، آنگاه به سامراء رفت و از محضر میرزای بزرگ شیرازی نیز بهره‌مند شد تا به حدی که او را از شاگردان برجسته‌ی سید شمردند. وی گذشته از مقام علم در زمینه‌ی اخلاق و تقوی نیز مبرز بود. سرانجام در سامراء حوزه‌ی تدریس برقرار کرد و جمع زیادی، مانند حاج شیخ حسن علی تهرانی و آقا سید عزیزالله تهرانی، از محضرش استفاده نمودند. او همواره شاگردان خود را به تهذیب اخلاق و تزکیه‌ی نفس توصیه می‌کرد؛ لذا اکثر شاگردانش از پرهیزکاران بنام زمان خود بودند. وی در کاظمین از دنیا رفت و در یکی از مقابر صحن شریف دفن شد. [۱]

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳۰۲ - ۱۳۰۱/۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۵۸ - ۱۵۷/۵).

دماوندی، غلامرضا

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غلامرضا دماوندی عالمی جلیل و فقیهی متقی و ملقب (به مقتدی) و از روساء روحانی و مراجع دینی دماوند و مورد وثوق عموم مردم و بسیار ساعی در قضاء حوائج ایشان بوده و از اتصال و ارتباط به دولت موقت احتراز و اجتناب می نمود تا در سال ۱۳۰۷ قمری وفات نموده و برادرش مرحوم آقا شیخ حسین مقتدی بجای او قرار گرفت. بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

دماوندی، محمدباقر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۰۷ ق)، عالم دینی، فقیه، حکیم، ریاضی دان و زاهد. او در نجف در محضر شیخ انصاری و سید حسین کوهکمری به مقامات عالی‌ه‌ی علمی رسید، تا جایی که علامه‌ی کوهکمری وی را بر میرزای بزرگ شیرازی برتری می داد. گذشته از فقه و اصول، دماوندی در علم طب و حکمت و ریاضیات ماهر بود و بر تاریخ و سیر احاطه‌ی بسیاری داشت، و از حافظه‌ی قوی و عجیبی نیز برخوردار بود به طوری که بیشتر متون ادبی و فقهی را در حافظه داشت. در عصر علامه کوهکمری به دماوند بازگشت و در آن نواحی مرجع امور دینی مردم شد. او از مکارم والای اخلاقی برخوردار بود. [۱]

محمدباقر بن حسن سارانی عالمی بزرگ و دانشمندی متقی و پارسا بوده است وی از دماوند هجرت به نجف اشرف نموده و از محضر علامتین شیخ مرتضی انصاری و سید حسین کوه کمری استفاده نموده و در عصر علامه کوه کمری به دماوند برگشته و به وظائف دینی پرداخته است دارای کمالات و مقامات عالیه علم و عمل بوده تا جائی که علامه کوه کمری وی را بر میرزای بزرگ مجدد شیرازی تفضیل می داده است مخصوص در علم طب و حکمت و ریاضیات ید طولائی داشته و به تواریخ و حکایات اطلاع زیاد و حافظه اش نیز عجیب و بیشتر متون ادبیه و فقهیه را محفوظ بوده و در دماوند و حومه آن ریاست تامه داشته و حتی در بعضی از قضایا علامه کنی ره با وی معارضه می نموده است و آن مرحوم عالمی ثروتمند و میهمان دوست و کریم النفس و منیع الطبع و بخشنده بوده است در سال ۱۳۰۷ قمری وفات نموده است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: [۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۰۶- ۲۰۵/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۵۷- ۱۵۶/ ۵).

دواجی، فریدون

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد ۱۳۱۸، مرتبه علمی: استاد، رشته: روماتولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی و دکترای تخصصی روماتولوژی.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی روماتولوژی گروه داخلی دانشگاه علوم پزشکی تهران. زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح‌های اپیدمیولوژی بیماری بهجت، علائم بالینی بیماری بهجت، معیار تشخیص به روش (درخت تشخیصی) بررسی کارآئی معیارهای مختلف تشخیصی بیماری بهجت، بررسی آینده‌نگر علائم عصبی، بیماری بهجت، بررسی آینده‌نگر دستگاه گوارش در بیماری بهجت، بررسی ایمونولوژی بیماری بهجت، بررسی تست جلدی در بیماران بهجت و گروه کنترل، پروژه درمان ضایعات چشمی بیماری بهجت، علائم بالینی بیماری لوپوس، پروژه درمان در لوپوس، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۳ پایان‌نامه دکترای ابداع:

درمان بیماری بهجت، تشخیص بیماری بهجت، تعیین فعالیت بیماری بهجت با معیارهای ابدائی ایران، سینوکتومی شیمیائی در درمان سل مفصلی، سینولتومی شیمیائی در درمان آرتریتهای عفونی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی :-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی :-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۹۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۹۲

زمینه علمی مقالات:

مباحث مختلف فوق تخصصی روماتولوژی مخصوصاً بیماری بهجت و بیماری لوپوس.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

دوانی، جلال‌الدین محمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۸۳۰- ح ۹۱۸/۹۰۸ ق)، حکیم، فیلسوف، فقیه، متکلم، مفسر، قاضی و شاعر، متخلص به جلال و دوانی نیز فانی. معروف به علامه دوانی و مشهور به محقق دوانی. نسبش به محمد بن ابی‌بکر می‌رسد. در دوان از قرای کازرون فارس متولد شد. ابتدا نزد پدر دانش آموخت و سپس برای تکمیل معلومات خود به شیراز رفت و در خدمت ملا محی‌الدین انصاری (از اولاد سعد بن عباد صحابی) درآمد. دوانی مسافرت‌هایی به گیلان، کاشان، تبریز، عراق، مدینه و مکه داشت. در شیراز اقامت گزید و سالها در مدرسه‌ی بیگم به تدریس مشغول بود. بین او و امیر صدرالدین دشتکی شیرازی مناظرات و مباحثات حضوری و غیابی بسیار، در زمینه‌ی حکمت و کلام، جریان داشت و شاگردان وی بیشتر از شاگردان امیر صدرالدین دشتکی بودند. در دوران آق‌قویونلوها منصب قاضی القضاتی فارس را بر عهده داشت. علامه‌ی دوانی در همه‌ی علوم زمان خود تبحر داشت و شعر فارسی را نیز به خوبی می‌سرود. وی ابتدا شافعی مذهب بود و بعد مذهب شیعه را برگزید، و سپس رساله‌ای به نام «نور الهدایه» نگاشت که بر تشیع او تصریح دارد، و نیز حاشیه‌ی او بر «تجرید»، در جواب میر صدرالدین شیرازی در تفضیل ابوبکر بر علی (ع)، موید تشیع اوست. او در این رابطه اشعاری

نیز سروده است. دوانی صاحب بیش از صد تالیف به زبان عربی و فارسی در علوم مختلف بود که برخی از آنها عبارت‌اند از: «انموذج العلوم»، محتوی مسایلی از هر علم؛ «اثبات الواجب القديم»؛ «اثبات الواجب جدید»؛ رساله در «افعال العباد»؛ شرح بر متن «تهذیب المنطق» تفتازانی؛ شرح بر «العقائد العضدیه»؛ حاشیه‌ی قدیمه و جدیده و اجد بر «شرح التجرید» فاضل قوشچی یا «طبقات الجلالیه»؛ «لوامع الاشراف فی مکارم الاخلاق» یا «اخلاق جلالی»؛ «التوحید»؛ تعلیقه بر «الانوار لعمل الابرار» اردبیلی، در فقه شافعی؛ «الجبر و الاختیار» یا «خلق الاعمال»؛ «التصوف و العرفان»؛ «تحفه‌ی روحانی»؛ تفسیر چندین آیه و سوره‌ی قرآن از جمله سوره‌ی «اخلاق» و «کافرون». [۱]

(منسوب به دوان) جلال‌الدین محمد بن سعد (یا سعدالدین) اسعد کازرونی، دانشمند و قاضی معروف. (و. دوان ۸۳۰ ف. ۹۰۸ ه.ق.). پدرش قاضی کازرون بود و دوانی بخش اول عمر خود را در آن شهر گذراند و در مدرسه دارالایتام به تعلیم پرداخت. وی حکیمی متکلم و محقق است. از آثار اوست: اخلاق جلالی (علم اخلاق) اثبات الواجب جدید، اثبات الواجب قدیم، افعال الله تعالی انموذج علوم.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار عجم (۳۲۵-۳۰۹)، احقاق الحق (۱۲۴-۱۲۲/۳)، الاعلام (۲۵۷/۶)، اعیان الشیعه (۱۲/۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۰-۹۹/۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۶۷-۲۶۵)، تذکره‌ی روز روشن (۱۷۵-۱۶۷)، الذریعه (۵۷/۲۵، ۱۴۷/۱۵، ۱۹۹/۹، ۸۲/۵، ۲۰۶/۲)، روضات الجنات (۵۴۸-۵۴۱/۲)، ریحانه (۲۳۶-۲۳۲/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۲۲-۲۲۰/۱۰)، کشف الظنون (۲۰۴۸، ۱۸۹۳، ۱۵۶۷، ۱۱۴۴، ۱۰۹۶، ۸۶۳، ۸۴۷، ۸۴۲، ۵۱۶، ۴۵۷، ۴۴۹، ۳۴۹، ۱۹۵، ۱۸۴)، لغت نامه (ذیل / دوانی)، مجالس المومنین (۲۲۹-۲۲۱/۲)، معجم المؤلفین (۴۷/۹)، هدیه الاحباب (۱۳۶).

دوایی شیرازی گیلانی، شمس‌الدین علی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۰۳/۱۰۰۴ ق)، حکیم، پزشک، کمال و شاعر، متخلص به دوایی. معروف به عین‌الملک. ظاهراً مولد وی شیراز بود؛ ولی در گیلان نشو و نما یافت. دوایی با جلال‌الدین اکبرشاه و بیرم خان سپهسالار معاصر بود. در عصر اکبرشاه به هندوستان رفت و با معرفی خان اعظم، کوکلتاش به دربار راه یافت. وی سفری نیز به کاشان داشت و مدتی از عمر خود را در مکه به سر برد. مدتی حکومت دهلی و چندی صدارت صوبه‌ی بنگاله را بر عهده داشت. از مقربان اکبرشاه و از ملازمان اعظم خان کوکلتاش بود. از آثار وی: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۴۶۰/۵)، تاریخ نظم و نثر (۶۷۶)، تذکره‌ی روز روشن (۲۶۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۵۱-۵۴۹/۲)، الذریعه (۳۲۹/۹)، ریاض العارفین (۱۹۴)، فرهنگ سخنوران (۳۴۵-۳۴۴)، کاروان هند (۴۱۷-۴۱۴/۱)، هفت اقلیم (۱۴۹/۳).

دوایی، منوچهر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: استاد، رشته: جراحی عمومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۰، دکترای تخصصی جراحی عمومی از دانشگاه راجستر آمریکا در سال ۱۳۴۵، فوق تخصص جراحی کودکان از دانشگاه مانی‌توبا کانادا در سال ۱۳۴۶ و فوق تخصص جراحی کودکان از دانشگاه جانزهاپکینز آمریکا در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و دریافت لوح تقدیر استاد نمونه از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی شیوع بیماریهای جراحی در تهران، نقش فاسیاتومی در ترومای اندامها، ترومای گردن، تدریس جراحی عمومی و جراحی کودکان و راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳۶ پایان‌نامه دکترا و تخصصی جراحی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

تروماتولوژی، فوریت‌های درمانی در مجروحین و مصدومین، بخش ترومای نوزادان در حین تولد، جراحی اطفال و طب اطفال.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۶، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

تروماتولوژی، جراحی عروق، جراحی کودکان، جراحی عمومی و آموزش پزشکی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

دوریستی رازی، ابوعبدالله جعفر

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س پنجم ق)، محدث و عالم امامی. از خانواده علم و فضل بود و نسب وی به حذیفه بن یمان می‌رسید. معاصر شیخ طوسی بود و خواجه نظام‌الملک نیز به او ارادت داشت. از صدوق به واسطه پدرش و از مفید و سید مرتضی و سید رضی روایت کرده و از تلامذه ایشان بود. شاذان بن جبرئیل و محمد بن ادریس حلی و سید مرتضی بن داعی و نوه‌اش، ابوجعفر محمد بن موسی بن جعفر دوریستی، از وی روایت کرده‌اند. از آثار وی: کتاب «الاعتقادات»؛ «الرد علی الزیدیه»؛ «الکفایه فی العبادات»؛ «یوم و لیل».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۵۲- ۱۵۱/ ۴)، الذریعه (۳۰۴/۲۵، ۹۵/۱۸، ۲۲۵/۲)، رجال الطوسی (۴۵۹)، روضات الجنات (۱۷۵) - ۱۷۰/ ۲)، ریاض العلماء (۱۱۰/۱)، ری باستان (۵۴۶/۲)، ریحانه (۲۳۷/۲)، الکنی و الالقاب (۲۳۵- ۲۳۳/ ۲)، لغت نامه ذیل / ابو عبدالله، معجم المؤلفین (۱۴۴/۳)، هدیه الاحباب (۱۳۶).

دوریستی رازی، حسن

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س پنجم و ششم ق)، ادیب. پدرش جعفر از علمای امامیه بود وی نیز همانند پدر فردی فاضل و دانشمند بود و گاهی هم شعر می سرود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۹/۵)، ریاض العلماء (۱۶۹- ۱۶۸/ ۱)، ریحانه (۲۳۸/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۷/۷)، الکنی و الالقاب (۲۳۴/۲).

دوریستی، نجم‌الدین، ابو محمد عبدالله

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۶۰۰ ق)، فقیه امامی. اهل ری بود و نسب خود را به حذیفه بن یمان منتسب می‌داشت. از جدش روایت می‌کرد. در سال ۵۶۶ ق به بغداد رفت و به نشر احادیث امامیه پرداخت و از شیخ صدوق به سه واسطه و نیز از شیخ مفید و سید رضی و سید مرتضی و شیخ طوسی و از جدش، محمد بن موسی دوریستی، روایت کرد. وی سرانجام به شهر خود بازگشت و در همان جا وفات یافت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴۹/۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۳- ۹۲/ ۷)، ریاض العلماء (۱۹۰- ۱۸۷/ ۳)، ری باستان (۵۴۵/۲)، ریحانه (۲۳۸/۲)، الکنی و الالقاب (۲۳۴/۲)، معجم البلدان (۵۵۱- ۵۵۰/ ۲).

دوزدوزانی تبریزی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۱۲ ق)، فقیه اصولی. در دوزدوزان از توابع سراب به دنیا آمد و در تبریز از محضر آقا میرزا محمدصادق آقا استفاده برد و سپس به نجف رفت و مدت دوازده سال در خدمت شیخ احمد کاشف الغطاء و شیخ علی اصغر ختائی و شیخ مهدی مازندرانی به

تکمیل تحصیلات خویش پرداخت، و از آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حایری و آیت‌الله آقا شیخ احمد کاشف الغطاء اجازه اجتهاد گرفت و به موطن خویش بازگشت و به انجام وظایف دینی پرداخت. از آثار وی: «لب الاصول»، در مباحث الفاظ و اصول علمیه؛ «کتاب الطهاره»؛ «منجزات المریض»؛ حاشیه بر «العروه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: علماء معاصرین (۲۸۴).

دوست گیلانی، عبدالسلام

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دوم ق)، عالم و زاهد. در بغداد می‌زیست و از خاندان تصوف و زهد بود. در روزگار ناصر لدین‌الله عباسی به جهت حسادت عده‌ای و علاقه وافر که به علوم عقلی داشت او را به الحاد متهم کردند و کتابخانه عظیمی را که در این زمینه فراهم کرده بود بیشتر کتابهای آن را در حضور مردم سوزانیدند و خودش را به زندان افکندند پس از چندی آزاد شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: کارنامه بزرگان (۳۳).

دوستی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیوشیمی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای بیوشیمی (بالینی) از فرانسه در سال ۱۳۶۵.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

جداسازی لیپیدها و لیوپروتئین‌های خون در افراد طبیعی و بیماران مبتلا به ضایعات قلبی و عروقی و رابطه آنها با یکدیگر، تدریس در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا، مشاوره و نظارت بر ۴ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

بیوشیمی عمومی، بیوشیمی بالینی، بیوشیمی عملی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۹، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

بیوشیمی لیپیدها، لیوپروتئین‌ها و پروتئین‌های سیستم عصبی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

دولابی، ابوبشر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۲۰/۳۱۰ - ۲۳۴/۲۲۴ ق)، حافظ، محدث و مورخ. وی از دولاب ری بود و پیشه وراقی داشت. در زادگاهش به علم‌آموزی پرداخت و در شام و عراق و حجاز حدیث شنید و در مصر مسکن گزید. وی از محمد بن بشار و احمد بن ابی‌سریج رازی و احمد بن عبدالجبار عطاردی و ابواسحاق جوزجانی و بسیاری دیگر حدیث شنید. ابوحاتم رازی و ابواحمد بن عدی و ابوالقاسم طبرانی و ابوالحسن بن حیویه و ابوحاتم ابن‌حبان بستی و دیگران از وی روایت کرده‌اند. دولابی در راه زیارت خانه خدا، بین مکه و مدینه، در عرج، در گذشت. وی تصانیف سودمندی در تاریخ و موالید و وفیات علما از خود به جای گذاشت که از آن جمله کتاب «الکنی و الاسماء» است که در حیدرآباد هند به چاپ رسیده است. از دیگر آثار او: «الذریه الطاهره»؛ «اخبار الخلفاء».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۹۸/۶)، ری باستان (۳۴۷/۲)، ریحانه (۲۳۹/۲)، سیر النبلاء (۳۰۹/۱۴)، کشف الظنون (۱۴۱۹، ۸۲۷)، الکنی و الالقاب (۲۳۶/۲)، لسان المیزان (۶۵۲ - ۶۵۱ / ۵)، لغت نامه (ذیل / ابوبشر دولابی)، معجم المؤلفین (۲۵۵/۸)، الوافی بالوفیات (۳۶/۲)، وفیات الاعیان (۳۵۳ - ۳۵۲ / ۴)، هدیه العارفین (۳۱/۲).

دولابی، ابوجعفر محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۲۲۷ - ۱۵۰ ق)، خطاط و محدث. اصلاً از هرات بود. در قریه دولاب ری متولد شد. تجارت پیشه بود و شغل بزازی داشت، لذا او را دولابی بزار نیز نامیده‌اند. از شریک بن عبدالله، اسماعیل بن زکریا، ابن مبارک، جریر بن عبدالحمید، سفیان بن عیینه، اسماعیل بن علی و حفص بن غیاث و بسیاری دیگر حدیث شنید. احمد بن حنبل و پسرش عبدالله بن احمد و بخاری و مسلم و ابوداود (صاحبان صحاح) و ابوحاتم و گروه بسیاری از دولابی حدیث روایت کرده‌اند و او را در حدیث ثقه و حجت دانسته‌اند. ابن‌معین او را امین و احمد بن حنبل و ابوحاتم رازی او را ثقه خوانده‌اند. او در بغداد صاحب نام بود و در کرخ بغداد در گذشت. از آثار وی کتاب «السنن»، در حدیث، است که آن را در چندین بخش مرتب کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۵/۷)، تاریخ بغداد (۳۶۷-۳۶۵/۵)، التاريخ الكبير (۱۱۸/۱)، تهذيب التهذيب (۱۹۸-۱۹۷/۹)، الجرح و التعديل (ج ۳ ق ۲/۲۸۹)، ری باستان (۳۶۸/۲)، ريحانه (۲۴۰-۲۳۹/۲)، سير النبلاء (۶۷۲-۶۷۰/۱۰)، الكنى و الالقاب (۲۳۶/۲)، معجم البلدان (۵۵۱/۲)، معجم المؤلفين (۸۹/۱۰)، ميزان الاعتدال (۵۸۴/۳)، الوافى بالوفيات (۱۵۸/۳)، هديه العارفين (۱۱/۲).

دولت آبادی، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند عباس (دولت آباد از بلوک برخوار، و در دو فرسنگی اصفهان است) عالم فاضل زاهد، در اصفهان خدمت آقا میرزا احمد مدرس، و آقا سید ابوالقاسم دهکردی، و ملا عبدالکریم گزی، و حاج میر محمد صادق (خاتون آبادی) و غیره تلمذ فرموده، و در نجف اشرف از محضر آخوند خراسانی، و شیخ الشریعه ی اصفهانی، و میرزا محمد حسین نائینی و دیگران استفاده نموده تا خود فقیهی جامع، و مجتهدی کامل گردید، و در سال ۱۳۳۷ به ایران مراجعت فرموده، گاهی در شهر، و زمانی در ده ساکن بود، و به تدریس و ترویج اشتغال داشته.

بالاخره در ۲۶ ذی حجه الحرام سال ۱۳۶۶ به سنّ متجاوز از هفتاد سال وفات یافته در امامزاده شاهزاده محمود، قریه ی دولت آباد مدفون گردید.

کتب و رسائلی در فقه و اصول نوشته، و پس از فوت مرحوم آیه الله اصفهانی رساله ذخیره العباد ایشان را حاشیه نوشته و به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

دولت آبادی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود دولت آبادی نویسنده معروف معاصر در سال ۱۳۱۹ در دولت آباد بیهق متولد شد و در خانواده ای روستایی که از راه کار بر زمین سخت کویر؛ روزگار می گذراندند بزرگ شد. کودکی اش در روستا سپری شد. برای تحصیل به دولت آباد رفت و همزمان به کارهای گوناگونی از جمله کفاشی و سلمانی گری تا کارگری در کارخانه پرداخت. در ۲۰ سالگی به تهران مهاجرت کرد و برای جامه عمل پوشاندن به دغدغه های اصلی ذهنش به کار نوشتن و بازی در تئاتر مشغول شد و از راه کارگری در چاپخانه امرار معاش می کرد. دغدغه نوشتن با او قبل از مهاجرت به تهران او را به نوشتن چند داستان از سال ۱۳۳۷ واداشت. نخستین داستان چاپ شده او به نام «ته شب» در سال ۱۳۴۱ در مجله آناهیتا در تهران چاپ شد. از آن پس؛ کار نوشتن را به صورت جد و با پشتکار ادامه داد و از سال ۱۳۴۷ داستانهایش در نشریات ادبی و بصورت کتاب به چاپ رسید و برای وی شهرت زیادی را به بار آورد. آثار وی عبارتند از: «ته شب (داستان)؛ هجرت سلیمان و مرد (مجموعه داستان)؛ لایه های بیابانی (مجموعه داستان)؛ آوسنه بابا سبحان (داستان بلند)؛ تنگنا (نمایشنامه)؛ باشیرو (نمایشنامه)؛ گاواره بان (داستان)؛ ناگریزی و گزینش هنرمند (مجموعه مقاله)؛ عقیل عقیل (داستان)؛ موقعیت کلی هنر و ادبیات کنونی (مجموعه مقاله)؛ دیدار بلوچ (سفرنامه)؛

کلیدر (رمان)؛ جای خالی سلوچ (رمان)؛ ققنوس (نمایشنامه)؛ آهوی بخت من گزل (داستان)؛ ما نیز مردمی هستیم (گفت و گو)؛ کارنامه سپنج (مجموعه داستان و نمایشنامه)؛ مجموعه مقالات دو جلد و روزگار سپری شده مرد سالخورده (رمان).»

دولت‌آبادی، میرزا یحیی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۸ - ۱۲۴۱ ش)، روزنامه‌نگار، نویسنده، مورخ، شاعر. در دولت‌آباد اصفهان متولد شد و در همان جا نشو و نما یافت. در پنج سالگی به تحصیل خط و سواد مشغول شد از سال ۱۲۵۱ ش که یازده ساله بود به اتفاق خانواده‌اش چندین سفر به عراق عرب، خراسان و تهران کرد و در سال ۱۲۶۰ ش به اصفهان بازگشت و در همین شهر با میرزا آقای کرمانی و شیخ احمد روحی ملاقات کرد. مجدداً به عراق رفت و در حوزه درس میرزای شیرازی و محمدتقی شیرازی شرکت کرد و بعد از بازگشت به ایران در اصفهان و تهران نیز در محضر میرزا ابوالحسن زواری اردستانی، معروف به میرزای جلوه به تحصیل پرداخت. در سال ۱۲۷۶ ش به استانبول رفت و در آنجا با میرزا حسن خان دانش اصفهانی و حاجی زین‌العابدین مراغه‌ای آشنا شد و در همین شهر به همکاری دهخدا روزنامه فارسی «سروش» را دایر کرد. دولت‌آبادی در سال ۱۲۸۷ ش به تهران آمد و در چند دوره به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد، وی مسافرت‌هایی نیز به کشورهای اروپایی داشت. در تهران به سکت‌های قلبی درگذشت. دولت‌آبادی از پیشروان معارف جدید ایران است که هم شعر می‌گفت و هم رمان و داستان می‌نوشت. از آثار وی: داستان «شهرناز»؛ «شجره طیبه»؛ «دوره زندگانی یا غضب حق اطفال»؛ «تاریخ معاصر یا حیات یحیی»؛ «حقیقت راجع به قرارداد مجلس»؛ «نهال ادب»؛ «ارمغان یحیی»؛ «شرح حال میرزا تقی خان امیرکبیر». [۱]

سال تولد: ۱۲۴۱

فوت: ۱۳۱۸

آثار: کتاب شجره طیبه؛ کتاب علی؛ دوره زندگانی یا غضب حق اطفال؛ ارمغان یحیی؛ نهال ادب ایران (شعر)؛ راهنمای انتخاب حقایق؛ تذکر حقیقت؛ داستان شهر ناز؛ سرگذشت درویش چنجه؛ لبخند فردوسی؛ کنگره نژادی؛ کتاب اردبیهشت - دو جلد (شعر)؛ شرح احوال قائم‌مقام فراهانی؛ اصفهان و بیگانگان؛ مکتوب به آکادمی تربیت (ترجمه)؛ اراده (ترجمه)؛ آئین در ایران؛ زندگانی علی بن ابی‌طالب؛ حیات یحیی، ۴ جلد؛ لاوهر پرس (کنفرانس)؛ حقایق؛ حقیقت راجع به قرارداد مجلس
 مناصب: کارمند دولت - نماینده مجلس شورای ملی - رئیس نشریات وزارت معارف - سرپرست محصلین ایرانی در بلژیک - نماینده ایران در کنگره بین‌المللی نژادی در لندن

میرزا یحیی بن حاج سید هادی دولت‌آبادی در سال ۱۲۴۱ هجری شمسی در قریه دولت‌آباد متولد شده و بعد از تحصیلات مقدماتی به عراق، مصر و حجاز رفته و در انقلاب مشروطه از پیش‌قدمان تغییر رژیم بود. در ظهور استبداد صغیر به استانبول تبعید شد بعداً به تهران آمد و در دوره دوم مجلس شورای ملی به وکالت نامزد شد. وی نماینده ایران در کنگره بین‌المللی نژادی در لندن بود و در مدت توقف سه ساله در اروپا به تحصیل زبان فرانسه پرداخت و در مراجعت به ایران به عضویت وزارت معارف منصوب گردید. وی در تأسیس مدارس جدید خدماتی کرده و از پیشروان معارف جدید شمرده می‌شود، ایشان در سال ۱۳۱۸ در تهران وفات یافت.

یحیی (حاج میرزا)، از رجال دوره اخیر (ف. ۱۳۱۸ ه. ش.). وی از پیش‌قدمان آزادی و مروج فرهنگ جدید بود و چند دوره در

مجلس شورای ملی سمت نمایندگی داشت. از آثار اوست: کتاب «علی» برای کودکان، «حیات یحیی» در تاریخ معاصر.

برگرفته از کتاب: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

منابع زندگینامه: [۱] از صبا تا نیما (۲۷۴-۲۷۱/۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۴۲-۲۳۲/۳)، سرآمدان فرهنگ (۲۹۴-۲۹۳)،
 (۱/)، سخنوران نامی ایران (۵۳۲-۵۲۴/۲)، سخنوران نامی معاصر (۳۹۶۶-۳۹۶۲/۶)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۱۰۰۶، ۹۵۴،
 ۲/۹۰۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۰-۸۲۸/۶).

دولت‌شاهی، یحیی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

یحیی دولت‌شاهی در سال ۱۲۷۸، در تهران تولد یافت. از سن هفت سالگی در مدرسه‌ی قاجاریه تحصیلات خود را آغاز کرد و پس از آن در مدرسه‌ی سن لویی ادامه تحصیل داد و موفق به دریافت تصدیق‌نامه‌ی فراغت از تحصیل شد. او همچنین ضمن تحصیل در مدرسه‌ی سن لویی، روزهای یکشنبه به مدرسه‌ی صنایع مستظرفه که موسس آن استاد کمال‌الملک بود رفته و به فراگیری هنر نقاشی پرداخت. استاد پس از فراغت از تحصیل ماموریت یافت که مدرسه‌ی مستظرفه را در قزوین تاسیس نموده و شاگردان آن مدرسه را آماده‌ی استفاده از آن سازد. با وقوع کودتای ۱۲۹۹ فعالیت خود را در مدرسه‌ی صنایع مستظرفه در قزوین ناتمام نهاده و به تهران بازگشت و به انجام امور اداری در مدرسه کمال‌الملک پرداخت. استاد در سال ۱۳۰۶ که استاد کمال‌الملک به نیشابور مسافرت کرد، به حسابداری وزارت فرهنگ منتقل شد، تا کارهای مدرسه را در آنجا انجام دهد. بعد از حسابداری به اوقاف رفته و آنگاه در آموزش عالی مشغول کار گردید. استاد دولت‌شاهی در مدرسه کمال‌الملک علاوه بر انجام امور اداری، به تعلیم شاگردان نیز اشتغال ورزید. او همچنین در دبیرستان‌های فیروزکوهی، پهلوی، خرد و البرز نیز تدریس کرده است.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: یحیی دولت‌شاهی از سن هفت سالگی در مدرسه‌ی قاجاریه تحصیلات خود را آغاز کرد و پس از آن در مدرسه‌ی سن لویی ادامه تحصیل داد و موفق به دریافت تصدیق‌نامه‌ی فراغت از تحصیل شد.

فعالیت‌های ضمن تحصیل: یحیی دولت‌شاهی ضمن تحصیل در مدرسه‌ی سن لویی، روزهای یکشنبه به مدرسه‌ی صنایع مستظرفه که موسس آن استاد کمال‌الملک بود رفته و به فراگیری هنر نقاشی پرداخت.

استادان و مربیان: یحیی دولت‌شاهی هنر نقاشی را نزد استاد کمال‌الملک فرا گرفت و چنانکه استای محمد علی ناصح می گوید: «وی شیوه نقاشی مکتب استاد کمال‌الملک را با ابتکارهای دلپذیر که خود در این زمینه دارد، جاودانه تر ساخته است.» استاد خرمشاهی در شعر و شاعری نیز از محضر استاد محمدعلی ناصح استفاده نمود.

وقایع میانسالی: از مهمترین رویدادهای زندگی یحیی دولت‌شاهی، وقوع کودتای ۱۲۹۹ بود که وی در این زمان مدرسه صنایع مستظرفه را در قزوین اداره می نمود و همین امر باعث گردید به تهران بازگردد.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: یحیی دولت‌شاهی با وقوع کودتای ۱۲۹۹ فعالیت خود را در مدرسه‌ی صنایع مستظرفه در قزوین ناتمام نهاده و به تهران بازگشت و به انجام امور اداری در مدرسه کمال‌الملک پرداخت. استاد در سال ۱۳۰۶ که استاد کمال‌الملک به نیشابور مسافرت کرد، به حسابداری وزارت فرهنگ منتقل شد، تا کارهای مدرسه را در آنجا انجام دهد. بعد از حسابداری به

اوقاف رفته و آنگاه در آموزش عالی مشغول کار گردید.

فعالیت‌های آموزشی: یحیی دولتشاهی در مدرسه کمال الملک علاوه بر انجام امور اداری، به تعلیم شاگردان نیز اشتغال ورزید. او همچنین در دبیرستان‌های فیروزکوهی، پهلوی، خرد و البرز نیز تدریس نموده است.

مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می‌آید: یحیی دولتشاهی پس از فراغت از تحصیل ماموریت یافت که مدرسه‌ی مستظرفه را در قزوین تاسیس نموده و شاگردان آن مدرسه را آماده‌ی استفاده از آن سازد.

سایر فعالیت‌ها و برنامه‌های روزمره: یحیی دولتشاهی در کار شعر و شاعری دستی قوی داشته و در این زمینه آثاری نیز به یادگار نهاده است.

آرا و گرایش‌های خاص: استاد محمدعلی ناصح در مورد یحیی دولتشاهی چنین می‌گوید: «در سرایش سخن منظوم نیز از لطف ذوق بهره مند است و غزل‌های شیوا می‌سراید و مضامین بکر که نمودار فکر هنر آفرین اوست در گفتارش دیده می‌شود...» اشعار استاد بیشتر در غالب غزل سروده شده است.

منابع:

اشاعران تهران از آغاز تا امروز، تالیف: مجید شفق، ج ۱، تهران: سنایی، ص ۳۶۵

دویری نیشابوری، ابوعبدالله محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۰۷ ق)، محدث. از دویر، روستایی در دو فرسنگی نیشابور بود. از قتیبه بن سعید و اسحاق بن راهویه و محمد بن رافع حدیث شنید. ابن شرقی و ابوولید حسان بن محمد و یحیی بن زکریای دویری و ابوعمرو بن حمدان نیشابوری از او حدیث روایت کرده‌اند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۲۵۵- ۲۵۴/ ۱۴)، معجم البلدان (۵۵۸- ۵۵۷/ ۲).

دهاقانی، محمدباقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمدباقر معروف به شریعت دهاقانی از علماء میرز حوزه علمیه نجف است که در سال ۱۳۰۱ قمری بر حسب ایذاء و اجبار دولت بعث عراق به قم مهاجرت نموده است.

تولد ایشان در حومه‌ی اصفهان واقع شده و پس از پرورش و خواندن مقدمات و سطوح مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات عظام آن سامان چون مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله

العظمی اصفهانی و دیگران استفاده نموده تا به مدارج عالی علم و کمال رسیده و به تدریس فقه و اصول پرداخته تا در اوائل ذی‌الحجه سال مزبور که اخراج به ایران و رحل اقامت به قم انداخته است. نگارنده گوید آقای دهاقانی عالمی ظریف و خوش مجلس و اخلاقی می‌باشد، برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

دهباشی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: استاد، رشته: فلسفه، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد روان‌شناسی و زبان و ادبیات عربی از دانشگاه تهران، دکترا در رشته فلسفه با درجه عالی از دانشگاه فوردهام نیویورک آمریکا در سال ۱۳۵۹، تحصیل مقدمات علوم اسلامی و سطح فقه و اصول نزد آیت‌الله طیب‌زاده احمدآبادی، تحصیل خارج فقه و اصول نزد آیات عظام: سید علی بهبهانی رامهرمزی، سید محمدهادی میلانی و تحصیل فلسفه اسلامی نزد آیت‌الله ادیب و حکیم سید کاظم عصار (ره).
مرتبه علمی:

استاد فلسفه دانشگاه اصفهان، استاد نمونه دانشگاه اصفهان با بالاترین امتیاز در سال تحصیلی ۷۱-۷۲
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس در مقطع کارشناسی ارشد در زمینه فلسفه غرب شامل: وایتهد، کانت، هگل، فلسفه معاصر، افلاطون، ارسطو، منطق قدیم و جدید و فلسفه علم. فلسفه اسلامی شامل: مشاء، اشراق و ملاصدرا، عرفان شامل: فصوص‌الحکم، مفاتیح‌الغیب و تمهیدالقواعد، متون فلسفی و عرفانی و کلامی به زبانهای عربی و انگلیسی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۷ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.
تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

فلسفی، کلامی، عرفانی، فلسفه علم، معرفت‌شناسی، تطبیقی، ترجمه و شرح و تحلیل بخش قوه و فعل کتاب اسفار ملاصدرا به انگلیسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

فلسفی، کلامی، عرفانی، علمی، تطبیقی و فیزیک کوانتوم.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

دهپور، احمد رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد ۱۳۲۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فارماکولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی فارماکولوژی پزشکی از دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی رفتارهای بیوفیزیکی و بیوشیمیایی سلولهای خونی، بررسی وضعیت مرفولوژیکی پلاکتها و گلبولهای قرمز خون و

Transmembrane Signaling System، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۵۰ پایان‌نامه دکترا.

ابداع:

راه‌اندازی و ارزیابی سیستم حاد داروها با استفاده از میکروسکوپ الکترونی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: -

زمینه علمی تألیفات:

فارماکولوژی، دارودرمانی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۴، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳۵

زمینه علمی مقالات:

سیستم‌های پیام‌رسانی سلول، کلسیم، عضله صاف و عضله اسکلتی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

دهخدا، علی‌اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

روزنامه‌نگار، شاعر، محقق، مترجم، مصحح و فرهنگ‌نویس. معروف به دخو. در خانواده‌ی قزوینی‌الاصل در

تهران دیده به جهان گشود. تحصیلات قدیمی را نزد شیخ غلامحسین بروجردی آموخت و پس از آن وارد مدرسه‌ی عالی علوم

سیاسی تهران شد و مبانی علوم جدید و زبان فرانسه را در آن جا فراگرفت و ضمناً از محضر درس شیخ هادی نجم‌آبادی نیز بهره برد. در ۱۲۸۲ ش به همراه معاون‌الدوله‌ی غفاری، وزیر مختار ایران در کشورهای بالکان، به اروپا رفت و طی دو سال اقامت در وین ضمن تحصیل دانشهای جدید، زبان فرانسه‌ی خود را تکمیل کرد و در همان روزهای آغازین جنبش مشروطه به ایران بازگشت و در انتشار روزنامه «صور اسرافیل» را با میرزا جهانگیر خان شیرازی همکاری کرد و مقالات خود را تحت عنوان «چرند و پرند» با نامهای مستعار؛ دخو، خر مگس، سگک حسن دله غلام گدا چاپ می‌کرد. دهخدا پس از واقعه به توپ بستن مجلس به استانبول گریخت و از آنجا به اروپا رفت و در سوئیس با کمک میرزا ابوالحسن خان پیرنیا، معاضد‌السلطنه، روزنامه‌ی «صور اسرافیل» را از نو در شهر ایوردون دایر کرد که پس از سه شماره تعطیل شد و وی به ترکیه رفت و در استانبول به انجمن سعادت ایرانیان پیوست و در شمار نویسندگان مجله «سروش» درآمد. دهخدا پس از فتح تهران و اعاده‌ی اصول مشروطه، از تهران و کرمان به نمایندگی مجلس در دوره‌ی دوم انتخاب شد. وی در دوران جنگ جهانی اول حدود بیست و هشت ماه در یکی از قرای چهارمحال بختیاری منزوی بود و پس از پایان جنگ به تهران آمد و از آن پس از کارهای سیاسی دست شست و مشاغل مختلفی چون ریاست دفتر وزارت فرهنگ، ریاست مدرسه‌ی علوم سیاسی تهران، ریاست تفتیش وزارت دادگستری را عهده‌دار شد. دهخدا پس از قضایای شهریور ۱۳۲۰ ش و برکناری رضاشاه، تا پایان عمر به مطالعه و تحقیق و تالیف مشغول شد و از کارهای سیاسی کناره گرفت. وی در تهران درگذشت و جنازه‌اش به شهر ری منتقل شد و در ابن‌بابویه دفن گردید. مهمترین آثار او عبارتند از: مقالات «چرند و پرند»؛ «امثال و حکم»؛ «جریده‌ی سروش»؛ «لغت‌نامه»؛ «دیوان»؛ شعر؛ تصحیح «دیوان» سیدحسن غزنوی؛ «شرح حال و آثار ابوریحان بیرونی»؛ «روح القوانین»؛ ترجمه؛ «عظمت و انحطاط رومیان»، ترجمه [۱].

(بخش ۱) علی‌اکبر ابن‌خان‌بابا (خان)، دانشمند و لغوی و نویسنده معروف (و. تهران حدود ۱۲۹۷ ه.ق. - ف. ۱۳۵۷ ه.ق. / ۱۳۳۴ ه.ش.). وی نزد شیخ غلامحسین بروجردی به آموختن علوم ادبی پرداخت، و سپس در مدرسه سیاسی مشغول تحصیل شد. چون منزل او در جوار منزل آیه‌الله حاج شیخ هادی نجم‌آبادی بود، دهخدا از این حسن جوار استفاده کامل میبرد و با وجود حوادث سن از محضر آن بزرگوار بهره‌مند می‌گشت. وی در همین ایام به فراگرفتن زبان فرانسوی اشتغال ورزید. بعدها معاون‌الدوله غفاری او را با خود به اروپا برد، و وی دو سال در اروپا و بیشتر در وینه پایتخت اتریش اقامت داشت. در این مدت زبان فرانسوی و معلومات جدید را تکمیل کرد. مراجعت دهخدا به ایران مقارن با آغاز مشروطیت بود. او با همکاری «جهانگیرخان» و «قاسم خان» روزنامه «صور اسرافیل» را منتشر کرد. جذاب‌ترین قسمت آن روزنامه ستون فکاهی بود که به عنوان «چرند و پرند» به قلم استاد و با امضای «دخو» نوشته می‌شد، و سبک نگارش آن در ادب فارسی بی‌سابقه بود، و مکتبی جدید را در عالم روزنامه‌نگاری ایران و نثر فارسی پدید آورد.

دهخدا مطالب انتقادی و سیاسی را با روش فکاهی در طی آن مقالات منتشر می‌کرد. پس از تعطیل مجلس شورای ملی در دوره محمدعلی شاه، دهخدا را با جمعی از آزادیخواهان به اروپا تبعید کردند. دهخدا در پاریس با علامه محمد قزوینی معاشر بود. سپس به سوئیس رفت و در «ایوردون» سوئیس نیز سه شماره از صور اسرافیل را منتشر ساخت، و از آنجا به استانبول رفت و با مساعدت تنی چند از ایرانیان که در ترکیه بودند روزنامه‌ای به نام «سروش» به زبان فارسی انتشار داد که حدود ۱۵ شماره منتشر شد. پس از آنکه مجاهدان تهران را فتح نمودند و محمدعلی شاه خلع گردید، دهخدا از تهران و کرمان به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد و با استدعای احرار و سران مشروطیت از عثمانی به ایران باز آمد و به مجلس شورای ملی رفت. در دوران جنگ بین‌المللی اول دهخدا در یکی از قرای «چهار محال» بختیاری منزوی بود و پس از جنگ به تهران بازگشته از کارهای سیاسی کناره گرفت و به خدمات علمی و فرهنگی مشغول شد و بالاخره تا پایان حیات بیشتر به مطالعه و تحقیق و تحریر مصنفات خویش اشتغال داشت. وی در تهران درگذشت و مدفن او ابن‌بابویه است از آثار اوست: ترجمه عظمت و انحطاط رومیان، ترجمه روح القوانین،

فرهنگ فرانسه به فارسی، تصحیح یوسف و زلیخا، تصحیح دیوان حافظ، تصحیح دیوان منوچهری، پندها و کلمات قصار (هیچیک از این کتب منتشر نشده). امثال و حکم (۴ جلد، سه بار چاپ شده)، مجموعه اشعار دهخدا، لغت‌نامه دهخدا (دائرةالمعارف فارسی) (لغت‌نامه).

دانشمند و محقق و نویسنده و روزنامه‌نگار، فرزند خان‌باباخان از ملاکین قزوین است. در ۱۲۵۸ ش در تهران متولد شد. تحصیلات خود را از پنج سالگی شروع کرد و به علوم ادبی و ادبیات عربی و فقه و اصول و ریاضیات قدیم و حکمت تا حدی بصیرت یافت، سپس وارد مدرسه‌ی علوم سیاسی شد و آن مدرسه را به اتمام رسانید و مدتی نیز نزد آشیخ هادی نجم‌آبادی مجتهد معروف درس خواند. دهخدا قبل از مشروطیت به اتفاق معاون‌الدوله غفاری به اروپا رفت و چند سال در وین اقامت گزید. در این مدت به آموختن زبانهای خارجی و تکمیل معلومات خود پرداخت. در اوایل مشروطیت به ایران آمد و با کمک دو تن از دوستان خود به نام قاسم تبریزی و جهانگیرخان شیرازی، روزنامه‌ی معروف صوراسرافیل را انتشار داد و مقالات دهخدا در آن روزنامه تحت عنوان «چرند و پرند» و با امضای «دخو» سر و صدای زیادی ایجاد کرد و سبک جدیدی در ادبیات فارسی ایجاد شد. دهخدا مطالب سیاسی و جدی را غالباً با عنوان فکاهی در روزنامه انتشار می‌داد. بعد از تعطیل مجلس اول، دهخدا و جمعی از آزادیخواهان به اروپا تبعید شدند. در اروپا با کمک عده‌ای از آزادیخواهان چند شماره روزنامه‌ی صوراسرافیل را انتشار داد. بعد به ترکیه رفت و در آنجا روزنامه‌ی سروش را منتشر نمود. بعد از فتح تهران و سقوط محمدعلی شاه، به تهران آمد و در دوره‌ی دوم مجلس از طرف مردم تهران و کرمان به وکالت مجلس انتخاب گردید. بعد از خاتمه‌ی مجلس، سیاست را رها کرد. و به ریاست مدرسه‌ی عالی علوم سیاسی منصوب شد و سالها ریاست آن مدرسه را عهده‌دار بود. در سال ۱۳۱۳ که دانشگاه تهران تشکیل یافت، دهخدا به ریاست دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی برگزیده شد و تا شهریور ۱۳۲۰ در آن سمت مستقر بود. خیلی از رجال و سیاستمداران ایران از شاگردان دهخدا بودند.

دهخدا تالیفات متعددی دارد که برخی انتشار یافته است. از جمله تالیفات انتشار یافته‌ی او امثال و حکم در چهار مجلد است. دیگر از کارهای علمی و ادبی او تصحیح دیوان منوچهری و تصحیح دیوان حافظ و فرهنگ فرانسه به فارسی است. ولی شاهکار خدمات فرهنگی او لغت‌نامه است که تا ابد نام او را جاویدان خواهد ساخت.

لغت‌نامه فرهنگ‌جامعی است از لغات فارسی و عربی و اروپائی مستعمل در فارسی و اعلام که نتیجه‌ی کوشش و تلاش پنجاه ساله‌ی علامه دهخدا است. قریب سه میلیون لغت از روی متون معتبر اساتید نظم و نثر فارسی و عربی در رشته‌های تاریخ، جغرافیا، طب، هیئت، نجوم، ریاضی، حکمت و کلام و غیره فراهم گردیده است.

مجلس شورای ملی در سال ۱۳۲۴ ماده‌ی واحده‌ای به تصویب رسانید و نام لغت‌نامه را به نام دهخدا تصویب نمود و چاپ آن را مجلس شورای ملی عهده‌دار گردید. در این مجلدات، علاوه بر معانی لغات از نظم و نثر متقدمان شواهدی نیز عرضه شده است. در لغت‌نامه یک دوره مفصل از دستور زبان فارسی آمده است.

علامه دهخدا گاهی شعر می‌سرود و دیوانی از اشعار وی منتشر شده است. وفات او در اسفند ۱۳۳۴ ش اتفاق افتاد و برای اتمام کارهای علمی او سازمانی به نام سازمان لغت‌نامه‌ی دهخدا تاسیس شد. کوشش و تلاش او تاکنون بی‌سابقه بوده است.

علامه دهخدا با وجودی که سالها دور از سیاست به کار عظیم تحقیقی خود اشتغال داشت، مع‌الوصف در دوران نخست‌وزیری دکتر مصدق و جریان ملی شدن نفت او را یاری و معاونت نمود و قدما و قلما نهضت ملی را تقویت می‌کرد. در همان ایام در بین مردم این مسئله قوت گرفته بود که اگر رژیم ایران به جمهوریت تبدیل شود هیچ‌کس بهتر و شایسته‌تر برای ریاست جمهوری از دهخدا نیست. بعد از کودتای ۲۸ مرداد، دهخدا مورد بغض و کینه قرار گرفت. به هنگام مرگ دستور داده شده بود از او تجلیل نشود. خدمات دهخدا چه به مشروطیت و چه به ادبیات فارسی قابل ستایش بسیار است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] از نیما تا روزگار ما (۱۳۷-۱۲۹)، با کاروان حله (۴۰۳-۳۸۵)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۵۲-۴/۵۰)، تاریخ ادبیات ایران، دوره‌ی بازگشت (۲۶۷-۲۶۴/۱)، تاریخ جراید (۱۴۷-۱۴۶/۳)، چشمه‌ی روشن (۴۶۷-۴۶۰)، چون سبوی تشنه (۵۴-۴۷)، دایرةالمعارف فارسی (۲/۲۴۹۷)، دهخدای شاعر، الذریعه (۳۳۳/۹)، ریحانه (۲۴۲-۲/۲۴۰)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۵۳-۲۴۴/۳)، سرآمدان فرهنگ (۳۵۸-۳۵۶/۱)، سخنوران نامی معاصر (۱۳۸۳-۲/۱۳۷۹)، شرح حال رجال (۴۳۰-۲/۴۲۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۹۱-۱۴/۱۵۸۹)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۱۶-۲۱۵)، گلزار معانی (۲۷۱-۲۶۴)، لغت نامه (مقدمه/۴۱۸-۳۷۹)، مؤلفین کتب چاپی (۵۱۵-۴/۵۰۸)، مستدرکات اعیان (۱۱۵-۱/۱۱۳).

دهخوار فانی، ضیاء العلوم، ابوالقاسم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۰-۱۳۰۳ ق)، نویسنده و مترجم. اثر وی: ترجمه‌ی «تاریخ مسافرت مشرق» یا «سرگذشت فریخت»، نوشته ل. بوسنار.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۴/۴۷۴۳، ۷۵۱/۱)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۶۸/۱).

دهدار شیرازی، احمد فانی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۱۶/۱۰۱۰ ق) ادیب، صوفی و شاعر. در شیراز ولادت یافت و نزد شاه فتح‌الله شیرازی تحصیل کرد. وی پس از چندی به هندوستان رفت و در دکن و در دربار احمد نگر نزد حاکمان آنجا تقرب یافت و در آنجا از مریدان شیخ حسن نجفی شد و در تصوف به درجه‌ی کمال رسید. مدتی نیز در آن سامان حکومت یافت و سرانجام در سورات درگذشت. از آثار وی: «شرح گلشن راز»، «شرح فصل الخطاب»؛ حواشی بر «نفات الانس» و «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۶۵۶-۶۵۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۱۲-۲/۲۱۱)، الذریعه (۳۵۹/۹).

دهدشتی، جواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زنان و مامائی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

دهدشتی، جواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر جواد دهدشتی دارای دکترای رشته زنان و زایمان عضویت هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی با درجه دانشیاری می باشد. گروه: علوم پزشکی رشته: زنان و زایمان مشاغل و سمتهای مورد تصدی: دکتر جواد دهدشتی عضو هیئت علمی و دانشیار گروه زنان و زایمان در دانشکده علوم پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی بهشتی است.

دهستانی موبدی، حسین

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س هفتم ق)، نویسنده و مترجم. از حال او اطلاع کافی در دست نیست ولی از مقدمه‌یی که بر ترجمه‌ی «الفرج بعد الشده» نوشته روشن می‌شود که او معاصر و مورد حمایت عزالدین طاهر فریومدی وزیر خراسان در عهد ایلخانان بود. خواجه عزالدین طاهر فریومدی، از عهد حکومت امیر ارغوان آقا ببعده متصرف اعمال دیوانی خراسان بود. زندگانی دهستانی در نیمه‌ی دوم قرن هفتم مسلم است و او کتاب ترجمه‌ی «فرج بعد از شدت» را به نام خواجه عزالدین ترتیب داد. البته این کتاب را اصلاً ابوعلی محسن بن علی بن داوود التنوخی به عربی نوشته و عوفی آن را به پارسی درآورده ولی از ترجمه مذکور اثری در دست نیست دهستانی دومین کسی است که کتاب مذکور را به پارسی درآورد وی کتاب خود را «جامع الحکایات» نامید کتاب او مشتمل بر سیزده باب و هر باب شامل چندین حکایت مفصل و دلپذیر است که ارتباط معنوی با موضوع باب دارد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۳۶، ۱۲۳۴/۳)، الذریعه (۵۰/۵)، گنج و گنجینه (۳۸۴-۳۷۷)، مؤلفین کتب چاپی (۷۰۰-۶۹۹/۲).

دهسرخ اصفهانی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج سید محمود بن العلامه السید مهدی بن سید اسدالله موسوی دهسرخ نجفی از علماء فاضل و فضلاء کامل معاودین حوزه نجف اشرف است که در قم رحل اقامت انداخته است.

اصلاً از شهرک سه کیلومتری شهر کرد اصفهان بوده و مرحوم جدشان بده سرخ لنجان که شش فرسخی اصفهانست هجرت نموده و ایشان در سال ۱۳۴۵ قمری در آنجا به دنیا آمده و والدش در روز شنبه دهم رجب ۱۳۵۴ قمری در اصفهان فوت نموده و در تخت فولاد مدفون شده است.

وی در سال ۱۳۶۶ ق به تحصیل علوم دینی پرداخته و در سال ۱۳۶۸ قمری هجرت به قم و بعد از چند ماهی عزیمت به نجف نموده و سطوح عالی را به پایان رسانیده و دروس عالی را از آیت‌الله آقا سید علی فانی اصفهانی و مرحوم آیت‌الله حاج میرزا حسن یزدی و مرحوم آیت‌الله العظمی آقا سید عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله حکیم و بیشتر آیت‌الله العظمی خوئی مدظله آموخته تا به مدارج عالی علم رسیده و مفتخر به دریافت اجازات از اساتید و آیات عظام نجف شده و پس از ۲۴ سال اقامت در نجف به حکم اجبار دولت شوم بعث عراق به ایران مراجعت و در قم رحل اقامت انداخته است آثار ارزنده‌ای دارد که ذیلاً می‌نگارم.

۱- سراج المبتدئین در شرح منیه المرید شهید ثانی که در سال ۱۳۷۶ در اصفهان به طبع رسیده.

۲- کتاب هدایه الطالبین شرح آداب المتعلمین در سال ۱۳۷۶ در نجف چاپ شده.

۳- کتاب مفاتیح الصحه فی طب النبی و الائمه علیهم‌السلام فارسی در سال ۱۳۷۹ در نجف چاپ شده.

۴- کتاب رمز الصحه عربی در سال ۱۳۸۱ در نجف طبع شده.

۵- کتاب الجمان الحسان فی احکام القرآن در سال ۱۳۸۲ در تهران چاپ افست شده است.

۶- مفتاح الکتب الاربعه فهرست کافی و تهذیب و استصبار و من لایحضره الفقیه درسی مجلد که تاکنون پنج جلد آن طبع شده است.

۷- حظ الشباب در خلاصه و ترجمه خصال مرحوم شیخ صدوق که به طبع نرسیده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

دهش جزئی، سیمین‌دخت

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیهوشی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

دهشت، مرتضی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرتضی دهشت

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۷/۱

زندگینامه علمی

استاد گرانقدر آقای مرتضی دهشت در سال ۱۳۴۹ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین، دوستدار اهل بیت علیهم‌السلام و کاملاً

مذهبی در شهر مقدس مشهد دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش سپری کرد. در پی تشویق خانواده و اطرافیان و علاقه خود به فراگیری علوم دینی به و برای ادامه تحصیل در سال ۱۳۷۴ شمسی وارد حوزه علمیه مشهد گردید و از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه حاضر شد پس از اتمام دوران سطوح عالی در سال ۱۳۸۳ به حلقه درس خارج راه یافت و از محضر بزرگانی همچون آیت الله بجنوردی، آیت الله مرعشی و آیت الله فلسفی مشغول کسب فیض شد و از دامن ستارگان پر فروغ حوزه علمیه مشهد مشغول خوشه چینی گشت و تا کنون در این زمینه از هیچ کوششی دریغ نکره است

دهشیری، ضیاء الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سیدضیاءالدین دهشیری فرزند استاد سید یحیی، در سال ۱۳۰۲ دیده به جهان گشود. وی تحصیلات مقدماتی خود را در یزد به پایان برد و در سال ۱۳۳۴ به دریافت دیپلم ادبی نائل آمد. او برای ادامه تحصیل وارد دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۳۷، در رشته زبان و ادبیات فرانسه فارغ التحصیل گردید. بلافاصله به عضویت هیات علمی دانشگاه تهران درآمد و به تدریس در همان دانشگاه اشتغال یافت. استاد در طول فعالیت های علمی خود موفق به تالیف و تدوین کتب و مقالات زیادی شد و نیز هم زمان آثار ارزشمندی از دانشمندان بزرگ فرانسه را ترجمه کرد. گروه: علوم انسانی رشته: زبان و ادبیات فرانسه والدین و انساب: سید یحیی دهشیری پدر سیدضیاءالدین دهشیری، فردی روحانی و قاضی و از چهره های فرهنگی زمان خود بود. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: بیشتر افراد خانواده سیدضیاءالدین دهشیری اهل علم و ادب و عرفان و آگاه به علوم دینی بودند. تحصیلات رسمی و حرفه ای: سیدضیاءالدین دهشیری پس از فوت پدر، نزد دایی خود محمدعلی عالمی (صمصام) تربیت یافت و از طریق وی که از شیوخ طریقت نعمت الهی در یزد بود به علوم ادبی و عرفانی و تصوف علاقه پیدا کرد. وی تحصیلات ابتدایی را در دبستان علمیه دهشیری یزد به پایان برد. استاد دهشیری در سال ۱۳۳۴ به دریافت دیپلم ادبی نایل آمد، و در همان سال وارد دانشگاه تهران شد و در رشته زبان و ادبیات فرانسه این دانشگاه ادامه تحصیل داد، تا اینکه در سال ۱۳۳۷ فارغ التحصیل گردید. فعالیتهای ضمن تحصیل: سیدضیاءالدین دهشیری با اشتیاقی بسیار در محافل ادبی که باحضور مرحوم آزاد همدانی و بیضایی کاشانی، شیوای قمی و صمصام یزدی در منزل پدر دانشمندش در کاشان برگزار می شد، حضور می یافت. او همچنین از سال ۱۳۲۰ در جلسات انجمن ادبی یزد که به سرپرستی شیخ محمود فرساد از چهره های سرشناس ادب و عرفان اداره می شد، حضور یافته و اشعار زیبایی در موضوعات مختلف می سرود. دهشیری از سال ۱۳۲۳ فعالیت مطبوعاتی خود را آغاز و مقالات و یادداشت های علمی و ادبی بسیاری را منتشر کرد. فعالیتهای آموزشی: سیدضیاءالدین دهشیری پس از فارغ التحصیل شدن بلافاصله به عضویت هیات علمی دانشگاه تهران درآمد و به تدریس در همان دانشگاه اشتغال یافت. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: سیدضیاءالدین دهشیری در طول فعالیت های علمی خود موفق به تالیف و تدوین کتب و مقالات زیادی شد و نیز همزمان آثار ارزشمندی از دانشمندان بزرگ فرانسه را ترجمه کرد. استاد دهشیری علاوه بر نوشتارها و مقالات متعدد و متنوع، بیشتر از پنجاه مقاله منتشره و مستند علمی، در زمینه های گوناگون ترجمه، عرفان، روانشناسی، تاریخ، زبانشناسی را در نشریاتی همچون: یغما، مجله دانشکده ادبیات، سپیده فردا و جراید و مجلات دیگر چاپ و نشر گردید. که برخی از آنها عبارتند از: خویشاوندی زبانها، ترجمه حکمت الهی شیعه در عصر صفویه (اثر هانری

کربن)، ترجمه کاخ آپادانای شوش (اثر گیرشمن)، ترجمه سلسله مرعشیه مازندران (اثر رابینو)، ترجمه برگزیده داستانها جمالزاده (اثر رودلف گلپکه)، یادبود ماسینیون. جوائز و نشانها: سیدضیاءالدین دهشیری در سال ۱۳۳۷ به اخذ مدرک لیسانس نایل گردید، و مدال درجه اول این مقطع تحصیلی را دریافت نمود. آثار: ابوسعید و ابن سینا، ادبیات جدید یونان، ارض ملکوت (ترجمه) ویزگی اثر: اثرهانی کربن ۴ اسلام در ایران، انقلابات ایران، بحران دنیای متجدد، تاریخ ادبیات فرانسه (قرن نوزدهم)، تاریخ ادبیات فرانسه (قرن نوزدهم)، تاریخ اقتصادی، تاریخ ایران باستان منابع: سخنوران نامی معاصر ایران، تألیف سید محمد باقر برقی، ج ۳، قم: نشر خرم، ص ۱۸۲۱۲ نشریه مدت، ماهنامه دانشگاه تهران، شماره ۱۷، فروردین ۱۳۸۰، تفسیر آثار برشت، توحید در شعر فارسی، سفر اروپاییان به ایران، سیاست اروپا در ایران، شناخت اسلام، طبیعت در شعر فارسی، عرفان حلاج، فرهنگ اصطلاحات فرانسه-فارسی، فلسفه سن توماداکن، قرآن در اسلام ویزگی اثر: (ترجمه به فرانسه) ۲۱ قرآن مجید (ترجمه) ویزگی اثر: (به زبان فرانسه) ۲۲ کارمندان، کلمبا، مصائب حلاج، معنی و ارج زندگی منابع زندگینامه: سخنوران نامی معاصر ایران، تألیف سید محمد باقر برقی، ج ۳، قم: نشر خرم، ص ۱۸۲۱۲ نشریه مدت، ماهنامه دانشگاه تهران، شماره ۱۷، فروردین ۱۳۸۰

دهشیری، کمال‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۸، مرتبه علمی: استاد، رشته: رادیوترابی آنکولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران،

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۵، کارشناسی ارشد رادیولوژی از دانشگاه لندن در سال ۱۳۴۵، فوق تخصص DMRT از کالج سلطنتی پزشکان انگلستان در سال ۱۳۴۶ و فوق تخصص رادیوترابی آنکولوژی از کالج سلطنتی رادیولوژی انگلستان در سال ۱۳۴۹.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۳۹ تا سال ۱۳۴۵، دانشیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۵ تا سال ۱۳۴۶ و استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۶۵.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

لنف الکتروگرافی، رادیولوژی و تدریس دروس فیزیکی پزشکی و رادیوترابی آنکولوژی و استاد راهنمای ۳ پایان‌نامه دکترا و تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی :-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی :-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی :-، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

رادیولوژی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

دهقان، اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اکبر دهقان

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب اکبر دهقان در سال ۱۳۴۳ در مشهد مقدس به دنیا آمدم بعد از کلاس پنجم ابتدایی در سال ۱۳۵۷ وارد حوزه علمیه مشهد شدم و به مدت پنج سال دروس ادبیات معالم معانی بیان منطقی و قسمتی از لمعتین را در نزد اساتید محترم آقایان رضوانی، واعظی، صالحی، حجت هاشمی خواندم و در سال ۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدت چهار سال قسمتی از لمعتین و رسائل و مکاسب و کفایتین را در نزد اساتید بزرگوار آیات عظام آقایان اشتهاوردی، اعتمادی، ستوده خواندم. از سال ۶۷ تا ۸۱ در دروس خارج آیات عظام آقایان شیخ جواد تبریزی، شیخ جعفر سبحانی، شیخ عبدالله جوادی آملی شرکت کرده و در کنار درس خارج به مدت هشت سال از درس تفسیر استاد گرانقدر آیت الله جوادی آملی بهره مند شدم و حدود یک سال و نیم توفیق حاصل شد در جبهه های جنگ در کنار رزمندگان دلاور اسلام بودم. در سال ۶۹ - ۷۰ در دوره تربیت مدرس شرکت کرده و به مدت سه سال دروس دانشگاهی را خوانده و موفق به اخذ مدرک فوق لیسانس شده و بعد از آن به مدت دو سال در دانشگاه شهید باهنر کرمان تدریس کردم.

از سال ۷۵ تا کنون ۸۴ همکار استاد بزرگوار جناب آقای محسن قرائتی هستم به مدت ۵ سال است که مسئول ستاد التفسیر حوزه علمیه قم از طرف معظم له می باشم بحمد الله در پرتو مطالعات تفسیری و قرآنی برکاتی برای اینجانب حاصل شده است. از جمله تدریس تفسیر به مدت سه سال در حوزه علمیه قم که هم اکنون ادامه دارد. بیش از ۲۰۰ جلسه مباحث قرآنی و تفسیری در رادیو معارف و رادیو قرآن و رادیو جوان داشته ام که بحمد الله پخش شده است. حدود ۲۰ کتاب در مدت ۱۰ سال است که نوشته ام و ۱۶ تای آن چاپ رسیده و مابقی آن در آستانه چاپ است

دهقان، غلامعباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد :-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

دهقان، محمدحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسین دهقان اشکذری

محل تولد: اشکذر یزد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۲

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۶ پس از قبولی در امتحانات سال اول راهنمایی وارد حوزه علمیه یزد شدم. با شروع انقلاب اسلامی و حادثه نوزدهم دیماه همان سال حوزه های علمیه با تعطیلات مکرر و طولانی مدت مواجه گردید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اسلامی آغاز گردید. لذا دروس مقدمات حوزه را همزمان با مبارزات دوران انقلاب و حضور در جبهه ها ادامه دادم و همراه با دروس حوزوی سال دوم و سوم راهنمایی را به صورت شبانه به پایان رساندم و وارد دبیرستان گردیدم ولی به علل مختلف تحصیلات دبیرستان را ادامه ندادم. در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و بخش اعظم لمعه، رسائل، مکاسب، کفایه و دروس عمومی حوزه را در محضر اساتید بزرگی مانند وجدانی فخر، اعتمادی، محفوظی، محامد، خاتمی و ... فرا گرفته و سپس در محضر اساتید و آیات عظام به خارج فقه و اصول مشغول شده و در سال ۱۳۷۰ در اولین دوره رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن، که مشروط به اتمام سطح ۳ و دو سال درس خارج بود پذیرفته شدم و چهار سال همزمان با شرکت در درس خارج فقه و اصول در محضر اساتید گرانقدری چون حضرات آیات مکارم شیرازی، خزعلی، معرفت، احمدی میانجی، شب زنده دار، طاهر شمس و ... به فراگیری تفسیر و علوم قرآن پرداختم در سال ۱۳۷۳ موضوع «آیات دال بر حجیت خبر واحد» را که یک موضوع اصولی قرآنی بود به واحد مدارج علمی حوزه ارائه دادم و موفق به اخذ گواهینامه سطح ۳ گردیدم. پس از پایان دروس تخصصی تفسیر و علوم قرآن موضوع امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن را به عنوان پایان نامه سطح ۴ انتخاب نموده و طرح تفصیلی آن را پس از فیش برداری و مطالعات مقدماتی به واحد مدارج علمی تحویل دادم ولی پس از تایید طرح با توجه به وجود مشکلات خاص از ادامه آن منصرف گردیدم. از سال ۱۳۷۴ تا کنون ضمن پذیرش برخی از مسئولیت ها در مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن و مرکز جهانی علوم اسلامی به فعالیت های علمی از قبیل تدریس، ویراستاری و نگارش مقاله و ... مشغول می باشم. در طول تحصیل نیز سعی بر این بود که تقریرات دروس سطح و خارج را بنویسم و بیشتر دروس سطح را به صورت پرسش و پاسخ در آورده ام.

دهقانپور، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیرضا دهقانپور

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۱۱/۳

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۹ در تهران دیپلم ریاضی فیزیک گرفتم. در همان سال وارد حوزه علمیه ملاجعفر (حاج آقا مجتهدی) شدم. در مدت چهار سال با اتمام لمعتین از پایه هفت در سال ۱۳۷۳ وارد حوزه علمیه قم شدم. در سال ۱۳۷۷ با پایان پایه دهم وارد درس خارج آیت الله وحید خراسانی و دیگر مراجع مانند آیت الله تبریزی (ره)، آیت الله فاضل (ره) و آیت الله مکارم شدم. همزمان با درس حوزوی، درس دانشگاهی را ادامه دادم. در سال ۱۳۷۵ در دانشگاه مفید رشته فلسفه را تحصیل نمودم پس از آن در سال ۱۳۸۰ رشته فلسفه و کلام اسلامی را در دانشگاه باقرالعلوم شروع نمودم. در سال ۱۳۸۵ در رشته مدرسی معارف اسلامی، گرایش مبانی نظری اسلام در مقطع دکتری مشغول به تحصیل شدم، از اول دبستان تا کنکور مقطع دکتری به فضل و لطف الهی ممتاز شناخته شده‌ام. هذا من فضل ربی. اکنون ضمن تحصیل، مشغول تدریس درس عمومی در دانشگاه هستم.

دهقانی، علی محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی محمد دهقانی

محل تولد: اشکذر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۳۴ متولد شده و بعد از گذراندن دوران ابتدایی در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه یزد شدم و بعد از چند سال تحصیل در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه قم شدم. در سال ۱۳۵۹ سطح را به پایان رسانده و رتبه سوم را امتحان داده و در ضمن به تحصیل دانشگاهی نیز مشغول و در همان سال از مدرسه عالی تربیتی قضایی قم موفق به گرفتن لیسانس امور تربیتی و قضایی شدم و به مدت ۱۲ سال در درس خارج فقه و اصول شرکت نموده و از سال ۱۳۶۷ هفته ای یک روز یا بیشتر در مراکز تربیت معلم و دانشگاههای مختلف و علوم قضایی مشغول تدریس بوده ام.

دهقانی، محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن دهقانی ساری

محل تولد: کاشان

شهرت: دهقانی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه کاشان شدم سطح را تا اوائل مکاسب در کاشان گذراندم. سپس عازم قم گشتم ورود این جانب به قم هم آغاز اوج فعالیت‌های انقلاب بود لذا پس از چند هفته درسها به این مناسبت تعطیل گشت. پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی دروس حوزه بازگشایی شد این جانب به درس مکاسب و کفایه ج ۲ حضرت آیه الله ستوده حاضر شدم و جلد اول کفایه را نزد آقای قدیری خواندم. همزمان با شروع درس خارج فقه درسهای فلسفه و عرفان را نزد اساتید حوزه مانند آیه الله جوادی آملی و آیه الله حسن زاده و آیه الله شیخ یحیی انصاری گذراندم کتاب فصوص الحکمه بالغ بر چهار سال در خدمت آیه الله حسن زاده و مصباح الانس را بخشی نزد آیه الله حسن زاده و بخشی را نزد آیه الله انصاری سپری کردم. منظومه حکیم سبزواری و اشارات بوعلی سینا را نزد اساتید گذراندم پس از آنکه از اساتید درس خارج بمدت سیزده سال استفاده کردم (نزد آیات عظام فاضل، مکارم، وحیدخراسانی و آقای تبریزی) تدریس خود را آغاز کردم ابتدا یک دوره مکاسب و سپس ۷ دوره تدریس نهایی الحکمه - شرح اشارات جلد سوم - رسائل بحث استصحاب کشف المراد منطق و طبیعیات منظومه یک دوره و حکمت آن دو دوره - المنطق مظفر و جزء سی‌ام تفسیر قرآن کریم - اسفار ملا صدرا از جلد اول تا ششم که امسال یازدهمین سال تدریس آن هست. (در فیضیه مدرس ۲۲) اقدام به ترجمه و شرح نهایی الحکمه نمودم که تقریباً هشت سال طول کشید و محصول آن سه جلد کتاب فروغ حکمت شد و آن در سال ۷۷ تا ۸۲ منتشر شد.

دهکردی اصفهانی، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۳ - ۱۲۷۲ ق)، عالم امامی و فقیه اصولی. در دهکرد (شهرکرد) متولد شد. پدرش و پدر مادرش هر دو از علمای دهکرد بودند. چند سال در اصفهان نزد آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی و حاج شیخ محمدباقر مسجد شاهی و دیگران تحصیل نمود، سپس در عراق خدمت چند نفر از اجله‌ی علما و فقها تحصیلات خود را تکمیل کرد. وی از شاگردان میرزا محمدحسن شیرزای و میرزا حبیب‌الله

رشتی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی و حاج میرزا حسین نوری و از مشایخ روایت آقا سید شهاب‌الدین نجفی مرعشی بود. پس از بازگشت، در اصفهان به تدریس و تالیف و تبلیغ مشغول شد. متجاوز از سیصد تن از فضلا در مجلس درس او، در مدرسه‌ی صدر، حاضر می‌شدند. وی مرکز فتوی و مراجع مردم بود. در اصفهان در گذشت و همان جا دفن شد. از آثار وی: «الوسیله» یا «وسیله النجاه» یا «وسیله المنابر» یا «منبر الوسیله» یا «وسیله المعاد»، در دو قسمت: بخش اول در توحید و عدل و بخش دوم در نبوت و امامت، حاشیه بر «تفسیر صافی»؛ حاشیه بر «وافی» فیض کاشانی؛ حاشیه بر «متاجر» شیخ مرتضی انصاری؛ رساله‌ای در «قبض»؛ شرح بر «شرایع»، در دو مجلد؛ شرح فارسی بر «من لا یحضره الفیه» صدوق. [۱]

سید ابوالقاسم بن سید محمدباقر دهکردی اصفهانی دانشمندی بزرگوار و خطیبی عالیقدر از شاگردان علامه میرزا حبیب‌الله رشتی و معاصرین وی بوده که پس از تکمیل مبانی علمی به اصفهان برگشته و به انجام وظائف دینی از تدریس و وعظ و ارشاد و اقامه جماعت پرداخته و در مدرسه صدر اصفهان عده زیادی به درسش حاضر شده و استفاده می‌نمودند و در ماه رمضان جمعیت زیادی برای درک فیض پای منبرش حاضر می‌شدند بسیاری از اعلام معاصر اصفهان از تلامذه و شاگردان ایشانند. وی در یکشنبه هفتم شوال ۱۳۵۳ ه در سن ۸۱ سالگی وفات نموده تاریخ ولادتش ۱۲۷۲ هجری بوده. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان الشیعه (۴۱۷/۲)، تذکره القبور (۹۴-۹۳)، الذریعه (۸۵، ۸۴، ۲۵/۲۲، ۳۵۶/۲۲)، ریحانه (۲/۲۴۴)، علماء معاصرین (۱۶۹-۱۶۸)، مؤلفین کتب چاپی (۲۴۶-۲۴۵/۱)، معجم المؤلفین (۸/۱۱۵)، مکارم الآثار (۲۰۱۱-۲۰۰۷/۶).

دهکردی، احمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند سید محمد باقر. عالم عارف، معروف به رحمت‌علیشاه حقانی، از اقطاب سلسله خاکساریه، ادیب و شاعر و مفسر. در اصفهان در خدمت آخوند ملا محمد حسین دهکردی - دایی خود - و آخوند کاشی، و میرزا محمد حسن نجفی، و برادر خود سید ابوالقاسم و دیگران تحصیل نموده، به نجف اشرف رفته، نزد آخوند خراسانی و جمعی تلمیذ نموده، در علوم شریعت و طریقت صاحب نظر شده.

در حدود سال ۱۲۸۵ در شهر کرد متولد، و در شب ۱۲ جمادی الاولی سال ۱۳۳۹ در اصفهان وفات یافته، در محله ی در کوشک در کوچه ی باغ حرم (خانه‌های حرم سلاطین آق قویونلو) در بقعه‌ای مخصوص مدفون گردید. کتب زیر از اوست:

۱- آغاز حقیقت ۲- برهان حقیقت نامه ۳- رشحات رحمت ۴- دیوان فنائی ۵- مثنوی در شرح آیه نور ۶- مثنوی در شرح سؤال کمیل بن زیاد از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در معنی حقیقت ۷- منطق الطیر منظوم، در شرح هفت وادی؛ و غیره. از اشعار اوست:

سلطنت خواهی اگر خدمت درویشان کن

حکم بر خشک و تر از همت درویشان کن

خواهی از عارف بالله شوی بی شبهه

طلب معرفت از صحبت درویشان کن

به جهان خواهی اگر قبله حاجات شوی
خوبش را وقف ره حاجت درویشان کن
صاحب عنوان در محله در کوشک، خانقاه داشته، و جمعی را هدایت و ارشاد نموده [!] و قبول از وفات، مریدان را به خواهر زاده
خود حاج آقا رحیم دهکردی منور علیشاه سپرده است.
برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

دهکردی، محمدباقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدباقر دهکردی والد مترجم مذکور از علماء منسوب شهرکرد و از شاگردان مرحوم علامه کلباسی و حجة الاسلام سید
محمدباقر کشفی بوده تألیفاتی دارد که از آنهاست.

۱- منبر الوسیله.

۲- اللمعات فی شرح دعاء سمات.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

دهگان، ابراهیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ادیب، محقق.

تولد: ۱۳۰۷ ق.، روستای مرزجران اراک.

درگذشت: ۲۵ مرداد ۱۳۶۳.

ابراهیم دهگان، فرزند غلامعلی، در سال‌های کودکی نوشتن و خواندن را در مکتبخانه روستا فراگرفت و تا اوایل جوانی به کشت و
کار مشغول بود، تا حدود جنگ بین‌الملل اول در آن روستا زندگی کرد تا این که در آغاز جنگ به سربازی رفت. سپس به مدرسه
آقا ضیاءالدین اراک رفت و در سلک طلاب وارد گردید و تا سال ۱۳۴۷ ق. به تحصیلات خود ادامه داد و بعد از سال ۱۳۳۰ تا
۱۳۳۷ به کار تعلیم اشتغال داشت. در ضمن به کار تحقیق نیز پرداخت و مطالبی تدوین نمود که پاره‌ای از آنها چاپ شده است. در
سال ۱۳۰۷ به خدمت فرهنگ در آمد و به کار آموزش روی آورد. رشته‌ی تحصیلی وی، علوم قدیمه بود که آن را در محضر
استادانی چون آیت‌الله ضیاءالدین اراکی و آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی فراگرفته بود. اما احاطه‌ی او در رشته‌هایی چون تاریخ،
جغرافیا، ادبیات فارسی و عربی، لغت‌شناسی و دیگر رشته‌های علوم انسانی، صرفاً به واسطه‌ی مطالعه‌ی شخصی خودش بود و نزد
استادی تعلیم ندیده بود. وی کمابیش در این رشته‌ها صاحب بیست جلد تألیف بود. زمینه‌ی کار وی بیشتر تاریخ و جغرافیا بود و
بیشتر آثاری که از او به یادگار مانده است در همین زمینه است. وی همچنین به گردآوری کتب خطی اهتمام می‌ورزید. وقتی
درگذشت، فرزندانش کتاب‌های وی را که حدود ۲۵۰۰ جلد کتاب چاپی و کمابیش ۲۵۰ جلد نسخه دستنویس خطی نفیس بود. به

کتابخانه‌ی ملی اراک اهدا کردند. عمده‌ترین تألیفات وی به این شرح است: تاریخ اراک (دو جلد، اراک جلد اول، ۱۳۲۹، جلد دوم، ۱۳۳۰)؛ تصحیح و تحشیه عباسنامه (تألیف محمدطاهر قزوینی، اراک، ۱۳۲۹)؛ نور مبین (در تاریخ مهاجرت مؤلف، از حجت‌الاسلام نوالدین عراقی، ترجمه از عربی به فارسی یا الحاقات، اراک ۱۳۳۲)؛ تصحیح و تحشیه تاریخ صفویان (اقتباس از خلاصه‌التواریخ و تاریخ ملا-کمال، اراک، ۱۳۳۲)؛ تصحیح و تحشیه تاریخ الدخانیه (یا قرارداد رژی، از شیخ حسن کربلایی، ۱۳۳۳)؛ ملخص تاریخ نو (از سلطان یعقوب خان انجدانی معاصر عباس میرزا، اراک، ۱۳۳۲)؛ جمع‌آوری رباعیات بابا طاهر عریان؛ تاریخ ارمنستان (از موسی خورون؛ ترجمه آواساپیان، نگارش ابراهیم دهگان، اراک، ۱۳۳۱)؛ گزارش‌نامه یا فقه‌اللغه‌ اسامی امکانه (در مطلع کتاب گرجنامه یا تاریخ آستانه (اراک، ۱۳۴۲)؛ سازمان فرهنگ اراک و شرح حال ده تن از مردان نامی اراک (اراک، ۱۳۳۹)؛ کارنامه یا دو بخش دیگر از تاریخ اراک (تاریخ انجدان، سادات اسماعیلیه و فهرست‌وار وقایع شهرستان اراک از ۱۲۷۱ تا به عصر حاضر، اراک، ۱۳۴۵).

برخی از مطالب به چاپ نرسیده وی به این شرح هستند: اشعار محلی اراک؛ گندآوران اراک؛ چشمه‌های اراک (بخشی از آن در مجله «روشندل» به مدیریت دکتر محمد خزائلی به چاپ رسیده است)، کیسه‌ی کرفه (شامل هزار مطلب علمی، ادبی، لغوی، اجتماعی، تاریخی و جغرافیایی).
برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

دهلوی، شاه ولی الله

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالفیاض قطب الدین احمد بن عبدالرحیم معروف به «شاه ولی الله دهلوی» و «محدث دهلوی» (۱۱۱۴ - ۱۱۷۶ ق / ۱۷۵۳ - ۱۷۶۲ م) دانشمند مسلمان (قرآن شناس، حدیث پژوه، فقه پژوه و متکلم) و اسلام شناس و احیاگر / اصلاحگری عرفانی مشرب بزرگ اندیشه دینی / اخلاقی و اجتماعی / سیاسی در قرن دوازدهم هجری / هجدهم میلادی در شبه قاره ی هند، (متولد و متوفی و مدفون در دهلی).

وی دارای آثار عدیده، در حدود یکصد اثر به دو زبان فارسی و عربی است که از آن میان در حدود سی و پنج اثر چاپ و به انگلیسی و زبانهای دیگر ترجمه شده است. اولین معلم او پدرش شاه [کلمه ی شاه، لقب طریقتی / عرفانی است] عبدالرحیم عمری (م ۱۱۳۱ / ۱۷۱۹ م)، موسس و مدیر مدرسه ی علمیه ی رحیمیه در دهلی بود. معروف است که در هفت سالگی قرآن کریم را حفظ کرد. در پانزده سالگی به توصیه ی پدر به طریقت صوفیانه ی نقشبندیه وارد شد. سپس استاد و مدیر مدرسه ی پدر گردید.

در سال ۱۱۴۳ به حج رفت و این فریضه ی دینی واجب را به جای آورد؛ و چهارده ماه در حرمین شریفین، به ویژه مدینه رحل اقامت افکند و نزد علمای بزرگ آنجا به تجدید و توسعه ی آموخته های خود، به ویژه در زمینه ی حدیث پرداخت.

در سال ۱۱۴۵ ق / ۱۷۳۲ م به هند بازگشت و از آن پس عمر خود را یکسره وقف تعلیم و تالیف و ارشاد یاران طریقت خود کرد. یک دهه ی بعد، اثر گران سنگ علمی - اجتماعی خود حجت الله البالغه را به عربی نوشت (چاپ قاهره، ۲ جلد، ۱۹۵۲ - ۱۹۵۳). در این کتاب صلاهی احیاگری و بازگشت به خلوص اولیه ی فرهنگ و علوم اسلامی، با تاکید بر قرآن و حدیث، و نیز چاره اندیشی های اجتماعی برای حل معضلات مسلمانان در داده است. نگرش و اندیشه ی صوفیانه ی او ته رنگی در آثارش دارد و

هدفش به بار آوردن تهذیب نفس و وسعت مشرب است، و در هر حال برجسته و موکد نیست.

تجددگرایان مسلمان نظیر علامه محمد اقبال لاهوری (م ۹۳۸) و فضل الرحمن (م ۱۹۸۸) در او شخصیت وحدت بخش تفرقه‌ها و تحزب‌ها و فرقه‌گرایی‌های فقهی / حقوقی و ایدئولوژیک می‌دیدند که دعوتگر به اجتهادی نوین است و روی آوردن به باطن کتاب و سنت.

او دارای زندگینامه‌ی خودنوشت کوتاهی به نام الجزء اللطیف فی ترجمه‌ی العبد الضعیف (به فارسی) است و در کتاب انفس العارفين هم اشارات زندگینامه‌ای دارد. نهضت فرهنگی و اجتماعی - سیاسی‌ای که او، فرزندان (به ویژه عبدالعزیز از میان پنج پسرش) و شاگردانش به بار آوردند، به تعبیر عبیدالله سندی (م ۱۹۴۴) «نهضت ولی الله» نام گرفت. پس از تاسیس پاکستان و استقلال آن، شاه ولی الله به صورت قهرمان ملی و متفکر سیاسی - اجتماعی تلقی شد؛ و به او همان شأنی را دادند که به عارف مسلمان هندی و مصلح دینی - اجتماعی قرن هفدهم میلادی یعنی شیخ احمد سرهندی داده بودند. امروزه، چنان که اشاره شد، نهضت‌های بزرگ دینی اسلامی در گستره‌ی جنوب آسیا، به ویژه گروهی به نام دیوبندی Deobandis - که تکثرگرایی و روحیه و پیش‌زمینه‌ی عرفانی دارند - خود را ملهم از آراء و آثار شاه ولی الله و فرزندش شاه عبدالعزیز می‌دانند. جنبش‌هایی که کما بیش صوفی / تصوف ستیزند، نظیر اهل حدیث، حتی پیروان مولانا مودودی، در زندگی و آثار شاه ولی الله، بازگشت به مبانی اصلی شریعت، طرد سیاسی تاثیرات و نفوذ فرهنگی / استعماری بیگانه، و در یک کلام، سرچشمه‌ی اعتقادات اصلاح طلبانه‌ی خود را می‌یابند. در زمان حیات شاه ولی الله، مخالفت‌های فرقه‌های نژادی غیرمسلمان هندی نظیر «جات» و «مراسته»، و قهراً پس از وفاتش اشغال و استعمار انگلستان در کار بود. نواده‌ی او شاه اسماعیل شهید با وجود تلاش برای برانداختن رسوم خرافه آمیز محلی بعضی از توده‌های مسلمانان، و نیز اعتقاد به لزوم جهاد با نیروهای غیرمسلمان و اشغالگر هند، در عین حال - مانند جدش شاه ولی الله - دارای آثار عرفانی بر وفق مکتب بن عربی است. دسته‌ی دیگری از پیروان او که برجسته‌ترین آنها شاگرد و خویشاوند نزدیک او محمد عاشق (م ۱۷۷۳) بود، در عمل، پیگیر گرایش‌های عرفانی شاه ولی الله شدند.

شاه ولی الله مردی کوشا و کثیرالتالیف بود. آثار او را تا یکصد کتاب و رساله هم برشمرده‌اند که در حدود سی اثر از آنها به چاپ رسیده (و بقیه یا به صورت نسخه‌ی خطی است یا از بین رفته است). آثار او به دو زبان عربی - زبان رسمی و علمی سراسر جهان اسلام از آغاز تا امروز - و فارسی - زبان رسمی و ادبی هشتصد ساله‌ی هندوستان از عهد غزنویان تا استعمار بریتانیا - نوشته شده است.

بعضی از آثار فارسی او (که در آن زمان، زبان ادبی و رسمی / اداری هند بود) عبارتند از:

۱ - الطاف القدس فی معرفه لطائف النفس (چاپ هند، ۱۹۶۴ م)

۲ - الانتباه فی سلاسل اولیاء الله

۳ - اتحاف النبیة فی ما یحتاج الیه المحدث و الفقیه (لاهور، ۱۹۶۹ م).

و مهمتر از نظر بحث و تحقیق، آثار قرآن پژوهی اوست که برجسته‌ترین آنها عبارتند از:

۴ - فتح الرحمن فی ترجمه‌ی القرآن که پایان ترجمه و پاکنویس آن به تصریح خود شاه ولی الله در ۱۱۵۱ ق / ۱۷۳۸ م بوده و در کراچی و بعضی شهرهای هند کراراً چاپ شده و بحث درباره‌ی آن موضوع اصلی این مقاله است.

۵ - الفوز الکبیر فی اصول التفسیر که رساله‌ای کم حجم و پر مغز درباره‌ی اصول و مبانی تفسیر قرآن است که هم به مسائل زبانی / ادبی و بلاغی و هم عناصر و ارکان و اصول تفسیر نگاری در پنج مبحث و بخش اصلی پرداخته است. (کراچی، ۱۹۶۴ م) ترجمه‌ی عربی این کتاب در جهان اسلام (عرب زبان) اشتهار و به حق اعتبار دارد و تحت عنوان ترجمه‌ی الفوز الکبیر ... بارها در کراچی و کشورهای عربی به طبع رسیده است. ترجمه‌ی انگلیسی اش به کوشش گ. ه. جالبینی (G.H.Jalbani) با عنوان

The Principle of Quran Commentary انتشار یافته است (اسلام آباد، ۱۹۸۵ م)

۶- المقدمه فی قوانین الترجمة رساله ای کوتاه و چاپ نشده در باب اصول و روشهای درست ترجمه ی قرآن است .
 ۷- نامه های فارسی او در چندین کتابخانه از کتابخانه های هند نگهداری می شود که گزینه هایی از آنها به اردو ترجمه و چاپ شده است . برگرفته از کتاب : بررسی ترجمه های امروزی فارسی قرآن کریم

دیاری بیگدلی، محمدتقی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد تقی دیاری بیگدلی

محل تولد : بیگدل کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد تقی دیاری بیگدلی فرزند غلامرضا در سال ۱۳۳۸ هجری شمسی در حومه کاشان (بیگدل) چشم به جهان گشودم، تحصیلات ابتدایی و دوره راهنمایی و متوسطه را نخست در زادگاه خود و سپس در کاشان سپری نمودم، در سال ۱۳۵۴ قبل از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، افتخار حضور در حوزه مقدسه علمیه را پیدا نمودم، دروس مقدمات و سطوح عالی حوزه را نزد استادان گرانقدر حوزه علمیه کاشان و قم از جمله حضرات آیات عظام اعتمادی، خراسانی، وجدانی فخر، ستوده و محقق داماد فرا گرفتم، آنگاه از سال ۱۳۶۶ به بعد از محضر استادان معظم و عالیقدر حضرات آیات عظام مکارم شیرازی مظاهری، فاضل لنکرانی، منتظری، صانعی، جوادی آملی و سبحانی در زمینه های دروس خارج فقه، اصول و تفسیر قرآن کریم کسب فیض نمودم. هم زمان با تحصیلات حوزوی دوره کارشناسی ارشد را در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم و دوره دکترای تخصصی را در دانشکده الهیات دانشگاه تهران به پایان رساندم و در سال ۱۳۷۷ از پایان نامه خود تحت عنوان نقد و بررسی اندیشه های وارداتی یهود (اسرائیلیات) در تفاسیر قرآن دفاع کردم.

از سال ۱۳۷۱ تاکنون به عنوان عضو هیأت علمی گروه آموزشی علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم، اشتغال به فعالیتهای آموزشی و پژوهشی دارم. از همان زمان به مدت ۶ سال با گروههای معارف اسلامی دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران همکاری علمی داشتم و از آن پس نیز برخی از مراکز آموزش عالی از جمله دانشکده علوم قرآنی قم، دانشکده شهید محلاتی قم و مرکز جهانی علوم اسلامی در مدرسه امام خمینی ره مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره و مرکز تخصصی تفسیر حوزه علمیه قم همکاری آموزشی علمی داشته و دارم. علاوه بر تدریس و انجام خدمت موظف خود در دانشگاه و نیز اهتمام به فعالیتهای پژوهشی و نگارش و نشر آثار علمی، تا به حال راهنمایی و مشاوره بیش از چهل پایان نامه را در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری بر عهده داشته ام.

دیالمه، غلامحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیهوشی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

دیانی، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد دیانی

محل تولد: ساری

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۶/۹

زندگینامه علمی

شهریور سال ۱۳۴۱ در روستای سعید آباد از توابع شهرستان ساری متولد شدم و تا پنجم ابتدائی در آن روستا تحصیل کردم بعلت نبود مدرسه راهنمائی در آن روستا، جهت تحصیلات راهنمائی با خانواده ساکن شهرستان ساری شدم و دوره راهنمائی را در مدرسه «دهه انقلاب» گذراندم، در دوره ابتدائی راهنمائی معمولاً شاگرد ممتاز مدرسه بودم، برای ادامه تحصیل بعلت فهم خوب و علاقه شدید و با تشویق راهنمای مدرسه رشته ریاضی را انتخاب کردم و سه سال دبیرستان را با موفقیت طی کردم، در این دوران بعلت شرکت در فعالیتهای انقلابی و مقابله با منافقین و چپی ها که در شمال خیلی فعال بودند، دیگر از ممتازین بحساب نمی آمدم سال تحصیلی ۶۰-۵۹ که سال چهارم ریاضی مشغول بودم با شروع جنگ به جبهه رفتم (آذر ۵۹) و خرداد ۶۰ برای شرکت در امتحانات برگشتم که موفق به قبولی در تمام دروس نشدم، دوباره به جبهه رفتم و با تصمیم قبلی به حوزه علمیه آمدم (با تشویق عمو، دائی، اخوی و خانواده و با احساس نیاز به آموختن علوم دینی برای مقابله بهتر با منافقین و گروههای چپ به حوزه آمدم).

با ارشاد مرحوم شهید بهشتی و آیت الله حائری شیرازی مدرسه حقانی قم را انتخاب نمودم و در آنجا قبول شدم، بدین ترتیب از سال تحصیلی ۶۱-۶۰ وارد حوزه علمیه قم شدم، البته قبل از ورود به حوزه در جلسات مذهبی، آموزش قرآن، احکام، عقائد دینی و تفسیر قرآن شهرستان ساری شرکت می کردم و از اطلاعات دینی خوبی برخوردار بودم و حتی برای دانش آموزان کلاسهای برپا می کردم. در مدرسه حقانی طبق برنامه مدون مدرسه تحصیل کردم با انتقال این برنامه به مدرسه شهیدین، من نیز به مدرسه شهیدین منتقل شدم و همه مباحث را به دقت و علاقه دنبال می کردم و مخصوصاً به علوم معقول (عقائد، منطق، اصول و فلسفه) علاقه بیشتری داشتم، تا سال ۶۸ فقط به تحصیل دروس حوزوی و گاهی تدریس آن مشغول بودم و در این مدت حدود ۱۶ ماه در جبهه ها حضور داشتم.

در این مدت از اساتید وارسته و عالمی همچون آقایان محمد شبیری زنجانی، نیازی، محمد رضا طباطبائی، مسجد جامعی، حسین کاشانی علوی، جواد محدثی، حسن آقا تهرانی، مدرس زاده، محسن اراکی، موسوی هوائی، اسلامی آیت الله خزعلی و آقای فیاضی و ... و درس مکاسب و کفایه را از محضر حضرات آیات احمدی میانجی ره، مصلحی ره و استادی زید عزه استفاده کردم. بنده حدود یازده سال در درس خارج شرکت کردم، درس فقه و اصول آیات محترم زید عزم، سید کاظمی حائری سید محمود شاهرودی، میرزا جواد آقا تبریزی ره، آیت الله وحید، و آیت الله جوادی آملی.

اینجانب سال ۶۸ در کنار دروس حوزوی در دوره دوم کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی مرکز تربیت مدرس قم شرکت کردم و با گذاردن ۷۲ واحد و دفاع از پایان نامه فارغ التحصیل شدم، و مجدداً بعد از حدود ۱۰ سال کار اجرائی از بهمن ۸۴ به تحصیل دکترای کلام اسلامی در همین مرکز مشغول می باشم.

بمدت دو سال و نیم در گروه کلام جدید یا دین شناسی بنیاد فرهنگی باقر العلوم یعنی نطفه های اولیه موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی تحصیل کردم. از بچگی به تدریس علاقه داشتم لذا از سال سوم ابتدائی برای همکلاسی های ضعیف تر درسها را مجدداً تدریس می کردم در دوران تحصیل دبستان، راهنمائی و دبیرستان چنین مسؤلیتهایی را بعهده گرفتم، گاهی کلاس خصوصی ریاضی در منزل داشتم (قبل از انقلاب)، در مدرسه و مسجد و حسینه های ساری کلاسهای احکام و عقائد تدریس می کردم از سال دوم نیز چنین نقشهایی را در مدرسه ایفاء می کردم، از سال ۶۵ رسماً به تدریس در حوزه مشغول شدم و از آن وقت همیشه بی وقفه حداقل هفته ای ۵ ساعت تدریس داشتم، اینجانب در مدرسه شهیدین، جامعه الزهراء، مدرسه صدوق و اخیراً در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره و نیز در مرکز ادیان قم تدریس داشتم، و در این مدت بیشتر موضوعات زیر را تدریس نمودم، نحو، معانی بیان، عقائد، منطقی، فلسفه، اصول و فقه و بعضی دروس علوم سیاسی، کتابهای سیوطی، مغنی، مبادی ۴ و ۲، مختصر المعانی، تهذیب البلاغه، جواهر البلاغه، تحریر الوسيله لمعه، مکاسب محرمة، معالم، اصول فقه، حلقه ثانیه شهید صدر، رسائل شیخ انصاری، آموزش عقائد، عقائد الامامیه، شیعه در اسلام، معارف اسلامی دانشگاهها و شرح تجرید، باب حادی عشر، منطق شهید مطهری، منطق هادی فضلی، منطق مظفر بخشهایی از حاشیه، بدایه الحکمه، نهایه الحکمه، آموزش فلسفه و... را تدریس کردم.

از سال تحصیلی ۷۸-۷۷ دروس معارف اسلامی را در دانشگاه پزشکی تهران و یکسال در دانشگاه پزشکی بابل تدریس می کنم (هفته ای ۶ ساعت) از نظر مسؤلیتها علمی اجرائی، بعد از انقلاب و قبل از ورود به حوزه مسؤلیت فرهنگی تبلیغی در انجمنهای اسلامی مدرسه، محله و شهر ساری را عهده دار بودم از آذر ۷۴ وارد جامعه الزهراء شدم، و بمدت ۸ سال با عنوان قائم مقام معاونت آموزش عملاً عهده دار معاونت آموزش جامعه الزهراء بودم، در این مدت چند سالی بعضی از مسؤلیتهای پذیرش نیز بر عهده بنده بود. در معاونت آموزش کارهای برنامه نویسی، آئین نامه نویسی، تعیین متون درسی و اجرای ضوابط را عهده دار بودم و از سال ۸۲ مسؤل برنامه ریزی درس جامعه الزهراء و از ۸۳ تا ۸۵ مسؤل طرح و برنامه هیات امنای جامعه الزهراء بودم که در این مدت در تدوین برنامه سطح ۲ و برنامه رشته های سطح ۳ حوزه های خواهران مشارکت داشتم و عضو کمیته برنامه ریزی حوزه های علمیه خواهران در دبیر خانه شورای عالی و عضو بعضی از شوراهای مرکز مدیریت خواهران (شورای برنامه ریزی و شورای پژوهش) بوده و هستم. از مرداد ۸۵ عضو هیات علمی مرکز ادیان هستم و مسؤلیت دفتر سازمان سمت در قم را از دی ماه ۸۴ عهده دار هستم. یاد آوری شود اینجانب سال تحصیلی ۸۸-۷۷ عضو هیات علمی و مدیر گروه معارف اسلامی بابل بودم (با حفظ مسؤلیت در جامعه الزهراء) که بدلیل سختی کار و پیدا نشدن جایگزین در قم، استعفا دادم. از جمله دوران شیرین زندگی اینجانب در سال اول درس خارج بود که در مدرسه شهیدین تحت اشراف حضرات آیات خرازی، مصلحی و استادی به تحقیق فقهی یا اصول مشغول بودم که ثمره آن برای خود، تحقیق در ۴ یا پنج موضوع بود که آموزشهای فراوانی را برای اینجانب به همراه داشت، که متأسفانه ادامه ندادم.

دیانی، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۹، مرتبه علمی: استاد، رشته: کتابداری، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید چمران اهواز
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته علوم تربیتی از دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد کتابداری از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۳، دکترا از دانشگاه راتگرز آمریکا در رشته کتابداری و اطلاع رسانی در سال ۱۳۵۹.
مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بهره‌وری از اطلاعات، کتاب‌شناسی، کامپیوتری کردن کتابخانه‌ها، تعیین معیارهای ویژه نوشته‌های نوسودان، استاد راهنمای یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

روش تحقیق، مصاحبه مرجع در کتابخانه، فهرست مقالات حقوق.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

کتابداری و اطلاع‌رسانی، مدیریت کتابخانه، نوشته‌های ویژه نوسودان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

دیباچی مروزی، ابوالفتح محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۰۹-۵۱۷ق)، ادیب و نحوی. اهل مرو بود. نحو را از پدرش که مردی فاضل بود آموخت. او سرپرست کتابخانه‌ی جامع مرو بود و در همان جا درگذشت. از آثارش: «المحصل» در شرح «المفصل» زمخشری، و شرح «انموذج» زمخشری، هر دو در نحو؛ تهذیب

«مقدمه الادب» زمخشری؛ «قانون الصلاحی فی ادویه النواحی»؛ «منافع اعضاء الحیوان»؛ «فلك الادب».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/۷)، ایضاح المکنون (۱۳۶/۱)، کشف الظنون (۱۸۳۴، ۱۸۲۰، ۱۷۷۵، ۱۳۱۰)، معجم المؤلفین (۲۱/۱۰)، الوافی بالوفیات (۹۰-۸۹/۳)، هدیه العارفین (۱۰۸/۲).

دیباچی، ابراهیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات عرب، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

دیبازر، هدایت

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: رادیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی رادیولوژی دیاگنوستیک در سال ۱۳۵۳، طی دوره تکمیلی توموگرافی کامپیوتری و سونوگرافی و M.R.i به مدت یک سال در استرالیا.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

رادیولوژی، سی‌تی‌اسکن و سونوگرافی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳۰ پایان‌نامه دکترای عمومی و تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

رادیولوژی و سونوگرافی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۴، تعداد مقالات به زبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

سی‌تی‌اسکن در رابطه با کلسیفیکاسیون و سایر یافته‌های رتینوبلاستوما، سونوگرافی کبد و کیسه صفرا و طحال و پانکراس با بیماریهای غیر معمولی کیسه صفرا و ارزش توموگرافی کامپیوتری در تشخیص آنها. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

دیدوزمی، محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س پنجم ق)، مترجم. وی کتاب «قصص الانبیاء» ابوالحسن کسایی را تحت عنوان «نفایس العرایس» به فارسی گزارش کرده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۶۴)، الذریعه (۲۴/۲۴۰)، کشف الظنون (۱۳۲۸).

دیرباز، عسکر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عسکر دیرباز

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

تا هفت سالگی مثل بقیه بچه های آن دوران روزگار گذرانیده، پس از ابتدایی و راهنمایی که دومین سالی بود که نظام سه ساله راهنمایی برقرار شده بود وارد دبیرستان شدم. پس از اخذ دیپلم تجربی در دبیرستان صدر اوحدی وارد حوزه علمیه قم شدم. در این مورد یکی از اهالی مسجدی که در دوران دبیرستان (دوم وسوم) به آنجا رفت و آمد داشتم خیلی موثر بود مرا با افکار انقلابی متخذ از تعالیم اسلامی قیام روحانیت در ۱۵ خرداد و مبارزات پس از آن، مبارزات مردم ویتنام و الجزایر و فلسطین آشنا ساخت بطوری که از سال دوم دبیرستان ضمن مطالعه کتب درسی کتاب های دینی و اجتماعی مطالعه می کردم. بدین ترتیب وارد حوزه علمیه قم شدم. از سال سوم تحصیل شروع به تدریس کردم و تمام کتاب های درسی ادبیات عرب را تدریس کردم. پس از آن به تدریس لمعه و مکاسب و کفایه مشغول شدم، البته پس از گذراندن تحصیل نزد اساتید عالیقدری همچون آیت الله اشتهاردی، وجدانی فخر (ره)، اعتمادی، ستوده(ره)، آیت الله العظمی فاضل (حدود و قصاص) و آیت الله العظمی تبریزی (اواسط مکاسب و طهارت) و آیت الله العظمی وحید خراسانی (اصول و فقه) شرکت کردم. ضمناً دروس اشارات و اسفار حضرت آیت الله حسن زاده آملی و جوادی آملی هم توفیق شرکت را به مدت ۳ سال داشته ام. ضمن تدریس در دانشگاه تا حدی دروس خارج و تدریس مکاسب و کفایه را ادامه دادم تا آنکه اخیراً عمدتاً مطالعات فلسفی دارم. همچنین در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با دوستان عالیقدر

در زمینه اقتصاد و فلسفه اقتصاد تحقیقاتی داشته ام که منتشر شده است.

دیزجی زنجانی، فیاض

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فیاض بن العالم الجلیل ملا محمد مدرس دیزجی زنجانی متولد ۱۲۸۵ ق و متوفی ۱۳۶۰ ق از اکابر فقهاء امامیه و مراجع تقلید گذشته و جامع معقول و منقول بوده است.

وی پس از تولد و پرورش در بیت علم و تقوا و خواندن متون فقه و اصول به تهران مهاجرت نموده و معقول را از سید الفلاسفة المتالهین میرزا ابوالحسن جلوه اصفهانی فرا گرفته و فقه و اصول را از محضر آیت‌الله والعلامة الکبری میرزا محمدحسن آشتیانی و دیگران استفاده نموده تا به رتبه اجتهاد رسیده و عزیمت به عراق نموده و در نجف اشرف علی من تشرفها آلاف التحیة والثناء به حوزه درس علامه تهرانی حاج شیخ هادی پیوسته و از بحث آن نابغه علمی استفاده نموده و بعد از فوت آن مرحوم در سال ۱۳۲۶ قمری به زنجان مراجعت کرده و مورد استقبال و توجه مردم قرار گرفته و عده‌ای از مردم آن استان به وی تقلید نموده تا در روز جمعه ۱۸ ذی‌الحجه (عید سعید غدیر) ۱۳۶۰ قمری وفات و نزدیک مقبره آخوند ملا علی قاریوزآبادی مدفون گردیده است. آثار علمی و باقیات الصالحات آن مرحوم.

۱- کتاب الخمس

۲- ذخایر الامه

۳- کتاب الاجاره

۴- کتاب الزکاة

۵- رساله در ماهیة وجود (تقریر بحث استادش علامه تهرانی)

۶- رساله حجائیه.

و اما باقیات الصالحات ایشان فرزند ارجمندش.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

دیلماقانی موحد، صمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فلسفه، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فلسفه و علوم تربیتی، کارشناسی ارشد فلسفه، دکترای فلسفه اسلامی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس در زمینه دروس فلسفی در دانشگاه، همکاری با دائرةالمعارف بزرگ اسلامی بعنوان محقق و ویراستار.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

فلسفه و عرفان اسلامی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

فلسفه، کلام، عرفان اسلامی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

دیلمی طبرستانی، سلار، سالار، ابویعلی حمزه عبدالعزیز

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۶۳ ق)، فقیه، اصولی، ادیب و محدث امامی. ملقب به سلار یا سالار. در فقه و ادب پیشگام بود. سیوطی در «طبقات» خود او را از جمله‌ی ادیبان بنام برشمرده است. ساکن بغداد بود و مورد اعتماد و احترام. شیخ مفید و سید مرتضی از مشایخ او می‌باشند. شیخ ابوعلی طوسی، فرزند شیخ الطائفه، و شیخ منتجب‌الدین و ابوالمکرم مبارک بن فاخر نحوی و ابوالفتح عثمان نحوی و ابوالصلاح حلبی و ابوالفتح کراچکی از شاگردان وی بودند. سلار گاهی به جانشینی سید مرتضی درس می‌گفت. وی در قریه خسرو شاه تبریز درگذشت. سیوطی به نقل از صفدی سال مرگ وی را ۴۴۸ ق می‌داند. از آثارش: «المقنع فی المذهب»، «التقریب»، در اصول فقه؛ «المراسم العلویه»، در احکام نبویه، در فقه؛ «الرد علی ابی‌الحسین البصری فی نقض الشافعی»، «التذکره فی حقیقه الجوهره»؛ «الابواب و الفصول»، در فقه؛ «المسائل السلاریه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۰۹/۲)، اعیان الشیعه (۱۷۲- ۱۷۰/۷)، ایضاح المکنون (۵۵۳، ۲۷۵/۱)، الذریعه (۱۲۴/۲۲، ۳۵۲، ۲۹۸/۲۰، ۱۸۰، ۱۷۹- ۱۰/ ۳۶۵، ۲۴/۴)، ریاض العلماء (۴۴۴- ۴۳۸/۲)، ریحانه (۵۱- ۵۰/۳)، فهرست منتجب‌الدین (۸۴)، الکنی و الالقاب (۲۳۸/۲)، لغت نامه (ذیل / سلار الدیلمی)، معجم المؤلفین (۲۳۵، ۴/ ۷۹)، هدیه العارفین (۳۸۰/۱).

دیلمی طبری، کیکاووس

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(شهادت س ششم ق)، عالم و محدث. استاد علم حدیث شیخ منتجب‌الدین بود که به او اجازه‌ی نقل حدیث داده بود. شیخ منتجب‌الدین از او به به عنوان زاهدی دانشمند نام برده است. نویسندگان «امل الامل» و «ایجاز المقال» و «ریاض العلماء» و همچنین علامه مجلسی و علامه نوری او را تحت عنوان شهید ذکر کرده و ستوده‌اند. از آثار وی «کتاب النجوم» و کتابی در «اوقات الصلوات الخمس» است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۷۸/۲۴، ۴۷۹/۲)، ریاض العلماء (۴۱۴/۴)، ریحانه (۴۵/۴)، شهیدان راه فضیلت (۸۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶/۲۳۴)، فهرست منتجب‌الدین (۱۴۸)، معجم المؤلفین (۴۱۵/۱۳).

دیلمی همدانی، ابوشجاع شیرویه

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۰۹-۴۴۵ ق)، حافظ، محدث و مورخ. از محمد بن عثمان قومسانی و یوسف بن محمد مستملی، سفیان بن حسن بن منجویه و ابوالفرج بجللی و احمد دینوری و بسیاری دیگر حدیث شنید. فرزندش شهردار و محمد بن فضل عطار و ابوطاهر سلفی و ابوموسی مدینی و عده‌ای دیگر از او روایت کردند. وی را از طبقه متوسط محدثان شمرده‌اند. از آثار وی: «تاریخ همدان»؛ «فردوس الاخبار»، حاوی ده هزار حدیث، که سیوطی «جامع صغیر» خود را به این روش تالیف داده؛ «ریاض الانس لعقلاء الانس فی معرفه احوال النبی (ص) و تاریخ الخلفاء».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۶۸/۳)، ایضاح المکنون (۵۹۹/۱)، بحار الانوار (۲۵/۱)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۱۶۴-۱۶۳/۱)، الذریعه (۱۶۴/۱۶)، ریحانه (۲۵۰/۲)، سیر النبلاء (۲۹۵-۲۹۴/۱۹)، کشف الظنون (۱۲۵۴)، الکنی و الالقاب (۲۳۹-۲۳۸/۲)، لغت نامه (ذیل / شیرویه)، معجم المؤلفین (۳۱۳/۴)، الوافی بالوفیات (۲۱۸-۲۱۷/۱۶)، هدیه الاحباب (۱۳۷).

دیلمی همدانی، ابومسلم احمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۲۵ ق)، محدث. از جدش، شهردار، و نصر بن مظفر برمکی و ابوالوقت سجزی و ابوالخیر باغبان و دیگران حدیث شنید. زکی برزالی و ضیاء مقدسی از او روایت کرده‌اند. ابن نقطه گوید که او محدثی قابل اعتماد بود و من در همدان از وی حدیث شنیدم. دیلمی در هفتاد و نه سالگی در گذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۲۶۰/۲۲).

دیلمی همدانی، ابومنصور شهردار

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۵۸- ۴۸۳ ق)، حافظ و محدث. وی اهل همدان و از نوادگان ضحاک بن فیروز دیلمی صحابی است. از پدرش و ابوالفتح عبدوس و ابن سلار و ابومحمد دونی و ابن زنجویه، فقیه زنجان، و همچنین در بغداد حدیث شنید. فرزندش ابومسلم احمد و ابوسهل عبدالسلام و ابوسعید سمعانی از او روایت کرده‌اند. وی از حافظان فهیم و ادیب و ظریف حدیث بود. به همراه پدرش به اصفهان سفر کرد و به جمع‌آوری اسناد کتاب «فردوس الاخبار» پدرش، شیرویه دیلمی، پرداخت و از آن جایی که پدرش حذف اسانید کرده بود شهردار دیلمی اسانید آن را در ۴۰۷ برگ در چند مجلد به نام «مسند الفردوس» عرضه کرد. ابن حجر عسقلانی این کتاب را تلخیص کرد و آن را «تسدید القوس فی مختصر مسند الفردوس» نامید.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۶۰/۳)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۱/۱۶۴)، الذریعه (۲۸/۲۱)، سیر النبلاء (۳۷۸- ۳۷۵/۲۰)، کشف الظنون (۱۶۸۴، ۱۲۵۴)، لغت نامه (ذیل / شهرداد)، معجم المؤلفین (۴/۳۰۹)، الوافی بالوفیات (۱۹۴- ۱۹۳ / ۱۶)، هدیه العارفین (۴۱۹/۱).

دیلمی یمانی، محمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۱۱ ق)، فقیه زیدی. اصلش از دیلم است، که به یمن منتقل شده و در صنعاء سکنی گزیده است. وی در راه بازگشت به دیارش در وادی مر از دنیا رفت. دیلمی صاحب کتاب «قواعد عقائد آل‌محد (ص)» است که از اصول کتابهای زیدیه می‌باشد. این کتاب در «الذریعه» تحت عنوان «قواعد العقائد»، در قواعد عقاید باطنیه، آمده است. از دیگر آثارش: «الصرط المستقیم»؛ «المشکاه من الموانع المردیه»، در زهد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۶/۳۱۸)، الذریعه (۱۷/۱۸۶).

دیلمی، ابوالفتح ناصر

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۴۴ ق)، مفسر. با یازده واسطه نسب وی به امام حسن مجتبی (ع) می‌رسد. در دیلم متولد شد و همان‌جا تعلیم یافت. سپس به یمن رفت و در آن‌جا مردم را به امامت خود خواند. قبایل با او بیعت کردند و چنان پشت گرمی یافت که بر شهر صعده و صنعاء

نیز حکومت راند. او سرانجام کشته شد و در قریه افیق دفن شد. از آثارش کتابی در «تفسیر»، در چهار مجلد است که به نام «تفسیر ابوالفتح دیلمی» موسوم است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۱۰-۳۰۹/۸)، الذریعه (۲۵۵/۴)، ریحانه (۲/۲۵۰)، کشف الظنون (۱۷۲۴)، لغت نامه (ذیل / ناصر)، معجم المؤلفین (۷۰-۶۹/۱۳).

دیلمی، ابوضحاک فیروز

قرن: ۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س اول ق)، محدث. از ایرانیانی بود که از جانب انوشیروان به یمن فرستاده شده بود. به خاطر اینکه در یمن، در قبیله‌ی حمیر، فرود آمده بود او را حمیری نیز می‌گویند. وی پس از ظهور اسلام، به پیامبر (ص) گروید، و حضرت طی بیانی او را فردی شایسته خواند. فیروز دیلمی احادیث بسیاری از رسول خدا (ص) روایت کرده است. وی در روزگار خلافت عثمان درگذشت. در «الاعلام» به نقل از «الاصابه» آرخین ماموریت وی (تا پایان حیاتش) را امارت صنعا از طرف معاویه ذکر کرده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۷۱/۵)، ریحانه (۲/۲۵۰)، المعارف (۱۴۶).

دیلمی، ابومحمد حسن

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۷۶۰ ق)، محدث، عالم و عارف امامی. معاصر با شهید اول و فخرالمحققین بن علامه‌ی حل است. ابن‌فهد از او روایت می‌کند. کتاب «ارشاد القلوب» وی مورد اعتماد مجلسی و شیخ حر عاملی بوده و این دو در «بحار» و «وسائل» از این کتاب بسیار نقل کرده‌اند و سید علیخان مدتی شیرازی این کتاب را طی ابیاتی بسیار ستوده است. از آثار وی: «الربعون حدیثا»؛ «ارشاد القلوب الی الصواب المنجی من عمل به من الیم العقاب»، در دو مجلد؛ «الاعلام‌الدین فی صفات المومنین»؛ «تفسیر قرآن»؛ «غرر الاخبار و درر الآثار فی مناقب الاطهار»، که علامه مجلسی در «بحار» از آن نقل کرده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعلام‌الدین (مقدمه، ۹۷)، اعیان الشیعه (۲۵۱-۲۵۰/۵)، بحارالانوار (۳۳، ۱۶/۱)، الذریعه (۳۶/۱۶، ۵۱۷/۱)، روضات الجنات (۲۸۶-۲۸۴/۲)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۳۸/۸)، الکنی و الالقاب (۲۳۹-۲۳۷/۲)، لغت نامه (ذیل / حسن دیلمی)، هدیه العارفین (۲۸۷/۱).

دیلمی، حسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۸۱-۱۲۲۹ ق)، عالم دینی، حکیم و فقیه زیدی. وی در اکثر علوم دست داشت. در شهر ذمار یمن به دنیا آمد و در همان شهر نشو و نما یافت. در مکه از دنیا رفت. از آثارش: «تحفه الحبيب بنظم مسائل التهذيب»، در منطق؛ «نزهه الطرف فی احکام الصرف»؛ «الابریز المذاب فی قواعد الاعراب»؛ «الطراز المذهب فی المختار لاهل المذهب»، در فقه؛ «مختصر الاتقان فی علوم القرآن». بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: الاعلام (۲/۲۱۳)، معجم المؤلفین (۳/۲۴۳).

دیلمی، حسن بن الحسن

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مولی حسن بن الحسن الدیلمی عالم فاضل، و حکیم بارع و فقیه. به اتفاق پدر خود از گیلان به اصفهان مهاجرت نموده، و از معاشین و مصاحبین و همدرسان افندی مؤلف ریاض العلماء می‌باشد. تألیفاتی دارد از آن جمله شرح صحیفه سجادیّه است. در ۲۶ رمضان المبارک سال ۱۱۱۹ وفات یافته است.

مؤلف تاریخ علما و شعرای گیلان را در نام صاحب عنوان اشتباهی روی داده، زیرا که مؤلف شرح صحیفه سجادیه نامش: مولی حسین بن حسن است. گویند: شرح صحیفه او انتحال از شرح سید علی خان مدنی است. علاّمه جلیل القدر مؤلف الذریعه (۱۳: ۳۵۰) فرماید: من شرح سید علی خان را دیدم که به خط خود در حواشی آن، مواضع انتحال را تعیین نموده بود.

مولی حسین گیلانی دایی سید ابوالقاسم بن حسین موسوی خوانساری جدّ صاحب روضات است، و قبرش در بقعه مشارالیه قرار دارد، و آقا میرزا محمد باقر به مناسبت بودن قبر او در این محل وصیّت به دفن در اینجا نموده است. در اسامی حسین مجدداً از او نامی برده خواهد شد.

بر گرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

دیلمی، شمس‌الدین، ابونابت محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۵۸۹ ق)، متکلم و صوفی. وی از علمای قرن ششم هجری بود که دارای تصانیف بسیاری است. از جمله آثارش: «اصلاح الاخلاق»؛ «اصول مذاهب العرفاء باللّه»؛ «برهان المحبه»؛ در تصوف؛ «التجريد و التعظیم»؛ «جواهر الاسرار»؛ «عجائب المعارف»؛ «عیون المعارف»؛ «تصدیق المعارف»؛ «محک النفس»؛ «مهمات الواصلین».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۶۱۰، ۵۱۲، ۴۷۵، ۳۵۹، ۳۳۶، ۳۳۳، ۳۳۰، ۳۲۹، ۱۳۵، ۹۴، ۳۰/۲، ۳۷۵، ۳۱۷، ۲۶۹، ۱۷۹/۱)، کشف الظنون (۱۹۵۶، ۱۹۱۶، ۶۰۱، ۳۵۱، ۱۱۵)، معجم المؤلفین (۱۰/۲۵۷)، هدیه العارفین (۲/۱۰۳).

دیلمی، کرزالدین، اسحاق

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۸۹ق)، حکیم. از دانشمندان و حکمای قرن هفتم هجری است. از آثار وی: «تاریخ السماویات و الارضیات». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: کشف الظنون (۲۹۶)، لغت نامه (ذیل / اسحاق)، معجم المؤلفین (۲/۲۳۱)، هدیه العارفین (۱/۲۰۱).

دیمرتی اصفهانی، قاسم بن محمد

قرن: ۱۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ادیب نحوی لغوی، مؤلف کتاب ۱ - الابانۃ ۲ - تفسیر الحماسۃ ۳ - تقویم الالسنۃ ۴ - تهذیب الطبع، در نوادر لغت ۵ - غریب الحدیث؛ و غیره.
برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

دین پرور، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید حسین دین پرور

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۷/۱/۱

زندگینامه علمی

حضرت آیت الله سید حسین دین پرور مشهور جمال الدین دین پرور در سال ۱۳۱۷ در خانواده ای مذهبی و متدین در تهران به دنیا آمد. نامبرده پس از مدتی عشق وافر او به علوم دینی او را به سوی حوزه علمیه رهسپار کرد و پس از سالها تلاش و مجاهدت در راه علم و تحصیل به درجه اجتهاد نایل گردید. در دوران تحصیل خویش از محضر اساتید بزرگی چون مرحوم علامه طباطبائی، مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی، مرحوم آیت الله بروجردی، مرحوم آیت الله العظمی امام خمینی و ... بهره ها برد.
نامبرده در دوران حیات علمی خویش تألیفات فراوانی به رشته تحریر درآورده است که وی هم اکنون در حوزه های علمیه تهران و دانشگاههای تهران به تدریس علوم ناب اسلامی مشغول است و در این راستا شاگردان فراوانی تربیت و تقدیم انقلاب اسلامی کرده

است.

دین‌پرور دربندی، جعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج سید جعفر بن العالم الجلیل آیت‌الله السید ابوتراب بن العلامة الورع سید مهدی دربندی تهرانی از علماء ابرار و دانشمندان اخیر تهران بوده و در سال ۱۲۶۳ شمسی در نجف اشرف متولد گردیده و در تحت مراقبت و تربیت والد معظمش پرورش یافته و پس از انقلاب عراق علیه انگلیسها و اخراج آنان باتفاق والدش به ایران آمده و مورد استقبال و اقبال مردم تهران و شمیرانات قرار گرفته و بخدمات دینی و علمی پرداخته والد ماجدشان آیت‌الله دربندی علاوه بر داشتن حوزه درس، در مجالس معمولی و مهمانیها به نشر حقایق اسلام و اخبار ائمه اطهار اهتمامی بلیغ داشت و در مجالسش غیر از اخبار و احادیث اهلبیت علیهم‌السلام سخن دیگری نمی‌فرمود.

مترجم ما پس از مراجعت از عراق تحصیلات خود را در نزد والد خود ادامه داده و علاوه بر استفاده‌های علمی تقوا و فضائل و ملکات نفسانی را از آن بزرگوار فرا گرفته و با لباس کرباس وطنی و کمال زهد و قناعت و مناعت طبع بخدمات دینی پرداخته و نشر حقایق و معارف اسلام مینمود. نماز جماعتش در شمیرانات و دربند بسیار باشکوه و مخصوصاً ماه رمضان پر جمعیت بود و مردم از اطراف برای درک فیض از نماز و محضرش بدربند می‌شتافتند تا هشتم ماه رجب سال ۱۳۴۳ شمسی وفات نموده و با تجلیل زیاد جنازه‌اش حمل بشهر ری و در ابن بابویه مقبره شخصی خانواده گیش مدفون گردید.

نگارنده گوید: آن مرحوم ارادت مخصوصی بمرحوم آیت‌الله العظمی و مجاهد حاج سید ابوالقاسم کاشانی داشت خودم ناظر بودم که با آن کهولت و کبر سن با پای برهنه از تهران تا بشهر ری در تشییع جنازه آن مرحوم شرکت داشته و اظهار تأثر و تأسف از فقدان آن مرحوم می‌نمود.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

دینشاه ایرانی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۷ - ۱۲۶۰ ش)، مترجم و نویسنده. از پیشوایان مشهور زرتشتیان بمبئی بود که در سال ۱۲۶۰ ش در بمبئی متولد شد. وی به همراه رابینات تاگور (شاعر معروف هندی) به ایران آمد. او «دیوان حافظ» را به انگلیسی ترجمه کرد و از شعرای معاصر ایران «تذکره‌ای» ترتیب داد و با ترجمه‌ی منتخبی از اشعار آنان چاپ کرد. وی سرانجام در بمبئی درگذشت. از آثار وی: «اخلاق ایران باستان»؛ «پرتوی از فلسفه ایران باستان»؛ «پیک مزدیسنان»؛ «تعلیمات زرتشت»؛ «سخنوران دوران پهلوی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: دایرة‌المعارف فارسی (۱۰۲۹/۱)، سرآمدان فرهنگ (۳۵۸/۱)، شرح حال رجال (۹۹/۶)، مؤلفین کتب چاپی (۷۵) -

دینوری کرمانشاهی، ابو حفص عمر

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۳۰ ق)، حافظ و محدث. با کنیه ابو حفص و ابوبکر. از پیشگامان حدیث بود که در طلب آن به بغداد و بصره و کوفه و جبل سفر کرد و از ابراهیم بن ابی‌عنبس و حسن بن سلام و عبید بزار و ابوقلابه رقاشی و امثال ایشان حدیث شنید. حافظ ابوالقاسم بن ثابت و صالح بن احمد همدانی و احمد بن ترکان و قاضی ابوبکر ابهری و گروهی از همدانیان از وی حدیث روایت کرده‌اند. خلیلی در «ارشاد» او را ثقه خوانده و گوید که همگان بر این قول‌اند. دینوری از ۳۱۷ تا ۳۲۹ ق در همدان بود و سپس به کرمان شاه بازگشت. به او تصانیفی نسبت داده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۳۳۹- ۳۳۷/ ۱۵)، لغت نامه (ذیل / قرمیسینی)، معجم البلدان (۳۷۶/۴)، معجم المؤلفین (۲۸۵/۷)، هدیه العارفین (۷۸۱/۱).

دینوری، ابوالفضل احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۷۸- ۳۸۱ ق)، محدث و مسند. مشهور به ابن استاد. در دینور متولد شد به همدان رفت و در آنجا به مسند همدان معروف شد. وی از پدر خویش و ابوبکر بن لال و احمد بن ترکان و ابو عمر بن مهدی فارسی و دیگران حدیث روایت کرد. شیرویه گوید که در همدان و دینور از وی حدیث شنیدم، مرد راستگویی بود. دینوری در دینور درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۵۸۵- ۵۸۴/ ۱۸)، الوافی بالوفیات (۲۷۲/۷).

دینوری، ابوالقاسم عبدالله

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۳۹۰ ق)، ادیب و کاتب. وی از روسای کاتبان دیوانی خراسان بود که نسب به عباس بن عبدالمطلب می‌رساند. به گفته‌ی ثعالبی تصنیفات او در «محاسن الاداب» به سی جزء می‌رسد. وی همچنین دارای اشعار بسیاری است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۳۱/۴)، معجم المؤلفین (۶۹/۶).

دینوری، ابوالقاسم یوسف

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۰۵ ق)، فقیه و قاضی شافعی. معروف به ابن کج. وی از شاگردان ابوالحسین بن قطان بود، و در مجلس درس دار کی حاضر می‌شد. عده‌ای او را بر شیخ ابوحامد اسفراینی مقدم می‌دانند بطوری که یکی از شاگردانش روزی به وی گفت: ای استاد، گرچه ابوحامد صاحب نام است، اما علم نزد توست. دینوری مردی محتشم بود و مردم از اطراف به سویش می‌آمدند. وی در ماه رمضان به دست حرامیان کشته شد. دینروی داری تصانیف بسیاری است از که از آن جمله کتاب «التجريد» را می‌توان نام برد. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۱۸۴- ۱۸۳/۱۷)، معجم المؤلفین (۲۷۳/۱۳).

دینوری، ابوبکر احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۳۳ ق)، قاضی، محدث و فقیه مالکی. ابتدا عهده‌دار منصب قضای قلم و سپس چندین سال در اسوان مصر اقامت گزید و مدتی مقام قضاوت آنجا را بر عهده گرفت. از کسانی مثل ابوبکر بن ابی الدنیا و ابوقلابه الرقاشی و ابن قتیبه دینوری و محمد بن یونس کدیمی و عباس بن محمد دوری و محمد بن عبدالعزیز دینوری روایت کرده است و از روایان کتب ابن قتیبه به شمار می‌آید. قاضی ابوبکر ابهری و ابوبکر ابن شاذان و ابوبکر ابن مهندس و ابراهیم بن علی تمار مصری و حسن بن اسماعیل ضراب از وی روایت کرده‌اند دارقطنی او را از محدثان مورد اعتماد نمی‌داند و در «غرائب مالک» او را به وضع حدیث متهم کرده است. دینوری در مذهب مالک صاحب نظر بود. کتابی در «مناقب مالک» و کتابی در «رد شافعی» تالیف کرده است. وی همچنین صاحب کتاب «المجالسه» است که بوسیله از آن روایت کرده است. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۴۱/۱)، سیر النبلاء (۴۲۸- ۴۲۷/۱۵)، کشف الظنون (۱۸۴۱، ۱۵۹۱)، لسان المیزان (۴۶۹- ۴۶۸/۱)، لغت نامه (ذیل / احمد)، معجم المؤلفین (۱۷۵- ۱۷۴/۲).

دینوری، ابوبکر مکی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۶۸ ق)، حافظ، محدث و فقیه. وی مذهب سفیانی داشت. از عبدالغنی بن سعید و خلف بن محمد واسطی و صدقه بن دلم حدیث شنید. عبدالعزیز کتانی و ابوطاهر حنایی و غیث ارمنازی از او روایت کرده‌اند. گویند به معرفت رجال توجه خاصی داشت و

حدیث کم می‌گفت و ابوبکر خطیب در پی آن بود که از وی حدیث بشنود. و دینوری رغبت چندانی نشان نمی‌داد. او مدتی منصب قضاوت دمیره را عهده‌دار بود.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۴۱۳-۴۱۲/۱۸).

دینوری، ابوحنیفه احمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۲۸۲ ق)، نحوی، لغوی، ادیب و ریاضی‌دان. از مردم دینور بود که در بصره و کوفه علم آموخت و از محضر پدر خود و پس از او از این سکیت بیشترین بهره را برد. وی در علوم بسیاری همچون، نحو، لغت، هندسه، حساب و هیئت دست داشت، و صاحب تالیف بود. او را ذفنون و از نوادر روزگار می‌دانند. روایاتش را صحه گذاشته‌اند و وی را مورد اعتماد خوانده‌اند. او از بزرگان مذهب حنفی بود. از آثارش: «الآخبار الطوال»، «النبات»، «در شش مجلد بزرگ»، «الجبر و المقابله»، «الجمع و التفریق»، «البلدان»، «البحث فی حساب الهند»، «اصلاح المنطق»، «نوادیر الجبر»، «القبله و الزوال»، «الکسوف»، «تفسیر الدینوری»، «الانواء»، «ما یلحن فیہ العامه» یا «لحن العامه»، «الشعر و الشعراء».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۱۹/۱)، ایضاح المکنون (۶۸۰، ۴۲۱، ۳۲۱، ۲۷۹، ۲۷۷، ۲/ ۳۶۸، ۴۳/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۸۸ - ۱۸۷/ ۱)، دایرة المعارف فارسی (۱۰۲۹/۱)، الذریعه (۲۳۶/۳، ۱۷۲/۲، ۳۳۸/۱)، روضات الجنات (۱۰۳ - ۱۰۲/ ۵)، ریحانه (۷۲/۷)، سیر النبلاء (۴۲۲/۱۳)، کطف الظنون (۱۵۴۸، ۱۴۴۶، ۱۴۰۷، ۱۳۹۹، ۹۰۷، ۶۶۴، ۶۱۴، ۴۴۷، ۲۸۰، ۱۰۸)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۱۳۲)، لغت نامه (ذیل / ابوحنیفه)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۲۸۲)، معجم الادباء (۳۲ - ۲۶/ ۳)، معجم المؤلفین (۲۱۹ - ۲۱۸/ ۱)، الوافی بالوفیات (۳۷۹ - ۳۷۷/ ۶)، هدیه الاحباب (۱۲)، هدیه العارفین (۵۲/۱).

دینوری، ابوسعید، نصر

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۴۱۱ ق)، ادیب، کاتب، معبر و شاعر. وی از کاتبان بزرگ بود و عهده‌دار مناصب نیشابور. زمانی که سلطان محمود برای پاسخگویی به خلیفه‌القادر بالله، احتیاج به معتمدی داشت، وی را برگزید. از آثار وی: «روائع التوجیهاث من بدائع التشبیهاث»، «ثمار الانس فی تشبیهاث الفرس»، «التعبیر القادری» یا «القادری فی التعبیر»، در احکام، که برای خلیفه‌القادر بالله در ۳۹۷ ق تالیف کرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۵۲/۸)، کشف الظنون (۱۳۰۵، ۹۱۴، ۵۲۳، ۴۱۷)، معجم المؤلفین (۹۴/۱۳)، هدیه العارفین (۴۹۰/۲).

دینوری، ابوعلی احمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۸۹ ق)، نحوی. وی در دینور به دنیا آمد. از شاگردان برجسته مبرد و مازنی و ثعلب بود و در بغداد و بصره درس خواند و در مصر مقیم شد و در آنجا درگذشت. از آثار وی: «اصلاح المنطق»؛ «مختصر فی ضمائر القرآن»؛ «المهذب» در نحو. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۰۲/۱)، روضات الجنات (۲۰۶/۱)، ریحانه (۲۵۲-۲۵۱/۲)، کشف الظنون (۱۹۱۴، ۱۰۸۷)، لغت نامه (ذیل / احمد)، معجم الادبا (۲۴۱-۲۳۹/۲)، الوافی بالوفیات (۲۸۶-۲۸۵/۶).

دینوری، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج میرزا احمد آقا مجتهد شخصی فقیه و اصولی و دارای علوم غریبه و مردی با ورع و متقی و اغلب اشتغال بتحریر مطالب علمی و عملی داشت و منزوی از مردم و عابد و شب زنده‌دار و اوضاع و عوالم عجیب و غریبی داشت رضوان الله علیه. کتابی موسوم به (نظام العالم) دارد بسیار نفیس و عالی ولی بطبع نرسیده و تألیفاتی در علوم غریبه دارد و اشعاری شیوا گفته و در تاریخ ۱۳۴۷ در اثر مبارزه با بدع با برادر کوچکش مرحوم آقای حاج میرزا عبدالعلی آقا مجتهد به سمنان تبعید و مدتی در آنجا حبس نظری بودند بعد بارض اقدس رضوی برده و در تحت مراقبت بودند پس از طی مدت یکسال و نیم دوره‌ی نفی به تبریز مراجعت بعد از فوت برادر بزرگش آیت الله آقا میرزا صادق آقا مرحوم در مسجد آن مرحوم اقامه نماز جماعت کرده مقتدای مردم بود در سال ۱۲۸۳ در تبریز متولد شب دوشنبه ۲۳ شهر ذی القعدة ۱۳۵۹ بدار بقاء رحلت و در وادی السلام نجف اشرف در مقبره مخصوص خودشان مدفون است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

دینوری، صادق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم آیت الله میرزا صادق آقا مرجع تقلید اهالی آذربایجان بود و مردم فریفته تقوی و عمل و علمیت این مرد برجسته بودند طوری که با تحریر و تقریر پایان نیابد شاگرد آخوند ایروانی و آیت الله فاضل شریانی و آیت الله آقا شیخ هادی تهرانی بود در فقه و اصول متبحر و شخصی دارای دقت نظر و تحقیق و صاحب تألیفات زیاد در فقه و اصول بود منجمله (مقالات غریبه) مربوط به مباحث الفاظ در تبریز بطبع رسیده و کتاب (مشتقات) اینهم در تبریز بچاپ رسیده و (کتاب فوائد) در مطالب مختلف از فقه و اصول و تفسیر مطبوع تهران که دوره تبعید خود در قم نوشته شده و کتابهای مفصله استدلالی در طهارت و صلوه و غیره دارد که بطبع نرسیده این شخص قریب سی سال در نجف مشغول تحصیل و تدریس بوده نزدیک پنجاه سال ریاست روحانیت آذربایجان را در

دست داشت در اثر مبارزه با بدع سال ۱۳۴۷ به قم تبعید و در سال ۱۳۵۱ شانزدهم شهر ذی القعدة الحرام شب جمعه برحمت ایزدی رفته و در رواق حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها در مقبره مخصوص مدفون است اشعار عالی عربی در مدائح و مراثی زیر دارد رضوان الله علیه.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

دینوری، عبدالعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج میرزا عبدالعلی آقا مجتهد است مرد فقیه و اصولی و شخصی اجتماعی و خلیق بود که مردم فریفته حسن خلق و رفتار نیک او بودند مشغول قضاوت و تدریس طلاب بود شاگردهای برجسته تحویل داده و فرزندان برای آینده تربیت نموده و از اساتید متن نگارنده بوده استفاده‌های فراوانی از ایشان نموده‌ام کتابی مرکب از اصول و فروع جمع و حواشی نوشته و مجموعه‌ای مانند کشکول شیخ بهاء دارد در دویم ماه محرم وفات نموده و در وادی السلام نجف اشرف در مقبره مخصوصه خودشان مدفون است رضوان الله علیه.

این پنج برادر هر کدام عالم و عامل و فاضل و با ورع و متقی و محبوب عند العامة و دارای کمالات سرشار بودند و اکنون هم اهالی تبریز اسامی اینها را به خیر و خوبی یاد می‌کنند و از فقدان این راد مردان عالم دیانت اظهار تأسف و تأثر می‌نمایند قریب پنجاه سال مبارزاتی با معاندین دین و مخالفین قوانین حقه اسلامی نموده و متحمل هر گونه شدائد و با همواریها شده و مکرر خانه‌شان به یغما و غارت رفته و به مدلول آیه شریفه ان تنصروا الله ینصرکم و یثبت اقدامکم خداوند نجات داده و عزت شأن را حفظ نموده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

دینوری، علاءالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج میرزا علاءالدین دینوری بن آیت‌الله العظمی حاج میرزا احمد مجتهد از علماء محترم معاصر تهرانست. معظم له شمه‌ای از ترجمه و بیوگرافی بیت جلیل و خاندان اصیل خویش را بشرح زیر مرقوم داشته‌اند:

راقم علاءالدین دینوری پسر مرحوم آقای حاج میرزا احمد آقا مجتهد دینوری از اولاد محمد دینوری که از اصحاب حضرت علی ابن موسی الرضا علیه‌السلام بوده وی را بجهت تبلیغ مذهب حق به آذربایجان اعزام نموده‌اند در قریه (پیر کندی) از قراء حسن آباد از محال قراجه داغ وفات نموده و در همان قریه بخاک سپرده میشود او را مزاری است که اهالی بزیرارتش میروند و نذوراتی به مرقدش میبرند. والد مرحوم پنج برادر بودند بزرگترین این پنج برادر مرحوم آقای حاج میرزا محسن آقا مجتهد صاحب کتاب (تبیین المحججه الی تعیین الحججه) در تبریز بطبع رسیده توان گفت یگانه تألیفی است در اثبات حججه در سال ۱۲۶۷ هجری این شخص در تبریز متولد و در سال ۱۲۸۸ برای تکمیل معارف دینی به نجف اشرف مشرف و بعد به تبریز مراجعت و به حج بیت‌الله‌الحرام موفق و در سال ۱۳۴۴ مبتلا بدرد چشم بود در اثر شدت مرض چهارم محرم الحرام ۱۳۵۲ دار فانی را وداع و جنازه‌اش به نجف اشرف حمل

و جنب قبر والد ماجدش در وادی السلام دفن میشود. این شخصیت بزرگ فقیه و اصولی و درستکار و عاقل و مسیس و مورد شور رجال و عقلاء بوده ریاست روحانیت شهر تبریز را داشت. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

دینی، سعید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سعید دینی

محل تولد: همدان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای سعید دینی در سال ۱۳۵۳ هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در همدان دیده به جهان گشود. پس از فراغت از تحصیل در دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در زادگاه خویش، در پی تشویق خانواده و علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه قم گردید و در جوار ملکوتی بارگاه کریمه اهل بیت (ع) رحل اقامت افکند. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۸۱ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی همچون مرحوم آیت الله شیخ جواد تبریزی، آیت الله سبحانی، آیت الله وحید، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد. در کارنامه علمی وی علاوه بر پژوهش در موسسه امام صادق علیه السلام، تدریس در دانشگاه پیام نور همدان، دانشگاه آزاد اسلامی همدان و حوزه علمیه المهدی قم وجود دارد.

دیوان بیگی شیرازی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۴۱- وف بعد از ۱۳۱۳ ق)، تذکره نویس، مورخ. از اهالی محله‌ی میدان شاه شیراز بود و معاصر ناصرالدین شاه و دارای منصب ایشک آقاسی باشی بود. وی سفرهای مختلف به اقطار ایران داشت و در طی همین مسافرتها با بسیاری از شاعران دیدار کرد و شرح حال آنها را فراهم نمود و در نگارش تذکره بزرگ و نسبتاً جامع خود «حدیقه الشعراء» بهره جست. در این تذکره بیش از ۱۵۰۰ تن از شاعران ایران در فاصله‌ی سالهای ۱۲۰۰ ق تا ۱۳۱۰ ق معرفی شده‌اند. آثا دیگر وی: «تاریخ یزد» یا «اخبار الیزد»؛ «کتابی در مصائب اهل بیت نبوت (ع)» و ذیلی بر کتاب «ریاض الجنه». وی در شیراز در گذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات ایران، دوره‌ی بازگشت (۷۴- ۷۳/۲)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۴۵۷- ۴۳۹/۱)، حدیقه الشعراء (مقدمه کتاب)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۱۳- ۲۱۲/۱)، الذریعه (۳۸۵/۶)، شرح حال رجال (۲۸- ۲۷/۶)، مکارم الاثار (۱۱۴۰- ۱۱۳۹/۴).

دیهم، گیتی

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی
خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران، تحصیل در زبان‌شناسی فرانسه در دانشگاه سوربن فرانسه.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان‌شناسی فارسی، آواشناسی فارسی، زبان و زبان‌شناسی فرانسه.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی تألیفات:

آواشناسی عمومی، آواشناسی فرانسوی، زبان فرانسه و زبان‌شناسی فرانسوی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

واج‌شناسی فارسی، واج‌شناسی فرانسوی، زبان‌شناسی فارسی، زبان‌شناسی فرانسوی، آموزش زبان خارجی، آواشناسی فرانسوی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ذاکری، علی اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اکبر ذاکر خمی

محل تولد: بردسکن

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

این جانب علی اکبر ذاکری در سال ۱۳۳۸ در خانواده ای روحانی در روستای خمی (خمین) در یازده کیلو متری شهرستان بردسکن (و کاشمر) متولد شدم. جدم حاج محمد علی معروف به حاج شیخ از روحانیون مشهور و خوشنام منطقه بود. پدرم نیز روحانی است. تحصیلات را تا ششم ابتدایی در روستا گذراندم و پس از آن در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه کاشمر شدم. در مدرسه دانش یا عتیق حجره گرفتم. مدیریت این مدرسه به عهده آیت الله محمد صادق سعیدی بود. در آن زمان حوزه علمیه کاشمر از رونق خوبی برخوردار بود. ادبیات و بخشی از اصول و منطق را در کاشمر گذراندم. اساتیدم عبارت بودند از: حجج اسلام: ۱. حاج شیخ موذنی؛ بخشی از جامع المقدمات ۲. مرحوم علمی؛ نصاب، بخشی از جامع المقدمات، شرح نظام و عروه الوثقی ۳. حاج شیخ علی اصغر بلاغی؛ صمدیه و سیوطی ۴. حاج شیخ فضل الله شریعتی محولاتی؛ مغنی باب اول و رابع و مختصر المعانی ۵. محمد کاظم سعیدی (برادر بزرگتر آیت الله سعیدی) منطق کبری و اندکی از حاشیه ۶. آقای فرقانی؛ معالم ۷. حاج شیخ جواد مدرسی؛ تحریر المعالم که اخیرا چاپ شده بود، بخش بدیع مختصر. طلاب موظف بودند افزون بر درس های معمول، مسائل رساله عملیه را حفظ کنند و از روی گلستان سعدی و کتاب کلیله و دمنه مشق نوشته و لغات آن را یاد بگیرند تا هم با ادبیات آشنا شوند و هم تمرین خط داشته باشند.

آیت الله مشکینی پس از تبعید به کاشمر، در مدرسه حاج شیخ درس تفسیر و نهج البلاغه برگزار می کردند که در آن درسها شرکت می کردم و آشنائیم با نهج البلاغه از اینجا آغاز شد. پس از بازگشت آیت الله مشکینی به قم زمینه ای فراهم شد که گروهی از طلاب کاشمر به قم بیایند و من در سال ۱۳۵۵ به قم آمدم و در منزلی که ایشان در اختیار طلاب گذاشتند ساکن شدم. سپس در امتحان ورودی مدرسه امام صادق (ع) شرکت کردم و تا پیروزی انقلاب اسلامی در آنجا بودم. در مدرسه حجتیه حجره گرفتم. در قم در درس اخلاق و تفسیر آیت الله مشکینی شرکت می کردم که بیشترین تاثیر را در شخصیت من و دیگر طلاب کاشمر داشت. دفتر تبلیغات هم کلاسهای تشکیلی میداد که در آنها اساتیدی مانند: آیت الله شهید بهشتی، شهید باهنر و رهبر معظم انقلاب اسلامی تدریس میکردند. در سال ۱۳۶۰ در بخش فرهنگی مدرسه عالی تربیتی و قضایی قم شرکت کردم و مدرک لیسانس دریافت نمودم. دوره عالی زبان انگلیسی دفتر تبلیغات را نیز به پایان رساندم. در سال ۱۳۶۲ سطح را امتحان دادم. در سال ۱۳۶۸ با بخش احیاء آثار دفتر تبلیغات اسلامی همکاری کرده و در استخراج رجال کتاب مختلف الشیعه به تحقیق پرداختم. در سال های ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۹ با همکاری دوستان به استخراج آیات اخلاقی قرآن پرداختیم که محصول آن در مجله حوزه منتشر شد. از سال ۱۳۶۸ عضو مجله حوزه شدم که تا کنون ۳۵ مقاله در این مجله و ۸ مقاله در مجله فقه و همین مقدار در دیگر مجلات و به مناسبت نشست ها و کنگره ها نگاشتم که برخی از آنها لوح افتخار جشنواره مطبوعات را به همراه داشت. افزون بر استفاده از اساتید در فقه، اصول و فلسفه در دانشکده شهید محلاتی چند ترم نهج البلاغه تدریس کردم و در مرکز تربیت نویسندگان و محققان دفتر تبلیغات اسلامی به تدریس تاریخ اسلام پرداختم. با برخی ارگان ها برای داوری کتاب و مقالات پژوهشی مانند دین پژوهان و کتاب سال جمهوری اسلامی و برخی کنگره ها همکاری دارم. جهت تبلیغ به مناطق مختلف سفر کردم و به همین منظور به جبهه های جنوب، غرب و کردستان رفتم.

اساتید قم: تفسیر: آیات: مشکینی، خزعلی، معرفت، اشراقی سطح: آیات و حجج اسلام: باکوئی، وجدانی، علی اصغر باغانی، مدرس افغانی، مصطفی نورانی، صلواتی، دوزدوزانی، شیخ علی پناه اشتهااردی، ستوده. خارج: آیات عظام: فاضل لنکرانی،

مکارم شیرازی ، منتظری ، تبریزی ، صانعی ، وحید خراسانی و هاشمی شاهرودی . فلسفه : آیات و حجج اسلام : انصاری شیرازی ، فیاض ، محمد علی گرامی .

ذاکری، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی ذاکری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان رادر شهر قم گذارندم، و در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه قم شدم . همزمان با تحصیل در حوزه در سال ۱۳۷۲ مشغول به تحصیل در رشته فلسفه غرب دانشگاه مفید شدم. در سال ۱۳۷۶ وارد دوره کارشناسی ارشد فلسفه غرب همان دانشگاه شدم و بلافاصله در سال ۱۳۷۹ پس از فراغت از تحصیل در کارشناسی ارشد، در دوره دکتری فلسفه غرب دانشگاه تهران پذیرفته شدم و این دوره را تا سال ۱۳۸۵ به اتمام رساندم. در تمام این مدت تحصیل در حوزه علمیه قم را تادرس خارج ادامه دادم. در سال ۱۳۸۰ کارشناس پژوهش معاونت پژوهشی دانشگاه مفید بودم و از سال ۱۳۷۹ محقق و از سال ۱۳۸۱ به عضویت هیئت علمی پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در آمدم و تا سال ۱۳۸۴ مدیر گروه کلام و فلسفه این پژوهشکده بودم . از سال ۱۳۸۰ به تدریس دروس معارف اسلامی و نیز دروس تخصصی فلسفه در دانشگاه های تهران و قم اشتغال دارم .

ذبیح زاده روشن، علی نقی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی نقی ذبیح زاده روشن

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در رژیم طاغوت قبل از نظام جدید راهنمایی پس از سیکل، سال اول تجربی را گذراندم و تحت تاثیر جلسات مذهبی در سال تحصیلی ۵۵ - ۵۴ دو سال قبل از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه قم گردیدم و با جمعی از دوستان در مدرسه ای واقع در گذر خان تحت نظر مرحوم آیت الله مرتضی حائری دروس مقدمات را گذرانیدیم و در سال دوم یعنی سال تحصیلی ۵۶ - ۵۵ وارد مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی بنام الوندیه واقع در چهار مردان درس سیوطی و سایر دروس جنبی را خواندیم. و ضمناً از دورس جامعه شناسی و روانشناسی تربیتی آقای دکتر علی قائمی که در بعضی از مراکز وابسته به حوزه برگزار می شد شرکت می کردم. در سال سوم تحصیلی ۵۷ - ۵۶ وارد مدرسه دیگر آیت الله العظمی گلپایگانی واقع در صفائیه گشته و درس مغنی و سایر دروس جنبی را در آن مدرسه از محضر استاد طالقانی و سایر اساتید معظم تلمذ می نمودم که ناگهان به همراه سایرین با حادثه ارتحال مرحوم حاج آقا مصطفی فرزند برومند امام خمینی (رض) مواجه گردیدیم. این واقعه که به تعبیر امام خمینی (رض) از الطاف خفیه حضرت حق بود موجب اوج گیری مبارزات مردم رشید ایران به رهبری امام گردید و بصورت زنجیره ای حوادث جریانات و خاطرات مردم مختلف ایران را بدنبال داشت و از آن تاریخ دروس حوزوی و درس های مدارس بخاطر شرکت طلاب در روند مبارزات به کندی پیش می رفت. در سال چهارم تحصیلی یعنی ۵۸ - ۵۷ درس ها به صورت رسمی برگزار نمی شد و افراد متعهد حوزه و از جمله امثال حقیر بخاطر تکالیف و وظایف مبارزاتی به انجام وظیفه مشغول بوده و در همان ایام مختصراً قسمتهائی از معالم، اصول فقه، مختصر المعانی را به صورت آزاد نزد اساتید به صورت خصوصی درس می گرفتیم و شور انقلاب همه مناطق ایران را فرا گرفته بود. در همان سال مردم ایران شاهد قیامهای ۱۷ شهریور تهران، و جابجائی مهره های رژیم فاسد پهلوی نخست وزیران جمشید آموزگار، شریف امامی، ازهارى و بختیار و در ادامه انتقال امام خمینی (رض) از عراق به پاریس و سرانجام خروج مفتضحانه شاه و ورود شکوهمندانه امام خمینی (رض) به ایران و آغاز دهه مبارکه فجر تا پیروزی انقلاب اسلامی ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ و انتخاب و برقراری جمهوری اسلامی بودند. در سال تحصیلی ۵۹ - ۵۸ پس از تاهل به تحصیل لمعه و اصول فقه به صورت آزاد از محضر اساتید بزرگواری چون آیت الله شیخ علی پناه اشتهدادی و دیگران اشتغال داشتم و در همان ایام از دروس ضروری و جنبی مربوط به شرائط اول پیروزی انقلاب که توسط دفتر تبلیغات بوسیله آیات عظام آقایان مکارم شیرازی، سبحانی، مرحوم شهید باهنر، تمرین خطابه از مرحوم آقای فلسفی و تفسیر آیت الله خزعلی و طاهری خرم آبادی و درس شناخت شناسی آیت الله مصباح یزدی در مهدیه واقع در خیابان چهار مردان و اساتید دیگری ارائه می شد، استفاده می کردیم که بسیاری از آن جزوات هنوز نزد اینجانب موجود است. در ادامه همین سال های نخست پس از پیروزی انقلاب ضمن آنکه تحت فرمان امام خمینی (رض) طبق وظیفه در اوضاع سیاسی و اجتماعی شرکت داشته و دروس متعدد اصلی و جنبی را می خواندیم و در راستای نیازهای جامعه آن روز در مقابله با تفکر مارکسیستی، ماتریالیستی و لیبرالیستی فعالیت می نمودیم. ما در سال تحصیلی ۶۰ - ۵۹ پس از آغاز جنگ تحمیلی از طرفی وظیفه داشتیم تا در مقابل شبهات الحادى کمونیستی، امثال لیبرالی و ضد انقلابی منافقین و دیگران خود را مسلح علمی نمائیم و از طرفی به دروس حوزوی که نظام مند می گردید برسیم و از جهتی دیگر راهی جبهه های حق علیه باطل باشیم. پس از اتمام شرح لمعه در همان سال و یا سال های تحصیلی بعد دروس مکاسب محرمة و رسائل را از محضر اساتیدی چون آیت الله بنی فضل و آیت الله اعتمادی استفاده کرده در سال تحصیلی ۶۲ - ۶۱ بخاطر نیاز جوامع علمی وارد موسسه در راه حق قم گردیدم و درس های مختلف معارف قرآن و فلسفه اسلامی و دروس بدایه و نهایه و زبان انگلیسی ریاضی و مکالمه عربی و دروس مبانی رشته های مختلف علوم انسانی از قبیل جامعه شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد، روانشناسی و ... را نزد اساتید بزرگواری چون آیت الله مصباح یزدی استاد فیاضی، دکتر صدیق، استاد مصباحی، دکتر قائمی و دیگران گذرانیدیم. پس از آن دوره چهار ساله، طبق برنامه آن موسسه با تعیین گرایش در دوره چهار ساله دوم در بنیاد باقر العلوم (ع) موسسه فعلی امام خمینی (رض)، در زمینه اختصاصی تاریخ، دورس تاریخ محض و اسلامی را به صورت پیوسته

کارشناسی و کارشناسی ارشد گذراندیم و در سال ۷۴ پس از اتمام این دوره، رساله پایان نامه تحت عنوان (ریشه های روابط علمای تشیع با صفویان) تحت نظر استاد راهنما جناب آقای دکتر رضا شعبانی و استاد ناظر آقای دکتر صادق آیینه وند دفاع نمودم و پس از گذراندن دوران طولانی که البته حدود دو سال بخاطر تحولاتی در موسسه رشته ما به انعطال انجامید توانستیم در این سال مدرک کارشناسی ارشد تاریخ را دریافت نمائیم. در همین دوره طولانی طبق ضرورت برنامه موسسه و بعداً دوره اختصاص آن در بنیاد باقر العلوم موسسه فعلی امام خمینی (رض)، در دروس حوزوی شرکت می نمودیم و دروس مکاسب بیع و خیارات و کفایه الاصول را نزد استاد بزرگوار مرحوم آیت الله ستوده گذرانده و ضمناً در امتحانات حوزه نیز شرکت می نمودیم. از آن پس در دروس خارج اساتید بزرگوار آیات عظام تبریزی، سبحانی، فاضل لنکرانی، جوادی آملی و مرحوم آیت الله خاتم یزدی جمعا چیزی حدود ۱۲ سال شرکت داشتم و درس ها را یادداشت می نمودیم. در مدارج علمی حوزه ثبت نام نمودم که طبق برگه ای که در دست دارم برای سطح ۴ موضوع خراج در اسلام را تعیین کردند که هنوز وقت نکرده ام تدوین نمایم شاید کتاب ۴ جلدی مرجعیت و سیاست در عصر غیبت بجای آن پذیرفته شود. از سال تحصیلی ۷۴ - ۷۳ در دانشگاه آزاد قم، مدرسه غیر ایرانی مرکز جهانی و امام خمینی (رض)، مدرسه شهیدین، جامعه الزهراء موسسه امام خمینی (رض) و دانشگاه باقر العلوم و بعضی از دانشگاه خارج قم دروس مختلف تاریخ اسلام ۱، ۲، ۳، ۴ تاریخ اروپایی ۱، ۲، ۳، ۴ و تاریخ معاصر ایران، تاریخ تشیع، تاریخ تحول دولت و خلافت، دیپلماسی در اسلام، دروس معارف، (معارف، ریشه های انقلاب، اخلاق، متون، تاریخ اسلام)، تاریخ عصر غیبت، تاریخ تشیع از عصر صفویه تا هم اکنون، جریان شناسی مشروطیت، تاریخ مرجعیت شیعه و دروسی چون روش تحقیق، نحو، تفسیر قرآن و متن اختصاصی تاریخ عربی را تدریس نموده ام و در مرکز پژوهشی موسسه امام خمینی (ره) پروژه تحقیقی مرجعیت و سیاست در عصر غیبت را در ۴ جلد به اتمام رسانده و اینک عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی قم و همکار پژوهشی موسسه امام خمینی (رض) می باشم.

ذره‌ی اصفهانی، عبدالله

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۳۷ ق)، مجتهد امامیه و شاعر، متخلص به ذره. در ابتدا توجهی به علم نداشت ولی در اندک مدتی علاقه مند گردید. شروع به فراگیری آن کرد. در محاصره‌ی اصفهان توسط افغانها به خرم‌آباد مهاجرت کرد و در آنجا درگذشت. این رباعی از اوست:

آرایشی به هر خس و خاک از بهار ماند

نخل حیات ماست که بی برگ و بار ماند

چون شاخ خشک دستم از آغوش گل جداست

داغی بدل ز لاله رخی یادگار ماند

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۳۸/۹)، ریحانه (۲۵۷/۲)، صبح گلشن (۱۶۶)، فرهنگ سخنوران (۳۵۲).

ذکاء الملک اصفهانی، محمدباقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. وی کتاب «کامل التاریخ» ابن اثیر را ترجمه و به ظل السلطان فرزند ناصرالدین شاه پیشکش کرد، که گویا آن نیز کامل نبوده است. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۵۹۸/۱).

ذوالفقاری، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر حسن ذوالفقاری در سال ۱۳۴۵ در دامغان دنیا آمد. وی دارای دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۵ و استادیار دانشگاه تربیت مدرس می باشد. ایشان برگزیده رتبه دوم پژوهشهای کاربردی در نوزدهمین جشنواره بین المللی خوارزمی سال ۱۳۸۴ است.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب: حسن ذوالفقاری از نوادگان ذوالفقارخان حاکم منطقه قومس و از فرماندهان و معتمدان فتحعلی شاه قاجار است. خاطرات کودکی: دوران کودکی حسن ذوالفقاری مثل تمام کودکان با بازی سپری شد. کتاب و کتابخانه را با راهنمایی های معلم کلاس سوم ابتدایی، سرکار خانم کلانتری شروع کرد. دوران راهنمایی و متوسطه ایشان با وقوع انقلاب اسلامی مقارن بود از آن جهت به سوی کتابهای مذهبی سوق یافت. دکتر ذوالفقاری از ماندگارترین خاطرات کودکی همان بازی های کودکانه و سرخوشی های آن دوران یاد می کند.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: حسن ذوالفقاری در خانواده ای متوسط و مذهبی متولد شد. پدرش دارای شغل آزاد بود. تحصیلات رسمی و حرفه ای: حسن ذوالفقاری تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را در شهر محل زادگاهش به پایان رساند و در رشته فرهنگ و ادب دیپلم خود را اخذ کرد. تحصیلات دانشگاهی ایشان به ترتیب زیر است: - کارشناسی رشته زبان و ادبیات فارسی (دبیری) از دانشگاه بین المللی امام خمینی در سال ۱۳۶۸ - کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی (پژوهشی و آموزشی) از پژوهشگاه علوم انسانی در سال ۱۳۷۰ - دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۵ عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد وی با استاد راهنمایی دکتر مظاهر مصفا به شرح زیر است: "بحر طویل فارسی و بحر طویل سرایان" عنوان پایان نامه دکتری دکتر ذوالفقاری با استاد راهنمایی دکتر مظاهر مصفا: "شرح احوال آثار و افکار معروف کرخی" خاطرات و وقایع تحصیل: دوران تحصیل حسن ذوالفقاری مصادف با وقوع انقلاب اسلامی و همراه با راهپیمایی های شکوهمند مردم بود. وی همچنین شاهد جنگ تحمیلی حق بر باطل بوده و در این جبهه ها حضور فعال داشته است.

فعالیت‌های ضمن تحصیل: حسن ذوالفقاری ضمن تحصیل در انجمن های اسلامی، علمی و دانشجویی عضویت داشتند. وی همچنین

در راه اندازی نمایشگاه‌های کتاب همکاری می کرد. در دوران تحصیلات تکمیلی با بنیاد دایره المعارف اسلامی همکاری می کرد و کم کم به مطبوعات رو آورد و نگارش مقاله، سردبیری هفته نامه کویر در استان سمنان را بر عهده گرفت.

استادان و مربیان: دکتر شفیع کدکنی، دکتر مظاهر مصفا، دکتر علی شیخ الاسلامی، دکتر زرین کوب، دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن، دکتر اسماعیل حاکمی، دکتر جلیل تجلیل، دکتر سید جعفر شهیدی، دکتر غلامحسین یوسفی (از استادان دانشگاه)، حسین معلم و پرویز ارسطو (دبیر دبیرستان) از دبیران و استان حسن ذوالفقاری می باشد.

هم دوره ای ها و همکاران: دکتر محمد رضا شندی، دکتر محمد عزوم، دکتر حسین داودی، دکتر ابراهیم خدایار، دکتر ناصر نیکویخت، دکتر روح الله هادی، دکتر غلامحسین زاده، دکتر حسین پاشیده، دکتر قبادی و دکتر بیگدلی و غیره از هم دوره ایها و همکاران حسن ذوالفقاری هستند.

همسر و فرزندان: حسن ذوالفقاری در سال ۱۳۷۰ با سرکار خانم فرحناز مفیدی (کارشناسی رشته زبان و ادبیات انگلیسی و همکارش) ازدواج کرد و حاصل این ازدواج دوفرنزندی یکی پسر بنام سینا (۱۷ ساله) و دیگری زهرا (۱۳ ساله) است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سوابق شغلی حسن ذوالفقاری: ۱. دبیر آموزش و پرورش دامغان (از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۷۰) ۲. انتقال به سازمان پژوهش و برنامه ریزی کتب درسی (از سال ۱۳۷۱ - ۱۳۸۳) ۳. عضویت هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس عضویت در مجامع علمی: ۱- عضو مدخل نگاران بنیاد دایره المعارف اسلامی ۲- عضو شورای پژوهشی کتابخانه مجلس شورای اسلامی تا سال ۱۳۸۱ ۳- عضو کمیته علمی المپیاد ادبی ۴- عضو هیأت علمی مجمع علمی آموزش زبان و ادبیات فارسی (از سال ۱۳۷۵ تاکنون) ۵- عضو شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی ۶- همکاری با شورای بررسی متون (داوری) ۷- عضو کمیته کار شورای زبان فارسی و فن آوری اطلاعات (معاونت پژوهشی وزارت ارشاد) ۸- عضو شورای علمی مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس ۹- عضو انجمن علمی ویراستاران ایران ۱۰- عضو انجمن مطالعات ایران شناسی (کرمان) ۱۱- عضو انجمن صنفی روزنامه نگاران ۱۲- عضو هیأت ریسه انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی ۱۳- عضو انجمن روزنامه نگاران مسلمان ۱۴- عضو صندوق هنرمندان، مصنفان، نویسندگان داوری مجلات علمی: ۱- فصلنامه رشد آموزش زبان ادب فارسی ۲- مجله فرهنگ مردم به سردبیری سید احمد و کیلیان ۳- دو، فصلنامه پژوهشی پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی ۴- فصلنامه پژوهشی ادبی انجمن زبان و ادبیات فارسی

فعالتهای آموزشی: دروس ارائه شده توسط حسن ذوالفقاری: ۱- دروس تخصصی رشته ادبیات ۲- فارسی عمومی ۳- آموزش ویراستاری، گزارش نویسی، مکاتبات اداری ۴- ادبیات عامه

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: دکتر ذوالفقاری یکی از بانیان بنیاد مطالعات زبان و ادب عامه (در حال تاسیس) و دفتر تدوین ضرب المثل های فارسی (تاسیس از سال ۱۳۸۰) می باشد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: سایر فعالیتها حسن ذوالفقاری به شرح زیر است: الف) همکاری با مطبوعات کیهان اندیشه، ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۲ کیهان فرهنگی، آینده، ادبستان مجله ادبیات داستانی، کتاب ماه، اهل قلم، فرهنگ قومس مجله ادبیات داستانی، کتاب ماه، اهل قلم، فرهنگ قومس آئینه میراث، مجلات رشد، کتاب ماه، ادبیات فلسفه، ۱۳۷۰ تاکنون عضو هیأت تحریریه هفته نامه کویر از سال ۱۳۷۸-۱۳۷۰ مدیر داخلی رشد زبان و ادب فارسی از سال ۱۳۷۱ تاکنون ب) تولید مواد کمک آموزشی و فن آوری آموزشی ۱- مدیر علمی و نویسنده CD شاهنامه فردوسی (شامل انیمیشن، نقالی، موسیقی، داستان خوانی، ساده سازی، بازنویسی و...) مؤسسه تبلیغاتی حور- کانون انفورماتیک ۲- نوارهای آموزش زبان فارسی پیش دانشگاهی، نویسنده و مدیر علمی، دفتر تکنولوژی آموزشی وزارت آموزش و پرورش (۹ نوار صوتی) ۳- گزارش نویسی، نوار ویدئویی ۱۸۰ دقیقه آموزش اصول گزارش نویسی برای مدیران سراسر کشور، ۱۳۷۶، سازمان مدیریت دولتی ۴- نویسنده متن و محقق فیلم (خورشید برنیزه)

گزارش عزاداری‌های دامغان، به سفارش شبکه سحر و دوم ۵- محقق و مدیر علمی اطلس مصور دامغان شامل ۲۰۰۰ قطعه عکس با زیرنویس فارسی و انگلیسی ۶- مشاور تولید نرم افزار آموزش فارسی اول ابتدایی، شرکت نرم افزار ۷- مدیر علمی و تهیه کننده نرم افزارهای آموزشی کتاب های دوره دبیرستان (۱۳ لوح فشرده)

همفکران فرد : از همفکران حسن ذوالفقاری می توان به افراد زیر اشاره کرد: ۱- دکتر مظاهر مصفا ، استاد گروه ادبیات ، دانشگاه تهران ۲- دکتر شفیع کدکنی ، استاد گروه ادبیات ، دانشگاه تهران ۳- دکتر تقی پور نامداریان ، استاد پژوهشگاه علوم انسانی آرا و گرایشهای خاص : زمینه های مورد علاقه تحقیقاتی حسن ذوالفقاری به قرار زیر است : ۱- فرهنگ مردم ۲- ادبیات داستانی ۳- آموزش زبان فارسی

جوایز و نشانها : دکتر حسن ذوالفقاری تا کنون ۱۷ جایزه و لوح تقدیر از جشنواره های داخلی و خارجی دریافت داشته است. از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- برگزیده ی نوزدهمین جشنواره ی بین المللی خوارزمی، ۱۳۸۴ (فارسی بیاموزیم) ۲- برگزیده ی پنجمین جشنواره ی کتاب های رشد، ۱۳۸۴ (کتاب کار و راهنمای زبان فارسی دوم دبیرستان) ۳- برگزیده ی چهارمین جشنواره ی کتاب های رشد، ۱۳۸۳ (کتاب کار بخوانیم و بنویسیم اول دبستان) ۴- برگزیده ی کتاب تقدیری کتاب سال، ۱۳۸۴ (فارسی بیاموزیم) ۵- برگزیده سومین جشنواره کتابهای کمک آموزشی، تقدیر از تالیف کتاب کار انشا و نگارش ۶- برگزیده پنجمین جشنواره کتابهای کمک آموزشی سپاس از تالیف کتاب زبان فارسی ۱ ۷- برگزیده چهارمین جشنواره کتابهای کمک آموزشی تقدیر از تالیف کتاب کار بخوانیم و بنویسیم ۸- برگزیده مؤلفان استان سمنان در سال ۱۳۸۶ برای تالیف کتاب زبان و ادبیات فارسی

چگونگی عرضه آثار : مقالات علمی چاپ شده در مجلات علمی و پژوهشی : ۱۱۱ مقاله مقالات ارائه شده در مجامع علمی : ۸ مقاله طرحهای تحقیقاتی اجرا شده و در دست اقدام : ۸ مقاله کتاب (نگارش یا ترجمه) : ۲۶ کتاب تعداد عناوین پایان نامه ها کارشناسی ارشد : ۹ پایاننامه سفرهای خارجی حسن ذوالفقاری : ۱- سفر به اتریش، بازدید از فعالیتهای مدارس ایرانی، ۱۳۸۰ ۲- سفر به نیویورک ، شرکت در پنجمین همایش شورای گسترش زبان فارسی در آمریکای شمالی ، نیوجرسی ، ۱۳۸۰ ۳- سفر به چین، بازآموزی استادان فارسی کرسی های فارسی دانشگاههای چین، ۱۳۸۳

آثار :

۱ ادبیات عامیانه ایران (مجموعه مقالات دکتر محبوب)

ویژگی اثر : نشر چشمه، چاپ سوم، ۱۳۸۴

۲ بدیع الزمان نامه (تصحیح)

ویژگی اثر : نشر چشمه (دردست چاپ)

۳ بهرام و گلندام (تصحیح)

ویژگی اثر : (در دست چاپ)

۴ پیغام اهل راز

ویژگی اثر : انتشارات پویش معاصر، ۱۳۸۰

۵ چاه وصال (تصحیح و تحلیل و پژوهش)

ویژگی اثر : سراینده میرزا احمد سند، تهران ، اهل قلم ۱۳۷۵

۶ چهل داستان کوتاه از چهل نویسنده معاصر،

ویژگی اثر: تهران، انتشارات نیما، ۱۳۷۸، چاپ سوم، ۱۳۸۴

۷ حافظ به روایت شهریار

ویژگی اثر: تهران، چشمه، ۱۳۸۱

۸ حافظ قدسی

ویژگی اثر: انتشارات پویش معاصر، ۱۳۸۰

۹ حسن و دل (تصحیح)

ویژگی اثر: (در دست چاپ)

۱۰ خورشید آفرین و فلک ناز (تصحیح)

ویژگی اثر: نشر چشمه (در دست چاپ)

۱۱ داستان‌هاب امثال

ویژگی اثر: نشر مازیار، ۱۳۸۴

۱۲ در قلمرو آموزش زبان و ادبیات فارسی

ویژگی اثر: تهران، مجمع علمی آموزش زبان و ادبیات فارسی، سازمان پژوهش وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۷

۱۳ راهنمای درست نویسی

ویژگی اثر: وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۳

۱۴ زبان و ادبیات عمومی (فارسی عمومی مراکز تربیت معلم و دانشگاه‌های کشور)

ویژگی اثر: چاپ اول ۱۳۷۸، چاپ سی و سوم، ۱۳۸۴، نشر چشمه

۱۵ سردلبران

ویژگی اثر: نشر مازیار، ۱۳۸۵

۱۶ فارسی بیاموزیم، (آموزش فارسی به ایرانیان خارج از کشور)

ویژگی اثر: جلد، انتشارات مدرسه به همراه نوار و CD

۱۷ فرهنگ جامع ضرب المثل‌های فارسی (موضوعی - کلید واژه‌ای)

ویژگی اثر: انتشارات مازیار، (در دست چاپ) ۴ جلد

۱۸ فرهنگ دانش آموز،

ویژگی اثر: تهران، نشر استادی، ۱۳۷۸

۱۹ قاف غزل

ویژگی اثر: نشر چشمه، ۱۳۸۳

۲۰ کتاب کار انشا و نگارش و ویرایش (۲ جلد)

ویژگی اثر: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۵، ۱۳۷۵، چاپ دوم ۱۳۸۰

۲۱ کتاب‌های درسی زبان و ادبیات فارسی (دوره دبستان، دبیرستان و پیش‌دانشگاهی)، ۲۶ جلد، وزارت آموزش و پرورش (با

همکاری)

۲۲ کوه عجایب (بازنویسی افسانه‌های مردم دامغان)

ویژگی اثر: انتشارات همراه، ۱۳۷۴ (چاپ سوم)

۲۳ مجموعه کتابهای راهنمای آموزش زبان و ادبیات فارسی

ویژگی اثر : ۹ جلد انتشارات فاطمی، ۱۳۸۳

۲۴ معشوق بنارس (تصحیح)

ویژگی اثر : (در دست چاپ)

۲۵ مکاتبات اداری

ویژگی اثر : وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۲

۲۶ منظومه‌های عاشقانه ادب فارسی،

ویژگی اثر : تهران، نیما، ۱۳۷۴، چاپ دوم، ۱۳۸۳

۲۷ مهارت های نگارشی

ویژگی اثر : وزارت جهاد کشاورزی و در دست چاپ

۲۸ هشت بهشت

ویژگی اثر : کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۵

۲۹ وامق و عذرا (تصحیح)

ویژگی اثر : نشر چشمه (در دست چاپ)

منابع :

<http://www.ksabz.net/article.asp?AID=51062> پرسشنامه تکمیل شده فرهیختگان توسط دکتر حسن ذوالفقاری بنا

به درخواست بنیاد ایرانشناسی - بهار ۱۳۸۶۳ مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس

ذوالفقاری، شهاب الدین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شهاب الدین ذوالفقاری

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب شهاب الدین ذوالفقاری در سال ۱۳۴۰ شمسی در اصفهان تولد یافته و از دوران کودکی ضمن قرار گرفتن تحت تربیت دینی والدین گرامی ام (حفظهما الله تعالی) با ورود به مدرسه و طی نمودن دوران دبستان و راهنمایی از جانب آنان جهت ورود به حوزه علمیه بسیار تشویق می‌شدم. با مشورت با علمای اعلام قرار شد پس از اخذ دیپلم متوسطه وارد حوزه گردم تا سرعت بیشتری در فراگیری علوم دینی داشته باشم. دوران دبیرستان را در فاصله سالهای ۵۴ تا ۵۸ در رشته ریاضی فیزیک در یکی از بهترین

دبیرستانهای اصفهان به نام دبیرستان حکیم سنائی سپری نمودم در حالیکه از فعالان انجمن اسلامی مدرسه در آن سالها بودم. مطالعه کتب دینی را از سال دوم راهنمایی آغاز نمودم و به زودی با وضعیت اسلام و مسلمانان در سراسر جهان آشنا شدم. همچنین با پدیده استعمار و نقش آن در عقب ماندن مدل جهان از همان سنین آشنا بودم. با پایان گرفتن دوره دبیرستان در اولین کنکور سراسری پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۸۵ شرکت نموده و با رتبه خوب در رشته مهندسی برق دانشگاه صنعتی اصفهان پذیرفته شدم. حلاوت تحقیقات قرآنی را با نوشتن مقاله ای در دوره دبیرستان تحت عنوان حب در قرآن چشیدم ضمن آنکه در آن دوران مطالعات گسترده ای در زمینه مکتب مارکسیسم داشتم. با ورود به دانشگاه دروس مقدمات حوزه را به طور پراکنده آغاز نمودم و با شروع انقلاب فرهنگی از سال ۵۹ رسماً وارد حوزه علمیه اصفهان شدم. دروس مقدمات را نزد مرحوم حجت الاسلام فخرالدین کلباسی و آقایان حجج اسلام رحیمی و باقری و حکیم الهی و داوری و کلاهدوزان طی نمودم. اینجانب به طور آزاد و تحت نظارت مرحوم آیت الله شیخ حسن صافی اصفهانی (قدس سره) درس می خواندم. فقه و اصول سطوح را نزد حجج اسلام سید محمد فقیه، حکیم الهی، سید رضا کلاهدوزان و ... و منطق و کلام و فلسفه را نزد مرحوم حجت الاسلام شیخ باقر صدیقین (ره) و حجج اسلام شیخ حسین عشاقی و سید رضا کلاهدوزان و حجت الاسلام محزون و تفسیر قرآن را نزد مرحوم آیت الله سید محمد باقر ابطحی (ره) تلمذ می کردم. با بازگشائی دانشگاه ها (پس از انقلاب فرهنگی) در سال ۶۱ به طور همزمان در همان رشته مهندسی برق شاخه مخابرات ادامه تحصیل داده و در سال ۶۶ از دانشگاه فارغ التحصیل شدم و در همان سال با پایان گرفتن دروس سطوح در درس خارج فقه و اصول مرحوم آیت الله سید محمد صادقی (ره) به مدت دو سال و آنگاه در درس خارج فقه و اصول مرحوم آیت الله شیخ حسن صافی اصفهانی به مدت چهار سال شرکت نموده تقریرات دروس این دو بزرگوار را به زبان عربی نوشته ام. اینجانب از سال ۵۹ تدریس رادر آموزش و پرورش نواحی یک و دو اصفهان در سطح راهنمایی و دبیرستان با تدریس دروس دینی و عربی آغاز نمودم از سال ۶۸ تا ۷۰ در صنایع دفاع هسا برای کادر رسمی دروس عقیدتی سیاسی تدریس می نمودم. مدت دو سال ۷۱ تا ۷۳ در نیروی مقاومت بسیج ناحیه اصفهان برای فرماندهان این نیرو دروس عقیدتی (کد ۲۴۱) را تدریس می کردم و از سال ۷۰ تا کنون (۸۶) در موسسه آموزش عالی دارالقرآن الکریم اصفهان که اکنون دانشکده معارف قرآن اصفهان نامیده می شود مشغول به تدریس انواع دروس کلام و تفسیر و علوم قرآن و تعلیم و تربیت بوده ام. در طول سالهای گذشته از سال ۷۲ تا کنون درحوزه علمیه اصفهان، دارالحکمه حضرت باقرالعلوم (ع)، دفتر تبلیغات اسلامی و مرکز تخصصی حوزه علمیه اصفهان شرح لمعه و اصول الفقه و رسائل و بدایه الحکمه و نهایه الحکمه و بدایه المعارف و کلام جدید و شرح نهج البلاغه و تفسیر تدریس می نموده ام. در دانشکده معارف قرآنی اصفهان بیش از ۱۲ سال مدیر گروه های کلام و تفسیر و فقه بوده ام که به حمد الله در این دانشکده تا کنون هزاران مربی قرآن و احکام و عقاید تربیت شده اند. از سال ۷۳ تا ۷۶ در رشته کارشناسی ارشد، فلسفه و کلام اسلامی در دانشکده الهیات دانشگاه تهران تحصیل و پایان نامه خود را تحت راهنمایی جناب حجت الاسلام آقای دکتر احمد بهشتی به نام "عقل در کتاب و سنت" با نمره عالی دفاع نمودم و اکنون دانشجوی دوره دکتری کلام در تربیت مدرس دانشگاه قم هستم. اینجانب از سال ۸۴ به عضویت رسمی هیئت علمی وزارت علوم پذیرفته شده و در حال حاضر معاون تحصیلات تکمیلی دانشکده معارف قرآن اصفهان می باشم.

ذوالفنون عراقی، حبیب الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۷- ۱۲۷۸/۱۲۸۱ ق)، منجم و شاعر. در سلطان‌آباد اراک متولد شد. مدت بیست سال به تحصیل علوم مختلف پرداخت، بدون آنکه استاد معینی داشته باشد. سپس به نجف رفت و مدت ده سال به فراگیری زبان عربی و علوم دینی به خصوص تفسیر قرآن پرداخت. پس از مراجعت، مدتی را در شهرهای بوشهر و شیراز گذراند. بعد مقیم تهران شد. مدتی در دارالمعلمین مرکزی مثلثات کروی تدریس می‌کرد و همچنین در مدرسه‌ی عالی سپهسالار. وی به عربی نیز شعر می‌گفت. از آثار او «حرکت قمر» و «تقویم استخراجی ذوالفنون» است که تا چندین سال در سالنامه‌ی پارس چاپ و منتشر می‌شد. [۱]

(ع. صاحب فنها) حبیب‌الله سلطان‌آبادی عراقی (و. ۱۲۷۸ ه.ق. - ف. ۱۳۶۷ ه.ق. / ۱۳۲۶ ه.ش.). منجم فاضل و مستخرج تقویم بود و در ادبیات و ریاضیات و تفسیر نیز دست داشت. مدتی در دارالمعلمین مرکزی مثلثات کروی و نیز در مدرسه عالی سپهسالار تدریس می‌کرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۶۸- ۲۶۷/۳)، سرآمدان فرهنگ (۳۶۸- ۳۶۷/۱).

ذوالقدر

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

زین‌الدین قرجه. وی نخست رئیس قبیله‌ای از ترکمانان بود، و در سال ۷۸۰ ه.ق. ابتدا مرعش و سپس البستان را مسخر کرد و در ۷۸۷ در گذشت، و او مؤسس سلسله ذوالقدریه (ه.م.) است.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ذوالنون خیارجی قزوینی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، پزشک و شاعر. شیخ ذوالنون خیارجی از مردم خیارج از توابع قزوین بود. وی برادرزاده مولانا ادهم منشی و در طب از شاگردان مولانا علاءالدین احمد بود. ذوالنون پزشک حاذقی به شمار می‌رفت و در اقسام شعر نیز توانا بود. وی مدت ده سال از ملازمان سام میرزا صفوی بود. او در منازعات طوایف قزلباش و سرکوب شدن طایفه تکلو که به «آفت تکلو» تاریخ یافت، ناپدید شد و کسی خبری از او نیافت. نامبرده صاحب سه رساله است: «حفظ صحه»، «بحران»؛ «معما» که به نام سام میرزا است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۶۵۱)، الذریعه (۳۴۲/۹)، ریحانه (۲۷۲/۲)، فرهنگ سخنوران (۳۵۷)، لغت نامه (ذیل / ذوالنون شاعر)، مینودر (۴۵۲- ۴۵۱/۲).

ذوقی بسطامی، فتح‌الله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۲۷۴/۱۲۸۸ ق)، خطاط، ریاضیدان، ادیب و شاعر، متخلص به ذوقی. اصلاً از طایفه‌ی عرب بنی‌عمر و ساکن بسطام بود. در اوایل دوره‌ی محمد شاه قاجار، برای دیدار دایی خود، حبیب‌الله خان عرب، به فارس رفت و در شیراز به تکمیل تحصیلات پرداخت و صاحب دیوان رسائل شد. در ادبیات فارسی و عربی و ریاضیات سرآمد بود. میرزا طاهر، صاحب کتاب «گنج شایگان»، او را آگاه به علم ریاضی، هیئت و حکمت و تاریخ می‌داند. ذوقی تمام خطوط را خوش می‌نوشت. هنگامی که جعفر قلی خان شادلو به ایالت بجنورد و جوین و جاجرم و استرآباد مامور شد، حکیم فتح‌الله را به عنوان رئیس دفتر رسائل خود به همراه برد. با هدایت صاحب «مجمع الفصحا» چه در شیراز، چه در تهران معاشرت داشت. هنگام تالیف «گنج شایگان» میرزا طاهر (۱۲۷۲ ق) در قید حیات بود و هنگام تالیف «مجمع الفصحا» سال ۱۲۸۸ ق، فوت کرده بود. ذوقی تنها یک دختر داشت که صاحب کمال بود و بسیاری از اشعار شاعران عرب را از بر داشت و با ادبیات عرب آشنا بود و شعر می‌گفت و سلطانی تخلص می‌کرد و خط نسخ را خوش می‌نوشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۵۶۳-۵۶۲/۲)، تذکره‌ی طلعت (۸۲)، حدیقه الشعراء (۶۴۴-۶۴۰/۱)، الذریعه (۳۴۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۵۵)، گنج شایگان (۱۸۸-۱۸۲)، لغت نامه (ذیل / ذوقی بسطامی)، مجمع الفصحا (۳۰۳-۲۹۹/۴)، مصطبه‌ی خراب (۶۶-۶۵).

ذهبی خراسانی، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عارف کامل، از مشایخ سلسله ذهبیه بوده، وفاتش در سال ۱۳۰۳ روی داده است. در بقعه‌ی علی بن سهل مدفون شد. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ذهبی دزفولی، عین‌الدین حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، مورخ و نویسنده. از جمله آثار وی: «تاریخ مختصر دزفول»، از پایان صفویان تا روزگار نگارنده.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۹۰/۱/۲).

ذهبی شیرازی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، مترجم. از جمله آثار وی: ترجمه‌ی «سفرنامه‌ی هنری لاندرا»، در بردارنده‌ی جنگ چین و فرنگیان. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: الذریعه (۱۹۰/۱۲)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۱۳۲، ۱).

ذهبی شیرازی، محمدرضا

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۴۵ ق)، عارف و نویسنده. ملقب به مجدالاشراف. از اقطاب سلسله ذهبیه و جانشین قدسی بود وی سمت تولیت بقعه شاهچراغ را داشت. ذهبی در شیراز درگذشت و در شاهچراغ دفن است. از آثار وی: «آثار احمدیه».
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: مؤلفین کتب چاپی (۱۳۰-۱۲۹/۳).

ذهلی نیشابوری، ابو عبدالله محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۵۸-۱۷۲ ق)، حافظ و محدث. معروف به امام اهل حدیث خراسان و عالم اهل مشرق و ملقب به شیخ الاسلام. چون حدیث زهری را جمع‌آوری و تنقیح کرد به زهری یا ذهلی مشهور شد و علی بن مدینی او را وارث زهری خطاب می‌کرد. در نیشابور از حفص بن عبدالله و حفص بن عبدالرحمان و همطبقه آنان حدیث شنید، و در ری از یحیی بن ضریس و همطبقه او، و در اصفهان از عبدالرحمان بن مهدی حدیث نوشت و در کوفه و بصره و بغداد و مکه و مدینه و مصر و شام و جزیره از عالم و محدثان بسیاری حدیثها آموخت، تا اینکه به ریاست علمی نیشابور رسید و رفعت مقامش در نیشابور همچون جلالت احمد حنبل در بغداد و مالک در مدینه بود. خلق بسیاری از وی نقل حدیث کرده‌اند که پیشگامان حدیث همچون سعید بن ابی مریم، ابوجعفر نفیلی و عبدالله بن صالح و محمد بن اسماعیل بخاری و سعید بن منصور، صاحب «السنن»، و ابوزرع و ابوحاتم و ابو عیسی ترمذی و با ماجه و نسائی در «سنن» خود و ابن خزیمه و محمد بن عبدالرحمان دغولی و ابوبکر زیاد نیشابوری از این دسته‌اند. زنجویه گوید که از مشایخ خود شنیده: حدیثی که مورد تایید محمد بن یحیی نیست قابل اعتنا نمی‌باشد. ابوحاتم رازی و ابن خزیمه او را امام اهل زمانه خوانده‌اند. ابن ابی داوود وی را امیرالمومنین در حدیث می‌داند. ذهلی به سنت تمسک بسیار داشت و لذا گفتار بخاری در مساله‌ی خلق قرآن را ناپسند دانست و بر او نبخشید و او را از نیشابور راند و بخاری از روی کدورت در سی و چهار حدیثی که از وی نقل کرده، اسم وی را پنهان کرده است. از آثار وی: «الزهریات»، در دو مجلد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳/۸)، تاریخ بغداد (۴۲۰-۴۱۵/۳)، تاریخ نیشابورد (۱۰۰)، تهذیب التهذیب (۴۴۴-۴۴۱/۹)، الجرح و التعديل (ج ۴ ق ۱/۱۲۵)، سير النبلاء (۲۸۵-۲۷۳/۱۲)، الوافی بالوفیات (۱۸۷-۱۸۶/۵).

رابعه‌ی اصفهانی

قرن: ۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

۴ محرم ۵۳۴ ق، از زنان محدث. وی دختر معمر بن احمد بود که از ابوالفضل مطهر بن عبیدالواحد و ابوبکر بن ماجه‌الابهری حدیث شنیده و سمعانی از او استماع کرده است. برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۴۳۵ / ۱.

راد، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد راد ملقب بصیر دیوان، فرزند حاج میرزا مصطفی بود. او تحصیلات خود را در مدرسه علمیه در باغ نگارستان سپس در مدرسه آلیانس فرانسه طی نمود. به هنگام تحصیل در این مدرسه و تکمیل تحصیلات به شغل معلمی نیز پرداخت و در مدارس ملی به کار تدریس مشغول شد، پس از مدتی به خدمات وزارت معارف درآمد. در ضمن ماموریت به رشت بود که تصمیم گرفت به جنگل کسما برود. در آنجا به سراغ میرزا کوچک خان جنگلی رفت. میرزا او را مامور دریافت گمرک انزلی کرد. پس از آن مجدداً به معلمی پرداخت. و به عنوان معاون و سپس رییس فرهنگ شهرستان ها، بازرس عالی وزارتی، رییس آموزش ابتدایرا به عهده گرفت. از سال ۱۳۱۷ تا ۱۳۵۸ که به علت ناتوانی جسمی از مشاغل رسمی کناره گیری کرد مستوفی مدرسه شهید مطهری (سپهسالار سابق) فعالیت نمود. احمد راد مقاله های بسیاری از فرانسه ترجمه کرده است که بیشتر آنها در مجله «یغما» به چاپ رسیده است. از او بیش از سی اثر به یادگار مانده است. وی در ۱۳ مرداد ۱۳۶۳ در تهران دار فانی را وداع گفت و به دیار باقی شتافت. گروه: علوم انسانیرشته: زبان و ادبیات فرانسهوالدین و انساب: احمد راد ملقب به بصیر دیوان، فرزند حاج میرزا مصطفی بود. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: احمد راد چهارده ساله بود که پدرش در گذشت و سرپرستی خواهر و برادر و مادر را به عهده او گرفت. تحصیلات رسمی و حرفه ای: احمد راد تحصیلات خود را در مدرسه علمیه در باغ نگارستان سپس در مدرسه آلیانس فرانسه طی نمود. وقایع میانسالی: احمد راد در ضمن ماموریت رشت بود که تصمیم گرفت به جنگل کسما برود. در آنجا به سراغ میزار کوچک خان جنگلی رفت و میرزا او را مامور دریافت گمرک انزلی کرد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: احمد راد مدتی تصدی وزارت معارف را به عهده داشت و در این مدت به وی واگذار شد. پس از مدتی به خدمات وزارت معارف درآمد و ماموریتهایی را به شهرهای رشت، شیراز و مشهد عهده دار شد. در زمان تصدی گمرک انزلی نیز بدون چشم داشت به درآمد گمرک وظایف خود را انجام داد. او همچنین مدتی به عنوان معاون و سپس رییس فرهنگ شهرستانها، بازرس عالی وزارتی، رییس آموزش ابتدایی خدمت نمود. از سال ۱۳۱۷ تا سال ۱۳۵۸ که علت ناتوانی خود کناره گیری کرد مستوفی مدرسه شهید

مطهری (سپهسالار سابق) فعالیت نمود. فعالیتهای آموزشی: احمد راد به هنگام تحصیل در مدرسه آلیانس فرانسه و تکمیل تحصیلات به شغل معلمی در مدارس ملی هم پرداخت و این شغل را پس از اتمام تحصیلات ادامه داد. چگونگی عرضه آثار: احمد راد مقاله های بسیاری را از فرانسه ترجمه کرده است که بیشتر آنها در مجله (یغما) به چاپ رسیده است. آثار: آگاهی دل از آینده، آیا رمز وراثت کشف شده است، آیا عمر آدمی به ۱۵۰ سال خواهد رسید، از اتم چه می دانیم، از حیوانات هواشناسی بیاموزیم، از سنجاب تقلید نکنید، از هر خرمنی خوشه ای، انسان برتر از انسانها، پیدایش حیات بر روی زمین، پیروزی بزرگی در زیست شناسی، پیروزیهای تازه در کشف اسرار مغز، ترقی معجزه آسای ژاپن، تعیین ارزش اصول اخلاقی هر نسل، تولد عیسی، جهانی که در آن زندگی می کنیم، چرا با بینی نفس می کشید، چرا جان کلن به خدا ایمان آورد، حدود قوه ادراک آدمی، خطرات فرود آمدن بر روی ماه، خواب دیدن از نظر علمی، درسی که آموختیم، دستورهایی برای صد سال عمر کردن، زخم چگونه التیام می پذیرد، زندگی شگفت انگیز موریانه، ساعت چنداست، صد سال عمر کنید با نشاط جوانی، کشف زبان حیوانات، گردباد حیرت انگیز جهان، ممکن است شما جوانتر از آن باشید، نسخه ای برای گوارا کردن زندگی، نیوتن، یک ماشین الکترونیک در مغز بشر

منابع زندگینامه: گلزار مشاهیر، زندگی نامه در گذشتگان مشاهیر ایران ۱۳۵۸ - ۱۳۷۶، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص ۳۵۳

راد، سعید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۹، مرتبه علمی: استاد، رشته: رادیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی در سال ۱۳۳۶، دکترای تخصصی در رشته رادیولوژی تشخیص در سال ۱۳۴۰.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه علوم پزشکی تبریز.

زمینه های علمی و تحقیقاتی:

عوارض گوارشی، عوارض بزاقی، سرطان مری، رادیولوژی دستگاه گوارشی، تربیت متخصصین زیادی در رشته رادیولوژی، استاد راهنمای ۲۵ پایان نامه دکترا و ۵ پایان نامه تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱۰

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

رادیولوژی تشخیص و بیماریهای دستگاه گوارش.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۴، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

رادیولوژی تشخیصی با گرایش به رادیولوژی دستگاه گوارش.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

راد، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۲، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای داخلی دام کوچک، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: تهران.
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

دکتر در رشته دامپزشکی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷، درجه M.S.C در رشته علوم درمانگاهی دامپزشکی از دانشگاه ایلینویز آمریکا در سال ۱۳۵۷.
مرتبه علمی:

استادیار دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۲، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۴.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه سروایدمیولوژیک لیتوسپیروز در دامهای کوچک در ایران، مطالعه اثر ایمنوساپرسیوهای ذاتی چون گاو و انسان (LSF) در شرایط آزمایشگاهی روی لمفوسیت‌های موش نژاد BALB/C، استاد راهنمای ۸ پایان‌نامه دکتر.
تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

بیماریهای درونی دامهای کوچک، بیماریهای مشترک میان انسان و دام، رادیولوژی در دامپزشکی، بیماریهای دستگاه تناسلی دامهای کوچک، دو قرن وحشت (گزارشی از جنگهای صلیبی).

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

علوم دامپزشکی (علوم درمانگاهی دامهای کوچک) و بیماریهای پرندگان زینتی، بیماریهای چشم در دامپزشکی، بیماریهای دستگاه گوارش در دامهای کوچک، بیماریهای مشترک انسان و دام.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رادپور، منوچهر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: قلب و عروق، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه مشهد در سال ۱۳۴۰، دکترای تخصصی قلب از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۴۵ و فوق تخصص فلوشیپی قلب از دانشگاه لیدز انگلستان در سال ۱۳۵۳.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تب روماتیسمی حاد، بررسی اپیدمیولوژی عوارض قلبی مزمن، تدریس دروس بیماریهای قلب، فیزیوپاتولوژی قلب، آکو کاردیوگرافی و استاد راهنما در ۵ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی :-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی :-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

قلب و عروق.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رادفر یزدی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۰۰ ش)، پزشک و شاعر، متخلص به رادفر. وی در یزد به دنیا آمد. از اوست:

تو جفا می‌کنی و مهر تمنا داری

این روش درخور اندیشه‌ی نیکوی تو نیست

نقد جان را به بها داده‌ام ای دوست ولی

یک گرم سنگ محبت به ترازوی تو نیست

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی سخنوران یزد (۵۳۸-۵۳۷)، فرهنگ سخنوران (۳۶۱-۳۶۰).

رادمنش، عزت‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ و تمدن اسلام، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

کارشناسی تاریخ و تمدن اسلامی از دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۴۹، کارشناسی ارشد از دانشگاه سوربن فرانسه، دکترا در تحلیل جامعه‌شناسی و فلسفه تاریخ از دیدگاه ابن‌خلدون از دانشگاه سوربن پاریس در سال ۱۳۵۵.
مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

نگارش تاریخ جنگ به مدت ۴ سال با همکاری ارتش، بررسی اوضاع اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، رزمی مدینه در زمان پیامبر، اوضاع سیاسی اجتماعی ایران در عصر خسرو پرویز، دو سال پژوهش در دانشگاه الجزایر.
تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

تاریخ، تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی، جامعه‌شناسی، فلسفه تاریخ، تاریخ در قرآن.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

تعاون در اسلام، انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و آراء متفکرین (یهود و انقلاب اکتبر)، فلسفه تاریخ، دیدگاه‌های جامعه‌شناسی در قرآن.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رادمنش، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۵ و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۰.
مرتبۀ علمی:

استادیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۵ تا سال ۱۳۶۴، دانشیار دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۴ و ارتقاء به درجه استادی دانشگاه تهران.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تجزیه و تحلیل مباحث بلاغی یا ترجمه الصناعتین، تفسیر هنجارهای مربوط به زن در قرآن، تدریس دروس مقدمات تفسیر، متون عرفانی العربی، معارف اسلامی، قواعد عربی، تاریخ فرهنگ عرب به عربی و فارسی و متون عربی، استاد راهنمای ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۸

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

نمونه‌هایی از متون نثر و نظم قدیم زبان فارسی، گزیده متون نظم و نثر عربی، نحو برای دانشجو، نمونه‌هایی از اشعار شعرای متعهد، نمونه‌هایی از آیات و احادیث، راه و روش تربیت از دیدگاه حضرت علی (ع)، آشنائی با علوم قرآن، ارزشهای اخلاقی در فقه امام صادق (ع) و تفسیر سوره‌های حمد و حجرات.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

خلاصه نظریه شیخ عبدالقاهر، مثل در ادب فارسی و جهاد شیعه در صد سال اول، ترجمه دو مقدمه از شیخ عبدالقاهر.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رادمهر، بیژن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبۀ علمی: دانشیار، رشته: آناتومی دام، دانشکده: دامپزشکی، دانشگاه: تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای دامپزشکی از دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۶، دکترای آناتومی حیوانی از دانشگاه بریستول انگلستان در سال ۱۳۵۸.

مرتبۀ علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری در دانشکده دامپزشکی تهران در سال ۱۳۶۴.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آناتومی بدن حیوانات اهلی، آناتومی شتر یک کوهانه و گوسفند، راهنمایی و مشاوره و نظارت بر ۱۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترای.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی :-

زمینه علمی تألیفات:

آناتومی حیوانات اهلی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۷

زمینه علمی مقالات:

آناتومی دستگاه‌های مختلف حیوانات اهلی به ویژه شتر.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رادمهر، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد :-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: رادیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رادویانی، محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س پنجم ق)، ادیب. از وی اطلاعی در دست نیست ولی آنچه مسلم است به شاعران دوره‌ی اول غزنوی قریب‌العهد بود، زیرا

آخرین شاعران مذکور در کتاب او که اشعارشان را به استشهاد آورده، گویندگان عهد محمود و مسعودند. تنها اثری که از او مانده

کتاب مهمی است در بدیع و محسنات کلام به نام «ترجمان البلاغه» که به خطا آن را از فرخی سیستانی می‌دانستند.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۹۱۹-۹۱۷/۲)، تاریخ نظم و نثر (۷۰)، مؤلفین کتب چاپی (۶۴۷-۶۴۶/۵).

راز شیرازی ذهبی، ابوالقاسم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۸۶-۱۲۰۲ ق)، فقیه، عارف و شاعر، متخلص به راز. مشهور به میرزا بابا. وی در شیراز متولد شد و به اقتضای حال خانوادگی و محیط زندگی به تحصیل علوم زمان خود همت گماشت و در امور مذهبی به درجه‌ی اجتهاد رسید. او از مریدان پدر خود، که قطب سلسله‌ی ذهبیه بود، شد و پس از مرگ او، به ارشاد آن سلسله پرداخت و تولیت آستانه‌ی شاهچراغ شیراز بدو محول گردید. وی به قصد زیارت مشهدالرضا به مشهد رفت و در مراجعت سه سال در تهران ماند از جانب ناصرالدین شاه لقب مجدالاشراقی یافت. در سال ۱۲۸۶ ق، به هنگام مراجعت از تهران در مورچه خورت اصفهان وفات یافت. پیکرش را به مشهد منتقل کردند و در ایوان طلا به خاک سپردند. وی دارای تالیفات و تصانیف بسیار است از آن جمله: «آیات الولایه»؛ «اسرار التوحید و النبوه و الولایه و المعاد»؛ «اسرار الولایه»؛ «انوار الشموس المطالعه»، در عقاید ذهبیه؛ «اقطاب سلسله‌ی ذهبیه»؛ «براهین الامامه»؛ «تنبیه المرید»؛ «تباشیر الحکمه» و «مجموعه‌ی اشعار».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴۱۶/۲)، حدیقه الشعراء (۶۵۲-۶۵۰/۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۶۵-۵۵۹/۲)، الذریعه (۳۴۶/۹، ۴۹/۱)، ریاض العارفین (۲۵۹-۲۵۸)، ریحانه (۲۸۴-۲۸۳/۲)، طرائق الحقائق (۴۵۶/۳)، فارس نامه‌ی ناصری (۹۴۸-۹۴۶/۲)، فرهنگ سخنوران (۳۶۱)، لغت نامه (ذیل / راز شیرازی)، مؤلفین کتب چاپی (۲۵۰-۲۴۷/۱)، مرآت الفصاحه (۲۲۶-۲۲۳).

رازی ابوزرع، احمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، صوفی. اطلاع چندانی از زندگانی وی در دست نیست، در «نفحات الانس» آمده است که از شاگردان شبلی بود و در ری نشو و نما یافت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ری باستان (۲۸۳/۲)، ریحانه (۱۱۸/۷)، طرائق الحقائق (۴۹۶/۲)، لغت‌نامه (ذیل / احمد)، نامه‌ی دانشوران (۴۶-۴۵/۵)، نفحات الانس (۳۲۴).

رازی ابوزرع، عبدالله

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۶۴-۲۰۰ ق)، محدث. معروف به سید الحفاظ. در ری متولد شد. برای استماع حدیث به مکه، مدینه، عراق، شام، جزیره، مصر و خراسان سفر کرد و سرانجام در ری بدرود حیات گفت. از عبدالله بن صالح عجللی و حسن بن عطیه و ابونعیم و خلاد بن یحیی و قبیصه بن عقبه و دیگران استماع حدیث کرد. او با احمد بن حنبل مجالست داشت. ابوحفص فلّاس، حرملة بن یحیی، اسحاق بن موسی خطمی، محمد بن الحسین قطان و جمع کثیری دیگر از وی روایت کرده‌اند. گفته‌اند بیش از صد هزار، حتی تا ششصد هزار، حدیث حفظ بود. و نیز گفته‌اند هر حدیثی که ابوزرع نشناسد بلااصل است. در باب عظمت و شگرفی ابوزرع سخن بسیار است و

از این میان به قول احمد حنبل در باب او بسنده می‌کنیم که گفته: «از پل شهر بغداد فقیه‌تر از ابن راهویه و حافظ‌تر از ابوزرعه عبور نکرده است». از آثار او «مسند» است در حدیث. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴/۳۵۰)، تاریخ بغداد (۳۳۷-۳۲۶/۱۰)، تهذیب التهذیب (۳۹-۲۸/۷)، الجرح والتعديل (مقدمه/۳۳۴-۳۲۸)، ری باستان (۲/۳۲۵)، سیر النبلاء (۸۵-۶۵/۱۳). لغت‌نامه (ذیل / عبیدالله).

رازی اصفهانی، محمدباقر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۰۱ ق)، عالم و فقیه. معروف به حاج شیخ محمدباقر نجفی مسجد شاهی. پدرش صاحب «هدایه المسترشدین» و پدر مادرش، شیخ جعفر کاشف الغطاء است. در زمان وفات پدرش خردسال بود اما به کوشش مادرش به درجات عالی رسید. وی پس از بهره‌گیری از محضر شاگردان برگزیده‌ی پدرش و ازدواج با دختر خاله‌اش که از نوادگان سید صدرالدین موسوی عاملی بود، به نجف رفت و در آنجا در سلک شاگردان شیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر»، و شیخ مرتضی انصاری و دائی خویش، شیخ حسن کاشف الغطاء، درآمد تا خود عالمی جلیل‌گشت. آنگاه به وطن خویش بازگشت و به ترویج دین و تالیف و تصنیف و دادرسی مظلومین پرداخت. در اواخر عمر ریاست شرعیات اصفهان به او اختصاص یافت. در پایان عمر مجدداً به نجف رفت. در آنجا بیمار شد و از دنیا رفت و در مقبره‌ی جدش، کاشف الغطاء دفن شد. فرزند وی آقا نجفی اصفهانی است. از آثار وی: شرح رساله «حجیت مظنه» پدرش؛ «لب الاصول»؛ «لب الفقه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره القبور (۱۶۰)، روضات الجنات (۲/۱۲۳)، ریحانه (۳/۴۰۴)، المآثر و الآثار (۱۴۲)، هدیه الاحباب (۱۸۵).

رازی اصفهانی، محمدتقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۴۸ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی و مجتهد. اصلاً تهرانی و ایوان‌کیفی بود. به همراه پدر به عراق مهاجرت کرد و در کاظمین از محسن اعرجی کسب علم کرد و به کربلا رفت و از محقق بهبهانی استفاده برد. در نجف نزد سید مهدی بحر العلوم و سید علی طباطبائی صاحب «ریاض»، و سید محسن کاظمینی و پدر زن خود، شیخ جعفر کاشف الغطاء، تلمذ کرد. از کاشف الغطاء اجازه روایت و فتوا داشت. در فتنه وهابیه به ایران بازگشت و در اصفهان سکنی گزید و مجلس درس برقرار کرد و حدود سیصد عالم و فاضل بر او اجتماع کردند که از جمله‌ی آنها، سید محمدباقر خوانساری، صاحب «روضات الجنات» بود. وی در اصفهان درگذشت و حاج سید محمدباقر حجة الاسلام بر او نماز گزارد و در تحت فولاد نزدیک قبر محقق خوانساری دفن شد. از آثار وی: «حاشیه المعالم» به نام «هدایه المسترشدین»، در شرح اصول «معالم‌الدین»؛ شرح «طهاره الوافی» یا «تقریرات» استادش بحر العلوم؛ «الفقه استدلالی»؛ «حجیه‌المظنه»؛ «شرح الاسماء الحسنی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۸۷/۶)، اعیان الشیعه (۱۹۸/۹)، ایضاح المکنون (۷۲۳/۲)، تذکره القبور (۲۱۵-۲۱۲)، الذریعه (۱۹۵/۲۵)، ۲۸۴- ۲۸۳/۱۶، ۱۶۵/۱۴، ۳۶۶/۱۳، ۲۰۵/۶، روضات الجنات (۱۲۳-۱۱۹/۲)، ریحانه (۴۰۴-۴۰۳/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۷- ۲۱۵/۱۳)، فواید الرضویه (۴۳۵-۴۳۴)، لغت نامه (ذیل / محمدتقی)، معجم المؤلفین (۱۳۱-۱۳۰/۹)، هدیه الاحباب (۱۸۵)، هدیه العارفین (۳۶۴/۲).

رازی اصفهانی، محمدحسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۲۶۱ ق)، فقیه، اصولی و عالم امامی. اصلاً تهرانی بود که در ایوان کیف متولد شد و همان جا برآمد. وی مشهور به صاحب «الفصول فی علم الاصول»، و برادر شیخ محمدتقی رازی اصفهانی، صاحب «هدایه المسترشدین» است. از برادرش و همچنین شیخ علی بن جعفر، کسب علم کرد. کتاب وی در اصول فقه، حاکی از نقطه نظرات تحقیقی و فکر عمیق او می‌باشد. در کربلا اقامت گزید و به تدریس فقه و اصول مشغول شد و جماعتی از علما در محضرش تلمذ کردند. از شاگردان وی می‌توان حاج میرزا علینقی و میرزا زین‌العابدین طباطبایی را نام برد. او آشکارا و شدیداً از عقاید فرقه‌ی شیخیه اظهار تبری می‌کرد. در کربلا درگذشت و در صحن صغیر در بقعه‌ی سید مهدی طباطبائی دفن شد. سال وفات وی را ۱۲۵۴ ق نیز نوشته‌اند. از آثار وی: «الفصول الغریبه فی الاصول الفقهیه»، معروف به «فصول»، در اصول فقه؛ رساله‌ای در طهارت و نماز و روزه‌داری؛ «رساله‌ی عملیه»، به فارسی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۳۷/۶)، ایضاح المکنون (۳۱۹/۲)، تذکره القبور (۲۱۴)، الذریعه (۲۴۲-۲۴۱/۱۶)، روضات الجنات (۱۲۳-۱۲۲/۲)، ریحانه (۳۸۰/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۹۱-۳۹۰/۱۳)، فواید الرضویه (۵۹۱)، لغت نامه (ذیل / محمدحسین)، معجم المؤلفین (۲۵۶، ۲۴۲/۹/۱۶/۴)، مکارم الآثار (۱۴۸۵-۱۴۸۴/۵)، هدیه الاحباب (۱۷۷)، هدیه العارفین (۳۷۱/۲).

رازی تهرانی، خلیل

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۸۰-۱۱۸۰ ق)، طبیب و ادیب. از آثار وی: «ارجوزه فی نصیحه الاطباء».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: معجم المؤلفین (۱۲۴/۴).

رازی تهرانی، عزالدین یوسف

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۷۷۳ ق)، فقیه حنفی. وی از طبقه‌ی فقها بود. از آثارش کتاب «شرح کنز الدقائق فی فروع الفقه الحنفی»، که به سال ۷۷۳ ق در قاهره تألیف آن را به پایان رسانید.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ری باستان (۴۰۶/۲)، کشف الظنون (۱۵۱۶)، معجم المؤلفین (۳۳۵-۳۳۴/۱۲)، هدیه العارفین (۵۵۸/۲).

رازی دمشقی، تمام

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۱۴-۳۳۰ ق)، حافظ و محدث. معروف به محدث شام. پدرش از محدثان بنام ری بود که از ری به شام رفت و در آنجا ساکن شد و لذا تمام از محدثان شامی بهره گرفته است. وی از پدرش و خیثمه بن سلیمان و حسن حصائری و محمد بن حمید حورانی و بسیاری دیگر حدیث شنید. او در حدیث و رجال، عالمی برجسته به حساب می‌آمد و در حدیث شامیان دستی قوی داشت. عبدالوهاب کلابی، استاد او بود. ابوحسین میدانی و ابوعلی اهوازی و احمد عتیقی و عبدالعزیز کتانی از شاگردان وی می‌باشند. از آثار وی «فوائد تمام الرازی»، در سی جزء، در حدیث است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷۰/۲)، ری باستان (۲۹۳-۲۹۲/۲)، سیر النبلاء (۲۹۲-۲۸۹/۱۷)، کشف الظنون (۱۲۹۶)، الوافی بالوفیات (۳۹۷/۱۰)، هدیه العارفین (۲۴۵/۱).

رازی رومی، عبداللطیف

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۴۶ ق)، عالم، محدث و قاضی حنفی. وی مدتی منصب قضاوت را در شهر استانبول بر عهده داشت. از آثارش: «الدر المکنون فی فلک المشحون»، در حکایات ترکی و نوادر که آن را به نام وزیر ابراهیم پاشا مقتول تألیف کرد؛ «اصل الخبر من کلام سید البشر»، در حدیث.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۴۴۸، ۹۱/۱)، معجم المؤلفین (۱۲/۶)، هدیه العارفین (۶۱۸/۱).

رازی صنعایی، ابوالعباس احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۴۶۰ ق)، مورخ. از آثار وی: «در السحابه فی مواضع و فیات الصحابه»؛ «تاریخ یمن».
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۴۵۸/۱)، کشف الظنون (۳۱۱-۳۱۰)، معجم المؤلفین (۲۹۴/۱).

رازی کردری، احمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۴۲ ق)، فقیه حنفی. ملقب به شمس الاثمه. از آثارش: «کتاب فی مشکلات مختصر القدوری»، در فروع فقه حنفی است.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: کشف الظنون (۱۷۹۰، ۱۶۳۲)، معجم المؤلفین (۱۸۰/۲).

رازی کوفی، ابوعلی عبدالرحیم

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۸۷ ق)، حافظ، محدث و نویسنده شیعی. او را از اصحاب امام صادق (ع) شمرده‌اند. از عاصم احوال و سلیمان اعمش و اسماعیل بن ابی‌خالد و عده‌ای دیگر حدیث روایت کرده است. با حفص بن غیثا همشاگردی بود. ابراهیم بن موسی رازی، ابوبکر بن ابی‌شیبه، ابوکریب، هناد، ابوسعید اشج و بسیاری دیگر از او روایت کرده‌اند. ابن معین و ابوداوود او را ثقه و مورد اعتماد دانسته‌اند. صاحبان «ششگانه» از وی روایت کرده‌اند. ابوحاتم او را صاحب تصنیف‌هایی معرفی کرده است.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: تهذیب التهذیب (۲۷۱-۲۷۰/۶)، الجرح و التعديل (ج ۲ ق ۳۳۹/۲)، رجال الطوسی (۲۳۲)، ری باستان (۳۲۰/۲)، سیر النبلاء (۳۵۸-۳۵۷/۸)، معجم رجال الحدیث (۹/۱۰)، معجم المؤلفین (۲۰۵/۵)، الوافی بالوفیات (۳۲۷/۱۸).

رازی نهاوندی، ابواسحاق ابراهیم

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۲۸۰ ق)، حافظ و محدث. معروف به محدث نهاوند. وی از محدثان بنام روزگار خود بود. رازی به همدان آمد و در آنجا به روایت حدیث پرداخت و مدتی نیز در بصره ساکن بود. از ابونعیم و عمرو بن مرزوق و عبدالله بن رحاء و حجاج بن منهال و گروه بسیاری دیگر حدیث روایت کرده است. احمد بن محمد بن اوس و عبدالرحمان بن حمدان و ابوالحسن قطان و علی بن مهرویه از وی حدیث روایت کرده‌اند. از آثارش: «مسند»، در بیش از سی جزء، در حدیث. در «کشف الظنون» و به دنبال آن در

«هدیه العارفین» و «ری باستان» سال مرگ وی ۳۸۵ ق آمده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ری باستان (۲/۲۷۲)، سیر النبلاء (۳۵۶-۳۵۵/۱۳)، کشف الظنون (۱۶۸۵)، معجم المؤلفین (۱/۱۲۲)، هدیه العارفین (۷/۱).

رازی نیشابوری، ابوبکر احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۱۵-۲۶۱ ق)، حافظ و حدث. پدرش از محدثان ری بود که به نیشابور مهاجرت کرد و ابوبکر در آنجا به دنیا آمد. به دنبال حدیث سفرها کرده و از ابوحاتم رازی و ابن خزیمه و ابوقلابه رقاشی و عثمان دارمی حدیث نقل کرده است. ابوعبدالله محدث شیبانی و ابوعلی نیشابوری و ابواحمد حاکم نیشابوری از وی روایت کرده‌اند. ابن عقده نیز از روایان است. در طابران یکی از نواحی خراسان از دنیا رفت. به گفته ذهبی او دارای تصانیف بوده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۲۴۶-۲۴۵/۱۵)، معجم المؤلفین (۶-۵/۲).

رازی، ابوالحسن علی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۴۰۰ ق)، فقیه شافعی. او را پیشگام شافعیان خوانده‌اند. وی از ابن ابی حاتم و از احمد کاغدی و احمد بن خاله جزوری و ابن سماک روایت کرده است. خلیلی که از شاگردان بنام وی به شمار می‌آید، درباره‌ی استادش گفته: او عالمی بزرگ بود که از هر رشته‌ی علمی حظی وافر داشت و در حدود یک قرن در فقه امام بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۶۲-۶۱/۱۷).

رازی، ابوالحسن محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۳۸ ق)، فقیه، شافعی، حافظ، محدث و قاضی. معروف به ابن حیکویه. پدرش، حیکویه، محدثی مورد اعتماد بود که از شاگردان یحیی بن عبدک به شمار می‌آمد. قاضی ابوالحسن رازی از سهل بن سعد و علی بن ابی‌طاهر و ابوشعب حرانی و محمد بن یحیی مروزی و ابوخلیفه و ابویعلی فقه و حدیث آموخت. او تا پایان عمر ملازم ابن سریج بود. چهار سال در قزوین و همچنین

مدتی در همدان عهده‌دار امور قضاوت بود. به گفته‌ی ذهبی او سنی متعصبی بود. وی دارای تصانیفی در اصول و فروع فقه است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۳۷۹/۱۵)، معجم المؤلفین (۱۰۲/۱۲).

رازی، ابوالعباس احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۴۰۹ ق)، محدث. معروف به شیخ الحرم. وی از علمای حدیث به شمار می‌آید که از محمد بن اسحاق اهوازی و ابوبکر شافعی و ابوالقاسم طبرانی و ابن عدی و عده‌ای دیگر حدیث روایت کرده است. پسرش، امام عبدالرحمان، و ابوالعباس بن خطاب رازی و ابومسعود بجلي و طاهر میدانی از وی حدیث روایت کرده‌اند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: ری باستان (۲۷۸/۲)، سیر النبلاء (۳۰۰- ۲۹۹/ ۱۷).

رازی، ابوالفتح جمال الدین حسین

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۵۵۲ ق)، مفسر بزرگ شیعی. اصلاً از نیشابور بود ولی در ری می‌زیست. نسبش به بدیل بن ورقاء خزاعی، صحابی مشهور، می‌رسد. خانواده وی همه اهل فضل و دانش بودند و خود نیز در ری از واعظان معروف بود. شیخ ابوالفتح از پدر و عم خود و نیز از شیخ عبدالجبار رازی و شیخ ابوعلی طوسی روایت کرده و به واسطه ایشان از شیخ طوسی روایت می‌کند. وی معاصر زمخشری و از مشایخ ابن شهر آشوب و منتجب الدین بن بابویه بود. در شهر ری وفات یافت. و مقبره‌اش در بقعه امامزاده حمزه در شاهزاده عبدالعظیم معروف بود. وی مؤلفاتی داشته از جمله: «رساله یوحنا»؛ «رساله‌ی حسنیه»، در امامت؛ «روح الاحباب و روح الالباب فی شرح الشهاب» یا «شرح الشهاب». معروفترین کتاب او تفسیر بزرگی است در زبان فارسی به نام «روض الجنان و روح الجنان»، مشهور به «تفسیر شیخ ابوالفتح رازی» که نخستین تفسیر فارسی شیعی و مشتمل بر بیست مجلد است. جانب فقه در این تفسیر بسیار قوی است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۲۶- ۱۲۴/ ۶)، ایضاح المکنون (۵۹۴، ۵۸۵/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۹۵- ۹۶۴/ ۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۲۷- ۱۲۶)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹۷۵- ۹۷۴/ ۷)، دایرةالمعارف فارسی (۲۶/ ۱)، الذریعه (۳۴۳/ ۱۳، ۲۷۵- ۲۷۴- ۲۶۱/ ۱۱)، روضات الجنات (۳۰۹- ۳۰۶/ ۲)، ریاض العلماء (۴۸۹- ۴۸۸/ ۵)، ری باستان (۴۳۰- ۴۲۹/ ۱)، ریحانه (۲۲۹- ۲۲۶/ ۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۰- ۷۹/ ۶)، فهرست منتجب الدین (۸)، الکنی و الالقاب (۱۳۵/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل / حسین)، معجم المؤلفین (۴/ ۳۵)، هدیه الاحباب (۳۳)، هدیه العارفین (۳۱۲/ ۱)، یادداشتهای قزوینی (۹۲- ۹۰/ ۶، ۲۲۱- ۲۲۰/ ۳).

رازی، ابوالفتح سلیم

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۴۷ ق)، فقیه، اصولی، مفسر، ادیب شافعی و محدث. وی در آغاز فنون ادب را به کمال آموخت و پس از چهل سالگی به تدریس پرداخت. او در فقه شاگرد ابوحامد اسفراینی بود و از احمد بن محمد بن بصیر و احمد بن فارس لغوی و محمد بن جعفر تمیمی و ابی‌حامد اسفراینی و احمد بن محمد بن صلت مجبر و ابوحامد فرضی روایت می‌کرد. وی به بغداد رفت و به فقه پرداخت و به نشر علم در سواحل شام و صور همت گماشت. ابوبکر خطیبی و ابومحمد کتانی و سهل بن بشر اسفراینی و فقیه نصر بن ابراهیم مقدسی و ابوالقاسم نسیب از وی روایت کردند. گویند: وقتی که در بغداد بود نامه‌هایی را که برایش می‌آمد باز نمی‌کرد و همه را جمع می‌کرد، تا موقعی که از تحصیل علم فراغ حاصل کرد، سپس همه‌ی نامه‌ها را گشود و خواند و به اخبار دردناک مندرج در آنها- که اگر قبلاً خوانده بود از کار علم باز می‌ماند همانند مرگ کسان و خویشان- وقوف یافت. سلیم در سفر مکه پس از انجام اعمال حج در ساحل جده در دریای قلم غرق شد. از آثارش: «التقریب» در فروع؛ «روح المسائل»، در فروع؛ «ضیاء القلوب»، در تفسیر قرآن؛ «غریب الحدیث»؛ «الکافی»، در فروع؛ «المجرد»، در فروع؛ «الاشاره»، در فروع.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: کشف الظنون (۱۶۳۰، ۱۵۹۳، ۱۳۷۸، ۱۲۰۵، ۱۰۹۱، ۹۱۵، ۴۶۶، ۹۸)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۱۲۸-۱۲۷)، معجم المؤلفین (۲۴۳/۴)، الوافی بالوفیات (۳۳۴/۱۵)، وفیات الاعیان (۳۹۹-۳۹۷/۲)، هدیه العارفین (۴۰۹/۱).

رازی، ابوالقاسم عبدالله

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۸۷ ق)، محدث و فقیه شافعی. ملقب به دود. در ری از عبدالرحمان بن ابی‌حاتم رازی و در دمشق از احمد بن ابراهیم بن عبادل و محمد بن یوسف هروی حدیث شنید. وی در مصر سکنی گزید. عبدالکریم بن عبدالواحد حسن آبادی و عبدالوهاب بن محمد مصری و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ الاسلام (حوادث ۱۴۰/۴۰۰-۳۸۱)، الوافی بالوفیات (۴۹۶/۱۷).

رازی، ابوجعفر محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۱۵ ق)، فقیه و اصولی. وی شیخ حنفیان و مدرس ایشان در موصل بوده و به اربل نیز ترددی داشته است. در موصل

در گذشت. از آثارش: «الفرائض» یا «فرائض الرازی»؛ «النوری فی مختصر القدوری»، کتابی در فروع فقه حنفی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۲/۱۸۵)، ری باستان (۲/۳۴۵)، کشف الظنون (۱۶۳۲-۱۶۳۱)، معجم المؤلفین (۲۱۸/۸)، هدیه العارفین (۲/۱۰۹).

رازی، ابوحاتم محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۷۷-۱۹۵ ق)، حافظ، محدث، مفسر و رجال شناس اهل سنت. معروف به حافظ شرق. چون ساکن محله‌ی درب حنظله‌ی ری بود، او را حنظلی نیز گفته‌اند. از چهارده سالگی به استماع و کتابت حدیث پرداخت و در کسب علم سرگشته‌ی شهرها شد. به عراق و شامات و مصر و حجاز سفر کرد و از علمایی چون عبیدالله بن موسی و ابونعیم، در کوفه و محمد بن عبدالله انصاری و اصمعی، در بصره و هوزده بن خلیفه در بغداد، و ابومسهر در دمشق و ابویمان در حمص، و سعید بن ابی مریم در مصر و بسیاری دیگر حدیثها شنید و در طلب آن بیش از هزار فرسنگ راه با قدم پیمود. او از کارشناسان بزرگ متن و اسناد حدیث و جرح و تعدیل راویان حدیث بود، لذا به او شیخ‌المحدثین نیز گفته‌اند. وی از اقران بخاری، مسلم، ابوزرعه رازی و ابوزرعه دمشقی بود و این دو از راویان ابوحاتم هستند. ابوداود و نسائی، صاحبان «سنن»، به نقل حدیث از او پرداخته‌اند و نسائی از وی تعبیر به «ثقه» کرده است. از شاگردان بنام او فرزندش، عبدالرحمان بن ابی حاتم است. ابن ابی حاتم در مقدمه‌ی کتاب «الجرح و التعدیل» شرح حال زیبایی برای پدر نگاشته و به نکاتی که حاکی از عظمت قدر و وسعت حفظش می‌باشد، اشاره کرده است. عبدالله بن جعفر حمیری شیعی و سعد بن عبدالله اشعری قمی نیز از راویان او هستند. او در هشتاد و دو سالگی در ری درگذشت. از آثار وی: «تفسیر القرآن»؛ «الجامع فی الفقه»؛ «الزینة»، در حدود چهارصد برگ؛ «طبقات التابعین».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۶/۲۵۰)، تاریخ بغداد (۷۷-۷۳/۲)، تهذیب التهذیب (۲۹-۲۷/۹)، الجرح و التعدیل (مقدمه/۳۶۸-۳۴۹، ق ۲ ج ۲۰۴/۳)، دایرةالمعارف فارسی (۲۹/۱)، رجال ابن داود (قسم ۲/۴۹۸)، رجال الطوسی (۵۱۲)، رجال النجاشی (۱/۴۰۱)، ری باستان (۲/۳۴۸-۳۴۹)، ریحانه (۲/۲۸۶)، سیر النبلاء (۲۶۳-۲۴۷/۱۳)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۳۵۴)، الفهرست الطوسی (۲۷۶)، الکنی و الالقاب (۱/۴۴)، لغت نامه (ذیل/ رازی، ابوحاتم رازی)، معجم المؤلفین (۳۵/۹)، الوافی بالوفیات (۲/۱۸۳)، هدیه العارفین (۲/۱۹).

رازی، ابوسعید عبدالله

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۸۲ ق)، صوفی، مسند و محدث. در ری از ابن ابی حاتم و در بغداد از یحیی بن صاعد و در دمشق از ابن جوصاء و محمد بن عبدالاعلی حدیث شنید. حاکم نیشابوری و ابونعیم و شیخ‌الاسلام صابونی و محمد بن عبدالعزیز مروزی و ابوسعید کنجرودی از وی

حدیث شنیدند. او به مصر و شام رفت و حج گزارد و مدتی ساکن نیشابور و مصاحب ابوعلی ثقفی زاهد بود. او را از راویان محمد بن ایوب رازی و یوسف بن عصام نیز شمرده‌اند. در اواخر عمر به مرو رفت و از آنجا به بخارا سفر نمود و تا پایان عمر در آنجا حدیث می‌گفت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ الاسلام (حوادث ۵۳-۵۲/۴۰۰-۳۸۱)، ری باستان (۳۲۴/۲)، سیر النبلاء (۴۲۸-۴۲۷/۱۶).

رازی، ابوسهل موسی

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۸۸ ق)، فقیه و محدث حنفی. وی از اصحاب محمد بن حسن شیبانی و از راویان جریر بن عبدالحمید رازی (م ۱۸۸ ق) است. او را از عقلای اهل ری از محدثان مورد اعتماد شمرده‌اند. ذهبی در «تاریخ الاسلام» و ابن حجر در «لسان المیزان» سال مرگ وی را پس از ۲۶۰ ق ذکر کرده‌اند. از آثارش: «کتاب الشفعه»؛ «کتاب المخارج»؛ «کتاب الخراج»؛ «مختصر»ی در فروع.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ری باستان (۳۹۵/۲)، کشف الظنون (۱۴۵۶، ۱۴۳۰)، لسان المیزان (۱۳۷/۷)، معجم المؤلفین (۴۹/۱۳)، هدیه العارفین (۴۷۷/۲).

رازی، ابوعلی حسن

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۳۸۵ ق)، نحوی و لغوی. وی از ملازمان صاحب بن عباد بود. از آثار وی: «المبسوط فی اللغه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: معجم المؤلفین (۲۷۰/۳)، الوافی بالوفیات (۲۰۳/۱۲).

رازی، ابوغانم

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، طبیب. وی در دو حوزه‌ی طب و فلسفه از شاگردان محمد بن زکریای رازی بود که از تاریخ تولد و وفات و آثار او اطلاعی در دست نیست.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ طب (۲/۶۶۰).

رازی، ابومعین حسین

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۷۲ ق)، حافظ و محدث. از سعید بن ابی‌مریم و ابوسلمه موسی بن اسماعیل و ابوتوبه و یحیی بن معین و همطبقه‌ی آنها حدیث شنید و «الموطاء» را از یحیی بن عبدالله بن بکیر فراگرفت. ابن ابی‌حاتم و ابن عدی و محمد بن فضل محمدآبادی و یوسف بن ابراهیم همدانی و حفص بن عمر اردبیلی و دیگران وی بوده‌اند. حاکم نیشابوری او را از حافظان و محدثان بزرگ می‌شمارد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الجرح و التعديل (ج ۱ ق ۵۰/۲)، سير النبلاء (۱۵۵- ۱۵۴/ ۱۳).

رازی، ابویعقوب یوسف

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۳۰۴/۳۰۳ ق)، عارف، صوفی و محدث. از بزرگان و مشایخ روزگار خود بود که به انواع علوم ظاهری و باطنی آراسته و شیخ ری و امام جبال بوده. گویند طریقه ملامیته داشته و در بیان معارف و اسرار سخت گویا بوده است، و لذا مردم ری او را طرد کردند و کلماتی نازیبا درباره‌اش گفتند. یوسف رازی به بغداد و مصر سفر کرده و با ذوالنون مصری و ابوتراب نخشی و یحیی بن معاذ رازی و قاسم جوعی و ابن ابی‌الجواری صحبت داشته و با جنید بغدادی مکاتباتی داشته، و از احمد بن حنبل و دحیم روایت کرده است. ابواحمد عسال و ابوبکر نقاش و محمد ابن‌شاذان و بسیاری دیگر از وی روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حلیه الاولیاء (۲۴۳- ۲۳۸/ ۱۰)، ری باستان (۴۰۶- ۴۰۵/ ۲)، سير النبلاء (۲۵۱- ۲۴۸/ ۱۴)، شرح شطحیات (۲۰۰- ۱۹۲)، طبقات الصوفیه سلمی (۵۰۹)، طبقات الصوفیه هروی (۲۶۹- ۲۶۶).

رازی، ابویعلی معلی

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۱۱ ق)، حافظ، محدث و فقیه حنفی. وی در بغداد ساکن بود و در آنجا از مالک بن انس و لیث بن سعد و ابویوسف قاضی و دیگران حدیث روایت می‌کرد. علی بن مدینی و ابوبکر بن ابی‌شبهه و ابوخیثمه و احمد رمادی و عباس دوری و محمد جوهری و بسیاری دیگر از وی روایت کرده‌اند او از اصحاب ابویوسف قاضی و محمد بن حسن شیبانی، دو شاگرد ابوحنیفه، به شمار می‌رفت و از فقهای اصحاب رای شمرده می‌شد. چند بار از او خواستند که عهده‌دار امور قضاوت شود اما نپذیرفت. ابن حبان او را از محدثان مورد اعتماد می‌داند. او از کسانی بود که مجموعه‌هایی از شنیده‌هایی خود تصنیف کرد. از آثارش: «کتاب الصلاه»؛ «النوادر»؛

«الامالی»، در فقه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۸۹/۸)، تاریخ بغداد (۱۸۸/۱۳)، ری باستان (۳۹۲/۲)، کشف الظنون (۱۴۳۳)، معجم المؤلفین (۳۰۹/۱۲)، هدیه العارفین (۴۶۶/۲).

رازی، احد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: پزشکی قانونی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رازی، بدرالدین، ابوالحماد احمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۳۱ ق)، عالم و ادیب حنفی. از آثار وی: «الطائف القرآن»؛ «فضائل القرآن»؛ «اذکار القرآن»، در ادعیه؛ «بذل الحبا فی فضل آل العبا»؛ «الاستدراک»، در حدیث؛ «المقامات»، شامل دوازده مقامه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۴۰۵، ۱۹۷، ۲/ ۱۷۴، ۷۰، ۵۳/ ۱)، ری باستان (۲۸۶/۲)، کشف الظنون (۱۷۸۵)، معجم المؤلفین (۱۵۸/۲)، هدیه العارفین (۹۲/۱).

رازی، تقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زنان و مامائی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اهواز.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رازی، حیدر

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم ق)، مورخ. از آثار وی: «مجمع التواریخ» یا «تاریخ حیدری» یا «زبدہ التواریخ» که تاریخی عمومی از آغاز تا روزگار نگارنده است که از ۱۰۲۰ تا ۱۰۲۸ ق طول کشیده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۲۵، ۱۵۵۷، ۱۵۵۶-۵/۱۵۵۶)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۷۶۹/۲)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۶۴۶/۱).

رازی، زین‌الدین، ابوعبدالله محمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۶۶۶ ق)، فقیه، مفسر، لغوی، ادیب و صوفی حنفی. اصل وی از ری است. طی سفری از مصر و شام دیدار کرد و در پایان عمر، در سال ۶۶۶ ق، در قونیه بود. او در تفسیر قرآن مشهور است. صاحب «ریحانه الادب» و به تبع آن دهخدا در «لغت نامه» رازی را از علمای قرن هشتم و متوفای بعد از سال ۷۶۸ ق دانسته‌اند. از آثار وی: «انموذج جلیل فی اسئله و اجوبه من غرائب آی التزیل»؛ «الذهب الابریز فی تفسیر الکتاب العزیز»؛ «روضه الفصاحه»، در علم بیان؛ «کنوز البراعه فی شرح المقامات الحریریہ»؛ «مختار الصحاح»، در لغت که تلخیص «صحاح» جوهری است و در ۶۶۰ ق خاتمه یافته؛ «حدائق الحقائق»، در مواعظ؛ «دقائق الحقایق»، در تصوف.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۷۹/۶)، ایضاح المکنون (۳۸۹/۲، ۴۷۵/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۸۷-۲۸۶/۳)، ری باستان (۳۴۶/۲)، ریحانه (۴۰۵، ۲۸۸/۲)، کشف الظنون (۱۰۷۳-۱۰۷۲، ۶۳۳، ۹۲)، لغت نامه (ذیل / رازی، زین‌الدین)، معجم المؤلفین (۱۱۲/۹)، هدیه العارفین (۱۲۷/۲).

رازی، سراج‌الدین عمر

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۷۱۷-۶۴۵ ق)، فقیه حنفی. از آثار وی: «جزء فی منع الاستبدال».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ری باستان (۳۳۸/۲)، معجم المؤلفین (۳۱۹/۷).

رازی، ضیاء‌الدین، ابوالقاسم عمر

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۵۵۹ ق)، عالم، متکلم، خطیب، ادیب و محدث شافعی اشعری. ساکن و خطیب ری بود. وی پدر فخرالدین رازی (وف ۶۰۶ ق) است. علم کلام را از ابوالقاسم انصاری، شاگرد امام الحرمین، فراگرفت. نثر نوشته‌هایش آنقدر زیباست که حریری در «مقامات» خود از آنها بسیار نقل می‌کند. از آثارش: «غایه المرام فی علم الکلام»، در دو مجلد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه ری باستان (۳۳۶-۲/۳۳۶)، ریحانه (۱۴۹-۲/۱۴۸)، معجم المؤلفین (۲۸۲/۷)، هدیه العارفین (۷۸۴/۱).

رازی، عبدالحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۶-۱۲۹۴ ق)، طیب، ادیب و شاعر. در نجف متولد شد و در همان جا متولد شد و در همان جا نشو و نما یافت و به تحصیل پرداخت و در حله درگذشت. از آثارش: «تعالیق علی شرح ابن نفیس»، در طب؛ «ارجوزه فی النبض»؛ «حواش علی القانون»؛ و اشعار زیادی از او باقیست.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: معجم المؤلفین (۵/ ۸۸-۸۹).

رازی، عبدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالله رازی، نویسنده، روزنامه نگار و شاعر در سال ۱۲۷۳ هجری شمسی در همدان به دنیا آمد. پس از تحصیلات مقدماتی در ایران، به هندوستان و از آنجا به پاریس رفت و موفق به دریافت لیسانس در رشته حقوق شد، سپس به مصر عزیمت کرد و به نشر مجله‌های «رستاخیز»، «سودمند» و «عصر پهلوی» پرداخت. او پس از مراجعت به ایران، به استخدام وزارت کشور درآمد و به تدریس تاریخ ایران پرداخت. رازی در اوشان تهران در سال ۱۳۳۴ هجری شمسی درگذشت و در ابن بابویه دفن شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: نویسنده، روزنامه نگار و شاعر

والدین و انساب: عبدالله رازی، فرزند ابراهیم است.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: عبدالله رازی پس از تحصیلات مقدماتی در ایران، به هندوستان و از آنجا به پاریس رفت و موفق به دریافت لیسانس در رشته حقوق شد،

زمان و علت فوت: عبدالله رازی در اوشان تهران در سال ۱۳۳۴ هجری شمسی درگذشت و در ابن بابویه دفن شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: عبدالله رازی پس از اخذ لیسانس خود از پاریس، به مصر عزیمت کرد و به نشر مجله‌های «رستاخیز»، «سودمند» و «عصر پهلوی» پرداخت. وی با روزنامه‌های «حبل‌المتین»، «ایران‌شهر» و «فرهنگستان» نیز همکاری میکرد. پس

از مراجعت به ایران، مجله «سودمند» و روزنامه «آزاد شرق» را برای مدت کوتاهی منتشر کرد. او به استخدام وزارت کشور درآمد و به تدریس تاریخ ایران پرداخت

مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می‌آید: آزادی شرق، نشریه‌های هفتگی، به مدیریت عبدالله رازی که از سال ۱۳۲۴ش در تهران منتشر میشد. شماره‌های سال اول آن (۱-۳۰، به استثنای شماره‌های ۱۵ و ۲۰) و سال دوم (۳۱-۵۱) و سال سوم (۵۶-۷۸) در آرشیو کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران باقی است. در آخرین شماره موجود، نام اکبر مسعودی شیرازی به عنوان مدیرمسئول آن یاد شده است. آزادی شرق بیانکننده نظرات سیاسی و اجتماعی رازی است که در مجموع، نوعی التقاط افکار سوسیالیستی و سلطنتطلبی بود. این نشریه مدتی توقیف شد و یک چند به نام آزادی خلق منتشر گردید

چگونگی عرضه آثار: عبدالله رازی شعر نیز میسرود، اشعار وی در کتابهای ادبی و مجلات آن روزگار چاپ شده است. عبدالله رازی دارای تألیفاتی در تاریخ و ادبیات (شعر و نمایشنامه‌نویسی) است. وی قبلاً مجله سودمند را در قاهره به زبان فارسی منتشر میکرد که بعدها به رستاخیز، و سپس عصر پهلوی تغییر نام داد.

رازی، عمر

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۷۰۷ ق)، فقیه شافعی. از آثارش کتاب «جامع الفتاوی فی اقوال الائمة الاربعه» است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ری باستان (۲/۳۳۶)، معجم المؤلفین (۷/۲۷۳).

رازی، مجدالدین اسماعیل

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۵۰ ق)، فقیه و قاضی. وی از فقهای عصر خویش بود که سمت قضاوت را نیز برعهده داشت. از آثار وی: «القرائن الرکنیه»، در فروع فقه شافعی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ری باستان (۲/۲۸۸)، کشف الظنون (۱۳۲۴)، معجم المؤلفین (۲/۲۶۲).

رازی، محمد شریف

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد شریف رازی، در سال ۱۳۰۰ش (۱۳۴۰ق) در خاندانی متدین در شهر ری به دنیا آمد.

در سیزده سالگی پدر را از دست داد و پس از آن به کار و کسب و تحصیل علوم جدید و مقدمات علوم دینی پرداخت. وی در هفده سالگی با صلاح‌الدین آیت‌الله شیخ محمدتقی بافقی که دوران تبعیدش را در شهر ری می‌گذارند، به قم رفت و به تکمیل سطوح عالی حوزه همت گماشت. حجت‌الاسلام شریف رازی پس از آن رهسپار حوزه علمیه نجف اشرف گردید و مدتی از درس سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ غلامحسین اردبیلی بهره برد. ایشان همچنین پس از چند ماهی که از دروس آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی در مشهد مقدس استفاده نمود، در قم رحل اقامت افکند و یکسره به درس فقه و اصول حضرات آیات: سید محمد حجت کوه کمره‌ای و سیدحسین بروجردی حاضر شد و مبانی علمی خویش را استوار ساخت. حجت‌الاسلام شریف رازی در سال ۱۳۳۳ش به شهر ری رفت و در مدت اقامت پنج ساله در آنجا، در تاسیس، مدیریت و تدریس مدرسه بُرهانیه نقش مهمی ایفا نمود. از آن پس به قم بازگشت و به تالیف و تحقیق و تبلیغ دین در داخل و خارج کشور اشتغال ورزید. وی از بسیاری از بزرگان شیعه اجازات امور حسیبه و روایتی دریافت داشت که از جمله آنها، اجازات روایی حضرات آیات: شیخ آقابزرگ تهرانی، شیخ علی‌اکبر نهاوندی و سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی بود. حجت‌الاسلام شریف رازی در ضبط تاریخ حوزه‌های علمیه و بزرگان شیعه اهتمامی خاص داشت و با تالیف و نگارش کتاب‌های آثارُ الحُجَّه یا دایرة‌المعارف حوزه علمیه قم در ۲ جلد و نیز گنجینه دانشمندان درباره شرح حال زندگی علمای معاصر شیعه در ایران و عراق، در ۹ جلد، در احیا و بزرگداشت نام و یاد علمای شیعه قدمی بلند و گامی ارجمند برداشت. علاوه بر این از شریف رازی آثار با ارزش دیگری بر جای مانده که اختران فروزان ری و تهران، کرامات صالحین، چرا شیعه شدم، مشاهیر دانشمند اسلام، تعلیقه بر وسایل الشیعه در ۵ جلد و تعلیه بر بحارالانوار در ۶ جلد و... از آن جمله‌اند. معظم‌له سرانجام پس از عمری تحقیق و نگارش، در بیست و پنجم فروردین ۱۳۷۹ش برابر با هفتم محرم ۱۴۲۰ق در هفتاد و نه سالگی بدرود حیات گفت و در قبرستان شیخان قم مدفون گردید.

راستگوی شیرازی، منصور

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، عالم و فقیه امامی. در شیراز اقامت داشت. با غیاث‌الدین منصور بن امیر صدرالدین معاصر بود. وی همطبقه‌ی شهید ثانی (م ۹۶۶ ق) است. شیخ تاج‌الدین حسین بن شمس‌الدین صاعدی از شاگردان اوست. از آثار وی: حاشیه بر «شرح مختصر الاصول ابن حاجب» سید شریف جرجانی؛ شرح «تهذیب الاصول» علامه‌ی حلی به نام «الفصول» یا «الفوائد المنصوریه». بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۶۰، ۲۴۳/۱۶، ۱۲۹-۱۲۸/۶، ۵۱۴/۴)، ریحانه (۲/۲۹۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰/۲۵۷)، لغت نامه (ذیل / راستگو).

راستی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین راستی

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۶/۱/۱

زندگینامه علمی

آیة الله حاج شیخ حسین راستی کاشانی در سال ۱۳۰۶ در شهرستان کاشان در محله سلطان امیر احمد (از فرزندان موسی بن جعفر (ع)) به دنیا آمد. مادرش، ربابه بود و پدر وی، علی نام داشت که از راه ابریشم بافی، روزگار می‌گذرانید و مدتی نیز کارمند دولت بود. زندگی آیة الله راستی کاشانی در خانواده‌ای ساده، اما متدین و دوستدار خاندان پیامبر (ص) آغاز شد؛ شیفستگی پدر او به روحانیت به حدی بود که اگر در کوچه خیابان، فرد معممی را از دور می‌دید، صلوات می‌فرستاد و در پیشگاهش ادای احترام می‌کرد. آیة الله راستی کاشانی، تحصیلات ابتدایی را تا پایه ششم در شهر کاشان به پایان رسانید. پس از آن، به دلیل نارضایتی پدر از وضعیت دبیرستانهای آن روزگار، به دبیرستان نرفت و در بعضی از تجارت خانه‌ها و مغازه‌ها به کار مشغول شد.

پس از مدتی به سراغ نقاشی طرحها و نقشه‌های قالی رفت و آن حرفه را نزد استادان معروف و مجرب فرا گرفت؛ اما به سبب شوق فراوان به کسب معارف اسلامی و علوم دینی، راهی حوزه علمیه کاشان شد. دروس دوره ادبیات و بخشی از دروس سطح را نزد استادان مشهور آن دیار آموخت و سپس، عازم حوزه علمیه قم شد. در قم، نیز رسائل، مکاسب و کفایه را به پایان رساند و در کنار آن به تحصیل فلسفه، کلام و تفسیر مشغول بود. پس از آن، عازم نجف اشرف شد تا ضمن باریابی به درگاه مولای متقیان، علی (ع) از محضر استادان آن دیار نیز بهره‌برد که این سفر بیش از بیست و پنج سال به طول انجامید. علت مهاجرت ایشان به نجف اشرف، علاقه فراوان ایشان به تفسیر قرآن کریم و اطلاع از جلسات درس تفسیر حضرت آیت الله العظمی آقای خویی بود. آیة الله راستی کاشانی، در طی این سالها، به تدریس درسهای آموخته نیز می‌پرداخت و شاگردان بسیاری را تربیت می‌نمود؛ اما با شرفیابی حضرت امام (ره) به شهر امیرمؤمنان علی (ع)، آیة الله راستی درس خود را که طلاب بسیاری در آن شرکت می‌جستند، تعطیل کرد و همراه با شاگردان، در درس امام خمینی (ره) شرکت کرد. آیة الله راستی کاشانی، در طول دوران تحصیل خود از محضر استادان برجسته‌ای بهره‌مند بود.

وی در کاشان، دروس دوره ادبیات و بخشی از دروس دوره سطح را نزد استادانی همچون آیة الله العظمی سید محمد حسین رضوی، آیة الله میرزا حسین فاضل نراقی، آیة الله غروی کاشانی، آیة الله شیخ علی اکبر صمدی و آیة الله حاج شیخ جعفر صبوری قمی فرا گرفت. با ورود به قم، رسائل و مکاسب و کفایه را نزد آیة الله العظمی حاج شیخ مرتضی حائری یزدی، آیة الله حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی، آیة الله العظمی حاج سید شهاب الدین مرعشی نجفی و حضرت آیة الله العظمی حاج سید محمدباقر طباطبایی بروجردی (سلطانی) آموخت و برای آموختن تفسیر، هیئت، فلسفه نزد مرحوم علامه طباطبایی رفت. در دوره تحصیل در نجف نیز، به درس خارج اصول و فقه و تفسیر آیة الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خویی و آیة الله العظمی میرزا باقر زنجانی رفت. همچنین در درس حضرات آیات حاج سید محسن حکیم و حاج سید محمود شاهرودی، حاج سید عبدالهادی شیرازی، میرزا حسن یزدی، شیخ حسن حلّی، حاج میرزا حسن بجنوردی و حاج سید حسین حَمّامی نیز به تناوب شرکت می‌جست. وی برای فراگیری علم حدیث و درایه و بخشی از حکمت و فلسفه به نزد آیة الله العظمی حاج سید عبدالاعلی سزواری رفت.

از دیگر استادان او در فلسفه و کلام، آیة الله حاج شیخ صدرا می‌باشد. همچنین وی تفسیر را نزد عالم ربانی، آیة الله شیخ محمد علی سرابی و آیة الله العظمی آقای خویی آموخت در این مدت ایشان از جلسات خصوصی اخلاق حضرت آیت الله العظمی حاج سید جمال گلپایگانی بهره‌برد. با حضور امام (ره) در حوزه علمیه نجف اشرف، آیة الله راستی به درس ایشان شتافت و از محضر

وی بهره‌های بسیار برد. آیه الله راستی مدتی در جلسات فقهی شورای استفتای آیه الله خویی شرکت داشت. آیه الله راستی کاشانی در دوران تحصیل در قم با آیه الله مرحوم حاج شیخ علی حیدری، آیه الله حاج سید جلال فقیه ایمانی، آیه الله حاج شیخ محمدرضا مهدوی کنی، انس فراوان داشت و در جلسات مباحثه درسی آنان شرکت می‌کرد. در نجف نیز با مرحوم آیه الله حاج سید نصر الله مستنبط، آیه الله حاج سید حسن قزوینی، آیه الله حاج سید مرتضی نجومی و آیه الله حاج سید محمد نوری جلسات مباحثه علمی برقرار می‌کرد که این جلسات سالیان متمادی ادامه داشت. از دیگر دوستان نزدیک وی، آیه الله حاج سید اسدالله مدنی، مرحوم آیه الله شیخ محمد فکوریزدی و مرحوم آیه الله حاج سید مرتضی خلخالی است. آیه الله راستی کاشانی با مرحوم آیه الله حاج سید عبدالکریم کشمیری، انس فراوانی داشته است.

آیه الله راستی کاشانی در طول عمر خود، تا کنون فعالیت‌های علمی و فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است که ذکر همه آنها در این مختصر نمی‌گنجد. وی حدود پنجاه سال است که به تدریس در حوزه‌های علمیه کاشان، نجف اشرف و قم می‌پردازد و از این رهگذر، شاگردان بسیاری را پرورش داده است که برخی از آنان خود، از استادان و فضایی هستند که در حوزه‌های علمیه ایران و دیگر کشورها به خدمت به جامعه تشیع می‌پردازند. برخی نیز در پست‌های مهم و حساس نظام اسلامی، خدمت می‌نمایند. آیه الله راستی، در زمان حیات امام (ره) به نمایندگی ایشان برای ساماندهی امور حوزه و ایجاد تشکیلات شورای مدیریت حوزه علمیه قم منصوب شد و مجاز به تصرف در امور شرعیه شد. در این زمینه، وی خدمات شایانی را به سرانجام رسانده است که آثار و برکات آن تا هم اکنون نیز بر جای مانده است. آیه الله راستی به پژوهش در زمینه‌های گوناگون دینی، پرداخته که برخی از آنان در نشریات کشور به چاپ رسیده است. وی همچنین تقریرات دروس برخی از اساتید خود را نگاشته و حواشی و دست‌نوشته‌هایی در زمینه فقه و اصول دارد. اشتغال به درس و علوم دینی، آیه الله راستی را از مبارزه بر ضد طاغوت بازداشت.

وی از نخستین روزهای نهضت، به جمع مبارزان پیوست و همواره با اطاعت از رهنمودهای امام خمینی (ره) به افشاگری ماهیت شوم خاندان پهلوی و تلاش برای استقرار نظامی اسلامی با بهره‌گیری از معارف اهل بیت (ع) می‌پرداخت. از جمله فعالیت‌های سیاسی وی که پیش‌تر، ذکر آن آمد، تعطیل کردن درس خود در نجف و حضور در درس امام (ره) به منظور مطرح نمودن و تقویت نهضت امام خمینی (ره) بود. دیگر اینکه وی در سال ۱۳۴۳، مسأله تقلید از امام خمینی (ره) را به طور جدی مطرح کرد. آیه الله راستی، با عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جزء فعالان این مجموعه شد و امضای او در زیر بسیاری از اعلامیه‌ها و بیانیه‌هایی که بر ضد شاه منتشر می‌شد، به چشم می‌خورد. از دیگر فعالیت‌های وی در زمان رژیم شاه، سفر به آبادان، به نمایندگی از طرف امام خمینی (ره)، برای حمایت و پشتیبانی از اعتصاب کارکنان صنعت نفت بود. وی از کسانی بود که در مسجد دانشگاه تهران متحصن شد. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷، فعالیت‌های سیاسی معظم له پایان نیافت. و تاکنون به نیز ادامه دارد.

راشد، طاهره

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: میکروبیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۵۱، مدرک تخصصی میکروبیولوژی از دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۶۰.

مرتبه علمی:

دستیار پزشکی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۵۱، مربی در سال ۱۳۵۴، استادیاری در سال ۱۳۵۵ و ارتقاء به درجه استادی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۶۹.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

میکروب‌شناسی، علل باکتریال گاستروانتریتها، بررسی شیوع کامپلوباکتر، اپیدمیولوژی، راهنمایی، و مشاوره و نظارت بر ۲۶ پایان‌نامه دکترای.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی :-

زمینه علمی تألیفات:

میکروب‌شناسی و ویروس‌شناسی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات به زبان خارجی :-

زمینه علمی مقالات:

میکروبیولوژی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

راشد، کاظم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کاظم راشد

محل تولد: یزد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۶/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت الله کاظم راشد ملقب به راشد یزدی در یزد در خانواده‌ای به دنیا آمد پدرش مرحوم حاج علی‌اکبر مردی متدین و اهل خیر بود که همواره فرزندانش را در مسائل معنوی کمک می‌کرد. آیت الله کاظم راشد یزدی پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در سال ۱۳۳۴ وارد حوزه علمیه یزد شد و به تحصیل علوم اهل بیت (ع) همت گماشت. آیت الله راشد یزدی در طول سالهای تحصیل خود،

محضر استادان بسیار بزرگی را درک کرد. از محضر آقایان علاقه‌بند مدرسی مقدمات و سطح اول را بهره برد. سپس به قم هجرت کرد و در چند سالی که در قم دروس سطح را می‌خواند به درس آیت الله صدوقی، آیت الله مصباح و آیت الله مشکینی رفت و از محضر آنان بهره برد. با پایان یافتن دروس سطح به دروس خارج آیات عاملی و آیت الله انصاری محلاتی در شیراز رفت و از محضرت آنان کسب فیض کرد. نامبرده تا به امروز فعالیت‌های فرهنگی بسیاری به عالم اسلام تقدیم داشته است، به او تبلیغ اهتمام داشته و به نقاط مختلف دنیا مسافرت کرده و مردم آنجا را ارشاد نموده است.

راشدی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ادیب ایرانی قرن پنجم ه.، از مخصوصان دربار ابراهیم بن مسعود بن محمود (۴۹۲ - ۴۵۰ ه.ق.)، و از معاصران مسعود سعد بود و با او مناظره ادبی داشت. ضح - راشدی را با رشیدی سمرقندی نباید اشتباه کرد.

(س پنجم ق)، شاعر. در غزنین می‌زیست و از شاعران دربار ابراهیم بن مسعود بن محمود و از معاصران مسعود سعد سلمان بود که با او مشاعره داشت و شغل نقابت سلطان را عهده‌دار بود. [۱]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ ادبیات در ایران (۴۸۶ - ۴۸۵ / ۲)، تاریخ نظم و نثر (۴۳)، دیوان مسعود سعد (مقدمه / یط)، سرآمدان فرهنگ (۱ / ۳۷۰).

راشدی نیا، اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اکبر راشدی نیا

محل تولد: تبریز

شهرت

تابعیت: ایران

زندگینامه علمی

حقیر اکبر راشدی نیا تحصیلات حوزوی خود را در تبریز شروع نموده و در سال ۷۲ وارد حوزه علمیه قم شدم. در این میان بخشی از دروس سطح فقه و اصول و همچنین کتب حکمت و عرفان را در تبریز از محضر حضرت آیت الله سید ابوالحسن مولانا و آیت الله میرزا محسن کوچه باغی تلمذ نمودم و در قم از خدمت آقایان پایانی و اشتهاردی استفاده نمودم. از سال ۱۳۷۵ در درس خارج حضرات آیات وحید خراسانی، شیخ جواد تبریزی، شبیری زنجانی و بهجت شرکت نمودم و علاوه بر دروس فقه و اصول در درس های معارف و تفسیر و حکمت حضرات آیات جوادی آملی، حسن زاده آملی و انصاری شیرازی شرکت نمودم. تا به حال برخی از کتب اصول، حکمت و عرفان همچون اصول فقه مظفر، بدایه الحمه، المظاهر الالهیه، تمهید القواعد، شرح فصوص الحکم را

تدریس نموده ام. حقیر از سال ۱۳۷۸ بعنوان محقق در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی مشغول به کار شدم و روی آثار آخوند ملا صدرا همچون مفاتیح الغیب، شرح الهدایة الاثیریة، رسائل اجوبه المسائل، المظاهر الالهیة، رساله اتحاد العاقل و المعقول، زاد المسافر و... کار نمودم که قرار است بصورت لوح فشرده مجموعه آثار صدر المتالیهین منتشر بیابد و همچنین از سال ۱۳۸۳ بعنوان همکار علمی در مرکز دائرة المعارف علوم عقلی بر روی آثار عرفانی و حکمت فعالیت می‌کنم.

راشدی، محمدتقی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد تقی راشدی

محل تولد: خوانسار

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۷/۱

زندگینامه علمی

با اتمام دوره راهنمایی در سال ۱۳۵۸ دروس حوزوی را در مدرسه علمیه ولی عصر (عج) شهرستان خوانسار از توابع استان اصفهان شروع نموده و پس از گذراندن دوره سطح دو سال درس خارج در همان مدرسه در محضر حضرت آیت الله مرحوم تقدیری شرکت کردم و سپس در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و مدت ده سال از دروس خارج فقه و اصول آیات عظام وحید خراسانی و ناصر مکارم شیرازی بهره جستیم. در این میان در دروس تفسیر و فلسفه در حد نیاز شرکت نمودم.

در زمینه تدریس نیز مدت پنج سال دروس مقدماتی را چند بار در مدرسه علمیه خوانسار و معالم الدین و شرح لمعه و مکاسب شیخ انصاری را در حوزه علمیه قم تدریس نمودم. در کنار اشتغال به تحصیل و تدریس در موسسه مجمع الفکر الاسلامی با جمعی از دوستان به کارهای تحقیقاتی پرداختم که آثار شیخ اعظم انصاری در ۲۸ مجلد و شرح لمعه در ۴ مجلد و مطارح الانظار در دو مجلد منتشر شده است. و برخی از آنها به نام کتاب سال برگزیده شده است. در کنار کار تحقیقاتی در کنگره شیخ انصاری و کنگره نقش زمان و مکان در اجتهاد حضرت امام خمینی (ره) در تصحیح مقالات از نظر کیفی و ادبی و برگزاری کمیسیون های بررسی مقالات همکاری داشتم و مدتی نیز به عنوان عضو هیئت علمی با کنگره شهید آیت الله صدر فعالیت نمودم. از سال ۱۳۷۶ وارد موسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر طبق مذهب اهل البیت علیهم السلام که به فرمان حضرت آیت الله خامنه ای (زید عزه) تاسیس گردیده است شدم و در بخش معاونت تحقیقات دائرة المعارف همکاری نمودم و اکنون نیز عضو شورای سرگروه های علمی آن موسسه می باشم که سرپرستی تدوین جلد های ۱۵ و ۱۸ دائرة المعارف به عهده اینجانب می باشد

راضیه

قرن: ۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

۵۴۹-۴۸۴ ق، از زنان محدث و پارسا. وی دختر سعدالله میهنی بود.

پدرش او را با خود به عراق برد و آنجا وی را به مجلس حدیث مهرسانی و ابو عبدالله محمد بن احمد کاغی بود. سمعانی از او حدیث نوشته است. وی در مهینه (خراسان) وفات یافت.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۴۳۶ / ۱.

راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۵۰۲ ق)، ادیب، لغوی، شاعر، مفسر، محدث، متکلم، حکیم و فقیه شافعی / معتزلی. اهل اصفهان و ساکن بغداد بود. وی را همتا و قرین امام محمد غزالی می‌دانند. به گفته‌ی کاتب چلبی، غزالی کتاب «الذریعه» او را از خود جدا نمی‌کرد و آن را به خاطر نفاستش می‌ستود. بعضی از علما به استناد اینکه او از اهل بیت (ع) بسیار روایت کرده و از امیرالمومنین علی بن ابیطالب (ع) فقط با عبارت امیرالمومنین (ع) تعبیر می‌کند، او را شیعه خوانده‌اند، ولی فخر رازی در «تاسیس التقدیس» او را از ائمه اهل سنت می‌شمارد. صاحب «روضات الجنات» به نقل از «تاریخ اخبار البشر» سال وفات وی را ۵۶۵ ق ذکر کرده است. از آثار وی: «تحقیق البیان فی تاویل القرآن»؛ «تفسیر القرآن»، معروف به «جامع التفاسیر» یا «جامع التفسیر» که بیضاوی تفسیر خویش را از آن اخذ کرده؛ «الذریعه الی مکارم الشریعه»، در علوم اخلاق و پندهای نیکو؛ «المفردات فی غریب القرآن» یا «مفردات الفاظ القرآن»؛ «افانین البلاغه»؛ «اخلاق الراغب»؛ «رساله فی فوائد القرآن»؛ «المعانی الاکبر»؛ «الایمان و الکفر»؛ «تفصیل النشأتین و تحصیل السعادتین»، در معرفت نفس؛ «دره التاویل فی متشابه التزیل»؛ «محاضرات الادباء و محاورات الشعراء و البلغاء» در نوادر حکم و حکایات که محمد صالح قزوینی آن را با عنوان «النوادر» به فارسی ترجمه کرده است. [۱]

(بخش ۱) اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (ف. ۵۰۲ ه.ق.) از ادبا و علمای بزرگ اصفهان و او را است: مفردات الفاظ القرآن، محاضرات الادباء، تفصیل النشأتین، الذریعه الی مکارم الشریعه (م.ه.)، تفسیر القرآن، حل متشابهات القرآن. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۲/ ۲۷۹)، اعیان الشیعه (۱۶۲ - ۱۶۰ / ۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۲۶۶)، تاریخ گزیده (۶۹۳)، دایرةالمعارف فارسی (۱/ ۱۰۶۱)، الذریعه (۲۱/ ۳۶۴ - ۲۰/ ۱۲۸، ۱۰/ ۲۸، ۴۶ - ۴۵ / ۵)، روضات الجنات (۲۱۶ - ۱۸۶ / ۳)، ریاض العلماء (۷/ ۱۰۱، ۲/ ۱۷۲)، ریحانه (۲۹۳ - ۲۹۲ / ۲)، سرآمدان فرهنگ (۳۷۱ - ۳۷۰ / ۱)، سیر النبلاء (۱۲۱ - ۱۲۰ / ۱۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۲ - ۸۱ / ۶)، فرهنگ سخنوران (۳۶۳)، کشف الظنون (۱۷۷۳، ۱۷۲۹، ۱۶۰۹، ۸۸۱، ۸۲۷، ۷۳۹، ۴۴۷، ۳۷۷، ۱۳۱، ۳۶)، الکنی و الالقاب (۲۶۹ - ۲۶۸ / ۲)، لغت نامه (ذیل / راغب اصفهانی)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۸۶۲)، معجم المؤلفین (۴/ ۵۹)، هدیه الاحباب (۱۴۰ - ۱۳۹)، هدیه العارفین (۱/ ۳۱۱).

راغب قمی، عبدالله

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۱۱۰ ق)، حکیم، فیلسوف، خطاط و شاعر، متخلص به راغب و وحدت. اصل وی از کاشان بود. چون بیشتر در قم می‌زیست به قمی مشهور بود. وی معاصر با شاه سلیمان صفوی بود و در سرودن شعر توانا. در آغاز وحدت تخلص می‌کرد. حکیم عبدالله خط را نیز نیکو می‌نوشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۳۵۹-۳۵۸/۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۷۸، ۳۶۵-۳۶۴)، الذریعه (۱۲۶۲، ۶۹۷، ۳۴۹-۳۴۸/۹)، ریحانه (۲۹۴-۲۹۳/۲)، فرهنگ سخنوران (۹۷۷)، لغت نامه (ذیل / راغب قمی).

رافعی

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالقاسم عبدالکریم بن محمد قزوینی شافعی فقیه و محدث و مورخ اسلامی (ف. قزوین ۶۲۳ ه.ق. / ۱۲۲۶ م.). از مؤلفات او «فتح العزیز فی شرح الوجیز» تألیف غزالی در فقه، «التدوین فی علماء قزوین»، «شرح مسند الشافعی»، «الامالی اشارحه لمفردات الفاتحه» و «المحرر» در فقه است.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

رافعی قزوینی، امام‌الدین، ابوالقاسم عبدالکریم

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۵۵۷-۵۵۵ وف ح ۶۲۳ ق)، عالم، شاعر، محدث و فقیه شافعی. وی از شاگردان شیخ منتجب‌الدین قمی بود. در جامع قزوین حزه تفسیر و حدیث داشت. او از حامد بن محمد خطیب رازی و ابوالخیر طالقانی و ابوالکرم همدانی و علی بن عبیدالله رازی و ابوسلیمان حسنی و عبدالعزیز خلیلی روایت کرده است. حافظ عبدالعظیم از وی روایت کرده و ابوالثنا محمود طاووسی از وی اجازه روایت گرفته است. ابن صلاح گوید که در بلاد عجم ذوفنونی یگانه بود و او را از علمای عاملین شمرده‌اند. رافعی قریحه‌ی شعری نیز داشت و اشعاری از او بر جای مانده است. در قزوین درگذشت و در همان جا دفن شد. صاحب «ریاض العارفین» وی را تحت عنوان رافعی قزوینی آورده و سال مرگش را ۶۳۳ ق ذکر کرده است. از آثار وی: شرحی وسیع بر کتاب «الوجیز» غزالی، به نام «الفتح العزیز»، در فروع، در ۱۶ مجلد، و جزئی از آن به نام «التذنیب»، که فوائدی بر «الوجیز» است؛ «المحرور»، در فروع فقه شافعی؛ «شرح مسند شافعی»، در دو جلد؛ «التدوین فی ذکر اخبار قزوین» یا «فی ترجمه علماء قزوین»؛ «الامالی الشارحه علی مفردات الفاتحه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آتشکده‌ی آذر (۱۱۶۹-۱۱۶۷/۳)، الاعلام (۱۷۹/۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۲۵/۳)، دایرةالمعارف فارسی (۲۳۴/۱)، الذریعه (۳۵۰/۹)، روضات الجنات (۳۰۵/۴)، ریاض العارفین (۷۸، ۱۹۵)، ریحانه (۲۹۵/۲)، سیر النبلاء (۲۵۵-۲۵۲/۲۲)، فرهنگ سخنوران (۳۶۴-۳۶۵)، کشف الظنون (۲۰۰۲، ۱۶۸۳، ۱۶۱۳، ۱۶۱۲، ۹۳۰، ۳۹۴، ۳۸۳، ۳۸۲، ۲۰۵، ۱۶۴)، الکنی و الالقاب (۲۶۹/۲)، لغت نامه (ذیل / عبدالکریم)، مجمع الفصحا (۶۵۴/۲)، معجم المؤلفین (۳/۶)، مینودر (۱۸۳-۱۸۲/۲)، هدیه الاحباب (۱۴۰)، هدیه العارفین (۶۱۰-۶۰۹/۱).

راقم سمرقندی، شرف‌الدین

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۱۱۳ ق)، مورخ. وی تاریخی داشته به نام «تاریخ راقم» یا «تاریخ سید راقمی»، که تاریخ کوتاهی است درباره‌ی ترکستان، از عهد تیمور (۷۶۳ ق) تا پادشاهی عبدالعزیز سال (۱۰۵۴ ق). این کتاب را «تاریخ نامه‌ی راقمی» و «تاریخ کثیره» نیز خوانده‌اند. این کتاب حاوی وقایع مشهور تاریخی و مخصوصاً وفیات مشاهیر خراسان و ماوراءالنهر است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ تذکره‌های فارسی (۵۳۱-۵۳۰/۲)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۸۶۵-۸۶۴/۲)، یادداشتهای قزوینی (۱۶-۲/۱۵).

رامشی نیشابوری، ابونصر محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۹۰/۴۸۹-۴۰۴ ق)، لغوی، نحوی، شاعر، قاری و محدث، ادبیات را از ابوالعلاء معری آموخت و به طلب قرآات و حدیث سفرها کرد و از اصحاب اصم و دیگران حدیث شنید. او در قرآات و علوم حدیث مبرز شد و در لغت و فنون عربیت حظی وافر یافت. وی در نیشابور املای حدیث می‌کرد و بسیاری از وی حدیث روایت کرده‌اند. شعر را نیکو می‌سرود، نمونه‌ای از اشعار وی در «معجم الادباء» آمده است. از اوست:

و اذا لقیته صعوبه فی حاجه

فاحمل صعوبتها علی الدینار

و ابعثه فی ما تشتهیه فانه

حجر یلین سائر الاحجار

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ریحانه (۲۹۷-۲۹۶/۲)، لغت نامه (ذیل / محمد)، معجم الادباء (۴۵/۱۹)، الوافی بالوفیات (۱۲۵-۱۲۴/۱).

رامهرمزی، ابومحمد حسن

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۳۶۰ ق)، حافظ، محدث، قاضی، ادیب و شاعر. معروف به ابن خلاد رامهرمی. وی سبک جاحظ را دنبال می‌کرد. از پدرش محمد حضرمی و محمد مازنی و حسن عبری و جعفر فریانی و عبدان اهوازی و ابوالقاسم بغوی حدیث شنید. و به آورده‌ی «تاریخ فارس» از جماعتی از بزرگان شیراز استفاده کرد و جزوه‌ها نگاشت. ابوالحسین صیداوی و حسن شیرازی و محمد بن موسی بن مردویه و قاضی احمد نهاوندی از وی حدیث روایت کرده‌اند. او را از پیشگامان علم اصول الحدیث می‌دانند، که در این زمینه در کتاب معروف خود «الحمدت الفاصل بین الراوی و الواعی» ابواب بسیاری را مطرح کرد. شریف ابومحمد حسن محمدی که از مشایخ طوسی و نجاشی است از شاگردان وی به حساب می‌آید. سالیانی در شهرهای خوزستان عهده‌دار منصب قضاوت بود. او تا سال ۳۶۰ ق در رامهرمز باقی ماند و در همان جا درگذشت. از آثارش: کتاب «الریحانتین الحسن والحسین (ع)»؛ «امام التنزیل فی علم القرآن»؛ «النوادر و الشوادر»؛ «ادب الناطق»؛ «رساله السفر»؛ «الثناء یا المراثی و التعازی»؛ «الفلک فی مختار الاخبار و الاشعار»؛ «ربیع المتیم فی اخبار العشاق»؛ «کتاب امثال النبی (ص)»؛ «المناهل و الاعطان و الحنین الی الاوطان».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۳۳- ۱۲۹/ ۵)، ایضاح المکنون (۵۶۵، ۴۴۲، ۳۴۷، ۳۱۵، ۳۰۷، ۲۹۷، ۲/ ۵۶۴، ۵۴۸، ۱۲۵، ۱۲۴)، سیر النبلاء (۷۵- ۷۳/ ۱۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۸/۴)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۲۵۵)، کشف الظنون (۱۶۱۲، ۱۱۲۲)، معجم الادباء (۱۷- ۵/ ۹)، معجم المؤلفین (۲۳۵/۳)، مقدمه ابن الصلاح (۴)، الوافی بالوفیات (۶۵- ۶۴/ ۱۲)، هدیه العارفین (۲۷۱- ۲۷۰/ ۱).

رامیار، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نویسنده، استاد.

تولد: ۱۳۰۱، مشهد.

درگذشت: ۲۰ شهریور ۱۳۶۳، انگلستان.

محمود رامیار تحصیلات خود را تا پایان دوره‌ی متوسطه در مشهد به پایان رسانید و سپس برای ادامه‌ی تحصیل به تهران عزیمت کرد و در مدرسه‌ی سهپسالار قدیم تحصیلات خود را در فقه و اصول ادامه داد. در مدت اقامت در تهران موفق به اخذ دکترای حقوق از دانشگاه تهران شد. وی مدتی نیز در فرانسه به تحقیق و تحصیل مشغول بود. آخرین مرحله از تحقیقات ایشان نزد پروفیسور موننگمیری وات در دانشگاه ادینبورگ بود که این دوره را نیز با درجه‌ی دکتری به پایان رسانید. پس از فراغت از تحصیل در سال ۱۳۴۹ به مشهد بازگشت و به عنوان استاد و رییس دانشکده‌ی الهیات دانشگاه مشهد به تحصیل و تحقق پرداخت. از جمله خدمات وی تأسیس چاپخانه‌ی دانشگاه مشهد بود. وی در سال ۱۳۵۹ بازنشسته شد.

آثار دکتر محمود رامیار عبارتند از: تاریخ قرآن، کشف الآیات قرآن مجید، در آستانه سالزاد پیامبر (ص)؛ ترجمه‌ی کتاب در آستانه‌ی قرآن (ترجمه از کتاب بالشر فرانسوی، ۱۳۵۸)؛ آخرین اثر استاد تفسیری از قرآن بود که به انجام نرسید.

کتاب تاریخ قرآن وی در دومین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

رامیشی، علی

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۲۱ق)، شاعر و عارف. معروف به خواجه‌ی عزیزان. از مردم قصبه‌ی رامیش در دو فرسنگی بخارا بود و از بزرگان مشایخ طریقه‌ی نقشبندی به شمار می‌رفت. وی در زادگاهش به بافندگی روزگار می‌گذراند و در پایان عمر به خوارزم رفت و در آنجا وفات یافت. خواجه با شیخ رکن‌الدین علاءالدوله سمنانی و شیخ بدرالدین میدانی معاصر بود و شعر فارسی را نیکو می‌سرود. از آثار وی: «رباعیات عارفانه»؛ «رساله‌ای در تصوف» و «محبوب العارفین».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۲۲۰)، رشحات عین‌الحیاه (۷۲-۶۲/۱)، نفحات الانس (۳۸۵).

رانکوهی، عبدالرزاق

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم ق)، عالم و متکلم امامی. در شیراز به دنیا آمد و همان جا نشو و نمو یافت. وی با ملا عبدالرزاق فیاض لاهیجی (م س یازدهم ق) معاصر بود. از آثار وی: «تحریر القواعد الکلامیه»، که شرح «قواعد العقائد» محقق طوسی است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴۷۱/۷)، الذریعه (۳۸۸-۳۸۷/۳)، روضات الجنات (۱۹۴/۴)، ریحانه (۲۹۷/۲).

راوندی کاشانی، ضیاء‌الدین، ابوالرضا فضل‌الله

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۵۷۰ق)، عالم، محدث، ادیب و شاعر. دارای علو نسب بود و کمال فضل و حسب را نیز به دست آورد. وی شاگرد ابوالمحاسن رویانی و ابوالبرکات حسینی مشهدی و ابوعلی، فرزند شیخ طوسی و ابوالصمصام ذوالفقار بن محمد حسنی است و به واسطه‌ی این دو نفر اخیر از شیخ طوسی روایت می‌کند. شیخ منتجب‌الدین و ابن شهر آشوب و پدر خواجه نصیر، شیخ محمد طوسی، از شاگردان وی بوده‌اند و از او روایت کرده‌اند. سمعانی در «الانساب» گوید: «به کاشان که رسیدم به عزم زیارت سید ابوالرضا ضیاء‌الدین راوندی به خانه‌اش رفتم، بر سر در خانه‌ی او «آیه‌ی تطهیر» را با گچ نوشته بودند، بعد از ملاقات بیش از آنچه شنیده بودم دیدم و احادیث بسیاری از خودش شنیده و نوشتم و چند قطعه از اشعارش را نگاشتم و چند بیتی خودش برابم نوشت». فرزندان و نوادگان او همگی از اهل علم بودند. از آثار وی: «ضوء الشهاب»، شرحی بر «شهاب» قاضی قضاعی؛ «ادعیه السر»؛ «کتاب

النوادر»؛ «مقاربه الطیه الی مقاربه النیه»؛ «قصص الانبیاء»؛ «تفسیر الراوندی» به نام «الکافی»، در تفسیر قرآن مجید؛ «ترجمه العلوی للطب الرضوی»، در شرح «طب الرضا (ع)»؛ «الاربعین»، در احادیث؛ «الحماسه»؛ شرح «النهج البلاغه»؛ «المورجز الکافی فی علم العروض و القوافی»؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴۱۰-۴۰۸/۸)، ایضاح المکون (۶۵۹، ۵۳۱، ۳۴۶، ۲۵۹، ۲/۷۴، ۳۰۵، ۲۸۱، ۵۳، ۵۲/۱)، الذریعه (۳۳۷/۲۴، ۳۷۸/۲۱، ۲۴۷، ۱۷/۲۴۵، ۱۲۱، ۱۲۰/۱۵، ۱۴۳/۱۴، ۳۵۲/۹، ۴۲۳/۱)، روضات الجنات (۳۵۲-۳۵۰/۵)، ریاض العلماء (۳۷۴-۳۶۳/۴)، ریحانه (۱۱-۹/۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۸-۲۱۷/۶)، فوائد الرضویه (۳۵۵-۳۵۴)، فهرست منتجب‌الدین (۱۴۴-۱۴۳)، الکنی و الالقاب (۴۳۶-۴۳۵/۲)، لغت نامه (ذیل ابوالرضا)، معجم المؤلفین (۷۵/۸)، هدیه الاحباب (۱۴۱-۱۴۰)، هدیه العارفین (۸۲۱/۱).

راوندی کاشانی، عزالدین، ابوالحسن علی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم ق)، عالم، فقیه، ادیب و شاعر. معاصر با شیخ منتجب‌الدین بود. سید علی خان در «الدرجات الرفیعه» وی را ستوده و گوید: «مدرسه‌ای بی نظیر در کاشان بنا نهاد که علماء و فضلا و زهاد و حجاج و خلق بسیاری در آن ساکن بودند. از آثار وی: «تفسر القرآن»، که به «تفسیر عزالدین» معروف است و ناتمام؛ «الطراز المذهب فی ابراز المذهب»؛ «مجمع الطائف و منبع الطرائف»؛ کتاب «غمام الغوم»؛ کتاب «مزن الحزن»؛ کتاب «نثر اللآلی لفخر المعالی»؛ کتاب «الحسیب النسیب»؛ «غنیه المتغنی یا المستغنی یا المستفتی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۰۱/۸)، الذریعه (۵۵/۲۴، ۳۲۸/۲۰، ۶۹، ۶۰/۱۶، ۱۵۹/۱۵، ۲۱/۷، ۲۸۲/۴)، ریاض العماء (۱۷۸/۴)، ۳۱۳-۳۱۲/۳)، ریحانه (۱۱/۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۰۰-۱۹۸/۶)، فوائد الرضویه (۳۵۵-۳۵۴)، الکنی و الالقاب (۴۳۶-۴۳۵/۲)، هدیه الاحباب (۱۴۱-۱۴۰).

راوندی، ابوالرضا، فضل الله

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(منسوب به راوند) ابوالرضا فضل الله بن علی حسنی، ضیاء‌الدین، از فضلاء شیعه (ف. ۵۸۰ ه.ق.) از آثار اوست: ضوء الشهاب، ادعیة السر، شرح الرسالة الذهبیه.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

راوندی، قطب‌الدین

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

متوفی ۵۷۳ هجری

و اوست شیخ و امام فاضل متبحر و فقیه محدث شاعر ادیب جامع الفضائل والمناقب قطب‌الدین ابوالحسین سعید بن هبه‌الله بن الحسن بن عیسی الراوندی ره که قبر شریفش در صحن بزرگ فاطمیه در محل نماز تابستان آیه‌الله نجفی مرعشی مدظله سنگ بزرگی دارد و مورد توجه عموم و بالخصوص دانشمندان و اهل معرفت است.

ترجمه او را علماء رجال در کتب خویش ذکر کرده و وی را به تمام معنی ستوده و تمجید کرده‌اند، شیخ منتجب‌الدین در تاریخ گوید: وی فاضلی در جمیع علوم بوده مصنفات بسیاری در هر نوع دارد و بر مذهب شیعه هم بوده است.

سید بن طاوس در ص ۲۰ کشف‌المحجّه گوید: الشیخ العالم فی علوم کثیره قطب‌الدین الراوندی و اسمه سعید بن هبه‌الله - رحمه‌الله. سماه‌جی در اجازه‌اش گفته عالمی فاضل و متبحر و کامل و فقیهی محدث و ثقه‌ای معین و علامه و بعضی فاضل گفته‌اند که او از بزرگترین محدثین شیعه بوده است.

و شیخ اسدالله کاظمی در مقابس ص ۱۴ گفته وی فقیهی محدث و فاضلی متبحر و علامه‌ای کامل و کم‌نظیر بوده است.

و ابن شهر آشوب هم در معالم العلماء او را بسیار تعظیم و تمجید و تعریف نموده و شیخ منتجب‌الدین در فهرست و صاحب لسان‌المیزان در ج ۳ ص ۴۸ و میرزا عبدالله در ریاض العلماء و شیخ یوسف در لؤلؤة البحرین و محدث نوری در ج ۳ مستدرک الوسائل ص ۴۸۹ و صاحب روضات در ص ۳۰۰ روضات و مامقانی در ج ۲ ص ۲۲ تنقیح‌المقال و هم ص ۱۴۸ منتهی‌المقال ذکر کرده است صاحب کرامت بوده و از کرامات وی که کرارا از سید استاد علامه نجفی مرعشی شنیدم می‌فرمود از چند نفر از پیرمردهای موثق شنیدم که می‌گفتند در موقع ساختن صحن شریف قبر مطهرش خراب و بدن شریفش نمایان شد که بعد از هفتصد سال تازه کمترین عیبی نکرده که گویا الان در اینجا خوابیده است.

تالیفات راوندی

تالیفات و تصنیفات ارزنده آن بزرگوار به قرار زیر است.

۱- الخرائج والجرائح مطبوع ۲- قصص الانبیاء ۳- فقه القرآن ۴- منهاج البراعه فی شرح نهج‌البلاغه در دو جلد ۵- اللباب ۶- اسباب النزول ۷- المغنی فی شرح النهایه ده مجلد ۸- سلوة الحزین ۹- المعارج فی شرح خطبه من نهج‌البلاغه ۱۰- احکام الاحکام ۱۱- خلاصه التقاسیر ده جلد ۱۲- المستقصی شرح الذریعه سید مرتضی در سه جلد ۱۳- ضیاء الشهاب فی شرح الشهاب ۱۴- حل العقود فی الجمل والعقود ۱۵- الانجاز فی شرح الایجاز ۱۶- نهیه النهایه ۱۷- بیان الانفرادات ۱۸- التغریب فی التعریب ۱۹- الاغراب فی الاغراب ۲۰- زهر المباحثه ۲۱- تهافت الفلاسفه ۲۲- جواهر الکلام فی شرح مقدمه الکلام ۲۳- رساله الفقهاء و غیر اینها که موجب اطناب است اساتید و مشایخ اجازه و شاگردان بزرگوار وی بسیاراند که از ذکر آنان خودداری نمودم وفاتش در روز چهارشنبه چهاردهم شوال المکرم ۵۷۳ قمری اتفاق افتاده و در مکان مذکور مدفون گردید علامه معاصر ما آیه‌الله مرعشی سنگ و لوح قبر شریفش را تجدید و مرمت نموده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

راوندی، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرتضی راوندی در سال ۱۲۹۲، در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه ایمان و دوره دبیرستان را در دارالفنون به پایان برد، سپس وارد دانشکده افسری شد و در همانجا دوره سربازی را انجام داد. آنگاه جهت ادامه تحصیل وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و در رشته قضایی با درجه لیسانس فارغ التحصیل شد. استاد راوندی پس از تحصیلات عالی، مشاغل مختلفی را عهده دار شد، وی ابتدا در راه آهن تهران به کار پرداخت، سپس از سال ۱۳۱۸ ش. وارد دادگستری شد و به خدمت قضایی اشتغال ورزید. راوندی همچنین سمت هایی همچون ریاست ثبت کل کشور و دادیاری دیوان عالی کشور را نیز پذیرفت، تا آنکه در سال ۱۳۴۴ ش، بازنشسته شد. وی پس از بازنشستگی به پژوهش درباره تاریخ ایران و نقش سیاسی و اجتماعی مردم پرداخت و آثار نیز به چاپ رساند. استاد مرتضی راوندی سرانجام در روز چهارشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۷۸ در پی عارضه مغزی دیده از جهان فروبست.

گروه: علوم انسانی

رشته: حقوق

تحصیلات رسمی و حرفه ای: مرتضی راوندی تحصیلات دوره ی ابتدایی و متوسطه را در تهران به پایان رساند. در سال ۱۳۲۲ به اخذ لیسانس در رشته ی ادبیات فارسی از دانشسرای عالی توفیق پیدا کرد و به سال ۱۳۲۴ برای فراگرفتن علوم دینی و معارف اسلامی رهسپار شهر مذهبی قم گردید. در سال ۱۳۲۹ برای تکمیل تحصیلات به تهران بازگشت و در سال ۱۳۳۵ به اخذ درجه ی دکترا در رشته ی زبان و ادبیات فارسی نائل آمد. وی برای تز دکترای خود و به راهنمایی استادش شیخ محمد سرابی، «تفسیر مجمع البیان» را که تفسیری جامع در علوم قرآنی است برگزید.

خاطرات و وقایع تحصیل: مرتضی راوندی از سختگیری های نابجا و نظام آموزشی غلط دوران تحصیل خود چنین یاد می کند: « محیط اجتماعی ایران طوری بود که خانواده ها و دولت وقت، توجهی به حیات جسمی و روحی کودکان نداشتند. تحرک، بازی، دویدن و جست و خیز اگر امروز نوعی تربیت و آموزش حساب می شود، در قدیم نه تنها مورد تایید خانواده و مسئولین فرهنگی نبود، بلکه نوعی شیطنت و بازی گوشی بی ادبانه تلقی می شد. هیچ فراموش نمی کنم موقعی که در مدرسه مبارکه ایمان دوره ابتدایی را می گذراندم، مدیر مدرسه مرحوم «میرزا ابوالقاسم خان تفرشی» نه تنها در دویدن و بازی کردن را تایید نمی کرد، بلکه در طبقه سوم ساختمان مدرسه و در ایوان می نشست و دست هایش را مقابل چشم ها می گذاشت و چنین وانمود می کرد که نمی بیند. اگر کودکی به حکم غریزه کودکی جست و خیز می کرد و با دیگر اطفال به بازی مشغول می شد، آقای میرزا با ترکه حاضر می شد و به یکی از فراش ها می گفت: «بیارش.» و بعد بساط ترکه و فلک و تنبیه بود.

وقایع میانسالی: روی کار آمدن محمدرضا شاه پهلوی و باز شدن فضای سیاسی از سال ۱۳۲۰، روشنفکران و سیاستمداران را یکبار دیگر وارد عرصه سیاست نمود، مرتضی راوندی نیز از جمله این افراد بود که در مسیر جریانات سیاسی کشور قرار گرفت و مدتی را نیز در زندان شاه به سر برد.

زمان و علت فوت: مرتضی راوندی در روز چهارشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۷۸ در پی عارضه مغزی دیده از جهان فروبست.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مرتضی راوندی پس از تحصیلات عالی، مشاغل مختلفی را عهده دار شد، وی ابتدا در راه آهن تهران به کار پرداخت، سپس از سال ۱۳۱۸ ش. وارد دادگستری شد و به خدمت قضایی اشتغال ورزید. راوندی همچنین سمت هایی همچون ریاست ثبت کل کشور و دادیاری دیوان عالی کشور را نیز پذیرفت، تا آنکه در سال ۱۳۴۴ ش، بازنشسته شد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: مرتضی راوندی پس از بازنشستگی به پژوهش درباره تاریخ ایران و نقش سیاسی و اجتماعی

مردم پرداخت. علاوه بر آن سفر به فرانسه و دیدن کتاب‌هایی درباره زندگی روزمره توده مردم پاریس در سده‌های گذشته، ایشان را مصمم به پژوهش درباره زندگانی مردم و آداب و رسوم عادی و سایر طبقات مختلف کشور از لابه لای تواریخ کهن نمود.

راوندی، نجم الدین ابوبکر

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نجم الدین ابوبکر عمر بن علی بن سلیمان بن محمد بن احمد بن حسین بن همت راوندی در اوایل نیمه دوم قرن ششم در راوند کاشان متولد شد. پدران وی از علما و خاندان عراقی الاصل بودند. وی در کودکی پدر را از دست داد اما در کنف حمایت دایی‌های فرهنگ دوست خود زین الدین و تاج الدین، علوم شرعی و ادبی و خوشنویسی را آموخت. راوندی پس از بروز قحطی سال ۵۷۰ در اصفهان، برای تحصیل به مسافرت در شهرهای ایران و عراق پرداخت و از سال ۵۷۷ به دربار شاهان سلجوقی راه یافت. راوندی پس از انقراض سلجوقیان بزرگ، از همدان راهی آسیای صغیر شد و در دربار سلطان غیاث الدین ابوالفتح کیخسرو بن قلیچ ارسلان مورد استقبال قرار گرفت و کتاب خود «راحه الصدور و آیه السرور فی تاریخ آل سلجوق» را در سال ۵۹۹ به وی تقدیم کرد و اندکی بعد درگذشت.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

گرایش: ایران دوره اسلامی

والدین و انساب: خاندان نجم الدین ابوبکر راوندی از خانواده‌های علمای عراق بودند اما وی در راوند کاشان ولادت یافت. تاج الدین راوندی و زین الدین راوندی دایی‌های او از شاعران عهد سلجوقی به شمار می‌روند.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: نجم الدین ابوبکر راوندی در کودکی پدر را از دست داد و خاندان او به سبب قحطی سال ۵۷۰ تهیدست شدند. چنانکه محمد راوندی به مدت ۱۰ سال تحت حمایت دایی خود تاج الدین احمد بن محمد بن علی راوندی، که از فاضلان بزرگ روزگار و در انواع علوم شرعی و ادبی سرآمد بود، رشد کرد و به شهرهای مهم عراق سفر کرد.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: نجم الدین ابوبکر راوندی که در کودکی به زبان عربی تسلط داشت علوم شرعی و ادبی و هم‌چنین خوش‌نویسی را نزد دایی‌های خود آموخت تا آنجا که در هفتاد نوع خط مهارت یافت. تسلط وی به خوش‌نویسی موجب شد تا علمی را نیز از طریق نسخه‌نویسی کتابها کسب کند. از سال ۵۷۰ محمد راوندی سفرهای خود را به شهرهای مختلف ایران و عراق برای تحصیل علم آغاز کرد. او در مدارس عراق به صورت پراکنده و موقت به تحصیل پرداخت.

خاطرات و وقایع تحصیل: پدر نجم الدین ابوبکر راوندی در حین تحصیل وی درگذشت و اوضاع مالی خانواده راوندی رو به نزول رفت این اوضاع با وقوع قحطی سال ۵۰۷ در اصفهان به وخامت گرایید.

فعالیت‌های ضمن تحصیل: نجم الدین ابوبکر راوندی به خطاطی تذهیب و جلدسازی نیز می‌پرداخت و در حین تحصیل از طریق نسخه‌نویسی کتابها امرار معاش می‌کرد. نجم الدین ابوبکر راوندی به نثر و شعر مسلط بود همواره در این باره به ممارست مشغول بود. و در دربار سلاطین پذیرفته می‌شد. و اشعار خود را از جمله قصایدش در کتاب راحه الصدور و آیه السرور آورده است

استادان و مربیان: نجم الدین ابوبکر راوندی نزد دایی‌های خود زین الدین و تاج الدین احمد بن محمد بن علی راوندی مقدمات

علوم شرعی و ادبی را آموخت. تاج الدین در همدان در مدرسه محله سابق آباد درس می گفت.

هم دوره ای ها و همکاران: شهاب الدین احمد از دوستان دوران تحصیل نجم الدین ابوبکر راوندی بوده است که راوندی گاهی بدلیل فروتنی بعنوان استاد خود از وی یاد می کند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: نجم الدین ابوبکر راوندی پس از قحطی سال ۵۷۰ در اصفهان برای تحصیل در شهرهای ایران و عراق به مسافرت پرداخت و از سال ۵۷۷ به دربار طغرل بن ارسلان سلجوقی راه یافت و پس از آن به خدمت سلیمان شاه بن قلیج ارسلان سلجوقی درآمد. در این سالها راوندی در همدان اقامت داشت، اما پس از انقراض سلجوقیان ایران، به روم رفت و در دربار سلطان غیاث الدین ابوالفتح کیخسرو بن قلیج ارسلان پذیرفته شد. در آن زمان گروهی از بزرگان ایران از دست مغولان به دربار امن پادشاهان سلاجقه روم پناه می بردند. از آن جمله می توان به شمس الدین تبریزی، مولانا جلال الدین بلخی [مولوی] و نجم الدین رازی از عارفان مشهور آن زمان نام برد. راوندی کتب خود را به دلیل احساس دین به سلاطین سلجوقی و در قدردانی از تاسیس مدارس عراق که وی در آنها تحصیل کرده بود و برای به یادگار گزاردن اثر جادوانی از خود و همچنین برای تجلیل از فتح عظیم انطاکیه توسط کیخسرو بن قلیج ارسلان در سال ۵۹۹ کتاب راحه الصدور را به وی تقدیم کرد. [صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲، صص ۱۰-۱۰۰۹] وی از سال ۵۸۰ به فکر تالیف چنین اثری افتاد. و در سال ۶۰۲ به طور کامل اتمام یافت.

فعالتهای آموزشی: نجم الدین ابوبکر راوندی بعنوان معلم پسران سلیمان شاه بن قلیج ارسلان سلجوق در دربار حضور داشت.

شاگردان: فرزندان سلیمان شاه بن قلیج ارسلان سلجوقی در کودکی تحت تعلیم نجم الدین ابوبکر راوندی قرار داشته اند.

همفکران فرد: افضل الدین کرمانی، اتابیک منتجب الدین بدیع کاتب جوینی همانند محمد بن علی راوندی از شاعران و مورخین و منشیان دربار سلجوقی به شمار می رفتند کاشانی (مؤلف زبده التواریخ) در عهد سلجوقی همانند نجم الدین ابوبکر راوندی کتاب خود را بر اساس سلجوقنامه ظهیر الدین نیشابوری نگاشت.

چگونگی عرضه آثار: نجم الدین ابوبکر راوندی کتاب راحه الصدور را به نام سلطان غیاث الدین ابوالفتح کیخسرو بن قلیج ارسلان سلجوقی به پایان برد و به وی تقدیم نمود.

آثار:

۰۱

ویژگی اثر: ۰

۲ اعلام الملوك معروف به راحه الصدور و آیه السرور

ویژگی اثر: راوندی در این کتاب پر ارزش خود پس از ذکر دیباچه و سبب تالیف کتاب و ستایش عدل و انصاف که پر است از فواید ادبی و تاریخی، وارد تحقیق و بحث در دولت سلجوقیان شده و کار آنان را از ابتدا شرح داده و وقایع عهد سلاجقه بزرگ را تا پایان کار سنجر به تفصیل آورده و آنگاه به ذکر سلاجقه عراق تا پایان کار طغرل بن ارسلان و استیلای خوارزمشاهیان بر عراق پرداخته و در عین حال درباره اتابکان عراق و آذربایجان به تفصیل سخن گفته است. در پایان کتاب راوندی فصولی در ذکر آداب شطرنج، شراب، مسابقت و تیرانداختن، شکار کردن، اصول خط، فی الغالب و المغلوب و فصلی در خاتمت کتاب آورده و کتاب را به نام و مدح غیاث الدین کیخسرو خاتمه داده است. [صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، ص ۱۰۱۰] کتاب راحه الصدور آیه السرور در سال ۵۹۹ تالیف شده و یکی از بهترین کتب نثر فارسی و در نهایت فصاحت و روانی نوشته شده است و در ضمن اشعاری به فارسی از مولف و نیز از بزرگان ادب فارسی در آن ثبت شده است، [نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ج ۱، ص ۱۴۵] راحه الصدور از کتب مهم قرن ششم و اوایل قرن هفتم است که خواه از باب سلامت انشا آن و ابراز فضل های مولف و خواه

از نظر در بر گرفتن اطلاعات فراوان تاریخی و اجتماعی در شمار معتبرترین و سودمندترین کتب فارسی پیش از حمله مغول در ایران به شمار می رود. [صفها، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲، ص ۱۰۰۸] راحه الصدور از بهترین کتب نثر پارسی است که قسمتی از آن به شیوه مصنوع و مزین و قسمتی دیگر ساده و بی پیرایه است. در قسمتهای مصنوع راحه الصدور دراز گویی و آوردن امثال و اشعار عربی و فارسی بویژه اشعار شاهنامه فراوان و سخن راوندی در برخی موارد به لطافت شعر و دارای همان شرایط و موضوعات می شود. از امتیازات ادبی راحه الصدور ایراد قصائدی تمام از شاعران استاد و بزرگ قرن ششم منوچهری دامغانی، شمس الدین احمد بن منوچهر شصت کله، امیر عمادی اثیر اخسیکتی و سید حسن غزنوی است. [صفها، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲، صص ۷۴ و ۷۵ و ۱۱۱ و ۱۰۸ و ۷۰ و ۵۸۷ و ۵۲۰] که مدتها پیش بطور داوطلبانه آغاز به تالیف کرده بود.

منابع زندگینامه :

اراوندی، راحه الصدور و آیه السرور در تاریخ آل سلجوق، ص ۴۰۲ سعید، نفیسی. تاریخ نظم و نثر ر ایران و در زبان فارسی، ج ۱، تهران: کتابفروشی فروغی، ۱۳۴۴، ص ۱۴۵ و ۸۸۷۳ صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲، ص ۱۰۹۴ محمد بن عی بن سلیمان، «راوندی»، راحه الصدور و آیه السرور در تاریخ آن سلجوق، به اهتمام محمد اقبال و تصحیح مجتبی مینوی، چاپ دوم، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۴، ص ۴۹

راوندی، نجم‌الدین، ابوبکر محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم ق)، مورخ. وی از راوند کاشان بود. در کنف رعایت دایی خود، تاج‌الدین احمد راوندی که از فاضلان بزرگ بود، تربیت شد و از علوم شرعی و ادبی و خط را آموخت و مدتها از راه استنساخ و تذهیب و تجلید کتب زندگی کرد، تا اینکه در سال ۵۷۷ ق در خدمت سلطان طغرل بن ارسلان تقرب حاصل کرد. بعد از زوال دولت آن پادشاه در سال ۵۹۰ ق و برافتادن حکومت سلاجقه‌ی عراق به بلاد آسیای صغیر رفت و به خدمت غیاث‌الدین کیخسرو بن قلج ارسلان (۶۳۴-۶۱۶ ق) از سلاجقه‌ی آسیای صغیر درآمد. وی کتاب مشهور خود «راحه الصدور و آیه السرور» را که در سال ۵۹۹ ق به انجام رسانده بود، با اضافاتی در حدود سال ۶۰۳ ق به نام وی کرد. این کتاب از جمله بهترین کتب نثر پارسی است که پیرامون تاریخ سلاجقه است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۱۱-۱۰۰۸/۲)، تاریخ در ایران (۳۷-۳۶)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۵، ۱۱۹)، تاریخ نگاران ایران (۲۷۰-۲۶۷)، الذریعه (۵۶/۱۰)، راحه الصدور و آیه السرور (مقدمه/ ۶-۱)، سبک شناسی (۴۱۰-۴۰۵/۲)، گنج و گنجینه (۲۲۶)، لغت نامه (ذیل/ راوندی)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲۳-۶۲۱/۵)، هدیه العارفین (۱۰۸/۲).

راویه دیلمی، ابوالقاسم حماد

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۵۱/۱۵۵/۱۶۱/۱۹۵ ق)، مورخ و لغوی. اصل وی از دیلم بود و در کوفه متولد شد. او از مشاهیر علمای تاریخ و لغت عهد

بنی‌امیه بود که در معرفت وقایع و اخبار و اشعار و انساب و لغات عرب، داناترین شخص در طبقه‌ی اول از لغت‌دانان کوفه به شمار می‌رفت. نام پدر وی را میسر و هرمز نیز نوشته‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۰۲-۳۰۱/۲)، روضات الجنات (۲۳۷-۲۳۵/۳)، ریحانه (۲۹۹-۲۹۸/۲)، الکنی و الالقاب (۲۷۰-۲۶۹/۲)، لسان المیزان (۶۶۴-۶۶۲/۲)، لغت نامه (ذیل/حماد)، معجم الادباء (۲۶۶-۲۵۸/۱۰)، الوافی بالوفیات (۱۴۲-۱۳۷/۱۳)، وفيات الاعیان (۲۸۲/۵، ۲۱۲، ۲۱۰-۲۰۶، ۳۶/۲، ۴۴۸/۱).

ربابه

قرن: ۱۳

جنسیت: زن

ملیت: ایران

حدود ۱۲۹۷ ق، از زنان فاضل، سخنور، محدث و متکلم. وی دختر ملا محمد صالح برغانی (۱۲۷۵ / ۱۲۷۰ ق) و آمنه خانم قزوینی و خواهر فاطمه ملقب به قره‌العین بود. او از خاندان علم و دانش بود که بسیاری از مردان و زنان آن از علما و فضیله‌ی مبرز زمان خود به شمار می‌رفتند.

وی مقدمات زبان عربی و ادبیات را نزد مردان خانواده و خواهرش قره‌العین فراگرفت و فقه و اصول و تفسیر و حدیث را از پدرش و عمویش ملا محمد تقی برغانی (۱۲۶۴ ق)، معروف به شهید ثالث، آموخت. یک دوره حکمت و فلسفه را نزد آخوند شیخ ملا آغا حکمی گذراند و در عرفان نزد عمویش ملا علی برغانی و برادرش میرزا عبدالوهاب برغانی قزوینی تلمذ کرد. هنگامی که به سن رشد رسید با میرزا هبه‌الله رفیعی قزوینی ازدواج نمود.

او در جایگاه درس و وعظ و ارشاد قرار گرفت و به استنباط احکام شرعی می‌پرداخت و با علما مباحثه و مجادله می‌کرد و در مسائل فقهی و علمی فتوا می‌داد و به نظر و احکامش عمل می‌کرد، تا جائی که امید و پناهگاه مستمندان و درماندگان بود. در سخنرانیها و مجالسش فراوان از ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳-۱۲۶۴ ق) و درباریان و نزدیکانش انتقاد و بدگویی می‌کرد و هیچگاه ناصرالدین شاه متعرض او نگردید.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: اعیان الشیعه (مستدرکات)، ۱۰۵-۱۰۴ / ۴.

ربانی املشی، محمدمهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم.

درگذشت: ۱۷ تیر ۱۳۶۴، تهران.

آیت‌الله محمدمهدی ربانی املشی در سمت‌هایی چون نمایندگی مجلس خبرگان قانون اساسی، ریاست شعبه اول دادگاه عالی، عضویت در ستاد انقلاب فرهنگی، عضویت در شورای عالی قضائی، دادستانی کل کشور، عضویت در شورای نگهبان، عضویت در

مجلس خبرگان رهبری و نیابت ریاست مجلس شورای اسلامی (نماینده مردم تهران) خدمت کرده است. آیت‌الله ربانی املشی از شاگردان حضرت امام خمینی (ره) در حوزه‌ی علمیه‌ی قم بود. ایشان با تأسیس جامعه مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، به عنوان یکی از اعضای فعال این جامعه سال‌ها زندان و شکنجه و تبعید را تحمل کرد. با این همه از پای نشست و در راه به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی، بی‌وقفه تلاش کرد.

آیت‌الله ربانی املشی در تاریخ هفدهم تیرماه ۱۳۶۴ در تهران درگذشت. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

ربانی خواه، هادی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

هادی ربانی خواه

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۷/۱

زندگینامه علمی

به سال ۱۳۴۲ در خانواده‌ی روحانی در شهر قم متولد شدم. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را در شهر قم گذراندم. در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه شدم. مقدمات را در مدرسه رضویه گذراندم. در دوره سطح از محضر مرحوم آیت‌الله طاهر شمس و پایانی، و حجج اسلام موسوی تهرانی، پایانی، نکونام، خسروشاهی، هادوی و کدیور بهره بردم. و از درس خارج آیات عظام شبیری زنجانی (فقه)، وحید (اصول) کسب فیض نمودم. در کنار درس حوزه به امور پژوهشی و تالیف نیز اشتغال داشته‌ام. همچنین با برخی از مراکز پژوهشی همکاری داشته و دارم. در حوزه‌های کتابداری، کتابشناسی، ویرایش و اطلاع‌رسانی نیز فعالیت داشته‌ام. در زمینه‌های یاد شده تدریس نیز کرده‌ام. در راه اندازی چندین موسسه پژوهشی و کتابخانه تخصصی نیز همکاری داشته‌ام. همچنین در حوزه‌های یاد شده خدمات مشاوره‌ای بسیاری به موسسات پژوهشی داده‌ام.

ربانی خوراسگانی، محمدصادق

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد صادق ربانی خوراسگانی

محل تولد: اصفهان

شهرت: ربانی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در مهر ماه سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و سطوح مقدمات را در سال ۷۶ به پایان رساندم و همراه با آن دیپلم را اخذ کردم و وارد حوزه علمیه قم شدم و در کنار دروس حوزوی رسائل و مکاسب و کفایه در مؤسسه امام خمینی (ره) قم مشغول به تحصیل در رشته جامعه شناسی شده و الان مشغول پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی هستم و در حدود ۵ سال است که در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام آیه الله فاضل لنکرانی، مرحوم تبریزی، وحید خراسانی و استاد محمد جواد فاضل لنکرانی مشغول به تحصیل علوم حوزوی هستم.

ربانی شیرازی، عبدالرحیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام آقای آقا میرزا عبدالرحیم شیرازی از علماء و فضلاء به نام حوزه علمیه است. وی در شیراز متولد شده و پس از طی مقدماتی برای تکمیل مبانی علمی و تحصیل کمالات به قم مهاجرت نموده و سطوح و متون فقهی و اصولی را از مدرسین بزرگ چون مرحوم آیت الله حاج سید محمد محقق داماد یزدی و دیگران فرا گرفته و دروس فقه و اصول استدلالی و تحلیلی را از محضر مرحوم آیت الله العظمی بروجردی و آیت الله العظمی امام خمینی. و نیز بعضی دیگر استفاده نموده و به تالیف و مباحثات خصوصی پرداخته است.

از آثار اوست تعلیقات بر وسائل الشیعه از اول طهارت تا آخر دیات که ۱۶ مجلد آن به طبع رسیده و نیز آثار دیگری از تعلیقات بر بحارالانوار و غیره دارد که بعضی مطبوع و برخی هم مخطوط مانده است.

عالم.

تولد: ۱۳۰۳، دارالفضیله شیراز.

درگذشت: ۱۷ اسفند ۱۳۶۰، بین راه دلیجان- محلات.

آیت الله عبدالرحیم ربانی شیرازی، فرزند حاج مهدی، ایام کودکی را در مکتبخانه‌ها و جوانی را در مداس علمیه‌ی شیراز به سر آورد. هنوز به بیست سالگی نرسیده بود که از پدر مستقل شد و حجره‌ای برای خود دست و پا کرد. در جوانی به حزب «برادران» پیوست که به رهبری آیت الله آقا سید نورالدین حسینی برای مقابله با تجاوزات استعمارگران خارجی و عمال داخلی آنها به حریم اسلام و روحانیت تأسیس شده بود و رسماً به فعالیت‌های حزبی و سیاسی پرداخت. همزمان با آن برای تکمیل اطلاعات دینی خود به مدرسه‌ی علمیه‌ی آقا باباخان رفت. سپس در زمان مرجعیت آیت الله سید حسین بروجردی به قم مشرف شد. در قم، چند سالی در مدرسه‌ی حجتیه سکنی گزید تا آن که ازدواج کرد و به منزلی که در یکی از محله‌های قدیمی قم اجاره کرده بود، نقل مکان نمود. ایشان برای امرار معاش به خرید و فروش می‌پرداخت.

شروع مبارزات آیت الله ربانی شیرازی با رضاشاه، ایستادگی در مقابل برنامه کشف حجاب بود. ایشان تصمیم گرفت آیات و روایاتی را که دلالت بر لزوم پوشش برای زن دارد، استخراج نموده و آنها را به صورت اعلامیه‌ای نوشته و بر معابر عمومی نصب

نماید. برای کسب اجازه به نزد آیت‌الله آقا سید نورالدین رفت که به وی اجازه داده شد. از دیگر فعالیت‌های او در زمان اقامت در حوزه علمی شیراز، مبارزه با فرقه‌های مذهبی و سیاسی نظیر بهاییان و صوفیان در ایش و نیز تبلیغات حزب توده در سال‌های ۱۳۲۰ بود.

آیت‌الله ربانی در مدت اقامت خود در شیراز به مرتبه‌ای از دانش رسید که دیگر ادامه تحصیلش در آن شهر امکان نداشت. از همین روی علیرغم مساعد نبودن شرایط و آماده نبودن زمینه مهاجرت، سرانجام در سال ۱۳۲۷ راهی شهر مقدس قم گردید و بلافاصله در حوزه‌ی درس آیت‌الله بروجردی حاضر شد.

از جمله آثار ایشان به این شرح هستند: تصحیح و تعلیق وسائل الشیعه؛ تصحیح و تعلیق بحارالانوار؛ قضاء الحقوق فی ترجمه الصدوق؛ حرکت طبیعی از دو دیدگاه؛ رساله در عدم تحریف قرآن مجید؛ کتاب صلاة و ادعیه و قرآن و ملابس که به سبک جدیدی نوشته شده است؛ مقدمه بر بحارالانوار و وسایل الشیعه؛ مقدمه‌ی مبانی الاخبار (در ۹۴ صفحه، در ترجمه صدوق علیه‌الرحمه)؛ رساله‌ها و جزوه‌های پراکنده و چاپ نشده.

آیت‌الله ربانی شیرازی برای شرکت در جلسات شورای نگهبان از شیراز عازم تهران بود در بین راه دلجان محلات، اتومبیل حامل ایشان پس از ترکیدن لاستیک آن توسط گلوله از جاده منحرف و واژگون شد. کمی پس از واژگون شدن اتومبیل حامل ایشان مینی‌بوسی از راه رسید و تنها ایشان را که حتی به مقدار کمتری از بقیه‌ی همراهان خود، دچار آسیب دیدگی و جراحت شده بودند با خود به یکی از درمانگاه‌های شهرستان محلات بردند و مصبین بدون آنکه هیچ گونه رد پایی از خود به جا بگذارند، محل را ترک کرده و متواری شدند. هنوز ساعاتی چند از انتقال به درمانگاه نگذشته بود که درگذشت. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

ربانی، جعفر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید جعفر ربانی

محل تولد: تربت حیدریه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمی قم شدم. ادبیات را نزد مدرس افغانی فرا گرفتم و طی دو سال به پایان رساندم. آن گاه مختصر المعانی و معالم الاصول و اصول الفقه و لمعتین را نزد استایدی همچون استاد وجدانی فخر و استاد سبحانی و بعضی اساتید خصوصی می‌آموختم و در درس اخلاق بعضی آیات عظام شرکت می‌کردم. از ابتدا علاقه زیادی به تدریس و نوشتن داشتم و در پی فرصتی برای پی ریزی این دو برنامه بودم و جسته و گریخته فعالیت‌های اندکی در این دو زمینه داشتم. کلاس‌داری یکی دیگر از برنامه‌های من بود کلاسهای قرآن و عقاید و تاریخ در شهرستان تربت حیدریه و سایر شهرستانهای دیگر از جنبه‌های زندگی را سفرهای تبلیغی تشکیل می‌داد سفرهای مختلف به شهرها و روستاهای کشور اسلامی و عزیزم که با فرهنگ‌های گوناگون آشنا

می شدم. ولی سطح عالی مانند مکاسب و رسائل و کفایه را نزد اساتیدی همچون استاد اعتمادی، دوزدوزانی، ستوده، پایانی، صالحی مازندرانی آموختم.

در سال ۱۳۷۱ رسماً مشغول تدریس دروس دینی در یکی از مدارس حوزه علمیه قم گردیدم و در سال ۱۳۷۵ در مرکز جهانی علوم اسلامی برای طلاب غیر ایرانی شروع به تدریس نمودم. و اینک نیز به لطف خدای مهربان اشتغال به تدریس دارم و برکاتی از این طریق نصیب گردیده. نوشتاری را تقریباً از سال ۱۳۷۴ شروع کردم. مشوق اصلی من در این رشته جناب حجة الاسلام مهدی مهدوی پور بودند که سرپرستی پژوهشکده باقرالعلوم (ع) را در سازمان تبلیغات اسلامی بر عهده داشتند به تشویق ایشان اولین کتاب خود را نوشتم (کتاب معلی بن خنیس معلم استقامت)

بی انصافی است اگر از تشویقات همسر در این زمینه نامی نبرده باشم به هر حال، روز به روز علاقه مندی به نوشتن و تحقیق در من بیشتر می شد و پس از مدتی دومین کتابم را جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به چاپ رسانید (کتاب خلیل بن احد) و در این بین مقالاتم به لطف خدای مهربان یکی پس از دیگری چاپ می شد ولی اینک نزدیک به بیست مقاله در موضوعات مختلف نوشتم. در سال ۱۳۸۴ پایان نامه سطح ۳ را با موضوع عدالت خداوند به رشته تحریر در آوردم و با عنایت الهی رساله ای جالب و تحقیقی به مرحله دفاع رسید و آقایان داور با اعطای نمره ۱۹ اینجانب را بسیار تشویق نمودند و با توفیقی الا بالله. اینک به لطف ایزد پاک خود را برای نوشتن پایان نامه سطح چهار (دکتر) آماده می کنم و امیدوارم هم یاریم نماید.

باورم بر این است که طلاب علوم دینی علاوه بر تقوا و ورزی طلبگی و سایر شئون دینی و سیاسی و اجتماعی ناگزیر از چهار نکته می باشد: تدریس، تحقیق، تبلیغ، تحصیل. باور دیگر من در زندگی علمی طلاب آنست که از پایه ۶ باید رشته تخصصی انتخاب نمایند و علاوه بر رشته عمومی دوره تخصصی را نیز بگذرانند تا پس از مدتی در جهتی خاص، صاحب نظر گردند.

از دیگر مراحل علمی زندگیم، شرکت در دروس خارج است که به مدت ۱۳ سال دروس حضرات آیات وحید خراسانی و مرحوم شیخ جواد تبریزی شرکت نمودم و بهره ها گرفتم. دیگر از باورهای علمی من این است که طلاب ناگزیر از تسلط یکی از زبانهای خارجی و زبان اینترنت و کامپیوتر هستند تا با اطلاع رسانی سریع تر برای همه مخاطبان خود مفید و نافع باشند در پایان امیدوارم خداوند عمر ما را سرتاسر نور و در جهت نشر معارف اهل بیت (ع) بندگی خودش بنماید.

ربانی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

ربعی، علی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۲۰-۳۲۸ ق)، نحوی لغوی. اصل وی از شیراز بود ولی در بغداد سکنی داشت. از محضر ابوسعید سیرافی دانش آموخت. سپس به شیراز مهاجرت کرد و از بوعلی فارسی کسب علم کرد و در حدود بیست سال ملازم وی بود، چندی بعد به بغداد بازگشت و در آنجا اقامت گزید تا اینکه دار فانی را وداع گفت در باب وی گفته‌اند: اگر شرق و غرب را بگردید فردی داناتر از وی در علم نحو نمی‌یابید. از آثار وی: «البدیع فی النحو»؛ «التنبیه علی خطا ابن جنی فی تفسیر شعر المتنبی»؛ «شرح الايضاح»، در نحو؛ «شرح البلغه»؛ «شرح مختصر الجرمی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۳۴/۵)، ايضاح المکنون (۱۷۲/۱)، تاریخ بغداد (۱۸- ۱۷/ ۱۲)، الذریعه (۵۶/۱۴، ۱۱۷/۱۳)، روضات الجنات (۲۳۱/۵)، ریحانه (۳۰۱/۲)، سیر النبلاء (۳۹۳- ۳۹۲/ ۱۷)، کشف الظنون (۲۱۲)، الکنی و الالقاب (۲۷۱/۲)، لغت نامه (ذیل/ علی)، معجم الادباء (۸۵- ۷۸/ ۱۴)، معجم المؤلفین (۱۶۴- ۱۶۳/ ۷)، وفيات الاعیان (۳۳۶/۳)، هدیة العارفین (۶۸۶/۱).

ربن

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(عبر. ربان) طبری از تربیت یافتگان حوزه علمی مرو، و بردین نصرانی- و به قولی بردین یهودی- بوده است (قر. ۲ و اوایل قر ۳ ه). وی در طب و نجوم و ریاضیات ماهر و از مترجمان معروف عهد خود به شمار می‌رود. از جمله منقولات او نسخه‌ای از «المجسطی» بود از یونانی به عربی که کاملتر از نسخ منقول دیگر بود. وی پدر علی ابن ربن طبری (م.ه) است.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ربیع نیا، ابوطالب

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوطالب ربیع نیا قمی

محل تولد: نوشهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابوطالب ربیع نیا در سال ۱۳۵۵ برای تحصیل در علوم دینی و حوزوی وارد حوزه علمی شهرستان چالوس شدم و دروس مقدماتی حوزه را در آن جا گذراندم. در سال ۱۳۷۵، هم زمان با اوج گیری نهضت اسلامی برای ادامه تحصیل عازم قم شدم. دروس حوزه را در مقطع سطح و سطوح عالی در محضر اساتید بزرگ حوزه علمی قم خواندم و سالهاست که در مقطع خارج به تحصیل اشتغال دارم. در کنار دروس اصلی حوزه، درسهای فلسفی، کلام و تفسیر را نیز به طور جدی پی گیری کردم. حقیر در

کنار اشتغال به تحصیل، از سال ۱۳۶۲ تا به امروز همواره به کار تحقیقی و پژوهش در موضوعات مختلف علمی و فرهنگی پرداخته و با مؤسسات علمی و فرهنگی همکاری داشته و دارم. برخی از مهمترین مراکز علمی و فرهنگی که حقیر به عنوان محقق و نویسنده با آنها همکاری داشته، از این قرار است: ۱. همکاری با گروه محققان معجم بحارالانوار به عنوان محقق. ۲. بنیاد نهج البلاغه، محقق. ۳. همکاری با ماهنامه بنیان وابسته به مرکز بزرگ اسلامی غرب کشور به عنوان نویسنده مقالات. ۴. همکاری با گروه فلسفه و کلام دائرةالمعارف قرآن کریم، وابسته به مرکز فرهنگ قرآن دفتر تبلیغات اسلامی به عنوان نویسنده برخی از مدخل های قرآنی. ۵. همکاری با پایگاه اطلاع رسانی سراسری اسلامی (پارسا) به عنوان چکیده نویس. ۶. همکاری با مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) دفتر قم، در بخش دانشنامه امام خمینی و عضویت در گروه فلسفه و کلام، اخلاق و عرفان دانشنامه و تهیه مدخل های فلسفی، کلامی، عرفانی، و اخلاقی دانشنامه. ۷. همکاری با گروه محققان مؤسسه فرهنگی و علمی رواق حکمت.

ربیع، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ محمد بن العالم الجلیل ملا ربیع شاه عبدالعظیمی از علماء محترم زاویه مقدسه بوده که پس از خواندن مقدمات و سطوح اولیه مسافرت به مشهد مقدس نموده و از علماء حوزه مشهد استفاده کامل نموده آنگاه مراجعت بوطن و بتدریس و خدمات روحی و دینی پرداخته و در مدرسه مروی تهران بمباحثات علمی پرداخته و از محضر مراجع بزرگ علمی تهران معقولا و منقولا بهره مند شده تا در ۱۳۴۹ قمری در سن هفتاد سالگی بدرود حیات گفته و در مقبره دربانان آستانه صحن مقدس حضرت عبدالعظیم مدفون گردیده است و ایشان شوهر عمه مرحوم آیت الله حاج آقا حسین اثنی عشری رحمه الله بوده اند. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

ربیع، یدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

یدالله ربیعی

محل تولد: شاهرود

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب یدالله ربیعی در سال تحصیلی ۵۲-۵۳ وارد حوزه علمیه قم و در مدرسه رسالت مشغول به تحصیل شدم. تقریباً در اوائل سطوح عالی بودم که انقلاب پیروز شد و بعد جنگ تحمیلی آغاز گشت و در سال ۶۱ هر دو پای اینجانب قطع گردید. درسها را

ادامه دادم. در سال ۱۳۷۲ در آموزش و پرورش آغاز به کار کردم که بیشتر در امور تربیتی بود، مشغول به کار شدم. در سال ۷۸ در معاونت امور اساتید مشغول به امتحان شدم تا اینکه در رشته (تاریخ و ادیان) و نیز (معارف اسلامی) به نصاب قبولی رسیدم و در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود و شهرستان ساوه مشغول تدریس شدم و هم‌اکنون فقط در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود مشغول تدریس هستم. در ضمن در عقیدتی و سیاسی سپاه، ارتش و بسیج و نیز اردوهای آموزشی زیاد تدریس داشته‌ام و نیز در آموزش قرآن و عقاید فعالیت داشته‌ام. همچنین دروس حوزه را به صورت انفرادی و گروهی تدریس داشته‌ام و فلسفه را نیز مقداری از اسفار خوانده‌ام.

رجایی پور، محمدحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدحسین رجایی پور

محل تولد: نیشابور

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۲/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت الله محمدحسین رجایی پور مشهور به رجائی خراسانی در سال ۱۳۲۲ هجری شمسی در نیشابور به دنیا آمد، در خانواده‌ای متدین و با اخلاق رشد و نمو یافت و پس از سپری مقداری از دروس کلاسیک با تشویق و راهنمایی پدر خویش وارد حوزه علمیه نیشابور شد. مقدمات را در زادگاهشان نزد مرحوم ادیب نیشابوری فرا گرفت. پس از آن برای تکمیل دروس حوزه به قم عزیمت نمود و در کلاس درس بزرگانی چون آیت الله ملکوتی حاضر گشت. زندگی ایشان همواره با دغدغه و تلاشهای علمی همراه بوده است به گونه‌ای که در سال ۱۳۴۳ برای کسب فیض از محضر مرحوم آیت الله خوئی و مرحوم شیخ حسین حلی به نجف اشرف هجرت کرد و ۴ سال در آنجا رحل اقامت افکند پس از آن به ایران بازگشت و در سالهای خفقان در راه سازماندهی مبارزات مردم علیه رژیم ستم شاهی پهلوی تلاشهای بسیاری انجام داد و وقت زیادی صرف روشنگری جوانان و نوجوانان کرد و سهم به‌سزایی در پیروزی انقلاب اسلامی برعهده داشت.

رجایی رامشه، محمدکاظم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد کاظم رجایی رامشه

محل تولد: سمیرم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۶/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد کاظم رجائی رامشه در شهریور ماه ۱۳۳۹ در شهر حناء «استان اصفهان» به دنیا آمدم. پس از گذراندن دوران راهنمایی به حوزه علمیه شهرضا و در سال ۱۳۵۵ به شهر مقدس قم عزیمت و وارد حوزه علمیه قم شدم. موقعیت زمانی و شور انقلاب در بین طلاب آن زمان تقریباً تمامی طلاب را به صحنه های پر شور انقلاب و پس از آن به جاذبه های دفاع مقدس می کشاند و طبیعی بود که بنده در این مجموعه قرار داشتم.

حدود سالهای ۶۳ وارد مؤسسه درراه حق شدم از گذراندن دروس معارف اسلامی به رشته اقتصاد گرایش پیدا کردم. سال ۶۷ وارد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی شده و دوره کارشناسی ارشد پیوسته اقتصاد نظری را شروع و در سال ۱۳۷۵ از پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان: «قیمت گذاری در اقتصاد اسلامی» با راهنمایی استاد بزرگوار جناب آقای دکتر حسین نمازی و مشاوره استاد گرانقدر دکتر سید کاظم صدر دفاع کردم و همان سال وارد مقطع دکتری شدم و سرانجام در خرداد ماه سال ۱۳۸۴ از پایان نامه خود با عنوان «ماهیت بهره و کارآیی اقتصادی آن» به راهنمایی استاد بزرگوار دکتر پرویز داودی و مشاوره اساتید محترم حجة الاسلام حسن آقا نظری و دکتر عباس شاکری دفاع کردم. در ایام تحصیل افزون بر تدریس دروی اقتصاد، تا حدودی به مطالعه و تحقیق پرداختم که حاصل آن انتشار چندین مقاله، طرح و دو مجلد کتاب با عنوان های «معجم موضوعی آیات اقتصادی قرآن» و «ماهیت بهره و کارایی آن» می باشد.

رجایی زفره‌یی، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۱-۱۲۸۱ ق)، نویسنده، فقیه اصولی، ادیب و شاعر، متخلص به رجا. در زفره به دنیا آمد در اثر سعی و کوشش بسیار در اغلب علوم از قبیل صرف و نحو و رمل و جفر و اعداد سرآمد گردید. وی در قریه‌ی زفره به تدریس و وعظ و تحریرات شرعی روزگار می گذرانید. سرانجام در زفره وفات یافت و در همان جا دفن شد. از او آثار فراوان به جای مانده است. از جمله: «اسهل اللغات یا منتخب اللغات»؛ «کتاب الارث»؛ «تجوید و ترتیل قرآن»؛ «دبستان الشعراء»؛ در عروض و قافیه؛ «قواعد الرمل»؛ «سپهر اللغه»؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۰۹-۲۰۷)، تذکره القبور (۱۰۲-۱۰۱)، الذریعه (۷۴۱، ۳۵۵، ۹)، فرهنگ سخنوران (۳۶۹).

رجایی، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا رجایی

محل تولد: اسفاد زرین کوه قاین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد رضا رجایی فرزند مرحوم حاج محمد رحیم در سال ۱۳۳۱ ه.ش در یک خانواده مذهبی در روستای اسفاد از توابع زرین کوه قاین خراسان جنوبی متولد شدم. البته به صورت دقیق تر تولدم در سفری که والدینم بعد از سفری طولانی زیارتی که از عتبات عالیات عراق به موطن خود بر می گشتند در حوالی گرگان اتفاق افتاد. والدین این فرزند را یادگار این سفر و موهبتی از جانب خداوند متعال توسط ائمه عراق می دانستند. از طرف پدر به مرحوم مصطفی قلی از افراد معروف آن منطقه و والده ام مرحومه بی بی صدیقه فرزند مرحوم کربلایی سید اسماعیل اسماعیلی از سادات مورد احترام آن حدود میباشد. دارای همسری از سادات خویشاوند و پنج فرزند (۲ پسر و ۳ دختر) می باشم. در سن ۶ سالگی وارد مکتب استاد مرحوم ملا وهاب آخوندی شدم و در مدت حدود ۲ سال به فراگیری قرآن و کتابهای فارسی متداول مکتب آنروز مانند صد کلمه و کتابهای اشعار مراثی اهل بیت (ع) اشتغال داشتم و در این فاصله ۴ مرتبه قرآن را نزد استاد، قرائت کردم. در سن ۹ سالگی وارد دبستان شدم ولی چون در اسفاد مدرسه نبود به مدت ۶ سال مسیر ۶ کیلومتری اسفاد و آیز روستای مجاور را با تمام مشکلات پیاده پیمودم. عشق و علاقه به کتاب در کودکی آنگونه بود که هر وقت والدین میخواستند تشویق کنند برایم کتاب دینی و قرآن می خریدند که هنوز هم نمونه آن موجود است. در سال ۴۷ وارد مدرسه علوم دینی و جعفریه قاین شدم و تا سال ۱۳۵۰ کتابهای مقدمات و صرف و نحو و منطق و بخشی از معانی بیان را نزد اساتید حوزه حضرات آیات سید علی آیتی، سید محمد علی فقیه، سید محمد رضا سادات رحمهم الله و استاد سید علی رضا منتظری فرا گرفتم و در نهایت کتابهای مقدماتی را تدریس میکردم. در سال ۱۳۵۰ ه.ش وارد حوزه علمیه مشهد شدم و حدود ۳ سال اقامت در مدرسه های خیراتخان و سلیمانخان سابق از محضر علمای حوزه اساتید معظم سید حسن صالحی، واعظ طبسی، محمد رضا محامی، رضازاده، محمد باقر واعظی و در درس تفسیر آیت الله خامنه ای که در روزهای تعطیل در مدرسه میرزا جعفر برگزار میشد بهره بردم. در سال ۱۳۵۳ ش وارد حوزه علمیه قم شدم و تا سال ۶۲ در آن حوزه مقدسه به فراگیری علوم اسلامی فقه، اصول، تفسیر، عقاید و بخشی از فلسفه را از محضر اساتید بزرگوار حضرات آیات عظام سید محمد رضا گلپایگانی، فاضل لنکرانی، وحید خراسانی، مکارم شیرازی، شیخ جواد تبریزی، نوری همدانی و کوبی پرداختم و از اساتید اخلاق، تفسیر، عقاید و فلسفه از آیت الله مشکینی، نوری همدانی، انصاری شیرازی و استاد شهید مرتضی مطهری می توانم یاد کنم. البته فراز و نشیبها در روند آموزش و تحصیل به تبع تحولات حوزه مقدسه قم و جریانات انقلاب و بعد از پیروزی در فاصله این مدت ده ساله (۵۳ تا ۶۲) و در این فاصله دروس پایه را برای بعضی تدریس نیز میکردم. در سال ۶۲ ش پس از حدود ده سال اقامت در قم به حوزه علمیه مشهد مراجعت کرده و در درس خارج فقه و اصول اساتید بزرگوار حضرات آیات حاج میرزا علی فلسفی، استاد مرتضوی و علم الهدی شرکت کرده و بهره بردم و تدریس دروس پایه را نیز رها نکردم. به مدت سیزده سال در بخش تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی شاخه خراسان همکاری مستمر داشتم بلکه از بنیانگذاران این موسسه تحقیقاتی میباشم و هم اکنون در بخش تبلیغات آستان قدس رضوی علیه آلاف التحیه و الثناء به بیان احکام و مسائل شرعی و اقامه جماعت اشتغال دارم

که این ارتباط از سال ۷۴ ش آغاز شده و ادامه دارد و قبلا به مدت ۴ سال مسئول پاسخگویی شرعی مکاتبه ای این آستان مقدس بودم و خطابه و تبلیغ را از سالهای آغازین تحصیل شروع کرده و به مناطق مختلف مملکت شهر و روستا در این رابطه مسافرت کردم. تاکنون بیش از بیست مرتبه به عنوان روحانی کاروان به زیارت حرمین شریفین مکه و مدینه مشرف شدم (در قالب کاروانهای حج و عمره) که پانزده سفر با زوار منطقه قاینات بوده است.

رجایی، محمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شهید محمد علی رجایی، در سال ۱۳۱۲ هجری قمری در شهرستان قزوین متولد شد، تحصیلات ابتدایی را تا اخذ گواهینامه ششم ابتدای در همین شهرستان به انجام رساند. در سن چهار سالگی از وجود داشتن نعمت پدر محروم شد و تحت تکفل مادر مهربان و منیع الطبع قرار گرفت. در سال ۱۳۲۷ به تهران مهاجرت کرد و سال بعد یعنی در ۱۳۲۸ وارد نیروی هوایی شد. در مدت ۵ سال خدمت در نیروی هوایی، دوره متوسطه را با تحصیل شبانه گذراند، سپس در سال ۱۳۳۵ به دانشسرای عالی رفت و به سال ۱۳۳۸ دوره لیسانس خود را در رشته ریاضی به پایان برد و به سمت دبیر ریاضی به استخدام وزارت فرهنگ در آمد و به ترتیب در شهرستانهای خوانسار، قزوین و تهران به تدریس، اشتغال ورزید.

شهید رجائی در مدت تدریس، همیشه آموزگاری دلسوز، پرکار و شایسته بود و ضمن تدریس، به فرا گرفتن علوم اسلامی و انجام فعالیتهای سیاسی همت می گماشت. در سال ۱۳۴۰ به عضویت نهضت آزادی در آمد که منجر به دستگیری وی (در اردیبهشت ۱۳۴۲) و پنجاه روز زندان شد. پس آزادی از زندان با شهید باهنر به سازماندهی مجدد هیات مولفه پرداخت و برای پرورش افرادی که بتوانند نبردی مسلحانه را اداره نمایند به اعزام داوطلبانی به جبهه فلسطین دست زد. در همین رابطه و برای تکمیل برنامه مزبور (در سال ۱۳۵۰) خود شخصا به خارج از کشور سفر کرد. ابتدا به فرانسه و ترکیه رفت و از آنجا عازم سوریه شد.

شهید رجایی همگام با فعالیتهای سیاسی لحظه ای نیز از خدمات فرهنگی غافل نبود از آن جمله تدریس در مدارس کمال و رفاه، همکاری با بنیاد رفاه و تعاون اسلامی با همکاری شهید مظلوم آیت الله دکتر بهشتی و شهید دکتر باهنر و آیت الله هاشمی رفسنجانی

ایشان با نهایت شجاعت و شهامت مدت دو سال، در زندانهای انفرادی رژیم پهلوی انواع و اقسام شکنجه ها را تحمل نمود و چون کوهی استوار مقاومت کرد. در اثر این مقاومتها او را به زندان قصر و سپس به اوین فرستادند. او در زندان به ماهیت واقعی منافقین پی برد و از آنها تبری جست. دوران زندان مجموعا چهار سال به درازا کشید و شهید رجائی در سال ۱۳۵۷ با اوج گیری انقلاب اسلامی همراه دیگر زندانیان سیاسی آزاد شد و بلافاصله وارد مبارزات سیاسی و فرهنگی گردید و به اتفاق عده ای از همکارانش برای بسیج و سازماندهی مبارزات مخفی معلمان مسلمان، تلاش گسترده ای را آغاز کرد و موفق به ایجاد انجمن اسلامی معلمان شد. او در راه پیماییهای عظیم سال ۱۳۵۷ مخلصانه و با تمام توان کوشید و نقش موثری در فعالیتهای تبلیغاتی آنها داشت.

شهید رجائی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در سال ۱۳۵۸، مسئولیت وزارت آموزش و پرورش را به عهده گرفت و در زمان وزارت خود موفق به دولتی کردن کلیه مدارس شد. سپس به عنوان نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی انتخاب گردید و به دنبال تمایل مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۸/۵/۱۳۵۹ به عنوان اولین نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران به مجلس معرفی و

با رای قاطع به نخست وزیری انتخاب شد. شهید رجائی در این مسئولیت خطیر، علی رغم این که به فاصله بسیار کوتاهی با توطئه عظیم استکبار جهانی در ایجاد جنگ تحمیلی از سوی رژیم صدام روبرو شد و همچنین کارشکنی های بنی صدر و متحدانش و خرابکاریهای منافقین و ساواکیها را در پیش رو داشت ، اما توانست به بهترین وجه از عهده انجام وظایف و مسئولیتهای سنگین خود بر آید.

به دنبال عزل بنی صدر از ریاست جمهوری ، شهید رجائی با رای اکثریت مردم محرومی که شاهد تلاشهای صادقانه ((این فرزند صدیق ملت و مقلد با وفای امام ((ره)) بودند به ریاست جمهوری انتخاب شد. دشمنان قسم خورده انقلاب اسلامی که توان تحمل وجود این مایه امید مستضعفان و عنصر ارزشمند و دلسوز را نداشتند در هشتم شهریور ماه ۱۳۶۰ او را به همراه یار قدیمی اش شهید باهنر در انفجار دفتر نخست وزیری به شهادت رساندند.

رجائی، اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روماتولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی و دکترای تخصصی بیماریهای داخلی، فوق تخصص روماتولوژی از ایران.

مرتبه علمی:

عضویت در هیأت علمی و دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز.

زمینه های علمی و تحقیقاتی:

بیماریهای داخلی و روماتیسم، عضویت در هیأت علمی بورد ایران بیماریهای داخلی، عضو جامعه علمی روماتولوژی ایران عضو

جامعه علمی روماتولوژی آسیا (AR.APL) راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۸ پایان نامه دکترای تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی :-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی :-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی :-، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای داخلی و روماتیسم.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رجب زاده، هاشم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

هاشم رجب زاده در سال ۱۳۲۰ در شهر تهران به دنیا آمد. رجب زاده بعد از طی مدارج رسمی تحصیلی در دوره متوسطه در تهران، با گرایش تاریخ به دانشگاه می رود و تحصیلات دانشگاهی اش را تا دریافت درجه دکترا با گرایش تاریخ ایلخانان و تاریخ ایران ادامه می دهد. پایان نامه دکترای او درباره سیاست و کشورداری رشیدالدین فضل الله بوده است. رجب زاده بعد از تحصیلات دانشگاهی به عنوان وابسته فرهنگی ایران به ژاپن سفر می کند. این آغاز یک ارتباط پیوسته با تاریخ و فرهنگ ژاپن می شود. بار اول در سال ۱۳۵۲ بود که به ژاپن رفت و مدت چهار سال در مأموریت بود. به عنوان وابسته سفارت و نماینده فرهنگی ایران فعالیت داشت. بعد از آن، دو سال را در ایران گذراند. بعد از انقلاب هم از طرف وزارت امور خارجه به مأموریت استرالیا رفت و حدود دو سال در کانبرا بود. در همین هنگام تدریس در دانشگاه ژاپن را پذیرفت و دوباره به آن کشور بازگشت. وی در مجموع ۲۴ سال در ژاپن زندگی کرد. رجب زاده سال هاست که در دانشگاه اوساکای ژاپن ادبیات فارسی و ایرانشناسی درس می دهد. در این سال ها او از مهمترین منابع شناخت فرهنگ و تمدن ژاپن بوده و تألیفات و ترجمه هایش نیز در راستای این مرجعیت شکل گرفته است.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

گرایش: فرهنگ و تمدن ژاپن

تحصیلات رسمی و حرفه ای: پایان تحصیلات متوسطه در تهران - تحصیلات عالی در رشته تاریخ - دریافت دکترای تاریخ باگرایش تاریخ ایلخانان و تاریخ ایران

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: هاشم رجب زاده بعد از تحصیلات دانشگاهی به عنوان وابسته فرهنگی ایران به ژاپن سفر می کند. بار اول در سال ۱۳۵۲ بود که به ژاپن رفت و مدت چهار سال در مأموریت بود. به عنوان وابسته سفارت و نماینده فرهنگی ایران فعالیت داشت. بعد از آن، دو سال را در ایران گذراند. بعد از انقلاب هم از طرف وزارت امور خارجه به مأموریت استرالیا رفت و حدود دو سال در کانبرا بود.

فعالتهای آموزشی: - تدریس در دانشگاه ژاپن از اوایل دهه ۶۰ - استاد ایران شناسی ادبیات فارسی در دانشگاه اوساکای ژاپن

چگونگی عرضه آثار: هاشم رجب زاده همچنین در معرفی ادبیات و فرهنگ ایران در ژاپن نیز نقش مهمی دارد. او آثاری از ادبیات ایران به زبان ژاپنی ترجمه و منتشر کرده است، وی در این باره می گوید: «ادبیات کلاسیک ایران چون در سال های گذشته در ژاپن شناخته شده و مطرح بود، همچنان مطرح است. اما من ابتدا به رباعیات خیام پرداختم. سابقه صدساله ادبیات معاصر ایران را در مقالاتی در آنجا معرفی کردم. به غیر از این موارد مطالبی درباره خیام شناسی، سعدی شناسی و فردوسی شناسی نوشته ام. در ژاپن بیش از همه خیام محبوب است که تاکنون ۱۴ ترجمه از رباعیات او در آنجا منتشر شده و بعد از خیام، حکیم نظامی بیشترین محبوبیت را دارد. به دلیل گیرایی منظومه های عاشقانه اش، علاقه عجیبی به آثارش دیده می شود.» هاشم رجب زاده درباره ترجمه آثار ادبیات معاصر ایران در ژاپن می گوید: «در آنجا بیش از همه روی آثار صادق هدایت تمرکز کرده اند. هدایت را به این دلیل می شناسند که ابتدا او را از طریق ترجمه آثارش در زبان اروپایی شناختند. در دهه اخیر توجه بیشتری به ادبیات معاصر ایران شده است. برای نمونه یکی از آنها جلال آل احمد است که ترجمه آثارش قابل مقایسه با ترجمه آثاردیگران نیست. سفرنامه و خاطرات ایران نیز اثر دیگری از ترجمه های هاشم رجب زاده است. هاشم رجب زاده از نسل مردان سختکوش عرصه تاریخ نگاری، ترجمه و تألیف است. او نمونه والایی از روحیه جست و جوگری ایرانی برای شناخت و آموختن برای نسل جدید ایرانیان است. در این سال ها او از مهمترین منابع شناخت فرهنگ و تمدن ژاپن بوده و تألیفات و ترجمه هایش نیز در راستای این مرجعیت شکل گرفته

است. بسیاری از ایرانیان در سال‌های اخیر اگر شناختی از فرهنگ و تاریخ ژاپن به دست آورده‌اند، یا به ادبیات ژاپنی و نیز شعر آن دیار دلبستگی یافته‌اند، این شناخت و دلبستگی را مدیون آثار رجب زاده نیز هستند. همچنین در سالها اقامت رجب زاده در ژاپن ارتباط نشریات داخلی با او هرگز گسسته نشده و در بسیاری از مجلات و نشریات تخصصی ایران شناسی یا تاریخ و فرهنگ، مقالات پربراری را در حوزه‌های کاری اش به چاپ رسانده است. از آن جمله است سلسله یادداشت‌های او در مجله بخارا با نام یادداشت‌هایی از ژاپن که چندین سال در هر شماره به چاپ می‌رسید. علاوه بر این رجب زاده حوزه تألیف و ترجمه کتاب را نیز با جدیت دنبال کرده و آثار ویژه‌ای از زبان ژاپنی به فارسی برگردانده است. «اندیشه و احساس در شعر معاصر ژاپن»، «قصه‌های ژاپنی»، «گل صدبرگ»، «چنین گفت بودا» و... بخشی از آثاری است که در کارنامه او به ثبت رسیده‌اند. به غیر از گل صدبرگ که مجموعه شعراست، در دیگر حوزه‌ها هم کار کرده‌ام و می‌کنم. درباره تاریخ دوران میانه، و به طور اختصاصی پیرامون تاریخ ایلخانیان کار کرده‌ام. در مورد فضل‌الله تحقیقات و مطالعات گسترده‌ای دارم که انتشارات طرح نو یکی از این کتاب‌ها را که پیرامون زندگی و آثارش بود، منتشر کرد.

آثار:

۱ آیین‌کشورداری در عهد وزارت رشیدالدین فضل‌الله همدانی

ویژگی اثر: «آیین‌کشورداری» نخستین کتاب دکتر هاشم رجب زاده بود که در باب وزارت رشیدالدین فضل‌الله نوشته شد. رجب زاده درباره یکی از آثار او می‌گوید: «بیان الحقایق از جمله آثار رشیدالدین فضل‌الله همدانی است. بنا به آنچه مؤلف خود در مقدمه کتاب دیگرش لطایف الحقایق اشاره کرده، این اثر در بردارنده هفده رساله است. این رساله‌ها کلامی و بیشتر در تفسیر قرآن کریم نگارش یافته و منظور مؤلف از نگارش آنها آشتی دادن میان فلسفه و کلام است. نسخه‌ای ناقص از بیان الحقایق در کتابخانه مجلس شورای اسلامی محفوظ است که در سده هشتم هجری کتابت شده و در بردارنده ده رساله از هفده رساله بیان الحقایق است. در برخی از منابع، رساله‌های بیان الحقایق در بیست عنوان فهرست شده است. در این گفتار، به معرفی نسخه خطی بیان الحقایق (محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی) پرداخته شده است.»

۲ اندیشه و احساس در شعر معاصر ژاپن

ویژگی اثر: ۱۳۵۸

۳ ایران و ماوراءالنهر

ویژگی اثر: «ایران و ماوراءالنهر» نیز کتابی است که از امیلی برتشنايدر که رجب زاده ترجمه کرده و بنیاد موقوفات افشار به بازار عرضه کرده است. سیاحان و جهانگردان چینی در سده‌های هفتم و هشتم هجری (سیزدهم و چهاردهم میلادی) در عهد مغول از راه‌های سخت و بیابانی گذشته به ماوراءالنهر رفته، سرزمین‌هایی را که دیده‌اند و شرح سفر خود را در روزنامه‌های چینی نوشته و توصیف کرده بودند. این خاطرات که مشحون از جستارهای باارزش تاریخی و جغرافیایی است و اطلاعات مفیدی را در بر دارد اساس کار دکتر امیلی برتشنايدر طیب و جغرافیدان و گیاه‌شناس معروف آلمانی روسی الاصل قرار گرفت که به این اسناد دسترسی یافت و کتاب مفصلی فراهم آورد که بخش ایران آن را محقق توانا دکتر هاشم رجب زاده ترجمه و چاپ کرده است. دکتر برتشنايدر مؤلف این گنجینه معتبر - که از آثار مکتوب چینی گرد آمده - در سال ۱۸۸۸ به عنوان طیب در سفارت روسیه در تهران اشتغال داشت و چهار سال در ایران بود، بعد در سال ۱۸۹۰ به پکن منتقل شد و نزدیک به ۱۰ سال در آنجا ماند و این اثر علمی نفیس و معتبر حاصل بهره‌گیری او از منابع چینی محفوظ در کتابخانه‌های پکن بوده که دو بار در سال‌های ۱۸۹۰ و ۱۸۹۱ در انگلیس به چاپ رسیده بود. مترجم فاضل این مجموعه را از نسخه چاپ لندن ترجمه و عرضه کرده است رجب زاده درباره این

کتاب می گوید: « برتشنايدر اعتقاد دارد که کتاب «جوامع التواريخ» رشیدالدین فضل الله بزرگترین تاریخ عالم است. این حرف را البته اروپاییان دیگری به مناسبت های مختلف مطرح کرده اند. پس این حرف که می گویند، ایرانیان عادت به نوشتن تاریخ نداشتند، درست نیست. چون اگر به شرق دور برویم می بینیم چینی ها از دوهزار و پانصد سال پیش تاریخ مکتوب دارند و ژاپنی ها از هزار و پانصد سال پیش «یادداشت روزانه» یا تاریخ نامه به صورت روزنگار می نوشتند و از میان ایرانیان هم رشیدالدین فضل الله بزرگترین مورخ عصر خود و قرون بعد بود.»

۴ بیان الحقایق

۵ پروشیا کیکو

ویژگی اثر: نوبویوشی فوروکاوا نفر دوم این هیأت سفارت، سرهنگ و نماینده ستاد ارتش ژاپن، جدا از گزارشی که از دیده ها و شنیده ها و یافته هایش به دولت و دستگاه متبوع خود داد، سفرنامه ای هم نگاشت که در سال ??? م. در توکیو با عنوان «پروشیا کیکو» (یادداشت های سفر ایران) چاپ شد. رجب زاده همچنین ردپای حضور ایرانیان در ژاپن را نیز دنبال می کند و بویژه در شناسایی قبیله ای تاریخی از ژاپن که به نظر می رسد از دربار ساسانیان به آن دیار عزیمت کرده اند، نقش مهمی داشته است. از بازماندگان این قبیله ژاپنی خانمی است به نام هیروکو نیشی زاوا که اکنون بیشتر از هفتاد سال دارد. او به گواهی اسناد خانوادگی، خود را نسل پنجاه و سوم از تبار شاهزادگان ساسانی که در سده هفتم میلادی و در پی ویران شدن تیسفون به خاور دور آمدند، میداند و کتابی هم، داستان گونه، با نام «از تبار ایرانی» منتشر کرد که جلد یکم از چند دفتری است که درباره خاندان خود در دست نگارش دارد. خانواده او از دیرباز در ناگانو، ایالت کوهستانی در میانه جزیره اصلی ژاپن، هونشو، مقیم بوده اند، اما او اکنون در شهر توکیو زندگی میکند. او گفته است: «از نشان خانوادگی ام و آثاری که بازمانده، می توانم تاریخ خاندانم را تا سال ??? پیش از میلاد یا بیشتر از آن دنبال کنم». رجب زاده، حکایت می کند که روزی در بهار ??، تلفنی به او گفته اند یک خانم ساسانی قصد دیدار او را دارد تا پاره ای از مشکلات تحقیقاتی خود را حل کند! هاشم رجب زاده در نوشته ای سوابقی را می آورد که نشان می دهد بنا به مدارک تاریخی در ژاپن در نیمه قرن هفتم میلادی ایرانیانی به آن کشور رفته و در آنجا ساکن شده اند. از جمله به نقل از «نیهون شهوکی» تاریخ نامه باستانی ژاپن در ضبط رویدادهای سال ??? میلادی آورده: تابستان. ماه چهار (آوریل) دو مرد و دو زن از سرزمین تخارا (ایران) و یک زن از سراواستی را توفان به هیو گو آورد ??? میلادی برابر با سال ?? هاست. با توجه به اینکه اعراب در سال ?? ه. ??? م. به ایران یورش کردند، می توان حدس زد که سفر نیاکان خانم نیشی زاوا، یعنی آن شاهزادگان ساسانی که توفان آنها را به سواحل ژاپن رسانده، از ایران به ژاپن چند سالی طول کشیده است. معلوم نیست که آن توفان زدگان، اجداد خانم نیشی زاوا بوده باشند اما گویا اجداد این زن ساسانی هم سرنوشتی مشابه آنان داشته اند.

۶ ترجمه سفرنامه فوروکاوا

۷ ترجمه سفرنامه های ژاپنی بوتجان

۸ ترجمه سفرنامه و خاطرات آشی کاگا

۹ جستارها

ویژگی اثر: گزیده مقالات ایرانشناسان و شرق شناسان ژاپن

۱۰ چنین گفت بودا

۱۱ زندگی و آثار رشیدالدین فضل الله همدانی

ویژگی اثر: رساله هایی که رشیدالدین فضل الله نوشته، در مجموع پنج کتاب است که یکی مجمل الرشیدی مرکب از چهار کتاب است و یکی هم بیان الحقایق که کتاب جداگانه ای است. رجب زاده در سال ?? درباره زندگی و آثار رشیدالدین فضل الله کتابی

نوشت که انتشارات طرح نو آن را به بازار عرضه کرد

۱۲ سفرنامه فوکوشیما یا سوماسا

۱۳ سفرنامه ماساجی

۱۴ سفرنامه یوشیدا ماسهارو

ویژگی اثر: نخستین کتاب از این مجموعه «سفرنامه یوشیدا ماسهارو» بود که ?? سال پیش انتشارات آستان قدس رضوی منتشر کرد. هیأتی که به ریاست ماساهارو یوشیدا در سال ??? میلادی ???، ه.ق، دوازده سال پس از آغاز تجدّد ژاپن (نهضت میجی) به دربار ناصرالدین شاه آمد، پس از گذراندن مأموریت خود در ایران، از راه روسیه و دریای سیاه و بندر باتومی (اکنون در خاک گرجستان) به استانبول رفت تا از دربار عثمانی نیز دیدن کند. ورود این هیأت به خاک عثمانی چند سالی پس از جنگ روسیه و عثمانی و شکست و ادبار کار آل عثمان بود.

۱۵ قصه های ژاپنی

۱۶ قصه های ژاپنی

ویژگی اثر: ۱۳۶۳

۱۷ گل صدبرگ (گزینه ای از اشعار کهن ژاپنی)

ویژگی اثر: در ژاپن من در مورد تاریخ و فرهنگ ایران تدریس می کنم. ادبیات فارسی را یک خانم ژاپنی تدریس می کند به اسم فوجی موتو. این استاد، زبان فارسی را خوب می داند و کتاب «گل صدبرگ» را با همکاری او به فارسی برگردانده ام. این کتاب در واقع گزیده ای از هزار و پانصد قطعه شعر قدیم ژاپنی است که بیش از هزار سال پیش سروده شده بود

۱۸ مفتاح التفاسیر

ویژگی اثر: هاشم رجب زاده در حال حاضر «بیان الحقایق» مجموعه ?? رساله کلامی، فلسفی و دینی از رشیدالدین فضل الله همدانی را گردآوری، تصحیح و مقدمه نویسی کرده است، که آن را به همراه «مفتاح التفاسیر» - از دیگر رساله های رشید الدین - به ترتیب مرکز نشر میراث مکتوب و مرکز بزرگ دایره المعارف اسلامی منتشر می کنند.

۱۹ نگاهی به تاریخ اسلام در ژاپن

رجب نیا، مسعود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۸ ش)، نویسنده، مترجم و مدرس. در تهران متولد شد و تحصیلات خود را در دبیرستان البرز و دانشسرای عالی به پایان برد. در سال ۱۳۲۲ ش به خدمت فرهنگ در آمد. و مدتی به کار تدریس در دبیرستانهای تهران پرداخت. از آثار وی: ترجمه های «ابراهام لینکن»، «داوید کاپرفیلد»، «دین برای دیر باوران»، «سازمان اداری حکومت صفوی» و «طب اسلامی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: مؤلفین کتب چاپی (۱۷۶-۱۷۴/۶).

رجبی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین رجبی

محل تولد: خواف

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۲ وارد حوزه علمیه تربت حیدریه و در سال ۱۳۵۴ به حوزه علمیه مشهد وارد شد و درس های سطح را به پایان رساند. در سال ۱۳۶۰ به حوزه علمیه قم وارد شده و درس های گوناگون حوزوی را تا کنون ادامه می دهد؛ درس های فقه و اصول را نزد آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله شیخ جواد تبریزی و آیت الله وحید خراسانی در مدت ۲۰ سال فرا گرفت؛ در این فرصت بیشترین بهره برداری را از محضر استاد وحید خراسانی داشته است درس های فلسفه و عرفان را بمدت ۸ سال در محضر استاد حسن زاده آملی و استاد انصاری شیرازی بود.

همزمان با اشتغال به تحصیل دو کار مهم دیگر را مورد توجه و عنایت قرار داده است: ۱. حضور در صحنه تبلیغات بویژه در مناطق محروم مرزی؛ ۲. پرداختن به فعالیت های پژوهشی کاربردی که مورد نیاز مناطق مختلف کشور بود؛ از این رو نیاز ها و پرسش های مذهبی که در مناطق مختلف کشور بویژه مناطق محروم و مرزی کشور به چشم می خورد، ایشان را به فعالیتهای پژوهشی وادار نمود. در این راستا کتاب ها و مقالات گوناگونی را تالیف و ارائه داده است که مورد بهره برداری تمامی مبلغان، فرهنگیان و حوزویان قرار گرفته است. البته این تالیفات از دو قسمت تشکیل می شود: ۱. کتاب هایی که به طور مستقل و جداگانه بوسیله خود ایشان تدوین شده است، ۲. نوشته هایی که با طرح، نظارت و در نهایت تکمیل انجام شده است.

ایشان از سال ۱۳۶۱ به فعالیت های فرهنگی، تبلیغی در سپاه پاسداران و جهاد سازندگی مشغول بوده است و در سال ۱۳۷۰ نهاد رهبری در امور اهل سنت را با همکاری دوستان پایه گذاری نمودند. در سال ۱۳۸۳ با همکاری گروهی از فضلالی حوزه، موسسه فرهنگی نجم الهدی را تاسیس کردند که در مسائل فرهنگی، دینی و مذهبی فعالیت می نمایند و در این راستا از سال ۱۳۷۴ تا کنون با اعزام گروهی از فضلالی حوزه به مناطق محروم و مرزی، به فعالیت تبلیغی و فرهنگی مشغول می باشند.

رجبی، عباس

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عباس رجبی

محل تولد: محلات

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عباس رجبی در سال ۱۳۵۳ تحصیلات ابتدایی خود را در شهر نیمور از توابع شهرستان محلات آغاز کردم و تا پایان دوره راهنمایی در همانجا گذراندم. در سال ۱۳۶۱ به خاطر حضور در جبهه ترک تحصیل کردم و در سال ۱۳۶۲ در حوزه علمیه القائم محلات دروس حوزوی را آغاز نمودم و پس از گذشت یک سال به قم مهاجرت کردم و در مدرسه امام باقر(ع) (جنب پل نیروگاه) مشغول به درس شدم. با اتمام لمعتین معمم شدم و به سال ۶۷ به مدرسه فیضیه آمدم و تا سال ۱۳۶۹ حجره داشتم. سال ۷۱ در موسسه در راه حق که بعداً به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی تغییر نام داد مشغول به تحصیل علوم قرآنی و فلسفه شدم و همزمان در دروس حوزوی شرکت می‌کردم. سال ۷۲ سطح را با انجام آخرین آزمون آن به پایان رساندم در حالی که از دو سال قبل آن در دروس خارج فقه و اصول شرکت می‌کردم. اساتیدی که در درس خارج از آنها بهره بردم عبارتند از: استاد جوادی آملی و در فقه و تفسیر، استاد جعفر سبحانی در اصول، استاد فاضل لنکرانی در فقه، مرحوم استاد تبریزی در فقه و استاد کعبی در فقه، در سال ۷۳ با یک سال مرخصی از موسسه راهی سفر تبلیغ به کرند غرب در استان کرمانشاه شدم و مدیر و استاد حوزه علمیه خواهران آنجا شدم. در سال ۷۶ با پایان رساندن دوره دروس معارف موسسه، در دوره تخصصی روان‌شناسی شرکت کردم و تا سال ۸۱ به تحصیل ادامه دادم. سال ۱۳۸۲ با نوشتن پایان‌نامه و دفاع از آن با اخذ نمره ۱۹ موفق به کسب مدرک کارشناسی ارشد روان‌شناسی شدم. در سال ۸۰ در بخش مشاوره تربیتی مرکز نهاد رهبری در دانشگاهها مشغول به فعالیت شدم که تاکنون ادامه دارد. در طول تحصیل مقالات زیادی برای مراکز مختلف و مجله‌های علمی نوشتم که عبارتند از: مجله معرفت از موسسه آموزش امام خمینی، مجله پرسمان از نهاد رهبری در دانشگاه و موسسه انتظار نور وابسته به دفتر تبلیغات، مجله شمیم یاس از حوزه علمیه خواهران و مجله صیح از صدا و سیما. همچنین در برخی همایش‌های علمی و تربیتی در سطح دانشگاهها شرکت کردم و به ارائه مقاله و سخنرانی پرداختم. در سال ۸۴ به عضویت مشاوران مرکز مشاوره و راهنمایی بلاغ و وابسته به مرکز جهانی علوم اسلامی در آمدم که از آن زمان تاکنون در دو مدرسه عالی فقه و معارف و مدرسه تخصصی فقه و اصول به سمت مشاوره مشغول به خدمت هستم. در سال ۸۵ به اداره ارشاد قم بخش بررسی کتاب برای نقد و بررسی کتاب دعوت شدم که تاکنون ادامه دارد. فعالیت‌های تبلیغی بنده از سال ۶۵ برای اولین بار به عنوان مبلغ در جبهه‌های نبرد با استکبار حاضر شدم و در سال ۶۶ رسماً معمم شدم و در ایام تبلیغی به شهرها و روستاها مهاجرت کردم. در سال ۷۴ به عنوان روحانی کاروان‌های حج و عمره و عتبات پذیرفته شدم که از آن زمان تاکنون ۱۵ سفر تبلیغی همراه با کاروان‌ها داشته‌ام که به ترتیب سه مرتبه حج تمتع ۹ مرتبه عمره، دو مرتبه کربلا و یک مرتبه سوریه.

رجبی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود رجبی

محل تولد: جاسب

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

حجۀ الاسلام والمسلمین محمود رجبی در سال ۱۳۳۰ هجری شمسی در شهیدیه جاسب در میان خانواده‌ای متدین و پاک طینت به دنیا آمد. پدرش مرحوم غلامحسین رجبی به شغل کشاورزی و آهنگری روزگار می‌گذراند و به روحانیت شیعه و راه مقدس آن علاقه وافری داشت. او دو سال پس از تولد فرزندش به همراه خانواده به قم آمد. حجۀ الاسلام والمسلمین محمود رجبی تحصیلات خود را از دبستان آغاز کرد و با به پایان بردن آن، در سال ۱۳۴۳ به حوزه علمیه قم وارد شد. مشوق اصلی وی در این امر پدرش بود. پدرش از علاقه‌مندان به اهل بیت(ع) بود و همواره در شهادتها و ولادتها به برگزاری مراسم اهتمام جدی داشت. او همواره به روحانیت شیعه عشق می‌ورزید و از این رو فرزند خود را بسیار تشویق می‌کرد تا در این راه پرافتخار گام بردارد. او تحصیلات علوم دینی را در مدرسه علمیه آیة الله العظمی گلپایگانی(ره) آغاز کرد و کتب دوره مقدمات و سطح را نزد استادان برجسته آن روزگار به پایان برد. سپس در سال ۱۳۵۰ به درس خارج فقه و اصول استادان برجسته حوزه علمیه قم راه یافت و سالها از محضر آنان بهره برد. او در طی این سالها از تحصیل تفسیر، علوم عقلی و شرکت در دروس اخلاق نیز بازنماند و در اولین دوره آموزشی ویژه مؤسسه در راه حق که تحت اشراف علمی حضرت آیة الله مصباح یزدی اداره می‌شد شرکت نمود. وی همچنین با تأسیس دفتر همکاری حوزه و دانشگاه نیز در گروه علوم اجتماعی این دفتر به تحقیق، ارائه کنفرانس و بازسازی علوم انسانی در قلمرو جامعه‌شناسی پرداخت. حجۀ الاسلام والمسلمین محمود رجبی به محضر استادان فراوانی راه یافت. او بخشی از مقدمات و سیوطی را نزد آقایان فلاح زاده و شایسته(ره)، منطق مظفر و اصول فقه مظفر را نزد آیة الله امینیان و حجۀ الاسلام والمسلمین فیاضی، معالم الاصول را نزد آیة الله مقتدایی و معانی و بیان را نزد آیة الله حاج شیخ حسن آقا تهرانی فرا گرفت. شرح لمعه را نزد حضرات آیات آقایان محمد مؤمن، حسین شب‌زنده‌دار، شیخ حسن تهرانی، فاضلی و امراللهی فرا گرفت و در درس رسائل آیة الله طاهری خرم آبادی و آیة الله مؤمن و در درس مکاسب آیة الله ستوده، آیة الله مصلحی اراکی و آیة الله مؤمن شرکت کرد. برای آموختن کفایة الاصول نیز به درس آیة الله سلطانی طباطبایی(ره) و آیة الله مؤمن رفت. وی با پایان یافتن دوره سطح، به درس خارج آیة الله حاج شیخ کاظم تبریزی(ره)، آیة الله حاج شیخ مرتضی حائری(ره)، آیة الله العظمی وحید خراسانی، آیة الله شاه آبادی آملی رفت و سالها از محضر ایشان بهره برد. ضمناً او در درس تفسیر آیة الله شب‌زنده‌دار نیز حاضر می‌شد و باب حادی عشر را نزد آیة الله صلواتی و شرح تجرید را نزد آیة الله حسینی کاشانی آموخت. او در طی این سالها از درس اخلاق حضرات آیات مشکینی و مصباح یزدی بهره برد. حجۀ الاسلام والمسلمین محمود رجبی در سالهای تحصیل خود با استادان و فضیلهایی بسیاری رابطه دوستی داشت که از آن جمله، حجج اسلام آقایان سید محمد غروی، علی مؤمن، مهدی شب‌زنده‌دار و محمود محمدی عراقی را می‌توان نام برد. حجۀ الاسلام والمسلمین محمود رجبی در سالهای زندگانی خود تا به امروز، خدمات علمی و فرهنگی بسیاری از خود برجای نهاده است. او بسیاری از کتب دوره سطح را بارها تدریس کرده و از این رهگذر شاگردان فراوانی را تربیت کرده است. بخشی از تدریس او مربوط به مؤسسه در راه حق و مؤسسه امام خمینی(ره) است. او با توجه به رشته تحصیلی خود در مؤسسه در راه حق (جامعه‌شناسی) و مطالعات و تحقیقات فراوان در علوم قرآنی و تفسیر، سالها به تدریس در آن دو مؤسسه و نیز دانشگاه‌ها و مراکز آموزش ضمن خدمت آموزش و پرورش در رشته‌های جامعه‌شناسی، علوم قرآنی و تفسیر اشتغال داشته است. بخشی از فعالیت‌های علمی و فرهنگی وی تهیه متون و منابع درسی در دو رشته «تفسیر و علوم قرآن» و «جامعه‌شناسی» است و از این رهگذر کتابهای متعددی را تألیف کرده که از آن جمله می‌توان به کتابهای «روش تفسیر قرآن»، «شناخت قرآن»، «اعجاز قرآن»، «انسان‌شناسی» و «قرآن‌شناسی» - که حاصل تلاش ایشان در تحقیق و تدوین درسهای استاد مصباح یزدی می‌باشد - را نام برد و همچنین کتابهای

«درآمدی به جامعه‌شناسی اسلامی»، «تاریخچه جامعه‌شناسی»، «مبانی جامعه‌شناسی» و «تاریخ تفکرات اجتماعی» را در قلمرو علوم اجتماعی به رشته تحریر درآورده است. ایشان در زمینه ترجمه نیز کتاب «عوامل ضعف المسلمین» نوشته عاطف الزین را به فارسی ترجمه کرده است. حجة الاسلام والمسلمین محمود رجبی از مؤسسان دفتر همکاری حوزه و دانشگاه و مسئول گروه علوم اجتماعی این دفتر است، وی همچنین ضمن عضویت در شورای عالی بررسی متون درسی دانشگاه‌ها، معاونت پژوهشی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) را نیز بر عهده دارد. او از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و هم اکنون در قم به تدریس می‌پردازد.

رجبان، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی مشهد با رتبه اول در سال ۱۳۵۱، دکترای تخصصی در رشته بیماریهای داخلی از آمریکا، فوق تخصص غدد مترشحه درون‌ریز از دانشگاه تونتو کانادا.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی و مسائل ناشی از کمبود در چند شهر خراسان، تعیین معیارهای رشد در چند شهر خراسان و مقایسه با استانداردهای جهانی،

بررسی مسلول‌شناسی در شناخت سرطان‌های تیروئید، استاد راهنمای ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

رشته بیماریهای غدد مترشحه درون‌ریز.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

رشته غدد مترشحه داخلی و متابولیسم.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رجحان، محمدصادق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۰، مرتبه علمی: استاد، رشته: بافت‌شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی با درجه ممتاز از دانشکده علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۳۹، دکترای تخصصی بافت‌شناسی و آسیب‌شناسی از دانشگاه علوم پزشکی تهران.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۳، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۶، استاد دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۵۳ تا کنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام طرحی در بخش کانسر بیمارستان امام خمینی درباره اثر پماد Best در کارسینوماهای پوست و مخاط، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

ابداع:

ارائه فرمول گاسترالژین با منشاء گیاهی برای درمان زخم معده، زخم‌اثنی‌عشر و ناراحتیهای دیگر گوارشی. فرمول پماد شفا با منشاء گیاهی برای درمان تمام بیماریهای پوستی ویروسی، قارچی، میکروبی تحریکی و به ویژه سوختگیهای درجه ۱ تا ۳، قطره Epistaxis ضد خونریزی با منشاء گیاهی، Kidny Syrup شربت ضد سنگها و آماسهای کلیوی با منشاء گیاهی، پودر ضد خونریزی برای تمام انواع خونریزیهای خارجی که به سرعت خونریزی را بند می‌آورد، تهیه و ابداع یک پودر با اثرات ضد عفونت، ضد گریپ و ضد درد. پودر شفا با منشاء گیاهی برای درمان تمام ناراحتیهای گوارشی، ناراحتیهای عصبی، ناراحتیهای ادراری، تناسلی، پودر آنتی‌سپتیک برای تمام ناراحتیهای میکروبی، ویروسی، قارچی، پودر ضد چربی و ضد دیابت، محلول شستشوی دستگاه ژنیتال زنان برای انواع ترشحات به ویژه کاندیدا آلبیکانس، داروی خوراکی مصرف خارجی برای خونریزیهای خارجی و داخلی، دارو برای دردهای آژین قلبی، خواب رفتگی دستها، میوکارдит و تمام انواع قولنجها، داروی خواب‌آور و آرامبخش.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی :-

زمینه علمی تألیفات:

بافت‌شناسی انسانی پایه، اطلس دهان و دندان و بافت‌شناسی، جنین‌شناسی، آسیب‌شناسی، ضروریات بافت‌شناسی، دعای منتخب از قرآن مجید با ترجمه فارسی، فهرست الفبائی کتاب مفاتیح الجنان، کتاب شفا، غذا و شفا، گیاه درمانی، میوه درمانی، خوراک درمانی، اطلس بافت‌شناسی و بافت‌شناسی عملی (رنگی)، اطلس رنگی آسیب‌شناسی و ضروریات آسیب‌شناسی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۸، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

روماتیسم و رماتیسم قلبی در کودکان کمتر از پنج سال، شرح یک مورد استثنایی کار سینومالی معده، بررسی روشهای جدید تهیه مقطع‌های بافت‌شناسی و آسیب‌شناسی، نظریات جدید درباره هیستوپاتولوژی سلولهای اکسی فیل در غده پاراتیروئید، لیزوزمها، فیستول‌های مثانه‌ای روده‌ای، نظریات جدید درباره سلول.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رحمان ستایش، محمد کاظم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد کاظم رحمان ستایش

محل تولد: شیراز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۰ شروع به تحصیل دروس حوزوی نمودم. در شیراز از درس حضرت آیت الله سید علی اصغر دستغیب و استاد شیخ علی موحد تا اتمام لمعتین و اصول فقه استفاده کردم. در سال تحصیلی ۶۳ تا ۶۴ به قم مهاجرت کردم و یک سال در مدرسه امام مهدی (عج) زیر نظر آیت الله العظمی گلپایگانی تحصیل کردم. دروس سطح عالی را نزد اساتید برجسته حوزه آقایان شیخ علی پناه اشتهاوردی، وجدانی فخر، اعتمادی، پایانی، ستوده، روشنی، تا سال ۱۳۶۶ گذراندم. فلسفه را از دروس آقایان روشنی، انصاری شیرازی، حسن زاده آملی استفاده کردم. از سال ۱۳۶۶ در درس اساتید خارج فقه و اصول شرکت کردم که شرح آن چنین است: ۲ سال کتاب القصاص آیت الله مشکینی، ۵ سال ولایت فقیه و کتاب الزکات آیت الله منتظری، ۷ سال کتاب الطهاره و صلاة و حدود آیت الله تبریزی، ۴ سال خارج اصول آیت الله تبریزی، ۲ سال خارج اصول آیت الله فاضل لنکرانی، ۳ سال خارج بیع آیت الله وحید خراسانی، ۱۵ سال خارج اصول آیت الله وحید خراسانی، ۲ سال خارج اجاره آیت الله شبیری زنجانی، ۳ سال خارج خلل صلاة و کتاب الحج آیت الله سید محمد روحانی، ۳ سال تعطیلات درس رجال استاد سید محمد جواد شبیری، ۵ سال تفسیر آیت الله جوادی آملی، تقریر همه دروس و اکثرا به عربی تدوین شده است. در سال ۱۳۷۱ فعالیت پژوهشی رسمی را با همکاری با معاونت اندیشه اسلامی مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری (در آن زمان) آغاز کردم.

در سال ۱۳۷۴ در راه اندازی پژوهشکده فقه و حقوق دفتر تبلیغات مشارکت داشته و تا سال ۱۳۸۰ به صورت مستمر با این پژوهشکده همکاری داشته‌ام. مدیریت گروه پژوهشی، تاسیس و مدیریت کتابخانه تخصصی فقه و حقوق را نیز بر عهده داشته‌ام. از سال ۱۳۷۷ به مرکز تحقیقات دار الحدیث دعوت شدم و به عنوان مدیر گروه رجال فعالیت نمودم از سال ۱۳۷۸ معاونت پژوهشی و آموزشی این مرکز را نیز پذیرفتم و تا کنون در این سمت بوده‌ام. در طول سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ با موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی همکاری داشته‌ام و ضمن فعالیت پژوهشی، مدیریت و راه اندازی واحد پژوهش‌های گفتاری را بر عهده داشته‌ام. در تمام این مدت در ضمن مسئولیت و مدیریت پژوهشی، فعالیت پژوهشی مستمر و تدریس هم داشته‌ام. برخی از آثار پژوهشی هم به

عنوان آثار برگزیده یا تشویقی معرفی شده اند. گذشته از این آثار، محصولات مختلفی نیز با نظارت یا راهنمایی یا مشاوره اینجانب تدوین شده است که شرح آن به قرار زیر است. ۱. راهنمایی یا مشاوره حدود ۲۰ پایان نامه کارشناسی ارشد در مراکز مختلف آموزشی. ۲. اشراف / معجم مصطلحات الرجال و الدرایه / دار الحدیث. ۳. نظارت / دانش رجال از دیدگاه اهل سنت / دار الحدیث. ۴. نظارت / مأخذ شناسی رجال شیعه / دار الحدیث. ۵. جهود الشیخ المفید و مصادرہ الفقہیہ / بازنویسی دو فصل آن / دفتر تبلیغات. ۶. گفتگوهای فلسفه فقه / شرکت در گفتگوها / دفتر تبلیغات.

رحماندوست، مصطفی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای مصطفی رحماندوست در سال ۱۳۲۹ در همدان متولد گردید. پس از پایان تحصیل دوران ابتدائی و متوسطه، تحصیلات عالی خود را در رشت؟ زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران به پایان رساند، و از سال ۱۳۴۹ تحقیق و نوشتن در مورد ادبیات کودکان را شروع نمود. رحماندوست تابحال مسئولیتهای مختلفی را در برنامه کودک صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و نشریه پویه بعهدہ داشته و هم اکنون نیز مدیر مسئول مشریات رشد (آموزش و پرورش) است. ترجمه کتاب "نگهبان چشمه" مصطفی رحماندوست بعنوان کتاب سال در دوره اول انتخاب شده است.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای: مصطفی رحماندوست پس از پایان تحصیل دوران ابتدائی و متوسطه، تحصیلات عالی خود را در رشت؟ زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران به پایان رساند، و از سال ۱۳۴۹ تحقیق و نوشتن در مورد ادبیات کودکان را شروع نمود.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مصطفی رحماندوست تابحال مسئولیتهای مختلفی را در برنامه کودک صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و نشریه پویه بعهدہ داشته و هم اکنون نیز مدیر مسئول مشریات رشد (آموزش و پرورش) است.

جوایز و نشانها: ترجمه کتاب "نگهبان چشمه" مصطفی رحماندوست بعنوان کتاب سال در دوره اول انتخاب شده است. -----

آثار:

۱ اسم من علی اصغر است

ویژگی اثر: قصه برای نوجوانان

۲ انتظار را در کوه، درخت و چشمه می بینم گرد آوری سرودهای بچه ها در بار؟ امام زمان علیه السلام می بینم

۳ بازگشت قصه تاریخی برای کودکان

۴ بسوی خانه

۵ بلبل خوش آواز

۶ جوانه های امید گرد آوری سرودها دربار؟ انقلاب و جنگ

۷ چشمه نور مجموعه شعرهای سال ۵۵ تا ۶۱ برای کودکان

۸ خاله خودپسند دو قصه برای کودکان

۹ درسی برای گنجشک

ویژگی اثر: قصه منظومه برای کودکان

۱۰ سربداران نمایشنامه

۱۱ علی کوتوله بالای کمد

ویژگی اثر: قصه منظومه برای خردسالان

۱۲ نگهبان چشمه

ویژگی اثر: ترجمه یک قصه فلسطینی-برگزیده کتاب سال-این کتاب قصه ای فلسطینی است. داستان کتاب، فداکاری دختری است بنام سماء که پاهایش قدرت حرکت نداشته و برای خدمت به مردم نگهبانی چشمه ای را که آب ده را تأمین می کند بعهده می گیرد و سرانجام برای آگاه ساختن مردم به از حمله دزدان (بوسیله بصدا در آوردن زنگی که نزدیک چشمه آویخته شده)، جان خود را از دست می دهد و مردم نیز پاس این فداکاری پرچمی چهار رنگ (پرچم فلسطینی) به یاد او تهیه می نمایند که بر بالای خانه ها نصب می شود و نشانی از مبارزه با بیگانگان است.

منابع:

www.ketabesal.ir

رحمانی خلیلی، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم:

تولد: ۱۳۰۲ خلیل محله‌ی بهشهر.

درگذشت: ۲۷ اسفند ۱۳۷۴.

آیت‌الله ابوالقاسم رحمانی خلیلی مازندرانی در حدود هشت یا نه سالگی کسب علم و دانش را آغاز نمود و آموزش را از مکتبخانه‌های قدیمی آن روزگاران آغاز کرد و سپس به تحصیل علوم الهی و حوزوی حوزه‌ی علمیه‌ی کوهستان تحت نظر و آموزش آیت‌الله شیخ محمد کوهستانی پرداخت. ایشان دوره مقدمات و دوره سطوح را در حوزه‌ی علمیه‌ی کوهستان فراگرفت و سپس برای تکمیل مدارج علمی در سال ۱۳۲۵ در بیست و سه سالگی به حوزره علمیه نجف اشرف رفت و از محضر عالمانی همچون حضرات آیات عظام حاج سید محمود شاهرودی، حاج سید محسن کریم، سید ابوالقاسم خویی، حاج میرزا هاشم آملی، میرزا حسن یزدی و شیخ صدر بهره‌های فراوان برد. در همان حوزه‌ی علمیه‌ی نجف به تدریس نیز اشتغال ورزید.

آیت‌الله رحمانی خلیلی مازندرانی بعد از چهارده سال اقامت در حوزه‌ی نجف اشرف به زادگاه خود مراجعت نمود. بعد از مراجعت وی، و پس از یک هفته اقامت نزد آیت‌الله کوهستانی، ایشان اعلام فرمودند که «شیخ ابوالقاسم فقیه است، ملاست، عالم است، باید

از ایشان استفاده بشود».

پس از مدتی در سال ۱۳۳۹ حوزه علمی «خلیل محله» را تأسیس نمود و به این ترتیب به آموزش طلاب منطقه پرداخت. از جمله فعالیت‌های دیگر ایشان تأسیس مسجد و حسینیه‌ای با کمک مردم محله بود.

مدتی بعد به تهران رفت و حدود چهارده سال در آن شهر اقامت گزید، در سال ۱۳۶۴ به قم مهاجرت نمود.

از جمله فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی ایشان باید به درستی کمیته‌ی انقلاب اسلامی مسجد شفا اشاره نمود.

تألیفات و آثار قلمی آیت‌الله رحمانی به این شرح است: شرحی بر تبصره علامه حلی (ره)؛ شرحی بر عروۃ الوثقی (رساله فی الاجتهاد والتقلید)؛ تفسیری بر سوره شریفه حمد؛ رساله در مشتق؛ رساله در طلب و اراده؛ نامه‌ها و مکتوبات عرفانی و اسرار و اذکار؛ کتابی در نحو.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

رحمانی فرد، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین رحمانی فرد

محل تولد: سبزوار

شهرت: رحمانی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

از آنجا که در آبادی ما مدرسه نبود و بعد هم که آمد خانواده ما چندان اعتقادی به مدرسه علوم جدید نداشتند. لذا از سنین کودکی به مکتب خانه رفتم و قرآن و کتاب گلستان سعدی و دیوان حافظ شیرازی را در مکتب خانه خواندم و بعد وارد حوزه علمیه سبزوار شدم و در مدرسه فصیحیه مشغول به تحصیل علوم قدیمه شدم و در همان ایام شبانه تحصیلات کلاسیک را تا سیکل خواندم و در اوایل سال ۱۳۵۳ به قم عزیمت کردم و در دروس اساتید سطح (پایه ۶ و ۷) شرکت کردم و همزمان با وارد شدن به حوزه علمیه قم و شرکت در محافل سیاسی و پخش بیانیه‌ها و نوارها و کتابهای حضرت امام خمینی ره همواره تحت تعقیب ساواک رژیم بودم و در جریان یورش بیرحمانه ماموران شاه به مدرسه فیضیه در سال ۱۳۵۴ دستگیر و پس از ضرب و شتم به زندان اوین منتقل شدم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به کارهای تحقیقی و تبلیغی و فرهنگی مشغول می‌باشم.

رحمانی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی رحمانی

محل تولد : روستای جمال آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سن ۵ سالگی در مکتب خانه ابوی که تنها مرکز تعلیم و تعلم بود قرآن را فرا گرفتم روستای جمال آباد از توابع جوبین سبزوار در چند فرسخی سبزوار قرار دارد که اهالی آن از طریق کشاورزی کسب معاش می‌کنند و ساده زیستن و قناعت و تدین و قرآن دوستی و محبت به اهل بیت علیهم السلام از جمله ویژگیهای برجسته آنها بوده و هست و بحکم این فضای حاکم بر آنجا و خانواده مذهبی ما با علاقه شدید تعلم قرآن و کتب فارسی را دنبال نمودم بطوریکه وقتی دبستان شروع شد اینجانب را از کلاس اول معاف داشتند و لذا سال اول دبستان وارد کلاس دوم شدم. دوم و سوم را در یک سال و چهارم و پنجم را نیز در سال بعد خواندم و این بدان جهت بود که در سالهای تشکیل سپاه دانش در رژیم طاغوت سالی دو کلاس خوانده می‌شد. با اخذ مدرک کلاس پنجم در سن یازده سالگی به مدرسه علمیه آمدم و تصدیق ششم را در سال اول ورود به مدرسه علمیه از طریق امتحانات متفرقه از اداره فرهنگ اخذ کردم تا پایان دوره راهنمایی همین شیوه را ادامه دادم. وقتی وارد مدرسه فصیحیه سبزوار شدم تقریباً اواخر سال ۴۴ بود زمانی که این حقیر ۱۱ سال بیشتر نداشتم و عشق به طلبگی مرا به این وادی کشانده بود، و قسمتی از این امر را مرهون فضای حاکم بر روستا و بخش مهم آن را در گرو عشق شدید خانواده خودمان به اهل بیت علیهم السلام می‌دانم. هیچگاه قبل از ورود به مدرسه شهر را ندیده بودم، اما موضوع مهم در آن زمان خوابی بود که دیدم. و آن این بود که در خواب، اتاق، محل اتراق، محل مدرسه، پنجره مشرف بر خیابان و خیابان در ذهنم آمده بود و وقتی به مدرسه علمیه فصیحیه سبزوار وارد شدم، تمام آن صحنه‌های خواب در جلو چشمم هویدا شد و انگار که دوباره آن را می‌دیدم. مدرسه از وجوه موقوفات مربوط به آقای فصیحی اداره می‌شد که خود در مدرسه مدیریت می‌کرد و مدیر علمی و تحصیلی آنجا حضرت آقای فاضلی بود البته ائمه جماعات مساجد شهر هم آن جا بودند و تدریس هم داشتند. اما من نزد همین آقای فاضلی صرف، نحو، سیوطی، جامع المقدمات را آموختم. موضوع مهم در آن زمان این که به خاطر تلاش و استعداد و هوشم یک ماه بیشتر نگذشت که صرف میر و تصریف را با تمام ابوابش حفظ کردم و همه را خوب می‌خواندم، آقائی بود به نام آقای علی محمدی؛ ایشان از علمای نجف دیده بودند که مدیریت یکی از مدرسه‌ها را عهده دار بودند و به طلاب و اساتید حوزه کمک می‌نمودند و از طرف چند نفر از آیات عظام تقلید شهریه به طلاب می‌دادند. ایشان در یک جلسه امتحان عمومی وقتی مرا دید گفت کوچولو شما آمدید امتحان بدهید گفتم فلفل نبین چه ریزه... ۱۰ سؤال مشکل از من پرسید که همه را خوب پاسخ دادم، بسیار خوشحال شد و گفت: شما بایستی ممتحن صرف بشوید. در همان ابتدا و در همان مدرسه در حالی که ملامحسن و فی النحو را می‌خواندم برای طلبه‌های تازه وارد صرف را تدریس می‌کردم و به خاطر این که تقریباً با دوستان خودمانی بودم و به آسانی سؤالاتشان را مطرح می‌کردند درس این حقیر بسیار شلوغ بود و این روند در آنجا که ۳ سال بودم ادامه داشت.

اواخر سال ۴۷ برای ادامه تحصیل علوم دینی به شهر مقدس مشهد رفتم و در مدرسه جعفریه به مدیریت حاج آقا شیخ غلام حسین ترک در کوچه میرعلم خان حجره ای گرفتم و مدت ۳ سال در آنجا اقامت کردم، اساتید زیادی را گذراندم و نزدشان تلمذ نمودم. نزد استاد ادیب نیشابوری که آن زمانی پیرمردی بود مقداری از ادبیات را فرا گرفتم، اما به خاطر پیری استاد فهم مطالب برایم سخت بود از این رو نزد آقای سید حجت هاشمی ادبیات را ادامه دادم و با این که بعضی از کتب ادبیات را در سبزوار خوانده بودم جهت آشنایی بیشتر، دوباره آنها را نزد استاد سید حجت هاشمی خواندم. سیوطی، مغنی، بلاغت، مطول، مختصر المعانی را نزد نامبرده

خواندم و نزد آقای رضازاده در مدرسه آیت الله میلانی و نزد آقای محقق اصول فقه و لمعه را خواندم و نزد آیت الله طوسی در مسجد ملا- هاشم، معالم و قوانین را تلمذ نمودم. در همان زمان هم حاشیه ملاعبدالله، منطق و منظومه را هم نزد آقایان واعظی و دهشت گذراندم.

سه سالی که در مشهد و در مدرسه جعفریه بودم از پربرکت ترین و بهترین زمان عمرم بود توشه های خوبی از این سه سال برگرفتم و فواید زیادی داشت که تا پایان زندگی از آن استفاده می کنم چرا که بسیار از دروس مقدمات و سطح را در آن سالها به خوبی خوانده و بر آنها تسلط کافی یافتم. از اواخر سال ۴۹ با یکی از دوستان جهت تکمیل و بهره گیری بیشتر از علوم دینی به سوی قم آمدم در حالی که نه جایی را می شناختم و نه کسی را، فقط به امید خدا آمدم. وسایلمان را به گاراژ دایر در کنار پل آهنچی سپردیم و پس از مدتی بحمدالله توانستیم حجره ای در مدرسه مهدیه باجک تهیه کنیم و بصورت آزاد در درس متفاوت علما حضور پیدا کنیم و دروس را نزد اساتید و فضلاء ذیل خواندیم:

لمعه ج ۲ آیت الله شب زنده دار و باغانی سبزواری

مکاسب نزد آیت الله ستوده در طول سه الی چهار سال

کفایتین نزد آیت الله سید کاظم حائری، رسائل را نزد موسوی تبریزی و موسوی تهرانی

فلسفه را نزد آقای محمدی گیلانی و دکتر احمدی و مدتی هم نزد شهید مفتاح

قمستی از اسفار را نزد شهید مطهری (جلد سوم) و برای تکرار درس قوانین مدتی محضر آیت الله دوزدوزانی قوانین را تلمذ نمودم (قبلاً نزد آقای طوسی در مشهد خوانده بودم)

سال ۱۳۵۵ دروس خارج را شروع کردم که دروس روزمره ام در موضوع خارج فقه، خارج اصول و فلسفه خلاصه می شد. خارج فقه ۳ سال نزد آیت الله گلپایگانی، ۳ سال نزد آیت الله نوری همدانی و مدتی هم به صورت آزاد از دروس خارج علمای دیگر به جهت آشنایی با شیوه علمی آنان بهره بردم.

خارج اصول را از سال ۱۳۵۵ تا ۷۸ یعنی بیشتر از ۲۰ سال نزدیک دو دوره کامل نزد آیت الله وحید خراسانی تلمذ نمودم و در مدت ۷ سال هم دروس فقه ایشان هم می رفتم.

اشارات بوعلی (فلسفه) شفای بوعلی و فصوص الحکم، مصباح الانس و هیئت را نزد علامه حسن زاده آملی فرا گرفتم.

اسفار را نیز نزد آیت الله صدر و جوادی آملی تلمذ نمودم. در درسهای اخلاق آقای تجلیل تبریزی و آقای مشکینی در قم حضور می یافتم.

مسئله عمده زندگی علمی این حقیر در کنار تلمذ تدریس بوده و هست. و هیچ چیز را بیشتر از تدریس و تدریس دوست ندارم. از ابتدای طلبگی تدریس را شروع کردم.

از سال شروع به تحصیل در مدرسه فصیحیه، جعفریه در سبزواری و مشهد تدریس داشته‌ام، صرف و جامع المقدمات و سیوطی را در سبزواری و مشهد برای دوستان تدریس کردم و از وقتی که وارد قم شدم نیز در مدرسه مهدیه مسجد امام عسگری و فیضیه قم تدریس آزاد داشتم در حجره ای واقع در صحن حرم حضرت معصومه سلام الله علیها هم بصورت آزاد از سال ۶۶ تا ۷۳ رسائل، مکاسب و منظومه را تدریس کرده‌ام. تدریس‌های متفاوتی داشته‌ام و در نهایت به صورت آزاد در منزل مسکونی هم تدریس داشته‌ام. موارد تدریس شامل تدریس منطق، حاشیه ملاعبدالله، منطق مظفر، صرف و نحو و ادبیات می شد که در طول ۷ سال تابستان و پنج شنبه و جمعه‌ها در منزل خودم هم دروس منطق، منظومه درایه و رجال را تدریس می کردم. تدریس در حوزه‌ها و مدارس علمیه بصورت تک درسی نیز داشته‌ام مثلاً لمعه را قبل از انقلاب در مدرسه امام صادق علیه السلام در نیروگاه تدریس می کردم.

از سال ۵۵ تدریس لمعه در مدرسه امام صادق علیه السلام و بعد از انقلاب تدریس نه‌ایه الحکمه و بدایه الحکمه، ختصر المعانی، شرح لمعه، مکاسب، رسائل و منظومه را به صورت آزاد در مراکز مختلف از جمله حجره‌های صحن حرم حضرت معصومه سلام‌الله علیها را داشته‌ام. پس از انقلاب در مدرسه فیضیه حاشیه ملاعبداللّه و منطق مظفر را نیز تدریس کردم.

در مدرسه باقرالعلوم دفتر تبلیغات اسلامی نه‌ایه الحکمه و بدایه الحکمه و طهارت الاعراق را به مدت ۴ سال تدریس می‌نمودم. در مدرسه آیت الله گلپایگانی از سال ۷۴ دروس رسائل مکاسب کفایه و از ۵ سال اخیر فقه خارج و اصول خارج را هم در آنجا تدریس دارم که تقریرات، کلام مکتوب گردیده است.

دروس درایه الحدیث و قواعد العلم الرجال به مدت ۲ سال در مدرسه امیرالمؤمنین علیه السلام، ۲ سال هم کلام جدید و نهج البلاغه در دارالشفاء، حجّیه و مدرسه آیت الله گلپایگانی تدریس داشته‌ام.

سال ۶۱ به مرکز جهانی علوم اسلامی دعوت شدم که تازه، تأسیس شده بود از آن زمان به تدریس مختصر المعانی، حاشیه ملا عبداللّه، باب حادی عشر، شرح تجرید، اصول فقه، لمعه، تفسیر مشغول شدم که تا سال ۶۶ ادامه داشت و از ۶۶ تا ۷۳ به عنوان عضو هیأت ممتحنه مرکز همکاری می‌کردم و سپس از سال ۷۲ مضافاً بر همکاری در هیئت ممتحنه دوباره تدریس در مرکز را آغاز نمودم که در حقیقت همکاری با مرکز بیشتر شد چرا که طرح سوالات امتحانی «لمعه و مکاسب، رسائل، حلقات، رجال، درایه و...» نیز بعهده این حقیر و چند نفر از دوستان دیگر بود و این امر تا سال ۸۲ ادامه داشت ضمناً از سال ۱۳۷۸ یا ۷۹ تاکنون در کنار تدریس در مرکز، ممتحن خارج فقه و اصول بوده‌ام.

حدود ۵ ترم هم در دانشگاه قم تدریس داشتم که با تقاضای دانشگاه و طی مراتب از وزارت علوم دکتری خود را دریافت کردم چندین ترم در تخصصی تفسیر حوزه علمیه و دو ترم هم در تخصصی تربیت مبلغ حوزه و یک ترم هم در تخصصی قضاء تدریس نمودم.

به صورت منسجم و متفاوت در مراکز علمی گوناگون خصوصاً در حوزه‌های علمیه تدریس داشته‌ام از این رو تدریس در دانشگاه را در حالی که پیشنهادهایی داشته‌ام نپذیرفتم و تدریس در حوزه را اکنون قریب به ۲۵ سال است که بطور مستمر ادامه می‌دهم.

رحمانی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رحمانی

محل تولد: بن چنار

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه آشتیان شدم. لمعه و اصول فقه را در آنجا تحصیل کردم. در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و در دروس عمومی فقه و اصول، تفسیر و اخلاق که توسط اساتید مجرب از قبیل حضرات آیات و حجج اسلام جوادی، مکارم، سبحانی، ستوده، اعتمادی و... برگزار می‌شد شرکت کردم و در سال ۶۲ حدود ۲ سال در موسسه در راه حق که زیر نظر آقای

مصباح بود حضور یافتم و از سال ۶۷ به درس خارج مشغول شدم و در سالهای ۶۹ تا ۷۴ به دروس تخصصی کلام در مقطع دکترا (سطح ۴) مشغول بودم و نیز در سال ۶۹ تا ۷۰ دوره کارآموزی قضایی در مقطع محاکم را به پایان رساندم و از سال ۱۳۷۴ تا کنون با مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی گاهی به عنوان محقق و گاهی به عنوان مسئول گروه مشغول تحقیق در مورد علوم اسلامی بوده‌ام در امور تبلیغی از سال ۵۸ تا کنون در شهرها و روستاها و مراکز سپاه و نیز از سال ۷۴ تا کنون در دانشگاهها در ایام تبلیغی مشغول تبلیغ بوده‌ام و به عنوان روحانی حج و عمره نیز انجام وظیفه می‌کنم. از اول جنگ تا آخر جنگ تحصیلی حدود ۲۳ نوبت در جبهه‌ها حضور یافتم که در عملیات والفجر ۸ در نزدیکی فاو مجروح شیمیایی شدم.

رحمانی، نصرت الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نصرت الله رحمانی در سال ۱۳۰۸، در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه ناصر خسرو، و متوسطه را در دبیرستان ادیب به پایان رسانید و سپس وارد مدرسه پست و تلگراف شد و تحصیلات خود را در آنجا پی گرفت. پس از اتمام تحصیلات، در آن وزارتخانه مشغول به کار شد. و ضمن آن سالها در چند مجله و روزنامه قلم زد و این شاعر نوپرداز در سال های آخر عمر، به شهر رشت کوچ کرد و سرانجام در تابستان ۱۳۷۹، در همین شهر درگذشت.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب: نصرت الله رحمانی در تهران و در خیابان عین الدوله بزرگ متولد شد. او در یکی از کتاب هایش می نویسد: «نام پدرم گویا اسدالله است!»

تحصیلات رسمی و حرفه ای: نصرت رحمانی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه ناصر خسرو و متوسطه را در دبیرستان ادیب به پایان رسانید و سپس وارد مدرسه پست و تلگراف شد و تحصیلات خود را در این مدرسه پی گرفت.

خاطرات و وقایع تحصیل: نصرت رحمانی از دوران تحصیل خود چنین تعریف می کند: «... از هنر کده نقاشی به خاطر پاره ای بحران ها بیرونم کردند. من هم به مدرسه پست و تلگراف رفتم. روزهای شلوغی بود. مدیر مدرسه ما «پژمان بختیاری» شاعر، استعداد مرا زود درک کرد و روزنامه ی دیواری مدرسه را در اختیار من گذاشت. آغاز کار روزنامه نویسی از همین جا شروع شد...»

فعالتهای ضمن تحصیل: نصرت الله رحمانی در طول تحصیلات رسمی، مدتی نیز وارد دانشکده نقاشی شد و زیر نظر «عباس کاتوزیان» به فراگیری نقاشی پرداخت.

استادان و مربیان: نصرت رحمانی هنر نقاشی را نزد عباس کاتوزیان فرا گرفت.

وقایع میانسالی: محمود آزاد تهرانی شاعر معاصر و یکی از دوستان نصرت رحمانی، از عصیان او پس از سالهای کودتای ۲۸ مرداد یاد می کند و می گوید: «نصرت رحمانی شاعری بود که در یک دوره تاریخی خاص سربر آورد و نماینده یک جنبش شد.» م. آزاد در مورد این دوره چنین می گوید: «دوره پرشور جنبش ملی شدن نفت تمام ملت را سیاسی کرده بود، کودتای ۲۸ مرداد ضربه اصلی را به این جنبش زد ولی ضربه وقتی کاری شد که روشنفکران و مبارزان را زندانی کردند، به تبعید فرستادند و یک

دوره خفقان و تاریک به وجود آوردند. در این دوره رژیم سعی می کرد تا تمام ارزش هایی را که مایه افتخار ملت بود نفی کند و رمز موفقیت شعر رحمانی در این بود که این شعر در دوره خفقان، علیه ارزش های حاکم سربرداشت... پیام رحمانی عصیان بود؛ عصیان علیه ارزش های بورژوازی که پس از کودتا شکل تقدس به خود می گرفت... نثر در آن دوره به طور مسقیم از زوال، فروپاشیدگی و انحطاط گفت و در در مقدمه یکی از کتاب هایش نوشت شعر من از آنجا موفق شد که شعر اعتراض بود علیه اشرافیت... اگر بخواهید دردمندی و فریادی که در شهر رحمانی هست توجه کنید، همین معنی عصیان و اعتراض است. رحمانی یک آدم سیاسی بود و قبلاً شعرهایش در روزنامه های حزبی چاپ می شد. « نصرت در مجله ی سپید و سیاه اعلام کرده بود که می خواهد شعر را به میان مردم ببرد، به همین منظور به همراه مینا اسدی شاعر دیگری از نو پردازان به قهوه خانه ای در جنوب شهر تهران « میدان شوش » رفتند و هنگام شعر خوانی با بدخوبی و مخالفت و عدم پذیرش قهوه خانه نشینان روبرو شدند.

زمان و علت فوت: نصرت رحمانی در تابستان ۱۳۷۹، در شهر رشت درگذشت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: نصرت رحمانی، پس از به پایان بردن تحصیلاتش در وزارت پست و تلگراف مشغول به کار شد. او در مورد وضعیت اشتغال خود چنین می گوید: «... آن روزها به وزارت پست و تلگراف می گفتند وزارت شازده ها، راست هم می گفتند چون اولین وزارتخانه ی ایران بود، شاهزاده ها هم به اصطلاح با سواد بودند، تخم و ترکه ی قاجار هم که خودتان می دانید، هرکس از تخم و ترکه ی آنها بود به کارمندی استخدام می شد یا با معرفی آنها. اتفاقاً یکی از همین شازده ها معرف من به مدرسه شد و گرنه راهم نمی دادند آخر سوابق مشعشانه ای داشتم! باری از همان جا به رادیو راه یافتم اما پس از چند سال که کار نکردم و حقوق گرفتم... پس از چند سال درگیری با رییس قسمتم، مرا به سرپرستی پست و تلگراف کاشان تبعید کردند، من هم چون به عقبرب علاقه نداشتم، نرفتم. آنها هم یکی دو سال حقوق مرا پرداختند، وقتی مطمئن شدند که آدم شدنی نیستم آن شندر غاز را هم قطع کردند.»

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: نصرت رحمانی سالها در چند مجله و روزنامه قلم زد. او علاوه بر نوشتن قصه و رپرتاژ، مسوول صفحات ادبی آن مجلانت نیز بود. از مجلاتی که وی با آنها به همکاری می پرداخت مجله فردوسی، امید ایران و سپید و سیاه، اطلاعات هفتگی و با چند مجله ی دیگر بود.

آرا و گرایشهای خاص: نصرت رحمانی نخست تحت تاثیر سبک و شیوه سرایش فریدون توللی بود، اما بعد ها به شیوه زبانی ویژه خود دست یافت. شعرهایش به لحنی تلخ از دردها، پلیدیها و تباهی های دامنگیر اجتماعی، و از عشقی که در میان به لجن کشیده شده است، سخن می گوید. از دیدگاه او زندگی سرتاپا سیاه و چرکین است؛ خود وی شعرش را سیاه و چرکین می نامد. اما شاید تعبیر « شعر تلخ » برای آن برانزده تر باشد. شعرش از احساسی نیرومند برخوردار است. زبانش زبانی ساده و گاه حتی تا حد زبان کوی و برزن خودرا همسان می سازد وی نخستین کسی است که واژه ها و اصطلاحات کوچه و بازار را وارد شعر نو کرده است. محمود آزاد تهرانی در باره زبان شعر رحمانی چنین می گوید: « او کلمات عادی را وارد شعر کرد و از به کار گرفتن کلمات مجلل و مطمئن پرهیز داشت و همین ویژگی سبب شد تا نیما بعد از خواندن یکی از شعرهای رحمانی به وجد بیاید و مقدمه ای بر کتابش بنویسد. در آنجا نیما یادآوری می کند که رحمانی با جرات تمام کلماتی را در شعر به کار می برد که دیگران تصورش را هم نمی کنند.»

آثار:

۱ پیاله دور دگر زد

۲ ترمه

۳ حریق باد

۴ داستان مردی که در غبار گم شد

۵ درجنگ باد

۶ درو

۷ شمشیر معشوقه قلم

۸ کوچ

۹ کویر

۱۰ گزینه اشعار

۱۱ میعاد در لجن

منابع:

روزنامه مردم سالاری، سه شنبه ۲۸ اسفندماه ۱۳۸۰، شماره ۷۱۲ شاعران تهران از آغاز تا امروز، تالیف: مجید شفق، ج ۱، تهران:

سنایی، ص ۳۸۷

رحمت شیرازی، عبدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۴ - ۱۲۷۰/۱۲۷۲ ق)، طبیب، خطاط و شاعر، متخلص به رحمت. وی نوه وصال شیرازی بود که در شیراز متولد شد. ریاضیات و ادبیات را از عمویش میرزا وقار، علم طب را از پدرش و حاج میرزا حسن فسایی و دبیری و شاعری را از میرزا داوری فراگرفت. نسخ و خفی‌نویس را از دیگر عمویش میرزا توحید آموخت. وی در سال ۱۳۲۵ ق به هندوستان رفت و پس از یک سال اقامت در بمبئی به شیراز بازگشت و به طبابت مشغول شد. او نخست ریاست انجمن حفظ الحصه و بعد ریاست اداره‌ی معارف فارس را عهده‌دار بود. رحمت به حسن خلق و مدارا با خلق و مراعات حال تهیدستان معروف بود. در شیراز وفات یافت و او را در نزدیکی بقعه‌ی شیخ ابوالوفا، که از عرفای متقدم است دفن کردند. از آثار وی: «زینة المساجد، ادعیه‌ی المنتخب».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار عجم (۳۶۲)، حدیقه الشعراء (۶۶۱- ۶۵۹/ ۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۷۸- ۵۷۲/ ۲)، الذریعه (۳۵۶/۹)، ریحانه (۳۰۵- ۳۰۴/ ۲)، طرائق الحقائق (۳۷۶- ۳۷۵/ ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۰۲۲- ۱۰۲۱/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۳۷۰)، مرآت الفصاحه (۲۳۱- ۲۳۰)، مکارم الآثار (۲۰۲۴- ۲۰۲۳/ ۶)، مؤلفین کتب چاپی (۹۹۴- ۹۹۳/ ۳).

رحمت کازرونی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۳- ۱۲۷۷/۱۲۷۸ ق)، مجتهد، عالم، عارف و شاعر، متخلص به رحمت. معروف به مجتهد یا حاج مجتهد. وی در شیراز به دنیا آمد و مقدمات علوم را در آن شهر فراگرفت. به نجف هجرت کرد و در مجلس درس میرزا حبیب‌الله رشتی و شیخ محمد کاظم خراسانی و دیگران حضور یافت. آنگاه به ایران بازگشت و در کازرون و سپس در شیراز امام جمعه و مدرس شد. وی در شیراز درگذشت و در حافظیه به خاک سپرده شد. از آثارش: «تقریرات اصول»؛ «تقریرات» بحث استادانش در «صلاه» و «بیع»؛ «فوائد مشروطیت»؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۹۴- ۵۷۸/۲)، الذریعه (۷۲۳، ۳۵۶/۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۱۴۶۰)، فرهنگ سخنوران (۳۷۰)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰۶/۴)، مرآت الفصاحه (۲۳۴-۲۳۱).

رحمت، حمید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رحمت‌علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(حاج) زین‌العابدین میرزا کوچک از بزرگان سلسله نعمه‌اللهیه (ف. ۱۲۷۸ ه.ق.). وی در علوم ظاهری و باطنی مقامی ارجمند داشت و به دلالت زین‌العابدین شروانی دست ارادت به مجذوب علی شاه داد و پس شروانی مقتدای درویشان نعمه‌اللهی گردید. وی از جانب محمدشاه لقب نایب‌الصدر یافت و وظایف فارس در اختیار او گذاشته شد.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

رحمتی شهرضا، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رحمتی شهرضا

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۸/۲/۱۰

زندگینامه علمی

اینجناب محمد رحمتی شهرضا بعد از گذراندن تحصیلات ابتدایی، راهنمایی در رشته علوم تجربی مقطع دبیرستان در دبیرستان مبعث ادامه تحصیل داده و پس از اخذ مدرک دیپلم به حوزه مقدسه علمیه قم مدرسه علمیه معصومیه رفته و مشغول تحصیل علوم حوزوی شدم و پس از گذراندن مقدمات تحت برنامه آن مرکز مشغول سطح شده و فعلا مشغول درس خارج حوزه هستم. در کنار تحصیل علوم حوزوی نیز با تحصیل در رشته علوم کامپیوتر دانشگاه آزاد اصفهان فارغ التحصیل لیسانس نرم افزار و علوم کامپیوتر شدم. در کنار درسهای عمومی حوزوی علاقه وافری به مطالعه و تحقیق در زمینه های مختلف علوم اسلامی داشته و مطالعات خود را با آثار شهید مطهری ره شروع نموده و آثار مختلف علمی را مطالعه نمودم. قبل از شروع تحصیلات حوزوی نیز در دوره های مختلف آموزش روخوانی و روانخوانی قرآن کریم در سازمان تبلیغات اسلامی به تدریس مشغول بودم. حدود ۶ سال مستمر نیز در زمینه تحصیل علوم قرآنی مثل روخوانی و روانخوانی، تجوید، اختلاف قرائات و دیگر علوم نیز کار نموده و تحصیل نمودم. از سال چهارم طلبگی نیز مشغول به تبلیغ و منبر بوده و در ماههای مبارک رمضان و محرم نیز هر ساله برنامه ی منبر و سفرهای تبلیغی داشته ام و برای اهالی، کلاسهای مختلف تشکیل داده ایم.

رحمتی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رحمتی سیرجانی از افاضل علماء معاصر سیرجان می باشد.

وی در سن ۱۵ سالگی به مقدمات پرداخته و دو سال در حوزه علمیه کرمان در محضر اساتید آیت الله حاج شیخ علی اصغر صالحی و مرحوم آیت الله حاج میرزا علی آقا محرابی در فقه و اصول مراحل عالی را طی کرده آنگاه برای تکمیل تحصیلات خود در سال ۱۳۶۸ ق مهاجرت به نجف نموده و از محضر اساتید بزرگ چون مرحوم آیت الله حاج سید یحیی یزدی مدرسی و آیت الله العظمی حاج سید محمود شاهرودی و آیت الله العظمی حکیم و آیت الله حاج میرزا حسن بجنوردی کسب فیض نموده و از چند نفر آنان موفق به دریافت اجازه اجتهاد گردیده است.

در سال ۱۳۹۱ ق برای انجام وظائف مذهبی و نشر فضائل اهل بیت به سیرجان مراجعت و در آنجا مدرسه علمیه مفیدیه را تعمیر نموده و سرپرستی امور طلاب آنجا را به عهده گرفته اند. از آثار دیگر ایشان تجدید بناء مسجد حاج سبزه علی که به صورت مخروبه درآمده بود ترمیم نموده و به صورت سبک جدیدی درآوردند.

و دیگر کتابخانه آنجا که اکنون حدود هزار و پانصد جلد کتاب دارد و دیگر بناء مساجد در حومه شهر و نقاط دوردست از قبیل خبر و منطقه شاه ماران که قبلا فاقد مسجد بودند و دیگر مبارزه با مذاهب مختلفه بهائی گری و شیخی گری و آفاخانی و غیره نموده و موفقیت های شایانی هم به دست آورده اند از آثار علمی مخطوطه ایشان کتابی در حج مشروح و مفصل که در شرف طبع می باشد و دیگر حاشیه بر منهاج المناسکین آیت الله حکیم و دیگر حاشیه بر عروه الوثقی.

و از معاصر بن علماء دیگر سیرجان جناب حاج حسن خان کرانی از دانشمندان محترم شهر می باشد.

و دیگر مرحوم حاج آقا محمد ابوجعفری که در سنین پیری درگذشت.

و دیگر مرحوم حاج شیخ حبیب‌الله اسلامی که بعد از فراغ از تحصیلات در حوزه علمیه نجف اشرف در سن چهل و هفت سالگی فوت گردید.

و دیگر جناب آقا شیخ حبیب فهیمی سیرجانی که تحصیل کرده حوزه علمیه قم می‌باشند به زهد و تقوا معروف می‌باشند و فعلا در گوشه انزوا قرار گرفته و به وظائف بندگی اشتغال دارند.

و دیگر جناب آقای حاج میرزا محمدحسین برهان دینانی که از قم در عصر مرحوم آیت‌الله العظمی حایری به سیرجان مهاجرت نموده و تا آخر عمر به وظائف روحی و دینی و ترویجی اشتغال داشتند و ترجمه ایشان با برادر ارجمندش حجة‌الاسلام حاج میرزا محمدرضا برهان در ضمن علماء و دانشمندان رامسر و تنکابن گذشت.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رحمتیان، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۱ ش)، پزشک، نویسنده و استاد دانشگاه. وی فارغ‌التحصیل دانشکده‌ی پزشکی تهران در سال ۱۳۱۸ ش بود. پس از خدمت نظام وظیفه به سمت دستیاری رسمی آسیب شناسی انتخاب شد در مسابقه دانشجویی کرسی آسیب شناسی، توفیق یافت و در سال ۱۳۲۷ ش برای مطالعه مدت یکسال به فرانسه و انگلستان مسافرت نمود؛ ولی در اواسط اقامت به علت قطع اعتبارات ارزی مطالعات را ناتمام گذاشت و به ایران مراجعت نمود. و دانشیار آسیب شناسی دانشکده‌ی پزشکی تهران و به استادی کرسی سرطان دانشکده انتخاب شد. از آثار وی: «آسیب شناسی علمی»؛ «بیماریهای خون و لنف»؛ «سرطان را بشناسید»؛ «معمای سرطان». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: مؤلفین کتب چاپی (۷۴۲-۷۴۱/۲).

رحمدل، غلامرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غلامرضا رحمدل در سال ۱۳۳۰ در لاهیجان بدنیا آمد. وی دارای دکترای رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۷۱ و عضو هیئت علمی و استاد پایه ۲۸ دانشگاه گیلان است.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب: نام پدر غلامرضا رحمدل مرتضی رحمدل و نام مادرشان خانم بزرگ موسی پور است که هر دو به دار فانی را وداع گفتند.

خاطرات کودکی: غلامرضا رحمدل قبل از دوره دبستان بمدت ۲ سال به یادگیری قران در مکتب خانه پرداخته است. دوره دبستان

را در روستا گذراند. مدرسه ایشان توسط یک معلم در شش پایه اداره می شد که این معلم از سواد بیشتری برخوردار نبود. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: غلامرضا رحمدل در خانواده ای از نظر اقتصادی ضعیف دنیا آمد. پدر و مادر وی سواد خواندن و نوشتن نداشتند. وی قبل از دوران سربازی کار می کرد و بعد از سربازی در سال ۱۳۵۳ یکسال به آموزگار پرداخت و شبانه به تحصیل خود در دانشگاه تربیت معلم ادامه دادند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: غلامرضا رحمدل تحصیلات ابتدایی را در روستای محل زادگاهش گذراند. مقطع متوسطه را در دبیرستان مهدویه لنگرود، کارشناسی زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه تربیت معلم (بسال ۱۳۵۷)، کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه تهران (در سال ۱۳۶۴) و دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۷۱ گذراند.

خاطرات و وقایع تحصیل: غلامرضا رحمدل از این دورا چنین می گوید: دبستان روستای ما با بخاری هیزومی گرم می شد و دانش آموزان موظف بودند در اولین روز هر هفته یک پشته هیزم و یک بطری نفت با خود به مدرسه بیاورند.

فعالیت‌های ضمن تحصیل: غلامرضا رحمدل در حین تحصیل به شغلی معلمی در روستای چوشل لاهیجان و دبیرستان های منطقه ۱۳ تهران می پرداخت

استادان و مربیان: معلمان و استادان غلامرضا رحمدل در مقاطع مختلف تحصیل به شرح زیر است: مکتب خانه: طالقانی دبستان: دکتر شفیع کدکنی، کیانی، انصاری دبیرستان: حاج محمدی، حاج تقوای دانشگاه: دکتر زرین کوب، دکتر شعار، دکتر ضیا الدین سجادی، دکتر آموزگار، دکتر حاکمی، دکتر رنجبر، دکتر احمدی بهنام، دکتر احمدی، دکتر حریرچی، دکتر تجلیل، دکتر سادات ناصری و دکتر بحرالعلومی

هم دوره ای ها و همکاران: از همدوره ایهای غلامرضا رحمدل در دوره کارشناسی، خانم اعظم طالقانی (دختر مرحم آیه الله طالقانی) و در مقطع دکتری، دکتر منوچهر اکبری و دکتر کی منش بوده است.

همسر و فرزندان: غلامرضا رحمدل متاهل و دارای همسر بنام دکتر آذرکوشا (پزشک) و ۴ فرزند بنامهای سمانه، دانشجوی معماری - ساره دانشجوی شیمی - صادق محصل مقطع پیش دانشگاهی و علی محصل کلاس سوم ابتدایی است.

وقایع میانسالی: از وقایع بوقوع پیوسته در این دوران از زندگی غلامرضا رحمدل فوت پدر، مادر و خواهرش و همچنین به شهادت رسیدن چند نفر از دوستانش می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: فعالیت‌های اجرائی: رییس آموزش و پرورش لنگرود ۱۳۶۰-۱۳۶۳ معاون اداری و مالی دانشگاه آزاد واحد رشت ۱۳۶۴-۱۳۶۶ رییس آموزش و پرورش بندر انزلی ۱۳۶۳-۱۳۶۵ معاون جنگ دانشگاه گیلان ۱۳۶۵-۱۳۶۶ رییس دانشکده ادبیات و علوم انسانی ۱۳۷۰-۱۳۷۶ معاون دانشجویی و فرهنگی دانشگاه گیلان ۱۳۷۴-۱۳۷۵ مسئول بسیج اساتید استان گیلان از ۱۳۸۰ تا کنون عضو شورای فرهنگی عمومی استان گیلان عضو شورای فرماندهی سپاه لنگرود در سال ۱۳۵۹ عضو مسئول حزب جمهوری اسلامی لنگرود ۱۳۶۱-۱۳۶۳ مربی دانشگاه گیلان ۱۳۶۵-۱۳۷۱ استادیار دانشگاه گیلان ۱۳۷۱-۱۳۸۰ دانشیار دانشگاه گیلان ۱۳۸۰ تا کنون

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: غلامرضا رحمدل مرکز پژوهشی گیلان شناسی دانشگاه گیلان را راه اندازی کرده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: غلامرضا رحمدل در کنار تدریس به سرودن شعر و تحقیق می پردازد. ایشان رسیدگی به امورات زندگی و خانواده را در اولویت کاری خود قرار می دهد.

شاگردان: اساتید فعلی گروه ادبیات دانشگاه های گیلان و آزاد رشت از شاگردان غلامرضا رحمدل هستند.

آرا و گرایشهای خاص: زمینه های مورد علاقه: نقد ادبی - ادبیات معاصر - تاریخ اسلام
 جوایز و نشانها: کسب مقامهای علمی ۱- برنده مسابقه شعر جنگ و دریافت نامه افتخار از وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی مهر
 ماه ۱۳۶۰ ۲- دریافت دیپلم افتخار ۸ سال دفاع مقدس از معاونت فرهنگی ستاد فرماندهی کل قوا ۱۳۶۸ ۳- احراز مقام نخست در
 دومین جشنواره سراسری دانشگاهیان ایران ویژه عزت و افتخار حسینی بهمن ماه ۱۳۸۱ ۴- احراز مقام سوم در مسابقه سراسری
 عباس(ع) باب الحوائج در بخش مقاله خرداد ماه ۱۳۸۳ بر گزار کنندگان: صدا و سیما - نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاهها ۵-
 برگزیده کتاب سال دفاع مقدس در سال ۱۳۸۶ کتاب گزاره های چاه و آه ۶- برگزیده مسابقه نقد کتاب سال در ۱۳۸۶ با نام
 نگاهی به نقد ادبی - از سوی سرای اهل قلم
 چگونگی عرضه آثار: غلامرضا رحمدل دارای ۵ کتاب در زمینه تاریخ اسلام و ۵ کتاب در زمینه ادبیات فارسی است. وی دارای
 ۲۸ مقاله چاپ شده دارد. ایشان دارای سه طرح پژوهشی می باشند.

آثار:

- ۱ از زمزمه تا فریاد (مجموعه شعر)
- ویژگی اثر: انتشارات دانشگاه گیلان
- ۲ از کربلا تا حره (سه سال بعد از عاشورا)
- ویژگی اثر: انتشارات دانشگاه گیلان
- ۳ بال بال ثانیه ها
- ویژگی اثر: مجموعه شعر-انتشارات دهسرا - رشت ۱۳۸۶
- ۴ تذکره شهدای کربلا (شهدای انصار)
- ویژگی اثر: انتشارات دانشگاه گیلان
- ۵ تذکره شهدای کربلا (شهدای بنی هاشم)
- ویژگی اثر: انتشارات دانشگاه گیلان
- ۶ تذکره شهدای کربلا ۱ و ۲
- ویژگی اثر: انتشارات دانشگاه گیلان (چاپ دوم - ۱۳۸۵) - ۱۳۸۶
- ۷ چشیدن دریا ۵۰ مقاله پیرامون تاریخ اسلام
- ویژگی اثر: انتشارات حرف نو رشت ۱۳۸۴ چاپ دوم
- ۸ حماسه آب
- ویژگی اثر: در دست چاپ - عاشورا شناسی
- ۹ حماسه عطش
- ویژگی اثر: عاشورا شناسی - پژوهشهای موضوعی پیرامون عاشورا شناسی - انتشارات دهه رشت سال ۱۳۸۶
- ۱۰ دیدگاههای حکومتی سعدی
- ویژگی اثر: انتشارات دانشگاه گیلان
- ۱۱ رجزهای یورشی در کلام حماسه آفرینان کربلا چاپ اول و دوم
- ویژگی اثر: انتشارات دانشگاه گیلان

۱۲ رنگ و درنگ اب

ویژگی اثر: پژوهشهای قرانی سال ۱۳۸۵-زیر چاپ

۱۳ سی دی شعر گیلکی بچار کار

ویژگی اثر: تکثیر بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس رشت

۱۴ شکفتن توفان

ویژگی اثر: (مجموعه شعر) چاپ اول - انتشارات موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی - تهران ۱۳۸۶

۱۵ صخره در گلوگاه آب

ویژگی اثر: در دست چاپ - مجموعه شعر

۱۶ عروض

ویژگی اثر: انتشارات دانشگاه گیلان چاپ سوم ۱۳۸۵

۱۷ گدازه های چاه و آه

ویژگی اثر: ادبیات انقلاب - مجموعه شعر - انتشارات بنیاد شهید گیلان - ۱۳۸۵. کتاب سال دفاع مقدس در کشور - یازدهمین

همایش معرفی کتاب سال دفاع مقدس ۱۳۸۶

۱۸ گزیده ادبیات معاصر (مجموعه شعر)

ویژگی اثر: انتشارات نیستان

۱۹ ما ایستاده ایم

ویژگی اثر: مجموعه اشعار دوران دفاع مقدس - انتشارات بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس - رشت ۱۳۸۶

۲۰ مجموعه مقالات گیلان شناسی

ویژگی اثر: انتشارات دانشگاه گیلان

منابع:

<http://staff.guilan.ac.ir/ViewFInfo.asp?VID=۳۱۰E.C.۰۸۱۷۰۴۰۱۲> پرسشنامه تکمیل شده فرهیختگان توسط

دکتر غلامرضا رحمدل بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی - زمستان ۱۳۸۵

رحیم بهارلو، عبدالرحیم

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۰۳۶/۱۰۳۲ - ۹۶۴ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به رحیمی. در لاهور هندوستان متولد شد. وی معاصر شاه طهماسب بو و جلال‌الدین اکبرشاه او را تحت حمایت خود قرار داد. و پس از رشد، خطاب میرزاجانی را به او داد. وی مدارج مختلفی را طی کرد و بالاخره به خان‌خانان ملقب گردید. در جنگهای فراوانی شرکت کرد، از جمله در فتح سند و گجرات. وی در جهت ترغیب و

یاری شاعران و رشد ادب تاثیر بسزایی داشت. وی بالاخره در لاهور درگذشت. از جمله آثارش: ترجمه‌ی «واقعات بابری» از ترکی به فارسی؛ «دیوان» شعر؛ وی در احمدآباد کتابخانه بزرگی تاسیس کرد و از هرگونه کتاب در آنجا جمع کرد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آتشکده‌ی آذر (۶۱-۵۹/۱)، از سعدی تا جامی (۳۸۸، ۵۴۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۷۵-۴۷۱/۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۶۲-۳۶۱)، تذکره‌ی شعرای پنجاب (۱۵۹)، تذکره‌ی میخانه (۳۰۴-۳۰۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۶-۵۵)، الذریعه (۳۵۷)، (۲۸۶/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۷۱)، لغت نامه (ذیل/ خان خانان)، مؤلفین کتب چاپی (۸۲۲/۳)، مجمع الفصحا (۵۶/۱)، هفت اقلیم (۴۶۴-۴۶۱/۱).

رحیم پور، مسعود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

خلاصه: دکتر مسعود رحیم پور در سال ۱۳۲۹ در شهرستان اهر بدنیا آمد. ایشان دارای دکتری رشته زبان شناسی کاربردی را از دانشگاه کوئزلند استرالیا در سال ۱۳۷۶ می باشد. وی از سال ۱۳۵۸ بعنوان عضو هیات علمی در گروه زبان انگلیسی دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه تبریز مشغول خدمت شده اند و اکنون هم با رتبه دانشیاری در دانشکده فوق فعالیت می کند.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان شناسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای: مسعود رحیم پور، تحصیلات ابتدایی را در دبستان شیخ شهاب الدین به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال ۱۳۵۰ از دبیرستان همت اخذ کرده‌اند. ایشان مدرک کارشناسی در رشته زبان انگلیسی را از دانشگاه تبریز و کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی را در سال ۱۳۵۷ از دانشگاه اوکلاه‌ماسیتی - امریکا دریافت نموده اند و در سال ۱۳۷۶ مدرک دکتری در رشته زبان شناسی کاربردی را از دانشگاه کوئزلند استرالیا با موفقیت اخذ کرد. عنوان پایان‌نامه: الف - کارشناسی ارشد: A Task

study of the effect of the Linguistic Approach in Teaching English complexity Task Condition and Variation in L ۲ oral Discourse

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سمتهای اجرایی مسعود رحیم پور: قبلی: مدیر گروه زبان انگلیسی - معاون دانشکده - مدیر همکاریهای علمی و بین المللی دانشگاه تبریز مدیر گروه زبان انگلیسی - مشاور استاندار و مدیر همکاریهای بین المللی استانداری آذربایجان شرقی دبیر منتخب کمیته ارتقاء دانشکده - عضو هیات تحریریه مجله دانشکده ادبیات - ویراستار انگلیسی مجله دانشکده علوم انسانی و اجتماعی - عضو سابق شورای تحصیلات تکمیلی دانشگاه - عضو سابق کمیسیون آموزشی دانشگاه - دبیر اولین کنفرانس مشترک بررسی مسایل آموزش زبان تبریز، باکو - ویراستاری ۲ جلد کتاب از انتشارات دانشگاه تبریز

فعالیتهای آموزشی: فعالیتهای آموزشی مسعود رحیم پور به قرار زیر است: الف: تدریس ۱- دوره کارشناسی: تدریس ۲۵ سال ۲- تحصیلات تکمیلی: تدریس ارشد و دکتری ۱۰ سال ب: برگزاری کارگاه‌ها: ۳ فقره کارگاه آموزشی ویژه اساتید دانشگاهها چگونگی عرضه آثار: فعالیتهای پژوهشی: تعداد مقاله‌های ارائه شده در کنفرانسها: ۲۶ مورد تعداد کتابهای تالیف شده: ۲ مورد تعداد پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد: ۲۰ مورد تعداد پایان‌نامه‌های دکتری: ۳ مورد منابع زندگینامه

<http://iranologyfo.com>:**رحیم زاد، صفوی**

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رحیم زاده نویسنده و فاضل ایرانی (ف. ۱۳۳۸ ه.ش. / ۱۳۷۹ ه.ق.). وی در مشهد تولد یافت و تحصیلات ابتدایی خود را در محضر استادان در فنون مختلف در آن شهر شروع کرد. سپس به تهران آمد و وارد جریانات سیاسی شد و ضمناً به تکمیل معلومات خود پرداخت و علاوه بر زبان فرانسوی که در خراسان آموخته بود زبانهای انگلیسی و ترکی را نیز در تهران فراگرفت و تا پایان عمر دست از مطالعه برنداشت و مخصوصاً در تاریخ و جغرافیا به تتبع می‌پرداخت. از آثار اوست: کتابی به نام «جغرافیای اقتصادی ایران» و رمانی به نام «شهربانو».

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

رحیم لو، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رحیم لو

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد رحیم لو در سال ۱۳۳۹ در تهران متولد شدم. در سال ۱۳۵۴ در مدرسه آیت الله مجتهدی تهرانی به طور شبانه مقداری از جامع المقدمات را خواندم. در سال ۱۳۵۹ پس از اخذ دیپلم در رشته ریاضی فیزیک وارد حوزه علمیه قم شدم. دروس سطح را نزد اساتیدی چون مدرس افغانی، کوه کمره ای، اشتهاوردی، اعتمادی و سید رسول تهرانی و مرحوم علی صفایی حائری خواندم و دروس خارج را نزد اساتیدی چون سید جواد تبریزی، سید موسی شبیری زنجانی، سید محمد روحانی، مرحوم علی صفایی حائری و دوره دروس معارف اسلامی را در موسسه امام خمینی گذراندم و در زمینه های فلسفه و کلام شروع به تحقیق کردم.

رحیم، فرزانه

قرن: ۱۳

جنسیت: زن

ملیت: ایران

(۱۳۰۳ - ۱۲۷۳ ق)، مترجم. در سال ۱۲۹۰ ق که ناصرالدین شاه برای نخستین بار به اروپا می‌رفت، حکیم‌الممالک که از همراهان او بود، فرزندش رحیم را برای تحصیل علم در لندن گذاشت، وی پس از پنج سال به ایران بازگشت. به مناسبت ترجمه‌ی کتاب «تاریخ ایران و سلطنت قاجاریه»، ناصرالدین شاه به او لقب فرزانه داد که بعدها این لقب نام‌خانوادگی ایشان شد. وی در جوانی درگذشت. از آثار او: ترجمه‌ی کتاب «تاریخ ایران و سلطنت قاجاریه» تالیف مارخام؛ ترجمه‌ی «سفرنامه دکتر هنری لانسدل» انگلیسی به ترکستان و خیوه و بخارا؛ ترجمه‌ی «نامه‌های متبادله میان ژنرال کوفمان روسی کلرمان ترکستان و امیر شیرعلی خان پادشاه افغانستان (۵۵ نامه)».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: شرح حال رجال (۱۰۰ - ۹۹/۶).

رحیم‌لو، یوسف

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ، دانشکده: علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه: تبریز
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رحیمی ایمانی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رحیمی ایمانی

محل تولد: مسجد سلیمان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۸/۶/۵

زندگینامه علمی

اینجانب محمد رحیمی ایمانی حدوداً در سال ۱۳۵۵ وارد مدرسه آیه الله سید اسد الله نبوی واقع در دزفول شدم از اول جامع المقدمات شروع به خواندن دروسهای حوزوی نمودم. یک سال بعد وارد مدرسه حاج شیخ مصطفی عاملی از اولاد شیخ بهایی معروف شدم در آنجا حجره ای به من دادند. در آنجا سکونت کردم. علاوه بر جامع المقدمات از کتاب معالم نیز خواندم روزها به مدرسه مرحوم آیت الله آقا شیخ محمد علی معزی می رفتم و نزد مرحوم آقا شیخ محمد جواد مدرسین نیز درس می خواندم. به دلیل آنکه در دزفول شهریه وجود نداشت ناچار روزها کار می کردم و شبها درس می خواندم. در سال ۱۳۵۸ با یک دنیا آمال و آرزو وارد حوزه علمیه قم شدم قبل از سال ۱۳۶۳ امتحان رتبه اول دادم بعد از قبولی شهریه امام راحل را اخذ نمودم و تاکنون که

سال ۱۳۸۵ می باشد ادامه تحصیل داده ام. اساتیدی که در حوزه علمیه قم در حضورشان کسب فیض نموده ام: آقای شجاعی، آقای موسوی تبریزی، مرحوم مدرس افغانی، مرحوم وجدانی فخر، آیت الله اشتهاردی، آیت الله گلپایگانی، آیت الله نجفی مرعشی، آیت الله مکارم شیرازی، آیت الله وحید خراسانی، آیت الله جعفر سبحانی، آیت الله آقا شیخ جواد تبریزی، آیت الله آقا سید مهدی مرعشی (معروف به اخوان مرعشی)، آیت الله نوری همدانی و آیت الله آقا شیخ طیبی انصاری هستند. از بسیاری از آقایان اجازه تخمیس و روایتی و بخصوص از آیت الله نوری همدانی درجه علمی و فضل و از آیت الله اخوان مرعشی اجازه اجتهاد متجزی اخذ نموده ام که هر دو در اول کتاب نسیمی از بوستان دوست به چاپ رسیده اند. در این مدت چند مرتبه به زادگاه اصلی خود برای تبلیغ رفته ام. احداث مسجد واقامه نماز جماعت و سخنرانیهای مفصل داشته ام جهت تبلیغ به شهرستانهای متعددی رفته ام که از همه جا بیشتر نیاز مبرم محل زادگاه حقیر به امر تبلیغ و ارشاد دارد، بارها در جبهه حضور یافته ام (با عنوان رزمی - تبلیغی) تا جایی که یکی از فرزندانم در اثر بمباران بعثی ها در دزفول شهادت یافته اند که مقسمین دفتر مقام رهبری کم و بیش از این مسئله اطلاع دارند.

رحیمی وریشتی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیهوشی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی بیهوشی و احیاء از طرف سازمان بهداشت جهانی W.H.O در دانشگاه کپنهاک دانمارک، دوره بیهوشی قلب باز در رویال کالج اف سرجن لندن، بیمارستان بورسی پاریس و دانشگاه اپندرف هامبورگ آلمان.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در سال ۱۳۴۵.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بیهوشی، مطالعه روی اثرات قلبی اپانتول و سوکسینیل کلین در هنگام لوله‌گذاری تراشه، مطالعه روی مقایسه عوارض انستری پری دورال با انواع دیگر بیهوشی عمومی، مطالعه روی استفاده از تزریق خون بیمار مورد بیحسی در فضای پری‌دورال برای جلوگیری از سردرد بعد از بیحسی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۴ پایان نامه دکتر.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

بیهوشی استنشاقی، خارج کردن گاز کربنیک و از دست دادن حرارت، مباحثی از فیزیکی بیهوشی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۸، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۱

زمینه علمی مقالات:

پری‌دورال در اشخاص پیر بین ۷۰ تا ۸۰ سال، ساکرال پری‌دورال انستری در جراحی روی رکتوم، خطرات ناشی از شغل، بررسی آماری اثرات بیهوشی و بیحسی نخاعی ۳۰۰ مورد سزارین در مدت ۲ سال، بررسی عوامل مختلف در بیماران مسموم بستری در بخش مسمومین بیمارستان خورشید، بررسی تأثیر روشهای بیحسی بر میزان سدیم خون، مسمومیت با داروهای ضد صرع و معرفی ۵۴ مورد.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رحیمی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زنان و مامایی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی زنان و مامائی در سال ۱۳۵۵، گذراندن فلوشیپ فوق تخصص نازائی، IVF و اولتراسوند در مامائی و زنان از دانشگاه ملبورن استرالیا از سال ۱۳۶۸ به مدت یک و سال و نیم.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۵۵، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۶۸.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

جراحی بیماریهای زنان و زایمان، نازائی و کونتراسپتو، بستن لوله‌های رحم از طریق لاپاراسکوپ با وسیله فلشی کلیپس و بررسی نتایج و عوارض آن، بررسی و ارزیابی یکصد عمل ماکروسرجری روی لوله‌ها و تخمدانها در جهت درمان ناباروری، ارزیابی نتایج حاصل از درمان یک هزار مورد ضایعات و لوواژن و سرویکس با کمک کولپوسکوپ و لیزر سرجری، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۰ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

بیماریهای زنان و مامائی و نشانه‌شناسی در بیماریهای زنان.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۹، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای زنان، زایمان و نازائی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رحیمی، عباس

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عباس رحیمی

محل تولد: نجف آباد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۶/۷/۱

زندگینامه علمی

عباس رحیمی فرزند غلامعلی متولد ۱۳۲۶ نجف آباد. تحصیلات خود را در حوزه علمیه نجف اشرف و قم تا حد اجتهاد و ده سال درس خارج ادامه دادم و از محضر اساتید بزرگوار، آیات عظام مرحومین حضرات امام خمینی (ره) و سید ابوالقاسم خوئی و سید محمود شاهرودی در نجف اشرف و سید محمد رضا گلپایگانی (ره) و هاشم آملی و آیات عظام مکارم شیرازی و وحید خراسانی در حوزه علمیه قم بهره جستیم.

در طول سال های ۱۳۴۲ تا امروز در جهت حرکت امام (ره) و مردم و در خدمت به انقلاب اسلامی و ترویج و تقویت آن و حضور در جبهه های جنگ تحمیلی و کمک های پشت جبهه و حضور در صحنه های مختلف به طور جدی حضور داشته ام و پیش از انقلاب مدتی در زندان شهربانی قم به علت شرکت در راهپیمایی زندانی بودم.

بیش از ۳۵ سال است که به تدریس علوم اسلامی شامل تفسیر، اخلاق، ادبیات، فقه، اصول، منطق و در حوزه نجف اشرف و قم و شهرستان ها و دانشگاه مشغول هستم و نزدیک به چهل سال است که به تبلیغات اسلامی مشغولم.

پس از انقلاب توقف در قم را صلاح ندانستم و هر جا نیاز بود حضور یافتم از طرف شورای انقلاب به سیستان و بلوچستان و پس از آن به کرمان و پس از آن به امامت جمعه شهرستان دشتستان بوشهر از طرف حضرت امام (ره) منصوب شدم و پس از آن یک دوره (دوره دوم) به مجلس شورای اسلامی راه یافتم و پس از آن به امامت جمعه شهرستان استهبان فارس به مدت هشت سال از طرف حضرت امام (ره) منصوب شدم و اکنون مدت ده سال است که در سمت امام جمعه شهرستان مبارکه مشغول انجام وظیفه هستم که از عمر انقلاب تا کنون در سمت های گوناگون انجام وظیفه می نمایم.

در این مدت بیش از چهل جزوه و مقاله نوشته ام و یازده جلد کتاب مطبوع و ۵ جلد آماده چاپ می باشد.

رحیمی، غلامرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غلامرضا رحیمی

محل تولد: فریدون اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۷/۱۰

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۶۴ فعالیت‌های علمی خودم را آغاز کردم. بعد از آن که از طریق جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در دانشگاه مشغول تدریس شدم، کم‌کم در تدریس موفق شدم، جزوه‌های درس بنویسم. در کنار دانشگاه به مدت ۵ سال در حوزه علمیه جعفریه تهران (پاکدشت) مشغول به تدریس دروس حوزوی شدم در سال ۱۳۷۱ در دانشگاه آزاد اسلامی اراک برای فوق لیسانس قبول شدم و لذا در آنجا هم تدریس می‌کردم، و هم تحصیل بالاخره در سال ۱۳۷۴ با معدل ۱۸.۴۶ فارغ التحصیل شدم و رساله علمی خودم که به نام تقیه در سیره عملی امامان معصوم (ع) بود با نمره ۱۹ دفاع کردم. سپس در دانشکده فنی دکترا شریعتی (تهران) عضو هیئت علمی شدم و هم‌اکنون در پایه ۱۴ مربی هیئت علمی هستم به دنبال هیئت علمی شدن موفق شدم کتب و مقالاتی را بنویسم. الحمدلله زمینه علمی و تحقیقی به خاطر هیئت علمی بودن برایم فراهم است. ان شاءالله کتابهایی که نوشته‌ام به زودی چاپ خواهند شوند. در سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی مشغول به تحصیل شدم. در سال ۱۳۶۱ توانستم پایه ۱۰ را به پایان برسانم و در درس خارج آیات عظام فاضل لنکرانی (ره)، سبحانی، مکارم شرکت کنم. فعلاً هم در درس خارج فقه مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای شرکت می‌کنم. بحث کنونی استاد مکاسب محرمه است. ضمناً در کنار درس حوزه توانستم دیپلم بگیرم و در دانشگاه هم حضور پیدا کنم و مدارک فوق لیسانس در رشته الهیات - فقه و مبانی اسلامی بگیرم. هم‌اکنون از اعضای هیئت علمی دانشکده فنی شریعتی (تهران) می‌باشم و بنا دارم به زودی مدرک سطح چهار را هم از حوزه علمیه قم بگیرم.

رحیمی، فرزانه

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آسیب‌شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رحیمی، منصور

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

منصور رحیمی

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای منصور رحیمی در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی در خانواده ای پاک، متدین، با اخلاص و کاملاً مذهبی دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در شهر مقدس مشهد سپری کرد و در پی تشویق خانواده و اطرافیان و علاقه خود به فراگیری علوم دینی به وارد حوزه علمیه مشهد شد از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار همچون مرحوم آیت الله علی فلسفی، آیت الله صالحی و آیت الله شیخ مصطفی اشرفی بهره ها برد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته تاریخ در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۱ از دانشگاه فردوسی فارغ التحصیل گردید و پایان نامه خود را با عنوان "دیپلماسی پیامبر اکرم (ص)" به اتمام رسانید. ایشان ضمن تدریس به تحقیق و پژوهش مشغول می باشد و در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس و درس و قلم و کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که مقالات "هجرت" و "جهاد" و... از جمله آثار ایشان است

رحیمیان، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین رحیمیان

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسین رحیمیان در سال ۱۳۵۹ مشغول به تحصیل در علوم حوزوی شدم . پس از اتمام مقدمات ، سطوح عالی را در خدمت حضرات آقایان محقق داماد ، آیت الله خزعلی و کفایه را نزد حضرت آیت الله فاضل لنکرانی خواندم . خارج فقه و اصول را خدمت تعدادی از اساتید بزرگ و مراجع بوده ام به خصوص حضرت آیت الله تبریزی که متجاوز از بیست سال در فقه و اصول در خدمت ایشان بود ه ام فلسفه را نیز در خدمت اساتید بزرگوار بویژه حضرت آیت الله مصباح استفاده کرده ام. بجز تقریرات فقه و اصول مقالاتی در مباحث اسلامی مثل تقیه، و یا آزادی در اسلام نوشته ام و علاوه بر تدریس در حوزه و دانشگاه مسئولیت برخی از مراکز علمی و فرهنگی را داشته ام. در دوره اولین شورای نمایندگان مقام معظم رهبری در دانشگاهها مسئولیت نهاد رهبری در دانشگاههای کشور را به مدت سه سال عهده دار بودم.

ایجاد تشکیلات اساسی نهاد مثل تصویب اساسنامه توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی و تاسیس بخش گزینش اساتید معارف

مربوط به آن دوره است مسئولیت دفتر تدوین متون درسی مرکز جهانی علوم اسلامی را نیز مدتی عهده دار بوده ام برخی از کتابهایی که در این دوره تدوین شد بحمد الله امروز در حوزه های داخل و خارج ایران متن درسی طلاب است برخی از آنها با تایید و تقریظ بعضی از فقها و مراجع جایگزین کتابهایی شده است که سالها در حوزه ها تدریس می شده است. همچنین از سوی مدیریت حوزه علمیه قم مسئولیت تاسیس و ایجاد رشته تخصصی تاریخ اسلام را داشته ام که هم اکنون این رشته با تعدادی از طلاب علاقه مند به این رشته به کار خود ادامه میدهد.

رحیمی پور، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد :-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیوشیمی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد بیوشیمی از فرانسه در سال ۱۳۵۸، دکترای سیکل سوم و دکترای دولتی بیوشیمی از فرانسه در سالهای ۱۳۶۰ و ۱۳۶۴.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز.

زمینه های علمی و تحقیقاتی:

بررسی آزمایشگاهی متغیرهای خونی انسان، متابولیسم دارو در انسان، تکمیل تجارب علمی در دانشگاه توکیو، تدریس و تحقیق در دانشگاه Ann Arbor (Michigan) میشیگان، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۰ پایان نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی :-

زمینه علمی تألیفات:

بیوشیمی بالینی در تشخیص و درمان بیماریها.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۳

زمینه علمی مقالات:

بررسی آزمایشگاهی متغیرهای خونی انسان، متابولیسم دارو در انسان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رخشان، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: پاتولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
خلاصه شرح تخصصی:

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی از دانشکده دانشگاه تبریز در سال‌های ۱۳۴۵، دکترای تخصصی پاتولوژی از دانشگاه پیتسبورگ پنسیلوانیای آمریکا در سال ۱۳۵۴.

مرتبه علمی:

مربی و استادیار پاتولوژی دانشگاه پیتسبورگ آمریکا، استادیار پاتولوژی دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۵۵، دانشیار دانشکده پزشکی شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

کشت میوبلاست و بررسی امکان انتقال میوبلاست، بررسی تغییرات CRP در بیماریهای روماتیسمی، بررسی نقش HV-II و HPV در سرطان گردن زهدان، بررسی پارامترهای طبیعی خونی در ایران و شیوع کم‌خونی‌ها، خون‌شناسی، ایمنی‌شناسی، پاتولوژی تشریحی و بالینی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

آسیب‌شناسی تشریحی (پاتولوژی گوش و حلق و بینی) آسیب‌شناسی بالینی، بافت‌شناسی پایه.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۶، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۷

زمینه علمی مقالات:

پاتولوژی جراحی و اتوپسی و گزارش موارد بیماری، بیماری کودکان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

ردایی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین ردایی

محل تولد: تنکابن

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

حاج حسین ردائی فرزند جمال متولد سال ۱۳۴۶ اهل شهرستان چالوس شهر مرزن آباد روستای پردنگون می باشد و در محله نعمت آباد تنکابن متولد شد. ایشان تحصیلات غیر حوزوی را در روستای مربوطه و شهر مرزن آباد گذرانده و در سال ۱۳۶۲ با ورود به مدرسه علمیه شهید بهشتی نوشهر تحصیلات حوزوی خود را آغاز کرد و در همان سال اول طلبگی دروس فرا گرفته را برای برخی از پاسداران و افسران نیروی دریائی تدریس می نمود. در سال ۱۳۶۳ یعنی کمتر از یک سال به دلیل اشتیاق فراوان و لزوم تعمیق معلومات پس از کسب موفقیت در آزمون ورودی تحصیلاتشان را در حوزه علمیه قم ادامه داد و چون حضور در میدانهای دفاع مقدس به فرموده امام راحل (ره) از اهم واجبات بود همزمان با تحصیل به دفعات عازم مناطق عملیاتی شده و علاوه بر ارشاد در عملیاتیهای کربلای ۴، والفجر ۸ و بیت المقدس ۲ در خطوط مقدم عملیاتی حضور داشته و در عملیات والفجر ۸ در منطقه ام القصر از ناحیه دست راست و سر مجروح گردیده که از تاریخ ۱۰/۱۲/۸۴ تا ۹/۱/۶۵ رادر بیمارستان آیه الله کاشانی اصفهان در حال مداوا بودند. و آنگاه برای جبران اوقات حضور در جبهه تمامی ایام سال را به تحصیل می پرداختند. با استفاده از محضر حضرات آیات استادی، قدیری، اعتمادی و پایانی (رحمه الله علیه) توانستند تا سال تحصیلی ۶۸-۶۹ تمامی کتابهای درسی حوزه را با موفقیت به پایان برسانند. ایشان در سال تحصیلی ۶۹-۷۰ همزمان با شرکت در دروس خارج فقه و اصول تدریس را آغاز نموده و هم اکنون بیش از ۱۵ سال است که دروس مقدمات و سطوح مختلف را در مدارس علمیه قم و مدارس مرکز جهانی علوم اسلامی و مدرسه مبارکه فیضیه و دارالشفاء و مانند آن اشتغال دارند. ایشان دروس فقه و اصول را از محضر حضرات آیات عظام، مرحوم صالحی مازندرانی، نوری همدانی، فاضل لنکرانی (ره)، وحید خراسانی و تبریزی (رحمه الله علیه) بهره برده و دروس معقول را از محضر حضرات آیات جوادی آملی، انصاری شیرازی، و بخشی از هیئت را از محضر حضرت آیه الله حسن زاده آملی فرا گرفتند. قابل ذکر است که سالیان متمادی از درس تفسیر و سایر دروس حضرت علامه آیه الله جوادی آملی بهره برده و خود را مرهون فیوضات معظم له میدانند و همچنین علاوه بر تدریس در حوزه علمیه قم و دانشگاه به تحقیق و تالیف نیز اشتغال داشته که از جمله آثار و تالیفات ایشان عبارتند از: ۱. چکیده و حاشیه بر بدایة الحکمه مرحوم علامه طباطبائی، ۲. راهکارهای اصلاحات اجتماعی در حکومت دینی، ۳. تصحیح و ترجمه و حاشیه بر نهج الفصاحه، ۴. رساله فقهی، استنباطی با موضوع خرید و فروش خون با فروع آن. ضمناً به لطف خداوند علاوه بر آنچه ذکر شد توفیق تدریس و تبلیغ در خارج از کشور و دانشگاههای داخل کشور و ارگانهای مختلف به خصوص سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از جمله سوابق تبلیغی ایشان بوده است. امید است با لطف خداوند و همت مردم شریف استان بتوانند در سنگر جلس خبرگان رهبری که تقویت آن موجب تقویت رهبری و استمرار نظام مقدس اسلامی است، خدمتگذاری موفق رادر راستای اهداف انقلاب اسلامی و منویات امام راحل و مقام عظمای ولایت داشته باشند.

رزاقی آذر، مریم

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: غدد اطفال، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی ایران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشکده پزشکی دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۳، دکترای تخصصی اطفال از مرکز طبی کودکان وابسته به دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۸، فوق تخصص غدد اطفال در سال ۱۳۶۹.

مرتبۀ علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده پزشکی دانشگاه ایران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

دیابت، بیماریهای غدد مترشحه داخلی، بیماری کلاژن، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۵ پایان‌نامه دکترای، تخصصی و فوق تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

دیابت و عوارض آن.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای غدد اطفال.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رزاقی، نصرالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نصرالله رزاقی

محل تولد: طالقان

شهرت

تابعیت: ایران

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۲ در طالقان روستای ناریان به دنیا آمدم و تحصیلات ابتدایی را در همان روستا به پایان رساندم و تحصیلات مقطع راهنمایی را در تهران و مقطع دبیرستان را در قم به پایان رسانیدم. در سال ۱۳۶۱ به جبهه‌های جنگ در منطقه کردستان در قالب یک گروه فرهنگی اعزام شدم و حدود ۱۱ ماه در منطقه دیواندره همراه رزمندگان اسلام بودم بعد از اخذ دیپلم در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و مقطع مقدمات را در مدرسه مبارکه رضویه به پایان رسانیدم و سپس دروس بعدی را به صورت آزاد در حوزه علمیه قم آغاز کردم و در دروس اساتید چون محمدی خراسانی، طالقانی، محقق داماد، اعتمادی، طاهری خرم آبادی،

بیگدلی و آیات عظام وحید خراسانی، مکارم شیرازی، جوادی آملی، مرحوم جواد آقا تبریزی و سبحانی شرکت کردم. سپس در موسسه آموزش تخصصی مذاهب اسلامی شرکت کردم و حدود سه سال دروس تخصصی مذاهب اسلامی را در نزد اساتیدی چون نجم الدین طبعی، بهجت پور، غیب غلامی، دکتر خدادادی و... گذراندم و در این مدت تحقیقاتی در رابطه با حیات ابوبکر، انسان و تکنولوژی، معرفت شناسی انجام دادم و هم‌زمان در دانشگاه آزاد و مرکز تربیت مربی و موسسه تخصصی مذاهب اسلامی تدریس داشته و هم‌اکنون نیز تدریس ادامه دارد.

رزمجو، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: چشم پزشکی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۵، دکترای تخصصی چشم پزشکی از دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۸، اخذ مدرک فلوشیپ در رشته ویترورتین.

مرتبه علمی:

استادیار در سال ۱۳۸۵ و دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان از سال ۱۳۶۴.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

سخنرانی در سمینارهای متعدد با ارائه مقاله، انجام بالیزر و آموزش جراحی‌های نادر چشم پزشکی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی :-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی :-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۴، تعداد مقالات به زبان خارجی :-

زمینه علمی مقالات:

مسائل گوناگون پزشکی و چشم پزشکی، علل خونریزی ویتره، ضایعات چشم در اثر استعمال دخانیات، اثر گازهای شیمیایی بر روی چشم، عوارض عروقی رتین در دیابت، عینکهای دو کانونه، علل نابینائی، استفاده از اشعه لیزر در عمل آب مروارید.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رزمجو، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین رزمجو در سال ۱۳۱۱ در مشهد متولد شد. وی پس از اخذ لیسانس و فوق لیسانس ادبیات فارسی از دانشگاه فردوسی مشهد، و مدتی تحصیلات حوزوی و تدریس در دبیرستانهای و مراکز تربیت معلم به تحصیل دوره دکتری در دانشگاه تهران پرداخت. وی پس از فراغت از تحصیل عضو دانشگاه فردوسی مشهد شد. وی سرپرست کمیسیون ملی یونسکو در ایران و برخی از مسئولیتهای اجرایی در دانشگاه فردوسی مشهد را برعهده داشته است. گروه: علوم انسانی رشته: زبان و ادبیات فارسی تحصیلات رسمی و حرفه ای: حسین رزمجو پس از اخذ دیپلم طبیعی در دبیرستان فردوسی مشهد، و لیسانس ادبیات فارسی از دانشگاه فردوسی مشهد ۱۳۳۷ و مدتی تحصیلات حوزوی و اخذ فوق لیسانس ادبیات از همان دانشگاه، وارد دانشگاه تهران شد. وی در سال ۱۳۵۸ از رساله دکتری خود تحت عنوان انسان آرمانی و کامل در ادبیات حماسی و عرفانی فارسی دفاع کرد. خاطرات و وقایع تحصیل: تحصیل در دوره دکتری در دانشگاه تهران و اخذ مدرک دکتری ادبیات فارسی از آنجا از مقاطع مهم زندگی علمی حسین رزمجو بوده است. فعالیتهای ضمن تحصیل: حسین رزمجو پس از اخذ مدارک لیسانس و فوق لیسانس ادبیات فارسی به تدریس در دبیرستانها و مراکز تربیت معلم در مشهد پرداخت. وی در عین حال به تحصیل علوم حوزوی نیز می پرداخت. استادان و مربیان: دکتر شهیدی، دکتر محقق، دکتر زرین کوب، دکتر نائل خانلری، استاد ایرج افشار و دکتر اسلامی ندوشن از استادان حسین رزمجو در دانشگاه تهران بوده اند. وقایع میانسالی: حسین رزمجو پس از اخذ مدرک دکتری زبان و ادبیات فارسی در سال ۱۳۵۸، عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد شد. و ضمن تصدی برخی مسئولیتهای اجرایی در آنجا به تحقیق و تالیف نیز می پرداخت. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: حسین رزمجو پس از اخذ مدرک لیسانس ادبیات فارسی از دانشگاه فردوسی مشهد، به عنوان معلم و سپس استاد مراکز تربیت معلم، به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمد. از سال ۱۳۶۰ وی پس از اخذ مدرک دکتری به استخدام دانشگاه فردوسی مشهد درآمد و علاوه بر مسئولیتهای اجرایی در آن دانشگاه از جمله ریاست کتابخانه و نیز دانشکده علوم انسانی، سرپرستی کمیسیون ملی یونسکو در ایران را نیز برعهده داشته است. فعالیتهای آموزشی: حسین رزمجو از سال ۱۳۲۷ به تدریس در دبیرستانهای مشهد و مراکز تربیت معلم و از سال ۱۳۶۰ به تدریس در دانشگاه فردوسی مشهد مشغول بوده است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: حسین رزمجو علاوه بر تدریس و رسیدگی به امور اجرایی به تحقیق، مطالعه و تالیف کتبی در زمینه ادبیات فارسی می پردازد. آرا و گرایشهای خاص: حسین رزمجو با توجه به تحصیلات حوزوی خود، ادبیات فارسی را با معیار اخلاق و تربیت اسلامی می سنجد و نیز تردکتری خود را در همین زمینه نگاشته است. چگونگی عرضه آثار: حسین رزمجو بسیاری از کتب خود را در انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد به چاپ رسانیده است.

آثار: ۱ ابو حامد محمد غزالی ۲ استاد و فرزند برومند او ۳ انسان آرمانی و کامل در ادبیات حماسی و عرفانی فارسی ویژگی اثر: این اثر رساله دکتری دکتر رزمجو که در سال ۱۳۵۸ در دانشگاه تهران آنرا تدوین نمود. ۴ انسان صالح در تربیت اسلامی، انواع ادبی و آثار در زبان فارسی ۵ برگزیده نثر فارسی ۶ ذکر جمیل سعدی ۷ روزها و رمزها و رازها و ... ۸ روش نویسندگان بزرگ معاصر ۹ زین آتش نهفته ۱۰ شعر کهن فارسی در ترازوی نقد اخلاق اسلامی ۱۱ شیخ اجل سعدی شیرازی

رزمخواه، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد رزمخواه

محل تولد: نیشابور

شهرت

تابعیت: ایران

زندگینامه علمی

آقای احمد رزمخواه در سال ۱۳۴۵ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین و مذهبی در شهرستان نیشابور دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد، برای ادامه تحصیل در آزمون دانشگاه علوم اسلامی رضوی شرکت کرد. پس از پذیرش در رشته فلسفه و کلام در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۲ فارغ التحصیل شد. نامبرده ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) در طی دوران تحصیل رسائل و مکاسب را نزد آیت الله مروی، کفایه و خارج اصول را نزد آیت الله رضا زاده و مرحوم آیت الله فلسفی و خارج فقه را نزد آیت الله مرتضوی آموخت. استاد رزمخواه پس از اتمام تحصیلات بر کرسی تدریس تکیه زد و در این مدت طلاب بسیاری در حوزه علمیه مشهد و دانشجویان بی شماری در دانشگاه های مشهد از محضر این استاد بزرگ بهره های فراوان علمی برده اند که حاصل این زحمات پرورش استعدادهای فراوان در زمینه علوم اسلامی می باشد.

رسا، قاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۶ - ۱۲۸۸/۱۲۹۰ ش)، پزشک و شاعر، متخلص به رسا. وی در مشهد متولد شد. تحصیلات خود را تا اخذ دکترای طب در دانشگاه تهران ادامه داد و در این رشته به دریافت نشان درجه اول علمی نایل گشت. او پزشکی حاذق و شاعری با استعداد بود و طبعی رسا داشت و ملک الشعراء آستان قدس رضوی و رییس بیمارستانی در مشهد بود. «دیوان» شعرش حدود شش هزار بیت، به چاپ رسیده است و اثر دیگر او: «مرآئی و مناقب اباعبدالله الحسین»، به نظم، چاپ مشهد.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: صد سال شعر خراسان (۲۶۶-۲۶۳)، فرهنگ سخنوران (۳۷۳)، مؤلفین کتب چاپی (۸۹۵-۸۹۴/۴).

رسایی، حمید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حمید رسایی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۷/۱

زندگینامه علمی

حمید رسایی در اولین روز مرداد ماه سال ۱۳۴۷ در یکی از محله‌های جنوب تهران بدنیا آمد. دوره دبستان و متوسطه را در خیابان ایران که یکی از محلات مذهبی تهران بود به پایان رساند و وارد هنرستان شد. رفت و آمدها در پایگاه بسیج او را به جبهه‌های جنگ تحمیلی کشاند. همنشینی با دوست طلبه‌ای در آن دانشگاه انسان‌سازی، پس از مدتی او را در کلاس درس سال اول حوزه قم نشانده. مهر ماه سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شد اما به دلیل مشارکت در دفاع مقدس، درس را به طور جدی از سال ۱۳۶۷ آغاز کرد. دروس مقدمات حوزه را در مدرسه کرمانیها و نزد اساتید محترم حجج اسلام عالی، موسی گرگانی و ... آغاز کرد و سپس دروس فقه و اصول را در مدرسه معصومیه ادامه داد. دوره سطح را نزد اساتید معظم آیت الله استادی، سید احمد خاتمی، موسوی تهرانی، مسعودی و محمدی به پایان رساند. با آغاز دوره درس خارج از آیات عظام مکارم شیرازی، تبریزی، فاضل لنکرانی و علیدوست بهره برد. در همین ایام با تدریس دروس دوره مقدمات در مدرسه کرمانیها به تکمیل اندوخته‌های خود پرداخت. در طول این مدت با استفاده از فرصت تابستان و تعطیلی دروس حوزه به تعلیم زبان عربی همت گماشت و در کنار تحصیل و تدریس، در ایام تبلیغی به شهرها و مناطق مختلف کشور هجرت کرد. به دلیل آشنایی با زبان عربی به مدت دو سال برای تدریس از طرف سازمان مدارس و حوزه‌های خارج از کشور در قاره آفریقا و کشور اوگاندا حضور داشت. از سال ۱۳۷۱ با حضور در کنار محققین موسوعه میزان الحکمه با کار علمی در مورد حدیث آشنا شد که این همکاری تا کنون نیز ادامه داشته است. در طول این مدت به عنوان کمک محقق، محقق، مدیر ویرایش و نشر مرکز سیاسی - اجتماعی خود را وسعت داد و از سال ۱۳۸۰ دفتر جریان‌شناسی تاریخ معاصر را بنیان نهاد. این دفتر تا کنون بیش از ۱۶ عنوان تحقیق در موضوعات مختلف مهم سیاسی - فرهنگی منتشر کرده است. اولین تالیف خود را در سال ۱۳۷۴ توسط انتشارات دفتر تبلیغات به چاپ رساند و تا کنون ۱۵ عنوان کتاب از وی به چاپ رسیده است که اکثر آنها چندین بار به چاپ رسیده است.

رسانیان، نیر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۱۳۵۱، دکترای تخصصی فیزیولوژی از دانشگاه ایلینویز آمریکا با احراز رتبه اول در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بیماری کالا-آزار و بررسی چند مورد در کودکان، ATP و DPG_{۲.۳} در گلبولهای قرمز انسان، میزان فشار خون، پراکندگی

بیماریهای قلبی و ازدیاد فشار خون و اندازه ضخامت چربی پوست کودکان، بررسی تأثیر NET بر درد و مدت زایمان، بررسی اثر طب سوزنی در درمان آسم، بررسی انواع سرگیجه و نتایج درمانی آن، بررسی تأثیر حرکت با شتاب زاویه‌ای در درمان بیماران مبتلا به سرگیجه، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه دکترای پزشکی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی :-

زمینه علمی تألیفات:

فیزیولوژی کلیه در سلامتی و بیماری فیزیولوژی سلول، کلیات فیزیولوژی اعصاب.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

بیماری کالآزار در ایران، ATP و DPG_{۲.۳} در گلبولهای قرمز انسان، اهمیت آب و نقش‌های مختلف آن در بدن، عوامل فیزیکی تحریک کننده گیرنده‌های دستگاه و سستیولر، تأثیر فنوفورزیس ویتامین C بر میزان الیاف کلاژن. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رستگار فر، عطاءالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عطاءالله رستگارفرد

محل تولد: خوانسار

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱۰/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه قم شدم و در سال ۱۳۷۱ کانون مهر قرآن کریم را در شهرستان خوانسار را افتتاح کرده و حدود دو سال و اندی مسئولیت افراد را به عهده گرفتم. در این مدت حدود ۱۲۰۰ نفر قرآن پژوه را در سطح شهرستان و روستاهای اطراف تحت پوشش قرار داده که حاصل آن پرورش حافظان قرآن از یک جزء تا ۲۰ جزء بود که این روند ادامه یافت.

بعد از آن علاوه بر ادامه بر دروس حوزوی در مقطع سطح و درس خارج، به همکاری با دفتر فرهنگ و معارف قرآن وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی به عنوان محقق در بخش پاسخ به پرسش‌های قرآنی مشغول شده و حدود ده سال نیز در آن مرکز فعالیت داشتم و در همان زمان نیز به تدریس دروس عمومی (معارف اسلامی) در دانشگاه مشغول شدم، در سال ۱۳۸۲ در رشته تخصصی کلام جدید در سطح کارشناسی ارشد در موسسه نشر آثار امام خمینی (ره) مشغول شدم و این دوره را نیز به پایان رسانده و بعد از آن در مرکز تخصصی مهدویت مشغول گردیدم که هم‌اکنون نیز در این مرکز مشغول می‌باشم.

از سال ۱۳۷۰ در زمینه امر تبلیغ به فعالیت پرداخته و تاکنون مرتباً و هر ساله در مناسبت‌های مختلف از جمله ماه مبارک رمضان، محرم و صفر به مناطق مختلف و استان‌های متعددی در کشور سفر کرده و انجام وظیفه نمودم که به نظر خودم در این زمینه هم موفق و در حد مطلوبی به این امر خطیر مبادرت نمودم.

رستگار، اصغر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اصغر رستگار در سال ۱۳۲۸ ش. در تهران پا به عرصه هستی گذاشت. وی یکی از مترجمان معاصر است او در طول تحصیلات دانشگاهی به فعالیتهای هنری و ادبی در زمینه های تئاتر، بازیگری، کارگردانی و نویسندگی می پرداخت ترجمه را از دوران تحصیل در دانشگاه شروع کرد. وی در حال حاضر مقیم اصفهان و عضو شورای دبیران فصلنامه زنده رود می باشد. کتاب "جنایت و مکافات" ترجمه اصغر رستگار، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: ترجمه

تحصیلات رسمی و حرفه ای: اصغر رستگار تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در تهران گذراند. ایشان در سال ۱۳۵۳ در رشته ریاضی از دانشگاه فردوسی مشهد فارغ التحصیل شد.

خاطرات و وقایع تحصیل: اصغر رستگار در آستان؟ فارغ التحصیلی از دانشگاه، در تیر ۱۳۵۰ توسط ساواک بازداشت شد و به ۳ سال حبس محکوم گردید. در فاصله سالهای ۵۳-۱۳۵۰ در زندان چند کتاب ترجمه و آماده چاپ نمود که به غیر از یک کتاب (سیستم و روشهای هنر خلاق) بقیه توسط ساواک ضبط شد. همچنین حرفهای داستان بلند «آبادیهای ویران» که در دست چاپ بود اجاز؟ انتشار نیافت و تلاش مترجم برای پس گرفتن آنها و سایر کتب به جایی نرسید.

فعالیتهای ضمن تحصیل: اصغر رستگار در طول تحصیلات دانشگاهی به فعالیتهای هنری و ادبی در زمینه های تئاتر، بازیگری، کارگردانی و نویسندگی می پرداخت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: رستگار در حال حاضر مقیم اصفهان و عضو شورای دبیران فصلنامه زنده رود می باشد.

جوایز و نشانها: کتاب "جنایت و مکافات" ترجمه اصغر رستگار، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

آثار:

۱ آتشی که نگرفت، داستان بلند، جک لندن

ویژگی اثر: ترجمه

۲ آفرینندگان جهان نو

ویژگی اثر: ترجمه، مجموعه مقالات درباره زندگی و تحلیل آثار ۹۳ اندیشمند معاصر، با همکاری گروهی از مترجمان

۳ از عشق و سایه ها، رمان، ایزابل آلدن

ویژگی اثر: ترجمه

۴ باد در بیداران، رمان نوجوانان، کنت گراهام

ویژگی اثر: ترجمه

۵ تئوری بنیادی هنر تئاتر

ویژگی اثر: ترجمه، کنستانتین استانیسلاوسکی و تعداد زیادی نمایشنامه از این مترجم محترم آثار دیگری در دست چاپ می باشد.

۶ جنایت و مکافات

ویژگی اثر: ترجمه، این کتاب، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: «جنایت و مکافات» جنایت و مکافات/ فیودور میخائیلوویچ داستایوسکی؛ ترجمه اصغر رستگار. - اصفهان: نشر فردا، ۱۳۷۹. اثر حاضر ترجمه یکی از رمانهای بزرگ نویسند «بلندآواز» روس است. داستایوسکی در شمار آن نویسندگانی است که خواندن آثارش برای هر نسل ضروری است. جنایت و مکافات در آغاز رمان تباهی اخلاقی به نظر می آید، ولی این تباهی در عمق خود روشنایی می یابد که آن را جبران می کند. در هم شخصیت‌های این داستان پیشرفت پوسیدگی در نیک نهادی انسان را مشاهده می کنیم، و با این همه، در لحظه ای که به نظر می آید همه گونه نور امیدی در وحشت و اشمئزاز به خاموشی می گراید، ناگهان جرقه ای دوباره جستن می کند. انسان که همانند حیوان درنده ای شده است، ناگهان سرشت فرشته ای خود را باز می یابد. ناتورالیسم مخصوصاً دقت این رمان را در تحلیل روانی به ستایش گرفت. البته داستایوسکی در نوشتن این رمان فارغ از تأثیرات ناتورالیستی نبوده است، ولی او در این رمان مسئله ای را پیش کشیده بود که نویسندگان روس از اندک زمانی پیش به مطالعه آن دست برده و آن را از سنت اروپایی اقتباس کرده بودند، و آن مسأل «جاودانه ای بود که در نظری «اومانیستی انسان را در برابر نظری «صرفاً مذهبی انسان قرار می داد. اگر تولستوی این تقابل دو اندیشه را از درون به حوز «جهان هستی برون می افکند، و در آنجا تقابل، در عالم نظر، محلی برای فروکش کردن می یابد، داستایوسکی، به عکس، آن را به روح آدمی می برد و در دام درونی فرد مجزا و محصور می کند؛ و در آنجاست که تقابل با شدت تب آلودی به جوش و خروش در می آید. جنایت و مکافات رمانی است که در آن شخصیتها به گونه ای اند که در اطراف آنها جایی برای هیچ چیز دیگر وجود ندارد. هرازگاهی، گوش «کوچه ای، اضطراب درونی، و توصیف جزئی دهکده ای، در جهانی که هم «آن از اندیشه و احساس تشکیل یافته است، طرح وار ترسیم شده است. شاید هیچ گاه باطن پنهان انسان، آن گونه که در این اثر می بینیم، به خلوتی چنین کامل و چنین نومیدانه دست نیافته باشد. ولی اگر در دو کران «این خلوت، هم یک آرمان قدرت مطلق و هم یک آرمان عشق مطلق وجود دارد. این دو هدف بیرون از انسان است. مترجم محترم ضمن وفاداری به اصل متن، ترجمه ای رسا و سلیس و زیبا و درخور این اثر بزرگ فراهم آورده است. استفاده از زبان محاور «متناسب با فضای داستان و کاربرد اصطلاحات عامیانه، و تفاوت نمایان آن با بقی «متن از امتیازات ترجمه حاضر است. تلاش مترجم در انتقال مضامین کتاب به زبان فارسی با معانی روشن و دلنشین ستودنی است.

منابع:

www.ketabesal.ir

رستگار، یعسوب‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابومحمد یعسوب‌الدین فرزند حاج میرزا احمد فرزند محمدصادق فرزند محمد مشهور به رستگار از افاضل دانشمندان و اکابر مفسرین معاصر حوزه علمیه قم می‌باشند.

ایشان اصلاً اهل کلا (کوزه‌گر) محله از محلات شهرستان جویبار مازندران می‌باشند که در سال ۱۳۱۹ شمسی متولد شده و پس از تحصیل کلاس ششم ابتدائی و کتابت یک جلد کلام‌الله مجید با ترجمه با خط خود جهت تحصیل علوم دینیہ عازم مشهد مقدس شده و ادبیات را از محضر استاد کل ادیب نیشابوری و تمام دروس سطح را با تدریس در مدت پنجسال در مدرسه خیرات خان و استفاده تفسیر و روایت و اخلاق از زاهد زمان آیت‌الله حاج میرزا حبیب‌الله گلپایگانی و شرکت درس خارج آیت‌الله العظمی میلانی قدس‌الله سرهما عزیمت به قم نموده و از محضر آیات عظام قم بالاخص مرحوم شریعتمداری تبریزی و آیت‌الله العظمی گلپایگانی و مرحوم آیت‌الله محقق داماد یزدی و آیت‌الله حاج میرزا هاشم آملی تا سال ۱۳۵۵ شمسی استفاده نموده و در تمام دوران تحصیلات سطح و خارج و تعطیلات تابستانی و اعیاد و وفیات و تعطیلی‌های دیگر به کار نوشتن تفسیر وزین و جامع البصائر و کتب دیگر که یادآور می‌شوم اشتغال داشته است پس تفسیر را در چهل جلد مسوده و به صورت شصت جلد مییضه درآورده که در سال ۱۳۵۶ شمسی شروع به طبع آن نموده و تا سال ۱۳۶۴ شمسی بیست و یک جلد آن به طبع رسیده است. و چند سالی به علل عدم امکانات ادامه طبع آن متوقف ولی در سال ۱۳۶۹ شمسی جلد پنجاه و هشتم آن نیز از طبع خارج و به طبع مجلدات دیگر اشتغال دارند و انشاءالله به زودی تمام آن به طبع خواهد رسید.

آثار علمی مفسر بزرگوار آقای رستگار

۱- تفسیر البصائر

۲- مفتاح البصائر

۳- تبصره البصائر

۴- حماسه‌ای از تفسیر البصائر

۵- جبل‌المتین من فقه آل یاسین

۶- خلاصه الاصول

۷- تبویب عناوین نهج‌البلاغه

۸- روحانیت و روحانی

۹- اصول پنجگانه دین مبین اسلام

۱۰- فروع ده‌گانه دین مبین اسلام

۱۱- ابوالفضل العباس حامی ولایت و مظهر شهادت و استقامت

۱۲- خاطرات هزار و یکصد و شصت روزه

۱۳- مازندران پس از طوفان نوح تاکنون

آقای رستگار دانشمندی غیور و ولایتی و دارای محاسن اخلاق و محامد آداب و گذشته از آثار علمی دارای فرزندان فاضل و

برومندیست که در حوزه علمیه به تحصیل دروس استدلالی فقه و اصول و تدریس متون و سطوح متوسط و عالی اشتغال دارند و از فضلاء جوانان حوزه محسوب و انشاءالله در آینده نزدیک مانند والدشان از علماء خدوم بدین و ملت خواهند بود. روزهای جمعه دوره سال را به یاد ولی الله اعظم حضرت بقیه الله عجل الله فرجه الشریف در منزلشان مجلس باشکوهی که مجتمع افاضل حوزه علمیه قم می‌باشد برقرار است.

نگارنده گوید: تفسیر وزین البصائر معظم له را مطالعه کرده‌ام انصافاً زحمات بسیاری را متحمل شده و به اعتقاد قاصر تفسیری جامع تر از آن نوشته نشده زیرا انسان را از بسیاری از تفاسیر عامه و خاصه (سنی و شیعه) مستغنی و بی‌نیاز می‌دارد جزاه الله عن الاسلام والقرآن و عدیله خیر الجزاء و افضل الجزاء و اکثر الجزاء. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

رستگار فسایی، منصور

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۷، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه شیراز، کارشناسی ارشد و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران.
مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه شیراز در سال ۱۳۴۹، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه شیراز در سال ۱۳۶۶.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس: شاهنامه فردوسی، متون نظم و نثر فارسی، نقد ادبی و سبک‌شناسی و منظومه‌های غنائی و حماسی. طرح معنی‌شناسی شعر حافظ، طرح دگرگونی آموزش زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌های ایران، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۸ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

شاهنامه فردوسی، تاریخ و فرهنگ فارس، شعر فارسی، کتاب فارسنامه نصری به تصحیح و تحشیه استاد که به عنوان کتاب سال ۱۳۶۷ انتخاب شده است، کتاب ۲۱ گفتار درباره شاهنامه و فردوسی که به دریافت لوح تقدیر بهترین کتاب سال ۱۳۷۱ نائل گردیده است.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

فردوسی و شاهنامه، اساطیر ایران، شعر و شاعران ایران، تاریخ و فرهنگ و ادب فارسی، مسائل دانشگاهی و آموزش پیش از دانشگاهی در زمینه‌های زبان و ادبیات فارسی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رستم نژاد، غضنفر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غضنفر رستم نژاد

محل تولد: قائم شهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۹/۲۱

زندگینامه علمی

اینجانب غضنفر (مهدی) رستم نژاد در یک روز پاییزی (۲۴، آذر ۱۳۴۱) در یک خانواده مذهبی دیده به جهان گشودم. برکاتی که از الطاف الهی نصیب شده است همه از شیر طیب و دامان پاک مادر بزرگوار و روزی حلال و اخلاص پدر گرامی‌ام بوده است. در سال ۱۳۵۳ پس از اتمام کلاس پنجم ابتدایی وارد حوزه علمیه رستمکلا از توابع بهشهر مازندران شدم. آن حوزه که به ریاست و تدبیر حضرت آیه‌الله حاج شیخ ابوالحسن ابازی -رضوان الله تعالی علیه- اداره می‌شد گرم‌ترین حوزه علمیه در خطه روحانی پرور شمال بوده است. از لحظه ورود به آن حوزه (۸/۸/۱۳۵۳) تا هفت سال تمام با شوق وافر و علاقه کامل به خواندن دوره‌ی ادبیات و قسمتی از سطح (تا مبعث استصحاب رسائل) اشتغال داشتم.

پس از آن در تاریخ ۱۱/۷/۱۳۶۱، وارد حوزه علمیه قم شدم و از محضر انور آیات معظم، جناب حاج شیخ مصطفی اعتمادی در رسائل، جناب حاج شیخ احمد پایانی (رحمة الله علیه) در مکاسب (بیع)، جناب حاج شیخ محمدتقی ستوده (رحمة الله علیه) در رسائل و مکاسب (خيارات) و کفایه استفاده کردم. و از تاریخ ۲۲/۷/۱۳۶۴ در محضر حضرت آیه‌الله حاج شیخ ناصر مکارم شیرازی (دامت برکاته) به مدت شش سال تمام یک دوره خارج اصول را گذراندم و در کنار آن در درس خارج فقه (کتاب خمس، صلاة المسافر و کتاب البیع) نیز اشتغال داشتم و همچنین در درس خارج فقه حضرات آیات جوادی آملی، وحید خراسانی و هاشمی شاهرودی (دامت برکاتهم) جمعاً به مدت ۱۰ سال اشتغال داشتم. به موازات این درس، کتب فلسفه از منظومه سبزواری و بدایة الحکمه و نهایت الحکمه و اسفار را نزد بزرگوارانی چون حضرات آیات جناب آقای انصاری شیرازی، مصباح یزدی و جوادی آملی (دامت برکاتهم) گذراندم.

کنار تحصیل علوم حوزوی، از گذراندن درس دولتی غافل نبوده و در سال ۱۳۷۵ به صورت متفرقه موفق به اخذ مدرک دیپلم در رشته ادبیات شدم. در سال ۱۳۷۰ در اولین دوره رشته تخصصی تفسیر قرآن شرکت کردم و چهار سال در این رشته در محضر اساتید تفسیر چون حضرات آیات حاج شیخ ناصر مکارم شیرازی، جناب حاج شیخ علی خزعلی، جناب حاج شیخ محمد هادی معرفت، جناب حاج شیخ علی احمدی میانجی (ره)، جناب حاج شیخ شب زنده‌دار، جناب حاج شیخ طاهر شمس (ره) و جناب حاج شیخ محقق داماد، بهره‌های فراوان بردم. علاوه بر این سال‌ها در محضر تفسیر حضرت آیه‌الله جوادی آملی شرکت کردم. پس از پایان

دوره با تدوین رساله‌ای با عنوان «التوسل فی الكتاب و السنّة» به عربی در ۲۲۰ صفحه (در تاریخ ۲۷/۷/۱۳۸۱) موفق به اخذ مدرک سطح چهار حوزه شدم.

رستم‌داری، محمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم و یازدهم ق)، حکیم، عالم و شاعر. از علمای شهر رستم‌دار مازندران است. وی در حکمت و منطق مهارت داشت و سالها در مشهد تدریس می‌کرد. عمده شهرتش در زمان شاه طهماسب صفوی (۹۸۴-۹۳۰ ق) بود. از او رساله‌ای به نام «رساله فی الاجزاء المحموله علی الماهیه» باقی مانده که آن را به شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶ ق) هدیه کرده است. نسخه‌ای از این رساله به خط سید حسین بن حیدر کرکی، که در ۱۰۱۰ ق کتابت شده، موجود می‌باشد. همچنین اشعاری نیز از وی در تذکره‌ها نقل شده است. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۶۵۸)، الذریعه (۱۱/۳۱)، صبح گلشن (۳۸۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۱۸-۵۱۷/۱۱)، فرهنگ سخنوران (۸۱۴-۸۱۳)، هفت اقلیم (۳/۱۳۳).

رستمی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: فیزیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی در سال ۱۳۴۸، تخصص در رشته فیزیولوژی در سال ۱۳۵۲، فوق تخصص فیزیولوژی قلب و عرق و تنفس از دانشگاه کلرادو آمریکا.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده پزشکی علوم پزشکی اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام طرحهائی در زمینه‌های تشخیص دردهای قفسه صدری، قلب، گردش خون، تنفس، هورمون، کلیه، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه دکترا.

ابداع:

ارائه ساخت یک مدل گردش خون برای آموزش دینامیک در دوره‌های آزمایشگاهی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی :-

زمینه علمی تألیفات:

قلب، گردش خون، تنفس، الکتروکاردیوگرافی، فیزیولوژی عمومی پزشکی و فیزیولوژی غدد، متابولیسم، کلیه.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۷

زمینه علمی مقالات:

پزشکی و فیزیولوژی در زمینه‌های انفارکتوس میوکارد تجربی در سگ و خرگوش، انفارکتوس میوکارد در انسان با در نظر گرفتن ریسک فاکتورهای مختلف.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رستمی، منصور

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

منصور رستمی

محل تولد: اسلام آبادغرب

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای منصور رستمی در سال ۱۳۴۵ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان کرمانشاه دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه کرمانشاه گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره‌ها برد. از سوی دیگر به شوق زیارت و هم‌جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیه رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۴ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل حوزوی در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله جوادی آملی، آیت الله صالحی مازندرانی، آیت الله اعتمادی، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فلسفه و کلام اسلامی در مقطع کارشناسی

ارشد در سال ۱۳۸۶ از دانشگاه رازی کرمانشاه فارغ التحصیل گردید. و با موفقیت از پایان نامه خویش دفاع کرد

استاد پس از مدتها تحصیل برای تدریس عازم دانشگاه قشم گردید. وی در طول حیات علمی خود نگارش و پژوهش پرداخته است و آثاری از قبیل "باقیات و صالحات" و "فلسفه نهضت امام حسین علیه السلام" را به رشته تحریر در آورده است.

رستمیان، محمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد علی رستمیان

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۶/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد علی رستمیان در سال ۱۳۴۴ در یک خانواده مذهبی به دنیا آمدم. همزمان با شروع قیام مردم در سال‌های قبل از انقلاب با اینکه نوجوان بودم در راه‌پیمایی‌ها و فعالیت‌های بر ضد رژیم شاهنشاهی، از جمله تعطیلی کلاس‌های درس، شرکت می‌کردم. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در فعالیت‌های بسیج مدارس و مسجد، و راهپیمایی‌ها، در راستای پاسداری از انقلاب شرکت می‌کردم. در همین ایام، در کنار کارهای بسیج و به خاطر حضور بعضی از روحانیون محل در بسیج، در کنار درس‌های دبیرستان به درس‌های حوزوی نیز مشغول شدم و بعد از دیپلم به طور رسمی وارد حوزه علمیه اصفهان شدم. با توجه به حضور در بسیج توفیق داشتم که مدتی را در کنار رزمندگان اسلام در جبهه‌های نبرد شرکت کنم. در سال ۱۳۶۶ به قم آمدم و به ادامه تحصیل پرداختم و تا سطوح عالی حوزه را خواندم و به مدت ده سال نیز در درس خارج شرکت کردم. علاقه به فلسفه و بحث‌های کلامی موجب شد که در این مدت در کنار فقه و اصول، در درس‌های فلسفه نیز شرکت و به مطالعه کتاب‌های فلسفی و کلامی نیز پردازم. با توجه به احساس نیازهای دانشگاهی جهت تدریس برای دانشجویان و آگاهی از روش‌های نوین تعلیم و تربیت، در سال ۱۳۷۰ در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم به تحصیل مشغول شدم و بعد از فارغ التحصیلی در مراکز مختلف حوزوی و دانشگاهی به تدریس اشتغال داشتم. همزمان برای اینکه علوم فراگرفته را در زمینه کاربردی نیز استفاده نمایم با مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی در کار تدوین نرم‌افزارهای علوم اسلامی در رشته فلسفه و کلام همکاری داشته و چند سالی نیز مسوولیت بخش علوم عقلی را بر عهده داشتم. با توجه به علاقه‌ای که به شناخت آرا و نظرات دیگران داشتم، با توجه به شکل‌گیری مرکز مطالعات ادیان و مذاهب در حوزه علمیه قم، از سال ۱۳۷۵ با این مرکز در راه شناخت ادیان و مذاهب مختلف همکاری داشته‌ام و اکنون نیز که چند سالی است که دانشگاه ادیان و مذاهب تشکیل شده است، با این دانشگاه همکاری دارم. با توجه به نیازهای علمی و کاری، دوره دکترای در رشته کلام با گرایش فلسفه دین در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم گذراندم، که اینک در آستانه دفاع از پایان‌نامه دکترای هستم. در طول سالیان گذشته در کنار درس، به کار تبلیغ دینی در میان مردم و رزمندگان نیز اشتغال داشته‌ام. همچنین در هر جا که احساس کردم که حضور من برای انقلاب و جامعه موثر است، سعی کردم که در آنجا حضور جدی داشته باشم.

رسولی محلاتی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین بن السید عباس محلاتی از علماء و فضلاء حوزه علمیه قم بوده‌اند.

وی در محلات که در ۱۸ فرسخی قم است متولد شده و پس از خواندن مقدمات به قم مهاجرت و از محضر مرحوم آقا شیخ محمد گلپایگانی و آیت‌الله حاج میرزا ابوالفضل زاهدی قمی سطوح را فرا گرفته و چندی از محضر مرحوم آیت‌الله حایری یزدی و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده و آنگاه بنا بر دعوت مردم امامزاده قاسم شمیران و امریه حضرت آیت‌الله بروجردی عزیمت به آنجا و بوظایف دینی پرداخته تا در ۲۵ جمادی‌الثانی سال ۱۳۸۶ قمری که در سن ۵۹ سالگی بدرود حیات گفته و فرزند صالح و دانشمندی چون مترجم معظم را بجای گذارده که تا هم اکنون در مسجد آن محل بجای مرحوم والدش به اقامه جماعت و وظائف دیگر اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

رسولی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج میرزا حسن رسولی گاوگانی فرزند مرحوم یوسف از دانشمندان باتقوا و فضیلت آذرشهر است در سال ۱۳۹۲ خورشیدی در قصبه گاوگان از توابع آذرشهر متولد شده و در آنجا نشو و نما یافته و تحصیل مقدمات فارسی و صرف و نحو را انجام داده و از سن چهارده سالگی در شهرستان تبریز در مدرسه صادقیه نزد دانشمندان، فقه و اصول و منطق و سایر علوم متنوع را تحصیل نموده و از طریق فرهنگ نائل باخذ مدرک لیسانس دانشکده معقول و منقول گردیده است.

در سال ۱۳۱۶ شمسی بقم مشرف و از بزرگان اساتید حوزه چون حضرت آیه‌الله العظمی نجفی مرعشی و مرحوم آیه‌الله خمینی و آیه‌الله العظمی حجت و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله صدر و آیت‌الله فیض و سایر علماء حکمت و فلسفه علوم عقلی و نقلی را تکمیل نموده و در سال ۱۳۱۷ تصدیق مدرسی گرفته و در دروس خارج آیات مذکور شرکت کرده تا بمدارج عالی علم و کمال و دریافت اجازات کامل از آیات عظام نجف چون آیه‌الله العظمی خوئی و آیه‌الله آقا سید عبدالهادی شیرازی و آیه‌الله اصطهباناتی و هم از آیات عظام قم آیه‌الله حجت و آیه‌الله نجفی مرعشی و آیه‌الله خونساری و آیه‌الله صدر و آیه‌الله میلانی و غیر هم نموده است.

در سال ۱۳۲۵ شمسی بنابر تقاضای اهالی محل بقصد گاوگان وارد گردید و نزدیک دو سال در آنجا باقامه جماعت و تبلیغات و سایر وظائف دینی و روحانی پرداخته و در عرض آنمدت کم یک نهضت دینی ایجاد نمود و تمام مساجد را از نو آباد و یا تعمیر و نوجوانان را اصلاح و جامعه را بسوی تکامل سوق داد و چون اهالی آذرشهر از نزدیک فعالیت مشارالیه را مشاهده کردند با اشتیاق تمام معظم‌له را با آذرشهر دعوت نموده و در روز دوم ماه صفر ۱۳۲۷ شمسی رحل اقامت با آذرشهر افکندند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

رسولی، منصور

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: دندانپزشکی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اهواز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای دندانپزشکی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۱.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بهداشت دهان و دندان و روش‌های جلوگیری از پوسیدگی دندان‌ها.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

تأمین و کنترل بهداشت دهان و دندان‌ها و اهمیت فلوراید در پیشگیری از پوسیدگی دندان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رشاد، علی اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد علی اکبر رشاد در رمضان المبارک ۱۳۷۷ هجری قمری، برابر با اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۵ هجری شمسی متولد گردید. وی تحصیل مراحل عالی فقه و فلسفه اسلامی را در نظر استادان برجسته حوزه‌های علمی اسلامی تهران و قم سپری کرد، و اکنون سالهاست به تحقیق و تدریس در زمینه فلسفه، منطق فهم دین، و فقه و اصول اشتغال دارد. علی اکبر رشاد سرپرست تدوین کتاب "دانشنامه امام علی علیه السلام" است. کتاب مذکور، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

والدین و انساب: پدر علی اکبر رشاد محرم نام دارد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: علی اکبر رشاد تحصیل مراحل عالی فقه و فلسفه اسلامی را نزد اساتید برجسته حوزه‌های علمی تهران و قم سپری کرد.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: علی اکبر رشاد بیش از دو دهه است که در زمینه فلسفه، فلسفه دین، فقه و اصول به تحقیق و تدریس مشغول است. حجة الاسلام رشاد و در حال حاضر سمت‌های زیر را عهده‌دار می‌باشد: عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی،

عضو هیأت علمی مرکز گفت و گوی ادیان، رئیس انجمن دوستی ایران و یونان، موسس و رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

جوایز و نشانها: علی اکبر رشاد سرپرست تدوین کتاب "دانشنامه امام علی علیه السلام" است. کتاب مذکور، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار: علی اکبر رشاد جهت حضور و ارائه مقاله در کنفرانس های علمی و مجامع فرهنگی به کشورهای متعددی از جمله آلمان، اتریش، آمریکا، اسپانیا، ایتالیا، انگلستان، پاکستان، روسیه، عربستان، عراق، لبنان، هند، یونان، سوئیس و... سفر کرده است و اکنون نیز اجرا یا نظارت علمی چند تحقیق را بر عهده دارد از جمله، منطق فهم دین - تحقیق مبانی و موانع نوفهمی و نظریه پردازی دینی - سرپرستی تألیف دانشنامه قرآن‌شناسی، ۷ جلد - سرپرستی تألیف دانشنامه فرهنگ فاطمی، ۶ جلد - نظارت بر تحقیق فقه و حقوق خانواده و فلسفه آن، ۳ جلد

آثار:

۱ از گفتمان امروز

ویژگی اثر: (در دست ویرایش)

۲ تحقیق معرفت‌شناسی در کلام علوی(ع)

۳ دانشنامه امام علی علیه السلام

ویژگی اثر: سرپرست تدوین کتاب فوق، این کتاب، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: دانشنامه امام علی علیه السلام زیر نظر علی اکبر رشاد؛ به اهتمام پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. تهران: مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛ ۱۲ ج + ۱ ج درآمد، ۱۳۸۰ [توزیع: ۱۳۸۱]. یکی از آثاری که به همت شماری از مؤلفان و محققان به مناسبت سال ولایت (۱۳۷۹ - ۱۳۸۰ ش) به زیور طبع آراسته شد، دانشنامه امام علی (ع) است. این دانشنامه مجموعه‌ای است موضوعی درباره شخصیت، سیره و اندیشه‌های امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و حوادث عصر آن حضرت و پس از آن، که در ۶۰۰۰ صفحه و ۱۲ مجلد سامان یافته و شامل ۱۳۰ مدخل اصلی و حدود ۳۰۰۰ مدخل فرعی است. این مجموعه، زیر نظر آقای علی اکبر رشاد در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و با همکاری بیش از یکصد و پنجاه تن از استادان و دانشوران حوزه و دانشگاه تألیف گردیده و به عنوان پژوهش برتر حوزه دین‌پژوهی ایران در سال ۱۳۸۰ شناخته شده است. دانشنامه امام علی (ع) ویژگی‌هایی متنوع دارد که مجموع آن‌ها را در آثار مشابه نمی‌توان سراغ گرفت، از جمله: اهتمام ویژه به تجزیه و تحلیل و تبیین مباحث فکری معاصر و قضایای نوپدید با استناد به کلمات و سیره امام علی (ع)، بررسی مقایسه‌ای پاره‌ای از نظریات معاصر مرتبط با معارف دینی؛ تنوع موضوعات و جامعیت نسبی مجموعه در بررسی زوایای گوناگون و ابعاد مختلف شخصیت و اندیشه امام علی؛ همسویی موضوعات مطرح شده در مقالات ضمن رعایت ساختار یکسان؛ تفصیل در تحقیق موضوعات و اجتناب از کلی‌گویی، دوری از تقلید و عدم اتکا به مشهورات و تحلیل‌های شایع و نه‌راسیدن از نتایج نوپدید، با رعایت احتیاط علمی در تألیف مقالات؛ استقصا و تتبع جامع مضامین خطبه‌ها و رسائل و روایات وارده از حضرت علی در قلمرو و مدخل‌های مورد تحقیق؛ همسانی و یکدستی مجموعه از لحاظ رعایت قواعد علمی پژوهش و نگارش؛ استناد به منابع دست اول در موضوعات تاریخی و سیره؛ استفاده از زبان علمی و نثر معیار و پرهیز از شعارپردازی؛ اشتغال بر شبکه معنایی جامع و نمایه‌ها و فهراس موضوعی

۴ دموکراسی قدسی

۵ سرپرستی و هدایت دانشنامه فرهنگ فاطمی (س)

ویژگی اثر: ۶ جلد

۶ سرپرستی و هدایت دانشنامه قرآن‌شناسی

ویژگی اثر: ۴ جلد

۷ سنن حاکم بر تاریخ از منظر قرآن

۸ شهود و شیدایی

ویژگی اثر: تأملاتی در فلسفه هنر

۹ شور اشراق (مجموعه مقالات در زمینه شعر و ادب)

۱۰ علم‌النفس اسفار صدرالمتألهین

ویژگی اثر: تصحیح و تحقیق

۱۱ گزیده غزل‌های حکیم فیاض لاهیجی

ویژگی اثر: گزینش، مقدمه و تصحیح

۱۲ نظارت علمی بر تحقیق «فقه و حقوق خانواده و فلسفه آن

ویژگی اثر: ۳ جلد

رشتی اصفهانی، محمد علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

معروف به معین‌السلطنه، مؤلف سفرنامه‌ی شیکاگو، که در سال ۱۳۱۸ شمسی در پاریس به طبع رسیده است. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

رشتی حایری، علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی رشتی حایری عالمی فاضل و متقی از شاگردان میرزای رشتی بوده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی گیلانی اصفهانی، ابوالقاسم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، نویسنده و ادیب. در ادبیات فارسی و عرب دست داشت. کتاب «تحفه الناصریه فی فنون الادبیه» - که منتخباتی است از اشعار عرب و در موضوعهای متفرقه از قبیل مدایح و مرثی و اخلاق - تالیف اوست. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲/ ۴۱۰)، ایضاح المکنون (۱/ ۲۶۰)، الذریعه (۴۷۶- ۴۷۵/ ۳)، ریحانه (۲/ ۳۰۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/ ۴۹)، لغت نامه (ذیل / رشتی)، مؤلفین کتب چاپی (۲۵۱- ۲۵۰ / ۱)، معجم المؤلفین (۸/ ۱۱۳)، نامها و نامدارهای گیلان (۱۶).

رشتی نجفی کاظمی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۴۸ ق)، فقیه، اصولی، متکم و محدث. او در نجف نزد علامه طباطبائی یزدی فقه، و در نزد محقق خراسانی اصول فراگرفت و بعد از استادان خود مدرس بزرگی شد. به خاطر مشکلات، نجف را به قصد کاظمین ترک کرد و در آنجا مجلس درس تشکیل داد و در کنار آن به انجام دیگر وظائف شرعی می‌پرداخت تا اینکه در همان جا درگذشت و در صحن دفن شد. سید محمد مهدی خوانساری اصفهانی کاظمی صاحب «احسن الودیعه»، در فقه و اصول، از شاگردان او بود. از آثار وی: «خلاصه الفقه» که کتاب بزرگی در فقه استدلالی است؛ حاشیه بر «الکفایه»؛ حواشی فتواییه بر بسیاری از رساله‌های عملیه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۳۱/ ۷)، علماء معاصرین (۱۴۶- ۱۴۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/ ۵۹۹- ۵۹۸).

رشتی نجفی، شعبان

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۸- ۱۲۷۵ ق)، فقیه اصولی و مرجع تقلید. جدش، عبدالوهاب، از خراسان به گیلان مهاجرت کرد و در آنجا ساکن شد. در نزدیک رشت به دنیا آمد و برای تحصیل مقدمات و عربیت به لاهیجان رفت و در محضر میرزا حسین مدرس تحصیل کرد. در ۱۲۹۲ ق برای فراگیری سطوح به قزوین رفت و در حوزه‌ی درس سید علی، صاحب حاشیه بر «قوانین»، و حاج میرزا عبدالوهاب بهشتی حضور یافت. در ۱۳۰۲ ق به نجف رفت و حاضر بحث حاج میرزا حبیب‌الله رشتی و فاضل ایروانی شد و پس از وفات علامه رشتی نزد علمایی چون ملا محمد شرایبانی و شیخ محمد حسن مامقانی و حاج شیخ عبدالله مازندرانی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت تا آنجا که مجتهد مطلق شد و حلقه درس تشکیل داد و بسیاری بر گردش جمع شدند. او در نجف از دنیا رفت و در وادی السلام دفن شد. از آثار وی: کتاب «صلاله المسافر»؛ «کتاب القضاء»؛ «کتاب فی احکام الخلل»؛ «کتاب المتاجر»؛ مجلدی در «مباحث الالفاظ»؛ مجلدی در «القطع» و «الظن» و «البرائه» و «الاستصحاب» و «التعادل» و «التراجیح»؛ رساله‌ای در «عدم وجوب الترتیب فی فوائت المیت»؛ رساله‌ای در «الانعزال و عزل الولاة المنصوبین من الائمه (ع)»؛ رساله‌ای در «انتقال التركة الی الوارث مع الدین المستغرق للترکه»؛ حواشی بر «العروه الوثقی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: علماء معاصرین (۱۴۵-۱۴۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۳۹-۸۳۸/۱۴).

رشتی، ابراهیم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۳۲۰ ق)، فقیه اصولی. وی از علمای بزرگ و زهاد نجف بود. در محضر علامه میرزا حبیب‌الله رشتی تحصیل علم نمود و بسیاری از «تقریرات» استادش را در فقه و اصول نگاشت، و «تقریرات» اصولی او در مجلدی باقی است. وی در نجف درگذشت. [۱] ابراهیم از شاگردان آیت‌الله العظمی میرزا حبیب‌الله رشتی بوده و در حدود ۱۳۲۰ قمری وفات نموده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳/۱۴)، معجم المؤلفین (۳۱/۱).

رشتی، ابوالحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالحسن (شریعتمدار) بن میرزا مهدی بن ملا رفیع رشتی متوفی ۱۳۶۸ ق از شاگردان علمین خراسانی و یزدی و شریعت اصفهانی بوده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، اسحاق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اسحاق بن العلامة میرزا حبیب‌الله رشتی عالمی فاضل و مرجعی جلیل در تهران و داماد علامه خراسانی صاحب (کفایة‌الاصول) بوده و در ۳ جمادی‌الثانی سال ۱۳۵۷ ق در تهران وفات و حمل به نجف و در مقبره والدش مدفون گردیده.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، اکبر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اکبر بن ملا طاهر رشتی از شاگردان میرزای رشتی بوده است
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، باقر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

باقر رشتی از شاگردان میرزای رشتی بوده و در رشت اقامه جماعت داشت تا درگذشت.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، جعفر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جعفر بن ملا- محمدعلی رشتی عالمی فاضل و جلیل و اهل قریه خشکبیجار رشت بوده و بعد از ۱۳۳۰ وفات نموده و فرزندش آقا
شیخ مهدی بجای او قرار و به خدمات دینی پرداخت تا وی نیز وفات نمود.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، جواد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۰۹ ق)، عالم، فقیه، اصولی، متکلم، نحوی و ادیب. وی از دیارش به نجف سفر کرد و به تحصیل فقه و اصول و حدیث و
کلام پرداخت. مدت دو سال درک محضر شیخ انصاری نمود و پس از او به شاگردی شیخ راضی نجفی و میرزای شیرازی و سید
حسین کوه‌کمری درآمد. کسانی چون سید کاظم یزدی و میرزا محمدعلی مدرس رشتی چهاردهی از شاگردان وی بودند. وی از
مدرسان اصول و فقه و کلام بود که به حسن تعبیر و فصاحت و روشنی بیان شهره بود. او پس از مدتها به رشت بازگشت و
عهده‌دار مرجعیت امور مذهبی مردم شد. وی در امر به معروف و نهی از منکر جدی بود، بحدی که یک بار توسط ناصرالدین شاه
به تهران احضار شد و سرانجام آزاد گشت و به رشت بازگشت. او در رشت درگذشت و پیکرش به نجف حمل و در وادی السلام
دفن شد. از جمله آثار وی: «کتاب فی الصرف»؛ «کتب ثلاثه فی الکلام و الفقه و الاصول».

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲۷۷/۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۳۳-۳۳۲/۱۴)، معجم المؤلفین (۱۶۶/۳).

رشتی، حبیب‌الله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج میرزا حبیب‌الله رشتی از فقها و علمای نامی زمان خود و در فقه و اصول یگانه بود. از جمله تألیفاتش: ۱- الاجاره ۲- اجتماع الامر والنهی در اصول فقه. ۳- الامامه ۴- بدایع الافکار و چند کتاب دیگر است. در سال ۱۳۱۲ ه.ق در نجف اشرف وفات یافت. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

رشتی، رضا

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا بن العلامه میرزا حسن رشتی عالمی بزرگ و رئیسی بزرگوار از شاگردان میرزای رشتی بوده و در حدود سال ۱۳۲۳ قمری در رشت وفات نموده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، رضاعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضاعلی رشتی عالمی بزرگوار و فاضلی جلیل و صالح از شاگردان میرزای رشتی بوده و در حدود ۱۳۲۵ در گذشته. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، صادق

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید صادق رشتی از اجلاء علماء رشت و شاگردان میرزای رشتی و مراجع بزرگ عصر خود در گیلان بوده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، صالح

قرن: ۱۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

صالح بن شیخ باقر بن شیخ عبدالعلی رشتی عالمی بارع و فاضلی جلیل و صاحب تألیفات علمی بوده است.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید عباس بن آقا سید حسین لشنه نشائی رشتی از شاگردان شیخ انصاری و عالمی متقی بوده و در سال ۱۳۰۵ ق در گذشته.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، عبدالحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالحسین بن الشیخ عیسی بن یوسف بن علی بن عبدالغنی رشتی عالمی بزرگ و فقیهی جلیل و فیلسوفی ماهر بوده و در سال ۱۲۹۲ قمری در کربلا متولد شده و در سن چهار سالگی با مرحوم والدش به رشت آمده و پس از پرورش در مهد علم مقدمات و سطوح را در رشت خوانده و در سال ۱۳۱۲ قمری به تهران آمده و از محضر علامه آشتیانی فقها و اصولا بهره‌مند شده و بعد از ده سال تحصیل و تدریس در مدرسه صدر تهران مهاجرت به نجف نموده و از محضر علامتین خراسانی و یزدی و مرحوم شریعت اصفهانی در هر رشته استفاده نموده تا به مقام استادی رسیده و حوزه تدریس تشکیل داده و بسیاری از افاضل از محضرش کسب فیض نموده تا در روز سه‌شنبه ۱۲ جمادی‌الثانیه ۱۳۷۳ ق به رحمت ایزدی پیوسته و در وادی‌السلام در مقبره شخصی مدفون گردیده است. آثار علمی آن بزرگوار بسیار است و از آنهاست شرح (کفایه‌الاصول) که در سال ۱۳۷۰ ق بطبع رسیده و حاشیه بر (طهارت علامه انصاری) و تعلیقه بر بحث الموضوع (شرح المطالع) و (الثمرات) و حاشیه (اسفار) و ده‌ها رساله و حواشی دیگر بر کتب علمیه.

فرزند ارجمندش مرحوم حجة‌الاسلام حاج شیخ محمد رشتی از خواص اصحاب مرحوم آیت‌الله العظمی حکیم بودند که در حادثه حکومت بعث عراق به ایران اخراج و در سال ۱۳۹۴ ق در مشهدالرضا علیه‌السلام بدرود حیات گفتند.

(۱۳۷۳- ۱۲۹۲ ق)، عالم دینی، فقیه و فیلسوف. پدرش از علمای بزرگ بود که اصل وی از قریه‌ی بجاربند رشت است. شیخ عبدالحسین در کربلا متولد شد و در سن چهار سالگی به همراه پدر به رشت آمد و مقدمات و سطوح را در این شهر خواند. در ۱۳۱۲ ق به تهران آمد و از محضر شیخ محمدحسن آشتیانی در اصول و فقه بهره گرفت. حکمت و کلام را نیز نزد شیخ علی نوری و سید شهاب‌الدین تبریزی شیرازی فراگرفت. وی همزمان در مدرسه‌ی صدر تهران به تدریس ادبیات و سطوح ادبی مشغول بود. پس از ده سال به نجف مهاجرت کرد و در محضر علامه‌ی خراسانی و علامه‌ی یزدی و شریعت اصفهانی فقه و اصول و حدیث و رجال و فلسفه و اخلاق را به نهایت رسانید و به دریافت اجازه اجتهاد از استادان خود نائل آمد. آنگاه حوزه‌ی تدریس تشکیل داد و بسیاری از افاضل را از محضر خویش بهره‌مند ساخت. او در نجف در گذشت و در وادی‌السلام در مقبره‌ی شخصی دفن شد. فرزندش، حاج شیخ محمد رشتی، از شاگردان وی به حساب می‌آید. از آثار علمی او: شرح «کفایه‌الاصول»؛ حاشیه بر «طهارت»

علامه انصاری؛ تعلیقه بر بحث «الموضوع من شرح المطالع»؛ «الثمرات»، در تحدید موضوع علوم؛ حاشیه‌ی «الاسفار» رساله‌ی «اصول الدین»؛ «الاطوار»، در مباحث مختلف تفسیر آیات؛ رساله‌ای در «صرف و نحو»؛ رساله در «منطق»؛ تعلقات بر «جواهر الکلام» و «الرسائل» و «المکاسب» [۱].

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] الذریعه (۱۴/۳۴، ۶/۱۴۸، ۵/۱۲، ۲۱۹- ۲/۲۱۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۶۷- ۱۴/۱۰۶۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵/۱۷۸).

رشتی، عبدالرسول

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالرسول رشتی از فضلاء دانشمندان رشت و شاگردان مبرز میرزای رشتی بوده و در حدود ۱۳۳۰ قمری وفات نموده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شهید شاهد و آیت باهر حاج علی رشتی فرزند حجت کبری آیت الله فومنی طاب ثراه یکی از دانشمندان بزرگ و شهدای عزیز مکتب ما در اوایل قرن چهاردهم هجری است. او در سال ۱۲۶۸ در بیت علم به جهان دیده گشود. مقدمات علوم فقهی و دانشهای عقلی را در ایران به پایان برد و در بیست سالگی عازم کربلا گردید و از حضور علامه مازندرانی مدتها درس اجتهاد آموخت و سپس عازم نجف اشرف گردید و چند سال نیز از محضر اساتید عظام این حوزه مانند آیت الله رشتی و دیگران برخوردار بود. و از اعلام عصر به دریافت اجازه اجتهاد و روایت مفتخر گردید. سرانجام این آیت بزرگ الهی در تمام علوم متداوله فقه و اصول و حدیث فلسفه و حکمت و اصول عقاید مهارت یافت و ضمن تدریس علما یک دوره رسائی در اصول فقه (در چهار جلد) به رشته تحریر برد و تقریرات درسی حاج میرزا حبیب الله رشتی را مدون نمود و پس از فوت استاد به درخواست مردم عازم زادگاه خویش گردید. سالها در استان گیلان در مقام قضاوت و زعامت، اقامه جمعه و جماعت مواظبت کامل می نمود.

علامه امینی در شهداء الفضیله ضمن تجلیل از مقام علمی او می نویسد: این آیت بزرگ الهی در تعظیم شعائر مذهبی و انجام فرائض الهی امر به معروف و نهی از منکرات جدیتی کامل به خرج می داد. از گفتن سخن حق هراسی نداشت، و از ملامت ملامت کنندگان بیمی به دل راه نداد. اما متأسفانه عمال کثیف استعمارگران درصدد برآمدند چراغ حق را به خیال خویش خاموش کنند، لذا در جریان مشروطیت شباهنگام گروهی از اشرار ناگهان به منزلش ریختند و او را هدف گلوله قرار دادند. بلافاصله شهید نشد و زبان دل‌داری و نصیحت گشود، مجدداً همان جانیان سنگدل در دل‌های شب به خانه اش ریختند، و ضمن تهدید و ارباب اهل و عیالش این آیت حق را به شهادت رسانیدند و به ظاهر از چنگ انتقام گریختند و عذاب ابد برای خویش خریدند. شهید رشت در دم آخر کلامش آیه شریفه انی وجهت وجهی للذی فطر السموات والارض... بود که به لقای معبود نائل شد. جنازه خون آلود او را

سالهای بعد از گیلان به کنار سالار شهیدان مدفون نمودند.

منابع زندگینامه: <http://www.shaaer.com/nikan.htm>

رشتی، علیرضا

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیرضا بن محمدحسن بن محمد سمیع بن محمد طالشی رشتی عالمی باتقوا و جلیل‌القدر بوده و در کربلاء از محضر فاضل اردکانی و آیت‌الله آسید علی نقی طباطبائی استفاده و از ایشان اجازه‌ی اجتهاد داشته و در کاظمین در سال ۱۳۸۱ ق وفات نموده و در رواق شریف نزدیک قبر خواجه نصیرالدین طوسی مدفون شده است. بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، عیسی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عیسی رشتی دانشمندی متبحر و عالمی ماهر از شاگردان علامه شیخ زین‌العابدین مازندرانی و از وی اجازه‌ی اجتهاد داشته و در حدود ۱۲۹۶ ق به رشت برگشته و به وظائف شرعی پرداخته تا حدود سال ۱۳۲۵ قمری وفات نموده است و ایشان والد ماجد آیت‌الله حاج شیخ عبدالحسین رشتی بودند. بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، غلامحسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غلامحسین رشتی عالمی باورع و فاضلی بزرگوار از شاگردان آخوند ملا حسینقلی همدانی متوفی ۱۳۱۱ ق در رشته اخلاق و تلامذه علامه خراسانی صاحب (کفایه) و شریعت اصفهانی و دارای ملکات فاضله اخلاقی و محاسن آداب و اعمال بوده و در عصر استادش آخوند خراسانی به رشت آمده و به وظائف شرعی پرداخته است. بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، کاظم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۵۹-۱۲۱۲ ق)، فقیه و ادیب. در رشت متولد شد و در کربلا مسکن گزید. نزد علمای عصر خویش درس خواند و از شاگردان برجسته و از نزدیکان شیخ احمد احسائی بود و تا او به مجلس حاضر نمی‌شد، شیخ درس را شروع نمی‌کرد. وی پس از استادش نایب او و پیشوای فرقه‌ی شیخیه شد و در ترویج مرام احسائی سعی بسیار کرد. سید کلمات شیخ را در مجلس درس بیان و آنها را تایید و کلمات مخالفان را رد می‌کرد. او از شیخ احمد احسائی و سید عبدالله شبر و ملا علی رشتی و شیخ موسی نجفی اجازه‌ی روایت داشته است. میرزا ابراهیم شیرازی و میرزا حسن بن امان‌الله دهلوی عظیم‌آبادی در نزد سید کاظم رشتی درس خوانده‌اند. از آثار وی: «رسائل الرشتی» یا «الرسائل و جوابات المسائل»؛ شرح «قصیده لامیه» عبدالباقی عمری، در مدح حضرت موسی بن جعفر (ع)؛ «شرح قصیده البائیه»؛ «اسرار الشهاده»؛ «اسرار الحج»؛ «اسرار العباد»؛ «الحجه البالغه»، در رد ملل باطله؛ «دلیل المتحرین و ارشاد المسترشدين»؛ «المحجه الدامغه»؛ «اللوامع الحسينیه»؛ «مقامات العارفين».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۶/۶۷)، ایضاح المکنون (۵۳۶، ۴۵۷، ۴۴۲، ۴۶، ۲/ ۴۷۹، ۳۹۲، ۷۵/ ۱)، دایرةالمعارف فارسی (۲/۲۱۴۳)، الذریعه (۱۲/۲۲، ۲۶۰/۱۰، ۳۶۰/۸، ۲۵۹/۶، ۱۸۱/۵، ۱۹۲، ۵۲، ۴۶/۲)، روضات الجنات (۱۰۱-۱۰۰/ ۱)، لغت نامه (ذیل / کاظم)، معجم المؤلفین (۱۵۷/ ۱۱، ۱۳۹-۱۳۸/ ۸)، مکارم الآثار (۲۲۰-۲۰۹/ ۱)، هدیه العارفين (۸۳۷-۸۳۶/ ۱)، یادگار (س ۵، ش ۴ و ۵، ص ۱۱۴-۱۱۱).

رشتی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۲۳۲ ق)، محدث. از آثارش «مجموعه الاحادیث» است که در سال ۱۲۳۲ ق بخشهایی آن را به پایان رسانیده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲۸۲/۹)، الذریعه (۶۱/۲۰)، معجم المؤلفین (۳۱۴/۹).

رشتی، محمدباقر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدباقر بن شیخ مهدی رشتی عالمی فقیه معاصر اوائل دولت ناصرالدین شاه بوده و در حدود ۱۲۷۰ ق در گذشته است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، محمدتقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، فقیه. آقا بزرگ تهرانی در «طبقات اعلام الشیعه» گوید: مجلد اول «جواهر» را در کتابخانه‌ی شیخ مشکور در نجف دیدم که صاحب عنوان آن را تصحیح و مقابله‌ی دقیق و به غایت محققانه کرده بود و در حواشی آن تقریباً حدود هزار بیت از افتادگیهای کاتب را نگاشته بود. حواشی و تحقیقاتش دلالت بر فضل و برتری و پیشگامی وی در فقه می‌کند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۱- ۲۱۰/۱۳).

رشتی، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدحسین بن شیخ اسدالله رشتی از شاگردان آخوند خراسانی متولد ۱۳۰۵ و متوفی حدود ۱۳۵۶ بوده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، محمدرضا

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدرضا بن میرزا کاظم رشتی عالمی فقیه از شاگردان میرزای رشتی و رأساء دینی رشت بوده و در حدود ۱۳۴۰ ق وفات نموده. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مهدی رودباری رشتی متوفی ۲۸ ماه صفر ۱۳۶۵ قمری از شاگردان علامه کفائی و یزدی بوده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، میرزا حبیب الله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا حبیب الله رشتی فرزند میرزا محمد علی خان فرزند جهانگیر خان قوچانی گیلانی، دانشمند و محقق ژرف نگر، از بزرگترین

فقهای جهان تشیع و یگانه‌ی دوران خود بود.

پدرانش در اصل اهل قوچان بودند که در سالهای آغازین قرن یازدهم به گیلان کوچانده شده و از آن پس در گیلان ساکن شدند. میرزا حبیب الله سال ۱۲۳۴ ق. در املش چشم به جهان گشود و پدر خود را که مدت‌ها در انتظار بود شاد کرد. آری میرزا محمد علی خان که از نیک مردان روزگار و حاکم منطقه بود خوابهایی دیده بود که این فرزند را از طلایه داران قرن نشان می داد. او در سالهای نخستین زندگی حبیب الله در تکاپوی یافتن معلمی مومن و دانا بود تا فرزندش گامهای اول ترقی را در زادگاه پیماید. چنین بود که حبیب الله در خانه، نخستین کلمات را از قرآن آموخت.

دوازده ساله بود که از املش به لنگرود و سپس به رشت عزیمت نمود تا بر اندوخته اش افزوده و پاسخی درخور پرسشهایش بیابد. هیجده بهار را دیده بود که به خواست پدر در میهمانی یکی از خوانین (امین دیوان لاهیجی) منطقه حضور یافت. خان حاکم با استفاده از قدرت و نفوذش تصمیم به پیمالی حق رعیتی داشت که با مخالفت سرسخت شیخ حبیب الله جوان روبرو شد. چون نصایح روحانی جوان کارگر نیفتاد به نشانی اعتراض مجلس مهمانی را ترک کرد و از همان روز تصمیم به ترک دیار گرفت. در حوزه قزوین

شیخ حبیب الله در پی آرمانی بلند راه هجرت پیش گرفت و عازم حوزه‌ی عملیه‌ی قزوین شد. پدرش که او را به دلیل شهامت و اراده‌ی شکفتش می ستود برای تهیه لوازم زندگی، او را تا قزوین همراهی نمود.

او در قزوین استادی عالیمقام یافت که ((شیخ عبدالکریم ایروانی)) نام داشت. استادی که در فقه و اصول نامور و ممتاز بود. شیخ حبیب الله هفت سال پیایی از محضر ایشان بهره گرفت. و در همان شهر به خواست پدر، با خانواده‌ی ارباب وصلت نمود. مشی زاهدانه‌ی استاد تاثیر شگرفی در او نهاد به گونه‌ای که از آن پس خود به زندگی زاهدانه روی کرد و تا پایان عمر بر روش پسندیده‌ی استاد وفادار ماند.

در ۲۵ سالگی، سیراب از سرچشمه‌ی معارف دینی به مقام عالی اجتهاد نائل آمد و با نظر شیخ عبدالکریم ایروانی خود را مهیای سفر به املش نمود.

سال ۱۲۵۹ ق. از قزوین به املش بازگشت و چهار سال مرجع امور دینی مردم بود. برپایی نماز جماعت، هدایت و ارشاد مردم، پاسخگویی به پرسشهای اعتقادی و قضاوت عادلانه او موجب شده بود مردم ارادتی عاشقانه به مجتهد جوان داشته باشند اما او دوست داشت سفری به دیار اهل بیت علیهم السلام نماید و از اساتید آن سامان بهره جوید. آری او تصمیم گرفت به نجف اشرف رفته و از حوزه‌ی علمیه‌ی آن شهر مقدس جرعه جرعه شراب معرفت نوشد.

مردم که از حضورش غرق محبت بودند، او را با عواطفی وصف ناپذیر بدرقه نمودند و او، همسر و فرزندش محمد را به خدای بی همتا سپردند.

شهر آسمانی

شیخ حبیب الله مجتهد املشی در سال ۱۲۶۳ ق. وارد نجف شد و در حلقه‌ی شاگردان فقیه کبیر شیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهر) به کامجویی نشست. او تا سال ۱۲۶۶ ق. که سال وفات صاحب جواهر بود از کلاسش بهره برد و از آن فقیه نامور اجازه‌ی اجتهاد دریافت داشت.

پس از آن به درس شیخ اعظم انصاری دل بست و تا پایان زندگی پر افتخار شیخ اعظم از شاگردان ممتاز درس وی بود. شیخ حبیب الله فرموده بود: ((با آنکه هفت سال پیش از فوت شیخ از درس او مستغنی بودم ولی از هنگام ورود در جلسه‌ی شیخ تا موقع تشییع جنازه اش بحثی از اباحت او از من فوت نشد.))

اسرار عشق

ویژگیهای اخلاقی میرزا حبیب الله رشتی او را به شخصیتی وارسته تبدیل کرد که زهدش زبانزد خاص و عام بود. در این مختصر تنها به اشاره ای اکتفا کرده تا دوستان بدانند شخصیت‌های روحانی تاریخ شیعه چگونه زیستند.

۱. میرزا حبیب الله پس از مرگ پدرش که حاکم منطقه بود برای پاسداشت مقامش به گیلان سفر نمود اما اختلاف برادران بر میراث پدری موجب بازگشت او به نجف اشرف شد. او با اینکه زندگی بسیار فقیرانه ای داشت از سهم ارث چشم پوشید. میرزای رشتی پس از رسیدن به نجف، برای تامین معاش، بتدریج لوازم زندگی را یکی پس از دیگری فروخت به گونه ای که در گرمای طاقت فرسای تابستان از خرید آب نیز عاجز بود.

۲. یاد خدا در جان او چنان عجین شده بود که از هر فرصتی برای ذکر و تسبیح و قرائت قرآن کریم بهره می جست. حتی هنگامی که برای تدریس به سوی حرم مطهر می رفت وضو می گرفت و سوره ی مبارکه ی ((یس)) را در راه از حفظ می خواند تا به در قبله ی صحن امیرالمومنین علیه السلام می رسید، خواندن سوره را در کنار آرامگاه استاد خود شیخ انصاری (ره) به پایان می رسانید.

۳. در دقت و احتیاط ضرب المثل بود. همین امر وی را از پاسخگویی سریع و بدون تحقیق باز می داشت.

از دیگر سو مردم را تشویق می نمود تا استفتائات خود را به میرزای شیرازی ارجاع دهند. نوشته اند پس از پایان ماه رمضان برای اثبات اولین روز شوال بیش از ۴۰ نفر شهادت دادند و او فرمود ((نزدیک قطع شده است)) کنایه از اینکه هنوز برایم قطعی و یقین نشده است.

۴. او در ادب عشق نیز ممتاز بود. آنگاه که جان به حضرت عزرائیل می سپرد، هر چه پایش را رو به قبله دراز می کردند او پای خود را جمع می کرد و چیزی نمی گفت. چون چند بار این کار تکرار شد، از او علت را پرسیدند، به زحمت فرمود: ((چون وضو ندارم پایم را رو به قبله دراز نمی کنم)).

۵. هرگز وجوه شرعی را نمی پذیرفت، با آنکه امری مرسوم و رایج بود. نقل می کنند: مردی ثروتمند از هند برای پرداخت وجوه شرعی به زیارت میرزای رشتی شتافت، اما او چندان عصبانی شد که اطرافیان از حالتش متعجب شدند و چون از عصبانیتش پرسیدند فرمود: ((چاره ای جز عصبانیت نبود)). نیز نوشته اند علاءالدوله برای پرداخت پولی به عنوان وجوه شرعی به نجف اشرف مسافرت کرده بود ولی با بی اعتنایی میرزای رشتی مواجه شد و محقق رشتی با این رفتار به آیندگان نشان داد که مردان بزرگ خدا برای مال دنیا ارزشی قائل نیستند.

۶. نوشته اند: چهار نفر از شاگردان شیخ انصاری ارکان پایدار اعلمیت و ریاست بودند ولی مقام علمی و تدریس منحصر به میرزا حبیب الله رشتی بود. او جز تدریس منظوری نداشت. ریاست نمی خواست، از روی عمد تجاهل می ورزید و شاگردان خود را نمی شناخت برای اینکه از او اجازه ی اجازة نخواستند و تنها درس بخواهند... در خط مرجعیت هم نبود. کسی از مجتهدین به خوش نیتی و سلامت نفس میرزای رشتی نبود. از پرتگاه های ریاست خود را نجات داد. قناعت پیشه نمود...))

۷. محقق رشتی دیانت و سیاست را به هم سرشته بود. پس از رحلت شیخ انصاری بسیاری از دانشمندان مردم را برای تقلید به میرزای رشتی ارجاع داده بودند. اما او با پیشنهادها مخالفت می کرد و نیک می دانست که دنیای اسلام به مرجعی سیاستمدار نیازمند است. او میرزای شیرازی را مجتهدی آگاه به مسائل سیاسی و چهره های سرشناس و محبوب یافته بود.

محقق رشتی بر آن بود تا مرجعیت میرزای شیرازی را به علمای نجف پیشنهاد کرده از آن حمایت کند. این امر موجب شد تا توطئه ی دشمن برای لطمه زدن به وحدت شیعیان نقش بر آب شود.

ژرف اندیشی سیاسی میرزای رشتی را در گفتارش می جویم. وقتی پرسیدند از چه کسی تقلید کنیم؟ در پاسخ گفت: ((از مرجعی تقلید کنید که تقلیدش جایز باشد. امروز پرچم بر دوش عالم جلیل سید محمد حسین (شیرازی) است و همه پیرامون اویند

که پرچم ساقط نشود.))

۸. نظم از دیگر ویژگیهای محقق رشتی بود. او پس از ادای نماز مغرب و عشا و انجام مستحبات مربوط به آن و پس از صرف مقدار کمی شام، آنگاه که آسمان چادر سیاه شب را بروی خود می کشید و ستاره ها چشمک زنان نمایان می شدند، اندکی می خفت تا جان را آماده ی خدمت روح کند و جان خود را در چشمه ی نور بشوید و عاشقانه تر با خدای خویش راز و نیاز کند.

۹. تواضع و فروتنی (از دستورات عالی اسلامی) در جای جای رفتار محقق رشتی نمایان است. او دانشمندان را به دیده ی احترام می نگریست و با بهره گیری از نظر نیک، برترین روش را بر می گزید. در پی سفر محقق رشتی به ایران، حوزه ی درس ایشان تعطیل شد و دانشوران از خورشید وجودش محروم شدند. آنگاه که به سفری دیگر بار بست، دانشمندان نجف بر آن شدند تا او را از سفر باز دارند. وی به وساطت شیخ حسن مامقانی برنامه ی سفر را لغو کرد و به او فرمود: ((چون شما مجتهد عادل هستید، حکمتان را واجب الاطاعه می دانم)) این در حالی است که شیخ حسن مامقانی در ردیف شاگردان محقق رشتی بود و نسبت میان آن دو مثل استاد و شاگرد بود.

۱۰. اعزام شاگردان برجسته برای تبلیغ، از دیگر ویژگیهای این محقق بود. از جمله ی آنان آیت الله سید علی اکبر فال اسیری از شاگردانی بود که در پرتو اندیشه ی والای آن استاد پرورش یافت. او به تشویق محقق رشتی و میرزای شیرازی به شیراز بازگشت و با کوششی در خور به تبلیغ و هدایتگری پرداخت. همچنین در نهضت توتون و تنباکو نیز عهده دار نقشی سترگ در تثبیت فتوای میرزای شیرازی بود.

۱۱. سپاسگزاری او در حق پدر و مادر آموختنی و بی نظیر است و نشانه ی بالندگی او در مراحل عالی شکر به درگاه حضرت ربوبی است. درخشندگی معنوی او مدیون دعاهای پدر و مادر در روزگاران دور بود. نوشته اند او نمازهای پدر و مادر خود را سه بار خواند. یک بار به تقلید از مراجع آنان و دو بار به اجتهاد خودش و این مطلب درباره ی هیچیک از علمای تاریخ ذکر نشده است.

۱۲. او را باید به حق از حافظان حریم روحانیت در عصر خویش خواند. شخصی در نجف بود که به هنگام سخن حرمت علما را پاس نمی داشت و بارها از او پرخاشگری و اهانت نسبت به علمای سابق و معاصر شنیده می شد. محقق رشتی در جمعی که وی نیز حضور داشت دستور داد استکانش را آب بکشند، به گونه ای که مردم گمان بر تکفیر وی برده و او را راندند. پس از آن هرگز نتوانست جایگاه از دست رفته خود را بازیابد.

باری رفتار شدید میرزای رشتی و شیوه نهی از منکر او موجب شد تا آنانکه در پی چنین خیالی بودند از گمان خویش بازگردند.

گنج نامه

آثار میرزاحیب الله جلوه گاه تلاش های شبانه روزی اوست. وی کاوشگری گنج یاب بود که هرگاه معدنی نوین می یافت از جواهر آن استخراج می کرد و بر دانش طلبان ارزانی می داشت.

آثار او در علم اصول عبارتند از:

رساله فی الضد و اقتضاء الامر بشیء النهی عنه و عدمه، التعداد و التراجیح، بدایع الافکار، اجتماع الامر و النهی، رساله فی مقدمه الواجب، رساله فی المشتق، التقریرات.

در علم فقه:

کتاب الطهاره، الحاشیه علی المکاسب، کتاب الزکاه، کتاب الاجاره، الالتقاط، کتاب العضب، کتاب القضاء و الشهادات، الوقوف و الصدقات، رساله فی اللباس المشکوک، حاشیه علی منهج الرشاد، حاشیه علی نجاه العباد، حاشیه علی النخبه.

در علم تفسیر:

حواشی بر تفسیر جلالین ، و علم کلام : الامامه ، کاشف الظلام فی حل معضلات الکلام است .

نسخه های خطی از آثار محقق رشتی که می رفت در غبار زمان به فراموشی سپرده شود اخیرا به کتابخانه آیت الله مرعشی سپرده شد و اکنون در کاروان نسخه های خطی آن کتابخانه ماندگار است .

تقریرات

از انبوه شاگردان کوشا و دانشمند محقق رشتی ، بسیاری تقریرات درس ایشان را نوشته اند که در گرامی داشت مقامشان نام برخی از آنان می آید:

سید حاج میرزا حسن همدانی ، سید صادق قمی ، میرزا باقر فرزند میرزا محمد علی ، شیخ حسن تویسرکانی ، شیخ محمد باقر فرزند محمد جعفر بهاری همدانی ، سید ابوالقاسم فرزند معصوم حسینی اشکوری ...

اجازات

محقق رشتی از صدور اجازه ی اجتهاد به شدت پرهیز داشت و تنها برای اندکی از شاگردان برگزیده اجازه ی اجتهاد نگاشت . نام برخی شاگردان ارجمند وی که مفتخر به اجازه ی نقل روایت و اجتهادند ذکر می شود. حاج آقا مجتهد رشت (اجتهاد)، سید عبدالکریم فرزند سید حسن اعرجی (روایت) ، حاج میرزا احمد دیلارستاقی لاریجانی (اجتهاد)، سید علی آقا میری دزفولی (اجتهاد)،...

با کاروان دانش

نظر گاه همه ی اندیشمندان حوزه بر شیوه ی نقادانه ی محقق رشتی در تدریس و دیگر پهنه های علمی ، پدیدآور محفل علمی ، پدیدآور محفل علمی شکوهمندی بود که دلدادگان آن ، پس از کامجویی هر یک چون ستاره ای درخشان ، روشنگر جامعه ی خویش شدند. برخی مرجع دینی شدند و عده ای رهبر حرکتهای سیاسی و اجتماعی دیار خویش و دسته ای نیز در عرصه ی تدریس و تحقیق طلایه دار حوزه بودند.

نام مسافران این کاروان به اختصار می آید و شرح حال هر یک در کتب تاریخ آمده است که دوستداران را بدان حوالت می دهیم .

آیت الله العظمی سید محمد کاظم یزدی ، آیت الله العظمی آقا ضیاء الدین عراقی ، آیت الله العظمی حاج میرزا حسین نائینی ، آیت الله شیخ شعبان دیوشلی (لنگرودی) ، آیت الله شیخ عبدالله مازاندرانی (لنگرودی) ، آیت الله شهید شیخ فضل الله نوری ، آیت الله شهید حاج آقا میر بحر العلوم رشتی ، آیت الله شهید شیخ علی رشتی ، آیت الله شهید شیخ عبدالغنی بادکوبه ای ، آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی ، آیت الله سید ابوالقاسم اشکوری .

پرواز تا آسمانها

مردم نجف به چهره نورانی پیرمردی که سحر گاهان در بارگاه ملکوتی امیر المومنین (ع) به زیارت ، نماز و تضرع می نشست انس گرفته بودند. چهره ای که هیبت و شوکتش یادآور پیامبران و لطف و صفا در صورتش نمایان بود. اما شب پنجشنبه چهاردهم جمادی الثانی ۱۳۱۲ ق . فرا رسید. خبر کسالت محقق رشتی مردم را در نگرانی فرو برده بود و آنگاه که صدای ناله و فغان از منزل وی برخاست همگان یافتند که دوست خدا، پیش خدا رفته است . او آسوده در بستر خفته بود. تو گویی به خوابی نازنین آسوده که چنین چهره اش متین است . شهر را گویا با پارچه ای سیاه پوشانده بودند و همه جا صدای گریه به گوش می رسید. در تهران و مشهد و دیگر شهرها نیز مجالس عزا و سوگواری بپا شد. مردم نوحه کنان می خواندند:

باز خاکستر غم ریخت فلک بر سر ما

رفت از دار فنا نایب پیغمبر ما

و نجف آماده ی تشییع پیکر مطهر آن فرزانه پارسا بود. جنازه ی پاک او را مشایعت کردند و به بارگاه امام متقین انتقال داده و در یکی از حجره های صحن مطهر علوی دفن کردند.

بازماندگان

۱. آیت الله محمد رشتی ، فرزند ارشد، که از معصومه ارباب همسر اول میرزای رشتی بود. او در علم و فضل به مراتبی درخور دست یافت و در سال ۱۳۱۶ ق . به دیار باقی شتافت . آرامگاهش در مقبره ی پدر ارجمندش می باشد.

۲. آیت الله شیخ اسماعیل رشتی ، که از همسر دوم میرزای رشتی ولادت یافت . او در کسب دانش سخت کوشید و پله های ترقی را پیمود و در ۱۳۴۳ ق . به دیدار دوست شتافت .

۳. آیت الله شیخ اسحاق رشتی ، او در نجف ولادت یافت . مادرش کلثوم همسر دوم میرزای رشتی بود ابتدا نزد پدرش به تحصیل پرداخت و پس از عمری تحقیق ، تالیف و تدریس در سال ۱۳۵۷ ق . دیده از جهان فرو بسته ، رخ در نقاب خاک کشید.

آثار:

رساله فی الضد و اقتضاء الامر بشی ء النهی عنه و عدمه

التعادل و التراجیح

بدایع الافکار

اجتماع الامر و النهی

رساله فی مقدمه الواجب

رساله فی المشتق

کتاب الطهاره

الحاشیه علی المکاسب

کتاب الزکاه

کتاب الاجاره

الالتقاط، کتاب العضب

کتاب القضاء و الشهادات

الوقوف و الصدقات

حاشیه علی منهج الرشاد

رساله فی اللباس المشکوک

حاشیه علی نجاه العباد

حاشیه علی النخبه

حاشیه بر تفسیر جلالین

الامامه

کاشف الظلام فی حل معضلات الکلام

رشید یاسمی، غلامرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۰ - ۱۲۷۵ ش)، نویسنده، مورخ، ادیب، مترجم و شاعر. در قصبه‌ی گهواره از توابع کرمانشاه متولد شد. پدر او شاعر و نقاش و خوشنویس بود. جد مادری او، شاهزاده محمدباقر میرزای خسروی، نویسنده‌ی داستان «شمس و طغرا» است که دیوان شعرش به همت رشید چاپ شده است. رشید یاسمی تحصیلات مقدماتی را در کرمانشاه به پایان برد، سپس به تهران آمد و دوره‌ی متوسطه را در دبیرستان سن لوئی گذراند. از همان هنگام به تشویق نظام وفا که معلم ادبیات او بود، به سرودن شعر پرداخت. پس از تحصیلات، در وزارت معارف، مالیه و دربار به کار مشغول شد. در همین اوان جرگه دانشوری را تاسیس کرد که بعدها با همت ملک‌الشعراى بهار به انجمن دانشکده تبدیل شد. رشید ضمن همکاری با مجله‌ی «دانشکده» با نویسندگان و شعراى آن دوره آشنا شد و با انجمن ادبی ایران همکاری داشت. یک سال پس از کودتا، رشید یاسمی مقالات خود را در روزنامه‌ی «شفق سرخ» به سردبیری علی دشتی منتشر ساخت که همین مقالات موجب شهرت ادبی او گردید. در این مدت زبان‌های عربی و انگلیسی را آموخت و زبان فرانسه را تکمیل کرد. زبان پهلوی را از حوزه‌ی درس استاد هر تسفلد نیک فراگرفت. در سال ۱۳۱۲ ش که دانشگاه تهران تاسیس شد، او در دانشکده‌ی ادبیات و دانشسرای عالی با سمت استادی تاریخ اسلام را تدریس می‌کرد. بعدها به عضویت فرهنگستان ایران درآمد. در سال ۱۳۲۲ ش به همراه هیاتی از استادان ایرانی به هند رفت و در سال ۱۳۲۴ ش به منظور مطالعه به فرانسه رفت و پس از دو سال به ایران بازگشت رشید یاسمی تا پایان عمر به عنوان استاد در دانشگاه تهران تدریس کرد. روز یازدهم اسفندماه ۱۳۲۷ ش به هنگام سخنرانی در دانشکده‌ی ادبیات دچار سکت شد و پس از سفری کوتاه به فرانسه و بازگشت به ایران، سرانجام روز چهارشنبه ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ ش در تهران درگذشت و در قبرستان ظهیرالدوله به خاک سپرده شد. جز از مقالاتی ادبی و تاریخی و فلسفی و انتقادی که از او در مجلات «نوبهار»، «آینده»، «ارمغان»، «تعلیم و تربیت»، «یغما»، «مهر»،... چاپ شده است دارای تالیفات و تحقیقات و تتبعات و ترجمه‌های بسیاری است که از آن جمله: «ادبیات معاصر»، «تتبع و انتقاد در احوال و آثار سلمان ساوجی»، «احوال ابن‌یمین»، «تاریخ مختصر ایران»، «تاریخ ملل نحل»، «ایران در زمان ساسانیان»، ترجمه؛ «تاریخچه نادرشاه»، ترجمه؛ «جلد چهارم تاریخ ادبیات ایران تالیف براون»، «آیین دوست‌یابی»، ترجمه؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: از نیما تا روزگار ما (۱۴۵-۱۳۸)، تاریخ مشاهیر کرد (۳۱۶-۳۱۰/۲)، چشمه‌ی روشن (۴۴۸-۴۴۱)، چهار صد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (۳۶۹-۳۶۸)، الذریعه (۱۳۰۷، ۳۶۲/۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۳۲-۳۲۸/۳)، سخنوران نامی معاصر (۱۵۳۴-۱۵۲۸/۳)، سرآمدان فرهنگ (۳۸۲-۳۷۹/۱)، فرهنگ سخنوران (۳۷۸)، گنج سخن (۳۲۶-۳۰۹/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۷۰۰-۶۹۶/۴)، یغما (س ۲۶، ش ۸، ص ۴۹۰-۴۸۷).

رشیدالدین، فضل‌الله

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۷۱۸-۶۴۵ ق)، مورخ و طبیب. ولادتش در همدان بود. پدرش عمادالدوله ابوالخیر پزشک بود، و رشیدالدین جوانی را در تحصیل فنون مختلف، به ویژه علم طب گذرانید. و از عهد ایلخانی شد. در عهد دولت ارغون‌خان و گیخاتوخان مورد توجه و اکرام تمام قرار گرفت. غازان‌خان، بعد از قتل صدر جهان زنجانی، وی را با شرکت خواجه سعدالدین محمد آوجی به وزارت برگزید و الجایتو (سلطان محمد خدابنده)، بعد از قتل سعدالدین، با وجود نهایت اعتمادی که به کفایت رشیدالدین فضل‌الله داشت؛ خواجه علی‌شاه یلانی را با وی در وزارت شریک کرد. در دوره‌ی سلطنت ابوسعید بهادرخان، به سبب نقاری که بین رشیدالدین و خواجه علی‌شاه در میان بود، خواجه علی‌شاه و همدستان او نزد آن پادشاه در میان بود، خواجه علی‌شاه و همدستان او نزد آن پادشاه جوان و کم‌تجربه چنین فرامودند که خواجه رشیدالدین و پسرش خواجه ابراهیم، الجایتو را زهر داده‌اند. به همین جهت در جمادی‌الاول سال ۷۱۸ ق سلطان ابوسعید دستور داد تا اول پسر را پیش چشم پدر گردن زدند، و سپس خواجه رشیدالدین را هلاک کردند، و خاندان و خواسته‌ی او را به یغما بردند. علاوه بر آن که در گاهش ملجا و مآب اهل هنر و علم بود. و در بسیاری از ناحی ایران و ممالک ایلخانی مدارس و مساجد و کتابخانه‌ها و موقوفات احداث کرد، خود نیز قسمتی بزرگ از عمر خود را در جمع و تدوین و تالیف گذرانید. مجموعه‌ی مصنفات و مولفات رشیدالدین فضل‌الله، «جامع التصانیف رشیدی» یا «المجموعه الرشیدیه» نامیده می‌شد و اینک از مجموعه‌ی آن آثار مختلف، برخی در مسائل مختلفی از قبیل مباحث دینی و تفسیر و کلام و طب و فلاحت و تاریخ و داروشناسی، بر جای مانده که عبارتند از: «توضیحات رشیدیه»، (شامل ۱۹ رساله درباره مسایل کلامی و دینی و عرفانی)؛ «مفتاح التفسیر»؛ «الاجبار و آثار»؛ «رساله‌ی سلطانیه»؛ «بیان الحقایق»؛ «جامع التواریخ»؛ «مکاتیب یا مکاتبات رشیدی»؛ دو کتاب «جامع التواریخ رشیدی» و «مکاتبات رشیدی»، که اولی کتاب مفصلی در تاریخ مغول و تاریخ عمومی است. دومی که منشآت و مناشیر و رسایل اوست و مجموعه‌ی فرمانها و نامه‌هایی است که وی به صفرزندان و عمال و علماء و مشایخ عهد نوشته است. صاحب «الذریعه» به وی «دیوانی» نسبت داده که نشان می‌دهد شعر هم می‌سروده است. [۱]

فضل‌الله وزیر مدبر (و. همدان حدود ۶۴۵ ه. ق. - مقت. ۷۱۸ ه. ق. / ۱۳۱۸ م.). در ایام اباق‌خان وی طبیب خاص پادشاه بود و احترامی داشت، در زمان غازان لیاقت وی آشکار شد و سه سال پس از عزل وزیر اعظم صدرالدین زنجانی، غازان او و خواجه سعدالدین ساوجی را متفقاً به صدارت انتخاب کرد.

در عهد سلطنت اولجایتو، رشیدالدین مانند سابق حیثیت داشت و در همان اوقات در سلطانیه- پایتخت جدید- ناحیه‌ای را آباد ساخت که نام او «رشیدیه نامیده شد. دو سال بعد محلتی دیگر در نزدیکی شهر غازانیه بنا نهاد و با صرف هزینه هنگفت رودخانه سرارود را بدانجا آورد. بعد از قتل سعدالدین، خواجه علی‌شاه گیلانی، که مردی مزدور و فرومایه بود- جایگزین او شد و او پس از اندکی دسیسه‌ای خطرناک ضد رشیدالدین ایجاد کرد ولی مؤثر نگردید. در سال ۱۳۱۵ ه. ق. نزاعی شدید بین دو وزیر به ظهور پیوست و الجایتو ناگزیر شد که ترتیب و انتظام ممالک مختلف را بین آن دو تقسیم کند تا اختلافی روی ندهد، مع ذلک علیشاه تهمت و خصومت را ضد او ادامه داد به طوری که خواجه رشید به زحمت توانست خود را برهاند. این رقابت پس از مرگ الجایتو و در اوان سلطنت ابوسعید هم وجود داشت تا عاقبت خواجه تاب مقاومت نیاورد و از شغل خود کناره گرفت و در سن متجاوز از ۷۰ او و پسر ۱۶ ساله‌اش ابراهیم را به تهمت مسموم کردن سلطان سابق (الجایتو) به قتل رساندند. تاریخ مشروح و معتبر «جامع التواریخ» به همت او تألیف و تدوین شده.»

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه [۱] ارمغان (س ۶، ش ۲۵۳-۲۴۱، ۴-۳)، از سعدی تا جامی (۱۲۵-۹۵)، الاعلام (۳۵۹/۵)، اعیان الشیعه (۴۰۱/۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۵۲-۱۲۴۷/۳)، تاریخ برگزیدگان (۱۷۱-۱۷۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۳-۱۴۲)، تاریخ برگزیده (۶۰۴)،

تذکره‌ی روز روشن (۲۹۳)، حبیب السیر (۲۰۱- ۱۹۹، ۱۹۱/ ۳)، دایرةالمعارف فارسی (۱۰۸۶/۱)، دستور الوزراء (۳۲۱- ۳۱۵)، الذریعه (۶۰/۱۴، ۳۶۲/۹، ۲۷۱- ۲۶۹/ ۳)، ریحانه (۳۴۰- ۳۳۷/ ۷)، سبک شناسی (۱۷۹- ۱۷۰/ ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶/۸)، فرهنگ سخنوران (۳۷۷)، کارنامه بزرگان (۳۲۲- ۳۲۰)، لغت نامه (ذیل / ابن ابی‌الخیر)، مجمع الفصحا (۶۸۰/۲)، معجم المؤلفین (۷۴/۸).

رشیدی زاده، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن رشیدی زاده

محل تولد: اراک

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

استاد گرانقدر آقای حسن رشیدی زاده در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین و کاملاً مذهبی در اراک دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت هرچه تمامتر به پایان رسانید. در پی تشویق خانواده و اطرافیان و علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه تهران گردید. پس از مدتی تحصیل در حوزه علمیه تهران برای کسب فیض از محضر ستارگان مشهد رهسپار آن دیار شد و ضمن انس با بارگاه ملکوتی ثامن الحجج به تحصیل بیشتر پرداخت. پس از مدتی دوباره راه غربت به دیار قم را در پیش گرفت، از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه قم به جد و جهد، در درس بزرگان حوزه علمیه قم حاضر شد. نامبرده در طی دوران تحصیل از محضر ستارگان فراوانی خوشه علم و ادب چیده است که برخی از آنان را می‌توان همچون آیت الله وحید خراسانی، مرحوم آیت الله شیخ جواد تبریزی، استاد اعتمادی و ... نام برد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از امر تبلیغ غافل نماند و برای تبلیغ مذهب انسان ساز تشیع به کشورهای متعددی از جمله لبنان، مالزی و... سفر کرده است، سال‌های متمادی است که به تدریس و شاگرد پروری در دانشگاه خواجه نصیر الدین طوسی مشغول است. وی در زندگی سراسر علمی خویش از نگارش و تألیف غافل نبوده است و آثار متعددی از جمله "حیات برتر در عالم برزخ"، "حیات برزخی" و... را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

رشیدی، علیقلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی قلی رشیدی

محل تولد : خرم آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۲/۲۳

زندگینامه علمی

در روستای بادامک تابع شهرستان پلدختر متولد شدم . در شش سالگی در روستای چم قلعه به دبستان رفتم و پس از گذشت مقطع ابتدایی وارد مقطع راهنمایی در شهرستان پلدختر شدم. دبیرستان را هم در همان شهر همراه با انقلاب در رشته علوم تجربی گذراندم. در دوران دبیرستان که مصادف با انقلاب بود به همراه یکی از سادات جلیل القدر مظلوم و محلی به نام سید علی نقی موسوی (ره) تمام اعلامیه های امام را دست نویس کرده و در بین مردم پخش کردم از سال ۵۶ وارد حوزه شدم و تا سال ۱۳۷۱ دوره سطوح عالی را تمام کردم و همراه با دروس حوزه دانشگاهی لیسانس در رشته فلسفه و کلام و فوق لیسانس در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی را تا سال ۱۳۷۶ به اتمام رساندم در دوران جنگ تحصیلی چندین بار به جبهه رفتم و دو بار مجروح شدم و در سال ۱۳۶۵/۶/۱۷ به درجه جانبازی شیمیایی نایل گردیدم و الان هم مشغول به تدریس در دانشگاههای لرستان و حوزه علمیه پلدختر هستم.

رضا، عنایت الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر عنایت الله رضا در سال ۱۳۹۹ش در شهرستان رشت به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود و تهران به پایان رساند و سپس تحصیلات عالی را در رشته فلسفه ادامه داد و موفق به دریافت درجه دکترا گردید. نامبرده به جهت علاقه فراوان به مطالعات ایران شناسی، به تحقیق و پژوهش در این زمینه پرداخت. و در حال حاضر عضو هیأت علمی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی است. کتابهای "شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان" و "اعراب حدود مرزهای روم شرقی و ایران در سده های چهارم - ششم میلادی" ترجمه، عنایت الله رضا به ترتیب، در دوره های هفتم و دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شدند.

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

والدین و انساب : اجداد عنایت الله رضا همه از روحانیون و برخی از مراجع بزرگ زمان خود بوده اند. پدر ایشان از شاگردان آخوند خراسانی بوده و نزد آن روحانی بزرگ به تحصیل اشتغال داشته است.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : عنایت الله رضا پس از گذراندن دوران کودکی در رشت به تهران منتقل شد و دوران تحصیل متوسطه را در این شهر پایان رساند. در ۲۱ آذر ۱۳۲۵، پس از شکست به اصطلاح جنبش آذربایجان به شوروی پناهنده و در آنجا مشغول به تحصیل می شود. پس از اتمام رشته علوم حزبی در دانشکده حزبی به ادامه تحصیل در رشته فلسفه پرداخته و به اخذ درجه دکترا در این رشته نایل می آید و در کنار آن به سبب علاقه به مطالعه در زمینه ایران شناسی مطالعه و تحقیق در این زمینه را پی می گیرد.

استادان و مربیان: عنایت الله رضا در دوران تحصیل از دانش و توجه پدر و برادر بزرگتر خود آقای پرفسور فضل الله رضا بهره مند بود

وقایع میانسالی: عنایت الله رضا پس از شهریور ۱۳۲۰، در آن ایام پر التهاب و پر تب و تاب سیاسی، اجتماعی کشور، به حزب توده پیوست. در همین ارتباط در سال ۱۳۲۴ بازداشت و سپس به کرمان تبعید و زندانی شد. در اوایل سال ۱۳۲۵ پس از آزادی از زندان به دستور کمیته مرکزی حزب عازم آذربایجان شده و در آنجا به عنوان فرمانده نیروی هوایی حکومت آذربایجان مشغول گردید. از آن پس به سبب بروز اختلاف با سران فرقه دموکرات آذربایجان در مورد تاسیس فرقه در ایران و اعلام رسمی ایشان در کنفرانس باکو مبنی بر انجام این امر به مثابه یک خیانت، از سوی سران دستگاه حاکمه آذربایجان شوروی از جمله رئیس جمهوری وقت و همچنین دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان به اتفاق چند نفر دیگر از فرقه اخراج و از کار نیز برکنار می شوند. کمیته مرکزی حزب نیز ماموریت ایشان را پایان یافته تلقی کرده، در نتیجه مجبور به عزیمت از شوروی به کشور چین شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: عنایت الله رضا پس از پایان تحصیلات مدتی در نیروی هوایی ارتش به سمت افسر خلبان و دیده بان خدمت نمود. با شکست جنبش آذربایجان در ۲۱ آذر سال ۱۳۲۵ به شوروی پناهنده شد. او بعد از آن بر سر برخی اختلافات سیاسی به چین رفت و به اتفاق چند تن دیگر بخش فارسی رادیو پکن را تاسیس نمود. بعد از دو سال به دلیل برخی تعبیرات در شوروی و برکناری سران حکومت آذربایجان به سبب دشواری تحصیل فرزندانشان در چین و آشنایی آنها به زبان روسی دعوت به بازگشت شوروی را پذیرفته و در اواخر ۱۹۵۹ به مسکو بازگشته و در بخش فارسی رادیو مسکو تا سال ۱۹۶۷ به فعالیت خود ادامه می دهد. پس از ورود به ایران ابتدا به سمت متصدی کتابهای روسی در کتابخانه (پهلوی سابق، بخش کنگره جهانی ایرانشناسی) و بعد به عنوان معاون علمی و پژوهشی آن کتابخانه مشغول شدند. پس از انقلاب اسلامی ایران نیز مسئولیت کتابخانه به عهده ایشان واگذار شد اما به سبب بیماری و عزیمت شش ماهه به خارج از کشور به منظور معالجه ادامه کار میسر نگردید. وی از سال ۱۳۶۵ تا حال حاضر نیز در مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی به عنوان عضو هیات علمی مشغول به کار شدند.

مراکز که فرد از بنیان آن به شمار می آید: عنایت الله رضادر پکن به اتفاق چند تن دیگر بخش فارسی رادیو پکن را تاسیس نمودند.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: عنایت الله رضا بعد از انقلاب به سبب بیماری برای معالجه به خارج از کشور رفته و پس از بازگشت به تحقیق و ترجمه و تالیف همت گماشت.

جوایز و نشانها: کتابهای "شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان" و "اعراب حدود مرزهای روم شرقی و ایران در سده های چهارم - ششم میلادی" ترجمه، عنایت الله رضا به ترتیب، در دوره های هفتم و دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شدند.

آثار:

۱ آذربایجان و اران

ویژگی اثر: تالیف

۲ اعراب حدود مرزهای روم شرقی و ایران در سده های چهارم - ششم میلادی

ویژگی اثر: ترجمه، این کتاب در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: اعراب حدود مرزهای روم شرقی و ایران در سده های چهارم - ششم میلادی: اعراب حدود مرزهای روم شرقی و ایران در سده های چهارم - ششم میلادی؛ ن. و. پیگولوسکایا؛ ترجمه؟ عنایت الله رضا؛ تهران: مؤسسه

مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲. در مورد تاریخ ایران در روزگار ساسانیان، تحقیقات متعددی صورت گرفته است که کتاب مذکور از جمله آثار معتبر در این زمینه است. مؤلف کتاب، خانم نینا ویکتور ناپیگولوسکایا، یکی از متخصصان برجست روسیه، در رشت؟ تاریخ کشورهای خاور نزدیک و میانه به ویژه ایران و بیزانس، در اوایل سده های میانه و دوران پیش از اسلام بوده است. او طی سی سال پژوهش در زمین؟ تاریخ ایران، آثار متعددی از خود به یادگار گذاشته که در محافل ایران شناسان جهان، مورد ستایش قرار گرفته است. کتاب حاضر ترجم؟ فارسی آخرین اثر مؤلف است که در آن رابط؟ وسیع اعراب ساکن مرزهای ایران بویژه دولت حیره را با استفاده از اکتشافات جدید به شرح آورده و مرزهای مسلمانان و اعراب و امپراتوری روم شرقی در سده های نخستین قرون اسلامی را تشریح کرده است. مسائل مربوط به مرزها در روند تاریخ همواره اهمیت زیادی داشته است زیرا حوادث و رویدادهای تاریخی است که تعیین مرزها را به دنبال دارد. علاوه بر آن، مهاجرت اقوام و قبایل مختلف، حوادث سیاسی را صبغ؟ دیگری می بخشد و در نهایت حدود سرزمینها را معین می کند. تألیف حاضر این نکات را به خوبی روشن می کند. جدید بودن مراجع و منابع و ارائ؟ اسناد به زبانهای مختلف از امتیازات این کتاب محسوب می شود. نثر ترجم؟ بسیار روان و قابل فهم است. و مترجم کوشش فراوانی برای ارائ؟ توضیحات علمی به کار برده است و علاوه بر یادداشتهای مؤلف، موارد متعدد و قابل توجهی را بر متن اصلی افزوده است. او ضمناً به ترجم؟ عربی کتاب نیز توجه داشته است.

۳ ایران و ترکان در زمان ساسانیان

ویژگی اثر: تالیف

۴ تاریخچه سری جنایات استالین

۵ ترجمه کتاب اسرار مرگ استالین

ویژگی اثر: نوشته آتور خانوف

۶ ترجمه کتاب انقلاب مجارستان

ویژگی اثر: نوشته تیور مرای

۷ ترجمه کتاب تمدن ایران ساسانی

۸ ترجمه کتاب زمامداران شوروی

ویژگی اثر: نوشته الکساندر سولژنیستین

۹ ترجمه کتاب شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان

ویژگی اثر: این کتاب در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان»: کتاب از برجسته ترین آثاری است که تا کنون توسط ایرانشناسان شوروی، پیرامون وضع شهرهای غرب ایران نوشته شده است. نگارنده، که به زبانهای پهلوی و سریانی نیز احاطه داشته، شیوه زندگی، آداب و سنتهای ساکنان غرب ایران و پیوند آن با آداب و سنن دیگر نواحی از جمله خراسان و «ورارود» (ماوراءالنهر)، چگونگی معاملات و مبادلات در ایران عهد ساسانی و مقایسه اوضاع اقتصادی و اجتماعی عصر ملوک الطوائفی پارتیان در روزگار ساسانیان را مورد پژوهش قرار داده است. این کتاب، اسناد و مدارک بسیار ارزنده ای را برای مطالعه و تحقیق در اختیار خوانندگان و پژوهشگران قرار می دهد. البته باید یادآور شد که مؤلف کتاب به نتیجه گیریهایی پرداخته است که با ویژگیهای اقلیمی، اجتماعی و اقتصادی سرزمین ما سازگار به نظر نمی رسد. ترجمه براساس متن روسی و با مقابله با متن فرانسوی به شکلی شایسته صورت گرفته است

۱۰ ترجمه کتاب طبقه جدید

- ویژگی اثر : نوشته میلوان جیلاس
 ۱۱ ترجمه کتاب گفتگو با استالین
 ویژگی اثر : نوشته میلوان جیلاس
 ۱۲ ترجمه کتاب منابع کمونیسم روسی و مفهوم آن
 ویژگی اثر : نوشته نیکلای بردیایف
 ۱۳ ترجمه کتاب نیکیتا خروشچف ، سال های حاکمیت
 ویژگی اثر : نوشته روی مدودف و ژورس مدودف
 ۱۴ جزوه کمونیسم اروپایی
 ۱۵ خاطرات بوریس باژانف رییس دبیرخانه دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی
 ۱۶ خاطرات پرنس یوسف اف قاتل راسپوتین
 ۱۷ کمونیسم و دموکراسی
 ویژگی اثر : تالیف
 ۱۸ مارکسیسم و ماجرای بیگانگی انسان

منابع زندگینامه :

www.ketabesal.ir۱ کیهان فرهنگی سال هفتم-شماره ۱-فروردین ۱۳۶۹

رضا پور، عبدالرحیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالرحیم رضا پور

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ پس از اخذ دیپلم در اواخر تیرماه وارد حوزه علمیه مازندران شهر بابل با مدیریت حاج آقا فاضل استرآبادی شدم. تمام دروس تالعه و باب صوم را خدمت ایشان گذراندم و در سال تحصیلی ۶۶-۶۵ وارد حوزه علمیه قم شدم. ادامه دروس سطح را خدمت اساتید بزرگوارى مثل حجج اسلام وجدانی فخر، دوستی زنجانی، حسینی بوشهری، محلاتی، پایانی و سیفی گذراندم. در سال ۶۸ همزمان با دروس حوزه وارد دانشگاه تهران شدم و در رشته ادیان و عرفان تحصیل کردم و در دوره عربی تا دوره تکمیلی را در کلاسهای آموزشی و دفتر تبلیغات گذراندم، پس از ۶ سال یعنی در سالهای تحصیلی ۶۹-۷۰ شروع به آموختن دروس خارج کردم و از محضر اساتید بزرگوار حوزه آیات عظام مکارم شیرازی، دوستی زنجانی، وحید خراسانی، سید جعفر

کریمی و ... بهره بردم و در سال ۱۳۸۶ در آزمون ورودی دانشگاه ادیان و مذاهب شرکت کردم و الان آخرین ترم را گذراندم ان شاء الله بتوانیم با بار علمی بیشتر به مکتب تشیع اثنی عشری و مردم خدمت نمائیم و مورد رضای خداوند قرار گیریم.

رضاخانی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: داخلی دام‌بزرگ، دانشکده: دامپزشکی، دانشگاه: شیراز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای دامپزشکی از دانشگاه تهران، رزیدنت بخش جراحی در دانشکده دامپزشکی دانشگاه پنسیلوانیا آمریکا، در رشته کاردیولوژی از دانشکده دامپزشکی دانشگاه بریستول انگلستان.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده دامپزشکی دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بیماریهای قلبی دام از جنبه مختلف، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۵۰ پایان نامه دکترای عمومی و ۳ پایان نامه رزدنسی دامپزشکی.

تألیفات:

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

بیماری اندامهای حرکتی و بیماریهای قلبی دام.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳۱، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳۲

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای قلبی در دامها.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رضازاده شفق، صادق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۰ - ۱۲۷۱/۱۲۷۴ ش)، شاعر، نویسنده، روزنامه‌نگار و مترجم. در تبریز متولد شد و زبان فرانسوی و انگلیسی را در مدرسه‌ی

کاتولیک و امریکایی تبریز فراگرفت. مدتی مدیریت مدرسه‌ی حیات تبریز را به عهده داشت و در سال ۱۳۲۸ ق روزنامه‌ی «شفق» را در تبریز منتشر کرد، و در سال ۱۳۳۰ ف بر اثر سخنرانیهایی که بر علیه استیلای دولت روس می‌کرد از طرف آن دولت به اعدام محکوم شد و به استانبول گریخت. و از کالج رابرت آنجا به دریافت لیسانس نائل گردید، در سال ۱۳۴۰ ق به ایران بازگشت و بعد از مدت کوتاهی به برلن رفت و در آنجا موفق به دریافت دکترای فلسفه شد. سپس به ایران آمد و در دارالمعلمین عالی به تدریس فلسفه و ادبیات فارسی قبل از اسلام پرداخت او زبانهای روسی، فرانسوی، ترکی، آلمانی و انگلیسی را به خوبی می‌دانست و در دانشگاه تهران ادبیات فارسی و فلسفه تدریس می‌کرد. در اولین دوره‌ی مجلس سنا و دوره‌های چهاردهم و پانزدهم مجلس شورای ملی نماینده بود. وی در تهران درگذشت و در گورستان بهشت زهرا به خاک سپرده شد. از آثار اوست: «تاریخ ادبیات ایران»؛ «ایران از نظر خاورشناسان»؛ «ستارخان»؛ تدوین «دیوان عارف»؛ «فرهنگ شاهنامه و ملاحظاتی درباره‌ی فردوسی» و ترجمه‌های: «اسکندر مقدونی»؛ «تاریخ مختصر ایران»؛ «زندگانی داریوش».[۱]

محقق، خطیب، نماینده‌ی مجلس، سناتور، مولف و مترجم، فرزند آقارضا بازرگان، در ۱۲۷۳ در تبریز تولد یافت. پس از رسیدن به سن رشد، تحصیلات معمول زمان را آغاز کرد و مقدمات را نزد معلمین خصوصی فراگرفت و وارد مدرسه‌ی آمریکائی در تبریز شد و چند سالی در آن مدرسه تحصیل کرد و زبان انگلیسی را به طور کامل فراگرفت و در همان مدرسه به معلمی پرداخت. در جوانی سری پرشور داشت و آزادی طلب بود. چندی هم روزنامه‌ی شفق را انتشار داد. روزنامه‌ی شفق در آن ایام روزنامه‌ای تندرو و آزادی طلب بود. چندی غنی زاده سردبیری آن را عهده دار بود. سال اول این روزنامه ۴۸ شماره منتشر شد. دارای مطالب گوناگون و انتقادی و اجتماعی بود. سال دوم روزنامه از رجب ۱۳۲۹ ه. ق آغاز شد و مجموعاً ۴۳ شماره از آن انتشار یافت و از آن پس با پیشامد عاشورای ۱۳۳۰ ه. ق و قتل عده‌ی زیادی از آزادیخواهان آذربایجان به دست روسها، شفق تعطیل شد و مدیر آن به عثمانی رفت و در استانبول در مدرسه‌ی ایرانیان معلم فارسی و تاریخ ادبیات شد و سپس وارد یکی از مدارس استانبول گردید و دیپلم دریافت نمود. رضازاده سپس برای انجام تحصیلات عالی به آلمان مسافرت نمود و قریب شش سال در آن کشور به تحصیل فلسفه پرداخت و درجه‌ی علمی گرفت و ضمناً در مجلات ایرانشهر، مهر، آرمان، شرق و غیره مقالاتی انتشار می‌داد و علاوه بر آن، کتب و رسالاتی نیز در زمینه‌های تاریخی، ادبی، فلسفی و اجتماعی تالیف یا ترجمه نموده است.

رضازاده شفق چندی در مدارس جدیدالتاسیس تهران به تدریس پرداخت و در سال ۱۳۱۳ که دانشگاه تهران تاسیس گردید، دعوت به کار شد. در آنجا فلسفه و علوم تربیتی تدریس می‌نمود. در ۱۳۱۴ شورای عالی فرهنگ، تحصیلات او را معادل دکترا شناخت و رسماً به استادی دانشگاه در دانشکده‌ی ادبیات پذیرفته شد و در همان سال فرهنگستان ایران به منظور اشاعه‌ی لغات فارسی سره به جای لغات بیگانه تاسیس گردید و دکتر شفق عضو پیوسته‌ی فرهنگستان شد. در سال ۱۳۱۷ سازمانی به نام پرورش افکار تاسیس گردید تا پیشرفتهای ایران در زمان گذشته و حاضر با ایراد سخنرانی اساتید به سمع مردم برسد. دکتر شفق در آن سازمان سهمی بسزا داشت. پس از شهریور ۱۳۲۰ و آغاز دموکراسی، شفق از تهران کاندیدای مجلس شورای ملی شد. انتخابات تهران در آن دوره به معنای واقعی آزاد بود و رای مردم سرنوشت آن را تایید می‌کرد. در آن دوره دکتر محمد مصدق، سید محمدصادق طباطبائی، موتمن‌الملک پیرنیا و آیت‌الله کاشانی در زمره منتخبین تهران بودند. دکتر رضازاده شفق نیز از تهران به پارلمان راه یافت و رویه‌ای معتدل پیش گرفت. نطقهای ضروری و فصیح و به موقع او توجه مردم را جلب کرد. در جریان جدائی آذربایجان از ایران، چند نطق مهم ایراد نمود و سرانجام عضو میسیون شد که به ریاست قوام‌السلطنه برای مذاکره درباره‌ی تخلیه‌ی ایران و عدم حمایت از فرقه دموکرات به مسکو سفر کردند. وجود شفق در آن هیئت بسیار سودمند بود. پس از پایان جنگ بین‌المللی دوم، یک هیئت از ایران عازم آمریکا شد تا در کنفرانس سانفرانسیسکو شرکت نماید از مجلس آقایان دکتر شفق، دکتر عبده و دکتر اعتبار عضو این هیئت بودند.

پس از پایان مجلس چهاردهم، قریب ۱۶ ماه فترت ایجاد شد تا سرانجام انتخابات ایران آغاز گردید. حزب دولتی دموکرات ایران که خالق آن احمد قوام بود، کاندیدای خود را رسماً معرفی نمود. دکتر رضازاده شفق کاندیدار نمایندگی مجلس از تهران گردید و سرانجام به مجلس پانزدهم راه یافت. در سال ۱۳۲۸ مجلس سنا در ایران تشکیل شد و دکتر شفق سناتور انتصابی تهران بود. شفق مجموعاً پنج دوره نماینده‌ی مجلس سنا بود و عنداللزوم از کابینه‌های دولتی حمایت می‌کرد.

محمدرضا پهلوی نسبت به شفق علاقه‌ای خاص داشت و از او خواست لقبی برای او و فرح پهلوی پیشنهاد کند و سرانجام لقب «آریامهر» برای محمدرضاشاه و «شهبانو» برای فرح انتخاب و مورد قبول شاه واقع شد.

دکتر رضازاده شفق در سال ۱۳۵۱ بیمار و در بیمارستان بستری شد. عمل جراحی او لازم تشخیص داده شد. پروفیسور انوشیروان پویان عمل او را انجام داد ولی بهبودی حاصل نشد و پس از چند روز درگذشت و در گورستان بهشت زهرا مدفون گردید.

دکتر قاسم غنی در صفحه‌ی ۲۸ جلد چهارم یادداشتهای خود که اخیراً انتشارات زوار آن را چاپ و توزیع نموده، داوری غیرمنصفانه‌ای درباره‌ی شفق نموده است، می‌نویسد: «دکتر شفق آرام بسیار سمج، پررو و دریده‌ئی است. تمام خصوصیات یک نفر آدم احمق در او جمع است. بسیار خودپسند، مغرور و بی‌حیا است و از جامعه نالان است. بسیار مزاح‌گو و دروغگو و حقه‌باز و متملق و بی‌حیا و پررو است. حیوانی است بس. بسیار بسیار هم بی‌سواد است»

دکتر شفق در آخر سالهای آخر عمر خود در طالقان باغچه‌ای بنیاد نهاد و بیشتر وقت خود را در آنجا می‌گذراند و همسری نیز در آنجا انتخاب کرد و صاحب دختری شد که نامش را گیتی نهاد و اشعار زیادی در وصف این دختر سروده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] ادبیات معاصر (۶۱-۵۹)، تاریخ جراید (۷۵-۷۲/۳)، سخنوران نامی (۳۲۱-۳۱۴/۲)، شرح حال رجال (۱۰۶-۱۰۵/۶)، فرهنگ سخنوران (۵۰۷)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۹-۴۸۵/۳).

رضازاده لنگرودی، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا رضا زاده لنگرودی سال ۱۳۲۹ در لنگرود به دنیا آمد، تحصیلات متوسطه خود را در زادگاه خویش به پایان برد و برای ادامه تحصیل راهی تهران می‌شود. علاقه او به تاریخ از دوران نوجوانی شکل گرفت و بر مبنای این علاقه نیز، راه تحصیلات عالی اش را پی گرفته است. لنگرودی تحصیلات آکادمیک خویش را تا مقطع دکترای تاریخ از دانشگاه پاریس پیش برد و در طی این دوران نیز از تحقق و پژوهش در آن نیز غافل نمانده است. رضا زاده لنگرودی از چهره‌های شاخص تاریخ‌نگاری بخصوص در حوزه دانشنامه‌نویسی در ایران است.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

گرایش: ترکمانان

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: پایان دوره متوسطه در زادگاهش و اخذ دکترای تاریخ از دانشگاه پاریس. تخصص ویژه او پژوهش در دوره ایلخانیان و متخصص تاریخ‌نگاری ترکمانان است

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: رضا رضا زاده لنگرودی مدیریت گروه تاریخ در بنیاد دایرة المعارف اسلامی را برعهده دارد. بنیاد

دایره‌المعارف اسلامی از سال ۱۳۶۲ همزمان با تأسیس مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی تأسیس شد. این بنیاد دارای ۱۲ گروه علمی در زمینه‌های زبان و ادبیات، اسلام معاصر، جغرافیا، فرهنگ و تمدن، فلسفه و عرفان، تاریخ علم، تاریخ، کلام و خرد، فقه و اصول، قرآن و حدیث است. اغلب فعالیت‌های این بنیاد، تألیف دایره‌المعارف الفبایی به نام دانشنامه جهان اسلام است که تاکنون ۱۰ جلد از آن به وسیله مؤسسه کتاب مرجع، منتشر شده است.

آرا و گرایشهای خاص: رضا رضا زاده لنگرودی در باره دایره‌المعارف نویسی در ایران نظریات ارزنده‌ای دارد: «دایره‌المعارف به شکل امروزی، ویژگی‌های خاص خود را دارد و یکی از مهم‌ترین آنها ویرایش است بخصوص در «دایره‌المعارف بزرگ اسلامی» به دلیل آن که مقاله‌ها از همان آغاز تألیفی بودند و نه ترجمه، ویرایش اهمیت خاصی داشت اما در «دایره‌المعارف جهان اسلام» از آنجا که از همان ابتدا مقاله‌ها ترجمه بودند بیش‌تر مقابله و مقایسه مطرح بود تا ویرایش، اگر چه هم اکنون در این دایره‌المعارف‌ها نیز ویرایش اهمیت خاصی یافته و مقالات یکدست شده‌اند. امروزه دایره‌المعارف‌هایی که در ایران نوشته می‌شوند از نظر مستندات از دایره‌المعارف‌های قدیم اروپا بهتر هستند زیرا در قدیم ویراستاران معتقد بودند که حق با نویسنده است و وقتی افراد بزرگ و برجسته‌ای مثل «نیکلسون» یا «بارتول» مقاله‌ای می‌نوشتند، کسی نمی‌توانست به آنها بگوید که مأخذتان را بیاورید تا استناد آنها را ببینیم، در حالی که در دایره‌المعارف‌های ما، ویراستاران از نویسندگان مقالات در هر مقام و مرتبه‌ای که باشند، مستندات را می‌خواهند البته ویرایش، گاه مشکلاتی را برای مقالات نویسندگان به وجود می‌آورد و این به دلیل آن است که اغلب مقاله‌ها با هر موضوعی که باشند از سوی ویراستارانی که اغلب ادبیات خوانده‌اند همان‌طور که مقالات ادبی را با ویژگی خاصی ویرایش می‌کنند، ویرایش می‌شود. همین امر باعث می‌شود که ما در اغلب دایره‌المعارف‌ها با تشابه واژه، تعبیر و مفاهیم روبه‌رو می‌شویم، این از مشکلاتی است که در حال حاضر در همه دایره‌المعارف‌ها و بویژه در «دایره‌المعارف جهان اسلام» وجود دارد و ما نمی‌دانیم چه زمانی می‌توانیم این مشکلات را از بین ببریم.» رضازاده درباره مسیری که دانشنامه نویسی در ایران طی کرده است، می‌گوید: «از آنجایی که در آن دوران زبان دیپلماسی اروپا فرانسه بود، اصحاب دایره‌المعارف به سرپرستی «دیدرو» می‌خواستند که با یک مجموعه‌ای که بیانگر اندیشه‌هایشان باشد حاکمیت خود را در اروپا (که در دوران عصر روشنگری بود) به تحقق رسانند. ما دایره‌المعارف نویسی را از آنها گرفتیم و در واقع بخشی از اصول آنها را هم وارد کار خود کردیم. یکی از مشخصه‌های حائز اهمیت دایره‌المعارف استناد است. ما نمی‌توانیم به دور از استناد مقاله بنویسیم. به همین دلیل هم چون اغلب نویسندگان مقاله‌های ما، ایرانی هستند، در حقیقت تخصص ما بیش از هر چیزی، نزدیک به خود ما و مسائل پیرامون ماست. برای مثال ما کسی را نداریم که درباره عرفان و تصوف در چین آن‌چنان دقیق و جامع و علمی بنویسد که مثلاً در مورد عرفان و تصوف ایران می‌نویسد. به این اعتبار، دایره‌المعارف‌هایی که در ایران نوشته می‌شوند فقط ۵ یا ۶ درصد مقاله‌های آن در مورد مالزی، اندونزی، آلبانی و... است. بنابراین بیش‌تر مقاله‌های ما همان‌طور که آقای بجنوردی فرمودند، تاریخی است چون زمینه فرهنگی ما غنی است و ما در دایره‌المعارف می‌خواهیم همین‌ها را عرضه کنیم. برای مثال اساس تألیف دایره‌المعارف تشیع به دلیل اشتباهاتی بود که در دایره‌المعارف تشیع انگلیسی وجود داشت به عنوان نمونه مقاله‌ای را که درباره امام رضا(ع) نوشته شده بود براساس یکسری کج فهمی‌ها بود که بعدها خود آنها به آن اعتراف کردند. بنابراین همان‌طور سجادی و استاد فانی اشاره کردند، ما در یک فضای ذهنی تربیت شده ایم و با همان فضای ذهنی هم می‌نویسیم به همین دلیل مقاله ما درباره ابوالعلائی معری با مقاله‌ای که یک عرب درباره او می‌نویسد فرق می‌کند و باید هم چنین باشد یا مقاله حافظ که یک نویسنده عرب می‌نویسد، با مقاله‌ای که در دانشنامه ادب فارسی یا دانشنامه ایرانیکا درباره حافظ نوشته می‌شود بی‌شک باید فرق کند؛ چرا که در این دایره‌المعارف‌ها با ذهنیت ایرانی نوشته می‌شود. من می‌خواهم بگویم که دایره‌المعارف‌های ما تأثیر خوبی در خارج از ایران داشته‌اند.

چگونگی عرضه آثار: تخصص ویژه رضا زاده لنگرودی پژوهش در دوره ایلیخانیان و متخصص تاریخ نگاری ترکمانان است و در این باره با دو گرایش تاریخ روایی و تاریخ تحلیلی تألیف کرده است. در کنار این گرایش، لنگرودی سال هاست که بر جنبش های اجتماعی در ایران پس از اسلام تمرکز کرده و اثر مهمی نیز با همین عنوان نوشته است. اثری در ۲ جلد، که جلد نخست آن از سوی انتشارات طهوری چاپ و منتشر شده است. کتاب «جنبش های اجتماعی در ایران پس از اسلام» است. لنگرودی در مقام ریاست بخش تاریخ بنیاد دایره المعارف اسلامی و دانشنامه جهان اسلام، علاوه بر نظارت بر سفارش و نگارش مدخل های این حوزه، خود نیز به کار نگارش مقالات ارزنده ای در آن پرداخته و تحقیقات خود را در قالب مدخل های دایره المعارف دنبال کرده است. از آن جمله، نگارش مدخل های آتسز، آزاد، بلگرامی، آسین پالاسیوس، آق قویونلو، آل اخشید، آماری، ابن اثیر، ابوالحسن، ابوبکر طهرانی، استادسیس و ... وی در طنز نیز دستی توانا داشت. طنز او در طعنه بر نابه سامانی ها بود و هجو او در افشای نابرابری های اجتماعی. رضازاده لنگرودی اکنون مدتی است که بر روی «جنبش های دینی - اجتماعی خراسان در قرن دوم» مطالعات وسیعی را آغاز کرده و اثری با همین عنوان هم به نگارش در آورده است. رضا رضازاده لنگرودی در میان تاریخ نویسان هم نسل خویش با نگاه دانشنامه نویسی و در نتیجه تکیه بر منابع موثق و پرهیز از دیدگاه های شخصی و فراهم آوردن منابعی برای نگرش های تطبیقی در تاریخ، از دیگران تفکیک می شود. بویژه در دوره ای که تاریخ نگاری جولانگاه تاریخ نگاران غیر متعهد شده است. رضا رضازاده لنگرودی، با دانشنامه های دیگری از جمله دانشنامه های مرتبط با یک منطقه نیز همکاری می کند و مدخل هایی برای آنان نیز می نویسد. از جمله مدخل کاشان برای دانشنامه کاشان -----

آثار:

۱ جنبش های اجتماعی در ایران پس از اسلام

ویژگی اثر: تألیف، ۲ جلد. لنگرودی سال هاست که بر جنبش های اجتماعی در ایران پس از اسلام تمرکز کرده و اثر مهمی نیز با همین عنوان نوشته است. اثری در ۲ جلد، که جلد نخست آن از سوی انتشارات فرهنگ نشر نو چاپ و منتشر شده است. کتاب «جنبش های اجتماعی در ایران پس از اسلام» گرچه در قالب مجموعه مقالات لنگرودی انتشار یافته، اما وحدت ذهنی او در پیگیری گرایش تاریخی اش، اتحاد و وحدت اثرش را به خوبی حفظ کرده و از کتاب جنبش های اجتماعی در ایران پس از اسلام اثری قابل ارجاع ساخته است. اما این کتاب خیلی زود در محافل فرهنگی و حوزه نقد کتاب به عنوان اثری مهم و اثرگذار شناخته شد و لنگرودی را ترغیب به نگارش جلد بعدی این مجموعه کرد: «جلد دوم این کتاب هم ادامه جنبش هایی است که در تاریخ ایران شکل گرفته اند، یعنی جنبش نومزدکیان و بردگان زنج است، بعد جنبش زندیه است، جنبش برده داران و جنبش نقطویه...»

۲ جنبش های دینی - اجتماعی خراسان در قرن دوم

۳ مدخل کاشان برای دانشنامه کاشان

ویژگی اثر: او این مقاله را با تشریح وضعیت کاشان در دوره پیش از تاریخ آغاز می کند. آگاهی های ما از روزگاران پیش از تاریخ کاشان، مبتنی بر کاوش های باستانشناسی تپه سیلک است که نیز نخستین بار در طول سالهای ۷-۱۹۳۳ به دست رومن گیرشمن فرانسوی انجام گرفت. نگارنده براساس آثار یافت شده در حفاری ها صورت گرفته به بررسی ویژگی های تمدن کهن سیلک و پیوندهای سیلک با خارج و تأثیرهای خارجی بر آن می پردازد و با توجه به یافته های باستانشناسان در گورستان های سیلک، گونه های انسان شناختی سیلک را بررسی می کند. در فاصله زمانی پس از تمدن سیلک تا دوران ساسانی، بویژه در صدر اسلام، اطلاعی از مردم سیلک و دیگر آبادی های کاشان در منابع موجود در دست نیست. ولی در پژوهش های پراکنده نشان داده شده است که جوامع گوناگونی در دوره های مختلف تاریخی در دشت کاشان، و بویژه در نواحی کوهستانی غرب و جنوب،

سکونت داشته اند. بقایای آتشکده های نیاسر، نظنز، خرمدشت و... گویای وجود مراکز زیستی در دوران ساسانی در این منطقه است. رضازاده لنگرودی در ادامه به وضع کاشان در دوره پس از اسلام می پردازد و از جمله، فرضیه های مختلف درباره نامگذاری کاشان را عنوان می کند.

۴ یاد پاینده

ویژگی اثر: شامل مجموعه ?? گفتار پژوهشی در قالب یادنامه محمود پاینده و... لنگرودی به زنده نگاه داشتن نام نیکان نیز اعتقاد ویژه دارد و بر مبنای همین اعتقاد است که مجموعه یادنامه پاینده را تدوین کرده و درباره او می گوید: «پاینده از شاعران خوش قریحه گیلکی و فارسی بود. شعر کهن و نو را خوب می شناخت و در قصیده و غزل و رباعی و دوبیتی اشعاری سروده است. اما شیوه نیمایی را بیشتر می پسندید. به اعتقاد او «شعر باید نکاتی به خواننده بیاموزد و شاعر پیش از مردم همراه و همگام آنان باشد تا هنر شعرش در زمینه مردم مؤثر باشد.» اشعار فارسی پاینده که بیش تر مضمون اجتماعی دارند، در عین زیبایی، عامه پسند و عاری از تعقیدات لفظی است. اشعار گیلکی او شیوا، سلیس و آکنده از مضامین دلنشین مردم پسند است. افزون بر زبان تعرض به بی عدالتی های زمانه، در زبان وصف نیز توانا بود، اما نه در وصف هلال ماه و تشبیه آن به ابروی دلدار بلکه وصف پریشانی های فرزندان تیره بخت روزگار.

۵ یادگارنامه فخرایی

ویژگی اثر: ترانه هایی از اشکور بالا- عنوان مقاله کاظم السادات اشکوری در کتاب یادگارنامه فخرایی است که زیر نظر دکتر رضازاده انتشار یافته است.

منابع زندگینامه:

<http://www.iran-newspaper.com/۱۳۸۵/۸۵۱۱۲۸/html/mehr.htm>، روزنامه مهرگان صفحه مهرگان ۲۸-۱۱-

۱۳۸۵

رضاعی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۳ ش)، نویسنده، پزشک و استاد دانشگاه. پس از تحصیلات متوسطه در دارالفنون و تحصیلات عالی در مدرسه ی طب در سال ۱۳۰۸ ش با دانشجویان اعزامی به اروپا رهسپار و در دانشکده ی تولوز به تحصیل اشتغال ورزید. در سال ۱۳۱۲ ش به عنوان کارورز افتخاری در بیمارستانهای براکویل به کارآموزی مشغول شد و رساله ی خود را در باب ضعف نیروی حیاتی و افکار هذیانی تهیه کرد و از تصویب هیات قضاوت گذراند. بعد در کلاسهای روانشناسی بخش بیماریهای اعصاب کارآموزی کرد. و کلاس مالاریا را دیده به ایران بازگشت. و مشاغل مختلفی را عهده دار بود؛ از جمله پزشک تیمارستان، معاون فنی تیمارستان و استاد کرسی بیماریهای روانی. از آثار وی: «بیماریهای مغز و روان»؛ «خط معمول و میزان تکامل خط فارسی»؛ «سر نوشته های جنون زا».

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: مؤلفین کتب چاپی (۷۴۷-۷۴۶/۲).

رضاقلی نظری، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: انگل‌شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی علوم آزمایشگاهی، کارشناسی ارشد پاتوبیولوژی، دکترای انگل‌شناسی و فارچ‌شناسی.

مرتبه علمی:

استادیار در سال ۱۳۶۱ و ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، در سال ۱۳۶۵.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی انگل‌شناسی روده‌ای در اردبیل، تنیاکینوکک در سگهای ولگرد تهران، میزان ایمونوگلوبولین‌های سرم در رابطه با بیماریهای انگلی، آلودگی به ژیاودیال شمال تهران، بررسی میزان روی و آهن در کودکان مبتلا به ژیاودیال، بررسی انگلهای روده‌ای از طریق روشهای انگل‌شناسی و سرولوژی و تعیین ریسک فاکتورهایی در روستاهای کرج، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۷ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

بیماریهای کرمی شایع کشور.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

کرم‌شناسی، تک یاخته‌شناسی، حشره‌شناسی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رضانژاد، عزالدین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عزالدین رضانژاد امیردهی

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

عزالدین رضا نژاد امیر دهی در سال ۱۳۳۹ در شهر بابل به دنیا آمد. او پس از اتمام تحصیلات ابتدائی به تحصیل علوم حوزوی پرداخت، ابتدا در حوزه علمیه حاج سیف الله امیری در پادشاه امیر در بخش بند پی شرقی (روستای سید نظام الدین و حوزه شهید محمدحسن امیری فعلی) و سپس در سال تحصیلی ۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه صدر بابل (حوزه ی خاتم الانبیاء - فعلی) شد، پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ رهسپار حوزه علمیه قم گردید و با موفقیت در امتحانات کلیه پایه های دروه های سطح، در سال ۱۳۶۴ دروس خارج فقه و اصول را آغاز کرده، پس از اتمام شش سال درس خارج فقه و اصول و سه بار شرکت در مصاحبه دروس خارج، در سال ۱۳۷۲ از رساله علمی و تحقیقی سطح چهار حوزه در موضوع (صلاه الجمعه دراسه فقهیه و تاریخیه) دفاع کرد. وی علاوه بر گذراندن دروس رایج حوزه های علمیه عالی قم به آموزش های کاربردی و تحقیقی دیگر روی آورد از همین رو، با گذراندن دوره مکالمه، خطابه و انشاء عربی در واحد آموزش عربی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم زیر نظر اساتید متخصص به اخذ پایان نامه اتمام دوره آموزش زبان عربی در تاریخ ۲۵/۱۱/۱۳۶۳ نایل گردید. در ادامه فعالیت آموزش زبانی، زبان انگلیسی را زیر نظر مرکز زبانهای خارجی دانشگاه تهران و نیروی هوایی جمهوری اسلامی و مرکز زبانهای خارجی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم با موفقیت به پایان رسانید و در تاریخ ۲۹/۱/۱۳۶۶ گواهینامه اتمام دوره عالی زبان انگلیسی را از سوی مراکز مذکور دریافت کرد از سال ۱۳۶۶ با همکاری مرکز تحقیقات شهید محلاتی (دانشکده سپاه قم) آثاری به صورت تالیف کتب درسی منتشر کرد، از سال تحصیلی ۱۳۷۱ - ۱۳۷۰ با شرکت در رشته تخصصی کلام اسلامی و پایان بردن دوره چهارساله آن جهت اخذ مدرک دکتری در کلام اسلامی و با عنایت به مصوبه ۳۶۸ تاریخ ۳/۱۱/۱۳۷۴ به تدوین پایان نامه در موضع "برهان وجودی برای اثبات وجود خدا" پرداخت و بعد از فارغ التحصیل شدن در این رشته به تدریس و تحقیق و تالیف مباحث کلام اسلامی و فرقه های مذهبی و شرکت در نشست های علمی پرداخت. هم اینک، عضو هیأت علمی مرکز جهانی علوم اسلامی با سمت استاد یاری، مدیر کل «برنامه ریزی و تدوین متون درسی» مرکز مذکور، به تدریس و پژوهش می پردازد. وی تاکنون بیش از چهل رساله علمی در سطح سه (کارشناسی ارشد) و چهار (دکتری) را راهنمایی، مشاوره و داوری کرده است.

رضانیا، حمید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حمید رضانیا

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی سال ۱۳۴۴ شمسی در یک خانواده معمولی در شیراز متولد شدم. مادرم از نوادگان مجاهد نستوه آیت الله سید علی اکبر فال اسیری اعلی الله مقامه - از پیشگامان نهضت تنباکو در فارس و از هم‌زمان مرحوم میرزای شیرازی بزرگ رحمت الله علیه - بود، همچنین پدرم انسانی روشن بین و از نوادگان ملا واعظ شیرازی که او نیز از نیاکان زمان خود به شمار می رفت، بود، مرحوم پدرم در مسیر زندگی خود مبارزه با ظلم دستگاه طاغوت و تلاش در گسترش عدالت را سیره عملی خود قرار داده بود و در این راه سالیانی از زندگانی خود را در بند دژخیمان ستم شاهی سپری کرد و به همین سبب کانون خانواده ام همواره برخوردار از روشنگری و کاوش در مسیر کشف حقیقت بوده است. شروع دوران تحصیلات متوسطه ام مصادف بود با آغاز نهضت بزرگ اسلام مردم ایران، که در کنار دیگر دوستانم در اتحادیه انجمن های اسلامی مدارس شیراز که امروزه بسیاری از ایشان مدال پر افتخار شهادت را به گردن آویخته اند به فعالیت های فرهنگی و اعتقادی روی آوردم، دقیقا پس از اولین تجربه ام در جبهه های جنگ که مصادف با سوم خرداد ۱۳۶۱ و آزاد سازی خرمشهر بود که علاقه وافر و آرزوی بزرگم یعنی فراگیری علوم اسلامی تحقق عملی پیدا کرد و در حوزه شیراز و در مدرسه قوام به تحصیل مشغول شدم ولی چون با فوت پدرم مصادف شد پس از اتمام دوره دبیرستان با انصراف از قبولی در دانشگاه، به حوزه مشهد و مدرسه استاد آیت الله موسوی نژاد عزیمت کردم که در آنجا ضمن خوشه چینی از خرمن اساتید آن دیار در جوار ملکوتی آستان قدس رضوی علیه السلام بهره مند شدم که از این میان اساتید بزرگواری چون آیت الله مروارید، آیت الله میرزا جواد تهرانی، آیت الله فلسفی، عارف بزرگ استاد مولوی افغانی و نیز برخی از شاگردان مرحوم رجبعلی خیاط را می توان یاد کرد. همچنین سطوح عالی و دروس خارج را در قم در محضر آیات عظام و اساتید بزرگواری چون وحید خراسانی، تبریزی، فاضل لنکرانی، نوری همدانی، مکارم شیرازی، سبحانی، خاتم یزدی، جوادی آملی، لاریجانی، پایانی، اعتمادی و وجدانی فرا گرفتم. در بخش دانشگاهی؛ در رشته علوم تربیتی مدیریت آموزش تا مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد پیوسته رشته الهیات و معارف اسلامی از موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی با اشراف استاد فرزانه آیت الله مصباح یزدی، کارشناسی ارشد ناپیوسته فلسفه و کلام را از دانشگاه باقر العلوم (ع) و تحصیل در مقطع دکترا رشته فلسفه که ادامه دارد. الان در خارج مشغول به تحصیل در مقطع دکتری هستم و در چند سمینار نیز شرکت داشته ام.

رضانیا، ذبیح الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ذبیح الله رضانیا

محل تولد: آباءه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ذبیح الله رضانیا در تاریخ ۱۳۳۲ متولد شده و پس از گذراندن تحصیلات کلاسیک وارد حوزه علمیه قم شدم. پس از اتمام مقدمات وارد دروس خارج شده و از محضر اساتید و حضرات آیات عظام آیت الله مکارم شیرازی، سبحانی، ربانی گلپایگانی، مومن کسب فیض نمودم. همچنین در رشته تخصصی کلام در حال نوشتن پایان نامه می باشم. علاوه بر تحصیل به تألیف نیز پرداخته ام

که در قسمت آثار آمده است.

رضایی آدریانی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضایی آدریانی

محل تولد: نجف اشرف

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۵۰ در نجف اشرف، از سال ۱۳۵۸ ساکن در قم علمی/حوزوی: از سال ۱۳۶۵ پس از پایان سیکل وارد حوزه علمیه قم شده در مدرسه المهدی (عج) وابسته به حضرت آیت الله گلپایگانی تا اواسط سطح در این مدرسه بوده و از آن پس سطح را در مدرسه آیت الله گلپایگانی (روبروی شهرداری سابق) در محضر اساتیدی همچون عندلیب همدانی (فقه) موسوی تهرانی، حسینی خراسانی، علوی بروجردی، نظری منفرد (اصول) را گذرانده و از سال ۷۹ در درس خارج آیات عظام مرحوم آقای تبریزی (فقه) و آیت الله العظمی وحید خراسانی (اصول) شرکت نموده و یکسال هم (۸۴) در مدرسه فقهی آیت الله وحید خراسانی (مدرسه امام باقر در کوچه سپاه) به مباحث تخصصی اصول پرداخته....

از سال ۷۰ به موازات شروع تبلیغ و احساس آشنایی تخصصی با تبلیغ برای نونهالان وارد مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان شده و ۲-۳ سالی را به تحصیل، تحقیق و تألیف های داخلی آن مرکز پرداختم به گونه ای که یکی از چهره های علمی آن مرکز بودم.

پس از آن به موازات راه اندازی سمینارهای هم اندیشی سینما و دین از سوی حوزه هنری سازمان تبلیغات به مدت ۲ سال به آشنایی و پژوهش در حوزه فیلم و هنر و هنر دینی پرداخته و وارد عرصه فعالیت های هنری و رسانه ای گردیده، به طوری که پس از حوزه هنری و پایان سمینارهای هم اندیشی، به همکاری با مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما در قم پرداخته و در دو حوزه آثار تاریخی تلویزیونی و آثار مذهبی و دینی تلویزیونی به پژوهش / نقد و یا مشاوره پرداختم که اهم فعالیت های این دوران چنین است:

پژوهش های گسترده درباره عاشورا و امام حسین (ع)، جهت سریال امام حسین (ع) نقد و بررسی سریال ولایت عشق نقد و بررسی سریال مختار پژوهشگر سیره نبوی جهت مجموعه تلویزیونی آینه (۱۸۰ قسمتی جهت معرفی سیره نبوی در شبکه ۱ سیما) طراح مستندهای عاشورایی حضور و میزگردهای بازشناسی حرکت امام حسین (ویژه دهه محرم ۸۵ از شبکه ۱ سیما) کارشناسی علمی و همراه کاروان عاشورائی شبکه ۱ (ویژه محرم ۸۵ که فرهنگ های عزاداری ۱۰ شهر را به تصویر کشید).

از سال ۸۰ به مناسبت مطالعه و پژوهش درباره فرقه ماتریدیه از فرق کلامی اهل سنت و در خواست مرکز جهانی یک دوره کلام اهل سنت را به صورت مقارن برای طلاب اهل سنت مدرسه امام خمینی (ره) تدریس نموده و از آن پس ۲ سال هم کلام شیعی را

تدریس نموده ام.

از سال ۸۰ با ورود به مرکز تخصصی مهدویت و تحصیل در آنجا و سپس در پژوهشکده مهدویت (مؤسسه آینده روشن) به فعالیت های گوناگون علمی پژوهشی و رسانه ای پرداخته ام که شرح مهمترین آنها چنین است:
 معاونت هنری مرکز تخصصی مهدویت (در زمان کوتاه - نیم سال)

سر دبیری نشریه انتظار نوجوان

کارشناس و مشاور هنری مؤسسه آینده روشن، کارشناس مستند تلوزیونی: ساحل بیکران،
 کارشناس و مشاور بخش هنری: دومین همایش بین المللی دکتین مهدویت
 طراح و مدیریت پروژه کتابهای ۶ جلدی یه دنیای قشنگتر ویژه کودکان

رضایی راد، محمد ابراهیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد ابراهیم رضایی راد

محل تولد: لنگرود

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۰۴/۷/۷

زندگینامه علمی

اینجانب محمد ابراهیم رضایی راد فرزند صفرعلی در تاریخ هفتم مهر سال ۱۳۰۴ شمسی در روستایی فتیده از قراء شهرستان لنگرود دیده به جهان گشودم پس از گذشت دوران طفولیت در مکتب خانه های آن روز قرآن مجید و برخی کتب فارسی از جمله نصاب الصبیان را فرا گرفتم. نظر به علاقه ای که به علوم دینی داشتم پس از گذشت چند سالی همراه آقای امینیان و شیخ رضا محمدی درس امثله را نزد مرحوم سید محمد باقر بنی سعید قاضی محله آغاز کردم و بدلیل عدم وجود حوزه علمیه در گیلان جهت تکمیل دروس دینی به قم عزیمت نمودم. درست در روز چهاردهم فروردین ۱۳۲۳ شمسی در حالی که هجده بهار از عمرم گذشته بود بار سفر را به قم بستم. در آن زمان حوزه توسط چهارتن از آیات عظام، آیت الله سید محمد تقی خوانساری، آیت الله صدر، آیت الله حجت، و آیت الله فیض قمی اداره می شد. از آنجا که مصمم بودم که به لباس روحانیت درآیم لذا پس از گذشت چندماه به اتفاق چند تن از دوستان در منزل یکی از روحانیون گیلان مقیم قم با شرکت چند تن از فضلاء از جمله آیت الله سید موسی صدر مراسم مجلس شدن به لباس روحانیت را برگزار کردیم. پس از طی مقدمات شرح لمعه نزد آیه الله صدوقی شهید محراب رسائل را نزد آیه الله مشکینی (ره)، مکاسب را نزد آیه الله العظمی نجفی مرعشی، کفایه را نزد آیه الله منتظری، آیه الله فکور و آیه الله زاهدی قمی فرا گرفتم. سپس به درس خارج فقه و اصول ارتقاء یافتم درس فلسفه و اسفار و تفسیر رانزد آیه الله طباطبایی، منظومه را نزد آیه الله رضا صدر، خارج اصول و مباحث الفاظ را از محضر آیت الله خمینی (ره) و امارات را از محضر آیه الله العظمی بروجردی (ره) و فقه را از محضر معظم له و آیت الله شیخ عباسعلی شاهرودی استفاده نمودم و ضمن آن به تدریس دروس مقدمات

، حاشیه ، سیوطی ، مطول ، معانی و بیان اشتغال داشتم و برخی از مباحث در سال را به طور خصوصی برای بعضی از طلبه ها تدریس می کردم .

رضایی کاشانی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۹۵ق)، شاعر، کاتب، معروف به قاری روزمره. وی از کاشان بود با عرفی و غیرتی شیرازی و عارف لاهیجی و اوحدی بلیانی معاصر بود. وی را چون حروف را از مخرج ادا می کرده، قاری می خوانده‌اند. وی گویا روزگار به کتابت می گذرانیده و مردی نکته‌سنج بوده از وطن خود به خراسان سفر کرد در فتنه ازبکان به قتل رسید.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۸۰۱، ۵۱۵، ۵/)، تاریخ نظم و نثر (۵۳۷-۵۳۶)، الذریعه (۳۷۰-۳۶۹/۹)، ریحانه (۳۱۳/۲)، صبح گلشن (۱۷۷)، فرهنگ سخنوران (۳۸۴)، مجمع الخواص (۳۱۰)، مکتب وقوع (۱۵۴-۱۳۸)، هفت اقلیم (۴۷۶-۴۷۴/۲).

رضایی موسوی، جعفر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید جعفر رضایی موسوی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید جعفر رضائی موسوی در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه مشهد مقدس شدم . بعد از گذراندن مباحث مقدماتی (ادبیات ، منطق ، معانی بیان و ...) در مدرسه الحجه و در خدمت اساتید حوزه علمیه مشهد تلمذ نمودم.از جمله اساتید بنده ، آیت الله فلسفی ، مرتضوی و مهدی مروارید می باشند . در سال ۱۳۷۲ برای ادامه تحصیلات به حوزه علمیه قم آمدم و در بحث خارج آیت الله وحید خراسانی حضور داشتم .

رضایی، باسمه

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

باسمه رضایی در سال ۱۳۳۵ در بغداد به دنیا آمد. ایشان دارای مدرک کارشناسی ارشد رشته کتابداری می باشد. نامبرده هم اکنون در دانشگاه‌های تهران و آزاد اسلامی به تدریس مشغول است. کتاب " رده PJA ادبیات فارسی "تالیف باسمة رضایی ، در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه : علوم انسانی رشته : کتابداری تحصیلات رسمی و حرفه ای : باسمة رضایی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه المستنصریه بغداد شد و در رشته کتابداری و اطلاع رسانی به اخذ درجه فوق دیپلم نایل گردید. از آن پس در ایران و در رشته فوق ادامه تحصیل داد و کارشناسی ارشد خود را با رتبه ممتاز از دانشگاه تهران دریافت داشت. فعالیتهای آموزشی : باسمة رضایی از سال ۱۳۶۳ در کتابخانه دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی مشغول به کار است و از سال ۱۳۷۳ سرپرستی همان کتابخانه را به عهده دارد. همچنین چند سال در دانشگاه آزاد تدریس کرد و در حال حاضر در دانشگاه تهران مشغول به تدریس است. جوایز و نشانها : کتاب " رده PJA ادبیات فارسی "تالیف باسمة رضایی ، در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. آثار : رده PJA ادبیات فارسی ویژگی اثر : تالیف، این کتاب در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب «رده PJA ادبیات فارسی»: رده PJA ادبیات فارسی، تنظیم و تدوین باسمة رضایی، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۴. قرنهاست که در ایران، زبان عربی گذشته از پیوند هزار و چهارصد ساله اش با فارسی، زبان دوم ما محسوب می شود، زیرا زبان قرآن و نماز و دین ماست. بنابراین زبان و ادبیات عربی اختصاص به شبه جزیره عربستان ندارد. دانشمندان ایرانی در جهت پرورش و رشد این زبان بسیار کوشیده اند. وجود مجموعه های غنی ادبیات عربی در ایران و سازماندهی این مجموعه ها، تهیه گسترش ادبیات عربی را ضروری می نمود. هدف از این گسترش، ایجاد طرح نوینی بوده است که با رعایت اصول ضوابط رده بندی کنگره، به نیازهای موجود در کشور و کشورهای عربی پاسخ گوید. کتاب، موضوعی و الفبایی است و شیوه تنظیم آن بسیار منسجم و هماهنگ است. نمایه الفبایی دقیق و جامعی دارد که با ارجاع به مدخلهای متن، بازاریابی اطلاعات تسهیل می شود. از امتیازات خاص این کتاب آن که، این رده پس از کاربرد آن در کتابخانه ملی صورت گرفته و براساس نمونه های علمی، توسعه یافته و تکمیل شده است .

رضایی، حسن رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن رضا رضایی زرنندینی

محل تولد : زرنندین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه امام صادق نكء (مازندران) شدم و زیر نظر حضرت آیه الله صادقی گلدوردی مشغول تحصیل شدم و

از سال ۱۳۷۱ وارد حوزه علمیه قم و در مدرسه مرعشیه ساکن شدم همزمان درس های کلاسیک را شروع نمودم. در سال ۱۳۷۶ وارد تربیت محقق و نویسندگی علوم قرآن شدم و کارشناسی ارشد آن را با پایان نامه قرآن و فرهنگ زمانه به اتمام رساندم و در سال ۱۳۷۹ وارد تخصصی تفسیر شدم و در سال ۱۳۸۲ با پایان نامه نیازهای متعالی انسان در قرآن تمام نمودم. و بیش از ۵ سال در درس خارج مکام، سبحانی و عابدی شرکت جستم.

رضایی، عباس

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عباس رضایی استخرویه

محل تولد: استخرویه کرمان

شهرت

تابعیت: ایران

زندگینامه علمی

اوایل انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت آیت الله العظمی امام خمینی (ره)، وارد حوزه علمیه کرمان شدم. در ابتدا شروع به فراگیری جامع المقدمات و کلاس های جنبی کلاسیک آن زمان که کتاب های مقطع دبیرستان بود کردم و با توجه به کمبود استاد و نبودن نظم و تربیت صحیح در حوزه کرمان دوره تحصیل مقدمات طول کشید تا اینکه ظرف چهار سال جامع المقدمات، سیوطی و مغنی باب اول و چهارم را طی کردیم و در کنار آن نیز منطق کبری و منطق مظفر و رساله علمیه با حواشی علمای اعلام و تبصره علامه حلی و بخشهایی از شرایع مرحوم محقق حلی به پایان رسید. بعد از طی مقدمات یک سال به قم مهاجرت کردم و در مدرسه کرمانیها حوالی بازار قم مشغول به تحصیل شدم. در آنجا شرح لمعه را در خدمت استاد محترم جناب آقای مسروی و مرحوم آقای سلطانی می خواندیم و نیز اصول مظفر را در خدمت مرحوم شهید حجت الاسلام حسین حقانی به پایان بردم. سال بعد به دلیل نیاز حوزه علمیه کرمان و مشکلات فردی خودم به حوزه علمیه کرمان برگشتم و در آنجا علاوه بر مدیریت داخلی حوزه به تدریس صرف و نحو و تحصیل رسائل و مکاسب مرحوم شیخ انصاری زیر نظر اساتید محترم مرحوم آیت الله شیخ محمد روحانی و حضرت آیت الله حاج شیخ عباس حقیقی به تحصیل پرداختم.

در سال ۶۶ که حدود دو سال از تشکیل خانواده و زندگی مشترک بنده نیز می گذشت در دانشگاه فردوسی مشهد دانشکده الهیات قبول شده و در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی به مدت چهار سال به تحصیل پرداختم تا اینکه در سال ۷۱-۷۰ مدرک کارشناسی را از آن دانشکده گرفتم. پس از آن وارد حوزه علمیه قم شدم و به ادامه دروس حوزه که مکاسب مرحوم شیخ و کفایه آخوند بود، پرداختم و در سال ۷۲-۷۱ همزمان با تحصیل در حوزه در رشته کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق دانشگاه قم مشغول به تحصیل شدم. همزمان با پایان یافتن دروس دانشگاه و فارغ التحصیلی، دروس سطح حوزه نیز تمام شده بود و من مشغول درس خارج فقه و اصول شدم. از آن تاریخ تا الان نیز در حوزه علمیه قم مشغول تحصیل در مقطع درس خارج فقه و اصول می باشم و در این مدت نیز در امتحانات مدرسی دانشگاه های نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه شرکت کردم و قبول شدم و مدرک تدریس متون عربی از آنجا دریافت کردم و حدود یکی دو سال البته با ساعاتی کم که در حوزه کلاس نداشتم مثل روزه های پنجشنبه یا دوشنبه ها به

تدریس ادبیات عربی (متون) در دانشگاه تربیت معلم پرداختم. بنده اثر علمی نوشته شده چاپ شده، یا به چاپ نرسیده‌ای به جز همان رساله پایان‌نامه فارغ التحصیلی کارشناسی ارشد دانشگاه قم ندارم و آن هم به تعداد محدود تایپ شد و ماشین گردید و در اختیار استاد راهنما و مشاور و کتابخانه دانشگاه و یک عدد نیز نزد اینجانب می‌باشد.

رضایی، عبدالعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالعلی رضایی

محل تولد: کرمانشاه

شهرت

تابعیت: ایران

زندگینامه علمی

دوران تحصیل در مقاطع ابتدائی، راهنمایی و هنرستان صنعتی (مکانیک عمومی) را در شهرستان کرمانشاه گذراندم. از سال ۶۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و تا کنون مشغول به تحصیل و تحقیق هستم و مدت ۱۰ سال در درس خارج فقه و اصول شرکت دارم. اساتیدی که از آنان بهره علمی برده‌ام عبارتند از: آقایان طالقانی، هادوی، میرباقری، موسوی تبریزی، آیت الله راستی کاشانی، علامه سید منیرالدین حسینی الهاشمی (ره)، آیت الله جوادی آملی. در ادامه فعالیت های علمی همزمان با ورود به حوزه علمیه قم با دفتر فرهنگستان علوم اسلامی آشنا شدم و طی یک دوره ۱۲ ساله آموزشی، پژوهشی موفق به اخذ دکتری در مدیریت تحقیقات شدم و از سال ۷۳ تا ۸۱ مدرس رشته مدیریت تحقیقات در دانشگاه بقیه الله (عج) بوده‌ام و طی دو دوره دکتری PH.D دانشجویان در مقطع فوق لیسانس را پذیرش و تربیت نمودیم و هدایت دو پایان نامه در مقطع PH.D در موضوعات مدیریت شبکه ای تحقیقات، مبانی روش های تحقیق موجود در علوم تغذیه و طرح مبانی جدید با رویکرد مبتنی بر منطق الهی نظام گرا را به عهده داشته‌ام. از سال ۷۶ تا سال ۸۲ به عنوان کارشناس و مشاور علمی در سازمان مدیریت صنعتی مشغول به فعالیت های علمی در زمینه مدیریت شبکه ای تحقیقات شدم و با فعالیت های علمی مستمر و فشرده و ارتباط های علمی با مجامع بین المللی و دانشگاه های خارج از کشور موفق به انجام کارهای علمی در راستای طرح دیدگاه های جدید و نو شدیم از جمله ارائه طرح و مدل اقتصادی از نگاه اسلام به دانشگاه برانشویک آلمان، طراحی کلیات مدل خصوصی سازی در ایران ۲۰۲۰، و در سال ۲۰۰۰ - ۲۰۰۱ با گرفتن پذیرش از دانشگاه ST.Regis امریکا و همکاری بصورت پروژه علمی در سال ۲۰۰۳ موفق به اخذ دکتری در رشته تحقیق در مدیریت فرهنگی و فوق دکتری در رشته مشاوره در امور توسعه اجتماعی شدم. دانشگاههای امام صادق و شیخ طوسی اصفهان، نیروی انتظامی مشغول به تدریس بوده‌ام. مسئول گروه بنیادی پژوهشکده توسعه و تکنولوژی جهاد دانشگاهی صنعتی شریف می باشم و مسئول گروه " روش " و عضو هیئت علمی در فرهنگستان علوم اسلامی قم هستم. در ضمن عضو واحد نخبگان و فرهیختگان حوزه علمیه قم می باشم.

رضایی، عبدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالله رضایی انالوجه

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۵/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده عبدالله رضایی فرزند حجه الاسلام شیخ علی رضایی در سال ۱۳۵۵ در خانواده ای روحانی و متدین در شهر مقدس قم متولد شدم. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در مدارس قم طی نمودم و در سال ۷۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و تحصیلات سطوح حوزوی را نزد اساتیدی همچون حجج اسلام موسوی خوئی، موسوی تهرانی، وحیدی، شبیری زنجانی ... ادامه دادم. همزمان با قبولی در آزمون ورودی دانشگاه باقرالعلوم رشته تاریخ را در مقطع کارشناسی به اتمام رساندم و مقطع کارشناسی ارشد را در رشته ارتباطات با گرایش تولید سیما در دانشکده صدا و سیما ادامه داده و رساله علمی خویش را در قسمت عملی با موضوع طرح مسئله شفاء در رسانه تلویزیون و در قسمت نظری با عنوان بررسی تطبیقی مسابقات سرگرمی تلویزیون با توجه به انگاره های اسلامی ارائه دادم. در این میان همکاری تحقیقاتی و اجرایی در پروژه های مختلف تلویزیونی و تولید این آثار و همچنین تاسیس کار گروه های علمی در حوزه رسانه و دین از جمله فعالیت های اینجانب می باشد. بنده هم اکنون به عنوان معاونت فرهنگی هنری موسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) که تولید آثار پژوهشی، فرهنگی و هنری در زمینه تخصصی مهدویت را در دستور کار خود دارد را عهده دار می باشم.

رضایی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی رضایی

محل تولد: بیرجند

شهرت: رضایی بیرجندی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۳

زندگینامه علمی

در سوم فروردین سال ۱۳۳۹ شمسی در روستای شاخن بیرجند در خانواده‌های مذهبی چشم به جهان گشود و پس از سپری کردن دوره ابتدایی تحصیلی، در سال ۱۳۵۰ به حوزه علمیه شهرستان بیرجند وارد شد. سپس با گذارندن دوره مقدماتی در سال

۱۳۵۶ وارد حوزه علمیه قم شد پس از اتمام دوره سطح توفیق شرکت در دروس خارج نصیبتش شد آن گاه دوره های تخصصی فقه اصول را به مدت ده سال از محضر استادان بزرگ حوزه نظیر آیات عظام: جعفر سبحانی، فاضل لنکرانی، وحید خراسانی و شیخ جواد تبریزی فرا گرفت و با سپری ساختن آزمون های حوزوی به تدریس در حوزه علمیه مشغول شد. ضمناً به علت داشتن علاقه وافر به تفسیر و معارف بی بدیل قرآن، مدت هفت سال در درس تفسیر آیت الله جوادی آملی دامت برکاته شرکت کرد و با توصیه معظم له به تدریس تفسیر قرآن پرداخت. همچنین از بحث های فلسفی و عرفانی معظم له و سایر دانشمندان هم بهره وافر برد و ی در سال ۱۳۷۳ با گذراندن دوره تخصصی الهیات و معارف اسلامی در مرکز تربیت مدرس حوزه علمیه قم به اخذ کارشناسی ارشد در رشته الهیات و معارف اسلامی نایل آمد و هم اکنون در حال تدوین تز دکترای خویش در مورد (تناسخ) می باشد. شایان ذکر است که با عنایت به پیش آمد معجزه قرن حاضر یعنی انقلاب شکوهمند اسلامی و سپس تهاجم دشمنان به کیان جمهور یاسلامی و وقوع جنگ تحمیلی که مصادف با آغاز جوانی ایشان بود و سرمستی از خم خمخانه خمینی کبیر. علاوه بر حضور در صحنه های گوناگون انقلاب به مدب دو سال از عمر خویش را نیز به صورت مستمر و بعد هم به صورت متفرقه در جبهه های دفاع مقدس و ناطق جنگی گذراند.

رضایی، مجید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مجید رضایی

محل تولد: آبادان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از اخذ دیپلم در سال ۵۸ به دانشگاه رفتم. با شروع انقلاب فرهنگی با حضور در کردستان و فعالیت در جهاد سازندگی به مردم منطقه، کمک های متعددی انجام شد. در زمستان ۵۹ به حوزه آمدم. دروس سطح را تا سال ۶۶ به اتمام رساندم نزد اساتید مختلف از جمله حجج اسلام: آل غفور ومبیدی (لمعه و اصول فقه) طالقانی (مغنی) فتوحی (مختصر المعانی) میری (مبادی العربیه) اعتمادی و ضرابی (رسائل) ستوده (مکاسب) احمدی فقیه و مدرسی (کفایه) منظومه را از محضر آیت الله انصاری شیرازی با استماع نوار، منطق (نیازی) اشارات خدمت آیت الله حسن زاده، اسفار خدمت آیت الله جوادی آملی شرکت در درس و استماع نوار، تفسیر محضر آیت الله جوادی آملی، شرح تجرید استماع نوارهای آیت الله مکارم شیرازی، دروس خارج فقه محضر آیات عظام (منتظری، تبریزی، قدیری، موسوی اردبیلی، وحیدی خراسانی) و اصول محضر آیات عظام (صانعی، تبریزی، وحیدی خراسانی، موسوی اردبیلی، و قدیری) تمهید القواعد استماع نوارهای درسی آیت الله جوادی آملی در کنار تعلم، دروس حوزوی مختلف را در مدارس و به طور خصوصی تدریس کردم، ادبیات (جامع المقدمات، سیوطی، مبادی العربیه، مغنی) اصول (معانی و اصول فقه و رسائل) فقه (لمعه، مکاسب) فلسفه (بدایه، نهایه، منظومه، شواهد الربوبیه) حدیث (نهج البلاغه و بحار) قرآن تفسیر برخی سوره ها.

در دانشگاه مفید در اولین دوره اقتصاد نظری شرکت کردم و در سال ۷۳ لیسانس و ۷۷ فوق لیسانس اقتصاد را دریافت کردم. از سال ۷۶ به عنوان هیات علمی گروه اقتصاد علاوه بر انجام مسوولیت های اجرایی مثل مسئول دفتر نظارت و ارزیابی، مسوول دفتر تحصیلات تکمیلی و معاون پژوهشی تا سال ۸۴ به تدریس دروس مختلف اقتصاد پرداختم. فقه اقتصادی، مالیه عمومی در اسلام، مالیه عمومی، کلیات علم اقتصاد، اقتصاد در بخش عمومی، تجارت بین الملل، نظام های اقتصادی، تاریخ عقاید اقتصادی، بانکداری بدون ربا و ...

در دانشگاه علوم پزشکی تهران، رازی کرمانشاه و مفید دروس عمومی مثل معارف اسلامی، تاریخ اسلام، ریشه های انقلاب اسلامی، اخلاق اسلامی را تدریس کردم (از سال ۷۵ - ۸۰)

با همکاری دوستان در بخش فرهنگی جامعه مدرسین قم کتاب ربا تدوین شد و با همکاری آقای رهایی کتاب فقه القضاء آیت الله العظمی موسوی اردبیلی بازنویسی شد و تحت اشراف ایشان تجدید چاپ شد.

رضایی، محمدامین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدامین رضایی

محل تولد: افغانستان

شهرت

تابعیت: افغانستان

تاریخ تولد: ۱۳۵۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۷ بعد از آموختن روخوانی و روان خوانی قرآن مجید در محضر مادر مؤمنه ام، با تأسیس مدرسه امام حسین (ع) عازم مکتب خانه و مدرسه شدم که با شروع از کلاس دوم دبستان با مضامین کتب دبستانی جمهوری اسلامی ایران به مدت چهار سال دوره ی ابتدایی را به پایان رساندم اما به خاطر نبود معلم با کتب درسی و علاقه خاصی که به درس حوزه داشتم ضمن تحصیل کتب حوزوی در فصل زمستان از سال ۱۳۷۱ تمام سال و تمام وقت مشغول آموختن دروس حوزوی شدم که به مدت سه سال ادبیات، منطق در محضر اساتید آقای حاج فضیلت های استاد به پایان رساندم و در سال ۱۳۷۴ به درس اصول با معالم الدین به محضر استاد موفق که از طلاب حوزه علمیه قم بود پرداختم که تا سال ۱۳۷۸ کتاب معالم الدین و جلد اول اصول فقه و جلد اول شرح لمعه را به طور کامل به اتمام رساندم.

در اوایل سال ۱۳۷۸ عازم جمهوری اسلامی ایران شدم که با شروع سال درسی جلد دوم شرح لمعه و جلد دوم اصول فقه را در محضر اساتید جناب آقای شفیع دارابی و استاد قاضی زاده و کهک گرفتن از نوار درسی استاد مرحوم وحدانی فخر و استاد صالحی در کتب مذکور خواندم و در سال ۱۳۷۹ در امتحان پذیرش مرکز جهانی علوم اسلامی شرکت کردم و مورد پذیرش قرار گرفتم از سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۸۴ طبق برنامه مرکز جهانی ضمن کتب متن رسایل و مکاسب، کفایه و برنامه های جنبی مکالمه عربی و مضامین دگر با گرایش فقه و اصول و ارائه پایان نامه دوره ی کارشناسی ارشد به اتمام رساندم. و اخذ دیپلم از دبیرستان

بزرگسالان ابن سینا مدت دو سال است که علاوه بر تحصیل در مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) به درس خارج فقه و اصول در محضر اساتید بزرگوار حضرت آیة‌الله العظمی مکارم شیرازی «حفظه‌الله» و استاد محبوب حضرت حجة‌السلام والمسلمین استاد شیخ جواد فاضل لنکرانی مشغول هستم.

علاوه بر تحصیل کتب حوزوی و اهمیت به برنامه‌های مدرسه، مدت دو سال است که شروع به تحقیق و پژوهش بخش‌های معارف اسلامی نمودم که حاصل آن بعضی مقالاتی است که اشاره شده است و از خداوند توفیق و حضرتش با توسل به ائمه اطهار علیهم السلام

رضایی، محمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد علی رضایی

محل تولد: رهنان اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۲/۱

زندگینامه علمی

محمدعلی رضایی اصفهانی در سال ۱۳۴۱ شمسی در خانواده‌ای مذهبی در رهنان اصفهان متولد شد. دوره دبستان و راهنمایی را در محل تولد و دوره متوسطه را در شهر اصفهان در دبیرستان شهید صدیقی (خوارزمی) گذراند، در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه (مدرسه ذوالفقار) اصفهان گردید و تا یک سال درس خارج را در آن حوزه گذراند.

در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم گردید و به مدت ده سال در درس خارج اساتیدی همچون آیات عظام فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، معرفت، صالحی مازندرانی و وحید خراسانی حاضر شد و موفق به گذراندن پایان نامه سطح چهارم (دکتری فقه) شد و همزمان سطح چهارم (دکتری) رشته تخصصی تفسیر حوزه علمیه قم و دکتری علوم قرآن و حدیث واحد تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی را به پایان رساندند.

رضایی، محمد مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد مهدی رضایی

محل تولد: کرمان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده محمد مهدی رضایی در سال ۱۳۶۴ پس از اتمام سوم راهنمائی، با شوق و علاقه درونی خود و نه با اجبار اطرافیان و محیط، وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه علمیه کرمانی ها تحصیلات پایه خود را آغاز نمودم و از استادان نه چندان معروفی که عموماً از دانش آموختگان همان مدرسه بودند، استفاده کردم و تا لمعه را در آنجا خواندم و آن گاه در مدرسه علمیه امام باقر(ع) لمعه و اصول استنباط و غیره را درس گرفتم. مکاسب و رسائل را در بیرون، پای درس استادانی چون محمدی خراسانی و استاد اعتمادی، تا حدودی آموختم و باقیمانده را با نوارهای درسی و مباحثه گذراندم. همچنین کفایه الاصول را با مباحثه به پایان بردم و پس از آن چند سالی حدود سه - چهار سال در درس خارج فقه آیت الله جوادی آملی و اصول آیت الله مرحوم صالحی مازندرانی حاضر شدم و ... هم اکنون در موسسه امام صادق(ع) مشغول سپری کردن سال سوم از دوره فوق لیسانس کلام اسلامی هستم. آغاز کار قلمی بنده با گفتن شعر و نوشتن نقد داستان و مقالاتی به صورت تالیف و ترجمه در مجلات بود و ترجمه کتاب درباره حفظ قرآن کریم به نام "کیف نحفظ القرآن" و آنگاه ترجمه ای دیگر گون از "صحیفه سجادیه" که طی دو سال به چاپ ششم رسیده است. بخش هایی از کتاب گرانقدر "مصایح الجنان" تالیف علامه کبیر آیت الله سید عباس حسینی کاشانی را نیز بنده انجام داده ام که چاپ شده است. در طول این سال ها با مجلات گوناگونی در ارتباط بوده ام، به خصوص مجله "پرسمان" و از همین رهگذر به پیشنهاد و همکاری نشر معارف، اخیراً ترجمه مناجات امیر مومنان و مناجات خمس عشره از بنده چاپ و منتشر شده است.

رضائی، حمیدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: میکروبیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی ایران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای داروسازی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۸، کارشناسی ارشد میکروب شناسی - ایمنی شناسی از دانشگاه بیلر آمریکا در سال ۱۳۴۲، دکترای میکروب شناسی - ایمنی شناسی از دانشگاه بیلر آمریکا در سال ۱۳۶۵، فوق دکترای ایمنی شناسی از دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا در سال ۱۳۵۵، طی چندین دوره کوتاه مدت در مورد آموزش پزشکی دانشگاه ایلینویز آمریکا. مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۴۵ تا سال ۱۳۵۶، دانشیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۴۹ تا سال ۱۳۵۱، استاد دانشگاه شیراز از سال ۱۳۵۱، استاد مدعو دانشگاه پنسیلوانیا از سال ۱۳۵۶ تا سال ۱۳۵۷، محقق و استاد دانشگاه کالیفرنیا به مدت ۳ سال.

زمینه های علمی و تحقیقاتی:

ایمنوپاتولوژی لیشمانیوز، اثر کورتیکوستروئید در بیماری لیشمانیوز، مقایسه انواع آزمایشهای تشخیص در لیشمانیوز، اسیدهای چرب در لیشمانیوز، اثر لوامیزول در لیشمانیوز، تدریس دروس میکروب شناسی، ایمنولوژی، آموزش پزشکی، ایدز و امراض مقاربتی میکروب شناسی عمومی در دانشگاههای شیراز و سانتا کلرا آمریکا ابداع یک روش تشخیص برای بیماری کالا آزار بوسيله کانتراکانت الکتروفورز و عضویت در اولین گروه کشف کننده مکانیزم ایمنی در لیشمانیوز (انتقال سلول حفاظت کننده در

کالا آزار).

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: ۱۶

زمینه علمی تألیفات:

مقدمه ایمنولوژی، بیماری لیشمانیوز و انگل لیشمانیا، اصول و تفسیر آزمایش‌های ایمنولوژی، امراض مقاربتی، ارزیابی، روش و شبیه‌سازی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳۵

زمینه علمی مقالات:

داروسازی، ایمنی‌شناسی و میکروب‌شناسی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رضائی، مسعود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: دهان و دندان، دانشکده: دندان پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رضائیان، مصطفی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: انگل‌شناسی، دانشکده: بهداشت، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات عالی و دکترای انگل‌شناسی از دانشگاه کارلز فرانس اتریش در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

استادیار در سال ۱۳۵۴، دانشیار در سال ۱۳۶۶ و ارتقاء درجه استادی دانشکده بهداشت علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۷۲.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بهداشتی تشخیصی، درمان، مشاوره، راهنمایی و نظارت بر ۲۹ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:

ترجمه کتاب **Amoeba Living free** (آسیب‌آزادی)
مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۴، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۱
زمینه علمی مقالات:

انگل‌شناسی، آرشیو بیماریهای دوران کودکی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رضائی‌پور کار دوست، ربابه

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ایمنولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زیست‌شناسی از دانشکده علوم پزشکی تهران، کارشناسی ارشد میکروبیولوژی از دانشکده علوم پزشکی تهران
کارشناسی ارشد ایمنولوژی از دانشگاه ایلینویز آمریکا و دکترای ایمنولوژی از دانشگاه ایلینویز آمریکا.
مرتبه علمی:

تدریس در دانشگاه‌های خارج از کشور، تدریس در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی با مرتبه استادیاری و دانشیاری به مدت ۱۰ سال.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ایمورنیسته گازهای شیمیائی، طرح تولید کیست اختصاصی تشخیص لوپوس در ایران، طرح راه‌اندازی روش جدید فلوتور و ایمونواسی، طرح بررسی تغییرات CIC در سرطان‌ها، طرح ارزش تشخیص کمپلکس‌های ایمنی در سیر بیماری لوپوس، تولید واکسن ضد بارداری، بررسی میزان نرمال Ige در کودکان تهران، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۶ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترای.

ابداع:

اختراع روش جدید ایمونوفلوتورواسی و تولید آنتی‌بادیهای اختصاصی گازهای شیمیائی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۴
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:

ایمونولوژی بالینی بلانتی، سرولوژی، ایمونولوژی و ایمونوشیمی آزمایشگاهی، اصول ایمونولوژی پزشکی، ایمونولوژی، بخش اینونولوژی کتاب اسمیت و تایر.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

ایمونولوژی پزشکی، سرولوژی و ایمونوشیمی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رضوان، محمود

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اولاً- نامش ملاعباس بوده که به محمود تغییر داده است اسلافش از اهالی قریه کهک چهار فرسخی قم بوده و این حکیم دانشمند پس از تکمیل مقدمات علوم ادبیه در قم مهاجرت به تهران نموده و نزد دو حکیم بزرگوار مرحوم میرزا ابوالحسن جلوه و آقا میرزا محمدرضای قمشاه مشغول تحصیل علم حکمت گردید تا از اجله حکماء محسوب گشت و سالها در تهران در مدرسه صدر و غیره تحصیل و تدریس علم حکمت می نمود. قصاید اشعار غرائی در مدح ائمه معصومین علیهم السلام سروده و در حدود سال ۱۳۳۰ تقریباً در تهران وفات نمود.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

رضوانی راد، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین رضوانی راد

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۴/۱

زندگینامه علمی

به فضل الهی سال ۱۳۴۹ شمسی در خرداد ماه وارد حوزه علمیه شدم رسماً و دروس مقدماتی ادبیات و منطق و سطوح اولیه را گذراندم و سطوح متوسط و عالی را گذراندم و در سال ۱۳۵۵ وارد درس خارج شدم، در همان سال امتحانات سطوح عالی را گذراندم در امتحان شفاهی کفایه الاصول که در مدرسه حجتیه انجام شد جناب استاد محسن دوزدوزانی نمره ۲۰ را دادند و چند بار تشویق کردند با جمله احسنت و در همان جلسه امتحان مکاسب مرحوم شیخ انصاری را در خدمت مرحوم استاد و آیت الله حاج

شیخ احمد پایانی انجام شد ایشان شماره و نمره ۱۹ را دادند که بنده به ایشان عرض کردم از من اشکالی گرفتید چرا یک نمره کم کردید ایشان با شوخی و مزاح از کنار مساله گذشتند. در همین سال در درس مرحوم استاد آیت الله مرتضی حائری تا هفت سال درس خارج فقه شرکت نمودم تحت صلاه مسافر و خمس و خیرات مکاسب را و در مباحث اصولی ایشان از عام و خاص تا برابری شرکت کردم و ۱۴ سال درس اصول آیت الله وحید خراسانی، هفت سال فقه درس آیت الله حاج میرزا جواد آقا تبریزی ۵ سال فقه درس آیت الله سید کاظم حائری اصول مدت دو سال تقریباً شرکت نمودم.

البته برخی از کتب سطوح عالی را مکرر خواندم. مثل کفایه الاصول ج ۲ را نزد ۲ استاد خواندم آیت الله سیدعلی محقق داماد و آیت الله جعفر سبحانی مکاسب را نیز دو دور خواندم. اسفار الاربعه صدر المتالهین را تقریباً شش ماه خواندم آیت الله جوادی آملی و حاج شیخ حسین انصاری شرح فصوص قیصری و تمهید القواعد ابن ترکه را نزد آیت الله جوادی آملی خواندم برهان شفا در منطق را نزد آیت الله جوادی آملی الهیات را نزد آیت الله حسن زاده آملی خواندم و در همان سالهای اولیه مشغول تدریس بودم از سال ۱۳۵۱ شمسی تا کنون تا عالی ترین سطوح را تدریس کرده‌ام. خداوند متعال از همه قبول کند درس تفسیر را نزد آیت الله خزعلی آیت الله جوادی آملی تلمذ کردم. البته در این خلیل کارهای علمی از قبیل یادداشت برداری در موضوعات مختلف از قبیل تراجم شرح حال علی و امامت - معاد - حج و امثال ذلک داشته‌ایم و کتابهایی را از شهید مطهری آیت الله جوادی آملی - امام خمینی - شهید بهشتی - آیت الله مکارم شیرازی تنظیم نموده و پاورقی زدیم و چاپ شده است. از باب نمونه چهار کتاب از کتابهای شهید مطهری - انسان کامل - عنصر امر به معروف - فلسفه اخلاق - و یکی دیگر از کتابهای ایشان را شخصاً تنظیم کردیم و جامعه مدرسین در سالهای ۱۳۶۱ - ۱۳۶۲ چاپ کردند. از آیت الله جوادی آملی اسرار عبارات - حماسه و عرفان - عرفان حج و دیگر کتابها را تنظیم کردیم و چاپ شد و نیز از دیگران خداوند از همه قبول فرماید.

رضوانی کاخکی، هادی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد ۱۳۲۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی استخوان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی ارتوپدی و تروماتولوژی، فوق تخصص در رشته طب ورزش و تروماتولوژی ورزش، پروفیسوری آگزره در رشته جراحی‌های ارتوپدی، تروماتولوژی و جراحی‌های ترمیمی و پلاستیک از دانشکده پزشکی پاریس (فرانسه) در سال ۱۳۵۲. مرتبه علمی:

استادیار تمام وقت ارتوپدی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۵۲، ارتقاء به درجه دانشیاری ارتوپدی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۶۶.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آمار، تروماتولوژی و ارتوپدی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴۲ پایان‌نامه دکترا و دکترای تخصصی.

مقالات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ارتوپدی، تروماتولوژی، کمک‌های اولیه، فیزیوپاتولوژی ارتوپدی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

ارتوپدی، تروماتولوژی، جراحی‌های ترمیمی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رضوانی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد رضوانی نجفی فرزند مرحوم مبرور ثقه الاسلام والتجار حاج محمد اسمعیل رضوانی از افاضل معاودین نجف و مدرسین بزرگوار معاصر حوزه علمیه قم می‌باشند. والد ماجدش از اخیار شهر زنجان بودند که مدتی از عمر خود را صرف تحصیل نموده و بعد مشغول به تجارت گریده روزها اشتغال به کسب و تحصیل روزی حلال و شبها به مطالعه اخبار و تفاسیر می‌گذارانیدند تا دعوت حق را لبیک اجابت گفتند مترجم در سال ۱۳۰۲ شمسی در زنجان متولد شده و در تحت پرورش چنین پدر با تقوائی تربیت یافته و مقدمات را در آنجا تمام و به شهر قم در سن ۱۷ سالگی مهاجرت و مدت ۹ سال اقامت و سطوح و مقداری از دروس خارج را خدمت بزرگان حوزه علمیه مانند مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم خوئینی و آیت‌الله العظمی آقا سید محمد حجت و آیت‌الله العظمی بروجردی رضوان‌الله تعالی علیهما فقها و اصولا استفاده نموده آنگاه در سال ۱۳۶۹ ق مهاجرت به نجف اشرف و مدت بیست و شش سال سکونت و از محاضر آیات عظام آن سامان چون مرحوم آیت‌الله حکیم و شاهرودی و یک دوره اصول آیت‌الله خوئی و بالا-خص محضر و ابحاث شیخ الفقهاء و المجتهدین آیت‌الله حاج میرزا محمدباقر مجتهد زنجان (تغمده‌الله بغفرانه) استفاده نموده تا در سال ۱۳۹۴ ق که بنا بر فشار دولت بعث عراق مجبور به معاودت ایران و رحل اقامت در حرم اهل بیت علیهم السلام و جوار حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله علیها افکنده و به تدریس پرداخته‌اند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

رضوانی، محمد اسماعیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۴ - ۱۳۰۰ ش)، محقق، مورخ و استاد دانشگاه. وی در قریه‌ی خراشاد بیرجند متولد شد و در همان جا به مکتب رفت. هشت ساله بود که خواندن قرآن را تمام کرد. سپس به بیرجند رفت و در مدرسه‌ی طلاب و سپس در مدرسه‌ی دولتی تدین به تحصیل

پرداخت. پس از اخذ دیپلم بلافاصله در وزارت فرهنگ استخدام شد و سه سال در بیرجند خدمت کرد. سپس به تهران آمد و ضمن تدریس در دبیرستان فرخی، موفق به اخذ لیسانس و فوق لیسانس و دکترای در رشته‌های تاریخ و جغرافی شد. او در رشته‌های امور تربیتی نیز دارای مدرک لیسانس بود. رضوانی در دانشگاه تهران به تدریس تاریخ و رشته‌های مربوط به آن پرداخت. سرانجام در تهران وفات یافت. از آثار به جای مانده از او می‌توان از: رساله‌ای برای نوسوادان به نام «زمینی که روی آن زندگی می‌کنیم»؛ تصحیح متن «نامه‌ی تنسر» با همکاری مجتبی مینوی؛ «منتظم ناصری»، در سه مجلد؛ «اعلانها و اعلامیه‌های دوره‌ی قاجار»، با همکاری جهانگیر قائم مقامی؛ «انقلاب مشروطیت ایران» نام برد. و مقالات متعددی که در مجلات «یغما»، «بررسیهای تاریخی»، «آموزش و پرورش»، «آینده»، «راهنمای کتاب» چاپ شده است. [۱]

مورخ، محقق، مدرس.

تولد: ۱۰ اردیبهشت ۱۳۰۰، قریه‌ی خراشاد (۲۴ کیلومتری شال شرقی بیرجند).
درگذشت: ۵ فروردین ۱۳۷۵، تهران.

محمداسماعیل رضوانی، فرزند جعفر، تحصیلات خود را از مکتبخانه خراشاد آغاز نمود. سپس در مدرسه‌ی طلاب در بیرجند و پس از آن در مدرسه‌ی تدین به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۲۲ از دبیرستان فارغ‌التحصیل شد و به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و در سمت مدیر دبستان دقیقی خراشاد به خدمت پرداخت. بعد از ده سال در دبیرستان شوکتی بیرجند به تدریس مشغول شد. پس از آن به تهران آمد و ضمن تدریس در دبیرستان فرخی، توانست دوره‌ی لیسانس (۱۳۳۲-۱۳۲۸)؛ و فوق لیسانس و دکتری (۱۳۴۱-۱۳۳۶) را طی کند. وی مدت‌ها در دانشگاه ملی و دانشگاه تهران به تدریس مشغول بود. در سال ۱۳۵۸ بازنشسته شد و تا پایان عمر به تحقیق و پژوهشی در زمینه تاریخ ایران پرداخت. وی در سال‌های آخر عمر در چند واحد از واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه الزهراء، تربیت مدرس تدریس می‌کرد. از جمله مسئولیت‌های علمی او، مشاورت عالی پژوهشکده‌ی اسناد سازمان ملی ایران، مشاورت مؤسسه‌ی پژوهش و مطالعات فرهنگی، مدیریت گروه تاریخ بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، عضویت در شوراهای هیئت‌های مختلف از جمله شورای احیای میراث مکتوب کتابخانه‌ی ملی ایران و هیئت داوران جشنواره‌ی مطبوعات (دوره‌ی اول و دوم) بود.

از جمله آثار دکتر محمداسماعیل رضوانی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: زمینی که در روی آن زندگی می‌کنیم (۱۳۴۲)؛ انقلاب مشروطیت ایران (۱۳۴۵)؛ زندگی امام هشتم حضرت رضا (ع) (۱۳۴۹)؛ اعلان‌ها و اعلامیه‌های دوره‌ی قاجار (۱۳۴۹)؛ تعلیقات نامه تنسر (با همکاری مجتبی مینوی، ۱۳۵۴)؛ تصحیح تاریخ منتظم ناصری (سه جلد، ۱۳۶۷-۱۳۶۲)؛ سفرنامه‌ی ظهیرالدوله همراه مظفرالدین شاه به فرهنگستان (۱۳۷۱)؛ روزنامه‌ی خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرهنگستان (با همکاری فاطمه قاضیها، سه جلد، ۱۳۷۳-۱۳۷۱)؛ عالم آرای عباسی؛ یادداشت‌های امین‌الدوله؛ وی همچنین چند جلد کتاب درسی نیز تألیف نموده است، از آن جمله یک دوره تاریخ و جغرافیا و تعلیمات اجتماعی دبیرستان و یک دوره‌ی کامل تاریخ و جغرافیا برای دانشسرای مقدماتی و کلاس‌های تربیتی آموزش و پرورش و نیز کتاب درسی تاریخ سیاسی ایران برای دانشجویان دانشکده‌ی افسری. ایشان همچنین برای روزنامه‌هایی که تجدید چاپ شده‌اند، مقدمه نوشته است، از جمله برای دوره‌ی روزنامه‌ی «وقایع اتفاقیه»، «ایران»، «دانش»، «مدرسه‌ی دارالفنون تبریز»، «ملت سنیه ایران»، «روزنامه‌ی ملتی»، مقاله‌هایی از ایشان نیز در موضوع‌های تاریخ و جغرافیا در مجله‌ها و روزنامه‌های مختلف نظیر «یغما»، «راهنمای کتاب»، «کیهان»، «سالنامه‌ی کشور ایران»، «دانشکده‌ی ادبیات»، «بررسی‌های تاریخی»، «تاریخ و فرهنگ ایران»، «تحقیقات روزنامه نگاری»، «جامعه‌ی نوین»، «تاریخ»، «آینده»، «خواندنی‌های قرن»، «کلک»، «پیام کتابخانه»، «گنجینه‌ی اسناد»، «تحصیل»، «تاریخ معاصر ایران»، «کیهان فرهنگی» و «تحقیقات اسلامی» به چاپ رسیده است.

بیکر وی در بهشت زهرا در قطعه‌ی ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) به خاک سپرده شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: [۱] کیهان فرهنگی (س ۵، ش ۱۰، ص ۷-۱).

رضوانی، ناصر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: داروسازی، دانشکده: داروسازی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی در رشته ساخت و کاربرد دارو از دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۲.

مرتبه علمی:

تدریس در دانشگاه تهران به مدت ۲۸ سال، دانشیار دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحقیق در زمینه ساخت و کاربرد دارو، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر حدود ۱۰ پایان‌نامه (در هر سال) کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

به نام سازگاریها (شیمیائی، فیزیکی و درمانی).

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

داروسازی، و کاربرد و عوارض داروئی

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رضوی خوانساری، زین العابدین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند سید محمد حسن بن محمد بن میر علی اکبر نقوی در حدود سال ۱۲۲۵ متولد، و در ۱۳ ربیع المولود سال ۱۳۰۷ وفات یافته، در تخت فولاد مدفون گردید.

در اصفهان خدمت جمعی از اعظام علما همچون: میر سید حسن مدرس، و ملا حسین علی تویسرکانی، و آقا سید محمد شهشانهی

تلمذ فرموده، و به آقایان مسجد شاه اختصاص یافته، در محله‌ی مسجد حکیم سکونت، و در مسجد علی اکبر امامت می‌نموده. وی از جمله کسانی است که به شرف ملاقات حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - نایل گردیده، و از او کرامات و استجابات دعوات منقول است.

تألیفاتی دارد، از آن جمله است: ۱- ترجمه‌ی کتاب انوار نعمانی تألیف سید نعمت الله جزائری که به نام آقا نجفی به طبع رسیده است. ۲- حسام الشیعۀ که به نام [بعضی از علمای اعلام و فضلالی کرام حاضرین مجلس شریف و محفل منیف سرکار شریعتمدار] آقا نجفی به طبع رسیده است. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

رضوی سمرقندی، ابو عبدالله محمد صالح

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۶۳ ق)، رضوی، مسند، محدث، و طیب. وی در سمرقند به دنیا آمد و در مدینه از دنیا رفت. او تالیفاتی در تصوف و علوم اسرار و اسناد و مسلسلات دارد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: معجم المؤلفین (۸۳/۱۰).

رضوی قمی، ابراهیم

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۱۶۸ ق)، شاعر، عالم، حکیم، مفسر، محدث و فقیه اصولی. اصل وی از قم است، ولی در همدان متولد شد. در همان جا نشو و نما یافت. او برادر صدرالدین رضوی قمی، شارح «الوافیه»، است که از وی روایت کرده است. سید ابراهیم بعد از وفات برادرش به کرمانشاه رفت. وی یکی از مشایخ دوازده گانه سید شبر حویزی است. حاج محمدجعفر مجذوب (مجذوب علیشاه) نیز از شاگردان وی به حساب می‌آید. سال درگذشت و محل دفنش نامعلوم است. او خطی نیکو داشت. از آثار وی: «شرح مفاتیح الشرایع»؛ «شرح الوافی» فیض کاشانی. [۱]

سید صدرالدین بن سید محمدباقر الرضوی القمی مجاور نجف اشرف از علماء اواخر دولت صفویه به بعد و از بزرگان محققین این طایفه علیه می‌باشد صاحب روضات در کتابش گوید: در مرحله فضیلت و تدقیق وجودت تصرف و تحقیق فردیست بلاثانی و تلمذش در بدو امر نزد آقا جمال‌الدین خونساری و شیخ جعفر قاضی و مدقق شیروانی و سایر علماء اصفهان بود و پس از فراغ از تحصیل بوطن مألوف معاودت نموده و در آن ارض شریف مشغول تدریس و ارشاد عباد گردیده.

تا زمانی که در آن جایگاه فتنه افاغنه رخ نمود بناچار به موطن برادر خود سید ابراهیم رضوی به همدان هجرت فرمود و از آنجا به نجف اشرف علی مشرفها آلافت التحیه و الثناء رفت و در آن ارض مقدس نیز نزد شریف ابوالحسن عاملی و شیخ احمد جزایری مشغول تحصیل شد تا فارغ التحصیل گردید سپس در آنجا مشغول تدریس شد.

و از شاگردان اوست سید عبدالله بن سید نورالدین بن سید نعمت‌الله جزایری صاحب اجازه کبیره و از جمله چیزی که سید مذکور در آن اجازه در حق استادش گفته اینست که او اعلم علمائی است که من آنها را در عراق عرب دیده‌ام و اجمع آنها در معقول و منقول نزد اهل عراق و عظیم‌القدر بوده و زوار از هر ناحیه به ملاقات او می‌آمدند و به زیارتش تبرک می‌جستند و از وی استفاده می‌نمودند و از جمله تلامذه اوست وحید بهبهانی آقا باقر معروف رحمه‌الله علیه دارای تألیفاتی می‌باشد که از آنهاست «کتاب طهارت» و کتاب «شرح وافیة ملا عبدالله تونی» در سال ۱۱۶۰ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان الشیعه (۲/۲۰۴)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲/۸۶)، الذریعه (۱۶۵، ۷۴/۱۴، ۱۴۴-۱۴۳/۱۱)، ۲۲۹/۶، ریاض العارفین (۳۰۲)، ریحانه (۳/۴۳۱)، الکنی و الالقاب (۲/۴۱۵)، طرائق الحقائق (۳/۲۵۸)، معجم المؤلفین (۱/۸۷)، مکارم الآثار (۳/۶۴۲).

رضوی قمی، زین‌العابدین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجة الاسلام آقا سید زین‌العابدین بن سید جواد حسینی رضوی قمی عالمی بزرگ و فقیهی صالح از شاگردان حاج میرزا حسین خلیلی و شیخ محمد طاها و شیخ هادی تهرانی و آخوند خراسانی و علامه یزدی بوده و بعد از ۱۳۲۷ وفات نموده. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

رضوی قمی، صدرالدین محمد

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۱۶۰ ق)، عالم، محدث، فقیه اصولی و مرجع تقلید. اصل وی از قم است و نسبش به امام محمدتقی (ع) می‌رسد. در اصفهان نزد آقا جمال خوانساری و شیخ جعفر قاضی و محقق شیروانی تلمذ کرد. سپس به قم رفت و به تدریس و ارشاد مشغول شد. در فتنه‌ی افغان به موطن برادرش، همدان و از آنجا به نجف رفت و مراتب علمی خود را به کمال رساند و از ملا-شریف ابوالحسن عاملی و شیخ احمد جزائری بهره گرفت استاد اکبر، محقق بهبهانی، شاگرد اوست و در نوشته‌هایش از رضوی قمی به سید سند استاد تعبیر می‌کند. سید عبدالله جزائری نیز از وی روایت کرده است. از آثار وی: شرح «الوافیه» ملا عبدالله تونی، در اصول فقه، در پانزده هزار سطر؛ «کتاب الطهاره»؛ حاشیه بر «المختلف» علامه حلی؛ «المعراج»؛ رساله‌ای در «حدیث ثقلین».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۹/۴۰۶، ۷/۳۸۶)، الذریعه (۲۱/۲۲۶، ۱۵/۱۸۵، ۱۴/۱۶۶، ۱۳/۱۲۱، ۶/۱۹۴، ۴/۳۲۵)، روضات الجنات (۱۲۲-۱۱۹/۴)، ریحانه (۳/۴۳۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۸۴-۳۸۲/۱۲)، فوائد الرضویه (۲۱۳)، الکنی و الالقاب (۱۵-۴۱۴/۲)، لغت نامه (ذیل / صدرالدین)، معجم المؤلفین (۱۹۷-۱۹۶/۱۱، ۹/۸۷، ۵/۱۸)، مکارم الآثار (۳/۶۴۲)، هدیه الاحباب (۱۸۷).

رضوی قمی، محمدباقر

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۱۸ ق)، عالم، متکلم، اصولی و شاعر. اصل وی از قم است، اما متولد و ساکن همدان بود. نسبش به موسی مبرقع، فرزند امام جواد (ع)، می‌رسد. وی برادرزاده‌ی سید صدرالدین قمی، شارح «وافیه» است. او را از بزرگان علمای قرن سیزدهم شمرده‌اند. وی شعر را نیکو می‌سرود. در همدان درگذشت و جنازه‌اش به قم منتقل و در دارالحفاظ دفن شد. از آثار وی: «شرح اصول کافی»؛ رساله‌ای در «معاد جسمانی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۸۸/۹)، الذریعه (۱۷۲/۲۱، ۹۶/۱۳)، روضات الجنات (۱۲۲/۴)، ریحانه (۳۱۴/۲)، لغت نامه (ذیل / رضوی)، معجم المؤلفین (۸۵/۹)، مکارم الآثار (۶۴۲-۶۴۱ / ۳).

رضوی مشهدی، ابوالحسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۱۱ ق)، فقیه، زاهد و شاعر. وی در نجف نزد علامه‌های بزرگ شیخ مهدی آل کاشف‌الغطاء و شیخ مرتضی انصاری تلمذ کرد و به دریافت اجازه اجتهاد نایل آمد. در اواخر عمر به بیماری عصبی دچار شده بود و به همین بیماری از دنیا رفت و در مشهد در دارالضیافه به خاک سپرده شد. صاحب «شجره الطیبه» در شرح حال وی گوید که وی حواشی بر کتب متفرقه داشته و اشعاری به عربی و فارسی از وی ذکر کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۳۱/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۴۴)، معجم المؤلفین (۲۸۱/۳).

رضوی نیشابوری، محمدحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۳۴۱-۱۲۶۱ ق)، فقیه اصولی. پدرش، سید ابوتراب (م ۱۲۸۵ ق)، از افاضل و بزرگان مجتهدین بود که از شیخ انصاری اجازه داشت. سید محمدحسن در نجف نزد شیخ میرزا حبیب‌الله رشتی به تحصیل پرداخت و «تقریرات» بحثهای درس او را نگاشت. آنگاه به سامراء رفت و در مجلس درس میرزای شیرازی حاضر شد. پس از چند سال به همدان بازگشت و مرجعیت امور شرعی را بر عهده گرفت. آقابزرگ تهرانی گوید: فرزندش آقا سید علی کبیر برایم گفت که پدرش کتابی بزرگ در «اصول» داشته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۷۹/۱۴)، معجم المؤلفین (۱۸۵/۹).

رضوی، تقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۲۸۳.

درگذشت: ۱۳۶۸.

از آثار اوست: ترجمه‌ی تاریخ پزشکی نوین (اثر پیر بورژ و کلود بولوون، تهران، ۱۳۷۰).
برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

رضوی، رسول

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رسول رضوی

محل تولد: نقده

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

دوره دبستان و راهنمایی را در مدرسه آذرآبادگان تبریز به اتمام رساندم. یک سال در مدرسه علمیه ولیعصر تبریز مشغول تحصیل بودم و در سال ۱۳۶۷ به قم منتقل شدم. مقدمات را در مدرسه امام صادق(ع) مشغول به تحصیل شدم. دوره سطح را نزد اساتیدی چون استاد دوزدوزانی، استاد پایانی و ... به اتمام رساندم و در دروس خارج آیات عظام لنکرانی(ره)، مکارم شیرازی، سبحانی و ... شرکت کردم. در سال ۱۳۷۸ شروع به تحصیل در دوره نهم رشته تخصصی کلام اسلامی سطح چهار کردم و در سال ۱۳۸۲ این دوره را به اتمام رساندم. در مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه به عنوان مدیر گروه ادیان و مذاهب مشغول به تحقیق شدم. در موسسه آینده روشن مدیر گروه تاریخ بوده و تاریخ غیبت کبری تدریس می‌کردم و در موسسه امام صادق(ع) یعنی تخصصی کلام اسلامی به تدریس تاریخ ادیان و مذاهب اسلامی و کلام استدلالی مشغول هستم و عضو هیات تحریریه مجله صباح و مشرق موعود می‌باشم.

رضوی، سیدحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید حسین رضوی

محل تولد: خوانسار

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۴۳ متولد شدم. خانواده ما از سابق روحانی بودند. گرچه پدرم روحانی نبوده است، در خانواده متدین و اصیل رشد و نمو داشتم، دروس ابتدایی و راهنمایی و متوسطه را با موفقیت و درجه عالی گذراندم و در همین مراتب و دوره‌ها به عنوان نفر اول شهر انتخاب و شناخته شدم. بعد از اتمام دروس کلاسیک با توجه به اصالت خانوادگی روحانی بودن، قدم در عرصه حوزه و روحانیت گذاشتم و در حوزه علمیه حضرت ولی عصر(عج) شهرستان خوانسار در سال ۱۳۵۹ درس حوزه را شروع کردم و در مدت خیلی کم دروس ادبیات عرب را تمام کردم و درس فقه و اصول را آغاز کردم به طوری که پس از مدت ۸ سال در درس خارج فقه و اصول که در شهرستان مذکور برقرار شده بود شرکت نمودم و از استاد بزرگ و گرانقدر جناب حاج آقای تقدیری سبزواری بهره بردم. در مدت مذکور در کنار درس به تدریس نیز مشغول شدم. و از آن زمان تا حال این تدریس ادامه دارد و تا بحال کتب لمعتین، رسائل و مکاسب تدریس رسمی و خصوصی داشتم. در کنار تدریس امور مربوطه، مدیریت مدرسه نیز برعهده اینجانب بود که وقت زیادی را صرف آن نمودم در روزهای جمعه و پنجشنبه در دانشگاه پیام نور شهرستان مشغول تدریس کتب اخلاقی، تاریخی، مدیریت اسلامی، انقلاب اسلامی، ادبیات عرب بودم و این تدریس در سالهای ۶۵ تا سال ۷۵ ادامه داشت که مجوز تدریس از دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه را نیز داشتم.

در مدت تدریس، در حوزه نیز رتبه اول و جزء نفرات برتر حوزه بودم. در سال ۱۳۷۳ وارد قم مقدس جهت ادامه تحصیل و استفاده از محضر شریف اساتید شدم و بعد از مدت کمی اساتید دلخواه خودم را یعنی حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی جهت درس اصول و حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ جواد تبریزی جهت درس فقه شناسایی و در کلاس درس آنها به تلمذ پرداختم. در کنار بهره مندی از اساتید خارج فقه و اصول به کارهای اجرایی در مرکز مدیریت حوزه علمیه قم و مرکز جهانی علوم اسلامی و تدریس در حوزه جامعه الزهرا و مدارس تحت پوشش مرکز جهانی و تدریس در دانشگاههای محلات و همچنین خوانسار پرداختم و در سالهای اشتغال به تحصیل در حوزه علمیه خوانسار و قم در سالهای اوج مبارزه با طاغوت و سالهای جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نیز فعالیت اجرایی و جبهه‌ای داشتم که انشاء الله خداوند قبول نماید.

رضوی، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علیرضا رضوی

محل تولد : استهبان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید علیرضا رضوی در سال ۱۳۶۷ پس از اتمام سیکل وارد حوزه علمیه شدم و در سال ۱۳۷۳ از شیراز به قم مهاجرت نموده و ادامه دروس سطوح حوزه را در این شهر مقدس مشغول شدم در سال ۱۳۷۵ با شرکت در آزمون ورودی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی در دوره عمومی به دروس الهیات و معارف اسلامی شرکت نمودم و در سال ۸۰ با اتمام دوره مذکور و دفاع از پایان نامه موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد الهیات گردیدم . هم اکنون نیز با شرکت در دوره‌ها دین شناسی مشغول گذراندن دروس این دوره در مؤسسه فوق هستم .

رضوی، قمی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۲ - ۱۲۸۳ ق)، عالم، فقیه و ادیب امامی. در ۱۳۱۳ ق در تهران در بحث و درس علامه سید عبدالکریم لاهیجی شرکت کرد. سپس به نجف مهاجرت و در محضر شیخ الشریعه اصفهانی تلمذ نمود و از ملا محمد کاظم خراسانی بهره گرفت. او در حدود ۱۳۲۶ ق به قم رفت و در ۱۳۳۱ ق به حج مشرف شد و در بازگشت ساکن تهران گردید و به انجام وظائف شرعی مشغول گشت. از آثارش: «تقریرات» دروس استادانش در فقه و اصول با تصرفات و تحقیقات؛ کتاب «نهایه المأمول»، در شرح «کفایه الاصول» که شرح مزجی است بر «کفایه» آخوند خراسانی. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۴۰۵ / ۲۴، ۳۴ / ۱۴، ۸۷۷ / ۹)، ریحانه (۴۸۷ - ۴۸۶ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۱۳ - ۴۱۲ / ۱۴).

رضوی، محمد زمان

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۴۱ ق)، مورخ. وی اثری دارد در تاریخ ابومسلم خراسانی به نام «صحیفه الرشاد». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۷/۱۵)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۱۰۱۳/۲).

رضوی، محمد حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدحسین ملقب (به علم الهدی) بن سید هبه‌الله بن سید محمد بن سید عبدالحی بن محمد بن عبدالغفار ابن عبدالرزاق بن ابراهیم رضوی کاشانی عالمی جلیل و متقی بوده است.

وی در کاشان متولد و پس از فراگرفتن مقدمات و ادبیات و سطوح از مرحوم آخوند ملا حبیب‌الله و دیگران در کاشان به نجف مهاجرت و از محضر مرحوم آخوند خراسانی و سید محمدکاظم یزدی و غیر آنان از اعظام علماء و اکابر مدرسین استفاده نموده و در سال ۱۳۵۲ قمری به کاشان مراجعت و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تدریس و ترویج پرداخته تا سال ۱۳۸۶ قمری که بدرود حیات گفته است.

دارای تألیفات عدیده مانند بهجةالتنزیل در تفسیر و تأویل و (العندیل) در تمیز بین صحیح و علیل و (المائدة العرشیه) و غیر ذلک بوده است.

نگارنده در سال ۱۳۶۴ قمری که با جنابان فاضلان باذلان آیتین علامتین آقای حاج سید کاظم و آقای حاج سید مهدی اخوان مرعشی و دانشمند گرامی حاج شیخ مرتضی مطهری به کاشان مسافرت کردم از نزدیک آن مرحوم را ملاقات کرده‌ام. آن مرحوم در کاشان مخصوص محله خود بسیار متنفذ و مورد توجه بود و مردم به او علاقه بسیاری داشتند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

رضوی، محمدصادق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدصادق رضوی امام جمعه لاهیجان سید بزرگوار و جلیل‌القدر بودند و در شهرستان لاهیجان سمت امام جمعه‌ای داشتند و گویا این منصب در خاندان آن مرحوم موروثی بود. وی دارای محاسن اخلاق و ملکات فاضله و بسیار متین و منبع الطبع بود چند سفری در عصر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی به قم مشرف شدند و توفیق زیارتشان را یافتیم در حدود ۱۳۸۰ ق به رحمت حق پیوسته و به اجداد گرامش ملحق گردیدند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

رضوی، محمد مهدی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن السید محسن الرضوی المذکور و از علماء مبرز قم بوده و محقق ثانی شیخ علی کرکی در سنه ۹۳۶ هنگام رفتن به کاشان در قم به ایشان اجازه داد و قبر شریفش علی‌الظاهر در جنب تکیه کوچه حرم که اکنون به صورت مسجد زیبایی درآمده در مقبره کوچکی که معروف به محمدیه است می‌باشد املاک بسیاری وقف بر مزار کثیرالانوارش بوده که حالیه از بین رفته است و از احفاد اوست میرزا محمدباقر ابن میرزا محمد ابراهیم بن میر محمدعلی بن میر محمد مهدی بن السید محسن الرضوی القمی که از جمله

علماء بوده است.

صاحب روضات الجنات گوید: میرزا محمد نیشابوری در رجالش آورده که آن سید جلیل شرحی بر اصول کافی نوشته و ساکن همدان بوده و در هیجدهم ماه صفر ۱۲۱۸ در همدان وفات نموده و جنازه او را به قم آورده و در دارالحفاظ دفن نمودند. والد ماجدش میرمحمد ابراهیم نیز از جمله علماء بوده و او جد سادات همدانست و او راست کتاب «نجات المسلمین» در اصول دین برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

رضوی، مرتضی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

زندگی نامه آیت الله حاج شیخ مرتضی رضوی .

آیت الله حاج شیخ مرتضی رضوی فرزند ارشد شیخ محمد حسین رضوی در ۲۶ دی ماه سال ۱۳۲۶ شمسی در خانواده‌ای فرهنگی، مذهبی و روحانی چشم به جهان گشود. فشرده‌ای از آثار و زندگی پدر و اجداد ایشان و انگیزه انتقال شیخ محمد علی کاظمینی خوئی از عراق به آذربایجان در سایت بینش نو در لینک «درباره ما» بیان گردیده است.

استاد مرتضی رضوی در اواخر سال ۱۳۴۰ پس از تحصیل دوره ابتدایی و علوم مقدماتی به شهر مقدس قم عزیمت نمودند و در محضر اساتید بزرگ به تحصیل علوم و معارف اسلامی پرداختند: دروس فلسفه و منطق را نزد بزرگانی چون انصاری شیرازی، شهید دکتر مفتح و استاد شهید مرتضی مطهری گذراندند.

فقه و مکاسب را در محضر آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله جعفر سبحانی و درس «خارج» را مدتی نزد آیت الله داماد، و آنگاه از کلاس درس خارج مرحوم آیت الله گلپایگانی، آیت الله شریعتمداری و آیت الله ملکوتی بهره‌مند شدند.

استاد که در یک خانواده و خاندان بزرگ فرهنگی رشد یافته‌اند، از همان اوان کودکی با محافل نقد و بحث علمی، مذهبی مأنوس و آشنا بوده‌اند، همچنانکه خود بیان می‌دارند در کلام و اعتقادات و اسلام شناسی شاگرد پدر بزرگوارشان شیخ محمد حسین رضوی، و مرهون راهنماییهای مستمر ایشان بوده‌اند.

استاد مرتضی رضوی پس از بازگشت از قم تا پیروزی انقلاب اسلامی ضمن فعالیتهای سیاسی، به تبلیغ معارف اسلامی و تدریس و تفسیر قرآن و نهج البلاغه در آذربایجان می‌پردازند و با قلم صریح و رسای خود به نشر و گسترش مبانی علمی، اعتقادی دین اسلام در میان جوانان و اقشار تحصیل کرده مبادرت می‌ورزند.

در سن ۱۹ سالگی کتاب «خلقت آدم و بحثی در تکامل» را با مقدمه شهید دکتر مفتح تحریر و به چاپ می‌رسانند.

استاد مرتضی رضوی در اوایل سنین جوانی با امام خمینی (ره) و اهداف عدالت گستر ایشان آشنا شده و در ماجرای فیضیه و سخنرانی پرشور و تاریخی حضرت امام در سال ۱۳۴۲ حضور داشتند و تا سال ۱۳۵۶ او خیزش نهضت اسلامی ۱۸ بار توسط رژیم ستمشاهی دستگیر و در زندان انفرادی توأم با شکنجه حبس گردیدند. ایشان در اسفند ماه سال ۱۳۵۶ مجدداً دستگیر و به عنوان اولین تبعیدی آذربایجان به شهر لار تبعید شدند.

استاد مرتضی رضوی پس از چند سال تبلیغ و تدریس و تفسیر قرآن در آذربایجان و انجام فعالیتهای گسترده و مؤثر در تبریز در سال

۱۳۶۳ از سوی مردم فهیم تبریز در دوره دوم مجلس شورای اسلامی به نمایندگی مجلس برگزیده شدند.

استاد مرتضی رضوی در سال ۱۳۶۶ در دوره سوم نمایندگی مجلس شورای اسلامی از تهران کاندیدا شدند. حضور چشم‌گیر ایشان در مرحله دوم انتخابات مجلس سوم تهران، باعث چالش و رخدادی بزرگ در عرصه فعالیت‌های سیاسی گردید. سرانجام استاد مرتضی رضوی بنابر فرمایش تاریخی، مصلحانه حضرت امام (ره) به وزیر کشور وقت، مبنی بر اینکه «سلام من را به آقای رضوی برسانید و از قول من به ایشان بگویید: این حق شماست که همچنان در مرحله دوم کاندیدا باشید، ولی برای رفع تشنج و حفظ آرامش از حق خود صرف نظر کنید»، فی‌المجلس ضمن یادداشتی به وزیر کشور وقت از نمایندگانی تهران انصراف داد.

رضی استرآبادی، محمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۸۶ ق)، نحوی و عالم امامی. ملقب به نجم‌الائمه و نجم‌الدین و رضی‌الدین. معروف به رضی و فاضل رضی و شارح رضی. از فراریان و نام‌آوران علم نحو که در استرآباد متولد و در نجف ساکن شد. از آثار وی: شرح «شافیه» ابن‌حاجب، در صرف، معروف به «صرف رضی»؛ شرح «قصائد سبعة» ابن‌ابی‌الحدید؛ شرح «کافی» ابن‌حاجب در نحو، معروف به «شرح‌الکبیر» یا «شرح‌الرضی» که سیوطی از آن به عنوان کتاب بی‌نظیر نام برده، و براساس این کتاب او لقب شارح رضی گرفته است؛ حاشیه بر «شرح تجرید العقاید الجدیدة و الحاشیه القدیمة» [۱].

ع. بخش ۱) رضی‌الدین استرآبادی محمد حسن مشهور به نجم‌الائمه نحوی معروف (ف. ۶۸۴ یا ۶۸۶ ه. ق.) از آثار اوست: شرح الکافیة در نحو معروف به شرح رضی (م.ه.)، شرح الشافیة ایضا معروف به شرح رضی (م.ه.)، شرح قصائد سبع ابن‌ابی‌الحدید. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۳۱۷/۶)، اعیان‌الشیعه (۱۵۳-۱۵۱/۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۸۹/۳)، الذریعه (۳۱۳، ۱۳، ۱۴/۳۰)، ریحانه (۳۱۵/۲)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۵۵/۷)، کشف‌الظنون (۱۳۷۰)، الکنی و الالقاب (۳۱۵/۲)، لغت‌نامه (ذیل / رضی)، معجم المؤلفین (۱۸۳/۹)، هدیه الاحباب (۱۴۲-۱۴۱)، هدیه العارفین (۱۳۴/۲).

رفعت انصاری همدانی، عباس، محمدعباس

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۳۰۷ ق)، مورخ و ادیب و شاعر، متخلص به رفعت. مدتی پیش از تولد وی در لکنهو، پدرش مقیم هندوستان شده بود. رفعت به اکثر سرزمین‌های هند مسافرت کرد و در «بهوپال» اقامت گزید، و کتابهای بسیاری تصنیف کرد. از وی با نسبت‌های شیروانی، انصاری، یمنی یا هندی یاد شده است از آثار وی: «آثار العجم» که با «آثار عجم» فرصت شیرازی تفاوت دارد؛ «تاریخ ائمه»؛ «تاریخ افغانه» فارسی؛ «تاریخ البواهر»، در عقاید اسماعیلیه که نام اصلی این کتاب «قلائد الجواهر فی تاریخ البواهر» می‌باشد که «تاریخ نکو» نیز می‌گویند؛ «تاریخ بهوپال»؛ «تاریخ دکن» که همان «چار چمن» است؛ «تاریخ سرن‌دیب»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۷۷/۹، ۲۱۶/۳، ۲۳۴، ۲۹۱/۲)، ریحانه (۳۲۵-۳۲۴/۲)، صبح گلشن (۱۸۲-۱۸۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۸۸-۹۸۷/۱۴)، لغت نامه (ذیل / رفعت)، مؤلفین کتب چاپی (۶۵۳-۶۵۲/۳).

رفعت نژاد، محمدنقی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد نقی رفعت نژاد

محل تولد: ارومیه

شهرت: رفیعی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه تبریز شدم. بعد از مدتی تحصیل در آن شهر به اتفاق حاج آقا بنایی مسئول حوزه علمیه ولی عصر (عج) بعد از دو سال تلمذ به شهر تهران عزیمت کردم و در آن شهر سه حوزه و مدرسه علمیه را تشکیل دادیم و طلبه های بسیاری جذب شدند که برخی از آنها بسیجیان جان برکفی بودند که به درجه شهادت نایل گشتند (خداوند همه آنان را با سالار شهیدان محشور فرماید). در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم و در مدرسه فیضیه سکونت داشتم و همزمان در درس تفسیر استاد جوادی آملی به همراه دروس رسائل و مکاسب و کفایتین از محضر اساتید وقت آقایان اعتمادی، پایانی، ستوده تلمذ می کردم، در سال ۱۳۶۷ بعد از اتمام کفایتین از محضر آیات عظام فاضل لنکرانی (ره) به مدت ۲ سال درس خارج اصول، یک سال خارج اصول آیت الله صانعی و ۱۵ سال از خارج اصول حاج آقا وحید خراسانی و همچنین به مدت ۱۷ سال از درس خارج فقه آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی (قدس سره) استفاده کردم. در سال ۱۳۷۰ در دروس تخصصی تفسیر و علوم قرآن از محضر اساتیدی همچون آیت الله خزعلی، آیت الله معرفت، آیت الله میانجی (ره) و آیت الله محقق داماد، آیت الله استادی و آیات و اساتید دیگر و همچنین از محضر آیت الله العظمی مکارم شیرازی استفاده -های علمی تفسیری داشتم. در مرکز فرهنگ و معارف قرآن از سال ۱۳۶۷ در قسمت دایره المعارف بزرگ قرآن در قسمت تشکیل پرونده های علمی، تشکیل مدخلهای قرآنی و تفسیری، تشکیل شناسنامه علمی مشغول امور تحقیقی و پژوهشی بودم و متجاوز از ۶۰ پرونده علمی و بیش از ۱۰۰ شناسنامه علمی و همچنین تألیف مقالات در دایره المعارف فعالیت داشتم. برخی از مدخلها و پرونده های تشکیل داده شده عبارتند از ۱. ابتکار، ۲. اختلاف، ۳. اسماعیل صادق الودع، ۴. آل لوط، ۵. آزمایش، ۶. احترام، ۷. استعمار، ۸. استضعاف، ۹. اصطفاء، ۱۰. استدراج، ۱۱. ... در سال ۱۳۸۲ با دفاع از پایان نامه سطح ۴ با موضوع سنت های املاء و امهال و استدراج در قرآن و احادیث، موفق به اخذ سطح ۴ در رشته تفسیر و علوم قرآن شدم. در کنار تحصیل و تلمذ دروس فقه و اصول و تفسیر و علوم قرآن از سال ۱۳۷۴ بنده در دانشگاههای مختلف کشور مشغول تدریس دروس معارف و الهیات بودم از جمله این دانشگاهها عبارتند از دانشگاه ارومیه، دانشکده علوم قرآنی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشگاه پیام نور ارومیه و الان در دانشگاه پیام نور قم دروس الهیات را مشغول هستم و در کنار تدریس، فعالیت های علمی، پژوهشی و فرهنگی دانشگاه را در قم و تهران همکاری دارم. ضمناً بنده در سال ۱۳۶۷ در دانشگاه مفید قم مشغول تحصیل در رشته اقتصاد بودم و بعد از گذراندن ۴ ترم به جهت مشکلاتی موفق به ادامه آن نگشتم.

رفیع بخاری

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، خطاط، موسیقیدان، پزشک و شاعر. وی در بیشتر علوم دست داشت و پزشک حاذقی بود. در خط نستعلیق شاگرد سلطانعلی مشهدی و از خوشنویسان معروف زمان خود بود. رفیع قانون را خوب می‌نواخت و در فن موسیقی مهارت داشت. وی را در این فن پس از خواجه عبدالله مروارید از همه برتر می‌دانستند. او در سن هفتاد سالگی درگذشت و در جوار پدرش، در بخارا، دفن شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۶۲۴)، تاریخ هنرهای ملی (۸۷۰/۲).

رفیع رشتی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۹۲-۱۲۱۱ ق)، عالم دینی و فقیه امامی. معروف به ملا رفیع و مشهور به شریعتمدار. نسب وی به عمار یاسر صحابی مشهور پیامبر (ص) می‌رسد. در نزد شریف‌العلماء مازندرانی و سید محمدباقر حجة الاسلام رشتی اصفهانی تحصیل کرد، تا اینکه در فقه و اصول و رجال به درجه‌ی والایی رسید و به کسب دو اجازه از استادش حجة الاسلام رشتی نایل شد. علامه شیخ ابوالحسین تهرانی، مشهور به شیخ‌العراقین، از شاگردان و رویان وی می‌باشد. فرزندان او نیز حاج آقا مجتهد و حاج میرزا مهدی بحرالعلوم (شریعتمدار) و فرزندزادگانش میرزا ابوالحسن شریعتمدار و میرزا علی بحرالعلوم و حاج آقا رفیع و حاج آقا نورالدین رفیع، همگی از علمای مشهور زمان خود بودند. از آثار ملا رفیع احداث پل سیاه‌رود و پل سابق منجیل و راههای ارتباطی دیگر بوده است. از آثار علمی وی: شرح «اصول کافی» است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۸۱-۵۸۰/۱۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۷۱-۴۶۸/۴)، المآثر و الآثار (۱۵۱).

رفیع، رفیع

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقا رفیع رفیع بن المرحوم آیت‌الله حاج میرزا رفیع ابن‌العلامة الکبری آیت‌الله حاج ملا رفیع گیلانی رحمهم‌الله می‌باشد. وی در سال ۱۳۱۷ ق در شهر رشت تولد یافته‌اند، سطوح و مقدمات را در رشت و تهران گذرانیده. و برای استفاده از محاضر درس

آیات عظام نجف اشرف آیه‌العظمی اصفهانی و آیت‌الله محقق حاج میرزا حسین نائینی به نجف اشرف عزیمت نموده و پس از کسب درجه اجتهاد برشت بازگشت نموده و چندین سال در آن شهر بامور علمی و شخصی پرداخته سپس به تهران مهاجرت و رحل اقامت افکنده و در مسجد عالی سپهسالار به اقامه جماعت و تدریس پرداخته تا سال ۱۳۱۸ قمری که در تهران بدرود حیات گفته و جنازه‌اش را با تجلیل حمل به نجف و در صحن مطهر در مقبره خانوادگی مدفون شده‌اند. دارای تألیفاتی می‌باشند که محفوظ مانده است.

نگارنده گوید: بیت رفیع از بیوتات رفیعه و اصیله روحانیت گیلان و تهران است و بزرگ این خاندان آیت‌الله العظمی حاج ملا رفیع گیلانی صاحب شرح اصول کافی است که ترجمه‌اش در کتاب (مآثر و آثار) مبسوطاً ذکر شده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

رفیع، نورالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج آقا نورالدین شریعتمدار رفیع بن آیت‌الله حاج میرزا ابوالحسن شریعتمدار مذکور است وی در سال ۱۳۱۸ ق در شهر رشت تولد یافته و مقدمات را در مدرسه مستوفی آن شهر خوانده آنگاه به تهران آمده و سطوح را از محضر اساتید فن فرا گرفته و حکمت و شرح منظومه را از مرحوم حاج آخوند هیدجی آموخته سپس برای تکمیل معلومات مهاجرت به نجف و قریب پانزده سال توقف و از محاضر آیات عظام اصفهانی و نائینی و آقا ضیاءالدین عراقی استفاده کرده و تقریرات آنان را برشته تحریر درآورده پس از آن به تهران مراجعت و در خیابان صفی‌علی شاه سکونت و به خدمات روحی و دینی پرداخته تا در سال ۱۳۸۶ ق رحلت و جنازه‌اش حمل به نجف و در مقبره خانوادگی در صحن مطهر دفن گردیده است.

دارای آثار و تألیفاتی در فقه و اخلاق می‌باشد که فرزندان ارجمندش به طبع خواهند رسانید.

نگارنده گوید: آن مرحوم دارای اخلاقی حمیده و خصالی پسندیده بود و منزلش محل رفت و آمد و نزول آیات عظام معاصر بوده و خود حقیر مرحوم آیت‌الله العظمی حاج سید یونس اردبیلی و آیت‌الله العظمی حاج سید علی مددقائینی را در بیت معظم له دیدن نمودم.

از باقیات الصالحات آن مرحوم فرزند برومند ایشان جناب حجه‌الاسلام حاج شیخ مرتضی رفیع می‌باشد که در خانه پدر را بازداشته و مانند نیاکان و اسلاف خود بوظائف روحی و دینی اشتغال دارد.

(۱۳۸۶-۱۳۱۸ ق)، عالم دینی. در رشت به دنیا آمد. مقدمات را در مدرسه‌ی مستوفی رشت خواند و سطوح را نزد استادان تهران آموخت. حکمت و «شرح منظومه» را نزد حاج آخوند هیدجی فراگرفت. سپس برای تکمیل تحصیلات به نجف رفت و پانزده سال از محضر آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله نائینی و آقا ضیاءالدین عراقی استفاده برد و تقریرات آن را تحریر کرد. با دریافت اجازه‌ی اجتهاد به تهران بازگشت و به تدریس و تبلیغ پرداخت. در تهران در گذشت و جنازه‌اش به نجف حمل و در صحن علوی دفن شد. وی آثار و تألیفاتی در فقه و اخلاق دارد. [۱]

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳/۳۳۷)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۷۱-۴۷۰/۴).

رفیعا گیلانی، رفیع‌الدین محمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۰۶ ق)، عالم و حکیم. معروف به ملا رفیعا، رفیعا، میرزا رفیعا و رفیع‌الدین. مقیم مشهد بود و طی چهل سال اقامت در آن خطه، احترام همه‌ی مسلمانان منطقه را به خود جلب کرد. وی شاگرد میرزا رفیعا نائینی و علامه مجلسی است و از او روایت کرده است. قزوینی در «تتمیم امل الآمل» او را بسیار ستوده است. همسرش دختر امیر ابی‌المعالی کبیر و مادر همسرش دختر مولا صالح مازندرانی و نوه‌ی مجلسی اول بود. فرزندش محمد، چون ساکن بیدآباد اصفهان بود به بیدآبادی معروف است. از آثار وی: شرح «نهج البلاغه»؛ «حاشیه تفسیر بیضاوی»؛ «حاشیه‌ی شافی» سید مرتضی؛ «حاشیه‌ی اصول کافی»، تحت نام «شواهد الاسلام»؛ «حاشیه شرح لمعه»؛ «حاشیه مدارک»؛ منظومه «نان و پنیر»، به سبک «نان و حلوائی» شیخ بهایی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۰/۲۴)، ریاض العلماء (۱۰۷- ۱۰۶/۷)، ریحانه (۳۸۱/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱/۲۲۶)، فوائد الرضویه (۵۳۷- ۵۳۵)، نامها و نامدارهای گیلان (۲۳۲)، هدیه الاحباب (۱۴۲).

رفیعا نائینی، رفیع‌الدین

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ح ۱۰۰۰- وف ۱۰۸۲- ۱۰۸۰ ق)، حکیم، متکلم و فقیه امامی. وی اصلاً نائینی بود ولی در اصفهان اقامت داشت. او از شاگردان میرفندرسکی، میرداماد و شیخ‌بهایبی بود و از ملا عبدالله شوشتری و شیخ‌بهایبی روایت کرده است. علامه محمدباقر مجلسی و شیخ حر عاملی از شاگردان وی می‌باشند. به او رفیعا، آقا رفیعا، میرزا و رفیع‌الدین نیز گفته‌اند. میرزای جلوه از نوادگان او است. وی در اصفهان در گذشت و در تخت فولاد دفن شد. بر مزار وی گنبدی ساخته‌اند که اکنون جزء آثار باستانی اصفهان به شمار می‌آید. در «الفیض القدسی» تاریخ وفات او ۱۰۹۹ ق ذکر شده که صحیح نمی‌باشد، زیرا شاگرد ملا خلیل قزوینی که در ۱۰۸۹ ق از دنیا رفته در کتاب «منهاج الیقین» خود سال مرگ او را ذکر کرد است. از آثار وی: «اقسام التشکیک و حقیقه»؛ «الثمره»، در تلخیص «الشجره»؛ «شجره الهیه»، به فارسی، در اصول دین که برای شاه صفی در ۱۰۴۷ ق نوشته شده است؛ «حاشیه اصولی کافی»؛ «حاشیه شرح ارشاد» مقدس اردبیلی؛ «حاشیه شرح اشارات» خواجه نصیر؛ «حاشیه شرح حکمه العین» میرک بخاری؛ «حاشیه مختصر الاصول» عضدی؛ «حاشیه صحیفه سجادیه»؛ «حاشیه مختلف الشیعه» علامه حلی؛ «حاشیه مدارک الاحکام».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره القبور (۳۴۴- ۳۴۳)، الذریعه (۲۹- ۲۸/ ۱۳، ۱۹۵/۶، ۱۳/۵)، روضات الجنات (۸۲- ۸۱/ ۷)، ریاض العلماء (۱۰۶/۷)، ریحانه (۱۲۸/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱/۲۲۶)، فوائد الرضویه (۵۳۲- ۵۳۱)، الکنی و الالقباب (۲۷۹/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۴۷- ۴۴۶/ ۵)، هدیه الاحباب (۱۴۳- ۱۴۲)، هدیه العارفین (۲۹۳/۲).

رفیع زاده، بهمن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد ۱۳۱۹، مرتبه علمی: استاد، رشته: ایمونولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۱، دکترای تخصصی ایمونولوژی از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۵ و فوق

تخصص ایمونولوژی و آلرژی از دانشگاه کالیفرنیا آمریکا در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه علوم پزشکی تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی سل‌ها در جذام، تدریس دروس سرم‌شناسی، میکروبی‌شناسی، ایمونولوژی و آلرژی در دانشگاه تبریز و استاد راهنمای ۲

پایان‌نامه دکترای.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

ایمونولوژی بالینی، روش‌های ایمونویاگنوستیک و ایمونولوژی در طب بالینی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

آلرژی، ایمونولوژی، آنتی‌ژن‌های B سل‌ها، آنتی‌ژن‌های مشترک بالنفوما، بررسی لنفوسیت‌های B در جذام.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رفیع‌زاده، محمود

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۹ ش)، پزشک. وی در سال ۱۳۲۴ از دانشکده‌ی داروسازی تهران فارغ‌التحصیل شد و در سال ۱۳۲۸ ش سمت ریاست

آزمایشگاه داروهای جالینوسی دانشکده‌ی داروسازی را بر عهده گرفت. وی مدت دو سال نیز دستیار بخش داروسازی مرکزی بوده

است. از آثار وی: «داروهای جالینوسی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: مؤلفین کتب چاپی (۳۶/۶).

رفیعی تبریزی، اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی عمومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی جراحی عمومی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۶، دیپلم تخصصی جراحی قلب و عروق از دانشکده پزشکی پاریس در سال ۱۴۵۰، فوق تخصص جراحی قلب و عروق از دانشکده پزشکی پاریس در سال ۱۳۶۹، دیپلم درجه پروفسوری در رشته جراحی قلب و عروق از وزارت بهداشت و درمان و علوم پزشکی فرانسه در سال ۱۳۶۹، دیپلم فوق تخصصی جراحی قلب و عروق از وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی ایران.

مرتبه علمی:

استادیار جراحی قلب و عروق از دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۵۰، ارتقاء به درجه دانشیاری جراحی قلب و عروق دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

قلب و عروق، بیماریهای محیطی، مرگ ناگهانی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۱ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

جراحی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۸، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

درمان جراحی بیماریهای مادرزادی در بچه‌های زیر ۲ سال، درمان جراحی تترالوژی فالوت، تومورهای ریه، جراحی شکم.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رفیعی تهرانی، شهناز

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اینونولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۶ و دکترای تخصصی ایمونولوژی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

استادیار در دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۵۰ تا سال ۱۳۵۶ و دانشیار در دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۶۴ تا کنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی ایمونولوژی دیابت، بررسی اجزاء محلول هسته در بیماران کارتاژنز، بررسی ایمونولوژی SLE، واکسن اوریون در ایجاد

دیابت، بررسی فاگوسیتوز در بیماران توکسوپلاسموز، تدریس ایمونولوژی در دانشگاه تهران و استاد راهنمای ۷ پایان‌نامه

کارشناسی ارشد، دکترای تخصصی ایمونولوژی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

ایمونولوژی و ENGLISH FOR MEDICAL STUDENT (انگلیسی برای دانشجویان پزشکی).

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: -، تعداد مقالات به زبان خارجی: -.

زمینه علمی مقالات:

ایمونولوژی و استفاده از ایمونوفلوئورسانس در سیر تشخیص بروسلوز.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رفیعی تهرانی، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: داروسازی، دانشکده: داروسازی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رفیعی قزوینی، ابوالحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی مد ظله از مراجع عصر حاضر و اعظم مجتهدین معاصر است در تهران. وی در حدود سال ۱۳۱۲

ق در قزوین متولد و مقدمات و سطوح اولیه و متوسط را تا اوائل فرائد در آنجا خوانده و پس از آن به تهران آمده و از مرحوم

آیت‌الله آقا سید محمد تنکابنی و آیت‌الله حاج شیخ مسیح طالقانی و آیت‌الله آقا شیخ محمد رضا نوری استفاده نموده و حکمت و کلام را نزد حکیم ربانی مرحوم میرزا حسن کرمانشاهی و مرحوم حاج فاضل و مرحوم میرزا محمود قمی قدس‌الله اسرارهم تحصیل نموده و فنون ریاضی را از مرحوم میرزا ابراهیم ریاضی زنجانی و آقا شیخ علی رشتی (از هیئت و هندسه و اسطرلاب و بعضی دیگر از ریاضیات را) فراگرفته تا سال ۱۳۳۸ ق که به قزوین مراجعت و بعد از یکسال معاودت به تهران نموده و فقط به تدریس شرح لمعه و قوانین و شرح منظومه و اشارات در مدرسه عبداللّه‌خان پرداخته و طلاب آن عصر تهران را که از مدارس دیگر بمحضرش می‌شتافتند افاده نموده تا سال ۱۳۴۰ ق که مرحوم رئیس‌الشیعه آیت‌الله العظمی علامه استاد حاج شیخ عبدالکریم حایری به قم رحل اقامت افکندند، به قم مهاجرت و منحصر از درس و بحث فقه و اصول معظم له استفاده و خود بتدریس کفایه و رسائل و مکاسب شیخ و اسفار اربعه و شرح منظومه اشتغال تا در ماه رمضان ۱۳۴۴ ق به امر مرحوم آیت‌الله حایری در مسجد بالا سر به منبر تدریس بالا رفته و قریب دوست و پنجاه نفر از فضلاء و طلاب را که حاضر می‌شدند مستفید فرموده و در همان اوان حواشی مفصلی بر شرح منظومه سبزواری که معروفست نوشته و هم تعلیقات بر رسائل شیخ مرقوم نمودند تا سال ۱۳۴۹ ق با اجازه صریح در اجتهاد و حرمت تقلید مراجعت به قزوین نموده و تا سال ۱۳۸۰ قمری در آنجا بتدریس خارج کفایه و اسفار و فقه و اقامه نماز جماعت و تفسیر کلام‌الله مجید اشتغال داشته آنگاه به تهران آمده و تاکنون در مسجد جمعه به تدریس خارج فقه و اصول و خدمات دینی و روحی اشتغال دارد.

از تألیفات معظم له است: ۱- رساله در رجعت بقواعد عقلیه ۲- شرح بر دعاء سحر. ۳- حاشیه بر وسیله مرحوم آیت‌الله اصفهانی. ۴- رساله عملیه ۵- حواشی متفرقه.

سید ابوالحسن رفیعی قزوینی از اکابر فقهاء و مجتهدین و اعظام حکماء متألهین و مراجع تقلید معاصر بوده‌اند وی حدود دوازده سال بود که از قزوین زادگاه خویش به تهران منتقل و در مسجد جمعه اقامه جماعت و هم تدریس می‌نمودند تا در روز اول محرم ۱۳۹۵ قمری بعد از کسالت ممتدی از دنیا رفته و جنازه‌اش حمل به قم و در مسجد بالا سر نزدیک قبر مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی مدفون گردیدند. نگارنده. گوید آیت‌الله رفیعی که بعضی از مراجع معاصر از تلامذه و شاگردان ممتاز او می‌باشند از اسطوانه‌های علمی و اساتید بزرگ و فلاسفه سترک معاصر بودند و شایسته بود که در حوزه‌های علمیه بزرگ به تدریس و رهبری و اداره آن پرداخته و فضلاء بیشتری تربیت نمایند ولی گویا تقدیر آن مرحوم غیر از این بود و المقدر کائن. بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

رفیعی محمدی، ناصر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ناصر رفیعی محمدی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ناصررفیعی محمدی در سال ۱۳۴۴ در شهر مقدس قم در خانواده ای مذهبی متولد شدم. تحصیلات ابتدایی راهنمایی و متوسطه را در این شهر گذرانده و در سال ۱۳۶۲ موفق به اخذ دیپلم در رشته علوم تجربی از دبیرستان صدوق شدم. در سالهای انقلاب شکوهمند اسلامی در جنبش دانش آموزی و جلسات مذهبی سیاسی با پخش اعلامیه و شرکت در تظاهرات در حد وسع واقتضای سن نوجوانی شرکت داشتم. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز با حزب جمهوری اسلامی شاخه دانش آموزی همکاری می نمودم. در سال ۱۳۶۲ با اخذ دیپلم وارد حوزه مقدسه قم شدم. طی ۵ سال دوره سطح را تا پایان کفایه به اتمام رسانده کلیه امتحانات ان را با موفقیت گذراندم و در پایه پنجم از امتحانات با کسب رتبه اول در آزمون شورای مدیریت حوزه یک دوره بحارالانوار از حضرت امام خمینی (ره) به عنوان جایزه دریافت نمودم.

دروس سطح را نزد اساتیدی چون آیات عظام وجدانی فخر اعتمادی پایانی دوزدوزانی صلواتی راستی کاشانی و ستوده تلمذ نمودم. از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳ در دروس خارج آیات عظام فاضل لنکرانی مظاهری و صناعی شرکت داشتم.

همچنین ضمن گذراندن دروس اصلی حوزه دروس جنبی را نیز نزد اساتید متعددی خواندم به عنوان مثال فلسفه (نهایه الحکمه) نزد استاد آیت الله صالحی مازندرانی (ره) علوم قرآن نزد آیت الله معرفت شرح تجرید نزد آیت الله استادی تفسیر نزد آیت الله جوادی رجال نزد آیت الله سبحانی تلمذ گردید.

در سالهایی که به دروس حوزه مشغول بودم موفق به اخذ لیسانس الهیات از دانشکده باقر العلوم و فوق لیسانس از دانشگاه قم گردیده و در سال ۱۳۷۳ با قبولی در آزمون دکتری در رشته علوم قرآن و حدیث در تهران مشغول تحصیل در این دوره شدم. سال ۱۳۷۷ با دفاع از رساله موفق به اخذ دکتری با رتبه عالی گردیدم.

رفیعی، بهروز

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

بهروز رفیعی

محل تولد: فریدن

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۷/۱

زندگینامه علمی

پیش از پیروزی انقلاب چند ماهی در حوزه علمیه تهران طلبگی کردم. پس از پیروزی انقلاب کارهای اجرایی را وا گذاشتم و در سال ۶۳ به اتفاق همسر و فرزندم به قم مهاجرت کردم و مشغول تحصیل شدم.

سال ۷۲ در رشته حقوق دانشگاه تهران پذیرفته شدم پس از گذراندن حدود ۱۰۰ واحد درسی به دلایلی کار تحصیل در دانشگاه را رها کردم و به تحقیق و تالیف و ترجمه روی آوردم. به سال ۷۸ اولین اثر بنده با عنوان کتاب شناسی توصیفی و موضوعی اخلاق، عرفان و تصوف اسلامی از سوی انتشارات الهدی به چاپ رسید. فعالیت تحقیقی و تالیفی بنده بیشتر بر تربیت اسلامی، اخلاق اسلامی، و منبع شناسی و ترجمه از عربی (روز) به فارسی متمرکز شده است. اندکی نیز با فلسفه و علوم قرآنی و ادبیات فارسی سر و کار داشته ام. کتابی با عنوان آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن (جلد ۳ - امام محمد غزالی) در سال ۸۱ از

بنده به چاپ رسیده و در سال ۸۲ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی برگزیده شد .
کتاب دیگر با عنوان کتاب شناسی توصیفی - تحلیلی تعلیم و تربیت در اسلام گزیده منابع عربی - در سال ۸۱ از بنده به چاپ رسیده که در سال ۸۲ عنوان سوم کتاب سال حوزه را کسب کرد . بنده از سال ۷۱ تا کنون با پژوهشگاه حوزه و دانشگاه همکاری دارم .

رفیعی، حمیدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حمید الله رفیعی

محل تولد : زابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

درسهای ابتدائی و راهنمایی را در محل تولد استان زابی افغانستان به پایان رساندم و تحصیلات دبیرستانی را در مدرسه ابن سینای کابل به اتمام رسانده و سپس در سال ۱۳۵۵ بعد از امتحان کنکور در دانشکده پزشکی دانشگاه کابل در رشته طب عمومی تحصیلاتم را ادامه دادم که متأسفانه بعد از اشغال افغانستان توسط ارتش سرخ شوروی و پیدایش هرج و مرج در کشور مجبور به ترک کشور گردیده و در سال ۱۳۵۹ وارد خاک ایران شدم. برای مدت سه سال با یکی از گروههای جهادی همکاری فرهنگی داشته و بعد از آن در سال ۱۳۶۳ ادرس حوزوی را از ابتدای جامع المقدمات در مدرسه حاج ابراهیم اراک آغاز نمودم. هرچند در ابتدا با این نوع درسها و محیط نامأنوس بودم ولی بعد از تحمل فشارهای روحی و روانی زیاد خودم را با این محیط و درس منطبق داده که الحمد الله تا حدودی نتیجه داد. و در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه قم گردیده، بعد از اتمام سطوح در سال ۱۳۷۲ ادرس خارج را در کلاسهای آیت الله وحید خراسانی، آیت الله فاضل لنکرانی آغاز نمودم و یک سال هم در درس خارج آیت الله مکارم شرکت کردم. در سال ۱۳۷۳ ادرس تخصصی کلام را در مؤسسه امام صادق (ع) در سطح دکترا آغاز نمودم و در سال ۱۳۷۶ از این مرکز فارغ التحصیل شدم که متأسفانه هنوز هم بنا به دلائلی موفق به اخذ موضوع پایان نامه نشده ام و در حال حاضر با مرکز مطالعات حوزه و ستاد پاسخگوئی به شبهات دفتر تبلیغات و معاونت تبلیغ و دانشنامه کلام همکاری دارم.

رفیعی، رضاعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضاعلی رفیعی

محل تولد : قوچان

شهرت : علی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۱/۳

زندگینامه علمی

اینجانب رضوانعلی رفیعی (معروف به علی) با مدرک تحصیلی ششم ابتدایی نظام قدیم در سال ۱۳۴۴ شمسی به قصد تحصیل علوم دینی وارد مدرسه علمیه فاروج از توابع شهرستان قوچان شدم و طی سه سال جامع المقدمات، سیوطی و حاشیه منطلق را گذراندم. در سال ۱۳۴۷ برای ادامه تحصیل راهی حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی (مدرسه تولیت) که برنامه ای منظم داشت به تحصیل ادامه دادم. برخی از اساتید حقیر در این دوره عبارتند از: (عروه الوثقی) حجت الاسلام افتخاری، (تاریخ اسلام) حجت الاسلام مرحوم حسن نوری (برادر بزرگ آیت الله حسین نوری)، (مغنی) حجت الاسلام طالقانی، (منطق) حجت الاسلام امینان، (معالم الاصول) حجت الاسلام مقتدایی و ...

سپس به مدرسه سعادت تحت اشراف آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن زاده منتقل شدم و کتب و دروس ذیل را تحت نظر و اشراف و خدمت اساتید حوزه گذراندم: لمعتین حجج اسلام سید ابوالفضل موسوی، باکویی، آیت الله فاضل لنکرانی، معانی بیان: امینی شیرازی، اصول فقه: حجت الاسلام باکویی، باب حادی عشر: حجت الاسلام عبد القائم شوشتری، تفسیر و اخلاق: آیت الله مشکینی، نهج البلاغه: آیت الله حسین نوری، عقاید: آیت الله مکارم شیرازی، شرح منظومه: دکتر احمد بهشتی و آیت الله انصاری شیرازی، رسائل: آیت الله اعتمادی، مکاسب: آیت الله صناعی، مرحوم ستوده و موسوی تبریزی، کفایتین: مرحوم آیت الله سلطانی، رساله تصور و تصدیق ملاصدرا و اسفار اربعه: آیت الله جوادی آملی.

در سال ۱۳۵۶ در درس خارج فقه و اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت کردم، لیکن در سال ۱۳۵۹ برای کارهای تبلیغاتی به قوچان (زادگاهم) رفتم و پس از عهده داری مسئولیت دفتر تبلیغات آن شهر در سال ۱۳۶۰ به سمت فرماندهی سپاه قوچان برگزیده شدم و حدود چهار سال که عهده دار این سمت بودم از تحصیل علوم حوزوی محروم شدم. در سال ۱۳۶۳ مجدداً به قم بازگشتم و به تحصیل و حضور در درس خارج معظم له (فقه و اصول) را ادامه دادم، ضمن آنکه با مرکز تحقیقات اسلامی سپاه نیز همکاری پاره وقت داشتم. با راه اندازی طرح مدارج علمی در حوزه علمیه قم و عهده داری دفتر تبلیغات اسلامی برای این کار در سال ۱۳۷۱ موفق به اخذ مدارج علمی دوره اول خارج (سطح ۳ حوزه معادل فوق لیسانس) شدم و پس از واگذاری این امر به شورای مدیریت حوزه علمیه قم موفق شدم مدرک مدارج علمی سطح چهار (شش سال درس خارج فقه و اصول) معادل دکترا را در مورخ ۸/۲/۷۳ اخذ کنم.

تالیفات: حقیر از سال ۱۳۶۴ که همکاری علمی و پژوهشی خود را با مرکز تحقیقات اسلامی سپاه آغاز کردم ضمن انجام دادن کار پژوهشگری در موضوع تاریخ اسلام و عهده داری مسئولیت های: گروه تاریخ، مدیریت تاریخ و علوم سیاسی، جانشینی معاونت متون آموزشی و کمک آموزشی و مسئولیت معاونت متون آموزشی و کمک آموزشی، در طول مدت بیش از ۱۸ سال کار تالیف متون آموزشی در موضوع تاریخ اسلام را شروع کردم که متجاوز از پانزده کتاب در سطوح مختلف علمی و آموزشی است که نمونه هایی از آن به پیوست می باشد. ضمناً از سال ۱۳۷۸ با بخش فرهنگ فقه موسسه دایره المعارف فقه اسلامی زیر نظر آیت الله هاشمی شاهرودی نیز به عنوان مسئول بخش بازنویسی و ویرایش همکاری دارم و حاصل آن تا کنون چاپ دو جلد (۱ و ۲) آن بوده است. مدتی نیز با بخش تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی قسمت احیاء آثار همکاری داشتم که حاصل آن تحقیق در تفسیر شریف الاصفی مرحوم فیض کاشانی (ج اول) می باشد.

به جز مواردی که یاد شد با فصلنامه های پژوهشگرده تحقیقات اسلامی همچون حصون و مریان و دیگر نشریات آن نیز همکاری دارم و ضمن عضویت در هیئت تحریریه بعضی از آنها هر از چندگاه، مقالاتی برای این نشریات می نویسم. ضمن آنکه برای پاره

ای فراخوانیهای همایش‌ها نیز مقالاتی نوشته‌ام.

رفیعی، عزیز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۶ ش)، نویسنده. وی در تبریز متولد شد و در سال ۱۳۰۷ ش به فرانسه رفت و در طی مدت اقامت به اخذ رتبه دکتری در دامپزشکی از دانشگاه تولوز و گواهی میکروب‌شناسی از انستیتو پاستور پاریس و دیپلم انستیتوی بیماریهای مناطق گرمسیری مدرسه‌ی آلفرناییل شد و در انستیتو پاستور الجزائر و مراکش مدتی کارآموزی نمود. و در سال ۱۳۱۴ ش به ایران مراجعت کرد. از بدو ورود به ایران در موسسه رازی سمت دستیار، رئیس آموزشگاه، معاون و رئیس موسسه، مشغول خدمت شد و از همان زمان در مدرسه کشاورزی کرج و سپس در مدرسه عالی دامپزشکی بتدریس مواد مربوطه بدفع آفات حیوانی به بیماریهای درونی، انگل‌شناسی پرداخت. در خرداد ۱۳۲۸ ش بسمت استاد کرسی انگل‌شناسی و بیماریهای انگلی و پوستی و قارچی در دانشکده دامپزشکی انتخاب گردید. و از سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۷ ش ریاست دانشکده دامپزشکی را به عهده داشت. از آثار وی: «انگل‌شناسی بندپایان»؛ «انگل‌شناسی کرم‌شناسی»؛ «تک یافته شناسی».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: مؤلفین کتب چاپی (۵۷-۵۶/۴).

رفیعی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی رفیعی علامرودشتی

محل تولد: علامرودشت لامرد فارس

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۰/۲/۲

زندگینامه علمی

اینجانب علی رفیعی علامرودشتی در دوم اردیبهشت ۱۳۳۰ شمسی، در روستای چاه عینی مرکز شهر علامرودشت لامرد فارس در میان خانواده‌ای روحانی زاده شدم. تحصیلات ابتدائی را در مکتب خانه و سپس دبستان زادگاهم گذرانده و مدتی نزد حجج اسلام آقای حاج شیخ حسین رفیعی و حاج شیخ اسدالله رفیعی مقدمات ادبیات عرب را آموختم و در سال ۱۳۴۲ شمسی جهت ادامه تحصیل عازم شیراز شدم و در مدرسه علمیه امامزاده ابراهیم بن موسی بن جعفر - علیه السلام - و مدرسه آبابا خان از محضر آقایان آیت الله حاج عالم آیت اللهی، حاج سید محمد کاظم آیت اللهی، حاج سید احمد و حاج سید محمود آیت اللهی و دیگر علمای

شیراز کسب فیض نموده و در سال ۱۳۴۵ شمسی به قصد مسافرت به عراق به خرمشهر رفتم و پس از یک سال که در مدرسه علمیه رضویه آن شهر و نزد حجج اسلام حاج شیخ عبدالله محمدی، محسنی اقلیدی و دیگر اساتید تلمذ و استفاده کردم، به عراق سفر نموده و وارد جامعه النجف الدینیة به ریاست حجة الاسلام و المسلمین سید محمد کلانتر شدم. در آنجا از محضر حجج اسلام آقایان حاج شیخ محمد هادی معرفت، شیخ مجتبی لنگرانی و دیگر اساتید، علوم فقه، اصول، تفسیر و کلام را آموختم. در سال ۱۳۵۰ شمسی به ایران بازگشتم. مدتی در شیراز و سپس در قم اقامت نمودم.

در حوزه علمیه قم از محضر فضایی جلیل القدری چون حجه الاسلام فاضل اصفهانی، حجه الاسلام ستوده، حجه الاسلام حاجتی زاده نیشابوری، حجه الاسلام دکتر احمد بهشتی، آیت الله حاج شیخ محمد هادی معرفت، حجه الاسلام دوزدوزانی و آیت الله علوی گرگانی دروس فقه، اصول، تفسیر و فلسفه را گذرانده و مدت کمی در حوزه های دروس خارج فقه و اصول آیات عظام گلپایگانی، مرعشی نجفی و وحید خراسانی شرکت نموده و در سال ۱۳۵۳ شمسی از طرف دفتر آیت الله العظمی گلپایگانی و تایید دفتر آیت الله پسندیده به عنوان نماینده ایشان اعزام کردستان شدم و پس از چند سال تبلیغ و ارشاد در آن خطه، در اواخر سال ۱۳۵۵ شمسی علیه رژیم پهلوی وارد مبارزات سیاسی شدم و از طرف حوزه علمیه قم به مراکز شهرستانها جهت سخنرانی و بسیج جوانان اعزام شده و چند بار توسط دستگاه ساواک و عوامل رژیم پهلوی بازداشت شدم. در اواخر سال ۱۳۵۶ شمسی یکسره در منطقه فارس و زادگاهم به فعالیت پرداخته و پس از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) سرپرستی کمیته های آن منطقه را به عهده داشتم.

در سال ۱۳۵۷ شمسی به خرمشهر اعزام شده و مسئولیت امور فرهنگی ستاد انقلاب اسلامی اعراب زیر نظر حجه الاسلام شیخ عیسی طرفی را به عهده گرفتم، و پس از آن به قم بازگشته و به کار تحقیق و پژوهش و تالیف پرداختم. در سال ۱۳۶۰ شمسی در تهران سکونت نموده و در دبیرستان ها و مراکز دانشگاهی و تربیت معلم به تدریس پرداختم. در سال ۱۳۶۱ شمسی در شورای عالی آموزش و پرورش به عنوان کارشناس تحصیلات غیر رسمی کشور به کار مشغول شدم و از سال ۱۳۶۲ شمسی به بعد وارد کارهای علمی - فرهنگی و پژوهشی به شرح ذیل شده ام: ۱. در سال ۱۳۶۲ شمسی به دعوت آقای دکتر مهدی محقق وارد بنیاد دائرة المعارف اسلامی که توسط حضرت آیت الله خامنه ای تاسیس گردیده بود، شدم و به تحقیق پرداختم که این همکاری تا مدتی ادامه یافت ۲. در سال ۱۳۶۲ شمسی با مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی زیر نظر آقای سید محمد کاظم بجنوردی همکاری به صورت تحقیق و پژوهش و تالیف مقاله آغاز کردم که تا سال ۱۳۶۸ شمسی به صورت تمام وقت بود و اکنون این همکاری به صورت نیمه وقت و تالیف مقاله و معاونت بین المللی کتابخانه مرکز دائرة المعارف ادامه دارد. ۳. در سال ۱۳۶۶ شمسی با دائرة المعارف تشیع همکاری آغاز کردم که تاکنون نیز ادامه دارد. ۴. در سال ۱۳۷۰ مسی به دعوت حجه الاسلام و المسلمین آقای دکتر سید محمود مرعشی نجفی سرپرستی دائرة المعارف کتابخانه های جهان وابسته به کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) را در قم به عهده گرفتم که این مسئولیت هم اکنون نیز ادامه دارد. ۵. از سال ۱۳۷۰ شمسی همکاری به صورت تالیف مقالاتی راجع به تاریخ، رجال و جغرافیای ایران با مرکز دائرة المعارف اسلام ترکیه شروع نمودم که ادامه نیافت. ۶. از سال ۱۳۷۱ شمسی با دائرة المعارف فلسطین که در مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی تدوین می شود، شروع به همکاری نمودم که این بخش اکنون متوقف شده است. ۷. در سال ۱۳۷۲ شمسی پس از تأسیس دائرة المعارف ادب فارسی به سرپرستی آقای حسن انوشه با این دائرة المعارف نیز به صورت تالیف مقاله همکاری دارم. ۸. از ۱۳۸۲ شمسی همکاری علمی با مرکز دارالحدیث شروع کردم که هم اکنون ادامه دارد. ۹. از سال ۱۳۸۰ شمسی با مرکز دائرة المعارف امام خمینی (ره) شروع کردم که تا سه سال ادامه داشت. ۱۰. از سال ۱۳۷۷ شمسی تا کنون با مرکز ترجمه قرآن همکاری داشته و دارم.

رفیعی، قزوینی، ابوالحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۳۹۵ - ۱۳۱۰ ق)، حکیم، فیلسوف، فقیه و مدرس. در قزوین به دنیا آمد. مقدمات و سطوح اولیه و متوسط را تا اوایل فرائد در قزوین خواند و پس از آن به تهران آمد و از محضر آیت‌الله آقا سید محمد تنکابنی و آیت‌الله حاج شیخ مسیح طالقانی و آیت‌الله آقا شیخ محمدرضا نوری استفاده نمود. حکمت و کلام را نزد میرزا حسن کرمانشاهی و میرزاهاشم اشکوری و حاج فاضل رازی و میرزا محمود قمی، و فنون ریاضی را از میرزا ابراهیم ریاضی زنجانی و آقا شیخ علی رشتی فراگرفت. در ۱۳۳۸ ق به قزوین رفت و پس از یکسال به تهران آمد و به تدریس «شرح لمعه» و «قوانین» و «شرح منظومه» و «اشارات» در مدرسه‌ی عبدالله‌خان پرداخت. در ۱۳۴۰ ق که آیت‌الله حایری یزدی به قم رفت، وی نیز به قم مهاجرت کرد و از درس و بحث و فقه و اصول ایشان استفاده نمود و خود به تدریس «کفایه» و «رسائل» و «مکاسب» شیخ انصاری و «اسفار اربعه» و «شرح منظومه»، پرداخت. در ۱۳۴۹ ق به دریافت اجازه نایل شد. سپس به قزوین رفت و به تدریس خارج «کفایه» و «اسفار» و فقه، و نیز اقامه جماعت و تفسیر قرآن پرداخت. در ۱۳۸۰ ق به تهران آمد و در مسجد جامع به تدریس خارج فقه و اصول و خدمات دینی مشغول شد. امام خمینی قسمتی از «اسفار» و «شرح منظومه» را در نزد وی خواندند. وی در تهران در گذشت و جنازه‌اش به قم منتقل و در مسجد بالاسر در جوار قبر آیت‌الله شیخ عبدالکریم حایری یزدی دفن شد. از آثار وی: تعلیقه بر «شرح منظومه سبزواری»؛ رساله در «مراتب وجود»؛ رساله در «مبدأ و معاد»؛ رساله در «رجعت به قواعد عقلیه»؛ «شرح دعاء سحر»؛ حاشیه بر «وسیله» آیت‌الله اصفهانی؛ «رساله عملیه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آینه‌ی دانشوران (۱۸۴-۱۸۲)، خدمات متقابل اسلام و ایران (۶۲۰-۶۱۹)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۵۶ / ۶، ۴۶۷- ۴۶۶ / ۴)، نشر دانش (س ۳، ش ۱، ص ۱۸-۱۷).

رفیعی، محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن رفیعی

محل تولد: شهرکرد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محسن رفیعی در خانواده‌ای مذهبی و علاقمند به قرآن کریم و اهل بیت (ع) متولد و رشد نموده‌ام. از نوجوانی به آموزش قرآن مجید در حوزه علمیه و مساجد روی آوردم.

همزمان با ایام دفاع مقدس، درس‌های دبیرستان و حوزه را به صورت آزاد و یا استماع نوار خواندم. در دوران دفاع مقدس، توفیق سه بار مجروحیت را داشته‌ام. سپس در کنکور سراسری شرکت کرده و در رشته الهیات و معارف اسلامی موفق به اخذ مدرک لیسانس شدم. آنگاه به دلیل علاقه فراوان به مطالعات و پژوهش‌های قرآنی و حدیثی، در مقطع کارشناسی ارشد به اتفاق همسر در رشته علوم قرآن و حدیث تحصیل نمودم که هر دو پایان نامه خویش را با رتبه عالی دفاع نمودیم.

اکنون نیز به اتفاق همسر دانشجوی مقطع دکتری در رشته علوم قرآن و حدیث در دانشکده اصول دین قم مشغول به تحصیل هستیم و به لطف خداوند متعال موفق به تالیف چند کتاب و مقالات علمی شده‌ایم. تاکنون درس‌های زیر را در مراکز تربیت معلم، حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها تدریس نموده‌ام: علوم قرآنی، علوم الحدیث، فقه الحدیث، تاریخ حدیث، تفسیر، تاریخ قرآن، اخلاق اسلامی، مبادی العربیه (صرف و نحو)، ترجمه متون عربی، المنهج القویم، نهج البلاغه.

رفیعی، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۰-۱۲۵۷ ش)، مؤسس و مترجم. ملقب به نظام‌الدوله. وی خواهرزاده‌ی حسینقلی خان نظام‌الدوله دنبلی بود که بعد از فوت دایی خود، لقب وی را گرفت. او در اروپا تحصیل کرد و در دوره‌های دهم تا سیزدهم، از تبریز به نمایندگی شورای ملی انتخاب شد. نظام‌الدوله به امور اجتماعی شهر می‌پرداخت و در تأسیس دارالایتام تبریز و تشکیلات شیر و خورشید اهتمام داشت. وی در غائله پیشه‌وری به حکومت ارومیه منصوب شد و چون از اقدامات افراطی به دور بود پس از رفع غائله نیز از طرف مردم و دولت مورد تعقیب قرار نگرفت و در تبریز اقامت گزید. از آثارش: «جوان فقیر»، ترجمه؛ «رموز دوستی»، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳/۳۳۸)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/۱۷۴۸، ۱۰۷۳-۱۰۷۲/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲/۲۲۱)، نخبگان سیاسی ایران (۴/۴۸۵).

رفیعی، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: آسیب‌شناسی بالینی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رفیعی، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد علی رفیعی به سال ۱۳۳۳ در شهر یزد بدنیا آمد. وی مترجم، زبان‌شناس، ادیب، نویسنده و منتقد و شاعر بود. گروه: علوم انسانی رشته: زبان شناسی عمومی والدین و انساب: محمد علی رفیعی به سال ۱۳۳۳ در شهر یزد بدنیا آمد. پدرش دکتر عبدالعلی رفیعی از پزشکان خوشنام یزد و از خانواده ای اصیل بود. تحصیلات رسمی و حرفه ای: محمد علی رفیعی تحصیلات ابتدایی را در شهر یزد و تحصیلات دانشگاهی خود را تا پایان اخذ دکترای ادبیات انگلیسی در تهران به انجام رساند. همسر و فرزندان: از محمد علی رفیعی صاحب دو فرزند به یادگار مانده است. وقایع میانسالی: محمد علی رفیعی در فن ترجمه، توانا بود و به دلیل احاطه اش به واژگان و فن و ترجمه، بسیاری از دوستان مترجم و زبان شناس که برخی مطالب و مباحث برایشان گنگ و نارسا بود از او بهره می بردند. دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی در سفر به یزد و آشنایی با دکتر رفیعی و تبحرش در علوم ادبی از جمله زبان‌شناسی، لب به تحسین وی گشود. زمانی هم دکتر فتح الله مجتبابی پس از مقابله ترجمه جباریت در تاریخ اثر ادوارد براون، با اصل آن قدرت مترجم و دقت کار وی را مورد ستایش قرار داد. زمان و علت فوت: محمد علی رفیعی در روز نهم اردیبهشت ۱۳۷۹ به سرای باقی شتافت. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: محمد علی رفیعی به غیر از عضویت در کمیته علمی کنگره بزرگداشت ابوالفضل رشید الدین میدی در سال ۱۳۷۴، مشارکتی فعال در برپایی آن داشت. همکاری او با مراکز فرهنگ کشور، از جمله فرهنگستان زبان و ادب فارسی، مرکز نشر دانشگاهی، دفتر پژوهش های فرهنگی از دیگر فعالیتهای بشمار می رود. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: محمد علی رفیعی علاوه بر فعالیت های اجتماعی، در عرصه تعلیم و تدریس نیز در دانشگاه های کشور از جمله دانشگاه آزاد اسلامی میبد، دانشکده معماری دانشگاه یزد، دانشگاه جامع تکنولوژی یزد و چندین مرکز آموزش عالی تهران حضوری موثر داشت. از جمله در مرکز نشر دانشگاهی به تدریس آیین ویراستاری پرداخت. دکتر رفیعی زمینه کار پژوهشی و تحقیقاتی بسیاری داشت که از آن جمله می توان به مقاله های او در نشریاتی چون مقاله های ارزشمندی در مجله های وزین و علمی کشور، مانند: آدینه، جامعه سالم، جهان کتاب، آینده، نشر دانش، گتفگو، نگاه نو، نامه فلسفه، دنیای سخن، معیار و کیهان فرهنگی از خود به یادگار نهاد که عمده آنها در زمینه زبان شناسی و نقد عالمانه کتاب ها بوداشاره کرد. دکتر رفیعی به غیر از دانش ترجمه، شاعر نوگرایی بود که گهگاه در جمله دوستان به قرائت اشعاری می پرداخت. وی در سالهای آخر حیات عمر خویش، در چندین دانشگاه و مجمع دانشگاهی به ایراد سخنرانی پرداخت که مهمترین آن «نقد شعر فروغ» در سال ۱۳۷۸ در دانشگاه تهران بود. دکتر رفیعی همچنین موفق شد در سالهای ۶۴-۱۳۶۳ شش شماره پیک کتاب را چاپ و منتشر کند. آثار: انس شیرپر و ویژگی اثر: مصاحبه و سخنرانی مانس اشپر بر که توسط انتشارات تندیس ۱۳۶۸ منتشر شد. ۲. تالیف پیک کتاب ویژگی اثر: این اثر توسط انتشارات بهجت در سال ۶۴-۱۳۶۳ در ۶ جلد منتشر شد. ۳. ترجمه برخورد تمدن ها و بازسازی نظم جهانی ویژگی اثر: اثر ساموئل ها نینگتون که توسط دفتر پژوهشهای فرهنگی در سال ۱۳۷۸ منتشر شد. ۴. ترجمه پایان جهان اثر فوکویاما، ترجمه پژوهش ترکیبی ویژگی اثر: اثر هریس ام کوپر، که توسط دفتر پژوهشهای فرهنگی در سال ۱۳۷۹ منتشر شد. ۶. ترجمه پژوهش عملی مشارکتی ویژگی اثر: اثر ویلیام فوت وایت که توسط دفتر پژوهش های فرهنگی در سال ۱۳۷۸ منتشر شد. ۷. ترجمه پنج سال در یک شهر ایرانی ویژگی اثر: چاپ نشده ۸. ترجمه جباریت در تاریخ و ویژگی اثر: این ترجمه توسط انتشارات مروارید رد سال ۱۳۷۹ انتشار یافت. ۹. ترجمه سالار مگس ها ویژگی اثر: اثر ویلیام گلدنیک که توسط انتشارات بهجت در سال ۱۳۶۳ منتشر شد. ۱۰. ترجمه فلسفه های هنر و ویژگی اثر: اثر پیتر کیوی که توسط دفتر پژوهش های فرهنگی در سال ۱۳۷۹ منتشر شد. ۱۱. ترجمه لبخند یوزپلنگ ویژگی اثر: اثر س. ر که چاپ نشده است ۱۲. چین ۱۹۸۰ و ویژگی اثر: اثر دیوید بوناویا که انتشارات تندیس و سکر در سال ۳۶۴ منتشر کرد. ۱۳. دسته گلی برای الچرفون و ویژگی اثر: اثر دنیل کیز که توسط انتشارات تجربه در سال ۱۳۷۸ منتشر شد. ۱۴. شناخت اثر هنری ادبی و ویژگی اثر: اثر انیگاردن که توسط دفتر پژوهش های فرهنگی در سال ۱۳۷۹ منتشر شد. ۱۵. فراسوی آزادی و نزول

ویژگی اثر: اثر ب. اف. اسکینر، که توسط انتشارات سکه و تندیس در سال ۱۳۶۴ منتشر شد. ۱۶ فیمینسم در شعر فروغ ویزگی اثر: چاپ نشده ۱۷ قبضه قدرت ویزگی اثر: اثر چسلا و میلوش که توسط انتشارات پانوس در سال ۱۳۶۷ منتشر شد. ۱۸ مبانى مدیریت ویزگی اثر: استیفن پی را بینمز که با همکاری محمد اعرابی توسط دفتر پژوهشهای فرهنگی در سال ۱۳۷۹ منتشر شد. ۱۹ مدیریت بدون کاغذ ویزگی اثر: ویزگی ترجمه این اثر با همکاری محمد اعرابی و قصر الله مستوفی صورت گرفت و توسط دفتر پژوهشهای فرهنگی در سال ۱۳۷۹ منتشر شد. ۲۰ هنر پژوهش موردی ویزگی اثر: اثر رابرت ای استمیک است که توسط دفتر پژوهشهای فرهنگی در سال ۱۳۷۹ منتشر شد. ۲۱ هنرشادمانگی ویزگی اثر: دالایی لا- ما است که انتشارات تندیس در سال ۱۳۷۸ منتشر نمود. منابع: انتشارات نو اندیش، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، تیر ماه ۱۳۷۹

رفیعی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رفعیان، کیوان

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از مونیخ آلمان، دکترای تخصصی جراحی عمومی از آلمان و دکترای فوق تخصصی جراحی اطفال از آلمان.

مرتبه علمی:

استادیار کلینیک جراحی اطفال آکادمی مونستر آلمان، عضویت در هیأت علمی و دانشیار دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی از سال ۱۳۵۷.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی روش‌های مختلف در درمان جراحی بیماریهای مادرزادی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۷ پایان‌نامه دکترای تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: -

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

جراحی اطفال و نوزادان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رکعی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت‌الله شیخ محمد رکعی جوادی فرزند مرحوم عباسعلی از علماء اعلام و آیات باهرات سبحانی بودند که در قم رحل اقامت افکنده و به عبادت و بندگی خدای تعالی شب و روز خود را می‌گذرانید وی در سال ۱۳۴۳ قمری از رضائیه به قم آمده و از محضر و درس و بحث مرحوم آیت‌الله حایری استفاده نموده آنگاه به تدریس متون فقه و اصول و تربیت عده‌ای از محصلین پرداخته تا روز جمعه ۲۳ ذی‌الحجه ۱۳۹۲ که بنا بر پیش‌بینی قبلی خود دعوت حق را لبیک اجابت گفته و به سرای جاودان خرامیده است. آن مرحوم بنا بر گفته آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی مدظله سلمان عصرش بود در زهد و تقوا و تا آخر عمرش در یک منزل مخروبه اجاره‌ای سکونت داشت کتب نفیس خطی داشت که بنا بر وصیتش اهداء و وقف کتابخانه آیت‌الله العظمی نجفی نموده و نگارنده آنها را دیدم که متعلق به چهارصد سال قبل بود فرزندان برومندی دارد که در سلک روحانیت و از سربازان ولی عصر ارواحنا فداه می‌باشند که به اسامی زیراند ۱- شیخ محمدتقی ۲- شیخ محمدحسین ۳- آقاشیخ علی رکعی جوادی ۴- میرزا عبدالحسین رکعی که از اخیارند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

رکن شیرازی، رکن‌الدین مسعود

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۴۶ ق)، شاعر و پزشک. از پزشکان و ادیبان بزرگ شیرازی است وی از جمله‌ی شاگردان مولانا صدرالدین علی طیب بود و از شیراز به کاشان رفت و در آنجا متوطن شد. از اوست:

گل نورسته‌ی من آن چنان نازک بود خویش

که می‌ترسم شود آزرده چون چشم افکنم سویش

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تحفه‌ی سامی (۸۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲/۶۳۵).

رکن، محسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زنان و مامائی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رکن، محسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن رکن دارای دکترای رشته زنان و زایمان عضویت هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد با درجه دانشیار باشد. گروه: علوم پزشکی رشته: زنان و زایمان مشاغل و سمتهای مورد تصدی: محسن رکن عضو هیئت علمی و دانشیار گروه بیماریهای داخلی در دانشکده پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی مشهد است.

رکنی دزفولی، عبدالصالح

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید عبدالصالح رکنی دزفولی

محل تولد: لارستان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۵/۱/۱

زندگینامه علمی

مهرماه سال ۱۳۴۱ وارد قم شدم. (یعنی شش ماه پس از رحلت آیت الله العظمی آقای بروجردی) در حالیکه مقداری از جامع المقدمات را نزد برادرم آیت الله سید مجتبی موسوی لاری خوانده بودم. قسمتی از سیوطی و مغنی را در حوزه و بقیه آن را نزد آیت الله حاج شیخ احمد جنتی، معالم را نزد آیت الله جنتی، مختصر المعانی را نزد آیت الله حاج شیخ حسن تهرانی، رسائل را نزد آیت الله حاج شیخ احمد آذری قمی و آیت الله محمد محمدی گیلانی، مکاسب را نزد آیت الله حاج شیخ ابوالقاسم خزعلی و آیت الله احمدی میانجی و آیت الله محمدی گیلانی، کفایه را نزد آیت الله حاج شیخ یوسف صانعی و آیت الله آذری قمی و آیت الله وحید خراسانی و آیت الله حاج میرزا جواد تبریزی (ره) و آیت الله فاضل لنکرانی (ره)، خارج فقه را نزد آیت الله حاج شیخ کاظم تبریزی و آیت الله حاج شیخ حسینعلی منتظری و آیت الله حاج سید موسی شیرازی زنجانی. تفسیر را نزد آیت الله ابوالقاسم خزعلی و آیت الله محمد تقی مصباح یزدی، معارف اسلامی را نزد آیت الله محمد تقی مصباح یزدی خواندم. بدایه الحکمه و اسفار اربعه را نزد آیت الله حاج شیخ عبدالله جوادی آملی، نهایه الحکمه را نزد آیت الله محمد تقی مصباح یزدی، فصوص الحکم را نزد آیت الله حسن زاده آملی و نیز کتاب کلیله و دمنه را نزد آیت الله حسن زاده آملی خواندم. ادبیات فارسی املاء و انشاء و مقاله نویسی نزد حجة

الاسلام والمسلمین آقای علی حجتی کرمانی و آیت الله مومن العابدین قربانی و آیت الله دکتر حاج شیخ احمد بهشتی فسائی. زبان انگلیسی را پس از دوران دبیرستان نزد آقای امجدی و آقای رخشانفر که هر دو دبیر دبیرستان بودند و سپس نزد حجة الاسلام آقای خلیلیان که تحصیل کرده انگلستان بود آموختم. اخلاق را نزد آیت الله حاج شیخ علی قدوسی، آیت الله حاج شیخ علی مشکینی اردبیلی (ره) و آیت الله دکتر محمد حسینی بهشتی و آیت الله احمدی میانجی. از بدو شروع به خواندن معالم درس کلاسیک هم شروع کردم و سالی یک کلاس خواندم و پس از ۴ سال موفق به اخذ دیپلم ادبی از دبیرستان شبانه حکیم نظامی شدم. از سال ۴۵ به تدریج مواجه با کسالت‌های مختلف و عمل‌های متعدد جراحی در اعضاء بدنم انجام شد که سیر مطالعه و فعالیت‌های تحصیلی و تدریسی مرا کند نمود و در همه حال شاکر درگاه خداوند هستم.

رکنی یزدی، محمد مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان، و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۳، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۵، دکترا در سال ۱۳۴۶، عنوان رساله دکترا (تحقیق در تفسیر کشف الاسرار و عده‌الابرار در ده جلد).

مرتبه علمی:

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ادبی، لغوی، پژوهش ادبی در ترجمه آیات قرآنی - التوبه الاولی - از نظر لغوی و برابره‌های لغات قرآن، طرح < فهرست کامپیوتری کلمات گلستان شامل: اسم، صفت، فعل و حرف.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

ادبی، اسلامی با بحثهای اعتقادی و نگرش جدید.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

ادبیات، عرفان اسلامی در آثار ادبی و مباحث اسلامی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رمضان زاده، فاطمه

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

دکتر فاطمه رمضان زاده، متخصص زنان و مامایی - فلوشیپ IVF لاپاراسکوپي، در سال ۱۳۳۶ در یزد بدنیا آمد. ایشان دوره تخصصی زنان - مامایی را از دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، مجتمع بیمارستانی امام خمینی اخذ کرده است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران می باشد. گروه: علوم پزشکی رشته: زنان و زایمانگرایش: IVF لاپاراسکوپيوالدین و انساب: نام پدر فاطمه رمضان زاده، محمد علی است. تحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات دکتر فاطمه رمضان زاده به قرار زیر است: ۱۳۵۴ - ۱۳۴۸ تحصیلات متوسطه رشته تجربی ۱۳۶۱ - ۱۳۵۴ دوره پزشکی عمومی در دانشگاه علوم پزشکی تهران ۱۳۶۵ - ۱۳۶۱ دوره تخصصی زنان - مامایی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، مجتمع بیمارستانی امام خمینی ۱۳۶۸ دوره آموزشی کوتاه مدت نازایی IVF در بیمارستان زنان ملبورن استرالیا ۱۳۷۲ دوره آموزشی کوتاه مدت سونوگرافی در بیمارستان S'Guy لندن ۱۳۸۲-۱۳۸۱ فلوشیپ IVF لاپاراسکوپي میماگل و سمتهای مشاغل و سمتهای اجرایی فاطمه رمضان زاده به ترتیب زیر است: ۱۳۶۵ - تاکنون: عضو هیئت علمی گروه زنان، مامایی و نازایی دانشگاه علوم تهران. ۱۳۷۰ - ۱۳۸۲: عضو هیئت ممکنه و ارزشیابی دانشنامه تخصصی (بورد) زنان، مامایی و نازایی ۱۳۷۱ - تاکنون: عضویت شورای عالی تخصصی پزشکی ۱۳۷۹ تا کنون: رئیس بخش نازایی و IVF ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۹: نماینده مجلس و عضویت در کمیسیون بهداری - بهزیستی ۱۳۷۴ - ۱۳۸۰: عضویت در شورای عالی بازآموزی ۱۳۷۳ - ۱۳۷۴: سرپرستی واحد تحقیقات تنظیم خانواده در معاونت پژوهشی وزارت بهداشت ۱۳۷۵ - ۱۳۷۴: بعنوان مدیر کل بهداشت خانواده در معاونت بهداشتی وزارت بهداشت ۱۳۷۸ - تاکنون: عضو شورای عالی پژوهشی دانشگاه ۱۳۸۰ - ۱۳۸۱: قائم مقام وزیر بهداشت در امور مجلس ۱۳۷۸ تا کنون: رئیس مرکز تحقیقات بهداشت باروری ولی عصر ۱۳۸۱ تا کنون: عضو شورای بررسی و تدوین داروهای وزارت بهداشت ۱۳۷۹ - ۱۳۸۲: عضو هیأت نظارت بر انتخابات اعضای هیأت های ممتکنه ارزشیابی پره بورد و بورد. عضو شورای مرکزی جمعیت زنان جمهوری اسلامی ایران و عضویت در انجمن اسلامی جامعه پزشکی ایران. عضو هیئت مدیره جمعیت مبارزه با اعتیاد، انجمن تنظیم خانواده، انجمن باروری - ناباروری ایران. ۱۳۷۹ - ۱۳۷۵ بعنوان یکی از اعضای هیأت بدوی انتظامی نظام پزشکی. سال ۱۳۸۰ در هیأت عالی انتظامی نظام پزشکی فعالیت داشته ام. عضو هیئت موسس انجمن متخصصین زنان - مامایی ایران و انجمن باروری ناباروری ایران یکی از داوران دومین جشنواره بین المللی رویان و بررسی طرحهای ارسالی Focal point گروه بهداشت باروری در برنامه های مشترک وزارت بهداشت و مؤسسه کارولینسکای سوئد. داور مجلات فارسی و انگلیسی داخلی جشنواره یزد عضو گروه بررسی نیازهای بهداشت بلوغ در برنامه مشترک وزارت بهداشت و UNFPA. عضویت در American Society Reproductive Medicine ((ASRM عضویت در Middle East Fertility Society ((MEFS فعالیتهای آموزشی: ۱۳۶۵ استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران ۱۳۷۹ دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تهران ۱۳۸۶ استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران مراکز که فرد از بانیان آن به شمار می آید: تکمیل آزمایشگاه IVF طرح PGD / طرح IVM ۱۳۸۳ - مرکز مشاوره بهداشت باروری ۱۳۸۴ - راه اندازی طرح تحقیقاتی آی-یو-دی mirena در DUB و registration آی-یو-دی mirena در ایران همفکران فرد: ۱- دکتر محمد فرهادی، وزیر سابق وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی - دانشیار دانشگاه علوم پزشکی ایران ۲- دکتر حسین ملک افضل،

معاون تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی - استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران آرا و گرایشهای خاص :
 علایق پژوهشی فاطمه رمضان زاده : ۱- تلاش در جهت تأسیس انجمن متخصصین زنان - مامایی ۲- ترغیب و تشویق هیأت علمی و
 کادر پیراپزشکی در جهت انجام تحقیقات کاربردی همراه با آموزش، درمان و پژوهش محور نمودن فعالیت زنان. ۳- جلب
 مشارکت کادر پزشکی و پیراپزشکی در آموزشهای عمومی و فردی. ۴- تأمین حقوق زنان در جهت برخورداری از سلامت فردی و
 اجتماعی ۵- پژوهش در زمینه مسائل روانی-اجتماعی زنان ۶- پژوهش در زمینه مسائل نازایی ۷- پژوهش در زمینه بهداشت باروری
 جوایز و نشانها : جوایز : پزشک نمونه سال ۱۳۷۲ برگزیده علمی در جشنواره زنان نام آور در سال ۷۷ داوطلب نمونه سازمان هلال
 احمر در سال ۱۳۸۰ چگونگی عرضه آثار : - تعداد کنفرانسها و سمینارها: بیش از ۴۸ مورد - تعداد مقالات ارائه شده : بیش از ۲۷
 مورد

آثار : اضطراب و افسردگی در ناباروری و ویژگی اثر : تالیف- ناشر: دانشگاه علوم پزشکی تهران ۱۳۸۳۲ اهمیت بهداشت باروری
 (در کتاب بهداشت عمومی و ویژگی اثر : ناشر: دانشگاه علوم پزشکی تهران ۱۳۸۳۳ بررسی قانون اهدای جنین، چالشها و راهکارها
 و ویژگی اثر : ناشر دانشگاه علوم پزشکی تهران ۴ بلوغ، باروری و یائسگی و ویژگی اثر : تالیف، ناشر: تیمورزاده ۱۳۷۶۵ پرسش و
 پاسخهای اساسی در مامایی و ویژگی اثر : ترجمه- ناشر: بشری ۱۳۸۱۶ تاثیر سن در ناباروری (در کتاب ناباروری) و ویژگی اثر : ناشر:
 دانشگاه علوم پزشکی تهران ۱۳۸۲۷ سونوگرافی در مامایی و ویژگی اثر : ترجمه - ناشر: تیمورزاده ۱۳۸۲۸ کاربرد سونوگرافی
 در مامایی، چرا، کی، چگونه و ویژگی اثر : پدیدآورنده: مینا جعفرآبادی، فاطمه رمضان زاده (مترجم) ناشر: طبیب - ۱۳۸۳۹ کاربرد
 لیزر در ژنیکولوژی و ویژگی اثر : تالیف - ناشر: تیمورزاده ۱۳۸۲۱۰ نورپلاننت و ویژگی اثر : ترجمه- ناشر: طبیب ۱۳۸۰۱۱
 یائسگی، استئوپوروز و ورزش در کتاب " پزشکی ورزشی در بانوان و ویژگی اثر : ناشر دانشگاه علوم پزشکی تهران ۱۳۸۴

رمضان نرگسی، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا رمضان نرگسی

محل تولد : نرگستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۷/۴

زندگینامه علمی

بنده رضا رمضان نرگسی در پاییز سال ۱۳۴۷ در روستای نرگستان (۱۱ کیلومتری شهرستان صومعه سرا و ۲۲ کیلومتری شهرستان
 رشت) واقع در حاشیه مرداب انزلی متولد شدم. ده ساله بودم که انقلاب شد و ما تحت تاثیر جو انقلابی وارد بسیج شدیم و به دنبال
 آن در انجمن اسلامی مدرسه حضور فعال داشتیم. در سال ۱۳۶۲ (دوازدهم شهریور) وارد حوزه علمیه شهرستان صومعه سرا
 شدم (البته دو نفر از همکلاسی هایم را نیز تشویق کردم که با من به حوزه بیاید) و با توجه به هوش نسبتا خوبی که داشتم علاوه بر
 فراگیری بسیار خوب دروس حوزوی دروس دبیرستان را نیز به صورت داوطلب آزاد امتحان می دادم و همگی آنها را در خرداد

قبول می‌شدم. در سال ۶۶ در رشته فرهنگ و ادب دیپلم گرفتم و همزمان معالِم و لمعه می‌خواندم. در سال ۶۷ در شهرستان با مشکل استاد مواجه شدیم و برای ادامه تحصیل به مدرسه مروی تهران (ابتدا مدرسه معمار و سپس مروی) آمدم و لمعتین و اصول مظفر را در تهران نزد اساتید گرانقدری همچون استاد بهاری و نمازی خواندم. لازم به ذکر است که در شهرستان صومعه سرا نیز اساتید از قم اعزام می‌شوند و اساتید ما در آنجا استاد برهانی، استاد رضوانی (اسم سابق ایشان قیصری بود) که الان مدیر یکی از مدارس قم می‌باشند و استاد ایوب باغبانی بودند. در سال ۶۷ همزمان با ورود به تهران ازدواج کردم و با کمال قناعت زندگی را می‌گذرانیدیم. در سال ۶۹ به قم آمدم (بعد از آنکه شهریه ما در قم درست شد) و همزمان با آن به موسسه در راه حق وارد شدم. همزمان با تحصیل دروس حوزوی دروس موسسه در راه حق را نیز با موفقیت پشت سر می‌گذاشتم. در سال ۷۲ سطح را تمام کردم و امتحانات شفاهی را نیز در سال ۷۳ با موفقیت به اتمام رساندم و شهریه رتبه ۳ من وصل شد و اساتید دوره سطح من عبارت بودند از استاد تهرانی، استاد عراقچی، استاد محمد علی و... از سال ۷۲ در درس خارج استاد فاضل شرکت کردم که با مریض شدن ایشان در سال بعد به درس استاد شبیری رفتم. از سال ۷۵ در درس خارج مکارم و سبحانی شرکت می‌کردم. همچنین در سال ۷۵ با فارغ التحصیل شدن در رشته الهیات و معارف اسلامی از موسسه در راه حق دوره تخصصی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی را شروع کردم و در سال ۸۰ فارغ التحصیل شدم. از سال ۸۱ زندگی پژوهشی خود را شروع کردم و تا کنون ۳۷ مقاله و ۳ کتاب از من منتشر شده یا در دست چاپ است. در سال جاری در رشته مسائل ایران دوره دکتری قبول شدم و الان مشغول گذراندن آن می‌باشم.

رمضانی، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد رضانی

محل تولد: بجنورد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ در حالی که کلاس دوم راهنمای به پایان برده بودم، به همراه گروهی از دوستان با راهنمایی حضرت حجة الاسلام والمسلمین ایوبی وارد حوزه علمیه قم شدم. با استفاده از تعطیلات تابستان حوزه به صورت داوطلب آزاد توانستم مدرک سیکل و سپس دوران دبیرستان را با مدرک دیپلم فرهنگ و ادب به پایان ببرم. در سال ۱۳۶۲ بنا به دلایلی در مشهد مقدس به ادامه تحصیل دروس حوزوی در مدرسه موسی بن جعفر (ع) و مدرسه امام حسن عسکری (ع) پرداختم. در سال ۶۲ و عوامل فی النجو برای طلاب جدید الورد تدوین نمودم. پس از یک سال مجدداً به حوزه علمیه قم برگشتم و در مدرسه علمیه خاتم الانبیاء و مدرسه مهدی موعود (عج) به ادامه تحصیل دروس حوزوی پرداختم. در سال ۶۴ دروس مقدماتی حوزه (ادبیات عرب - منطق) را به پایان بردم و در این دوره از محضر اساتیدی به نام هاشمی، بزمی، غلامی، آئینه‌وند، ایوبی ... بهره‌مند شدم.

در سال‌های ۶۴ تا ۷۹ دروس سطح حوزه نظیر شرح لمعه، اصول فقه، رسائل، مکاسب و کفایه را در محضر اساتیدی نظیر وجدانی فخر، صالحی افغانی، دوزدوزانی، پایانی، موسوی تهرانی، گنجی، استادی، صلواتی، هادوی تهرانی، بهره‌مند شدم. در سال ۱۳۷۰ شروع به درس خارج فقه و اصول نمودم و این دوره نیز به صورت پیوسته و مداوم تا سال ۱۳۷۹ ادامه داشت و از محضر حضرات آیات عظام ۱- فاضل لنکرانی، شیخ جواد تبریزی، مکارم شیرازی، وحید خراسانی، جعفر سبحانی، یوسف صانعی و... مستفیض شدم. در سال ۷۲ تصمیم گرفتم تا در کنار دروس حوزوی در یکی از رشته‌های دانشگاهی که ارتباط نزدیکی به دروس حوزوی داشته باشد مشغول به تحصیل شدم لذا پس از شرکت در کنکور سراسر وارد دانشگاه مفید شدم. در سال ۷۵ موفق به اخذ مدرک کارشناسی حقوق شدم و در همین سال در کنکور کارشناسی ارشد همین دانشگاه پذیرفته شدم و در تابستان سال ۱۳۷۸ در گرایش حقوق جزا و جرم‌شناسی فارغ‌التحصیل شدم.

در سال ۱۳۷۶ با مرکز تحقیقات فقهی حقوقی قوه قضائیه شروع به همکاری نمودم و تا سال ۱۳۷۸ ادامه داشت و پس از آن توفیق همکاری با پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی حاصل شد و این همکاری به صورت هیأت علمی تا سال ۱۳۸۰ ادامه داشت. در سال ۱۳۷۹ به عضو هیأت علمی دانشگاه علم و فرهنگ در آمدم.

رمضانی، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن رضانی

محل تولد: قدمگاه (نیشابور)

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسن رضانی سال ۱۳۳۶ در روستای قدمگاه نیشابور به دنیا آمدم. پس از گذراندن دوران کودکی تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان صابری که ملی بود شروع کردم. سال‌های چهارم و پنجم ابتدایی را در دبستان نوید و سال ششم را در دبستان منوچهری با موفقیت پشت سر گذاردم. آنگاه وارد دبیرستان شدم و تحصیلات خود را در دبیرستان طوسی پی گرفتم و تا سال سوم در همان دبیرستان بودم.

به خاطر علاقه و دلبستگی به حوزه، پس از مدتی به مدرسه آیت الله العظمی میلانی (قدس سره) رفته و ثبت نام کردم. تحصیلات حوزوی بنده پس از اندکی توقف - که خیلی دوران سختی بود - در مدرسه آقای مصباح ادامه پیدا کرد. ما در این مدرسه کتاب‌های جامع المقدمات، سیوطی و مغنی را طی سه سال در محضر اساتید مربوطه خواندیم. این مدرسه به خاطر مسائلی منحل شد. لذا ما به مدرسه بعثت تحت اشراف آیت الله میرزا حسنعلی مروارید (قدس سره) مراجعه کردیم و در آن مدرسه کتاب‌های معالم، لمعه، رسائل، مکاسب و اصول فقه را در محضر اساتیدی همچون عبد الجواد غرویان - امام جمعه فعلی نیشابور - مرتضی مروارید و... دامت براکاتهم تلمیذ نمودیم. این زمان مصادف بود با اوج گرفتن مسائل انقلاب؛ من هم مثل بقیه در فعالیت‌های انقلابی

شرکت می کردم .

پس از انقلاب و استقرار نظام مقدّس جمهوری اسلامی ما هم در کنار درس و بحث مناسب با زمان و نیازهای موجود فعالیت های انقلابی را که شامل سخنرانی ، اجرای کلاس های فرهنگی در مساجد و شرکت در اردوهای آموزشی و به عهده گرفتن امام جماعت فرودگاه مشهد و عضویت غیر رسمی در انجمن اسلامی فرودگاه و غیره بود شدت بخشیدیم و بعدها نیز مسولیت هیئت بدوی باز سازی نیروهای انسانی در اداره کل راه و ترابری استان خراسان را تقبل کردم که مدت اشتغال ما در این سمت ۲ ماه بیشتر طول نکشید چرا که علاقه به تحصیل در حوزه علمیه قم در دلم افتاده بود و قصد کرده بودم برای ادامه تحصیل به قم هجرت کنم . لذا پس از سر و سامان دادن به کارها استعفای خود را نوشتم و در سال ۱۳۶۱ به قم مهاجرت کردم .

پس از ورود به قم ابتدا نزد اساتیدی چون آقا سید علی محقق داماد و آیت الله علوی گرگانی (دامت براکاتهما) تمه درس سطح را که شامل بخشی از مکاسب و کفایه بود خواندم. آنگاه خود را برای شرکت در درس خارج آماده کردم. اساتید خارج عبارتند از : آیت الله فاضل لنکرانی در فقه و اصول ، آیت الله مکارم شیرازی در اصول ، آیت الله جناتی شاهرودی و میرزا هاشم آملی در فقه . اما در زمینه فلسفه و عرفان و هیئت استاد عمده ما حضرت آیت الله علامه استاد حسن زاده آملی دامت برکات وجوده الشریف بوده است .

از دیگر اساتید ما در فلسفه حضرت آیت الله عزالدین زنجانی (دام ظلّه) است که در مشهد قبل از انتقال به قم قسمت هایی از بدایه الحکمه و نهایه الحکمه و منظومه را در محضر ایشان خواندیم . ما تدریس را در مشهد ، مدرسه آقای مصباح در حالی که خودمان سیوطی می خواندیم آغاز کردیم . اولین کتابی را که تدریس کردیم کتاب صرف میر بود . این درس را به پیشنهاد و تشویق آقای صراف زاده که مدیر مدرسه بود و ایشان را بر گردن حق بسیاری است شروع کردیم . پس از آن در مدرسه آیت الله مروارید دروسی را چون سیوطی ، منطق و مختصر المعانی ، به مدت ۵ سال تدریس نمودم .

دروسی را که تا کنون در حوزه علمیه قم تدریس کرده ام و برخی نیز هنوز ادامه دارد عبارتند از :

مغنی اللیب ، المنطق ، بدایه الحکمه ، نهایه الحکمه ، الاشارات و التنبیها ، الهیات شفاء ، برهان شفاء ، الشواهد الربوبیه ، اسفار ، تهمید القواعد ، شرح فصوص قیصری ، تشریح الافلاک ، شرح چغمینی و مقاله اولای اصول اقلیدس .

اینجانب علاوه بر تبلیغ به همان صورت سنتی (منبر رفتن) در شهرهای مشهد ، ساری ، لاهیجان ، تهران ، قم ، شهر کرد ، بروجن و ... به مناسبت های ماه محرم و ماه رمضان از سال ۷۳ از طریق دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها به عنوان مبلغ به دانشگاه های علوم پزشکی سمنان ، قزوین ، مشهد ، شهید بهشتی و دانشگاه های هنر و تربیت معلّم کرج و دانشگاه نفت رفته ام .

حقیر مدّتی را هم در کنار تدریس در حوزه به تدریس در دانشگاه شهید محلاتی قم در زمینه های منطق ، فلسفه ، کلام ، اخلاق و امور تربیتی از سال ۷۵ تا ۸۰ مشغول بودم . یکی از فعالیت های که در حال حاضر به آن خیلی اهمیت می دهم و برایش ارزش خاصی قائلم عضویت در هیئت تحریریه فلسفه و کلام مرکز فرهنگ و معارف قرآن قسمت دایره المعارف قرآن کریم است که تا این زمان مدّت قریب ۳ سال است ادامه دارد و انشاء الله امیدوارم توفیق پی گرفتن آن را از این پس نیز داشته باشم که در خدمت قرآن بودن و کار قرآنی کردن توفیق بزرگی است و نمی توان دیگر فعالیت های علمی را با آن مقایسه کرد .

رمضانی، محمدرسول

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدرسول رضانی

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمدرسول رضانی در سال ۱۳۴۱ هجری شمسی در خانواده ای متدین و ارادتمند به خاندان پاک پیامبراعظم صلی الله علیه و آله بدنیا آمد. علاقه فروان ایشان به طلبگی و دروس دینی سبب شد تا در سال ۱۳۵۹ هجری شمسی پس از پشت سر گذاشتن موفقیت آمیز دوران متوسطه وارد حوزه علمیه مشهد شود. ایشان در بدو ورود به حوزه علمیه مقدمات و سطح را از محضر بزرگانی چون شیخ باقر واعظی، صالحی نیشابوی و آیت الله مرتضوی کسب فیض نمود. دوره خارج فقه و اصول را نزد آیات مرتضوی، فلسفی و رضازاده تلمذ کرد. در کنار تحصیل به تدریس در حوزه علمیه مشهد و مراکز دانشگاهی مشغول شد و هم اکنون در مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان رضوی مشغول خدمت به طلاب علوم دینی می باشد.

رنجبر عمرانی، غلامحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۳۲، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۳، دکترای تخصصی داخلی از دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا در سال ۱۳۵۶ و فوق تخصص غدد مترشحه از دانشگاه کلمبیای آمریکا در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علوم پزشکی شیراز از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۵ و دانشیار دانشگاه علوم پزشکی شیراز از سال ۱۳۶۵ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مقاوم شدن تخمدانها، اثرات پائین آوردن PH معده و تزریق HPT به داخل سنتین مغزی، تأثیر اسید در بیماران مبتلا به کم کاری پاراتیروئید، تأثیر مصرف تیروکسین بر روی گره‌های سر و تیروئید، بررسی شیوع گواتر در منطقه کووار استان فارس، بررسی شیوع گواتر در شهر شیراز، چگونگی قطع داروهای استروئیدی پس از مصرف طولانی، انسولینوما، استاد راهنمای ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دکترا و تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: -، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۶
زمینه علمی مقالات:

غدد، متابولسیم، قلب، اثرات تریاک بر روی قند خون.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رنجبر، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان ادبیات فارسی و عربی، دانشکده: -، دانشگاه: آزاد اسلامی تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته‌های ادبیات فارسی و عربی و تربیتی، کارشناسی ارشد ادبیات فارسی و عربی و تربیتی در سال ۱۳۴۷، دکترای
زبان و ادبیات فارسی و عربی در سال ۱۳۵۰.
مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تربیت معلم تهران در سال ۱۳۵۱، دانشیار دانشگاه تربیت معلم تهران در سال ۱۳۵۶، استاد زبان و ادبیات فارسی در
دانشگاه تربیت معلم تهران در سال ۱۳۶۱ و استاد دانشگاه آزاد اسلامی تهران تاکنون.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فرهنگ و تکنولوژی، تعلیم و تربیت در آثار شعرا و نویسندگان، مسائل دینی و مذهبی، مسائل اجتماعی، جامعه‌شناسی، اخلاق،
مسائل ادبی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

ادبی، اجتماعی، احوال و آثار و افکار شعرا و نویسندگان و دانشمندان، بیان ارزش آثار ادبی و هنری و اجتماعی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

بررسی آثار ادبی، آثار هنری، ارزشهای اجتماعی در آثار ادبی و هنری، شناسایی علما و دانشمندان.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رنجبر، محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن رنجبر

محل تولد: تربت حیدریه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۷/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۶۳ (آذر ماه) وارد حوزه علمیه شدم و به مدت یک سال در حوزه علمیه تربت حیدریه مشغول به تحصیل شدم سپس به قم آمدم و ۲ ماه در این شهر ساکن بودم و در اواخر سال ۱۳۶۴ وارد مدرسه علمیه مروی تهران شدم و تا نیمه اول سال ۱۳۶۹ در آنجا مشغول به تحصیل بودم

با موفقیت در آزمون مؤسسه در راه حق از مهرماه سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و دوره عمومی این مرکز را چهار ساله گذراندم و در سال ۱۳۷۳ وارد گروه تخصصی تاریخ شدم و ضمن ادامه و تکمیل دروس حوزه علمیه تا مقطع خارج و گذراندن پایه دهم (شفاه و کتبا) در اردیبهشت سال ۱۳۷۴ دوره سطح را به اتمام رساندم و از آن پس در درس خارج شرکت می‌کردم در سال ۷۸ با دفاع از پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد موفق به اخذ کارشناسی ارشد شدم و از آن پس تا پایان سال ۸۰ به صورت ساعتی با بخش پژوهشی همکاری پژوهشی داشتم از ابتدای سال ۸۱ تا پایان سال ۱۳۸۳ عضو هیئت علمی گروه تاریخ بودم و در نگارش مقتل جامع امام حسین علیه السلام به سرپرستی استاد مهدی پیشوایی بیشترین فعالیت را داشتم با پذیرش در مقطع دکتری در نیمه دوم سال ۸۳ وارد تحصیل در این مقطع شدم و هم اکنون دومین ترم این مقطع را بناست بگذرانیم.

افزون بر این همکاری پژوهشی بنده با بخش پژوهش مؤسسه ادامه دارد هم چنین بنده هم کاری هایی با بخش تاریخ معاصر و اندیشه سیاسی داشته ام و حاصل آن نگارش مقالاتی بوده است .

رواقی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی رواقی در سال ۱۳۲۰، در شهر مشهد متولد شد. در سال ۱۳۳۹ تحصیلات دوره ی کارشناسی خود را در دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد آغاز نمود. آنگاه در سال ۱۳۴۴ به تهران مهاجرت نمود و تحصیلات کارشناسی ارشد و دکتری را تا سال ۱۳۵۳ در دانشگاه تهران گذراند. دکتر رواقی، از سال ۱۳۴۹ تدریس متون زبان فارسی شامل شاهنامه، تاریخ بیهقی و آثار ناصر خسرو را در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران آغاز کرد. سپس در سال ۱۳۵۴ با استفاده از یک فرصت مطالعاتی به فرانسه رفت و در زمینه ی فرهنگ نویسی به تحقیق پرداخت و سال ۱۳۵۶ در دانشگاه پل والر ی مون پلیه، زبان فارسی را تدریس کرد. دکتر رواقی، مؤسسه ای فرهنگی به نام برادر شهیدش محمد رواقی بنیاد نهاده است که در طبع و نشر آثار مختلف فعالیت دارد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی رواقی، در سال ۱۳۳۹ تحصیلات دوره ی کارشناسی خود را در دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد آغاز نمود. آنگاه در سال ۱۳۴۴ به تهران مهاجرت نمود و تحصیلات کارشناسی ارشد و دکترا را تا سال ۱۳۵۳ در دانشگاه تهران گذراند.

استادان و مربیان : علی رواقی تحت تعلیم استادانی چون : دکتر احمدعلی رجایی بخارایی ، دکتر غلامحسین یوسفی ، بدیع الزمان فروزانفر ، همایی ، خانلری ، معین ، مجتبی مینوی ، دکتر علی اکبر فیاض و محمد پروین گنابادی قرار داشت.

فعالیت‌های آموزشی : علی رواقی، از سال ۱۳۴۹ تدریس متون زبان فارسی شامل شاهنامه ، تاریخ بیهقی و آثار ناصرخسرو را در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران آغاز کرد. سپس در سال ۱۳۵۴ با استفاده از یک فرصت مطالعاتی به فرانسه رفت و در زمینه ی فرهنگ نویسی به تحقیق پرداخت و سال ۱۳۵۶ در دانشگاه پل والری مون پلیه ، زبان فارسی را تدریس کرد.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : علی رواقی، مؤسسه ای فرهنگی به نام برادر شهیدش محمد رواقی بنیاد نهاده است که در طبع و نشر آثار مختلف فعالیت دارد.

آثار :

- ۱ پژوهش و ویرایش قرآن مترجم قدس
- ۲ تصحیح ترجمه ی مقامات حریری
- ۳ تصحیح تفسیر قرآن پاک
- ویژگی اثر : با مقدمه ی استاد مجتبی مینوی.
- ۴ تصحیح جلد اول بصائر یمینی
- ۵ تصحیح فرهنگ تکمله الاصناف
- ۶ تصحیح مقاصد اللغه و تفسیر ۶ جلدی بصائر یمینی
- ۷ ذیلی بر فرهنگ های فارسی
- ۸ زبان فارسی در ماوراءالنهر
- ویژگی اثر : در ۲ مجلد.
- ۹ سبک شناسی یا گونه شناسی ترجمه های قرآن
- ویژگی اثر : بر پایه ی بیش از پانزده ترجمه ی قرآن که به حوزه های زبانی گوناگون پیوند دارند.
- ۱۰ فراهم کردن گزیده ی شاهنامه
- ۱۱ فرهنگ فارسی تاجیکی
- ۱۲ فرهنگ مصدر در زبان فارسی
- ویژگی اثر : در ۲ مجلد.
- ۱۳ فرهنگواره ی واژگان قرآنی - فارسی
- ویژگی اثر : در ۴ مجلد.
- ۱۴ همکاری در چاپ دیوان ناصرخسرو

۱۵ ویرایش ترجمه ی قرآن موزه پارس شیراز

ویژگی اثر: دربردارنده ی ترجمه ای از نیمه ی دوم قرآن از سوره ی مریم تا پایان قرآن.

منابع:

آینه ی میراث، سال اول، شماره ی اول، دی ۱۳۷۶

روانبخش، قاسم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قاسم روانبخش

محل تولد: یزد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۷/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی (ره) دروس مقدماتی را گذراندم سپس در حوزه علمیه به صورت آزاد دروس فقه و اصول را نزد اساتیدی مانند آیت الله رزاقی، آیت الله ستوده، آیت الله سید علی محقق داماد و سید مصطفی محقق داماد، شرح لمعه، اصول فقه، مکاسب و رسائل و کفایه را فرا گرفتم. دو جلد لمعه را نزد آیت الله رزاقی، اصول فقه را در محضر مصطفی محقق، مکاسب و رسائل را نزد آیت الله ستوده و آیت الله رزاقی، کفایتین را نزد آیت الله سید علی محقق فرا گرفتم.

دروس خارج فقه و اصول را نیز از محضر آیات عظام وحید خراسانی و تبریزی، مکارم شیرازی به مدت ۷ سال بهره جستیم. در سال ۱۳۶۱ وارد موسسه در راه حق شدم و با مجوز آیت الله مصباح سه سال درس موسسه را به کمک نوار در دو ماه و نیم تابستان فرا گرفتم و در آغاز سال تحصیلی در امتحانات شرکت کردم و در سال چهارم گروه «ها» موسسه وارد شدم. دوره گروه «ها» را که یک دوره هفت ساله بود ۴ سال دیگر در کنار دوستان در موسسه ادامه دادیم و درسهای اسفار جلد هشت و نهم بحث نفس را در محضر استاد مصباح فرا گرفتیم و سپس وارد بنیاد باقر العلوم (ع) شدیم و در رشته تخصصی فلسفه وارد شدیم و در این دوره که تا سال ۱۳۷۵، سال دفاع از پایان نامه طول کشید کتاب های برهان، شفا، الهیات شفا، اسفار جلد سوم را از محضر استاد مصباح و اسفار جلد اول را از محضر استاد جوادی آملی تلمذ کردم.

تاریخ فلسفه یوسف کرم دو جلد در نزد استاد فیاضی و جلد اول و دوم اشارات را نیز نزد ایشان فرا گرفتم و دروس معرفت شناسی را با استاد مصطفی ملکیان خواندم. پایان نامه اینجانب نیز با عنوان «کیفیت پیدایش معقولات اولی و ثانیه» با استاد راهنما استاد غلامرضا فیاضی و استاد مشاور آقای عبد الرسول عبودیت و استاد داوری آقای مصطفی ملکیان که با نمره ۱۸/۵ از آن دفاع شد. در این مدت علاوه بر تدریس دروس طرح ولایت مثل کتاب هستی شناسی، معرفت دینی، غرب شناسی، فلسفه اخلاق سالانه ۴ واحد آموزش فلسفه در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) تدریس کرده و ادامه خواهم داد.

در سال ۱۳۷۶ به دلیل رشد فزاینده مطبوعات مدعی اصلاح طلبی وارد عرصه مطبوعات شده و با تاسیس هفته نامه پرتو به مقابله با اندیشه های باطل طرفداران غرب پرداختم که تا کنون بیش از صدها مقاله از اینجانب در هفته نامه پرتو، کیهان، رسالت، سیاست روز، اطلاعات، شرق و ... به چاپ رسیده است.

روح‌الایمان ارسنجانی، علی‌اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۰ - ۱۲۷۳ ش)، عالم و مجتهد. در قصبه‌ی ارسنجان فارس متولد شد و پس از تحصیلات مقدماتی در شیراز متوطن شد و به تحصیل فقه و اصول پرداخت. از محضر استادان بزرگی چون میرزا ابراهیم محلاتی و میرزا محمدصادق مجتهد کسب دانش کرده به درجه‌ی اجتهاد نایل شد. اجتهاد وی مورد تصدیق علمایی چون شیخ محمدکاظم شیرازی و شیخ ضیاءالدین عراقی و میرزا آقا اصطهباناتی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی قرار گرفت. وی در شیراز در مدارس حکیم و هاشمیه به تدریس پرداخت. از آثارش «رساله‌ی عملیه» می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۰۶-۳/۷۰۵)، مؤلفین کتب چاپی (۴/۴۸۶).

روح‌الامین، رسول

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای دام کوچک، دانشکده: دام پزشکی، دانشگاه: تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

روحانی تبریزی

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، شاعر و حکیم. از سخنوران عهد سلطان حسین بایقرا بود. این بیت از اوست:

گفتم روم ز کویش بگرفت اجل ره من

بنگر چه‌هاست در ره بیچاره آدمی را

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی روز روشن (۳۱۵)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۲۵۹-۲/۲۵۸)، دانشمندان آذربایجان (۱۶۱)، الذریعه (۳۸۶/۹)، سخنوران آذربایجان (۳۷۷)، فرهنگ سخنوران (۳۹۹)، لغت نامه (ذیل / روحانی تبریزی).

روحانی رهبر، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بهداشت عمومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

روحانی قمی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۸۸ - ۱۳۲۲ ق)، عالم دینی، فقیه و واعظ. در قم متولد شد، تا پانزده سالگی در خدمت پدرش به تحصیل مقدمات پرداخت. سطوح معقول را نزد حاج میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی و فقه و اصول را در محضر آیت‌الله میرزا سید علی یثربی کاشانی و آیت‌الله حائری یزدی و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری فراگرفت. در ۱۳۴۴ ق به عزم تکمیل تحصیلات به نجف رهسپار شد و در حوزه‌ی درس و بحث آیت‌الله قمی شرکت کرد و بهره‌ها برد. سپس به تهران و قزوین رفت. احتیاج شدید جامعه آن روز به امر تبلیغ وی را بر آن داشت که به وعظ و خطابه روی آورد. او بارها به هندوستان، برای ترویج دین سفر نمود. در تهران درگذشت و در شیخان قم دفن شد. از آثارش: «سر السعاده»، به عربی؛ کتاب «خاطرات»؛ کتاب «تسلیه المریض»؛ کتاب «کفایه النحو».
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: سرالسعاده (مقدمه)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۳۹/۱).

روحانی قمی، صادق

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۸ - ۱۲۵۵ ق)، فقیه، اصولی و مرجع. در قم به دنیا آمد تا هجده سالگی تحت نظر پدر مشغول به تحصیل مقدمات بود. سپس دو سال در اصفهان اقامت کرد و چندی هم در تهران نزد حکیم معروف آقا علی مدرس به تحصیل حکمت اشتغال داشت. در حدود ۱۲۷۹ ق به نجف رهسپار شد و از محضر درس شیخ مرتضی انصاری دو یا سه سال استفاده کرد. پس از وفات شیخ به درس حاج میرزا حبیب‌الله رشتی حاضر شد. او پس از سالها بهره‌گیری از محضر علمای نجف به سامراء مهاجرت کرد و از حوزه‌ی درس آیت‌الله میرزا محمدحسن شیرازی استفاده کرد. در ۱۲۹۸ ق به قم بازگشت و مرجع امور شرعی مردم گشت. آیات عظامی چون حاج شیخ حسن فاضل و میرزا فخرالدین سیدی و حاج آقا محمد کبیر و حاج سید ابوالقاسم مرتضوی و شیخ ابوالقاسم صغیر و آخوند ملا-علی اکبر از شاگردان وی می‌باشند. او در قم درگذشت و در شیخان به خاک سپرده شد. از آثار وی بنای مسجد و مدرسه‌ای در شهر قم است. آثار علمی‌اش عبارت‌اند از: «تقریرات» فقه و اصول استادانش؛ مجلدی در «مباحث الالفاظ»؛ مجلدی در

«الادله العقلیه»؛ قسمتی از «زکات»، از اول زکات تا اصناف مستحقین، که شرح مبسوطی بر این بخش از «شراعی» است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: سرالسعاده (مقدمه)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۵۶-۸۵۵/۱۴).

روحانی قمی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، عالم و فقیه. در قم در خانواده جلیل روحانی به دنیا آمد و خدمت آقا شیخ حسین علامه به تحصیل مقدمات پرداخت و نیز در محضر حاج شیخ حسن فاضل و حاج ملا غلامرضا صاحب «حاشیه بر رسائل» و آیت‌الله حاج آقا احمد طباطبائی درس خواند و در سال ۱۳۳۰ ق به نجف مشرف و از حوزه‌ی درس آیت‌الله اصفهانی بهره گرفت. وی مدتی هم در مشهد رضوی از آیت‌الله حاج آقا حسین قمی استفاده کرد. او در معقول شاگرد میرزا علی‌اکبر حکیم یزدی بود. با سعی و کوشش وی مقدمات ورود آیت‌الله حایری به قم فراهم شد. او تا پایان عمر به انجام وظائف دینی در زمینه تدریس و ارشاد مشغول بود. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: آثار الحجه (۷۳-۷۲/۲)، آینه‌ی دانشوران (۲۰۵-۲۰۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۳۹-۳۳۷/۱).

روحانی نژاد، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین روحانی نژاد

محل تولد: موسویه بیرجند

شهرت: روحانی

تابعیت: ایران

زندگینامه علمی

اینجانب حسین روحانی نژاد در سال ۱۳۵۲ هجری شمسی وارد حوزه علمیه بیرجند شدم. حدود دو سال در آن حوزه به تحصیل ادبیات عرب و فقه نزد مرحوم آیت الله عارفی پرداختم. در سال ۱۳۵۳-۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه رسالت - که شبیه مدرسه حقانی و تحت برنامه خاصی بود - به تحصیل ادامه مقدمات، اصول، منطق، فلسفه، فقه و دروس جدید پرداختم. بخشی از سطح را در آن مدرسه و برخی را در حوزه آزاد خواندم. شرح لمعه را عمدتاً نزد استادان ارجمند آقایان باکوئی و وجدانی فخر رسائل را نزد استاد ارجمند حاج آقا مصطفی اعتمادی، مکاسب شیخ انصاری را نزد حضرات آیات: دوزدوزانی، مرحوم پایانی، مرحوم ستوده، کفایه را نیز نزد مرحوم آیت الله ستوده و آیت الله فاضل خواندم. در فلسفه از دروس استادان ارجمند فیاضی (بدایه)، مصباح (نهایه)، حسن زاده آملی و جوادی آملی (قسمتی از اسفار)، گرامی (قسمتی از نهایه) ممدوحی (قسمتی از بدایه) بهره برده‌ام. فلسفتنا را در مدرسه رسالت نزد دکتر احمدی خواندم.

چند سالی در تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی دامت برکاته، حدود ۱۰ سال در درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله العظمی وحید، مدّتی در درس فقه آیت الله منتظری و نیز مدّتی در خارج فقه آیت الله مکارم شیرازی شرکت کرده ام. مدّتی هم در درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله العظمی بهجت دامت برکاته حضور یافته ام.

از سال ۱۳۶۳ با مرکز تحقیقات عقیدتی-سیاسی سپاه در قم که اکنون پژوهشکده شده است به صورت پاره وقت همکاری علمی داشتم و این همکاری تا حدود سال ۱۳۷۱ ادامه داشت و برخی جزوات درسی سپاه در زمینه تاریخ اسلام را تدوین کردم؛ از جمله: زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از آغاز تا هجرت، زندگی سیاسی امام حسن مجتبی علیه السلام، و برخی دیگر از ائمه علیهم السلام، معارفی از قرآن، مقالاتی در مجله مکتب جبهه تحت عنوان اسوه های صدر اسلام، تعلیم و تربیت اسلامی و ...

سال ۱۳۶۰ مدّتی در سازمان تبلیغات تهران در واحد آموزش به تدوین جزواتی اشتغال داشتم. در زمان دفاع مقدس نیز برای سازمان تبلیغات سندج، کتابی را درباره فرهنگ و آداب و سنن اقوام آن منطقه - به صورت مشترک با یکی از دوستان - تدوین کردم. سال ۱۳۶۱ در سازمان حج تهران، مسئولیت واحد آموزش دفتر تبلیغات و آموزش حج را بر عهده داشتم و جزواتی را در مورد اسرار حج و تذکراتی به مدیران کاروانها و حجاج ایرانی تنظیم کردم. در اواخر دهه شصت، مدّت یک سال و نیم با بنیاد معارف اسلامی بعثت در طرح تدوین معجم احادیث امام مهدی علیه السلام شرکت داشتم.

سال ۶۸ در نخستین دوره تربیت مدرس دار الشفاء وابسته به دانشگاه قم - شرکت کردم و رساله فوق لیسانس خود را در سال ۷۰ - ۷۱ در زمینه اخلاق از نظر نراقی و مقایسه آن با اخلاق خواجه نگاشتم و در سال ۷۱ از آن دفاع کردم. از سال ۷۱ تا ۷۶ به دعوت دانشگاه تربیت معلم تبریز به تبریز رفتم و ۵ سال عضو هیأت علمی دانشکده الهیات بودم، که یک سال آن مدیر کلی دانشجویان شاهد و ایثارگر و سه سال هم ریاست دانشکده الهیات را بر عهده داشتم. در دانشگاه تبریز به تدریس متون فلسفی به زبان عربی، در دانشگاه الهیات را مشغول بوده ام. در دانشگاه تبریز به تدریس متون فلسفی به زبان عربی، در دانشگاه تربیت معلّم به تدریس فقه و اصول و اخلاق و فلسفه اخلاق و دروس عمومی، و در دانشگاه آزاد - واحد تبریز به تدریس تفسیر، فقه، انسانشناسی و تاریخ فقه و ... اشتغال داشتم.

سال ۷۶ به دانشگاه قم منتقل شدم. مدّتی معاون آموزشی دانشگاه بودم و به تدریس فقه و قواعد فقه نیز پرداخته ام. در سال ۷۷ به پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی منتقل شدم. مدّتی دبیری گروه فلسفه، مدتی مدیریت اجرایی دفتر قم، مدّتی مدیریت پژوهش را بر عهده داشتم. حدود ۴ - ۵ سال است که عضو گروه اخلاق و عرفان پژوهشگاه هستم و تا کنون چند کتاب و مقالاتی به رشته تحریر کشیده ام.

روحانی، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد روحانی

محل تولد: نوشهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ ه.ش وارد حوزه علمیه قم شدم. پس از طی مراحل مقدمات و سطح به درس خارج پرداختم و در سال ۱۳۷۱ ه.ش در رشته تفسیر تخصصی مشغول به تحصیل شدم و مدت ۴ سال زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی در درس های تفسیری مشغول بودم. و حدود پنج سال است که به کارهای پژوهش مشغولم و کتابهایی را هم ترجمه کردم اگر خداوند توفیق عنایت فرماید دوست دارم کارهای تحقیقی و پژوهشی و ترجمه های دیگری را هم انجام دهیم.

روحانی، سید شمس الدین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید شمس الدین روحانی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۸/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید شمس الدین روحانی پس از تحصیل در دبیرستان علوی ایرانیان در نجف اشرف، وارد حوزه علمیه نجف اشرف شدم. سطوح عالی را در محضر اساتیدی همچون آیت الله مرحوم آقای شیخ محمد علی مدرس افغانی و مرحوم آیت الله آقای شیخ مجتبی لنگرانی و آیت الله شهید میرزا علی غروی و شهید محراب آیت الله مدنی و آیت الله مرتضوی "حفظه الله" که هم اکنون در مشهد مقدس افاضه می فرمایند و ... گذراندم. در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه قم شدم.

از آنجا که با برخی از مولفات حضرت آیت الله مکارم شیرازی "دامت برکاته" آشنا بودم و شیفته قلم روان و بیان شیوا و مقام علمی ایشان شده بودم، توسط یکی از دوستان با معظم له آشنا شدم. حدود ۲۵ سال در محضر ایشان و در برنامه های مختلف مدرسه علمیه امام امیر المومنین (ع) همکاری داشته ام.

روحانی، صادق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۴۰ ق)، فقیه، اصولی، مجتهد و مرجع تقلید. وی در خاندانی که قرن‌ها در شهر قم ریاست علمی و دینی داشتند متولد شد. پس از تحصیلات مقدمات در نزد پدر بزرگوارش در سال ۱۳۵۷ ق به اتفاق برادر بزرگش آیت الله حاج سید محمد روحانی برای ادامه‌ی تحصیل به نجف رفت و نزد آیت الله اصفهانی و آیت الله غروی و آیت الله شیخ محمدعلی کاظمینی و آیت الله خوئی به

تکمیل تحصیل پرداخت و در عنفوان جوانی حایز مقام اجتهاد گشت. وی در سال ۱۳۶۸ ق به قم بازگشت و به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت. او را به داشتن صفاتی چون همت عالی و قلب وسیع و فکر بلند و رای متین و نظر دقیق و خلق حسن ستوده‌اند. وی تالیفاتی ارزنده‌ای در فقه و اصول دارد که از جمله آثارش: «فقه الصادق»، شرح «تبصره‌ی» علامه، در بیست و شش مجلد؛ «منهاج الفقاهه»، شرح «مکاسب» شیخ انصاری، در چهار مجلد؛ «مسائل مستحدثه»؛ شرح «کفایه الاصول»؛ رساله‌ای در «جبر و اختیار»؛ «القواعد الثلاث»؛ رساله «اجتهاد و تقلید»؛ حاشیه «عروه الوثقی»؛ حاشیه‌ی «رسائل» شیخ انصاری؛ «توضیح المسائل».[۱]

آیت‌الله حاج آقا محمد بن علامه الحاج میرزا محمود بن الایه السید صادق الروحانی الحسینی برادر ارجمند و بزرگ آیت‌الله روحانی معاصر از علماء اعلام و فضلاء بنام حوزه علمیه نجف اشرف است.

تولدش در سال ۱۳۳۶ قمری در قم واقع شده و پس از تحصیل مقدمات و ادبیات و سطوح در سن بیست سالگی به اتفاق برادر بزرگوارش آیت‌الله آقا سید صادق در سال ۱۳۵۵ قمری سال فوت مرحوم آیت‌الله حایری به نجف مهاجرت نموده و از آیات عظام حاج شیخ محمدحسین غروی کمپانی و آیت‌الله اصفهانی و کاظمینی و اکثراً آیت‌الله العظمی خوئی مدظله العالی استفاده نموده تا در حوزه هزار ساله نجف مشار با لبنان گردیده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار الحجّه (۹۵/۲)، آینه‌ی دانشوران (۲۰۷-۲۰۶)، الذریعه (۱۳۵/۱۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۶۲-۱۶۰/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۰-۴۸۹/۳).

روحانی، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیرضا روحانی

محل تولد: غزنین

شهرت

تابعیت: افغانستان

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه قم شده و در مرکز جهانی علوم اسلامی از پایه ششم به فراگیری دروس حوزوی مشغول شدم و در سال ۱۳۷۴ با اتمام پایه دهم دروس سطح را به پایان رساندم. در سال ۷۵-۷۴ در مرکز آموزش زبانهای خارجی دانشگاه باقرالعلوم به فراگیری زبان عربی پرداخته تا دوره عالی ترجمه و مکالمه زبان عربی آن را ادامه دادم. از سال ۱۳۷۵ دروس حوزوی را در مقطع درس خارج با شرکت در دروسهای آقای فاضل گلپایگانی شروع نموده و در طول این مدت از محضر آیات و اساتید بزرگوار مرحوم آقای صالحی مازندرانی، جعفر سبحانی، مکارم شیرازی و جوادی آملی بهره برده ام. در کنار دروس حوزوی در سال ۱۳۷۹ در آزمون موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی شرکت نموده و در مقطع کارشناسی رشته معارف اسلامی و حقوق قبول شده و مشغول به تحصیل شدم. در سال ۸۱-۸۰ همزمان با فارغ التحصیلی از موسسه امام خمینی با شرکت در کنکور سراسری در دانشگاه مفید در رشته حقوق بشر قبول شدم. اینک (تا یک هفته دیگر) از این دانشگاه نیز فارغ التحصیل می شوم (تاریخ دفاع پایان نامه ۶ / ۱۲ / ۸۶) در چند سال اخیر ضمن تحصیل حوزوی و دانشگاهی علاوه بر نگارش پایان نامه ای با عنوان " نقش نهادهای ملی در

ارتقاء و حمایت از حقوق بشر^{۱۱} با چند فصلنامه و ماهنامه افغانستانی همکاری قلمی دارم. این همکاری با نگارش مقالات با موضوعات حقوقی، سیاسی و مذهبی در مجلات حقوق بشر، توسعه، گفتمان نو، مطالعات حقوقی و فصلنامه کلکین ادامه دارد ضمن آنکه عضو هیات تحریریه فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات حقوقی و فصلنامه کلکین نیز می باشم. از سال ۱۳۸۴ دبیر بخش حقوقی مجله پامیر (نشریه دانشجویان افغانستانی در ایران) را به عهده داشته و علاوه بر آن سردبیر فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات حقوقی از شماره دوم نیز می باشم.

روحانی، فواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۶ ش)، نویسنده و مترجم. وی در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در تهران و تحصیلات عالی را در دانشگاه لندن در رشته‌ی حقوق به پایان رساند. در سال ۱۳۰۶ ش به ایران بازگشت و به عضویت شرکت نفت درآمد. روحانی به مباحث ادبی و فلسفی و خلاق و هنری علاقه وافری داشت و در زمینه‌ی موسیقی علمی و فلسفه هنرهای زیبا از صاحب نظران کشور بود. وی از موسسان انجمن فیلامونیک تهران و دبیر انجمن بود. روحانی علاوه بر تبحر در زبانهای انگلیسی و فرانسه، به زبانهای عربی و لاتین نیز آشنا بود. از آثار وی: ترجمه‌ای از «الهی‌نامه‌ی عطار» به زبان فرانسه؛ «جمهور» افلاطون، ترجمه. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: مؤلفین کتب چاپی (۷۴۹-۷۴۸/۴).

روحانی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد روحانی علی آبادی

محل تولد: ارومیه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

محمد روحانی علی آبادی در سال ۱۳۴۲ در شهرستان ارومیه و در خانواده‌ای متعهد، مومن و انقلابی دیده به جهان گشوده ایشان با تشویق خانواده علی‌الخصوص پدر خویش به تحصیل علوم دینی روی آورد و در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه ارومیه شد. پس از مقداری تحصیل و شور و شوق ایشان به فراگیری تحصیلات عالی از محضر خانواده کسب اجازه کرد و به سمت عش آل محمد (ص) قم هجرت کرد. در دیار قم در درس مکاسب آیت الله عباسعلی کاظمی، کفایه آیت الله صالحی زنجانی حاضر و از

محضر پرفیض آنان بهره مند شد. پس از گذراندن مرحله سطح به حلقه درس خارج اساتید برجسته آن زمان وارد گشت در محضر اساتیدی همانند آیت الله جعفری اراکی، آقا مجتبی تهرانی زانوی تلمذ بغل کرد. نامبرده سفرهای تبلیغی فراوانی به کشورهای خارج از جمله آذربایجان و هند داشته است که این حاکی از عزم ایشان در تبلیغ دین مبین اسلام و نشر مذهب نجات بخش بشریت شیعه اثنی عشری می باشد.

روحانی، محمدصادق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت الله السید محمدصادق الحسینی الروحانی ابن العلم الحاج میرزا محمود بن العلامه الحجه السید صادق القمی (صاحب فقه الصادق) مدظله از آیات عظام و اساتید کرام و مدرسین عالی مقام حوزه علمیه شهرستان مذهبی قم می باشند، و از علماء بزرگوارانی که در اثر مجاهدات نام گرامیش به تمام کشور و حتی خارج از ایران رسیده و در راه مبارزه شدائدی را تحمل نموده ایشان است.

ترجمه معظم له و معالی امور و خاندان جلیل روحانی وی که قرنها در شهر

مذهبی قم ریاست علمی و دینی داشتند و خدمات و آثار و متن بیانیه‌های ایشان در خور رساله و کتاب مستقلی است که نگارنده اجمالی از آن را از نظر خوانندگان محترم می گذرانم.

در سال ۱۳۴۰ در قم متولد گردیده و در حجر تربیت والد معظم پرورش یافته و از اوائل صباوت دروس مقدمات و ادبیات را خوانده تا سال ۱۳۵۵ قمری که به اتفاق برادر ارجمندش آیت الله آقای حاج آقا محمد روحانی مقیم نجف مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات عظام و مدرسین و مراجع و الامقام نجف استفاده کامل نموده تا بذروه علیای علم ارتقاء یافته و از غالب آنها نائل به اخذ اجازه اجتهاد گردیده و در سال ۱۳۶۸ قمری مراجعت به وطن خود نموده و از همان اوان ورود به تدریس خارج فقه و اصول و افاده پرداخته است.

دارای کمالات نفسانی و ملکات فاضله روحانی و همتی عالی و قلبی وسیع و فکری بلند و رایبی متین و نظری دقیق و چهره‌ای گشاده و خلقی حسن می باشد.

اگر وسائل و اسباب برایش میسور باشد خدمات بزرگ و اساسی خواهد نمود در میان حوزه و شهرستان قم و غالب ایران محبوبیت و شهرتی یافته و از مجاهدین شناخته شده است مسافرت‌هایی قهرا و اختیارا در بلاد شرق کشور چون زایل و زاهدان و یزد و شهرستانهای غربی چون تبریز و خوی و زنجان نموده که مورد استقبال و تجلیل غالب مردم آن سامان قرار گرفته که در موقع خود کم نظیر بوده است. تالیفات ارزنده‌ای در فقه و اصول دارد که ذیلا توضیح داده می شود:

۱- فقه الصادق در بیست مجلد که ۱۶ جلد آن به طبع رسید و باقی آماده طبع است .

۲- منهاج الفقاهه در ۴ مجلد شرح بر مکاسب شیخنا الانصاری که چاپ شده است.

۳- مسائل مستحدثه جلد که مکرر چاپ شده و مسائل روز را در آن تشریح کرده و روشن نموده است.

۴- شرح بر کفایه الاصول در دو جلد کامل آماده طبع است.

۵- رساله‌ای در جبر و اختیار مکرر به طبع رسیده است.

۶- القواعد الثلاث مطبوع می باشد.

- ۷- رساله اجتهاد و تقلید مطبوع می‌باشد.
 - ۸- فروع علم اجمالی که تقریرات درس معظم‌له است و طبع شده است.
 - ۹- القواعد السبعه مخطوط.
 - ۱۰- حاشیه عروه الوثقی مطبوع.
 - ۱۱- حاشیه‌ای بر رسائل شیخنا الانصاری.
 - ۱۲- توضیح المسائل مکرر به طبع رسیده.
 - ۱۳- توضیح المناسک نیز مکرر به طبع شده.
 - ۱۴- تقریرات و دراسات اساتید نجف فقها و اصولا که مخطوط می‌باشد.
- آثار دیگری از قبیل مساجد در قم و اطراف دارد و نیز بنا دارند مدرسه بزرگی برای طلاب تهیه نمایند.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

روحانی، محمدهادی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدهادی روحانی که از بیت علم و روحانیت بوده و والد ماجد و اجداد گرامش از علماء عصر خود بوده‌اند در سال ۱۳۲۴ ق متولد شده و تا سن ۱۷ سالگی در تنکابن ادبیات و قسمتی از فقه و اصول را فرا گرفته و بعد در تهران چند سالی به تحصیل معقول و منقول ادامه داده و در سال ۱۳۴۳ قمری در حوزه علمیه قم وارد و از محاضر دروس آیات عظام استفادات کامل نموده و در حوزه درس مرحوم آیت‌الله حایری از معاریف فضلاء بشمار رفته و مورد توجه مخصوص آن مرحوم قرار گرفته و در سنه ۱۳۵۳ قمری با دریافت اجازه اجتهاد به گیلان مراجعت و برای امر معاش خود به فلاحت و کشاورزی و با تأمین امور مادی به ترویج دین در هر حال پرداخته و برای داشتن بیان و منطق شیوا در موعظه و تبلیغ مورد اطمینان و اعتماد مردم گیلان واقع شده و خدمات ارزنده‌ای نموده است از آثار اوست مدرسه روحانیه رودسر که مسکن طلاب و واردین اهل علم به رودسر است و این نگارنده هم در ماه صفر ۱۳۸۲ قمری شبی را در آن بیتوته نموده‌ام

آن مرحوم دارای طبع شعر بوده و اشعار زیادی سروده است که از آنهاست رثائیه‌ای که در فقدان مرحوم آیت‌الله العظمی حاج سید محمدتقی خونساری طاب ثراه گفته

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

روحانی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت‌الله حاج میرزا محمود روحانی بن العارمه السید صادق المذكور از مشاهیر علماء و اکابر دانشمندان حوزه علمیه و شهرستان مذهبی قم و دومین فرزند مرحوم آیت‌الله حاج سید صادق می‌باشد در سال ۱۳۰۷ قمری در قم متولد شده و خدمت مرحوم شیخ

حسین علامه به تحصیل پرداخته و هم خدمت مرحوم حاج شیخ حسن فاضل و آیت‌الله حاج ملا غلامرضا صاحب حاشیه و مرحوم آیت‌الله حاج آقا احمد طباطبائی درس خوانده و در سال ۱۳۳۰ قمری به نجف مشرف و از محضر آیت‌الله اصفهانی بهره‌مند شده و مدتی هم در مشهد رضوی از آیت‌الله حاج آقا حسین قمی استفاده نموده و معقول را هم از مرحوم میرزا علی‌اکبر حکیم یزدی به دست آورده و عمده فقه و اصول را از مرحوم آیت‌الله حایری یزدی استفاده نموده و نسبت به وی اعتقاد مخصوصی داشت و از آن جماعتی بود که برای آوردن آیت‌الله حایری به اراک رفته و حدود ۹ ماه توقف و با مرحوم حاج شیخ حسین قمی معروف به نجار استقامت ورزیده و جدیت نموده تا بالاخره به مقصود نائل شده و آن مرحوم را به قم منتقل نمودند.

مؤلف گوید: آیت‌الله حاج میرزا محمود روحانی عالمی ناسک و فقیهی ورع و متعبد بود فرزندان برومند به یادگار گذارد که موجب افتخار روحانیت در ایران و عراق و اروپا باشد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

روحانی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام آقای حاج سید مهدی بن العلامة الحاج میرزا ابوالحسن بن العلامة السید صادق الحسینی روحانی از افاضل دانشمندان و فضلاء نامی حوزه علمیه و شاگردان برجسته آیات عظام مرحوم محقق داماد و آیت‌الله العظمی امام خمینی و آیت‌الله العظمی مرحوم بروجردی و اساتید دیگر می‌باشند، در میان اقران خود به فضل و کمال موصوف و به متانت و فطانت مشهور است و اکنون که سن شریفش از چهل گذشته و عشره پنجم را می‌گذرانند به تدریس فقه و اصول و مباحثات کمپانی با چند تن از فضلاء برجسته مشغول و ضمناً اقامه جماعت هم دارند آثار ایشان دراسات و تقریرات اساتیدشان می‌باشد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

روحی طیب بخارایی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، شاعر و پزشک. مردی دانشمند و از پزشکان حاذق قرن دهم هجری بوده و غزل را نیکو می‌سروده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۶۰۹).

روحی کرمانی، احمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۴ - ۱۲۶۳/۱۲۷۲ ق)، مترجم، نویسنده و شاعر، متخلص به روحی. در کرمان متولد شد، تحصیلات اولیه و علوم عربی و فقه و اصول و حدیث را در همان شهر نزد پدر خود فراگرفت. در سال ۱۳۰۲ ق با میرزا آقاخان کرمانی که از مشاهیر زمان خود بود، به اصفهان و تهران و رشت و استانبول سفر کرد و در این شهر به تدریس زبانهای شرقی و تکمیل زبانهای انگلیسی و فرانسوی و ترکی عثمانی مشغول شد. چندی بعد به سفر حج رفت و در مراجعت مدتی در حلب اقامت گزید و مجدداً به استانبول برگشت. روحی در مدت اقامت در استانبول با میرزا رضا کرمانی و سید جمال‌الدین اسدآبادی ارتباط داشت و همین رابطه موجب شد بعد از کشته شدن ناصرالدین شاه به دست میرزا رضای کرمانی، دولت ایران استرداد شیخ احمد و دوستانش را از دولت عثمانی درخواست کند. بعد از تحویل به مقامات ایرانی، هر سه به دستور محمدعلی میرزا، در خانه و در حضور او سر بریده شدند و اجساد آنان را بعداً در قبرستان ششکلان دفن کردند. روحی دارای تالیفات و ترجمه‌هایی است که از آن جمله ترجمه‌های «هشت بهشت»؛ «حاجی بابا اصفهانی» است. [۱]

(شیخ) احمد کرمانی (و. ۱۲۶۳ - مقت. ۱۳۱۴ ه.ق). از تعلیم یافتگان مکتب سید جمال‌الدین اسدآبادی و از پیشوایان نهضت مشروطه است. وی به همراهی میرزا آقاخان کرمانی با ایادی حکومت مطلقه قاجاریه و استبداد شاهزادگان به مبارزه پرداخت و عاقبت در این راه شهید شد. وی نویسنده و شاعر بود و در شعر روحی تخلص می‌کرد. ترجمه ژیل بلاس از فرانسوی به فارسی به قلم او صورت گرفته و کتاب هشت بهشت از تالیفات اوست و نیز ترجمه حاجی بابا را از انگلیسی به فارسی بدو نسبت دهند. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] از صبا تا نیما (۳۹۵ - ۳۹۴/۱)، دایره‌المعارف فارسی (۶۴/۱)، الذریعه (۳۸۹/۹)، سرآمدان فرهنگ (۲۷۳/۱)، شخصیت‌های نامی (۲۱۷ - ۲۱۶)، شرح حال رجال (۸۴ - ۸۰/۱)، فرهنگ سخنوران (۴۰۰)، لغت نامه (ذیل / روحی)، مؤلفین کتب چاپی (۳۹۷ - ۳۹۵/۱)، یادگار (س ۳، ش ۱۰، ص ۲۱ - ۱۷).

رودباری رانکوهی اشکوری، اسدالله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۳ - ۱۲۷۶ ق)، عالم، فقیه و نویسنده. از اولاد میر بزرگ مدفون در آمل است. جد بزرگ وی ابتدا در رودبار سکنی گزید، سپس به رانکوه و بعد از آن به اشکور رفت. سید اسدالله در قزوین نزد سید علی، صاحب حاشیه بر «قوانین»، تلمذ کرد. وی در ۱۳۰۳ ق به عتبات هجرت کرد و نزد علامه میرزا حبیب‌الله رشتی به تحصیل پرداخت و «تقریرات» بحث استاد را در یازده مجلد نوشت که پنج جلد در «اصول» و شش جلد در «فقه» بود. وی در نجف درگذشت. از دیگر آثارش «کتاب الاوانی من الذهب و الفضة» است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲۸۶/۳)، الذریعه (۴۷۱ - ۴۷۰/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۱۳۸)، معجم المؤلفین (۲۴۱/۲).

رودباری، ابو عبدالله احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۶۷/۳۶۹ ق)، صوفی، محدث و قاری. وی خواهرزاده ابوعلی رودباری است. در رودبار به دنیا آمد و در بغداد نشو و نما یافت. مدتی در بغداد زندگی کرد و سپس به صور منتقل شد و تا پایان عمر در شامات زیست. او از اعظم مشایخ صوفیه و عارفان شام به حساب می‌آید. وی عالم به شریعت و حقیقت بود و معاصر ابو عبدالله باکو و شیخ ابوالقاسم بوسلمه باوردی. وی از دایی خود، ابوعلی رودباری، و بغوی و قاضی محاملی و یوسف بن یعقوب بن اسحاق حدیث روایت کرد ابن باکویه و علی بن عیاض و محمد بن علی صوری از او حدیث شنیدند. او در حومه عکا از دنیا رفت. پیکرش به صور انتقال داده شد و در آنجا دفن گردید. رودباری صاحب کتابی در «آداب فقر» بوده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۳۳۷-۳۳۶/۴)، تاریخ گزیده (۶۵۶)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (۸۶-۸۴)، حلیه الاولیاء (۳۸۴-۳۸۳/۱۰)، ریحانه (۱۸۸/۷)، سیر النبلاء (۲۲۸-۲۲۷/۱۶)، طبقات الصوفیه سلمی (۵۰۰-۴۹۷)، طبقات الصوفیه هروی (۵۵۴-۵۵۳)، کشف المحجوب (۴۱۰)، لغت نامه (ذیل / احمد)، معجم البلدان (۸۸/۳)، نفحات الانس (۲۷۲-۲۷۱).

رودباری، ابوعلی احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۳۲۲ ق)، صوفی، ادیب و فقیه. در رودبار متولد شد. و در بغداد ساکن گردید. او از وزیرزادگان سلاله‌ی کسری بود و نسبش را به انوشیروان می‌رساند. روزی با مریدان جنید بغدادی صحبت کرد و چون کلماتی از او شنید در دل وی محبت اهل طریقت جای گرفت و ترک مال و منال کرد و در سلک مریدان جنید درآمد. از مسعود رملی حدیث روایت کرد. با ابن جلاء و ابوالحسین نوری و ابوحزمه بغدادی صحبت داشت و همنشین بود. فقه را نزد ابوالعباس بن سریج و ادبیات را نزد ثعلب و حدیث را از ابراهیم بن سریج و ادبیات را نزد ثعلب و حدیث را از ابراهیم حربی آموخت. عاقبت به مصر رفت و خود مرجع استفاده علما شد. سرانجام در همان جا در گذشت. بعضی او را جامع سه علم شریعت و طریقت و حقیقت می‌دانند. فرزند خواهرش، احمد بن عطا رودباری، محمد بن عبدالله رازی، احمد بن علی و جیهی و معروف زنجانی از شاگردان وی می‌باشند. وی تصانیفی نیکو در تصوف دارد. اشعاری نیز از وی به جای مانده است. از کلمات او است: «برترین یقین آن است که حق را در چشمان تو عظمت بخشد و هرچه جز اوست کوچک گرداند، و امید و ترس را در دلت تثبیت کند».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۳۳۳-۳۲۹/۱)، تاریخ گزیده (۶۵۱)، تاریخ نظم و نثر (۷۵۳)، تذکره الاولیاء (۲۸۸-۲۸۵/۲)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (۷۳-۷۲)، حلیه الاولیاء (۳۵۷-۳۵۶/۱۰)، ریاض العارفین (۴۰)، سیر النبلاء (۵۳۶-۵۳۵/۱۴)، طبقات الصوفیه سلمی (۳۶۰-۳۵۴)، کشف المحجوب (۱۹۸-۱۹۷)، الکنی و الالقاب (۱۲۵/۱)، لغت نامه (ذیل / ابوعلی)، معجم البلدان (۸۹/۳)، نفحات الانس (۲۰۷-۲۰۵).

رودباری، حسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید حسن رودباری از شاگردان علامه میرزا حبیب‌الله رشتی بوده و در رشت ریاست تامه و مرجعیت عامه داشته تا بعد از ۱۳۲۰ قمری وفات نموده.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رودباری، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مهدی رودباری که در رشت ریاست و مرجعیت دینی و علمی و روحی داشتند و در مسجد (کاسه‌فروشان) اقامه جماعت می‌نمودند و در ۲۸ ماه صفر ۱۳۶۵ فوت نموده و در جنب مسجد مزبور مدفون گردیده‌اند. از آثار ایشانست مدرسه علمی جنب مسجد مذکور.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رودپیما، شهلا

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای اطفال، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۵۴، دکترای تخصصی اطفال از بیمارستان کودکان مفید در سال ۱۳۵۹، فوق تخصص در قلب اطفال از بیمارستان قلب شهید رجائی در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی از سال ۱۳۷۲ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی عفونت‌های شایع در بیماریهای قلبی کودکان، الکتروکاردیوگرافیک در بیماریهای مادرزادی قلبی کودکان، مقایسه تشخیصی بالینی فارنژیت استرپتوکوکی با کشت گلو، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۴ پایان‌نامه دکترای عمومی و تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

نگارش مبحث بیماریهای قلب و عروق در کودکان در کتاب بیماریهای کودکان که توسط جهاد دانشگاهی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در دست چاپ است.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲۴، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

زمینه‌های گوناگون پزشکی و تخصصی اطفال، پیوند قلب در کودکان، مشکلات تشخیص و پیگیری تب روماتیسمی در کودکان، عوارض بیماریهای قلبی در مادران باردار و نوزادان آنها. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رودسرایی، محمدحسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدحسن رودسرایی

محل تولد: سبزوار

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در پانزدهم شهریور سال ۱۳۳۳ شمسی در روستای رودسراب از توابع شهرستان سبزوار در یک خانواده روحانی به دنیا آمدم. در سن هفت سالگی به مکتب خانه روستا رفته و با قرآن آشنا شدم. بعد از آشنایی ابتدایی با قرآن در سال ۴۳ - ۴۲ با راهنمایی مرحوم پدرم که مدرس ادبیات عرب در حوزه علمیه سبزوار بود به آن حوزه وارد شدم. در حوزه علمیه سبزوار ابتدا کتابهای مقدماتی آموزش خواندن و نوشتن و کتاب نصاب الصبیان به منظور آشنایی با لغات عربی در رأس آموزشها قرار گرفت. پس از آن کتاب جامع المقدمات که صرف و نحو ابتدایی است و کتاب سیوطی و مغنی را به عنوان آشنایی با ادبیات عرب از محضر اساتید آن حوزه در مدت تقریباً چهار سال تدریس نمودم. در سال ۱۳۴۸ برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه مشهد مقدس هجرت نموده و در مدرسه آیت الله العظمی میلانی (ره) در ادامه آشنایی با ادبیات عرب به تحصیل معانی بیان، بدیع، کتاب مختصر المعانی تفتازانی و برای آشنایی با فقه و اصول ابتدایی کتاب مختصر النافع و اصول الفقه مظفر و برای آشنایی با عقاید امامیه کتاب اعتقادات صدوق را از محضر اساتید آن مدرسه حجت هاشمی خراسانی، آقای رجائی بیرجندی و آقای نقیبی تربیتی تعلیم گرفتم.

در این دوره که تقریباً سه سال طول کشید هم زمان کارهای فرهنگی تبلیغی را شروع نموده و در ایام تبلیغ به روستاها و شهرستانها اعزام می شدم. در سال ۱۳۵۰ برای ادامه تحصیل به قم هجرت نمودم. در ابتدا در مدرسه مهدیه تحت اشراف آیت الله العظمی مرعشی نجفی ساکن شدم و بقیه دوران را در مدرسه خان تحت اشراف آیت الله العظمی بروجردی سپری نمودم. در این دوره کتابهای سطح عالی فقه و اصول مکاسب و کفایتین، فلسفه و کلام شرح منظومه و اسفار و شرح تجدید در محضر اساتید بزرگواری همچون آیت الله صلواتی، ستوده، تقدیری، سید کاظم حائری، جوادی آملی، محمدی گیلانی، امین نجف آبادی، گذراندم. در

سال ۱۳۵۷ در درس‌های خارج حوزه شرکت نموده و در بین درسها در محضر درس آیت الله وحید خراسانی مستقر شده و تا الان ادامه دارد و تقریرات درس اصول ایشان را تقریباً نوشته‌ام.

روزبه، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۲ - ۱۳۰۰ ش)، استاد، فیزیکدان، ریاضیدان، ادیب، فیلسوف، فقیه و زاهد. در زنجان به دنیا آمد و تحت تعلیمات عالی پدرش و عمویش که هر دو عالم و زاهد بودند قرار گرفت. در دبستان و دبیرستان هم از نظر درس و هم از جنبه فضایل اخلاقی دانش‌آموزی برجسته بود. با پایان گرفتن تحصیلات دبیرستانی به کار تعلیم و تربیت در دبستان توفیق زنجان پرداخت. استعداد عالی و روزش کار بی‌نظیرش در زمینه‌ی تعلیم و تربیت او را در این امر بسیار موفق ساخت. در ۱۳۳۰ ش وارد دانشکده‌ی علوم دانشگاه تهران شد. در تحصیلات عالی هم دانشجویی ممتاز و بی‌رقیب بود. پس از فراغت از تحصیل در رشته‌ی فیزیک تحقیقات خود را در این زمینه‌ی پی‌گیر شد و به عنوان محقق فیزیک شناخته شد. رساله‌ی پایان‌نامه‌ی تحصیلی‌اش در زمینه‌ی «مطالعه در آثار میدان الکتریکی و رادیاسیون و گاز ازن روی موجودات زنده» بود، و در پایان رساله طرح جدیدی برای استفاده از گاز ازن را در پزشکی ارائه داد. با وجود پیشنهادات مکرر برای احراز کرسی تدریس دانشگاه به سمت دانشیاری دکتر هوشیار، و همچنین عضویت در مجامع تحقیقی غرب همراه مزایای کلان مادی، وی پایه‌گذاری دبیرستان علوی و تدریس در آن را ترجیح داد و تمام عمرش را صرف انسان‌سازی کرد و شاگردانی تربیت کرد که به گفته‌ی خودش هر کدام یک مدرسه‌ی علوی بودند. در کنار تحقیقات گسترده در زمینه فیزیک استاد روزبه در مساله تعلیم و تربیت نیز نظری صائب و متقن داشت. تسلط کامل وی بر معارف اسلامی و تفسیر قرآن و فقه و اصول چشمگیر بود. «رسائل» و «مکاسب» را به خوبی می‌دانست. با ادبیات عرب و زبان فرانسه کاملاً آشنا بود. در بعد اخلاق نیز شخصی نمونه و کم‌نظیر بود. پاکی و صفا و زهد بی‌ریای او، حاکی از شاخص بودنش در این زمینه بود. او انسانی بود که همه‌ی مصلحان جهان آرزوی یافتن مثل او را داشتند. استاد روزبه تالیفات و تحقیقات متعددی در زمینه‌ی علوم مثبت و نیز فقه دارد. حتی در آخرین شب حیاتش به تجدید نظر در این تالیفات مشغول بود. او همگی این آثار را در پایان عمر به یکی از شاگردان فاضلش سپرد تا به چاپ برساند. سرانجام به بیماری سرطان از دنیا رفت و در قم در گورستان نو به خاک سپرده شد. از آثار وی: «خداشناسی»، که توسط جامعه مدرسین منتشر شده است؛ «عربی آسان»، که محصول کار اواخر عمر استاد با همکاری استاد شهید سید کاظم موسوی می‌باشد؛ رسائل بسیاری در علوم و فقه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: بیادبود استاد روزبه، کیهان فرهنگی (س ۴، ش ۸، ص ۵۳-۵۲).

روزبانی، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیرضا روزبهانی

محل تولد: بروجرد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۶۷ وارد حوزه علمیه شدم که تا سال ۱۳۷۶ در شهرستان بروجرد و از آن پس در حوزه علمیه قم سپری شد. تخصص این جانب کندو کاو پیرامون ادیان و بالاخص فرقه بهائیت است، که از سالهای تحصیل در بروجرد آغاز شد. تا کنون علاوه بر تدریس دوره های مختلف عمومی و تخصصی مبانی و تاریخ فرقه بهائی تعداد ۲ جلد کتاب و تعدادی مقاله تالیف نموده ام که تماماً درباره موضوع بهائیت بوده است. هم اکنون نیز آماده همکاری با نهاد های پژوهشی در زمینه فرق و خصوصاً فرقه ضاله بهائیت هستم

روزی طلب، محمد حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: چشم پزشکی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

روستا خراسانی، بیژن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: پاتولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی. خلاصه شرح حال تخصصی سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه لوزان سوئیس در سال ۱۳۴۶ و دکترای تخصصی آسیب شناسی از دانشگاه لوزان سوئیس در سال ۱۳۵۱.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۵۶ و دانشیار دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۵۶ تا کنون. زمینه های علمی و تحقیقاتی:

تدریس آسیب شناسی در دانشگاه های شهید بهشتی و علوم پزشکی ایران و استاد راهنما در ۵ پایان نامه دکترای پزشکی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مقدمات میکروبیولوژی و پاتولوژی اختصاصی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

پزشکی، آسیب‌شناسی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

روستایی، محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن روستایی در سال ۱۳۴۲. ش در شهر درود - لرستان به دنیا آمد. وی بیش از ۱۲ سال است که از پژوهشگران و کارشناسان ارشد اسناد تاریخی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران می‌باشد. کتاب "تاریخ طب و طبابت در ایران" تألیف وی، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شده است.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: محسن روستایی بیش از ۱۲ سال است که از پژوهشگران و کارشناسان ارشد اسناد تاریخی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران می‌باشد

جوایز و نشانها: محسن روستایی در سال ۱۳۸۰ از سوی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور به عنوان پژوهشگر نمونه سال برگزیده شد. از دیگر افتخارات ایشان انتخاب کتاب "تاریخ طب و طبابت در ایران" تألیف وی، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال می‌باشد.

چگونگی عرضه آثار: محسن روستایی حدود ۶۰ مقاله تحقیقی و مبتنی بر سند در مجلات معتبر کشور به چاپ رسانده است. آخرین پژوهش‌های ایشان کتاب دوجلدی در تاریخ نخستین فرهنگستان ایران به روایت اسناد است که پس از ده سال تفحص و تحقیق برای چاپ آماده شده است.

آثار:

۱ اسناد مطبوعات ایران (۱۳۲۰ - ۱۳۳۲ ش.)

ویژگی اثر: ۴ جلد

۲ اعتضاد فرهنگ

۳ تاریخ طب و طبابت در ایران

ویژگی اثر: ۲ جلد، تألیف، این کتاب، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: تاریخ طب و طبابت در ایران (از عهد قاجار تا پایان عصر رضا شاه) تاریخ طب و طبابت در ایران (از عهد قاجار تا پایان عصر رضا شاه) به روایت اسناد / محسن روستایی. - تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲. ج ۲. مصور. کتابنامه. مندرجات: ج ۱. قوانین و نظامنامه‌های طبی، گزارشات صحی و بهداشتی، ایجاد مدارس عالی طب و مراکز صحی و درمانی و... ج ۲. شرح حال طبیبان نامدار و ناشناخته ایران. شناخت تاریخ و تحولات هریک از علوم و دانش‌ها، در شناخت هویت آن علوم از یک سو و شناخت هویت فرهنگی و تاریخی ملت‌ها از سوی دیگر نقشی به سزا دارد؛ و از این میان تاریخ طب و طبابت به دلیل گستردگی آن و آثاری که دانش طب در دو حوزه تخصصی و عمومی دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بررسی تحولات طب و طبابت در ایران، نیاز به تحقیقات گسترده و دامنه‌داری دارد که با توجه به شرایط تاریخی خاص هر دوره، می‌بایست پژوهش و نگرش متناسبی را طرح‌ریزی کرد و سپس به ثمر نماند. نویسنده کتاب با مراجعه به حدود ۲۰۰۰ فهرست با انتخاب اسنادی مشتمل بر اعلانات، گزارش‌های صحی و طبی، استشهادنامه‌های محلی راجع به اطبا، تصدیقنامه‌ها و پرونده‌های دیوانی طبیبان و اسناد مدرسه طب دارالفنون... و خلاصه هر سندی که از دیدگاه یک پژوهش اسنادی و تاریخی می‌توانسته است گرهی از تاریخ طب و طبابت را باز کند، طرح جامع تاریخ طب ایران را پی‌ریزی نموده است. نویسنده در جلد اول کتاب کوشیده است خوانندگان را با سیر تحول و روند تاریخی طب و طبابت در ایران (عهد قاجار و پهلوی) آشنا سازد و این مقوله از تاریخ را تبیین و بررسی نماید و با استناد به فصول کتاب، رابطه‌ای منطقی میان اسناد نو یافته، با منابع موجود و قابل اعتنا ایجاد نماید. فصول و اسناد مربوط به قوانین طبابت، اعلانات و گزارشات صحی، انعقاد قرارداد میان دولت ایران با اطبای فرنگی و اسناد مربوط به اوضاع بهداشتی و شیوع بیماری‌های مسری نسبت به سایر بخش‌های کتاب از تنوع و نوآوری بیشتری برخوردار است. جلد دوم کتاب هم منحصراً اختصاص دارد به شرح حال رجال طبیبان عهد قاجار و اوایل عهد پهلوی که به تناسب، نقش علمی و تاریخی که ایفا نموده‌اند، تنظیم و نوشته شده‌اند. این جلد از دو قسمت مجزا تشکیل شده است، بخش اول شامل شرح حال ۱۹۱ نفر از رجال طبیبان و با محوریت سند تألیف و تنظیم شده است. قسمت دوم نیز شامل کتابچه مستندی است از ۲۱۳ نفر از طبیبان عهد قاجار و پهلوی که فهرست‌وار اطلاعات مربوط به آنان در این کتابچه تقدیر شده است

روشن تن، اسماعیل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اسماعیل روشن تن

محل تولد: تبریز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۶۸-۶۹ وارد حوزه علمیه تبریز شدم و بعد از دو سال تحصیل در آنجا، سال ۷۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه حقانی و مدرسه معصومیّه مقدمات را به اتمام رساندم. در سال ۷۷ موفق به اتمام سطح شدم و اتمام سطح هم بخاطر شرکت در آزمون به صورت ارتقایی بود سرانجام در سال ۷۹-۷۸ وارد رشته تخصصی سطح ۴ حوزه شدم و سال ۸۱-۸۲ فارغ التحصیل گشته و هم اینک موضوع رساله سطح ۴ خود را در ردّ آرای یکی از دین پژوهان مهاجر عرب آقای نصر حامد ابوزید در دست طرح و تدوین دارم و انجام می‌دهم لازم به ذکر است که مقالات متعددی را اینجانب تألیف کرده‌ام که بعضی از آنها به چاپ رسیده و برخی به زیور طبع آراسته نشده است و در خلال کارهای علمی دو رساله تصور و تصدیق از صدر المتألهین و قطب شیرازی را ترجمه کرده‌ام که چاپ نشده است و هم چنین رساله بحوث فی التوحید و الشرك حضرت استاد آیت الله سبحانی را به عنوان تحقیق درسی ترجمه نموده ام هم زمان با اشتغال به روش سطح در خارج فقه (بیع) حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی و فقیه مرحوم حضرت آیت الله میرزا جواد آقای تبریزی و اصول حضرت آیت الله سبحانی و حجت الاسلام و المسلمین صادق لاریجانی شرکت کردم و حاصل آن حضور، تقریراتی است که نگاشته شده است و هم اینک علاوه بر کارهای تحقیقاتی و پژوهشی ضمن تدریس دروس حوزه به کارهای فقهی و تحقیقات فروع فقهی با تنی چند از دوستان مشغول هستم با این امید که مرضی رضای حق تعالی قرار بگیرد. انشاءالله

روشن، عبدالکریم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالکریم روشن، مجتهد و فیلسوف و متفکر ایران بود. او شاگردان بسیاری را تربیت کرد. روشن از زمره افراد نادری بود که برای دریافت های ذوقی، استدلال فلسفی قرآنی و روایی می کردند. او بر فلسفه مسلط بود. بدان جهت بحث خود را مستدل بیان می کرد. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی تحصیلات رسمی و حرفه ای: عبدالکریم روشن دوره ابتدایی را در مدرسه دانش در نزدیکی محله آب منگل تهران سپری کرد و بعد به تحصیلات حوزوی روی آورد و ادبیات، فقه و اصول، قواعد الاحکام، علوم عقلی، فلسفه، عرفان را فرا گرفت. او در سن ۲۸ سالگی به درجه اجتهاد نائل آمد. استادان و مربیان: عبدالکریم روشن ادبیات را در محضر حاج شیخ محمد لواسانی فرا گرفت و درس قواعد الاحکام را نزد ذوالمجدین آموخت. در علوم عقلی از شاگردان آقا میرزا مهدی آشتیانی و آقا میرزا طاهر تنکابنی بوده و در فلسفه و عرفان، شاگرد آنها میرزا ابراهیم امامزاده زیدی و آقا میرزا محمد علی شاه آبادی و آقا شیخ محمد تقی آملی بود. اما در آن بین با قم میرزا طاهر تنکابنی ارتباط باطنی بسیاری داشت. او در محضر آیت الله شاه آبادی را نیز شاگردی نموده، و در سن ۲۸ سالگی با کسب فیض از محضر آیت الله مرعشی نجفی، به درجه اجتهاد نایل آمد. زمان و علت فوت: عبدالکریم روشن، صبح روز جمعه سوم مهر ماه ۱۳۷۱ شمسی دارفانی را وداع گفت. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: کار اصلی عبدالکریم روشن، حسابداری بود که در بازار و غیر بازار حسابداری می کرد. فعالتهای آموزشی: عبدالکریم روشن از سال ۱۳۶۰ شمسی با دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران همکاری داشت. وی در زمینه عرفان و فلسفه تدریس می کرد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: بیشترین چیزی که عبدالکریم روشن بر آن تاکید داشتند تفکر، شب زنده داری، عاشق بودن و تعلق به چیزی نداشتن در این عالم بود. او می فرمودند که درخت تقوی زمانی

بار می‌ده که ریشه در عشق الهی داشته باشد و به همین دلیل به مساله عشق خیلی تاکید داشتند. شاگردان: یکی از شاگردان معروف عبد الکریم روشن استاد علی رافعی، مدرس دانشگاه های تهران است. همفکران فرد: یکی از همفکران عبد الکریم روشن، امام (ره) بود بر پا کردند. همفکران دیگر روشن، مهدی حائری یزدی و علامه جعفری بودند که به او ارادت بسیاری داشتند. آرا و گرایشهای خاص: شیوه و سلوک آموزش عبد الکریم روشن به صورت سخنرانی بود. او معتقد بود که قدام اصول و اساس و حقایق مطالب عرفانی را گفته اند و شرط اول شاگردی این است که آن اصول را خوب یاد بگیریم. ایشان دیوان حافظ را حفظ بودند و بعد از هر بحث عمیق قرآنی، غزلی از حافظ را می خواندند. آنچه را که به عنوان ابداعات و ویژگی های عبد الکریم روشن می توان عنوان کرد، تقوای توأم با تفکر و اندیشه در آیات قران و روایات معصومین بود. او می گفت: «مطالبی را که من می گویم، در هیچ کتابی نمی یابید. اصل مطلب آن ارتباطی بود که ایشان بین آیات و روایات برقرار می کردند و بعد، آن حقایقی که از دل این آیات و احادیث بیرون می کشید، این چیزی بود که مختص جناب روشن بود. چگونگی عرضه آثار: عبد الکریم روشن به هیچ وجه اهل تالیف کتاب نبود ولی آثار وی صورت هزار کاست موجود است.

منابع زندگینامه: مقام عشق و عرفان، یادنامه جناب شیخ رجعلی نکوگویان در گفت و گو با استاد علی رافعی، ماهنامه کیهان فرهنگی، سال بیستم، شهریور ۱۳۸۲، پیاپی ۲۰۳

روشن، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد روشن به سال ۱۳۱۲ ش. در رشت زاده شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در رشت به پایان برد و به تحصیل در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران پرداخت. وی دوره فوق لیسانس را در پژوهشکده فرهنگ ایران گذراند. محمد روشن از سال ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۸ به دبیری در دبیرستانهای رشت اشتغال داشت. و از سال ۱۳۵۰ به هیئت علمی پژوهشکده فرهنگ ایران پیوست. از اسفندماه ۱۳۴۸ که به تهران منتقل گردید با بنیاد فرهنگ ایران همکاری کرد که تا انقلاب اسلامی همکاری خود را در بخش «فرهنگ تاریخی زبان فارسی» این موسسه ادامه داد. وی به سال ۱۳۵۰ از وزارت آموزش و پرورش به فرهنگستان ادب و هنر منتقل گشت. و از آن پس در بیشتر فعالیتهای فرهنگی داخلی و خارجی اعم از کنگره ها، سمینارها، بزرگداشت ها و... حضور داشته است. کتاب "جامع التواریخ" تصحیح محمد روشن، در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای: محمد روشن تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در رشت به پایان برد و بر اثر تشویقهای استاد پورداود به تحصیل در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران پرداخت. وی دوره فوق لیسانس را در پژوهشکده فرهنگ ایران گذراند. استادان و مربیان: محمد روشن از محضر استادانی همچون استاد پورداود و دکتر محمد معین استفاده برد.

هم دوره ای ها و همکاران: محمد روشن با سید محمد تقی مدرس رضوی از روزگار دانشجویی همکاری داشت. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: همکاری محمد روشن پس از انتقال به تهران از اسفند ۱۳۴۸ آغاز گردید و این همکاری با بنیاد فرهنگ ایران همکاری آغاز کرد که تا انقلاب اسلامی در آن موسسه، در بخش «فرهنگ تاریخی زبان فارسی» ادامه داشت. وی

به سال ۱۳۵۰ از وزارت آموزش و پرورش به فرهنگستان ادب و هنر منتقل گشت. از سال ۱۳۵۰ به پیشنهاد استاد شادروان مجتبی مینوی در شمار ۵ تن پژوهشگران نخستین بنیاد شاهنامه فردوسی: آقایان دکتر زریاب خوبی، دکتر شفیعی کدکنی و دکتر علی رواقی برگزیده شد. محمد روشن از نخستین دوره کنگره تحقیقات ایرانی که از سوی دانشگاه تهران به سال ۱۳۴۹ بر پا گردید تا هشتمین دوره آن که هریک از سوی دانشگاه‌های فردوسی مشهد، تبریز، اصفهان، شیراز و ملی سابق (دکتر بهشتی) و بنیاد فرهنگ ایران و فرهنگستان ادب و هنر در کرمان عضویت موثر داشت چنان که ۵ دفتر از خطابه‌های کنگره‌های بنیاد فرهنگ ایران و فرهنگستان ادب و هنر با نظارت و ویراستاری وی منتشر گردید. وی همچنین در کنگره جهانی هزارمین سال تدوین شاهنامه فردوسی که از سوی یونسکو در دانشگاه تهران به سال ۱۳۶۹ بر پا گردید عضویت داشت و برای نخستین بار خدشه دار بودن نسخه خطی شاهنامه فلورانس را که تاریخ مجعول ۶۱۴ دارد و خود توفیق بررسی عین نسخه را در کتابخانه ملی فلورانس یافته بود اعلام داشت. محمد روشن در کنگره جهانی بزرگداشت نهمین سده نظامی در دانشگاه تبریز (تیر ماه ۱۳۷۰) و نیز کنگره خواجه کرمانی در دانشگاه کرمان (مهرماه ۱۳۷۰) عضویت داشت. وی در کنگره بزرگداشت استاد دکتر معین که از سوی دانشگاه گیلان در اردیبهشت ۱۳۷۰ برگزار گردید، عضو هیئت اجرائی کنگره را بود و نیز در کنگره گیلان‌شناسی دانشگاه گیلان، در شهریور ۱۳۷۲ مشارکت داشت.

فعالیت‌های آموزشی: محمد روشن از سال ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۸ به دبیری در دبیرستان‌های رشت اشتغال داشت. و از سال ۱۳۵۰ به هیئت علمی پژوهشکده فرهنگ ایران پیوست و در دوره‌های فوق لیسانس و دکترای زبان و ادبیات فارسی و دوره فوق لیسانس رشته تاریخ و زبان‌شناسی تدریس کرد.

سایر فعالیت‌ها و برنامه‌های روزمره: محمد روشن در گردآوری مقالات استاد پورداود افتخار همکاری با وی را داشت و در همان اوان فهرست‌های دوازده گانه چهار مقاله نظامی عروضی مصحح دکتر محمد معین و «ایران از آغاز تا اسلامی» ترجمه آن روانشاد را فراهم ساخت. در تمهید مقالات «فرهنگ معین» از همکاران نخستین آن بزرگوار بود. پس از «داستان رستم و سهراب» مصحح استاد مینوی، «داستان فرود» مصحح روشن در بنیاد شاهنامه به مناسبت جشنواره طوس در ۱۳۵۴ منتشر گردید. محمد روشن پس از انتقال به تهران با مجلات ادبی و تحقیقی پیوندی نزدیکتر یافت، چنان که سر دبیری سال ۱۳ مجله «راهنمای کتاب» با وی بود و نیز ستون نقد و بررسی کتابها و مجله‌های دانشگاهی در مجله سخن را نیز بر عهده داشت.

جوایز و نشانها: کتاب "جامع التواریخ" تصحیح، محمد روشن، در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار: نخستین اثر آقای محمد روشن با عنوان تصحیح «تفسیر سور؟ یوسف» در سال ۱۳۴۵ منتشر شد. تصحیح «منشآت خاقانی»، «لمعة السراج»، «محاضرة التاج»، «مرزبان نامه»، «جنگنامه حضرت سید جلال الدین اشرف» و «بخشی از تفسیری کهن» را در سالهای بعد به طبع رساند. تصحیح بخش نخستین «تاریخنام؟ طبری» و همچنین «شاهنامه؟ فردوسی» با شرح واژگان از آخرین آثار آقای روشن است.

آثار:

۱ بخشی از تفسیری کهن

ویژگی اثر: تصحیح

۲ تاریخنام؟ طبری

ویژگی اثر: تصحیح

۳ تفسیر سوره یوسف

ویژگی اثر: این کتاب به تشویق دکتر محمد معین تالیف شد و به سال ۱۳۴۵ از سوی بنگاه ترجمه و نشر کتاب منتشر گردید. این اثر در چاپ سوم بر مبنای متن کتاب «قصه یوسف» نام گرفت که به سال ۱۳۶۷ از سوی شرکت انتشارات علمی و فرهنگی منتشر گردید. [کتاب گیلان، گروه پژوهشگران، به سرپرستی سید ابراهیم اصلاح عربانی، ص ۷۰۵]

۴ جامع التواریخ

ویژگی اثر: تصحیح، این کتاب در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «جامع التواریخ»: جامع التواریخ (۴ جلد)؛ رشیدالدین فضل الله همدانی؛ تصحیح و تحشیه محمد روشن، مصطفی موسوی، تهران: نشر البرز، ۱۳۷۳. یکی از آثار گرانبها و ارجمند زبان فارسی در زمینه تاریخ که خوشبختانه از چنگال حوادث روزگار مصون مانده و به دست ما رسیده جامع التواریخ است. بخش بزرگی از این کار سترگ، بی مانند و بخشهای دیگری از آن نادر و کم نظیر به شمار می آید. مانند قسمتهایی از جلد اول که مؤلف به شرح وقایعی که خود در دوران اقامت در دربار مغولان شاهد آن بوده پرداخته. همچنین بخشهای مهمی از جلد دوم مانند تاریخ اغوزان، چین، هند و بودا، فرنگ و پایان، اسماعیلیان و نزاریان که در جای خود از نظر شیو؟ تاریخ نگاری در جهان اسلام بدیع و بی نظیر است. مجلد اول و دوم کتاب به اصل متن جامع التواریخ و تمامی مجلد سوم به انعکاس نسخه بدلها اختصاص یافته است. فهرست آیه های قرآن، عبارتها و اشعار عربی و فارسی، واژه ها و ترکیبات و نام کسان و مکانها نیز در مجلد چهارم منعکس شده است. از ویژگیهای این کتاب این است که مصححان، با اعراب گذاری روی نامها و واژه های ترکی، مغولی، عربی و فارسی تاریکیها و ابهامات را برای خوانندگان کتاب از میان برده اند. همچنین آرائی؟ تصاویری از نسخه های قدیمی «جامع التواریخ رشیدی» و نیز وجوه مختلف زندگی اجتماعی و هنری مغولان، بر اعتبار و گیرایی کتاب افزوده است

۵ جنگنامه حضرت سید جلال الدین اشرف

ویژگی اثر: تصحیح

۶ حدیقه الحقیقه سنائی

۷ دیوان سید حسن غزنوی

۸ شاهنام؟ فردوسی

ویژگی اثر: تصحیح

۹ شجره طیبه

۱۰ مثنویهای حکیم سنائی

۱۱ محضره التاج

ویژگی اثر: تصحیح

۱۲ مرزبان نامه

ویژگی اثر: تصحیح

۱۳ معه السراج

ویژگی اثر: تصحیح

۱۴ منشات خاقانی

منابع:

www.ketabesal.ir کتاب گیلان، گروه پژوهشگران، به سرپرستی سید ابراهیم اصلاح عربانی، ص ۷۰۴

روضاتی، جلال‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیه‌الله آقا میرزا جلال‌الدین روضاتی بن آیه‌الله العظمی آقا میرزا مسیح روضاتی در ۲۱ ماه صفر ۱۲۸۳ در اصفهان متولد شده و در فقه و اصول بدرجه عالیه اجتهاد رسیده و از مشایخ خود اجازه اجتهاد داشت و تمام عمر خود را بمطالعه و تألیف و اقامه جماعت و نشر احکام صرف کرد و کتابخانه بسیار نفیسی داشت که همیشه در گوشه آن مشغول تألیف بود و در خدمت مرحوم حاج میرزا بدیع و جد خود صاحب روضات و عموی خود صاحب مبانی الاصول تلمذ نموده و از جدش صاحب روضات و عمو و پدرش خود اجازه داشت و در مدت حیاتش در مسجد خیابان اقامه جماعت نموده و نشر احکام میفرمود. از آثار و تألیفات ایشانست کتاب بزرگ (مکائد الشیطان) و نیز شش جلد بزرگ که هر جلدی بیش از پانصد صفحه است در جنگ متفرقات. در ۱۶ ماه رمضان ۱۳۶۰ قمری وفات نموده و در مقبره جدش مدفون گردیده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

روضاتی، محمد هاشم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در ۱۵ محرم ۱۳۱۹ متولد، و در ۲۷ جمادی الاولی سال ۱۳۵۶ در شطّ کوفه غرق شده، و در نزد عمّ بزرگوار خود در وادی السلام مدفون گردید.

عالم و فاضل و محقق بوده، امید ترقیات زیاد درباره او می‌رفته، لکن اجل مهلتش نداده کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- حاشیه فرائد الاصول ۲- حاشیه بر مکاسب ۳- حاشیه بر مغنی ۴- حاشیه بر کشف المراد در شرح تجرید الاعتقاد، که قسمتی از آن در اصفهان به طبع رسیده ۵- اجزای متفرقه‌ای در اخلاق، تاریخ، تفسیر و مواعظ. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

روضاتی، مسیح

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیه‌الله العظمی آقا میرزا مسیح ابن‌العلامة صاحب روضات در ۲۷ شوال ۱۲۵۵ قمری در اصفهان متولد شده و تحصیلات خود را نزد حاج ملا حسین علی تویسرکانی و حاج شیخ محمد باقر بن حاج شیخ محمد تقی صاحب حاشیه معالم و مرحوم والدش و عم گرامش بپایان رسانیده تا از مجتهدین بزرگ و بنام اصفهان گردیده و از والد و برادرش اجازه اجتهاد داشت و در اصفهان ملجاء عوام و خواص و پناهگاه مردم و مورد وثوق همگان بود تا در نهم ذی‌الحجه ۱۳۲۵ قمری در اصفهان وفات نموده و در مقبره والدش مدفون گردیده و شعراء در رثاء او قصائدی سروده‌اند از جمله طرب گوید:

طرب ز شور پی سال رحلتش گفتا
(در آسمان چهارم مسیح یافت مکان)
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

روغنی قزوینی، ام‌کلثوم

قرن: ۱۳

جنسیت: زن

ملیت: ایران

حدود ۱۳۲۰ - ۱۲۴۳ ق، از زنان مجتهد، محدث و نیکوکار. وی دختر شیخ کریم روغنی از فضلا و مدرسین قزوین بود. او علوم اسلامی را از علمای مدرس قسمت زنانه مدرسه صالحیه قزوین فراگرفت و سپس در درس فقه و اصول شیخ محمد صالح برغانی (۱۲۷۵ / ۱۲۷۰ ق) و شهید ثالث، شیخ محمد تقی برغانی (۱۲۶۴ ق) و پدرش حضور یافت. وی به همراه خانواده‌اش به کربلا و نجف مهاجرت کرد و در درس علمای بزرگ این شهر حاضر شد. در جوانی با شیخ ابراهیم زنجانی ازدواج کرد و دارای چهار فرزند شد که همگی آنها از علما و فضلاء عصر خود بودند.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منابع: اعیان‌الشیعه (مستدرکات)، ۴۳ / ۳؛ تاریخ زنجان، ۳۵۸؛ دایرة‌المعارف تشیع، ۵۰۸ / ۲.

روملو، حسن

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۹۸۵ - ۹۳۷ ق)، مورخ. از رجال معروف قزلباش در عهد شاه طهماسب و از مورخان مشهور عهد صفوی بود. وی در قم در میان قبیله‌ی روملو از قزلباشهای صفوی متولد شد. در جوانی به کسب کمالات در نزد مالک دیلمی قزوینی خطاط و مولانا جمال‌الدین محمود شیرازی پرداخت. علاوه بر این حسن بیگ از افسران سپاه طهماسبی بود و با درجه‌ی سلطانی، سمت قورچی‌گری داشت و به سبب مقام و مرتبه‌ای که داشت از او به عنوان «بیگ» یاد می‌شود. اسکند بیگ ترکمان چند بار از وی با عنوان «مورخ» یاد کرده است و گویا در سال ۹۴۸ ق در جنگ دزفول به این دلیل همراه شاه طهماسب بود که وقایع را ثبت کند. وی مولف کتاب باارزش «احسن التواریخ» در دو قسمت است که قسمت اول آن با رویدادهای سال ۸۰۷ ق آغاز سلطنت شاهرخ شروع شده و قسمت دوم که هم‌اکنون چاپ نشده است به حوادث سال ۹۸۵، سال جلوس شاه سلطان محمد خدابنده پایان می‌پذیرد، وی این کتاب را به نام شاه اسماعیل، پسر شاه طهماسب نوشته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
 منابع زندگینامه: احسن التواریخ (مقدمه/ ۲۷- ۱۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۷۵- ۱۶۶۹/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۸۰۲، ۳۵۵)،
 الذریعه (۲۸۷/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۶۲- ۵۶۱/ ۲).

روایانی طبرستانی، علی

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، مورخ و جغرافیدان. از جمله آثار وی «تاریخ طبرستان» است که یکی از منابع اصلی مرعشی در تالیف «تاریخ طبرستان و رویان» بوده.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۶۲/۳)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۸۸۴/۲)، کشف الظنون (۲۹۷).

روایانی طبری، فخرالاسلام، ابوالمحاسن عبدالواحد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۱۵- شهادت ۵۰۲ ق)، قاضی و فقیه. اصل وی از رویان مازندران است. از عبدالغافر بن محمد فارسی حدیث شنید و از محمد بن بیان کازرونی فقه آموخت. زاهر بن طاهر شحامی یکی از شاگردان او بود روایانی یکی از مشایخ سید ضیاءالدین فضل‌الله راوندی و قطب راوندی است. وی از نظر اخلاقی و مذهبی از بزرگان عصر خود به شمار می‌رفت، موجه بود و حرمت بسیار داشت و نظام‌الملک وزیر او را به خاطر فضلش بسیار احترام می‌کرد. او سفری به بخارا داشت و در این سفر از غزنه و نیشابور نیز دیدار کرد و با فضلا ملاقات نمود و در مجلس درس ناصر مروزی حاضر گشت. او در آمل مدرسه‌ای ساخت و در آنجا حدیث گفت، سپس به ری آمده و به تدریس پرداخت. سفری نیز به اصفهان داشت و در جامع اصفهان حدیث گفت. سرانجام در روز جمعه یازدهم محرم در جامع آمل پس از املاء حدیث، چون به الحاد اسماعیلیه (باطنیه) فتوا داده بود به دست آنها به شهادت رسید. از آثار وی: «بحر المذهب»، در فروع که از کتب مفصل شافعی‌ها است؛ «مناصیح الامام الشافعی» یا «نصوص الشافعی»؛ «الکافی»، در فروع؛ «حلیه المومن»؛ «التهذیب فی غریب الحدیث»؛ «الفروق»؛ «التحییر»؛ «العوالی»، در حدیث؛ «المبتدا»؛ «حقیقه القولین»؛ «الجعفریات»؛ «تکمله السعادات فی تکمله العبادات المسنونات»، به فارسی؛ «جمع الجوامع»؛ «التخلیص». وی در اصول و خلاف نیز تصنیفات دارد. در «ریاض العلماء» وی را شیعه مذهب دانسته که به تقیه روزگار می‌گذرانیده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۲۴/۴)، ایضاح المکنون (۱۳۰/۲)، خاتمه مستدرک الوسائل (۱۰۹/۳، ۱۷۷- ۱۷۵/ ۱)، ریاض العلماء (۲۷۹- ۲۷۶/ ۳)، ریحانه (۳۴۵- ۳۴۴/ ۲)، شهیدان راه فضیلت (۷۷- ۷۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۸/۶)، کشف الظنون (۱۹۵۷، ۱۵۷۹، ۱۴۵۶، ۱۳۷۸- ۱۳۷۹، ۱۱۷۸، ۶۹۱، ۶۷۴، ۵۱۸، ۳۵۵، ۲۲۶)، الکنی و الالقاب (۱۵۲/۱)، لغت نامه (ذیل / عبدالواحد)، وفيات الاعیان (۱۹۹- ۱۹۸/ ۳)، معجم البلدان (۱۱۸/۳)، معجم المؤلفین (۲۰۷- ۲۰۶/ ۶)، هدیه العارفین (۶۳۴/۱).

روایانی کجوری بخاری، جلال‌الدین، ابوالفتح نصرالله

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۸۳۳-۷۶۶ ق)، صوفی و لغوی شافعی. در کجور رویان به دنیا آمد. به قاهره رفت و با امرا و بزرگان همنشینی کرد. کتبه‌های نفیس فراوانی جمع‌آوری کرد. وی در روزگار خود به نام و شهرتی رسید. در قاهره درگذشت و در خانه‌اش دفن شد. از آثارش: «اعلام الشهود بحقایق الوجود»، در تصوف؛ «غنیه الطالب فیما اشتمل علیه الوهم من المطالب».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۵۳/۸)، معجم المؤلفین (۹۶/۱۳)، هدیه العارفین (۴۹۳/۲).

روایانی، ابوبکر محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۰۷ ق)، حافظ، محدث، مسند و فقیه. از ابی‌ربیع زهرانی و اسحاق بن شاهین و محمد بن حمید رازی و ابوزرعه رازی و ابن‌واره رازی و ابوکریب محمد بن علاء و عمرو بن علی فلاس و عده‌ای دیگر حدیث روایت کرد. ابوبکر اسماعیلی و ابراهیم بن احمد قرمیسینی (کرمانشاهی) و جعفر بن عبدالله بن فناکی و عده‌ای دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. وی تصانیفی در فقه است. از دیگر آثارش «السمند»، در حدیث است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۴۸۲/۲)، سیر النبلاء (۵۱۰-۵۰۷/۱۴)، کشف الظنون (۱۶۸۳)، معجم المؤلفین (۸۵/۱۲)، الوافی بالوفیات (۱۴۸/۵)، هدیه العارفین (۲۵/۲).

روایانی، ابونصر شریح

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۰۵ ق)، قاضی، فقیه و اصولی شافعی. وی سمت قضای آمل را بر عهده داشت. از آثارش «روضه الحکام و زینه الاحکام» است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۵۹۲/۱)، کشف الظنون (۹۲۳)، معجم المؤلفین (۲۹۸/۴)، هدیه العارفین (۴۱۶/۱).

رهبان اصفهانی، محمدعلی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، طبیب و شاعر. از اهالی اصفهان بود. در خدمت برادر خود، محمد نصیرالدین، طبابت را آموخت. گاهی شعر نیز می‌سرود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی روز روشن (۳۲۱)، الذریعه (۳۹۴/۹)، سفینه‌المحمود (۴۷۴/۲)، فرهنگ سخنوران (۳۹۶).

رهبانی‌نوبر، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۳، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیوشیمی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای داروسازی از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۶، کارشناسی ارشد بیوشیمی کلینیکی از دانشگاه نیوکاسل انگلستان در سال

۱۳۵۴، و دکترای بیوشیمی کلینیکی از دانشگاه نیوکاسل انگلستان در سال ۱۳۵۷.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رهبر اسلامی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی رهبر اسلامی

محل تولد: زرین شهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۳/۸

زندگینامه علمی

در سال ۵۳ دبیرستان را رها کرده و برای تحقیق علوم اسلامی وارد حوزه علمیه قم (رسالت) شدم. تا سال ۵۶ و تا درس لمعه و حلقات شهید صدر پیش آمدم اما پیروزی انقلاب اسلامی کار را متوقف کرد. بعد از فعالیت‌های سیاسی در اصفهان وارد سپاه پاسداران (مسئول آموزش) و تا ۱۳۶۲ مشغول تحقیق و تدوین و تدریس و امور اجرایی شدم.

تدریس در آموزش و پرورش و حوزه علمیه زرین شهر را از سال ۱۳۶۰ آغاز کردم.

در سال ۱۳۶۲ به عشق دروس حوزه با قم مرتبط شدم و تا سال ۱۳۷۳ با دفاع از پایان‌نامه با عنوان «الفاظ عموم» سطح ۳ حوزه را اخذ کردم و در سال ۱۳۷۸ با آزمون دانشگاهی مدرک اخذ نمودم. سال ۱۳۶۹ به قم بازگشته ولی به علت کسالت به زرین شهر بازگشتم. تدریس دوباره در حوزه و شروع به تدریس در دانشگاه‌ها را از سال ۷۰ آغاز کرده و از همان سال کارشناسی برنامه کلام نور قرآنی صدا و سیمای مرکز اصفهان را جرقه زدم.

در سال ۱۳۷۲ تدریس در دانشگاه صنعتی اصفهان را شروع و در حال حاضر مدیر گروه و عضو رسمی مقطعی هیئت علمی این دانشگاه هستم.

سخنرانی‌های تبلیغی، علمی، کلاسی و کارشناسی در دانشگاه‌های سراسر کشور و رسانه ملی ادامه دارد. مقالات حقیر به ۵۰ مورد و کتاب‌های به ۵ و مصاحبه‌ها به ۱۰ مورد می‌رسد. در حال حاضر در سن ۵۰ سالگی هستم و دارای ۳ فرزند و یک نوه می‌باشم.

رهبر، منوچهر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی جراحی عمومی از دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران و فوق تخصص جراحی قلب و عروق از دانشگاه پزشکی علوم پزشکی تهران.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

جراحی‌های قلب، بیماریهای ریه.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: -

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای ریه و برنش و قفسه سینه، بیماریها و جراحی‌های قلب.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رهبر، نصرالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار رشته: رادیولوژی، دانشکده: پزشکی دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رهبری، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن رهبری

محل تولد: تبریز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسن رهبری فرزند بزرگ خانواده فقیر و بی سواد امّیا متدین و متشرع از تبریز بودم. مرحوم پدرم حسین از سواد فقط خواندن قرآن را میدانست و از اعداد تا سه رقمی ها را اما در عین حال به علّت رفت و آمد با اهل علم و علاقه مندی به حضور در مساجد و محافل مذهبی و پای منابر، به قدری با مسائل فقهی و شرعی آشنائی داشت که محل رجوع اهالی محل بود.

شش ساله بودم که قرآن را با همان سبک و سیاق و حجی کردن قدیمی، در مدّت یک سال تمام به من آموخت و چه نیکو آموخت. به ۷ سالگی که رسیدم مسئله ثبت نام من در کلاس اول ابتدائی مطرح شد، پدرم از رفتن من به مدارس دولتی سخت پرهیز داشت که مبادا با فرهنگ غربی رژیم شاهنشاهی تربیت شوم و به دنبال محیط آموزشی غیر دولتی و با مدیریت اسلامی برایم بود. مدرسه ای با این خصوصیات پیدا شد اما عدم توانائی پدرم از پرداخت شهریه ۲۰۰ ریال آن، قضا را تغییر داد. درس نخواندنم بر درس خواندنم ترجیح داده شد تا مقداری بزرگ شده و در حرفه ای مشغول به کار شوم اما با اصرار همسایگان، پدرم به شرطی با ورود من به مدرسه دولتی موافقت کرد که یکی از علمای بزرگ تبریز جواز آن را صادر کند. به یاد دارم که مرحوم آیت الله حاج میرزا علی اصغر چایچی اجازه دادند تا کلاس ششم ابتدائی تحصیل نمایم.

دوره ابتدائی را تمام کردم اما باز در ادامه تحصیل با مشکل شرعی مواجه شدم گریه و زاری ام برای ادامه تحصیل بی فایده بود مگر اینکه به فکرم رسید در خانه تحصن نموده و از رفتن به کارگاه خیاطی که تابستانها می رفتم خودداری کنم. کتک کاری های پدر را تحمل کرده و بست نشینی را چند روز ادامه دادم. مغازه خیاطی پدرم محل اطراق و رفت و آمد روحانیون محل بود او موضوع را با یکی از آنها در میان می گذارد و برای نصیحت من از او کمک می خواهد، او می گوید: آقا شیخ حسین! من خودم دیپلم مدارس دولتی هستم آیا بی دین شده ام؟ مگر کارگران همه با دین هستند و درس خوانان همه بی دین؟ و ... این سخنان پدرم را آگاهی بخشیده و نرم کرده بود تا اینکه قرق شکست و من وارد دبیرستان شدم. در دوره دبیرستان با تشویق یکی از مداحان اهل بیت (ع) که شعر هم می سرود ابتدا به شعر گفتن و سپس برای خوب شعر گفتن به مطالعات خارج از کتب درسی کشیده شدم.

مقاتل را می خواندم و به نظم می کشیدم اما چون استعداد شعر را در خود کمتر دیدم آن را رها نموده و مطالعه را سرعت بخشیدم. تدریس قرآنم در یک هیئت عزاداری جوانان، ناگزیر از یادگیری دروس حوزوی ام کرد. در کنار دروس حوزوی به صورت متفرقه حضور در دوره های تفسیر قرآن و نهج البلاغه و فقه را نیز شروع کردم. در سال ۱۳۶۲ در رشته زبان و ادبیات فارسی وارد دانشگاه تبریز شدم. زمینه های قبلی و تحقیقات دانشگاهی، قلم به دستم کرد و زمینه های مذهبی، قلم و درس و تحقیق را به سوی مسائل دینی سوق داد. تا جایی که از اساتیدی که در دسترسم بود استفاده کردم و آنجا هم که استاد نیافتم متوسل به تکنولوژی روز شدم. نوار اساتید، (سی دی) دروس فقه و اصول، برنامه های درسی رادیو قرآن، اینترنت و کتابها، استادی مرا عهده دار شدند. از سال ۱۳۷۹ دوره کارشناسی ارشد را در رشته مدیریت دولتی ادامه دادم. تا به حال دو جلد کتاب و ۳۰ مقاله تحقیقی نوشته ام که ۱۸ مقاله چاپ گردیده و بقیه در نوبت چاپ مجلات تخصصی بوده و یا برای مجموعه مقالاتم آماده می شوند.

اکنون ۳ جلد کتاب «مقالات قرآنی»، «مقالات فقهی» و «علم امام» را آماده چاپ دارم که در صورت مساعدت شرایط، اقدام خواهم کرد انشاءالله. در مقالاتم همواره دنبال مسائل جدید و کار نشده بوده ام تا مشکلی از مشکلات فقهی و قرآنی را طرح و راه کاری برای آن ارائه نموده باشم. تلاش کردم که دنبال مسائل تکراری و حل شده نباشم و تا جایی که تحقیق اجازه می دهد تک صدایی در موضوعی را بشکنم و زمان و مکان را دو عنصر تعیین کننده در اجتهاد معرفی کنم. تعدادی از مقالاتم را به کنگره های ملی و همایشهای بین المللی ارائه کردم که خوشبختانه مورد پذیرش و ارائه واقع شده و در مجموعه مقالات آن کنگره ها به چاپ رسیده است که در فهرست مقالات بدان اشاره کرده ام. فکر می کنم که زندگی علمی من یک پیام خاص خود دارد و آن اینکه کارایی و تولید فکر و اندیشه دینی در خارج از متن رسمی حوزه هم امکان تحقق دارد.

رهنما، توج

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات آلمانی، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکتر در رشته ادبیات آلمانی، علوم تربیتی و ادبیات مقایسه‌ای از دانشگاه مونیخ آلمان و تدریس در دانشگاه زالتسبورگ اتریش به مدت دو سال بعنوان استادیار.

مرتبه علمی:

استاد رشته زبان و ادبیات آلمانی در دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان و ادبیات آلمانی، عضویت در انجمن بین‌المللی اشتفان تسوایگ در وین، استاد راهنمای ۱۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۸

زمینه علمی تألیفات:

ادبیات آلمانی و فارسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۵

زمینه علمی مقالات:

ادبیات آلمانی و فارسی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رهنما، زین‌العابدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۲۷۲، نجف.

درگذشت: ۱۲ تیر ۱۳۶۸، تهران.

زین‌العابدین رهنما، فرزند شیخ‌العراقین مازندرانی، در رشته‌های علوم ادبی، فلسفی و اصول فقه اسلامی تحصیل نمود. خدمت مطبوعاتی خود را قبل از سال ۱۲۹۹ آغاز کرد و در این مدت مدیر و سردبیر روزنامه‌ی «ایران»، مجله‌ی «راهنما»، و روزنامه‌ی «راهنما» بود. چندین دوره به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. در دوره‌ی رضا شاه مدتی خانه نشین و بعداً به خارج از کشور تبعید گردید. پس از حوادث شهریور ۱۳۲۰ به ایران بازگشت. در تهران می‌زیست، تا به سفارت ایران در فرانسه و سپس به سفارت سوریه در لبنان انتخاب گردید. وی همچنین مدتی وزیر کشور و مدتی نیز معاون نخست وزیر بود. به فرانسوی و انگلیسی و عربی و ترکی آشنا بود و به دریافت نشان درجه اول «همایون» نایل آمد. به آمریکا و کشورهای اروپایی و آفریقایی و آسیایی سفر کرد و از تألیفات وی می‌توان از کتاب‌های پیامبر (داستان تاریخی - مذهبی، ۱۳۱۶، خلاصه‌ای از این کتاب به زبان فرانسوی ترجمه شده است)؛ امام حسین؛ داستان اجتماعی ژاله؛ ترجمه و تفسیر قرآن (چهار جلد)؛ ترجمه‌ی حقوق در اسلام (تألیف دکتر مجید خدوری) و ترجمه‌ی قانون در خاورمیانه نام برد.

(۱۲۷۳ ق - ۱۳۶۸ ش)، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. وی در نجف به دنیا آمد و پس از تحصیل در رشته‌های علوم ادبی، فلسفه و اصول فقه اسلامی به تهران آمد و به فعالیت‌های ادبی و سیاسی پرداخت. در ۱۳۰۲ ش مدیریت روزنامه «ایران» را عهده‌دار شد. این روزنامه که به صورت روزانه چاپ می‌شد، سالها روزنامه‌ی درجه اول کشور به حساب می‌آمد. زمانی که رهنما به خارج از ایران تبعید شد، امتیاز روزنامه‌ی «ایران» به دیگری منتقل گردید، اما پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ ش که رهنما به ایران بازگشت، مجدداً اداره‌ی روزنامه را خود بر عهده گرفت. او به زبانهای عربی و فرانسوی تسلط کامل داشت. از وی تألیفات و ترجمه‌ای چند بر جای مانده است از جمله: «پیامبر، زندگانی حضرت رسول اکرم»؛ «امام حسین»؛ «ترجمه و تفسیر قرآن»؛ «قانون در خاورمیانه»؛ «ژاله، رمان اجتماعی»؛ «حقوق در اسلام».[۱]

روزنامه‌نگار، مورخ و محقق، سیاستمدار، فرزند شیخ علی شیخ‌العراقین و داماد شیخ عبدالله از بزرگان و روساء و اقطاب سلسله‌ی معروف صوفیه، در ۱۲۶۸ ش تولد یافت. قسمتی از تحصیلات خود را در تهران و قسمتی را در عراق در تاریخ، فقه، اصول و حکمت و ادبیات فارسی و عربی به پایان برد. پس از ورود به ایران، کار روزنامه‌نگاری را پیشه خود ساخت. چندی با مطبوعات

مختلف همکاری داشت، سرانجام در سال ۱۲۹۹ ش مدیریت روزنامه‌ی نیمه‌رسمی ایران به او سپرده شد. روزنامه‌ی ایران به طور یومیه انتشار می‌یافت و از لحاظ کیفیت چاپ و کاغذ، ممتاز بود. پس از مدتی کوتاه، نفوذ روزنامه‌ی ایران در تمام محافل هویدا شد و تحقیقا روزنامه‌ی رسمی ایران بود. سرمقاله‌های روزنامه در خطمشی سیاسی دولت اثر داشت. رهنما تدریجا خود را منتسب به سردار سپه که قدرتی در کشور شده بود، نمود و روزنامه‌ی خود را در جهت منویات او تنظیم نمود.

در سال ۱۳۰۲ به زور سرنیزه سردار سپه در دوره‌ی پنجم از تبریز به وکالت مجلس انتخاب شد و به خلع سلسله‌ی قاجاریه رای داد. در مجلس موسسان هم عضویت یافت. در ۱۳۰۶ از طرف مخبرالسلطنه هدایت که وزیر فوائد عامه بود، به معاونت آن وازرتخانه برگزیده شد. چند ماهی در آن سمت انجام وظیفه کرد، بعد از آنکه مخبرالسلطنه به رئیس‌الوزرائی رسید، رهنما به معاونت رئیس‌الوزراء منصوب شد. دو سال در آن سمت بود که در دوره‌ی هشتم، از شهر ری به وکالت مجلس انتخاب گردید. در دوره‌ی نهم همچنان سمت نمایندگی داشت و روزنامه‌ی ایران نیز به صورت یومیه انتشار می‌یافت. در ۱۳۱۴ بعضی از مطالب روزنامه‌ی ایران مورد پسند رضاشاه واقع نشد. سرلشکر آیرم هم مرتبا گزارش‌های نامساعدی از رهنما و روزنامه‌اش به شاه می‌داد. سرانجام رهنما مورد غضب واقع شد. از او سلب مصونیت کردند و او را به زندان قصر بردند و امتیاز روزنامه‌ی ایران را لغو کردند و کلیه‌ی دارائی و اثاثیه و مطبعه را به مجید موقر واگذار نمودند و امتیاز روزنامه‌ی ایران نیز به نام او صادر شد. رهنما چند ماهی در زندان بود تا بالاخره موی سفید و روی سیاه مخبرالسلطنه موثر افتاد، رضاشاه شفاعت او را پذیرفت و دستور آزادیش را از زندان صادر کرد، مشروط بر اینکه خاک ایران را ترک کند. رهنما به سرعت خاک ایران را ترک کرد در عراق اقامت گزید و تا شهریور ۱۳۲۰ در عراق و لبنان به سر می‌برد. پس از استعفای رضاشاه، برای پس گرفتن مطبعه روزنامه‌ی خود به تهران آمد و علیه مجید موقر طرح دعوی نمود. سرانجام امتیاز روزنامه‌ی ایران مجدداً به او واگذار شد و در عوض امتیاز روزنامه‌ی مهر ایران را به موقر دادند. روزنامه‌ی ایران مجدداً حیات خود را از سر گرفت ولی کار اداری آن با حمید رهنما بود. زین‌العابدین رهنما بعد از شهریور ۱۳۲۰ به سمت وزیرمختار ایران در دولت موقت فرانسه درویشی و سپس پاریس منصوب شد و چندی نیز سفیر ایران در کشورهای لبنان و سوریه بود. مدتی هم معاونت نخست‌وزیری و ریاست انتشارات و تبلیغات را عهده‌دار گردید.

رهنما بدون شک یکی از فضلالی درجه اول ایران است. وی به ادبیات فارسی و ادبیات زبانهای عربی و فرانسه کاملاً مسلط بوده است. علاوه بر دوره‌ی منظم روزنامه‌ی ایران که حاکی از ذوق و قدرت نویسنده‌ی اوست، تالیفات زیادی عرضه نموده است. کتاب معروف او به نام پیامبر و کتاب امام حسین (ع) و تفسیر و ترجمه قرآن مجید از آثار انتشار یافته‌ی او می‌باشد. در ۱۳۶۸ درگذشت. حین الفوت یک قرن کامل را پشت سر گذاشته بود.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ جراید (۳۱۶-۳۱۵/۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۵۱-۳۴۷/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۲۶۶-۲۶۴/۳)، نشر دانش (س ۹، ش ۴، ص ۹۹).

ری شهری، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد ری شهری

محل تولد: شهر ری

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۵/۸/۱

زندگینامه علمی

حجت الاسلام و المسلمین محمد محمدی نیک، مشهور به «ری شهری» در آبان سال ۱۳۲۵ در شهرری در خانواده‌ای متدین دیده به جهان گشود. وی پس از پایان تحصیلات ابتدایی، در سال ۱۳۳۹ وارد حوزه علمیه شهرری (مدرسه برهان) شد و در سال ۱۳۴۰ برای ادامه تحصیل به قم رفت و تا پیروزی انقلاب اسلامی، مدارج تحصیل را تا سطوح عالی در حوزه علمیه قم طی کرد. حجت الاسلام ری شهری، سطوح عالی را نزد اساتید بزرگی چون حضرات آیات عظام حاج میرزا علی مشکینی، حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی و حاج سید محمد باقر طباطبایی تلمذ نمود و دروس خارج فقه و اصول را در سال ۱۳۴۷ در شرایطی آغاز کرد که حوزه علمیه قم از فیض حضور امام خمینی (ره) بی بهره بود، بنابراین خارج اصول را از محضر حضرات آیات عظام مرحوم حاج شیخ محمد علی اراکی و حاج شیخ حسین وحید خراسانی استفاده کرد و خارج فقه را از محضر حضرات آیات عظام حاج میرزا علی مشکینی، حاج شیخ جواد تبریزی، مرحوم حاج سید محمد رضا گلپایگانی و مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری بهره برد.

حجت الاسلام ری شهری از ابتدای نهضت اسلامی، بویژه تحت تأثیر جریان ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ با اهداف و دیدگاههای حضرت امام (ره) آشنا شد و در تاریخ ۲۰ تیر ماه ۱۳۴۴ توسط ساواک مشهد دستگیر و به زندان محکوم شد. وی در سال ۱۳۴۵ ضمن ترمذ از شرکت در جلسه دادگاه تجدید نظر ساواک، به نجف اشرف رفت و پس از مدت یکسال به ایران بازگشت و حدود ۱۸ ماه در حوزه علمیه مشهد به تحصیل پرداخت. در همین زمان مجدداً تحت تعقیب ساواک قرار گرفت و در دادگاه تجدید نظر بار دیگر به زندان محکوم شد. حجت الاسلام ری شهری در سال ۱۳۵۶ به دلیل سخنرانی علیه رژیم شاه در حسینیه اصفهانی‌های آبادان، توسط ساواک ممنوع المنبر شد. وی به دلیل سخنرانی علیه رژیم در نهان آبادان، مشهد، هرمزگان و زابل مورد تعقیب ساواک بود و تظاهرات مردم هرمزگان و زابل در رابطه با قیام سراسری مردم ایران علیه رژیم، پس از سخنرانیهای او صورت گرفت.

حجت الاسلام ری شهری پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سمت حاکم شرع دادگاههای انقلاب اسلامی دزفول، بهبهان، گچساران، بروجرد، رشت و گنبد کاووس خدمت کرد و سپس به اهمیت حفظ و اصلاح نیروهای مسلح، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به منظور مقابله با توطئه‌های ضد انقلاب در این رکن مهم، در اواسط سال ۱۳۵۸ به ریاست دادگاه انقلاب ارتش منصوب شد. وی با توجه به شرایطی که قانون اساسی برای تصدی وزارت اطلاعات معین کرده بود (بویژه شرط اجتهاد)، نخستین وزیر اطلاعات در جمهوری اسلامی ایران بود که با کسب آراء اکثریت قاطع نمایندگان مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۳ به این سمت منصوب گردید. حجت الاسلام ری شهری در سال ۱۳۶۸ به دادستانی کل کشور منصوب شد و تا اوایل سال ۱۳۷۰ در این سمت خدمت کرد و همزمان در تاریخ ۱۳ دی ماه ۱۳۶۸ از سوی رهبر معظم انقلاب به عنوان دادستان ویژه روحانیت منصوب شد. حجت الاسلام ری شهری همچنین در سال ۱۳۶۹ به فرمان رهبر فرزانه انقلاب به تولیت آستان مقدس حضرت عبدالعظیم الحسنی (علیه السلام) منصوب گردید. انتصاب وی در این سمت، آغاز تحول اساسی در عمران و توسعه این مجموعه مهم مذهبی بوده است. وی در انتخابات دومین دوره مجلس خبرگان رهبری، به عنوان داوطلب منفرد شرکت کرد و از سوی مردم استان تهران برگزیده شد، همچنین در سومین دوره انتخابات مجلس خبرگان رهبری، کاندیداتوری او از سوی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و جامعه روحانیت مبارز و سایر گروههای سیاسی مورد حمایت قرار گرفت و با رأی قاطع مردم بار دیگر به نمایندگی این مجلس انتخاب گردید.

حجت الاسلام ری شهری در سال ۱۳۷۰ به سمت نماینده مقام معظم رهبری و سرپرست حجاج منصوب شد که این مسئولیت هنوز

ادامه دارد. حجت الاسلام ری شهری بنیانگذار اولین و بزرگترین مجموعه فرهنگی در حدیث و علوم مربوط به آن است. وی در اواسط سال ۱۳۷۴ به همراه جمعی از شخصیت‌های صاحب نام سیاسی و مذهبی، جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی را بنیان نهاد. این جمعیت پس از طی مراحل قانونی رسمیت یافت و هیئت مؤسس آن، به اتفاق آراء، حجت الاسلام ری شهری را به سمت دبیر کل جمعیت انتخاب کردند. این جمعیت پس از چند سال حضور مؤثر، خیلی زود عرصه سیاسی کشور را ترک کرد. اوج فعالیت جمعیت دفاع از ارزشها به هنگام نامزد کردن دبیر کل خود برای ریاست جمهوری هفتم بود. حجت الاسلام ری شهری هم‌اکنون، ضمن تحقیق و تدریس و تولیت آستان حضرت عبدالعظیم (ع)، عهده‌دار نمایندگی ولی فقیه و سرپرستی حجاج ایرانی است. از وی تاکنون بیش از ۳۰ کتاب پژوهشی در ۵۹ جلد منتشر شده است.

ریاحی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رئیس سابق و استاد دانشکده‌ی پزشکی، در طب و جراحی استاد، و به حذاقت معروف بود. در حسن معاشرت و اخلاق بی نظیر، و در دیانت و تقوی کم نظیر بود. در بین تمام طبقات مردم محبوب القلوب و مورد ستایش بود. بیماران و مستمندان را با کمال جوانمردی معالجت نموده و از آنان تفقد و دلجویی می نمود. در شب ۲ شنبه ۱۸ سال ۱۳۸۹ وفات یافته، در تخت فولاد مدفون گردید. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ریاض همدانی، جعفر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۶۸ ق)، خطاط، شاعر و نویسنده. وی در همدان متولد شد. نزد ابوالقاسم ذوالریاستین تحصیل کرد و بعد از مرگ استادش به تهران سفر نمود بعد از مدتی در انزوا زیستن، امیر کبیر او را شناخت و برکشید. بعد از مرگ امیر کبیر مریض شد و در سن جوانی درگذشت. ریاض از شاعران و نثرنویسان عهد محمدشاه و ناصرالدین شاه بود. وی صاحب مقالاتی به سبک بدیع الزمان و مقامات حمیدالدین بلخی است و کتابی نیز به نام «گنج شایگان» دارد که در آن از «گلستان» سعدی و «پریشان» قآنی تقلید کرده است. میرزا جعفر به دو زبان فارسی و عربی شعر می گفته و در نجوم و هندسه و حساب نیز دست داشته است و به قولی رساله‌ای در موسیقی نیز داشته و در نگارش خطوط نسخ و شکسته توانا بوده است. از آثار چاپ شده‌ی وی: «غزلیات ریاض»؛ «الف لیل»؛ «دیوان شعر».[۱]

ابراهیم ریاضی از علماء بنام و دانشمندان گرامی نجف آباد بوده‌اند.

وی در سال ۱۲۷۷ شمسی در نجف آباد در یک خانواده زراعت پیشه‌ای متولد شده و چون در کودکی پدر خود را از دست داد تا سن ۱۸ سالگی تحت سرپرستی برادر بزرگش به زراعت اشتغال داشت.

ولی در این سنین علاقه‌ای که از مدتها پیش به تحصیل علم داشت او را به سوی حوزه علمیه اصفهان کشانیده و پس از فراگرفتن علوم مقدماتی و ادبیات و... در اصفهان عزیمت به قم نموده و از محضر مرحوم آیت‌الله حایری (مؤسس) حوزه استفاده نموده و به واسطه شدت علاقه‌اش به تحصیل و تقوای باطنی که داشت مورد توجه و اعتماد استاد واقع و کم‌کم جزو معارف حوزه و نزدیکان آن مرحوم گردید.

خلاصه آن مرحوم مدت دوازده سال در اصفهان و قم تحصیل و کسب علم و کمال نمود و در سن سی سالگی به نجف آباد مراجعت و ازدواج نموده و در آنجا ملازمت فقیه زمانش مرحوم آیت‌الله حاج شیخ احمد حججی که عالمی بی‌آلایش و مروجی کم‌نظیر بود اختیار و مشغول به تبلیغ و ترویج گردید و در مدت کوتاهی به خدمتگذاری و خیراندیشی معروف و با همت بلند و کوشش صادقانه خود و کمک مردم یک مرکز علمی و دینی به نام (مدرسه الحججیه) تأسیس که دارای سی حجره و مدرس و کتابخانه مجهز و مسجدی آبرومند می‌باشد.

مرحوم ریاضی برای تدریس و تربیت طلاب علوم دینی زحمات فراوانی متحمل شده و بر اثر کوشش معظم‌له در این مورد بالغ بر سیصد نفر دانشجوی علوم دینی در مقامات مختلف از این شهر و حومه آن برخاسته که هر کدام به نوبه خود مشغول انجام وظیفه هستند.

باری آن مرحوم بر اثر فعالیتهای خستگی‌ناپذیر و عشق و علاقه‌ای که به خاندان رسالت داشت چندین مسجد بنام آن بزرگواران و نیز برای رفاه مردم حمام و حسینیه بنا نموده است.

مرحوم ریاضی به واسطه کاردانی و معنویت و تقوایی که داشت در شهر نجف آباد چنان نفوذ کلام داشت که حتی دعاوی و اختلافات چندین ساله محاکم قضائی را در یک جلسه فیصل می‌داد و مردم شهر به دیده احترامی بیش از حد به وی می‌نگریستند که این توجه برای خدمت به خلق و بسندگی خالص خدا و پاکی نیتش بود بارها شده بود که برای تشویق مردم به امور خیر شخصا بیل و کلنگ به دست گرفته و به امور ساختمانی مدرسه و مسجد و... کمک می‌کرد.

خلاصه عمری کوتاه و بابرکت داشت به طوری که این همه خدمت و فعالیت در این مدت کوتاه جز به توفیقات الهی میسر نیست. آن مرحوم در مهرماه ۱۳۳۳ شمسی در سن پنجاه و شش سالگی بر اثر سکت قلبی درگذشت و در حسینیه اعظم که از بناهایی است که به دست آن مرحوم پایه‌گذاری شد دفن گردید و فوت آن مرحوم انقلاب عظیمی در استان اصفهان به وجود آورد به طوری که از فرسخها راه عزاداران به صورت دسته‌های سینه‌زن و زنجیرزن حرکت و به نجف آباد آمده و مورد استقبال گرم مردم نجف آباد شده و این تظاهرات موجب شد که عده‌ای از جوانان علاقمند به تحصیل علوم دینی گردیدند.

آری مرحوم ریاضی حیات و مماتش برکت و تبلیغ بود. دارای چندین فرزند می‌باشد که از آنها فرزند ارشدش ثقه‌الاسلام آقا شیخ حیدرعلی ریاضی در لباس مقدس روحانیت اشتغال به انجام وظیفه دینی دارند و مورد احترام طبقات مختلف شهر می‌باشد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۳۹۶-۳۹۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۰۷-۴۰۶)، المآثر و الآثار (۲۰۵)، مؤلفین کتب چاپی (۳۱۸/۲)، مجمع الفصحا (۳۳۱/۴).

ریاضی خوانساری، ابوالقاسم جعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۸۰-۱۳۱۳ ق)، فقیه، حکیم، ادیب و ریاضیدان. وی در ۱۳۲۸ ق از اصفهان به نجف مهاجرت کرد و به تحصیل فقه و اصول و حدیث پرداخت و در ریاضیات سرآمد اقران شد وی به هندوستان سفر کرد و در آنجا به نشر احکام پرداخت. او در گلگیت نزدیک کشمیر از دنیا رفت. کتابخانه نسبتاً غنی از وی باقی ماند. او تالیفاتی چند به نظم و نثر دارد. که از آن جمله می‌توان به «سفائن البحار»، به فارسی، منظوم؛ «بحر الحساب»، به فارسی؛ «اعجاز المهندسين»؛ رساله‌ی «الجبر و المقابله»؛ رساله «قابلیه التقسیم»، در اعداد؛ رد «ابطال الرمل»؛ و «تسهیل القسمه» اشاره کرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۶۴)، مؤلفین کتب چاپی (۱/۲۵۵).

ریاضی هروی، نصرت الزمان

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق.

تولد: ۱۳۱۹، مشهد.

درگذشت: ۲ تیر ۱۳۶۷، مشهد.

نصرت الزمان ریاضی هروی پس از پایان تحصیلات دانشگاهی از سال ۱۳۴۲ در دبیرستان خراسان به تحصیل زبان و ادبیات فارسی پرداخت و بیست و شش سال به کار معلمی پرداخت.

نصرت الزمان ریاضی هروی در سال ۱۳۶۵ فرهنگ فارسی تحفه الاحباب را با همکاری همسرش فریدون تقی زاده طوسی همراه با تعلیقات منتشر ساخت و گزیده‌ای از کتاب تجارب الامم منسوب به حمدالله مستوفی را از یگانه کتابخانه‌ی ایاصوفیه آماده‌ی چاپ ساخته بود. سه مجموعه حاوی خاطرات و نیز چندین مقاله در باب دستور زبان فارسی در نشریه‌های استان خراسان از وی به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

ریاضی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق، مترجم.

تولد: ۱۳۱۲، دره گز.

درگذشت: ۲۰ مهر ۱۳۷۳، در سانحه هوایی.

محمود ریاضی دوره ابتدایی و چند سالی از دوره متوسطه را در دره گز طی کرد و سپس به مشهد آمد و دوره‌ی متوسطه را در آنجا به پایان رسانید. این امر همزمان با ملی شدن صنعت نفت بود. وی وارد مبارزات سیاسی شد. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مدتی به دانشکده‌ی افسری رفت و سپس وارد دانشکده‌ی فنی شد. در سال ۱۳۴۱ فارغ‌التحصیل شد. وی مطالعات خود را ادامه داد

و در صنعت برق کارشناس شد.

محمود ریاضی در این اواخر شروع به ترجمه داستان تمدن جهان از آغاز تا سال ۱۹۹۰ نوشته جی. ام. رابرتس کرده بود. ترجمه‌ی متن اصلی کتاب پایان یافته بود. وی مشغول پانویس‌های کتاب بود که اجل امانش نداد.

در سال ۱۳۴۹ او و دکتر کاظم سامی و سایر همفکرانش اقدام به تأسیس انتشارات چاپخش کردند. محمود ریاضی همچنین با مؤسسات نشر دیگر نیز همکاری داشت.

فهرست آثار ترجمه و تألیف شده وی به این شرح هستند: ظهور و سقوط قدرت‌های بزرگ (تألیف پل کندی)؛ روسیه، غرب و چین (ایزاک دویچر)؛ زندگی سیاسی استالین (ایزاک دویچر، با همکاری علی اسلامی)؛ سیری در بلوغ (ایزاک دویچر)؛ (پایگاه‌های استراتژیک امپریالیسم)؛ (عظیم حسین)؛ سلاح اقتصادی استعمار جدید (بانوف، با همکاری نظام الدین قهاری)؛ چشم‌اندازهایی بر آزادی و برابری در جهان سوم (سی. جی. ویرافتاری)؛ انقلاب ناتمام روسیه (ایزاک دویچر)؛ نظری به درون شیلی آینده (اوارد بوراشتاین)؛ اروپا و عقب ماندگی آسیا (دو جلد، والتر رادفی)؛ آمریکا و جهان سوم (جان س. گیزلینگ)؛ موسولینی (دنيس مك اسمیت)؛ بحران انرژی (مایکل تانزر)؛ روان شناسی عشق ورزیدن (اینیاس لپ، با همکاری دکتر کاظم سامی)؛ تحلیل کوتاه از امپریالیسم (تألیف)؛ فاصله عقب ماندگی (جی. بی. کرن)؛ اسطوره‌های انقلابی در جهان سوم (ژراز شالیان)؛ چه کسی جیمی کاتر را اداره می‌کند، ظلمت در نیمروز (آرتور کویستر، با همکاری علی اسلامی)؛ اقتصاد تسلیحاتی و جنگ (آندره گوندر فرانک).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

ریاضی‌فرزاد، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۲۹۰.

درگذشت: ۱۳۶۰.

از آثار اوست: ترجمه بهداشت زن در دوره بارداری و بعد از زایمان به ضمیمه علل ازدواج عقیم و نازائی و مضرات سقط جنین و جلوگیری از حاملگی (اثر آ. ق. پاپ، ب. ای. شکولینک، ی. ب. سولسکی؛ تهران، ۱۳۶۱).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

ریحان یزدی، علیرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مدرس.

درگذشت: زمستان ۱۳۶۷، تهران.

سید علیرضا ریحان یزدی دبیر دبیرستان‌ها بود و سپس به دانشگاه منتقل شد و تدریس زبان عربی را عهده‌دار بود و به استادی

دانشگاه رسید. چندی به ریاست اداره‌ی اوقاف منصوب شد. از تألیفات اوست: احوال و آثار محمد بن جریر طبری (۱۳۳۵)؛ اصول الصرف (دو جلد)، اصول النحو (۱۳۴۰)؛ ترجمه تعبیر رؤیا (از ابن سینا، ۱۳۱۶)؛ نظامی شاعر داستان سرا (۱۳۳۷)؛ ماجرای تغییر خط (۱۳۳۸)؛ و چند رساله و کتاب دیگر از جمله رساله‌ای در تاریخچه‌ی اوقاف و رساله‌ای در روابط ایران و هند. وی همچنین مقاله‌هایی برای روزنامه‌ها و مجلات و از جمله «وحید» و «کیهان» و «یغما» می‌نوشت.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

ریحان یزدی، علیرضا حسینی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۳ - ۱۲۹۰ ش)، فقیه، مفسر، مورخ، رجالی، نویسنده و شاعر. در یزد متولد شد. پس از تحصیل مقدمات در بیست و یک سالگی برای تکمیل تحصیلات خود به قم مهاجرت کرد و از محضر آیت‌الله حائری و استادان دیگر استفاده برد. سپس به تهران آمد و به انجام وظائف مذهبی و ترویج دین مشغول شد. گاه گاهی شعر می‌سرود. و غزلیاتی دارد. از آثارش: «آینه‌ی دانشوران»، دائرةالمعارف گونه‌ای حاوی بیوگرافی علمای یزد و معاصران نویسنده در قم و تاریخ تاسیس حوزه؛ «درس انشاء یا علم بیان»؛ «تفسیر ریحان»؛ ترجمه‌ی فارسی سره «بلوهر»؛ «کتابهایی که خوانده‌ام». [۱]

سید علی‌رضا (ریحان) یزدی که سالهاست در تهران اقامت دارند و در آنجا در مسجد سجاد یزدیها در خیابان میرفندرسکی اقامه جماعت می‌نمایند و هم چند ماهی به هند مسافرت و در حیدرآباد و بمبئی تبلیغ دین و ضمناً تتبع در کتابخانه‌های آن سامان می‌نمایند.

آقای ریحان محرم ۱۳۳۰ قمری در یزد به دنیا آمده و در حال حاضر شصت و پنجسال از عمرش می‌گذرد.

وی ترجمه خود را در کتاب دانشمندان گمنام یا آئینه دانشوران خود به طور مفصل نوشته است طالبین به آنجا مراجعه نمایند.

آثار قلمی ریحان از این قرار است: ۱- آئینه دانشوران ۲- درس انشاء یا علم بیان ۳- بازرگانی محمد (ص) ۴- تفسیر ریحان ۵- بلوهر ترجمه فارسی سره از عربی ۶- کتابهایی که خوانده‌ام مشتمل بر دوازده جلد ۷- داماد کربلا.

آقای ریحان سفرهای عدیده به کشور پهناور هندوستان نموده و از بسیاری از شهرهای مهم آن دیدن و کتابخانه‌های عمومی و خصوصی آنجا را دیده و از هر باغ گلی چیده و از هر خرمن خوشه‌ای برداشته و به نام (آنچه من دیده و خوانده‌ام) تدوین نموده است.

نگارنده در دو سفری که در سال ۱۳۸۹ و سال ۱۳۹۰ قمری به هندوستان رفتم دو ماهی در مدینه هتل حیدرآبادکن با معظم‌له مصاحب و مجاور و ناظر سعی و کوشش ایشان بودم ادام‌الله توفیقه.

وی دارای ذوق سرشار و طبع روان و موزونی می‌باشد و اشعار بسیاری سروده که شایسته است جمع گردد به صورت دیوان ریحان درآید.

شاعر، عالم دینی.

تولد: ۱۳۳۰، ق.، یزد.

درگذشت: ۱۳۶۷.

سید علیرضا مدرس متخلص به «ریحان یزدی». فرزند سید محمد مدرس، از تربیت شدگان حوزه‌ی درس عبدالکریم مهرجردی

یزدی و یکی از روحانیون یزد بوده است. وی صاحب تألیفاتی چون بازرگانی محمد (ص) و درس انشاء و آینه‌ی دانشوران است. وی شعر نیز سروده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار الحجه (۲۶۳- ۲۶۲ / ۲)، آینه‌ی دانشوران (مقدمه)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۸۲۲/۲)، تذکره سخنوران یزد (۵۴۵- ۵۴۱)، الذریعه (۱۹/۲۶)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۵۷، ۴۵۱ / ۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۶۶- ۵۶۵ / ۴).

ریحانی، ابوالحسن علی

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۱۹ ق)، لغوی، ادیب و نویسنده. ایرانی‌الاصل و ساکن بغداد و معاصر و مورد احترام مامون عباسی بود، و از دانشمندان و حکمت دانان بنام، که او را در فن بلاغت تالی جاحظ خوانده‌اند. با آن همه فضل و کمال به زندقه متهم شده و در آثار خود تحت تاثیر فرهنگ ایرانی بوده است. از آثار وی: «الایقاع»، «التدرج»، «الزمام»، «العقل و الجمال»، «صفه الدنيا»، «الموشح»، «المنله والبعضه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۲۵/۵)، ایضاح المکنون (۲۷۶، ۲۷۵، ۲۷۲، ۲۶۸، ۲۶۴، ۲۶۲ / ۲، ۳۷۹ / ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۸۷/۱)، تاریخ بغداد (۱۹- ۱۸ / ۱۲)، روضات الجنات (۱۹۱- ۱۹۰ / ۵)، ریحانه (۳۴۹/۲)، کشف الظنون (۱۴۶۸)، لسان المیزان (۵۷/۵)، لغت نامه (ذیل / علی ریحانی)، معجم الادباء (۵۶- ۵۱ / ۱۴)، معجم المؤلفین (۱۴۵/۷)، هدیه العارفین (۶۶۹- ۶۶۸ / ۱).

ریزی لنجانی، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند ملا عبدالوهاب بن شیخ علی. عالم فاضل جلیل زاهد، فقیه مجتهد اصولی، از اکابر علما و مدرسین اصفهان. در قریه‌ی ریز متولد، لنجان و در نزد پدر و جمعی دیگر از بزرگان در اصفهان تحصیل نموده، به نجف اشرف مهاجرت کرده، و مدت دو سال درس شیخ انصاری را درک نموده، و به درس آقا سید حسین ترک و جمعی دیگر نیز حاضر شده، و او اول کسی است که در اصفهان کتاب فرائد استادش را تدریس نمود.

به زهد و عبادت و استجاب دعا و اعراض از مردم دنیا معروف بوده، در مسجد ذکر الله تدریس و امامت می‌نموده، و شبهای جمعه در تخت فولاد به احیا و قرائت دعای کمیل مشغول بوده، و جمعیتی متجاوز از ده هزار نفر پای منبر حاضر می‌شده‌اند.

سرانجام در شب ۱۷ رمضان المبارک سال ۱۳۲۹ به سن حدود هشتاد وفات یافته، در تکیه‌ای مخصوص به نام خود مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش را مرحوم حبیب‌الله نیر گوید:

«انهدمت ارکان زهد و الرشده»

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ریزی، عبدالوهاب

قرن: ۱۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم و فاضل و مجتهد جامع بوده، در اصفهان نزد سید حجّه الاسلام، و در نجف تحصیل نموده، و پس از مراجعت در وطن خویش ساکن گردیده، و به ترویج دین و اجرای احکام پرداخته، و پس از وفات، در مسجد خویش، در اطاقی مخصوص مدفون گردید. صاحب عنوان، عالم و فاضل محقق جامع مجتهد فقیه اصولی، در اصفهان و نجف اشرف در نزاساتید آنجا تلمذ نموده، و از اساتید خود به دریافت اجازه ی روایت و اجتهاد مفتخر گردیده، که عبارتست از اجازه از حاج میرزا حبیب الله رشتی، و آقا سید محمد کاظم یزدی، و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی.

پس از تکمیل تحصیلات به اصفهان مراجعت نموده، و گاهی در شهر، و اغلب در قصبه ی ریز ساکن بوده، و در همانجا وفات یافته، و جنازه ی او با تجلیل و تکریم به شهر منتقل گردیده، در تکیه ی آقا شیخ مرتضی ریزی (برادر نامبرده) مدفون گردید. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ریزی، مرتضی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ مرتضی ریزی فرزند شیخ عبدالوهاب از اساتید مسلم فقه و اصول و از مدرسین جامع و عالی قدر حوزه علمی اصفهان بود. این عالم بزرگوار نزد پدر و جمعی از بزرگان اصفهان تحصیل نمود و به نجف اشرف مهاجرت کرده و مدت دو سال درس شیخ مرتضی انصاری را درک نموده و در مجالس درس آقا سید حسین ترک و جمعی دیگر نیز حاضر شده و به درجه اجتهاد رسید ایشان اولین عالم در اصفهان است که کتاب فرائد استادش را تدریس مینمود و در زهد پرهیزکاری، عبادت، استجابت دعا و کناره گیری و کم معاشرت نمودن با مردم معروف بود.

ایشان در مسجد ذکراالله تدریس و امامت می نمود و شهبای جمعه در تخت فولاد به احیاء و قرائت دعای کمیل مشغول بوده و جمعیتی متجاوز از ده هزار نفر پای منبر او حاضر می شدند و چنان «الهی العفو» و یا «نور یا قدوس» می گفتند که صدایشان در اصفهان شنیده می شد. حتی نقل شده که آخوند کاشی نیز در مجالس دعای کمیل مرحوم ریزی شرکت می نموده و آن مجلس را با شور حال و وصف می کند.

سرانجام این عالم جلیل در شب هفدهم رمضان المبارک سال ۱۳۲۹ ق در اصفهان در گذشت و در محل محراب عبادت شب های جمعه خود در تخت فولاد مدفون گردید. حاج محمد حسین کازرونی از تجار خوش نام اصفهانی بر مزارش تکیه و بقعه ای را بنا نهاد.

رییس الاطباء همدانی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، طیب و نویسنده. در همدان متولد شد. از کودکی به تشویق پدر به تحصیل مشغول شد، زبان عربی و مقدمات را نزد عموی خویش فراگرفت پس از آن به تحصیل علوم ریاضی مشغول شد و چون به طب علاقه‌ی وافری داشت به تحصیل و پس از آن به طبابت پرداخت پس از تاسیس دارالفنون از همدان به تهران آمد و به تحصیل علم طب جدید پرداخت و پس از اندک زمانی معلم طب جدید و قدیم این مدرسه شد پس از چندی طیب نایب‌السلطنه کامران میرزا شد در ضمن تحصیل زبان فرانسه را آموخت و از طرف دولت برای تکمیل تحصیلات خویش عازم فرانسه شد و پس از اخذ درجه‌ی دکتری به تهران بازآمد و معلم طب فرنگی دارالفنون شد. از آثار وی: «احیاء الاطفال ناصری»، «امراض عصبانی»، «تشریح البشر»، «جواهر التشریح»، «جواهر الحکمه»، «ضیاء العیون»، در کحالی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: المآثر و الآثار (۱۹۵-۱۹۴)، مؤلفین کتب چاپی (۲۶۰-۲۵۸/۴).

رئیس شیرازی، جلال‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۳۳۰ ش)، فقیه و شاعر. ملقب به رئیس‌العلماء. وی در شیراز متولد شد. علوم دینی را از پدر آموخت و سالها در آن شهر به رتق و فتق امور شرعی می‌پرداخت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۷۰-۵۶۷/۲)، فرهنگ سخنوران (۳۶۷).

رئیس زاده، محمدحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد حسین رئیس زاده

محل تولد: شهرضا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از گذراندن مدرسه ابتدائی در سال ۱۳۵۳ وارد نظام طلبگی شده و ابتدا در شهرضا با شروع کتاب شرح امثله و صرف میر ادبیات را آغاز نمودم پس از یک سال گذراندن دروس طلبگی در این شهر وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح و حدود

چهارده سال دروس خارج فقه و اصول را شرکت نمودم. هم زمان با دروس خارج دروس سنگرهای ایدئولوژیک در رابطه با نقد مکتب مارکسیسم که توسط آیه الله مصباح یزدی ارائه شده بود گذراندم و با قبولی در این دوره و امتحانات شفاهی وارد دوره آموزشی با هدایت و نظارت استاد مصباح یزدی شدم و موفق به گذراندن دوره عمومی معارف اسلامی مشتمل بر معارف قرآن-فلسفه اسلامی- و آشنائی با علوم انسانی "اقتصاد- حقوق- سیاست و ..." شدم و سپس وارد رشته تخصصی اقتصاد شده و یک سال این رشته را گذراندم بعلت اشتغال به کارهای اجرائی در تهران یک سال وقفه در تحصیل افتاد و پس از بازگشت رشته تخصصی علوم سیاسی را تا مقطع کارشناسی ارشد گذراندم و در سال ۱۳۷۵ با ارائه پایان نامه با عنوان نقش مردم در مشروعیت نظام سیاسی در اسلام و گذراندن امتحانات مربوطه موفق به اخذ مدرک فوق لیسانس در این رشته شدم.

هم زمان با تحصیل در دروس فقه و اصول و رشته های معارف اسلامی و علوم سیاسی در مدارس مختلف مرکز جهانی علوم اسلامی و جامعه الزهراء "س" به تدریس فقه - اصول - علوم سیاسی پرداختم که تدریس در امور مذکور تاکنون ادامه دارد.

رئیس، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد ۱۳۱۹، مرتبه علمی: استاد، رشته: شیمی داروئی، دانشکده: داروسازی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای داروسازی از ایران در سال ۱۳۴۴، دکترای تخصصی شیمی داروئی از دانشگاه لندن در سال ۱۳۵۶، فوق دکترا از دانشگاه لندن در سال ۱۳۶۲.

مرتبه علمی:

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در سال ۱۳۴۶، استاد پایه ۱۶ دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.

زمینه های علمی و تحقیقاتی:

سنتر کلروبتانول به روش جدید، مطالعه پایداری داروها، مطالعه اثر تداخل داروها، مطالعه TDM و فراهمی زیستی داروها، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴۸ پایان نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی :-

زمینه علمی تألیفات:

آنتی بیوتیکهای ساختگی و نیمه ساختگی، داروهای ضد عفونت، استروئیدها و ترکیبات داروئی وابسته به آنها.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۷، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۷

زمینه علمی مقالات:

فراهمی زیست داروها، سنتز داروها، TDM، پایداری داروها.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

رئیس، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود رئیسی از علماء میرز و به نام معاصر شهرستان قزوین است تولدش در سال ۱۳۰۰ قمری واقع شده و اکنون نود و پنج سال از عمر مبارکش می‌گذرد و در دارالمؤمنین قزوین به خدمات دینی و امامت در مسجد جامع آنجا اشتغال دارد و روزهای جمعه برای دعای سمات به مزار کثیر البرکات جناب شاهزاده حسین قزوین آمده و با صدها نفر مردم متدین آن شهرستان پس از دعای مزبور اقامه جماعت می‌نمایند.

معظم له پس از خواندن اولیات شرح لمعه و قوانین را در خدمت مرحوم آیت‌الله آقا محمد تحصیل کرده و رسائل و مکاسب را از مرحوم آیت‌الله حاج ملا-علی طارمی خوانده و خارج فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌الله حاج ملا علی اکبر قزوینی که از مجتهدین بزرگ این شهرستان بودند استفاده نموده و فنون مختلف دیگر مانند خلاصه الحساب شیخ بهائی و بیست باب ملا مظفر و هیئته فارسی را نزد مرحوم حاج ملا-علی و مارگولیک تور فرانسه فیزیک و شیمی را نزد دکتر ابوالقاسم خان و قانونچه و شرح نفیس و شرح اسباب را نزد مرحوم حاج میرزا احمد احسن الحکماء خوانده و ضمناً تدریس مطول و شرح لمعه و قوانین را نموده و در مسجد خویش بعد از اداء فرائض برای مردم مسائل اعتقادی و احکام شرعی و موعظه می‌نماید.

مرحوم میرزا فضل‌الله جد معظم له رئیس جامع معقول و منقول بوده و اهل صنعت در حق او عقیده بزرگی داشتند و می‌گفتند که وی دارای علم کیمیا بوده و خودش در یکی از دو بیت اشعارش به این موضوع اشاره کرده و گفته:

چه فاضل از غم ایام می‌سوخ

خداوندش ز صنعت بهرور کرد

و در بیت دیگر گفته:

تو فاضلا نرسیدی به این مقام بلند

مگر بحب علی و مگر بلعن عم

جناب آقای رئیسی در علم طب نیز زحماتی کشیده و اطلاعاتی در این فن بدست آورده و درباره چشم و اجزاء آن سروده است.

کرد آفریدگار تعالی بلطف خویش

چشمت به هفت پرده و سه آب منقسم

فلس مشیمه شبکه زجاجی و پس جلیه

پس عنکبوت بیض عنسه قرن ملتئم

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

زابلی، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج سید رضا بن مرحوم حجة الاسلام والمسلمین آقا سید محمد امین الرعايا زابلی از علماء معروف معاصر شهرستان کرج است، وی در سال ۱۳۲۲ ق در شهر زابل متولد شده و پس از خواندن مقدمات در سن ۱۸ سالگی با معیت برادر بزرگشان مرحوم حجة الاسلام آقا سید حسن زابلی جهت تحصیل به مشهد مقدس مشرف و در مدرسه باقریه ساکن و به تحصیل ادبیات و سطوح پرداخته و پس از چند سال برای تکمیل مبانی علمی مهاجرت به نجف اشرف نموده و در مدرسه قوام اقامت و از محضر آیات عظام مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی و آیت الله العظمی اصفهانی و ضمناً مباحث اخلاقی و سلوکی جمال السالکین و سید العارفین آیت الله آقا سید علی آقای قاضی طباطبائی استفاده نموده آنگاه به امر مرحوم آیت الله اصفهانی منتقل بسامرای و چندی سرپرستی مدرسه علمیه مرحوم میرزای شیرازی را بعهدہ گرفته و پس از فوت مرحوم آیت الله اصفهانی به قم آمده و مورد لطف و محبت مرحوم آیت الله العظمی بروجردی قرار گرفته و به امر آن بزرگوار برای ارشاد و هدایت مردم کرج به این شهرستان عزیمت و رحل اقامت افکنده و تا اکنون در مسجد اعظم خیابان کشاورز آنجا به اقامه جماعت و تبلیغ احکام مشغول میباشند.

دارای فرزندان برومندی هستد که همگی در پستهای حساس روحانیت اشتغال بخدمات دینی دارند و آنها از این قرار می باشند:

- ۱- جناب حجة الاسلام آقا سید محمد زابلی که اکنون در مدرسه سپهسالار قدیم به تدریس و مباحثات اشتغال دارند.
 - ۲- جناب حجة الاسلام آقای سید علی زابلی مقیم نجف که از تلامذه و مشترکین مباحث آیت الله العظمی خوئی هستند.
 - ۳- جناب حجة الاسلام آقا سید ابوالحسن زابلی که در بروجرد سکونت و به اقامه جماعت و تبلیغات احکام دین اشتغال دارند.
- برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

زارع، عزیز الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عزیز الله زارع

محل تولد: آمل

شهرت

تابعیت: ایران

زندگینامه علمی

اینجانب عزیزالله زارع فرزند خلیل متولد ۱۳۴۰ از شهر آمل در سال تحصیلی ۱۳۵۲-۳ برای تحصیل علوم حوزوی وارد مدرسه علمیه مسجد جامع آمل شدم مقدمات دروس حوزوی مانند گلستان سعدی و نصاب الصبیان و برخی از کتابهای جامع المقدمات را در آن مدرسه فراگرفتم و چون مدرسه آن زمان از نظر مدیریت دچار مشکلاتی بود و برنامه مدونی برای طلاب وجود نداشت سال آینده به مدرسه مسجد هاشمی آمل رفتم عدم استاد و فضای مناسب آموزشی و مشورتی که با حضرت آیت الله العظمی میرزا هاشم آملی (ره) داشتم سبب شد به حوزه جعفریه رستمکلاهی بهشهر که تحت اشراف حضرت آیت الله ایازی رضوان الله تعالی علیه اداره می شد بروم و در سال ۷-۱۳۵۶ به حوزه مقدسه علمیه قم آمدم و چون در قم مواجه شدیم با تعطیلی حوزه به جهت قیام و انقلاب و تظاهرات خیابانی، غالباً درسها را تا لمعه جلد اول نزد اساتید خصوصی می خواندم کتابهای که قبل از لمعه جلد اول خوانده شد

عبارت‌اند از جامع المقدمات، سیوطی، حاشیه ملاعبده‌الله، منطق مظفر جلدین اصول فقه مغنی باب رابع، معالم الاصول و جلد دوم لمعه را در درس حضرت استاد وجدانی فخر(ره) شرکت کردم. رسائل شیخ انصاری را نیز در محضر معظم له خواندم. بیشتر مکاسب شیخ را در محضر آیت الله پایانی بودم و بخشی را نیز از نوار مکاسب آیت الله ستوده استفاده کردم. کفایه الاصول را نزد آیت الله صالحی مازندانی و بخشی را نزد حضرت آیت الله پایانی خواندم.

همراه دروس سطح حوزه درس فلسفه را نیز از بدایه الحکمه شروع کردم و بعد از آن نهایه الحکمه را خواندم و سپس بخشی از کتاب منطق و فلسفه شرح منظومه حاجی سبزواری فراگرفتم مدتی در فلسفه شرح منظومه از درس حضرت استاد آیت الله انصاری شیرازی استفاده می‌کردم.

سپس به اسفار ملاصدرا پرداختم بعضی از مجلدات آن را در درس حضرت استاد آیت الله حسن‌زاده آملی و بعضی دیگر را از محضر حضرت استاد جوادی آملی فراگرفتم همزمان جلد سوم اشارات را در محضر حضرت استاد حسن‌زاده آملی می‌خواندم. بعد از خواندن مجلداتی از اسفار به درس مصباح الانس ابن فناری حضرت استاد آیت الله حسن‌زاده آملی پرداختم که متأسفانه به سبب ایجاد مزاحمت بعضی جهال مخالف درس عرفان برای شاگردان شناخته شده کارت ورود به جلسه درس تهیه شده است و بعد از اینکه مدتی با کارت ورود به جلسه درس برقرار بود. استاد به جهت پایه این از مزاحمت‌ها درس را تعطیل نموده‌اند و شاگردان را از این نعمت عظمی محروم شده‌اند.

تمام کتاب تمهید القواعد ابن ترکه را در عرفان نظری را با نوارهای درسی حضرت استاد جوادی آملی خواندم و بخشی از شرح فصوص الحکم قیصری را نیز با نوارهای استاد جوادی آملی و استاد حسن‌زاده آملی خواندم و باقیمانده را نیز مترصد فرصتی هستم که بخوانم در درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله فاضل لنکرانی سالهای زیادی شرکت کردم و چون مباحث فقهی معظم له در ابواب عبادات بود چهار سال نیز در درس فقهی حضرت آیت الله وحید خراسانی که در معاملات (خارج بیع مکاسب) بود شرکت نموده‌ام. با تشکیل مرکز تخصصی فقه ائمه اطهار تحت اشراف آیت الله فاضل لنکرانی بعد از قبولی امتحان شفاهی دوره تخصصی فقه را در حد اجتهاد متجزی در آن مرکز گذراندم و اکنون مشغول تحقیقات فقهی در برخی از موضوعات می‌باشم و تدریس تفسیر المیزان را نیز در مدرسه آیت الله بروجردی (خان) مشغولم و بحمدالله از جهت تبلیغ و منبر نیز چه در قم در بیوت و دفاتر علما و چه در خارج قم و چه در اوقات مخصوص تبلیغ مانند ماه مبارک و محرم الحرام و دهه آخر صفر و چه در غیر آن، وقتم بسیار مشغول است. چند سالی در صدای جمهوری اسلامی استان مازندران تحت عنوان درس‌های از نهج البلاغه یا تبیین اسمای ماه مبارک رمضان مباحثی از این کمترین پخش می‌شد.

در سال ۱۳۶۲ رساله این تحت عنوان اخلاقی در دوجهان بینی اسلام و کمونیسم نوشته‌ام که مدتی جزوه درسی سپاه پاسداران استان کردستان قرار گرفته است و نسخه آن نیز موجود است در سال ۱۳۷۶ نیز مقاله‌ای از این حقیر تحت عنوان حوزویان طائفان بیت الله انفسی در روزنامه جمهوری اسلامی به چاپ رسیده است.

زارع، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد زارع قراملکی

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۹ در راستای استفاده از معارف اهل بیت(ع) و خدمت به مکتب شیعه و با انگیزه جهاد علمی در حفظ و حراست از دستاورد قرن‌ها تلاش و کوشش ائمه اطهار و علما رساتین شیعه وارد حوزه علمیه مدرسه عالی حضرت ولی عصر (عج) تبریز شدم.

در مدت حدود چهار و نیم سال سطح یک اتمام لمعه را تمام کردم . در اوایل سال ۱۳۷۴ جهت ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه قم شدم و در جوار حضرت معصومه(ع) و در مدرسه دارالشفاء به ادامه دروس فقه و اصول در سطح عالی پرداختم. از همان ابتدا به مباحث اندیشه سیاسی اسلام علاقه وافر داشتم بنابراین حوزه مطالعاتم را به اندیشه سیاسی اسلام متمرکز کردم. البته در طول تحصیل در کنار مباحث فقه و اصول در دوره های تخصصی کوتاه مدت از قبیل ادیان و مذاهب مرکز تخصصی ادیان زیر نظر جناب حجة الاسلام آقای نواب شرکت کردم و همچنین دوره های فلسفه علم، عرفان اسلامی، منطق فهم دین که توسط پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی برگزار می شد استفاده نمودم.

زارعی، عباسعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عباسعلی زارعی

محل تولد : سبزه وار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عباسعلی زارعی مشهور به زارعی سبزه واری مطابق شناسنامه در سال ۱۳۴۸ در روستای گاچ از توابع شهرستان سبزه وار متولد شدم. نام پدرم محمد و نام مادرم ماندگار زهرائی می باشد. وران کودکی را در آغوش پدر و مادر سپری کرده و قبل از دبستان در سن پنج سالگی به مکتب قرآن رفته و مشغول فراگیری قرآن و بعضی کتابهای دینی شدم. درس ۱۳۵۶ در شهرستان سبزه وار به دبستان رفته و مشغول تحصیل شدم. ر سال ۱۳۶۲ به طور رسمی وارد حوزه علمیه سبزه وار شده و مشغول تحصیل در حوزه شدم تا سال ۱۳۶۵ در سبزه وار از محضر اساتیدی همچون شیخ محمد علی ابراهیم نژاد، سید محمدشیرازی، شیخ حسین طالبی درس سطح را از مقدمات تا اتمام لمعتین استفاده نمودم.

در سال ۱۳۶۵ در امتحان ورودی مشهد مقدس شرکت نموده و پذیرفته شدم. در مشهد مقدس از محضر حضرات حجج الاسلام

آقای جوهری، علامه زاهدی، سنا بادی، علمی و حضرات آیات مرتضوی و فلسفی و آشتیانی و خلخالی تلمذ نمودم. در مشهد مقدس به تقاضای بعضی از طلاب درسهای مقدمات تا لعمه را تدریس می نمودم و در سال ۱۳۶۸ اولین کتاب خودم به نام مسائل منطقی شرح منظومه حکیم سبزه واری را تألیف نمودم. در طول مدتی که در مشهد بودم یعنی مدت نزدیک به پنج سال با جدیت تمام به امر تحصیل و تدریس و تألیف مشغول بودم و برکات فراوانی در طول این مدت نصیب بنده شد. در شبانه روز فقط ۵ یا ۶ ساعت استراحت می کردم و ساعات دیگر را در راه تحقیق و تحصیل سپری کرده و بطور کامل استفاده می نمودم. در مدرسه موسی بن جعفر (ع) مشغول تحصیل و تدریس شدم و در امتحان کفایه ممتاز شناخته شدم.

و در اواخر سال ۱۳۶۹ به توصیه اساتید محترم عازم شهر قم شده و در حوزه علمیه قم پذیرفته شدم.

در حوزه علمیه قم از محضر اساتید بزرگوار آیات عظام فاضل لنکرانی، میرزا جواد تبریزی، وحید خراسانی، سید موسی شبیری زنجانی در فقه و اصول و از محضر حضرات آیات حسن زاده آملی و جوادی آملی در فلسفه استفاده بردم و از سال ۱۳۷۱ در مدرسه آیة الله العظمی گلپایگانی و مدرسه دار الشفاء و فیضیه مشغول تدریس مکاسب، رسائل، بدایة الحکمه، نهایه الحکمه، شرح منظومه، بودم، و در حال حاضر مشغول چهارمین دوره تدریس کفایه الاصول و مشغول به تدریس خارج فقه می باشم. تاکنون کتابهایی را تألیف نموده ام که گزارش آن خواهد آمد. در مراکزی مانند مدارس علمیه الهادی و حجتیه و مرکز فقهی ائمه اطهار و مرکز تخصصی تربیت مدرس نیز تدریس نموده و می نمایم.

زاری مهدی، محمدقاسم

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۷۹ق)، مورخ و شاعر، متخلص به زاری. وی از شعرای مشهد مقدس رضوی بود که در سیر و تاریخ نیز دست داشت. غزل را نیکو می سرود. وی در میدان اصفهان به دست دزدان کشته شد. از جمله آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۶۵۲-۶۵۱)، الذریعه (۳۹۸/۹)، ریحانه (۳۵۱/۲)، صبح گلشن (۱۸۹-۱۸۸)، فرهنگ سخنوران (۴۰۹)، لغت نامه (ذیل / زاری).

زاز سرخسی مروزی، ابوالفرج عبدالرحمان

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۴۹۴-۴۳۲ق)، فقیه و محدث شافعی. معروف به زاز بود. نزد قاضی حسین فقه آموخت و از استاد ابوالقاسم قشیری و حسن بن علی مطوعی و ابومظفر محمد تمیمی و بسیاری دیگر حدیث شنید. احمد بن محمد نیشابوری و ابوطاهر سنجدی و عمر بن ابی مطیع و عده‌ای دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. از آثار وی: کتاب «الاملاء»، در مذهب شافعی، که به گفته یاقوت حموی از «الشامل» ابن صباغ بزرگتر است. در «کشف الظنون» این کتاب تحت عنوان «الامالی»، در فقه، آمده است. از دیگر آثار وی «تعلیقه» است که

نووی در «تهذیب الاسماء و اللغات» از آن نام برده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۱۵۵-۱۵۴/۱۹)، کشف الظنون (۱۶۳)، معجم البلدان (۲۳۵/۳)، معجم المؤلفین (۱۲۲-۱۲۱/۵)، هدیه العارفین (۵۱۸/۱).

زاغولی مروزی، ابو عبدالله محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۵۹-۴۷۲ ق)، حافظ، محدث، مفسر، لغوی و فقیه شافعی. منتسب به زاغول از قرای پنج ده مرو رود بود در انجا به دنیا آمد و در مرو سکنی گزید و اشتهار یافت. نزد ابوبکر محمد سمعانی و موفق بن عبدالکریم هروی فقه آموخت و از ابوالفتح نصر بن ابراهیم حنفی و ابومحمد بغوی و عیسی بن شعیب سجزی حدیث شنید. وی تمام عمر خویش را در طلب و گردآوری حدیث و تالیف و تصنیف به سر آورد. او در لغت صاحب نظر بود. سفری به هرات کرد و در آنجا شاگردانی تربیت کرد. ابوسعید عبدالکریم سمعانی و پسرش ابوالمظفر عبدالرحیم سمعانی از شاگردان وی می‌باشند. زاغولی بیش از چهارصد مجلد مشتمل بر تفسیر و حدیث و فقه و لغت را گرد آورد و آن را «قید الاوابد» نامید.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۳۳/۶)، سیر النبلاء (۴۹۳-۴۹۲/۲۰)، کشف الظنون (۱۳۶۷)، معجم المؤلفین (۲۵۴/۹)، الوافی بالوفیات (۳۷۳/۲)، هدیه العارفین (۹۴/۲).

زال پور، خسرو

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

خسرو زال پور

محل تولد: کازرون

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۵/۹

زندگینامه علمی

آقای خسرو زال پور در نهم مرداد سال ۱۳۴۵ هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان کازرون دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی از یک سو و از سوی دیگر شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام الله علیه او را راهی حوزه علمیه قم گردانید. در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم گردید و

در مدرسه رضویه مشغول تحصیل گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۹ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل حوزوی در قم از محضر بزرگانی چون مرحوم آیت الله فاضل، آیت الله محمدی خراسانی، آیت الله راستی، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته روابط بین الملل در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۱ از دانشگاه شهید بهشتی تهران فارغ التحصیل گردید. و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان "نظام بین الملل و امنیت جمهوری اسلامی ایران" دفاع کرد.

استاد در ایام تحصیل در قم به امر تدریس در دانشگاهها پرداخت و در مراکزی چون دانشگاه رازی کرمانشاه و دانشگاه آزاد اراک و... به تدریس پرداخت، که حاصل زحمات ایشان پرورش دانشجویان فراونی می باشد. وی از امر تحقیق و نگارش و تألیف غافل نماند و آثاری از قبیل "پیرامون انقلاب و امام خمینی" و "پیرامون سازمان ملل و ساختار آن" مقالاتی را به رشته تحریر در آورده است. وی هم اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه رازی کرمانشاه می باشد.

زالی، محمدحسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسن زالی

محل تولد: گلپایگان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سن ۱۶ سالگی وارد حوزه علمیه قم شدم و اکنون حدود ۴۰ سال است که در این حوزه مقدسه اشتغال به تحصیل و تدریس دارم، دوره ادبیات را تا سطح لمعتین و قوانین الاصول در مدرسه علمیه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (قدس سره) گذراندم، و همزمان در دروس مدرسه منتظریه (معروف به حقانی) و زیر نظر آیت الله شهید بهشتی و مدیریت آیت الله شهید قدوسی (رضوان الله تعالی علیهما) نیز توفیق حضور داشتم دروس سطح حوزه را نیز در محضر آن فقیه معظم گذراندم و همزمان به دروس عقاید، اخلاق و تفسیر نیز اشتغال داشتم پس از اتمام سطح به دروس خارج حوزه پرداختم که حدود ۱۵ سال خارج فقه را در محضر آیت الله العظمی گلپایگانی (قدس سره) و ... بودم و خارج اصول را از محضر آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری (قدس سره) و آیت الله وحید خراسانی (دامت برکاته) استفاده کردم و همزمان دروس عرفان «شرح قیصری» و ... فلسفه، منظومه، اشارات، الشفاء و اسفار ملاصدرا را از محضر حضرات آیات حسن زاده آملی، جوادی آملی، انصاری شیرازی و ... بهره جستم و از درس تفسیر اساتید مختلف حوزه علمیه نیز بحمد ا... برخوردار شدم.

اکنون بیش از ده سال است که به تدریس خارج فقه با عنوان مکاسب محرمه، انفال، خمس، زکوه، صوم، اعتکاف مشغولم و در حال حاضر به تدریس خارج فقه و اصول (یک دوره کامل با متن کفایتین) اشتغال دارم، علاوه بر آن دروس حوزوی ادبیات تا سطح

عالی مکاسب و کفایتین را بارها تدریس کرده ام. اینجانب به خاطر علاقه وافری که به دروس تفسیر، حدیث، نهج البلاغه، احکام، فلسفه و معارف اسلامی داشتم سالهاست که بحمد... توفیق تدریس این دروس را نیز دارم که هم اکنون درس های نهج البلاغه پنجشنبه ها از رادیو معارف پخش می شود و دروس فلسفی را از نهایی مرحوم علامه تا منظومه سبزواری، اسفار از جلد ۱ تا جلد ۸ (که هم اکنون مشغول هستم) تدریس داشته ام.

همزمان با دروس حوزوی در دانشگاه نیز تدریس می کردم، از همان اوایل بازگشایی دانشگاهها پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در دانشکده های مختلف دانشگاه تهران، علوم پزشکی تهران، و سپس تربیت مدرس قرآن به ارائه دروس معارف اسلامی به معنای اعم آن، فلسفه ملاصدرا، اسفار، شواهد الربوبیه، اخلاق اسلامی و پاسخ به سوالات پرداختم، در دانشگاه قم، تربیت مدرس قم، دانشگاه آزاد اسلامی قم نیز به تدریس معارف اسلامی، نهج البلاغه، تفسیر، احکام، فلسفه، حکمه متعالیه و پاسخگویی به سوالات دانشجویان و اساتید همت گماشتم در طول این مدت فراوان رساله های علمی و پایان نامه های دانشجویان و حوزویان را نیز بر عهده داشتم که هم اکنون نیز با عنوان استاد راهنما، مشاور و داور در این قسمت توفیق دارم.

در گزینش اساتید معارف برای دانشگاه های سراسر کشور نیز به عنوان استاد مصاحبه گر در معاونت اساتید نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری توفیق انجام وظیفه دارم از زمان شروع دروس تخصصی حوزه علمیه قم در مراکز تخصصی کلام تفسیر، تبلیغ نیز اشتغال داشته و به تدریس فلسفه ملاصدرا تفسیر قرآن، تربیتی و موضوعی و فلسفه اخلاق پرداختم از جمله کارهای علمی و فرهنگی اینجانب حضور در مراکز علمی و فرهنگی حوزوی و دانشگاهی جهت سمینارهای علمی و پاسخ به سوالات بوده است همچنان که در تمام ایام تبلیغی و ایام الله و مناسبات تبلیغی در داخل و خارج کشور حضور داشته و انجام وظیفه می نمودم و لازم به یادآوری است که صدا و سیما هم به مناسبتهای مختلف به تهیه فیلم و نوار پرداخته اند که قسمت زیادی از اندوخته ها تا به حال ارائه شده است به ویژه رادیو معارف در تهیه مطالب در زمینه های عرفان اسلامی، تفسیر، ترجمه نهج البلاغه، اعیاد و وفیات، مناسک حج و فلسفه حج، فلسفه احکام و فقه اسلامی و... زمینه توفیق مطالعه و ارائه آنها را فراهم آورده است. در جامعه الزهرا قم نیز مباحث معانی بیان، بدیع، رسائل، اصول الفقه، اخلاق را طی سالهای تحصیلی تدریس داشته ام کوتاه سخن اینکه اینجانب با لطف الهی و عنایات حضرت باری تعالی عمر و زندگی را که حدود ۴۰ سال آنرا بخش علمی در حوزه علمیه قم به خود اختصاص داده است پیوسته اشتغال به تحصیل و تدریس و تبلیغ و یا صرف وقت در تهیه جزوات علمی و یا مصاحبه های علمی و تحقیقات حوزوی داشته ام.

زادهای یزدی، مهدی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۴۶ ق)، عالم و مورخ. اهل مشهد بود. در همانجا به تحصیل پرداخت و در مشهد درگذشت. از آثار اوست: «ام الکتاب» در چهار جزء وقایع الایام، رویداد کربلا، جشنها و شرح احوال حضرت عباس (ع).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۰۳/۲)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۵۶۴/۱).

زاهد علایی بخاری، ابوعبدالله، محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۴۶/۵۴۵ ق)، فقیه، اصولی، مفسر، واعظ و متکلم حنفی. معروف به علاء زاهد. در آخر عمرش املائی حدیث می‌کرد. وی از مشایخ صاحب «الهدایه» بود. از آثارش «تفسیر القرآن» یا «تفسیر محمد بن عبدالرحمان» یا «تفسیر علائی» است که بیش از هزار جزء می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: کشف الظنون (۴۵۸، ۴۵۴)، معجم المؤلفین (۱۳۳/۱۰)، الوافی بالوفیات (۲۳۲/۳)، هدیه العارفین (۹۱/۲).

زاهد قمی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ علی بن شیخ ابراهیم بن شیخ محمدعلی قمی نجفی از علماء نامی و زهاد سامی و معروف به (زاهد قمی) معاصر ما بوده است وی در ۲۷ رمضان در سال ۱۳۸۰ ق در تهران از دختر علامه شیخ مشکور نجفی متولد شده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات و سطوح اولیه را در تهران خوانده آنگاه به نجف اشرف مهاجرت نموده و از اباحت میرزا حبیب‌الله رشتی و علامه آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و علامه حاج میرزا حسین خلیلی و علامه آسید محمد کاظم یزدی و آشیخ رضا همدانی صاحب (مصباح الفقیه) استفاده نموده و به مدارج علم و کمال رسیده و بیشتر به علم و عبادت و زهد و قناعت پرداخته و در مسجد هندی اقامه جماعت نموده و خود نگارنده مدت‌ها ناظر و شاهد بودم که وجوه آیات عظام و علماء اعلام و مراجع کرام مانند آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و حاج شیخ محمدحسین کمپانی اصفهانی و حاج شیخ موسی خونساری و حاج شیخ محمدعلی کاظمینی و حاج سید محسن حکیم و آقا میرزا عبدالهادی شیرازی و آسید محمود شاهرودی و آیت‌الله العظمی حاج ابوالقاسم خوئی و حاج شیخ کاظم شیرازی و آشیخ عبدالکریم جزایری و صدها نفر امثالهم به وی اقتدا نموده و درک جماعت او را فوز و فیض عظیم می‌شمردند

آن مرحوم در درس اخلاق ناسک و سالک بزرگ الی‌الله آخوند ملا حسینقلی همدانی متوفی (۱۳۱۱) شرکت و استفاده سرشار نموده و روش آن عالم ربانی را گرفته و علم حدیث و درایه را از مرحوم حاج میرزا حسین نوری بهره‌مند شده است دارای تألیفات عدیده می‌باشد که صاحب الذریعه آن را کتابش ذکر کرده است و از آنهاست کتب زیر:

۱- شرح التبصره در ده جلد بزرگ ۲- صلوٰة المسافر بحث فقهی استدلالی. ۳- تقریرات استادش میرزا حبیب‌الله رشتی و حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی و آخوند خراسانی.

۴- الرجال- تراجم اسانید کافی ۵- الاجاره ۶- الکشکول در چندین جزء دارای فرزندان صالح و برومند است که ذیلاً می‌نگارم.

۱- علامه فاضل مرحوم آقا شیخ حسن قمی داماد شیخ مشکور صغیر که در راه کربلا بدست قطاع الطریق در حیاة والدش مقتول گردید.

- ۲- شیخ شریف که به مرض سل در زندگی پدرش در تهران وفات و در مقبره‌ی ابن بابویه مدفون شده است.
- ۳- شیخ محمد نیز در زمان پدرش وفات نمود و او اهل فضل و تقوا بود.
- ۴- حجه الاسلام والعالم العلام حاج شیخ موسی که از معاودین و اعلام معاصرین قم می‌باشد.
- ۵- حاج محمدجعفر که از اخیار تجار و اصناف می‌باشد.
- ۶- یک دختر که همسر علامه شیخ محمد مؤمنی قوچانی نجفی بوده است.
- آن مرحوم در سال ۱۳۶۶ ق مبتلا به کسالت شده و در بغداد و تهران معالجه نموده و لکن مفید نشده تا در شب چهارشنبه ۲۲ جمادی‌الاولی ۱۳۷۱ ق وفات نموده و در جوار مولی‌الموحدین مدفون گردیده است.
- برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

زاهد گیلانی ثانی، ابراهیم

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۱۹ ق)، عالم، ادیب، عارف، شاعر و خطاط. وی عموی محمدعلی حزین لاهیجی، صاحب «تذکره المعاصرین» بود. نسبش با چهارده واسطه به شیخ زاهد گیلانی می‌رسد. او مقدمات علوم را در لاهیجان نزد پدرش و ملا علی نوری فراگرفت و در شاعری و خوشنویسی و ترسل مهارت یافت. هفت قلم را نیکو می‌نوشت و خوشنویسان اصفهان از نمونه‌های خط او که به آنجا می‌رسید، بهره می‌بردند. هنگامی که با پدر خود به لاهیجان سفر کرده بود، مدت یک سال نزد عموی خود به تحصیل مشغول شد و «خلاصه الحساب» شیخ‌بهایی را نزد او فراگرفت. وی سپس به خدمت حسینعلی شاه رسید و به هدایت مردم مامور شد. شیخ ابراهیم از پیروان سلسله‌ی نعمت‌اللهیه بود. او در لاهیجان در گذشت. از آثار وی: حاشیه بر «المختلف» علامه، به نام «رافع الخلاف»؛ حاشیه بر «کشاف» به نام «کاشف الغواشی»؛ رساله‌ای در توضیح «کتاب اقلیدس»؛ «القوائد الغراء»، در مدح آل‌عباء (ع)؛ «دیوان» شعر. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۹- ۸/ ۱)، اعیان الشیعه (۱۸۱/۲)، تذکره المعاصرین (۲۴۶- ۲۴۵، ۱۱۶- ۱۱۳)، الذریعه (۲۳۹، ۱۷/ ۸۶، ۱۰/ ۶۰، ۹/ ۳۹۹)، ریاض العارفین (۲۶۱- ۲۶۰)، ریحانه (۳۵۷- ۳۵۶/ ۲)، طرائق الحقائق (۳/ ۲۲۳)، لغت نامه (ذیل / زاهد)، معجم المؤلفین (۱/ ۵۳)، مکارم الآثار (۳/ ۷۵۰)، نامها و نامدارهای گیلان (۸).

زاهدی غزمینی خوارزمی، نجم‌الدین، ابوالرجاء مختار

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۵۸ ق)، فقیه و اصولی حنفی. معروف به زاهدی. نسبت وی به غزمین از قصبات خوارزم می‌رسد. سفری به بغداد و روم کرد. وی از شاگردان سکاکی بود. از آثارش: «المجتبی» در شرح «المختصر القدوری»، در فقه حنفی، در سه مجلد؛ «الصفوه»، در اصول فقه؛ «فرائض زاهدی»؛ «الجامع فی الحیض»؛ «کتاب فضائل» یا «فضائل شهر رمضان»؛ «رساله الناصریه»، در نبوت و معجزات؛ «قنیه الفتاوی»؛ «قنیه المنیه لتتمیم الغنیه»؛ «الحاوی فی الفتاوی»؛ «تفسیر قرآن» یا «تفسیر زاهدی»؛ «زاد الاثمه فی فضائل خصیصه الامه»؛

«فضل التراویح».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷۲/۸)، ریحانه (۳۵۷/۲)، کشف الظنون (۱۹۲۱، ۱۶۳۱، ۱۵۹۲، ۱۴۴۷، ۱۴۴۶-۱۳۵۷، ۱۲۷۸، ۱۲۴۷، ۱۰۸۰، ۹۴۵، ۸۹۷، ۸۹۵، ۸۹۳، ۸۶۶، ۶۲۸، ۵۷۷)، لغت نامه (ذیل / مختار)، معجم المؤلفین (۲۱۱/۱۲)، هدیه العارفین (۴۲۳/۲).

زاهدی گیلانی، ابوطالب

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۱۲۷-۱۰۵۸ ق)، مفسر، عالم دینی، ریاضیدان، شاعر و خطاط. در لاهیجان متولد شد. علوم عربی و سطح را در همان شهر نزد شیخ الاسلام ملا حسن لاهیجی خواند. در بیست سالگی به اصفهان رفت و ریاضی را نزد ملا رفیع یزدی و سایر علوم متداول را از اکابر علمای آن شهر همچون آقا حسین خوانساری فراگرفت و به مراتب عالی‌ه‌ی علمی نایل گردید. چون از فقر قادر به خرید کتاب نبود کتابهای مورد احتیاج خود را استنساخ می‌کرد و تا روزی هزار بیت که هر بیت پنجاه حرف بود می‌نوشت. خوش خط و سریع القلم بود. وی کتابخانه‌ای با بیش از پنج هزار جلد کتاب گردآورد که بسیاری از آنها را به خط خود تصحیح کرده و بر بیشتر آنها شرح و حاشیه نوشته است. «تفسیر بیضاوی» و «قاموس» و «تهذیب» و «شرح لمعه» را به خط خوش نوشت. در اصفهان وفات یافت و در همان شهر دفن شد. از آثار وی: «رساله الحركة»؛ رساله در «مساله العلم»؛ رساله در «عمل المسبح و المتسع و الدائره»؛ رساله در شرح آیه‌ی «قل الروح من امر ربی»؛ شرح قول ارسطو «لم صار ماء المطر خفیفاً»؛ شرح حدیث «عرفت الله بفسخ العزائم» که برخی از این تالیفات را پسرش شیخ محمدعلی حزین لاهیجی به فارسی ترجمه و شرح کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۶۷/۲)، تذکره القبور (۷۹)، تذکره المعاصرین (۴۴-۴۳)، الذریعه (۳۴۷، ۳۱۵/۱۵، ۲۴/۱۴، ۲۰۲/۱۳، ۳۹۴/۶، ۳۲۸/۴)، ریحانه (۱۶۶/۷، ۳۵۷-۳۵۶/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۹۴-۳۹۳/۱۲)، الکنی و الالقاب (۱۰۸-۱۰۷/۱)، لغت نامه (ذیل / زاهدی)، نامها و نامدارهای گیلان (۲۲).

زاهدی، ابوالفضل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۰۹ ق)، محدث، مفسر، فقیه و مدرس. وی در قم به دنیا آمد. پس از گذراندن مقدمات و سطوح نزد میرزا سید محمد برقی حدود ده سال از محضر حاج شیخ ابوالقاسم کبیر استفاده نمود. مدت دو سال در اراک اقامت داشت، سپس به قم مراجعت کرد و در درس فقه و اصول آیت‌الله حایری، موسس حوزه‌ی علمیه‌ی قم، حاضر شد. علم حکمت و فلسفه را نزد میرزا علی‌اکبر حکمی یزدی فراگرفت. پس از فوت آیت‌الله حایری دو سال در تهران در مسجد جامع به گفتن تفسیر و احادیث و مواعظ پرداخت. در ۱۳۶۸ ق به قم بازگشت و به گفتن تفسیر قرآن در مدرسه‌ی فیضیه و تدریس فقه و اصول مشغول شد. از آثار عام‌المنفعه وی، بناء و تعمیر قسمت غربی مسجد امام که در دو طبقه که به بهترین اسلوب ساخته شده است. از آثار علمی‌اش: «رساله الشرط و آثاره»؛

«رساله الضرر»؛ «افعل و ما افعل»؛ «منطق الحسین (ع)»؛ «مقصد الحسین (ع)»؛ «تسهیل الامر فی بحث الامر»؛ «اثبات المعلوم فی نفی المفهوم»؛ «ارغام الکفره فی سوره البقره»، «اتمام»؛ «اقسام الدین»، «اتمام»؛ حواشی بر «جواهر» [۱].

آقای حاج میرزا ابوالفضل بن العلامه الناطق حاج ملا محمود الواعظ از آیات عظام و علماء اعلام و حجج اسلام شهرتسان قم و حوزه علمیه عالمی عامل و فاضلی کامل و محدثی خبیر و مفسری بصیر است و ایشان از طرف مادر منسوب به سادات رضوی و سبط مرحوم حاج سید عبدالباقی رضوی که از خدام ذوی الاحترام حضرت معصومه علیها السلام بوده می باشد.

تولدش در ۱۶ شعبان ۱۳۰۹ قمری در بلده طیبه قم واقع شده و پس از بلوغ و رشد مقدمات و سطوح را خدمت مرحوم علامه میرزا سید محمد برقی بن العلامه حاج سید عبدالله قمی خوانده و حدود ده سال از محضر مرحوم آیت الله حاج شیخ ابوالقاسم کبیر استفاده نموده و دوبار در سال ۱۳۳۶ و ۱۳۳۹ به اراک مسافرت کرده و دو سالی در آنجا توقف و در سال ۱۳۴۰ قمری مراجعت به قم و حاضر به درس فقه و اصول مرحوم آیت الله موسس حایری گردیده و علم حکمت و فلسفه را نزد مرحوم میرزا علی اکبر یزدی خوانده و پس از فوت مرحوم حایری چند سال در تهران توقف نموده و به گفتن تفسیر و احادیث و مواعظ در منبر مسجد جامع ترویج دین نموده و هم در آنجا اقامه جماعت کرده تا سال ۱۳۶۸ قمری که مراجعت به قم و به گفتن تفسیر قرآن در مدرسه فیضیه و درس فقه و اصول برای طلاب و فضلاء حوزه اشتغال و از تاریخ مزبور تاکنون در مسجد امام علیه السلام قم اقامه جماعت دارند و شبها برای مردم تفسیر گفته و از این طریق خدمت به شرع انور می نمایند. آثار علمی و باقیات الصالحات معظم له از این قرار است:

۱- بناء و تعمیر قسمت غربی مسجد امام دو طبقه که به بهترین اسلوب ساخته و تکمیل نموده و برای این منظور در مقابل نادانان و حسودان ابناء نوع استقامتی عجیب کرده و در راه حق از ملامت ملامت کننده نهراسیده تا به مقصود که احیاء مسجد باشد رسیده است.

و اما آثار علمی از این قرار است:

۱- رساله الشرط و آثاره ۲- رساله الضرر ۳- افعل و ما افعل ۴- منطق الحسین علیه السلام ۵- مقصد الحسین علیه السلام ۶- تسهیل الامر فی بحث الامر ۷- اثبات المعلوم فی نفی المفهوم ۸- ارغام الکفره فی سوره البقره ۹- اقسام الدین ۱۰- بعضی حواشی بر جواهر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۶۶- ۱۶۵/۲).

زاهری، میرزا احسان

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج میرزا احسان زاهری

محل تولد: کاشان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۱/۳

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی را در مدارس کاشان گذراندم که در همان زمان از دبستان روحیه مبارزاتی و محو عکس‌های شاه را از کتاب داشتم. دبیرستان را در دبیرستان محمودیه شبانه گذراندم، مقداری هم به ادبیات عرب و دروس حوزوی توجه داشتم و کار هم می‌کردم. با پایان دیپلم در سال ۱۳۵۳ با حضور در کلاس‌های آقای حجة الاسلام والمسلمین محسن قرائتی و آشنایی و مشورت‌های مکرر با علما که به دانشگاهها و تربیت معلم بروم یا حوزه، یکی از علمای کاشان حضرت حجة الاسلام حاج آقا خراسانی فرمود: ارزیابی کن کدامین راهها حفظ انسان را بیشتر تأمین می‌کند زیرا بیشتر من به فکر خدمات به مردم بودم. اینجا پایان مشورت محقق شد. به دعوت حجة الاسلام قرائتی به قم و سپس به مدرسه رسالت معرفی شدم. اولین صبحانه را در منزل ایشان در قم صرف نمودم. دروس کلاسیک حوزوی را در مدرسه رسالت قم گذراندم تا آغاز و شور انقلاب اسلامی ایران آنگاه تا سال ۱۳۵۸ در مدرسه رسالت سطح اول ادبیات را گذراندم. لمعه و اصول را در حوزه آزاد آغاز نمودم تا سال ۱۳۶۱ که رسائل و مکاسب می‌خواندم. با درخواست حجة الاسلام قرائتی به استان سیستان و بلوچستان هجرت جهت تدریس معلمان نهضت سوادآموزشی و مدیریت و راه‌اندازی آن.

در زاهدان به درس کفایه الاصول حجة الاسلام والمسلمین حاج آقا مؤیدی حضور و در کنار آن نوارهای کفایه حضرت آیه‌الله فاضل لنکرانی و مکاسب مرحوم آیه‌الله ستوده و رسائل حجة الاسلام اعتمادی را مرور و خلاصه‌نویسی در طول مدت بیش از دو سال تا دی ماه ۱۳۶۳ نمودم. سپس به حوزه برگشتم درس خارج حضور یافتم. فقه و اصول در آن روزگار فقه آیه‌الله منتظری، اصول آیه‌الله حاج شیخ حسین مظاهری درس رسائل را مروری حضرت آیه‌الله راستی کاشانی و مجدداً به دو درس کفایه الاصول جلد یک و دو مرحوم آیه‌الله ستوده حاضر شدم. و تا پایان دیماه ۱۳۶۶ مروری به کتاب‌های کفایه و رسایل و مکاسب داشتم. سال ۱۳۶۶ به استان سیستان و بلوچستان و تدریس در دانشگاههای آن دیار و تدریس در تربیت معلم و افسران ارتش و مسئولیت در سه نیروی ارتش کارهای جدیدی را آغاز نمودم. ادامه دروس حوزوی را در زاهدان همراه خود با مباحثات داشتم. با خلع آیه‌الله منتظری از قائم مقامی با ناراحتی شدید از برخورد ایشان با مواضع امام راحل و روشن شدن بسیاری از مسائل از پشت پرده ابهام دیگر دروس و مواضع ایشان را برای خود و دوستان طرد نمود. آنگاه از سال ۱۳۶۹ به حوزه بازگشتم. حداقل بیش از ۱۲ سال درس خارج حضور یافته‌ام. در این مدت ۶۹ تا ۸۳ که در حوزه حدود ۱۴ سال بوده‌ام. تدریس در مدارس علوم جهانی مرعشیه چند سال طلاب خارجی، تدریس اصول استنباط و اصول فقه چندین دوره در حرم مطهر، تدریس لمعه در فیضیه و مدرسه آیه‌الله مرحوم نجفی مرعشی، تدریس بدایه و نهاییه در فیضیه، تدریس رسایل و مکاسب و کفایه در مدرسه آیه گلپایگانی و فیضیه، تدوین کتاب‌ها از سال ۱۳۸۰ آغاز و چاپ گردید که تاکنون ادامه دارد. از سال ۱۳۸۳ به دعوت کارهای تحقیقی و ستادی توسط حجة الاسلام حاج محسن قرائتی به تهران دعوت و سپس امامت جمعه احمدآباد مستوفی را قبول نمودم که الان ادامه دارد.

زبجی جرجانی، ابوالحسن علی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۶۸ - ۳۹۰ ق)، حافظ و محدث. اصلش از زبج، از توابع جرجان بود. وی دایی حافظ عبدالله بن یوسف جرجانی بود و در هرات سکونت داشت. زبجی از علی بن محمد مودب و عبدالواحد بن محمد منیری و قاضی ابوبکر حیری و ابوسعید صیرفی و ابوالقاسم حمزه سهمی و عبدالله بن عبدالرحمان بنانی حرزی و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید. اسماعیل بن ابوصالح مؤذن و صاعد بن سیار و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. در «معجم البلدان» سال وفات وی ۴۰۸ ق در هرات ذکر شده است. از آثارش: «تاریخ

جرجان».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۳۶۵-۳۶۴/۱۸)، کشف الظنون (۲۹۰)، لغت نامه (ذیل / زبجی)، معجم البلدان (۱۴۶/۳)، هدیه العارفین (۶۹۲/۱).

زبیده

قرن: ۱۱

جنسیت: زن

ملیت: ایران

ذوالقعدة ۱۰۹۲ - ۱۰۲۴ ق، از زنان عالم، فاضل، ادیب و مفسر. وی دختر ملاصدرای شیرازی (۱۰۵۰ ق) و خواهر بدریه و صدریه بود. زبیده نزد پدر و خواهرش بدریه درس خواند و در ادبیات و تفسیر به مقام استادی رسید و حافظ قرآن شد. او با معین‌الدین محمد فسایی ازدواج کرد و از او کمال‌الدین محمد معروف به میرزا کمالا را به دنیا آورد و به فرزندش نیز ادبیات آموخت، تا اینکه از اساتید مبرز این رشته شد.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منابع: اعیان‌الشیعه (مستدرکات)، ۳ / ۸۳؛ معادن‌الحکمه (مقدمه)، یج.

زبیده‌ی اصفهانی

قرن: ۱۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

از زنان محدث، دین‌دار و نیکوکار. وی از ابوالحسن احمد بن عبدالرحمن ذکوانی و ابوعبدالله قاسم بن الفضل و ابوحفص عمر بن احمد سمسار حدیث شنید و سمعانی از او احادیثی چند نوشته است.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: اعلام‌النساء، ۲ / ۳۰.

زجاجی چرندابی تبریزی

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۶۰۸ ق)، شاعر و مورخ. از آثار وی: «تاریخ منظوم زجاجی»، در تاریخ.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فرهنگ سخنوران (۴۱۱)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۶۷۱، ۵۹۱/۱)، لغت نامه (ذیل / زجاجی)، یغما (س ۵، ص ۵۶۰-۵۵۴).

زجاجی طبری، ابوعلی حسن

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۴۰۰ ق)، محدث و فقیه شافعی. وی متولی قضاوت بود. از آثارش «التهذیب»، در فروع فقه شافعی که مختصری مشتمل بر «فروع زانده علی المفتاح» است که به همین مناسبت به نام «زوائد المفتاح» نامیده شده است. از دیگر آثارش تصنیف کتابی در «علل الحدیث» است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: کشف الظنون (۱۷۶۹، ۱۱۶۰، ۵۱۷)، معجم المؤلفین (۲۸۴/۳).

زجاجی گرگانی، ابوالقاسم یوسف

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۱۵-۳۵۲ ق)، ادیب، لغوی، نحوی و محدث. اصل وی از همدان و ساکن گرگان و استرآباد بود. به واسطه‌ی پیشه‌ی آبگینه‌سازی و فروش آن به زجاجی معروف شد. از ابواحمد غطریفی و ابواسحاق بصری و دیگران حدیث استماع کرد. از آثار وی: شرح «الفصیح» ثعلب کوفی، در لغت؛ «عمده‌الکتاب»، در فقه؛ «عمده‌البیان»؛ کتاب «خلق الانسان»؛ کتاب «خلق الفرس»، که گروهی آن را تصنیف کرده و زجاجی نیز از آن جمله است؛ کتاب «اشتقاق الاسماء»؛ «الریاحین».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۱۶/۹)، روضات الجنات (۱۷۱/۱)، ریحانه (۳۷۰/۲)، کشف الظنون (۱۳۹۱، ۱۲۷۲، ۱۱۷۱، ۷۲۳، ۷۲۲)، لغت نامه (ذیل / زجاجی)، معجم الادباء (۶۱/۲۰)، معجم المؤلفین (۳۱۲/۱۳)، هدیه العارفین (۵۵۰/۲).

زجاجی مجرد، مجید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مجید زجاجی مجرد

محل تولد: کاشان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیر به سال ۱۳۴۲ شهریور ماه در یک خانواده مذهبی در کاشان متولد گردیدم که پس از گذراندن دوران تحصیلی ابتدائی و راهنمایی (سال سوم) مصادف با انقلاب اسلامی شدم که نسبت به سن خود یکی از عاشقان امام خمینی (ره) مطرح بودم. در انقلاب شرکت نموده و پس از آن با فرمان امام (ره) مبنی بر تشکیل بسیج یکی از نیروهای اولیه بسیج بودم و به عنوان مربی آموزش نظامی و سپس به عنوان مسئول آموزش نظامی مطرح شدم و با شروع شرارت‌های دشمن در کردستان از طرف جهاد سازندگی به مدت سه ماه به کردستان و بانه رفتم و در عملیات جاده سردشت - مریوان شرکت داشتم. با شروع جنگ تحمیلی به عنوان رزمنده در جنگ شرکت کردم. (بسیجی) در جنگ‌ها و عملیات‌های فتح المبین، بیت المقدس، محرم، شلمچه، آبادان، ماهشهر که مجموعاً حدود ۲۰ ماه تا سال ۶۲ در جبهه حضور داشتم. سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه امام خمینی (ره) شدم و حدود ۲ سال در آن حوزه و سپس تاکنون در حوزه علمیه حضرت آیت الله یثربی به عنوان یک طلبه می‌باشم که بحمدالله دوران سطح ۱ و ۲ و ۳ را تمام نموده. (اتمام کفایتین) سپس یک دوره ۹ ساله درس خارج فقه حوزه کاشان را گذرانده و سپس تا به حال یک دوره درس خارج اصول را گذرانده‌ام و از چند نفر از علماء و مراجع موفق به کسب اجازه نیز شده‌ام. همزمان با حوزه و دروس آن موفق به تحصیل در دانشگاه شده‌ام. بحمدالله در عرض دروس حوزه و دانشگاه اقدام به نویسندگی نموده‌ام که تا به حال ادامه دارد. همچنین از سال ۱۳۷۵ تا به حال در کرسی خطابه بوده‌ام که تا به حال در سطح کشور و خارج انجام وظیفه نموده‌ام. همچنین در حوزه و دانشگاه اقدام به تدریس نموده‌ام. همچنین موفق به اخذ چندین تشویق‌نامه علمی شده و استاد رسمی تاریخ اسلام با گرایش صدر اسلام و امامت می‌باشم.

زجاجی نهاوندی، عبدالرحمان

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۴۰-۳۳۷ ق)، ادیب، نحوی. در نهاوند به دنیا آمد و در بغداد نشو و نما یافت و نزد ابراهیم بن محمد زجاج، نبطویه، اخفش صغیر، محمد یزیدی و ابوبکر بن درید کسب دانش کرد و در طبری در گذشت. از آثار وی: «الجمال الکبیر کبری»؛ «الایضاح الکافی»؛ «الامالی»؛ «شرح الالف و اللام للمازنی»؛ کتاب «اللامات یا اللامیات».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۶۹/۴)، روضات الجنات (۲۸- ۲۷/ ۵)، ریحانه (۳۶۹/۲)، سیر النبلاء (۴۷۶- ۴۷۵/ ۱۵)، الکامل (۳۳۷/۶)، کشف الظنون (۱۵۳۵، ۱۳۹۶، ۹۴۷، ۶۰۳، ۲۱۰، ۴۸)، الکنی و الالقاب (۲۹۶- ۲۹۵/ ۲)، لغت نامه (ذیل / عبدالرحمان)، معجم المؤلفین (۱۲۴/۵)، وفيات الاعیان (۱۳۶/۳).

زجاجی، عبدالرحمن

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالرحمن نحوی (ف. ۳۳۷ ه.ق. / ۹۴۹ م.) وی در نهاوند متولد شد و نزد زجاج در بغداد تعلیم گرفت و بدو منسوب گردید. در

دمشق و ایله تدریس کرد. او راست: کتاب «الجمال» در نحو که آن را در مکه تألیف کرد و نسخه آن در برلین است. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

زرآبادی، موسی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید موسی حسینی زرآبادی که سبط عالم جلیل مولی کریم روغنی است فیلسوف متاله و حکیمی الهی و متکلمی توانا و فقیهی اصولی و مبین معارف ائمه معصومین علیهم السلام بود.

در سال ۱۳۱۱ قمری در بیت علم و تقوا به دنیا آمده و در دوران کودکی مقدمات و ادبیات را خوانده و از محضر اساتید بزرگ چون حاج مولی علی اکبر ایزدی متوفی ۱۳۳۰ فقها و اصولا- استفاده نموده و تقریرات درس ایشان را مبسوطا نوشته و به تهران مسافرت کرده و در مدرسه سید نصرالدین مشغول تکمیل علوم عقلی و نقلی و ریاضی شده و از محضر میرزا ابوالحسن جلوه متوفی ۱۳۱۴ قمری و میرزا حسن کرمانشاهی متوفی ۱۳۳۶ قمری و میرزا شهاب شیرازی و شیخ علی نوری متوفی ۱۳۳۵ بهره برده و پس از تکمیل مراتب علمی به قزوین مراجعت و به تدریس علوم اسلامی از عرفان و فلسفه و کلام و فقه و اصول و تربیت و ارشاد مشغول و شاگردانی مبرز در علم و تقوی چون مرحوم حاج شیخ علی اکبر الهیان و حاج شیخ مجتبی قزوینی و حاج سیدعباس مدرسی و حاج سید جوادی تربیت نموده است. دارای تألیفاتی نافع در علوم مختلفه می باشند.

۱- اصول دین

۲- اعتقادات

۳- تعلیقه بر رسائل شیخ انصاری

۴- حاشیه بر منظومه سبزواری

۵- حاشیه بر الهیات اشارات

۶- حاشیه بر منطق اشارات

و رساله‌های دیگری در مواظ و علوم فلسفه و غیر اینها.

معظم‌له در دوم ربیع‌الثانی ۱۳۵۳ هجری قمری از دنیا رفته و در جوار حضرت شاهزاده حسینی قزوین مدفون شده است.

(۱۳۵۳- ۱۲۹۴ ق)، فقیه. وی در قزوین و تهران به تحصیل علوم معقول و منقول پرداخت. حاج ملا- علی اکبر ایزدی سیادهنی تاکستانی از استادان وی بود که سید موسی «تقریرات» درس فقه و اصول ایشان را نگاشته است. وی در تهران در محضر اساتیدی چون میرزا حسن کرمانشاهی و سید شهاب‌الدین شیرازی و شیخ علی نوری حکمی و شیخ فضل‌الله نوری کسب فیض کرد. شیخ علی الهیان تنکابنی و شیخ مجتبی قزوینی خراسانی و شیخ هاشم قزوینی و سید محمدتقی معصومی اشکوری و سید علی محمد حاج سید جوادی و بسیاری دیگر از شاگردان وی می باشند. از آثارش: تعلیقه بر بخشی از «رسائل»؛ حاشیه بر «مطول»، بخش علم بیان؛ حاشیه بر «کفایه الاصول»؛ شرح «سامان و ابسال» ابن سینا؛ رساله‌ی «اعتقادات»، به عربی؛ حاشیه بر «منظومه» سبزواری؛ حاشیه بر «شرح اشارات»، بخش الهیات؛ «اصول الدین»، به فارسی؛ رساله‌ای درباره‌ی مشروطیت؛ حاشیه بر منطق «اشارات». [۱]

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

منابع زندگینامه [۱]: کیهان فرهنگی (س ۹، ش ۱۲، ص ۲۷-۲۶، ۵).

زرتشت

قرن: ۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۰۰۰ ق م)، پیامبر. در روزگار باستان از خانواده «سپیتمه» بود. در تاریخ ولادت او بین ۱۰۰۰ تا ۶۶۰ ق. م اختلاف هست و بعضی از پارسیان از روی محاسبات نجومی آن را تا ۴۵۰۰ سال قبل از میلاد بالا می‌برند، هرچند از بعضی روایات قدیم یونان نیز این نکته برمی‌آید، لیکن قبلو آن به جهات بسیار دشوار است. پدر زرتشت پور و شسپ و مادرش دغدو یا دغدویه نام داشت. در مورد زادگاه او نیز اختلاف است، بعضی او را از ناحیه ماد (ارومیه) و بعضی از خراسان (بلخ) و بعضی از روی می‌دانند. کلمه زرتشت ظاهراً مرکب از دو کلمه است «زرت» به معنای زرد و «اوشتر» به معنای شتر و کلا به معنای شتر زرد یا دارنده‌ی شتر زرد است. در زمان گشتاسب، شهریار خراسان، ظهور کرد و گشتاسب نیز دین او را پذیرفت. پایان زندگی وی نیز چندان روشن نیست. طبق روایت در حمله‌ی دوم ارجاسب تورانی به بلخ به دست یکی تورانی از خاندان کرپ، به نام براترک رش کشته شد. نوشته‌اند که اوستا، مجموعه‌ی اعتقادات و تعالیم زرتشت، پس از وی و به فاصله‌ی هشتصد سال بعد نوشته شده است. ولی آنچه مسلم است گاتها از قسمتهای دیگر قدیمی‌تر است و نزدیک به زبان و دها مذهب هندوان و شعرگونه است. زرتشت قائل به مبدا واحد مجردی برای موجودات است که در آن اهورا مزدا خداست. نور و ظلمت یا یزدان و اهریمن هر دو حادث‌اند، و معتقد است که نظام هستی به واسطه‌ی امتزاج نور و ظلمت پایدار می‌شود و مرجع تمام خیرات یزدان است. لشکر یزدان و اهریمن همواره در جنگ‌اند و هنگامی عالم به سعادت می‌رسد که نژاد اهریمن نابود گردد. زرتشت به دو عالم معتقد است یکی روحانی (مینو) و دیگری جسمانی (گیتی) و آنچه در عالم است به دو قسمت تقسیم می‌کند تقدیر یا (بخشش) و فعل یا (کنش) و حرکات و افعال انسان وقتی به مرتبه‌ی سعادت عالی می‌رسد که دارای اندیشه‌ی نیک، گفتار نیک و کردار نیک می‌باشد. آیین زرتشت به ابدیت روح و معاد روحانی معتقد است. [۱]

(زردتشت: زرادشت: زراتشت: زردهشت: زراتشت: زرادشت، په، است. دارنده شتر زرد؟) پیامبر ایران باستان از خانواده سپیتمه. بعضی وی را از آذربایجان و برخی از ری و غالباً از شمال شرقی ایران دانند. در باب زمان او هم اختلاف بسیار است. سنت زردتشتیان عصر وی را حدود ۶۰۰ ق.م. میدانند، و غالباً خاورشناسان قرنهای ۷ و ۶ ق.م. را یاد میکنند. پدرش پوروشسپ و مادرش دغدو (دغدویه) نام داشت. وی معاصر گشتاسب بود، و آن شهریار دین او را به پذیرفت. بعضی سرودهای دین گاتها (از اوستا) که در دست است از خود اوست. طبق روایت، در حمله دوم ارجاسب تورانی به بلخ، زردشت به دست یک تن تورانی از خاندان کرپ به نام براترک رش (ه.م.) کشته شد. زردشتی (آیین).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار الباقیه (۳۰۱-۲۹۹)، اسطوره زندگی زرتشت، آفرینش و تاریخ (۵۷۵-۵۷۳)، تاریخ ادیان (۴۴۹-۴۸۳)، تاریخ برگزیدگان (۵۹۶-۵۹۵)، دانشمندان آذربایجان (۱۶۴-۱۶۳)، دایرة‌المعارف فارسی (۱۱۷۲-۱۱۷۱/۱)، در قلمرو وجدان (۷۵-۶۸)، سرآمدان فرهنگ (۴۱۱-۴۰۹/۱)، لغت نامه (ذیل/ زرتشت).

زرتشت بهرام پژدو

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س هفتم ق)، دانشمند، پزشک، نویسنده و شاعر. اهل خواف خراسان و به قولی اهل ری بوده است. در دوران حکومت ایلخانان زندگی می‌کرد. در جوانی بین دبیری و علوم شرعی زرتشتی و نجوم و هیات و حساب را فراگرفت و بعد از آن به شاعری پرداخت. آنچه که از آثار وی باقی است، چند منظومه‌ی فارسی است که به جهت اشتغال بر مقدار زیادی لغات پهلوی و روایات دینی زرتشتی اهمیت خاص دارد. این منظومه‌ها عبارتند از: «ارداویرافنامه»؛ «منظومه‌ای در باب زرتشت و هزاره‌های زرتشتی»؛ «داستان چنگر نگه‌جابه»؛ «داستان شاهزاده‌ی ایران زمین و عمر خطاب»؛ بعضی اثری بنام «زرتشت نامه» به وی نسبت می‌دهند و این بخاطر افزودن اشعاری توسط همین بهرام است حال آن که این اثر از آن کیکاووس رازی، پسر کیخسرو، از شاعران گمنام زرتشتی است. [۱].

زردشت بهرام پژدو (زردشت پسر بهرام پسر پژدو) شاعر زردشتی (قر. ۵۷۰)، نخستین گوینده مسلم زردشتی که از او آثار مهمی به ما رسیده. نوشته‌های وی - که موضوع آنها بخشهایی از ادبیات مزدیسنا و مخصوصا داستان زردشت پیامبر است بر همه آثار زردشتیان ایران و هند برتری دارد. احتمالا خاندان او از خواف و خود وی ساکن ری بود. از آثارش «زراتشت‌نامه» (ه.م.)، «ارداویرافنامه» (۲ اردویرافنامه) داستان چنگرنگه‌جابه، داستان شاهزاده ایران زمین با عمر بن خطاب، خمسه زردشت است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ ادبیات در ایران (۵۱۷-۵۰۶، ۴۳۵، ۳۳۸-۳۳۷/۳)، تذکره شاعران کرمان (۲۷۲-۲۶۵)، دایرةالمعارف فارسی (۱۱۷۱/۱)، ستارگان کرمان (۲۲۰-۲۱۲).

زردشت

قرن: ۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

پسر آذرباد مهر سپندان (ه.م.) موبد بزرگ اوایل عهد ساسانی که طبق روایت نسب وی به ۹ واسطه به زردشت پیامبر می‌رسد. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

زردی، ابوعمر و احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۳۸ ق)، ادیب و لغوی. وی اهل زرد یکی از روستاهای اسفراین بود که در فن بلاغت و معرفت اصول و ادب سرآمد اقران روزگار خویش بود. وی از ابوعوانه اسفراینی حدیث شنید.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نیشابور (۱۵۲)، روضت الجنات (۲۴۲-۲۴۰/۱)، ریحانه (۳۷۲/۲)، لغت نامه (ذیل / احمد).

زرگری نژاد، غلامحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر غلامحسین زرگری نژاد در سال ۱۳۲۹ در شهرستان بجنورد متولد شد. وی پس از طی مراحل تحصیل مقدماتی، راهنمایی، دبیرستان، در سال ۱۳۵۲ به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران را یافت. در سال ۱۳۵۷ دوره تحصیل لیسانس خود را به پایان برد و بلافاصله در آزمون ورودی کارشناسی ارشد تاریخ شرکت کرد و به ادامه تحصیل در این دوره پرداخت. پس از اتمام این دوره در آزمون دکتری دانشگاه تربیت مدرس قبول شد و در سال ۱۳۷۲ درجه دکترای تخصصی تاریخ را از این دانشگاه دریافت داشت. وی در سال ۱۳۷۳ به گروه تاریخ دانشگاه تهران پیوست و از آن زمان تاکنون به تدریس در گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران مشغول است. نامبرده هم اینک فعالیت خود را با رتبه علمی دانشیاری ادامه می دهد.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه ای: غلامحسین زرگری نژاد پس از طی مراحل تحصیل مقدماتی، راهنمایی، دبیرستان، در سال ۱۳۵۲ به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران را یافت. در سال ۱۳۵۷ دوره تحصیل لیسانس خود را به پایان برد و بلافاصله در آزمون ورودی کارشناسی ارشد تاریخ شرکت کرد و به ادامه تحصیل در این دوره پرداخت. پس از اتمام این دوره در آزمون دکتری دانشگاه تربیت مدرس قبول شد و در سال ۱۳۷۲ درجه دکترای تخصصی تاریخ را از این دانشگاه دریافت داشت. فعالیت‌های ضمن تحصیل: دکتر زرگری نژاد همزمان با تحصیل در دوره کارشناسی ارشد در آموزش و پرورش زادگاهش به تدریس اشتغال داشت.

فعالیت‌های آموزشی: غلامحسین زرگری نژاد سپس از بجنورد به تهران انتقال یافت و به مدت سه سال مدیر گروه تاریخ در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی وزارت آموزش و پرورش بود. وی در سال ۱۳۶۴ به دانشکده روابط بین الملل وزارت خارجه منتقل شد و به مدت سه سال نیز در آن دانشکده به تدریس تاریخ دیپلماسی و تاریخ اسلام و اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران پرداخت. وی در سال ۱۳۷۳ به گروه تاریخ دانشگاه تهران پیوست و از آن زمان تاکنون به تدریس در گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران مشغول است. نامبرده فعالیت خود را با رتبه علمی دانشیاری ادامه می دهد. -----

آثار:

۱ تاریخ احمدشاهی (تاریخ تشکیل اولین حکومت افغانستان)

ویژگی اثر: پدیدآورنده: محمود حسینی جامی، غلامحسین زرگری نژاد (مصحح) ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ - ۰۳ مهر، ۱۳۸۴

۲ تاریخ تحلیلی اسلام

ویژگی اثر: پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: آیت عشق - ۲۵ بهمن، ۱۳۸۵

۳ تاریخ تحلیلی اسلام: از بعثت تا غیبت

ویژگی اثر: پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - ۰۹ آبان،

۱۳۸۶

- ۴ تاریخ تمدن و فرهنگ
ویژگی اثر: کتاب درسی
- ۵ تاریخ سال سوم دبیرستان
ویژگی اثر: کتاب درسی
- ۶ تاریخ سیاسی اجتماعی ایران بعد از اسلام
ویژگی اثر: کتاب درسی
- ۷ تاریخ سیاسی اجتماعی ایران قبل از اسلام
ویژگی اثر: کتاب درسی
- ۸ تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)
ویژگی اثر: پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - ۰۸ اردیبهشت، ۱۳۸۶
- ۹ تاریخ معاصر ایران
ویژگی اثر: کتاب درسی
- ۱۰ تاملاتی در علم تاریخ و تاریخ نگاری اسلامی
ویژگی اثر: پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد، عطاء الله حسنی، هاشم آقاجری (مترجم)، حسن حضرتی (مترجم) ناشر: نقش جهان - ۱۳۸۱
- ۱۱ خورشید: سال اول، شمارگان ۱ تا ۱۲۰
ویژگی اثر: پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد (مقدمه) ناشر: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی - ۲۸ آذر، ۱۳۸۴
- ۱۲ رسائل مشروطیت: مشروطه به روایت موافقان و مخالفان
ویژگی اثر: پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی - ۲۸ مرداد، ۱۳۸۷
- ۱۳ رساله احکام قانون اداره بلدیة
ویژگی اثر: پدیدآورنده: عبدالحسین لاری، غلامحسین زرگری نژاد (مصحح) ناشر: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی - ۲۹ دی، ۱۳۸۷
- ۱۴ روزشمار تحولات ایران در عصر قاجاریه
ویژگی اثر: پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران - ۰۶ خرداد، ۱۳۸۶
- ۱۵ روش تحقیق
ویژگی اثر: کتاب درسی
- ۱۶ سلمان فارسی
ویژگی اثر: پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد، قربان ولیئی (ویراستار) ناشر: کتاب همراه - ۲۳ آبان، ۱۳۸۶
- ۱۷ سیاست نامه های قاجاری
ویژگی اثر: پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی - ۳۰ دی، ۱۳۸۶
- ۱۸ سیاست نامه های قاجاری: رسایل سیاسی
ویژگی اثر: پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی - ۳۰ دی، ۱۳۸۶

۱۹ شرح آسیای مرکزی و انتشار سیویلیزاسیون روسی در آن با نقشه ممالک آسیای مرکزی
ویژگی اثر: پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی - ۱۳۸۳
۲۰ عاشورا

ویژگی اثر: پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: کتاب همراه - ۰۳ خرداد، ۱۳۸۷
۲۱ مآثر سلطانیه، تاریخ جنگهای اول ایران و روس، به ضمیمه تاریخ جنگهای دوره دوم از تاریخ ذو القرنین
ویژگی اثر: پدیدآورنده: عبدالرزاق بن نجفقلی مفتون دنبلی، غلامحسین زرگری نژاد ناشر: روزنامه ایران - ۱۳۸۳
۲۲ نهضت آزادی بخش فلسطین
ویژگی اثر: کتاب درسی

۲۳ نهضت امام حسین (ع) و قیام کربلا
ویژگی اثر: پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق
و توسعه علوم انسانی - ۱۰ مرداد، ۱۳۸۶

زرنندی، شمس‌الدین، جمال‌الدین محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۹۳- ح ۷۵۰ ق)، حافظ، محدث، قاضی و فقیه حنفی. وی در مدینه نبوی به دنیا آمد. پس از پدرش منصب تدریس در آن شهر را بر عهده داشت و محدث آنجا بود. بعد از ۷۴۲ ق به شیراز رفت و به نشر حدیث و تدریس پرداخت. زرنندی منصب قضاوت را در آن شهر تا پایان عمر عهده‌دار بود. او در شیراز از دنیا رفت. از آثارش: «درر السمطين فی مناقب السبطين (ع)» یا «درر السمطين فی فضائل المصطفى و البتول و السبطين (ع)» یا «فی فضائل المصطفى و المرتضى و السبطين»؛ «بغیه المرتاح»، شامل «چهل حدیث» با شروح و اسانید؛ «مولد النبى (ص)»؛ «معارج الوصول الی معرفه آل الرسول (ع)».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۷- ۲۶/ ۸)، ریحانه (۳۷۵/۲)، کشف الظنون (۷۴۷، ۲۵۰)، الکنی و الالقاب (۲۹۷/۲)، معجم المؤلفین (۱۲۵- ۱۲۴/ ۱۲)، هدیه العارفین (۱۵۷/۲).

زرنندی رحمانی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد زرنندی رحمانی

محل تولد: نیشابور

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۳۶ در روستای زروند از بخش طاغون کوه نیشابور در خانواده‌ای مذهبی متولد شدم. در طول سه سال تحصیلی موفق شدم تا کلاس پنجم ابتدائی را با نمره‌های خوب به پایان برسانم. سال ۱۳۴۹ به مدرسه علمیه گلشن در نیشابور رفته، امثله و شرح آنرا ظرف مدت هفت-هشت روز تمام کردم. بعد از نه ماه وارد حوزه علمیه مشهد شدم و در مدرسه‌ای بنام مدرسه آقای موسوی نژاد که از بهترین مدارس دارای برنامه مشهد بود، پذیرفته شدم. اولین استاد بنده در همان روستای خودمان جناب آقای شیخ قاسم شور گشتی بود.

دروس مقدماتی و بخشی از دروس سطح را در مشهد خواندم از جمله بخش اول رسائل را خدمت استاد عزیز مرحوم شهید هاشمی نژاد تلمذ نمودم و مکاسب محرمة را خدمت مقام معظم رهبری خواندم.

سال ۱۳۵۴ به حوزه علمیه قم آمدم. سال ۵۵-۵۶ بود که در مدرسه خان مستقر شدم و از اساتید متعددی استفاده کردم؛ بخشی از مکاسب را نزد آیت الله صانعی خواندم و بخش باقیمانده رسائل را خدمت آقای اعتمادی گذراندم. کفایه را نیز نزد حضرات آیات فاضل، سلطانی، سبحانی و مظاهری تلمذ نمودم. در تفسیر، درس آیت الله خزعلی و آیت الله مشکینی شرکت کردم. اما اساتیدی که درس خارج را خدمتشان تلمذ کردم عبارتند از: آیات عظام وحید خراسانی (حدود بیست و دو-سه سال خارج فقه و اصول)، شیخ جواد تبریزی (هفت-هشت سال خارج فقه)، میرزا هاشم لاریجانی (مدت کوتاهی خارج اصول) و آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی. دروس فلسفه (منظومه، نهاییه الحکمه، اسفار، فصوص الحکم و اشارات) را نزد حضرات آیات محمدی گیلانی، حاج شیخ یحیی انصاری دارابی، مصباح یزدی، جوادی آملی و حسن زاده آملی خواندم.

از الطاف الهی این بوده که این توفیق را داشته‌ام و از همان سالهای اولی که وارد حوزه علمیه مشهد شدم، تدریس را شروع کردم و تا کنون علاوه بر دروس مقدمات، دروس سطح از جمله رسائل، مکاسب، کفایه، بدایه و نهاییه را سالهای سال تدریس کرده‌ام. در حال حاضر علاوه بر چندین جلد کتاب (که در دست چاپ می‌باشد)، افزون بر نود و پنج مقاله در مجله تخصصی فقه و مجلات دیگر از بنده چاپ شده است.

زریاب خوبی، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۳-۱۲۹۸ ش)، نویسنده، مترجم، محقق و استاد دانشگاه. در خوی متولد شد. پس از فراگیری تحصیلات ابتدایی و متوسطه به قم رفت و از محضر علمای آن دیار از جمله شیخ صادق فراحی، محقق داماد، سید احمد خسروشاهی، امام خمینی، سید صدرالدین صدر، سید محمدتقی خوانساری و سید محمد حجت کوه کمره‌ای بهره‌جست. سپس وارد دانشکده‌ی الهیات شد و پس از دریافت درجه‌ی لیسانس به آلمان رفت و از دانشگاه ماینس در رشته‌ی تاریخ دکترا گرفت. آنگاه به ایران بازگشت و در ۱۳۴۱ ش به دعوت پروفیسور هنینگ به آمریکا رفت و در دانشگاه برکلی (کالیفرنیا) به تدریس پرداخت. پس از دو سال به ایران آمد و با سمت استادی در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت. دکتر زریاب مورخ، محقق و مترجمی جامع‌الاطراف بود و بویژه در معارف ایران و اسلام و فلسفه و تاریخ و ادبیات عرب و زبان شناسی صاحب نظری متبحر بود و به سبب تسلط به زبانهای عربی، آلمانی، انگلیسی و

فرانسوی به منابع دست اول دسترسی داشت. زریاب در بسیاری از مجامع علمی ایرانی مثل: انجمن فلسفه، بنیاد فرهنگ، فرهنگستان تاریخ و بنیاد شاهنامه‌ی فردوسی عضو بوده و با بنیادهای دایرةالمعارف نویسی همکاری داشت و مقالات بسیاری برای آنها و مجلات ادبی گوناگون می‌نوشت. وی همچنین در مجامع بین‌المللی از جمله: انجمن بین‌المللی شرق شناسی در آلمان و انجمن بین‌المللی کتیبه‌های ایرانی در انگلستان عضو بود. در تهران در گذشت و در بهشت زهرا دفن شد. از آثار وی: «آئینه‌ی جام»؛ «تاریخ ساسانیان»؛ «بزم آوزد»؛ تحریر «روضه الصفا» و ترجمه‌های: «تاریخ فلسفه» ویل دورانت؛ «لذات فلسفه»، ویل دورانت؛ «تاریخ ایرانیان و عربها در زمان ساسانیان»؛ تئودور نولدکه؛ «ظهور تاریخ بنیادی»، نوشته‌ی فردریش مانیکه؛ «دریای جان» نوشته‌ی ریتر. [۱]

مترجم، استاد، نویسنده، محقق.

تولد: ۲۲ تیر ۱۲۹۸، خوی.

درگذشت: ۱۴ بهمن ۱۳۷۳.

عباس زریاب‌خویی، فرزند علی، تحصیلات مقدماتی علوم جدید و قدیم را در شهر خویی به پایان رساند و برای ادامه‌ی تحصیل در سال ۱۳۱۶ به شهر قم عزیمت نمود و سال‌ها از محضر اساتیدی چون حضرت امام خمینی (ره)، آیت‌الله سید محمد بهجت کوه‌کمره‌ای، آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی استفاده نمود.

دکتر زریاب‌خویی بعد از رسیدن به درجه‌ی اجتهاد برای تکمیل تحصیلات خویش وارد دانشگاه الهیات شد و پس از اخذ درجه‌ی لیسانس، به آلمان رفت و در رشته‌ی تاریخ و فلسفه از دانشگاه «ماینز» به اخذ درجه‌ی دکتری نایل آمد. همچنین به فراخوان دانشگاه «برکلی» آمریکا پاسخ مثبت داد و مدتی به همکاری با کارشناسان زبان‌های ایرانی و زبان فولکوریک پرداخت.

دکتر عباس زریاب‌خویی پیش از انقلاب استاد رشته‌ی تاریخ و رییس گروه تاریخ دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران بود. وی به زبان‌های عربی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و ترکی عثمانی و اسلامبولی آگاه بود. وی سال‌های متمادی در دانشگاه‌های مختلف به تدریس اشتغال داشت و مدتی نیز با دایرةالمعارف بزرگ اسلامی و دایرةالمعارف مصاحب و بنیاد دایرةالمعارف همکاری داشت و مقالاتی را به رشته‌ی تحریر درآورد. آثار مهم ایشان عبارتند از: ترجمه‌ی فلسفه (ویل دورانت، ۱۳۳۵)؛ ترجمه‌ی لذات فلسفه (ویل دورانت)؛ ترجمه‌ی تاریخ ساسانیان (نولدکه)؛ تألیف بزم آورد؛ تألیف آئینه جام؛ تحقیق و تصحیح کتاب الصیدنه فی الطب اثر ابوریحان بیرونی (این کتاب در سال ۱۳۷۱ به عنوان کتاب برگزیده‌ی سال انتخاب شد)؛ تألیف تاریخ بنیادی؛ آئینه جام (شرح مشکلات دیوان حافظ؛ این کتاب در سال ۱۳۶۹ عنوان کتاب برگزیده‌ی سال را از آن خود ساخت)؛ سیره‌ی رسول اکرم (ص)؛ تهذیب و تلخیص روضة الصفا. کتاب‌هایی که استاد در حال نشر داشت، عبارت بودند از ترجمه‌ی دریای جان اثر هلموت ریتر و ترجمه‌ی کتابی که قرار بود به مناسبت کنگره‌ی جهانی بزرگداشت عطار نیشابوری منتشر شود.

پیکر دکتر زریاب‌خویی در بهشت زهرا در قطعه‌ی ۸۸ (ویژه‌ی هنرمندان و نویسندگان) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] کلک (ش ۵۸ و ۵۹، ص ۲۹۲-۲۸۵)، مؤلفین کتب چاپی (۶۵۴/۳)، یکی قطره باران (۱۴-۱).

زریاب، ابوالحسن علی

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۳۰ ق)، موسیقیدان، نوازنده، ادیب و شاعر. ملقب به زریاب و معروف به بصری. از موسیقیدانان بنام ایرانی بود که محل تولد

وی را برخی شهر ری دانسته‌اند. او هنر موسیقی را در بغداد از اسحاق موصلی فراگرفت و در این هنر مهارت یافت. شهرتش تا بدانجا رسید که به دربار خلیفه هارون الرشید راه یافت و به واسطه‌ی وسعت اطلاعات علمی و ادبی و مهارت در فن موسیقی مورد توجه قرار گرفت و رقیب اسحاق موصلی شد. از این رو اسحاق او را وادار کرد که از بغداد رخت بر بندد، زریاب هم ابتدا به سوریه و مصر و سپس به اندلس رفت و حکم بن هشام، امیر اندلس، از وی استقبال نمود. او مدرسه‌ی بزرگی برای تعلیم و توسعه‌ی فن موسیقی مشرق زمین در اندلس دایر کرد و دامنه‌ی فعالیت خود را گسترش داد. زریاب در نواختن عود و در سبک و شیوه‌ی آواز تصرفاتی کرد که باعث سهولت یادگیری شاگردان شد. وی در قرطبه در گذشت. همانطور که مکتب ابراهیم موصلی و فرزندش، اسحاق، و خاندان موصلی در بغداد مشهور بود، مکتب او نیز در اسپانیا شهرت فراوان یافت و منشا اثر در کشورهای ساحلی آفریقا و نیز در موسیقی اروپا شد. زریاب از ادب نیز بهره‌ی وافیه داشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۸۰/۵)، تاریخ ادبیات زبان عربی (۵۷۲، ۶۱۴)، تاریخ موسیقی (۱۲۶-۱۲۳، ۱۱۶، ۱/۱)، تاریخ هنرهای ملی (۷۱۹/۲)، لغت نامه (ذیل / زریاب).

زرین کوب، حمید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حمید زرین کوب، در اول فروردین ماه سال ۱۳۱۵، در بروجرد زاده شد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود به پایان آورد و سپس وارد دانشسرای مقدماتی در تهران شد. پس از اخذ دیپلم، به کار معلمی در شهر بروجرد پرداخت (۱۳۳۴). بعد از آن برای ادامه تحصیل به دانشگاه مشهد رفت و در سال ۱۳۴۱ در رشته ادبیات فارسی موفق به دریافت مدرک لیسانس شد. پس از دریافت مدرک لیسانس در دبیرستانهای این شهر مشغول به کار شد. پس از آن او تحصیلات خود را دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ادامه داد. وی تا سال ۱۳۴۸ فوق لیسانس خود را در رشته ادبیات فارسی از دانشگاه تهران دریافت داشت و تحصیلات دوره دکتری را نیز به پایان برد. حمید زرین کوب، او که برای ادامه تحصیل به تهران عزیمت نموده بود، در جهت دانش اندوزی هیچگاه از تلاش باز نایستد و تا مرحله دکتری به تحصیلات خود ادامه داد. پس از آن در سال ۱۳۴۹ به استخدام دانشگاه مشهد درآمد و تا سال ۱۳۵۶ در این دانشگاه به افاضه پرداخت؛ از آن پس به دانشگاه تهران منتقل گردید و تا پایان عمر در دانشکده ادبیات و علوم انسانی این دانشگاه به تدریس و تحقیق اشتغال داشت. استاد حمید زرین کوب در شباهنگام بیست و پنجم مردادماه ۱۳۶۶ چشم از جهان فروبست و به سوی سرای جاوید رخت بر بست.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: حمید زرین کوب تحصیلات مقدماتی را در بروجرد به پایان آورد و سپس وارد دانشسرای مقدماتی در تهران شد. بعد از آن برای ادامه تحصیل به دانشگاه مشهد رفت و در سال ۱۳۴۱ در رشته ادبیات فارسی موفق به دریافت مدرک لیسانس شد. پس از آن او تحصیلات خود را دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ادامه داد. وی تا سال ۱۳۴۸ فوق لیسانس خود را در رشته ادبیات فارسی از دانشگاه تهران دریافت داشت و تحصیلات دوره دکتری را نیز به پایان برد. زرین کوب در سال ۱۳۵۲ از رساله دکتری خود با عنوان «بررسی و نقد فنی و تاریخی در باب صنایع بدیعی - با توجه به سیر تکاملی تشبیه در شعر فارسی -

رودکی تا ازرقی « با موفقیت دفاع کرد.

همسر و فرزندان: حمید زرین کوب در سال ۱۳۴۵ ازدواج کرد.

زمان و علت فوت: حمید زرین کوب در شباهنگام بیست و پنجم مردادماه ۱۳۶۶ چشم از جهان فروبست و به سوی سرای جاوید رخت بر بست.

فعالیت‌های آموزشی: حمید زرین کوب پس از دیپلم، به کار معلمی در شهر بروجرد پرداخت (۱۳۳۴). او که برای ادامه تحصیل به تهران عزیمت نموده بود، پس از دریافت مدرک لیسانس در دبیرستانهای این شهر مشغول به کار شد. استاد در جهت دانش اندوزی هیچگاه از تلاش باز نایستد و تا مرحله دکتری به تحصیلات خود ادامه داد. پس از آن در سال ۱۳۴۹ به استخدام دانشگاه مشهد درآمد و تا سال ۱۳۵۶ در این دانشگاه به افاضه پرداخت و از آن پس به دانشگاه تهران منتقل گردید و تا پایان عمر در دانشکده ادبیات و علوم انسانی این دانشگاه به تدریس و تحقیق اشتغال داشت. وی در سال ۱۳۴۶ به دریافت مرتبه «دانشیاری» از دانشگاه تهران نائل گردید.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: از جمله فعالیت های دیگر حمید زرین کوب سرپرستی و سردبیری مجله ادبیات دانشگاه مشهد بود که از نمونه های آن، انتشار «مجموعه سخنرانی های دومین کنگره تحقیقات ایرانی» (جلد اول ۱۳۵۱، جلد دوم ۱۳۵۲) و «مجموعه سخنرانی های اولین و دومین هفته فردوسی» (۱۳۵۳) را می توان نام برد. دو سال پس از اخذ مدرک دکتری، استاد به همراه تعدادی دیگر از استادان دانشگاه مشهد، از طرف این دانشگاه برای انجام یک دوره علمی و مطالعاتی به آمریکا سفر کرد. حمید زرین کوب در طی سال ها مطالعه، تحقیق و تدریس، به تالیف و تصحیح پرداخت و در کتب و مقالاتش، دیدگاه ها و نظریات خود را به دستداران ادب فارسی عرضه نمود.

آرا و گرایشهای خاص: حمید زرین کوب بر بیشتر میاخذ ادبی تسلط و آگاهی کامل داشت. او همچنانکه در علم بدیع و بلاغت غور می نمود، در شناخت ادبیات معاصر ایران یک صاحب نظر بود؛ و همانطور که در تاریخ ادبیات و سبک شناسی تبحر داشت، به مباحث زیبا شناسی، نقد ادبی و داستان نویسی نیز مشتاقانه مشغول بود. نیز آشنایی کامل او با زبان های عربی و انگلیسی، این امکان را برای او فراهم می ساخت تا با نظریات و اندیشه های متفکران و نویسندگان بزرگ، به طور مستقیم آشنا شود و روز به روز بر غنای علمی خود بیفزاید. تسلط او بر ظرایف و رموز زبان فارسی، به اضافه قریحه ادبی و آشنایی با زبان های بیگانه، او را آماده می ساخت تا بتواند به عنوان یک مترجم نمونه، خود را به جامعه علمی و ادبی ایران معرفی کند؛ چیزی که هیچگاه مجال آن نیافت.

آثار:

۱ تصحیح دیوان مجمر اصفهانی

۲ چشم انداز شعر نو فارسی (مقدمه ای بر شعر نو، مسایل و چهرهای آن)

ویژگی اثر: این کتاب در واقع بحثی است درباره شعر امروز فارسی، خاصه از جهت محتوایی و بنیان های فکری شاعران ایران از مشروطیت تا عصر حاضر. گذشته از این، نویسنده از عوامل دیگر شعری مانند وزن و قالب و صورت های خیال انگیز شاعرانه و ارزش و اعتبار آنها در شعر هر یک از شاعران سخن به میان می آورد و خاصه کوشش می کند شعر را از دیدگاه خود شاعران نیز مورد بررسی قرار دهد.

۳ فرهنگ اصطلاحات نقد و بلاغت

۴ قلندر نامه خطیب فارسی یا سیرت جمال الدین ساوجی

ویژگی اثر: این کتاب با تصحیح و توضیح و تعلیقات دکتر زرین کوب به چاپ رسید، منظومه ای مربوط به قرن هشتم هجری

است که شامل ۱۷۷۰ بیت می‌شود. این مثنوی در باب زندگی سیدجمال‌الدین ساوجی مجرد و دیگر پیران معروف قلندر است. این کتاب از جهت روایاتی که در آن راجع به قلندران و قلندریه - مخصوصاً در باب سیدجمال‌الدین ساوجی و برخی یاران او - آمده است. با مطالعه این کتاب با آداب و سنت‌های قلندریه و عقاید و شیوه زندگی آنها آشنا می‌شویم.

۵ نقد ادبی

ویژگی اثر: دکتر زرین کوب این کتاب را برای وزارت آموزش و پرورش تالیف نمود؛ چندین سال جزو برنامه درسی سال چهارم متوسطه در رشته فرهنگ و ادب تدریس می‌شد، اما ظاهراً به دلیل دشوار بودن فهم برخی مباحث آن برای دانش‌آموزان، پس از چندی از برنامه درسی حذف گردید. این کتاب مدتی است که از طرف دانشگاه پیام نور به عنوان کتاب درسی تعیین و تجدید چاپ شده است.

منابع:

۱ ماهنامه کلک، شماره ۵۳، مرداد ۱۳۷۳، ص ۲۴۰

زرین کوب، عبدالحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر عبدالحسین زرین کوب در سال ۱۳۰۱ هجری شمسی در بروجرد دیده به جهان گشود. دکتر زرین کوب تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خویش به پایان برد. سپس در کنار تحصیل در دوره متوسطه به تشویق و ترغیب پدر که مردی متشرع و دیندار بود، اوقات فراغت را صرف فراگیری علوم دینی و حوزه‌ای نمود، و ضمن تحصیل فقه و تفسیر و ادبیات عرب، به شعر عربی هم علاقمند شد. گرچه تا پایان سال پنجم متوسطه در رشته علمی تحصیل می‌کرد با این حال کمتر کتاب تاریخ و فلسفه و ادبیاتی بود که به زبان فارسی منتشر شده باشد، و او آن را در مطالعه نگرفته باشد. به دنبال تعطیلی کلاس ششم متوسطه در تنها دبیرستان شهر برای ادامه تحصیل به تهران رفت. اما این رشته ادبی را برگزید و در سال ۱۳۱۹ تحصیلات دبیرستانی را به پایان برد، و با وجود آنکه کتابهای سالهای چهارم و پنجم متوسطه ادبی را قبلاً نخوانده بود در میان دانش‌آموزان رشته ادبی سراسر کشور، رتبه دوم را به دست آورد. با بازگشایی مجدد دانشگاهها در سال ۱۳۲۰، دکتر عبدالحسین زرین کوب در امتحان ورودی دانشکده حقوق شرکت کرد. با آنکه پس از کسب رتبه اول، در دانشکده ثبت نام هم کرده بود، اما به الزام پدر، ناچار به ترک تهران شد. در همان ایام، علی‌اکبر دهخدا که ریاست دانشکده حقوق را به عهده داشت، از اینکه چنین دانشجوی فاضلی را از دست می‌داد، اظهار تاسف کرده بود. سرانجام اشتیاق به تحصیل بار دیگر او را به دانشگاه کشاند. در سال ۱۳۲۴، پس از آنکه در امتحان ورودی دانشکده علوم معقول و منقول، و دانشکده ادبیات حایز رتبه اول شده بود، وارد رشته ادبیات فارسی دانشگاه تهران شد. به هر تقدیر، عبدالحسین زرین کوب در سال ۱۳۲۷ به عنوان دانشجوی رتبه اول از دانشگاه فارغ‌التحصیل شد، و سال بعد وارد دوره دکتری رشته ادبیات دانشگاه تهران گردید و در سال ۱۳۳۴ از رساله دکتری خود با عنوان (نقد الشعر، تاریخ و اصول آن) که زیر نظر بدیع الزمان فروزانفر تالیف شده بود با موفقیت دفاع کرد.

دکتر زرین کوب در سال ۱۳۳۰ در کنار عده ایی از فضلالی عصر همچون عباس اقبال آشتیانی، سعید نفیسی، محمد معین، پرویز ناتل خانلری، غلامحسین صدیقی و عباس زریاب، برای مشارکت در طرح ترجمه مقالات دایره المعارف اسلام (E۱) طبع هلند، دعوت

شد.

دکتر زرین کوب در ایام تحصیل در تهران، چندی نزد حاج شیخ ابوالحسن شعرانی به پرداخت و با مباحث حکمت و فلسفه، آشنایی بیشتر یافت. از همان روزگار با فلسفه‌های معاصر غربی نیز آشنا شد و بعد به مطالعه در باب تصوف نیز علاقمند گردید. استاد که از قبل با زبانهای عربی، فرانسوی و انگلیسی آشنا شده بود در سالهای جنگ دوم جهانی، با کمک بعضی از صاحب منصبان ایتالیایی و آلمانی که در آن ایام در ایران به سر می‌بردند، به آموزش این دوزبان پرداخت. در سال ۱۳۲۳ نخستین کتاب او به نام (فلسفه، شعر یا تاریخ تطور شعر و شاعری در ایران) در بروجرد منتشر شد، در حالی که در این هنگام، حدود چهار سال یا کمی بیشتر از تاریخ تالیف کتاب می‌گذشت.

دکتر زرین کوب پس از آنکه به الزام پدر دانشکده حقوق را ترک گفت، به زادگاه خود بازگشت، و در خرم آباد و بعد در بروجرد به کار معلمی پرداخت، کاری که به تدریج علاقه جدی بدان پیدا کرد. در دوران معلمی، از تاریخ و جغرافیا و ادبیات فارسی گرفته تا عربی و فلسفه و زبان خارجی و حتی ریاضی و فیزیک و علم الهیات، همه را تدریس کرد. دکتر زرین کوب پس از اخذ درجه دکترا، از سوی استاد فروزانفر، برای تدریس در دانشکده علوم معقول و منقول دعوت شد و در سال ۱۳۳۵ یا رتبه دانشجویی، کار خود را دانشگاه تهران آغاز کرد و به تدریس تاریخ اسلام، تاریخ ادیان، تاریخ کلام و مجادلات فرق، تاریخ تصوف اسلامی و تاریخ علوم پرداخت. پس از دریافت رتبه استادی دانشگاه تهران (۱۳۳۹ ش) دکتر زرین کوب چندی نیز در دانشسرای عالی تهران، و دوره دکترا ادبیات فارسی دانشگاه تهران و در دانشکده هنرهای درماتیک به افاضه پرداخت. در سالهای ۱۳۴۷ تا سال ۱۳۴۹ در آمریکا به عنوان استاد میهمان در دانشگاههای کالیفرنیا و پرینستون به تدریس علوم انسانی دانشگاه تهران انتقال یافت و در دو گروه تاریخ و ادبیات مشغول به کار شد.

دکتر زرین کوب در ۲۴ شهریور ۱۳۷۸ به دلیل بیماریهای قلب و چشم و پروستات در گذشت. آثار دکتر عبدالحسین زرین کوب ۱- دو قرن سکوت / ۲- تاریخ مردم ایران پیش از اسلام / ۳- تاریخ مردم ایران بعد از اسلام / ۴- بامداد اسلام / ۵- کارنامه اسلام / ۶- ارزش میراث صوفیه / ۷- پله پله تا ملاقات خدا / ۸- سرنی / ۹- با کاروان حله / ۱۰- پیر گنجه در جستجوی ناکجا آباد
زرین کوب، حمید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق، استاد.

تولد: ۱ فروردین ۱۳۱۵، بروجرد.

درگذشت: ۲۵ مرداد ۱۳۶۶.

حمید زرین کوب تحصیلات مقدماتی را در بروجرد به پایان آورد. سپس وارد دانشسرای مقدماتی در تهران شد. پس از اخذ دیپلم به بروجرد بازگشت و از سال ۱۳۳۴ شغل مهمی را آغاز کرد. پس از چندی برای ادامه‌ی تحصیل به دانشگاه مشهد رفت و در سال ۱۳۴۱ موفق به دریافت مدرک لیسانس در رشته ادبیات فارسی شد. در بازگشت به تهران، به کار معلمی پرداخت و تا پایان عمر همچنان به تعلیم و تربیت ادامه داد. تحصیلات فوق لیسانس و دکترای ادبیات فارسی را در تهران (۱۳۴۸) به پایان رسانید و رساله‌ی دکترای خود را در باب «صنعت بدیع و سیر تکاملی تشبیه در زبان فارسی» عرضه کرد (۱۳۵۲). در سال ۱۳۵۱ از جانب دانشگاه مشهد به عنوان سردبیر مجله «دانشکده‌ی ادبیات» انتخاب گردید. در همان سال‌ها زرین کوب جهت تحقیق و مطالعه به آمریکا سفر

کرد و در دانشگاه جرج تاون یک چند در مسائل مربوط به نقد ادبی به مطالعه پرداخت. وی بیست سال آخر عمر را به تدریس در دانشگاه تهران و در دانشگاه مشهد در تدریس تاریخ ادبیات، سبک‌شناسی نظم و نثر و تعلیم و تحقیق در باب ادبیات معاصر پرداخت. در سال‌های آخر عمر به علوم بلاغت علاقه‌مند شد و به تحقیق در کتاب‌های تفسیر و معانی و بیان پرداخت. وی در این زمینه مقالاتی هم تهیه کرد که ظاهراً می‌خواست آن را همراه با بحثی در باب تاریخ قرآن و بلاغت منشر سازد ولی عمر او کفاف نداد. از آثار وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: چشم‌انداز شعر نو فارسی (شامل مقدمه‌ای بر شعر نو، تحقیقی درباره‌ی شاعران نوپرداز معاصر، ۱۳۶۲)؛ فرهنگ لغات و اصطلاحات ادبی و بلاغت و بدیع (در حال نشر)؛ جلد دوم چشم‌انداز شعر معاصر (بحث درباره‌ی شاعران معاصر که به شیوه‌ی سنتی شعر می‌سروده‌اند، این کتاب برای چاپ آماده بود)؛ تحقیقات وی در باب تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی نظم و نثر (آماده‌ی نشر). همچنین به درخواست وزارت آموزش و پرورش کتابی در باب نقد ادبی در سال ۱۳۷۱ (پس از فوت وی) توسط دانشگاه پیام نور به چاپ رسیده است. هنگام وفات نیز به کار تنظیم کتاب خود در باب سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی قبل از عهد مغول اشتغال داشت. مقالات تحقیقی وی نیز در مجله‌ی «دانشکده‌ی ادبیات مشهد» به چاپ رسیده است. دکتر حمید زرین کوب به زبان عربی و متون ادبی آن آشنایی کافی داشت. از زبان انگلیسی قسمتی از کتاب ادبیات عرب تألف الکساندر گیپ را ترجمه کرده بود که به سبب نشر ترجمه‌ای از آن، از ادامه‌ی کار منصرف شد. دکتر حمید زرین کوب بر اثر سکته‌ی قلبی درگذشت. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

زرزونی، شمس‌الدین محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۹۲ق)، نحوی. از جمله آثار وی: شرح «تلخیص المفتاح» قزوینی، در معانی و بیان؛ شرح «لب الالباب» اسفراینی، در نحو. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: کشف الظنون (۱۵۴۵، ۴۷۴)، معجم المؤلفین (۲۸۵/۱۰)، هدیه العارفین (۱۷۴/۲).

زعفرانی اصفهانی، ابوالعباس فضل

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۱۹ق)، محدث. وی برای کسب حدیث بسیار سفر می‌کرد و محدثی صدوق بود و از مشاهیر اصفهانیان. از ابن مقرئ و حسن بن محمد زعفرانی و احمد بن فرات و محمد بن وزیر واسطی و نصر بن سلمه و همطبقه آنها حدیث روایت کرد. عبدالله بن احمد، پدر ابونعیم اصفهانی، قاضی ابواحمد عسال و ابوبکر بن مقرئ و حسن بن عبدالله بن سعید و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۵۵۲-۵۵۱/۱۴).

زعفرانی اصفهانی، ابوسعید حسین

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۶۹ ق)، حافظ، محدث، اصولی و مفسر. وی از ابوالقاسم بغوی و ابومحمد بن صاعد و حسین بن علی بن زید و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید. ابوبکر بن ابی علی و ابونعیم اصفهانی و گروهی دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابونعیم اصفهانی گوید که زعفرانی به لحاظ شناخت استوار و دانش فراگیرش بنادر اصول و حدیث شهر ما بود. او دارای تصنیفات بسیار بود. از آثارش: «السمند» یا «مسند زعفرانی»، در حدیث؛ «التفسیر زعفرانی» یا «تفسیر القرآن»؛ «الشیوخ».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲/۲۷۷)، ایضاح المکنون (۴۸۲، ۳۰۵/۱)، سیر النبلاء (۵۱۸-۵۱۷/۱۶)، معجم المؤلفین (۴/۵۵)، الوافی بالوفیات (۴۶-۴۵/۱۳)، هدیه العارفین (۱/۳۰۵).

زعیم، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حشره‌شناسی، دانشکده: بهداشت عمومی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته حفاظت گیاهان از دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۱، کارشناسی ارشد در رشته حشره‌شناسی پزشکی از دانشگاه ایالتی اوهایو آمریکا در سال ۱۳۵۴، دکترا در رشته حشره‌شناسی پزشکی او دانشگاه ایالتی میشیگان آمریکا در سال ۱۳۵۷. مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده بهداشت عمومی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اکولوژی و بیولوژی ناقلین مالاریا، رده‌بندی و تشخیص کولیسیده‌های ایران، مبارزه بیولوژیک با ناقلین مالاریا، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۲۰ پایان نامه ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

کلیات حشره‌شناسی پزشکی، تحقیق در سیستم‌های بهداشتی، پشه‌های کاشان.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۳، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲۰

زمینه علمی مقالات:

رده‌بندی و تشخیص کولیسیده‌های ایران، اکولوژی و بیولوژی ناقلین مالاریا، اپیدمیولوژی بیماری مالاریا در ایران، مبارزه بیولوژیک با ناقلین مالاریا در جنوب ایران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

زفره‌ای، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

معروف به حاجی آخوند، فرزند ملاً علی.

عالم فاضل زاهد متقی، از مدرّسین سطوح در اصفهان، و محدّثین و واعظین بود. اغلب فضلاء معاصر اصفهان از شاگردان ایشانند. کتب زیر از تألیفات ایشان است:

۱- رساله در اصول دین، که به طبع رسیده ۲- کتابی در قاعده دایره هندی ۳- کتابی در علوم غریبه ۴- کتابی در مکروهات موجب فقر.

صاحب عنوان در علوم غریبه و جفر و اعداد طلسمات نیز زحماتی کشیده و در این موارد، کارهایی بدو نسبت می‌دهند.

در روز دوشنبه ۲۸ رمضان المبارک ۱۳۵۲ به سنّ قریب به نود سال در اصفهان وفات یافته. در بقعه ی تکیه ی بروجردی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

زکریه مروزی، ابویحیی زکریا

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۷۰ ق)، محدث. ساکن بغداد بود. به آورده‌ی ابوالفتح ازدی در کتاب «الضعفاء» او ملقب به جوذابه بوده است. وی از سفیان بن عینه و معروف کرخی و ابومعاویه ضریر حدیث روایت کرد. زکریه راوی یک «جزء» از سفیان بن عینه است. قاضی محاملی و محمد بن مخلد و اسماعیل صفار و ابوالعباس اصم نیشابوری و ابوعوانه و ابوالحسین احمد بن منادی و محمد بن احمد حکیمی و عده‌ای دیگر از وی حدیث روایت می‌کنند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۴۶۱-۴۶۰/۸)، سیر النبلاء (۳۴۸-۳۴۷/۱۲)، لسان المیزان (۱۴۹/۳).

زکریای قزوینی، عمادالدین محمود

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

زکریای قزوینی. عمادالدین محمود (ف. ۸۶۲ ه.ق.). وی در ادب و شعر صاحب قریحه بود و به جغرافی آشنایی و علاقه تام داشت. از تألیفات اوست: عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات، آثار البلاد و اخبار العباد. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

زکی شیرازی، عبدالله

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۷۷ ق)، شاعر و حکیم. وی از پیشینیان مشایخ و سابقین علما بود که قاضی بیضاوی و ظهیرالدین عبدالرحمن بزغش و قطب‌الدین علامه از شاگردان او بودند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: الذریعه (۴۰۳- ۴۰۲/ ۹)، ریاض العارفین (۱۹۶- ۱۹۵)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۶۹/۲)، مجمع الفصحا (۶۹۵/۲)، مرآت الفصاحه (۲۵۳).

زکی نیشابوری، ابو عبدالله محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۹۲- ۳۱۷ ق)، محدث و ادیب. وی از ابن بلال و محمد بن حسین قطان و ابن قوهیار و عبدالله بن یعقوب کرمانی و ابوطاهر محمدآبادی و دیگران حدیث شنید. ابو عبدالله حاکم نیشابوری و احمد بن عبدالرحیم اسماعیلی از وی حدیث روایت کرده‌اند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۵۳- ۵۲/ ۱۷).

زکی، محمد موسی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد موسی زکی

محل تولد: افغانستان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدموسی زکی فرزند شهید محمد عیسی فرزند شهید محمد رسول از حدود سال ۱۳۶۲ دروس حوزوی را شروع کردم ولی از سال ۱۳۶۴ به طور مستمر به تحصیل ادامه دادم، تا سال ۱۳۶۵ در افغانستان و استان محل اقامت خویش تا معالم الاصول و منطق تحصیل نمودم. در پاییز سال ۱۳۶۵ با خانواده به ایران مهاجرت کردم. از شهریور ۱۳۶۲ در تهران (جامعه امیرالمومنین) ادامه دروس را مشغول شدم و تا تیرماه ۱۳۶۷ در همین مدرسه تا پایه ششم حوزه به تحصیل ادامه دادم. از تیرماه همان سال به قم هجرت کردم و تا شهریور ۱۳۷۷ تا سال چهارم خارج فقه و اصول را در این حوزه علمیه تحصیل نمودم. در مهرماه ۱۳۷۷ برای تدریس به رفسنجان رفتم و تا مهرماه ۱۳۷۹ دروس پایه پنجم و ششم و هفتم و بخشی از پایه هشتم را در مدارس امام خمینی (ره) رفسنجان و امام حسن (ع) رفسنجان تدریس کردم. از مهرماه ۱۳۷۹ تا کنون در قم به تحصیل، تدریس و تحقیق اشتغال دارم.

زلالی خوانساری، محمدحسن

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۳۷-۱۰۲۴ ق)، شاعر، متخلص به زلالی. وی در خوانسار متولد شد و همعصر شاه عباس اول صفوی و ملک الشعرا دربار وی بود. در غزل و قصیده استاد و شاگرد میرزا جلال اسیر بود و میرداماد و شیخ بهایی را مدح می‌کرد. شهرت وی به سبب هفت مثنوی است که از او به جا مانده. از آثارش: «شعله‌ی دیدار»؛ «محمود و ایاز»؛ «حسن گلسوز»؛ «آذر و سمندر»؛ «سلیمان نامه»؛ «ذره و خورشید»؛ «می و میخانه» مجموعه‌ی این هفت مثنوی به نام «هفت سیاره» یا «هفت آشوب» یا «سبعه‌ی سیاره» هم خوانده می‌شود. [۱]

(ع. منسوب به زمخشر) جارالله، ابوالقاسم محمود بن عمر بن محمد خوارزمی (و. زمخشر ۴۶۷- ف. ۵۳۸ ه. ق.)، استاد تفسیر و حدیث و نحو و لغت و علوم بلاغی. وی امام عصر خود و مورد احترام فضلا و علما بوده. سبب اشتهار او به جارالله آن است که وی مدتی مجاور کعبه بود. زمخشری معتزلی بود، و از آثار اوست: «الکشاف فی تفسیر القرآن» (ه. م.)، مقدمه‌ی الادب (ه. م.) بر گرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] آتشکده‌ی آذر (۱۰۵۵-۱۰۵۱/۳)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۶۹/۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۷۶-۹۶۵-۵/)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۳۴-۲۳۰)، دایره‌المعارف فارسی (۱۱۷۶/۱)، الذریعه (۱۵۹، ۱۹/۱۰۶، ۱۹/۴۰۴، ۷/۱۵)، ریحانه (۳۷۹-۳۷۸/۲)، سرآمدان فرهنگ (۴۱۶-۴۱۵/۱)، گنج سخن (۸۴-۸۱/۳)، لغت نامه (ذیل/زلالی)، مؤلفین کتب چاپی (۵۶۴/۲)، هفت اقلیم (۴۸۵-۴۸۴/۲).

زمان، ساعد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مترجم.

تولد: ۱۳۳۴.

درگذشت: ۱۳۷۳.

ساعد زمان از زبان فرانسوی به فارسی ترجمه می‌کرد. بیشتر آثارش در انتشارات ققنوس به چاپ رسیده است. از آثار اوست: بهداشت و زیبایی پوست: درمان طبیعی و گیاه درمانی بیماریهای پوستی (اثر جی. سی. مارشینا، تهران، ۱۳۷۳)؛ بهداشت و زیبایی مو؛ مراقبت‌ها و درمان طبیعی برای مو و پوست سر (اثر ژان داریگل، تهران، ۱۳۷۳)؛ بیست تست برای شناخت خود (میشل و فرانسواز گوکلن، تهران، ۱۳۷۴)؛ تأثیر از فاصله (پل ژاکو، تهران، ۱۳۷۲)؛ چگونه بر ترس و اضطراب خود غلبه کنیم: راهنمای عملی برای بازیابی اعتماد به نفس و آرامش (ژرژ باربارن، تهران، ۱۳۷۴)؛ پیش از این تاریخ، این کتاب تحت عنوان مشابهی در سال ۱۳۷۳ منتشر شد)؛ چگونه بهتر بخوابیم (پیر فلوشر؛ تهران، ۱۳۷۴)؛ پیش از این تاریخ، این کتاب تحت عنوان مشابهی در سال ۱۳۷۱ منتشر شد)؛ یازده تست برای شناخت دیگران (میشل و فرانسواز گوکلن، تهران، ۱۳۷۴)؛ چگونه حافظه برتر داشته باشیم (روبرت توکه، تهران، ۱۳۷۳)؛ چگونه خود را با غذا درمان کنیم- راهنمای عملی رژیم غذایی خانواده‌ها (ایوجی. شارل و ژان لوک داریگل، تهران، ۱۳۷۴)؛ پیش از این تاریخ، این کتاب تحت عنوان مشابهی در سال ۱۳۷۱ منتشر شد)؛ در انتظار کودکی هشتم (لورانس پرنو، تهران، ۱۳۷۳، ۱۳۷۰)؛ درمان خجالت در سه هفته (ژان شارتیه، ۱۳۷۳، ۱۳۷۱)؛ درمان طبیعی بیماریهای تنفسی (آندره پاسبک، تهران ۱۳۷۴، ۱۳۷۲)؛ درمان طبیعی بیماریهای چشمی (آندره پاسبک، تهران، ۱۳۷۳)؛ درمان طبیعی بیماریهای گردش خون (آندره پاسبک، تهران، ۱۳۷۴-۱۳۶۸)؛ درمان طبیعی بیماریهای گوارشی (آندره پاسبک، تهران، ۱۳۷۴، ۱۳۷۲)؛ درمان طبیعی یبوست (ژان لوک داریگل، تهران، ۱۳۶۹)؛ رنگها: برای سلامتی شما؛ روش عملی رنگ درمانی با استفاده از خواص درمانی رنگها (ژرار داد، تهران، ۱۳۶۹)؛ فلزات: برای سلامتی شما؛ استفاده از خواص فیزیکی؛ شیمیایی و مغناطیسی فلزات نظیر دستبندهای مسی و هومئوپاتی... (ژرژ فور؛ تهران، ۱۷۳۰)؛ کاربرد عملی طب فشاری (ژاژرد اد؛ تهران، ۱۳۷۵، ۱۳۶۸)؛ گیاهان دارویی (ژان ولاگ و ژیری استولار، تهران، ۱۳۷۰)؛ ویتامینها و ویتامین درمانی (کلود بینه، تهران، ۱۳۷۳)؛ یاد بگیریم چگونه بر خود مسلط شویم (ار. اسیرینگر، تهران ۱۳۶۹).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

زمانی نژاد، علی اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اکبر زمانی نژاد

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۳ شمسی. در شهر مقدس قم به دنیا آمدم و در سال ۱۳۵۶ ش وارد حوزه شده و مقدمات سطح و تا خارج در مدرسه آیة الله گلپایگانی و مدرسه رضویۀ تا سال ۱۳۶۴ به پایان رساندم و دروس جدید را تا دیپلم متفرقه گذرانم.

و از سال ۱۳۶۵ تا کنون از دروس خارج حضرات آیات عظام شیخ جواد تبریزی و فاضل لنکرانی و منتظری و وحید خراسانی و سبحانی و مددی شرکت کرده و می‌کنم و از درس فلسفه و تفسیر آیات عظام حسن زاده آملی و انصاری شیرازی و جواد آملی بهره‌ها برده و می‌برم در کنار تحصیل با نوشتن مقالات و تصحیح بعضی از متون درسی علما و تهیه و تدوین بعضی از شناخت‌نامه‌ها و شرح حال و کتابشناسی جهت شخصیت‌های علمی به انجام وظیفه می‌پردازیم.

و نیز در ده‌ها کنگره علمی در ایران و خارج شرکت کرده و اکثر این کنگره‌ها با تدوین کتابی و یا تصحیح کتابهایی و نوشتن مقاله و مقالات و... همکاری نزدیک داشته‌ام و در اکثر این کنگره‌ها به عنوان معاون علمی، یا معاون اجرایی، یا معاون علمی و اجرایی و... به وظیفه عمل کرده‌ام.

زمانی نژاد، علی اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اکبر زمانی نژاد

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۳ شمسی. در شهر مقدس قم به دنیا آمدم و در سال ۱۳۵۶ ش وارد حوزه شده و مقدمات سطح و تا خارج در مدرسه آیه الله گلپایگانی و مدرسه رضویه تا سال ۱۳۶۴ به پایان رساندم و دروس جدید را تا دیپلم متفرقه گذرانم.

و از سال ۱۳۶۵ تا کنون از دروس خارج حضرات آیات عظام شیخ جواد تبریزی و فاضل لنکرانی و منتظری و وحید خراسانی و سبحانی و مددی شرکت کرده و می‌کنم و از درس فلسفه و تفسیر آیات عظام حسن زاده آملی و انصاری شیرازی و جواد آملی بهره‌ها برده و می‌برم در کنار تحصیل با نوشتن مقالات و تصحیح بعضی از متون درسی علما و تهیه و تدوین بعضی از شناخت‌نامه‌ها و شرح حال و کتابشناسی جهت شخصیت‌های علمی به انجام وظیفه می‌پردازیم.

و نیز در ده‌ها کنگره علمی در ایران و خارج شرکت کرده و اکثر این کنگره‌ها با تدوین کتابی و یا تصحیح کتابهایی و نوشتن مقاله و مقالات و... همکاری نزدیک داشته‌ام و در اکثر این کنگره‌ها به عنوان معاون علمی، یا معاون اجرایی، یا معاون علمی و اجرایی و... به وظیفه عمل کرده‌ام.

زمانی، رجبعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رجبعلی زمانی

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۸ سیکل خود را گرفتم سپس در امتحانات عمومی حوزه علمیه مشهد که با سیاست‌گذاری مرحوم آیت الله العظمی میلانی برگزار گردید شرکت کردم و به فضل الهی در مدرسه معظم له پذیرفته شدم و درسهای حوزوی را آغاز کردم. با پشتیبانی مرحوم والد در مدرسه مرحوم آیت الله میلانی طی پنج سال دوره سطوح اولیه گذراندم و از محضر اساتیدی همچون حجج اسلام اسلامی، نجفی، نقیبی، بنی هاشمی (ره) اختری بهره مند شدم. سطوح عالی را آغاز کردیم و از برکات وجودی اساتیدی همانند حجة الاسلام والمسلمین آهنیان، محسنی، محقق و آیت الله رضازاده و فلسفی استفاده بردم دروسی همچون رسائل و مکاسب را فراگرفتم و سپس به شهر قم جهت ادامه تحصیل روانه شدم. در سال ۱۳۵۴ ه. ش عازم قم شدم و ادامه سطوح عالی مکاسب و رسائل را در محضر آیت الله سید ابوالفضل موسوی تبریزی، آیت الله پایانی به پایان رساندم و دروسی همچون کفایتین و بخش پایانی مکاسب را در محضر آیت الله العظمی فاضل لنکرانی و آیت الله ستوده به اتمام رساندم. در ضمن دروس فلسفه و کلام (اسفار - منظومه) و تفسیر را از محضر آقایان آیت الله جوادی آملی و حسن زاده آملی و مشکینی و انصاری ... استفاده کردم و تلمذ نمودم. از سالهای ۱۳۵۶ دروس خارج فقه و اصول را در محضر آیات عظام: فاضل لنکرانی، شیخ جواد تبریزی، آقای منتظری و وحید خراسانی تلمذ کردم و بهره فراوانی بردم. در ضمن بحث (رجال) را از محضر آیت الله شبیری زنجانی استفاده نمودم. تدریس در مدرسه دارالشفاء و فیضیه و حجتیه از عنایات الهی بود که توانستم معالم الاصول، مختصر المعانی، اصول مطهر و ادبیات عرب را تدریس کنم و آنچه را آموختم به عزیزانی دیگر منتقل نمایم. کار تدریس را نه تنها در حوزه علمیه مشهد و قم داشتم بلکه خداوند توفیق عنایت کرد سالهای ۶۵ تا ۶۹ همان دروس قبلی به همراه رسائل و مکاسب و بدآیت الحکمة را در حوزه علمیه زینیه سوریه تدریس نمودم و عده ای از طلاب عرب زبان از کشورهای مختلف اسلامی که در کشور سوریه به سر می بردند همانند برخی از طلاب عراق، بحرین، لبنان، مصر، پاکستان، افغانستان، و نیجریه و... بودند سعی نمودم آنچه را اندوخته ام به این عزیزان منتقل کنم (که حدود ۴ سال به طول انجامید) بعد از انقلاب اسلامی کار تالیف را آغاز کردم و با استفاده از تجارب حجة الاسلام والمسلمین آقایان محمد جعفر امامی و پیشوائی کار ادامه پیدا کرد. کار جمعی ما (درس‌هایی از نظام دفاعی اسلام) به ثمر رسید و چندین مرتبه به چاپ رسید و به حمدالله در میان رزمندگان اسلام (سپاه پاسداران - ارتش جمهوری اسلامی) مورد بهره برداری و تدریس قرار گرفت. و نیز کار جمعی دیگر همچون (معجم بحار الانوار) در دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم انجام گرفت که آن هم ۱۴ جلد حجری شد و امروز از برکات وجودی آنها جامعه علمی اسلامی بهره مند می شود.

زمانی، محمد هاشم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد هاشم زمانی

محل تولد : مرودشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از انقلاب اسلامی بنا بر ضرورت درک اسلام و باورهای صحیح به حوزه علمیه قم آمدم و دروس حوزه را شروع کردم و از همین ابتدا به قرآن و مباحث تفسیری پرداختم و در کنار آن به مباحث علمی و پژوهشی می‌پرداختم و در سال ۶۷ در جبهه به اسارت عراق در آمدم و در آنجا در حد توان به ترویج قرآن و مباحث اعتقادی پرداختم و در سال ۶۹ پس از آزادی از اسارت در مرکز قرآنی مشغول به کار شدم و در ضمن برنامه نویسی کامپیوتر به تحقیق در مباحث قرآنی می‌پرداختم تا اینکه در سال ۷۵ پس از طرح‌های بسیاری که برای رسیدن به اطلاعات منسجم و دقیق ریختم و هیچکدام پایدار نبود به طرحی تحت عنوان «نور فرقان و سیر اندیشه» دست پیدا کردم که جامع و بنیادی بود و توانستم برای رسیدن به آن به طرح پروژه‌هایی پردازم و اطلاعات زیادی تهیه کنم و در سال ۷۹ به تأسیس مؤسسه‌ای تحت عنوان «نور فرقان» اقدام کردم تا فعالیت و پژوهشها موجه و نتایج آن جهت اطلاع رسانی میسر باشد. مدتی کوتاه در معاونت پژوهشی حوزه خواهران مشغول بودم و مدتی در معاونت پژوهشی جامعه الزهرا و نیز دو ترم برای خواهران حوزوی درس قرآن و تفسیر آن و عدم تحریف قرآن را بحث داشتیم و نیز در نمایشگاههای قرآنی بسیاری شرکت کردم و اکنون هم سه سال است که در نمایشگاههای قرآن شرکت می‌کنم در نمایشگاه بین‌المللی قرآنی در مصلی تهران دو بار غرفه داشتیم و نیز در قم در دانشگاه مفید هفته پژوهش و نیز در نمایشگاه حوزه در عرصه بین‌الملل و نیز در هفته کرامت در نمایشگاه رضوی شرکت داشتیم و اکنون نیز در معاونت پژوهشی حوزه بحث توسعه علوم را دنبال می‌کنیم.

زمانی، محمدحسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسن زمانی

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از تحصیلات ابتدائی از سال ۱۳۴۹ هجری شمسی تحصیلات حوزوی را در شهرستان حیدریه آغاز کردم و ۴ سال در حوزه علمیه هراتی تحصیل کردم. سال ۵۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه مرحوم آیه العظمی گلپایگانی ادامه تحصیل دادم. دروس سطح را در خدمت اساتید مانند حجج اسلام : صلواتی، حسن تهرانی، ستوده ، سید علی محقق داماد ، کریمی جهرمی، شریعتی کاشانی ، صانعی و موسوی تهرانی فراگرفتم. از سال ۶۱ درس خارج فقه و اصول را نزد اساتید بزرگوار حضرات آیات : فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی ، صانعی ، منتظری ، وحید خراسانی و گلپایگانی نزدیک ۱۵ سال گذراندم. در این دوره تحصیلی ۵ جلد

اصول فقه استدلالی را که مشتمل بر بیش از نیمی از علم اصول فقه است را تألیف کردم که هنوز به صورت مخطوط است و انگیزه این کار سنگین آن بود که اجتهاد واقعی و اتخاذ آراء در مسائل فقهدون اجتهاد و اتخاذ آراء در مسائل اصول فقه ممکن نیست. سپس رساله فقهی اجتهادی پیرامون (طهارت اهل کتاب و مشرکین) را بعنوان رساله کارشناسی ارشد قرار داده و تألیف کردم. فلسفه اسلامی را با خواندن کتب: منظومه سبزواری، نهایه الحکمه، اشارات بوعلی، مجلداتی از اسفار ملا صدرا، و فلسفه جامعه تاریخ نزد اساتید بزرگوار چون: شهید مطهری، آیه الله جوادی آملی، انصاری شیرازی، حسن زاده آملی، محمدی گیلانی، نکونام و فیاضی فرا گرفتم. عرفان اسلامی را با تلمذ و تحصیل کتاب: فصوص الحکم محی الدین و مصباح الانس نزد عارف رهپیموده استاد حسن زاده آملی فرا گرفتم. جهت فراگیری زبان انگلیسی، چون از کلاس ششم ابتدائی به حوزه علمیه منتقل شده بودم، تمام کتب درسهای زبان راهنمایی، دبیرستان و کارشناسی دانشگاه را در طول یکسال نزد استاد محرم خانی گذراندم. سپس دوره ۴ جلدی زبان را در مرکز آموزش زبان مرکز آموزش عالی باقر العلوم (علیه السلام) سپری کردم تا آمادگی حضور در کلاس های زبان دوره ارشد و دکترای دانشگاه را بیابم. سپس در کنکور ورودی کارشناسی ارشد (تربیت مدرس دانشگاه قم) شرکت کرده و پس از قبولی و گذراندن دوره تحصیلی فارغ التحصیل شدم و رساله پایان نامه من با نمره ۲۰ حائز بالاترین رتبه دانشگاه شد. سال ۷۷ در کنکور دکترای علوم قرآن و حدیث همان (تربیت مدرس دانشگاه قم) شرکت کرده و سال ۸۰ دوره آموزشی را با معدل ۷۸/۱۸ به پایان رساندم.

در آن سال عضو هیئت علمی گروه علمی قرآن و حدیث مرکز جهانی علوم اسلامی قم شده و تا کنون به تدریس برای طلاب غیر ایرانی مشغولم. در طول دوران تحصیل مشغول تدریس رشته ها و دروس ادبیات عربی، منطق، فلسفه، معارف، اقتصاد اسلامی، اخلاق، نظام تربیتی، فقه مقارن، علوم قرآن و قرآن و مشرکان در حوزه ها و مدارس و دانشگاه های مختلف بوده ام.

زمانی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود زمانی

محل تولد: شهرضا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱۱/۲۰

زندگینامه علمی

حقیر در سال ۱۳۵۹ پس از گذراندن دوره راهنمایی وارد حوزه علمیه صاحب الزمان (عج) شهرستان شهرضا به مدیریت و سرپرستی جناب مستطاب حجت الاسلام غدیر علی ممیز شدم و در مدت ۳ سالی که در آنجا به تحصیل اشتغال داشتم دوره مقدمات و قسمتی از کتاب شرح لمعه و اصول الفقه مرحوم مظفر را گذراندم. در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و دوره سطح را تا سال ۱۳۶۷ از محضر اساتیدی چون مرحوم وجدانی و مرحوم پایانی و حضرت مستطاب شیخ مصطفی اعتمادی و سید موسوی تهرانی (مد ظلهما) بهره بردم. در سال ۱۳۶۷ وارد مرحله درس خارج شدم و از محضر اساتیدی چون آیات عظام فاضل و

تبریزی (از سال ۶۷ تا ۶۹) بهره بردم، از سال ۶۸ به مدت یک سال دوره اصول و فقه استاد وحید خراسانی بهره بردم. در رشته فلسفه نیز از سال ۶۳ کتب فلسفی رایج در حوزه ها را از محضر اساتیدی چون آیات عظام جوادی آملی، حسن زاده آملی، مصباح یزدی، محمد علی گرامی، علی زمانی (عموی بنده) و فیاضی دامت برکاتهم استفاده بردم. در رشته هیئت و نجوم نیز از محضر جناب استاد حسن زاده آملی و علی زمانی بهره بردم. از آنجا که آشنایی با علوم جدید را لازم می دیدم بین سالهای ۶۵ تا ۶۹ دوره متوسطه را تابستانها به صورت متفرقه گذراندم و در سال ۶۹ موفق به اخذ دیپلم شدم. در سال ۷۰ برای آشنایی با مباحث جدید کلامی وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شدم و در رشته "دین شناسی" از اساتید آن مرکز استفاده بردم و در سال ۷۶ با ارائه پایان نامه ای تحت عنوان "ترجمه کتاب مفهوم معجزه و نقد آن" دوره کارشناسی ارشد را به پایان بردم. در سال ۷۶ برای تقویت بنیه علمی در زمینه فقه و اصول وارد موسسه بقیه الله (عج) شدم و از محضر اساتید آن موسسه استفاده بردم. در کنار تحصیل به تحقیق در زمینه هایی که در سطور قبل به آن اشاره شد، پرداخته ام که حاصل آن چندین کتاب و رساله می باشد که ذکر خواهم کرد و همچنین به تدریس نیز اشتغال داشته و دارم.

زمانی، مصطفی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مصطفی زمانی در سال ۱۳۵۳ هجری قمری در نجف آباد اصفهان در خانواده‌ای متدین و اهل فضل و تقوی بدنیا آمد. وی در پایان تحصیلات مقدماتی به قم رفت و به آموزش علوم دینی و زبان عربی پرداخت. زمانی مدت هشت سال از درس فقه و اصول حضرت امام (ره) بهره‌مند شد و پس از آشنایی با شهید دکتر مفتاح نخستین اثرش را با نام ابراهیم بت شکن یا قهرمان توحید منتشر کرد. مرحوم زمانی روحیه ظلم ستیزی داشت؛ از این رو چندین بار عوامل رژیم پهلوی وی را دستگیر و زندانی کردند. مرحوم زمانی در هریک از آثارش به شرح حقایق اسلامی و طرح اندیشه‌های مذهبی در برخورد با مسائل اجتماعی و اخلاقی می‌پردازد. گفتنی است که کتاب «الشیعةُ والحاکمون» تألیف محمد جواد مغنیه را تحت عنوان «شیعه و زمامداران خودسر» به فارسی ترجمه کرده است. ۳۰ بهمن ماه سال ۱۳۶۹ هجری شمسی حجة الاسلام مصطفی زمانی نویسنده، محقق و از مدرسان حوزه علمیه قم در ۵۸ سالگی بدرود حیات گفت.

برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

زمانیانپور، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

زمجی، معین الدین

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

معین الدین محمد زمجی اسفزاری متخلص به نامی در حدود ۸۵۰ ه. ق در اسفزار (سبزوار) متولد گردید. و در همان جا به تحصیل علوم مقدماتی پرداخت. اما در پی آشوبهای پس از وفات سلطان ابو سعید تیموری و طاعون سال ۸۳۸ ه. ق به هرات رفت و تحصیل در علوم مختلف پرداخت، و از محضر استادان بزرگ زمانه بویژه عبد الرحمن جامی (شاعر و صوفی) بهره برد. و در دربار سلطان حسین بایقرا به مناصب منشی گری، مهر داری و حتی وقایع نگاری رسید. و بنابه سفارش خواجه قوام الدین نظام الملک وزیر سلطان بایقرا کتاب مشهور روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات را در تاریخ محلی و جغرافیای هرات نگاشت. اسفزاری تا پایان عمر بعنوان یکی از دانشمندان، و مترسلان مشهور زمانه خود به تدریس در مدارس هرات مشغول بود. در شاعری و خط تعلیق نیز دست داشت و بیشتر معاصرانش وی را ستوده اند.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

گرایش: ایران بعد از اسلام

والدین و انساب: معین الدین محمد زمجی اسفزاری در کتاب خود از پدر خود نامی نیاورده است اما می نویسد که وی شاعری چیره دست بوده و در توصیف فجایع طاعون هولناک سال ۸۳۸ ه. ق اشعاری سروده است.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: معین الدین محمد زمجی اسفزاری از آغاز جوانی در اسفزار آغاز به کسب علم و هنر نمود و نزد استادان زمان به تحصیل پرداخت اما از سال ۸۷۳ به هرات رفت و از محضر نورالدین عبد الرحمن جامی (عارف) بهره برد و مدتی بعد در سن ۲۳ سالگی در دیوان خواجه مجد الدین محمد (وزیر سلطان حسین بایقرا) به منشی گری مشغول شد. وی در هرات مهارت خود را در علوم گوناگون چون صرف و نحو، منطق و معانی و بیان و زبان و ادبیات عرب و فقه حنفی و تفسیر و احادیث و زبان و ادبیات پارسی و هراتی و ترکی جغتایی و قواعد انشاء که خود آن مورد رساله ای نوشته است، و علم تاریخ و جغرافیا و فن شعر و خطاطی و نیز مختصری هیئت و نجوم و طب و موسیقی تکمیل کرد.

خاطرات و وقایع تحصیل: در زمان سلطان ابوسعید تیموری هنگامی که معین الدین محمد زمجی اسفزاری هنوز در اسفزار به تحصیل مشغول بود، مولانا شرف الدین عبد القهار (متخلص به شریف) که از دانشمندان روزگار ربود از آن ولایت گذشت و معین الدین افتخار درک مقدم وی را یافت و مولانا شرف الدین در شعر به بدیهه دربار اسفزار گفت: دارد نشانی از بهشت آب و هوای اسفزار معین الدین اسفزاری نیز در پاسخ وی چنین سرود: اکنون زمین مقدمت دارد به جنت افتخار استادان و مریبان: معین الدین محمد زمجی اسفزاری اولین استاد عرفانی معین الدین محمد در هرات بود.

هم دوره ای ها و همکاران: معین الدین محمد زمجی اسفزاری با دانشمندانی چون محمد فرهی، میرخواند، مولانا عبد الرحمان جامی معاصر و معاشر بوده است. امیر علیشیرنویسی، مولانا عبد الواسع نظامی (منشی و مورخ)، شیخ عبد الله دیوانه (خوشنویس)، خواجه غیاث الدین ده دار (ندیم سلطان حسین بایقرا).

وقایع میانسالی: معین الدین محمد زمجی اسفزاری عمده عمر خود را با سلطان حسین بایقرا تیموری معاصر و با وی معاشر بود. از حمایت قوام الدین نظام الملک وزیر برخوردار بود. از سال ۸۹۷ خواجه قوام الدین نظام الملک به وزارت سلطان حسین بایقرا رسید. و اسفزاری به خدمت او درآمده به فرمان وی کتاب روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات را در تاریخ شهر هرات شروع به

تالیف کرد. هدف وزیر هم خدمت به شاه و هم به جاویدان کردن اثری بوده است از نویسنده ای دانا و ادیبی کامل بوده است. اسفزاری نیز مدتها پیش از این درچنین اندیشه ای بوده است. وی دراین هنگام تالیف کتاب خود باامیر جلال الدین فرخزاد طبسی که پسر ارشد امیرنورالدین جلال الاسلام بود و از اعیان دولت تیمور گورکانی به شمار می رفت، دیدار کرد. اسفزاری درصددن افزودن کتاب دیگری درادامه شرح وقایع کتاب روضات الجنات بوده است که بدلیل نا آرامی های ناشی از کشته شدن خواجه قوام الدین نظام الملک در ۹۰۳ ه ق این کار صورت پذیرفت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: معین الدین محمد زمجی اسفزاری منشی دربار سلطان بایقرا و تحت حمایت وزیر وی قوام الدین نظام الملک بود. وی پیش از قوام الدین، در خدمت خواجه مجد الدین محمد (وزیر سابق سلطان حسین بایقرا) بوده است. از این رو امیر علیشیر نوایی (وزیر بعدی سلطان حسین) که با خواجه قوام الدین نظام الملک نزاع سیاسی داشته است، تنها به ذکر نامی از معین الدین اسفزاری اکتفا نموده است. اسفزاری در دربار سلطان بایقرا تا آنجا ترقی یافت که نشان شاهی را که مهر رسمی دربار سلطنت بود و به وی سپرده بودند.

فعالتهای آموزشی: معین الدین محمد زمجی اسفزاری چنان در خط تعلیق مهارت داشت که بیشتر اوقات در هرات به تعلیم قواعد این هنر مشغول بود. وی درمدارس هرات نیز بعنوان استاد به تدریس مشغول بوده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: معین الدین محمد زمجی اسفزاری علاوه بر منشی گری، به شاعری و خطاطی می پرداخت. چنانکه درخط تعلیق بسیار ماهر بود. و شعرهایی می گفت که بر زبان مردم هرات جاری بود. چنانکه می نویسد: به سرمه است آنکه می بینی به چشم هر پری پیکر که از غوغای چشمش می کند خاک سیر بر سر چنانکه اشعایی درمدح سلطان حسین بایقرا، مرثیه شیخ عبد الرحمن جامی و رباعی، غزلیات، قصای و مثنویاتی می سروده و بعنوان شاهد در تاریخ خود بکار می برد و به نامی متخلص می کرد.

همفکران فرد: معین الدین محمد زمجی اسفزاری منشی صاحب ذوقی بوده است که نثر او از منشیان معاصر وی همچون مولانا حسین واعظ کاشفی صاحب انوار سهیلی و مولانا کمال الدین عبد الواسع نظامی و وقایع نگاری که سجع و قافیه های بسیاری درنثر بکار می برد، او نثر و ساده تر بوده است.

آرا و گرایشهای خاص: معین الدین محمد زمجی اسفزاری درانشای مترسل ایرانی نسبت به ایرانیان معاصر خود شیوه ای ساده تر و روانتر را برگزیده بود. از نظر مذهبی نیز گویا وی به فقه حنفی گرایش داشته و دراین زمینه از کودکی آموزشهایی را کسب کرده بود و علاقه ای در حد تعصب به مذهب خودابراز میکرد. و شیعیان آن زمان را خارج از دین می دانست. اما درهمه جای کتاب خود به اولاد علی (ع)، بویژه امام رضا (ع) همانند یک شیعی خالصی، ارادت می ورزند. از این گذشته، وی درراه سلوک و عرفان ازمریدان شیخ عبد الرحمن جامی نیز به شمار می رود.

چگونگی عرضه آثار: معین الدین محمد زمجی اسفزاری کتاب روضات الجنات را در ۹-۸۹۷ ه ق تالیف کرده و به سلطان حسین بایقرا تقدیم کرد.

آثار:

۱ ترسل

ویژگی اثر: این رساله درباره آیین نامه نویسی تالیف کرده است.

۲ روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات

ویژگی اثر: کتاب روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات دنباله تاریخ نامه هرات اثر سیف بن محمد بن نعقوب هروی (سیفی

هروی) که وقایع هرات را در (۷۲۱-۶۱۸ ه ق) توصیف کرد، به شمار می رود. [آزند، تاریخ نگاری محلی ایران، تاریخ نگاری در ایران، تهران؛ گستره، ۱۳۸۰] این کتاب تاریخ هرات را تا سال ۸۷۵ ه ق در بر دارد. و در ۲۶ روزه مفصل بندی شده است و در آن اطلاعاتی است که در منابع دیگری نیامده است. گرچه بیشتر مطالب آن تکرار گفته های مورخین معاصر پیشین از جمله ابواسحق احمد بن یاسین، شیخ عبد الرحمن نامی، سیفی هروی و ربیعی پوشنگی است، اما بخش آخر کتاب منحصر به دیده ها و شنیده های مورخ و روش نگاری کتاب نیز یکی از بهترین و روانترین نمونه های نثر فارسی در قرن نهم می باشد. مطالب کتاب شامل ۲۶ روزه های هفتم تا دهم درباره ی اخبار ملوک آل کرت و ذکر بلاد وابنیه و مزارات و عمران خراسان و هرات در عهد تیموری است. کتاب مزبوز تاریخ هرات را تصرف آنجا توسط سلطان حسین بایقرا در بر دارد. همچنین اطلاعات جالبی نیز در باب رجال خراسان و هرات در ضمن مطالب کتاب آمده است. [معین الدین محمد الزمعی اسفزاری، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، ج ۱، به اهتمام محمد اسحاق، کلکته: درپاسری، ۱۳۸۰ ه ق. / ۱۹۶۱ میلادی، محال] منابع زندگینامه:

آزنده، تاریخ نگاری، محل دایراه، تاریخ نگاری در ایران، ص ۲۸۶۲ آزند، تاریخ نگاری در ایران، تاریخ نگاری در ایران، ص ۲۸۶۳ سعید نفیسی، تاریخ نظم و نثر ایران و در زبان فارسی، ج اول، تهران: کتابفروشی فروغی، ۱۳۴۴، ص ۲۵۲۴ معین الدین محمد الزمعی اسفزاری، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، ج ۱، به اهتمام محمد اسحاق، کلکته: درپاسری، ۱۳۸۰ ه ق. / ۱۹۶۱ میلادی، محال ۵ میر نظام الدین علیشیر نوایی، تذکره مجلس النفاس، به اهتمام علی اصغر حکمت، تهران؛ کتابخانه منوچهری، ۱۳۶۳، ص ۹۸-۹۹

زمخشری، ابوالقاسم محمود

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۳۸-۴۶۷ ق)، مفسر، محدث، نحوی، متکلم، لغوی و شاعر حنفی معتزلی. ملقب به جارالله. نسبت وی به زمخشر، از آبادیهای خوارزم است در زمخشر به دنیا آمد. او در ادب و لغت عرب و فقه و حدیث و تفسیر استاد و متکلم معتزلی بود و شعر را بسیار نیکو می سرود. در ضمن مسافرتهاى خود مدت مدیدی در مکه اقامت کرد و به همین مناسبت به جارالله (همسایه ی خدا) معروف شد. به بغداد نیز سفر کرد و در آنجا از نصر بن بطر و دیگران حدیث شنید. ادب را از ابومضر محمود بن جریر ضبی اصفهانی و ابوالحسن علی بن مظفر نیشابوری فراگرفت و از ابومنصور نصر حارثی و ابوسعید شقانی حدیث روایت کرد است. ابوطاهر سلفی و زینب دختر شعری از زمخشری با اجازه روایت کرده اند اسماعیل بن عبدالله خوارزمی و ابوسعید احمد بن محمود و دیگران از وی اشعارش را نقل کرده اند. سرانجام در جرجانیه ی خوارزم درگذشت. از آثار متعددش: «الکشاف عن حقایق التنزیل»، در تفسیر قرآن؛ «الامالی»، در نحو؛ «الانموذج»، در نحو؛ «مقدمه الادب»، در لغت؛ «اساس البلاغه»، در لغت؛ «اعجب العجب فی شرح لامیه العرب»؛ «اطواق الذهب»، در مواعظ و خطب؛ «الجبال و الامکنه و المیاه»؛ «دیوان» خطب؛ «دیوان» شعر؛ «دیوان» رسائل؛ «دیوان» تمثیل؛ «الرائض فی علم الفرائض»؛ «روس المسائل»، در فقه؛ «ربیع الابرار»، در ادبیات؛ «سوائر الامثال»؛ شرح «ابیات الکتاب» سیبویه؛ شرح مشکلات «المفصل»؛ «ضاله الناشد»؛ «القسطاس»، در عروض؛ «المجاز و الاستعاره»؛ «متشابه اسامی الرواه»؛ «المستقصی»، در امثال عرب؛ «معجم الحدود»؛ «المفرد و الموتلف»، در نحو؛ «المقامات»، در اخلاق؛ «المنهاج»، در اصول؛ «النصائح الکبار یا کبری»؛ «النصائح الصغار»؛ «الکلم النوابع»، در مواعظ؛ «الاحاجی النحویه»؛ «المفصل»، در نحو؛ «الفائق فی غریب الحدیث». [۱] برگرفته از کتاب: اثر آفرینان

(جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۵۵/۸)، ایضاح المکنون (۶۷/۱، ۸۶/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۲۰/۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۹۷، ۱۰۲، ۹۲)، التفسیر و المفسرون (۴۸۲-۴۲۹/۱)، دایرةالمعارف فارسی (۲۲۲۲-۲۲۲۱/۲، ۱۱۸۰/۱)، روضات الجنات (۱۱۸/۸)، ریحانه (۳۸۲-۳۷۹/۲)، سفرنامه ابن بطوطه (۵۷۱، ۴۳۶/۱)، سیر النبلاء (۱۵۶-۱۵۱/۲۰)، الکامل (۸/۹)، کشف الظنون (۱۹۷۸، ۱۹۵۵، ۱۸۹۰، ۱۸۷۷، ۱۸۳۷، ۱۷۹۸، ۱۷۹۱، ۱۷۷۴، ۱۷۳۴، ۱۶۷۵، ۱۶۷۴، ۱۶۰۷، ۱۵۸۴، ۱۵۳۹، ۱۴۷۵، ۱۴۲۷، ۱۴۰۷، ۱۳۹۶، ۱۳۲۶، ۱۲۱۷، ۱۲۰۶، ۱۰۸۵، ۱۰۸۲، ۱۰۵۶، ۱۰۲۲، ۱۰۰۹، ۹۱۵، ۸۹۵، ۸۳۲، ۸۳۱، ۷۹۱، ۷۸۱، ۶۱۶، ۱۸۵، ۱۶۴، ۱۱۷)، الکنی و الالقاب (۳۰۰-۲۹۸/۲)، لسان المیزان (۶۵۳-۶۵۱/۶)، لغت نامه (ذیل/ زمخشری)، مؤلفین کتب چاپی (۶۷-۶۶/۶)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۵۳۸)، معجم الادباء (۱۳۵-۱۲۶/۱۹)، معجم البلدان (۱۶۶-۱۶۵/۳)، معجم المؤلفین (۱۸۷-۱۸۶/۱۲)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۲۲۹-۲۲۸)، وفيات الاعیان (۱۷۴-۱۶۸/۵)، هدیة الاحباب (۱۴۶-۱۴۵)، هدیة العارفين (۴۰۳-۴۰۲/۲).

زمردیان، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان‌شناسی دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان‌شناسی از دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۳۹، دکترا در رشته زبان‌شناسی عمومی از فرانسه.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان‌شناسی عمومی، گویش‌شناسی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

گویش‌شناسی، زبان‌شناسی عمومی، فرهنگ و واژه‌های اروپائی در فارسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

زبان‌شناسی عمومی و گویش‌شناسی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

زنجانی طبسی، محمدجواد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد جواد زنجانی طبسی

محل تولد: طبس

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد جواد زنجانی طبسی در سال ۱۳۳۷ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان طبس دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۰ که سال‌های خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود و حوزه‌های علمیه از طرف رژیم منحوس پهلوی به شدت تحت فشار بودند وارد حوزه علمیه طبس گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره‌های علمی فراوان برد اما شوق زیارت و هم‌جواری با بارگاه ملکوتی حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام او را راهی حوزه علمیه مشهد گردانید. پس از ورود به حوزه علمیه مشهد، ضمن انس با آستان ملکوتی حضرت علی بن موسی الرضا (ع) با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه آن دیار حاضر شد و پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۰ به حلقه دروس خارج ستارگان علم و ادب آن دیار راه یافت. در آن دیار از درس بزرگانی همچون آیت الله خامنه‌ای، آیت الله حجت هاشمی، آیت الله مرتضوی و... بهره‌ها برد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته تاریخ اسلام در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۰ از دانشگاه شهید بهشتی تهران فارغ التحصیل گردید. و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان "بررسی نقش عبدالله بن عامر در حوادث صدر اسلام" دفاع کرد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از امر تبلیغ غافل نماند و در این راستا سعی و تلاش وافر به انجام رسانده است. استاد سال‌های متمادی است که به تدریس و شاگرد پروری در حوزه علمیه مشهد و طبس مشغول است و هم‌اکنون مدیر گروه معارف دانشگاه آزاد طبس می‌باشد.

زنجانی نجفی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۲ - ۱۲۹۶ ق)، فقیه، مجتهد و حکیم. وی در قریه‌ی دواسب از توابع زنجان متولد شد. مقدمات و متون فقهی را در زنجان خواند پس از آن به نجف مهاجرت نمود. بعد از تکمیل تحصیلات در سال ۱۳۳۰ ق به زنجان بازگشت و به انجام وظائف شرعی

پرداخت. در زنجان درگذشت و پیکرش را به قم بردند و در جوار مرقد علی بن جعفر دفن شد. از آثارش «فلسفه‌ی اتحاد مسلک» یا «فصل الخطاب و فلسفه‌ی اتحاد صواب» است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: الذریعه (۳۰۵/۱۶)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۳۱/۵)، مؤلفین کتب چاپی (۳۹۹-۳۹۸/۱).

زنجانی، ابوالقاسم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید میرزا ابوالقاسم بن سید محمدباقر زنجانی اصفهانی عالمی جلیل بوده و در سال ۱۳۳۶ ق وفات نمود. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

زنجانی، ابوالقاسم سعد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ح ۴۷۱-۳۸۰)، حافظ، محدث، صوفی و شاعر. از ابوعبدالله بن نظیف و حسین صدفی در مصر و محمد بن ابی‌عبید در زنجان و عبدالرحمان بن یاسر و عبدالرحمان بن طیبز حلبی در دمشق حدیث شنید. خطیب بغدادی و ابومظفر منصور سمعانی و عبدالمنعم بن قشیری و مختار اهوازی و عده‌ای دیگر از شاگردان وی در حدیث می‌باشند. او را در حدیث ثقه‌ای پرهیزکار شمرده‌اند و عده‌ای او را صاحب کرامات دانسته‌اند. از آنجایی که او در مکه املائی حدیث می‌کرد، او را شیخ الحرم می‌گفتند. قسمتهایی از «قصاید» او در «سیر اعلام النبلاء» آمده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۳۸۹-۳۸۵/۱۸).

زنجانی، ابوالمکارم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالمکارم بن ابی‌القاسم زنجانی متولد ۱۲۵۵ و متوفی ۱۳۳۰ ق عالمی فاضل و فقیهی کامل بوده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

زنجانی، ابوالمناب محمود

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۵۶ ق)، فقیه، اصولی، مفسر، محدث و لغوی شافعی. وی در بغداد متوطن بود. مدتی نیز نیابت قاضی القضاتی را بر عهده داشت تا عزل شد. در نظامیه به تحصیل و تدریس پرداخت. وی در ایام فتح بغداد به دست هلاکو کشته شد. از آثارش: «السحر الحلال فی غرائب المقال»، در فروع فقه شافعی؛ «ترویج الارواح فی تهذیب الصحاح» جوهری، در لغت؛ «تفسیر القرآن». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: کشف الظنون (۱۰۷۳، ۹۸۱)، معجم المؤلفین (۱۴۹- ۱۴۸/ ۱۲)، هدیه العارفین (۴۰۵/۲).

زنجانی، امین الدوله، ابوالقاسم محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۹۲- ۱۲۲۴ ق)، عالم، فقیه، اصولی و مجتهد امامی. نسبش به اما موسی کاظم (ع) می‌رسد. در کودکی پدر و مادر خود را از دست داد. در زنجان مدتی به تحصیل مقدمات مشغول بود آنگاه به قزوین مسافرت کرد و به محضر درس بزرگانی چون ملا عبدالوهاب و ملا محمد تقی شهید حاضر شد، سپس به اصفهان رفت و از شاگردان سید محمدباقر حجة الاسلام رشتی و حاج محمد ابراهیم کلباسی شد. در سی و پنج سالگی پس از تکمیل تحصیلات علمیه به زنجان مراجعت نمودند. ستیزش با بایان مشهور و احضارش به تهران به امر محمدشاه قاجار معروف است. او پدر سه دانشمند معروف: میرزا ابوطالب مجتهد و حاج میرزا ابوالمکارم و حاج میرزا ابوعبدالله است. وی در زنجان در گذشت و در خارج این شهر در بقعه‌ی مخصوصی به خاک سپرده شد. از آثارش: «ایضاح الدلائل فی حساب عقد الانامل»؛ «نارالله الموقده»؛ «فصل الخطاب»، در شرح «علماء امتی افضل من انبیاء بنی اسرائیل»؛ «تخریب الباب»؛ «رد الباب»؛ «قلع الباب»؛ «قمع الباب»؛ «سد الباب» همگی در رد باییه؛ «الحوه»؛ «حجه الابرار علی فرقه الاشرار فی اثبات حرمه الخمر فی الشرایع السابقه و جمیع الادوار»؛ «قره الابصار فی اثبات امامه الائمه الاطهار (ع)»؛ «شرح الحساب»؛ «المحمودیه»، در شرح «طب الرضا (ع)»؛ «المقاصد المهمات فی صیغ العقود و الایقات»؛ «مقالید الابواب»؛ «هدایه المتقین»، در عقاید و اصول و فروع دین؛ «نور العین فی عزاء الحسین (ع)»؛ «قواطع الاوهام»؛ «تسلیه الملهوفین و تسکین المغموین»؛ «کشف الساتر فی شرح کلمات باباطاهر».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۵/۶) اعیان الشیعه (۴۰۹/۲)، الذریعه (۳۷/۱۸، ۱۷۵- ۱۷۴، ۶/۱۷، ۲۲۸/۱۶، ۱۷۹/۴، ۴۹۵/۲)، ریحانه (۳۸۵- ۲/ ۳۸۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۲- ۶۱/ ۱۳)، المآثر و الآثار (۱۴۹)، معجم المؤلفین (۱۵۶/۱۱)، مکارم الآثار (۷۸۲- ۷۸۰/ ۳).

زنجانی، برات

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۳، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تبریز، کارشناسی ارشد و دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۰. مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی در دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آثار ادبی نظامی گنجوی، تدریس متون نظم و نثر ادبیات، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا. تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۰

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

تصحیح و شرح و تلخیص.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

علمی و نقد ادبی، تحقیق در لغت.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

زنجانی، جواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جواد بن احمد زنجانی متوفی حدود ۱۳۵۰ ق ادیبی کامل و مدرسی فاضل بوده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

زنجانی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۶۰ ق)، فقیه اصولی. از آثار وی: کتابی در «اصول»؛ رساله‌ای در «فقه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: معجم المؤلفین (۱۸/۴).

زنجانی، سبزعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سبزعلی بن فتحعلی بن رحیم بن حسین بن نوروز زنجانی متوفی حدود ۱۳۲۲ ق عالمی بزرگوار و فاضلی پرهیزکار از شاگردان میرزای آشتیانی و علماء بزرگ عصر خود در زنجان بوده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

زنجانی، شمس‌الدین، ابو عبدالله محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۳- ۱۲۶۲ ق)، فقیه، منطقی، عروضی و قاضی. مقدمات را در زنجان فراگرفت. در ۱۲۸۰ ق برای ادامه تحصیل به قزوین رفت. سپس به مشهد مشرف شد و در سبزوار چندی در خدمت حاج ملاهادی سبزواری درس خواند. در حدود ۱۲۸۵ ق به نجف رفت و نزد علامه سید حسین کوه‌کمری و شیخ راضی نجفی و میرزای شیرازی تلمذ کرد، و در آنجا با دختر سید محمدطاهر بن اسماعیل موسوی شوشتری، داماد علامه انصاری، ازدواج کرد. پس از تکمیل تحصیلات در ۱۲۹۴ ق به زنجان بازگشت و مرجعیت امور شرعی و تدریس را در آن شهر بر عهده گرفت. از آثارش: «مطالع الشمس»، در شرح «الدروس»؛ «فن القطع» ثر «حجیت»؛ «الانصاف»، در حسن و قبح عقلی؛ «مصایح الدجی»، در مواعظ؛ «نور المنابر»، در مقتل، به فارسی؛ «الایقاعات»؛ «المناطق»؛ «اجزاء العلوم»؛ «تقسیم العلم»، به اقسام اولیه و ثانویه؛ «رشحات الملکوت»؛ «الایماضات»، در حکمت اشراقی؛ «نفحات اللاهوت»؛ «المیزان»، در عروض؛ رساله‌ای در «قوافی»؛ رساله‌ای در شرح «بعض صفات النبی (ص)»؛ «رساله فی الامانات»؛ «الیواقیت»، در حساب؛ کتابی در «نحو».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۷۸/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۱- ۵۰/ ۱۴)، معجم المؤلفین (۱۴۸، ۱۱، ۱۰۴/ ۶)، مکارم الآثار (۱۶۶۱/۵).

زنجانی، ظهیرالدین، ابوالثناء محمود

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۷۴- ۵۹۷ ق)، فقیه شافعی و صوفی. وی از اصحاب شهاب‌الدین سهروردی بود و از او و ابوالمعالی صاعد حدیث روایت کرده است. از آثارش «الرساله المقننه منالجمر فی الحاق الانبئه بالخمیر» می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: معجم المؤلفین (۱۷۸/۱۲).

زنجانی، عباسعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عباسعلی زنجانی متوفی ۱۳۴۴ ق از دانشمندان فاضل عصر خود بوده است. بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

زنجانی، عبدالعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۹-۱۲۶۸ ق)، عالم. از آثار وی: شرح «دعاء صباح»؛ حاشیه بر «رسائل».[۱]

عبدالعلی بن مولی عبدالصمد بن مولی علی اکبر بن محمد سعید زنجانی متولد ۱۲۶۸ و متوفی ۱۳۴۹ قمری دانشمندی بزرگوار و فقیهی پرهیزکار از شاگردان ملا قربانعلی زنجانی و علامه شیخ محمدحسن مامقانی و علامه ملامحمد شریانی و دارای تألیفات و آثار عدیده بوده است.

عبدالعلی بن علی نقی بن مصطفی سعدآبادی زنجانی متوفی حدود ۱۳۵۷ قمری عالمی فاضل و دانشمندی بزرگوار و کامل از شاگردان آیت‌الله آخوند خراسانی و علامه یزدی (صاحب عروه) و شریعت اصفهانی بوده است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] معجم المؤلفین (۲۲۶/۵).

زنجانی، عبدالواسع

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۹۱-۱۲۳۵ ق)، فقیه، اصولی، امام جمعه، مجتهد و واعظ. وی از اکابر علمای امامیه در عصر خود بود. پس از پدرش تولیت مجسد فتحعلی شاه قاجار را بر عهده داشت. وی در زنجان وفات یافت و در بقعه‌ی پدرش به خاک سپرده شد. از آثارش: رساله‌ی «الاجتهاد و التقليد»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل»؛ حاشیه‌ی «قوانین الاصول»؛ «الرد علی رساله التکفیر» یا «رساله تکفیر الرومی»؛ وی حدود ده جلد کتاب در مواعظ دارد.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۹۸-۱۹۷، ۱۰/ ۱۷۷، ۶/ ۲۷۲، ۱/)، ریحانه (۳۸۷/۲)، طبقات اعلام الشیعه قرن (۸۰۴/۱۳)، المآثر و الآثار (۱۶۴)، معجم المؤلفین (۲۱۵/۶).

زنجانی، عزالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۳۸ ق)، فقیه، اصولی و امام جمعه. در شهر زنجان به دنیا آمد، بعد از فراگرفتن مقدمات و ادبیات عرب نزد استادان ادبیات، چون آقا میرزا علی اصغر فصاحتی، به همراه استاد رضا روزبه، منطقی «حکمه الاشراق» و «معیار العلم» غزالی را نزد پدرش تحصیل نمود. بعد از فراغت از کتابهای سطوح، «رسائل» و «مکاسب» و قسمت عمده‌ای از «طهاره» شیخ انصاری را نزد آقا شیخ حسین زنجانی که از مجتهدین زنجان و از شاگردان آخوند خراسانی بود، خواند. «کفایه الاصول» را در خدمت حاج شیخ عبدالکریم خوینی زنجانی فراگرفت و پس از دو سال تحصیل آن کتاب به درس خارج اصول پدرش، سید محمود امام جمعه، که تحت عنوان «تقریرات» کاظمینی بود، حاضر شد. در شهریور ۱۳۲۰ به قم رفت و به درس خارج فقه و اصول آیه‌الله حجت حاضر شد، و شبها به درس خارج اصول آیه‌الله صدر و آیه‌الله خوانساری شرکت نمود، و در معقول «اسفار» را به همراه استاد شهید مطهری و آیه‌الله حاج سید محمدعلی طباطبایی تبریزی نزد امام خمینی (ره) خواند، و با ورود علامه طباطبایی به قم در نزد ایشان ادامه داد. وی سپس فقه و اصول را در نزد آیه‌الله بروجردی تکمیل کرد و «تقریرات» ایشان را به رشته تحریر درآورد. آنگاه به نجف رفت و در حوزه درس آیه‌الله حکیم و آیه‌الله آقا سید عبدالهادی شیرازی حاضر شد. پس از چندی به زنجان بازگشت و به تبلیغ و نشر احکام دینی و تدریس و امامت جماعت پرداخت. از آثار وی: تاسیس کتابخانه به سبک جدید و مساجد گوناگون در زنجان؛ تشکیل انجمنهای تبلیغی. از آثار علمی اش «تقریرات» اصول آیه‌الله بروجردی؛ شرح قسمت اعظم «وسیله»؛ حواشی متفرقه در «منظومه‌ی حکمت»؛ تحریر «کفایه الاصول»؛ کتابی در تصوف؛ «رساله‌ی عملیه»؛ تحریر «الوسیط»، در فقه، به سبک استدلالی؛ تحریر کتاب «خمس».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: گنجینه‌ی دانشمندان (۲۴۱-۲۳۹/۵).

زنجانی، عزالدین، ابوالفضائل ابراهیم

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۶۵۵ ق)، نحوی، صرفی و فقیه شافعی. از آثارش: «الکافی»، در حساب؛ مختصر شرح رافعی بر کتاب «الوجیز» ابوحامد غزالی که آن را «نقاوه (فتح) العزیز»، در فروع فقه شافعی، نامیده است؛ «العزی»، در تصریف به نام «تصریف زنجانی»؛ «الکافی» در شرح «الهادی»، در نحو تصریف.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: کشف الظنون (۲۰۰۳، ۱۱۳۹-۱۱۳۸، ۴۱۲)، معجم المؤلفین (۵۷/۱)، هدیه العارفین (۱۲/۱).

زنجانی، عزالدین، عبدالوهاب

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۶۶۰/۶۵۵ ق)، عالم، دانشمند، ریاضیدان و ادیب. در تبریز مسکن گزید و مدتی در موصل به سر برد و در بغداد وفات یافت. او در علوم نحو، لغت، صرف، معانی و بیان عروض دانا بود و از علوم نقلی و عقلی بهره‌مند. خواجه نصیرالدین طوسی کتاب «تذکره» در علم هیت را به خواهش او تصنیف کرد. او به خراسان و ماوراءالنهر سفر کرد و سرانجام به تبریز باز آمد. وی در بغداد در گذشت. آثار وی: «العزى تصريف» در صرف؛ «الهادی» و شرح آن در نحو، «معیار النظر فی علوم الاشعار»؛ «المضنون به علی غیر اهله»؛ تصحیح «المقیاس فی تفسیر القسطاس» در عروض؛ «رساله‌ی الیوم التام»؛ رساله‌ی کوچکی درباره‌ی چگونگی به کار بردن اسطرلاب.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۳۰/۴)، اعیان الشیعه (۱۳۲/۸)، ایضاح المکنون (۵۱۷/۲)، دایرةالمعارف فارسی (۱۷۳۱/۲)، روضات الجنات (۱۶۶- ۱۶۵/۵)، ریحانه (۳۸۷- ۳۸۶/۲)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۳۰۸- ۳۰۷)، کشف الظنون (۲۰۲۷، ۱۸۶۹، ۱۷۳۸، ۱۵۷۸، ۱۳۲۶)، لغت نامه (ذیل / زنجانی، عزالدین زنجانی، عبدالوهاب)، معجم المؤلفین (۲۱۶/۶)، هدیه العارفین (۶۳۸/۱).

زنجانی، عزیزالدین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۰- ۱۲۵۵ ق)، عالم دینی، فقیه، محدث، رجالی، ادیب و شاعر. در زنجان به دنیا آمد. پس از تحصیل مقدمات در زادگاهش به قزوین رفت و در آنجا به تحصیل ادامه داد. در ۱۲۷۸ ق به عراق رفت و در نجف اشرف نزد شیخ انصاری و علامه سید حسین ترک کوه کمری و میرزای شیرازی تحصیلات خود را تکمیل کرد. در ۱۲۸۸ ق به زنجان بازگشت و پس از وفات پدرش مرجع ریاست شرعی شد و منصب قضا و افتاء بدو رسید. وی دارای تصانیف بسیاری است که از جمله آثارش: «لطائف الکلام فی الاوانی الذهب و الفضة من الاحکام»؛ «مفتاح الظفر»، در نماز سفر؛ «التحیه المبارکه»، در احکام سلام؛ شرح «دعاء کمیل»؛ «جواب السوال عن آیات بدء الخلق و آیه رد الشمس لسلیمان»؛ «الصبح الصادق»، به فارسی، در مسائل اجتماعی و وظائف سلطان؛ «معارج الرضوان فی مصائب الامام العطشان»؛ تعلیقات بر «الرسائل»؛ حواشی بر «الریاض»؛ «رساله فی حرمة الخمر»؛ وی قصایدی به عربی و فارسی نیز داشته است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۶۳/۹)، الذریعه (۳۲۱/۱۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۱- ۸۰/۱۴)، علماء معاصرین (۳۴۰- ۳۳۹)، المآثر و الآثار (۱۴۹)، مکارم الآثار (۱۵۰۳- ۱۵۰۲/۵).

زنجانی، علی نقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

امیر محسن جدّ سادات موسوی زنجان و اصفهان است که نواده او حاج میرزا علی نقی به اصفهان، مهاجرت نموده است و در این شهر پس از وصول به مقامات عالیّه علم و اجتهاد به تدریس و اقامه ی جماعت در مسجد خیاطها که آن را مسجد زنجانى ها نیز گویند اشتغال جسته، دارای تألیف و تصنیف بوده.

در ماه صفر سال ۱۲۵۸ وفات یافته، در تخت فولاد، جنب فاضلان مدفون گردید. دارای خطی نیکو بوده و حواشی بر کتاب ذریعۀ الضراعه تألیف محقق فیض کاشانی در سال ۱۲۲۱ نگاشته. نسخه ی آن در کتابخانه آستانه ی رضویّه موجود است. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

زنجانى، فتحعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۸ - ۱۲۶۸ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی و شاعر. وی برادرزاده و به آورده‌ی «الذریعه» (۸۰۷/۹) خواهرزاده‌ی مجتهد بزرگ آخوند ملا قربانعلی زنجانى، شاگرد شیخ انصاری، است. شیخ فتحعلی در زنجان متولد شد. مقدمات و علوم عربیت را در زادگاه خود به پایان رساند، سپس به قزوین منتقل و «قوانین»، تحصیل کرد و پس از آن به تهران آمد و در بحث خارج فاضل آشتیانی شرکت کرد. پس از بازگشت به زنجان، نزد عموی دانشمندش، آخوند ملا قربانعلی زنجانى هشت سال تلمذ کرد و سپس به تهران مراجعت و بعد از انتقال به حضرت عبدالعظیم به نجف اشرف رفت و در حوزه‌ی درس حاج سید حسین کوه‌کمری و حاج میرزا حبیب‌الله رشتی حضور یافت و در کربلا از محضر اردکانی و مازندرانی بهره گرفت و در سامرا در بحث میرزای شیرازی شرکت نمود. پس از وفات میرزای شیرازی، در خانه نشست و به تألیف پرداخت و تالیفات بسیاری انجام داد. از جمله آثارش: «مفتاح اللباب فی شرح خلاصه الحساب»؛ «تنقیح المسائل فی التعالیق علی الرسائل»؛ «حاشیه علی الروضه»؛ «حاشیه علی المکاسب»؛ «مجمع الانوار و معدن الاسرار»، در تفسیر قرآن؛ حواشی «حجیت القطع»؛ منظومه‌ای در «القطع»؛ «دیوان» اشعار فارسی. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۴۶/۲۱، ۸۰۷/۹)، علماء معاصرین (۳۵۹-۳۵۸)، معجم المؤلفین (۴۸/۴)، مکارم الآثار (۱۸۸۹/۶).

زنجانى، محسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن زنجانى قزوینی‌الاصول متوفی ۱۳۲۱ قمری و مدفون در ایوان عسکرین (ع) از تلامذه و شاگردان آیت‌الله مجدد شیرازی برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

زنجانى، محمدتقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدتقی زنجانی متوفی حدود ۱۲۶۰ ق از شاگردان حجه‌الاسلام آسید محمدباقر شفتی اصفهانی بوده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

زنجانی، محمدرضا

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۳۰۹ ق)، مورخ و شاعر. ملقب به ناظم‌الشریعه. وی صاحب کتابی است به نظم به نام «اعمال جهان‌شاه امیر تومان و احتشام‌الدوله حکمران خمسه»، در چگونگی حرکت آن دو به خمسه از سوی ناصرالدین‌شاه. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۸۲۰/۲).

زنجانی، نصر

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س پنجم ق)، دانشمند، طبیب و حکیم. از آثار وی: «المقامات الطیبیه»، «المقامات الحکمیة»، «الرساله السعدیه»، «الجواهر» فی النحو. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: فوائد الرضویه (۶۹۲)، معجم المؤلفین (۹۳/۱۳).

زنجیره فروش، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند آقا سید محمدبن حسن بن هاشم بن میرزا محمد موسوی. سید سند، و فاضل معتمد، از اساتید فن تجوید و قرائت بوده، نزد عاصم کاشانی قرائت دهگانه را بیاموخته، و سال‌ها تدریس «شاطبی» در اصفهان منحصر بدو بوده، و عده‌ای زیاد شاگرد تربیت نموده که هر یک استاد فن به شمار می‌رفته‌اند. در حدود ۱۲۷۵ متولد، و در ۱۳۵۱ وفات یافته، در تکیه‌ی آقا شیخ مرتضی ریزی مدفون، و سپس به اعتبار مقدسه منتقل گردید. پدر و جدرش از علمای اصفهان بوده، و جهت امرار معاش به شغل زنجیره بافی مشغول بوده‌اند. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

زند کرمانی، محمدباقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت الله شیخ محمد باقر زند کرمانی

آقا شیخ محمد باقر زند کرمانی، عالم فاضل جلیل، فقیه واعظ فرزند مرحوم حاج آقا رضا، به سال ۱۳۱۳ هـ.ق در کرمان به دنیا آمد. نسب او به خاندان زندیه (صادق خان برادر کریم خان زند) می‌رسد.

معظم له اولین گامهای تحصیلی را در مکتب خانه‌های قدیمی کرمان برداشت و پس از چندی به محضر درس استاد بهمنیار روی آورد، تحصیل در نزد استاد بهمنیار موقعیت بسیار مساعدی جهت شکوفایی استعدادهایش را به همراه داشت. آیت الله شیخ محمد باقر زند کرمانی شش کلاس ابتدایی را در مدرسه سعادت گذراند و سپس به مدرسه شهاب وارد شد. وی از مرحوم آقا جواد کرمانی برادر استاد بهمنیار نیز به عنوان استادی مبرز یاد می‌کند و تبصره و شرایع و درس فقه را نزد ایشان فرا گرفت همچنین استحضر و تکمیل ادبیات عربی و مقامات حریری را هم نزد مرحوم حاج سید محمد باقر زنوزی فرا گرفت.

پس از گذراندن این دروس، معظم له، در مدرسه انگلیسیها ثبت نام نمود تا از این طریق علاوه بر فراگیری زبان انگلیسی، علوم و فنون جدیدی که در آنجا تدریس می‌شد را نیز فرا گیرد. در آنجا به علوم شیمی، فیزیک، طب، جغرافیا نیز تا حدی آشنا شد و در این دوران با مسیحیان و پیروان ادیان دیگر در این مدرسه مباحثات مذهبی برپا می‌کرد [۱].

آیت الله زند کرمانی پس از آن جهت تکمیل علوم حوزه‌ای به اصفهان مهاجرت نمود و در اصفهان از محضر بزرگانی چون آیت الله العظمی آخوند فشارکی، آیت الله سید علی نجف آبادی و آیت الله حاج میر محمد صادق مدرس خاتون آبادی استفاده نمود. ارادت وی به مرحوم آیت الله فشارکی به حدی بود که جزء خواص ایشان قرار گرفت.

آیت الله زند کرمانی سفری نیز به عتبات عالیات داشت اما ضعف بنیه و گرمای آن منطقه باعث شد تا به دستور آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی به قم مهاجرت نماید. با عزیمت به شهر مقدس قم، به محضر درس مرجع عالیقدر جهان شیخ آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری شتافت و حدود هفت سال از محضر درس ایشان استفاده نمود همچنین در این مدت مرحوم زند کرمانی هم درس مرحوم حضرت امام خمینی (ره) بوده است [۲].

آیت الله زند کرمانی در سفر دیگری که به عتبات عالیات داشت مدتی از محضر پیر فیض عالم فرزانه آیت الله شیخ حسین آلکاشف الغطا به بهره‌گیری علمی و اخلاقی پرداخت و از جانب ایشان تائیدی مبنی بر حصول به مراتب والای اجتهاد دریافت نمود. مراتب علمی و ایمانی آیت الله زند همچنین از جانب علمای بزرگ دیگری چون: آیت سید جمال‌الدین گلپایگانی، آیت الله قاضی، آیت الله آقای شیخ آغا بزرگ تهرانی، آقا سید ابوالحسن شیرازی، تایید و آن بزرگان اجتهاد وی را تأیید نمودند [۳].

ایشان همچنین سفرهایی به تهران، و مشهد مقدس نمود و سرانجام مجالست با عالم ربانی آیت الله آخوند شیخ محمد حسین فشارکی را ترجیح داده و در اصفهان رحل اقامت همیشگی افکند. و به وعظ و ارشاد در مجالس خصوصی و اقامه جماعت در مسجد جامع و تدریس در مدرسه ذوالفقار مشغول شد. پس از چند سال در یکی از اتاق‌های شمالی مدرسه صدر بازار، «شرایع» یا «شرح لمعه» را تدریس می‌نمود.

ایشان نسبت به علمای عاملین فوق‌العاده ارادت داشتند از جمله مرحوم حاج آقا صدر کوپایی از حکمای درجه اول اصفهان و با اینکه هیچ اسم و عنوانی نداشت آقای کرمانی نسبت به ایشان خیلی ارادت داشتند.

ایشان در طب هم ید طولایی داشت معظم له حداکثر احترام و کوچکی را در مقابل مرحوم حاج میرسید علی نجف آبادی انجام می‌داد درس را بسیار دقیق و تحقیقی می‌گفت. ابتدا متن درس رامی‌خواند و بعداً آنرا معنی می‌نمود اگر این متن شرح و یا شارحی

داشت قول آن رانقل می نمود ایشان در دانش فیزیک و شیمی در سطح بالایی بود لذا در کنگره اتم شناسی از طرف مرحوم دکتر محمود حسابی دعوت شدند و سخنرانی نمودند حتی در ایام ملی شدن نفت ایران جلسه‌ای در دانشگاه تهران با شرکت شخصیت‌های سیاسی متخصص در رشته نفت که از کشورهای مختلف به ایران آمدند تشکیل شد و از ایشان دعوت کردند و که در آن جلسه به زبان انگلیسی صحبت کردند و همه مبهوت و حیران می‌شوند شاید از جمله عواملی که باعث برخوردها و احیاناً وارد کردن تهمت به این مرد بزرگ بود حسادت به ایشان یا غبطه برخی از افراد بود که می‌دیدند آقای زند کرمانی جامعه را به خوبی می‌شناسد و حال مردم را بسیار خوب درک می‌کند.

از جمله کسانی که در حوزه علمیه اصفهان قبل از نهضت پانزده خرداد و پس از آن به حضرت امام (ره) بسیار علاقه‌مند بود مرحوم آیت‌الله زند کرمانی بود و نظرشان در مورد حضرت امام (ره) این بود که آیت‌الله خمینی مردی مستعد و انسانی وارسته و به تمام معنا است شما می‌دانید من چندان به دیدن اشخاص نمی‌روم اما زیارت ایشان را باتمام وجود لازم می‌دانم. ایشان از اولین افرادی بودند که در مسائلی که برای حضرت امام پیش آمد اعلامیه داد و در سال ۱۳۴۲ ش که امام خمینی را دستگیر کرده بودند بیان‌های داده و از امام دفاع کرده است. [۴] از خدمات ایشان یکی سعی و کوشش در افتتاح مجدد درب مسجد جامع بود که در دوره پهلوی به روی نمازگزاران بسته شده بود همچنین تاسیس مرکز خیریه و بیمارستان امام حسن عسکری در اصفهان می‌باشد.

برخی از آثار و تالیفات ایشان عبارت‌اند از: الفیوضات الامعه فی حال الکتب الاربعه، نبدیه فی کتاب قرب الاسناد، رفع النزاع عن البین فی الصلح المقصود منه الفرار عن الدین، رساله اماره الولاية، که به نام نشانه‌های ولایت چاپ شده است، [۵] رساله در فقه احکام البهار، رساله در رجال، رساله در موضوع نفت که توسط آقای موسی نجفی به ضمیمه کتاب تعامل دین و سیاست تجدید چاپ شده است. [۶]

از جمله ویژگی‌های مهم مرحوم زند کرمانی در امر تدریس تفسیر قرآن بوده که اشخاص زیادی از جمله مرحوم آیه‌الله سید اسماعیل هاشمی و برادر ایشان شیخ احمد ربانی، سید ابوالفضل صفوی ریزی، شیخ نعمت‌الله، شیخ نصرالله صالحی و ابراهیم جواهری و افراد دیگر از تفسیر قرآن ایشان استفاده می‌کردند، ایشان در میان تفاسیر شیعه «مجمع البیان» را تدریس می‌کردند و تسلط کاملی بر آن داشتند و متن عربی آن را مثل یک کتاب فارسی راحت و سلیس می‌خواندند و معنی می‌کردند وی فرمودند: «در میان تفاسیر شیعه» «مجمع البیان» مورد قبول شیعه و سنی است و در عین حال جامع است» [۷]

سرانجام این عالم غیور در جمادی الثانی ۱۳۸۹ هـ. ق مطابق ۱۹ شهریور سال ۱۳۴۸ ش در اثر بیماری در خارج از کشور فوت نمود و پیکر پاکش را با تشییع کم سابقه به تخت فولاد حمل و نزدیک تکیه زرگرها در تکیه مخصوص به خاک سپردند.

۱- نیک پور، محمد: نام آوران علم و اجتهاد کرمان از قاجاریه تا پهلوی، نشر سازمان اسناد و کتابخانه ملی، ۱۳۸۳ ش. ص ۳۹۱ تا ۳۹۴

۲- زاهد نجفی، محمد: فطرت بیدار زمان، جلد اول، نشر بشیر، ۱۳۸۲ ش، ص ۴۴ تا ۴۵

۳- نیک پور، محمد، نام آوران علم و اجتهاد کرمان، ص ۳۹۵

۴- زاهد نجفی، محمد: فطرت بیدار زمان، جلد اول، ص ۸۴-۱۲۹

۵- نصرالهی، غلامرضا: مشاهیر تکیه زند کرمانی، ص ۳

۶- مهدوی، سید مصلح‌الدین: سیری در تاریخ تخت فولاد، نشر انجمن کتاب‌های اصفهان، ۱۳۷۰، ص ۱۷۷

۷- زاهد نجفی، محمد: فطرت بیدار زمان، جلد اول، ص ۸۴ و ۹۹ و جواهری، ابراهیم: علوم و عقاید، چاپخانه گیتی مقدمه بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: علوم غذایی، دانشکده: پیراپزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اهواز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی کشاورزی از دانشکده کشاورزی دانشگاه شهید چمران اهواز در سال ۱۳۴۷، کارشناسی ارشد و دکترا در رشته علوم غذایی از دانشگاه ردینگ انگلستان در سال ۱۳۵۷ ظرف مدت ۵ سال.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علوم پزشکی اهواز در سال ۱۳۵۷، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی اهواز در سال ۱۳۶۳.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اندازه‌گیری ترکیبات مختلف مواد غذایی با استفاده از تکنیک‌های پیشرفته، اندازه‌گیری اولیگو ساکاریدهای خانواده رافیوز در حبوبات، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

زنده‌روح کرمانی، رسول

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیولوژی، دانشکده: دامپزشکی، دانشگاه: تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات عالی و دکترای فیزیولوژی.

مرتبه علمی: دانشیار دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پژوهش در زمینه نقش هورمونهای کوله سستو کینین، پنتاکاسترین و سکرترین روی الکترومیوگرافی شکمه گوسفند در دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، رفتار تغذیه‌ای و پیتیدها و مونوآمین‌های مغزی - گوارش، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۱۵ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ارائه ۱۵ جزوه درسی در زمینه فیزیولوژی دامپزشکی و پزشکی و متابولیسم عناصر کمیاب بدن.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۱، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۲

زمینه علمی مقالات:

خون‌شناسی، نور و فیزیولوژی، آندوکرینولوژی، الکتروفیزیولوژی، هورمون‌های مغزی-گوارشی، رفتار تغذیه‌ای.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

زندگی، افضل الملک غلام حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۴۸ ق)، مورخ. طبق دست خط مظفرالدین‌شاه، افضل‌الملک مامور تاریخ‌نگاری سلطنت وی شد. و موظف بود که هر سال

وقایع سلطنت و اخبار مملکت را در کتابی تالیف نماید. از آثار وی: «افضل التواریخ»؛ «تاریخ صدور قاجاریه»؛ «قرن السعاده».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۱۰۴۸، ۸۸۲، ۸۲۰/۲، ۸۲۰)، یغما (س ۱۶، ص ۲۲۰).

زندگی، پروین

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: علوم غذایی، دانشکده: تغذیه، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی و کارشناسی ارشد شیمی از دانشکده علوم پزشکی تهران، دکترای علوم غذایی از دانشگاه لیدز انگلستان.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده تغذیه دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

جنبه‌های شیمیایی و آنالیز چربیها و روغن‌های خوراکی و نیز آنالیز مواد افزودنی در مواد غذایی، تدریس شیمی مواد غذایی و

بیوشیمی و صنایع غذایی و تغذیه، دریافت لوح تقدیر از دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی به خاطر ترجمه کتاب علوم غذایی از

دیدگاه شیمیائی، عضویت در انجمن متخصصین علوم و صنایع غذایی آمریکا و انگلستان، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۹ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

علوم غذایی از دیدگاه شیمیائی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۱، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

تغذیه و صنایع غذایی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

زندیان، خدامراد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۷، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی دانشگاه: علوم پزشکی اهواز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی اهواز در سال ۱۳۴۹، دکترای تخصصی کودکان از دانشگاه علوم پزشکی شیراز

در سال ۱۳۵۲، فوق تخصص خون و سرطان کودکان از دانشگاه کالیفرنیا جنوبی آمریکا در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

پس از مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام طرح‌های تحقیقی در زمینه بیماریهای کودکان و اطلاعات کلی در مورد انتقال خون و سرطان، دریافت لوح زرین از رئیس

جمهور به عنوان استاد نمونه، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۳۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترای.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

کاربرد بالینی فرآورده‌های بانک خون شامل گروه‌های خونی ABO و نقش قانون مندل در انتقال ارثی آنها، تست کومبس،

مراسمچ و اطلاعات کلی در مورد انتقال خون و کتاب دوم در مورد کاربرد بالینی و عوارض داروهای ضد سرطان شامل اصول

تقسیم سلول سرطان و چرخه آن، اثرات داروهای مختلف روی این چرخه، چگونگی تولدی مقاومت به درمان، عود سلولهای سرطانی، سنگرهای- مقاومت سلولهای سرطانی در بدن انسان و تقسیم‌بندی داروهای ضد سرطانی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲۱، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

توضیح و تفسیر روابط و گزارش موارد مختلف بیماریها در علوم پایه و بالینی پزشکی به خصوص در ارتباط با بیماریهای خون و سرطان کودکان و انواع مختلف عفونتهای کودکان در سطوح مسائل موجود محلی و منطقه‌ای در طبابت اطفال در خوزستان. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

زندگویی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی زنگویی

محل تولد: بیرجند

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای علی زنگویی در سال ۱۳۴۷ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان بیرجند دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی و از سوی دیگر شوق زیارت و همجواری با بارگاه ملکوتی حضرت ثامن الحجج علیه السلام او را راهی حوزه علمیه مشهد گردانید و در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه مشهد گردید.

از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از ورود به حوزه علمیه مشهد، ضمن انس با آستان ملکوتی حضرت علی بن موسی الرضا (ع) با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه آن دیار حاضر شد ولی شوق فراوان او به کسب علم او را راهی حوزه علمیه قم گردانید. وی پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۹ به حلقه دروس خارج ستارگان علم و ادب آن دیار راه یافت. در حوزه علمیه از درس بزرگانی همچون آیت الله مکارم، آیت الله صادق لاریجانی، مرحوم آیت الله وحید، آیت الله گنجی و مرحوم پایانی بهره‌ها برد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فلسفه و کلام اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۲ از دانشگاه تربیت مدرس قم فارغ التحصیل گردید. و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان "هرمنو تیک و تفسیر از نظر علمای اسلام" دفاع کرد استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از امر تبلیغ غافل نماند و در این راستا سعی و تلاش وافری به انجام رسانده است و چند ماهی هم برای این مهم به کشور سریلانکا رفت. استاد سال‌های متمادی است که به تدریس و شاگرد پروری در دانشگاه بیرجند مشغول است، وی در زندگی سراسر علمی خود به تحقیق و نگارش و تألیف به چیزی دیگری

نیندیشیده که مقالات فراوانی در این زمینه به رشته تحریر در آورده است.

زنوزی تبریزی، رضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۴ ق)، فقیه، مجتهد و عالم دینی. در تبریز متولد شد. پس از خواندن مقدمات و ادبیات نزد آقا جمال شیروانی و دیگران در هفده سالگی به فقه و اصول پرداخت. سپس به نجف رفت و به حوزه درس اساتیدی چون آیت‌الله شرایبانی، آخوند خراسانی و علامه یزدی و شریعت اصفهانی راه یافت و به درجه‌ی اجتهاد نائل آمد. مسافرت‌های مکرری به نجف، مشهد و قم کرد و سرانجام در ۱۳۶۶ ق در قم اقامت گزید و به تدریس طلاب علوم دینی پرداخت. در ۱۳۷۰ ق به تبریز بازگشت و پس از چند سال توقف در آن شهر در گذشت و در مسجد بالا سر حضرت معصومه (ع) در قم مدفون گشت. برخی از آثار وی: «کتاب قضا و شهادت»؛ «فهرست ترتیب رجال کشی و نجاشی و خلاصه‌ی علامه»؛ رساله «در کنی و القاب»؛ حاشیه بر «عروه الوثقی»؛ حاشیه بر «نجاه العباد»؛ حاشیه بر «مجمع المسائل»؛ حاشیه بر «رساله‌ی عملیه» کلباسی؛ رساله عملیه به نام «فلاح العامل»؛ «تقریرات» درس و بحث اساتیدش. [۱]

رضی بن علامه الکبری و الایه العظمی میرزا محمد حسن مجتهد زنوزی تبریزی. از علماء طراز اول قم و تبریز در عصر خود بود. وی در ۱۴ ذی القعدة ۱۲۹۴ در تبریز متولد و پس از خواندن مقدمات و ادبیات در خدمت آقا جمال شیروانی و غیره در سن ۱۷ سالگی به فقه و اصول پرداخته و تا سال ۱۳۱۷ در تبریز اقامت آنگاه مهاجرت به نجف نموده و در آنجا بدرس مرحوم آیه الله شریبانی و آیه الله آخوند خراسانی و علامه یزدی و شریعت اصفهانی و دیگران شرکت کرده تا بدرجه سامیه و اعلی مرتبه اجتهاد مطلق ارتقا یافته و بواسطه ابتلائات و اختلال اوضاع زمان بکرات از نجف به تبریز و از تبریز به نجف مراجعت و در سنه ۱۳۴۲ قمری بقصد زیارت حضرت رضا علیه‌السلام از تبریز حرکت و پس از زمانی به قم مراجعت و چندین سفر نیز بین قم و تبریز رفت و آمد نموده تا در سال ۱۳۶۶ قمری در قم اقامت و بتدریس جمعی از محصلین پرداخته تا در حدود سال ۱۳۷۰ به تبریز مراجعت و پس از چند سال توقف بدورد زندگی گفته و جنازه‌اش با تشییع و تجلیل زیاد در مسجد بالاسر قم مدفون گردید. آثار و تألیفات ایشان از این قرار است ۱- کتاب قضا و شهادت ۲- فهرست تربیت رجال کشی و نجاشی و خلاصه علامه ۳- رساله مستقله در ضمنیات کتب رجال ۴- رساله در کنی و القاب ۵- حاشیه بر رساله عملیه مرحوم کلباسی ۶- رساله عملیه مستقلی موسوم بفلاح العامل ۷- حاشیه‌ای بر نجاه العباد و مجمع المسائل ۸- حاشیه بر عروه.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳/۳۶۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۷۸۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳/۳۱۲).

زنوزی تبریزی، محمدحسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۱۰ ق)، فقیه، اصولی، متکلم، ادیب و طبیب. وی در نجف از شاگردان شیخ مهدی نجفی و شیخ انصاری و فضال ایروانی بود. به تبریز بازگشت و به انجام وظایف دینی پرداخت. وی پدر میرزا عبدالحسین، فیلسوف الدوله، و میرزا رضی و میرزا ابوالحسن

بود. پس از مرگ پیکرش را به نجف بردند و در وادی‌السلام به خاک سپردند. از آثارش: «کتاب الحج»؛ «مباحث الالفاظ»؛ «اصل البراءه»؛ «استصحاب»؛ «المتین فی الامامه علی نمط الالفین»، در امامت؛ شرح مبسوطی بر «تائیه» دعبل خزاعی. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۴۱/۹)، ریحانه (۳۹۲/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۴۰۸)، معجم المؤلفین (۱۹۶/۹).

زنوزی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی آقا بن علامه آقا میرزا رضی ابن علامه الکبری آقا میرزا محمد حسن مجتهد تبریزی زنوزی از علماء اعلام معاصر است در تبریز. وی در بیت علم متولد و پرورش یافته و پس از طی مقدمات و ادبیات و سطوح وسطی فقه و اصول را در محضر مرحوم والدش خوانده و در معیت آن بزرگوار به قم مهاجرت و قریب ۱۶ سال توقف و از محضر آیات عظام مرحوم آیه الله حجت و آیه الله العظمی بروجردی و دیگران استفاده نموده و به مقام عالی از علم و فقاہت رسیده و برای کسالت مرحوم والدش به تبریز برگشته و بعد از رحلت آن مرحوم ناچار باقامت شده و تاکنون بانجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

نگارنده گوید: مترجم معظم ما از دانشمندان موصوف به کمال علم و تقوا و فضائل روحی می‌باشد. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

زواره‌ای اصفهانی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۵۴ ق)، مورخ. ملقب به مظهر زواره‌ای. اثری به نام «احوال سلاطین صفویه» دارد، که به نام سرجان ملکم تالیف کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۰۵/۱)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۸۱۰/۲).

زواره‌ای، ابوالحسن علی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، مفسر، فقیه، محدث و ادیب امامی. وی از عالمان بزرگ تفسیر، حدیث و فقه و ادب بود در عصر شاه اسماعیل اول و شاه طهماسب صفوی در اصفهان می‌زیست. وی از اکابر شاگردان محقق کرکی، شیخ علی بن عبدالعالی، سید غیاث‌الدین جمشید زواره‌ای مفسر و سید امیر عبدالوهاب استرآبادی بود. تفسیر را از سید غیاث‌الدین جمشید زواره‌ای اخذ و از میر عبدالوهاب بن علی

حسینی استرآبادی روایت کرد. زواره‌ای استاد ملا-فتح‌الله کاشانی مفسر معروف است. از آثار وی: «ترجمه الخواص» یا «تفسیر زواری»، در تفسیر قرآن، تالیف شده در سال ۹۴۶ ق؛ شرح «نهج البلاغه» به فارسی به نام «روضه الابرار»؛ ترجمه‌ی «کشف الغمه» بهاء‌الدین عیسی اربلی به نام «ترجمه المناقب»؛ ترجمه‌ی «مکارم الاخلاق» رضی‌الدین طبرسی به نام «مکارم الکرائم»؛ ترجمه‌ی «عده الداعی» ابن فهد حلی به نام «مفتاح النجاج»؛ ترجمه «الاحتجاج» طبرسی که به نام شاه طهماسب به پایان رسانید؛ ترجمه تفسیر منسوب به امام عسگری (ع) به نام «آثار الاخیار»؛ ترجمه «الطرائف» ابن طاووس به نام «طراوه اللطائف»؛ «مرآت الصفا»، در زیارات؛ «مجمع الهدی»، در تاریخ پیامبران، تلخیص «احسن الکبار فی مناقب ائمه الاطهار» ورامینی به نام «لوامع الانوار الی معرفه ائمه الاطهار»، به فارسی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۸۶/۸)، ایضاح المکنون (۵۲۸، ۴۵۹، ۴۳۶، ۴۱۳، ۲/ ۴۱۳، ۲۸۱/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۲۶-۱۶۲۳)، تاریخ نظم و نثر (۳۷۱)، الذریعه (۸۸/۲۵، ۲۱/۳۵۵، ۳۶۲-۳۶۱، ۱۸/ ۳۶۱-۳۶۲، ۱۵۹/۱۵، ۲۲۷/۷، ۳۱۵/۵، ۱۴۰-۱۳۹، ۴/ ۷۵)، روضات الجنات (۳۶۲-۳۶۱/ ۴)، ریاض العلماء (۳۹۶-۳۹۴/ ۳)، ریحانه (۳۹۳/۲)، سبک شناسی (۳۰۳-۳۰۲/ ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۲/۱۰)، الکنی و الالقاب (۲۰۰/۲)، هدیه العارفین (۷۴۵/۱).

زوزنی، ابوالقاسم اسعد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۹۲ ق)، ادیب، شاعر، منشی، محدث، معروف به بارع. اصل وی از قریه‌ی زوزن ناحیه‌ای بین نیشابور و هرات بود. مدتی در عراق و بعد در نیشابور ساکن بود و از بزرگان خراسان و عراق به شمار می‌رفت. وی در نیشابور در گذشت. در «ریحانه» سال وفات وی ۴۰۲ ق آورده شده. از جمله آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۹۴/۱)، ریحانه (۳۹۴/۲)، لغت نامه (ذیل / اسعد)، معجم الادباء (۹۶ - ۹۰ / ۶).

زوزنی، ابوجعفر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۷۰ ق)، فقیه، مفسر، محدث و ادیب. وی در نواحی خراسان و ماوراءالنهر منصب قضاوت داشت و در بخارا از دنیا رفت. تصانیفی در «تفسیر» و «حدیث» و «فقه» و «ادب» دارد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: معجم المؤلفین (۱۹۳/۹).

زوزنی، ابوحنیفه عبدالرحمان

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۵۵)، خطاط، محدث و دانشمند. وی در اکثر علوم متداوله‌ی زمان خود استاد بود، خصوصاً در سرعت قلم و خوبی خط نسخ، ید بیضا داشت. چنان که در اوقات زندگی خود چهارصد قرآن هر یکی به اجرت پنجاه دینار با خط خودش به یادگار گذاشت. زوزنی در هنگام سفر حج در گذشت. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: پیدایش خط و خطاطان (۹۵-۹۴)، ریحانه (۳۹۵-۳۹۴/۲).

زوزنی، ابوسعید احمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۳۶-۴۴۹ ق)، مسند، محدث و صوفی. اصل وی از زوزن خراسان بود در بغداد نشو و نما یافت. از ابویعلی و ابوجعفر بن مسلمه و ابوالحسین بن غریق و ابن هزار مرد و ابوبکر خطیب حدیث شنید. ابن عساکر و سمعانی و ابن جوزی و ابن طبرزد و ابواحمد بن سکینه و یوسف بن کامل و عده‌ای دیگر از وی حدیث روایت کردند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۵۹-۵۷/۲۰).

زوزنی، ابوعبدالله حسین

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۸۶ ق)، نحوی، اصولی، ادیب. معروف به زوزنی. وی از پیشوایان نحو و لغت و علوم عربی بود. که در زوزن متولد شد. از آثارش: «ترجمان القرآن»؛ «شرح المعلقات السبع»؛ «شرح معلقه‌ی طرفه بن عبد»؛ «شرح معلقه‌ی لبید»؛ «المصادر».[۱]
(منسوب به زوزن) ابوعبدالله حسین بن احمد. در لغت و نحو و عربیت نامبردار بود (ف. ۴۸۶ ه.ق.). از آثار او کتاب المصادر (ه.م.) (لغت)، شرح سبعة معلقه و ترجمان القرآن است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۲۴۹/۲)، ایضاح المکنون (۳۳۲/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۱۹/۲)، تاریخ برگزیدگان (۲۸۸)، تاریخ نظم و نثر (۶۵)، دایرةالمعارف فارسی (۱۱۹۴/۱)، روضات الجنات (۱۴۵/۳)، ریحانه (۳۹۴/۲)، سرآمدان فرهنگ (۲۲/۱)، کشف الظنون (۱۷)، الکنی و الالقاب (۳۰۰/۲)، لغت نامه (ذیل / ابوعبدالله و حسین)، معجم المؤلفین (۳۱۰-۳۰۹/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۹۳/۲)، یادداشت‌های قزوینی (۵۵-۵۴/۵).

زوزنی، ابوعمرو محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوعمرو احمد بن محمد بن ابراهیم زوزنی (ف. ۳۷۴ ه.ق.) وی فقیه به مذهب ابوحنیفه بود. او سالها در باب غدیره سکونت داشت و سپس به زوزن رفت و هم بدانجا درگذشت. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

زوشکی، شمس‌الدین

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۶۹۷ ق.)، مجلد و مذهب. از این هنرمند، اثری بر جای مانده، که در داخل یک شمشه‌ی تودرتوی شکل گنبدی است و به خط رقاع رقم دارد: «رسم شمس‌الدین بن ضیاء‌الدین الزوشکی ۶۹۷». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱/۲۴۸).

زهادت، عبدالمجید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالمجید زهادت

محل تولد: شیراز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان تحصیلات دوره متوسطه در سال ۱۳۶۱ به مدرسه عالی شهید مطهری وارد شده و تا سال ۱۳۶۶ دوره مقدمات و سطح را تا پایان مبحث قطع وظن رسائل در آنجا به پایان رساندم و با اخذ مدرک لیسانس و تحصیل را با شکل سنتی حوزوی در قم ادامه دادم و اساتید معظم و با سابقه‌ای مانند استاد اعتمادی در رسائل و استاد ستوده و کفایه و استاد پایانی در مکاسب کسب فیض نمودم پس از آن از درس خارج اصول حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی به مدت ۱۲ سال و خارج فقه کتاب البیع و کتاب الصلاة بمدت ۴ سال و خارج فقه آیت الله العظمی صافی کتاب الحج بمدت ۶ سال و خارج فقه آیت الله شاهرودی کتاب البیع بمدت ۱

سال کسب فیض نمودم همزمان به تدریس سطح کتابهای منطق، اصول فقه و معالم، رسائل و کفایه در حوزه علمیه قم اشتغال داشته دارم و در کنار این تدریس در مرکز جهانی علوم اسلامی بیش از ده سال است که به تدریس فقه و اصول و نهج البلاغه و عقائد و کلام بصورت مستمر اشتغال دارم علاوه بر این‌ها به تحقیق در فقه در مرکز فقهی آیت الله گلپایگانی بمدت ۳ سال اشتغال داشتم و در تدوین جلد اول معجم فقهی و کتاب فقه ابن ابی عقیل عمانی همکاری داشتم. در تنظیم بیش از ۱۰ جلد از کتابهای آیت الله العظمی صافی (۴ جلد فقه الحج، ۲ جلد معارف دینی ۲ جلد جامع الاحکام و استفتائات عربی و پزشکی و قضائی نقش عمده داشتم. در کتاب شریف نهج البلاغه تحقیق داشته و دارم و تا کنون دو کتاب بوسیله بوستان کتاب بنام اینجانب نشر یافته است. بحمد الله تعالی

زهرائی حسنی، مهین

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیوشیمی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی ایران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای دامپزشکی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۱، دکترای تخصصی بیوشیمی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۵ و گذراندن دوره یک ساله بیوشیمی در لیون فرانسه در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

دستیار گروه بیوشیمی در سال ۱۳۴۱، استادیار در سال ۱۳۴۵، دانشیار در سال ۱۳۵۱ و ارتقاء به درجه استادی در سال ۱۳۶۷.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بیوشیمی بالینی، مشاوره و نظارت بر ۳۰ پایان‌نامه دکترای.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مباحث مختلف بیوشیمی عمومی و بالینی به صورت ۶ جزوه.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

بیوشیمی عمومی و بالینی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

زهری اصفهانی، ابومحمد عبدالله

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۵۲- ۱۸۷ ق)، محدث و قاضی. وی اهل اصفهان بود. منصب قضاوت کرج، ناحیه‌ای بین همدان و اصفهان، را عهده‌دار بود که در همان شهر نیز از دنیا رفت. وی دارای تصانیفی می‌باشد.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: الاعلام (۲۴۷/۴).

زیادی هروی، ابوالمحاسن اسعد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۴۴ ق)، محدث و مسند حنفی. ساکن قریه مالین، در دو فرسنگی هرات، بود. از داوودی «صحیح بخاری» را روایت کرد و از دارمی و عبدبن حمید حدیث شنید. سمعانی و ابن عساکر و محمد بن عبدالرحمان فامی و عبدالجامع بن علی خخه و ابوروح و جمعی دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. وی به قول سمعانی «ثقه‌ای صالح و عابد بود و دائم الذکر، که در اوقات مستغرق بود و بسیار روزها را با روزه می‌گذرانید».
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۲۱۲/۲۰).

زیارتی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد زیارتی فرزند مرحوم سید محمدصادق زیارتی سمنانی در سال ۱۲۸۰ شمسی در روستای زیارت از توابع مهدی شهر سمنان به دنیا آمده و دروس ابتدائی و مقدمات را نزد والد ماجدش و نیز پدر همسرش خوانده و بعد عزیمت به تهران نموده و چند سالی مقدمات و ادبیات و سطوح را از اساتید و مدرسین آن سامان در مدرسه سید نصرالدین و مدرسه فخریه (مروی) استفاده کرده و بعد به قم عزیمت نموده و در حوزه علمیه مشغول تکمیل مبانی علمی فقه و اصول شده و از محضر آیات عظام حوزه چون آیت‌الله حاج سید محمدتقی خونساری و حاج شیخ محمدعلی اراکی و آیت‌الله العظمی حایری مؤسس یزدی و دیگران استفاده نموده، تا به مدارج علمی اجتهاد رسیده و به تهران آمده و در مدرسه خان مروی یاد شده به تدریس فقه و اصول و غیره مشغول شده تا در سال ۱۳۶۶ قمری که به سنگسر (مهدی شهر) برگشته و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ترویج دین و بالاخص مبارزه با فرقه ضاله (بهائیه) پرداخته و مجاهدات طاقت فرسایی نموده و صدمات و لطمات طاقت فرسایی متحمل شده و از آشنا و بیگانه

مصائبی را به جان خرید و مدتی هم از طرف دولت طاغوتی به تحریک منافقین و فرقه گمراه تبعید به کاشان شده و پس از چندی آزاد و به تهران آمده سپس به محل خود برگشته و به وظائف خویش مشغول گردیده تا در روز بیست و هفتم ذی‌حجه سال ۱۴۰۰ قمری برابر سال ۱۳۵۹ شمسی در سن هفتاد و هشت سالگی در تهران از دنیا رفته و با تشییع و تجلیل کم‌سابقه‌ای حمل به سنگسر (مهدی شهر) و در حسینیه المهدی (ع) آنجا مدفون گردیده است.

آثار و باقیات الصالحات ایشان

۱- حسینیه المهدی (مهدی شهر)

۲- غسلخانه قریه زیارت

۳- تجدید بناء مسجد پامناز مهدی شهر

۴- تجدید بناء مسجد صاحب الزمان

۵- حمام ولی عصر عجل‌الله فرجه الشریف

دارای دو فرزند روحانی می‌باشند که به خدمات فرهنگی و علمی و دینی اشتغال دارند.

۱- آقای سید حمید روحانی زیارتی مؤلف کتاب نهضت امام خمینی در دو مجلد بزرگ .

۲- حاج سید محمدعلی روحانی زیارتی که در قم اشتغال به تحصیل و تکمیل مبانی علمی دارند.

بیوگرافی آقای زیارتی به قلم یکی از فرزندان ایشان در سالگرد درگذشت ایشان

از درگذشت مجتهد عالیقدر حضرت آیت‌الله آقای حاج سیداحمد زیارتی یکسال می‌گذرد.

ابر عالمی که عمر گرانبهای خود را در خدمت به اسلام، نشر احکام، ترویج دین و هدایت انسانها ارشاد مسلمانها گذرانند و از مبارزه با کفر و الحاد، انحراف و گمراهی و سیاهی و تباهی هیچگاه باز نایستاد.

آیت‌الله زیارتی در مورخه ۱۲۸۲ در دهکده‌ی زیارت چشم به جهان گشود. تقریباً در سن ۲۰ سالگی برای تحصیل علوم اسلامی راهی حوزه علمیه‌ی قم گردید و از محضر پیر ارج علمای عظیم‌الشان عصر خویش چون حضرات آیات عظام حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و حاج سید محمدتقی خوانساری و حاج فاضلی قمی (اعلی‌الله مقامهم) به کسب فضائل علمی پرداخت و دیری نپائید که قوه استنباط و مقام اجتهاد را احراز کرد. در سال ۱۳۲۰ به تهران منتقل و در مدرسه مروی به تشکیل جلسات علمی، اسلامی، برگزاری نماز جماعت و تدریس پرداخت و نیز عهده‌دار تولیت مسجد مروی شد. علیرغم استقبال شایان توجهی که اهالی تهران به ویژه دانش‌پژوهان مدرسه دارالفنون از جلسات ارزنده ایشان به عمل می‌آوردند طبق دستور صریح قرآن که اعلام می‌دارد (فلولا نفر من کل فرقه‌منهم طائفه...).

در سال ۱۳۲۲ مهدی‌شهر سمنان که به صورت پایگاه مخوف و مرکز مرموزی برای حزب صهیونیستی بهائیت درآمده بود مهاجرت کرده و به یاری شهروندان بی‌پناه خویش که از هر طرف مورد هجوم دشمنان اسلام و دین‌سازان بین‌المللی قرار گرفته بودند شتافت و یک تنه در برابر راهزنان عقیده و ایمان که با به راه انداختن بساط بهائیگری و صوفیگری می‌خواستند ریشه اسلام را از بیخ و بن برکنند ایستاد و به روشنگری پرداخت و چراغ هدایت را فرا راه توده‌های مستضعف مسلمان نهاد و دست آنان را گرفته یکی پس از دیگری به صراط مستقیم رهبری نمود و از کجروی، کج‌اندیشی و غلطیدن در سرایشی انحراف و انحطاط جلوگیری کرد.

بدخواهان، کج‌اندیشان، زراندوزان، دین‌سازان و دزدان عقیده و ایمان که با مبارزه منفی و قاطع آیت‌الله زیارتی بایکوت. ایزوله و منفور شده بودند به توطئه‌چینی دست یازیدند و با همکاری مزدوران دولتی به پرونده سازی واهی علیه ایشان پرداخته نقشه تعقیب و محکومیت ایشان را فراهم ساختند که منجر به مهاجرت ایشان به تهران در سال ۱۳۳۱ گردید. لیکن از آنجا که آیت‌الله زیارتی همواره مشمول الطاف خداوندی و عنایات ویژه حضرت ولی عصر امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف قرار داشتند در این برهه

حساس توانستند با پشتکار و پایداری و اتکال بر لایزال این توطئه خائنه دشمنان اسلام را خنثی سازند و پیروزمندان و مقضی المرام به مهدی شهر بازگردند و رسالت مقدس خود را در ارشاد توده‌ها و ریشه کن ساختن کجرویها و کج اندیشی‌ها دنبال کنند و «سنگسر» کفرخیز و فسادانگیز را به «مهدی شهر» اسلام پناه بدل سازند و اهالی محل را هرچه بیشتر از گروه‌های کافر پیشه و منحرف دور داشته به اسلام آشنا و اولیای خدا متوجه کنند و ده‌ها نفر دانشمند در مسائل دینی تربیت نمایند.

آقای زیارتی علاوه بر ارشاد و هدایت توده‌ها به عمران و آبادی شهر نیز اهتمام ویژه‌ای داشتند و با امکانات محدود و با کمک مردم مستضعف و مستمندی که با دسترنج خود ایشان در مسائل عمرانی یاری می‌کردند توانستند سه باب حمام، دو مسجد، یک حسینیه، یک غسالخانه، و یک داروخانه تأسیس نمایند و بدین وسیله تا حد امکان وسائل رفاه و آسایش اهالی را فراهم سازند.

حزب صهیونیستی بهائیت که هیچگاه از توطئه و دسیسه علیه اسلام و ایران باز نمی‌ایستد، در سال ۱۳۳۸ با همدستی بعضی از خوانین محل به منظور ضربه زدن به اسلام در مقام تأسیس کانون فساد و جاسوسی به اسم «مشرق الاذکار» در مرتفع‌ترین مکان شهر برآمدند که با همت مردم مسلمان و غیور شهر درهم کوبیده شد و پس از سالها کشمکش سرانجام در سال ۱۳۵۱ بار دیگر عنایت ویژه حضرت امام مهدی منتظر شامل حالی اهالی گردید و آن مکان حساس در اختیار مسلمانان قرار گرفت که به اراده آیت‌الله زیارتی ساختمان حسینیه باشکوهی در آن مکان به نام آن حضرت تأسیس شد که اکنون مرکز نشر و تبلیغ اسلام و محل مراسم هفتگی نماز جمعه می‌باشد.

آقای زیارتی طبق فرامین اسلامی با رژیم ضد اسلامی ایران موضع آشتی‌ناپذیر و استواری داشت و نه تنها هرگونه مراد و ارتباط با مقامات دولتی را مردود و محکوم می‌شمرد بلکه حتی عقد طلاق در محضرهای دولتی را جایز نمی‌دانست و در طول عمر پر افتخار خویش هرگز با مقامات مزدور رژیم پهلوی ارتباط برقرار نکرد در مراسم رسمی دولتی شرکت نمود و علیرغم فشار همه جانبه ساواک از دعاگوئی و مدیحه سرائی برای رژیم به شدت خودداری کرد و دست رد بر سینه نامحرم زد. این موضع انعطاف‌ناپذیر و سرسختانه آیت‌الله زیارتی در برابر رژیم طاغوت و ضربه‌های سنگینی که بر حزب صهیونیستی بهائیت وارد کرده بود موجب گردید که بار دیگر توطئه ننگین و خائنه‌ای علیه ایشان به مرحله اجرا درآمد و در تاریخ اسفند ماه ۱۳۵۴ بدون محاکمه و اثبات بزه به ۲ سال تبعید در کاشان محکوم گردید و بر اثر کسالتی که در تبعیدگاه دچار شد برای همیشه زمین گیر و سرانجام در تاریخ ۲۷ ذیحجه ۱۳۹۹ به رحمت ایزدی پیوست.

انا لله و انا الیه راجعون

ذیحجه ۱۴۰۰- آبان ۵۹

باقیات الصالحات مرحوم زیارتی

در سنگسر مکان مناسب و مرتفعی به نام (قلعه) از قرن‌ها پیش برای مسلمانان محل دعا و خیرات و عزاداری ماه محرم بوده در سال ۱۳۱۰ ش منکرین امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه بقصد لطمه به دین مبین اسلام در خفا با نیرنگ و تشبث آنجا را به ثبت رسانیدند و در سال ۱۳۳۸ به عنوان کانون ضد اسلامی مشغول بنائی شدند که از جانب عموم مسلمین سنگسر منهدم گردید و پس از یکسال کشمکش بالاخره شورای عالی ثبت پرونده ثبتی قلعه را باطل اعلام نموده و کار به دادگستری کشید.

چون مبارزه دینی محض بود حضرت آیت‌الله العظمی آقای بروجردی اعلی‌الله مقامه و حضرت آیت‌الله العظمی آقای حاج سید احمد خوانساری ادام‌الله عزه و حضرت آیت‌الله آقای حاج سید احمد زیارتی ادام‌الله عزه در امر آن توجهات مخصوصه فرمودند در مدت ۱۴ سال جریان محاکمات که دوران اضطراب و درماندگی مؤمنین سنگسر بود جز دعا و استغاثه به درگاه پروردگار و توسل به حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه که فریادرسی از شیعیان شیوه آن بزرگوار است راهی نبود پس از سالها تلاش الحمدلله در سال ۱۳۵۱ رای قطعی بر حقانیت مسلمین صادر گردید و قدرت اعجاز حضرت حجه منتظر (فرزند برومند فاتح قلعه

خیبر) در تمام مراحل مشهود بوده است پیروان و دوستان آن حضرت برای بزرگداشت این موهبت عظمی و افتخار بی‌همتا و برای عرض ادب به ساحت مقدس حضرت بقیه‌الله لازم دانستند ساختمان حسینیه مجلل و باشکوه که جلوه‌گر معجزه نمائی آن حضرت باشد بنا نمایند تا آن نور دیده اهل ایمان به آستان تابناک جد گرامی خود حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام اهداء نماید امید است این خدمت ناچیز قبول حضرتشان باشد و به یادگار معجزه امام زمان برای قرون و اعصار بماند.

و سنگسر به نام نامی حضرت مهدی منتظر (ارواحنا فداه) مهدی شهر نامیده شود. «ان شاء الله تعالی».

خاطره نگارنده (از مهدی‌شهر)

نگارنده گوید: در ماه رمضان ۱۳۶۷ قمری برای تبلیغ به شه میرزاد واقع در یک فرسخی (۶ کیلومتری) مهدی‌شهر که در آن وقت معروف به سنگسر بود رفته بودم و در آن موقع هشتاد درصد (۸۰ درصد) مردم آنجا منحرف و پیروی مرام سخیف و کثیف باب و بهاء بودند و در شه میرزاد هم چندین خانواده از آنان بودند پس همه روز بر علیه آنان سخنرانی کرده و بدعتها و انحرافات آنان را فاش نموده و تبلیغ می‌نمودم و آنها ناچار مبلغی برای مناظره با من از محفل خود خواستند و وی که مرد سالخورده‌ای بود و می‌گفت کرارا به حیف و عکا رفته‌ام بحمدالله و فضله در یک مجلس مباحثه و مناظره محکوم شده و عده‌ای از آنها برگشته و یا در مرامشان متزلزل شدند و پس از ماه رمضان که عازم مراجعت گردیدم و عده‌ای بسیار برای مشایعتم آمدند و چون از شه میرزاد خارج و به سنگسر (مهدی‌شهر) رسیدم جماعتی به استقبال آمده و مرا به گرمی از ماشین پیاده نموده و به منزلی بردند و می‌گفتند شما یک ماه در شه میرزاد افاضه نموده یک شب هم به ما می‌رسد.

پس از ورود به منزل آنان و وضع آنجا و قیافه آنها ناگهان ملهم شدم که شاید اینها بهائی و منحرف از اسلام باشند و نقشه‌ای برای کشتن من داشته باشند وحشت عجیبی به من دست داد تفال به قرآن مجید زدم تا مطلب برایم روشن گردد پس چون قرآن را گشودم این آیه آمد «ان الملاء یأتمرون بک لیکتولک» به تحقیق که این گروه نسبت به تو سوء قصد دارند و نقشه می‌کشند که تو را بکشند. پس فوراً از آن محفل بیرون آمده و فرار را برقرار اختیار نموده و خود را به خدا و حضرت ولی‌الله اعظم روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء سپرده و به راه آهن سمنان آمده و با وسیله قطار به مشهد رسانیدم و از حضرت رضا علیه‌الصلوه والسلام تشرف مکه را خواستم پس من حیث لا- یحتسب موفق و مشرف در مراجعت به ایران پایم که در اثر درد کوتاه و مرحوم دکتر علوی که طبیب معالجم بود و می‌گفت پایت باید عمل جراحی شود چون استخوان پای سیاه و ۷۰ درصد حتماً از ساق بریده و یا سی درصد کوتاه خواهد شد در اثر توسل به باب الحوائج الی الله حضرت موسی ابن جعفر علیهماالسلام شفا یافت.

و داستان سنگسر هم قبل از آمدن مرحوم آیت‌الله زیارتی بسنگسر (مهدی‌شهر) بوده است و الحمدلله علی العافیة و التوفیق.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

زیبایی نژاد، محمد رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا زیبایی نژاد

محل تولد: شیراز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۰ موفق به اخذ مدرک دیپلم در شیراز شدم در این سال دروس سال اول حوزه علمیه به صورت آزاد فراگیری شد. سال ۶۱ به حوزه علمیه قم وارد شدم. سال ۶۱ - ۶۲ در مدرسه علمیه رسالت و پس از آن در مدرسه رضویه. از سال ۶۴ به مدت ۱۱ سال مشغول به تدریس ادبیات (جامع المقدمات، سیوطی، مغنی) و در مدارس رضویه، معصومیه، حقانی و مرعشیه بودم. شرکت در ده ها سمینار و همایش به عنوان سخنران و یا شرکت در میزگرد در موضوعات مختلف از جمله فعالیت های انجام شده از سال ۷۶ تا کنون بوده، بعلاوه تدریس در دوره های آموزش مباحث زنان برای طلاب سطح ۳ حوزه، خواهران، دانشجویان، اساتید حوزه و دانشگاه و اعضای نهادهای تخصصی زنان از جمله این فعالیتها، از سال ۷۷ تا کنون بوده است. (حدافل ۵ دوره آموزشی) همکاری با پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به عنوان عضو شورای علمی دانشنامه زینب فاطمی (س) و مسئول گروه زن در این دانشنامه از سال ۸۱ از جمله فعالیت هاست. در سال های ۷۴، ۷۵ و ۸۰ به دلیل احساس خلأ در آثار دین شناسی و فقدان متنی که مسیحیت را در نگاه مسیحی و در نگاه اسلامی به صورت مقایسه ای تبیین کند مطالعات شخصی در آثار اسلامی (آیات، روایات و متون) و آثار مسیحی انجام دادم که نتیجه آن ۲ جلد کتاب در این موضوع شد. در سال ۷۸ هم پیشنهادات تالیف کتابی را برای حوزه علمیه خواهران در موضوع زن ارائه شد که نتیجه آن تدوین یک جلد کتاب (با همکاری حجه الاسلام محمد تقی سبحانی) بود. در سال ۱۳۶۷ رتبه دوم پایه ۷ حوزه در سال ۱۳۶۸ رتبه اول پایه ۸ حوزه شدم. همچنین ایشان در سال ۷۷ مسئول دفتر مطالعات و تحقیقات زنان وابسته به مرکز مدیریت حوزه علمیه فروزان هستند

زیدری نسوی، شهاب‌الدین، نورالدین محمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۶۴۷ ق)، شاعر، نویسنده و مورخ. تحصیلات وی در خراسان انجام گرفت. منشی سلطان جلال‌الدین منکبرنی خوارزمشاه بود و در آغاز کار در خدمت امرای محلی نسا بسر می‌برد و سپس به اردوگاه سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه در عراق و آذربایجان پیوست. وی از سال ۶۲۲ ق صاحب دیوان انشاء آن سلطان جنگجوی شد و تا سال ۶۲۸ ق در این سمت باقی بود. زیدری مدتی در بلاد آسیای صغیر و آذربایجان سرگردان بود. تا عاقبت در میافارقین نزدیک ملک مسعود از سلاطین کرد ایوبی رفت و در آن جا کتاب «نفثه المصدور» را با انشاء مزین در حدود سال ۶۳۲ ق نگاشت وی در حدود ۶۴۷ ق در حلب در گذشته است. کتاب دیگر خود را بنام «سیره جلال‌الدین منکبرنی» در سال ۶۳۹ ق به عربی تالیف کرد. «دیوان» شعر از دیگر آثار او است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۸۲-۱۱۷۹/۳)، تاریخ نظم و نثر (۹۴)، الذریعه (۱۲۳۰/۹)، گنج و گنجینه (۳۱۰)، نفثه المصدور (مقدمه).

زیدی، احتشام

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سیداحتشام عباس زیدی

محل تولد: هند

شهرت

تابعیت: هندوستان

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۵/۵

زندگینامه علمی

عالم دینی و ادیب شاعر تخلص ب "حشم". "ولد فی مدینه جونپور الهندیه. حصل علی اللسانس (۱۳۹۶ ق) و الماجستير (۱۳۹۹ ق) فی اللغه الفارسیه و آدابها من جامعه بنارس. قدم الی مدینه قم لدراسه العلوم الدینیه سنه (۱۴۰۴ ق)، فتلمذ فی مختلف المراحل الحوزویه لعهه اساتذہ، منهم: الشیخ حسن زاده الآملی، الشیخ علی پناه الاشتهاردی، الشیخ محمد تقی بهجت، الشیخ علی المشکینی. عین عضوا فی الهیئه الاداریه لمجله "التوحید" الاردیہ الصادره عن منظمه الاعلام الاسلامی. قصد امیرکا عدہ مرات لتبلیغ تعالیم الدین الحنیف. یسکن حالیا مدینه قم و یبذل نشاطات ثقافیہ مختلفه فی التدریس و الترجمه.

زیغور

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

قرن چهاردهم هجری، از زنان ادیب ترک. وی در زبانهای ترکی عربی و فارسی و فرانسوی و یونانی استاد بود و از او چهار اثر ارزشمند بجا مانده است.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۴۴ / ۲.

زین العابدینی مرندی، موسی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

موسی زین العابدینی مرندی

محل تولد: نجف اشرف

شهرت: زین العابدینی

تابعیت: عراق

تاریخ تولد: ۱۳۱۲/۱/۱

زندگینامه علمی

موسی زین‌العابدینی فرزند مرجع زاهد و عارف شیخ هادی که از نوادگان شیخ بهائی عاملی است در سال ۱۳۱۲ هجری شمسی در شهر نجف اشرف به دنیا آمده ام. پدرم متولی امر تربیتی و آموزشی مرا از همان بدو کودک به عهده گرفت و خواندن و نوشتن قرآن را به من آموخت که من ۶ ساله بودم. از نوجوانی صرف و نحو و تمامی سطوح را تا انتهای آن نزد پدرم به پایان رساندم. و علاوه بر ایشان مکاسب را نزد محقق بزرگوار شیخ حسن یزدی و کفایه را نزد استاد محقق شیخ فاضل قاضی خواندم. درس خارج اصول را به مدت ۱۰ سال حدود یک دوره و نصف و خارج فقه اکثر ابواب فقه را نزد مرجع عالی قدر سید ابوالقاسم خوئی و حدود ۵ سال نزد امام خمینی (ره) خارج فقه خواندم. مسائل مستحدثه را نزد محقق بزرگ شیخ حسین حلی و بعضی ابواب فقه را نزد سید عبدالهادی شیرازی و بعضی از علوم دیگر را مثل عروض، هیات، طب و غیر اینها را نزد استاد عالی مقام شیخ مرتضی گیلانی به پایان رساندم. و اجتهاد خویش را از پدرم شیخ هادی زین‌العابدینی و حضرت آیت الله العظمی خویی بحمدالله گرفتم. از همان سنین جوانی تألیف و نوشتن کتاب را آغاز کردم. البته تقریرات تمامی دروس خارج را به دقت می‌نگاشتم و نگهداری می‌نمودم. ولی متأسفانه بعد از اینکه ما را از نجف اشرف بر روی مرز ایران قرار داده و اجازه ندادند حتی مدارک هویتی و سجله‌های خود و خانواده ام را بردارم تمامی زندگی و مایملک اعم از پول و وسائل شخصی خانه و کتابهای چاپی و خطی و تقریرات علمی اینجانب را صد افسوس و صد افسوس و... به یغما بردند. البته حدود دو سال به جرم مبارزه سیاسی در زندانهای عراق مثل ابوغریب و غیره محبوس بودم تا با توسل به حضرت ثامن الحجج (ع) از حبس رهائی یافتم. شرح منطبق به صورت تعلیقی و زندگانی و سرگذشت علمی و تاریخی داوود بن الحسن (ع) حدود ۵۰۰ صفحه بود و نیز در زندگانی کمیل بن زیاد و حیات علمی او در زمان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) دیوان شعری هم درباره زندگانی و مدح ائمه اطهار (ع) نوشتم و سرودم از بیشتر علماء نجف اجازه در امور حسبه داشتم و اکثر مراجع قم نیز اجازه حدیث یا امور حسبه را به بنده مرحمت نموده اند. مدت ۸ سال برای تبلیغ به منطقه کوت که شهر بسیار مهم ولی از لحاظ علمی و شرعی ضعیف بود، که در مدت ۸ سال تأسیس مسجد، حسینیه، مدرسه و تربیت جوانان بسیار زیاد با پشتوانه مراجع آن زمان سید محسن حکیم و سید ابوالقاسم خوئی کار مهمی بود و بیشتر وقتها با شهید سعید محمدباقر صدر در امور اداره فرهنگی این شهر که بین بغداد و بصره واقع شده مشورت می‌نمودم و ایشان از حامیان اصلی اینجانب بودند. سال ۱۳۵۹ بعد از انقلاب اسلامی ما را به عنوان ایرانیان مقیم عراق از نجف بدون اخطار قبلی و به بهانه‌ای، حضور ما در کلانتری را خواستند و بعد از اینکه در کلانتری (امنیت نجف) حاضر کردند با تمامی عموها و بسیاری از علمای نجف با ماشینهای ارتشی، لب مرز ایران و عراق قرار داده و تمامی اموال و کتابها را مصادره نموده و یا به آتش کشیدند. و کار تبلیغی و علمی خود را در تهران منطقه دولت آباد شهر ری مجدداً آغاز نمودم و تا سال ۷۷ در تهران به کار تدریس و تبلیغ در حوزه قائم - مروی - دانشگاه امام صادق حسینه معیری که با همت اینجانب برای عراقیها تأسیس شد که زمین آن تاکنون به اسم اینجانب است و از سال ۷۷ به بعد بر اثر بدی هوای تهران به قم منتقل شدم. و به تدریس در حوزه گلپایگانی و فرصتی دست یافت تا خیلی از تألیفات خویش را به اتمام برسانم. که اکثر تألیفات اینجانب هنوز به عللی که خدای سبحان صلاح دیده و می‌داند چاپ نگردیده بجز کتاب احسن المقال فی حکم الصلاة علی النبی و آله که اهل خیری آن را به چاپ رسانید.

زین‌العابدینی، هادی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

هادی زین العابدینی

محل تولد: نجف اشرف

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب هادی زین العابدینی فرزند شیخ موسی، بعد از گذراندن دوره دبیرستان به حوزه علمیه مجتهدی (ره) در تهران توفیق حضور یافتیم. از همان ابتدا سال دوم حوزه به صلاحدید حضرت استاد مجتهدی به تدریس مشغول بودم و تاکنون نیز مشغول تدریس می‌باشم؛ صرف و نحو، بلاغت، اصول، فقه، بدایه الحکمه، نهایه الحکمه، مکاسب محرمه، رسائل، کلیات فی علم الرجال، درایه الحدیث و عقائد (آیت الله سبحانی) از جمله درس‌هایی است که در تهران و قم به تدریس آنها مشغول بوده و هستم. والان مشغول تدریس مکاسب، رجال، درایه به صورت رسمی از شورای مدیریت می‌باشم.

زین الدین امیره

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

منتجب الدین در فهرستش گوید که وی از ثقات و قاضی قم بوده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

زین الدینی اراکی، عطاء الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج سید عطاء الله زین الدینی بن السید العلام و الحجه الاسلام حاج سید عنایت الله زین الدینی موسوی که سی و چهار پشت فاصله تا حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام دارند از فضلاء دانشمندان اراک دارای حسب و نسب عالی می‌باشند در سال ۱۳۰۸ شمسی در شهرستان اراک متولد شده و پس از خواندن دروس ابتدائی و ادبیات را خدمت آشیخ قنبر رفیعی و آقای حاج سید اسمعیل به قم مهاجرت نموده و قسمتی از ادبیات را هم از مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم نحوی فرا گرفته و سطوح را از مرحوم آیت الله امام خمینی و آیت الله سلطانی و بعضی دیگر استفاده نموده و در امتحاناتی که از طرف آیت الله العظمی بروجردی تشکیل می‌شد شرکت نموده و مورد قبول و تشویق آیت الله واقع و پس از تکمیل سطوح به درس معظم له حاضر شده و از محضر آیات عظامی چون آیت الله العظمی گلپایگانی و آیت الله العظمی شریعتمداری و آیت الله العظمی مرعشی نجفی و بعضی دیگر استفاده نموده و به دریافت اجازه روایتی و غیره از آیات عظام نجف و قم گردیده است.

آثار قلمی ایشان دراسات و تقریرات دروس اساتید قم می‌باشد در فقه و اصول و نیز قسمتی از مباحث اخلاقی را به رشته تحریر

آورده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

زینی بخاری، ابوالفضل عبدالله

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(مقتول ۲۷۷/۲۷۲ ق)، حافظ و محدث. معروف به ابن زین. وی محدث بخارا در زمان خود بود. پدرش از علمای بزرگ حدیث بود. به دنبال حدیث سفرها کرد و بزرگانی را ملاقات نمود. او از حسن بن سوار بغوی و عبدان بن عثمان مروزی و ابوالولید طیالسی و عبدالسلام بن مطهر و مسدد بن مسرهد و همطبقه آنان حدیث روایت کرده است. محمد بن اسماعیل بخاری، در خارج از کتاب «الصحيح»، و صالح بن محمد جزره و اهل بخارا و عبدالله بن محمد بن یعقوب بخاری از وی حدیث روایت کرده‌اند. محمد بن اسماعیل بخاری به وی مباحث می‌کرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۲۳۹-۲۳۸/۱۳).

زینی، حسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۱۲۷۸ ق)، عالم و حکیم. وی از شاگردان معروف ملاهادی سبزواری بود. زینی تعلیقات استادش را بر «سفر اول» از «الاسفار الاربعه» به خط خود نگاشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/۳۲۲).

زینی، فریده

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: قارچ‌شناسی، دانشکده: بهداشت، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای قارچ‌شناسی پزشکی و فوق دکترا در ایمونولوژی بیماریهای قارچی از دانشگاه لندن.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

جستجوی بیماریهای قارچی در افراد مشکوک به بیماری لشمانیوز جلدی، جستجوی بیماریهای قارچی ریوی در افراد مشکوک به بیماری سل، مطالعه الگوی پروتئینی میکروسپوروم آتی پیک و مقایسه آن با الگوی پروتئینی نوع تی پیک، مطالعه بیماریهای قارچی جلدی غیر درماتوفیتی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۸ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۲ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

قارچ‌شناسی پزشکی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۹، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۳

زمینه علمی مقالات:

اولین مورد از بیماریهای قارچی در ایران، اپیدمیولوژی بعضی از بیماریهای قارچی، فعالیت آنزیمی در درماتوفیت‌های گوناگون، بررسی الگوهای پروتئینی عوامل قارچ ماسیوفا.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

ژوزف، ادوارد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۲ ش)، مترجم و نویسنده. در کرمانشاه متولد شد و در مدرسه‌ی آلیانس تحصیلات متوسطه را به پایان رساند. پس از آن به تهران آمد و به تکمیل زبان فرانسه و انگلیسی و مطالعه‌ی فلسفه عمومی و ادبیات فارسی پرداخت. وی متخصص در امور مالی و بانکی است. پس از خدمت در بانک عثمانی و ملی و کشاورزی در سال ۱۳۲۱ ش به سمت مشاور مالی وزارت پیشه و هنر منصوب شد. در سال ۱۳۲۵ ش برای امور تجاری به اروپا رفت. بعدها ریاست هیئت مدیره عامل شرکت سهامی بیمه ملی را به عهده گرفت. از آثار وی: «بابا گوریو»، ترجمه؛ «زن سی ساله»، ترجمه؛ «نخجیران»، داستان دفتر اول مثنوی. [۱]

مولوی‌شناس نامدار، مولف و مترجم، موسیقی‌دان و موسیقی‌شناس، عتیقه‌شناس، بانکدار؛ پدرش مرحوم ابراهیم‌خان مترجم سلطان، در ۱۲۸۲ ش در شهر کرمانشاه متولد شد. در شش سالگی به مدرسه رفت و آنگاه وارد مدرسه‌ی آلیانس فرانسه در کرمانشاه شد و در همین مدرسه زبان فرانسه را به حد کامل فراگرفت. در ۱۳۰۴ ش به موسیقی روی آورد و در زمره شاگردان سرهنگ رکن‌الدین مختاری که ریاست شهربانی غرب را برعهده داشت درآمد و در آموختن طریقه‌ی علمی موسیقی بسیار کوشید و در ۱۳۰۸ وقتی به تهران آمد نزد استاد ابوالحسن صبا رفت و مدتها با وی در شیوه‌های علمی ویولن و پیانو کار کرد و علاوه بر آن با موسیقی‌دانان اروپائی که در ایران اقامت داشتند حشر و نشر یافت و بار اطلاعات علمی خود را در موسیقی افزایش داد و در این هنر سرآمد اقران شد.

ادوارد ژوزف کار اداری خود را در بانکداری شروع کرد. ابتدا وارد بانک عثمانی شد و چند سالی در آنجا به سر برد. پس از تاسیس بانک ملی ایران بدانجا رفت و مراحلی از ترقی را پیمود و شهرتی در بانکداری پیدا نمود. در دوران دارائی هژیر، به وزارت دارائی رفت و چندی نیز ریاست حسابداری بانک کشاورزی را عهده‌دار بود. سرانجام در سال ۱۳۳۱ که بانکداری در ایران به سرعت رو به ترقی بود ریاست هیئت مدیره و مدیرعاملی بانک صادرات و معادن را عهده‌دار شد و سازمانی شایسته که متضمن رفاه مشتریان بود در آن بانک پیاده نمود. در تاسیس سایر بانکها نیز مشارکت داشت. زمانی نیز به ریاست بیمه ملی ایران منصوب شد ولی شغل اصلی او بازرگانی و تجارت بود و در امور بازرگانی آنچنان شهرت پیدا کرد که غالب موسسات تجارتي در کارهای خود با او مشورت می نمودند.

ادوارد ژوزف از هوش و ابتکار و ذوق و توانایی بسیار برخوردار بود. زبانهای فرانسه، انگلیسی، آلمانی، ایتالیایی، عربی، عبری و ارمنی را به خوبی تکلم و کتابت می کرد.

در جوانی به مثنوی روی آورد. او نیکو می دانست مثنوی گنجینه‌ی بزرگ ایران است و دست زدن به آن کار هر کسی نیست ولی با توانائی کامل قدم بدین وادی نهاد و یا سرسلسله عارفان جهان مولوی پیوندی ناگسستنی برقرار ساخت به طوری که یکی از مولوی‌شناسان نامدار ایران شد و آثار بسیار سودمندی از خود به یادگار گذارد.

ژوزف مترجمی زبردست بود. دو کتاب معتبر از بالزاک ترجمه کرد: یکی کتاب باباگوریو بالزاک بود و دیگری کتاب معروفش به نام زن سی ساله که هر دو کتاب در دفعات مختلف توسط بنگاه ترجمه و نشر کتاب منتشر گردید. ناگفته نماند ژوزف از بنیانگذاران بنگاه ترجمه و نشر کتاب در تهران بود. او موسیقی‌شناس و موسیقی‌دان بود و با همت خستگی ناپذیرش انجمن فلامونیک تهران را برای رونق موسیقی کلاسیک غربی در ایران بنیاد نهاد.

از هنرهای دیگر او، خطی خوش داشت و چندی این هنر را نزد استاد فرا گرفته و در شناخت خط استادان پیشین، مهارت داشت. در شناخت هنرهای تجسمی نظرش صائب بود. در ارزیابی سکه‌های باستانی، تمبر و مهر اسم استادی کم نظیر بود.

و اما کتبی که پیرامون مثنوی نوشته است به این شرح است: ۱- نخجیران: شرح داستانی از مثنوی شریف ۲- طوطیان: شرح داستانی از مثنوی شریف ۳- پوپک ۶ شرح داستانی از مثنوی شریف ۴- شیدای خام: شرح داستانی از مثنوی شریف ۵- آهنگ شریف: شرح داستانی از مثنوی شریف ۶- ناشنویان: شرح داستانی از مثنوی شریف، و بالاخره چوپان، تشنگان، شرح داستانی از مثنوی شریف؛ هفت بند نای شرح چهار داستان و راز میداس شاه و نظامی گنجی‌یی و بالاخره پروین اعتصامی و اندیشه‌های او.

از ادوارد ژوزف مقالات مختلفی در طول زمان در زمینه‌ی تخصصی او در مطبوعات ایران انتشار یافته. وی ربع قرن زندگانی پربار خود را در خارج از کشور به سر برد و سرانجام در دی‌ماه ۱۳۷۲ ش در سن ۹۰ سالگی در دیار غربت در گذشت. در بزرگداشت این ادیب و مولوی‌شناس و هنرمند معروف، مراسم بسیار باشکوهی برگزار گردید و در ۱۳۷۳ یک سال پس از مرگش یادنامه‌ای منتشر ساختند که ادوارد ژوزف را آنچنان که بود معرفی کردند.

برگرفته از کتاب: شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه: [۱] مؤلفین کتب چاپی (۵۱۷-۵۱۶/۱).

ساجدی، ابوالفضل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالفضل ساجدی

محل تولد: آران و بیدگل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

سادات فخر، محمد محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد محسن سادات فخر در سال ۱۳۳۴ در شهر مشهد به دنیا آمدم تحصیلات مقدماتی را در حوزه علمیه مشهد مقدس از سال ۱۳۴۹ آغاز در سال ۱۳۵۳ به حوزه علمیه قم هجرت نمودم. در سال‌های ۱۳۶۵ - ۱۳۶۸ با پژوهشکده باقرالعلوم همکاری پژوهشی در پروژه موضوع نگاری تفسیر مجمع‌البیان آغاز گردید. ثمره همکاری یاد شده نشر کتاب مفتاح مجمع‌البیان از انتشارات اسوره ۱۳۸۳ می‌باشد. نیمه دوم سال ۱۳۶۹ تقریباً همکاری رسمی با مرکز فرهنگ و معارف قرآن آغاز گردید. پروژه موضوع نگاری تفاسیر قرآن مجید ۸۰ دوره کامل تفسیر قرآن از مفسران بزرگ شیعه و اهل سنت در سه فاز، محور همکاری مستقیم با مرکز یاد شده بود در سال ۱۳۷۲ به مدیریت گروه معجم نگاری تفاسیر انتخاب و پژوهش ادامه یافت. طرح گروه فرهنگنامه‌ها در مدیریت جدید پیشنهاد و موضوع نگاری تفاسیر در فاز اول با حجم بیست دوره تفسیر کامل در دو فرم کتاب (فرهنگ موضوعی تفاسیر) و نرم‌افزار صراط آماده عرضه گردید. طرح نمایه‌سازی کتاب‌های قرآنی و مرکز فرهنگ و معارف قرآن از سال ۱۳۷۲ در گروه فرهنگنامه‌ها آغاز گردید او در سال ۱۳۷۷ بیش از دو هزار و پانصد کتاب قرآنی، نمایه‌سازی گردید. نمایه‌های موضوعی (چکیده‌های عنوانی) تعداد کتاب‌های یاد شده در حجم بیش از یکصد و بیست و پنج نمایه موضوعی، ترکیبی تقریباً تمامی عرصه‌ها و حوزه‌های پژوهشی قرآنی، تفسیری، علوم قرآنی و معارف دینی را شامل می‌شود. اطلاعات یاد شده در بانک اطلاعات مرکز فرهنگ و معارف قرآن علی‌القاعده موجود می‌باشد. بعد از دوره شش ساله مدیریت علمی گروه فرهنگنامه‌ها و انجام پروژه‌های فاز اول موضوع نگاری تفاسیر و نمایه‌سازی کتاب‌های قرآنی همکاری در شورای علمی گروه فرهنگنامه‌ها ادامه دارد.

سادات گوشه، جمال

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: جراحی ترمیمی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

سادات ناصری، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ادیب و محقق.

تولد: ۱ اردیبهشت ۱۳۰۴، تهران.

درگذشت: ۱۴ بهمن ۱۳۶۸، کابل (افغانستان).

سید حسن سادات ناصری پس از اخذ دیپلم متوسطه از دبیرستان شرف در تهران، به ترتیب دوره‌ی لیسانس تاریخ و فوق لیسانس ادبیات فارسی را در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به پایان برد. در سال ۱۳۸۲ به دوره‌ی دکتری ادبیات فارسی راه یافت و پایان‌نامه‌ی خود را با عنوان «ارتباط فکر حافظ و مولانا» به راهنمایی بدیع‌الزمان فروزانفر اختیار کرد و در سال ۱۳۴۸ از آن دفاع نمود. بین سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۵ در شهر قم به معلمی اشتغال داشت و همانجا در محضر برخی از اساتید حوزه‌ی علمیه‌ی قم مستفیض شد. در سال ۱۳۴۵ رسماً به عضویت در هیئت علمی در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران درآمد. وی همچنین به اقتضای طبع شعر می‌سرود. ضمناً فعالیت مطبوعاتی‌اش را از سال ۱۳۲۵ از طریق همکاری با نشریاتی از جمله مجلات «وحید»، «یغما»، «ارمغان» و «آموزش و پرورش» آغاز کرد.

آثار دکتر سید حسن سادات ناصری به شرح زیر است: بدیع و قافیه، برای دبیرستان‌ها (در نظام قدیم آموزشی، با همکاری دکتر محمد خزائلی، ۱۳۳۴)؛ شرکت در هیئت مؤلفان یک سلسله کتب درسی دبیرستانی (در نظام قدیم آموزشی) که عبارتند از: قرائت و دستور زبان فارسی و همچنین فارسی و دستور زبان برای سال‌های اول تا سوم دبیرستان، گل‌های ادب (برای پنج سال اول دبیرستان‌ها، با همکاری دکتر خزائلی، بدیع‌الزمان کردستانی، دکتر هدایت نیرسینا، میرمیرانی)؛ تصحیح، تحشیه و تعلیق تذکره‌ی آتشکده آذر (از لطفعلی بیگ آذر بیگدلی، در هفت مجلد که سه جلد آن منتشر شده است، به ترتیب: بخش نخست در ۱۳۳۶، بخش دوم در ۱۳۳۸ و بخش سوم در ۱۳۴۰)؛ اهتمام در طبع اشعار علی اصغر حکمت به نام سخن حکمت؛ تصحیح و طبع دیوان ملا محمد رفیع واعظ قزوینی، (۱۳۵۹)؛ تألیف دو کتاب درسی برای دبیرستان (در نظام جدید آموزشی) به نام‌های فنون و صنایع ادبی، برای سال دوم رشته‌ی فرهنگ و ادب (۱۳۶۳)؛ و قافیه و صنایع معنوی برای سال سوم رشته فرهنگ و ادب (۱۳۶۲)؛ تصحیح و طبع دیوان لطفعلی بیگ آذر بیگدلی، با همکاری دکتر غلامحسین بیگدلی؛ تصحیح نهج البلاغه؛ اهتمام به چاپ قرآن کریم؛ تصحیح دیوان محتشم کاشانی؛ تصحیح دیوان حافظ؛ تألیف کتاب سرآمدان فرهنگ و تاریخ ایران در دوره‌ی اسلامی (یک مجلد آن از آ تا س در سال ۱۳۵۳ منتشر شد)؛ صناعات ادبی در دو مجلد؛ تصحیح و چاپ دیوان کامل صائب تبریزی در ده مجلد؛ همچنین چند اثر دیگر از وی اعم از زیر چاپ یا آماده‌ی چاپ هست، از جمله تصحیح و طبع قصص الخاقانی، اثر ابن داود قلی ولیقی شاملو، تألیف کتاب هزار سال تفسیر فارسی، تصحیح و تحشیه‌ی بخش‌های چاپ نشده آتشکده‌ی آذر (از بخش چهارم به بعد)؛ ارتباط افکار حافظ و مولوی.

در سفری که سید حسن سادات ناصری به دعوت مقامات فرهنگی کشور افغانستان، برای بازدید مراکز فرهنگی و بررسی چگونگی وضع آموزش و پژوهش زبان و ادب فارسی در آن کشور، در هفتم بهمن ۱۳۶۸ در حدود ساعت ۷ / ۵ بعدازظهر در اثنای ضیافت شامی که از سوی کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران به افتخار هیئت مذکور برپا شده بود، ناگهان و بی‌هیچ سابقه‌ی قبلی دچار حمله‌ی قلبی گردید و جان سپرد. پیکر وی در ابن بابویه تهران به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

ساروی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۳۵۱ ق)، فقیه، عالم دینی و زاهد. وی در نجف از شاگردان علامه ملا محمد کاظم خراسانی بود. سپس به زادگاهش بازگشت در ساری ریاست و مرجعیت امور دینی را بر عهده داشت. از آثارش: «تقریرات» استادش در فقه و اصول، و از آن جمله «التحفة الغرویه»، در فوائد قرآنی، تجوید فارسی، می‌باشد. [۱]

سید حسن بن سید محمد بن سید اسماعیل ساروی عالمی فقیه و فاضلی پرهیزکار از شاگردان علامه خراسانی صاحب (کفایه) بوده و در ساری ریاست تامه و مرجعیت عامه داشته و در حدود ۱۳۵۱ ق وفات نموده است دارای آثاری از تقریرات استادش و غیره بنام (التحفة الغرویه) در فوائد قرآنی بوده است

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: الذریعه (۴۵۸/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۴۳۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۷۰-۲۶۹/۵).

ساروی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، مورخ و شاعر. اصل وی از شهر ساری بود و در دربار محمدشاه قاجار منصب ملاباشی گری داشت به دستور پادشاه، تاریخ در شرح جنگها و وقایع روزگار او و احوال پادشاهیش تحت عنوان «تاریخ محمدی» نوشت. ملا محمد در سرودن شعر نیز توانا بود. ابیاتی چند از وی در تذکره‌ها به جای مانده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۱۵۵۸/۳)، سفینه‌ی محمود (۶۲۹/۲)، مجمع الفصحا (۹۴۴/۵).

ساروی، محمدحسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدحسین بن محمد مازندرانی از بزرگان عصر خود و فحول علماء و اکابر فقهاء از شاگردان سید ابراهیم قزوینی صاحب (الضوابط) در کربلا بوده و در نجف از محضر صاحب جواهر استفاده نموده و با سید کاظم رشتی مناظره نموده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ساریخانی، عادل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عادل ساریخانی

محل تولد: اراک

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

آغاز کودکی علاقه وافری به آموختن در خود احساس می‌کردم به همین دلیل خانواده ام به دلیل نبود امکانات آموزشی در روستا به شهر تهران هجرت کردند و دوران ابتدایی و راهنمایی را غالباً با رتبه اول پشت سر نهادم. در سال سوم راهنمایی در تمام مناطق سیزده گانه تهران آن زمان به عنوان دانش آموز نفر اول انتخاب شدم تلاش دولت آن زمان این بود که مرا به عنوان استعداد درخشان به یکی از کشورهای اروپایی اعزام کند که این امر با مخالفت خانواده ام مواجه شد از سال اول دبیرستان در کنار دروس دوره دبیرستان تحصیلات حوزوی را در همان تهران در مدرسه مروی آغاز کردم سالهای سوم و چهارم دبیرستان اینجانب با اوج گیری انقلاب و پیروزی آن مقارن بود که به دلیل انجام وظایف انقلابی مقداری کمتر به کارهای علمی می‌رسیدم ولی پس از اخذ دیپلم در رشته تجربی بلافاصله به حوزه علمیه مقدسه قم عزیمت کردم و به شکل شبانه روزی به تحصیلات حوزوی مشغول و دوران مقدمات و سطح را در حدود شش سال به پایان رساندم و به دلیل احساس نیاز به آموزش زبان انگلیسی دو سال تمام را تحت نظارت مرکز زبان خارجی دانشگاه تهران و دانشکده زبانهای نیروی هوایی در مرکز زبان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه به آموزش زبان انگلیسی اشتغال داشته و دوره عالی زبان را با موفقیت به پایان رساندم پس از آن به درس خارج فقه و اصول و آموزش فلسفه اشتغال یافتیم و جمعاً حدود ده سال دروس خارج فقه و اصول اعظم حوزه شرکت می‌کردم. از همان زمان به تدریس دوره های ادبیات، فقه و اصول همت گماشته و در حال حاضر چندین سال است که فقه را در سطح عالی و با مرکز قرار دادن متن جواهر احکام در حوزه تدریس می‌نمایم. و در دانشگاههای مختلف نیز فقه و متون انگلیسی را قریب به ۱۵ سال تدریس می‌کنم. به دلیل احساس نیاز به آموزش علوم جدید در کنار فعالیت های علمی حوزه در سال ۱۳۶۷ وارد دانشگاه شدم و در سال ۱۳۷۱ لیسانس حقوق دریافت و در همان سال در دوره کارشناسی ارشد دانشگاههای تهران، شهید بهشتی و تربیت مدرس با رتبه بالا قبول شدم ولی به عللی دانشگاه تربیت مدرس را برای ادامه تحصیل انتخاب کردم و در سال ۱۳۷۵ به عنوان نفر اول دوره خودم از پایان نامه فوق لیسانس دفاع کردم و پایان نامه ام با درجه عالی و نمره ۵/۱۹ مورد تصویب قرار گرفت. در همان سال بلافاصله در دوره دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تربیت مدرس و به عنوان نفر اول قبول شدم و پس از حدود شش سال تلاش همه جانبه در سال ۱۳۸۱ توانستم از تز دکتری خود دفاع نمایم. از آن سال به بعد به تدریس فقه جزایی در حوزه و دانشگاه اشتغال دارم و در این زمینه حدود ۱۰ مقاله به زبانهای انگلیسی و فارسی و پنج کتاب به چاپ رسانده ام برای آشنایی علمی و عینی با سیستم قضایی و مشکلات آن پروانه و کالت پایه یک اخذ و مدتی در کنار فعالیتهای علمی به کار عملی نیز اشتغال داشتم. در حال حاضر نیز به تدریس در دانشگاه و حوزه علمیه قم اشتغال دارم و به پژوهش نیز همت می‌گمارم. در سال ۱۳۸۴ به دعوت مرکز پژوهشهای فلسفه و ارزشهای دانشگاه کاتولیک امریکا به آن کشور سفر کردم و در طی اقامت سه ماهه در آن جا علاوه بر ادامه مقاله به تحقیق و پژوهش اشتغال داشتم و از مراکز علمی متعدد بازدید کردم.

سازگار اردبیلی، طاهره

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: میکروبی‌شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

ساعاتی، فاطمه

قرن: ۸

جنسیت: زن

ملیت: ایران

قرن هفتم و هشتم هجری، از زنان فقیه. وی دختر احمد بن علی ساعاتی (۶۹۰ ق) صاحب کتاب البدیع در اصول فقه و مجمع‌البحرین در فقه و از خانواده علم و دانش و اصلاً خراسانی بود محمد بن علی بن رستم (۵۸۰ ق) عالم مکانیک و ساعت‌ساز بود و به همین دلیل او و خاندانش به ساعاتی معروف شدند. فاطمه نزد پدرش فقه آموخت و در این علم مهارت یافت و مجمع‌البحرین را به خط تعلیق خوش نوشت.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی‌گوی

منابع زندگینامه: منابع: اعلام‌النساء، ۴ / ۲۹؛ خیرات حسان، ۱۰ - ۹ / ۴؛ دایرة‌المعارف فارسی، ۱۹ / ۱.

ساعی فرد، محمد حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسین ساعی فرد

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۰ پس از تحصیلات ابتدائی وارد یکی از حوزه‌های علمیه تهران شدم و پس از پایان لمعتین در سال ۱۳۶۵ به حوزه علمیه قم آمدم و تا سال ۱۳۶۸ و با اتمام سطح در دروس خارج فقه و اصول آیات عظام وحید خراسانی، میرزا جواد تبریزی، سید محمّد روحانی، منتظری و شبیری زنجانی حاضر شدم و در ضمن تا سال اول دبیرستان را نیز به صورت متفرقه گذراندم ولی به

علت عدم تلبس به لباس مقدس روحانیت توفیق به دست آوردن مدارک علمی حوزوی را نیافتم. ضمناً به مدت دو سال در بخش رجال مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی مشغول بوده و حدود ۹ سال در موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام (ره) به تصحیح آثار حضرت امام و مرحوم شهید حاج آقا مصطفی خمینی پرداختم؛ و در مسئولیت بخش علوم عقلی اشتغال داشتم. در سال ۱۳۸۳ به تهران باز گشتم و در حال حاضر به پژوهش و تحقیق در فقه و اصول و تفسیر مشغول می باشم و همکاری محدودی نیز با پاره ای از موسسات پژوهشی و به ویژه حضرت آیت الله مکارم شیرازی دارم.

ساعی، محمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدعلی ساعی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدعلی ساعی سال ۱۳۴۱ در شهر تهران متولد شدم. مراحل ابتدائی تا دیپلم را در تهران گذراندم. بلافاصله در سال ۶۰ به حوزه علمیه قائم در نزدیکی محل خود رفته به مدت یکسال دروس حوزوی را گذراندم. در سال ۶۱ به حوزه علمیه مشهد برای دروس ادبیات عرب سفر نمودم و نزد حجت الاسلام حجت هاشمی خراسانی مدرس مشهور ادبیات عرب کتابهای سیوطی، مغنی، مطول و معالم را خواندم. رسائل شیخ انصاری و شرح لمعه را نزد آیت الله صالحی گذراندم. در سال ۶۴ به حوزه علمیه قم آمدم و کتاب مکاسب را نزد آیت الله محقق داماد خواندم و رسائل را نزد استاد اعتمادی تلمذ نمودم. در سال ۶۸ دو جلد کفایه را نزد مرحوم استاد ستوده خواندم. از سال ۶۹ در درس خارج فقه و اصول بزرگان حوزه مانند آیت الله وحید خراسانی، آیت الله تبریزی، آیت الله مکارم شیرازی به مدت شش سال شرکت نمودم. از سال ۷۶ تاکنون به تدریس دروس اعتقادی در دانشگاه علامه طباطبایی و آزاد اسلامی اشتغال دارم و ده سال سابقه تدریس دارم. کتابهای فلسفی مانند بدایه الحکمه، نهایه الحکمه، شرح منظومه و جلد اول و ششم اسفار و تمهید القواعد در عرفان نظری را خوانده و اکنون نیز تحصیل و قرائت کتابهای فلسفی و عرفانی را نیز ادامه می‌دهم.

ساغری، محسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: پزشکی هسته‌ای، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

ساغری، هوشنگ

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای عفونی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۱، گذراندن دوره تخصصی در رشته بیماریهای عفونی تا سال ۱۳۴۴، طی دوره‌های اپیدمیولوژی و باکتریولوژی عفونتهای روده‌ای (فوق دکترا) دوره بین‌المللی باکتریولوژی در سالهای ۱۳۴۲ و ۱۳۴۴ و پاتولوژی بیماریهای عفونی در دانشگاه پاریس.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۱۳۴۶، گذراندن دوره دانشیاری و ارتقاء به استادی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۱۳۵۶.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی بیماریهای اسهالی، جنبه‌های مختلف وبا، تبهای تیفوئیدی، یرقان، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۵۰ پایان‌نامه دکترا و تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

بیماریهای عفونی داخلی، تشخیص افتراقی یرقانها.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲۸، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای عفونی داخلی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

ساکي، علی محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۳۱۶.

درگذشت: خرداد ۱۳۷۳، تهران.

علی محمد ساکی نویسنده چندین جلد کتاب درباره فرهنگ و ادبیات لرستان است. از آثار اوست: سفری به دیار الموت، لرستان و ایلام (تألیف فریا استارک، ۱۳۶۴)؛ قلاع حشاشین (پیتر ویلی، ۱۳۶۸)؛ کریم‌خان زند: تاریخ ایران بین سال‌های ۱۷۷۹-۱۷۴۷ (جان ر. پری، ۱۳۶۵). علی محمد ساکی در سال ۱۳۷۳ درگذشت و در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

سالاری فر، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا سالاری فر

محل تولد: قزوین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۲ در شهر قزوین متولد شدم. پس از چند ماه همراه خانواده به مشهد مقدس منتقل شدیم. پس از سه سال به اصفهان رفتیم. تا سال ۱۳۶۵ در اصفهان سکونت داشتم و از آن سال تا کنون (۱۳۸۴) در قم زندگی می‌کنم. در سال ۱۳۶۰ در اصفهان مدرک دیپلم ریاضی فیزیک را اخذ نمودم. از دبیرستان در کنار دروس دیگر به تحصیلات حوزوی مشغول بودم. پس از سال ۱۳۶۳ به طور تمام وقت به دروس حوزه مشغول شدم. در سال ۱۳۶۵ با امتحان لمعتین، به درس درحوزه علمیه قم مشغول شدم. از سال ۱۳۷۰ به درس خارج اشتغال داشتم. یک دوره اصول نزد آیت الله سید علی محقق گذراندم. درس خارج نیز نزد ایشان و برخی اساتید دیگر حوزه تلمذ نمودم. از سال ۱۳۷۰ به دروس روان‌شناسی در سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد اشتغال داشتم. پایان نامه ام مربوط به مقایسه دیدگاه اسلام با برخی دیدگاه‌های روان‌شناسی در بحث خانواده است. اکنون به تحقیق در حوزه روان‌شناسی و اسلام و ساعاتی تدریس روان‌شناسی اشتغال دارم. عمده تحقیقات من به حوزه‌های روان‌شناسی اجتماعی، خانواده درمانی و بهداشت روانی با توجه به منابع اسلامی مربوط می‌شود.

سالاری نژاد، مسعود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مسعود سالاری نژاد

محل تولد : مسجد سلیمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید مسعود میر سالاری نژاد در سال ۱۳۶۴ مدرک دیپلم مکانیک خود را از هنرستان فنی شهداء اهواز اخذ نمودم و از همان سال در مدرسه علمیّه امام صادق نیروگاه قم مشغول به تحصیل علوم حوزوی شدم. همزمان باتحصیل دروس سطح حوزه به رشته اقتصاد دانشگاه مفید همت گماشتم و پس از اندکی در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی مشغول به کار شدم. در سال ۱۳۷۸ به عنوان مدیر دفتر تحقیقات نور رایانه منصوب و نسبت به پژوهش و تحقیق در مباحث ادبیات فارسی آشنائی پیدا کردم و مشغول به تحقیق شدم. در سال ۱۳۷۹ نسبت به تولیدچند رسانه ای مثنوی معنوی و کارهای تحقیقاتی این پروژه تحت عنوان مدیر و متکفل پروژه، همت گماشتم و در سال ۱۳۸۱ کارهای تحقیقاتی پروژه شاهنامه فردوسی را مدیریت نموده و در دو لوح فشرده به جامعه فرهنگی عرضه نموده ام. همچنین بعضی از مقالات و نوشته های موجود در این دو پروژه از اینجانب می باشد. هم اکنون هم نسبت به تولید نرم افزار چند رسانه ای حافظ شیرازی و کارهای تحقیقاتی آن و پیگیریهای متعدد با مراکز علمی، پژوهشی « مرکز حافظ شناسی و انجمن شاعران تهران » مشغول به کار هستم. همزمان با همکاری با مرکز به دروس خارج استاد سبحانی «اصول» و استاد مکارم «فقه» مشغول می باشم.

سالاری، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد سالاری

محل تولد : قاینات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در تیر ماه سال ۱۳۴۶ در خانواده ای متوسط، مذهبی شغل پدرم کشاورز و مادرم خانه دار در روستای دهشک از توابع بخش نیم بلوک قاینات، واقع در فاصله ۴۵ کیلومتری شمال شهرستان قاین دیده به جهان گشودم. وقتی به دنیا آمدم برادر دو ساله ام که محمد نام داشت به علت مریضی سرخجه از دنیا رفته بود، پدرم شناسنامه برادر فوت شده ام را به من اختصاص داد و دیگر برای من شناسنامه ای نگرفت بنابراین من با همان شناسنامه برادرم که دو سال از من بزرگتر است درسال تحصیلی ۵۱-۵۲ دو سال زودتر از موعد به مدرسه رفتم.

تحصیلات (دوران کودکی، نوجوانی و جوانی) دوران ابتدایی را در روستای محل ولادتم با موفقیت گذراندم. سال ۱۳۵۷ همزمان با

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران کلاس اول راهنمایی را در روستای بیهود و دوم راهنمایی را در شهرستان قاین و سوم راهنمایی را در خضری مرکز بخش نیم بلوک با موفقیت گذراندم و سپس با توجه به علاقه ی شدیدی که به روحانیت داشتم تحصیلات جدید را ترک نمودم و در سال تحصیلی ۶۰-۶۱ وارد حوزه علمیه قاین شدم و دو سال بعد برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه گناباد مهاجرت نمودم و دو سال در این حوزه، بقیه دروس مقدمات را نزد استادان محترم مدرسه علمیه امام رضا علیه السلام گذراندم در سال ۱۳۶۴ برای ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه مشهد مقدس شدم و تحصیلات حوزه را در مدت ده سال اقامت در این حوزه تا اتمام سطح گذراندم. از سال ورود به حوزه مشهد همزمان با تحصیل حوزوی به صورت داوطلب آزاد دوره دبیرستان را نیز هر ساله امتحان می دادم که سرانجام در سال ۱۳۶۷ موفق به اخذ دیپلم در رشته فرهنگ و ادب از آموزش و پرورش ناحیه ۲ مشهد شدم در سال ۱۳۶۸ در آزمون سراسری دانشگاه پیام نور در رشته زبان و ادبیات فارسی پذیرفته شدم و در مقطع کارشناسی به تحصیل پرداختم. ضمناً در همان سال ازدواج کردم که حاصل این ازدواج هم اکنون چهار فرزند می باشد، دو پسر و دو دختر می باشد. سرانجام در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ درجه لیسانس (کارشناسی) از دانشگاه پیام نور مرکز مشهد گردیدم. در سال ۱۳۷۴ به قصد ادامه تحصیل از مشهد به قم مهاجرت کردم و تا سال ۱۳۸۱ در حوزه علمیه قم دروس خارج فقه و اصول را نزد آیات عظام وحید خراسانی، فاضل لنکرانی، ناصر مکارم شیرازی، یوسف صانعی و علوی گرگانی ادامه دادم و بهره های فراوان بردم. دروس تفسیر قرآن آیت الله جوادی آملی و اخلاق آیت الله مشکینی و آیات الاحکام آیت الله محمد یزدی نیز دروس جنبی حوزه قم بود که از محضر این بزرگواران نیز بهره مند شدم.

در سال ۱۳۷۶ در کنکور سراسری کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی پذیرفته شدم و در واحد مرکزی تهران به تحصیل پرداختم و سرانجام در سال ۱۳۷۸ موفق به اخذ درجه فوق لیسانس در رشته زبان و ادبیات فارسی شدم و از پایان نامه ای با موضوع «اخلاق و تربیت اسلامی در دیوان عطار نیشابوری» و با نمره ممتاز دفاع کردم. تدریس در آموزش و پرورش را در مقطع (ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان) از سال ۱۳۷۶ در مشهد آغاز کردم و در قم ادامه دادم و هم اکنون نیز چندساعتی را در مقطع دبیرستان در شهر خضری ادبیات فارسی تدریس می کنم. تدریس در مقطع دانشگاهی را با دروس معارف اسلامی «۱ و ۲» و اخلاق اسلامی، از سال ۱۳۷۲ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی آغاز نمودم و در سال های ۱۳۸۱ تا کنون در دانشگاه آزاد اسلامی شهرهای قاین و گناباد در دانشکده علوم پزشکی گناباد ادامه دادم و هم اکنون نیز با علوم پزشکی هم در زمینه تدریس و هم به صورت عضو پایگاه تحقیقات جمعیتی دانشکده علوم پزشکی همکاری دارم از ۲۵ فروردین سال ۱۳۸۱ از سوی مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) و با حکم شورای سیاستگذاری ائمه جمعه سراسر کشور به سمت امام جعه بخش نیم بلوک در (شهر خضری دشت بیاض) منصوب گردیدم و تا هم اکنون مدت حدود چهار سال است که در این سمت انجام وظیفه می نمایم.

سالاری، مظفر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مظفر سالاری

محل تولد: -

شهرت

تابعیت: ایران

زندگینامه علمی

از دوم دبستان عضو کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بوده و همواره با کتاب و کتابخوانی انس و الفت داشته ام. از سال ۶۷ همراه با شرکت در کلاس های ادبی و هنری دفتر تبلیغات، اداره کتابخانه ادبی آن جا را پذیرفتم. از سال ۷۱ همکاری ام را با مجله سلام بچه ها به عنوان مسئول داستان آغاز کردم و دو سال بعد با همین عنوان با مجله «پوپک» نیز همراه شدم. برای بچه ها داستان، نمایشنامه، فیلمنامه، نقد و مقاله های آموزشی فراوانی نوشته و شاگردان زیادی تربیت کرده ام. در آن زمان که به طور مرتب نقد می نوشتم، در سه سال پیاپی در جشنواره مطبوعات کانون در زمینه نقد برگزیده شدم. کتاب ها و داستان هایم بارها برگزیده جشنواره ها شده و مورد تقدیر قرار گرفته است. رمانم با نام «نیمه شبی در حله» می تواند الگویی باشد برای نگارش داستان با صبغه دینی. «نیمه شبی در حله» نامزد کتاب سال جمهوری اسلامی، برگزیده کتاب سال ولایت و کتاب سال سلام بچه ها و پوپک در سال ۸۳ بوده است. بارها داور کتاب سال بوده و با عناوین کارشناس، عضو هیات علمی، مشاور و مدیر در امور ادبی و هنری دعوت به همکاری شده ام. به دلیل خدمات فرهنگی و تولید و تدریس داستان طی سال ها، در دهمین کنگره شعر و قصه طلاب، برگزیده ویژه شناخته شدم. از سال ۸۳ با معرفی شورای فرهنگ عمومی و حکم وزیر فرهنگ و ارشاد به عنوان عضو هیات نظارت بر کتاب کودک و نوجوان، در تدوین آیین نامه نظارت، همکاری موثر داشته ام. نخستین جلد از مجموعه پنج جلدی داستان نویسی قدم به قدم با نام «گشایش داستان» در سال ۸۳ از من به چاپ رسیده و مورد استقبال قرار گرفت. در کنار مسئولیت هایی چون معاونت فرهنگی هنری دفتر تبلیغات، سر دبیری فصلنامه «آفرینه» را نیز به عهده دارم و به ترجمه و تفسیر قرآن برای بچه ها و نگارش دایره المعارف موضوعی قرآن برای ایشان نیز می اندیشم.

سالمی، رحیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رحیم سالمی

محل تولد: آبادان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

این حقیر در سال ۱۳۷۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه شهیدین و سپس رضویه و امام محمد باقر (ع) مقدمات را تا لمعتین و اصول فقه به اتمام و در مدت بسیار کوتاهی سطوح را به پایان رساندم.

از سال ۱۳۷۸ خارج فقه، اصول، رجال، درایه، کلام و تفسیر را نزد استاد گرانقدر و محقق عالی مقام سیفی مازندرانی شروع و تا به الان ادامه دارد.

همزمان با تحصیل درسهای مرسوم حوزه رادر سطوح مختلف تدریس کرده و به طور رسمی در دو مدرسه عالی امام خمینی (ره) و شهیده بنت الهدی مشغول تدریس دروسی مانند مبانی علم رجال، درایه، منبع شناسی حدیثی شیعه و اهل سنت، تاریخ حدیث، فقه

حدیث و شیعه شناسی با دو زبان فارسی و عربی هستم که متن برخی از آنان را خود تهیه و تدوین نمودم و در ضمن تحصیل و تدریس به تحقیق و تدوین در حوزه های فقه، اصول، رجال، منابع حدیثی و ادبیات پرداخته ام و تنها اثری که موفق به چاپ و نشر آن شدم کتاب الاسلام والحریه می باشد.

سام میرزای صفوی، ابونصر

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۹۷۵/۹۷۴-۹۲۳ ق)، تذکره نویس، خطاط و شاعر، متخلص به سامی. وی در مراغه متولد شد دومین فرزند شاه اسماعیل و برادر شاه طهماسب بود. در زمان پدر نخست حکمران گیلان و سپس حکمران خراسان شد و در هرات استقرار یافت اما چندی پس از مرگ شاه اسماعیل معزول شد و بر شاه طهماسب طغیان کرد و در جنگی در قندهار شکست خورد و از آنجا به طبرس گیلکی رفت. وی پس از چندی امان نامه دریافت کرد و به دربار بازگشت و چندی به این نحو می زیست تا این که از شاه طهماسب درخواست کرد که از التزام رکاب معذورش بدارد، شاه طهماسب تلویت بقعه شیخ صفی الدین و حکمرانی اردبیل را به او داد. سام میرزا سالها بعد بار دیگر بر شاه طهماسب شورید و به مدت شش سال در قلعه قهقهه زندانی شد و سام در همان قلعه در زیر آوار زلزله درگذشت. از جمله آثارش: «تحفه‌ی سامی»؛ «دیوان». شعر. سام میرزا همچنین خط نستعلیق را خوش می نوشت و از خطوط وی، یک قطعه به قلم نیم دو دانگ متوسط به زر تحریردار موجود است، با رقم: «... کتبه غلام شاه، سام». [۱]

صفوی پسر شاه اسماعیل و برادر شاه طهماسب صفوی (ف. ۹۴۰ ه.ق.). وی در فنون شعر و انشا مهارت داشت و کتاب «تحفه سامی» که تذکره ایست از شعرا تألیف اوست. در سال ۹۳۹ ه.ق. از طرف برادرش به حکومت خراسان منصوب شد و در سال ۹۴۰ بر برادر شورید و در همان اثنا درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آتشکده‌ی آذر (۶۳-۶۲/۱)، احوال و آثار خوشنویسان (۲۲۸/۱)، از سعدی تا جامی (۶۷۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۹۸/۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۱۵۷-۱۵۵/۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۷۹-۳۷۸)، تحفه سامی (مقدمه)، دانشمندان آذربایجان (۱۷۸-۱۷۶)، دایرةالمعارف فارسی (۱۲۴۶/۱)، الذریعه (۴۲۴-۴۲۳/۹)، روضه السلاطین (۷۱)، ریحانه (۱۵۱/۲)، سخنوران آذربایجان (۳۶-۳۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۶۰)، فرهنگ سخنوران (۴۳۵-۴۳۴)، لغت نامه (ذیل/ سام میرزا)، مؤلفین کتب چاپی (۲۸۶/۳)، مجمع الخواص (۲۴)، مجمع الفصحا (۵۹-۵۸/۱)، نتایج الافکار (۳۳۲-۳۳۱).

سامت قزوینی، عبدالرحیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۱- ز ۱۳۶۲ ق)، عالم دینی، فقیه و مدرس. وی در قزوین متولد شد. پس از تحصیل مقدمات در قزوین به قم رفت و مدت پنج سال در آن شهر نزد استادانی چون آیت الله شیخ یحیی مفیدی و آیت الله شیخ میرزا ابوالفضل زاهدی و آیت الله میرزا محمد

همدانی تلمذ کرد. پس از آن به نجف سفر کرد و حدود ده سال از محضر آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی در فقه و از آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی در اصول و آیت‌الله نائینی و آیت‌الله آقا میرزا ابوالحسن مشکینی و آیت‌الله شیخ محمدحسین اصفهانی استفاده نمود. در سال ۱۳۶۲ ق به قزوین مراجعت نمود و به خدمات دینی و اقامه نماز جماعت در مسجد ملا باشی و تدریس فقه و اصول پرداخت. وی از آیت‌الله اصفهانی دارای اجازه‌ی اجتهاد و روایت بود. از آثارش: «تقریرات» مباحث آیت‌الله اصفهانی، در طهارت و بیع و حج؛ «تقریرات» اصول آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی یکدوره‌ی کامل؛ «تقریرات» مباحث فقه میرزا ابوالحسن مشکینی در «صلاه» و مباحث اصول در «حجیت ظن» و «اصل برائت»؛ «تقریرات» مباحث فقه آیت‌الله نائینی، در «خيارات»؛ «تقریرات» آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی، در «غصب» و «قضاء» و «زکوه». [۱]

میرزا عبدالرحیم بن العالم الجلیل والفاضل الجمیل میرزا حسن از احفاد ملا محمد رفیع‌الدین واعظ قزوینی صاحب (کتاب ابواب الجنان) در مواعظ و اخلاق متوفی ۱۰۸۹ ق می‌باشد.

معظم له از علماء و ائمه جماعت محترم معاصر قزوین و دانشمندان بنام آن سامانست. وی در ماه ربیع‌الثانی ۱۳۲۱ ق در شهرستان قزوین متولد شده و پس از رشد مدت پنج سال در قزوین تحصیل و بعد از آن به قم مسافرت نموده و مدت پنج سال در قم توقف و از محاضر آیات و مدرسین حوزه مانند آیت‌الله آقا شیخ یحیی مفیدی و آیت‌الله حاج شیخ میرزا ابوالفضل زاهدی و مرحوم آیت‌الله میرزا محمد همدانی استفاده نموده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و حدود ده سال اقامت و از محضر مرحوم آیت‌الله اصفهانی فقها و آیت‌الله عراقی آقا ضیاءالدین اصولا و آیت‌الله نائینی و آیت‌الله آقا میرزا ابوالحسن مشکینی و آیت‌الله حاج آقا شیخ محمد حسین اصفهانی استفاده نموده و در سال ۱۳۶۲ قمری مراجعت به قزوین و تا هم‌اکنون به خدمات دینی و اقامه نماز جماعت در مسجد سلطانی و مسجد ملاباشی و تدریس فقه و اصول و غیر ذلک اشتغال دارد. و دارای اجازات روایتی و اجتهادی و غیره از مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی و غیره می‌باشد.

آثار علمی ایشان از این قرار است ۱- تقریرات مباحث مرحوم آیت‌الله اصفهانی در طهارت و بیع و حج ۲- تقریرات اصول مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی یک دوره کامل ۳- تقریرات مباحث فقه مرحوم میرزا ابوالحسن مشکینی در صلوٰه و نیز اصول ایشان در حجیه ظن و اصل برائت.

۴- تقریرات مباحث فقه مرحوم نائینی در خيارات.

۵- تقریرات مباحث فقه مرحوم آقا ضیاء عراقی در غصب و قضاء و زکوه و غیره.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۶۲- ۱۶۱/۶).

سامعی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

خلاصه: دکتر حسین سامعی در سال ۱۳۳۲ ش. در تهران متولد شد. ایشان دارای مدرک دکترای زبان شناسی از دانشگاه تهران می‌باشد. دکتر سامعی مسؤول واژه‌گزینی در فرهنگستان زبان و ادب فارسی بوده است. وی علاوه بر کار تحقیقاتی در دانشگاه نیز تدریس می‌کرده است. در حال حاضر، نامبرده به دعوت دانشگاه هاروارد، برای یک دوره تحقیقی یک ساله عازم امریکا شده و در ایالت جورجیا در دانشگاه Emory مشغول تدریس زبان فارسی است. کتاب "فرهنگ معاصر هزاره" تالیف حسین سامعی (یکی از

مؤلفان)، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان شناسی

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: حسین سامعی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، موفق به اخذ لیسانس ادبیات فارسی از دانشگاه شهید بهشتی (ملی سابق) و فوق لیسانس و دکترا با درجه ممتاز در رشته زبان شناسی از دانشگاه تهران شد. هم دوره ای‌ها و همکاران: حسین سامعی از سال ۱۳۶۴ با دکتر علی محمد حق شناس و سرکار خانم انتخابی در تهیه فرهنگ هزاره در مؤسسه انتشاراتی فرهنگ معاصر همکاری داشته است.

فعالیت‌های آموزشی: دکتر سامعی مسئول واژه‌گزینی در فرهنگستان زبان و ادب فارسی بوده است. وی علاوه بر کار تحقیقاتی در دانشگاه نیز تدریس می‌کرده است. از دیگر سوابق ایشان همکاری با مرکز نشر دانشگاهی است. در حال حاضر، دکتر سامعی به دعوت دانشگاه هاروارد، برای یک دوره تحقیقی یک ساله عازم آمریکا شده و در ایالت جورجیا در دانشگاه Emory مشغول تدریس زبان فارسی است.

جوایز و نشانها: کتاب "فرهنگ معاصر هزاره" تالیف حسین سامعی (یکی از مؤلفان)، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد. منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com>:

سامی شیرازی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۹ ش)، نویسنده، محقق و استاد دانشگاه. در شیراز متولد شد پس از تحصیل مقدمات در رشته ادبیات و باستان شناسی و تاریخ بخصوص قسمت قبل از اسلام مشغول تحصیل و تفحص شد و در این رشته تخصص پیدا کرد و از دانشگاه آزاد آسیایی درجه دکتری افتخاری دریافت کرد آنگاه وارد خدمت وزارت فرهنگ شد مدتی ریاست کارپردازی و ساختمانهای فرهنگی فارس و تعمیرات ابنیه تاریخی را داشت از سال ۱۳۱۸ ش به ریاست علمی و حفاری تخت جمشید به ادامه کاوش در خرابه‌های استخر و تپه‌های مروشدت و حفاری در بازارگاد اشتغال داشت همچنین در سال ۱۳۳۶ ش به ریاست اداره باستان شناسی فارس منسوب شد از بدو تاسیس دانشکده ادبیات شیراز سمت استادی تدریس باستان شناسی دانشکده مزبور را داشت و همچنین مدتی سرپرستی آرامگاه خواجه حافظ و تعمیر ابنیه تاریخی فارس و اداره امور کاوش در آثار قدیمی و حفاری در بازارگاد را بر عهده داشت از آثار وی: «آثار باستانی جلگه مروشدت»؛ «پارس در عهد باستان»؛ «بازارگاد یا قدیمی ترین پایتخت کشور شاهنشاهی ایران»؛ «تمدن هخامنشی»؛ «مقام دانش در ایران باستان»؛ «شیراز، شهر سعدی و حافظ و شهر گل و بلبل».[۱]

باستان‌شناس، ایران‌شناس.

تولد: ۱۲۸۹ (۲۳۸ ق.)؛ شیراز.

درگذشت: ۲۲ مرداد ۱۳۶۸، شیراز.

علی سامی، فرزند آقا بزرگ، از شاعران و نقاشان شیراز و صاحب کتاب مقامات معنوی (۱۳۲۹) است. علی سامی پس از تصیلات

ابتدایی و متوسطه در مدرسه‌ی شعاعیه، در سال ۱۳۰۸ به استخدام آموزش و پرورش درآمد. بین سال‌های ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۳ به سمت آموزگار و سپس به عنوان دبیر تاریخی و جغرافیا در مدارس شیراز مشغول تدریس شد و پس از آن به مدیریت مدرسه‌ی و تصدی دانشسرای مقدماتی پسران در ۱۳۱۴ ارتقا یافت، از سال ۱۳۱۵ نیز به تعمیرات ابنیه‌ی تاریخی شیراز پرداخت. در همین زمان آرامگاه حافظ ساخته شد و موزه‌ی پاریس و آرامگاه خوجوی کرمانی و مسجد جامع عقیق مرمت شدند.

پس از خروج هیئت علمی دانشگاه شیکاگو که حفاری علمی تخت جمشید را به عهده داشت، از سال ۱۳۲۱ به سمت ریاست بنگاه علمی تحت جمشید منصوب شد. در همین مدت کاوش‌های علمی پاسارگاد و تپه‌های ماقبل تاریخ اطراف مرودشت انجام گرفت. ایشان در سال ۱۳۲۶، علاوه بر ریاست بنگاه علمی تحت جمشید به سمت ریاست اداره‌ی باستان‌شناسی فارس منصوب شد و تدریس در دانشگاه را نیز آغاز کرد تا سال ۱۳۴۹ ادامه داشت.

علی سامی عضو چند مجمع علمی و فرهنگی و اجتماعی بود که اهم آنها عبارتند از: سردبیر روزنامه‌ی «عدل» (شیراز)؛ رییس شورای نویسندگان و خبرنگاران استان فارس، عضو کنگره‌ی ایران‌شناسی، عضو کنگره خاورشناسی تاجیکستان، دبیر و عضو انجمن قلم شیراز، رییس و دبیر کانون دانش پارس (این کانون در سال ۱۳۳۱ به همت خود وی بنیاد نهاده شد)؛ دبیر و عضو انجمن آثار ملی فارس، عضو شورای عالی حفاظت آثار ملی فارس، عضو شورای عالی حفاظت آثار باستانی، عضو و رییس هیئت امنا در آستانه‌ی حضرت احمد بن موسی (شاه چراغ)؛ عضو کمیسیون ترجمه و تألیف دانشگاه شیراز، عضو و رییس کمیته‌ی دائمی دانشکده‌ی ادبیات شیراز، عضو هیئت مدیره بنگاه حمایت زندانیان شیراز (از سال ۱۳۴۳)؛ عضو و دبیر شورای عالی جهانگردی. علی سامی دارای درجه‌ی دکترای افتخاری از کشور هندوستان (دانشگاه آزاد آسیایی) بود و نشان‌های همایون درجه‌ی ۴ و مدال درجه‌ی ۱ و سپاس درجه‌ی ۲ (به سبب فعالیت‌های مطبوعاتی) به وی داده شده بود.

دکتر علی سامی بیش از سی جلد کتاب نوشت که مهمترین آنها عبارتند از: آثار تاریخی جلگه‌ی مرودشت (۱۳۳۱)؛ پارس در عهد باستان (ضمیمه‌ی نشریه‌ی شماره سه «کانون دانش پارس»، ۱۳۳۳)؛ پارسکده (۱۳۵۰)؛ پاسارگاد یا قدیمی‌ترین پایتخت کشور شاهنشاهی ایران (۱۳۳۰)، این کتاب بعداً در سال ۱۳۷۵ تحت نام پاسارگاد، پایتخت و آرامگاه کوروش هخامنشی ذولقرنین به کوشش و بازنگری دکتر غلامرضا وطن‌دوست از سوی بنیاد فارس‌شناسی به چاپ رسید؛ تاریخ پارس در عهد باستان (۱۳۳۴)؛ تاریخ پیدایش خط و تحول آن در شرق باستان و ترجمه کتیبه‌های میخی و پهلوی (۱۳۲۹)؛ تمدن ساسانی (جلد اول، ۱۳۴۲)؛ تمدن ساسانی (جلد دوم، ۱۳۴۴)؛ تمدن هخامنشی (جلد اول، ۱۳۴۱)؛ تمدن هخامنشی (جلد دوم، ۱۳۴۸)؛ روزها و یادها (جلد اول، ۱۳۶۰)؛ روزها و یادها (جلد دوم، ۱۳۶۲)؛ شرح آثار باستانی تخت جمشید (با همکاری سید محمدتقی مصطفوی، ۱۳۳۵)؛ شرح آثار تاریخی شیراز (به زبان انگلیسی، ترجمه نارمن شارپ، ۱۳۳۵)؛ شرح آثار تخت جمشید (به زبان انگلیسی، با ترجمه رالف نارمن شارپ، ۱۳۳۵ که نه بار تجدید چاپ شد)؛ شرح کاوش‌های پاسارگاد (به زبان انگلیسی، ترجمه شارپ، ۱۳۳۵)؛ شیراز، دیار سعدی و حافظ، شیراز: شرح مفصل آثار باستانی و سیر فرهنگ و هنر در ادوار گوناگون (۱۳۳۷)؛ شیراز شهر جاویدان (۱۳۶۳)؛ شیراز شهر گل و بلبل، تاریخچه شیراز و شرح آثار باستانی شیراز (۱۳۳۷)؛ گزارش‌های باستان‌شناسی (جلد دوم، ۱۳۳۱)؛ گزارش‌های باستان‌شناسی (جلد چهارم، ۱۳۳۸)؛ گزارش‌های کاوش‌های علمی پاسارگاد (ضمیمه‌ی جلد اول گزارش‌های باستان‌شناسی، ۱۳۲۹)؛ مقام دانش در ایران باستان (۱۳۳۳)؛ نقش ایران در فرهنگ اسلامی (۱۳۶۵).

از وی همچنین مقالاتی در مجله «دانشکده‌ی ادبیات»، «مهر»، «هنر و مردم»، «فروغ تربیت»، «اطلاعات ماهانه»، «بررسی‌های تاریخی» و روزنامه‌های «بهار ایران»، «عدل»، «گلستان» و «پارس» شیراز به چاپ رسیده است.

آثار دیگری که علی سامی به رشته‌ی تحریر درآورده است ولی به چاپ نرسیده‌اند به این شرح هستند: جلد چهارم تمدن هخامنشی، جلد سوم و چهارم تمدن ساسانی، تمدن قدیم فلات ایران و تمدن پیش از هخامنشی، تاریخ تمدن جهان، بهار

جاویدان مشتمل بر یک سلسله مقالات ادبی و تحقیقات باستان‌شناسی در ایران.

از اشیای کشف شده توسط علی سامی، تعدادی در موزه ملی ایران (ایران باستان)، قسمت مربوط به هخامنشیان نگه‌داری می‌شود که از آن جمله است: سر شاهزاده هخامنشی از سنگ لاجورد و بشقاب سنگی به خط آرامی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۲-۴۹/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۲۶۵-۲۶۳/۴).

سامی‌راد، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مدرس.

تولد: ۱۲۸۴، بجنورد.

درگذشت: ۱۳۶۵، مشهد.

حسین سامی‌راد، فرزند اسماعیل‌خان، تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود به پایان برد و دوره‌ی دبیرستان را در دارالفنون گذراند. در سال ۱۳۰۵ در میان نخستین گروه دانشجویان اعزامی به خارج از ایران، برای طی دوره پزشکی و گرفتن تخصص به پاریس رهسپار گردید و پس از اخذ تخصص در رشته‌ی بیماری‌های کودکان و گذراندن دوره‌ی «مالاریشناسی» از ایتالیا به ایران بازگشت. در سال ۱۳۱۶ پس از پایان خدمت نظام، مأمور تأسیس بهداری خراسان گردید و همزمان با آغاز جنگ دوم جهانی، ریاست بیمارستان امام رضای مشهد را به عهده گرفت. و برای جبران کمبود پزشک در خراسان و تأسیس آموزشگاه عالی بهداری که هسته‌ی اولیه‌ی دانشگاه فردوسی را تشکیل می‌داد، اقدام نمود. پس از تأسیس دانشکده‌ی پزشکی مشهد و دانشگاه فردوسی به مدت ۲۸ سال ضمن تدریس، ریاست مؤسسات علمی را نیز به عهده داشت. در سال ۱۳۴۲ به نمایندگی مردم مشهد به مجلس شورای ملی رفت و چون عنوان استادی دانشگاه تهران را یافته بود، در آن دانشگاه به تدریس پرداخت و در سال ۱۳۵۰ بازنشسته شد. از جمله مشاغل اجتماعی او می‌توان به این موارد اشاره نمود: ریاست جمعیت شیر و خورشید سرخ مشهد (۱۳۳۹-۱۳۲۷)؛ تأسیس درمانگاه خیریه‌ی رازی در مشهد (در زمان جنگ جهانی دوم)؛ ریاست جمعیت حمایت از جذامی‌های مشهد (تا پیش از آمدن به تهران)؛ عضویت در هیئت مدیره‌ی انجمن مبارزه با سل در مشهد؛ عضویت در هیئت مدیره انجمن تعاون بهداشتی در مشهد.

دکتر سامی‌راد تألیفاتی در زمینه‌ی علوم پزشکی و تربیتی دارد و مقالاتی از وی در نشریات علمی کشورهای مختلف منتشر شده است. از جمله آثارش می‌توان از کتاب‌های زیر نام برد: راه پرورش کودکان (۱۳۲۲)؛ سلامتی بیماری‌های کودکان (۱۳۳۴)؛ تشخیص برنکو پنومونی سلی و غیر سلی (به زبان فرانسوی، پایان‌نامه‌ی تحصیلی).

(تو ۱۲۸۴ ش)، نویسنده و استاد دانشگاه. در بجنورد متولد شد. پس از تحصیل دوره ابتدایی و متوسطه، رهسپار پاریس شد و در دانشکده‌ی پزشکی پاریس به تحصیل مشغول گردید. پس از اخذ مدرک دکتری به ایران بازگشت و در سال ۱۳۱۹ ش به سمت دانشیار فیزیولوژی و رییس آموزشگاه عالی بهداری مشهد انتخاب شد. از آثار وی: «راه پرورش کودکان»؛ «سلامتی و بیماری کودکان» [۱].

در ۱۲۸۴ ش تولد یافت. پدرش دکتر اسمعیل‌خان طبیب و جراح معروف تهران بود. سامی‌راد پس از انجام تحصیلات ابتدایی و

متوسطه به اروپا رفت و تحصیلات عالی خود را در رشته‌ی طب دنبال نمود و از دانشگاه سوربن پاریس درجه‌ی دکترای دریافت کرد. بعد از مراجعه به ایران، وارد وزارت بهداشتی و دانشگاه تهران شد. مدتها در دانشکده‌ی تهران به تدریس اشتغال داشت تا به ریاست دانشکده‌ی پزشکی و دانشگاه فردوسی خراسان منصوب شد و در این سمت نسبت به توسعه‌ی دانشگاه و تجهیز بیمارستان‌ها جدیت کامل کرد. وی یک دوره نیز نماینده‌ی مجلس شورای ملی شد که گویا دوره‌ی بیست‌ویکم بوده است. در ۱۳۶۶ درگذشت. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه: [۱] مؤلفین کتب چاپی (۲۸۸-۲۸۷/۳).

ساوجی، ابوالفضل مجدالدین محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۲- ۱۲۴۸ ق)، طیب، خطاط و شاعر. از خاندان شاملو و از بازماندگان حیدرقلی خان و حسن خان شاملو، از امرای دوران پادشاهی صفویان، بود. ابتدا در ساوه موطن داشتند سپس، میرزا ابوالفضل و پدرش به تهران آمدند و در این شهر ساکن شدند. وی در تهران به کسب علوم و کمالات پرداخت و با اکثر علوم متداول از جمله طب و حکمت الهی و طبیعی و علوم ادبی آشنا شد. مقام فضل و دانش او بود که وی را یکی از چهارتن دانشمند طراز اول قرار داد تا به امر مهم فرهنگی، یعنی تألیف «نامه‌ی دانشوران ناصری» پردازد. ساوجی شعر می‌گفت و صاحب «دیوان» بود و در خط نستعلیق و شکسته نستعلیق و شکسته تعلیق از استادان مسلم به شمار می‌رفت. نستعلیق را هم خفی و هم جلی، خوش می‌نوشت و بسیاری از کتیبه‌های عمارات سلطنتی و دولتی که در زمان وی با شد، به خط اوست، از جمله: «کتیبه‌ی طلایی روی کاشی سر در باب همایون»؛ «کتیبه‌ی بنای مزار حضرت عبدالعظیم» در شهر ری؛ «وقف‌نامه‌ی قنات ناصری» در قم. از دیگر آثار خطی وی: یک نسخه «دیوان» اشعار، خود او که به قلم نستعلیق کتابت جلی و شکسته تعلیق غبار عالی به سال ۱۲۷۴ ق نوشته است، با رقم: «ابن فضل الله الساوجی ابوالفضل مجدالدین محمد الطیب»؛ یک نسخه «تهذیب المنطق»، به قلم نستعلیق دودانگ خوش، با تاریخ سال ۱۲۸۶ ق؛ یک نسخه «آداب المشق»، به قلم نستعلیق کتابت خوش، با رقم: «کتبه الحقیق المذنب ابوالفضل مجدالدین محمد بن فضل الله ۱۲۶۱»؛ یک نسخه «کلام الملوک»، به قلم نیم دودانگ خوش، با رقم: «تمت الرساله... محمد بن فضل الله الملقب بمجدالدین ساوجی ۱۲۶۱» و دیگر قطعات و مرقعات مختلف.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۳۲- ۲۹/ ۱)، اطلس خط (۵۹۰- ۵۸۹)، پیدایش خط و خطاطان (۱۰۷- ۱۰۵)، حدیقه الشعراء (۱۵۱۳- ۱۵۰۸/ ۳)، الذریعه (۹۶۱- ۹۶۰/ ۹)، ریحانه (۴۱۸- ۴۱۷/ ۲)، سرآمدان فرهنگ (۲۹۵- ۲۹۴/ ۱)، شرح حال رجال (۵۴/ ۱)، طرائق الحقائق (۵۸۴- ۵۸۳/ ۳)، گنج شایگان (۵۱۸- ۵۰۹)، المآثر والآثار (۲۰۲)، مجمع الفصحا (۹۰۷- ۹۰۱/ ۵).

ساوجی، احمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد ساوجی از مشاهیر علماء و فقهاء عصر خود بوده و فاضل مراغی در (المآثر والآثار) ص ۱۶۳ او را با عظمت یاد کرده و گفته

که او از شاگردان علامه نراقی و میرزا مسیح تهرانی بوده و در ۱۳۰۵ قمری وفات نموده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ساوجی، صدرالدین

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س هفتم ق)، شاعر و ادیب. از شاعران و ادیبان صاحب هوش و ذکاوت و استاد در علم عروض و قافیه عهد ایلخانان مغول بود. وی به روزگار هلا-کو خان در شام مسکن داشت و در همان دوره به اتهام ساحری کشته شد. از آثار وی: قصیده‌ی «حسنا» در علم عروض و قافیه به نظم.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ برگزیده (۶۹۶-۶۹۵)، حبیب السیر (۱۰۸-۱۰۷ / ۳)، لغت نامه (ذیل / ساوجی).

ساوجی، فضل الله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۷۵ ق)، ادیب، طیب و خطاط. وی پدر ابوالفضل ساوجی و از خاندان شاملو و از اعقاب حسن خان شاملوی معروف، والی هرات است. میرزا فضل الله، خود از مشاهیر اطبای ساکن تهران بود و فتحعلی شاه او را به سمت معلمی علی خان ظل السلطان، دهمین فرزند خود، منصوب داشت. از خطوط، علاوه بر نستعلیق، ثلث و نسخ را نیز خوش می نوشت. او را به داشتن سجایای اخلاقی و مراتب فضل و کمال یاد کرده اند و بعضی شاعران عصر، مانند شباهنگ، در اشعار خود وی را ستوده اند. او در تهران در گذشت و جنازه اش را به نجف اشرف منتقل کردند و در وادی السلام به خاک سپردند. از آثارش، قطعه‌ی سیاه مشقی است که به قلم چهار دانگ خوش نوشته شده و رقم «ذلک فضل الله» دارد؛ قطعه‌ای به قلم شش دانگ و نیم دو دانگ خوش، با رقم: «یا هو، در نهایت افسردگی و بیدماغی نوشته شد، کتبه الحقییر لله، فضل الله ۱۲۵۷».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۵۷۳-۵۷۲ / ۲)، شرح حال رجال (۱۷۸ / ۶)، حدیقه الشعراء (۱۵۱۳-۱۵۱۲-۱۵۰۸ / ۳)، طرائق الحقائق (۵۸۴-۵۸۳ / ۳)، مجمع الفصحا (۹۰۱ / ۵)، گنج شایگان (۵۰۹).

ساوجی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۰۱ ق)، ادیب و خطاط. از خاندان میرزا ابوالفضل ساوجی و در زمره‌ی دانشمندان عصر خود بود و در نظم و نثر فارسی

دست داشت و خط نستعلیق را خوش می‌نوشت. وی در تهران درگذشت و در قم به خاک سپرده شد. از آثارش: ترجمه‌ی فارسی یک نسخه «صحیفه‌ی سجادیه»، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «ترجمه‌ی این صحیفه‌ی کامله‌ی شریفه‌ی سجادیه که بقلم معجز رقم استاد کل آقا زین العابدین اصفهانی است... بتحریر این حقیر بانجام رسید. و انا العبد الراجی محمد الساجی سنه ۱۲۷۸»؛ یک قطعه، به قلم دو دانگ و کتابت خوش، با رقم: «الحقیر محمد الساجی غفر له ۱۲۸۲».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۷۴۱-۷۴۰/۳).

ساجی، محمدحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدحسن ساجی از علماء اتقیاء و افاضل بزرگوار و معروف به شیخ آغا بزرگ ساجی از تلامذه میرزا حبیب‌الله رشتی و حاج میرزا حسین خلیلی و مدرسین بزرگ مدرسه مروی تهران بوده که جماعتی از اعلام معاصر تهران خدمت وی تلمذ نموده است وی در ۹ شوال ۱۳۵۷ قمری از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ساجی، نظام‌الدین، محمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۱۰۳۸ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، محدث، متکلم، رجالی و ریاضیدان. اهل ساوه و از شاگردان شیخ بهائی بود، پس از مرگ پدرش تحت نظر شیخ بهائی تربیت یافت. پس از درگذشت استادش، در دربار صفویه زندگی کرد. در ۱۰۳۳ ق سفری به عتبات عالیات نمود. ساجی به امر شاه عباس صفوی کتاب «جامع عباسی» استادش شیخ بهائی را، که تا باب حج تألیف شده بود، تکمیل کرد و «تحفه‌ی عباسی»، در فضائل و مناقب را در تتمیم «جامع عباسی» نگاشت. او پس از عزل ملا خلیل قزوینی، از مدرسی حضرت عبدالعظیم (ع)، عهده‌دار تدریس در بقعه‌ی عبدالعظیم حسنی شد و اندکی پس از درگذشت شاه عباس (۱۰۳۸ ق)، در شهر ری درگذشت. از دیگر آثارش: «زینة المجالس»، به شیوه‌ی «کشکول» استادش شیخ بهائی، «نظام الاقوال»، در شناخت رجال، «الصحیح العباسی»؛ رساله‌ای در «وجوب نماز جمعه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان‌الشیعه (۲۵۳-۲۵۲/۹)، الذریعه (۲۴/۱۹۱، ۱۵/۱۵، ۱۲/۹۵، ۴۵۲، ۳/۳۴۰)، ریاض‌العلماء (۲۴۳-۲۴۲/۵)، ریحانه (۲۰۴-۲۰۳/۶)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۱/۶۱۸)، الکنی واللقاب (۳/۲۵۷)، لغت‌نامه (ذیل / نظام‌الدین ساجی)، معجم‌المؤلفین (۹/۲۵۰)، هدیه‌الاحباب (۲۵۷).

ساوئی، محمدابراهیم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدابراهیم بن علی اکبر ساوئی عالمی جلیل و فقیهی متقی از شاگردان علامه میرزا محمدحسن آشتیانی در تهران بوده و در ساوه به وظائف روحی و دینی اشتغال داشته تا در سال ۱۳۲۶ قمری وفات و حمل به قم شده و در قبرستان شیخان مدفون گردیده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سبحانی نیا، محمدتقی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدتقی سبحانی نیا

محل تولد: قزوین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدتقی سبحانی نیا از سال ۱۳۶۶ همزمان با تحصیل در سال چهارم دانشگاه رسماً وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه رضویه دروس سطح حوزه را شروع نمودم. دروس سطح را تا سال ۱۳۷۶ به پایان رساندم. از اساتید برجسته اینجانب در دوره سطح، اساتید معزز آقایان حجج اسلام اسحاق نیا، پرنده غیبی، عالی، مومنی، مسعودی، غرویان، دوزدوزانی و عراقچی می باشند. از سال ۱۳۷۶ در درس خارج آیات عظام مرحوم میرزا جواد تبریزی و استاد مکارم شیرازی و استاد مددی حاضر شده و مدت کوتاهی نیز در درس استاد آیه الله شیری زنجانی شرکت نموده ام.

از سال ۱۳۷۱ با مرکز تحقیقات دارالحدیث به فعالیت های فرهنگی علمی همکاری را شروع نموده و این همکاری تا به امروز در حوزه های مختلف ادامه داشته است. مدتی در بخش تاسیس کتابخانه تخصصی حدیث تلاش کرده و مسولیت داشتم. سپس چند سال در گروه موسوعه نگاری در بخش تحقیقات با آن مرکز همکاری داشته و تحقیق و عناوین متعددی را بر عهده داشته ام. و هم اکنون نیز در دانشکده علوم حدیث ضمن مسولیت اجرایی به تحصیل در مقطع دکتری اشتغال دارم. ضمناً در سال ۱۳۸۰ نیز در آزمون کارشناسی ارشد مدرسی الهیات و معارف اسلامی دانشکده تربیت مدرس قم پذیرفته شده و مدرک کارشناسی ارشد خود را در سال ۱۳۸۳ اخذ نمودم.

سبحانی نیا، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدرضا سبحانی نیا

محل تولد: قزوین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۹ هجری برای آغاز درس های طلبگی به شهر مقدس قم آمدم و دروس مقدماتی را در مدارس کرمانی ها و رضویه گذراندم. در ادبیات از اساتید بزرگواری چون جناب حجه الاسلام و المسلمین آقای عالی بهره بردم و لمعه و اصول را نزد اساتید گرانقدری، همچون آقای قاروبی تبریزی و خسرو شاهی تلمذ کردم. درس مکاسب و رسائل را نیز از حضرات حجج اسلام و آیات عظام آقایان حسینی خراسانی، علیدوست، موسوی تهرانی، نکونام گلپایگانی، جاودان و عالی (دامت برکاتهم) بهره بردم. از سال ۱۳۷۸ در دروس خارج حوزه از محضر علمای بزرگ حضرات آیات مکارم شیرازی، سبحانی، تبریزی (ره) و مددی (حفظهم الله تعالی) بهره های فراوان بردم. در کنار درس های طلبگی در موسسه فرهنگی دارالحدیث توفیق خدمت به حدیث را یافتم و هر چند در سال های اولیه کمتر به کارهای علمی و پژوهشی موفق می شدم، اما از سال ۱۳۷۸ با گذراندن واحدهایی از درس تربیت مربی حدیث در کنار کارهای پژوهشی و تحقیقی حدیث وارد عرصه تدریس علوم حدیث شدم. در مجموعه با برکت موسوعه نگاری دارالحدیث توفیق همراهی با محققان این مرکز جهت نشر کتب حدیثی تحت اشراف جناب آیه الله ری شهری (دام عزه) را داشتم. تدریس در دانشکده های اصول دین قم، حدیث شهرری و رشته تخصصی حدیث حوزه علمیه قم و جامعه القرآن کریم قم در رشته های علوم حدیثی و معارف حدیثی از خدمات حقیر بوده است. همکاری و مشاوره و راهنمایی با طلاب محترم حوزه و دانشجویان دانشکده های علوم حدیثی و قرآنی از افتخارات بنده بوده است. هم اینک در موسسه دارالحدیث در بخش تخریج و مصدر یابی احادیث خدمتگزار دوستانم هستم و افتخار خدمتگزاری به حدیث معصومین (علیهم السلام) بهتر از هرافتخاری است.

سبحانی، جعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج شیخ جعفر بن علامه الزاهد حاج شیخ محمدحسین سبحانی تبریزی از اساتید بنام و فضلاء بلا کلام و مدرسین والامقام حوزه علمیه قم است که در فروردین ماه ۱۳۰۸ شمسی در تبریز متولد شده و در مهد علم و فضیلت تربیت یافته و مقدمات و سطوح را در مدت ۵ سال در تبریز خوانده و در سال ۱۳۶۵ قمری مهاجرت به قم نموده و در مدت دو سال بقیه سطوح را خوانده و به درس و بحث آیت الله العظمی حجت و آیت الله العظمی بروجردی شرکت نموده و دراسات و تقریرات آن دو بزرگوار را به رشته تحریر آورده و در خلال آن از آیات عظام دیگر حوزه استفاده نموده و فلسفه و معقول را از علامه طباطبائی فرا گرفته و جلد اول اصول فلسفه را به امر استادش علامه به عربی ترجمه و منتشر نموده است.

استاد سبحانی حوزه درس بخصوصی دارند و در تربیت و پرورش طلاب و فضلاء روش مخصوصی دارند و از روز تاسیس

دارالتبلیغ اسلامی قم در رشته‌های تفسیر و عقاید و رجال در آن مهد بزرگ اسلامی به تدریس پرداخته‌اند و نیز از روز نخستین مجله وزین و ارزنده (درسهائی از مکتب اسلام) از مؤسسين آن و جزو هیئت تحریریه آن بوده و در هر شماره از این مجله علمی و دینی (که ارگان رسمی حوزه علمیه قم) است علاوه بر مقاله مخصوصی که به نام وی چاپ می‌شود و مقاله دیگری یکی پیرامون تفسیر قرآن و دیگری پاسخ به سوالات علمی خوانندگان می‌نویسد گذشته از مقالات مذکوره آثار علمی دیگری دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- ۱- اصول فلسفه که در نجف اشرف طبع شده.
 - ۲- تهذیب‌الاصول در سه مجلد تقریرات یکی از اساتید عالی مقام خود که در قم به طبع رسیده.
 - ۳- مفاهیم القرآن که در دست انتشار است.
 - ۴- فروغ ابدیت در دو جلد در زندگی پیامبر عالیقدر اسلام که از مدارک صحیح اسلامی با تجزیه و تحلیل کامل نوشته شده است.
 - ۵- رسالت جهانی پیامبران در نبوت عامه.
 - ۶- قرآن و معارف عقلی تفسیر سوره حدید.
 - ۷- مرزهای اعجاز، ترجمه بخش اعجاز قرآن تفسیر (البیان).
 - ۸- تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن.
 - ۹- سیستم اخلاقی اسلام تفسیر سوره حجرات.
 - ۱۰- رمز پیروزی به عنوان اخلاق برای جوانان نوشته و مکرر به طبع رسیده است.
 - ۱۱- سرچشمه هستی در توحید.
 - ۱۲- داروینسم شرح نظریه تکامل انواع (ترانسفورمیسم) مکرر چاپ شده است.
- برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

سبحانی، جلال

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جلال سبحانی

محل تولد: کنگاور

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۵/۱

زندگینامه علمی

اینجانب جلال سبحانی در نخستین روز از مرداد ماه سال ۱۳۴۶ به دنیا آمدم. تحصیلات مقطع ابتدایی و راهنمایی را در شهرستان محل تولد خود (کنگاور) به پایان بردم. در سال ۱۳۶۲ جهت تحصیل علوم دینی عازم قم شدم. تحصیلات مقدماتی حوزه را در مدرسه علمیه رسالت گذراندم و سطح را در محضر استادان و بزرگانی همچون آقایان استادی، عراقچی، موسوی تبریزی، مرحوم اعتمادی و مرحوم ستوده فرا گرفتم.

حدود ۷ سال نیز در درس خارج فقه و اصول آیات عظام شبیری زنجانی، فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، صانعی، سبحانی و تبریزی شرکت کردم. کار نوشتن را از سال ۱۳۷۰ و با مقاله نویسی آغاز کردم و در سالیان پس از آن همراه با کارهای انفرادی به همکاری با نهادها و مراکز پژوهشی رو آوردم. که این امر تا کنون نیز ادامه دارد.

سبحانی، کریم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کریم سبحانی

محل تولد: شهرضا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در کنار تحصیلات حوزوی که از سال ۱۳۷۵ به آن اشتغال داشتم، تقریباً در سال ۱۳۶۹ چندی با تشکیلات تحقیقاتی حزب الله زیر نظر حجت الاسلام سید محمد باقر خرازی همکاری داشتم. سپس از سال ۱۳۷۲ تا کنون با مجموعه آثار حضرت آیت الله مصباح یزدی همکاری داشتم. سپس از سال ۱۳۷۲ علاوه بر ویرایش و نگارش بخشی از سخنرانی های ایشان به تدوین و نگارش ۱۹ اثر از ایشان پرداخته ام که ۱۸ اثر آن به چاپ رسیده است. از سال ۱۳۷۹ تا کنون با دائرة المعارف علوم عقلی موسسه امام خمینی (ره) نیز همکاری دارم و در این مدت در بخش کتاب شناسی به توصیف و نمایه زنی بر چند اثر کلامی پرداخته ام.

سبحانی، محمد حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسین خیابانی سبحانی از علماء مبرز و معاصر تبریز بودند که در فضل و دانش و تقوی و پرهیزکاری و خشیت و خداترسی نمونه محیط خود بود.

وی در شب نوزدهم ماه رمضان ۱۲۹۹ ق در شهرستان تبریز دنیا آمده و والده موسومه به شهر بانو دختر مرحوم (اسماعیل میرزا) فرزند مرحوم (فتحعلی شاه) قاجار بود. پس از دوران کودکی و آموزش و ادبیات فارسی و قسمتی از مقدمات عربی روی عشق فطری که به تحصیل معارف اسلامی داشت تصمیم به ادامه تحصیل گرفت. نجوم و حساب استدلالی را نزد مرحوم (میرزا علی) منجم و سطوح عالی فقه و اصول را نزد مرحوم آیه الله انگجی و شرح (اشارات) مرحوم خواجه را نزد فیلسوف دوران خود مرحوم شیخ حسین قراجه داغی که بیک واسطه از شاگردان میرزای جلوه بود فراگرفت و برای تکمیل معارف در سال ۱۳۲۷ ق رهسپار نجف اشرف و ۱۱ سال تمام از محضر اساتید آن دانشگاه بزرگ شیعه مانند مرحوم آیه الله سید محمد کاظم یزدی و آیه الله شریعت

اصفهان‌ی و محقق عالیقدر آیه الله آقا ضیاء الدین عراقی استفاده‌ها نموده و از هر گلشنی گلی چیده. آنگاه با کسب اجازه از محضر اساتید و دریافت عالیترین اجازه‌های اجتهاد که قسمتی از آنها را مرحوم حاج میرزا علی خیابانی در کتاب علماء معاصر آورده است. در سال ۱۳۳۹ ق مراجعت به ایران و تبریز نموده و پس از بازگشت به وطن به امر تدریس و تربیت محصلین و تألیف و تصنیف پرداخته و آثار گرانبهائی که هر کدام روشنگر مقام عملی و فضلی اوست بیادگار گذارد و ما برخی از آنها را در اینجا یادآور می‌شویم:

۱- حاشیه بر کفایه الاصول. ۲- یکدوره صلوه استدلالی. ۳- خیارات. ۴- حاشیه بر رسائل و غیره که همه آنها با خط بسیار زیبای خودش موجود است.

مرحوم آیه الله خیابانی در خلق و حلم و تواضع و فروتنی و زهد و تقوا در میان علماء و بزرگان شهر تبریز ضرب المثل بود طرز زندگی و نحوه معاشرت شیوه سخن گفتن او انسان را بیاد خدا افکنده در افراد مستعد اثر عمیق و انقلاب خاصی بوجود می‌آورد. این عالم ربانی در روز یازدهم شوال ۱۳۹۲ ق دعوت حق را لبیک گفت و طی مراسم با شکوهی در جوار حضرت فاطمه معصومه بخاک سپرده شد.

تالیفات و آثار ارزنده او را مرحوم علامه تهرانی در الذریعه و مرحوم حاج میرزا علی خیابانی در علماء معاصر یاد کرده است. از باقیات الصالحات آن بزرگوار فرزند ارجمند ایشان جناب حجه الاسلام والمسلمین حاج شیخ جعفر سبحانی تبریزی است که از مدرسین بنام حوزه علمیه قم می‌باشد و ترجمه‌اش در صفحه ۱۷۱ از جلد دوم این گنجینه گذشت. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سبذمونی بخاری، ابو محمد عبدالله

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۴۰- ۲۵۸ ق)، فقیه حنفی، مورخ و محدث. در روستای سبذمون بخارا متولد شد. در جستجوی حدیث به خراسان و عراق و حجاز سفر کرد. ابن‌اثیر او را از محدثان غیر ثقه به حساب آورده است. از آثارش: کتاب «مسند ابی حنیفه»؛ و کتاب «کشف الآثار» در مناقب ابی حنیفه که آن را بر چهارصد نویسنده املا کرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۶۴- ۲۶۳/ ۴)، ریحانه (۱/ ۱۱۳)، کشف الظنون (۱۸۳۷، ۱۴۸۵)، معجم المؤلفین (۱۴۵/ ۶)، هدیة العارفین (۱/ ۴۴۵).

سبزواری، حمید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

بنده به سال ۱۳۰۴ هـ. ش در سبزواری و در خانواده‌ای فرهنگی متولد شدم. اجدادم اهل شعر و شاعری بودند، به خصوص پسر دایی پدرم، تجلی سبزواری که از شاعران توانا بود. پدرم نیز با وجود نایبایی شعر می‌گفت. من از همان دوران طفولیت، ذوق شاعری

داشتم و چیزهایی می‌سرودم. به تدریج با تشویق و راهنمایی‌های پدرم این سروده‌ها رنگ شعر گرفت. تقریباً از کلاس سوم متوسطه بود که می‌توانستم به خوبی بسرایم. در زمانی که متفکین به ایران آمدند اشعار من رنگ و بوی خاصی به خود گرفت. در آن زمان سروده‌های زیادی داشتم که متأسفانه طی جریان‌اتی از بین رفت. به هر حال مدتی در استخدام وزارت آموزش و پرورش بودم. پس از آن به کارهای مختلف دیگری پرداختم، زمانی که در بانک مشغول به کار بودم به تهران منتقل و در آنجا با مجامع مختلف ادبی آشنا شدم. نتیجه این رفت و آمدها، اشعاری در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی بود. طی جریان انقلاب کم‌کم شعرهای من حال و هوای مذهبی به خود گرفت. در جریان ساخت سروده‌های انقلابی هم پیشقدم بودم. مدتی هم در جبهه حضور داشتم و اشعاری نیز در رابطه با جنگ تحمیلی سروده‌ام، از همان زمان تاکنون به طور مداوم با صدا و سیما همکاری دارم، همچنین با دیگر سازمان‌های اسلامی. به هر حال از زمانی که خودم را شناختم، هیچ‌گاه شعر بیهوده نگفتم و هنرم را در راهی صرف نکردم که پشیمان باشم. حمید سبزواری (حین ممتحنی)، شاعر معاصر ایران است. حمید شاعری است از نسل دیروز. نسلی که با ما هم‌نفس و هم‌آوا است، اما پژواک صدایش تا قرن هادرامتداد زمان جاری خواهد بود، پس شعرا و شعرآینده نیز هست. او شاعری است که آیندگان قدر و منزلت او را بیشتر خواهند شناخت.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: شعر

والدین و انساب: پدر حمید سبزواری، «عبد الوهاب» پیشه‌ور و ساده‌ای بود که قریحه شعری داشت. جدش، ملا محمد صادق ممتحنی، شاعری مردمی بود که «مجرم» تخلص می‌کرد و آثارش در سفری به مشهد و در حمله راهزنان به یغما رفت. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: حمید سبزواری قبل از مدرسه قرآن را در خانه و نزد مادرش آموخته بود. او بعداً به مدرسه شیخ حسن داورزنی رفت.

خاطرات و وقایع تحصیل: حمید سبزواری در دوره نوجوانی در سبزواری زندگی می‌کرد. در سبزواری کتابفروشی به نام خسروی بود. او شعرهای حمید را چاپ کرده و فروخت. حمید می‌خواست اینکار را در تهران نیز انجام بدهد لیکن این امر صورت نگرفت و وی از این لحاظ خوشحال است.

فعالیت‌های ضمن تحصیل: حمید سبزواری در نوجوانی شاهد فرهنگ ستیزی، خشونت و سرکوب احساسات مذهبی مردم توسط رضا شاه پهلوی بود. چهارده ساله بود که سرودن شعر را آغاز کرد. حمید جوان در آن سالها به هر حزب و گروهی که فکر می‌کرد حامل حقیقت یا حامی محرومانند سری می‌زد اما ه سرعت در می‌یافت که آن سراب‌ها هیچگاه نمی‌توانند عطش عدالت خواهی و شوق استقلال جویی او را سیراب کنند و سرخورده کناری کشید.

استادان و مربیان: مادر حمید سبزواری، شاید اولین استاد وی بود. او جامع المقدمات را نزد میرزا حبیب جوینی خوانده است. حاج آقا محمد علی محمدی نیز از دیگر استادان وی بود.

وقایع میان‌سالی: در اثر کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ حمید سبزواری متواری و مخفی شد. لیکن بعداً خود را به شهر بانی سبزواری معرفی کرد و چهار سال در وضعیت بلا تکلیفی و تعلیق طی کرد تا سرانجام تبرئه شد.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: حمید سبزواری ابتدا به شغل معلمی مشغول بود. او سپس کارمند بانک بازرگانی در تهران شد و سپس به شاعری وری آورد.

فعالیت‌های آموزشی: مهمترین فعالیت حمید سبزواری، شاعری می‌باشد. شعر حمید، شناسنامه زمان مند انقلاب است، زیرا کمتر حادثه یا رویدادی است که انعکاس از آن در شعر او نباشد. شاعر با حساسیت ویژه خویش، هر رویداد مهم تاریخ معاصر ایران ربا

گل واژه های شعرش درحافظه زمانه نقش کرده است تا آیندگان از یاد نبرند که نسل گذشته درچه شرایط دشواری از آرمان ها و انقلابش دفاع کرده است .

مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می آید : حمید سبزواری هنگامی که دربانک بازرگانی مشغول بود یک نشریه ای داخلی راه انداخت . نشریه ای داخلی که علاوه بر اخبار بانک و مسایل اقتصادی ،جدول وصفحه شعر ، داستان هم داشت .

همفکران فرد : یکی از همفکران حمید سبزواری ،فخرالدین حجازی می باشد که ازدوران جوانی با هم دوست بودند .
آرا و گرایشهای خاص : حمید سبزواری درمیان شعرای متقدم ، کار مسعود سعد سلمان و ناصر خسرو را بیشتر می پسندد . در میان شعرای معاصر نیز فرخی و نسیم شمال دراو تاثیر گذار بوده اند .

آثار :

۱ به رنگ آمده دشمن

۲ سرود درد

۳ سرود سپیده

۴ سرودی دیگر

۵ فریاد نامه

۶ کاروان سپیده

۷ گزیده ادبیات معاصر

۸ یاد یاران

منابع :

۱ مهدی پروین زاد ،روایتگر حماسه های انقلاب /گفتگو با استاد حمید سبزواری ، کیهان فرهنگی ،سال نوزدهم . شهریور ۱۳۸۱ ،
پیاپی ۱۹۱ ،ص ۱۳

سبزواری، زین العابدین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن محمد علی بن محمد ابراهیم بن مرتضی بن میرزا عبدالمطلب. عالم فاضل محقق مفسر ادیب، در خدمت میرزا عبدالعلی هرنندی، و میرزا محمد مهدی نایب الصدر، و میرزا محمد علی حسینی و جمعی دیگر تلمذ فرموده، و از جوانی آثار نبوغ در او ظاهر بوده، چنانچه از تفریطی که مرحوم نایب الصدر بر یکی از کتب او نوشته ظاهر می شود.

کتب زیر از اوست:

۱- اعراب ست سور من القرآن الکریم

۲- تذکره القراء ۳- شجره طیبه، در تجوید، دو جلد عربی و فارسی که در مقدمه برخی از قرآنها به طبع رسیده.

در حدود سال ۱۲۵۰ متولد، و در ۱۳۱۸ وفات یافته، جنب مسجد آقا نور در محلی که به نام امامزاده سه تن معروف است مدفون گردید.
برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

سبزواری، محمد ابراهیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۹۱- ح ۱۳۶۰ ق)، عالم دینی، فقیه، ریاضیدان و شاعر. وی نوهی دختری حکیم سبزواری است. معقول را نزد جد مادری خود، ملا محمد سبزواری، و منقول را از علامه میرزا حسین سبزواری و ریاضیات و طب را از افتخارالحکماء اسماعیل تهرانی فراگرفت. از آثارش: «اصول الفقه» و شرح آن به نظم؛ «منظومه‌ی حساب»، و شرح آن؛ شرح «دعای کمیل»، به عربی و فارسی؛ شرح «دعای سمات»؛ شرح «دعای ابی حمزه»؛ «دیوان» شعر فارسی، حدود هشت هزار بیت، در عرفان و اخلاق مصائب.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)
منابع زندگینامه: الذریعه (۱۶/۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۸- ۱۷/ ۱۴)، فرهنگ سخنوران (۵۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۰۵/۵).

سبزواری، محمدتقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۱۲ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. او ساکن قوشتنگ، از توابع سبزوار بود. مدتی طولانی در محضر شیخ انصاری تلمذ کرد و «تقریرات» فقه و اصول استادش را در چهار مجلد نگاشت. در زمینه‌ی اصول، مجلدی کامل، در مباحث «الفاظ» و «اجتهاد» و «تقلید» و «حجیت ظن» و «استصحاب»، و در فقه سه مجلد، اولی در «صلاه» تا آخر «سجود» و «روزه» و دومی در «خلل الصلاه» و «وقف» و «اجاره» و «رهن» و «سومی در «احیاء موات» و «تجارت» از آثار اوست.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)
منابع زندگینامه: طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/ ۲۶۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۰۷/۵).

سبزواری، محمدجواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدجواد سومین فرزند آیت‌الله فقیه سبزواری از فضلاء و علماء معاصر مشهد می‌باشند.
وی در بیست و هفتم ۱۳۴۹ ق در شهر مقدس مشهد متولد و پس از دوران طفولیت و کودکی دوره تحصیلات ابتدائی را در مدرسه مبارکه محمدیه سعادت تکمیل و سپس ادبیات را نزد آقای ادیب نیشابوری و سایرین کسب نموده و سطح فقه را از محضر

حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا احمد مدرس یزدی رحمه الله فرا گرفته و رسائل و مکاسب و دوره کفایه را نزد مرحوم آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی خوانده و حکمت و فلسفه را نزد مرحوم حجة الاسلام آقای حاج شیخ محمدرضا کلباسی تکمیل نموده و دوره خارج فقه و اصول را نزد والدشان به اتمام رسانیده تا به دریافت اجازه اجتهاد از معظم له نائل گردیده و به تدریس فقه و اصول و اقامه جماعت در ظهرها در سالن باغ رضوان در کنار مزار والدشان و شبها در مسجد حاج حکیم خیابان طبرسی اقامه جماعت دارند و فعلا از مدرسین ممتاز مشهد می باشند و به تدریس کفایه و مکاسب اشتغال دارند.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سبزواری، هادی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۸۹ - ۱۲۱۲ ق)، عالم و شاعر، متخلص به اسرار. پدر و جدش همه در سبزواری اهل ثروت و شهرت و اعتبار و مردمانی خیر و نیکوکار بودند. وی در دوران ناصرالدین شاه قاجار، مانند ملاصدرا در عهد شاه عباس بود. صاحب المآثر و الآثار می گوید: «در این مائه گذشته حکمت و معقول را این مرد فرد به همان طور تاسیس کرد که شیخ مرتضی انصاری فقه و اصول را». در هفت هشت سالگی شروع به خواندن صرف و نحو نمود. پدرش در ایام سفر حج، در شیراز در گذشت. بنا به وصیت پدر حاج ملا حسین سبزواری که از بستگان نزدیک او بود، تربیتش را به عهده گرفت و او را به مشهد برد. در آنجا ادبیات، فقه، اصول، منطق و فلسفه و ریاضیات را آموخت. بعد از ده سال به اصفهان رفت و از آخوند ملا اسمعیل، واحدالعین، حکمت، و نزد آقا محمدعلی نجفی، فقه را فرا گرفت. در مدت اقامت در اصفهان به فرائض و نوافل مشغول بود و محاوره و گفتگوهای باکشیشی مسیحی کرد. سپس به خراسان بازگشت و مدت پنج سال به تدریس حکمت و فقه و اصول در مشهد پرداخت. در ۱۲۵۰ ق در سفر حج همسرش را از دست داد و پس از بازگشت، حدود سه سال، در اطاق یکی از طلاب، به نام ملا محمد عارف، که خادم مدرسه نیز بود اقامت گزید، و با دختر وی ازدواج کرد. به سبزواری بازگشت و مجلس درس تشکیل داد. بزودی آوازه علمی او به نقاط مختلف رسید و از داخل و خارج کشور طالبان فلسفه و حکمت به محضر درس وی روی آوردند از آن جمله اند: شیخ ابراهیم تهرانی معروف به شیخ معلم، شیخ احمد میامیه‌ئی، سید احمد ادیب پیشاوری، میرزا اسدالله سبزواری، میرزا اسماعیل افتخار الحکماء طالقانی، ملا اسماعیل سبزواری. حاج ملاهادی، شعر فارسی و عربی را به روانی و نهایت سلامت می سرود. از ویژگیهای آثار وی شرح و تفسیر آثار ملاصدرا و روشن کردن نکات مبهم عقاید اوست. در سبزواری در گذشت و همان جا دفن شد. آثار به جا مانده از او: «اسرار الحکم»، نیز می گویند؛ «اسرار العباد»، در فقه؛ «الجبر و الاختیار»؛ حاشیه بر «اسفار» ملاصدرا؛ حاشیه «زبده الاصول» شیخ بهایی؛ حاشیه «شرح سیوطی» بر «الفیه» ابن مالک؛ حاشیه «شواهد الربوبیه» ملاصدرا، که در حواشی خود آن کتاب چاپ شده است؛ شرح «مثنوی» ملای رومی؛ حاشیه «مفتاح / مفاتیح الغیب»، که در معاد» ملاصدرا، که در حواشی خود آن کتاب چاپ شده است؛ شرح «غرر الفرائد» و «هدایه المسترشدين».[۱]

حاج ملا- هادی سبزواری (و. سبزواری ۱۲۱۲- ف. ۱۲۸۹ ه. ق) متخلص به اسرار پسر حاج محمد سبزواری از دانشمندان بزرگ و حکمای عصر خود بود. نخست در مشهد و سپس در اصفهان حکمت، فقه، اصول و کلام آموخت. معروف ترین تألیف او منظومه و شرح آن دو منطق و حکمت است در دو قسمت که قسمت اول آن «اللالی المنتظمه» و قسمت دوم «غرر الفرائد» نام دارد و هر دو در یک جلد چاپ شده و به نام شرح منظومه مشهور است. شیخ به فارسی نیز «اسرار الحکم» را نوشته است که در حکمت الهی است و

همچنین حواشی متعددی بر شواهد الربوبیه و سایر مصنفات ملاصدرا تحشیه کرده و ضمناً به تخلص «اسرار» غزلیات حکمی و مایل به تصوف سروده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۳۸/۹)، اعیان الشیعه (۲۳۴/۱۰)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۸۷/۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۲۲)، ۱۸۷/۵)، تاریخ فلاسفه ایران (۵۷۶-۵۶۵)، حدیقه الشعراء (۱۲۸-۱۲۷/۱)، دایرةالمعارف فارسی (۳۲۲۸/۲)، الذریعه (۲۹۲/۲۶)، ۹۸، ۵۵/۱۴، ۲۵۶-۲۵۵، ۱۷۹/۱۳، ۷۲/۹، ۲۱۴، ۱۹۱، ۱۴۴/۶، ۴۴/۲، ریاض العارفین (۲۴۱)، ریحانه (۴۲۷-۴۲۲/۲)، شرح حال رجال (۳۲۶/۵)، طرائق الحقائق (۴۶۶-۴۶۵/۳)، فلاسفه‌ی شیعه (۲۶۱-۲۵۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۱۰-۳۰۸/۵)، لغت نامه (ذیل/ هادی)، المآثر و الآثار (۱۴۷-۱۴۶)، مؤلفین کتب چاپی (۷۳۷-۷۳۱/۶)، معجم المؤلفین (۱۲۷/۱۳)، مکارم الآثار (۴۶۹-۴۵۰/۲)، یادگار (س ۱، ش ۳، ص ۴۸-۴۳).

سبط الشیخ انصاری، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۳۰ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. در نجف از دخترزاده‌ی شیخ انصاری به دنیا آمد. سطوح را نزد آیت‌الله خویی و آیت‌الله شیخ محمدعلی کاظمینی و آیت‌الله سید علی نوری و میرزا محمد عراقی و حاج شیخ غلام علی قمی فراگرفت. آنگاه به محضر درس آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله شیخ محمد کاظم شیرازی و بویژه آیت‌الله اصفهانی راه یافت و به مدارج عالی علم و کمال رسید و از آیت‌الله نائینی و آیت‌الله عراقی و حاج سید عبدالحسین شرف‌الدین و حاج شیخ محمدرضا معزی دزفولی و محدث قمی اجازه‌ی اجتهاد و روایت گرفت. وی دارای تالیفات و حواشی بسیاری بر «مکاسب» شیخ انصاری و غیره می‌باشد. [۱]

حاج سید محمدعلی بن العالم الجلیل حاج سید محمد نبی بن العالم العلام حاج سید موسی آقا میری بن السید اسمعیل بن العلامه میر عبدالباقی دزفولی معروف بسبط از علماء ابرار و دانشمندان اخیار معاصر تهرانست که بمکارم اخلاق و محاسن آداب متصف و به بزرگواری و اصالت معروفست. وی در ربیع‌الثانی سال ۱۳۳۰ قمری در نجف اشرف از دخترزاده شیخ انصاری علویه بی‌بی خدیجه متولد گردید و چون از سطوح نزد آیت‌الله العظمی خوئی مد ظله و مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمد علی کاظمینی و مرحوم آیت‌الله سید علی نوری و میرزا محمد عراقی و حاج شیخ غلامعلی قمی فارغ شد از محضر و درس مرحوم آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمد کاظم شیرازی و بالاخص آیت‌الله العظمی اصفهانی استفاده نموده تا بمدارج عالی علم و کمال رسیده و در سال ۱۳۵۷ قمری مهاجرت به ایران و در تهران رحل اقامت افکنده و در مدرسه علمیه مروی بتدریس فقه و اصول پرداخته و هم در مسجد مروی به اقامه جماعت و ترویج دین اشتغال دارند.

دارای تالیفات و حواشی عدیده‌ای بر مکاسب شیخ و غیره میباشند و از مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله عراقی و آیت‌الله حاج سید عبدالحسین شرف‌الدین و آیت‌الله حاج شیخ محمد رضا معزی دزفولی و مرحوم محدث قمی حاج شیخ عباس اجازات روایتی و اجتهاد دارند.

مرحوم والدش از علماء کرام و شاگردان علامه یزدی بوده چنانچه جدش آیت‌الله حاج سید موسی نیز از اجله علماء و پارسای تمام معنی و وارسته از هر جهت بوده در حدود ۱۲۶۰ قمری از دزفول مهاجرت به نجف و نزد بزرگان آنجا تلمذ نموده و در سال ۱۳۲۲ قمری در سن نود سالگی وفات نموده و در پائین مقبره جد امی خویش جناب شیخ الانصاری در دالان قبلی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۴۷۶-۴۷۵/۴).

سبط الشیخ دزفولی نجفی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۵-۱۲۸۰ ق)، فقیه، مدرس و زاهد. در نجف اشرف متولد شد. پس از فراغ از مقدمات چند سالی از محضر پدرش و میرزای بزرگ شیرازی استفاده نمود و پس از فوت ایشان از محضر علامه خراسانی بهره‌مند گردید تا به مقام اجتهاد رسید. در ۱۳۵۳ ق به زیارت مشهد رضوی مشرف شد و به سبب اصرار گروهی در آنجا ساکن گردید و به تدریس پرداخت. وی در همان شهر درگذشت و در جوار مرقد امام رضا (ع) به خاک سپرده شد. از آثارش: حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری، حاشیه بر «مکاسب»؛ حاشیه بر «کفایه الاصول». [۱]

سید احمد بن العلامة الورع حاج سید محمدطاهر بن السید العلامة السید اسماعیل آغا میری دزفولی نجفی از اجله علماء و فقهاء امامیه جامع فروع و اصول که به زهد و تقوا آراسته بوده.

در اواخر سال ۱۲۸۰ قمری در نجف اشرف متولد شده و پس از فراغ از مقدمات چند سالی از محضر مجدد شیرازی و والد ماجدش استفاده نموده و پس از فوت ایشان از محضر مرحوم علامه خراسانی بهره‌مند گردیده تا به مقام شامخ اجتهاد رسیده است. وی در سال ۱۳۵۳ قمری به زیارت حضرت رضا علیه‌السلام مشرف شد و به سبب اصرار جمعی در آنجا اقامت و به تدریس پرداخته تا در روز بیست و ششم ربیع‌الثانی ۱۳۵۵ قمری بدرود حیات گفته و در جوار حضرت علی بن موسی‌الرضا علیهماالسلام مدفون گردید.

آثار علمی او از اینقرار است:

۱- حاشیه بر رسائل شیخ

۲- حاشیه بر مکاسب

۳- حاشیه بر کفایه‌الاصول.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۴۴/۵).

سبط الشیخ، موسی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۲۷ ق)، عالم دینی، فقیه و نویسنده. چون مادرش دخترزاده‌ی شیخ انصاری است به سبط الشیخ معروف بود. او از سادات آقا میری است چون جد بزرگش سید حسین مشهور به آقا میر بوده است. در نجف متولد شد. پس از فراغت از مقدمات، سطوح را در کربلا- نزد آیت‌الله شیخ یوسف بیارجمندی و آیت‌الله شیخ محمد بایگی تربتی فراگرفت. آنگاه به تهران آمد و تا پایان عمر در

تهران زیست. او به فضل و ادب و کمالات نفسانی متصف بود. وی در کنار فقه، اصول، در زبان انگلیسی نیز تسلط کامل داشت و زبان‌دانی ماهر به حساب می‌آمد. از آثار وی کتاب «شیعه در اسلام» است، در مبحث امامت، به فارسی، در دو جلد به چاپ رسیده. از دیگر آثارش: کتاب «الرضا من آل محمد فی حیاة الامام الرضا (ع)» است که در ۱۳۷۷ ق از تالیف آن فارغ شده است؛ پاورقی بر ترجمه «شرح نهج البلاغه» [۱].

سید موسی بن العالم العلام حاج سید محمد نبی ابن العالم العامل حاج سید موسی آقا میری دزفولی از علماء ابرار تهران و برادر ارجمند مترجم فوق‌الذکر ما می‌باشند. در سال ۱۳۲۷ قمری در نجف اشرف تولد یافته و پس از فراغت از اولیات سطوح را در کربلا نزد آیت‌الله حاج شیخ یوسف بیارجمندی و آیت‌الله آقا شیخ محمد بایگی تربتی فراگرفته و به ایران مهاجرت و در تهران اقامت و بتألیف و تصنیف پرداخته تا بدرود حیات گفته و برادر گرامی و دوستان خود را برای همیشه داغدار نموده است.

آثار ارزنده وی از این قرار است ۱- شیعه در اسلام در دو بخش که بچاپ رسیده

۲- الرضا من آل محمد در شرح حالات حضرت امام رضا علیه‌السلام.

۳- پاورقی بر ترجمه شرح نهج البلاغه.

شرح احوال نیاکان این دو برادر در کتاب زندگانی شیخ انصاری و کتب تراجم و رجال دیگر مسطور و مذکور است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۲۷۲/۱۴)، گنجینه دانشمندان (۴۷۷-۴۷۶/۴)، مؤلفین کتب چاپی (۳۳۸/۶).

سپاسی آشتیانی، کاظم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کاظم سپاسی آشتیانی

محل تولد: آشتیان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۲

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۶ وارد حوزه شدم و از همان زمان در کنار ارتقاء تحصیلی به تدریس سطوح پایین تر هم اهتمام ورزیدم به طوری که ادبیات را چند بار تدریس نمودم و لمعتین را در دروس استاد وجدانی (ره) و اصول فقه را در درس استاد صالحی افغانی شرکت کردم و کفایتین را در درس آقای صالحی مازندرانی شرکت نمودم و مکاسب را با اساتیدی مثل عمانی، فیض بهرامی، طاهری خرم آبادی گذراندم و در درس خارج آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی و آیت الله العظمی وحید و مکارم شیرازی شرکت نمودم و اکنون هم به صورت تخصصی به تحقیقات فقهی و اصولی مشغول هستم و همزمان رسائل شیخ انصاری (ره) را تدریس می‌نمایم؛ در فلسفه و عرفان به درس استاد حشمت پور حاضر شدم و شرح اشارات و شواهد الربوبیه و شرح حکمت الاشراق را استفاده نمودم و بعضی از بحث‌های اسفار را با آقای امیر دیوانی گذراندم. در سال ۱۳۷۸ وارد دانشگاه قم (تربیت مدرس) شدم و در سال ۱۳۸۰ از این دانشگاه با مدرک کارشناسی ارشد فارغ‌التحصیل شدم؛ از سال ۱۳۶۸ در دانشگاه آزاد اسلامی به تدریس درس‌های

معارف، اخلاق، تعلیم و تربیت اسلامی، متون، تاریخ و کلیات فلسفه اشتغال دارم.

سپانلو، محمد علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدعلی سپانلو در سال ۱۳۱۹ در تهران متولد گردید. تحصیلات متوسطه را در دبیرستان رازی و دارالفنون به پایان برد و در رشته ادبی دیپلم گرفت، آنگاه به دانشکده حقوق راه یافت و در سال ۱۳۴۲ فارغ التحصیل شد و به دریافت لیسانس از دانشکده تهران نائل آمد. سپانلو پس از پایان تحصیلات کار مطبوعاتی را برگزید. او در بیست سالگی به شعر و شاعری پرداخت و توانست آثار متعددی به چاپ رساند. در سال ۱۳۴۰ به اتفاق دوستان خود گروه طرفه را بنیان نهاد و با سرمایه گروه به نشر آثار نسل جوان همت گماشت. او در سال ۱۳۴۰ به اتفاق دوستان خود گروه طرفه را بنیان نهاد و با سرمایه گروه به نشر آثار نسل جوان همت گماشت. در سالهای پس از انقلاب، چندی در بعضی از دانشکده‌ها به تدریس ادبیات فارسی قدیم و معاصر، مکتبهای ادبی و تاریخ ایران مشغول شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب: پدر محمدعلی سپانلو، حسین سپانلو کارمند بانک ملی، اهل شعر و ادب و دارای خطی خوش بود و از هنر نقاشی نیز بهره داشت. در عین حال که قرآن و زیارتنامه را با خطی خوش می نوشت، به موسیقی علاقمند بود و دستگاههای موسیقی را به خوبی می شناخت.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: محمدعلی سپانلو در یکی از محله های قدیم تهران (خیابان ری) قدم به عرصه هستی نهاد، خود می گوید: «کودکی و نوجوانی من در خیابان ری و بعد محله عباسی گذشت. من به یک تعبیر از بچه های خالص تهرانی هستم. در جزو میراث مادر بزرگ یادگار پرستم، عکس هایی از پنج پشت پدران من هست که همه اهل تهران بوده اند. این تهرانی بودن من به نظرم معنی خاصی دارد...»

تحصیلات رسمی و حرفه ای: محمدعلی سپانلو تحصیلات متوسطه را در دبیرستان رازی و دارالفنون به پایان برد و در رشته ادبی دیپلم گرفت، آنگاه به دانشکده حقوق راه یافت و در سال ۱۳۴۲ فارغ التحصیل شد و به دریافت لیسانس از دانشکده تهران نائل آمد.

هم دوره ای ها و همکاران: از جمله دوستان محمدعلی سپانلو می توان به افرادی چون نادر ابراهیمی، اسماعیل نوری علا، مهرداد صمدی، بهرام بیضایی، غفار حسینی، احمدرضا احمدی و مریم جزایری اشاره کرد.

همسر و فرزندان: محمدعلی سپانلو با خواهر دوست شاعرش اسماعیل نوری علا ازدواج کرد.

وقایع میانسالی: محمدعلی سپانلو در سال ۱۳۵۳ ممنوع القلم شد و تا سال ۱۳۵۶ این ممنوعیت ادامه داشت تا اینکه سرانجام کتاب «هجوم» که مدتی در چاپخانه مانده بود منتشر شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: محمدعلی سپانلو چندی در بخش خصوصی به عنوان مدیر تبلیغات یا ویراستار کار کرده است. فعالیتهای آموزشی: محمدعلی سپانلو در سالهای پس از انقلاب، چندی در بعضی از دانشکده ها به تدریس ادبیات فارسی قدیم و

معاصر، مکتبهای ادبی و تاریخ ایران مشغول شد. مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می‌آید: محمدعلی سپانلو در سال ۱۳۴۰ به اتفاق دوستان خود گروه طرفه را بنیان نهاد و با سرمایه گروه به نشر آثار نسل جوان همت گماشت. سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: محمدعلی سپانلو پس از پایان تحصیلات کار مطبوعاتی را برگزید. او در بیست سالگی به شعر و شاعری پرداخت و توانست آثار متعددی به چاپ رساند. آرا و گرایشهای خاص: آثار نخستین محمدعلی سپانلو قصیده به سبک خراسانی و غزل به شیوه عراقی بود و در میان شعرای معاصر شعر شهریار را می‌پسندید، کم‌کم به شعر نیمایی از طریق پل ارتباطی شهریار، حمیدی، توللی و... گرایش یافت و در زمینه شعر نو و شعر کلاسیک هر دو کار کرد و امروز بیشتر به قالب مثنوی گرایش دارد.

آثار:

۱ آه بیان

ویژگی اثر: مجموعه شعر - ۱۳۴۲

۲ پیاده روها

۳ حکومت شب

۴ خیابانها، بیابانها

۵ رگبارها

۶ ساعت امید

۷ سند باد غایب

۸ قایق سواری در تهران

۹ محاصره

ویژگی اثر: ترجمه - نوشته آلبر کامو

۱۰ مردان

ویژگی اثر: مجموعه ۵ قصه

۱۱ منظومه خاک

۱۲ منظومه خانم زمان

۱۳ نبض وطنم را می‌گیرم

۱۴ هجوم

منابع:

۱ سخنوران نامی معاصر ایران، تالیف: سید محمدباقر برقی، ج ۳، قم: نشر خرم، ص ۱۷۲۴۲ شاعران تهران از آغاز تا امروز، تالیف: مجید شفق، ج اول، تهران: انتشارت سنایی، ص ۴۶۴

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر ساسان سپنتا، فرزند شادروان عبدالحسین خان سپنتا، اولین فیلمساز کارگردان فیلم ناطق ایرانی است که یکی از موسیقی‌دانان و پژوهشگران و محققین بزرگ می‌باشد. وی آموزش موسیقی را ابتدا نزد زنده‌یاد استاد ابوالحسن صبا آغاز و پس از چندی نزد استاد محمود تاجبخش رفت و مدتی را از مکتب وی بهره گرفت و با نواختن ساز ویولن آشنایی پیدا کرد. سپس نزد زنده‌یاد روح‌الله خالقی و شادروان استاد علینقی وزیری رفت و مدتی را در کلاس این بزرگان علم موسیقی سپری کرد و علم موسیقی را آموخت.

دکتر ساسان سپنتا، طی سالیان ۱۳۳۶ به بعد مقالات جامع و متعددی درباره هنر موسیقی ایران در مجلات مختلف به خصوص مجله موزیک ایران و ماهنامه موسیقی به چاپ رسانید که بسیار سازنده و راهگشا بود. وی در سال ۱۳۵۱ دکترای خود را تحت عنوان بررسی فونتیکی خصوصیات واج‌های زبان فارسی دریافت داشت و تاکنون متجاوز از شصت مطلب و مقاله تحقیقی از وی راجع به موسیقی و ادبیات و زبان‌شناسی به چاپ رسیده است و از کارهای بزرگ و تاریخی وی، باید از آثار استادان موسیقی عصر ناصرالدین‌شاه یاد کرد که او این آثار را از استوانه‌های مومی «فتوگراف» که طی بیش از حدود شصت- هفتاد سال متروک مانده و در حال زوال و از بین رفتن بود، با زحمات فراوان و طاقت‌فرسا و تمهیدات و ابتکارات فنی بازیافت صوتی کرد و برای گنجینه موسیقی اصیل و سنتی ایران از خود به یادگار گذاشت.

از آخرین آثار این مرد بزرگ هنردوست تألیف کتاب «تاریخ تحول ضبط موسیقی در ایران» است که حدود چهارصد و هشتاد صفحه می‌گردد که از آثار گرانبها و تحقیقی در تاریخ ضبط موسیقی و تحول آن در ایران می‌باشد.

دکتر ساسان سپنتا در کنگره بین‌المللی «باربد» که در شهر «دوشنبه» تاجیکستان برگزار گردیده بود، به عنوان اولین سخنران در مورد موسیقی ایران در زمان ساسانیان و این موسیقیدان ایرانی صحبت کرد و از طرف هیئت برگزاری این مراسم رئیس جلسه کنگره نیز انتخاب شد که موجب شناخت هرچه بیشتر موسیقی ایران به جهانیان گردید. دکتر سپنتا دو فرزند به نامهای داریوش و دانش دارد که امید است مثل پدر بزرگ و پدر خود، منشاء خدمات بزرگ فرهنگی و هنری به وطن خود ایران گردند.

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد و دکترای زبان‌شناسی از دانشگاه تهران، گواهی‌نامه تخصصی در رشته بی‌سیم و ارتباطات رادیویی از آمریکا، تحصیل موسیقی نزد استادان فن و طی دوره هنرستان عالی موسیقی محلی. مرتبه علمی:

تدریس در دانشگاه‌های تهران و اصفهان، مدرسه عالی ترجمه، دانشگاه دورهام انگلستان، مؤسسه بین‌المللی لینگافن لندن، دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان‌شناسی و مطالعات الکترواکوستیک زبان، تعیین فورماتهای واجها (صامت‌ها و مصوت‌ها) در زبان فارسی و ثبت و سنجش طیف گفتاری زبان فارسی، سنجش الگوهای آهنگ کلام و نواخت در زبان فارسی، بازسازی گفتار زبان فارسی با دستگاه‌های الکترواکوستیک.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

زبان‌شناسی و هنر بویژه موسیقی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

زبان‌شناسی، ادبیات و هنر موسیقی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سپهر کاشانی، محمدتقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۹۷-۱۲۰۷ ق)، ادیب، دانشمند، مورخ و شاعر، متخلص به سپهر. ملقب به لسان‌الملک و مشهور به لسان سپهر. محمد در کاشان متولد شد و پس از تحصیل علوم قدیمی، عروض و قافیه را آموخت. در بیست سالگی به خواهش ملک‌الشعراء- فتحعلی خان صبا- به تهران آمد و به تشویق او به تألیف کتابی در علم قافیه پرداخت، اما این کتاب با فوت صبا ناتمام ماند و میرزا محمدتقی به کاشان برگشت. در آنجا محمود میرزا پسر فتحعلی شاه حکمران کاشان او را به ندیمی خود برگزید و به او تخلص سپهر داد. سپس از طرف فتحعلی شاه به تهران احضار گردید و به سلک اعضای دیوان درآمد. سپهر در عهد محمدشاه مداح خاص شاه و منشی و مستوفی دیوان شد و به نوشتن کتاب «ناسخ التواریخ» ماموریت یافت. این کتاب تاریخ عمومی است که تا سال ۱۲۷۳ قمری امتداد یافته است. سپهر علاوه بر تاریخ و ادبیات در بسیاری علوم از جمله ریاضیات، حکمت و فلسفه و جفر و علوم دیگر حظی وافر داشت. وی در تهران در گذشت و پیکرش به نجف اشرف منتقل شد. از دیگر آثار و تألیفات وی: «آینه‌ی جهان‌نما»؛ «اسرارالانوار» فی مناقب

الائمة‌ی اطهار (ع)؛ «براهین العجم فی قوانین المعجم»؛ «جنگ فی التواریخ» و «دیوان» اشعار. [۱]

(بخش ۱) (میرزا) محمدتقی بن (ملا) محمدعلی کاشانی ملقب به لسان‌الملک و متخلص به سپهر، نویسنده و مورخ عهد قاجاری (ف. ۱۲۹۷ ه.ق.). وی پس از تحصیل مقدمات علوم قدیم به شعر و عروض و قافیه پرداخت، و در جوانی از کاشان به تهران آمد و به خدمت صبا ملک‌الشعراء فتحعلی شاه رسید، و به تشویق او به تألیف کتابی در علم قافیه مشغول شد، ولی این امر با فوت صبا (۱۲۳۸ ه.ق.) ناتمام ماند و میرزا تقی به کاشان برگشت. و به خدمت محمود میرزا پسر فتحعلی شاه حکمران کاشان رسید و تخلص سپهر را از او گرفت. در عهد محمد شاه مداح خاص شاه و منشی و مستوفی دیوان شد، و به نوشتن کتاب «ناسخ التواریخ» (که دوره تاریخ جهان از زمان آدم تا عهد مؤلف است) پرداخت. کتاب قافیه او به نام «براهین العجم» مشهور است. سن وی به هنگام مرگ از ۸۰ سال متجاوز بود.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] حدیقه الشعراء (۷۴۷-۷۴۶/۱)، دایرة‌المعارف فارسی (۱/۱۲۶۲)، الذریعه (۸-۶/۲۴، ۴۳۰، ۴۲۹-۹/۱۶۶،

۱۶۵ / ۵، ۸۱/۳، ۴۲/۲، ۵۱/۱، ریحانه (۱۳۲- ۱۲۹ / ۵)، سفینه‌المحمود (۳۶۰- ۳۴۱ / ۱)، شرح حال رجال (۳۲۱- ۳۱۹ / ۳)، فرهنگ سخنوران (۴۳۹- ۴۳۸)، لغت نامه (ذیل / سپهر کاشانی)، المآثر و الآثار (۱۸۸- ۱۸۷)، مؤلفین کتب چاپی (۲۵۳- ۲۴۹ / ۲)، مجمع الفصحا (۴۰۰- ۳۵۰ / ۴)، مصطبه‌ی خراب (۸۴- ۸۲)، نگارستان دارا (۸۸- ۸۷)، یادداشتهای قزوینی (۱۹۰/۸)، یادگار (س ۵، ش ۱ و ۲، ص ۹۶).

سپهر، عباس قلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۶۸ ق)، منشی و مترجم. وی برادر اعیانی لسان‌الملک دوم است. وی در سال ۱۲۸۷ ق منشی وزارت خارجه و در سال ۱۲۹۳ ق رئیس اجرایی دفتر وزارت خارجه شد. از طرف دولت مامور ترجمه‌ی «وفیات الاعیان» ابن‌خلکان گردید که موفق به اتمام نشد، این ترجمه ناقص به نام «مشکوه الادب ناصری» مشهور است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم) منابع زندگینامه: شرح حال رجال (۱۳۷/۵)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۶۵۶/۱).

سپهر، محمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد علی سپهر

محل تولد: همدان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

این سطور مختصری از دوران زندگی به اصطلاح علمی من - محمد علی سپهر همدانی - است و در شهر همدان در سال ۱۳۲۳ هجری شمسی متولد شدم و در سال ۱۳۲۹ شمسی به دبستان رفته و تا سال ۱۳۴۰ به تحصیلات ابتدائی و متوسطه به سبک قدیم در رشته ریاضی اشتغال داشته و در ضمن از سال ۱۳۳۷ ش همراه دروس کلاسیک به تحصیل علوم اسلامی مشغول شده از مقدمات ادبیات شروع کرده و تا سیوطی (شرح بر الفیه نحو)، در حوزه علمیه همدان اشتغال داشتم و بالاخره سال بسیار خوبی در زمان ریاست مرحوم آیت الله العظمی بروجردی قدس سره برای ما بود و شبهای پنجشنبه از درس اعتقادات حضرت آیت الله مکارم شیرازی که در آن زمان در مدرسه حجتیه برگزار می شد استفاده کرده و شبهای جمعه و روزهای جمعه در مجلس اخلاقی مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج سید حسین فاطمی که از بهترین و شاگردان حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی بود و همچنین مجلس شاگرد دیگر ایشان در مسائل اخلاقی دینی مرحوم آیت الله حاج شیخ عباس تهرانی مستصرفن می شدم و بالاخره تا متمیم دروس

متوسطه در سال ۱۳۴۱ شمسی دیپلم ریاضی قدیم را گرفته و سپس به طور مداوم وارد دروس حوزه علمیه قم شدم و همانطور که در حوزه مرسوم بود کسی نمی پرسید از کجا آمده ای و به کجا میروی تاکنون به طور آزاد دروس ادبیات مختصر المعانی را نزد دکتر سید ابراهیم میر باقری و حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ محسن دوزدوزانی و معن البسیت را در محضر حجة الاسلام و المسلمین شیخ محمد رضا آدینه و نند خرم آبادی معروف به نحوی و محضر مرحوم آیت الله حاج شیخ حسن گلستانی تهرانی برجسته و معالم را (من ادله الی آخره) در محضر آیت الله حاج آقا رضا استادی تهرانی خواندم و در سال ۱۳۴۲ منطق شمسیه را بدون استاد مباحثه نموده و در سال ۱۳۴۳ شرح لمعتین را خدمت اساتید عالیقدر حضرات آیات جناب آقای حاج شیخ غلامرضا صلواتی، آقای شیخ محمد علی گرامی قمی و مرحوم آقای حاج سید محمد علم الهدی خراسانی و آقای حاج شیخ محمد عمانی همدانی و آقای حاج شیخ علی ثابتی همدانی خواندم و در تابستان همان سال خدمت حضرت آیت الله شهید مدنی آذر شهری اولین شهید محراب قدس الله نفسه الزکیه ارث شرح لعمه را خوانده بودم و بتدریج در سالهای بعد درس قوانین حضرت آیت الله شیخ مصطفی اعتمادی تا نواحی حاضر شدم بخشی از درس منظومه را نزد آیت الله مؤمن قمی و آیت الله شیخ محمد علی گرامی خوانده و ابتدا درس رسائل را خدمت آیت الله آقای اعتمادی سابق الذکر حضور پیدا کردم. درس توحید صدوق را در خدمت آیت الله جوادی حدود سالهای ۵۳ و ۵۲ حاضر شدم و پانزده روز یکبار در جلسهای در منزل که برای سؤالات بود در خدمت آیت الله علامه بزرگوار طباطبائی قدس سره تفسیر بزرگ حاضر می شدم و استفاده ها می بردم و در محضر آیت الله العظمی شیخ محمد تقی بهجت استفاده اخلاقی و درک فیض حضور نمودم اما درس خارج در حدود سال ۱۳۴۹ رسماً در دروس خارج حوزه با دلهی زاید الوصف حضور پیدا کردم ولی متأسفانه استا به زندان و تبعید میرفت یا محروم میشد حدود سه سال فقه و اصول درس خارج خمس در فقه و خارج اصول تا اجتماع امر ونهی در خدمت استاد آقای آیت الله العظمی وحید خراسانی خارج اصول از بر است تا آخر معتال و تراصیح را در خدمت ایشان حاضر شدیم و در محضر آیت الله العظمی گلپایگانی قدس سره خارج فقه حج را بخشی حاضر شدم و درس خارج فقه مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ مرتضی حائری قدس سره با عشق تمام به صفای ایشان حضور پیدا کرده و بخش عظیمی ضلل کتاب صلاة مسافر را در محضر ایشان استفاده بردم و بخشی از خیارات و مکاسب را در سالهای بعد از انقلاب مستفیض شدم و قسمت عظیمی از خارج اصول حضور یافتم و از محضر درس مرحوم آیت الله العظمی شریعتمداری دو سال خارج طهارت را حاضر شدم البته قبل از انقلاب سال ۱۳۵۴ و قبل از حادثه نوزده دی ۵۶ درس اصول آیت الله شبیری زنجانی یک سال و پی از انقلاب از درس مرحوم آیت الله گلپایگانی و مرحوم آیت الله العظمی فقید سعید حاج میرزا جواد آقا تبریزی قدس سره متضاد شهادت بخشی از درس خارج اصول دوره دوم بخشی از خیارات، مکاسب و طهارت عروه را استفاده بردم و از درس اصول مرحوم آیت الله فانی اصفهانی نیز بهره گرفتم از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۵ از خدمت آیت الله العظمی تبریزی استفاده ها بردم و در جلسه استفتاءات ایشان به خواسته خود ایشان حضور یافته و در نگارش جواب سؤالات در زمان مرجعیت ایشان خدمت می نمودم و استفاده های فراوان از درس خصوصی فقه به همراه فضلاء و سن در محضر ایشان داشتم (درس خصوصی برای فضلات گردانشان در منزل داشتند که به دعوت ایشان حاضر شدم) تفهیر الله برحمته و استکنه بجبوحه جنانه. رد سال ۱۳۶۱ به خواسته گار گزاران قضا و فریاد استغاثه هل من معین شورای عالی قضائی آن روز اجابت گفته مدتی در قضاوت و زمانی دوجوابگوئی استفتاء است قضات و بخشی در حوزه معاونت شوار به نظارت کار قضات تا سال ۱۳۶۴ اشتغال داشته و سپس به حوزه علمیه باز گشتم و بتدریج همانطور که سابقاً سطوح را تدریس میکردم با جدیت بیشتر به تدریس شرح لمعه، رسائل و مکاسب تا حدود و بیست سال پرداختم سال ۱۳۸۴ درس خارج فقه را شروع کردم. ناگفته نماند که از سال ۱۳۷۲ در مرکز تحقیقات کامپوتری علوم اسلامی در قسمت فقه و اصول به اصطلاح مرکز به تحقیق پرداختم و تا کنون ادامه دارد در دفتر حوزه دانشگاه جزوات علمی بهر ماهی بعضی از فضلاء نگاشتم و در همان سالهای حدود ۱۳۷۲؟؟؟؟؟؟ که نمیدانم سرنوشت جزوات پژوهشی ما دوستانمان چه شد و الحمد لله رب

العالمین ۲۵/۱۰/۸۵.

سپهری، برزو

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۰ ش)، استاد فلسفه و نویسنده. وی پس از پایان دوره‌ی مقدماتی، از دانشسرای عالی و دانشکده‌ی ادبیات موفق به اخذ لیسانس زبانهای خارجی شد و مدت یک سال سمت دبیری داشت، سپس به سویس رفت و از دانشگاه ژنو به دریافت درجه‌ی دکترا در فلسفه نایل گشت و پس از مراجعت به ایران، با سمت دانشیار فلسفه در دانشکده‌ی ادبیات به تدریس پرداخت. از آثار او است: «آراء فلسفه درباره‌ی عادت»؛ «بحث در مسایل پرورش اخلاقی»؛ «سر جنسیت یا روانشناسی عشق».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۴۱/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۲/۲).

سپهری، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۴، مرتبه علمی: استاد، رشته: جراحی عمومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی از ژنو سوئیس، گذراندن دوره تخصصی جراحی در بیمارستانهای آمریکا و دوره جراحی اطفال در پاریس فرانسه.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه در زمینه جراحی عمومی، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۳۰ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:

زمینه علمی تألیفات:

سینوکتومی رانو، شرح ۷۰ مورد سینوکتومی انجام شده و تکنیک عمل.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: -، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

Spina bifiela Biliary Fistula

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

ستارزاده، عصمت

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

محقق، مترجم.

تولد: ۱۲۹۰، تبریز.

درگذشت: ۲ مرداد ۱۳۷۲، تهران.

عصمت ستارزاده دوران تحصیلات ابتدایی را در دارالمعلمات تبریز (که بعدها دانشسرای مقدماتی نامیده شد) طی نمود. کلاس ششم ادبی را به طور متفرقه امتحان داد. سپس در رشته‌ی ادبیات در دانشگاه تهران به تحصیل ادامه داد. در سال ۱۳۳۲ موفق به اخذ لیسانس شد.

وی همچنین از سال ۱۳۱۶ به عنوان معلم به وزارت فرهنگ پیوست. در مدت سی و دو سال خدمت در این وزارتخانه، مراتب مختلف را در فرهنگ از قبیل نظامت، مدیریت، کفالت دانشسرای مقدماتی و دبیری را در شهرهای تبریز، اراک، اصفهان و تهران پشت سر گذاشت. در سال ۱۳۴۴ با مدرک دکترای زبان و ادبیات فارسی و با رساله «شعرای ترک مقلد نظامی» به راهنمایی دکتر نفیسی فارغ‌التحصیل شد.

دکتر ستارزاده با توجه به آشنایی‌اش با زبان ترکی اسلامبولی، شروع به ترجمه آثار از این زبان پرداخت. برای تحقیق در این زمینه بارها به شهرهای مختلف ترکیه سفر کرد و با مراجعه به کتابخانه‌های مهم داخلی، به نسخه‌های مهم و مورد علاقه خود دست یافت. نخستین کتاب وی ترجمه شرح سودی بر حافظ است در چهار مجلد (این کتاب در سال ۱۳۵۰ به عنوان بهترین کتاب سال انتخاب شد) و کتاب بعدی ترجمه شرح کبیر انقروی بر مثنوی در شش جلد است. از ایشان چند کتاب منتشر نشده باقی مانده است، از آن جمله است: تفسیر سودی بر گلستان سعدی.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

ستاره، عادل

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: دندان پزشکی، دانشکده: دندان پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای دندان پزشکی شش ساله از دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۵۰، گذراندن دوره Basicscience در مرکز Royal College Of surgeon یک ساله در بیماریهای دهان و پاتولوژی از دانشکده دندان پزشکی دانشگاه بریستول

انگلستان، طی دوره تخصصی با اخذ S.M در رشته تخصصی پاتولوژی دهان از دانشگاه لندن و دوره ۴ ماهه در بخش بیماریهای دهان و پاتولوژی از دانشکده دندان پزشکی دانشگاه منچستر انگلستان.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده دندان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده دندان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

گرانولوم با سلول ژانت در دهان و تشخیص افتراقی از پرکاری پاراتیروئید، تشکیل کلاسه‌های سمعی و بصری پاتولوژی دهان و بافت‌شناسی دهان و دندان، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴۰ پایان‌نامه دکترای.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

کیست‌های دهان و فک، ضایعات رشد و نمو دهان و اعضاء وابسته، بافت‌شناسی دندان.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

فیروماتوزیس لثه، هرپس دهانی (تب خال دهان)، گلوستیت میانی لوزی شکل، شیمی درمانی سرطانهای سر و گردن، نورالژی تری‌ژیمو.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

ست‌القضاء

قرن: ۸

جنسیت: زن

ملیت: ایران

۷۱۸ ق، از زنان محدث. وی دختر محمد بن احمد شیرازی بود که در کتاب بغیة‌الملتمس فی تساعیات حدیث مالک بن انس، احادیثی از او نقل شده است.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: اعلام‌النساء، ۱۶۵ / ۲.

سنگا

قرن: ۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

قرن ششم هجری، از زنان محدث. وی دختر محمد بن فضل دیلمی اصفهانی بود و از عمر بن احمد بن عمر سجستانی حدیث شنیده و سمعانی از او حدیث استماع کرده است. برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء؛ ۱۷۵ / ۲.

ستوده نیا، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدرضا ستوده نیا

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ موفق به اخذ دیپلم گردید. از یک سال قبل از انقلاب در حوزه علمیه صدر بازار و همزمان با دبیرستان شروع به تحصیلات حوزوی نمود. پس از دیپلم به طور جدی به دروس حوزوی پرداخته و تا سال ۱۳۷۱ عمده دروس حوزوی شامل ادبیات عرب، فقه و اصول، منطق و فلسفه را به پایان رسانید. در این دوران علاوه بر تحصیل به تدریس دروس حوزوی نیز پرداخت. شایان ذکر است که در سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ در دوران دفاع مقدس با وجود امکان استفاده از معافیت تحصیلی حوزه علمیه، به طور داوطلب به خدمت سربازی اعزام گردید. با عنایت به سیاست نزدیکی و وحدت حوزه و دانشگاه، در سال ۱۳۷۱ در رشته زبان و ادبیات فارسی مشغول به تحصیل آکادمیک شد. بدون هیچ وقفه در سال ۱۳۷۵ موفق به ورود در دوره کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث شد و پایان‌نامه را با عنوان «بررسی تطبیقی میان علم تجوید و آواشناسی» با نمره ۲۰ دفاع نمود. این پایان‌نامه در زمهره پایان‌نامه‌های برگزیده در سال ۱۳۷۸ به وسیله وزارت ارشاد به چاپ رسید. بلافاصله در همان سال در دوره دکتری پذیرفته و در سال ۱۳۸۱ پایان‌نامه دکتری را با عنوان «تاثیر قرائات بر تفسیر» دفاع نمود.

ستوده، غلامرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی منقول در سال ۱۳۳۸ همراه با اخذ شهادتنامه‌های علوم قضائی و علوم تربیتی، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی در زبانهای باستانی در سال ۱۳۴۷، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی در سال ۱۳۴۹، دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۳.

مرتبه علمی:

عضویت در هیأت علمی دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۲ تاکنون، استاد دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ادبیات فارسی، کارشناسی کتب مرجع در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، استاد راهنمای ۴ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مرجع‌شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی، تحمیدیه در ادب فارسی، سیمای رستم در شاهنامه، تصحیح انتقادی بوستان سعدی، فرهنگ فارسی به چینی و بالعکس و همکاری در تألیف بخشی از حرف میم لغت‌نامه دهخدا.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۵، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

تحقیق در متون نظم و نثر فارسی و روش آموزش زبان فارسی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ستوده، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۴۰ ق)، مدرس و عالم. وی در اراک متولد شد و پس از خواندن مقدمات و سطوح، در اراک، به قم مهاجرت کرد و سطوح عالی را از مدرسین قم فراگرفت و در درس آیت‌الله بروجردی شرکت کرده و هم از محضر آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله خوانساری در مباحث فقهی و کلامی استفاده نمود و به تدریس سطوح نهایی پرداخت. سپس در مسجد رضائی قم اقامه جماعت می‌نمود و به خدمات دینی می‌پرداخت. از آثار وی: «تقریرات» درس آیت‌الله بروجردی؛ «تقریرات» بحث آیت‌الله محقق داماد؛ تنظیم و ترتیب قسمتی از «جامع الاحادیث» آیت‌الله بروجردی. [۱]

آقای حاج شیخ محمدتقی بن العلم العلام و الحجه الاسلام آقای قاضی رحمت‌الله عراقی (که دارای مکارم اخلاق و فضائل انسانی بوده‌اند).

از فضلاء بنام و علماء عظام و مدرسین کرام حوزه علمیه قم که به فضل و تقوا موصوف و به علم و کمال معروف می‌باشند، ولادتش در سال ۱۳۴۰ قمری در اراک واقع شده و پس از خواندن مقدمات و سطوح اولی در اراک در سال ۱۳۲۶ شمسی

مهاجرت به قم کرده و سطوح عالی را از مدرسین بزرگوار قم فرا گرفته و در درس تحلیلی آیت الله محقق یزدی و بالغ بر ۱۴ سال در درس آیت الله العظمی بروجردی شرکت کرده و هم از محضر آیت الله العظمی گلپایگانی و آیت الله العظمی خونساری استفاده مباحث فقه و کلام نموده و به تدریس سطوح نهائی پرداخته و اکنون در مسجد رضائی قم اقامه جماعت نموده و به خدمات دینی و روحی اشتغال دارد.

آثار علمی ایشان از این قرار است:

- ۱- تقریرات درس مرحوم آیت الله العظمی بروجردی.
 - ۲- تقریرات بحث مرحوم آیت الله محقق داماد.
 - ۳- تنظیم و ترتیب قسمتی از جامع الاحادیث آیت الله العظمی بروجردی.
- برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۷۳/۲).

ستوده، منوچهر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر منوچهر ستوده در سال ۱۲۹۲ خورشیدی در تهران دیده به جهان گشود. دوره تحصیلات دبستان و دبیرستان را در زادگاه خود به پایان برد و در سال ۱۳۱۴ به دانشسرای عالی راه یافت و به دریافت درجه لیسانس در رشته زبان و ادبیات فارسی نایل آمد. ایشان در دانشکده های الهیات و معارف اسلامی و ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به تدریس مشغول بودند تا اینکه به افتخار بازنشستگی نائل آمدند. کتاب "از آستارا تا استارباد" تالیف منوچهر ستوده، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. ایشان برگزیده بیست و ششمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای: منوچهر ستوده دوره تحصیلات دبستان و دبیرستان را در زادگاه خود به پایان برد و در سال ۱۳۱۴ به دانشسرای عالی راه یافت و به دریافت درجه لیسانس در رشته زبان و ادبیات فارسی نایل آمد. وی در سال ۱۳۱۹ دوره تحصیلی دانشکده افسری را نیز به اتمام رسانید و مفتخر به دریافت درجه افسری گردید

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: منوچهر ستوده در سال ۱۳۲۰ به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و به تدریس پرداخت و آنگاه از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۵۰ در دانشکده الهیات و معارف اسلامی به تدریس جغرافیای تاریخی اسلامی و از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به تدریس کتبیهای اسلامی و تاریخ خطوط اسلامی در رشته باستان‌شناسی پرداخت و در پایان این سال بازنشسته گردید.

جوایز و نشانها: کتاب "از آستارا تا استارباد" تالیف منوچهر ستوده، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. ایشان برگزیده بیست و ششمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است.

چگونگی عرضه آثار: منوچهر ستوده صاحب آثار فراوانی در تألیف و تصنیف و تصحیح است

آثار:

- ۱ آثار و احیاء (متن فارسی درباره فن کشاورزی)
- ویژگی اثر: تألیف رشیدالدین فضل‌الله همدانی - مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل شعبه تهران با همکاری دانشگاه تهران ۱۳۶۸
- ۲ از آستارا تا آستارباد
- ویژگی اثر: تألیف - دوره هفت جلدی - اداره کل انتشارات و تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۶۷ - ۱۳۴۹ - این کتاب در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است
- ۳ استوناوند دژ ۳۵۰۰ ساله
- ویژگی اثر: با همکاری مهندس محمد مهریار - احمد کبیری - مؤسسه فرهنگی جهانگیری ۱۳۶۷
- ۴ تاریخ بنادر و جزایر خلیج فارس
- ویژگی اثر: تألیف محمد ابراهیم کازرونی - مؤسسه فرهنگی جهانگیری ۱۳۶۷
- ۵ تاریخ خانی
- ویژگی اثر: تألیف علی بن شمس‌الدین لاهیجی - بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۲
- ۶ تاریخ رویان
- ویژگی اثر: تألیف مولانا اولیاء الله آملی - بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۸
- ۷ تاریخ گیلان
- ویژگی اثر: تألیف ملا عبدالفتاح فومنی - بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۹
- ۸ تاریخ گیلان و دیلمستان
- ویژگی اثر: تألیف سید ظهیرالدین مرعشی - مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ۱۳۴۷
- ۹ تاریخ مازندران
- ویژگی اثر: تألیف ملا شیخ علی گیلانی - بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۲
- ۱۰ راهنمای قطغن و بدخشان
- ویژگی اثر: تألیف محمد نادرخان تهذیب کوشکی - مؤسسه فرهنگی جهانگیری ۱۳۶۷
- ۱۱ روزنامه سفر گیلان دستخط ناصرالدین شاه قاجار
- ویژگی اثر: مؤسسه فرهنگی جهانگیری ۱۳۶۷
- ۱۲ صیدنه
- ویژگی اثر: تألیف ابوریحان بیرونی - ترجمه ابوبکر بن علی بن کاشانی - شرکت افست ۱۳۵۸
- ۱۳ فرهنگ نایینی
- ویژگی اثر: گردآوری - مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ۱۳۶۵
- ۱۴ قلاع اسماعیلیه در رشته کوه‌های البرز
- ویژگی اثر: ۱۳۴۵

منابع:

www.ketabesal.ir

ستی النساء

قرن: ۱۱

جنسیت: زن

ملیت: ایران

۲۷ ذوالحجه ۱۰۵۶ ق، از زنان فاضل، پزشک، ادیب و سخنور. وی از اهالی آمل و خواهر طالب آملی (۱۰۳۶ ق) - ملک الشعراى دربار جهانگیر (۱۰۳۷-۱۰۱۴ ق) پادشاه بابرى هند- بود. همسرش حکیم نصیرالدین کاشی نام داشت که از وی فرزندی نیاورد. در سال ۱۰۳۴ ق به قصد دیدار برادر عازم هند شد اما دو سال بعد برادرش درگذشت و او پس از این واقعه سرپرستی دو دختر کوچک او را برعهده گرفت. هنگامی که این دو دختر بزرگ شدند و به سن ازدواج رسیدند خواهر بزرگ را به ازدواج عنایت‌الله شیرازی ملقب به عاقل خان و خواهر کوچک را به ازدواج حکیم ضیاءالدین ملقب به رحمت خان درآورد. به نوشته پادشاه نامه ستی‌النساء خانم به دلیل «کاردانی و شیوا زبانی و شناسایی آداب بندگی و رسوم خانه‌داری و آشنایی به فن طب و طرق معالجات» منظور نظر ارجمند بانو بیگم، همسر شاه جهان (۱۰۶۸-۱۰۳۷ ق) واقع شد و به درجه‌ی مهورداری رسید، و چون با تجوید و قرائت قرآن مجید آشنا بود و از ادبیات فارسی نیز بهره داشت او را معلم دخترش جهان آرابیگم کرد. هنگامی که ارجمند بانو بیگم درگذشت. شاه جهان ستی خانم را مسئول اداره‌ی حرمسرایش نمود و او تا پایان عمر این وظیفه را انجام داد.

در روز ۱۳ ذوالحجه ۱۰۵۶ ق، برادرزاده‌ی کوچک ستی خانم در اثنای وضع حمل درگذشت. ستی خانم به دلیل اندوه فراوان به مدت یازده روز در خانه‌ای بیرون از ارگ درالسلطنه لاهور سوگواری نمود. چند روز بعد شاه جهان به همراه دخترش جهان آرابیگم برای عرض تسلیت به خانه وی رفتند و به او تسلی دادند و وی را به ارگ آوردند ولی چند روز بعد به دلیل تالمات وارده درگذشت. شاه جهان از مرگ او بسیار اندوهگین گردید و برای تدارک کفن و دفن او ده هزار روپیه داد و موقتا او را در لاهور دفن کردند. یکسال و اندی بعد جنازه‌اش را به اکبرآباد برده و در ضلع غربی مقبره همسرش (تاج محل) دفن کردند. به دستور شاه جهان مرقدی برایش ساختند که سی هزار روپیه هزینه داشت و برای مخارج مقبره، دهی وقف کرد که سالانه سه هزار روپیه درآمد داشت. مولف شاه جهان نامه از او به «رابعه‌ی دوم» نام برده و برخی تذکره‌ها اسم او را نیز ستی خانم نوشته‌اند. [۱]

(وف ۱۰۵۶)، پزشک و ادیب. وی از اهالی آمل و خواهر طالب آملی ملک‌الشعراى دربار جهانگیر پادشاه بابرى هند بود. در سال ۱۰۳۴ ق به قصد دیدار برادر عازم هند شد. وی به دلیل کاردانی و شیوا زبانی و شناسایی آداب بندگی و رسوم خانه‌داری و آشنایی به فن طب و طرق معالجات منظور نظر ارجمند بانو بیگم، همسر شاه جهان واقع شد و به درجه‌ی مهورداری رسید، و چون با تجوید و قرائت قرآن مجید آشنا بود و از ادبیات فارسی نیز بهره داشت او را معلم دخترش جهان آراء بیگم کرد. هنگامی که ارجمند بانو بیگم درگذشت شاه جهان ستی خانم را مسئول اداره‌ی حرمسرایش کرد. ستی خانم بعد از درگذشت برادرزاده‌ی کوچک که در اثنای وضع حمل درگذشت بر اثر اندوه زیاد خود نیز دارفانی را وداع گفت و وی به دستور شاه جهان در ضلع غربی مقبره‌ی همسرش دفن شده است و بعدها به دستور شاه جهان مقبره‌ای برایش ساختند. [۲]

خواهر طالب آملی (ف. ۱۰۳۶ ه.ق. / ۱۶۲۶ م.). وی پس از مرگ برادر سرپرستی فرزندان او را بر عهده داشت. منظومه «طالبیا» (ه.م.) را که به لهجه طبری است بدو نسبت داده‌اند.
 برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
 منابع زندگینامه: [۱] منابع: پادشاهنامه، ۶۳۰ / ۶۲۸ / ۳؛ شاه جهان‌نامه، ۷۷ / ۲؛ کاروان هند، ۷۷۲ - ۷۷۰ / ۱؛ میخانه، ۵۰۹؛ نزهة الخواطر، ۱۶۱ / ۵.
 [۲] تذکره‌ی میخانه (۵۰۹)، کاروان هند (۷۷۲ - ۷۷۰ / ۱)، مشاهیر زنان (۱۲۲ - ۱۲۱).

ستینه

قرن: ۱۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

از زنان محدث. وی دختر اسماعیل بن محمد بن فضل اصفهانی بود و از ظفر بن داعی بن مهد عمری علوی حدیث روایت کرده است.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۱۷۵ / ۲.

ستیک نیشابوری

قرن: ۵

جنسیت: زن

ملیت: ایران

۴۷۷ ق-، از زنان محدث، دیندار و نیکوکار. وی دختر عبدالغافرین احمد فارسی بود و در نیشابور به دنیا آمد. از جدش اسماعیل بن عبدالغافر فارسی و ابوبکر شیرازی و ابوسعید بستی حدیث فراگرفت و سمعانی در نیشابور از او استماع حدیث کرد.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۱۷۷ / ۲.

سجادی جزی، ابراهیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند سیدرضا متولد ۱۳۲۱ ه. ش متخصص علوم داروئی و فارماکوگنوزی و دانشیار و مدیر گروه فارماکوگنوزی دانشکده داروسازی و علوم داروئی اصفهان و مولف کتاب علمی آموزشی تشخیصی مبانی و روش‌های کروماتوگرافی لایه‌های نازک و کاشف و معرفی کننده دو نوع فلاونوئید جدید گیاهان دارویی در ایران در دانشکده علوم داروئی اصفهان و انتشار مقالات متعدد تحقیقاتی و علمی در مجلات و کتب علمی دانشگاه‌های کشورهای آسیایی-اروپائی و آمریکائی و شرکت در کنفرانس‌های علمی

و سخنرانی‌های علمی متعدد در ارتباط با معرفی روشهای مربوطه در تحقیقات فوق.

برگرفته از کتاب: فرهنگ تاریخ گز و برخوار

سجادی جزى، جمال‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند سیدرضا متولد ۱۳۱۹ هـ. ش متخصص در بیماریهای داخلی و گرمسیری از دانشگاههای اصفهان و مرلند آمریکا و رئیس سابق دانشگاه علوم پزشکی ایران در تهران و استاد و مدیر گروه داخلی همان دانشگاه و بیمارستان حضرت محمد رسول الله (ص) تهران و عضویت در هیئت برد (Board) تخصصی بیماریهای داخلی و معاون پژوهشی سابق وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی بوده‌اند.

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی ایران.

برگرفته از کتاب: فرهنگ تاریخ گز و برخوار

سجادی جزى، سعیدالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند سیدرضا متولد ۱۳۱۷ هـ. ش عضو هیئت علمی و بازنشسته گروه جراحی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و مدرس سابق علوم تشریحی دانشکده و مولف رساله علمیّه تومورها و بیماریهای سرپانکراس در سال ۱۳۵۲ هـ. ش و مولف همین کتاب تحقیقی درباره فرهنگ و تاریخ گز برخوار که فعلاً به علت بیماری دوران استراحت و نقاهت خویش را طی می‌نمایند.

برگرفته از کتاب: فرهنگ تاریخ گز و برخوار

سجادی جزى، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند مرحوم سید ابوتراب معروف به آقا معلم متولد سال ۱۲۷۵ هـ. ش که پس از طی مراحل تحصیلی اولیه در گز و در محضر مرحوم والد خویش باصفهان به حوزه‌های علمی و تدریسی زمان خویش مراجعه و در مدارس نیم آورد و ملا- عبدالله وجده کوچک و کاسه گران از محضر اساتیدی هم چون حاج ملاعلی نجف آبادی- حاج مرتضی فشارکی- آقا سید مهدی درچه‌ای- و حاج شیخ علی اکبر عالم حبیب آبادی دروس مقدمات سطح و خارج فقه و اصول را طی و پس از اخذ اجازه اجتهاد از مرحوم آیت الله سید حسن مدیسه‌ای به خدمات علمی و اجتماعی و دینی خویش بصورت وعظ- خطابه و اقامه جماعت در مسجد آقا یوسف و جامع گز و مسجد باب الدشت اصفهان مشغول و نسبت به ترویج دین حنیف و تبلیغات اسلامی مشغول و در امور حسیه و امور

ثبتي و اجرای احکام اسلامی در منطقه برخوار مشغول و در سال ۱۳۴۴ ه. ش در سن ۶۹ سالگی وفات و در تخت فولاد تکیه ملک محل گلزار شهدای فعلی در اصفهان با تشییع و بدرقه دوستان و امت مسلمان بخاک سپرده شدند خداوند روح آن مرحوم را شاد و قرین رحمت فرماید.

برگرفته از کتاب: فرهنگ تاریخ گز و برخوار

سجادی صدرالعلماء، محسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم حاج سید محسن صدرالعلماء برادر مرحوم حاج آقا یحیی سجادی از علماء اخیار و دانشمندان ابرار تهران و قبل از مرحوم برادرش در مسجد حاج سید عزیزالله امامت می نمودند. عالمی بزرگوار و خدمتگزار و در قضاء حوائج اخوان و سعی در اصلاح امور مسلمین و مردم نادره دوران بود در فتنه مشروطیت مقتول و جنازه اش از تهران حمل به مشهد مقدس و در دارالسیاده مدفون گردید. مرحوم آیت الله آشتیانی حاج شیخ مرتضی - ره - برای این نگارنده و جمعی دیگر فرمودند او را بعد از مردنش در خواب دیدم که از حرم حضرت رضا علیه السلام بیرون آمده بطرف مقبره اش می رود متوجه مردن او شدم فوراً نزدیک رفته سلام کرده او را محکم گرفتم و پرسیدم از حال و وضع او گفت مرا رها کن گفتم به صاحب این قبر تا نگوئی رها نکنم پس تبسم کرده و گفت فی روح و ریحان و جنه و نعیم و رضوان گفتم با این مقام حاجت دیگر داری گفت آری خدا مرا بدنیا آورده و سعی در قضاء حوائج مؤمنین نمایم که هیچ چیز باندازه این عمل ارزش و ثواب ندارد گفتم مرا چگونه می بینی گفت تو هم همین طور و هر کس متمسک بصاحب این قبر (حضرت رضا علیه السلام) باشد فی روح و ریحان و جنه و نعیم و رضوان.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

سجادی نژاد، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد سجادی نژاد

محل تولد: دامغان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد سجادی نژاد فرزند مرحوم حاج سید عباس بشماره شناسنامه ۵۲۰ صادره از حوزه دو دامغان متولد سال ۱۳۳۵. بعد از گرفتن ششم ابتدایی بر اساس علاقه شدید خودم به درس حوزوی به همراه پدرم به شهرستان دامغان آمده مرحوم والد که دایشان حضرت آیه الله حاج شیخ محمد کاظم مهدوی دامغانی بود و در مشهد مقدس اشتغال به تدریس داشت. و علماء و بزرگان

دامغان او را کاملاً می‌شناختند من را به آیت الله ترابی، آیت الله شاهچراغی، آیت الله خدایی و آیت الله نصیری معرفی نمود. مدت دو سال در مدرسه علمیه حاج فتحعلی بیگ ساکن و از محضر آن بزرگواران استفاده نمودم سالهای ۱۳۴۷ تا ۱۳۴۹ به همراه دو نفر از دوستان و هم‌بختیهام بنامهای حاج شیخ احمد فوادیان استاد فعلی و مدیر مدرسه دامغان عازم شهر مقدس قم شدیم. پس از امتحان اولیه و گزینش مدرسه کرمانیها در قم مدت پنج سال تحت برنامه خاص از محضر اساتیدی همچون استاد مظاهری، استاد احمدی میانجی، استاد شریعتی، استاد محمدی ری شهری، استاد نعیم آبادی، استاد فهیم کرمانی، سید یحیی موسوی، حاج شیخ حسین جاویدی استفاده کردم. بعد از آن در امتحانات حوزه شرکت و بعد از قبولی برای ادامه دروس سطح حوزه علمیه از محضر حضرت آیت الله حاج شیخ محمد تقی ستوده مکاسب و کفایتین از محضر حاج شیخ حسن تهرانی رسائل را از محضر سید محمد جواد ذهنی تهرانی به اتمام رسانده و در امتحانات حوزه علمیه شرکت کردم. بعد از قبولی وارد دروس سطوح عالی شدم و از محضر آیت الله شیخ محمد فاضل لنکرانی خارج اصول از محضر آیت الله مکارم شیرازی خارج اصول از محضر آیت الله علی مشکینی فقه و تفسیر و اخلاق از محضر آیت الله انصاری شیرازی فلسفه و حکمت و از محضر آیت الله نوری همدانی مبحث قضا در اسلام و از محضر سید شهاب الدین مرعشی و آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی دروس خارج فقه را فراگرفته تا کنون ادامه دارد. فعلاً از محضر استاد دکتر احمد عابدی فقه و اصول و آیت الله جوادی آملی درس تفسیر بیش از ۲۰ سال است که زانوی ادب بر زمین زده و تلمذ نموده‌ام.

فعالیت سیاسی - علمی:

در این ایام بدلیل اینکه جناب استاد فهیم کرمانی عده‌ای از طلاب را کاندید و راهنمائیهای لازم را داده بودند که یکی از آن افراد این حقیر بود برای بردن کتاب حکومت اسلامی حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) به شهرستانهای مختلف و پخش اطلاعیه‌های مرحوم حضرت امام (ره) مورد شناسایی ساواک قرار گرفتم و تحت تعقیب آنها لذا مدت ۴ ماه در باغات روستایمان زرین آباد دامغان مخفی بودم به محض آمدن به قم مورد تعقیب مجدد قرار گرفته. باز به تهران رفته تا چندین ماه. تا اینکه بنا به پیشنهاد رفقایم معمم شده و به شهرستانها و روستاهای مختلف برای تبلیغ و ارشاد می‌رفتم بدلیل منبر سیاسی در نظر مورد تعقیب قرار گرفتم و بنا بدستور سرلشکر محقق محکوم به اعدام غیابی شدم که بعد از پیروزی انقلاب حکم اعدام در ژاندارمری شهرستان دامغان نشانم دادند.

در جریان حمله کماندوهای رژیم سفاک پهلوی به چهار مدرسه قم، فیضیه، حجتیه، خان و رضویه. نیمه شب به مدرسه خان هجوم ساواکیها شروع شد. در حجره شماره ۱۱ که من ساکن بودم. یک فرد ساواکی که داخل حجره برای تفتیش شد و من به او اعتراض کردم که چرا با کفش پا روی زیلویی که متعلق به امام زمان (عج الله تعالی فرجه الشریف) هست پای می‌گذاری آن مرد ملعون مرا طلب کرد وقتی جلوی من رفتم آنچنان سیلی به صورتم زد که سرم به دیوار حجره خورد و مدهوش شدم بعد از سه شبانه روز فهمیدم در بیمارستان آیت الله گلپایگانی هستم باز برای مدت کوتاهی به روستایمان رفتم. چون اگر قم بودم شناسایی و دستگیر می‌شدم در دامغان به کانون جوانان برای سخنرانی طبق دعوت مرحوم شهید سید حسن شاهچراغی رفتم در آنجا هم دستگیر بعد از ۴۸ ساعت با وساطت علماء دامغان آزاد شدم.

سپس به قم آمده و در منازل دوستان بسر می‌بردم تا اینکه کم‌کم ظنین انقلاب اسلامی با تظاهرات مردم به رهبری حضرت امام و سایر علماء قم شروع شد.

اینجانب هم طبق وظیفه شرکت در راهپیماییها و بعضاً سخنرانی آتشین و بیان قطع نامه‌ها و ... بعد از انقلاب طبق دعوت شهید عزیز حاج سید قاسم موسوی دامغانی برای تدریس و مدیریت حوزه علمیه و امام جمعه موقت مدت ۳ سال در رامهرمز اهواز بودم. بعد از آن طبق دعوت موسوی کرمانی بعنوان معاونت آیت الله محمد حسین کرمانی نماینده حضرت امام در سازمان عقیدتی

سیاسی شهربانی مدت ۵ سال معاونت دوائر و شعب اداره عقیدتی سیاسی شهربانی در تهران را عهده دار بودم. سپس با رفتن آن بزرگوار از شهربانی من هم به قم آمده طبق دعوت آیت الله احمد علی احمدی شاهرودی و حجت الاسلام و المسلمین محمد حسن نعیمی مدت ده سال بعنوان استاد دروس اخلاق و تربیت ریشه های انقلاب معارف ۱ و ۲ وصیتنامه الهی و سیاسی حضرت امام (ره) و بعنوان مسئول دفتر فرهنگ اسلامی در دانشگاههای آزاد اسلامی دامغان و شاهرود مشغول خدمت بودم. در دوران دفاع مقدس در این زمان با بیش از هیجده ماه حضور در جبهه های حق علیه باطل را داشتم. طبق دعوت کتبی فرمانده محترم لشکر ۱۴ امام حسین (علیه السلام) شهید خرازی - و فرمانده محترم لشکر حضرت ابوالفضل (علیه السلام) در جنوب و غرب بانه مریوان و سقز و ... مشغول به تبلیغ و بیان احکام برای رزمندگان اسلام بودم و بدلیل اینکه فرزندانم بزرگ شده بودند و مستاجری برای ما مشکل آفرین شده بود به قم آمده بعد از ۲۴ ساعت طبق دعوت جناب حجت الاسلام و المسلمین نظری در قسمت مدیریت فرهنگی آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه (س) در قسمت کتابخانه مشغول خدمت شدم بعنوان افتخاری ساعتی که تا کنون ادامه دارد و بحمدالله در این فاصله ۱۴ ساله در سفری که

فعالیت فرهنگی:

مقام معظم رهبری به قم و سئوال معظم له از تولیت آستانه مقدسه های مسعودی که شما راجع به وکلاء ائمه اطهار که در قم مدفونند و علماء و بزرگانیکه در قم حرم مطهر - شیخان و ... چه کردید آیا آنها را احیاء کرده اید؟ لذا تولیت دو نفر را کاندید احیاء این امر خدا پسندانه کرد که جناب حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمود مهدی پور بود بعنوان مسئول و اینحقیر بعنوان مدیر اجرایی و ارزیاب و عضو شورای ستارگان عصاره این امر ۲۵ جلد کتاب با نام مبارک ستارگان حرم می باشد که چاپ شده و در مراکز مختلف علمی بعنوان منبع از آنها استفاده می شود. و روزهای چهارشنبه تلویزیون از همین کتاب ها بیوگرافی راویان محدثان - وکلاء و علماء را شرح می دهد.

سجادی، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران اینجانب حاج سید احمد سجادی در سؤم اسفندماه سال یکهزار و سیصد و چهل و چهار در خانواده‌ای مذهبی در اصفهان دنیا آمدم.

پدرم از معتمدین محل و کارگر کارخانه بافناز بود و مادرم، بانوی عقیقه ای که به امور منزل و تعلیم و تربیت فرزندان اهتمامی والا داشت.

اینجانب دارای سه برادر و یک خواهرهستم که هر یک، محور زندگی و خانواده‌ای دیگر شده اند.

من تحصیلات ابتدایی، را در دبستان مشتاق و دوره راهنمایی را در مدرسه جمشید طی کردم و در همان ایام، از نزدیک شاهد وقایع انقلاب بودم و با آنکه در سنین نوجوانی به سر می بردم، در بسیاری از راهپیمایی‌ها شرکت جسته و تمامی شعارهای مردم را در دفتری ثبت، که تاکنون نیز آن را حفظ نموده ام

در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه اصفهان گردیدم و همزمان در جبهه‌های نبرد نیز شرکت نموده و حدود ۲۰ ماه به طور متناوب در میان رزمندگان اسلام حضور داشته و در عملیات‌های مختلف و متعددی ایفای نقش کردم و در عملیات «محرم» و «خیبر» از ناحیه پا و صورت مجروح شدم.

حضور در حوزه علمیه اصفهان فرصتی بود تا از محضر اساتید بزرگی همچون حجت الاسلام و المسلمین حاج علی اکبر فقیه، حجت الاسلام و المسلمین حاج سید ابوالحسن مهدوی، آیت الله حاج سید احمد امامی، آیت الله حاج سید حسن امامی، آیت الله حاج حسن صافی، آیت الله حاج محمد ناصری، آیت الله حاج سید محمد علی صادقی، آیت الله حاج عباسعلی ادیب و آیت الله العظمی حاج حسین مظاهری کسب فیض کرده و علاوه بر آن، از سال ۱۳۶۳ به تدریس در حوزه‌های علمیه در زمینه‌های ادبیات عرب، منطق، فقه و اصول مشغول گردیدم.

اینجانب در سال ۱۳۶۸ در جشن نیمه شعبان به دست مبارک مرحوم حضرت آیت الله سید محمدعلی صادقی قدس سره مفتخر به لباس روحانیت گشته و منسب امام جماعت را در مسجد حضرت جوادالائمه و پس از آن در مسجد امام حسن مجتبی (واقع در اصفهان، خیابان کاوه، خیابان ۱۵ خرداد) عهده‌دار شده و تا مهر ماه سال ۱۳۸۷ این افتخار قرین زندگیم بود.

از سال ۱۳۷۰ فعالیت‌های علمی خود را با ارائه مقاله به روزنامه‌ها و سپس مجله‌های مختلف آغاز نمودم و در حال حاضر علاوه بر مقالات فراوانی که از من در زمینه‌های مختلف علمی و مذهبی در دست است، در زمینه تألیف کتاب نیز کتاب‌های متعددی از جمله عناوین زیر از اینجانب بچاپ رسیده است که ذیلاً به برخی از کتابهای تألیف شده توسط حقیر اشاره می‌نمایم:

۱ - «فرهنگ‌نامه موضوعی صحیفه سجادیه» (در ۳ جلد): در این کتاب با سبکی جدید به موضوع‌نگاری صحیفه مبارکه سجادیه پرداخته‌ام و اثری زیبا با بیش از ۹۰۰ موضوع اصلی ۰۰۰/۱۰ زیر موضوع در سه جلد به همراه متن کامل صحیفه سجادیه و ترجمه آن ارائه نموده‌ام.

۲ - «اسرار دلبران»: این کتاب تأملی بر زیارت جامعه کبیره است که در آن برای هر یک از فرازهای این زیارت، توضیحی مختصر و شرحی کوتاه و مرتبط با آن صورت گرفته است.

۳ - «پرچم‌داران سعادت»: این کتاب تدبیری در زیارت جامعه کبیره بوده که در آن با تکیه بر آیات و روایات و استدلال‌های عقلی و نظری به توضیح فرازهای زیارت پرداخته و به بیش از نهمصد آیه، روایت و حدیث در ۵۰۰ صفحه اشاره نموده‌ام.

۴ - «نجوای عارفانه»: این کتاب شرح دعای امام زین‌العابدین علیه‌السلام در روز عرفه است که دعای چهل و هفتم کتاب صحیفه مبارکه سجادیه می‌باشد. مؤلف، این کتاب را در ۱۸۰ صفحه به تألیف رسانده‌ام.

۵ و ۶ «میراث حوزه علمیه اصفهان» (دفتر اول و دوم): این کتاب‌ها احیاء و عرضه میراث مکتوب حوزه علمیه اصفهان است که در هر جلد به یکی از محورهای تفسیر، حدیث، فقه، اصول فقه، فلسفه، کلام و دیگر ساحت‌هایی که تلاش علمی قلمزنان این خطه در آن حیطه بوده، اختصاص می‌یابد. دفتر اول این اثر به اهتمام اینجانب و جناب آقای رحیم قاسمی و دفتر دوم نیز به تلاش من و جناب آقای مجید هادیزاده به رشته تحریر درآمده است.

۷ - «لغت‌نامه و ترجمه صحیفه سجادیه»: این کتاب در ۳۸۴ صفحه، ترجمه روان و سلیس و در عین حال علمی از صحیفه مبارکه سجادیه است که اینجانب در ذیل متن دعا و ترجمه آن، اقدام به ترجمه لغات صعب و دشوار این کتاب گرانسنگ نموده‌ام.

۸ - «صحیفه سجادیه به روایت ابن اشکب» در این کتاب به روایتی نادره از صحیفه پرداخته و با روایت مشهوره مقابله کرده‌ام که با مقدمه ای مفصل به چاپ رسید و به همراه CD منتشر شده است

هم‌اکنون نیز در زمینه صحیفه سجادیه تحقیقات جالب و وافر به انجام رسانیده‌ام که بزودی به چاپ خواهیم رساند و کتاب «قرآن پژوهان اصفهان» را در حال نشر است و مراحل پایانی «کتاب شناسی وقف» را در حال انجام داریم که به زودی در چهار مجلد چاپ خواهد گشت.

علاوه بر کتاب‌های فوق‌الذکر، از بین مقالاتی که توسط حقیر به رشته تحریر درآمده، به اختصار به مقالات زیر اشاره می‌نمایم:

۱ - «بایسته‌های صحیفه سجادیه»: مقاله‌ایست ۱۶ صفحه‌ای که متضمن پیشنهادات یازده گانه‌ای به اندیشمندان و صحیفه پژوهان

شیعی جهت احیا و ترویج کتاب مقدس و دعایی صحیفه مبارکه سجّادیه است.

۲ - «دعا در نبردهای نامتقارن»: مقاله‌ای ۱۷ صفحه‌ایست که از تعریف دعا و نیاز بشر امروز به آن، نیاز مبارزان به دعا و سنت ائمه علیهم السلام در نبردها و جنگ‌ها را مورد بررسی قرار داده‌ام.

۳ - «سبک‌شناسی صحیفه مبارکه سجّادیه»: این نوشتار در ۶۴ صفحه، پیرامون سبک و سیاقی است که در لابلای دعاها صحیفه سجّادیه به چشم می‌خورد.

شایان ذکر است علاوه بر فعالیت علمی، اینجانب در سال ۱۳۷۷ از سوی زعیم حوزه علمیه اصفهان، حضرت آیت الله العظمی مظاهری (دام عزه) به سمت مدیر عامل «مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان» منسوب شدم که تا کنون موفق به تولید سی و پنج نرم‌افزار گشته‌ام که در تمامی آنها، علاوه بر مدیریت پروژه، تحقیقات و پژوهش نرم‌افزار به عهده ام بوده است. از جمله نرم‌افزارهایی که حقیر امر تولید، تحقیق و پژوهش آن را به عهده داشته‌اند، می‌توان به نرم‌افزارهای زیر اشاره نمود:

۱ - «طنین وحی»: متن، ترجمه و صوت قرآن کریم، یک دوره کامل قرائت قرآن به روش تحقیق، معجم و امکان جستجو در آیات قرآن به روش‌های مختلف، هفت ترجمه فارسی و انگلیسی (ترجمه‌های فارسی حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی، دکتر عبدالمحمد آیتی، آقای محمد مهدی فولادوند و ترجمه منظوم آقای امید مجد و ترجمه‌های انگلیسی بیکنال، یوسف علی و شاکری)، امکان مقایسه ترجمه‌ها با یکدیگر، املائی لاتین قرآن

۲ - «امثال»: ارائه ترجمه و مفاهیم قرآن کریم با ابزار تصاویر ثابت و متحرک با موضوع مثل‌ها و تشبیه‌های قرآن کریم و نمایش تابلوهای نقاشی رنگ و روغن متناسب با موضوع هر یک از امثال قرآن به همراه تفسیر مربوط به آیه و نیز اشعار مرتبط با آن و بیش از ۶۰ دقیقه انیمیشن متناسب با مفهوم آیات.

۳ - «دانش‌نامه جامع نهج البلاغه»: حاوی متن کامل نهج البلاغه با تطبیق با یازده نسخه معتبر به همراه ۲۵۰ جلد شرح و ۴۱ عنوان ترجمه، نمایش ۱۶۰۰۰ موضوع متنوع، لغت‌نامه و توضیح لغات به فارسی و عربی به صورت فعال در متن، نمایش مصادر خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها به صورت فعال در متن، معرفی اعلام و شخصیت‌های نهج البلاغه با زندگی‌نامه هر یک به صورت فعال در متن، لیست آیات قرآن به صورت فعال در متن با امکان تلاوت آیه، امثال نهج البلاغه به صورت فعال در متن با توضیح مفصل برای هر یک، نمایش قدیمی‌ترین نسخه خطی نهج البلاغه به صورت تطبیق یافته با متن، امکان مقابله ترجمه‌ها و شرح‌های نهج البلاغه با یکدیگر

۴ - «دانش‌نامه جامع صحیفه سجّادیه»: شامل ۳۷ جلد ترجمه و ۵۲ جلد شرح، متن ۲۵ جلد کتاب پیرامون دعاها و سخنان امام سجّاد (علیه السلام) و نمایش هزاران موضوع متنوع با روش ساختار درختی با قابلیت جستجو، کتابخانه جامعی پیرامون سخنان امام سجّاد علیه السلام شامل ۱۲۰ جلد کتاب و مقاله، کتابشناسی صحیفه سجّادیه، معجم کامل الفاظ صحیفه سجّادیه، آیات و احادیث مرتبط با صحیفه سجّادیه، لیست آیات موجود در صحیفه سجّادیه، لغت‌نامه صحیفه سجّادیه به صورت فعال در متن

۵ - «مدینه العلم»: حاوی متن ۳۳۰ کتاب و مقاله پیرامون حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) در موضوعات تاریخ زندگانی، تاریخ اسلام، فضائل، سیره و سخنان، امکان مشاهده تمامی فهرستهای کتابها به صورت یکجا،

۶ - «باب العلم»: شامل متن ۸۸۰ جلد کتاب و مقاله پیرامون حضرت علی علیه السلام با موضوعیت سخنان، سیره، فضائل، تاریخ، ساختار موضوعی جامع پیرامون تمامی اطلاعات و مطالب، معرفی ۱۴۹۰۰ کتاب، مقاله و پایان‌نامه

۷ - «ریحانه»: متن ۲۰۰ جلد کتاب و مقاله پیرامون حضرت زهرا (علیها السلام) و ساختار موضوعی پیرامون آن حضرت، شامل نسب، زندگانی، سیره و... .

۸ - «کریمانه»: شامل متن ۱۵۰ جلد کتاب و مقاله پیرامون امام حسن (علیه السلام) با موضوعات سخنان، سیره، فضائل، تاریخ و... .

- ۹- «سفینه النجاه»: شامل متن ۷۵۰ جلد کتاب و مقاله پیرامون امام حسین (علیه السلام) با موضوعات سخنان، سیره، فضائل، تاریخ، مقاتل، شعر، عاشورا و...
- ۱۰- «شمس الشموس»: شامل متن ۳۲۰ جلد کتاب و مقاله پیرامون امام رضا (علیه السلام) با موضوعات سخنان، سیره، فضائل، تاریخ، بارگاه ملکوتی و ...
- ۱۱- «موعود»: شامل متن ۶۲۶ جلد کتاب و مقاله پیرامون حضرت مهدی علیه السلام و نیز روایات، احادیث و دعاها منسوب به حضرت مهدی علیه السلام، معرفی ۴۰۰۰ عنوان کتاب، مقاله و پایان نامه
- ۱۲- «به سوی حقیقت»: متن ۶۰۰ جلد کتاب و مقاله برای آشنا ساختن مردم با اسلام ناب و مکتب تشیع و نیز پاسخگویی به اشکالها و شبهه‌های مغرضانه وهابیت.
- ۱۳- «بصائر»: ارائه ترجمه تصویری برخی از آیات شریفه قرآن کریم با استفاده از تصاویر ثابت و متحرک (فیلم و انیمیشن) با موضوع آیات و نعمتهای الهی. به همراه ترجمه، ترتیل و احادیث ائمه اطهار (علیهم السلام) در خصوص آیه شریفه مورد نظر و شرح نکات علمی و شگفتی‌های خلقت پیرامون آیه شریفه مربوطه.
- ۱۴- «مشاهیر»: معرفی بیش از ۲۵۰۰۰ نفر از شهرگان و نامداران ایرانی در زمینه‌های علمی، هنری، سیاسی، صنعتی و... به صورت طبقه‌بندی شده بر اساس حرف الفبا، جنسیت، قرن و تخصص همراه با زندگی‌نامه مختصر و معرفی آثار آنان.
- ۱۵- «فیض تمام»: متن کامل قرآن کریم همراه با ترجمه و تفسیر نمونه، متن کامل نهج البلاغه همراه با ترجمه و شرح کامل ابن میثم، متن کامل صحیفه سجادیه همراه با ترجمه و شرح دیار عاشقان، امکان جستجوی دقیق در متون هر سه کتاب مقدس بصورت یکجا و جداگانه، امکان جستجو در ترجمه‌ها و شرح‌ها، تلاوت کامل متن نهج البلاغه و صحیفه سجادیه، امکان چاپ و انتقال متن به دفترچه یادداشت، معجم الفاظ به همراه لغتنامه فعال در متون
- ۱۶- «دانش‌نامه جامع وقف» شامل متن ۱۳۴۲ جلد کتاب و مقاله پیرامون وقف علاوه بر نرم‌افزارهای مذکور، نرم‌افزار «امام صادق علیه السلام» و نیز «رد بهائیت» در این مرکز با مدیریت و پژوهش اینجانب در دست کار می‌باشد.
- حقیق‌علاوه بر انجام فعالیت‌های علمی که باعث گردیده به افتخارات متعددی همچون «خادم قرآن استان اصفهان» در سال ۱۳۸۳ و «خادم قرآن کشور» در سال ۱۳۸۴ (با لوح تقدیر به امضاء ریاست جمهور و به دست ایشان)، «خادم نیایش» در سال ۱۳۸۵ (با لوح تقدیر به امضاء آیت الله زنجانی و آیت الله مظاهری و حجت الاسلام خاتمی و استاد گرجی و به دست حجت الاسلام خاتمی) و «خادم نمونه فرهنگ عمومی استان اصفهان» در سال ۱۳۸۶ (با لوح تقدیر به امضاء امام جمعه اصفهان آیت الله طباطبائی نژاد و به دست ایشان) مفتخر گردم، مدیریت برخی از نهادهای علمی و فرهنگی را نیز عهده دار بوده‌ام که از آن جمله می‌توان به مسئول نمایندگی ولی فقیه در مراکز سپاه استان اصفهان از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۷، مسئول موسسه فرهنگی اطلاع رسانی تبیان اصفهان از سال ۱۳۸۱ تا پایان سال ۱۳۸۶، مشاور امور روحانیون استنادار اصفهان از سال ۱۳۸۴ تا پایان ۱۳۸۶ اشاره کرد.
- اینجانب هم‌اکنون علاوه بر مدیر عامل مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان، مشاور پژوهشی سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه بوده و مدیر موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی راسخون می‌باشم که سایت WWW.RASEKHOON.COM یکی از فعالیت‌های آن موسسه است.
- شایان ذکر است حقیق در کنار فعالیت‌های علمی، مدیریتی و مسؤولیتهای فوق‌الذکر، به عنوان عضو هیئت علمی در همایش‌های «بزرگداشت فیض الاسلام» سال ۱۳۸۳ و دبیر علمی «بزرگداشت آیت الله العظمی سید ابوالحسن مدیسه ای اصفهانی» سال ۱۳۸۸، و عضو هیئت مدیره «موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان» و عضو اصلی هیئت مدیره «شرکت چاپ و انتشارات اسوه» می‌باشم و

علاوه بر سخنرانی در محافل مذهبی، علمی و همایش‌های فرهنگی، در برنامه‌های مختلف رادیو اصفهان به عنوان کارشناس دینی (از جمله در اکثر اعیاد مذهبی و عزاداری‌ها و تمامی صبح‌ها قبل و بعد از اذان) به ایراد سخن می‌پردازم.

واخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

سید احمد سجادی

سجادی، جعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید جعفر سجادی در اسفند ماه ۱۳۰۳ هجری شمسی در کارماسه، از روستاهای بلوک لنجان سفلی اصفهان، بر کرانه غربی زاینده رود به دنیا آمد. دکتر سید جعفر سجادی استاد دانشگاه تهران است. او از هیچ آغاز کرد و به مدارج عالیه کمال رسید. کوشش وجدیت او بود که وی را در ردیف یکی از پرکارترین و پراثرترین استادان دانشگاه تهران درآورد. پدر سید جعفر، سید علی سجادی نام داشت و مردی روستایی و کشاورز بود. سید علی با لغت عرب آشنایی داشت و بر رسایل عملیه و فتوهای علمای مشهور تسلط داشت. سید علی را «سید باطن دار» نیز می‌گفتند.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

والدین و انساب: پدر سید جعفر سجادی، سید علی سجادی مردی روستایی و کشاورز بود. سید علی با لغت عرب و بر رسایل عملیه و فتوهای علمای مشهور آشنایی تسلط داشت. سید علی را «سید باطن دار» نیز می‌گفتند.

خاطرات کودکی: سید جعفر سجادی با سختی خا مرارتهای دوران کودکی توانست نقش آینده را ترسیم نماید، او از این دوران چنین یاد می‌کند: «... در چهار پنج سالگی با پای برهنه قاچ قاچ و دست‌های کوچک یخ بسته از شدت سرما، چوبکی در دست، چهار گوسپند خانواده را از پس نماز صبح تا شامگاهان به چرا می‌برم و چون باز می‌گشتم انبانی از چوب و ترکه‌های خرد بر پشت لرزاتم می‌کشیدم تا به کار گرم کردن تنور و آتشدان کرسی و شاید پختن آشی کم رمق بیاید...»

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: خانواده سید جعفر سجادی در خانه‌ای زندگی می‌کرد که سهم مشترک چند خانواده بود؛ سهم خانواده سجادی از آن خانه حدود ۲۰۰ ذرع حیاط با یک اتاق نسبتاً بزرگ، یک پستو و بخشی از یک آغل گاو و گوسفند و بخشی از یک کاهدان و بهاربند حیوانات و مطبخی در کنار آن می‌رسید. در این دوران چند تن از فرزندان خانواده به کام مرگ رفتند. «در بهمن ماه ۱۳۳۳ شمسی در کرمانشاه، درخاندانی اهل علم و ادب زاده شد. پدر ایشان دکتر سید جعفر سجادی، که در آن زمان در جامه روحانیت و از فضیلت ایشان بود، و سالیانی پیش از آن به خواست و دعوت مرحوم آیت الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی، همراه چند تن از فضلا مانند مرحوم اشرفی اصفهانی، برای تأسیس و ترویج حوزه علمیه کرمانشاه، در آن شهر اقامت گزیده بود، چندی بعد به تهران آمد و همانجا ماند.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: سید جعفر سجادی پیش از آنکه دوران مکتب را تجزیه نماید نزد پدر الفبا و یک جزو قرآن را آموخت. پدر هر چند علاقمند بود سید جعفر به تحصیل علم پیردازد ولی نمی‌خواست به مدرسه جدید برود چون اعتقاد داشت که «تحصیل در این گونه مدارس موجب بی‌دینی و بی‌اعتقادی می‌شود». بنابراین سید جعفر در پنج سالگی در همان روستای کار

ماسه، با یک قران شهریشهریه در هر ماه به مکتب سپرده شد. سید جعفر در پنج سالگی تحصیلات خود را نزد «زن آخوند» که بانوی مکتب داری بود ادامه داد. او در هفت سالگی به مکتب ملا هاشم کله ای رفت. این ملا هاشم که به «معلم» ملقب بوده مردی فاضل و خوش خط بود و از ادب فارسی و عربی بهره ای داشت. سیدناجی نام استاد بعدی سید جعفر بود که در نزد او جامع المقدمات را فرا گرفته است. سید جعفر در این زمان از محضر میرزا عبدالله نکوآبادی هم کسب فیض می کرد. وی همچنین از شیخ محمد حسین شریعت فلاورجانی نیز ادبیات و اخلاق آموخته است. [همان، ص ۷-۵] سید جعفر هنگامی که برای ادامه تحصیل به اصفهان رفت، در کارخانه هراتی اصفهان مشغول به کار شد. او روزهایی را که به کار نمی رفت در مدارس علوم قدیمه اصفهان در مجلس درس استادان حاضر می شد. او در این زمان به خرید و فروش هندوانه و خربزه نیز می پرداخت و چون از این طریق مبلغی فراهم کرده بود عزم کرد که یکسره به تحصیل پردازد. بدان علت در مدرسه اسماعیلیه یا خاتون آبادی که در یکی از محلات دروازه حسن آباد اصفهان واقع بود به تحصیل پرداخت. علاوه بر آن سید جعفر در مدرسه ثقه الاسلام، مدرسه صدر مدرسه عربان، مدرسه ملا عبدالله و مدرسه جده بزرگ درس خواند. سید جعفر سجادی چون در مدرسه مروی خوش درخشید از طرف مسئولین حوزه جهت اخذ مدرک لیسانس به دانشکده معقول و منقول معرفی شد و پس از سه سال تحصیل در سال ۱۳۲۹ ه.ش فارغ التحصیل شد. در سال ۱۳۳۴ شمسی، سجادی برای تحصیل در دوره دکتری در رشته معقول (علوم عقلی و فلسفی) ثبت نام کرد و در سال ۱۳۴۱ از رساله خود دفاع کرد و دوره دکتری را به انجام رسانید.

استادان و مربیان: سید جعفر سجادی در مدرسه اسماعیلیه یا خاتون آبادی اصفهان نزد شیخ ابوالفضل مسجد شاهی تعلیم دید. او در مدرسه صدر اصفهان نیز در محضر حاج سید رضا خراسانی و آیت الله سید حسین خادمی کسب فیض کرده است. سید جعفر در مدرسه عربان اصفهان در محضر شیخ امان الله و شیخ عبدالجواد فریدنی بود. سجادی در مدرسه عربان از کسانی چون میرزا عباس شیخ الاسلامی بهره برده است. همچنین در مدرسه جده بزرگ نزد کسانی همچون حاج شیخ محمد حسن نجف آبادی، شیخ محمد تقی تفرشی، حاج آقا صدر کوهسپایی، فیاض، سید حسین خادمی، شیخ محمد علی حبیب آبادی، حاج سید جواد غروی و حاج آقا رحیم ارباب به تحصیل پرداخته است. [مهدی محقق. احوال و زندگی علمی دکتر سید جعفر سجادی، ص ۹-۱۲] سید جعفر سجادی در مدرسه میرزا محمود تهران نیز تحصیل نمود. این مدرسه چون تازه تاسیس شده بود و استاد و مدرس فاضل و متبحری نداشت سید جعفر به مدارس دیگری از جمله مدرسه مروی می رفت و در درس سید کاظم کروندی شرکت می کرد. او همچنین محضر آیت... حاج شیخ علی تهرانی میرزا باقر آشتیانی، شیخ محمد رضا قلی زاده تهرانی، شیخ محمد تقی آملی، سید عباس آیت الله زاده فشارکی طباطبایی، سید صدر الدین جزایری، سید ابوالقاسم کاشانی و محمد باقر کمره ای، را نیز درک کرده است. استادان سید جعفر سجادی در دوران دکتری عبارت بودند از: غلامحسین صدیقی، بدیع الزمان فروزانفر.

هم دوره ای ها و همکاران: از جمله همدرسی های سید جعفر سجادی، می توان به حاج شیخ محی الدین انواری، حاج یخ مصطفی مسجد جامعی، شیخ محمدشاه آبادی و مهدی محقق بودن.

وقایع میانسالی: بعد از این که دکتر موسی عمید به نمایندگی مجلس انتخاب شد دوستانش در منزل ایشان به او تبریک و تهنیت گفتند. در آن میان سید جعفر سجادی نیز بود. سجادی نقل می کند: «... در آن میان من نیز برخاسته و گفتم جناب استاد من هم به نوبه خود انتخاب حضرت تعالی را به نمایندگی مجلس تبریک عرض کرده و به مردم ایران تسلیت می گویم!» حضرات بهت زده شدند که این دیگر چه هیولایی است؟ دکتر عمید با خوشرویی گفت تبریک به من معلوم است ولی چرا تسلیت به مردم؟ عرض کردم از آنجا که خود را شاگرد و یار شمامی دانم این منصب را تبریک گفتم: ولی چون وکیل بلا موکل هستید و به ملت تحمیل شده اید به مردم تسلیت عرض کردم. دکتر محقق نیز در آن مجلس حضور داشت. دکتر عمید مبلغی خندید و گفتند: سید تو در زندگی به هیچ جا نخواهی رسید.»

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: سید جعفر سجادی در سال ۱۳۳۰ ه.ش به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و بلافاصله به عنوان دبیر به ارومیه منتقل گردید. بعد از یکسال تدریس در آن شهر در سال ۱۳۳۱ ه.ش به کرمانشاه منتقل شد. او در آنجا به عنوان بازرس ویژه انتخابات برای نظارت بر انتخابات کنگاور انتخاب شد. سجادی تا سال ۱۳۳۸ شمسی در مدرسه فرخی واقع در میدان مولوی تهران تدریس می‌کرد. لیکن از دی ماه ۱۳۳۸ به بعد به عنوان استادیار در دانشگاه تهران مشغول به فعالیت شد. سید جعفر سجادی به دعوت دکتر معین در موسسه لغت نامه به فعالیت پرداخت و تالیف و تنظیم قسمتی از حرف «ع» لغت نامه دهخدا را بر عهده داشت. او مدیر گروه ادبیات فارسی دانشگاه تهران هم بود. سجادی در سال ۱۳۴۲ شمسی به رتبه استادیاری ارتقا یافت. او از سال ۱۳۴۸ شمسی به مرتبه دانشیاری ترفیع یافت. بعداً در سال ۱۳۵۳ شمسی درجه استادی یافته و در همین سمت از اعضای ثابت شورای دانشکده بود. وی از سال ۱۳۵۳ به پیشنهاد دکتر کیا به عضویت فرهنگستان درآمد و در آن ایام به عضویت کمیسیون انتصابات و ترفیعات دانشکده ادبیات منصوب شد. او مدتی هم در بنیاد دایره المعارف اسلامی نیز فعالیت داشت.

جوایز و نشانها: مجامع علمی، سمینارها و جوایز سید جعفر سجادی به ترتیب ذیل است: ۱- سال ۱۳۳۸ ه.ش: دریافت جایزه بهترین کتاب سال به خاطر تالیف کتاب فرهنگ فلسفی. ۲- سال ۱۳۴۹ ه.ش: عضویت در انجمن روابط فرهنگی ایران و هند و همکاری با دکت تاراچند. ۳- سال ۱۳۵۱ ه.ش: سفر به پاکستان و بازدید از دانشگاه‌های آن کشور و تاسیس اولین انجمن فارغ التحصیلان پاکستانی دانشگاه تهران. ۴- سال ۱۳۵۲ ه.ش: شرکت در کنگره بزرگداشت ابوریحان بیرونی. ۵- سال ۱۳۵۳ ه.ش: سفر به ترکیه برای ایراد سخنرانی و بازدید از دانشگاه‌ها. ۶- سال ۱۳۵۴ ه.ش: شرکت در کنگره بزرگداشت ابونصر فارابی. ۷- سال ۱۳۵۵ ه.ش: دریافت جایزه بهترین کتاب سال در بخش ترجمه، به خاطر ترجمه حکمه الاشراق شیخ شهاب الدین سهروردی. ۸- سال ۱۳۵۶ ه.ش: شرکت در جشنواره هنر اسلامی در لندن.

آثار:

۱ ابوحیان توحیدی

ویژگی اثر: [ص ۶۱]

۲ ابوریحان قلعه فولادین منطق ارسطو رادر هم می‌ریزد

ویژگی اثر: [ص ۵۸]

۳ احکام یا عنوانین ثانویه

ویژگی اثر: [ص ۶۲]

۴ از احساس تا قوت نطق و ناطقه

ویژگی اثر: [ص ۶۰]

۵ استفاده از علوم عقلی در نحو عربی

ویژگی اثر: [ص ۶۰]

۶ اصل و اصول

ویژگی اثر: [ص ۵۹]

۷ اصلاحات پزشکی در جهان عرب، م، ح، الخیاط

۸ افکار اجتماعی فارابی

ویژگی اثر: [ص ۵۹]

- ۹ افکار فلسفی و علمی ابوریحان بیرونی
ویژگی اثر: [ص ۵۸]
- ۱۰ الادب الفارسی به زبان عربی
ویژگی اثر: [ص ۵۷]
- ۱۱ الادب الفارسی بین روافد التصوف و العرفان
ویژگی اثر: به زبان عربی. [ص ۵۷]
- ۱۲ انسان کامل
ویژگی اثر: [ص ۵۹]
- ۱۳ اوضاع اجتماعی نیم قرن
ویژگی اثر: [ص ۶۰]
- ۱۴ بررسی مجموعه رسایل مرحوم سید کاظم عصار
ویژگی اثر: [ص ۵۸]
- ۱۵ بنیاد اصول فقه
ویژگی اثر: [ص ۵۸]
- ۱۶ تاریخ برمکیان
۱۷ تاریخ دولت های اسلامی و خاندان های حاکم بر سرزمین اسلامی
ویژگی اثر: ترجمه و تلفیقی است از کتابهای استنلی لین پور، برتولت و خلیل ادهم
- ۱۸ تاریخ نگاری در اسلام
ویژگی اثر: بحثی نظری درباره دیدگا های تاریخ نگاری توسط مورخان عصر اسلامی و مکتب های تاریخ نگاری و شیوه ضبط ئ
درج حوادث تاریخی است
- ۱۹ تالیف و تنظیم حرف «ع» لغت نامه دهخدا
ویژگی اثر: [ص ۵۶]
- ۲۰ تجلی عرفان در ادب فارسی
ویژگی اثر: [ص ۵۷]
- ۲۱ ترجمه زبده البیان فی احکام القرآن مقدس اردبیلی
ویژگی اثر: [ص ۵۵]
- ۲۲ ترجمه و تحشیه آرا اهل مدینه الفاضله ابونصر فارابی
ویژگی اثر: [ص ۵۵]
- ۲۳ ترجمه و تحشیه حکمه الاشراق
ویژگی اثر: این اثر تالیف شیخ شهاب الدین سهروردی است [ص ۵۵]
- ۲۴ ترجمه و تحشیه سیاسات مدینه ابونصر فارابی
ویژگی اثر: [ص ۵۵]
- ۲۵ ترجمه و تحشیه فصل المقال فیما بین الحکمه و الشریعه من الاتصال

ویژگی اثر: این اثر تالیف ابن رشد است. [ص ۵۵]

۲۶ ترجمه و شرح بیست باب مقدمه دلاله الحائزین ابن میمون

ویژگی اثر: [ص ۵۵]

۲۷ تصحیح جغرافیای حافظ ابرو

۲۸ تصحیح دیوان حافظ

۲۹ تصحیح و تحشیه تفسیر حدائق الحقایق

ویژگی اثر: این اثر تالیف معین الدین هروی است. [ص ۵۴]

۳۰ تصحیح و توضیح فرهنگ المرقاه

ویژگی اثر: این اثر تالیف بدیع الزمان ادیب نطنزی است. [ص ۵۵]

۳۱ تفسیر قرآن و تاریخچه آن

ویژگی اثر: [ص ۵۸]

۳۲ جلال الدین مولوی بین طریقت و شریعت

ویژگی اثر: [ص ۵۸]

۳۳ جهان تصوف

ویژگی اثر: [ص ۵۹]

۳۴ حدوٹ و قدوم

ویژگی اثر: [ص ۶۰]

۳۵ حرکت جوهری

ویژگی اثر: [ص ۶۲]

۳۶ حق و حقیقت

ویژگی اثر: [ص ۵۹]

۳۷ حکمت اسلامی و فلسفه یونانی

ویژگی اثر: [ص ۵۷]

۳۸ حکمه الاشراق

ویژگی اثر: [ص ۶۱]

۳۹ حکومت جهانی

ویژگی اثر: [ص ۵۹]

۴۰ حواس پنجگانه از نظر شیخ اشراق

ویژگی اثر: [ص ۶۱]

۴۱ روشهای تفسیر قرآن مجید

ویژگی اثر: [ص ۵۵]

۴۲ سفرنامه برزو به هند و منشا کلیله و منه

ویژگی اثر: ترجمه است و نوشته محقق ارجمند فرانسوا دو گلو

- ۴۳ سهم ایرانیان در گسترش تمدن اسلامی
ویژگی اثر: [ص ۶۱]
- ۴۴ سیر فلسفه در شرق
ویژگی اثر: [ص ۶۱]
- ۴۵ شرح احوال و آثار سید قطب
ویژگی اثر: [ص ۵۹]
- ۴۶ شرح تمثیلات رسایل فارسی شیخ اشراق
ویژگی اثر: [ص ۵۶]
- ۴۷ شهاب الدین سهروردی و فلسفه اشراق
ویژگی اثر: این مقاله در یادنامه هنری کربن چاپ شده است. [ص ۵۷]
- ۴۸ طبیعت و اطلاعات آن
ویژگی اثر: [ص ۵۹]
- ۴۹ عشق و هنر در فلسفه اسلامی
ویژگی اثر: [ص ۶۲]
- ۵۰ عقل از نظر فلاسفه و ارباب مذاهب
ویژگی اثر: [ص ۶۱]
- ۵۱ عقل در فلسفه و عرفان
ویژگی اثر: [ص ۶۰]
- ۵۲ علوم عقلی در خدمت ادب و فرهنگ (معانی و بیان)
ویژگی اثر: [ص ۶۱]
- ۵۳ علوم فلسفی و هدفهای آن
ویژگی اثر: [ص ۵۹]
- ۵۴ عین و اعیان
ویژگی اثر: [ص ۵۹]
- ۵۵ فارابی افکار فلسفی وی
ویژگی اثر: [ص ۵۷]
- ۵۶ فرهنگ علوم عقلی
ویژگی اثر: [ص ۵۴]
- ۵۷ فرهنگ علوم فلسفی و کلامی
ویژگی اثر: [ص ۵۴]
- ۵۸ فرهنگ علوم نقلی و ادبی
ویژگی اثر: [ص ۵۴]
- ۵۹ فرهنگ لغات و اصطلاحات فلسفی

ویژگی اثر: این اثر در سال ۱۳۳۸ شمسی بهترین کتاب سال شد. [ص ۴۵]

۶۰ فرهنگ لغات و اصطلاحات و تعییرات عرفانی

ویژگی اثر: [ص ۵۴]

۶۱ فرهنگ لغات و اصطلاحات فلسفی ملاصدرا

ویژگی اثر: [ص ۵۴]

۶۲ فرهنگ معارف اسلامی

ویژگی اثر: [ص ۵۵]

۶۳ فلسفه اشراق

ویژگی اثر: [ص ۶۰]

۶۴ فیزیک و متافیزیک

ویژگی اثر: [ص ۶۲]

۶۵ فیلسوف بزرگ عبدالله زنوزی

ویژگی اثر: [ص ۵۸]

۶۶ قوای نفسانی انسان

ویژگی اثر: [ص ۶۰]

۶۷ مبانی اصطلاحات ذوقی

ویژگی اثر: [ص ۶۲]

۶۸ مقالات فلسفی و کلامی در دایره المعارف بزرگ اسلامی

ویژگی اثر: [ص ۶۲]

۶۹ مقالات فلسفی و کلامی در دایره دانشنامه جهان اسلام

ویژگی اثر: [ص ۶۲]

۷۰ مقاله: مواقف مع العطار

ویژگی اثر: [ص ۵۷]

۷۱ مقدمه بر منطق

ویژگی اثر: [ص ۵۴]

۷۲ ملاصدرا و عشق

ویژگی اثر: [ص ۶۲]

۷۳ منشور تحریم فلسفه

ویژگی اثر: [ص ۶۲]

۷۴ ناصر خسرو و مقام وی در آئین اسماعیلی

ویژگی اثر: به زبان انگلیسی و گجراتی. [ص ۵۷]

۷۵ نظری بر سه مذهب بزرگ سامی

ویژگی اثر: [ص ۵۹]

- ۷۶ نظری بر سیاسات مدینه فارابی
ویژگی اثر: [ص ۵۹]
- ۷۷ نظری پیرامون آرا اهل مدینه فاضله
ویژگی اثر: [ص ۵۸]
- ۷۸ نقد ادبیات تطبیقی ایران و عرب
ویژگی اثر: [ص ۵۵]
- ۷۹ نقدی بر ترجمه الفهرست ابن الندیم به قلم رضا تجدد
ویژگی اثر: [ص ۶۰]
- ۸۰ نقدی بر سه حکیم مسلمان، اثر دکتر سید حسین نصر
ویژگی اثر: [ص ۵۸]
- ۸۱ نقدی بر سیره فلسفیه رازی
ویژگی اثر: [ص ۶۰]
- ۸۲ نقدی بر قاموس الیوم
ویژگی اثر: [ص ۶۱]
- ۸۳ نقدی بر مجموعه سوم مصنفات شیخ اشراق
ویژگی اثر: [ص ۶۰]
- ۸۴ هندوستان یا مهد ذوق و عرفان
ویژگی اثر: [ص ۶۱]
- ۸۵ وجود در فلسفه
ویژگی اثر: [ص ۵۹]
- ۸۶ وجود ذهنی
ویژگی اثر: [ص ۶۱]
- ۸۷ وحدت وجود
ویژگی اثر: [ص ۵۹]

سجادی، حمید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای چشم، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

سجادی، ضیاءالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق، ادیب.

تولد: ۱۲۹۸، مشهد.

درگذشت: ۳ مرداد ۱۳۷۵، تهران.

ضیاءالدین سجادی، فرزند حاج سید مصطفی سرابی، تحصیلات مقدماتی، دبیرستان و دانشسرای مقدماتی را در زادگاهش گذراند و سپس در کلاس‌های دبستان و اول دبیرستان به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۲۴ با کسب رتبه‌ی نخست، موفق به گرفتن درجه‌ی لیسانس در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشسرای عالی شد. در سال ۱۳۳۴ دکترای این رشته را از دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران گرفت. در سال ۱۳۳۵ به خدمت آن دانشگاه درآمد. در دوران خدمتش در مراکز مختلف آموزش عالی تدریس کرد و پس از بیست و سه سال خدمت در سال ۱۳۵۸ بازنشسته شد. وی عضو شورای نویسندگان برنامه‌های انتشارات رادیو بود و تهیه و اجرای برنامه‌های ادبی و مذهبی در رادیو ایران را به عهده داشت. به زبان‌های انگلیسی و فرانسوی و عربی نیز آشنا بود. از آثارش: تصحیح و تعلیق دیوان خاقانی شروانی (تهران، ۱۳۳۸)، تصحیح و تعلیقات مجموعه نامه‌های خاقانی شروانی (تهران، ۱۳۴۶)، شرح قصیده‌ی مسیحیت (از شمس‌الدین محمود لاهیجانی، تهران، ۱۳۵۱)، در مکتب استاد (گفتارهایی درباره‌ی زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۴۵)، کوی سرخاب تبریز و مقبرةالشعراء (تهران، ۱۳۵۴)، سخنان گزیده درباره‌ی فردوسی و شاهنامه (تهران، ۱۳۵۴)، انسان در قرآن کریم (تهران، ۱۳۶۰)، شرح احوال و آثار ابن عمید (تهران، ۱۳۶۶)، تصحیح و شرح مثنوی ختم‌الغرائب خاقانی (تهران، ۱۳۴۳)، دیباچه‌نگاری در ده قرن (تهران، ۱۳۷۲)، مقدمه‌ای بر مبانی عرفان و تصوف (تهران، ۱۳۷۲)، گزیده‌ی اشعار خاقانی (همراه با شرح، تهران، ۱۳۵۲)، گزیده اشعار سنایی با مقدمه و توضیحات (تهران، ۱۳۴۸)، مباحث و دستوری فرهنگ لغات قرآن (تهران، ۱۳۵۸)، سیری در اندیشه و شناخت (تهران، ۱۳۶۶). وی با همکاری مؤلفان دیگر، یک دوره کتاب فارسی و دستور و تاریخ ادبیات فارسی را به رشته‌ی تحریر درآورد (تهران، ۱۳۳۵)، مبحث شرح حال شاعران در کتاب‌های کارنامه‌ی بزرگان ایران (۱۳۴۰) و فرهنگ امیر کبیر نیز از دیگر کارهای اوست. وی همچنین مقاله‌هایی در موضوع‌های ادبی، تاریخی و مذهبی در مجله‌ها و نشریات مختلف و از جمله در نشریه‌ی «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی تهران» به چاپ رسانید. آخرین اثری که از وی منتشر شد، دو جلد فرهنگ لغات و تعبیّرات با شرح اعلام و مشکلات دیوان خاقانی شروانی است.

دکتر سید ضیاءالدین سجادی بر اثر یک عارضه‌ی قلبی در سن هفتاد و هفت سالگی در بیمارستان دی در تهران درگذشت و پیکر وی در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

سجادی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد سجادی

محل تولد: دامغان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد سجادی نژاد فرزند مرحوم حاج سید عباس. بعد از گرفتن ششم ابتدایی بر اساس علاقه شدید خودم به درس حوزوی به همراه پدرم به شهرستان دامغان آمدم. مرحوم والد که دائیشان حضرت آیه الله حاج شیخ محمد کاظم مهدوی دامغانی بود و در مشهد مقدس اشتغال به تدریس داشت. و علماء و بزرگان دامغان او را کاملاً می شناختند من را به آیت الله ترابی، آیت الله شاهچراغی، آیت الله خدایی و آیت الله نصیری معرفی نمود. مدت دو سال در مدرسه علمیه حاج فتحعلی بیگ ساکن و از محضر آن بزرگواران استفاده نمودم. سالهای ۱۳۴۷ تا ۱۳۴۹ به همراه دو نفر از دوستان و هم بحثی هایم بنامهای حاج شیخ احمد فوادیان استاد فعلی و مدیر مدرسه دامغان عازم شهر مقدس قم شدیم. پس از امتحان اولیه و گزینش مدرسه کرمانیها در قم مدت پنج سال تحت برنامه خاص از محضر اساتیدی همچون استاد مظاهری، استاد احمدی میانجی، استاد شریعتی، استاد محمدی ری شهری، استاد نعیم آبادی، استاد فهیم کرمانی، سید یحیی موسوی، حاج شیخ حسین جاویدی استفاده کردم. پس از آن در امتحانات حوزه شرکت و بعد از قبولی برای ادامه درس سطح حوزه علمیه از محضر حضرت آیت الله حاج شیخ محمد تقی ستوده مکاسب و کفایتین، از محضر حاج شیخ حسن تهرانی رسائل و از محضر سید محمد جواد ذهنی تهرانی رسائل را به اتمام رسانده و در امتحانات حوزه علمیه شرکت کرده و بعد از قبولی وارد درس سطوح عالی شدم. از محضر آیت الله شیخ محمد فاضل لنکرانی (ره) خارج اصول، از محضر آیت الله مکارم شیرازی خارج اصول، از محضر آیت الله علی مشکینی (ره) فقه و تفسیر و اخلاق، از محضر آیت الله انصاری شیرازی فلسفه و حکمت، و از محضر آیت الله نوری همدانی مبحث قضا در اسلام و از محضر سید شهاب الدین مرعشی و آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی درس خارج فقه را فرا گرفته و تا کنون ادامه دارد. فعلاً از محضر استاد دکتر احمد عابدی فقه و اصول و آیت الله جوادی آملی درس تفسیر را بیش از ۲۰ سال است که زانوی ادب بر زمین زده و تلمذ نموده ام. فعالیت سیاسی - علمی: در این ایام بدلیل اینکه جناب استاد فهیم کرمانی عده ای از طلاب را کاندید و راهنمائیهای لازم را داده بودند که یکی از آن افراد این حقیر بود برای بردن کتاب حکومت اسلامی حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) به شهرستانهای مختلف و پخش اطلاعیه های مرحوم حضرت امام (ره) مورد شناسایی و تحت تعقیب ساواک قرار گرفتم. لذا مدت ۴ ماه در باغات روستایمان زرین آباد دامغان مخفی بودم بمحض آمدن به قم مورد تعقیب مجدد قرار گرفته. و مجدد تا چندین ماه به تهران رفتم. تا اینکه بنا به پیشنهاد رفقایم معمم شده و به شهرستانها و روستاهای مختلف برای تبلیغ و ارشاد می رفتم بدلیل منبر سیاسی در نظر مردم تعقیب قرار گرفتم و بنا بدستور سرلشکر محقق محکوم به اعدام غیابی شدم که بعد از پیروزی انقلاب حکم اعدام در ژاندارمری شهرستان دامغان نشانم دادند. در جریان حمله کماندوهای رژیم سفاک پهلوی به چهار مدرسه قم، فیضیه، حجتیه، خان و رضویه. نیمه شب به مدرسه خان هجوم ساواکیها شروع شد در حجره شماره ۱۱ که من ساکن بودم. یک فرد ساواکی که داخل حجره برای تفتیش شد و من به او اعتراض کردم که چرا با کفش پا روی زلیبوی که متعلق به امام زمان (عج الله تعالی فرجه الشریف) هست پای می گذاری آن مرد ملعون مرا طلب کرد وقتی جلوی رفتم آنچنان سیلی به صورتم زد که سرم بدیوار حجره خورد و مدهوش شدم بعد از سه شبانه روز فهمیدم در بیمارستان آیت الله گلپایگانی هستم باز برای مدت کوتاهی به روستایمان رفتم. چون اگر قم بودم شناسایی و دستگیر می شدم در دامغان به کانون جوانان برای سخنرانی طبق دعوت مرحوم شهید سید حسن شاهچراغی رفتم در آنجا هم دستگیر شده و بعد از ۴۸ ساعت با وساطت علماء دامغان آزاد شدم. سپس به قم آمدم و در منازل دوستان بسر می بردم تا اینکه کم کم طنین انقلاب اسلامی با تظاهرات مردم به رهبری حضرت امام (ره) و سایر علماء قم شروع شد. اینجانب نیز شرکت در

راهپیمائیه‌ها و بعضا سخنرانی‌های آتشین و بیان اعلامیه‌ها را وظیفه خود می‌دانستم. بعد از انقلاب طبق دعوت شهید عزیز حاج سید قاسم موسوی دامغانی(ره) برای تدریس و مدیریت حوزه علمیه و امام جمعه موقت مدت ۳ سال در رامهرمز اهواز بودم. بعد از آن طبق دعوت موسوی کرمانی بعنوان معاونت آیت الله محمد حسین کرمانی نماینده حضرت امام(ره) در سازمان عقیدتی-سیاسی شهربانی به مدت ۵ سال معاونت دوائر و شعب اداره عقیدتی سیاسی شهربانی در تهران را عهده دار بودم. سپس با رفتن آن بزرگوار از شهربانی من هم به قم آمده طبق دعوت آیت الله احمد علی احمدی شاهرودی و حجت الاسلام و المسلمین محمد حسن نعیمی مدت ده سال بعنوان استاد دروس اخلاق و تربیت ریشه‌های انقلاب معارف ۱ و ۲، و صیتنامه الهی و سیاسی حضرت امام(ره) و بعنوان مسئول دفتر فرهنگ اسلامی در دانشگاه‌های آزاد اسلامی دامغان و شاهرود مشغول خدمت بودم. در دوران دفاع مقدس در این زمان با بیش از هیجده ماه حضور در جبهه‌های حق علیه باطل را داشتم. طبق دعوت کتبی فرمانده محترم لشکر ۱۴ امام حسین (علیه السلام) شهید خرازی و فرمانده محترم لشکر حضرت ابوالفضل (علیه السلام) در جنوب و غرب بانه، مریوان و سقز و ... مشغول به تبلیغ و بیان احکام برای رزمندگان اسلام بودم. بدلیل اینکه فرزندانم بزرگ شده بودند و مستاجری برای ما مشکل آفرین شده بود به قم آمده و بعد از ۲۴ ساعت طبق دعوت جناب حجت الاسلام و المسلمین نظری در قسمت مدیریت فرهنگی آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه (س) در قسمت کتابخانه مشغول خدمت شدم که تا کنون ادامه دارد و بحمدالله در این فاصله ۱۴ساله در سفری که مقام معظم رهبری به قم داشتند و سوال معظم له از تولیت آستانه مقدسه آقای مسعودی که شما راجع به وکلاء ائمه اطهار(ع) که در قم مدفونند و علماء و بزرگانیکه در حرم مطهر، شیخان و ... چه کردید؟ آیا آنها را احیاء کرده اید؟ لذا تولیت آستانه دو نفر را کاندید احیاء این امر خدا پسندانه کرد که جناب حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمود مهدی پور بعنوان مسئول و این حقیر بعنوان مدیر اجرایی و ارزیاب و عضو شورای ستارگان شدیم. عصاره این امر ۲۵ جلد کتاب با نام مبارک "ستارگان حرم" می‌باشد که چاپ شده و در مراکز مختلف علمی بعنوان منبع از آنها استفاده می‌شود. و روزهای چهارشنبه تلویزیون از همین کتاب‌ها بیوگرافی راویان، محدثان، وکلاء و علماء را شرح می‌دهد. ضمناً بیش از ۱۴ مقاله تحت عنوان زندگینامه علماء ربانی که به تحقیق و نگارش اینجانب در ستارگان حرم و گلشن ابرار چاپ گردیده است. خدمات اجتماعی: ۱-در فاصله سی و سه سال تبلیغ و ارشاد در مناطق مختلف شهرها و روستاهای ایران تاسیس بیش از بیست کتابخانه با کتابهای متنوع برای مردم مخصوصاً نسل جوان. ۲-ایجاد حمام بهداشتی برای روستا به صورت نمره ۳-ترمیم راههای روستا و ایجاد پل در چند روستا. ۴-کمک به فقرای آبرومند بیش از دویست مورد.

سجادی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد سجادی

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۶/۱/۲

زندگینامه علمی

ولد السيد محمد السجادی فی مدینه اصفهان سنه ۱۳۲۶ هـ. ش فهو ابن حجه الاسلام السيد ابو الحسن السجادی ، الذی ینتهی نسبه الی السيد حسین الاصغر ابن الامام علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین . وقد بدأ داسته فی الحوزه العلمیه فی مدینه اصفهان بعد أن أنهی دراسته الابتدائیه و بعد إنهائه دروس المقدمات انتقل إلى عش آل محمد مدینه قم المقدسه : لا کمال دراسه الفقه والاصول فی حوزتها العلمیه.

ولانه ممن لم یكونوا فی منأى عما یدور من الأحداث السیاسیه ، التى كانت تعصف ببلادہ و باقى بلدان العالم الاسلامی . فقد كان يتمتع بحس سیاسی ملفت للنظر. لهذا كان من المطاردین من قبل قوات أمن النظام الشاهنشاهی المقبور، مما اضطره الی الهجره الی العراق . و بعد ما استقر ،سكن فی مدینه النجف الشرف، بجنب باب مدینه العلم لینهل علوم اهل بیت من منبعه الصافی علی يد اساتذہ لهم الباع الطویل فی مجال التعلیم و التدريس ، نذكر منهم :

آیه الله العظمی الامام خمینی

آیه الله العظمی السيد الخوئی

آیه الله العظمی السيد البجنوردی

العلامة الشهيد آیه الله مصطفى الخمينی

والی جانب دراسته العلمیه المستمره والموفقه ، لم ينس بلده و ما بعانيه الشعب الايرانی تحت حکم الطاغوت البغيض من القهر والظلم والابتزاز ، لهذا فد انضم الی صفوف (روحانيون مبارز خارج از کشور) التى كان لها صدی قوى فی التصدى الی النظام و فضع تصرفاته الشائنه ولما أراد الامام خمینی ترك الاراضی العراقیه عن طريق الحدود الكويتیه ، لملاسات يعلم بها الجميع ، كان المؤلف حفظه الله فی ركاب ذلك القائد العظيم . فهاجر معه هجرتين من الكويت الی فرنسا ، ومن فرنسا الی ايران بعد أن فتح الله تعالى علی المجاهدى فی ايران من دحر النظام العميل ، وارساء اللبنة الاولى فی صرح الدوله الاسلاميه المجيده ، التى هی نموذج ساطع للدول الاسلاميه فی كافه أنحاء العلم .

وبعد أن استقر النظام اسلامی فی ايران و تثبتت أركانه ، عاد المؤلف الی مدینه العلم و العلماء الی قم المقدسه ليتحف الحوزه العلمیه فيها بما كسبه من علم و معرفه . لينشرها بين طلابها

و من انجازاته جمع و تنظيم و تحقيق مولفات استاد الشهيد العلامة آیه الله السيد مصطفى الخمينی و قد بذل جهداً كبيراً و مضنياً فی سبيل اخراج ذلك السفر الكبير ، و قد تم نشره بكامله ، و هو الان من الكتب التى تحضى باهتمام و متابعه طلاب الحوزات العلمیه كافه.

سجادی، مرتضى

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: رادیوتراپی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

سجادی، یحیی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت‌الله حاج آقا یحیی ابن العالم الجلیل السید محمدباقر (صدرالعلماء) سجادی از علماء مبرز و معروف معاصر تهران دارای مقام علم و معنویت و مقامات باطنی و قدس واقعی بوده است سالهای متمادی در مسجد حاج سید عزیزالله بازار تهران که مرکز اجتماع تجار و اصناف است امامت می‌نموده و هر شب بعد از نماز عشاء به منبر رفته و با بیانی قاطع و بلیغ تفسیر قرآن کریم نموده و موعظه می‌کرد.

در منبر بسیار آرام و متین و مودب بود هرگز دیده نشد بدن و یا دست خود را حرکت دهد. وی در خاندان علم و ادب پرورش یافته بود زیرا پدران و نیاکان او تمامی از علماء و مجتهدین مبرز بودند و با سلسله جلیله خاتون آبادیها و امام جمعه‌ای‌های تهران و اصفهان انتساب و بستگی داشت. وکیل مطلق زعیم اعظم و مرجع اعلاء عصرش مرحوم آیت‌الله العظمی آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی بود و وجوهات تهران را به نجف و حوزه علمیه قم بامر مرحوم سید می‌رسانید. حقا عالمی بود ربانی و دانشمندی سبحانی، منطق و منظرش انسانی را بیاد خدا می‌آورد بسیار دیده شد که شبهای تار عبا بسر کشیده و درب منازل ارامل و ایتام و بینویان رفته و مانند اجداد کرامش به آنها مساعدت می‌نمود. به مرحوم حجة الاسلام و المسلمین آیت‌الله حاج شیخ محمدتقی بافقی اخلاص مخصوصی داشت و هر ماه یکی دوبار برای دیدن او بشهر ری آمده و او را ملاقات می‌کرد باین نگارنده میفرمود افسوس که دیر حاج شیخ را شناختم و در مرگ آن مرحوم بتشییع او شرکت کرده و اظهار تأثر می‌نمود. در هشتم محرم در سال ۱۳۷۰ ق از دنیا رفته و جنازه‌اش را با شکوه و جلال حمل به نجف اشرف و در جوار جدش بخاک سپردند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

سجاسی زنجانی، حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۳۲۲ ق)، مفسر، اصولی. وی از بزرگان و علمای اعلام زنجان بود. مقدمات را در زنجان فراگرفت. سپس به نجف رفت و در آن حوزه نزد علمای نجف به تکمیل تحصیلات پرداخت. آنگاه به زنجان بازگشت و منصب تدریس و قضاوت را بر عهده گرفت و به تصنیف و تالیف اشتغال ورزید و به انجام وظائف دینی و امامت پرداخت تا از دنیا رفت و در جوار امامزاده سید ابراهیم در زنجان به خاک سپرده شد. از آثارش: شرح «اصول کافی» به روش «شرح ملاصدرا»، در سه مجلد؛ «تفسیر سوره الزمر و الشمس و الرحمن»، در یک مجلد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲۶/۶)، الذریعه (۹۶/۱۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۵۰۳)، معجم المؤلفین (۱۰-۹/۴).

سجاوندی غزنوی، محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۶۰ ق)، مفسر، قاری، فقیه حنفی، ریاضیدان و شاعر. وی از دانشمندان و عالمان بزرگ قرن ششم هجری است که با سلطان سنجر سلجوقی معاصر بود و آثار بسیار ارزشمندی در تفسیر و علوم دینی تألیف کرد. وی در سرودن شعر نیز توانا بود، اشعار چندی نیز از وی در تذکره‌ها نقل است. از جمله آثارش: «انسان عین المعانی» در تفسیر و مختصر آن «عین المعانی فی تفسیر السبع المثانی»؛ «ذخایر الثمار فی اخبار السید المختار»؛ «التفسیر»؛ «الایضاح فی الوقف و الابتداء»، در مجلدی بزرگ که دلیل تبحر سجاوندی در علم قرآن است؛ «علل القراآت»، در چند مجلد؛ «غرائب القران»، در تفسیر لغات مشکل آن؛ «السراجیه» یا فرائض سجاوندیه، که شرح‌های بسیاری بر آن نوشته شده و مشهورترین آنها «شرح سید شریف جرجانی» است؛ «التجنیس»، در حساب و ریاضیات. در منابع مختلف، کنیه و لقب او چون نام و نام پدرش محل اختلاف است و به صورتهای مختلف ابو عبدالله، ابوطاهر، مجدالدین و سراج‌الدین ذکر شده است. [۱]

ابوالفضل محمد بن ابویزید طیفور عزنوی، از دانشمندان علم قرائت در قرن ششم (ف. ۵۶۰ ه. ق.). از آثار معروف وی کتاب وقوف است در شرح مواد و وقف در قرآن، کتاب الوقف و الابتداء در شرح انواع وقف، کتاب الموجز در شرح بعض انواع وقف، کتاب انسان عین المعانی در تفسیر سبع المثانی، نسخ همه کتابهای مذکور در دست است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۴۸/۷)، دایرةالمعارف فارسی (۱۲۷۵-۱۲۷۴/۱)، الذریعه (۳۱/۱۶)، ریاض العارفين (۱۷۴)، ریحانه (۴۴۳-۴۴۲/۲)، کشف الظنون (۱۱۸۲، ۸۵۲، ۳۵۳)، الکنی و الالقاب (۳۰۸/۲)، لباب الالباب (۲۸۳-۲۸۲/۱)، لغت نامه (ذیل / سجاوندی و احمد)، معجم المؤلفین (۲۳۳/۱۱، ۱۱۲/۱۰)، الوافی بالوفیات (۱۷۸/۳)، هدیه الاحباب (۱۴۸)، هدیه العارفين (۱۰۶/۲).

سجاوندی، محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد بن عبدالرشید (یا محمد بن محمد بن عبدالرشید) حنفی مکنی به ابوطاهر و ملقب به سراج‌الدین از بزرگان علما و فقهای قرن پنجم (ف. حدود ۴۷۰ ه. ق.). از تألیفات اوست: کتاب «فرائض سجادیة» که چند بار در لندن، کلکته و مصر به طبع رسیده و شروح بسیار بر آن نوشته‌اند.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

سجزی بغدادی، ابو محمد دعلج

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۳۵۱-۲۵۹ ق)، فقیه و محدث. اصل او از سیستان است. محدث بغداد در زمان خود بود. به شهرهای خراسان و ری و حلوان و بغداد و بصره و کوفه و مکه سفر کرد و حدیثها شنید. از محمد بن عمرو قشمری نیشابوری و عبدالله بن محمد شیرویه و جعفر بن محمد ترک و علی بن محمد حکانی قزوینی و هشام بن علی سیرافی و عبدالله بن احمد بن حنبل و محمد بن ابراهیم بوشنجی و

محمد بن ایوب رازی و علی بن حسین بن جنید رازی و عثمان بن سعید دارمی و ابومسلم کجی و امام الاثمه ابن خزیمه و دیگران حدیث روایت کرد. دارقطنی و ابوعلی بن شاذان و احمد بن ابی‌عمران هروی و استاد ابواسحاق اسفراینی و ابن‌رزقویه و ابن جمیع غسانی و ابو عبدالله حاکم نیشابوری و عده‌ای دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. او را در روایت به دریا تشبیه کرده‌اند. مدت زمانی مجاور مکه شد؛ سپس به بغداد رفت و در آنجا ساکن گردید. از آنجایی که تاجر پیشه و دارای اموال بسیار بود، صدقات جاریه و وقفهای بسیاری بر اهل حدیث سیستان و بغداد و مکه نمود و حاکم گوید که گشاده دست‌تر از وی نبود. از آثارش: «مسند» یا «المسند الکبیر»، در «الاعلام»، «مسند المقلین» نیز به وی نسبت داده شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۸/۳)، تاریخ بغداد (۳۹۲-۳۸۷/۸)، سیر النبلاء (۳۵-۳۰/۱۶)، معجم المؤلفین (۱۴۵/۴)، وفيات الاعیان (۲۷۲-۲۷۱/۲).

سجری طیب، ابوالحسین طاهر

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س پنجم ق)، طیب. وی یکی از اطبای مشهور فارس بود. از آثارش: «ایضاح منهاج محجه العلاج»، در طب، که آن را برای قاضی ابوالفضل محمد بن حمویه تألیف کرد؛ «کتاب فی شرح البول و النبض»؛ تقسیم کتاب «الفصول» بقراط. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: کشف الظنون (۲۰۹)، لغت‌نامه (ذیل / طاهر)، معجم المؤلفین (۳۲ / ۵)، الوافی بالوفیات (۳۹۰ / ۱۶)، هدیه العارفین (۴۳۰ / ۱).

سجستانی، ابوبکر عبدالله

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۱۶-۲۳۰ ق)، محدث و زاهد. معروف به ابن ابی‌داوود. در سیستان به دنیا آمد و در بغداد نشو و نما یافت. پدرش وی را در سفرهای خود همراه ساخت و به محضر علما و محدثان وقت در خراسان و اصفهان و فارس و بصره و بغداد و کوفه و مدینه و مکه و شام و مصر و جزیره برد. اول شیخی که ابوبکر از او حدیث شنید محمد بن اسلم طوسی بود. او همچنین از پدرش و عمویش و از علی بن خشرم مروزی و ابوداوود سلیمان سنجدی و محمد بن یحیی ذهلی و احمد بن ازهر نیشابوری و محمد بن بشار بن‌دار و عباد بن یعقوب رواجی و بسیاری دیگر حدیث شنید. ابن‌حبان و ابواحمد حاکم نیشابوری و ابن‌شاهین و دارقطنی و ابو عمر بن حیویه و عیسی بن علی وزیر و ابوالقاسم بن حبابه و ابومسلم محمد بن احمد کاتب و بسیاری دیگر از وی روایت کرده‌اند. وی را در عداد ابن‌خزیمه و ابن ابی‌حاتم رازی دانسته‌اند. سرانجام در بغداد اقامت گزید و شیخ بغداد لقب گرفت و به روایت حدیث پرداخت. وی در بغداد در گذشت و حدود سیصد هزار نماز گزار بر او نماز گزارند و در مقبره‌ی باب‌البستان به خاک سپردندش. از آثار وی: «المصاحف»؛ «المسند»؛ «السنن»؛ «التفسیر»؛ «القرآت»؛ «الناسخ و المنسوخ».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۲۴/۴)، تاریخ بغداد (۴۶۸-۴۶۴/۹)، روضات الجنات (۷۸/۴)، ریحانه (۴۴۵-۴۴۴/۲)، سیر النبلاء (۲۳۷-۲۲۱/۱۳)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۲۸۸)، الکامل (۱۹۹/۶)، الکنی و الألقاب (۳۰۹/۲)، لسان المیزان (۳۷-۳۱/۴)، لغت نامه (ذیل / ابن ابی داود)، معجم المؤلفین (۶۰/۶)، الوافی بالوفیات (۲۰۱-۲۰۰/۱۷)، وفيات الاعیان (۴۰۵/۲).

سجستانی، ابوحاتم سهل

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۵۵-۲۴۸)، نحوی، لغوی، قاری، محدث و شاعر. وی شاگرد ابوزید انصاری و ابو عبیده بن مثنی و اصمعی و ابو عامر عقدی و دیگران بود. او قرآن را از یعقوب حضرمی فراگرفت. «کتاب» سیبویه را دو مرتبه بر اخفش خواند. در زمره‌ی شاگردانش از ابن درید و ابوالعباس مبرد یاد شده است. رشته‌ی اصلیش آثار شاعران قدیم و اصطلاحات و عروض و لغت و غرائب و علوم قرآنی بود. محدثینی چون ابوداود و نسایی در «سنن» خود و ابوبکر بزاز در «مسند» خود و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند بطوری که هر روز دیناری به تصدق می‌داد و هر هفته قرآنی ختم می‌کرد. وی شعر را نیکو می‌سرود. دارای سی و هفت کتاب است که از آن جمله: «اعراب القرآن»؛ «اختلاف المصاحف»؛ «الاضداد»؛ کتاب «المعمرین من العرب»؛ «ما یلحن فیہ العامه»؛ «المقصود و الممدود»؛ «المقاطع و المبادی»؛ «القرآت»؛ «الفصاحه»؛ کتاب «خلق الانسان»؛ «المذکر و الموث»؛ کتاب «الطیر»؛ «الوحوش»؛ «الحشرات»؛ «النبات»؛ «النخله»؛ «الشوق الی الوطن».[۱]

(ع. سیستانی) ابوحاتم سهل بن محمد بن عثمان بن یزید جشمی، عالم لغوی، نحوی و مقرئ (ف. ۲۵۵ ه.ق. / ۸۶۴ م.). او در بصره میزیست و از علوم قرآنی و عروض اطلاع وافی داشت. کتاب سیبویه را نزد اخفش آموخت و از اصمعی و ابویزید انصاری و ابو عبیده معمر بن مثنی روایات بسیار در لغت و اقسام ادب دارد. ابن درید و مبرد شاگرد اویند. او راست: کتاب الشمس و القمر، کتاب فی النحو، کتاب الشوق الی الوطن، کتاب الوصایا، کتاب ما یلحن فیہ العامه، کتاب الطیر، کتاب المذکر و الموث. (سهل) برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۲۱۰/۳)، ایضاح المکنون (۳۵۱، ۳۵۰، ۳۴۲، ۳۲۲، ۳۰۷، ۲۹۲، ۲۹۰، ۲۸۹، ۲۸۵، ۲۶۲/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۴/۱)، تهذیب التهذیب (۲۳۴-۲۳۳/۴)، الجرح و التعذیل (ج ۲، ق ۲۰۴/۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۰۲۲/۸)، روضات الجنات (۹۰-۸۸/۴)، ریحانه (۴۴۴-۴۴۳/۲)، سرآمدان فرهنگ (۱۰۳-۱۰۲/۱)، سیر النبلاء (۲۷۰-۲۶۸/۱۲)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۱۰۰)، کشف الظنون (۱۷۸۱، ۱۵۷۷، ۱۴۶۹، ۱۴۶۶، ۱۴۶۲، ۱۴۵۷، ۱۴۵۴، ۱۴۵۲، ۱۴۴۹، ۱۴۴۶، ۱۴۳۹، ۱۴۳۶، ۱۴۲۹، ۱۴۲۳، ۱۳۸۸، ۱۳۸۷، ۱۳۸۳، ۱۱۸۹، ۱۲۳، ۱۱۵، ۳۳)، الکنی و الألقاب (۴۵-۴۴/۱)، لغت نامه (ذیل / ابوحاتم)، معجم الادباء (۲۶۵-۲۶۳/۱۱)، معجم المؤلفین (۲۸۶-۲۸۵/۴)، وفيات الاعیان (۴۳۳-۴۳۰/۲).

سجستانی، ابوداود سلیمان

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۷۵-۲۰۲ ق)، حافظ، محدث و فقیه اهل سنت. اصل وی از سیستان بود. به دنبال حدیث به گرد شهرها گشت و از خراسانیان و عراقیان و شامیان و جزیریان و مصریان و دیگران پانصد هزار حدیث نوشت و از آن میان چهار هزار و هشتصد حدیث را انتخاب کرد و این مجموعه را کتاب «السنن»، که یکی از «صحاح» ششگانه‌ی اهل سنت است، نام نهاد. وی از سلیمان بن عبدالرحمان دمشقی و احمد بن صالح و ابوالولید طرابلسی و اسحاق بن راهویه و احمد بن حنبل و قتیبه بن سعید بلخی و علی بن مدینی و عبدالرحمان بن مبارک و محمد بن صباح دولابی و علی بن جعد و یحیی بن معین و بسیاری دیگر حدیث شنید. ترمذی و سنایی، صاحبان «صحاح»، و ابوحامد احمد اشعری اصفهانی و احمد بن محمد هروی و حرب بن اسماعیل کرمانی و حسین بن ادریس هروی و عبدالله بن احمد اهوازی و عبدالرحمان بن خلاد رامهرمزی و ابویشر دولابی و محمد بن جعفر فریابی و محمد بن خلف بن مرزبان و ابوعوانه یعقوب اسفراینی و عبدالله بن محمد رازی و بسیاری دیگر از روی روایت کرده‌اند. او در بصره ساکن شد و چندین بار به بغداد رفت و کتاب «السنن» خود را روایت می‌کرد و یک بار آن را بر احمد حنبل عرضه کرد و به تایید وی رساند. ابوداود در بصره درگذشت. از آثارش: «السنن» یا «سنن ابی داود»، در دو جزء؛ «المراسیل»، در حدیث؛ «البعث»؛ «تسمیه الاخوه». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۸۲/۳)، تاریخ بغداد (۵۹-۵۵/۹)، تهذیب التهذیب (۱۵۶-۱۵۳/۴)، الجرح و التعديل (ج ۲، ق ۱۰۲-۱۰۱/۱)، روضات الجنات (۷۸-۷۷/۴)، ریحانه (۹۵-۹۴/۷)، سیر النبلاء (۲۲۱-۲۰۳/۱۳)، طبقات الحفاظ (۲۶۶-۲۶۵)، کشف الظنون (۱۷۳۹، ۱۴۶۲، ۱۴۵۸، ۱۴۲۳، ۱۴۱۸، ۱۴۰۵، ۱۴۰۲، ۱۳۸۷، ۱۰۰۴، ۷۶۰)، الکنی و الالقاب (۶۵-۶۴/۱)، معجم المؤلفین (۲۵۶-۲۵۵/۴)، الوافی بالوفیات (۳۵۴-۳۵۳/۱۵)، وفيات الاعیان (۴۰۵-۴۰۴/۲)، هدیه الاحباب (۱۵).

سجستانی، ابوسلیمان محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۳۹۱-۳۸۰ ق)، فیلسوف، حکیم و عقاید نگار. معروف به سگری و مشهور به منطقی. او به بغداد رفت و در آنجا رحل اقامت افکند و نزد متی بن یونس و امثال او درس خواند و مدتی نیز با یحیی بن عدی به سر برد و از او حکمت و منطق کسب کرد. وی نزد عضدالدوله‌ی دیلمی دومین سلطان آل بویه بسیار محترم بود. ابوسلیمان استاد ابوحيان توحیدی و در ادب و شعر و طب و حکمت مردی مطلع بود، برخی تألیفات او عبارت است از: «صوان الحکمه»؛ «مقاله‌ای در مراتب قوای انسان»؛ «کیفیه الانذارات التی تنذربها النفس مما یحدث فی عالم الکون»؛ «کلام فی المنطق»؛ «تعالیق حکمیه»؛ «مقاله فی الاجرام العلویه طبیعتها طبیعه خامسه»؛ «ملح و نوادر»؛ «اقتصاص طرق الفضائل»؛ «شرح کتاب ارسطو». [۱]

منطقی، محمد بن طاهر بن بهرام سجستانی (سیستانی) منطقی و فیلسوف قرن چهارم (ف. پس از سال ۳۹۱ ه.ق.) وی با عضدالدوله و صمصام‌الدوله معاصر و از اقبال و توجه مرا و وزرای آل بویه برخوردار بوده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۴۱/۷)، بزرگان نامی پارس (۹۴، ۹۲)، تاریخ الحکماء قفطی (۳۱۲، ۳۱۳، ۱۱۹، ۵۳)، تاریخ طب (۶۷۴/۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۲۴)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۱۵۶-۱۴۳)، دایره‌المعارف فارسی (۳۱/۱)، الذریعه (۹۵/۱۵)، ریحانه (۱۴۱/۷)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۴۷۶)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوسلیمان)، معجم المؤلفین (۹۶/۱۰)، الملل و النحل (۳۶۵)، نامه‌ی دانشوران (۲۱۶/۳)، الوافی بالوفیات (۱۶۵/۳).

سحاب، ابوالقاسم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالقاسم سحاب در ۲۰ فروردین سال ۱۲۶۶ شمسی در شهرستان تفرش دیده به جهان گشود. استاد ابوالقاسم سحاب در شهرستان تفرش دیده به جهان گشود. وی تعلیمات مقدماتی خود را در مکتبخانه آغاز نمود، بیش از سه سالی نگذشت که سحاب، علوم عقلی و نقلی را به خوبی آموخت و وارد مدرسه ی آلیانس فرانسه شد. سپس جهت آموختن زبان های خارجه و ریاضیات، شبانه به مدرسه ی اکابر، واقع در گذر پاچنار می رفت. او مدتی را هم در مدرسه ی دارالفنون و در کلاس های شبانه ی آن حاضر شد. سحاب، به جهت حسن شهرت و تدریس در مدرسه ی آلیانس و به سفارش نصیرالدوله، وزیر معارف به مدیریت مدرسه ی نهاوند مأمور شد. پس از مدتی به پیشنهاد علی اکبرخان سروش، رئیس دخانیات ثلاث (ملایر، نهاوند و تویسرکان)، ریاست معارف و اوقاف آن ایالت برای وی پیشنهاد گردید. سحاب بنا به وظیفه ی اداری در شغل منشی گری محاسبات وزارت معارف وارد گشت. همچنین از سوی آن وزارتخانه به عنوان مسئول تحریر تصدیق نامه های مدارس مأمور شده و در پی آن، طی حکم دیگری از طرف آن مرکز، به عضویت در اوقاف درآمد. اندکی بعد، به موجب حکم دیگری در وزارت معارف داخل می گردد. وی معاونت کتابخانه ملی و مدیریت دفتر دانشسرای عالی تهران را نیز برعهده داشته است. سحاب در روز ۲۱ دی ۱۳۳۵ به سرای باقی شتافت. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب: محمدزمان و حوا نام پدر و مادر ابوالقاسم سحاب می باشد. تحصیلات رسمی و حرفه ای: ابوالقاسم سحاب، تعلیمات مقدماتی خود را در مکتبخانه آغاز نمود و علاوه بر آموختن عم جزء، نصاب الصبیان، جامع المقدمات و کتب دیگر از مکتب ملاحسین شاهمیری معروف به کربلایی حسین، در گوشه و کنار با مطالعه ی کتاب های متفرقه، مطالب آنها را به خاطر سپرده و بر معلومات خویش می افزود. در همین اثناء، ابوالقاسم به صلاحدید خانواده، مدتی را نزد مشهدی عبدالرحیم و در مکتب وی واقع در حیاط معین الملکی، متولی باشی ارض اقدس (مشهد) در تفرش به شاگردی پرداخته و نزدیک به یک سال را در همراهی با استاد سپری کرد. آنگاه پس از فراگیری عربی و خط و یادگیری معالم، برای آموختن فقه به مطالعه و مباحثه نزد امام جمعه پرداخته و «شرح لمعه» شهید ثانی را بدین شکل فراگرفت. از این رو، بیش از سه سالی نگذشت که سحاب، علوم عقلی و نقلی را به خوبی آموخت و در علوم اسلامی چنان مسلط شد که مورد مشورت اهل علم و دانش قرار گرفته و با توانایی هرچه تمام تر در مسائل فقهی و اصول بحث و فحص می کرد. سحاب پس از مدتی با راه یافتن به کتابخانه ی سناءالدوله، ضمن بهره مندی از آنها با کتب و مدارک خارجی آشنا شد و در عین حال، از تلاش های خویش در راه تکمیل یافته ها و تحصیلات خود ذره ای نمی کاست و لذا، هم زمان با فراگیری زبان فرانسه، به کامل کردن تحصیلات درس های ادبی و عربی خود مبادرت می ورزد. در این هنگام، وی دریافت که دیگر محیط کوچک تفرش نمی تواند طبع بلندپرواز او را قانع ساخته و خواسته های او را تأمین نماید. از اینرو به تهران آمد و در محضر علمای طراز اول آن شهر، من جمله شیخ علی نوری، شیخ باقر معزالدوله و دانشمندان دیگر، به تکمیل معلومات خود پرداخت. او که در این زمان، به همت سناءالدوله جهت تحصیل به مدرسه ی آلمانی تهران راه یافته بود، بنا به برخی ضوابط قانونی مدرسه از راه یافتن بدان جا محروم گشته و در نتیجه، به اتفاق میرزا حسین خان و اسماعیل خان (پسران دبیرلشکر و سناءالدوله) وارد مدرسه ی آلیانس فرانسه، واقع در خیابان پستخانه شد. آن مدرسه زیر نظر مسیو ویژور فرانسوی اداره می شد و سحاب نیز نزد وی به تکمیل آموخته های زبان فرانسه ی خود اقدام کرد. او پس از چندی درصدد برآمد که برای تحصیل کلام و اصول و فقه، از محضر استاد حاجی

سید عبدالرحیم دماوندی بهره جوید. بنابراین مدتی را نزد استاد به فراگیری و مذاکره در باب شوارق و شرح لمعه پرداخته و سپس، جهت آموختن زبان های خارجه و ریاضیات، شبانه به مدرسه ی اکابر، واقع در گذر پاچنار می رفت. او مدتی را هم در مدرسه ی دارالفنون و در کلاس های شبانه ی آن حاضر شده و از محفل استادانی چون: دکتر محمودخان، دکتر مهدی خان و میرزا غلامحسین خان رهنما و دیگران بهره مند می شد. وی همچنین در کلاس های مزبور، شیمی، طبیعیات و فیزیک را فرا گرفته و در محله ی عرب ها نیز به تحصیل فرانسه، دفترداری و ... مشغول شد. پس از آن، بعد از به پایان رساندن مباحثه شوارق در محضر استاد عبدالرحیم دماوندی، تصمیم می گیرد در طبیعیات جواهر و اعراض وارد شده و یک دوره از این فن را به مباحثه و مطالعه بپردازد. بعد، بر آن می گردد برای ورود به رشته ی فلسفه و حکمت، از وجود عالمانه ی میرزا ابوالقاسم فاضل تفرشی که در آن موقع از برجسته ترین استادان فلسفه تهران بود، بهره جوید. وی در خدمت استاد، ضمن مطالعه ی کلمات مکثیه ی مرحوم فیض و منظومه و اسفار حاجی سبزواری، به فراگیری شواهدالربوبیه ملاصدرا پرداخت. سحاب، زبان انگلیسی را نیز زیر نظر مسیو جاسموس و مسیو ژان دوشن فرانسوی، رئیس مدرسه ی آلیانس تهران فراگرفت. فعالیت های ضمن تحصیل: ابوالقاسم سحاب، علاوه بر عشق فراوان به فراگیری، بهره مندی از هنرهای زمانه از جمله، خوشنویسی را پیشه ی راه خود ساخته بود. به همین جهت در سن پانزده سالگی، عزم خود را برای آموختن هنر مزبور راسخ ساخت و نزد معلمی به نام میرزا عباسقلی به تعلیم خط پرداخت و در اندک مدتی، خود در هنر خطاطی و نوشتن خطوط مختلف نستعلیق، نسخ، ثلث و شکسته نستعلیق مسلط شد. پس از آن در ایام ۱۹ سالگی به تشویق میرزا اسدالله خان، پیشکار فخیم الدوله حاکم کردستان به آموختن زبان عربی روی آورد و مساعی خود را در این راه به کار گرفت. از دیگر توانمندی های سحاب، ذوق و قریحه ی سرشار وی در سرودن اشعار ژرف و علاقه ی فوق العاده به مطالعه و فراگیری سروده های شعرای مشهور بود. وی تحت تأثیر تشویق های میرزا اسماعیل خان دبیر در تفرش، به نوشتن مصنفات و مؤلفات خود همت گماشت. استادان و مربیان: استادان و مربیان ابوالقاسم سحاب عبارت بودند از: ملاحسین شاهمیری، مشهدی عبدالرحیم، میرزا عباسقلی، میرزا موسی خان سناءالدوله، شیخ علی نوری، شیخ باقر معزالدوله، مسیو ویزور، حاجی سید عبدالرحیم دماوندی، دکتر محمودخان، دکتر مهدی خان، میرزا غلامحسین خان رهنما، میرزا ابوالقاسم فاضل تفرشی، مسیو جاسموس، مسیو ژان دوشن، دکتر حسین حجازی و میرزا اسماعیل خان دبیر تفرشی. همسر و فرزندان: معصومه، همسر ابوالقاسم سحاب و مرحوم عباس سحاب، پدر کار توگرافی ایران، عذرا، صغری و بهجت خانم، فرزندان شادروان استاد ابوالقاسم سحاب می باشند. زمان و علت فوت: پس از نزدیک به ۶۰ سال فعالیت علمی و فرهنگی، دست تقدیر بر حیات ابوالقاسم سحاب سایه افکند و در سپیده دم ۲۱ دی ۱۳۳۵ به دیار معبود و سرای باقی شتافت و در مقابل بارگاه حضرت معصومه (س)، کنار حوض به خاک سپرده شد و آیت الله مرعشی نجفی بر جنازه ی او در صحن یادشده نماز خواند. مشاغل و سمت های مورد تصدی: ابوالقاسم سحاب، به جهت حسن شهرت و تدریس در مدرسه ی آلیانس و به سفارش نصیرالدوله، وزیر معارف به مدیریت مدرسه ی نهایت امور و مأمور و برای سروسامان دادن به اوضاع مدارس آن سامان، به آنجا فرستاده شد. استاد در سمت جدید، در نهایت جدیت امور محوله را انجام داد و خدماتش مورد توجه قرار گرفت. از اینرو، به پیشنهاد علی اکبرخان سروش، رئیس دخانیات ثلاث (ملایر، نهاوند و توپسرکان)، ریاست معارف و اوقاف آن ایالت برای وی پیشنهاد گردید که در تاریخ ۲۸ ثور ۱۳۳۸ قمری، حکم مزبور از طرف وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه برای او صادر شد. سحاب در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۰۶ از سوی وزارت معارف و اوقاف به سمت عضویت در هیئت ممتحنه ی مدارس ابتدایی مرکز انتخاب و اندکی بعد، به همان سمت در مدرسه ی دارالفنون منصوب گردیده و در پی آن، امتحانات شاگردان مدارس ابتدایی آن را برگزار می کند. سپس در ۸ فروردین ۱۳۰۷ به وظیفه ی اداری در شغل منشی گری محاسبات وزارت معارف وارد گشته و به موجب اخطار رسمی کابینه، این وزارتخانه در تاریخ ۲۹ خرداد ۱۳۰۷ جهت تهیه ی سواد نظامنامه ی شورای عالی معارف دعوت می شود. اما به جهت کثرت کار اداری و موانع زیاد از

حضور به آن شورا خودداری می‌کند. همچنین استاد در اول مهر ۱۳۰۷ از سوی آن وزارتخانه به عنوان مسئول تحریر تصدیق نامه های مدارس مأمور شده و در پی آن، طی حکم دیگری از طرف آن مرکز، به عضویت در اوقاف درمی‌آید. یک سال بعد، در ۱۹ فروردین ۱۳۰۹ به موجب حکم رئیس محاسبات وزارت معارف و اوقاف، از شغل منشی گری پاکنویس آن اداره به سمت مدیریت ارتقاء یافته و مدیریت آرشیو این وزارتخانه به وی واگذار می‌شود. اندکی بعد، به موجب حکم دیگری در تاریخ ۴ مهر ۱۳۱۰ در وزارت معارف داخل می‌گردد. وی در سال ۱۳۱۷، معاونت کتابخانه ملی و در سال ۱۳۲۳، مدیریت دفتر دانشسرای عالی تهران را نیز برعهده داشته است. فعالیت‌های آموزشی: ابوالقاسم سحاب، به هنگام حضور در مکتب نخستین استاد خویش، ملاحسین شاهمیری، به علت توانایی های فوق العاده علمی و درسی خود و نیز به پیشنهاد مشارالیه، امر تدریس برخی از نوآموزان کلاس را برعهده گرفت. او اگرچه در ازای آموزش کودکان مکتب، از دادن شهریه معاف بود، اما پرداختن به این مهم، در واقع نخستین دل مشغولی و شغل وی را نیز تشکیل می‌داد و بر این اساس بود که از همان زمان، او لذت توأمان دانش آموزی و معلمی را چشید و تا آخرین روزهای زندگی نیز در تداوم آن تلاش می‌کرد. به علاوه، پس از تسلط وی به علوم عقلی و نقلی و همچنین فقه، اصول و کلام، تفسیر و حکمت در مدتی کوتاه، کار تدریس خصوصی بسیاری از فرزندان خانواده های تفرشی نیز به او واگذار شد. در رمضان سال ۱۳۲۶ قمری، به واسطه اقدامات محمدعلی شاه و دستگیری مشروطه طلبان و حاکم شدن استبداد صغیر، پسرهای میرزا محمدخان دبیرلشکر (میرزا عیسی خان دبیرلشکر و میرزا موسی خان سناءالدوله) که از مشروطه طلبان تهران بودند، به ناچار به تفرش برگشته و در این زمان، سناءالدوله امر آموزش فرزندان خود و یکی از پسران دبیرلشکر را به سحاب که در این هنگام ۲۲ سال داشت، واگذار می‌نماید. شخصیت فرهیخته دبیرلشکر و سناءالدوله از یک سو و توانمندی های فوق العاده ی سحاب از طرف دیگر، سبب شد تا وی زیر نظر سناءالدوله به فراگیری زبان های اروپایی و به ویژه، زبان فرانسه و نیز آموختن علوم جدید و حساب و جغرافیا و ... همت بگمارد و در مدتی کوتاه چنان پیشرفت کند که خود به معلمی توانا جهت متعلمین خود مبدل گردد. در این زمان، پس از ورود به مدرسه ی آلیانس فرانسه، هم زمان با تحصیل نزد مسیو ویژور، به تدریس در آن نیز مشغول بود. هم زمان، بر آن می‌گردد با تشکیل دبستانی در خیابان فرمانفرما، شغل رسمی خود را معلمی قرار داده و از این راه نسبت به تأمین معاش خود اقدام نماید. اندکی بعد و هم زمان با به پایان رسیدن جنگ جهانی اول در سال ۱۲۹۷ شمسی (۱۹۱۸ م.) به جهت تصمیم دولت مبنی بر خریداری کردن مدارس ملی و تبدیل آنها به مدارس ابتدایی مجانی و متوسطه ی غیرمجانی، به ناچار از تدریس در ساعات بعدازظهر مدرسه ی سیروس که در این زمان تحت ریاست میرزا محسن خان قریب اداره می‌شد، صرف نظر کرده و بر میزان همکاری خود با مدرسه ی آلیانس افزود. طولی نکشید که به واسطه ی حسن اداره کردن کلاس، مسیو ویژور تدریس در کلاس نهم را نیز از وی خواستار شد. در این هنگام بود که به جهت بازدید نصیرالدوله، وزیر معارف از مدرسه ی مزبور، باب مراوده و آشنایی با وی گشوده شد؛ بعدها به آموزش در مدرسه ی تدین می‌پردازد و در پی آن به سفارش نصیرالدوله به مدیریت مدرسه ی نهانده مأمور و برای سروسامان دادن به اوضاع مدارس آن سرزمین به آنجا فرستاده شد. پس از بازگشت از سفر نهانده، در مدارس آن روز تهران از جمله مدرسه ی شرف، مدرسه ی ایران، مدرسه ی سیروس و کمالیه به آموزش دانش آموزان مشغول شد. استاد در فروردین ۱۳۰۶ به جهت تعلیق عبدالله خان مرندی، به جای ایشان به آموزش در مدرسه ی کمالیه می‌پردازد. [سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: ابوالقاسم سحاب، ضمن ادامه ی تدریس در مدارس تهران، به نگارش مقالات فراوانی برای بسیاری از نشریات آن روز همچون طوفان هفتگی، تهران، ستاره جهان، شفق سرخ، قانون، تجدد ایران، جبل‌المتین کلکته، رستاخیز، عصر گلشن، تهران، مجله ی تعلیم و تربیت و مطبوعات دیگر ادامه داد. وی از بهار سال ۱۳۰۵ به جهت عدم همراهی اولیای وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه و اختلال در امور آن، مبادرت به همکاری با مطبوعاتی نظیر: گلشن، اقدام و شفق کرده و ضمن تهیه ی خبر و ترجمه ی مطالب آنها، امور معیشتی و زندگی خویش را بدین

شکل تأمین می‌کند. در همین رابطه، علاوه بر نوشتن مقالات و ترجمه‌ی خبرهای روزنامه‌ی ترقی، از مرداد همان سال با روزنامه‌های اطلاعات، فرخی و طوفان نیز همکاری می‌کند. وی مدیریت داخلی مجله‌ی علم و تربیت را نیز برعهده داشت. در عین حال، به همراهی شیخ عبدالعزیز جواهرالکلامی به جمع‌آوری و استنساخ مجموعه‌ای راجب به کتابخانه‌های ایران اقدام می‌ورزد. به علاوه، در ادامه‌ی بی‌مساعدتی‌های وزارت معارف، جهت گذراندن زندگی در امر کسب‌وکار می‌گردد. جوائز و نشانها: ابوالقاسم سبحان، نظر به مراتب لیاقت و کاردانی خود، در ۲۶ آذر ۱۳۱۹ و ۱۴ اردیبهشت ۱۳۲۳ از سوی وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، به دریافت دو قطعه نشان علمی درجه‌ی یک و دو نائل گردید. آثار: استنساخ «نخبه التواریخ» میرزا اسماعیل خان دبیر تفرشی، تاریخ خجسته و یژگی اثر: این مجموعه، حاوی اطلاعات پرباری درباره‌ی شرایط اجتماعی و اقتصادی سال‌های اول سده‌ی ۱۴ هجری شمسی و به ویژه، دهه‌های اول سلطنت خانواده‌ی پهلوی است. ۳. درباره‌ی وزارت معارف ایران و یژگی اثر: در این مجموعه، شرح حال و اقدامات و آثار ۴۳ نفر از وزرای معارف ایران تهیه و ضبط شده که می‌تواند به عنوان مرجع مناسبی مورد استفاده قرار گیرد. ۴. زندگی حضرت امام حسن عسگری (ع)، زندگی حضرت امام علی النقی (ع)، زندگی حضرت سیدالشهدا (ع)، فلسفه و اسرار حج، مشارکت در تدوین و تنظیم «دیوان دبیر تفرشی»

منابع زندگینامه: روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۴ اسفند ۱۳۷۹، صص ۲-۴

سحر خوان، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد سحرخوان

محل تولد: کاشان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد سحرخوان در سال ۱۳۴۱ در خانواده‌ی مذهبی در کاشان به دنیا آمدم بعد از تحصیلات ابتدایی و راهنمایی به خاطر جو مذهبی خانواده و شرکت در جلسات مذهبی در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه مرحوم آیت الله بشری شدم. دروس مقدمات ج اول و اصول فقه و لمعه را در کاشان نزد اساتید بزرگوار خواندم و در سال ۵۸ وارد حوزه علمیه قم شدم. در سال ۶۰ با خانواده‌ای محترم از سادات ازدواج کردم که ثمره ازدواج یک پسر و دو دختر می‌باشد که مشغول تحصیلات حوزوی می‌باشند همزمان با شروع جنگ در حد توان در جبهه حضور پیدا کردم و بیشترین برنامه تبلیغی اینجانب همکاری با حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه بوده است و مدت یکسال به عنوان مسئول حوزه نمایندگی گچساران مشغول بوده ام از سال ۱۳۷۰ در دوره سوم تخصصی تفسیر شرکت کرده و در سال ۷۴ به پایان رسید و در سال ۷۶ تاکنون با مرکز فرهنگ و معارف قران در گروه دائرةالمعارف‌ها به عنوان محقق و دبیر گروه همکاری می‌کنم و در سال ۸۲ با مرکز تحقیقاتی اسراء همکاری علمی دارم. دروس فقه و اصول را از اساتید بزرگوار آیت الله سید علی محقق داماد، آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله تبریزی، آیت الله معرفت و آیت الله سبحانی و آیت الله وحید خراسانی بهره مند شده ام. خداوند انشاء الله به ما توفیق بیشتر عنایت فرماید و اساتید بزرگوار را خیر عنایت فرماید و از ما

راضی نگه دارد.

سخنور، جلال

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۲، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه مشهد در سال ۱۳۴۸، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه لندن در

سال ۱۳۵۱، دکترای زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه لیل در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

تدریس دروس تخصصی ادبیات انگلیسی در دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۵۴، دانشیار دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان و ادبیات انگلیسی، طرح هنر نمایش.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

ادبیات نمایشی، فنون و صناعات ادبی و نقد ادبی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

نظریه پردازی در ترجمه، نقد ادبی، نمایش و تاریخ ادبیات انگلیسی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سدهی اصفهانی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۵۸ ق)، عالم دینی، منجم، ریاضیدان، ادیب و شاعر، متخلص به ضیائی. معروف به حاج آقا بزرگ. نسبش به محمد دیباج،

فرزند امام جعفر صادق (ع) می‌رسد. وی شاگرد سید میرزا محمد هاشم چهار سوقی و آقا نجفی و جمعی دیگر از علما بود. علاوه بر

فقه و اصول در حکمت و نجوم و ریاضیات و طب و علوم غریبه تبحر داشت. شعر را نیز نیکو می‌سرود. او امام جمعه‌ی سده اصفهان بود. در سن نود و چهار سالگی درگذشت و در انتهای شبستان مسجد جامع فروشان سده دفن شد. از او آثاری در علوم گوناگون باقی مانده، و در «اخلاق» و «تقلید» و «فقه» و «معاملات» و «طب» و «ختوم و ادعیه» و «مقتل» رساله‌هایی دارد. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره القبور (۴۳۸-۴۳۷)، ریحانه (۴۵۴-۴۵۳/۲)، گنجینه‌ی دانشمندان طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۱۵۴۱).

سدید قمی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم ق)، شاعر و طبیب. وی همانند پدرش در دو دانش طب و شاعری سررشته داشت پدر او نیز طبیب مشهوری بود و کتابی در این فن به نام «نجم اللثالی» تالیف کرده است. سدید در سرودن شعر توانا بود و به شیوه‌ی عرفی شیرازی شعر می‌سرود. در مشهد درگذشت و همان جا دفن شد.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی روز روشن (۳۵۰)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۰)، الذریعه (۲۶۲-۲۶۱/۹).

سدیدالدین، ابومحمد

قرن: ۱۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابومحمد بن الحسن بن داود القمی بنابر نقل شیخ منتجب‌الدین در ص ۱۶ فهرست مردی فاضل و قاضی بوده ولی ضبط آن چنین است ابومحمد الحسن بن قادر (ما) مادر.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

سدیدالسلطنه‌ی کبابی، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۳۲۰-۱۲۵۰ ش)، مورخ، نویسنده و شاعر، متخلص به عاری. وی در بغداد متولد شد، پس از کسب علوم مقدماتی در بوشهر، وارد خدمات دولتی شد و بیشتر دوران خدمت خود را در نواحی خلیج فارس گذراند. در دوره‌ی تحصیل سیوطی را نزد آقا سید جواد مجتهد یزدی و جامع المقدمات را نزد حاج شیخ محمد امام جمعه و علوم ادبی را نزد میرزا حسین اهرمی متخلص به معتقد و ملا حسن کبکانی متخلص به محمود و کلیات محمود جدید را نزد سید جمال‌الدین اسدآبادی آموخت. او چندین کتاب با تحقیق و تتبع فراوان تالیف کرده که اکثراً درباره‌ی خلیج فارس، جزایر، بنادر و زندگی ساکنین آن حدود است. از آثار اوست: «اعلام الناس

فی تاریخ بندرعباس؛ «التدقیق فی سیر الطریق»؛ «احوال اهرم و تنگستان»؛ «احوال خوانین و عشایر قشقای»؛ «احوال شیوخ بندر لنگه»؛ «مفاتیح الادب فی تواریخ العرب»؛ «شقایق النعمان فی احوال العمان»؛ «ضمیمه اللطیفه»؛ «المناص فی احوال الغوص و الغواص» و «دیوان اشعار».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۶۳-۵۵۵/۳)، الذریعه (۲۴/۳۳۰)، شرح حال رجال (۲۴۴-۲۴۳/۶)، فرهنگ سخنوران (۶۰۷)، فهرست‌واره‌ی کتابهای فارسی (۱۷۱-۱۷۰، ۷۱/۱)، مرآت الفصاحه (۳۹۵-۳۹۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۱۰/۴-۴۱۹/۱).

سدیقی، منوچهر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای پوستی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی از دانشگاه علوم پزشکی اهواز در سال ۱۳۴۸، گذراندن دوره تخصصی داخلی در رشته بیماریهای پوست، دریافت دیپلم دکترا از دانشگاه لندن و لیورپول انگلستان، طی دوره آسیب‌شناسی پوست از دانشگاه میشیگان آمریکا و دوره بیماری جدام در شهر کارویل آمریکا.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز، تربیت بیش از ۲۰ پزشک متخصص پوست در دانشگاه علوم پزشکی شیراز. زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی ارتباط HIA با بیماری لیکن پلان-فامیلی، بیماریهای قارچی و اثرات Nizoral Itriconazol KetoKonazol و Sporanex، تحقیق در مورد بیماری Melagenina، بررسی مصرف DNCB در درمان بیماریهای ویروسی و اتوایمون، بررسی سالک و درمانهای مختلف، طرح ریشه‌کنی سالک، استاد راهنمای ۱۶ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

بیماریهای قارچی، سالک، بیماریهای اتوایمون، آسیب‌شناسی سالک و سالک چشمی، ارتباط HLA با بیماری لیکن پلان، مصرف مترونیدارول در سالک و عوارض جلدی در طی جنگ در ارتباط با بمب‌های شیمیائی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱، تعداد مقالات به زبان خارجی: متعدد.

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای قارچی، ارتباط HLA و بیماریهای اتوایمیون، تحقیق درباره اثر Nizoral و بیماری قارچی، سالک، درمان زگیل با DNCB، عوارض گازهای شیمیایی و ضایعات جلدی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

سراب تنکابنی، محمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۱۲۴ - ۱۰۴۰ ق)، فقیه، اصولی، فیلسوف و متکلم امامی. معروف به فاضل سراب. وی با شیخ جعفر قاضی معاصر بود و در محضر علامه‌ی مجلسی و محقق خوانساری تلمذ کرد. او از شاگردان محقق سبزواری در فقه بود. از استادانش مجلسی و سبزواری اجازه‌ی روایت داشت. ملا محمدعلی استرآبادی و شیخ علی عاملی، نوه‌ی شهید ثانی، نیز به وی اجازه دادند. فرزندانش ملا محمد صادق و ملا محمدرضا و همچنین ملا محمد شفیع لاهیجی و سید محم صادق حسینی و شیخ زین‌الدین خوانساری از وی اجازه‌ی روایت کسب کردند. در اصفهان از دنیا رفت و در محل خاجو در اول تخت پولاد دفن شد. از آثارش: «اثبات الصانع القدیم بالبرهان القاطع القویم»؛ «اثبات الواجب»؛ «سفینه النجاه»، در کلام؛ حاشیه بر «شرح لمعه»؛ رساله‌ی «الاجماع»؛ «حجیه الاخبار»؛ چهار رساله در «وجوب الجمعة»؛ «ضیاء القلوب»، در امامت؛ حاشیه بر «مدارک الاحکام»، حاشیه بر «معالم الاصول»؛ حاشیه بر «ذخیره المعاد» محقق سبزواری؛ حاشیه بر «آیات الاحکام» اردبیلی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۸۱/۹)، ایضاح المکنون (۲۴/۱)، تذکره القبور (۴۵۵ - ۴۵۴)، تلامذه العلامه المجلسی (۶۶)، الذریعه (۲۰۳/۱۲)، ۲۶۹/۶، ۹۶/۱، روضات الجنات (۱۰۴ - ۱۰۱ / ۷)، ریحانه (۵/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۷۳ - ۶۷۱ / ۱۲)، فوائد الرضویه (۵۵۳ - ۵۵۰)، معجم المؤلفین (۱۸۰/۱۰)، هدیه العارفین (۳۱۲/۲).

سرابی مجتهدی، عبدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالله بن العلامه العلام آیه الله حاج میرزا علی اکبر مجتهد سرابی از علماء بنام معاصر تبریز است که سالها در حوزه علمیه قم از محضر اساتید استفاده کرده و پس از پایان تحصیلات مراجعت به تبریز و به امامت جماعت و تدریس و سایر خدمات دینی و اجتماعی پرداخته است.

معظم له نسبا عرب می‌باشند که از نجف اشرف مهاجرت به زنجان نموده و تشکیل خانواده در شهر زنجان داده و یکی از آنها مهاجرت به تبریز نموده و در آنجا رحل اقامت افکنده و آثار خیریه از خود باقی گذارده‌اند.

وی از طرف مادر سبط مرحوم آیه الله حاج میرزا باقر آقا مجتهد رئیس مطلق تبریز بوده بعد از برادر بزرگش حاج میرزا جواد آقا و نیز بعد از ایشان ریاست مطلقه تبریز با فرزند بزرگ حاج میرزا باقر آقا مرحوم آیه الله حاج میرزا حسن آقا مستقر گشته و آن مرحوم در انقلاب مشروطیت چند سال بسراب مسافرت نموده و بعدا دو مرتبه به تبریز مراجعت نموده‌اند.

ایشان سطح را در تبریز پیش اساتید بزرگ خوانده و در اواخر سال ۱۳۴۴ قمری مهاجرت به قم نموده و سطوح را خدمت مرحوم آیه الله خونساری و آیه الله حاج سید احمد خونساری و مرحوم آیه الله میرزا محمد همدانی تلمذ نموده و بدرس خارج آیه الله حایری شرکت و مدت شش سال از محضر آن مرحوم استفاده کرده و به اجازه اجتهاد نائل و مدتی هم از محضر مرحوم آیه الله حجت کوهکمری کسب فیض نموده و پس از آن مسافرت به نجف اشرف کرده و مقداری از محضر آیه الله العظمی اصفهانی بهره‌مند و به دریافت اجازه اجتهاد از آن حضرت مفتخر و مراجعت به تبریز نموده و تا هم اکنون در آنجا به انجام وظائف دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سراج ثقفی نیشابوری، ابوالعباس محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۱۳- ۲۱۶ ق)، حافظ و محدث. او شیخ الاسلام و محدث خراسان بود. از دانشمندان بسیاری حدیث شنید که از آن جمله اسحاق بن راهویه و قتیبه بن سعید و محمد بن حمید رازی و محمد بن ابان بلخی و احمد بن سعید دارمی و محمد بن اسماعیل ترمذی و بسیاری دیگر از اهل خراسان و بغداد و کوفه و بصره و حجاز می‌باشند. او هفتاد هزار سماله از مالک نقل کرده و در جزوه‌هایی نگاشته بود. محمد بن اسماعیل بخاری و مسلم بن حجاج نیشابوری و ابوحاتم رازی و ابوعلی نیشابوری و ابوحاتم بستی و ابراهیم بن عبدالله اصفهانی و ابواحمد حاکم نیشابوری و حسینک بن علی تمیمی و خلیل سجزی و سهل بن شارزویه و احمد بن محمد بن بالویه و بسیاری دیگر از وی حدیث روایت کردند. خطیب بغدادی او را محدثی ثقه و مورد اعتماد توصیف کرده است. از آثار وی: «المسند»، در چهارده جزء؛ «التاریخ»؛ «کتاب الاخبار» و «کتاب الاشعار».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۵۳/۶)، تاریخ بغداد (۲۵۲- ۲۴۸/۱)، الجرح و التعديل (ج ۳، ق ۱۹۶/۲)، سیر النبلاء (۳۹۸- ۳۸۸/۱۴)، طبقات الحفاظ (۳۱۴)، فهرست لابن الندیم (۲۲۰)، الوفاى بالوفیات (۱۸۸- ۱۸۷/۲).

سراج ثقفی نیشابوری، ابو محمد اسماعیل

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۹۳/۲۸۶ ق)، محدث. وی برادر شیخ الاسلام، محدث خراسان محمد بن اسحاق، است. او و برادرش مدتی ساکن بغداد بودند. اسماعیل از یحیی بن یحیی و احمد بن حنبل و عده‌ای دیگر روایت کرده است. وی ملازم احمد بن حنبل بود. دعلج و ابن قانع و ابوبکر صبغی و اسحاق و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. دارقطنی او را موثق و مورد اعتماد توصیف کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۴۹۰/۱۳).

سراج، محمدابراهیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدابراهیم سراج

محل تولد: فیروز کوه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدابراهیم سراج در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه امام صادق (ع) شهرستان دماوند شدم. پس از گذراندن دروس مقدمات در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح را گذراندم و در سال ۱۳۷۲ به تحصیل دوره خارج حوزه پرداختم و از دانش حضرات آیات، مکارم شیرازی، وحید خراسانی، فاضل لنکرانی (ره) و برخی اعظم دیگر بهره‌مند شدم. در کنار تحصیلات حوزوی و تألیف کتب، به تدریس علوم اسلامی در دانشگاه نیز مشغول شده‌ام که به لطف خداوند با ارتباط نیکویی که با دانشجویان برقرار نمودم، توفیق انتقال مفاهیم ناب دینی و رفع شبهات از آنها را یافته‌ام که اکنون نیز این ارتباط تداوم دارد. لازم به ذکر است که در خلال تدریس در دانشگاه، موفق به نگارش مقالات متعددی شده‌ام از جمله: آفاتی که جوانان را تهدید می‌کند، پیامبر اکرم (ص) از دیدگاه اندیشمندان غیرمسلمان، شناخت صهیونیزم، انسان شناسی، استقامت در سیره پیامبر اعظم (ع)، که مقاله اخیر را برای یکی از همایش‌ها ارسال نموده‌ام که حائز رتبه گردید و از مقالات منتخب محسوب شد. امیدوارم خداوند متعال توفیقات خویش را بر این حقیر و همه ره‌پویان راه علم و ایمان افزون فرماید.

سراقی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی سراقی

محل تولد: نهاوند

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

با اتمام تحصیلات دوره راهنمایی در زادگاهم در سال ۱۳۶۴ به هنرستان فنی نهاوند رفتم ولی در سال دوم تصمیم به شرکت در

امتحانات حوزه علمیه گرفتم و یک سال در نهایند به تحصیل پرداخته و سال بعد به عنوان مبتدی در امتحانات ورودی قم شرکت نموده و توفیق نصیب شد تا در حوزه علمیه قم حضور پیدا کنم. البته سالهای بعد به صورت متفرقه دروس دبیرستانی در رشته ادبیات فارسی را گذراندم و پس از اتمام دروس سطح در امتحانات ورودی موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) شرکت نموده و در رشته علوم قرآنی قبول گردیدم که مدت چهار سال دوران کارشناسی این رشته را طی نمودم. لازم به ذکر است که در این مدت در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات مکارم شیرازی، وحید خراسانی، صالحی مازندرانی و تبریزی شرکت نموده ام.

سراوندی، یاسمینه

قرن: ۵

جنسیت: زن

ملیت: ایران

(سراوند از روستاهای همدان)، ۵۰۲ ق، از زنان عالم، فاضل و مفسر. صلاح‌الدین صفدی در عنوان النصر فی اعیان‌العصر، سلوک و علم و دانش او را ستوده و می‌نویسد که زنان را اندرز و موعظه می‌کرد و درس تفسیر می‌داد. سپس به سفر حج رفت و پس از بازگشت انزوا گزید.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منابع: خیرات حسان، ۱۵۱ / ۳؛ عنوان النصر فی اعیان‌العصر.

سرایی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۲۹ ق)، فقیه و مجتهد. وی در قریه‌ی سرای تبریز در خانواده‌ای باتقوا و معنوی به دنیا آمد. در ۱۳۴۳ ق برای تحصیل به تبریز رفت و مقدمات علوم را از محضر اساتید آنجا فراگرفت. سپس به قم رفت و نزد مدرسین بزرگ آنجا همچون آیت‌الله نجفی مرعشی و آیت‌الله لنکرانی و آقا شیخ جواد تبریزی و دیگران به فراگیری علم و تکمیل آن پرداخت. آنگاه به نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر آیت‌الله آقا میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله حکیم و آیت‌الله سید محمود شاهرودی و آیت‌الله آقا میرزا باقر زنجان‌ی بهره‌ها برد تا به مدارج عالی علمی و اجتهاد دست یافت و از آیات مذکور اجازه اجتهاد گرفت. پس از بازگشت به وطن، به تدریس و ترویج دین و تبلیغ احکام پرداخت. از کارها و آثار ارزنده‌ی وی بنای منازل برای علماء و اهل علم؛ و احداث حمام برای روستاهای محروم؛ و همچنین بحث، مناظره و مجادله حسنه با منحرفین اعتقادی؛ و مسافرت به ممالک مختلف اسلامی برای تبلیغ و ارشاد؛ و تربیت مبلغ و طلاب علوم دینی را می‌توان نام برد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: گنجینه‌ی دانشمندان (۳۱۷-۳۱۵ / ۳).

سرای، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد سرائی ابن المرحوم حاج محمد رضا از مشاهیر علماء و اعظام دانشمندان معاصر تبریز است. وی در سال ۱۳۲۹ ق در قریه سرای از مضافات تبریز در یکی از خانواده‌های با تقوا و معنویت بدنیا آمده و بنابر اقرار والد ماجده‌اش در سراسر دوران شیرخوارگی او را با طهارت و وضو شیر داده و در پرورش وی سعی بلیغ نموده و در سال ۱۳۴۳ ق برای تحصیل به شهرستان تبریز آمده و مقدمات علوم را در محضر اساتید ارجمند فراگرفته سپس به قم مشرف شده و علوم و فنون مختلفه را از مدرسین بزرگ حوزه علمیه مانند حضرت آیه الله العظمی آقای نجفی مرعشی و آیه الله لنکرانی و مرحوم آقا شیخ جواد تبریزی فرزند آیه الله آقا میرزا صادق آقا و دیگران استفاده نموده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف کرده و از محاضر آیات عظام حوزه نجف چون مرحوم آیت الله العظمی آقا میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت الله العظمی حکیم و آیت الله العظمی آقا سید محمود شاهرودی و آیت الله آقا میرزا باقر زنجانی بهره‌مند شده تا به مدارج عالی علم و کمال و اجتهاد ارتقاء یافته و از آیات مذکوره نائل باخذ اجازه اجتهاد گردیده پس از آن مراجعت به وطن و بنابر اصرار بسیاری از مردم متدین تبریز اقامت در دارالایمان تبریز نموده و به خدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تدریس علوم پرداخته و بحمد الله تاکنون موفق به خدمات مذکوره می‌باشد. آثار معظم له از این قرار است:

- ۱- تربیت مبلغ و طلاب علوم دینی و تکفل مخارج ضروری عده‌ای از آنان که تربیت شدگان مکتب ایشان از روحانیون فعال و خدمتگزار در نقاط مختلف آذربایجان و غیره می‌باشند.
 - ۲- دو فرزند برومند و فاضل معظم له بنام: ۱- آقا میرزا عبدالرحیم ۲- آقا شیخ اسحق سرائی داماد آیت الله باقری بنابی که در حوزه علمیه قم بتدریس متون فقه و اصول اشتغال دارند.
 - ۳- مسافرت به ممالک مختلف اسلامی برای تبلیغ و ارشاد بالاخص مکه معظمه که چندین بار رهبری مردم تبریز را داشته و خالصا تعلیم مناسک حج را نموده‌اند.
 - ۴- بناء منازلی برای علماء و اهل علم که در اثر تبلیغات و فعالیت‌های ایشان انجام یافته است.
 - ۵- نجات بسیاری از مردم مستمند و بینوا در زمان قحطی که بامر مرحوم آیه الله العظمی اصفهانی در شهرستان هریس انبار بیت المال تشکیل داده و حقوق واجبه ثروتمندان را از قبیل: زکوه، رد مظالم و غیره در آن جمع و بین بیچارگان و فقراء تقسیم و بدین وسیله آنان را از خطر مرگ و هلاکت بحول و قوه الهی مصونیت دادند.
 - ۶- بناء و تأسیس حمام در چندین قریه و آبادی که فاقد حمام بود و مردم نمی‌توانستند وظائف تطهیر خود را انجام دهند و همچنین لوله کشی و اجراء نهر آب در بعضی از آبادیهای اطراف تبریز و سرای.
 - ۷- شهریه بطلاب و محصلین آذربایجانی حوزه علمیه قم که چند سالی موفق باین خدمت بودند.
 - ۸- مبارزه با وهابیه و منحرفین دیگر و مجادله حسنه با آنها که موجب ارشاد و هدایت عده‌ای از آنها شدند.
- نگارنده گوید: آن طوری که از دانشمندان متدین و بی غرض تبریز و غیره شنیدم آیت الله سرائی دانشمندی خدوم و متقی و پارسا و موصوف بفضل و کمال و معنویت می‌باشد و در میان مردم آذربایجان و بالاخص تبریز و محل خود محبوبیت خاصی دارند، از خداوند بزرگ توفیق و عزت این گونه افراد خدمتگزار روحانی حقیقی را مسئلت می‌نمایم.
- برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غلامرضا سرآبادانی

محل تولد: تفرش

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب غلامرضا سرآبادانی دیپلم ریاضی و فیزیک را که مصادف با سالهای اولیه انقلاب شکوهمند اسلامی بود در سال ۱۳۵۹ در شهرستان تفرش و از دبیرستان شهید مطهری اخذ کردم. به رغم علاقه و توجهی که به شرکت در کنکور داشتم، به علت تعطیل شدن دانشگاهها به منظور تحقق انقلاب فرهنگی، نتوانستم به دانشگاه بروم. سپس به جهت علاقه وافر به تحصیل علم و دانش اندوزی و بخصوص علوم حوزوی، مارا به سمت حوزه کشاند در پائیز سال ۱۳۶۱ رسماً دروس حوزی را در مدرسه علمیه صاحب الامر آشتیان آغاز کردم. دروس مقدماتی و مقداری از فقه و اصول را نیز در آشتیان گذراندم. سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شده و در دروس اساتید معروف آن زمان قم در دروس سطح شرکت کردم و نهایتاً در سال ۱۳۶۹ دروس سطح را به اتمام رساندم. در زمان جنگ نیز با همکاری با سازمانهای مربوطه و به منظور انجام وظیفه تبلیغی افتخار حضور در جبهه را نیز پیدا کردم. در اواخر جنگ همکاری خود را با نمایندگان ولی فقیه در سپاه و معاونت جذب روحانیون آغاز کرده و این همکاری طی سالهای متمادی بعد از جنگ نیز ادامه یافته و مأموریتهای تبلیغی در مناطق غرب و جنوب و سایر مکانها داشته ام. در عین حال از سال ۱۳۶۹ دروس دانشگاهی رانیز در رشته اقتصاد شروع کردم.

دوره های تحقیقاتی نگرش اسلام به فعالیت های بازار بورس اوراق بهادار که در دانشگاه مفید انجام دادم در کنگره دین پژوهان در رشته اقتصاد اسلامی رتبه اول را بدست آورد. در سال ۱۳۸۲ نیز در جشنواره اولین جایزه اقتصاد اسلامی در دانشگاه تربیت مدرس، رتبه سوم را کسب کرد. آخرین طرح تحقیقاتی که انجام دادم با عنوان دولت و تورم بود که در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی انجام دادم که اکنون در دست چاپ است. مقالاتی طی این سالهای تألیف کرده ام که برخی در سمینارها و برخی نیز در مجلات چاپ شده ان در ضمن سابقه تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی رانیز دارم.

سرباز بروجردی، اسماعیل

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۸۹ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به سرباز. اصلش از خرم‌آباد فیلی بود. به مناسبت آن که در بروجرد تولد و تمکن یافت به بروجردی مشهور شد و چون در فوج نظام صاحب منصب بوده، تخلص سرباز را برای خود برگزید. در انواع شعر دست داشت و

دیوانی در مرثی به نام «اسرار الشهاده» از او بازمانده که دو مرتبه در تبریز چاپ شده است، «دیوان» اشعارش قریب پنج هزار بیت است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۷۵۴- ۷۵۳/۱)، الذریعه (۴۶/۲)، ریحانه (۱۰/۳)، سفینه المحمود (۳۷۲/۱)، المآثر و الآثار (۲۰۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۵/۱)، مصطبه‌ی خراب (۷۷-۷۶).

سرباز زاده، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد سرباز زاده

محل تولد: اهر

شهرت

تابعیت: ایران

زندگینامه علمی

اینجانب احمد سرباززاده (اهری) در سال ۱۳۴۸ طلبگی را شروع نمودم. ۱ سال در اهر، ۳ سال در تبریز و از سال ۵۲ به شهر مقدس قم مشرف شدم و در مدرسه حجتیه حجره گرفتم و معمم شدم. از همان تبریز تدریس ادبیات (مقدمات و سیوطی) را شروع کردم و در قم هم توأم با تدریس به دروس اساتید سطح، آقایان: آیت الله اعتمادی، اشتهاوردی و صلواتی و در منظومه، آقایان: احمد بهشتی و محمدی گیلانی و درس خارج آقایان: آیت الله کوبی و شیخ جواد تبریزی و شیخ کاظم تبریزی و آیت الله سید محمد روحانی و ... مشغول شدم.

همیشه مشغول تدریس همه دروس سطح ولو خصوصی بودم. چند سال در جامعه الزهراء تدریس نمودم و چند سال در مدرسه مرعشیه و مدرسه آیت الله گلپایگانی.

از سال ۶۰ و ۶۱ توأم با کارهای قبلی تحقیقات را شروع نمودم. حدود ۶ سال در موسسه دایره المعارف شیعه ۲۰۰ اثر لغوی و فقهی اصطلاحات فقهی را بین ۳ صفحه ای الی ۱۲ و ۱۵ صفحه ای تحقیق نمودم که در اوائل بحوث فقهی کتاب نفیس دائرة المعارف شیعه درج و چاپ می شود.

سرخسی ابوالعباس، احمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۸۶ ق)، فیلسوف، حکیم، عالم، ادیب و شاعر. معروف به ابن الفرائقی. از درخشانترین چهره‌های حکمت و از بهترین شاگردان اسحاق کندی، فیلسوف نامدار عرب بود. وی در علوم مختلف فلسفه ریاضیات، نجوم، طب، موسیقی، منطق و کیمیا و

جغرافیا و تاریخ، حدیث و شریعت، دارای فرهنگ و آگاهی ژرف بود. سرخسی در اول کار معلم معتضد، شانزدهمین خلیفه‌ی عباسی بود. لیکن، علی رغم این که معلم معتضد و رفیق و مشاور او بود، طولی نکشید که به اتهام الحاد کار به قتل سرخسی انجامید و نیز گفته شده که وی در اثر بی دقتی و سبکسری معتضد کشته شد. در علم نحو و شعر نیز یگانه بود. از احمد برقی روایت کرد و احمد بن اسحاق ملحمی و محمد بن ابی‌هراز از او روایت کرده‌اند. ابن ابی‌اصیبه متجاوز از ۵۰ کتاب و رساله از او نام می‌برد که از آن جمله است: «ادب النفس»؛ «موسیقی الکبیر»؛ «المدخل فی الطب»؛ «اختصار کتاب باری ارمیناس»؛ «اختصار کتاب انالوطیقاالاولی»؛ «اختصار کتاب آنالوطیقاالثانیة»؛ «کتاب النفس»؛ «کتاب الاغشاش و صناعة الحسبة الکبیر اللهو» و «لهو و ملاهی»؛ «کتاب فی وصایا فیثاغورس»؛ «کتاب نزهة الفکر الساهی»؛ «کتاب السیاسة الصغیر»؛ «کتاب المدخل الی صناعة النجوم»؛ «کتاب المسالک و الممالک»، «النوم و الرویا» و غیره.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۳۳۷)، تاریخ بغداد (۵/ ۱۳۹)، تاریخ الحكماء قفطی (۱۱۱- ۱۱۰)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۶۴- ۶۰)، سیر النبلاء (۴۴۹، ۴۴۸، ۱۳/ ۴۴۸)، فلاسفه شیعه (۱۵۵- ۱۴۹)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (۴۷۳- ۴۷۲)، کشف الظنون (۱۹۴۷، ۱۶۶۴، ۱۶۱۳، ۱۶۴۲، ۱۴۷۰، ۱۴۶۸، ۱۴۶۷، ۱۴۶۵، ۱۴۵۴، ۴۹)، معجم المؤلفین (۲/ ۱۵۷)، الملل و النحل (۳۶۶- ۳۶۵)، الوافی بالوفیات (۸- ۵/ ۷)، مجمع الفصحا (۱/ ۲۱۷)، معجم الادباء (۱۰۲- ۹۸/ ۳)، لسان المیزان (۱۸۲- ۱۸۹/ ۱).

سرخسی، رضی‌الدین، ابو عبدالله

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۷۱ ق)، عالم و فقیه حنفی. ملقب به برهان‌الاسلام یا برهان‌الدین. در سرخس به دنیا آمد. به شام رفت و در حلب ساکن شد و محمود زنگی او را عهده‌دار تدریس در مدرسه حلاویه آنجا کرد. گروهی از فقهای حنفی بر او تعصب ورزیدند و سرانجام به سبب سعایت آنان به دمشق رفت و در همان جا وفات یافت. از آثار وی: «المحیط الرضوی» در فقه، در حدود چهل مجلد؛ سه کتاب به نام «المحیط» که اولی در ده مجلد، و دومی در چهار مجلد، و سومی در دو مجلد، همگی در فروع فقه؛ «الوجیز»، در اصول و فتاوی؛ «الوسیط»؛ «الطریقه الرضویه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۲۴- ۲۲۳/ ۱۰، ۲۵۰- ۲۴۹/ ۷)، ایضاح المکنون (۵۱۴/ ۲)، ریحانه (۱۲/ ۳)، کشف الظنون (۲۰۰۲، ۱۶۲۰)، لغت نامه (ذیل / سرخسی)، معجم المؤلفین (۲۷۹- ۲۷۸/ ۱۱)، هدیه العارفین (۹۱/ ۲).

سرخسی، شرف‌الدین یوسف

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۷۲۱- ۶۳۹ ق)، نساخ و محدث. در سرخس برآمد و ساکن دمشق شد. او از علمای حدیث بود. برزالی و ذهبی و ابن‌رافع از شاگردان وی می‌باشند. سرخسی در دمشق دیوانهای شعری لطیف همچون شعر ابن‌المشد و الشواء را نسخه‌نویسی می‌کرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: الاعلام (۳۳۱/۹).

سرخسی، شمس الأئمه، ابوبکر محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۸۳ ق)، فقیه اصولی، متکلم جدلی، قاضی و عالم حنفی. در سرخس به دنیا آمد و در آن جا نشو و نما یافت. از مشاهیر علمای حنفیه است. به سبب گفتن کلمه‌ای در پن خاقان در اورجند زندانی گشت و «المبسوط» را در همان زندان در حالی که هیچ کتابی حاضرش نبود نگاشت. بعد از آزادی از زندان به شهر فرغانه رفت به نشر علوم و معارف همت گماشت و تا پایان عمر در همان جا ماند. از آثار وی: «المبسوط»، در فقه حنفی و تشریح، در سی جزء؛ شرح «الجامع الکبیر» امام محمد شیبانی، در فروع فقه حنفی؛ شرح «السیر الکبیر» امام محمد سیبانی، در چهار مجلد؛ «الاصول»، در اصول فقه؛ شرح «مختصر الطحاوی»؛ «ادب القاضی علی مذهب ابی حنیفه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۰۸/۶)، ریحانه (۱۲/۳)، الکنی و الالقاب (۳۱۳/۲)، کشف الظنون (۱۶۲۸، ۱۶۲۰، ۱۵۸۰، ۱۴۵۲، ۱۴۱۴، ۱۰۷۹، ۱۰۱۴، ۹۶۳، ۵۶۸، ۵۶۱، ۱۱۲، ۴۶)، لغت نامه (ذیل / سرخسی) معجم المؤلفین (۲۶۸-۲۶۷، ۲۳۹/۸).

سرخه ای، احسان

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احسان سرخه ای

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از طی دروس مقدمات خدمت استاد محترم طالقانی و آدینه وند و امین شیرازی در درس فقه حضرت آیه الله استادی و عراقچی و اصول حجة الاسلام والمسلمین محمدی و خاتمی شرکت نمودم دروس مکاسب و رسائل را در خدمت استاد بزرگواری چون محقق داماد و پایانی و اعتمادی گذراندم و با درس کفایه استاد گنجی سطح را به پایان بردم. در دروس خارج حضرت آیات بهجت و فاضل لنکرانی و تبریزی و وحید خراسانی و سید احمد مددی تاکنون شرکت داشته ام و پایان نامه سطح ۳ را ارائه نموده ام.

در سال ۶۹ با شرکت در دوره های آموزش کامپیوتر و مرکز تحقیقات به تدریس کامپیوتر دعوت و تا سال ۷۴ در سازمان کامپیوتر

نور به تدریس دوره های ویژه طلاب اشتغال داشتیم. در سال ۷۲ با مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث پژوهش های حدیثی را آغاز و در تدوین دانشنامه بزرگ میزان الحکمه همکاری نموده و در زمینه حدیث و علوم حدیث تحقیقاتی را انجام داده ام. در سال ۷۸ برای اخذ مدرک کارشناسی (مهندسی) کامپیوتر وارد دانشگاه شده و این دوره را به پایان برده ام هم اکنون بعنوان مدیر فناوری اطلاعات و ارتباطات مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث مشغول همکاری می باشم.

سرخای، زین العابدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت الله آقای حاج شیخ زین العابدین بن المرحوم حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ حسین سرخه‌ئی از مشاهیر علماء و مجتهدین معاصر تهران است. وی در تاریخ ۱۴ ذی الحجه ۱۳۰۷ ق در تهران متولد شده و پس از پرورش در بیت علم اولیات و ادبیات و سطوح را خدمت مرحوم والد و مرحوم آیت الله حاج شیخ باقر معزالدوله و حجة الاسلام حاج شیخ مسیح طالقانی خوانده و کلام را از مرحوم حاج شیخ علی مدرس نوری و منطق و حکمت الهی را از حاج شیخ هاشم اشکوری فرا گرفته و از محضر مرحوم آیت الله بهبهانی بهره مند گردیده و چندی در مشهد مقدس از درس و بحث آیت الله زاده کفائی مرحوم آقا محمد و مرحوم حاج فاضل استفاده نموده آنگاه مجتهدا به نجف مهاجرت نموده و از محضر مرحوم آیت الله التقی میرزا محمد تقی شیرازی در کربلا استفاضه نموده آنگاه به ایران مراجعت و در تهران در محله‌ی امامزاده یحیی علیه السلام اقامت و تاکنون بوظائف دینی از اقامه نماز جماعت و تفسیر قرآن و ترویج دین و تبلیغ احکام اشتغال دارد.

دارای آثار علمی و اجتماعی که ذیلا توضیح می‌دهم می‌باشد.

۱- حاشیه مبوسطی بر کفایه‌الاصول.

۲- حواشی بر شوارق.

۳- احیاء و تعمیر اساسی مزار امامزاده یحیی که بکلی ویران و از بین برده بودند و ایشان قیام و مقاومت و اقدامات جدی نموده تا آن را برگردانیده و بهتر از اول تجدید و بناء گنبد و صحن و سرای عالی نمودند که مرحوم آیت الله العظمی بروجردی قدس الله سره بمعظم له فرمودند شما با این عمل حق عظیمی بر حضرت رسول و اهلبیت عصمت علیهم السلام داری.

۴- تعمیر و توسعه مسجد امامزاده یحیی علیه السلام.

(تو ۱۳۰۷ ق)، عالم دینی و فقیه. در تهران به دنیا آمد. مقدمات و ادبیات و سطوح را نزد پدر خود و سپس نزد حاج شیخ باقر معزالدوله و حاج شیخ مسیح طالقانی خواند و کلام را از آقا شیخ علی مدرس نوری و منطق و حکمت الهی را از حاج شیخ هاشم اشکوری فرا گرفت و از محضر آیت الله بهبهانی نیز بهره مند گردید. چندی در مشهد از درس و بحث آیت الله زاده آقا محمد کفایی و حاج فاضل استفاده نمود. آنگاه در حالی که مجتهد بود به نجف رفت و از محضر میرزا محمد تقی شیرازی در کربلا بهره ها گرفت. سپس به ایران مراجعت و در تهران در محله‌ی امامزاده یحیی به انجام وظائف دینی و اجتماعی مشغول شد. از آثار وی احیاء

و تعمیر اساسی مزار امامزاده یحیی است. از آثار علمی اش: حاشیه مبسوطی بر «کفایه الاصول»؛ حواشی بر «شوارق». [۱]

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۴۸۱- ۴۸۰/۴).

سردار اسعد، علیقلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج علیقلی خان بختیاری «سردار اسعد»، در ۱۲۴۷ ه.ق در چهارمحال بختیاری متولد شد. وی پسر سوم حسینقلی خان هفت‌لنگ ایلخانی بختیاری است که در سال ۱۲۹۹ ه.ق به دست مسعود میرزا ظل‌السلطان پسر ناصرالدین‌شاه حکمران اصفهان، کشته شد. علیقلی خان دوران کودکی و جوانی را طبق یک خانواده گذرانید و مقدماتی از ادبیات را قرار گرفت و در سواری و تیراندازی سرآمد اقران شد. پس از کشته شدن پدرش، مدتی در زندان ظل‌السلطان به سربرد تا با مساعدت میرزا علی‌اصغر خان اتابک از زندان آزاد و به تهران وارد شد و با رتبه و مقام سرتیپی، فرماندهی عده‌ای از سواران پایتخت به او واگذار گردید. در ۱۳۱۳ مدت چهل روز تا ورود مظفرالدین میرزا به تهران، حفاظت کاخ گلستان به عهده‌ی علیقلی خان بود و اتابک ماموریت‌های دیگری نیز به او واگذار می‌نمود. پس از کنار رفتن ظل‌السلطان از حکومت اصفهان، سردار اسعد گاهگاهی به بختیاری می‌رفت و امور مربوط به ایل را سرکشی می‌نمود. در ۱۳۲۱ پس از فوت برادرش اسفندیارخان، به او از طرف مظفرالدین شاه لقب سردار اسعدی داده شد. سردار اسعد غالباً از آن تاریخ در اروپا می‌زیست و به مطالعه و مجالست با فضلاء و دانشمندان اشتغال داشت.

در جریان مشروطیت ایران و دوران سلطنت محمدعلی شاه، سردار در اروپا بود ولی در استبداد صغیر به ایران آمد و با دوهزار از سواران بختیاری به اصفهان وارد شد و پس از آنکه اصفهان به تصرف او درآمد، به سمت تهران روانه گردید و پس از چند روزی توقف در قم، به تهران نزدیک شد و با توافقی که قبلاً با سپهدار تنکابنی نموده بود، اردوی سپهدار تنکابنی و سردار اسعد در یک روز به هم رسیده و به یکدیگر پیوستند و روز جمعه ۲۷ جمادی‌الآخر ۱۳۲۷ وارد تهران گردیدند. قوای قزاق تاب مقاومت نیاورد و در زدوخورد کوتاهی تسلیم شدند و قوای بختیاری و سپهدار، تهران را فتح نمودند و از این نظر است که به سردار اسعد و سپهدار، در فاتح تهران می‌گویند.

لیاخوف فرمانده قزاق و حاکم نظامی تهران، تسلیم خود را اعلام نمود و محمدعلی شاه در سفارت روس در زرگنده تحصن اختیار کرده، و روز ۲۸ جمادی مجلسی مرکب از علماء و وزراء و اعیان و وکلای سابق و تجار، در بهارستان منعقد گردید. محمدعلی میرزا از سلطنت خلع و احمد میرزای دوازده‌ساله را به نام سلطان احمدشاه قاجاریه سلطنت اعلام نمودند. در همان جلسه، علیرضاخان عضدالملک به نیابت سلطنت و محمد ولی‌خان سپهدار تنکابنی به وزارت جنگ و حاجی علیقلی خان سردار اسعد بختیاری به وزارت داخله انتخاب شدند.

در کابینه‌ای که سردار اسعد وزیر داخله بود، مستوفی و ناصرالملک و صنیع‌الدوله و سردار منصور عضویت داشتند و کابینه بدون سرپرست بود. در دوران این کابینه حوادث مهمی در ایران به وقوع پیوست. تشکیل محکمه‌ی انقلابی و اعدام عده‌ی زیادی از رجال مانند حاج شیخ فضل‌الله نوری و مفاخرالملک در این دوره صورت گرفت.

سردار اسعد برای اینکه به وضع وزارت داخله سر و صورتی بدهد، میرزا احمدخان قوام‌السلطنه را به معاونت خود برگزیده و سازمانی برای آن وزارتخانه به وجود آورد. در تاریخ ۹ مهر ۱۲۸۸ سپهدار تنکابنی به نخست‌وزیری رسید و سردار اسعد همچنان وزیر داخله کابینه بود. در آذر همان سال کابینه‌ی سپهدار ترمیم شد. سردار باز در راس وزارت داخله باقی بود. در ۳۰ اردیبهشت ۱۲۸۹ در کابینه‌ی سوم و چهارم سپهدار، مرحوم سردار اسعد به وزارت جنگ رسید.

پس از مرگ عضدالملک نایب‌السلطنه، سردار اسعد کاندیدای نیابت سلطنت بود و در مجلس طرفدارانی داشت. لیکن ناصرالملک مورد توجه قرار گرفته و این منصب را احراز نمود. سردار از آن تاریخ مستقیماً در کارها وارد نشد ولی در تمام کابینه‌ها نظر سردار

ملحوظ می‌گردید و عده‌ی زیادی از سران بختیاری به توصیه‌ی سردار اسعد به مقام وزارت و حکومت رسیدند. در قیام مجدد محمدعلی شاه و سالارالدوله، سردار اسعد و ایل بختیاری نقش مهمی داشتند. سردار اسعد در سال ۱۳۳۷ درگذشت و با تشریفات نظامی او را در اصفهان به خاک سپردند. پس از فوت او فرزندش جعفرقلی خان سردار بهادر لقب سردار اسعد گرفت. سردار اسعد از افرادی بود که اهل علم را تشویق و ترغیب می‌نمود و به هزینه‌ی شخصی خویش، چندین کتاب را ترجمه و چاپ کرد. تحریر تاریخ بختیاری به توصیه‌ی او بوده است.

(حاج) علی‌قلی خان از رؤسای معروف بختیاری (و. ۱۲۷۴- ف. تهران ۱۳۳۶ ه.ق.). لقب سردار اسعدی را ابتدا برادر بزرگتر او- یعنی اسفندیار خان- داشت و پس از فوت اسفندیار خان، این لقب بدو داده شد. وی مشروطه خواه و یکی از دو فاتح مشهور تهران در عهد محمدعلی شاه قاجار و مظهر اخلاق نیک بود. پس از فوت او لقب سردار اسعد به پسرش جعفرقلی خان- که ابتدا سردار بهادر لقب داشت داده شد.

(۱۲۹۶- ۱۲۳۶ ش)، مترجم. در اصفهان به دنیا آمد، یکی از روسای معروف بختیاری و یکی از دو فاتح مشهور تهران در عهد محمدعلی شاه قاجار بود. مدتی در اصفهان در زندان ظل‌السلطان بود، سپس به کمک میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان از زندان خلاص شد و به تهران آمد، به پاریس رفت و مدتی در آن شهر مقیم بود. سپس به اصفهان رفت و نهایتاً به تهران برگشت. در زمان حیات چند بار به نمایندگی مجلس شواری ملی و وزارت رسید. وی در تهران وفات یافت و در تخت فولاد اصفهان دفن شد. از جمله ترجمه‌های او: «بولینا- غاده الانگلیس»؛ «پل و ورژینی»؛ «تاریخ حمیدی- سلطان عبدالحمید عثمانی»؛ «دختر فرعون»؛ «دیل گابریل»؛ «روکامبول»؛ «شرح حال هانری سوم»؛ «عشاق پاریس»؛ «ماد موازل مارگریت»؛ «هرمس مصری»؛ «سفرنامه‌های برادران شرلی»؛ «ترجمه عهدنامه‌ی حضرت امیر». کتاب «تاریخ بختیاری» از تالیفات اوست. [۱]

برگرفته از کتاب: شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ انقلاب مشروطیت ایران (۱۰۸۴- ۱۰۷۷/۵)، تاریخ برگزیدگان (۲۰۰- ۱۹۸)، تذکره القبور (۱۳۲- ۱۳۱)، سرآمدان فرهنگ (۲۷۶- ۲۷۵/۱)، شخصیت‌های نامی (۱۰۱- ۹۹)، شرح حال رجال (۴۵۱- ۴۴۸/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۴- ۵۷۱/۴)، یادگار (س ۵، ش ۱ و ۲، ص ۱۰۱- ۹۹).

سردار کابلی کرمانشاهی، حیدرقلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۲- ۱۲۹۳ ق)، عالم دینی، فیلسوف، فقیه اصولی، محدث، متکلم، رجالی، مورخ و ریاضیدان. از علمای بزرگ شیعه در قرن چهاردهم قمری بود. اصلش از ایران و از قزلباشان است. پدرش ساکن افغانستان بود و سردار در کابل به دنیا آمد. در هشت سالگی به خواندن و نوشتن پرداخت. چون دارای استعداد فوق‌العاده‌ای بود به زودی ریاضیات و زبان انگلیسی را فراگرفت. در ۱۳۰۴ ق پدرش خانواده خود را به عراق برد و در کاظمین ساکن کرد. معلم وی در ریاضیات و انگلیسی نیز به همراه آنان مهاجرت کرد و شش سال نیز در عراق به وی آموزش داد و او در حساب و هندسه و هیئت و جغرافی و علوم غریبه صاحب نظر شد. وی همچنین در لغات و ادبیات عربی و فارسی و سانسکریت و هندی و عربی و لاتین دستی توانا داشت. سردار کابلی در این مدت علاوه بر آموزش علوم جدید به تصحیل علوم قدیمه نیز پرداخت و سپس به نجف رفت و فقه و اصول را در محضر علامه میرزا محمدعلی رشتی چهاردهمی و شیخ علی اصغر تبریزی و دیگران فراگرفت و فلسفه را نزد استادان بزرگ آن آموخت. در ۱۳۱۰ ق در خدمت پدر عازم

ایران شد و در کرمانشاه با شیخ عبدالرحمان شافعی مکی ملاقات کرد و مجذوب کمالات وی گشت و در همان جا ماندگار شد. او از شیخ خود، چهاردهی، و سید حسن صدر و سید عباس لاری و محدث قمی و سید آقا یحیی تهرانی و سید محسین امین و شیخ آقا بزرگ تهرانی دارای اجازه بود. شیخ مرتضی گیلانی نجفی از شاگردان وی می‌باشد. سردار کابلی استاد ریاضی و هندسه آیت‌الله حجت بود. پدرش قبل از مرگ سرپرستی خانواده‌ی خود را به وی سپرد و او را ملقب به سردار کرد. سردار کابلی در کرمانشاه نشر احکام و تالیف و تصنیف مشغول شد. او به شهرهای بسیاری سفر کرد و با علمای هر شهر مصاحبت نمود. سرانجام در کرمانشاه درگذشت و جنازه‌اش به نجف انتقال یافت و در کنار پدرش در وادی السلام دفن شد. از آثار وی: «الاربعون حدیثاً»، در فضایل امیرالمومنین (ع) از طرق اهل سنت؛ «تبصره الحر فی تحقیق الکر»، در بیان انطباق تحقیقی بین وزن و مساحت و حجم؛ «تحفه الاحباب»، در بیان آیات قرآن؛ «تحفه الایجله»، در شناخت قبله، که برای فهم کتاب به دانش جبر و مثلثات و هیئت و جغرافی نیاز است؛ «العلم الشاخص فی اسرار ظل الشاخص»، در اعمال فلکی؛ کتابی در «المساحه»، ترجمه از انگلیسی؛ ترجمه «انجیل برنابا»، از انگلیسی به فارسی؛ «غایه التعدیل فی معرفه حقیقه الاوزان و المکابیل»؛ «کشف القناع فی تحقیق المیل و الذراع»؛ «مناهج الوفاق»، در اعداد؛ شرح حدیث امیرالمومنین (ع) در بیان قطر و محیط خورشید و ماه و اختلاف افق خورشید؛ «دیوان ابوطالب (ع)» و شرح «لامیه» آن؛ شرح «تهذیب المنطق»؛ شرح «خطبه‌ی حضرت زینب (ع)»؛ «مصباح القواعد»، در قواعد علوم ریاضی؛ «مثنوی» در نظم «الباب الحادی عشر»؛ «الدرر الثیره»، شبیه به «کشکول»، در سه مجلد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار الحجج (۲/ ۳۴۰، ۲۰۰- ۱۹۷/ ۱)، اعیان الشیعه (۲۷۴- ۲۷۳/ ۶)، الذریعه (۲۲/ ۲۸۳، ۲۱/ ۱۱۶، ۴۶، ۱۷، ۱۶/ ۱۱)، ۱۳۹، ۸۰، ۷۹- ۸/ ۴۱۰، ۳/ ۳۱۷، ۲/ ۳۶۶، ۴۹۳، ۴۱۵/ ۱)، ریحانه (۷- ۵/ ۵، ۱۵- ۱۳/ ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۹۹- ۶۹۳/ ۱۴)، علماء معاصرین (۲۹۶- ۲۹۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۲۷- ۲۲۵/ ۶).

سرداری نیا، صمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر صمد سرداری نیا، مورخ و محقق تاریخ معاصر آذربایجان متولد ۱۳۱۹ در شهر تبریز بود. وی پس از اتمام تحصیلات دوران ابتدایی تا دبیرستان، در سال ۱۳۴۶ وارد دانشگاه تبریز شده و در سال ۱۳۵۰ در مقطع کارشناسی تاریخ، فارغ التحصیل شد. ایشان پس از استخدام در صدا و سیما این بار در رشته حقوق قضائی دانشگاه ملی تهران به تحصیل پرداخته و در سال ۱۳۵۷ فارغ التحصیل شد. از ایشان آثاری در باره تاریخ آذربایجان و مشاهیر آن بیادگار مانده است. صمد سرداری نیا پنجمین ۲۲ فروردین ۱۳۸۷ بر اثر عارضه سکته قلبی در تبریز دارفانی را وداع گفت.

گروه: علوم انسانی

رشته: حقوق

گرایش: نویسندگی

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: صمد سرداری نیا، مورخ و محقق تاریخ معاصر آذربایجان متولد ۱۳۱۹ در شهر تبریز بود. سرداری نیا، در ۲۱ در محله «امیره خیزی» تبریز دیده به جهان گشود.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: صمد سرداری نیا پس از اتمام تحصیلات دوران ابتدایی و متوسطه در سال ۱۳۴۶ وارد دانشگاه تبریز

شد. وی در سال ۱۳۵۰ در مقطع کارشناسی تاریخ از این دانشگاه فارغ التحصیل شد و پس از استخدام در صدا و سیما بار دیگر به دانشگاه رفت ولی این بار در رشته حقوق قضائی به تحصیل پرداخته و در سال ۱۳۵۷ فارغ التحصیل شد. او سپس وکیل دادگستری شد.

زمان و علت فوت : صمد سرداری نیا پنجشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۸۷ بر اثر عارضه سکته قلبی در تبریز دار فانی را وداع گفت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : صمد سرداری نیا پس از استخدام در صدا و سیما این بار در رشته حقوق قضائی دانشگاه ملی تهران به تحصیل پرداخته و در سال ۱۳۵۷ فارغ التحصیل شد. از ایشان آثاری در باره تاریخ آذربایجان و مشاهیر آن بیادگار مانده است. او به حقوق بازنشستگی اش از صدا و سیما قناعت کرد و هرگز طبع لطیفش را به زر و تزویر نیالود.

آرا و گرایشهای خاص : صمد سردارینیا، این محقق بزرگ آذربایجان بی هیچ حب و غرضی، گوهر حب وطن در صدف وجود خویش تربیت کرد و سال ها پشت میز تحریر کوچکش قلم بردست، بر لوح تاریخ، برگ های زرین از گذشته و حال مردمان دیارش رقم زد. برگ برگ تاریخ را ورق زد تا نشانی مستند بر پایه واقعیت و نه گرافه و اغراق از لیاقت، کفایت و درایت ایران و ایرانیان و شجاعت و مردانگی آذربایجان و آذربایجانیان بیابد. در سطر سطر نوشته های شیوایش می توان روح متعالی یک ایرانی وطن دوست و یک آذربایجانی جلیل القدر را ملاحظه کرد. بی اغراق می توان گفت که اگر اکنون هر آذربایجانی و هر شهروند تبریزی، به آسانی و در عین افتخار و با قدرت از تبریز، به عنوان شهر اولین ها یاد می کند، حاصل سال ها تلاش این پیر فرزانه است. نویسنده ای که سال ها در میان اوراق تاریخ گشت تا گلستانی از افتخارات مستند و واقعی آذربایجان گرد آورد تا مردمانش سرافرازانه به داشتن آن قله های بزرگ فخر فروشند و مباهات ورزند. از قابلیت های آب و خاک و جان آذربایجان گفت تا جهان و جهانیان بدانند که اینجا آذربایجان است. کانون عشق و ورزشی، محور ایثار و مردانگی، دیوار بلند مقاومت، با مردمانی مهربان و هنرور، با ادبیاتی آمیخته به شور شبم و شوق خدمت.

جوایز و نشانها : صمد سرداری نیا مفتخر به دریافت دو عنوان «دکترای افتخاری» از دو کشور خارجی گردیده است. -----

آثار :

۱ آذربایجان پیشگام جامعه مدنی

۲ ایروان یک ایالت مسلمان نشین بود

۳ باقرخان سالار ملی

ویژگی اثر : ناشر: ایرانیان - ۱۳۶۹

۴ باکو شهر نفت و موسیقی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: مناف سلیمانوف، صمد سرداری نیا (مترجم)، ناشر: اختر - ۲۲ اسفند، ۱۳۸۵

۵ تاریخ روزنامه ها و مجلات آذربایجان

۶ تبریز شهر اولین ها

ویژگی اثر : ناشر: کانون فرهنگ و هنر آذربایجان - ۱۳۸۱

۷ تبریز مهد صنعت چاپ در ایران

ویژگی اثر : ناشر: سرداری نیا، صمد - ۱۰ بهمن، ۱۳۸۴

۸ جنگ قره باغ

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ضیاء الدین سلطانوف، صمد سرداری نیا (مترجم)؛ ناشر: هاشمی سودمند - ۱۰ اسفند، ۱۳۸۴

۹ دارالفنون تبریز، دومین مرکز آموزش عالی ایران

ویژگی اثر: ناشر: ندای شمس - ۱۳۸۲

۱۰ سیری در تاریخ آذربایجان

ویژگی اثر: ناشر: اختر - ۰۴ دی، ۱۳۸۶

۱۱ قتل عام مسلمانان در دو سوی ارس

۱۲ قره باغ

۱۳ قره باغ در گذرگاه تاریخ

ویژگی اثر: ناشر: ندای شمس - ۱۰ اسفند، ۱۳۸۴

۱۴ مشاهیر آذربایجان،

ویژگی اثر: انتشارات شایسته تبریز - ۱۳۷۹

۱۵ ملانصرالدین در تبریز

ویژگی اثر: ناشر: اختر تبریز

سرشار تهرانی، عبدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عباد الله سرشار تهرانی

محل تولد: میانه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۴/۱/۱

زندگینامه علمی

این جانب در یک خانواده مذهبی و متدین در سال ۱۳۲۴ شمسی، در یکی از روستاهای شهرستان میانه چشم به جهان گشودم. در همان سال های نخست پدرم را از دست دادم و تحت تفل دایی زحمتکشم بزرگ شدم، و در هفت سالگی بر اثر حادثه ای از ناحیه دست چپ معلول شدم. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی در همان روستا، جهت فراگیری علوم آل محمد (علیهم السلام) و درس حوزوی عازم شهرستان میانه شدم، و پس از دو سال تحصیل در آن شهر و علاقه زیاد به درس حوزه، روانه شهر خون و قیام قم شدم، و این سفر مصادف با رحلت جانگداز مرحوم آیت الله العظمی بروجری (رحمه الله) بود. پس از وقوع پیوستن جریانات سال های ۴۱، حوادث خونین خرداد ۴۲، خروش مردم انقلابی و بازداشت امام خمینی (قدس سرّه) در تهران، بر اثر فعالیت های سیاسی و انقلابی مجبور شدم برای ادامه تحصیل به نجف اشرف هجرت کنم، مدتی که در آن دیار بودم - یعنی: تا سال ۱۳۵۳ شمسی - همواره در درسهای خارج حضرات آیات عظام و مراجع عالی قدر به ویژه امام امت، خمینی کبیر (قدس سره) و مرحوم آیت الله العظمی السید الخوئی شرکت می کردم. در سال ۱۳۵۳ که رژیم ضد خدائی بعث، تصمیم به بیرون راندن ایرانیان از عراق گرفت، اینجانب به همراه عده ای از فضلا و علمای ایرانی مقیم نجف اشرف، از آن دیار رانده شدیم، و از همان سال تاکنون در شهر

مقدس قم ساکن هستم. تاکنون بیش از سی و پنج سال است که به تحقیق علوم و احادیث و اخبار ائمه اطهار (علیهم السلام) مشغول‌ام، مدت چهارده سال آن در مؤسسه الامام المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، یک سال در بخش تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی قم، نوزده سال در مؤسسه بنیاد معارف اسلامی، مرکز تحقیقات حج و بخش تحقیقات بنیاد جانبازان و تحقیقات متفرق دیگر به فعالیت مشغول بودم، هم اکنون نیز در مرکز فقه الائمه اطهار (علیهم السلام) و مدرسه امام باقر العلوم (علیه السلام) به تحقیقات ادامه می‌دهم.

سرکاراتی، بهمن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

خلاصه: بهمن سرکاراتی (۱۳۱۶ - تبریز) و دارای دکتری زبان‌شناسی و زبان‌های باستانی است. وی هم اکنون عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب و استاد و مدیر گروه رشته زبان‌های باستانی در دانشگاه تبریز است.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان‌شناسی

گرایش: زبان‌های باستانی

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: - لیسانس زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تبریز ۱۳۳۹ - دکترای زبان‌شناسی و زبان‌های باستانی از دانشگاه تهران ۱۳۴۹

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: - مدیر گروه رشته زبان‌های باستانی، دانشگاه تبریز - استاد زبان‌شناسی و ادبیات فارسی دانشگاه های تهران، مشهد و تبریز - عضو هیأت علمی دانشکده ادبیات و زبان فارسی دانشگاه تبریز - محقق برجسته زبان و ادیان باستانی ایران زمین - عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی

آثار:

۱ اسطور؟ بازگشت جاودانی

ویژگی اثر: ترجمه-۱۳۷۸

۲ اوستا و هنر نو

ویژگی اثر: تالیف

۳ دین ایرانی بر پای؟ متن‌های معتبر یونانی

ویژگی اثر: (ترجمه)، ۱۳۷۷

۴ سایه‌های شکارشده

ویژگی اثر: (شامل ۲۰ مقاله)، ۱۳۷۸

۵ کارنام؟ شاهان در روایات سنتی ایران

ویژگی اثر: (ترجمه)، ۱۳۵۰ منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com/>

سرلتی، ریحان‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۷، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی در رشته بیماریهای داخلی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۳۶، متخصص در بیماریهای دستگاه گوارش و آندوسکوپی دستگاه گوارش.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده پزشکی علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بیماریهای کبد، راه اندازی لاپاروسکوپی و گاستروسکوپی در ایران، بررسی درباره سل پرده صفاق و تشخیص زودرس با لاپاروسکوپی، ضایعات کبدی بیماران دیابتی، بررسی درباره HBSAg، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه دکترا و تخصصی در هر ساله.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

بیماریهای داخلی، دستگاه گوارش، آندوسکوپی دستگاه گوارش.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای کبد، آندوسکوپی، ضایعات خونی در بیماران کبدی، تغییرات خونی در بیماران خاک‌خور.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

سرور شیرازی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۱۵ ق)، طیب، ادیب و شاعر، متخلص به سرور. در شیراز متولد شد. پزشکی حاذق بود و در فنون عربی و ادبی استاد.

«قانون» شیخ‌الرئیس را درس می‌گفت و شعر را نیکو می‌سرود. کتاب «رشحات الفنون» در ادبیات تالیف او است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار عجم (۱۱۶)، الذریعه (۴۴۳-۴۴۲/۹)، ریحانه (۱۹-۱۸/۳).

سرور، مولائی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: الهیات و ادبیات، دانشگاه: الزهرا (س)

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سروری کاشانی، محمد قاسم

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۰۳۶ ق)، فرهنگ‌نویس و شاعر، متخلص به سروری. وی در اصفهان می‌زیست و در آن شهر با جهانگرد مشهور ایتالیایی پیتر و دل‌واله دیداری داشته. در سال ۱۰۳۲ ق به هند مسافرت کرد. دربار شاه جهان را درک کرد. سپس به زیارت کعبه رفت و در راه درگذشت. از آثارش «مجمع الفرس» / «فرهنگ سروری» / «لغت فرس سروری» است که ابتدا نوشته‌ای ساده و کوتاه بوده که حاجی خلیفه از آن به عنوان «سهل و مختصر» یاد کرده است ولی بعد از تفحص در آثار شاعران قدیم و یاری جستن از شانزده فرهنگ‌پارسی به سال ۱۰۰۸ ق کتاب خود را به نام شاه عباس تدوین کرد. سروری تحریر سومی از «مجمع الفرس» فراهم کرد و آن را «خلاصه المجمع» نامید و به نام اعتمادالدوله حاتم بیگ وزیر شاه عباس پرداخت. از وی اشعاری نیز در دست است. [۱]

محمدقاسم بن (حاج) محمد کاشانی متخلص به سروری نویسنده و شاعر قرن ۱۱ ه. پدرش کفشدوز بود و خود نیز در جوانی در رشه چخشور دوزان اصفهان بود و سپس روی به تحصیل دانش نهاد و به سبب حافظه بسیار قوی و دقت و مهارت در صف اهل فضل درآمد. به قول صاحب عرفات العاشقین حدود سی هزار بیت از اشعار متقدمان و متأخران در حفظ داشت. کتاب لغت فارسی او به نام «مجمع الفرس» معروف است و آن به طبع رسیده (مجمع الفرس).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان الشیعه (۴۱/۱۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۸۴-۳۸۰/۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۹۸-۳۹۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۹۱)، دایرةالمعارف فارسی (۱/۱۲۹۰)، الذریعه (۳۸-۳۷/۲۰، ۴۴۳/۹)، ریحانه (۱۹/۳)، سرآمدان فرهنگ (۱/۴۵۱)، صبح گلشن (۲۰۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۶۶-۲۶۵)، فرهنگ سخنوران (۴۵۰)، فرهنگهای فارسی (۱۳۲-۱۲۴)، کاروان هند (۵۵۴-۵۵۰/۱)، کشف الظنون (۱۵۵۸)، لغت نامه (ذیل / سروری)، مؤلفین کتب چاپی (۹۰۴/۴).

سروش، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد سروش

محل تولد: قم

شهرت: سروش محلاتی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه قم شدم. پس از دروس سطح در خدمت حضرات آیات ستوده و سید علی محقق داماد، در درس خارج آیت الله حائری یزدی (ره) حاضر شدم، همچنین مدت ۱۵ سال از درس خارج حضرات آیات وحید خراسانی و شبیری زنجانی و برخی اساتید دیگر استفاده کردم. در همین مدت فلسفه و عرفان را از محضر حضرات آیات حسن زاده آملی، جوادی آملی و انصاری شیرازی استفاده کردم. حدود ۱۰ سال تدریس سطح عالی داشتم و سپس به تدریس خارج فقه و اصول مشغول شدم که در مدرسه آیت الله گلپایگانی (ره)، حدود ۱۰ سال ادامه یافته است گرایش اصلی من در پژوهش، فقه سیاسی است.

سعادت نیکی، اسدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیهوشی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی تبریز در سال ۱۳۶۲، گذراندن دوره تخصصی بیهوشی با رتبه اول از دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه در رشته بیهوشی و مراقبت ویژه، استاد راهنمای ۵ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: -

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

علم بیهوشی و مراقبت ویژه.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

سعادت، اسماعیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اسماعیل سعادت زبان شناس و مترجم آثار فلسفی در سال ۱۳۰۴ در خوانسار متولد شد. در سال ۱۳۲۲ راهی گلپایگان و سپس عازم تهران شد و در سال ۱۳۳۰ موفق به اخذ مدرک لیسانس در رشته زبان فرانسه و انگلیسی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد. سعادت مدرک کارشناسی ارشد زبان شناسی خود را در سال ۱۳۴۷ از دانشگاه تهران گرفت. سعادت عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی از سال ۷۸ و مدیر دانشنامه زبان و ادب فارسی می باشد. در سال ۱۳۸۶ به عنوان برگزیده فرهنگستان زبان و ادب فارسی نشان درجه یک دانش به ایشان اهدا شد. کتاب "در آسمان" ترجمه اسماعیل سعادت، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: ترجمه

والدین و انساب: پدر اسماعیل سعادت احتمالاً هنگامی که او در حدود شش سال سن داشت فوت کرده است.

خاطرات کودکی: اسماعیل سعادت به نقل از دوران کودکی بیان می دارد: یاد می آید که یک روز صبح که به مکتب می رفتم، در راه به چند تا از بچه های هم سن و سال خودم برخوردم که بازی می کردند. من بی اختیار در بازی آنها شرکت می کردم و آن قدر از این کار لذت می بردم که کیفم را در سوراخی در دیوار باغی کنار کوچه پنهان می کردم. ظهر که شد کیفم را برداشتم و به خانه رفتم. دو سه روزی کارم این بود تا اینکه یکی از بستگان نزدیکم مرا در راه دید. توجه گریز پایی من شد، مرا به مکتب برد و آهسته در گوش معلم چیزی گفت و پیدا بود که سفارش کرد که تقصیر مرا نادیده بگیرد. به پدرم هم که مرد سختگیری بود چیزی نگفت. ولی همین باعث شد که سال تحصیلی بعد مرا به دبستان دولتی بردند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: اسماعیل سعادت که تحصیلات مکتبی داشت تحصیلات رسمی خود را از کلاس دوم ابتدایی شروع کرد که در این زمان هشت ساله بوده است. او در سیزده سالگی دوران ابتدایی را به پایان رسانید و کلاس اول و دوم دبیرستان را در خوانسار مشغول شده و در هر دو سال شاگرد اول شده است لیکن سال سوم دبیرستان در خوانسار دایر نشده و او بلا تکلیف ماند. وی بعداً به اصفهان رفته و در دبیرستان حکیم نظامی ثبت نام کرد و آن سال تحصیلی را در اصفهان گذراند و سال بعد در گلپایگان در دانشسرای مقدماتی ثبت نام کرده و آنجا نیز شاگرد اول شد. وی سال بعد رابا راهنمایی دکتر مشایخ فریدنی در دانشسرای تهران ثبت نام کرد و در سال تحصیلی ۲۴-۱۳۲۳ از دانشسرای مقدماتی تهران فارغ التحصیل شده و در سال دوم تدریس خود در تهران توانست به دانشگاه برود و در رشته زبان و ادبیات فرانسه به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۳۱ فارغ التحصیل شد. وی سال بعد که رشته زبانشناسی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دایر شد، ثبت نام کرده و ادامه تحصیل داد لیکن در سال آخر تحصیلی بورس از طرف یونسکو به او داده شد و او به فرانسه رفت و این وقفه در تحصیل، ترک تحصیل محسوب شده و او نتوانست تحصیلات خود را به پایان برساند.

خاطرات و وقایع تحصیل: اسماعیل سعادت که در مکتب درس خوانده بود تعریف می‌کند که در مکتب رسم بود که وقتی شاگردی مثلا- رخصت می‌گرفت یعنی از ملا- اجازه می‌گرفت که آن روز بچه‌ها تعطیل باشند. یکی از شیرین‌ترین روزهای سعادت و دوستانش همین رخصتها بود که به عده شاگردها و به تناسب ارتقای تحصیلی آنها تکرار می‌شد.

فعالتهای ضمن تحصیل: اسماعیل سعادت در ضمن تحصیل دانشگاهی، تدریس هم می‌کرد. او می‌بایست هجده ساعت در هفته تدریس می‌کرد.

استادان و مربیان: آقا شیخ محمد باقر مهدوی در دوران دبیرستان و دبستان معلم فارسی و عربی اسماعیل سعادت بوده است که تشویق‌هایش در توفیق‌های تحصیلی اسماعیل خیلی موثر بوده و سعادت همیشه او را به یاد داشته و از وی به نیکی یاد می‌کند. دکتر بروخیم، عیسی سپهبدی، خانم نفیسی، خانم پاکروان و مادام رهاوی نیز استادان سعادت در دوران دانشگاه بودند. آقا شیخ محمد حسن رفیعی یک معلم روحانی بود که اسماعیل سعادت در تعطیلات تابستان پیش او به تحصیل می‌پرداخت. اسماعیل پیش وی گلستان سعدی و نصاب صبیان را آموخته است.

هم دوره‌ای‌ها و همکاران: بیشتر همکلاسی‌های ابتدایی اسماعیل سعادت ترک تحصیل کردند و دنبال کسب و کار پدرشان رفتند. اصولاً در آن زمان تا آنجا این فکر غالب بود که هر پسری پس از یاد گرفتن خواندن و نوشتن و حساب کردن، باید همان شغل پدرش را دنبال کند. از این لحاظ بزرگترهای اسماعیل نیز اختیار او را داشتند و از قضا آنها مخالف تحصیلات اسماعیل بودند. سعادت در دوران دانشگاه با کسانی چون ابوالحسن نجفی، هوشنگ اعلم و عبد الله توکل هم‌دوره بوده است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: اسماعیل سعادت زمانی که در سال ۱۳۲۴ از دانشسرای مقدماتی تهران فارغ‌التحصیل شد به شغل آموزگاری در تهران مشغول شد و در سال ۱۳۳۱ که تحصیلات دانشگاهی را به پایان رسانید از آموزگاری به دبیری ارتقاء یافت. سعادت در بنگاه ترجمه و نشر کتاب هم فعالیت داشته و ویرایش کتابها را برعهده داشته است. او در موسسه فرانکلین هم فعالیت داشته است. به طور کلی اسماعیل سعادت حدود هفت سال در بنگاه ترجمه و نشر کتاب کار کرد و بعد از آن هم مدتی در اداره مجله راهنمای کتاب با آقای ایرج افشار، مدیر مجله همکاری داشت. سپس به انتشارات فرانکلین رفته و بعد از آن نیز در مرکز تهیه مواد خواندنی برای نو سوادان به سرپرستی ایرج جهانشاهی مشغول به فعالیت شده است. او عهده دار سر دبیری مجله پیک دانش نیز بوده است و در همان وقت معاون انتشاراتی مرکز تهیه مواد خواندنی برای نو سوادان بود. سعادت ویراستاری و سر دبیر مجله معارف نیز می‌باشد که از سوی مرکز نشر دانشگاهی چاپ می‌شود. وی عضو شورای عالی و ویرایش زبان فارسی صدا و سیما بوده است. او به عضویت پیوسته فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی در سال ۱۳۷۷ انتخاب شده و در آن میان، مدیریت دانشنامه زبان و ادبیات فارسی به او محول شده است.

فعالتهای آموزشی: اسماعیل سعادت بیشتر در مورد ویرایش و ترجمه فعالیت کرده است. نقل می‌کند ویرایش از جهت فعالیت ذهنی جدا از ترجمه نیست، مترجم خوب می‌تواند ویراستار خوبی هم باشد و بالعکس. چون از نظر نوع کار، چندان تفاوتی با هم ندارند مثلاً وقتی که متنی را ویرایش می‌کنند، آن را جمله به جمله با متن اصلی مقابله می‌کنند. یعنی هر مرحله متن را که می‌خوانند اول در ذهن خودتان آن را ترجمه می‌کنند، بعد ترجمه ذهنی خود را با ترجمه مترجم مقایسه می‌کنند و اگر تفاوتی باشد در جمله مترجم تصرف می‌گردد.

آرا و گرایشهای خاص: اسماعیل سعادت در مورد توجه معتقد است که ترجمه سه رکن اساسی دارد و مترجم باید بر این سه رکن مسلط باشد تا بتواند خوب ترجمه کند، یکی زبان مبدا است، دیگری زبان مقصد است و سوم موضوع متنی که باید ترجمه شود. تسلط بر زبان مبدا و موضوع زودتر و آسان تر حاصل می‌شود تا تسلط بر زبان مقصد. در ترجمه متون ادبی و به طور کلی متون مربوط به علوم انسانی، مترجم باید با روح زبان مادری خود خوب آشنا باشد و شم زبانی کافی داشته باشد و متون ادبی زبان

مادری خود را بسیار خوانده باشد تا بتواند دقایق متن زبان مبدا را که دریافته است به زبان مادری خود منتقل کند. در دانستن زبان مبدا فهم زبان و آگاهی از دقایق آن لازم است ام در برگرداندن این دقایق به زبان مادری، علاوه بر آن، خلاقیت هنری هم لازم است یعنی ذهن باید بیشتر از فعالیتی که برای ادراک چیزی لازم است فعالیت کند و به جولان در بیاید تا بتواند چیزی را که در عالم خارج نیست هست کند. آن هم به گونه ای که اهل زبان مقصد بتوانند معنی متن را به همان خوبی که اهل زبان مبدا می فهمند، بفهمند. اسماعیل سعادت به ترجمه آثار کلاسیک فلسفی مانند آثار ارسطو علاقه خاصی دارد چون او آن آثار را با فلسفه اسلامی مرتبط می داند و مقصد است که فلاسفه اسلامی در تفکر است فلسفی شان به آثار آنها نظر داشته اند.

جوایز و نشانها: - برنده جایزه بهترین ترجمه به خاطر ترجمه کتاب «میکل آنژ» در سال ۱۳۳۴ و در همان سال مجله سخن که بنیانگذارش پرویز خانلری بود، جایزه ممتاز خود را به این کتاب اهدا کرد. - برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۴ به خاطر کتاب تفسیر قرآنی و زبان عرفانی - برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۸ به خاطر کتاب در کون و فساد ارسطو - دریافت نشان درجه یک دانش بعنوان برگزیده فرهنگستان زبان و ادب فارسی در سال ۱۳۸۷ - برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره نوزدهم کتاب سال به خاطر ترجمه کتاب "در آسمان"

چگونگی عرضه آثار: چاپ و انتشار جلد دوم دانشنامه زبان و ادب فارسی، عضویت پیوسته در فرهنگستان زبان و ادب فارسی و فعالیت در پروژه فرهنگ آثار اسلامی از جمله برنامه‌های اسماعیل سعادت است. - ترجمه و تالیف و ویرایش مقالات مجله های پیک در سالهای خدمت در مرکز انتشارات آموزش - ترجمه و تالیف مقالات در مجله سخن، راهنمای کتاب، آموزش و پرورش، نشر دانش و معارف

آثار:

۱ ترجمه؟ ایزابل

ویژگی اثر: از آندره ژید

۲ ترجمه؟ زندگی میکل آنژ

ویژگی اثر: ترجمه، تالیف: رومن رولان

۳ ترجمه آثار میکل آنژ

ویژگی اثر: این کتاب تالیف رومن رولان است و اولین ترجمه اسماعیل سعادت می باشد که در سال ۱۳۳۴ به چاپ رسید. این کتاب برنده جایزه ادبی مجله سخن که بنیانگذار آن پرویز خانلری بود شده و بهترین ترجمه سال ۱۳۳۴ شناخته شده است.

۴ ترجمه ابوسلیمان سجستانی منطقی او مانیسست بزرگ قرن چهارم هجری

ویژگی اثر: این مقاله توسط عبد الرحمان بدوی تهیه و تدوین یافته است

۵ ترجمه اخلاق

ویژگی اثر: این کتاب تالیف جرج ادوارد مور است

۶ ترجمه از وجوه و نظائر مقاتل بن سلیمان و حکیم ترمذی تا تفسیر امام صادق (ع)

ویژگی اثر: این مقاله تالیف پل نویا است

۷ ترجمه از وولف تا کانت

ویژگی اثر: بخش اول از جلد ششم تاریخ فلسفه کاپلستون، سروش ۱۳۷۲

۸ ترجمه اسپینوزا

ویژگی اثر: این کتاب تالیف راجر سکروتین است ض

۹ ترجمه انرژی

ویژگی اثر: این کتاب تالیف آیزاک آسیمون است

۱۰ ترجمه ایزابل

ویژگی اثر: آندره ژید

۱۱ ترجمه بخشی از سیر فلسفه در جهان اسلام

ویژگی اثر: این کتاب تالیف ماجد فخری است

۱۲ ترجمه بکر زدایی

ویژگی اثر: این مقاله در مجله سخن به چاپ رسیده است

۱۳ ترجمه پل نویا

ویژگی اثر: این مقاله تالیف دانیل ژیماره است

۱۴ ترجمه تاریخ فلسفه

ویژگی اثر: این کتاب تالیف کاپلستون است و بخش اول از جلد ششم توسط اسماعیل سعادت ترجمه شده است.

۱۵ ترجمه تاریخ و فلسفه

ویژگی اثر: این کتاب تالیف بریه است و شامل هفت جلد می باشد که جلد های اول و دوم و چهارم آن توسط اسماعیل سعادت ترجمه شده است.

۱۶ ترجمه تفسیر قرآنی و پیدایش زبان عرفانی

ویژگی اثر: این مقاله تالیف پل نویا است

۱۷ ترجمه تفسیر قرآنی و زبان عرفانی

ویژگی اثر: این کتاب تالیف پل نویا است

۱۸ ترجمه تلخکامیهای سوفی

ویژگی اثر: این کتاب تالیف کنتس دوسگور می باشد.

۱۹ ترجمه خیمه شب بازی درهند

ویژگی اثر: این مقاله در مجله سخن به چاپ رسیده است

۲۰ ترجمه در کون و فساد

ویژگی اثر: این کتاب تالیف ارسطوست

۲۱ ترجمه در آسمان

ویژگی اثر: این کتاب تالیف ارسطو می باشد. این کتاب، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: «در آسمان» در آسمان/ ارسطو؛

ترجمه اسماعیل سعادت. - تهران: هرمس، ۱۳۷۹. بیست و یک، ۳۰۶ ص: مصور. واژه-نامه. کتابنامه: ص [۲۹۹]-۳۰۶. ترجمه

امهات متون فلسفی یکی از نیازهای فرهنگی ماست. به دلیل تأثیری که فلسفۀ ارسطو در تکوین فلسفۀ اسلامی داشته، ترجمۀ

آثار ارسطو برای اهل فلسفۀ ما بسیار ضروری است. در آسمان، به رغم استطرادهای اجتناب ناپذیر، یکی از منظم ترین، روشن

ترین و سامان یافته ترین رساله های مجموعۀ ارسطویی است. این رساله، که در مورد ویژگیهای اجسام جهان تحت قمر و دیگر

انواع تغییرات آنها، با اطلاعات دقیقتر در کون و فساد و کائنات جو، و در بخش کیهان شناختی خود، با کتاب لامبدای متافیزیک، کامل می‌شود، تصویر تمام نمایی از جهان جسمانی به دست می‌دهد. موضوع این رساله بررسی حرکت انتقالی (حرکت مکانی) در اطلاق آن بر موجوداتی است که کل جهان هستی را تشکیل می‌دهد و مشی کلی رساله تمایز اساسی میان «جهان فوق قمر» شامل فلک ثوابت و افلاک سیارات مختلف، از یک سو، و «جهان تحت قمر» از سوی دیگر است که از زمین ما تا منطق؟ بلافاصله واقع در زیر قمر امتداد می‌یابد. مترجم محترم، این رساله را از روی دو ترجمه؟ فرانسوی (ژ. تریکو و پل مورو) و یک ترجمه؟ انگلیسی (ج. ل. استاکز) و با توجه به ترجمه؟ عربی آن (عبدالرحمن بدوی) به فارسی برگردانده است. البته در ترجمه؟ فارسی از ترجمه؟ فرانسوی تریکو پیروی کرده، ولی در مواردی که ترجمه؟ تریکو را روشن نیافته از دو ترجمه؟ دیگر فرانسوی و انگلیسی یاری گرفته و ترجمه ای امین و قابل اعتماد فراهم ساخته است. از امتیازات این ترجمه، یادداشتهای آخر کتاب است که مترجم برای توضیح متن و رفع دشواریها و ابهامهای آن برپای؟ ترجمه های فرانسوی و انگلیسی این رساله ترتیب داده است. مترجم در عین تقید به شیوایی و رسایی، دقت را فدای سادگی بیان نکرده و اگر گاهی تعقیدی در این ترجمه دیده می‌شود، به دلیل پیچیدگی متن اصلی و بیان ارسطو است. از دیگر ویژگیهای ترجمه؟ حاضر این است که اصطلاحات کتاب همان اصطلاحاتی است که در فلسفه؟ اسلامی به کار رفته و مترجم معادلهای انگلیسی و فرانسوی غالب اصطلاحات را هم در پانوشت ذکر کرده است. در متنی چنین سنگین، رعایت نقطه گذاری درست یک اصل اساسی است، که مترجم این اصل را بسیار خوب رعایت کرده است. دو واژه نام؟ کتاب («فرانسه، انگلیسی، یونانی و لاتینی به فارسی» و «فارسی به فرانسه، انگلیسی، یونانی و لاتینی») بر فایده؟ ترجمه افزوده است

۲۲ ترجمه در سایه آفتاب

ویژگی اثر: نشر دریاورد، ۱۳۸۰

۲۳ ترجمه رسالت کتابخانه

ویژگی اثر: این مقاله تالیف آندره موروامی باشد

۲۴ ترجمه رساله اسما الله فخررازی

ویژگی اثر: این مقاله تالیف ژرژ قنوازی است

۲۵ ترجمه رساله در اصلاح فاهمه

ویژگی اثر: این کتاب تالیف اسپینوزا می باشد.

۲۶ ترجمه رساله کتاب الصفات ابوسعید خراز

ویژگی اثر: این مقاله تالیف پل نویا است

۲۷ ترجمه زندگی ارسطو

ویژگی اثر: این مقاله توسط دیوگنس لائرتیوس تالیف یافته است

۲۸ ترجمه زندگی ارسطو در آثار تذکره نویسان سریانی و عرب

ویژگی اثر: این مقاله تالیف هرمان کروس است

۲۹ ترجمه زندگی افلوپین و ترتیب و توالی رساله هایش

ویژگی اثر: این مقاله تالیف فروریوس است

۳۰ ترجمه زندگی و آثار تاگور

ویژگی اثر: این مقاله در مجله راهنمای کتاب به چاپ رسیده است

۳۱ ترجمه ژان غرغرو، ژان خنده رو

- ویژگی اثر: کنتس دوسگور، هرمس ۱۳۸۱
- ۳۲ ترجمه ساختار و واژگان تجربه عرفانی
- ویژگی اثر: این مقاله ترجمه پل نويا است
- ۳۳ ترجمه سرود نیبلو نگن
- ویژگی اثر: این کتاب حماسه قوم ژرمن است
- ۳۴ ترجمه سیری در رساله های ابوسعید خراز
- ویژگی اثر: این مقاله تالیف پل نويا است
- ۳۵ ترجمه شیر و جادوگر
- ویژگی اثر: این کتاب تالیف سی. اس لويس می باشد
- ۳۶ ترجمه ظهور کرامیه در خراسان
- ویژگی اثر: این مقاله تالیف ادموند بوزورث است
- ۳۷ ترجمه عصر بدگمانی
- ویژگی اثر: این کتاب تالیف ناتالی ساروت است ض
- ۳۸ ترجمه فلسفه ابو سلیمان سجستانی
- ویژگی اثر: این مقاله تالیف فهمی جدعان است
- ۳۹ ترجمه فن ترجمه انتقال فلسفه یونانی به جهان اسلام
- ویژگی اثر: این مقاله تالیف عبدالرحمان بدوی است
- ۴۰ ترجمه کشفیات نوین در روان پزشکی
- ویژگی اثر: این کتاب تالیف کلیفورد آلن می باشد.
- ۴۱ ترجمه کودکان وحشی
- ویژگی اثر: این مقاله تالیف ژرژ بلون است
- ۴۲ ترجمه گرولوس، نخستین کتاب ارسطو
- ویژگی اثر: این مقاله تالیف هرمان کروسست میباشد
- ۴۳ ترجمه گفت و گو درباره مرگ
- ویژگی اثر: این مقاله تالیف لودویک اسکنازی است
- ۴۴ ترجمه گوشه ای از داستان سفرهای فیلسوفان یونانی به ایران
- ویژگی اثر: این مقاله تالیف ماریا دزیسکا است
- ۴۵ ترجمه ماجرای دریفوس
- ویژگی اثر: این مقاله تالیف ژان بلوک میشل بوده و شامل یادداشتهای روزه مارتن دوکارمی باشد
- ۴۶ ترجمه مرگ الیویه بکی
- ویژگی اثر: این مقاله تالیف امیل زولا می باشد و در مجله سخن چاپ شده است
- ۴۷ ترجمه مسئله اختیار در تفکر فلسفی و پاسخ معتزله به آن
- ویژگی اثر: این کتاب درباره آراء معتزله درباره مساله اختیار است در تقابل با آراء مذاهب کلامی دیگر

۴۸ ترجمه مونتینی

ویژگی اثر: این کتاب تالیف پتربوک است

۴۹ ترجمه میکروبها

ویژگی اثر: این کتاب تالیف آیزاک آسیموف است

۵۰ ترجمه نظریه مثل و مسئله معرفت در فلسفه اسلامی

ویژگی اثر: این مقاله تالیف ابراهیم مدکور است

۵۱ ترجمه نهضت ترجمه در جهان اسلام

ویژگی اثر: این مقاله نگارش ابراهیم مدکور است

۵۲ ترجمه و ویرایش فرهنگ آثار

ویژگی اثر: این کتاب در پنج جلد می باشد

۵۳ دانشنامه زبان و ادب فارسی

ویژگی اثر: انتشارات زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۴

۵۴ رای بعد از مای نکره

ویژگی اثر: این مقاله در فصلنامه نشر دانش به چاپ رسیده است

۵۵ زبان فارسی، ممیز ذیروح از غیر روح

ویژگی اثر: این مقاله در فصلنامه نشر دانش به چاپ رسیده است

۵۶ کدام عذرا؟

ویژگی اثر: این مقاله در فصلنامه نشر دانش به چاپ رسیده است

۵۷ یادی از حجه الاسلام غزالی

ویژگی اثر: این مقاله در مجله معارف به چاپ رسیده است

۵۸ یادی از فخرالدین رازی

ویژگی اثر: این مقاله در مجله معارف به چاپ رسیده است

منابع:

http://www.ketabnews.com/detail-literature_verse/c5c1۱۸۳۲۹۲۵۴۳_esmaeel_saadat_p۱.php

www.ketabesal.ir۴-fa-۰-۷۱۲۵-کیمیای سعادت، گفتگو با اسماعیل سعادت، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، سال

چهارم، شماره هفتم، اردیبهشت ۱۳۸۰، پیاپی ۴۳، ص ۴

سعدالدوله

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ع. (موجب) نیکبختی دولت) ابن صفی الدوله طیب از مردم ابهر زنجان (مقت. ۶۹۰ ه.ق.). وی در عهد ارغون ایلخان مغول در عداد اطبای ایلخانی درآمد و در بغداد میزیست و در آنجا با مردم آمیزش داشت و چند زبان آموخته بود و در ضمن به کیفیت حال عمال و متصرفان اموال بغداد و عراق اطلاع کامل یافت. اطبای دیگر یهودی که در دربار بودند وسیله احضار او را از بغداد فراهم آوردند. اتفاقاً در این ایام ارغون را مختصر مرضی رسید که به معالجه سعدالدوله بهبود یافت و او مقرب شد و اطلاعاتی که در باب اسراف و تبذیر عمال داشت به عرض رساند. ارغون سعدالدوله را با دو تن دیگر از امرای مغول مأمور خطه بغداد و تحصیل بقایای مالیاتی و اصلاح حال رعیت کرد. سعدالدوله در اواخر ۶۸۶ ه.ق. به بغداد رفت و در اندک مدتی اموال فراوان از بقایای سالهای گذشته و حاصل سال جاری جمع آورد و به خدمت شتافت. این خدمت در چشم ارغون سخت جلوه نمود، و سعدالدوله را مسئول جمع و خرج بغداد کرد و او سال بعد بیشتر از دفعه اول از آن سرزمین جمع مال کرد و در نتیجه ارغون وی را وزیر و در حل و عقد مملکت مختار کرد و فرمان داد که اگر مهمی پیش آید آزادانه به عرض او برساند.

استقلال سعدالدوله یهود از یک طرف علامت سرشکستگی و عقب‌افتادن عمال و کفایت مسلمانان و از طرف دیگر نشانه زوال آفتاب اقبال امیر بوقا و برادر او آروق بود. در این زمان توطئه بوقاصد ارغون کشف شد و به امر ایلخان او و برادرش آروق کشته شدند. پس از قتل امیر بوقا کوکب سعادت سعدالدوله اوج گرفت و این مرد جاه‌طلب و ارغون که هر دو از مسلمانان بدگمان بودند شروع به قطع ایادی آنان از کارها کردند و قرار شد که در امور جمع و خرج ممالک ایلخانی فقط عیسویان و یهود را به کار گمارند. سعدالدوله عموم اقوام یهودی خود را در کارهای مهم ملکی داخل کرد و عراق عرب و الجزیره و آذربایجان را بین ایشان تقسیم نمود. سعدالدوله مردی زیرک و کافی بود و در ابتدا برای جلب قلوب امر داد که امر او حکام دعاوی را بر طبق شریعت اسلام فیصل دهند و در استحقاق حق مظلومان و اعانت فروماندگان جد بیلغ نمایند و ایلخان را واداشت که حکام و ملوک تابع را مأمور وصول و ایصال وجوه خزانه سازد. بسیاری از اجحافات سابق از میان رفت و صدقات جاری شد و شعرای عرب و عجم و فضلا به نظم و نثر او را ستودند و مجموعه‌ای به نام او ساختند. یهود در سایه او ارتقا یافتند. کار سعدالدوله به استقلال مطلق و و استبداد کشید و این مسئله موجب تحریک غضب امرای ارغون و حسد ایشان نسبت بدو شد تا آنجا که غالب آن جماعت به دستگیری طوغان به قتل او تصمیم گرفتند. سعدالدوله در آخر چون دید که بسیاری از امر او و علما و متنفذان مسلمان کمر به قتل او و یاران یهودش بسته‌اند و بر آن شد که از استیلاي خود بر نفس ارغون استفاده کند و با اجرای طرحی که ریخته بود بینان عمر ایشان را از بیخ برکند. طرح وی این بود که روزی به ارغون گفت نبوت از چنگیزخان به طریق ارث به ایلخان عادل رسیده و ارغون از جانب خداوند رسول است و چون قیام دین هر رسولی به جهاد و قلع مخالفان متعلق است باید ایلخان امر دهد تا هر کس سر از قبول دیانت او بپیچد و در زمره ملت جدید درنیاید سرش از تن جدا کنند و چون ارغون از مسلمانان نفرت داشت امر داد که مسلمانان را در کارها دخالت و بارود راه ندهند. سعدالدوله برای رسیدن به نیت زشت خود محضری تهیه کرد و جمعی از علمای مسلمان هم پای آن را امضا و نقشه او را تصدیق کردند. سعدالدوله با تصویب اغون مصمم شد که خانه کعبه را به بتخانه مبدل سازد. اما در این اثنا ارغون در تبریز مریض شد و برای اصلاح مزاج به موقان رفت و مرضش شدت یافت و اطبا از معالجه او عاجز آمدند. سعدالدوله دانست که ارغون یعنی آلت اجرای مقاصد او در حال رفتن است و با رفتن او دولت خود وی نیز رو به زوال، به همین جهت به جلب قلوب مردم و جبران شکستگیها- که بر دست او رفته بود- مشغول شد و به اطراف نامه‌ها نوشت در دفع ظلم و فساد، ولی هیچیک مفید نیفتاد و امر او در خانه طغاجار ترتیب جشنی دادند و تصمیماتی گرفتند و سعدالدوله را دستگیر کردند و در سلخ صفر ۶۹۰ به خانه طغاجار آوردند و به قتل رساندند. خبر قتل او در بلاد اسلام موجب مسرت و شفای قلوب مسلمانان گردید و بازار یهودکشی رواج گرفت.

(اقبال. تاریخ مغول).

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

سعدی قمی، ابو عبدالله حسین

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سوم ق)، محدث امامی. وی را از اصحاب امام علی النقی (ع) شمرده‌اند. گویند که در میان شیعیان به غالی مذهبی متهم بوده و هنگامی که غالی مذهبیان را از قم اخراج کردند، او را نیز بیرون کردند. نجاشی ضمن ذکر اتهام وی گوید: «او مصنفاتی دارد که احادیث آنها صحیح است و تعداد آنها را حدود صد کتاب نوشته است. علی بن حاتم از شاگردان و راویان کتابهای او است». از آثارش: «الامامه»، «الایمان»، «التوحید»، «المتع»، «المومن و المسلم»، «المقت و التوبیخ»، «المزار».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اختیار معرفه الرجال (۵۱۲)، اعیان الشیعه (۸۸-۸۶/۶)، الذریعه (۲۷۹/۲۳، ۴۷۸/۴، ۳۲۴/۲)، رجال ابن داود (قسم ۴۴۵-۴۴۴/۲)، رجال الطوسی (۴۷۱)، رجال النجاشی (۱۴۶-۱۴۳/۱)، ریحانه (۳۲/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۴/۴)، الفهرست للطوسی (۱۰۶)، الکنی و الالقاب (۳۱۴/۲)، لغت نامه (ذیل / حسین)، هدیه الاحباب (۱۴۹).

سعدی، ضیاء الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی داروئی، دانشکده: داروسازی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای عمومی داروسازی در سال ۱۳۵۴، کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی شیمی داروئی از دانشگاه استراتکلاید اسکاتلند در سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۶۰.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۶۳، دانشیار گروه شیمی داروئی دانشگاه علوم پزشکی مشهد از سال ۱۳۷۱ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی اثرات درمانی سم زنبور عسل، بررسی فیتوشیمیائی گیاهان داروئی، آنالیز و فرمولاسیون در یک فرآورده جدید داروئی، تهیه ژلاتین از منابع داخلی حلال، بررسی اثرات ضد میکروبی برخی عصاره‌های گیاهان داروئی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۱ پایان‌نامه دکترای.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ترجمه و ویرایش کتاب در ارتباط با فارماکولوژی و ویرایش کتاب صحیفه سجاده به زبان انگلیسی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۷، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۲

زمینه علمی مقالات:

شیمی دارویی، توکسیکولوژی، فارماکولوژی، آنالیز فرآورده‌های داروی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

سعید العلماء، محمد سعید

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۲۷۰ ق)، فقیه، اصولی و مجتهد. از بزرگان علمای شیعه در قرن سیزدهم است. مقیم بارفروش بود. پس از تحصیلات مقدماتی برای تکمیل اصول فقه به عراق رفت. او شاگرد برجسته شریف‌العلمای مازندرانی و معاصر شیخ انصاری و سید شفیق جاپلاقی و همدرس ملا- آقا دربندی است. پس از دریافت اجازه‌ی اجتهاد از شریف‌العلماء به بارفروش بازگشت. ریاست علمی مذهبی وی مورد توجه همه حتی ناصرالدین شاه بود. خبرگان او را هم‌سنگ و عده‌ای وی را بر شیخ انصاری ترجیح می‌دادند. خود شیخ با وجود او فتوا نمی‌داد تا اینکه سعید العلماء در نامه‌ای نوشت که «اگر من در زمان اشتغال علمی اعلم از شیخ بوده‌ام لیکن اکنون در ایران تارک شده‌ام ولی شیخ هنوز مشغول علم است و اینک او برای تقلید و فتوا متعین است». حاج ملا محمد اشرفی و حاج شیخ زین‌العابدین مازندرانی حایری از شاگردان بنام سعید العلماء بودند و دومی از وی روایت نیز کرده است. سید محمد بن ربیع تستری در حدود ۱۲۴۶ ق بعضی از «تقریرات» وی را نوشته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: ریحانه (۳۸/۳)، شرح حال رجال (۷۱/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/۵۹۹)، الکنی و الالقاب (۳۱۴/۲)، مکارم الآثار (۱۹۷۱- ۱۹۷۰/۶).

سعید تهرانی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۳۳۷ ق.، تهران.

درگذشت: ۲۱ دی ۱۳۷۴، قم.

حضرت آیت‌الله شیخ حسن سعید تهرانی، فرزند آیت‌الله میرزا عبدالله چهل ستونی تهرانی و نوه آیت‌الله العظمی حاج میرزا مسیح تهرانی (از مراجع دوران قاجار که در واقعه قتل گریب‌ادوف مرجع و پناه مردم به حساب می‌آمد) بود. ایشان علوم مقدماتی را در حوزه‌های علمیه قم و تهران تحت تربیت و نظارت پدرشان فراگرفت.

سپس در بیست و پنج سالگی به دانشگاه رفت و لیسانس معقول و منقول گرفت و سپس در سال ۱۳۷۰ ق. به نجف اشرف رفت و در دوس آیات عظام حاج سید محسن حکیم، آیت‌الله خویی به خصوص آیت‌الله شیخ حسین حلی شرکت جست و تقریرات دروس فقه و اصول آنها را نگاشت (چندین مجلد تقریرات دروس آیت‌الله حلی به چاپ رسیده است). در سال ۱۳۸۵ ق. به تهران آمد و ضمن امامت جماعت مسجد جامع چهل ستون تهران به تدریس فقه و اصول و تفسیر، وعظ و ارشاد، راهنمایی مردم، به خصوص جوانان و دانشجویان، تألیف کتاب‌های دینی چاپ و نشر کتاب‌های مذهبی، تأسیس بنای کتابخانه و مدرسه چهل ستون و گنجینه قرآن کریم پرداخت. این کتابخانه با بیش از چهل هزار نسخه‌های خطی و چاپی یکی از مهمترین کتابخانه‌های مساجد تهران می‌باشد.

آیت‌الله سعید برای تبلیغ اسلام و تشیع کوشش فراوان کرد و دهها کتاب به زبان‌های مختلف برای بیان اندیشه‌های تشیع و عقاید شیعی و ولایت به کشورهای مختلف فرستاد. از وی در طول عمر خویش دهها کتاب به زبان فارسی و عربی باقی مانده است. مهمترین آثار ایشان عبارتند از: اسلام از دیدگاه قرآن و عترت؛ اصول دین (آبان ۱۳۳۳)؛ افکار پریشان یا مقالات سعید (۱۳۲۶)؛ تقریرات علامه حلی؛ ترجمه نورالابرار من حکم انیرالمؤمنین علی (ع) (۱۴۱۲ ق.)؛ حسین (ع) از دیدگاه وحی (۱۳۹۶ ق.)؛ حکومت از دیدگاه قرآن و عترت (۱۳۹۹ ق.)؛ حیات یابی (ترجمه احیاءالمیت به فضایل اهل بیت، ۱۳۶۷)، خدا و رمضان (۱۳۹۱ ق.)؛ خدا و ولی الامر (۱۳۹۲ ق.)؛ خدا و مهدی (۱۳۹۴ ق.)؛ دایرةالمعارف قرآن (۱۲ مجلد، به فارسی و عربی) سیره رسول‌الله (ص) سنت الهی است (۱۴۰۶ ق.)، غدیر پیوند ناگسستنی رسالت و امامت (۱۳۶۱)؛ فاطمه زهرا (س)؛ دژ شکست ناپذیر وحی در طول زمان (۱۳۶۱)؛ ما با خدا کار داریم (۱۴۰۶ ق.)؛ مکتب امام حسن (ع) (۱۴۰۲ ق.)؛ مبعث، بیانگر رسالت و امامت در مکتب تشیع (۱۴۱۲ ق.)؛ مسئولیت (۱۴۰۹ ق.)؛ مهدی (ع) ما راهگشای عالم غیب (۱۴۰۴ ق.)؛ نگهبان مکتب توحید (کتابنامه مکتب مهدی عج) (۱۴۱۵ ق.)؛ نگهبان مکتب ما (۱۴۱۰ ق.)؛ نموداری از حکومت علی (ع) (۱۴۰۳ ق.)؛ ولایت فقیه ره‌آورد غدیر (۱۳۹۹ ق.).

آثار عربی وی به این شرح است: الفقه تشریعی و تنبیه و استنباطه (۱۳۸۰ ق.)؛ الرسول یحدثنا (۱۳۹۴ ق.)؛ الرسول یدعوکم (۱۳۹۸ ق.)؛ الرسول الشیعه (۱۳۹۸ ق.)؛ دلیل عروالوثقی (تقریرات بحث‌های آیت‌الله شیخ حسین حلی، دو جلد: جلد اول ۱۳۷۹ ق. جلد دوم ۱۳۸۲ ق.)؛ شیعتنا (۱۴۰۲ ق.)؛ موسوعه المکاسب (تألیف شیخ مرتضی النصارى، تقریر شیخ حسن حلی، کاتب تقریر شیخ حسن سعید، چهار جلد با تفریظ).

آیت‌الله سعید سرانجام در بیست و یکم دی ۱۳۷۴ (نوزدهم شعبان ۱۴۱۶ ق.) در هشتاد سالگی دار فانی را وداع گفت و در شهر قم در مقبره شیخان (ره) به خاک سپرده شد.

حاج حسن آقا سعید بن العالم الجلیل آیت‌الله حاج میرزا عبدالله مسیح تهرانی از افاضل علماء معاصر تهرانت.

تولدش در تهران واقع شده و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات و سطوح مهاجرت به نجف اشرف نموده و سطوح را نزد مدرسین آنجا پایان رسانیده آنگاه از محضر آیت‌الله العظمی حکیم و آیت‌الله العظمی خوئی و بالا-خص آیت‌الله حلی استفاده نموده تا بمدارج عالی علم و کمال رسیده و تقریرات استاد حلی را در شرح عروه بنام مدارک العروه برشته تحریر و طبع درآورده و به تهران مراجعت و در مسجد جامعه بجای والد خود به اقامه جماعت و ترویجات دینی و تدریس پرداخته است. از آثار ایشان است تأسیس کتابخانه مسجد جامعه و نشریه‌های آن است.

(۱۴۱۶-۱۳۳۸ ق.)، فقیه اصولی و عالم امامی. او از فرزندزادگان میرزا مسیح تهرانی است. در تهران به دنیا آمد. پس از خواندن

دروس کلاسیک و مقدمات و ادبیات و سطوح به نجف اشرف مهاجرت کرد و سطوح را در آن جا تکمیل نمود. سپس به محضر آیت‌الله حکیم و آیت‌الله خویی راه یافت. او به ویژه از آیت‌الله حلی بهره‌ها برد تا به مدارج عالی علم و کمال رسید. آنگاه به تهران بازگشت و در مسجد جامع تهران به ترویج دین و تدریس پرداخت. در تهران درگذشت و در شیخان قم دفن شد. از آثار ایشان تاسیس کتابخانه مسجد چهلستون جامع تهران در ۱۳۸۰ ق و نیز گنجینه‌ی قرآن حاوی نسخ گوناگون کهن و جدید قرآن در همان جا. این کتابخانه هم‌اکنون با بیش از چهل هزار جلد کتاب یکی از ذخایر گران‌بهای کتب اسلامی است. از دیگر اقدامات وی انتشارات وسیع و گسترده به صورت نشریات متعدد به زبانهای مختلف برای کشورهای شرق و غرب جهان بود. از آثار علمی وی: «الرسول یحدثنا»؛ «الرسول یدعوکم»؛ «الرسول و الشیعه»؛ «شیعتنا»؛ «الفقه فی تشریعه و تبیینه و استنباطه» «دلیل العروه الوثقی»؛ تقریرات بحثهای استادش آیت‌الله حلی؛ نشریه «دائرةالمعارف قرآن کریم»؛ «اسلام از دیدگاه قرآن و عترت»؛ «اصول دین»؛ «حسین از دیدگاه وحی»؛ «خدا و اولوالامر»؛ «فاطمه الزهرا (ع)»؛ «نموداری از حکومت علی (ع)»؛ «مهدی (ع) راهگشاری عالم غیبت» [۱].

حاج شیخ حسن فرزند عالم ربانی حجه‌الاسلام والمسلمین آیت‌الله حاج میرزا عبداللّه سعید تهرانی (معروف به جهل ستونی) ابن آیت‌الله حاج میرزا مسیح که ترجمه‌اش اجمالاً در جلد چهارم ص ۴۸۳ گذشت معظم‌له در سال ۱۳۳۷ قمری در تهران متولد شده و پس از پرورش در بیت علم در تهران مقدمات را خوانده و سپس در قم به تحصیل سطوح عالی پرداخته و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محاضر آیات عظام حوزه علمیه نجف مرحوم آیت‌الله العظمی حکیم و شاهرودی و حاج شیخ حسین حلی و آیت‌الله خوئی استفاده نموده و با مدارک عالی علمی به زادگاه خود تهران مراجعت و در مسجد جامع به خدمات دینی و وظائف روحی و تدریس فقه و اصول و تفسیر قرآن و نشر معارف اسلامی و قضاء حوائج محتاجین حتی‌المقدور پرداخته و تا این تاریخ ۱۳۹۹ قمری به فعالیت اشتغال و سرپرستی عده‌ای از طلاب تهران را به عهده دارند و کتابخانه مسجد جامع که از تاسیسات معظم‌له است یکی از مجامع علمی تهران و پایگاه‌های خدمات اسلامی است آثار گرانقدری دارند که به آن اشاره می‌شود.

۱- دلیل العروه دو جلد مطبوع.

۲- شرح مکاسب سه جلد.

۳- اصول دین.

۴- افکار پریشان.

۵- همه در انتظار اویند چاپ شده.

نویسنده گوید: آیت‌الله سعید تهرانی دارای محامد آداب و محاسن اخلاق و بیانی شیوا می‌باشد در منزلش طبق سنت نیاکانش همه ساله از اول محرم تا سوم عاشورا مجلس تبلیغ و سوگواری منقد و گویندگان فاضل و دانشمند و آگاه در پیرامون معارف اسلامی و مکتب‌خاندان رسالت ایراد سخن نموده و طبقات مختلف و بالخصوص علماء تهران که همه روزه شرکت می‌کنند زیب بخش مجلس ایشانند.

خدمات و فعالیت‌های آقای سعید بسیار و این مختصر ظرفیت شرح آن را ندارد ادام‌الله توفیقه همه ساله در ایام موالید ائمه معصوم علیهم‌السلام مخصوص حضرت رسول (ص) و حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام و حضرت سیدالشهداء و حضرت بقیه‌الله عجل‌الله فرجه جزوه‌هایی آموزنده به دان مناسب طبع و نشر می‌نمایند جزاه‌الله عنهم خیرالجزاء.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه: [۱] احوال و آثار حضرت آیت‌الله سعید (ره)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴/۴۸۳).

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۹۱-۱۳۰۵ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. در تهران به دنیا آمد. مدتی در تهران نزد علمای دین چون شیخ علی نوری و میرزا سید محمد تنکابنی و حاج شیخ مسیح تهرانی و میرزا هاشم شفتی و حاج آقا بزرگ و حاج آقا بزرگ ساوجی و آقا شیخ باقر معزالدوله تحصیل علوم دینی کرد. در ۱۳۳۰ ق در مراجعت از مکه به نجف رفت و در آنجا از محضر آیت‌الله نائینی و آیت‌الله شریعت اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی و حاج سید احمد کربلایی استفاده نمود. در ۱۳۳۳ ق به تهران مراجعت و بعد از فوت پدرش چند سالی مسجد جامع تهران را امامت می‌کرد. در ۱۳۴۲ ق به قم رفت و از آیت‌الله حائری و آیت‌الله کبیر بهره‌ها گرفت. در ۱۳۵۶ ق به تهران بازگشت و به تدریس و انجام وظائف دینی و اجتماعی مشغول شد. از آثار وی: حاشیه بر «مکاسب»؛ هفت رساله در «مبدء و معاد» و جمع «کتاب و سنت و عقل تفسیر»؛ رساله‌ای در «مشتق»؛ «سنن النبی (ص)» [۱].

آیت‌الله مرحوم حاج میرزا عبدالله ابن آیت‌الله حاج میرزا مسیح مشهور بحاج میرزا بزرگ ایلچی کش از طراز اول علماء معاصر تهران بوده است در سال ۱۳۰۵ ق در تهران متولد شده و نزد علماء تهران چون مرحوم آقای شیخ علی نوری و میرزا سید محمد تنکابنی و حاج شیخ مسیح طالقانی و میرزا هاشم شفتی و آقای حاج آقا بزرگ ساوجی و آقا شیخ باقر معزالدوله تلمذ نموده و در سال ۱۳۳۰ ق در مراجعت از مکه معظمه به نجف در آن سامان رحل اقامت افکنده و از محضر مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله شریعت و آیت‌الله آقا ضیاء عراقی و عالم ربانی حاج سید احمد کربلایی و غیر هم استفاده نموده و در سال ۱۳۳۳ ق مراجعت به تهران و پس از فوت مرحوم والدش (در سال ۱۳۳۴ ق) چند سالی امامت مسجد جامع تهران را نموده تا سال ۱۳۴۲ ق که آیات بزرگ و مراجع عالیقدر شیعه از عراق تبعید به ایران شدند وی باستقبال آنان شتافته و در خدمت آنان به قم آمده و بافاضه و استفاضه از محضر مرحوم آیت‌الله حائری و آیت‌الله حاج شیخ ابوالقاسم کبیر پرداخته تا سال ۱۳۵۶ ق پس از فوت آیت‌الله حائری به تهران مراجعت نموده و تا سال ۱۳۹۱ قمری به اقامه جماعت و تدریس و وظائف دیگر دینی و اجتماعی اشتغال داشته تا در ذی‌الحجه سال مزبور در سن ۸۶ سالگی وفات نموده و جنازه‌اش حمل بشهر ری و در جوار حضرت امامزاده حمزه موسوی بعنوان امانت بخاک سپرده شد تا در شرایط مناسب و رفع موانع به نجف منتقل گردد. از آثار ایشان است:

۱- حاشیه بر مکاسب ۲- هفت رساله در مبدء و معاد و جمع کتاب و سنه و عقل و تفسیر ۳- اصول فلسفه ۴- رساله‌ای در مشتق ۵- سنن النبی (ص) ۶- متفرقات دیگر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] آثار الحجه (۲/۲۵۸)، آینه‌ی دانشوران (۲۰۹-۲۰۸)، زندگینامه رجال و مشاهیر (۴/۵۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۸۳-۴۸۲/۴).

سعید، ابراهیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۷۵ ش)، پزشک و نویسنده. وی در همدان متولد شد از نژاد کرد بود. تحصیلات مقدماتی را در مدارس کالج و آمریکایی و تحصیلات طبی را تحت نظر معلمهای آمریکایی آموخت. از آثار وی: «خیر المال فی حفظ صحه الاطفال»؛ «طریق رهایی از امراض

وبایی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: مؤلفین کتب چاپی (۶۷-۶۶/۱).

سعیدالعلماء مازندرانی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مآثر و آثار ص ۱۵۰ گوید: سعیدالعلماء از افاضل مجتهدین بود و ریاستی معتدبها داشت و بعضی از اهل تحقیق او را با شیخ الطائفه استاد الکل مرتضی الانصاری هم سنگ می‌گرفتند. این بزرگوار بملاحت منطق و فصاحت بیان یگانه‌ی روزگار بنظر می‌آمد. نگارنده گوید آنجناب مبارزات دامنه‌داری با فرقه ضاله بایه و سران آنها ملاحسین بشروئی و قره‌العین نمود و نگذارده آنها وارد شهر بابل بشوند و در قلعه‌ای نزدیک بابل آنها را محاصره کرده و نابودنشان نمودند.

در ریحانه الابد گوید ملا- محمد سعیدالعلماء مازندرانی بارفروشی از اکابر علماء امامیه قرن سیزدهم هجرت که از افاضل مجتهدین و در فصاحت و نطق و بیان یگانه‌ی زمان و با شیخ مرتضی انصاری معاصر و از تلامذه شریف العلماء مازندرانی است. ریاست علمی مذهبی معتدبه داشته و مورد توجهات ملوکانه ناصرالدین شاه قاجار بوده و بعضی از اهل خبره او را هم سنگ شیخ انصاری دانسته و بلکه گاهی ترجیحش میدهند و بالجمله فقه و اصول او مسلم اهل عصر خود بوده و شیخ انصاری با آن همه جلالت علمی که داشته با حضور وی فتوا نمیداده تا آنکه نامه‌ای از خود سعیدالعلماء در رسید که اگر من در اوقات اشتغال علمی اعلم از شیخ بوده‌ام لکن در بلاد عجم تارک شده‌ام ولی شیخ هنوز مشغول علم بوده اینک برای تقلید و فتوا معین می‌باشد. شاگردان بزرگواری مانند حاج ملا محمد اشرفی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی دارد وفاتش در سال ۱۲۷۰ قمری اتفاق افتاد و در شهر در مقبره معروفه‌اش مدفون و اکنون قبرش یکی از بقاع متبرکه و مزارات مردم بابل است.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سعیدی روشن، محمدباقر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد باقر سعیدی روشن

محل تولد: قزوین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱۲/۱۹

زندگینامه علمی

محمد باقر سعیدی روشن در نوزدهم اسفند ۱۳۴۰ هجری شمسی در یکی از روستاهای استان قزوین دنیا آمد، ابتدایی را در روستا

گذراندم. به خاطر علاقه به تحصیل علوم دینی، برخی از دروس مقدماتی عربی و راهنمایی تحصیلی را همزمان در مدرسه علمیه (شیخ الاسلام) شهرستان قزوین که در آن زمان با مدیریت عالم وارسته جناب حجة الاسلام والمسلمین هادی باریک بین از شاگردان امام خمینی (ره) اداره می شد گذراندم، در گرماگرم انقلاب اسلامی و هجوم ماموران ساواک شاه به مدرسه که مرکز نشر اندیشه های امام خمینی (ره) در این شهر بود. به حوزه علمیه قم آمد و در دروس مدرسه علمیه (رسالت) با مدیریت جناب حجة الاسلام والمسلمین دشتی شرکت کرد، پس از طی دروس مقدماتی، منطق را در محضر حجة الاسلام والمسلمین حسینی بوشهری، اصول فقه را در محضر حجة الاسلام والمسلمین موسوی تهرانی، شرح لمعه را در محضر مرحوم آیت الله وجدانی، رسائل را در محضر آیت الله اعتمادی (دام ظلّه) مکاسب را در محضر مرحوم آیت الله پایانی، کفایتین را از حضرت آیت الله فاضل بهره برد و در دروس خارج نیز همزمان از محضر درس آیات عظام؛ مکارم شیرازی، وحید خراسانی و فاضل لنکرانی استفاده برد. همچنین در کنار دروس رسمی حوزه، از سال ۱۳۵۸ در برنامه های آموزشی موسسه (در راه حق) با مدیریت حضرت آیت الله مصباح یزدی (دام عزه) شرکت نمود. در این مرکز به جز استفاده از دروس اصلی تفسیر، معارف، قرآن، منطق و فلسفه از محضر استاد بزرگوار مصباح یزدی، با زبان خارجه، اقتصاد، جامعه شناسی، روان شناسی، حقوق، علوم سیاسی، و برخی دروس جدید دیگر بیشتر آشنایی یافت. در دهه هفتاد هم زمان با تدریس و پژوهش در حوزه، علوم قرآن، تفسیر، کلام و دین پژوهی، دروس عالی دانشگاهی را نیز استمرار بخشید و در سال ۱۳۷۵ کارشناسی ارشد را اخذ و در سال ۱۳۸۱ خورشیدی از رساله دکتری تخصصی در رشته علوم قرآن و حدیث تحت عنوان (تحلیل زبان قرآن و متدولوژی فهم آن) دفاع نمود. برخی از دروسی که در مراکز علمی حوزه ای و دانشگاهی در سطوح کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری توسط وی ارائه شده به قرار ذیل است: علوم قرآن، تفسیر و معارف قرآن، هرمنوتیک و مبانی تفسیر قرآن، روش تحقیق در علوم قرآن، معجزه شناسی، کلام جدید و قدیم، نهج البلاغه، فقه الحدیث و علم الحدیث، انسان شناس و تاریخ ادیان، زبان قرآن، زبان دین و ... همچنین در خلال این مدت راهنمایی یا مشاوره رساله های متعدد دانشگاهی و حوزوی را به عهده داشته ام.

سعیدی زاده، رسول

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رسول سعیدی زاده

محل تولد: رشت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۷/۱

زندگینامه علمی

شیخ رسول سعیدی زاده فرزند طاهر از محققان و پژوهشگران مقیم مشهد در غروب آخرین روز خرداد سال ۱۳۴۴ هـ ش مصادف با سالروز تولد خاتم پیغمبران در یکی از محلات قدیمی شهر رشت به نام پلکو (جنب کوچه مهدیه فعلی) متولد گردید. پدر و مادرش هر دو اهل رشت و اجدادش از حومه آنجا بودند. پدر او یک کارگر ساده و مادرش زنی زحمت کش بود، که در

میانسالی به خاطر تحمل کار و سختی زیاد از حد زندگی جان بر کف نهاد و دار فانی را وداع گفت. سعیدی زاده متاهل و دارای دو فرزند دختر و پسر و نیز جانباز انقلاب اسلامی می باشد.

او تحصیلات خود را تا سطح دیپلم در زادگاهش خواند و سپس در سال ۱۳۶۲ هـ.ش، برای فراگیری دروس حوزوی وارد مدرسه علمیه جامع رشت شد. پس از طی دروس مقدماتی در سال ۱۳۶۶ هـ.ش، به مشهد مهاجرت و در آنجا سطح و بعد خارج فقه و اصول را به مدت شش سال متوالی خواند. هم زمان دروس مقدمات حوزوی را در مدرسه آیت الله خوئی تدریس نمود. در کنار درس های حوزه به تحصیلات دانشگاهی تمایل یافت و توانست در سال ۱۳۷۲ هـ.ش، در رشته کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه پیام نور مشهد و در سال ۱۳۸۴ هـ.ش، در رشته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث از دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد فارغ التحصیل شود. موضوع پایان نامه کارشناسی ارشد او «خاندان های معروف سادات با تکیه بر خاندان علمی» است.

از جمله اساتیدی که حق بزرگی در تربیت او دارند می توان به آیات عظام شیخ محمد ازدی لاکانی، سید مجتبی رودباری، سید علی اکبر بنی هاشمی، سید حسن مرتضوی شاهرودی، سید جواد فقیه سبزواری و استاد رضا زاده نام برد. وی مسافرت هایی به کشورهای ترکیه، عراق، سوریه و عربستان انجام داده که حاصل آن چند سفرنامه مکتوب است.

سعیدی زاده در کنگره های داخلی چندی از جمله مشارکت در شیراز، مسکن در اصفهان، دومین و نیز سومین کنگره دیدگاه های اسلام در پزشکی در مشهد، میراث علمی و معنوی حضرت فاطمه زهرا (س) در مشهد، بزرگداشت علامه سید عبدالحسین شرف الدین در قم، بزرگداشت عالمان فرزانه نهواندی در نهواند همدان و بزرگداشت حکیم متاله سید جلال الدین آشتیانی در مشهد و غیره شرکت نمود.

سعیدی کازرونی، عبدالوهاب

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید عبدالوهاب سعیدی کازرونی متولد ۱۲۴۹ و متوفی ۱۳۲۴ شمسی فرزند سید حسن از شعراء و ادباء این سامانست رساله منظومی بنام (هادی السبیل) دارد که طبع شده.

(۱۳۲۴ - ۱۲۴۶ ش)، ادیب و شاعر، متخلص به سعیدی. وی در کازرون متولد شد. علوم ادبی فارسی و عربی را آموخت و در قصیده و غزل مهارت داشت و بیشتر علاقه به سرودن هزل داشت. و مدتی در بوشهر زیست. از آثار وی: «هادی السبیل»؛ «دیوان» شعر. [۱]

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه: [۱] دانشمندان و سخن سرايان فارس (۱۶۷ - ۳/۱۶۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴/۲۶).

سعیدی مهر، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد سعیدی مهر

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۰ هجری شمسی در رشته ریاضی فیزیک از دبیرستان خوارزمی تهران فارغ التحصیل شدم. به علت علاقمندی به دروس حوزوی (و تعطیلی دانشگاهها به علت انقلاب فرهنگی)، در حوزه شهید بهشتی تهران تحصیلات حوزوی را آغاز کردم. در سال ۱۳۶۱ در کنکور سراسری و نیز کنکور ورودی دانشگاه امام صادق (ع) شرکت کردم و پس از قبولی در هر دو جا دانشگاه امام صادق (ع) را برگزیدم و یک سال در این دانشگاه مشغول تحصیل شدم.

به علت علاقه شدید به دروس حوزوی و نظام آموزش حوزه، در آغاز نیمسال سوم تحصیلی (بهار ۱۳۸۳) با جلب نظر موافق مدیریت محترم دانشگاه امام صادق (ع)، از ادامه تحصیل انصراف داده و در مدرسه آیت الله مجتهدی تهران تحصیلات حوزوی را ادامه دادم. در مهرماه ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و به تحصیل سطح ادامه دادم و همزمان در دروس فلسفه نیز شرکت می کردم. در سال ۱۳۶۷ سطح حوزه را به اتمام رسانده به تحصیل در مقطع خارج فقه و اصول مشغول شدم. در سال ۱۳۶۹ در کنکور ورودی تربیت مدرس قم شرکت کرده و همزمان با شرکت در دروس خارج و دروس فلسفه و عرفان، در سال ۱۳۷۲ در مقطع کارشناسی ارشد الهیات فارغ التحصیل شدم. در سال ۱۳۷۳ در آزمون ورودی دانشگاه تربیت مدرس تهران شرکت کردم و پس از قبولی و شرکت در دوره آموزشی، سرانجام در سال ۱۳۷۹ با دفاع از رساله دکتری با عنوان (بررسی انتقادی «ضرورت» در فلسفه تحصیلی معاصر)، فارغ التحصیل شدم.

در سال ۱۳۷۸ به مدت یکسال در کشور انگلستان مشغول گذراندن یک دوره پژوهشی بوده ام. از سال ۱۳۸۰ به عنوان عضو هیأت علمی گروه فلسفه دانشگاه تربیت مدرس مشغول هستم و در حال حاضر استادیار گروه فلسفه این دانشگاه می باشم. در طی دوران تحصیل در دانشگاه و حوزه، با مراکز متعدد پژوهشی در قم و تهران، همچون مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت اساتید و دروس معارف اسلامی نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاهها، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، پژوهشکده حکمت و فلسفه دفتر تبلیغات اسلامی، سازمان حکمت، موسسه فرهنگی طه و ... همکاری مدیریتی و پژوهشی داشته ام.

سعیدی، غلامرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۷ - ۱۲۷۴/۱۲۷۵ ش)، عالم، محقق، مترجم و نویسنده. وی در قریه‌ی نوزاد از توابع بیرجند به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مکتبخانه‌ی نوزاد گذراند سپس با خانواده‌اش به بیرجند رفت و در مدرسه‌ی شوکتیه‌ی این شهر به فراگیری علوم ریاضی، طبیعی، هیئت و نجوم و همچنین زبانهای عربی، فرانسوی و انگلیسی به خدمت در بانک مشغول گردید. ابتدا در مدرسه‌ی شوکتیه به تدریس پرداخت و سپس به تهران آمد و با همکاری دکتر سید جعفر شهیدی مجله‌ی «فروغ علم» را منتشر ساخت. پس از ایجاد دولت پاکستان، بارها به آن مملکت سفر کرد و با آراء و اندیشه‌های علامه اقبال لاهوری آشنا شد و زبان اردو را آموخت و وی در

تهران وفات یافت. از سعیدی در حدود شصت اثر در زمینه‌های تالیف و ترجمه بر جای مانده که از آن جمله‌اند: «عمار یاسر»؛ «عذر تقصیر به پیشگاه محمد (ص) و قرآن»؛ «اقبال شناسی»، ترجمه؛ «فرد و اجتماع»؛ «برنامه‌های انقلاب اسلامی»؛ «اول اخلاق مابعد تمدن آنها»، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: کیهان فرهنگی (س ۲، ش ۷، ص ۱۲-۳ و س ۵، ش ۹، ص ۵۰)، مؤلفین کتب چاپی (۷۰۴-۴/۷۰۲)، نشر دانش (س ۹، ش ۱، ص ۱۰۳).

سعیدی، فرخ

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: جراحی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

سعیدی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مترجم، مؤلف.

تولد: ۱۲۶۸، تهران.

درگذشت: ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۱.

محمد سعیدی، فرزند محمدعلی، تحصیلات مقدماتی را در مدرسه‌ی تربیت و سپس زبان و ادبیات انگلیسی را در کالج آمریکایی تهران و علوم قدیمه را نزد استادان فن آموخت. نخستین مقاله‌های او در روزنامه‌ی «شفق سرخ» چاپ شد. در مجله‌های «آینده» و «مهر» و غیره مقاله می‌نوشت. مدت سه سال مجله «راه نو» را انتشار داد و مدتی نیز بر انتشار مجله «ایران آباد» نظارت داشته است. به سمتهای سناتور، کفالت وزارت راه، معاونت نخست وزیر و سرپرستی انتشارات و رادیو رسید. علاوه بر مقاله‌های وی در مطبوعات، آثاری را ترجمه کرده است. از جمله ترجمه‌های او است: آخرین روز یک محکوم (ویکتور هوگو، ۱۳۰۶)؛ اخلاق روجی (ساموئل اسمایلز، ۱۳۰۸)؛ انسان در تکاپوی تمدن (اوین پالو، ۱۳۳۵)، این کتاب به این نام نیز منتشر شده است: تاریخ جهان یا انسان در تکاپوی تمدن؛ ایفی ژنی (گوته)؛ بادبزین خانم و بندر مرسالومه؛ اهمیت ارنست بودن (اسکار وایلد، ۱۳۳۶)؛ تاریخ عرب (فیلیپ حتی، ۱۳۳۶)؛ جنگ‌های ایران و روم (پروکوپسوس، ۱۳۱۱)؛ چهار نمایشنامه-الکترا؛ زنان تراخیس؛ فیلوکتس؛ آژاکس - (سوفوکل، ۱۳۳۵)؛ خطابه‌ی ویکتور هوگو بر سر قبر ولتر (۱۳۳۳)؛ خلیج فارس از قدیمی‌ترین ازمنه تا قرن بیستم میلادی (سرهنگ سرآرنولد ویلسون، ۱۳۱۰)؛ راز آفرینش انسان (ا. گریسی موریس، ۱۳۳۴)؛ زیر درختان زیرفون (آلفونس کار، ۱۳۳۵)؛ سه نمایشنامه- اودیپوس شاه، اودیپوس در کولولوس، آنتی گون (سوفوکل، ۱۳۳۴)؛ فروید، شرح حال (استفان تسوایک، ترجمه به نام مستعار)؛ کریستف کلمب (ساموئل الیوت وریس، ۱۳۳۸)؛ لرد کرزن (۱۳۲۲)؛ ماکدولین یا در سایه‌ی درختان زیرفون (ترجمه از

عربی متن آلفونس کار، (۱۳۰۶)؛ مقالات اجتماعی (آرتور بریزیان، ۱۳۲۲)؛ هلن، هیپولیت، ارنست، ایون (اوریبید، ۱۳۳۸)؛ سالومه و هلن؛ و آثار دیگری از تری پید و افلاطون. از جمله تألیفات وی می‌توان به این دو عنوان اشاره نمود: امیر کبیر (۱۳۳۵)؛ خاطرات سفر آمریکا (۱۳۳۶).

وی به دریافت نشان همایون و چندین نشان دیگر نایل آمده است.

(تو ۱۲۸۶ ش)، نویسنده، روزنامه‌نگار و مترجم. در تهران متولد شد. زبان و ادبیات انگلیسی را در کالج آمریکایی تهران و علوم قدیمی را در نزد استادان فن آموخت. نویسندگی را با نخستین مقالات در روزنامه‌ی «شفق سرخ» شروع کرد. و با آن که به کار سیاست می‌پرداخت اما از مطالعه و تحقیق غافل نبود. از جمله مشاغل سیاسی وی معاونت وزارت راه و سرپرستی اداره‌ی تبلیغات و معاونت نخست‌وزیری بود. وی چند سالی نیز مدیریت مجله «راه نو» را داشت. از آثار وی، ترجمه‌ها: «آخرین روز یک محکوم»؛ «اخلاق روحی»؛ «تاریخ عرب»؛ «امیر کبیر»؛ «راز آفرینش انسان»؛ «مقالات اجتماعی».[۱]

در ۱۲۸۰ در تهران تولد یافت. پس از انجام تحصیلات مقدماتی در مدرسه‌ی ادب وارد کالج آمریکایی‌ها شد و دوره‌ی آنجا را به اتمام رسانید. سپس به مدرسه‌ی سن لوئی رفت و دوره‌ی آنجا را نیز پایان داد. خدمات اداری خود را از وزارت فوائد عامه شروع کرد و سرانجام در وزارت راه به مقامات بلند رسید. مدتی معاون وزارت راه و زمانی سرپرست آن وزارتخانه بود. مدتی نیز نه چندان طولانی ریاست اداره کل انتشارات و تبلیغات و معاونت نخست‌وزیری را در نخست‌وزیری سپهد زاهدی عهده‌دار گردید. در سال ۱۳۴۲ به سناتوری تهران رسید و مجموعاً سه دوره‌ی چهارساله در مجلس اعیان عضویت داشت. در ۱۳۵۴ به مجلس سنا راه پیدا نکرد و به معاونت شریف امامی در بنیاد پهلوی منصوب شد. سعیدی نویسنده‌ای محقق و مترجمی دقیق و پرکار و نکته‌سنج بود. آثار زیادی از او چاپ و انتشار یافته است. از جمله کتابهای خلیج فارس، جنگهای ایران و روم، تاریخ عرب، سفرنامه‌ی آمریکا و بالاخره شعله‌های نبوغ را می‌توان نام برد که با قلمی شیوا و روان ترجمه شده است. وی مدتی مجله‌ی راه نو را انتشار می‌داد که از مجلات معتبر و خواندنی زمان خود بود. از نوجوانی در زمینه‌های ادبی و تاریخی با مطبوعات همکاری داشت. در ۱۳۶۵ در آمریکا درگذشت.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه: [۱] مؤلفین کتب چاپی (۵۰۴-۵۰۰/۵).

سعیدی، نیره

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

(۱۳۷۱-۱۲۹۹ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر. وی در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه‌ی ژاندارک به پایان رساند، سپس از دانشسرای عالی تهران در رشته‌ی ادبیات فرانسه و فارسی موفق به اخذ لیسانس گردید. به منظور ادامه‌ی تحصیلات به پاریس رفت و بعد از چند سال به ایران بازگشت. وی به مدت دو سال مجله‌ی «بانو» را به مدیریت خود در تهران نشر داد که نخستین نشریه‌ی اختصاصی بانوان محسوب می‌شود. او دو دوره به نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای ملی برگزیده شد. و از اعضای موسس شورای عالی جمعیت زنان بوده است. مقالات و اشعار او در نشریات کشور به چاپ رسیده است. وی در تهران وفات یافت. از آثار او است: ترجمه‌ای از آثار لافونتن به نام «قصه‌های لافونتن» (برنده‌ی جایز یونسکو)؛ ترجمه‌ی «شطرنج باز»؛ ترجمه‌ی «کازانوا» و مجموعه‌ی شعر به نام «ترانه‌ی من».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: زنان روزنامه‌نگار و اندیشمندان ایران (۱۵۰-۱۴۶)، زنان سخنور (۳۶۸-۳۶۰/۳)، کارنامه‌ی زنان مشهور ایران (۲۳۱-۲۳۰)، مجموعه‌ی گلها (۴۱۶-۴۱۵/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶۷۱-۶۷۰/۶).

سعیدی‌نژاد، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی با درجه خوب از دانشگاه گوتنبرگ آلمان، دوره انترنی دو ساله در رشته‌های جراحی عمومی، داخلی، زنان و زایمان از آلمان، دوره تخصصی اورولوژی در شهرهای باخ و فرانکوفرت.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در سال ۱۳۵۰، به درجه دانشیاری در سال ۱۳۵۵.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه در مورد کلیه و بیماریهای آن، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۰ پایان نامه دکترای.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

بیماری سنگ‌های ادراری در مورد امکانات مختلف درمانی و راههای پیشگیری از آن.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

کانسر اولیه و زیکوسمینال، پیشنهاد درمانی در خارج کردن کاتتر ادراری در کانسر پروستات، فشار خون بدخیم کلیوی، تری اورشیسیم، بررسی ۳۰ مورد تومور بیضه در بیمارستان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، بررسی ۵۰ مورد تومور مثانه، علت عدم موفقیت در درمان کانسر پروستات، کانسر آلت، تکامل دستگاه سنگ شکن.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

سکاکی خوارزمی، سراج‌الدین، ابویعقوب یوسف

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۲۶- ۵۵۵/۵۵۴ ق)، ادیب، نحوی. مشهور به سکاکی و موصوف به علامه. محل تولد وی خوارزم بود. حنفی معتزلی بود و از ادبای بزرگ عهد سلطان محمد خوارزمشاه و معاصر ابن‌حاجب. در نحو، صرف، منطق، کلام، بیان، شعر، عروض و معانی و قوافی توانا بود. می‌گویند در بدایت حال شغل آهنگری داشته و در سی سالگی به فراگیری علم روی آورده و در علوم غریبه نیز دست داشته است. وی در خوارزم درگذشت. قبر او در کنار آب تیکه می‌باشد. از جمله آثار او: «مفتاح العلوم»، که دوازده علم از علوم عرب را در آن آورده است و شروح بسیاری بر آن نوشته شده است؛ رساله‌ای در «علم مناظره». [۱].

سراج‌الدین ابویعقوب یوسف خوارزمی، از ادبای معروف عربیت قرن ششم و هفتم (و. ۵۵۵- ف. ۶۲۶ ه.ق). مؤلف کتاب «مفتاح العلوم» (ه. م.) وی در انواع علوم مخصوصا علوم ادبی و بالخصوص علوم بلاغی متبحر بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۲۹۴/۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۹۳- ۲۹۲/۳)، حیب السیر (۸۱- ۸۰/۳)، روضات الجنات (۲۰۲- ۲۰۰/۸)، ریحانه (۴۴- ۴۲/۳)، سرآمدان فرهنگ (۴۶۸/۱)، کشف الظنون (۱۷۶۳- ۱۷۶۲)، الکنی و الالقاب (۳۱۶/۲)، لغت نامه (ذیل / ابویعقوب)، معجم الادبا (۵۹- ۵۸/ ۲۰)، معجم المؤلفین (۲۸۲/۱۳)، هدیه الاحباب (۱۵۰)، هدیه العارفین (۵۵۳/۲)، یادداشتهای قزوینی (۱۴۸/۳).

سکری مروزی، ابوحمزه محمد

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۶۷ ق)، حافظ و محدث. وی شیخ خراسان در زمان خود بود و یکی از محدثان مورد اعتماد به حساب می‌آمد. او بسیار خوش محضر و شیرین کلام بود، لذا به شکری ملقب شد. وی از زیاد بن علاقه و ابواسحاق سیعی و منصور بن معتمر و عاصم بن بهدله و جابر جعفی و سلیمان اعمش و بسیاری دیگر حدیث شنید. عبدالله بن مبارک و فضل سنایی و فضل بن خالد بلخی و عبدان بن عثمان و بسیاری دیگر از وی روایت کرده‌اند. در «صحاح» ششگانه از وی نقل حدیث شده است. عده‌ای او را مستجاب‌الدعوه، مهربان به همسایگان و دستگیر ضعیف توصیف کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۴۳/۷)، تاریخ بغداد (۲۶۹- ۲۶۶/۳)، تهذیب التهذیب (۴۲۰- ۴۱۹/۹)، الجرح و التعديل (ج ۴ ق ۸۰/۱)، سیر النبلاء (۳۸۷- ۳۸۵/۷)، طبقات ابن سعد (۲۶۲/۷)، طبقات الحفاظ (۱۰۴- ۱۰۳).

سکندری، علی جان

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی جان سکندری

محل تولد: اسلام آباد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱۲/۱۵

زندگینامه علمی

علی سکندری (علی جان سکندری) فرزند سکندر متولد ۱۳۴۱ ش، در اسلام آباد (صلایان) یکی از روستاهای آن زمان قاینات چشم به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در همان زادگاهش به پایان رساند. دوره های ابتدایی و راهنمایی را در شهر خضری و متوسطه را در دبیرستان دکتر شریعتی شهرستان قاین به پایان برد. وی در کنار تحصیل در اوقات بیکاری در کشاورزی به پدرش کمک می نمود.

پس از اتمام دوره متوسطه در سال ۱۳۶۱ ش، وارد حوزه علمیه قاین شد. یک سال بعد برای ادامه تحصیل عازم مشهد مقدس گردید تا تحصیلات حوزوی را در جوار مرقد حضرت علی بن موسی الرضا (ع) ادامه دهد. نخست با اقامت در مدرسه امام محمد باقر (ع) مقدمات را فرا گرفت و سپس دوره های تحصیلات تکمیلی و عالی را در مدارس جعفریه و آیت الله خوئی نزد اساتید برجسته حوزه علمیه از جمله: آیت الله مرتضوی، آیت الله رضا زاده، آیت الله واعظ طبسی، آیت الله صالحی و حجت الاسلام و المسلمین گرایی گذراند.

در سال ۱۳۶۶ ش، در کنار دروس حوزوی وارد دانشگاه شد و در دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد در گرایش تاریخ ادیان ادامه تحصیل نمود. پس از این وارد فعالیت های علمی و پژوهشی شد و در دانشگاه آزاد اسلامی مشهد در گروه معارف اسلامی و دفتر فرهنگ اسلامی مشغول کار گردید. در همین زمان بود که با نگارش مقالاتی دست به قلم شد و با نوشتن مطالب سیاسی در روزنامه ها و مجله ها، فعالیت قلمی را آغاز کرد و دو شماره از فصلنامه فرهنگی دانشگاه آزاد مشهد را منتشر ساخت.

سلاجقه، پروین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

پروین سلاجقه در سال ۱۳۴۰ در شهر بافت از توابع کرمان به دنیا آمد. ایشان دارای دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات (در سال ۱۳۸۰) می باشد. نامبرده هم‌اکنون عضو هیات علمی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز است و به عنوان استادیار با دانشگاه‌های دیگر همکاری دارد. وی از دوران دبستان ادبیات را دوست داشت و در دوران دانشجویی هم تالیفات و ترجمه های داشته است. کتاب «از این باغ شرقی (نظریه‌های نقد شعر کودک و نوجوان)» تالیف پروین سلاجقه، در سال ۱۳۸۶ از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

خاطرات کودکی: پروین سلاجقه تا سن ۱۳ سالگی در بافت از توابع کرمان زندگی کرد. پس از آن به کرمان رفت و تا ۱۸ سالگی در آن شهر ماند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: پروین سلاجقه دوره ابتدایی و راهنمایی را در شهر بافت گذراند و دوره دبیرستان را در مدارس

بهمن یار و دانشسرای مقدماتی دختران طی کرد. در سال ۱۳۶۵ در مقطع کارشناسی در رشته ادبیات فارسی وارد دانشگاه تربیت معلم شد و در سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۶ دوره کارشناسی ارشد را در همان رشته در دانشگاه آزاد اسلامی گذراند وی در سال ۱۳۷۶، بعد از ورود به دانشگاه علوم تحقیقات در مقطع دکتری. در سال ۱۳۸۰ موفق به اخذ مدرک در رشته ادبیات فارسی شد.

خاطرات و وقایع تحصیل: پروین سلاجقه از دوران تحصیل خود چنین می گوید: هنر و ادبیات را از دوره دبستان دوست داشتم. در دبیرستان در زمینه ادبیات بسیار فعال بودم و سرودن شعرهای اولیه خود را از آن دوره شروع کردم. تالیفاتم از دوره‌ای که دانشجوی دکتری بودم شروع شد.

استادان و مربیان: پروین سلاجقه از آقای توحیدی -یکی از دبیران در کرمان- به عنوان فردی تاثیر گذار در زندگی علمی خود یاد می کند.

همسر و فرزندان: پروین سلاجقه متأهل است.

وقایع میانسالی: پروین سلاجقه همزمان با کار بر روی پایان نامه دکتری اش، فعالیت‌های جدی‌تری را همچون نوشتن مقالات متعدد در جراید و مجلات و فصل‌نامه‌های تخصصی را شروع کرد. وی در باره چنین می گوید "فعالیت‌هایم در زمینه نقد و نظریه ادبی در نقد شعر و رمان و در زمینه ادبیات کودک ادامه پیدا کرد. سپس مجموعه نقدی به نام «نقد شعر معاصر» را انجام دادم که اولین شماره این مجموعه با عنوان «امیرزاده کاشی‌ها» -که نقد شعر احمد شاملو بود- به چاپ رسید. همزمان با چاپ این کتاب، در نخستین جایزه نقد ادبی ایران و منتقد برتر ایران، از طرف خانه نقد ایران و بنیاد هنرمندان و نویسندگان، در زمینه نقد شعر معاصر و کهن جایزه دریافت کردم. سپس کتابی از من به نام «از این باغ شرقی» به چاپ رسید که حاصل تلاش‌های زیاد من در چند سال گذشته بوده است".

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: پروین سلاجقه هم‌اکنون عضو هیات علمی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز است و به عنوان استادیار با دانشگاه‌های دیگر همکاری دارد و به عنوان راهنما و مشاور در پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد فعالیت می کند.

سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: پروین سلاجقه در کنار فعالیت‌های خود به شعر، رمان، دانش نقد ادبی کلاسیک و مدرن علاقه‌مند است.

جوایز و نشانها: کتاب «از این باغ شرقی (نظریه‌های نقد شعر کودک و نوجوان)» تالیف پروین سلاجقه، در سال ۱۳۸۶ از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد. -----

آثار:

۱ از این باغ شرقی (نظریه‌های نقد شعر کودک و نوجوان)

ویژگی اثر: تالیف پروین سلاجقه- تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. ۱۳۸۵. ۶۰۸ صفحه. این کتاب در سال ۱۳۸۶، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شده است

۲ بنفشه کوچولو

ویژگی اثر: تالیف، کتابی فانتزی است.

۳ در آمدی بر زیبایی شناسی شعر

ویژگی اثر: تالیف- این کتاب در دانشگاه تدریس می شود.

۴ شماره از نقد شعر معاصر (شعر فروغ فرخزاد)

ویژگی اثر: در دست چاپ

۵ صدای خط خوردن مشق

ویژگی اثر: تالیف

۶ فرهنگ تحلیلی متیف، نشانه و نماد در شعر سبک هندی

ویژگی اثر: آماده چاپ

۷ کتاب دیگری با عنوان «دنیای قشنگ پوپو» که فانتزی است و تعداد زیادی مقاله.

ویژگی اثر: در دست چاپ

۸ مجموعه مقالات در زمینه نقد شعر

ویژگی اثر: در دست چاپ

۹ مجموعه نقد شعر

ویژگی اثر: آماده چاپ

۱۰ مجموعه نقد مقالات رمان

ویژگی اثر: در دست چاپ

منابع:

<http://www.ibna.ir/vdcjohev.uqemtzsffu.html>

سلامی بیهقی نیشابوری، ابوعلی حسین احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۰۰ ق)، مورخ. وی از مردم خوار بیهق بود و از ملازمان و کاتبان ابوبکر محمد بن مظفر بن محتاج و فرزندانش بود یگانه اثر

وی کتابی است به نام: «التاریخ فی اخبار ولات خراسان». [۱]

ابوعلی حسین بن احمد بن محمد بیهقی نیشابوری از بزرگان قر. ۴ ه. مولد و منشأ او خوار بیهق بود. وی در سلک ملازمان و کاتبان

ابوبکر محمد ابن مظفر بن محتاج و پسرانش بود و او را تصانیف بسیار است از جمله کتاب «التاریخ فی اخبار ولأه خراسان».

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] سرآمدان فرهنگ (۴۶۸/۱)، لغت نامه (ذیل / سلامی).

سلامی شیرازی، ابوتراب ولی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۰۳ ق)، مورخ. معروف به شاه ابوتراب عریضی حسینی. وی از سادات محترم شیراز بود که جد وی در سال ۸۹۸ از شیراز به

هند رفته بود و در آن جا مقیم شده و ابوتراب در آن سامان متولد شد و نخست در گجرات وارد خدمت شد و سپس به دربار

جلال‌الدین اکبر راه یافت و به منصب میر حاجی رسید. پس از چندی به گجرات بازگشت و از طرف اعتماد خان حاکم گجرات منصب امین صوبه را دریافت کرد. وی مولف کتاب «تاریخ گجرات» است که مشتمل بر وقایع آن ناحیه از زمان بهادر شاه از سال ۹۳۲ ق تا زمان مظفر شاه سوم در سال ۹۹۲ ق است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۳۶۷-۳۶۶).

سلجوقی، غیاث‌الدین ابوشجاع محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۱۱-۴۷۴ ق). ششمین پادشاه از سلسله سلجوقی ایران در تاریخ ۵۱۱-۴۹۸ ق بود. بعد از وفات پدرش ملک‌شاه سلجوقی مدتی حاکم گنجه و اران شد و سپس چند بار با برادر بزرگش برکیارق جنگید و توانست حکومت گیلان، آذربایجان، اران، ارمنستان، جزیره، شام و موصل را به دست آورد و سرانجام پس از فوت برکیارق در ۴۹۸ ق به سلطنت رسید. سلطان محمد در بسط امنیت کشور کوشش زیادی کرد و باطنیه را سرکوب نمود. ابن خلکان او را رجل ملوک سلاجقه خوانده است. وی عاقبت، در سی و هفت سالگی، در اصفهان درگذشت و در مدرسه عظیمه به خاک سپرده شد. او شعر می‌گفت و اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

به زخم تیر جهانگیر و گرز قلعه گشای

جهان مسخر من شد چو من مسخر رای

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اخبار الدوله السلجوقیه (۸۴-۷۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/ صفحات متعدد)، تاریخ گزیده (۵۲۰، ۴۴۷، ۴۴۰-۴۴۰)، تاریخ مغول (۱۸۲)، حیب السیر (۵۰۴-۵۰۳/۲)، دایرة‌المعارف فارسی (۲/۲۶۸۹)، الذریعه (۹/۴۶۰)، طبقات سلاطین اسلام (۱۳۵/۱۳۴)، لغت نامه (ذیل / غیاث‌الدین)، مجمع الفصحا (۵۸-۵۷/۱).

سلطان الاطباء، ابوالحسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند میرزا محمد ملک الاطباء [احمد آبادی].

از اطبای معروف است، خود و پدرش در این شهر ساکن، و به مداوای بیماران اشتغال داشته‌اند، و در ۵ شنبه ۵ رجب ۱۲۶۹ در اصفهان وفات یافته، و قبرش در تکیه مادر شاهزاده است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

سلطان القراء تبریزی، محمود

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۲۹۷ ق)، قاری حافظ و عالم. اجداد وی همه قاری و حافظ بودند. وی قرائت عاصم را که متن‌ترین قراآت است بواسطه پدرانش از خود عاصم روایت می‌کرد. از آثارش: «التحفة المحمدیه»، در تجوید قرآن؛ «جواهر القرآن»، به عربی، و کتابی دیگر به همان ترتیب، به فارسی، به نام «حل الجواهر»؛ «خزائن القرآن»؛ «کفایه الحفاظ» که در سال ۱۲۹۷ ق تالیف و طبع شده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۷۵-۲۷۴/۵، ۴۶۸/۳)، ریحانه (۶۱/۳).

سلطان الواعظین شیرازی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۹۱-۱۳۱۴ ق)، عالم دینی، متکلم، نویسنده و واعظ. در تهران به دنیا آمد. مقدمات را در مدرسه پامنار تهران فراگرفت و در ۱۳۲۶ ق همراه پدرش به عراق رفت و مدت دو سال در کربلا توقف کرد و سطوح متوسطه را نزد فاضل مرندی و شهرستانی خواند و در خدمت پدر به کرمانشاه رفت و به تبلیغ شریعت پرداخت. او برای تکمیل علم و دانش و انجام وظائف و افاضه و استفاضه مسافرت‌هایی به عراق، سوریه، فلسطین، اردن، مصر و هندوستان نمود و با بسیاری از دانشمندان یهودی و مسیحی و علمای هند و همچنین با قادیانیها و بهائی‌ها مناظرات ینی و مذهبی کرد که مهمترین آنها دو مناظره‌ی بزرگ وی، در ۱۳۴۵ ق، یکی با برهمنیان در حضور قائد بزرگ هند، گاندی، در دهلی، و دیگری با دو عالم بزرگ سنت و جماعت حافظ محمد رسید و شیخ عبدالسلام در مدت ده شب و هر شب هشت ساعت، در شهر پیشاور پنجاب بود. جریان مناظره‌های وی در تمام جراید آن زمان هند درج گردید. سلطان الواعظین در تهران درگذشت و در قم دفن شد. از آثارش: «شبهای پیشاور»، در یک هزار و پنجاه صفحه، گزارش مجلس مناظره‌اش در پیشاور؛ «صد مقاله سلطانی»، در بر یهود و نصارا؛ «گروه رستگاران یا فرقه‌ی ناجیه»، در دو مجلد. [۱]

معروف به سلطان الواعظین شیرازی طاب الله ثراه عالمی کامل و واعظی عامل از جمله ستارگان درخشنده و مشعلهای فروزان حوزه علمیه قم است

وی فرزند ارجمند مرحوم حاج سید علی اکبر (اشرف الواعظین) معروف به اکبر شاه می‌باشد در ماه ذی‌القعدة الحرام سال ۱۳۱۴ قمری در تهران متولد شده و در حجر والد ماجد تربیت کامل یافته و مقدمات اولیه را در مدرسه پامنار تهران خوانده و در سال ۱۳۲۶ قمری با والد مبرورش مشرف با عتاب عالیات شده و مدت دو سال در کربلا توقف و تحصیلات سطوح متوسطه را در نزد مرحوم فاضل مرندی و شهرستانی خاتمه داده و در خدمت پدر به کرمانشاه مراجعت و به وظائف تبلیغاتی از طریق منبر مشغول گردیده و برای تکمیل علم و کمال و انجام وظائف و افاضه و استفاضه مسافرت‌های بسیاری به بلاد اسلامی عراق و سوریه و فلسطین و اردن و مصر و هندوستان نموده و با طوائف بسیاری از یهود و نصاری و هنود و منحرفین از دین از قبیل بهائیها و قادیانیها مناظرات دینی و مذهبی نموده که اهم آنها دو مناظره بزرگ در سال ۱۳۴۵ قمری در هندوستان بوده است.

۱- در دهلی (پایتخت امروز هندوستان) با دانشمندان و براهمه بت پرستان هند در حضور زعیم و قائد هند (گاندی) معروف که به اثبات حقانیت دین مقدس اسلام و خاتمیت پیغمبر عظیم‌الشان مسلمین خاتمه پذیرفت که در تمام جرائد آن زمان درج گردیده

است.

۲- مجلس مناظره بزرگی با حضور دوست نفر تقریباً از رجال و بزرگان فریقین (شیعه و سنی) در شهر پیشاور پنجاب هند (پاکستان امروز) با دو عالم بزرگ از هشت ساعت انجام داده شد که مخبرین چهار روزنامه و مجله بزرگ گفتگوی طرفین را نوشته و در جرائد و مجلات خود نشر می‌دادند که در پایان شب دهم شش نفر از اکابر بازرگانان و اصناف و ملاکین و اشراف پیشاور فی المجلس مذهب حقه جعفریه را اختیار نمودند و همان مناظرات که در مجلات و روزنامه‌های پاکستان چاپ شده با تجدید نظری به امر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی به صورت کتابی بزرگ به نام شبهای پیشاور به طبع رسیده است.

مرحوم سلطان الواعظین که با این نگارنده صداقت تام و محبت زیادی داشت و گاه گاهی موفق به زیارتش می‌شدم وی را عالمی بلندهمت و منبع الطبع و کریم‌النفوس می‌دیدم حدود ده سال در اثر کسالت قلبی از منبر ممنوع و به کلی خانه‌نشین و قادر بر حرکت نبود ولی باز در همین بازنشستگی از راه تالیف خدمات ارزنده نمود و آثار مفیده‌ی گذاشت که ذیلاً می‌نگارم.

۱- کتاب شبهای پیشاور در یک‌هزار و پنجاه صفحه که تاکنون بیش از بیست مرتبه به طبع رسیده و موجب استبصار هزاران نفر سنی ایران و افغان و پاکستان و غیره شده است.

۲- صد مقاله سلطانی رد بر یهود و نصاری مکرر به طبع رسیده است.

۳- گروه رستگاران جلد اول در بیش از پانصد صفحه.

۴- گروه رستگاران جلد دوم در بیش از پانصد صفحه.

مرحوم سلطان الواعظین در ماه شعبان سال ۱۳۹۱ ق در تهران وفات نموده و جنازه‌اش با تجلیل فراوان حمل به قم و با تشییع آبرومندی که از طرف آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله از آن جناب شد در مقبره ابوحنسین مدفون گردید حشره الله مع اجداده الطاهیرین و رزقنا الله شفاعته یوم الدین.

پس از فوتش جناب حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حایری تهرانی مرحوم ثقه‌الاسلام حاج سید جواد سه‌دهی را که از منبریهای برجسته تهران بودند در خواب می‌بیند که در باغ بسیار بزرگی با وضع بسیار خوشی است می‌گوید آقای سه‌دهی چطور می‌گوید بسیار خوبم و از وقتی که آقای سلطان الواعظین آمده است به هر کدام از ما یک‌درجه داده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار الحجه (۱۵۴- ۱۵۰ / ۲)، الذریعه (۲۰۶/۱۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۷۷- ۳۷۵ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۵۰۷- ۵۰۶ / ۵).

سلطان‌الحکما، ابوالقاسم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۲- ۱۲۲۳ ق)، طیب و نویسنده. وی از طلاب مدرسه‌ی نیم‌آور اصفهان بود، بعداً برای تکمیل معلومات به یزد رفت و ده سال در آن شهر به کسب علم مشغول بود. در سال ۱۲۹۴ ق به سمت مدرس‌ی طب ایرانی در مدرسه‌ی دارالفنون انتخاب شد و در این هنگام به تالیف دو جلد کتاب در علم طب پرداخت. وی در دربار ناصرالدین‌شاه از احترام بسیار برخوردار و از اطبای حضور وی بود و به لقب سلطان‌الحکما ملقب گردید. اغلب اطبای اواخر قاجاریه از شاگردان او بوده‌اند. در قریه‌ی کلاک، نیم فرسنگی کرج، وفات یافت و در امامزاده‌ی همان جا دفن شد. از آثار او است: «تحفه‌ی ناصری»، به عربی؛ «ناصر الملوک»، در طب به فارسی. [۱]

(ع. پادشاه حکیمان) (حاجی میرزا) ابوالقاسم، طبیب مشهور قرن ۱۳ و ۱۴ ه. به سبک قدیم (ف. ۱۳۲۲ ه.ق.) بسیاری از اطبای اواخر قاجاریه از شاگردان او بودند. وی در دربار ناصرالدین شاه احترام بسیار داشت و از اطبای حضور وی بود. مدتی در مدرسه دارالفنون به تدریس طب ایرانی اشتغال داشته و کتابی در این رشته به نام «ناصرالملوک» تألیف کرده. وی در سن ۹۹ سالگی به مرض وبا درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: الذریعه (۱۶/۲۴)، ریحانه (۵۴/۳)، شرح حال رجال (۵۸-۵۷/۱)، لغت نامه (ذیل / سلطان‌الحکما)، المآثر و الآثار (۱۸۷-۱۸۶)، مؤلفین کتب چاپی (۲۶۰-۲۵۹/۱)، مکارم الآثار (۱۲۴۹-۱۲۴۲/۴)، یادگار (س ۳، ش ۳، ص ۳۱-۳۰).

سلطان‌العلماء بستکی، عبدالرحمن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۰-۱۲۹۳ ق)، ادیب، مفتی و شاعر و. در قصبه‌ی بستک (از بخش‌های شهرستان لار) متولد شد. علوم متداول را از اساتید آن دیار آموخت و به منظور تکمیل معلومات خود به بندر لنگه و از آن جا به بصره رفت و از بصره به حجاز و در آنجا فقه و اصول را آموخت، آنگاه به مصر رفت و سپس به سوریه و مراکش و تونس و ترکیه و هندوستان مسافرت کرد و در علوم ادبی و دینی و فلسفه و اصول و منطق و معانی و بیان و فلسفه‌ی یونانی تبحر یافت. وی در سرون اشعار فارسی و عربی توانا بود. پس از این سفر و سیاحت طولانی به بستک برگشت و مدرسه‌ای تاسیس کرد و به تدریس مشغول شد و از جانب ناصرالدین شاه ملقب به سلطان‌العلماء شد. او اجباراً از بستک به بندر لنگه رفت و مدت چهل سال در آنجا به تدریس علوم معقول و منقول پرداخت و سرانجام در همان شهر وفات یافت. از تالیفات او است: «الفواید الصمدیه»، به عربی و در نحو؛ «بدیعیه»، به عربی در بدیع؛ «رحبیه»؛ «سلطان‌الرسائل»؛ «شرح قطر» به عربی؛ «ظهور الحقایق»؛ «کشاف الحقایق».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۷۶-۱۷۳/۳)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۶۷-۶۶/۲).

سلطان‌العلماء سلطان‌آبادی اراکی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۸۲-۱۲۹۶ ق)، عالم و فقیه. وی در اراک متولد شد و تحصیلات مقدماتی را در همان شهر گذراند سپس به اصفهان رفت و سطح را در آن جا تکمیل نمود. سپس به عتبات رفت و نزد میرزا محمدتقی شیرازی و آخوند ملا محمدکاظم خراسانی تلمذ کرد و به اراک بازگشت، به تدریس و اداره حوزه‌ی علمیه‌ی آنجا پرداخت. بسیاری از علماء حوزه‌ی قم و اراک از شاگردان وی بوده‌اند. او در اراک فوت کرد. اثر به جا مانده از وی: «الحاشیه علی کفایه الاصول» [۱].

حاج شیخ محمد سلطان‌العلماء اراکی از شاگردان مبرز مرحوم آخوند خراسانی و دارای تألیفاتی که از آنها حاشیه بر کفایه مطبوع می‌باشد.

وی از علماء مبرز و مدرسین بزرگ و مجتهدین مسلم اراک بوده بسیار از علماء حوزه قم و اراک نزد وی تلمذ نموده‌اند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: [۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱/۱۱۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳/۵۴).

سلطان‌القراء

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ع. شاه قرآن خوانان) (شیخ) عبدالرحیم بن شیخ ابوالقاسم (و. تبریز ۱۲۵۵- ف. تبریز ۱۳۳۶ ه.ق.). وی در علم تجوید در عصر خود استاد بود و فاضل ایروانی و شیخ فرج‌الله بن حاج محمد تبریزی جزو شاگردان او بودند. از تألیفات وی رساله‌ای است در علم تجوید موسوم به «درالمنثور» و رساله‌ای دیگر در تجوید و حاشیه بر مقدمه شمس‌الدین ابوالخیر که هیچیک به طبع نرسیده. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

سلطان‌القرایی، جعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق، مورخ.

تولد: ۱۲۷۵، تبریز.

درگذشت: زمستان ۱۳۶۷، تبریز.

جعفر سلطانی‌القرایی در آغاز نزد پدر خود شیخ ابوالقاسم و برادر خود حاج میرزا جواد، از علمای زمان، درس خواند. سپس از محضر میرزا ابوالقاسم انگجی و حاج میرزا علی‌اصغر ملک استفاده برد. وی با مطالعه مستمر و دقت در کتب خطی و نشست و برخاست با ادبا و شاعران، کارشناس شناخت نسخه‌های خطی و تشخیص اسناد و اوراق هنری و تاریخی شد. با حوادث آذربایجان به تهران هجرت کرد و چند سالی در تهران ماند و به کسب و کار مشغول بود.
از تألیفات وی، تصحیح و تعلیق دو جلد روضات الجنان و جنات الجنان حافظ حسن کربلایی تبریزی (۱۳۴۹-۱۳۴۴) است. اثر دیگر سلطان‌القرایی تصحیح و تعلیق المحافل است. ضمناً سال‌ها با نشریه‌ی «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی تبریز» همکاری داشت.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

سلطان‌آبادی، ابوطالب

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف قبل از ۱۳۲۰ ق)، عالم، فقیه، مرجع و زاهد. اصل وی از کزاز اراک است. از شاگردان شیخ انصاری شمرده شده. او در محضر میرزای بزرگ شیرزای در نجف و سامراء تحصیل نمود. سرانجام به وطنش بازگشت و به اقامه‌ی وظائف شرعی و تدریس در مدرسه‌ی حاج آقا محسن عراقی پرداخت و مرجع مردم اراک شد. در «الذریعه» سال مرگ وی ۱۳۲۹ ق است. وی تصانیفی در فقه و اصول دارد. او شرحی بر «نجاه العباد» نگاشته که مجلد «طهارت» آن موجود است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۰۱/۱۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۷/۱۴).

سلطان آبادی، فتحعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مآثر و آثار گوید: آیه‌الله عالم ربانی ملا فتحعلی سلطان آبادی از مشاهیر علماء این سامان و اساتید بزرگ علم اخلاق بوده است. مآثر و آثار در ص ۱۴۹ گوید: عالم عامل و فقیه فاضل و عارف کامل است مردم در علو درجه و ورع و تقوا و زهد باو مثل میزنند اصلا از عراق ایران مییاشد... در سر من رأی ملتزم محضر سر کار حجه‌الحق و سید الطائفه حاج میرزا محمد حسن شیرازی دام ظلّه الممدود است و امامت جماعت را باوی گذارده‌اند. اکابر علماء مجاورین و غیرهم که خود هریک یا چندین هزار معتقد و مرید داشته نسبت باخوند ملا فتحعلی مذکور در مقام خلوص و ارادت هستند و از وی بعضی مشاهده کرامت مدعی مییاشند. فقیه اجل حافظ عصر حاج میرزا حسین نوری طبرسی در دارالسلام و کلمه طیبه از وی بکرات نام برده و خویشتن را نسبت به وی از معتقدین و مریدان شمرده و کفی بذلک حجه.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سلطان آبادی، محمد علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مآثر و آثار در ص ۱۶۵ گوید: ملا محمد علی سلطان آبادی عالمی ادیب و فاضلی از فرط ذکاء وحدت ذهن و سرعت انتقال کثیرالتصنیف بود نزد حاج سید شفیع جاپلقی بروجردی تلمذ کرد و بکزاز رفت و آنجا بتدریس علوم و تربیت طلبه اشتغال گرفت. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سلطان آبادی، محمد حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۱۴ ق)، محدث و فقیه اصولی. اصل وی از کره رود، از توابع سلطان آباد بود. او داماد علامه اخلاق ملا فتحعلی

سلطان آبادی است. وی در نجف اشرف در بهره بردن از مدرسین و عالمان مواظب و کوشا بود. به سامراء سفر کرد و نزد میرزای شیراز به تحصیل پرداخت و تا پایان عمر استادش ملازم وی بود. پس از درگذشت استاد به کاظمین رفت و دو سال بعد در آنجا درگذشت و در یکی از حجره‌های شرقی صحن شریف به خاک سپرده شد. از آثارش: «اجوبه الاجوبه»؛ «الاشارات اللطیفه الحسان»، در احوال ابوحنیفه؛ «اشرف الوسائل»، در فهم «الرسائل»؛ «البحر المحیط»؛ «البيت المعمور»؛ «توضیح الدلائل علی ترجیح مسائل الرسائل»؛ «جامع الدین و الدنیا»؛ «حل المعقادات عن وجوه الفرائد» که حاشیه مبسوطی بر «فرائد الاصول» یا «رسائل» شیخ انصاری است؛ «فلک الشمعون»، کشکول مانند، در چهار مجلد که چون در نجف نگارش یافته به نام «الجاج الغروی» نیز نامیده شد، و مجلد پنجمی در سامراء به نام «الجامع العسگری» بر آن افزوده شده است؛ رساله‌ای در «فقه»؛ رساله‌ای در «کیما»؛ «سواء الطريق»؛ «الشهاب الثاقب»؛ «الصراط السوی و البرهان الجلی فی تعیین خلافه علی بعد النبی (ص)»؛ «الصوامع»؛ «منتهی الوصول الی علم الاصول»؛ «نخبه الادعیه»؛ «هدایه المجاهدین».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲۵۴/۹)، الذریعه (۳۱۳-۳۱۲/۱۶، ۹۵، ۳۳/۱۵، ۷۶-۷۵/۷، ۶۴، ۶۳، ۵۳/۵، ۴۹۳/۴، ۱۸۵، ۴۵/۳، ۱۰۷، ۹۸/۲، ۲۷۶/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۶۱-۶۵۹/۱۴)، معجم المؤلفین (۲۵۸/۹).

سلطان زاده پسبان، حسینعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. وی برادرزاده‌ی کلنل محمدتقی خان بود و شرح حال عمومی خود را نوشت و در مجله‌ی «ایران‌شهر» به چاپ رسانید. وی در دارالفنون ادنبورک در رشته‌ی تاریخ تحصیل نمود. از آثار وی: «بسوی باختر»؛ «حسن یا جاده‌ی رزین سمرقند»، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: مؤلفین کتب چاپی (۹۲۶/۲).

سلطان زاده، اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

سلطان زاده، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۴، مورد تخصصی اطفال از وزارت فرهنگ و آموزش عالی.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در بیمارستان امام حسین (ع) در سال ۱۳۶۶ و ارتقاء به درجه دانشیاری در سال ۱۳۷۲.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مقایسه اثر دسموپرسین و آنورزی آلارم در کودکان مبتلا به آنورزی، تأثیر دگزامتازون در کمتر شدن عارضه کاهش شنوایی در

مننژیت باکتریال، اثر داروی گیاهی در افزایش شیر مادر، راهنمائی مشاوره و نظارت بر ۳۰ پایان‌نامه دکترای تخصصی اطفال.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

بیماریهای عفونی کودکان، بیماریهای تنفسی کودکان، پیشگیری از عفونت در پیوند اعضا و ۱۵ جلد کتاب دیگر در زمینه مسائل

رایج طب اطفال با همکاری ۱۱ نفر دیگر.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۵۹، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

اطفال و بیشتر عفونی اطفال.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

سلطانعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(حاجی ملا) گنابادی. سلطان محمد بن حیدر محمد بن سلطان محمد بن دوست محمد بن نور محمد بن حاج محمد بن حاج قاسم

علی، ملقب سلطانعلی شاه عارف و مؤسس سلسله گنابادی و از فضلای نیمه دوم قر. ۱۳ ربیع الاول قر. ۱۴ ه. (و. بیدخت (گناباد)

۱۲۵۱- ف. ۱۳۲۷ ه. ق.). وی به علت مفقودالاثراثر شدن پدر از کودکی در دامان مادر و تحت مراقبت برادر بزرگتر خود نشو و نما

یافت و از ۶ سالگی به تحصیلات مقدماتی پرداخت و سپس در مشهد به آموختن فقه، تفسیر و حدیث مشغول شد و آنگاه به

سبزوار رفت. مدتی در محضر درس حاج ملاهادی سبزواری به تحصیل حکمت پرداخت.

وی چون به دیدار حاج محمدکاظم سعادت علی شاه اصفهانی شیخ سلسله نعمه‌اللهی نایل آمد، ترک علوم رسوم ظاهر کرد و در

پی او به اصفهان شتافت و به هدایت وی وارد طریقت شد و از دست او خرقه ارشاد پوشید و پس از مراجعت به «بیدخت» به رهبری

و دستگیری خلق پرداخت. سپس از راه باطوم، سفری به مکه رفت. وی با وجود مخالفت ظاهریان، گروه بسیاری را تربیت کرد که از آن جمله‌اند: میرزا محمد صادق نمازی شیرازی ملقب به فیضعلی، حاج محمد جعفر برزکی ملقب به محبوبعلی و حاج شیخ عبدالله حائری مازندرانی. سلسله گنابادی (گنابادی) به دست او تأسیس شده. وی در سن ۷۶ سالگی، هنگام سحر که برای وضو بر لب جوی آب‌سرای خود رفته بود، به تحریک دشمنان به دست چند تن از اشرار هلاک گردید و در تپه مجاور بیدخت به خاک سپرده شد. از تألیفات اوست: بیان‌السعادة در تفسیر قرآن، مجمع‌السعادات در شرح اصول کافی، ولایت‌نامه در سیر و سلوک، سعادت‌نامه در مراتب سلوک، تنبیه‌النائمین، بشاره‌المومنین، ایضاح که شرحی است به عربی بر کلمات قصار باباطاهر، توضیح باباطاهر تهذیب المنطق تفتازانی به نام تذهیب‌التهذیب، وجیزه (نحو). سلسله فقری سلطانعلی شاه از این قرار است.

۱- حاج آقا محمد کاظم سعادتعلی شاه.

۲- رحمتعلی شاه.

۳- حاج میرزا زین‌العابدین شیروانی، مستعلی شاه.

۴- حاج محمد جعفر همدانی مجذوبعلی شاه.

۵- حسینعلی شاه اصفهانی.

۶- نورعلی شاه اصفهانی.

۷- معصومعلی شاه (معصومعلی شاه).

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

سلطانی بسطامی

قرن: ۱۳

جنسیت: زن

ملیت: ایران

ز ۱۲۹۶ ق، از زنان ادیب، شاعر و خوشنویس. وی تنها فرزند میرزا فتح‌الله ذوقی شاعر بود. پدرش در تعلیم و تربیت او همت گماشت. خواندن و نوشتن را در کودکی آموخت و خوشنویسی و شعر و ادب فارسی و عرب را نیز فراگرفت. گویند اشعار عربی زیادی از دوره جاهلی از حفظ داشت و دیوانی نیز فراهم آورده بود.

در اوایل جوانی با پسر محمد ناصر خان قاجار، ملقب به ظهیرالدوله ازدواج کرد. چنانکه از اشعار این بانو پیداست از زندگی زناشویی خود رضایت نداشته است. از اشعار اوست:

اول چنین نوشت قضا سرنوشت ما

کاخر خم شراب شود خاک و خشت ما

عشق آمد و عقل رفت و دیوانه شدیم

وز کعبه روان به سوی بتخانه شدیم

این روزه و این نماز آید به چه کار

ما را که حریف جام و پیمانان شدیم

در سینه توست کینه ما

مهر تو نهان به سینه‌ی ما

دیدی که چه سان گرفت الفت

با سنگ تو آبگینه‌ی ما

مهرت که بها فرونش از جان

یکتا گهر خزینه‌ی ما [۱]

(س سیزدهم ق)، ادیب، شاعر و خطاط. وی چون تنها فرزند خانواده بود، پدرش در تعلیم و تربیت او اهتمام تمام داشت. خواندن و نوشتن را در کودکی آموخت و خوشنویسی و شعر و ادب فارسی و عرب را نیز فراگرفت. اشعار عربی زیادی از دوره‌ی جاهلی از حفظ داشت و «دیوانی» نیز فراهم آورده بود. در اوایل جوانی با پسر محمد ناصر خان قاجار، ملقب به ظهیرالدوله، ازدواج کرد. چنانکه از اشعار این بانو پیداست، از زندگی زناشویی خود رضایت نداشته است. [۲]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] منبع: حدیقه الشعراء، ۲۱۶۸-۲۱۶۷ / ۳.

[۲] حدیقه الشعراء (۲۱۶۸-۲۱۶۷ / ۳)، فرهنگ سخنوران (۴۶۳)، مشاهیر زنان (۱۲۶-۱۲۵).

سلطانی رنایی، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مهدی سلطانی رنایی

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۸/۱/۱۹

زندگینامه علمی

ورود به عرصه علم و تحصیل در مهرماه ۱۳۶۵ هجری شمسی با تحصیلات ابتدایی آغاز گردید. دوره‌های ابتدایی و راهنمایی و متوسطه را به ترتیب در دبستان پاسداران رهنان، مدرسه راهنمایی شهید دکتر حسن آیت و دبیرستان منیرخانه اصفهان و به مدت ۱۱ سال با کسب رتبه‌های ممتاز و درجات عالی علمی در سطح استان و حتی کشور پشت سر گذاشتم. تحصیلات دانشگاهی را با پذیرفته شدن در آزمون سراسری سال ۱۳۷۸ هجری شمسی در دانشگاه تهران و در رشته الهیات (علوم قرآن و حدیث) آغاز نمودم. دوره کارشناسی (لیسانس) را در مدت سه سال طی نمودم و در همه ترم‌ها به عنوان دانشجوی رتبه اول و ممتاز انتخاب شدم. در سال ۱۳۷۹ از طرف کمیته استعدادهای درخشان دانشگاه تهران به عنوان دانشجوی نخبه (استعداد درخشان) انتخاب شده و در بین همه دانشجویان دوره و رشته خویش بالاترین معدل تحصیلی را کسب نمودم. در سال ۱۳۸۲ در آزمون کارشناسی ارشد شرکت کرده و در رشته الهیات، علوم قرآن و حدیث دانشگاه دولتی قم پذیرفته شدم. در این دوره نیز به عنوان دانشجوی نمونه (علمی، پژوهشی) شناخته شدم. تحصیلات حوزوی را نیز به صورت آزاد و داوطلبانه در مدارس علمیه اصفهان و قم آغاز نموده و پشت سر نهادم. ارتباط دائم خویش را نیز با حوزه همیشه حفظ نموده و می‌نمایم. و با این نهاد معنوی همکاری‌های علمی و پژوهشی بسیاری داشته و دارم. از جمله عضو انجمن قرآن پژوهی حوزه علمیه قم، عضو محققین معاونت تبلیغ و پژوهشی‌های کاربردی

حوزه علمیه قم، عضو محققین مرکز جهانی علوم اسلامی و محققین حوزه علمیه اصفهان می‌باشم. به لطف و مرحمت و توفیقات الهی فعالیت خویش را در عرصه علم و پژوهش ادامه می‌دهم و در صدد تدریس در دانشگاهها و عضویت هیئت علمی هستم که به زودی انشاء الله محقق خواهد شد. همچنان تدریس خویش را نیز در حوزه های علمیه ادامه می‌دهم. این جانب در اولین دوره عالی تربیت مدرس تفسیر و علوم قرآن که توسط انجمن قرآن پژوهی حوزه علمیه قم و با همکاری مرکز تحقیقات قرآن الکریم المهدی (عج) قم و مرکز هماهنگی، توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی کشور، مرکز آموزش تخصصی تفسیر و علوم قرآن و مرکز مدیریت حوزه علمیه قم در سال ۱۳۸۶ برگزار گردید شرکت کرده و دوره را با موفقیت و رتبه ممتاز پشت سر گذاشته و گواهی نامه عالی آن را دریافت نمودم

سلطانی طباطبایی، محمدباقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۴۱۸ - ۱۳۳۲ ق)، فقیه اصولی و مدرس. در بروجرد به دنیا آمد پس از طی مقدمات و فراگیری سطوح اولیه در ۱۳۴۸ ق به قم رفت از محضر آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله فیض و آیت‌الله اراکی استفاده کرد. آنگاه به نجف مشرف و حدود دو سال حوزه درس آیاتی چون آقا ضیاءالدین عراقی و آقا اصفهانی و حاج شیخ محمد حسین اصفهانی استفاده نمود. پس از بازگشت به ایران، نزدیک یک سال، در مشهد از مباحثات آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی بهره‌مند شد. در ۱۳۵۹ ق رسماً در قم سکنی گزید و به تدریس فقه و اصول و «کفایه» و «مکاسب» پرداخت. همزمان در درس فقه و اصول آیت‌الله بروجردی شرکت می‌کرد. وی معقول را از آیت‌الله شاه‌آبادی فراگرفت. از آثارش: رساله‌ای در «استصحاب»؛ رساله‌ای در «واجب مطلق و مشروط»؛ «الفوائد الفاطمیه»، در اصول؛ رساله‌ای در شرح «منظومه‌ی» میرزا محمد تنکابنی؛ رساله‌ای در «خيارات»؛ رساله‌ای در «ادبیات فارسی». [۱]

آیت‌الله آقای حاج سید محمدباقر بن العلامه العلام الحاج السید علی اصغر الملقب بسطان العلماء المتوفی فی ۱۳۴۲ المدفون فی بلده قم ابن العلامه الحاج آقامهدی طباطبائی متوفی ۱۳۲۴ المدفون فی رواق الکاظمین علیهما السلام عالمی عامل و فاضلی کامل و مدرسی محقق است در سال ۱۳۳۲ در بروجرد متولد شده و پس از رشد و طی مقدمات و سطوح اولیه در سال ۱۳۴۸ ق مهاجرت به قم نموده و تا سال ۱۳۵۵ ق از مرحوم آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله فیض و آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی استفاده نموده و در سال فوت مرحوم آیت‌الله حایری مؤسس به نجف مشرف و حدود دو سال از محضر آیات عظامی چون آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله اصفهانی و مقداری آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین اصفهانی استفاده نموده و پس از آن مراجعت به بروجرد و از آنجا به مشهد رضوی مشرف و حدود ده ماهی از مباحثات مرحوم آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی بهره‌مند شده و بعد از آن مراجعت به بروجرد نموده و در سال ۱۳۵۹ هجری مهاجرت به قم کرده و رسماً رحل اقامت افکنده و به تدریس فقه و اصول و سطوح عالی (کفایه و مکاسب) پرداخته و مدتها درس سطح ایشان دائر و جمعیت زیادی از فضلاء محصلین شرکت کرده و استفاده می‌نمودند ولی دو سه سالی است که در مسجد امام علیه‌السلام خارج کفایه و عروه را شروع کرده و جماعتی را از بیانات خود بهره‌مند می‌کنند.

معظم‌له مضافاً بر آن اساتید مذکوره معقول را از مرحوم آیت‌الله شاه‌آبادی خواننده و از اول ورود آیت‌الله العظمی بروجردی طباطبائی هم تا آخر عمر ایشان بالغ بر ۱۸ سال به درس فقه و اصول آن مرحوم شرکت کرده و مورد توجه مخصوص ایشان بودند.

ایشان در نسب با مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی یکی هستند و در مرحوم حاج میرزا علینقی جد دوم آیت‌الله به هم می‌رسند و از

دو جهت با آن مرحوم رحم و خویش بودند یکی از جهت پدری که پسرعمو بودند دیگر از جهت مادری که مادرشان خواهر مرحوم حاج آقا علی پدر آیت‌الله بودند و آیت‌الله پسر دایی ایشان می‌شدند، خلاصه آن بزرگوار جمع کرده میان نسب و حسب را و از طرف دیگر هم داماد مرحوم آیت‌الله العظمی آقای صدر می‌باشند و برادر خانواده ایشان است صاحب فضیلت و مکرمت علامه العلام و المجاهد الفهام حاج آقا موسی صدر رئیس مجلس اعیان و شیعیان لبنان در بیروت که امروز افتخاری برای عالم تشیع و اسلامند و خدماتی کرده و می‌کنند که در ترجمه ایشان خواهیم نوشت.

و از طرف دیگر هم جناب سید الافاضل الکرام آقای آقا احمد دومین فرزند برومند آیت‌الله العظمی امام خمینی داماد معظم ایشانست.

اما آثار مفیده و ارزنده مترجم معظم ما از این قرار است:

۱- رساله‌ای در استصحاب. ۲- رساله‌ای در واجب مطلق و مشروط.

۳- کتاب الفوائد الفاطمیه فی الاصول (که به نام فاطمه معصومه علیهاسلام نوشته و موسوم نموده است).

۴- رساله‌ای در شرح منظومه میرزا محمد تنکابنی ۵- رساله‌ای در خیرات.

۶- رساله‌ای در ادبیات فارسی و رسالات و کتب دیگر.

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۳۲۸ ق.، بروجرد.

درگذشت: ۳۱ خرداد ۱۳۷۶، قم.

حضرت آیت‌الله حاج سید محمدباقر سلطانی طباطبایی، فرزند آیت‌الله آقای حاج سید علی اصغر سلطان العماء بروجردی از علما و بزرگان بروجرد بود. ایشان پس از پشت سر نهادن دوران کودکی و نوجوانی و فراگرفتن مقدمات و سطوح اولیه در شهر بروجرد، به سال ۱۳۴۸ ق. به حوزه‌ی علمیه‌ی قم رفت و دانش معقول و منقول را در مدت هفت سال از محضر حضرات آیات عظام حاج سید صدرالدین صدر، آقا سید محمدتقی خوانساری، میرزا محمد فیض قمی، آقا شیخ محمدعلی حایری قمی، حاج سید احمد خوانساری و میرزا محمدعلی شاه‌آبادی فراگرفت. سپس در سال ۱۳۵۵ ق. رهسپار حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف گردید و حدود دو سال از محضر آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاء عراقی و شیخ محمدحسین اصفهانی بهره برد و در ۱۳۵۷ ق. به بروجرد بازگشت. در ۱۳۵۸ ق. به مشهد مشرف شد و حدود ده ماه از بحث‌های فقهی، کلامی و تفسیری آیت‌الله حاج میرزا مهدی اصفهانی استفاده کرد و مبانی علمی خویش را استوار ساخت. سال ۱۳۵۹ ق. به قم رفت و به تدریس سطوح عالی (رسائل، مکاسب و کفایه) پرداخت و در کنار آن در دروس فقه و اصول و جلسات استفتاء آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت جست.

ایشان در اولین دوره‌ی مجلس خبرگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به نمایندگی مردم لرستان برگزیده شد.

برخی از تألیفات آیت‌الله سید محمدباقر سلطانی طباطبایی عبارتند از: رساله فی الاستصحاب؛ رساله فی المطلق و المقید؛ رساله فی الخیرات؛ الفوائد الفاطمیه فی الاصل (که این کتاب را به نام حضرت فاطمه معصومه نام نهاده است)؛ رساله در شرح منظومه فقهی علامه میرزا محمد تنکابنی؛ رساله در ادبیات فارسی.

حضرت آیت‌الله سلطانی طباطبایی پس از هشتاد و پنج سال زندگی در عصر روز شنبه سی و یکم خرداد ۱۳۷۶ (پانزدهم صفر ۱۴۱۸ ق.) بدرود حیات گفت و پیکرش، پس از یک تشییع در قم و نماز آیت‌الله فاضل لنکرانی بر آن، در جوار مرقد حضرت امام خمینی (ره) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: گنجینه‌ی دانشمندان (۱۷۶- ۱۷۴/۲).

سلطانی، مسعود

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۲۵ ق)، فقیه و عالم دینی. در قریه‌ی یالقوز آقاج از توابع میانه به دنیا آمد. پس از طی مقدمات به تبریز رفت و در مدرسه‌ی طالبیه به تحصیل پرداخت، پس از چهار سال و خواندن سطوح در ۱۳۵۳ ق به قم مهاجرت نمود و به خواند فقه و اصول و فلسفه پرداخت. در سال ۱۳۶۰ ق به نجف رفت و از محضر اساتیدی چون آیت‌الله آقا شیخ محمدعلی کاظمی و آیت‌الله خویی استفاده‌ها برد. در ۱۳۶۵ ق به قم بازگشت و در درس آیت‌الله حجت کوه‌کمری شرکت جست و پس از فوت استاد به تدریس خارج پرداخت. وی از آیت‌الله حاج سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله حاج شیخ عباسعلی شاهرودی اجازه‌ی اجتهاد داشت. از آثارش: «کتاب الاصول»؛ «منهج العارفين»، در تفسیر، در چهار جلد؛ «کتاب الصلوه»؛ «ارث الزوج و الزوجه»؛ «فقه الحج»، در دو جلد؛ «مستمسک الوسيله» تا زکوة؛ «ذخیره العباد»، که رساله‌ی علمیه وی می‌باشد؛ «منهج السالکین»؛ «واقفی البیان»، در آیات احکام. [۱]

آقای حاج شیخ مسعود بن حیدر بن احمد بن سلطان علی بن ولی یکی از علماء اعلام و مدرسین فخام حوزه علمیه قم است، در دوم ماه ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ قمری در قریه یالقوز آقاج دوران کودکی و طی مقدمات در سال ۱۳۴۹ قمری به تبریز رفته و در مدرسه طالبیه به تحصیل پرداخته و پس از چهار سال و خواندن سطوح در سال ۱۳۵۳ قمری مهاجرت به قم گردیده و در سال ۱۳۶۰ قمری مسافرت به نجف نموده و از محضر مرحوم آیت‌الله آقا شیخ محمدعلی کاظمی و آیت‌الله العظمی خوئی استفاده کرده و در تاریخ ۱۳۶۵ قمری مراجعت به قم نموده و به درس حضرت آیت‌الله العظمی آقای حجت کوه‌کمری قدس‌الله سره شرکت نموده و پس از فوت آن مرحوم از سال ۱۳۷۸ قمری شروع به تدریس خارج نموده و تاکنون اشتغال دارند و عده‌ای از محصلین از درسشان استفاده می‌کنند.

معظم‌له دارای اجازات اجتهاد از مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله حاج شیخ عباسعلی شاهرودی می‌باشند.

تالیفات مطبوع و محفوظ ایشان از این قرار است:

- ۱- کتاب الاصول ۲- منهج العارفين در تفسیر ۴ جلد ۳- کتاب الصلوه ۴- ارث الزوج و الزوجه ۵- فقه الحج در دو جلد مطبوع ۶-
- مستمسک الوسيله تا زکوة ۷- ذخیره العباد رساله عملیه ۸- منهج السالک ۹- واقفی البیان در آیات احکام.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۷۷- ۱۷۶/ ۲).

سلطانی، مصطفی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مصطفی سلطانی

محل تولد: آمل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

اینجانب دوران ابتدایی را در زادگاهم روستای آهنگر کلا هوازپی دشت که از توابع مهم شهرستان آمل است گذراندم. برای ادامه تحصیل تا دیپلم به شهرستان آمل رجوع کردم. در سال تحصیلی ۶۲-۶۱ موفق به اخذ دیپلم شدم. پس از آن راهی حوزه علمیه قم گردیده ام. دوره مقدماتی را در مدرسه سعادت طی کردم. پس از آن همچون دیگر طلاب به فراگیری علوم حوزوی در حوزه ادامه دادم و در سال ۱۳۷۸ دروس سطح را به اتمام رساندم. همپای دروس حوزوی، آموزش و فراگیری علوم عقلی را آغاز کردم. بحث عقلی را به صورت خصوصی نزد علمای فن تلمذ نموده ام. این را با کتاب بدایه الحکمه آغاز و با اسفار به پایان رساندم. از سال ۱۳۷۱ در درس خارج فقه و اصول شرکت کردم. در سال ۱۳۷۵ به صورت تخصصی به فراگیری علوم فوق با گرایش ۳ تشیع پرداختم. این زمان همپای تحصیل مشغول تدریس و پژوهش در این بخش از علوم شدم. از سال ۱۳۸۰ تا کنون به صورت خاص مشغول تحقیق پیرامون فرقه زیدیه هستم.

سلطانیه‌ای، علی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم و یازدهم ق)، خطاط، ادیب و فقیه. وی از علوم متداول مانند فقه و حدیث و لغت و تجوید و قرائت و ادب بهره‌مند و خطشناسی ماهر بود و همگی خطوط را خوش می‌نوشت. در کتابت و انشاء رتبه‌ی اعلی داشت و بعضی از کتابهای حدیث فقه و ادعیه را به خط خود نشوت و تصحیح و تحشیه کرده است. میرزاعلی بسیاری از فرمانهای دیوانی و قباله‌ها را به خود نوشته و امر قضای سلطانیه به او محول بوده است. به گفته‌ی صاحب «احوال و آثار خوشنویسان» صاحب عنوان در تاریخ تألیف «گلستان هنر» (ح ۱۰۵۲ ق) زنده بوده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۴۶۹-۴۶۸ / ۲).

سلغر شاه سلغری

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س هفتم ق)، شاعر، ادیب و دانشمند. برادر اتابک ابوبکر پادشاه فارس بود او را فریاش خان می‌خواندند و در حسن صورت و سیرت و کمال و جمال نظیر نداشت. چون می‌دانست که دخالت در امور ملکی مایه تزلزل خاطر برادر می‌شود. در بیرون شهر شیراز سرابستانی بنیاد کرد و آن را صبوح آباد نام نهاد و از دخالت در امور برادر خودداری کرد. وی عاقبت توسط برادر خود کشته شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی روز روشن (۳۶۳)، الذریعه (۴۵۶/۹)، لغت نامه (ذیل / سلطان سلغرشاه)، مجمع الفصحا (۵۷/۱).

سلفه اصفهانی، احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حافظ صدر الدین ابو طاهر احمد بن محمد بن احمد بن ابراهیم سلفه اصفهانی. از مشاهیر محدثین و فقهاء شافعی در اصفهان بوده و در حدود سال ۴۸۷ در اصفهان متولد شده و در ۵۷۶ در اسکندریه ی مصر وفات یافته است. سلفه معرب (سه لبه) است چون جدش باصطلاح اهل اصفهان لب شگری بوده او را سه لبه گفته‌اند. از تألیفاتش شرح کتاب مختصر مزنی است. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

سلفی اصفهانی، صدرالدین، ابوطاهر احمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۷۶-۴۷۸ ق)، حافظ، محدث، فقیه، نحوی و لغوی شافعی. شهرت وی به سلفی به خاطر نام نیای بزرگش سلفه- معرب سه لبه- می‌باشد. در اصفهان به دنیا آمد. در طلب حدیث به شهرهای بسیاری سفر کرد و اکثر مشایخ حدیث را ملاقات کرد. لغت را از خطیب تبریزی فراگرفت و چون به بغداد رفت فقه را نزد الکیا هراسی آموخت. وی از ابومطیع صحاف و ابوطالب احمد کندلانی و احمد بن محمد بن ابی‌بکر بن مردویه و احمد بن محمد بن بشرویه و احمد بن محمد بن قولویه حدیث روایت کرده است. او همچنین از زنان بسیاری در اصفهان حدیث شنید. از وی حافظ محمد مقدسی و محدث سعدالخیبر و ابوالعز محمد ملقبادی و علی بن ابراهیم سرقسطی و طیب مروزی و ابوسعید سمعانی و قاضی عیاض و عمر میانشی و حماد حرانی و محمد بن عبدالغفار همدانی و جعفر بن علی همدانی و محمد بن ابراهیم فارسی و حسان مهدوی و بسیاری دیگر حدیث روایت کردند. ابوالحسن علی بن سلار وزیر ملوک فاطمیه در مصر مدرسه‌ای در اسکندریه برای او تاسیس کرد و وی را عهده‌دار تدریس در آن مدرسه نمود. علماء از دور و نزدیک به محضرش شتافتند و از وی بهره بردند. او در سرحد اسکندریه درگذشت. از آثارش: «الاربعین البلدانیه»، در حدیث؛ «السداسیات»، در حدیث؛ «المشیخه البغدادیه» یا «معجم شیوخ بغداد»؛ «معجم مشیخه اصفهان»؛ «السلفیات من اجزاء الاحادیث» یا «اجزاء السلفیات»، انتخابهایی از «اصول» ابن شرف انماطی و «اصول» ابن الطیوری؛ «السلاماسیات» یا «مجالس پنج گانه» از املاهای ابوطاهر سلی؛ «شرط القراءه علی الشیوخ»؛ «معجم السفر»؛ «الفضائل الباهره فی محاسن مصر و القاهره».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۰۹/۱)، ایضاح المکنون (۵۰۸/۲)، تذکره القبور (۱۲۵-۱۲۴)، روضات الجنات (۲۷۶/۱)، ریحانه (۶۵- ۶۴/۳)، سیر النبلاء (۳۹- ۲۱/۵)، الکامل (۱۵۲/۹)، کشف الظنون (۱۶۹۶، ۱۰۴۴، ۹۹۷، ۹۹۶، ۹۸۲، ۵۸۷، ۵۴)، الکنی و الالقاب (۳۲۱- ۲/۳۲۰)، لسان المیزان (۴۵۱- ۱/۴۵۰)، لغت نامه (ذیل/احمد)، معجم المؤلفین (۷۶- ۲/۷۵)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۷۲- ۱۹/۶۸)، الوافی بالوفیات (۳۵۶- ۷/۳۵۱)، وفيات الاعیان (۱۰۷- ۱/۱۰۵)، هدیة العارفين (۸۷/۱).

سلم آبادی، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا سلم آبادی

محل تولد: اراک

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۶/۷

زندگینامه علمی

در شهریور ماه سال ۱۳۴۹ در روستای سلم آباد فراهان در استان مرکزی متولد شدم دوره ابتدایی و راهنمایی را در همان جا با رتبه ممتاز طی نمودم همزمان با تحصیل در دبستان قرآن را نزد پدر بزرگم مرحوم محمد ابراهیم سلم آبادی فراگرفتم . سپس برای ادامه تحصیل راهی قم شدم و در دبیرستان حضرت امام صادق (ع) مشغول به تحصیل دوره متوسطه شدم. با اصرار و تشویق پدرم در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه اراک شدم یکسال و اندی در مدرسه امام المهدی (عج) مشغول تحصیل بودم در سال دوم مدتی بنا به تکلیف توفیق حضور در جبهه را یافتم، بعد از بازگشت از جبهه جهت ادامه تحصیل به تهران و مدرسه علمیه امیرالمؤمنین (ع) رفتم، در طی یکسال و نیم پایه دوم و سوم را با موفقیت طی نمودم در همین زمان دروس پایه اول را تدریس می نمودم در ادامه تحصیل به همراه برخی دوستان به مدرسه علمیه مروی نقل مکان نمودیم و مدت یکسال و اندی در آن مدرسه مشغول تحصیل بودم و سپس در سال ۱۳۶۹ به حوزه علمیه قم عزیمت نمودم در سال ۱۳۷۳ پس از اتمام دروس سطح مدرک اتمام کفایتین را با موضوع پایان نامه بطلان عقد الصبی دریافت نمودم و از همان سال بصورت مداوم و مستمر تاکنون در درس های خارج فقه و اصول حوزه علمیه حضور یافته ام.

سلماسی، ابوالفتح مسعود

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۲۹ق)، فقیه، ادیب و شاعر. اصل وی از سلماس از شهرهای آذربایجان است. از آثارش: شرح «المقامات»؛ شرح «الجمل»، در نحو؛ وی خطبه‌ها و نظمی زیبا داشته است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: الاعلام (۱۱۰/۸).

سلماسی، باقر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

باقر بن العالم الجلیل شیخ زین العابدین سلماسی عالمی جلیل و متقی از شاگردان علامه شیخ عبدالحسین شیخ العراقین تهرانی و فقیه کامل شیخ محمدحسن آل یس کاظمی و مباشر بسیاری از تعمیرات حرم عسکریین و کاظمین بوده و در هفتم ربیع‌الثانی ۱۳۰۱ ق وفات نموده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سلمان فارسی، ابو عبدالله

قرن: ۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۷-۲۷ ق)، صحابی نامی پیامبر اسلام (ص). دهقان‌زاده‌ای از قریه‌ی جی اصفهان و یا رامهرمز فارس است. گفته‌اند نام پدرش بدخشان یا خوش‌ذلان یا خشنودان یا لودخشان اصفهانی و مادرش اهل رامهرمز است. نام اصلی او روزبه است. چون پیشاپیش مژده یا ظهور پیامبر (ص) را شنید به جستجوی حقیقت خانه‌ی پدر را ترک گفت و به شامات رسید. در بلاد عرب به اسارات درآمد، مردی از بنی‌قریظه او را خرید و به مدینه آورد و در بوستان خویش وی را به کار واداشت. پیامبر (ص) او را خرید و آزاد کرد. از آن پس در خدمت رسول خدا (ص) باقی ماند و تا بدان جا رسید که از حواریین آن حضرت و در شمار اهل‌بیت (ع) قرار گرفت. چنانکه او را سلمان محمدی می‌نامیدند. به آورده‌ی احمد بن حنبل پیامبر (ص) فرمود که خداوند چهار نفر از صحابه‌ی مرا دوست دارد و مرا نیز امر کرده که آنها را دوست بدارم و آنان علی (ع) و سلمان و ابوذر و مقداد می‌باشند به آورده‌ی بخاری او یکی از چهار گروهی است که علم را باید از او جستجو کرد. او را به مثل لقمان حکیم گفته و درباره‌اش آورده‌اند که وی دارای علم اول و آخر بوده و دریایی است که پایانی ندارد. در جنگ خندق حضور فعال داشت و مشاوره نظامی بود. برخی او را نفر دهم عشره مبشره دانسته‌اند. او از اصحاب صفا (سکو) بود از زهد و تقوی و فضیلتش روایتها آورده‌اند بطوری که عده‌ای از صوفیه او را از پیشقدمان خود شمرده‌اند. ابن عباس، انس بن مالک، ابوسعید خدری، ابوظیفیل، ابوعثمان، نهدی، ابوقره کنندی، عبدالرحمان نخعی و ابوعمر زاذان از وی روایت کرده‌اند. در تمامی «صحاح» شش گانه و در «مسند» احمد حنبل از وی حدیث روایت شده است. در اواخر عمر از طرف خلیفه حکومت مداین را بر عهده گرفت. او مستمری حقوق خود از بیت‌المال را به مستمندان می‌بخشید و برای امرار معاش زنبیل می‌بافت. وی را از معمرین دانسته و عمری متجاوز از دویست سال برایش ذکر کرده‌اند. در مداین درگذشت و در نزدیکی ایوان کسری در بقعه‌ای به نام سلمان پاک دفن شد. درباره‌ی سلمان کتب بسیاری نوشته شده که از آن جمله می‌توان به «نفس الحرمان» محدث نوری و اجزایی از «بحارالانوار» مجلسی و «اخبار سلمان محمدی» ابواحمد عبدالعزیز جلودی و «اخبار سلمان» شیخ صدوق و «سلمان الفارسی» عبدالله السبیتی و «سلمان الفارسی» سید جعفر مرتضی‌العاملی و «سلمان پاک» پرفسور لویی ماسینیون، ترجمه دکتر علی شریعتی اشاره کرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آفرینش و تاریخ (۸۰۳-۸۰۱)، بررسی سیر زندگی و حکمت و حکومت سلمان فارسی، بزرگان شیراز (۱۰۱-۱۰۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۷۵، ۴۷، ۱/)، تاریخ الاسلام (حوادث ۵۲۱-۵۱۰/۴۰-۱۱)، تاریخ برگزیدگان (۵۹۹)، تاریخ بغداد (۱۷۱-۱۶۳/۱)، تاریخ الکبیر (۱۳۶-۱۳۵/۴)، تهذیب التهذیب (۱۲۵-۱۲۴/۴)، الجرح و التعديل (ج ۲، ق ۲۹۷-۲۹۶/۱)، حلیه الاولیاء (۲۰۸-۱۸۵/۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۸۸-۱۷۷/۳)، دائرةالمعارف الاسلامیه (۱۱۱-۱۰۸/۱۲)، دایرةالمعارف

فارسی (۱/۱۳۲۷)، الذریعه (۳۳۳-۳۳۲/۱)، سرآمدان فرهنگ (۴۸۰-۴۷۹/۱)، سیر النبلاء (۵۵۸-۵۰۵/۱)، شخصیت‌های نامی (۲۴۸-۲۴۷)، طبقات ابن سعد (۷۰-۵۶/۴)، لغت نامه (ذیل/سلمان فارسی)، مجالس المومنین (۲۰۸-۲۰۵/۱)، مجمل فصیحی (ذیل/سال ۳۵)، نامه‌ی دانشوران (۲۴۵-۲۰۴/۹)، نفس الرحمان.

سلمانی امیری، جواد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جواد سلمانی امیری

محل تولد: امیرکل بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ورود به حوزه ۱۳۶۵ در حوزه علمیه امام خمینی (ره) / شهر قم اینجانب (جواد سلیمانی) فرزند (علی) به سال (۱۳۴۷ ش) در شهر امیر کلا- از توابع استان مازندران به دنیا آمده ام. دوران ابتدایی تا اول دبیرستان را در زادگاه خود تحصیل نموده و بقیه دوران دبیرستان را تا اخذ دیپلم در رشته ریاضی در بابل گذرانده ام. خانواده ام مذهبی بوده و مواضع سیاسی روشنی در دفاع از انقلاب اسلامی داشت. شاید این امر موجب فعالیت اینجانب در تشکل های سیاسی- مذهبی مانند انجمنهای اسلامی و حزب جمهوری گردید.

در خلال دوره دبیرستان و جنگ تحمیلی اندک اندک انگیزه تحصیل علوم دینی زنده شد. از این رو بعد از دیپلم در سال (۱۳۶۵ ش) وارد حوزه علمیه قم شدم و درسهای مقدماتی و سطح را در مدارس تحت برنامه و حلقه های درس آزاد برخی فضلا گذراندم. آنگاه پس از اتمام کفایتین و پشت سر نهادن امتحان های شورای مدیریت حوزه در درس خارج شرکت نموده از محضر آیات عظام جعفر سبحانی، ناصر مکارم شیرازی، جواد آملی، خاتم یزدی، شیخ جواد تبریزی و سید محمد رضا مدرسی (دامت برکاتهم) در فقه و اصول بهره برده ام.

در سال (۱۳۶۹ ش) دوره کارشناسی معارف اسلامی و الهیات و سپس در سال (۱۳۷۳ ش) دوره تخصصی کارشناسی ارشد تاریخ را آغاز کردم و بعد از ده سال (۱۳۷۹ ش) در مؤسسه آموزشی- پژوهشی امام خمینی (قدس سره) زیر نظر حضرت آیه الله مصباح یزدی (دامت برکاته) به پایان رسانده ام. پس از اتمام دوره کارشناسی ارشد تاریخ تاکنون در محورهای زیر مشغول فعالیت می باشم.

۱. تحقیق در مباحث تاریخ صدر اسلام و معاصر (عص مشروطه) و نشر آن در قالب کتاب و مقاله. ۲. تدریس در مقولات فوق. ۳. اجرای طرح دانشنامه مشروطیت. ۴. اشتغال به سطح (۴) حوزه.

ذکر نام اساتید اصلی در حوزه

۱. جواد آملی / خارج فقه

۲. جعفر سبحانی / خارج اصول

۳. مکارم شیرازی / خارج فقه

۴. خاتم یزدی/خارج فقه
۵. جواد تبریزی/خارج فقه
۶. محمد رضا مدرسی/خارج اصول
۷. محمد رضا مدرسی/خارج فقه

سلمانى آرانى، حبيب الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حبيب الله سلمانى آرانى

محل تولد : آران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۴/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه گذراندم . در سال ۱۳۴۸ شمسی به قم آمدم ؛ دوره دوم متوسطه را متفرقه خواندم و دیپلم ادبی گرفتم . دو سال در مدرسه جهانگیر خان سپس دو سال در مدرسه حقانی و پس از آن تا شروع انقلاب در مدرسه دارالشفاء و فیضیه سکونت و اشتغال به تحصیل داشتم و سطح را به پایان بردم . همزمان با نهضت در آران و سایر شهرهای ایران فعالیت در حد تبلیغ ، حضور و شرکت فعال در تظاهرات ، پخش اعلامیه و نوار امام(ره) تا پیروزی انقلاب اسلامی داشته ام . سپس در قم سکونت گزیده و به درس خارج فقه و اصول آیات عظام نوری همدانی ، ناصر مکارم ، منتظری و برخی دوره های تخصصی زبان و مکالمه عربی ، تربیت مربی دفتر تبلیغات ، تمرین نویسندگی و غیره اشتغال ورزیدم . یک سال در جبهه به کارهای فرهنگی مشغول بودم ؛ سالها با ستاد منطقه ۲ و ۶ سازمان تبلیغات در قسمت های اعزام مبلغ ، روابط عمومی فعالیت داشتم ؛ از سال ۷۲ با پژوهشکده باقر العلوم (ع) همکاری را آغاز و تا کنون ادامه دارد.

سلمانى کياسرى، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد سلمانى کياسرى

محل تولد : کياسر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از سیکل وارد حوزه شدم. در تهران حوزه حاج ابوالفتح و مروی تحصیل نمودم تا پایان سطح در تهران و خارج نیز تهران مشغول شدم. سپس به قم آمدم سال ۱۳۷۵ وارد قم شدم و در درس خارج حضرات آقایان فاضل و مکارم شرکت کردم. بیشتر تحقیقات در زمینه نهج البلاغه خصوصاً مسایل سیاسی و حکومتی و کتابم نیز در این زمینه چاپ شده. حکومت و رهبری در نهج البلاغه سال ۸۴ - مجموعاً ۴ اثر چاپ شده - ده ها مقاله در روزنامه و نشریات و کنگره ها ارایه شده. جوایزی نظیر سکه و لوح دریافت داشتم. و در زمینه حکومت و مسائل سیاسی آشنایی در حد تخصص دارم. پاسخگوی سئوالات و محافل علمی خواهم بود. ۸ سال مسئول بررسی جراید مدیریت حوزه علمیه قم می باشم. در حال حاضر یک کتاب در حال تحقیق دارم. توجه به تحقیق بسیار ضعیف است. اگر حمایتی صورت گیرد رشد خواهد کرد.

سلمویه مروزی، ابوصالح سلیمان

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وفات قبل از ۲۱۰ ق)، محدث. از اصحاب ابن مبارک بود و ابن مبارک بطور خصوصی برایش حدود هشتصد حدیث گفت، احادیثی که از ابن مبارک در هیچ کتابی نیامده است. او از علی بن مجاهد و فضیل بن عیاض و اوس بن عبداللّه بن بریده نیز حدیث روایت کرده است. ابن راهویه و احمد بن شوبه و ابوعلی محمد بن علی بن حمزه مروزی از سلمویه حدیث روایت کرده‌اند. شیرازی در «اللقاب» وی را نحوی نیز دانسته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: التاریخ الکبیر (۲۰/۴)، تهذیب التهذیب (۱۸۰/۴)، الجرح و التعذیل (ج ۲، ق ۱۲۴-۱۲۳/۱)، سیر النبلاء (۴۳۴-۴۳۳/۹).

سلمی نیشابوری، ابو عبدالرحمان

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۱۲-۳۲۵/۳۳۰ ق)، صوفی، محدث، حافظ، مفسر و مورخ. در نیشابور متولد شد و در آنجا به تعلیم و حفظ قرآن و روایت اشعار و تحصیل زبان عربی و سپس به درس حدیث و علم باطن پرداخت. معاصر با القادر بالله خلیفه عباسی بود. به عراق وی و همدان و مرو و حجاز سفر کرد و شاگرد استادانی چون ابوالحسن دارقطنی، ابونصر سراج، ابوالقاسم نصرآبادی و اسماعیل بن نجید بود. وی مرید شیخ ابوالقاسم نصرآبادی و خرّقه‌ی ارشاد از دست ایشان دریافت کرد و ابوسعید ابوالخیر بعد از وفات پیر ابوالفضل از سلمی خرّقه گرفته است. وی شاگردانی چون ابوبکر احمد بن حسین بیهقی، احمد بن علی توزی، ابومحمد جوینی، ابوالقاسم قشیری و

ابوعبدالله حاکم نیشابوری داست. وی در آخر عمر خانقاهی برای صوفیه در نیشابور بنا کرد که محل سکونت صوفیه و از مراکز تربیت کسانی بود که در علم باطن استعداد داشتند. وی کتاب «طبقات الصوفیه» را به زبان تازی تألیف کرد و آن را بر بیان احوال اقوال پنج طبقه از مشایخ وقف نمود. او در نیشابور در گذشت. از آثار وی: «آداب الصوفیه»؛ «ادب الصبحه»؛ «الاربعین»؛ «امثال القرآن»؛ «تاریخ اهل الصفوه»؛ «الحقایق التفسیر»؛ «زلل الفقراء»؛ «سنن الصوفیه»؛ «طبقات الصوفیه»؛ و در حدود بیست مجلد کتاب و رساله‌ی دیگر. [۱]

محمد بن حسین بن محمد بن موسی از دی مکنی به ابوعبدالرحمن از متصوفه بزرگ (و. ۳۳۰ ه.ق. / ۹۴۲ م. - ف. ۴۱۲ ه.ق. / ۱۰۲۱ م.). او کتابی به نام «طبقات الصوفیه» تألیف کرده که اصل آن از میان رفته، و خواجه عبدالله انصاری مضامین آن را در هرات به هنگام وعظ املاء کرده و آن به نام «طبقات انصاری» معروفست و در افغانستان به طبع رسیده. از سلمی کتاب دیگری به نام «حقائق التفسیر» در تفسیر قرآن باقی مانده است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اسرار التوحید (تعلیقات ۶۶۱-۶۶۰/۲)، الاعلام (۳۳۱-۳۳۰/۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۱۳-۹۱۲/۲)، تاریخ بغداد (۲۴۹-۲۴۸/۲)، التفسیر و المفسرون (۳۸۵-۳۸۴/۲)، جستجو در تصوف (۷۱-۷۰)، حلیه الاولیاء (۴۲-۴۱/۱۰)، سیر النبلاء (۲۵۵-۲۴۷/۱۷)، طبقات الصوفیه سلمی (مقدمه)، الکامل (۳۱۱-۳۱۰/۷)، کشف الظنون (۱۱۰۴، ۱۰۰۶، ۹۵۵، ۶۷۳، ۲۸۶، ۱۶۸، ۵۳، ۴۶، ۴۲)، لسان المیزان (۶۳-۶۲/۶)، مجموعه آثار عبدالرحمن سلمی، معجم المؤلفین (۲۵۹-۲۵۸/۹)، نامه‌ی دانشوران (۱۶۴-۷۳/۶)، هدیه العارفین (۶۱/۲).

سلمی، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۹، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبانهای باستانی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۴۲، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی و زبانهای باستانی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۸ و دکترای فرهنگ و زبانهای باستانی ایران از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۶. مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

نظارت بر تحقیقی تحت عنوان اعلام شاهنامه (اسامی اشخاص)، تدریس دروس فارسی میانه، زبان اوستا، تاریخ زبان فارسی، شاهنامه، تاریخ بیهقی، اساطیر ایران و روش تحقیق و مرجع‌شناسی، آئین نگارش و فارسی عمومی و مقدمات زبان‌شناسی در دانشگاه شهید چمران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

بررسی کتاب غم‌نامه رستم و سهراب، پنج خیم آسرونان، نقد و بررسی رزمنامه رستم و اسفندیار، چند نکته در دیوان ناصر خسرو. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سلیم زاده، خیرالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

خیرالله سلیم زاده

محل تولد: تویسرکان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۰۵/۱/۱

سلیم، عبدالامیر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبانهای باستانی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: تبریز

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سلیمان اف، معصوم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

معصوم سلیمان اف

محل تولد: جلفا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب معصوم سلیمان اف بعد از اتمام مدرسه ۱۰ کلاسی، در سال ۱۹۸۴ میلادی وارد دانشگاه نفت و شیمی باکو، (رشته شناسایی بسترهای نفت و گاز و غیره با روشهای ژئوفیزیکی) وارد شدم و در سال ۱۹۹۱ و دو سال سربازی در وسط، دانشگاه را تمام کرده بعد از شش ماه به ایران آمده و وارد مدرسه علمیه شدم. الان مشغول نهاده الحکمه در سطح ۳ موسسه فلسفه و کلام امام صادق(ع) هستم.

سلیمانی الموتی، هادی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

هادی سلیمانی الموتی قزوینی در سال ۱۳۰۰، در الموت قزوین به دنیا آمد. پس از مراحل مقدماتی تحصیل، وارد حوزه علمیه ی قزوین گردید. وی بعد از آن به منظور تحصیل از قزوین خارج شد و پس از فراگیری معارف، اعم از فقه و حکمت و فلسفه و کلام، به قزوین بازگشت و بنا به درخواست استادش آیت الله علامه رفیعی به اقامه نماز جماعت در مسجد نوبنیاد مهدیه پرداخت. او همچنین از سال ۱۳۴۴ تا زمان فوت در حوزه علمیه التفاتیه، حدود ۲۵ سال به تدریس علوم مختلف پرداخت. آیت الله حاج شیخ هادی سلیمانی الموتی قزوینی سرانجام در نوزدهم اردیبهشت ۱۳۷۸، در سن ۷۸ سالگی دیده بر جهان فروبست. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب: اجداد هادی سلیمانی الموتی قزوینی غالباً روحانی و از رجال با نفوذ منطقه الموت بودند و مردم آن سامان از وجود این خاندان اهل علم و ایمان بهره مند می شدند. تحصیلات رسمی و حرفه ای: هادی سلیمانی الموتی قزوینی پس از طی طفولیت و کسب مراحل مقدماتی معلومات، وارد حوزه علمیه ی قزوین گردید. همین جا بود که پایه های اساسی فکری و اعتلای علمی اش پایه ریزی شد و پس از سال ها تحصیل مدارج و مراحل علوی حوزوی به بلوغ نبوغ و کمال معنوی رسید. و سپس به قم رفته و تحصیلات خود را در حوزه ی علمیه ی این شهر پی گرفت. استادان و مربیان: هادی سلیمانی الموتی قزوینی دروس سطوح عالی را نزد اساتید برجسته و معروف قزوین، آیت الله رفیعی و آیت الله مفیدی و دیگر علمی وقت فراگرفت. وی پس از اقامت در نجف از محضر فقها و مراجع بزرگی چون آیت الله بروجردی، آیت الله شاهرودی، علامه سیدمحمدحسین طباطبایی، امام خمینی (ره) را درک نمود و به فراگیری علوم فقهی و فلسفی و کلامی پرداخت. او از اکثر مراجع زمان همچون آیت الله مرعشی نجفی، آیت الله سیدابوالقاسم خویی، آیت الله شاهرودی، آیت الله طباطبایی و... اجازه دریافت نمود. زمان و علت فوت: هادی سلیمانی الموتی قزوینی سرانجام در نوزدهم اردیبهشت ۱۳۷۸، در سن ۷۸ سالگی دیده بر جهان فروبست. فعالیتهای آموزشی: هادی سلیمانی الموتی قزوینی از سال ۱۳۴۴ تا زمان فوت در حوزه علمیه التفاتیه، حدود ۲۵ سال به تدریس علوم مختلف پرداخت. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: هادی سلیمانی الموتی قزوینی پس از فراگیری معارف، اعم از فقه و حکمت و فلسفه و کلام و چند سال تحصیل پیاپی به قزوین بازگشت و بنا به درخواست استادش آیت الله علامه رفیعی به اقامه نماز جماعت در مسجد نوبنیاد مهدیه پرداخت.

منابع زندگینامه: فرزندگان علم و سخن قزوین، تالیف: رضا صمدی ها، قزوین: بحر العلوم، ص ۱۶۰

سلیمانی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین سلیمانی

محل تولد: اردستان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۴/۱

زندگینامه علمی

حسین سلیمانی در تابستان سال ۱۳۴۹ در شهرستان اردستان به دنیا آمد. در ۱۵ سالگی، پس از تحصیل در دوره ابتدایی و راهنمایی، برای تحصیل علوم دینی به قم هجرت کرد و به طور همزمان تحصیلات جدید را نیز ادامه داد. در سال ۱۳۷۱ در رشته حقوق در مجتمع آموزش عالی قم به تحصیل مشغول شد و پس از اتمام دوره کارشناسی، در رشته حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه شهید بهشتی (ره)، مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته شد. اکنون نیز در مقطع دکتری در همین دانشگاه به تحصیل مشغول است.

وی از سال ۱۳۷۵ در کنار تحصیلات حوزوی و دانشگاهی در مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب به مطالعه و پژوهش در حوزه ادیان به ویژه ادیان ابراهیمی مشغول شده که حاصل آن چندین اثر چاپ شده یا در آستانه چاپ است. وی اکنون عضو هیئت علمی مرکز فوق الذکر است و در کنار پژوهش در حوزه ادیان ابراهیمی، سمت سرویراستار مرکز ادیان را نیز داراست. دلمشغولی فعلی وی مطالعات تطبیقی در زمینه حقوق کیفری در قوانین ایران، شریعت اسلامی و مقایسه با حقوق یهودی است.

سلیمانی، عبدالرحیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالرحیم سلیمانی

محل تولد: بهبهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۱ هجری شمسی در خانواده ای روحانی در شهرستان بهبهان متولد شدم. تحصیلات خود را تا دیپلم در آن شهر ادامه دادم. همدوش با سایر جوانان در فعالیتهای علیه نظام طاغوت در قبل از انقلاب شرکت کرده و با پیروزی انقلاب عضو فعال بسیج و سپس در زمان جنگ تحمیلی برای مدتی (حدود یکسال) عضو سپاه پاسداران شهرستان بهبهان شدم و در همین مدت دروس

طلبگی را نیز نزد پدر بزرگوارم (رحمة الله علیه) و برخی علمای شهر بهبهان آغاز کردم. سال ۱۳۶۱ برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم مهاجرت کرده و در کنار دروس حوزه، به جبهه های جنگ رفته و در عملیات های مختلف شرکت می کردم. تدریس دروس حوزوی را به طور رسمی از سال ۷۰-۱۳۶۹ و از مدرسه علمیه حقانی آغاز کردم. در همین سال سطح را تمام کرده و وارد درس خارج شدم. سال ۱۳۷۲ همزمان با آغاز فعالیت مرکز تخصصی کلام حوزه علمیه قم به عنوان اولین دوره این مرکز مشغول به تحصیل در این رشته شدم. سال ۱۳۷۶ فارغ التحصیل این مرکز در سطح ۴ شده و در همان مرکز به عنوان استاد، به ادامه همکاری پرداختم. از سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹ به عنوان مدیر مرکز تخصصی کلام در کنار تدریس به خدمت پرداختم. عضو هیات علمی مؤسس انجمن علمی تازه تاسیس کلام بوده و با مراکز مختلف علمی، پژوهشی همکاری دارم. دارای تعدادی مقاله چاپ شده و کتاب در حال تدوین می باشم. راهنمایی و مشاوره تعداد زیادی رساله علمی طلاب حوزه علمیه قم و مرکز جهانی علوم اسلامی را در سطح ۳ و ۴ به عهده دارم.

سلیمی خلیق، حمید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشکده پزشکی تبریز در سال ۱۳۳۶، طی دوره های یک ساله مطالعات تکمیلی فیزیولوژی در دانشگاه بیرمنگام انگلستان و نوروفیزیولوژی دانشگاه اسلو نروژ.

مرتبه علمی:

استادیار بخش فیزیولوژی دانشکده پزشکی تبریز در سال ۱۳۴۲، دانشیار بخش فیزیولوژی دانشکده پزشکی تبریز از سال ۱۳۴۷ تاکنون.

زمینه های علمی و تحقیقاتی:

فیزیولوژی، نوروفیزیولوژی، تدریس در رشته های پزشکی و داروسازی و پرستاری و مامائی و علوم آزمایشگاهی به مدت ۳۰ سال. تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

فیزیولوژی انسانی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: -، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

فیزیولوژی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

سلیمی، عبدالحکیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالحکیم سلیمی

محل تولد: نی قلعه قره باغ

شهرت

تابعیت: افغانستان

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عبدالحکیم سلیمی فرزند علی حسن در سال ۱۳۴۰ در یک خانواده مذهبی در ده بخشی نی قلعه قره باغ از توابع ولایت (استان) غزنی شهر حکیم سنائی غزنوی دیده به جهانی گشودم. آغاز حیات علمی ام در مکتب خانه روستا نزد روحانی محل و مدرسه ابتدایی نی قلعه بوده است. دوره متوسطه را تا صنف دوازدهم (دیپلم) در لیسه (دبیرستان) سنائی غزنی به پایان رساندم. پس از روی کار آمدن حکومت دست نشانده شوروی سابق در سال ۱۳۵۷ و تجاوز آشکار ارتش سرخ شوروی در سال ۱۳۵۸ به افغانستان، من همانند بسیاری از هموطنانم به ناچار راهی دیار غربت شدم. هجرتم به ایران (در سال ۱۳۶۰) نقطه عطفی در زندگی ام به شمار می رود. در سال ۱۳۶۲ تحصیلات علوم اسلامی را در مدرسه میانچال کاشان شروع کردم. مدت دو سال و اندی که در کاشان بودم سرنوشت سازترین برهه ای از عمرم به حساب می آید. در این مدت تحصیلات کلاسیک من جهت پیدا کرد، لطف و عنایت الهی را کاملاً در لحظه لحظه زندگی ام احساس می کردم. استادان شایسته، دوستان صادق، فضای معنوی مدرسه، کتب و منابع دینی و درس های اخلاقی مدرسه، جلوه هایی از لطف پروردگار بود که شامل حالم گردیده بود.

در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شدم؛ در سال ۱۳۶۹ در برنامه های آموزشی موسسه در راه حق شرکت کردم که اکنون با نام «موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)» فعالیت دارد. در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ مدرک علمی کارشناسی «الهیات و معارف اسلامی» گردیدم. در سال ۱۳۷۹ مدرک کارشناسی ارشد «حقوق بین الملل» را از همان مرکز علمی دریافت کردم. از لحاظ دروس حوزوی در سطح چهار هستم. شش نوبت در مصاحبه شرکت کرده ام. از سال ۱۳۷۶ در کنار آموزش، فعالیت تحقیقاتی را به طور جدی شروع کردم. ثمره آن یک کتاب با عنوان «نقش اسلام در توسعه حقوق بین الملل» و مقالات متعددی است که در نشریات معتبر ایرانی و افغانی به چاپ رسیده است و آثاری آماده چاپ می باشد.

هم اکنون بیشتر اوقاتم صرف تحقیق و تدریس می شود. در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) و مرکز جهانی علوم اسلامی تدریس دارم. فصلنامه های «امت» و «در اندیشه فردا» با مدیر مسئولی بنده فعال است. با بعضی از مراکز علمی همکاری دارم.

سماحی حایری، عبدالطیف

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ عبدالطیف سماحی حایری معروف به تنکابنی سرآمد علماء و دانشمندان تنکابن است. وی در سال ۱۳۳۰ قمری در (نارنج بن) رامسر تحصیلات ابتدائیه خود را در مدرسه مرحوم آیت‌الله شیخ محمد حسین بن ملا حبیب‌الله سماحی نارنج بن فراگرفت و در سال ۱۳۴۷ به قزوین رهسپار گردید و در مدرسه التفاتیه جهت تحصیل اقامت گزیده و پس از مدتی به مشهد و بعد به قم آمده و در سال ۱۳۵۰ ق مهاجرت به عتبات عالیات نموده و سالها در نجف و کربلا- اقامت و از محضر علماء بزرگ چون مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله حاج آغا حسین قمی و آیت‌الله حاج سید حسین حمای و آیت‌الله میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله اصطهباناتی و آیت‌الله حاج سید محسن حکیم و آیت‌الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی و آیت‌الله حاج سید محمود شاهرودی استفاده نموده تا به دریافت اجازه اجتهاد از علماء مذکور نائل و از سال ۱۳۷۰ ق هر ساله چند ماهی را در رامسر جهت رسیدگی به امورات زندگی و ترویج آمده و از سال ۱۳۹۰ ق که دولت بعث عراق ایرانیها را تفسیر و اخراج نمود رسماً اقامت گزیده و در فصول اعتدال هوا و گرما در مسجد جامع بازار رامسر اقامه جماعت و به تدریس عقاید و اخلاق اشتغال دارند.

آیت‌الله سماحی حایری دانشمندی کم نظیر و دارای اخلاق حمیده و مورد احترام مردم رامسر و علماء شمال و غیره و دارای تالیفاتی امام شناسی و رد تصوف و تقریرات مختلفه در فقه و اصول می‌باشند که تاکنون به طبع نرسیده.

از باقیات الصالحات ایشان است فرزند برومندش حاج شیخ محمد سماحی حایری که در سال ۱۳۲۳ خورشیدی در کربلا متولد شده و پس از طی مقدمات نزد اساتید بزرگ تا سال ۱۳۹۱ ق در نجف تحصیل نموده و در ضمن به اخذ لیسانس نائل شده تا خطیبی توانا و نویسنده‌ای فاضل گردیده و تاکنون ۱۷ کتاب در رشته‌های مختلف نوشته که از آنهاست تاریخ و جغرافیای رامسر و بزرگان تنکابن و غیره می‌باشد که هنوز به طبع نرسیده به جز بعضی از مقالات مختلفه که در مجلات ایرانی و عراقی چاپ شده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

سماعی، هادی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی ایران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

سمرقندی شمس‌الدین، محمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۰۱ ق)، حکیم و عالم. وی عالم علوم معقول بود. مشهور به مولانا زاده‌ی مولانا عثمان. وی از علما ماوراءالنهر در قرن نهم بود در زمان سلطان حسین بایقرا از سمرقند به هرات رفت و در مدرسه‌ی سلطانی و مدرسه‌ی اخلاصیه به تدریس پرداخت وی در سال ۹۰۱ ه. ق درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: حبیب السیر (۳۴۱-۳۴۰ / ۴).

سمرقندی عبدالرزاق، کمال الدین

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۸۸۷-۸۱۶ ق)، مورخ و شاعر. از رجال بزرگ عهد تیموری و از مورخان بنام آن عهد است. در هرات به دنیا آمد. پدرش اهل سمرقند بود و در اردوی شاهرخ تیموری منصب قضا داشت. وی در نزد پدر با علوم ادبی و دینی آشنایی کامل پیدا کرد و در اثنای تحصیلات، شرحی بر «رساله‌ی» قاضی عضدالدین ایجی درباره‌ی تحقیق معانی حروف و اسم اشاره و غیره آن ترتیب داد و به نام شاهرخ مزین کرد و به همین سبب به دربار راه پیدا کرد. وی پیوسته از حمایت و تربیت شاهرخ برخوردار بود و از جانب همین شاه به عنوان سفیر دربار سلطان بیجانگر به هندوستان سفر کرد و پس از مراجعت به گیلان رفت. عبدالرزاق بعد از مرگ شاهرخ به دیگر شاهزادگان تیموری نیز خدمت نمود و در نهایت به خدمت سلطان ابوسعید درآمد. عاقبت به سمت شیخی خانقاه شاهرخ‌ی منسوب شد و در هرات درگذشت اثر معروف و جایدان وی «مطلع سعدین و مجمع بحرین»، در دو جلد، در تاریخ تیموریان ایران از عهد ابوسعید بهادرخان (م ۷۳۶ ق) تا جلوس سلطان حسین بایقرا (م ۸۷۵ ق) است. از دیگر آثار وی: «دیوان» شعر. در «الذریعه» از او با عنوان عبدالرزاق هروی نام برده شده است. [۱]

سمرقندی کاشانی، کمال‌الدین بن جلال‌الدین اسحاق، دانشمند و مورخ (و. هرات ۸۱۶- ف. ۸۸۷ ه. ق). چون سمرقند موطن پدر وی بود و همچنین پدرش در آنجا در سپاه شاهرخ منصب قاضی عسگری داشته به «سمرقندی» معروف گردیده. در بیست و پنج سالگی (سال ۸۴۱ ه. ق). پس از مرگ پدر رساله‌ای در صرف و نحو تألیف کرد و به نام شاهرخ مزین ساخت و مورد توجه وی واقع شد. در سال ۸۴۵ به عنوان سفارت‌عازم دربار سلطان بیجانگر (هندوستان) شد و سه سال آنجا بود، و از آن سفر شرح مفصلی در تاریخ نگاشته. سپس در سال ۸۵۰ وی را به رسالت به گیلان فرستادند و بعد از آنکه شاهرخ در همین سال وفات یافت، وی متوالیا به خدمت امیرزادگان مانند میرزا عبداللطیف و میرزا ابوالقاسم بابر و عاقبت به خدمت سلطان ابوسعید پیوست. بعد از آن عزلت و انزوا در پیش گرفت (۸۶۷ ه. ق). کتاب ذیقیمت مطلع السعدین و مجمع‌البحرین از اوست که در دو جلد و از سوانح زمان سلطنت ابوسعید آخرین ایلخان مغول آغاز و به خاتمت پادشاهی سلطان ابوسعید تیموری ختم می‌شود. (لغ.).

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] از سعدی تا جامی (۶۱۹-۶۱۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۱۴-۵۱۰ / ۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۲۹، ۲۵۰)، حبیب السیر (۳۳۵ / ۴)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۶۸ / ۲)، الذریعه (۱۵۴ / ۲۱، ۶۸۷ / ۹)، ریحانه (۸۶ / ۵)، سبک‌شناسی (۲۰۷-۲۰۶، ۱۸۴ / ۳)، فرهنگ سخنوران (۶۱۶)، لغت‌نامه (ذیل / عبدالرزاق)، مجالس النفاثس (۲۰۴-۲۰۳، ۳۰)، معجم المؤلفین (۲۱۶ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۷-۸۳۶ / ۳)، هدیه العارفین (۵۶۷ / ۱).

سمرقندی، ابواللیث نصر

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۷۵/۳۷۳ ق)، محدث، متکلم و فقیه حنفی. معروف به امام الهدی. وی از محدثان بنام خراسان بود که در رشته‌های مختلف علوم اسلامی تالیفات داشت و کتابهای او از مراکش تا اندونزی رایج بود. در برخی منابع او را با حافظ سمرقندی که معاصر وی بود و مانند او نام ابوللیث نصر داشت اشتباه کرده‌اند. ابواللیث از محمد بن فضل بخاری و یگران روایت کرد و ابوبکر محمد بن فضل بخاری و دیگران روایت کرد و ابوبکر محمد بن عبدالرحمان ترمذی از وی روایت کرده است. آثار عمده‌ی وی عبارتند از: «تفسیر» که به وسیله ابن عربشاه به ترکی عثمانی ترجمه شده؛ «خزانه الفقه»، در فقه حنفی؛ «مختلف الروایه»، درباره اختلاف تعلیمات علمای قدیم حنفی؛ «المقدمه فی الصلاه»، در آداب نماز؛ «تنبيه الغافلین» و «البستان» یا «بستان العارفين»، هر دو در اخلاق و زهد؛ «صحائف الالهيات»؛ «مختصر مقدمات الصلوات»؛ «النوازل».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام ۳۴۹- ۳۴۸/۸، ایضاح المکنون (۴۷۴/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۷۶/۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۳۰)، دانشنامه ایران و اسلام (۹۹۱/۷)، ریحانه (۷۳/۳)، سیر النبلاء (۳۲۳- ۳۲۲/۱۶)، کشف الظنون (۱۹۸۱، ۱۹۸۰، ۱۷۹۵، ۱۶۳۶، ۱۶۳۴، ۱۵۸۰، ۱۲۰، ۱۱۸۷، ۷۰۳، ۶۶۸، ۵۶۸، ۵۶۳، ۴۸۷، ۴۴۱، ۳۳۴، ۲۴۳)، الکنی و الالقاب (۱۵۰/۱)، لغت نامه (ذیل / ابوللیث)، معجم المؤلفین (۹۱/۱۳)، هدیه العارفين (۴۹۰/۲).

سمرقندی، ابومنصور

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۵۷۵ ق)، فقیه حنفی. از اهالی سمرقند بود. وی استاد ابوبکر بن مسعود کاشانی است. از آثارش «تحفه الفقهاء»، در فروع است که شاگردش ابوبکر بن مسعود، شرح عظیمی در سه مجلد بر آن نگاشته است. در «کشف الظنون» و «هدیه العارفين» تحت عنوان سمرقندی علاءالدین، ابوبکر محمد بن احمد به کتابهای «اللباب فی اصول الفقه»؛ «میزان الاصول فی نتائج العقول» و «ایضاح القواعد» اشاره شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۱۲/۶)، کشف الظنون (۱۹۱۷- ۱۹۱۶، ۱۵۴۲، ۳۷۱، ۲۰۹)، معجم المؤلفین (۲۶۷، ۲۲۸/۸)، هدیه العارفين (۹۰/۲).

سمرقندی، کمال

قرن: ۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

۵۵۸ ق، از زنان محدث. وی دختر عبدالله بن احمد بود و از ابو عبدالله حسین بن احمد بن طلحه و طراد بن محمد اویسی روایت حدیث کرده و جماعتی نیز از او روایت کرده‌اند.
برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۲۶۲ / ۴.

سمرقندی، ناصرالدین، ابوالقاسم محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۵۶ ق)، فقیه حنفی، مفسر، محدث و واعظ. اهل سمرقند بود. در ۵۴۲ ق به مکه رفت و در بازگشت مدتی در بغداد ماند. در سمرقند از دنیا رفت. از آثار وی: «الجامع الکبیر» یا «جامع الفتاوی»؛ «الفقه النافع»؛ «بلوغ الارب من تحقیق استعارات العرب»؛ «ریاضه الاخلاق»؛ «مصایح السبل»، در دو مجلد، در فروع فقه حنفی؛ «الملتقط فی الفتاوی الحنفیه» به نام «مال الفتاوی».
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: الاعلام (۲۳- ۲۲ / ۸)، ایضاح المکنون (۱۶۸/۲)، کشف الظنون (۱۹۲۱، ۱۸۱۳، ۱۶۹۷، ۱۵۸۰، ۷۱۷، ۵۷۱، ۵۶۵)، معجم المؤلفین (۱۳۷/۱۲).

سمرقندی، نجم‌الدین

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد بن علی سمرقندی ملقب به نجیب‌الدین و مکنی به ابوحامد (مقت. ۶۱۹ ه. ق) از دانشمندان عهد خوارزمشاهی و از معاصرین رازی است. وی کتاب الاسباب والعلامات را در علم طب و فن معالجه با استفاده از معالجات بقراط و قانون ابن سینا و کتابهای دیگر تألیف کرد. در شهر هرات اقامت داشت و در همین شهر به دست لکشریان تولی پسر چنگیز کشته شد. از تصنیفات اوست: ابدال الادویه، ادویه مفرده، الاسباب والعلامات، اصول التریب، الاطعمه للصحاء، الاطعمه للمرضی، و غیره.
برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

سمرقندی، نجیب‌الدین، ابوحامد محمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(مقتول ۶۱۹ ق)، طبیب. وی طبیبی دانشمند بود و در این زمینه کتابهای ارزشمند و مشهوری داشت. او معاصر امام فخر رازی بود. در واقعه قتل عام هرات توسط سپاه مغول به شهادت رسید. از آثار وی کتاب «النجیبات» در طب و دارو می‌باشد که با استفاده از

«الذریعه» و «طبقات اعلام الشیعه» می‌توان گفت این کتاب مشتمل است بر: الف: «الخمسه النجیبه السمرقندیه» یا «الخمسه الطیبه» شامل: ۱- «الاسباب والعلامات» ۲- «اصول التراکیب» یا «اصول ترکیب الادویه» ۳- «الاطعمه للافصحاء» ۴- «الاطعمه للمرضی» ۵- «القرابادین» یا «الاقربادین» که در «عیون الانباء» این کتاب تحت دو عنوان «القرابادین الکبیر» و «القرابادین الصغیر» آمده است، ب: «الادویه المفرده»، در دارو. از دیگر آثارش: «الاغذیه والاشربه للافصحاء»؛ «ابدال الادویه»؛ «مداوئه وجع المفاصل»؛ «قوانین ترکیب الادویه القلیبه»؛ «مقاله فی کیفیه ترکیب طبقات العین».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/۱۶۹)، الذریعه (۲۴/۸۳، ۲۴/۲۴۱، ۲۰/۲۰۰، ۱۷/۲۰۰، ۲۵۰، ۲۱۷، ۱۷۹، ۱۲/۲، ۴، ۶۴/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷/۱۶۳)، عیون الانباء فی طبقات الاطباء (۴۳۴)، کشف الظنون (۱۱۳، ۷۷)، لغت‌نامه (ذیل / سمرقندی)، معجم المؤلفین (۳۱/۱۱)، الوافی بالوفیات (۴/۱۸۴)، هدیه العارفین (۲/۱۱۰).

سمسار، محمداحمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق.

تولد: ۱۲۷۴، تبریز.

درگذشت: اوایل فروردین ۱۳۶۰، آمریکا.

محمداحمد سمسار تحصیلات خود را در استانبول به پایان برد و سپس به آمریکا رفت و در آنجا ماند و سال‌ها به تدریس ترکی در دانشگاه‌های آن کشور پرداخت.

از تألیفات او فهرست نسخ خطی عربی و فارس و ترکی، مجموعه‌ی جان فردریک لوئیس موجود در کتابخانه‌ی آزاد فیلادلفیا است ه در سال ۱۹۳۷ در فیلادلفیا انتشار یافته است. در این فهرست یک صد و چهل و نه نسخه فارسی معرفی شده است. دیگر مقدمه‌ای است بر کتاب طوطی‌نامه‌ی ضیاء نخشی نوشت. البته ترجمه انگلیسی طوطی‌نامه هم از محمداحمد سمسار است.

(تو ح ۱۳۶۰-۱۲۷۴ ش)، محقق. وی در تبریز متولد شد، تحصیلات ابتدایی را در این شهر و تحصیلات عالی را در استانبول به پایان برد و حدود سال ۱۳۱۰ ش به آمریکا رفت و سالها به تدریس زبان و ادبیات ترکی در دانشگاه‌های آن مملکت اشتغال داشت. وی در آمریکا وفات یافت. از تألیفات او «فهرست نسخ خطی عربی و فارسی و ترکی مجموعه‌ی جان فردریک لوئیس» موجود در کتابخانه‌ی آزاد فیلادلفیاست که در سال ۱۹۳۷ م در فیلادلفیا انتشار یافت. در این فهرست یکصد و چهل و نه نسخه‌ی فارسی معرفی شده است. دیگر از آثار وی مقدمه‌ای است بر چاپ «طوطی‌نامه» ضیاء نخشی و دیگر ترجمه‌ی این کتاب است به زبان انگلیسی. [۱]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :

[۱] آینده (س ۷، ش ۴، ص ۳۳۱).

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۳۷- ح ۶۱۷ ق)، محدث، فقیه و ادیب شافعی. از کودکی تحت تربیت پدر قرار گرفت. پدرش او را در پاره‌ای از سفرها همراه کرد و تا آنجا که توانست برای او حدیث خواند و او را به فراگیری فقه و حدیث و ادب واداشت تا اینکه از هر خرمن خوشه‌ای برچید. او «صحیح بخاری» و «سنن ابی داود» و «جامع ابی عیسی» و «مسند ابی عوانه» و «تاریخ فسوی» و «الحلیه» و «مسند الهیثم» و «صحیح مسلم» را سماعی روایت می‌کند. او از ریس اسعد مهروی و ابوالبرکات عبدالله فراوی و ابوسعید عبدالوهاب کرمانی و وجیه شحامی و ابوالفتوح خرکوشی و جنید قاینی و ابوالوقت سجزی و ابوالاسعد ابن القشیری و محمد بن عبدالله شیرازی و حسن بن محمد سنگبستی و سعید بن علی شجاعی و عبدالسلام هروی و بسیاری دیگر در بخارا و سمرقند و هرات و نیشابور و مرو شهرهای دیگر حدیث شنید. ابوبکر محمد حازمی و برزالی و ابن الصلاح و ابن النجار و ابن هلاله و شرف مرسی و احمد غرافی و گروهی دیگر از وی حدیث شنیدند. او سرانجام شیخ مرو شد و به مقام پیشگامی شافعیان آن شهر رسید. پدرش «عوالی» را در دو مجلد برای او گفت و «معجم» را در هیجده جزء برایش پرداخت. این کتابها به نام «العوالی من مسموعات الفراوی» و «معجم الشیوخ» گردآوری شده است. [۱]

فخرالدین ابوالمظفر عبدالرحیم بن عبدالکریم فقیه و عالم بزرگ خراسان و از خاندان سمعانی (و. ۵۳۷- ف. ۶۱۴ یا ۶۱۶ ه. ق.).
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: [۱] سرآمدان فرهنگ (۴۸۳- ۴۸۲/۱)، سیر النبلاء (۱۰۹- ۱۰۷/ ۲۲)، کشف الظنون (۱۱۷۹)، لسان المیزان (۳۳۹- ۳۳۸/ ۴)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۱۵۸- ۱۵۷/ ۱۹)، معجم المؤلفین (۲۰۷- ۲۰۶/ ۵)، الوافی بالوفیات (۳۳۱/۱۸)، هدیه العارفین (۵۶۰/۱).

سمعانی مروزی، ابوالمظفر منصور

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۸۹- ۴۲۶ ق)، مفسر، محدث و واعظ. در مرو به دنیا آمد. در ابتدا نزد پدرش، که از پیشگامان مذهب حنفی بود، فقه آموخت تا این که فقهی برجسته شد و از ارکان مذهب حنفی به شمار آمد. او از شاگردان ابوغانم کراعی و ابوبکر ترابی و عبدالصمد بن مامون و ابوصالح مؤذن و ابوعلی شافعی و ابوالقاسم زنجانی بود. پس از سی سال در سفر حج به مذهب شافعی گرایش پیدا کرد و ازین رو پس از مراجعت به وطن مورد طعن و آزار مردم مرو قرار گرفت و کار به کارزار کشید. اما وی بر مذهب شافعی پای فشرد و امام شافعیان گشت و موافق آن مذهب تدریس کرد و فتوی داد و تالیفات بسیاری در فقه شافعی از خود بجای گذاشت. فرزندان او و عمر بن محمد سرخسی و ابونصر محمد کاشانی و محمد سنجدی و ابونصر غازی و ابوسعید بن بغدادی از شاگردان وی می‌باشند. و از وی روایت کرده‌اند. او در تفسیر، فقیه و اصول و حدیث آثاری دارد که از آن جمله‌اند: «الاصطلام»، که شهرتی عالمگیر داشت؛ «القواطع»، در اصول فقه؛ «الاتصار»، در حدیث، در رد مخالفین؛ «المنهاج اهل / لاهل السنه»، در رد قدریه؛ «تفسیر القرآن» یا «تفسیر السمعانی»؛ «الف حدیث عن مائه شیخ»؛ «الرهان»، حاوی هزار مساله از مسائل خلافیه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۴۴- ۲۴۳/۸)، ریحانه (۷۶/۳)، سیر النبلاء (۱۱۹- ۱۱۴/۱۹)، کشف الظنون (۱۸۷۰، ۱۳۵۷، ۴۴۹، ۲۰۲، ۱۷۳، ۱۵۱، ۱۰۷)، لغت نامه (ذیل / منصور)، معجم المؤلفین (۲۰/۱۳)، هدیة العارفین (۴۷۳/۲)، وفيات الاعیان (۲۱۱/۳).

سمعی مروزی، تاج الاسلام، ابوبکر محمد بن منصور

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۵۱۰- ۴۶۶ ق)، عالم، فقیه، محدث و واعظ شافعی. در مرو به دنیا آمد. در نیشابور و اصفهان و همدان و کوفه و حجاز و بغداد حدیث شنید. او در مدرسه‌ی نظامیه بغداد وعظ گفت. سرانجام در مرو اقامت گزید. وی بسیار املای حدیث می‌کرد و صد و چهل مجلس املای در جامع مرو داشت و همراه مواعظ احادیثی که از اساتید خود چون پدرش و ابوالخیر صفار و ابوالقاسم زاهری و عبدالله طاهری و ابوالفتح هاشمی و نصرالله بن احمد خوشنامی و عبدالواحد قشیری و ثابت بن بندار و محمد بن عبدالسلام انصاری و ابو غالب عدل و ابوبکر، نوه‌ی ابن مردویه، و ابوالفتح حداد شنیده بود، بیان می‌کرد. سلفی و ابوالفتوح طائی و ابوطاهر سنجی از شاگردان وی می‌باشند. او رئیس شافعیان در مرو بود. پیش از وفات اشعار خود را تماماً شست و محو کرد. سرانجام در مرو درگذشت او دارای آثاری در زمینه‌ی حدیث و وعظ می‌باشد که از آن جمه کتاب «الامالی» «امال».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۳۲/۷)، ریحانه (۷۶/۳)، سیر النبلاء (۳۷۳- ۳۷۱/۱۹)، الکامل (۲۷۷/۸)، الکنی و الالقب (۳۲۳/۲)، معجم المؤلفین (۵۳- ۵۲/۱۲)، الوافی بالوفیات (۷۵/۵)، وفيات الاعیان (۳۱۱- ۳۱۰/۳).

سمعی مروزی، قوام‌الدین

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۶۲- ۵۰۶ ق)، مورخ، حافظ، محدث، فقیه، نسابه و مفسر شافعی. در مرو متولد شد. در چهار سالگی پدرش او را در محضر عبدالغفار شیرویی و عید قشیری و سهل سبعی حاضر کرد. او به اشاره‌ی پدرش از ابومنصور محمد کراعی و محمد دقاق حدیث شنید. هنوز کودک بود که پدر را از دست داد و عمو و دیگر خویشان کفالت او را بر عهده گرفتند و او را از همان نوجوانی علاقه‌مند به علم و دانش نمودند. در ۵۳۰ ق به نیشابور سفر کرد و برای طلب علم و استماع حدیث به شرق و غرب و شمال و جنوب عالم سفر کرد و با علما و محدثین بسیاری ملاقات نمود. شمار مشایخ او را بالغ بر چهار هزار تن دانسته‌اند که در «سیر النبلاء» و دیگر کتب رجال نام شهرهایی که وی بدان سفر کرده و مشایخ معروفی که ملاقات کرده، آمده است. از وی تصانیف نیکوی بسیاری بجای ماند که از آن جمله‌اند: «تذییل تاریخ بغداد»، در پانزده مجلد؛ «تاریخ مرو» یا «تاریخ المراوزه»، متجاوز از بیست مجلد؛ «الانساب» حدود هشت مجلد؛ «طراز الذهب فی ادب الطلب»؛ «معجم البلدان»؛ «الاسفار عن الاسفار»؛ «الاملاء و الاستملاء»؛ «التذکره و التبصره»؛ «الدعوات»؛ «سلوه الاحباب و رحمه الاصحاب»؛ «التحیر فی المعجم الکبیر»؛ «الامالی»؛ «وفیات المتأخرین» یا «تاریخ الوفاه، للمتأخرین من الرواه»؛ «الادب و استعمال الحسب»؛ «المناسک»؛ «فضل یس»؛ «الرسائل و الوسائل»؛ «تبیین

معادن المعانی»، در لطائف قرآن کریم. [۱]

(ع. منسوب به سمعان، بطنی از تمیم) ابوسعید عبدالکریم بن محمد بن منصور تمیمی مروزی شافعی فقیه و مورخ و حافظ حدیث (و. ۵۶۲ ه.ق. / ۱۱۱۳ م. - ف. ۵۶۲ ه.ق. / ۱۱۶۷ م.). وی به شهرهای دور سفر و با علما و محدثان ملاقات کرد و از آنان علم آموخت و گروهی نیز از او کسب علم کردند. از اوست: کتاب الانساب، کتاب تذییل تاریخ بغداد، تاریخ مرو، فضائل الصحابه معجم المشایخ، تاریخ الاوفاء للمتأخرین من الرواه الامالی، التحبیر فی المعجم الکبیر. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۱۷۹/۴)، ایضاح المکنون (۳۰/۲)، ذیل تاریخ بغداد (۱۶/ مقدمه)، روضات الجنات (۹۶- ۹۵/ ۵)، ریحانه (۷/۳)، سیر النبلاء (۴۶۵- ۴۵۶/ ۲۰)، کشف الظنون (۱۷۳۷، ۱۷۳۵، ۱۱۲۳، ۱۱۰۸، ۹۹۹، ۹۹۸، ۹۰۲، ۷۵۶، ۷۲۹، ۳۷۴، ۳۷۰، ۳۰۳، ۲۸۸، ۱۷۹، ۱۶۹، ۱۶۲، ۱۶۱، ۱۳۱، ۸۶، ۴۹، ۳۵)، الکنی و الالقاب (۳۲۲/۲)، لغت نامه (ذیل / ابوسعید)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۱۷۳- ۱۷۲/ ۱۹)، معجم المؤلفین (۵- ۴/ ۶)، وفيات الاعیان (۳۷۹- ۳۷۸/ ۱)، هدیة العارفين (۶۰۹- ۶۰۸/ ۱).

سمنانی، ابوالحسین عبدالله

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۰۳ ق)، حافظ، محدث، ادیب و شاعر. از اسحاق بن راهویه و عیسی بن زغبه و محمد بن حمید رازی و ابوکریب و عمرو بن علی فلاس و محمد بن هاشم بعلبکی و همطبقه آنان حدیث شنید و او در این راه سفرهای بسیار کرد. علی بن حمشاد و ابواحمد بن عدی و ابوبکر اسماعیلی و محمد بن صالح بن هانی و ابوعمر بن حمدان و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. او دارای تصانیف بسیار نیکویی بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۱۹۵- ۱۹۴/ ۱۴)، طبقات الحفاظ (۳۱۲).

سمنانی، ابوجعفر محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۴۴- ۳۶۱ ق)، قاضی و فقیه حنفی. اصل وی از سمنان بود که در بغداد نشو و نما یافت. از نصر بن احمد مرجی موصلی و ابوالحسن دارقطنی حدیث شنید. وی ملازم ابوبکر باقلانی و از اصحاب برجسته‌ی او به شمار می‌رفت. خطیب بغدادی گوید که از وی حدیث نوشتم زیرا که مردی دانشمند و راستگو بود. او از پیشگامان اشعریه در زمان خود بود. وی عهده‌دار منصب قضای موصل شد و تا پایان عمر در آن سمت باقی ماند. او دارای تصانیفی در «فقه» می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۰۶/۶)، تاریخ بغداد (۳۵۵/۱)، سیر النبلاء (۶۵۲- ۶۵۱/ ۱۷)، الکامل (۶۴/۸)، الوافی بالوفیات (۶۵/۲).

سمندریان، حمید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حمید سمندریان (زاده ۱۳۱۰ در تهران) کارگردان تئاتر است. کارگردانی تئاتر صحنه‌ای:

۱- «دوزخ» اثر ژان پل سارتر سال اجرا ۱۳۴۱ بازیگران: جمیله شیخی - رکن الدین خسروی - پرویز کاردان - عزت پریان ۲- «اشباح» اثر هنریک ایسن سال اجرا ۱۳۴۲ بازیگران: جمیله شیخی - محمد علی کشاورز - عباس غفوریان - اسماعیل دادفر - عزت پریان ۳- «مرده‌های بی کفن و دفن» اثر ژان پل سارتر سالهای اجرا ۱۳۴۲ و ۱۳۵۷ بازیگران: محمد علی کشاورز - منوچهر فرید - پرویز فنی زاده - اسماعیل محرابی - پری صابری - جمشید مشایخی ۴- «طیب اجباری» اثر مولیر سال اجرا ۱۳۴۳ بازیگران: محمدعلی کشاورز - پرویز فنی زاده - اسماعیل محرابی - مسعود فقیه - شکوه نجم آبادی - سعید پورصمیمی ۵- «هرکول و طویله اوجیاس» اثر دورنمات سال اجرا ۱۳۴۴ بازیگران: پرویز صیاد - محمد گودرزی - محمد حفاظی - ثریا قاسمی - عباس یوسفیانی - سیروس ابراهیم زاده - فریده صابری ۶- «ملاقات بانوی سالخورده» اثر فردریش دورنمات سال اجرا ۱۳۵۱ بازیگران جمیله شیخی - آذر فخر - اکبر زنجانیپور - محمود هاشمی - علی رامز - غلامرضا طباطبائی ۷- «نگاهی از پل» اثر آرتور میلر سال اجرا ۱۳۴۸ بازیگران: اکبر زنجانیپور - سوسن تسلیمی - خسرو فرحزادی - اسماعیل دادفر - پروین دولتشاهی ۸- «مرغ دریایی» اثر آنتوان چخوف سال اجرا ۱۳۵۶ بازیگران: جمیله شیخی - محمدعلی کشاورز - قاسم سیف - هما روستا - جمال اجلالی - محمد مطیع - منوچهر فرید - سرور رجائی - آتیلا- پسیانی - سروش خلیلی و..... ۹- «کرگدن» اثر اوژن یونسکو سال اجرا ۱۳۵۱ بازیگران: عزت ا... انتظامی - پرویز صیاد - اسماعیل دادفر - محمد حفاظی - مهدی فخیم زاده - پروین دولتشاهی - فریده صابری - عباس یوسفیانی - محمود شبانی و.... ۱۰- «بازی استریندبرگ» اثر فردریش دورنمات سال اجرا ۱۳۵۱-۱۳۷۸ بازیگران: محمدعلی کشاورز - اسماعیل سنگله - هما روستا ۱۱- «دایره گچی قفقازی» اثر برتولت برشت سال اجرا ۱۳۷۷ بازیگران: سعید پور صمیمی - آزیتا حاجیان - سهراب سلیمی - حسن پورشیرازی - آرمان امید - جمال اجلالی و.... ۱۲- «باغ وحش شیشه‌ای» اثر تنسی ویلیامز سال اجرا ۱۳۴۲ بازیگران: پرویز فنی زاده - شهلا- ریاحی - پری صابری - عباس مغفوریان ۱۳- «آندورا» اثر ماکس فریش سال اجرا ۱۳۴۶ بازیگران: سعید پورصمیمی - ثریا قاسمی - محمدعلی کشاورز - منوچهر فرید - پرویز پورحسینی - جمیله شیخی - اسماعیل دادفر - جمشید مشایخی - منوچهر فرید - پری امیر حمزه - اسفندیار شهیدی و.... ۱۴- «ازدواج آقای می‌سی‌سی‌پی» اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۶۸ بازیگران: رضا کیانیان - احمد آقالو - میکائیل شهرستانی - هما روستا - نورالدین استوار - جمال اجلالی - رضا عمرانی - قاسم زارع و..... ۱۵- «لئوکادیا» اثر ژان آنوی سال اجرا ۱۳۴۳ بازیگران: پرویز پورحسینی - سعید پورصمیمی - محمدعلی کشاورز - محمد حفاظی - شکوه نجم آبادی - عصمت صفوی

کارگردانی تئاتر رادیویی:

حمید سمندریان در رادیو صدای ایران تعدادی نمایشنامه را ترجمه کرده که کارگردانی آن را نیز به عهده داشته‌است: ۱- غروب روزهای آخر پاییز نوشته فردریش دورنمات سال ۱۳۴۱ ۲- پنچری نوشته فردریش دورنمات سال ۱۳۴۱ ۳- همزاد نوشته فردریش دورنمات سال ۱۳۴۱ ۴- اقدامات و گان نوشته فردریش دورنمات سال ۱۳۴۱ ۵- فیزیکدانها نوشته فردریش دورنمات سال ۱۳۶۶

تله تئاتر:

آثار اجرا شده در تلویزیون ملی ایران (تله تئاتر) که ترجمه و کارگردانی این آثار به عهده حمید سمندریان بوده‌است: ۱- غروب روزهای پائیز اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۴۲ ۲- بازی استریندبرگ اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۵۱ ۳- خمره اثر لئوئیجی پیراندللو سال ۱۳۵۳ ۴- جراحی پلاستیک اثر پی‌یر فراری سال ۱۳۴۰ ۵- پلوفت (شبح کوچک) اثر ماریا کل راماشادو سال ۱۳۴۰

۶- ساعت شش در خیابان آتن اثر روزه فردیناند ۷- به سوی دمشق اثر اگوست استریندبرگ سال ۱۳۸۱ حمید سمندریان به دعوت پرفسور رگن برگ استاد دانشگاه مونیخ و کارگردان تئاتر به انستیتو گوته دعوت شد و نمایشنامه‌های بسیاری را با بازیگران آلمانی روی صحنه برد. این همکاری بین سالهای ۵۱ تا ۵۷ ادامه داشت. ۱- شهاب آسمانی اثر فردریش دورنمات ۲- چگونه رنجهای آقای موکین پوت برطرف می‌شود اثر پیتر وایس ۳- پنچری اثر فردریش دورنمات ۴- سانتا کروز اثر ماکس فریش ۵- راهب و راهزن اثر هاینریش بول ۶- خوزه اثر هاینریش بول ۷- خشم شدید فلیپ هوتس اثر ماکس فریش ۸- بالماسکه دزدان اثر ژان آنوی ۹- دوزخ اثر ژان پل سارتر ۱۰- ازدواج آقای می‌سی‌سی‌پی اثر فردریش دورنمات ۱۱- توراندخت اثر هیلدس هایمر ۱۲- مرده‌های بی‌کفن و دفن اثر ژان پل سارتر: ترجمه

حمید سمندریان در باب ترجمه آثار نمایشی در جامعه تئاتری: ۱- غروب روزهای پاییز اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۴۰ ناشر مروارید ۲- پنچری اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۴۲ ناشر مروارید ۳- ازدواج آقای می‌سی‌سی‌پی اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۴۱ نشر پیروز ۴- دایره گچی قفقازی اثر برتولت برشت سال ۱۳۴۱ چاپ مجدد ۱۳۷۸ ۵- اقدامات و گاو و همزاد اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۴۱ ۶- ملاقات بانوی سالخورده اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۴۲ چاپ مجدد ۱۳۷۸ نشر قطره ۷- رومولوس کبیر اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۶۹ مرکز هنرهای نمایشی ۸- باغ وحش شیشه‌ای اثر تنسی ویلیامز سال ۱۳۴۲ چاپ مجدد ۱۳۸۳ نشر قطره ۹- لئوکادیا اثر ژان آنوی سال ۱۳۴۳ چاپ مجدد ۱۳۸۳ نشر قطره ۱۰- هرکول و طویله اوجیاس اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۴۳ ۱۱- آندورا اثر ماکس فریش سال ۱۳۴۷ انتشارات روز ۱۲- فیزیکدانها اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۵۰ چاپ مجدد ۱۳۸۳ نشر قطره ۱۳- خشم شدید فلیپ هوتس اثر ماکس فریش سال ۱۳۵۰ چاپ مجدد ۱۳۷۰ نشر مرکز هنرهای نمایشی ۱۴- فرشته‌ای به بابل می‌آید اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۵۲ ۱۵- چگونه رنجهای آقای موکین پوت برطرف می‌شود سال ۱۳۵۳ ۱۶- مکبث اثر ویلیام شکسپیر سال ۱۳۵۵ چاپ مجدد ۱۳۸۳ نشر قطره ۱۷- بازی استریندبرگ اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۵۱ چاپ مجدد ۱۳۷۴ نسل قلم

سموریان، صادق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آسیب‌شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

سمویه اصفهانی، ابوبشر اسماعیل

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۲۶۷ - ۱۹۰ ق)، فقیه و محدث. از ابونعیم ملایی در کوفه، و از ابومسهر غسانی در دمشق، و از علی بن عیاش در حمص، و از حمیدی در مکه، و از عبدالله بن یوسف و سعید بن ابی‌مریم در مصر، و از بکر بن بکار و حسین بن حفص در اصفهان حدیث شنید. محمد بن یحیی منده و ابوبکر بن ابی‌داوود و عبدالله بن جعفر بن فارس و ابن ابی‌حاتم از وی حدیث شنیدند. ابن ابی‌حاتم او

را محدثی راستگو و مورد اعتماد توصیف کرده است و ابونعیم اصفهانی او را از فقها و حفاظ می‌داند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: الجرح و التعديل (ج ۱، ق ۱۸۲/۱)، سير النبلاء (۱۲ - ۱۰ / ۱۳)، طبقات الحفاظ (۲۴۷).

سمیعی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد سمیعی (گیلانی) در بهمن ۱۲۹۹ در محله قدیمی سنگلیج تهران تولد یافت و پس از چند ماه، با خانواده خود روانه رشت شد. پس از طی مقطع ابتدایی و متوسطه در گیلان، در امتحانات ورودی دانشکده فنی دانشگاه تهران با احراز رتبه اول پذیرفته شد، ولی پس از یکی دو ماه، آن دانشکده را ترک گفت و با موفقیت در امتحان ورودی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، در رشته زبان و ادبیات فارسی مشغول تحصیل شد و در همین رشته موفق به اخذ درجه دکترا شد. وی در زمان تحصیل به دلیل مشکلات مالی، در راه آهن دولتی ایران اشتغال یافت، و توانست در کنار کار، تحصیلات خود را نیز به پایان برد. از جمله فعالیت های سمیعی در طول تحصیل و بعد از آن، ورود به مسائل سیاسی بود که به همین خاطر چندین مرتبه توسط ماموران رژیم پهلوی دستگیر شد. سمیعی علاوه بر فعالیت در راه آهن به شغل ویراستاری در موسسه انتشارات فرانکلین اشتغال یافت. پس از انحلال موسسه انتشارات فرانکلین، در سازمان ویرایش و تولید فنی، که در خدمت دانشگاه آزاد ایران بود، به سمت مسئول بخش ویرایش و عضو هیئت مدیره، مشغول به کار شد. پس از پیروزی انقلاب وی با چندین موسسه فرهنگی به همکاری پرداخت؛ او همچنین به مدت هفت سال در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، تربیت معلم و تربیت مدرس (تهران)، و دانشکده ادبیات و دانشگاه آزاد اسلامی گیلان تدریس کرد. دکتر سمیعی همچنان به فعالیت های فرهنگی خود با موسسات و پژوهشکده ها ادامه می دهد و آثاری چند نیز تاکنون عرضه نموده است.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: ویراستاری

تحصیلات رسمی و حرفه ای: احمد سمیعی پس از تولد یافتن در تهران با خانواده به رشت رفته و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در رشت گذراند و در خرداد سال ۱۳۱۸ دوره دبیرستان را با احراز رتبه اول در گیلان به پایان رساند. در شهریور همان سال، برای ادامه تحصیلات به تهران رفت و در امتحانات ورودی دانشکده فنی دانشگاه تهران با احراز رتبه اول پذیرفته شد. ولی پس از یکی دو ماه آن دانشکده را ترک گفت و با موفقیت در امتحان ورودی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، در رشته زبان و ادبیات فارسی مشغول تحصیل شد. در سال ۱۳۲۱ با احراز رتبه اول و اخذ مدال درجه یک علمی، دوره لیسانس، خود را به پایان رساند. ضمن تحصیل در دانشکده ادبیات دوره درسی انستیتوی روزنامه نگاری را نیز گذراند. از سال ۱۳۳۴، از فعالیتهای سیاسی کناره گرفت و به تحصیل و فعالیتهای فرهنگی پرداخت. پس از حدود چهارده سال دوری از محیط دانشگاهی، بار دیگر در دوره دکتری ادبیات فارسی نام نویسی کرد و طی دو سال، هشت شهادتنامه از ده شهادتنامه این دوره را گذراند. در ۱۳۵۵، در کنکور فوق لیسانس زبان شناسی همگانی دانشگاه تهران با رتبه اول پذیرفته شد و در ۱۳۵۸ (با معدل ۳/۸۹ از ۴/۰۰ به اخذ مدرک فوق لیسانس نایل گشت.

استادان و مربیان: احمد سمیعی در حوزه درسی استادانی چون ملک الشعرای بهار، بدیع الزمان فروزانفر، احمد بهمنیار، کاظم عصار. فاضل تونی، دکتر علی اکبر سیاسی، دکتر یحیی مهدوی، دکتر محمد باقر هوشیار و دکتر رضازاده شفق، شرکت جست. همچنین با استادانی چون رشید یاسمی، مطیع الدوله حجازی، خانبابا بیانی، عبدالرحمن، فرامرزی گذراند.

وقایع میانسالی: فعالیت‌های سیاسی احمد سمیعی از اواخر سال ۱۳۲۳ آغاز شد و تا ۱۳۳۴ ادامه یافت. مجموعاً سه سال و چهار ماه در زندان سیاسی به سر برد و حدود پنج سال به فعالیت مخفی و نیمه علنی پرداخت و در همین مدت، یک سال و نیم را در کشورهای اروپایی گذراند. در سال ۱۳۴۲، دستگاه حکومتی که بر اثر وقایع ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، فشار به فعالان سیاسی را شدت بخشیده بود، به اتهام فعالیت‌های سیاسی سابق، وی را به سه سال زندان محکوم کرد که شش ماه آن را بیشتر گذرانده بود و تا پایان سال ۱۳۴۵ به مدت دو سال و نیم دیگر را در زندان سیاسی به سر برد.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: احمد سمیعی مدتی در راه آهن دولتی ایران اشتغال داشت. سپس به شغل ویراستاری در موسسه انتشارات فرانکلین اشتغال یافت و کتاب‌های متعددی را ویرایش کرد. بر اثر انحلال موسسه انتشارات فرانکلین، در سازمان ویرایش و تولید فنی، که در خدمت دانشگاه آزاد ایران بود، به سمت مسئول بخش ویرایش و عضو هیئت مدیره، مشغول به کار شد. پس از انقلاب اسلامی، سازمان ویرایش و تولید فنی منحل شد و او سال‌های پس از انقلاب را در بنگاه ترجمه و نشر کتاب، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، بنیاد دایره المعارف اسلام، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، مرکز نشر دانشگاهی، انتشارات سروش، به خدمات ویرایشی پرداخت. وی از ۱۳۷۰ به عضویت پیوسته شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی انتخاب شد و مسئولیت سر دبیری نامه فرهنگستان را به عهده گرفت. وی، علاوه بر این، در حال حاضر، عضو گروه ویرایش و از مترجمان فرهنگ آثار در انتشارات سروش، عضو شورای عالی ویرایش صدا و سیمای جمهوری اسلامی و مشاور علمی پژوهشگاه علوم انسانی (موسسه تحقیقات و مطالعات فرهنگی) است.

فعالیت‌های آموزشی: احمد سمیعی دوره‌های کتاب‌داری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، دروس زیبا شناسی، مکاتب ادبی و آیین نگارش تدریس می‌کرد. در عین حال مدت هفت سال در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، تربیت معلم و تربیت مدرس (تهران)، و دانشکده ادبیات و دانشگاه آزاد اسلامی گیلان تدریس کرد. وی در دوره‌های کوتاه مدت و میان مدت آموزش ویراستاری موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، نیروی هوایی، موسسه امام جعفر صادق (ع) قم، موسسه باقر العلوم قم، مرکز نشر دانشگاهی، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و وزارت ارشاد اسلامی نیز دروس «ویرایش زبانی» و «آیین نگارش» را بر عهده گرفت. تدریس «مکتب‌های ادبی» در چند دوره کلاس کتاب‌داران کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. تدریس (شاهکارهای ادبی یونان باستان) در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. تدریس (شاهکارهای ادبی رم باستان) در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. تدریس (متون ادب فارسی) در دانشگاه تربیت معلم. تدریس (آیین نگارش) در دانشگاه تربیت مدرس. سردبیری مجموعه سخن پارسی (۱۱ عنوان). دبیری (داخلی) مجله سپیده فردا (دانش سرای عالی) در سال‌های ۱۳۳۶-۱۳۳۷. مشاور ویرایشی موسسه مطالعات علمی و فرهنگی. مسئول بخش ویرایش انتشارات علمی و فرهنگی (پنج سال). ویراستار ارشد مرکز نشر دانشگاهی. تدریس متون ادب فارسی، سبک‌شناسی، آیین نگارش در دانشگاه گیلان (۷ سال). تدریس متون ادب فارسی و سبک‌شناسی در دانشگاه آزاد گیلان (۵ سال). تدریس دروس (ویرایش زبانی)، آیین نگارش در دوره‌های دو ساله ویرایش مرکز نشر دانشگاهی. عضویت هیئت علمی مجمع علمی آموزش زبان و ادب فارسی.

سایر فعالیت‌ها و برنامه‌های روزمره: احمد سمیعی با مجلات سپیده فردا، ارگان دانش سرای عالی، و با سازمان لغت نامه دهخدا همکاری داشت. در سال ۱۳۴۱ به معرفی راه آهن، در دوره پنج هفته‌ای سمینار آموزشی مدیریت در زیبا کنار (گیلان) و همچنین دوره یک هفته‌ای بازآموزی تابستان ۱۳۴۲ در همدان شرکت کرد. وی، همزمان، سردبیری مجموعه سخن پارسی را نیز به عهده

داشت و یازده عنوان آن را، که به صورت کتاب درسی دانشگاهی در آمدند، سرپرستی کرد. ضمن خدمات ویرایشی، بامجلات کتاب امروز، پیک جوانان، ماهنامه آموزش و پرورش همکاری مستمر داشت و در مجلات فرهنگ و زندگی، رودکی، الفبا، قفقوس پویه، پیام یونسکو مقالاتی (تالیف و ترجمه) از وی به چاپ رسید.

آثار:

۱ ترجمه برادرزاده رامو و هنرپیشه کیست؟

ویژگی اثر: اثر دیدرو

۲ ترجمه چومسکی

ویژگی اثر: اثر جان لاینر

۳ ترجمه چیزها

ویژگی اثر: اثر ژرژ پرک

۴ ترجمه خیال پروری ها

ویژگی اثر: اثر روسو

۵ ترجمه دلدار و دلباخته

ویژگی اثر: اثر ژرژ ساند

۶ ترجمه ساخت های نحوی

ویژگی اثر: اثر چومسکی

۷ ترجمه سلامیو

ویژگی اثر: اثر فلوبر

۸ ترجمه کنفوسیوس

ویژگی اثر: اثر کارل یاسپرس

منابع زندگینامه: منابع:

۱ نشریه بخارا-شماره ۱۵-آذر و دی ۷۹

سمیعی، جمشید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جمشید سمیعی

محل تولد: آبادان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب از سال ۱۳۵۸ یعنی پس از انقلاب مقدس اسلامی به طور موازی شروع به تحصیلات دانشگاهی و حوزوی نموده ام. الف) در دانشگاهها از اساتید خوبی بهره برده و تا آنجا که امکان داشت به صورت عمومی در کلاس از محضر آنها استفاده و از برخی اساتید روحانی و دانشگاهی به صورت خصوصی استفاده های شایانی نمودم. ب) همزمان با تحصیلات دانشگاهی در فرصتهای مناسب و روزهای تعطیلی از محضر اساتید حوزوی با تمام علاقه و شوق استفاده نموده و به صورت تحقیقی و یا تطبیقی از کتب حضرات بهره بردم. ج) هزاران ساعت از عمر خود را به واسطه استفاده از نوار و یا سی دی صرف کرده و از درسهای فلسفه حضرت آیت الله جوادی آملی اعلی الله مقامه و اسفار حضرت آیت الله مصباح، ابن عقیل و مغنی حضرت استاد آدینه وند بهره برده و در حواشی کتب مربوط یادداشتهای بسیاری نموده ام.

ه) اکنون نیز در فرصتهایی که دارم از طریق اینترنت از دروس خارج حضرات تا آنجائی که میتوانم به صورت تحقیقی استفاده میکنم. از جمله دروس خارج فقهی که به عنوان منبع تحقیق بهره می برم دروس خارج فقه مقام معظم رهبری ادام الله ظلّه الشریف است. البته در دوران دانشجویی در تهران، مقداری از درس تفسیر سوره بقره ایشان در حسینیه امام خمینی ره استفاده کرده جلساتی را شرکت نمودم. البته شرکت در جلسات تفسیر آقا یکی از بزرگترین مشوقهای اینجانب بود که همت خود را در تحصیل فقه، اصول و تفسیر و حکمت و فلسفه گسترش داده و اکنون نیز در این حوزه ها مشغول تحقیق هستم. د) اکنون بسیاری از نوشته های اینجانب به صورت زیراکس و یا دست نوشته در اختیار دانشجویان مختلف دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد قرار دارد و مورد استفاده واقع میشود. نکته: در رابطه با دروس اسلامی دانشگاهی نیز مشغول تنظیم مطالبی هستم.

سمیعی، غلامرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۹ ش)، مترجم. از آثار وی: «پرومته‌ی سست زنجیر»، ترجمه؛ «پیر دختر»، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: مؤلفین کتب چاپی (۷۰۴/۴).

سمیعی، مجید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

پروفسور مجید سمیعی در مرداد ماه سال ۱۳۱۶ در شهرستان رشت در خانواده ای فرهنگی چشم به جهان گشود وی پس از اتمام دوران متوسطه در کشور در سال ۱۳۳۵ برای ادامه تحصیل به خارج از کشور سفر کرد و در آلمان غربی ساکن شد و توانست در رشته بیولوژی و پزشکی در دانشگاه به تحصیل مشغول شود و ادامه تحصیل و تخصصش را در رشته جراحی مغز و اعصاب تحت نظر پروفسور کورت شورمن تکمیل و اعتلاء بخشید و سرانجام در سال ۱۳۴۹ در این رشته حائز شد. او در سال ۱۳۵۱ به درجه پروفسوری

جراحی مغز و اعصاب نایل شد واز آن جا که جراحی مغز به دلیل فوق العاده پیچیده بودن آن و ارتباط با اعصاب حسی و حرکتی در سایر اندام ها به خصوص صورت تاثیر داشت و انجام عمل جراحی نیز با عوارضی همراه بوده همین عامل موجب شده تا او برای رفع این نقیصه و بخشیدن زندگی سالم و کاهش آلام ورنج همنوعانش دست به مطالعات گسترده ای در خصوص ساختار پیچیده مغز بزند تا بلکه روشی بیابد تا هم عوارض عمل جراحی پس از مغز کاهش یابد و به صفر برسد و هم این که انسان ها به زندگی توام با سلامت باز گردند .

داستان چنین رقم خورد که توانست در پی سلسله مطالعات و تحقیقات علمی ، نخستین جراحی میکروسکوپی مغز را در سال ۱۳۵۶ در دنیا ابداع و به سرانجام برساند و پشت بند آن هم وی اولین پزشکی بود که توانست عمل جراحی قاعده جمجمه را در دنیا ابداع کند ، که مورد توجه جراحان تراز اول دنیا قرار گیرد . پرفسور مجید سمیعی چهره ماندگار سال ۱۳۸۵ که روز ۲۲ آبان ماه معرفی شد از استادان برجسته جهانی است که شرح حال ایشان در پی می آید :

پروفیسور مجید سمیعی در مرداد ماه سال ۱۳۱۶ در شهرستان رشت در خانواده ای فرهنگی چشم به جهان گشود وی پس از اتمام دوران متوسطه در کشور در سال ۱۳۳۵ برای ادامه تحصیل به خارج از کشور سفر کرد و در آلمان غربی ساکن شد و توانست در رشته بیولوژی و پزشکی در دانشگاه به تحصیل مشغول شود و ادامه تحصیل و تخصصش را در رشته جراحی مغز و اعصاب تحت نظر پروفیسور کورت شورمن تکمیل و اعتلاء بخشید و سرانجام در سال ۱۳۴۹ در این رشته حائز شد . او در سال ۱۳۵۱ به درجه پروفیسوری جراحی مغز و اعصاب نایل شد واز آن جا که جراحی مغز به دلیل فوق العاده پیچیده بودن آن و ارتباط با اعصاب حسی و حرکتی در سایر اندام ها به خصوص صورت تاثیر داشت و انجام عمل جراحی نیز با عوارضی همراه بوده همین عامل موجب شده تا او برای رفع این نقیصه و بخشیدن زندگی سالم و کاهش آلام ورنج همنوعانش دست به مطالعات گسترده ای در خصوص ساختار پیچیده مغز بزند تا بلکه روشی بیابد تا هم عوارض عمل جراحی پس از مغز کاهش یابد و به صفر برسد و هم این که انسان ها به زندگی توام با سلامت باز گردند .

داستان چنین رقم خورد که توانست در پی سلسله مطالعات و تحقیقات علمی ، نخستین جراحی میکروسکوپی مغز را در سال ۱۳۵۶ در دنیا ابداع و به سرانجام برساند و پشت بند آن هم وی اولین پزشکی بود که توانست عمل جراحی قاعده جمجمه را در دنیا ابداع کند ، که مورد توجه جراحان تراز اول دنیا قرار گیرد .

عطش پروفیسور به خدمت و صفتی هم چون خورشید و اقیانوس داشتن موجب شد تا در و گهر های دانش و تجربه خویش را در قالب برگزاری های دوره های آموزشی به دیگر جراحان دنیا انتقال دهد . برای ایرانیان دنیا و جمهوری اسلامی ایران همین بس که با همت پروفیسور سمیعی امروزه در تمام کشورهای جهان انجمنی تحت عنوان جراحان قاعده جمجمه با ۱۲۰۰ جراح حاذق تشکیل شده که هر سال در قالب کنگره علمی ، جراحی قاعده جمجمه مغز از طریق ویدئو پروژکشن به شاهد آخرین دستاوردهای علمی جراحی پروفیسور هستند و با استفاده از دوربین های مدار بسته به صورت مستقیم عمل جراحی وی را مشاهده و باتکنیک های جدید پزشکی و آموزشی می بینند .

پروفیسور سمیعی که در دهه ۱۳۵۰ تصمیم گرفت تخصصی ترین بیمارستان جراحی مغز را در شهر هانوفر آلمان که معماری آن شبیه مغز انسان است را تأمین کند و خوشبختانه در این کار هم موفق شد . پروفیسور سمیعی در سال ۱۳۶۷ کرسی جراحی مغز و اعصاب هانوفر آلمان را پذیرفت و همزمان با عنوان ریاست فدراسیون جهانی انجمن های قاعده جمجمه برگزیده شده در این سال صدراعظم آلمان به پاس خدمات وی در جراحی مغز و اعصاب نشان درجه یک دولت آلمان غربی را به وی اعطا نمود .

پروفیسور سمیعی مجموعه ادبیات علمی خود را تاکنون در قالب ۱۳ کتاب و بیش از ۲۰۰ مقاله علمی منتشر کرده که مهم ترین مرجع برای جراحان مغز و اعصاب دنیا به شمار می آید .

پروفسور سمیعی، در خصوص این که مهم ترین اهدافش از آموزش متخصصان ایرانی چیست گفت: «می‌خواهم تازه‌های پزشکی در زمینه مغز و اعصاب هر چه سریع‌تر به کشور عزیزم ایران منتقل شود.» شده که هر سال در قالب کنگره علمی، جراحی قاعده جمجمه مغز از طریق ویدئو پروژکشن به شاهد آخرین دستاوردهای علمی جراحی پروفیسور هستند و با استفاده از دوربین‌های مدار بسته به صورت مستقیم عمل جراحی وی را مشاهده و باتکنیک‌های جدید پزشکی و آموزشی می‌بینند.

پروفسور سمیعی که در دهه ۱۳۵۰ تصمیم گرفت تخصصی ترین بیمارستان جراحی مغز را در شهر هانوفر آلمان که معماری آن شبیه مغز انسان است را تأمین کند و خوشبختانه در این کار هم موفق شد. پروفیسور سمیعی در سال ۱۳۶۷ کرسی جراحی مغز و اعصاب هانوفر آلمان را پذیرفت و همزمان با عنوان ریاست فدراسیون جهانی انجمن‌های قاعده جمجمه برگزیده شده در این سال صدراعظم آلمان به پاس خدمات وی در جراحی مغز و اعصاب نشان درجه یک دولت آلمان غربی را به وی اعطا نمود.

پروفیسور سمیعی مجموعه ادبیات علمی خود را تاکنون در قالب ۱۳ کتاب و بیش از ۲۰۰ مقاله علمی منتشر کرده که مهم ترین مرجع برای جراحان مغز و اعصاب دنیا به شمار می‌آید.

پروفسور سمیعی، در خصوص این که مهم ترین اهدافش از آموزش متخصصان ایرانی چیست گفت: «می‌خواهم تازه‌های پزشکی در زمینه مغز و اعصاب هر چه سریع‌تر به کشور عزیزم ایران منتقل شود.»

سنجیان، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۲۹۹.

درگذشت: ۱۳۷۱.

از آثار اوست: ترجمه کتاب آیین دوست‌یابی در اسلام (اثر محمد الحیدری، ویراستار حسین الهی قمشه‌ای، تهران، ۱۳۷۳).
برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

سنجاری، محمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۷۲۱-۶۷۵ ق)، فقیه حنفی. اصل وی از سمرقند است. در سمرقند یا سنجار، از نواحی جزیره و نزدیک موصل، به دنیا آمد. او از بزرگان علمای حنفیه بود. در شهرهای مختلف سیاحت کرد و عاقبت در ماردین از توابع جزیره اقامت گزید و در آنجا به تدریس و تصنیف و فتوا اشتغال یافت و همان‌جا درگذشت. از آثارش: «عمده الطالب لمعرفة المذاهب»، در بیان اختلاف مابین شیعه و مذاهب چهارگانه‌ی اهل سنت و بعضی مذاهب دیگر. در «الکنی و الالقاب» و «ریحانه» مولف این کتاب به جای سنجاری، سخاوی ذکر شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۶۵/۷)، ریحانه (۸۸/۳، ۴۵۰/۲)، کشف الظنون (۱۱۶۸)، الکنی و الالقاب (۳۱۱/۲)، معجم المؤلفین

(۱۵۵/۱۰).

سنجی، ابوداود سلیمان

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۵۷ ق)، حافظ، محدث، مورخ، نحوی، ادیب، و شاعر. نسبتش به سنج، یکی از توابع مرو، می‌رسد. وی در لغت و فنون مهارت بسزایی داشت. تمامی آن علوم را از اصمعی و دیگر اساتید وقت فراگرفت. به عراق و حجاز و یمن و مصر کرد و به بغداد رفت و با حافظان حدیث آنجا به مذاکره پرداخت. او از نصر بن شمیل و عبدالرزاق بن همام و حسین بن حفص اصفهانی و عثمان بن عمر بن فارس و عمرو بن عاصم و بسیاری دیگر حدیث شنید. مسلم و ترمذی و نسائی، صاحبان سه «صحیح»، و همچنین ابوحاتم رازی و ابن خراش و محمد بن عقیل بلخی و ابن ابی‌داوود از وی حدیث روایت کرده‌اند. پاره‌ای از رجال‌شناسان او را ثقه و مورد اعتماد دانسته‌اند. از آثار وی کتابی در «تاریخ» است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۵۲-۵۱/۹)، تهذیب التهذیب (۱۹۹/۴)، الجرح و التعديل (ج ۲ ق ۱۴۷/۱)، ریحانه (۹۱/۳)، معجم المؤلفین (۲۷۶/۴).

سند، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد سند

محل تولد: بحرین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

حدود چهار سال و نیم سن داشتم که به دبستان رفتم. پانزده سال و نیم داشتم که دیپلم گرفتم. سپس عازم لندن شدم و فوق دیپلم هندسه را در سال اول گرفتم. در سال دوم موارد اضافی را فرا گرفتم تا در دانشکده تخصصی امپریال وارد شوم ولی در نزدیک اواخر سال دوم تصمیم به رفتن به حوزه علمیه قم را گرفتم. با ورود به حوزه، با تمام جدیت، شبانه روز و پنجشنبه و حتی جمعه و تعطیلات، همیشه مشغول تحصیل بودم و همه متون قدیمه مانند قوانین، شرح نظام، مطول و شمسیه و هیئت چغمین و عروقی و غیره را فرا گرفتم البته کتابهای مقدمات را خودم به تنهایی فرا گرفتم چون در دبیرستان جزو مواد درسی بود و با آنها آشنا بودم. در مدت سه سال و نیم، سطوح عالی را به اتمام رساندم که البته ساعات کاری این سه سال و نیم معادل ساعتهای درسی حوزه در هفت سال برآورد میشود. سپس درسهای خارج آقایان روحانی و میرزا هاشم آملی و وحید خراسانی، در بیع و اصول الفاظ و

صلاته و اصول عملیه و فلسفه اسفار و سپس بخصوص نزد آقای جوادی آملی و اشارات هم پیش آقای حسن زاده آملی و همراه این سالها درسهای آقای گلپایگانی که درقضاء و شهادت و حدود بود را، در تعطیلات فرا گرفتم و قضا و شهادت آقای تبریزی و همچنین طهارت و غیره آنها .

در اواخر حضور درسی دو سال نزد آقای علامه فانی اصفهانی اصول فشرده و بیع و مکاسب محرمه و قضاء و خلل صلاه و غیره همچنین بحثهای تعطیلی آقای روحانی شرکت داشتم که در خلل صلاه و قواعد اصولی بود و در اواخر سه سال فقه طهاره و اصول عملیه و جلسه استفتاء آقای تبریزی شرکت داشتم سپس بدستور استاد آقای روحانی و میرزا هاشم آملی شروع به تدریس بحث خارج نمودم. البته شروع تدریس بحث خارج فقه و اصول همگام با دو سال اخیر حضور اینجانب در درسهای آقایان بود و همینطور تدریس منظومه ملا هادی مرتبه دوم بود. سپس اشارات بوعلی و سپس شفاء بوعلی و سپس اسفار که چندین جلد آنرا تا بحال تدریس داشتم و همینطور یک دوره عقاید در امامت در طی چهار سال، همینطور تدریس مسائل مستحدثه در تعطیلات پنج شنبه و جمعه که اکنون هم ادامه دارد و بحث کتاب حج دو دوره (خلاصه و مفصل) در تعطیلات داشتم و دوره اصول از اول الفاظ تا آخر استصحاب ، در طی ۱۲ سال . بسیاری از این بحثها بچاپ رسیده و در زمینه مسائل مستحدثه متعدد و بسیاری از شاگردان حاضر در بحث بدرجه تدریس کفایه و مکاسب و رسائل بلکه تدریس تقریرات رسیده و بسیاری از آنها دارای تالیفات متعدد در زمینه های مختلف هستند. در زمینه مقالات و سخنرانی ها در شهرها و کشورهای مختلف شرکت داشته ام.

سندگل، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد، مؤلف.

تولد: ۱۳۲۰، روستای ادیره در زابل.

درگذشت: ۱۶ شهریور ۱۳۷۲.

حسین سندگل تحصیلات ابتدایی را در روستا و دوره‌ی متوسطه را در دبیرستان کشاورزی زابل و دانشسرای کشاورزی بمپور به پایان رساند. چند سال معلم روستا بود، تا اینکه موفق به اخذ دیپلم در رشته‌های طبیعی و ادبی شد. سپس به تهران آمد و از دانشسرای عالی این شهر مدرک لیسانس تربیت بدنی دریافت داشت. در سال ۱۳۵۰ به عنوان داور بین‌المللی دو میدانی در مسابقات المپیک مونیخ شرکت کرد. در سال ۱۳۵۱ جهت ادامه‌ی تحصیل به آمریکا عزیمت کرد و طی نه سال موفق به اتمام دوره‌های فوق لیسانس تربیت بدنی، دکترای فیزیولوژی پزشکی و دکترای فیزیولوژی ورزش شد. مدت چهار سال، کرسی تدریس در دانشگاه اوهایو آمریکا را داشت و در سال ۱۳۵۹ به ایران بازگشت.

پس از ورود به ایران، مدتی به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و سپس به عنوان استاد و رییس گروه فیزیولوژی-فارماکولوژی و مدرس دوره‌ی کارشناسی ارشد در دانشگاه علوم پزشکی کرمان مشغول به خدمت شد.

در سال ۱۳۷۰ به تهران منتقل شد. مشغول تدریس در دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران، قزوین، همدان، خرم‌آباد، ساری و زاهدان شد. در حالی که عضو مؤثر در کمیته‌ی ملی المپیک جمهوری اسلامی نیز بوده است.

از آثار اوست: فیزیولوژی انسانی (در سه مجلد، کتاب برگزیده‌ی یازدهمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۲)؛ فیزیولوژی ورزش (در چهار مجلد)؛ فیزیولوژی پزشکی (در پنج مجلد)؛ او علاوه بر کتب فوق، چند کتاب نیز در زمینه‌ی

فیزیولوژی پیشرفته، با همکاری اعضای دیگر هیئت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور، در دست تألیف داشت که مرگ مهلت این کار به وی نداد.
 دکتر حسین سند گل در ۱۶ شهریور ۱۳۷۲ بر اثر سکته‌ی قلبی و سکته‌ی مغزی درگذشت و در زاهدان به خاک سپرده شد.
 برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

سنگلجی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۱۵ ق)، فقیه و استاد. در تهران متولد شد. وی در محضر اساتیدی چون میرزا خلیل طالقانی و میرزا غلامعلی نایینی ادبیات و علوم عربی را فراگرفت و سیر و سلوک و عرفان را در خدمت ملا محمد هیدجی و فلسفه را نزد میرزا علی‌اکبر یزدی و میرزا حسن کرمانشاهی آموخت. دوره‌ی کامل فقه و اصول را نزد شیخ محمدرضا نوری و سید محمد تنکابنی و سید محمد یزدی فراگرفت. سنگلجی به همراه برادرش شریعت به نجف رفت و در حوزه‌ی درس میزای نایینی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی شرکت کرد. پس از بازگشت به ایران در مدرسه حقوق و علوم سیاسی و دانشکده‌ی حقوق فقه و اصول به تدریس مشغول شد از ۱۳۲۶ ش برای تدریس دوره‌ی دکترای انتخاب شد. از آثارش: «آیین دادرسی در اسلام»؛ «تشریح» یا «قانون‌گذاری در اسلام»؛ «تفسیر سوره حمد و اخلاص»؛ «دلایل السداد فی قواعد الفقه و الاجتهاد»؛ «الشراعی»؛ «عالم معنی»؛ «قانون رضاع در اسلام»؛ «قضاء در اسلام»؛ «کلیات عقود ایقاعات»؛ «مصباح المیزان»، در منطق؛ «مقاصد الاصول»، در اصول فقه، فارسی؛ «الوقایه فی تهذیب الکفایه» [۱].

محقق، استاد، عالم علوم دینی.

تولد: ۱۲۷۶.

درگذشت: مهر ۱۳۵۹.

شیخ محمد سنگلجی، فرزند رضاقلی سنگلجی از روحانیون تهران، سال‌های درازی با سمت استادی در دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی به تدریس فقه اسلامی اشتغال داشت و متن درسش شرایع الاسلام بود. کانونی هم به نام رواق تأسیس کرد که در آنجا به تفسیر قرآن می‌پرداخت. تألیفات عمده‌ی او عبارتند از: مصباح المیزان در منطق (تهران، ۱۳۴۷)؛ دلایل السداد فی القواعد الفقه و الاجتهاد (تهران، ۱۳۱۳)؛ قانون رضاع در اسلام (تهران، ۱۳۱۵)؛ مقاصد الوصول (۱۳۱۷)؛ کلیات عقود و ایقاعات (تهران، ۱۳۲۴)؛ تفسیر سوره‌ی حمد (تهران، ۱۳۲۵)؛ آیین دادرسی در اسلام (تهران، ۱۳۲۹)؛ عالم معنی (تهران، ۱۳۳۱)؛ چهار رساله در وصیت، میراث، بیع فضولی، جمله‌ای از قواعد فقه (تهران، ۱۳۳۳)؛ فضا در اسلام (۱۳۳۸)؛ سیری اجمالی در منطق و فلسفه الهی (تهران، ۱۳۵۵).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۳۷۹/۲۱، ۲۶، ۲۲/۱۷، ۲۵۰/۸)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۷۲-۴/۷۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۱۵-۵/۵۱۲).

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۹۴ ق)، مفسر. از معاصران البارسلان و پسرش ملک‌شاه سلجوقی است. در پاره‌ای نسخ صاحب عنوان به نیشابور منتسب شده است و به جای سوراآبادی، سوربانی / سوریانی ذکر شده است. از آثار وی تفسیری بر «قرآن کریم» به فارسی است، که آن را در دهه‌ی ۴۷۰ ق به تالیف درآورده است. این تفسیر تحت نامهای «تفسیر ابی بکر عتیق» و «تفسیر سوراآبادی» نیز آمده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۹۰۲/۲)، تاریخ گزیده (۶۹۴)، تاریخ نظم و نثر (۱۱۷)، سرآمدان فرهنگ (۹۶-۹۵/۱)، قصص قرآن مجید برگرفته از تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری (مقدمه)، کشف الظنون (۴۴۹، ۴۴۰)، هدیه العارفین (۶۵۱/۱).

سوزنگر، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۷، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیوشیمی، دانشکده: داروسازی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی داروسازی از دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۴۲، دکترای داروسازی از دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۵۳، کارشناسی ارشد بیوشیمی کلینکی از دانشگاه نیوکاسل انگلستان در سال ۱۳۶۸، دکترای بیوشیمی کلینکی و سرطان از دانشکده پزشکی دانشگاه نیوکاسل و فوق تخصص در بیوشیمی سرطان داروهای سیتوتوکسیک **Medical Research Council (MRC) Ayears** از انگلستان در سالهای ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۷.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در سال ۱۳۴۴ و پس از طی مرحله دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی سیتوتوکسیستی عصاره منتخبی از گیاهان سنتی ایران، بررسی مکانیسم اثر کاتکل آمینها بر تغییرات فعالیت آنزیمهای کبدی، اثر آدرنالکتومی و منتخبی از هورمونها بر فعالیت آنزیم **G6PD**، تدریس دروس بیوشیمی پایه، پزشکی و پیشرفته، استاد راهنمای ۴۸ پایان‌نامه دکترا و ۲۰ پایان‌نامه تخصصی بیوشیمی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

داروسازی بیوشیمی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: -، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۳

زمینه علمی مقالات:

داروسازی و بیوشیمی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

سوسی، احمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۶۳ ق)، محدث. نسبت وی به سوس، معرب شوش، از شهرهای خوزستان می‌رسد. (در کوفه برآمد و ساکن سامراء بود و در آنجا حدیث می‌گفت. عده‌ای از محدثین معروف چون ابوحاتم رازی از شاگردان وی بوده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الکنی و الالقاب (۳۲۵/۲).

سهراب، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۸ - ۱۲۸۱ ش)، پزشک، استاد دانشگاه و نویسنده. وی در اصفهان متولد شد. تحصیلات دبیرستانی را در دارالفنون به پایان رسانید. در سال ۱۳۰۴ ش وارد مدرسه طب تهران شد و بعد از چهار سال تحصیل برای ادامه‌ی تحصیلات جزو دانشجویان اعزامی به اروپا رفت. بعد از طی دوره‌ی تحصیلات پزشکی در لیون و پاریس در سال ۱۳۱۶ ش به دریافت دانشنامه‌ی دکتری دوره‌ی عالی میکروبی شناسی نایل شد و به ایران بازگشت و به سمت دانشیاری میکروبی شناسی دانشکده‌ی پزشکی تهران منصوب شد. پس از آن به استادی کرسی میکروبی شناسی و ریاست آزمایشگاه ارتقاء یافت. و در سال ۱۳۲۷ ش به سمت معاونت دانشکده تعیین گردید. از آثار وی: «امکان آلوده کردن آبهای مشروب بوسیله‌ی میکروب»، با مشارکت دکتر میمندی‌نژاد، «میکروبی شناسی»؛ با شمارکت دکتر حسن میردامادی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: مؤلفین کتب چاپی (۷۵۸-۷۵۷/۲).

سهراب، هدایت‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۷۴ ش)، مترجم و نویسنده. تحصیلات خود را در کالج آمریکایی تهران به پایان رسانید و مدتی با سمت دبیری در دبیرستان دولتی کرمان اشتغال داشت. بعدها وارد خدمت ارتش شد و در سال ۱۳۳۶ ش بعد از چهل و پنج سال خدمت در نقاط مختلف ایران بازنشسته شد. از آثار وی: «اصول تعلیمات اخلاقی کنفوسیوس»، ترجمه؛ «در جبهه‌ی باختر»، ترجمه؛ «راهنمای شوهر جوان در مرحله‌ی ازدواج»، ترجمه؛ «راهنمای معلمین برای مدارس و مراکز تعلیماتی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: مؤلفین کتب چاپی (۷۷۶-۷۷۵/۶).

سهراب‌پور، حمید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای ریوی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

سهرابی حقدوست، ایرج

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: آسیب‌شناسی دامپزشکی، دانشکده: دامپزشکی، دانشگاه: تهران. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

سهرابی شیرازی، فریدون

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای عفونی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: اصفهان. خلاصه شرح حال تخصصی سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی شیراز در سال ۱۳۴۷، دکترای تخصصی بیماریهای عفونی از دانشگاههای اصفهان، تهران و ناتینگهام انگلستان.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در سال ۱۳۵۰ و ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در سال ۱۳۷۱.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی کمی و کیفی شیر و فرآورده‌های آن، پیشگیری بیماری‌های عفونی، ایمونوفلورسانس غیر مستقیم در تشخیص ژیا ردیا، استاد راهنمای ۴ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

عفونتهای ناشی از مایکوباکتریومها.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: -، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

ارزشیابی روشهای درمانی بروسلوز، بررسی اپیدمیولوژی بروسلوز، مقایسه بیماری کزاز در بیماران روستائی و شهری.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

سهروردی، ابوالحسن علی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۳۳ ق)، فقیه و ریاضیدان. مشهور به ابن سهروردی و ملقب به جمال‌الاسلام. وی در فقه اصول و تفسیر و علم ریاضی از برجستگان روزگار بود که در نزد غزالی تلمذ کرد و در دمشق درگذشت. اثر وی: «المقدمه الکافیة فی اصول الجبر و المقابله و ما يعرف به قیاسه من الامثله».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۳۲۰)، لغت نامه (ذیل / علی سهروردی).

سهروردی، ابوالفتوح یحیی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۴۹ - مقتول ۵۸۷ ق)، حکیم، صوفی، متکلم، ادیب، فیلسوف. ملقب به المویذ بالملکوت و شیخ اشراق. وی در سهرود از توابع زنجان متولد شد. شهاب‌الدین یحیی سهروردی را غالباً شیخ اشراق یا المقتول یا شهید می‌نامند. وی اصول فقه را نزد شیخ مجدالدین جیلی استاد فخرالدین محمد رازی در شهر مراغه آموخت و مراتب عالیت را در اصفهان نزد طاهرالدین قاری به پایان رساند. و چون در بسیاری از موارد با قدما خلاف اندیشیده و علی‌الخصوص در اصطلاحات خود از الفاظ و اصطلاحات دینی زرتشتی بسیار استفاده کرده است، متعصبان قوم، او را بالحد متهم داشته و علماء حلب خون او را مباح شمردند. وی آثار متعدد به

زبان فارسی و تازی دارد. وی بزرگترین فیلسوفی است که حکمت اشراق در آثار و روش فلسفی او به کمال رسید. وی تنها از افلاطون و پیروان طریقه‌ی او متأثر نبود بلکه از فلسفه‌ی متداول در ایران خاصه‌ی فلسفه‌ی متمایل به عرفان که در طریقت زردشت دیده می‌شود نیز استفاده کرد، که همان طریقه‌ی خسروانی است. وی منطق، بصائر ابن سهلان ساوی ر نزد ظهیرالدین قاری خوانده است. و در سفری که به ماردین از بلاد ترکیه داشته به زیارت فخرالدین ماردینی از بلاد ترکیه داشته به زیارت فخرالدین ماردینی عارف و حکیم رسیده وی به فرمان صلاح‌الدین ایوبی و به تحریک متعصبین در سن سی و هشت سالگی در حلب به قتل رسید. از آثار عربی وی: «البارقات الالهیه»، «التلویحات»، «التنقیحات»، «حکمه الاشراق»، «رساله فی اعتقاد الحکما»، «طوارق الانوار»، «قصه الغربه الغربیه»، «لوامع الانوار»، «الالواح العمادیه»، «المقاومات»، «المشارع و المطارحات»، «اللمحات» یا «اللمحه»، «الهیة کل النوریه»، «المبداء و المعاد» و غیره. از آثار فارسی او: «آواز پر جبرئیل»، «پرتونامه»، ترجمه «رساله الطیر» ابن سینا؛ «رساله العشق»، «روزی با جماعت صوفیان»، «صغیر سیمرغ»، «عقل سرخ»، «لغت موران»، «یزدان شناخت» [۱].

یحیی بن حبش بن امیرک ملقب به شهاب‌الدین و شیخ اشراق و شیخ مقتول و شهید و مکنی به ابوالفتح، حکیم معروف و محیی حکمت اشراق (و. سهرورد ۵۴۹- مقت. ۵۸۷ ه.ق.). وی حکمت و اصول فقه را نزد مجدالدین جیلی استاد فخر رازی در مراغه آموخت و در علوم حکمی و فلسفی سرآمد شد و به قوت ذکا وحدت ذهن و نیک اندیشی بر بسیاری از امور علمی اطلاع یافت، و چون در بسیاری از موارد خلاف رأی قدما گفته و از حکمت ایرانی و اصطلاحات دین زردشتی استفاده کرده، متعصبان او را با لحاد متهم کردند و علمای حلب خون او را مباح شمردند. صلاح‌الدین ایوبی فرمانروای مصر و شام فرمان داد تا او را به قتل رسانند و وی در حبس در سن ۳۸ سالگی خفه شد. سهروردی آثار متعدد به فارسی و عربی دارد. مهمترین آنها از این قرارند: منطق التلویحات، کتاب التلویحات، کتاب المقاومات، کتاب المشارع والمطارحات، حکمه الاشراق (ه.م.). رساله فی اعتقاد الحکماء قصه الغربه الغربیه، آواز پر جبرئیل، رساله العشق، لغت موران، صغیر سیمرغ، ترجمه رساله الطیر ابن سینا، اللمحات، الیهاکل النوریه، الالواح العمادیه، المبداء و المعاد، طوارق الانوار، البارقات الالهیه، لوامع الانوار، روزی با جماعت صوفیان، عقل سرخ، پرتونامه. از غالب کتب او نسخ متعدد در دست است و بخش مهمی به طبع رسیده. سهروردی حکمت اشراق (ه.م.) را احیاء کرده به کمال رسانید. فلسفه او التقاطی است و در آن آثاری از اصول عقاید حکمای یونان به خصوص افلاطون و نوافلاطونیان و حکمای قدیم ایران (فهلویون) و اصول دین زردشت در آن به خوبی نمایان است. این فلسفه به حکمت اشراق معروف است و پس از او شارحان وی (شهر زوری و قطب‌الدین شیرازی) و حکمایی مانند صدرالدین شیرازی و هادی سبزواری عقاید او را دنبال کردند و به تأیید و توضیح آن پرداختند. سهروردی درباره مشرب عرفانی خود گوید: بیشتر نظرات من فقط زاده فکر نیست. بلکه بر اثر ریاضت و راهنمایی ذوق حاصل شده است. پس چون از راه برهان به دست نیامده و از راه عیان حاصل شده به تشکیک مشککی از میان نمی‌رود. طریق من طریقی است که همه سالکان راه حق و امام الحکمه افلاطون پیش گرفته و به یاری ذوق به حل بسیاری از مشکلات توفیق یافته‌اند. وی قایل به اصالت ماهیت است و وجود را امری اعتباری و عقلی می‌داند و ماهیت را که اصل است و همه عالم از آن تشکیل یافته است چهار قسم ذکر می‌کنند: زیرا یا نور است یا ظلمت، و هر یک از این دو یا جوهر است یا عرض. اما نور جوهری شامل نفوس (یا به تعبیر خود او انوار اسفهبندی) و عقول است و مراتبی دارد که بالاترین آنها نورالانوار است که آن را به اسامی نور مقدس، نور محیط، نور اعلی، نور اعظم و غیره خوانده است. منشأ و مبدأ همه نورهاست. نورالانوار کامل است، و ورای آن هیچ چیز دیگر موجود نیست بنابراین نورالانوار در واقع همان روشنی بی‌پایان است که در اوستا بدان اشاره رفته و از آن به اهورامزدا تعبیر شده است. به عبارت دیگر نورالانوار عله العلل، مبدأ کل و خالق عالم است و همه چیزها از اشراقات او هستند و محتاج بدو. از نورالانوار فقط یک نور مجرد مستقیماً پدیده آمده است. این نور نخستین را سهروردی نور اقرب و نور عظیم (بهمن) خوانده است. از نور اقرب یک فلک - که فلک الافلاک باشد و نور مجرد دوم - حاصل شد، و از این نور، نور و فلک دیگر به

وجود آمد، و به همین ترتیب تا نور نهم و فلک نهم. فلک نهم - که آخرین فلک است - زمین خاکی را در بر گرفته است، و نور مربوط به این فلک در قلب انسان و مغز سر او پرتو افکن شده و ادراک معقولات را برای وی میسر ساخته است. این انوار نه گانه با مصدر و مبدأ کل آنها که نورالانوار است همان است که فارابی و ابن سینا عقول عشره خوانده و همه را صادر از فیض الهی دانسته و آخرین آنها را عقل فعال نامیده‌اند. در نظر سهروردی نور عرضی روشنیه‌های محسوس است چون نور آفتاب و ستارگان و آتش. ظلمت جوهری عبارتست از اجسام، یعنی اشیائی که قابل اشاره و محل اعراضند و شیخ آنها را برزخ نام داده است. ظلمت عرضی چیزهایی هستند که بر اجسام عارض توانند شد، چون رنگ و بو و طعم و سبکی و سنگینی و جز آن که شیخ از آنها به لفظ «هیئت» نیز تعبیر کرده است. سهروردی در کتاب کلمة التصوف گوید: «در میان ایرانیان گروهی بودند که به حق رهنمایی می کردند و حکیمانی دانشمند بودند که به مجوس شباهتی نداشتند، و بر آن طریق گامزن نبودند، و ما حکمت نوریه شریف آنان را، که ذوق افلاطون و کسانی که بیش از او بودند، گواه آن است، در کتاب موسوم به حکمة الاشراق و مانند آن، زنده گردانیدیم، و کسی بر من در تدوین مانند آن پیشی نجسته است.» و در حکمة الاشراق نویسد: «... و برین بنا نهاده شده است قاعده اشراق در نور و ظلمت که طریقه حکمای ایران مانند جاماسب و فرشوستر و بزرگمهر و حکیمان پیش از او بود.» و در کتاب المشارع و المطارحات آورده: «و اما نور طامس که به مرگ اصغر می کشد: آخرین کسانی که درباره آن در دست آگاهی داده‌اند، از گروه یونانیان حکیم بزرگوار افلاطون، و از بزرگانی که در آن پژوهش کرده و نامش در تاریخها به جا مانده هرمس، و در پهلویان «گلشاه» موسوم به «گیومرث» و همچنین از پیروان او افریدون و کیخسرو باشند.»

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۱۷۰ - ۱۶۹ / ۹)، ایضاح المکنون (۶۰۷، ۵۰۳، ۲ / ۱، ۳۳۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۹۷ - ۹۹۶، ۳۰۵ - ۲۹۷ / ۲)، تاریخ فلاسفه (۳۸۱ - ۳۶۸)، تاریخ فلسفه در اسلام (۵۶۰ - ۵۲۹ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۱۱۰)، تذکره‌ی روز روشن (۴۴۴ - ۴۴۳)، ترجمه‌ی تتمه صوان الحکمه (۱۰۴ - ۱۰۳)، دایرةالمعارف فارسی (۱۳۸۴ / ۱)، الذریعه (۱۵۳ - ۱۵۲ / ۱۳، ۲۷۷ / ۲۵، ۵۵۴ / ۹)، روضات الجنات (۱۹۷ / ۸)، ریاض العارفین (۲۱۱)، ریحانه (۳۰۰ - ۲۹۸ / ۳)، سیر النبلاء (۲۱۱ - ۲۰۷ / ۲۱)، فرهنگ سخنوران (۵۱۹ - ۵۱۸)، کشف الظنون (۱۵۶۰، ۷۱۹۷، ۶۸۴، ۴۸۲، ۳۶۱، ۱۵۹)، الکنی و الالقاب (۳۲۶ / ۲)، لسان المیزان (۵۱۱ - ۵۱۰ / ۳)، لغت نامه (ذیل / ابوالفتح)، مؤلفین کتب چاپی (۸۲۶ - ۸۲۳ / ۶)، مجمع الفصحا (۸۱۹ / ۲)، معجم الادبا (۳۲۰ - ۳۱۴ / ۱۹)، معجم المؤلفین (۱۹۰ - ۱۸۹ / ۱۳)، نفحات الانس (۵۸۶ - ۵۸۴)، الوافی بالوفیات (۳۲۳ - ۳۱۸ / ۲)، وفيات الاعیان (۲۷۴ - ۲۶۸ / ۶)، هدیه العارفین (۵۲۱ / ۲)، هفت اقلیم (۲۰۱ / ۳).

سهروردی، شهاب‌الدین، ابوحفص عمر

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۳۲ - ۵۳۹ ق)، حکیم، صوفی، فقیه شافعی و محدث. ملقب به شیخ الاسلام. در سهرورد زنجان به دنیا آمد. نسبش به ابوبکر صدیق می‌رسد. وی نزد عمویش ابونجیب سهروردی فقه و وعظ و تصوف آموخت. و در بصره با شیخ ابومحمد بن عبد مصاحب بود. وی به بغداد مسافرت کرد و در آنجا سر سلسله‌ی عرفا شد. به صحبت عبدالقادر گیلانی رسید. وی پیشوا و موسس سلسله‌ی عرفانی سهروردیه بود. کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی و سعدی شیرازی از ارادتمندان وی بودند. وی از کسانی مثل هبه‌الله بن احمد شبلی، ابن بطنی، ابوزرعه مقدسی، معمر بن فاخر و یحیی بن ثابت حدیث شنید. و ابن نقطه، ابن نجار، ظهیرالدین محمود زنجانی و ابواسحاق

ابن‌واسطی از وی روایت نقل کرده‌اند. وی هر سال به سفر مکه و مدینه می‌رفت و بیشتر عمرش را به وعظ اشتغال داشت. شهاب‌الدین با ابن‌فارض و ابن‌عربی و نجم‌الدین دایه ملاقات داشته است. وی در بغداد در گذشت و در وردیه این شهر به خاک سپرده شد. از آثارش: «عوارف المعارف» که در سفر مکه نوشته و اسماعیل بن عبد مومن و ظهیرالدین بزغش آن را به فارسی ترجمه کرده‌اند؛ «رشف النصایح الایمانیه و کشف الفایح الیونانیه؛ رساله‌ی «السیر و الطیر»؛ «بهجه الاسرار فی مناقب الغوثیه»؛ «نغبه البیان فی تفسیر القرآن»؛ «جذب القلوب الی مواصله المحبوب»؛ رساله‌ی «اعلام الهدی و عقیده ارباب التقی»؛ «دیوان» اشعار. [۱]

ابوحفص عمر، برادرزاده ابوالنجیب عبدالقاهر سهرودی عارف معروف که نسبت تعلیم او به احمد غزالی می‌رسد (ف. ۶۳۲ ه.ق.) از تألیفات او کتاب «عوارف» «رشف النصائح» «اعلام التقی» و «اعلام الهدی» است. وی مؤسس فرقه سهرودیه و مرشد سعدی و اوحدالدین کرمانی است (سهروردیه).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] آتشکده‌ی آذر (۱۱۹۲-۱۱۸۹/۳)، آثار عجم (۷۱-۷۰)، الاعلام (۲۲۳/۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۲۱/۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۲-۱۴۱)، تذکره‌ی روز روشن (۴۴۳-۴۴۲)، جستجو در تصوف (۱۷۸-۱۷۲)، دایرة‌المعارف فارسی (۱۳۸۴/۱)، الذریعه (۵۵۵-۵۵۴، ۴۷۸/۹)، ریاض العارفین (۹۶-۹۵)، ریحانه (۱۰۰-۹۸/۳)، سیر النبلاء (۳۷۸-۳۷۳/۲۲)، طرائق الحقائق (۵۳۱، ۵۳۰، ۴۹۰، ۴۰۵، ۳۰۴، ۲۹۱/۲)، فرهنگ سخنوران (۵۱۸)، کشف الظنون (۱۹۶۵، ۱۸۳۲، ۱۷۹۲، ۱۷۲۳، ۱۶۹۷، ۱۶۷۳، ۱۵۱۷، ۱۴۹۲، ۱۱۷۷، ۱۱۶۱، ۱۱۵۷، ۹۰۵، ۸۷۷، ۸۷۲، ۴۵۱، ۱۲۶، ۹۰، ۵۰)، الکنی و الالقاب (۳۲۶-۳۲۵/۲)، لغت نامه (ذیل / سهروردی)، مؤلفین کتب چاپی (۶۳۵-۶۳۴/۴)، مجالس المومنین (۷۲-۷۰/۲)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۶۳۲)، مجمع الفصحا (۸۱۹/۲)، معجم المؤلفین (۳۱۳/۷)، معجم البلدان (۳۲۹/۳)، نحفات الانس (۴۷۴-۴۷۳)، وفيات الاعیان (۴۴۸-۴۴۶/۳)، هدیه العارفین (۷۸۶-۷۸۵/۱)، هفت اقلیم (۲۰۱-۱۹۹/۳)، یادداشتهای قزوینی (۵۷۲/۳).

سهروردی، ضیاء‌الدین، ابوالنجیب عبدالقاهر

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۶۳-۴۹۰ ق)، فقیه شافعی، صوفی، محدث و مورخ. در سهرورد زنجان به دنیا آمد. در جوانی به بغداد رفت و از علوم رسمی بهره‌ی بسیار یافت فقه شافعی را از اسعد میهنی آموخت و کتاب «غریب الحدیث» را از ابوعلی بن نبهان شنید همچنین از ظاهر شحامی و ابوبکر انصاری نیز حدیث شنید. چندی متولی تدریس در نظامیه شد، اما از آن کار نیز منصرف شد و به عزلت و تصوف گرائید. در این امر هم از شیخ احمد غزالی ارشاد یافت. در مدت عزلت و مجاهدت از کسب دست خویش می‌خورد و چندی نیز سقائی کرد. پس از آن به وعظ پرداخت و شهرت و قبول فوق‌العاده یافت. مدرسه و رباطی بنا کرد که وجود او را ملجاء فقراء و درماندگان ساخت و مجالس او را محل توجه عام و خاص. در اواخر عمر به قصد زیارت بیت‌المقدس به شام رفت، اما به سبب غلبه و تهدید صلیبها موق به زیارت نشد، با این همه نورالدین زنگی مقدمش را گرامی داشت و او یک چند در دمشق ماند و مجلس وعظ هم برپا کرد. پایان عمرش در بغداد رسید. از جمله آثارش: «آداب المریدین» که شروح بسیاری بر آن نوشته شده؛ «شرح اسماء الحسنی»؛ «غریب المصاییح». صاحب «الکامل» نسبت وی را شهرزوری آورده. [۱]

(منسوب به سهرورد) ابوالنجیب ضیاء‌الدین عبدالقاهر بن عبدالله عارف معروف (و. حدود ۴۰۹- ف. ۵۶۳ ه.ق.) از مریدان احمد غزالی (م.ه.) است و مصنفات بسیار بدو نسبت داده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۱۷۴/۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/۲۲۰)، تاریخ نظم و نثر (۷۲۵)، جستجو در تصوف (۱۷۲-۱۷۱)، دایره‌المعارف فارسی (۱۳۸۵-۱۳۸۴/۱)، الذریعه (۲۹-۲۸/۱)، ریحانه (۲۸۳-۲۸۲/۷)، سیر النبلاء (۴۷۸-۴۷۵/۲۰)، الکامل (۹۸/۹)، کشف الظنون (۱۱۰۱، ۴۳)، لغت نامه (ذیل / ابونجیب)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۵۶۳)، معجم البلدان (۳/۳۲۹)، معجم المؤلفین (۵/۳۱۱)، نحفات الانس (۴۲۱-۴۲۰)، وفيات الاعیان (۲۰۵-۲۰۴/۳)، هدیه العارفين (۶۰۷-۶۰۶/۱).

سهل تستری، ابو محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۸۳/۲۸۲/۲۷۳-۲۰۳/۲۰۰ ق)، مفسر و صوفی. در شهر تستر «شوشتر» به دنیا آمد. وی از قران جنید و از مردان ذوالنون مصری بود و جامع علوم شریعت و طریقت و حقیقت. سهل نه فقط صوفی زاهد بلکه در عین حال سنی، از هواخواهان طریقه اهل حدیث و از مخالفان معتزله به شمار می‌رود، عقاید وی در مباحث مربوط به کلام و نقد اقوال معتزله به وسیله‌ی شاگرد وی ابن سالم بصری شرح و تقریر شده است. سهل حدیث و فقه را از دایی و استاد خویش محمد بن سوار، شاگرد مکتب سفیان ثوری آموخت و در تصوف به مالک بن دینار و معروف بن علی منسوب در مکه نیز یک چند به صحبت ذوالنون مصری رسید و چندی هم در عبادان به عزلت و خلوت اشتغال جست و سرانجام در بصره در حال نفی و تبعید وفات یافت. سهل بنیان‌گذار فرقه سهلیه صوفیه است که بنای آن بر اجتهاد و مجاهده‌ی نفس است. از آثار وی: «رقات المحبین»؛ «موعظ العارفين»؛ «جوابات اهل الیقین»؛ «تفسیر القرآن العظیم»؛ «قصص الانبیاء»؛ «الغایه لاهل النهایه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳/۲۱۰)، تاریخ الاسلام (حوادث ۱۸۹-۱۸۶/۲۹۰-۲۸۱)، تاریخ گزیده (۶۴۵)، تذکره الاولیاء (۲۶۸-۲۵۱/۱)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیری (۶۵۳، ۴۱-۳۹)، التفسیر و المفسرون (۳۸۳-۳۸۰/۲)، جستجو در تصوف (۱۳۵-۱۳۳)، حلیه الاولیا (۲۱۲-۱۸۹/۱۰)، دایره‌المعارف فارسی (۶۴۱-۶۴۰/۱)، روضات الجنات (۹۳-۹۱/۴)، ریحانه (۳/۲۶۱)، سیر النبلاء (۳۳۳-۳۳۰/۱۳)، شرح شطحیات (۲۱۳-۲۰۶، ۳۸)، صفوه الصفوه (۲۷۹-۲۷۸/۴)، طبقات الصوفیه سلمی (۲۱۱-۲۰۶)، طرائق الحقائق (۶۱۹، ۵۰۶، ۴۹۲، ۴۸۸، ۴۷۷، ۴۵۰، ۴۲۵، ۴۰۶، ۴۰۵، ۴۰۲، ۴۰۱، ۱۸۰، ۱۶۲)، فهرست ابن ندیم، ترجمه (۳۴۷)، کشف الظنون (۱۳۲۸، ۱۱۹۳)، کشف المحجوب (۱۷۶-۱۷۵)، لغت نامه (ذیل / سهل)، معجم البلدان (۲/۳۶)، معجم المؤلفین (۴/۲۸۴)، نحفات الانس (۶۷-۶۶)، الوافی بالوفیات (۱۶۱۷/۱۶)، وفيات الاعیان (۴۳۰-۴۲۹/۲).

سهل کوسج

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۵۵ ق)، پزشک. معروف به کوسج. وی در اهواز به دنیا آمد. سهل از پزشکان روزگار مامون عباسی بود. از آثار وی: کتاب «قربادین / اقربادین» در طب.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
 منابع زندگینامه: تاریخ الحكماء قفطی (۲۷۴-۲۷۲)، تاریخ طب (۱۸۰/۲)، ریحانه (۱۰۳/۵)، لغت نامه (ذیل / کوسج)، معجم المؤلفین (۲۸۴/۴).

سهمی قرشی جرجانی، ابوالقاسم حمزه

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۲۸/۴۲۷/۴۲۶ - ۳۴۰ ق)، مورخ و محدث. در گرگان متولد شد و به اصفهان و ری و غزنه و خراسان و عراق و شام و مصر و اهواز سفر کرد. از پدر و ابی بکر محمد بن احمد بن اسماعیل صرام و ابن احمد بن عدی و ابوبکر اسماعیلی حدیث شنید و همچنین از ابومحمد بن ماسی و ابوحفص زیات و ابوبکر بن عبدان شیرازی و ابوالحسن دارقطنی و دیگران روایت کرد. ابوبکر بیهقی و ابوالقاسم قشیری و ابوصالح موذن و ابراهیم بن عثمان جرجانی و ابوبکر احمد بن علی بن خلف شیرازی از وی حدیث روایت کرده‌اند. سرانجام در نیشابور وفات یافت. از آثار وی: «تاریخ جرجان» مشهور به «معرفه علماء اهل جرجان»؛ «معجم شیوخه»؛ کتاب «الاربعین فی فضایل العباس». صاب «کشف الظنون» در کنار «تاریخ جرجان»، «تاریخ استرآباد» را نیز به وی نسبت داده است و سال مرگ وی را ۶۷۰ ذکر کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۱۴/۲)، ریحانه (۴۰۱/۱)، سیر النبلاء (۴۷۱-۴۶۹/۱۷)، الکامل (۱۰/۸)، کشف الظنون (۱۸۴۳، ۲۹۰، ۲۸۱، ۵۷)، لغت نامه (ذیل / جرجانی)، معجم البلدان (۱۴۳-۱۴۱/۲)، معجم المؤلفین (۸۲/۴)، الوافی بالوفیات (۱۷۶/۱۳)، هدیه العارفین (۳۳۶/۱)، یادداشتهای قزوینی (۱۶۵-۱۶۴/۳، ۱۴/۲).

سهیلی اصفهانی، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تربیت معلم تهران
 خلاصه شرح حال تخصصی
 سوابق تحصیلی:

کارشناسی آموزش زبان انگلیسی از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۴۱، کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی از دانشگاه آمریکائی بیروت در سال ۱۳۴۶، دکترای زبان‌شناسی از دانشگاه ایلینویز آمریکا در سال ۱۳۵۵ و فوق تخصص فراگیری زبان اول و دوم از دانشگاه واشنگتن در سیاتل در سال ۱۳۶۷.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام تحقیقات زبان‌شناسی و تدریس دروس زبان‌شناسی و دستور زبان انگلیسی و زبان‌شناسی همگانی در دانشگاه‌های اصفهان، تهران، تربیت معلم و تربیت مدرس.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی تألیفات:

آواشناسی زبان انگلیسی، شناخت لغت در زبان انگلیسی، دستور زبان انگلیسی، روشهای تدریس زبان انگلیسی، فرهنگ مطبوعاتی، آموزش و سنجش زبان انگلیسی، طبقه‌بندی زبانها و زبان‌شناسی نو.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۹، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

زبان‌شناسی، زبان‌شناسی فارسی، فراگیری و تدریس زبان انگلیسی و فارسی، آواشناسی از دید بوعلی سینا.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سهیلی خوارزمی، ابوالحسن احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۱۸ ق)، ادیب و شاعر. وی مدتی وزیر ابوالعباس مامون خوارزمشاه بود، سپس ترک وزارت گفت و به بغداد رفت و در سامراء درگذشت. حسن بن حارث حسونی «کتاب سهیلی» خود را به نام وی تألیف کرد. از آثار او: «الروضه السهیلیه فی الاوصاف و التشبیهات».

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۴، ۳۰۴/۱)، تاریخ علوم عقلی (۲۰۸)، ریحانه (۱۰۱/۳)، شاعران بی‌دیوان (۴۲۱-۴۲۰)،

کشف الظنون (۹۲۶)، لغت نامه (ذیل / احمد)، معجم الادباء (۳۴-۳۱ / ۵)، معجم المؤلفین (۱۰۹/۲)، هدیه العارفین (۷۲/۱).

سیاح سپانلو، هادی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۷۹ ش)، مترجم و نویسنده. در وزارت دارایی به عنوان عضو دفتر وزارت دارایی خدمت کرد و عهده‌دار مشاغل مختلف دولتی شد. از آثار وی: «حسابدار نوین، تعریف اصول ساده»؛ «در غرب خبری نیست»، ترجمه، «رپرت ماژورهای به دکتر ملیسپو»، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: مؤلفین کتب چاپی (۷۲۴- ۷۲۳/۶).

سیاح، محسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۷۸ ش)، پزشک، مدرس، نویسنده و مترجم. در تهران متولد شد در سال ۱۳۲۸ ش به سویس رفت و تا مدت نه سال در مدرسه‌ی ابتدایی و متوسطه لوزان مشغول به تحصیل شد. تحصیلات عالی را در دانشکده‌ی پزشکی پاریس و فرانکفورت به پایان رسانید و پایان نامه‌ی خود را در باب کانونهای عفونی دو ریشه‌ای از تصویب گذرانید و در سال ۱۳۳۷ ش به ایران بازگشت، و عهده‌دار مشاغل مختلفی از قبیل استاد کرسی بیماریهای دندان، جراح دندانسازی بیمارستانها، استاد مدرسه‌ی عالی دندانسازی، ریاست دندانسازی بیمارستانهای دولتی گردید. از آثار وی: «امراض دهان و دندان»؛ «بیماریهای دندان»؛ «بیماریهای دهان»؛ «ژوزف فرشه»، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: مؤلفین کتب چاپی (۲۲۶- ۲۲۵/۵).

سیادت‌ی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۸۵- ۱۲۹۹ ق)، عالم دینی و مجتهد. وی از سادات حسینی بود که در قریه‌ی ایزی از محال سبزوار در خانواده‌ای باتقوا به دنیا آمد. قرآن و کتب فارسی و مقداری صرف و نحو را در همان جا خواند، سپس برای ادامه‌ی تحصیل به سبزوار رفت و در مدرسه‌ی فصیحیه تا مدت بیست سال به تحصیل پرداخت. از جمله اساتیدش آیت‌الله حاج میرزا حسین علوی سبزواری و عمویش، آقا میرزا موسی، پدر آیت‌الله حاج میرزا حسین فقیه سبزواری، و آقا میرزا اسماعیل مشهور به افتخارالحکماء شاگرد علامه و حکیم سبزواری را می‌توان نام برد. پس از آن به تدریس پرداخت و دو دوره «رسائل» و «مکاسب» را درس گفت. در ۱۳۳۷ ق به نجف اشرف سفر کرد و مدت شانزده سال در آنجا از محضر آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله میرزا حسین نائینی استفاده‌ها برد و «تقریرات» فقه و اصول هر دو استاد را در شش مجلد به رشته تحریر درآورد. از دیگر اساتید وی، در نجف، می‌توان به آیت‌الله حاج شیخ اسماعیل محلاتی، پدر همسرش، اشاره کرد. در ۱۳۵۳ ق به سبزوار بازگشت و به کارها و امور دینی پرداخت و حوزه‌ی علمیه‌ی متلاشی شده را حیات جدیدی بخشید. وی در سبزوار درگذشت و در حسینه که بنا نهاده بود به خاک سپرده شد. [۱]

سید حسن سیادت‌ی از علماء بزرگ و مجتهدین جلیل‌القدر سبزوار بوده وی در اواخر سال ۱۲۹۹ ق در قریه ایزی (پنج کیلومتری شرقی شهر سبزوار) در خاندان تقوا و سیادت دیده به جهان گشود.

پدرانش از سادات جلیل حسینی در قریه مزبوره مورد احترام بوده‌اند قرآن شریف و کتب فارسی و مقداری صرف و نحو را در نزد ملایان قریه آموخته و در اوائل بلوغ به قصد ادامه تحصیل به سبزوار وارد و در مدرسه فصیحیه در سلک طلاب علوم دینیه درآمده و تا مدت بیست سال با کمال جد و جهد به تحصیل و آنگاه به تدریس اشتغال داشته و در این مدت از محضر علماء آن عصر سبزوار

استفادات علمیه و ادبیه و فقهیه و اصولیه و حکمیه نموده و از مدرسین نامی عصر خود گشته و ضمناً در مسجد جامع سبزوار به امامت جماعت اشتغال داشته است.

پس از تدریس دو دوره رسائل و مکاسب مرحوم شیخ قدس سره در سال ۱۳۳۷ قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و مدت ۱۶ سال در آستان ملک پاسبان حضرت مولی‌الموحدین امیرالمؤمنین علیه صلوات المصلین اقامت نموده و از محضر آیات عظام آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت‌الله آقا میرزا حسین نائینی استفاده و تقریرات فقه و اصول هر دو را در ۶ مجلد به رشته تحریر آورده که اکنون نزد فرزند فاضلش موجود است.

در ذیقعه سال ۱۳۵۳ قمری به سبزوار بازگشته و به امور روحانیت قیام نموده و در سال ۱۳۶۳ قمری حوزه علمیه متلاشی شده آن را حیات جدیدی بخشیده به اغلب قراء اطراف نامه‌ها نوشته و تقاضای ارسال محصل به مدارس سبزوار و حوزه علمیه دائر نموده که اثر آن اقدام از آن تاریخ تاکنون مشهود است در علم و تقوا مورد قبول عامه و خاصه و در نفوذ کلام و محبوبیت قلیل النظیر بوده است.

در عصر یکشنبه ۲۳ ماه رمضان المبارک ۱۳۸۵ قمری در سن ۸۶ سالگی طی کسالت و نقاهت طولانی دیده از جهان فروبست و در حسینیه‌ای که از خالص مال خود در سبزوار ساخته است به خاک رفته است.

اساتید مشهور آن مرحوم در سبزوار از اینقرار است.

۱- مرحوم آیت‌الله آقای حاج میرزا حسین علوی سبزواری

۲- مرحوم حجة الاسلام والمسلمین آقای آقا میرزا موسی عموی بزرگوارش والد آیت‌الله حاج میرزا حسین فقیه سبزواری

۳- مرحوم آقا میرزا اسماعیل مشهور به افتخارالحکماء شاگرد علامه و حکیم سبزواری

۴- مرحوم حجة الاسلام حاج میرزا اسماعیل مجتهد سبزواری و در نجف مرحوم آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله آقا میرزا حسین نائینی و آیت‌الله حاج شیخ اسماعیل محلاتی بوده است دارای ده فرزند چهار پسر و شش دختر از دختر مرحوم آیت‌الله محلاتی مذکور می‌باشد.

فرزند اکبر و ارشدش حجة الاسلام حاج سید مصطفی سیادتی است که تحصیلات خود را در نزد آن مرحوم به پایان رسانیده و اکنون به جای معظم له به امامت جماعت و وظائف روحانیت مشغول و مورد احترام مردم سبزوار است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۳۱۷-۳۱۵/۵).

سیار، غلامعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مترجم.

تولد: ۱۳۰۲، مشهد.

درگذشت: ۱۲ دی ۱۳۷۲، تهران.

غلامعلی سیار، فرزند سید عبدالله، پس از خاتمه‌ی تحصیلات متوسطه دارالفنون در سال ۱۳۲۳ به فرانسه رفت. هفت و سال و نیم در آن کشور بود و از دانشگاه پاریس به اخذ درجه‌ی دکتری در رشته‌ی حقوق نایل آمد. پس از بازگشت به ایران به خدمات اداری

در وزارت کار و امور اجتماعی و تدریس در دانشگاه تبریز پرداخت. سپس به وزارت امور خارجه منتقل گردید و مدارج متعددی را در آن وزارتخانه طی کرد. آخرین سمت وی سرکنسولی ایران در برلین غربی بود. در مرکز با مقام رایزنی درجه‌ی یک ریاست اداره‌ی دوم سیاسی (مربوط به کشورهای شوروی سابق و اروپای شرقی) را بر عهده داشت (پیش از سال ۱۳۵۷). دکتر سیار از مترجمین بود. آثاری چون گرسنه اثر کنوت هامسن نروژی، و دکاکولا- از شارل لوونس کانادایی، امپراطوری گسسته از هلن کارردانکوس فرانسوی، یک سیاره و چهار پنج دنیا از اکتاویو پاز مکزیکی، جلد پنجم تاریخ عمومی جهان از کارل گریبگ سوئدی و رمانتسیم در فرانسه از فیلیپ وان تیزم فرانسوی را به فارسی ترجمه کرد. آخرین کتابی که در بستر بیماری ترجمه می‌کرد چهره‌ی آسیا تألیف رنه گروسه خاورشناس فرانسوی بود.

سیار به جز ترجمه به داستان نویسی و مقاله‌پردازی هم می‌پرداخت و در مجلات ادبی تهران یک رشته‌ی داستان‌های کوتاه و نقد ادبی منتشر کرده است.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

سیار، نصرالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد ۱۳۰۴، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای خون، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی در رشته داخلی از ایران، متخصصی بیماریهای خون از انگلستان و آمریکا، گذراندن کلاس هماتولوژی در بیمارستان هامراسمیت دانشگاه لندن.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بیماریهای خون، انجام کارهای تشخیص، درمانی و تحقیقاتی در دانشگاه پنسیلوانیا، استاد راهنمای تعداد زیادی پایان‌نامه دکترای و تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲۴، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

بیماری خون تعدادی درباره بیماران بررسی شده.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

سیاری اصفهانی، ابوعبدالله احمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سوم ق)، محدث و کاتب. در دستگاه آل طاهر، در زمان امام حسن عسگری (ع)، کاتب و دبیر بود. محمد بن یحیی و علی بن محمد حنانی از وی حدیث شنیدند. برخی از رجال نویسان وی را محدثی ضعیف و غیر قابل اعتماد و کتبش را اکثراً مراسیل می‌دانند. از آثارش: «الغارات»؛ «النوادر»؛ «ثواب القرآن»؛ «الطب»؛ «کتاب القراءات» یا «التنزیل و التحریف». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اختیار معرفه الرجال (۶۰۶)، الاعلام (۲۰۲/۱)، اعیان الشیعه (۱۱۷- ۱۱۶/۳)، الذریعه (۳۲۱/۲۴، ۵۲/۱۷، ۱۳۶/۱۵، ۱۹/۵، ۴۵۴/۴)، رجال ابن داود (قسم ۴۲۳- ۴۲۲/۲)، رجال برقی (۶۱)، رجال الطوسی (۴۲۷، ۴۱۱)، رجال النجاشی (۲۱۱/۱)، ریحانه (۱۰۳/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۸- ۴۷/۴)، الفهرست طوسی (۴۴)، الکنی و الالقاب (۳۲۷/۲)، لسان المیزان (۳۸۲- ۳۸۱/۱)، معجم رجال الحدیث (۲۸۴- ۲۸۲/۲)، معجم المؤلفین (۱۰۹/۲)، هدیه الاحباب (۱۵۳).

سیاری، ابوالحسین احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، نحوی، لغوی و ادیب امامی. او دایی ابوعمر زاهد ملقب به مطرز است. ابوعمر، از طریق سیاری، از مبرد و ابن مسروق طوسی و ناشی روایت کرده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴۶۹/۲)، تاریخ بغداد (۱۳- ۱۲/۴)، روضات الجنات (۲۱۶/۱)، ریحانه (۱۰۳/۳)، الکنی و الالقاب (۳۲۸/۲)، لغت نامه (ذیل / احمد)، هدیه الاحباب (۱۵۳).

سیاری، ابوالعباس قاسم

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۴۳/۳۴۲/۳۴۰ ق)، عالم، عارف، فقیه، و محدث. در مرو متولد شد. به جهت انتساب به جد مادری خود احمد بن سیار، سیاری خوانده می‌شد. وی در علوم شریعت و فنون طریقت بصیر و نخستین کسی است که در مرو سخن از حقیقت گفته است. گویند که پدرش بسیار مالدار بود، بعد از وفات او قاسم آن همه را به بهای یک تار گیسوی عنبر بوی حضرت رسالت می‌داد، سپس به برکت آن موی مبارک موفق به توبه گردید و فرقه سیاریه از فرق صوفیه نیز منتسب به او می‌باشد که به وسیله خواهرزاده‌اش عبدالواحد بن علی نشر یافت، اساس طریقه وی مبنی بر مساله جمع و تفرقه که مراد از جمع مشاهده و مراد از تفرقه

مجاهدت بوده. سیاری از ابوالموجه و احمد بن عباد حدیث شنید و ابوعبدالله الحاکم از وی روایت کرده است. وی در مرو درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره الاولیاء (۳۰۶-۳۰۴/۲)، جستجو در تصوف (۵۶-۵۵)، حلیه الاولیاء (۳۸۱-۳۸۰/۱۰)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (۷۸-۷۹)، ریحانه (۱۰۴-۱۰۳/۳)، سیر النبلاء (۵۰۱-۵۰۰/۱۵)، شرح شحطیات (۴۰)، طبقات الصوفیه سلمی (۴۴۷-۴۴۰)، طبقات الصوفیه هروی (۳۶۵-۳۶۴)، کشف المحجوب (۱۹۹-۱۹۸)، لغت نامه (ذیل / ابوالعباس)، نفحات الانس (۱۴۸-۱۴۷).

سیاسی، علی اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۹- ۱۲۷۳/۱۲۷۴ ش)، روانشناس، مولف و استاد دانشگاه. وی در تهران متولد شد و پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدارس خرد و سلطانی، برای ادامه‌ی تحصیلات به فرانسه رفت و از دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی پاریس به اخذ درجه‌ی دکترا با قید درجه‌ی بسیار عالی نایل گردید و به ایران بازگشت و فعالیت‌های فرهنگی خود را از استادی دارالفنون و دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی و دانشکده‌ی ادبیات آغاز نمود. وی چندین بار رییس دانشگاه تهران شد. از جمله خدمت موثر او می‌توان از تهیه‌ی لایحه‌ی قانون تربیت معلم، تعلیمات عمومی اجباری و مجانی، جدا کردن دانشگاه از وزارت فرهنگ، تاسیس مجدد دانشکده‌ی معقول و منقول، ایجاد چاپخانه‌ی دانشگاه و تاسیس کوی دانشگاه نام برد. او به کشورهای انگلستان و فرانسه و ایتالیا و آمریکا و کانادا سفر کرد. وی در تهران وفات یافت. از دکتر سیاسی تالیفات متعددی به جا مانده است از جمله: «علم النفس یا روانشناسی»؛ «علم النفس ابن سینا و تطبیق آن با روانشناسی جدید»؛ «علم اخلاق»؛ «مبانی فلسفه»؛ «منطق و فلسفه»؛ «هوش و خرد»؛ «روانشناسی شخصیت»؛ «ایران در تماس با مغرب زمین» به زبان فرانسوی و برنده‌ی جایزه از آکادمی فرانسه؛ «طریقه تست» و «مقالات» متعددی که در جراید و مجلات به چاپ رسیده است. [۱]

محقق، مؤلف، رییس دانشگاه تهران.

تولد: ۱۲۷۳ (۱۳۱۳ ق.)؛ تهران.

درگذشت: ۴ خرداد ۱۳۶۹، بیمارستان جم تهران.

علی اکبر سیاسی، فرزند محمدحسن، پس از اتمام تحصیلات در مدارس خرد و سلطانی و دانشکده‌ی علوم سیاسی تهران، در روزگار احمد شاه قاجار در امتحانات اعزام دانشجوی شرکت کرد، شاگرد اول شد و برای ادامه‌ی تحصیل به اروپا رفت و در فرانسه به اخذ درجه‌ی دکترای ادبیات از دانشگاه سرین نایل شد (موضوع پایان‌نامه‌ی وی «ایران در برخورد با غرب» بود). طی تحصیل در فرانسه، رساله‌ی دکترای وی مورد توجه فرهنگستان علوم فرانسه قرار گرفت و یکی از جوایز آن فرهنگستان در سال ۱۲۹۳ م. به وی اعطاء شد.

علی اکبر سیاسی تحت تأثیر جریان‌های فکری و اجتماعی ناشی از زندگی در اروپا با چند تن از دوستانش که در فرنگ تحصیل کرده بودند حزب ایران جوان را تأسیس کرد. دکتر سیاسی یکی از اعضای هیئت عامله‌ی حزب و از نویسندگان روزنامه‌ی هفتگی «ایران جوان» بود. وی پس از بازگشت از سفر اول اروپا به تدریس در سه مدرسه‌ی دارالفنون، نظام و علوم سیاسی پرداخت. در همین دوران مترجمی سفارت فرانسه در تهران را هم به عهده داشت. در آن مدرسه‌ها، در آغاز کار، زبان فرانسوی و سپس

روانشناسی تدریس می‌کرد. در همان هنگام با مجله‌ی «آینده» نیز همکاری داشت.

علی‌اکبر سیاسی پس از تأسیس دانشگاه تهران به استادی این رشته نایل آمد. بعدها که انجمن روان‌شناسان ایران تأسیس شد به ریاست آن انجمن برگزیده شد و نیز رییس مؤسسه‌ی روان‌شناسی دانشگاه تهران بود. دکتر سیاسی مدت دوازده سال ریاست انتخابی دانشگاه تهران را به عهده داشت. انتشارات دانشگاه تهران در دوره‌ی ریاست و در سال‌های آغازین کار او تأسیس شد و دکتر پرویز ناتل خانلری طراح و مجری امور آن شد. او همچنین ریاست انجمن ایرانی و فلسفه و علوم انسانی وابسته به کمیسیون ملی یونسکو را بر عهده گرفت و در مقام رییس کانون ایران جوان نیز کوشید تا مجموعه سخنرانی‌های فرهنگی و پژوهشی ایراد شده در آن دو مؤسسه به چاپ برساند.

دکتر سیاسی ریاست دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی و نیز دانشسرای عالی تا پیش از جدا شدن آن - که بیش از بیست سال طول کشید - بر عهده داشت. تأسیس مجله‌ی «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی» نیز از فعالیت‌های او بود. وی وزیر فرهنگ احمد قوام و علی سهیلی، وزیر مشاور در هیئت دولت مرتضی قلی بیات (سهم‌الدین)، وزیر فرهنگ در هیئت دولت ابراهیم حکیمی و وزیر امور خارجه در هیئت دولت ساعد بود. در هیئتی که برای امضای منشور سازمان ملل متحد به سانفرانسیسکو اعزام شد عضو بود. در پایه‌گذاری امور یونسکو همکاری داشت و یکی دو بار به نمایندگی ایران در اجلاس‌های آن مؤسسه‌ی جهانی شرکت کرد. عضو شورای تبلیغات و عضو فرهنگستان ایران و شورای عالی فرهنگ و جز اینها بود. دکتر سیاسی، ده سال پایانی عمر را در اروپا و امریکا زندگی می‌کرد.

علاوه بر مقالات وی در نشریات داخل و خارج، از آثار وی است: اصول روان‌شناسی (۱۳۱۷)؛ روان‌شناسی پرورشی (۱۳۲۰)، این کتاب به کرات بین بیست تا سی بار به چاپ رسیده است؛ علم النفس ابن سینا و تطبیق آن با روان‌شناسی جدید (۱۳۳۳)؛ نمایشنامه‌های عشق و وطن؛ ماهیار یک قربانی دیگر؛ عشق و تجدد؛ ایران در تماس با مغرب زمین (به زبان فرانسوی)؛ دو ماه در پاریس یا از یونسکو تا برلین (۱۳۲۹)؛ روان‌شناسی جدید (۱۳۳۳)؛ علم اخلاق (نظری و عملی) (۱۳۳۶)؛ منطق و روش‌شناسی (۱۳۳۶)، چند بار چاپ شده است؛ مبانی فلسفه (۱۳۳۶)؛ علم النفس یا روان‌شناسی از لحاظ تربیت (۱۳۳۷)، چند بار چاپ شده است؛ منطق و فلسفه (۱۳۳۷)، چند بار چاپ شده است؛ هوش و خرد (۱۳۴۱)، چاپ‌های مکرر دارد؛ روان‌شناسی جنایی (۱۳۴۲)؛ گزارش یک زندگی (جلد اول، لندن ۱۳۳۶).

در ۱۲۷۴ ش در تهران متولد شد و پس از انجام تحصیلات ابتدائی و متوسطه وارد مدرسه عالی سیاسی مشیرالدوله شد و دانشنامه گرفت. در ۱۲۹۰ دولت ایران قریب بیست نفر از جوانان کشور را تحت سرپرستی ریشارد برای ادامه تحصیل به اروپا فرستاد، از جمله علی‌اکبر سیاسی در زمره‌ی آن بیست نفر بود. در این سفر برای هر کدام از محصلین نام خانوادگی انتخاب شد و چون علی‌اکبر رشته‌ی سیاسی خوانده بود نام خانوادگی سیاسی را برای خویش انتخاب کرد. پس از ورود به پاریس وارد دانشسرای روان شد و به تحصیل در رشته‌ی علوم تربیتی و روانشناسی پرداخت و مدت تحصیل وی مجموعاً پنج سال به طول انجامید و در ۱۲۹۶ به ایران بازگشت و به استادی مدرسه‌ی دارالفنون مشغول شد. در ۱۲۹۸ علاوه بر تدریس به سمت مستشار و مترجم سفارت فرانسه در تهران برگزیده شد و قریب دو سال در آن سمت انجام وظیفه نمود. سیاسی پس از بازگشت از اروپا در فکر تغییراتی در شئون تغییراتی در شئون مختلف کشور افتاد و با مشارکت عده‌ای از دوستان خود جمعیتی به نام ایران‌جوان تأسیس کرد. هسته‌ی اصلی این جمعیت غیر از سیاسی عبارت بودند از، حسن مشرف نفیسی، اسمعیل مرآت، محمدوحید تنکابنی، محسن رئیس، جواد عامری. اساسنامه‌ای که خیلی مرقی و تند بود تهیه کردند از جمله در مرامنامه آنها آمده بود: تجزیه امور مدنی از مسائل روحانی، الغاء کاپیتولاسیون، الغاء محاکم خصوصی و ارجاع کلیه امور به محاکم عمومی، تجدیدنظر در قراردادهای گمرکی، ایجاد راه آهن، ایجاد مدرس عمومی و اجباری برای پسران و دختران و چند مورد دیگر.

جمعیت ایران جوان پس از مدتی روزنامه‌ای به نام جمعیت که به طور هفتگی منتشر می‌شد دائر کردند که شماره اول آن دوازده صفحه بود و مطالب متنوعی در آن نوشته شده و چندین کاریکاتور هم در آن شماره به چشم می‌خورد. وقتی سردار سپه قدرت گرفت، اعضاء موسس ایران جوان را پذیرفته و مرانامه آنها را مطالعه و مورد تصویب و اجرا قرار داد.

علی اکبر سیاسی در ۱۳۰۸ مجدداً برای ادامه تحصیل به اروپا رفت و در رشته‌ی روانشناسی دکترا گرفت و رساله‌ی وی با درجه‌ی ممتاز مورد تصویب استادان قرار گرفت و جایزه‌ای نیز از طرف دانشگاه به او داده شد. سیاسی در ۱۹۳۱ به ایران بازگشت و در وزارت فرهنگ ریاست تعلیمات عالی به او واگذار شد و در دارالمعلمین عالی نیز به تدریس روانشناسی و فلسفه پرداخت.

در ۱۳۱۳ پس از تاسیس دانشگاه تهران وی به استادی روانشناسی در دانشکده ادبیات منصوب شد و در سال بعد عضو پیوسته فرهنگستان جدیدالتاسیس ایران شد. در ۱۳۲۱ به ریاست دانشکده ادبیات برگزیده شد و در مرداد همان سال در کابینه‌ی احمد قوام وزارت فرهنگ را عهده‌دار شد. سیاسی در این سمت قانون تعلیمات اجباری را از مجلس سیزدهم گذرانید و برای دانشگاه تهران که ضمیمه وزارت فرهنگ بود استقلال گرفت و از طرف روساء دانشکده‌ها به ریاست دانشگاه مستقل تعیین شد.

پس از بلوای ۱۷ آذر ۱۳۲۱ قوام‌السلطنه تمام روزنامه‌ها و مجلات کشور را تعطیل کرد و مدیران آن را به زندان افکند و دکتر سیاسی وزیر فرهنگ وقت لایحه‌ی جدیدی به قید دوفوریت به مجلس داد و ضمن لغو تمام امتیازات برای صاحب امتیازی مطبوعات، اصول جدیدی را در نظر گرفت که یکی داشتن دیپلم متوسطه و دیگری بضاعت مالی بود.

پس از سقوط کابینه‌ی احمد قوام، علی سهیلی به نخست‌وزیری منصوب شد و پست وزارت فرهنگ مجدداً به دکتر علی اکبر سیاسی تفویض گردید. در ۱۳۲۳ در کابینه‌ی مرتضی قلی بیات (سهام‌السلطان) به وزارت مشاور برگزیده شد. در ۱۳۲۶ در کابینه‌ی ابراهیم حکیمی برای بار سوم وزیر فرهنگ شد و بالاخره در کابینه‌ی ساعد به وزارت امور خارجه معرفی گردید. و در ۱۳۲۵ عضویت هیئت نمایندگی ایران را در سازمان ملل عهده‌دار گردید.

دکتر علی اکبر سیاسی مجموعاً مدت ۱۲ سال ریاست دانشگاه تهران را عهده‌دار بود. در سال ۱۳۳۳ به موجب طرحی که از طرف یکی از نمایندگان به مجلس داده شد، انتخاب ریاست دانشگاه از روسای دانشکده‌ها سلب و قرار شد وزیر فرهنگ سه نفر از اساتید دانشگاه را که رتبه‌ی آنها از ۹ کمتر نباشد به شاه پیشنهاد کند و شاه یکی از آنها را انتخاب کند. لذا جعفری وزیر فرهنگ وقت، سه نفر را پیشنهاد نمود. نفر اول دکتر منوچهر اقبال بود که به ریاست دانشگاه انتخاب گردید. دکتر اقبال برای تقدیر از خدمات دکتر سیاسی به وی مقام ریاست افتخاری دانشگاه تهران را داد.

دکتر علی اکبر سیاسی پس از کنار رفتن از ریاست دانشگاه، تلاشی برای کارهای دولتی به عمل نیاورد و همچنان با استادی و تدریس در دانشکده ادبیات امرار وقت می‌کرد و سرانجام بازنشسته شد و به مقام استادی ممتاز رسید.

دکتر سیاسی دارای تالیفات متعددی در رشته‌ی تخصصی خود می‌باشد، از جمله می‌توان کتابهای مبانی فلسفه علی‌النفس یا اصول روانشناسی، نظریه‌های شخصیت یا مکاتب روانشناسی و چندین کتاب درسی و چند ترجمه را نام برد. او اصول روانشناسی جدید را در ایران بنیاد نهاد، از اینرو به نام بنیانگذار و پدر روانشناسی جدید در ایران معروف می‌باشد. وی در جوانی با دختر صمصام‌الملک بیات ازدواج کرد و صاحب چند فرزند شد که ارشد آنها دکتر هدایت سیاسی هم‌اکنون استاد دانشکده بهداشت است.

سیاسی در اواخر عمر در خارج از ایران می‌زیست و کتابی به زبان فارسی تحت عنوان گزارش یک زندگی نوشته و انتشار داد که در حقیقت شرح حال و زندگینامه‌ی او بود. در اواخر ۱۳۶۸ به ایران بازگشت و در ششم خرداد ۱۳۶۹ درگذشت.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه [۱] چهره‌های آشنا (۳۱۱-۳۱۰)، کلک (س ۱۳۶۹، ش ۳، ص ۳۲-۲۹)، کیهان فرهنگی (س ۷، ش ۳، ص ۵۰)، مؤلفین کتب چاپی (۵۲۱-۵۱۸/۴)، نشر دانش (س ۱۰، ش ۴، ص ۱۰۴).

سیاسی، فریدون

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بهداشت عمومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

سیاقی فارسی، نظام‌الدین علی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۱۱ ق)، مورخ و شاعر. متخلص به سیاقی. وی از کارگزاران نامی دربار صفویه بود. نخست منصب استیفاء کهکلیویه و کازرون را داشت و سپس به وزارت کل فارس منصوب شد. وی در تاریخ و علم سیاق و موسیقی بر دیگران برتری داشت. در «تاریخ نظم و نثر» آمده که کتاب «فتوحات شاهی» از او است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۷۱۰)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۸۵/۲)، فرهنگ سخنوران (۴۷۶)، مرآت الفصاحه (۲۸۸-۲۸۷).

سیاوش، علی‌اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

سیاهپوش، سید جواد، محمدجواد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۴۷ ق)، عالم، ادیب و شاعر. پدرش سید محمد زینی از معاصران سید مهدی طباطبایی بود. سید جواد از اخباریان متعصب و از شاگردان میرزا محمد اخباری بود. او دارای خطی نیکو بود. چون پدرش در گذشت او را به قصیده‌ای رثاء گفت که در «دیوان» وی ثبت است. از آثار وی: «معراج الاسرار»، در تصوف؛ «دوحه الانوار فی الرائق من الاشعار»؛ در ادب، در چند جزء؛ شعری در رثای شیخ محسن اعسم؛ «دیوان» اشعار؛ قصیده‌ای در رثای شیخ خالد نقشبندی که سید محمود آلوسی بزرگ آن را شرح کرده

است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۰۲/۶)، اعیان الشیعه (۲۸۱-۲۸۰/۴)، الذریعه (۲۲۸/۲۱، ۲۰۸/۹، ۲۷۳/۸)، ریحانه (۱۰۶/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۹۰-۲۸۹/۱۳)، معجم المؤلفین (۱۶۸/۳)، مکارم الآثار (۱۳۲۰-۱۳۱۹/۴).

سیبویه اصفهانی، ابونصر محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س پنجم ق)، نحوی. از بزرگان علم و ادب بود. از ابن فارسی روایت کرده و عموی سمعانی نیز از وی روایت کرده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: ریحانه (۱۱۰-۱۰۹/۳).

سیبویه ثانی، برهان‌الدین ابراهیم

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۲۰-۹۱۷ ق)، نحوی و ادیب، عارف، شاعر و مفسر. از عارفان و نام‌آوران عرفان و مشاهیر سلسله‌ی نقشبندیه است. که در نحو و ادبیات عرب و متون شعری یگانه‌ی روزگار خود بود. در حین مسافرت به مکه به دست خوارج کشته شد. از آثار وی: «انبیاء نامه»؛ «التائیه»، در نحو معروف است به «نهایه البهجه»، که آن را شرح کرده به نام «معیار الادب فی شرح نهایه البهجه»؛ «تائیه» در نظم «ایساغوجی» اثرالدین ابهری به نام «موزون المیزان»؛ «تفسیر قرآن» از اول تا سوره‌ی یوسف.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۲۸-۱۲۷/۲)، ایضاح المکنون (۵۱۵/۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۶)، الذریعه (۵۰۶/۹، ۲۰۲-۲۰۱-۳/۳)، ریحانه (۱۱۱-۱۱۰/۳)، فرهنگ سخنوران (۱۷)، کشف الظنون (۱۹۰۱، ۲۶۷)، معجم المؤلفین (۳۸/۱)، یغما (س ۶، ص ۱۵۴-۱۵۲).

سیبویه، ابوبشر، ابوالحسن عمرو

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۹۴-۱۶۰)، نحوی. ملقب به امام نحویان. در بیضاء شیراز متولد شد و در بصره نشو و نما یافت و در بصره و بغداد اقامت گزید. ابتدا به طلب فقه و حدیث پرداخت. سپس متون عربیت را نزد خلیل بن احمد و یونس بن حبیب و عیسی بن عمر و اخفش اکبر فراگرفت و قطرب و اخفش اصغر و اخفش اوسط و دیگر بزرگان از شاگردان وی بودند وی با کسایی معاصر بود و مناظره

داشت. محل مرگ وی را در بصره، ساوه، بیضاء آورده‌اند. درباره عظمت علمی و فکری سیبویه سخن بسیار گفته شده و کتاب فراوان نگاشته شده او را اولین کسی می‌دانند که علم نحو را گسترش داد. از آثار او: «الکتاب» یا «کتاب سیبویه» [۱].

(معر، سیب کوچک یا بوی سیب) ابوبشر عمرو بن عثمان بن قنبر (یا قنبره) فارسی بیضاوی و سپس عراقی مصری ملقب به سیبویه (و. بیضاء (فارس) ۱۴۸ ه.ق. / ۷۶۵ م. - ف ۱۸۰ ه.ق. / ۷۹۶ م.) وی اعلم مردم در نحو عربی بود و او را پیشوای مذهب بصریان در نحو دانند چنانکه کسائی را پیشوای کوفیان دانند، کتاب مشهور او به نام «الکتاب» در نحو است. قبر وی اکنون در محله سنگ سیاه شیراز می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۲۵۲/۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۶/۱)، تاریخ بغداد (۱۹۹- ۱۹۵/ ۱۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۱۲- ۲۱۱/ ۳)، دایرةالمعارف فارسی (۱۳۹۷- ۱۳۹۶/ ۱)، الذریعه (۲۶۱/۱۷)، روضات الجنات (۳۱۰- ۳۰۵/ ۵)، ریحانه (۱۰۹- ۱۰۸/ ۳)، سیر النبلاء (۳۵۲- ۳۵۱/ ۸)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۲۷۱/۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۸۴)، فهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۹۰- ۸۹)، الکنی و الالقاب (۳۳۰- ۳۲۹/ ۲)، کشف الظنون (۱۴۲۷- ۱۴۲۶)، لغت‌نامه (ذیل / سیبویه)، مجمل فصیحی (ذیل / سال (۱۷۹)، مجموعه مقالات کنگره سیبویه، معجم الادباء (۱۲۷- ۱۱۴/ ۱۶)، معجم المؤلفین (۱۰/۸)، وفيات الاعیان (۴۶۵- ۴۶۳/ ۳)، هدیه الاحباب (۱۵۴- ۱۵۳).

سید اخوان چرندابی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد ۱۳۱۲، مرتبه علمی: استاد رشته: بیوشیمی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای داروسازی از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۳۷، و دکترای تخصصی بیوشیمی و ژنتیک مولکولی از دانشگاه میشیگان آمریکا در سال ۱۳۵۱.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه تبریز از سال ۱۳۴۶ تا سال ۱۳۵۳، استاد دانشگاه تبریز از سال ۱۳۵۳ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بیوشیمی اسیدهای نوکلئیک و ژنها، ژنتیک مولکولی، اعمال بیولوژیکی اعضاء بدن، روشهای مدرن در آزمایشگاههای تشخیص طبی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ژنتیک مولولی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: متعدد، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

ژنتیک پزشکی، ژنتیک بیوشیمی، ژنتیک مولکولی، بررسی بیوشیمیایی هموگلوبین، بررسی مسائل آزمایشگاهی ایران. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

سید العراقرین (عبدالحسین)

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم حاج میرزا عبدالحسین خاتون آبادی فرزند آقا میر محمد مهدی بن حاج میر معصوم بن حاج میرزا محمد علی بن میر ابوالحسن بن میر محمد اسماعیل [بن میر محمد باقر بن میر محمد اسماعیل] مدرس کبیر خاتون آبادی. پدرانش عموماً از علمای بزرگ اصفهان، و رؤسای این شهر بوده، و به مناسبت سکونت در محله‌ی پاقلعه (از محلات اصفهان) به سادات پاقلعه معروف شده‌اند.

مرحوم سید العراقرین در سال ۱۲۹۴ در اصفهان متولد شده، و مقدمات علوم را در این شهر آموخته، سپس جهت تکمیل به عراق عرب رفته، سال‌ها در نجف اشرف از محضر اساتید بزرگ آنجا در فقه و اصول استفاده نموده، تا به درجه‌ی اجتهاد نایل گردیده، به اصفهان مراجعت نموده، به درس و بحث و اقامه‌ی جماعت، و فصل خصومات، و ترویج دین پرداخته.

سرانجام در شب چهارشنبه ۱۰ شوال ۱۳۵۰ وفات یافته، در تکیه‌ای مخصوص در مجاورت تکیه‌ی خاتون آبادی‌ها مدفون گردید. (پس از آن جمعی کثیر از فضلا و علما در مجاورت او در بقعه و خارج آن مدفون شدند که ذیلاً به نام برخی از آنها اشاره می‌شود).

مرحوم سید العراقرین آخرین مدرس معروف مدرسه‌ی چهارباغ به شمار می‌رفت که پس از فوت او، به مناسبت چندی، سال‌ها مدرسه تعطیل، و خالی از طلبه و محصل بوده، و امورات وقفی آن زیر نظر اداره‌ی اوقاف اداره می‌شد، تا پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ مجدداً مدرسه به تصرف وقف داده، و حق به من له الحق بازگشت. سپس طلاب در آن ساکن شده و به تحصیل مشغول شدند، و به حمدالله تاکنون دایره، و صبح و عصر جلسات تدریس فقه و اصول حکمت و ادب در آنجا دایره است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

سید امامی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۱ ش)، پزشک، روزنامه‌نگار و نویسنده. در برلن تحصیل طب نمود و عملیات طبی را در بیمارستان دولتی شارتریه انجام داد. در سال ۱۳۱۰ ش به تهران مراجعت کرد. سه دوره به نمایندگی مجلس از تبریز انتخاب شد. مدت ده سال مجله‌ی پزشکی و

بهداشتی «تندرست» را منتشر می‌کرد. از آثار وی: «سالک»، «مالاریا»، [۱]

فرزند سید کاظم امام جمعه و متولد ۱۲۸۰ در تبریز است. تحصیلات عالی خود را در رشته‌ی پزشکی در فرانسه به اتمام رسانید و وارد دانشگاه تهران شد و مقام استادی دانشکده‌ی پزشکی گرفت و مدتی نیز در وزارت بهداشتی معاونت کل آن وزارتخانه را بر عهده داشت.

در دوره‌ی شانزدهم از طرف مردم تبریز به مجلس رفت و در ادوار هیجدهم و نوزدهم دارای همان سمت بود. دو دوره هم از تبریز برای سناتوری انتخاب شد. وی مدتی به انتشار مجله‌ی پزشکی تندرست مبادرت کرد. در سن ۶۸ سالگی فوت نمود. وی داماد امیراسعد ذوالفقاری بود. در اواخر عمر به حرفه‌ی طبابت اعتنائی نداشت و غالباً وقت او صرف اداره‌ی مستغلات و املاکش می‌شد. مردی بود که برای خود زندگی می‌کرد و از ثروت خود حداکثر بهره‌برداری مالی را می‌نمود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] مؤلفین کتب چاپی (۴۰۸-۴۰۷/۱).

سید انزلی‌نژاد، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سید کریمی، عباس

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید عباس سید کریمی

محل تولد: قزوین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید عباس سید کریمی مشهور به حسینی فرزند سید افضل در سال ۱۳۳۸ شمسی در خرم‌دشت (نهایند) از توابع قزوین دیده به جهان گشودم. بعد از پایان رساندن مقطع ابتدایی در زادگاه خود در سال ۱۳۵۰ شمسی برای تحصیل علوم دینی به حوزه علمیه قم وارد شدم. مقطع سطح و دروس فقه و اصول را در مدت بیست سال با جدیت کامل به پایان بردم. در کنار فقه و اصول به مدت شش سال از فلسفه و کلام نیز بهرمنند شدم. علاوه بر دروس متداول حوزوی از اساتید اخلاق گوناگون به ویژه عارف وارسته حضرت آیت الله بهاء الدین - قدس سره - سالیانی چند بهرمنند شدم همزمان با تحصیل توفیق تدریس دروس حوزوی به طور پیوسته نصیب اینجانب گردید که این توفیق به مدت سی سال است ادامه دارد.

در حال حاضر در حوزه علمیه قم مشغول به تدریس فقه در سطوح عالی هستم و نیز از اساتید تفسیر در مرکز تخصصی تفسیر می باشم. حاصل تدریس سالیان دراز وجود شاگرد فاضل در مراکز مختلف حوزه علمیه قم و غیر آن می باشد. علاوه بر تدریس در حوزه توفیق تدریس فقه در دانشکده شهید محلاتی به مدت هشت سال را داشته ام. بعد از گرفتن توشه سهل از علوم رائج حوزوی علاقه به قرآن موجب شد که به تفسیر قرآن رو بیاورم. از این رو در کنار تدریس فقه به فعالیت‌های قرآنی اعم از مطالعه کتب تفسیری و تدریس و تألیف آن روی آوردم که حاصل آن کتابهای تفسیر و غیر آن است.

سید مجاهد، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد بن العلامة الفقيه السيد علی صاحب (ریاض) معروف به سید مجاهد طباطبائی. محدث قمی در فوائد الرضویه گوید. السيد الاجل الاعظم الاكرم الافخم البحر الزاخر والسحاب الماطر الفایق علی الاوائل و الاواخر صاحب التحقیقات الرشیقه و التألیفات الانیقه كالمفاتیح و المناهل و غیرهما ولادت و وفات این بزرگوار در کربلا واقع شده و بعد از مرحوم والدش ریاست روحانیت شیعه در کربلا و اکثر بلاد با او بوده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

سید موسوی، سید ابراهیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید ابراهیم سید موسوی

محل تولد: قزوین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۷/۲

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۴۵ تحصیلات دوره ابتدائی ام شروع شد و تا سال ۱۳۵۷ دیپلم دبیرستان را گرفتم، در این مدت با برخی گروههای مذهبی همکاری داشتم که گاهی به مطالعه و تلخیص کتابهای دینی یا بررسی برخی آیات و ارائه در جمع و گروه مربوطه می انجامید. از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۰ به کشور کانادا جهت تحصیل در رشته فیزیک رفتم. در آنجا با عضویت در انجمن اسلامی آمریکا و کانادا به فعالیت های جنبی تبلیغی و گاهی علمی می پرداختم، مثل بررسی تفاسیر قرآن، تحقیق موضوعی در زمینه های مختلف و ارائه به انجمن یا در میان دانشجویان ایرانی و عرب که هر هفته در مسجدی جمع می شدند. از آنجایی که برگزاری تظاهرات در آن کشور به نفع انقلاب و حمایت از مظلومیت ایران در جنگ علیه عراق و گاهی هم برگزاری جلسات سخنرانی در

دانشگاهها که در برخی موارد به درگیری با نیروهای ضد انقلاب منجر می شد، پرونده مطلوبی در ادامه مهاجرت به کانادا نداشتم و این دلیل باعث شد ادامه حضور را در آن کشور لغو کنند. در سال ۱۳۶۱ به ایران برگشتم و مستقیم به تحصیلات حوزوی در قم پرداختم. البته چند ماهی به مدرسه عالی شهید مطهری در تهران رفتم ولی دوباره به قم برگشتم و از آن زمان تا به حال در قم هستم. در کنار دروس حوزوی، البته پس از دروس لمعه و همراه با درس رسائل و مکاسب دوباره در دانشگاه از طریق کنکور شرکت کردم و در دانشگاه تهران به درس فلسفه پرداختم. در قم نیز هم در درس تخصصی کلام و هم در رشته دین شناسی (موسسه امام ره) شرکت کردم.

سید هاشمی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد سید هاشمی

محل تولد: کاظمین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد میر هاشمی از سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه مشهد مقدس شدم، همزمان نیز شبانه تحصیلات را در مقطع دبیرستان در رشته فرهنگ و ادب به اتمام رساندم. (۶۶ - ۱۳۶۵) در سال ۱۳۷۰ در دانشگاه علوم اسلامی رضوی در مقطع کارشناسی (رشته فلسفه و کلام اسلامی) شرکت نموده و در تابستان سال ۱۳۷۵ فارغ التحصیل شدم. در سال ۱۳۷۶ بعد از ارائه یکسال امتحان درس خارج فقه و اصول در مشهد رهسپار حوزه علمیه قم شدم. در سال ۱۳۷۸ و نیز سال ۱۳۸۰ در مقطع کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی در برخی دانشگاهها مانند باقر العلوم (ع) تربیت مدرس قم شرکت نموده و لکن علی رغم قبولی در مراحل بعدی شرکت نکردم. از سال ۱۳۸۰ به بعد تاکنون به عنوان مدرس دروس معارف اسلامی در برخی دانشگاههای آزاد و جامع علمی کاربردی تدریس داشته‌ام. از سال ۱۳۸۳ به بعد در عرصه تحقیق و پژوهش فی الجمله فعالیتی داشته‌ام برخی از آثار حقیر (که البته به مرحله چاپ نرسیده است) به شرح ذیل می باشد: الف) اخلاق اسلامی ب) مجموعه مقالات اصول کاربردی آیین زندگی ج) معادشناسی د) اعتقاد به منجی عدالت گستر و آثار آن ه) مطلق گرایی در اخلاق. در سال ۱۳۸۴ با اخذ موضوع پایان نامه از شورای مدیریت حوزه علمیه قم رساله خود را با عنوان مطلق گرایی در اخلاق تحت راهنمایی استاد راهنما جناب آقای دکتر عباسی به اتمام رسانده و اکنون رساله سطح ۳ حوزه بنده در نوبت دفاع قرار دارد. از حدود سالهای ۱۳۸۲ به بعد به عنوان مشاور در برخی واحدهای دانشگاهی در حوزه‌های مختلف مذهبی، اعتقادی، خانوادگی، مشاوره و رسماً در برخی جلسات جلسه پرسش و پاسخ دانشجویی فعالیت داشته‌ام. در تمام این مدت تاکنون در دروس خارج فقه و اصول (حضرت آیت الله وحید خراسانی، حضرت آیت الله مکارم شیرازی شرکت داشته‌ام). در سال تحصیل جاری (نیمسال دوم ۸۶ - ۸۵) در جامعه الزهراء قم تدریس برخی دروس را نیز به عهده دارم. از زمان تدریس در دانشگاهها (باعنوان رتبه اول استادیاری) مشاوره برخی دانشجویان را در تحقیقات آنها (استاد

مشاور) برعهده داشته‌ام.

سیدالحکمای تبریزی، شرف‌الدین، علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۶ - ۱۲۰۲ ق)، فقیه، طبیب، فیلسوف، مورخ و ریاضیدان. در تبریز متولد شد و پس از تحصیلات ادبی در زادگاهش، رهسپار نجف اشرف شد و در آنجا علوم منقول را نزد صاحب «جواهر» و صاحب «ضوابط» و شیخ مرتضی انصاری فراگرفت و به کسب اجازه اجتهاد نایل شد. پس از بازگشت به زادگاهش به دلایلی از تدریس و ترویج علوم دینی روی برتافت و به اصفهان رفت و در آنجا مدت پانزده سال به فراگیری طب نزد میرزا حسن شروانی پرداخت، علوم معقول را نیز نزد ملا علی نوری و حاج ملاهادی سبزواری در سبزواری فراگرفت. پس از آن به تبریز بازگشت و به امر طبابت مشغول بود تا دارفانی را در همان جا وداع گفت. پیکر وی را به نجف اشرف منتقل کردند و در وادی السلام دفن نمودند. از آثار وی: «تاریخ تبریز»؛ «تعیین قبله»؛ حاشیه «جواهر الکلام»، در فقه؛ حاشیه «شرح منظومه» سبزواری، حاشیه «کلیات قانون» شیخ الرئیس؛ حاشیه «مکاسب شیخ انصاری»؛ شرح «طب الائمة»؛ شرح در «طب النبی»؛ «قانون العلاج»؛ حاشیه «شرح نفیسی»، در طب؛ «طلسمات و مثلثات و مربعات»؛ «کیفیت پر کردن صد اندر صد عددی»؛ شرح «تشریح الافلاک» شیخ بهایی؛ «رساله‌ی تعلیم خط کوفی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان آذربایجان (۱۰)، الذریعه (۲۳/ ۱۷، ۴۵/۱۲، ۱۹/۸، ۶۳/۵، ۷۳/۴)، ریحانه (۱۱۷- ۱۱۵- ۳/ ۱۱۷)، لغت نامه (ذیل / علی)، معجم المؤلفین (۲۰۳/۷)، مکارم الآثار (۱۳۴- ۱۳۳/ ۱).

سیدحسین زاده اردبیلی، منصور

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی عمومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

سیدحسینی، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا سیدحسینی در سال ۱۳۰۵ در اردبیل زاده شد. وی علوم ارتباطات دور را در مدرسه پست و تلگراف و تهران آموخت و در مدرسه عالی ارتباطات دور فرانسه و نیز در دانشگاه U.S.C آمریکا مدتی تحصیل کرد و به تدریس در آموزشکده تئاتر پرداخت.

وی هم اکنون عضو هیئت علمی دایره‌المعارف اسلامی است و نیز در مرکز آموزش تئاتر وزارت ارشاد اسلامی نقد ادبی تدریس می‌کند. کتاب "ضد خاطرات" ترجمه وی، در دوره سوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه: علوم انسانی‌رشته: زبان و ادبیات فارسی‌گرایش: ترجمه ادیبوالدین و انساب: رضا سیدحسینی از سادات شهرستان اردبیل می‌باشد. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: رضا سیدحسینی دوره دبیرستان را در زادگاهش و تحصیلات تخصصی در رشته مخابرات را در آموزشگاه عالی پست و تلگراف تهران فراگرفت. سپس به فرانسه رفت و در مدرسه عالی ارتباطات دور و سپس در دانشگاه U.S.C آمریکا به تحصیل فیلم سازی مشغول شد. وی پس از بازگشت به میهن زبانهای فرانسه و فارسی را به طور عمیق تر نزد عبدالله توکل، پژمان بختیاری و ناتل خانلری فرا گرفت. خاطرات و وقایع تحصیل: سفرها و اقامت رضا سیدحسینی در فرانسه و آمریکا از وقایع مهم زندگی علمی وی بوده است. فعالیتهای ضمن تحصیل: رضا سیدحسینی در کنار مطالعه رشته فیلم سازی، به طور جدی به مطالعه آثار ادبی ملل گوناگون می‌پرداخت و ترجمه های فراوان و ارزشمندی از آنها به عمل آورد که وی را در این زمینه مشهور کرد. وی کار ترجمه را از شانزده سالگی آغاز کرده است. از زبانهای فرانسه و ترکی استانبولی و انگلیسی ترجمه می‌کند. در سال ۱۳۳۴ کتاب «مکتبهای ادبی» را تألیف کرده است که اغلب در رشته های ادبی دانشگاهها تدریس می‌شود. عبدالله توکل را (که به اتفاق او چند کتاب از آثار اشتفان تسوایک و بالزاک و آندره ژید را ترجمه کرده) و نیز مرحوم پژمان بختیاری را اولین معلم های خودش در کار ترجمه می‌داند، اما رشد ادبی خود را مدیون دکتر پرویز خانلری است که سالیان دراز در مجله سخن (به عنوان دستیار و سر دبیر) در واقع شاگرد مکتب او بوده است. استادان و مربیان: رضا سیدحسینی زبان فرانسه و فارسی را نزد استادانی همچون عبدالله توکل، پژمان بختیاری و دکتر پرویز ناتل خانلری به طور عمیق تری فرا گرفته بود. وقایع میانسالی: رضا سیدحسینی پس از بازگشت از آمریکا و فرانسه به میهن مدتی به تدریس در آموزشگاه تئاتر پرداخت. وی سالهای متمادی سردبیر مجله سخن و فعال در اداره مخابرات و رادیو و تلویزیون بو. و در کنار آن به طور جدی به ترجمه آثار ادبی ملل گوناگون به زبان فارسی مشغول بوده است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: برخی از مشاغل رضا سیدحسینی عبارتند از: - عضو هیأت علمی دایره‌المعارف اسلامی - مدرس مبانی نقد فلسفه هنر و ادبیات در آموزشگاه تئاتر - سردبیر مجله سخن - فعالیت در اداره مخابرات و رادیو و تلویزیون - مترجم ادبیات ملل به زبان فارسی فعالیتهای آموزشی: رضا سیدحسینی پس از فراغت از تحصیل و بازگشت از آمریکا مدتی در آموزشگاه تئاتر به تدریس مبانی نقد فلسفه هنر و ادبیات می‌پرداخت. ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی دایره‌المعارف اسلامی است و نیز در مرکز آموزش تئاتر وزارت ارشاد اسلامی نقد ادبی تدریس می‌کند. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: مطالعه و ترجمه آثار ادبی مشهور ملل گوناگون به ویژه ملتهای فرانسوی زبان از امور مورد علاقه رضا سیدحسینی بوده و هست. همفکران فرد: رضا سیدحسینی در زمینه ترجمه آثار ادبی ملل در کنار بزرگانی چون نجف دریا بندری و احمد آرام قرار می‌گیرد. آرا و گرایشهای خاص: رضا سیدحسینی از جمله مترجمینی است که عمدتاً به ترجمه آثار ادبی ملل گوناگون علاقمند است. جوایز و نشانها: رضا سیدحسینی در سال ۱۳۸۰ در نخستین همایش چهره های ماندگار به عنوان چهره ماندگار در عرصه ترجمه برگزیده و معرفی شد. همچنین کتاب "ضد خاطرات" ترجمه وی، در دوره سوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. ایشان سر ویراستار کتاب "فرهنگ آثار (معرفی آثار مکتوب ملل جهان از آغاز تا امروز)" بوده اند که کتاب فوق در دوره بیست و یکم کتاب سال انتخاب شده است.

آثار: آن سوی کوهستان و، گرما را بکشند ویژگی اثر: ترجمه، از یاشار کمال (به اتفاق جلال خسروشاهی) ۲ آنسوی کوهستان
 ۳ امید و ویژگی اثر: ترجمه، از آندره مالرو ۵ بهانه ها و بهانه های تازه ۶ تاریخ رمان مدرن ۷ تونیو کروگر ویژگی اثر:

ترجمه، اثر توماس مان ۸ جلد تنباکو و غوغای ژوئیه ویژگی اثر: ترجمه، از ارسکین کالدول ۹ چشم انداز ادبیات جهان ۱۰ دایره المعارف فرهنگ آثار ویژگی اثر: استاد رضا سید حسینی سرپرستی دایره المعارف فرهنگ آثار را برعهده دارد. ۱۱ در تنگ ویژگی اثر: ترجمه، اثر آندره ژید (به اتفاق عبدالله توکل) ۱۲ در تنگ ۱۳ در دفاع از روشنفکران ۱۴ ضد خاطرات ویژگی اثر: ترجمه، خاطرات از آندره مالرو (به اتفاق ابو الحسن نجفی)، این کتاب در دوره سوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب ضد خاطرات: در تاریخ ادبیات جهان هیچ نویسنده دیگری را نمی توان نشان داد که مانند آندره مالرو که زندگیش با این همه حوادث بزرگ و این همه آثار بزرگ آمیخته باشد... زمانی آندره ژید در باره او گفته بود: «هر بار که مالرو دهان باز می کند نبوغ سخن می گوید». مالرو ضد خاطرات را در سالهای آخر عمرش نوشته است و این کتاب در واقع حاصل عمر پر بار او است و بر پایه خاطراتی که از مراحل مختلف زندگی خود دارد، از قبیل اسارت در زندانهای آلمانی، و ملاقات با بازرگانی از قبیل نهره، مائو و دیگران نوشته است. اما کتاب فقط خاطرات نیست و خود او درباره آن چنین می گوید: «من از کتابم شرح حال را به عمد کنار گذاشته ام. این کتاب متکی بر کارهای روزانه یا یادداشتهای متفرق دیگر نیست، بلکه بر اساس عناصر مشخصی از تجربه ام کوشیده ام تا شخص را، یا پاره هایی از تاریخ را، باز یابم. رویداد و شخص را به گونه ای وصف کرده ام که گویی به خودم مربوط نیست.» ۱۵ طاعون ویژگی اثر: ترجمه، از آلبر کامو ۱۶ فرهنگ آثار (معرفی آثار مکتوب ملل جهان از آغاز تا امروز) ویژگی اثر: سرویراستار، این کتاب، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: فرهنگ آثار (معرفی آثار مکتوب ملل جهان از آغاز تا امروز) / ترجمه و تألیف [تحت نظر هیأت علمی: اسماعیل سعادت، احمد سمیعی (گیلانی)، رضا سید حسینی، ابو الحسن نجفی، به سرپرستی رضا سید حسینی. - تهران: انتشارات سروش، ۶ ج] ۴ ج تاکنون]، ج ۴، ۱۳۸۱. این اثر شش جلدی ثمره همکاری پژوهشگران ایتالیایی و فرانسوی است. بانی آن والتینو بومیانی بوده و انتشار چاپ نخست آن از ۱۹۵۳ آغاز شده است. مقالات این فرهنگ عرصه‌ای وسیع را در بر می گیرند: رمان، شعر، نمایشنامه، خاطرات، مجموعه نامه‌ها، دانشنامه، انواع علوم و فنون، ادب و فلسفه، حقوق، علوم تجربی، علوم انسانی، تاریخ و هنر و آثار مذهبی، از متون باستانی مصر و چین گرفته تا شاهکارهای روزگار ما. اعضای هیأت علمی همه مدخل‌های این فرهنگ را مطالعه و آن‌ها را به سه درجه تقسیم کردند که از آن میان مقالات کم ارزش و بی اهمیت (مقالات درجه سه) حذف شد و نیز مقالات مربوط به آثار موسیقی کنار گذاشته شد و به جای آن‌ها مقالات مهم دیگری از فرهنگ ادبی آلمانی معروف کیندلرز درباره آثار شاعران و نویسندگان ملل جهان سوم انتخاب و ترجمه شد. مهمترین آثار ایرانی و اسلامی نیز در مقالاتی تألیفی معرفی و به صورت الفبایی در داخل فرهنگ قرار گرفت. و بدین ترتیب معرفی و تحلیل و نقد قریب بیست هزار جلد کتاب‌های متعدد فرهنگ‌های گوناگون و ملل مختلف صورت پذیرفت. این فرهنگ عصاره و زبده همه کتاب‌ها و همه آثار ذوقی و علمی بشر را در بر دارد و ضرورتش برای انسان امروز نه تنها به حکم گسترش دامنه آن در زمان است بلکه به سبب شمول قلمرو آن در مکان نیز هست. هدف این کار بزرگ مطلقاً آن نبوده است که خواننده را از خواندن اصل آثار معاف کند، بلکه برعکس، هدف اساسی این بوده است که ابزاری برای کشف نگرش اجمالی و انتخاب این آثار به دست خواننده دهد و بدین گونه او را به مراجعه مستقیم به خود آثار برانگیزد

۱۷ مکتب های ادبی

سیدعلوی، میرابراهیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میر ابراهیم سیدعلوی

محل تولد: تبریز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۸/۱/۱

زندگینامه علمی

این جانب میر ابراهیم سید علوی فرزند مرحوم حاج میر سلیمان بن سید جعفر بن سید حسین ابن سید محمد موسوی در سال ۱۳۱۸ ه.ش برابر با یکم شوال ۱۳۵۸ ه.ق در روز عید فطر در شهر تبریز در محله ویجویه (ورجی) متولد شده ام. پس از گذراندن دوران تحصیلات ابتدایی در مدرسه دیانتی محمدیه که با اذن مرحوم آیت الله العظمی سید محمد حجت کوه کمره ای بانی و موسس مدرسه حجتیه قم تاسیس یافته بود در همان سنین نوجوانی به فراگیری علوم اسلامی و دانش های دینی علاقه نشان دادم و روزها در مدرسه طالبیه (جمعه مسجد) به یادگیری صرف و نحو عربی پرداختم و جامع المقدمات، سیوطی، جامی و دیگر کتب ادبی را آموختم. آنگاه برای ادامه تحصیلات عازم حوزه علمیه قم شدم. اول در مدرسه فیضیه و سپس در مدرسه حجتیه، منزل کردم. و دروس سطح را (شرح لمعه، منطق، معالم، رسایل، مکاسب، کفایه الاصول و غیره) را نزد اساتید وقت، حضرات: حاج میرزا یدالله دوزدوستانی، جعفر سبحانی، ناصر مکارم، میرزا حسین نوری، میرزا علی مشکینی، سید محمد باقر سلطانی (طباطبایی) حدودا در سال های ۱۳۳۳ ش الی ۱۳۴۰ ش سال وفات آیت الله بروجردی خواندم. و ضمنا دروس فلسفه و کلام و تفسیر و نهج البلاغه را همزمان نزد علامه طباطبایی و دیگر اساتید وقت می خواندم از قبیل حاج سید حسین قاضی تبریزی و حاج آقا مصطفی خمینی و دکتر مفتاح و غیرهم. و تقریبا پس از پایان سطوح، ده سال و اندی در درس خارج فقه و اصول مراجع و آیات وقت رضوان الله علیهم، و اندک زمانی در درس های امام خمینی قدس سره حضور یافتم و زمانی کوتاه هم به نجف اشرف مشرف شدم لیکن پس از چند ماه مراجعت کردم و در قم به ادامه تحصیل پرداختم. در سال ۱۳۵۰ ش بعد از آن که از دانشکده الهیات (دانشکده معقول و منقول) به تشویق مرحوم دکتر مفتاح دیپلم مدرسی در رشته معقول کسب کرده بودم با دیپلم ادبی و شرکت در کنکور سراسری وارد دانشگاه تهران شدم و در رشته جامعه شناسی، لیسانس گرفتم. و از زمان های جوانی در جلسات نویسندگی آیت الله مکارم شیرازی (شب های جمعه) و جلسات اسلام شناسی دکتر مفتاح در رشته نویسندگی وارد شدم و از همان وقت کتاب هایی تالیف، ترجمه و تحقیق کردم که برخی به چاپ رسیده است و نیز به مناسب های علمی مقالاتی می نویسم که نزدیک یکصد مقاله به طبع آراسته شده است.

سیدفرشی، جلال الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۱، مرتبه علمی: استاد، رشته: جراحی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۵، تخصص جراحی عمومی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۸، فوق تخصص تروماتولوژی از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۴۳.

مرتب علمی:

استادیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۴۶، دانشیار تهران از سال ۱۳۴۷ تا سال ۱۳۶۲، استاد دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۳ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

کیست هیداتیک، خون‌ریزیهای شدید گوارشی، تروماتیس‌های طحال، خونریزیهای شدید قسمت فوقانی گوارشی، تومور خوش خیم معده، انسدادای روده باریک، تدریس دروس جراحی عمومی در دانشگاه تهران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

سیولوژی جراحی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: متعدد، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

جراحی عمومی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

سیدی ساروی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین سیدی ساروی

محل تولد: ساری

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۲/۱

زندگینامه علمی

در یکی از روزهای سبز ادیبهشت ۱۳۴۳ در ساری شهری که همسایه دریا و کشتزاران است و عطر شالیزار در آن می‌وزد چشم به جهان گشودم. اولین کاری که در عمرم کردم این بود که با آمدنم پدر و مادرم را به گریه انداختم و بعد فامیل‌های دیگر را (باغی که نکوست از بهارش پیداست) تا یازده سالگی در کوچه‌های آکنده از عطر درختان نارنج به دنبال سنجاقک و پروانه می‌دویدم. رگهای برگها را می‌شمردم و لطافت پرهای سار و سبز قبا را با نگاهم لمس می‌کردم. با اینکه آن روزها هم شهر نشین بودم اما

گوشم با شیبه اسب و زنگوله گوسفندان آشتی داشت. در سال ۱۳۵۳ برای فرو نشاندن تشنگی روح به حوزه علمیه قم وارد شدم. تا سال ۱۳۵۹ بر گهای دفتر عمرم خالی از رنگ شعر و ادب و هنر است. از همان سال حرفهایی از چشمه روحم جوشیدند و در جویبار شعر جاری شدند. در یک برخورد از نوع معمولی با استاد "صادق موسوی گرمارودی" آشنا شدم و ایشان به پاکسازی و پالایش این چشمه پرداخت. در مدت یکی - دو سال هر بار که خار جفا در پای دل می رفت و یا پرنده شادی بر شاخسار احساس می خواند چشمه می جوشید و چند نفری هم از شنوندگان رادیو "ساری" و خوانندگان مجلات آن روزها از آن نوشیدند. از سال ۱۳۶۲ باز به تشویق همان استاد به ترجمه روی آوردم که تا امروز ۴۰ تایشان در قفسه های کتابفروشی ها و کتابخانه ها نشسته اند. این شعله هر چند وقت یکبار از زیر خاکستر پراکنده کاریها سر بر می کشد و تا فاصله ای را روشن و درون عده ای - و بیشتر بچه ها - را گرم می کند. سال ۱۳۶۳ بود که پس از مدتی کلنجار رفتن با روحم او را به دوربین فروشی بردم و از پشت "ویزور" دوربین دنیا را نشانش دادم. آن قدر خوشش آمد که از آنروز تا الآن همیشه از آنجا به عالم و آدم نگاه می کند. تا حالا هم بیش از ۱۲ جایزه عکاسی به من هدیه کرده است. معطل کارهای دیگری هم شده ام که هرگز این پراکنده کاریها را به کسی توصیه نمی کنم.

سیدی نیا، اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید اکبر سیدی نیا

محل تولد: سلماس

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۳/۶/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۵۳ در شهرستان سلماس در خانواده مذهبی متولد شدم و تا تحصیلات دوره متوسطه در رشته ریاضی فیزیک در این شهرستان مشغول به تحصیل بودم. در مهر سال ۱۳۷۰ به منظور کسب معارف عالی اسلامی وارد حوزه علمیه تبریز مدرسه ولیعصر (عج) شده و تا سال ۱۳۷۴ با پایان سطح یک حوزه علمیه وارد حوزه علمیه قم شدم. در سال ۱۳۷۸ مدرک سطح دو حوزه علمیه را دریافت کردم. سال ۱۳۷۷ در مرکز تربیت محقق و نویسنده دفتر تبلیغات اسلامی، دوره کارشناسی ارشد علوم قرآن و تفسیر را گذرانده و سال ۱۳۷۸ در رشته جامعه شناسی وارد دانشگاه باقرالعلوم (ع) شدم. از سال ۱۳۸۳ نیز عهده دار وظیفه دبیر تحریریه و مدیر اجرایی مجله علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی شده و در کنار تحصیلات به تألیف مقالات و پژوهشها در زمینه جامعه شناسی، انسان شناسی، علوم قرآن و تفسیر و کلام شدم و مقالاتی از اینجانب در مجلات علمی پژوهشی، همایشها و مجلات تخصصی به چاپ رسیده است. همچنین از سال ۱۳۷۷ در دروس خارج حوزه علمیه شرکت داشته و از محضر حضرات آیات عظام جوادی آملی (دام عزه)، مرحوم صالحی مازندرانی (ره)، فاضل گلپایگانی و عابدی اصفهانی فیض برده ام. در کنار دروس خارج از درس پر برکت تفسیر علامه آیت الله جوادی آملی (دام عزه) بهره بردم

سیدی، فخرالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت‌الله آقای حاج سید فخرالدین بن آیت‌الله سید ابوالقاسم القسیمی سبط آیت‌الله العظمی میرزا ابوالقاسم صاحب قوانین از معمرین و بزرگان علماء قم و مجتهدین حوزه علمیه قم و تلامذه آیت‌الله میرزا حبیب‌الله رشتی بوده‌اند. بسیار محترم و مجلل و معظم بود. در تشیید حوزه علمیه خدماتی نموده و اوست همان شخصیتی که مراجع و زعماء حوزه وی را مقدم داشتند که بر جنازه آیت‌الله حایری نماز بخوانند در سال ۱۳۶۳ قمری در سنین صد سالگی تقریباً از دنیا رفته و در بقعه‌ی مرحوم حایری مدفون گردید. بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

سیدین، مجتبی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد ۱۳۲۴، مرتبه علمی: استاد، رشته: پرودنتولوژی، دانشکده: دندان پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی. خلاصه شرح حال تخصصی سوابق تحصیلی:

دکترای دندان پزشکی علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۱۳۵۰، گذراندن دوره تخصصی پرودنتیکس با درجه MDS از دانشگاه تیزبورگ آمریکا در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

استادیار بخش پرودنتیکس دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۱۳۵۶، ارتقاء به درجه دانشیاری در سال ۱۳۶۴ و استادی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۱۳۷۰.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح فلورایدزنی و فلورایدزدائی در کل کشور، استاد راهنمای ۱۳ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

تخصص دندان پزشکی و پرودنتولوژی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۹، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

دندان پزشکی در ارتباط با جراحی‌های پرئودنتیال، میکروبیولوژی، بهداشت دهان و دندان و ناراحتیهای مفصل گیجگاهی فکی. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

سیدیونسی، ودود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نسخه شناس، محقق.

درگذشت: ۱۸ دی ۱۳۵۹.

میروود سیدیونسی رییس کتابخانه‌ی ملی تبریز بود. از جمله فعالیت‌های او تصحیح کتاب روضه‌الکتاب و حدیقه‌الکتاب تألیف ابوبکر بن الزکی المتطبب القونیوی الملق بالصدر است که به اهتمام وی در سال ۱۳۴۹ در تبریز نشر شده است. مقاله‌هایی به قلم وی در نشریه‌های «کتابخانه‌ی ملی تبریز» و «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز» به چاپ رسیده است. از آثار اوست: فهرست کتابخانه‌ی ملی تبریز: کتب خطی اهدایی مرحوم حاج محمد نخجوانی (سه جلد، تبریز، ۱۳۶۲، ۱۳۵۳، ۱۳۴۸). انتشار دو دیوان صائب (یکی در سال ۱۳۵۶ و یکی در سال ۱۳۵۷) و گنجینه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی (۱۳۴۷) از جمله فعالیت‌های دیگر سید یونسی بود.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

سیرافی، ابوسعید حسن

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۶۸ق)، ادیب، نحوی حنفی. معروف به قاضی سیرافی. اصل وی از سیراف فارس بود. پدرش مجوسی بود و بعد اسلام آورد. ابوسعید در عمان فقه آموخت. و در بغداد علوم قرآنی و نحو را تدریس می‌کرد قرآن را نزد ابوبکر مجاهد و لغت را نزد ابن‌درید و نحو را پیش ابن‌سراج فراگرفت. سید رضی نحو را نزد او آموخت. مدتی قاضی بغداد بود و از راه کسب امرار معاش می‌کرد. در بغداد درگذشت و در مقبره خیزران دفن شد در برخی منابع آثار وی را به فرزندش نسبت داده‌اند. از آثار وی: «الاقناع»، در نحو؛ «اخباره النحویین البصیرین»؛ «صنعه الشعر»؛ «البلاغه»؛ «شرح کتاب سیویه»؛ «شرح مقصوره ابن‌درید».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۱۱- ۲۱۰/ ۲)، تاریخ الاسلام (حوادث ۳۹۵- ۳۹۴/ ۳۸۰- ۳۵۱)، تاریخ بغداد (۳۴۲- ۳۴۱/ ۷)، دانشنامه ایران و اسلام (۸۳۷- ۸۳۶/ ۶)، روضات الجنات (۷۰- ۶۶/ ۳)، ریحانه (۱۴۳/۳)، سیر النبلاء (۲۴۸- ۲۴۷/ ۱۶)، الفهرست لابن ندیم (۹۳)، کشف الظنون (۱۹۸۰، ۱۸۰۸، ۱۴۷۰، ۱۴۲۷، ۱۱۰۷، ۱۵۰، ۱۴۰)، الکنی و الالقاب (۳۴۰- ۳۳۹/ ۲)، لسان المیزان (۴۰۸- ۴۰۷/ ۲)، لغت نامه (ذیل / حسن)، معجم الادبا (۲۳۲- ۱۴۵/ ۸)، معجم البلدان (۳۳۵/۳)، معجم المؤلفین (۲۴۲/۳)، الوافی بالوفیات

(۷۴/۱۲)، وفیات الاعیان (۷۹- ۷۸/۲)، هدیه العارفین (۲۷۱/۱).

سیرافی، ابومحمد یوسف

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۸۵- ۳۳۰ ق)، نحوی، لغوی ادیب و اخباری. اصل وی از سیراف بود و در بغداد متولد شد و نزد پدرش کسب علم کرد و خود نیز درس می‌داد و به تکمیل کتابهای پدر پرداخت. از آثارش: «شرح ابیات سیبویه»؛ تکمله کتاب «الاقناع»؛ شرح ابیات «الغریب المصنف» ابی عبید؛ شرح ابیات «المجاز»، ابی عبید؛ شرح ابیات «اصلاح المنطق»، ابن السکیت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۹۸/۹)، روضات الجنات (۷۰/۳)، ریحانه (۵۷۹/۷)، سیر النبلاء (۲۴۸- ۲۴۷/۱۶)، کشف الظنون (۱۲۰۹)، (۱۰۸)، الکنی و الالقب (۳۴۰/۲)، لغت نامه (ذیل / یوسف)، معجم الادبا (۶۰/۲۰)، معجم المؤلفین (۲۹۱/۱۳)، وفیات الاعیان (۷۴- ۷۲/۷)، هدیه العارفین (۵۴۹/۲).

سیستانی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت الله العظمی سید علی سیستانی: معظم له در روز ۹ ربیع الاول سال ۱۳۴۹ هـ. ق در شهر مقدس مشهد متولد گردید و پدرش به میمنت نام جدش او را (علی) نام نهاد.

نام پدر گرامیشان مرحوم سید محمد باقر و نام جد ایشان که از بزرگان علم و زهد بوده سید علی میباشد. زندگینامه ایشان را مرحوم شیخ آقا بزرگ طهرانی در کتاب (طبقات أعلام الشیعه قسمت چهارم ص ۱۴۳۲) ذکر نموده است. گفته شده در نجف از شاگردان مولا علی نهانندی و در سامرا از شاگردان مجدد شیرازی و از شاگردان خاص مرحوم سید اسماعیل صدر گردید و در سال ۱۳۰۸ هـ. ق به شهر مقدس مشهد بازگردید و در آنجا مستقر گشت، و از مهمترین شاگردانش، فقید بزرگوار شیخ محمد رضا آل یاسین (قدس سره) میباشد.

خاندان معظم له از سادات حسینی میباشند که در عهد صفوی در اصفهان میزیستند و از طرف سلطان حسین صفوی، جد اعلی ایشان سید محمد را به منصب شیخ الاسلامی در سیستان منصوب نمود و ایشان به آنجا منتقل شده و با خانواده شان در آنجا سکنی گزیدند.

از نوادگان ایشان سید علی جد معظم له، اولین شخصی بود که به شهر مقدس مشهد مهاجرت نمود و در مدرسه مرحوم ملا محمد باقر سبزواری مستقر گردید و از آنجا برای تکمیل درس خود به نجف اشرف مهاجرت نمود.

حضرت آیت الله العظمی سیستانی (دام ظلّه) در پنج سالگی به تعلیم قرآن کریم پرداخت، سپس وارد مدرسه دارالتعلیم دینی به منظور آموزش علوم دینی شد که در این مدت نیز خوشنویسی را از استاد فن آموخت.

در سال ۱۳۶۰ هـ. ق به امر پدر بزرگوارشان شروع به آموختن مقدمات علوم حوزوی نمود که مجموعه ای از دروس ادبی همچون

(شرح الفیه ابن مالک، مغنی ابن هشام، مطول تفتازانی، مقامات حریری و شرح نظام) را نزد مرحوم ادیب نیشابوری و بعضی دیگر از اساتید پرداخت. همچنین (شرح لمعه و قوانین) را نزد مرحوم سید احمد یزدی فرا گرفت و قسمتی از دروس سطوح مثل (مکاسب، رسائل و کفایه) را نزد عالم جلیل شیخ هاشم قزوینی خواند.

تعدادی از کتب فلسفی همچون (شرح منظومه سبزواری، شرح الاشراف و اسفار) را نزد مرحوم آسیی خوانده و (شوارق الالهام) را نزد مرحوم شیخ مجتبی قزوینی آموخت و از محضر علامه محقق میرزا مهدی اصفهانی و همچنین از محضر میرزا مهدی آشتیانی و میرزا هاشم قزوینی بهره‌های فراوان برده است.

پس از فراگیری (علوم ابتدائی، مقدمات و سطح) نزد برخی از اساتید و مدرّسان به فراگیری (علوم عقلیه و معارف الهیه) پرداخت. سپس در سال ۱۳۶۸ هـ. ق به شهر مقدس قم مهاجرت نموده و از محضر مرجع بزرگ آیت الله بروجردی (قدس سره) در درس فقه و اصول شرکت نمود و از دانش و معرفت فقهی او بویژه در علم رجال و حدیث استفاده بسیاری نمود. وی همچنین در دروس فقیه و عالم فاضل سید حجت کوه کمره ای (قدس سره) و تعدادی از علمای معروف آن دوره شرکت جست.

معظم له در مدت اقامت خود در قم مکاتباتی که با مرحوم سید علی بهبهانی (یکی از علمای برجسته اهواز و از تابعین مدرسه محقق شیخ هادی طهرانی) درباره بعضی از مسائل (قبله) داشته است، به طوری که در این مسائل مناقشات مفصلی حول آراء مرحوم محقق طهرانی داشته و مرحوم بهبهانی از آراء استاد خود دفاع می نمود، پس از مدتی مکاتبه، مرحوم بهبهانی نامه تشکری برای معظم له فرستاده و از ایشان تمجید و تقدیر کاملی نمود، و قرار بر آن شد که ادامه بحث در موقع تشرف ایشان به مشهد انجام گیرد. در سال ۱۳۷۱ هـ. ق معظم له از قم به نجف اشرف مهاجرت نمود، و در روز اربعین حسینی (علیه السلام) وارد کربلا گردید، سپس به نجف سفر نمود. به مدرسه بخارائی وارد شده و مستقر گردیدند، که در محضر اساتید بزرگی همچون آیت الله خوئی و شیخ حسین حلی (قدس سرهما) در فقه و اصول به مدت طولانی حاضر گردید و همچنین در این مدت هم در دروس بزرگانی همچون آیت الله حکیم و آیت الله شاهرودی (قدس سرهما) حاضر گردید.

در سال ۱۳۸۰ هـ. ق معظم له تصمیم رجوع به موطن خود مشهد گرفت و با تصور اینکه در آنجا مستقر خواهد شد، لذا اساتیدشان آیت الله خوئی و شیخ حسین حلی (قدس سرهما) درجه اجتهاد وی را مکتوب نمودند. همچنین محدث بزرگ، آقا بزرگ طهرانی شهادت دیگری در تبحر ایشان به علم رجال و حدیث مکتوب نمود.

معظم له در سال ۱۳۸۱ هـ. ق بار دیگر از وطن خود به نجف بازگشت و با ورودشان شروع به درس (خارج فقه در باب مکاسب شیخ انصاری) و متعاقب آن (شرح عروه در باب طهارت) و بیشتر (کتاب صلاة) را تدریس نمودند، تا در سال ۱۴۱۸ هـ. ق بعد از آنکه (کتاب صوم) را به پایان رسانده بود، شروع به (شرح کتاب اعتکاف) نمود.

در این مدت در موضوعات مختلفی همچون (کتاب قضاء، اباحت ربا، قاعده الالزام و قاعده تقیه) بحثهای فقهی داشته اند. همچنین در این مدت بحثهایی در (علم رجال) که شامل (حجیت مراسیل ابن ابی عمیر، شرح مشیخه التهذیبین و غیره) نیز داشته اند. همچنین معظم له بحثهایی در علم اصول را در شعبان ۱۳۸۴ هـ. ق شروع نموده و دوره سوم تدریس را در شعبان ۱۴۱۱ هـ. ق به پایان رساندند و تمام درسهای ایشان در بحثهای فقه و اصول از سال ۱۳۹۷ هـ. ق تا به حال به صورت کاستهای صوتی موجود میباشد. و در این روزها (۱۴۲۳ هـ) مشغول به تدریس (کتاب زکات از شرح عروه الوثقی) میباشد.

نبوغ علمی

معظم له همواره در بحوث اساتید خود استعداد و هوش فوق العاده ای داشته و برجسته تر از همه همشاگردانش بود. وی در کثرت تحقیق و تتبع در مسائل فقهی و رجال و تداوم فعالیت علمی و آشنائی با بسیاری از نظریه ها در میدانهای علمی گوناگون در حوزه، مهارت استثنائی نشان دادند.

شایان ذکر است که میان معظم له و شهید صدر (قدس سره) در حوزه نبوغ علمی، رقابت شدید بود. لذا می توان از گواهی اجتهاد ایشان که دو تن از اساتید وی یعنی آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خوئی (قدس سره) و علامه حسین حلی (قدس سره) نگاشته اند پی برد.

معروف است که آیت الله خوئی (قدس سره) به هیچ یک از شاگردان خود، به جز حضرت آیت الله العظمی سیستانی (دام ظلّه) و آیت الله شیخ علی فلسفی (یکی از علمای معروف مشهد) گواهی خطی ندادند. و نیز علامه آقا بزرگ تهرانی (قدس سره) برای معظم له در سال ۱۳۸۰ هجری قمری گواهینامه نوشته است و در آن از مهارت و درایت وی در علم رجال و حدیث تمجید نموده است. یعنی هنگامی که ایشان هنوز به سن ۳۱ سالگی نرسیده بودند حائز این مرتبه والا گردیده اند.

تألیفات و دستاوردهای فکری

نزدیک به ۳۴ سال پیش، ایشان تدریس بحث (خارج فقه، اصول و رجال) را شروع نمودند. و نیز بحثهایی پیرامون (مکاسب، طهارت، نماز، خمس) و برخی از قواعد فقهی مانند (تقیه، و الزام) به انجام رساندند. ایشان تدریس اصول را در سه دوره تمام نموده که بعضی از بحثهای این دوره، مثل بحثهای (اصول علمی، تعادل و تراجم) و همچنین بعضی از مباحث فقهی و برخی از (ابواب نماز، قاعده تقیه و الزام) آماده چاپ است.

عده ای از فضلاء معروف که هم اکنون بعضی از ایشان مدرّس بحث خارج می باشند مانند (علامه شیخ مهدی مروارید، علامه سید مرتضی مهری، علامه سید حبیب حسینیان، سید مرتضی اصفهانی، علامه سید احمد مددی، علامه شیخ باقر ایروانی) و تعدادی از اساتید حوزه های علمیه، بحث ایشان را به بررسی گذاشتند. معظم له همزمان با تدریس و بحث، مشغول تألیف و نگاشتن کتابهای مهم و چند رساله شدند. همچنین، ایشان کلیه تقریرات بحثهای اساتید خود را نیز به رشته تألیف در آورده اند.

روش بحث و تدریس

روش حضرت آیت الله العظمی سیستانی (دام ظلّه) از دیگر روشهای اساتید حوزه و ارباب بحث خارج تفاوت دارد. برای مثال: در زمینه بحث (علم اصول) به ویژگیهای زیر اشاره کرد:

الف - ذکر تاریخ بحث و شناخت اصول و پایه های آن:

مانند: سهولت و آسانی (مشتق) و ترکیبات آن باشد، یا عقیدتی - سیاسی، مانند: بحث تعادل و تراجم، که در آن گفته است: (قضیه اختلاف احادیث نتیجه مبارزات و کشمکشهای فکری و عقیدتی آن زمان و نیز شرایط سیاسی زمان امامان علیهم السلام بود. و اندک اطلاعی از تاریخ این بحث ما را به گوشه و کنار آن مسئله و حقیقت افکار و آراء که در این باره مطرح است، می رساند).

ب - پیوند میان فکر حوزوی و فرهنگهای معاصر ضمن بحث از معنی الفاظ:

مؤلف کتاب (الکفایة) عقیده خود درباره معانی الفاظ را بر اساس نظریه فلسفی معاصر، که به نام (نظریه تكثر ادراکی) در فعالیت ذهن بشری و خلاقیت آن است، ساخته است. به این معنی که ذهن ممکن است یک مطلب را با دو شکل مختلف تصور کند: یکی را با استقلال و دقت و وضوح، که به او (اسم) گفته می شود و دیگری با انقباض یا گرفتگی، که آن (حرف) نامیده می شود، و وقتی که وارد بحث (مشتق) می شود، ایشان از زمان، با بینش فلسفی جدید که در غرب رایج است، و اینکه باید زمان را از مکان به لحاظ تعاقب نور و ظلمت جدا کرد، سخن می گوید.

و ضمن بحث درباره (صیغه امر) و بحث از (تجری)، نظریه برخی از علمای جامعه شناسی را مطرح می کنند که بر این عقیده اند که سؤال ناشی از تداخل صفت درخواست کننده باید از حقیقت درخواست او تفکیک شود.

ملاک استحقاق عقوبت و جزا، یاغی شدن عبد بر علیه مولای خود است، و این حالت مبنی بر تقسیمات و طبقه بندی جوامع قدیم بشری است که سروران، غلامان، برتر، بدتر، و... داشته است. در واقع، این نظریه از بقای فرهنگهای دیرین، که با زبان رده

بندی نه زبان قانونی که مبنی بر مصالح انسانی عام است تکلم می کردند.

ج - اهتمام نسبت به اصولی که با فقه ارتباط دارد:

یک طلبه می تواند اغراق و تفصیل علماء را در بحثهای فقهی که هیچ ثمره علمی یا فایده فکری ندارند، ملاحظه کند، مانند بحثهایی که درباره (وضع) می کنند، و اینکه آیا (وضع) یک امر اعتباری یا تکوینی، یا امری است که متعلق به تعهد یا تخصیص است، یا بحثهایی که در بیان موضوع (علم) و برخی از عوارض ذاتی در تعریف موضوع (علم) و مانند آن می کنند. اما آنچه که در دروس حضرت آیت الله العظمی سیستانی (دام ظلّه) مشاهده می شود، کوشش فراوان و بذل نهایت زحمت برای به دست آوردن مبنای علمی محکم و استوار در بحثهای اصولی در رابطه با روشهای استنباط، نظیر مباحث اصول عملی، تعادل و تراجم، و عام و خاص، می باشد.

د - نوآوری:

بسیاری از اساتید ماهر حوزه، روح یا فن نوآوری و تجدید را دارا نیستند، و همیشه سعی ایشان بر این بوده که تعلیقی یا حاشیه ای بر این کتاب یا آن رساله بنگارند، بدون اینکه به جوهر بحث پردازند، لذا می بینیم که این نمونه از اساتید فقط آری موجود را بحث نموده و از بین آنها یکی را انتخاب می کنند، و خود را با عباراتی مانند (فتأمل) یا (فأفهم) یا (در این اشکال دو اشکال وجود دارد) و (باید در این دو اشکال تامل بخرج داد) و... مشغول می کنند.

ه - نکاح اهل شرک جایز است:

ایشان این قاعده را که (تزاحم) نام دارد، و فقها و اصولیین آن را به عنوان یک قاعده عقلی یا عقلانی صرف، مطرح می کنند، ضمن قاعده (اضطرار)، که یک قاعده شرعی و نصوص فراوانی درباره اش ذکر شده، مثل (هر چیزی را که خداوند حرام کرده است برای مضطر حلال کرده است)، می دانند. در واقع، قاعده (اضطرار) همان قاعده (تزاحم) است. و یا اینکه فقها و اصولیین قاعده ای را بیهوده طول می دهند، مانند آنچه در قاعده (لا تعاد) مشاهده می کنیم، که فقها آن را، به دلیل وجود نص مخصوص نماز می دانند. در صورتی که آیت الله العظمی سیستانی (دام ظلّه) روایت (لا تعاد الصلاة الا من خمسة) را مصداق کبری دیگری که شامل نماز و واجبات گوناگون می باشد، می شناسند. این کبری در آخر متن روایت موجود است که عبارت است از (ولا تنقض السنة الفریضة)، پس آنچه که مسلم است در نماز و غیره ترجیح فریضه بر سنت است، مانند ترجیح وقت و قبله، زیرا وقت و قبله از فرایض هستند نه سنت.

و - دیدگاه اجتماعی:

بعضی از فقها متون را تحت اللفظی ترجمه و معنی می کنند. به عبارت دیگر، خودشان را مقید به حروف متن می سازند بدون اینکه فراتر از آن بروند و به معانی وسیع آن متن، پردازند.

بعضی دیگر از فقها شرایطی که متن در آن گفته شده است را مورد بحث و بررسی قرار می دهند تا با حوادثی که بر دلالت آن متن تاثیر مستقیم می گذارند، آشنا شوند. به طور مثال، اگر به حدیث پیغمبر گرامی، که در آن خوردن گوشت حمار اهلی را (در جنگ خبیر) حرام کردند بنگریم، می بینیم که بعضی از فقها به یکایک حروف این حدیث عمل می کنند، به این معنی که گوشت حمار اهلی را، طبق این حدیث، حرام می دانند، در صورتی که اگر به شرایط خاصی که این حدیث در آن گفته شده است توجه کافی مبذول شود، به منظور اصلی و هدف اساسی که پیغمبر گرامی می خواستند آن را در این حدیث پیاده کنند پی خواهیم برد، و آن این است که جنگ با یهودیان خبیر نیاز مبرم به سلاح و تجهیزات داشت، و سلاح و تجهیزات، در آن زمان آن هم با آن شرایط سخت که مسلمانها در آن بسر می بردند، به غیر از چهارپایان قابل حمل و نقل نبود. پس، به این نتیجه می رسیم که مراد از این حدیث نهی حکومتی بوده یعنی بری یک مصلحت خارجی که شرایط آن روزها اقتضا می کرد، چنین دستوری

صادر شده است و نباید به عنوان تشریح یا حرمت و یا کراهت تلقی شود.

ز - داشتن علم و درایت در استنباط:

معظم له بر این عقیده هستند که یک فقیه باید از زبان و دستور عرب اطلاع کامل داشته باشد، و با نثر، اشعار و مجازهای عربی آشنا باشد تا بتواند متون را بر طبق موضوع، نه ذات، درک و طبقه بندی کند. و نیز باید بر احادیث اهل بیت (علیهم السلام) و راویان آن، احاطه کامل داشته باشد زیرا معرفت علم رجال برای هر مجتهد واجب و ضروری است. همچنین، حضرت آیت الله العظمی سیستانی (دام ظلّه) آرای منحصر به فردی دارند که با آنچه مشهور و معروف است، تفاوت دارد.

مثل ایشان در مساله عدم اعتماد به توهین (ابن غضائری) نسبت به دیگران، یا به خاطر توهین بیش از حد، و یا به خاطر عدم ثبوت نسبت کتاب به او، رأی مغایری دارند، و آن این است که، کتاب مزبور تحقیقا به او برمی گردد، و غضائری بیش از نجاشی، شیخ، و غیره، مورد اعتماد می باشد. ایشان بر این عقیده اند که برای تعیین شخصیت راوی و تایید کردن او تا اینکه بتوان یک حدیث را، حدیث مسند یا مرسل نامید، باید به روش طبقات اعتماد کرد، و این همان روش مرحوم آیت الله بروجردی (قدس سره) بود.

معظم له باور دارند که فقیه باید از کتب حدیث و اختلاف نسخه ها با یکدیگر، و درک موقعیت و حال و احوال مؤلف، از لحاظ ضبط و صحت، و نیز روش تالیف که این مؤلف یا آن راوی به کار برده، اطلاع کافی داشته باشد. به عنوان مثال ایشان این امر را که، صدوق در نقل اخبار، روایات و احادیث دقیقتر از دیگران می باشد قبول ندارد، بلکه شیخ را، طبق کتب موجود و بر اساس قرینه، ناقلی امین و قابل اعتماد می داند. و حال آنکه معظم له و شهید صدر در این باره کوشش و فعالیت بسیاری از خود نشان داده اند، و همواره نوآوری و تجدید را پیشه می گیرند. و وقتی که آیت الله العظمی سیستانی (دام ظلّه) وارد بحث (تعادل) و (تراجیح) می شوند به این نتیجه می رسند که راز این بحث، در علت اختلاف احادیث نهفته است. پس، اگر ما به علل اختلاف متون شرعی بپردازیم، آن مشکل بزرگ و به ظاهر حل نشدنی حل خواهد شد. و خواهیم دید که، از روایات (ترجیح) و (تغییر) که صاحب (کفایه) آنها را بر استحباب حمل کرده است، بی نیازیم. شهید صدر همین بحث را بررسی کرده است، لکن بر اساس عقل صرف، نه بر اساس ذکر شواهد تاریخی و حدیثی، و ارائه قواعد مهم برای حل اختلاف.

ح - مقایسه میان مکتبهای گوناگون:

همه می دانیم که بیشتر اساتید بحثها را از دید یک مکتب یا عقیده بررسی و مطالعه می کنند، ولی معظم له از این قبیل نیستند. وی میان حوزه مشهد، قم و نجف اشرف مقایسه می کند، و آرای میرزا مهدی اصفهانی (قدس سره) که یکی از علمای معروف مشهد بشمار می رود، آرای آیت الله بروجردی (قدس سره) که سمبل تفکر حوزه علمیه قم می باشد، و نیز آرای سه محقق معروف، آرای آیت الله خوئی (قدس سره) و شیخ حسین حلی (قدس سره)، به عنوان نمایندگان حوزه علمیه نجف اشرف را، همه با هم مطرح می کند. در حقیقت، این نوع روش، زوایا و گوشه های بحث را به نحو احسن به ما نشان می دهد.

و اما روش فقهی آن بزرگوار، در واقع چند ویژگی دارد، از جمله:

۱ - مقایسه میان فقه شیعه و فقه دیگر مذاهب اسلامی بدون تردید، آگاه شدن از تفکر فقهی اهل تسنن در عصر به وجود آمدن متن، مثل (موطا مالک) و (خراج ابو یوسف) و امثال آن، این امکان را به ما می دهد تا از مقاصد ائمه (علیهم السلام) و نظر ایشان هنگام گفتن این حدیث یا آن سخن، مطلع شویم.

۲ - بکارگیری علم حقوق معاصر در بعضی از موارد فقهی، مانند مطالعه قانون دولت عراق، مصر و فرانسه، هنگام بررسی (کتاب بیع و خيارات)، چرا که شناختن اسالیب قانونی معاصر به انسان تجربیات زیادی می بخشد، که بتواند در تحلیل قواعد فقهی و توسعه دادن به طرز تفکر او و موجبات تطبیق آن همه نکات مهم، فعال باشد.

۳ - بیشتر علمای ما هیچ تغییری روی قواعد فقهی که از علمای گذشته به آنها رسیده انجام نمی دهند، در حالیکه می بینیم

آیت الله العظمی سیستانی (دام ظلّه) سعی بر این دارد که به بعضی از قواعد فقهی تنوع بخشد. مثلاً درباره قاعده (الزام) که بعضی از فقها آن را به عنوان قاعده (مصلحت) می‌شناسند که بر اساس آن مسلماً حق دارند برای بدست آوردن منافع شخصی خود، گاهی از قوانین مذاهب دیگر اسلامی، ولو اینکه این قوانین با مذهب اصلی خود آنها سازگار نیست، تبعیت می‌کنند، در صورتی که حضرت آیت الله العظمی سیستانی (دام ظلّه) این وضع را قبول ندارند، و احترام هر مذهب و قوانین آن مذهب و مذاهب دیگر را، واجبتر و مقدمتر می‌دانند، همانند قاعده (لکل قوم نکاح) یعنی (هر ملت، نکاح و رسم ازدواج مخصوص به خود را دارد).

خصوصیات و ویژگیها

هر کس که از نزدیک با حضرت آیت الله سیستانی (دام ظلّه) معاشرت و رفت و آمد کند، به زودی به شخصیت ممتاز و روحیه ای ایده آل او پی خواهد برد. این شخصیت و روحیه ای که ایشان دارا هستند، وی را به یک الگوی برجسته و عالم ربانی مبدل کرده است. اکنون به بعضی از فضایل و مکارم اخلاقی آن بزرگوار، که از نزدیک شاهد آن بوده ایم، می‌پردازیم:

الف - انصاف و احترام به رأی دیگران:

ایشان عاشق علم هستند، و ارادت خاص نسبت به معرفت و رسیدن به حقایق دارند. همواره به رأی دیگران احترام می‌گذارند، همیشه کتاب به دست هستند، و هرگز خواندن، تتبع، بحث و آگاه شدن از آرای دیگر علما را فراموش نکردند. لذا گاهی اوقات، ایشان بحثهای برخی از علما که شاید هم به آن صورت معروف نباشند، مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد. و این خودش نشانگر این است که، حضرت آیت الله العظمی سیستانی (دام ظلّه) توجه خاصی و احترام فوق العاده نسبت به رأی دیگران دارد.

ب - ادب و نزاکت در محاوره ها:

همینطور که همه می‌دانند، جلسات بحث و محاوره ای که بین طلبه ها یا میان یک طلبه و استادش، بخصوص در حوزه علمیه نجف اشرف، انجام می‌گیرد، بسیار محکم و جدی می‌باشند. البته، در بعضی مواقع، این نوع روش برای طلبه ها مفید است، ولی در عین حال، همیشه تندی، روش صحیحی برای بحث و گفتگو نیست، و هرگز به هدف علمی مطلوب نمی‌رساند، و به غیر از تلف کردن وقت، و دور ساختن طلبه ها از روح مذاکره، چیز دیگری دربر ندارد.

از جهت دیگر، همیشه درسها و بحثهایی که حضرت آیت الله العظمی سیستانی (دام ظلّه) با شاگردانشان برپا می‌کنند، بر اساس ادب و احترام دوجانبه میان شاگرد و استاد بوده و هست، گرچه حتی بسیاری از موضوعات یا بحثهایی که جلوی ایشان مطرح می‌شوند، ضعیف و بی پایه اند. یکی دیگر از خصوصیات ایشان این است که سعی دارند جوابی را که به شاگردانشان می‌دهند تکرار کنند، تا آنها مسأله مطرح شده را درک کنند. اما، اگر سؤال کننده روی نظر خود اصرار کند، ایشان سکوت را ترجیح می‌دهند.

ج - تربیت:

تدریس، یک وسیله برای کسب پول در مقابل آن، یا یک وظیفه رسمی که استاد را وادار به انجام آن کند، نیست. بلکه سعی یک استاد خوب، مهربان و دلسوز، باید بر این باشد که شاگردانش را تربیت کند، و آنان را به مقام علمی والا و پیشرفت دائم برساند. لذا محبت، لازمه این کار می‌باشد. گذشته از اینکه، همواره و در همه جا آدم بی خیال و وظیفه شناس موجود است، ولی در کنار آن، اساتیدی هستند مخلص، دلسوز، رئوف و فهمیده، که هدف اصلی ایشان ادای رسالت تعلیم و تعلم به نحو احسن است.

شایان ذکر است که آیت الله حکیم (قدس سره) و آیت الله خوئی (قدس سره) همیشه سمبل اخلاق حسنه بودند، و آنچه که از آیت الله سیستانی (دام ظلّه) دیدیم و شاهد آن بودیم، همان اخلاق اساتیدشان بوده است. ایشان همواره از شاگردانشان تقاضا می‌کنند که بعد از پایان درس، از ایشان سؤال کنند.

حضرت آیت الله العظمی سیستانی (دام ظلّه) همیشه به شاگردان خود توصیه می‌کنند که به اساتید و علما اعلام احترام بگذارند،

و هنگام سؤال یا بحث هر موضوع با آنان، نهایت ادب را رعایت کنند. وی مدام از اساتید خود، و روحیه عالی ایشان اخبار و قصه های فراوانی نقل می کند.

د - پارسائی و تقوا:

بعضی از علمای نجف اشرف خود را از دعوا و مرافعه دور می کنند، اما عده ای آن را گریز و فرار از واقعیت، یا هراس و ضعف در بیان می دانند. ولی اگر به این مسأله، از زاویه دیگری بنگریم، خواهیم دید که در واقع، این یک امر مثبت است، بلکه در خیلی از موقع ها، مهم و ضروری است. حال، اگر همان علما احساس کنند که امت اسلامی یا حوزه، به علت رویداد مهیج و یا ابهامی در بعضی از مفاهیم اسلامی در معرض خطر قرار گرفته است، بدون تردید، در صحنه خواهند بود، چرا که آنان خوب می دانند که هر عالم باید، در مواقع سخت و حساس، علم خود را اظهار کند.

نکته مهمی که نباید اینجا از یاد برد این است که، همیشه ایشان در مواقع فتنه و آشوب، سکوت را رعایت می کردند، همانطوری که بعد از درگذشت آیت الله بروجردی (قدس سره) و آیت الله حکیم (قدس سره)، و بروز تعصبات شخصی و رقابت برای رسیدن به منصب و کرسی، حضرت آیت الله سیستانی (دام ظلّه) همان سیاست ثابت خود را دنبال کرد، و هیچگاه هدف خود را، رسیدن به لذتهای دنیوی، سلطه جوئی، یا مقام قرار نداد.

ه - آثار فکری:

حضرت آیت الله سیستانی (دام ظلّه) تنها یک فقیه نیستند، بلکه ایشان یک شخصیت متبحر، دانا و داری یک بینش بالنده در حوزه اقتصادی و سیاسی است. ایشان نظرات ارزشمندی درباره اداره و جامعه شناسی دارد، و همواره از اوضاع معاصر که بر جامعه اسلامی حاکم است، مطلع و آگاه است.

قابل ذکر است که معظم له در عیادتی که از استادشان مرحوم آیت الله سید ابوالقاسم خوئی (قدس سره) در ۲۹ ربیع الثانی ۱۴۰۹ هـ ق داشته اند استادشان از ایشان خواستند که به جای ایشان در مسجد خضراء امامت نماز جماعت را به عهده بگیرند که ایشان در بدو امر این موضوع را قبول نمودند و لیکن آن مرحوم اصرار زیادی نموده و فرمودند: (اگر میتوانستم همچنانکه مرحوم حاج آقا حسین قمی (قدس سره) حکم میکرد شما را مجبور به قبول مینمودم) اما معظم له چند روز مهلت خواستند و پس از آن در ۵ جمادی الاول ۱۴۰۹ هـ ق امامت نماز را قبول نموده و این کار تا آخرین جمعه ماه ذی الحجه سال ۱۴۱۴ هـ ق که مسجد خضراء بسته شد، ادامه داشت.

معظم له جهت اداء فریضه حج در سال ۱۳۸۴ هـ ق و دو بار متوالی در سالهای ۱۴۰۵ هـ ق و ۱۴۰۶ هـ ق به بیت الله الحرام مشرف شده اند. مرجعیت ایشان

بعد از فوت آیت الله سید نصرالله مستنبط (قدس سره) عده ای از فضلا و علما از آیت الله خوئی (قدس سره) خواستند شرایطی را برای انتخاب جانشینی که دارای صلاحیت مرجعیت در حوزه علمیه نجف اشرف داشته باشد فراهم کنند. ایشان آیت الله سیستانی (دام ظلّه) را، برای علمشان و پاکی مسلکشان و نیز خط مشی استوارشان انتخاب نمودند.

معظم له ابتداء، نماز جماعت را در محراب آیت الله خوئی (قدس سره) برپا نمودند، سپس شروع به بحث و نگاشتن تعلیقات بر رساله و مسلک ایشان پرداختند. بعد از رحلت آیت الله خوئی (قدس سره) معظم له یکی از تشیع کنندگان جنازه آن مرحوم بوده و نماز میت نیز را بر او گذاردند. بعد از آن، زمام مرجعیت حوزه علمیه را بدست گرفتند، و شروع به فرستادن اجازات، تقسیم و پخش حقوق، و تدریس از روی منبر آیت الله خوئی (قدس سره) در مسجد (خضراء) نمودند. و به این صورت، آیت الله العظمی سیستانی (دام ظلّه) شهرت زیادی در عراق، کشورهای خلیج فارس، هند، آفریقا و... مخصوصاً در میان قشر جوانان پیدا کردند.

هم اکنون حضرت آیت الله العظمی سیستانی (دام ظلّه) یکی از علمای سرشناس و برجسته ای هستند که مشهور به اعلمیت

هستند، و جمع کثیری از اهل علم و اساتید حوزه علمیه قم و نجف اشرف بر اعلمیت ایشان گواهی می دهند.

سیستانی، محمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، مورخ. وی از امرای سیستان و جد مادری مولف «احیاء الملوک» در تاریخ سیستان بود. که با نظام‌الدین یحیی بن ملک عزالدین علی پادشاه سیستان معاصر بود. خود وی نیز کتابی درباره تاریخ سیتان نگاشته بود. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۲۵۴).

سیفائی، عبدالغفار

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۲۹۶.

درگذشت: ۱۳۶۶.

از آثار اوست: ضرب‌المثل‌های محلی اوز فارس (۱۳۶۸).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

سیفی فمی تفرشی، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق.

تولد: اسفند ۱۳۰۹، قم در تفرش.

درگذشت: ۹ تیر ۱۳۷۲، تهران.

مرتضی سیفی فمی تفرشی تحصیلات دبیرستانی را در تهران به پایان رساند و در مهر ۱۳۳۰ وارد دانشکده‌ی افسری شهربانی شد. در سال ۱۳۴۵ در رشته‌ی زبان انگلیسی و در سال ۱۳۵۱ در رشته‌ی علوم تربیتی از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد و برای دریافت درجه‌ی فوق لیسانس، موضوع «جامعه، پلیس و تعلیم و تربیت» را برگزید.

مرتضی سیفی فمی تفرشی به بررسی مسایل جغرافیای تاریخی علاقه‌مند بود. وی پس از انقلاب با درجه‌ی سرهنگی بازنشسته شد و فرصتی یافت تا به خواندن و پژوهیدن بیشتر روی بیاورد.

از آثار اوست: سیری کوتاه در جغرافیای تاریخی تفرش و آشتیان؛ نظم و نظمی در دوره‌ی قاجاریه؛ پلیس خفیه ایران با مروری بر

رخدادهای سیاسی و تاریخچه‌ی شهربانی ۱۳۲۰-۱۲۲۹، نگاهی به ایران (با همکاری فخرالدین حسینی تنکابنی)؛ ترجمه‌ی تاریخ ایران (نوشته‌ی سرجان مالکم با همکاری ابراهیم زندپور)؛ تهران در آئینه‌ی زمان- بخش اول؛ مروری بر جغرافیای تاریخی ساوه. از جمله کتاب‌هایی که وی برای چاپ آماده ساخت می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: نگاهی به جنگ‌های جهانی اول و دوم در تاریخ مدنیت اروپا، مروری بر رخدادهای سیاسی و تاریخچه‌ی شهربانی از ۱۳۴۲ تا انقلاب اسلامی ایران.

مرتضی سیفی فمی تفرشی بر اثر سکته‌ی قلبی درگذشت.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

سیفی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین سیفی

محل تولد: محمود آباد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۱/۹/۱

زندگینامه علمی

این حقیر سوم راهنمایی را طی کرده بودم که خداوند توفیق داد وارد حوزه علمیه دماوند شوم. در دوران تحصیل علاوه بر درس آموختن طلاب جدیدی که وارد حوزه می‌شدند تدریس می‌کردم. در سال ۱۳۷۰ بعد از طی کردن مقطع دروس حوزوی دماوند که پایان لمعتین بود وارد حوزه علمیه قم شدم، ابتداء در مدرسه آیت الله کوهستانی حجره‌ای به ما دادند حدود یکسال در آنجا بودم و دروس خود را در مدرسه آیت الله گلپایگانی تحصیل می‌کردم. بعد از یکسال به مدرسه امام صادق (ع) چهارمردان رفتم. حدود دو سالی در آنجا حجره داشتم و مشغول درس و تحصیل بودم و از استادان بزرگ و دانشمندی همچون آیت الله محفوظی، آیت الله دوزدو زانی و آیت الله جوادی آملی کسب علم می‌کردم. در سال ۱۳۷۳ مصادف شد با سنین ازدواج این حقیر که یک سال و نیم بعد از ازدواج خداوند دختری به ما عنایت کرد و از آن سال تا سال ۱۳۸۲ از دروس اساتید حوزه و درس خارج بزرگان حوزه تلمذ می‌کردم. از سال ۱۳۸۲ به دعوت یکی از دوستان وارد موسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) شدم. از آن سال تاکنون در قسمت دانش‌نامه موسسه مشغول تحقیقات علمی هستم که تا به حال بیش از چند مدخل که حضور ذهن ندارم تحول موسسه دادم که هر کدام تبدیل به مقاله و بعضی‌ها تبدیل به کتاب شدند. الان هم دو تا کلاس صبح می‌روم اول کلاس آیت الله جوادی آملی و دوم کلاس آیت الله مقتدایی و بعد از آن صبح ساعت ۱۰ و بعد از ظهر ساعت ۳/۳ تا ساعت ۸ در موسسه مشغول تحقیقات هستم.

سیفی، علی اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اکبر سیفی

محل تولد: بابل

شهرت: سیفی مازندرانی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۰ برای شروع تحصیل به حوزه خاتم الانبیاء بابل رفته و پس از یک سال به حوزه علمیه قم مشرف شدند. ایشان با پشتکار و جدیت فراوان دروس مقدماتی و سطح را در طول سه سال به پایان رسانده و با اینکه درگیر مسائل سیاسی کشور بودند هیچگاه از تعلیم و تعلم علوم حوزوی غفلت نورزیده و با جدیت و پشتکار بسیار زیاد دروس خارج حضرت آیت الله میرزا هاشم آملی را به نوشته عربی تقریر فرموده و به نظر معظم له می رساندند و ایشان نیز پس از ملاحظه تقریرات، تشویق و ترغیب فراوانی می نمودند. از سال ۱۳۵۵ تا پیروزی انقلاب اسلامی بیشتر راهپیمایی هایی که علیه رژیم پهلوی، در برخی از شهرهای استان مازنداران برگزار می شد به رهبری و یا پشتیبانی ایشان بود تا جائیکه، نام ایشان در لیست ساواک و اداره امنیت ملی استان بعنوان اخلاکگر و مخرب، ثبت شده و همیشه تحت پیگرد بودند و حتی چندین مرتبه هم مورد حمله مسلحانه نیروهای ساواک قرار گرفتند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مانند قبل با جدیت فراوان، دروس آیت الله گلپایگانی را به عربی تقریر و هر از چند گاهی جزوات و تقریرات خود را به معظم له ارائه و مورد تشویق و ترغیب ایشان، قرار می گرفتند. در همان زمان توفیق تدریس لمعه، مکاسب و رسائل و فلسفه را نیز داشتند.

پس از آغاز جنگ تحمیلی، حضوری فعال در جبهه های حق علیه باطل داشتند و موفق به تدریس یک دوره کلام و معارف اسلامی در جبهه شدند که مورد استقبال سرداران و فرماندهان سپاه قرار گرفت. ایشان با توجه به اینکه مسئول تبلیغات لشکر ۲۵ کربلای مازنداران بودند ولی همواره، در طول جنگ نیز، دروس فقه و اصول را رها ننموده و جزء اصلی کارهای خود را اختصاص به پرداختن عمیق به این علوم می دادند. در سال ۱۳۶۰ افتخار جانبازی از ناحیه چشم را داشته و هم اکنون یک چشم ایشان، بیناست. پس از جنگ تحمیلی نیز، در دروس خارج آیت الله اراکی و پس از آن در جلسات خصوصی فقه آیت الله تبریزی و سید محمود شاهرودی حاضر شده و خود نیز به تدریس خارج کفایه به زبان عربی مشغول بودند. از سال ۱۳۷۲ در مدرسه فیضیه و گلپایگانی تدریس خارج فقه و اصول را آغاز کرده و تالیفات خود را که از مجموعه دروس و تحقیقاتشان بود، به مرحله چاپ رسانیدند که انتشارات جامعه مدرسین و موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) به چاپ آنها اقدام نموده و می نمایند. هم اکنون، ایشان یکی از مدرسین دورس عالی حوزه علمیه قم بوده و شاگردانشان نیز اغلب از محققان و مدرسان دروس سطح می باشند.

سیمای کاشانی، محمدرضا

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۳۵ ق)، حکیم، ادیب و خطاط. او از اجداد میرزا محمد تقی سپهر لسان‌الملک کاشانی است که در عهد شاه سلطان حسین صفوی می‌زیسته و از این سلطان به لقب عضدالدوله مفتخر شده است. سیما از حکمت الهی و نظم و نثر فارسی و تازی بهره‌مند بود و خطوط هفت گانه را خوش می‌نوشت. او در فتنه‌ی افغان در اصفهان به قتل رسید. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۷۲۹/۳)، مکارم الآثار (۵۸۱/۲).

سیم‌فروش، ناصر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: اورولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۱ و دکترای تخصصی اورولوژی (جراحی کلیه و مجاری ادرار) از بیمارستان شیکاگو آمریکا.

مرتبه علمی:

استاد دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

دریچه مجرای خلفی گزارش ۴۰ مورد، بررسی اندیکاسیون روشهای مختلف جراحی ترمیمی، شیوع و اتیولوژی سرطان مثانه، فیستول‌های ادراری تناسلی، اوروگرافی آزمایشی غیر ضروری در HPB در ۱۰۰ مورد، تدریس درس اورولوژی، (جراحی کلیه) در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

جراحی کلیه اورولوژی و سل دستگاه ادراری تناسلی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

اورولوژی، تازه‌های تشخیص و درمان در ناتوانی جنسی، گزارش اولین مورد پروتز تناسلی در ایران، اعمال جراحی پروستات از طریق مجرای ادرار، گزارش ۴۱۷۷ مورد جراحی به روش سرپائی و فواید آن، مقالاتی چند در زمینه اورولوژی به زبان خارجی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شاپور، پرویز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

پرویز شاپور متولد پنجم اسفند ماه ۱۳۰۳ شهر قم که شناسنامه اش را در تهران گرفتند، دوران ابتدائی را در مدرسه "دقیقی" گذراند. وی دیپلم خود را از دبیرستان "دارائی" گرفت. و در دانشگاه تهران به اخذ لیسانس اقتصاد نائل آمد. او در مدرسه صنعتی آن سالها شاگرد علی اسفندیاری (نیما یوشیج) بود. بعدها با فروغ فرخ زاد که در آن زمان شانزده ساله بود ازدواج کرد (۱۳۲۹). بعدها فروغ از این حادثه با عبارت "عشق و ازدواج مضحک" یاد کرد.

رابطه زناشویی این دو به خاطر دخالت‌های نزدیکان در سال ۱۳۴۳ به جدائی ختم شد و حاصل این، پسری به نام کامیار بود، که فروغ در اشعار خود به او اشاره کرده، و شاپور نیز از کامی به عنوان نام مستعار استفاده می کرده.

شاپور در طی سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۴ معاونت دارائی اهواز را به عهده داشت. او کارش را ابتدا با مجله توفیق در صفحات "دارالمجانین" و "سبديات" شروع کرد. یک بار هم در همان سالها داستان هفته نامه توفیق، مال شاپور بود. در این داستان، یک ماهی گربه ای را تحت تعقیب قرار داده بود.

شاپور زمانی که ساکن خوزستان بود، نوشته هایش در روزنامه های محلی آنجا چاپ می شد، حدود سالهای ۳۱ و ۳۲.

در توفیق هم از سال ۳۷ نوشته هایش با نامهای مستعار کامی، کامیار و مهدخت به چاپ رسید.

تولد کاریکلماتور در ۲۱ خرداد ۱۳۴۶ در نشریه خوشه به سردبیری احمد شاملو بود. و این واژه را "کاریکلماتور" نیز شاملو نامگذاری کرده بود.

اولین کتاب کاریکلماتور را انتشارات نمونه چاپ کرد، در سال ۵۰ که در برگیرنده طرحها و نوشته های شاپور از سال ۳۷ تا ۵۰ بود.

این کتاب را انتشارات مروارید در سال ۵۵ تجدید چاپ کرد. کتابهای دیگر شاپور از این قرار است:

- کاریکلماتور ۲ انتشارات بامداد سال ۱۳۵۴

- کاریکلماتور ۳ تحت عنوان "با گردباد می رقصم" انتشارات مروارید سال ۱۳۵۴

- کاریکلماتور ۴ انتشارات مروارید سال ۱۳۵۶

- کاریکلماتور ۵ انتشارات پرستش سال ۱۳۶۶

- موش و گربه عبید زاکانی با طرحهای پرویز شاپور انتشارات مروارید ۱۳۵۲

- فانتزی سنجاق قفلی انتشارات پویش ۱۳۵۵

- تفریحنامه (طرحهای مشترک بیژن اسدی پور و پرویز شاپور) انتشارات مروارید ۱۳۵۵

- شاپور در دو نمایشگاه نیز شرکت داشته است، یکی به طور مستقل در گالری زروان در سال ۱۳۵۴، و یکی هم به طور جمعی در نگارخانه تخت جمشید در سال ۱۳۵۶ با بیژن اسدی پور و عمران صلاحی.

شاپور هرگز دوباره ازدواج نکرد و تا آخر عمر همراه با کامیار و دکتر خسرو شاپور برادرش در یک خانه قدیمی زندگی می کرد و سرانجام پیر انرژیک طنز ایران در چهاردهم مرداد سال ۱۳۷۸ در بیمارستان طوس تهران در گذشت.

اصلاً "بهتر است از نوشته های خود او درباره زندگی خصوصیش بدانید، پس متن زیر را بخوانید:

عباس شهریاری AM ۷:۴۳ زندگی نامه شاپور به زبان خودش: ما خانواده گربه دوستی هستیم. از قدیم، همیشه گربه توی خانه

مان داشتیم. یادم می‌آید که زمستانها این گربه‌ها می‌آمدند و با ژستهای مختلف روی کرسی می‌نشستند. گاهی خوابیده بودن، یک وقت نشسته بودند و یک وقت هم با هم بازی می‌کردند. این است که من با خطوط تن گربه خیلی آشنا هستم و میتوانم بکشمش، در صورتی که فیل را نمیتوانم بکشم.

گربه مثل یک لوکوموتیو است که دو تا واگن دارد: موش و ماهی. میتوانم بگویم که کشیدن ماهی برایم آسان است چون خیلی ایستاده‌ام و ماهیها را توی تنگ یا حوض نگاه کرده‌ام.

توی نوشته‌هایم هم همینطور است. مثلاً به «رنگین کمان» میردازم و درباره‌اش کاریکلماتورهای زیاد می‌نویسم. بعد رهایش میکنم. یک وقت یادم می‌آید که در نوشته‌هایم تصویر چیزها خیلی وجود داشت. تصویر چیزها در آب. مثلاً گفته بودم: وقتی تصویر گل محمدی در آب افتاد. ماهیها صلوات فرستادند یا فرض بفرمایید در زمستان وقتی تصویر درخت در آب افتاد آنقدر ماهی گلرنگ روی شاخه‌هایش نشست که مثل درخت بهاری غرق شکوفه شد.

به طور کلی حس میکنم که توانسته‌ام خودم را بشناسم. از بچگی. خیام را از بر بودم. از رباعیات خیام. که از نظر حجم خیلی هم کم است. مفاهیم زیادی گرفته بودم. خیلی بیشتر از آنچه که شاید آدم از خواندن یک دیوان پر از قصیده‌های بلند بگیرد. هروقت چیزی میدیدم که جلب نظرم را میکرد و می‌آدم درباره‌اش با پدر و مادرم صحبت میکردم. حرفم را نمی‌فهمیدند. حتی چند بار سر این موضوع کتک خوردم. حرفم را می‌خورد و جویده جویده صحبت میکردم. خلاصه از همان اول عامل کوتاه نویسی و کوتاه‌گویی با من بود.

شاد هم سعی کرده‌ام که «شاعرانه»‌ها در نوشته‌هایم بیشتر باشند. برای اینکه حس کرده‌ام که هم گفتنشان برایم آسان تر است و هم مردم بیشتر دوستشان دارند. اما من خودم بیشتر آنهایی را دوست دارم که جنبه طنزشان قوی تر است.

من همیشه نگران آن هستم که از من پرسند طنز یعنی چه؟ چه بسا شبها از ناراحتی و نگرانی این سوال خوابم نبرده است. در لحظه‌ای که کار می‌کنم - چه نوشتنی چه کشیدنی - احساس آرامش عجیبی دارم و لحظات جهنمی برایم به لحظات بهشتی تبدیل می‌شوند. مثلاً وقتی با سنجاق قفلی بازی می‌کنم، دیگر یاد بدهکاریهاییم نمی‌افتم و کیف می‌کنم از اینکه توانسته‌ام مثلاً ۱۵۰ کار مختلف با یک سنجاق قفلی کوچولو بکنم.

وقتی آدم کار می‌کند هم لحظات را خوش گذرانده و هم وقتی شب احوانا در آینه نگاه می‌کند، می‌تواند به خودش بگوید: «آفرین، شاپور!!»

یک روز این مدادهای «ماژیک» رنگی را دیدم و خیلی خوشم آمد. یک دسته خریدم و آوردم خانه. بعد، یک روز مادرم و اهل خانه تصمیم گرفتند بروند مسافرت، به زیارت. چون قبلاً یک بار دزد به خانه مان زده بود، قرار شد من بمانم و مواظب خانه باشم. تا آن وقت، طرح‌هایم را بیشتر توی کافه‌ها و تریاها می‌کشیدم. وقتی اجباراً توی خانه ماندم، چون میز بزرگتری وجود داشت و من هم جای بیشتری داشتم که ماژیک‌هایم را پخش کنم، توانستم طرح‌های رنگی بکشم. این طور بود که رنگ به طرح‌های من راه یافت.

من طرح کشیدن را با سنجاق قفلی شروع کردم، هم از جهت این که واقعاً قیافه‌اش را خیلی دوست دارم، همیشه در ذهنم هست، و هم این که در واقع، طراحی از آن کار نسبتاً آسانی بود. سنجاق قفلی صورت ساده‌ای دارد و می‌شود باهاش بازی کرد.

چیزهای هستند که در ذهن من می‌مانند، مثلاً از جبری که اجباراً در مدرسه خواندم، چیزی که بخاطرمانده، دسته رادیکال است.

یک مقدار اشیاء دیگر هم توی ایستاده‌اند و نوبت آنها هم می‌رسد. به طور کلی، من ساختمانم طوری است که نمی‌توانم درباره‌ی یک شیء حق مطلب را ادا نکنم. حالا به سنجاق قفلی پرداخته‌ام و تا آنجا که امکان دارد، حقش را توضیح نمی‌کنم!

شادان، فرخ

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شادچهر، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرتبه علمی: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شادمان، زهرا

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

زهرا شادمان یکی از استادان به نام رشته کتابداری است. او پس از اخذ مدرک دکتری از دانشگاه سوربن پاریس به ایران بازگشته و در مشاغل مختلفی به فعالیت پرداخته است. مشاغل مهم وی در این دوران عبارتند از: عضو هیئت علمی موسسه تحقیقات و برنامه ریزی علمی و آموزشی، مرکز خدمات کتابداری (در مرتبه رهبری پژوهش و سرپرستی مرکز)، مدرس مدعو کتابداری دانشگاه تهران، عضو هیات علمی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، عضو کمیته کشورهای در حال رشد ایفلا، عضو کمیته برنامه ریزی و کمیته فنی طرح کتابخانه ملی پهلوی سابق، مشاور کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، عضو کمیته مارک ایران و مشاور و رئیس کتابخانه های پژوهشگاه علوم انسانی. گروه: علوم انسانی رشته: کتابداری گرایش: فهرست نویسی تحصیلات رسمی و حرفه ای: زهرا شادمان تحصیلات ابتدایی، متوسطه و دانشگاهی خود را تامقطع لیسانس در رشته ادبیات فرانسه در تهران گذراند. سپس جهت ادامه تحصیل عازم فرانسه گشت. او در سال ۱۳۴۷ موفق به اخذ مدرک فوق لیسانس کتابداری از مدرسه عالی پاریس شده و در سال ۱۳۴۸ دکترای ادبیات تطبیقی را از دانشگاه سوربن پاریس اخذ نمود. هم دوره ای ها و همکاران: زهرا شادمان زمانی در کتابخانه سنای سابق مشغول به فعالیت شد که کیکاوس جهاننداری رئیس آن کتابخانه بود. شادمان به عنوان مشاور کتابخانه هفته ای یک روز در آن جا حضور داشت. او در این دوران بخش فهرست نویسی را در آنجا راه اندازی کرد. خانم جمیله دبیری، مهوش شاهر، مهرانگیز صمدی، شهلا رجالی، مرحوم آقای طاهری عراقی و کامران فانی از همکاران شادمان در کتابخانه سنای سابق بودند. شادمان، کیکاوس جهاننداری را کتاب شناس بسیار خوبی می داند که توانسته است مجموعه بسیار خوبی را انتخاب و تهیه کرده بود. احسان یار شاطر، عباس زریاب خوبی و قریشی (اهل پاکستان) از جمله کسانی بودند که از مجموعه

کتاب های کتابخانه سنای سابق به نحو مفیدی استفاده می کردند . خانم حکمی و راستین و کتابخانه های پژوهشگاه علوم انسانی ، آقای مظاهر و تفضلی و خانم سلطانی هم در مرکز خدمات کتابداری از جمله همکاران شادمان بودند . همچنین آقای نیکنام نیز از جمله همکاران شادمان در کتابخانه ملی بود . وقایع میانسال : زهرا شادمان معتقد است که معمولا در ساعات کاراداری با کسی حرف نمی زند ، مگر این که ارجع به کار باشد . بنابراین خاطرات او ، خاطره کاربرد ، آن هم کار با آدم هایی که اعتقاد به کارشان داشتند . وی کار با این آدم ها را همیشه لذت بخش می داند . اولین خاطره شادمان راجع به نقل و انتقال کتابخانه ها ، مربوط به جابه جایی مرکز خدمات کتابداری است . که از خیابان خردمند به ساختمانی نبش خیابان کاخ (فلسطین جنوبی) و خیابان شاهرضا (انقلاب فعلی) منتقل گردید . در آن زمان تمام کارکنان مرکز خدمات کتابداری که ۲۷الی ۲۸ نفر بودند ، با ماشین های شخصی کلیه کتوهای برگه دان ها را پس ا بسته بندی حمل کردند . تجربه بعدی او در کتابخانه ملی بود که قرار شد مجموعه ایران شناسی آن را از ساختمان نبش خیابان فلسطین به ساختمان نیاوران انتقال دهند . شادمان و خانم راستین قبل از انجام جابجایی ، جای جدید را بررسی کردند ، طوری که تمام فضاها را اندازه گیری کرده و تمام اتاق های کارمندان را تعیین نمودند . همچنین مخازن را تعیین نموده و چگونگی نصب آنها را بررسی کردند . آنها حتی بسته بندی کتابها را نیز خود نشان برعهده داشتند . شادمان نقل می کند که وقتی لیسانس گرفته بود اصلا کار بلد نبود ، طوری که کار را صددرد صد تجربی آموخته است . او می گوید : وقتی کار به من دادند و گفتند که انجام بده از شرمندگی این که بلد نبودم ، تمام ابزار کار فهرست نویسی رابه منزل می بردم و مطالعه می کردم و در نتیجه با پشتکار و مطالعه خودم و با راهنمایی های خانم سلطانی کار یاد گرفتم . مشاغل و سمتهای مورد تصدی : زهرا شادمان که به زبان های فرانسه و انگلیسی مسلط می باشد ، عضو هیئت علمی موسسه تحقیقات و برنامه ریزی علمی و آموزشی ، مرکز خدمات کتابداری (در مرتبه رهبری پژوهش و سرپرست مرکز درار سالهای ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹) ، مدرس مدعو و کتابداری دانشگاه تهران ، عضو هیئت علمی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ، عضو کمیته کشورهای در حال رشد ایفال ، عضو کمیته برنامه ریزی و کمیته فنی طرح کتابخانه ملی پهلوی سابق ، مشاور کتابخانه ملی جمهوری اسلامی در برنامه احداث و تجهیز ساختمان کتابخانه ، عضو کمیته مارک ایران و مشاور رئیس کتابخانه های پژوهشگاه علوم انسانی است . شادمان درباره روحیه کاری خود نقل کرده است ؛ تنها هنری که داشت این بود که برای صفات خوب و پسندیده افراد ارزش قائل می شد و آنها وقتی متوجه صفت ارزشمند خود می شدند جهت حفظ و تقویت آن کوشش می کردند . آرا و گرایشهای خاص : زهرا شادمان در مورد کار و زندگی ، براین عقیده است که هر کس با ارزش کار خود ، شناسایی و موفقیت پیدا می کند ، نه با روابط سببی و نسبی . از این روی او به همگام تصدی امورات کتابخانه سنای سابق از استخدام اشخاص به صورت سفارشی و فامیلی دوری کرده و تنها به شایستگی او توجه داشته است تا میزان بهره وری بالا رود . شادمان فهرست نویسی رایک کار مشاوره ای می داند . بدان علت تمام کارمندان کتابخانه مجلس سنای سابق دوریک میز کار می کردند ، تا سنخیت رفتاری باهم داشته باشند و همه اصل کار باشند . شادمان درباره کتابخانه عقیده دارد که آن چه آدم را کتابدار می کند علاقه به کار ، پشتکار و داشتن یک راهنمای خوب است .

منابع زندگینامه :هما افراسیابی ، مصاحبه باخانم دکتر زهرا شادمان ، پیام بهارستان ، شماره ۱۹ و ۲۰ ، سال دوم ، دی و بهمن ۱۳۸۱ ،

(وف ۵۰۷ق)، مدرس و فقیه شافعی. معروف به مستظهری. منسوب به شاش ماوراءالنهر پشت رود سیحون است. در میافارقین به دنیا آمد و در آنجا نشو و نما کرد و در نزد قاضی آنجا، ابومنصور طوسی، و همچنین نزد محمد بن بیان کازرونی فقه آموخت. آنگاه وارد بغداد شد و ملازم ابواسحاق گشت. او از کازرونی، شیخ خود، و از ثابت بن ابوالقاسم خیاط و ابوبکر خطیب و بسیاری دیگر روایت کرده است. ابومعمر ازجی و علی بن احمد یزدی و ابوطاهر سلفی و فخرالنساء شهده از شاگردان و راویان وی بودند. او مدت‌ها عهده‌دار تدریس مدرسه نظامیه بغداد بود. در بغداد درگذشت و در مقبره‌ی شیخ ابواسحاق شیرازی دفن شد. از آثارش: کتاب «حلیه العلماء فی مذاهب الفقهاء»، در دو مجلد، که برای خلیفه المستظهر تصنیف کرده و آن را «المستظهری» نامیده است؛ کتاب «العمده»، در فروع فقه شافعی است که برای عمده‌الدین مسترشد، فرزند مستظهر، خلیفه عباسی، نگاشته است؛ «الترغیب»؛ «المعتمد».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۳۹۴-۳۹۳/۱۹)، کشف الظنون (۱۷۳۳، ۱۶۳۵، ۱۱۶۹، ۱۰۲۵، ۶۹۰، ۴۰۱)، الکنی و الالقاب (۳۴۷/۲)، معجم المؤلفین (۲۵۳/۸)، الوافی بالوفیات (۷۴-۷۳/۲)، وفيات الاعیان (۲۲۱-۲۱۹/۴)، هدیه العارفین (۸۱/۲).

شاکری، روح الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

روح الله شاکری زواردهی

محل تولد: قم

شهرت: شاکری

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب روح الله شاکری زواردهی، فرزند عیسی متولد ۱۳۴۵ محل تولد قم، دوران دبستان و راهنمایی را در شهرستان بابل گذراندم و به خاطر فضای مذهبی خانواده روحانی بودن علاقه وافری به طلبه شدن پیدا کردم لذا در سال آخر سوم راهنمایی تصمیم گرفتم به حوزه بروم وارد حوزه شدم چند ماهی را در مدرسه علمیه صدر [خاتم الانبیاء] بابل گذراندم و از آنجائی که امکانات لازم فراهم نبود وارد حوزه علمیه قم شدم در سالهای اول در کنار دروس فقه در دبیرستان هم تحصیل می کردم و در این سالها توانستم دیپلم را اخذ نمایم، با اخذ دیپلم تصمیم گرفتم در کنکور سراسری شرکت کنم، با اینکه خیلی مطالعه نکرده بودم و بدون آمادگی قبلی در کنکور با رتبه عالی قبول شدم، ولی پس از مدتی احساس کردم این کار ممکن است باعث دور شدن من از حوزه علمیه شود لذا با مشورت اساتید از دانشگاه صرف نظر کرده و در دروس حوزوی متمرکز شدم. دوره سطح را در نزد اساتید بزرگوارحوزه که خیلی از آنان در قید حیات هستند گذراندم اگر چه دو بزرگوارى که بسیار بر بنده حق دارند و در شکوفایی فکر و اندیشه ام نقش داشته در قید حیات نیستند آیه الله وجدانی فخر که لمعه و شرح آن را محضر ایشان تلمذ کردم و دیگر مرحوم آیه الله پایانی که مکاسب را در نزد ایشان آموختم. با پایان یافتن سطح به دروس خارج فقه و اصول راه یافتم. خارج فقه را در نزد حضرت آیه الله العظمی شیرازی - مدظله - به مدت هفت سال استفاده بردم و خارج اصول را در نزد حضرت آیه الله

العظمی سبحانی - مدظله - به مدت شش سال - یک دوره گذراندم .

به موازات درس خارج در رشته کلام اسلامی مقطع سطح چهار [دکتری] قبول شدم و به مدت چهار سال در این مراکز از اساتید بهره گرفتم، و بعد در آزمون تخصصی تربیت مدرس مهدویت حوزه علمیه قم با گرایشی کلامی قبول شدم و یک دوره مهدویت خواندم . در این سال در کنار تحصیل به تدریس خصوصی گرفته با عمومی پرداختم و ده سال اخیر را مرتب به عنوان مدرس حوزه در مدارس برادران و خواهران و مراکز تخصصی مشغول و در دانشگاه هم در علوم معارف اسلامی چند سال مشغول تدریس می باشم . یکی از رسالتهای مهم روحانی تبلیغ دین بود که به مدت ۱۵ سال به عنوان مبلغ از روستاها گرفته، شهرها و تا دانشگاه ها، از تبلیغ سنتی، غیر سنتی و کلاسیک توفیق داشته ام . در عرصه پژوهشی چند مقاله و کتاب دارم که برخی از آنان قبول درسی می باشند.

شاکرین، حمیدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حمیدرضا شاکرین

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۵ تحصیل در حوزه علمیه اصفهان را آغاز نموده و در سال ۱۳۶۰ به حوزه علمیه قم وارد شدم. درس خارج را از سال ۱۳۶۲ آغاز نموده و از محضر اساتیدی چون آیت الله تبریزی، آیت الله مکارم، آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله وحیدی خراسانی بهره جستیم. درس فلسفه را نیز از محضر استاد فیاضی آیت الله مصباح یزدی، و آیت الله جوادی آملی کسب فیض نموده و همراه با دروس رسمی به مطالعه فردی پرداخته و عمدتاً از آثار علامه طباطبایی، شهید مطهری، شهید صدر و آیت الله مصباح یزدی استفاده نموده تا به حریم دایره مطالعات خود را بسط داده و عمدتاً در عرصه مباحث فلسفی و کلامی، بویژه کلام جدید مطالعات خود را گسترش داده ام اکنون نیز در این زمینه به فعالیت خود ادامه می دهم.

شالباف، شوقی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شوقی شالباف

محل تولد: کربلا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

اینجانب در دوران جنگ دفاع مقدس در دانشگاه بغداد، رشته ادبیات عربی تحصیل می‌کردم و به علت فشار بعثیان به شیعه و مومنان بنده به ایران اسلامی مهاجرت کردم (به خاطر اصلیه ایرانی). و بعد از مشرف شدن در جبهه حق علیه باطل و انتها عملیات جنگ در سال ۱۳۶۹ش به حوزه علمیه قم ملحق شدم و تا کنون ادامه تحصیل دادم. از سال ۱۳۷۰ش در زمینه تحقیق و مطالعات و بررسی آثار و کتابهای مذهبی، اجتماعی و فرهنگی مشغول بودم در مراکز تحقیقاتی مختلف از جمله موسسه انتشارات جامعه مدرسین، دارالعلوم القرآن، و در سال ۱۳۷۵ با مرکز تحقیقات مجمع تقریب مذاهب اسلامی - قم تاکنون همکاری دارم. در سال ۱۳۸۰ تاکنون به دفتر تبلیغات اسلامی ملحق شدم و در واحد فقه و حقوق و تصحیح متون و ویرایش مشغولیم. ده ها مقالات علمی، فقهی، اصولی، مذهبی و فرهنگی در مجلات مختلف منتشر شد و کتابهای عربی که تحقیق بنده است نیز منتشر شد. تاکنون به عنوان سر ویراستار و کارشناس پژوهش مرکز مطالعات و تحقیقات علمی مجمع تقریب مذاهب مشغولیم و تالیف کتاب در زمینه جهانی سازی که دو جلد خواهد شد مشغولیم.

شاملو فرهمند، سعید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۸، مرتبه علمی: استاد، رشته: روانشناسی درمانی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی روانشناسی از دانشگاه Dubugue آمریکا در سال ۱۳۳۴، کارشناسی ارشد و روانشناسی بالینی از دانشگاه جورج واشنگتن آمریکا در سال ۱۳۳۶، دکترای روانشناسی بالینی از دانشگاه واشنگتن آمریکا در سال ۱۳۳۹ و فوق تخصص روان درمانی از دانشگاه شیکاگو در سال ۱۳۴۰.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۴۲، استادیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۲ تا سال ۱۳۴۶، دانشیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۶ تا سال ۱۳۵۲ و استاد دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۲ تاکنون
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

عوارض روانی جنگ در رزمندگان ایران، بررسی بالینی شخصیت قبل از بیماری بیماران روانی، استفاده از رفتار درمانی و شناخت درمانی در بیماران جنگی در ایران و تدریس دروس روان‌درمانی، آسیب‌شناسی روانی، بهداشت روانی، روان‌شناسی بالینی در دانشگاه علوم پزشکی تهران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۹

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

بیماری‌های روانی، پیش‌گیری بیماری‌های روانی، روش‌های تشخیص و درمان، درمان بیماری‌های روانی به وسیله روان‌درمانی، دیدگاه‌های قدیم و جدید در روانشناسی شخصیت، بررسی مفاهیم و پژوهش‌ها و نظریه‌ها در شخصیت، تکنیک‌های جدید در روانکاوی، تاریخ تکامل روانشناسی در صد سال اخیر و جدیدترین روش‌های تشخیص با مصاحبه بالینی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۰۰، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

مسائل گوناگون روانشناسی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شاملو، ایرج

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد:- مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی عمومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شاملی، عباسعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عباسعلی شاملی

محل تولد: شهرضا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۷/۳

زندگینامه علمی

اینجانب دکتر عباسعلی شاملی در تاریخ ۳/۷/۱۳۳۹ و در دیار دانش، حکمت و عرفان، در شهرضای اصفهان پا به این کره‌ی خاکی نهادم و دارای سه فرزند هستم. من هم اکنون از اعضای هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سرّه الشریف) در گروه علوم تربیتی و جانشین مدیر این گروه می‌باشم. در سال تحصیلی ۵۶-۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه شهرضا (مدرسه علمیه

صاحب الزمان «عج» و سپس (پس از حدود یک سال) وارد حوزه علمیه قم (مدرسه منتظریه یا حقانی و مدرسه رسالت) شدم. تا سال ۱۳۷۱ در حوزه علمیه قم به تحصیل اشتغال داشتم. طی این مدت موفق شدم مقدمات، سطح مقدماتی، سطح عالی و هفت سال از درس خارج فقه و اصول حوزه را در این مهد دانش و اجتهاد پشت سر گذارم.

مقدمات و سطح مقدماتی را طی پنج سال در مدرسه علمیه رسالت که در آن هنگام همگام و هم برنامه مدرسه علمیه حقانی بود و توسط حضرت حجه الاسلام و المسلمین جناب آقای دشتی و کمک و مشاوره مرحوم شهید قدوسی (ره) مدیریت می شد، پشت سر گذاشتم. سطح عالی را به طور آزاد در حوزه علمیه قم گذرانده و در آن زمان از محضر اساتید گرانقدر حضرات آیات عظام اعتمادی (کتاب رسائل در اصول)، ستوده (کتاب مکاسب محرّمه و بیع)، پایانی (مکاسب بیع و خیارات)، اشتهاوردی (لمعه و مکاسب محرّمه)، مسعودی (لمعتین)، فاضل لنکرانی (دو جلد کفایه در اصول)، استادی (علم الحدیث و درایه، حلقات اول و دوم اصول الفقه شهید صدر (ره))، سید علی حائری (حلقات سوم اصول الفقه) بهره بردم.

در طول درس های خارج فقه و اصول از محضر اساتید و آیات عظام سید محمود هاشمی شاهرودی، سید کاظم حائری، مکارم شیرازی، میرزا جواد تبریزی، سبحانی و مظاهری اصفهانی و وحید خراسانی بهره جستیم. همزمان با دروس حوزه از سال ۱۳۵۸ در برنامه ویژه آموزشی مؤسسه در راه حق که با نظارت اساتید و آیات عظام مصباح یزدی، خرازی و مظاهری اصفهانی به هدف تربیت طلاب و فضیلهای حوزه علمیه قم در راستای پاسخگویی به نیازهای نوین انقلاب و دنیای اسلام راه اندازی شده بود، به تحصیل اشتغال داشتم. طی این دوران که تا سال ۱۳۷۰ به طول انجامید، دو معادل لیسانس فقه و حقوق اسلامی و مطالعات اسلامی را به ترتیب در سال های ۱۳۶۲ و ۱۳۷۰ از مؤسسه در راه حق و مرکز مدیریت حوزه علمیه قم اخذ کردم.

در راستای تکمیل تحصیلات نوین حوزوی در سال ۱۳۶۲ به بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) که دوره تکمیلی و تخصصی مؤسسه در راه حق بود، منتقل شده و در گروه روان شناسی به تکمیل تحصیلات پرداختم. پس از چهار سال (در سال ۱۳۶۵-۶۶) موفق به اخذ معادل فوق لیسانس روان شناسی با گرایش رشد شخصیت شدم (این مدرک بر اساس انجام پژوهش و نه پایان نامه، پس از گذراندن تمامی واحد های مورد نیاز در روان شناسی اخذ شد). پس از تکمیل این دوره در سال ۱۳۶۸ به همکاری در گروه روان شناسی دفتر همکاری حوزه و دانشگاه دعوت شدم که حاصل دو سال همکاری مشارکت در تألیف دو جلد روانشناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی (و چندین مقاله روان شناختی بود) که توسط سازمان سمت چاپ و منتشر شده است. کتاب نظریه های رشد شخصیت که حاصل دیگر این همکاری همراه با دوست دانشمند آقای دکتر ساجدی بود، هنوز به چاپ نرسیده است.

از سال ۱۳۷۱ مقارن با سال ۱۹۹۱ میلادی به صلاح دید و بر اساس هدایت و نظارت استاد بزرگوار حضرت آیه الله مصباح یزدی (و پس از تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی وقت) و توصیه ی مقام معظم رهبری و حمایت و همکاری صمیمانه رئیس جمهور محترم وقت آیه الله هاشمی رفسنجانی برای ادامه و تکمیل تحصیلات به دانشگاه مک گیل در کشور کانادا اعزام شدم. ورود به این دانشگاه در سال ۱۹۹۲ میلادی بود که پس از دو و نیم سال و در سال ۱۹۹۵ فوق لیسانس دیگری در رشته روان شناسی فلسفی اسلامی از موسسه مطالعات اسلامی گرفتم. پایان نامه این فوق لیسانس به بررسی مقایسه ای رابطه نفس و بدن در علم النفس فلسفی صدر المتألهین و ابن سینا (رهما) اختصاص یافت.

از این پس به دانشکده ی علوم تربیتی (Faculty of Education) در همین دانشگاه منتقل شده و پس از چهار سال (در سال ۱۹۹۹) در رشته فلسفه تعلیم و تربیت و با گرایش آموزش و پرورش فرهنگ و ارزش ها (Culture & Values in Education) با برجسته سازی دیدگاه علامه شهید آیه الله سید محمد باقر صدر (ره) در زمینه ی «شاخص های فرهنگ اسلامی توسعه و توسعه فرهنگی در یک جامعه اسلامی» موفق به اخذ درجه دکتری شدم. این پایان نامه به اتفاق نظر هیئت داوران کمیته دفاع ممتاز شناخته شد و درجه (Dean's honor list) را گرفت.

شایسته است گوشزد کنم که اعطای این امتیاز زمانی است که یک پایان نامه هم توسط استادان داور بیرونی (از دانشگاه های دیگر) و هم در قضاوت کمیته داخلی داوران ممتاز و برجسته تشخیص داده شود.

لازم به یاد آوری است که چون نظام تحصیل در بیشتر دانشگاه های آمریکا و کانادا آمیزه ای از ارائه پایان نامه و گذراندن کورس ها و ترم های درسی است، هر دانشجو پس از فوق لیسانس و دکتری دست کم بیست مقاله پژوهشی خواهد داشت. من نیز بنا به اقتضای روند تحصیلی خود در دانشگاه مک گیل، در دو دوره فوق لیسانس و دکتری خود موفق به نوشتن ۲۵ مقاله پژوهشی به زبان انگلیسی شدم. پس از بازگشت به ایران ضمن همکاری با مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در دو بخش آموزش و پژوهش تاکنون موفق به ارائه چندین مقاله علمی - پژوهشی شده ام که شماری از آنها در شماره های گوناگون مجله علمی تخصصی معرفت به چاپ رسیده است.

شانظری، جعفر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جعفر شانظری

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب جعفرشانظری فرزند محمد متولد ۱۳۳۶ عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان گروه الهیات پس از گذراندن مراحل تحصیل علوم جدید در سال ۱۳۴۹ بر اساس علاقه و اشتیاق خود، به حوزه علمیه اصفهان جهت تحصیل در علوم حوزوی وارد و در سال ۱۳۵۶ برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم مهاجرت نمودم. در سال ۱۳۶۰ دوره سطح حوزه را تمام و به سطح عالی (درس خارج فقه و اصول) شرکت کردم و به مدت ۱۶ سال درس خارج فقه و اصول را از محضر استادان گرامی حضرت آیات مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی، میرزا جواد تبریزی، وحید خراسانی کسب فیض نموده و در درس منطق، فلسفه، کلام و تفسیر نیز شرکت کرده و از محضر استادان انصاری شیرازی، جوادی آملی و حسن حسن زاده آملی بهرمنند شدم. در سال تحصیلی ۶۸ - ۱۳۶۷ در کنکور مرکز تربیت مدرس وابسته به دانشگاه قم جهت دوره کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی شرکت و پس از قبولی و پذیرش به تحصیل ادامه داده و در سال ۷۱ - ۷۰ پس از گذراندن واحدهای آموزشی و دفاع پایان نامه تحت عنوان «نفس در عرفان» فارغ التحصیل شدم. پس از آن برای ادامه تحصیل در دوره دکترای فلسفه و کلام اسلامی در امتحان دانشکده الهیات دانشگاه تهران به سال ۷۳ - ۱۳۷۲ شرکت و بعد از پذیرش دوره آموزشی را گذرانده سرانجام پس از امتحان جامع و دفاع پایان نامه تحت عنوان «تصحیح و تحقیق کتاب المبدء و المعاد ملا صدرا و مقایسه علمی با مبدء و معاد ابن سینا» در سال ۱۳۷۹ موفق به اخذ مدرک دکترا در رشته فلسفه و کلام اسلامی گردیدم.

شانه‌ساز شیرازی، احمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۳۰/۱۳۳۲ ق)، فقیه اصولی، حکیم، خطیب و ریاضیدان. به جهت شغل پدر به نام شانه‌ساز شهرت یافته بود. وی از بزرگان علمای امامیه در عصر خود و از راویان سید مهدی قزوینی حلی و از شاگردان میرزای شیرازی بود. سالها در محضر استاد در سامراء بود و سپس به شیراز بازگشت. پس از چندی از شیراز به نجف رفت و به تدریس و تعلیم پرداخت. وی در مدرسه‌ی قوام شیرازی تدریس می‌کرد، بویژه در تدریس «فصول» شهرتی بسیار داشت. آقا شیخ بزرگ تهرانی از شاگردان او بود. آیت‌الله مرعشی نجفی از وی روایت کرده است. وی در نجف درگذشت و در صحن علوی دفن شد. از آثارش: حاشیه بر «الفصول»؛ رساله‌ای در «اللباس المشکوک»؛ «اثبات سیاده الشریف».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۶۰۳/۲)، الذریعه (۲۹۴/۱۸، ۱۶۴/۶، ۱۶۶/۳)، ریحانه (۱۶۶/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۸۵)، معجم المؤلفین (۲۴۲/۱).

شاه آبادی، محمد علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم آقا شیخ محمد علی معروف به ادیب شاه آبادی عالم فقیه مجتهد اصولی، جامع معقول و منقول، در نزد پدر و برادر سابق الذکر خود تحصیل نموده، و به درس میرزا محمد حسن آشتیانی در طهران حاضر شده، و در نجف خدمت آخوند خراسانی، و حاج میرزا حسین خلیلی، و میرزا محمد تقی شیرازی، و میرزا هاشم رشتی و دیگران تحصیل نموده. در ۱۲۹۲ متولد، و در عصر پنجشنبه ۳ صفر سال ۱۳۶۹ در طهران وفات یافت.

کتاب زیر از تألیفات اوست:

۱- الانسان و الفطره ۲- الايمان و الرجعة ۳- حاشیه بر کفایه ی استادش ۴- القرآن و العتره ۵- مرام الاسلام ۶- منازل السالکین، در عرفان؛ و غیر اینها رسائلی در فقه و اصول و عقل و جهل و نبوت و غیره.

چون در اول ورود به طهران در محله شاه آباد ساکن شده به شاه آبادی شهرت یافته، و در مسجد جامع طهران امامت و تدریس می‌نمود.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

شاه بهاءالدوله رازی، حسن

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، طیب. از احفاد سید محمد نوربخش، پیشوای طریقه‌ی معروف نوربخشیه و خود از مشایخ این سلسله بوده و در شهر ری می‌زیست و در طب دست داشت. از تالیفات وی: «خلاصه التجارب» به فارسی که مجلدی بزرگ بود که در دارالکتب سلطان بایزید عثمانی موجود است. وی به سال ۹۰۸/۹۰۷ ق از تالیف آن فراغ یافت؛ «هدیه الخیر» شرحی در اربعین حدیث. در «هدیه العارفین» و به تبع آن در «ری باستان»، «خلاصه التجارب» به شاه قاسم نوربخش، پدر صاحب ترجمه که خلیفه و جانشین پدرش بود به اشتباه نسبت داده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۴۰۰)، الذریعه (۲۵/۲۰۷، ۲۱۸-۲۱۷/۷)، ری باستان (۲/۳۴۱)، هدیه العارفین (۱/۸۳۲).

شاه بیگ، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین شاه بیگ

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

همزمان با دروس کلاسیک دوره دبیرستان، دروس حوزوی را در مدرسه علمیه اشتهارد آغاز نمودم و با ورود به حوزه علمیه قم در سال ۱۳۶۰ در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی و تحت برنامه‌های درسی آن مدرسه قرار گرفتم. همزمان از دروس آزاد حوزه نیز بهره می‌جستم و از محضر حضرات: مدرس افغانی، طالقانی، حسین بوشهری، نظری، وجدانی فخر، اشتهاردی، اعتمادی، صالحی مازندرانی و ستوده دروس سطح حوزه را تلمذ نمودم.

از سال ۱۳۶۷ درس خارج فقه را نزد حضرت آیت الله العظمی میرزا هاشم آملی آغاز و سپس از دروس فقه آیات عظام تبریزی و جوادی آملی بهره‌مند گردیدم. یک دوره خارج اصول حضرت آیت الله تبریزی را طی ۱۱ سال به اتمام رسانده و از سال ۱۳۷۵ مجدداً دور دوم خارج اصول را در محضر حضرت آیت الله وحید خراسانی تا کنون تلمذ می‌نمایم. در کنار اشتغال به دروس اصلی حوزه، به مدت ۱۰ سال در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت کردم و در بخش فلسفه، منظومه مرحوم سبزواری را نزد حضرت آیت الله انصاری شیرازی و اسفار را نزد حضرت آیت الله حسن زاده آملی و مباحث عرفان علمی را نزد حضرت آیت الله ممدوحی سپری نمودم.

اما در بعد تعلیم علوم اسلامی، علاوه بر تدریس دروس سطح در حوزه علمیه قم، از طرف مدیریت حوزه علمیه قم به مدت دو سالی دروس سطح را در مدرسه علمیه امیرالمؤمنین تدریس نموده و همچنین مباحث فلسفه (بدایه)، مبانی حقوق بشر اسلامی و

مباحث کلامی را نیز در مرکز آموزش مبلغان خارج کشور با فضلاء غیر ایرانی داشته ام .
 امّا در بعد تحصیلات کلاسیک پس از پایان دوره کارشناسی حقوق قضایی از دانشگاه تهران ، دوره کارشناسی ارشد حقوق عمومی را نیز در این دانشگاه به اتمام رسانده و رساله ای تحت عنوان مقایسه تطبیقی آزادی عقیده از حقوق اسلام و ایران با اسناد بین المللی حقوق بشر ، تالیف و تحقیق نمودم . در کنار تألیف برخی از موضوعات علوم اسلامی که هنوز موفق به چاپ آنها نشده ام ، در تألیف ۷۰ عنوان جزوه های آموزشی برای مبلغان اعزامی به خارج از کشور مشارکت داشته و در قالب گروه علمی بخش پژوهش های سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در تحقیق و تألیف موضوعات مختلف شرکت داشتم و همزمان به عنوان استاد راهنما و یا مشاور در تحقیق بیش از ۳۰ پایان نامه فارغ التحصیلان مرکز آموزش تخصصی مبلغان خارج از کشور مشارکت نمودم .
 در ضمن ، دوره های مختلف زبان عمومی انگلیسی و دوره عالی زبان انگلیسی را نیز در مرکز مربوطه گذرانده ام .

شاه رکنی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۳ تیر ۱۳۲۳.

درگذشت: ۸ اسفند ۱۳۷۵.

سید احمد شاه رکنی فرزند سید عبدالحسین است. از آثار اوست: تئوری حمایت (دبلیو ام. کوردن، ۱۳۷۱). پیکر وی در بهشت زهرا در قطعه‌ی ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) مدفون است.
 برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

شاه عبدالعظیمی اصفهانی، محمد طاهر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ محمد طاهر بن العالم الجلیل الشیخ محمد کاظم اصفهانی دانشمندی جلیل و عالمی متبحر بوده. وی از اصفهان مهاجرت به نجف اشرف نموده بعد از آن که مقدمات علوم را در وطن خود خوانده و در نجف بدرس مرحوم آیت‌الله فاضل ایروانی و میرزا حبیب‌الله رشتی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی و غیر آنها حاضر شد و از آنان نائل به دریافت اجازه اجتهاد گردید به ایران بازگشت نموده و در شهر ری جوار حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام رحل اقامت افکند و بانجام وظائف دینی از تدریس و اقامه جماعت و نشر احکام اشتغال یافت و در ترویج دین و تعظیم شعائر شرع مبین اهتمام بسیار نمود و مورد توجه و اقبال مردم قرار گرفت و مرجعی بزرگوار گردید تا در سال (۱۳۱۰) قمری هزار و سیصد و ده وفات نمود.
 مرحوم والدش شیخ محمد کاظم نیز از علماء مبرز اصفهان و صاحب تألیفات و تصنیفات بوده است.
 برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

شاه عبدالعظیمی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقا شیخ حسن از علماء و فقهاء و اصولیین متبحرین زمان خود بوده اکثر تلمذش خدمت مرحوم علامه کبری آیت‌الله حاج سید حسین کوهکمری بوده و بسیاری از تقریرات او را هم نوشته که از آنهاست کتاب بزرگی در اصول فقه بنام (الذخیره) و با آن مقام علم و فقاہت حظی از ریاست و تدریس و حتی امامت جماعت نداشته و بعد از استادش در سال ۱۳۵۰ قمری تقریباً وفات نموده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

شاه عبدالعظیمی، محمدرضا

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۴ - ۱۳۰۴ ق)، عالم دینی و ادیب. از نوادگان میرزا جان، ملقب به میرزا هدایت حسینی شاه عبدالعظیمی بود. در نجف به دنیا آمد و در آنجا نشو و نما یافت و نزد پدر تحصیلات خود را شروع کرد. گذشته از پدر، در محضر علمای زمان خود مراتب علمی خویش را در علم و ادب کامل ساخت. او نه تنها در فقه و اصول که در ادبیات نیز تبحر داشت. وی نه ماه پس از پدر در گذشت و در صحن علوی دفن شد. از آثار وی: «الوللو المرتب فی اخبار البرامکه و آل المهلب»؛ «لولوه لولوه»؛ «ملهی الحیب»؛ «مصباح الداعی»، در ادعیه ماثوره و اذکار.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۸۴/۱۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۶۳-۷۶۲/۱۴).

شاه عبدالعظیمی، محمدعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۴ - ۱۲۵۸ ق)، عالم دینی، فقیه و زاهد. در شهر ری متولد شد، و در همان جا پرورش یافت. قسمتی از علوم مقدماتی را خواند و در سال ۱۲۷۲ ق به نجف سفر کرد و مقدمات و سطوح را کامل نمود. از محضر شیخ انصاری استفاده برد و سپس به درس فقه و اصول و حدیث و رجال آیت‌الله شیخ ملا علی خلیلی رفت و مدتی نیز در محضر آیت‌الله میرزای شیرازی در نجف حاضر شد. وی از آیت‌الله خلیلی، که پدرزنش بود، استفاده‌ها نمود تا به درجه‌ی اجتهاد رسید. پس از فوت استادش، آیت‌الله خلیلی، به سامراء رفت و باز به محضر آیت‌الله میرزای شیرازی رسید. آنگاه به نجف بازگشت و مورد توجه و اقتدای عموم مردم گشت. وی در حالی که از زیارت حرم سیدالشهداء (ع) باز می‌گشت، در طویرج در گذشت و در نجف در ایوان طلای علوی، جنب مقبره‌ی علامه

حلی به خاک سپرده شد. از جمله آثار وی: «الایقاد»؛ «الایقاظ»؛ «الاربعون حدیثاً»؛ «موعظه السالکین»؛ «الجوهرة»، منتخبات سه گانه از «الکافی» موسوم به «مستند الفقهاء» و از «التهذیب» موسوم به «اتمام المستند»؛ «حلیه الزائرین»؛ «حلیه المعاشرین»؛ «منتخب الخلاصه»، در رجال؛ «لب التفسیر»؛ «وجیزه» در فضائل ضیافت؛ «غرفه المعجزات»؛ «منتخب کتب الرجال الاربعه»، «رجال الطوسی» و «الفهرست للطوسی» و «رجال النجاشی» و «رجال الکشی». از او آثار خطی بسیاری نیز باقی مانده که می توان در «طبقات اعلام الشیعه» از آنها نشانی گرفت. [۱]

السید محمدعلی بن السید الجلیل السید میرزا محمد بن میرزا جان معروف به میرزا هدایه الله حسینی شاه عبدالعظیمی نجفی قدس الله سره فقیهی پرهیزکار و عالمی بزرگوار بود در ۱۷ جمادی الاولی هزار و دویست و پنجاه و هشت در زاویه مقدسه شهر ری متولد شده و در آنجا پرورش یافته و اولیات و قسمتی از علوم مقدماتی را خوانده و در سال ۱۲۷۲ قمری در سن ۱۴ سالگی مهاجرت به نجف اشرف نموده و سطوح را به پایان رسانیده و چند سالی از محضر مرحوم شیخنا الانصاری استفاده کرده آنگاه بدرس فقه و اصول آیت الله آقا شیخ علی خلیلی و آیت الله العظمی مجدد شیرازی حاضر شده و از این دو بزرگوار و بالاخص آیت الله خلیلی که ابوالزوجه و جد امی فرزندانش بود استفاده کامل نموده تا بدرجه سامیه علم و اجتهاد و اخلاق رسیده و پس از فوت استادش مهاجرت بسامری نموده و از محضر آیت الله مجدد شیرازی باز بهره مند شده آنگاه مراجعت به نجف نموده و شهرت بزرگی در علم و کمال و تقوی و مقامات معنوی و موثق در نزد عوام و خواص مردم گردیده و در صحن شریف علوی اقامه جماعت داشته و عموم مردم حتی محتاطین بوی اقتداء نموده و روش او را برنامه عملی خویش قرار می دهند و آن جناب در ظاهر و باطن از علماء ربانی و مروجین شریعه اسلامی و در زهد و اعراض از دنیا مافوق توصیف و تعریف و با این حال به تألیف و تصنیف اشتغال داشت تا در ماه رمضان ۱۳۳۴ قمری در حالی که از زیارت مخصوص حضرت سیدالشهداء علیه السلام برمی گشت در طویرج در منزل فرزندش مرحوم آیت الله سید محمدحسین که مرجع مردم طویرج بود از دنیا رفته و حمل به نجف و در ایوان طلای علوی علیه صلوات المصلین مدفون گردید.

استاد بزرگوارم حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی مد ظله می فرمود که آن بزرگوار دارای کمالات نفسانی و مقامات معنوی بود و ملائکه نقاله که مرده ها را از مکانی بمکان دیگر می بردند با چشم خود دیده و قصه های آن چنین بوده که ایشان حجره ای در صحن مطهر داشته که غالب شبها در آن بیتوته می نموده تا یکی از شبها مشغول عبادت بوده می بیند اشخاصی آمدند قبری در صحن نبش کرده و جنازه ای را بیرون آورده و بردند بعد فردای آنشب تحقیق میکند معلوم میشود یکنفر فاسق و ستمکاری بوده است. تألیفات بسیار ارزنده ای مطبوعا و مخطوطا دارد که در جزء چهارم اعلام الشیعه ص ۱۵۲۳ مذکور است.

دارای هفت فرزند عالم و دانشمند بزرگوار بنامهای زیر بوده است.

- ۱- آیت الله سید محمدحسین شاه عبدالعظیمی
- ۲- آیت الله سید محمد رضا شاه عبدالعظیمی.
- ۳- آیت الله سید محمدتقی شاه عبدالعظیمی
- ۴- آیت الله سید محمد کاظم شاه عبدالعظیمی
- ۵- آیت الله زین العابدین شاه عبدالعظیمی
- ۶- آیت الله سید محمدباقر شاه عبدالعظیمی
- ۷- آقای آقا سید احمد که اهل تقوا بوده است
- ۸- صبیبه تقیه که همسر آیت الله آقا سید مرتضی کشمیری بوده است و آن مرحوم دارای سه خواهر کریمه بوده که هر کدام همسر آیتی از آیات عظام روحانی بوده اند.

۱- همسر آیت‌الله حاج سید عزیزالله تهرانی

۲- همسر آیت‌الله آقا شیخ محمدباقر قمی

۳- همسر آیت‌الله آقا سید محمدحسین همدانی

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۵۱/۲۵، ۲۷۰/۲۳، ۴۴/۱۶، ۸۱/۷، ۲۹۲/۵، ۵۰۳/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۳۴ - ۱۵۳۱ / ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۶۲۷ - ۶۲۵ / ۴).

شاه‌آبادی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام والمسلمین آقا محمد بن علامه الکبری والایه العظمی میرزا محمدعلی الشاه‌آبادی از علماء مهذب و فضلاء مسلم و بسیار متدین و با ورع و کمال حوزه علمیه قم است دارای جمال ظاهری و معنوی است و در حدود سال ۱۳۳۹ قمری متولد شده و در محیط علم و تقوا تربیت یافته و مقدمات و ادبیات و سطوح را از مرحوم والد و علماء تهران فرا گرفته و در درس خارج معقول و منقول پدر شرکت کرده و از کمالات پدر استفاده‌ها نموده و چندین سال در مسجد جامع تهران در شبستانی که به نام والد اوست اقامه جماعت و ترویج دین نموده و ضمناً حوزه درس و بحث داشته و هم جلسات تفسیر برای مردم تهران یک مرتبه اعراض از این جهات نموده و مهاجرت به قم و مجاورت روضه فاطمیه علیهاسلام را بر اقامت و ریاست تهران ترجیح و سالهاست که در این شهرستان دینی رحل سکونت افکنده و از درس و بحث آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی اراکی و نماز معظمه استفاده می‌نمایند و هم مباحثات و تدریس فقهی و اصولی و غیره دارد. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

شاه‌آبادی، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۹ - ۱۲۹۲ ق)، عالم امامی، عارف، متکلم و فقیه اصولی. وی از اکابر علمای امامیه در عصر خود بود و حاوی فروع و اصول. در اصفهان متولد شد. ابتدا نزد پدر، که از اکابر شاگردان صاحب «جواهر» و مسلم الاجتهاد بود، به تحصیل پرداخت. سپس در اصفهان در حوزه‌ی درس برادر بزرگ خود آقا شیخ احمد مجتهد، معروف به حسین‌آبادی اصفهانی، که اجتهادش پیش از بلوغ مورد تصدیق بود، و هم در حوزه‌ی درس میرزا محمدهاشم چهارسوقی حاضر شد و به تکمیل مراتب علمیه خود پرداخت. سپس به تهران آمد و نزد حاج میرزا حسن آشتیانی تلمذ نمود. آنگاه به نجف رفت و در حوزه‌ی درس استدلالی آیات آخوند خراسانی و حاج میرزا حسین خلیلی و میرزا محمدتقی شیرازی شرکت کرد تا آنکه اجتهاد وی مورد تصدیق آن بزرگان قرار گرفت. وی علم معقول را از شیخ المتالهین میرزا هاشم رشتی فرا گرفت. از آنجا که در اول ورود به تهران در خیابان شاه‌آباد اقامت گزید، به این نام شهرت یافت. او در تهران در مسجد جامع، امامت و تدریس می‌نمود و در همین شهر نیز از دنیا رفت و در شهر ری در مقبره‌ی

ابوالفتوح رازی به خاک سپرده شد. از آثارش: «الانسان و الفطره»؛ «الایمان و الرجعه»؛ «القرآن و العتره»، همه در یک مجلد؛ حاشیه «کفایه» آخوند خراسانی، در اصول؛ «منازل السالکین»، در عرفان؛ «شذرات المعارف» و «مرام الاسلام»، در دو مجلد؛ «العقل و الجهل».[۱]

مرحوم حاج میرزا محمدعلی شاه‌آبادی از علماء و مراجع بزرگ و حکماء بنام معاصر تهران بوده و سالها در حوزه علمیه قم تدریس فلسفه و حکمت و فقه و اصول نموده است.

صاحب ریحانه الادب گوید: میرزا محمدعلی شاه‌آبادی بن میرزا محمد جواد مجتهد اصفهانی از اکابر علماء امامیه عصر حاضر ما و جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول بوده و در تهران در هر رشته تدریس فرموده و مورد استفاده افاضل و مرجع تقلید جمعی از شیعه بوده است.

وی در سال هزار و دویست و نود و دو قمری در اصفهان متولد و نخست از والد معظم خود که از اکابر تلامذه صاحب جواهر و مسلم الاجتهاد بوده بتحصیلات علمی پرداخته سپس در اصفهان در حوزه درس برادر بزرگ خود آقا شیخ احمد مجتهد معروف بحسین آبادی اصفهانی که اجتهادش پیش از بلوغ و کبر سن مصدق بوده و هم در حوزه آقای آیت‌الله حاج میرزا هاشم چهارسوقی حاضر و بتکمیل مراتب علمیه پرداخته پس در تهران نزد حاج میرزا حسن آشتیانی و میرزا هاشم گیلانی تلمذ نموده سپس در نجف حاضر حوزه درس استدلالی مرحوم آخوند خراسانی و حاج میرزا حسین خلیلی و میرزا محمد تقی شیرازی شده تا آن که اجتهاد و دارای قوه مستنبط بودن وی مورد تصدیق اکابر وقت گردیده و از نجف مراجعت به ایران و در تهران در خیابان شاه‌آباد ساکن و از این رو بشاه‌آبادی معروف گردیده و در سال ۱۳۴۷ به قم آمده و فضلاء و بعضی از اساتید امروزه حوزه نجف و مراجع عصر حاضر را از سرچشمه علوم و معارف خویش سیراب و بهره‌مند نموده تا در سال ۱۳۵۴ ق که به تهران مراجعت و بناء ترویج دین و تدریس فقه و اصول و فلسفه و معقول را گذارده و نیز مبانی علمی خود را برشته تحریر درآورده و در مسجد جامعه اقامه جماعت نموده تا در ۱۳۶۹ ق برحمت ایزدی پیوسته و با هزاران تجلیل در شهر ری در مقبره مرحوم ابوالفتوح رازی صاحب تفسیر معروف مدفون گردیده است.

(چنانچه نگارنده در تذکره المنابر خود یاد نموده‌ام)

از آثار اوست: ۱- الانسان و الفطره ۲- الایمان و الرجعه ۳- القرآن و العتره ۴- حاشیه کفایه ۵- مرام اسلامی ۶- منازل السالکین در عرفان و غیر اینها در فقه و اصول و عقل و جهل و نبوت و موضوعات دیگر.

از باقیات الصالحات ایشان است: فرزندان فاضل و برومند ایشان که در قم و تهران بوظائف دینی و روحی اشتغال دارند:

۱- مرحوم حجة الاسلام آقای آقا شیخ محمد جواد که در زمان ایشان در سنین جوانی وفات نموده و در شهر ری مقبره مذکور مدفون گردیده.

۲- حجة الاسلام والمسلمین آقای آقا محمد شاه‌آبادی که چندی در تهران بجای آن مرحوم اقامه جماعت ولی اکنون سالهاست که در قم بتحصیل و تدریس اشتغال دارند و ترجمه ایشان را در جلد دوم ص ۱۷۸ یاد نموده‌ام.

۳- حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ نصرالله که سالها در نجف اشتغال بتحصیل داشته ولی چند سالیست معاودت و در مسجد لاریجانی خیابان پانار اقامت می‌کنند.

۴- حجة الاسلام آقای حاج مهدی شاه‌آبادی که در تهران امامت دارند و سالها در قم تکمیل مبانی علمی و دینی نموده‌اند.

۵- حجة الاسلام آقای حاج شیخ روح‌الله شاه‌آبادی که سالها در نجف و کربلا بتحصیل فقه و اصول اشتغال داشته‌اند.

۶- حجة الاسلام آقای حاج نورالله شاه‌آبادی که بعد از تحصیلات بخدمات دینی در تهران اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار الحجه (۲۱۸- ۲۱۷/ ۱)، تذکره القبور (۱۱۹- ۱۱۸)، الذریعه (۵۹/۱۷)، ریحانه (۱۶۸- ۱۶۷/ ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳۷۱- ۱۳۷۰/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۸۵- ۴۸۳/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۱۷۴- ۱۷۳/ ۴)، معجم المؤلفین (۴۷/۱۱).

شاهچراغ، احمد

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد بن موسی بن جعفر . بقعه شاهچراغ. بقعه‌ای منسوب به احمد بن موسی بن جعفر در شیراز که تاشی خاتون مادر شاه ابواسحاق اینجو آن را در سال ۷۴۴ ه. ق. بنا کرد، و املاکی بر آن وقف نمود و امروز زیارتگاه است. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

شاهچراغ، سعید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید سعید شاهچراغ

محل تولد : دامغان

شهرت : شاهچراغی

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

اینجانب سید سعید شاهچراغی فرزند حجت الاسلام والمسلمین سید مسیح شاهچراغی در ۱۵ شهریور ۱۳۵۴ در دامغان به دنیا آمده و طی گذراندن دوران تحصیلی مقدماتی در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه دماوند شدم . بعد از سه سال به قم آمدم و دروس سطح را نزد اساتید بزرگوارى چون طهماسبی ، آیت الله اعتمادی ، حسینی بوشهری و ... گذراندم.. در درس خارج فقه آیات عظام جوادی آملی (۶ سال) میرزا جواد آقا تبریزی (۱ سال) و آیت الله مومن (سال) آیت الله مکارم شرکت نمودم و از درس خارج اصول آیت الله خاتمی (۶سال) و آیت الله وحید خراسانی استفاده نمودم. از فعالیتهای فرهنگی و پژوهشی اینجانب همکاری در تدوین دانشنامه مشاهیر و مفاخر دامغان که در سال ۱۳۸۴ توسط بنیاد ریحانه الرسول یزد در دو جلد چاپ شده و نگارش بیش از ۶۰ مطلب تاریخی منتشره در هفته نامه کویر ویژه استان سمنان را می توان اشاره نمود...

شاهچراغی، سید محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم حاج سید محمدحسین شاه‌چراغی شیرازی از علماء بزرگوار معاصر تهران بوده و در خیابان مولوی اقامت و در مسجد قمی‌ها واقع در اول خیابان سیروس اقامه نماز جماعت و ترویج دین و نشر احکام شرع مبین می‌نمودند.

ترجمه آن مرحوم چنانچه در کتاب مجمع السادات فی فضائل السادات نگاشته‌اند از این قرار است: سید محمدحسین موسوی شاه چراغی ابن العالم العلامه الفقیه المرحوم حاج سید علی نهاوندی و سبط حجة الاسلام و المسلمین زبده الفقهاء الراشدین الشیخ علی استرآبادی مشهور به شریعتمدار بن العلامه الشهیر حاج محمد جعفر استرآبادی که علماء عصر فتحعلی شاه قاجار صاحب تصانیف و تألیف بوده‌اند می‌باشد.

در سال ۱۳۲۰ ق در تهران متولد و یکسال و نیم پس از ولادت مادرش از دنیا رفته و در حجر والد ماجدش تربیت یافته و پس از تحصیل مقدمات اشتغال به سطوح فقه و اصول داشته تا در سال ۱۳۴۰ ق که والد ماجدش وفات نموده به قم مشرف و از محضر آیات آنجا استفاده نموده و پس از تکمیل اجازات به تهران مراجعت و بحال انزوال و اعتزال از مردم به مصداق (کونوا اجلاس بیوتکم) عبادت و تألیف کتب مشغول گردیده تا در سال ۱۳۸۷ ق که بدرود حیات گفتند.

نگارنده گوید: مرحوم شاه چراغی دارای تألیفات و آثار چندیست که از آنها مجمع السعادات یا فضائل السادات بهمت و دقت فرزندش مرحوم ثقة الاسلام آقا سید علی شاه چراغی بطبع رسیده است و از مفاخر آن بزرگوار است که داماد ارجمندی چون حجة الاسلام والمسلمین علامه منتبج حاج سید احمد روضاتی دارد که ترجمه‌اش در سابق گذشت. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

شاهچراغی، غلامحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ارتوپدی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شاهرودی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ عباسعلی شاهرودی از علماء اعلام و آیات عظام و مدرسین فخام حوزه علمیه قم بوده‌اند که در سادگی و تواضع و محامد آداب و محاسن اخلاق و زهد و مناعت طبع و ملکات فاضله کم‌نظیر بوده‌اند و به این صفات حمیده مخصوصا متانت افعال و تعفف مشهور دانشمندان و معروف بین مردم قم بوده است.

در سال ۱۳۲۰ قمری در شاهرود متولد و مقدمات و ادبیات را در آنجا خوانده آنگاه به مشهد مشرف و سطوح عالی را از مدرسین ارض اقدس فراگرفته و در سال ۱۳۴۱ قمری مهاجرت به قم و در درس مرحوم آیت‌الله حایری شرکت و ضمنا تدریس سطوح عالی نموده و بعد از فوت آن مرحوم به تدریس خارج فقه و اصول در مدرسه فیضیه پرداخته و در مسجد حاج محمدجعفر واقع در بازار

قم اقامه جماعت نموده تا ۲۳ ماه رمضان سال ۱۳۸۳ قمری که بدرود حیات گفته و در مجاورت روضه حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام در قبرستان شیخان مقبره خصوصی مدفون گردیده است.

تالیفات مطبوع ایشان از این قرار است:

۱- حاشیه بر کفایه که در نجف طبع شده ۲- حاشیه بر وسیله آیت‌الله اصفهانی ۳- برهان الشیعه در اثبات رجعت ۴- تقریرات اصول ایشان ۵- بحث اجتهاد و تقلید.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

شاهرودی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۰ - ۱۲۸۱ ق)، عالم دینی و فقیه. وی خراسانی‌الاصل بود. پدرش ملا محمدعلی شاهرودی (م ۱۲۹۳ ق) از جمله شاگردان سید ابراهیم قزوینی، صاحب «ضوابط» بود. شیخ احمد در دامان پدر پرورش یافت. مقدمات را در شاهرود گذراند و برای تکمیل تحصیلات، به همراه برادرش، آقا شیخ حسن، به مشهد رفت و پس از بهره‌گیری از استادان آنجا در ۱۳۴۶ ق به عتبات رفت و پس از حضور در محضر درس و بحث حاج میرزا حبیب‌الله رشتی و آخوند ملا-محمد کاظم خراسانی به وطن بازگشت و به انجام وظایف و خدمات دینی در شهر شاهرود مشغول گشت و مرجع خاص و عام شد. آیت‌الله سید شهاب‌الدین نجفی مرعشی از وی روایت کرده است. از جمله شاگردان وی آیت‌الله حاج سید محسن اشرفی است. از آثار وی: «الحق المبین»، در رد بایبه؛ «مراه العارفين»؛ «ازاله الاوهام»، در جواب «ینایع الاسلام»؛ «ایقاظ النائین»، در رد بایبه؛ «تنبيه الغافلین»؛ «مدینه الاسلام»؛ «روح التمدن»؛ «راهنمای دین»؛ «تفسیر»ی ناتمام در رد بعض کلمات شیخ طنطاوی. [۱]

شیخ احمد که در سال ۱۲۸۱ قمری (سال فوت علامه شیخ مرتضی انصاری) در شاهرود به دنیا آمده و در ۱۵ محرم ۱۳۵۰ قمری وفات نموده است.

این عالم جلیل‌القدر در دامان پدر عالم‌مقدارش پرورش یافته و فضائل نفسانی و کمالات اخلاقی را از وی آموخت. دوران تحصیلات مقدماتی را در شاهرود گذراند و برای تکمیل تحصیلات خود با برادر بزرگوارش مرحوم آقا شیخ حسن به مشهد رفته و در آنجا نزد اساتید فن سطوح را تکمیل نموده.

سپس به نجف اشرف مهاجرت و از محضر و بحث مرحوم علامه بزرگ آیت‌الله حاج میرزا حبیب‌الله رشتی و بعداً آخوند ملا محمدکاظم خراسانی استفاده نموده و در مدتی کوتاه از میرزین شاگردان ایشان شناخته شده و مشار بالبنان گردید تا بعد از مدتی به ایران مراجعت و در شاهرود حوزه درسی برقرار کرده و شاگردانی مانند آیت‌الله حاج سید محسن اشرفی و دیگران را تربیت نمود.

معظم له در اصول ید طولانی داشت و فقهی متبحر بود و تألیفات زیادی در هر یک از مباحث فقه و اصول از ایشان باقی مانده که هنوز طبع نرسیده و کتابهایی در رد ادیان باطله مانند بهائیت و مسیحیت تألیف فرموده‌اند که از آنهاست.

۱- حق‌المبین در رد باییت و بهائیت که کتابی است جامع و استدلالی و در سال ۱۳۳۴ ق طبع رسیده.

۲- ازاله‌الاهام رد یکی از فضلاء نصاری که کتابی بنام (ینایع اسلام) در رد اسلام نوشته.

۳- راهنمای دین که با دلائلی متقن تار و پود بهائیت را بر باد داده است.

۴- مدینه‌الاسلام که در آن اثبات نموده که روح مدنیت را باید در تمدن اسلامی جستجو کنیم.

از باقیات الصالحات آن بزرگوار فرزند ارجمند او جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عبدالله مهدوی شاهرودی مقیم تهران می‌باشد که ترجمه‌اش در جلد چهارم گذشت و حفید گرامی او دانشمند گرانقدر و دوست عزیز ما جناب آقای آقا دکتر شیخ محمد شریف مهدوی که گذشته از مقامات علوم دینی واجد علوم روز و مخصوصاً استاد در زبان انگلیسی و عربی می‌باشند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان الشیعه (۱۳۶/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۱۱۵)، علماء معاصرین (۳۸۷)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۵۸) - ۳۵۷، ۳۵۴، ۵/ (۴۱۰- ۴۰۹/۱).

شاهرودی، جعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج سید جعفر شاهرودی از علماء اعلام تهران بوده‌اند.

وی در شاهرود متولد شده و پس از خواندن مقدمات به مشهد مقدس رفته و مقداری سطوح را در آنجا خوانده و از آنجا در سال ۱۳۴۱ ق به قم مهاجرت نموده و سالها از محضر عالم ربانی مرحوم حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی و مرحوم آیت الله العظمی حایری و اساتید دیگر حوزه قم استفاده نموده آنگاه به نجف اشرف عزیمت کرده و چندین سال از درس و بحث مرحوم آیت الله العظمی نائینی و آیت الله عراقی و آیت الله العظمی آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نموده تا بمدارج علم و اجتهاد رسیده و صاحب رای و فتوا گردیده و در سال ۱۳۶۴ ق مراجعت و چند ماهی در شهر ری توقف آنگاه به تهران منتقل و بنابر اصرار و تقاضای مردم سلسبیل تهران رحل اقامت بدانجا انداخته و بخدمات دینی و روحانی و اقامه جماعت در مسجد خیابان شیر و خورشید و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلامی مشغول گردیده تا در ماه ربیع الاول ۱۳۹۳ ق که دعوت حق را اجابت گفته و جنازه‌اش با تجلیل فراوان حمل به قم و در قبرستان شیخان مدفون گردیده است.

نگارنده گوید: آن مرحوم از دانشمندان و مراجعی بود که بزور علم و حلم آراسته و دارای معنویت و صفاء قلب و تزکیه نفس و بر کنار از تظاهرات و هواهای نفسانی بوده است.

خواب و مکاشفه آن مرحوم

برای این نویسنده فرمودند در اوقاتی که در شاهرود تحصیل می‌کردم شبی حضرت ولی عصر عجل الله فرجه الشریف را در خواب دیدم که در صحرائی تشریف دارند و شیخ بزرگوار در کنار آن حضرت ایستاده است که مورد لطف و توجه مخصوص آن بزرگوار است قیافه او را در خاطر سپردم و چون از خواب بیدار شدم برای این که او را پیدا کنم به مشهد مقدس رفته و چند سالی توقف و جستجوی آن شخص را نمودم او را در مشهد نیافتم پس به قم آمده و در تکاپوی او گردیدم تا روزی در مدرسه فیضیه آمده و لب ایوان یکی از حجرات نشستم و دیدم بعضی از آقایان طلاب به آن حجره می‌روند متوجه شدم که در اینجا جلسه درس است نگاه کردم بینم مدرس کیست دیدم آقائی که درس می‌گوید و درسش مفاتیح فیض است قیافه‌اش بنظم آشناست چون دقت کردم فهمیدم این همان شخصی است که در خواب در کنار حضرت ولی عصر عجل الله فرجه دیده بودم پرسیدم این آقا کیست گفتند عالم ربانی آقای حاج میرزا جواد آقای ملکی تبریزیست پس خدمتش رسیدم و تا مرا دیدند گویا مدتها آشنائی داشته‌اند مرا با خود بمنزل برده و از وجود ذیجود و بیاناتش استفاده کامل نمودم تا شبی در عالم رویا و مکاشفه دیدم درهای آسمان برایم باز تا

در ظل عرش و آقای حاج میرزا جواد آقا در آنجا بمناجات و قنوت می‌باشند و من از قرب او در تعجب بودم که ناگاه از صدای درب منزل متنبه شده و برخاستم و آمدم در را گشودم دیدم یکی از دوستانست در حال گریه گفت بیا که آقا از دنیا رفت. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

شاهرودی، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید عباس بن السید علی موسوی شاهرودی مشهدی از اجلاء علماء خراسان است.

وی در شاهرود متولد شده و پس از پرورش و خواندن مقدمات و ادبیات به تهران آمده و از محضر مدرسین بزرگ تهران چون مرحوم میرزا ابوالحسن جلوه متوفی سال ۱۳۱۴ قمری در فلسفه و آیت‌الله العظمی میرزا محمدحسن آشتیانی در فقه و اصول و عده دیگری استفاده نموده تا به مقام بلندی در معقول و منقول رسیده و متصدی امر تدریس گردیده و بسیاری از علماء و فضلاء خراسان و مشهد از درس و محضرش استفاده نمودند.

او از تهران منتقل به مشهد مقدس گردیده و مورد توجه اهل فضل واقع شده و در جامعه گوهرشاد اقامه جماعت نموده و به واسطه زهد و ورع و تقوای او نمازش پرجمعیت‌ترین نمازهای آنجا گردید.

از خصایص وی دوام ذکر و کثرت قرائت قرآن بود و جز تدریس و افاده و وعظ و عبادت خود را به چیزی مشغول نمی‌کرد در سال ۱۳۴۱ قمری مشرف به عتبات عالیات شده و در مراجعت در هشتم ماه شوال همان سال از دنیا رفته و در دارالسیاده در بقعه علماء مدفون گردیده است.

از آثار اوست رساله‌ای در کلی از بحث جلوه که در سال ۱۳۰۷ قمری از تحریر آن فارغ شده است.

و نیز رسائل دیگری از تقریرات و دراسات استادش میرزا جلوه.

(وف ۱۳۴۱ ق)، عالم دینی و فقیه. در شاهرود متولد شد و پس از پرورش و خواندن مقدمات و ادبیات به تهران آمد و از محضر مدرسین بزرگ تهران چون میرزا ابوالحسن جلوه در فلسفه، و آیت‌الله میرزا محمدحسن آشتیانی در فقه و اصول، و عده‌ای دیگر استفاده نمود، تا به مقام بلندی در معقول و منقول رسید و متصدی امر تدریس شد. بسیاری از علماء و فضلاء خراسان و مشهد از درس و محضرش استفاده نمود. وی از تهران به مشهد رضوی رفت و مدتی در مسجد گوهرشاد اقامه‌ی نماز جماعت کرد. در ۱۳۴۱ ق به عتبات عالیات رفت و در مراجعت به مشهد، در همان سال، از دنیا رفت و در دارالسیاده در بقعه‌ی علماء مدفون شد. وی رسائلی از «تقریرات» و درسه‌ای استادش: میرزا ابوالحسن جلوه، را نگاشته بود، و رساله‌ای در «کلی» از بحث جلوه. رساله‌ی «نسبه ارتفاع اعظم الجبال الی قطر الارض» شیخ بهایی به خط شاهرودی موجود است. [۱]

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۰۵ / ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۶۴-۳۶۳ / ۵)، منتخب التواریخ (۶۲۶).

شاهرودی، محمدعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۹۳ ق)، فقیه، مفسر، عالم و زاهد. در اصفهان به تحصیل اشتغال ورزید و فلسفه کلام را در آنجا فراگرفت. پس از آن برای ادامه‌ی تحصیلات به عتبات رفت و در بحث صاحب «ضوابط» حاضر گشت. او نه تنها در فقه و اصول بلکه در فلسفه و حکمت و کلام و حدیث و عرفان نیز متبحر بود و بیشتر ایام زندگی خویش را به تکمیل نفس و ریاضت گذراند. از وی در حدود پنجاه اثر در فقه و اصول و حدیث و کلام و دعا و زیارت به جای مانده است که از آن جمله: «نور الانوار» که تفسیری فارسی است؛ «لمعات الانوار»؛ کتاب «القضاء»؛ کتاب «الرد علی الاخباریه»؛ کتابی بزرگ در «دعاء»؛ «عصاره الفقاهه فی المهمات الفقهیه»؛ «البوارق الحیدریه فی احوال الائمة»؛ شرح رساله‌ی «السير و السلوک» محقق طوسی. [۱]

والد عالیقدر آن مرحوم علامه محقق جامع المعقول والمنقول آیت‌الله ملا محمدعلی قدس سره معاصر شیخ انصاری بود. این عالم جلیل ابتداء در اصفهان به تحصیل اشتغال داشت و فلسفه و کلام را در آنجا فراگرفت و پس از آن برای ادامه تحصیلات به عتبات عالیات مشرف شد و در بحث صاحب ضوابط حاضر گشت.

معظم له نه تنها در فقه و اصول متبحر بود بلکه در فلسفه و حکمت و کلام و حدیث و عرفان اطلاعات وسیعی داشت که تألیفات ایشان در هر یک از این علوم از مایه علمی این علامه بزرگوار حکایت دارد.

در دعاء و زیارت نیز تألیفات نفیسی دارد.

و نظر به ارادت کم‌نظیری که به ساحت مقدس مولا- امیرالمؤمنین (ع) و زیارت آن حضرت داشت غالب از ایام عمر خود را در نجف اشرف می‌گذراند و به عبادت و ریاضت و تکمیل نفس مشغول بود ادب و احتراماتی را که نسبت به آن حضرت انجام می‌داد از کمتر کسی مشهود شده است.

او مدتها در جوار مولایش زندگی کرد تا به استدعاء اهالی شاهرود و اصرار مراجع بزرگ مانند مرحوم آیت‌الله العظمی آقای حاج میرزا حسن شیرازی قدس سره به شاهرود مراجعت نمود.

ولی با قلبی سوزان و چشمی گریان از مفارقت مولایش و پس از ورود به شاهرود زندگی او به پایان رسید و بعد از چهل روز در سال ۱۲۹۳ قمری درگذشت.

از این بزرگوار سه فرزند برومند باقی ماند که هر یک به نوبه خود ستاره درخشانی در علم و عمل بودند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان الشیعه (۴۲۷/۹)، الذریعه (۳۵۹/۲۴، ۳۴۴/۱۸، ۱۳۷/۱۷، ۲۷۱/۱۵، ۱۸۳/۱۰، ۱۵۳/۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۵۶/۵).

شاهرودی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمود بن السید علی بن السید عبدالله حسینی شاهرودی اعلی‌الله مقامه یکی از مشاهیر مراجع تقلید معاصر ما و مفاخر بزرگ شهرستان شاهرود بودند این فقیه سعید در سال ۱۳۰۱ قمری در یکی از قراء و مضافات شاهرود بنام قریه (آقا عبدالله) در یک خانواده پاک و فضیلت به دنیا آمده و دروس ابتدائی و مقدمات علوم دینی و سطوح عالی اسلامی را در شهر بسطام که در آنروز حوزه قابل ملاحظه‌ای داشت فراگرفت.

و در سال ۱۳۲۸ قمری برای ادامه تحصیلات عالی به حوزه علمیه رهسپار شده یک سالی از محضر مرحوم علامه آخوند خراسانی صاحب کفایه و مرحوم آیت‌الله محقق نائینی کسب فیض و علم نموده و به زودی در ردیف علماء و مراجع بزرگ قرار گرفت. نسب شریف آن بزرگوار به حضرت زید بن علی بن الحسین شهید منتهی می‌شود و جد گرامیش آقا سید عبدالله از علماء موجه و جلیل‌القدر حومه شاهرود و مبلغ سیار آن منطقه بوده که برای ترویج دین و ارشاد مردم به قراء مجاور مسافرت نموده و ارشاد مردم می‌کرد و به زهد و تقوا و صلاح و سداد معروف به کرامت و به مقامات عالیه موصوف بود.

والد مبرورش مرحوم سید علی حسینی از کشاورزان صالح و پرهیزکار و دارای پنج فرزند ذکور بنامهای زیر بوده است.

۱- آیت‌الله آقا سید محمود (مترجم معظم ما)

۲- آقا سید صادق که به جود و سخاوت معروف آن منطقه بود

۳- آقا سید عباس

۴- آقا سید حسین

۵- آقا سید حسن

در میان فرزندان مرحوم آقا سید علی تنها آقا سید محمود فارس میدان علم و فضائل و قهرمان قدس و ورع و زهد و تقوا گردید تا به ذروه علیای آیت‌اللهی رسید.

آیت‌الله شاهرودی در اوان کودکی پدر را از دست داد ولی با تشویق والده ماجده‌اش و میل ذاتی خود اولیات را در قریه (آقا عبدالله) زادگاه خود خوانده و بعد به شهر بسطام که آن روز حوزه علمیه‌اش دایر بود آمده و مقدمات و سطوح را خوانده و از آنجا به مشهد مقدس عزیمت نموده و سطوح عالی را به پایان رسانیده و خود در آنجا به تدریس (کفایه‌الاصول) پرداخته.

و در سال ۱۳۲۸ قمری برای وصول به مقامات عالیه و تحکیم مبانی علمی خود به عزم نجف اشرف به زادگاه خود آمده و با کسب اجازه از والده کریمه‌اش در سن ۲۷ سالگی مهاجرت به عراق و به باب مدینه علم رحل اقامت افکنده و به درس مرحوم آیت‌الله العظمی آخوند ملا کاظم خراسانی حاضر و مدت ۱۸ ماه از آن منبع علم استفاده نموده.

و بعد به درس مرحوم آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله محقق آقا میرزا حسین نائینی شرکت نموده و بیشتر به مرحوم نائینی اختصاص یافته و تقریرات هر دو را در فقه و اصول به رشته تحریر آورده.

و ضمناً خود حوزه تدریس رسائل و مکاسب و کفایه دایر و جمع کثیری از فضلاء و محصلین از درسش بهره‌مند تا اواخر مرحوم استادش نائینی که تشکیل درس خارج داده و حدود پنجاه سال تدریس خارج فقه و اصول نموده و هر کدام را چند دوره فرموده تا شهرت علم و ورعش به گوش شیعیان جهان رسیده.

بعد از فوت مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی بسیاری از مردم ایران و بلاد دیگر رجوع به معظم له نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی اکثر مردم خراسان و مازندران و قاطبه مردم شاهرود و دامغان و کثیری از خواص مردم تهران و افغانستان و مناطق عربی مقلد ایشان گردیدند.

تا در ۱۸ ماه شعبان ۱۳۹۴ قمری که در سن ۹۳ سالگی در اثر ناراحتیها و اهانتهائی که از طرف دولت شوم بعث عراق به آن مجسمه علم و تقوا و پیکره زهد و ورع رسید از دنیا رفت و جهان شیعه را به مرگ و سوک خود قرین ماتم و عزا نمود. خدمات و آثار خالده آیت‌الله شاهرودی.

خدمات مغفور له به حوزه علمیه هزار ساله نجف اشرف و سایر حوزه‌های خراسان و شاهرود و... از دادن راتبه و شهریه و تقویتهای دیگر بسیار شمه‌ای از آن را استاد اشکوری در کتاب (حیاء امام الشاهرودی) مذکور داشته است.

و اما آثار خالده آنجناب بر دو قسم است.

- ۱- تألیفات رشیده در فقه و اصول بدین طریق.
- ۱- تقریرات بحث آیت‌الله الشیخ ضیاءالدین عراقی.
- ۲- تقریرات بحث آیت‌الله میرزا حسین نائینی در اصول.
- ۳- تقریرات بحث آیت‌الله میرزا حسین نائینی در فقه.
- ۴- کتاب طهاره ۵- رساله تیمم ۶- رساله وضوء ۷- رساله‌ای در وقت.
- ۸- رساله در لباس مصلی ۹- رساله در قواطع نماز ۱۰- رساله در صلوة مسافر.
- ۱۱- کتاب خمس ۱۲- کتاب الحج ۱۳- رساله‌ای در مواریث ۱۴- کتابی در زکاه ۱۵- تعریف علم اصول فقه ۱۶- کتاب قضاء ۱۷- رساله‌ای در ضمان ۱۸- رساله‌ای در قطع ۱۹- رساله‌ای در قاعده ید ۲۰- رساله‌ای در قاعده لاضرر ۲۱- کتاب رجال ۲۲- کتاب فی النحو.

و حواشی دیگری بر کتب علمیه و رسائل علمیه عروه الوثقی و وسیله النجاء و غیره.

و اما قسم دوم از آثار خالده و باقیات الصالحات معظم له سه فرزند دانشمند و برومند ایشانست.

(۱۳۹۴ - ۱۳۰۱ ق)، مخرج تقلید شیعه و فقیه اصولی. در آقا عبدالله از دهات شاهرود به دنیا آمد. در اوان کودکی پدر را از دست داد ولی با تشویق مادرش به تحصیل روی آورد. دروس ابتدایی و مقدمات علوم دینی و سطوح عالی را در شهر بسطام فراگرفت. سپس به مشهد رفت و سطوح عالی را در آنجا آموخت و خود را به تدریس «کفایه» پرداخت. در ۱۳۲۸ ق برای تکمیل تحصیلات عالی به حوزه علمیه نجف رهسپار شد و از محضر علامه آخوند خراسانی، صاحب «کفایه» کسب فیض کرد. پس از آن در درس آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله محقق نائینی شرکت نمود و بیشتر به آیت‌الله نائینی اختصاص یافت و «تقریرات» هر دو را در فقه و اصول به رشته‌ی تحریر درآورد. ضمناً خود نیز حوزه‌ی تدریس «رسائل» و «مکاسب» و «کفایه» دایر کرد و جمع کثیری از فضلا و محصلین از درسش بهره‌مند شدند. پس از درگذشت آیت‌الله اصفهانی، بسیاری از مردم ایران و شهرهای دیگر و پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی، اکثر مردم خراسان و مازندران و شاهرود و دیگر شهرها مقلد ایشان شدند. از آثارش: «تقریرات» آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی؛ «تقریرات» بحث آیت‌الله میرزا حسین نائینی، در اصول و فقه؛ کتاب «طهاره»؛ رساله‌ی «تیمم»؛ رساله‌ی «وضوء»؛ رساله‌ای در «وقت»؛ رساله‌ای در «قواطع نماز»؛ کتاب «الحج» کتاب «خمس»؛ کتابی در «زکاه»؛ کتاب «قضاء»؛ تعریف علم اصول فقه؛ کتاب «رجال»؛ کتابی در «نحو»؛ رساله‌ای در «قاعده لاضرر»؛ رساله‌ای در «مواریث»؛ رساله‌ای در «قاعده‌ی ید»؛ رساله‌ای در «قطع»؛ «جامع المقاصد»؛ «ذخیره المومنین»؛ رساله‌ی «توضیح المسائل». [۱]

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۳۶۹-۳۶۴/۵)، مؤلفین کتب چاپی (۴۱-۴۰/۶)، مستدرکات اعیان (۲۱۹/۱).

شاهرودی، یوسف

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ یوسف بیارجمندی شاهرودی از مراجع و اساتید و مدرسین بزرگ معاصر کربلا می‌باشند.

ولادت آن بزرگوار حدود ۱۳۱۲ قمری در یکی از مضافات شاهرود واقع شده و پس از پرورش و خواندن اولیات و مقدمات و سطوح در شاهرود و مشهد مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر اعظم نجف چون مرحوم آیت‌الله العظمی نائینی و آیت‌الله

آقا ضیاءالدین عراقی و مراجع دیگر استفاده و بعداً منتقل به کربلا و در جوار حضرت ابی‌عبدالله‌الحسین (ع) رحل اقامت افکنده و در صحن مطهر به اقامه جماعت و تدریس خارج فقه و اصول پراخته تا سال ۱۳۹۱ قمری که به حکم اجبار و اکراه به ایران و چندی در قم توقف سپس به مشهد مقدس رضوی عزیمت و بنابر اصرار فضلاء و علما آن سامان رحل اقامت افکنده و به تدریس خارج و اقامه جماعت در جامعه گوهرشاد اشتغال یافته است.

فرزند ارجمندش حجة‌الاسلام و عمادالاعلام حاج شیخ محمد شاهرودی حایری از افاضل معاصر کربلا می‌باشند. ولادت و پرورش ایشان در کربلا و تحصیلاتش نیز در آنجا در خدمت والد ماجدش و علماء دیگر بوده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

شاهزیدی، غلامحسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

معروف به (شاه زیدی) از علماء و مقدسین و فقهاء و متدینین شهر قم بود که در نوشتن مکاتبات و قباله‌های شرعیه ربطی عظیم داشت. در مسجد واقع در صحن شاهزاده زید به جماعت نماز می‌گذاشت و نیز در آنجا برای تحریرات خود حجره‌ای داشت مسائلی از مرحوم آیت‌الله آقای سید کاظم یزدی صاحب عروة‌الوثقی پرسش نموده و آن را رساله‌ای کرده و به طبع رسانیده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

شاهکلی، شاپور

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد ۱۳۱۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیهوشی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی بیهوشی و رانیماسیون از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۵۱، اخذ سرتی فیکیت به عنوان اتمام دوره‌های علمی و عملی مربوط به بیهوشی از بافالو آمریکا در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علوم پزشکی تبریز از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۶۴، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تبریز از سال ۱۳۶۴.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

احیاء نوزادان، بررسی عوامل مؤثر در بروز ورم حنجره بعد از لوله‌گذاری، زایمان بی‌درد با تکنیک اپیدورال، مانی‌تورنیگ دستگاه قلب و عروق و تنفس در بیهوشی، بررسی خواص و اثرات داروهای بیحسی موضعی، بیهوشی و پرسنل اطاق عمل، بیهوشی در سالمندان و تدریس دروس مربوط به بیهوشی در دانشکده پزشکی تبریز.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:

بیهوشی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳
زمینه علمی مقالات:

اثرات و عوارض متوقف کننده‌های NAO، ایزوپروتانول و برونکواسپاسم، سدیم نیتروپروساید و اثرات آن، سقوط حاد فشار خون توام با هیپوکاسمر، اثرات هیدریشن و دهیدریشن روی کلیه‌ها، پلاسما گلوکز به عنوان ماتی تورینگ. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شاهمرادی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

درگذشت: ۱۳۷۴.

از آثار اوست: طبقه‌بندی، بیولوژی و مبارزه با تک‌یاخته‌های انگلی (مؤلف جی. پی. کرایر، جی. ر. بیکر؛ تهران ۱۳۷۵)؛ کلیات انگل‌شناسی پزشکی (تهران، ۱۳۷۳)؛ مقدمات انگل‌شناسی پزشکی (تهران، ۱۳۶۸). برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

شاهین، داریوش

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شادروان داریوش شاهین یکی از دین پژوهان متجدد و امروزمین و راسخ در عقیده و علم و ایمان بود. در سال ۱۳۷۶ این بنده در گرماگرم تدوین دانشنامه ی قرآن و قرآن پژوهی بودم که با وزیدن نفحات توفیق رحمانی، در سال ۱۳۷۷ از سوی نشر دوستان در ۲ جلد، مشتمل بر ۳۶۰۰ مقاله از جمله بالغ بر نزدیک به ۸۰۰ زندگینامه ی قرآن پژوهان از قاری و مقری و مفسر و خوشنویس و غیره منتشر شد. با بنده ۱۶-۱۷ مولف جوان همکاری می کردند که اگر یاری الهی به صورت یاری بندگان پاکدلش در نمی آمد، تدوین و جمع و نشر آن مرجع مشکل گشا ممکن نبود. یکی از مشکل گشاییهای ساده ی این مرجع کوتاه اما جوابگو این بود که شرح حال خود نوشت دست کم دویست تن از مترجمان و مفسران و سایر قرآن پژوهان را در برداشت. به یادم هست که دو سه بار به منزل آقای داریوش شاهین تلفن زدم که لطف کنند و زندگینامه ی خود نوشتی برای درج در آن دانشنامه بنویسند، بی علاقگی و اکراه از لحنش آشکار بود. زیرا در سالها شاید دهه ها پیش که من بچه بودم، روزی در پشت ویتترین کتابفروشی ها ترجمه ای از قرآن کریم دیدم که ترجمه ای گسترده و آزاد بود که انگلیسی ها به آن نوع ترجمه Para phrase یا نقل به معنا، بدون

قابلیت مطابقت ی او به او با متن اصلی که برای رسایی بیشتر و همه فهمی و مردم پسندی است ، گویند؛ و ایشان روی جلد و صفحه ی عنوان ترجمه ی خود از قرآن کریم نوشته بودند : « ترجمه و نگارش داریوش شاهین » ، بنده و شاید بسیاری ها تکان خورده بودند که مگر قرآن کریم می تواند نگارش کسی جز خداوند باشد ؟ و بنده اشاره وار در یکی از مصاحبه ها و مقالات خود از این مسئله به شگفتی یاد کرده بودم که ایشان آن را حمل بر تمسخر کرده بودند .

همین است که به درخواست من پاسخ مثبتی ندادند و حاصل این شد که تهیه ی یک صفحه شرح حال از ایشان برای جامعه ی علمی دشوار است .

خوشبختانه ، هنگامی که این بزرگ مرد پرکار با کارنامه ی فرهنگی پربارش درگذشت (چهارم آبان ماه ۱۳۸۰) یک زندگینامه ی کوتاه و پر اطلاع نیز همراه با آگهی نامه ی مربوط به اعلام وفات او منتشر شد ، که در آن چنین اطلاعاتی آمده است : از داریوش شاهین بیش از ۳۰۰ جلد تالیف ، ترجمه ، مجموعه های مختلف و داستان در عرصه ی ادبیات ، شعر و مذهب به یادگار مانده است . در بخش مذهب شادروان شاهین به ترجمه ی نهج البلاغه به زبان انگلیسی توفیق یافت . کتابی به نام یکصد گوهر شامل کلمات قصار حضرت علی (ع) ، به انتخاب و کوشش او تدوین و به پنج زبان ترجمه شده است . او چندین دهه هم برای رادیو نویسندگی و تهیه ی مطلب می کرد . دیگر از آثار او تاریخ ایران در یکصد قرن است که نه صرفاً تاریخ سیاسی ، بلکه اجتماعی و هنری و فرهنگی ده هزار ساله ی ایران است و به انگلیسی هم ترجمه شده است . در عین حال و این همه پرکاری قلمی ، آن بزرگوار به مدت سی سال در مرکز توسعه ی صادرات ایران خدمت کرد و از همان جا پس از ۳۰ سال بازنشسته شد .

برگرفته از کتاب: بررسی ترجمه های امروزی فارسی قرآن کریم

شاهین فر، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد ۱۳۰۳، مرتبه علمی: استاد، رشته: گوش و حلق و بینی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی و دکترای تخصصی گوش و حلق و بینی از دانشگاه علوم پزشکی تهران و آمریکا در سال ۱۳۳۶، دوره آناتومی از دانشگاه مشهد در سال ۱۳۵۲.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

زمینه های علمی و تحقیقاتی:

آناتومی، گوش و حلق و بینی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۲ پایان نامه کارشناسی ارشد و دکترای

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

آناتومی و نوروآناتومی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

گوش و حلق و بینی، آناتومی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شایان، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۲۷۶ آمل.

درگذشت: ۱ آبان ۱۳۶۴.

مؤلف دو جلد کتاب مازندران (چاپ دوم ۱۳۳۶) و مصحح کتاب تاریخ طبرستان و رویان و مازندران تألیف سید ظهیرالدین

مرعشی (چاپ تهران بهمن ۱۳۳۳).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

شایعی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین شایعی

محل تولد: کرج

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۵۸ دیلم گرفتم بلافاصله وارد دانشگاه شدم (رشته ریاضی دانشگاه تربیت معلم تهران) به علت تعطیلی دانشگاهها جهت تحصیل علوم حوزوی به دلیل علاقه ای که داشتم سال ۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و دوران مقدمات سطح عالی را در طی چهار سال گذراندم؛ به این صورت که مقدمات و ادبیات عرب و منطق مظفر را در طی یکسال تحصیلی نزد بعضی از طلاب فاضل خراسانی گذرانیدم و سال دوم لمعتین و معالم و اصول فقه مرحوم مظفر را و سال سوم و چهارم رسائل را نزد آقای اعتمادی و مکاسب و کفایه را نزد مرحوم آقای ستوده و در سال ۶۳ در درس خارج آقای وحید شرکت کردم اصول پنج سال و فقه یکسال و درس کتاب شریف رسائل شیعه را نزد (شامل فقه الحدیث مباحث رجالی و درایه) استاد بزرگوار جناب حاج سید احمد مددی در

همان سال ۱۳۶۳ آغاز کردم و بعداً در درس خارج فقه ایشان شرکت کردم و عمده فقه را با ایشان گذراندم همچنین از درس فقه مرحوم آقای حرم پناهی رضوان الله تعالی علیه نیز استفاده کردم و از ایشان اجازه اجتهاد گرفتم .

در سال ۶۸ وارد دانشگاه مفید قم رشته اقتصاد شدم و دو سال بعد انصراف دادم و مشغول کارهای حوزوی تدریس دروس حوزوی شدم در سال ۷۵ با موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی همکاری کردم و تا به حال ادامه دادم در این موسسه ابتدا کتاب واجبات الصلاه مرحوم آقا مصطفی خمینی (ره) را تحقیق کردم و بعد از آن مسئولیت علمی آثار فقهی و اصولی حضرت امام به این حقیر داده شد و نیز مسئولیت علمی چاپ آثار مرحوم مصطفی خمینی را نیز ه عهده گرفتم و آثار ایشان و حضرت امام خمینی از سال ۷۵ تا تقریباً ۸۰ به چاپ رساندیم و الان برای چاپ مجدد آثار امام تحت عنوان مجموعه آثار امام خمینی بعنوان مشاور علمی و ناظر علمی در خدمت این موسسه می باشد

در ضمن به تدریس فقه و اصول در مدرسه علمیه معصومیه تقریباً از سال ۸۱ تا زمان حاضر مشغول می باشم سال ۷۹ و ۸۰ را نیز در پژوهشگاه امام خمینی وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی به تدریس اصول در رشته کارشناسی ارشد فقه و حقوق اشتغال داشتم.

شایگان، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۰ - ۱۲۸۱ ش)، استاد دانشگاه، حقوقدان و مترجم. در شیراز متولد شد. پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدارس شریعت و شعاعیه زادگاهش به تهران آمد، وارد مدرسه‌ی علوم سیاسی شد و بعد از اتمام دوره‌ی آن مدرسه، برای تکمیل تحصیلات در رشته‌ی حقوق به فرانسه رفت و دکترا گرفت. پس از بازگشت به کشور در دانشکده حقوق دانشگاه تهران به تدریس پرداخت و سالیان دراز معاون دانشکده بود و پس از آن به معاونت وزارت فرهنگ و نمایندگی مجلس شورای ملی رسید. پس از ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ ش مدتی زندانی شد و پس از آزادی به امریکا رفت و در آنجا به تدریس اشتغال یافت. دکتر شایگان شعر هم می گفت ولی به ندرت. از آثار وی: «مقدمه‌ی حقوق مدنی ایران»؛ «امیدهای نو» برتراندراسل، ترجمه. [۱]

فرزند سیدهاشم مولی رهی شیراز، متولد ۱۲۸۰ است. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در موطن خود انجام داد و به شغل فرهنگی پرداخت. ضمن اشتغال به کار معلمی، یک دوره‌ی کامل فقه و اصول و حکمت را نزد اساتید روز تلمذ نمود. حوالی سال ۱۳۰۳ به تهران آمد و دوره‌ی مدرسه‌ی عالی حقوق را گذراند. در سال ۱۳۰۷ جزء اولین دسته محصلین دولتی اعزامی به خارج شرکت کرد و به اروپا رفت و درجه‌ی دکترای حقوق از دانشگاه پاریس دریافت نمود. چندی هم در انگلستان به تحصیل حقوق و فلسفه پرداخت. در ۱۳۱۳ به ایران آمد و دانشکده‌ی حقوق که تازه بنیاد گرفته بود، او را به سمت دانشیاری برای تدریس حقوق مدنی استخدام کرد. پس از چندی از طرف علامه علی‌اکبر دهخدا رئیس دانشکده، به معاونت مشارالیه انتخاب گردید. در سال ۱۳۱۷ ولیعهد وقت از دانشکده‌ی حقوق بازدید کرد و شایگان معاون دانشکده نطقی ایراد نمود که سرایا تملق و مداهنه بود. در همان سال به عضویت سازمان پرورش افکار برگزیده شد. شایگان در کنار شغل استادی، به کار و کالت دادگستری هم پرداخت و در چند وزارتخانه از جمله وزارت دارائی مشاوری حقوق داشت. در ۱۳۲۴ که قوام‌السلطنه روی کار آمد و ملک‌الشعراى بهار را به وزارت فرهنگ معرفی کرد، شایگان معاون وزیر فرهنگ شد و در ترمیم کابینه که دکتر فریدون کشاورز وزارت گرفت، او

کماکان معاون بود. در ترمیم سوم کابینه‌ی قوام، به وزارت فرهنگ منصوب گردید و کمتر از یک سال در آن سمت استوار شد ولی کار عمده‌ای نتوانست انجام دهد. چون سایر وزیران از تمام امکانات استفاده کرد. بعد از کنار رفتن از کابینه با دکتر مصدق پیوند دوستی زد و عضو جبهه ملی شد و در جبهه هم مقام دبیری یافت. در انتخابات دوره‌ی شانزدهم به اتفاق مصدق و چند نفر دیگر از اعضاء جبهه ملی، از تهران وارد مجلس شد. در تمام مدت نقش اقلیت داشت. نطقها و ایرادات وی در مجلس منطقی و مستند و محتوای بیشتری از سایر نمایندگان اقلیت داشت. در دوره‌ی هفدهم هم از تهران به مجلس رفت. داعیه‌ی ریاست مجلس و مقامات دیگر او را پرجوش و خروش کرد. بعد از کنار گذاردن آیت‌الله کاشانی از ریاست مجلس، بین او دکتر عبدالله معظمی کشمکش شروع شد. رای مخفی گرفتند. معظمی ۳۹ رای و شایگان ۳۵ رای آورد، در نتیجه با چندین رای اضافی، معظمی بر کرسی ریاست تکیه زد.

شایگان در روز ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ از رادیو تهران نطق جالبی ایراد نمود یعنی همان روزی که شاه از رامسر به بغداد و رم رفته بود و گفت آن متاعی که بایستی به تهران بیاید، به بغداد رفت و خیلی مطالب تند دیگر و زمینه را کاملا برای ریاست جمهوری خود فراهم می‌نمود که کودتای ۲۸ مرداد به تمام تخیلات و آرزوهای او خاتمه داد. یک روز در اختفاء به سر برد. روز دوم در معیت دکتر مصدق و دکتر صدیقی به باشگاه افسران رفتند یا بردند و خود را در اختیار دولت گذاشت. چندی در باشگاه افسران بازداشت بود، بعدا به لشکر ۲ زرهی منتقل شد و محاکمه‌ای برای او ترتیب دادند و همزمان با دکتر مصدق، او را هم به دادگاه کشیدند. در محکمه‌ی فوق‌العاده به رهبر جبهه ملی احترام گذاشت و طوری عمل کرد که همه او را تحسین می‌کردند و سرانجام حکم محکومیت او برای مدت ده سال صادر شد. دو سال در زندان به سر برد که مورد عفو واقع شد. پس از آزادی، چندی در تهران می‌زیست تا اجازهی خروج از کشور گرفت و آمریکا را برای ادامه‌ی زندگی انتخاب کرد. در آنجا ساکت نماند و فعالیت خود را علیه رژیم پهلوی ادامه داد و وجود او پایگاهی برای دانشجویان مقیم آمریکا بود. وفات او در سن ۸۰ سالگی در آمریکا افتاد. شایگان مردی دانشمند، حقوقدان، ادیب و در عین حال خودخواه، لجوج، عوام فریب و پرتوقع بود. غالبا در اعلامیه‌های انتخاباتی، خود را «سقراط ایران» معرفی می‌کرد. هنگام تدریس فوق‌العاده قدرت استادی را نشان می‌داد و کلاسش محل اجتماع شیفتگان علم و دانش بود. مطالب حقوقی را با امثله سیاسی و اجتماعی شیرین‌تر می‌کرد. وی طبع شعر هم داشت و شعر نیکو و محکم می‌سرود. معروفترین شعرش «وطن چیست» می‌باشد که حتی در کتب درسی هم ثبت شده است. وی در جوانی با خانواده‌ی شیبانی وصلت کرده بود. دختر ذکاء السلطنه شیبانی همسر او بود. شایگان در بین دوستان و دانشگاهیان، به «شراب شور» شهرت گرفته بود. شاعر، حقوقدان، محقق.

تولد: ۱۲۸۱، شیراز.

درگذشت: ۲۳ اردیبهشت ۱۳۶۰، آمریکا.

سید علی شایگان، فرزند حاج سید هاشم، پس از انجام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدرسه‌های شریعت و شعاعیه شیراز، و نیز فراگیری ادبیات فارسی و زبان عربی در مدارس قدیمه، در مدرسه‌ی علوم سیاسی تهران به تحصیل پرداخت و لیسانس حقوق را گرفت. سپس در سال ۱۳۰۶ با دانشجویان دوره‌ی اول به پاریس رفت و تحصیلات خود را در رشته‌ی حقوق در آنجا به پایان رسانید و در سال ۱۳۱۲ موفق به دریافت دکترای حقوق شد. پس از بازگشت به ایران در دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد. سال‌ها معاون دانشکده‌ی حقوق بود. بعدها وی کرسی استادی حقوق مدنی را در دانشگاه تهران احراز نمود. سپس به معاونت وزارت فرهنگ رسید و مدتی در کابینه‌ی قوام السلطنه به عنوان وزیر فرهنگ بود، همچنین در دوره‌ی هفدهم مجلس شورای ملی نماینده‌ی تهران شد. وی از بنیان‌گذاران جبهه‌ی ملی به شمار می‌آید. پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به زندان افتاد و سرانجام پس از آزادی از زندان به آمریکا رفت و همان جا ساکن شد در ضمن در دانشگاه‌های آنجا نیز تدریس می‌کرد. در سال

۱۳۵۸ برای مدتی کوتاه به ایران آمد سپس به آمریکا مراجعت کرد.

در جوانی مدتی به معلمی پرداخت و زمانی که در شیراز بود در انجمن سالار شرکت می‌جست. گاهی شعر می‌گفت. اشعارش حاوی مضامین وطن دوستی و تشویق به تحصیل دانش و به مبارزه با جهل و بی‌سوادی است.

فهرست آثار شایگان به شرح زیر است. حقوق مدنی ایران (چند بار تجدید چاپ شده است)؛ ترجمه‌ی کتاب امیدهای نو در جهانی که در حال تغییر است (تألیف رتراند راسل، از انگلیسی به فارسی، تهران، ۱۳۳۶). کتاب خاطرات او تا هنگام فوتش به طبع نرسیده بود.

سید علی شایگان سرانجام به سال ۱۳۶۰ در آمریکا درگذشت و پیکرش را برای دفن به ایران منتقل نمودند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: آینده (س ۷، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۹۳۸)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۳۷-۲۳۴/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۲۷۵-۲۷۴/۴).

شب زنده دار، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی شب‌زنده‌دار

محل تولد: داراب فارس

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

حجة الاسلام والمسلمین مهدی شب‌زنده‌دار در سال ۱۳۳۲ در داراب متولد شد؛ البته او بزرگ شده شهر قم است و پدرش که در کسوت مقدس روحانیت بود، در تابستان به همراه خانواده به داراب سفر کرده بود که فرزندش در همان جا متولد شد. حجة الاسلام والمسلمین شب‌زنده‌دار تحصیلات دوره دبستان را به پایان رساند و یک سال نیز به دبیرستان رفت. پس از آن وارد حوزه علمیه قم شد. او که قسمتی از دروس مقدمات و دوره سطح را نزد پدر خود آیه الله شیخ حسین شب‌زنده‌دار خوانده بود، مغنی را نزد آیه الله جنتی، رسائل را نزد حضرات آیات مصلحی، طاهری و مؤمن آموخت و برای فراگیری مکاسب به نزد حضرات آیات شب‌زنده‌دار، مؤمن، مشکینی و ستوده رفت. استادان او در کفایه حضرات آیات مؤمن و سبحانی بودند. حجة الاسلام والمسلمین شب‌زنده‌دار کشف المراد را نزد آیه الله حسینی کاشانی، بخشی از شرح منظومه را نزد حضرات آیات مؤمن، مفتاح و صالحی مازندرانی و بخش‌هایی از اسفار را نزد آیه الله سید رضا صدر، آیه الله امینی و آیه الله انصاری شیرازی فرا گرفت. قسمتی از شفا را نزد آیه الله جوادی آملی و بخشی از اشارات را نزد آیه الله حسن زاده آملی آموخت. حجة الاسلام والمسلمین شب‌زنده‌دار با پایان یافتن دوره سطح به درس خارج آیات عظام شیخ کاظم تبریزی، شیخ مرتضی حائری، وحید خراسانی و شیخ جواد تبریزی رفت و از محضر آنان بهره‌های بسیار برد. حجة الاسلام والمسلمین شب‌زنده‌دار سالها به تدریس دروس دوره سطح پرداخته و شرحی نیز بر قسمتی از تحریر الوسیله نگاشته است. او مدیر مؤسسه و مدرسه بقیة الله (عج) است. حجة الاسلام والمسلمین شب‌زنده‌دار هم اکنون در

قم حضور دارد و به تربیت طلاب می‌پردازد و علاوه بر عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نمایندگی شورای عالی در هیأت امنای مرکز جهانی علوم اسلامی و سازمان مدارس خارج از کشور و نیز عضویت در مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان را به عهده دارد.

شبانکاره ای، محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۶۹۷ ق)، نویسنده، مورخ و شاعر. در ولایت شبانکاره‌ی فارس به دنیا آمد و پس از کسب کمالات به شاعری پرداخت. وی مداح خواجه غیاث‌الدین محمد بن رشیدالدین فضل‌الله، وزیر سلطان ابوسعید بهادرخان (آخرین پادشاه مغول) بود و قصایدی در مدح او سرود. از آثار وی می‌توان از کتابی به نام «مجمع الانساب» نام برد که تألیف آن را در ۷۳۳ ق آغاز نمود و در ۷۳۶ ق به پایان برد و آماده‌ی تقدیم به سلطان ابوسعید (م ۷۳۶ ق) کرد و به همین قصد کتاب را در اختیار خواجه غیاث‌الدین محمد نهاد در همین زمان سلطان ابوسعید در گذشت و با دگرگونی دولت ایلخانی، خواجه غیاث‌الدین نیز به قتل رسید و ربع رشیدی به غارت رفت که در این میان کتاب محمد شبانکاره‌ای هم مفقود شد. به همین سبب او دوباره به تألیف کتاب پرداخت و در ۷۴۳ ق آن را به اتمام رساند و وقایع مربوط به اواخر عهد ابوسعید را نیز بر آن افزود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۷۰- ۱۲۶۹/۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۸۳- ۱۸۲)، تاریخ مغول (۵۲۲- ۵۲۱)، الذریعه (۱۹/ ۲۰)، فرهنگ سخنوران (۸۱۴)، مجمع الانساب (مقدمه).

شبستری، شیخ محمود

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ سعدالدین محمود بن امین‌الدین عبدالکریم بن یحیی شبستری از عرفا و شعرای نامی قرن هفتم و هشتم هجری است. او در سال ۶۸۷هـ. در ایام سلطنت کیخاتوخان در قصبه شبستر واقع در هشت فرسخی تبریز متولد شد و در عهد سلطان محمد خدابنده و ابوسعید بهادرخان در شهر تبریز مرجع علما و مضلا بود. شبستری پس از کسب دانش در تبریز به مسافرت در شهرهای مختلف پرداخته و در سفر به مصر، شام، حجاز از علما و مشایخ این سرزمین‌ها کسب دانش توحید کرده است. او خود در این باره می‌گوید: مدتی من ز عمر خویش مدید صرف کردم به دانش توحید در سفرها به مصر و شام و حجاز کردم ای دوست روز و شب تک و تاز سال و مه هم چو دهر می‌گشتم ده ده و شهر شهر می‌گشتم گاهی از مه چراغ می‌کردم گاه دور چراغ می‌خوردم علما و مشایخ این من بس که دیدم به هر نواحی من جمع کردم بسی کلام غریب کردم آنکه مصنفات عجیب هم چنین شیخ محمد در سفری به کرمان در آنجا تاهل اختیار کرده و در آن شهر اولاد و احفادی از او به وجود آمده است که جمعی از ایشان اهل قلم و کمال بوده و به خواجهگان شهرت یافته‌اند. شبستری پسری به نام عبدالله داشته که جوانی فاضل و کامل و ماهر در علوم مختلف به

خصوص ریاضی بوده است. وی در سال ۹۲۶ه. از جانب سمرقند به دربار روم رفته و سلطان سلیم او را تعظیم بسیار کرده است. شیخ عبدالله مثنوی به نامه شمع و پروانه به نام سلطان سلیم سروده و نیز رساله ای به زبان فارسی در قواعد معما به نام سلطان مذکور نوشته است. شبستری سرانجام به تبریز باز گشته و در سال ۷۲۰ه. در ۳۳ سالگی وفات یافته و در شبستر وسط باغچه گلشن در جوار مزار استادش بهاءالدین یعقوبی تبریزی مدفون شده است. بعضی ها معتقدند که چون شبستری وصیت کرده که او را پای مزار شیخ بهاءالدین دفن کنند و سال وفات بهاءالدین ۷۳۸ه. است و هم چنین چون بابایی شبستری در مرض موت شبستری حاضر بوده و در همان ماه وفات شبستری فوت نموده و تاریخ وفات بابایی ۱۷ ربیع الاول سال ۷۴۰ه. است؛ پس سال وفات شبستری هم باید ۷۴۰ه. باشد ضمناً با توجه به تجدید عمارت های مکرر مقبره شبستری احتمال آن داده شده که تاریخ فوت نوشته شده بروی مزارش تغییر کرده باشد. بعضی از معاصران، تاریخ وفات شیخ محمود را همان ۷۲۰ه. پذیرفته اند ولی تولد او را پیش از سال ۶۸۷ه. حدس زده اند و دلیل آن را هم بعید بودن ۲۶ سالگی شبستری برای شهرت فراوان او در عهد خدابنده ذکر کرده اند. شبستری پیرو مذهب سنت و جماعت و معتقد به عقاید اشعریان بوده است. لاهیجی شارح گلشن راز شیخ و مرشد شبستری را امین الدین می نویسد. خود شیخ محمود نیز در مثنوی سعادت نامه از امین الدین یاد میکند: شیخ و استاد من امین الدین دادی الحق جوابهای چنین برخی هم استاد او را بهاءالدین یعقوبی تبریزی دانسته؛ اما با استنباط از عبارت صاحب روضات الجنان میتوان هر دوی آنها را از اساتید وی دانست. آثار شبستری: الف- آثار منظوم (۱- گلشن راز، ۲- سعادت نامه) ب- آثار منثور (۱- حق الیقین فی معرفه رب العالمین، ۲- مرآة المحققین، ۳- شاهد یا شاهد نامه)

منابع زندگینامه: پایگاه یاد یار

شبستری، کاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا کاظم آقای شبستری از علماء و مفاخر بزرگ شهرستان شبستر است.

علماء معاصرین گویند آن بزرگوار عالمی محقق امجد و فاضل مدقق اوحد فخرالشیعه و رکن الشریعه الشیخ الثقة الجلیل والفقیه العدل النبیل الواصل عواطفه علی الحاضر والبادی والمؤید بنعم الله و الایادی سناد العلم الشامخ و عماد الفضل الراسخ آن عالم یگانه از دعاء دین و ملت و حماه شرع و سنت و حمله اخبار و حفاظ آثار اهل بیت اطهار علیهم الصلوٰه والسلام معدود می گردد.

در کلیه موجبات تقدم و اسباب تفوق و وسائل براءت و ادوات رفعت حائز مقام منبع و فائز رتبه رفیع می باشد نه تنها در کسبیات از قبیل فن کلام و اصول عقاید و مهمات معارف و امهات ریاضیات و علم معقول و منقول و قسمت فقه و اصول و معرفت تفسیر و ضاعت اعراب و شعب ادب از احاد است بلکه در موهبیات نیز مانند حصافت عقل و حصانت فکر و اصالت رای و اصابت خاطر و مناعت جانب و سعه صدر و ملکه جود از افراد نمومه به شمار می رود.

در ایام جمعه و وفیات ائمه علیهم الاف الثناء والتحیه و مواقف شریفه و اوقات متبرکه که مردم از هر طرف و محلات دوردست برای استفاده از بیانات وافیه و تحقیقات کافیه معظم له پبای منبر ایشان اجتماع می کنند و منبر و صحبتش جامع و نافع همه طبقات ناس که هر کس بحسب استعداد خود از انوار کلمات شریفه اش اقتباس می نماید.

تولد آنجناب در سال ۱۳۰۷ ق واقع شده والد مرحومش آقا میرزا علی اشرف شبستری از شاگردان مرحوم علامه انصاری و واجد مقامات عالیه علم و فضل و تقوا و حائز ملکه استنباط بوده و مصنفات و مؤلفاتی در فقه و اصول دارد که بطبع نرسیده و نزد فرزند

فاضلش موجود می‌باشد.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شبستری، نصرالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۰- ز ۱۳۹۲ ق)، عالم دینی، فقیه و مدرس. در تبریز متولد شد، مقدمات و سطوح را در زادگاهش خواند. سپس به قم مسافرت کرد و در فقه و اصول شاگردی آیت‌الله حجت کوهکمری را نمود. آنگاه به نجف رفت و از محضر آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله شیخ محمدحسین غروی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و پس از آنان از آیت‌الله حکیم و آیت‌الله خویی و آیت‌الله میرزا باقر زنجانی استفاده‌ی کامل نمود. دوره‌ی فلسفه و حکمت را از آقا شیخ صدرا بادکوبه‌ای فراگرفت و با اجازات عدیده اجتهاد و روایت به وطن بازگشت و در تبریز به انجام وظائف دینی و اقامه‌ی نماز جماعت و تدریس پرداخت. از آثارش: «زندگانی حضرت لقمان حکیم» به نام «در یتیم»؛ «هدایه الاقران الی اخبار لقمان الحکیم» و مختصر آن «الکلمه الطیبه»، در نصایح لقمان حکیم؛ «اللؤلؤ النضید فی شرح زیاره مولینا ابی عبدالله الشهدید (ع)»؛ مقدمه و تعلیقات بر «آداب الصلاه» علامه مجلسی؛ کتاب «وفادار باشید».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۲۵/۱۸، ۱۷۰/۲۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۸۰- ۳۷۹، ۵/ ۳۱۸- ۳۱۹)، مؤلفین کتب چاپی (۵۸۱- ۵۸۲) (۶/).

شبل‌ی خراسانی، ابوبکر دلف

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۳۴- ۲۴۷)، صوفی، فقیه و محدث. اصل وی از شبلیه‌ی اسروشنه ماوراءالنهر بود. در سامراء به دنیا آمد و در بغداد نشو و نما کرد. پدرش از پرده‌داران خلیفه بود. شبل‌ی صحبت جنید و حلاج و خیرالنساج را درک کرد و یکی از مشایخ بزرگ صوفیه گشت. او فقیه عارفی در مذهب مالک بود، گرچه عده‌ای او را امامی دانسته‌اند. وی از محدثین حدیث روایت و کتابت می‌کرد. شعر می‌سرود و الفاظ و حکم و نوادر و حکایات بسیار از او نقل شده است. از او پرسید که نشانه‌ی عارف چیست؟ گفته: سینه‌ای مشروح، قلبی مجروح و جسمی مطروح. نسبت به تعظیم شرع مطهر سعی بسیار می‌نمود. محمد بن عبدالله رازی و محمد بن حسن بغدادی و منصور بن عبدالله هروی از شاگردان وی می‌باشند. در بغداد درگذشت و در مقبره‌ی خیزران دفن شد.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۱- ۲۰/ ۳)، تاریخ بغداد (۳۹۷- ۳۸۹/ ۱۴)، تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (۳۴۹- ۳۴۸)، ترجمه‌ی رساله قشیریه (۷۱- ۷۲)، تذکره الاولیاء (۱۸۲- ۱۶۰/ ۲)، تعلیقات اسرار التوحید (۷۰۳)، جستجو در تصوف (۱۵۸- ۱۵۱)، حلیه الاولیاء (۳۷۵- ۳۶۶/ ۱۰)، دائرةالمعارف الاسلامیه (۱۶۷- ۱۶۵/ ۱۳)، دائرةالمعارف البستانی (۴۱۱- ۴۰۹/ ۱۰)، دائرةالمعارف فارسی (۱۴۵۲- ۱۴۵۱/ ۲)، روضات الجنات (۲۲۹- ۲۲۵/ ۲)، ریحانه (۱۸۲- ۱۸۰/ ۳)، سیر النبلاء (۳۶۹- ۳۶۷/ ۱۵)، طبقات الصوفیه هروی (۴۴۹- ۴۴۸/ ۲).

(۴۴۸)، کارنامه‌ی بزرگان (۶۰-۵۹)، الکامل (۳۲۲/۶)، کشف المحجوب (صفحات متعدد)، الکنی و الالقاب (۳۵۴-۳۵۳/۲)، لغت نامه (ذیل/ ابوبکر)، مبانی عرفان و احوال عارفان (۳۳۴-۳۲۶)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۳۳۴)، نفحات الانس (۱۸۷-۱۸۳)، وفيات الاعیان (۲۷۶-۲۷۳/۲)، هدیه الاحباب (۱۶۰).

شیرزی زنجانی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید احمد شیرزی زنجانی از آیات عظام و ارکان حوزه علمیه قم و اعوان نزدیک استاد ما مرحوم آیت‌الله العظمی آقا سید محمد حجت کوهکمری بوده که در روز چهارم ماه صفر ۱۳۰۸ هجری قمری در زنجان متولد شده و در شب شنبه ۲۹ ماه رمضان ۱۳۹۳ هجری قمری در قم درگذشت و در یکی از حجرات مقبره خودش مدفون گردیده و ترجمه‌اش در جلد دوم گنجینه صفحه ۱۶۶ گذشت.

دارای سه فرزند روحانی خدمتگزار می‌باشد که دو نفر آنان بنامهای:

۱- حاج سید جعفر شیرزی زنجانی در تهران به خدمات دینی از اقامه جماعت در مسجد کانون توحید در خیابان پرچم و امور قضائی در دادگستری اشتغال دارند.

۲- حاج سید ابراهیم شیرزی زنجانی که نیز در تهران اشتغال به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغی و عظم و خطابه دارند.

۳- فرزند ارشد معظم‌له که از مفاخر مدرسین و حجج اسلام و آیات عظام معاصر حوزه علمیه‌اند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

شیرزی، موسی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید موسی شیرزی زنجانی فرزند مرحوم آیت‌الله آقای حاج سید احمد زنجانی مدفون در صحن مطهر حضرت معصومه (س) از افاضل مدرسین و متبیین و محققین حوزه علمیه قم می‌باشند که در تاریخ هشتم ماه مبارک رمضان ۱۳۲۶ قمری در قم چندماه بعد از مهاجرت مرحوم آیت‌الله والدشان در این شهر مقدس متولد شده.

این بیت را والدشان برای تعیین تاریخ ولادت حقیر سروده‌اند:

سال تاریخ ولادت عجب الهام شد

از مبارک رمضان هشت کم هنگام سحور

مبارک رمضان که با ۱۳۵۴ مطابق است بعد از کم کردن هشت با ۱۳۴۶ قمری که سال تاریخ ولادت است موافق خواهد شد ضمناً در این بیت به ماه و روز و ساعت نیز اشاره شده است مانند «هنگام زوال رابع شهر صفر» که برای تاریخ ولادت خودشان سروده‌اند. باری ایشان بعد از گذراندن دروس ابتدائی در مدارس جدید در سال ۱۳۵۹ قمری به مقدمات علمی دینی اشتغال پیدا کردند و چون دروس مقدماتی چندان جاذبیت نداشت و از طرفی در آن زمان رغبت عمومی به ورود در مدارس دینی نبود و هم بحثی

نداشتم حدود یکسال به طور غیر جدی به درسها اشتغال داشتم بعد از یکسال در اثر یافتن بعضی از هم‌بختی‌ها که از مستعدین درجه اول بودند و جاذبیت دروس غیر ابتدائی با جدیت تمام در مدت نسبتاً کوتاهی دروس مقدماتی و سطوح را به پایان برده و در سال ۱۳۶۳ قمری در درس خارج اصول مرحوم آیت‌الله صدر حاضر شده و مقداری از بحث خبر واحد را نوشته سپس بعد از ورود مرحوم آیت‌الله بروجردی به قم در محرم ۱۳۶۴ در درس خارج فقه و اصول ایشان شرکت کرده و همچنین مدتی در درس خارج اصول مرحوم آیت‌الله حجت و مختصری در بحث خارج فقه ایشان حاضر گردیدم و مقداری از تقریرات اصول از اوائل درس را نوشته استاد عمده ایشان مرحوم آیت‌الله داماد بوده که حدود بیست سال از بحث فقه و قریب یکدوره از درس اصول آن مرحوم بهره‌مند گردیده و کتاب طهارت و خمس و زکاه و صوم و حج را به استثناء مقداری از بحث طهارت که به مناسبت سفر عراق تعطیل شده از محضرشان استفاده کرده و مقدار بسیار کمی نیز از بحث دوره اول کتاب صلاه را مستفیض شده است.

در سال ۱۳۷۴ قمری به عتبات عالیات مشرف شده و در درس فقه آیت‌الله حاج سید عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله حکیم قدس سرهما و درس اصول آیت‌الله خوئی مدظله شرکت کرده بعد از حدود هفتاد روز به ایران مراجعت کرده و در سال ۱۳۷۵ بار دیگر به عتبات مشرف شده حدود ۶ ماه در دروس آیات مزبور حاضر گشته و در رمضان آن سال مقداری از مبحث رضاع را از بحث تعطیلی آیت‌الله خوئی استفاده کرده ضمناً مختصری در قم از منظومه سبزواری را پیش مرحوم علامه طباطبائی خوانده و کمی هم مباحثه کرده ولی چون به این علم مانوس نبوده درس و بحث در مدت کوتاهی تعطیل شده همچنین مقداری جبر و هندسه را با یکی از اعظام دوستان خود بحث کرده است.

اما اساتید ایشان قبل از ورود به درس خارج زیادند برای نمونه نام مبارک چند تن از آنان را متذکر می‌شویم.

۱- مرحوم آیت‌الله والدشان که اولین استاد و آخرین اساتید سطوح عالی ایشان بودند قسمتی از مقدمات و کمی از کفایه را پیش ایشان خوانده.

۲- محقق بزرگوار آقای سید مرتضی علوی اصفهانی داماد آیت‌الله گلپایگانی مدظله که استاد مطول ایشان بودند و از نظر تعمق و حسن تقریر نظیر ایشان را در موضوع مزبور ندیده‌اند.

۳- رهبر فقید انقلاب مرحوم آیت‌الله خمینی که قسمت عمده مبحث برائت شیخ انصاری را نزد ایشان خوانده و گاهی به بحثهای خارج از کتاب نیز می‌پرداختند.

۴- مرحوم آیت‌الله حاج شیخ مرتضی حائری که قسمتی از بیع مکاسب شیخ و مقدار کمی از بحث ظن و استصحاب فرائد و مختصری از کفایه را پیش ایشان خوانده درس اگرچه اسماً درس سطح حساب می‌شد ولی واقعا درس خارج بوده است.

تألیفات معظم‌له

ایشان با اینکه صفحات زیادی را در فقه و اصول و حدیث و تراجم و رجال و انساب و غیره نوشته است و تقریرات درس عده‌ای از اساتید را نگاشته ولی در اثر کثرت تشکیک و تجدیدنظر که آفت بزرگی است برای حفظ مواریث علمی این آثار مدون نشده فقط مقدار کمی به عنوان مقاله چاپ شده و متأسفانه قسمت زیادی در اثر عدم اهتمام مفقود گردیده و مقدار موجود هم اغلب مسوده است. از خداوند متعال توفیق تبیض و تکمیل آنها را مسئلت می‌نمایم.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

شجاعی دماوندی، سیفالملوک

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، طیب و شاعر، متخلص به شجاعی. وی از پزشکان حاذق زمان خود بود که از ایران به هند رفت و در آنجا می‌زیست. بیرام خان، خان خانان، وی را گرامی می‌داشت. آن را سیف‌الحکماء نیز نامیده‌اند، به جهت این که به عیادت هر بیماری می‌رفت آن بیمار می‌مرد. وی پس از چندی به ایران بازگشت. شجاعی شاعری توانا بود و بخصوص در هجو دست توانایی داشت که مهاجرتی معروف از وی به جاست.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ تذکره‌های فارسی (۳۷۸/۲)، تاریخ نظم و نثر (۵۴۱)، الذریعه (۵۰۸/۹)، صبح گلشن (۲۲۲)، فرهنگ سخنوران (۴۹۶)، کاروان هند (۶۱۵/۱)، هفت اقلیم (۹۱-۳/۸۹).

شجاعی، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد شجاعی

محل تولد: اهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب احمد شجاعی فرزند حسن در سال ۱۳۴۵ در یکی از روستاهای دور افتاده آذربایجان شرقی شهرستان اهر، بخش هوراند، روستای هوای متولد شدم، تحصیلات ابتدایی و راهنمایی و متوسطه در منطقه خود به اتمام رساندم، پس از پایان دوره متوسطه، به علت شدت علاقه به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه حضرت ولیعصر (عج) تبریز شدم. مقدمات و یک دوره اصول فقه مقدماتی رابه مدت ۵ سال در حوزه یاد شده گذراندم، سپس جهت ادامه تحصیل، در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه عملیه قم شدم و طی مدت ۴ سال سطوح عالی را به پایان رسانیده و وارد درس خارج شدم، در درس خارج فقه و اصول و تفسیر از محضر حضرات آیات، جوادی آملی، جعفر سبحانی، شیخ جواد تبریزی، وحید خراسانی، نوری همدانی، مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی بهره بردم، در کنار درس خارج به علت علاقه شدید به علوم عقلی و اعتقادی متون فلسفی همچون، بدایه، نهاییه، شرح اشارات و اسفار اربعه را فرا گرفته و به صورت کلاسیک سطح چهار تخصصی کلام اسلامی را سپری کردم پس از پایان تحصیلات در تخصصی کلام، به دعوت دوستان، مسئولیت معاونت پژوهشی تخصصی کلام را عهده دار شدم و تا حال در خدمت دانش پژوهشان مرکز به انجام وظیفه مشغول هستم.

شجره اصفهانی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۱ - ۱۲۷۱/۱۲۷۸ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به ناهید و شجره. پدر وی متخلص به بز می از وعاظ اصفهان بود. شجره در قریه‌ی سامان چهارمحال بختیاری به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی خود را در زادگاهش فراگرفت. پس از فراغت از تحصیل در قهفرخ و زادگاهش به تدریس پرداخت. پس از مدتی ابتدا به اصفهان و سپس به تهران منتقل شد. و در کالج آمریکایی البرز به تحصیل و تدریس پرداخت و پس از اتمام دوره‌ی متوسطه وارد دانشکده‌ی حقوق شد. و همین زمان به نوشتن مقاله در روزنامه‌های «کیهان» و «ایران» پرداخت. شجره پس از اخذ لیسانس وارد دادگستری شد. وی شعر کم می‌سرود، اما در سرودن انواع شعر توان بود. در تهران درگذشت. برخی از آثار وی: «تحقیق در رباعیات خیام»؛ «تعبیر رویا و روانشناسی امروز»، ترجمه؛ «شخصیت مولوی»؛ «علم معاش»؛ «قوای روحی و آئین فرمانروایی»؛ «گلزار ایران»، مجموعه‌ی مقالاتی در باره‌ی ادبیات ایران در ازمنه‌ی قبل از اسلام تا قرن هفتم هجری که در روزنامه‌ی «ایران» آن روز طبع می‌شد؛ «مقدمه بر جغرافیای اقتصادی». [۱]

شاعر.

تولد: ۱۳۱۷ (۱۲۷۹ ق.)، قریه سامان چهارمحال.

درگذشت: ۲۷ فروردین ۱۳۶۱.

سید حسین شجره، فرزند سید عبدالرسول واعظ تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اصفهان فراگرفت و تحصیلات عالی را در کالج آمریکایی تهران (البرز) به پایان برد. همچنین دوره‌ی دانشکده‌ی حقوق را گذراند و به شغل دبیری و قضاوت پرداخت. مدت‌ها در قهفرخ ساکن بوده و به آموزش و پرورش کودکان و نونهالان اشتغال داشت، بعداً به اصفهان و از آن پس به تهران منتقل شد و در خدمت وزارت دارایی داخل گردید. در زمانی که ساکن بختیاری بود «ناهید» تخلص می‌نمود (چنانچه در کتاب تذکره شعرای چهارمحال و جنگ بهترین اشعار به همین تخلص مذکور است). در اصفهان «شیوا» تخلص می‌کرد (چنانکه در کتاب نامه‌ی سخنوران، از او به همین تخلص یاد شده است). وی در همه نوع شعر می‌گفت اما طبعش بیشتر به سرودن مثنوی و قصیده مایل بود. اشعار و مقاله‌های او در جراید کشور چاپ و نشر شده است.

از آثار اوست: تحقیق در رباعیات خیام فیتز جerald (کریستین سن، ۱۳۲۰)، رساله‌ای در تعبیر رؤیا و روان‌شناسی امروز، شخصیت مولوی (۱۳۱۶)، روان‌شناسی، علم معانی، دوست‌یابی، ترجمه‌ی رساله‌ی وجودیه خیام، ترجمه رساله‌ی کون خیام، علم معاش (۱۳۲۲)، مقدمه بر جغرافیای اقتصادی (۱۳۲۸)، قوای روحی و آئین فرمانروایی (چاپ دوم، ۱۳۳۴). علاوه بر اینها، کتابی درباره‌ی ادبیات ایران در ازمنه‌ی قبل از اسلام و تا قرن هفتم هجری که در روزنامه‌ی «ایران»، تحت عنوان «گلزار ایران» به چاپ رسید و همچنین مقالاتی زیر عنوان «در محفل انس چه شنیدم» که در روزنامه‌ی «کیهان» طبع گردید.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آینده (س ۸، ش ۵، ص ۲۸۳ - ۲۸۱)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۹۶ - ۲۹۵)، سخنوران نامی معاصر (۱۹۲۰ - ۱۹۱۷/۳)، فرهنگ سخنوران (۵۳۲ - ۵۳۱، ۴۹۶)، مؤلفین کتب چاپی (۷۶۱ - ۷۶۰/۲).

شراپبانی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۳۲۲ - ۱۲۵۴ ق)، فقیه اصولی و رجالی امامی. معروف به فاضل شرایبانی. در شرایبان به دنیا آمد. و در تبریز برآمد. در حدود ۱۲۷۲ ق به نجف مهاجرت کرد و در محضر شیخ انصاری و آیت‌الله کوه‌کمری و استادان دیگر تلمذ کرد. او از برجسته‌ترین شاگرد شیخ انصاری به شمار می‌آمد. در عهد میرزای شیرازی به تدریس اشتغال داشت و مرجع تقلید جمعی بود و بعد از وفات میرزای شیرازی مرجعیت عام یافت و تمامی مردم آذربایجان و قفقاز از وی تقلید می‌کردند. سید محسن امین از شاگردان اوست. وی در نجف اشرف از دنیا رفت. از آثارش: حاشیه «رسائل» و «مکاسب» شیخ انصاری؛ «المتاجر»؛ «تقریرات» دروس فقه و اصول استادش سید حسین کوه‌کمری، در نه مجلد؛ کتابی در «صلاه»؛ کتابی در «اصول فقه» بزرگتر از «قوانین»؛ «رساله‌ی عملیه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۲۳/۷)، اعیان الشیعه (۳۶/۱۰)، الذریعه (۳۸۵/۴)، ریحانه (۱۸۴/۳)، شرح حال رجال (۲۰۰/۵)، علماء معاصرین (۸۰ - ۷۶)، الکنی و الالقاب (۳۵۴/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶۶۵ - ۶۶۴/۵)، معجم المؤلفین (۱۲۹/۱۱)، مکارم الآثار (۱۲۵۸ - ۱۲۵۶/۴).

شربیانلو، جلیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ارتوپدی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شور خراسانی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۸۹ ق)، فقیه، مدرس، امام جماعت و شاعر. اصل ایشان از اصفهان بود، نیای او به مشهد رفت در آن شهر متوطن شد. وی مردی فاضل و کامل بود که به تدریس فقه و امامت جمعه‌ی مشهد اشتغال داشت، نزد سلاطین و حکام با عزت و احترام بوده است. او در اواخر عهد محمدشاه به تهران آمد. گاهی غزل می‌سرود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۸۴۱ - ۸۳۹/۲)، سفینه المحمود (۶۱۲ - ۶۱۱/۲)، مجمع الفصحا (۵۴۰/۵)، مصطبه‌ی خراب (۹۵).

شور شیرازی، محمدهادی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۰۷ ق)، طیب و شاعر. از افاضل حکمای شیراز بود. در فن طب آگاهی داشت و مردی قلندر مشب و معاصر میرطاهر وحید

نجیبای کاشی و شفیعی اثر بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی روز روشن (۴۱۶-۴۱۵)، الذریعه (۵۱۰/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۹۷)، کلمات الشعراء (۶۰)، مرآت الفصاحه (۲۹۶-۲۹۵).

شرعی، محمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد علی شرعی

محل تولد: داراب فارس

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۴/۱/۱

زندگینامه علمی

آیة‌الله حاج شیخ محمد علی شرعی در اسفند ماه ۱۳۱۴ خورشیدی در داراب فارس دیده به جهان گشود. خانواده ایشان بخاطر تقوی و عشق و علاقه به اهل بیت (علیهم السلام) از محبوبیت خاصی در میان اهالی داراب برخوردار بود. پدرش مرحوم آیة‌الله حاج شیخ غلامحسین شرعی شیرازی که از علمای بزرگ و مبارز آن نواحی محسوب می‌شد تحصیلات خود را در نجف ادامه داده بود و پس از بازگشت به ایران ابتدا در داراب و بعد از چندی در قم ساکن گردید. مرحوم آیة‌الله حاج شیخ غلامحسین در قم نیز از اهتمام به تحصیل باز نماند و از محضر اساتیدی همچون آیات عظام مرحوم خوانساری، مرحوم صدر و مرحوم بروجردی بهره فراوان برد و تا پایان عمر به تدریس علوم حوزوی اشتغال داشت. عشق و علاقه این بزرگمرد به اهل البیت (علیهم السلام) بویژه حضرت اباعبدالله الحسین (ع) زبانزد خاص و عام بود و در مصائب آن حضرت بسیار بی تابی می‌نمود بگونه‌ای که صفحات جلد دهم کتاب بحارالانوار که در باره حضرت اباعبدالله الحسین (ع) است با قطرات اشک ایشان در آمیخته است.

از وی چند مرثیه و منقبت به زبان فارسی و عربی بر جای مانده است. حضرت آیة‌الله حاج شیخ محمدعلی شرعی در دامان چنین پدری پرورش یافت و در نخستین ماههای زندگی به همراه پدر در زمان مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری و همزمان با فشار و اختناق حکومت رضاخان از داراب به قم آمدند. آیة‌الله حاج شیخ محمدعلی شرعی در پنج سالگی شروع به آموختن قرآن نمود و پس از آن گلستان سعدی و بخشی از کلیله و دمنه را نزد مرحوم حاج شیخ علی انصاری «دشتی» فرا گرفت سپس شرح امثله و صرف میر را نزد مرحوم حجة‌الاسلام والمسلمین آقا سید محمود یثربی آموخت.

با تشویق و ترغیب پدر دانشور خود تمام نصاب الصبیان و تهذیب المنطق را حفظ نمود و عموم مطالب صمدیه و الفیه را نیز به خاطر سپرد سپس سیوطی را نزد حاج شیخ احمد زرنندی و حاج شیخ حسین مؤمن شیرازی فرا گرفت و بخشی از مغنی را نزد آقای ربانی خراسانی که از شاگردان میرز مرحوم ادیب نیشابوری بود و معانی و بیان را از حاج شیخ رحمه‌الله فشارکی آموخت. علاقه به ادبیات بویژه درک دقیق و درست از شعر و کاربرد آن در نشر مفاهیم مذهبی و اخلاقی موجب گرایش و بزرگداشت وی از هنر منظوم متعهد گردید و در این رویکرد که تا هم اکنون باقی است باید تأثیر قریحه ادبی و علاقه و توجه پدر وی - مرحوم آیة‌الله

حاج شیخ غلامحسین شرعی - را به شعر و فنون ادبی موثر دانست و لذا در تابستان برخی از سالها که به مشهد مقدس می‌رفت و از محضر علمی و ادبی زنده یاد مرحوم ادیب نیشابوری بهره می‌برد. آیه‌الله حاج شیخ محمدعلی شرعی شرح لمعه را نزد آیه‌الله ستوده و آیه‌الله شب زنده‌دار و بخشی از آن را نزد پدر خود فرا گرفت و وی چندی نیز آداب و فنون مناظره را به شیوه متکلمان در معیت آیه‌الله طاهری خرم آبادی و حجة‌الاسلام شهید حق دان و حجة‌الاسلام مرعشی از محضر آیه‌الله شب زنده‌دار آموخت و پس از فراگیری شرح تجرید از آیه‌الله شیخ ابوالحسن شیرازی، از درس آیه‌الله تقدیری برای آموختن شرح منظومه استفاده نمود.

سپس قسمتی از رسائل و مکاسب را از محضر آیه‌الله مشکینی و بخشی از کفایه را نزد آیه‌الله منتظری و بیشتر آن را از آیه‌الله سلطانی و آیه‌الله حرم پناهی آموخت. با اتمام این دوره در درس خارج حضرت امام خمینی (قدس سره) حضور یافت و مسائل مستحدثه را از محضر ایشان فرا گرفت و همزمان در درس آیات عظام گلپایگانی و شریعتمداری و حاج شیخ کاظم فارابی شرکت می‌نمود. ایشان در طی سالهای تحصیلی خود با بسیاری از شخصیت‌های علمی و سیاسی مراد و دوستی داشتند که از آن جمله می‌توان به حضرات آیات احمدی میانجی، سید مهدی روحانی، راستی کاشانی، مظاهری اصفهانی، عندلیب شیرازی، شیخ حسین امراللهی و مرحوم آیه‌الله صدرالدین حائری شیرازی و برادر ایشان آیه‌الله محی‌الدین و نیز آیه‌الله مجدالدین محلاتی اشاره کرد.

دامنه ارتباطات مردمی آیه‌الله شرعی تا اقصی نقاط کشور گسترده است. ایشان با بسیاری از تجار متدین، کارمندان شریف و جوانان فعال و حق طلب از هر قشر و طبقه‌ای ارتباط فکری و عقیدتی داشت که غالباً به صمیمیت وی و ارادت آنها منتهی می‌گردید. در این راه و روش به عنوان عالمی روحانی و مبارزی پرتلاش علیه نظام منحوس پهلوی با عده کثیری از علمای بزرگ شهرستانها ارتباط و آشنایی پیدا نمود همچنان که رشته مودت میان وی و عموم دوستان پدرش - مرحوم آیه‌الله حاج شیخ غلامحسین شرعی - برقرار ماند که از آن جمله می‌توان به دوستی و مراد و وی با آیه‌الله حاج شیخ محمدرضا کاظمی در کرمانشاه و آیه‌الله سیداسماعیل هاشمی در اصفهان اشاره نمود.

حضرت آیه‌الله حاج شیخ محمدعلی شرعی از معدود دانشوران حوزوی است که عمر با برکت وی در نشر و گسترش معارف خاندان عصمت و طهارت: و ارائه خدمات گوناگون فرهنگی، علمی، سیاسی و اجتماعی و تربیتی سپری شده است که در این قسمت به برخی از تلاشهای علمی و فرهنگی این روحانی خستگی‌ناپذیر اشاره‌ای گذرا خواهیم داشت. وی تدریس علوم حوزوی را از اولین سالهای طلبگی خود آغاز نمود و در این راه از تدریس هیچ درسی استنکاف نورزید. سیوطی، مغنی، حاشیه ملاعبده، لمعه، معالم الاصول و اصول مظفر... را به شیوه علمای سلف صالح تدریس نمود و برای تربیت شاگردان و طلبه‌های فاضل، مبارز، با اخلاق از انجام هیچ تلاشی رویگردان نبود. وی به خوبی می‌دانست که نیروی انسانی در هر جامعه‌ای برترین و مهمترین سرمایه ارتقا و اعتلای آن است بنابراین تمام تلاش خویش را برای فراهم نمودن شرایط مساعد تربیت بکار گرفت و پس از بازسازی مدرسه رضویه با پیشنهاد شهید آیه‌الله قدوسی به اداره آن همت گماشت تا گوشه‌ای از نابسامانی‌های آموزشی و درسی طلاب را سامان دهد. از جمله فعالیت‌های ایشان در مدرسه رضویه افزون بر ارائه یک سیستم منظم آموزشی، برگزاری سلسله جلسات علمی و اعتقادی بود. آیه‌الله شرعی پس از آشنایی با مرحوم شهید مطهری در زندان ساواک به همراه تنی چند از فضیلا حوزه توانست مقدمات حضور و تدریس ایشان را در قم و در مدرسه رضویه فراهم آورد.

سلسله دروس اعتقادی و فلسفی شهید مطهری دو روز در هفته برگزار می‌گردید. این درسها که با استقبال کم نظیر طلاب قم مواجه می‌شد پاورقی‌های جلد چهارم و پنجم کتاب «روش رئالیسم» را تشکیل می‌دهد. آیه‌الله شرعی با توجه به لزوم ایجاد تشکیلات منسجم در حوزه‌های علمیه برای ارتقای وضعیت علمی و آموزشی طلاب و فراهم نمودن زمینه‌های لازم در مبارزه با رژیم طاغوت، مدیریت مدرسه رضویه را بر عهده گرفت و سالهای متمادی در آنجا به کار و تلاش پرداخت. در آن ایام جریانهای انحرافی وابسته به سیاستهای فرهنگی غرب و وهابیت قصد داشت با نفوذ به حوزه‌های علمیه اذهان طلاب جوان را منحرف سازد تا بتواند از آنها در

مقاصد گوناگون استفاده نماید.

این جریانها توسط برخی روحانی نمایان در مدرسه رضویه رخنه کرده بود. آیه‌الله شرعی با هوشیاری و اشراف کامل، به مبارزه غیر علنی با آنها پرداخت و با برپایی جلسات مناظره از فضایی همچون آیه‌الله مصباح یزدی و حجج اسلام حاج شیخ محمدرضا آشتیانی و حاج شیخ جعفر امامی استفاده نمود تا شبهات ایجاد شده را پاسخ گویند. این جلسات به قدری مفید و جذاب بود که تحسین بسیاری از اساتید حوزه را برانگیخت. آیه‌الله شرعی پس از رفع شبهات از اذهان طلاب جوان به طرد و تصفیه عناصر التقاطی همت گماشت و مدرسه رضویه را از این بلایه‌های رهایی بخشید. در بررسی خدمات گوناگون آیه‌الله شرعی باید مجموعه آنها را در دو دوره قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مورد توجه قرار داد. اعتقاد راسخ وی به حقانیت مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و پیروزی حق بر باطل در فرجام امور، رویکردی آینده‌شناسانه را به وی ارزانی داشته که براساس آن به بسیج تمامی نیروها و امکانات جامعه برای اعتلای کلمه حق و امحاء باطل کوشیده است و در راه تحقق آرمانهای الهی و حفظ و گسترش ارزشهای دینی به انجام هر گونه خدمت و قبول هر رنج و مصیبتی دل می‌سپارد.

زندانی شدن در زندانهای ساواک، تلاش در هماهنگ سازی نیروهای طرفدار حق، ایجاد امکانات رفاهی و آموزشی برای آحاد مردم، تشویق و ترغیب قشرهای گوناگون به دفاع از اسلام و انقلاب اسلامی، شهادت فرزندش حجة الاسلام شهید محمدتقی شرعی در جبهه‌های جنگ تحمیلی و... مجموعه‌ای از عملکردهای باورمند وی را نشان می‌دهد. بارزترین ویژگی آیه‌الله شرعی را باید در امیدواری و امیدبخشی نسبت به تحقق وعده‌های الهی دانست و ظلم ستیزی وی را نیز همدوش آن دید. آیه‌الله حاج شیخ محمد علی شرعی را می‌توان یکی از چهره‌های سیاسی و فرهنگی معاصر دانست. جمع‌آوری مجموعه‌ای از خاطرات این دانشی مردنستوه می‌تواند بسیاری از زوایای سیاسی و اجتماعی دیروز و امروز ایران اسلامی را آشکار سازد. مبارزه مداوم وی بر علیه نظام طاغوت موجب شد تا در عاشورای سال ۱۳۴۲ که برای تبلیغ به مشهد اردهال رفته بود توسط ژاندارمری دستگیر و برای بازجویی به نراق منتقل گردد.

پس از چندی وی را در ساواک قم مورد بازجویی قرار دادند. سپس به پادگان عشرت‌آباد فرستادند و چندی او را در زندان انفرادی نگه داشتند. پس از انتقال به بند عمومی زندان از محضر عالمان مبارزی چون آیه‌الله بهاء‌الدین محلاتی، آیه‌الله خادمی اصفهانی، آیه‌الله قاضی تبریزی و... استفاده‌های فکری و معنوی نمود. آیه‌الله شرعی از زندان پادگان عشرت‌آباد به زندان شهربانی تهران منتقل گردید. در ایام پانزدهم خرداد این زندان محل بازداشت اهل منبر و وعاظ معروفی همچون حضرات آیات شهید مطهری، شهید هاشمی نژاد، مرحوم فلسفی و آیه‌الله مکارم شیرازی و... بود.

آشنایی آیه‌الله شرعی در این زندان با شهید مطهری ثمرات بسیاری برای نهضت و مردم را در پی داشت. وی در این ایام با برخی از دوستان خود روزنامه «انتقام» و «بعثت» را چاپ و منتشر می‌نمود که ماهیتی سیاسی داشت و مسائل مهم آن روزها را تحلیل می‌کرد تا حوزه و روحانیت را از آنچه در اطرافشان رخ می‌داد آگاه نماید. در ادامه اینگونه فعالیت‌های سیاسی بود که آیه‌الله شرعی توانست با تهیه یک دستگاه چاپ و تکثیر، سخنرانیهای مرحوم امام (قدس سره) را در میان افراد انقلابی منتشر سازد که یکی از شاخص‌ترین این موارد چاپ و نشر سخنرانی مشهور حضرت امام (قدس سره) در پانزدهم خرداد سال ۴۲ می‌باشد. پس از موضع‌گیری صریح امام (قدس سره) در برابر کاپیتولاسیون، آیه‌الله شرعی با همکاری حجة الاسلام سید محمود دعایی اعلامیه آن مرجع نستوه را در اندک زمانی چاپ کرد و در کمترین زمان ممکن به صورت هماهنگ در سراسر کشور توزیع نمود. پی‌گیری ساواک برای جستن عاملان این حرکت انقلابی منجر به بازداشت آیه‌الله شرعی و جمعی از فضلا گردید.

وی را ابتدا به زندان قزل قلعه و سپس به زندان قصر منتقل نمودند. در گیرودار همین دستگیری بود که مأموران ساواک به سرکردگی جلال معروف آن یعنی سرهنگ ازغندی به خانه آیه‌الله شرعی یورش بردند. جلال ساواک قصد ورود به اطاقی را داشت

که زنان خانواده در آن حضور داشتند و می‌کوشیدند تا اسناد مربوط به روحانیون مبارز را برای مصون ماندن از این هجوم ناگهانی به منزل همسایگان منتقل نمایند. سرهنگ از غندی که قصد داشت با ایجاد ارباب وارد اطاق شود با فریاد و سیلی خشم آهنگ آیه‌الله شرعی روبرو شد. همین ابراز شجاعت موجب شد تا فرصت کافی برای پنهان سازی اسناد انقلابی فراهم آید. شهید حجة الاسلام محمدتقی شرعی در سالها بعد می‌گفت: من شجاعت و شهامت را از آن سیلی که پدرم در حال اسارت به جلاد ساواک نواخت، آموختم. آیه‌الله شرعی در ایام هجرت حضرت امام (قدس سره) به نجف اشرف به سوریه رفت تا از آنجا به عراق برود و به دیدار امام (قدس سره) نائل شود.

هدف وی از این سفر پرسش از امام (قدس سره) در باره شرکت در انتخابات و چگونگی برخورد با این موضوع در ایران بود. وی که نتوانسته بود ویزای عراق را تحصیل نماید پرسش‌های خود را در سوریه در یک نوار ضبط نموده و آن را به همراه نامه‌ای که با همفکری آیه‌الله سیدمنیرالدین حسینی در قم تهیه و برای انتقال به سوریه در یک دستگاه رادیو جاسازی شده بود توسط آقای علی جنتی فرزند آیه‌الله جنتی به دست امام (قدس سره) در عراق رسانید و پس از مدتی کوتاه پاسخ امام (قدس سره) را مبنی بر تحریم انتخابات دریافت نمود. آیه‌الله شرعی با شروع سلسله دروس ولایت فقیه توسط مرحوم امام (قدس سره) در نجف، مجموعه نوارهای این دروس را پس از انتقال به قم با جمعی از دوستان مورد مطالعه و مباحثه قرار داده آن را منتشر ساختند. با شروع انقلاب اسلامی ایران و هجرت امام (قدس سره) از نجف به پاریس ارتباط تلفنی وی با امام (قدس سره) برقرار گردید و ایشان مطالب و نقطه نظرات بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران را به وسیله یک شبکه گسترده و سری به کلیه علما و فضلاء مبارز در سراسر کشور منتقل می‌نمودند.

وی در هماهنگی سازی علمای بزرگ شهرستانها با نهضت اسلامی تلاش مضاعفی را بکار بردند که از آن جمله می‌توان به ملاقاتهای ایشان با آیه‌الله ارباب در اصفهان اشاره نمود. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران تمام تلاش آیه‌الله شرعی این مبارز خستگی‌ناپذیر به حفظ و گسترش دستاوردهای انقلاب اسلامی معطوف گردید و در مسؤولیت‌های گوناگون تصویر روشنی از فراست و شهامت و تلاش خداجویانه روحانیت حق طلب شیعی را به منصف ظهور رساند که در پی به برخی از آن خدمات اشاره می‌شود: الف: با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ستاد انقلاب اسلامی در قم ایجاد گردید که فرامین حضرت امام (قدس سره) را در رفع معضلات و مشکلات کشور ابلاغ و پیگیری می‌نمود.

آیه‌الله شرعی با قبول ریاست این ستاد در روزهای بحرانی آغاز پیروزی، با همکاری آیه‌الله شیخ محمد یزدی به رفع مشکلات مردم در اقصی نقاط کشور و دفع غائله‌های سیاسی از جمله در گنبد و کردستان همت گماشت. زنده یاد شهید چمران با حمایت همین ستاد مردمی و انقلابی آشوب کردستان را سامان بخشید و نیروهای اعزامی از جوانان غیور قم نیز غائله گنبد را پایان دادند آیه‌الله شرعی در این ستاد نمایندگان را برای نظارت و تقویت عملکرد قوه قضائیه گسیل داشت و با صدور بیش از ۱۳ هزار حکم به عنوان بازوی اجرائی حضرت امام (قدس سره) در سراسر کشور عمل نمود. ب: عده‌ای از مدرسین و فضلاء حوزه علمیه قم در دوران استیلائی رژیم طاغوت با هدف حمایت از مواضع سیاسی حضرت امام خمینی (قدس سره) و نشر افکار و آثار آن قائد بزرگ به تأسیس جامعه مدرسین همت گماشتند. آیه‌الله شرعی در اولین سالهای تأسیس جامعه مدرسین به پیشنهاد و درخواست آیه‌الله ربانی شیرازی به عضویت آن درآمدند و در تمام فعالیت‌های سیاسی آن فعالانه شرکت داشتند. آیه‌الله شرعی تا هم اکنون از اعضای جامعه مدرسین می‌باشند. ج: با شروع جنگ تحمیلی ایشان تمام توان و تلاش خویش را به تقویت جبهه‌های نبرد معطوف نمود و در تهیه تجهیزات انفرادی و جمعی برای رزمندگان و ارسال آنها به خطوط مقدم صمیمانه کوشید. فرزند ارشد وی حجة الاسلام محمدتقی شرعی که از چهره‌های بسیار با استعداد و موفق حوزوی محسوب می‌شدند و از اوان نوجوانی در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی پدر خویش شرکت مؤثر داشتند در روز میلاد حضرت امام محمدتقی (ع) به فیض شهادت نائل

آمدند.

حضرت آیه‌الله شرعی این داغ جانگداز را تحت‌الشعاع جشن شادی میلاد با سعادت حضرت جوادالائمه (ع) قرار دادند و در آن سال و هر سال جشن میلاد نهمین پیشوای معصوم (ع) را با شکوه خاصی برگزار نمودند بی گمان یکی از برزنده‌ترین القاب برای این عالم مجاهد عنوان «ابوالشهید» است و از همین حرکت عاشقانه و عالمانه میزان ارادت و اخلاص وی را به ساحت مقدس ائمه هدی (علیهم السلام) به خوبی می‌تواند دریافت. د: حضرت آیه‌الله شرعی برای دو دوره به عنوان نماینده مردم قم به مجلس شورای اسلامی راه یافتند. در دوره اول از اعضای کمیسیون دفاع مجلس بودند و در طی آن دوره با همکاری دیگر اعضای کمیسیون، اساسنامه ارتش و سپاه را تدارک دیدند. در این دوره است که ایشان سعی بلیغی را برای حفظ و ارتقای جایگاه ولایت فقیه در اساسنامه‌های نیروهای مسلح بکار بردند و به این مهم توفیق یافتند. در دوره دوم نمایندگی، وی به عضویت در کمیسیون اصل ۹۰ پیوست و ۲۳ هزار پرونده را کد و جاری را در طی این دوره به فرجام رساند.

تغییر اساسنامه کمیسیون اصل ۹۰ و اقتدار بخشیدن به این کمیسیون همراه با ساماندهی سیستم بایگانی و اداری آن از دیگر خدمات ماندگار ایشان محسوب می‌شود. حضرت آیه‌الله شرعی با توجه به توانایی و استعداد زنان در کسب علوم حوزوی و لزوم آموزش علمی و دینی برای آنان و نیز ارائه الگوی عینی در این امر، در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به تأسیس مدرسه‌ای جهت آموزش حوزوی دختران دست یازیدند که این تلاش به رغم کارشکنی‌های رژیم طاغوت و بی‌اعتنایی برخی از علمای آن عصر با مساعدت و همکاری شهید آیه‌الله قدوسی به نتایج موفقیت‌آمیز رسید. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران حضرت امام (قدس سره) هیأت موسسی را برای تشکیل حوزه علمیه خواهران تعیین فرمودند که حضرات آیات و حجج اسلام مشکینی، فاضل، موسوی اردبیلی، جنتی، شرعی، توسلی و شیخ حسن صانعی از زمره اعضای آن هیأت بودند. در این دوره تلاش آیه‌الله شرعی با پشتوانه تجارب قبل از پیروی انقلاب و همفکری دیگر اعضای هیأت موسس به ایجاد جامعه الزهرا(س) انجامید.

همچنانکه کوشش پیگیر وی موجب ایجاد وحدت رویه و نظارت کامل شورای عالی حوزه علمیه بر حوزه‌های علمیه خواهران شد. و: حضرت آیه‌الله شرعی برای بی‌نیاز کردن جامعه زنان در مراجعه به پزشکان مرد و نیز ایجاد الگوی عینی در آموزش علوم پزشکی برای بانوان به تأسیس دانشگاه علوم پزشکی فاطمیه قم مبادرت نمودند. ایجاد این دانشگاه نتایج گوناگونی را در پی داشت که از آن جمله می‌توان با جذب تخصص‌های پزشکی در قم، فارغ‌التحصیل شدن بیش از پانصد پزشک زن در تخصص‌های گوناگون، ایجاد دانشگاهی تخصصی ویژه بانوان به عنوان ایجاد نمونه عینی و تحقق امکان‌پذیری نظام آموزشی همگن اشاره نمود. ز: با مراجعت حضرت امام (قدس سره) به قم و ازدهام هر روزه هزاران نفر از اقصی نقاط کشور، برای زیارت آن رهبر بزرگ در اطراف منزل ایشان، لزوم ایجاد مرکز و مکانی جهت پذیرایی و رفاه این زائرین، حضرت آیه‌الله شرعی را بر آن داشت تا به ایجاد فضایی مناسب برای اسکان و پذیرایی مردم اقدام نماید. به همین منظور با همکاری حجة الاسلام والمسلمین حاج سیدرضا برقی «از مؤلفان کتب درسی آموزش و پرورش» به خریدن و مهیا نمودن زمین وسیعی با تأسیس امکانات رفاهی مبادرت ورزید. امکانات و اماکن فراهم آمده را که با گذشت زمان وسعت می‌یافت بنیاد ارشاد و رفاه امام صادق (ع) نامید و به تهیه اساسنامه و تعیین هیأت امناء برای آن اقدام نمود.

این مؤسسه آموزشی و رفاهی تا هم اکنون در تهران، قم، مشهد و تنکابن منشأ خدمات فراوانی شده است. ح: مدرسه عالی قضایی قم که پس از چند سال به دانشگاه قم تبدیل گردید و با همت و پایمردی رجل علمی و دینی ایجاد شده بود با توجه به سوابق خدمات فرهنگی و تأثیرگذاری حضرت آیه‌الله شرعی در گسترش مراکز علمی و دینی، ایشان از سوی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به عنوان یکی از اعضای هیأت امنای این دانشگاه انتخاب شده و در طی ۴ سال از راهبردها و تجربه‌ها و تلاش‌های مؤثر وی بهره‌مند گردیدند. ط: اوایل پیروزی انقلاب اسلامی برخی از خیرین با مساعدت و همکاری آیه‌الله سیدعلی محقق برای تهیه مسکن

جهت طلاب علوم دینی به تأسیس شهرک مهدیه اقدام نمودند. شورای عالی مدیریت حوزه‌های علمیه هیأت امنایی را از بازاریان متدین و روحانیون دلسوخته برای ایجاد این شهرک تعیین نمود که حضرت آیه‌الله شرعی از آن جمله می‌باشد این شهرک هم اکنون با بیش از هزار واحد مسکونی پذیرای طلاب ایرانی و خارجی است تا در دوران تحصیل با آرامش خاطر به کسب علوم دینی پردازند. شهرک مهدیه با همت و تلاش هیأت امناء و پیگیری مداوم حجة الاسلام والمسلمین شیخ مهدی صباحی گسترش روز افزون داشته هم اینک دو هزار و هفتصد واحد مسکونی دیگر به همراه مراکز فرهنگی، آموزشی، رفاهی و بهداشتی در حال ساخت است. ی: قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نماز جمعه قم در مسجد امام اقامه می‌گردید و پس از پیروزی و توجه روز افزون آحاد مردم به شرکت در این عبادت سیاسی، اقامه نماز جمعه در حرم مطهر حضرت معصومه (س) و سپس در دبیرستان امام صادق (ع) انجام می‌پذیرفت.

لزوم ایجاد مصلاهی وسیعی برای اقامه این نماز عبادی و سیاسی حضرت آیه‌الله شرعی را بر آن داشت تا با همکاری و تلاش آقایان حاج حسن صبوری و حاج ابوالفضل عباسی به ایجاد مصلاهی بزرگ قم اقدام نماید. ایشان هم اکنون از اعضای هیأت امنای ستاد اقامه نماز جمعه قم می‌باشند. ک: جمعیت مبارزه با فقر که با نظارت آیه‌الله حاج شیخ مرتضی حائری در قم تأسیس گردیده بود و آیت الله موسوی همدانی و آقای سید محمود طباطبایی از اعضای بسیار فعال آن بودند قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نیز به وضع معیشتی فقرا و ایتم کمکهای شایانی می‌نمود. حضرت آیه‌الله شرعی که از اوایل تأسیس این جمعیت به همکاری با آن پرداخته بود و با سخنرانی‌های پرشور خویش آحاد مردم و خیرین را به یاری رساندن این جمعیت تشویق و ترغیب می‌کردند از آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری و سید محمود طباطبایی خواستند تا برای ایتم ویژگی خاصی را قائل شوند.

این پیشنهاد مورد قبول مؤسسين واقع گردید و در اولین قدم زیر نظر مرحوم آیه‌الله حائری به انتشار قبض‌هایی مبادرت نمودند که به جلب حمایت‌های مردمی برای ایتم اختصاص داشت. پس از آن، جمعیت سرپرستی ایتم قم توسط آقای زاهدی به تأسیس مدرسه‌ای برای ایتم اقدام نمود حضرت آیه‌الله شرعی که از اعضای هیأت امنای این جمعیت می‌باشند در جلب نظر شخصیت‌های علمی و دینی و مشارکت خیرین برای ساماندهی اوضاع معیشتی و تربیتی ایتم تلاش وافر را به منصف ظهور رسانده‌اند. ل: در اوایل جنگ جمعی از جوانان پرشور قم به تأسیس هیأتی برای عزاداری سالار شهیدان با عنوان حسینیه شهدا اقدام نمودند. این گروه با برپایی چادری در فضایی باز به انجام مراسم عاشورا مبادرت کردند. این حسینیه با حضور و مشارکت آیه‌الله شرعی و جمعی از جوانان پرشور و انقلابی و همکاری مداح اهل بیت (ع) سید احمد شمس از روتق خاصی برخوردار شد و هر ساله بر امکانات آن افزوده گشت. شهید حجة الاسلام محمدتقی شرعی در زمره جوانانی بود که در این حسینیه عاشقانه خدمت می‌نمود. در طی سالهای گذشته حسینیه شهدای قم موفق به ساختن بنایی مناسب در فضایی بسیار وسیع گردید و حضرت آیه‌الله شرعی با تعیین هیأت امنایی برای آن کوشیده‌اند تا این حسینیه نیز مرکزی برای تربیت جوانان در راه تعمیق و گسترش ارزشهای والای شیعی گردد. در سال ۱۳۷۰ حضرت آیه‌الله شرعی مؤسسه پژوهش و مطالعات عاشورا را در مشهد مقدس تأسیس نمودند.

این مؤسسه که با انجام بیش از هشتاد پروژه تحقیقاتی خرد و کلان یکی از فعال‌ترین دفاتر پژوهشی کشور در حوزه علوم انسانی است در کارنامه خود کارکرد بیش از یکصد و هفتاد نفر از اساتید حوزه و دانشگاه را در طی یک دهه نشان می‌دهد. پژوهشکده‌های معارف، جغرافیا، آینده‌شناسی، ادبیات و هنر از دفاتر اقماری این مؤسسه بودند که با تلاش پژوهشگران خویش به احیاء تراث ادبی و دینی و نقد و نظر در حوزه جغرافیای انسانی و آینده‌شناسی ایران و جهان مبادرت می‌ورزید. هزاران برگه تحقیقاتی به همراه دهها مقاله و کتاب از خروجی‌های علمی این مؤسسه محسوب می‌شود. اهتمام حضرت آیه‌الله شرعی به ایجاد زیرساخت‌های علمی و فرهنگی و تهیه راهبردهای اجرایی در حفظ و نشر معارف علوم موجب پدید آمدن «کانون تفکر» در مؤسسه پژوهش و مطالعات عاشورا گردید. اعضای این کانون که بطور موازی با شورای عالی پژوهش به تشکیل جلسه می‌پردازند از

مبرزترین اساتید حوزه و دانشگاه می‌باشند پایگاه اینترنتی این مؤسسه برای پاسخگویی مستدل به شبهات معاندین مکتب علوی در شرف ایجاد است. حضرت آیه‌الله شرعی با تأسیس انتشارات تاسوعا زمینه پشتیبانی چاپ و نشر آثار تحقیقاتی و فرهنگی مؤسسه پژوهش و مطالعات عاشورا را فراهم نمودند. این انتشارات تاکنون آثاری از تراث ادبی و دینی را به جامعه علمی ارائه نموده است

شرف الدین، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین شرف الدین

محل تولد: ایذه خوزستان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

۱۳۴۰ تولد، ۱۳۵۹ پایان دوره متوسطه، ۱۳۶۱ پایان دوره نظام وظیفه، ۱۳۶۲ ورود به حوزه علمیه قم و شروع طلبگی، ۱۳۶۵ ورود به موسسه در راه حق و شروع دوره تحصیلی این مرکز به موازات آموزش های مرسوم حوزه، ۱۳۶۹ اتمام دوره سطح (پایه دوم) ۱۳۶۹ شروع درس خارج و شروع دوره کارشناسی ارشد پیوسته در رشته جامعه شناسی، ۱۳۷۳ - ۱۳۷۶ شروع و اتمام دوره کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی با گرایش فلسفه و کلام در بخش تربیت مدرس دانشگاه قم. ۱۳۷۶ اتمام دوره کارشناسی ارشد جامعه شناسی در موسسه امام خمینی ره. ۱۳۷۷ پذیرش عضویت هیات علمی در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). در این سنوات علاوه بر دروس رسمی (اصلی و جنبی) حوزه افتخار شرکت در دروس تفسیر قرآن استاد جوادی آملی (۶ سال)، و آموزش دروس مختلف علوم انسانی در موسسه در راه حق (به مدت ۴ سال و حدود ۱۴۰ واحد) و دروس مختلف فلسفه، علوم القرآن داشته است.

شرکت در درس خارج بزرگان حوزه همچون آیات: فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، سبحانی، تبریزی.

تدریس: از سال ۱۳۶۷-۱۳۷۲ در دروس مختلف حوزه به صورت حلقات شاگردان خصوصی، تدریس در مراکز دانشگاهی از ۱۳۷۲-۱۳۷۹ در قالب، درس عمومی (معارف اسلامی و ریشه های انقلاب) و از ۱۳۷۲ تا کنون تدریس مبانی جامعه شناسی، فلسفه تعلیم و تربیت، روش تحقیق، کلام جدید، انسان شناسی، نظریه های جامعه شناسی، اندیشه های اجتماعی متفکران مسلمان، جامعه شناسی دین، قشر بندی اجتماعی، سنت های اجتماعی در قرآن و سایر دروس علوم اجتماعی در مراکز مختلف حوزوی بویژه موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره و برخی دانشگاه های قم چون دانشگاه قم، دانشگاه مفید مرکز جهانی علوم اسلامی، مرکز آموزش مبلغان. از سال ۱۳۸۳ تاکنون دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع).

شرف جهان قزوینی، شرف الدین

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۹۶۸-۹۱۲ ق)، خطاط، ادیب و شاعر، متخلص به شرف. در جوانی مقدمات دانش و ادب را در زادگاه خود فراگرفت، سپس به شیراز رفت و نزد امیر غیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی و خواجه جلال‌الدین محمود شیرازی، به کسب دانشهای معقول همت گماشت. علمای معاصر او به فضلش گواهی داده‌اند. شرف جهان در خط و انشا و شعر و حتی در موسیقی و آواز سرآمد زمان بود و خط را به روش خواجه عبدالحی منشی می‌نوشت. وفات وی در قزوین اتفاق افتاد و در مزار شاهزاده حسین به خاک سپرده شد. وی به غیر از «دیوان» شعر، صاحب «ساقی نامه» ای است که به مدح شاه طهماسب ختم شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آتشکده‌ی آذر (۱۱۸۷-۱۱۷۴/۳)، حسن التواریخ (۶۹۹-۶۹۸، ۵۳۳)، ایضاح المکنون (۵۱۰/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۹۱-۶۷۹/۵)، تاریخ نظم و نثر (۸۲۶-۸۲۵، ۴۴۰-۴۳۹)، تذکره‌ی میخانه (۱۶۸-۱۵۱)، الذریعه (۵۱۶-۵۱۵/۹)، ریحانه (۱۸۸/۳)، عالم آرای عباسی (۱۷۸/۱)، قزوین در گذرگاه هنر (۲۲۱-۲۲۰)، گلستان هنر (۴۹)، مجمع الخواص (۴۰-۳۹)، مجمع الفصحا (۴۴/۴)، مینودر (۴۷۳-۴۷۲/۲)، نتایج الافکار (۳۶۹-۳۶۸).

شرف شفروه اصفهانی، شرف‌الدین عبدالمومن، محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم ق)، فقیه، واعظ و شاعر. مشهور به شفروه و شرف اصفهانی. وی از خاندان بسیار معروفی از مردم اصفهان بوده که همه به مناسبت نام جدشان به شفروه معروف بوده‌اند. وی در زبان فارسی و عربی مهارت داشت. وی از قران جمال‌الدین عبدالرزاق و رفیع‌الدین لنبانی بود. در خدمت اتابک شیرگیر لقب ملک‌الشعراء داشت و می‌گویند که او جمال‌الدین و مجیرالدین بیلقانی را اهاجی رکیک گفته است. از ممدوحان وی اتابک مشیرگیر برادر اتابک ارسلان از سران دولت سلاجقه‌ی عراق بوده است. از جحمله مولفاتش: «اطباق الذهب فی المواعظ و الخطب». که به زبان منشیانه فصیح و به زبان عربی نگاشته شده است؛ «دیوان» اشعارش مشتمل بر هشت هزار بیت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آتشکده‌ی آذر (۹۵۰-۹۴۸/۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۷۴۳-۷۴۰/۲)، تاریخ گزیده (۷۳۷-۷۳۶)، تاریخ نظم و نثر (۱۰۲)، تذکره الشعراء (۱۷۲-۱۷۰)، دایرة‌المعارف فارسی (۱۴۶۴/۲)، الذریعه (۵۱۳/۹، ۲۱۶/۲)، ریاض العارفین (۲۱۳-۲۱۲)، ریحانه (۱۹۳-۱۹۲/۳)، فرهنگ سخنوران (۴۹۹-۴۹۸)، کشف الظنون (۱۱۶)، لباب الالباب (۲۷۳-۲۶۸/۱)، لغت نامه (ذیل/ شفروه) هفت اقلیم (۳۶۶-۳۶۱/۲)، یادداشتهای قزوینی (۲۱۴-۲۱۳/۵).

شرف یزدی، شرف‌الدین علی

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۸۵۸ ق)، مورخ و شاعر، متخلص به شرف. وی در فنون ادب و انواع کمالات ماهر و بسیار فصیح و منشی بلیغ بود، در فن انشا به تمامی اهل عصر خود تقدم داشت به فقر و تصوف راغب و در معما دارای دستی توانا بود و اولین تدوین کننده‌ی این فن می‌باشد. وی از جمله رجالی است که عهد آل مظفر و دوران تیموری را درک کرده. و در نزد تیمور لنگ مقرب بود و ابراهیم بن شاهرخ بن تیمور هم نسبت به وی محبت بسیاری داشت و به حسب اصرار او کتاب «ظفرنامه‌ی تیموری» را که حاوی احوال تاریخی خانواده‌ی تیموری و فتوحات امیر تیمور می‌باشد در ظرف چهار سال تالیف کرد و اطلاعات خود را از «ظفرنامه‌ی نظام شامی» و مطالبی که روزنامه‌چیان زمان تیمور گرد آورده بودند و از خزانه گرفته و از آنچه پیران سالخورده شنیده فراهم کرده است و چون جامع‌ترین کتابهای تاریخ تیموری است رایج‌ترین کتاب در این زمینه به شمار می‌رود. چندی پس از تالیف این کتاب مقدمه‌ای در شرح قبایل ترک و مغول و به اصطلاح آن زمان الوس جغتای یعنی انساب جغتای و احوال الوس بر آن کتاب نوشته که به «تاریخ جهانگیر» یا مقدمه‌ی «ظفرنامه» معروف شده وی را در مزار شرفیه کنار مسجد جامع میرچماق یزد به خاک سپردند. از دیگر تالیفات وی: سه رساله به نام «مناظر»، «منتخب»؛ «الحلل المطرز فی المعما و اللغز»، در معما؛ «الکتاب فی علم الاسطربلاب»؛ «کنه المراد فی علم الوفق و الاعداد»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: از سعدی تا جامی (۵۰۵-۴۹۸)، اعیان الشیعه (۳۷۱/۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۸۶-۴۸۳، ۳۰۹-۲۹۹، ۱۱۸، ۱۰۷، ۴/)، تاریخ در ایران (۱۰۹-۱۰۸)، تاریخ نظم و نثر (۲۴۹-۲۴۸)، تاریخ یزد (۲۲۸-۲۲۷)، تحفه سامی (۱۲۲)، تذکره سخنوران یزد (۱۶۶-۱۶۴)، تذکره الشعراء (۴۲۸-۴۲۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۹۹-۴۹۷)، جامع مفیدی (۳۰۴-۲۹۹/۳)، حبیب السیر (۱۶-۱۵/۴)، دایرةالمعارف فارسی (۱۴۶۴/۲)، الذریعه (۳۹۸-۳۹۷/۲۲، ۱۷۶/۱۸، ۲۰۰/۱۵، ۵۱۷/۹)، ریحانه (۲۰۰-۱۹۸/۳)، سبک شناسی (۱۹۴-۱۹۳/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۲-۱۰۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۵۰۰)، کشف الظنون (۱۵۲۱، ۱۳۳۲، ۱۰۳۳، ۱۲۰)، لغت نامه (ذیل / علی)، معجم المؤلفین (۲۶۲/۷)، هدیه العارفین (۷۳۳/۱).

شرف الاسلام شیرازی، ابوالقاسم عبدالوهاب

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۳۶ ق)، واعظ، فقیه اصولی، متکلم و محدث حنبلی. معروف به ابن حنبلی واعظ. اصل وی از شیراز است. از پدر فقه آموخت و از ابوطالب بن یوسف، حدیث. وی را شیخ حنبلیان دمشق گویند. از آثارش وقف مدرسه‌ی بزرگ شریفیه در کنار جامع دمشق است. از آثار علمی اش: «البرهان»، در اصول دین؛ «رساله فی رد الاشعریه»؛ «المفردات»؛ «المنتخب»، در اصول فقه حنابله.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۵۶۸، ۵۲۹/۲)، سیر النبلاء (۱۰۴-۱۰۳/۲۰)، معجم المؤلفین (۲۲۴/۶).

شرف‌الدین، علی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

الاسترآبادی معروف به شرف‌الدین عالمی فقیه شارح کتاب محقق کرکی و شاگرد آنجناب بوده و علامه مجلسی در مقدمه بحار فرموده و کتاب تأویل الایات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره تألیف سید فاضل علامه زکی شرف‌الدین علی الحسینی الاسترآبادی مقیم نجف و مؤلف کتاب الغرویه در شرح جعفریه و شاگرد شیخ اجل نورالدین علی بن عبدالعالی کرکی بوده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

شرف‌الدین، محمد مهدی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد مهدی بن علامه شیخ محمد شرف‌الدین بن العالم الجلیل الشیخ جعفر شرف‌الدین (متولد حدود ۱۲۵۰ و متوفی ۱۳۳۵ ق) از علماء بزرگ و دانشمندان جلیل‌القدر معاصر شوشتر است.

وی در شب شنبه ۱۶ ربیع‌المولود ۱۳۱۸ قمری در شوشتر متولد شده و اولیات و سطوح را در وطن آموخته و بعد مهاجرت به نجف اشرف نموده و از مراجع بزرگ نجف چون مرحوم علامه یزدی و شریعت اصفهانی و مراجع و مدرسین بزرگ دیگر استفاده نمود. تا به مقام رفیع علم و فقاہت رسیده و به وطن مراجعت و به ترویج دین و اقامه جماعت و تالیف و تصنیف پرداخته است از تالیفات ایشانست آثار جدش بنام (البدایع الجعفریه).

جد گرامی ایشان مرحوم شیخ جعفر بن محمد باقر بن حسن علی بن محمد رضا بن عبدالله شرف‌الدین شوشتری عالمی جلیل و خطیبی ادیب بود.

وی در ماه صفر ۱۲۵۰ ق متولد شده و اولیات و مقدمات را از فضلاء عصر فرا گرفته و در فن خطابه و وعظ مهارتی پیدا نموده و تالیفات بسیاری عربی و فارسی نظماً و نثراً داشته که از آنهاست (شرح الخصایص الحسینیه) شیخ جعفر شوشتری معروف و منظومه‌ای در تضمین الفیه در مواعظ و اخلاق و مدح‌الائمہ و منظومه الارث و منظومه‌الرضا (ع) و نظم حدیث الکساء و قصیده‌ای در غدیر دارد که پنجاه بیت می‌شود و نیز مراثی و مدایح دیگر.

وی در نهم ماه صفر ۱۳۳۵ قمری وفات نموده و در مقبره‌ای که جنب مسجد جد اعلایش شرف‌الدین است، مدفون شده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شرفی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین شرفی

محل تولد: نیشابور

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای حسین شرفی در سال ۱۳۳۸ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین و کاملاً آگاه به مسائل مذهبی در شهر نیشابور دیده به جهان گشود. وی دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی علاقه وافر به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۴، درست در سال‌های خفقان رژیم شاهنشاهی وارد حوزه علمیه نیشابور گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و پس از مدتی در پی علاقه وافر خویش به ادامه تحصیلات و استفاده از محضر بزرگان علم و ادب مشهد وارد حوزه علمیه مشهد مقدس گردید و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا (ع) از درس بزرگانی همچون آیت الله فاضل، آیت الله مکارم، آیت الله صالحی و آیت الله ستوده بهره‌ها برد. استاد ضمن تبلیغ به تدریس در دانشگاه آزاد مشهد و... و پرداخت. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس و درس و قلم و کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است و شاهد این مدعا مشغول بودن ایشان به امور پژوهشی در دانشگاه رضوی از سال ۱۳۶۱ تا کنون می‌باشد.

شرکت، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی پلاستیک، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی ایران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

فوق تخصص جراحی پلاستیک ترمیمی از دانشگاه یونیورسیتی نیویورک و بورده تخصصی در سال ۱۳۴۶.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه ژنتیکی شکافهای لب و کام در ایران، ناهنجاریهای آرواره‌ها، شکاف میانی لب، اصول و کلیات استفاده از اتساع سنجی و

ترمیم موقت استفاده بالینین از آن، تدریس درس جراحی پلاستیک ترمیمی در دانشگاه علوم پزشکی ایران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

جراحی پلاستیک ناهنجاری‌های مادرزادی صورت، دست و پستان.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: متعدد، تعداد مقالات به زبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

جراحی پلاستیک.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شروانی دلشاد، محمود

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، نویسنده و طبیب. وی در اصل از مردم آذربایجان بود که به خاک عثمانی (ترکیه کنونی) رفته و در آنجا ساکن شد. شروانی در طب و معدنیات دست داشته است. از آثار وی: «مختصری در طب»؛ «کمال نامه»؛ «تحفه مرادی» در جواهر که به ترکی و برای سلطان مراد آل عثمان نوشته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۲۷۴-۲۷۳).

شروانی، عبداللطیف

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، نویسنده، ادیب. معروف به افلاطون. وی مولف رساله‌ای به نام «حل ما لا ینحل» در شرح قصیده ابوالمفاخر رازی شاعر قرن ششم در مناقب امام هشتم (ع) که مولف به خط آن را از امام فخرالدین رازی دانسته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۴۰۳).

شریعت اصفهانی، فتح‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ‌الفهء والمجتهدین علامه قمقام و محقق عالیمقام مرحوم حاج ملا فتح‌الله شریعت اصفهانی که پس از مرحوم آیه‌الله علامه طباطبائی یزدی ریاست حوزه علمیه نجف و زعامت کلیه شیعه بوی منتهی شد ولی دولت مستعجل بود زیرا بیش از شش ماه نکشید که باسلاف صالحین ملحق شد و ریاست بآیه‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی رسید.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

شریعت اصفهانی، فتح‌الله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۹ - ۱۲۶۶ ق)، مرجع تقلید، فقیه اصولی، مفسر، متکلم و ادیب امامی. معروف به شیخ الشریعه اصفهانی. نسب وی به محمدعلی نمازی شیرازی می‌رسد. اصل وی از شیراز بود که در اصفهان به دنیا آمد. در اصفهان از ملا عبدالجواد خراسانی، مدرس کبیر، و ملا حیدر علی اصفهانی و ملا احمد سبزواری و ملا محمدصادق تنکابنی و حاج شیخ محمدباقر و ملا محمدتقی هروی اصفهانی درس خواند. سپس به نجف سفر کرد و چندی از محضر حاج میرزا حبیب‌الله رشتی و شیخ محمدحسین فقیه کاظمین استفاده کرد. وی از دوستان و نزدیکان سید جمال‌الدین اسدآبادی بود. در نهضت استقلال، ضد انگلیسی، عراق در کنار آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی قرار داشت. در ۱۳۱۳ ق به حج رفت و بعد از مراجعت به درس و تالیف و فتوی پرداخت و مرجع تقلید اغلب شیعه‌ی امامیه گردید. وی از شیخ محمد طه نجف و سید مهدی قزوینی و صاحب «روضات الجنات» و برادرش میرزا محمدهاشم چهارسوقی و شیخ محمدحسین فقیه کاظمی اجازه‌ی روایت داشت. محدث قمی از شاگردان وی بود. شیخ فتحعلی بن گل محمد حکیم برادگاهی لنکرانی نیز از خواص شاگردان وی بود که «تقریرات» او را در چهار مجلد نگاشته است. از آثارش: «ابانه المختار فی ارث الزوجه من ثمن العقار»؛ «صیانه الابانه عن وصمه الرطانه»؛ «اصاله الصحه»؛ «افاضه القدير فی حل العصير»؛ «اناره الحالک فی قرائه ملک و مالک»؛ حاشیه «فصول»؛ «قاعدہ‌ی صدور» یا «قاعدہ‌ی الواحد البسيط»؛ «قاعدہ‌ی ضرر»؛ «قاعدہ‌ی طهارت»؛ رساله‌ای در «صحاح» ششگانه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام: ۳۳۳-۳۳۴ (۵/)، اعیان الشیعه (۳۹۲-۳۹۱/۸)، الذریعه (۶/۲۵، ۱۰۴-۱۰۳، ۴۴/۱۵، ۱۸۸/۱۰، ۱۹۵/۷، ۵۹/۱)، ریحانه (۲۰۷-۲۰۶/۳)، شرح حال رجال (۱۷۵/۶)، علماء معاصرین (۱۲۴-۱۲۲)، فوائد الرضویه (۳۴۵)، معجم المؤلفین (۵۳-۵۲/۸)، مکارم الآثار (۱۸۱۹-۱۸۱۶/۵).

شریعت نربقان، شمس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۵، مرتبه علمی: استاد، رشته: پاتولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، دکترای تخصصی پاتولوژی آناتومیک (آسیب‌شناسی) به خصوص در رشته سرطان‌شناسی از دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، اخذ گواهینامه Assistant Etraget از مرکز سرطان‌شناسی لیون فرانسه.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پیوند سرطان انسان به موش‌ها، طرح اثرات روغن ذرت و روغن ماهی بر ساختمان تخمدان خرگوش‌های ماده، استاد راهنمای ۲ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

سرفصل در کتاب درسی آسیب‌شناسی در زمینه آناتومی پاتولوژی و سرطان‌شناسی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۵

زمینه علمی مقالات:

آسیب‌شناسی و به خصوص پاتولوژی سرطانها.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شریعت سنگلجی، محمدحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۶۳ ق)، فقیه. تحصیلات خود را نزد پدر آغاز کرد سپس به مدرسه‌ی میرزا زکی در کوی سنگلج تهران وارد شد. دوره‌ی سطح فقه را نزد حاج شیخ عبدالنبی نوری به اتمام رسانید. حکمت و فلسفه را در محضر میرزا حسن کرمانشاهی و عرفان را نزد میرزا هاشم اشکوری فراگرفت. او همچنین در حوزه‌ی درس شیخ علی نوری و شیخ فضل‌الله نوری تلمذ کرد. آنگاه به همراه برادرش، شیخ محمد سنگلجی، به نجف رفت و در محضر اساتیدی چون آقا ضیاءالدین عراقی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. او مرعوب عقاید وهابیه و بعضی از نویسندگان نوپرداز مصری گردید و در تهران در محله سنگلج دارالتبلیغی به نام رواق تاسیس نمود و به ترویج عقاید وهابیان پرداخت. از آثارش: «حرمت ربا»، «اسلام و موسیقی»، «توحید عبادت» یا «یکتاپرستی»، «کلید فهم قرآن»، «محو الموهوم».

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۵/۲۸۳، ۱۸/۱۳۴)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۷۰-۶۹/۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۶۱-۵۶۰/۲).

شریعت، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد فرزند آیت‌الله العظمی مرحوم حاج ملافتح‌الله شریعت اصفهانی عالم معاصر کراچی می‌باشند.

وی در حدود سال ۱۳۲۵ قمری در نجف اشرف متولد شده و در حجر والد ماجدش که از مراجع بزرگ تقلید و مدرسین و زعماء

روحانیت نجف اشرف بودند پرورش یافته و مقدمات و ادبیات و سطوح را از علماء و اساتید نجف آموخته و به درس خارج مرحوم آیت‌الله العظمی میرزا محمدحسین نائینی و آیت‌الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله العظمی آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی شرکت و استفاده نموده تا حدود سال ۱۳۷۰ قمری که بنابر دعوت مرحوم آیت‌الله آقا میرزا مهدی پویا به کراچی مهاجرت و رحل اقامت افکنده و تاکنون شاغل وظائف دینی می‌باشد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

شریعت، محمدجواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ادبیات فارسی، دانشکده:، دانشگاه: علوم و صنایع دفاع

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۷، دکترای ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه علوم و صنایع دفاع.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فرهنگ بسامدی گلشن راز، فرهنگ بسامدی گلستان، فرهنگ اصطلاحات دستور زبان فارسی، فرهنگ بسامدی دیوان پروین اعتصامی، تدریس دروس ادبیات فارسی، متون نظم و نثر، دستور زبان فارسی در دانشگاه‌های اصفهان، علوم و صنایع دفاعی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

املائی صحیح، دستور زبان فارسی و انگلیسی تطبیقی، کاملترین صرف و نحو عربی، تجزیه و ترکیب اشعار گلستان زمینه بحث درباره آئین نگارش، ترجمه نهج البلاغه، جمله و جمله‌سازی، سخنان پیر هرات، پروین، ستاره آسمان ادب ایران و چندین عنوان دیگر.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴۷، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

دستور زبان فارسی، انتقاد درباره دیوان عطار، صفت مرکب، لفظ "افتادن" در لغت‌نامه، دگرگونیهای لفظ در مثنوی مولوی، اظهار نظر درباره حافظ، فرهنگ‌نویسی، لغات و ترکیبات نو، کهن‌ترین کتاب دستور زبان فارسی، انتقادی بر مرصادالعباد، نقد کتابهای دبیرستانی، قدرت ترکیبی زبان فارسی، انتقادی بر ترجمه تفسیر کمبریج، ویژگیهای دستوری سیاست‌نامه، تأثیر زبانهای خارجی در زبان فارسی معاصر، نثر معاصر فارسی، ضمیر و کاربرد آن در دیوان حافظ و مقالاتی چند درباره دستور زبان فارسی.

تولد: ۱۳۱۵.

درگذشت: ۱۳۷۵.

از آثار اوست: کتاب املا (اصفهان، ۲، ۱۳۴۹-۱۳۴۷ جلد)؛ پاسخ تمرین‌های مبادی العربیه یا کاملترین صرف و نحو عربی (رشید شرتونی، ۱۳۷۲)؛ پروین ستاره‌ی آسمان ادب ایران (اصفهان، ۱۳۶۶)؛ ترجمه و راهنمای مبادی العربیه (رشید شرتونی، اصفهان)؛ جواهر الاسرار و زواهر الانوار: شرح مثنوی مولوی (کمال‌الدین حسین بن حسن خوارزمی، اصفهان)؛ دستور زبان فارسی (ویرایش سه، ۱۳۶۴)؛ زمینه بحث درباره‌ی آیین نگارش (چاپ‌های متعدد، ۱۳۶۴)؛ سخنان پیر هرات (عبدالله انصاری، به کوشش شریعت، ۱۳۶۵)؛ گزیده تفسیر کشف الاسرار (ابوالفضل رشیدالدین میبدی، به اهتمام)؛ متن و ترجمه کتاب تعرف (ابوبکر محمد بن ابراهیم کلابادی، ۱۳۷۱)؛ نهج البلاغه، سخنان امیرالمؤمنین (ع) (تألیف شریف رضی، ۱۳۷۴).

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شریعت‌پناهی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۹، مرتبه علمی: استاد، رشته: آلودگی محیط، دانشکده: داروسازی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای داروسازی از دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۷، کارشناسی ارشد بهداشت عمومی از دانشکده بهداشت دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۹، دکترای علوم بهداشت محیط از دانشگاه تولن آمریکا در سال ۱۳۵۹. مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه در زمینه‌های داروئی و بهداشتی، تدریس دروس آب‌شناسی و آب‌درمانی، اصول خدمات بهداشتی و بهداشت صنعتی برای داروسازان، طرح در زمینه تعیین کیفیت فیزیکی شیمیائی و میکروبی آب‌های ایران، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴۸ پایان‌نامه دکترای داروسازی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

آلودگی محیط زیست، مبانی بهداشت محیط، اصول کیفیت و تصفیه آب و فاضلاب.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲۰

زمینه علمی مقالات:

آلودگی محیط زیست.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شریعتمدار استرآبادی تهرانی، محمدحسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۸ - ۱۲۴۹ ق)، عالم، فقیه اصولی، رجالی و ادیب. وی در کربلا متولد شد و در همان شهر نشو و نما یافت. به همراه پدر به سفر در شهرهایی همچون کرمانشاه، تهران، استرآباد، مشهد رضوی و سرانجام تهران پرداخت. در خلال سفر از پدر علوم عربی و سطوح فقه و اصول را فراگرفت. پس از درگذشت پدر و رسیدن به سن بلوغ به نجف رفت و در محضر درس و بحث شیخ مرتضی انصاری و شیخ مشکور حولای و شیخ محسن خنفر و شیخ راضی شرکت کرد و فقه و اصول را در نزد ایشان تکمیل نمود و در بیست و سه سالگی به دریافت درجه‌ی اجتهاد نائل شد. وی از شیخ راضی و شیخ مشکور و علامه انصاری دارای اجازه بود. پس از آن به تهران آمد و به مرجعیت عام و خاص رسید. در عین حال به تدریس و تصنیف نیز پرداخت. از آثار وی: «مظاهر الآثار و حقایق الاسرار»، در پنج مجلد بزرگ؛ «ینایع العقول»، در علم اصول، در سه مجلد؛ «اساس الاحکام»، در شرح «شرایع الاسلام»، در چهار مجلد؛ «نصره المستبصرین»، در شرح «التبصره»؛ «معراج المومنین»، در شرح «الالفیه» شهید؛ «الفلیه»، در نماز؛ «ادعیه الوباء و الطاعون و جمله من الامراض و بعض العوذات و الاحراز»؛ «تحفه الممالک فی ترکیب الفیه ابن مالک»؛ «اثبات الفرقه الناجیه»؛ «رساله فی سند دعاء الخضر»؛ «مجمع الاراء و الادله»، در فقه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۴۱/۹)، الذریعه (۲۸۹/۲۵، ۱۷۷/۲۴، ۲۳۴، ۱۶۲، ۱۶۱/۲۱، ۱۵-۱۴/۲۰، ۲۳۵/۱۲، ۴۷/۱۱، ۴۷۲/۳، ۴/۲، ۹۸/۱)، ریحانه (۲۱۱ - ۲۱۰/۳)، شرح حال رجال (۲۲۴/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۹۲ - ۳۹۱/۱۴)، لغت نامه (ذیل / شریعتمدار)، معجم المؤلفین (۲۱۳/۹)، مکارم الآثار (۱۳۵۰ - ۱۳۴۹/۴).

شریعتمدار دامغانی، رضا، محمدرضا

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۴۶ ق)، عالم دینی، مجتهد و شاعر. مقدمات علوم را در مشهد آموخت پس از آن به نجف مهاجرت کرد و در آنجا تحصیلات خود را ادامه داد. پس از پایان تحصیل به ایران بازگشت و به خدمات دینی و اجتماعی مشغول شد. او دارای طبع شعر و ذوق ادبی و اشعار زیادی به فارسی و عربی سرود که قطعاتی از اشعار فارسی آن در «گنجینه‌ی دانشمندان» آورده شده است. وی دارای کتابخانه‌ی بزرگی بود که بیشتر اوقات خود را در آن به تالیف کتب مشغول بود. از آثارش: «اصول دین»؛ «انتباه نامه‌ی اسلامی»؛ ترجمه‌ی «العقائد الوثنیة فی الدیانة النصرانیة»، به نام «بت پرستی و مسیحیت کنونی». [۱]

رضا شریعتمدار بن میرزا حسن مجتهد از علماء بزرگ اخیر دامغان بوده است.

وی مقدمات علوم را در مشهد آموخته و پس از آن به نجف اشرف عزیمت نمود و در آنجا تحصیلات خود را ادامه داده و پس از

پایان تحصیل به ایران برگشته و به خدمات دینی و اجتماعی و خدمت به مردم پرداخت دارای کتابخانه بزرگی بود و بیشتر اوقات خود را در آن به مطالعه و تألیف کتب مصروف می‌داشت تألیفات وی به شرح زیر است.

۱- اصول دین چاپ ۱۳۱۹ قمری

۲- انبیا نامه اسلامی که به سال ۱۳۲۰ قمری تألیف و در سال ۱۲۹۷ شمسی در ۲۲۴ صفحه به چاپ رسیده است

۳- ترجمه العقاید الوثئیه فی الدیانة النصرانیة در سال ۱۳۴۲ قمری بطبع رسیده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۱۶- ۱۵/ ۳، ۳۵۷/۲)، ریحانه (۲۱۱/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۴۲- ۵۴۱/ ۱۳، قرن ۷۲۸/۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۱۵/۵)، المآثر و الآثار (۱۷۰)، مؤلفین کتب چاپی (۱۶۸- ۱۶۷/ ۳).

شریعتمدار رفیع، ابوالحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج میرزا ابوالحسن شریعتمدار رفیع بن المرحوم آیت‌الله حاج میرزا مهدی رفیع سابق‌الذکر می‌باشد.

وی در حدود یک‌هزار و سیصد هجری در مشهد مقدس متولد گردیده و مقدمات و سطوح را در رشت خوانده و بعد باتفاق برادرش حاج میرزا علی بحرالعلوم به نجف اشرف مهاجرت و از محضر مرحومین آیتین حاج سید محمد کاظم یزدی و آخوند خراسانی استفاده کامل نموده تا بدرجه‌ی رفیعه اجتهاد نائل گردیده آنگاه به ایران مراجعت و چندی در رشت اقامت و پس از آن مهاجرت به تهران و مورد توجه کلیه و احترام مقامات روحانی و علمی و غیره واقع شده و حوزه درس تشکیل و بسیاری از دانشمندان مرکز از محضر و بیاناتش بهره‌مند گردیدند.

منزلش مهبط نزول رجال علم و فضیلت و آیات عظام مانند مرحوم آیت‌الله العظمی حاج سید محسن امین و آیت‌الله العظمی حاج سید عبدالحسین شرف‌الدین عاملی و غیره بوده است. در حل مشکلات و فصل معضلات و قضاء حوائج دستی باز و با حسن خلق از ارباب حوائج پذیرائی و حتی المقدور رفع نیاز آنها می‌نمود.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

شریعتمدار، اسماعیل

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اسماعیل شریعتمدار عالمی جلیل و سخی‌الطبع بوده و از تلامذه مرحوم علامه آقا شیخ هادی تهرانی و از مجتهدین مسلم سبزواری بوده است در سال ۱۳۳۶ ق به رحمت حق واصل و در سبزواری مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شریعتمدار، عبدالوهاب

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا عبدالوهاب جامع معقول و منقول حاوی فروع و اصول بوده و سطوح را در تهران مخصوصاً در خدمت میرزا ابوالحسن جلوه تکمیل نموده و بعداً برای اتقان مبانی فقه و اصول مشرف به نجف اشرف شده و چندین سال در خدمت اساتید دینی تلمذ نموده تا به اعلا درجه اجتهاد رسیده سپس به وطن مراجعت و به خدماً دینی و ترویج احکام شرعیه نمود و بعد از چند سال مراجعت به عتبات و مجاورت کربلا را اختیار و در آنجا بدرود زندگی گفته و در جوار سالار شهیدان و شفیع عاصیان مدفون گردیده است. آن مرحوم با آیت‌الله العظمی آقا سید اسمعیل صدر موانست و مجالست داشته و مرحوم آیت‌الله صدر یکی از علماء حوزه علمیه قم می‌فرمودند من شوارق را در خدمت مرحوم آقا شیخ عبدالوهاب خواندم. دارای تألیفات زیادی در علوم عقلیه و نقلیه بوده‌اند که متأسفانه به طبع نرسیده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

شریعتمدار، علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۵ - ۱۲۴۲ ق)، فقیه، اصولی و هیوی. مشهور به مجتهد شریعتمدار. در محضر پدرش و شیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر»، و شیخ مرتضی انصاری در معقول و منقول تبحر یافت. چون هوش و ذکاوت و حافظه سرشار داشت، جامع انواع علوم و فنون اسلامی و اختراعات انواع صنایع و آلات بود. با وجود علم سرشار و نبوغ بسیار در تواضع و زهد و ساده‌زیستی ممتاز بود. ناظم‌الاسلام صاحب «تاریخ بیداری ایرانیان» از شاگردان اوست. شریعتمدار به گفته خود از دوازده سالگی شروع به نگارش کرده و بیش از هفتاد اثر علمی بر جاری گذاشته است. از آثارش: «البرد الیمانی فی الفاظ المعانی» در لغت؛ «مبدأ الآمال»، در قواعد علوم الحدیث و درایه و رجال؛ «غایه الآمال» در علم رجال؛ «بروج العروج»، در هیئت؛ «بروز الرموز»؛ «البروق اللامعه»، در شرح زیارت جامعه؛ «تحریر الاصول»، در اصول فقه؛ «آینه‌ی جهان نما»، در تاریخ کره زمین؛ «درر الاحکام»، در پانزده علم: صرف، نحو، معانی، لغت، میزان، رجال، درایه، حدیث، اصول، تفسیر، تجوید، هیئت، حساب، کلام و فقه؛ «جامع ناصری» به سبک «جامع عباسی»، در فقه عملی که ناصرالدین شاه می‌خواست آن را قانون رسمی و جاری کشور نماید اما مخالفان استقرار قوانین اسلامی او را منصرف کردند؛ «منهاج الدرایه» رساله فقهی فارسی؛ «الجامعه النحویه و الصرفیه بین ترکیب و شرح الالفیه»؛ «مطالع البکور»؛ «رموز الاقوال»؛ «بوستان»، منظومه فارسی، در تجوید؛ «الدرر الایتام»؛ «نثر الدرر الایتام»؛ «انیس الغرباء»؛ «ایضاح التحریر». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۰۹/۸)، الذریعه (۴۸/۱۹)، ۶- ۵/ ۱۶، ۲۵۱/۱۱، ۱۱۹، ۱۱۷، ۸/ ۷۵/۵، ۱۵۶- ۱۵۵، ۳/ ۴۹۳، ۲/ ۴۶۳، ۵۲- ۵۱/ ۱، ریحانه (۲۱۰/۳)، شرح حال رجال (۲۲۴/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳۶۵ - ۱۳۶۱ / ۱۴)، علماء معاصرین (۳۳۷)، لغت نامه (ذیل / علی استرآبادی)، المآثر و الآثار (۱۴۹)، معجم المؤلفین (۱۸۸/۷)، مکارم الآثار (۱۱۷۲ - ۱۱۶۹ / ۴).

شریعتمدار، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدحسین بن العالم الجلیل الحاج الشیخ محمدرضاى مذکور از علماء اعلام معاصر ساوه است. معظم له در ساوه تولد یافته و ادبیات را خدمت والد ماجدش تحصیل نموده و پس از آن هجرت به قم نموده و معقول را خدمت مرحوم آقای میرزا علی اکبر حکمی یزدی و سطوح نهائی را قسمتی از مرحوم آمیرزا محمد همدانی و قسمتی از سطح و خارج را خدمت آیت الله آمیرزا سید علی یشری کاشانی خوانده و چهار دوره تمام از درس مرحوم آیت الله حایری استفاده فرموده و هم در موقع مهاجرت آیت الله نائینی لباس مشکوک را از درس آن مرحوم مستفیض شده و در مدت ۲۰ سال توقف و اقامت در قم و حوزه علمیه دائماً مشغول تدریس در اوائل ادبیات را و در اواخر کفایه و مکاسب و وسائل را تدریس می نمودند و پس از نیل به مرتبه اجتهاد به تصدیق حضرات آیات عظام حایری و اصفهانی و حجت و اجازه مفصل حدیث از طرف مرحوم محدث قمی به ساوه مراجعت و حوزه علمیه در آنجا به امر مرحوم آیت الله اصفهانی تشکیل و حدود بیست طلبه و محصل تربیت نموده و بسیاری از فضلاء حوزه علمیه قم هم در موقعی که معظم له در قم تدریس می نمودند از درس و بحث ایشان استفاده نموده اند.

نگارنده در سال ۱۳۶۸ ق سفری به ساوه رفته و مدت دو هفته در ضیافت ایشان بودم و حوزه علمیه ایشان را دیده ام. آقای شریعتمداری بالغ بر چهل سالست که در ساوه به اقامه جماعت و ترویج دین و اغاثه ملهوفین و دستگیری ضعفا و بینوایان اشتغال دارند و نه باب دکان برای مصارف مدرسه و مسجد تأسیس و وقف نموده اند که سه باب دکان به معاونت اهالی و بقیه به خرج شخص خودشان شده است و فقه الله تعالی لمرضاته و خدمه الدین معظم له دارای طبع شعر و ذوق ادیبانه و قصائد عربی و فارسی بسیار در مدح و مراثی و غیره دارد. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شریعتمداری، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ محمدرضا معروف به شریعتمداری ساوه‌ای از علماء اعلام و دانشمندان بنام این شهرستان بوده است. معظم له سبط مرحوم آیت الله آقای حاج میرزا احمد معروف به حجة الاسلام (که قبر شریفش در شیخان قم مزار عمومی مردم ساوه است) و پدر مادرش مرحوم آیت الله حاج سید اسماعیل شیخ الاسلام مدفون در رواق مطهر مولانا امیرالمؤمنین علیه السلام از مفاخر اسلام و مراجع عموم مردم ساوه بوده اند.

آنجناب از علماء دوره اخیر و علماء و عملاً هنوز ضرب المثل قم و ساوه می باشند. در فنون ادبیت از عربی و فارسی و تفسیر و فقه و اصول سرآمد اقران و کتابی منظومه تألیف فرموده اند در سنن و آداب اسلامی که سابقه نداشته و چون حتی الامکان عین عبارات ائمه معصومین علیهم السلام است مطلع آن را از نظر خوانندگان معظم می گذرانیم.

السنن الاداب فیه مستطر

تقدیم حضرت الامام المنتظر

جمعتها طبقا علی الوسائل

لنلت ما ترید خیر نائل
 ما امکت اذکر لفظ الخبر
 تبرکا بذکر عین الاثر

در زهد و تقوی و قدس و ورع از افراد نادره زمان خود بوده و هم ایشانست که در ورود مرحوم آیت‌الله المؤسس حاج شیخ عبدالکریم حایری در قم بوده و در شبی که آنجناب در منزل مرحوم آیت‌الله فیض دعوت داشتند به اتفاق جماعتی از علماء و وعاظ مهم تهران و قم آن مرحوم هم جزو مدعوین بوده و به آن مرحوم می‌گویند به چه خیالی قم مشرف شده‌اید می‌فرمایند شما به چه قصدی آمده‌اید.

ایشان می‌گویند من به قصد زیارت آمده‌ام مرحوم آیت‌الله حایری می‌فرمایند من هم مثل شما آقای ساوجی عرض می‌کنند هیئات مگر این قمیها از نسل آن قمیها نباشند که وقتی دعبل خزاعی جبه حضرت امام هشتم (ع) را به قم آورد اهالی به هر قیمتی که خواستند بخرند نداد عاقبت وقتی بیرون رفت از قم عده‌ای از داشها و جوانهای آن زمان در راه جبه را به هر قسمی بود از چنگش درآوردند.

آقای حایری فرمودند دعبل جبه امام داشت به من چه مربوط است. آقای ساوجی گفتند شما هم علم امام (ع) را دارید اگر از او جبه گرفتند شما را به هر قیمتی است نگاه می‌دارند.

پس این مذاکره جدی شوخی‌نما را وعاظ محترم در مجامع عمومی صحن چون فصل عید بود مطرح کردند و مردم قم نیز علاوه تجار تهران تهییج شدند تا عاقبت حضرت آیت‌الله حایری قصد اقامه و مجاورت در قم فرموده و تأسیس حوزه علمیه گردید. رحلت آن مرحوم

اما قضیه فوت آقای ساوجی که در ساوه سابقه نداشته و حقیقه‌اسباب تنبه و دلیل بر جلالت قدر ایشانست این است که سالها می‌فرمود و غالب اهالی ساوه از ایشان شنیده بودند که پدرم و عمویم و جدم در سن هفتاد از دنیا رفتند من هم منتظر هفتادم وارد هفتاد شدم و در شب ۱۳ رجب ۱۳۶۳ قمری از دنیا رفتند طاب الله ثراه و جعل الجنة مأواه و مثواه. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شریعتمداری تبریزی، کاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۴۰۶ - ۱۳۲۲ ق)، فقیه اصولی و مرجع تقلید. جد وی سید محمد اصلا اهل بروجرد بود که به تبریز مهاجرت کرده بود. خود وی در تبریز به دنیا آمد و در همان جا نشو و نما یافت. پس از فراگیری مقدمات قبل از بلوغ به درس «مکاسب» حاضر شد و در هیجده سالگی به حوزه‌ی درس خارج آیت‌الله آقا میرزا صادق آقا و آیت‌الله میرزا ابوالحسن انگجی راه یافت. در ۱۳۴۲ به قم مهاجرت کرد و از محضر آیت‌الله حائری بهره‌ها برد و چند دوره اصول و عده‌ای از کتب فقه را در نزد ایشان استفاده کرد. وی اخلاق را در محضر حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی و علم معقول و کلام و هیئت و اسطرلاب را نزد آقا میرزا علی اکبر یزدی فراگرفت. در خلال تحصیل دو مرتبه به نجف مشرف و به درس آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله نایینی و آیت‌الله شیخ محمد اصفهانی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی حاضر شد و سرانجام موفق به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از آیت‌الله حائری و آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله عراقی گشت. پس از آن به زادگاهش مراجعت کرد و ده سال در تبریز اقامت گزید و به تدریس و ترویج و

ارشاد و هدایت پرداخت. آنگاه به قم بازگشت و از مراجع دینی مردم گشت. وی در قبرستان ابو حسین قم مدفون است. از آثار وی تاسیس مراکز تبلیغی و مساجد و مدارس در قم و تهران و تبریز و به ویژه دارالتبلیغ اسلامی قم بود. از آثار علمی اش: رساله‌ای در اجتماع «امر و نهی»؛ رساله‌ای در «نهی»، در معاملات؛ «خلاصه الاحکام»؛ «مناهی التقی»، حاشیه بر «عروه الوثقی»؛ «وسيله العباد لیوم المعاد»؛ «مناسک حج».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار الحجج (۶۱/۲)، علماء معاصرین (۲۸۶-۲۸۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۰-۱۲/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳-۲۲). (۵/)

شریعتمداری جهرمی، عبدالرسول

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالرسول شریعتمداری جهرمی

محل تولد: جهرم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۰۱/۹/۱

زندگینامه علمی

سید عبد الرسول حسینی شریعتمداری جهرمی در ۱۹ شوال ۱۳۴۷ ق در شهر جهرم از توابع فارس چشم به جهان گشود پدرش سید محمد علی معروف به «جامی فاضل» از علماء معروف به تقوی در شهر جهرم بود که در سال ۱۳۵۲ ه ق در گذشت مادر ایشان دختر سید عبد الحسن نجفی دزفولی معروف به سید عبد الحسین احدی در سال ۱۳۴۲ ه ق در جهرم در گذشت

ایشان درس را در ابتداء در جهرم نزد برادر و بزرگوارش سید حسن شروع کرد و از جهرم به لار از لاربه شیراز برای طلب علم سفر کرد و در شیراز نزد شیخ ابن الحسن الاصلطهبانی که از او تاد بود درس شرح لعمه و قوانین را شروع کرد و در سال ۱۳۶۶ ه ق به قم مهاجرت کرد و در نزد شهید صدوقی درس شرح لعمه و قوانین را به اتمام رساند و در نزد شهید مطهری در سائل به شیخ مرتضی حائری یزدی مکاسب و شیخ عبد الجواد اصفهانی به کفایه را فرا گرفت و بعد از آن در دس خارج اصول رفته حضرت آیت الله بروجردی به مدت ۳ سال شرکت کرد و در درس آیت حجه کوهکردی به بیع مکاسب و امام خمینی «اصول فقه» و طباطبایی «تفسیر» حاضر شدند سپس در سال ۱۳۷۲ ه ق به نجف اشرف مشرف و در من حضراتی همچون آیه سید محسن حکیم و سید ابولقاسم خوئی و شیخ میرزا باقر زنجانی و شیخ حسین حلّی و شیخ میرزا هاشم آملی شرکت کردند و در سال ۱۳۷۸ ه ق برای تکمیل استفاده از اساتید به قم بازگشتند و در درس آیت الله بروجردی و آیت الله داماد و سید محمد کاظم تبریزی حاضر شدند.

ایشان در سال ۱۳۷۸ ه ق از شیخ آقا بزرگ تهرانی اجازه روایت حدیث گرفتند و نیز آیت الله شیخ میرزا هاشم آملی در سال ۱۳۹۸ ه ق به ایشان اجازه اجتهاد و روایت حدیث دادند.

شریعتمداری طالقانی، تقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: آسیب‌شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شریعتمداری، حمیدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حمیدرضا شریعتمداری

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

حمید رضا شریعتمداری فرزند حجت الاسلام والمسلمین شیخ محمد صادق شریعتمداری در سال ۱۳۴۶ هجری شمسی در قم متولد شد. او پس از دو سال همراه خانواده به تهران عزیمت کرد و مقطع ابتدایی و راهنمایی را در تهران (مدارس ملی نو، اثنا عشری و مجاهدان) تمام کرد و در سال ۱۳۶۰ هجری شمسی به حوزه علمیه قم (مدرسه حقانی و سپس شهیدین) وارد شد. در مدرسه شهیدین علاوه بر دروس متعارف حوزوی دروس دیگری را که اغلب در آن زمان در حوزه علمیه رایج نبودند فرا گرفت (نهایه الحکمه، معارف قرآن، حفظ قرآن تا ۲۰ جزء، اقتصادنا، ادوار فقه، ادوار تفسیر، دوره های مختلف عقائد و کلام اسلامی، تاریخ اسلام و ...) از آن جمله دوره کامل مکالمه عربی (در دانشگاه امام صادق تهران و در خود مدرسه شهیدین) و انگلیسی است که در آن مدرسه پشت سر گذاشت، به ادبیات فارسی و نویسندگی نیز در همین مدرسه علاقمند شد و در همین زمینه تدریس داشت. وی سالیان متعددی را در دروس خارج حوزه (در فقه و اصول) در محضر استادانی چون آیت الله سید کاظم حائری شرکت جسته است. در سال ۱۳۶۸ هجری شمسی هم نویسندگی و هم عربی جدید را با قوت تمام ادامه داد. سه سال مسئول مکالمه عربی مدرسه معصومیه بود (با دو دوره تابستانی در دانشگاه رضوی مشهد و مدرسه امام صادق دماوند) در سال ۱۳۷۰ هجری شمسی در دوره جامعه شناسی دفتر همکاری حوزه و دانشگاه شرکت کرد (به مدت یکسال و نیم) پس از آن جهت مأموریت به نمایندگی از طرف سازمان تبلیغات اسلامی به کشورهای آلبانی و مقدونیه سفر کرد به مدت ۲ سال: ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۴ هجری شمسی) پس از بازگشت برای یکسال مسئول مکالمه عربی در مدرسه شهیدین بود، با مجله حوزه و دانشگاه هم همکاری داشت. از سال ۱۳۷۰ هجری شمسی که اولین مقاله را در باب راه های سیاسی کردن دانشگاه ها در روزنامه جمهوری اسلامی نوشت تاکنون بیش از یکصد مقاله در موضوعات عمومی (سیاسی و اجتماعی) و تخصصی (اسلامی شدن علوم، ادیان و مذاهب و...) نوشته است مثلاً ۳۰ مقاله در مورد کشور آلبانی در روزنامه اطلاعات. در سال ۱۳۷۵ هجری شمسی به خواست و کمک و با مدیریت حجه الاسلام والمسلمین جناب آقای سید ابوالحسن نواب و جناب آقای سید حمید کاظمی مرکز مطالعات ادیان و مذاهب را بنیان گذاشت، ۲ سال قائم مقام

او و از سال ۱۳۷۸ هجری شمسی تا کنون سردبیر مجله هفت آسمان بوده است ایشان هم اکنون عضو هیأت علمی، مدیر گروه شیعه شناسی و معاون ارتباطات مرکز ادیان است. اودر راه اندازی مجله نامه جامعه وابسته به جامعه الزهراء نقش داشت و در شماره های انتشار یافته دوره نخست آن سر مقاله نویس بود. در مراکز مختلف تدریس داشته و دارد (جامعه الزهرا و دانشکده های، مدرسه شهیدین، دانشگاه مفید، دانشگاه امیر کبیر، دانشگاه آزاد آشتیان، مدرسه امام خمینی و اخیراً مؤسسه آموزش عالی ادیان و مذاهب در مواد درسی حلقات الاصول، روش تحقیق، عربی جدید، متون تخصصی انگلیسی، متون عربی معاصر، مبادی العربیه، جواهر البلاغه، تاریخ کلام اسلامی، متون اسلامی، منطق اشارات، منطق صوری، ادبیات فارسی، معارف اسلامی، نهاییه الحکمه، تاریخ فلسفه غرب و تاریخ فلسفه اسلامی) با مراکز مختلفی از جمله مرکز تحقیقات امام موسی صدر (ترجمه بیش از ۲۰ مقاله از آثار و سخنرانی های امام موسی صدر) تنظیم و نشر آثار حضرت امام (در کنگره اخلاق عرفانی امام خمینی (ره) در ویراستاری مجله اشراق)، جامعه الزهراء (امور پایان نامه ها و نشریه نامه جامعه) دبیرخانه خبرگان (با مجله حکومت اسلامی) موسسه گفت و گوی ادیان در تهران، دانشگاه مفید و مراکز دیگر همکاری داشته است. در زمینه تحصیلات دانشگاهی، کارشناسی ارشد را در رشته مدرسی الهیات و معارف اسلامی در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم گذرانده موضوع پایان نامه شان که به چاپ هم رسیده، سکولاریزم در جهان عرب است در سال ۱۳۸۰ هجری شمسی در کنکور ورودی مقطع دکتری تخصصی (phd) در دانشکده الهیات و معارف و دانشگاه تهران رتبه اول را احراز کرد و در سال ۱۳۸۴ از پایان نامه خود تحت عنوان تفکر عقلی در قرن چهارم، از منظر ابوحنیفه توحیدی دفاع کرد. در سال ۱۳۸۵ به مدت دو ماه به عنوان محقق مدعو در دانشگاه هاروارد آمریکا به پژوهش اشتغال داشت.

شریعتمداری، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی شریعتمداری

محل تولد: شیراز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۰۲/۱۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از طی دوره ابتدایی وارد دانشسرای مقدماتی شیراز شدم. از سال ۱۳۲۱ در شهرستانهای مختلف استان فارس آموزگار بودم و بعد از آن وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شدم. حدود سال ۱۳۳۰ لیسانس رشته قضایی گرفتم و در همان زمان وارد دانشگاه ادبیات دانشگاه تهران شده و در رشته فلسفه و علوم تربیتی به تحصیل پرداختم. در سال ۱۳۳۲ شاگرد اول این رشته شدم. سال ۱۳۳۵ به همراه دیگر دانشجویان رتبه اول دانشگاهها، عازم آمریکا شده، به ایالت میشیگان رفتم، در دانشگاه این ایالت حدود ۴ ماه زبان خواندم و بعد از آن در دوره آموزش متوسطه دانشگاه میشیگان شرکت کردم و ظرف مدت یکسال دوره کارشناسی ارشد را گذرانده و مدرک آن را کسب نمودم.

سپس در دانشگاه تنسی، دوره دکتری را تمام کردم و چون قبل از اینکه به خارج اعزام شوم، چند بار به زندان رفته بودم، فکر می‌کردم که اگر به ایران بازگردم، به من اجازه نخواهند داد، در دانشگاه‌های کشور به تدریس مشغول شوم به همین خاطر در آمریکا با کمک و معرفی یکی از اساتید برجسته آمریکا، به ۱۲ دانشگاه، برای تدریس دوره لیسانس معرفی شدم و کار خود را در آمریکا ادامه دادم. اما نتوانستم خودم را قانع کنم و در آمریکا بمانم، بنابراین در سال ۱۳۳۷ به ایران بازگشتم. در آن زمان می‌خواستند، در دانشگاه شیراز دبیر علوم تربیتی، تربیت کنند، بنابراین احتیاج مبرمی به استاد تعلیم و تربیت داشتند. از این رو بنده به عنوان دانشیار علوم تربیتی در دانشگاه شیراز مشغول به کار شدم. تقریباً ۳ سال در شیراز مشغول به کار بودم و در آنجا به علت فعالیتهای سیاسی مدت ۴ ماه را در زندان سپری کردم. پس از آنکه آزاد شدم، به عنوان شرط اشتغال به تدریس می‌خواستند از من تعهد بگیرند که فعالیت سیاسی نکنم، البته من قبول نکردم و به همین خاطر مدتی بیکار شدم. سرانجام در سال ۱۳۴۱ وارد دانشگاه اصفهان شده و تا سال ۱۳۵۷ به کار خود ادامه دادم. در آن سال برای استقبال امام همراه شهید بهشتی و مقام معظم رهبری، به تهران آمدم و بعد به اصفهان بازگشتم، پس از آن از طرف دولت موقت و شورای انقلاب، پیشنهاد تصدی وزارت علوم و فرهنگ و ارشاد به بنده داده شد. این دو وزارتخانه آن زمان با هم یکی بودند. سپس در سال ۱۳۵۹ که امام خمینی (ره) تصمیم به تشکیل ستاد عالی انقلاب فرهنگی گرفتند، به فرمایش ایشان من عضو این شورا شدم و عضویت در این ستاد همچنان ادامه دارد. مدتها مسئول گروه علوم انسانی در شورای عالی برنامه ریزی و همچنین مسئول گروه علوم انسانی در شورای عالی پژوهش کشور بودم. مدتی هم ریاست فرهنگستان علوم را برعهده داشتم.

در سالهای ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶ در شیراز، انجمن پیروان اسلام را تشکیل دادم و در دانشسرای مقدماتی، مراقب شبانه بودم که معمولاً شاگردانم در فعالیتهای دینی ما شرکت می‌کردند، من در فسا، جهرم، استهبان و دیگر شهرهای استان فارس فعالیت سیاسی و فرهنگی داشتم و سخنرانی هم می‌کردم. سال ۱۳۲۸ در شهرستان فسا، چند ماهی پس از واقعه ترور شاه، در دفتر روزنامه پارس شیراز، به اتهام شرکت در سوءقصد علیه شاه، دادگاه نظامی مرا احضار کرد. بعد به فسا رفته و خود را معرفی نمودم. آن زمان پادگان به جهرم منتقل شده بود؛ به آنجا رفتم که اعلام کردند، حکومت نظامی لغو شده و سرانجام مخفیانه به شیراز آمدم. نکته جالب توجه این که در واقع سخنرانی‌های من هیچ ارتباطی با ترور شاه نداشت. این اتهام، صرفاً نوعی بهانه بود که مانع فعالیتهای بنده شود. بعد از این وقایع به تهران آمدم. در آن زمان آیت‌ا... کاشانی را به اتهام دست داشتن در ترور شاه به لبنان تبعید کرده بودند و من در جلسات طرفداران ایشان شرکت می‌کردم. در یکی از این جلسات فردی به نام محمد نخشب که آن زمان مسئول یک نهضت آزادی خواه بود و جوانان دیندار را به همکاری دعوت می‌کرد، مرا به همکاری برای تشکیل ائتلاف دعوت کرد، من هم قبول کردم، ائتلاف کردیم و به صورت حزب مردم ایران فعالیت می‌کردیم، سرانجام حوالی آبان ماه سال ۱۳۳۲ پس از جلسه ای که در منزل آیت‌ا... زنجانی به منظور تنظیم برنامه اعتصاب سراسری داشتیم، دستگیر و زندانی شدم و به این ترتیب در فعالیتهای سیاسی و جریانهای مختلف قبل از انقلاب حضور فعالی داشتیم.

شریعتمداری، کاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فقیه.

تولد: ۱۲۸۲ (۱۳۲۲ ق.)، تبریز.

در گذشت: ۱۳۶۵.

آیت‌الله سید کاظم شریعتمداری پس از طی مقدمات و سطوح نهایی، چندی از مجلس درس آیت‌الله میرزا صادق و آیت‌الله حاج میرزا ابوالحسن انگجی استفاده نمود و ضمناً سطوح عالی رسائل و مکاسب را تدریس تا در سال ۱۳۴۳ ق. مهاجرت به قم نمود و در مجلس درس آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی حاضر شد و حکمت را از آقا شیخ علی‌اکبر یزدی آموخت و دو مرتبه به نجف اشرف مسافرت نمود و از درس آیت‌الله العظمی محمد حسین نایینی و آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی استفاده نمود. دروس اخلاقی و فقهی را نیز نزد آیت‌الله حاج میرزا جواد ملکی تبریزی آموخت. وی اجازه و تصدیق اجتهاد خود را از حضرت آیت‌الله عراقی و آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی دریافت نمود.

بنا بر دعوت علمای تبریز از عراق به ایران مراجعت و در تبریز به تدریس فقه و اصول پرداخته تا سال ۱۳۶۹ ق. که به درخواست گروهی از فضلاء تبریزی مقیم قم به حوزه برگشت و مشغول به تدریس فقه و اصول استدلالی شد. برخی از تقریرات دروس وی مکتوب شده و برخی از آنها به چاپ رسیده است.

از جمله فعالیت‌های ایشان قبل از انقلاب اسلامی تأسیس دارالتبلیغ اسلامی قم است که در بسیاری از نقاط مانند تهران و غیره شعبه‌هایی دارد. هدف از تأسیس دارالتبلیغ اسلامی تربیت مبلغ با اصول تازه بود. انتشار مجله «الهادی» از فعالیت‌های انتشاراتی این مؤسسه بود. عملکرد ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی مشکلاتی در پی داشت و بحث‌های فراوانی برانگیخت.

از آثار اوست: خلاصه الاحکام (۱۳۷۹ ق.)، قم، جلد دوم در سال ۱۳۸۲ ق. منتشر شد؛ مناسک حج؛ مناہج التقی؛ حاشیه علی عروۃ الوثقی (دو جلد ۱۳۸۲ ق.)؛ وسیله العباد لیوم المعاد (۱۳۷۲ ق.).

بر گرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

شریعتمداری، محمدصادق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۲۵ ق.)، عالم دینی و فقیه. در تبریز به دنیا آمد. در کودکی از نعمت پدر محروم شد و در دامن مادرش پرورش یافت. مقدمات و ادبیات و سطوح را در تبریز خواند سپس به قم مهاجرت کرد. چندی از محضر آیت‌الله حائری و پس از وی آیت‌الله حجت و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری استفاده کرد. آنگاه به نجف رفت و از محضر درس آیت‌الله اصفهانی و دیگر اساتید بهره‌مند شد. سپس به قم بازگشت و به تدریس فقه و اصول نهایی پرداخت؛ با ورود آیت‌الله به قم، چند سالی هم در جلسات درس فقه و اصول ایشان شرکت کرد. وی در سال ۱۳۷۲ ق به تهران آمد و به خدمات دینی و تدریس پرداخت. چندی هم در مشهد رضوی تدریس فقه و اصول کرد و سرانجام به تهران بازگشت و به انجام وظائف دینی مشغول شد. وی دارای اجازاتی از اساتید بزرگ همچون آیت‌الله سید محمد حجت و آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی و دیگر اساتید بود، که به صحه برادرش آیت‌الله شریعتمداری رسیده است. از آثار وی حواشی بر «جواهر» و قسمتی از «کفایه» می‌باشد.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار الحجه (۵۳/۲)، آینه‌ی دانشوران (۵۰۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۹۱-۴۹۰/۴).

شریعتمداری، نورالدین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید نورالدین شریعتمداری

محل تولد: شوشتر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۰ شمسی وارد حوزه شوشتر شدم و از مقدمات تا سطح عالی را در مدت ۷ سال در خدمت مرحوم آیت الله سید محمد حسن آل طیب و مرحوم آیت الله سید محمد موسوی جزائری به پایان برده و در سال ۱۳۴۷ وارد حوزه نجف اشرف گشته و در درس خارج امام خمینی (قدس سره) و آیت الله العظمی خوئی و سید عبدالاعلی سبزواری و سید محمد جعفر مروج مولف منتهی الدرایه شرکت نمودم و در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و از دروس خارج اساتیدی مانند آیات عظام شیخ کاظم تبریزی و علامه فانی اصفهانی و وحید خراسانی و میرزا هاشم آملی بهره‌ها بردم. از سال ۱۳۷۲ شرکت در درس خارج را رها ساختم و در سال ۱۳۷۴ به اخذ اجازه اجتهاد از دو نفر از مراجع و بزرگان حوزه علمیه گشتم.

در سال ۱۳۵۰ شمسی که وارد حوزه علمیه قم شدم تدریس سطح را شروع نمودم و تا سال ۱۳۷۶ تدریس سطح را به تدریس خارج فقه مبدل کردم و از همان سال تا امسال (سال ۱۳۸۴) به تدریس خارج فقه اشتغال دارم. تحقیق و نویسندگی را از همان دوران اشتغال به فراگیری سطح شروع کردم؛ درس را پس از فراگیری از استاد خلاصه می‌کردم و می‌نوشتم و زمانی که در نجف اشرف به محضر اساتید می‌رفتم درس‌های خارج را به زبان عربی می‌نوشتم و تقریرات درس فقه و اصول اساتید را نگاهشتم که اکنون موجود است.

بیش از ۶۰ مقاله علمی در علوم مختلف به زبان فارسی و عربی به مناسبت کنگره‌ها و همایش‌ها به نگارش درآمده که بسیاری از آنها در مجموعه مقالات به چاپ رسیده و در جلسه ارائه شده است و یا در برخی از مجلات و جزوه‌ها به چاپ رسیده است.

تدریس در دانشگاه امام محمد باقر علیه السلام به مدت ۵ سال، فقه سیاسی در کارشناسی ارشد، تدریس در مرکز جهانی در مدرسه حجیه، سطح عالی مکاسب و کفایه الاصول و تفسیر موضوعی به مدت ۶ سال، ارزیابی بیش از صد مقاله در ارتباط با کنگره‌ها و همایش‌ها و مجلات و موسسات پژوهشی، همکاری با موسسه مجمع جهانی اهل بیت (ع) و مجمع فقه و فقه و حقوق وابسته به دفتر تبلیغات و موسسه فقه بر مذهب اهل بیت (ع) و همکاری با نوشتن و ارزیابی مقالات فقهی و اصولی موسسه فقه بر مذهب اهل بیت (ع) که ۵ جلد از آن تا کنون به چاپ رسیده است. نوشتن قواعد اصولی در یک جلد و قواعد فقهی در دو جلد قواعد اصولی صد قاعده و قواعد فقهی در بیست قاعده با همکاری برخی از محققین و فضلالی حوزه علمیه قم، همکاری با موسسه مجمع فقه به مدت ۱۰ سال، عضو هیئت علمی و عضو هیئت تحریریه مجله فصلنامه علوم سیاسی و نگارش مقاله‌هایی در آن مجله، تدریس فقه تطبیقی برای کسانی که به عنوان روحانی حج امتحان داده و برگزیده شده‌اند، همکاری با موسسه نشر آثار امام خمینی (ره) با مقالات گوناگون و ارزیابی مقالات وارده در ارتباط با کنگره‌ها و نگارش مقالات علمی فقهی و اصولی؛ تفسیر، هر شب پس از اقامه نماز جماعت در مسجد تکیه یزدیهای بازار قم و استاد راهنما شدن در بسیاری از پایان‌نامه‌های مرکز جهانی و حوزه علمیه قم و دانشگاه امام محمد باقر علیه السلام از سال ۱۳۴۰، در آغاز در شوشتر اشتغال به امامت جماعت و تبلیغ در ایام ماه

محرم و صفر و رمضان داشته و پس از ورود به قم نیز تا امسال ادامه داشته و در ضمن سپری کردن یک عمر در نگارش و تحقیق، خداوند فیض اقامه جماعت و تبلیغ را نیز به من عنایت کرده است.

شریعتی دلونی، داوود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی بیماریهای داخلی، طی دوره اندوسکوپي گوارش در دانشگاه لندن.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده پزشکی علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۶۰، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۶۷.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی شاخص‌های ایدز در پرسنل پزشکی، بررسی بیماریهای کبد، بررسی بیماریهای مجاری صفرا با ERCP استاد راهنمای ۲۰

پایان‌نامه دکترای.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

بررسی تحقیقاتی در مورد بیماریهای کبد، بیماریهای مجاری صفرا، بیماریهای مری، بیماریهای معده، بیماریهای روده باریک.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شریعتی مزینانی، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۶ ق)، عالم دینی، استاد، محقق، مفسر و نویسنده. در مزینان متولد شد و تا هفده سالگی در زادگاهش، و در مدرسه‌ی

مزینان، نزد پدر و عمویش به تحصیل پرداخت. سپس برای ادامه‌ی تحصیل به مشهد رفت و در مدرسه فاضل خان سکنی گزید.

نخستین استادش در این مدرسه ادیب نیشابوری اول بود که دنباله‌ی مقدماتی را که نزد پدر و عمویش آموخته بود، در محضر

ایشان فراگرفت. بعد از فوت ایشان در خدمت ادیب ثانی رسید و در محضر این دو استاد توانست مقدمات و ادبیات را به پایان برساند. فقه، اصول و فلسفه را نیز نزد اساتید معروف مشهد مانند: آقا شیخ هاشم قزوینی ارتضا، میرزا ابوالقاسم الهی، حاج شیخ محمود حلبی فراگرفت. شریعتی قوانین را نزد حاج شیخ کاظم دامغانی و «شرح لمعه» را نزد ارتضا و حاج میرزا احمد مدرس یزدی معروف به حاج میرزا احمد نهنگ فراگرفت. از دیگر استادان وی آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی بود که فضلالی مشهد همه به محضر درس وی می‌رفتند. از حدود ۱۳۱۰ ش فعالیت خود را در دبیرستان در سمت‌های مختلف آغاز کرد و تا آخرین دم از تدریس و ارشاد دانش آموز و دانشجو باز نایستاد... از آثار وی: «فایده و لزوم دین»، «تفسیر نوین»، «وحی و نبوت در پرتو قرآن»، «خلافت و ولایت»، «امامت در نهج البلاغه»، «اصول عقاید و اخلاق شریعتی»، «تاثیر هنرهای مسلمین بویژه ایرانیان در اروپا»، «عباسه خواهر هارون الرشید». [۱]

محقق، استاد.

تولد: ۱۲۸۶، قریه مزینان.

درگذشت: ۳۱ فروردین ۱۳۶۶.

استاد محمدتقی شریعتی مزینانی، فرزند محمود روحانی، دوران طفولیت و نوجوانی را در روستای خود گذرانید و در همان جا فراگیری منطق، فلسفه و فقه و اصول پرداخت.

در مدرسه‌ی فاضل‌خان، هم حجره‌ی برادرش شیخ قربانعلی شریعتی بود و به تحصیل علوم اسلامی مشغول شد. از جمله اساتید وی باید به آیت‌الله هاشم قزوینی و آیت‌الله محمدتقی ادیب ثانی اشاره کرد که نزد ادیب ثانی دوره مطول و مغنی را به پایان رساند، قوانین را نزد حاج شیخ کاظم دامغانی، شرح لمعه را نزد ارتضا و حاج میرزا احمد مدرس خواند، از اساتید دیگر آن زمان وی میرزای اصفهانی بود.

از سال ۱۳۱۱ به تدریس در مدارس جدید مشهد پرداخت. معلمی را از مدرسه‌ی ملی شرافت آغاز کرد و تا سال ۱۳۱۳ ادامه داشت. بر طبق مقررات اداری، صلاحیت علمی و شایستگی تدریس ایشان از سوی اداره فرهنگ تأیید می‌شود و از این پس (۱۳۱۴) در دبیرستان ابن یمین، به تعلیم می‌پردازد. چون فعالیت‌های ثمر بخش داشت، نظامت دبیرستان نیز به عهداش محول می‌شود و کلاسهای جدید دبیرستان را تأسیس می‌کند. طبیعی است در آن زمان یک دبیر یا مسئول دبیرستان که پای‌بند موازین شرعی بود، نمی‌توانست بعضی برنامه‌های خاص دولتی را اجرا کند و با دشواریهایی مواجه می‌شد. در همین زمان شروع به ترجمه کتاب از عربی به فارسی نمود.

پس از شهریور سال ۱۳۲۰ که فعالیت‌های سیاسی آزاد شده بود و حزب توده تبلیغاتی را در ترویج کمونیسم بین جوانان آغاز کرده بود، وی نیز مبارزه با آنها را از کلاس درس (در دبیرستان شاهرضا و سپس فردوسی) شروع کرد و حتی ساعاتی بدون دریافت اضافه کار به تدریس ادبیات فارسی و عربی و شرعیات می‌پرداخت. در همان سال‌ها بود که به تدریس در دانشسرا- که مرکز فعالیت آن حزب شده بود- نیز مشغول گشت.

از دیگر مراکز آموزشی دولتی که استاد شریعتی در آنجا به تدریس پرداخت، دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی مشهد است که از سال ۱۳۲۷ تأسیس شد، و بنا به دعوتی که از وی به عمل آمد، تفسیر سوره قرآن و نهج‌البلاغه را تدریس می‌کرد و تا سه سال ادامه داشت.

سرانجام بنابر حکم اداره‌ی آموزش و پرورش خراسان، استاد محمدتقی شریعتی مزینانی در تاریخ بیست و دوم آبان ۱۳۴۱ پس از سی سال تدریس در دبیرستان‌های مشهد بازنشسته شد.

از دیگر فعالیت‌های ایشان مبارزه با اندیشه‌های سید احمد کسروی بود. استاد مجالسی را برگزار می‌نمود. (سخنرانی‌ها، جلسات

تفسیر قرآن) ولی با افزایش برنامه‌ها، به پیشنهاد او و با توجه به نیاز موجود از سال ۱۳۲۳ منزلی در کوچه چهارباغ مشهد برای تشکیل جلسات اجاره کردند. با نصب تابلوی «کانون نشر حقایق اسلامی» بر سر در آن، این مرکز تبلیغی رسمیت و تمرکز یافت و برنامه آن منتشر شد. (کارنامه‌ی کانون در اسفند ۱۳۲۶ منتشر شد). در سال ۱۳۲۷ سخنرانی‌های فرهنگی در رادیو مشهد داشت که درباره‌ی «فایده و لزوم دین» بود که بعدها با همین نام منتشر شد. در سال ۱۳۳۰ با «جمعیت‌های مؤتلفه‌ی اسلامی مشهد» همکاری داشت و در این مسیر در انتخاب و کلاسی برای دوره هفدهم مجلس شورای ملی تلاش خود را نمود. در سال ۱۳۳۶ به اتهام همکاری با نهضت مقاومت ملی به مدت یک ماه و اندی دستگیر و بازداشت شد. به این ترتیب جلسات کانون تشکیل شد. پس از آزادی جلسات تفسیر و سخنرانی وی در منزل آیت‌الله العظمی سید محمدهادی میلانی (۱۳۳۷ الی ۱۳۳۹) تشکیل می‌شد. از سال ۱۳۳۷ الی ۱۳۴۰ در دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد و نیز در مؤسسه وعظی و تبلیغ به تدریس تفسیر قرآن و نهج‌البلاغه می‌پرداخت. در سال ۱۳۳۹ کانون نشر حقایق اسلامی دوباره شروع به فعالیت نمود.

در عاشورای ۱۳۸۱- برابر با سوم تیر ۱۳۴۰- برای عده‌ای از عزاداران، استاد سخنرانی نمود و اهداف قیام حسین (ع) را شرح داد. ولی سال بعد، پس از رسیدن دسته راه پیمایان به صحن عتیق، از سخنرانی استاد ممانعت به عمل آمد. و در سال ۱۳۴۲ قبل از محرم ۱۳۸۳ از شهربانی به وی تلفن زدند که سازمان امنیت با این برنامه موافق نیست. به این ترتیب کانون تعطیل شد. در سال ۱۳۴۲ نامه‌ای از طرف هیئت مدیره‌ی حسینیه‌ی ارشاد و مکتوب به خط استاد مرتضی مطهری فرستاده شد (و با واسطه قرار دادن آیت‌الله میلانی) که وی برای سخنرانی به تهران روند. این دعوت چنان بود که چند شب سخنرانی تبدیل به چهار سال و اندی شد.

علاوه بر حسینیه ارشاد، دو سه سال- هنگام حبس آیت‌الله سید محمود طالقانی- در ماه رمضان اداره مجلس وعظ و تفسیر مسجد هدایت به عهده وی بود و به اصرار جمعیتی به نام احباب الحسین (ع) به گفتن تفسیر قرآن و ارشاد آنان پرداخت. کتاب خلافت و ولایت از نظر قرآن و سنت که شامل بحث‌های تحقیقی است، ثمره سخنرانی‌های هفتگی ایشان است که طی بیست و سه جلد در حسینیه‌ی ارشاد ایراد کرده است (در این کتاب آقایان استاد مرتضی مطهری، محمدتقی شریعتمداری نیز مطالبی دارند، ۱۳۳۹). تجدید طبع تفسیر نوین، وحی و نبوت در قرآن و آثار قلمی دیگر نیز از ثمرات دوران اقامت در تهران است.

استاد محمدتقی شریعتی در ادبیات عرب و فارسی تبحر داشت و در گفتارش نکات فراوانی وجود داشت.

آخرین سخنرانی استاد شریعتی در حسینیه ارشاد در هفته آبان ۱۳۵۱ (عید فطر ۱۳۹۲) بود که پس از آن حسینیه توسط سازمان امنیت تعطیل شد. استاد در سال ۱۳۵۲ دستگیر شد و یک سال و اندی در حبس بود. فرزند وی دکتر علی شریعتی در بیست و نه خرداد ۱۳۵۶ در لندن در گذشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای اولین بار در شانزده فروردین ۱۳۵۸ در حسینیه‌ی ارشاد سخنرانی نمود. بین سال‌های ۱۳۵۸ الی ۱۳۶۰ به مناسبت‌های خاص سخنرانی‌های وی از رادیو پخش می‌شد.

از آثار اوست: آغاز وحی با تفسیر سوره علق (تاریخ مقدمه ۱۳۴۰)؛ اصول عقاید و اخلاق شریعتی (چاپ اول ۱۳۲۱، چاپ هفدهم ۱۳۳۳) امانت در نهج‌البلاغه (۱۳۵۷)؛ تأثیر هنرهای مسلمین به ویژه ایرانیان در اروپا (زکی محمدحسین، ترجمه)، تعلیمات دینی (قسمت اول، مخصوص کلاس اول دبیرستان، ۱۳۲۵)؛ تفسیر نوین؛ جز سی‌ام قرآن (۱۳۴۶)؛ چرا حسین قیام کرد؟ (نشریه کانون نشر حقایق اسلامی، ۱۳۴۱)؛ ز نیرو بود مرد را راستی (نشریه کمیته دبیران تعلیمات دینی مشهد، به مناسبت اولین سمینار دبیران تعلیمات دینی در مشهد، مرداد ۱۳۴۹)؛ استاد در نشریه مقاله‌ای دارند)؛ عباسه، خواهر هارون الرشید یا خواری برمکیان (تألیف جرجی زیدان ترجمه استاد، بی. تا)؛ فایده و لزوم دین (نشریه دوم کانون نشر حقایق اسلامی مشهد، آذر ۱۳۲۹)؛ مبانی اقتصادی در اسلام (عبدالحمید جوده‌التجار)؛ ترجمه استاد، ششمین نشریه کانون نشر حقایق اسلامی مشهد، ۱۳۲۵)؛ مقدمه‌ی کتاب نیایش (دکتر آلکسیس کارل، ترجمه دکتر علی شریعتی، ۱۳۳۹)؛ وحی و نبوت در پرتو قرآن (۱۳۴۹)؛ متن دو سخنرانی استاد به نام‌های «مهدی موعود امم» و «علی شاهد رسالت» در دومین نشریه انجمن اسلامی دانشجویان مشهد در دی ۱۳۳۹ به چاپ رسیده است.

استاد محمد تقی شریعتی مزینانی عصر دوشنبه سی و یک فروردین ۱۳۶۶- برابر با بیست و یک شعبان ۱۴۰۷ ق. درگذشت. پیکرش در جوار امن الهی در مشهد حرم امام رضا (ع) درون غرفه‌ای از صحن آزادی به خاک سپرده شد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] شریعتی در نگاه مطبوعات (۷۵-۷۳)، کیهان فرهنگی (س ۱، ش ۱۱، ص ۹-۵)، مؤلفین کتب چاپی (۲۲۳/۲).

شریعتی نیا، محمدباقر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد باقر شریعتی نیا

محل تولد: اسفراین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد باقر شریعتی نیا فرزند رمضانعلی معروف به شریعتی سبزواری در سال ۱۳۱۹ در صفی آباد متولد شدم و دوران تحصیلات مقدماتی را در سبزواری گذرانیدم و از سن ۱۴ سالگی وارد حوزه علمیه سبزواری مدرسه حاج ملاهادی سبزواری شدم بحث ادبیات را پیش اساتید سبزواری مرحوم آقای فاضلی و شیخ عباسعلی خواندم پس از اتمام جامع المقدمات و منطق کبرا که غالباً درس خوانده شده برای همه شاگردان خودم تقریر میکردم.

سیوطی را در سبزواری تمام کردم سپس وارد حوزه علمیه مشهد شدم مطول را خدمت مرحوم ادیب نیشابوری به پایان رسانیدم. معالم را از محضر آیت الله دامغانی و هم چنین لمعه را خدمت مرحوم مدرس به پایان رسانیدم حاشیه ملاعبدالله را از محضر آقای آیت الله عیدگاهی بهره بردم در درس عقاید و اخلاق مرحوم آیت الله میرزا جواد آقای تهرانی شرکت جستم سپس راهی حوزه علمیه قم شدم سطوح عالی را خدمت مرحوم آیت الله ستوده و آیت الله جعفر سبحانی و فاضل لنکرانی گذرانیدم و کفایه را از مرحوم آیت الله سلطانی استفاده نمودم و حدود ده سال درس آیت الله وحید اصول و فقه و دو سال درس مرحوم امام حاضر شدم چند سالی از مرحوم آیت الله میرزا هاشم آملی بهره برداری نمودم. در فلسفه اشارات را خدمت آیت الله جوادی و شفا را خدمت آقای حسن زاده آملی و منظومه را نزد آیت الله تقدیری سبزواری تلمذ داشتم و دو جلد اسفار را محضر علامه طباطبائی خواندم و از محضر شهید مطهری نیز بهره بردم.

شریعتی، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن شریعتی

محل تولد: نیاسر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۲/۱/۱

زندگینامه علمی

حسن آقا شریعتی در سال ۱۳۱۲ ش. در خانواده‌ای روحانی و تقوا پیشه در نیاسر کاشان دیده به جهان گشود. وی همچون بسیاری از نام آوران و بزرگان در کودکی پدر خویش را از دست داد و غم یتیمی بر سرش سایه افکند و از تربیت و سرپرستی مادر فداکار و بزرگوارش بهره مند گردید. این مام مهربان در رشد و پرورش وی از هیچ کوششی دریغ نکرد و سرمایه عمر خویش را در راه تربیت فرزند نهاد و هیچگاه در مقابل سختی‌ها و تلخی‌ها ناتوان نشد و با ایمان کامل و توکل به خداوند سبحان، فرزندان را تربیت نمود.

هر آن مادر که وی را عفت و فضل و هنر باشد

توانا پرورد فرزند و از دامان گهر بارد

آموزش و تحصیل:

قهرمان گفتار ما روخوانی قرآن را نزد مادر گرامی خود آموخت و پس از آن قرائت و تجوید را در جلساتی که در منازل محترمین کاشان با حضور و نظارت آیت الله سید محمد حسین رضوی از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی و دارای تالیفات متعدد، اداره می شد، با اشتیاق فراوان پی گیری نمود؛ تا آنکه در همان اوان کودکی تلاوت قرآن را به خوبی و زیبایی فرا گرفت.

او دوران خردسالی و نوجوانی را در همان منطقه سپری کرد و به آموختن و خواندن و نوشتن در مدارس آن زمان پرداخت و پس از سپری شدن مراحل ابتدایی آموزش که با تنگدستی و دشواری‌های مستمر همراه بود، به آموختن علوم دین روی آورد و با سفارش و معرفی آیت الله حاج میرزا مجدالدین نراقی (دایی مادرش که خود از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی بوده است) برای تحصیل علوم دینی و حوزوی به مدرسه گذر بابا ولی در کاشان قدم گذاشت.

مدّتی بعد به همراه مادر ارجمندش رهسپار اراک گردید و در حوزه علمیه آنجا که یادگار مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی بود، تحصیل خود را پی گرفت و در مدرسه آقا ضیاء الدین عراقی و مدرسه حاج محمد ابراهیم به خواندن مقدمات دروس حوزوی پرداخت. او در این دوره از اساتید ممتاز و بنام آنجا چون حضرات آیات: حاج آقا اسماعیل نجم الاسلامی هفته ای، آقا شیخ ذبیح الله ارضی و آقا شیخ قنبر رفیعی بهره برد. بخش زیادی از کتاب مطول را نزد آیت الله علی میریحیی در منزل وی آموخت و حدود یک دوره تفسیر عمومی قرآن را از محضر آیت الله آقا کاظم موسوی گلپایگانی که هر شب در مسجد ایشان معروف به «مسجد حاج تقی خان» برگزار می گردید، استفاده کرد. او از عالمان بزرگ اراک و شاگرد مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری بود.

سپس به آشیانه آل محمد علیهم السلام (قم) سفر کرد و چون در آن زمان مدرسه علمیه بسیار کم بود و یافتن حجره دشوار، بناچار در مسافرخانه ای منزل گرفت. عشق به تحصیل چنان سراسر وجودش را فرا گرفته بود که فقر و سختی‌های طاقت فرسای آن روزها را به راحتی تحمل کرد و با جدیت تمام تحصیلات خود را ادامه داد.

زیب دانش در لباس فقر دارد جلوه ای

وقت من خوش کاین دو را کامل عیارم داده اند

در قم به خواندن ادامه کتاب مطول نزد اندیشمند توانا و مخلص: امام موسی صدر در یکی از حجره های صحن شریف حرم پرداخت. شرح لمعه را نزد شهید بزرگوار صدوقی در ایوان مدرسه فیضیه و بخشی از آن را نیز نزد متفکر شهید مرتضی مطهری در حجره ایشان در مدرسه مزبور، و قوانین را نزد آیت الله شیخ محمد لاکانی رشتی در یکی از حجرات صحن حرم و نیز آیت الله حاج میرزا جواد تبریزی - دامت برکاته - در مسجد کچویی ها فرا گرفت. قسمتی از رسائل را نزد آیت الله حاج میرزا علی مشکینی - دام ظلّه - در مسجد عشقعلی، و کتاب کفایه را نزد آیت الله شیخ محمد مجاهدی در یکی از شبستان های مسجد امام حسن عسکری علیه السلام و نیز آیت الله شیخ عبدالجواد سدهی جبل عاملی آموخت. او نیز در مسجد عشقعلی تدریس می کرد.

در همین دوران در پی مسافرت چند ماهه به مشهد مقدّس، بخشی از رسائل و مکاسب را نزد استاد عالی قدر و با فضیلت آیت الله حاج شیخ هاشم مدرس قزوینی از اساتید بسیار ژرف نگر، تحصیل نمود. وی در مدرسه نواب و باقریه تدریس می فرمود. در تابستان ها که به ولایت خویش نیاسر عزیمت می کرد، بخش هایی از مباحث مشکل شرح لمعه و کفایه را به ترتیب با دو آیت بزرگ حاج میرزا مجد الدین نراقی و آقا میر سید علی یثربی کاشانی در میان گذشته، نزدشان فرا میگرفت. این دو از عالمان ممتاز زمان خویش بودند که از وجود پیر ارج ایشان چنانکه باید بهره ای درخور گرفته نشد. اقامت گاه میرزا مجد الدین نراقی مزرعه روئیده و منزل مرحوم یثربی مزرعه بللا در حاشیه نیاسر بود. ایشان با اشتیاق فراوان خدمت آن دو بزرگمرد شرفیاب می شد و آنان نیز که از شخصیت های علمی کم نظیر عصر خود بودند با فروتنی رموز و معضلات آن دو کتاب را به خوبی برای ایشان روشن می نمودند.

محقق جوان ما پس از فراگیری درس های متداول حوزه در دوره های مقدمات و سطح حدود یک سال در درس خارج پیشوای شیعه آیت الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی حضور یافت و از درس فقه و اصول حضرت امام خمینی ره که به ترتیب در مسجد محمدیه و سلماسی برگزار می گردید زمانی طولانی بهره برد. علاوه بر این، وی مدتی نیز در درس خارج اصول آیت الله حاج شیخ محمد تقی بروجردی از شاگردان و نگارندگان درس اصول آقا ضیاء الدین عراقی، در ایوان رو به روی کتابخانه در مدرسه فیضیه شرکت جست. برخی مباحث اصول را از آیت الله حاج آقا مرتضی حائری یزدی در منزل حاج شیخ، و قاعده لا ضرر را از آیت الله حاج میرزا ابوالفضل زاهدی در مسجد امام حسن عسکری استفاده کرد. در بحث خارج بیع و قسمتی از طهارت و مباحثی دیگر از آیت الله حاج سید کاظم شریعتمداری در مقبره مرحوم آقای حجت و مدرسه فیضیه و تابستان ها در منزلش بهره مند شد.

ایشان با حضور در درس استاد علامه سید محمد حسین طباطبایی نیز که در مسجد سلماسی و مدرسه حجتیه واقع می شد از مباحث فلسفی و تفسیری وی بهره گرفت. با استفاده از جلسات اساتید و مربیان بزرگ اخلاق چون حضرات آیات، عالمان ربانی: مرحوم حاج میرزا علی آقا شیرازی، استاد بزرگ نهج البلاغه که به دعوت مرحوم بروجردی برای تدریس معارف و اخلاق به قم آمده بود و در مدرس مدرسه فیضیه افاضه می فرمود و نیز حاج شیخ عباس تهرانی در مدرسه حجتیه، تهذیب نفس و پاکسازی روح را پیشه خود ساخت. آن دو به حق از آیات بزرگ الهی و نوادر روزگار بودند و جلسات درسشان از معنویت بسیار والایی برخوردار بود و اندرزهایشان از جان برمی آمد و جان ها را صیقل داده، به تسخیر درمی آورد.

من الرجال المصایح الذین هم

کانهم من نجوم حیه صنعوا

اخلاقهم نورهم، من ای ناحیه

اقلت تنظر فی اخلاقهم سطعوا

مهاجرت به نجف:

استاد شریعتی پس از کسب موفقیت در اولین دوره امتحان درس خارج که از سوی آیه الله بروجردی رحمه الله علیه برگزار شده و با

وفات آیت الله حاج سید محمد تقی خوانساری مصادف گردیده بود، برای آستان بوسی پیشوایان معصوم علیهم السلام و ادامه تحصیل و درک محضر استادان و بزرگان حوزه مشهور نجف اشرف، در سال ۱۳۳۵ ش. به مهد فقه و اجتهاد عزیمت کرده، در مدرسه تازه بنیاد آیت الله بروجردی اقامت گزید و حدود چهار سال در آن حوزه به تحصیل پرداخت.

وی در آنجا در درس اصول آیت الله سید محمود شاهرودی در مسجد هندی، و درس فقه آیت الله سید محسن حکیم در مسجد شیخ طوسی حاضر شده، از آنان بهرمنند می گردید. همچنین از درس فقه و اصول آیت الله سید علی علامه فانی اصفهانی بهره فراوان برد. این دو درس به ترتیب در مقبره میرزای شیرازی و مسجد کوچکی مقابل مسجد هندی که محل تدریس آیت الله العظمی شیخ محمد حسین اصفهانی نیز بود، تشکیل می گردید. درس اصول آیت الله میرزا باقر زنجانی، در مقبره میرزا از دیگر دروسی است که ایشان در آن شرکت نمود. اما به فرموده استاد بیشترین استفاده وی از درس های فقیه ژرفنگر علامه فانی بوده است؛ چنانکه در جلسات تخصصی استفتا و بررسی مسایل فقهی ایشان که برای تعلیقه نگاری بر کتاب عروه ترتیب داده می شد با حضور آیت الله فانی و در کنار دیگر شخصیت های علمی آن دوره شرکت نموده، از ارکان مجلس استفتا به شمار می رفت.

در همان ایام که در نجف اشرف به سر می برد چندین بار به سامرا سفر کرد که گاه با نماینده مطلق آیت الله بروجردی و مدیر مدرسه ایشان در نجف، مرحوم آقا شیخ نصر الله خلخالی همراه بود. در یکی از ماه های مبارک رمضان که به سامرا مشرف گردیده بود آیت الله حاج شیخ مجتبی حاتمی لنکرانی نیز در آنجا حضور داشت که با جمعی از طلاب، کتاب رحله المدرسیه استادش آیت الله شیخ جواد بلاغی را نزد وی آموختند و در همین ایام بود که مطالعه دوره الغدیر را نیز با استخراج لغات و مشکلات آن به پایان رسانید.

بازگشت به ایران:

استاد بزرگوار پس از رحلت آیت الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی، به ایران بازگشت و به احترام مادر گرامی خود در تهران اقامت گزید. وی در تهران در درس آیت الله حاج شیخ محمد تقی آملی در منزل آن بزرگوار شرکت می جست و اقامت وی در تهران حدود یک سال طول کشید. آرزو و شوق شدید استاد به کسب فضایل و کمالات بیشتر، او را واداشت تا پس از ازدواج برای ادامه و تکمیل تحصیلات عالی بار دیگر به شهر مقدس قم بازگردد و برای همیشه در آنجا سکنی گزیند.

ایشان سال ها در دروس آیات عظام، آقایان: حاج شیخ محمد علی اراکی در مدرس مدرسه فیضیه و حاج سید محمد رضا گلپایگانی در مسجد اعظم شرکت جست و نیز چند سالی از درس آیت الله سید محمد محقق داماد در مسجد موزه حرم مطهر تا پایان حیات آن بزرگوار بهره برد؛ ولی وی نسبت به درس های شیخ الفقهاء و المجتهدین آیت الله العظمی اراکی علاقه و انگیزه بیشتری داشت و حتی در زمانی که عهده دار مشاغل اداری و قضایی در تهران بود، تا حد ممکن در درس وی حضور می یافت. پس از بازگشت به قم بود که در درس خارج مکاسب آیت الله حاج آقا حسن فرید محسنی عراقی در منزلشان شرکت نمود و ایشان تقلید را برای وی جایز ندانست؛ که این نشان از اجتهاد مطلق و توانایی دستیابی ایشان به احکام شرعی از منابع و ادله آن دارد. همان گونه که گذشت و در میان دوستان آن جناب نیز معروف است، آیت الله شریعتی در طول حیات علمی خود از استادان و بزرگان بسیاری بهره برده است که در افراد یاد شده خلاصه نمی گردد. آن جناب پیش از تشکیل شورای مدیریت حوزه علمیه قم با آیت الله حاج سید عباس خاتم یزدی، از سوی امام راحل «قدس» چند سالی امتحان طلاب و فضیلهای حوزه در رتبه سوم (سطح عالی و درس خارج) را به عهده گرفته بودند.

حضور در جبهه:

آن جناب با اشتغالات فراوان، از مسایل جبهه و جنگ غافل نبود و برای تبلیغ دین و تحکیم مبانی فکری و عقیدتی نیروهای اسلام و تثبیت روحیه جهاد در آنها، دو نوبت در جبهه های نبرد شرکت نمود. در این فرصت ها ضمن فراگیری فنون نظامی، کلاس های

اخلاق و تفسیر و احکام برای مریبان دایر کرده و در نمازهای جماعت، افراد را با وظایف خویش آشنا میساخت. نوبت نخست در سوسنگرد و سپس در تجمعگاه نیروها در گلف اهواز به انجام تکلیف می پرداخت. در این نوبت فرزند شهیدشان او را همراهی کرده بود. افزون بر آنچه ذکر شد برای کمک به نیروها با جمعی از فضلالی محترم به شهرهای مختلف مرزی سرکشی می نمود و نیازهای آنان را در خوراک و پوشاک و وجوه نقدی تا حد تأمین برطرف می ساخت.

شریعتی، روح الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

روح الله شریعتی

محل تولد: اردستان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب روح الله شریعتی در سال ۱۳۴۷ شمسی در خانواده ای مذهبی در یکی از روستاهای شهرستان اردستان (روستای فران) دیده به جهان گشودم پدرم حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد باقر شریعتی از روحانیون با سابقه و از شاگردان حضرت امام خمینی ره می باشند که در ابتدای طفولیت بنده، با دعوت مردم اردستان از ایشان برای سکونت، به مقتضای انجام وظیفه، تحصیل و تدریس در قم را ترک و برای سکونت به شهر اردستان عزیمت نموده اند. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و یک سال متوسطه را در همان شهر گذراندم ولی شوق تحصیل در حوزه مرا از ادامه تحصیلات کلاسیک بازداشت و به دنبال آن در مهر ۱۳۶۲ برای تحصیل علوم دینی راهی قم شدم یک سال به صورت آزاد و سپس در مدرسه علمیه امام محمد باقر علیه السلام واقع در ابتدای نیروگاه به تحصیل مشغول شدم در این بین هر از گاهی در ظل عنایات حضرت حق توفیقی حاصل می شد و در جبهه های نبرد نیز حضور می یافتم تحصیلات بنده تا اتمام سطح تا سال ۱۳۷۱ به طول انجامید سپس در درس خارج آیت الله فاضل لنکرانی و اصول آیت الله مکارم حاضر می شدم. پس از دو سال به درس خارج فقه آیت الله تبریزی رفته و در این درس تا ۶ سال به طور مرتب شرکت می جستم. سپس به طور متفرقه در دروس دیگر مراجع حاضر می شدم. بحمد الله در سال ۱۳۷۳ ازدواج کرده و صاحب دو فرزند می باشم. در کنار دروس حوزه از سال ۱۳۶۹ الی ۱۳۷۱ سه سال باقیمانده تحصیلات متوسطه را به طور متفرقه به اتمام رساندم و در سال ۱۳۷۱ با شرکت در کنکور سراسری در دو رشته حقوق و مدیریت دولتی پذیرفته شدم، رشته حقوق را انتخاب کرده و همزمان با حضور در درس خارج دوره کارشناسی حقوق را عصرها در دانشگاه مفید قم گذراندم. پس از آن نیز در سال ۱۳۷۷ با شرکت در کنکور دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق بین الملل را پشت سر گذاشته و در تابستان ۱۳۸۰ از پایان نامه کارشناسی ارشد دفاع کردم. تحقیق و پژوهش را پس از اتمام دوره کارشناسی یعنی در سال ۱۳۷۵ به تشویق یکی از دوستان محقق شروع نمودم و در همین راستا اولین تحقیقات علمی خویش را در پژوهشکده اندیشه سیاسی اسلام که جزئی از پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی به شمار می رفت به انجام رساندم تا به حال کتب و مقالات ناچیزی را برای آن مرکز یا مراکز دیگر به نگارش در آورده ام گفتنی است که پس از فراغت از تحصیل گاه در دانشگاه نیز به تدریس دروس حقوق پرداخته ام که همه را

مرهون توجهات و الطاف حضرت حق، تشویق‌ها و دعا‌های والد ارجمندم و مساعدت و بردباری خانواده ام می دانم.

شریعتی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر شریعتی در تاریخ (مقاله‌ی حاضر مفصلترین سالشمار زندگی دکتر شریعتی و اجمالی از تحقیق نویسنده درباره‌ی زندگی اوست که در سال ۱۳۶۵ نوشته و سپس تکمیل شد. در نگارش این مقاله، علاوه بر رجوع به همه‌ی منابع زندگینامه‌ی شریعتی، از اطلاعات شخصی دوستان نزدیک شریعتی، از اطلاعات شخصی دوستان نزدیک شریعتی استفاده شده است. از این رو پاره‌ای از اطلاعات مندرج در این مقاله در هیچیک از منابع نیامده و جدید است. گفتنی است منابع زندگینامه‌ی شریعتی خالی از کاستی و نادرستی نیست و گاه اطلاعات ارائه شده در آنها متناقض است. این گونه اطلاعات در مقاله‌ی حاضر نیامده و یا صورت درست آن آمده است. آخرین نکته اینکه در مقاله‌ی حاضر به انتشار کتابها و ایراد سخنرانیهای شریعتی اشاره نشده است).

زندگی من، مجموعاً، عبارت است از چندین برنامه‌ی پنج ساله. همیشه کاری شروع می کرده‌ام و به اوج می‌رسانده‌ام و آخر پنج سال درهم می‌ریخته، هر بار از سر. از اول نوجوانی تا ۲۸ مرداد ۳۲ و سقوط دکتر مصدق و آغاز دیکتاتوری، پنج سال. از این دوره تا تشکیل نهضت مقاومت ملی مخفی، که از ۱۳۳۷ به هم خورد و دستگیر شدیم، پنج سال. از ۳۸ تا ۴۳؛ در اروپا پنج سال.

از ۴۳ تا ۴۸؛ دوره‌ی خاص آوارگی و زندان و مقدمه‌چینی و زمینه‌سازی دانشکده، پنج سال.

دوره‌ی کنفرانسهای دانشگاهها و ارشاد، پنج سال، تا ۵۱.

پس از آن زندان و خانه‌نشینی و خفقان پنج سال.

با مخاطبهای آشنا، ص ۲۶۲.

۱۳۱۲

پنجشنبه دوم آذر ماه، در روستای کاهک، از توابع سبزوار، و در حاشیه‌ی کویر، زاده شد. زادگاه او را مزینان نیز گفته‌اند، از آن رو که در مزینان بالید و نام‌خانوادگی او، در اصل، «مزینانی» است.

مادرش زهرا امینی و پدرش محمدتقی نام داشت. پدر و اجداد پدری او در شمار عالمان و مدرسان دینی بودند.

۱۳۱۹

ورود به دبستان ابن یمین در مشهد.

۱۳۲۵

ورود به دبیرستان فردوسی در مشهد.

۱۳۲۷

به عضویت در کانون نشر حقایق اسلامی، که پدرش پایه‌گذار آن بود، در آمد و از طریق آن با حقایق اسلامی آشنا شد.

۱۳۲۹

سیکل اول دبیرستان (کلاس نهم نظام قدیم) را به پایان رساند و به دانشسرای مقدماتی (تربیت معلم) وارد شد.

۱۳۳۱

دوره‌ی دانشسرا را به پایان رساند و با دریافت دیپلم آن، به عنوان معلم در مدرسه کاتب‌پور، در منطقه‌ی احمدآباد مشهد، به تدریس پرداخت.

۱۳۳۱

انجمن اسلامی دانش‌آموزان و دانشجویان را پایه‌گذاری کرد و به مدت هشت سال، تا هنگام خروج از کشور برای ادامه‌ی تحصیل، مسؤولیت جلسات هفتگی آن را، که سخنرانی و بحث و تحقیق درباره‌ی مسائل عقیدتی و مکتبهای فلسفی و اجتماعی بود، برعهده داشت.

۱۳۳۱

در حمایت از نهضت ملی شدن صنعت نفت و دولت دکتر محمد مصدق و اعتراض به روی کار آمدن دولت قوام السلطنه، در یکی از روزهای دهه‌ی آخر تیر ماه دستگیر و سپس آزاد شد.

۱۳۳۲

عضویت و فعالیت در نهضت مقاومت ملی.

۱۳۳۲

ثبت‌نام و شرکت در کلاس ششم دبیرستان در رشته‌ی ادبی

۱۳۳۳

پایان تحصیلات دبیرستانی و دریافت دیپلم ادبی.

۱۳۳۴

هر هفته دوبار در رادیو مشهد به سخنرانی پرداخت، عصر روز سه‌شنبه و جمعه.

۱۳۳۴ یا ۱۳۳۵

ورود به دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی مشهد و تحصیل در رشته‌ی ادبیات فارسی.

۱۳۳۵

پایه‌گذاری انجمن ادبی و تصدی مسؤولیت آن. در این انجمن بود که شعر نو برای نخستین بار در محیط راکد و بسته‌ی خراسان قامت برافراشت.

۱۳۳۵

ازدواج با بی‌بی فاطمه (پوران) شریعت رضوی، خواهر شهید علی‌اصغر شریعت رضوی (در مقابله با ارتش روس در سال ۱۳۲۰) و شهید مهدی (آذر) شریعت رضوی (در اعتراض به سفر نیکسون به ایران، در ۱۶ آذر ۱۳۳۲).

۱۳۳۶

در پی حمایت نهضت مقاومت ملی از دکتر مصدق و اعتراض به معاملات نفتی تنی چند از اعضای نهضت در تهران و مشهد، از مجمله شریعتی و پدرش، دستگیر شدند. شریعتی به مدت دو ماه در زندان قزل قلعه‌ی تهران حبس شد.

۱۳۳۷

تدریس در دبیرستان دخترانه‌ی مهستی در مشهد.

۱۳۳۷

با کسب مقام اول از دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی موفق به دریافت لیسانس شد. پایان‌نامه‌ی تحصیلی او ترجمه‌ی کتاب در نقد و ادب، تألیف محمد مندور، بود.

۱۳۳۸

سفر به فرانسه برای ادامه‌ی تحصیل.

۱۳۳۸

به جوانان نهضت ملی ایران پیوست و با کمک دوستانش در این گروه کوچک، اعلامیه‌های افشاگرانه‌ای علیه رژیم شاه منتشر ساخت.

۱۳۳۸

به سازمان آزادیبخش الجزایر پیوست و برای رهایی الجزایر از استعمار فرانسه به مجاهدت پرداخت. در نتیجه روزی پلیس فرانسه به وی حمله و مضروبش کرد و بدین علت سه هفته در بیمارستان بستری شد.

۱۳۳۸

تولد نخستین فرزندش، احسان.

۱۳۳۹-۱۳۴۱

همکاری با استادش لوئی ماسینیون، در گردآوری و ترجمه‌ی متون فارسی درباره‌ی حضرت فاطمه.

۱۳۳۹

به ایران بازگشت و همسر و فرزندش را به پاریس برد.

۱۳۴۰

در پی کشته شدن پاتریس لومومبا، رهبر آزادیخواهان کنگو، تظاهراتی از سوی سیاهپوستان در مقابل سفارت بلژیک در پاریس برگزار شد. شریعتی در این تظاهرات شرکت کرد و با حمله‌ی پلیس فرانسه دستگیر و به زندان سیته افکنده شد. در آغاز دولت فرانسه قصد اخراج او را از آن کشور داشت، اما با حمایت قاضی دادگاه، اجرای حکم اخراج او را به حال تعلیق گذاشت.

۱۳۴۰

شرکت در کنگره‌ی کنفدراسیون دانشجویان ایرانی خارج از کشور در پاریس.

۱۳۴۱

در پی مرگ مادرش، زهرا، برای شرکت در مجلس ترحیم او به ایران بازگشت و پس از چند روز دوباره به پاریس رفت.

۱۳۴۱

با انتشار مقاله‌ای به افشاگری علیه انقلاب سفید شاه پرداخت.

۱۳۴۱

با کمک دوستانش جبهه‌ی ملی ایران (جبهه‌ی ملی دوم) را در خارج از کشور پایه‌گذاری کرد. سپس مسؤولیت انتشار مجله‌ی جبهه‌ی ملی به او واگذار شد و او مدتی مسؤول مجله‌ی ایران آزاد بود. شریعتی مقالات خود را در این مجله با نام مستعار شمع، که از سه حرف اول نام خانوادگی و نامش تشکیل شده بود، (شریعتی مزینانی، علی) امضا می‌کرد.

۱۳۴۱

با کمک دوستانش نهضت آزادی ایران در خارج از کشور پایه‌گذاری کرد.

۱۳۴۱

شرکت و فعالیت در دومین کنگره‌ی کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در خارج از کشور (کنگروه‌ی وحدت)، در شهر لوزان سویس.

۱۳۴۱

تولد دومین فرزندش، سوسن.

۱۳۴۲

پایان تحصیلات دانشگاهی و گذراندن کلاسهای جامعه‌شناسی در مدرسه‌ی تبعات عالی و دریافت مدرک دکترا در تاریخ. برخی از استادان او عبارت بودند از: لویی ماسینیون، ژرژ گوریچ، ژاک برک و هانری لوفور. پایان‌نامه‌ی دکترای او تصحیح کتاب فضائل بلخ بود.

۱۳۴۲

تولد سومین فرزندش، سارا.

۱۳۴۳

به ایران بازگشت و در مرز بازرگان دستگیر شد. خانواده‌ی او را در سر مرز به حال خود رها کردند و او را به اداره‌ی ساواک ماکو و سپس به زندان خوی و بعد از آن به زندان رضائیه بردند. سرانجام او را به تهران روانه کردند و مدت شش ماه در زندان قزل قلعه حبس شد.

۱۳۴۳

تقاضایش برای تدریس در دانشگاه رد شد. سرانجام با رتبه‌ی آموزگاری به تدریس در هنرستان کشاورزی (در روستای طرق مشهد)، دبیرستان پسرانه‌ی ملکی و دبیرستان دخترانه‌ی ایراندخت پرداخت.

۱۳۴۴

به عنوان کارشناس وزارت آموزش و پرورش استخدام و به تهران منتقل شد و با دکتر بهشتی، دکتر باهنر و سید رضا برقعی، که از مسؤولین بررسی کتب دینی بودند، همکاری کرد.

۱۳۴۴

سرانجام تقاضایش برای تدریس در دانشگاه پذیرفته شد و پس از موفقیت در امتحان استادیاری به سمت استادیار رشته‌ی تاریخ دانشکده‌ی ادبیات مشهد منصوب شد.

۱۳۴۵

آغاز تدریس در دانشگاه مشهد و استقبال بی‌نظیر دانشجویان از درس‌های او، این در حالی بود که شریعتی در کلاس حضور و غیاب نمی‌کرد. مهمترین درس او در دانشگاه، تاریخ تمدن و اسلام‌شناسی بود. کسی پیش از او از اصطلاح اسلام‌شناسی استفاده نکرده بود.

۱۳۴۷

سفر به روستای کاهه و احداث پارکی در آن منطقه با همکاری مردم و کمک به روستاییان برای خرید وسایل کشاورزی.

۱۳۴۷

به کمک زلزله زدگان جنوب خراسان شتافت و تا یک هفته بدین کار مهم، اهتمام کرد.

۱۳۴۷

ممانعت ساواک از مسافرت شریعتی به عراق با دانشجویان.

۱۳۴۷-۱۳۵۱

به ایراد سخنرانی در دانشگاه‌های مختلف کشور دعوت و با استقبال بی‌مانند دانشجویان روبرو شد.

۱۳۴۷-۱۳۵۱

به تدریس و سخنرانی در مؤسسه‌ی حسینی‌ی ارشاد دعوت و با استقبال فوق‌العاده‌ی مردم، بویژه جوانان و دانشجویان، مواجه شد. در درس‌ها و سخنرانی‌های شریعتی حدود چهار هزار نفر شرکت می‌کردند که این تعداد جمعیت بی‌سابقه بود. بر پایه‌ی برنامه‌ریزی شریعتی، حسینی‌ی ارشاد دارای سه بخش (تحقیق، آموزش و تبلیغ) و نه واحد سازمانی و هر بخش شامل چند گروه بود.

۱۳۴۸

نخستین سفر به حج و زیارت بیت‌الله الحرام با کاروان حسینی‌ی ارشاد. در این سفر دانشجویان خارج از کشور با شریعتی ملاقات و درباره‌ی فلسطین و نهضت‌های آزادی‌بخش با او مشورت کردند. سرانجام تصمیم گرفته شد برای کمک به فلسطین پول جمع‌آوری شود.

۱۳۴۹

دعوت از شریعتی برای شرکت در کنگره‌ی بین‌المللی مذهب و صلح در ژاپن و عدم موافقت رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد.

۱۳۴۹

با همکاری و تشویق دکتر شریعتی نمایش ابوذر در تالار رازی دانشگاه فردوسی مشهد اجرا و با استقبال فراوان مردم روبرو شد. متن این نمایش اقتباس از کتاب ابوذر غفاری خدایپرست سوسیالیست، ترجمه و تألیف دکتر شریعتی، بود و به قلم رضا دانشور و با همکاری ایرج صغیری فراهم شده بود. کارگردان این نمایش داریوش ارجمند و بازیگر اصلی آن (در نقش ابوذر)، ایرج صغیری بود. نمایش ابوذر نخستین مذهبی در ایران بود.

۱۳۴۹

دومین سفر به حج و زیارت بیت‌الله الحرام با کاروان حسینی‌ی ارشاد.

۱۳۵۰

به دستور ساواک درس‌های شریعتی در دانشگاه در آستانه‌ی برگزاری جشنهای دو هزار و پانصد ساله‌ی شاهنشاهی تعطیل شد. پس از برگزاری‌ها جشن‌ها نیز از تدریس شریعتی در دانشگاه جلوگیری و او به بخش تحقیقات وزارت علوم و آموزش عالی منتقل شد. سپس حضور او در وزارت علوم نیز خطرناک دانسته شد و از او خواستند دیگر به محل کار نیاید و در خانه به تحقیق پردازد.

۱۳۵۰

برای چندمین بار به ساواک احضار و از او خواسته شد شرح حالش را بنویسد.

۱۳۵۰

سفر به مصر برای دیدن اهرام سه‌گانه. (کتاب آری این چنین بود برادر رهاورد این سفر است.)

۱۳۵۰

تولد چهارمین فرزندش، مونا.

۱۳۵۰

سومین و آخرین سفر به حج و زیارت بیت‌الله الحرام با کاروان حسینی‌ی ارشاد. شریعتی در این سفر به ایراد سخنرانی در کنگره‌ی اسلامی مکه دعوت شد، ولی سرانجام به اتهام شیعه‌ی غالی بودن از ایراد سخنرانی او ممانعت گردید.

۱۳۵۰

در پی اعدام چند تن از جوانان انقلابی، از جمله مسعود احمدزاده و مجید احمدزاده و امیر پرویز پویان، که شریعتی آنها را از نزدیک می‌شناخت، دو سخنرانی با عنوان شهادت و پس از شهادت، در حسینی‌ی ارشاد و مسجد جامع نارمک ایراد کرد. در

سخنرانی پس از شهادت اشاراتی به در خون تپیدن مبارزان و دعوت مردم به قیام شده است. پس از این سخنرانی تظاهراتی در اطراف مسجد صورت گرفت و پلیس عده‌ای را دستگیر کرد و شریعتی هم متواری شد.

۱۳۵۱

نمایش ابوذر، با عنوان یک بار دیگر ابوذر، در حسینیه‌ی ارشاد اجرا و مانند قبل با استقبال فراوان مردم روبرو شد. چند دقیقه پیش از اجرای این نمایش فردی ناشناس به حسینیه‌ی ارشاد تلفن زد و گفت زیر سن نمایش بمب گذاشته شده است. آنگاه دکتر شریعتی پیش از اجرای نمایش به ایراد سخنرانی پرداخت و سخنان خود را چندان طول داد که اگر بمبی در زیر سن کار گذاشته شده باشد تنها او را از پا در آورد و به دیگران صدمه‌ای نرساند. پس از اجرای این نمایش مردم به خیابان ریختند و شعار الله اکبر و با حسین و دیگر شعارهای مذهبی دادند. این نمایش را دهها هزار نفر دیدند و حتی عده‌ای از رادیو و تلویزیون برای ضبط آن به حسینیه‌ی ارشاد آمدند. اما دکتر شریعتی با آن مخالفت کرد و گفت ابوذر متعلق به ایمان ماست، راهی به تلویزیون شاهنشاهی نباید داشته باشد.

۱۳۵۱

نمایش سربداران، به اهتمام گروه هنری حسینیه‌ی ارشاد، در یک شب در حسینیه‌ی ارشاد اجرا شد و ساواک از تکرار آن جلوگیری کرد.

۱۳۵۱-۱۳۵۲

مخالفت شخصیت‌های واپسگرا با افکار و آثار شریعتی، چه از طریق نگارش کتاب و چه در سخنرانی‌های عمومی، بیش از پیش شدت یافت. واپسگراها چنین می‌نمودند که شریعتی فردی منحرف، اهل بدعت، منکر امامت و ولایت است و در حسینیه‌ی ارشاد دست بسته نماز می‌خوانند و شهادت به ولایت علی - ع - را از اذان و اقامه حذف کرده‌اند.

۱۳۵۱

سرانجام رژیم شاه تصمیم گرفت حسینیه‌ی ارشاد را تعطیل کند، بویژه این که از چندی پیش به مناسبت ماه رمضان در پاره‌ای از مساجد تهران تبلیغات وسیعی علیه شریعتی آغاز شده و زمینه‌ی مناسبی فراهم بود. بدین ترتیب پلیس به محاصره‌ی حسینیه‌ی ارشاد پرداخت و پس از درگیری با شاگردان و دانشجویان، عده‌ای را دستگیر و حسینیه‌ی ارشاد را تعطیل کرد.

۱۳۵۱

به اهتمام پاره‌ای از روشنفکران بازار و با حضور برخی از شخصیت‌های برجسته‌ی اسلامی مجلس جشنی در روز عید فطر برای بزرگداشت دکتر شریعتی تشکیل شد. در این مجلس یک جلد کتاب فاطمه، فاطمه است و سند و کلید یک دستگاه اتومبیل پیکان به او هدیه شد.

۱۳۵۱-۱۳۵۲

در پی تعطیلی حسینیه‌ی ارشاد، شریعتی از تور ساواک گریخت و از آبان ۱۳۵۱ تا تیر ۱۳۵۲ در خانه‌ی یکی از بستگانش در سر آسیاب دولاب در تهران مخفی شد.

۱۳۵۲

ساواک در یک روز به منزل شریعتی و پدرش در مشهد و منزل برادر همسرش در تهران، حمله کرد. در حمله به منزل شریعتی مقداری از کتابهای او را به یغما بردند و در حمله به منزل پدر و برادر همسر شریعتی آن دو را دستگیر کردند تا محل اختفای شریعتی را از طریق آن‌ها بیابند و یا آنها را گروگان بگیرند تا شریعتی خود را معرفی کند.

۱۳۵۲

اقامت خانواده‌اش در تهران.

۱۳۵۲

سرانجام دکتر شریعتی تنها چاره را در این دید که خود را معرفی کند. بدین ترتیب در مهر ماه خود را به مرکز ساواک تهران معرفی کرد و مدت هجده ماه در زندان بسر برد که پانزده ماه آن را در سلول انفرادی بود و سه ماه دیگر آن با کسی همسلول بود که رژیم او را برای کسب اطلاعات از شریعتی در سلول گماشته بود (بدین ترتیب دکتر شریعتی، روی هم رفته، پنج بار و به مدت دو سال و دو ماه بازداشت و زندانی شد. بازداشتگاه او در مشهد و ماکور، و زندان او در تهران و پاریس و خوی و رضائیه بود. همچنین وی، چنانکه گفته خواهد شد، همین مدت از عمر خود را، یعنی دوسال و دو ماه، از آغاز سال ۱۳۵۴ تا اردیبهشت ۱۳۵۶، تحت مراقبت و نظر ساواک بود. بیفزاییم که وی به مدت نه ماه، از آبان ۱۳۵۱ تا تیر ۱۳۵۲، مخفیانه زندگی می‌کرد. بنابراین شریعتی، به روی هم، پنج سال و یک ماه از عمر کوتاه خویش را در بازداشتگاه و مخفیانه و زندان و تحت مراقبت گذراند).

۱۳۵۲

چند ماه پس از زندانی شدن، از دانشگاه بازنشسته شد. سابقه‌ی خدمت او بیست و یک سال بود.

۱۳۵۳-۱۳۵۶

کتابهای شریعتی از سوی رژیم شاه گمراه کننده و ممنوع دانسته شد و در پی آن از کتابخانه‌ها جمع‌آوری گردید. بعد از این (تا اواسط سال ۱۳۵۶)، به کتابهای او اجازه‌ی چاپ داده نمی‌شد و با نامهای مستعار علی علوی، علی سبزواری، علی سربداری، علی شریفی، علی مزینانی، علی زمانی، علی سبزواری‌زاده، شیخ علی اسلام‌دوست، محمدعلی آشنا، محمدعلی اثنی‌عشری، محمد عبدالخطیب مصری، م. رفیع‌الدین، شمع، احسان خراسانی، رضا پایدار، کمال‌الدین مصباح و... چاپ می‌شد.

۱۳۵۳

سرانجام استاد محمدتقی شریعتی، پس از تحمل یک سال زندان، تنها به جرم پدر دکتر شریعتی بودن! از زندان آزاد شد.

۱۳۵۳

در آخرین روزهای این سال از زندان آزاد شد. آزادی او به علت فعالیت‌های دفاعی دوستان و شاگردانش در محافل بین‌المللی و تقاضای ژاک برک از شاه بود. ژاک برک، استاد دانشگاه سوربن، که شریعتی در پاریس شاگردش بود، با شاه در سوئیس، که برای گذراندن تعطیلات زمستانی رفته بود، ملاقات کرد و از او خواست که شریعتی از زندان آزاد شود.

۱۳۵۴

رژیم که از دستگیری و حبس شریعتی طرفی نبسته و نتیجه‌ای نگرفته بود، بر آن شد تا با او به طرز «علمی»! برخورد کند. بدین منظور کمیته‌ای به نام «شریعتی‌شناسی» درست کرد که در آن افرادی چون رضا عطارپور، معروف به حسین‌زاده، از مهره‌های برجسته و فعال ساواک، و تنی چند از محققان رژیم و زندانیان سیاسی بریده، عضو بودند. کار این کمیته مطالعه‌ی آثار شریعتی و شنیدن نوار سخنرانی‌های او برای جعل کتاب و نوار به نام شریعتی بود.

۱۳۵۴

رژیم شاه برای وانمود کردن همکاری شریعتی با رژیم و برای تحقق هدف کمیته‌ی شریعتی‌شناسی، که مخدوش کردن چهره‌ی او به طرز علمی! بود، یک سلسله از درسهای شریعتی را که پیشتر با عنوان انسان، اسلام و مکتبهای مغرب زمین منتشر شده بود، با عنوان مجعول «مارکسیسم، ضد اسلام» در روزنامه‌ی کیهان به چاپ رساند. در پی این توطئه، شریعتی از طریق دکتر احمد صدر حاج سید جوادی به مسؤولان روزنامه‌ی کیهان اعتراض کرد و آنها عذر آوردند که تقصیری ندارند و ساواک این مقاله را فرستاده است. سرانجام با اعتراض انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا و افشاگری دوستان و شاگردان شریعتی این توطئه‌ی رژیم افشا

و ختنی شد.

۱۳۵۴-۱۳۵۶

تحت مراقبت و نظر ساواک قرار داشت و امکان فعالیت و سخن گفتن و منتشر کردن کتابهایش از وی سلب شد. خود می‌گفت: نوع زندانم تغییر کرده و از زندانی دولتی به زندان خانه منتقل شده‌ام. در این مدت چند بار به ساواک احضار شد و یا مقامات بلند مرتبه‌ی ساواک به صورت سرزده به خانه‌اش می‌رفتند.

۱۳۵۵

پسرش را، که از نظر امنیتی به علت ارتباط با جوانان مبارز به مخاطره افتاده بود و ممکن بود در پرونده‌ی او هم تأثیر بگذارد، برای ادامه‌ی تحصیل به خارج از کشور فرستاد.

۱۳۵۶

به علت هجرتی که در پیش داشت از عضویت در هیئت مدیره‌ی صندوق خیره‌ی فاطمه‌ی زهرا در روستای گاهه استعفا خواست. همچنین دو قطعه زمین را، که در آن روستا داشت، از طریق آن صندوق، به مردم آنجا واگذار کرد.

۱۳۵۶

بر آن شد، به هر گونه که شده است، از ایران هجرت کند. از این رو چون دانست که از کشور ممنوع الخروج است، سه راه را برای هجرت پیش‌بینی کرد: گرفتن دعوتنامه‌ای رسمی از مقامات دانشگاهی الجزایر برای تدریس در آنجا، خروج مخفیانه از مرز؛ گرفتن گذرنامه با نامی دیگر. هر سه راه به سعی دوستان شریعتی بررسی و، سرانجام، مشخص شد که همه‌ی پرونده‌های شریعتی به نام علی شریعتی یا علی شریعتی مزینانی است و نه علی مزینانی. حال آن که نام خانوادگی او، در اصل، و چنان که در شناسنامه‌اش بود، مزینانی است و نه شریعتی یا شریعتی مزینانی. بدین ترتیب شریعتی از راه سوم وارد عمل شد و با تدبیر ویژه‌ای به نام علی مزینانی گذرنامه گرفت.

۱۳۵۶

در ۲۶ اردیبهشت ماه به مقصد بلژیک هجرت خود را آغاز کرد. به هنگام توقف هواپیما در آتن، بدون هیچ برنامه‌ی قبلی و با احتمال قوی برای رعایت تدابیر امنیتی، از هواپیما پیاده شد و پس از یک روز با یک شبانه‌روز توقف در آتن با هواپیمای دیگری به بلژیک رفت. سپس دو یا سه روز در بروکسل توقف کرد و از آنجا به انگلستان رفت تا از همسر و فرزندانش، که قصد پیوستن به او را داشتند، استقبال کند. در این مدت چند روز به فرانسه رفت و سپس در شب ۲۶ خرداد به انگلستان برگشت و منتظر خانواده‌اش ماند که قرار بود ۲۸ خرداد از تهران به مقصد انگلستان هجرت کنند.

۱۳۵۶

سه روز پس از هجرت شریعتی از کشور ساواک از غیبت او مطلع شد و سخت به تکاپو و تلاش افتاد تا شاید او را بیابد. سرانجام ساواک در اواسط خرداد ماه کشف کرد که شریعتی با گذرنامه‌ی علی مزینانی از کشور خارج شده است. از این رو ساواک برای وادار کردن شریعتی به بازگشت و یا امتیاز گرفتن از او، از خروج همسرش جلوگیری کرد.

در روز ۲۸ خرداد همسر و فرزندانش شریعتی به قصد خروج از کشور روانه‌ی فرودگاه شدند. در آنجا اعلام شد که خانم شریعت رضوی (همسر شریعتی)، ممنوع الخروج است. بدین ترتیب وی با فرزند خردسالش (مونا)، در ایران ماندند و دو فرزند نوجوانش (سوسن و سارا)، به مقصد انگلستان و پیوستن به شریعتی از ایران خارج شدند.

۱۳۵۶

در ۲۸ خرداد دو فرزند شریعتی به لندن رسیدند و شریعتی در فرودگاه به استقبال آنها شتافت و از آنجا به محل اقامتشان رفتند.

ساعت هشت صبح یکشنبه ۲۹ خرداد پیکر دکتر شریعتی را در آستانه‌ی در ورودی اتاق، که پنجره‌اش باز شده بود، به پشت افتاده و در حالی که بینی‌اش سیاه شده و باد کرده بود افتاده و بی‌جان یافتند.

۱۳۵۶

سرانجام روزنامه‌های اطلاعات و کیهان پس از چند روز سکوت درباره‌ی درگذشت دکتر شریعتی، در سال ۳۱ خرداد ماه اعلام کردند: مرحوم دکتر علی شریعتی که برای درمان ناراحتی چشم و کسالت قلبی خود به انگلستان رفته بود در آن جا بر اثر سکته‌ی قلبی درگذشت. همچنین در روزنامه‌ی کیهان دوم تیر ماه آمده بود: دکتر شریعتی از مدتی قبل از بیماری قلبی در رنج بود و سرانجام در ۵۶/۳/۲۹ بر اثر آخرین حمله‌ی قلبی بدرود حیات گفت. حال آنکه شریعتی در سراسر عمر خود حتی یک بار هم به پزشک قلب رجوع نکرده بود. او نه برای «کسالت قلبی» خود به انگلستان رفته بود و نه از «مدتی قبل» بیماری قلبی داشت. شریعتی پس از آزادی از آخرین زندان، به اصرار برخی از دوستانش، که از سیگار کشیدن او نگران بودند، نواری از ضربان قلب او توسط دکتر محمود فرهودی، که اینک گواه هستند، برداشته شد. نتیجه‌ی کاردیوگرافی رفع هر گونه نگرانی کرد و نشان داد که شریعتی از ناحیه‌ی قلب کاملاً سالم است.

۱۳۵۶

گروهی از اعضای ساواک، به سرپرستی یک افسر امنیتی، برای تصاحب پیکر شریعتی و انتقال آن به ایران، وارد لندن شدند. نقشه‌ی رژیم شاه این بود که پیکر شریعتی را در برنامه‌ی «دولتی» و با حضور مقامات رسمی کشور به ایران حمل کنند و با برگزاری مجلس بزرگداشت او و احترام صوری، خود را بی‌گناه نشان دهند. سرانجام به همت خانواده و دوستان شریعتی و دانشجویان خارج از کشور و اعضای نهضت آزادی ایران در خارج از کشور، کلیه‌ی نقشه‌های رژیم نقش بر آب شد و وکیل احسان شریعتی از دولت انگلیس خواست پیکر پدرش به مأموران ایران تحویل داده نشود.

۱۳۵۶

پیکر شریعتی در بعدازظهر جمعه سوم تیر ماه، با مشارکت صادق قطب‌زاده، عبدالکریم سروش و کمال خرازی، غسل داده و کفن شد. آنگاه امام جماعت مسجد هامبورگ، حجت‌الاسلام محمد مجتهد شبستری، و تنی چند از دوستان شریعتی، بر پیکر او نماز گزارند.

۱۳۵۶

خانواده و دوستان شریعتی، پس از گفتگوهای فراوان، بر آن شدند پیکر شریعتی را در زینبیه دفن کنند. بدین ترتیب در روز یکشنبه، پنجم تیر، پیکر شریعتی از لندن به دمشق منتقل شد. در آنجا امام موسی صدر، دوستان شریعتی و بزرگان سوری و لبنانی و فلسطینی بر پیکر او بار دیگر نماز گزارند و پس از طواف در حرم حضرت زینب - س - در کنار آن حضرت به خاک سپردند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

شریعتی، منوچهر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آسیب‌شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شریف الاسلام، اسماعیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۵۴ ق)، عالم دینی و طبیب و شیمیدان. عموی بزرگ آیت‌الله نجفی مرعشی است. وی از علمای بزرگ تهران و از شاگردان حاج میرزا حسن آشتیانی و حاج شیخ فضل‌الله نوری بود. در طب و شیمی و علم الحروف بسیار مهارت داشت. از آثارش: «اسرار الحروف»؛ «اصلاح المزاج»، در طب؛ «وقایه الجسد»، در طب؛ «حاشیه الفرائد».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ریحانه (۲۱۹-۲۱۸/۳)، معجم المؤلفین (۳۷۲/۱۳).

شریف تبریزی، اسماعیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۴-۱۲۸۶ ق)، عالم، ادیب، نویسنده و شاعر، متخلص به تائب. معروف به مساله گو. او در مشهد رضوی ساکن بود. علم و ادب را فراگرفت و یکی از فضیلت‌های بنام زمان خود شد. شیخ اسماعیل به تالیف و تصنیف در فنون مختلف پرداخت و آثار بسیاری به نظم و نثر از خود به جای گذاشت. در مشهد درگذشت و در باغ رضوان دفن شد. از آثار وی: «عقاید الاسلام»، در اصول خمسه، که گویا ترجمه‌ی «عقاید الاسلام» ترکی منسوب به مقدس اردبیلی است؛ «مرآه المتقین»؛ «مجلات المحققین»؛ «البلاغ المبین»؛ «معیار الفهم و منشار الوهم»؛ «تذکره المتقین»؛ «مثنویهای «انصاف نامه»؛ «بلبل نامه»؛ «تحفه نامه»؛ «ترویج نامه»؛ «توحید نامه»؛ «ثمره‌ی فوادیه»؛ «حیرت نامه»؛ «سعادت نامه»؛ «محبت نامه»؛ «نماز نامه» و مثنویهای مختلف دیگر؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۲۸، ۲۲۷-۲۲۰، ۱۱/۲۰، ۸۵-۸۳/۱۹، ۲۸۱/۱۵، ۱۸۱/۱۲، ۲۶۵/۱۱، ۱۶۳/۹، ۴۶/۴، ۱۴۰/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۱۵۶)، فرهنگ سخنوران (۱۷۹)، مؤلفین کتب چاپی (۵۸۰-۵۷۹/۱).

شریف زاده نجفی، محمدجواد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در خصوص ولادت مرحوم محمد جواد شریف زاده نجفی نتوانستیم به نقطه نظر مطمئنی دست یابیم، اما بر اساس قرائن و شواهد، هنگام رحلت، بیش از هشتاد سال از عمر آن مرحوم می‌گذشت؛ لذا تاریخ تولد ایشان حدود سال ۱۲۷۸ هجری شمسی و در نجف اشرف می‌باشد. گروه: علوم انسانیرشته: الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب: پدر - علی محمدشریف زاده نجفی - از روضه‌خوان‌های نجف اشرف بوده و سال‌ها قبل از یزد به نجف مهاجرت کرده است. بر این اساس، اگرچه حاج شیخ محمد جواد

شریف زاده نجفی هیچ دوره از عمر خود را در یزد سپری نکرده، اما به نوعی ریشه در دل این دیار داشته و شاید این نکته در انتخاب شهر «ابرقو» از میان شهرهایی که از حضرت آیت‌الله بروجردی؛ درخواست روحانی داشته‌اند، بی‌تأثیر نبوده است. مادر ایشان - بانو سلطان بیگم - علویه باکرامتی بوده که با حضرت آیت‌الله سید محمد کاظم یزدی؛ نسبت داشته و آن مرجع بزرگ به کرامت و بزرگواری‌اش اذعان داشته و آن بانو مشمول عنایات ایشان بوده است. خاطرات کودکی: مادر محمد جواد شریف زاده نجفی در ایامی که حاج شیخ محمد جواد، نوزاد و یا طفلی نوپا بوده است، خوابی می‌بیند. خواب را برای حضرت آیت‌الله محمد کاظم یزدی بازگو و ایشان هم رؤیای این بانو را چنین تعبیر می‌کند که فرزندش مجتهد می‌شود. سپس سجاده‌ای به ایشان می‌دهد تا فرزندش بر آن نماز بگذارد. حاج شیخ محمد جواد سال‌ها این سجاده را با خود داشت و حتی پس از آمدن به ابرقو هم بر آن نماز می‌خواند. متأسفانه این سجاده در یکی از مساجد مفقود گردید. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: سنین عمر محمد جواد شریف زاده نجفی، از دو مرحله عمده تشکیل می‌شود: روزگار تفقه و عصر تبلیغ. اول: سال‌های حضور در نجف اشرف و کربلای معلّی، یعنی از تولد تا حدود سال‌های ۱۳۲۵ یا ۱۳۲۶ هجری شمسی، صرف نظر از ایام کودکی، آنچه طی این سال‌ها و جبهه همت ایشان را تشکیل داده، تلاش برای نیل به کمالات اخلاقی و علمی، و استفاده هر چه بیشتر از معادن معنوی و علمی این دو شهر مقدس می‌باشد. بدون شک تنفس در فضایی که معطر به قبور ائمه طاهرين (ع) باشد، مستلزم توفیق بالایی است. آری، در چنین فضایی مس وجود، کیمیا گردد و پربها. علاوه بر این بهره معنوی، حضور در پای درس بزرگانی همچون آیات عظام: سید محمد کاظم یزدی و سید ابوالحسن اصفهانی و پس از ورود به کربلا استفاده از محضر حضرت آیت‌الله حاج آقا حسین قمی، همچنین اجازه اجتهاد و اخذ جوهرات از همین بزرگواران و بزرگانی دیگر همچون آیات عظام: سید عبدالهادی شیرازی، سید محسن حکیم و سید حسین بروجردی، دستاورد این دوره از عمر مرحوم حاج شیخ محمد جواد است. فعالیت‌های ضمن تحصیل: حضرت آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، پس از رحلت حضرت آیت‌الله سید محمد کاظم یزدی از مرحوم حاج شیخ محمد جواد شریف زاده نجفی خواستند که ایشان به سامرا بروند و در مدرسه‌ای که متعلق به مرحوم حاج سید محمد کاظم یزدی بوده است، تدریس نماید. حاج شیخ محمد جواد این درخواست را پذیرفت و به سامرا رفت ولی پس از چهار الی پنج ماه مجدداً به نجف برگشت و بعد از اقامتی کوتاه، به کربلا مهاجرت نمود و تا زمان رحلت حضرت آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، در این شهر ماند. پس از رحلت این مرجع بزرگ - که زمره مرجعیت حضرت آیت‌الله حاج آقا حسین قمی به گوش رسید. - ایشان به نجف برگشت ولی اقامتش چند ماهی بیشتر طول نکشید که آن مرحوم قصد مسافرت به مشهد نمود و در قم سرنوشت دیگری برای ایشان رقم خورد که بدان خواهیم پرداخت. وقایع میانسالی: چگونگی آمدن حاج شیخ محمد جواد شریف زاده نجفی از نجف به ابرقو، شرح مفصلی دارد که اجمال آن، بدین قرار است: مرحوم حاج شیخ محمد جواد در سال ۱۳۲۵ یا ۱۳۲۶ جهت رفتن به زیارت ثامن الائمه - امام رضا (ع) - وارد شهر قم شد و مسافرخانه «قبله» را به عنوان اسکان موقت انتخاب کرد. بزرگواری ایشان توجه صاحب مسافرخانه را به خود جلب کرده، به طوری که از ایشان درخواست کرد اتاقی در منزل خود - که به افرادی معدود اختصاص می‌داده - در اختیار آن مرحوم و همراهان قرار بدهد. در یکی از این روزها، برخی طلبه‌ها که یا از شاگردان آن مرحوم بوده و یا از مراتب علمی و کمالات اخلاقی ایشان در نجف و کربلا، اطلاع داشته‌اند، از آمدن ایشان به قم باخبر شده، مراتب را به اطلاع حضرت آیت‌الله بروجردی؛ می‌رسانند و ترتیب دیداری میان این دو بزرگوار در بیت حضرت آیت‌الله بروجردی داده می‌شود. در این ملاقات، از جمله سؤالات حضرت آیت‌الله بروجردی از مرحوم حاج شیخ محمد جواد، این بوده است که آیا شما توان تدریس مکاسب و کفایه را دارید؟ مرحوم حاج شیخ محمد جواد جواب می‌دهد: «بحول الله؛ (توان تدریس این دروس را دارم.)» سپس سؤالاتی تخصصی از ایشان پرسیده می‌شود و چون آن مرجع بزرگوار به توانمندی مرحوم حاج شیخ محمد جواد در این زمینه، اطمینان پیدا می‌کند، درخواست مردم ابرقو را - مبنی بر یک روحانی مجتهد و پرهیزکار که توان تدریس مکاسب و کفایه را داشته باشد. - خدمت ایشان ارائه می‌دهند و مصرانه از

آن مرحوم اجابت این درخواست را می‌طلبند. مرحوم حاج شیخ محمد جواد به رغم میل باطن و در جهت امتثال امر حضرت آیت‌الله بروجردی اعلام آمادگی کرده و ایشان نیز ظاهراً ذیل همان برگه، مرحوم حاج شیخ محمد جواد را به اهالی ابرقو معرفی می‌کنند. در پایان این دیدار قرار می‌شود که روز بعد، حضرت آیت‌الله بروجردی به دیدار ایشان بروند. مرحوم حاج شیخ محمد جواد صاحب منزل را در جریان می‌گذارد و صاحب منزل که این تشریف‌فرمایی را افتخاری بزرگ برای خود می‌دانسته، در صدد تدارک پذیرایی برمی‌آید و کوچه و منزل را آب و جارو می‌کند. روز بعد، آن مرجع بزرگوار با درشکه به محل سکونت ایشان رفته و در واقع دید و بازدید این دو مرد الهی تکمیل می‌گردد. مرحوم حاج شیخ محمد جواد سپس به مشهد رفته و پس از زیارت ثامن الحجج (ع) مجدداً به قم برمی‌گردد و بلافاصله عازم ابرقو می‌شود و در ابتدای راهی قرار می‌گیرد که مرحله دوم عمر ایشان را رقم می‌زند. زمان و علت فوت: نوروز سال ۱۳۵۸ هجری شمسی، آخرین بهار را فراوی دیدگان محمد جواد شریف زاده نجفی قرار داد. علاقه به ثامن الائمه - امام علی بن موسی الرضا (ع) - آن مرحوم را به ارض اقدس طوس کشاند، تا برای آخرین بار ترجیع بند ارادت خود را ارزانی آن آستان کند. همراه ایشان در این سفر می‌گوید: با این که هنوز بنا بود در مشهد بمانیم، اما برخلاف انتظار، ایشان گفتند: باید برگردیم تهران! حاج شیخ محمد جواد در تهران به منزل فرزندش رفت و ما هم در شهر ری به خانه بستگانمان رفتیم. پس از یک روز، بیماری مختصری بر آن مرحوم عارض شد، پیغام داد: بلیطی که برای رفتن از تهران به ابرقو گرفته‌اید، خودتان استفاده کنید، مورد نیاز من قرار نمی‌گیرد. (نقل به مضمون) و فرمود که این‌ها مورد استفاده‌ام قرار نمی‌گیرند. سپس ادامه داد: فردا اذان صبح به این جا بیاید. ما به شهر ری برگشتیم اما با کلی نگرانی. اصرار بر این که هر چه زودتر به تهران برویم، بیماری ایشان، عدم ضرورت استفاده از بلیط، این که فردا وقت اذان صبح ما را ببینند و... این افکار تا ساعت ۱۲ شب ما را به خود مشغول کرده بود. در این ساعت فرزند ایشان تلفن کرد که پدرمان به رحمت خدا رفتند. این‌ها نشانه‌ای بر آگاهی آن مرحوم از نزدیک شدن زمان رحلت خود بود. فرزند ایشان می‌گوید: حدوداً نیمه شب ملاحظه کردم که پدرم آهسته چیزی می‌خوانند. گوش خود را نزدیک دهان ایشان بردم، دیدم مشغول خواندن زیارت عاشورا هستند. پس از چند دقیقه، شهادتین را بر زبان آوردند و دیگر چیزی نگفتند. ما ابتدا فکر کردیم که ایشان خواب رفته‌اند، اما پس از چند دقیقه که سراغشان رفتیم، ملاحظه کردیم در حالی که رو به قبله خوابیده‌اند، از دنیا رحلت کرده‌اند. وقتی با ابرقو تماس تلفنی گرفتیم تا این خبر را به اطلاع مردم برسانیم، ملاحظه کردیم که برخی از دوستان و مأمومین از رحلت مرحوم پدرم اطلاع دارند! قضیه از این قرار است که سیدی از ارادتمندان ایشان در عالم رؤیا می‌بیند آجری از زیر گلدسته مسجد امامزاده فرو افتاد. آن سید خواب خود را به رحلت مرحوم پدرم تعبیر می‌کند و با عده‌ای نیز این مطلب را در میان می‌گذارد، لذا وقتی که با آنان تماس گرفتیم، این خبر برایشان غیر منتظره نبود. پدرم برای دفن خود ما را بین سه مکان مختیر کرده بود که به ترتیب عبارت بودند از: حضرت عبدالعظیم (ع)، قبرستان بقیع قم و بهشت زهرا تهران، که با توجه به جوانب قضیه، ایشان را در قبرستان بقیع قم در مسیر جمکران به خاک سپردیم. گویی عارف گمنام بر آستان مقدس صاحب الزمان (ع) چشم دوخته و انتظار دیدار با آخرین یادگار پیامبران را دارد. مردان الهی از دنیا نمی‌روند، بلکه از سرای فرش به عالم عرش نقل مکان می‌کنند. کوتاه نگری است اگر تربت کیمیا اثر آنان را در دل زمین بجوییم، باید به اندرون سینه مردان راه نقبی زد تا اشک دیده از مزار آنان متبرک سازیم. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مرحله دوم از عمر مرحوم محمد جواد شریف زاده نجفی ، ۳۲ الی ۳۳ سال پایانی عمر ایشان را رقم می‌زند، یعنی از سال‌های ۱۳۲۵ یا ۱۳۲۶ لغایت ۱۳۵۸ هجری شمسی و زمانی که از طرف حضرت آیت‌الله بروجردی به ابرقو عزیمت نمود و در این خطه به تبلیغ دین، اقامه جماعت و تشکیل مجالس روضه پرداخت؛ این دوره از عمر آن مرحوم، فرصت انجام رسالتی است که خداوند متعال بر دوش عالمان ربّانی نهاده و در روایات «زکات علم» قلمداد شده است. این دو مرحله، مکمل یکدیگرند و مجموعه‌ای واحد را تشکیل می‌دهند، نه اندوختن کمالات علمی و معنوی بدون تبلیغ و انداز، ایفای تام و تمام رسالت عالمان دینی است، و نه تبلیغ دین بدون کسب علم و تهذیب نفس، دل و جانی را نشاط معنوی

می‌بخشد. دو مرحله‌ای که عنوان گردید، در زندگی مرحوم حاج شیخ محمد جواد کاملاً قابل تبیین است. فعالیت‌های آموزشی: اهالی ابرقو، به محض اطلاع از تصمیم مرحوم محمد جواد شریف زاده نجفی، برنامه استقبال از ایشان را تدارک دیدند، بدین منظور عده‌ای از ابرقو به شهرستان آباءه - در ۷۲ کیلومتری ابرقو - عزیمت کرده و آن مرحوم را با سلام و صلوات به ابرقو آوردند. ایشان پس از ورود به ابرقو، در منزل یکی از اهالی در محله «دروازه میدان» موقتاً اسکان نمود و تا ۴ - ۵ روز رفت و آمدها ادامه داشت. پس از این چند روز، آن مرحوم با توجه به مفاد درخواست، سراغ جلسه درسی و بحث را گرفت و پس از آن که مشخص شد جلسه در یکی از مساجد شهر است، شخصاً با دو کتاب «مکاسب» و «کفایه» در محل درس حاضر گردید تا در اولین جلسه، سطح کلاس را ارزیابی و تدریس را آغاز کند. آنچه در همان اوایل به عنوان نتیجه‌ای نه چندان مطلوب و خوشایند عاید آن مرحوم شد، پایین بودن سطح علمی کلاس درس بود، به طوری که موجب گله ایشان گردید. متأسفانه در ادامه، از همان رونق اندک اولیه هم کاسته شد و چندی بعد این کلاس کلاً تعطیل گردید. از آن پس، اقدامات ایشان از تشکیل درس و بحث بیرون آمد و به شکلی ادامه یافت که بدان خواهیم پرداخت. مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می‌آید: تشکیل حوزه درسی در مدرسه «هندی» - در کربلای معلا - و تربیت شاگردان دیگر دستاورد ارزشمند مرحله اول یعنی روزگار تفرقه عمر آن مرحوم می‌باشد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: پس از آن که جلسه درس محمد جواد شریف زاده نجفی منحل گردید، آنچه بیشتر ذهن آن مرحوم را به خود مشغول کرد، این بود که فعالیت‌های خود را بر محور تبلیغ، روضه، اقامه جماعت، محاسبه وجوهات و مواردی این گونه قرار بدهد. ایشان در ابتدا برنامه نماز جماعت خود را در مسجد جامع ابرقو قرار داد، با بروز برخی موانع، این برنامه را به مسجد امامزاده و داخل امامزاده و برخی مساجد دیگر منتقل نمود. علت این تغییر مکان‌ها را باید در بروز بعضی موانع دانست، و این علاوه بر مشکلات جنبی بود که پیش می‌آمد، تا جایی که ایشان چشم انداز خوبی از موفقیت پیش روی خود ندید! مجموعه این عوامل، آن مرحوم را وادار نمود با مراجعه به حضرت آیت‌الله بروجردی؛ از معظم له بخواهد که ایشان را از ماندن و اقامت در ابرقو معذور بدارد! اما مرحوم آیت‌الله بروجردی کسی نبود که این‌ها را دلیلی موجه برای خالی کردن میدان بدانند، وانگهی چه کسی بهتر از مرحوم حاج شیخ محمد جواد می‌توانست نیازهای متنوع دینی یک شهر را پاسخگو باشد؟ بر همین اساس، درخواست آن مرحوم مقبول واقع نشد و چون بنا را بر استخاره گذاشتند، مراجعت ایشان به ابرقو و ماندن در این شهر، بسیار خوب آمد. مرحوم حاج شیخ محمد جواد، دوباره به ابرقو برگشت، با این نیت که این بار به صورت جدی‌تر به مجالس و عظ و روضه، اقامه جماعت، حساب و کتاب وجوهات شرعی و مواردی از این نمونه پردازد. پس از بازگشت، حدود دو سال را در برخی از روستاهای ابرقو از جمله «مهر آباد» و «نصرت آباد» سپری نمود که دلیل آن را باید بروز همان مسائل و موانعی دانست که به کلیت آن، اشاره شد. مدتی بعد تنی چند از ارادتمندان، از آن مرحوم خواستند تا در مسجد امامزاده اقامه جماعت نماید و آنها تضمین کردند که مسأله‌ای خاص بروز نکند. خوشبختانه این قضیه مشکل را حل کرد و از آن پس، این مسجد به صورت ثابت محل اقامه جماعت ایشان گردید. قابل ذکر است که مرحوم حاج شیخ محمد جواد، در مدت سی و چند سال اقامت در ابرقو، سه، چهار بار به عراق جهت زیارت عزیمت نمود و هر بار در کربلا در مسجدی به نام مسجد «بازار داماد» اقامه جماعت داشت. آرا و گرایشهای خاص: چیزی که باور مردم را نسبت به محمد جواد شریف زاده نجفی روز به روز بیش‌تر و ارادت آنان را به آن مرحوم افزون‌تر می‌ساخت، ویژگی‌های شخصیتی ایشان بود. آنچه مردم در وجود این عالم پارسا می‌دیدند، پرهیزکاری بود و دوری از زر و زیور دنیا؛ عشق و محبت به ثقلین یعنی قرآن و عترت (ع) بود و بخشش و سخاوت؛ برخوردهای بزرگووارانه بود و آزادگی و وارستگی. همین ویژگی‌های ملکوتی، ارادتمندان آن مرحوم را واداشته که با گذشت بیش از بیست سال از رحلت ایشان، هنوز هم برای شادی روحش صلوات بفرستند. - ایشان به رعایت آداب سفره مقید بود. در ابتدای هر لقمه غذا «بسم الله الرحمن الرحیم» و در پایان هر لقمه «الحمد لله رب العالمین» می‌گفت. - غذا را با دست راست می‌خورد. - مقید بود که رو به قبله بخوابد. - هرگز با صدای بلند نمی‌خندید، خنده ایشان عموماً

تبسم بود. - به نماز اول وقت و رعایت پرهیزکاری توصیه فراوان می‌کرد. - هنگام منبر چنان غرق در آیات و روایات می‌شد که مکرر آستین‌های پیراهن را بالا می‌زد و وقت منبر از دستش خارج می‌گردید؛ به طوری که گاهی وقت‌ها مستمعین به ایشان تذکر می‌دادند که منبر طولانی شد. البته از آنجا که ایشان اصولاً آخرین کسی بود که در مجالس منبر می‌رفت، وقت دیگر روضه‌خوان‌ها به خاطر طولانی بودن منبر ایشان گرفته نمی‌شد. - ایشان برای شرکت در برخی مراسم از جمله عزاداری عاشورا و رفتن به اقامه نماز عید فطر، با پای برهنه اقدام می‌نمود. - نسبت به قرائت صحیح خطبه عقد ازدواج، فوق العاده حساس بود. - از آن جا که ممکن بود کسانی از تأیید با دستخط ایشان سوء استفاده کنند، آن مرحوم نسبت به این کار وسواس عجیبی داشت. یکی از ارادتمندان از ایشان پرسیده بود: «مگر شما قلم ندارید که کسی را تأیید و توصیه‌ای فرمایید؟» البته ایشان یک بار مطلبی را تأیید و امضا کرده بود و آن مربوط به «اصلاح ذات‌الیین» بوده است. - ادعیه روزهای ماه مبارک رمضان را هر سه وعده با معنای فارسی برای مستمعین می‌خواند. - نسبت به کتاب «اقبال» مرحوم «سید بن طاووس» توجه خاصی داشت و می‌گفت: «هر کس اقبال سید را ندارد، اقبال ندارد!» - یک لحظه دیده نشد که ایشان بدون ذکر باشد. منابع زندگینامه: سایت حوزه علمیه قم/بخش زندگینامه

www.hawzeh.net

شریف‌العلماء مازندرانی، ملا محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۴۵ ق)، فقیه اصولی و عالم امامی. ملقب به شریف‌الدین و مشهور به شریف‌العلماء. در کربلا به دنیا آمد و همان جا نشو و نما کرد و در محضر سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض»، و فرزندش سید مجاهد شاگردی کرد. پس از چندی با پدر خود به ایران بازگشت، و در قم یک سالی به درس میرزای قمی رفت و مجدداً به کربلا مهاجرت کرد. او در کربلا در مدرسه‌ی حسن خان مجلس درس معظمی پیدا کرد بگونه‌ای که زیاده بر هزار نفر در محضر درسش زانو می‌زدند. سعیدالعلمای بارفروش و شیخ مرتضی انصاری و ملا آقای دربندی و سید ابراهیم قزوینی حایری، صاحب «ضوابط»، و سید محمد شفیع جاپلقی و ملا اسماعیل یزدی و حاج سید حسین ترک و شیخ محمد آل‌یاسین از شاگردان وی در علم اصول بودند. شریف‌العلماء در کربلا به طاعون درگذشت و در نزدیکی صحن مطهر حسینی دفن شد. اشتغال بیش از حد وی به تدریس مانع از آن شد که آثار قلمی‌اش بسیار باشد. از آثار او: رساله‌ی «جواز الامر مع العلم بانتفاء الشرط» که بسیار مبسوط است؛ «النسخ و اینکه آیا عقلاً جایز است یا خیر؟»؛ «بیع المعاطات و الصرف و الخيارات».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۶۵- ۱۴۶، ۲۴، ۲۴۲، ۵/ ۱۹۴/۳)، روضات الجنات (۴۸- ۴۷/ ۱)، ریحانه (۲۲۰- ۲۲۹/ ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۲۰- ۶۱۹/ ۱۳)، الکنی و الالقاب (۳۶۱/۲)، مکارم الآثار (۱۲۷۲- ۱۲۶۹/ ۴)، هدیه الاحباب (۱۶۲- ۱۶۱).

شریف‌زاده گلپایگانی، هوشنگ

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مؤلف، مترجم.

تولد: ۱۳۱۷، مشهد.

درگذشت: ۱۳۶۷.

هوشنگ شریف‌زاده گلپایگانی بعد از گذراندن دوره‌ی ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه تربیت معلم شد و پس از پایان دوره‌ی لیسانس برای ادامه‌ی تحصیل به کشور انگلستان سفر کرد و از دانشگاه چلسی به دریافت فوق لیسانس آموزش علوم نایل آمد. مشاغل فرهنگی وی عبارت بودند از: دبیر فیزیک، کارشناس مسئول بخش فیزیک سازمان کتاب‌های درسی، علاوه بر مسئولیت‌های مذکور در فرهنگنامه‌ی کودکان و نوجوانان، مجله‌ی «دانشمند» و مجله‌ی «گنجینه» به ویراستاری و مشاورت اشتغال داشت. علاوه بر مقاله‌های شریف‌زاده در نشریه‌های علمی، آثارش عبارتند از: تألیف کتاب‌های درسی علوم دوره‌ی راهنمایی (سه جلد با همکاری دیگران)؛ تألیف کتاب‌های راهنمای تدریس علوم دوره‌ی راهنمایی (سه جلد با همکاری دیگران)؛ تألیف فیزیک دانشسرای مقدماتی با همکاری دیگران؛ تألیف سه جلد فیزیک دوره‌ی دبیرستان (نظام قدیم)؛ ترجمه‌ی کتاب در قلمرو مکانیک (استاتیک و دینامیک) (دو جلد)؛ ترجمه کتاب در جهان علم؛ ترجمه‌ی کتاب‌های طرح فیزیک هاروارد (شش جلد با همکاری دیگران)؛ برگزیده‌ی هشتمین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران؛ ترجمه و ویرایش نگاهی به تاریخ علم (برای نوجوانان، با همکاری دیگران).
برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

شریفه

قرن: ۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

قرن ششم هجری، از زنان محدث. وی دختر احمد بن علی فارابی بود که از محمد بن عبدالرحمن حدیث روایت کرده است.
برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۲۹۵ / ۲.

شریفی اشکوری، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد شریفی اشکوری

محل تولد: رودسر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد شریفی در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم و مشغول به تحصیل علوم دینی شدم و دوره سه ساله مقدمات (صرف و نحو و معانی و بیان ...) را با موفقیت به پایان رساندم و سپس کتاب لمعه و اصول الفقه را نزد اساتید بزرگوار آقایان استادی و خاتمی شروع کردم .

بعضی از ابواب فقهی شرح لمعه را نزد اساتید، مرحوم وجدانی و استاد اشتهاوردی به اتمام رساندم و پس از اتمام لمعتین و اصول الفقه، کتاب مکاسب و رسائل را نزد اساتید بزرگوار مرحوم وجدانی و استاد محترم آقای هادوی تهرانی و پس از آن کتاب کفایتین مرحوم اخوند خراسانی (کفایةالصول) را نزد استاد بزرگوارم فاضل گلپایگانی شروع نمودم و با موفقیت به اتمام رساندم و در امتحانات حوزه در سال (۷۰/۶۹) پایه نهم قدیم را با موفقیت کامل با تمام رساندم.

و در ضمن در آن سال (۷۰) با مراکز تحقیقاتی مثل دفتر تبلیغات و مرکز کامپیوتری علوم اسلامی قم در بخش تصحیح کتب عرب فعالیت داشتم و در سال (۷۴) هم از طرف مقام معظم رهبری به امامت جمعه بخش هفتگل از توابع استان خوزستان منصوب شدم و پس از اتمام پایان مأموریت سه ساله ام به قم مراجعت نموده و به تحصیل خارج و تدریس مکاسب و کفایةالصول مشغولم و تألیفاتی را در زمینه اخلاق، فقه، ... دارم که در آخرین جزوه مکتوب نموده ام.

شرفی اقدم، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود شریفی اقدم

محل تولد: شریف آباد قزوین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

محمود شریفی اقدم در شریف آباد قزوین متولد شد، او دروس ابتدایی در همانجا خواند و سپس وارد حوزه علمیه قزوین شد، پس از خواندن جامع المقدمات در سال ۱۳۴۶ عازم حوزه علمیه قم شد، سال اول را در مدرسه علمیه مرحوم آیت الله گلپایگانی (ره) بود و سیوطی را همانجا خواند، در همان سال وارد مدرسه منتظریه (حقانی) شد و سطح را در آنجا تمام کرد و درس خارج فقه و اصول را در محضر اساتیدی چون حضرات آیات: مرحوم احمدی میانجی، محمدی گیلانی، شهید آیت الله قدوسی، شهید مفتاح، جنتی، صانعی، آذری قمی، مؤمن، مصباح و راستی ادامه داد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی با دعوت شهید آیت الله قدوسی (ره) به مدرسه رفاه و سپس به دادرای انقلاب اسلامی مرکز رفته و به عنوان دادیار انقلاب مشغول خدمت شد. سپس به عنوان دادستان انقلاب اسلامی گنبد منصوب شد، پس از حدود دو سال دوباره به تهران آمده و مسئولیت گزینش دادستانی محل را پذیرفت، آنگاه به دعوت آیت الله جنتی وارد سازمان تبلیغات اسلامی شد، ابتدا به عنوان معاون فرهنگی آن سازمان مشغول کار شد و سپس در سال ۱۳۶۹ به قم منتقل شد و پس از تاسیس پژوهشکده باقرالعلوم (ع) توسط ایشان و تعدادی از فضلاء مسئولیت آن مرکز را پذیرفت، ایشان هم اکنون مشغول پژوهش در حدیث و امور فرهنگی هستند.

شریفی تکیه، جلال‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی بیماریهای کودکان از دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۲.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آب و الکترولیت‌ها و درمان استفراغ شدید و اسهال شدید و دزهیدراتاسیون شدید ناشی از اسهال و استفراغ شیرخواران و درمان شوک حاصله برای اولین مرتبه در جهان با روش خوراکی، درمان هیپوکالمی در اسهال‌ها با روش خوراکی، درمان دزهیدراتاسیون هیپرناترمیک با سرم خوراکی، مقایسه الکترولیتهای خوراکی با تزریقی در اسهال شیرخواران، تازه‌های سرم درمانی خوراکی، مناسب‌ترین سرم خوراکی برای درمان اسهال و استفراغ حاد شیرخواران، استاد راهنمای ۶ پایان‌نامه دکترا.

ابداع:

طرز تهیه سرمهای خوراکی بجای تزریقی، ابداع مشتقات سرمهای خوراکی (روش سرم درمانی SH)

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

آب و الکترولیت‌ها، بیماریهای کودکان، در سنامه آکسفورد.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۸، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

بررسی انواع اختلالات آب و الکترولیت‌ها در شیرخواران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شریفی حسینی، ابوالفتح

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۷۶ ق)، متکلم، محدث، فقیه و مفسر امامی. معروف به امیر ابوالفتح شرقه. از خانواده‌ای شیرازالاصل و سنی مذهب در ماوراءالنهر متولد شد. وی نزد عصام‌الدین ابراهیم اسفراینی و جامی تلمذ کرد. امیر ابوالفتح چون به مذهب شیعه گروید به اردبیل رفت و در آنجا به تحقیق در فقه شیعه پرداخت و تا پایان عمر در این کار بود. از آثار وی: «آیات الاحکام» به نام «تفسیر شاهی»؛ «اصول الفقه»؛ «تاریخ الصوفیه»؛ «تحقیق معنی الاقوال الشارحه فی المنطق»؛ «حاشیه الکبری»؛ «حشایه» «شرح المطالع»؛ «صفوه الصفاء». استاد نفیسی در «تاریخ نظم و نثر» و دکتر صفا در «تاریخ ادبیات در ایران» وی را از شاگردان موسی بن محمد قاضی زاده‌ی رومی دانسته و تاریخ وفاتش را ۹۵۰ ذکر کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۹۴/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۵۲/۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۷۴-۳۷۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹۷۲/۷)، الذریعه (۳۴۶-۳۴۵، ۳۱۴، ۲۱/۳۱۴، ۴۹/۱۵، ۱۳۳، ۵۹/۶، ۲۷۷/۴، ۲۶۱/۳، ۲۰۲/۲، ۴۱/۱)، ریحانه (۲۲۰/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰/۱۷۶).

شریفی شیرازی، مرتضی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۷۴/۹۷۲/۹۶۴ ق)، دانشمند، محدث و حکیم، متخلص به شریف. در آغاز از شیراز به مکه مسافرت کرد و علم حدیث را در ملازمت شیخ ابن حجر عسقلانی اخذ کرده و از وی اجازه‌ی تدریس گرفت. از آنجا به دکن مسافرت کرد و از دکن به اگره آمد و بر اکثر علماء و فضلاء آنجا برتری یافت و به تدریس علوم و حکم پرداخت. وی در هند در گذشته و بعد پیکرش را به مشهد برده‌اند. از آثار وی: «منظومه‌ی الکافی»، در نحو «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۶۸۲/۲)، تذکره‌ی روز روشن (۴۲۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۶۲/۳)، الذریعه (۵۲۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۵۰۴)، کاروان هند (۶۳۵-۶۳۳/۱)، هفت اقلیم (۲۳۳/۱).

شریفی کرمانی، ابراهیم

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۰۱۶-۹۸۰ ق)، عالم، ادیب و شاعر، متخلص به شریفی. وی ناظم سه فقره قصیده‌تائیه می‌باشد. از آثار وی: نظم «کافی‌ی نجومیه» ابن حاجب؛ نظم «شافی‌ی صرفیه» ابن حاجب؛ «موزون المیزان» که نظم «ایساغوجی» اثیرالدین ابهری.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۵۲۵/۹، ۲۰۲/۳)، ریحانه (۲۲۰/۳)، معجم المؤلفین (۱۹/۱)، هدیه العارفین (۲۹/۱).

شریفی میلانی، غلامرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اورولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شریفی، ایرج

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: انگل شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی کرمان.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شریفیان، حسینعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: گوش و حلق و بینی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شریفیان، عبدالحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالحسین شریفیان در سال ۱۳۰۵ در بندر تاریخی بوشهر به دنیا آمد. عبدالحسین شریفیان دوران ابتدایی و متوسطه را در بوشهر سپری کرد. وی موفق به اخذ دیپلم در رشته ادبی شد. در فروردین ماه ۱۳۲۹ به خدمت سربازی رفت و دوره نظام را در دانشکده افسری سپری کرد. ایشان پس از دو سال خدمت سربازی را به پایان رساند و همان سال وارد دانشگاه تهران شد و در رشته زبان و ادبیات انگلیسی مشغول به تحصیل شد. اما او نتوانست تحصیلاتش را تا پایان ادامه دهد و در همان سال دوم تحصیل برای همیشه ترک تحصیل کرد. از وی آثار متعددی که ترجمه و منتشر شده وجود دارد از جمله نخستین اثر او «رمان شوم» که به طور مستقل کار ترجمه آن را انجام داده است. گروه: علوم انسانی رشته: زبان و ادبیات انگلیسی گرایش: ترجمه‌ال‌دین و انساب: عبدالحسین شریفیان در سال ۱۳۰۵ در بندر تاریخی بوشهر به دنیا آمد. نام مادرش شهر بانو و نا پدرش غلام است. پدر و پدربزرگش ناخدا و اهل سیر و سفر دریایی و کشتیرانی بودند. پدر بزرگش ناخدای یکی از کشتی‌ها حاج معین‌التجار (از رجال اقتصادی و سیاسی مشهور بوشهر و ایران در فاصله سالهای قبل از انقلاب مشروطه تا سقوط رضا شاه پهلوی) بود و در خط دریایی خرمشهر (محمیره)

و اهواز (ناصری) در دوران قاجار مشغول به کار بود. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: عبدالحسین شریفیان در سال ۱۳۱۲ پا به مدرسه گذاشت و دوران ابتدایی را در تابستان فردوسی و متوسطه را در دبیرستان سعادت بوشهر سپری کرد. در سال ۱۳۲۸ موفق به اخذ دیپلم در رشته ادبی از این مدرسه شد. در فروردین ماه ۱۳۲۹ به خدمت سربازی رفت و دوره نظام را در دانشکده افسری سپری کرد. ایشان پس از دو سال خدمت سربازی را در سال ۱۳۳۱ به پایان رساند و همان سال وارد دانشگاه تهران شد و در رشته زبان و ادبیات انگلیسی مشغول به تحصیل شد. اما ایشان نتوانست تحصیلاتش را تا پایان ادامه دهد و در سال ۱۳۳۲ سال دوم تحصیل برای همیشه ترک تحصیل کرد. خاطرات و وقایع تحصیل: دوران جوانی و نوجوانی عبدالحسین شریفیان مصادف بود با شهریور ۱۳۲۰ و سقوط و فرار شاه پهلوی از ایران و اشغال ایران و بندر بوشهر، توسط قوای متجاوز متفقین. بوشهر در آن سالها به تصرف نیروهای متجاوز انگلیسی درآمد و تعداد زیادی نظامی هندی و انگلیسی در بوشهر مستقر شدند. در سال ۱۳۳۲ به دلیل سفرهای متعدد کاری برای شرکت ژاپنی، استاد شریفیان نتوانست تحصیلاتش را تا پایان اخذ لیسانس ادامه دهد و نار شد در سال دوم تحصیل، دانشگاه را برای همیشه ترک کند و وارد دانشگاه اصلی یعنی زندگی شود. استادان و مربیان: عبدالحسین شریفیان در هنگام تحصیل در مدرسه سعادت شاگرد شاعر مشهور سید محمد طاهر دشتی ملقب به (شفیق شهریاری) بود. از دیگر اساتید می‌توان از میرزا محمد رحیم خان بوشهری (استاد زبان انگلیسی)، سید مهدی سعادت (از فعالان و مروجان هنر تئاتر در مدارس بوشهر) نام برد. از اساتید استاد شریفیان در دوران تحصیل می‌توان به مرحومان دکتر لطف علی صورتگر (مترجم و ادیب معروف در دهه ۳۰ و ۴۰) و دکتر علاء الدین پاسارگارد (مؤلف و مترجم صاحب نام) و دکتر پرویز ناتل خانلری (محقق معروف زبان و ادبیات فارسی و سر دبیر مجله ادبی سخن) نام برد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: عبدالحسین شریفیان به عنوان مترجم در دانشکده توپخانه منصوب شد و در کنار وظیفه مترجمی، اطلاعات و خصوصاً دایره لغات انگلیسی خود را گسترده داد و کاملاً بر تکلم این زبان مسلط شد. در همین سالها یعنی سال ۱۳۳۱ بود که به تشویق روزنامه نگار برجسته بوشهری مرحوم عبد الرحیم جعفری شروع به ترجمه برخی از داستان های کوتاه انگلیسی کرد. استاد شریفیان کار ترجمه کتابهای ادبی، هنری، رمان، اسطوره و تاریخ را به طور جدی و حرفه ای از اواخر دهه چهل خورشیدی و در خدمت شرکت انتشاراتی فرانکلین آغاز کرد. چگونگی عرضه آثار: عبدالحسین شریفیان از جمله مترجمانی است که حجم زیادی از آثار رمان نویس ژرف اندیش هرمان هسه را به فارسی ترجمه کرده و از این نظر سهم به سزایی در شناسایی و معرفی این نویسنده آلمانی به مردم ایران و خصوصاً نسل جوان، بر عهده دارد و ایشان علاوه بر هرمان هسه، آثاری از سامراست موام، روزنبرگ، ویلیام شایرر، ویلیام فاکنر، جک لندن، ریچارد رایت، گوستاو فلوبر، تئودور داستایوسکی، جان تولند، هاوارد فاست، آندره ژید، برونو آپستر، هموند اینس، چالز دیکنز و... را به فارسی ترجمه و منتشر کرده است. آثار: آخرین تابستان لینگزور و ویژگی اثر: از هرمان هسه در ۱۳۷۸۲ آدولف هیتلر و ویژگی اثر: از جان تولند در دو جلد از تهران ۱۳۷۳۳ اساطیر جهان و ویژگی اثر: در دو جلد است، دوناروزنبرگ در تهران ۱۳۷۹۴ اسب قربانی و ویژگی اثر: ویلیام فاکنر ۵ اسطوره بین النهرین و ویژگی اثر: از رابرت گریوز ۶ اسطوره یونان و ویژگی اثر: کتاب مرجع اسطوره ها در دو جلد است از رابرت گریوز ۷ اعجوبه و ویژگی اثر: از هرمان هسه در ۱۳۷۷۸ الاغ طلایی و ویژگی اثر: از آپولیوس در سال ۱۳۷۹۹ ایزابلا و ویژگی اثر: از آندره ژید ۱۰ بازی مهره‌ی شیشه‌ای و ویژگی اثر: از هرمان هسه در تهران ۱۳۱۸۱۱ برهنه میان گرگها و ویژگی اثر: از برونو اپتزر در تهران ۱۳۶۹۱۲ پایبندی های انسانی و ویژگی اثر: سامراست موام، تهران ۱۳۶۴ در دو جلد ۱۳ پیتر کامنتسید و ویژگی اثر: از هرمان هسه در تهران ۱۳۷۴۱۴ ترجمه سقوط جمهوری سوم و ویژگی اثر: شرح شکست فرانسه در جنگ جهانی دوم به قلم ویلیام شایرر، تهران ۱۳۵۲۱۵ ترجمه پسرک سیاه پوست و ویژگی اثر: این اثر نوشته ریچارد رایت را به فارسی ترجمه کرد و در هفته نامه محلی دریا کنار (به سردبیری عبد الرحیم جعفری) به چاپ رساند. ۱۶ ترجمه میراث شوم و ویژگی اثر: نخستین اثری که به طور مستقل به فارسی برگرداند و منتشر کرد. این رمان نوشته سالتیکوف شچدرین رمان نویس رئالیست روسی بود. این کتاب در قطع جیبی توسط

سازمان کتابهای جیبی در ۳۴۴ صفحه و باشمارگان پنج هزار نسخه در سال ۱۳۴۶ در تهران چاپ و منتشر کرد. ۱۷ تعطیلات وحشت زا ویژگی اثر: از ریارد رایت در سال ۱۳۴۸۱۸ جوان خام ویژگی اثر: از داستایوسکی در تهران ۱۳۶۸۱۹ خاورمیانه نفت و قدرت های بزرگ، آن شریدان ویژگی اثر: تهران ۱۳۵۲۲۰ خورشید تابان ویژگی اثر: از جک لندن ۲۱ دائره المعارف آکسفورد ویژگی اثر: در دو جلد درباره رویدادها و شخصیت‌های تاریخی از پیش از تاریخ تا اواسط قرن بیستم ۲۲ داستانهای پنج دهه (سفرهای رویایی) ویژگی اثر: از هرمان هسه در تهران ۱۳۷۷۲۳ در تنگ است ویژگی اثر: آندره ژید ۱۳۸۲۲۴ دره ماه ویژگی اثر: جک لندن ۲۵ دمیان ویژگی اثر: از هرمان هسه در تهران سال ۱۳۷۴۲۶ دوست مشترک ما ویژگی اثر: از چارلز دیکنز، تهران ۱۳۶۹۲۷ دیروز و امروز ویژگی اثر: سامراست موام، تهران ۱۳۸۲۲۸ روشنایی ماه اوت ویژگی اثر: ویلیام فاکنر ۲۹ زیردریایی در قطب ویژگی اثر: از همونداینس ۳۰ سرزمین مردم ایسلند ۳۱ سرزمین مردم پاکستان ۳۲ سرزمینی که خداوند به قابیل داد ویژگی اثر: از همونداینس ۳۳ سفریبه سوی شرق ویژگی اثر: از هرمان هسه در تهران ۱۳۷۸۳۴ سلطان انگشتی ویژگی اثر: از تول کین ۳۵ سمفونی کلیسایی ویژگی اثر: از آندره ژید ۱۳۸۲۳۶ سیری در اساطیر یونان و روم ویژگی اثر: ادیت همیلتون، تهران ۱۳۷۶۳۷ ظهور زرتشت، اگر جنگ ادامه یابد ویژگی اثر: از هرمان هسه ۱۳۷۹۳۸ کنولپ ویژگی اثر: از هرمان هسه در تهران ۱۳۷۸۳۹ لویی چهاردهم ویژگی اثر: از سری کتابهای تاریخ تمدن ویل دورانت ویراست دوم تهران، ۱۳۶۸۴۰ مادام آرنو ویژگی اثر: از گوستاو فلوبر ۴۱ مجموعه داستانهای کوتاه ویژگی اثر: از سامراست موام در چهار جلد است. ۴۲ مسخ اووید ۴۳ نار سیسوس و گولدموند (نرگس و زرین دهان) ویژگی اثر: از هرمان هسه ۴۴ همشهری تام پین ویژگی اثر: از همونداینس ۴۵ واتیکان و اروپای عصر جاهلیت ویژگی اثر: از ویلیام منچستر در سال ۱۳۸۲

شعار، جعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جعفر شعار، پژوهش‌گر ادبی، مصحح، مترجم ایرانی.

زندگی:

جعفر شعار در ۱۳۰۴ در تبریز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه و دانش‌گاهی خود تا مقطع کارشناسی ادبیات فارسی و لیسانس زبان فرانسه را در همان شهر و در دانش‌گاه تبریز به پایان رساند. در تهران به تحصیل خود در ادبیات فارسی ادامه داد و در ۱۳۴۲ درجه دکتری در زبان ادبیات فارسی گرفت. مدارج و مشاغل:

۶ سال عضویت در سازمان لغت‌نامه دهخدا.

استادی دانشگاه تربیت معلم پس از سال‌ها تدریس در دانش‌گاه تهران و دانش‌سرای عالی.

همکاری با مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی. آثار: تصحیح و شرح

تاریخ یمینی.

سیاست‌نامه.

گزیده اشعار ناصر خسرو.

سفرنامه ناصر خسرو.

جوامع الحکایات و لوامع الروایات: ترجمه

سفرنامه ابن حوقل. سایر:
پژوهشی در دستور فارسی.

شعار، یوسف

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج یوسف شعار (۱۳۲۰ - ۱۳۹۴ ق)، از مفسران و مدرسین علوم قرآن کریم معاصر. تفسیر مورد بحث در یک مجلد به زبان فارسی و شیوه استدلالی شامل بخشی از قرآن کریم است. مؤلف در این اثر آیات مشکله قرآن کریم را گردآوری نموده سپس به تفسیر و تاویل آنها پرداخته است. این کتاب در تبریز طبع گردیده است.

مؤلف دارای آثار دیگری بدین شرح است: (۱) محکمت و متشابهات در قرآن، و آن در یک جزء به زبان فارسی و شیوه استدلالی در تفسیر و تاویل آیاتی از قرآن که مورد نظر مؤلف بوده است. این کتاب در تبریز طبع شده است.

(۲) تفسیر سوره جمعه و منافقون، در یک مجلد به زبان فارسی و شیوه استدلالی و خطابی است. مؤلف این اثر را به تفسیر سوره های جمعه و منافقون اختصاص داده و به تفسیر و تاویل آیات این دو سوره پرداخته است. این تفسیر نیز در تبریز به چاپ رسیده است.

(۳) مقدمات تفسیر، در یک جزء به زبان فارسی است. مؤلف در اثر خویش به کلیات علوم قرآن کریم پرداخته و مدخل تفسیر می باشد و در تبریز چاپ شده است.

منابع زندگینامه: تفسیر و تفاسیر جدید، ۳۷، ۲۰۰، فهرست کتابهای چاپی فارسی، ۱/۱۳۸۵ به بعد، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ۶/۸۹۴.

شعاع‌الملک شیرازی، محمدحسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۷۶/۱۲۸۹ ق - ۱۳۲۳/۱۳۲۴ ش)، ادیب، مولف و شاعر، متخلص به شعاع. ملقب به شعاع‌الملک. در شیراز متولد شد. پس از پایان تحصیلات متداوله‌ی زمان به سرودن شعر پرداخت. در قصیده‌سرایی و ماده تاریخ و مطایبه و هجا توانا بود وی با فرصت‌الدوله و شوریده‌ی شیرازی جواد کمپانی و میرزا حسین مشیری همعصر بود و در مدت زندگانی به گردآوری کتب خطی دلبستگی شایانی داشت و از خود کتابخانه‌ی بسیار نادری بر جای گذارد. در شیراز وفات یافت. علامه قزوینی سال تولد وی را به اشتباه ۱۲۷۶ ق آورده است. از آثارش: «تذکره‌ی شعاعیه»، «تذکره شکرستان فارس»، «اشعه‌ی شعاعیه»، «دیوان» اشعار نزدیک به سی هزار بیت. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: آثار عجم (۵۵۹)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۲۶۴ - ۲۵۵/۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۸۵ - ۲۶۸/۳)،

الذریعه (۵۲۶/۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۱۸/۴)، سخنوران نامی (۳۱۳- ۲۹۸/۲)، سخنوران نامی معاصر (۱۹۴۷- ۱۹۴۲/۳)، شرح حال رجال (۲۳۳- ۲۳۲/۶)، فرهنگ سخنوران (۵۰۴)، مؤلفین کتب چاپی (۷۶۲- ۷۶۱/۲)، مرآت الفصاحه (۳۰۵- ۳۰۰)، یادداشتهای قزوینی (۱۹۵- ۱۹۴/۸)، یادگار (س ۵، ش ۶ و ۷، ص ۵۵، س ۵، ش ۳، ص ۵۳- ۵۲).

شعبانی صمغ آبادی، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۷، مرتبه علمی: استاد، رشته: تاریخ، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی تاریخ و جغرافیا از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۳۸، کارشناسی ارشد تاریخ از دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۶، دکترای تاریخ اجتماعی از دانشگاه سوربن فرانسه در سال ۱۳۴۹.

مرتبه علمی:

مربی دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۴۱ تا سال ۱۳۴۶، استادیار دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۴۹ تا سال ۱۳۵۱، دانشیار دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۵۶ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زندگانی و آثار میرزا مهدی‌خان استرآبادی، ایل شاهسون بغدادی، تدریس دروس تاریخ اجتماعی ایران در عصر صفوی، تاریخ ایران، مبانی تاریخ اجتماعی ایران در دانشگاه کمبریج انگلستان و دانشگاه‌های مختلف کشور، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

تاریخ نادرشاهی، حدیث نادرشاهی، تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه، مبانی تاریخ اجتماعی ایران، تاریخ اجتماعی ایران در دوره نادرشاه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

نقدی بر کتاب "دولت نادرشاه افشار،" کور کردن رضاقلی میرزا به دست نادر. nadir shah the political aspect of

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۹۳ - ۱۳۲۰ ق)، عالم دینی، مدرس و فقیه. پس از فراگیری مقدمات در مدرسه‌ی خان مروی، به یادگیری معانی و بیان و فقه و اصول و منطق و کلام و حکمت پرداخت. به علاوه در تکمیل ریاضیات قدیم و زیج و طب کلیات «قانون» کوشید. فقه و اصول را از اساتیدی همچون آقا شیخ بزرگ ساوجی و علوم عقلی را از میرزا محمود قمی، شاگرد میرزا ابوالحسن جلوه، و شیخ محمدرضا قمشه‌ای و میزا طاهر تنکابنی و میرزا علی اکبر یزدی فراگرفت. در ۱۳۴۶ ق که پدرش درگذشت به نجف رفت و رجال و حدیث را از محدث رجالی سید ابوتراب خوانساری فراگرفت و از دیگر اساتید نیز بهره‌ها برد. سپس به وطن بازگشت و در منزل خویش به تدریس علوم و فنون و ترجمه و تالیف پرداخت. وی در مسجد جدش ملا ابوالحسن، معروف به مسجد حوض تهران، اقامه جماعت می‌کرد. او به زبان عبری، فرانسه و عربی تسلط کامل داشت. شاگردان بزرگی را تربیت کرد که از آن جمله می‌توان به حجة الاسلام حسن زاده‌ی آملی اشاره کرد. وی در یکی از شهرهای آلمان بر اثر عارضه‌ی قلبی درگذشت و در حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد. از آثارش: تعلیقات بر «تفسیر» ابوالفتوح رازی در دوازده جلد؛ تعلیقات بر تفسیر «مجمع البیان» طبرسی، در ده جلد؛ تعلیقات بر «وافی» فیض کاشانی، در سه جلد؛ تعلیقات بر «وسائل الشیعه» شیخ حر عاملی؛ تعلیقات و ترجمه‌ی «تبصره» علامه، در دو جلد؛ تعلیقات بر «شرح اصول کافی» ملا صالح مازندرانی، در دوازده جلد؛ «لغات القرآن»؛ «راه سعادت»، در اثبات خدا و بحث نبوت و ولایت و معاد؛ «ندای عدالت»، ترجمه «الامام علی (ع)» جرج جرداق؛ تعلیقات بر «تفسیر صافی»، در دو جلد؛ تعلیقات بر تفسیر کبیر «منهج الصادقین»، در ده جلد؛ تعلیقات بر «اسرار الحکم» حکیم سبزواری؛ ترجمه و شرح «تجرید الاحکام» خواجه نصیرالدین طوسی؛ حاشیه «ارشاد القلوب» دیلمی؛ «فلسفه اولی و ما بعد الطبیعه»؛ ترجمه «صحیفه کامله»؛ «دمع السجوم»، ترجمه «نفس المهموم» محدث قمی. [۱]

قدوه العلماء المتتبعین و حجة الاسلام والمسلمین علامه الاستاذ حاج میرزا ابوالحسن بن العالم الکامل الشیخ محمد بن علم العلام ملا غلامحسین بن العالم الجلیل ملا ابوالحسن تهرانی از علماء بزرگوار و مدرسین عالی مقدار معاصر تهرانیست و شرح احوال پدران روحانی وی در نامه دانشوران و کتاب مآثر و آثار و غیر آنها مذکور است.

وی در حدود سال ۱۳۲۰ قمری چشم بجهان گشوده و جد مادری وی عالم بزرگوار آقا محمد ابراهیم نواب صاحب (فیض الدموع) و ترجمه نامه مالک اشتر و منشآت دیگر معروف بفصاحت و عذوبت انشاء بوده و در کتابت ید بیضا می‌نموده است. مترجم معظم ما استاد شعرائی در مهد علم و فضائل پرورش یافته و پس از تعلیم خط و املاء و مقدمات در مدرسه خان مروی که مجمع فضائل بوده بدرس کتب معمول معانی بیان و فقه و اصول و منطق و کلام و حکمت پرداخته و هم تکمیل ریاضیات قدیم و زیج و مقداری از طب و کلیات قانون نموده و فقه و اصول را از اساتید مختلف بخصوص مرحوم آقا شیخ بزرگ ساوجی و در علوم عقلیه از مرحوم میرزا محمود قمی که شاگرد میرزا ابوالحسن جلوه و عارف کامل آقا شیخ محمد رضا قمشه‌ای و میرزا طاهر تنکابنی و مرحوم میرزا علی اکبر یزدی (در قم) استفاده نموده و در سال ۱۳۴۶ قمری که والدش برحمت ایزدی پیوست مهاجرت به نجف اشرف نموده و رجال و حدیث را از مرحوم محدث رجالی حاج سید ابوتراب خونساری فراگرفته و از محضر اساتید دیگر نیز بهره‌ها برده و بوطن مراجعت و از وضع اجتماع باندازه‌ای ناراحت گردیده که تصمیم به انزوا و ترک معاشرت با مردم گرفته و در منزل بتدریس علوم و فنون مختلف و تألیف و ترجمه کتب مفیده احادیث و اخبار و تفاسیر قرآن اشتغال داشته و در مسجد جد خویش مرحوم ملا ابوالحسن معروف به مسجد حوض واقع در خیابان سیروس نزدیک چهار راه سیروس اقامه جماعت می‌نمود.

نگارنده گوید علامه شعرائی دانشمندی بسیار متواضع و بی‌آلایش و وارسته از صفات رذیله و آراسته بفضل و تقوا و متانت روش و

مناعت طبع بود.

آثار این مرد بزرگوار از تراجم کتب دینی و تفاسیر بسیار است و در کتب چندی مانند وسائل‌الشیعه و تفسیر منهج و ابوالفتوح رازی و غیره تعلیقات ارزنده‌ای دارد که ذیلاً می‌نگارم.

- ۱- تعلیقات بر تفسیر ابوالفتوح رازی در ۱۲ جلد.
- ۲- تعلیقات بر تفسیر مجمع‌البیان شیخ طبرسی در ۱۰ جلد.
- ۳- تعلیقات بر وافى شریف محدث فیض در ۳ جلد.
- ۴- تعلیقات بر وسائل‌الشیعه شیخ حر عاملی.
- ۵- تعلیقات و ترجمه تبصره علامه در فقه فارسی در دو جلد.
- ۶- تعلیقات بر شرح اصول کافی ملا صالح مازندرانی در ۱۲ جلد.
- ۷- لغات القرآن که از باب الف تا باب ظاء چاپ شده و در موضوع خود کم‌نظیر است. (دنباله آن تا حرف ی تکمیل و تحت طبع است).

۸- راه سعادت در اثبات خدا و بحث نبوت و ولایت و معاد.

۹- ترجمه الامام علی جرج جرداق.

۱۰- تعلیقات بر تفسیر صافی در ۲ جلد.

۱۱- تعلیقات بر تفسیر کبیر منهج‌الصادقین در ۱۰ جلد.

۱۲- تعلیقات بر اسرار‌الحکم حکیم سبزواری.

۱۳- ترجمه و شرح تجرید‌الاحکام شیخ نصیرالدین طوسی.

و ده‌ها تعلیقات و حواشی بر کتب مفیده علمی دیگر.

نگارنده گوید علامه شعرانی از نوادر دانشمندان معاصر ما بودند که در کمال بی‌آلایشی و ساده‌گی زندگی کرده و با موقعیتهای حساسی که برای او پیش می‌آمد دست خود را آلوده بزخارف دنیوی و مادی ننموده و همواره بتألیف و نوشتن تعلیقات و حواشی بر کتب علمی و حدیثی و تفسیری و غیره و تدریس علوم مختلف اشتغال داشت و مدتی در شورای عالی فرهنگ و ناظر شرعایت در وزارت فرهنگ بوده و در مواقع حساس از وجود ایشان در دادگستری و اوقاف دعوت بعمل آمده و از ایشان در موارد مشکله نظر می‌خواستند.

وی بزبان عبری فرانسه و عربی تسلط و احاطه کاملی داشت و در علوم متنوع استاد و علامه بود و در علم هیئت و نجوم و زیچ مهارت تامی داشت و شاگردان برجسته‌ای تربیت نمود که بعضی از آنان مانند جناب حجه‌الاسلام فخر‌الامثال و الاعلام آقای نجم‌الدین حسن‌زاده آملی از فضلاء مبرز قم و دارای تقویم نجومی بوده و بعضی از اساتید دانشگاه می‌باشند.

در روزهای پنجشنبه و جمعه هر هفته چندی از فضلاء قم برای فراگرفتن علوم متنوع روز از قم به تهران آمده و از محضر این استاد بزرگوار استفاده می‌کردند.

معظم له در شب یکشنبه هشتم ماه شوال‌المکرم ۱۳۹۳ قمری در اثر کسالت قلبی در آلمان بدرود حیات گفته و هزاران دانشمند و مردم مطلع تهران و قم را در سوک و داغ خود مبتلا- و داغدار نموده و سه روز بعد جنازه حمل به تهران و از مسجدش با تجلیل و تشییع باشکوهی منتقل بری و در جوار حضرت سید‌الکریم عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام در مقبره خسرو خانی (مقبره زمردیان) مدفون گردید خدایش رحمت کند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار الحجه (۲۳۹/۲)، الذریعه (۶۳/۱۰)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۹۳-۴۹۱/۴، ۴۰/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۱۵۵-۱۵۴/۱).

شعری اصفهانی، طاهر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۷۵/۱۲۷۰-۱۲۲۴ ق)، ادیب، مولف و شاعر، متخلص به شرعی. ملقب به دیباچه نگار. از اولاد شیخ زاهد گیلانی بود. در اصفهان به دنیا آمد. پدرانش در اصفهان جزو مشایخ و قضات آن شهر بوده‌اند. در جوانی به همراه شیخ صالح برادرش به تهران رفت و در مدرسه‌ی دارالشفا به تحصیل ادب مشغول شد و در زمره‌ی ادبا و شعرا درآمد. او کتابی به نام «گنج شایان» به اشاره‌ی اعتضادالسلطنه به نام میرزا آقا خان نوری صدر اعظم تالیف کرد و ملقب به دیباچه نگار گردید. جلد اول این کتاب به سال ۱۲۷۳ ق به اتمام رسید. برخی منابع وفات وی را ۱۲۷۰ ق آورده‌اند که با سال تالیف کتابش مغایرت دارد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ تذکره‌های فارسی (۷۷-۷۳/۲)، حدیقه الشعراء (۸۴۷-۸۴۲/۲)، الذریعه (۲۳۸/۱۸، ۵۲۷/۹)، ریحانه (۲۲۵/۳)، شرح حال رجال (۱۲۸/۵، ۱۸۶/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/۶۷۹)، فرهنگ سخنوران (۵۰۵)، گنج شایگان (۵۷۸-۵۶۶)، المآثر و الآثار (۲۰۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۸۵-۵۸۴/۳)، مجمع الفصحا (۵۳۳-۵۳۲/۵)، مکارم الآثار (۷۸۰-۷۷۹/۳)، یادگار (س ۲، ش ۱، ص ۵۹، س ۵، ش ۱ و ۲، ص ۱۴۷).

شعله اصفهانی، محمد

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۶۰ ق)، شاعر، طیب، حاکم. وی از شاعران دوره‌ی اول بازگشت ادبی بود که به همراهی رفیق اصفهانی، مشتاق، عاشق، آذر، صباحی و هاتف از تتبع سبک هندی چشم پوشیده و از شیوه‌ی قدما پیروی نموده. در شعر بیشتر به قصیده گویی متمایل بود و به طبابت اشتغال داشت. از آثارش: «دیوان» شعر. بعضی تذکره‌ها به اشتباه احوال او را با شعله گلپایگاتی درهم آمیخته‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۸۶/۴)، تاریخ ادبیات ایران در دوره‌ی بازگشت (۳۶۹، ۳۲۰/۲)، الذریعه (۵۲۸-۵۲۷/۹)، ریحانه (۲۲۵/۳)، سفینه‌ی محمود (۴۸۳-۴۸۱/۲)، لغت نامه (ذیل / شعله)، نگارستان دارا (۲۱۳-۲۱۱/۱).

شعله‌ور، منصور

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شفا، شجاع‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۷ ش)، نویسنده و مترجم. بعد از تحصیلات متوسطه در مدرسه علمیه به خواسته پدرش وارد دانشکده‌ی طب شد؛ ولی پس از مدتی چون این رشته با روح وی سازگار نبود از ادامه‌ی آن منصرف شد. در ۱۳۱۸ ش به فرانسه رفت و در رشته ادبیات مشغول به تحصیل شد؛ ولی پس از شروع جنگ مجبور به رفتن به بیروت شد پس از اتمام تحصیلات عالی در بیروت در ۱۳۲۰ ش به تهران بازگشت و در اداره‌ی تبلیغات به خدمت اشتغال یافت. از آثار وی: «ایران در ادبیات جهان»، که این کتاب جایزه‌ی اول سخن را دریافت کرد و بهترین ترجمه‌ی سال شناخته شد. «آهنگهای شاعرانه»، ترجمه؛ «افسانه خدایان»؛ «بازگشت»؛ «اوراق زرین، ادبیات جهان» ترجمه؛ «شاخه یاس»، شانزده داستان از شانزده نویسنده؛ «سایه ایام»، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: مؤلفین کتب چاپی (۴۱۰-۴۰۲/۳).

شفا، فرج‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۳ ش)، مدرس، پزشک و نویسنده. تحصیلات متوسطه را در اصفهان و تحصیلات پزشکی را در دانشکده‌ی پزشکی تهران به سال ۱۳۱۷ ش به پایان رسانید پایان‌نامه‌ی خود را درباره‌ی اهمیت ویتامین ث در ارتش نوشت بعدها عهده‌دار مشاغلی از قبیل دستیار آزمایشگاه میکروبیشناسی، دانشیار کرسی میکروبیشناسی، شد. در سال ۱۳۲۷ ش به انگلستان مسافرت نمود و پس از مدت دو سال توقف موفق به اخذ دیپلم تخصصی در میکروبیشناسی و گواهی‌نامه در بیماریهای کودکان گردید. از آثار وی: «باکتریها»؛ «میکروبیشناسی عملی»؛ «ویروسها».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: مؤلفین کتب چاپی (۸۰۵-۸۰۴/۴).

شفای اصفهانی، شرف‌الدین، حسن

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۰۳۷-۹۶۶ ق)، طبیب و شاعر، متخلص به شفایی. از عالمان و پزشکان مشهور زمان خود در اصفهان بود و نزد خاص و عام و نیز

در دستگاه سلطنت و حکومت حرمت بسیار داشت. وی پزشکی را از پدر خویش برادرش حکیم نصیرا فراگرفت و بر مسجد جامع اصفهان پزشکی خانه داشت. در شعر نیز طبعش در کمال استغنا بود و در هیچ زمانی شاعری به آن اعتبار و غنای طبع نبود. وی به جز پزشکی حکمت نظری را هم فراگرفت. معاصر محمدباقر داماد و تقی‌الدین اوحدی بود. توانانش در هجو زبانزد همه‌ی معاصرانش است. «کلیات» آثار شفایی در حدود پانزده هزار بیت است شامل: قصیده، غزل، ترکیب، ترجیع، قطعه، رباعی، شعر آشوب و چهار مثنوی شامل: «دیده‌ی بیدار»، «مهر و محبت»، «نمکدان حقیقت»، «مجمع البحرین» دارد. «دیوان» غزلهای او را در حدود پنج هزار و پانصد بیت می‌دانند. [۱]

(حکیم) شرف‌الدین حسن طیب و شاعر (ف. ۱۰۳۸ ه.ق. / ۱۶۲۷ م.). وی طیب خاص و ندیم شاه عباس اول بود. علاوه بر غزلیات و هجویات یک مثنوی از او باقی است موسوم به «نمکدان حقیقت» به تقلید حدیقه‌الحقیقه سنائی. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آتشکده‌ی آذر (۹۵۴-۹۵۰/۳)، ایضاح المکنون (۵۱۱/۱)، تاریخ ادبیات براون (۱۷۱/۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۸۲-۱۰۷۵/۵)، تاریخ نظم و نثر (۵۱۵-۵۱۴)، تذکره القبور (۲۷۶-۲۷۵)، تذکره‌ی میخانه (۵۳۴-۵۲۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۱۴-۲۱۱)، الذریعه (۳۱۳/۲۴، ۲۱۵/۱۴، ۵۳۰-۵۲۹/۹)، ریاض العارفین (۲۱۸-۲۱۳)، ریاض العلماء (۱۶۲-۱۶۱/۱)، ریحانه (۲۲۸-۲۲۶/۳)، سرآمدان فرهنگ (۳۱۶-۳۱۴/۱)، عالم‌آرای عباسی (۱۰۸۳-۱۰۸۲/۲)، فرهنگ سخنوران (۵۰۷-۵۰۶)، مجمع الخواص (۲۰۵-۲۰۴)، مجمع الفصحا (۴۳-۴۰/۴)، منظومه‌های فارسی (۳۴۵، ۳۴۰، ۱۷)، نتایج الافکار (۳۷۵، ۳۷۳)، هفت اقلیم (۴۳۰-۴۲۹/۲).

شفایی اصفهانی، مظفر

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۶۳ ق)، پزشک و شاعر. اصلاً از مردم کاشان بود و در اصفهان می‌زیست، او چند کتاب در پزشکی و داروشناسی داشت، از آن جمله: «بیست باب»؛ «قربادین».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۳۶۲-۳۶۱/۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۹۹)، الذریعه (۶۲-۶۱/۱۷-۱۸۹-۱۸۸/۳).

شفایی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۳۲۹ ش)، طیب. تحصیلات متوسطه و کلاس پ. ث. ان را در تهران به پایان رساند و جزء محصلین اعزامی به فرانسه بود. تحصیلات پزشکی را در دانشکده‌ی پزشکی لیل و پاریس به پایان رسانید در سال ۱۳۱۶ ش با گذراندن پایان‌نامه‌ی خود به دریافت دکتری نایل آمد. در ضمن دانشنامه‌ی طب قانونی و امراض روحی و بهداشت عمومی و طب مناطق گرمسیری را از دانشکده‌ی پزشکی پاریس تحصیل کرد. پس از بازگشت به ایران دانشیار رشته بافت‌شناسی شد. از آثار وی: «بررسی مقاطع بافت‌شناسی»؛

«جنین شناسی (رویان شناسی)».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: مؤلفین کتب چاپی (۴۱۲-۴۱۱/۱).

شفتی، محمدباقر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

السید محمدباقر مشهور (به حجة الاسلام شفتی) صاحب (مسجد سید) اصفهان بن سید محمدتقی بن سید محمد زکی بن محمدتقی بن شاه قاسم بن امیر اشرف بن شاه قاسم بن شاه هدایت بن امیر هاشم ابن سلطان سید علی قاضی بن سید علی بن محمد بن علی بن محمد بن موسی بن جعفر بن اسماعیل بن احمد بن محمد بن احمد بن محمد بن ابی القاسم بن حمزه بن الامام موسی الکاظم (ع) از فحول علماء امامیه در قرن دوازدهم هجری بوده است.

تولد آن بزرگوار در سال ۱۱۷۵ قمری در نواحی طارم علیاء زنجان در قریه‌ای که به آن (چرزه) می‌گویند در ده فرسخی شفت واقع شده و در سن هفت سالگی منتقل به شفت شده.

و پس از ده سال در سن ۱۷ سالگی و سال ۱۱۹۲ ق مهاجرت به نجف اشرف نموده و در کربلا به درس وحید علی‌الاطلاق و استاد اکبر علامه محمدباقر بهبهانی و پس از آن علامه سید علی صاحب ریاض استفاده کرده.

و بعد به نجف مشرف و از محضر علامه بزرگ سید مهدی بحر العلوم و علامه شیخ جعفر کاشف‌الغطاء بهره‌مند شده و مسافرتی به کاظمین نموده و از حضرت علامه سید محسن اعرجی مستفیض گردیده و پس از هشت سال توقف در عراق در سال ۱۲۰۰ ه به ایران برگشته و در قم از محضر مدقق بزرگوار میرزا ابوالقاسم قمی صاحب (قوانین الاصول) استفاده نموده.

و از آنجا به کاشان عزیمت و از محضر و دروس اخلاقی ملا مهدی نراقی صاحب (جامع السعادات) کامیاب شده و در سال ۱۲۰۶ ه به اصفهان وارد و رحل اقامت افکنده و افاضل طلاب و علماء در گردش جمع و از درس و بحثش استفاده نموده و شهرت عالمی پیدا و به ریاست عامه و مرجعیت تامه رسیده و بسط یدش تا اجراء حدود الهی رسیده و شمشیری که با آن ده‌ها حد الهی را جاری کرده است.

اکنون در بیت آن بزرگوار در دست حفیدش حجة الاسلام والمسلمین حاج سید رضا شفتی باقی و موجود است و تاریخ روحانیت شیعه یاد ندارد که این موقعیت برای احدی از علماء و مراجع شیعه غیر آنجناب پیدا شده باشد و این نبود مگر حسن باطن و سلامت نفسش (اللّه اعلم حیث یجعل رسالته).

از خصایص آن بزرگوار سخاوت و وجودش بود که هیچ صاحب حاجتی به ایشان مراجعه نمی‌کرد مگر اینکه فوراً حاجتش را روا می‌ساخت و هیچ مستحقی نزد او نمی‌رفت مگر اینکه او را مستغنی و مستطیع و توانگر می‌کرد حکایاتی از کرم و عطاء او شنیده‌ام که اینجا مجال ذکر آن نیست.

از اقران و اصدقاء خالص او عالم ربانی و آیت سبحانی علامه بزرگ حاج ملا محمدابراهیم کلباسی بود که با آن همه عظمت سید را بر خود مقدم می‌داشت و حتی حکم او را بدون وضو نمی‌گرفت.

آن بزرگوار در یکشنبه دوم ربیع‌الثانی ۱۲۶۰ هجری از دنیا رفت و در مقبره خودش در زاویه مسجدش (مسجد سید اصفهان) در محله بیدآباد مدفون گردید.

آثار خالده سید

- ۱- مسجد عظیم و زیبای او در در محله بیدآباد خیابان مذکور که از مساجد مهمه و معروفه اصفهان و بلکه ایرانست.
- ۲- کتاب (مطالع الانوار) در شرح شرایع که پنج جلد آن بیرون آمده
- ۳- جوابات المسائل در دو مجلد.
- ۴- تحفه‌الابرار رساله عملیه فارسی
- ۵- قضاء و شهادت.

۶- زهره‌الباهره در اصول فقه و ده‌ها رساله و تعلیقات دیگر.

دارای ۶ فرزند بزرگوار بودند که تمامی از علماء بزرگ عصر خود بوده‌اند.

۱- حجه‌الاسلام ثانی علامه جلیل‌القدر آیت‌الله العظمی حاج سید اسدالله.

۲- آیت‌الله آسید ابوالقاسم شفتی

۳- آیت‌الله آسید محمدعلی

۴- آیت‌الله میرزا زین‌العابدین

۵- آیت‌الله آسید جعفر

۶- آیت‌الله آسید مؤمن.

در حال حاضر دو نفر از احفاد آن بزرگوار در قید حیاتند و در مسجد او (مسجد سید) بجای نیاکان خود اقامه جماعت می‌نمایند.

(۱۲۶۰ - ۱۱۷۵ ق)، علام امامی، فقیه اصولی، ادیب نحوی و رجالی. معروف به حجه‌الاسلام. در قریه‌ای از قرای رشت از نواحی طارم علیا به دنیا آمد و در هفت سالگی به شفت منتقل شد. وی در اصفهان سکنی کرد. از شاگردان بهبهانی، بحرالعلوم، صاحب «ریاض»، کاشف الغطاء، ملا مهدی نراقی و میرزای قمی است. شفتی از بزرگان علمای امامیه بود که در فقه، اصول، ادبیات، رجال، حدیث، درایه، ریاضی و هیئت تبحر داشت و در اخلاقیات از نوادر بود. پس از سفر علمی طولانی به شهرهای مختلف در اصفهان مقیم شد و اهل علم و دانش پژوهان گردش جمع شدند و ریاست و زعامت به طور کامل به وی منتقل شد. حاج محمد ابراهیم اصفهانی قزوینی و میرزا محمد رضوی و ملا محمدعلی محلاتی و سید فضل‌الله استرآبادی و شیخ علی نخجوانی و سید محمدتقی زنجانی و ملا- محمد رفیع گیلانی و حاج عبدالباقی کاشانی و سید محمدعلی ابرقویی از شاگردان و راویان وی بودند. وی در اصفهان در گذشت و در مسجدی که خودش در کوی بیدآباد اصفهان بنا نهاده و به مسجد سید مشهور است، و دارای مدارس و حجره‌هایی برای طلاب می‌باشد، دفن شد. از آثارش: کتاب «السؤال و الجواب»؛ «مطالع الانوار»، در فقه که شرح «شرایع» محقق است؛ «تحفه‌الابرار»، به فارسی، در احکام شرعیه؛ رساله‌ای در «مناسک حج»؛ رسائلی در «فقه» و «رجال» که بطور تحقیقی نگاشته شده است؛ «الزهره البارقه فی احوال المجاز و الحقیقه»؛ «قضاء و شهادت استدلالی»؛ «وجوب اقامه‌ی حدود در زمان غیبت بر فقها و مجتهدین»؛ «اصحاب الاجماع»؛ «تمییز مشترکات الرجال»؛ «الاجازات»؛ «آداب الصلاه اللیل و فضلها».[۱]

شفتی، سید محمدباقر بن تقی موسوی شفتی از بزرگان علمای امامیه (ف. اصفهان ۱۲۶۰ ه.ق.). وی فقیه اصولی، ادیب نحوی، رجالی و ریاضی و شاگرد بهبهانی و بحرالعلوم سید مهدی و کاشف الغطاء شیخ جعفر و ملا مهدی نراقی و میرزای قمی و غیره بود. آثار عمده او عبارتند از: آداب صلوة اللیل و فضلها، الاجازات، الاستقبال فی شرح مبحث القبلة من التحفه، اصحاب الاجماع، اصحاب العدة للکینی، تحفه‌الابرار در احکام شرعی (فارسی)، تمییز مشترکات الرجال و رساله‌های بسیار در تحقیق حال رجال حدیث امامی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: اعیان الشیعه (۹/۱۸۸)، الذریعه (۱۱/۱۴۹، ۲/۱۲، ۱/۸۱)، روضات الجنات (۱۰۲- ۲/۹۶)، ریحانه (۲/۲۶)، شرح حال رجال (۳۰۵- ۳/۳۰۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۹۶- ۱۳/۱۹۲)، الکنی و الالقاب (۱۷۴- ۲/۱۷۳)، لغت نامه (ذیل/ حجة الاسلام)، معجم المؤلفین (۹/۹۶)، مکارم الآثار (۵/۱۶۱۴).

شفتی، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مهدی شفتی

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در دی ماه سال ۱۳۵۵ برای تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه اصفهان (مدرسه ذوالفقار) شدم کتب مقدمات حوزه را در نزد بعضی از اساتید مدرسه و عمده آن را در خدمت حضرت آیت الله آقای حاج سید حسن فقیه امامی خواندم. (معالم الدین - المنطق - حاشیه ملا عبدالله و شرح لمعه) دوره سطح (فرائد الاصول - مکاسب - کفایه الاصول) و کتاب المطول را نزد حضرت آیت الله آقای حاج شیخ ابوالقاسم انصاری (از اسباط مرحوم شیخ اعظم انصاری) خواندم ناگفته نماند که بعضی از قسمت‌های این کتاب‌ها را نزد اساتید دیگری که در اصفهان بودند می‌خواندم و از محضرشان استفاده می‌بردم. دوره خارج فقه را در سال ۱۳۶۸ در محضر مرحوم آیت الله حاج شیخ حسن صافی اصفهانی از کتاب الخمس شروع کردم و تا پایان عمر با برکت ایشان در بحث فقه و درس‌های اخلاق ایشان شرکت کرده و استفاده‌ها می‌بردم تقریرات بحث فقه ایشان را نوشته‌ام و بحث‌های اصولی آن مرحوم را از کتاب الهدایه فی الاصول استفاده و مطالعه می‌نمودم. در سال‌های اخیر که حضرت آیت الله مظاهری به اصفهان آمده‌اند فرصت را غنیمت شمرده و از بحث اصول ایشان که متن آن کتاب کفایه بوده شرکت کردم که تقریباً یک دوره کامل اصول بود خواندم و سپس در بحث‌های فقهی ایشان شرکت کردم و بعضی از ابواب فقهی را استفاده می‌بردم. در خلال سال‌هایی که در حوزه علمیه اصفهان مشغول تحصیل و تدریس کتب مختلف حوزوی بودم از نوارهای درس اساتید حوزه مشرفه و مبارکه علمیه قم استفاده می‌نمودم و درس خارج اصول مرحوم آیت الله تبریزی (ره) قسمت الفاظ آن را نوشته و مطالعه می‌کردم. در سال‌های مختلف تحصیلی بر تدریس کتاب‌های (جامع المقدمات - سیوطی - مغنی اللیب - حاشیه ملا عبدالله - المنطق مرحوم مظفر و اصول الفقه ایشان و کتاب‌های شرایع الاسلام و شرح لمعه) برای طلاب و محصلین علوم حوزه مشغول بوده و درس‌های مختلف و کتاب‌های غیردرسی را با بعضی از فضلاء حوزه مباحثه داشته و دارم. این بود شمه‌ای از گزارش تحصیلی و عملکرد علمی اینجانب در طول زندگی حوزوی اینجانب و اکنون کم و بیش مشغول تحصیل و بیشتر به تدریس در حوزه مشغول می‌باشم و در کنار آن به جمع‌آوری آثار و تألیفات سلف صالح خویش، علماء اقیاء و صلحاء بزرگوار یعنی مرحوم آیت الله العظمی علامه بزرگوار السید محمدباقر الشفتی المعروف به (حجة الاسلام) می‌باشم و تاکنون چندین مجلد از تألیفات آن بزرگوار و فرزند برومند و دانشمند ایشان یعنی مرحوم حاج سید اسدالله (ره) جد بزرگوار و عالی‌مقام حقیر که بعضی از تألیفات و آثار ایشان نیز به طبع رسیده است که

در صفحه قبل مشروح آن نوشته شد.

شفقت، محمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد علی شفقت

محل تولد: شیراز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۵/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد علی شفقت در اول مرداد سال ۱۳۴۶ هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان شیراز دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه شیراز گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد. از سوی دیگر به شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیه رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۶ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله مومن، آیت الله زبرجد، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فقه و مبانی حقوق در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۳ از دانشگاه آزاد جیرفت فارغ التحصیل گردید. و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان "تطبیق و مقارنه فقهی ازدواج موقت در مذاهب خمس" دفاع کرد استاد هم اکنون به امر تدریس در دانشگاه آزاد بندر عباس و دانشگاه هرمزگان اشتغال دارد. وی در طول حیات علمی خود به امر نگارش و پژوهش پرداخته است و آثاری از قبیل "تطبیق مقارن فقهی ازدواج موقت" و "درختواره تاریخ فقه" را به رشته تحریر در آورده است.

شفیع بوشهری، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

وی فرزند سید محمد تقی موسوی کازرونی بوشهری عالمی جامع و فاضلی جلیل بوده، در کازرون در سال ۱۲۷۰ ق متولد شده و نزد والدش که از صلحاء بود تربیت یافته. آنگاه با پدرش در سال ۱۲۹۱ ق بیوشهر منتقل شده و از آنجا مهاجرت بعراق و پس از تشریف بزیارت مشاهد مشرفه در هنگام مهاجرت آیه‌الله العظمی میرزای شیرازی بسامرا وی هجرت بانجا نموده و ده سال تمام ملازم درس آن بزرگوار گشته و حداکثر استفاده را نموده تا در فقه و اصول بمقام بلند و رتبه اعلی رسیده و در اثناء آن نیز بعلم طب و ادب و غیره هم پرداخته تا از اقران تفوق جسته و مخصوصا در طب که بسیار مهارت و حذاقت یافته و معالجات غریبه‌ای نموده است.

در سال ۱۳۱۰ مراجعت بیوشهر کرده و مرجع موجه امور شرعی مردم گردیده و بتدریس و امامت و نشر احکام پرداخته و در سال ۱۳۲۹ ق مشرف بعبتات با تمام اهل بیتش گردید و در نجف مریض شده و در هفتم ربیع الاول سال مزبور وفات و در وادی‌السلام مدفون گردید.

تألیفاتی در فقه و اصول دارد، دارای دو فرزند ۱- آقای آقا سید محمد مهدی که نه ماه بعد از وی در سامرا وفات نموده و در رواق شریف دفن گردید. ۲- آقا سید محمد تقی که از شاگردان آیه‌الله میرزا محمد تقی شیرازی و علامه حاج محمد حسن کیه و غیر آنها بوده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

شفیع شیرازی، محمد

قرن: ۱۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(؟)، شاعر و طبیب. از اطباء حاذق بود. علم حکمت و دیگر علوم را در شیراز فراگرفت. از اشعار اوست:

ز افغان آن دل بی‌رحم را بی‌رحم تر کردم

نپنداری ز غم شبهای هجران را سحر کردم

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی روز روشن (۴۲۷-۴۲۶)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۹۰/۳)، مرآت الفصاحه (۳۱۰).

شفیعا ابرو، محمد شفیع

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۶۱ق)، فقیه شیعی. مشهور به آخوند شفیعا خوش ابرو. اصل وی از طالقان است. در اصفهان سکونت داشت. پدرش میرزا رفیعا نیز از مخدثان روزگار خویش بود.

او از اجداد شیخ عبدالحسین محلاتی است. در اصفهان در گذشت و در قبرستان شاه میر حمزه دفن شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره القبور (۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۴۳/۱۲)، وقایع السنین والاعوام (۵۷۰).

شفیع زاده، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۷، مرتبه علمی: استاد، رشته: داخلی روماتولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی بیماریهای داخلی از دانشکده پزشکی ژنو (سوئیس) در سال ۱۳۴۲، فوق تخصص بیماریهای روماتیسم از دانشکده پزشکی ژنو (سوئیس) در سال ۱۳۴۳.

مرتبه علمی:

استاد دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی از سال ۱۳۴۴ تا کنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آرتریت روماتوئید، اصول دارو درمانی در بیماریهای آرتروپاتی و تدریس درس بیماریهای روماتیسمی در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و استاد راهنمای ۴ پایان‌نامه دکترای تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: -

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

سندرم گودپاسیور **good pasurd**، بیماری تاکایاسو و آلکاپتونوری.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شفیعی خویی، سعید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شفیعی دارابی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید حسین شفیعی دارابی

محل تولد: دارابکلاء

شهرت: شفیعی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید حسین شفیعی دارابی در حدود سال ۴۸ وارد حوزه علمیه جعفریه زادگاه خویش روستای دارابکلاء ساری شدم سپس برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه مشهد رفتم نزدیک به سه سال در جوار حرم ملکوتی امام رضا به فراگیری علوم مختلف ادبیات منطق و فقه و اصول اولیه پرداختم در سال تحصیلی ۵۴ از مشهد الرضا به جوار کریمه اهل بیت و حوزه علمیه قم منتقل شدم از آن پس تا به حال در این شهر مقدس مشغول به تدریس، تدریس و تحقیق می‌باشم پس از ورود به قم احساس کردم باید تقویت بنیه علمی ام بخشی از ادبیات و منطق را مرور کنم و از محضر اساتید خوش آوازه آن زمان از قبیل مرحوم مدرس افغانی، عرفانی و ... بهره بردم سپس به فراگیری کتب مربوط به فقه و اصول شرح لمعه، اصول فقه مظفر، رسایل و مکاسب شیخ انصاری، کفایه الاصول مرحوم آخوند خراسانی و فلسفه و منطق و ... پرداختم و از محضر اساتید بزرگواری همچون آیات ستوده، پایانی، سید علی محقق داماد، سید مصطفی محقق داماد، سید حسن شجاعی، شیخ یحیی انصاری شیرازی، دکتر احمد بهشتی، دوزدوزانی، موسوی تهرانی، سید ابوالفضل موسوی تبریزی بهره جستیم پس از آن در کلاس درس اساتید خارج شرکت نمودم، از سال ۶۲ به بعد تدریس یک دوره اصول آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی را درک کردم در مباحث فقهی نیز خارج زکوه را از کلاس درس آقای منتظری که خداوند عاقبتش را به خیر کند و از اطرافیان و مشاوران ناباب نجاتش دهد استفاده نمودم خارج دو کتاب معظم فقهی یعنی خمس و حج را از محضر حضرت استاد آیت الله جوادی آملی بهره بردم در کنار دروس رایج در حوزه یعنی فقه و اصول و ادبیات با شرکت در کلاس درس اسفار آیت الله جوادی آملی و درس هیئت آیت الله حسن زاده آملی با کلیاتی از فلسفه و نجوم اسلامی آشنا شدم همچنین از مباحث تفسیری و اعتقادی و اخلاقی فرزانه‌گانی همچون مرحوم آیت الله مشکینی، آیت الله مکارم شیرازی، آیت الله جعفر سبحانی، آیت الله ابراهیم امینی، آیت الله اصفهانی و ... با لطف و عنایت الهی در برنامه امتحان عمومی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی توسط شهید مطهری در حوزه علمیه برگزار شد شرکت کردم و در قدم اول جزء ۲۰۰ نفری بودم که در امتحان کتبی قبول شدم، سپس در مصاحبه‌ای که خود آن شهید بزرگوار به عمل آورد شرکت نمودم و جزء شصت نفری بودم که قبول شدم سرانجام در دوره آموزشی کوتاه مدت شرکت کردم تا در کنار دیگر عزیزان با دانشهای غیر حوزوی آشنا گشتم کمتر از ۲ هفته از زمان تشکیل این کلاسها گذشته بود که حادثه عظیم شهادت شهید مطهری رخ داد ولی شاگردان و دست پروردگانش راه را ادامه دادند و ما را یاری رساندند در ادامه راه با سلسله مباحث و برنامه های مفید و کلاسیک و منظم فرزانه روزگارمان حضرت استاد آیت الله مصباح یزدی آشنا گشتم پس از آزمون وارد برنامه آموزشی موسسه در راه حق، سپس بنیاد فرهنگی باقرالعلوم و از محضر این شخصیت بزرگوار شیعه و برنامه های آموزشی مورد نظر ایشان بهره های فراوان بردم باید بگویم حیات علمی اینجانب بیش از هر کس موهون زحمات و راهنماییهای این استاد گرانمایه بوده و می باشد ناگفته نماند در طول سه سالی که در مشهد بودم با حضور در بحث تفسیری و نماز جماعت مسجد کرامت به امامت مقام معظم رهبری و جلسات شهید هاشمی نژاد در محل کانون بحث و انتقاد دینی و نیز کلاس تفسیری عارف صمدانی حضرت آیت الله میرزا جواد آقای

تهرانی بهره‌ها بردم در کنار فراگیری علوم مختلف از محضر اساتید بزرگوار به تدریس دروس مربوطه علاقه وافری داشته‌ام بدین جهت تمام متون درسی حوزه از جامع المقدمات تا رسایل و مکاسب را در این مدت تدریس نموده‌ام گاه در مدارس تحت برنامه شورای مدیریت شهیدین و عترت گاه در مراکز علمی دیگر جامعه الزهرا و غیره و گاه به صورت انفرادی و سالها به صورت دروس عمومی مدرس ۳ و ۴ دارالشفاء به تدریس علوم مختلف پرداختم سالهای پیش از پیروزی انقلاب و پس از ماجرای انقلاب فرهنگی سالها در دانشگاه صنعتی امام باقر تهران و دانشگاه آزاد اسلامی بروجرد به تدریس معارف اسلامی فلسفه اخلاق و تاریخ اسلام تاریخ سیاسی ایران پرداختم در کنار تدریس با توفیق الهی توانسته‌ام چندین کتاب و مقاله را به چاپ برسانم پاره‌ای از مقالات، از مقالات ممتاز شناخته شده اند به لطف پروردگار از جمله طلاب موفق در عرصه خطابه و سخنرانی می‌باشم تا به حال در شهرهای بزرگ و کوچک حدود ۲۰ استان کشور مسافرت تبلیغی داشته‌ام سالهاست که به عنوان مبلغ بعثه خطیب و سخنران در ایام عمره مفرده به مدینه و مکه اعزام می‌شوم در همین راستا در دو ماه رمضان به روسیه و ازبکستان اعزام شدم و بارها قبل از خطبه‌های نماز جمعه قم دفتر مقام معظم رهبری در قم دفتر آیت الله مکارم، حرم مطهر حضرت معصومه مدرسه فیضیه، حرم مطهر امام رضا به ایراد خطبه و سخنرانی پرداخته‌ام.

شفیعی سروستانی، ابراهیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابراهیم شفیعی سروستانی

محل تولد: شیراز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

ابراهیم شفیعی سروستانی در سال ۱۳۴۳ هجری شمسی در شیراز به دنیا آمد. با پایان تحصیلات متوسطه در سال ۱۳۶۲، دروس حوزه را در همان شهر آغاز کرد و در سال ۱۳۶۵ پس از گذراندن دروس مرحله اول سطح، برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم مهاجرت نمود. همزمان با گذراندن دوره اول خارج فقه و اصول و اخذ مدرک سطح چهار حوزه علمیه قم (معادل دکترا) تحصیلات دانشگاهی را نیز تا مقطع کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی به پایان رساند. حوزه تخصصی مطالعه و پژوهش نامبرده، فقه جزایی اسلام، مباحث زنان و موضوع مهدویت است و در این زمینه‌ها تا کنون آثار متعددی به صورت کتاب و مقاله توسط ایشان تدوین و منتشر شده که چهار مورد از آنها به عنوان پژوهش برگزیده، تشویقی و برتر سال انتخاب شده است.

شفیعی کدکنی، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته، زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

شفیعی کدکنی

زندگینامه

دکتر محمد رضا کدکنی در سال ۱۳۱۸ هـ ش در کدکن از روستاهای قدیمی بین نیشابور و تربت حیدریه به دنیا آمد. او تحصیلات ابتدایی و دوره متوسطه را در مشهد گذراند و از آن پس وارد دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد شد و به تحصیل پرداخت و لیسانس خود را در این رشته دریافت کرد. دکتر شفییعی، همزمان با تحصیلات متوسطه و دانشگاهی در حوزه علمیه مشهد به تحصیل علوم ادبی و عربی پرداخت و ادبیات عرب را نزد اساتید معظم این حوزه فراگرفت. او در زمانی که در مشهد به تحصیل اشتغال داشت از اعضای موثر و فعال انجمنهای ادبی به شمار می رفت و از همان آغاز نوجوانی آثارش در مطبوعات خراسان با نام مستعار ش م سرشک به چاپ می رسید. در سالهای بعد از ۱۳۳۲ هـ ش با همکاری تنی چند از جوانان شاعر و اهل ادب انجمن ادبی تشکیل دادند که بیشتر طرفداران شعر نو و ادبیات داستانی و ترجمه ادبیات فرنگی بودند که دکتر علی شریعتی نیز از جمله اعضای آن انجمن بودند. استاد شفییعی پس از عزیمت به تهران در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دوره فوق لیسانس خود را گذراند و سپس دوره دکترای زبان و ادبیات عرب را نیز پشت سر گذاشت. او مدتی در بنیاد فرهنگ ایران و کتابخانه مجلس سنا به کار اشتغال ورزید و سپس به عنوان استاد دانشکده ادبیات تهران در رشته سبک شناسی و نقد ادبی به کار مشغول شد. دکتر شفییعی همچنین مدتی را بنا به دعوت دانشگاههای آکسفورد انگلستان و پرینستون آمریکا به عنوان استاد به تدریس و تحقیق اشتغال داشت. از دکتر شفییعی تا کنون دهها نوشته و مقاله و تألیفات بسیاری به چاپ رسیده است.

ویژگی سخن

دکتر شفییعی از استادان بارز و متبحر ادبیات معاصر ایران و از محققین بزرگ به شمار می رود که در نقد شعر و ادب فارسی صاحب نظر است و در شعر و شاعری نیز مقام والایی دارد و صاحب سبک و شیوه خاصی است که او را به عنوان شاعری پیش رو می شناسند و یکی از ویژگیهای شخصیتی دکتر شفییعی این است که وی در محافل ادبی به ندرت ظاهر می شود و بیشتر در انزوای اهل ادب به سر می برد. معرفی آثار آنچه که از آثار و تألیفات دکتر شفییعی به چاپ رسیده است عبارتند از: زمزمه ها، شب خوانی، از زبان برگ، در کوچه باغهای نیشابور، از بودن و سرودن، مثل درخت در شب باران، بوی جوی مولیان، صور خیال در شعر فارسی، موسیقی شعر، ادوار شعر فارسی، شعر معاصر عرب، گزیده غزلیات شمس، حزین لاهیجی زندگی و زیباترین غزلهای او، شاعر آینه ها، بیدل و سبک هندی، اسرار التوحید از محمد بن منور، حالات و سخنان ابو سعید، ابو روح میهنی، مختار نامه، مجموعه رباعیات عطار، مرموزات اسدی در مرموزات داودی نجم الدین رازی، ترجمه تصوف اسلامی و رابطه انسان و خدا از نیکلسون و بسیاری دیگر که نامی از آنها نبردم.

گزیده ای از اشعار

حتی به روزگاران این مهربانتر از برگ در بوسه های باران بیداری ستاره، در چشم جویباران
آینه نگاهت، پیوند صبح و ساحل لبخند گاهگاهت، صبح ستاره باران باز آ که در هوایت خاموشی جنونم فریادها برانگیخت از
سنگ کوهساران ای جویبار جاری! زین سایه برگ مگریز کاین گونه فرصت از دست دادند بی شماران گفتی: به روزگاری مهری
نشسته گفتم بیرون نمی توان کرد حتی به روزگاران بیگانگی ز حد رفت، ای آشنا مپرهیز زین عاشق پشیمان سر خیل شرمساران
پیش از من و تو بسیار بودند و نقش بستند دیوار زندگی را زین گونه یادگاران وین نغمه محبت، بعد از من و تو ماند تا در زمانه

باقی است آواز باد و باران * * * خونریزی خزان چه گونه دوست ندارم من این دیاران را که هر شقایقش آینه ای است یاران را تمام هستی من در شط سحر جاری است چو یاد آورم آن روشنی تباران را سپیده آینه گردان روحشان بادا که روشنایی دگر داد روزگاران را بهار زخمی این باغ، دلکش است هنوز اگر چه نغمه به لب خشک شد هزاران را قبای میر غضب سبز و خنجرش سرخ است مخور فریب دروغ این سیاهکاران را به هوش باش که خونریزی خزان کو شد که روح باغ فراموش کند بهاران را * * * هزاره دوم آهوی کوهی تا کجای می برد این نقش به دیوار مرا؟

تا بدانجا که فرو می ماند چشم از دیدن و لب نیز ز گفتار مرا * * * لا-جورد افق صبح نیشابور و هری است که در این کاشی کوچک مترکم شده است می برد جانب فرغانه و فرخار مرا * * * این چه حزنی است که در همه کاشیهاست جامه سوگ سیاوش به تن پوشیده است این طینی که سرایند خموشیها، در عمق فراموشیها و به گوش آید از این گونه به تکرار مرا * * * گرد خاکستری حلاج و دعای مانی شعله آتش کرکوی و سرود زرتشت پوریای ولی آن شاعر رزم و خوارزمی می نمایند در این آینه رخسار مرا * * * تا کجا می برد این نقش به دیوار مرا؟ تا درودی به سمرقند چو قند و به رود سخن رودکی آن دم که سرود کس فرستاد به سر اندر عیار مرا * * * شاخ نیلوفر مرواست گه زادن مهر کز دل شط روان شنها می کند جلوه از این گونه به دیدار مرا * * * سیزی سرو قد افراشته کاشمراست کز نهدان سوی قرون می شود در نظر این لحظه پدیدار مرا * * * چشم آن آهوی سر گشته کوهی است هنوز که نگاه می کند از آن سوی اعصار مرا * * * بوته گندم روئیده بر آن بام سفال باد آورده آن خرمن آتش زده است که به یاد آورد از فتنه تاتار مرا * * * کیمیا کاری و دستان کدامین دستان گسترانیده شکوهی به موازات ابد روی آن پنجره با زیور عریانیهاش که گذر می دهد از روزن اسرار مرا * * * نقش اسلیمی آن طاق نماهای بلند و آجر صیقلی سر در ایوان بزرگ می شود بر سر، چو صاعقه، آوار مرا و آن کتیبه که بر آن نام کس از سلسله ای نیست پیدا و خبر می دهد از سلسله کار مرا * * * عجا کز گذر کاشی این مزدک پیر هوس کوی مغان است دگر بار مرا گر چه بس نازوی واژونه در آن حاشیه هاش می نماید به نظر پیکر مزدک و آن باغ نگونسار مرا

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شفیعی همدانی، علی اصغر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۲۷ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. در همدان متولد شد. در همان شهر در مهد تربیت پدرش، آقا شیخ ربیع همدانی، که از علمای همدان بود به تحصیل مقدمات و اصول پراخت. پس از پایان سطوح به قم مهاجرت کرد و از محضر آیت‌الله حائری و آیت‌الله حجت و آیت‌الله آقا شیخ محمدعلی حائری قمی استفاده برد. پس از دوازده سال اقامت در شهر قم و تحصیل علم به زادگاهش بازگشت و به اقامه‌ی نماز جماعت و تبلیغ دین و تدریس فقه و اصول پرداخت. از آثارش: تفسیر و شرح «سوره مبارکه یس»؛ تفسیر «سوره الرحمان و سوره نبا»؛ «اسرار الصلاة»؛ کتابی در «اخلاقیات»؛ حواشی بر «عبادات عروه الوثقی» با ذکر ادله اجمالیه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: گنجینه‌ی دانشمندان (۴۱۲-۴۱۱/۷).

شفیعی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین شفییعی

محل تولد: فریدن

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۳۷ در بوئین میاندشت از توابع شهرستان فریدن اصفهان بدنیا آمدم. پس از گذراندن تحصیلات ابتدائی در زادگاهم، در سال ۱۳۵۰ به موجب انسی که با قرآن داشتم با حوزه آشنا شدم و در سال ۱۳۵۲ به حوزه علمیه قم راه یافتیم. بخش اعظم دروس سطح را در مدرسه مرحوم آیت الله گلپایگانی (قدس سره) فرا گرفتم و از اساتیدی چون آیات عظام طالقانی، استادی، صلواتی، مقتدائی و تهرانی بهره بردم. بخش دیگر دروس سطح را در خدمت اساتید بزرگوار: اعتمادی و مرحوم آیت الله ستوده بوده در محضر آیت الله امینی و جناب دکتر بهشتی با علوم عقلی آشنا شدم. در سال ۱۳۶۵ در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت جستیم. سال ۱۳۷۰ نقطه عطفی در زندگی علمی من بود، زیرا به توفیق الهی، مفتخر شدم در جلسات خصوصی درس تفسیر حضرت استاد که برای پاسخگویی به شبهات تفسیری تشکیل می شد حضور یابم و مباحث عمیق تفسیری را از معظم له فرا بگیرم. به موازات تدریس به تدریس نیز ابتدا به صورت خصوصی و سپس در برخی مدارس می پرداختم. در تدریس به توصیه حضرت استاد بیشتر تفسیر و علوم قرآنی را مورد توجه قرار دادم. همزمان به کارهای تحقیقاتی نیز روی آوردم. تصحیح برخی متون نسخه های خطی جزو کارهای اولیه اینجانب بود. به توصیه یکی از دوستان فاضل و محقق رسماً "نخستین مقاله خود را به رشته تحریر در آوردم که در یکی از مجلات قرآنی به چاپ رسید. در سال ۱۳۷۳ به موسسه "اسرا" راه یافتیم و به تدوین، نگارش و تنظیم کتب حضرت آیت الله جوادی آملی پرداختیم. طی این مدت، از تالیف مقاله، مشاوره دادن و فعالیت های تبلیغی نیز غافل نبودم و در فرصتهای پیش آمده رسالت ترویج مکتب اهل بیت (علیهم السلام) را با قلم و بیان به دوش می کشیدم. در همین ارتباط از سال ۱۳۶۳ مسئولیت امامت موقت جمعه زادگاهم را نیز پذیرفتم و گهگاه در برنامه "بر کرانه نور" رادیو معارف پاسخگوی سوالات دروس تفسیر حضرت استاد جوادی آملی هستم. هم اکنون علاوه بر تدریس در دو موسسه قرآنی نیز مشغول انجام وظیفه هستم.

شفیعی، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: داروسازی، مرتبه علمی: داروسازی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای داروسازی با رتبه اول از دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۱، دوره تخصصی M.S Ph.D از دانشگاه کلمبیا در شهر نیویورک آمریکا در سال ۱۳۴۷، طی دوره فوق دکترا از دانشگاه شیکاگو آمریکا. مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه تهران، کسب جوایز متعددی مانند جایزه اول طرح‌های تحقیقاتی از وزارت فرهنگ و آموزش عالی در چند سال متوالی، مدال درجه دوم تحقیق، نشان درجه دوم فرهنگ، جایزه اول تحقیقات (جشنواره خوارزمی)، داروساز برجسته و نمونه، استاد ممتاز دانشگاه علوم پزشکی تهران. زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

شیمی، شیمی مواد طبیعی و داروسازی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴۰ پایان نامه کارشناسی ارشد و دکترا. ابداع:

در علم شیمی در زمینه سنتز استروئیدهای طولانی اثر ضد بارداری به نام W.H.O تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

شیمی هتروسیکلیک و طیف سنجی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۰۶

زمینه علمی مقالات:

شیمی، شیمی مواد طبیعی، استروئید، شیمی هتروسیکلیک.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شفیعی، عباس

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عباس شفییعی

محل تولد: سمیرم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۶۱ - ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه شدم. در مدرسه علمیه صاحب الزمان شهرضا تحصیل حوزوی را آغاز نمودم. دو سال در کاشان در مدرسه آیت الله یثربی بودم و از افاضات اساتید آنجا استفاده نمودم. بعد وارد حوزه علمیه قم شده و الان مدت ۱۰ سال است که در درس خارج فقه و اصول از آیات عظام سبحانی، تبریزی و وحید خراسانی شرکت نموده و از فیوضات علمی این بزرگواران بهره مند می‌شوم. در سال ۱۳۷۹ موفق به اخذ کارشناسی ارشد در رشته مدیریت دولتی شدم و در پایان نامه ارشد با عنوان "استراتژی رهبری امام خمینی (ره)" به عنوان پایان نامه برتر دانشجویی در هفدهمین حوزه پایان نامه سال دانشجویی پذیرفته شدم. تحقیقات خود را در زمینه علوم اسلامی و انسانی به ویژه در مدیریت اسلامی آغاز کردم و در زمینه شاخه های دیگر دینی مانند زندگانی ائمه اطهار (ع) و بیوگرافی علمای شیعه و مباحث تربیت دینی نیز مجموعه هایی را تدوین نموده و در مراکز مختلف از جمله بیمه ایران به چاپ رسانده ام.

شفیعی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی شفییعی

محل تولد: قوچان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۹ در روستایی از توابع شهرستان قوچان - به نام گزکوه - متولد شدم - در خانواده ای مذهبی و کشاورز، تحصیلات ابتدایی را در همان روستا به پایان رساندم و برای ادامه تحصیل به شهرستان قوچان آمدم که تا پایان سوّم راهنمایی در مدرسه شهید بهشتی به تحصیلات خویش ادامه دادم. تقدیر و پاره ای پس زمینه های ذهنی و تربیت های خانودگی علاوه بر برخی اتفاقات در دوران تحصیلات راهنمایی ام مسیر زندگی ام را تغییر داد و در سال ۱۳۶۳ همراه با دو نفر از دوستان دوران تحصیل به حوزه علمیه قوچان رفتم دروس ابتدائی حوزه را نزد اساتیدی همچون حجت الاسلام: غلام محسین دلاور - حسن وطنخواه - جعفر ابراهیمی - سید احمد صفویان - محمد مروج و محمد شریعتی شروع کرده و به فرجام رساندم. در سال ۱۳۶۷ با شرکت در امتحانات ورودی حوزه علمیه خراسان وارد مشهد شدم. در مشهد ابتداء به دروس اساتید گرامی چون فقیه سبزواری - صالحی - واعظی - نصراللهی - سیدان - رضازاده - اشرفی شاهرودی رفته و سطح را در محضر ایشان تلمذ کردم و از هر یک به فراخور خصوصیات اخلاقی و رفتاری بهره ها بردم.

در مشهد در مدارس علمیه امام زین العابدین (ع) - مدرسیه علمیه سید خندان - مدرسه علمیه آیت الله خوئی سکونت داشتم و همزمان در مدرسه علمیه امام زین العابدین (ع) (نیشابوری ها که البته مدتی بعد از آمدنم به قم متوجه شدم تعطیل شد) به تدریس تهذیب المغنی و سیوطی پرداختم. با پایان یافتن دروس سطحی در محضر استاد گرانقدر مرحوم مهدوی دامغانی حضور یافتم و شروع درس خارج فقه را با ایشان تجربه کردم - وی از شاگردان میرز مرحوم آیت الله میلانی و دارای روحیات معنوی و عرفانی

عجیبی بود که فرصت ذکرشان نیست - خارج نکاح را با ایشان شروع کردم و تا پایان حضورم در مشهد یعنی حدوداً سه سال این بهره گیری ادامه داشت.

چند سال حضورم در مشهد مقدس همراه بود با آشنا شدنم با فضاهاى جدید فکری و حضورم در هیئت تحریریه روزنامه توس - چاپ مشهد - که بعد از مدتی دبیر صفحه حوزه و اندیشه آن روزنامه شدم. بیشتر مقالاتی که منتشر کردم مربوط به همین دوران بوده است. در سال ۱۳۷۵ به قم عزیمت کردم. در ابتدای ورود به قم با حضور در درس خارج فقه و اصول آیات عظام وحید خراسانی - حاج شیخ جواد تبریزی (ره -) شیخ جعفر سبحانی و ناصر مکارم شیرازی در نهایت با توجه به برخی معیارهای شخصی خویش به درس آیت الله محمدعلی گرامی رفته و تا سال ۱۳۸۳ به مدت نزدیک ۷۳ سال از محضر ایشان بهره بردم مکاسب محرمه و برخی مباحث جدید را که در مکاسب محرمه اشاره مرحوم شیخ نبوده و بیع را نزد ایشان تحصیل و به پایان بردم. همزمان در درس تفسیر و خارج آیت الله دکتر محمدصادق تهرانی حاضر می شدم و استفاده می کردم.

تحصیل در مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآنی و آشنائی با اندیشه های فقهی اصولی امام خمینی (ره -) موسسه تنظیم و نشر آثار - از دیگر مراحل زندگی نامه علمی ام بود. که پایان نامه مرکز تخصصی ام آمده برای دفاع است. حضور در پژوهشکده فقه و حقوق و دبیر اجرایی گفت و گویهای پژوهشکده سبب شد در تدریس خود نظم و انضباطی مناسب با فعالیت فوق بدهم و که سبب شد درس فقه آیت الله گرامی را تکر و پی درس اصول استاد لاریجانی و درس فقه آیت الله صانعی بروم. دبیر اجرایی گفت گویهای - حق و حکیم - آسیب شناسی فقه و قانون گذاری - اصول فقه حکومتی - احتیاط مبانی دگرها و ریشه ها و ... سبب شد همکاری ام با پژوهشکده فقه و حقوق تداومی تعریف یافته تر پیدا کنند و در سال ۱۳۸۳ به عنوان مدیر دفتر پژوهش آن پژوهشکده انتخاب شدم. مدیریت دفتر پژوهش سبب آشنایی با فضاهاى علمی جدیدی شد که این همکاری نهایتاً به عضویت در هیئت علمی پژوهشکده انجامدی که ادامه دارد. در مدت حضورم در قم به همکاری علمی و اجرایی با مراکزى همچون رادیو معارف، نمایندگی رهبری در جهاد سازندگی سابق تهران مرکز فرهنگ و معارف قرآن پرداخته ام و در مدارسى همچون معصومیه و شهید صدوقی به تدریس علوم قرآنی اشتغال داشته ام.

شفیعی، فروغ

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد، ۱۳۰۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جامعه‌شناسی پزشکی، دانشکده: بهداشت، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات علی جامعه‌شناسی، دکترای تخصصی جامعه‌شناسی پزشکی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

جامعه‌شناسی پزشکی - بهداشتی درباره مسائل و جنبه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در رابطه با سلامتی و بیماری،

بهداشت و درمان از دیدگاه مردم و جامعه، سیاستهای بهداشتی- درمانی و نحوه ارائه خدمات در جامعه، طرح توسعه خدمات بهداشتی- درمانی اولیه و پیشگیری از بیماریهای غیر واگیر، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا. تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

جامعه‌شناسی پزشکی و بهداشت.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۱، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

مسائل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در رابطه با سلامتی و بیماری، آموزش بهداشت و بهداشت عمومی. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شفیعی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مدرس.

تولد: ۳۱ تیر ۱۲۹۳، فرخشهر (قهرخ).

درگذشت: آذر ۱۳۷۲، تهران.

محمود شفییعی، متخلص به «کیوان»، دروس ابتدایی و متوسطه را در فرخشهر و اصفهان فراگرفت و برای ادامه‌ی تحصیلات به تهران آمد و تا پایان عمر هم در تهران زندگی کرد. وی به اخذ درجه‌ی لیسانس در حقوق و درجه‌ی دکتری در ادبیات فارسی نایل آمد. چند سالی در بانک ملی ایران به خدمت مشغول بود. سپس در دانشگاه‌های ملی، اراک و اصفهان و مدرسه عالی پارس به تدریس ادبیات مشغول شد.

از آثار اوست: شاهنامه و دستور (برنده جایزه بهترین کتاب سال ۱۳۴۶)؛ دانش و خرد؛ شیوه‌ی خط و دستور زبان فارسی. وی اهل شعر و شاعری هم بود.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

شفیعیان راد، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۷ ش)، پزشک و نویسنده. دارای گواهی‌نامه‌ی تخصصی در بیماریهای درونی اطفال و اعصاب می‌باشد. ریاست بخش طب

بیمارستان راه آهن را بر عهده داشته است. از آثار وی: «سخنرانیهای پزشکی»؛ «نشانه شناسی و دستگاه عصبی».
بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: مؤلفین کتب چاپی (۶۳۴-۶۳۳/۲).

شقایق حسنی ابوالعباس، احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، صوفی و متکلم. از روستای شقان نیشابور بود. در مدرسه سوری نیشابوری زندگی می کرد و بسیار قانع بود. وی از بزرگان مشایخ صوفیه و جامع علوم و در اصول و فروع استاد بود. و با شیوخی بزرگی چون شیخ ابوسعید ابوالخیر و ابوالحسن خرقانی هم عصر گویند در سماع حالت‌های خاص داشته و حاضران را تحت تأثیر می گذاشته است. در رادکان در گذشت.
بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: تعلیقات اسرار التوحید (۶۶۰)، کشف المحجوب (۵۲۷، ۲۵۹، ۱۸۹، ۲۱۰)، نامه‌ی دانشوران (۳۲۰-۳۱۹/۵)، نفعات الانس (۳۲۰-۳۱۹).

شقایق اصفهانی، محمدعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، طبیب و شاعر، متخلص به شایق. وی همانند پدرش میرزا جعفر، طبی و شاعر بود. شقایق در اوایل عمر از اصفهان به یزد رفت و در آنجا ساکن و به طبابت مشغول شد. از آثار وی: «دیوان» اشعار، حاوی قصایدی مشتمل بر مدح امیرالمومنین و امام رضا (ع) و مراثی امام حسین (ع) است.
بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۸۲۶-۸۲۵/۲)، الذریعه (۵۰۴/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۹۳).

شقیق بلخی، ابوعلی

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۹۴/۱۹۰ ق)، عارف و محدث. اصل وی از بلخ بود و اولین کسی بود که علم طریقت و اصول تصوف را در خراسان نشر داد. نزقاضی ابویوسف فقه آموخت و مرید و مصاحب ابراهیم ادهم بود و استاد حاتم اصم. از کثیر بن عبدالله ابلی و اسرائیل بن یونس و عباد بن کثیر روایت کرد و عبدالصمد بن یزید مردویه و محمد بن ابان مستملی و حاتم اصم از وی روایت کردند. گویند ابتدا بازرگان بود و از تجارت توبه کرد و به تصوف روی آورد. در جنگ با ترکان در «کولان» یا «واسجرد» به شهادت رسید. [۱]

ابوعلی بن ابراهیم بلخی عارف معروف (مقت. ۱۹۴ ه.ق.). وی نزد قاضی ابویوسف فقه آموخت و از طریق ابوهاشم ذهلی و انس روایت حدیث کرده و بیست سال در فهم معانی آیات قرآنی کوشیده. وی توبه کرد و به ریاضت پرداخت و پیاده به زیارت کعبه رفت. در طریقت مصاحب ابراهیم ابن ادهم و استاد حاتم اصم بود. او در جنگ با ترکان در «کولان» یا «واسجرد» (ماوراءالنهر) به قتل رسیده. از اقوال او در کتب صوفیه بسیار نقل شده.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آتشکده‌ی آذر (۴۴-۴۳/۲)، الاعلام (۲۴۹/۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۹)، تذکره الاولیاء (۲۰۲-۱۹۶/۱)، الجرح و التعديل (ج ۲ / ق ۳۷۳/۱)، حلیه الاولیاء (۷۳-۵۸/۸)، الذریعه (۵۳۴/۹)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (۳۸-۳۶)، روضات الجنات (۲۲۹/۳)، سیر النبلاء (۳۱۶-۳۱۳/۹)، طبقات الصوفیه سلمی (۶۶-۶۱)، طبقات الصوفیه هروی (۸۷-۸۶)، طبقات الکبری (۶۵/۱)، فرهنگ سخنوران (۵۰۸)، فضایل بلخ (۱۴۲-۱۲۹)، فردوس المرشدیه (۲۴)، کشف المحجوب (۱۳۸)، لغت نامه (ذیل / شقیق، ابوعلی)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۱۹۰)، نفحات الانس (۶۷۱، ۱۳۵، ۶۳، ۵۴، ۴۷، ۴۶-۴۶)، وفيات الاعیان (۴۷۶-۴۷۵/۲)، هفت اقلیم (۴۴-۴۳/۲).

شکراللهی، نادر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نادر شکراللهی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۴۶ دیپلم برق (تهران هنرستان شهید موافق) لیسانس علوم سیاسی، فوق لیسانس فلسفه و کلام دکترای فلسفه تطبیقی. از سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه شدم و تا هفت سال در درس خارج فقه و اصول شرکت کردم و کتاب‌های عرفانی و فلسفی مثل فصوص و اسفار را خوانده‌ام. از همان ابتدا در حوزه به تدریس مقدمات و بعد سطح مشغول بودم و از سال ۱۳۸۲ در دانشگاهها مشغول تدریس هستم و عضو هیئت علمی پاره وقت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی هستم و از سال ۱۳۷۶ جزء اولین افراد شبکه رادیویی معارف بودم، و در سمت‌های نویسنده‌گی، سردبیری، کارشناسی و مجری کارشناسی مشغول فعالیت بودم. تاکنون یک کتاب با عنوان آسیب شناسی حکومت دینی از بنده منتشر شده و ۲ مقاله هم ترجمه کردم که چاپ شده است و چندین مقاله نوشته شده و ترجمه شده آماده چاپ دارم.

شکرانی، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران رضا شکرانی

محل تولد: خمینی شهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی در خمینی شهر اصفهان متولد شدم و در خرداد ۱۳۵۹ دیپلم خود را گرفتم. شرکت فعال در محافل مبارزه با رژیم ستمشاهی از بزرگترین توفیقات الهی بود که طی سال‌های قبل از انقلاب نصیب من شد. با آغاز جنگ تحمیلی و بسته شدن دانشگاهها در پاییز ۱۳۵۹ به امر امام (ره) به خدمت سربازی درآمدم و از آنجا داوطلبانه به جبهه‌های جنگ رفتم. با پایان خدمت سربازی در پاییز ۱۳۶۱ باز بلافاصله از طریق بسیج به جبهه‌های جنگ رفتم و در عملیات والفجر مقدماتی مجروح شدم. همزمان با طی دوران نقاهت، در بهار ۱۳۶۲ در اولین کنکور سراسری پس از انقلاب فرهنگی، شرکت کردم و در اولین رشته انتخاب خود یعنی دبیری الهیات دانشگاه تهران پذیرفته شدم. در تابستان ۱۳۶۶ دوره کارشناسی را به اتمام رساندم و همزمان در آزمون کارشناسی ارشد دانشگاه تهران شرکت نمودم و به عنوان نفر اول آزمون کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران پذیرفته شدم. در پاییز ۱۳۶۹ با دفاع از پایان‌نامه خود که "استخراج مباحث تفسیر سید مرتضی (ره)" از کلیه آثار او و تحقیق و ترجمه بخشی از آن بود، فارغ التحصیل شدم. علی‌رغم درخواست موکد مدیر گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، جناب دکتر سید محمد باقر حجتی، مبنی بر اشتغال به تدریس در آن گروه، تدریس در دانشگاه اصفهان را انتخاب نمودم. بر این اساس در سال ۱۳۷۰ به عضویت هیات علمی گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان درآمدم و در همین سال با تنی چند از دوستان دوران تحصیل، رشته الهیات را در دانشگاه اصفهان راه اندازی نمودیم و دو سال بعد به گروه الهیات رفتم. در سال ۱۳۷۳ با فراهم آمدن امکان تحصیل در دانشگاه لیدز انگلستان قصد ادامه تحصیل در دکترای زبان شناسی با تکیه بر زبان قرآن را داشتم که به علت ابتلاء به بیماری دیسک از عزیمت به انگلستان بازماندم. به همین دلیل در سال ۱۳۶۵ به تحصیل در مقطع دکترای زبان شناسی همگانی مشغول شدم اما پس از یک سال تحصیل در این رشته، با پذیرش در آزمون دکترای علوم قرآن، به تحصیل در رشته دکترای علوم قرآن دانشگاه تهران مشغول شدم و سرانجام با دفاع از رساله دکترای خود با عنوان «تحلیل ساخت های نحوی قرآن» در مقطع دکترا فارغ التحصیل شدم. همزمان با تحصیل در دبیرستان و دانشگاه به صورت جنبی دروس حوزوی را نیز تا اواخر سطح به همراه یک دوره فلسفه و کلام فرا گرفتم.

شکری، یدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مدرس.

تولد: مهر ۱۳۲۳، رودسر (بازکول).

در گذشت: ۹ آذر ۱۳۶۶، تهران.

یدالله شکری پس از طی تحلیلات ابتدایی و متوسطه در رودسر و تهران، مدارج تحصیلات عالی را در دانشگاه تهران در رشته‌ی ادبیات فارسی و دانشسرای تربیت معلم گذراند و از محضر استادانی چون بدیع الزمان فروزانفر، محمد معین، جلال‌الدین همایی، عبدالحمید بدیع‌الزمانی و احمدعلی رجایی بهره‌مند گردید. در سال ۱۳۵۳ نیز پایان‌نامه تحصیلی خود را در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از پژوهشکده‌ی فرهنگ ایران دریافت کرد. در سال ۱۳۶۱ موفق به دریافت درجه‌ی دکتری در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران شد.

فعالیت علمی و تحقیقاتی او از همکاری با بنیاد فرهنگ ایران آغاز گردید. در سال ۱۳۵۲ در تدوین کتب درسی گروه ادبیات فارسی دانشکده مکاتبه‌ای - که خود از بنیان‌گذاران آن گروه بود- با استاد همایی و محمد پروین گنابادی همکاری کرد. در سال ۱۳۶۰ به عضویت هیئت مؤلفان لغت‌نامه فارسی درآمد. او عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی بود و همزمان در دانشگاه‌های تربیت معلم، تربیت مدرس، شهید بهشتی و دانشکده‌ی صدا و سیما اشتغال به تدریس داشت. در مرکز نشر دانشگاهی نیز مسئول گروه ادبیات فارسی بود.

یدالله شکری در تدوین فرهنگ تاریخی زبان فارسی سهم ویژه‌ای داشت. آثار چاپ شده‌ی او عبارتند از: تصحیح عالم‌آرای صفوی؛ منتخب تاریخ جهانگشا؛ منتخب دیوان سراج‌الدین قمری؛ گزیده‌ی تاریخ بیهقی؛ گزیده‌ی دیوان سنایی. دیوان کامل سراج‌الدین قمری (که رساله‌ی دکترای او بود) و کتاب فارسی و آیین نگارش (۲) از جمله عناوینی است که وی در دست چاپ داشت. همچنین گردآوری فرهنگ و اصطلاحات عرفانی را نیز با همکاری جمعی از دانشجویان پژوهشگر خود آغاز کرده بود. مقالاتی از او در مجله‌ی «دانشگاه تربیت معلم» و مجموعه مقالات کنگره‌ی تحقیقات ایرانی چاپ شده است. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

شکورزاده بلوری، ابراهیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

دکترای زبان و ادبیات فرانسه از دانشگاه سوربن فرانسه، اخذ دو نشان علمی درجه ۱ و ۲ و دو جایزه هنری در نقاشی و طراحی.
مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان و ادبیات فرانسه، فرهنگ عامه خراسان، علوم اجتماعی و مردم‌شناسی.
تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۹

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

زبان و ادبیات فرانسه، فرهنگ عامه (فولکلور)، زبان و ادبیات فارسی، عقاید و رسوم مردم خراسان مهمترین اثر ایشان فرهنگ اصطلاحات و معارف اسلامی به زبان فرانسه می‌باشد.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

زبان و ادبیات فرانسه، زبان و ادبیات فارسی، فرهنگ عامه (فولکلور) و علوم معارف اسلامی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شکوهی نژاد، محسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: فیزیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شکیباپور، عنایت‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مؤلف، مترجم.

تولد: ۱۲۸۶.

درگذشت: ۱۳۶۳.

عنایت‌الله شکیباپور در اداره‌ی حسابداری وزارت دارایی مشغول به کار بود. از آثار اوست: احتراق بمب (اثر موریس لبلان، دو جلد)؛ از جهان تا ابدیت (موریس مترلینک، ۱۳۴۰)؛ اعترافات (موریس مترلینک، ۱۳۳۹)؛ بیگانه (آلبر کامو، ۱۳۴۸)؛ پرنده‌ی آبی (موریس مترلینک، ۱۳۳۹)؛ تبعید و حکومت وجدان (آلبر کامو)؛ توده‌ی طلا (اثر موریس لبلان، ۱۳۳۸)؛ جادوگر قرون وسطی (اثر ژول میشل، ۱۳۳۷)؛ اسکلت سبز (اثر ادوارد بروکر، ۱۳۳۵)؛ اصول نامه‌نگاری و انشاء (۱۳۳۹)؛ برگزیده‌ی لغات کلیله و دمنه (۱۳۳۹)؛ پرنس تالیران (ولا-گور گایت، ۱۳۳۶)؛ ترانه‌های غم‌انگیز (اثر کنستانس)؛ جدال بی‌هدف (جان اشتاین بک)؛ جنایتکار مخوف (اثر پرنسون دوترای، ۱۳۳۹)؛ چگونه از خود دفاع کنیم (و. ه. کولینگریسچ، ۱۳۳۸)؛ حرمسرای خسرو پرویز (۱۳۳۵)؛ خانه‌ی مرگ (موریس لبلان، ۱۳۳۹)؛ در اوج قدرت (بالزاک، ۱۳۴۰)؛ در برابر خدا (موریس مترلینک، ۱۳۴۴)؛ دلباخته؛ دندان ببر (موریس مترلینک، ۱۳۳۹)؛ دنیای دیگر (موریس مترلینک)؛ راز بزرگ (موریس مترلینک، ۱۳۳۹)؛ راه‌های اختیار (ژان پل سارتر، ۱۳۴۴)؛ زندگی زنبور عسل (موریس مترلینک، ۱۳۳۹)؛ زندانی بیگناه؛ زنگ‌های ساعت (موریس لبلان، ۱۳۰۶)؛ ژاندارک (موریس مترلینک، ۱۳۳۳)؛ سایه‌ی انسان‌ها (ژان پل سارتر)؛ سر تنگ بلور (موریس لبلان، ۱۳۳۸)؛ سنگ معجزه (موریس لبلان،

۱۳۰۶؛ شادی‌ها و ناکامی (آلبر کامو، ۱۳۵۶)؛ طاعون (آلبر کامو، ۱۳۵۱)؛ عروس زندان (ژرژ ماری)؛ قصر مرموز (موریس لبلان، ۱۳۳۸)؛ قهرمان و نیز (میشل زاگو، سه جلد، ۱۳۳۳)؛ کف شناسی (۱۳۱۲)؛ گراز یلا- یا سوز و گداز عشق (آلفونس دولامارتین، ۱۳۴۰)؛ گلوله‌ی خون (جیمز هادلی چیز، ۱۳۴۱)؛ گنجینه‌ی ناچیز (موریس مترلینک، ۱۳۴۵)؛ مجادله‌ی آرسن لوپن و شرلوک هلمز (موریس لبلان، ۱۳۳۹)؛ مجموعه‌ی سری (۱۳۳۵)؛ مرد خاکستری (پونسون دوترای، ۱۳۳۹)؛ مرگ و زندگی (موریس مترلینک، ۱۳۳۹)؛ مرگ و زندگی به ضمیمه‌ی «اعجاز مریم مقدس» اثر کلودل (موریس مترلینک، ۱۳۹۹)؛ مکافات (موریس مترلینک)؛ هستی و نیستی؛ پدیده‌شناسی عالم هستی (ژان پل سارتر)؛ ۸۱۳ عملیات خارق‌العاده‌ی آرسن لوپن (موریس لبلان، دو جلد، ۱۳۳۴)؛ زهرا (ولتر، ۱۳۳۷)؛ مورچگان (موریس مترلینک، ۱۳۳۹)؛ نوسترا داموس از آینده جهان خبر می‌دهد (ادوارد م. پ، ۱۳۳۵)؛ ورتور (گوته، ۱۳۳۵).

(تو ۱۲۸۶ ش)، نویسنده. در اداره‌ی حسابداری وزارت دارائی مشغول به خدمت بود. از آثار وی: «احتراق بمب»، ترجمه؛ «از جهان تا ابدیت»، ترجمه؛ «پرنه‌ی آبی»، ترجمه؛ «ژاندارک»، ترجمه؛ «کشف شناسی»؛ «مرگ و زندگی»، ترجمه؛ «مورچگان»، ترجمه؛ «اصول نامه‌نگاری و انشاء»؛ «برگزیده‌ی لغات کليلة و دمنه». [۱]

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه: [۱] مؤلفین کتب چاپی (۶۴۴-۶۴۰/۴).

شکبیه گیلانی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای قلب، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی ایران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شلیله همدانی، ابوالحسن عبدالهادی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۳۳/۱۳۳۱ ق)، عالم دینی، منطقی، ادیب و فقیه اصولی. در نجف به دنیا آمد. در زادگاه خود به فراگیری مقدمات و ادبیات پرداخت. نزد شیخ محمدحسین کاظمی و شیخ محمد طه نجف و میرزا حبیب‌الله رشتی و آخوند خراسانی و سید محمد بحرالعلوم فقه و اصول خواند. شلیله از شیخ عبدالهادی مازندرانی و سید محمد کاظم یزدی و شیخ‌الشریعه اصفهانی و شیخ احمد مشهدی روایت کرده است. سید عبدالله بهبهانی و سید مهدی بحرانی از شاگردان و راویان وی می‌باشند. با شروع جنگ جهانی اول به همدان رفت و در کردن همان جا درگذشت. با پایان گرفتن جنگ جهانی جنازه‌ی به امانت گذاشته شده‌ی وی به عراق منتقل شد و در نزدیکی باب طوسی در مقبره‌ی خانوادگی دفن شد. از آثار وی: «العقد الفرید فی مقاصد المفید و المستفید»؛ «لولوه المیزان»، ارجوزه‌ای در منطق که در ۱۳۱۷ ق از نظم آن فراغت یافت، و شرح آن به نام «منتقی الجمان»؛ تعلیقه بر «حاشیه ملا عبدالله»، در منطق؛ «حاشیه القوانين»؛ «غایه المامول»، در فقه و اصول؛ «رساله فی الاجتهاد و التقليد»؛ «منتقی الشیعه فی احکام الشریعه»؛ «فرائض

الفقه، ارجوزه‌ای در ارث؛ کتابی در «صلاه المسافر»؛ «المختصر الشافی فی العروض و القوافی»؛ «حاشیه الرسائل»؛ «منظومه»، در کلام.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۳۰/۸)، الذریعه (۸/۲۳، ۳۸۲/۱۸، ۱۰۸/۸، ۴۹۹/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲۵۸-۱۲۵۵/۱۴)، معجم المؤلفین (۲۰۳-۲۰۲/۶).

شماع، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: تغذیه دام، دانشکده: دامپزشکی، دانشگاه: تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شمس اصفهانی، شمس‌الدین محمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۶۴ق)، ادیب. وزیر غیاث‌الدین کیخسرو و عزالدین کیکاوس از سلجوقیان روم بوده و از ادیبان نامی زمان خود. سرانجام به دستور رکن‌الدین قلج ارسلان چهارم کشته شد. او به زبان عربی و فارسی شعر نیکو می‌سروده است.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۷۵۱).

شمس‌الادبا، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۰۹-۱۲۴۲ ش)، شاعر، ادیب و عارف. ملقب به شمس‌الادبا. پس از تحصیل صرف، نحو، منطق و معانی و بیان به تحصیل علم کلام و فلسفه و حکمت پرداخت. شمس‌الادبا چندی در راه عرفان و تصوف گام نهاد و خدمت بزرگان طریقت رسید تا دست ارادت به پیر و مرشد خود حاج ملا سلطان علیشاه گنابادی داد. وی شاعری توانا و ادیبی دانشمند بود و به فن شعر و ادب آگاهی کامل داشت. پس از فوت در حضرت عبدالعظیم و در جوار مزار سعادت علیشاه اصفهانی به خاک سپرده شد. «دیوان» اشعاری از او متجاوز از سی هزار بیت بر جای مانده است.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: سخنوران نامی معاصر (۲۰۲۸-۲۰۲۷/۳).

شمس الحکماء، علی خان

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۵ - ۱۲۶۱/۱۲۵۲ ق)، پزشک و شاعر، متخلص به لعلی. در ایروان متولد شد و در همان شهر نشو و نما یافت و به تحصیل طب پرداخت و در ضمن آن به تجارت نیز مشغول بود. اما پس از چندی از تجارت دست کشید و به تحصیل طب پرداخت و بعد از آن به طبابت پرداخت و طبیب مخصوص مظفرالدین شاه قاجار شد. در اواخر عمر به سیاحت روی آورد و سرزمین‌های قفقاز و مصر و عثمانی را سیاحت کرد و سرانجام در تفلیس درگذشت. از آثار وی: «دیوان» اشعار به فارسی و ترکی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان آذربایجان (۳۲۲-۳۲۱)، الذریعه (۹۴۷-۹۴۶/۹)، ریحانه (۱۳۶-۱۳۴/۵)، شرح حال رجال (۳۵۲/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳۶۲-۳۶۱/۴)، مکارم الآثار (۱۴۱۵-۱۴۱۳/۴).

شمس الدین، محمدحسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدحسن شمس الدین

محل تولد: مسجد سلیمان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد حسن شمس الدین در سال ۶۴ پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه مقدس در اراک شدم و دو سال مقدمات را در آنجا بودم و سال سوم یعنی ۶۷ به حوزه علمیه مقدسه قم آمدم تا بحال این توفیق را دارم در سال ۶۸ در مقطع کارشناسی به دانشگاه شهید بهشتی تهران رفته و با رشته ادبیات عرب را در سال ۱۳۷۲ فارغ التحصیل شدم. در سال ۱۳۷۵ موفق به سطح سه حوزه شدم و همزمان سال وارد دروس تخصصی حوزه شدم که ۲ سال آن در دفتر تبلیغات و چهار سال در مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآنی سطح چهار را با پایان نم آفرینش در قرآن و عمده‌ین به پایان رساندم در طول این سالها در مراکز آموزش و پرورش و دانشگاه آزاد و پیام نور واحد نراق و ساوه و سپاه تدیس داشته ام و در بخش تحقیق و بررسی علمی در موسسه دائره المعارف فقه اهل بیت و پژوهش مرکز تحقیقاتی قضائی و مرکز تحقیقاتی امام حسن عسکری علیه السلام چند سالی مشغول بوده که حاصل آن کتب و مقالاتی بود که نوشتم.

شمس الدین، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مهدی شمس الدین

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

استاد سید مهدی شمس الدین فرزند واعظ شهیر جناب حجه الاسلام والمسلمین مرحوم حاج سید صادق شمس الدین در روز هفدهم دی ماه سال ۱۳۳۷ در استان قم متولد شد. پس از اتمام مقطع ابتدایی در دبستان امیرکبیر به حوزه علمیه قم وارد و همزمان با تحصیل در حوزه، دروس متوسطه را نیز در دبیرستان صدوق قم ادامه داد. سالیان اولیه را در مدرسه علمیه حقانی و چند سالی هم در مدرسه آیه الله گلپایگانی ادامه تحصیل داد. و اینک بیش از بیست سال است در حلقه درس خارج حوزه مشغول تحصیل است. قبل از پیروزی انقلاب و سالهای اولیه انقلاب، و نیز انجام وظیفه در صحنه تبلیغی داخل و خارج کشور، سالهاست به امر نویسندگی و تألیف و تصنیف اشتغال دارد که حاصل آن دهها کتاب چاپ شده یا در شرف چاپ، و نیز ارائه دهها مقاله است که در روزنامه ها و مجلات رسمی کشور به چاپ رسیده و یا در کنگره ها و سمینارهای مختلف عرضه شده است.

شمس القراء، عبدالغفور

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

از اساتید فن قراءت و تجوید در اصفهان، و در این اواخر استاد مسلم و وحید به شمار می‌رفت. در مسجد آقا نور جلسه‌ی قراءت منعقد نموده، و در برخی از منازل و مساجد دیگر نیز جلساتی داشت. عموم قراء کنونی اصفهان از شاگردان او می‌باشند.

در شب سه‌شنبه ۱۸ شوال ۱۳۸۳ به سن قریب به نود وفات یافته، در تخت فولاد مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شمس المشرق خوارزمی، ابوالقاسم محمود

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۲۱ق)، ادیب. مشهور به شمس المشرق. در علم لغت و ادب از سرآمدان روزگار خود بود. در علم فقه و خلاف نیز دست داشت و به جهت کثرت حفظ و فصاحت لفظ به او جاحظ ثانی می‌گفتند. وی مدتی در خوارزم و از معاصران خوارزمشاه بود و نزد او محترم و معزز. در پایان عمر به فلسفه روی آورد و به همین جهت منفور عامه شد، به مرو رفت و در همان جا خود را ذبح کرد و مکتوبی به خط خودش یافتند: «هذا ما عملته ایدینا فلا یواخذ بغیرنا». از ابونصر قشیری و دیگران حدیث شنید و گویند املائی حدیث نیز می‌کرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ریحانه (۲۵۱/۳)، لغت نامه (ذیل / محمود)، معجم الادباء (۱۲۶/۱۹).

شمس المعالی، علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۲۷ق)، ادیب و طبیب. او اغلب در دستگاه دوستعلی خان معیرالممالک که بعدها ملقب به نظام‌الدوله شد، به سر می‌برد. وی مردی فاضل و طبیبی حاذق بود. در تهران در گذشت. میرزا صادق خان ادیب الممالک قطعه‌ای در رثا و تاریخ وفات وی ساخته است که در «دیوانش» درج است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: شرح حال رجال (۱۵۷/۶).

شمس دواچی، شیدا

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۹، مرتبه علمی: دانشیار رشته: بیماریهای پوست و آمیزشی، دانشکده: پزشکی دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشکده پزشکی پاریس در سال ۱۳۴۹، فوق تخصص درماتولوژی پرولوژی از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۵۲، تدریس در رشته درماتولوژی در دانشگاه تهران.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بیماریهای پوستی و آمیزشی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات تعداد مقالات به زبان فارسی: متعدد، تعداد مقالات به زبان خارجی: متعدد.

زمینه علمی مقالات:

درماتولوژی و پورولوژی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شمس کاشانی، شمس‌الدین

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س هفتم و هشتم ق)، مورخ و شاعر. وی قصیده‌ای در مدح خواجه بهاء‌الدین محمد بن خواجه رشید سروده است. از آثار وی:

«تاریخ غازان خان» است. فوت شمس‌الدین در زمان سلطان ابوسعید به وقوع انجامید.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ گزیده (۷۳۷)، تذکره‌ی روز روشن (۴۳۲)، حیب‌السیر (۱۹۱/۳)، الذریعه (۵۴۱/۹)، فرهنگ سخنوران

(۵۱۴)، هفت اقلیم (۴۶۰/۲).

شمس منشی نخجوانی، شمس‌الدین محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س هشتم ق)، ادیب و فرهنگ‌نویس. معروف به شمس منشی. وی فرزند هندوشاه نخجوانی است از عهد جوانی در خدمت

سلاطین زمان راه جست و از آن جمله مدتی در خدمت سلطان ابوسعید بهادر و وزیرش غیاث‌الدین محمد کار می‌کرد و سپس در

دستگاه سلطان ویس جلایر وارد شد و کتاب خود «دستور الکاتب فی تعیین المراتب» را به نام او تمام کرد. موضوع این کتاب بحث

درباره‌ی ترسل و انشاء و قواعد دبیری است. کتاب دیگری به نام «صحاح المعجم یا صحاح الفرس» است و به اسم خواجه

غیاث‌الدین محمد رشیدی، تألیف شد. «صحاح الفرس» بعد از «لغت فرس» اسدی قدیمی‌ترین کتاب لغت فارسی است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۰۳-۱۳۰۰ / ۳)، تجارب السلف (مقدمه)، الذریعه (۱۲- ۱۱ / ۱۵، ۱۶۵/۸)، فرهنگ‌های

فارسی (۴۱- ۳۶)، کشف الظنون (۱۰۷۴، ۷۵۴)، گنج و گنجینه (۴۶۶)، مؤلفین کتب چاپی (۸۸۲/۵).

شمس ناتری، محمدابراهیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد ابراهیم شمس ناتری

محل تولد: چالوس

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

دکتر محمد ابراهیم شمس ناتری در سال ۱۳۵۸ در رشته ریاضی فیزیک در شهر چالوس فارغ التحصیل گردید. در سال ۱۳۵۹ جهت تحصیل علوم حوزوی به قم مهاجرت کرد و در طول مدت ۷ سال دروس مقدمات و سطح حوزه علمیه قم را نزد اساتیدی از قبیل حضرات آیات و حجج اسلام آل غفور، اعتمادی، سید علی آقا محقق داماد و محفوظی با موفقیت به پایان برده و از سال ۱۳۶۶ به دروس خارج حوزه مشغول شدند. دروس خارج فقه و اصول را در محضر اساتید بزرگوار هم چون حضرات آیات عظام منتظری، وحید خراسانی، سبحانی و مکارم شیرازی و شیخ جواد تبریزی گذراندند. ایشان در سال ۱۳۶۷ با شرکت در کنکور سراسری دوره کارشناسی در رشته حقوق دانشگاه تهران پذیرفته شده و دروس دانشگاه را در جنب دروس حوزوی گذراند و در سال ۱۳۷۱ با کسب رتبه اول کنکور سراسری کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی را در دانشگاه تربیت مدرس تهران به تحصیل مشغول گردید. در سال ۱۳۷۵ و با دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد در امتحانات ورودی دوره دکتری همین دانشگاه پذیرفته شد و در سال ۱۳۸۱ با دفاع از رساله دکتری تحت عنوان «سیاست کیفری ایران در قبال جرایم سازمان یافته با رویکرد به حقوق جزای بین المللی» در رشته حقوق جزا و جرم شناسی فارغ التحصیل شده و با عنوان استادیاری به عضویت هیئت علمی دانشگاه تهران - پردیس قم - نائل گردید و هم اینکه عضو هیئت علمی دانشکده حقوق پردیس قم دانشگاه تهران می باشد. دکتر شمس علاوه بر تدریس دروس حقوقی در دانشگاه‌های مختلف دارای آثار و تألیفات متعددی نیز بوده و در کنفرانس‌های بین المللی متعددی نیز حضور فعال داشته است.

شمس، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۲، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی عمومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی جراحی عمومی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۹.

مرتبه علمی:

دانشیار گروه جراحی عمومی دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۵۴.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی شیمیائی سنگ‌های صفراوی، عوارض کلیوی سوختگی‌ها، لنفوم روده باریک، علل انسداد روده و تدریس درس جراحی

عمومی در دانشگاه تهران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

کبد، مجاری صفراوی، عفونت‌ها، سوختگی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

جراحی عمومی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شمس، سعید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سعید شمس

محل تولد: مسجد سلیمان

شهرت

تابعیت: ایران

زندگینامه علمی

اینجانب سعید شمس فرزند محمد در سال ۱۳۴۵ در یکی از بزرگترین محله‌های شهرستان مسجد سلیمان به دنیا آمده خانواده ما از قشر کم درآمد و پایین‌تر از متوسط بود پدرم خیاط بود. دوران ابتدایی را در دبستان نوروز در همان محله گذراندم و دوران راهنمایی را در مدرسه ابو ریحان بودم که سال دوم راهنمایی درگیری‌های انقلاب آغاز شد با همان سن پایین در حد خودم در تظاهرات شرکت می‌کردم. در سال ۱۳۵۹ همزمان با آغاز جنگ تحمیلی وارد هنرستان فنی شریف واقفی شهرستان شده و در دوران دو سال تحصیل، عضو فعال انجمن اسلامی بودم. سپس جذب اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزی که آن زمان کانون انجمن دانش‌آموزان بود شده و مسئولیت کتابخانه را عهده دار شدم. علت این علاقه وافر اینجانب از دوران کودکی به کتاب بود که برخلاف کودکان هم سن و سال خودم همواره از پدرم درخواست می‌کردم برایم کتاب بخرد. در سال ۱۳۶۱ هنرستان را رها کرده وارد حوزه علمیه المهدی در مسجد سلیمان شدم. ابتدا دروس مقدماتی را در این مدرسه فراگرفتم از جمله اساتید اینجانب استاد میری، واعظی، شیروانی، مهریزی و... بودند.

شمس، محمد قلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۳ ش)، پزشک و مدرس. تحصیلات دبیرستانی پ. ث. ان و سه سال اول پزشکی و سه ساله‌ی چشم پزشکی را در تهران به پایان رسانده سپس برای ادامه‌ی تحصیلات به فرانسه رفته و دانشکده‌ی پزشکی یون را در سال ۱۳۰۲ ش به پایان رسانده و به دریافت دانشنامه‌ی دکتری پزشکی نایل شده و به ایران مراجعت کرده است. وی استاد کرسی چشم پزشکی و ریاست بخش چشم پزشکی بیمارستان فارابی بوده است. اثر وی «درمان تراخم با الکتروگو آگولاسیون» می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: مؤلفین کتب چاپی (۹۲۹/۴).

شمس، هرمز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: چشم پزشکی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی چشم پزشکی از دانشگاه پاریس، فلوشیپ در بیمارستان Vingts پاریس.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بیماریهای شبکیه، جذام در ایران، بیماری بهجت، استاد راهنمای ۳۰ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

بیماریهای چشم، بیماریهای رتین و ویتره، گلوکوم، بیماریهای عفونی چشم بیماریهای عدسی، چشم و تروما.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۰۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

بهجت، دکولمان رتین، اثرات الکل متیلیک روی چشم، جذام و تراخم.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شمسا، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای کلیه، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی با معدل ۱۸/۷۵ از دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۵۰، دکترای تخصصی اورولوژی از دانشگاه

علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۶۰.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام طرح بررسی بیماریهای مقاربتی در زندان منکرات مشهد، پیوند کلیه و اورولوژی، استاد راهنمای بیش از ۱۰ پایان‌نامه دکترای

ابداع:

یافتن اثرات واریکوسل بر عروق اطراف پروستات در **Trans Rectal Sonogrophy**، استفاده از معده برای ساختن مthane و

مجرا بعد از سیستمی رادیکال.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

جراحی کلیه و مجاری ادراری تناسلی (اورولوژی)، سفرنامه ژاپن و چین.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۵۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۱

زمینه علمی مقالات:

بررسی اثرات سوء داروهای ضد حاملگی، تازه‌هائی درباره آسپرین ختنه، پیوند کلیه U.D.P همراه با سنگ، آسیب‌های کلیه در

جنگ تحمیلی و سنگ شکن.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شمسا، فاضل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: داروسازی، دانشکده: داروسازی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شمس‌الافاضل ترشیزی، یوسف

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۸ ق)، فیه و حکیم. وی در ترشیز به دنیا آمد و در سبزوار و نجف و تهران به تحصیل فقه و حکمت و ریاضی پرداخت. در ۱۳۰۰ ش در وزارت معارف مشغول به کار شد و عهده‌دار نظارت طبع کتب مذهبی و شرعیات گردید. از آثار وی: «سیاسه المحمدیه»، که در الذریعه (۲۷۳/۱۲) این کتاب به شمس‌الافاضل میرزا رشید بن شیخ یوسف بن عباسعلی نسبت داده شده است؛ «فوائد نصیریّه»، در نحو؛ «کلمه‌ی جامعه»، در معنی شورا و مشروطه؛ «مفتاح النجاه فی تفسیر الصلاه». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۲۳/۱۸، ۳۶۲/۱۶، ۲۷۳/۱۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲/۲۶۷)، مؤلفین کتب چاپی (۶/۸۹۵).

شمس‌العلماء، محمد حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ع. آفتاب دانشمندان) (حاج میرزا) محمد حسین قریب ملقب به شمس‌العلماء و متخلص به ربانی (و. گرکان (از توابع آشتیان) ۱۲۲۲ ه. ش. - ف. ۱۳۰۵ ه. ش. / ۱۳۴۵ ه. ق.). وی مقدمات علوم را در زادگاه خود گرگان آموخت. سپس برای تکمیل تحصیلات به قم شتافت و در آنجا به تحصیل فقه و اصول و حدیث و تفسیر و ضمناً به تتبع در ادبیات فارسی و عربی پرداخت. از آنجا سفری به عتبات کرد و سه سال علمای عصر به تحصیل و تکمیل علوم دینی اشتغال داشت، و بعد از مراجعت به ایران مدتی نیز نزد میرزا علی محمد صفا که از خطاطان معروف آن زمان بود به تعلیم خط اشتغال داشت و خط نستعلیق را به شیوه استاد خود می‌نوشت. در سال ۱۲۶۶ ه. ش. برای تعلیم زبان و ادبیات فارسی به آقاخان (سوم) از ایران یک تن استاد خواستند. شمس‌العلماء بدین خدمت نامزد گردید و به هندوستان (بمبئی) رفت. از سال مزبور تا سال ۱۲۷۵ ه. ش. در آنجا به تعلیمی و تربیت آقاخان و ترویج دیانت اسلام مشغول بود. در سال اخیر به سبب ناسازگاری آب و هوا و علاقه به موطن خود به ایران بازگشت و بنا به دعوت مخبرالسلطنه هدایت در مدرسه علمیه و مدرسه نظام سابق و سپس در مدرسه علوم سیاسی به تدریس زبان و ادب فارسی پرداخت. در سال ۱۲۸۴ ه. ش. با کسب اجازه از وزارت معارف به ترکستان و استانبول و قفقاز مسافرت کرد و به زیارت بیت‌الله الحرام مشرف گردید، و پس از مراجعت به ریاست مدرسه علمیه منصوب شد. ضمناً چند ساعت در مدرسه علوم سیاسی و دارالفنون به تدریس فارسی و عربی اشتغال داشت و تا پایان عمر از تدریس دست نکشید. از سال ۱۲۸۳ تا ۱۲۸۸ به تألیف کتاب «ابدع البدایع» در فن بدیع مشغول بود و آن به طبع رسیده. در سال ۱۲۹۳ به عضویت دیوان عالی تمیز (دیوان کشور) منصوب شد و در ۸۳ سالگی وفات کرد. وی به فارسی و عربی شعر می‌سرود و کتابهایی در معانی و بیان و منظومه‌ای در فقه و اصول پرداخته که تاکنون به طبع نرسیده. جنازه وی را در ابن بابویه دفن کرده‌اند (از یادداشت سرلشکر قریب، قزوینی. یادگار ۳: ۵ ص ۵۶)

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

شمس آبادی، ابوالحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج سید ابوالحسن بن العلامه آیه‌الله المرحوم میرزا محمد ابراهیم موسوی شمس آبادی مازندرانی از علماء طراز اول معاصر اصفهان و وکیل مطلق زعیم اعظم آیه‌الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله‌العالی می‌باشد. وی عالمی ناطق و فقیهی جامع و در ولایت اهل بیت عصمت علیهم‌السلام دانشمندی خالص و کامل می‌باشد.

جد اعلای وی مرحوم سید محمد لاریجانی فرزند مرحوم حاج سید عبدالله مازندرانی که دارای چهل فرزند و همه از اعیان و اشراف و مالکین مزرعه لاریجان بوده‌اند و او آخرین پسر او بوده و علاقه شدیدی بتحصیل علم داشته و حتی شب هفته‌ی مرحوم پدرش بمطالعه معالم مشغول بوده برادر بزرگترش بوی تندی میکند که امشب وقت مطالعه نیست وقت تعارف با مردم است، او از این عتاب رنجیده و شبانه از محل حرکت و با پای پیاده بسمت تهران می‌آید و در تهران با میرزا شفیع صدر اعظم فتحعلی شاه قاجار برخورد نموده و سؤال می‌کند که آقا سید محمد کجا بوده و کی آمده‌ای وی جریانرا بیان میکند صدر اعظم مزبور اصرار میکند بیا برگرد بمحل و من همه‌گونه وسائل عزت تو را فراهم میکنم قبول نمیکند می‌گوید کجا میخواهی بروی میگوید بخواست خدا باصفهان خدمت آقای آقا محمد بیدآبادی میروم تحصیل کنم صدر اعظم میگوید من برای شما فکری کرده‌ام زمینی در اصفهان دارم بشما میبخشم و شما در عوض آن چهل ختم قرآن بخوانید برای پدرم میگوید معلوم نیست عمر من وفا کند میگوید مانعی ندارد فرزندان شما بخوانند پس قبول میکنند.

اما جد دوم ایشان مرحوم آیه‌الله حاج سید عبدالله عالمی جلیل از شاگردان مرحوم آیه‌الله حاج میرزا محمد هاشم چهارسوقی خونساری و مرحوم آیه‌الله آقای نجفی مسجد شاهی اصفهان بوده و بعد از فوت مرحوم آیه‌الله میرزا محمد علی مازندرانی که عالمی ربانی و دارای مقامات و کرامات باهره بود در مسجد قطیبه که برای او بنا کرده بودند بنا بر وصیت او اقامه جماعت نموده ولی بعلل و جهاتی ادامه جماعت را تعطیل و آخر الامر تفویض بمرحوم صدرالعلماء فرزند مرحوم حجه‌الاسلام والمسلمین حاج سید عبدالوهاب شمس آبادی نموده و مدتها آنمرحوم اقامه جماعت میکردند.

معظم‌له در حدود سال ۱۳۲۶ ق در اصفهان متولد شده و پس از دوران ادبیات و سطوح در خدمت مرحوم حاج ملا ابوالقاسم زفره‌ای مدت دو سال از درس خارج مرحوم آیه‌الله حاج میرزا سیدعلی نجف آبادی و مرحوم آیه‌الله حاج سید محمد نجف آبادی استفاده کرده و قسمتی از شرایع را با معیت اخوی بزرگش جناب فاضل عالم زبده‌العلماء الاعلام آقای حاج میرزا محمد رضا آل رسول دامت برکاته نزد حجه‌الاسلام والمسلمین فقیه اهل البیت مرحوم آقا شیخ احمد حسین آبادی برادر بزرگ مرحوم آیه‌الله میرزا محمدعلی شاه آبادی خوانده و در سن ۲۵ سالگی بنجف اشرف مهاجرت نموده و قریب ده سال بدرس خارج ملجاء الشیعه آیه‌الله المطلق فی الارضین مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی و حدود شش سال بدرس اصول استاد الكل آیه‌الله آقا ضیاءالدین عراقی حاضر شده و بحث آنجناب را برای عده‌ای از فضلاء تقریر نموده و مدتی هم در درس تعطیلی مرحوم آیه‌الله حاج میرزا ابوالحسن مشکینی صاحب حاشیه شرکت نموده و مدت دو سال هم از محضر مرحوم آیه‌الله العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی طاب ثراه استفاده نموده و مدت کمی هم از محضر و درس جمال‌الفقهاء والمجتهدین آیه‌الله سید جمال‌الدین گلپایگانی بهره‌مند گردید و خلاصه پس از توقف مدت دوازده سال در مهد علم و کمال و معنویت نجف اشرف باصفهان مراجعت و باقامه جماعت و انجام

وظائف دینی و روحی اشتغال دارد. دارای آثار قلمی می‌باشد:

۱- شرح بر صحیفه سجاده ۲- موعظه ابراهیم ۳- رساله مختصری در اصول دین ۴- اشعاری در مرثی و مصائب اهل بیت علیهم‌السلام.

حاج سید ابوالحسن شمس‌آبادی (شهید اصفهانی) که ترجمه - و زندگینامه‌اش در جلد سوم گنجینه دانشمندان گذشت از علماء صالحین و خدمتگزاران راستین اسلام و مسلمین معاصر بوده است.

معظم‌له حدود هفتاد سال از عمر شریف خود را در راه تحصیل علم و کمال و خدمت به اسلام و ملت گذرانیده و با خلوص نیت و صداقت کامل این وظیفه را انجام و آثار و باقیات الصالحات چشمگیر و ارزنده‌ای از قبیل موسسه آموزش (ابابصیر) برای نابینایان تاسیس و صدها نابینا را با خواندن قرآن و سایر تعلیمات دینی آشنا بدین وسیله خدمت حیات بخشی نموده است مرحوم شمس‌آبادی که در اثر یک توطئه ناجوانمردانه از طرف دشمنان ولایت و خاندان رسالت در روز چهارشنبه سوم مراجعتش از عمره مفرده در روز هفتم ربیع‌الثانی ۱۳۹۶ برابر ۱۸ فروردین ۱۳۵۵ شمسی در هنگام طلوع فجر در وقتی که به قصد اداء فریضه صبح عازم رفتن به مسجدش بود ربوده شد و در نزدیکی اصفهان (درچه) به شهادت رسیده و به (شهید اصفهانی) شهرت یافته است.

و چون خبر این ضایعه اسفناک و فاجعه دردناک به مردم استان اصفهان و غیره رسیده چنان موجی از جنبش مردم در اصفهان ایجاد شد که در تاریخ این شهر باستانی بی‌نظیر بوده است تا یک هفته کلیه دکاکین تعطیل و شوری از مردم برخاست که ماندش دیده نشده بود. نویسنده که از قم برای شرکت در مجلس شب هفت آن مرحوم به اصفهان رفته بودم از نزدیک ناظر انقلاب و هیجان مردم بودم مجالس ترحیم و فواتح برای آن مرحوم در سراسر ایران و مخصوص در اصفهان تا چهلم آن شهید بزرگوار ادامه داشت و نویسنده در چهلم شهادت آن مرحوم نیز در مجلس بزرگی که در (تخت فولاد) در سر مزار ایشان تشکیل و از سراسر کشور آمده بودند شرکت و شور و آشور عجیبی مشاهده کردم که نظیر آن را کمتر دیده بودم و در تمام محافل و مجالس خواسته عموم مردم گذشته از تاثرات عمیق مجازات سریع و قاتلین آن شهید مظلوم بود ولی متاسفانه عده‌ای که به اتهام شرکت در توطئه و قتل آن مرحوم دستگیر و بعضی از آنها هم که اعتراض کرده بودند به واسطه سهل‌انگاری و بی‌تفاوتی هیئت حاکمه طاغوتی در امر قصاص و مجازات متجاسرین به ویژه که مربوط به روحانیت و چنین عالم مجاهد بزرگوار بود به تاخیر انداخته تا در انقلاب و جنبش مردم مبارز ایران درهای زندانهای کشور شکسته و تمام زندانیهای سیاسی و جنائی و غیره آزاد قاتلین آن شهید مظلوم هم آزاد و خون-چین عالم ربانی از بین رفت. شہراء و ادباء بسیاری از اصفهان و قم و تهران و سایر نقاط این حادثه جبران‌ناپذیر را به نظم و قصایدی در شهادت و رثاء ایشان سروده‌اند.

پس از انقلاب با دستگیری مهدی هاشمی معدوم داستان شهادت آیت‌الله شمس‌آبادی مشخص شد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

شمسی شهرآبادی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: میکروشناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی ایران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شمسی قارند، قدیر علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قدیر علی شمس قارند

محل تولد: اصفهان

شهرت: شمس

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه اصفهان (مدرسه ذوالفقار) شدم. ادبیات و معالم و اصول الفقه و لمعتین و بخشی از مکاسب و رسائل را در محضر اساتید آن حوزه فرا گرفته و در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه قم شدم و بقیه سطوح عالی را در محضر اساتید بزرگوار حجج اسلام دوزدوزانی، اعتمادی، استادی، گنجی، به پایان رسانده و سپس در درس خارج استاد آیت الله تبریزی یک دوره کامل اصول و بخش های از کتاب الطهاره و کتاب الصلاة را حدود ده سال از محضر آن بزرگوار بهره بردم و در اواخر همین دوره در موسسه تحقیقاتی بقیه الله در زمینه فقه و اصول از محضر اساتید راهنمای آن موسسه استفاده کرده و رساله های فقهی چند تالیف کردم.

همزمان در جلسات فقهی استاد گنجی دام ظلّه که جلسات گفتگو و مباحثه بود شرکت کرده. صلاة مسافر بخشی از کتاب الصدم و تمام کتاب الحج و مضاربه و اخیراً هم کتاب الاجاره را به همراه بررسی مباحث حقوقی روز در محضر آن بزرگوار بررسی نموده و می نمایم.

در یکی دو سال اخیر در موسسه بقیه الله به تدوین شرحی کامل بر وسائل الشیعه زیر نظر استاد بزرگوار شب زنده دار مشغول بوده و در رابطه با شرح متن روایت همکاری می نمایم. اینجانب سالها به صورت موردی و برای نفراتی محدود به تدریس اصول الفقه، رسائل، مکاسب، لمعه اشتغال داشته و چندین سال است که در مدرسه فقهی امام باقر علیه السلام به تدریس مکاسب و همینطور بعنوان استاد راهنما همکاری دارم.

شمیسا، سیروس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سیروس شمیسا " در ۲۹ فروردین ۱۳۲۷ در شهر رشت متولد شد، از پدر و مادری فرهنگی و رئیس دبیرستان. پس از اخذ دیپلم به دانشگاه شیراز رفت و چند سالی پزشکی خواند. سپس تغییر رشته داد و در همان شیراز لیسانس ادبیات فارسی گرفت. در آنجا با مرحوم مسعود فرزند محشور بود و در درس اساتید آمریکایی - که در گروه زبان و ادبیات انگلیسی تدریس می کردند - حاضر می شد. همچنین در مدرسه ی خان نزد حجت الاسلام آقای حسینی، جامع المقدمات و مقداری از سیوطی را خواند. ویراستار مؤسسه

چاپ و انتشارات دانشگاه تهران شد و در دانشگاه آزاد ایران استخدام شد. پس از اخذ فوق لیسانس، به خدمت سربازی رفت و در ضمن خدمت، دوره‌ی دکتری ادبیات فارسی را هم خواند و در سال ۱۳۵۷ رساله‌ی خود را نزد دکتر خانلری دفاع کرد. پس از اتمام دروس دانشگاهی، به تحصیلات حوزوی ادامه داد و برخی از کتب را مانند شرح منظومه، رسائل، قوانین، مغنی، مطول، جوهر النضید و غیره را نزد دکتر سید جعفر سجادی خواند. سپس عضو گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی شد که هنوز در این سمت باقی است.

دکتر "سیروس شمیسا" پژوهش‌گر و نویسنده‌ی فعال و تواناست که تاکنون بیش از ۴۰ عنوان کتاب در کارنامه‌ی خود دارد. "شاهد بازی در ادبیات فارسی" در سال ۱۳۸۱ منتشر، و در همان سال توقیف و جمع‌آوری شد. کتابی جسور و جدید، که در شکستن تابوهای ایرانی هم‌تا ندارد. خود "شمیسا" در مقدمه‌ی کتاب می‌گوید: (عجیب است که با این گستردگی مطلب در ادبیات و تاریخ ما تاکنون نوشته‌ی مستقلی در این باب فراهم نیامده است. شاید علت قبچی است که در این موضوع است. این کتاب هم ممکن است به مذاق عده‌ی خوشایند نباشد اما چه می‌توان کرد؟) و کتاب به مذاق عده‌ی خوشایند نیامد و توقیفش کردند.

همان گونه که از نام کتاب و نقاشی‌ی روی جلد آن پیداست، همجنس‌گرایی - مردانه - در ادبیات فارسی موضوع پژوهش این کتاب است. خود می‌گوید: (اساساً ادبیات غنایی فارسی به یک اعتبار ادبیات همجنس‌گرایی است. در این که معشوق شعر سبک خراسانی و مکتب وقوع در دوره تیموری، مرد است شکی نیست. اما ممکن است خواننده غیر حرفه‌ی بی در مورد ادبیات سبک عراقی مثلاً غزلیات امثال سعدی و حافظ دچار شک و تردید باشد. اما حدود نصف اشعار این بزرگان هم صراحت دارد که در باب معشوق مذکر است زیرا در آن‌ها آشکارا از واژه‌های پسر و مرد و خط عذرا و سبزه ریش و این گونه مسائل سخن رفته است. اما بخش اعظم آن نصف باقی مانده هم در مورد معشوق مذکر است منتها خاصیت زبان فارسی طوری است که مثلاً به علت عدم وجود افعال و ضمائر مذکر و مؤنث ایجاد شبهه می‌کند. باید دانست که مسائلی چون رقص و زلف و خال و خد و قد و دامن و تیرنگاه و ساقیگری و امثال این‌ها که امروزه به نظر می‌رسد در مورد زنان است در قدیم مربوط به مردان هم می‌شده است. بدین ترتیب فقط بخش کمی از اشعار قدماست که می‌توان در آن‌ها به ضرس قاطع معشوق را مؤنث قلمداد کرد.)

"شمیسا" اولین محقق است که در این باره به چاپ پژوهش‌هایش می‌پردازد. چاپ این کتاب نه تنها برای حکومت که برای بسیاری از پژوهشگران متعصب و عرفا و دراویش ایرانی هم گران آمد.

صوفیان پسرهای نوبالغ را کنار خود می‌نشانند و از دیدن روی آن‌ها حظ می‌بردند. این کار خود را شاهد بازی نام گذاشتند که یعنی در روی زیبایی که خدا آفریده جلوه‌ای از او می‌بینیم. که این کار هنوز هم در برخی نقاط در جریان است. نام کتاب برگرفته از این سخن است.

کتاب "شاهد بازی در ادبیات فارسی" در هشت فصل و هر فصل در چندین بخش نوشته شده:

فصل اول: سابقه نظر بازی - افلاطون، عشق افلاطونی، رساله عشق ابن سینا، شاهد بازی در ادبیات عرب، شاهد بازی در هند، و ...
فصل دوم: دوره غزنویان - زلف ایاز، معشوق لشکری یا لعبت سپاهی، معشوق بنده یا لعبت سرایی، ریش معشوق یا سبزه عذار، قابوسنامه و عشق به غلامان، فرخی سیستانی، و ...

فصل سوم: دوره سلجوقیان و خوارزمشاهیان - سلاطین و وزراء، سلطان سنجر و امردان، نزهة المجالس، مناظره بین لواط کار و زناکار، سبک آذربایجانی، اسماعیلیه، و ...

فصل چهارم: صوفیان و شاهد بازی - صوفیان امردباز، احمد غزالی، عین القضاة، اوحدالدین کرمانی، عراقی، شیخ روزبهان بقلی، محمد غزالی، سهروردی، احمد جام، شمس تبریزی، مولانا، و ...

فصل پنجم: شاعران معروف سبک عراقی - سعدی، حکایاتی از بوستان و گلستان، حافظ، عبید زاکانی، و
فصل ششم: دوره تیموریان و اوایل صفویه - جامی، محتشم کاشانی، رساله جلالیه، وحشی بافقی، مهر و مشتری، ترسا بچگان، و

فصل هفتم: دوره صفویه و افشاریه و زندیه - دوره صفویه، رستم التواریخ، پلشت شدن زبان، و
فصل هشتم: دوره قاجار - ملیجک و ناصرالدین شاه، ایرج میرزا، دوره پهلوی، معشوق دوجنسی، امکانات زبانی، برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شمیم شیرازی، محمدعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر و حکیم. معروف به حکاک. متولد در شیراز. وی با حاج ملا هادی سبزواری در سبزواری ملاقات کرد و گویا حاج ملا هادی وی را معمم کرده است. این ابیات از اوست:

با لب میگون او، من می پرستی می کنم

با نگاه مست او، بی باده مستی می کنم

گفتمش: هستم غلام و شرمسار از گفته ام

با وجودش ای عجب اظهار هستی می کنم

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار عجم (۵۶۰-۵۵۹)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳/۳۱۹)، الذریعه (۵۴۶-۵۴۵/۹)، ریحانه (۲۵۶-۲۵۵/۳)، مرآت الفصاحه (۳۱۶)، مکارم الآثار (۱۹۹۷/۶).

شمیمی، کورش

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شوشتی جزایری، محمدرضا

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدرضا بن سید حسین بن سید رضا بن سید علی اکبر بن سید عبدالله شوشتی جزایری عالمی فقیه و صالح بوده است و

پدرش از بزرگان علماء و دوستان صادق و خواص اصحاب شیخ مرتضی انصاری و از شاگردان میرزای شیرازی بزرگ و بعد شیخ محمدحسین کاظمینی و میرزا حسین خلیلی بوده و در صحن شریف علوی اقامه جماعت می نمود تا در ۱۷ شعبان ۱۳۲۹ ق وفات و در مقبره سید علی شوشتری مدفون گردید.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شوشتری، باقر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

باقر بن غلامعلی شوشتری نجفی عالمی خبیر و فقیهی معروف از شاگردان شیخ انصاری و ملا علی خلیلی و در اواخر از تلامذه حاج میرزا حسین خلیلی بوده و چندین مرتبه به مکه مشرف و چندین سال مجاور خانه خدا گشته و موجب ارشاد و استبصار عده‌ای از مردم مکه شده و در مراجعت در بمبئی در سال ۱۳۲۷ قمری وفات نموده است.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شوشتری، حسین

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین بن حسن بن علی بن علی بن الحسین شوشتری فقیهی فاضل از علماء زمان خود و از شاگردان سید محمد طباطبائی مجاهد در کربلا و در حدود ۱۲۳۰ ق وفات نموده.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شوشتری، شفیق

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند سید محمد بن عبدالکریم بن جواد بن عبدالله بن نورالدین علی بن سید نعمه الله موسوی جزایری.
عالم فاضل، از علمای از کیا بوده، و در جمله علوم بالاخص فقه و رجال مهارت داشته، و در اصفهان در محله دردشت ساکن، و به درس و مباحثه و اقامه جماعت و ارشاد مردم اشتغال داشته.
در ۱۲۱۱ متولد، و در ۲۱ ذی الحجّه الحرام سال ۱۲۷۴ وفات یافته، در صحن تکیه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد مدفون گردید.
کتاب زیر از اوست:

۱- حواشی بر شرح کبیر، معروف به «کشف الریاض» ۲- فوائد متفرقه ای در رجال، که اغلب آن را در حواشی کتب رجالی به خط

زیبای خوش مرقوم داشته است که اگر جمع آوری شود کتاب بزرگی خواهد شد. ۳- حواشی بر نقد الرجال. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شوشتری، عبدالحسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالحسین بن محمدرضا شوشتری دانشمندی بزرگ از فقهاء و اصولیین از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و مبرزین تلامذه وی و نزد استاد مقامی والا داشته و اوست همان کسی که رسائل شیخ را موسوم به (فرائد الاصول فی تمییز المزیف من المقبول) نمود و حواشی بر او زد از آنچه را که از استادش استفاده نموده بود تاریخ وفاتش معلوم نیست. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شوشتری، عبدالقائم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حقیر در روز نیمه ذی الحجه ی سال ۱۳۶۵ هـ.ق، روز تولد امام دهم حضرت علی بن محمد الهادی علیه السلام، در شهر قوچان متولد شدم. سیر و سلوک بنده از اینجا شروع شد: حدود ۱۳ ساله بودم که حس خداجویی در من بیدار شد، با کمال تشنگی از خود می پرسیدم راه وصال حضرت باری تعالی چیست؟ در سال ۱۳۳۹ شمسی بنده طلبه شدم و در مدرسه نواب مشهد مشغول تحصیل گردیدم و در کنار درس و بحث حوزوی به مطالعه کتبی که درباره ادیان و مذاهب و طرائق بود، مطالعه و تحقیق می نمودم. نخستین استاد اخلاق بنده، مرحوم آیت الله شیخ مجتبی قزوینی احمدی سینائی بود که ایشان مؤکداً به تخلیه و تحلیه ۱ که مقدمه تزکیه نفس است توصیه می فرمودند. طی یک مقدمه با عارف مرتاض حضرت سید ابوالحسن حافظیان آشنا شدم و در خدمت ایشان علم اعداد و علم رمل و جفر ناقص و بعضی از ختومات را تعلیم گرفتم، ولی پس از چندین سال به دلائلی دفتر را پاره کردم و به رودخانه ماربره (از سرشاخه های رود دز) ریختم و بخود گفتم: یار با ماست چه حاجت که زیادت طلبیم دولت صحبت آن مونس جان مار را بس ادبیات عرب را نزد عارف والامقام استاد حجت الاسلام هاشمی آموختم. ایشان اولین کسی بود که برای بنده درس عشق خدا را آموخت و من سخت مشتاق این راه شدم. چون حوزه قم را غنی تر از حوزه مشهد دیدم، محل تحصیل را از مشهد به قم تبدیل کردم. روزی خدمت حضرت آیت الله بهجت مشرف شده و شرح الحال اجمالی خود را به ایشان گفتم. ایشان فرمودند: من فعلاً به شما کتابهای مفیدی ۲ را معرفی می کنم. به خاطر علاقه زیادم به ایشان، بعضی نمازهای یومیه را در مسجد فاطمیه و به امامت ایشان اقامه می کردم و همیشه سعی می کردم پس از نماز مصاحبت ایشان را از مسجد تا منزل از دست ندهم و همچنین در کلاس درس خارج ایشان، قبل از شروع درس، از فرمایشات اخلاقی و معنوی معظم له استفاده می نمودم. دستورات ایشان اکثراً سفارش به انجام واجبات و ترک محرمات و انجام بعضی مستحبات و ترک مکروهات بود و در بین مستحبات دوام در طهارت و نافله شب و نماز جعفر طیار را بیشتر سفارش می فرمودند. در همین سالها از خرمن علم و عرفان آیت الله العظمی حاج سید رضا بهاءالدینی نیز بهره مند می شدم و مانند کلب اصحاب کهف اکثر روزها خدمتشان حاضر و استفاده می نمودم. ایشان

همیشه شاگردان خود را به تفکر و تعقل تشویق می فرمودند. همچنین از جلسات منوّر و منوّر حضرت آقای حاج سید حسین یعقوبی قائنی نیز بهره مند گشته و از کیفیت سلوک عاشقان عملاً مطلع شدم. در همین ایام به درس منظومه و اشارات حضرت علامه آیت الله حسن زاده آملی، عالم عارف، دریای بیکران علم و معرفت حاضر شده و از ایشان هم بهره ها گرفتم. ایشان شاگردان خود را به تحصیل علوم مختلف دینی تشویق می کردند. همزمان با تحصیل در قم در فرصت هایی به مشهد نیز تشریف می یافتیم و خدمت بزرگ مردی سلمان گونه، حضرت آقای شیخ عبدالکریم حامد استفاده می کردم که هنر ایشان موشکافی مسائل اخلاص بود. ایشان در مقام تربیت شاگردانش بر محور اخلاص ۳ بسیار سفارش می فرمود. عطش شدید من در جستجوی استاد کامل، با پیشنهاد برخی دوستان و مکاشفه ای به یافتن حضرت آقای حاج اسماعیل دولابی انجامید و همزمان خدمت حضرت علامه طباطبایی صاحب المیزان می رسیدم که درباره ایشان فقط می گویم: یک دهن خواهم به پهنای فلک تا بگویم مدح آن والا- ملک توضیحات: ۱- «تخلیه» عبارت است از پاک نمودن و تطهیر قلب از بدی ها و آلودگی های گناهان و غبار غفلت و اخلاق ناپسند و اعمال بد و «تحلیه» عبارتست از آرایش قلب به اطاعت و عبادت حضرت حق و جذب صفات حسنه و کریمه. ۲- آن کتابها عبارتند از: جامع السعادات ملامهدی نراقی و تذکره المتقین شیخ محمد بهاری و تفسیر شیخ حسن نجفی اصفهانی. ۳- «من اخلص لله اربعین يوماً فجر الله ینایع الحکمه من قلبه الی لسانه: هرکس چهل روز خودش را برای خدا خالص گرداند، خداوند چشمه های حکمت را از قلبش بر زبانش جاری گرداند.»

شوشتری، غلام حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم فاضل، و مجتهد زاهد، از مدرسین معروف، و فضلی مشهور بوده. در سال ۱۲۲۲ وفات یافته، در تخت فولاد مدفون گردید. وی از شاگردان شیخ جعفر شوشتری معروف می باشد، و خود در مجالس خصوصی منبر می رفته، و عمر خود را به زهد و تقوی به عزلت و انزوا گذرانیده است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شوشتری، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق، عالم اسلامی.

تولد: مرداد ۱۲۸۱ (۱۳۲۰ ق.) نجف.

درگذشت: ۳۱ اردیبهشت ۱۳۷۴، شوشتر.

علامه حلی تقی شیخ شوشتری، فرزند کاظم، در سال ۱۲۸۱ زمانی که پدر وی در نجف به کسب علم مشغول بود، در این شهر دیده به جهان گشود و تا سن هفت سالگی در آن شهر ساکن بود. در این مدت خواندن و نوشتن فارسی و قرآن را فراگرفت و پس از آن همراه خانواده به شوشتر مراجعت نمود. در شوشتر مقدمات علوم اسلامی را نزد حجت الاسلام سید حسین نوری و

حجت‌الاسلام سید محمدعلی امام و سید علی‌اصغر حکیم فراگرفت و برای دوره سطح نزد اساتیدی چون حجت‌الاسلام آقا سید محمدتقی شیخ الاسلام و آیت‌الله سید مهدی آل‌طیب و والدشان تلمذ جست و به درجه عالی اجتهاد نایل آمد. به سال ۱۳۱۴ به علت مخالفت با کشف حجاب جلای وطن نمود و به عتبات عالیات مهاجرت کرد و در حوزه‌های علمیه نجف و کربلا به کسب علوم و معارف اسلامی ادامه داد. در عتبات با آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی همکاری داشت و در سال ۱۳۲۱ پس از سقوط رضاشاه به ایران بازگشت و در شوشتر ساکن شد. از آن پس علاوه بر تدریس علوم دینی و تعلیم طلاب، به تحقیق در علوم اسلامی پرداخت. وی صاحب تألیفاتی است که از آن جمله‌اند: قضاء امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) (نجف، ۱۳۶۹ ق.)؛ بهج الصباغه فی شرح نهج‌البلاغه (چهارده جلد، ۱۴۰۰-۱۳۹۰ ق.)؛ قاموس الرجال (تعلیقات تنفیح المقال، در چهارده جلد برنده جایزه دهمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران)؛ الاخبار الدخیله و مستدرک آن (در سه مجلد، این کتاب برنده جایزه نخستین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شد)؛ آیات بینات فی حقیقه بعض المنامات، الاربعون حدیثا (۱۴۰۰ ق.)؛ رساله سهو النبی (ص)؛ الرساله المبصره فی احوال الصیریه (شرح احوال افراد مکنی به ابی‌بصیر، ۱۳۹۰ ق.)؛ جوامع احوال المعصومین؛ النجعه فی شرح اللمعه (یازده جلد)؛ الغرر و الدرر؛ رساله در محاکمه بین شیخ صدوق و شیخ مفید در یک مسأله کلامی (۱۳۹۰ ق.)؛ الاوائل (۱۴۰۵ ق.)؛ البدایع (زیر چاپ)؛ رساله فی تواریخ النبی و آل‌ال؛ مقدمه بر توحید مفضل (ترجمه علامه محمدباقر مجلسی).

محمدتقی بن شیخ کاظم بن محمدعلی بن علامه شیخ جعفر شوشتری (معروف) عالمی مصنف و متبحر بوده و در سال ۱۳۲۱ ه در نجف متولد و در بیت علم پرورش یافته و به قانون وراثت بحب علم و فضیلت نشو و نما یافته و در خدمت اعلام و افاضل با جدیت و کوشش بسیار اشتغال یافته تا به مقامات عالیه رسیده دارای تألیفات عدیده‌ای که از آنها کتب زیر است می‌باشد.

۱- تحقیق المسائل شرح بر (روضه‌البهیة)

۲- رساله المبصره در احوال ابی‌بصیر

۳- (رساله سهو النبی (ص))

۴- تعلیقات تنفیح المقال

۵- قضاء امیرالمؤمنین (ع) مطبوع

۶- الاربعینات الثلاث

۷- جوامع احوال الائمه.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

شوشتری، نورالله

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قاضی نورالله بن سید شریف‌الدین شوشتری مرعشی که نسب شریفش با بیست و یک واسطه به سید علی مرعشی موصول و با بیست و شش واسطه به حضرت سیدالساجدین زین‌العابدین (ع) می‌رسد.

از مفاخر عالم تشیع و افتخارات دارالمؤمنین شوشتر و معاصر با عهد صفویه شاه عباس کبیر فقیهی اصولی و محدثی رجالی و ادیبی ریاضی و متکلمی محقق و شاعری ماهر و با کمالات صوری و معنوی و نفسانی و روحانی معروف بوده است.

در زمان اکبرشاه هندی برای تبلیغ اسلام و ارشاد عوام کالانعام هندوستان به هند مسافرت نمود و در لاهور به منصب قضاوت و

داوری بین مردم رسید و مرجع خودی و بیگانه گردید و اهتمام تمام در انجام وظائف و امر به معروف و نهی از منکر و تبلیغات دینیه نمود.

و ضمناً تألیفات نافعه متنوعه بسیاری در فنون مختلفه که حاکی از تبحر و نبوغ و جامع معقول و منقول بودنش بوده به یادگار گذاشت و جان شریفش را در راه خدمت به مذهب حقه اثنا عشریه تقدیم نمود و در راه این هدف به دست سنیان متعصب به وضع فجیعی شهید و رغماً لائفهم قبرش در آگره هند (اکبرآباد) مزار موافق و مخالف گردید.

و چندین سالست که در نیمه ماه شعبان صدها هزار نفر از شیعه و سنی هند و پاکستان و نقاط دیگر به زیارت قبرش شتافته و مراسمی را انجام می‌دهند.

کیفیت شهادت

اما چگونگی شهادت او چنانچه در شهداء الفضیله علامه امینی و ریحان‌الادب خیابانی و مقدمه شرح احقاق‌الحق علامه نسابه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله است.

از این قرار است که علماء نواصب اهل سنت بر موقعیت وی حسد بردند و از کتاب احقاق‌الحق او سعایت کردند نزد سلطان اکبرشاه که این سید رافضی است و دلیل بر رفض او اینست که در کتابهایش بر علی کرم‌الله وجهه صلوات می‌فرستد و صلوات‌الله‌علیه می‌گوید.

و این خلاف سنت کرده و مرتکب بدعتی شده است و همگی فتوای قتل او را دادند.

پس شاه گفت همه بنویسند پس نوشتند و امضا کردند و شاه چون امضاها را خواند گفت:

پس چرا فلاں عالم امضا نکرده او باید حتماً امضا کند پس نزد آن عالم رفتند که از او امضا بگیرند او گفت این شخص چرا واجب‌القتل باشد گفتند چون برای علی صلوات‌الله‌علیه می‌نویسد و صلوات مخصوص به پیغمبر است.

در جواب نوشت حدیث نبوی (یا علی لحمک لحمی و دمک دمی... مسلم اهل قبله است و چون علی لحم و دم پیغمبر است پس همچنانکه برای پیغمبر صلی‌الله‌علیه می‌گوئیم برای علی هم باید (صلوات‌الله‌علیه) بگوئیم بنابراین سید مرتکب بدعت نشده و این شعر را به هندی نوشت.

گر لحمک لحمی بحدیث نبوی هی

بی صلی علی نام علی بی ادبی هی

پس اکبرشاه اجازه قتل او را نداد تا بعد از او در زمان پسر جوان ساده و مستش شده عالم گیر در سال ۱۰۱۹ هجری علماء حسود ناصبی آن بزرگوار را در راه گرفته و چندان سیم خاردار بر بدن او زدند تا اعضایش را پاره پاره نمودند و وی را شهید راه حق کردند. از اشعار اوست این ابیات:

عشق تو نهالیست که خواری ثمر اوست

من خاری از آن بادیه‌ام کاین شجر اوست

بر مانده عشق اگر روزه گشائی

هش دار که صد گونه بلا ما حضر اوست

وه کاین شب هجران تو بر ما چه دراز است

گوئی که مگر صبح قیامت سحر اوست

فرهاد صفت این همه جان‌کندن (نوری)

در کوه ملامت بهوای کمر اوست

تخلص آن بزرگوار نوری می‌باشد و وقتی در هندجان خود را در مخاطره دید با خویش گفت.

خوش پریشان شده‌ای با تو نگفتم نوری

آفتی این سر و سامان تو در پی دارد

صاحب عبقات‌الانوار علامه میر حامد حسین هندی زحمات بسیاری برای مزار آن بزرگوار کشید و به فرزندش علامه سید ناصر حسین وصیت کرد که در احیاء مزار شهید کوشش و تکمیل نماید و او به فرزندش ناصر سعید سفارش کرد خلاصه به همت و جدیت بیت جلیل صاحب عبقات مزار کثیرالبرکاتش بنا و همه ساله در ماه شعبان و غیر آن مردم از دور و نزدیک به زیارتش می‌روند.

در سال ۱۳۹۰ هجری که مزار و کتابخانه شهید را افتتاح نمودند از تمام مراجع بزرگ و آیات عظام عراق و ایران و بلاد دیگر رسماً دعوت کردند و نگارنده هم دعوت داشتم لکن موفق نشدم و نمایندگان مراجع آیت‌الله العظمی میلانی و آیت‌الله العظمی مرعشی و آیت‌الله العظمی شاهرودی و شریعتمداری و دیگران با شرکت صدها هزار نفر آنجا را افتتاح و مراسمی را انجام و پیام آیات عظام را به مردم مسلمان هند رسانیدند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شوشتریان، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۷، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی بیماریهای کودکان و فوق تخصص عفونی کودکان.

مرتبه علمی:

استاد دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی اسهال در شیرخواران، توبوکولین تست در شیرخواران واکسینه شده با ب. ث. ژ، بررسی مننژیت در اطفال، بررسی عفونت

در کودکان مبتلا به بیماریهای بدخیم، استاد راهنمای تعداد زیادی پایان‌نامه دکترا و تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

بررسی اسهال در شیرخواران .

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: متعدد، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

در زمینه بیماریهای کودکان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شوقی، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق، مؤلف.

تولد: همدان.

درگذشت: اسفند ۱۳۶۷، لندن.

سید عباس شوقی از دیربانی بود که سال‌های بسیار به تدریس مشغول بود. وی عهده‌دار ریاست فرهنگ در برخی از شهرها بود و چندی هم در اداره‌ی نگارش وزارت فرهنگ خدمت می‌کرد و از هم قلمان مجله‌های «آموزش و پرورش»، «جهان نو» و «یغما» بود و برای آنها مقالاتی می‌نوشت. از تألیفات او دشت گرگان، ترجمه‌ی تاریخ فلسفه در اسلام (تألیف دبور)؛ ترجمه‌ی آراء و عقاید (از گوستاو لوبون)؛ ترجمه‌ی بنیاد انواع (چارلز داروین)؛ ترجمه‌ی در تربیت (از برتراند راسل، ۱۳۲۸) چاپ شده است. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

شوکت شیرازی، شمس‌الدین حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۲ - ۱۲۵۴ ق)، مورخ، مترجم و شاعر، متخلص به شوکت. شوکت در تهران متولد شده و چندی در اصفهان و از آن پس در عتبات عالیات تحصیل کرد. نامبرده سالها منشی اول سفارت عثمانی در تهران بود. از آثار او: «تاریخ اسکندر» و «تاریخ شارل دوازدهم پادشاه سوئد» را به وی نسبت می‌دهند. در «فارسنامه‌ی ناصری» تخلص او شکوه شیرازی ذکر شده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۸۸۵ - ۸۸۳ / ۲)، الذریعه (۵۵۱/۹)، شرح حال رجال (۳۳۴/۱)، فارسنامه ناصری (۱۱۷۱/۲)، المآثر و الآثار (۲۱۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۵/۲)، مجمع الفصحا (۵۳۵/۵)، مرآت الفصاحه (۲۲۵)، مکارم الآثار (۳۰۳/۲)، یغما (س ۷، ش ۴، ص ۱۶۲).

شوندی در جزینی همدانی، حسینقلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۱-۱۲۳۹ ق)، فقیه و عالم. در قریه‌ی شوند متولد شد. در کودکی با پدر به تهران آمد و پس از فراگیری مقدمات، به تحصیل سطوح در محضر شیخ عبدالحسین تهرانی، معروف به شیخ العراقین، پرداخت و بعد در سبزوار از محضر ملاهادی، فیلسوف معروف، کسب فیض کرد و در نجف از حوزه‌ی درس شیخ مرتضی انصاری استفاده‌ی فراوانی برد. ملاحسینقلی به ریاست و مرجعیت دل نیست و در خانه‌ی خود به تدریس درس اخلاق و سپس فقه و اصول پرداخت، و سرانجام در کربلا درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: شرح حال رجال (۹۴/۶).

شه ناصر، نصرالله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن عبدالله خان لله باشی بن مهدی قهپایه‌ای. ادیب و شاعر متخلص به «شاه ناصری» قسمتی از دیوان اشعار او به نام «تحفة الجاوید» به طبع رسیده. در ۱۲۹۷ در قریه‌ی حریصه متولد، و در ۱۳۸۴ وفات یافته است.

این خاندان، خود را از اولاد شاه ناصر مدفون در مزرعه‌ی شنانه‌ی جبل قهپایه می‌دانند.

شاعر توانا آقای برنا در ماه تاریخ وفات او گوید:

پی سال تاریخ برنا سرود

شده در جنان شاه ناصر مکین

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شهاب منشی، شهاب‌الدین محمد، علی

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، ادیب. وی کتابی به نام «همایون نامه» در انشای فارسی، به نام خواجه غیاث‌الدین پیر احمد وزیر نوشته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۲۶۰)، کشف الظنون (۲۰۴۶).

شهاب، محمدهادی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد هادی شهاب

محل تولد: بیرجند

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۶۲ در رشته ریاضی و فیزیک در مقطع دیپلم از دبیرستان آیت الله طالقانی بیرجند فارغ التحصیل شده و در همانسال وارد حوزه علمیه قم شده در مدرسه رسالت مشغول به تحصیل شدم.

پس از یک سال به مدرسه رضویه قم انتقال پیدا کردم سطوح مقدماتی و سطح حوزه را تا سال ۱۳۷۰ پشت سر گذاشتم و همزمان با تحصیل حوزوی و شرکت در دروس خارج در سال ۱۳۶۸ از طریق کنکور سراسری وارد دانشگاه تهران رشته فلسفه شدم و با حضور هفته ای یک روز در میان این دوره را ادامه داده در سال ۱۳۷۲ بلافاصله در کارشناسی ارشد همان رشته در همان دانشگاه به ادامه تحصیل مشغول شدم. از سال ۱۳۷۰ در موسسه آموزش و پژوهش امام خمینی (که آن موقع با عنوان موسسه باقرالعلوم فعالیت می کرد) در گروه تازه تأسیس کلام جدید در مقطع کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل شدم و از جلسات درس حضرات آقایان لاریجانی، ملکیان بهره بردم.

از سال ۱۳۷۵ مدتی در مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب و سپس در پژوهشکده فلسفه و کلام پژوهشگاه فرهنگ اسلامی (وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی) به کارهای تحقیقاتی در گروههای فلسفه - فلسفه دین - مشغول شده و این همکاری تا مدتی که در قم بودم ادامه داشت در همین سالها از سال ۱۳۷۴ تا کنون در مراکز مختلف حوزوی و دانشگاهی قم و تهران به تدریس دروس منطق و فلسفه و کلام و مشغول شدم. و سرانجام در سال ۱۳۷۸ در دوره دکتری کلام جدید تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شدم. و در سال ۱۳۸۴ از رساله خود دفاع کردم. در سال ۱۳۸۰ به دلیل پاره ای مشکلات به بیرجند آمدم و در دانشگاه بیرجند در گروه معارف اسلامی به تدریس مشغول شدم که تاکنون ادامه دارد.

شهابی خراسانی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد، فقیه.

تولد: ۱۲۸۰ (۱۳۲۱ ق.)، تربت حیدریه.

درگذشت: مرداد ۱۳۶۵، استراسبورگ فرانسه.

علامه محمود شهابی خراسانی (نام وی در سواد اجازت وی به این صورت به کار رفته است: میرزا محمود تربتی)، فرزند عبدالسلام، تحصیلات مقدماتی را در تربت حیدریه گذراند و پس از آن در مشهد نزد اساتید زمان، همانند حاج آقا حسین قمی، آقا میرزا محمد آقازاده خراسانی به آموختن علوم دینی پرداخت. همچنین در مشهد از محضر آیات عظام عبدالجواد ادیب نیشابوری (ادیب اول) در ادبیات فارسی و عربی، استفاده نمود. سپس در نوجوانی وارد حوزه علمیه اصفهان شد و به تکمیل علوم و معارف اسلامی همت گماشت. در حوزه اصفهان از درس اساتیدی همانند آیت الله محمدحسن فشارکی در فلسفه و عرفان بهره جست و بنا بر قولی نزد آقا بزرگ خراسانی به آموختن دانش رجال پرداخت. استاد شهابی چنانکه در اجازات وی آمده است در سن بیست و

پنج سالگی به درجه اجتهاد رسید. وی دارای جواز اجتهاد و روایت از آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، آیت‌الله محمدحسن فشارکی بود.

پس از طی تحصیلات، به تدریس در مدرسه علمیه اصفهان پرداخت. از سال ۱۳۱۰ نیز در تهران به تدریس در مدرسه معقول و منقول پرداخت و پس از تأسیس دانشگاه در سال ۱۳۱۳ برای تدریس به دانشکده حقوق و علوم سیاسی دعوت شد که در آن دانشکده به تدریس قواعد و اصول فقه مشغول بود. مدتی نیز در شورای عالی فرهنگ عضویت داشت و چندی نیز قاضی تجدید نظر در محاکم شرع بود. پس از بازنشستگی به فرانسه رفت و در حوالی شهر استراسبورگ زندگی می‌کرد.

علامه محمود شهابی نزدیک به پنجاه اصل در مراکز دانشگاهی به تعلیم و تربیت اشتغال داشت. از آثار اوست: ادوار فقه (سه جلد، ۱۳۶۲)؛ رساله بود و نبود (در فلسفه، ۱۳۳۲)؛ رهبر خرد (در منطق، ۱۳۱۳)؛ تقریرات اصول (در علم اصول، ۱۳۲۱)؛ قواعد فقه (۱۳۲۳)؛ الاسلام و الشیعه (الامامیه) فی اسها التاریخی و کیانها (الاعتقادی)؛ تعلیق و تحشیه بر بخش العقود و الایقات از قسمت متاجر کتاب شرایع الاسلام محقق حلی (۱۳۲۳)؛ ترجمه و تعلیق مبدأ و معاد ابوعلی سینا (۱۳۳۲)؛ عظمت محمد (ص) (محمد احمد جاد المولی ترجمه به امضای م. ش.، ۱۳۱۸)؛ رساله روان‌شناسی ابن سینا (۱۳۱۵)؛ قاعده لاضرر (۱۳۳۰)؛ فاروق یکم (۱۳۱۳)؛ تصحیح و تعلیق لباب الاشارات (۱۳۲۹) امام فخر رازی؛ منطق (۱۳۱۷)؛ رساله وضع الفاظ؛ التنبیها و الاشارات ابن سینا (به انضمام لباب الاشارات فخر رازی، ۱۳۳۹). از جمله آثار وی که به چاپ نرسیده‌اند می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: الظل الممدوده فی امهات مباحث الوجود؛ مسرح الفؤاد فی ترجمه السید الداماد (مقدمه این کتاب در سیر و تطور و چگونگی دانش فلسفه و ترجمه احوال میرداماد بوده است با خط خود استاد در کتاب گلزار معانی چاپ شده است)، اجراء الفلک فی تفسیر سورة الملک (این تألیفات تماماً به عربی است)؛ رساله بیم و امید (در شرح حدیث من سأل عن التوحید)؛ خرد سنج (این کتاب جزوه کوچکی است که در زمینه دانش منطق و به پارسی نگاشته شده است). برخی از آثارش در مجلات به چاپ رسیده‌اند. «ایمان» که مؤسس آن خود وی بوده نوشته است. این مجله نوزده شماره در سالهای ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۵ منتشر شد. استاد به سبب یک بیماری جانکاه درگذشت.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

شهابی، علی‌اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مترجم، مؤلف.

تولد: ۱۲۸۷.

درگذشت: پاییز ۱۳۶۷.

علی‌اکبر شهابی مدتی دبیر دبیرستان‌ها بود و سپس به دانشگاه منتقل شد و تدریس زبان عربی را عهده‌دار بود و به استادی دانشگاه رسید. چندی به ریاست اداره‌ی اوقاف منصوب شد. از تألیفات اوست: احوال و آثار محمد بن جریر طبری (۱۳۳۵)؛ اصول الصرف (دو جلد)؛ اصول النحو (۱۳۴۰)؛ ترجمه‌ی تعبیر رؤیا (از ابن سینا، ۱۳۱۶)؛ نظامی شاعر داستان‌سرا (۱۳۳۷)؛ ماجرای تغییر خط (۱۳۳۸)؛ و چند رساله و کتاب دیگر از جمله رساله‌ای در تاریخچه‌ی اوقاف و رساله‌ای در روابط ایران و هند. وی همچنین مقاله‌هایی برای روزنامه‌ها و مجلات و از جمله «وحید»، «کیهان» و «یغما» می‌نوشت.

(۱۳۶۷-۱۲۸۷ ش)، استاد دانشگاه، نویسنده و محقق. در تربت حیدریه متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خویش و نزد پدر و برادر، علامه محمود شهابی، به انجام رساند. سپس برای ادامه تحصیلات به شهرهای مشهد، اصفهان و تهران سفر کرد تا اینکه از دانشکده‌ی الهیات دانشگاه تهران با احراز رتبه‌ی اول موفق به دریافت مدرک لیسانس در رشته‌ی منقول شد و از همان زمان خدمات فرهنگی خویش را آغاز نمود و به تدریس در دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران و دانشکده‌ی الهیات مشهد پرداخت. در خلال این مدت به کسب مدرک دکتری نایل آمد. وی مدتی نیز عهده‌دار سمتهای وابسته‌ی فرهنگی ایران در افغانستان و مدیر کل اوقاف کشور در سالهای پیش از کودتای ۲۸ مرداد بود. دکتر شهابی در شمار پژوهندگان و محققان معارف اسلامی بود. از آثار وی: «اصول النحو»، عربی؛ «اصول الصرف»، عربی؛ «اصول روانشناسی تربیتی»؛ تصحیح «رساله‌ی صناعیه‌ی» میرفندرسکی؛ «نظامی شاعر داستان‌سرا»؛ «روابط ادبی ایران و هند و تاثیر روابط ایران و هند در ادبیات صفویه»؛ «تاریخ وقف در اسلام»؛ «همبستگی تشیع و تصوف»؛ «شیعه شناسی»؛ ترجمه «تعبیر رویا»، بوعلی سینا. [۱]

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه [۱]: کیهان فرهنگی (س ۵- ش ۹- ص ۵۰)، مؤلفین کتب چاپی (۵۲۴-۵۲۲/۴)، نشر دانش (س ۱، ۱۳۶۷)، ۹، ص ۱۰۳.

شهباز، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۹ ش)، روزنامه‌نگار، مترجم و نویسنده. وی در مازندران بدنیا آمد و فارغ‌التحصیل از کالج آمریکایی اصفهان و دانشکده‌ی ادبیات در رشته‌ی زبان خارجه بود به آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی مسافرت کرد و معاونت رادیوی صدای آمریکا در ایران را بر عهده گرفت و متجاوز از پانزده سال سابقه‌ی مطبوعاتی داشت. از آثار وی: «افسانه‌های اپرا»؛ «بر باد برفته»، ترجمه؛ «خاطره‌ی یکدوست»؛ «راه بی‌پایان»، ترجمه؛ «سرگذشت من»، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: مؤلفین کتب چاپی (۵۴۶-۵۴۳/۲).

شهباز فر، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: علوم آزمایشگاهی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شهبید، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: دامپزشکی، دانشکده: دامپزشکی، دانشگاه: تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شده، زینب

قرن: ۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

(۵۷۴ - ۴۸۲/۴۸۵ ق)، فقیه، محدث و خطاط. ملقب به فخرالنساء بانویی عالم و هنرمند از ابیورد خراسان و همسر ثقةالدوله ابن انباری، از خاصان دربار المقتفی عباسی بود که در بغداد متولد شد و در فصاحت بیان مقامی بلند داشت. وی از محدثان زیادی مانند ابوالخطاب نصر بن احمد بطروانی ابو عبدالله حسین بن احمد طلحه نعالی و طراد بن محمد زینبی و فخرالاسلام ابوبکر محمد بن شاشی سماع حدیث کرد و همچنین کسانی مانند ابن جوزی و علی بن هبه‌الله شافعی و عبدالله بن عمر ابن ابی بکر مقدسی و عبدالرحمان بن عبدالوهاب حنبلی از او روایت و سماع حدیث کردند. او را جزو استادان خطوط سبعة، بخصوص ثلث و نسخ نیز آورده‌اند. زینب شهده قطعات و مرقعات نیکو می‌نگاشته و در بغداد چشم از جهان فروسته است. اینکه وی را استاد یاقوت مستعصمی دانسته‌اند، به هیچ وجه روا نیست. شهده را به جهت حسن خط و انشاء شهده الکاتبه نیز گفته‌اند. او از صوتی زیبا نیز برخوردار بود. [۱]

۱۳ محرم ۵۷۴ ق، زینب دختر احمد بن فرج بن عمر ابری دینوری (یا ابیوردی خراسانی) ملقب به فخرالنساء از زنان دانشمند. وی در بغداد متولد شد و از محدثان بزرگی مانند ابوالخطاب نصر بن احمد بطروانی، ابو عبدالله حسین بن احمد طلحه نعالی، طلحه بن محمد زینبی، ابوالحسن علی بن حسین بن ایوب، ابوالحسین احمد بن عبدالقادر بن یوسف، فخرالاسلام ابوبکر محمد بن شاشی، طراد بن محمد زینبی و ثابت بن بندار روایت و سماع حدیث کرد. همچنین کسانی مانند ابن جوزی، علی بن هبه‌الله شافعی، عبدالله بن عمر بن ابی بکر مقدسی، حسن بن عمر بن نصر، عبدالرحمن بن عبدالوهاب حنبلی و... از او روایت و سماع حدیث کردند. علاوه بر این وی دارای فضایل و کمالات گوناگون بود. حلاوت بیان و فصاحت لسان داشت و بدیهه گو بود و قطعات و مرقعات را نیز نیکو می‌نوشت. برخی او را استاد خط یاقوت مستعصمی دانسته‌اند که با توجه به تاریخ وفات یاقوت (۶۹۷ - ۶۷۷ ق)، این قول درست به نظر نمی‌رسد. وی در هشتاد سالگی درگذشت. [۲]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: [۱] احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۲۷/۴)، الاعلام (۲۵۹/۳)، پیدایش خط و خطاطان (۱۱۰)، تاریخ مشاهیر کرد (۴۹ - ۴۸/۱)، خوشنویسان و هنرمندان (۲۳ - ۲۲)، ریحانه (۲۷۰/۳)، لغت نامه (ذیل / شهده الکاتبه)، مشاهیر زنان (۱۳۷)، وفيات الاعیان (۴۷۸ - ۴۷۷/۲).

[۲] منابع: احوال و آثار خوشنویسان، ۱۲۲۷؛ اعلام النساء، ۳۱۲ - ۳۰۹/۲؛ پیدایش خط و خطاطان، ۱۵۸؛ تاریخ مشاهیر کرد، ۴۹ - ۴۸/۱؛ قاموس الاعلام، ۲۸۸۷/۱۴۲.

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۴۹ ق)، طیب و شاعر، متخلص به شهرت. ملقب به حکیم الممالک. از اعراب بود در شیراز نشو و نما یافت در علم طب استاد بود به هندوستان رفت، در آنجا به منصب عظیم سرافراز شد و در همان جا نیز درگذشت. از اشعار اوست:

مرا زلفت ز دام آزاد خواهد کرد می‌دانم

ولی بعد از رهایی یاد خواهد کرد می‌دانم

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی شعرای کشمیر (۶۰۸، ۱۸۵-۱۸۲/۵)، حدیقه الشعراء (۹۱۵/۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۷۲-۳۶۹/۳)، الذریعه (۵۵۸/۹)، سرو آزاد (۲۰۳-۲۰۱)، سفینه‌المحمود (۵۵۶/۲)، فرهنگ سخنوران (۵۲۱)، کاروان هند (۶۶۱-۶۶۰)، مجمع الفصحا (۵۴۰/۵)، مخزن الغرائب (۱۰۳۸-۱۰۳۴/۲)، مرآت الفصاحه (۳۳۱-۳۳۰)، مصطبه‌ی خراب (۱۰۶)، نتایج الافکار (۳۹۴-۳۹۳)، نشتر عشق (۸۲۹-۸۲۸/۳).

شهردار، یحیی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۹ ش)، پزشک و نویسنده. در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در تبریز و متوسطه را در تهران به پایان رساند. سپس به اروپا رفت و تحصیلات عالی را در رشته‌ی طب در لوزان و پاریس رساند و متخصص امراض داخلی در جهاز هاضمه شد. اثر وی: «ازدواج اجباری، اندرزهای طبی و صحی عملی» می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: مؤلفین کتب چاپی (۸۴۰-۸۳۹/۶).

شهرزاد، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۶-۱۲۷۷ ش)، مترجم و نمایشنامه‌نویس. در تهران به دنیا آمد و تحصیلات اولیه را از مدرسه‌ی سن لوئی آغاز کرد و زبان فرانسه را در آنجا آموخت. وی کم کم به ترجمه قطعاتی از ادبیات فرانسه پرداخت و پس از آن به نمایشنامه‌نویسی روی آورد. از فرط علاقه به داستانهای هزار و یک شب نام شهرزاد داستان گوی معروف هزار و یک شب را بر خود نهاد. شهرزاد، هنریشگانی را که نقش نمایشنامه‌های او را بر عهده داشتند تشویق می‌کرد و می‌کوشید قهرمانهای ساخته‌ی خود را هرچه بهتر و با شکوهرتر نشان دهد خود وی بارها به صحنه آمد و در سال ۱۳۰۸ ش که نمایشنامه «مجسمه‌ی مرمر» را نوشت خود با موفقیت در نقش اول آن ظاهر شد. در اواخر عمر وارد خدمات دولتی شد و سرانجام در صبح روز بیستم شهریور ماه ۱۳۱۶ ش خودکشی کرد. از آثار وی:

ترجمه‌ی «سالمه‌ی» اثر ساکاروایلده؛ «افسانه‌ی عشق»؛ «اصلی و کرم»؛ «کمر بند سحرآمیز»؛ «نمونه آثار پوشکین به یادگار صدمین سال وفات شاعر».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: از نیما تا روزگار ما (۴۳۷-۴۳۶)، مؤلفین کتب چاپی (۱۷۰/۳).

شهرستانی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج آقا نجفی شهرستانی بن السید الجلیل السید محمد بن المرحوم میرزا مهدی بن المرحوم میرزا صالح بن العالم الکامل السید محمدحسین بن العلامه الکبری میرزا محمد مهدی موسوی شهرستانی حایری از علماء مبرز و بنام معاصر تهران است که در ششم جمادی الاول سنه ۱۳۲۹ ق در نجف اشرف متولد و در دو سالگی در خدمت والدش به مشهد رضوی مشرف و بعد به طهران آمده و دوران مدارس ابتدائی را در ایران خوانده و در سال ۱۳۴۴ ق به نجف اشرف مشرف و شروع بتحصیل و مقدمات علوم قدیمه نموده و در اواسط سال ۱۳۴۹ ق به قم مشرف و مدت دو سال در قم اشتغال بتحصیل داشته و از درس و محضر آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی و مرحوم حاج میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و آیت‌الله حاج شیخ علی اصغر صالحی کرمانی استفاده نموده آنگاه به نجف مراجعت و بعد از تکمیل سطوح از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین کمپانی بهره‌مند گردیده و بعد از فوت مرحوم کمپانی بدرس مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی کاظمینی و آیت‌الله العظمی خوئی مد ظله حاضر شده و از خرمن علمشان خوشه‌ها چیده و بهره‌ها برده تا در سال ۱۳۶۷ ق بقصد مشهد مقدس به قم آمده و مورد لطف و عنایت آیت‌الله العظمی بروجردی گردیده و بامر معظم له بلرستان عزیمت و مدت شش سال در خرم‌آباد و بیشتر به ترویج پرداخته و در سال ۱۳۷۳ ق بنابر دعوت جمعی از مردم تهران و شمیرانات بتجریش آمده و بعد از چندی اقامت در آنجا به تهران رحل سکونت افکنده در خیابان روحی شهباز و در مسجد آشتیانیهای مرکز واقع در خیابان آشتیان به اقامه جماعت و ترویجات دینی و نشر احکام و سایر وظائف روحی اشتغال دارد.

نگارنده گوید: آقای شهرستانی عالمی فعال و جدی در امور و بسیار ظریف و خوش محاوره و خوش مجلس و روشن فکر و بصیر باوضاع و سخنوری ماهر و چندین سال بعنوان سرپرست حجاج ایرانی به مکه معظمه مشرف گردیده و این وظیفه را بخوبی انجام داده است.

وی در مطایبات مهارت کاملی و در مجلسی که شرکت داشته باشد آن مجلس رونق و صفا و ضیاء دیگری دارد. خاطرات شیرین و نوادر آموزنده و ارزنده‌ای دارد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

شهرستانی حایری، ضیاءالدین محمد حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۳۱۵ - ۱۲۵۶ ق)، محقق، فقیه، حکیم، ادیب و شاعر امامی. میر قوام‌الدین معروف به میر بزرگ مدفون در آمل از سادات مرعشی مازندرانی نیای بزرگ وی است. او در کرمانشاه متولد شد. نسبش به امام سجاد (ع) می‌رسد. او از شاگردان شیخ محمدحسین اردکانی در فقه و اصول بود و به دریافت اجازه از وی نایل گشت. هئیت و نجوم را از میرزا باقر یزدی و حساب و هندسه و عروض را از میرزا علام هروری حائری فراگرفت. در ۱۳۰۵ ق به زیارت مشهد رضوی رفت و چون به تهران آمد مورد استقبال عموم واقع شد و تدریس در مدرسه‌ی صدر قزوینی به وی تفویض گشت، اما او به کربلا- بازگشت و در آنجا مرجعیت جمعی از شیعیان را بر عهده گرفت. شهرستانی در کربلا در گذشت و در رواق حسینی نزدیک دیوار شهداء دفن شد. از دوازده سالگی شروع به تالیف نمود، و حدود هشتاد اثر از خود به جای گذاشت که از آن جمله‌اند: «الاستصحاب»؛ «اصول الاصول» در تلخیص «الفصول»؛ «غایه المسول و نهاییه المامول»، در علم اصول؛ «العنصر المتین»، که حاشیه «قوانین الاصول» است؛ «تحقیق الادله»، در اصول فقه؛ «الحججه البالغه و النعمه السابقه»؛ در اثبات حضرت حجت (عج)؛ «جنه النعمی»، در امامت؛ «تاریخ شهرستانی»؛ تذکره النفس؛ «تسهیل المشاکل»، در نحو؛ «تقویم الکواکب»؛ «الکوکب الدری»، در معرفت تقویم؛ «مواقع النجوم»، در هئیت؛ «اللباب فی الاسطرلاب»؛ «زوائد الفوائد»، در متفرقات؛ منظومه‌ی «تهذیب المنطق» به نام «مهذب التهذیب»؛ «لباب الاجتهاد»؛ «لب اللباب» لب «خلاصه الحساب» شیخ‌بهایی؛ منظومه «خوان نعمت»، در بیان نعمتهای الهی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۳۸/۶)، اعیان الشیعه (۲۳۲/۹)، الذریعه (۲۹۰، ۲۷۴/۱۸، ۲۳۶/۱۴، ۱۳۸/۱۲، ۲۶۴/۸، ۲۷۵/۷، ۲۵۸/۶، ۴۴۱، ۳۷۶، ۱۸۳، ۱۷۱/۴، ۱۹۱/۲۵، ۲۹۳/۲۳، ۲۲، ۱۱/۱۶، ۱۶۱/۵، ۴۸۱/۳، ۱۶۸، ۱۹/۲، ۴۶/۱)، ریحانه (۲۷۳- ۲۷۲/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۳۱- ۶۲۷/۱۴)، الکنی و الالقاب (۳۷۶/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۷۱- ۸۷۰/۲)، معجم المؤلفین (۲۵۷/۹)، مکارم الآثار (۱۵۳۸- ۱۵۳۶/۵)، هدیه العارفین (۳۹۷- ۳۹۶/۲).

شهرستانی، ابوالفتح محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۴۸- ۴۷۹/۴۶۷ ق)، فقیه، فیلسوف و متکلم اشعری. در شارستان (شهرستان) خراسان، بین نیشابور و خوارزم به دنیا آمد. او عالمی نیکو صفات بود. اما تایید مذهب فلاسفه و اتهام به گرایش به اسماعیلیه او را از درجه امامت و پیشوایی ساقط کرد. مدتی در خوارزم ساکن بود، سپس به خراسان منتقل شد. در نیشابور نزد احمد خوافی و ابونصر قشیری فقه آموخت و در نزد ابوالقاسم انصاری علم کلام را فراگرفت. او در نیشابور از علی بن مدینی و ابوالحسین بن اخرم حدیث شنید. در ۵۱۰ ق وارد بغداد شد و سه سال در آنجا اقامت گزید و به تدریس مشغول شد و درس و مجلس و عطفش در نظامیه‌ی بغداد مورد توجه و رغبت عامه واقع شد. از شاگردان بنام او ابوسعید عبدالکریم سمعانی است. شهرستانی در شهرستان خراسان در گذشت. از آثارش: «نهایه الاقدام فی علم الکلام»؛ «الملل و النحل»؛ «المناهج و البینات»؛ «کتاب المضارعه»؛ «تلخیص الاقسام لمذاهب الانام»؛ «الارشاد الی عقاید العباد»؛ «مصارعات الفلاسفه»؛ «تاریخ الحكماء»؛ «المبدء و المعاد»؛ تفسیر فلسفی «سوره‌ی یوسف»؛ «غایه المراد»؛ «دقائق الاوهام» [۱].

(شهرستان) ابوالفتح محمد بن ابوالقاسم عبدالکریم فقیه و متکلم و عالم ادیان از دانشمندان اشعری (و. شهرستان ۴۷۹- ف. ۵۴۸ ه.ق.)، از شهرستان خراسان. وی نزد ابوالمظفر خوافی قاضی طوس و ابونصر قشیری و ابوالقاسم سلمان بن ناصر انصاری و ابوالحسن علی بن احمد مدینی علم آموخت، و در بحث و مناظره و وعظ و تذکیر از مشاهیر عهد گردید. مدتی در خوارزم به سر برد و سه

سال در بغداد زیست، و پس از بازگشت از بغداد باقی عمر را در خراسان گذرانید، و مدتی ملازم مجدالدین ابوالقاسم علی نقیب سادات ترمذ بود و دو کتاب خود الملل و النحل (م.ه) والمصارعه (م.ه) را به نام او تألیف کرد، و سپس به خدمت سلطان سنجر پیوست، و آنگاه به مولد خود شهرستان رفت و همانجا بود تا در گذشت. دیگر از آثار او نهایتاً الاقدام (م.ه) است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۸۴-۸۳/۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۹۷-۲۹۶، ۲۸۶-۲۸۵، ۲۷۰-۲۶۹/۲)، تاریخ علم کلام در ایران (۲۶۶-۲۴۶)، روضات الجنات (۲۸-۲۴/۸)، ریحانه (۲۷۲/۳)، سیر النبلاء (۲۸۸-۲۸۶/۲۰)، الکنی و الالقاب (۳۷۴/۲)، لسان المیزان (۳۰۶-۳۰۴/۶)، لغت نامه (ذیل / شهرستانی)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۰-۵۶۸/۵)، مدارس نظامیه (۱۷۳، ۱۰۵)، معجم المؤلفین (۱۸۷/۱۰)، معجم البلدان (۴۲۸-۴۲۷/۳)، الملل و النحل (مقدمه)، الوافی بالوفیات (۲۷۹-۲۷۸/۳)، وفیات الاعیان (۲۷۵-۲۷۳/۴)، هدیه الاحباب (۱۶۵-۱۶۴).

شهرستانی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ح ۱۳۲۴ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. وی در نجف به دنیا آمد، و در همان شهر نشو و نما یافت. پدرش، سید علی اصغر، از علمای بزرگ نجف و از مشاهیر دانشمندان عراق و سلسله‌ی شهرستانی بود. پس از گذراندن دوران سطوح از محضر آیت‌الله شیخ ابوالحسن مشکینی و آیت‌الله نائینی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله شیخ محمدحسن اصفهانی و آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نمود تا به مدارج کمال رسید. وی از همه اساتیدش دارای اجازه اجتهاد بود. وی سالهای متمادی در مدرسه‌ی فیروزآبادی تهران به تدریس فقه و اصول اشتغال داشت و در مسجد سنگی مولوی اقامه جماعت می‌نموده است. از آثار وی: «تقریرات» درس استادش مشکینی؛ شرح «وقت و قبله لمعه»؛ «توضیح الکفایه»، در شرح «کفایه الاصول»؛ رساله «الصرط الاقوم لبطلان الصلوه فی الخیط من الابرسم»؛ رساله‌ای در «عدم مشروعیت جمعه و عیدین در غیبت کبری» [۱].

حاج سید احمد شهرستانی ابن العالم الجلیل آیت‌الله حاج سید علی اصغر شهرستانی از علماء ابرار و دانشمندان اخیار و پرهیزکار معاصر تهرانت.

وی در ۱۹ ذی‌قعد الحرام ۱۳۲۴ قمری در نجف اشرف متولد شده و در مهد علم و تقوی پرورش یافته و پس از دوران سطوح از محضر مرحوم آیت‌الله مشکینی و آیت‌الله نائینی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله حاج شیخ محمدحسن اصفهانی و آیت‌الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نموده تا بمدارج علم و کمال رسیده و از نامبردگان در سال ۱۳۵۰ مفتخر به دریافت اجازه اجتهاد گردیده و موفق بجمله‌ای از تحریرات و تألیفاتی که ذیلاً می‌نگارم گردیده است و آنها از این قرار است:

۱- شرح وقت و قبله لمعه که در سال ۱۳۴۶ قمری فارغ شده ۲- توضیح الکفایه شرح بر کفایه الاصول ۳- رساله الصراط الاقوم لبطلان الصلوه فی الخیط من الابرسم در سال ۱۳۵۲ قمری فراغت یافته ۴- رساله در عدم مشروعیت جمعه و عیدین در غیبت کبری در سال ۱۳۵۴ اتمام یافته است.

نگارنده گوید مترجم گرامی ما آقای شهرستانی از علماء با تقوا و فضیلت و دارای مکارم اخلاق و محامد آداب است و سالهای متمادیست که در مدرسه فیروزآبادی در خیابان سیروس بتدریس فقه و اصول اشتغال دارند و در مسجد سنگی واقع در خیابان مولوی اقامه جماعت نموده و بنشر معارف اسلامی و وظائف روحی و دینی موفق می‌باشند و بیت جلیل معظم له از بیوتات اصیله

روحانیت و سر سلسله آنها مرحوم آیت‌الله العظمی میرزا شهرستانی بزرگ بوده که بر جنازه مرحوم آیت‌الله علامه بحر العلوم نماز خوانده و در سال ۱۲۱۶ وفات و ترجمه‌اش در اغلب کتب رجالی موجود و اعلام این طایفه ذکرشان در کتب تراجم منتشر و از آنها مرحوم والد ماجدش حجة الاسلام والمسلمین علم الاعلام آیت‌الله حاج سید علی اصغر شهرستانی از علماء بزرگ نجف و مشاهیر دانشمندان عراق و سلسله شهرستانی بوده و ترجمه‌اش در اعیان الشیعه آیت‌الله حاج سید محسن امین و اعلام الشیعه آیت‌الله آقا بزرگ تهرانی و سایر کتب مسطور است.

فرزند آن بزرگوار جناب حجة الاسلام آقای حاج سید احمد شهرستانی از افاضل این دودمانست که سالها در قم از محضر آیات کسب فیض و علم و کمال نموده و اکنون به انجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۳۲/۱۵، ۱۷۰/۱۴، ۴/۴۹۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۱۵۷۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۹۸-۴۹۶). (۴/)

شهرستانی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم علامه بزرگوار و مجاهد فداکار آیت‌الله سید محمدعلی شهیر بهبه‌الدین شهرستانی که از نوابغ زمان ما و نوادر دانشمندان و پیکره علم و سیاست و بیان و قلم و صاحب تصانیف کثیره می‌باشد.

معظم له از اکابر علماء و اعظم دانشمندان شیعه و مفاخر امامیه و مسلمین بودند در بغداد و با اینکه دشمنان دین اسلام انگلیس‌ها از دو چشم و بینائی محروم نموندند که به گفته یکی از علماء بزرگ مصر دو چشم علم و سیاست را کور کردند روزی از تصنیف و تألیف و تدریس غفلت نموده و شب و روز خود را مصروف این موضوع می‌داشت در حیات مرحوم آیت‌الله حایری و بعد از فوت ایشان به قم مشرف شده و مورد تجلیل رؤساء و زعماء حوزه قرار گرفت.

روزی در شهر ری برای استراحت به منزل این نگارنده آمده و تلمظ بسیاری نموده و فرمودند شنیده‌ام کتابی در شرح زندگانی حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام نوشته‌ای عرض کردم آری و دو جلد خدمتشان تقدیم نمودم فرمودند نه تنها بر سیدالکریم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام حقی داری بلکه بر ما آل شهرستانی که از طرف مادر منسوب به آن حضرت هستیم نیز حقی داری نسب شریف این بزرگوار به حضرت حسین بن علی علیه‌السلام می‌رسد جد ایشان سید محمد مهدی بن سید ابوالقاسم شهرستانی معاصر سمی خود بحرالعلوم متوفی ۱۲۱۶ قمری از ایران به کربلا مهاجرت کرد و این خاندان جلیل در کربلا و اصفهان و تهران و غیر آن منتشر و اغلب ایشان از اشراف و رجال علم و سیاستند.

و از این سلسله طاهره است سید اسماعیل صدرالدین وزیر دولت صفویه در سنه ۹۶۳ قمری که بر علم و دین خدماتی نموده است ولادت مرحوم علامه هبه‌الدین شهرستانی روز سه‌شنبه ۲۴ رجب ۱۳۰۱ در سامرا واقع شده و در حجر جد امیش مرحوم سید حسین و مادرش سیده مریم پرورش یافته و مبادی علوم و آداب را نزد بعضی از افاضل کربلا تحصیل نمود و بعد از وفات والد ماجدش عالم و محدث مشهور سید مرتضی کشمیری از نجف اشرف به جهت تعزیت پدر بزرگوارش آمد و هجرت نجف را برای تکمیل ترجیح داد و فرمود اگر تردید داری استخاره کن. گفت شما استخاره بفرمائید. مرحوم آیت‌الله کشمیری استخاره کرد این آیه آمد (و جعلنا ابن مریم و امه آیه و آوینا هما الی ربوة ذات قرار و معین).

پس سید هبة‌الدین مهاجرت به نجف را اختیار نمود به او والده کریمه‌اش به آن بلده طیبه در ۲۱ شعبان سال ۱۳۲۰ قمری مسافرت فرمود و در نزد اعلامی مانند آخوند خراسانی و شیخ‌الشریعه و دیگران تلمذ نمود و ضمناً حوزه تدریس تشکیل داده و از مجلس درس او جماعتی که شهرت و آثار علمیه ایشان آفاق عالم را گرفت مانند شیخ جعفر نقدی و شیخ محمدرضا شبیبی و سید سعید کمال‌الدین و بسیاری دیگر بیرون آمدند.

مسافرت مهمی به بلاد هند و دریای عمان نمود و شهرهای بسیاری را دیدن کرد و حدود هفت سال این مسافرتش طول کشید و جماعتی از هند و یهود عنود و دیگران را مسلمان کرد و در بازگشتش در عماره استقبال بی‌نظیری از ایشان به عمل آمد و اشعاری در مدح ایشان سروده شد که مطلع یکی از قصائد این است:

سريت و سار النصر قبلک والسعد

و ابت و آبت خلفک الهند والسند

و لا عجب اذ کنت ترشد مثلهم

فمثلک منه يطلب العلم والرشد

چند سالی بنا بر اصرار و دعوت ملک فیصل و الحاح علماء عراق وزیر معارف عراق گردیده و در ۲۵ محرم ۱۳۴۰ قمری به امر ملک فیصل و اصرار فقهاء آن عصر تشکیل محکمه علیا برای تمیز احکام به مذهب جعفری و ریاست محکمه موسومه در مجلس تمیز با او بوده و خدمات بسیار به مذهب و شیعیان اهل بیت عصمت نمود خدایش رحمت کند و درجاتش را متعالی گرداند. در سال ۱۳۸۵ رحلت نموده و در صحن مطهر کاظمین در جنب کتابخانه جوادین علیهماالسلام مدفون گردید. آثار علمی او بسیار مانند هیئته الاسلام و کتاب نهضة الحسين علیه السلام و ده‌ها کتاب دیگر که در الذریعه مذکور است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

شهرستانی، محمد مهدی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند سید ابوالقاسم موسوی اصفهانی.

از اکابر علمای امامیه، فقیه زاهد عالم کامل مفسر. در حدود سال ۱۱۳۰ در اصفهان متولد گردید، و در ۱۲ صفر ۱۲۱۶ در کربلا وفات یافته. پس از تحصیل مقدمات در اصفهان با اهل و عیال و خانواده به کربلا مهاجرت نموده، و در آن ارض اقدس سکونت فرمود، و در آنجا نزد: وحید بهبهانی، و شیخ یوسف بحرانی، و ملا مهدی فتونی تحصیل نموده، و خود حوزه‌ی درس فقه و اصول و تفسیر داشته، و در بین شاگردان بهبهانی از جنبه‌ی تفسیر شهرت داشته، کمتر تألیف می‌نموده.

تألیفات او عبارت است از: ۱- تفسیر برخی از سوره‌های قرآن ۲- حاشیه بر مفاتیح ۳- فذالک، در شرح مدارک ۴- مصابیح، در فقه؛ و غیره.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شهرستانی، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند مرحوم آیت‌الله العظمی میر محمدحسین حسینی مرعشی شهرستانی از مشایخ روایتی سید استاد ما آیت‌الله نجفی مرعشی است دارای تألیفات چندی است مانند البیان المبرهن فی عرس القاسم بن الحسن والتبیین فی تفسیر غریب القرآن والتحفه العلویه فی الافاق الرضویه و تحفه المؤمنین می‌باشد.

در سال ۱۳۴۱ به اتفاق مراجع مذکور به قم آمده و پس از مدت مذکور مراجعت به کربلا نموده وفاتش در یازدهم رجب هزار و سیصد و چهل و چهار واقع گردید.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

شهرستانی، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

امیر محمد حسین فرزند عالم بزرگوار حاج میرزا محمد علی فرزند علامه امیر محمد حسین مرعشی حائری، معروف به آیت‌الله شهرستانی، یکی از بزرگان علما و مشاهیر مکتب ما در اوایل قرن چهاردهم هجری است.

دانشمند محقق، فقیه محدث، رکن معتمد و سید متبوع، بزرگواری که در احاطه به فنون مختلف علمی معروف، و تألیفاتش احاطه به دانشهایش را معلوم، و ذکر جمیلش در جهان تشیع همه را مشهور، و سیمای ملکوتیش بر همگان مقبول، و اخلاصش در نزد خدای دو جهان منظور است. پدرش از سادات عظام خاندان مرعشی، و نسب شریفش به حضرت سجاد علیه السلام منتهی و مادرش سبط وحید بهبهانی است. از اوایل کودکی و نوجوانی به دنبال تحصیل دانشهای دینی و اسلامی بود و سالها از اساتید متعدد در عتبات عالیات برخوردار گشت و مراتب علمی او بیشتر از محضر علامه اردکانی عاید او گشت. جناب او یکی از اساتید بزرگ عراق گردید که شهرت و آوازه تدریس او به همه جا پیچید و آثار گرانبهایش به نقاط مختلف دست به دست چرخید: در اصول فقه غایه مسؤل، در شرح شرایع کتاب شوارع، و در تحقیق ادله: لباب الاجتهاد، و در اثبات امام منتظر جنه نعیم، و در نکاح کتاب در نضید را به رشته تحریر برد، و از دیگر آثار اوست: تلخیص و تلویح، کوکب دری، صحیفه حسنیه، مواقع النجوم، موائد، سبیل الرشاد، عنصر متین، تبنه الانام، ارشاد عوام، تذکره النفس و غیره. شهرستانی در نوجوانی به درجه اجتهاد رسید و در سن دوازده سالگی شروع به تألیفات نمود، و سالها در نجف اشرف از حوزه درس او بهره‌ها بردند، و از خرمن وجودش خوشه‌های مختلف چیدند، و اکثر صاحب تراجم علما به اوصافش قلمفرسائیه نمودند، ولی سرانجام آن صورت زیبا چون ماه بدر تمام لاجرم افول نمود و آفتاب جمالش به شب پنجشنبه سوم شوال ۱۳۱۵ غروب نمود، و به کنار تربت جد عزیزش سالار شهیدان مدفون گشت، ولی تألیفات او و فرزندان و احفاد او برای همیشه، جاویدش کرد. فرزندش حاج میرزا محمد علی و آقا زاده‌ها و احفاد او، و تمام بیت او از اعلام بزرگ و پرچمداران مذهب تشیع بوده و هستند. فرزند مجتهد او صاحب کتاب تبیان در تفسیر است، و تحفه علوی و تحفه مؤمن و بیان مبرهن او معروف است. وفات حاج میرزا محمد علی آقازاده را در سال ۱۳۴۴ نوشته‌اند.

منابع زندگینامه: <http://www.shaaer.com>

شهرستانی، هبة‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۸۶ - ۱۳۰۱ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، هیوی، مجتهد، مفسر و رجالی. ملقب به هبه‌الدین و معروف به شهرستانی. نسبش با سی واسطه به زید بن علی بن حسین (ع) می‌رسد. او از سادات شهرستانی اصفهان است. در سامرا به دنیا آمد. مقدمات را در محضر پدرش آموخت. وی علاوه بر فراگیری صرف و نحو، منطق، عروض، بدیع، معانی و بیان از تاریخ و حدیث و ریاضیات نیز بهره‌مند گشت. در ۱۳۱۹ ق به نجف رفت و در حوزه درس آخوند خراسانی و سید محمد کاظم یزدی و شریعت اصفهانی شرکت نمود و به درجه‌ی اجتهاد نایل آمد و خود مستقلاً به تدریس پرداخت. شیخ جعفر نقدی و شیخ محمدرضا شبیبی و سید سعید کمال‌الدین از شاگردان او بودند. وی از شیخ محمدباقر اصطهباناتی شیرازی و سید عبدالصمد موسوی شوشتری و امیر سید محمد آل امیر سید علی کبیر و سید حسن بن هادی شرف‌الدین کاظمی و سید صدرالدین عاملی اصفهانی و آخوند خراسانی اجازه‌ی روایت و از سید مصطفی حجت کاشانی و سید محمد مجتهد کاشانی و سید مولوی هندی و سید محمد مهدی حکیمی و سید محمد حجت فیروزآبادی اجازه‌ی اجتهاد داشت. او در ۱۳۲۸ ق مجله‌ی «العلم» را منتشر نمود که نخستین مجله عربی در نجف است و برای پشتیبانی آن کتابخانه‌ای تأسیس کرد تا علما و ادبا و به ویژه جوانان بتوانند از آن استفاده کامل برند. وی همچنین با مجله «المرشد البغدادی» همکاری داشت، و برای نشر معارف دینی به سوریه، لبنان، مصر، حجاز، یمن، ایران و هند مسافرت نمود. در دوره‌ی ملک فیصل، پادشاه عراق، عهده‌دار منصب وزارت معارف گردید. در ۱۳۴۰ ق از مقام خود استعفا نمود و به امر تألیف پرداخت. در ۱۳۴۲ ق مجدداً به امر حکومت عراق به ریاست دیوان عالی تمیز (مجلس تمیز جعفری) منصوب گشت. همچنین در ۱۳۵۲ ق از طرف مردم بغداد به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید و پس از انحلال مجلس در همان سال، تمامی اوقات خود را صرف تألیف نمود. در اواخر عمر در کاظمین کتابخانه‌ای به نام مکتبه‌الجوادین تأسیس نمود و کتابخانه شخصی خود را به آنجا منتقل کرد. او در کاظمین درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد. از آثار علمی‌اش: «الامامة والامة»، «الجامعة الاسلامیة و العقائد القرآنیة»، «الجان والجن»، «حکمة الاحکام»، «الشريعة والطبیعة»، «فغان اسلام»، یا «دعوة‌نامه»، «ماهو نهج البلاغه»، «المعارف العالیة للمدارس الرقیة»، «ثقة الرواة»، «مواقع النجوم فی تحقیق سماء الدنيا والرجوم»، «نقض الفرض فی اثبات حركة الارض»، «نهضة الحسين (ع)»، «الهیة والاسلام»، «تفسیر سوره‌ی «الواقعة»»، «توحید اهل التوحید»، «المرجانیة»، در تلخیص «دلایل الخیرات»، «تنزیه التنزیل»، در اثبات صیانت مصحف از نسخ و نقص و تحریف؛ «التنبه فی تحریم التشبه بین الرجال والنساء» یا «التنبه فی حرمة التشبه بین النساء والرجال»، «المعجزة الخالدة»، در اعجاز قران؛ «رواشح الفیوض فی علم العروض»، «اشاعة النوادر».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان‌الشیعه (۱۰/۲۶۱)، الذریعه (۲۶۰-۲۵۹/۲۵، ۴۳۰، ۲۴/۲۹۰، ۲۴۳، ۲۳/۲۳۰، ۲۰/۳۰۲، ۱۹/۳۲، ۲۷۷، ۲۷۸، ۱۰۶-۱۰۵، ۱۶/۳، ۱۶/۱۸۳، ۱۴/۱۰۱، ۳۸-۳۷/۱۲، ۲۵۷، ۱۱/۱۳۹، ۱۸۹، ۱۰/۴۴، ۸/۸۷، ۶/۳۷۸، ۵/۷۶، ۴۸۴، ۴/۲۲۹، ۴۸۷، ۴۸۶-۴۸۵، ۱۳۰، ۳/۶۳، ۴۸۱، ۲۱۴، ۲/۹۹)، ریحانه (۳۵۲-۳۵۰/۶)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۴۱۸-۱۴۱۳/۱۴)، علماء معاصرین (۲۱۱-۲۰۱)، معجم رجال‌الفکر والادب فی النجف (۷۶۲-۷۶۱/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۸۵-۲۸۲/۴).

شهریاری، حشمت‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

درگذشت: ۱۳۶۷.

از آثار اوست: تدوین علم الابدان، مسائل پزشکی و بهداشتی - به زبان ساده، برای همه (ترجمه اسدالله شهریاری).
برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

شهریاری، حمید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حمید شهریاری

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱۰/۱

زندگینامه علمی

حمید شهریاری، در دی ماه ۱۳۴۲ در تهران بدنیا آمد. تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان خوارزمی (شریعتی) میدان بهارستان گذراند و در سال ۱۳۶۰ با بالاترین معدل کتبی بین دانش آموزان سه کلاس ریاضی فیزیک، دیپلم گرفت. وی همان سال به حوزه علمیه قم رفت و دروس سطح حوزه را در مدت شش سال به پایان رساند. او در این سالها در پایه هفتم حوزه (رسایل و مکاسب) شاگرد اول شد و از دست آیات عظام وقت و حضرت امام - قدس سره - جوایزی دریافت کرد. وی در کنار تحصیل، به تدریس دروس حوزوی شامل ادبیات، منطق، کلام، فقه و اصول اشتغال داشت و پس از طی دوره آموزشی سطح، به مدت ده سال در درس خارج فقه و اصول استادانی همچون آیه الله سید کاظم حائری و مرحوم آیه الله شیخ جواد تبریزی، به طور مستمر شرکت کرد. از همان ابتدا به درس منطق و فلسفه علاقه داشت.

در همین سالها با مسافرت یک ساله به کشور نیوزلند با دنیای غرب آشنا شد و پس از بازگشت از سفر ضمن ادامه دروس حوزه. به مطالعه و تحقیق در علوم عقلی جدید از جمله کلام جدید، فلسفه اخلاق، فلسفه دین، منطق جدید، الهیات مسیحی و یهودی و علوم وابسته به آنها در بنیاد باقر العلوم - علیه السلام - همت گماشت. همزمان در دانشگاه تربیت مدرس قم پذیرفته شد و کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی را با نگارش رساله‌ای با عنوان «شورا در فتوا» به پایان رساند. این اثر بعدها به عنوان پژوهش برتر در حوزه دین نائل شد. شهریاری از سال ۱۳۷۵ مدیریت مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی قم را بر عهده دارد. نور الانوار نام یکی از دهها نرم‌افزار تولیدی این مرکز است که در سال ۱۳۷۸ رتبه دوم تحقیقات کاربردی را در جشنواره خوارزمی بدست آورد. شهریاری، دکترای فلسفه تطبیقی را در دانشگاه قم گذراند و با سفری یک ساله به عنوان دانشجوی مدعو در دانشگاه منچستر به سال ۱۳۸۱ به نگارش اثر فلسفه اخلاق در تفکر غرب از دیدگاه السدیر مک‌این‌تایر، دست یازید، که کتاب برتر دانشگاهی سال ۸۵ شد. او ریاست مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی (سازمان سمت)، مدیریت شبکه اطلاع‌رسانی (اینترنت) حوزه و دبیری شورای عالی اطلاع‌رسانی کشور را نیز در کارنامه اجرایی خود دارد. استاد شهریاری به عربی مسلط است و به روانی به انگلیسی سخن می‌گوید.

شهریاری، حمید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حمید شهریاری

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

زندگینامه علمی

حمید حوالی شهریاری، در دی ماه ۱۳۴۲ در تهران بدنیا آمد. تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان خوارزمی (شریعتی) میدان بهارستان گذراند، در سال ۱۳۶۰ با بالاترین معدل کتبی بین دانش آموزان سه کلاس ریاضی فیزیک، دیپلم گرفت. همان سال به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و دروس سطح حوزه را طی مدت شش سال به پایان رساند. او در این سالها در پایه هفتم حوزه (رسایل و مکاسب) شاگرد اول حوزه شد و از دست آیات عظام وقت و حضرت امام - قدس سره - جوایزی دریافت کرد. در کنار تحصیل به تدریس دروس حوزوی شامل ادبیات، منطق، کلام، فقه، و اصول اشتغال داشت. پس از طی دوره آموزشی سطح، به مدت ده سال در درس خارج فقه و اصول اساتیدی همچون آیه الله سید کاظم حائری، و مرحوم آیه الله شیخ جواد تبریزی، به طور مستمر، شرکت کرد. از همان ابتدا به درس منطق و فلسفه علاقه داشت. در همین سالها با مسافرت یک ساله به کشور نیوزلند با دنیای غرب مواجه شد و پس از بازگشت از سفر ضمن ادامه دروس حوزه به مطالعه و تحقیق در علوم عقلی جدید از جمله کلام جدید، فلسفه اخلاق، فلسفه دین، منطق جدید، الهیات مسیحی و یهودی و علوم وابسته به آنها در بنیاد باقر العلوم - علیه السلام - همت گماشت. همزمان در دانشگاه تربیت مدرس قم پذیرفته شد و کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی را با نگارش رساله‌ای با عنوان شورا در فتوا به پایان رساند. این اثر بعدها به عنوان پژوهش برتر در حوزه دین نائل آمد. از سال ۱۳۷۵ مدیریت مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی قم را بر عهده دارد. نور الانوار نام یکی از دهها نرم افزار تولیدی این مرکز است که در سال ۱۳۷۸ رتبه دوم تحقیقات کاربردی را در جشنواره خوارزمی بدست آورده است. دکترای فلسفه تطبیقی را در دانشگاه قم گذراند. با سفری یک ساله به عنوان دانشجوی مدعو در دانشگاه منچستر به سال ۱۳۸۱ به نگارش اثر فلسفه اخلاق در تفکر غرب از دیدگاه السدیر مک‌اینتایر، دست یازید، که کتاب برتر دانشگاهی سال ۸۵ و نیز کتاب سال فلسفه جمهوری اسلامی ایران در سال ۸۵ شد. او ریاست مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی (سازمان سمت)، معاون پژوهشی آن سازمان، مدیریت شبکه اطلاع‌رسانی (اینترنت) حوزه و دبیری شورای عالی اطلاع‌رسانی کشور را نیز در کارنامه اجرایی خود دارد. او به عربی مسلط است و به روانی به انگلیسی سخن می‌گوید.

شهریکندی، کریم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علم دینی.

تولد: ۱۳۰۵، روستای قاجر (اطراف مهاباد).

شهادت: ۲ فروردین ۱۳۶۱، مهاباد.

ملا کریم شهریکندی مقدمات را تا سیزده سالگی از پدر آموخت. پس از فوت پدر، به منظور ادامه‌ی تحصیل همراه برادرش ملا علی از شهریکند به روستای قروچا رفت و در آنجا در محضر ملا شیخ عمر مدرس به آموختن علوم اشتغال ورزید، چندی بعد نیز درسش را در قریه قراگوز ادامه داد. استادان او عبارت بودند از: ملا سید حسن مدرس روستای باغچه‌له‌ر؛ ملا عبدالله محمدی امام جمعه سقز؛ ملا علی بوغده کندی (از فضلاء بوغده کند)؛ ملا شیخ حسن شیخی عارف روستای شیلخر و ملا علی ولزی استاد روستای حمامیان از توابع بوکان. در سال ۱۳۱۸ به حوزه‌های علمی مهاباد روی آورد و مدت یک سال از محضر ملا صدیق صدقی استفاده علمی نمود و بالاخره تحصیلات عالی خود را در خدمت ملا حسین مجدی در مسجد بازار به پایان رسانید و اجازه‌نامه‌ی خود را از او دریافت نمود. در سال ۱۳۲۱ به امامت و تدریس قریه خلیفه لیان از توابع سلدوز نقده انتخاب شد و به آنجا رفت. مدتی بعد از طرف اهالی نقده به امامت و خطابت اهالی سنی نقده تعیین شد و به آن شهرستان رفت. اما پس از چند ماه به اصرار و استدعای اهالی خلیفه لیان برای بار دوم به آن قریه مراجعت کرد.

در سال ۱۳۳۱ به مهاباد رفت و مقیم شد، بلافاصله به عنوان مدرس مدرسه علوم دینی و امام جماعت مسجد مولوی از طرف اهالی مهاباد برگزیده شد و به تدریس مشغول شد. وی مدت بیست سال به تدریس در مدرسه علوم دینی و در دبیرستان‌ها مشغول بود و دانشجویان در تهیه و تنظیم پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی و دکترای ادبیات فارسی و عربی و حقوق و الهیات از او کمک می‌گرفتند. او با مراکز علمی دنیای اسلام مخصوصاً دانشگاه الزهراء در قاهره ارتباط داشت. و حتی از طرف این دانشگاه جوایزی به او اهدا شد. وی بر زبان و ادبیات عربی و کردی و فارسی تسلط داشت، مخصوصاً در تفسیر قرآن و تاریخ ایران و اسلام صاحب نظر بود.

وی سرانجام ساعت یک بعدازظهر روز دوشنبه دوم فروردین ۱۳۶۱ هنگامی که پس از ادای نماز ظهر از مسجد مولوی خارج می‌شد، به سبب اصابت سه گلوله به پیکرش شهید گردید.

بر گرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

شهشانی اصفهانی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۸۷/۱۲۸۹ ق)، عالم، فقیه، اصولی و شاعر امامی. وی از محله‌ی شهشهان اصفهان بود به همین جهت به شهشانی مشهور شده بود. از معاصرین صاحب «جواهر» و شیخ مرتضی انصاری و از شاگردان صاحب «ریاض» و فاضل اردکانی و سید مجاهد و حاجی کلباسی بود. میرزا محمدحسن شیرازی و سید محمدباقر خوانساری، صاحب «روضات الجنات»، و دیگران از شاگردان وی بودند. در عصر خود ریاست حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان را بر عهده داشت و تدریس و فتوی آن شهر منحصر به او بود. وی در تخت فولاد اصفهان مدفون است از آثار وی: «الارجوزه الفقیه»؛ «انوار الریاض» که حاشیه‌ی «ریاض المسائل» استادش، در هشت مجلد؛ «جامع السعاده» که رساله‌ی عملیه اوست؛ «جنه الماوی» که منظومه‌ایست در فقه، «العروه الوثق»، در فقه؛ «الغایه القصوی»، در اصول؛

«انیس المتقین»، در گناهان کبیره؛ حاشیه بر «قوانین» به نام «رضوان الاملین»، در دو مجلد؛ «عیشه الراضیه»، در فقه شیعه، به فارسی؛ «منظومه» عربی در مراثی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۸۱/۹)، تذکره القبور (۴۸۸-۴۸۷)، الذریعه (۳۶۴/۱۵، ۲۴۰/۱۱، ۴۲۷/۲)، ریحانه (۲۷۵/۳)، فوائد الرضویه (۵۵۰)، الکنی و الالقب (۳۷۷-۳۷۶/۲)، معجم المؤلفین (۱۷۲/۱۰)، هدیه الاحباب (۱۶۵).

شهمردان، رشید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق.

تولد: ۱۲۸۴، یزد.

درگذشت: ۲۱ آذر ۱۳۶۲، آمریکا.

رشید شهمردان سال‌هایی چند در هندوستان می‌زیست و از دانشمندان زردشتی‌شناس ایرانی‌نژاد (پارسیان) آن مرز و بوم بهره‌ی علمی برد. نوشته‌هایی از او به صورت کتاب به جا مانده است: دساتیر کتاب آسمانی نیست، حرف راست؛ تعلیمات زرتشت؛ خرده اوستا به خط دین دبیره؛ راماین؛ (ترجمه از انگلیسی به فارسی)؛ مجله‌ی «جهان امروز»، پیامبر زرتشت، دین‌نامه‌های (شماره‌ی ۱ و ۲ و ۳)؛ فرزندگان زرتشتی؛ خرده اوستا با آوانویسی و معنی؛ فهرست کتاب‌های دینی موجود در کتابخانه اردشیر یگانگی؛ پرستش گاه‌های زرتشتیان؛ دانستنی‌های آیین زرتشتی (ترجمه)؛ زرتشت و همزمان او در ودا (ترجمه)؛ سال دینی زرتشتیان (ترجمه)؛ دین پایه زرتشتی (با همکاری دکتر حسین وحیدی)؛ تجدید چاپ خرده اوستا با آوانویسی (با همکاری دکتر حسن وحیدی)؛ تاریخ زردشتیان از پایان دوره‌ی ساسانیان تا به امروز.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

شهید بلخی، ابوالحسن شهید

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۲۵ ق)، متکلم، حکیم، شاعر و خطاط. معاصر رودکی، به فارسی و عربی شعر می‌گفت وی از بزرگان و متکلمین و حکمای عهد خود و در علوم اوایل استاد بود وی با رازی نیز مناظراتی داشت و هر یک بر دیگری نقضی و ردی داشته‌اند. اسم او را سهیل و علی نیز نگاشته‌اند. وی در خط نیز استاد بود و فرخی او را بدین هنر ستود. عوفی نظم اشعار عربی را به وی نسبت داده و قطعه‌ای از او به تازی نقل کرده است. وی در استادی هم‌ردیف و همانند رودکی بود و علی‌الخصوص غزل‌های وی شهرت داشت بنا به نقل یاقوت حموی وی با ابوزید احمد بن سهل بلخی معاصر بود و با او ارتباط داشت از جمله ممدوحان شهید، نصر بن احمد سامانی و ابوعبدالله محمد بن احمد جیهانی را می‌توان نام برد. گذشته از شاعری در علوم فلسفی مهارت داشت و با محمد بن زکریا مباحثاتی کرده. رودکی او را مرثیه گفته است و او را شاعر علی‌الطلاق خوانده است و حدود صد و دو بیت شعر از وی در کتابهای لغت و

تذکره به جای مانده است. [۱]

(بخش ۱) بلخی. ابوالحسن شهید بن حسین جهودانکی بلخی شاعر و متکلم و حکیم قرن چهارم ه. (ف. ۳۲۵ ه.ق.) او را با ابوبکر محمد بن زکریای رازی مناظراتی بوده و هر یک بر دیگری نقضی وردی داشته است. شهید در خط نیز استاد بود و اشعار عربی هم می‌سرود. وی از بلخ به چغانیان نزد ابوعلی محتاج رفت و از جمله ممدوحان او نصر بن احمد سامانی و ابو عبدالله محمد بن احمد جیهانی را ذکر کرده‌اند. رودکی در رثای او قطعه‌ای سروده. شهید مانند رودکی نزد شعرای بعد از خود مورد احترام بوده و او را در ردیف رودکی قرار داده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ ادبیات در ایران (۳۹۳-۳۸۹/۱)، تاریخ ادبی ایران (۶۶۳/۱)، تاریخ نظم و نثر (۲۱)، تذکره‌ی روز روشن (۴۴۹)، دایرةالمعارف فارسی (۱۵۱۹/۲)، الذریعه (۵۶۱-۵۶۰/۹)، ریحانه (۲۷۸/۳)، سخن و سخنوران (۱۸-۱۶)، سیری در شعر فارسی (۲۲۱-۲۲۰)، شاعران بی‌دیوان (۳۷-۲۶)، شخصیت‌های نامی (۲۶۹-۲۶۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱/۴)، فرهنگ سخنوران (۵۲۳)، الکنی و الالقاب (۳۹۱/۲)، گنج سخن (۱۷-۱۵/۱)، لباب الالباب (۵-۳/۲)، لغت نامه (ذیل / ابوالحسن)، مجمع الفصحاء (۸۰۴-۸۰۳/۱)، معجم المؤلفین (۳۱۰/۴)، هفت اقلیم (۶۰-۵۹/۲).

شهید ثالث، محمد تقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شهید حاج ملا محمد تقی برغانی که از علماء بزرگ عالم تشیع بوده و در امر فقاقت و بحث ید طولانی داشته. و بالنتیجه در اثر بحث با مخالفین در سال ۱۲۶۳ قمری در محراب مسجدی که خود آن مرحوم در قزوین بنا کرده بود (به نام مسجد جامع صغیر) و از مساجد معظم شهرستان قزوین بوده و خودش در آن مسجد اقامه جماعت می‌نموده است در موقع اذان صبح به تحریک فرقه ضاله بایه و پیروان شیخ احمد احسائی به شهادت رسید در سال ۱۲۶۴ قمری. و قبر آن مرحوم در جنب مزار حضرت شاهزاده حسین بن علی بن موسی الرضا (ع) می‌باشد و روی ارادتی که مردم قزوین به آن عالم جلیل‌القدر داشتند مقبره مجلی بنا کردند و فعلا هم مزار او مورد توجه عموم اهالی شهرستان قزوین و علاقمندان به فضل و علم و روحانیت می‌باشد.

آن بزرگوار دارای ده پسر بوده‌اند که تمامی از علماء مبرز و دانشمندان بافضیلت قزوین به اسامی زیر بوده‌اند.

۱- حجة الاسلام والمسلمین آقا محمد امام جمعه ۲- حجة الاسلام والمسلمین آقا عبدالله امام جمعه ۳- حجة الاسلام والمسلمین آقا حاج شیخ صادق معروف به حاج مجتهد ۴- حجة الاسلام آقا میرزا ابوالقاسم ۵- حجة الاسلام مرحوم آقا شیخ کاظم ۶- ثقة الاسلام آقا میرزا محمود ۷- ثقة الاسلام آقا شیخ جعفر ۸- ثقة الاسلام مرحوم آقا شیخ باقر ۹- ثقة الاسلام آقا تقی ۱۰- حجة الاسلام والمسلمین آیت الله حاج شیخ عیسی. اعقاب آن مرحوم در قزوین و تهران و برغان و کربلا و حله بسیارند آثار خیر ایشان در قزوین مسجد آن مرحوم است که به نام مسجد شهیدی معروف است و مرحوم آقا شیخ مرتضی امام جمعه و مرحوم آقای حاج شیخ عبدالحسین امام جمعه در آن اقامه نماز جمعه و جماعت می‌نمودند و فعلا حفید آنجناب حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ عبدالله امام جمعه در آن اقامه جمعه و جماعت می‌نمایند آثار علمی شهید ثالث از این قرار است.

۱- عیون الاصول ۲ جلد ۲- منهج الاجتهاد فقه استدلالی دوره کامل ۲۴ جلد ۳- شرح بر شرح لمعتین ۱ جلد ۴- رساله‌ای در نماز

جمعه ۵- رساله‌ای در دیات ۶- مجالس المتقین.

مرحوم شهید اجازات عدیده‌ای از فقهاء مراجع بزرگ خود داشتند که برخی از آن را می‌نگارم ۱- اجازة به خط العلامة خیریت الفقاہة شیخ جعفر النجفی صاحب کتاب کشف‌الغطاء ۲- اجازة به خط العلامة الفقیه السید محمد بن العلامة صاحب الریاض و هوالمعروف بالسید المجاهد.

۳- اجازة به خط محقق‌الشہیر به علامه بن مرحوم آقا میرزا ابوالقاسم صاحب قوانین. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

شهید خراسانی، محمد مهدی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن‌هدایه‌الله، از علما و کاملین بوده، در سال ۱۱۵۲ متولد، و در رمضان ۱۲۱۸ در مشهد شهید گردیده. مؤلف حاشیه‌ای بر شرح دروس شهید.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شهید شیرازی، عبدالله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۱۲۷۰ ق)، شاعر و طیب و خطاط، متخلص به شهید. از بزرگان شیراز بود و در نوشتن اقسام خطوط بویژه نسخ و نستعلیق مهارت داشت. وی به طبابت اشتغال داشت. در شاعری از تربیت یافتگان و شاگردان وصال بود و در سرودن غزل توانا. وی در صحن سید علاءالدین حسین مدفون است. از آثار وی «دیوان» اشعار در حدود پنج هزار بیت.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار عجم (۵۶۰)، حدیقه الشعراء (۹۲۵-۹۲۴/۲)، الذریعه (۵۶۱/۹)، مرآت الفصاحه (۳۳۴-۳۳۳).

شهیدی پور، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا شهیدی پور

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۷ هجری شمسی در یک خانواده روحانی در شهرستان قم دیده به دنیا گشودم تحصیلات ابتدایی را در دبستان ملی مسعود گذراندم و در بیشتر سالها شاگرد نمونه کلاس بودم پس از گذراندن ششم ابتدایی با تشویق پدرم که روحانی برجسته‌ای است در سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمی قم شدم و در مدرسه علمیه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی مشغول به تحصیل ادبیات و زبان عربی و دروس مقدماتی حوزه گردیدم. از همان دوران تحصیلات حوزوی اشتیاق فراوانی نسبت به قرائت و حفظ قرآن کریم در خویش یافتیم و در کنار تحصیل به فراگیری فنون قرائت و حفظ قرآن پرداختیم و به فضل الهی موفق به حفظ کل قرآن کریم در مدت چهار سال (۱۳۵۲ - ۱۳۵۵) شدم و در مدارس حوزه به تدریس فنون قرائت قرآن پرداختیم. ضمناً در جلسات قرائت قرآن نیز به تدریس قرائت و مفاهیم قرآن به جوانان مشغول بودم.

در سال ۱۳۵۶ در مسابقات حفظ و قرائت قرآن که در سطح شهرستان قم در مسجد محمدیه سه راه موزه برگزار گردید به عنوان استاد و داور قرآن، همکاری داشته‌ام. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) که احیاگر ارزشهای قرآنی در کشور ایران و جهان اسلام بود فعالیت‌های قرآنی شکل تازه‌ای به خود گرفت و فراگیر شد و با استقرار دولت جمهوری اسلامی در ایران، فعالیت‌های قرآنی در نهادهای انقلابی و مؤسسات علمی و حوزه و دانشگاه آغاز و رشد و توسعه یافت اینجانب نیز در نهادهایی انقلابی از جمله سپاه پاسداران، بسیج، جهاد سازندگی اوقاف و امور خیریه سازمان تبلیغات اسلامی به تدریس فنون قرائت پرداختیم. در سال ۱۳۵۹ به دعوت سازمان اوقاف و امور خیریه به عنوان داور مسابقات سراسری حفظ و قرائت قرآن و سپس در سال ۱۳۶۰ در مسابقات بین‌المللی حفظ و قرائت قرآن به داوری مشغول شدم که تاکنون ادامه دارد و سابقه اینجانب در داوری مسابقات بین‌المللی بالغ بر ۲۵ سال می‌باشد سابقه تدریس اینجانب در دانشگاه از سال ۱۳۶۳ تاکنون و افزون بر ۲۲ سال می‌باشد و در دانشکده شهید محلاتی دانشگاه آزاد اسلامی قم و اراک دانشگاه قم پیام نور دانشکده علوم قرآنی قم و مجمع آموزش عالی پردیس قم به تدریس فنون قرائت مشغول می‌باشم.

اینجانب تاکنون در مسابقات قرآنی فراوانی به عنوان داور مسابقات شرکت داشته‌ام از جمله: دانشگاه آزاد (قرآن و عترت) سازمان تبلیغات، نیروهای مسلح، ارتش، نیروهای انتظامی، سپاه پاسداران، بسیج، جهاد دانشگاهی، پیام نور، بنیاد شهید، بنیاد جانبازان، تربیت بدنی، فهرستی و سازمان اداره زندانها می‌باشد. بیشترین فعالیت اینجانب در کنار تدریس فنون قرائت، تربیت مربی قرآن بوده که با همکاری برخی نهادها از جمله سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز پژوهشهای قرآن و عترت و جهاد دانشگاهی و نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها انجام شد و حاصل آن به ترتیب مریدان برجسته و متعهد در سراسر نقاط میهن اسلامی ایران می‌باشد. اینجانب موفق به تألیف چند کتاب گردیدم که هر کدام متن درسی قرائت و تجوید قرآن در حوزه علمی و دانشگاه‌ها از جمله دانشگاه آزاد اسلامی در سراسر کشور می‌باشد از جمله کتاب روان‌خوانی و تجوید قرآن، همکاری جناب آقای علی حسینی و آموزش قرائت قرآن با همکاری آقای حسین اسدی. نوشته دیگری که به سفارش مرکز جهانی علوم اسلامی انجام شده کتاب آشنایی با اصول قرائت می‌باشد که متن درسی طلاب علوم دینی غیرایرانی قرار گرفته است.

توضیحات تحلیلی وقف و ابتداء در حاشیه مصحف به سفارش شورای عالی قرآن صدا و سیما انجام شده که در مراحل چاپ و نشر می‌باشد و برای قاریان قرآن بسیار لازم و ضروری می‌باشد. با توجه به این که عنوان درس قرائت قاریان برجسته جهانی اسلام را تهیه کرده‌ام که از جمله غنی ترین آرشو تلاوت‌هایی قرآن در کشور به شمار می‌رود که شامل ده هزار تلاوت ۱۰/۰۰۰ می‌گردد که برخی از آنها در اختیار رادیو قرآن قرار گرفته و از آن رادیو پخش شده است این مجموعه در اختیار افرادی که در زمینه قبول قرائت تلاش می‌کنند قرار می‌گیرند و نیز در کلاسها و جلسات آموزش قبول قرائت استفاده می‌شود. اینجانب عضو شورای عالی

قرآن اوقاف و امور خیریه و کارشناس تلاوت‌های قرآن در شورای قرآن صدا و سیما و عضو کمیسیون تحقق مرکز طبع و نشر قرآن کریم می‌باشم. در گروه گزینش استادان قرآن در دانشگاه آزاد اسلامی عضو بوده و در سال ۱۳۸۴ به عنوان خادم نمونه قرآن در زمینه آموزش و ترویج فرهنگ قرآنی معرفی گردیده و توسط رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران جناب آقای دکتر احمدی‌نژاد مورد تقدیر قرار گرفته‌ام که خداوند را بسیار شاکرم که توفیق خدمتگزاری به ساحت مقدس قرآن کریم را به اینجانب عنایت فرمود امید است لیاقت این عنوان را داشته باشم و از شفاعت قرآن و عترت در دو جهان بی‌بهره نباشم

شهیدی خراسانی، حبیب

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا حبیب بن آیت‌الله حاج میرزا هاشم شهیدی و نواده مرحوم علامه میرزا مهدی شهید از علماء بزرگ و ادباء عالیقدر مشهد مقدس است وی در سال ۱۲۶۶ ق متولد شده و مقدمات را در مشهد تکمیل و با عتاب عالیات مهاجرت و از محضر میرزا بزرگ شیرازی و میرزا رشتی و فاضل دربندی و دیگران استفاده نموده تا سرآمد اقران گردیده و در حدود ۱۳۰۰ ق با دریافت اجازه اجتهاد به وطن خویش و مراجعت و به ترویج دین و احکام شرع مبین از طریق منبر و موعظه و درس و بحث پرداخته تا در ۲۷ شعبان ۱۳۲۷ قمری به رحمت حق پیوست و در حرم مطهر پشت سر مبارک مقبره خانوادگی مدفون گردید. از آثار او دیوان بزرگی است که قسمتی از آن به نام گنج گهر به طبع رسیده است.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

شهیدی زندی، ناصر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ناصر شهیدی زندی

محل تولد: کرمان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۷/۱۵

زندگینامه علمی

اینجانب ناصر شهیدی زندی متولد ۱۳۴۷، از سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه شده و همزمان تحصیلات کلاسیک را تا مقطع دیپلم ادامه دادم. در دروس حوزوی همزمان با شروع درس خارج وارد رشته تخصصی کلام و فلسفه اسلامی شده و موفق به دریافت سطح چهار فلسفه و کلام اسلامی شدم.

در سال ۱۳۷۹ از طریق کنکور در رشته حقوق پذیرفته و در سال ۱۳۸۲ موفق به دریافت کارشناسی این رشته شدم. از سال ۱۳۷۶

وارد مرکز تحقیقات دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری شده و در ابتدا مسئولیت کتابخانه دبیرخانه را به عهده داشتم و در ادامه مسئول دفتر مرکز تحقیقات بودم. همچنین به عنوان معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده هدی وارد جامعه الزهرا (س) شدم و همزمان در دانشکده و تحصیلات تکمیلی آن مشغول به تدریس شدم.

در حال حاضر مسئول گروه کلام اسلامی و مسئول دفتر برنامه ریزی درسی جامعه الزهرا (س) می باشم. در سال ۱۳۸۶ نیز معاون آموزشی موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) دفتر قم بودم که اخیرا به دلیل مسئولیت جدید در معاونت پژوهشی مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی از آن سمت استعفا دادم. در حال حاضر در دانشگاه مفید و مدرسه علمیه حجتیه مختصری تدریس دارم و طی دو سال قبل هفته ای یک روز در دانشگاه علوم پزشکی دانشگاه تهران به تدریس معارف اسلامی مشغول بوده ام.

شهیدی قزوینی، عبدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۰- ز ۱۳۷۲ ق)، عالم امامی، فقیه و مدرس. در قزوین متولد شد و در همان شهر نشو و نما یافت. مقدمات و ادبیات را در قزوین نزد پدرش و دیگران خواند. در ۱۳۶۱ ق به قهم مهاجرت کرد. سطوح عالی را نزد مدرسین و اساتید حوزه تکمیل نمود و از محضر آیت الله حجت استفاده‌ها برد و پس از ورود آیت الله بروجردی به قم حدود هیجده سال در درس و بحث این استاد حاضر شد و پس از فوت آن استاد، به محضر آیت الله نجفی مرعشی پیوست و حدود ده سال از اصحاب و نزدیکان وی بود. در ۱۳۷۲ ق داماد آیت الله حجت شد و مورد توجه و عنایت خاصه‌ی وی. شهیدی بعد از فوت پدرش در آستانه‌ی مبارکه‌ی سلطان محمد، از اولاد امام صادق (ع)، و همچنین در مسجد جدش، مسجد شهیدی، به انجام وظائف دینی مشغول بود. شهیدی در ترمیم و بازسازی آستانه‌ی مبارکه امامزاده سلطان محمد کوششها کرد. از آثارش: «تفسیر سوره‌ی یوسف»؛ کتابی درباره‌ی «معراج».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: گنجینه‌ی دانشمندان (۱۸۲- ۱۸۰/ ۲).

شهیدی مهدی، آقابزرگ حکیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۵- ۱۲۸۵ ق)، حکیم، فقیه و عالم دینی. وی از احفاد میرزا مهدی شهید، معروف به شهید ثالث، یکی از چهار مهدی از شاگردان مبرز وحید بهبهانی، است. مقدمات را نزد پدرش و ملا غلامحسین شیخ الاسلام و شیخ موسی منطقی و میرزا محمد سروقدی در مشهد خواند و بعد به تهران آمد و در محضر حکیم میرزا ابوالحسن جلوه و حکیم اشکوری و حکیم کرمانشاهی درس خواند. وی سپس سالیانی در نجف از حوزه‌ی درس آخوند خراسانی بهره برد. سرانجام در ۱۳۳۳ ق به مشهد بازگشت و متجاوز از بیست و دو سال به تدریس خارج «شرح لمعه» و «شرح قوشچی» و «اشارات» و «شوراق» و «شرح منظومه» و «اسفار» پرداخت.

آقابزرگ و فرزندش، میرزا مهدی، دو ستاره‌ی درخشان حکمت و فلسفه خراسان در زمان خود بودند. وارستگی و صراحت لهجه و آزادگی و آزادمنشی آقابزرگ زبانزد خاص و عام بود. در فلسفه پیرو حکمت مشاء ابن سینا و خواجه نصیر بود. و شاگردانی همچون آقا شیخ سیف‌الله ایسی و سید حسن بجنوردی و حسینعلی راشد و محمود شهابی و مهدی الهی قمشه‌ای و آقا شیخ هادی کدکنی پرورش داد. درگذشت فرزندش، میرزا مهدی در ۱۳۵۴ ق توان پدر را گرفت و وی در سال بعد از دنیا رفت. تنها اثر وی: رساله‌ی «حکومت در اصالت وجود و اصالت ماهیت».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آینه‌ی دانشوران (۶۷)، خدمات متقابل اسلام و ایران (۶۱۵-۶۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۳۷-۱۳۴/۷).

شهیدی، جلال

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید جلال شهیدی فرزند مرحوم آسید محمدعلی محلاتی از علماء معاصر ما بودند در محلات تولد آن جناب در ذی‌حجه‌الحرام ۱۳۲۵ قمری در محلات واقع شده و پس از تحصیلات فارسی به تحصیل عربی پرداخته و قسمتی از نحو و صرف را در محلات خوانده و در ماه شوال المکرم ۱۳۴۳ قمری مهاجرت به قم نموده و ادبیات را از مرحوم ادیب طهرانی فراگرفته و سطوح وسطی و عالی را از آیت‌الله آخوند ملاعلی همدانی و مرحوم آیت‌الله میرزا محمد همدانی به پایان رسانیده و پس از آن از محضر مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدتقی خونساری و مرحوم آیت‌الله حایری یزدی استفاده نموده و بعد از فوت آن مرحوم در سال ۱۳۵۷ قمری به محلات بازگشت نموده و تا بعد از ۱۳۸۰ قمری اشتغال به اقامه جماعت و خدماتی دینی و ترویج و تبلیغ دین داشته و پس از آن به رحمت حق پیوسته است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

شهیدی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای چشم، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شهیدی، محمدباقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدباقر بن العالم الجلیل المرحوم الحاج سید هاشم گلپایگانی از علماء اعلام و دانشمندان عظام معاصر است در تهران. وی

عالمی فعال و در ترویج دین جدی و صاحب تألیفات عدیده می‌باشد. ترجمه مفصل آنجناب در اول کتاب (درد و درمان) یا امراض جامعه و علاج آن ترجمه کتاب (الامراض الاجتماعیه و علاجها که در سال ۱۳۷۷ قمری در تهران چاپ شده و نیز در اول کتاب (راهنمای سعادت) ترجمه کشف المحجبه سید بن طاوس که در سال ۱۳۸۲ نیز در تهران منتشر شده است مسطور و اجمال آن اینست.

وی در سال ۱۳۱۸ قمری در گلپایگان متولد شده و مقدمات را در نزد اساتید محل خوانده و در سال ۱۳۳۸ قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و سطوح را نزد علماء اعلام آن آستان عرش بنیان مانند مرحوم آیت‌الله مشکینی فراگرفته و بسامری مشرف و مدت یکسال و نیم در آنجا اقامت نموده و از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی آقا میرزا عبدالهادی شیرازی استفاده نموده و در سال ۱۳۴۲ قمری که مرحوم والدش فوت نموده به ایران مراجعت و پس از یکسال توقف در گلپایگان به اصفهان مسافرت و از محضر علماء اعلام بالاخص مرحوم آیت‌الله حاج سید محمد صادق بهره‌مند شده و در سال ۱۳۴۵ قمری مجدداً به نجف اشرف مشرف و از محضر مقدس مرجع وقت آیت‌الله عراقی آقا ضیاءالدین و آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله نائینی و آیت‌الله آقا سید ابوتراب خونساری متوفی ۱۳۴۶ قمری استفاده کامل نموده و در ماه رجب ۱۳۴۹ بشهر رنگون عاصمه (برما) (هند و چین) مسافرت نموده تا اول سال ۱۳۶۱ قمری در آنجا بانجام وظائف دینی و تبلیغ احکام اسلامی اشتغال داشته و در اثناء جنگ جهانی دوم و حمله دولت ژاپن به آن دیار پس از متواری بودن دو ماه در جنگلها بفضل خداوند متعال از آن بلیه رهائی یافته و به ایران مراجعت و در شهر اراک بانجام وظائف دینی پرداخته تا در سال ۱۳۶۵ قمری پس از زیارت عتبات عالیات به تهران آمده و تا حال حاضر بوظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

معظم له در سال ۱۳۷۶ قمری بمنظور شرکت در جشن چهاردهمین قرن ولادت با سعادت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام که در پاکستان منعقد شده بود بدعوت انجمن یادگار مرتضوی کراچی باتفاق عده‌ای از علماء اعلام و وعاظ محترم که از آنها بود علامه فن و عظمی و سخنوری جناب استاد فلسفی واعظ مسافرت به پاکستان نموده و در آن جشن بزرگ و باشکوه که یک هفته در کراچی برقرار بود و هر شب حدود سی هزار نفر افتخار حضور داشتند و از تمام بلاد اسلامی هم عده‌ای از علماء و وعاظ و خطباء و محترمین شرکت کرده بودند حاضر بوده و پس از شرکت در جشن شهر (لاهور) و (حیدرآباد) سند که بهمین منظور منعقد بود از طریق عراق و توفیق زیارت عتبات عالیات به ایران مراجعت و تا اکنون در غرب تهران میدان قزوین و خیابان غفاری و مسجد آن به اقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج احکام و نشر آثار اهل بیت علیهم‌السلام اشتغال دارد.

تألیفات و آثار قلمی ایشان از این قرار است.

۱- کتاب درد و درمان ترجمه کتاب الامراض الاجتماعیه و علاجها.

۲- (راهنمای سعادت) ترجمه کتاب کشف المحجبه ۳- کتاب (نسیم الصباح) ترجمه و شرح دعاء صباح ۴- کتاب (ادعیه و تهلیلات) من الایات البینات و این کتب بتمامه بطبع رسیده است.

(تو ۱۳۱۸ ق)، الم دینی، مدرس و فقیه امامی وی در گلپایگان به دنیا آمد. مقدمات را در نزد اساتید آن شهر فراگرفت. آنگاه به نجف مهاجرت کرد و سطوح را نزد علمای بزرگ آن شهر همچون آیت‌الله مشکینی آموخت. سپس به سامراء رفت و از محضر آیت‌الله میرزا عبدالهادی شیرازی استفاده نمود. در ۱۳۴۲ ق، که پدرش درگذشت، به مولدش بازگشت سپس به اصفهان رفت و نزد بزرگانی چون آیت‌الله سید محمدصادق تلمذ کرد. در ۱۳۴۵ دوباره به نجف بازگشت و از محضر آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله نائینی و آیت‌الله آقا سید ابوتراب خوانساری استفاده‌ها نمود. وی سفری به هند و چین (برمه) نمود و در آنجا به تبلیغ احکام اسلامی پرداخت، سپس به ایران بازگشت. مدتی در اراک به انجام وظائف دینی مشغول بود. پس از سفری به عتبات به تهران آمد و به وظائف دینی پرداخت. وی به همراه عده‌ای از علما و خطباء در ۱۳۷۶ ق در کنگره‌ی چهاردهمین قرن

ولادت امیرالمومنین (ع) در کراچی پاکستان شرکت کرد. از آثار وی: کتاب «درد و درمان» که ترجمه‌ی کتاب «الامراض الاجتماعیه و علاجها»؛ «راهنمای سعادت»، ترجمه‌ی کتاب «کشف المحجبه»؛ کتاب «نسیم الصباح» ترجمه و شرح «دعاء صباح»؛ کتاب «ادعیه و تهلیلات من الایات الیینات».[۱].
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)
منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۴۹۶-۴۹۴/۴)، مؤلفین کتب چاپی (۲/۸۳).

شهیدی، میرزا ابوتراب

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج میرزا ابوتراب شهیدی در سال ۱۲۳۹، در قزوین متولد گردید. پس از تحصیلات مقدماتی علوم در محضر پدر و اساتید دیگر، در مدرسه صالحیه قزوین مشغول تحصیل شد. آن گاه به به نجف اشرف مشرف گردید و نزد بزرگترین علما آن زمان کسب فیض نمود. پس از بازگشت به ایران و مدتی شرکت در درس و بحث و تبلیغ برای مردم قزوین، در حرکت‌های سیاسی زمان خود شرکت نمود، اما به دلیل مخالفت با مشروطه خواهان اجباراً خانه نشین شد. پس از آن به تهران مهاجرت کرد و در مسجد همت آباد واقع در چهار راه حاج مهرباب، به تشکیل جلسات بحث و مطالب دینی و تفسیر قرآن کریم اختصاص داد. حجه الاسلام میرزا ابوتراب شهیدی سرانجام در ۳۰ ذی القعدة ۱۳۷۵ هجری قمری دار فانی را وداع گفت. گروه: علوم انسانیرشته: الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب: میرزا ابوتراب شهیدی فرزند آیت الله حاج میرزا ابوالقاسم شهیدی، نواده حاج ملا محمد تقی برغانی معروف به شهید ثالث، در قزوین متولد گردید. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: میرزا ابوتراب شهیدی پس از تحصیلات مقدماتی علوم در محضر پدر و اساتید دیگر، در مدرسه صالحیه قزوین مشغول تحصیل شد. آن گاه به به نجف اشرف مشرف گردید و نزد بزرگترین علما آن زمان کسب فیض نمود. استادان و مربیان: میرزا ابوتراب شهیدی ابتدا نزد پدر خود علوم مقدماتی را فراگرفت. سپس به نجف اشرف رفته و در آن دیار در مجلس درس استادانی چون: سیدمحمد کاظم یزدی (صاحب کتاب عروه الوثقی) و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی (صاحب کفایه الاصول) استفاده کرد. او پس از گذشت دوازده سال به ایران مراجعت کرد و در درس شیخ فض الله نوری حاضر شد. وقایع میانسالی: مهمترین رویداد به وقوع پیوسته در دوران حیات حاج میرزا ابوتراب شهیدی وقوع انقلاب مشروطه و حوادث مربوط به آن بود. وی از جمله مخالفان جریان مشروطه خواهی بود و همین عامل مدتی برای او خانه نشینی و سپس مهاجرت به تهران را در پی داشت. زمان و علت فوت: میرزا ابوتراب شهیدی در ۳۰ ذی القعدة ۱۳۷۵ هجری قمری دار فانی را وداع گفت. فعالیت‌های آموزشی: میرزا ابوتراب شهیدی پس از اتمام تحصیلات خود در نجف اشرف، در سال ۱۳۳۰ ق به دیار خود قزوین بازگشت و مشغول تدریس گردید. سایر فعالیت‌ها و برنامه‌های روزمره: میرزا ابوتراب شهیدی پس از مدتی شرکت در درس و بحث و تبلیغ برای مردم قزوین، مدتی هم در حرکت‌های سیاسی شرکت نمود، اما به دلیل مخالفت با مشروطه خواهان اجباراً خانه نشین شد. پس از آن به تهران مهاجرت کرد و در مسجد همت آباد واقع در چهار راه حاج مهرباب، به تشکیل جلسات بحث و مطالب دینی و تفسیر قرآن کریم اختصاص داد. آرا و گرایش‌های خاص: شیوه تفسیری حجه الاسلام میرزا ابوتراب شهیدی، تفسیر آیه به آیه به روایت است و در بعضی موارد بحث‌هایی فلسفی نیز دارد، چنانکه جامعیت آن را بین حکمت، فلسفه، کلام، روایات و تفسیری قرآن با قرآن را در آن مشاهده نمود. آثار: التوحید، المبین و تبیین فی شرح المواعظ البراهین و ویژگی اثر: این کتاب تفسیر قرآن مجید به زبان فارسی است و در پنج جلد پایان یافته است. منابع زندگینامه: فرزندانگان

علم و سخن قزوین، تالیف: رضا صمدی ها، قزوین: بحر العلوم، ص ۱۹۳۲ قرآن پژوهان قزوین، مولف: سیدمحمدعلی ایازی، تهران: موسسه نمایشگاههای فرهنگی ایران، ۱۳۸۰، ص ۱۳۶-۱۳۷

شهیدی، هدایت‌الله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

هدایت‌الله بن آیت‌الله العظمی میرزا مهدی شهید متولد ۱۱۷۸ و متوفی ۱۲۴۸ ق صاحب تاریخ علماء خراسان درباره وی گوید. السید المجد و العالم العلم العابد المخصوص بعنایت الله مولانا الحاج میرزا هدایت‌الله اسکنه الله فی علیین و سلکه مسلک الصالحین از علماء عظام و فضلاء گرام ارض اقدس ریاست علمیه خراسان در آن عصر منحصر به ایشان بوده از محضر والدش کسب علم و تکمیل فنون نموده و در تمام زندگانش اشتغال به نشر فضائل و ترویج احکام و رفع خصومات داشت و دادرسی مظلومین و حفظ اموال و اعراض مسلمین اهتمام تمام مبذول می‌داشت.

از آثار او کتابی در تفسیر کلام‌الله مجید باقیست.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

شهیدی، جعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۲۹۷، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات مقدماتی و ادبیات عرب و فقه و اصول در حوزه علمیه بروجرد، ادامه تحصیلات فقه و اصول، سطح و خارج در نجف اشرف تا مرحله اجتهاد، گواهینامه مدرسی از وزارت فرهنگ، کارشناسی علوم معقول و منقول از دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه تهران، کارشناسی و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح لغت‌نامه فارسی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۵ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲۰

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی تألیفات:

ادبیات، تاریخ اسلام، سیره امامان و معصومان.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

تاریخ اسلام.

(تو ۱۲۹۷ ش)، استاد دانشگاه، مولف، مترجم و مصحح. وی در بروجرد در خانواده‌ی عالمان دین دیده به جهان گشود. مقدمات را در زادگاه خویش فراگرفت و برای تکمیل تحصیلات به نجف اشرف رهسپار شد. برای تحصیلات حوزوی به عراق رهسپار شد و به مدت هفت سال در آنجا به تکمیل علوم دینی پرداخت. پس از آن به ایران بازگشت و یک سال بعد، از جانب علامه‌ی دهخدا برای همکاری در لغت‌نامه دعوت شد و در ضمن آن، به تدریس در دبیرستانهای تهران و اخذ مدرک کارشناسی از دانشکده‌های ادبیات و الهیات پرداخت. در سال ۱۳۴۰ ش موفق به گرفتن درجه‌ی دکترای ادب فارسی دانشگاه تهران شد موضوع پایان‌نامه‌ی وی درباره‌ی «شرح مشکلات دیوان انوری» است که به کرات چاپ شده است. پس از آن ضمن تدریس در دانشکده‌ی ادبیات ابتدا به معاونت موسسه لغت‌نامه‌ی دهخدا منسوب شد و پس از آن به ریاست آن. وی تاکنون سفرهای علمی بسیاری به کشورهای مختلف از جمله: مصر، عراق، الجزایر، چین و آمریکا داشته است و در سال ۱۳۷۳ ش از دانشگاه پکن به دریافت درجه‌ی استادی افتخاری نایل شد. دکتر شهیدی علاوه بر تبحر و استادی در زمینه‌ی لغت‌نویسی و دایرة‌المعارف نگاری در عرصه‌های تاریخ اسلام و ترجمه‌ی آثار دینی و شرح و تصحیح متون نیز استاد بوده است. آثار وی را می‌توان در سه بخش تقسیم‌بندی کرد. الف- تالیف: «جنايات تاريخ»، «علی از زبان علی (ع)»، «تاریخ تحلیلی اسلام»، «زندگانی حضرت فاطمه (ع)»، «زندگانی علی بن الحسین (ع)»، «آشنایی با زندگانی امام صادق (ع)»، «شرح مثنوی شریف». ب- تصحیح: «آتشکده‌ی آذر»، «دره‌ی نادره»، «براهین العجم». ج- ترجمه: «ابوذر غفاری»، «شیرزن کربلا»، «انقلاب اسلامی». [۱]

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

منابع زندگینامه [۱]: کیهان فرهنگی (س ۱۳۶۳، ش ۱، ص ۱۲-۳، ش ۲، ص ۲۰-۱۹)، مؤلفین کتب چاپی (۳۲۳-۳۲۲/۲)، نامه‌ی شهیدی.

شیبان، زهرا

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: دامپزشکی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شیبانی کاشانی، ابوالنصر فتح‌الله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۰۸ - ۱۲۴۱/۱۲۴۲ ق)، شاعر، ادیب، نویسنده و صوفی. متخلص به شیبانی. خاندانش در کارهای لشکری و دیوانی عهد قاجار تصرف و دخالت داشتند. شیبانی در کاشان متولد شد. در جوانی در خدمت محمد شاه و منادمت پسرش ناصرالدین شاه درآمد و

برخی از اشعارش در مدح آنان و دیگر شاهزادگان قاجاریه است. مدتی نیز منشی حسام‌السلطنه در هرات بود. در فارس به خدمت رحمتعلی‌شاه رسید و از او کسب فیض کرد. مدتی در بلخ، هرات، خراسان و تهران سفر کرد و سرانجام به کاشان رفت و در عشق‌آباد مدرسه و صحن و عمارتی ایجاد کرد و همان جا گوشه‌ی عزلت گزید. پس از مدتی مردم بر او شوریدند. شیبانی به دادخواهی به تهران آمد. نزدیک دروازه‌ی قزوین خانه و خانقاهی بنا کرد. وی در نظم و نثر دست داشت. و از شعرای بنام دوره‌ی بازگشت بود که به سبک خراسانی اشعاری انتقادی می‌سرود. در تهران درگذشت و در همان خانقاه خویش به خاک سپرده شد. از آثار و تالیفات وی، «بیانات شیبانی»، «تنگ شکر»، «جواهر مخزون»، «درج درر»، یا «درج گهر»، «دیوان» اشعار، «زبده الاسرار»، «الالی مکنون»، «فتح و ظفر»، «گنج گهر»، «کامرانیه» [۱].

ابوالنصر فتح‌الله بن محمد کاظم بن محمد حسین شیبانی کاشانی شاعر (و. ۱۲۴۱ ه.ق. / ۱۸۲۵ م. - ف. ۱۳۰۸ ه.ق. / ۱۸۹۰ م.). خاندانش عهده‌دار امور لشکری و دیوانی عهد قاجاری بودند، و او خود در جوانی در خدمت محمد شاه در آمد و به مدح وی و پسرش ناصرالدین شاه و فرزندان شاه اخیر پرداخت. شیبانی سالها در سلک اهل تصوف بود و در نظم و نثر هر دو دست داشت و از آثار خود مجموعه‌هایی به نام «درج درر»، «گنج گهر»، «زبده الآثار»، «فتح و ظفر»، «مسعودنامه»، «تنگ شکر»، «شرف الملوک»، «کامرانیه»، «یوسفیه»، «خطاب فرخ»، «مقالات سه گانه»، «فواکه السحر»، «جواهر مخزون»، «الالی مکنون»، «نصایح منظومه» ترتیب داد. وی از شاعران بزرگ دوره بازگشت ادبی است و مهارت او بیشتر در نظم قصاید به روش شاعران قدیم خاصه گویندگان قرن پنجم است. منتخبی از آثار منظومش در استانبول به طبع رسیده، و درج درر او نیز جداگانه چاپ شده است. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] از صبا تا نیما (۱۴۴- ۱۳۳- ۱)، حدیقه الشعراء (۹۳۶- ۹۲۸- ۲)، الذریعه (۵۶۳- ۵۶۲- ۹)، سبک شناسی (۲۹۱/۳)، شرح حال رجال (۵۵/۳)، طرائق الحقایق (۴۲۶/۳)، فرهنگ سخنوران (۵۲۸)، گنج سخن (۲۴۸- ۲۴۰- ۳)، لغت نامه (ذیل / فتح‌الله)، المآثر و الآثار (۲۰۴)، مؤلفین کتب چاپی (۷۷۶- ۷۷۵- ۴)، مجمع الفصحا (۵۳۰- ۴۸۹- ۵)، مکارم الآثار (۱۱۸۱- ۱۱۸۰- ۴)، یادداشتهای قزوینی (۱۹۷/۸)، یادگار (س ۵، ش ۳، ص ۶۸-۶۶).

شیبانی، علی اشرف

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۱ ش)، نویسنده و مترجم. در کاشان متولد شد تحصیلات خود را در مدرسه‌ی آمریکایی به پایان رساند و در وزارت مالیه و وزارت راه مشغول خدمت شد وی همچنین در موسسات خصوصی اشتغال یافت. از آثار وی: «بار سیب»، ترجمه؛ «دخترک سیاه در جستجوی خدا»، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: مؤلفین کتب چاپی (۴۵۱/۴).

شیبانی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد شیبانی

محل تولد: قاین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد شیبانی در سال ۱۳۳۶ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در خضری از توابع قائنات دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۱ که سال‌های خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود و حوزه‌های علمیه از طرف رژیم منحوس پهلوی به شدت تحت فشار بودند وارد حوزه علمیه گناباد گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره‌های علمی فراوان برد اما شوق زیارت و هم‌جواری با بارگاه ثامن الحجج علیه السلام او را راهی حوزه علمیه مشهد گردانید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد، ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه آن دیار حاضر شد و پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۸ به حلقه دروس خارج راه یافت. در آن دیار از درس بزرگانی همچون آیت الله رضا زاده، آیت الله مرتضوی، آیت الله حجت هاشمی، آیت الله واعظی طبسی و... بهره‌ها برد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته علوم قرآن در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۹ از دانشگاه علوم اسلامی رضوی فارغ التحصیل گردید ایشان برای تبلیغ مذهب انسان تشیع به کشورهای متعددی از جمله غنا، مالاوی و کنیا سفر کرده است، سالهای متمادی است که به تدریس در دانشگاه تربیت معلم سبزوار و... مشغول است. ایشان در زندگی سراسر علمی خود از نگارش و تألیف غافل نبوده است و مقالات متعددی به رشته تحریر در آورده است.

شیخ الاسلامی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود شیخ الاسلامی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و در حین تحصیل دروس متوسطه را اخذ نمودم و مدتی توفیق حضور جبهه را داشتم در

سال ۱۳۷۱ به تحصیل کفایتین و مکاسب اشتغال داشتم و به دست مقام معظم رهبری به لباس روحانیت ملبس شدم و در سال ۱۳۷۲ به بعد در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام سبحانی، مکارم به تلمذ مشغول شدم و در این همه سالها به تبلیغ و ارشاد هم موفق بودم در سال ۱۳۷۴ در دروس تخصصی کلام در موسسه امام صادق تحت اشراف آیت الله سبحانی پذیرفته شدم و پس از فارغ التحصیلی به تدریس در حوزه و دانشگاه اشتغال یافتم در سال ۸۵ بعنوان عضو هیات علمی در دانشگاه پیام نور پذیرفته و در مرکز نظنر ادای وظیفه می کنم و در خدمت دانشجویان و اساتید فرهیخته هستم .

شیخ الرئیسی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد شیخ الرئیسی

محل تولد : کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۰/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد شیخ الرئیسی در سال ۱۳۲۰ در خانواده ای متدین و کاملاً آگاه به مسائل مذهبی و دوستدار خاندان پاک نبوت و امامت در کرمان دیده به جهان گشود ، دوران ابتدائی ، راهنمای و دبیرستان را با موفقیت پشت سر گذاردند و در سال ۱۳۴۰ وارد حوزه علمیه کرمان گردید پس از مدتی تحصیل در کرمان در سال ۱۳۵۵ که اوج مبارزات مردم و روحانیت علیه رژیم ستم پیشه شاهنشاهی بود وارد حوزه علمیه قم گردید تا در کنار تحصیلات حوزوی به جرگه معترضین به رژیم شاه بیوندد . در قم از محضر بزرگان علم و اخلاق همچون مرحوم آیت الله مشکینی و منتظری بهره ها برد.

در کنار تحصیلات حوزوی در سال ۱۳۷۸ در مقطع دکترا از دانشگاه آزاد تهران فارغ التحصیل شد و از پایان نامه خویش با عنوان شعرای شیعه در اثر عباسی اول با موفقیت دفاع کرد، و در کنار تحصیل علاوه بر تدریس به امر پژوهش هم اشتغال دارد که در این زمینه آثاری را هم در مجلات و روزنامه های کشور به زیور طبع آراسته است.

شیخ بهایی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

بهاء الدین محمد بن عزالدین حسین بن عبدالصمد بن شمس الدین محمد بن حسن بن محمد بن صالح حارثی همدانی عاملی جبعی (جباعی) معروف به شیخ بهائی در سال ۹۵۳ ه.ق ۱۵۴۶ میلادی در بعلبک متولد شد. او در جبل عامل در ناحیه شام و سوریه در روستایی به نام "جبیع" یا "جباع" می زیسته و از نژاد "حارث بن عبدالله اعور همدانی" متوفی به سال ۶۵ هجری از معاریف

اسلام بوده است.

ناحیه "جبل عامل" همواره یکی از مراکز شیعه در مغرب آسیا بوده است و پیشوایان و دانشمندان شیعه که از این ناحیه برخاسته اند، بسیارند. در هر زمان، حتی امروزه فرق شیعه در جبل عامل به وفور می زیسته اند و در بنیاد نهادن مذهب شیعه در ایران و استوار کردن بنیان آن مخصوصاً از قرن هفتم هجری به بعد یاری بسیار کرده و در این مدت پیشوایان بزرگ از میان ایشان برخاسته اند و خاندان بهائی نیز از همان خانواده های معروف شیعه در جبل عامل بوده است.

بهاءالدین در کودکی به همراه پدرش به ایران آمد و پس از اتمام تحصیلات، شیخ الاسلام اصفهان شد. چون در سال ۹۹۱ هجری قمری به قصد حج راه افتاد، به بسیاری از سرزمینهای اسلامی از جمله عراق، شام و مصر رفت و پس از ۴ سال در حالی که حالت درویشی یافته بود، به ایران بازگشت.

وی در علوم فلسفه، منطق، هیئت و ریاضیات تبحر داشت، مجموعه تألیفاتی که از او بر جای مانده در حدود ۸۸ کتاب و رساله است. وی در سال ۱۰۳۱ ه.ق در اصفهان درگذشت و بنا بر وصیت خودش جنازه او را به مشهد بردند و در جوار مرقد مطهر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام جنب موزه آستان قدس دفن کردند. شخصیت ادبی شیخ بهایی:

- بهائی آثار برجسته ای به نثر و نظم پدید آورده است. وی با زبان ترکی نیز آشنایی داشته است. عرفات العاشقین (تألیف ۱۰۲۲-۱۰۲۴)، اولین تذکره ای است که در زمان حیات بهائی از او نام برده است.

بهترین منبع برای گردآوری اشعار بهائی، کشکول است تا جایی که به عقیده برخی محققان، انتساب اشعاری که در کشکول نیامده است به بهائی ثابت نیست. از اشعار و آثار فارسی بهائی دو تألیف معروف تدوین شده است؛ یکی به کوشش سعید نفیسی با مقدمه ای ممتّع در شرح احوال بهائی، دیگری توسط غلامحسین جواهری وجدی که مثنوی منحول «رموز اسم اعظم» (ص ۹۴ - ۹۹) را هم نقل کرده است. با این همه هر دو تألیف حاوی تمام اشعار و آثار فارسی شیخ نیست.

اشعار فارسی بهائی عمدتاً شامل مثنویات، غزلیات و رباعیات است. وی در غزل به شیوه فخرالدین عراقی و حافظ، در رباعی با نظر به ابو سعید ابوالخیر و خواجه عبدالله انصاری و در مثنوی به شیوه مولوی شعر سروده است. ویژگی مشترک اشعار بهائی میل شدید به زهد و تصوّف و عرفان است. از مثنویات معروف شیخ می توان از اینها نام برد: «نان و حلوا یا سوانح سفر الحجاز»، این مثنوی ملّمچنانکه از نام آن پیداست در سفر حج و بر وزن مثنوی مولوی سروده شده است و بهائی در آن ابیاتی از مثنوی را نیز تضمین کرده است. او این مثنوی را به طور پراکنده در کشکول نقل کرده و گردآورندگان دیوان فارسی وی ظاهراً به علت عدم مراجعه دقیق به کشکول متن ناقصی از این مثنوی را ارائه کرده اند.

«نان و پنیر»، این اثر نیز بر وزن و سبک مثنوی مولوی است؛ «طوطی نامه» نفیسی این مثنوی را که از نظر محتوا و زبان نزدیکترین مثنوی بهائی به مثنوی مولوی است، بهترین اثر ادبی شیخ دانسته و با آنکه آن را در اختیار داشته جز اندکی در دیوان بهائی نیاورده و نام آن را نیز خود براساس محتوایش انتخاب کرده است.

«شیر و شکر»، اولین منظومه فارسی در بحر خَبب یا مُتدارک است. در زبان عربی این بحر شعری پیش از بهائی نیز مورد استفاده بوده است. «شیر و شکر» سراسر جذبه و اشتیاق است و علی رغم اختصار آن (۱۶۱ بیت در کلیات، چاپ نفیسی، ص ۱۷۹ - ۱۸۸)؛ ۱۴۱ بیت در کشکول، ج ۱، ص ۲۴۷ - ۲۵۴) مشحون از معارف و مواعظ حکمی است، لحن حماسی دارد و منظومه ای بدین سبک و سیاق در ادب فارسی سروده نشده است؛ مثنویهایی مانند «نان و خرما»، «شیخ ابوالپشم» و «رموز اسم اعظم» را نیز منسوب بدو دانسته اند که مثنوی اخیر به گزارش میر جهانی طباطبائی (ص ۱۰۰) از آن سید محمود دهدار است. شیوه مثنوی سرایی بهائی مورد استقبال دیگر شعرا، که بیشتر از عالمان امامیه اند واقع شده است. تنها نثر فارسی بهائی که در دیوان های چاپی آمده است، «رساله

پند اهل دانش و هوش به زبان گریه و موش است.

بهائی در عربی نیز شاعری چیره دست و زبان دانی صاحب نظر است و آثار نحوی و بدیع او در ادبیات عرب جایگاه ویژه ای دارد. مهمترین و دقیقترین اثر او در نحو، «الفوائد الصمدیه» معروف به صمدیه است که به نام برادرش عبدالصمد نگاشته است و جزو کتب درسی در مرحله متوسط علم نحو در حوزه های علمیه است. اشعار عربی بهائی نیز شایان توجه بسیار است. معروفترین و مهمترین قصیده او موسوم به «وسيله الفوزوالامان فی مدح صاحب الزمان علیه السلام» در ۶۳ بیت است که هر گونه شبهه ای را در اثنا عشری بودن وی مردود می سازد. بهائی در ارجوزه سرایی نیز مهارت داشت و دو ارجوزه شیوا یکی در وصف شهر هرات به نام «هراتیه یا الزهره» (کشکول، ج ۱، ص ۱۸۹ - ۱۹۴) و دیگر ارجوزه ای عرفانی موسوم به «ریاض الارواح» (کشکول، ج ۱، ص ۲۲۵ - ۲۲۷) از وی باقی مانده است. دوبیتیهای عربی شیخ نیز از شهرت و لطافت بسیاری برخوردار بوده که بیشتر آنها در اظهار شوق نسبت به زیارت روضه مقدسه معصومین علیه السلام است.

شیخ محمدرضا فرزند شیخ حرّعاملی (متوفی ۱۱۱۰) مجموعه لطیفی از اشعار عربی و فارسی شیخ بهائی را در دیوانی فراهم آورده است. اشعار عربی وی اخیراً با تدوین دیگری نیز به چاپ رسیده است. بخش مهمی از اشعار عربی بهائی، لغز و معماست. از بررسی شیوه نگارش بهائی در اکثر آثارش، این نکته هویدا است که وی مهارت فراوانی در ایجاز و بیان معما آمیز مطالب داشته است. وی حتی در آثار فقهی اش این هنر را به کار برده که نمونه بارز آن «رسائل پنجگانه الاثنا عشریه» است. این سبک نویسندگی در «خلاصه الحساب، فوائد الصمدیه، تهذیب البیان و الوجیزه فی الدرایه» آشکارتر است. بهائی تبخّر بسیاری در صنعت لغز و تعمیم داشته و رسائل کوتاه و لغزهای متعدّد و معروفی به عربی از وی بر جا مانده است. مانند:

«لغز الزبده» (لغزی است که کلمه زبده از آن به دست می آید)، «لغز النحو»، «لغز الکشاف»، «لغز الصمدیه»، «لغز الکافی» و «فائده». نامدارترین اثر بهائی الکشکول، معروف به «کشکول شیخ بهائی» است که مجموعه گرانسنگی از علوم و معارف مختلف و آینه معلومات و مشرب بهائی محسوب می شود.

بهائی در شمار مؤلفان پر اثر در علوم مختلف است و آثار او که تماماً موجز و بدون حشو و زواید است، مورد توجه دانشمندان پس از او قرار گرفته و بر شماری از آنها شروح و حواشی متعدّدی نگاشته شده است. خود بهائی نیز بر بعضی تصانیف خود حاشیه ای مفصل تر از اصل نوشته است. از برجسته ترین آثار چاپ شده بهائی می توان از اینها نام برد: «مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین» (تألیف ۱۰۱۵)، که ارائه فقه استدلالی شیعه بر مبنای قرآن (آیات الاحکام) و حدیث است. این اثر دارای مقدمه بسیار مهمی در تقسیم احادیث و معانی برخی اصطلاحات حدیثی نزد قدما و توجیه تعلیل این تقسیم بندی است. از اثر مذکور تنها باب طهارت نگاشته شده و بهائی در آن از حدود چهارصد حدیث صحیح و حسن بهره برده است؛ «جامع عباسی»، از نخستین و معروفترین رساله های علمیه به زبان فارسی؛ «حبل المتین فی احکام الاحکام الدین» (تألیف ۱۰۰۷) در فقه که تا پایان صلوه نوشته است و در آن به شرح و تفسیر بیش از یکهزار حدیث فقهی پرداخته شده است؛ «الاثنا عشریه» در پنج باب طهارت، صلات، زکات، خمس، صوم و حج است. بهائی در این اثر بدیع، مسائل فقهی هر باب را به قسمی ابتکاری بر عدد دوازده تطبیق کرده است، خود وی نیز بر آن شرح نگاشته است.

«زبده الاصول» این کتاب تا مدتها کتاب درسی حوزه های علمی شیعه بود و دارای بیش از چهل شرح و حاشیه و نظم است. «الاربعون حدیثاً» (تألیف ۹۹۵) معروف به اربعین بهائی؛ «مفتاح الفلاح» (تألیف ۱۰۱۵) در اعمال و اذکار شبانه روز به همراه تفسیر سوره حمد. این اثر کم نظیر که گفته می شود مورد توجه و تأیید امامان معصوم علیه السلام قرار گرفته است.

«حدائق الصالحین» (ناتمام)، شرحی است بر صحیفه سجاده که هر یک از ادعیه آن با نام مناسبی شرح شده است. از این اثر تنها الحدیقه الهالئیه در شرح دعای رؤیت هلال (دعای چهل و سوم صحیفه سجاده) در دست است.

«حدیقه هلالیه» شامل تحقیقات و فوائد نجومی ارزنده است که سایر شارحان صحیفه از جمله سید علیخان مدنی در شرح خود موسوم ریاض السالکین از آن بسیار استفاده کرده اند. همچنین فوائد و نکات ادبی، عرفانی، فقهی و حدیثی بسیار در این اثر موجز به چشم می خورد. بنا بر قول کلیه کسانی که در احوال شیخ سخن گفته اند. وی نزد پدر تفسیر، حدیث و عربیت و امثال این ها را آموخت و پس از محضر استادان دیگر از جمله مولانا عبدالله مدرس (۱) یزدی حکمت و کلام و بعضی علوم منقول را نزد ملاعلی مذهب و ملا افضل قاضی مدرس و ملا محمد باقرین زین العابدین یزدی ریاضی را آموخت و در طب از حکیم عماد الدین مسعود کسب فیض نموده. (نفیسی: ۱۳۶۸، ص ۱۷) بهاءالدین محمد عاملی در عصر خود، چه در دانش و چه در اخلاق از مردان بزرگ جهان به شمار می رفت.

وی در علوم ریاضی و نجوم و هیأت استاد مسلم عصر خود بود و پس از یکصد سال که این علم در ایران رواجی نداشت. برای نخستین بار در اواخر قرن دهم و ابتدای قرن یازدهم هجری قمری این علوم را درهرات آموخته است و بار دیگر در ایران رواج داد. خدمات شیخ بهائی:

در عرف مردم ایران، شیخ بهائی به مهارت در ریاضی و معماری و مهندسی معروف بوده و هنوز هم به همین صفت معروف است، چنانکه معماری مسجد امام اصفهان و مهندسی حصار نجف را به او نسبت می دهند. و نیز شاخصی برای تعیین اوقات شبانه روز از روی سایه آفتاب یا به اصطلاح فنی، ساعت آفتاب یا صفحه آفتابی و یا ساعت ظلّی در مغرب مسجد امام (مسجد شاه سابق) در اصفهان هست که می گویند وی ساخته است.

در احاطه وی در مهندسی مساحی تردید نیست و بهترین نمونه که هنوز در میان است، نخست تقسیم آب زاینده رود به محلات اصفهان و قرای مجاور رودخانه است که معروف است هیئتی در آن زمان از جانب شاه عباس به ریاست شیخ بهائی مأمور شده و ترتیب بسیار دقیق و درستی با منتهای عدالت و دقت علمی در باب حق آب هر ده و آبادی و محله و بردن آب و ساختن مادیها داده اند که هنوز به همان ترتیب معمول است و اصل طومار آن در اصفهان هست.

دیگر از کارهای علمی که به بهائی نسبت می دهند طرح ریزی کاریز نجف آباد اصفهان است که به نام قنات زرین کمر، یکی از بزرگترین کاریزهای ایران است و از مظهر قنات تا انتهای آبخور آن ۹ فرسنگ است و به ۱۱ جوی بسیار بزرگ تقسیم می شود و طرح ریزی این کاریز را نیز از مرحوم بهائی می دانند.

دیگر از کارهای شیخ بهائی، تعیین سمت قبله مسجد امام به مقیاس چهل درجه انحراف غربی از نقطه جنوب و خاتمه دادن به یک سلسله اختلاف نظر بود که مفتیان ابتدای عهد صفوی راجع به تشخیص قبله عراقین در مدت یک قرن و نیم اختلاف داشته اند. یکی دیگر از کارهای شگفت که به بهائی نسبت می دهند، ساختمان گلخن گرمابه ای که هنوز در اصفهان مانده و به حمام شیخ بهائی یا حمام شیخ معروف است و آن حمام در میان مسجد جامع و هارونیه در بازار کهنه نزدیک بقعه معروف به درب امام واقع است و مردم اصفهان از دیر باز همواره عقیده داشته اند که گلخن آن گرمابه را بهائی چنان ساخته که با شمعی گرم می شد و در زیر پاتیل گلخن فضای تهی تعبیه کرده و شمعی افروخته در میان آن گذاشته و آن فضا را بسته بود و شمع تا مدت‌های مدید همچنان می سوخت و آب حمام بدان وسیله گرم می شد و خود گفته بود که اگر روزی آن فضا را بشکافند، شمع خاموش خواهد شد و گلخن از کار می افتد و چون پس از مدتی به تعمیر گرمابه پرداختند و آن محوطه را شکافتند، فوراً شمع خاموش شد و دیگر از آن پس نتوانستند بسازند. همچنین طراحی منار جناب اصفهان که هم اکنون نیز پا برجاست به او نسبت داده می شود. استادان شیخ بهائی:

آن طور که مؤلف عالم آرا آورده است، استادان او بجز پدرش از این قرار بوده اند^{۱۱}: تفسیر و حدیث و عربیت و امثال آن را از پدر

و حکمت و کلام و بعضی علوم منقول را از مولانا عبدالله مدرس یزدی مؤلف مشهور حاشیه بر تهذیب منطق معروف به حاشیه ملا عبدالله آموخت. ریاضی را از ملا-علی مذهب ملا-افضل قاضی مدرس سرکار فیض کاشانی فرا گرفت و طب را از حکیم عماد الدین محمود آموخت و در اندک زمانی در منقول و معقول پیش رفت و به تصنیف کتاب پرداخت."

مؤلف روضات الجنات استادان او را پدرش و محمد بن محمد بن محمد ابی الطیف مقدسی می شمارد و گوید که صحیح بخاری را نزد او خوانده است. علاوه بر استادان فوق در ریاضی، بهائی نزد ملا محمد باقر بن زین العابدین یزدی مؤلف کتاب مطالع الانوار در هیئت و عیون الحساب که از ریاضی دانان عصر خود بوده نیز درس خوانده است. شاگردان شیخ بهایی:

برای پی بردن به مقام علمی و میزان دانش شیخ، کافی است بدانیم که متجاوز از چهل تن از دانشمندان و بزرگان قرن یازدهم هجری قمری از وی علم آموخته و بهره برده‌اند و بعضی از آنان، اشخاص زیر هستند:

۱- صدرالدین محمد ابراهیم شیرازی، معروف به ملاصدرا، فیلسوف معروف.

۲- ملا محمد محسن بن مرتضی بن محمود، معروف به فیض کاشانی، صاحب تفسیر صافی.

۳- ملا عزالدین فراهانی مشهور به علینقی کمره‌ای، شاعر معروف قرن یازدهم.

۴- ملا محمدباقر بن محمد مؤمن خراسانی، معروف به محقق شیخ الاسلام.

۵- شیخ جواد بغدادی، مشهور به فاضل جواد، صاحب شرح خلاصه الحساب و زبده فی الاصول.

۶- ملا محمدتقی بن مقصود علی مجلسی، صاحب روضه المتقین (م ۱۰۷۰).

۷- سید عزالدین حسینی کرکی عاملی، مشهور به مجتهد مفتی اصفهانی. سخنی در تاریخ وفات شیخ

در مورد تاریخ وفات شیخ بهایی اقوال گوناگونی وجود دارد، صاحب «تاریخ عالم آرای عباسی» که از مآخذ مورد اعتماد است، می گوید که در شب چهارم شوال سال ۱۰۳۰ ه. ق بیمار شد و هفت روز رنجور بود، تا این که در شب ۱۱ شوال درگذشت، و چون وی رحلت کرد، شاه عباس در بیلاق بود و اعیان شهر جنازه او را برداشتند و ازدحام مردم به اندازه‌ای بود که در میدان نقش جهان جا نبود که جنازه او را حرکت دهند. در مسجد جامع عتیق به آب چاه غسل دادند و علماء بر او نماز گزاردند و در بقعه‌ای منسوب به امام زین العابدین (علیه السلام) که مدفن دو امامزاده است، گذاشتند و از آنجا به مشهد بردند و به وصیت خود او در پائین پا، در جایی که هنگام توقف در مشهد در آنجا درس می گفت، به خاکش سپردند.

صاحب روضات الجنات می گوید که چون شیخ درگذشت، پنجاه هزار نفر بر جنازه وی نماز گزاردند و در تاریخ فوت وی گفته‌اند: «بی سر و پا گشت و شرع و افسر فضل اوفتاد». مقصود از «بی سر و پا گشت شرع» این است که شین و عین از آغاز و آخر شرع می افتد، و «راء» می ماند که ۲۰۰ باشد، و «افسر فضل اوفتاد»، یعنی «فاء» از آغاز آن ساقط می شود و «ضاء» که ۸۰۰ و «لام» که ۳۰ باشد می ماند و روی هم رفته، ۱۰۳۰ می شود.

صاحب کتاب تنبیهات می گوید که سال یک هزار و سی هجری، مریخ در عقرب راجع شد، و شیخ پس از یک هفته مریضی به رحمت ایزدی پیوست.

اعتماد الدوله میرزا ابو طالب در تاریخ رحلت وی گفته است:

رفت چون شیخ از این دار فنای گشت ایوان جنانش ماوای دوستی جست ز من تاریخش گفتمش «شیخ بهاء الدین وای» که از جمله آخر بدون همزه «بهاء»، عدد ۱۰۳۰ به دست می آید.

صاحب مطلع الشمس می گوید که در چهارم شوال سال ۱۰۳۰ هجری شمسی مریض گشت و در سه‌شنبه دوازدهم رحلت نمود و جسد شریفش به مشهد نقل شد.

صاحب امل الآمل در مورد تاریخ وفات شیخ گوید که از مشایخ خود شنیدم که در سال ۱۰۳۰ هجری قمری درگذشت.

ولی صاحب قصص العلماء تاریخ درگذشت وی را سال ۱۰۳۱ هجری قمری ذکر کرده است.

صاحب سلفه العصر، تاریخ وفات شیخ را دوازده روز مانده از شوال سال ۱۰۳۱ هجری قمری نوشته است، و در کتاب دیگر خویش موسوم به حدائق النديه فی شرح الفوائد الصمدیه در دوازدهم شوال سال ۱۰۳۰ هجری قمری ذکر کرده است و ممکن است در چاپ کتاب اول تحریفی شده باشد. به طور کلی آنچه از این اقوال برمی آید، وفات شیخ در دوازدهم شوال سال ۱۰۳۰ یا ۱۰۳۱ هجری قمری اتفاق افتاده است و چون صاحب تاریخ عالم آرای عباسی که نظرش معتبرتر از دیگران است، و همچنین کتاب تنبیهات که تالیف خود را چند ماه بعد از آن واقعه نوشته است، سال ۱۰۳۰ را ذکر کرده‌اند، از این رو گفته کسانی که وفات شیخ را در این سال نوشته‌اند، صحیح‌تر به نظر می‌رسد.

در این صورت وفات شیخ در دوازدهم ماه شوال سال ۱۰۳۰ ه.ق در شهر اصفهان روی داده است.

وقتی شیخ بهایی رحلت کرد، شاه عباس در بیلاق بود و اعیان شهر جنازه او را برداشتند و ازدحام مردم به اندازه‌ای بود که در میدان نقش جهان جا نبود که جنازه او را حرکت دهند. در مسجد جامع عتیق به آب چاه غسل دادند و علماء بر او نماز گزاردند و در بقعه‌ای منسوب به امام زین العابدین (علیه السلام) که مدفن دو امامزاده است، گذاشتند و از آنجا به مشهد بردند و به وصیت خود او در پائین پا، در جایی که هنگام توقف در مشهد در آنجا درس می‌گفت، به خاکش سپردند. نمونه اشعار:

تا کی به تمنای وصال تو یگانه
اشکم شود از هر مژه چون سیل روانه
خواهد که سر آید غم هجران تو یا نه
ای تیره غمت را دل عشاق نشانه
جمعی به تو مشغول و تو غایب زمیانه
رفتم به در صومعه عابد و زاهد
دیدم همه را پیش رخت راکع و ساجد
در میکده رهبانم و در صومعه عابد
گه معتکف دیرم و گه ساکن مسجد
یعنی که تو را می طلبم خانه به خانه
روزی که برفتند حریفان پی هر کار
زاهد سوی مسجد شد و من جانب خمار
من یار طلب کردم و او جلوه گه یار
حاجی به ره کعبه و من طالب دیدار
او خانه همی جوید و من صاحب خانه
هر در که ز من صاحب آن خانه تویی تو
هر جا که روم پرتو کاشانه تویی تو
در میکده و دیر که جانانه تویی تو
مقصود من از کعبه و بتخانه تویی تو
مقصود تویی ... کعبه و بتخانه بهانه
بلبل به چمن زان گل رخسار نشان دید

پروانه در آتش شد و اسرار عیان دید
 عارف صفت روی تو در پیر و جوان دید
 یعنی همه جا عکس رخ یار توان دید
 دیوانه منم ..من که روم خانه به خانه
 عاقل به قوانین خرد راه تو پوید
 دیوانه برون از همه آئین تو جوید
 تا غنچهء بشکفتهء این باغ که بوید
 هر کس به بهانی صفت حمد تو گوید
 بلبل به غزل خوانی و قمری به ترانه
 بیچاره بهایی که دلش زار غم توست
 هر چند که عاصی است ز خیل خدم توست
 امید وی از عاطفت دم به دم توست
 تقصیر "خیالی" به امید کرم توست
 یعنی که گنه را به از این نیست بهانه
 نصایح شیخ بهایی به فرزندش
 اگر پیامبر هم باشد از زبان مردم آسوده نیست.
 اگر بسیار کار کند، می گویند احمق است.
 اگر کم کار کند، می گویند تنبل است.
 اگر بخشش کند می گویند افراط می کند.
 اگر ثروت اندوزی کند، می گویند بخیل است.
 اگر ساکت و خاموش باشد می گویند لال است.
 اگر زبان آوری کند، می گویند وراج و پر روست.
 اگر روزه بدارد و شبها نماز بخواند می گویند ریاکار است.
 و اگر نماز نخواند می گویند کافر و بی دین است.
 پس فرزندم نباید به حمد و ثنای مردم اعتنا کرد و جز از خداوند نباید از کسی ترسید . منبع :
 سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران
 سایت مشاهیر ، سایت شهید آوینی
 کشکول شیخ بهایی
 فقهای نامدار شیعه، عقیقی بخشایشی، ص ۲۱۱

شیخ، غلامرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۷۹ ش)، پزشک و مدرس. در تهران متولد شده. پس از تحصیلات دوره‌ی متوسطه در دارالفنون و گذراندن مدرسه‌ی طب در سال ۱۳۰۵ ش برای ادامه‌ی تحصیلات به فرانسه عزیمت کرد و دوره‌ی (مالاریالوژی) را طی نمود. پس از آن دوره‌ی بهداشت را پیموده و پایان‌نامه‌ی خود را پیرامون، لیشمانیموز در تهران، در پاریس نگاشت پس از آن به تهران مراجعت کرد و عهده‌دار مشاغلی از قبیل پزشک وزارت فرهنگ، رییس بخش پزشکی بیمارستان گوهرشاد، تعلیم دروس بالینی دانشجویان پزشکی در بیمارستان مذکور، استاد کرسی بیماریهای عمومی و پزشکی آزمایشی. از آثار وی: «تاریخ طبیعی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: مؤلفین کتب چاپی (۷۰۵-۷۰۴/۴).

شیخ، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۸، مرتبه علمی: استاد، رشته: فلسفه و حکمت اسلامی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته‌های فلسفه و حکمت اسلامی و علوم تربیتی و حقوق قضائی، دکترای فلسفه و حکمت اسلامی.

مرتبه علمی:

استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فلسفی، ادبی و اجتماعی، تدریس در دانشکده حقوق و ادبیات از سال ۱۳۴۸ در دانشگاه‌های تهران و شهید بهشتی، راهنمایی،

مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

فلسفی، ادبی، و اجتماعی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

فلسفی، ادبی و اجتماعی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شیخ الاسلام تبریزی، محمود

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۰ - ۱۲۴۰ ق)، فقیه، اصولی، مفسر، محدث و ادیب امامی. در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری کتب مقدماتی، عربی و فارسی، برای تکمیل تحصیلات خود به نجف رفت و در آنجا در نزد شیخ انصاری و حاج شیخ مهدی آل کاشف الغطاء و فاضل ایروانی و شیخ محسن خنفر و شیخ مشکور و دیگران درس خواند. پس از نیل به مدارج عالی به زادگاهش بازگشت و مورد توجه خاص و عام گردید. در ۱۲۸۲ ق پس از وفات برادرش میرزا شفیع به منصب شیخ الاسلامی رسید. شیخ الاسلام علاوه بر مراتب علمی قریحه‌ی شعری نیکویی داشت و اشعار لطیفی از خود بجای گذاشت. وی سفری از تبریز به نجف و از آنجا به مکه کرد و در حال حج‌گزاری از دنیا رفت و در قبرستان ابوطالب (ع) دفن شد. از آثار وی: «درایه الحدیث»؛ «دکه القضاء»، در شهادت و قضاء؛ «رساله‌ی مشتقات»؛ «حقایق القوانین» که حاشیه‌ی «قوانین الاصول» است؛ «تمییز الصحیح من الجریح»، در تعادل و تراجم؛ حواشی بر «مجمع البحرین» طریحی؛ «کاشفه الکشاف»، حاشیه بر «کشاف» زمخشری؛ «مفتاح البسمله»؛ «منتهی المقاصد»، در علم نحو؛ «مواقع النجوم فی مشکلات العلوم» یا «غایه الاملین»، در حل مشکلات آیات؛ «المنهل الصافی»، حاشیه بر «تفسیر صافی»؛ رساله‌ای در «عدم حجیت اصول مثبتة»؛ «عجب العاجب»، در مساله اجرت بر واجب؛ «ابداء البداء»، در حقیقت قدر و قضا.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۵۵/۸)، اعیان الشیعه (۱۰۷/۱۰)، دانشمندان آذربایجان (۲۶۸)، الذریعه (۲۳۰/۲۳)، ۴۱/۲۱، ۶/۱۶، ۲۲۰/۵، ۶۴/۱، ریحانه (۲۹۸-۲۹۶/۳)، علماء معاصرین (۴۴-۴۰)، معجم المؤلفین (۱۸۱/۱۲)، مکارم الآثار (۱۱۲۵-۱۱۲۳/۴).

شیخ الاسلام دامغانی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، عالم دینی و شاعر. وی معاصر آیت‌الله میرزای رضای بزرگ شریعتمدار دامغانی بود و از علمای عصر ناصری. وی دارای تالیفاتی می‌باشد از آن جمله‌اند: «فرق الملل» یا «بیان المذاهب»؛ رساله‌ای در بیان «احکام حلال و حرام» و «عبادات» [۱]. محمد بن حسین بن باقر معروف به شیخ الاسلام دامغانی معاصر با مرحوم آیت‌الله حاج میرزا رضای بزرگ شریعتمدار دامغانی و ناصرالدین شاه قاجار و بنابر مشهور وظیفه‌ای از شاه مزبور بنام شیخ الاسلامی داشته و در سال ۱۲۷۱ قمری می‌زیسته است. دارای تالیفاتی که از آنهاست (فرق الملل یا بیان المذاهب) و رساله‌ای در بیان احکام حلال و حرام و عبادات و غیره بوده و آنها را با کتب دیگرش بنام فرزندش عالم جلیل ملا عبدالرزاق که مورد علاقه‌اش بوده وقف نموده است. آن مرحوم از مردم شهر خود دلتنگ و ناراحت و همواره به غم و افسردگی روزگار خود را می‌گذرانیده چنانکه از این ابیاتش ظاهر است.

محمد بن حسین دامغانیست ولیکن

نمانده در دلش از دامغان و فاز کسانی

کنند دعوی علم و عمل ولیک ندارند
 بغیر بخل و حسد از عمل بدهر نشانی
 بر این قیاس نظر کن بحال پیر و جوانش
 چه کوفه است شود کوفه آن بلد بزبانی
 ز ناظرین بر این شرح ممکن است توقع
 برند نام شریفم بخیر در همه آنی
 بعارفان سخن سنج باد رحمت یزدان
 که اوست باقی و جز ذات او بود همه فانی
 بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)
 منابع زندگینامه [۱]: گنجینه‌ی دانشمندان (۱۲۱/۵).

شیخ الاسلام زنجانی، فضل‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۳ - ۱۳۰۳ ق)، فقیه، متکلم، رجالی و حکیم. در زنجان به دنیا آمد. مقدمات و متون را نزد استادان زنجان فراگرفت و فلسفه را از علامه میرزا عبدالمجید آموخت و به درس خارج علامه میرزا عبداللّه زنجانی حضور یافت. در ۱۳۳۱ ق به همراه برادرش به نجف مهاجرت کرد و در آنجا نزد آیت‌الله سید محمد کاظم یزدی و آیت‌الله شیخ الشریعه اصفهانی و دیگر مدرسان به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. در ۱۳۳۹ ق به زنجان بازگشت و به وظائف امور علمی و شرعی مشغول گردید. او از آیت‌الله سید حسن صدر عاملی کاظمی و علامه سید محمد فیروزآبادی و آیت‌الله شیخ الشریعه اصفهانی و علامه سید محمود شکری علوی آلوسی دارای اجازه بود. از آثارش: حاشیه بر «منطق» شرح «منظومه» سبزواری؛ رساله‌ای در رد نظریه‌ی «واحد بسیط...»؛ «تاریخ علم کلام در اسلام»؛ حاشیه بر «اوائیل الشوارق» ملا عبدالرزاق لاهیجی؛ نقد «رساله‌ی حدود» ملا صدرا شیرازی؛ «تشیع در تاریخ اعتقادی و سیاسی و ادبی شیعه» یا «تاریخ مذهب شیعه»؛ تعلیقاتی بر کتاب «اوائیل المقالات» شیخ مفید؛ شرح و حاشیه‌ای بر «منهج المقال» استرآبادی؛ «شرح حال رجال زنجان و راویان آن».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: شهیدان راه فضیلت (۳۹۰-۳۸۹)، علماء معاصرین (۲۲۸-۲۲۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۷۱-۸۷۰/۴).

شیخ الاسلام زاده، محیط

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۸، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای پوستی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی بیماریهای پوست از دانشگاه تبریز و فرانسه در سالهای ۱۳۴۲ و ۱۳۵۵، فوق تخصص پاتولوژی از دانشگاه ایلینویز آمریکا در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز. زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بیماریهای وزیکولوبولوز، بیماریهای قارچی، بیماریهای پسوریازیس و استاد راهنمای ۱۵ پایان‌نامه دکترای در زمینه بیماریهای پوست. تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

بیماریهای پوست عملی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۴، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

بحث درباره ملانوم و نتایج تجربی، آکنه و لگاریس، گزارشی در مورد سرطان کاپوزی، جذام در ایران، اسکرودرمیا و بررسی موارد خاص، آکسیدان کورتیکوتراپی، بررسی بیماریهای قارچی در آذربایجان. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شیخ‌الاسلامی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شیخ‌الاسلامی، ویدا

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۹، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیهوشی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی و دکترای تخصصی بیهوشی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۸.

مرتبہ علمی:

استادیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۸ تا سال ۱۳۶۲، دانشیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۲ تا کنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اثر PH و سرما و گرما در عمل شل کننده عضلانی، تزریق مورفین داخل نخاع (انتراتکال) و ایجاد بیدردی در زایمان و دردهای سرطانی، تدریس درس بیهوشی در دانشگاه تهران و ابداع شل کننده عضلانی جدید ۶۳۶۸، استاد راهنمای ۲ پایان نامه تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

بیهوشی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

بیهوشی برونکوسکوپي در ۱۷۰ مورد، داروی جدید شل کننده عضلانی غیر دیپلاریزان استیروئیدی و مقایسه آن با پانکورانیوم، مقایسه روشهای بیهوشی در جراحی شکاف کام، داروی شل کننده عضلانی در بیماران بدون کلیه، گزارش متد کاتتریزاسیون پرکوتانه دریچه‌ها.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شیخ‌الاطباء، حسینعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۲۲ ق)، طبیب. ملقب به شیخ‌الاطباء. وی در طب قدیم مهارت داشت و طب جدید را هم در دارالفنون آموخت و در سال ۱۲۸۶ ق حکیم‌باشی مهد علیا، مادر ناصرالدین شاه بود و پس از مرگ وی طبیب ناصرالدین شاه شد. و پس از آن جزو اطبای دربار سلطنتی قرار گرفت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: چهل سال تاریخ ایران (۲۸۴/۱)، شرح حال رجال (۸۰/۵).

شیخ‌العراقین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن شیخ زین العابدین مازندرانی، فقیه و حکیم (ف. عراق عرب ۱۳۴۰ ه.ق.).
برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

شیخ العراقین تهرانی، عبدالحسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۸۶ ق)، مجتهد، عالم و محقق امامی. در نجف نزد شیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر»، تلمذ کرد تا اینکه به دریافت اجازه‌ی اجتهاد نایل شد. آنگاه به عنوان پیشوای دینی به تهران بازگشت و مرجعیت عام یافت. او به ترویج دین و امر به معروف و نهی از منکر پرداخت و از ناصرالدین شاه قاجار نهراسید و، در بسیاری موارد، در مقابل وی ایستادگی کرد. او در دقت، تحقیق، سرعت انتقال، کثرت حافظه از نوادر به شمار می‌رفت و در فقه و حدیث و رجال و لغت متبحر بود. او از صاحب «جواهر» و سید شفیع جاپلقی و ملا رفیع رشتی روایت کرده است. پس از تلاش برای بازسازی قبه‌ی مبارکه‌ی حسینی و قبه‌ی مبارکه‌ی عسکریین به کاظمین رفت و در آنجا از دنیا رفت و پیکرش به کربلا منتقل و در صحن مقدس حسینی دفن شد. از آثار وی: احداث مسجد و مدرسه‌ی بزرگی در تهران به نام مسجد و مدرسه‌ی شیخ‌العراقین؛ کتابخانه‌ی بزرگی حاوی کتب خطی نفیس در کربلا. از آثار علمی وی: کتابی در «طبقات الراوه»، در رجال، که در جدولی زیبا تنظیم کرده است؛ ترجمه‌ی «نجاه العباد»؛ «ساله‌ی عملیه»؛ حواشی و تعلیقات بسیار؛ «مصباح النجاه»، در سراسر نماز و سر استغفار بین سجده‌تین.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴۳۹-۴۳۸/۷)، الذریعه (۱۲۲/۲۱، ۱۴۲/۴، ۱۲۶/۱)، ریحانه (۳۲۹/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۱۵-۱۳/۷۱۳)، الکنی و الالقاب (۳۹۸-۲/۳۹۷).

شیخانی، علی باقر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی باقر شیخانی

محل تولد: رشت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۱ در یکی از روستاهای استان گیلان در اطراف رشت به دنیا آمده و از سن هفت سالگی به مدرسه رهسپار گردیدم و در سال ۱۳۶۱ در رشته اقتصاد اجتماعی دیپلم گرفتم.

در سال ۱۳۶۱ برای فراگیری علوم دینی رهسپار شهرستان رشت شده و در حوزه علمیه امام صادق (ع) وابسته به سازمان تبلیغات

اسلامی به تحصیل پرداختم اما پس از یک سال به شهر تهران رفته و در حوزه علمیه شهید بهشتی مشغول به تحصیل شدم اما پس از یک سال به دلیل اختلاف در مدیریت مدرسه آن را ترک گفته وارد حوزه علمیه ولیعصر (عج) وابسته به برادران باقری بنایی شده و تا سال ۶۶ در آن حوزه علمی تا پایان جلد اول لمعه را فرا گرفتم

در سال ۱۳۶۶ برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم وارد شدم و از محضر اساتید بزرگوار آن بهره‌مند گردیدم و در ابتدا اصول فقه مرحوم مظفر را نزد استاد علی محمدی خراسانی فرا گرفتم همچنین برخی از ابواب جلد دوم لمعه را نزد ایشان و استاد شب زنده دار و استاد احمد خاتمی و مرحوم وجدانی فخر تلمذ نمودم پس از آن مکاسب محرمة و کتاب بیع را نزد مرحوم احمد پایانی و کتاب رسائل را نزد استاد اعتمادی فرا گرفتم و کتاب خیارات مکاسب را نزد استاد عباس محفوظی فرا گرفتم و پس از آن کتاب کفایه را نزد مرحوم صالحی مازندرانی و استاد مهدی هادوی آموختم.

در ضمن این سالها به دروس فلسفه منظومه استاد احمد بهشتی و درس اسفار استاد جوادی آملی و استاد حسن ممدوحی و استاد نکونام شرکت جست.

از سال ۷۱ به بعد تا کنون در درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت داشته و در دروس خارج فقه اساتید بزرگوار مشکینی، بهجت، محقق داماد، موسوی اردبیلی، فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، و نوری همدانی شرکت جست بهره‌مند گردیدم.

همچنین در سال ۷۲ در اولین دوره رشته تخصصی تبلیغ شرکت جست و با موفقیت به پایان رسانده و مشغول تالیف پایان نامه سطح چهارم آن می باشم همچنین در رشته تخصصی مذاهب اسلامی دوره پنجم آن شرکت جست در سال ۸۱ به پایان رسانده ام.

شیخ بهائی، بهاء الدین، محمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۰۳۱/۱۰۳۰ - ۹۵۳ ق)، عالم، فقیه، مفسر، محدث، متکلم، ریاضیدان، ادیب و شاعر امامی، متخلص به بهایی. معروف به شیخ الاسلام والمسلمین و مجدد دین در رأس قرن یازدهم. در بعلبک به دنیا آمد. در کودکی به همراه پدر، در عهد شاه طهماسب، به ایران وارد شد. وی در محضر پدر خود، شیخ حسین، شاگرد شهید ثانی، و عبدالله بن شهاب الدین یزدی و محمدباقر یزدی و ملا علی مذهب و ملا افضل و اعتمادالدین محمود کچایی به فراگیری علم مشغول شد، تا اینکه در تفسیر، فقه، اصول، ادبیات، رجال، تاریخ، حکمت، کلام، طب، ریاضیات و سایر علوم سرآمد شد. عهده‌دار منصب شیخ الاسلامی گشت و امور شرعی یکسره به او محول شد. سپس او از این شغل کناره گرفت و سالیانی به سیاحت شهرها پرداخت، و به هرات و اران و آذربایجان و تبریز و مصر و شام و دمشق و عراق و حلب و فلسطین و بیت المقدس و سرندید و حجاز و مکه و مدینه و دیگر شهرها مسافرتها کرد، و در اثناء این سفرها گاه به مباحثات علمی - مذهبی نیز می پرداخت. سرانجام به ایران بازگشت و همراه شاه عباس پیاده از اصفهان به مشهد رضوی رفت. شیخ بهایی احادیث شیعه را از پدرش و میرداماد روایت کرده و «صحیح باری» را از استادش، محمد بن محمد بن محمد مقدسی، روایت نموده است، که مقدسی نیز به واسطه‌ی دوازده تن محدث محمد نام، پی در پی از محمد بن اسماعیل بخاری نقل کرده است. شیخ بهایی آنی از تعلیم و تربیت فروگذار نبود و در حوزه درس خویش شاگردانی همچون، شیخ فاضل جواد بن سعدالله، ملا حسنعلی شوشتری، سید حسین کرکی، ملا خلیل قزوینی، محمد خلیل قاینی، میرزا رفیع الدین نائینی، شیخ زین الدین بن محمد سبط شهید ثانی، ابن ابی جامع، شیخ علی بحرانی، سید ماجد بحرانی، ملا محسن فیض کاشانی، ملا صدرا،

محمد بن حسین ساوجی، میرزا رفیع‌الدین طباطبایی، ملا شریف‌الدین محمد رویدشتی، شیخ محمود جزایری، ابن‌خاتون، محقق سبزواری، مجلسی اول، ملا محد صالح مازندرانی تربیت کرده است. وی کتابخانه‌ی بزرگی گرد آورد که از جمله چهار هزار کتابی بود که شیخ علی منشار، پدر همسرش، از شهرهای هند به ایران آورده بود و پس از او به دخترش همسر شیخ‌بهائی، منتقل شده بود. شیخ‌بهائی در اصفهان درگذشت. جنازه او به مشهد رضوی منتقل کردند و در جوار حرم مطهر دفن کردند. در «ریحانه الادب» نود و سه اثر وی با شرح مختصر ذکر شده است. از آثار وی: «جبل المتین فی احکام احکام‌الدین»؛ «مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین»، در فقه استدلالی؛ «الاربعین» یا «الاربعون حدیثاً»؛ «جامع عباسی»، به فارسی، در فقه؛ «الکشکول»؛ «المخلاه»؛ «زیده الاصول» یا «الزیده»، در اصول فقه؛ «فوائد الصمدیه»، در نحو؛ «مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیله»؛ رساله «الهلالیه»؛ «اثبات الانوار الالهیه»؛ «الاثنی عشریات»؛ «اسرار البلاغه»؛ «تهذیب البیان» یا «التهذیب»، در نحو؛ حاشیه‌ی «من لا یحضره الفقیه»؛ حاشیه‌ی «خلاصه الاقوال» علامه حلی؛ حاشیه «کشاف» زمخشری؛ حاشیه «تفسیر» بیضاوی؛ «خلاصه الحساب»، در ریاضیات؛ «تشریح الافلاک»، در علم هیئت؛ «الاسطرلاب»؛ «بحر الحساب»؛ «الوجیزه»، در درایه، به نام «درایه الحدیث»؛ مثنوی‌های: «زنان و پنیر»، «شیر و شکر»، «طوطی نامه»، «نان و حلوا» یا «سوانح الحجاز»، «الزاهره». [۱]

(شیخ) محمد بن حسین عاملی (منسوب به جبل عاملی) معروف به شیخ بهائی، دانشمند بنام عهد شاه عباس بزرگ (و. بعلبک ۹۵۳ ه.ق. / ۱۵۴۶ م. - ف. اصفهان ۱۰۳۱ ه.ق. / ۱۶۲۲ م.) پدرش عزالدین حسین در سال ۹۶۶ به ایران مهاجرت کدر و بهاء‌الدین در ایران نشأت یافت و تألیفاتی به فارسی و عربی پرداخته که مجموع آنها به ۸۸ کتاب و رساله بالغ می‌شود، از آن جمله است: دو مثنوی فارسی «نان و حلوا» و «شیر و شکر»، جامع عباسی (فقه)، خلاصه‌الحساب، تشریح الافلاک کتاب اربعین (عربی)، کشکول که مجموعه‌ایست از نوادر حکایات و علوم و اخبار و امثله و اشعار عربی و فارسی. وی به فارسی و عربی شعر می‌سرودده. جنازه او را به مشهد انتقال و در مسجد گوهرشاد دفن کردند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: آتشکده‌ی آذر (۹۲۷-۹۲۶ / ۳)، الاعلام (۳۳۴/۶)، اعیان الشیعه (۲۳۴/۹)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۷۹- ۲۷۷ / ۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۴۷- ۱۰۳۹ / ۵)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۵۱۵- ۵۰۲)، تذکره‌ی روز روشن (۱۲۲- ۱۲۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۵۱- ۱۵۰)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (۵۰۶- ۴۹۵)، دایرة‌المعارف فارسی (۱۵۲۲/۲)، دنباله جستجو در تصوف (۲۵۹)، الذریعه (۷۷/۱۸، ۹۸۳، ۱۴۳، ۹/ ۲۴۱- ۲۴۰، ۶/ ۲۲۵- ۲۲۴، ۲۱۱، ۲۰۳، ۱۹۵، ۱۷۳، ۱۶۸، ۱۰۳، ۸۸، ۳۹، ۶/ ۳۰۲- ۳۰۱، ۶۳- ۶۲، ۵/ ۴۹۸، ۵۰۹، ۲۰۰، ۱۸۶- ۱۸۵، ۴/ ۴۲۵، ۳۶- ۳۵، ۳/ ۴۲۲، ۱۱۸- ۱۱۷، ۱۱۵، ۱/ ۸۵)، روضات الجنات (۸۰- ۵۴ / ۷)، ریاض العارفین (۴۹- ۴۵)، ریاض العلماء (۹۷- ۸۸ / ۵)، ریحانه (۳۲۰- ۳۰۱ / ۳)، زندگینامه ریاضیدانان (۱۷۲- ۱۷۰)، سرآمدان فرهنگ (۲۳۲/۱)، سیری در شعر فارسی (۳۸۴- ۳۸۳)، شخصیت‌های نامی (۲۷۳- ۲۷۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۸- ۸۵ / ۱۱)، عالم آرای عباسی (۱۵۷- ۱۵۵ / ۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۱۱- ۳۱۰)، فرهنگ سخنوران (۱۴۷)، فقهای نامدار شیعه (۲۲۸- ۲۰۹)، فوائد الرضویه (۵۲۱- ۵۰۲)، فلاسفه‌ی شیعه (۴۲۹- ۴۱۵)، کارنامه بزرگان (۳۲۵- ۳۲۴)، الکنی و الالقاب (۱۰۰/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۲- ۴۲۱ / ۵)، مجمع الخواص (۴۱- ۴۰)، مجمع الفصحا (۱۵- ۱۲ / ۴)، مطلع الشمس (۳۸۸- ۳۸۶ / ۲)، معجم المؤلفین (۲۴۲/۹)، منظومه‌های فارسی (۳۵۶- ۳۵۳)، نتایج الافکار (۱۰۵- ۱۰۳)، یغما (س ۱۳، ص ۱۴۶- ۱۴۳).

شیدا، عباس

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند اسحاق. ادیب و شاعر و نویسنده‌ی محقق، در علم و فضل ممتاز بود. در ۱۴ ذی‌حجه‌ی سال ۱۲۹۹ در شهرکرد متولد، و در اصفهان خدمت جمعی از بزرگان علم و ادب، در فقه و اصول و منطق و کلام و حدیث و تفسیر تحصیل نموده که از آن جمله است: آخوند کاشی، و آقا شیخ مرتضی ریزی، و میرزا حسین همدانی، و در خط از شاگردان میرزا فتح‌الله جلالی بود. سال‌ها در اصفهان انجمن ادبی تأسیس نموده، و شعرا را دور هم جمع نموده، و به ترویج شعر و ادب، و تصحیح اشعار گویندگان پرداخت، و مدت ۱۴ سال بدین مهم اقدام نموده، و در ضمن آن به نشر مجله‌ی ادبی «دانشکده» اقدام نموده، لکن متأسفانه در دو دوره‌ای که مجله را منتشر ساخت جمعا بیشتر از ۱۲ شماره منتشر نشد.

مرحوم شیدا پس از یک عمر کار و کوشش و رنج و مشقت، سرانجام در شب ۳ شنبه ۱۴ جمادی‌الاولی سال ۱۳۶۹ وفات یافته، در این تکیه مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شیدای بلخی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، ادبی، شاعر و منجم. وی از نزدیکان و مولانا قوام‌الدین بلخی بود. در علوم نقلی و عقلی استاد بوده و تدریس فقه و تفسیر می‌کرده و شاگردان بسیاری داشته از آن جمله سید بهاء‌الدین حسن نثاری بخارایی در هئیت و نجوم شاگرد وی بوده و در استخراج تقویم مهارت داشته. وی در نظم و نثر فارسی نیز دست داشته و کتابی در تقلید «گلستان» سعدی نوشته و پیروی از سعدی می‌کرده است. وی در هجو نیز استاد بوده. گویا در جوانی وفات یافته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۶۲۶)، فرهنگ سخنوران (۵۳۰).

شیدای یزدی، ابوالحسن

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۲۹ ق)، لغوی و شاعر. اصل وی از یزد بود و از بزرگان سادات و فضلالی عالی مقام بود و از حافظه‌ای قوی برخوردار، بسیار مبادی آداب و نظیف و صاحب اخلاق و صادق و پاک اعتقاد بود. زمانی آشفتگی دماغ او را به شیدایی کشاند، اما بهبود یافت. در علم لغت ممتاز و باهنر بود. از اشعار او، جز آنچه در «تذکره‌ی وامق» آمده، چیزی در دست نیست و بیشتر آنها در منقبت حضرت امیرالمومنین است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره سخنوران یزد (۱۷۹-۱۷۸)، حدیقه الشعراء (۹۴۴-۹۴۲ / ۲)، سفینه‌المحمود (۴۸۴-۴۸۳ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۵۳۱-۵۳۰)، مجمع الفصحا (۵۴۰-۵۳۹ / ۵).

شیرازی عمادالدین، محمود

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۹۵۴ ق)، حکیم و طبیب. وی از کودکی زیردست پدرش که طبیب حاذقی بود، پرورش یافت و مدتی طبیب امیر عبدالله خان استاجلو حاکم شروان بود. سپس به دربار شاه طهماسب رفت و مدت بیست سال در هند زندگی کرد. در اواخر عمر مجاور مشهد رضوی شد و طبابت بیمارستان رضوی را بر عهده گرفت. از آثار وی: «رساله‌ی چوب چینی»، در خواص و طبایع و منافع و طریق خوردن آن؛ «رساله‌ی بیخ چینی»، که در ۹۵۴ ق تألیف شده؛ «رساله‌ی ای در بیماری آتشک»؛ «رساله‌ی افیونیه» یا «الافیونیه»؛ «سته‌ی ضروریه طبیه»، به نام شاه قلی خان بن حمزه سلطان استاجلو؛ «مفرح یاقوتی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۳۹۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۱۳-۷۱۲ / ۳)، الذریعه (۳۶۳ / ۲۱، ۲۸ / ۱۳، ۱۶۸، ۱۰۰ / ۱۱، ۲۷۱، ۷ / ۳۱۰، ۵ / ۲۶۲، ۲ / ۲۴۱-۲۴۰ / ۱۰)، عالم‌آرای عباسی (۱۶۸، ۱۵۶ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۶۵۳).

شیرازی، ابومحمد، حسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۲-۱۲۳۰ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مدرس و مرجع تقلید. مشهور به میرزای مجدد، زیرا که در آغاز قرن سیزدهم قمری مجدد مذهب جعفری بوده است. در شیراز به دنیا آمد. در کودکی پدر را از دست داد و تحت سرپرستی دایی خویش، سید میرزا حسین موسوی مجد الاشراف، قرار گرفت. پس از فراگیری مقدمات به اصفهان رفت و از محضر شیخ محمدتقی رازی، صاحب «حاشیه بر معالم»، و سید حسن مدرس بیدآبادی و حاج ابراهیم کرباسی استفاده نمود و قبل از بیست سالگی از مدرس بیدآبادی به دریافت اجازه نایل آمد. او مدتی در اصفهان به تدریس پرداخت و جماعتی از مجلس درس او بهره بردند. در ۱۲۵۹ ق به عراق رفت و در نجف در محضر شیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر»، و شیخ حسن آل کاشف الغطاء، صاحب «انوار الفقاهه»، و در کربلا در محضر سید ابراهیم، صاحب «ضوابط»، تلمذ نمود. پس از درگذشت استادش، صاحب «جواهر»، در درس شیخ انصاری شرکت نمود و مدتها بحثهای او را در فقه و اصول ملازمت کرد و در بین چند صد نفر از شاگردان شیخ شاخص شد. پس از درگذشت شیخ انصاری در ۱۲۸۱ ق، وی عهده‌دار مرجعیت دینی گردید. در ۱۲۹۱ ق به سامرا رفت و در آنجا تشکیل حوزه‌ی درس داد. میرزا محمدتقی شیرازی، آخوند خراسانی، علامه سید محمدکاظم یزدی، حاج سید اسماعیل صدر، سید حسن صدر، میرزا محمدحسین نایینی، حاج میرزا حبیب‌الله رشتی، حاج آقا رضا همدانی، حاج سید اسدالله اصفهانی، حاج شیخ فضل‌الله نوری، حاج میرزا ابوالفضل کلانتری، حاج شیخ احمد شانه‌ساز و سید میرزا حسین علوی از شاگردان او بودند. در اواخر عمرش، زعامت شیعه در او منحصر گشت و این امر برای کمتر زعیمی در طول تاریخ شیعه اتفاق افتاده است. وقتی در رجب ۱۳۰۸ ق، ناصرالدین شاه امتیاز انحصار تنباکوی ایران را به تالبوت واگذار کرد و به خواسته مردم و رهبران دینی که خواستار لغو چنین امتیازی بودند

وقعی نهاد، میرزای شیرازی طی حکمی در چند کلمه استعمال دخانیات را تحریم کرد. این واقعه به نهضت تحریم تنباکو معروف گشت. میرزا در اثر بیماری سل در سامرا در گذشت و طبق وصیت او، پیکرش را به نجف منتقل و در حرم امیرالمؤمنین (ع) دفن کردند. از آثارش: حاشیه بر «نجات العباد» شیخ محمدحسن نجفی؛ حاشیه بر «النخبه» ملا محمد ابراهیم کرباسی؛ کتابی در «طهارت»؛ رساله در «رضاع»؛ کتابی در «فقه»، از اول مکاسب تا آخر معاملات؛ تلخیص «افادات» شیخ انصاری؛ رساله «اجتماع الامر و النهی» [۱].

محمدحسن بن میرزا محمود بن میرزا اسماعیل بن السید فتح‌الله بن سید عابد بن لطف‌الله بن محمد مؤمن الحسینی شیرازی نجفی اعظم و اشهر و اعلی مرجع امامیه در تمام بلاد اسلامیة در زمان خودش در ۱۵ جمادی‌الاولی ۱۲۳۰ قمری در شیراز متولد شد و در آنجا مقدمات و ادبیات و سطوح وسطی را خوانده در سن ۱۷ سالگی به اصفهان آمده و به درس علامه بزرگ شیخ محمدتقی (صاحب حاشیه معالم‌الاصول) آمده و درین ۲۰ سالگی به درس علامه ورع شیخ محمدابراهیم کلباس شرکت نموده تا یکی از مدرسین فاضل اصفهان گردیده جماعتی از فضلاء از محضرش استفاده نموده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف در سال ۱۲۵۹ ق نموده و به درس صاحب جواهر و شیخ حسن آل کاشف‌الغطاء مؤلف (انوارالفقاهه) حاضر شده و پس از آنها عمده استفاده‌اش از علامه شیخ مرتضی انصاری و در میان تلامذه شیخ موجه و مشار بالبنان بوده است و کراراً شیخ می‌فرموده من برای سه نفر مباحثه می‌کنم میرزا محمدحسن شیرازی (مترجم معظم ما) و میرزا حبیب‌الله رشتی و آقا حسن تهرانی و بعد از فوت شیخ در سال ۱۲۸۱ ق مردم متوجه به میرزا شده و همه شاگردان شیخ وی را بر خود مقدم داشته تا زعامت عامه و ریاست عامه به آنجناب منتهی شده و در سال ۱۲۸۷ ق در عصر شریف عبدالله الحسینی مشرف به مکه گردیده و در خانه موسی بغدادی وارد شده و وقتی شریف مکه یعنی پادشاه حجاز از ورودش مطلع شد وقتی معین کرد که میرزا به ملاقات او برود. میرزا به او جواب داد: قال رسول‌الله صلی‌الله‌علیه و آله. (إذا رأیت العلماء علی ابواب الملوک فقولوا بئس العلماء و بئس الملوک و إذا رأیت الملوک علی ابواب العلماء فقولوا نعم العلماء و نعم الملوک).

وقتی که دیدید دانشمندان و علماء را که به دربار سلاطین رفت و آمد می‌کنند. بگوئید که چه بد علمائی هستند و چه بد ملوکی می‌باشند و بالعکس هنگامی که دیدید پادشاهان به منزل علماء آمد و شد می‌کنند بگوئید چه خوب علماء و چه خوب سلاطینی هستند. پس وقتی این جواب به شریف رسید فوراً به زیارت آن بزرگوار مشرف شد.

آثار و خدمات آنجناب به عالم تشیع بسیار است یکی از آنها تشکیل حوزه علمیه و بناء مدرسه در سامره بود که این شهری که مدفن دو امام معصوم و خاندان جلیلشان می‌باشد و زادگاه حضرت ولی عصر عجل‌الله‌فرجه الشریف است از ناامنی و خطر نواصب و متعصبین اهل سنت مصون شود و شیعیان با اطمینان خاطر برای زیارت و بیتوته در این مقام شریف مشرف شوند.

و دیگر از خدمات ایشان تحریم تنباکو و لغو شدن امتیازاتی که استعمارگران غربی از ناصرالدین شاه قاجار گرفته بودن و اثر این مسئله که کتابها در این موضوع نوشته شده و تفصیل این مطالب مربوط بکتب مبسوطه دیگر است و علامه تهرانی صاحب الذریعه کتابی بنام (هدیه‌الرازی الی مجدد الشیرازی) نوشته و در آن بسط کلام داده است. آن بزرگوار در شب چهارشنبه ۲۴ شعبان ۱۳۱۲ بکسالت سل از دنیا رفت و جنازه‌اش را مردم با دوش از سامره به نجف اشرف که بالغ بر چهل فرسخ است حمل کردند و در صحن شریف مقبره جنب باب طوسی دفن نمودند.

حاج میرزا محمدحسن بن میرزا محمود بن محمد اسماعیل حسینی شیرازی (ف. ۱۳۱۲ ه.ق)، از علمای عالیقدر شیعه. میرزا در اوایل زندگی در سال ۱۲۴۸ ه.ق از مولد خویش شیراز به اصفهان آمد و نزد علمای آن شهر به تحصیل علوم عقلیه و نقلیه پرداخت و از آنجا در ۱۲۵۹ ه.ق به عتبات رفت و نزد شیخ مرتضی انصاری به تلمذ پرداخت. در سال ۱۲۹۱ ه.ق در سامره اقامت نمود و در آنجا به تدریس و تعلیم مشغول بود تا اینکه در ۱۳۱۲ ه.ق بدرود حیات گفت و جنازه‌اش را به نجف حمل کرده و به خاک سپردند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان الشیعه (۳۱۰-۳۰۴/۵)، الذریعه (۲۴/۹۱، ۲۲۷/۶)، ریحانه (۶۸-۶۶/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۴۱-۴۳۶/۱۴)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۹۳)، الکنی و الالقاب (۲۲۳-۲۲۲/۳)، لغت نامه (ذیل / حسن شیرازی)، معجم المؤلفین (۲۹۳-۲۹۲/۳)، مکارم الآثار (۸۹۰-۸۸۳/۳)، میرزای شیرازی.

شیرازی، اسدالله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

طیب حاذق المیرزا اسدالله برادر آیت‌الله العظمی مجدد شیرازی و داماد علامه مهذب شیخ محمدصادق تهرانی و متوفی ۱۳۱۴ قمری و این بزرگوار افلاطون زمان خود بود. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شیرازی، جانی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۲۸۷ ق)، نقاش، طراح و قلمدان‌ساز. وی تحت تربیت پدر هنرمندش، در شیوه‌ی روغنی، بخصوص در جلدسازی و قلمدان‌سازی تصویر می‌آفرید و در ارائه گل و مرغ‌ها و مجالس رزمی و صنعت تذهیب دست پر هنری داشت. از آثار وی: طراحی و پرداخت جلد روغنی جلد پنجم نسخه «الف لیل»، با رقم: «هم از خامه میرزا جانی آمد- به جلدش ریاحین جنت مصور»؛ قلمدان استادانه‌ای که بر رویه آن، صحنه‌ی شکاری ترسیم گشته و کناره‌های قلمدان نیز پر از دسته گل‌های زیباست، با رقم: «اقل کمترین میرزا جانی ابن احمد ۱۲۸۴»؛ قاب آینه‌ی هشت گوشه که بر روی آن گل‌های گوناگونی نقش شده، با: «رقم کمترین میرزا جانی ابن احمد ۱۲۸۷».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱۲۸۹-۱۲۸۸/۳).

شیرازی، جلال‌الدین احمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س هشتم ق)، طیب و شاعر، متخلص به جلال و طیب. اصل وی از خوفا و مولد وی شیراز است. از بزرگان، پزشکان و شاعران معروف دربار شاه شجاع مظفری است و برادرزاده‌ی نجم‌الدین محمود طیب و دانشمند معروف است. او در سال ۷۵۴ ق سفری به مصر داشت. وی علاوه بر طبابت، شاعری زبردست بود و غزل را نیکو می‌سرود و در شعر تازی نیز دست داشت. دولتشاه به اشتباه

منظومه‌ی «گل و نروز» را به وی نسبت می‌دهد و همین خطا به آثار بعد از وی نیز راه می‌یابد. از او «دیوان» غزلیاتی حدود سه هزار بیت به یادگار مانده است
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۳۷- ۱۰۳۲/۳)، تاریخ نظم و نثر (۲۱۳)، تذکره الشعراء (۳۳۸- ۳۳۲)، دانشمنداو سخن سرایان فارس (۹۷- ۹۵/۲)، الذریعه (۲۳۳/۱۸، ۲۰۰- ۱۹۹/۹)، ریحانه (۴۱۵/۱)، سرآمدان فرهنگ (۲۵۷- ۲۵۶/۱)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۳۸/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ جلال شیروانی)، مرآت الفصاحه (۱۳۴)، هفت اقلیم (۲۶۵/۲)، یغما (س ۱۴، ش ۴، ص ۲۸۲- ۱۷۸).

شیرازی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت الله شهید سید حسن شیرازی : سال ۱۳۴۵ قمری با ولادت طفلی مبارک از این نسل پاک خاندان شیرازی ها با ریگر به خود بالید و مردمان بسیاری را به دعای شکر وادار کرد .

پس از گذراندن دوران کودکی در جوار بارگاه امیرالمومنین علیه السلام عشق به مکتب اهل بیت علیهم السلام سید حسن را به تحصیل در علوم حوزوی کشانید تا با اقتدا به اجداد پاک و مطهرش آینده ای روشن را برای خود رقم زند . سالها گذشت و او روح و جانش را با اشتیاق در زیر آبخار علوم آل الله شستشو داد تا مفتخر به اجتهاد گردید آن شهید والا مقام در حیات پر افتخارش در ممالک متعددی از جمله سوریه و لبنان و عراق و مصر سعی وافر در خدمتی خالصانه به اسلام نمود و سالیانی دراز دلیرانه به مبارزه با ظلم و ستم پرداخت و بارها تا مرز شهادت پیش رفت

او در عراق با انتشار مجلات و تالیف کتب مختلف به زبان عربی ضمن ایجاد تحول در نحوه فراگیری ادبیات عرب نقشی سبز در اعتلای سطح فرهنگی مردم شیعه عراق ایفا نمود در همین سالها به مخالفت با جریانهای ضد دینی که در عراق شکل میگرفت میپرداخت و مقالات کوبنده ای را منتشر میساخت.

در سوریه با تاسیس حوزه علمیه زینبیه خدمت بزرگی به مسلمانان این کشور نمود و در همین راستا توانست با فعالیتهای گسترده و نگرشی عالمانه در راستای اصلاح فرقه های علی الهی و اهل حق که از عقاید منحرفی برخوردار بودند خدمت شایانی از خود به یادگار گذارد .

ایشان در لبنان با تاسیس پایگاه علمی و فرهنگی و سازمانی به ام جماعه العلماء برگ زرین دیگری بر افتخارات خود افزود و همچنین تاسیس مدرسه الام المهدی از دیگر اقدامات ایشان بود در لبنان.

چندی بعد به دعوت بازرگان مهاجر لبنان به کشور ساحل عاج رفته و در اندک زمان توقف خود در انجا اقدام به ساهت بنای مرکز اسلامی نمود

ایشان همچنین در نبرد با حزب بعث که در سوریه شکل گرفته بود به مبارزه علنی و آگاهی بخشی به توده های مردم روی آورد و در این راهم متحمل سختیهای بسیار گشت . اما سرانجام در روز جمعه ۱۲ اردیبهشت سال ۵۹ انگاه که تصمیم داشت در مجلس یادبود شهید محمد باقر صدر شرکت کند مورد حمله قرار گرفت و به شهادت رسید و پیکر ایشان پس از انتقال به قم و خواندن

نماز توسط آیت الله العظمی مرعشی نجفی در صحن حرم حضرت معصومه سلام الله علیها به خاک سپرده شد

شیرازی، حیدر علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۳۱۳ ق)، نقاش و طراح. اهل شیراز بود و در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه می‌زیسته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱/۱۶۴).

شیرازی، سید عبدالهادی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم آیت الله حاج سید عبد الهادی شیرازی فرزند حجت الاسلام حاج میرزا اسماعیل یکی از علما و مراجع بزرگ شیعه در قرن چهاردهم هجری است. معظم له فقیهی محقق مجتهدی اصولی و عالم به علم رجال و حدیث بود. در سال ۱۳۰۵ در عتبات متولد شد و در طفولیت از فیض پدر مرحوم گردید. در شهر سامرا منزل میرزای بزرگ عموی پدرش نشو و نما نمود و از کودکی با مبانی اسلامی آشنا شد. در نوجوانی سالها از حضور حاج میرزا علی فرزند امام مجدد مدارج علمی و معنوی را پیمود و از سن بیست سالگی رهسپار نجف اشرف گردید و سالها از کرسی درس پر برکت آخوند خراسانی، علامه یزدی، آقا شریعت اصفهانی و در سامرا از محضر حاج میرزا محمد تقی شیرازی استفاده می نمود و خود به مراتب علمی و عملی و اخلاقی ارتقاء یافت.

مرحوم آیت الله شیرازی حدود سی سال در رأس اساتید بزرگ حوزه نجف معاصر با مرحوم آیت الله اصفهانی بود که پس از فوت وی در جمله مراجع و علمای بزرگ قرار داشت و بعد از وفات مرحوم آیت الله بروجردی زعامت و مرجعیت شیعیان جهان و تصدی حوزه چندین ساله نجف به معظم له منتهی شد. مرحوم آیت الله شیرازی رسائلی در فروع و عبادات و کتابی به نام دار السلام و رساله برای عمل مقلدین خویش به رشته تحریر برد و در سال ۱۳۶۹ جهت معالجه چشم سفری به ایران نمود که مورد استقبال علما و مراجع قرار گرفت و بعد از یک عمل جراحی مجدداً به نجف اشرف مراجعت نمود. معظم له در اواخر عمر به علت مطالعه و تحقیق زیاد متأسفانه بینائی خود را از دست داد و بعد از سالها تحقیقات علمی و خدمت به اسلام و مسلمین سرانجام در دهم صفر سال ۱۳۸۲ چند ماه بعد از فوت مرحوم آیت الله بروجردی جهان فانی را وداع نمود. برگرفته از کتاب: پایگاه شهیر

شیرازی، شجاع

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، حکیم. وی از شاگردان میر سید شریف‌الدین گرگانی بود و از بنی اعمام شاه شیخ ابواسحاق اینجو پادشاه معروف فارس بوده. از آثارش: «انیس الناس فی الاخلاق»، که در حکمت عملی است و در سال ۸۳۰ ق به نام مغیث‌الدین ابوالفتح ابراهیم

سلطان بن شاهرخ به پایان رسانید. این کتاب را به تقلید از «قابوس نامه» و «سیاست نامه» نگاشته است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۲۶۰).

شیرازی، شهاب‌الدین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید شهاب‌الدین شیرازی فیلسوفی فاضل و عالمی عارف از شاگردان شیخ محمدرضای قمشه‌ای و میرزا ابوالحسن جلوه اصفهانی بوده و در حدود ۱۳۲۰ وفات نموده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شیرازی، صدرالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید صدرالدین حسینی مجتهد شیرازی فرزند سید ابوطالب فرزند محمدهاشم شیرازی از علماء اعلام و دانشمندان عظام معاصر شیراز است.

آنجناب در ذی‌الحجه ۱۲۲۱ ق در شیراز متولد شده و پس از تحصیل مقدمات مهاجرت به نجف اشرف نموده و در آنجا از محضر مرحوم آیت‌الله آ میرزا محمدتقی شیرازی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله نائینی و آیت‌الله العظمی اصفهانی استفاده نموده تا به مقام منبع اجتهاد نائل و با دریافت اجازات اجتهاد و غیره به سوی وطن مراجعت و به وظائف شرعی از اقامه جماعت و تدریس و تبلیغ قیام نموده و در طول خدمت خود به سوانح و گرفتاریهائی از قبیل تبعید و تحت نظر بودن برخورد کرده و خاطرات عجیبی دارد.

در ماه ربیع‌الثانی ۱۳۴۹ ق پس از چندین ماه تبعید و مسافرت به ارض اقدس مراجعت به شیراز نمود و مورد استقبال شایان مردم فارس قرار گرفت و بعد از ورود به خدمات دینی پرداخت تا در سال ۱۳۷۶ که برادر ارجمندش مرحوم آیت‌الله حاج سید نورالدین (نایت‌الامام) به رحمت حق پیوست.

وی تشکیل جمعیتی بنام (جمعیت انصار) داد که تا اکنون برقرار است. لکن معظم له به واسطه ناراحتیهای روحی از شرکت در اکثر اجتماعات خودداری نموده و بیشتر در کتابخانه شخصی به مطالعه و تألیف و تصنیف اشتغال دارد.

از آثار گرانقدر ایشان یک دوره دائرةالمعارف است در بیست جلد بنام (مجموعه الاشقات) که در هر علم و فنی که توانسته‌اند تألیف کرده‌اند.

دارای طبعی موزون و ذوق سرشار می‌باشند و اشعار بسیاری در مواعظ و مدایح و غیره دارند

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شیرازی، عبدالجبار

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ عبدالجبار شیرازی فقیهی بزرگ و عالمی جلیل از شاگردان شیخ انصاری و میرزای بزرگ شیرازی و مراجع بزرگ شرعی شیراز و در سال ۱۳۱۹ ق وفات نموده است.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شیرازی، فتح‌الله

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۹۷ ق)، عالم، حکیم و شاعر. در شیراز به دنیا آمد و در آن جا نشوونما یافت. وی در محضر درس استادانی چون علامه جمال‌الدین محمود و کمال‌الدین شیروانی و مولانا کرد و میر غیاث‌الدین منصور شیرازی به مقامات عالیہ دانش رسید. تا جایی که سلطان عادل شاه بیجاپوری او را به هندوستان دعوت کرد و فتح‌الله به آن جا رفت و منصب وکالت یافت. بعد از کشته شدن عادل‌شاه به دعوت اکبرشاه، در ۹۹۱ ق، به فتحپور رفت و در ۹۹۳ ق به منصب امین‌الملکی رسید و لقب عضدالدوله یافت و در ۹۹۴ ق به صدارت کل بلاد هندوستان رسید. او در کشمیر درگذشت و در تخت سلیمان دفن شد. وی علاوه بر تبحر در علوم متداوله زمان خود و شعر، از مخترعین و صنعتگران عصر خود نیز به شمار می‌آمد. از جمله اختراعات وی: آسیایی خود کار بود که حبوبات را آرد می‌کرد؛ آینه‌ای که در آن اشکال عجیب از دور و نزدیک منعکس می‌شد، تفنگی که در یک دور دوازده گلوله از آن خارج می‌شد؛ تقویم ابتکاری جدیدی از روی دوره‌ی شمسی. به آورده‌ی «دانشمندان و سخن‌سرایان فارس» از «مآثر الکلام» وی اولین کسی بود که اهالی هند را به تصنیفات و افکار علمای متأخر ایران مانند: علامه دوانی، ملا صدرای شیرازی، غیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی و میرزاجان آشنا ساخت و کتابهای آنها را در هندوستان تدریس کرد. از جمله تألیفاتش «تکمله‌ی حاشیه‌ی» علامه‌ی دوانی بر «تهذیب المنطق» تفتازاتی است. رکن‌زاده‌ی آدمیت به اشتباه تفسیر «منهج الصادقین» ملا فتح‌الله کاشانی را به وی نسبت داده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۱-۵۹ / ۴)، ریاض‌العارفین (۲۲۷)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۷۵ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۶۸۷)، کاروان هند (۹۹۳-۹۹۲ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل / فتح‌الله)، مرآت الفصاحه (۴۵۳-۴۵۲)، هفت اقلیم (۲۳۵-۲۳۴ / ۱).

شیرازی، فیروزه

قرن: ۸

جنسیت: زن

ملیت: ایران

۷۴۰ ق، از زنان فاضل، عالم و محدث. وی دختر مظفر شیرازی و صاحب کرامت بود. کتاب الاربعین، روایة الصالحات عن الصالحین، در حدیث تألیف اوست.
برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه: منابع: دانشمندان و سخن سرایان فارس، ۱۶۳ / ۴؛ شدالازار، ۲۰۹.

شیرازی، کاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

یکی از رجال برجسته علم و دانشی که شایسته است به مناسبت ورودش در سال ۱۳۶۶ هجری قمری به قم از او یاد شود مرحوم مغفور آیت‌الله حاج شیخ کاظم شیرازیست که از فحول علماء و اکابر فقهاء حوزه نجف اشرف در عصر ما بودند که به قصد زیارت حضرت رضا علیه‌السلام از نجف حرکت نموده و در قم به منزل مرحوم آیت‌الله فیض ورود فرمودند و در روز ورودشان مورد تجلیل و استقبال حوزه علمیه و قاطبه علماء و زعماء حوزه چون آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله حجت و آیت‌الله فیض و آیتین خونساری و صدر و دیگران از علماء و فضلاء و عموم محصلین گردیدند.

صاحب احسن الودیعه در ج ۲ ص ۱۳۱ گوید شیخ کاظم نجفی شیرازی ادام‌الله بقاه و من کل مکروه و فاه از اکابر علماء و مجتهدین و عظماء و فقهاء متبیین، جمعی از اصحاب و گروهی از طلاب به بحث او حاضر می‌شوند جید التقرير لطیف التحرير حسن المعاشرة ظریف المحاوره می‌باشد ولادتش تقریباً سال ۱۲۹۰ و در سال ۱۳۰۰ به والدین خود از شیراز به عتبات منتقل و در کربلا ساکن و به علوم عربیه مشغول و تا دو سال با والدین خویش در آن مکان شریف متوقف و پس از آن والدین او به شیراز مراجعت و او در کربلا تنها به علوم ابتدائیه مشغول و پس از چهارده سال او نیز به شیراز برگشته و مطول و معالم را نزد عالم کامل حاج سید محمدعلی کازرونی که در تدریس مطول ماهر بودند خوانده و پس از دو سال اقامت در شیراز به کربلا حرکت و پس از فراگرفتن سطوح در سال ۱۳۱۰ به سامراء مهاجرت و وسائل و مکاسب را نزد عامل کامل حاج شیخ حسنعلی تهرانی که از اجلاء علماء اتقیا بودند خوانده و به بحث مرحوم آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی حاضر شده و تا روز وفات آن مرحوم ملازم بحث او بود و بعد به کاظمین مشرف و در آنجا به تدریس مشغول و پس از مدتی به نجف مهاجرت و حوزه درس تشکیل داده و غالب استفتاءات مرحوم آیت‌الله اصفهانی به نظر آن مرحوم بود که به امضاء و مهر سید می‌رسید تا در سال ۱۳۶۷ که وفات نموده و در یکی از حجرات صحن علوی مدفون گردید رضوان‌الله‌علیه.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

شیرازی، کاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم آیت‌الله حاج شیخ کاظم شیرازی یکی از علما و مجتهدین و اساتید بزرگ عتبات در قرن اخیر بود. شیرازی عالمی فقیه و

مجتهدی اصولی معاصر با آیت الله اصفهانی رحمه الله علیه بود.

مرحوم خوانساری در احسن الودیعہ (دوم) می نویسد: شیخ کاظم نجفی شیرازی از اکابر علما و مجتهدین و از علمای فقهای متتبعین است. جمعی از اصحاب و گروهی از فضلا به بحث او حاضر می شوند. مجتهدی که تحریر و تقریر او خیلی زیباست. خوانساری اضافه می کند که از گفتگو و معاشرت او لذت می بردیم...

شیخ کاظم رحمه الله علیه در سال ۱۲۹۰ قمری در شیراز متولد شد و در ده سالگی به معیت پدر و خاندان خویش ساکن کربلا گردید و مدت چهارده سال پی در پی سرگرم مطالعات و مباحثات فقهی و اصولی و ادبیات عرب بود. شیخ کاظم ابتدا از شاگردان سید کازرونی بود و از سال ۱۳۱۰ به بعد در سلک تلامذه آیت الله شیرازی بزرگ و شیرازی مجاهد و حاج حسینعلی تهرانی درآمد و خود به درجه اجتهاد رسید.

شیخ کاظم تا مادامیکه میرزا محمد تقی مجاهد در قید حیات بود از ملازمین معظم له در سامرا و کربلا بود. پس از فوت میرزای مجاهد عازم نجف اشرف گردید و در سلک اصحاب آیت الله اصفهانی قرار گرفت، و از ملازمین این سید عالی مقام بود. غالب استفتاهائی که از سید اصفهانی می شد، به خط زیبای شیخ کاظم که مجتهدی محل وثوق بود پاسخ داده می شد، و آقا پس از مطالعه مهر می نمود. سرانجام این شیخ جلیل القدر نیز در سال ۱۳۶۷ به رحمت ایزدی رفت و در نجف اشرف در کنار مولا امیرالمومنین علی علیه السلام جنب علما مدفون شد.

منابع زندگینامه: <http://www.shaaer.com>

شیرازی، محمدجواد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدجواد شیرازی از اکابر علماء و فقهاء متبحر و عالمی جامع بوده و در حدود ۱۲۶۰ ق وفات نموده آثاری دارد که از آنهاست (الکواکب المضية).

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شیرازی، محمدحسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابومحمد، محمد حسن بن محمود بن اسماعیل حسینی شیرازی معروف به میرزای مجدد، معزالدین و میرزای بزرگ شیرازی، مرجع تقلید شیعیان زمان خود و فقیه امامی بود که در ۱۵ جمادی الاولی سال ۱۲۳۰ ق در شیراز متولد گردید. وی قبل از ۲۰ سالگی، صاحب اجازه از سیدمحقق میرسید حسن بیدآبادی شد و در اصفهان به تحصیل پرداخت. از جمله استادان وی صاحب جواهر و صاحب انوار الفقاهه، محمد ابراهیم کلباسی، محمدتقی اصفهانی و علی توستری بودند. میرزای شیرازی پس از شیخ مرتضی انصاری، مرجع عالم اسلام گردید و در حدود سی سال این سمت را به عهده داشت. شاگردان زیادی در مکتب میرزا کسب علم کرده‌اند که از آن میان حضرات آیات عظام: علامه سیدمحمد کاظم یزدی، آخوند خراسانی، شیخ فضل الله نوری، میرزا حسین

نوری، سیدحسین صدر، ابراهیم دامغانی، سید اسماعیل شیرازی و شریف جواهری را می‌توان نام برد. از کارهای بزرگ میرزای شیرازی، صدور فتوای تاریخی تحریم تنباکو در زمان ناصرالدین شاه قاجار به عنوان اولین مقاومت منفی مردمی در ایران علیه بیگانگان بود که باموفقیت انجام شده است. از آثار این مرجع بزرگ: کتاب فی الطَّهَارَه، نِجَاةُ الْعِبَاد، رِسَالَةٌ فِي الرِّضَاع و رِسَالَةٌ فِي الْمُسْتَقَّ می‌باشد. میرزا در سال ۱۳۱۲ ق در ۸۲ سالگی در سامرا فوت نمود و در نجف اشرف به خاک سپرده شد.

شیرازی، مظفرالدین، علی

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۱۸/۹۲۲ ق)، عالم دینی و منطقی. از منطقیون بزرگ قرن دهم قمری و داماد علامه جلال‌الدین دوانی بود. علامه دوانی درباره‌اش گفته است: اگر منطقی جسم داشت جسمش مظفرالدین بود. در شیراز از علامه دوانی و دیگر علما علوم شرعی، حساب، هیئت، هندسه و کلام را فراگرفت و در این زمینه‌ها تبحر یافت. وی کتاب اقلیدس در فن هیئت را نزد امیر صدرالدین شیرازی خواند و بر آن حاشیه نگاشت. آنگاه به روم رفت و ملا ابن مؤید قاضی وی را به حضور سلطان بایزید برد و او مدرسه‌ی مصطفی پاشا در قسطنطنیه را به وی واگذار نمود. مظفرالدین مدتی در آن مدرسه و در مدرسه‌ای دیگر تدریس نمود. اما بر اثر از دادن بینایی از تدریس کناره گرفت و از سلطان یاوز سلیم خان (۹۲۶-۹۱۸ ق)، نهمین پادشاه از سلاطین عثمانی، حق تقاعد گرفت. در شهر بروسای روم درگذشت. از آثارش: شرح «تهذیب المنطق و الکلام» تفتازانی؛ شرح «فصوص الحکم» ابن عربی؛ شرح «گلشن راز» شیخ محمود شبستری؛ حاشیه بر «تجربید»؛ حاشیه بر «شرح مطالع»؛ حاشیه بر «کتاب اقلیدس»؛ حاشیه بر «کافیه».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۱۶۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۷۱-۴۷۰/۴)، الذریعه (۳۸۲، ۲۷۰/۱۳)، ریحانه (۳۲۹-۳۲۸/۵)، شذرات الذهب (۸۹/۹)، کشف الظنون (۱۵۰۵، ۱۲۶۳، ۵۱۷)، هدیه العارفین (۱/۷۴۱).

شیرازی، نورالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید نورالدین بن میرزا ابوطالب بن محمدهاشم حسینی شیرازی از مشاهیر دانشمند معاصر شیراز بوده‌اند.

وی در شیراز متولد و در بیت علم و عزت پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و سطوح مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر مرحوم آیت‌الله آقا سید محمدکاظم یزدی و آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی و آیت‌الله شریعت اصفهانی استفاده نموده و چون در سال ۱۳۴۲ ق مرحوم والدش به رحمت ایزدی پیوست به شیراز مراجعت و در مسجد وکیل بجای مرحوم والدش به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ و ارشاد مسلمین پرداخته و جمعیتی بنام برادران و حزب نور تشکیل داده و خود بنام نایب‌الامام شهرت یافته بود.

آیت‌الله شیرازی مذکور مضافاً بر مقام رفیع اجتهاد به زبانهای انگلیسی و فرانسه آشنا بود و خط زیبایی داشت و شعر هم نیکو می‌گفت و در امور اجتماعی ید طولائی داشت.

وی در سال ۱۳۶۷ قمری مسافرتی به قم و تهران و ارض اقدس با صدها نفر از حزب برادران نموده که بسیار پرمسرت و بااهمیت بود. و آن مرحوم با اینکه شب و روزش مستغرق خدمات بود تألیفات ارزنده‌ای از خود به یادگار گذاشت که به آنها اشاره می‌شود.

۱- اسلام و جهان امروز

۲- اصل الاصول در دو جلد

۳- تفسیر قرآن مجید

۴- حاشیه بر عروۃ الوثقی

۵- حکمت الهی

۶- سیاست اسلام

۷- علم خطابه و منبر

۸- علم رجال و درایه

۹- علم کلام

۱۰- مثنوی و تألیفات دیگر.

در سال ۱۳۶۷ قمری سال فوت مرحوم حاج شیخ کاظم فوق‌الذکر شخصیت برجسته‌ای که حقا مجسمه فضائل و کمالات بود از شیراز حرکت و با صدها نفر از حزب برادران شیراز وارد شهر دینی و علمی قم گردید. آیت‌الله حاج سید نورالدین که در فارس و خصوص شیراز مشهور بود (نایب‌الامام) می‌بودند از رجال علم و بیان و قلم و سیاست و کیاست عصر ما و از علماء طراز اول شیراز و بلکه کلیه ایران است.

در سال مزبور به قصد زیارت حضرت رضا علیه‌السلام و بعضی اقدامات دینی با حدود پانصد نفر از جمعیت حزب برادران که در تحت ریاست و رهبری آنجناب بود از فارس حرکت و با عظمت بسیاری به اصفهان و از آنجا به قم وارد و به منزل مرحوم آیت‌الله صدر نزول فرموده و مورد تجلیل مراجع عظام حوزه علمیه واقع شده و پس از چند روز به تهران و شهر ری عزیمت و از آنجا به مشهد و پس از مدتی مراجعت به شیراز نمودند و در تمام ایاب و ذهابش مجلانه وارد و حرکت فرمودند در موقع ورود به تهران یکسره به مسجد شاه آمده و باده‌ها هزار نفر نماز جماعت و پس از آن به منبر رفته و بیانات حاد و پرحرارتی ایراد نموده و بعضی از پیشنهادهای دینی به دولت وقت نمودند. خود نگارنده، در موقع ورودشان به ری و تهران حاضر و ناظر احساسات مردم شیراز و تهران بودم.

معظم له از اساطین علم و سیاست زمان ما بودند از تلامذه میرز مرحوم شریعت اصفهانی و آیت‌الله نائینی و آیت‌الله میرزا علی آقای شیرازی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و صاحب تألیفات و تصنیفات و جمعیت متجاوز از ده هزار نفر حزب برادران بودند که در شیراز خدماتی نموده‌اند در شیراز از دنیا رفته و در مقبره مخصوص خود در مقابل بیت‌العباس که از آثار اوست مدفون شده‌اند. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شیرازی، یوسف

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۳۲۳ ق.، شیراز.

در گذشت: ۱۳۶۶.

ابن یوسف شیرازی تحصیلات سنتی قدیمی را در شیراز و سپس در اصفهان و قم و مشهد دیده بود و درجه‌ی دانشکده‌ی معقول و منقول را هم دریافت کرد و در مدرسه‌های سپهسالار (جلد دوم، ۱۳۱۵ و ۱۳۱۸)؛ فهرست کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی (جلد سوم، ۱۳۲۱ ق.)؛ نهج البلاغه چیست (ترجمه و نوشته هبه‌الدین شهرستانی، ۱۳۱۶)؛ مقاله «صدرالدین شیرازی» ترجمه‌ی نوشته‌ی ابو عبدالله زنجانی - که در روزنامه‌ی «ایران» منتشر شد. ابن یوسف شرازی از پیشروان فن فهرست نویسی است. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

شیر جعفری، قاسم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قاسم شیر جعفری

محل تولد: شهر ری

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۵ هجری شمسی پس از اخذ مدرک دیپلم علوم تجربی از تهران برای ادامه تحصیل وارد قم شدم و دروس مقدمات را تا سه سال در مدرسه علمیه امام محمد باقر (ع) طی نمودم و سپس تا اتمام کفایتین را به صورت آزاد با دروس جنبی سپری کردم و پس از آن چندین سال در دروس خارج فقه و اصول اساتیدی چون: آیت الله جعفر سبحانی، آیت الله مکارم شیرازی، آیت الله شیخ جواد تبریزی و آیت الله وحید خراسانی شرکت نمودم.

شیرزاد، غلام

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، نقاش و طراح. وی از طراحان و نقاشان و بافندگان بنام پارچه‌های حریر زمان خود بود. تنها اثر باز مانده وی، تصویر دو جوان است که به قرینه رو به روی یکدیگر نشسته‌اند. این نقاشی که بر پارچه اطلسی به رنگ سبز انجام پذیرفته، در حواشی و کناره آن تصویر درختان و گلها نقش بسته است و به خط رقاع قرمز چنین رقم دارد: «تقدیم آستانه مقدسه نمود غلام شیرزاد سنه ۹۷۹».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱ / ۴۱۱).

شیرزادی، مصطفی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مغز و اعصاب، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شیرزای، صدرالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۲۱ ق)، عالم دینی، مجتهد، فقیه و شاعر. در شیراز متولد شد و پس از طی مقدمات به نجف اشرف مهاجرت کرد و در آنجا از محضر آیت‌الله آقا میرزا محمدتقی شیرازی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله نائینی و آیت‌الله اصفهانی استفاده نمود، تا به مقام اجتهاد نایل شد و با دریافت اجازه‌ی اجتهاد به وطنش بازگشت و به وظایف شرعی و تدریس پرداخت. وی در طول زندگی دچار دشواریها و گرفتاریهای از قبیل تبعید و تحت نظر بودن و سایر تضییقات شد. او دارای طبعی موزون و ذوقی سرشار بود و اشعار بسیاری در مواعظ و مدایح و غیره دارد. وی جمعیتی به نام جمعیت انصار تشکیل داد، اما خود وی بیشتر در کتابخانه شخصی‌اش به مطالعه و تالیف و تصنیف اشتغال داشت. از آثارش: دایرةالمعارفی است در بیست جلد به نام «مجموعه‌ی الاشقات»، که در هر علم و فنی که توانسته، نگاشته است.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: گنجینه‌ی دانشمندان (۴۴۸-۴۴۷/۵).

شیروان نیا، پرویز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: علوم طبیعی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

ریاضیات کاربردی، حل عددی انتگرال‌ها، کاربرد ریاضیات در مهند.

مرتبه علمی: دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

درماتومیوزیت حاد و بررسی ده مورد آن، گزارش ۷۰ مورد تروماتیسیم رگهای محیطی، لاپاراتومی تشخیص مجدد در مجروحین

جنگ ایران و عراق، سندرم- PEUTZJEGHERS، جراحی تیروئیدهای بسیار بزرگ جراحی هیپوپاراتیروئیدیسم اولیه، سرطان رکتوم در سنین قبل از ۴۰ سالگی، گزارش تظاهرات بالینی گوناگون فتوکروموسیتوما، ضایعات عروقی همراه با شکستگی‌ها و اعمال جراحی اورتوپدی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

فیزیولوژی پایه.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۶، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳۴

زمینه علمی مقالات:

فیزیولوژی پایه و فیزیولوژی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شیروانلو، فیروز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مترجم، مؤلف.

تولد: ۱۳۱۷، تهران.

درگذشت: ۳۰ بهمن ۱۳۶۷.

فیروز شیروانلو تحصیلات متوسطه خود را در مدرسه‌ی البرز به پایان رساند و به انگلستان رفت و در دانشگاه لیدز در رشته‌ی جامعه‌شناسی هنر به تحصیل پرداخت. پس از بازگشت به ایران، نخستین کارش طراحی و ویرایش کتاب در مؤسسه‌ی انتشارات فرانکلین بود. در همان زمان بود که پس از یک دوره فعالیت سیاسی به زندان افتاد و پس از آزادی، «دفتر نشر و تبلیغات نگاره» را تأسیس کرد و تا سال ۱۳۵۷ مشاغل را عهده‌دار بود. تأسیس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و فرهنگسرای نیاوران در نتیجه فعالیت‌های وی مقدور شد. همچنین در تشکیل موزه‌های فرش، هنرهای معاصر، آبگینه و برگزاری نمایشگاه‌های متعددی از هنر گذشته و معاصر ایران، سهم داشت.

در کنار این فعالیت‌ها همچنان به کار ترجمه و تألیف آثاری در زمینه‌ی هنر و اجتماع و دو کتاب از ارنست فیشر مشغول بود. مجموعه‌ای از آثار وی به شرح زیر است: ابعاد هنر نگارگری در ایران؛ اوستا (۱۳۵۷)؛ بررسی مسائل و نیازهای کودکان و نوجوانان (۱۳۵۰)؛ چهارم‌حال و بختیاری (۱۳۵۶)؛ خاستگاه اجتماعی هنرها (مجموعه مقالات، ۱۳۵۷)؛ خاستگاه زبان دری (سهیل افنان)؛ شناخت، تفکر و زبان در روند تکامل اجتماعی (تألیف ارنست فیشر، ۱۳۵۰)؛ ضرورت هنر در روند تکامل اجتماعی (تألیف ارنست فیشر، ۱۳۴۸)؛ کارآسایی در جوامع صنعتی و سنتی، گسترده و محدوده‌های جامعه‌شناسی هنر و ادبیات (مجموعه مقالات، ۱۳۵۵)؛ مبانی مقابل فرهنگ، فراغت و کارآسایی، مشارکت، تعهد و جوانان، نگاهی به نگارگری در ایران (بازیل گری، ۱۳۵۴)؛

نهضت‌های فکری جوانان در متن فرهنگ جهانی. وی مقاله‌هایی برای مجموعه‌ی «دفتر زمانه» در سال‌های ۱۳۴۶ الی ۱۳۴۹ و نیز برای مجله‌ی «تماشا» از سال ۱۳۵۲ به بعد می‌نوشت یا ترجمه می‌کرد. از نخستین کارهای او به هنگام بازگشت به ایران، شناساندن و ترویج طراحی کتاب بود. وی در زمینه‌ی ویرایش کتاب از متقدمان بود و توانست تحولی در زمینه‌ی تولید کتاب فیلم و نقاشی متحرک ویژه‌ی کودکان و نوجوانان پدید آورد. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

شیروانی جزئی، محمد حسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند حاج محمدابراهیم شیروانی جزئی، عالم، فاضل، معمر، مؤلف کتاب «فقهیه» و مدرس مدرسه صدر بازار اصفهان بوده که در شب دوشنبه ۲۶ رمضان المبارک سال ۱۳۲۶ در دوران سلطنت قاجاریه وفات و در تکیه فاضل هندی در تخت فولاد مدفون گردیده است که در نظر بوده به نجف اشرف منتقل گردد. از آثار دیگر او کتاب «مجمع الرسائل» است که در هنگام سفر به سامرا در سال ۱۳۰۶ به تأیید مجدد میرزا محمد حسن شیرازی رسیده و در سال ۱۳۱۰ چاپ شده و بعد از وفات او با حواشی بعضی از شاگردان او نظیر آیت‌الله محمدتقی شیرازی و ملا محمد کاظم خراسانی مجدداً چاپ شده است. وی از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و دیگران بوده است.

برگرفته از کتاب: فرهنگ تاریخ گز و برخوار

شیروانی هرندی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی شیروانی هرندی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۳ در تهران متولد شد. در سال ۵۶ به فراگیری علوم حوزوی علاقمند گشته، فراگیری علوم حوزوی را در مدرسه ملامحمد جعفر (معروف به مدرسه مجتهدی) آغاز کرد، و همزمان با گذراندن دوره دبیرستان - در رشته ریاضی فیزیک - صرف و نحو و معانی و بیان و منطق و اصول فقه و فقه را نزد اساتید برجسته حوزه تهران (آیت الله ضیاء آبادی، آیت الله رحمانی، آیت الله رئوفی و دیگران) فرا گرفت. در سال ۶۱ پس از اخذ دیپلم، برای ادامه تحصیل به قم هجرت کرد. در سال تحصیلی ۶۴-۶۵، بنا بر تقاضای امام جمعه وقت و مدیر مدرسه، برای تدریس به حوزه علمیه مسجد سلیمان عزیمت نمود. وی در آنجا دروس مختلف - از

جمله منطق، معالم الاصول و شرح لمعه - را تدریس کرد. در سال ۶۵ با کسب امتیاز عالی و درجه ممتازی دوره سطح حوزه را به پایان رساند و به طور فعال و جدی، دوره خارج فقه و اصول را آغاز کرد و از محضر آیات عظام وحید خراسانی و میرزاد جواد آقا تبریزی بهره‌مند شد.

به سبب علاقه فراوان به دیدگاه‌های اصولی شهید صدر، به حوزه اصولی ایشان راه یافت و از محضر شاگردان برجسته آن شهید سعید - آیت الله حائری و آیت الله شاهرودی - بهره برد. همزمان با تحصیل فقه و اصول، فلسفه، کلام و تفسیر را از محضر اساتید بزرگوار، آیات معظم: حسن‌زاده و جوادی آموخت. وی از همان آغاز به تدریس علاقه داشت. در بدو ورود به قم (سال ۶۱) معالم الاصول را تدریس کرد، و پیش از آن در تهران، ادبیات و منطق می‌گفت. از سال ۶۱ تا کنون (سال ۸۱) علاوه بر کتابهای رسمی حوزه (مانند اصول فقه، معالم الاصول، شرح لمعه، حاشیه، رسائل و کفایت الاصول) حلقات اصول شهید صدر، بدایت الحکمه، نهایت الحکمه، کشف المراد، اشارات و تنبیهات و بسیاری کتابهای دیگر را در حوزه و یا دانشگاه تدریس کرد. و اینک به تدریس اسفار اشتغال دارد. در دوران تحصیل به چیزی جز کسب دانش نمی‌اندیشید و برای تبلیغ جز به جبهه نرفت. وی همزمان با حضور فعال در حوزه علمیه قم - که تا کنون ادامه دارد - در دانشگاه نیز به تحصیل و تدریس اشتغال داشت.

در سال ۷۰ از میان تقریباً ۵۰۰ تن از فضلاء شرکت کننده در آزمون ورودی کارشناسی ارشد الهیات و معارف، رتبه نخست را به دست آورد، و در سال ۷۹ از رساله دکترای خود در دانشگاه تربیت مدرس دفاع کرد، و در رشته فلسفه و کلام فارغ التحصیل شد. ایشان در عرصه تحقیق و نگارش حضوری فعال و جدی داشته و دارد. از میان نوشته‌هایش برخی رسماً و برخی عملاً به عنوان متن درسی در حوزه و یا دانشگاه مورد استفاده قرار گرفته است، از جمله: کلیات فلسفه و تحریر منطق (در حوزه‌های علمیه خواهران در سراسر کشور)، درسنامه عقاید (در مرکز جهانی علوم اسلامی برای عموم طلاب غیر ایرانی)، منطق و شرح بدایت الحکمه (که هر دو کتاب برگزیده سال ۷۳ بود در رشته‌های الهیات و فلسفه) ترجمه لمعه دمشقیه (در رشته‌های حقوق و نیز در حوزه‌های علمیه) معارف اسلامی در آثار شهید مطهری و اخلاق اسلامی و مبانی نظری آن (در دروس عمومی معارف و اخلاق) تحریر الاسفار (در مقطع دکترای فلسفه اسلامی). کتابهای سرشت انسان، منابع اندیشه مذهبی شیعه، فرا اخلاق، اخلاق هنجاری، ترجمه الروضات لبهیت (تا کنون ۷ جلد آن منتشر شده) شرح نهایت الحکمه و شرح منازل السائرین از دیگر آثار قلمی نامبرده است. از ایشان چندین مقاله در مجله‌های علمی معتبر (مانند خردنامه صدرا، قیاسات، نامه مفید، ذهن و معرفت، پژوهشهای فلسفی و کلامی) منتشر شده است. آخرین نوشته ایشان، که پژوهش برگزیده کنگره دین پژوهان بوده است، به نام مبانی نظری تجربه دینی توسط بوستان کتاب قم منتشر شده است.

شیروانی، ابوالحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید ابوالحسن بن سید محمدحسین شیروانی عالمی فاضل بوده تألیفی بنام مصباح المفسرین در تفسیر آیه نور نوشته و تاریخ تألیف آن ۱۳۰۱ ق می‌باشد و ظاهراً ایشان از شیروان خراسان بوده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شیروانی، محمد بن حسن

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مولی محمد بن حسن معروف به ملا- میرزا، از اعظام علما و فقها و مدرسین اصفهان بوده، و کتب عدیده در فقه و اصول تألیف فرموده، و در جمعه ۲۹ رمضان ۱۰۹۸ وفات یافته، جنازه‌ی او به مشهد مقدس نقل شده، در سرداب مدرسه‌ی میرزا جعفر مدفون گردیده است.

کتب زیر از اوست:

۱ - انموزج العلوم ۲ - دو حاشیه بر معالم، عربی و فارسی ۳ - حاشیه بر حکمۃ العین ۴ - شرح بر شرایع ۵ - شرح بر رساله‌ی اثبات الواجب؛ و غیره.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

شیرین، جلال

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جلال شیرین

محل تولد: اهواز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۶۲/۱/۱۵

زندگینامه علمی

حقیر ابتدائی را در شهر اهواز گذرانده و پس از آن همراه خانواده به قم آمدم دوره راهنمایی را در مدرسه امیر کبیر و دبیرستان را در مدرسه دین و دانش خیابان ۱۹ دی پشت سر گذاشتم و دبیرستان را با معدل ۲/۱۵ در رشته ریاضی فیزیک به اتمام رساندم پس از آن وارد حوزه مقدس علمیه شدم و پنج سال اول را در مدرسه علمیه امام حسن مجتبی علیه السلام و سال ششم را در مدرسه امام محمد باقر علیه السلام خوانده و هم اکنون در پایه ۷ مشغول به تحصیل به علوم دینی می باشم لازم به ذکر است پایه ۴-۵-۶ سه سال به عنوان طلبه ممتاز معرفی شدم از سه سال پیش ابتدا به عنوان دفتر دار یکی از معاونین و بعد به عنوان پژوهشگر مجله الرشد در سازمان حوزه هاو مدارس خارج از کشور مشغول به کار شدم. کارها در مجله تهیه و تنظیم مقالات مورد نظر از قبیل تدوین نگارش. تلفیق. و مطابقت با معیارهای بین المللی مجله است و در آخر ترجمه آن به زبان ها ن انگلیسی. فرانسه. عربی. چینی. و غیره... این حقیر همچنین ترم اول مترجمی فرانسه هستم از دانشگاه باقر العلوم.

شیعه زاده، صمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیوشیمی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی تغذیه و تکنولوژی مواد غذایی از دانشگاه آمریکائی بیروت در سال ۱۳۴۳، کارشناسی ارشد بیوشیمی از دانشگاه ایالتی

کانزاس آمریکا در سال ۱۳۴۹، و دکترای بیوشیمی از دانشگاه ایالتی کانزاس آمریکا در سال ۱۳۵۱.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۵، دانشیار دانشگاه آزاد ایران از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۶۵ و دانشیار دانشگاه علوم

پزشکی شیراز از سال ۱۳۶۵.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

در ارتباط با متابولیسم آمینواسیدها و پروتئینها، اثر **FISCULIS Alkokenfi** بر روی حاملگی، اثر کمبود روی بر متابولیسم

گلوکز، تدریس بیوشیمی در دانشگاه‌های لگان آمریکا، شیراز، آزاد ایران، علوم پزشکی شیراز، استاد راهنمای یک پایان‌نامه

کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

بیوشیمی، کربوهیدرولیبید، پروتئین و اسید هسته‌ای، آنزیم، ویتامینها و املاح و بیولوژی مقدماتی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: -، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

ژنتیک، متابولیسم، بیوشیمی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شیمی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۳-۱۲۴۶ ش)، معلم و پزشک. وی در تهران به دنیا آمد. تحصیلات خود را در دارالفنون به پایان رسانید و در سال ۱۳۰۷ ق

در رشته‌ی پزشکی فارغ‌التحصیل شد و به طبابت و تدریس و در دارالفنون، دارالمعلمت و دیگر مدارس اشتغال ورزید و پس از

چهل سال خدمت در وزارت فرهنگ بازنشسته شد و از آن پس در مطب خود به طبابت پرداخت. وی در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: شرح حال رجال (۲۵۹/۶).

صابر اصفهانی، صابر

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(و ف ۱۰۷۰ / ۱۰۶۴ ق)، شاعر و واقعه‌نویس. میرصابر از سادات اصفهان بود که در روزگار سلطنت جهانگیر پادشاه گورکانی (۱۰۳۷-۱۰۱۴ ق) به هندوستان رفت، گرچه در تذکره‌ی «روز روشن» ورود او به هندوستان در عهد شاه جهان (۱۰۶۹-۱۳۷ ق) ذکر شده است. در آنجا مدتی به امر وقایع‌نگاری منطقه‌ی گجرات و دکن اشتغال داشت و در برهان‌پور درگذشت. یکی از آثار خیری که از او سر زده، فرستادن استخوانهای عرفی پس از سی سال قمری، در ۱۰۲۷ ق، از لاهور به نجف اشرف است. بیشتر اشعاری که از وی به جای مانده، در قالب رباعی است. صاحب «الذریعه»، صابر اصفهانی را با صابر زواره‌ای یکی می‌داند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: تذکره‌ی روز روشن (۴۵۴)، تذکره‌ی میخانه (۲۲۷، ۲۲۶، ۲۲۵)، الذریعه (۵۷۳، ۵۷۲ / ۹)، کاروان هند (۶۶۸-۶۶۷ / ۱).

صابر قاجار، محمد هادی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۲۹۶ ق)، شاعر و ادیب. در کرمانشاه به دنیا آمد و به فراگیری علوم مختلف پرداخت و در ادبیات فارسی و عربی تبحر پیدا کرد. محمد هادی در نگارش خط شکسته و همچنین مراسلات آمیخته به امثال و اشعار و اخبار و آیات مهارت داشت و گاهی هم از سر تفنن غزل می‌سرود. به گفته‌ی صاحب «حدیقه الشعراء» وی در ۱۲۹۶ ق زنده بوده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۹۵۵-۹۵۴ / ۲).

صابری، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد صابری

محل تولد: همدان

شهرت: صابری همدانی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۰۲/۱/۱

زندگینامه علمی

آیة‌الله احمد صابری همدانی در سال ۱۳۰۲ روستای بیوک آباد از توابع همدان و در میان خانواده‌ای متدین و دوستدار خاندان پاک پیامبر(ص) به دنیا آمد. نام پدرش غیاثعلی بود و روستای او همواره زیستگاه علمای بزرگ بوده یکی از اجداد مادری ایشان حاج محمد شفیع بیوک آبادی که رساله‌ای در عرفان نوشته و همچنین عارف بزرگ و فقیه بزرگوار مرحوم حاج محمد جعفر مجذوب در آنجا می‌زیسته است. آیة‌الله صابری همدانی تحصیلات خود را از مکتب خانه آغاز کرد و پس از آن به دبستان رفت. دوره دبیرستان رانیز تا کلاس چهارم گذراند و کتب گلستان، کلیله و دمنه و... را به خوبی فرا گرفت. در سال ۱۳۱۹ به حوزه علمیه همدان عزیمت کرد و در مدرسه آخوند سکونت داشت. او دروس دوره مقدمات و بخشی از دروس سطح را در همدان به پایان برد و سپس به علت تعطیلی بسیار حوزه علمیه همدان و کمبود استاد به حوزه علمیه مشهد رفت. در مشهد به نزد مرحوم حاج شیخ کاظم دامغانی رفت و نامه استاد خود حاج میرزا محمدعلی دامغانی را به او نشان دهد. در آن نامه درخواست شده بود که وی در مدرسه مرحوم دامغانی به تحصیل ادامه بدهد. حاج شیخ کاظم دامغانی نیز وی را مورد احترام قرار داد و به او سفارش کرد به حوزه علمیه قم برود؛ زیرا آن حوزه برای ترقی او مناسب‌تر بود. او نیز مدتی در مشهد ماند تا اینکه مقدمات سفر او به قم فراهم آمد. او در سال ۱۳۲۵ به حوزه علمیه قم وارد شد و از محضر استادان آن دیار عالم خیز در رشته‌های فقه و اصول و فلسفه و تفسیر و عرفان و... بهره‌های بسیار برد. او در سالهای تحصیل خود بسیاری از خطبه‌های نهج‌البلاغه را حفظ کرده بود. همچنین به ادبیات علاقه ویژه‌ای داشت و بسیاری از اشعار فارسی و عربی را از بر کرده بود. آیة‌الله صابری همدانی در سالهای تحصیل به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد. او دروس مقدمات و سطح خود را در حوزه علمیه همدان در محضر استادانی چون حاج سید مصطفی هاشمی، حاج میرزا محمدعلی دامغانی، حاج شیخ محمد حسین بهاری، حاج میرزا ابوالقاسم ربانی شاهنجرانی، حاج میرزا اسدالله حجت و حاج شیخ علی انصاری به پایان برده بود. مدتی در مشهد به درس مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی رفت و سپس در قم در درس آیة‌الله سلطانی طباطبایی(ره)، آیة‌الله العظمی بروجردی(ره)، آیة‌الله العظمی امام خمینی(ره)، آیة‌الله العظمی گلپایگانی(ره) و آیة‌الله العظمی محقق داماد(ره) حاضر شد و از آن بهره‌های بسیار برد وی همچنین مدت قابل توجهی از محضر حضرت آیت الله العظمی حاج سید احمد خوانساری کسب فیض نمود. او در زمینه علوم عقلی نیز به محضر علامه سید محمدحسین طباطبایی(ره) رفت. همچنین او در سالهای تحصیل خود در دروس اخلاق امام خمینی(ره)، حاج آقا حسین قمی(ره)، حاج آقارضا بهاء‌الدینی(ره)، علامه طباطبایی(ره) و آیة‌الله العظمی گلپایگانی(ره) شرکت می‌کرد تا همواره علم خود را با عمل توأم سازد. همچنین همنشینی با شهید آیة‌الله مدنی در شکل‌گیری شخصیت او بسیار موثر بود. آیة‌الله صابری همدانی در سالهای تحصیل خود با استادان و فضلاء بسیاری رابطه دوستی داشت و دروسی را که آموخته بود، با آنها مباحثه می‌کرد که از میان آنها از مرحوم آیة‌الله احمدی میانجی می‌توان یاد کرد. آیة‌الله صابری همدانی تا به امروز خدمات بسیاری در عرصه علم و فرهنگ به انجام رسانده است. او از نخستین سالهای تحصیل خود، به امر تدریس اشتغال داشت و در حوزه علمیه همدان و قم، شاگردان بسیاری را تربیت کرد. او کتب دوره مقدمات و سطح را تدریس کرده است. او در ایام تبلیغ، به مناطق گوناگون کشور سفر کرده و ضمن ارشاد گروههای گوناگون مردم، در بسیاری از مناطق مسجد یا حسینیه بنا کرده است. همچنین برای تبلیغ به کشورهای استرالیا، آذربایجان، ترکیه، انگلستان، اسپانیا، ایتالیا، یونان، آلمان، هلند، ژاپن، چین، پاکستان، هندوستان و روسیه سفر کرده و در مجامع گوناگون به سخنرانی پرداخته است. بسیاری از این تألیفات ایشان به زبانهای لاتین و روسی ترجمه شده است. او همچنین مقالات فراوانی به زبانهای گوناگون و در زمینه‌های مختلف نگاشته که برخی در مجله «حکومت اسلامی» به چاپ رسیده است وی تقریرات زیادی از اساتیدش نوشته که به چاپ رسیده است. آیة‌الله

صابری همدانی همواره در صحنه‌های گوناگون مبارزه با رژیم شاه حضور فعال داشته است. او در جوانی با شخصیت نواب صفوی و واحدی آشنا شده بود، همواره می‌کوشید که روحیه آن مبارزان را در خود پیروانند و حماسه دینی و مذهبی را با علم توأمان سازد. کتاب «از فیضیه ۴۲ تا فیضیه ۵۷» از جمله کتابهایی است که نقش بسزایی در نهضت اسلامی داشته و پس از پیروزی انقلاب بارها تجدید چاپ شده است. آیه‌الله صابری در این کتاب وقایع پانزده خرداد ۱۳۴۲ و بسیاری دیگر از وقایع را با قلمی حماسی نگاشته، به گونه‌ای که هر خواننده‌ای با خواندن آن احساس شور و شغف بسیار می‌کند. آیه‌الله صابری همدانی در سالهای مبارزه بر ضد رژیم شاه، همواره از خط امام خمینی (ره) دفاع می‌کرده و در راه تحقق نظام اسلامی از هیچ گونه تلاشی دریغ نورزیده است. او پس از انقلاب نیز خدمات شایانی را به انجام رسانده است

صابری، کیومرث

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کیومرث صابری فومنی در سال ۱۳۲۱ در یکی از روستاهای صومعه‌سرا در خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود. پدرش کارمند جزء اداره دارایی و مادرش از سادات ترک‌نسب و از معدود زنان باسواد روستا بود که بعد از فوت پدر به مکتب‌داری پرداخت. کیومرث در کنار شاگردی دکان خیاطی، تحصیل را ادامه داد و در ۱۸ سالگی در روستای کسما معلم شد. وی در سال ۱۳۴۰ در کنکور رشته سیاسی دانشکده حقوق تهران قبول شد و در سال ۱۳۴۵ شعرهایش در مجله توفیق با امضای «گردن شکسته‌ی فومنی» چاپ می‌شد. البته اولین نوشته‌هایش در سال‌های ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۹ در مجله امید ایران به چاپ رسیده بود. گشایش ستون «دو کلمه حرف حساب» در روزنامه اطلاعات و طنز جسورانه او نام «گل آقا» را بر سر زبان‌ها انداخت. سفر او به حج در سال ۱۳۶۳ و نوشتن ستونی طنز با عنوان داستان‌های جعفر آقا در خبرنامه این سفر، او را پس از بازگشت از حج، به کار کردن روی طرح این ستون واداشت که در نهایت ۲۳ دی‌ماه سال ۶۳ عنوان «دو کلمه حرف حساب» و نام مستعار «گل آقا» را برای خود برگزید و طنزهایش را در روزنامه اطلاعات به چاپ رساند.

طنز سیاسی که تقریباً از سال ۵۹ به این سو تعطیل شده بود، با شکل‌گیری این ستون طنز دوباره احیا شد. ابوالفضل زرویی نصرآباد - طنز نویس - درباره طنز گل آقا معتقد است: در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب به‌خاطر شروع جنگ و مسائلی از این دست طنزپردازان بیشتر سعی می‌کردند به مسائل غیر سیاسی بپردازند و مردم به دلیل دغدغه‌های معیشتی حوصله طنز خواندن نداشتند و کسی هم جرأت نزدیک شدن به طنز سیاسی را نداشت. در این دوره بروز و ظهور قلمی به اسم گل آقا بین مردم شادمانی زیادی را ایجاد کرد؛ زیرا آنها شاهد نوعی نگارش طنز بودند که تا حالا تجربه نکرده بودند؛ آن هم طنزهای بسیار محکم سیاسی با رویکردی عامه‌فهم و پر گوشه و کنایه که با روحیه هر ایرانی موافق بود.

خود وی در جایی عنوان کرده بود که ما با کسی جنگ و دعوا نداریم؛ هر کسی، مقامی، ریسی، مدیر کلی، معاونی، وزیری که مایل نیست درباره‌اش مطالبی بنویسیم، البته کتبا به ما بنویسد و ما نوشته‌شان را روی چشم می‌گذاریم؛ منتهای مراتب کار خودمان را می‌کنیم و شرط کار هم همین است که هر کس کار خودش را بکند و حالا حالاها میل به کشک ساییدن هم نداریم؛ زیرا که آمده‌ایم بمانیم.

طنز فومنی اغلب به انتقاد از مسئولان، مشکلات معیشتی مردم و واگویی مشکلات اقتصادی بود. گیتی صفرزاده - سردبیر ماهنامه

گل آقا - طنز فومنی را عاری از کینه، نفرت و تهمت و همراه با مهربانی دانست که قصد ترمیم داشت. فومنی صابری در سال ۵۸ به اولین مسؤولیت دولتی خود یعنی مدیر کلی دفتر آموزش بازرگانی و حرفه‌یی وزارت آموزش و پرورش رسید که با سرآمدن دوره دولت موقت، دوره مدیر کلی او هم به سر رسید؛ اما هنگامی که دوست صمیمی او یعنی شهید رجایی به نخست وزیری و ریاست جمهوری رسید، صابری به مشاورت فرهنگی نخست وزیر و رئیس جمهور منصوب شد؛ ولی شوق نوشتن و قلم، بر قدرت سیاسی پیروز شد و در سال ۶۲ از مشاغل سیاسی کناره گرفت.

او می گفت: به هیچ جناحی وابسته نیستم و سعی می کنم با مردم و انقلاب به صداقت رفتار کنم؛ اینها و بسیاری از مسائل دیگر موجب می شود تا با همان لحن محکمی انتقاد کنم که یک موافق حمایت و جانبداری می کند. با این همه من هم از تیر اتهام جان سالم به در نبرده‌ام؛ بارها به مقابله با من برخاسته‌اند، اما من کار خود را کرده‌ام.

زرویی نصرآباد نیز به این جنبه شخصیت صابری فومنی تأکید دارد و پایبندی وی به اخلاقیات را در کلام و نوشتار از خصوصیات بارز گل آقا می داند.

مؤسسه فرهنگی گل آقا علاوه بر انتشار هفته‌نامه گل آقا، نشریات بچه‌ها گل آقا و ماهنامه گل آقا را نیز منتشر می کرد که صابری فومنی شعرهای طنز و کاریکاتورهای مجموعه‌های منتشر شده را به صورت کتابهایی منتشر کرده بود.

وی همچنین چهار جلد از دو کلمه حرف حساب را به صورت کتابی درآورده بود.

اولین شماره هفته‌نامه گل آقا در ۲۳ دی ۶۹ منتشر و آخرین شماره آن در سیزدهمین سال انتشار در سال ۸۱، پس از آن دیگر منتشر نشد و صابری فومنی بنا به علتی اعلام نکرده، انتشار این نشریه را متوقف کرد. او قول داده بود عاقبت روزی دلیل تعطیل کردن هفته‌نامه را به شرطی که عمری باقی بود، بگوید که اجل به او مهلت این کار را نداد.

شعرهای طنز صابری برای بچه‌ها که با شعرهای او بزرگ شدند و بزرگسالان که با شعرهایش زیستند، همیشه باقی بوده و خواهد ماند.

وی هر چند مدت، مجموعه‌ای از مطالب یا کاریکاتورهای منتشر شده در گل آقا را در قالب کتاب یا سالنما منتشر می کرد. روحش شاد

صابری، مظفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: پروتئزهای ثابت، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

صابونی نیشابوری، ابویعلی اسحاق

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۴۵۶ / ۴۴۵-۳۷۵ ق)، مسند، محدث و عالم. وی برادر شیخ الاسلام ابوعثمان صابونی نیشابوری است. همانند برادرش از

ابوسعید عبدالله بن محمد رازی و ابوطاهر بن خزیمه و حسن بن احمد مخلدی و احمد بن محمد قنطری خفاف و ابومعاذ شاه و ابوطاهر مخلص و عبدالرحمان بی ابی شریح هروی و دیگران در نیشابور و هرات و بغداد حدیث شنید. ابویعلی گاه به نیابت برادرش مجلس وعظ برقرار می کرد. زاهر بن طاره و ابوعبدالله فراوی و هبه‌الله سیدی و عبیدالله بن محمد بیهقی از وی حدیث روایت کرده‌اند. عبدالغافر فارسی گوید که ابویعلی شیخی مورد اعتماد، و بر طریقه صوفیه بود. کتاب «الاجزاء الفرائد العشره» یا «الاجزاء الفوائد العشره» از آثار اوست.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام بالوفیات الاعلام (۳۰۲ / ۱)، انساب سمعانی (۵۰۷ / ۳)، سیر النبلاء (۷۶-۷۵ / ۱۸)، شذرات الذهب (۲۹۶ / ۳)، العبر (۳۰۴ / ۲)، الوافی بالوفیات (۴۱۷ / ۸).

ی

صابونی نیشابوری، شیخ الاسلام، ابوعثمان اسماعیل

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۴۹-۳۷۳ ق)، محدث، مفسر، فقیه، اصولی، خطیب و واعظ. در بوشنج به دنیا آمد. نه ساله بود که به دنبال قتل پدرش، که از وعظ بزرگ نیشابور بود، اولین مجلس وعظ را برقرار کرد. از ابوسعید عبدالله بن محمد رازی و ابوبکر بن مهران و ابومحمد مخلدی و زاهر بن احمد فقیه سرخسی و ابوحنسین خفاف و ابوالعباس تابوتی و ابوسعید سمسار و ابوبکر احمد بن ابراهیم بن فرات و دیگران حدیث روایت کرد. او در نیشابور و هرات و سرخس و حجاز و شام و جبال حدیث شنید و در خراسان و هند و گرگان و شام و حجاز و فلسطین حدیث گفت. صابونی در معره‌ی نعمان با ابوالعلاء معری ملاقات کرد. کتانی و علی صصری و بیهقی و محمد فراوی از وی روایت کرده‌اند. ابوبکر بیهقی او را امام مسلمین تعریف می کند و دیگران قدرت او در تفسیر و حافظه‌ی سرشارش را تحسین کرده‌اند. به قول عبدالغافر، در «السیاق» هفتاد سال وعظ گفت و بزرگان زمان همچون ابوطیب صعلوکی و استاد ابواسحاق اسفراینی و استاد ابوبکر بن فورک در مجلس وعظ او حاضر می شدند. او بیست سال در جامع شهر خطبه خواند و اقامه‌ی نماز کرد. سرانجام در نیشابور در گذشت. وی تصانیف بسیاری از خود بجای گذاشته است. از آثارش: «عقیده السلف»، «الفصول فی الاصول»، «الاربعین»، در حدیث.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اسرار التوحید، تعلیقات (۶۸۸)، الاعلام (۱۹۸ / ۷)، الاعلام بوفیات الاعلام (۲۹۹ / ۱)، انساب سمعانی (۵۰۶ / ۳)، ریحانه (۱۹۸ / ۷)، سیر النبلاء (۴۴-۴۰ / ۱۸)، شذرات الذهب (۲۸۳-۲۸۲ / ۳)، العبر (۲۹۴ / ۲)، الکامل (۸۱ / ۸)، کشف الظنون (۵۳)، لغت نامه (ذیل / اسماعیل)، معجم الادباء (۱۹-۱۶ / ۷)، معجم المؤلفین (۲۷۶-۲۷۵ / ۲)، النجوم الزاهره (۶۳ / ۵)، الوافی بالوفیات (۱۴۴-۱۴۳ / ۹)، هدیه العارفین (۲۱۰ / ۱).

صاحب ریاض، علی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۳۱ - ۱۱۶۱ ق)، علامه کبیر، فقیه اصولی و عالم دینی. اصلش از اصفهان بود که در کاظمین به دنیا آمد و در کربلا نشوونما یافت. او خواهرزاده، شاگرد و داماد محقق بهبهانی است و رد کنار وی در کربلا مدفون است. سید محمد باقر حجه الاسلام و حاجی کرباسی و ملا محمد تقی برغانی و ملا صالح برغانی و شریف العلمای مازندرانی و شیخ احمد احسایی و سید ابراهیم قزوینی، صاحب «ضوابط»، و شیخ ابوعلی رجالی از شاگردان وی بودند. وی در اصول پیشگام بود، ولی کتاب فقه او یعنی «ریاض المسائل» معروف به «شرح کبیر» که شرح «مختصر نافع» محقق حلّی است، شهرتی همه گیر پیدا کرد. از دیگر آثار وی: تکلیف الکفار بالفروع؛ حاشیه‌ی «حداثق» شیخ یوسف بحرانی، حاشیه‌ی «مدارک الاحکام»؛ حاشیه‌ی «معالم الاصول»؛ شرح «مفاتیح» ملا محسن فیض؛ «حجیت الاجماع و الاستصحاب».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۳۶ / ۱۱، ۲۶۹، ۲۰۸، ۱۹۸، ۸۱، ۶ / ۴۰۷، ۴)، ریحانه (۳۷۲ - ۳۷۰ / ۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۲۴ / ۶).

صاحب ضوابط الاصول، ابراهیم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۱۴ - وف ۱۲۶۴ - ۱۲۶۲ ق)، عالم امامی و فقیه اصولی. در قزوین به دنیا آمد. با پدرش، که از علمای بنام آن دوره بود، به کرمانشاه رفت و در آنجا مقدمات علوم دینی را آموخت. سپس عازم کربلا شد و نزد سید علی صاحب «ریاض» و ملا محم شریف العملائی مازندرانی درس اصول را فرا گرفت. پس از آن به نجف رفت و در محضر شیخ علی کاشف الغطاء و شیخ موسی کاشف الغطاء فقه آموخت. آن گاه به کربلا و نزد شریفه العلماء بازگشت و علاوه بر حضور در درس ایشان خود نیز به تدریس مشغول شد و گویا بین هفتصد تا هزار نفر در نز او تلمذ می کردند. از جمله مشهورترین شاگردان ایشان: شیخ زین العابدین بارفروشی مازندرانی و آقا جمال محلاتی و سید اسدالله شفتی حجه الاسلام اصفهانی و شیخ مهدی کجوری و سید حسین کوه کمری و میرزا محمد تنکابنی، صاحب «قصص العلماء»، و حاج محمد کریم لاهیجی و شیخ عبدالحسین تهرانی و ملا علی کنی و میرزا محمد حسن اردبیلی بوند. او بر اثر وبا درگذشت. قبر وی در نزدیکی مشهد شریف حسینی است. از آثار وی: «ضوابط الاصول»، در دو مجلد؛ «نتایج الافکار فی الاصول الفقه»؛ «رساله فی حجیه الظن»؛ «دلایل الاحکام فی شرح شرائع الاسلام»، در فقه از طهارت تا دیات؛ «مناسک الحج»؛ «رساله فی الغیبه»؛ «رساله فی صلاه الجمعه»؛ «رساله فی القواعد الفقهیه»؛ «رساله‌ی عملیه»، در طهارت و نماز. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱ / ۶۶)، اعیان الشیعه (۲۰۵ - ۲ / ۲۰۴)، دایره المعارف فارسی (۲ / ۱۶۰۵)، الذریعه (۴۳ - ۲۴ / ۱۱۹، ۱۵ / ۲۱۲، ۱۱ / ۱۸۸، ۲۴۰ - ۲۳۹ / ۸، ۶ / ۲۷۶)، روضات الجنات (۵۱ - ۴۷ / ۱)، ریحانه (۳۷۷ - ۳ / ۳۷۶)، طبقات اعلام الشیعه ۰ قرن ۱۱ - ۱۰ / ۱۳)، لغت نامه (ذیل / ابراهیم قزوینی)، معجم المؤلفین (۱ / ۸۷)، مکارم الآثار (۵۲۶ - ۲ / ۵۱۸)، هدیه الاحباب (۱۷۶)،

صاحبی فرد، علی اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اکبر صاحبی فرد

محل تولد: کاشان

شهرت

تابعیت: ایران

زندگینامه علمی

بعد از اتمام دوره ابتدایی دوره دبیرستان (نظام قدیم) را شبانه در دبیرستان محمدیه کاشان گذراندم و در سال ۱۳۵۲ بعد از آشنایی با یکی از دوستان طلبه در کلاس درس دبیرستان علاقه ام به دروس حوزوی تقویت شده بالاخره در همان سال دروس مقدمات را شروع کردم؛ تا سال ۱۳۵۷ در مدرسه علمیه امام خمینی (ره) و مدرسه علمیه مرحوم آیت الله یثربی بوده و از محضر بزرگانی چون حضرات آقایان صبوری، اسلامی تبار، مناقب (قدس سرهم) و جناب آقایان حضرات خراسانی، علم الهدی، صراف زاده و ... بهره بردم و از تفسیر مرحوم آیت الله نجفی در کاشان استفاده نمودم. در سال ۱۳۵۷ به حوزه مقدسه قم مشرف شدم و در مدرسه مهدیه در خیابان ۱۹ دی ساکن شدم و بقیه دروس سطح را نزد بزرگانی چون مرحوم آیت الله اعتمادی، مرحوم آیت الله حرم پناهی، مرحوم آیت الله ستوده، و نیز حضرات آقایان حسینی کاشانی و شریفی نیاسری و عمانی و اشعری (محمد حسین) استفاده کردم.

در ضمن در سال ۱۳۵۹ به مدت یک سال به دعوت یکی از دوستان در مدرسه امامیه شهرکرد مشغول به تدریس مقدمات شدم. حدود سال ۱۳۶۱ به درس خارج فقه و اصول رفتم و یک دوره درس اصول حضرت آیت الله مظاهری و مباحثی از درس آیت الله وحید خراسانی (مباحث الفاظ) و بخشی از مباحث اجتهاد و تقلید آیت الله تبریزی را شرکت کردم و نیز از مباحث فقهی حضراتی چون آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله فاضل لنکرانی بهره مند شدم و از حدود سال ۱۳۶۰ در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت کردم. فلسفه (منظومه) را نزد حضرت آیت الله گرامی و بخشی از اسفار را در نزد حضرت آیت الله انصاری تلمذ کردم. از سال ۱۳۶۳ در فکر حفظ قرآن افتادم و بحمد الله و المنة این کار که باید حدود ۱۳۷۰ به پایان می رسید به علت وقوع حادثه ای به تاخیر افتاد و بحمد الله سال ۱۳۷۳ به انجام رسید.

از آنجا که به کارهای قرآنی علاقمند بودم اولین نکته ناب قرآنی در سال ۱۳۷۴ به ذهنم خطور کرد و به پیشنهاد دوستان اولین قلم زنی را شروع کرده و کتاب «اتمام حجتی دیگر یا اجر رسالت» را به لطف خداوند به رشته تحریر در آوردم.

به علت تدریس دانشگاه و تشویق حضرت حجت الاسلام حاج محسن قرائتی کار قرآنی در باب تاریخ اسلام را انجام دادم که نتیجه آن کتاب تاریخ اسلام در قرآن است که در سال ۱۳۸۱ از چاپ خارج شد همچنین به دنبال رهنمود مقام معظم رهبری در نام گذاری سال ۱۳۷۹ به نام امیر مومنان سلام الله علیه، آیات درباره آن حضرت به صورت یک مجموعه در آمد تا اینکه در سال ۱۳۸۲ مزین به زینت طبع گردید و در همان سال چاپ دوم آن نیز صورت گرفت.

در سفر بیت الله الحرام با توطئه وهابیت که بدترین تبلیغات علیه تشیع صورت می گرفت بیشتر آشنا شده و با رهنمود دوستان در بعثه مقام معظم رهبری در مکه مکرمه و هدایت حضرت آیت الله سبحانی نقدی بر کتاب تهاجمی «اهلیت از خود دفاع می کنند» به نام «اهلیت از دین دفاع می کنند» با کمک یکی از دوستان انجام شد. این کتاب در سال ۸۲ در شبکه اینترنت، سایت ولی عصر (عج) قرار گرفت و مورد استقبال قرار گرفت و در تابستان ۱۳۸۳ به چاپ رسیده و الان در آستانه چاپ دوم قرار دارد.

و بالاخره توفیق دیگر قرآنی که خداوند به این حقیر داد بررسی آیات مربوط به حضرت زهرا سلام الله علیها و به نام مبارک آن حضرت ۱۳۵ آیه درباره این بانو در یک مجموعه جمع آوری شد که در نوع خود کم نظیر یا بی نظیر است و الان مشغول دو کار

قرآنی دیگر هستم یکی مکالمات و گفتگوهای بعد از مرگ در قرآن و دیگر خیرات و میرات از منظر قرآنی که تقریباً حدود ۸۰٪ کار آنها نیز انجام شده است .

اکنون نیز برنامه های تدریس در حوزه و آموزش متوسطه و برنامه های قرآنی در شهرهایی چون کاشان و ساوه دارم .

صاحبی، محمدجواد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد جواد صاحبی

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱۱/۲۰

زندگینامه علمی

محمد جواد صاحبی در سال ۱۳۳۳ در محله مغان شهرستان شاهرود به دنیا آمد تحصیلات ابتدایی را در مغان و تحصیلات متوسطه را تا مقطع دیپلم ادبی در شهرستان شاهرود گذراند، همزمان بخشی از مقدمات علوم دینی را به طور متناوب در همانجا از محضر فضلالی بزرگوار همچون جناب حجت الاسلام شیخ محمد حسین صائب چهکندی و دیگران فرا گرفت، با حوزه های مشهد و قم نیز در رفت و آمد بود و از سال ۱۳۵۷ در قم مستقر شد و علوم متداول حوزه را فرا گرفت.

ادبیات عرب را از محضر حجج اسلام آقایان بهجتی شفق، بیانی افغانی، سید محمود طالقانی، سید عباس موسوی و دیگران آموخت کلام و عقاید را از جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای مسعودی، فقه شرح لمعه را از حضرت آیت شیخ علی پناه اشتهاردی و مکاسب را از آیت الله بنی فضل استفاده کرد، اصول را از آقایان موسوی گرگانی و صالحی افغانی و خارج اصول و بخشی از ابحاث فلسفی و عرفانی را از آیت الله علی عابدی شاهرودی بهره برد

در درس خارج فقه آیت الله موسوی اردبیلی و آیت الله شیخ محمد ابراهیم جناتی نیز شرکت نمود .

ورود به عرصه مطبوعات را از روزنامه دیواری شروع کرد و با ارسال مقاله برای مطبوعات قم از جمله مجله سالنامه پیام اسلام به مطبوعات مذهبی و کشوری راه یافت، نخستین مقاله برای سالنامه مزبور را در سال ۱۳۵۵ فرستاد که با نشر آن، به نگارش و تألیف علاقمند شد، در سال ۱۳۵۷ دو اثر با عناوین « پیشگامان تحولات بنیادی و تاکتیکیهای انقلابی سید جمال الدین اسد آبادی» منتشر ساخت.

در سال ۱۳۵۸ با تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نخست به عنوان مسؤول آموزش سیاسی عقیدتی نیروهای عملیاتی سپاه و سپس به سمت مسؤول انتشارات و مطبوعات کل سپاه منصوب شد که تا سال ۱۳۶۲ ادامه یافت مدتی هم عضو مرکز تحقیقات سپاه بود و مجدداً به قم مراجعت کرد.

در سال ۱۳۶۴ مجله کیهان اندیشه را تأسیس کرد که در این راه از حمایتهای مرحوم شهید شاه چراغی و جناب آقای سید محمد خاتمی (نماینده امام در مؤسسه کیهان) بهره مند بود، این مجله ۱۴ سال تمام ادامه یافت و هشتاد و چهار شماره از آن منتشر شد

همزمان با مطبوعات دیگر نیز به همکاری پرداخت و مقالات بسیاری از ایشان در روزنامه‌ها و سایر نشریات علمی و فرهنگی نیز به چاپ رسیده است.

در کنار این فعالیتها از تحصیل و تدریس نیز باز نماند از آن جمله می‌توان تدریس در دانشسرای تربیت معلم سمنان، دانشگاه تربیت معلم تهران، مؤسسه امام خمینی قم، مرکز تخصصی کلام حوزه علمیه قم، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مرکز آموزش مدیریت دولتی را نام برد همچنین در کنگره‌های علمی و دینی متعددی به عنوان عضو و دبیر فعالیت داشته‌اند، افزون به اینها به عنوان راهنما و مشاور در تدوین رساله‌های آموزشی و پژوهشی مشارکت کرده‌اند.

صادق اردستانی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۲۳ ق)، عالم دینی، مدرس و نویسنده. در کچو مثقال اردستان به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات مقدماتی، در ۱۳۴۱ ق، به قم مهاجرت نمود. و به تحصیل علوم اسلامی پرداخت و در ضمن تحصیل به انجمنها و محافل ادبی و قلمی نیز می‌رفت. از آثار وی: «سلمان فارسی»، اولین اثر تاریخی - اخلاقی او که در بیست و چهار سالگی تألیف کرد؛ «زندگی قهرمانانه‌ی مالک اشتر»؛ «حسین پرچمدار آزادی»، ترجمه‌ی «الحسین اسوه» آیت‌الله سید محمد شیرازی؛ «بدنبال نور ظلمت»؛ ترجمه و نگارش؛ «اسلام»، ترجمه‌ای از «انفقوا لکی تتقدموا» آیت‌الله سید محمد شیرازی؛ «طرح ساده‌ای از زیربنای امور اقتصادی و اجتماعی اسلام»، ترجمه‌ای از یکی از کتابهای آقا شیخ محمد ابراهیم جناتی. [۱]

سید محمدباقر تربتی از علماء مبرز و دانشمندان ممتاز معاصر تربت است.

وی تحصیلات مقدمات و ادبیات و سطوح خود را در مشهد مقدس به پایان رسانیده و سالها از محضر مرحوم آیت‌الله حاج آقا محمد آقازاده کفائی و آیت‌الله العظمی حاج آقا حسین قمی و اساتید مشهد استفاده نموده، تا به مدارج عالی علم و کمال رسیده و پس از آن به تربت آمده و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ترویج دین تا حال حاضر اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه [۱]: گنجینه‌ی دانشمندان (۴۷۴ - ۴۷۲ / ۷).

صادق نیا، مهرباب

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهرباب صادق نیا

محل تولد: دزفول

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱/۴

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۷ در شهرستان دزفول به دنیا آمد و در همان شهر تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در رشته ریاضی فیزیک سپری کرد. در سال ۶۴ وارد حوزه علمیه قم شد و پس از اتمام دروس مقدمات و سطح در سال ۶۹ وارد درس خارج شد. از آن سال تا کنون از اساتید نام آشنایی چون مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی (ره)، وحید خراسانی و شیخ جواد تبریزی (ره) بهره برده است. علاقه دیرین او به مباحث علوم قرآنی سبب شد در سال ۷۲ در آزمون ورودی سطح چهارم رشته های تخصصی شرکت کرده و در رشته تفسیر و علوم قرآن پذیرفته شود. در سال ۷۶ و همزمان با اتمام این دوره به مرکز مطالعات ادیان وارد شده و به عضویت هیئت علمی مرکز یاد شده در آمد (مرکز یاد شده الان با عنوان دانشگاه فعالیت می کند). موضوع مطالعاتی وی در این مرکز، ادیان ابراهیمی است و در این خصوص آثاری از ایشان منتشر شده است. تحصیلات آکادمیک نامبرده در سال ۷۹ با پذیرش در آزمون ورودی کارشناسی ارشد تربیت مدرس دانشگاه قم در رشته مدرسی الهیات ادامه یافت و در سال ۸۱ با دفاع از رساله خود با موضوع جایگاه شریعت در عهدین و قرآن موفق به دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد شد. در حال حاضر نیز دانشجوی دوره دکترای جامعه شناسی فرهنگی با گرایش مذهب در دانشگاه علامه طباطبائی تهران است که دوره ی آموزشی را پشت سر گذاشته و در حال تدوین پایان نامه است. در این فراگرد علمی سپران شده ایشان توفیق داشته اند سالیانی در حوزه علمیه قم در دروس مقدماتی و سطح تدریس نمایند. در حال حاضر نیز در پاره ای از مراکز تخصصی حوزه و دیگر مراکز وابسته، به این مهم اشتغال دارند. تدریس در دانشگاه ها نیز از فعالیت های نامبرده در شمار است.

صادقی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کتابدار. نام وی صادق بیگ و از ایل افشار بود، ادیب و دانشمند (و. تبریز ۹۴۰ ه.ق.). وی بیست ساله بود که پدرش به قتل رسید و صادقی مدتی با امرای افشار به سر برد و در عهد شاه اسماعیل دوم وارد کتابخانه دولتی شد، و از طرف شاه عباس بزرگ به منصب کتابداری سرفراز گردید. وی در نظم و نثر فارسی و ترکی دست داشت و به نقاشی و طراحی علاقمند بود. نقاشی را به نزد مظفر علی نقاش (خواهرزاده بهزاد) فراگرفت. وی تذکره‌ای به نام «مجمع الخواص» در احوال معاصران خویش به ترکی نوشته که به فارسی ترجمه شده و به طبع رسیده. از آثار دیگر اوست: «زبدۀ الکلام» (شامل قصایدی در منقبت و مدح)، مثنوی «فتح‌نامه عباس نامدار» «شرح حال» (مثنوی شامل مقالات و حکایات به وزن مخزن‌الاسرار نظامی و بوستان سعدی)، مثنوی سعد و سعید (به وزن خسرو و شیرین)، غزلیات پارسی و ترکی (به ترتیب حروف تهجی) برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

صادقی اردستانی، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد صادقی اردستانی

محل تولد: اردستان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۳/۷/۱

صادقی اصفهانی، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقا سید محمد علی حسینی صادقی بن السیدالجلیل السید محمد صادقی از علماء و مدرسین معاصر اصفهان است، وی در ۱۱ شوال المکرم ۱۳۴۶ ق متولد شده و در سن ۱۸ سالگی شروع بتحصیل علوم دینی نمود و ادبیات و کلیه مقدمات علوم باندازه کافی از اساتید آن علوم فرا گرفته و سطوح فقه و اصول را از غالب علماء اصفهان آن زمان خوانده و پس از تکمیل آن در سال ۱۳۷۲ ق مهاجرت باعتبار عالیات نموده و بخارج درس فقه آیه‌الله العظمی حاج سید محمود شاهرودی و اصول آیت‌الله آقا شیخ حسین حلی قریب یکسال حاضر شده سپس بحضرت آیه‌الله العظمی قدوه الفقهاء والمجتهدین آقای آقا میر سید علی علامه فانی دام ظلّه‌العالی پیوسته و از مبانی رشیکه فقهی و اصولی معظم‌له استفاده نموده و تقریرات و دراسارت ایشان را برشته تحریر درآورده است. تألیفات و آثار علمی ایشان بشرح زیر است:

۱- تقریرات اصول آیه‌الله فانی دوره‌ی کامل در ۴ جلد.

۲- تقریرات فقه آیه‌الله فانی در طهارت در ۵ جلد.

۳- تقریرات فقه آیه‌الله فانی در صلوه در ۷ جلد.

۴- تقریرات فقه آیه‌الله فانی در زکوه و خمس و صوم.

۵- تقریرات فقه آیه‌الله فانی در حج و اجاره و کلام.

۶- رساله‌ای در جبر و اختیار.

۷- رساله‌ای در عدم تحریف قرآن.

۸- رساله‌ای در فرق میان صغیره و کبیره.

۹- تفسیر سوره جمعه.

۱۰- جوائز سلطان و احکام بانکها.

از کتب مذکوره دو جلد در طهاره و رساله جبر و اختیار بطبع رسیده است.

وی تا ماه شعبان ۱۳۹۰ ق در نجف اقامت داشتند و در تاریخ مزبور بعلت کسالت مزاج مراجعت باصفهان نموده و بتدریس خارج فقه و اصول در مدرسه صدر اشتغال دارند و دیگر از آثار ایشان ترجمه رساله علم امام استادش آیت‌الله فانی و کتابی در معاد و کتابی در امامت میباشد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

صادقی پناه، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن صادقی پناه

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۲/۶/۲۱

زندگینامه علمی

سال ۷۵-۸۰ همراه با اساتید بزرگوار دوره کارشناسی تاریخ را گذراندم و در سال ۸۰ در مقطع ارشد قبول شدم و الحمدلله در سال ۸۲ به پایان رسید در مقطع کارشناسی پایان نامه مواضع تجدد خواهی بر اساس مذاکرات پنجم مشروطه نگاشته شد و در مقطع ارشد پایان نامه بررسی زندگانی سیره امام حسن مجتبی (ع) در مکاتب تاریخی نوشته شده و در حوزه علمی قم در سال ۸۲ رساله سطح ۳ بررسی زندگانی و سیره امام حسن مجتبی در مدینه نوشته شد. مقالات متعدد مطبوعاتی در زمینه های مختلف تاریخی سیاسی- اجتماعی در بین سالهای ۷۸-۸۱ نوشته شد و در مطبوعات مختلف به چاپ رسید.

تدریس در حوزه و دانشگاه از سال ۷۸ تا سال جاری ادامه دارد قابل ذکر است اینجانب از سال ۱۳۶۸ با مدرک سیکل وارد حوزه علمی روی توان شدم و همراه با گذراندن دروس حوزوی دیپلم رشته انسانی را نیز گرفتم و با ورود به حوزه علمی قم در سال ۱۳۷۴ در دانشگاه نیز شرکت نموده و موفق به ادامه تحصیل در حوزه و دانشگاه گردیدم هم اکنون از نظر تحصیلات حوزوی مشغول تدوین رساله از سطح ۴ حوزه می باشم و از نظر دانشگاهی نیز جهت آزمون دکتری آماده می شوم. البته جهت انجام راهنمایی و مشاوره برای طلاب گرامی موارد متعددی را به عهده داشته ام.

صادقی حسن آبادی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: پزشکی اجتماعی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دریافت مدارک M.P.H در بهداشت بین الملل در سال ۱۳۵۶، گواهی طب پیشگیری از دانشکده بهداشت دانشگاه جانزهاپکینز آمریکا در سال ۱۳۵۷ و دانشنامه تخصصی (بورده) پزشکی اجتماعی از ایران در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اپیدمیولوژی بیماریها (سل، پولیومیلیت، کزاز نوزادان، سالک)، طرح بهداشتی < سلامت و بیماری > در سه استان، استاد راهنمای ۱۰ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۸

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

روش تحقیق، بهداشت عمومی، طب کار، اپیدمیولوژی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۷

زمینه علمی مقالات:

اپیدمیولوژی بیماریها.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

صادق شجاع، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد ۱۳۲۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۷، و دکترای تخصصی فیزیولوژی از کالج سلطنتی جراحان لندن در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

دستگاه عصبی خودمختار، فتوشیمیائی، و تدریس دروس فیزیولوژی انسانی در دانشگاههای تبریز و لندن.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۹

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تشخیص فیزیکی بیماریهای کودکان، فیزیولوژی انسان، فیزیولوژی خون و لنف فیزیولوژی غدد و گوارش و تحقیق در سیستم‌های بهداشتی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

اثر بار الکتریکی گلبول قرمز در ویسکوزیته خون، اثر ارتعاش در ویسکوزیته خون، اثر فشار منفی قسمت تحتانی بدن در سیستم قلب و عروق، تحقیقات در نظام بهداشتی، پژوهش و رابطه آن با خودکفائی جنبه‌های اجتماعی برنامه‌های پیشگیری و کنترل Aids و اثر پتانسیل سطح گلبول قرمز روی تیکسوتروپی خون انسان.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

صادقی فدکی، جعفر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید جعفر صادقی فدکی

محل تولد: خواف

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب از سال ۱۳۶۳ پس از گذراندن دوره راهنمایی وارد حوزه علمیه مشهد مقدس شدم در ابتدا یک سال در مدرسه علمیه نواب بودم و پس از آن وارد مدرسه علمیه موسی بن جعفر (ع) شدم. بعد از یک سال و نیم به مدرسه علمیه سلیمانیه منتقل شدم و حدود پنج الی شش سال در این مدرسه مشغول تحصیل علوم دینی بودم. در سال ۱۳۷۰ در کنکور دانشگاه رضوی شرکت کردم و پس از قبول شدن وارد این دانشگاه شدم و در دانشگاه رضوی علاوه بر دروس دانشگاه و زبان عربی و انگلیسی به خواندن دروس حوزوی نیز اشتغال داشتم زیرا یکی از وظایف دانشجویان این دانشگاه گذراندن دروس حوزوی در کنار دروس دانشگاهی است. در سال ۱۳۷۵ از این دانشگاه با گرفتن مدرک کارشناسی در رشته علوم قرآن و حدیث فارغ التحصیل شدم و در همان سال در کنکور سراسری دانشگاهها ثبت نام کردم و در رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم پذیرفته شدم از اینرو برای گذراندن این مقطع از مشهد به قم مهاجرت کردم و در قم علاوه بر اشتغال به دروس این دانشگاه در درس خارج برخی اساتید و مراجع نیز شرکت می کردم و پس از دو سال اشتغال به دروس دانشگاه وارد مرکز فرهنگ و معارف قرآن شدم و در روز چند ساعتی را در این مرکز به کارهای تحقیقاتی مشغول شدم و کار عمده من در این مرکز تشکیل پرونده علمی برای دائرةالمعارف قرآن کریم و سپس ارزیابی پرونده های دیگران بود که این کار تا کنون نیز ادامه دارد و بنده در حال حاضر از نیروی ساعتی به محقق رسمی تغییر وضعیت داده .

در حال حاضر به تألیف مقاله و ارزیابی مقالات دیگران اشتغال دادم و تاکنون حدود ۳۵ مقاله برای دائرةالمعارف قرآن کریم تألیف کرده ام که نیمی از این مقدار چاپ شده و بقیه برای چاپ در دست اقدام است. ضمناً در این مدت دو کتاب تحت عناوین سیمای شیعه از نگاه اهل بیت (ع) و ارتداد در قرآن کریم تألیف کرده ام که کتاب اول در سال ۱۳۸۵ از سوی مجمع جهانی شیعه

شناسی چاپ شده و دومی از سوی انتشارات دفتر تبلیغات برای چاپ در دست اقدام می باشد. در سال ۱۳۸۴ در ۵ امتحان مقطع دکتری دانشکده علوم حدیث قم شرکت کردم و در رشته مدرسی معارف گرایش قرآن و متون اسلامی پذیرفته شدم و در حال حاضر در این دانشکده مشغول به تحصیل می باشم.

صادقی فدکی، غلام عباس

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید غلامعباس صادقی فدکی

محل تولد: فدک شهرستان خواف

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید غلامعباس صادقی فدکی به شهرت سید عباس رضوی در فروردین ۱۳۳۹ در روستای فدک از توابع شهرستان خواف (خراسان رضوی) در خانواده‌ای کشاورز متولد شدم. پس از پایان تحصیلات ابتدائی پدرم مرحوم کربلانی سید حسین مرا برای تحصیل علوم دینی به شهرستان تربت حیدریه آورد و در مدرسه هراتی به سرپرستی شیخ عبدالله امامی از علمای دانشمند و خلیق مشغول شدم. نزدیک به یک سال در تربت بودم. مرحوم امامی بیشتر به تربیت و تهذیب اخلاق طلاب توجه داشت و به مناسبتها طلاب را از درسها و اندرزه‌های اخلاقی مستفید می ساخت. بخشی از ادبیات از جمله: نصاب الصبیان و بخشی از جامع المقدمات را نزد استاد مرحوم شیخ حسن کله از علمای خلیق و مهربان این شهر خواندم. در سال ۱۳۵۰ به مشهد آمدم.

سکونت به ترتیب در منزل آقای قطمیری شیرازی، مدرسه حاج حسن و مدرسه نواب بود و عمده درسها را در مدرسه آقای موسوی نژاد مشغول بودم. مدرسه موسوی نژاد واقع در کوچه میر علم خان از مدارس منظم و تحت برنامه بود که افزون بر برنامه های درسی برنامه های جنبی سودمندی را مانند درس اخلاق، عقاید، حدیث، در آن گنجانده بود. مدت دو سال ۱۳۶۵ الی ۱۳۶۷ در پژوهش تفسیر راهنما شرکت داشته و به همراه آقای محمدحسن نجفی، محمد صادق مزینانی، سید عباس میری دو دفتر از دفاتر آقای رفسنجانی از سوره یونس الی سوره احزاب و سبا را تنظیم کرده‌ایم. از سال ۱۳۶۴ با موسسه امیرالمومنین (ع) به سرپرستی آیت الله موسوی اردبیلی در کار پژوهشهای علوم قرآنی مشارکت داشته‌ام. کار این موسسه تصحیح و تکمیل پژوهشهای قرآنی بود که پیش از انقلاب توسط آقای بهشتی، مهدوی کنی، زنجانی، موسوی اردبیلی و... انجام یافته و پس از انقلاب آقای اردبیلی فیشهای کار شده را به قم آوردند و ما با مشارکت گروهی از فضلا از جمله آقای امیرعلی خادم علیزاده و آقای عادل نیا آن را کامل کردیم. از سال ۱۳۶۱ تاکنون به همراهی برادران محمد حسن نجفی، سید عباس میری، محمد صادق مزینانی، عبدالرضا ایزد پناه و سید عباس صالحی و... مجله حوزه را بنا نهاد و تا کنون در این مجله پژوهشی، تبلیغی به کار تحقیق و تالیف مشغول هستیم و تاکنون چندین مقاله از اینجانب در مجله حوزه، مجله فقه و دیگر مجلات به چاپ رسیده است.

صادقی لوید، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۹، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای کودکان، مرتبه علمی: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی فیزیولوژی گوارش از دانشگاه لیون فرانسه و دکترای دولتی در رشته بیوشیمی از دانشگاه کلودبرنارد فرانسه.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

متابولیسم و آندوکراین، هورمون انسولین و تغییرات آن، هورمونهای جنسی و تغییرات آنها، استاد راهنمای ۶ پایان‌نامه دکترای.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

فیزیولوژی بالینی، فیزیولوژی گوارش و متابولیسم و آندوکراین.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

متابولیسم و آندوکراین.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

صادقی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین صادقی

محل تولد: بیجگان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسین صادقی در سال ۱۳۵۳ در روستای بیجگان حومه دلیجان متولد شدم و به علت علاقه شدید پدرم به حضرت امام خمینی (ره) ایشان تصمیم می‌گیرند که من را به حوزه علمیه بفرستند تا در کسوت روحانیت درآیم. در این راستا پس از گذراندن تحصیلات راهنمایی در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه رضویه مشغول تحصیل گردیدم و درس‌ها را با علاقه خاص پیگیری کردم و پس از گذراندن سطح وارد تخصصی کلام امام صادق (ع) شدم و دوره تخصصی الهیات را در آنجا سپری کردم و هم‌اکنون مشغول پایان‌نامه دکترای خود می‌باشم و در حال حاضر به کارهای تحقیقی و تبلیغی مشغول می‌باشم.

صادقی، علی اشرف

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

صادقی، علی اشرف

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر علی اشرف صادقی (۱۳۲۰ - قم) دارای دکترای زبان‌شناسی همگانی از دانشگاه سوربن فرانسه است. وی هم‌اکنون مدیر گروه فرهنگ‌نویسی و مدیر گروه دستور زبان فارسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی و عضو هیئت علمی و استاد گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران می‌باشد. کتاب "زبانهای ایرانی" ترجمه وی، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه: علوم انسانی رشته: زبان‌شناسی عمومی والدین و انساب: پدر علی اشرف صادقی فرهنگی بود و خانواده پدری اش عمدتاً همه از روحانیون بودند. پدر بزرگش - اشرف الواعظین - واعظ معروف قم و جدش حاج ملا محمد صادق مجتهد بود. خاطرات کودکی: علی اشرف صادقی از دوران کودکی چنین اذعان دارد: "در خانواده ای بزرگ شدم که از همان دوره ابتدایی شوق کتاب خواندن را در من برانگیخت. معلم کلاس اول ابتدایی ام، پدرم بود. چون ایشان فرهنگی و مدیر مدرسه و معلم بود این است که کلاس اول را پیش او خواندن و از همان ابتدا خیلی برای من مایه گذاشت و در خانه هم به من کمک می‌کرد. من خواندن و نوشتن را سریع یاد گرفتم". تحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات رسمی علی اشرف صادقی به قرار زیر است: دیپلم ادبی از دبیرستان حکیم نظامی قم دارای لیسانس ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در ۱۳۴۱ (بعنوان شاگرد اول فارغ التحصیل شد و با بورس دولتی در سال ۱۳۴۲ به کشور فرانسه اعزام گردید) دارای دکترای زبان‌شناسی از دانشگاه سربین (پاریس) در ۱۹۶۷ (۱۳۴۶). خاطرات و وقایع تحصیل: علی اشرف صادقی در دوران تحصیل در دبیرستان کتاب برهان قاطع نوشته مرحوم دکتر معین را مطالعه می‌کرد. او در توضیحات دکتر معین و متن برهان قاطع مقدار زیادی اشتباه دید و به ایشان این اشتباهات را رساند. دکتر معین هم در توضیحات آخر جلد پنجم این توضیحات را به اسم دکتر صادقی اضافه کرد. فعالیتهای ضمن تحصیل: علی اشرف صادقی در کنار تحصیل در فرانسه در رشته زبان‌شناسی عمومی

به کلاسه‌های زبانهای قدیم ایران مانند زبان پهلوی و زبان اوستا می‌رفت و استفاده می‌کرد. ایشان از همان دوران مقطع متوسطه به زبان فارسی علاقه مند بود او در کنار دروس دبیرستان کتابهایی همچون برهان قاطع (مرحوم دکتر معین چهار جلد) را مطالعه میکرد. استادان و مربیان: علی اصغر فقیهی دبیر دبیرستان و دارای کتابهای متعدد در تاریخ آل بویه و تاریخ قم و امثال اینها است. از دیگر اساتید علی اشرف صادقی می‌توان به چند تن اشاره کرد: مرحوم بدیع الزمان فروزانفر، مرحوم استاد جلال همایی، مرحوم استاد پورداود، دکتر خانلری، دکتر صفا، دکتر معین، دکتر حسین خطیبی، دکتر حسن منوچهر، دکتر صادقی گوهرین فاستاد، استاد محمد تقی مدرس رضوی، مرحوم میر جلال الدین محدث ارموی، مرحوم مجتبی مینوی و دکتر صادق کیا هم دوره ای ها و همکاران: غلامرضا ارژنگ از همکلاسیهای علی اشرف صادقی بودند. دکتر کیا، دکتر ماهیار نوابی، دکتر میلانیان، دکتر باطنی و دکتر تفضلی از همکاران ایشان بشمار می‌آیند. همسر و فرزندان: علی اشرف صادقی در سال ۱۳۵۰ در سن ۳۱ سالگی با یکی از دانشجویان دانشکده ادبیات (رشته زبان انگلیسی) ازدواج نمود. وقایع میانسالی: علی اشرف صادقی در سال ۱۳۴۸ پس از اخذ دکتری رشته زبان شناسی به استخدام در گروه زبان شناسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در آمد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سمتهای مورد تصدی علی اشرف صادقی به قرار زیر است: ۱. عضو شورای ویرایش زبان فارسی در صدا و سیما ۲. عضو شورای علمی دایره المعارف بزرگ اسلامی ۳. مدیر و مؤسس مجله زبان شناسی از ۱۳۶۳ تا کنون ۴. استاد پایه ۲۰ گروه زبان شناسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۸ ۵. مدیر گروه فرهنگ نویسی و مدیر گروه دستور زبان فارسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۶. عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی از سال ۱۳۷۰ مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می‌آید: علی اشرف صادقی در سال ۱۳۶۳ مجله زبان شناسی را راه اندازی کرد. جوایز و نشانها: از علی اشرف صادقی در سال ۱۳۸۰ در نخستین همایش چهره های ماندگار به عنوان چهره ماندگار عرصه زبان و ادبیات فارسی تجلیل به عمل آمد. از دیگر افتخارات ایشان انتخاب کتاب "زبانهای ایرانی" ترجمه وی، در دوره هیجدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران (از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، به عنوان کتاب سال می‌باشد. چگونگی عرضه آثار: از دکتر صادقی ۵ کتاب و ۱۳۰ مقاله علمی به زبانهای فارسی، انگلیسی و فرانسوی منتشر شده است. آثار: ۱. تدوین بخشی از حرف "گ" لغت نامه دهخدا و ویژگی اثر: تدوین ۲ ترجمه دو فصل از کتاب زبان شناسی نوین، نتایج انقلاب چامسکی و ویژگی اثر: از ن. ایمیت و د. ویلسون، تهران، آگاه، ۱۳۶۷. ۳. ترجمه کتاب زبانهای ایرانی ویژگی اثر: از ی. اورانسکی، تهران، سخن ۱۳۷۸. این کتاب، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: «زبانهای ایرانی» زبانهای ایرانی / یوسف میخائیلویچ اُرانسکی؛ ترجمه علی اشرف صادقی - تهران: سخن، ۱۳۷۸. - ۲۰۸ ص. جدول. کتابنامه: ص [۱۸۳ -] ۲۰۰؛ همچنین به صورت زیرنویس. این اثر از جمله کوششهای ارجمنندی است که برای طبقه بندی زبانها و گویشهای ایرانی صورت پذیرفته است. کتاب حاضر در پنج فصل سامان یافته است. در ابتدا اطلاعاتی درباره خانواده زبانهای ایرانی ارائه می‌دهد و سپس به زبانهای ایرانی باستان، ایرانی میانه و ایرانی نو می‌پردازد و در خاتمه، کلیاتی راجع به طبقه بندی تاریخی و گویش شناختی این زبانها بیان می‌کند. مترجم محترم، این کتاب را از روی ترجمه فرانسوی اصل کتاب به فارسی برگردانده و به منظور رفع برخی نارساییها و سهوها، متن کتاب و به ویژه آوانویسیهای آن را با اصل روسی کتاب مقابله کرده است که مبین دقت و رعایت امانت در ترجمه است. اضافه کردن سالهای قمری در کنار سالهای میلادی، برخی توضیحات و ذکر بعضی منابع مهم و اساسی (علاو بر متن گسترش یافت؟ کتابنام؟ پایان کتاب توسط مترجم فرانسوی) از دیگر اقدامات ایشان است. ۴. تصحیح ترجمه الابانه، شرح السامی فی الاسامی و ویژگی اثر: ضمیمه شماره ۱۰ نامه فرهنگستان، ۱۳۷۹. ۵. تصحیح خلاصه لغت فرس اسدی و ویژگی اثر: تهران، ضمیمه شماره ۹، نامه فرهنگستان، ۱۳۷۹. ۶. تصحیح فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار، منسوب به قطران و ویژگی اثر: تهران، سخن، ۱۳۸۰. ۷. تصحیح لغت فرس اسدی و ویژگی اثر: با همکاری دکتر فتح الله مجتبیائی، تهران، خوارزمی،

۱۳۶۵۸ تکوین زبان فارسی، تهران ویژگی اثر: دانشگاه آزاد ایران، ۱۳۵۷۹ دستور زبان فارسی برای رشته فرهنگ و ادب آموزش و پرورش ویژگی اثر: با همکاری غلامرضا ارزنگ، ۳ جلد ۷-۱۰-۱۳۵۵ فارسی قمی ویژگی اثر: قم، باورداران، ۱۳۸۰. ۱۱ گردآوری یادنامه دکتر احمد تفضلی ویژگی اثر: تهران، سخن، ۱۳۷۹۱۲ مسائل تاریخی زبان فارسی ویژگی اثر: تهران، سخن، ۱۳۸۰.۱۳ نگاهی به گویشنامه‌های ایرانی ویژگی اثر: تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی و مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۹. منابع زندگینامه: جشن نامه دکتر علی اشرف صادقی، پژوهش‌های زبان شناسی در ایران (۱) به اهتمام امیر طیب زاده، انتشارات هرس، تهران ۱۳۸۲۵ چهره های ماندگار، بزرگداشت مقام علمی و فرهنگی مشاهیر ایران، به اهتمام محمد اسعدی، انتشارات زمان و جهان فرهنگ تهران ۱۳۸۲

صادقی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر محمد صادقی فرزند زین الخطباء و المبلغین مرحوم حاج شیخ محمدرضا لسان المحققین تهرانی.

در سال ۱۳۰۷ شمسی هجری برابر ۱۳۴۸ قمری در تهران دیده به جهان گشوده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و پس از خواندن دروس فارسی تا متوسطه به تحصیل علوم دینیه پرداخته و مقدمات و قسمتی از سطوح را در تهران خوانده و در اوائل ورود آیت‌الله العظمی بروجردی به قم مهاجرت نموده و سطوح عالی را از مدرسین حوزه علمیه فرا گرفته و به درس خارج آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله محقق داماد و آیت‌الله العظمی نایب‌الامام خمینی مدظله و آیات دیگر شرکت و هم معقول و فلسفه را از آیت‌الله علامه طباطبائی و آیت‌الله شاه‌آبادی و میرزا مهدی آشتیانی و امام خمینی و آقای رفیعی قزوینی و عرفان را از مرحوم میرزا مهدی اصفهانی استفاده نموده تا بعد از رحلت مرحوم بروجردی و زعامت و نهضت نایب‌الامام بر علیه امپریالیسم شرقی و غربی وارد صحنه مبارزه شده و با سخنرانیهای آتشین خود در قم و تهران و محکوم کردن رژیم طاغوتی در سال ۱۳۸۴ قمری مورد تعقیب عوامل ساواک و عمال جنایتکار شاهنشاهی قرار گرفته که مجبور به بیرون رفتن از کشور شده پس به عراق رفته و در جوار امیرالمومنین علیه‌السلام رحل اقامت افکنده و از محضر آیت‌الله العظمی نایب‌الامام آقای خمینی و برخی آیات عظام دیگر استفاده نموده و خود به تدریس و گفتن تفسیر پرداخته تا در سال ۱۳۹۲ هجری قمری که روی فشار و تهدیدهای دولت شوم بعث عراق به لبنان و بیروت عزیمت نموده و پنج سالی نیز در آنجا به فعالیت و خدمات دینی پرداخته تا در سال ۱۳۹۶ قمری و آشفتگی وضع لبنان مهاجرت به مکه معظمه نموده و دو سالی در جوار بیت‌الله الحرام رحل اقامت افکنده و تا سال ۱۳۹۸ قمری در نزدیکی مقام ابراهیم علیه‌السلام کرسی تدریس فقه جعفری گذارده و به تدریس فقه شیعه و نشر معارف حقه اثنی عشریه پرداخته و در ماه ذی‌قعدة الحرام برای پخش اعلامیه و سخنرانی بر علیه رژیم منفور پهلوی از طرف دولت سعودی زندانی شده و بعد از چند ماه آزاد و پس از سقوط دولت طاغوتی و اعلان حکومت جمهوری اسلامی و آزادی بعد از پنجاه و هفت سال اختناق و استبداد برای دیدار امام و خویشان و دوستان پس از چهارده سال به وطن برگشته و برای ادامه وظائف روحی و دینی رحل اقامت به قم افکنده و مشغول تدریس و گفتن تفسیر موضوعی قرآن و اقامه نماز جمعه در مسجد جمکران قم گردیده است جناب دکتر صادقی دو بار به زندان بیدادگران مبتلا- گردیده است اول برای سخنرانی در مسجد اعظم قم بر علیه شاه جلا-د و عمال جنایتکارش دوم در مکه معظمه از طرف دولت سعودی به اشاره دولت طاغوتی ایران و جمعا مدت هفده سال در خارج کشور به شرح زیر ده سال در نجف اشرف پنج سال در لبنان و بیروت و دو سال در مکه معظمه به سر برده و در طول این مدت شب و روز به تالیف و تصنیف اشتغال

- داشته و کتب سودمندی به یادگار گذارده که فهرست مطبوع مخلوط آن را تقدیم می‌دارم.
- تالیفات عربی مطبوع مترجم محترم.
- ۱- المقارنات العلمیه و الکتابه بین کتب السماویه.
 - ۲- علی والحاکمون.
 - ۳- حوار بین الالیهن و المادیین.
 - ۴- رسول الاسلام فی الکتب السماویه.
 - ۵- عقاید نابین کتب السماویه.
 - ۶- الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه ۲۰ جلد چهار جلد به طبع رسیده. ۷- فتیانتا.
 - ۸- حوار بین اهل الجنه و النار.
 - ۹- علی شاطئی الجمعه.
 - ۱۰- لماذا انتصرت اسرائیل و متى تنهزم.
 - ۱۱- المناظرات بین الالیهن و المادیین.
 - ۱۲- الفقه علی ضوء القرآن.
 - ۱۳- تالیفات فارسی چاپ شده.
 - ۱۴- بشارات عهدین.
 - ۱۵- زمین و آسمان ستارگان از نظر قرآن.
 - ۱۶- آفریدگار و آفریده از نظر مادی و الهی.
 - ۱۷- مسیح از نظر قرآن و انجیل.
 - ۱۸- گفتگوئی در مسجد النبی.
 - ۱۹- دولت مهدی پرچم‌دار انقلاب جهانی.
 - ۲۰- خاتم پیغمبران از نظر قرآن.
 - ۲۱- حکومت قرآن.
 - ۲۲- اسرار و مناسک و ادله حج.
 - تالیفات چاپ نشده.
 - ۲۳- تقریرات الفقه عن الاستاد المحقق البروجردی.
 - ۲۴- حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری.
 - ۲۵- حاشیه بر منظومه سبزواری.
 - ۲۶- حاشیه بر شرح لمعه.
 - ۲۷- المعاد فی نظر القرآن.
 - ۲۸- النبوه فی نظر القرآن.
 - ۲۹- حول آیه التطهیر.
 - ۳۰- شذرات الوسائل والوفای.
 - ۳۱- حاشیه تحریر الوسیله.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

صادقی، مصطفی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج میرزا مصطفی صادقی ابن علامه الحجّه آقای حاج میرزا ابوالحسن عالم طراز اول و روحانی عالیقدر بود. فقید سعید از خاندان جلیل روحانیت و نواده عالم گرانقدر خاتم المجتهدین مرحوم آیت‌الله حاج ملا محمدصادق قمی یکی از شخصیت‌های بزرگ و مشهور تاریخ اسلام و تشیع در قرن اخیر است. مرحوم آیت‌الله صادقی عمر پربرکت خود را در راه علم و فقهات و تدریس و تعلیم و معارف اسلامی در حوزه علمیه قم به پایان رسانید. وی نمونه‌ای عالی از روحانیت و تربیت درخشان مکتب اسلام بود. علم و عمل و زهد و پارسائی در وجود شریفش جمع و ناصیه بلندش را هاله‌ای از نور معنویت و قداست فراگرفته بود. آنچنان شخصیتی جذاب و محبوب داشت که خاطره‌اش برای همیشه در دل دوستان و ارادتمندانش باقی خواهد ماند.

آیت‌الله صادقی در سال ۱۳۱۱ قمری در قم به دنیا آمده و پس از تحصیل و تکمیل سطوح مهاجرت به نجف نموده و بعد از انجام تحصیلات عالی در نجف اشرف در محضر اساتید بزرگ علمی مانند آیت‌الله شریعت اصفهانی و آیت‌الله نائینی و آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله آقای ضیاءالدین عراقی و دریافت اجازات عالیّه اجتهاد از آیات عظام مذکور به زادگاه خود شهرستان مذهبی قم مراجعت کرده و سپس بیش از نیم قرن، به تربیت علمی و معنوی و اخلاقی طلاب و دانشجویان معارف اسلامی پرداخت و بسیاری از فضلا و دانشمندان از محضر درسش کسب فیض کردند و مشکلات اجتماعی فراوانی از اهالی قم در مجلس او حل و فصل می‌شد. و معظم له در طول سی سال مرجع مردم شرافتمند قم بوده و اکثر کارهای مذهبی و اجتماعی و سمت قضاوت شرعی در مراعات و دعاوی اهالی قم به دست ایشان جاری می‌شد فقد سعید، تجسم قطعی اخلاق حسنه تربیت مکتب اسلام بود. برخورد ملایم و چهره پیوسته مهربان و متبسم وی جلوه‌ی صداقت و مظهر پاکی و محبت بود. مقام زهد و کم‌توجهی او به مظاهر فریبنده مادی و قناعت به حداقل معیشت و اجتناب از تجمل، از خصوصیات بارز این روحانی بزرگ است. در طول زندگانی طولانی و سودمندش، هرگز دلی از گفتار و خاطری از رفتارش نرنجید و پیوسته زبان نصیحتش بر طبق موازین «موعظه حسنه» نرمی و جاذبه و نفوذ و متانت را یکجا جمع داشت. زندگانی آیت‌الله فقید در ده سال اخیر در اثر کهولت همراه با کسالت و ناتوانی گشت و همین فرسودگیها بود که رفت و آمد و فعالیت‌های اجتماعی او را محدود ساخت. لیکن جلسات تحقیق و تدقیق مسائل فقهی به طور مداوم در منزلشان با حضور جمعی از علما و دانشمندان برگزار می‌گردید.

و بالاخره با کمال تأسف در سحرگاه شنبه دوازدهم خرداد ماه ۱۳۵۸ برابر با هفتم رجب‌المرجب ۱۳۹۹ ق پس از یک دوره بیست روزه بیماری آپاندیس در تهران به جوار رحمت حق تعالی پیوست.

جنازه‌ی این روحانی عظیم‌الشأن در میان استقبال و تشییع گروه‌های مختلف از اهالی شهرستان قم و با حضور دانشمندان و فضلا حوزه علمیه و با شرکت مراجع ارجمند تقلید حضرات آیات عظام گلپایگانی و نجفی مرعشی در گورستان متبرک «شیخان» قم همراه با اندوه فراوان به خاک سپرده شد.

از تاریخ فوت تا چندین روز، جلسات ترحیم از سوی رهبران حوزه علمیه و مراجع تقلید در قم و تهران برگزار شده است.

ضمناً مراسم شب هفت فقید سعید، ساعت ۵ تا ۷ بعد از ظهر پنجشنبه دوازدهم رجب مطابق با هفدهم خرداد در مسجد امام قم

برگزار گردیده است.

از باقیات الصالحات آن مرحوم یگانه فرزند برومند آن مرحوم جناب حجت‌الاسلام استاد دکتر علی‌اکبر صادقی است که در سال ۱۳۰۸ شمسی متولد شده است. معظم له پس از پرورش در بیت علم و تقوی و طی دوره تحصیلات جدید به تحصیل علوم دینی پرداخته و از محضر مرحوم آیت‌الله داماد و آیت‌الله العظمی صدر (پدر همسر ایشان) و مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده تا به دریافت اجازه اجتهاد نائل و بنابر تشویق آیت‌الله صدر و آیات دیگر برای خدمت بیشتری در دانشگاه تهران قسمت دانشکده حقوق وارد شده و پس از پایان دوره آن و اخذ گواهی دکترای به عنوان دانشجوی ممتاز در دوره دکتری حقوق فارغ‌التحصیل شده و هم‌اکنون استاد دانشکده در دانشگاه و برخی دانشکده‌های دیگر است که در کنار تدریس برنامه‌های دانشگاهی دانشجویان را با معارف اسلامی و اخلاقی دینی آشنا می‌سازند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

صادقی، مصطفی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مصطفی صادقی

محل تولد: کاشان

شهرت

تابعیت: ایران

زندگینامه علمی

پس از گذراندن تحصیلات دوره راهنمایی و به سال ۱۳۶۲ در مدرسه علمیه امام خمینی (سلطانی) کاشان به تحصیل علوم دینی مشغول شد. مدت کوتاهی در کنار رزمندگان بود و سال ۱۳۶۶ به حوزه قم آمد و در مدرسه عترت آل محمد (ص) به تحصیل ادامه داد. پس از آن در مدرسه آیت الله بروجردی (مدرسه خان) مقیم شد و دروس را در خارج از مدارس ادامه داد. همزمان با دروس حوزوی، تحصیلات کلاسیک را ادامه داد و پس از آن در سال ۱۳۷۳ به منظور تدریس، به گچساران رفت. پس از مراجعت به قم، خارج فقه و اصول را نزد حضرات آیات فاضل لنکرانی و سبحانی آغاز کرد. همزمان در سال ۱۳۷۴ با شرکت در دوره تربیت محقق و نویسنده تاریخ اسلام که از سوی دفتر تبلیغات حوزه قم برگزار می‌شد، به رشته تاریخ قدم گذاشت و پس از اتمام دوره و تدوین پایان‌نامه آن، استعداد خود را در تألیف و تحقیق در این موضوع یافت. در این سالها به جهت آشنایی با استاد مورخ و محقق رسول جعفریان از طریق گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و با پیشنهاد و همکاری ایشان، فهرست مقالات تاریخی مجلات عربی موجود در کتابخانه تاریخ را جمع آوری و تنظیم کرد. این مجموعه با مقدمه استاد و از سوی پژوهشگاه مذکور با عنوان «فهرس المقالات التاريخيه» در سال ۱۳۸۰ منتشر شد. همزمان با اشتغال به تحصیل و مطالعه تاریخ، در درس خارج فقه و اصول آیت الله مددی که نگاهی تاریخی به دروس حوزوی داشت، شرکت کرد. اثر دوم وی پایان‌نامه دوره تربیت محقق بود که در پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت (ع) تکمیل و ضمن تغییراتی با عنوان «پیامبر و یهود حجاز» منتشر شد و به سال ۱۳۸۱ در کنگره دین پژوهان مورد تشویق قرار گرفت. در پی انتشار این اثر، پژوهشکده پیشنهاد تحقیق و بررسی علائم تاریخی ظهور را به وی داد که به رغم تردیدها و مشکلات این کار و در اثر تشویق دوستان، به ثمر رسید و کتاب «تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور»

منتشر شد. در این زمان به منظور تقویت مباحث مهدویت که در راستای موضوع تحقیقش بود دوره تخصصی مهدویت را نیز گذراند. کتاب نشانه های ظهور، چهار بار مورد لطف و تشویق محافلی چون کتاب سال دانشجویی، ولایت و حوزه قرار گرفت. همکاری با مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی و مشارکت در تولید نرم افزار علمی نورالسیره از اشتغالات وی در این دوره بود. همچنین به عنوان نماینده دانش پژوهان مرکز تربیت محقق تاریخ، مدتی در کنار اعضای هیئت مؤسسان انجمن تاریخ پژوهان در جلسات اولیه آن شرکت داشت. در سال ۱۳۸۳ به دانشگاه امام صادق (ع) تهران راه یافت و درجه کارشناسی ارشد اولین دوره رشته تاریخ تشیع را اخذ کرد. پایان نامه وی به تناسب رشته تحصیلی اش، تاریخ تشیع کاشان بود که چند ماه پس از دفاع به سال ۱۳۸۶، بخش اعظم آن از سوی مؤسسه شیعه‌شناسی قم با عنوان «کاشان در مسیر تشیع» چاپ شد. پس از آن همکاری وی در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم به شکل رسمی تری در آمد و پس از مدتی همکاری، مدیریت گروه تاریخ تشیع پژوهشگاه تاریخی و سیره اهل بیت (ع) بر عهده او گذاشته شد. تدریس تاریخ اسلام و همکاری علمی و تحقیقی با برخی مراکز تاریخی حوزوی و دانشگاهی، از فعالیت‌های اوست؛ هر چند علاقه اصلی اش تحقیق در موضوع سیره ائمه، تاریخ اسلام، حدیث و به ویژه مباحث تاریخی مرتبط با علوم حوزوی است. والحمدلله.

صادقیان، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات، دانشگاه: یزد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه اصفهان، کارشناسی ارشد و دکترا در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات دانشگاه یزد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

متون قدیم زبان فارسی و علوم بلاغی، نقد و بررسی شعر و ادبیات، تدریس متون فارسی و صرف و نحو عربی و معانی در دانشگاه‌های شیراز، تربیت معلم و یزد از سال ۱۳۵۱، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

تصحیح روزمه خسروان، طراز سخن در معانی و بیان.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

ادبی و تاریخی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

صامی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: دستگاه گوارش، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی ایران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

صاعدی فراوی نیشابوری، ابوعبدالله محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۳۰ - ۴۴۱ ق)، مسند، محدث، واعظ و فقیه شافعی. در نیشابور به دنیا آمد. «صحیح» مسلم را از ابوحسین عبدالغفار بن محمد فارسی و «جزء» ابن نجید را از عمر بن مسرور زاهد استماع کرد و از ابوعثمان صابونی و از ابوسعید کنجرودی و حافظ ابوبکر بیهقی و محمد بن علی خبازی و ابویعلی اسحاق صابونی و احمد بن منصور مغربی و عبدالله بن محمد طوسی و ابوالقاسم قشیری و ابوسعید محمد خشاب و محمد به عبدالله عدوی هروی و نصر بن علی طوسی حاکم و علی بن یوسف جوینی و اسماعیل بن مسعده بن اسماعیلی و ابوالولید حسن بن محمد بلخی و قاضی محمد بن عبدالرحمان نسوی و امیر مظفر بن محمد میکالی و دیگران حدیث شنید. مدتی ملازم امام الحرمین بود و از وی فقه آموخت. خود نیز مدتی در حرمین شریفین اقامت گزید و به فقیه حرم مشهور گردید. ابوسعید سمعانی و یوسف بن آدم و ابوالعلاء عطار و ابوالقاسم بن عساکر و ابوالخیر قزوینی و منصور بن عبدالمنعم فراوی و ابوالفتوح محمد فاطمی و موید بن محمد طوسی و بسیاری دیگر از وی روایت کرده‌اند. در نیشابور از دنیا رفت. از آثارش: «المجالس فی الوعظ و التذکیر»، که به آورده‌ی ذهبی بیش از هزار مجلس املاء است؛ «اربعون حدیثاً»، کتابی در «فروع الفقه» شافعی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۲ / ۴۲۹)، سیر النبلاء (۶۱۹ - ۶۱۵ / ۱۹)، شذرات الذهب (۴ / ۹۶)، العبر (۴۳۹ - ۴۳۸ / ۲)، الکامل (۳۵۶ / ۸)، معجم البلدان (۴ / ۲۴۵)، معجم المؤلفین (۱۱ / ۱۲۷)، الوافی بالوفیات (۴ / ۳۲۳)، وفيات الاعیان (۴ / ۲۹۰ - ۲۹۱)، هدیة العارفين (۲ / ۸۷).

صاعدی نیشابوری، ابوالعلاء صاعد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۰۶ ق)، خطیب، فقیه، قاضی و محدث. خطیب نیشابور و قاضی خوارزم بود. از برجستگان خاندان صاعدی است. وی از پدر و جد و سایر نزدیکانش حدیث شنید. او گرچه بسیار حدیث شنیده، اما احادیث کمی را روایت کرده است. او و اعطی شیرین بیان بود. نام وی در «هدیه العارفین» تحت عنوان نیشابوری کرمانی آمده است. گفته‌اند که کتابی در مناقب ابوحنیفه و احادیث وی نوشته است. از دیگر آثارش «الاجناس»، در فروع است که دستجردی، در بغداد، پاره‌ای از آن را روایت کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: کشف الظنون (۱۱)، النجوم الزاهره (۲۰۱ / ۵). هدیه العارفین (۴۲۱ / ۱).

صاعدی نیشابوری، ابوالفتح، ابوالقاسم منصور

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۶۰۸-۵۲۲ ق)، محدث و مسند پدرش، ابوالمعالی عبدالمنعم فراوی، مسند خراسان در زمان خود بود. جدش، ابوالبرکات عبدالله، محدث و جد پدرش، ابوعبدالله محمد، فقیه حرم است. او از پدرش و جدش و جد پدرش و عبدالجبار بن محمد خواری و محمد بن اسماعیل فارسی و وجیه شحامی و دیگران حدیث شنید. این نقطه و زکی برزالی و ابوعمر بن صلاح و شرف مرسی و رضی ابراهیم بن برهان و عبدالعزیز بن هلاله و گروهی دیگر از وی حدیث شنیدند. وی از راویان «صحیح» بخاری و «صحیح» مسلم و «غریب الحدیث» خطابی و «تفسیر» ثعلبی و «السنن الکبیر» بیهقی است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۴۹۶-۴۹۴ / ۲۱)، شذرات الذهب (۳۴ / ۵)، العبر (۱۴۹ / ۳)، معجم البلدان (۲۷۹-۲۷۸ / ۴)، النجوم الزاهره (۱۸۱ / ۶).

صاعدی نیشابوری، ابوالمعالی عبدالمنعم

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۸۷-۴۹۷ ق)، معروف به ابن فراوی. اهل نیشابور و از خاندان علم و حدیث بود. از جدش، ابوعبدالله محمد فراوی فقیه حرم، و عبدالغفار بن محمد شیرویی و ابونصر عبدالرحیم بن عبدالکریم قشیری و عباس بن احمد شقانی و ظریف بن محمد حیری و گروهی دیگر حدیث شنید. در نیشابور حدیث گفت. در ۵۸۰ به بغداد وارد شد و از آن جا به حج رفت. ابوالمعالی در بغداد و در حرمین شریفین حدیث روایت کرد. مکرم بن مسعود و فقیه احمد بن عبدالواحد بخاری و تقی بن باسویه و ابوعبدالله محمد قرطبی و ابوبکر محمد حازمی و ابوالعباس بن بندنیجی و ابومحمد غزال و ابوطالب اخقیقی از او حدیث شنیده و روایت کرده‌اند. از آثار وی: «اربعون حدیثاً».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ذیل تاریخ بغداد (۱۵۷-۱۵۶ / ۱۶)، سیر النبلاء (۱۸۰-۱۷۹ / ۲۱)، العبر (۹۴ / ۳)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد

(۱۷۶- ۱۷۵ / ۱۹)، النجوم الزاهره (۱۰۵ / ۶).

صاعدی نیشابوری، ابوسعید محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۲۷- ۴۴۴ ق)، فقیه، قاضی و محدث. قاضی نیشابور و رهبر مذهبی آنجا بود و شهرت شیخ الاسلام داشت. او از پدرش، قاضی ابونصر صاعدی، و عمویش، یحیی صاعدی، و عمر بن مسرور و ابوعثمان صابونی و عبدالغافر بن محمد حدیث آموخت و گروه بسیاری از وی حدیث آموختند. در بغداد حدیث گفت و ابن ناصر و ابن سمعانی و دیگران از وی روایت کرده‌اند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۵۹۱ / ۱۹)، شذرات الذهب (۸۲ / ۴)، العبر (۴۳۱ / ۲)، النجوم الزاهره (۲۴۵ / ۵).

صاعدی نیشابوری، ابونصر احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۸۲- ۴۱۰ ق)، قاضی و محدث. او را قاضی القضاة و رئیس نیشابور می خواندند و به شیخ الاسلام مشهور و به ابونصر استوایی معروف بود. از کودکی در دامان جدش، قاضی صاعد، پرورش یافت. حدیث را از جدش، قاضی صاعد، و پدرش، قاضی ابوسعید، و عمویش، قاضی ابوالحسن صاعدی، و قاضی ابوبکر حیری و ابوسعید صیرفی و ابوزکریا مزکی و ابوالحسن بن عبدان فرا گرفت. او مجالس املائی حدیث داشت و زاهر شحامی و وجیه شحامی و عبدالله بن فراوی خوارزمی و عبدالخالق بن زاهر از شاگردان وی بودند. وی در زمان سلجوقیان به صورت بزرگترین رهبر دینی شهر خویش درآمد. ابونصر صاعدی پس از یک بیماری سخت و کوتاه درگذشت و در نیشابور به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۷- ۱۹)، شذرات الذهب (۳۶۶ / ۳)، العبر (۳۴۴ / ۲)، الکامل (۱۵۲ / ۸)، النجوم الزاهره (۱۲۷ / ۵).

صاعدی نیشابوری، صفی‌الدین، ابوالبرکات عبدالله

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(و ف ۵۴۹ ق)، فقیه و محدث. معروف به ابن فراوی و منسوب به فراوه شهری از توابع نسا. از جد مادریش، طاهر شحامی، و نیز از محمد بن عبیدالله صرام و ابونصر سراج و ابوبکر بن خلف شیرازی و فاطمه بنت دقاق و بسیاری دیگر حدیث شنید. ابن عساکر و سمعانی و مؤید طوسی و منصور بن عبدالمنعم بن عبدالله، نوه‌اش، از وی حدیث روایت کرده‌اند. وی راوی «مسند» ابی‌عوانه است. سمعانی او را پیشگامی دانشمند و مورد اعتماد و متدین و دارای حسن اخلاق معرفی کرده است. او در فتنه‌ی غز از گرسنگی و سرما

در هفتاد و پنج سالگی در نیشابور درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام بوفیات الاعلام (۲ / ۳۶۹)، سیر النبلاء (۲۲۸-۲۲۷ / ۲۰)، شذرات الذهب (۴ / ۱۵۳)، العبر (۳ / ۱۰)، النجوم الزاهره (۵ / ۳۰۵).

صاعقه‌ی فارسی بغدادی، ابویحیی محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۵۵-۱۸۵ ق)، حافظ و محدث. معروف به ابن عبدالرحیم و حافظ صاعقه. از آنجایی که دارای حافظه‌ای قوی بود، صاعقه نام گرفت. وی از غلامان عبدالوهاب بن عطاء خفاف و معلی بن منصور رازی و روح بن عباد و حسین مروزی و سعید بن سلیمان سعدویه و ابواحمد زبیری و یزید بن هارون و شبابه بن سوار و همطبقه آنها حدیث شنید. صاحبان چهار «صحیح»: بخاری و ابوداود سجستانی و ترمذی و نسائی، و همچنین محمد بن یحیی ذهلی و عبدالله بن احمد بن حنبل و قاضی محاملی و ابوبکر بن ابوداود و عبدالرحمان بن یوسف بن خراش و بسیاری دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. نسائی و خطیب بغدادی وی را محدثی ثقه و مورد اعتماد دانسته‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام بوفیات الاعلام (۱ / ۱۸۱)، تاریخ بغداد (۳۶۴-۳۶۳ / ۲)، تذکره الحفاظ (۵۵۴-۵۵۳ / ۲)، تهذیب التهذیب (۲۶۹-۲۶۸ / ۹)، الجرح و التعديل (ج ۴، ق ۹ / ۱)، سیر النبلاء (۲۹۶-۲۹۵ / ۱۲)، شذرات الذهب (۱۳۱-۱۳۰ / ۲)، طبقات الحفاظ (۲۵۱)، العبر (۳۶۶ / ۱)، النجوم الزاهره (۳ / ۳۱)، الوافی بالوفیات (۳ / ۲۴۵).

صافی اصفهانی، محمدحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج شیخ محمد حسن صافی اصفهانی از علماء و مدرسین و چهره‌های درخشان علمی معاصر اصفهانند. تولد ایشان در اصفهان شده و پس از پرورش و خواندن مقدمات به قم آمده و چندی اقامت و سطوح را از مدرسین حوزه آموخته آنگاه در عصر آیت‌الله العظمی بروجردی مهاجرت به نجف اشرف نموده و در آنجا کفایه را سطحا و خارجا از مرحوم آیت‌الله... حاج شیخ عبدالحسین رشتی شاگرد مبرز مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و آیات عظام دیگر استفاده نموده و خود به تدریس سطوح عالی و گفتن درس خارج فقه و اصول پرداخته و عده‌ای از افاضل مانند حجة الاسلام والمسلمین حاج سید عبدالعلی تقوی شیرازی معاصر تهران از دروس سطح و خارجش استفاده نموده تا در حادثه اخیر عراق و فشار دولت بعث به ایرانیان مقیم و اتباع خارجه مجبور به مراجعت و در اصفهان رحل اقامت افکند و به تدریس خارج و اقامه جماعت و نشر معارف و حقایق دینی اشتغال یافت.

شیخ حسن صافی فرزند آقا نصرالله متولد ۱۲۹۸ شمسی در قم از آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی و آیت‌الله العظمی خمینی و در نجف از آیات عظام حاج شیخ کاظم شیرازی و حاج شیخ محمدعلی خراسانی و حاج سید عبدالهادی شیرازی و حاج سید محسن

حکیم و بیشتر آیت‌الله العظمی خوئی استفاده نمود سپس به اصفهان بازگشت و سالها به تدریج خارج فقه و اصول اشتغال داشت. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

صافی گلپایگانی، لطف‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم و پانزدهم ق)، عالم دینی و نویسنده. در گلپایگان به دنیا آمد و پس از طی مقدمات و ادبیات به قم مهاجرت نمود و از محضر آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله گلپایگانی در فقه و اصول استفاده نمود. آن‌گاه به همراه پدر در ۱۳۶۶ ق به نجف مشرف شد. وی از اساتید حوزه‌ی علمیه قم و داماد آیت‌الله گلپایگانی است. از آثارش: «منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر»، در اثبات وجود حضرت امام زمان (عج)؛ «شهاد آگاه»، رد بر «کتب شهید جاوید»؛ «ماه رمضان یا روش تربیت و اخلاق». [۱]

حجه الاسلام والمسلمین آقای حاج آقا لطف‌الله صافی بن العلامه البارع الحاج شیخ محمدجواد گلپایگانی مذکور از افاضل دانشمندان حوزه علمیه قم و داماد معظم آیت‌الله العظمی گلپایگانی است.

تولدش در گلپایگان واقع شده و پس از طی مقدمات و ادبیات به قم مهاجرت نموده و از محضر آیات عظام و مدرسین کرام و بالاخص آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله گلپایگانی فقها و اصولا استفاده نموده و مانند برادر ارجمندش حجه الاسلام آقای حاج آقا علی صافی به مدارج عالی علم و کمال رسیده و مورد نظر مخصوص مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی واقع شده و اثرات نفیس و ارزنده‌ای از خود منتشر نموده است:

۱- منتخب الاثر در اثبات وجود حضرت امام ثانی عشر حجه بن الحسن ارواحنا له الفداء و عجل الله فرجه الشریف که مورد نظر و توجه مخصوص آیت‌الله بروجردی واقع و به امر آن جناب به طبع رسیده.

۲- شهید آگاه رد بر کتاب شهید جاوید.

۳- ماه رمضان یا روش تربیت و اخلاق.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: الذریعه (۳۶۷ / ۲۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۳۲ - ۳۳۱ / ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۸۹ / ۲).

صافی، قاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قاسم صافی در سال ۱۳۲۷ در شهر گلپایگان به دنیا آمد. ایشان دارای دکترای زبان و ادبیات فارسی در گرایش علوم کتابداری و ادبیات شبه قاره است و هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تهران می باشد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: علوم کتابداری و ادبیات شبه قاره

والدین و انساب: پدر قاسم صافی، مصطفی صافی دارای تحصیلات قدیمی، شاعری خوش قریحه (متخلص به مصفا) و عضو وزارت آموزش و پرورش بود. او از استعداد نقاشی و خوشنویسی بهره داشت و در سن ۸۳ سالگی در سال ۱۳۶۵ دار فانی را وداع گفت. پدرش مشهدی احمد از دانایان، خوش نویسان و نویسندگان و رئیس انجمن شهر گلپایگان بود و در سال ۱۳۰۸ در گذشت. پدر بزرگ پدری قاسم صافی ملاعباس از علما و دانشمندان بنام بود و نام مادر قاسم صافی فاطمه تدین، دارای تحصیلات قدیمی بود که در سال ۱۳۸۲ در سن ۹۰ سالگی در گذشت. نام پدر بزرگ مادری قاسم صافی، میرزا محمدصادق از علمای بنام عصر خود بود. سلسله نسب مادری او به حضرت شیخ بهائی رحمه الله علیه می رسد.

خاطرات کودکی: قاسم صافی در دوران کودکی به حضور و همکاری در مجالس اعیاد بخصوص ولادت حضرت ولی عصر بها می داد و چون آوایی رسا و صدایی خوش داشت در مسجد محل اذان می گفت. ایشان از نوجوانی تا به امروز که ۶۰ سال از عمر او می گذرد هزینه تحصیل و معاش را خود برعهده داشته است. دکتر صافی از دوران تحصیل چنین می گوید: "ناظمین دوره ابتدایی و متوسطه، افرادی وحشت آور بودند. پیوسته با شلاق و ترکه و لگد به جان محصلان می افتادند... در اواخر دوره متوسطه، دبیری باغیرت و ترس در برابر ناظمین که روزگاری شاگرد آنان بود به پاخاست و با هدایت محصلان و راهپیمایی دانش آموزان، مراسم آتش سوزی شلاق به پا کرد و ناظمان را خلع سلاح نمود." از دیگر خاطرات کودکی ایشان می توان به صعود دکتر صافی با دوستانش به کوه بلند و سنگلاخ الوند واقع در گلپایگان اشاره کرد که در ابتدای پایین آمدن از کوه ناگهان سقوط می کند و بعد از معلق زدن مسافتی، کنار تخت سنگی، سالم متوقف می شود به طوری که ناظرین از سلامتی وی بهت زده می شوند. او چندبار در حوادث دیگر، مرگ را در یک قدمی خود تجربه کرده است.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: قاسم صافی در خانواده ای متولد شد که از لحاظ فرهنگی، مذهبی در سطح بالا و از نظر مالی متوسط بودند. ایشان دارای دو خواهر و پنج برادر است.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: قاسم صافی بعد از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در گلپایگان، برای ادامه تحصیل به تهران رفت و در دانشگاه تهران در رشته زبان و ادبیات فارسی و علوم کتابداری به تحصیل پرداخت و تحصیلات خود را تا مقطع دکترا ادامه داد. ایشان همچنین دوره آموزش روابط بین المللی و رایزنی و دیپلماسی در وزارت امور خارجه را گذرانده است.

خاطرات و وقایع تحصیل: قاسم صافی از دوران تحصیل در دانشگاه تهران خاطرات زیادی به یاد دارد که می توان به یک مورد از آنها اشاره کرد: "در سال ۱۳۴۷، کنفرانسی درباره امام محمدغزالی به وی موکول می شود. قسمت عمده ای از کتاب غزالی نامه اثر استاد جلال الدین همایی و نیز قسمتهایی از کیمیای سعادت و احیاء العلوم و اشعار مانده از این فیلسوف و عارف نامی را به شیوه خطابه ایراد می کند که جلال آل احمد را بسیار تحت تأثیر قرار می دهد به نحوی که با تشویق های مکرر به جای او پاسخگوی پرسشهای احتمالی حاضران می شود خطاب به دانشجویان می گوید: این جوان کتابی را با ظرایف سخنوری از حفظ بیان کرد به وی توصیه می کنم با این حافظه ای که دارد قرآن را حفظ کند."

فعالتهای ضمن تحصیل: قاسم صافی ضمن تحصیل، به ورزش باستانی، شنا و کوهنوردی می پرداخت و در نشستها و سخنرانیهای علمی و مذهبی شرکت می کرد. وی همچنین کتابدار کتابخانه دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران و کتابدار کتابخانه وزارت کار و امور اجتماعی بود.

استادان و مربیان: جلال آل احمد، دکتر امیرحسین آریانپور، دکتر عبدالحسین زرین کوب، دکتر محمدجعفر محجوب، دکتر لطفعلی صورتگر، دکتر عباس اکرامی، دکتر سیدمحمد اکرم شاه، دکتر غلامحسین شکوهی، استاد محمد تقی جعفری، استاد حسینعلی راشد، دکتر علی شریعتی، دکتر سید علی افقه، دکتر هدایت الله نیرسینا، دکتر ماهیار نوابی از استادان و مربیان قاسم صافی بوده اند هم دوره ای ها و همکاران: استاد محمد تقی دانشپژوه، استاد احمد منزوی، محمد علی سپانلو، دکتر مظفر بختیار، دکتر جلیل تجلیل،

دکتر اسماعیل حاکمی، دکتر سیدمحمد مهدی جعفری، دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی، دکتر علیمحمد کاردان، دکتر ناصرالدین صاحب الزمانی، دکتر علی اکبر عنایتی، دکتر ناهید بنی اقبال، دکتر منوچهر محسنی، دکتر حسین لسان، دکتر رجبعلی مظلومی، دکتر جهان‌شاه صالح، پروفیسور فضل الله رضا، دکتر هوشنگ شریفی، دکتر پزشکیور مستشفی، دکتر شاهرخ امیر ارجمند، دکتر عبدالحسین مشکوه‌الدینی، دکتر محمد مهدی ناصح، دکتر سبط حسن رضوی، دکتر ناظرزاده کرمانی، دکتر مظاهر مصفا، سیدمحمد خاتمی و دکتر زریاب خوبی از هم دوره ای ها و همکاران قاسم صافی می باشند.

همسر و فرزندان: قاسم صافی متأهل و دارای دو فرزند دختر و پسر می باشد. - عالییه، دارای تحصیلات مهندسی صنایع غذایی - علیا، دانشجوی داروسازی در دانشگاه شهید بهشتی - شهاب الدین دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران در رشته مهندسی طراحی محیط زیست.

وقایع میانسالی: از قاسم صافی در سال ۱۳۵۴ که کارشناس امور فرهنگی و مدیر مجله دانشکده در دانشگاه تهران بود، خواسته شد در جلسات مربوط به چگونگی و نشر کتاب "ایران عناصر سرنوشت" که تبلیغاتی برای رژیم پهلوی توسط پروفیسور رولف بنی انجام می گرفت شرکت کند. هرچند منافع شغلی و مادی زیادی در برداشت لیکن چون با روحیات ایشان سازگاری نداشت امتناع کرد و به استناد سرپیچی از اوامر اعلیحضرت و ... حکم اخراج ایشان از مقام مافوق خواسته شد. معاون دانشجویی و آموزشی دانشگاه و برخی از استادان از دکتر صافی حمایت کردند و مقدر شد ایشان به تدریس و پژوهش روی آورد. دکتر از ایام انقلاب و از سرپرستی رایزنی فرهنگی و مرکز تحقیقات فارسی ایران در راولپندی و اسلام آباد پاکستان و مسائل روابط بین الملل و از زندگی خود، داستانهای زیادی به خاطر دارد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: - کارشناس تحقیقات و انتشارات دانشگاه تهران و مدیر مجله دانشکده نشریه مرکزی دانشگاه - رئیس اداره خدمات کتابداری و مشاور کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران - سردبیر مجله کتابداری - دیپلمات فرهنگی ایران در پاکستان - مشاور معاونت روابط بین المللی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مسئول دبیرخانه اجرایی گسترش زبان فارسی و ایران شناسی - عضو شورای انتشارات دانشگاه تهران و شورای مجلات علمی این دانشگاه، عضو کمیته تحقیقات علمی و کمیته علمی کتابخانه ها.

فعالیتهای آموزشی: قاسم صافی در دانشگاه های تهران، علامه طباطبایی و مراکز تربیت معلم در دوره های کارشناسی و تحصیلات تکمیلی در رشته های علوم انسانی و کتابداری حدود ۱۵ هزار ساعت تدریس کرده است. وی مدتی نیز استاد افتخاری دانشگاه های جی سی و پنجاب لاهور پاکستان در دوره تحصیلات تکمیلی و مدرس دوره بازآموزی زبان فارسی در دهلی بوده است. عناوین دروس آموزشی ارائه شده توسط قاسم صافی: تاریخ ادبیات ایران و جهان، زبان و ادبیات فارسی، آشنایی با متون فارسی نمایشی، آیین نگارش و گزارش نویسی، مرجع شناسی و شیوه تحقیق، روش تحقیق و تدوین پایان نامه، روش ها و تکنیک برنامه ریزی آموزشی، کلیات روش تدریس، کلیات کتابداری.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: قاسم صافی دبیرخانه شورای اجرایی گسترش زبان فارسی در معاونت روابط بین الملل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را بنا نهاد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: قاسم صافی در کنار تدریس به تألیف کتاب و مقاله و مطالعه پیرامون رشته تخصصی خود می پردازد. ایشان همچنین در نگارش و اجرای برنامه های فرهنگی در سیما و ویرایش انتشارات دانشگاهی همکاری کرده است. نویسندگی و اجرای برنامه های آئینه اندیشه، هنر و اندیشه و هفت گنبد در سیما از فعالیت های اوست.

آرا و گرایشهای خاص: - اعتقادات و گرایشات قاسم صافی به شرح زیر است: تأکید بر تسامح و تساهل و مذاکره و تبادل نظر در نظام کاری و اجرایی و ارتباطات جهانی - ارزش نهادن به مبانی عرفان و شخصیت های عرفانی و ناقدان مصلح اجتماعی و ترویج

اصول اخلاقی - اعتقاد به حاکمیت قانون در نظام سیاسی و اداری با معیار قرار دادن حق در امور نه صرفاً توجه به نظر مقامات یا شخصیت اشخاص - بکارگیری متخصص ترین، مجرب ترین و با تقوی ترین نیروی انسانی هر ارگان در رأس ادارات مربوط به آن - احترام به شهروندان و صیانت از آنها در مسیر صداقت پیشگی، مردم نیازاری و عدالت گستری؟ نظارت و هدایت در عملکرد کارکنان و مسئولین و شناسایی ریشه های انحراف و برطرف کردن بسترهای وقوع جرم به جای برخورد تهدیدآمیز و ناگهانی. چگونگی عرضه آثار: قاسم صافی دارای ۲۵ کتاب تألیفی و بیش از ۵۰ مقاله و گزارش علمی است -----

آثار:

۱ آیین نگارش و ویرایش

ویژگی اثر: تألیف، نشر ویرایش، ۱۳۸۴.

۲ از چاپخانه تا کتابخانه (مراحل کتاب نویسی - چاپ سپاری - کتابداری و کتابخوانی).

ویژگی اثر: تألیف، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸، چاپ نهم، ویراست دوم، ۱۳۸۴.

۳ بهار ادب (تاریخ زبان و ادب فارسی در شبه قاره هند و پاکستان)

ویژگی اثر: تألیف، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.

۴ تحقیقی در زمینه کاربرد فراغت دانشجویان

ویژگی اثر: تألیف، دانشگاه تهران، ۱۳۶۴

۵ رساله معارف (در بیان کیفیت توجه اتم با احوال و آثار صدر الدین قونوی)

ویژگی اثر: تألیف، حسینیه ارشاد، ۱۳۷۸

۶ روش تالیف و نقد و اصلاح

ویژگی اثر: تألیف، نشر مؤلف، ۱۳۶۴

۷ سرزمین و مردم پاکستان

ویژگی اثر: تألیف، حسینیه ارشاد؟ ۱۳۷۸

۸ سفرنامه پاکستان

ویژگی اثر: تالیف، کلمه، ۱۳۶۶

۹ سفرنامه سند (از کراچی تا شهر خاموشان)

ویژگی اثر: تالیف، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵

۱۰ عکسهای قدیمی از رجال - مناظر - بناها و محیط اجتماعی ایران

ویژگی اثر: تألیف، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴، چاپ پنجم ۱۳۸۴

۱۱ فهرست نسخه های خطی کتابخانه سندالوجی

ویژگی اثر: تألیف، دانشگاه جی سی، ۱۳۸۶

۱۲ قلمرو اندیشه جلال آل احمد

ویژگی اثر: تالیف، دانشگاه تهران، ۱۳۶۴

۱۳ کارت پستالهای تاریخی ایران

ویژگی اثر: تألیف، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸

۱۴ گفتگو با ایرانشناسان و استادان ادب فارسی

ویژگی اثر: تألیف، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰

۱۵ گلزار ادب (تاریخ زبان و ادبیات فارسی در شبه قاره هند و پاکستان)

ویژگی اثر: تألیف، زیر چاپ

۱۶ گنجینه خطی و هنری تالپوران

ویژگی اثر: تألیف، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۸۳

۱۷ مجموعه گفتارهایی درباره چند تن از رجال ادب و تاریخ ایران

ویژگی اثر: تألیف، دانشگاه تهران، ۱۳۵۷

۱۸ مرجع شناسی عمومی فارسی و عربی

ویژگی اثر: انتشارات سپهر سخن و چاپار، ۱۳۸۵، ویراست دوم، ۱۳۸۶

۱۹ مقدمات روشهای مطالعه و پژوهش

ویژگی اثر: تألیف، نشر ویرایش، ۱۳۷۹. چاپ یازدهم، ویراست دوم، ۱۳۸۷

۲۰ نامه‌ها و نوشته‌های محمد جلال الدین طباطبایی زواره‌ای اردستانی با شرح احوال و آثار و محیط اجتماعی او

ویژگی اثر: تألیف، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴

منابع زندگی‌نامه: <http://dbfm.ut.ac.ir:www.tunapp/tunserv/tun.ProfCV?func=shortcv&ProfId=۱۵۵۶۳&pLang=۱۱۸۳۰۱۲>

درخواست بنیاد ایرانشناسی - تابستان ۱۳۸۶

صافی، محمدجواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدجواد ملقب به صافی ابن ملا عباس گلپایگانی عالمی فقیه و مصنفی ادیب و فاضلی جلیل از حسنات معاصر ما بوده‌اند. ایشان در ۱۲۸۸ در گلپایگان متولد شده و پس از پرورش در سال ۱۳۰۵ قمری به اصفهان مهاجرت و از محضر حکیم قشقائی میرزا جهانگیر خان و میرزا بدیع درب امامی و میرزا محمدعلی توسرگانی و سید محمدباقر درچه‌یی و آقانجفی اصفهانی و غیرهم حدود ده سال استفاده نموده و در سال ۱۳۱۶ ق به گلپایگان مراجعت و به تدریس و تصنیف و سایر امور پرداخته تا به رحمت حق پیوسته است

از آثار اوست (گنجینه گهر) و (گنج عرفان) و (مصباح الفلاح) و (نفایس الوفان) و غیره و از باقیات الصالحات است دو فرزند دانشمند و بزرگوارش بنام آیت‌الله حاج آقا علی صافی که از مدرسین بزرگ حوزه علمیه و ۲ حجة الاسلام والمسلمین حاج آقا لطف‌الله صافی صاحب (منتخب‌الاثار) و تالیفات دیگر که در ج ۲ ص ۱۸۸ و ۱۸۹ گنجینه ایشان را یاد نمودیم

حجة الاسلام آشیخ محمدحسن بن ملا محمدحسین گلپایگانی عالمی فقیه و پارسائی متقی از شاگردان آقا نجفی اصفهانی و غیره بوده و در حدود ۱۳۱۵ وفات نمود

(تو ۱۳۶۸ - ۱۲۸۸ ق)، عالم، فقیه، ادیب و شاعر. در گلپایگان به دنیا آمد و در همان شهر نشوونما یافت. در حدود ۱۳۰۵ ق به

اصفهان رفت و در محضر درس حکیم معروف، میرزا جهانگیرخان قشقایی، و میرزا بدیع درب امامی و میرزا محمد علی تویسرکانی و سید محمد باقر درچه‌ای و آقا نجفی اصفهانی و برادرانش، آقا نورالله و ثقه الاسلام، حاضر شد و حدود ده سال در آن شهر به کسب علم پرداخت. او همچنین در تهران نزد شیخ فضل الله نوری تلمذ کرد. در ۱۳۱۶ ق به گلپایگان بازگشت و به تدریس و تصنیف و سایر امور دینی پرداخت. وی در قم مدفون است. از آثار منظوم و مثنوی: «گنجینه‌ی گهر» یا سخنان پیغمبر (ص)، شعر؛ «گنج عرفان» یا سخنان امیر مومنان (ع)؛ «مصباح الفلاح و مفتاح النجاح»؛ «نفایس العرفان»؛ «دیوان» شعر، حدود پانزده هزار بیت؛ «صافی نامه» یا «فیض ایزدی»، در پاسخ احمدی؛ «بشارت میلادیه»؛ «اشعار شیوا»، در رد باب و بها؛ «گنج دانش»، پندنامه، شعر. [۱]

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۲۴۱ / ۲۴، ۱۱۶ / ۲۱، ۲۳۹ / ۱۸، ۵ / ۱۵، ۵۸۵ / ۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۳۲ - ۳۳۱ / ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۲۲ - ۴۲۱ / ۶)، مؤلفین کتب چاپی (۴۲۱ / ۲).

صافیان اصفهانی، محمدجواد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد جواد صافیان اصفهانی در سال ۱۳۴۲ در اصفهان بدنیا آمد. ایشان تحصیلات دانشگاهی را در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه تهران در رشته فلسفه ادامه داده است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی گروه فلسفه دانشگاه اصفهان می باشد.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

گرایش: فلسفه غرب

تحصیلات رسمی و حرفه ای: محمدجواد صافیان تحصیلاتش را تا دیپلم متوسطه در شهر اصفهان به انجام رسانده و تحصیلات دانشگاهی در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه تهران در رشته فلسفه ادامه داده است. عنوان پایان‌نامه‌ی وی، «هنر نزد ارسطو، کانت و هایدگر» بوده که استاد راهنمایش، رضا داوری اردکانی بوده است.

استادان و مربیان: استاد راهنمای دوره دکترای محمد جواد صافیان اصفهانی، رضا داوری اردکانی بوده است. از دیگر اساتیدی که در زندگی علمی ایشان تاثیر گذار بوده اند عبارت اند از: دکتر محسن جهانگیری، دکتر کریم مجتهدی، مرحوم دکتر جلال الدین مجتبیوی، دکتر غلامحسین دنیانی، مرحوم اعتماد عباس معارف، دکتر غلامعلی حداد عادل

هم دوره ای ها و همکاران: همدوره ایها: دکتر محمد رضا حسینی بهشتیفد کتر حمید طالب زاده، دکتر آیت اللهی، دکتر شاقول و دکتر شیخ شعاعی همکاران گروه: دکتر محمد علی اژه ای، دکتر مهدی دهباشی، دکتر فتحعلی اکبری، دکتر کرباسی زاده

همسر و فرزندان: دکتر محمد جواد صافیان اصفهانی متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم الهام حاجی غلامی می باشد. ایشان دارای مدرک کارشناسی فلسفه است. وی دارای دو فرزند دختر بنامهای سارا (دانش آموز مقطع متوسطه) و زهرا (دانش آموز دوره ابتدایی) می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: محمد جواد صافیان اصفهانی به مدت دو دوره مدیریت گروه فلسفه دانشگاه اصفهان را برعهده

داشته است. وی همچنین در گروه تخصصی فلسفه و حکمت فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران عضویت دارد. فعالیتهای آموزشی: از سوابق آموزشی محمد جواد صافیان اصفهانی می توان به تدریس در دانشگاه اصفهان در رشته فلسفه از سال ۱۳۶۹ تا کنون اشاره کرد. ایشان همچنین در دانشگاه های پیام نور و دانشگاه آزاد اسلامی هم به امر تدریس می پردازند. -----

آثار:

۱ عالم مثال و خیال در حکمت ملاصدرا

ویژگی اثر: عالم مثال و خیال در حکمت ملاصدرا» به دنبال خیال و عالم مثال در آثار ملاصدرا - فیلسوف مسلمان - است. ملاصدرا در بسیاری از آثار خویش به بحث از خیال پرداخته و به طور کلی، خیال در آثار او از سه جهت، مورد نظر قرار گرفته است. به گفته‌ی صافیان، ملاصدرا از سویی خیال را به عنوان مرتبه‌ای از ادراک که بین حس و عقل قرار دارد، می‌داند و همچنین قایل به جنبه‌ی هستی‌شناختی خیال نیز هست، و در مرحله‌ای دیگر به وجه انسان‌شناسانه‌ی خیال نظر دارد. این اثر هم‌اکنون در مراحل پایانی ویرایش است.

۲ فلسفه‌ی هنر هایدگر

ویژگی اثر: کتاب «فلسفه‌ی هنر هایدگر» به تبیین و بررسی اجمالی نظر هایدگر درباره‌ی هنر می‌پردازد و از جمله سرفصل‌های آن به «کلیاتی در باب اندیشه‌ی هایدگر»، «نقد هایدگر بر زیبایی‌شناسی»، «روش پدیدارشناسی - هرمنوتیک در تأمل بر هنر»، «هنر و حقیقت؛ ذات حقیقت»، «سرآغاز کار هنری چیست؟» و «تفکر شاعرانه؛ ذات شعر» می‌توان اشاره کرد. این کتاب به سفارش انتشارات علمی - فرهنگی در ۱۲۰ صفحه در دست تألیف است.

۳ مابعدالطبیعه چیست؟

ویژگی اثر: اثر مارتین هایدگر (ترجمه) ۱۳۷۳ این کتاب در عین اختصار از آثار مهم و کلیدی هایدگر است. و از اولین اثر هایدگر می‌باشد که به فارسی ترجمه شده است. ترجمه فرانسوی آن توسط هانری کرین صورت گرفته است از اولین آثار ترجمه شده به زبان فرانسه است.

۴ هنر و هایدگر

ویژگی اثر: اثر جوزف کوکلمانس (ترجمه) ۱۳۸۲. این کتاب در شرح فلسفه هایدگر است. شرحی است روان و در عین حال معتبر. این کتاب از منابع درسی دوره تخصصی دکترا و کارشناسی ارشد رشته فلسفه هنر در دانشگاه‌های مختلف کشور می‌باشد.

صالح اصفهانی، ابوبکر محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۳۰ - ۴۳۸ ق)، مسند و محدث. معروف به ابن ابی‌ذر. وی از محله‌ی صالحان اصفهان و مسند وقت اصفهان بود. آخرین نفری است که از ابوطاهر بن عبدالرحیم کاتب، حدیث روایت کرده است. ابوموسی مدینی و خلف بن احمد و سعید بن روح صالحانی و عبیدالله بن ابونصر لفتوانی و محمد بن عاصم بن زینه و زاهر بن احمد ثقفی و ادريس بن محمد عطار و محمود بن احمد مضری و عین الشمس، دختر احمد ثقفیه، و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵۱۰ / ۳)، سیر النبلاء (۵۸۵ / ۱۹)، شذرات الذهب (۹۶ / ۴)، العبر (۴۳۸ / ۲).

صالح، جهان‌شاه

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۳ ش)، پزشک، استاد دانشگاه و نویسنده. تحصیلات ابتدایی و زبان فرانسه و انگلیسی ردر زادگاه خود کاشان و تحصیلات متوسطه را در کالج آمریکایی تهران به پایان رساند. او تحصیلات عالی را در آمریکا دنبال کرد و موفق به اخذ درجه‌ی دکتری در پزشکی شد و پس از آن به ایران آمد و عهده‌دار مشاغل مختلفی از جمله تدریس تشریح، ریاست بیمارستان وزیری، ریاست آموزشگاه مامایی، استاد کرسی بیماریهای زنان ریاست دانشگاه تهران و وزارت بهداشتی شد. از جمله خدماتی که وی در زمان ریاست دانشگاه انجام داد تأسیس کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه و تغییر سیستم آموزشی دانشگاه از فرانسوی به آمریکایی بود. از آثار وی: «بیماریهای زنان»؛ «سخنرانیهای هیئت اعزامی سازمان بهداشت در دانشکده‌ی پزشکی»، ترجمه؛ «گزارش سه ساله‌ی سوم ریاست دانشکده‌ی پزشکی»؛ «بیماریهای زنان و پیشرفتهای علمی نوین».[۱]

فرزند سید حسن مبصرالممالک، متولد ۱۲۸۳ ش در کاشان است. تحصیلات ابتدائی را در کاشان و تحصیلات متوسطه را در کالج آمریکائی انجام داد و سپس برای ادامه‌ی تحصیل عازم آمریکا شد و ابتدا درجه‌ی لیسانس علوم از دانشگاه سیراکیوز گرفت و وارد دانشکده پزشکی گردید و درجه‌ی دکترا نیز از همان دانشگاه با تخصص امراض زنان دریافت کرد و چندین سال در آمریکا به طبابت مشغول بود.

پس از ورود به ایران، به دانشیاری و استادی دانشکده‌ی پزشکی منصوب شد و سرانجام به استادی کرسی بیماریهای زنان رسید. مدتی هم ریاست بیمارستان وزیری و ریاست بخش جراحی بیمارستان زنان و ریاست آموزشگاه مامائی با او بود.

در ۱۳۲۶ با رای استادان به ریاست دانشکده‌ی پزشکی منصوب گردید. در ۱۳۲۹ در کابینه‌ی سپهد رزم‌آرا به سمت وزیر بهداشتی تعیین شد، و تا پایان حکومت رزم‌آرا تا اسفند ۱۳۲۹ وزیر بهداشتی بود. در ۱۳۳۲ در کابینه‌ی سپهد زاهدی برای بار دوم به وزارت بهداشتی معرفی شد و تا سقوط کابینه در آن سمت باقی ماند.

در ۱۳۳۴ که علاء مامور تشکیل کابینه گردید، دکتر جهان‌شاه صالح را در سمت وزارت بهداشتی تثبیت نمود. در شهریور ۱۳۳۹ مهندس جعفر شریف‌امامی رئیس دولت وقت، وزارت بهداشتی را به عهده‌ی دکتر جهان‌شاه صالح قرار داد و در ترمیم همان کابینه، صالح وزیر فرهنگ شد.

در ۱۳۴۴ به ریاست دانشگاه تهران و رئیس دانشکده‌ی پزشکی انتخاب گردید ولی در این سمت دوام زیادی نکرد و از کار کناره‌گیری نمود و به مقام سناتوری رسید.

صاحب تالیفات متعددی در رشته‌ی تخصصی خود می‌باشد که غالب آنها در دانشگاه تدریس می‌شود. وی در زمان وزارت بهداشتی، قانون منع کشت خشخاش را به تصویب رسانید. ولی نسبت به ترک اعتیاد معتادان فکری نکرد. بازار قاچاق تریاک رواج یافت و سیل این سم مهلک از کشورهای مجاور در مقابل طلا و فرش سرازیر گردید و در نتیجه عده‌ای قاچاقچی به ثروتهای کلان دست یافتند. برخلاف برادر اکبر و ارشد خود اللهیار صالح، نسبت به پهلوی سرسپردگی داشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] چهره‌های آشنا (۳۵۴-۳۵۲)، روزشمار تاریخ ایران (۲۱۴، ۲۱۰، ۱۵۵، ۱۱۹، ۱۱۳، ۶۸، ۵۱، ۳۵، ۱۱ / ۲)،

زندگینامه‌ی مشاهیر رجال پزشکی معاصر (۲۱۶-۱۵۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۷۲۲، ۱۹۴۷، ۲ / ۵۶۷، ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۲۴)، مؤلفین کتب چاپی (۴۴۱-۴۴۰ / ۲).

صالح، محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محسن صالح

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۳ در شهر قم به دنیا آمدم سال ۱۳۵۷ به تهران رفته تحصیلات ابتدایی را در مدرسه فلق شهرستان شمیرانات و دوران راهنمایی را در مدرسه مهدی و دوران متوسطه را در هنرستان فنی فیضیه در رشته راه و ساختمان به پایان رساندم. پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه ملا محمد جعفر معروف به مدرسه علمیه آیت الله مجتهدی شده و مدت دو سال در آنجا دروس مقدماتی را فرا گرفتم.

همزمان با ورود به حوزه در سال ۷۲ وارد دانشگاه شده در رشته الهیات ادامه تحصیل دادم. با ورود به دانشگاه نشریه معراج قلم را در بسیج دانشجویی منتشر کرده به صورت سراسری در سطح دانشگاه های کشور توزیع شد. سال ۷۳ به حوزه علمیه قم وارد شده دروس مقدماتی را ادامه دادم. در سال ۱۳۷۴ اولین مقاله خودم را قلمی نمودم. آن زمان در حالی که مشغول به تحصیل کتاب مغنی بودم با مرحوم دکتر محمد حسین روحانی مناظره مطبوعاتی انجام داده پیرامون آیاتی از قرآن کریم مباحثه مکتوب انجام دادیم. حاصل این نقد و پاسخهای آن در فصلنامه بینات به چاپ رسید. چاپ این نوشتار سر آغازی میمون و مبارک در امر نویسندگی و پژوهش بود و از آن زمان تا به امروز مقالات و کتب متعددی را به زیور طبع آراسته ام. پس از پایان دروس مقدمات بخشی از رسائل و مکاسب را از محضر آیت الله رسولی تهرانی و بخشی را نزد آیت الله موسوی خوئی فرا گرفتم. کفایه را از درس حضرت حجّت الاسلام و المسلمین سید احمد خاتمی و شرح اشارات را از محضر حجّت الاسلام و المسلمین فیاضی و نیز شرح اسفار را از محضر ایشان استفاده نمودم. پس از اتمام دوره سطح در درس فقه حضرت آیت الله جوادی آملی و حضرت آیت الله میرزا جواد آقا تبریزی و درس اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت کردم.

از همان سالهای نخست طلبگی به واسطه شدت علاقه ای که به حضرت آیت الله جوادی آملی داشتم به صورت مداوم در درس تفسیر ایشان شرکت کرده بیش از هزار نوار درس ایشان را پیاده و تایپ کردم. هم اینک نیز به عنوان کارشناس مسائل سیاسی و تاریخی در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مشغول به فعالیت بوده در کنار آن نیز مشغول دروس خارج فقه و اصول می باشم.

صالح رشتی، صالح

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ادیب.

تولد: ۱۳۱۱ق.، رشت.

درگذشت: ۱۱ فروردین ۱۳۵۹.

سید صالح صالح، فرزند سید عبدالوهاب صالح ضیاء بری، در سال ۱۳۲۲ ق.، از عتبات به رشت مراجعت نمود. در آن وقت رشت از مرکز حوزه‌ی علمیه بود و آقا سید عبدالوهاب نیز به جمع مدرسین حوزه‌ی علمیه رشت پیوست. سید صالح به همراه پدرش پس از صدور فرمان مشروطیت و تأسیس انجمن‌های ملی و ایالتی جدید در رشت، در اکثر این انجمن‌ها سمت ریاست و نیابت ریاست را داشتند و فعالانه شرکت می‌کردند. در جریان استبداد صغیر به همراه پدرش، بیش از یک ماه در مشهد تبعید بود و پس از مراجعت به گیلان، ناگزیر به اقامت در ضیاء بر شد.

پس از التیماتوم روس در سال ۱۲۹۰، و پیاده شدن قوای روسی در انزلی، نکراسف کنسول روس دستور بر هم ریختن چاپخانه‌های جراید ملی را داد. مأموران وی در یورش و حمله به خانه‌ی مجاهدین و علماء به خانه سید صالح ریختند و تمامی اوراق و اسناد و مکاتبات را به آتش کشیدند. در این واقعه تألیفات اجداد سید صالح از میان رفت و خود او را به همراه عده‌ای دستگیر و از راه پله بازار به انزلی و از آنجا به کشتی به بادکوبه فرستادند و در زندان قزاقان محبوس کردند.

در اوایل ماه صفر ۱۳۳۰ ق. برابر با بهمن ۱۲۹۰، زندانیان را به رشت آوردند و در کنسولگری روس زندانی کردند. سپس آنها در دادگاهی که از قزاقان ساخلوی رشت تشکیل شده بود، محاکمه کردند. در این محاکمه چند نفر به اعدام محکوم شدند که سید صالح نیز جزو آنها بود، ولی همان شب محکومیت، هیئتی برای تشکیل دادگاه و رسیدگی به موضوع به رشت آمد. حکم را نقض و هر یک را به نحوی محکوم به تبعید یا زندان کردند.

در ۱۹ صفر همان سال (۱۲۹۰)؛ سید صالح به همراه پدرش از راه بادکوبه، راستوف، اودسا و دریای سیاه به استانبول فرستاده شدند و به مدت پنج سال به حال تبعید در خارج از ایران بودند. پس از دو ماه توقف در استانبول، به بیروت و دمشق رفتند.

در دوره‌ی نهضت جنگل که اتحاد اسلام نامیده می‌شد و تا پایان جنگ جهانی اول ادامه داشت، سید صالح در تشکیلات قضایی آن بود. پس از انحلال سازمان اتحاد اسلام، و جنگل، دولت ایران تشکیلات قضایی جنگل را محترم شمرد و از جمله سید صالح را به خدمت قضایی پذیرفت.

سید صالح در سال ۱۲۹۷ رسماً وارد وزارت عدلیه شد و در اواخر حیات به ریاست شعبه‌ی دیوان عالی کشور رسید. در زمان سرپرستی اداره‌ی حقوق وزارت دادگستری، مجموعه قوانین موضوع کشور را تدوین و به چاپ رساند.

ترجمه‌ها و مقاله‌های او در مطبوعات گیلان و تهران از قبیل مجله‌ی «فرهنگ»، مجله‌ی «فروغ»، و روزنامه‌های «بدر منیر» و «صورت» چاپ رشت و مجله‌ی «ماه نو» چاپ تهران، انتشار یافته است. سید صالح طبع شعر هم داشت و گاهی به فارسی و گیلی اشعاری می‌سرود.

سید صالح در یازدهم فروردین ۱۳۵۹ وفات یافت.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مهدی صالحی امیری

محل تولد: فریدونکنار

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۶/۶/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب سید مهدی صالحی امیری در تاریخ ۱۰/۶/۱۳۵۶ در روستای مهلبان از توابع فریدونکنار استان مازندران متولد شدم. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در روستای محل سکونت گذراندم. و در سال ۶۹ برای تحصیلات دروس حوزوی به مدرسه خاتم الانبیا (صدر) بابل رفتم. بعد از اتمام تحصیلات مقدماتی جهت ادامه تحصیلات در سال ۷۵ به حوزه علمیه مقدسه قم آمدم. و همزمان در رشته کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلام در موسسه آموزشی و پژوهشی قم پذیرفته شدم. و در بهار ۸۱ از پایان نامه خود دفاع کردم. از بهمن ماه ۱۳۸۰ به عنوان مسئول گروه دین پژوهی مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی مشغول به خدمت هستم. از سال ۱۳۸۳ با ستاد پاسخگویی به مسائل مستحدثه دین در امر تحقق و پژوهش همکاری می نمایم واز تیرماه ۱۳۸۵ با معاونت پژوهشی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلام جهت ارزیابی پروژه ها همکاری می نمایم.

صالحی مازندرانی، اسماعیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیة الله حاج شیخ اسماعیل صالحی مازندرانی در سال ۱۳۱۲ ش. در یکی از روستاهای قائمشهر در خانواده‌ای روحانی متولد شد. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب: اسماعیل صالحی مازندرانی فرهیختگان پرهیزکار بودند. پدر بزرگوارشان، مرحوم ملّا رحمت الله، یکی از روحانیون شریف و مورد احترام اهالی بود که برای امرار معاش به کشاورزی هم مشغول بود. او در سال ۱۳۵۸ ش. در سن ۷۲ سالگی دار فانی را وداع گفت و در زادگاهش «لُفُور» مدفون گردید. مادر مکرّمه وی، عمّه خانم کُجوری، زنی باتقوا و وارسته بود که در تاریخ ۱۳۷۷ / ۲ / ۶ ش. به رحمت ایزدی پیوست و در زادگاهش به خاک سپرده شد. تحصیلات رسمی و حرفه ای: اسماعیل صالحی مازندرانی در سن پنج سالگی، با هدایت پدرش با کتاب عزیز خدا «قرآن مجید» آشنا شد و قسمتی از قرآن را نزد وی آموخت و قسمت عمده آن را بدون معلم فرا گرفت و حتی بخش هایی از کلام الهی را حفظ نمود. ایشان در این باره می گوید: «به خاطر دارم که در همان دوران کودکی، آیاتی از قرآن کریم را برای بعضی از روستاییان از حفظ می خواندم و مورد تشویق آن‌ها قرار می گرفتم.» پس از آموختن قرآن مجید و بعضی از کتب مذهبی و تاریخی و مقداری از جامع المقدمات از محضر پدر بزرگوارشان، برای ادامه تحصیل علوم اسلامی با اشتیاقی وصف ناپذیر، عازم «بابل»، یکی از شهرهای مازندران، شد و صرف و نحو و منطق را از اساتید بزرگوار مدرسه «صدر» آموخت. آن گاه به تهران عزیمت کرد و حدود دو سال در تهران مشغول تحصیل بود. سپس عازم قم شد و حدود هفت ماه در مدرسه فیضیه

اقامت داشت. عشق به تحصیل چنان او را فراگرفته بود که فقر و سختی‌های طاقت‌فرسای آن روزها را به راحتی تحمل می‌کرد. در این باره می‌گوید: «ایامی بر ما گذشت که امکان به دست آوردن نان، حتی به اندازه رفع گرسنگی هم، فراهم نبود؛ اما تحمل آن برای کسانی که شیدای تحصیل علوم و معارف دینی بودند، چندان مشکل نبود.» تلاش و جدیت در تحصیل و مطالعه مداوم، غالب اوقاتش را پر کرده بود؛ به گونه‌ای که زمان تحصیل و تدریس در شبانه روز به بیست ساعت می‌رسید. استعداد سرشار و روح کنجکاوش به حدی بود که از محضر استادی به محضر استادی دیگر حاضر می‌شد تا مراحل کمال و معرفت را با اخلاص طی کند. دقت نظر وی به گونه‌ای بود که یکی از مدرّسان بزرگ حوزه، فرموده است: «من در عمرم طلبه‌ای دقیق‌النظر مانند ایشان ندیدم.» این زمانی بود که به تحصیل درس منطق مشغول بود و با سؤال‌های پی در پی استاد را به اعجاب وامی‌داشت. اوایل سال تحصیلی ۱۳۳۳ ش. عازم مشهد مقدّس شد و سطح عالی و مقداری از دروس خارج فقه و اصول را از محضر اساتید و بزرگان حوزه علمیه مشهد فرا گرفت؛ از جمله اساتید وی، استاد عالی‌قدر و صاحب فضائل، حضرت آیه الله حاج شیخ هاشم قزوینی (ره) بود. مرحوم آیه الله قزوینی علاوه بر این که در فقه و اصول، استادی ماهر و خیر بود، در تربیت و تزکیه شاگردان نیز نقش به‌سزایی داشت. پس از حدود شش سال تحصیل و اقامت در جوار بارگاه حضرت علی بن موسی الرضا (علیه آلاف التحية والثناء) در سال ۱۳۳۹ ش. برای ادامه تحصیل عازم قم شد و در حوزه مقدّس آن جا در جوار مرقد مطهر حضرت فاطمه معصومه (س) تحصیل و تدریس را پی گرفت. خاطرات و وقایع تحصیل: اسماعیل صالحی مازندرانی درباره اتفاقات دوران تحصیلش این چنین فرموده است: «هنگامی که به سنّ ده سالگی رسیدم، در خود احساس عجیبی یافتم که هر طور شده به مناطق بزرگ‌تری رفته و به فراگیری علوم اسلامی بپردازم. و خود را در راه رسیدن به علم مشتعل یافتم و به همین مقصود به اصرار، از پدرم خواستم که مرا به بابل، شهری که در آن زمان در حدّ خودش دارای حوزه علمیه نسبتاً بزرگی بود، ببرد. پدرم وقتی دید که تمام وجودم از عشق به تحصیل شعله‌ور شده است و حتی یک لحظه تاب توقف ندارم، مرا به بابل برده و نزد مرحوم آیه الله شیخ امان الله کریمی (ره)، که عالمی زاهد و وارسته بودند، سپرد. مرحوم آیه الله کریمی (ره) چون عالمی عامل بودند، در تربیت من نقش مهمی ایفا کردند و بسیاری از احکام اسلامی و دینی که مورد نیازم بود، به من یاد دادند.» فعالیت‌های ضمن تحصیل: اسماعیل صالحی مازندرانی (ره)، به مناسبت‌های مختلف بارها اظهار می‌داشت که اگر علما و روحانیون عذری ندارند، خود را با پوشیدن لباس مقدّس روحانیت مزین کنند؛ زیرا این لباس و عمامه، خود به خود اثر دارد و دیگران را به مسیر حق هدایت می‌کند. از این رو، خود وی در سال ۱۳۳۲ ش. در حالی که کمتر از بیست سال داشت، لباس مقدّس روحانیت را پوشید و به کسوت عالمان دین در آمد. استاد آیه الله صالحی مازندرانی طبق معمول حوزه علمیه قم، هر چهارشنبه، در پایان درس خارج فقه و اصول با بیان آیه‌ای از قرآن مجید یا روایتی از امامان معصوم (ع)، نکات بسیار آموزنده اخلاقی را متذکّر می‌شد و راه تهذیب و تزکیه نفس را در کنار تحصیل دانش، به شاگردان می‌آموخت. استادان و مربیان: اسماعیل صالحی مازندرانی علاوه بر اساتیدی که در بابل و تهران و مشهد مقدّس داشت، در حوزه علمیه قم نیز از محضر حضرات آیات و اساتید گرانقدر بهره‌مند شد که بعضی از آن بزرگان عبارتند از: ۱. حضرت آیه الله العظمی بروجردی (ره)؛ ۲. مجاهد بزرگ، حضرت آیه الله العظمی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران؛ ۳. حضرت آیه الله حاج میرزا هاشم آملی (ره)؛ ۴. حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی (ره)؛ ۵. علامه بزرگوار حضرت آیه الله حاج سید محمد حسین طباطبائی (ره)؛ ۶. حضرت آیه الله محقق داماد (ره). همسر و فرزندان: در سال ۱۳۳۸ ش. در حالی که کمتر از ۲۶ بهار از عمر شریف اسماعیل صالحی مازندرانی می‌گذشت، با خانواده‌ای نجیب، متدین و اهل علم از اقوام نزدیک خود وصلت کرد. همسرش زنی مؤمن، فداکار، متدین، صبور و عاشق اهل بیت (ع) است؛ به گونه‌ای که وی بارها می‌فرمود: «من به عشقی که او به اهل بیت عصمت و طهارت دارد، رشک می‌برم.» آنچه شایان ذکر است، همراهی دلسوزانه همسرش در مراحل مختلف زندگی با او است؛ چه در دوره ستم شاهی که ایشان گاهی در زندان و گاهی در تعقیب بود؛ چون علاوه بر وظیفه مهم خانه‌داری و دفاع از

هجوم دژخیمان ساواک، نگهداری و تربیت فرزندان را در آن برهه حساس بر عهده داشت و در برابر مشکلات ایستادگی می‌کرد؛ و چه در بعد از پیروزی انقلاب اسلامی که همواره یار و مددکار همسر خود بود. حضرت آیه الله صالحی مازندرانی پس از ازدواج، با این که مدت زیادی در منزل استیجاری زندگی می‌کرد و برای امرار معاش در مضیقه بود، با جدیت بیشتری به ادامه تحصیل پرداخت و هیچ مشکلی او را از هدف باز نداشت. یکی از فرزندان ایشان می‌گوید: به یاد دارم در یکی از سفرهای ایشان به مناطق مختلف شهری و روستایی، که با او همراه بودم، در یکی از مناطق هنگام نماز، ایشان از امام جماعت مسجد - که یک طلبه جوانی بود - با اصرار خواست که امامت جماعت را بر عهده بگیرد و او به همان طلبه اقتدا کرد و با این عمل، موقعیت آن روحانی را در آن محل بالا برد؛ و بدین وسیله به دیگران فهماند که روحانی محل، عزیز و مورد احترام است. زمان و علت فوت: اسماعیل صالحی مازندرانی پس از عمری تلاش و کوشش در راه تعلیم، تربیت، تهذیب و تزکیه نفس، احیای دین و قرآن و فقاقت، سرانجام صبح جمعه ۹ شهریور ۱۳۸۰ ش. در سن ۶۸ سالگی در زادگاهش دعوت حق را لئیک گفت و به ملکوت اعلی پیوست. فقدان او شکافی در عالم اسلام و روحانیت پدید آورد که پر شدن آن آسان نیست. پیکر مطهر وی روز یکشنبه، ۱۱ شهریور ۱۳۸۰ (۱۳ جمادی الثانی ۱۴۲۲ ق.) با حضور هزاران تن از مردم مسلمان ساری تشییع شد. در قم نیز پیکر پاک آن عالم ربّانی و فقیه صمدانی در میان جمع زیادی از علما و فضلا و طلاب و مردم اندوهگین قم با عظمت و احترام زیادی از مسجد امام حسن (ع) تا حرم مطهر حضرت معصومه (س) تشییع و در صحن مطهر با حضور انبوهی از علما و مردم به امامت آیه الله جوادی آملی بر پیکر پاکش نماز خوانده شد و در سمت قبله مسجد طباطبائی نزدیک در ورودی به خاک سپرده شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: از آن جا که «دیانت عین سیاست و سیاست عین دیانت است»، اسماعیل صالحی مازندرانی در کنار تحصیل و تدریس و تألیف، در فعالیت‌های سیاسی نیز حضور داشت؛ بلکه آن را وظیفه شرعی خود می‌دانست و از همان دوران جوانی، یعنی در سال‌های ۱۳۳۱ - ۱۳۳۲ ش. با رفت و آمد به منزل مرحوم آیه الله کاشانی در تهران، با مسائل سیاسی کشور آشنا شد. در بعضی از جلسات مخفی، که شهید بزرگوار نواب صفوی (ره) سخنرانی می‌کرد، حاضر بود و نیز در متن مبارزات مردمی علیه رژیم ستم شاهی پهلوی قرار گرفت. خاطرات خوبی از کودتای ننگین آمریکایی ۲۸ مرداد و خیانت ملی‌گرایان را در ذهن داشت. با شروع نهضت امام خمینی در سال ۱۳۴۲ در صف مبارزان و روحانیان وفادار امام خمینی قرار می‌گیرد و در این راه رنج‌ها و تلخی‌های فراوانی را به جان می‌خورد؛ اما هرگز خستگی به خود راه نمی‌دهد. با شرکت فعال در حرکت‌های سیاسی و مبارزاتی و حضور در بعضی از جلسات مخفی علمای آن زمان، بسیاری از اعلامیه‌هایی را که بر ضد رژیم ظالمانه پهلوی بود، امضا کرد. سال ۱۳۵۳ ش. هم زمان با دستگیری و تبعید عده‌ای از مدرّسان عالی‌قدر، ایشان نیز دستگیر و راهی زندان شد. در سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ ش. در زندان‌های مختلف، از جمله: زندان ساواک و شهربانی قم، قزل قلعه (انفرادی و عمومی)، اوین و قصر، زندانی می‌شود. آیه الله صالحی مازندرانی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سمت‌های مختلفی، چون: دو دوره نمایندگی مجلس خبرگان رهبری از استان مازندران و حضور در مسئولیت قضاوت در برهه‌ای از زمان، در خدمت نظام جمهوری اسلامی بودند. علاوه بر این، هیچ گاه از تعلیم و تربیت و هدایت مردم در مسیر انقلاب غافل نبود و در مناسبت‌های مختلف با صدور اطلاعیه و یا به حضور پذیرفتن اقشار مختلف مردم و بیانات و رهنمودهای سازنده، نقش مهمی در رشد و تعالی و هدایت آن‌ها در این راه ایفا نمود. فعالیت‌های آموزشی: اسماعیل صالحی مازندرانی حدود ۴۰ سال در حوزه علمیه قم به تدریس فقه و اصول و دیگر علوم اسلامی مشغول بود. بعضی از کتاب‌ها یا علوم که تدریس نمود، عبارتند از: ۱. کفایه الاصول، از آخوند خراسانی (ره)؛ ۲. شرح تجرید الاعتقاد (کشف المراد علامه حلی (ره))؛ ۳. دو دوره کتاب حکمت شرح منظومه ملا هادی سبزواری (ره)؛ ۴. نهایه الحکمه، از علامه طباطبائی (ره)؛ ۵. برخی از مجلّات اسفار ملّا صدرا (ره)؛ ۶. یک دوره خارج قضا، خمس، وکالت و کفایت، از کتاب «تحریر الوسیله» تألیف امام خمینی (ره)؛ ۷. و از سال ۱۳۵۸ ش. تا آخر عمر شریفشان به تدریس «خارج فقه و اصول» اشتغال داشت و بعضی از روزها را به تدریس «تفسیر قرآن» و

«اخلاق» اختصاص داده بود. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : اسماعیل صالحی مازندرانی با شروع مجدد و اوج گیری نهضت امام خمینی (ره) در سال ۱۳۵۶، ایشان نیز با صدور اطلاعیه‌ای در همان ایام به مناسبت حمله ددمنشانه رژیم منحوس پهلوی به حوزه علمیه قم، حمایت بی دریغ خود را از انقلاب بی نظیر امام خمینی و عشق سوزانی که به شخصیت والا و بی بدیل امام داشت، آشکار نمود. ایشان در طول بیش از بیست سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هرگز خود را از نظام مقدس جمهوری اسلامی جدا ندانست؛ بلکه با حمایت‌های خود و پشتیبانی از ولایت فقیه، موجب تقویت نظام بود. شاگردان : اسماعیل صالحی مازندرانی در مدت تدریس، شاگردان زیادی پرورش داد که بیشتر آنها در قید حیات هستند و در مسئولیت‌های مهم دینی و کشوری مشغول به خدمتند. بعضی از شاگردان وی عبارتند از: ۱. حجة الاسلام و المسلمین محمدی گلپایگانی، مسئول دفتر مقام معظم رهبری؛ ۲. حجة الاسلام و المسلمین محسن قرائتی؛ ۳. حجة الاسلام و المسلمین مروی؛ ۴. حجة الاسلام و المسلمین ناطق نوری. ۵. حجة الاسلام و المسلمین سید حمید روحانی، مؤلف محترم کتاب «نهضت امام خمینی (ره)». آرا و گرایشهای خاص : اسماعیل صالحی مازندرانی از همان ابتدا، همگام با تحصیل، در تهذیب و تزکیه نفس نیز کوشا بود و از اساتید برجسته اخلاق کسب معنویت می کرد و بر ملکات خوب نفسانی خود می افزود. وی به گونه‌ای خود را با ادب اسلامی مزین نموده بود که هر کس با او همشین می شد، به یاد خدا می افتاد و رنگ الهی می گرفت. بعضی از سیره عملی و اخلاقی وی از این قرار است: الف) توکل به خدا و توسل به اولیای خدا : ایشان در تمام مراحل زندگی، بویژه در ایامی که در زندان‌های رژیم منحوس پهلوی بود، به خدا توکل داشت. ب) برپایی مجالس مذهبی: ایشان به سبب باورهای دینی که در عمق جاننش ریشه داشت و عشق وافرش به اهل بیت (ع) ، در ایام شهادت هر کدام از ائمه بویژه ایام شهادت حضرت زهرا (س) در منزل خود مجلس عزا برپا می نمود و خطبا و مرثیه خوانان به سخنرانی و مرثیه خوانی می پرداختند. ج) عطف و مهربانی ایشان با همه مردم مهربان بود، اما با کودکان عطف خاصی داشت. احترام به همسایه: او برای همسایه‌ها احترام ویژه‌ای قائل بود و همیشه با گرمی از آنها استقبال می کرد و در شادی و غم آنها حتی الامکان شرکت می نمود. اگر مصیبتی برای یکی از همسایگان پیش می آمد، برای عرض تسلیت به منزلشان می رفت و در مجلس ختم آنها شرکت می نمود. احترام به روحانیت: استاد آیه الله صالحی، برای همه مردم بویژه برای محصلین علوم دینی و طلبان احترام زیادی قائل بود. تواضع و وقار: آیه الله صالحی در عین تواضع، بسیار با وقار بود؛ به طوری که نه در دام هزل و شوخی‌های ناروا گرفتار آمد، نه در ورطه خودپسندی و کبر سقوط کرد. اعتدال در غذا و استراحت: ایشان در خوردن و خوابیدن بسیار کم مؤونه بود؛ همیشه کم غذا می خورد؛ با این که هیچ بیماری نداشت. معتقد بود که بسیاری از بیماری‌ها از زیاده روی در خوردن پیدا می شود. وارستگی: تمام سعی و کوشش ایشان این بود که به تمام احکام نورانی اسلام، عمل کند و لذا همیشه بهداشت و نظافت فردی را به خوبی مراعات می کرد. آثار: احکام جوانان و نوجوانان ، استفتاءات ، رساله توضیح المسائل ، مفتاح البصیره فی فقه الشریعه (شرح عروه الوثقی ، مناسک حج

منابع زندگینامه: سایت حوزه علمیه قم / بخش زندگینامه علما ۱۳۷۱ - / www.hawzah.net

صالحی مازندرانی، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی صالحی مازندرانی

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مهدی صالحی شهرت به صالحی مازندرانی در سال ۳۴۲ در شهرستان بابل مازندران به دنیا آمدم، لازم به ذکر است حقیر از خانواده روحانی و از والده سیده سبزواری که خود برای اعضای خانواده معلم اولیه بوده است. شروع تحصیلات اینجانب در چهار سالگی به مکتب خانه محله با همراهی والدین به حضور استاد مکتبی خواندن قرآن و غیره متداول آن روز را فرا گرفتم. پس در روستای نزدیک شهر بابل روستایی دونه سه که محله آباد و با فرهنگ هم بوده و هست مراحل کودکی و دبستان و دوران راهنمایی را با موفقیت به پایان رساندم پس برای ادامه تحصیلات مجدداً به شهر بابل در دبیرستان شیخ کبیر برای رشته تحصیلی در گروه علوم انسانی رشته ادبیات و فرهنگ و ادب مشغول به تحصیل شدم و در سال ۱۳۶۶ دیپلم رشته مربوطه را اخذ نمودم و در همان سال وارد دانشکده حقوق و الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان شدم ولی به علت تهاجم رژیم صدام و حملات هوایی وارد دانشگاه مازندان ادامه تحصیل دادم و در سال ۷۰ در این رشته (کارشناسی مربوطه را اخذ نمودم) و در همان سال ۷۱ - ۷۰ در دانشگاه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه کرج در مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته شدم و در سال ۷۴ با دفاع از پایان نامه نمودم که در باب نفقه ذوجه در اسلام بود کارشناسی ارشد این رشته شناخته شدم و در همان سال برای تدریس در دانشگاه‌های؟؟؟ مازندران بابل در دانشگاه آزاد اسلامی حتی از زمان دانشجویی مشغول تدریس شدم و همزمان در شهرستان آزادشهر به عنوان عضو هیئت علمی رشته مربوطه در دانشکده الهیات مشغول بودم. همچنین در حوزه علمیه شاه آبادی مازندران واحد بابل همکاری لازم را در دروس مطرح شده در این حوزه تدریس می نمودم. تا اینکه در کنار همه این فعالیت‌های علمی و آموزشی از آنجا که از خانواده روحانی بودم زمینه‌های طلبگی در اینجانب وجود داشته در حوزه علمیه فیضه مازندران و صدر بابل (خاتم الانبیاء) به مدت پنج سال مشغول بودم و تا مقطع و سطح یک را تمام نمودم و در سال ۷۷ ه. ش وارد حوزه مقدس علمیه قم شدم و الان مشغول درس خارج فقه و اصول و دروس جنبه‌ای تفسیر و غیره مشغول فعالیت هستم. از آنجایی که در زمینه تبلیغ موفقیت‌هایی داشتم و دارای پرونده به خارج از کشور در سازمان ارتباطات تهران برای کشورهای اروپایی و آسیایی و آفریقایی و آمریکایی در آزمون مربوطه قبول شدم و سفر تبلیغی به هندوستان داشته و دارم لازم به ذکر است که داخل کشور و شهرهای مختلف دعوت به امور تبلیغ هستم. بحمدالله؟؟؟ رضایت و موفقیت می‌باشم.

و الان هم عضو هیئت علمی دانشکده الهیات و معارف اسلامی در راستای کار علمی خودم از سال ۷۴ در تهران و دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن مشغول به خدمتگزاری هستم.

اینجانب از آنجایی که عضویت هیئت علمی دانشگاه مربوطه با تایید صلاحیت عمومی و اختصاصی زیر نظر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌های کشور می‌باشم در گرایش‌های تخصصی عمومی رشته‌های مربوطه در تاریخ تحلیلی صدر اسلام و تمدن‌های اسلامی و در اخلاق و فلسفه اخلاق و گرایش تاریخ امامت و غیره به اخذ مجوز نهاد نائل آمدم تا مقدمه ورود به دانشکده معارف اسلامی برای تدریس دروس عمومی شدم. از آنجایی که در دانشگاه‌های کشور علاوه موارد یاد شده در تهران مرکز و پیام نور و دانشگاه باقرالعلوم قسمت معاونت آموزش؟؟؟؟ به تدریس دروس تخصصی شدم و الان هم همکاری لازم با دانشگاه پیامبر نور قم در رشته تخصصی نمودم و در این زمینه مطالبی هم تدوین نموده‌ام که انشاءالله به زودی برای چاپ مهیا خواهد شد. موضوعاتی در باب نفقه زوج در اسلام و تاریخ اسلام و اخلاق در قرآن و چند مقاله که با بازنگری و اصلاحات انشاء الله زمینه چاپ فراهم خواهد شد. تا به سهم خودم خدمتی کرده باشم به این فرهنگ غنی و ناب محمدی(ص).

صالحی نجف آبادی، نادعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نادعلی صالحی نجف آبادی

محل تولد: نجف آباد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۲

زندگینامه علمی

اینجانب نادعلی صالحی فرزند حیدر علی به شماره شناسنامه ۹۱۰ متولد ۱۳۳۷ در نجف آباد به دنیا آمدم. تا ششم ابتدائی قدیم را خواندم. از سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه شدم و در مدرسه الحجه نجف آباد به تحصیل علوم دینی پرداختم در آن حوزه ادبیات و صرف و نحو را در محضر آیه الله ایزدی رحمه الله علیه فرا گرفتم و پس از شرکت در امتحان عمومی حوزه علمیه قم و قبولی در رتبه یک در سال ۱۳۵۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و شرح لمعه را در محضر حجه السلام مروی و رسایل را در محضر آیه الله صالحی نجف آبادی در مدت چهار سال به اتمام رساندم و هم چنین کفایه را نزد آیه الله ستوده و استاد بزرگوار جناب آقای باقری حاجی آبادی به اتمام رساندم. از سال ۱۳۵۷، سال پیروزی انقلاب تا ۱۳۵۹ باز به تحصیل بعضی از بخش های مانده از درسهای قبل پرداختم و ضمناً به درس آیه الله نوری همدانی از قبل از ۱۳۵۷ به بررسی مسایل اقتصادی مربوط می شد نیز حاضر می شدم و سال ۱۳۶۰ به عنوان مدیر مدرسه الحجه نجف آباد به تحصیل و تدریس و مدیریت مدرسه اشتغال داشتم از ۱۳۶۱ به بعد تا ۱۳۷۲ به ترتیب به درس خارج مشغول بودم و از محضر اساتیدی هم چون:

۱- آیه الله منتظری ۲- آیه الله فاضل لنکرانی ۳- آیه الله صانعی ۴- آیه الله صالحی نجف آبادی استفاده کردم ضمناً در درس تفسیر آقای جوادی آملی نیز حاضر می شدم. از سال ۱۳۶۹ تا کنون به کار تحقیقی روی آورده ام نتیجه آن تاکنون هفت جلد کتاب بوده و حدود شصت مقاله در زمینه های مختلف و نیز ارائه مشاوره در مجله معارف اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم که در حدود ۲۰ شماره چاپ شده است. هم اکنون نیز به دنبال تدوین کتابهای دیگر مانند خانواده بهتر زندگی بهتر، گنجینه حکمت ج ۲، باز کاوی اعتقادات شیعه در منابع عامه و غیره هستم. در سال ۱۳۷۱ مدارج علمی خارج یک را گرفته ام در رتبه ۲ شهریه می گیرم و بیشتر از راه فروش کتاب ارتزاق می کنم.

صالحی، جواد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جواد صالحی

محل تولد: خمین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

جواد صالحی هستم در ششم شهریور سال ۱۳۵۰ در روستای قلعه بردی از توابع الیگودرز متولد شدم. پیشه مردم آن منطقه، در آن زمان، دامداری و کشاورزی بود، گرچه اکنون معدنکاری هم به آن اضافه شده است. تحصیلات ابتدایی را در همان روستا به پایان رساندم، با معلمانی که از آب زلال تر بودند و آقایان گودرزی، جوادی و عسکری. و تا سوم راهنمایی را هم در مدرسه شهید مفتاح الیگودرز طی کردم. پس از آن، متأثر از شهید رحمان حیدری سر به تحصیل در حوزه سپردم، چند سالی در شهرستان الیگودرز و سپس راهی دیار قم. از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰ را در این شهر سکنی گزیدم. همه این ایام را با مطالعه شعر و ادبیات فارسی و کلام جدید طی کردم و در کنار آن، سطح حوزه را تمام کردم و چند سالی هم مدیر واحد فرهنگی و ادبی دفتر تبلیغات بودم. از سال ۱۳۸۰ هم به تهران کوچیدم و همراه با دوستان، از جمله دکتر دیباجی و صادق رحمانی، با رادیو فرهنگ همکاری کردم. این همکاری همچنان ادامه دارد... در سال ۷۷ اولین نوشته من، که نقدی بود بر مجموعه اشعار خانم فاطمه راکعی، با اسم مستعار در روزنامه کیهان منتشر شد. پس از آن هم چند بار دیگر، به همان شیوه، برای آن روزنامه مطلب نوشتم و این آغازی بود بر همکاری با روزنامه‌ها (جمهوری اسلامی، اطلاعات، و یکی دو مورد). چند باری هم برای مجلات (آینه پژوهش، اربستان و...) مطلب نوشتم. شعرهایی هم اینجا و آنجا، در همین ایام، می خواندم یا نشر می دارم. در این مدت، چندین نقد و مطلب هم برای مجله شعر تحریر کردم. از تو می گویم ای بشارت مشکل، عنوان بلند کتاب مختصری است که گزیده ای از شعرهای مرا در بر می گیرد و توسط نشر همسایه در سال ۱۳۸۱ منتشر شد. گزیده نقد و نوشته های گذشته را هم تدوین شده که اگر شد به علاقمندان به این گونه مباحث تقدیم شود. آنچه را که پس از سال ۸۱ سروده ام نیز در دفتری گرد آورده ام که شاید همین روزها در معرض داوری شعر دوستان قرار دهم.

صالحی، عباس

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سیدعباس صالحی

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه مشهد شدم. دروس مقدماتی، سطوح مقدماتی و عالی را در حوزه علمیه مشهد گذراندم. از سال ۶۰ به حوزه علمیه قم عزیمت کردم و دروس خارج را تا سال ۶۸ در آن حوزه گذرانیده مجدداً به مشهد عزیمت داشته و در دروس خارج اساتید مشهد ادامه تحصیل دادم و در سال ۷۶ مجدداً به حوزه علمیه قم مراجعت تحصیلی و علمی داشتم. دروس مقدماتی را در مدرسه آقای موسوی نژاد و دروس سطح را در خدمت آقایان حضرات صالحی، مدرسی و فلسفی گذرانیدم. در حوزه علمیه قم از دروس حضرات آیات وحید خراسانی، شیخ جواد تبریزی بهره مند شدم. پس از عزیمت از مشهد در دروس حضرات آیات زنجانی و علم الهدی شرکت کرده ام. در مباحث فلسفی از حضرات اساتید ابراهیمی دینانی، انصاری شیرازی و حسن زاده آملی بهره بردم.

از ابتدای ورود در حوزه، فعالیت های تدریس داشته ام از جمله مکرر اصول فقه، شرح لمعه، معالم و مکاسب را تدریس کرده ام. در سال ۶۷ - ۶۵ سردبیر مجله حوزه و در سال ۷۶ - ۷۳ مسئول دفتر تبلیغات اسلامی خراسان بوده ام. از سال ۷۶ تا کنون در سه دوره متوالی عضو هیات مدیره دفتر تبلیغات اسلامی (و سپس عضو هیات امنای آن) بوده ام. از سال ۷۶ مدیر مسوول نشریه پژوهش های قرآنی و از همان سال عضو هیات تحریریه نشریات فقه اهل بیت و کاوش فقه در فقه اهل بیت بوده ام.

هم چنین از سال ۷۸ مدیر مسوولی و سردبیری نشریه پگاه را بر عهده داشته ام که تا کنون ۱۷۶ شماره از آن منتشر شده است. از سال ۶۱ در مجله حوزه به عنوان یکی از نویسندگان آن مشغول به فعالیت بوده ام همچنین از همکاران تفسیر راهنما از ابتدای فعالیت تا مراحل پایانی آن بوده ام ضمناً در پاره ای از پروژه ها و فعالیت های علمی، در مدیریت و یا در طراحی آن نقش هایی داشته ام چون: کاربرد دانش اصول در فقه و ...

صالحی، علی اصغر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اصغر صالحی کرمانی اول عالم و دانشمند منتفذ و نافذالکلمه معاصر کرمان و از شخصیت های برجسته و رجال فضیلت و تقوای اسلامست در آن سامان.

ولادت آنجناب در حدود ۱۳۱۸ ق واقع شده و پس از رشد و خواندن مقدمات سطوح اولیه و متون فقه و اصول را در کرمان تحصیل نموده و برای تکمیل تحصیلات به اصفهان رفته و از محضر مرحوم آیت الله آقا سید محمد نجف آبادی و آیت الله حاج میرزا محمدصادق اصفهانی و آیت الله حاج میرزا سید علی مدرس نجف آبادی استفاده و سطوح را به پایان رسانیده و در اوائل تأسیس حوزه علمیه به قم آمده و در خدمت مرحوم آیت الله العظمی حایری و آیت الله آقا میرزا سید علی یشربی و آیت الله حاج سید محمدتقی خونساری و آیت الله العظمی حاج سید احمد خونساری تلمذ نموده و قسمت عمده معقول را از آیت الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای فرا گرفته و پس از شش سال و نیم اقامت در قم مراجعت به کرمان و چون اوضاع آن روز کرمان مساعد نبود مجدداً به قم برگشته و حدود سه سال دیگر توقف و بعد از آن بنابر درخواست مردم کرمان و امریه مرحوم آیت الله العظمی حایری به کرمان عزیمت و از اول ورود به انجام وظائف دینی و تدریس و تربیت طلاب و محصلین اهتمام و سعی بلیغ گماشته و با همت رفیق شفیق و مصاحب موافق خود مرحوم آیت الله حاج میرزا علی آقای مهرابی و بعض دیگر مدرسه معصومیه را دائر و مسکن طلاب قرار داده و عده‌ای از جوانان مهذب کرمان را تربیت و در سلک محصلین و دانشجویان علوم دینی در آورده که هر کدام در حال حاضر از علماء بنام و وعاظ گرام و ائمه جماعت مقیم کرمان و تهران و غیره می باشند.

آیت الله صالحی در کرمان مانند علماء گذشته آن سامان مواجه با فرقه ضاله شیخیه می باشد و غالباً با آنان مبارزه منفی و مثبت نموده و از شیوع مرام باطل آنها جلوگیری و شر آنها را دفع و از تبلیغات سوء و افکار موهوم و بدعت های آنان بوسیله دعوت کردن از مبلغین و وعاظ توانا چون خطیب شهیر جناب آقای فلسفی و مرحوم حاج شیخ مرتضی انصاری واعظ و غیره جلوگیری نموده تا حدی که بحمد الله در حال حاضر ساقط گردیده اند.

معظم له از خاندان علمی کرمانست و دو نفر از رجال علم و دانش کرمان یکی مرحوم آیت الله آخوند ملا- علی اکبر معروف به

مجتهد (که ذکرش گذشت) عموی ایشان و دیگر مرحوم آیت‌الله آخوند ملا محمد صالح کرمانی خال و دائی گرامی ایشانست که از اینجهت شهرت به صالحی گرفته‌اند
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

صالحی، محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن صالحی حاجی آبادی

محل تولد: حاجی آباد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محسن صالحی حاجی آبادی در سال ۱۳۴۸ در روستای نمونه کشور، حاجی آباد از توابع نجف آباد اصفهان متولد شدم. دوران ابتدائی و راهنمائی را در همان روستا گذراندم و بعد از گرفتن سیکل وارد حوزه علمیه نجف آباد شده و همزمان با آن به جبهه های جنگ اعزام شدم. در سهای مقدماتی صرف و نحو تا معالم را در آن حوزه سپری کردم و سپس وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس لمعه و اصول به بالا- را نزد اساتیدی چون آقایان: حسینی خراسانی، صفائی، طاهری مازندرانی، و... گذراندم. سپس به درس آیت الله علوی بروجردی شرکت کرده ولی به علت بیماری و جانبازی چند سالی از دروس حوزه محروم شده و توفیق شرفیابی نزد اساتید را نداشته و در این سالها بیشتر به ادبیات فارسی، قصه، داستان و شعر کودک و نوجوان و دفاع مقدس پرداختم و هم اکنون در این زمینه ها بیشتر فعالیت می نمایم.

صالحی، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رادیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی رادیوترابی اونکولوژی از ایران، دوره تخصصی رادیوترابی از لندن، متخصص رادیوترابی از کالج سلطنتی انگلستان در سال ۱۳۵۷، دوره رادیولوژی در مشهد.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تومورهای سر و گردن بررسی اثرات اشعه روی کیست هیداتیک در مشهد، استاد راهنمای ۶ پایان‌نامه دکترای عمومی و ۲ پایان‌نامه دکترای تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۳، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

گلیوم‌های سیستم عصبی مرکزی، تومور کروکوبیرگ، هیستوسیتوز، متاستاز گرانولوزاسل تومور تخمدان، نئوپلاسمای اولیه متعدد، تحقیق آینده‌نگر روی عوارض گوش‌ی سزیلاتین، ملانوم بدخیم اطفال، بررسی ۱۵۱۵ مورد سرطان مری در خراسان، بررسی ۲۱۱ مورد سرطان حنجره به مدت ۸ سال در مشهد.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

صانعی دره بیدی، منوچهر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر منوچهر صانعی دره بیدی در سال ۱۳۲۵ در شهرستان فردین اصفهان به دنیا آمد. وی دارای مدرک دکتری رشته فلسفه از دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۱ است. ایشان هم‌اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه فلسفه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی می‌باشد.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

گرایش: فلسفه

والدین و انساب: پدر منوچهر صانعی دره بیدی اهل خوانسار و مادرشان متولد روستایی در دامنه فریدن است.

خاطرات کودکی: منوچهر صانعی دره بیدی از دوران کودکی خود چنین یاد می‌کند: "زندگی در یک خانواده کشاورز روستایی، روزهای تابستان را کار در مزرعه و در دامنه‌های پوشیده از گل‌های رنگارنگ و کنار جویبارهای همراه با صدای پرندگان خوش‌نقش و نگار و خوش‌صدا، و شبهای زمستان را در زیر کرسی و گوش دادن به شاهنامه خوانی پدر و پدربزرگ گذرانده‌ام. و ماندگارترین خاطره از دوران کودکی، خاطره فقر است."

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: منوچهر صانعی دره بیدی در خانواده‌ای سنتی ایرانی و از نظر مادی در فقر و از لحاظ معنوی و مذهبی، متدین به دیانت اسلام و مذهب شیعه به دنیا آمد.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: منوچهر صانعی دره بیدی دارای مدرک دیپلم ادبی در سال ۱۳۵۰، کارشناسی رشته فلسفه از دانشگاه

تهران در سال ۱۳۵۴، کارشناسی ارشد و دکتری فلسفه از دانشگاه تهران در سالهای به ترتیب ۱۳۵۷ و ۱۳۷۱ است.

خاطرات و وقایع تحصیل: منوچهر صانعی دره بیدی پس از ورود به دانشگاه، تمام وقت خود را در کلاس و یا کتابخانه سپری میکرد و در گروه بندی آن روز دانشجویان داخل بچه مذهبی‌ها بود. ایشان دوران دانشجویی خود را با چهره های مذهبی قبیل بعضی شاگردان مرحوم مطهری، صدرالدین طاهری (هم اکنون استاد فلسفه دانشگاه علامه و امام صادق است) و آئینه وند و غیره گذراند.

فعالتهای ضمن تحصیل: منوچهر صانعی دره بیدی در کنار تحصیل به آموختن زبانهای خارجی و کار در گارگاه نجاری می پرداخت.

استادان و مربیان: منوچهر صانعی دره بیدی از محضر اساتید زیادی بهره برده است که می توان به مرحومین دکتر علیمراد داودی، منوچهر بزرگمهر و آقایان دکتر مجتهدی، دکتر داوری و دکتر جهانگیری اشاره کرد.

هم دوره ای ها و همکاران: از همکاران امروز منوچهر صانعی دره بیدی می توان به آقایان دکتر رشیدیان، دکتر حکمت و دکتر علوی اشاره کرد.

همسر و فرزندان: منوچهر صانعی دره بیدی متاهل و دارای همسر (بازنشسته آموزش و پرورش) و دو دختر می باشد. فرزند ارشد دانشجوی رشته مکانیک و دیگر فرزندش دانشجوی رشته فرش می باشد.

وقایع میانسالی: منوچهر صانعی دره بیدی از وقایع تلخ میانسالی خود فوت پدرش در سن ۸۴ را بیان می کند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: منوچهر صانعی دره بیدی از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۴ عضو انجمن فلسفه بود که به کار تحقیق در متون فلسفی مشغول بود. وی از سال ۱۳۶۴ تا اکنون عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی است. و هم اکنون در آنجا با درجه استادی مشغول به تدریس و تحقیق می باشد.

فعالتهای آموزشی: منوچهر صانعی دره بیدی به تدریس دروس فلسفه غرب در دوره های یونانی و جدید می پردازد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: منوچهر صانعی دره بیدی در کنار تدریس به تالیف و ترجمه در پیرامون فلسفه می پردازد.

آرا و گرایشهای خاص: منوچهر صانعی دره بیدی معتقد است: "به علت تهاجم یونانیان (اسکندر)، اعراب و ترکان با تهاجم سه گانه تاریخی، کشور و ملت ما جایگاه تاریخی خود را از دست داده است. و اکنون ما (ایرانی ها) باید بکوشیم تا جایگاه از دست رفته خود را به دست آوریم و باز سازی کنیم".

جوایز و نشانها: منوچهر صانعی دره بیدی شاگرد ممتاز در هر سه دوره کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری بود. وی همچنین یک تشویق نامه به مناسبت شرکت فعال در جنگ تحمیلی (به مدت ۶ ماه) و چندین لوح و تقدیر نامه از رئیس دانشگاه شهید بهشتی برای تالیف و ترجمه دریافت کرده است.

چگونگی عرضه آثار: منوچهر صانعی دره بیدی دارای ۱۴ ترجمه، ۶ تالیف و بیش از ۳۰ مقاله در زمینه فلسفی است. وی همچنین در ۱۲ کنفرانس داخلی و خارجی شرکت داشته و مقالاتی را هم ارائه کرده است.

آثار:

۱ اصول فلسفه

ویژگی اثر: ترجمه

۲ انفعالات نفس

ویژگی اثر: ترجمه

۳ بخشی از تاریخ فلسفه فخری

ویژگی اثر: ترجمه

۴ پیام نیچه

ویژگی اثر: تالیف

۵ جایگاه انسان در اندیشه کات

ویژگی اثر: تالیف

۶ جوهر النضید

ویژگی اثر: ترجمه

۷ درس های فلسفه اخلاق

ویژگی اثر: ترجمه

۸ دنش نامه زیبایی شناسی

ویژگی اثر: ترجمه

۹ دین در محدوده عقل تنها

ویژگی اثر: ترجمه

۱۰ رشد عقل

ویژگی اثر: تالیف

۱۱ شلایر ماخر

ویژگی اثر: ترجمه

۱۲ فرهنگ فلسفی صلیبا

ویژگی اثر: ترجمه

۱۳ فلسفه اخلاق در تفکر غرب

ویژگی اثر: تالیف

۱۴ فلسفه اخلاق و مبانی رفتار

ویژگی اثر: تالیف

۱۵ فلسفه حقوق

ویژگی اثر: ترجمه

۱۶ فلسفه فضیلت

ویژگی اثر: ترجمه

۱۷ فلسفه لایب نیتس

ویژگی اثر: تالیف

۱۸ قواعد هدایت ذهن

ویژگی اثر: ترجمه

۱۹ منطق مظفر

ویژگی اثر: ترجمه

۲۰ نقد عقل عملی

ویژگی اثر: ترجمه

صانعی، یوسف

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیة الله العظمی حاج شیخ یوسف صانعی، در سال ۱۳۱۶ ش، در خانواده ای روحانی در روستای نیک آباد اصفهان ولادت یافتند. جد ایشان آیة الله حاج ملایوسف، از علمای پرهیزکار و وارسته زمان خود بودند. ایشان در فلسفه، از شاگردان میرزا جهانگیرخان و در فقه، از شاگردان آیة الله العظمی میرزا حبیب الله رشتی بودند. آن بزرگوار به میرزای شیرازی بزرگ، رهبر نهضت تنباکو، دلبستگی فراوان داشته و از مروّجان وی بوده است. ایشان از آزادمنشی قابل وصفی برخوردار بودند و همواره در مقابل خونین و زورمداران آن زمان، ایستادگی می کردند.

پدرشان مرحوم حجة الاسلام آقای شیخ محمدعلی صانعی نیز عالمی وارسته و روحانی زاهد و پرهیزکاری بودند و همواره ایشان را به فراگیری علوم حوزوی فرا می خواندند.

این گونه بود که معظم له، در سال ۱۳۲۵ ش، وارد حوزه علمیه اصفهان شدند و پس از گذراندن دروس مقدمات و کسب فیض از محضر علمای آن حوزه، در سال ۱۳۳۰ ش، برای ادامه تحصیل، رهسپار حوزه علمیه قم شدند. استعداد زیاد و جدّیت فراوان ایشان، باعث شد که از همان زمان، در زمره طلاب موفق و مورد توجه و علاقه بزرگان حوزه در آن زمان قرار گیرند. ایشان در امتحانات سطوح عالی حوزه در سال ۱۳۳۴ ش، رتبه اول را احراز نمودند و مورد تشویق مرحوم آیة الله العظمی بروجردی (قدس سره) قرار گرفتند.

از همین سال بود که با توجه به ویژگیهای منحصر به فرد درس خارج حضرت امام خمینی سلام الله علیه، در آن شرکت نموده، توانستند با نبوغ و جدّیت خود، تا سال ۱۳۴۲ به طور مستمر از حوزه درس اصول و فقه و مبانی مُتقن حضرت امام بهره برده، در زمره شاگردان برجسته ایشان قرار گیرند. حضور فعال در درس خارج امام سلام الله علیه طی سالیان دراز و ممارست فراوان نسبت به فراگیری مبانی و تحقیقات آن بزرگوار، اشراف ایشان را بر دیدگاه های فقهی و اصولی امام را به درجه ای رساند که به تعبیر خودشان، در حدّ شعور مبانی بود و از حدّ صرف دانستن، بالاتر.

آیة الله العظمی صانعی با سعی و اهتمام و توفیق الهی توانستند در ۲۲ سالگی به مرحله اجتهاد دست یابند. ایشان علاوه بر سالها تلمذ در حوزه درس حضرت امام، از محضر اساتید بزرگی چون: آیة الله العظمی بروجردی، آیة الله العظمی محقق داماد و آیة الله العظمی اراکی - رحمهم الله - نیز بهره برده اند و از سال ۱۳۵۴، رسماً تدریس خارج فقه را با کتاب زکات در مدرسه حقّانی (شهیدین) شروع نمودند و تقریرات آن درس به قلم دو تن از شاگردانشان، موجود است.

جمع کثیری از طلاب و فضلا، با شروع درس خارج فقه ایشان، توانستند از حوزه درس معظم له استفاده کنند که اینک بسیاری از آنان، جزو محققان و پژوهشگران ارزنده حوزه اند و برخی نیز در حدّ اجتهاد هستند که در حوزه های علمیه اشتغال داشته اند و یا در اداره نظام جمهوری اسلامی، ایفای وظیفه می کنند. فعالیتها و مبارزات سیاسی

اغلب مبارزات سیاسی و فعالیتهای انقلابی ایشان در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، تلاش در ابعاد فرهنگی و تبلیغاتی بوده است. این تلاشهای ظلم ستیزانه، از طریق تبلیغ، سخنرانی، حضور در تظاهرات و راهپیماییها و صدور اعلامیه و بیانیه های سیاسی انجام می گرفت.

بر اساس آنچه در جلد سوم کتاب اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده است، نام و امضای آیه الله العظمی صانعی، در ذیل حدود سی اعلامیه سیاسی و انقلابی به ثبت رسیده است که اولین آن، نامه ای است که پس از انتقال حضرت امام خمینی از ترکیه به نجف اشرف، از سوی علمای قم، خطاب به رهبر کبیر انقلاب نوشته شده است. تاریخ انتشار این نامه مهر ماه ۱۳۴۴ است. همچنین آخرین بیانیه ای که نام و امضای ایشان و دیگر همراهان انقلاب در ذیل آن می درخشد، اعلامیه ای است که در مخالفت با دولت بختیار، در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۱۷ صادر شده است.

البته بدیهی است که تمامی اعلامیه های آن دوران، در کتاب مزبور نیامده است. مهم ترین بیانیه شدیدالحن علمای قم در قبل از انقلاب، درباره «خلع ید شاه از حکومت» است که به تأیید جمعی از فضلا و مدرّسان حوزه علمیه قم رسیده است و نام و امضای آیه الله صانعی نیز در ذیل آن به چشم می خورد.

موضوع اعلامیه مذکور، همچون سایر بیانیه های سیاسی آن دوران، بسیار حسّاس، خطرناک و به گونه ای بود که تنها انقلابیان واقعی و یاوران شجاع حضرت امام خمینی، جسارت امضای آن را داشتند؛ چه اینکه بسیاری از آن اعلامیه ها، از دیدگاه حکومت پهلوی، جرمی نابخشودنی و مستوجب قتل بود. شاید ترس از همین عواقب خطرناک موجب گردید تا امضای افراد معدودی از علما در ذیل اعلامیه «خلع شاه از حکومت» قرار گیرد.

سردمداران حکومت پهلوی، برای جلوگیری از رشد فزاینده انقلاب اسلامی، همواره می کوشیدند تا مسئله مرجعیت امام خمینی را خدشه دار جلوه دهند و از آن طریق، در اذهان عمومی نسبت به صلاحیت علمی، سیاسی و مذهبی معظّم له خللی وارد کنند. از این رو، جمعی از علما و فضلاء حوزه های علمیه، از جمله حضرت آیه الله صانعی، بخشی از تلاش سیاسی و علمی خود را در خنثا کردن این توطئه حکومت پهلوی قرار دادند و در جهت تثبیت مرجعیت امام خمینی، فعالیت می کردند.

صانع اصفهانی، ابوسعید محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۸۱-۴۹۷ ق)، حافظ، مسند و محدث. از غانم برجی و ابوعلی حداد و حمزه بن عباس علوی و جعفر بن عبدالواحد ثقفی و محمد بن عبدالواحد

دقاق و اسماعیل حافظ حدیث شنید. او همچنین در همدان از ابوجعفر محمد بن ابوعلی حافظ و همطبقه اش و نیز در شیراز ابومنصور عبدالرحیم بن محمد خطیب و هبه الله بن حسن و در اهواز از عبدالعزیز بن حسین حدیث استماع کرد. سمعانی و عبدالغنی مقدسی و ابونزار ربیعہ یمنی و دیگران از وی روایت کرده اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام بوفیات الاعلام (۳۹۳ / ۲)، سیر النبلاء (۱۳۰-۱۲۹ / ۲۱)، شذرات الذهب (۲۷۳ / ۴)، العبر (۸۳ / ۳)، النجوم

الزاهره (۹۲ / ۶).

صانع رامهزری، ابوالحسن علی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(و ف ۳۱۲ ق)، نحوی، لغوی و شاعر. در نحو، لغت، ادب و شعر استاد بود و شعر را نیک می‌سرود. ابوهاشم بن ابوعلی جبائی نزد او تلمذ کرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ریحانه (۳ / ۳۴۳)، لغت‌نامه (ذیل / علی)، معجم الادباء (۶۷-۶۵ / ۱۴).

صانع، ابراهیم

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(بخش ۱) ابراهیم ابن میمون مکنی به ابواسحاق، از مردم مرو (مقت. ۱۳۱ ه.ق.). وی فقیهی فاضل و آمر به معروف بود. ابومسلم خراسانی او را بکشت.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

صانع، احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(بخش ۱) احمد ابن محمد بن عبدالله نیشابوری. مکنی به ابوحامد، محدث (ف. بخارا ۳۷۴ ه.ق.). وی در خراسان و عراق حدیث بسیار شنید و در نیشابور حدیث می‌گفتند.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

صائن‌الدین

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی بن محمد بن محمد ترکه اصفهانی دانشمند معروف (ف. ۸۳۵ ه.ق.). وی ابتدا نزد برادر بزرگ خود که فقیه و متصوف و متشرع بود به تحصیل علوم پرداخت، سپس به امر برادر، پانزده سال به سیاحت بلاد و تحصیل علم گذرانید، و در علوم معقول و

منقول و علوم غریبه (علم نقطه، حروف، اعداد، جفر و غیره) مهارت یافت. امیر تیمور پس از فتح اصفهان او و برادرانش را به سمرقند کوچ داد. صائن از نزد برادر بزرگ خویش، به طلب کمال و زیارت کعبه سفر کرد و به شام و مصر و حجاز رفت و در مصر به خدمت شیخ سراج‌الدین رسید. پس از بازگشت از عراق خبر مرگ تیمور را شنید و در اصفهان منزوی گردید و به افاده و استفاده پرداخت. پیر محمد والی فارس در حدود ۸۰۹-۸۰۸ او را به شیراز دعوت کرد و پس از کشته شدن پیرمحمد (۸۱۳.ق.ه) و حکومت برادر وی میرزا اسکندر، صائن در خدمت شخص اخیر بود و در اصفهان نزد وی مقرب میزیست. پس از طغیان اسکندر بر شاهرخ (۸۱۷) و فتح اصفهان و فارس به دست شاهرخ، صائن بار دیگر انزوا اختیار کرد، و در این اثنا دو سفر به خراسان رفت و بار دوم منظور نظر شاهرخ گردید و به قضاوت ولایت یزد منصوب گردید. از تألیفات اوست به عربی، شرح فصوص الحکم (۸۱۴.ق.ه)، مفاحص در علم حروف و اعداد مبتنی بر بیان توحید، رساله بایئه در اعداد و حروف و جفر، رساله انزالیه در نزول کتاب مطابق مشرب متکلمان، رساله محمدیه در الفاظ و حکم قرآن و کشف اسم محمد مطابق مشرب حروفیان، رساله مختصر در توضیح تعلیقات کشاف، کتاب مناہج در منطق، و از تألیفات فارسی اوست: شرح قصیده تائیه ابن فارض به پارسی و به نثر فنی، اسرار الصلوٰۃ مطابق اصول تصوف، رساله در اطوار ثلاثه تصوف، تحفه علائیه در اصول و آداب اسالم بر طبق چهار مذهب سنت، مدارج افهام الافواج فی تفسیر ثمانیۃ ازواج، رساله در اعتقاد به نام شاهرخ (برای رد تهمت تصوف)، رساله در شرح لمعات عراقی. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

صبا خراسانی، صادق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۰ ش)، پزشک و نویسنده. تحصیلات متوسطه را در ۱۳۱۲ ش و دوره‌ی دانشکده‌ی پزشکی را در ۱۳۱۸ ش به پایان رسانید. وی مشاغل زیر را عهده‌دار بود: کارمند موسسه‌ی سرم‌سازی حصارک، ریاست بهداری دانشکده‌ی کشاورزی کرج، پزشک بهداری آموزشگاهها، مأمور درمانگاه بیماریه‌ی مغزویی یکی از بیمارستانهای تهران. از آثار وی: «بیماریهای اعصاب».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۲۷۰، ۱۶۳۸، ۲ / ۵۶۳، ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۲۵)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۵-۴۹۴ / ۳).

صبا خراسانی، فتحعلی مسیح السلطنه

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۶ ق)، پزشک و نویسنده. در مشهد مقدس به دنیا آمد. بعد از تحصیلات مقدماتی در ۱۳۱۳ ق برای ادامه تحصیل به تهران آمد و در مدرسه‌ی دارالفنون مشغول تحصیل شد و در رشته‌ی طب موفق به اخذ گواهی‌نامه گردید. پس از آن به فعالیت‌های پزشکی در نقاط مختلف ایران پرداخت، اما بیشتر در مشهد اشتغال داشت. از آثار وی: «اندرز پزشکی»؛ «بهداشت کودکان».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۵۴۱-۵۴۰، ۳۵۳ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۶۳ / ۴).

صبا، محسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۱-۱۲۸۵ ش)، فهرست‌نویس، روزنامه‌نگار، مترجم، نویسنده و استاد دانشگاه. از نوادگان فتحعلی‌خان صبا بود. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات خود را به ترتیب در مدرسه‌های فرانکوپرسان، دارالفنون و سپس علوم سیاسی انجام داد. پس از آن همراه دانشجویان اعزامی به اروپا، به فرانسه رفت و در پاریس از دانشکده‌ی حقوق درجه‌ی دکتری دریافت کرد. همچنین دوره‌ی مدرسه‌ی عالی شارت را که مخصوص تعلیمات مربوط به آرشیو، بایگانی و کتابداری است، در آن دیار گذراند و دیپلم آنجا را کسب کرد. صبا نخستین ایرانی است که درجه‌ی علمی از آنجا گرفته است. وی در روزنامه‌هایی چون: «شفق سرخ»، «نوبهار»، «عصر اقتصاد» و «کیهان» مقالات متعددی نوشته و مدت ده سال سردبیر مجله‌ی «بانک ملی ایران» بود. او مؤسس انجمن دوستداران کتاب بود و شماری از آثار پیشینیان را به سبکی زیبا و دلپسند انتشار داد. صبا استاد کرسی آمار دانشکده حقوق و استاد بایگانی و روش تحقیق در دانشکده‌ی ادبیات بود. او کتابشناسی ایران در زبان فرانسه را به وجود آورد و کتابهای فرانسه راجع را به ایران را فهرست کرد و مطالبی راجع به ایران در ادبیات فرانسه گردآوری کرد. از دیگر آثار او: «آزلزین»، ترجمه؛ «اصول آماری و کلیات آمار اقتصادی»؛ «اصول بایگانی»؛ «اصول فن کتابداری و تنظیم کتابخانه‌های عمومی و خصوصی»؛ «گل‌های حافظ»، ترجمه؛ «یکی بود یکی نبود»، ترجمه. از جمله‌ی خدمات دکتر صبا پایه‌گذاری کتابخانه‌ی بانک ملی ایران بود. [۱]

کتاب شناس.

تولد: ۱۲۸۵، تهران.

درگذشت: ۲۳ فروردین ۱۳۷۱، سن‌دیه‌گو (آمریکا).

محسن صبا تحصیلات خود را به ترتیب در مدرسه‌های «فرانکو پرسان» و دارالفنون و سپس مدرسه‌ی علوم سیاسی انجام داد. پس از آن همراه گروهی از محصلین اعزامی به فرانسه رفت و توانست دانشکده‌ی حقوق پاریس را بگذراند و درجه‌ی دکتری دریافت کند. همچنین مدرسه‌ی عالی شارت را در آن دیار ببیند و دیپلم آنجا را به دست بیاورد. مدرسه‌ی شارت مخصوص تعلیمات مرتبط به آرشیو، بایگانی و کتابداری است و صبا نخستین ایرانی است که درجه‌ی علمی از آنجا گرفته است.

کار علمی وی در پاریس که منجر به دریافت درجه‌ی علمی و دکتری شد گردآوری فهرستی از کتاب‌ها و مقاله‌هایی بود که به زبان فرانسوی درباره‌ی ایران در سراسر جهان نشر شده بود. دکتر صبا برای به سرانجام رسانیدن این کار مدت‌ها در کتابخانه‌های فرانسه به جستجو پرداخت تا عاقبت کتابشناسی ایران در زبان فرانسه را به وجود آورد که در سال ۱۹۳۶ در پاریس به چاپ رسید. صبا پس از بازگشت به ایران نخست در بانک ملی ایران به کار پرداخت. از اقدامات مهم او پایه‌گذاری و مجموعه‌سازی کتابخانه‌ی بانک ملی در سال ۱۳۱۶ است. دکتر صبا توانست فهرست کتابخانه‌ی ملی را در سال ۱۳۲۴ به چاپ برساند. صبا مدت ده سال ریاست اداره‌ی آمار و بررسی‌های اقتصادی همان بانک را داشت و در این مدت بود که مجله‌ی «بانک ملی» زیر نظر او منتشر می‌شد که به مقاله‌های تخصصی آماری و اقتصادی اجتماعی اختصاصی داشت. کم‌کم هم‌زمان با ادامه‌ی کار در بانک، به تدریس در دانشگاه پرداخت و به استادی در دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی رسید، تا این که پس از سی سال تدریس بازنشسته شد.

وی کتابی درباره‌ی فن کتابداری در سال ۱۳۳۳ منتشر نمود. وی کتابی هم درباره‌ی بایگانی و کتاب دیگری درباره‌ی آمار اقتصادی نوشت. وی همچنین انجمن دوستداران کتاب را تأسیس نمود. دکتر صبا پس از تشکیل یونسکو نخستین کتابداری بود که به دعوت آن مؤسسه‌ی سفری به اروپا رفت (سال ۱۳۳۲) و تحولات جدید کتابداری را پس از جنگ دید. گروه ملی کتابشناسی ایران وابسته به کمیسیون ملی یونسکو را با همکاری دکتر مهدی بیانی، محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار تأسیس نمود. دکتر صبا بر سه کتاب منتشره این گروه مقدمه دارد (کتاب شناسی فهرست‌های نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه‌های دنیا از ایرج افشار، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه تهران از محمدتقی دانش‌پژوه و فهرست مقالات فارسی جلد اول از ایرج افشار). تأسیس کمیته بایگانی ملی وابسته به کمیسیون ملی یونسکو در سال ۱۳۳۸ کار دیگری بود که با همکاری دیگران انجام داد. از آثار اوست:

Bibliographie française de Iran paris ۱۹۳۵

Tehran ۱۹۵۱ Tehran ۱۹۶۶ (english)

Bibliography of Tehran ۱۹۶۵

فرهنگ بیان اندیشه‌ها (تهران، ۱۳۶۶)؛ صدای انسانی (از ژان کوکتو، تهران، ۱۳۳۸)؛ یکی بود یکی نبود (از فرانسیس دوکرواسه، انجمن دوستداران کتاب، ۱۳۳۸)؛ گل‌های حافظ (از هانری گی، با نقاشی‌های لیلی تقی‌پور)؛ ترجمه‌های کوتاه دیگر دارد که در فهرست‌های کتاب‌های چاپی تألیف خانابا مشار به نامهای آرلرین، آترموز، تیسین، ستارگان، گردش آمده است، مسافرت به ایران (از الکسیس سولتی کف دیمتریویچ، تهران، ۱۳۳۶)؛ زیبایی‌های ایران (آندره دولیه دولند، تهران، ۱۳۵۵)؛ اصول فن کتابداری و تنظیم کتابخانه‌های عمومی و خصوصی تهران (۱۳۳۳)؛ اصول بایگانی (۱۳۳۳)؛ اصول آماری و کلیات آمار اقتصادی (۱۳۳۴).
بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] آینده (س ۱۹، ش ۳-۱، ص ۲۳۴-۲۲۳)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۸۴-۱۸۳ / ۴)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۲۵)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳۱-۲۲۹ / ۵).

صبح، حسن

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن صباح از ایرانیانی بود که در دوره سلجوقی قیام کردند وی از مخالفان سرسخت تسلط اعراب بر ایران بود. مذهب وی و پیروانش اسماعیلیه بود که شاخه‌ای از پیروان امامان است با این تفاوت که اینان به هفت امام اعتقاد دارند و امامت را بعد از امام جعفر صادق حق فرزند وی اسماعیل دانسته و او را مهدی موعود (امام زمان) و امام آخر می‌دانند. مرکز قدرت اینان در مصر بود که خلفای فاطمی مصر این مذهب را در این کشور رسمی اعلام کرده بودند. حسن صباح رهبر و داعی این فرقه شهرت جهانی دارد که زندگی و عقاید و رفتار و منش وی آمیزه‌ای از افسانه و راز و واقعیت است که با افسانه‌های حشاشین، فدائیان و بهشت موعود اسماعیلیه شکل گرفته است و در پندارها به شکل واقعیت یافته و باور کنونی مردم منطقه و جهانیان در آمده است. گویند حسن صباح در قم در یک خانواده شیعی امامی به دنیا آمد، پدرش علی بن محمد بن جعفر بن حسین بن محمد بن صباح حمیری، عربی از مردم کوفه بود که برای خویشتن نسب یمنی ادعا می‌کرد. خانواده صباح از قم به ری رفتند، در آنجا که از مراکز فعالیت‌های اسماعیلی بود، مردی به نام امیره ضراب؛ حسن را به کیش اسماعیلی رهنمون کرد. در سال ۴۶۹ وی به مدت سه سال در قاهره

تعلیم یافت، پس از آن به ایران بازگشت و فعالیت خود را با سفر در سراسر ایران آغاز کرد و بارفتن به الموت بانام دهخدا و با گرفتن الموت و استقرار در دژ الموت، شاخه اسماعیلیان نزاری را پایه‌گذاری کرد. دولت نزاری ایران را حسن صباح و هفت تن جانشینان وی که به خداوندگاران الموت معروفند اداره می‌کردند. وی از سال ۴۸۳/۱۰۹۰ تا زمان مرگ ربیع الثانی ۵۱۸/۱۱۲۴ میلادی به مدت ۳۵ سال در دژ حسن صباح زیست و به فراخواندن مردم به کیش خود و مبارزه پادشاهان سلجوقی و خلفای بغداد ادامه داد. حسن صباح مردی برجسته و شگرف بود، سیاستمداری مدیر و مدبر، سازمان‌دهنده‌ای توانمند، متفکر، پارسا و مردی پرهیزکار بوده است. وی را سیدنا "سرور ما" می‌نامیدند. گویند حسن صباح کتابخانه‌ای در الموت داشته و دانشمندی بوده است که به دانش‌های ستاره‌شناسی و داروسازی گرایش داشته است. حسن صباح تا زمان مرگ به مدت ۳۵ سال در دژ الموت زیست و به مبارزه، مقاومت، آموزش، تبلیغ مرام و اندیشه خود پرداخت. وی و پیروان فدائی او در سراسر سرزمین‌های اسلامی در تاریخ سیاسی و نظامی این مقطع تعیین‌کننده و تاریخ‌ساز بوده‌اند. پس از وی جانشین او بزرگ‌گیا امید که از مردم رودبار بود راه وی را تداوم داد و مدت ۱۴ سال حکومت کرد در ۵۳۲ / ۱۱۳۸ میلادی درگذشت در دوره او سده ششم هجری نیز تغییراتی در معماری دژ انجام شد و تاسیساتی به آن افزود پس از بزرگ‌گیا امید پسرش محمد فرمانروای الموت گردید و تا سال ۵۵۷ / ۱۱۶۲ حکومت کرد پس از او حسن دوم فرمانروای الموت گردید وی در رمضان ۵۵۹ اعلام قیامت کرد و حسن دوم در فراخوان پیروان خود در الموت و امام خواندن خود، انقلابی بزرگ در اندیشه فلسفی - عرفانی مذهب اسلام به وجود آورد وی در سال ۵۶۱ کشته شد. پس از او پسرش نورالدین محمد به مدت ۴۴ سال حکومت کرد. ورا پدر را ادامه داد و پدر را امام خواند محمد دوم در ۶۰۷ / ۱۲۱۰ درگذشت و پسرش حسن سوم بالقب جلال‌الدین فرمانروای الموت گردید. حسن سوم پس از ۱۱ سال حکومت در سال ۶۱۸ درگذشت پسر او علاءالدین محمد جانشین او گردید. وی در سال ۶۵۳ در شیرکوه الموت کشته شد و پس از او پسرش رکن‌الدین خورشاه که آخرین فرمانروای الموت است به حکومت رسید. مرکزیت و پایگاه مقاومت این فرقه در برابر خلفای عباسی بغداد و حکومت‌های ترک نژاد و سنی مذهب الموت و دژ حسن صباح بوده است. این پایداری و مقاومت، به این دژ، هویت فرهنگی ملی بخشیده و در این دوران از فرهنگ و زبان فارسی پاسداری شده است. و مدیریت حسن صباح و جانشینان وی در شکل‌گیری منظر فرهنگی دره الموت نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است.

در سده هفتم هجری علاء‌الدین محمد نیز تغییرات عمده‌ای در فضاها به ویژه در تزیینات دژ به وجود آورد که آثار آن در کاوش‌های باستانشناسی دژ حسن صباح به دست آمده است که در دوره ۱۷۰ ساله حضور اسماعیلیان در دژ حسن صباح دست کم سه دوره ساخت و ساز عمده وجود داشته است که در معماری کاوش شده و به جا مانده دژ به خوبی قابل پیگیری است.

در سال ۶۵۴ هجری قمری/۱۲۵۷ میلادی، پس از دوسده مقاومت، در زمان رکن‌الدین خورشاه آخرین فرمانروای اسماعیلیان الموت، این دره تسلیم هلاکو خان مغول گردید؛ هلاکو خان دستور داد این کاخ دژ باشکوه و با بهت که نزدیک به دوسده مراکز قدرت فرمانروایان عرب و ترک را تهدید میکرد با خاک یکسان کنند و به نوشته تاریخ‌نگاران آن را غارت و آتش زدند و آثار و بقایای آنرا جارو کردند تا از صحنه روزگار محو شود و آن را مرکز شیطان خوانده‌اند. که نشانه‌های آتش سوزی و تخریب آن در کاوشها به دست آمده است.

در دوران صفوی، بخشی از این دژها مورد استفاده قرار گرفته است، برای نمونه دژ حسن صباح به عنوان تبعیدگاه مخالفان سیاسی استفاده شده است که در متون از آن به نام فراموشخانه یاد شده است، و بر روی ویران‌ها و آوار دژ حسن صباح بناهایی ساخته‌اند که مانع شناسایی دقیق معماری دژ حسن صباح در دوره اسماعیلیه شده است. و در برخی بخشها از همان فضاها و دیوارها با تغییراتی استفاده شده است.

در دوران قاجار از این دژها به عنوان قلعه‌های املاک و روستاها استفاده شده است و شاهدگان قاجار مالکین و بهره‌وران زمین‌ها

و محصولات آن بودند که به شکار و گنج یابی دردژها به ویژه دژ حسن صباح می پرداختند و از عوامل ویرانی آن بوده اند. و نیز از مصالح آن برای ساخت و ساز املاک و روستاها استفاده می شده است.

تأیید از ناصرالدین شاه قاجار، آنها در الموت املاک خالصه نداشتند، ناصرالدین شاه بخشی از دهات الموت را به اراده شخصی خالصه کرد و از آن زمان میان رعایای الموت و دولت کشمکش ایجاد شد. عبدالصمد میرزای عزالدوله به عنوان تیول در سال ۱۳۰۶ در املاک الموت دخالت کرد. پس از کشته شدن ناصرالدین شاه در سال ۱۳۱۳ باقیام دهقانان الموت به رهبری جلال بیگ کلانی با همکاری ولی خان خواجهی بساط شاهزاده های قاجار را از الموت برچیدند. در دوران قاجار حفاری برای یافتن عتیقه برای تفریح و سرگرمی دردژ حسن صباح و شکار رواج داشت، و زمانی که خزانه آنها تهی میشد املاک را همراه با رعایا و دهقانان می فروختند و به روستائیان الموت ظلم بسیار می شد. عین السلطنه حاکم قزوین نیز در اداره الموت با مشکلات فراوان روبرو بود. آثار دوره های متفرقه زیستی موقت با تنورها و اجاق های پراکنده از دوران قاجار تا چند دهه پیش بر روی دژ دیده میشود. همچنین این دژ محل چرای دام و علف چین روستائیان گازرخان است.

صباحی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۹۸۲ ق)، نقاش و طراح. هنرمند نازک قلم فلزات سخت بود که در ترسیم نقوش مختلف اسلیمی دست پر قدرت داشت. از آثار رقم دار وی، تزئین پر مهارت و استادانه‌ی جام مسی بزرگی است که به نقوش موزون و دقیق پر مایه انجام یافته و در حواشی و کناره‌ی بالایی آن، اشعاری به خط نستعلیق دیده می‌شود و در لبه‌ی جام رقم نهاده: «صاحب محمد، عمل صباحی (۹۸۲)». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۲۸۴ / ۱).

صباحی هروی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، شاعر و منشی. وی از شاعران و منشیان هرات بود که در روزگار اکبر شاه گورکانی (۱۰۱۴-۹۶۳ ق) به هندوستان رفت و در آن سامان ملازم بیت‌الانشاء شد. پس از مدتی اقامت در هندوستان، به زادگاهش بازگشت. صباحی علاوه بر مهارت در فن انشاء، در سرودن شعر، بویژه غزل نیز توانا بود. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۶۸۴)، تذکره روز روشن (۴۶۹).

صباریارانی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مترجم.

تولد: ۱۲۹۵، بیساران (از قراء دهستان ژاورود، سنندج).

درگذشت: اردیبهشت ۱۳۵۸.

علی بن احمد بن محمد مشهور به «صبار» پس از دوران کودکی به درس خواندن علاقه‌مند شد، لذا نزد ملای زادگاهش قرآن را فراگرفت و کتب اخلاقی و دینی را آموخت. برای تکمیل معلومات به روستاهای مجاور (هویه و اوپهنگ) که مرکز نشر دین و دارای مدرس و مدرسه بودند رفت. مدتی در محضر سید عنایت مدرس هویه و استادان دیگر مدارس ژاورود و اورمان استفاده نمود و مقدمات فقه و علوم صرف و نحو و منطق را آموخت. سرانجام به قصد تکمیل و تحصیل علوم به عراق رفت و به سلیمانیه وارد شد، و در مدرسه‌ی مولانا خالد و مدارس دیگر این شهر مشغول درس گردید. بعد به کرکوک رفت و در مدرسه‌ی خانقاه طالبانی مشغول تحصیل شد. پس از فراغت از تحصیل و دریافت شهادتنامه یا اجازه افتاء و تدریس مدت‌ها در سلیمانیه و بغداد به خدمت دولتی مشغول گردید و به موازات کار و اشتغال زبان انگلیسی را یاد گرفت. در حدود ۱۳۲۵ به ایران بازگشت و در سنندج اقامت گزید. با گذراندن امتحان به دریافت دیپلم معقول و منقول نایل شد. در وزارت آموزش و پرورش استخدام گردید و در دبیرستان‌ها به تدریس زبان انگلیسی و فقه پرداخت. پس از بیست و پنج سال خدمت تدریس و تعلیم بالاخره در سال ۱۳۵۰ به بازنشستگی نایل شد. از آن به بعد به مطالعه و تحقیق و ترجمه و تألیف پرداخت، کتاب‌های التقرب (فتح القریب)؛ ده روز زندگانی حضرت محمد (ص)؛ سفینه‌النجاء، قصه‌الایمان؛ فقه السنه؛ فلسفه‌ی علم قرآن و اسرائیلیات را ترجمه کرد که دو کتاب اول در زمان حیات مترجم چاپ گردید.

ملا علی صباریارانی در اردیبهشت ۱۳۵۸ در حالی که از بیماری آسم و تنگی نفس رنج می‌برد، جان سپرد.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

صباغ اصفهانی، ابونصر محمود

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۱۲ق)، حافظ و محدث. از عبدالرحمان بن منده و برادرش، عبدالوهاب بن منده، و ابوالفضل بزانی و ابوبکر بن ماجه و عایشه، دختر حسن و رکانیه، و در بغداد از رزق‌الله تمیمی و طراد زینی و بسیاری دیگر حدیث شنید. ابن‌ناصر و سلفی و ابوالفتح محمد بن علی بن عبدالسلام و مبارک بن کامل و دیگران از وی روایت کرده‌اند. شیرویه دیلمی گوید که وی در ۵۰۲ق به همدان آمد. او حافظ و ثقه بود و بسیار خوش سیرت و آگاه به اسامی و انساب و برای دانشجویان بسیار سودمند. او در بغداد در سنین شصت سالگی درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۳۷۵-۳۷۴ / ۱۹).

صباغ، محمد صادق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، عالم دینی، حکیم و فقیه. نزد ملا- هادی سبزواری تحصیل علم نمود و از خواص و مشاهیر شاگردان وی شد. صاحب «المآثر و الآثار» وی را کاشانی و در فقه و زهد و اخلاق ممتاز توصیف کرده است، ولی شیخ محمد علی حبیب آبادی وی را اصفهانی الاصل می‌داند. از آثارش شرح «تشریح الافلاک» را می‌توان نام برد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۵۵- ۸۵۴ / ۱۴)، المآثر و الآثار (۱۶۰).

صباغیان، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: اپیدمیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

صبحی مهتدی، فضل‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۴۱ ش)، نویسنده. در شهر کاشان به دنیا آمد. نیای او، حاجی ملا علی اکبر، از دانشمندان مسلمان بود. در شش سالگی نزد پدر کتب مذهبی می‌خواند و روزها نزد زنی خواندن و نوشتن فارسی یاد می‌گرفت. سپس در آموزشگاه تربیت بهایان به تحصیل پرداخت و در بیرون از آموزشگاه نزد مبلغین بهایی تحت تأثیر آنان قرار گرفت.

پس از مدتی، پدرش او را به قزوین فرستاد و در آنجا با یکی از مبلغین بهایی به زنجان و از زنجان به آذربایجان و از آنجا به تفلیس و باکو و عشق‌آباد و بخارا و سمرقند و تاشکند و مرو سفر کرد و بعد به ایران بازگشت و از فرقه‌ی بهایی تبری جست و مورد کینه و دشمنی آنان قرار گرفت. تا این که در ۱۳۱۱ ش در آذربایجان با مشهدی محمد حسن آقا محبوب علیشاه، از اقطاب سلسله‌ی نعمت‌اللهی، در مراغه ملاقات کرد و دست ارادت به او داد و در جرگه‌ی درویشان درآمد. وی سالها آموزگاری مدرسه‌ی سادات و آموزگاری مدارس آمریکایی و غیره را به عهده داشت. او در ۱۳۱۹ ش گفتارهای خود را در رادیو آغاز نمود. و از آن پس هر روز جمعه و بعضی شبها برای بچه‌ها داستانسرایی و قصه‌خوانی می‌کرد وی بعدها به بیماری سرطان مبتلا شد و یکبار برای معالجه به لندن رفت، اما بی‌نتیجه بازگشت. سرانجام در تهران وفات یافت و در مقبره‌ی ظهیرالدوله به خاک سپرده شده. از تألیفات وی: «افسانه‌ها»؛ «افسانه‌های باستانی ایران و مجار»؛ «افسانه‌های بوعلی»؛ «افسانه‌های کهن»؛ «پیام پدر»؛ «داستانهای ملل»؛ «داستانهای دیوان بلخ»؛ «کتاب صبحی»؛ «خاطرات صبحی درباره‌ی بهاییگری». [۱]

فضل‌الله بن محمد حسین مهتدی (ف. تهران ۱۳۴۱ ه. ش. / ۱۹۶۲ م.) وی نواده حاج ملا- علی کاشانی است. پدرش در تهران

بازرگان بود. در شش سالگی از مادر جدا شد. چون به سن رشد رسید به آموزشگاه تربیت رفت و در آنجا نزد میرزا عزیزالله خان مصباح مقدمات علوم را فراگرفت. بیست ساله بود که از راه آذربایجان به قفقاز و گرجستان و از آنجا به ترکیه و بیروت و فلسطین سفر کرد و چند سال در آن نواحی اقامت داشت. سپس به ایران بازگشت و نزد شریعت سنگلجی به تحصیل پرداخت و در مدرسه آمریکایی به تدریس زبان فارسی مشغول شد. در سال ۱۳۱۹ ه.ش. به رادیو ایران معرفی گردید و مدت ۲۰ سال برنامه جالب توجه «قصه کودکان» را شخصا اداره کرد. وی رسایی راجع به داستانهای ملی و خارجی منتشر کرده.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] ادبیات نوین (۱۴۸-۱۴۹)، از نیما تا روزگار ما (۴۶۴-۴۶۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۶۱۳ / ۲ / ۱۳۳۹، ۱۲۳۶، ۶۳۴، ۲۹۵، ۲۹۳، ۲۹۲ / ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۲۵)، مؤلفین کتب چاپی (۸۵۸-۸۵۷ / ۴).

صبحی، فضل‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فضل‌الله صبحی مهتدی، در شهر کاشان به دنیا آمد. وی سالها آموزگاری مدرسه سادات و آموزگاری مدارس آمریکایی و غیره را به عهده داشت. او در ۱۳۱۹ش گفتارهای خود را در اردیو آغاز نمود. واز آن پس هر روز جمعه و بعضی شبها برای بچه‌ها داستانسرای و قصه خوانی میکرد وی بعدها به بیماری سرطان مبتلا شد و یکبار برای معالجه به لندن رفت، اما بی نتیجه بازگشت. سرانجام در تهران در سال ۱۳۴۱ش وفات یافت و در مقبره ظهیرالدوله به خاک سپرده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: نویسنده و داستانگوی کودکان

والدین و انساب: فضل‌الله مهتدی شناخته شده به صبحی، نوه حاج ملا علی اکبر از روحانیان کاشان بود. پدرش محمد حسین در تهران پیشه بازرگانی داشت

خاطرات کودکی: صبحی شش ساله بود که پدر و مادرش از یکدیگر جدا شدند. این رخداد، برای او بسیار ناگوار بود. فضل‌الله و خواهرش با پدر و نامادری زندگی می کردند. صبحی در خاطرات کودکی اش می نویسد: هفته‌ای یک بار، شب‌های آدینه به دیدن مادر می رفتیم. شب در آغوش مادر می خفتیم و مادر برای ما افسانه‌های شیرین می گفت.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: فضل‌الله صبحی مهتدی در شش سالگی نزد پدر کتب مذهبی میخواند و روزها نزد زنی خواندن و نوشتن فارسی یاد میگرفت. سپس در آموزشگاه تربیت بهائیان به تحصیل پرداخت و در بیرون از آموزشگاه نزد مبلغین بهائی تحت تأثیر آنان قرار گرفت. پس از مدتی، پدرش او را به قزوین فرستاد و در آنجا با یکی از مبلغین بهائی به زنجان و از زنجان به آذربایجان و آنجا به تفلیس و باکو و عشق آباد و بخارا و سمرقند و تاشکند و مرو سفر کرد و بعد به ایران بازگشت.

استادان و مربیان: پدر صبحی او را برای آموزش نزد زنی بنام آقا بیگم می فرستاد.

وقایع میانسالی: صبحی در سال ۱۳۰۵، پس از اقامت دوازده ساله نزد عبدالبهاء و تحریر و انشای مکاتبات وی، به ایران اعزام گردید. در ایران تغییراتی در فکر و اندیشه او پدید آمد و با توجه به عملکرد رهبری بهایی گری که خود شاهد عینی آن بوده، از آن فرقه جدا شد و اسلام آورد و به نشر اندیشه انسان دوستانه و اخلاق اسلامی و به بیان حقایق بهایی گری پرداخت. این تغییرات

فکری --- روحی یکی از برجسته‌ترین مبلغان بهایی‌گری سبب آن شد که وی از طرف بهایان تکفیر و تفسیق شود. چنان‌که خود نگاشته پس از این رویه‌ای خصومت‌آمیز با وی در پیش گرفتند، تصمیمات بسیاری در مورد وی اتخاذ گردید و حتی دایره فشار را بر خانواده‌اش هم گستراندند و از سوی پدر - که بهایی بود - هم طرد گردید. صبحی علی‌رغم آنکه بسیار به سختی افتاده بود، چندی سکوت اختیار کرد تا بلکه موجب فراموشی موضوع گردد و زندگی گوشه‌گیرانه‌ای در پیش گیرد، ولی بهایان دست از وی برنداشتند و در اذیت و آزارش کوشیدند تا اینکه وی برای دفاع از خود و بیان حقایق و علل برگشت خود از بهایی‌گری، مجبور شد شرح دگرگونی و خاطرات دوران بهایی‌گری و فعالیت‌هایش را بنگارد و ناگفته‌های درون این فرقه را فاش نماید. هرچند وی از بهائیت به آغوش اسلام بازگشت و پرده از کار سران آن برداشت - همچنان که خود نوشته - اما بغض و عداوتی با اهل بهائیه نداشت و تلاش نموده است از منظر فردی آشنا به حقایق، موضوع را طرح و مورد بحث قرار دهد و در این راستا باید نگرش و دوری وی از حبّ و بغض شخصی را ستود و از این‌رو در صداقت و امانت وی نمی‌توان تردید روا داشت. بر همین اساس کتاب او روایتی جالب، جذاب و خالی از یکسوی‌نگری عنادآمیز است که نه از طرف مقابل ایشان، بلکه از جانب یکی از مبلغان برجسته و محرم اسرار و منشی مخصوص عبدالبهاء، کاتب وحی! و واسطه فیض حق و خلق! به نگارش درآمده است، آن هم نه از سر عناد و خصومت، بلکه از سر کشف حقیقت. علی‌رغم رویگردانی کامل صبحی از بهائیت، چون مورد اعتماد و محرم اسرار عبدالبهاء (عباس افندی) بود، همه اسرار را افشا نمی‌سازد و خود در این باره چنین استدلال می‌کند که: (تمام این اسرار را که عبدالبهاء به صرف اعتماد و راستی و درستی من مکتوم نمی‌داشت، افشا نمی‌نمایم تا گذشته از اینکه نفس عمل محمود و ممدوح است، ظن او نیز بر امانت من نزد اهل خرد فاسد نگردد و هم در نزد آزادمردان از مردی و اهلیت دور نباشیم).

زمان و علت فوت: فضل‌الله صبحی مهتدی بعدها به بیماری سرطان مبتلا شد و یکبار برای معالجه به لندن رفت، اما بی نتیجه بازگشت. سرانجام در تهران در سال ۱۳۴۱ش وفات یافت و در مقبره ظهیرالدوله به خاک سپرده شد.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: زندگی صبحی بسیار پرماجرا و مملو از فراز و نشیب‌های عجیبی است. او شرح زندگی خود را در (کتاب صبحی) و (پیام پدر) به تفصیل نوشته است و چنانکه خود شرح می‌دهد، سالیان درازی را در قفقاز، عشق‌آباد، بخارا، سمرقند، تاشکند و مرو گذرانده و سپس به ایران آمده و در ایران هم تقریباً به اغلب نقاط سفر کرده و در همه جا به عنوان مبلغ با هوش بهائیان به شمار رفته است. صبحی پس از خاتمه جنگ جهانی اول، برای دیدن عبدالبهاء از راه بادکوبه و استانبول و بیروت به حیفا رفت و در آنجا مقرب درگاه شد و سالها کاتب عبدالبهاء گردید. وی پس از سالها، بنابه عللی که در کتابش شرح داده، از این دار و دسته سیاسی وابسته به استعمار بین‌المللی، کناره گرفت و در عسرت مادی فراوانی به سر برد تا آنکه سرانجام به عنوان آموزگار استخدام شد و بعدها در اداره انتشارات و رادیو، برنامه کودکان را تنظیم می‌کرد و برای بچه‌ها قصه‌های شیرینی می‌گفت که مورد توجه همگان بود. صبحی در جمع‌آوری قصه‌ها و آداب و رسوم ایرانی، زحمات زیادی کشید و به همین جهت به عضویت (انجمن ایرانی فلسفه و علوم انسانی) انتخاب شد. صبحی اهل قلم و ادب و هنر بود و خط بسیار خوش و زیبایی داشت وی در ۱۳۱۱ش در آذربایجان با مشهدی محمد حسن آقا محبوب علیشاه، از اقطاب سلسله نعمت‌اللهی، در مراغه ملاقات کرد و دست ارادت به او داد و در جرگه درویشان درآمد. او در ۱۳۱۹ش گفتارهای خود را در اردیو آغاز نمود. واز آن پس هر روز جمعه و بعضی شبها برای بچه‌ها داستانسرای و قصه خوانی میکرد

چگونگی عرضه آثار: بعضی از تالیفات او چندین بار تجدید چاپ شده و بعضی هم به زبان‌های خارجی از جمله: لمانی، چکی و

روسی ترجمه شده است

- ۱ افسانه‌ها
ویژگی اثر: (در دو جلد ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵)
- ۲ افسانه‌های باستانی ایران و مجار
ویژگی اثر: (۱۳۳۲)
- ۳ افسانه‌های بوعلی
ویژگی اثر: (۱۳۳۳)
- ۴ افسانه‌های کهن
ویژگی اثر: (در دو جلد ۱۳۲۸ و ۱۳۳۱)
- ۵ پیام پدر
ویژگی اثر: (۱۳۳۵)
- ۶ حاج ملا زلفعلی
ویژگی اثر: (۱۳۲۶)
- ۷ خاطرات صبحی در باره بهائیکری
- ۸ داستانهای دیوان بلخ
ویژگی اثر: (۱۳۳۱)
- ۹ داستانهای ملل
ویژگی اثر: (۱۳۲۷)
- ۱۰ دژ هوش‌ربا
ویژگی اثر: (۱۳۳۰)
- ۱۱ عمو نوروز
ویژگی اثر: (۱۳۳۹).
- ۱۲ کتاب صبحی
ویژگی اثر: (۱۳۱۲ - ۱۳۴۲)

صبغی نیشابوری، ابوالعباس محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۳۵۴ - ۲۵۰ ق)، محدث. او برادر شیخ‌الاسلام احمد بن اسحاق صبغی نیشابوری بود. وی از یحیی بن محمد ذهلی و حسن بن علی سری و سهل بن عمار و ابراهیم بن عبدالله سعدی و محمد بن ایوب رازی حدیث شنید و مجالس املائی حدیث برقرار کرد. ابوالقاسم سراج و حاکم نیشابوری از وی روایت کرده‌اند. وی تا پایان عمر ملازم اهل فتوت بود، در حالی که برادرش وی را از این کار نهی می‌کرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵۲۲-۵۲۱ / ۳)، تاریخ نیشابور (۱۷۹)، سیر النبلاء (۴۸۹ / ۱۵).

صبغی نیشابوری، شیخ الاسلام ابوبکر

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۴۲-۲۵۸ ق)، مفتی، محدث، عالم و فقیه شافعی. پدرش، اسحاق بن ایوب، از علمای نیشابور بود. احمد از نیشابور به ری، بصره، بغداد و حجاز سفر کرد. او یحیی بن محمد ذهلی و ابوحاتم رازی را درک کرد و از فضل بن محمد شعرانی و اسمعیل بن قتیبه و یوسف بن یعقوب یا یعقوب بن یوسف قزوینی و حارث بن ابی اسامه و هشام بن علی سیرافی و علی بن عبدالعزیز بغوی و محمد بن ایوب بجلي و اسماعیل قاضی و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید و آن گاه به جمع‌آوری و تصنیف پرداخت. صبغی در فقه و شناخت حدیث سرآمد بود. در ۲۸۳ ق به حج رفت. او رئیس شافعیه نیشابور شد و متجاوز از پنجاه سال متصدی منصب افتاء بود و به عقل و رای ضرب‌المثل. حاکم گوید که صبغی به احدی اجازه نمی‌داد که در مجلسش غیبت کند. حمزه بن محمد زیدی و ابوعلی حافظ نیشابوری و ابواحمد حاکم نیشابوری و ابوبکر اسماعیلی و محمد بن ابراهیم جرجانی و ابو عبدالله حاکم نیشابوری و بسیاری دیگر از او حدیث روایت کرده‌اند. از وی آثار مبسوطی، در فقه و حدیث، به جای مانده است که از آن جمله‌اند: «الطهاره»، «الصلاه»، «الزکاه»، «المبسوط»، «الاسماء و الصفات»، «الایمان»، «القدر»، «فضائل الخلفاء الاربعه»، «الرؤیه»، «الاحکام»، «الامامه».

در «الوافی بالوفیات» کتاب «الایمان» وی تحت عنوان «الایماء» و سه کتاب «الرؤیه» و «الاحکام» و «الامامه» تحت یک عنوان «الرؤیه و الاحکام و الامامه» آورده شده است. در «شذرات الذهب» و «العبر»، صاحب عنوان به نام صبغی آمده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۹۱ / ۱)، الاعلام بوفیات الاعلام (۲۳۴ / ۱)، انساب سمعانی (۵۲۱ / ۳)، تاریخ نیشابور (۱۷۹)، سیر النبلاء (۴۸۹-۴۸۳ / ۱۵)، شذرات الذهب (۳۶۱ / ۲)، العبر (۶۳ / ۲)، الکامل (۳۴۵ / ۶)، کشف الظنون (۱۲۷۵)، لغت‌نامه (ذیل / احمد)، معجم المؤلفین (۱۶۰ / ۱)، النجوم الزاهره (۳۵۳ / ۳)، الوافی بالوفیات (۲۳۹ / ۶)، هدیه العارفین (۶۲ / ۱).

صبوری دبلمی، منوچهر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۰، مرتبه علمی: استاد، رشته: رادیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۳۶، دکترای تخصصی رادیولوژی از دانشگاه لیز بلژیک در سال ۱۳۴۶، فوق تخصصی نورورادیولوژی از دانشگاههای لیز بلژیک در سال ۱۳۴۸ و پاریس فرانسه در سال ۱۳۴۹ و فوق تخصص نورآناتومی از دانشگاه پاریس فرانسه در سال ۱۳۴۹.

مرتبہ علمی:

استاد دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آنژیوگرافی مجروحین جنگی، تروماتیسیم عروقی، تدریس دروس سیموموژی- رادیولوژی، رادیولوژی، پاتولوژی، نورورادیولوژی و رادیولوژی عمومی در دانشگاه‌های تبریز و علوم پزشکی شهید بهشتی، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۴ پایان‌نامه تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲۰

زمینه علمی مقالات:

اصول تئوریک در تکنیک رادیوگرافی‌های رنگی، پزشکی، رادیولوژی، نورورادیولوژی و رادیولوژی عروق.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

صبوری رشتی، باقر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۳- ۱۲۶۵ ق)، پزشک و شاعر، متخلص به صبوری، ملقب به مدیرالاطباء در رشت به دنیا آمد. مقدمات ادبی و عربی را در زادگاهش فرا گرفت. پس از آن برای تکمیل تحصیلات به تهران آمد و مدتی به تحصیل حکمت و کلام در محضر میرزا ابوالحسن جلوه، و طب در نزد دکتر محمدخان کرمانشاهی پرداخت و سپس به منظور تکمیل تحصیلات به مصر و لبنان و فرانسه رفت و مدت چهارده سال در آنجا اقامت کرد. و سرانجام به ایران بازگشت و عهده‌دار ریاست اداره‌ی حفظ الصحه‌ی گیلان شد و اولین داروخانه به سبک جدید مجهز به دستگاه قرص و کپسول‌سازی را در رشت دایر کرد. صبوری در فن موسیقی نیز صاحب نظر بود و در شعر از سعدی پیروی می‌کرد. او بر اثر سقوط از درشکه درگذشت و در وادی السلام نجف دفن شد. از آثار وی: «دیوان» شعر، به اهتمام هادی جلوه و مقدمه‌ی پوردادود و دکتر محمد معین.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۵۹۸ / ۹)، کتاب گیلان (۶۵۴ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۷۲- ۷۱ / ۲)، نامها و نامداران گیلان (۳۰۳- ۳۰۲)، یغما (س ۴، ش ۲، ص ۹۴-۹۲).

صبوری قمی، جعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۳۵ ق)، عالم دینی، فقیه و شاعر. پس از فراغت از مقدمات، در بیست سالگی شروع به تحصیل سطوح عالی در خدمت شیخ حسن فاضل و آیت‌الله میرزا محمود روحانی و آیت‌الله آقا میرزا محمد همدانی کرد. پس از تکمیل سطوح، مدت کوتاهی از درس خارج آیت‌الله حایری و پس از فوت آن استاد از درس آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری و آیت‌الله سید صدرالدین صدر در فقه و اصول، استفاده‌ها برد. آن‌گاه به بروجرد رفت و از درس آیت‌الله بروجردی بهره برد. وی دارای اجازاتی از آیت‌الله خوبی و آیت‌الله میلانی و آیت‌الله نجفی مرعشی و آیت‌الله سید علی علامه فانی اصفهانی بود. او در قم به انجام وظائف دینی مشغول بود تا به دعوت بعضی علمای کاشان در ۱۳۴۶ ق، برای تدریس و رسیدگی به امور محصلین آنجا، به آن شهر رفت و در مدرسه‌ی سلطانی و مدرسه‌ی گذر باباولی به تدریس سطوح عالی و خارج پرداخت. از آثارش: «الفیه» موسوم به «سلک الدرر فی نظم الاثر»؛ «الدرر البهیة»، در ترجمه‌ی وصیت‌نامه‌ی امیرالمؤمنین (ع)، «الحججه القامعه علی الکسرویة المبدعه»؛ «انباء الغیب فیما فیہ لا ریب» [۱].

شیخ جعفر بن حسین بن باقر صبوری قمی از علماء مبرز و دانشمندان متقی معاصر کاشانست.

آنجناب در شهرستان مذهبی و علمی قم که حرم اهل‌بیت علیهم‌السلام است در حدود سال ۱۳۳۵ قمری به دنیا آمده و بعد از پرورش در اوآن بلوغ به تحصیل علوم عربی و ادبی پرداخته و بعد از فراغت از مقدمات در سن بیست سالگی شروع به تحصیل سطوح عالی خدمت مرحوم حججه‌الاسلام حاج شیخ حسن فاضل و آیت‌الله آقای حاج میرزا محمود روحانی و مرحوم آیت‌الله آقا میرزا محمد همدانی نموده و پس از تکمیل آن مدت قلیلی از درس خارج مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری و پس از فوت آن مرحوم از درس خارج آیت‌الله محقق حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌الله حاج سید صدرالدین صدر فقهاً و اصولاً استفاده نموده.

آنگاه مهاجرت به شهرستان بروجرد و از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی طاب ثراه در مدرسه (نوربخش) که تدریس مکاسب محرمة می‌نمودند مستفیض گردیده سپس به قم مراجعت و به انجام وظائف معموله پرداخته تا در سال ۱۳۶۴ قمری که بنابر دعوت بعضی از علماء مقیم کاشان که حوزه علمیه تأسیس و از آیات عظام و زعماء حوزه علمیه قم استدعاء مدرسی و مدیری برای اداره سرپرستی حوزه مذکوره کرده بود و آقایان هم معظم له را انتخاب کردند به کاشان عزیمت و چندی قیام به تدریس و رسیدگی امور محصلین آنجا نموده و بعد به وطن خود برگشته به قصد اینکه در حرم ائمه معصومین علیهم‌السلام اقامت نماید که اهالی کاشان از مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و مراجع دیگر استدعاء بازگشت آنجناب را نموده و آن مرحوم هم فرمودند که معین است معاودت شما به کاشان.

پس قبول نموده و به کاشان منتقل و در مدرسه سلطانی و مدرسه گذربابا ولی به تدریس سطوح عالی و خارج و تا حال تحریر بیش از سی سالست که در دارالمؤمنین کاشان به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تدریس و تألیف اشتغال دارند. و از آثار قلمی و علمی آنجناب کتب زیر می‌باشد.

۱- الفیه موسوم به سلک الدرر فی نظم الاثر

(الفیه سمیتها سلک الدرر

و شحت بالاسناد فی نظم الاثر)

۲- الدرر البهیة در ترجمه وصیت‌نامه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) با فرزندش حضرت امام حسن (ع).

۳- الحججه القامعه علی الکسرویة المبدعه ۴- انباء الغیب فیما فیہ لا ریب.

آنجناب دارای اجازات عدیده روایتی و غیره از آیت‌الله العظمی خوئی و آیت‌الله العظمی میلانی و آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی و آیت‌الله حاج سید علی علامه فانی اصفهانی ادام الله ظلالهم علی رؤس المسلمین می‌باشد.

نگارنده گوید: آیت‌الله صبوری عالمی متین و دانشمندی بارع و مانند شهرتش صبور و در مصائب و امور و دارای محامد اخلاق و

محاسن اوصاف و عاری از تظاهر می‌باشد.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۲۷۱-۲۶۹ / ۶).

صحافیان، عباسعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ارتودنس اطفال، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

دکترای دندان پزشکی از دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۵۰، درجه S.M در رشته ارتودنس اطفال از دانشگاه منچستر انگلستان در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

استادیار بخش ارتودنسی و اطفال دانشگاه علوم پزشکی مشهد تا سال ۱۳۶۶، دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

رادیوگرافی لاترال سفالوتریک، پروتز، مباحث دندان پزشکی، استاد راهنمای ۳ پایان‌نامه تخصصی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۵ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

مفصل فکی و دندان پزشکی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

دندان پزشکی، ارتودنسی، شکاف کام و سفالوتریک.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

صحافیان، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی صحافیان

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای مهدی صحافیان در سال ۱۳۴۹ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان مشهد دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه مشهد. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد، ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه آن دیار حاضر شد و پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۴ به حلقه دروس خارج راه یافت استاد در ایام تحصیل از محضر ستارگانی بزرگ همچون آیت الله مرتضوی، آیت الله مروی، آیت الله اشرفی و... کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته ادبیات فارسی در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۹ از دانشگاه فردوسی فارغ التحصیل گردید. و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان "تقابل عقل و عشق در متون منصوب فارسی" دفاع کرد. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است. نامبرده ضمن تبلیغ سالهای متمادی است که به امر پژوهش در دفتر تبلیغات اسلامی مشهد مشغول می باشد.

صحبت اصفهانی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم ق)، طیب و شاعر. وی از شاعران و طبیبان اصفهان است که در روزگار حکومت عالمگیر پادشاه به هندوستان مهاجرت کرد و در آن جا منصب یافت. صحبت به روزگار محمد شاه گورکانی (۱۱۶۱-۱۱۳۱ ق) در هندوستان وفات یافت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی روز روشن (۴۷۲)، الذریعه (۵۹۹-۵۹۸ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۵۱)، کاروان هند (۷۱۶ / ۱).

صحبت، محمد باقر

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(بخش ۱) لاری (ملا) محمد باقر متخلص به صحبت، شاعر ایرانی (و. حدود ۱۱۶۲ ه. ق- ف. ۱۲۵۱ ه. ق.) وی از مردم بیرم لار (از توابع فارس) است. در آغاز در مدرسه قریه رونیز به تحصیل پرداخت. سپس به شیراز رفت و به فراگرفتن علوم مشغول شد. آنگاه به

لازم بازگشت و به امامت جماعت و تألیف رسایل پرداخت. وی در تاریخ و لغت فارسی و عربی و فنون ادب مهارت داشت. دیوان او حاوی بیش از ۳۰۰۰۰ بیت است.
برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

صحت، سیایش

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی قفسه صدری، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

صحتی سردرودی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد صحتی سردرودی

محل تولد: تبریز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

پدرم عبدالعظیم صحت، پسر حاج الله وردی خان مشهور به حاج آقا عمو، معلم اول نگارنده، عارفی است، پاکبخته که در این سرای خاکی جز عبادت خدا کس و کاری ندارد. سال ۱۳۴۳ شمسی در سردرود تبریز زاده شدم، از هفت سالگی همراه با آموزش رسمی، قرائت قرآن، آداب و اخلاق را از دانشوران دینی سردرود و بیش از همه از محضر محمدتقی محمدی و میرزا مجید قنادی که روزانه درس ترجمه قرآن داشت یاد گرفتم. سال ۵۶ هنگام تعطیلات نوروزی به قم آمدم تا در «دارالتبلیغ» اسم نویسی کرده مشغول تحصیل دروس حوزوی شوم، اما چون خرد سال بودم و سال تحصیلی هم رو به پایان بود به تبریز برگشتم تا یکی دو سال در آنجا ادامه تحصیل دهم. در تبریز و بناب «مقدمات» و اندکی از «سطح» را پیش استادان بزرگوارم ابراهیم وثوقی و سید مهدی مرعشی و عبدالمجید بنابی آموختم و بیشتر از استاد سید مهدی مرعشی بهره بردم در همان ایام تا جاییکه می توانستم با نهج البلاغه انس و الفتی داشتم و چندین سال در برخی جلسات مذهبی آن را ترجمه و توضیح می دادم. کم کم عاشق نهج البلاغه شدم و همیشه می گفتم که استادی پیدا کنم تا چنان که بایسته است با نهج البلاغه آشنا شوم در تبریز و بناب پیدا نکردم و با همین آرزو در سال ۱۳۶۹ به شهر قم هجرت کردم. اما افسوس که در قم هم نهج البلاغه متروک و غریب است و تا حال ندیده ام که کسی آن را جدی بگیرد و تدریس کند. در قم به هر درسی سری زدم و پس از اتمام «سطح» در محضر اساتید بزرگوار حضرات آیات پایانی و اعتمادی، مدت سه سال از درس «اصول» آقای مکارم شیرازی و اندکی از درس «فقه» میرزا جواد تبریزی و ... بهره مند بودم،

بیش از پنج سال در تفسیر آقای جوادی آملی و یکسال در درس استاد حسن زاده آملی که در مسجد معصومیه کتاب «مصباح الانس» را شرح می داد شرکت جستم. از نوجوانی گاه گاهی شعر می سرودم و هنگامی که در تبریز بودم، به طور مرتب در جلسات هفتگی انجمن ادبی شهریار، و دیگر انجمنها شرکت می کردم و اشعارم را می خواندم و گاهی نیز مورد تشویق برخی از اساتید واقع می شدم و از آرا و اندیشه های آنها همواره راه می جستم که باید از استادان بزرگوارم در این وادی نیز یاد کنم که هر یک زمانی ماه مجلس بودند. از آن میان نام و یاد استاد دکتر پدیده (ره) و استاد یحیی شیدا و استاد محمد عابد را همیشه در خاطر دارم.

صحفی، مجتبی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مجتبی صحفی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید مجتبی صحفی فرزند حجت الاسلام سید مهدی صحفی در خانواده ای مذهبی در شهر قم در تاریخ ۱/۱/۱۳۴۱ به دنیا آمدم و تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را به پایان رساندم و دبیرستان را سال اول آنرا به اتمام رساندم و همزمان در حوزه علمیه قم نیز مقدمات را شروع نموده بودم با آغاز جنگ تحمیلی رهسپار جبهه ها شدم همراه با سایر رزمندگان مکرر در جبهه حضور یافتم و در بعضی مواقع به همراه چهار تن از برادر هایم سید مرتضی، سید روح الله که در فاو شهید شد، سید محمد تقی که در رمضان مرحله پنجم شهید شد، سید مصطفی و سید محمد حسین در طول جنگ در حوزه علمیه نیز به تحصیل اشتغال داشتم و پس از گذراندن سطوح حوزه به درس خارج فقه و اصول علمای یاد شده در همین جزوه حضور پیدا کردم. این بنده نیز در یک دوره ای چهار ساله رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن تحت اشراف حضرت آیت الله مکارم حضور یافتم و شرکت جستم و پس از چهار سال فارغ التحصیل شدم و مع الاسف هنوز اقدام جدی برای دریافت موضوع سطح چهار ننموده ام. حقیر بسیار مختصر در کارهای تحقیقی دخالت داشته و دارم که در بر گه های ضمیمه درج گردیده است.

صحفی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد صحفی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۳/۱/۱

زندگینامه علمی

دوره مقدماتی (ادبیات عرب، منطق و معانی بیان) را در مدرسه ناصریه مقابل مسجد جمعه قم نزد اساتید متعدد و مختلف گذراندم. قسمتی از فقه را از محضر استاد فقید شهید صدوقی و سپس از محضر استاد آیت الله مشکینی و بخشی از اصول را از محضر استاد شهید امام موسی صدر و آیت الله سلطانی و دیگر اساتید استفاده نمودم. در دروس خارج آیت الله العظمی بروجردی و آیت الله العظمی امام خمینی و دیگر مراجع را شرکت داشته‌ام. از تفسیر علامه فقید طباطبایی و دروس علامه بزرگوار نیز استفاده کردم.

صحیحی، حبیب الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. پس از تحصیل دوره‌های ابتدایی و متوسطه به فرانسه رفت و در دانشسرای آنجا به تحصیل پرداخت. پس از اخذ مدرک به ایران بازگشت. وی علاوه بر اشتغال به تألیف و ترجمه، به تدریس مباحث تعلیم و تربیت و روانشناسی در دبیرستان فلاحت (کشاورزی) مشغول شد. از آثار وی: «دستور آموزش برای دانشسرای مقدماتی»؛ «دستور تعلیم حساب مقدماتی»؛ «سفر هشتاد روزه بدور دنیا»، ترجمه؛ «کتاب فرانسه»، به مشارکت وارسته.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۶۱۵-۲۶۱۴، ۲۰۰۱ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۶-۴۸۵ / ۲).

صخری خوارزمی، ابوالفضل احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(مقتول ۴۰۶ ق)، ادیب و شاعر. وی از مفاخر خوارزم است که در ادب و فنون شاعری بسیار توانا و زبردست بود. در جوانی به خدمت صاحب بن عباد رسید و پس از کسب فضایل به دربار خوارزم بازگشت. او را در فن نثر از اقران بدیع الزمان همدانی دانسته‌اند. از آثار وی «دیوان» شعر، و چندین رساله می‌باشد.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ریحانه (۴۱۷-۴۱۶ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / احمد)، معجم الابداء (۳۱-۱۹ / ۵)، معجم المؤلفین (۱۱۲ / ۲).

صد تومانی، محمد سعید

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۲۵۰ ق)، فقیه و عالم. خاندان صد تومانی از خانواده‌های معروف و قدیم نجف است که علمای بزرگی از میان آنان برخاسته، اگر چه از کتب رجال بدور افتاده‌اند. وی از شاگردان بزرگ سید مهدی بحر العلوم است که از وی اجازه داشت. او رساله‌ی در مناظره‌ی استادش با علمای یهودی تألیف کرد. وی همچنین از شیخ جعفر کاشف الغطاء و استاد کل وحید بهبهانی و سید محمد جواد عاملی، صاحب «مفتاح الکرامه»، با اجازه روایت کرده است. سید رضا فرزند سید مهدی بحر العلوم و میرزا احمد بن لطفعلی تبریزی و شیخ مرتضی انصاری از وی روایت کرده‌اند، و شیخ انصاری به روایتش از صد تومانی که، از مشایخ وی بود، افتخار می‌کرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۰۲-۶۰۱ / ۱۳).

صدر الاطباء شاملو، غلامعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۰۲- ۱۲۱۸ / ۱۲۱۲ ش)، طبیب. وی از کودکی مشغول به تحصیل شد و در نزد استادان عصر خود به فرا گرفتن فنون ادب و علوم منقول و معقول پرداخت و در هنر خطنویسی نیز کار کرد و چون علاقه‌ی زیادی به رشته‌ی پزشکی داشت برای تحصیل فن مزبور رهسپار تهران گردید و چند سالی در نزد چند نفر از اطباء معروف آن زمان از قبیل حاج آقا بابا رشتی ملک الاطباء، میرزا سید رضی سمنانی حکیم باشی نظام و میرزا ابوالقاسم اصفهانی سلطان الحکماء به تحصیل و تکمیل طب قدیم پرداخت و پس از این که اجازه‌نامه‌هایی از هر یک از آنان گرفت و ملقب به صدر الاطباء شد و به همراه امیر حسین خان شجاع‌الدوله حاکم قوچان که در تهران بود به قوچان رفت و پزشک مخصوص او گردید. پس از هفت سال اقامت در قوچان و معالجه بیماران به مشهد رفت و مقیم گردید و مدت پنجاه سال در آن شهر به طبابت اشتغال داشت و در این رشته در خراسان شهرتی تمام یافت. وی در مشهد درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر ایران (۱۹۰ / ۴)، شرح حال رجال (۱۷۳- ۱۷۱ / ۵، ۲۰ / ۳).

صدر الافاضل خوارزمی، ابومحمد، قاسم

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۱۷- ۵۵۵ ق)، ادیب، نحوی، فقیه حنفی و شاعر. مقلب به مجدالدین. وی در خوارزم به دنیا آمد. از ادبای نامی عصر خود که در نحو و خطب و فنون شعری و علوم ادبی و عربی وحید دهر بود. وی در فتنه‌ی تاتار کشته شد. از تألیفات وی: «بدایع الملح»؛ «التوضیح»، در شرح «مقامات» حریری؛ «الزوايا فی الخبایا»، در نحو؛ «شرح الابنیه»؛ شرح «الاحاجی» زمخشری؛ شرح «مفصل» زمخشری که سه گونه است: شرح وسیط و صغیر و کبیر به نامهای «سبیکه»، «مجمره» و «تجمیر»؛ «شرح النموذج»؛ «عجائب النحو»؛

«لهجه الشرع»، در شرح الفاظ فقهی؛ «المحصل»، در بیان؛ «ضرام السقط»، در شرح «سقط الزند»، شرح مشکلات «دیوان» ابوالعلاء معری. [۱]

ع. پیشوای دانشمندان بخش ۲) قاسم بن حسین بن احمد خوارزمی نحوی حنفی مکنی به ابومحمد و ملقب به مجدالدین، ادیب ایرانی (مقت. ۶۱۷ ه.ق.). وی در نحو و خطب و فنون شعر و علوم ادبی عرب کم نظیر بود. اوراست: بدایع الملح، التجمیر (شرح کبیر کتاب مفصل زمخشری)، التوضیح (در شرح مقامات)، السبیکة (شرح وسیط کتاب مفصل)، (الزویا فی الخبایا) (نحو)، شرح الابنیه، شرح الاحاجی (تألیف زمخشری)، ضرام السقط (شرح سقط الزند ابوالعلاء معری) و غیره. وی در فتنه مغول به قتل رسید. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۸ / ۶)، ریحانه (۴۲۴-۴۲۳ / ۳)، کشف الظنون (۱۷۹۰، ۱۷۸۹، ۱۷۷۵، ۱۶۱، ۹۹۳-۹۹۲، ۹۵۶، ۲۳۰)، الکنی و الالقاب (۴۱۰ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل / صدر الافاضل)، معجم الادباء (۲۵۳-۲۳۸ / ۱۶)، معجم المؤلفین (۹۸ / ۸)، هدیه الاحباب (۱۸۵)، هدیه العارفین (۸۲۸ / ۱).

صدر بگری نیشابوری، صدرالدین، ابوعلی حسن

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۵۶-۵۷۴ ق)، حافظ، محدث و مسند. نیای بزرگش عمروک بن محمد اهل مدینه نبوی بود و از آنجا به نیشابور آمد و در آن ساکن شد. صدرالدین در دشمق به دنیا آمد. در مکه از جدش و از ابوحفص میانسی و در دمشق از حنبل و ابن طبرزد و در هرات از ابی روح هروی و در نیشابور از مؤید طوسی و در اصفهان از ابوالفتوح محمد بن محمد بن جنید و عین الشمس ثقفیه و در مرو از ابوالمظفر ابن سمعانی و در بغداد از ابن اخضر و همچنین در موصل و اربل و حلب و مصر حدیث شنید و شنیده‌های خویش را تحت عنوان «اربعین البلدان» یا «اربعین البلدیه»، شامل چهل حدیث از چهل شهر بزرگ از چهل صحابی گردآوری کرد. دمیاطی و قطب قسطلانی و ابوالمعالی ابن بلسی و بدر بن توزی و ابوبکر بن یوسف حریری و تاج احمد بن مزیز و ابوعبدالله بن زراد و محمد بن محب و علاء کندی و عبدالحمید بن سلیمان مغربی و جمال علی ابن شاطبی و دیگران از وی حدیث شنیده‌اند.

صدرالدین از رویان کتب ابن حبان و «صحیح» ابی عوانه «صحیح» مسلم است. از آن جایی که وی عهده‌دار امور حسبه و به تبع نزدیک به امراء بود عده‌ای او را از نظر حدیث تضعیف کرده‌اند. او در اواخر عمر فلج شد و سپس به مصر رفت و در اندک زمانی درگذشت. وی دارای تصانیف و مجموعه‌هایی است و بر «تاریخ دشمق» یا «تاریخ ابن عساکر» ذیلی نگاشته است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۳۲ / ۲)، سیر النبلاء (۳۲۸-۳۲۶ / ۲۳)، العبر (۲۷۹ / ۳)، معجم المؤلفین (۲۸۹ / ۳)، الوافی بالوفیات (۲۵۲-۱۲ / ۲۵۱).

صدر جهان طبسی، امیر حسین

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، عالم دینی، فقیه و شاعر، متخلص به لسان. از شاگردان شیخ محمود لاهیجی، شاگرد شهید ثانی، است و از وی در ۹۷۴ ق موفق به دریافت اجازه شد. او ساکن حیدرآباد دکن بود و در همان شهر نیز وفات یافت. در «ریاض العلماء» صاحب عنوان یکبار تحت نام امیرحسین آمده است. از آثارش: «الصيد و الذبائح»، به فارسی که برای همایون اعظم قطب شاه نگاشته و در ان اسامی حیوانات و پرندگان و حشرات را به فارسی و عربی و ترکی و دکنی مرتب بر حروف الفبا ذکر کرده و حکم هر یک و فایده‌ی طبی هر کدام و حکایاتی درباره‌ی آنها آورده است؛ کتاب «ذخیره الجنه»، در اعمال سال و ادعیه و آداب، که آن را برای سلطان ابراهیم قطب شاه، ملک دکن، (متوفی ۹۸۸ ق) تألیف کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۰۵ / ۱۵، ۱۵ / ۱۰)، ریاض العلماء (۹۱ / ۲، ۱۷۶ / ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۸ / ۱۰، قرن ۲۹۲ / ۱۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۰ / ۶).

صدر حاج سید جوادی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده، روزنامه‌نگار و مترجم. از مسئولین روزنامه‌ی اطلاعات بود. از آثارش: «داستانهای شگفت انگیز»، ترجمه؛ «گنجینه‌ی نثر فارسی»؛ «مقایسه سعدی و حافظ» از نظر غزلسرای و سبک.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۸۸-۳۰۸۷، ۲۷۸۲ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۵۸۰-۵۷۹ / ۲).

صدر شهید، حسام‌الدین، ابو محمد، ابو حفص عمر

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۳۶-۴۸۳ ق)، فقیه حنفی. معروف به ابن‌مازه. اهل خراسان بود. نزد پدرش، علامه ابوالمفاخر، فقه آموخت و به پایه‌ای رسید که ضرب‌المثل شد و نزد سلطان جایگاه رفیعی یافت. عده‌ای از او فقه آموختند. وی از عی بن محمد خدام حدیث شنید و ابوعلی بن وزیر دمشقی از وی حدیث روایت کرده است. در واقعه قطوان در سمرقند کشته شد و در بخارا دفن شد. از آثارش: «الجامع»، در فقه؛ «الفتاوی الصغری» و «الفتوی الكبرى»؛ «عمده المفتی و المستفتی»؛ «الواقعات الحسامیه»، به نام «الاجناس»، در فروع؛ «اصول حسام‌الدین»؛ شرح «ادب القاضی» خصاف؛ شرح «الجامع الصغیر» شیبانی، در فروع فقه حنفی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۱۰ / ۵)، ایضاح المکنون (۱۲۴ / ۲)، سر النبلاء (۹۷ / ۲۰)، کشف الظنون (۱۹۹۸، ۱۴۷۱، ۱۴۳۵، ۱۴۳۱، ۱۴۰۴، ۱۴۰۳، ۱۲۲۸، ۱۲۲۴، ۱۲۲۲، ۵۶۳، ۵۶۹، ۱۱۳، ۴۶، ۱۱)، معجم المؤلفین (۲۹۱ / ۷)، النجوم الزاهراه (۲۶۲ / ۵)، هدیه العارفین (۷۸۳ / ۱).

صدر عاملی کاظمی، ابومحمد حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۴ - ۱۲۷۲ ق)، فقیه، اصولی، متکلم، محدث، رجالی و مورخ. در کاظمین، در خانواده‌ای که اصلش از جبل عامل و سکونتش در اصفهان و مهاجرتش به عراق بود، به دنیا آمد. وی برادرزاده‌ی آیت‌الله سید صدرالدین عاملی کاظمی بود. در چهارده سالگی صرف و نحو معانی و بیان و بدیع و منطق را فرا گرفت و تحصیل فقه را آغاز کرد در هیجده سالگی به نجف رفت و کلام و حکمت را از محمد تقی گلپایگانی آموخت، فقه خارج استدلالی را از شاگردان صاحب «جواهر» و اصول استدلالی را از شاگردان شیخ انصاری و علم حدیث و رجال و ریاضیات را از بزرگان وقت فرا گرفت و قسمتی از علوم غربیه را نزد شیخ عبدالحسین هندی خواند. در ۱۲۹۷ ق از نجف به سامراء رفت و در حوزه‌ی درس میرزای شرازی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. در پایان ۱۳۱۴ ق به کاظمین بازگشت و به تألیف و تدریس پرداخت. سید صدر از مشایخ اجازه در زمان خود بود و جمع کثیری از بزرگان همچون علامه سید محمد مرتضی جنفوری هندی و شیخ مهدی بن شیخ محمد علی ثقه‌الاسلام اصفهانی و آیت‌الله سید صدرالدین صدر و آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی و محدث قمی از وی دارای اجازه بودند. کتابخانه شخصی او یکی از ارزشمندترین کتابخانه‌های عراق بود. سید حسن صدر بیش از صد اثر از خود به جای گذاشت و کتاب «تأسیس الشیعه» خویش را مبتکرانه نگاشت و در این کتاب بر اساس تواریخ و سیر مورد اعتماد، ثابت و روشن نمود که علمای شیعه در تأسیس و تألیف نحو و صرف و عروض و لغت و علوم بلاغت و کلام و فقه و اصول و تفسیر و اخلاق پیشگام بوده و پیش از دیگران به تألیف و تصنیف پرداخته‌اند. مختصر این کتاب «الشیعه و فنون الاسلام» است. از دیگر آثار وی: «نهایه الدرایه»، شرح و «جیزه‌ی» شیخ بهائی، در درایه الحدیث؛ «ذکری المحسنین»؛ «نزهه اهل الحرمین»؛ «وفیات الاعلام من الشیعه الکرام»؛ رساله‌ای در «رد و هابیت»؛ «سبیل الرشاد»، در شرح «نجاه العباد»، در سلوک و بیان طریق عبودیت؛ «سبیل النجاه»، در فقه معاملات؛ «تکمله امل الآمل»؛ «جامع اخبار الغیبه»؛ «تیین الاباحه للمصلین»؛ «تحصیل الفروع الدینیة فی فقه الامامیه»؛ «حدائق الوصول الی علم الاصول»؛ «مجالس المومنین»، در وفیات ائمه معصومین (ع)؛ «مختلف الرجال»؛ «مناقب آل الرسول من طریق الجمهور»؛ «خلاصه النحو»؛ «آداب الحج و اسرار»؛ «انتخاب القریب من التقریب»، گردآوری نام محدثانی که ابن حجر آنان را شیعه ذکر کرده است؛ «الدرر الموسویه فی شرح العقائد الجعفریه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: آثار الحججه (۲۰۹ / ۱)، الاعلام (۲۴۰ - ۲۳۹ / ۲)، اعیان الشیعه (۳۳۰ - ۳۲۵ / ۵)، تأسیس الشیعه (مقدمه ۳۵ - ۱)، الذریعه (۱۱۴ / ۲۴، ۳۲۰ / ۲۲، ۱۳۷ / ۳، ۳۵۹ / ۲، ۱۶ / ۱)، ریحانه (۴۲۵ - ۴۲۴ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۴۹ - ۴۴۵ / ۱۴)، علماء معاصرین (۱۷۵ - ۱۷۰)، لغت‌نامه (ذیل / صدر)، معجم المؤلفین (۳۰۰ - ۲۹۹ / ۳)، مکارم الآثار (۲۰۱۹ - ۲۰۱۵ / ۶).

صدر نبوی، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اعصاب و روان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی اعصاب و روان از دانشگاه هایدلبرگ آلمان غربی در سال ۱۳۵۲، دکترای تخصصی آسیب‌شناسی اعصاب از دانشگاه فرانکفورت در سال ۱۳۵۶ و فوق تخصص الکتروآنسفالوگرافی و الکتروبیوگرافی از جامعه الکتروآنسفالوگرافی مونیخ آلمان غربی.

مرتب علمی:

استادیار دانشگاه مشهد از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۶۵، دانشیار دانشگاه مشهد از سال ۱۳۶۴ تا کنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تغییرات نوروموسکولر در بیماری جذام، بیماری اشتانرت، بیماری میوکلوبیندیری، میگرن و درمان آن تدریس دروس اعصاب، آسیب‌شناسی اعصاب، الکتروآنسفالوگرافی در دانشگاه مشهد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

الکتروآنسفالوگرافی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

اعصاب و آسیب‌شناسی اعصاب.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

صدر نیشابوری، صدرالدین

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم ق)، مورخ و شاعر. از سادات بزرگ نیشابور و معاصر خوارزمشاهیان بود. در فضل و هنر پایه‌ای عالی داشت و منصب دیوان استیفای نیشابور را عهده‌دار بود. در پایان عمر ترک آن منصب گفت و آن را به فرزند خود واگذاشت و خود به ریاضت و عبادت مشغول شد. سید صدرالدین علاوه بر کتابی که در «تاریخ سلاطین خوارزمشاهیه» نوشته، گاهی شعر نیز می‌سروده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آتشکده‌ی آذر (۶۹۳-۶۹۴ / ۲)، تذکره‌ی روز روشن (۴۷۴-۴۷۳)، الذریعه (۶۰۳ / ۹)، ریاض العارفین (۲۱۹)،

فرهنگ سخنوران (۵۵۴)، لباب الالباب (۱۴۴-۱۴۲ / ۱)، مجمع الفصحا (۸۱۹ / ۲)، مطلع الشمس (۱۸۲ / ۳)، هفت اقلیم (۲۵۶ / ۲).

صدر، اسدالله

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن میرزا علی نواب خلیفه سلطانی. عالم فقیه، در اصفهان نزد پدر و دیگران تحصیل نموده، به مقام صدارت در دستگاه صفویّه رسیده، در سال ۱۱۱۴ وفات یافته است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

صدر، اسماعیل

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۸- ۱۲۵۸ ق)، عالم دینی، فقیه و مرجع تقلید. معروف به صدر اصفهانی. نسبش به ابراهیم اصغر فرزند امام کاظم (ع) می‌رسد. در اصفهان به دنیا آمد و همان جا نشو و نما یافت، در شش سالگی پس از فوت پدر تحت تربیت برادرش، حاج سید محمد علی آقا مجتهد، قرار گرفت و مقدمات را نزد او خواند. بعد از فوت آقا مجتهد، تحت تعلیم شوهر خواهرش، شیخ محمد باقر اصفهانی، صاحب «هدایه المسترشدین»، قرار گرفت و نزد وی فقه آموخت. در ۱۲۸۱ ق به نجف مهاجرت کرد و ملازم بحث شیخ راضی بن محمد آل خضر نجفی و بحث شیخ مهدی بن علی کاشف الغطاء گشت. سپس مدتی در خدمت میرزای شیرازی قرار گرفت. و با وی به سامراء مهاجرت کرد و عده‌ای از شاگردان سطح متوسط میرزا را درس گفت و بعد از وفات میرزا یک سال و چند ماه در سامراء ماند و در ۱۳۱۴ ق به کربلا رفت و در انجا به ترویج دین و انجام وظائف مذهبی مشغول شد و مرجع تقلید آن دیار گشت. میرزای نایینی، سید شرف‌الدین عاملی، حاج سید حسین فشارکی، شیخ غلامحسین مرندی حائری و شیخ موسی کرمانشاهی حائری از شاگردان وی بودند. او در کاظمین از دنیا رفت و همان جا دفن شد. در «ریحانه الادب» سال وفات وی ۱۳۳۷ ق ذکر شده است. از آثارش: «انیس المقلدین»؛ حاشیه «نجاه العباد» شیخ محمد حسن صاحب «جواهر»؛ «مفتاح الهدایه»، رساله عملیه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: آثار الحجه (۲۰۸- ۲۰۱ / ۱)، اعیان الشیعه (۴۰۴- ۴۰۳ / ۳)، الذریعه (۱۳۸ / ۵)، ریحانه (۴۲۳- ۴۲۱ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۰- ۱۵۹ / ۱۴)، لغت‌نامه (ذیل / صدر)، مکارم الآثار (۱۵۶۷- ۱۵۶۵ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۱۶۰۰ / ۱)، میرزای شیرازی (۱۱۴- ۱۱۳).

صدر، جواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۱ ش)، مترجم و نویسنده. وی پس از تحصیل دروهای مقدماتی به اخذ دکترای حقوق موفق شد. پس از آن به استخدام وزارت امور خارجه درآمد و مشاغل متعددی را عهده‌دار شد که از آن جمله: وزارت کشور در کابینه‌ی منصور و هویدا و وزارت دادگستری در کابینه‌ی هویدا. دکتر صدر در امر ترجمه دست داشت و با همکاری کاظم صدر، برادرش، کتاب «تاریخ سیاست

خارجی ایران» را به فارسی ترجمه کرد. از دیگر آثار وی: «تأسیسات و سازمانهای بین‌الملل»، «چنبر مار»، ترجمه [۱].

فرزند سید محسن صدرالاشرف، متولد ۱۲۹۱ ش است. بعد از انجام تحصیلات ابتدائی و متوسطه وارد دانشکده حقوق تهران شد و دوره‌ی دانشکده را پایان داد. در ۱۳۱۴ از طرف دولت برای تکمیل تحصیلات تخصصی به اروپا رفت و از دانشگاه پاریس درجه‌ی دکترا گرفت و در ۱۳۱۸ به ایران بازگشت و به استخدام در وزارت کشور درآمد. پس از دو سال به وزارت امور خارجه انتقال یافت. چندی در تهران و چندی در خارج به سر برد. از مشاغل ابتدائی او رایزنی سفارت بلگراد و رایزنی سفارت اسپانیا بود. در ۱۳۲۷ زمانی که هژیر به نخست‌وزیری رسید، او را به ریاست دفتر خود برگزید. در کابینه‌های ساعد و منصورالملک هم دارای همان سمت بود. در ۱۳۲۹ به وزارت خارجه بازگشت. مدیر کل اداره عهود و حقوقی شد. در ۱۳۳۲ مدیر کل سیاسی وزارت کشور گردید و در ۱۳۳۶ به معاونت پارلمانی و سیاسی آن وزارتخانه معرفی شد. یک سال بعد از معاونت وزارت کشور به معاونت وزارت امور خارجه انتقال یافت. تا سال ۱۳۳۹ در آن مقام بود تا به سمت سفیر کبیر ایران در ژاپن تعیین و به آن کشور عزیمت نمود. قریب سه سال در ماموریت ژاپن بود تا به تهران احضار و به عضویت شورای عالی وزارت خارجه منصوب شد.

در ۱۳۴۲ در کابینه‌ی حسنعلی منصور، به سمت وزیر کشور معرفی گردید. در ۱۳۴۳ در کابینه‌ی امیرعباس هویدا دارای همان سمت بود. یک سال بعد در ترمیم کابینه، شغل او تغییر کرد و به سمت وزارت دادگستری تعیین شد. قریب چهار سال وزیر دادگستری بود. بعد از وزارت دادگستری جذب بخش خصوصی شد و در بانک بازرگانی و چند شرکت وابسته به آن بانک، ریاست هیئت مدیره و مشاوره حقوقی را عهده‌دار بود. ضمناً با سمت استادی در دانشکده‌ی حقوق دانشگاه ملی تدریس می‌نمود. وی کتبی چند در علم حقوق انتشار داد که هم‌اکنون در دانشگاه تدریس می‌شود. وفات او در شهریور ۱۳۷۹ در تهران اتفاق افتاد.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: چهره‌های آشنا (۳۵۹)، روزشمار تاریخ (۱۹۷، ۱۸۳، ۱۶۹، ۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۱۱۵، ۷۱۴ / ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۲۶)، مؤلفین کتب چاپی (۴۲۰-۴۱۹ / ۲).

صدر، حیدر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در ۱۳۰۹ در سامراء متولد شده، و در ۲۷ جمادی الاولی سال ۱۳۵۶ در کاظمین وفات یافته.

وی را تألیفاتی است که از آن جمله است:

۱- الاوضاع اللفظیة ۲- حاشیه‌ی کفایه ۳- رساله فی المعانی الحرفیة ۴- رساله در تبعیض احکام به علت تبعیض اسباب ۵- شبهة الحیدریة؛ و غیره.

بر گرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

صدر، سید رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۴۱۵-۱۳۳۹ ق)، عالم دینی و فقیه. در مشهد به دنیا آمد و در بیت علم و عزت نشو و نما یافت. او نوهی دختری آیت‌الله حاج آقا حسین طباطبایی قمی است. به همراه پدر به قم مهاجرت کرد. پس از خواندن ادبیات، سطوح را از مدرسین بزرگ حوزه فرا گرفت. سالها از دروس خارج پدرش، آیت‌الله صدر، استفاده نمود و معقول را از آیت‌الله موسوی آموخت. او از محضر درس برخی دیگر از اساتید بهره‌مند شد تا خود به تدریس فقه و اصول و حکمت و اقامه‌ی نماز پرداخت. در ۱۳۸۵ ق بنا به خواسته‌ی آیت‌الله شریعتمداری به تهران آمد و در مسجد حضرت امام حسین (ع) به ترویج دین و اقامه‌ی نماز و تفسیر قرآن پرداخت. آیت‌الله سید رضا صدر برادر بزرگ امام موسی صدر، مرجع و رهبر بزرگ لبنان، است. وی در تهران درگذشت، ماده تاریخ وفاتش (این جهان خرد بود و مرد بزرگ) است. او در جوار حضرت معصومه (س) در قم دفن شد. از جمله آثارش: کتاب «استقامت»؛ کتاب «حسد»؛ کتاب «دروغ»؛ «بانوی کربلا زینب دختر زهراء»، ترجمه‌ی کتاب «زینب» دکتر عائشه بنت الشاطی. [۱]

آقای حاج سید رضا بن العلامة الورع آیت‌الله الحاج سید صدرالدین ابن العلامة الکبری و الایه العظمی الحاج السید اسمعیل صدر موسوی از فضلاء و دانشمندان معاصر تهران و دارای مقام حسب و نسب و علم و ادب می‌باشند. وی در حدود سال ۱۳۳۸ قمری متولد شده و در بیت علم و عزت پرورش یافته و در معیت والد ماجدش به قم مهاجرت نموده و پس از خواندن ادبیات سطوح را از مدرسین بزرگ حوزه خوانده و سالها از دروس خارج مرحوم والدش آیت‌الله العظمی صدر استفاده نموده و معقول را از آیت‌الله العظمی امام خمینی آموخته و از محضر بعض آیات دیگر بهره‌مند شده خود بتدریس فقه و اصول و حکمت و اقامه نماز پرداخته تا در سال ۱۳۸۵ قمری که حسب الایراد آیت‌الله شریعتمداری به تهران منتقل و در مسجد حضرت امام حسین علیه‌السلام واقع در میدان (شهناز) تهران به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تفسیر قرآن و درس اخلاق و غیره اشتغال دارند. دارای تألیفات عدیده در اخلاق و غیره می‌باشند که از آنها کتب زیر است:

۱- کتاب استقامت

۲- کتاب حسد

۳- کتاب دروغ

و مخفی نیست که معظم له از طرف پدر موسوی و بحضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام منتهی می‌شوند و از طرف مادر طباطبائی و بحضرت امام حسین مجتبی علیه‌السلام متصل می‌گردند. زیرا والده ماجده ایشان صبیبه مرحوم مغفور سیدالفقهاء و المجتهدین آیت‌الله العظمی آقای حاج آقا حسین طباطبائی قمی که ترجمه‌اش در جلد اول ص ۲۶۴ گذشت می‌باشد و ایشان سبط آن بزرگوار هستند ادام الله توفیقه.

برادر ارجمندش جناب استاد و زعیم بزرگوار آقای حاج سید امام موسی صدر مرجع و رهبر بزرگ مردم لبنانست که امروز صوت وصیئتش بتمام جهان رسیده و برای شیعیان دنیا آبروی عظیمی گردیده و باید ایران و ایرانی فخر کند که یکی از هم میهنان او باین پایه قدرت و عظمت رسید که زمام دولت و ملت کشور بیگانه را بدست گرفته و با نطق آتشین و بیانات شیرینش بر علیه استعمار گران غربی مبارزه کرد و هم اکنون سرنوشت وی مجهول و نامعلوم است. فقیه.

تولد: ۹۲ (۱۳۰۰ رمضان ۱۳۳۹ ق). مشهد.

درگذشت: ۱۱ آبان ۱۳۷۳، قم.

آیت‌الله سید رضا صدر دوران کودکی و نوجوانی را تحت تربیت پدر خود پشت سر نهاد. مقدمات و ادبیات را در مشهد فراگرفت. در سال ۱۳۵۴ ق. به همراه پدر به حوزه‌ی علمیه‌ی قم رفت و سطوح را نزد اساتیدی نظیر حضرات آیات عظام سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی و محقق داماد آموخت. سپس خارج فقه و اصول را در محضر حضرات آیات عظام سید حسن صدر و سید محمد

حجت کوه‌کمره‌ای و سید حسین بروجردی و فلسفه و عرفان را نزد امام خمینی فراگرفت. ایشان پس از وفات آیت‌الله العظمی بروجردی به تدریس فقه و اصول و فلسفه و عرفان پرداخت.

در سال ۱۳۴۶ برای تبلیغ و ارشاد به تهران آمد و مسجد امام حسین را کانون تبلیغات دینی خویش قرار داد و به تدریس، تبلیغ و ارشاد، امامت جماعت، اداره‌ی کلاس‌های معارف دینی، تألیف و پرورش شاگردان پرداخت. وی در این مسجد کلاس درس اخلاق، تفسیر و فلسفه نیز برگزار کرد و همچنین به تدریس فقه و اصول هم اشتغال داشت. در سال ۱۳۵۶ به حوزه‌ی علمیه قم بازگشت و به خدمات دینی و مذهبی مشغول شد.

از تألیفات آیت‌الله صدر می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: الاجتهاد و التقليد؛ العدالة فی الفقه؛ تفسیر سوره حجرات؛ تفسیر سوره یوسف (حسن یوسف)؛ استقامت، حسد؛ دروغ؛ فلسفه آزاد؛ الفلسفه العلیا؛ محمد فی القرآن؛ المسيح فی القرآن؛ قرآن‌شناسی؛ بانوی کربلا؛ راه محمد (دو جلد)؛ راه علی (ع) پیشوای شهیدان؛ راه قرآن؛ زن و آزادی؛ زیارتنامه حضرت رضا (ع) سخنان سران کمونیزم درباره خدا؛ مرد وفا (زیر درختان سدر)؛ نشانه‌هایی از او (دو جلد)؛ نگاهی به آثار فقهی شیخ طوسی؛ مقدمه بر نهج الحق و نامه دانشوران. از جمله آثار منتشر نشده وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: أربعون و مآتا مسئله فقهی؛ تعلیقه بر عروة الوثقی؛ الفقه علی مذهب اهل البیت - کتاب الصلاة؛ القواعد الثلاث؛ تجاؤ؛ فراغ؛ حیلولة؛ رساله در مقدمه واجب؛ شبهة العبائیة حکم نجاسة الباطن؛ نفائس الاصول (دو جلد)؛ حاشیه بر اسفار؛ برهان الصدیقین، حاشیه بر منظوم (سه جلد)، دیوان شعر، درست و نادرست، خواجه نصیرالدین طوسی؛ خلیفه رسول الله (ص)؛ اسلام ما؛ سبد (کشکول)؛ ترجمه رساله الحقوق امام سجاد؛ الجهاد و الثورة؛ الکلیم فی القرآن.

آیت‌الله سید رضا صدر در آبان سال ۱۳۷۳ در گذشت و پیکرش در قم در صحن حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار الحجج (۲۰۵ / ۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۰۴ - ۵۰۳ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۱۷۲ - ۱۷۱ / ۳).

صدر، صدرالدین، ابوالرضا محمد علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۳ - ۱۲۹۹ ق)، عالم دینی، فقه، مرجع تقلید و شاعر. در کاظمین به دنیا آمد تحصیلات ابتدایی را در سامراء گذراند و ادبیات و ریاضیات را نزد استادان فن فراگرفت و به همراه پدرش به کربلا مهاجرت کرد و در آنجا سطوح را نزد آیت‌الله شیخ حسن کربلایی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی خواند. او تحصیلات عالی را نزد پدرش شروع کرد و در حدود ۱۳۲۸ ق برای تکمیل تحصیلات به نجف رفت و در حوزه‌ی درس آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و علامه یزدی حاضر و به درس و بحث تحقیقی مشغول شد. سپس به مشهد رفت و چندی در آن شهر توقف کرد و به تدریس و ارشاد و اصلاح حال مسلمانان پرداخت. آن‌گاه به عراق بازگشت و چندی در آن سامان به تدریس و بحث مشغول شد. در ۱۳۴۹ ق بنا به دعوت آیت‌الله حایری به قم رفت و با وی همکاری نمود. پس از وفات آیت‌الله حایری و تا ورود آیت‌الله بروجردی به همراهی آیت‌الله حجت و آیت‌الله خوانساری عهده‌دار سرپرستی حوزه‌ی علمیه‌ی قم بود. آیت‌الله صدر فقیهی اصولی و محدثی رجالی و محقق عمیق النظر و ادیبی ادیب و شاعری ماهر بود. او در مکارم اخلاق و کمالات نفسانی و معنوی از سرآمدان روزگار بود. وی در قم درگذشت و مابین قبر آیت‌الله حایری و آیت‌الله خوانساری دفن شد. از آثار اوست: «خلاصه الفصول»، در علم اصول، کتاب «المهدی (عج)»، درباره‌ی حضرت ولی عصر

(عج)؛ «دیوان» شعر مذهبی و اجتماعی، به عربی و فارسی؛ حاشیه «کفایه الاصول»؛ «اصول عقاید»؛ رساله‌ای در «اصول دین»؛ رساله‌ای در «رد شبهات وهابیه»؛ رساله‌ای در «اثبات عدم تحریف کتاب»؛ «مختصر تاریخ الاسلام»، در پنج مجلد؛ «حدیث و اخبار»؛ رساله‌ای در «حقوق زن»؛ «لواء محمد (ص)»، در اخبار خاصه و عامه، در دوازده مجلد، منظومه‌ای در «حج»؛ منظومه‌ای در «صوم»؛ رساله‌ای در «تقیه»؛ رساله‌ای در امر به معروف و نهی از منکر؛ «سفینه النجاه»، رساله‌ی عملیه؛ «الحقوق»، در بیان شصت دو حق؛ «مدینه العلم»، در اخبار اهل بیت (ع)، در شش مجلد. [۱]

صدرالدین بن (حاج سید) اسماعیل عاملی الاصل از علمای امامیه و مراجع تقلید (و. کاظمین ۱۲۹۹ ه.ق / - ف. قم ۱۳۳۲ ه.ش.) نسبت به ابراهیم اصغر فرزند موسی ابن جعفر ۴ منتهی میگردید صدر فقیه، اصولی، ادیب و شاعر و در فنون ادب ماهر بود، ادب عرب و علوم ریاضی را از استادان وقت فراگرفت و مدتی در حوزه درس پدر خویش و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و سید کاظم یزدی تحصیل کرد و به اجازات آنان نایل آمد، و چون به ایران بازگشت مدتی در خراسان اقامت کرد و سپس به قم رفت و به تدریس و رعایت حال طلاب حوزه علمیه آن شهر پرداخت. او راست: اصول دین، حاشیه بر کفایه الاصول، خلاصه الفصول، حکم ماء الغساله، المهدی، رد بعض شبهات و هابیه، مختصر تاریخ الاسلام (لغ).

مرحوم مغفور سیدالفقهاء والمجتهدین و غوث العلماء العالمین حاج سید صدرالدین بن آیه‌الله العظمی الحاج سید اسماعیل صدر الموسوی العاملی یکی از معاضدین مرحوم آیت‌الله حایری و زعماء سه گانه بعد از آن مرحوم و یکی از دو وصی معظم له است که از فوت مرحوم حایری تا ورود مرحوم آیت‌الله بروجردی با مساعدت و معاونت دو قرین دیگرش مرحومین آیت‌الله حجت و خونساری حوزه علمیه قم را در آن شرایط سخت حفظ و نگهداری نموده و از تشویق و نگهداری محصلین و فضلاء آنی غفلت و کوتاهی نمودند و خود این نگارنده از افرادی هستم که خود را رهین محبت‌های آن مرحوم می‌دانم زیرا در آن موقع جز آن مرحوم کسی از آقایان به حقیر عنایتی نداشت.

تولد آن بزرگوار در ماه رجب ۱۲۹۹ قمری در کاظمین واقع شده و ادبیات و ریاضیات را نزد استادان فن فراگرفته تا در سال ۱۳۲۸ برای تکمیل تحصیلات به نجف مهاجرت و در حوزه درس مرحوم آخوند خراسانی و علامه یزدی حاضر شده و در سال ۱۳۳۱ به مشهد مسافرت و چندی توقف نموده و در سال ۱۳۳۷ باز به عراق مراجعت و بعد چندی در مشهد توطن گرفته و در سال ۱۳۴۹ بنا بر دعوت مرحوم حایری رحل اقامت به قم انداخته و با آن مرحوم که توجه خاصی به ایشان داشتند همکاری نموده تا بعد از فوت آن مرحوم که با همکار گرام سابق الذکرش قیام به حفظ حوزه نموده تا در صبح روز شنبه نوزدهم ربیع‌الثانی ۱۳۷۳ قمری که داعی حق را لبیک اجابت گفته و در بین قبر مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله خونساری ره مدفون گردید و در شب رحلتش حجه الاسلام آقا میرزا محمد همدانی که از فضلاء حوزه علمیه است در خواب می‌بیند که وارد مقبره مرحوم حایری شده و در جلوی قبر ایشان همانجائی که الان قبر اوست قبری کنده و آماده است و می‌گویند این قبر آیت‌الله صدر است گفت آمدم نشستم فاتحه بخوانم دیدم هودجی از آسمان به زمین آمده و از میان آن یک بانوی مجلله بیرون آمد و از عقب او چند زن دیگر آمد و به طرف آن قبر رفت با خود گفتم حتماً این بانو حضرت فاطمه زهراء سلام‌الله‌علیها است. دیدم آمد سر قبر و فرمود این قبر صدر من است صدر من هم از دنیا رفت خوب فرزندی بود و تعریف نمود و فرمود جگر گوشه من هم بود و نشست و بنا کرد به گریه نمودن و من از خواب بیدار شدم و صبح آن شب خبر فوت آن مرحوم منتشر گردید.

نگارنده صبح همان روز در خدمت مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی عراقی بودم و فرمود آقا شیخ محمد همدانی الان اینجا بود این خواب را نقل کرد و داشت تعبیر می‌نمود که صدای بلندگوی آستانه به تلاوت قرآن بلند شده و این خبر محنت اثر را به گوش مردم قم رسانید.

آثار ارزنده‌ای از خود گذاشت که از آنهاست ۱- خلاصه الفصول در اصول که به طبع رسیده است ۲- کتاب المهدی درباره

حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه الشریف که چندین بار به طبع رسیده و در آن از کتب عامه اثبات وجود ذیجود حضرتش را نموده است ۳- کتبی در فقه و اصول و غیره که مخطوط می‌باشد دارای طبعی روان و ذوقی سرشار بود و اشعار عربی غرائی سروده است که یکی از آن در ذیل ترجمه مرحوم آیت‌الله حایری گذشت مطلعش (عبدالکریم آیه‌الله قضی) و آخرش ماده تاریخ عجیب فوت آن مرحوم (لدى الکریم حلّ ضیفاً عبده) بود.

۳- دیوان اشعار مذهبی و اجتماعی و نصایح و مدایح و مراثی اهل بیت علیهم السلام ۴- حاشیه‌ی کفایة‌الاصول ۵- اصول عقاید ۶- رساله‌ای در اصول دین ۷- رساله‌ای در رد شبهات و هابییه ۸- رساله در اثبات عدم تحریف کتاب ۹- تاریخ مختصر اسلام در ۵ جلد ۱۰- حدیث و اخبار ۱۱- رساله‌ای در حقوق ۱۲- لواء محمد در اخبار خاصه و عامه ۱۲ جلد- نگارنده گوید که غالب این کتب متأسفانه مخطوط مانده است- یکی از قصائد آن مرحوم که در مرثیه جدش حضرت زهراء علیها السلام سروده قصیده زیر است:

یا خلیلی احبسا الجرد مهارا
و ابکیا دارا علیها الدهر جارا
و ربوعا اقفرت من اهلها
و غدت بعدهم قفراً برارا
حکم الدهر علی تلک الربی
فانمحت والدهر لا یرعی زمارا
کیف یرجى السلم من دهر علی
اهل بیت الوحى قد شن المغارا
لم یخلف احمد الابنه
و لکم اوصی الی القوم مرارا
کابدت بعد ایها المصطفی
غصباً لومست الطور لمارا
هل تریهم ادر کوا من احمد
بعده فی آله الاطهار ثارا
غصبوها حقها جهرا و من
عجب ان تغصب الزهراء جهارا
من لحاها اذ بکت والدها
قائلا فلتبک لیلا او نهارا
ویلهم ما ضرهم لو بکیت
بضعه المختار ایاما قصارا
من سعی فی ظلمها من راعها
من علی فاطمه الزهراء جارا
من غدا ظلما علی الدار التی
اتخذتها الانس والجن مزارا
طالما الاملاک فیها اصبحت

تلمم الاعتاب فیها والجدارا
 و من النار بها ینجو الوری
 من علی اعتبارها اضرم نارا
 والنبی المصطفی کم جائها
 یطلب الاذن من الزهراء مرارا
 و علیها هجم القوم و لم
 تک لاذت لا و علیها الخمارا
 لست انساها و یا لهفی لها
 اذوراء الباب لاذت کی توارا
 فتک الرجس علی الباب و لا
 تسئلن عما جرى ثم و صارا
 لا تسلنی کیف رضوا ضلعها
 و اسئلن الباب عنها والجدارا
 و اسئلن اعتبارها عن محسن
 کیف فیها دمه راح جبارا
 و اسئلن لؤلؤ قرطیها لما
 انتشرت والعین لم تشکوا حمرارا
 و هل المسمار موتور لها
 فغدی فی صدرها یدرک ثارا
 بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار الحججه (۲۱۵- ۲۰۱ / ۱)، آینه دانشوران (۱۶۸- ۱۶۵)، الذریعه (۲۹۰، ۱۸۴، ۲۰ / ۱۹۹، ۱۲ / ۲۳۰- ۴۲، ۷ / ۲۳۲ / ۳)، ریحانه (۴۲۹- ۴۲۷ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۴۹- ۹۴۳ / ۱۴)، علماء معاصرین (۲۱۷- ۲۱۶)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۲۹- ۳۲۶ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل / صدر)، معجم‌المؤلفین (۱۷ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۵۳۸- ۵۳۷ / ۳).

صدر، محمدباقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدباقر بن سید حیدر بن سید اسماعیل صدر اصفهانی از مدرسین و اعلام معاصر نجف اشرف است.

وی در سال ۱۳۵۰ قمری در بیت علم و فضیلت چشم به جهان گشوده و در مهد تقوا پرورش یافته و پس از خواندن ادبیات و سطوح متوسط و عالی و تکمیل مبانی فقه و اصول از محضر آیات عظام نجف بالا-خص مرحوم آیت‌الله العظمی حکیم و زعیم اعظم آیت‌الله العظمی خوئی مدظله فقها و اصولا استفاده نموده تا به مدارج عالی علم و استادی رسیده و خود تشکیل حوزه تدریس خارج داده و عده زیادی از افاضل به درسش شرکت و استفاده نموده و می‌نمایند.

دارای تالیفات ارزنده‌ای که ذیلاً می‌نگارم می‌باشند ۱- فلسفتناط ۲- اقتصادناط ۳- المدرسه الاسلامیه ط ۴- فدک ط ۵- غایه الفکر فی الاصول ط ۶- شرح عروه الوثقی کتاب طهاره و خمس ۷- تعلیقاتی بر اسفار. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

صدر، منصور

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آسیب‌شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی و دکترای تخصصی آسیب‌شناسی از دانشکده دانشگاه تهران در سالهای ۱۳۴۱ و ۱۳۴۷ و فوق تخصص آسیب‌شناسی از کالیفرنیا آمریکا.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۲ تا سال ۱۳۵۷، دانشیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۷.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آسیب‌شناسی و مسائل گوناگون.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

آسیب‌شناسی عمومی برای آموزشگاه عالی بهداشت دهان، اثرات رادیاسیون ضایعات ناشی از مواد شیمیایی، اختلالات ناشی از کمبود مواد غذایی و آزارهای فیزیکی، دانستیهای لازم در مورد سرطان.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

کولیت ناشی از آنتی‌بیوتیک‌ها، گزارش یک مورد بیماری آندرسون تائیری، سارکوم مری، کارسینوئیدریه، ملانوم بدخیم آنورکتال، گرانولارسل میولاستوما، میکروم دهلیز چپ در کودکان، اثرات رادیاسیون، ضایعات ناشی از مواد شیمیایی، اختلالات ناشی از کمبود مواد غذایی و آزارهای فیزیکی به زبان‌های فارسی، انگلیسی و فرانسه.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

صدر، موسی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید موسی مشهور در همه آفاق به (امام موسی صدر) فرزند برومند آیت‌الله العظمی آقای حاج سید صدرالدین ابن العالم الجلیل آیت‌الله العظمی حاج سید اسماعیل صدر و سبط آیت‌الله العظمی ازهد الفقهاء والمجاهدین حاج آقا حسین طباطبائی قمی یکی از ستارگان فروزان و چهره‌های درخشان حوزه علمیه قم است که سالها در مغرب خاوری طلوع نموده و در آسمان لبنان و سوریه و فلسطین نورافشانی می‌کند آن جناب در حدود سال ۱۳۴۳ قمری در مشهد مقدس به دنیا آمده و در سال ۱۳۴۹ در معیت والد خویش به قم مهاجرت و به تحصیل دروس ابتدائی اشتغال یافته و در بیت علم و شرف پرورش یافته و پس از پایان دروس جدید به تحصیل علوم عربیه منقول و معقول پرداخته و مقدمات و سطوح را از مدرسین حوزه فراگرفته سپس از محضر مرحوم والد ماجد و دیگر آیات چون آیت‌الله محقق داماد و آیت‌الله العظمی خمینی و آیت‌الله العظمی بروجردی و دیگران استفاده علوم عقلی و نقلی نموده تا به مدارج عالیہ اجتهاد و اتقان رسیده سپس عزیمت به نجف اشرف و چندی هم از محاضر آیات عظام آنجا بهره‌مند شده و پس از رحلت آیت‌الله العظمی حاج سید عبدالحسین شرف‌الدین زعیم و مرجع شیعیان لبنان بنابر دعوت رسمی بیت شرف‌الدین و شیعیان لبنان برای زعامت و سرپرستی شیعیان مهاجرت به لبنان نموده و با آگاهی و کیاست و فراست موهبتی از عهده مسئولیت سنگین زعامت به خوبی درآمده و محبوب‌القلوب مردم عالی و دانی آن سامان گردید و به اکثریت نزدیک به اتفاق به ریاست مجلس اعیان (سنا) شیعیان لبنان انتخاب و رهبر بزرگ و قائد اعظم مردم مستضعف در آن منطقه گردیده و خدمات ارزنده چشمگیری نموده وصیت و صوتش به شرق اقصی و اوسط و بلاد باختری رسیده و در ردیف یکی از سیاستمداران به نام معاصر درآمده و محسود حکومت طاغوتی و محمدرضا پهلوی گردیده که چرا و برای چه یکی از روحانیون و آیت‌الله زادگان قم به این پایه عظمت و سیاست برسد که کلیه روساء جماهیر اسلامی غربی مصر و لیبی و مراکش و تونس و سودان و کینه و سعودی و سوریا و عراق از او دعوتهای رسمی نموده و مراسم استقبال و تجلیل را انجام دهند و این موقعیت چنان دولت طاغوتی ایران را به وحشت انداخت که برای اسقاط او از انظار مردم دست به افتراء به وسیله عوامل ساواک در جرائد و روزنامه‌ها اکاذیبی جعل که از موقعیت معظم‌له بکاهد غافل از آن که به گفته شاعر:

چراغی را که ایزد بفرورد

هر آنکس پف کند ریشه‌اش بسوزد

این نویسنده که قسمتی از فعالیت‌های و خدمات ایشان را در جلد سوم گنجینه نوشتن اداره نگارش و عمال روسیاه سازمان امنیت (باصطلاح خودشان) کتاب را توقیف که با شرح حال و ترجمه و عکس آقای صدر قابل نشر نیست و چند ماهی مرا اسیر و بالاخره با حذف شرح زندگینامه و آثار معظم‌له کتاب را ناقص و اجازه نشر داد. خدا روی همه آنها مخصوصا روحانی‌نما را سیاه و در دادگاه انقلاب به کیفر اعمالشان گرفتار و مجازات نماید.

باری امام موسی صدر از مفاخر عالم تشیع معاصر و افتخارات کشور ایران بلکه مسلمین جهان است که با لباس روحانیت (عمامه و عبا و قبا) در عداد بزرگترین شخصیت‌های سیاسی جهان و با چندین زبان زنده از عربی و فارسی و فرانسوی و انگلیسی و غیره آشنائی کامل و سخن می‌گوید. و دارای مدارک علمی از اجتهاد و دکترا و غیره می‌باشد.

آثار و خدمات و باقیات الصالحات این رادمرد علم و سیاست به اندازه‌ای است که ذکر آن در این مختصر ننگجد بلکه کتاب مستقلی لازم دارد و قسمتی از آن رد مجلدهای لبنانی و غیره یاد شده است. ولی متأسفانه که دست استعمار امپریالیسم صهیونیستی اسرائیل و آمریکا و جبهه‌های طاغوتی شرقی و غربی - راست گرایان و چپ گرایان خخاوری و غیره این نادره دوران را به توسط دولت لیبی (سرهنگ قزافی) به عنوان دعوت رسمی از لبنان به لیبی برده و از ماه رمضان ۱۳۹۸ قمری برابر ۱۹۷۸ میلادی تاکنون که

ماه رجب ۱۳۹۹ برابر مه ۱۹۷۹ مسیحی است اثری از ایشان نیست و هرچند تاکنون از لبنان و سوریا و کشورهای اسلامی و بالخصوص ایران به لیبی و غیره مراجعه شده ردپائی پیدا نشده و دولت لیبی مدعی است که ایشان به رم رفته‌اند و حال آن که کشور ایتالیا و رم از ورودشان به آن کشور تکذیب می‌کند. خلاصه جهان تشیع در فقدان و هجران این عزیز گمشده خود که برای ریاست جمهوری اسلامی ایران برازندگی و شایستگی دارد در سوک و غم فرورفته و همه روز چشم انتظار دوخته تا از لیبی و یا کجا ظاهر و پیدا شود.

نگارنده که بیش از چهل سال سال است افتخار دوستی و ارادت به بیت جلیل صدر و بالخصوص ایشان را دارم و آخر عهدهم با ایشان را فراموش نمی‌کنم در شب جمعه هفدهم ذی‌حجه ۱۳۹۷ قمری بود در مسجدالحرام نزدیکی حجراسمعیل که مرا در آغوش مهر گرفته و ساعتی با هم سخن گفتیم.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

صدر، محمد تقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۲۶ ق)، عالم دینی، فقیه و واعظ. در اراک به دنیا آمد و در زادگاه خود مقدمات و قسمت عمده‌ی سطوح را نزد اساتید بزرگ فراگرفت. در اوایل تأسیس حوزه، شانزده ساله بود که به قم رفت و سطوح را در قم تکمیل کرد و از اول دوره‌ی دوم درس اصول آیت‌الله حایری و درس فقه ایشان که «خيارات مکاسب» بود استفاده نمود. همچنین از درس آیت‌الله یثربی بهره برد و سطح و «کفایه» را در خدمت آیت‌الله میرزا محمد ثابتی همدانی خواند و مقداری از «فرائد» را خدمت آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری و آیت‌الله میرزا محمد علی شاه آبادی همراه «منظومه‌ی حکمت» خوانده و همچنین «مکاسب» را خدمت این دو استاد استفاده کرد و نیز از محضر آیت‌الله سید ابوالحسن رفیعی قزوینی مقداری از «منظومه‌ی حکمت» و «رسائل» شیخ را بهره گرفت. وی دارای طبعی موزون و ذوقی کامل بود. از آثارش. تأسیس کتابخانه در مسجد اراک‌های مقیم تهران و جمع‌آوری کتب برای آن بود. از آثار علمی او: «الغرائب» یا «مظهر العجائب فی غرائب الامام علی بن ابی طالب (ع)»، در چند مجلد؛ «ابوطالب و فرزندانش»، در اثبات ایمان ابی طالب از طرق اهل سنت، دو مجلد؛ «الکعبه و ولیدها»، «توشه‌دان گدا»، «جهاز عروس و داماد»، «ادب گفتار»، «ادب کردار»، «تناثر النجوم فی ارض الطفوف»، «دیوان» شعر؛ «افاضه الحرمین»، «سراج الحاج»، منظومه‌ای در عمل حج؛ «منهاج الحاج»، مختصری در حج استدلالی، رساله‌ای در «رد عشره‌ی مبشره»، «انقلاب اسلامی قرن ۱۴»، «صراط مستقیم کی و کجاست؟». [۱]

حاج شیخ محمدتقی صدراع اراکی از علماء اعلام و مبلغین گرام و وعاظ به نام معاصر است در تهران در حدود سال ۱۳۱۹ ق در اراک متولد شده و در آنجا مقدمات و ادبیات را آموخته و سطوح را در نزد مرحوم سلطان‌العلماء اراکی و آیت‌الله آقانور و علماء دیگر حوزه علمیه حوزه اراک خوانده و پس از انتقال حوزه علمیه از اراک به قم مهاجرت به قم نموده و چندین سال از محضر مرحوم آیت‌الله حایری و آیات دیگر استفاده نموده آنگاه به وطن مراجعت و بالغ بر بیست سال اقامت جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و خدمات دینی و روحی کرده و به واسطه بعضی از جهات و دعوت عده‌ای از مردم اراک مقیم تهران و دیگران مهاجرت کلی به تهران نموده و در خیابان گرگان در مسجد آبرومندی به اقامه جماعت و در هیئت محترم بنی فاطمه که از هیئات باعظمت و مجد تهران و مجالس و مسجد دیگر تهران و شهر ری و حومه تهران و روی به منبر رفته و داد سخن داده انجام وظیفه دینی می‌نمایند.

مولف گوید: معظم‌له از وعاظ با فضل و منبری بسیار آموزنده و مفید دارد و عموم طبقات از منابر وی استفاده کرده و بهره‌مند می‌شوند. دارای طبع شعر و ذوق سرشاریست و اشعاری در مرثی و مدایح و مواعظ و نصایح دارد و نیز دارای تالیفاتی می‌باشد که هنوز به طبع نرسیده است.

شیخ محمدتقی بن العالم المجاهد المحامی حاج شیخ محمدباقر از علماء مبرز و خطباء نامی و مبلغین سامی اراکی مطهر تهران است.

ایشان در سال ۱۳۲۶ ق در اراک به دنیا آمده و در زادگاه خود مقدمات و قسمت عمده سطوح را نزد اساتید بزرگ فراگرفته و در سال تاسیس حوزه علمیه قم که آیت‌الله العظمی حایری یزدی مؤسس و بنیان‌گذار حوزه به اصرار قمین و تهرانیان از اراک به قم هجرت کردند و چهل شب تمام ائمه جماعت قم نماز جماعات خود را تعطیل و به ایشان اقتدا نمودند و مواجه با اصرار و ابرام قمین و تهرانیان شدند که باید در قم توطن فرموده و حوزه علمیه اراک را به قم منتقل فرمائید. و ایشان مردد بودند و استخاره کردند که آیا حوزه علمیه را به قم انتقال دهند یا نه پس تفال به قرآن زدند پس باز قرآن مانند همیشه معجزه کرد از آن معجزه‌هاییکه فراموش شدنی نیست زیرا این آیه آمد (و اتونی باهلکم اجمعین) که یوسف به پدر و برادرت پیام داد که من عزیز مصر شدم و همه با خانواده‌هایتان نزد من بیائید و کسی را باقی نگذارید.

مرحوم آقای حایری هم به مفاد همین آیه برای حوزه علمیه اراک نوشتند که همه‌تان با زن و بچه حرکت کنید. مترجم ما در آن موقع شانزده ساله بود و والدش راضی به مسافرت نمی‌شد و از مرحوم آیت‌الله حایری سؤال شده بود ایشان ادامه تحصیل را برای مشتغل واجب عینی می‌دانستند بنابراین تصمیم می‌گیرند که بدون اجازه والدشان به قم بیایند ولی خوشبختانه راضی شده و گریه شوق و رضا نموده پس به قم عزیمت و پس از ورود در سلک مهاجرین الی‌الله در آمده و سطوح را در قم تکمیل و از اول دوره دوم درس اصول آیت‌الله حایری و درس فقه‌شان که (خيارات مکاسب) بود حاضر و استفاده نموده و پیش از آن صبح‌ها در درس مرحوم آیت‌الله یثربی که از مبرزین شاگردان مرحوم آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی بوده بهره‌مند شده و سطح کفایه را در خدمت مرحوم آیت‌الله میرزا محمد ثابتی همدانی خوانده مقداری از فرائد را هم خدمت آیت‌الله حاج سید محمدتقی خونساری و مرحوم آیت‌الله حاج میرزا محمدعلی شاه‌آبادی با منظومه حکمت خوانده و همچنین مکاسب را خدمت این دو بزرگوار استفاده نموده و نیز از محضر مرحوم آیت‌الله حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی مقداری از منظومه حکمت و رسائل شیخ را استفاده نموده و در سال ۱۳۴۳ ق که آیات عظام نجف (مرحوم اصفهانی و نائینی و غیره که تبعید به ایران و قم شده و شروع به تدریس نمودند نسبت به مرحوم آیت‌الله اصفهانی ارادتی شدید داشته‌اند...

سلطنت غاصبانه طاغوتی رضاخان (زندیق) پیش آمد و با آنکه همه طلاب امتحان داده و دارای جواز بودند مامورین جهنم اهل بهشت را تا (در بهشت) علی بن جعفر و حتی خود بهشت (که فرمودند یک در بهشت در قم باز می‌شود) تعقیب می‌کردند و چون مامورین که داخل مدرسه فیضیه می‌شدند طلاب از طبقه دوم اطاق‌ها خود را در رودخانه پرتاب می‌کردند.

عوامل جنایتکار رضاخان به دستور وی با بودن آیت‌الله العظمی حایری و قمی و اصفهانی و سایر آیات کشف حجاب (یا کشف عورت) نموده و حرم حضرت ثامن‌الائمه علیه و علیهم‌السلام را به توپ و تفنگ بسته و هرکس از اهل علم که مأمونی سراغ داشت به آنجا گریخته و مابقی هم در قم در هر دقیقه و ساعتی مواجه با گرگان آدم‌نمای از عمال جنایت کار دولت می‌شدند آقای صدرا در آن موقع از روی اضطراب به اراک رفته و به جهت اداره یتیمانی که عهده‌دار مخارج آنها بود به منبر و وعظ پرداخته و از این راه هم خدمت به عائله والدش نموده و هم بهترین خدمات را در ارشاد مردم به شرع بنماید.

سال ۱۳۵۷ شمسی پیش آمد و فرمان اتحاد شکل و پوشیدن کت و شلوار و کلاه پهلوی به سر گذاردن صادر شده و با گذرانیدن از مجلس شوم قانونی کردند و با هزاران دسایس و وسائل عده‌ای از پوشیدن لباس متحدالشکلی به نام محدث مجتهد - مدرس

طلبه‌ای واجد یکی از سه رتبه باشد و متصدی امور حسیه و امام جماعت و هاخام یهود و کشیش نصاری و مرید زردشتی که تمام آنها هم باید جواز مخصوص از وزارت معرف و علوم آن روز داشته باشند.

خلاصه شرح زندگینامه معظم‌له بسیار و در خور کتاب جداگانه‌ای است و تا جائیکه برای نگارنده امکان داشت فشرده آن را انتخاب و اقتباس نموده و در اختیار عموم قرار دادم مترجم گرامی در شهرستان اراک به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و تنویر افکار و نشر معارف اسلامی و بالخصوص مکتب ولایت پرداخته و خدمات چشمگیری در شهر و حومه آن نموده و آثار خالده‌ای از خود به جا گذارده و پس از آن سفری به تهران نموده و در آنجا روی اصرار و ابرام اراکی‌های مقیم پایتخت اقامت در آن سواد اعظم را اختیار و در مسجد همشهریه‌های خود به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته و باقیات الصالحاتی از خود مانند تاسیس کتابخانه و جمع آوری کتابهای مختلف سودمند و مفید دینی تا حدود نه مغازه کوچک و بزرگ برای تامین مخارج آب و برق و خادم مسجد و مازاد آن برای امام مسجد ساخته و تا کنون از آن بهره‌برداری می‌شود.

آقای صدرا دارای بیانی جامع و قاطع و آموزنده هستند و بسیاری از گم‌گشتگان دینی از مواعظ و اندرزها و خطابه‌های ایشان به راه آمده و متنبه شده و پابند دین و نماز و مبانی دینی گشته‌اند.

دارای طبعی موزن و ذوقی کامل و جالب و ادیبانه و خردمندانه می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۲۰۱-۱۹۴ / ۸، ۳۸۰-۳۷۹ / ۲).

صدراالاطباء حسینی، علی اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مؤلف کتاب «فصول العلاج» در ۱۳۳۵ وفات یافته، قبرش نزدیک فاضلان.
برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

صدراالافاضل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(بخش ۲) لطفعلی بن (میرزا) محمد کاظم امین السفرای شیروانی دانشمند ایرانی (و. ۱۲۷۴ ه.ق. - ف. ۱۳۵۰ ه.ق. / ۱۳۱۰ ه.ش.) وی تحصیلات خود را در مدرسه سپهسالار قدیم تهران به پایان رسانید و علوم معقول را نزد میرزا ابوالحسن جلوه و آقا علی زنوزی آموخت. در عهد مظفرالدین شاه به تعلیم چند تن از شاهزادگان پرداخت و سپس معلم احمد شاه گردید. از آثار اوست: مفتاح خط کوفی، مقدمه اصلاح المنطق، ایضاح الادب.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

صدراالذاکرین، علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۰ - ۱۲۵۱ ق)، عالم، خطیب، ادیب و شاعر، متخلص به واله. در شهر و دیارش به صدرالذاکرین معروف بود. وی یکی از مشاهیر و عاظم و خطیبان بزرگ و از اهل فضل و ادب و کمال بود. از صدرالذاکرین آثار مفید و سودمندی باقی است که همگی دلالت بر گستردگی دانش و مهارتش دارد. در شعر نیز صاحب ذوق و ماهر بود. از آثارش: «توان روان» یا «چهل حدیث در فضائل امیرالمؤمنین (ع)»، به نظم، فارسی؛ «الدیاجه الموضوعه فی تضمین الآیات المؤذونه»؛ «دیوان» شعر یا «دیوان» واله افشار، به فارسی و مرتب بر اساس حروف الفبا.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۲۵۵ / ۹ / ۴۷۵، ۴ / ۴۷۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۶۶ / ۱۴)، علماء معاصرین (۸۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۹۶۲ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰۸ - ۳۰۷ / ۴).

صدرالشریعه بخاری، جمال الدین عبیدالله

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۴۷ ق)، فقیه حنفی، محدث اصولی مفسر حکیم طبعیدان، نحوی، لغوی و ادیب. مشهور به صدرالشریعه اصغر یا صدرالشریعه ثانی. در خانواده‌ای دانشور به دنیا آمد. علوم متداول و مجد و بزرگی را از جدش تاج الشریعه و او نیز از پدر خود صدرالشریعه‌ی اول فرا گرفت. او در حکمت و طبیعیات و اصول فقه و علوم دینی از علمای عصر خویش به حساب می‌آمد. در بخارا در گذشت. وی آثار نفیس جدش، تاج الشریعه، را تنقیح کرد. از آثار اوست: «تعدیل العلوم»؛ «تنقیح الاصول»، در اصول فقه، و شرح آن «التوضیح فی حل غوامض التنقیح»؛ «شرح الوقایه»، شرح کتاب جد خود «وقایه الراویه فی مسائل الهدایه»، در فقه حنفی؛ مختصر «الوقایه»، به نام «النقایه فی مختصر الوقایه»، به نام «النقایه فی مختصر الوقایه»؛ «الوشاح»، در علم معانی و بیان؛ شرح «فصول الخمسین»، در نحو.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۵۴ / ۴)، ریحانه (۴۳۴ - ۴۳۳ / ۳)، کشف الظنون (۲۰۲۱، ۱۲۷۰، ۲۰۱۱، ۱۰۴۷، ۴۹۶، ۴۱۹)، الکنی و الالقاب (۴۱۵ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل / عبیدالله)، معجم المؤلفین (۲۴۶ / ۶)، هدیه العارفین (۶۵۰ - ۶۴۹ / ۱).

صدرالشریعه، محمد صادق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۲۵ ق)، عالم دینی، فقیه و شاعر. معروف به علامه شهریار. پدرش، صدرالعلمای طالقانی، در زمان خودش از مجتهدین و زهاد، و صاحب حواشی بسیار بر کتب ادبی و فقهی و اصولی، و شاگرد مبرز و داماد علامه میرزا محمد تنکابنی صاحب «قصص

العلماء» بود. مادر شیخ محمد صادق، دختر علامه تنکابنی و از زنان دانشمند و صاحب حواشی بر کتب ادبی و «شرح لمعه» بود. محمد صادق در سلیمان‌آباد تنکابن به دنیا آمد. تحصیلات خود را تا «شرح لمعه» و «قوانین»، در تنکابن فرا گرفت. آن‌گاه به قم رفت و سطوح را در خدمت مدرسین حوزه تکمیل و معقول و سایر علوم را از محضر آیت‌الله موسوی و آیت‌الله آقا میرزا محمد علی شاه‌آبادی و آیت‌الله شیخ مهدی پائین شهری استفاده کرد و در درس خارج آیت‌الله حایری و آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله حجت کسب فیض نمود. وی دارای اجازاتی از اساتید و بخصوص ثقه‌المحدثین محدث قمی بود. او برای خدمات دینی و تبلیغ احکام در شهریار اقامت گزید. صدر الشریعه در سرودن اشعار دستی توانا داشت و در هر مقوله اشعاری سروده است. از آثارش: «دیوان» شعر، نزدیک به پنج هزار بیت، با تقریظ جامعه و کاملی از آیت‌الله مرعشی نجفی که روشنگر مقام علمی و ادبی صاحب عنوان است؛ ترجمه‌ی «شرح منظومه حدیث قدسی»، در ده هزار بیت؛ ترجمه و شرح منظوم «مناجات الهیات» موسوم به «افاضات النجفیه و مناجات العلویه»؛ «مولوی نامه» در رد مولوی؛ رساله‌ی منظوم در «جبر و تفویض»؛ کتاب «مراثی»؛ قصایدی در جواب بعضی از سائلین در علم ائمه طاهرین، کتاب «صدر الوقایع»، در واقعات هر روزی از روزهای ماه؛ «تفسیر» فارسی. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: گنجینه‌ی دانشمندان (۴۸۸-۴۸۵ / ۶۷۴، ۷ / ۴).

صدرالعلماء، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت‌الله مرحوم سید محمد بن علامه حاج سید نورالدین سبط‌العلماء المحقق میرزا ابوالقاسم قمی صاحب قوانین در سال ۱۳۰۲ قمری متولد و پس از طی مقدمات و اكمال سطوح سالها از محضر مرحوم آیت‌الله حایری استفاده کرده و پس از ورود آیت‌الله العظمی بروجردی غالباً در منزل معظم له رفته و در مجالس بحث خصوصی و استفتاءات شرکت می‌نمود تا در ۲۳ ماه جمادی‌الاولی ۱۳۷۲ قمری بیست روز پس از فوت مرحوم آیت‌الله حجت بدرود حیات گفته و در ایوان طلای حضرت معصومه علیها‌السلام مدفون گردیده است از نفایس کتابخانه آن مرحوم دیوان اشعار عربی و فارسی به خط و امضاء (ابوالقاسم بن الحسن الجیلانی) جدامی آن مرحوم است که فرزندان وی از این جهت شهرت به میرزائی دارند و در آن قصیده‌ای در رد انکار و مکابره ابن حجر ناصبی عسقلانی است وجود ذیجود حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه الشریف را که طعن بر شیعه زده و می‌گوید:

ما آن للرداب ان یلد الذی

سمیتموه بزعمکم انسانا

پس مرحوم میرزای قمی جدامی مترجم ما در پاسخ آن مردود فرموده:

اف لکم و لقولکم بتعنت

فی جحد نور انور هذیانا

ان الاله قد اختلفی سبحانه

عمن غدا لظهوره عمیانا

هل ینکر النور البهی وانه

حرم الوطاوط در که نقصانا

ام يمنع المزن المهيدب فيضه
 لابل يضىء على الورى لمعانا
 فى ترك حق و اقتناء ضلالة
 فقضيتم استبعادا استحسانا
 انسيتم خضرا و نوحاً و المسيح
 و بجهلكم ارضيتم الشيطانا
 متم بجهل فى امام زمانكم
 عشنا بعلم فيه و الايمان
 عشتم و نورالحق خلف ظهوركم
 متناوب من نورنا تلقانا
 فبقولكم فى الجاهلية بالهدى
 انسيتم العنقاء و الغيلانا
 مولاي روح روحنا بظهوركم
 عجل بروحك روحنا مولانا
 خلص عبيدك عن اذى العدى
 واجعل عنيدك خاسنا لهفانا
 يا رب فاملاء ارضنا بالعدل
 من بعد ما فيها طغوا عدوانا
 برگرفته از كتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

صدراللهی، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن صدراللهی

محل تولد: دامغان

شهرت

تابعیت: ایران

زندگینامه علمی

ایجانب حسن صدراللهی در سن ۸ سالگی به مدرسه ابتدای رستم و در روستای صالح آباد و وکلاء محمد آباد دوران ابتدای را سپری کردم و چند سالی در محیط روستا (حاجی آباد) مشغول کارهای روستای شدم در همان ایام اشعاری را سرودم. اشتیاق زیادی به طلبه شدن داشتم و بارها مطرح می کردم ولی موافقت نمی کردند تا اینکه روزی اشعاری در رابطه با حضرت امام حسین (ع) و حضرت مسلم سرودم شب امام را در خواب دیدم به من فرمود: اگر می خواهی موفق به طلبگی شوی برو در اخر مفاتیح دعای

حاجت را عمل کن، صبح که بیدار شدم نمی دانستم مفاتیح چه کتابی است از روحانی محل به نام آقای راسخی سؤال کردم فرمودند: همین کتاب دعا است. مفاتیح تهیه کردم در آخر آن دعائی است که هر کس حاجتی دارد بنویسد و در رقعہ ای از گل بگذارد و در آب جاری بیاندازد خداوند حاجت او را روا می کند.

آنچه در مفاتیح دستور داده شده عمل کردم، پس از مدتی پدرم بر اساس اصرار بنده رفت خدمت یکی از علماء شهر، به نام خدائی استخاره کرد آن عالم فرمود آیه علم آمده سریع اقدام کن، پدرم دست مرا گرفت و در دست آن عالم فاضل گذاشت. مدت چهار سال در دامغان مدرسه حاج فتحعلی بیک مشغول تحصیل شدم آن عالم خیلی به بنده احترام می گذاشت. پس از دو سال روانه قم شدم و در مدرسه حجتیه در پارک ۱۸ با آقای رفیعی که از طلاب فاضل و متدین بود هم حجره شدم. در واقع او مربی خوبی برای من بود شخصیت طلبگی من در آن زمان شکل گرفت. خاطرات خوشی از آن دوران دارم خداوند جزای خیر به آقای رفیعی دهد.

زمانیکه در قم بودم دوران پرفرازو نشیبی داشتم گاه مریضی و گاه بی پولی، تا جائی که برای امرار معاش در تهران بعضی از تعطیلات کارگری می کردم. و ایام هفته در قم درس می خواندم. روزگار سختی بود. در دوران قبل از انقلاب شور خاصی در رابطه با نشر احکام اسلامی داشتم لذا در قم و شهرستانها کلاسهای قرآن. عقائد سیاسی برگزار می کردم همین امر باعث شد که ساواک مرا تعقیب کند در کرمانشاه، دزفول، دامغان مورد تعقیب قرار گرفتم تا اینکه در یزد خدمت شهید محراب صدوقی رفتم مشکل را بیان داشتم که امنیت ندارم ایشان پرونده ای ترتیب داد که طلبه یزد هستم این کار در واقع راه گم کردن برای ساواک بود و همین کار باعث شد که ساواک نتواند مرا دستگیر کند در این دوران خاطرات تلخ و شیرینی دارم که مجال نوشتن نیست. پس از پیروزی انقلاب احساس می شد که وضعیت تغییر کرده. دیدگاههای انحرافی به وجود آمده و روزبه روز رشد می کند. لذا به فکر افتادم مطالعه عمیقی راجع به کمونیسم و اصطلاحات سیاسی داشته باشم. این کار انجام گرفت. دفترهای مخصوصی در این زمینه ها نوشتم در سالهای اول انقلاب، موسسه در راه حق یک گروه هفتاد نفره به نام گروه (دال) گزینش کردند که دوران بسیار خوبی بود. تا حدودی با ادبیات فارسی، تحلیل مسائل سیاسی، اقتصاد، جامعه شناسی، حقوق، فلسفه غرب آشنا شدم. با دیدن این دوره و تکمیل آن با مطالعه، وارد عرصه تحلیل مسائل سیاسی، اقتصاد، جامعه شناسی، حقوق و غیره شدم. و همین مطالعات باعث شد به دانشگاه راه پیدا کنم.

مدت ۱۳ سال در دانشگاه حقوق، فقه، اصول، ادبیات عرب تدریس کردم تا این که در سال ۷۸ همسرم دچار عارضه قلبی شد لذا نتوانستم به دانشگاه ادامه دهم. در حوزه مشغول تحقیق شدم و بعضی از نقدهای اینجانب به دیدگاهها در حوزه نشر شد. تا اینکه دفتر حضرت آیت الله فاضل لنکرانی (محمد جواد فاضل) از بنده دعوت کرد که بخشی در مرکز فقهی راه اندازی کنم تحت عنوان شبها فقه و اصول.

این کار ابتکاری را شروع کردم شبها ابواب فقه بر اساس کتاب شرایع جمع اوری شد به اضافه شبها جدید. شبها در اختیار دانش پژوهان قرار میگیرد. پس از بررسی خلاصه جواب به نام محقق ثبت می شود و هم اکنون عضو گروهی هستم که در زمینه های علمی فعالیت دارند و در کنار جامعه مدرسین هستیم.

صدرالمعالی شیرازی حائری، حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۹۶ ش)، نویسنده و مترجم. در تربت حیدریه وفات یافت و همان جا دفن شد. از آثار وی: «یوسه‌ی عذرا»، ترجمه؛ «کشف الاسرار»، ترجمه؛ «مبدا ترقی». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۶۳۴ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۷۶۹ / ۲).

صدرایی اشکوری، محمد علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۳۰ ق)، فقیه، خطیب و واعظ. سبط سید محمد صدرایی حسینی است. در نجف به دنیا آمد. در ۱۳۴۵ ق به اتفاق پدرش از نجف به ایران آمد و در شهر لنگرود ساکن شد. بعد از آن به قم رفت و ادبیات را نزد شیخ محمد رضا اعمی و شیخ ابوالقاسم نحوی خواند و سطوح را از آقا شیخ عباس تهرانی و آقا نور خمینی و ادیب تهرانی و آیت‌الله مرعشی نجفی و آیت‌الله حاج شیخ عباسعلی شاهرودی آموخت. معقول را خدمت امام خمینی و سطوح عالی را در خدمت آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله سید محمد تقی خواسناری و آیت‌الله سید احمد خوانساری و میرزا محمد همدانی و «اسفار» و «خلاصه الحساب» را خامت شیخ ابراهیم نجف‌آبادی و تفسیر را نزد اشراقی بزرگ و حاج سید تقی اصفهانی و رجال و حدیث را نزد شیخ عبدالرحیم فصول خواند. سپس به تدریس ادبیات و سطوح پرداخت. درس خارج را از محضر آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت و آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری فرا گرفت و مدت یک سال در حوزه‌ی درس فقه و اصول آیت‌الله بروجردی شرکت نمود تا به مدارج عالی علم و اجتهاد رسید. صدرایی از مراجع بزرگی همچون آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله حجت و آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله صدر اجازه‌ی اجتهاد گرفت، آن‌گاه به موطن خود گیلان بازگشت و به خدمات دینی و تبلیغات مذهبی پرداخت. از آثارش: «حقایق اسلام»، مجموعه سخنرانیهای صدرایی در رادیو تهران؛ «وظائف ایرانیان در موقع انتخابات»؛ کتاب «معارف اسلام»؛ «پرتو حق در زندگانی علی بن ابی طالب (ع)»؛ رساله‌ای در «رد مذهب و مرام کمونیسم و عقاید کارل مارکس و لنین و مکتب دیالکتیک مارتیالیست»؛ تفسیر «سوره‌ی یس»؛ «روح اسلام»؛ «رساله نبویه»، در رد اعتراضات مسیحیان به دین اسلام؛ «سفر نامه‌ی مکه»؛ «بوستان اسلامی»؛ «دیوان» شعر به نام «گلزار احمدی»؛ «هفته نامه‌ی طلوع اسلام».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: گنجینه‌ی دانشمندان (۳۸۲-۳۸۰ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۹۵-۲۹۴ / ۴).

صدرایی، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق، نویسنده.

تولد: ۱۲۸۱، تبریز.

درگذشت: ۱۳۶۲، تبریز.

ابوالقاسم صدراپی در مدرسه‌های اتحادیه نوبر، فیوضات تمدن و محمدیه تحصیل نمود. در سال ۱۳۰۰ وارد خدمت وزارت فرهنگ شد و در کلاس‌های متوسطه تبریز به اشتغال داشت. تا سال ۱۳۱۶ در دارالمعلمین تبریز و دبیرستان فردوسی و دارالمعلمیات تبریز و سپس به دبیری دانشسرای ایران دخت و شاهدخت انجام وظیفه نمود. در سال ۱۳۲۵، به ریاست دانشسرای دختران تبریز منتقل و سه سال بعد به ریاست دایره‌ی تبلیغات و انطباعات اداره‌ی فرهنگ تبریز انتقال یافت و ضمناً در دانشسرای پسران و دبیرستان فردوسی نیز معلم بود. وی مدت پانزده سال سردبیری و مدیریت و کفالت روزنامه‌ی «تبریز» را به عهده داشت و همچنین در این بین سردبیری روزنامه‌ی «آریا» و سردبیری و مدیریت روزنامه‌ی صدای آذربایجان را دارا بود. طبع شعری هم داشت و اشعاری هم می‌سرود. از آثار وی است املاء فارسی نو (تبریز، ۱۳۱۵)؛ انگشتر الماس (دو جلد)؛ تاریخ ایران (تبریز، ۱۳۴۷ ق.)؛ تاریخ فرهنگ آذربایجان (دو جلد تبریز، ۱۳۳۴-۱۳۳۲)؛ ترش و شیرین (تبریز، ۱۳۱۹)؛ تفریحات علمی (دو جلد)؛ جغرافیا (دوره‌ی اول، ۱۳۴۳)؛ دختران سپهر (چهار جلد تبریز)؛ دستور نگارش؛ املاء (تبریز، ۱۳۱۹)؛ دستور نویسندگی (تبریز، برای کلاس پنجم و ششم، ۱۳۳۳)؛ شهر کامرانی (تبریز)؛ نوای دل (مجموعه‌ی شعر، تبریز، ۱۳۲۳)؛ نوشتن (مجموعه بیست داستان ادبی، با مشارکت مهدی روشن ضمیر، عبدالعی کارنگ، تبریز ۱۳۳۶).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

صدر خانلو، رجبعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۴۲، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بافت‌شناسی، دانشکده: دامپزشکی، دانشگاه: ارومیه.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای دامپزشکی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۰، کارشناسی ارشد جنین‌شناسی از اسکاتلند در سال ۱۳۵۹ و دکترای تخصصی بافت‌شناسی مقایسه‌ای از دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۶.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده دامپزشکی دانشگاه ارومیه.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی میکروسکوپی روده باریک شتر، انتقال جنین و تدریس بافت‌شناسی، جنین‌شناسی هیستوتکنیک و بافت‌شناسی پیشرفته در دانشگاه‌های علوم پزشکی اهواز و ارومیه، استاد راهنمای ۵ پایان‌نامه دکترای پزشکی و تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

Evidence for Wide atresia in the hypoa rat تأثیر GNRH در ایجاد اترزی نوکلیدهای تخمدان و مقالات

تخصصی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

صدر قیصر، جلیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: پروتزه‌های دندان، دانشکده: دندان پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

صدر هاشمی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۴ - ۱۲۸۴ ش)، مترجم، نویسنده، روزنامه‌نگار و مورخ. در اصفهان به دنیا آمد. پس از تحصیل علوم قدیم و جدید در ۱۳۱۶ ش موفق به دریافت لیسانس از دانشسرای عالی و دانشکده‌ی ادبیات گردید. سپس به خدمت وزارت فرهنگ در آمد و عهده‌دار مشاغل مختلفی در آن وزارتخانه شد، از جمله: ریاست یکی از دبیرستانهای زنجان، بازرس فنی، ریاست دبیرستان فرهنگ اصفهان. صدر هاشمی موفق شد که قبر صائب تبریزی را در اصفهان شناسایی کند و در این باره مقاله‌ای بنویسد. در ضمن او روزنامه‌ی «چهلستون» را به طور هفتگی به مدت پنج سال منتشر کرد. از آثار وی: «تاریخ جراید و مجلات ایران»، «تاریخ تمدن اسلام و عرب»، ترجمه؛ «تاریخ کربلا- و حائر حسین (ع)»، ترجمه؛ «شعر و شاعری در عصر صفوی»، «عشاق قندهار»، ترجمه؛ تصحیح «قصص الخاقانی»، در تاریخ صفویه، اهتمام در چاپ «تذکره الانساب»، در انساب خاندان مجلسی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ جراید و مجلات (۱/ سه- هفت)، تذکره القبور (۴۹۱)، الذریعه (۱۰۷ - ۱۰۶ / ۱۷)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۹۸ - ۱۹۷ / ۴)، فهرست کتابهای چاپی (۲۱۵۱ / ۲، ۷۴۰، ۶۹۰ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۳۶ - ۵۳۵ / ۵)، یادگار (س ۳، ش ۴، ص ۳۸ - ۳۴).

صدری، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: رادیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

صدوریه، زینب

قرن: ۱۱

جنسیت: زن

ملیت: ایران

(وف ۱۰۹۷ ق)، عالم، متکلم، فیلسوف، عارف و زاهد. وی خواهر بدریه و زبیده، و همسر ملا محسن فیض کاشانی بود. زینب نزد برادرش، میرزا ابراهیم، علم و دانش آموخت و در کنار پدر خور، صدر المتألهین، و همسر خود، فیض کاشانی، به تکمیل علوم پرداخت. او از همسرش دارای سه فرزند به نامهای محمد علم الهدی و محمد نور الهدی و احمد معین الدین شد که همگی از علمای زمان خود بودند و شرح آن در مقدمه کتاب «معادن الحکمه» آمده است. [۱]

۲۰ جمادی الاولی ۱۰۰۷ ق، زینب، از زنان عالم، متکلم، فیلسوف، عارف، زاهد و سخنور. وی دختر ملاصدرای شیرازی (۱۰۵۰ ق) و خواهر بدریه و زبیده و همسر ملا- محسن فیض کاشانی (۱۰۹۱- ۱۰۰۷ ق) بود. زینب نزد برادرش میرزا ابراهیم علم و دانش آموخت و در کنار پدر و همسرش به تکمیل علوم پرداخت. او از همسرش دارای سه فرزند شد که همگی از علمای زمان خود بودند. [۲]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: [۱] مستدرکات اعیان (۸۴- ۸۳ / ۳)، مشاهیر زنان (۱۴۲)، معادن الحکمه (مقدمه)، مفاخر اسلام (۳۵- ۳۴ / ۷).

[۲] منبع: اعیان الشیعه (مستدرکات)، ۸۴- ۸۳ / ۳؛ مفاخر اسلام، ۳۵- ۳۴ / ۷.

صدقه

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کنیه او ابوسهل است شیخ نجاشی در رجال و علامه در خلاصه وی را به قدمت سماع حدیث وصف کرده‌اند و علامه گوید که او از ثقات اخیار و نیکو حال و درست حدیث بوده است و فاتهش در سال ۳۰۱ بوده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

صدقی شبستری، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۸، مرتبه علمی: استاد، رشته: انگل شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۳۴ و فوق تخصص طب گرمسیری و انگل شناسی از دانشگاه پاریس در سال

۱۳۴۲.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه تبریز از سال ۱۳۴۳ تا سال ۱۳۵۱، استاد دانشگاه تبریز از سال ۱۳۵۱ تا کنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی توکسوپلاسموزیس در بیماران خونی، استاد راهنمای ۱ پایان‌نامه دکترای علوم آزمایشگاهی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

انگل‌شناسی پزشکی، کرمها و عفونت‌های کرمی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی:-، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

صدقیان، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۱، مرتبه علمی: استاد، رشته: پاتولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۳۹.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تبریز از سال ۱۳۴۳، تا سال ۱۳۴۸، دانشیار دانشگاه تبریز از سال ۱۳۴۷ تا سال ۱۳۶۸، استاد دانشگاه تبریز از سال

۱۳۶۸.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

سرطانهای مری، پاتولوژی دهانه رحم و تدریس پاتولوژی در دانشگاه علوم پزشکی تبریز.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

پاتولوژی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۶، تعداد مقالات به زبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

پاتولوژی، یک مورد سرطان روده باریک در دختر بچه ۱۱ ساله، یک مورد کیست هیداتیک.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

صدقیانی، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مدرس، مترجم.

تولد: ۱۳۰۲، سبزوار.

درگذشت: ۱۳۶۲.

محمد تقی (امیر) صدقیانی پس از طی دوره تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۲۵ موفق به دریافت دانشنامه‌ی لیسانس در رشته‌ی زبان و ادبیات انگلیسی از آن دانشگاه گردید. وی از سال ۱۳۲۵ با سمت خراسان استخدام شد. سپس از سال ۱۳۳۱ در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه مشهد و از سال ۱۳۴۷ در دانشگاه تهران به تدریس زبان انگلیسی پرداخت.

از جمله آثار وی است: ترجمه کتاب شیوه‌های نقد ادبی (با همکاری غلامحسین یوسفی، این کتاب برگزیده‌ی ششمین دوره‌ی کتاب سال شد)، جزوه‌های گرامر انگلیسی.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

صدقیانی، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدتقی صدقیانی در سال ۱۳۰۲ در شهر سبزوار دیده به جهان گشود. پس از طی دوره‌ی تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۲۵ موفق به دریافت دانشنامه‌ی لیسانس در رشته‌ی زبان و ادبیات انگلیسی از آن دانشگاه گردید. ایشان در دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد و بعد در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت. وی در سال ۱۳۶۲ دعوت حق را اجابت کرد و به سرای جاوید شتافت. ترجمه کتاب "شیوه‌های نقد ادبی" مرحوم محمدتقی صدقیانی، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه: علوم انسانی‌رشته: زبان و ادبیات انگلیسی‌تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: محمدتقی صدقیانی پس از طی دوره‌ی تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۲۵ موفق به دریافت دانشنامه‌ی لیسانس در رشته‌ی زبان و ادبیات انگلیسی از آن دانشگاه گردید. زمان و علت فوت: محمدتقی صدقیانی در سال ۱۳۶۲ دعوت حق را اجابت کرد و به سرای جاوید شتافت. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: محمدتقی صدقیانی از سال ۱۳۲۵ با سمت دبیر تاریخ و ادبیات انگلیسی در فرهنگ خراسان استخدام شد. سپس از سال ۱۳۳۱ در دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد و از سال ۱۳۴۷ در دانشگاه تهران به تدریس زبان انگلیسی پرداخت. جوایز و نشانها: ترجمه کتاب "شیوه‌های

نقد ادبی " محمد تقی صدقیانی ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. چگونگی عرضه آثار : مرحوم صدقیانی به تاریخ و ادبیات و گرامر زبان انگلیسی تسلط کامل داشت. جزوات گرامر انگلیسی که بوسیله ایشان تهیه و تدوین شده بود گویای این مدعاست. کارهای ترجمه آن مرحوم بیشتر به صورت پراکنده موجود است و به ندرت چاپ و منتشر شده است. مهمترین اثر ترجمه‌ای نامبرده ترجمه کتاب شیوه‌های نقد ادبی است که با همکاری و مساعدت دوست دانشمند خود دکتر غلامحسین یوسفی آن را به اتمام رسانید. آثار : شیوه‌های نقد ادبی و ویژگی اثر : ترجمه-با همکاری و مساعدت دکتر غلامحسین یوسفی آن را به اتمام رسانید-این کتاب در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.

صدوقی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم اسلامی.

تولد: ۱۲۸۷ (۱۳۲۷ ق.)، یزد.

شهادت: ۱۱ تیر ۱۳۶۱، یزد.

آیت‌الله محمد صدوقی، از احفاد شیخ صدوق صاحب من لا یحضره الفقیه، در کودکی پدر و مادر خود را از دست داد و تحت سرپرستی آیت‌الله حاج شیخ محمد کرمانشاهی (پسر عموی وی) قرار گرفت. تحصیلات مقدماتی و قسمتی از سطوح را نزد اساتید آن شهر فراگرفت و در سال ۱۳۴۸ ق. به اصفهان رفت و در آنجا مدتی به تحصیل مشغول شد. سرمای تاریخی ۱۳۴۸ ق. اصفهان باعث شد از اصفهان به یزد رود و مجدداً در ذی‌الحجه سال ۱۳۴۹ ق. برای پایان تحصیل با خانواده‌ی خود به قم حرکت نمود. اساتید سطوح عالی و عبارت بودند از آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری، آیت‌الله سید حسن صدر، آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای. وی پس از اتمام دروس سطح و مقارن با شروع مدارج عالی و نیل به درجه اجتهاد، شروع به تدریس اصول فقه و سایر دروس پرداخت. همچنین سرپرستی حوزه را از حیث امور مالی حوزه و رتق و فتق امور متفرقه طلاب را به عهده داشت. آیت‌الله صدوقی در دورانی که فدائیان اسلام مبارزه خود را آغاز کردند، از آنها حمایت نمود و حتی سید مجتبی نواب صفوی و سید عبدالحسین واحدی را در منزل خود پناه داد. در سال ۱۳۷۱ ق. بعد از پایان تحصیل جهت دیدار خانواده خود به یزد عزیمت نمود و همان جا ساکن شد.

از جمله خدمات آیت‌الله صدوقی ایجاد مراکز فرهنگی و خیریه‌ای مانند مسجد حظیره، کتابخانه سریزدی مدرسه عبدالرحیم خان، مدرسه صدوقی در مشهد و مؤسسات خیریه در قم و اماکن دیگر است.

مجموعه اطلاعیه‌ها، پیام‌ها و سخنرانی‌های ایشان توسط مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تحت عنوان مجموعه اطلاعیه‌های سومین شهید محراب حضرت آیت‌الله صدوقی از قبل از انقلاب اسلامی تا زمان شهادت در سال ۱۳۶۲ به چاپ رسیده است.

آیت‌الله صدوقی، در یازدهم تیر ۱۳۶۱ (برابر با دهم رمضان ۱۴۰۲ ق.) پس از ادای نماز جمعه در یزد و در میان مردم به دست منافقین شهید شد.

آقای حاج شیخ محمد صدوقی بن العالم الجلیل میرزا ابوطالب بن العلامه میرزا محمدرضا مجتهد کرمانشاهی اول عالم و دانشمند

معاصر یزد می‌باشد.

پدران این عالم بزرگوار که از احفاد صدوق الطائفه جناب ابی جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق صاحب من لایحضره الفقیه و صدها کتاب دیگر همگی از دانشمندان مبرز و علماء زبردست شیعه بوده‌اند.

جد دوم ایشان مرحوم آیت‌الله آخوند ملا محمد مهدی فرزند آخوند ملا محمد کرمانشاهی در زمان فتحعلیشاه قاجار از کرمانشاه مهاجرت به یزد نموده و خاندان صدوقی یزد را تشکیل داده است.

تاریخ ورود ایشان به یزد در دست نیست ولی سال فوت به موجب لوح قبری که در مزار بزرگ یزد معروف به (جوی هرهر) است از این قرار است.

هذا مغرب شمس الهدایه و الکمال و مغیب بدر الحکمه و الافضال قطب فلک العرفان و نقطه دائره المعرفه و الایقان مجمع الخصوصیات العلیه و منبع الافاضات السنیه جامع مراتب الحکمه و الاجتهاد و حاوی مسالک الهدایه و الرشاد افضل الفضلاء السابقین و اعلم العلماء اللاحقین فی بیضه الاسلام والدین و محکم احکام رب العالمین الذی کان فی مقام التحقیق نطوق کیف و هو من نجل الصدوق عمده المحققین و زبده المدققین الواصل الی جوار رحمه الله الملك الغنی مولانا ملا محمد مهدی الکرمانشاهی اعلى الله مقامه فی شهر جمادی الثانیه من شهر ۱۲۳۶:

و در سفرنامه مرحوم آیت‌الله آقا محمدعلی بن آیت‌الله علی الاطلاق آقا محمدباقر وحید بهبهانی این جمله قید شده است که در یزد وارد بر آقای آخوند ملا محمد مهدی کرمانشاهی شده و شرح مفصلی در خصوص یزد و اخلاق اهالی آن نگاشته است.

خلاصه مترجم معظم ما در هشتم صفر سال ۱۳۲۶ قمری در یزد متولد و تحصیلات مقدماتی و قسمتی از سطوح را در نزد اساتید آن شهرستان تلمذ نموده و در سال ۱۳۴۸ به اصفهان عزیمت و چندی در آنجا در خدمت استادان آن سامان درس خوانده و سرمای تاریخی زمستان و طاقت فرسای سال ۴۸ که در اصفهان و سایر شهرستانهای ایران حکمفرما شده ایشان را مجبور کرد که از اصفهان به یزد مراجعت و مجدداً در ذی‌الحجه ۱۳۴۹ ق برای پایان تحصیل با عائله خود به قم حرکت نموده و اساتید سطوح عالی را درک و از محضر و درس مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله صدر و آیت‌الله حجت قدس الله اسرارهم استفاده نموده و هم سطوح عالی را تدریس تا در سال ۱۳۷۱ ق برای دیدن ارحام به یزد عزیمت نموده و با استقبال کم نظیری وارد یزد و پس از چند روزی تصادفاً پدر همسر ایشان مرحوم حجه الاسلام آقا میرزا محمد کرمانشاهی که از علماء و ائمه جماعت یزد بودند وفات و به درخواست و اصرار مردم یزد عزم رحیلش بدل به اقامت گردیده و تا حال تحریر مرجع بزرگ و مطلق امور دینی مردم یزد و حومه آن می‌باشند.

نگارنده گوید: آیت‌الله صدوقی از دانشمندان کم نظیر معاصر ما در فضل و اخلاق و علم و عمل و تقوی و دیانت و پاکدامنی و اصالت خانوادگی و دارای محامد آداب و محاسن اخلاق و صفات حمیده و فضائل نفسانی می‌باشند و اکنون سرپرستی حوزه علمیه یزد را به عهده دارند و به عموم محصلین مدارس یزد ماهیانه و شهریه می‌پردازند.

آثار و باقیات الصالحات بسیاری در یزد و نقاط دیگر دارند که به آنها اشاره می‌شود.

۱- مسجد حظیره که با طرز جالب و زیبایی تعمیر نموده و اکنون در آن در ظهر و شب اقامه جماعت می‌نمایند.

۲- کتابخانه سریزدی مدرسه عبدالرحیم خان

۳- تجدید بناء و تعمیر و توسعه مدرسه مزبور که در شرف ویرانی بود.

۴- مدرسه صدوقی در مشهد مقدس رضوی

۵- موسسات خیری در شهرستان قم و اماکن دیگر.

دارای فرزند برومند فاضلی به نام ثقة الاسلام و زبده الفضلاء الکرام آقای آقا شیخ محمدرضا صدوقی می‌باشد که از جمله محصلین

مهدب حوزه علمیه قم و در روحیات و فضائل اجتماعی نسخه ثانی آن پدر بزرگوارند.

و نیز دامادهای دانشمند چندی دارند که در میان آنان حضرت مستطاب حجة الاسلام و عمادالاعلام آقای حاج شیخ محمود جعفری تبریزی مشهور همگان و در میان اصحاب و خواص یاران آیت الله العظمی شریعتمداری در فضل و تقوا و پاکدامنی مشارالیه بالبنان می‌باشند.

نگارنده گوید: جناب آقای جعفری که بیش از سی سالست ایشان را می‌شناسم و در زمان حیات و ریاست مرحوم آیت الله العظمی حجت ره از خواص اصحاب و ملازمین آن مرحوم بودند و به درس فقه و اصول ایشان شرکت داشتند از همان تاریخ موصوف به تقوا و متانت بودند و هیچ مکروهی از ایشان ندیده و نشنیده‌ام و پس از فوت مرحوم آیت الله حجت بنا بر خواسته آیت الله شریعتمداری متصدی بعضی از کارهای معظم له گردیده و تاکنون موفق و مورد توجه و علاقه عموم محصلین و زعماء و مراجع حوزه علمیه و بالاخص زعیم روشن و مرجع بزرگوار چو آیت الله العظمی شریعتمداری مدظله العالی می‌باشند.

(۱۳۶۱ - ۱۲۸۷ ش)، عالم دینی و فقیه. گویند اجدادش از فرزندان گان شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی بوده‌اند. در یزد به دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی و قسمتی از سطوح را در مدرسه عبدالرحیم خان نزد اساتید زمان تلمذ نمود. در ۱۳۴۸ ق به اصفهان رفت و چندی در خدمت استادان آن شهر درس خواند. زمستان همان سال از اصفهان به یزد مراجعت کرد و در ۱۳۴۹ ق برای تکمیل تحصیلات با خانواده‌ی خود به قم رفت و اساتید سطوح عالی را درک و از محضر درس آیت الله حائری و آیت الله خوانساری و آیت الله صدر و آیت الله حجت استفاده نمود و همچنین سطوح عالی را تدریس کرد. ساله مقسم شهریه آیت الله صدر و آیت الله بروجردی بود. از ۱۳۷۱ ق در یزد اقامت گزید و مرجع امور دینی مردم گشت. وی پس از ایراد خطبه‌های نماز جمعه یزد بر اثر انفجار نارنجک به شهادت رسید. از آثار وی: تعمیر مسجد حظیره، احداث کتابخانه‌ی مدرسه‌ی عبدالرحیم خان؛ تجدید بناء و تعمیر و توسعه مدرسه‌ی عبدالرحیم خان، احداث مدرسه‌ی صدوقی در مشهد مقدس رضوی؛ ایجاد موسسات خیریه در شهرستان قم و اماکن دیگر. از آثار علمی‌اش: «حدیث کساء»؛ «قصد السبیل»، در امر بین الامرین. [۱]

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه: [۱] آثار الحجه (۳۹۳ - ۳۹۱ / ۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۴۵ - ۴۴۲ / ۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۳۷ - ۵۳۶ / ۵).

صدیق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام آقای حاج شیخ علی محمد صدیق از فضلاء تلامذه و شاگردان مخصوص آیت الله العظمی مرعشی نجفی دارای مقام فضل و کمال و علم و عدالت است در سال ۱۳۴۳ قمری متولد گردیده و دروس مقدمات و سطوح عالی را نزد مدرسین بزرگ حوزه مخصوصا آیت الله العظمی بروجردی هم حاضر شده و پس از فوت آن مرحوم منحصرأ به درس فقه و اصول آیت الله العظمی مرعشی نجفی مدظله و تا هم اکنون حاضر می‌شود و مورد وثوق و اعتماد معظم له می‌باشند. و از طرف آن جناب سرپرست و متصدی مدرسه مؤمنیه آیت اللهی است که با اخلاصی وافر این خدمت را انجام داده و مدرسه را متظم نموده و تربیت محصلین آنجا را می‌نماید ادام الله توفیقاته.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

صدیق اعلم، عیسی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۷۳ ش)، مؤسس دانشگاه تهران، استاد دانشگاه، مترجم و نویسنده. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران به پایان رساند و در ۱۲۹۰ ش عازم فرانسه شد و در ۱۲۹۷ ش دوره‌ی دانشسرای و رسای را به اتمام رساند و از دانشگاه پاریس، دانشنامه‌ی لیسانس در رشته‌ی ریاضی گرفت. چندی نیز در دانشگاه کمبریج به مطالعه و تدریس پرداخت. در ۱۲۹۷ ش به ایران مراجعت کرد و تا ۱۳۰۹ ش مشاغل مختلفی را به عهده داشت، از جمله: بازرس مدراس متوسطه و عالی، ریاست فرهنگ گیلان، ریاست تعلیمات عالی، معلمی دارالفنون و دارالمعلمین مرکزی و مدرسه‌ی حقوق، و مدتی نیز مدیر داخلی روزنامه‌ی «مرد آزاد» بود. در ۱۳۰۹ ش به دعوت دانشگاه کلمبیا برای مطالعه‌ی فرهنگ آمریکا به نیویورک رفت و از آن دانشگاه موفق به اخذ درجه‌ی دکترا در فلسفه گردید و پس از بازگشت به ایران مأمور تأسیس دانشگاه تهران شد و تا ۱۳۱۹ ش ریاست و استادی دانشسرای عالی، دانشکده‌ی ادبیات و دانشکده‌ی علوم به عهده‌ی وی بود. او چندین بار به وزارت فرهنگ انتخاب شد. وی سرانجام در تهران درگذشت. از آثارش: «اصول تدریس حساب و حل مسائل فکری»؛ «اصول تعلیم و تربیت»، ترجمه، «تاریخ فرهنگ اروپا از آغاز تا عصر حاضر»؛ «حقوق بین‌الملل»؛ «شرح حال و شخصیت و آثار فردوسی»؛ «صنایع ایران در گذشته و در آینده»، ترجمه؛ «یکسال در آمریکا».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۹۰ / ۱۵، ۱۷۹ / ۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۰۵ - ۲۰۰ / ۴)، فهرست کتابهای چاپی (۳۴۵۱ / ۲ / ۲۵۱ / ۲۴۹، ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۲۷)، مؤلفین کتب چاپی (۶۵۴ - ۶۵۰ / ۴).

صدیق الاطباء لقمانی، محمد صادق

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند سید محمدباقر بن محمد صادق موسوی.

در ربیع الاول ۱۲۹۶ متولد، و در پنجم جمادی الاولی سال ۱۳۷۴ وفات یافته، در اطاق تکیه‌ی کازرونی مدفون گردید. طب جدید و قدیم را نزد اساتید فن آموخته، طبیبی حاذق به شمار می‌رفت. سال‌ها به معالجه‌ی بیماران پرداخته، در رشته‌ی عرفان وارد شده، از سلسله‌ی نعمت‌اللهیه‌ی گنابادی به شمار می‌رفت. صوفی صافی ضمیر و متعصب بود. از آثارش رساله‌ای در وبا به طبع رسیده است.

ماده تاریخ وفاتش را ادیب گرانمایه میرزا حسن بهنیا گوید:

به جمع آورد سر جبریل و گفت از بهر تاریخش

بجنت کرد ماوی صادق صدیق لقمانی

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

صدیق الحکماء، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، پزشک، مترجم و نویسنده. از آثار وی: «اصول طب جدید»، «حفظ الصحه»، «هدایه التلقیح»، «معرفه السل»، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی (۱۱۷۸، ۲۵۹ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۷۴-۱۷۳ / ۳).

صدیقی، اسماعیل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اسماعیل صدیقی

محل تولد: خشکیجار رشت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب اسماعیل صدیقی متولد ۱۳۴۳ در شهر خشکیجار رشت به دنیا آمدم و از سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه شدم و مشغول تحصیل در حوزه، پس از اتمام سطح به مدت ۷ سال در درس خارج محضر آیات عظام تبریزی، فاضل لنکرانی، سبحانی، مکارم شیرازی حفظهم الله شرکت کردم و تا حال ۶ کتاب تألیف نموده ام در انتشاراتی های مختلف قم به چاپ رسیده است.

صدیقی، غلامحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مدرس، جامعه شناسی، محقق.

تولد: آذر ۱۲۸۴، تهران.

درگذشت: ۹ اردیبهشت ۱۳۷۰.

غلامحسین صدیقی، فرزند حسین اعتضاد دفتر، تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در تهران در مدارس علمیه، آلیانس و

دارالفنون گذراند و سپس در سال ۱۳۰۹ برای ادامه‌ی تحصیل جزو دومین گروه دانشجویان اعزامی به اروپا به فرانسه رفت. در آنجا پس از گذراندن دوره‌ی دانشسرای سن کلو و دانشگاه پاریس به اخذ لیسانس و دکترای ادبیات در رشته‌ی فلسفه و جامعه‌شناسی نایل آمد. رساله‌ی دکترای او با عنوان جنبش‌های دینی ایرانی در قرن‌های دوم و سوم هجری در سال ۱۹۳۸ (۱۳۱۷) به زبان فرانسوی در پاریس به چاپ رسید (این کتاب در سال ۱۳۷۲ در تهران به چاپ رسیده است). در سال ۱۳۱۶ به ایران بازگشت و با درجه‌ی دانشیاری در دانشگاه تهران به تدریس تاریخ فلسفه‌ی قدیم و جامعه‌شناسی پرداخت، مدتی بعد هم به مقام استادی دانشکده‌های ادبیات معقول و منقول (الهیات و معارف اسلامی) نایل آمد. چندی نیز مدیر کل دانشگاه و چند دوره نماینده‌ی دانشکده‌ی ادبیات در شورای دانشگاه بود. او همچنین در تأسیس انجمن آثار ملی مؤثر بود، و بعدها به ریاست انجمن رسید. او عضو کمیسیون ملی یونسکو و کنگره هزاره ابن سینا بود، و از ۱۳۲۶ الی ۱۳۲۹ در تنظیم مدخل‌های حروف «پ» و «ث» لغت نامه دهخدا فعالیت کرد، در واقع او یکی از پنج نفری بود که همراه خان بابا بیانی، ذبیح‌الله صفا، محمد معین و عبدالحمید اعظمی زنگنه پس از تصویب ماده واحده مربوط به چاپ لغت نامه در چاپخانه مجلس شورای ملی در اواخر ۱۳۲۴ به همکاری با دهخدا انتخاب شد.

وی در سال ۱۳۳۰ در هیئت دولت دکتر محمد مصدق به عنوان وزیر پست و تلگراف منصوب شد و پس از مدتی تا سال ۱۳۳۲ وزیر کشور این هیئت دولت بود. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دستگیر گردید و مدت پانزده ماه در زندان به سر برد. اما پس از آزادی چهار بار دیگر هم به زندان افتاد.

از جمله فعالیت‌های وی در زمینه‌ی فرهنگی تأسیس مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات اجتماعی در سال ۱۳۳۷ است. این مؤسسه در سال ۱۳۵۱ به دانشکده‌ی علوم اجتماعی تبدیل شد.

دکتر غلامحسین صدیقی همچنان در طول سال‌های عمر خود چندین بار نماینده ایران در کنفرانس‌های بین‌المللی تعلیم و تربیت و یونسکو انتخاب شد. تألیفات وی از این جمله است: از طائیس تا سقراط، گزارش سفر هند (۱۳۲۶)؛ چاپ متن عربی رساله‌ی سرگذشت ابن سینا و چند رساله‌ی دیگر منسوب به ابن سینا. وی همچنین مقدمه‌ای بر کتاب اصول حکومت آتن (تألیف ارسطو و با ترجمه و تحشیه‌ی باستانی پاریزی) نوشته است.

دکتر غلامحسین صدیقی پس از تحمل یک دوره بیماری در نهم اردیبهشت ۱۳۷۰ درگذشت.

از فلاسفه و دانشمندان و استادان مسلم دانشگاه است. در ۱۲۸۴ ش تولد یافت. پس از انجام تحصیلات مقدماتی و فقه و اصول و ادبیات در تهران به اخذ دیپلم نائل آمد و از طرف دولت برای ادامه‌ی تحصیلی به فرانسه اعزام شد و در رشته‌ی فلسفه لیسانس و دکترا اخذ کرد. پس از مراجعت به ایران به دانشیاری و سپس استادی دانشکده‌ی ادبیات برگزیده شد و سالیان دراز در آن دانشکده تدریس می‌نمود. در ۱۳۳۰ در کابینه‌ی دکتر محمد مصدق، ابتدا وزیر پست و تلگراف و بعد وزیر کشور بود و تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در آن سمت باقی ماند. پس از سقوط مصدق، دو روزی به حال اختفاء می‌زیست تا اینکه به اتفاق مصدق و شایگان، خود را به حکومت جدید معرفی کرد، چند روزی در باشگاه افسران، سپس در زندان لشکر ۲ زرهی زندانی بود. همزمان با محاکمه‌ی مصدق در دادگاه نظامی او هم محاکمه شد و چندی در زندان بود و او را از کار دانشگاهی اخراج کردند ولی مجدداً به کار خود بازگشت و شغل استادی را تا سنین بازنشستگی ادامه داد. ریاست گروه فلسفه و روانشناسی با او بود.

دکتر غلامحسین صدیقی مردی به تمام معنی صدیق و متقی و دانشمند و در عین حال سختگیر و بدون گذشت بود. در وطن‌خواهی و علاقه‌ی او به کشور هیچ کس تردید ندارد. او عضویت جبهه ملی را پذیرفت و تا پایان عمر بدان عقیده باقی ماند. در اواخر دوران حکومت شاه هر موقع سخن از نخست‌وزیر ملی می‌شد، نام صدیقی مترادف آن بود. شاه در روزهای سقوط به او متوسل شد تا سکان شکسته‌ی کشتی حکومت را به دست او بسپارد ولی روی شرایط پیشنهادی توافق نشد. شاه در خاطرات خود اشاره می‌کند که شرایط او مورد قبول واقع نشد لیکن واقعیت مطلب این است که صدیقی از زیر بار مسئولیت فرار کرد. زیرا اوضاع و احوال روز

خواستار عدم قبولی او بود. وی صاحب تالیفاتی در رشته‌ی تخصصی خود می‌باشد. در سال ۱۳۷۱ در تهران درگذشت و از طرف مردم تشییع جنازه‌ی باشکوهی به عمل آمد.

(۱۳۷۰-۱۲۸۴ ش)، نویسنده و استاد دانشگاه، رییس انجمن آثار ملی. در تهران به دنیا آمد. پس از به پایان رساندن تحصیلات متوسطه در مدرسه‌های آلیانس و دارالفنون در ۱۳۰۸ ش به فرانسه اعزام شد. او پس از اخذ دیپلم ادبیات از دانشسرای عالی سن کلود، تحصیلات دوره‌ی دکترا را در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه سوربن آغاز کرد و با تقدیم رساله‌ی خویش تخت عنوان «جنبش‌های دینی ایرانیان در قرن‌های دوم و سوم هجری» دوره‌ی دکترای خویش را به پایان برد. به ایران بازگشت و به خدمت دانشگاه درآمد و عهده‌دار مشاغل مختلفی شد: معلم جامعه‌شناسی و تاریخ فلسفه، نماینده‌ی دانشکده‌ی ادبیات و دانشسرای عالی در شروای دانشگاه، عضو هیأت نمایندگی ایران در کنفرانس بین‌المللی تلیم و تربیت در ژنو و بعد با همین سمت در لندن، عضو هیأت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی در هندوستان، ریاست نمایندگی در سومین کنفرانس سازمان تربیتی و علمی یونسکو به جهت شایستگی علمی و فرهنگی مدتها عضو هیئت تحقیقی انجمن آثار ملی را بر عهده گرفت. از آثار وی: «از طالس تا سقراط»؛ «گزارش سفر هند». دکتر صدیقی برای مدتی هم با علی ابکر دهخدا همکاری علمی و فرهنگی نمود و تألیف و تنقیح دو جزء «لغت‌نامه» را بر عهده گرفت به پایان رساند. او همچنین در تصحیح تالیفات فارسی منسوب به ابن سینا شرکتی فعال داشت. [۱]

برگرفته از کتاب: شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه: [۱] آینده (س ۱۷، ش ۴-۱، ص ۱۷۳-۱۶۴)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۰-۶۷۹ / ۴).

صدیقی، فیروز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبانهای خارجی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

صدیقین، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام والمسلمین آقای آقا شیخ محمدتقی بن المرحوم آقا محمدعلی صدیقین اصفهانی از علماء بزرگوار و فضلاء عالیقدر و میرزین شاگردان مرحوم زعیم اعظم آیت‌الله العظمی بروجردی دارای مقام علم و کمال و واجد مراتب اجتهاد و فقاہت و مورد وثوق مراجع حاضر و گذشته است. وی در تاریخ ۱۳۴۲ خورشیدی در اصفهان متولد شده و پس از خواندن مقدمات و سطوح به قم مهاجرت نموده و از محضر آیات عظام چون مرحوم آیت‌الله حاج سیدمحمد محقق داماد و آیت‌الله العظمی خونساری و زعیم اعظم آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده کامل نموده و در درس آن مرحوم صحبت می‌کرد و مرحوم آیت‌الله توجه کامل به اشکالات و شبهه‌های ایشان نموده و با متانت قبول و یا رد می‌کرد و بعد از آن مرحوم به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارند.

از آثار علمی معظم‌له که به طبع رسیده است کتب زیر می‌باشد:

۱- الاجماع و الاخبار ۲- تفسیر آیه جلیباب ۳- حسین علیه السلام و پذیرش دعوت و اما آثار مخلوط.. ۱- کتاب طهارت شرح بر طهارت شرایع ۲- رساله‌ای در امر به معروف و نهی از منکر ۳- رساله‌ای در ولایت فقیه.
معظم‌له پس از فوت مرحوم آیت‌الله کمالوند سه سال سرپرستی حوزه علمیه خرم‌آباد را به عهده داشتند و در آن سامان خدماتی علمی و روحی نموده‌اند.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

صراف اصفهانی، محمد حسین

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، صوفی و حکیم. در زمان شاه عباس اول می‌زیست و از رهگذر پیشه صراف‌ی زندگی خود را می‌گذرانید. محمد حسین دارای مشرب تصوف بود. وی از ذوق و استعداد شاعری بهره‌مند بود و اشعاری از او در تذکره‌ها نقل شده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: تذکره‌ی روز روشن (۴۷۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۹۴)، الذریعه (۶۰۶، ۲۵۰، ۹/۱)، فرهنگ سخنوران (۲۶۲)، نشتر عشق (۳۹۲/۲).

صراف شیرازی، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۷، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی با رتبه اول از دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دکترای فوق تخصصی بیماریهای عفونی کودکان از پاریس.
مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

شیوع بیماریها در استان خراسان، بیماریهای مختلف کودکان، استاد نمونه بیماریهای عفونی کودکان از سوی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۳۰ پایان‌نامه دکترای.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

بیماریهای متبولیک.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۴۷، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای کودکان و درمان و پیشگیری.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

صراف، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۳۱۶، اصفهان.

درگذشت: شهریور ۱۳۶۸.

مرتضی صراف از مدرسان دانشگاهی بود. از کارهای او انتشار مجله‌ی «ویسمن» (به مدت یک سال) بود. دیگر «رسائل مشتمل بر هفت فتوت‌نامه» که با مقدمه‌ای از هانری کربن به فرانسه در سال ۱۳۵۲ به چاپ رسید. صراف در تاریخ فتوت و جوانمردی پژوهش‌هایی کرده بود. وی همچنین گاهی شعر می‌سرود. چندی در دانشگاه اوترخت (در هلند) و چهار سال در دانشگاه داکا (بنگلادش) تدریس می‌کرد.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

صرام نیشابوری، ابوالفضل محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۷۹ ق)، محدث، مسند و زاهد. پدرش از بزرگان شهر بود. از ابوالحسن علوی و ابوعبدالله حاکم نیشابوری حدیث شنید و «مسند» ابی‌عوانه را از ابونعیم اسفراینی استماع کرد. وجیه شحامی و اسماعیل بن ابوصالح موزدن و محمد بن جامع صواف و عبدالله بن محمد فراوی و دیگران از وی حدیث شنیدند. او بر عبادت و تلاوت استمرار داشت.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام بوفیات الاعلام (۳۱۷ / ۱)، سیر النبلاء (۴۸۴-۴۸۳ / ۱۸)، شذرات الذهب (۳۶۳ / ۳)، العبر (۳۴۱ / ۲).

صرام هروی، ابوالفضل احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۹۹ق)، حافظ، محدث و فقیه. معروف به ابن ابی‌عمران. وی شیخ‌الحرم و مجاور مکه بود. از کسانی همچون خیشمه بن سلیمان اطرابلسی و محمد بن احمد محبوبی مروزی و احمد بن بندار و دعبل سجزی و ابوالقاسم طبرانی و دیگران حدیث شنید. او حدیث بسیاری در مکه روایت کرد. ابویعقوب قراب و ابونعیم اصفهانی و علی بن محمد حنائی و ابوعلی اهوازی و ابوالفضل بن بندار رازی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. بسیاری از مردم مغرب زمین که بدنبال حدیث بودند از او اخذ حدیث کرده‌اند. وی با محمد بن داوود دقی مصاحبت داشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۱۱۲- ۱۱۱ / ۱۷)، شذرات الذهب (۱۵۳ / ۳)، العبر (۱۹۵- ۱۹۴ / ۲).

صرامی، سیف الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سیف الله صرامی

محل تولد: خمینی شهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۰ هجری شمسی با دیپلم ریاضی فیزیک وارد حوزه علمیه اصفهان مدرسه ذوالفقار شدم. تا حدود شش ماهی که در آنجا بودم مقدمات را از سیوطی و المنطق که در فاصله دو سال آخر دوره دبیرستان به آن رسیده بودم تا مغنی و اصول استنباط رساندم. اواخر سال ۶۰ توفیق حضور در حوزه علمیه قم، مدرسه امام صادق (ع) را یافتم. در آنجا حدود یک سال بقیه مغنی، مختصر المعانی و تا اواسط شرح لمعه و اصول فقه را تمام کردم.

تا اواخر سال ۶۶ دروس مقدمات و سطح را تقریباً به اتمام رساندم و توفیق متناوب و البته جسته و گریخته ای در تدریس همان دروس تا سطح شرح لمعه را داشتم. از اواسط سال ۶۸ شاگرد درس خارج فقه و اصول بودم، در حالی که در خلال دروس مقدمات و سطح چند دور درس فلسفه را هم تجربه کرده بودم بدایه الحکمه، نهیة الحکمه و شرح منظومه اسفار را هم در حد ج ۱ و ۶ در سال های ۶۷ تا ۶۹ خواندم. سال ۶۹ دوره فوق لیسانس تربیت مدرس دانشگاه قم را در الهیات و معارف اسلامی آغاز کردم که در سال ۷۳ به پایان رسانیدم. از سال ۶۹ با شرکت در تهیه برخی فیش های بحار الانوار برای تدوین نرم افزار های مربوط در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی همکاری خود را با مرکز تحقیقاتی، با پیش زمینه ای در برخی از کارهای تحقیقاتی شخصی آغاز کردم. پس از مدت کوتاهی با تشکیل معاونت اندیشه اسلامی مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری محترم به آن پیوستم. حاصل کار با آن معاونت تا سال ۶۷ غیر از مدیریت گروه فقه دو کتاب احکام حکومتی و مصلحت و احکام مرتد از دیدگاه اسلام و حقوق بشر بود.

از سال ۷۵ همکاری با پژوهشکده فقه و حقوق مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (ابتدا با عضویت در شورای علمی آن و از سال ۷۶ تاکنون به عنوان مدیر گروه مسائل فقهی حقوق آن) را آغاز کردم.

از اساتید حوزوی بیش از همه از محضر حضرت آیت الله استاد شیخ جواد تبریزی (مد ظله العالی) و پس از ایشان حضرت آیت الله استاد سید کاظم حائری (مد ظله العالی) بهره برده ام. از محضر اساتید گرانقدر حضرت آیت الله مددی و حضرت حجه الاسلام و المسلمین آقای شیخ مهدی گنجعلی نیز در درس هایی با روش مباحثه و گفتگو بهره های فراوان برده ام. توفیق تدریس دروس سطح را نیز به تناوب و البته به شکل خصوصی داشته ام.

صلوکی نیشابوری، ابوسهل محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۶۹- ۲۹۶ ق)، فقه شافعی، مفسر، ادیب، نحوی، صوفی و شاعر. شیخ خراسان در زمان خود بود. در اصفهان به دنیا آمد. وی به بصره رفت و چندین سال در آن شهر تدریس نمود و چند سال نیز در اصفهان اقامت داشت. سرانجام در ۳۳۷ ق به نیشابور آمد و سپس خانواده‌ی خود را به آنجا منتقل کرد. او بیش از سی سال کرسی درس و فتوی نیشابور را در اختیار داشت. صلوکی از ابن خزیمه و ابوالعباس سراج و احمد ماسرجسی و احمد محمدآبادی و ابن ابی حاتم و ابن انباری و محاملی و بسیاری دیگر حدیث شنید. پسرش، ابوطیب، و فقهای نیشابور در محضر وی فقه آموختند. ابوسهل مصاحب ابواسحاق مروزی بود و گفته‌اند که از وی فقه آموخت. گویند که او شبیلی را نیز درک کرده بود. نسوی وی را پیشگام علم تصوف می‌داند. ابوبکر صیرفی گوید که اهل خراسان همچون ابوسهل را هرگز نخواهند دید و صاحب بن عباد گفت که ما همچون ابوسهل ندیده‌ایم و خود او نیز مانند خودش را ندیده است. به هر حال او در شریعت و طریقت یگانه‌ی روزگار خود بود. وی در نیشابور درگذشت. ثعالبی اشعار بسیاری را به او نسبت داده است. «الفوائد» روایتی از اوست.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اسرار التوحید، تعلیقات (۶۵۸)، الاعلام (۲۰۷)، الاعلام بوفیات اعلام (۲۵۳ / ۱)، انساب سمعانی (۵۴۰-۵۳۹ / ۳)، ریحانه (۴۴۶-۴۴۵ / ۳)، سیر النبلاء (۲۳۹-۲۳۵ / ۱۶)، شذرات الذهب (۷۰-۶۹ / ۳)، طبقات الصوفیه هروی (۵۸۵)، العبر (۱۳۲ / ۲)، الکنی و الالقاب (۴۱۷-۴۱۶ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل / صلوکی)، النجوم الزاهره (۱۴۱-۱۴۰ / ۴)، نفحات الانس (۳۱۸-۳۱۷)، الوافی بالوفیات (۱۲۵-۱۲۴ / ۳)، وفیات الاعیان (۲۰۵-۲۰۴ / ۴).

صلوکی نیشابوری، ابوطیب احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۳۷ ق)، حافظ، محدث، فقیه و لغوی. پدرانش حنفی و خود شافعی و مذهب بود و از بزرگان آنها. از یحیی بن محمد ذهلی و علی بن حسن دارابجردی و محمد بن عبدالوهاب فراء و محمد بن ایوب رازی و عبدالله بن احمد بن حنبل و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید. او در نیشابور به تدریس فقه و حدیث مشغول بود. برادرزاده‌اش، ابوسهل صلوکی، و ابوعبدالله اخرم از وی حدیث روایت کرده‌اند. حاکم نیشابوری گوید که از وی حدیثی شنیدم. او رد فقه و لغت از پیشگامان بود و در حدیث صاحب تصنیف.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام بوفیات اعلام (۲۳۱ / ۱)، انساب سمعانی (۵۴۱-۵۴۰ / ۳)، سیر النبلاء (۳۹۱ / ۱۵)، معجم المؤلفین (۱۰۸ / ۲)، الوافی بالوفیات (۳۹۶ / ۷).

صعلوکی نیشابوری، ابوطیب سهل

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۰۴ / ۳۸۷ ق)، محدث، فقیه، متکلم و ادیب شافعی. مفتی نیشابور بود و پدرش نیز قبل از او این سمت را داشت. علم و فضل و دیانت او را ستوده‌اند و گفته‌اند که مرجع فقهای نیشابور بود. فقه را از پدرش، ابوسهل محمد بن سلیمان، و حدیث را از ابوالعباس اصم و ابوعلی رفاء آموخت. سپس مجلس درس آراست. در مجلس او افزون بر پانصد دوات برای نگارش بیانات او فراهم می‌کردند. حاکم نیشابوری و ابوبکر بیهقی و ابونصر محمد شادیاخی از وی روایت کرده‌اند. از آثارش: «الفوائد» که گردآوری مسموعات اوست؛ «المذهب فی ذکر شیوخ المذهب»، که همان طبقات شافعیه است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۱۰ / ۳)، الاعلام بوفیات الاعلام (۲۷۳ / ۱)، انساب سمعانی (۵۴۰ / ۳)، روضات الجنات (۹۴ / ۴)، ریحانه (۴۴۵ / ۳)، سیر النبلاء (۲۰۹-۲۰۷ / ۱۷)، شذرات الذهب (۱۷۳-۱۷۲ / ۳)، طبقات الصوفیه هروی (۵۸۵)، العبر (۲۰۸ / ۲)، کشف الظنون (۱۶۴۵)، الکنی و الالقاب (۴۱۷-۴۱۶ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل / سهل)، معجم المؤلفین (۲۸۴ / ۴)، نفحات الانس (۳۱۸)، الوافی بالوفیات (۱۳-۱۲ / ۱۶)، وفیات الاعیان (۴۳۶-۴۳۵ / ۲)، هدیة العارفین (۴۱۲ / ۱).

صغانی، رضی‌الدین، ابوالفضائل حسن

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۵۰-۵۷۷ ق)، فقیه حنفی، محدث، نحوی و لغوی. اصل وی از صغان یا چغان مرو از ولایات ماوراءالنهر است که در لاهور به دنیا آمد و در غزنه نشوونما یافت. به بغداد رفت و سفری به یمن نمود و سرانجام تا پایان عمر در بغداد ماندگار شد. او در مکه از ابوالفتوح نصر بن صحری و در یمن از قاضی خلف حسن آبادی و در بغداد از سعید بن محمد بن رزاز حدیث شنید. او در زبان عربی سرآمد همعصران خود بود، و از مشاهیر فقها و محدثین به شمار می‌رفت. در اکثر علوم ریاست علمی داشت. حوزه‌ی درس او مرجع استفاده‌ی افاضل زمان بود. صغانی از مشایخ اجازه‌ی روایتی سید احمد بن طاووس و فرزندش سید عبدالکریم بن طاووس و علامه‌ی حلّی است. از آثار وی: «مجمع البحرین»، در لغت، در چندین مجلد؛ «العباب»، معجمی در لغت که برای ابن علقمی، وزیر مستعصم نگارش کرده است؛ «الشوارد»، در لغت؛ «الاضداد»؛ «مشارق الانوار»، در حدیث، که برای مستنصر عباسی تألیف کرده است، شرح «صحیح» بخاری بطور مختصر؛ «التکمله علی الصحاح» یا تکمله الصحاح؛ «در السحابة فی وفیات الصحابه»؛ «بیان الاحادیث الموضوعه» یا «الدرر الملتقطه فی بیان الاحادیث الموضوعه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲ / ۲۳۲)، ایضاح المکنون (۲ / ۴۳۳)، روضات الجنات (۳ / ۸۹-۹۱)، ریحانه (۳ / ۴۰۷-۴۰۹)، سیر النبلاء (۲۸۴-۲۸۲ / ۲۳)، شذرات الذهب (۵ / ۲۵۰)، العبر (۳ / ۲۶۵)، کشف الظنون (۳ / ۱۹۸۰، ۱۸۳۲، ۱۸۰۸، ۱۷۷۶، ۱۷۰۵، ۱۶۸۸، ۱۵۹۹، ۱۴۶۱، ۱۴۳۸، ۱۴۲۴، ۱۳۹۴، ۱۳۹۲، ۱۲۵۰، ۱۱۲۱، ۱۰۷۲، ۱۰۸۷، ۱۰۶۷، ۱۰۶۵، ۷۳۱، ۵۵۳، ۳۹۵، ۲۵۱، ۱۱۶، ۸۷)، الکنی و الالقاب (۲ / ۴۱۷-۳۱۸)، لغت‌نامه (ذیل / حسن)، معجم الادباء (۱۹۱-۱۸۹ / ۹)، معجم المؤلفین (۳ / ۲۷۹)، النجوم الزاهره (۲۷-۲۶ / ۷)، الوافی بالوفیات (۲۴۳-۲۴۰ / ۱۲).

صفا، ذبیح‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در ۱۲۹۰ ش در شه‌میرزاد از قراء سمنان متولد شد. دوران اولیه را در شهر بابل به سر برد و در همانجا گواهینامه دوره‌ی ابتدائی را دریافت کرد. تحصیلات متوسطه را در تهران به اتمام رسانید و در ۱۳۱۲ دیپلم ادبی گرفت و وارد دارالمعلمین عالی شد و در ۱۳۱۵ لیسانس فلسفه و ادبیات فارسی گرفت. پس از انجام خدمت سربازی به دبیری زبان و ادبیات فارس پرداخت. در عین حال در دوره‌ی دکترای ادبیات به تحصیل اشتغال ورزید و دکترا دریافت کرد و رساله‌ی خود را تحت عنوان حماسه‌سرایی در ایران نوشت و با درجه‌ی ممتاز مورد تصویب واقع شد و به عنوان دانشیار به تدریس در دانشکده‌ی ادبیات پرداخت و پس از پنج سال توقف در رتبه‌ی دانشیاری به مقام استادی کرسی زبان و ادبیات فارسی منصوب گردید.

دکتر صفا از سال ۱۳۲۰ به سمت معاونت و بعد کفالت اداره دانشسراهای مقدماتی در وزارت فرهنگ برگزیده شد و در ۱۳۲۲ به ریاست اداره تعلیمات عالی و تعلیمات متوسطه و ریاست دانشسراها منصوب گردید. در همان زمان عضو هیئت مدیره شیر و خورشید سرخ و دبیر کلی کمیسیون ملی یونسکو را در ایران عهده‌دار شد و در این سمتها ماموریت‌های زیادی به اروپا پیدا کرد. وی از جوانی شوق و ذوق مطبوعاتی داشت. در ۱۳۱۲ معاون سردبیر مجله‌ی مهر شد و در ۱۳۱۵ سردبیر مجله‌ی مذکور گردید. در ۱۳۲۰ امتیاز مجله‌ی سخن را گرفت و یک سال آن را انتشار داد و بعد از یک سال امتیاز سخن را به دکتر خانلری واگذار نمود و خود امتیاز روزنامه‌ی شباهنگ را دریافت کرد و چهارسال متوالیا روزنامه را منتشر کرد. مدتی نیز مدیریت مجله‌ی ارتش با او بود و بعد مدیر مجله‌ی ادبی دانشکده ادبیات شد.

دکتر صفا مدتی نیز ریاست دانشکده ادبیات را بر عهده داشت. از آثار و تالیفات او می‌توان کتب زیر را نام برد: حماسه‌سرایی در ایران، تاریخ مختصر تحول نظم و نثر فارسی، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، تاریخ ادبیات در ایران (سه جلد)، گنج سخن، یادنامه خواجه نصیر طوسی، جشن‌نامه ابن‌سینا، ترجمه‌ی مرگ سقراط از آثار لامارتین، مزداپرستی در ایران قدیم، آئین سخن در معانی و بیان فارسی و چندین آثار و تصحیح دیگر. صفا در سال ۱۳۷۸ در خارج از کشور درگذشت.

برگرفته از کتاب: شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

صفا، اصفهانی خراسانی، ابوعبدالله محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۳۹ ق)، محدث و زاهد. معروف به محدث خراسان و صفار زاهد. در اصفهان از احمد بن عصام و اسید بن عاصم و احمد بن مهدی و عبید غزال و در فارس از احمد بن مهران بن خالد و در بغداد از محمد بن فرج ازرق و احمد بن عبیدالله نرسی و ابن ابی‌اسامه در مکه از علی بن عبدالعزیز حدیث شنید. او از ابوبکر بن ابی‌دنیا تصانیفی را استماع کرد و شنیده‌ها را جمع و در «زهریات» تصنیف کرد. بعد از ۳۰۰ ق به نیشابور رفت و در آنجا «مسند کبیر» را از عبدالله بن احمد بن حنبل شنید و از اسماعیل قاضی تصانیفش را نوشت. آن‌گاه مصاحب زهاد و عباد شد و تصنیفی در «زهد» نگاشت. پس به سوی حسن بن سفیان رفت و «مسند» و همچنین کتب ابوبکر بن ابی‌شیه را از وی فرا گرفت. ابوعلی حافظ نیشابوری و ابو عبدالله حاکم نیشابوری و ابوالحسین حجاجی و ابن‌منده و ابوسعید صیرفی و محمد بن ابراهیم جرجانی از وی حدیث روایت کرده‌اند. حاکم نیشابوری وی را محدث عصر و متسجبات الدعوه توصیف کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۳ / ۵۴۶)، تاریخ نیشابور (۱۸۳)، سیر النبلاء (۴۳۸-۴۳۷ / ۱۵)، شذرات الذهب (۲ / ۳۴۹)، العبر (۲ / ۵۷)، النجوم الزاهره (۳ / ۳۴۷)، الوافی بالوفیات (۳ / ۳۱۶).

صفار اصفهانی، ابوسعید عبدالرحمان

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۳۶ ق)، محدث. وی برادر فقیه بزرگ ابوسهل صفار است. از احمد بن بندار شعار و ابوالقاسم طبرانی حدیث روایت کرده است. گروهی از شیوخ سلفی از جمله محمد بن حسن علوی رسی و ابوعلی حداد از وی روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۵۸۶-۵۸۵ / ۱۷).

صفار بخاری، ابواسحاق ابراهیم

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۳۴-۴۶۰ ق)، زاهد، متکلم و فقیه حنفی. معروف به زاهد صفار. وی در خرده‌گیری به پادشاهان دلیر بود. به همین دلیل به فرمان سلطان سنجر از بخارا به مرو تبعید شد. اما مجدداً به بخارا بازگشت. از آثارش: کتاب «السنه و الجماعه»؛ «صک الجنه»، به فارسی؛ «تخلیص الزاهد»؛ «تخلیص الادله لقواعد التوحید».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۳ / ۵۴۸)، ایضاح المکنون (۱ / ۲۷۰)، کشف الظنون (۱۰۸۰، ۴۷۲)، هدیه العارفین (۱ / ۹)، معجم المؤلفین (۱ / ۱۳).

صفار بخاری، ابونصر اسحاق

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۴۰۵ ق)، فقیه، ادیب و شاعر. اهل بخارا بود. او در ادبیات عرب، در شناخت نکات و دقائق آن، و همچنین در فقه و حدیث یگانه‌ی زمان خود بود. ابوسعید سمعانی در «تاریخ مرو» و حاکم نیشابوری در «تاریخ نیشابور» و خطیب بغدادی در «تاریخ بغداد» به شرح حال او پرداخته‌اند. او احادیث بسیاری در انواع علوم فراگرفت و در ۴۰۵ ق، در سفر حج، در بغداد، از نصر بن احمد بن اسماعیل کنانی، صاحب جبرئیل سمرقندی، حدیث روایت کرد. ابوعلی حسن بن علی بن مذهب بغدادی از شاگردان و راویان صفار است و استادش را بسیار ستوده است. صفار در اواخر عمر به حجاز رفت و ساکن طایف شد و قبر وی در آنجاست. صفار شعر را نیکو می‌سرود. او در لغت و ادبیات تصانیفی دارد که از آن جمله است: «المدخل الی سیبویه»، در نحو؛ «المدخل الصغیر»، در نحو؛ «الرد علی حمزه فی حدوث التصحیف».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵۴۸-۵۴۷ / ۳)، تاریخ بغداد (۴۰۳ / ۶)، ریحانه (۴۵۲ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / اسحاق)، معجم الابداء (۶۹-۶۶ / ۶)، معجم المؤلفین (۲۳۰ / ۲).

صفار خشاب نیشابوری، ابوسعید محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۵۶-۳۸۱ ق)، محدث. از ابو محمد مخلصی و ابوالحسین خفاف و حاکم نیشابوری و ابوعبدالرحمان سلمی و ابن محمش و بسیاری دیگر حدیث شنید. عبدالغافر در «سیاق تاریخ نیشابور» گوید که صفار از خواص ابوعبدالرحمان سلمی، و محدثی پر استفاده و صاحب تصانیف و جمع‌کننده و بندار کتب حدیث نیشابور بود. آخرین کسی که از وی حدیث روایت کرده است زاهر شحامی است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام بوفیات الاعلام (۳۰۳ / ۱)، انساب سمعانی (۳۶۶ / ۲)، سیر النبلاء (۱۵۲-۱۵۰ / ۱۸)، شذرات الذهب (۳۰۱ / ۳)، العبر (۳۰۷ / ۲)، الوافی بالوفیات (۱۳۶ / ۴).

صفار قمی، ابوجعفر محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۹۰ ق)، فقیه، محدث و عالم امامی. وی از بزرگان علماء و ثقات محدثین امامیه قم و از مشایخ روایت صدوق، ابن بابویه قمی، بود. حضور حضرت امام حسن عسکری (ع) را درک کرده و از آن حضرت روایت نموده است. گفته‌اند که او بسیار جلیل‌القدر و دارای کمترین لغزش در نقل روایات بوده است. راوی جمیع کتب و روایات او شاگردش، محمد بن حسن بن ولید،

است. وی در رقم درگذشت. از آثارش: «الاشربیه»؛ «الایمان والنذور و الکفارات»؛ «بصائر الدرجات»؛ «الجنائز»؛ «الحدود»؛ «الصلوه»؛ «الوضوء»؛ «فضل القرآن»؛ «الجهاد»؛ «المثالب»؛ «الملاحم»؛ کتاب «المومن»؛ کتاب «الرد علی الغلاه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۳۴۱، ۳۳۷، ۳۳۶، ۳۲۸، ۳۰۹، ۲۸۷، ۲۶۸، ۱۹۹، ۲ / ۱۸۵، ۱ / ۱۴۹) الذریعه (۱۴۹، ۵ / ۱۲۴، ۳ / ۵۱۶ / ۲)، رجال الطوسی (۴۳۶)، رجال النجاشی (۲۵۳- ۲۵۲ / ۲)، ریحانه (۴۵۳ / ۳)، الفهرست للطوسی (۲۸۹- ۲۸۸)، الکنی و الالقاب (۴۱۸ / ۲)، معجم المؤلفین (۲۰۸ / ۹)، هدیه العارفین (۲۴ / ۲).

صفار مروزی، ابوالخیر محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۷۱ ق)، مسند و محدث. معروف به ابوالخیر صفار. وی راوی «صحیح» بخاری در عصر خود بود. ابوبکر محمد بن منصور سمعانی و پدرش و ابوبکر محمد بن اسماعیل مروزی و ابوجعفر محمد بن ابوعلی همدانی و ابوالفتح محمد بن عبدالرحمان کشمیهنی مروزی خطیب و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابوسعید سمعانی او را صالح توصیف کرده است و گوید که «صحیح» و مقداری از «جامع» ابوعیسی ترمذی را حدیث کرد و عمری طولانی - متجاوز از نود سال - یافت و شیخ زمان خویش گشت. در «شذرات الذهب» نام صاحب عنوان صفار مرندی آمده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام بوفیات الاعلام (۳۱۲ / ۱)، سیر النبلاء (۳۸۴- ۳۸۲ / ۱۸)، شذرات الذهب (۳۴۱ / ۳)، العبر (۳۳۰ / ۲)، لسان المیزان (۵۷۱- ۵۷۰ / ۶)، الوافی بالوفیات (۸۷ / ۵).

صفار نیشابوری، ابوبکر محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۶۸ ق)، محدث و فقیه شافعی. وی مفتی نیشابور بود. از ابونعیم اسفراینی مهارجانی و ابوالحسن علوی و ابوعبدالله حاکم نیشابوری حدیث شنید. به گفته ابوسعید سمعانی، نزد ابومحمد جوینی فقه آموخت و چون جوینی به حج رفت در حلقه درس جانشین او گشت. ابوعاصم عبادی دقت نظر صفار را در فتوا ستوده است. زاهر شحامی و وجیه شحامی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۴۳۸- ۴۳۷ / ۱۸)، شذرات الذهب (۳۳۱ / ۳)، العبر (۳۲۵ / ۲)، الکامل (۱۲۳ / ۸).

صفار نیشابوری، مجدالدین، ابوسعید عبدالله

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۰۰ - ۵۰۸ ق)، اصولی، فقیه و محدث شافعی. از جد مادریش، ابونصر ابن قشیری، و پدرش، علامه عمر بن احمد، و عمه‌اش، عائشه، و جدش، دردانه خواهر عبدالغافر، و هبه‌الله سیدی و سهل بن ابراهیم مسجیدی حدیث شنید. وی «صحیح» مسلم را از فراوی و «سنن» دارقطنی را از فضل بن حمد ابیوردی و «سنن کبیر» را از زاهر بن طاهر و «سنن» ابی داوود را از عبدالغافر و «سنن» و «الآثار» را از عبدالجبار خواری استماع کرد. پسرش، قاسم بن ابی‌سعد صفار، و بدل تبریزی و نجم‌الدین خیوقی و ابورشید غزال و اسماعیل بن ظفر و گروهی دیگر از وی حدیث شنیدند. عبدالرحمان بن ابی‌عمر و ابن‌بخاری از وی اجازه‌ی روایت داشتند. او را از پیشگامان فقه و حدیث و عالم به اصول به شمار آورده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام بوفیات الاعلام (۴۰۴ / ۲)، سیر النبلاء (۴۰۴ - ۴۰۳ / ۲۱)، العبر (۱۲۹ / ۳)، النجوم الزاهره (۱۶۶ / ۶).

صفارزاده، طاهره

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

طاهره صفارزاده را بیشتر به عنوان یک شاعر می‌شناسیم. مخاطبان شعر در دهه ۴۰ او را با شعر «کودک قرن» به خاطر می‌آورند و در دهه ۵۰ با کتاب «سفر پنجم». شعرهای قدیمی‌اش یادآور سال‌های گل‌وله و فریاد است. علاوه بر شعر، در ترجمه و پژوهش هم استادی بی‌همتا است.

■ طاهره صفارزاده شاعر، نویسنده، محقق و مترجم، متولد ۱۳۱۵ سیرجان

■ لیسانس ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران

■ ادامه تحصیل در انگلستان و سپس آمریکا در دانشگاه آیووا

■ کسب درجه MFA

■ استخدام در دانشگاه ملی (شهید بهشتی) در سال ۱۳۴۹

■ رئیس دانشگاه شهید بهشتی و دانشکده ادبیات

■ دکترای در رشته نقد تئوری و عملی ادبیات جهان

■ برگزیده شدن در «فستیوال بین‌المللی داکا» در سال ۶۷ به عنوان یکی از ۵ عضو بنیانگذار کمیته ترجمه آسیا،

■ «استاد نمونه» سال ۷۱ از سوی وزارت علوم و آموزش عالی

■ «خادم القرآن» پس از انتشار ترجمه «قرآن حکیم»، سال ۸۰

سرپرستی و ویراستاری ۳۶ کتاب زبان تخصصی برای رشته‌های مختلف دانشگاهی

■ قصه، پیوندهای تلخ، ۱۳۴۱

■ شعر، رهگذر مهتاب، ۱۳۴۱

Brella the Red um (سروده‌هایی به زبان انگلیسی)، آیووا ۱۹۶۷ م. = ۱۳۴۷ ش.

طنین در دلتا [و دفتر دوم]، سد و بازوان، ۱۳۵۰، سفر پنجم، ۱۳۵۶، حرکت و دیروز، ۱۳۵۷، بیعت با بیداری، ۱۳۵۸، مردان منحنی، دیدار صبح، ۱۳۶۶، در پیشواز صلح، ۱۳۸۵، گزیده ادبیات معاصر، ۱۳۷۸، هفت سفر، ۱۳۸۴، روشنگران راه، ۱۳۸۴، اندیشه در هدایت شعر، ۱۳۸۴

● اصول ترجمه، نقد ترجمه، ترجمه

■ اصول و مبانی ترجمه: تجزیه و تحلیلی از فن ترجمه ضمن نقد عملی آثار مترجمان، از ۱۳۵۸

ترجمه های نامفهوم، ۱۳۸۴

■ ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید (فارسی و انگلیسی)، ۱۳۷۹

■ ترجمه قرآن حکیم (سه زبانه - متن عربی با ترجمه فارسی و انگلیسی)، ۱۳۸۰

■ ترجمه قرآن حکیم (دو زبانه متن عربی با ترجمه فارسی)، ۱۳۸۲

■ ترجمه قرآن حکیم (دو زبانه متن عربی با ترجمه انگلیسی)، ۱۳۸۵

■ لوح فشرده قرآن حکیم (سه زبانه - متن عربی با ترجمه فارسی و انگلیسی)، ۱۳۸۳ (نشر دوم) کامل و جزء ۳۰.

■ دعای عرفه (دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه (متن عربی با ترجمه فارسی)، ۱۳۸۱

■ دعای ندبه و دعای کمیل (متن عربی با ترجمه فارسی)، ۱۳۸۳

■ مفاهیم قرآنی در حدیث نبوی: گزیده ای از نهج الفصاحه با ترجمه فارسی و انگلیسی، ۱۳۸۴

دعای جوشن کبیر، ۱۳۸۵

طاهره صفارزاده را بیشتر به عنوان یک شاعر می شناسیم. مخاطبان شعر در دهه ۴۰ او را با شعر «کودک قرن» به خاطر می آورند و در دهه ۵۰ با کتاب «سفر پنجم»، شعرهای قدیمی اش یادآور سال های گلوله و فریاد است. علاوه بر شعر، در ترجمه و پژوهش هم استادی بی همتا است. صفارزاده نخستین مترجم قرآن کریم به ۳ زبان زنده دنیا است. صفارزاده شاعر، نویسنده، محقق و مترجم به سال ۱۳۱۵ در سیرجان در خانواده ای متوسط چشم به جهان گشود. اجدادش از عرفای مقید به مقابله با ظلم و عدالت پروری بوده اند. پدر و خواهرش هم اهل تصوف بودند. در خانواده، برپایی مجالس ذکر و دعا بویژه در اظهار ارادت به حضرت علی علیه السلام متداول بود. خانواده اش پیشینه عرفانی داشتند و همین امر سبب شد که او از همان آغاز نگاهی ویژه به پیرامونش داشته باشد. قبل از آنکه به مدرسه برود تجوید و قرائت و حفظ قرآن کریم را در مکتب محل آموخت و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در کرمان گذراند.

از کودکی ذوق نویسندگی و عشق به مطالعه آثار ادبی داشت و در دبستان به عنوان شاعر شناخته شده بود. در این زمینه آموزگاران و بعد دبیران او را بسیار تشویق می کردند.

نخستین شعر را در ۱۳ سالگی سرود که در روزنامه دیواری مدرسه به ثبت رسید و نخستین جایزه شعر را که یک جلد دیوان جامی بود در سال چهارم دبیرستان به پیشنهاد دکتر باستانی پاریزی که آن زمان از دبیران دبیرستان بهمینار بود، از رئیس آموزش و پرورش استان دریافت کرد.

در ششم ادبی شاگرد اول شد و با جرأت در امتحان ورودی دانشگاه در رشته های حقوق و ادبیات فارسی و زبان و ادبیات انگلیسی که مناسب آن دیپلم بود شرکت کرد و در هر سه قبول شد و چون تردید در انتخاب داشت خانواده اش به استخاره رجوع کردند و در نتیجه در زبان و ادبیات انگلیسی لیسانس گرفت. مدتی به عنوان مترجم متون فنی در شرکت نفت کار کرد و چون به دنبال یک سخنرانی در اردوی تابستانی فرزندان کارگران مجبور به ترک کار شد، برای ادامه تحصیل به انگلستان و سپس به آمریکا رفت. در دانشگاه آیووا، هم در گروه نویسندگان بین المللی پذیرفته شد و هم به کسب درجه MFA نایل آمد. MFA درجه ای مستقل است

که به نویسندگان و هنرمندانی که داوطلب تدریس در دانشگاه باشند اعطا می‌شود و نویسندگان به جای محفوظات و تاریخ ادبیات به آموختن نقد به صورت تئوری و عملی و انجام طرح‌های ادبی متنوع به مطالعات وسیع درباره آثار نویسندگان و شاعران می‌پردازند. دوره آن یک سال بیش از فوق لیسانس است و استخدام دارندگان این مدرک در دانشگاه‌های آمریکا با پایه دکتری انجام می‌پذیرد. در زبان عربی استعداد خاصی داشت و چنانکه در مقدمه «ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید» گفته است: «در دوره دبیرستان و به تشویق یک استاد دلسوز و دانشمند، عربی پایه را خوب فرا گرفتم و هرگز رابطه‌ام با آموختن آن زبان قطع نشد چه کلاس‌های عادی و چه درس خصوصی را در محضر استادانی تلمذ می‌کردم که قرآن‌شناس بودند. خودم بر این عقیده هستم که بروز و شکوفایی استعداد من در زبان عربی به دلیل این بود که تجوید و قرائت قرآن کریم را در کودکی در سن ۶ سالگی آموخته بودم.»

طاهره صفارزاده برای دروس اصلی «شعر امروز جهان»، «نقد ادبی» و «نقد عملی ترجمه» را انتخاب کرد و در بازگشت به ایران اگرچه به دلیل فعالیت‌های سیاسی در خارج، مشکلاتی برای استخدام داشت اما چون در کارنامه اش از ۴۸ واحد درسی ۱۸ واحد ترجمه ثبت شده بود و کمبود و نبود استاد ترجمه برای رشته‌های زبان خارجی موجب گله‌مندی گروه‌های زبان بود، در سال ۱۳۴۹ با استخدام او در دانشگاه ملی (شهید بهشتی) موافقت شد. دکتر طاهره صفارزاده پایه‌گذار آموزش ترجمه به عنوان یک علم و برگزارکننده نخستین «نقد عملی ترجمه» در دانشگاه‌های ایران محسوب می‌شود. دانشگاه آیووا بنا به درخواست شاعران و نویسندگان «کارگاه نویسندگی»، نخستین مرکزی بود که به گنجاندن این درس در برنامه آموزشی رشته‌های زبان و ادبیات اقدام کرد. صفارزاده حدود ۳ سال بعد در کنار نویسندگان دانشجو به بهره‌مندی‌هایی از این آموزش جدید دست یافت. صفارزاده از ابتدای تدریس خود در ایران متدی مبنی بر شناخت و تطابق مفهومی، دستوری و ساختاری دو زبان مبدأ و مقصد ابداع کرد و این شیوه پیشنهادی در درسی که سابقه تدریس قانونمند نداشت نزد بسیاری از همکاران وی الگو قرار گرفت. پس از انقلاب اسلامی تعیین کتاب «اصول و مبانی ترجمه» اثر وی به عنوان کتاب درسی در زمینه شناخت نظریه‌ها و نقد عملی ترجمه به ویژه برای دانشجویان رشته «ترجمه» مفید افتاد.

دکتر طاهره صفارزاده به عنوان کارشناس ترجمه معتقد است: «در ترجمه دانستن موضوع یا مطلب مورد ترجمه مقدم بر دانستن زبان مبدأ و مقصد است. این خطر بزرگی است که متخصص رشته علوم انسانی، حتی رشته مهندسی متن پزشکی را و بالعکس یک پزشک متن جامعه‌شناسی را ترجمه کند، چون که اصطلاحات خاص مجموعاً زبان علمی یک رشته را تشکیل می‌دهند.» بر اساس این فکر دو تمرین «ترجمه تخصصی» و «معادل‌یابی برای واژگان تخصصی» در کتابهای زبان برای رشته‌های دانشگاهی به پیشنهاد او گنجانده شد.

طاهره صفارزاده در زمینه شعر و شاعری نیز به دلیل مطالعات و تحقیقات ادبی به معرفی زبان و سبک جدیدی از شعر با عنوان شعر «طنین» توفیق یافت که در آغاز بسیار بحث‌برانگیز شد زیرا شعر مقاومت و طنز سیاسی، حکومت‌پسند نبود. سرانجام در سال ۵۵ به اتهام نوشتن شعر مقاومت دینی از دانشگاه اخراج و برای دومین بار به خانه نشینی و فراغت اجباری رفت. و در ایام تنهایی و مشاهده پاره‌ای خیانت‌های سیاسی و اجتماعی، درون مذهبی او بیش از پیش متوجه حمایت خداوند گردید و تحولی شدید در وی ایجاد شد آن گونه که در زمان خانه نشینی، تمام وقت خود را وقف خواندن تفاسیر و مطالعات قرآنی کرد.

کتاب «سفر پنجم» او که دربرگیرنده اشعار مقاومت با مضامین دینی است در سال ۵۶ در دو ماه به سه چاپ با شمارگان سی هزار رسید. از مجموعه شعرهای او می‌توان به: رهگذر مهتاب، ۱۳۴۱ breld the Red um (سروده‌هایی به زبان انگلیسی)، آیووا ۱۹۶۷.م. ۱۳۴۷.ش.

طنین در دلتا [و دفتر دوم]، سد و بازوان، سفر پنجم، حرکت و دیروز، بیعت با بیداری، مردان منحنی، دیدار صبح، در پیشواز

صلح، گزیده ادبیات معاصر، هفت سفر، روشنگران راه و اندیشه در هدایت شعر، اشاره کرد. اشعار صفارزاده با نظر به مسائل سیاسی و اشاره به وقایع مهم جهان دارای خط فکری خاصی است. در همه آثارش به جریان های سیاسی ایران و جهان نظر دارد. صفارزاده با استفاده از زبان محاوره، اصطلاحات عامیانه، حتی مطرح کردن شعارها، تلاش می کند به شعر و زبان مردمی نزدیک تر شود. شاید به همین دلیل، از آوردن واژه ها و اسامی، از زبان های بیگانه خودداری می کند. شعر صفارزاده دارای اندیشه های شکل یافته است که در قالب کلمات عرضه می شود. در شعر صفارزاده، فرصت ها گرانبهارترند و خواننده با شاعری مواجه می شود که اسلوب را در زبانی فشرده و با بار بیشتر از لحاظ اندیشه و تفکر می بیند. او با استفاده از تعبیر مذهبی و قصص و آیات قرآن کریم به صورت تلمیح و جهان مداری و سیاست محوری، رنگ و بوی خاص به اشعارش بخشیده است. خودش می گوید: شعر مقاومت و طنز سیاسی هیچ وقت حکومت پسند نبوده است.

صفاری بخاری، قوام‌الدین، ابومحamad حماد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۷۶ق)، محدث حنفی. از پدرش و اسماعیل بن بیهقی حدیث شنید. اسماعیل بن محمد بیلقی و ابراهیم بن سالار خوارزمی و عبیدالله بن ابراهیم محبوبی و حسین بن عمر ترمذی اذیب و برهان الاسلام عمر بن ماز و تاج الاسلام محمد بن طاهر خدابادی از وی حدیث روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۹۲-۹۱ / ۲۱).

صفاری، رحیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۶ش)، شاعر و مترجم. در رشت به دنیا آمد و در کالج آمریکایی تهران تحصیل کرد. او طبع شعر نیز داشت و در حدود هزار و پانصد بیت شعر سروده است. اثر وی: «بدبختی روشنفکران»، ترجمه [۱]. تولد: ۱۲۹۶، رشت.

درگذشت: آبان ۱۳۶۹، تهران.

رحیم صفاری مدرسه‌ی کالج آمریکایی را گذرانیده بود و چندی در امور سیاسی و اجتماعی با جنبه‌های ملی فعالیت داشت. از نوشته‌های چاپ شده‌ی او ترجمه‌ی بدبختی روشنفکران اثر اشتفان زوایک است (تهران، ۱۳۲۸). چند نوشته رساله‌ی سیاسی هم منتشر کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] فهرست کتابهای چاپی (۴۷۰ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۱۴-۱۱۳ / ۳).

صفاری، سعدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سعدی صفاری

محل تولد: قزوین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۹/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سعدی صفاری در سال ۱۳۴۷ هجری شمسی در روستای تسمکلاویه از روستاهای منطقه الموت قزوین در خانواده‌ای ساده و متدین به دنیا آمدم، تحصیلات دوره ابتدایی و راهنمایی را در همان روستا گذراندم. سپس وارد حوزه علمیه قزوین شدم (۱۳۶۳) یکسال در حوزه علمیه صالحیه درس خواندم و همان سال عازم جبهه شدم. همزمان با درس حوزه دروس دبیرستان را نیز به صورت متفرقه ادامه دادم، سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شدم. چون مدتی از سال قبل را در جبهه بودم و بخشی از آن سال را نیز مشغول درس‌های دبیرستان بودم درس‌های حوزه را از اول شروع کردم. پس از اتمام دیپلم اقتصاد و سال چهارم حوزه ازدواج کردم و همزمان در کنکور دانشگاه شرکت کردم و در رشته ادبیات فارسی دانشگاه کلان قبول شدم اما به دلیل دوری مسافت یک ترم مرخصی گرفتم و بعد از آن از رفتن به دانشگاه منصرف شدم و درس‌های حوزه را ادامه دادم، ولی به دلیل مشکلات اقتصادی ناچار شدم به منطقه الموت برگردم و مشغول کارهای تبلیغی باشم. اما شوق ادامه تحصیل مرا وادار کرد دوباره به قم برگردم و تا جایی که ممکن است ادامه دهم پس از پایان دهم در دروه کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس نیز شرکت کردم و همزمان با دروس خارج حوزه در کارشناسی ارشد مدرسی الهیات مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم فارغ التحصیل شدم. در طول این مدت ماه‌های مبارک رمضان محرم و ایام تابستان را در مناطق مختلف کشور بالاخص ستاد مشترک سپاه در تهران مشغول به تبلیغ بوده‌ام. پس از پایان کارشناسی ارشد تربیت مدرس با اخذ مجوز تدریس از نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه به تدریس در دانشگاه آزاد تفرش مشغول شدم، قابل ذکر است که قبل از آن در حوزه علمیه صدوق قم نیز تدریس می‌کردم و در حال حاضر نیز به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور بوئین زهرا هفته‌ای سه تا چهار روز در آن دانشگاه تدریس دارم و در کنار تدریس گاهی مقالاتی را نیز می‌نویسم که یکی از آنها به چاپ رسیده است.

صفاهانی، حبیب الله

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مؤلف کتاب «شرح اسماء الله الحسنی»، معاصر با شاه عباس ثانی صفوی، کتاب خود را در سال ۱۰۶۱ به نام این پادشاه نوشته است. بیشتر از این از حالاتش معلوم نیست. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

صفای تبریزی، فضلعلی مولوی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۹ / ۱۳۳۷ - ۱۲۷۸ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، ادیب و شاعر، متخلص به صفا. پدرش ملاباشی آذربایجان بود. وی در تبریز به دنیا آمد. به تحصیل مقدمات و صرف و نحو و معانی و بیان و بدیع و عروض و قافیه و تجوید و قرائت و حساب و نجوم نزد آقا میر علی زنوزی پرداخت. سپس فقه و اصول را فرا گرفت. استادان وی در فقه و اصول میرزا محمد حسن زنوزی و حاج میرزا محمد علی ملاباشی آذربایجان، برادرش، بودند. او تفسیر و کلام را نزد پدرش آموخت. سپس برای تکمیل تحصیلات عالی به عتبات سفر کرد و در محضر علمای بزرگ حاضر شد و سرانجام به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از فاضل شرایبانی و فاضل ایروانی و ادرکانی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی نائل گردید. در ۱۳۰۷ ق به تبریز بازگشت و به تدریس فقه و اصول و تفسیر پرداخت. در ۱۳۲۴ ق از طرف مردم تبریز به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. وی در ۱۳۳۶ ق برای معالجه به اروپا رفت اما اقامت طولانی وی مفید واقع نشد و در برلین درگذشت و در گورستان مسلمین آنجا دفن شد. فرزندزادگان وی به نام مولوی مشهورند. از آثارش: «احکام الاراضی الخراجیه»؛ «استصحاب»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل»؛ «حدایق العارفین»، در جمع آیات و اخبار کتب اربعه؛ شرح «قصیده‌ی عینیه» سید حمیری؛ «مصباح الهدی فی حقیقه التقیه و البداء»؛ «کلید دانش»، در صرف فارسی؛ «ریاض الازهار»؛ «سفرنامه»؛ «دیوان» شعر، به عربی و فارسی؛ قصیده‌ی «لامیه السفر».

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان آذربایجان (۲۹۹-۲۹۸)، الذریعه (۱۰ / ۱۴، ۲۷۱ / ۱۲، ۶۰۸، ۹ / ۲۸۹، ۶)، ریحانه (۴۵۱-۴۴۸ / ۳)، علماء معاصرین (۱۲۱-۱۲۰)، فرهنگ سخنوران (۵۵۷)، مکارم الآثار (۲۱۹۶-۲۱۹۲ / ۶)، یادگار (س ۳، ش ۶ و ۷، ص ۱۱۶-۱۱۰).

صفای شه میرزادی، ذبیح‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۸-۱۲۹۰ ش)، محقق، مترجم، مصحح، نویسنده، ادیب، شاعر و استاد دانشگاه. وی در شه میرزاد سمنان به دنیا آمد، تحصیلات ابتدایی و متوسطه در همان جا و بابل گذراند، سپس به تهران آمد و تحصیلات خود را در تا درجه‌ی دکترا ادامه داد و به استادی دانشگاه ادبیات رسید و با نوشتن مقالات ادبی و تاریخی در مجلات «مهر»، «ایران امروز» و «تعلیم و تربیت» و غیره استعداد خود را نشان داد. وی مدیریت سال اول مجله‌ی «سخن» و مدیریت سال پنجم و هفتم مجله‌ی «مهر» را نیز بر عهده داشته و تأسیس روزنامه‌ی «شباهنگ» نیز از اقدامات اوست. او مدتی دبیر کل کمیسیون ملی یونسکو در ایران و زمانی رییس دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران

بود. دکتر صفا در سالهای آخر عمر در شهر لوبیک (آلمان) می‌زیست. از آثارش: «تاریخ ادبیات در ایران»، در پنج جلد؛ «حماسه‌سرایی در ایران»؛ «تاریخ علوم عقلی»، در تمدن اسلامی تا قرن پنجم هجری؛ «مزدپرستی در ایران قدیم»، ترجمه؛ تصحیح «دیوان عبدالواسع جبلی»؛ «جشن‌نامه‌ی ابن‌سینا»؛ «آیین سخن در معانی بیان»؛ «تربیت معلمین روستایی»، ترجمه؛ «شاهکارهای ادبیات فارسی»، در چند مجلد؛ «فلسفه لایب‌نیتس»؛ «گنج سخن»؛ «مرگ سقراط»، ترجمه؛ «نگهبانان ایران»؛ «یادنامه‌ی خواجه نصیر»؛ «مادر دیوانه»، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: چهره‌های آشنا (۳۶۷-۳۶۸)، سخنوران نامی معاصر (۲۳۰۰-۲۲۹۵ / ۴)، فهرست کتابهای چاپی (۲۸۴۸، ۳۴۴۳)، ۲۷۰۰ / ۲، ۱۲۲۱ / ۱، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۲۸)، مؤلفین کتب چاپی (۸۴-۸۰ / ۳).

صفایی اعرجی خوانساری، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۲۹۰- ح ۱۳۶۰ ق)، عالم دینی و فقیه. با بیست و نه واسطه نسبش به امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد. در خوانسار به دنیا آمد. نزد علامه شیخ میرزا حسین خوانساری علوم ادبی و متون فقهی را تکمیل کرد. پس از آن به اصفهان رفت و سطوح عالی را نزد علمای آن شهر خواند و دروس خارج فقه و اصول را خدمت آیت‌الله هاشم چهارسوقی خوانساری، مؤلف «اصول آل الرسول» و «مبانی الاصول» و «رساله‌ی احکام الایمان»، و آیت‌الله شیخ محمد تقی نجفی مسجد شاهی و آیت‌الله سید محمد باقر درچه‌ای، استاد آیت‌الله بروجردی، و علامه آیت‌الله شیخ ابوالمعالی کلباسی و شیخ محمد علی ثقه‌الاسلام و آقا میرزا حسن بن آقا میرزا ابراهیم و آیت‌الله شیخ ابوالمعالی کلباسی و شیخ محمد علی ثقه‌الاسلام و آقا میرزا حسن بن آقا میرزا ابراهیم و آیت‌الله میرزا حسن نجفی و آیت‌الله شیخ محمد باقر فشارکی، صاحب «عنوان الکلام»، فرا گرفت و پس از آن به نجف رفت و در مباحثات مراجع نجف: علامه طباطبایی یزدی و علامه خراسانی و آیت‌الله میرزا حسین خلیلی و آیت‌الله شریعت اصفهانی حاضر شد و استفاده‌ها نمود. پس از نیل به مدارج عالی علم و مرتبه اجتهاد به خوانسار بازگشت و به خدمات دینی پرداخت. در خوانسار از دنیا رفت و در همان شهر به خاک سپرده شد. از آثارش: «کشف الاستار عن وجه الکتب و الاسفار» یا «کشف الحجب عن لاسفار و الکتب»، به ترتیب «کشف الظنون»، در حالات مؤلفین شیعه و مؤلفات آنها؛ کتاب در «الاستصحاب»؛ کتاب «التعادل و التراجیح»؛ کتاب در «حجیه الظن»؛ کتاب در «مساله‌ی ولایت»؛ کتاب در «معاطه»؛ کتاب در «بیع الوقف»؛ «تاریخ بلده‌ی خوانسار».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار الحجج (۲۹۳-۲۹۱ / ۲)، الذریعه (۲۷، ۱۱، ۱۸ / ۱)، ریحانه (۴۵۱ / ۳)، علماء معاصرین (۱۸۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۳-۵۱ / ۵).

صفایی بوشهری، غلامعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غلامعلی صفائی بوشهری

محل تولد: بوشهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۳۸ در بوشهر به دنیا آمدم، پدر و مادری مهربان و متدین متکفل تربیت بنده بودند که با تمام تلاش به این مهم پرداختند و هم اینک در جوار حق آرمیده اند. دوران ابتدائی در مدرسه باقری دبیرستان در دبیرستان سعادت سپری کردم. از کودکی با حضور در مسجد و آشنائی با مبانی دین و ولایت خاندان پیامر علیهم السلام بافت روحی مذهبی در وجودم شکل گرفت به همین جهت در تمامی مراسم در مسجد حضور فعال داشتم و با شکل گیری شکوهمند انقلاب اسلامی به فعالیتهای انقلابی از قبیل تشکیل گروه مطالعه و آموزش و پخش اعلامیه های حضرت امام ره نوارهای سخنرانیهای ایشان، ایجاد نمایشگاه کتاب و عکس و همراهی با نیروهای انقلابی اصیل به رهبری روحانیت و شکل دهی به راهپیمائیها پرداختم و بعد از پیروزی انقلاب با خدمت در جهاد سازندگی و اندکی در کمیته انقلاب اسلامی توفیق داشتم و به تشخیص نیاز انقلاب و منطقه و علاقه وافری که به تحصیل در حوزه داشتم در سال ۱۳۶۱ به قم و تحصیل مشغول شده ام، با جدیت و تلاش وافر به تحصیل پرداختم و با دقت به این مهم مشغول شدم به طوری که در سال سوم دعوت به تدریس شدم و تا کنون به این موهبت الهی اشتغال داشته و در همه سطوح تدریس کرده ام، قریب به هفده سال در مدارس سپس در مدرسه دارالشفاء به آموزش معارف و علوم اسلامی مشغولم در همین اوان متأهل و دارای دو دختر و یک پسر می باشم. با آشنائی با اساتید تزرگ معارف و اخلاق اسلامی با مبانی اصیل عرفانی و اخلاقی پرداختم و از اساتید عالی مقالم حوزه علمیه حظ وافر بردم سالها تدریس ادبیات، اصول و فقه داشته و دروس اخلاق و صحیفه سجادیه در مدارس، مرکز تربیت مدرس حوزه و منزل از دیگر توفیقات اینجانب است. پس از چندی از طرف دفتر تدوین و نشر متون حوزه جهت تالیف کتب آموزشی حوزه دعوت به همکاری شده و کتب آموزشی حوزه مثل آموزش صرف، بدایه النحو، نهایه النحو، مغنی الادیب و طراحی جدید آموزش ادبیات عرب را آغاز و به سرانجام رساندم. هم اینک مشغول تدریس خاج اصول و معارف اخلاقی و صحیفه سجادیه می باشم خداوند همه ما را عاقبت به خیر نماید.

صفایی خوانساری، مصطفی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۲۱ ق)، عالم امامی و فقیه اصولی. در خوانسار به دنیا آمد و همان جا نشوونما یافت و مقدمات را از آقا سید علی خوانساری، دایی خویش، فرا گرفت. سطوح را نزد پدرش آموخت. در ۱۳۴۰ ق به قم رفت و در حوزهی درس آیت الله حایری حاضر شد و چندین دوره فقه و اصول را نزد ایشان خواند و مقام اجتهاد و استنباط را حائز شد. وی از آیت الله اصفهانی و آیت الله نائینی، آن مدتی که آن دو در قم بودند، بهره مند گردید. همچنین مدتی از آیت الله قمی و آقازادهی خراسانی و آقا رضا مسجد شاهی و میرزا محمد صادق اصفهانی استفاده کرد. با ورود آیت الله بروجردی به قم از اصحاب استفتاء و خواص حواریون ایشان گشت و به

تدریس فقه و اصول اشتغال یافت. او از نوزده تن از مراجع عظام نجف و قم و مشهد و اصفهان و تهران اجازه اجتهاد و روایت داشت. وی در قم در گذشت و در مسجد بالای سر حضرت معصومه (ص) دفن شد. او دارای تصنیفات و تألیفات بسیاری است که از آن جمله: «الدیانه الاسلامیه و معتقدات الامامیه»، در اصول اعتقادات؛ «تقریرات» درس آیت‌الله حایری، رد اصول و صلاه و نکاح و مکاسب؛ «الجواهر المودعه»؛ رساله‌هایی در تفسیر آیات «مبدء و معاد».[۱]

عالم علوم دینی.

تولد: ربیع‌الاول سال ۱۳۲۱.

درگذشت: ۲۴ مهر ماه ۱۳۷۱.

حضرت آیت‌الله حاج سید مصطفی صفایی خوانساری، فرزند آیت‌الله حاج سید احمدحسین صفایی صاحب کتاب کشف الاستار عن وجه الکتب و الاسفار، بود. مقدمات و سطوح و مقداری از فلسفه و حکمت را نزد دایی و پدرش و دیگر اساتید خوانسار فراگرفت. در سال ۱۳۴۰ ق. به شوق فراگیری علوم اسلامی به قم آمد و در درس آیت‌الله العظمی عبدالکریم حائری حضور یافت و چندین دوره فقه و اصول را در محضر ایشان فراگرفت. همزمان در محضر حضرت آیت‌الله سید ابوالحسن رفیعی قزوین، کتاب اسفار را و در محضر حضرت آیت‌الله شاه‌آبادی، کتاب مصابح الانس و شرح فصوص قیصری را فراگرفت. از اساتید دیگر ایشان می‌توان از آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی و میرزا حسین نائینی (که در توقف هشت ماه آنان در قم از حضورشان بهره برد)، میرزا محمد آقازاده، حاج شیخ مرتضی آشتیانی، حاج شیخ محمدرضا مسجدشاهی، میرزا محمدصادق احمدآبادی اصفهانی نام برد.

آیت‌الله خوانساری از آیت‌الله حائری اجازه اجتهاد و از حضرات آیات عظام، حائری، اصفهانی، بروجردی، آقا ضیاء عراقی، آشتیانی، ابوالمجد مسجدشاهی، شیخ محمدتقی خوانساری، میرزا محمد فیض، محدث قمی، میرزا محمد عسگری تهرانی، شیخ آقا بزرگ تهرانی، مرعشی نجفی، سید عبدالحسین شرف‌الدین و میرزا رضی تبریزی و برخی دیگر اجازه‌ی روایات دریافت کرده است. از آثار وجودی ایشان کتابخانه‌ای بزرگ - که دارای صدها نسخه خطی است - و بنای مسجدی در خوانسار و مسجدی در قم را می‌توان نام برد. تألیفات وی عبارتند از: حاشیه بر وسیله النجاة، تقریرات درس فقه و اصول آیت‌الله حائری، حاشیه بر دررالاصول، رسائل، مکاسب، کفایه، قوانین و شرح لمعه، الدیانه الاسلامیه (در اصول عقاید)، الجواهر المودعه، تفسیر مبدء و معاد و...

حضرت آیت‌الله صفایی خوانساری صبح روز جمعه بیست و چهارم مهر ۱۳۷۱ (هیجدهم ربیع‌الثانی ۱۴۱۳) در نود و دو سالگی چشم از جهان فرو بست و در مسجد بالا سر حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار الحجّه (۲۹۳-۲۹۱، ۷۷-۷۶ / ۲)، آینه‌ی دانشوران (۲۳۷-۲۳۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۳۹-۱۳۸ / ۲).

صفایی سواد کوهی، عبدالصاحب

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۳۴-۱۲۸۸ ش)، نویسنده و مورخ. وی دارای تحصیلاتی در علوم قدیمه از فقه، اصول، کلام و حکمت، در نجف و قم، بود. بعد به ریاست دفتر اسناد رسمی بابل منصوب گردید. پس از چهار سال اشتغال به علت تمایلات سیاسی چپ و ارتباط با عناصر توده‌ای مورد سوءظن مأمورین دولت واقع و زندانی شد و تحت نظر بود. در دانشکده‌ی الهیات و کلاس قضایی و دانشسرای عالی به

تحصیل پرداخت و به دریافت لیسانس نایل آمد. بعد عهده‌دار مشاغل مختلفی شد، از جمله: عضویت بازرسی دارایی، سرپرستی شهرداریهای استان دوم، مدیریت روزنامه‌ی «صفا» منتشره در ساری، مدیریت مجله «صفا»، وکیل دادگستری، وکالت مجلس شورای ملی. از آثار وی: «بیوگرافی و کلاسی دوره‌ی چهاردهم مازنداران»؛ «تاریخ مختصر احزاب سیاسی پس از شهریور ۱۳۲۰ ش». بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۷۴۶، ۵۷۶-۵۷۵ / ۱)، فهرست‌واره‌ی کتابهای فارسی (۲/۹۰۰)، مؤلفین کتب چاپی (۸۵۹-۸۵۸ / ۳).

صفای قاینی، علیرضا

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۳۰۸ ق)، خطاط، نقاش، طبیب و شاعر، متخلص به صفایی. از سادات حسینی قاین بود که در اصفهان سکونت داشت. وی شعر می‌گفت و نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت. صفایی در نقاشی نیز دست داشت و در شیوه‌های ایرانی و فرنگی نقش می‌آفرید. از آثار وی: «دیوان» شعر؛ یک نسخه غزلیات و، به قلم نستعلیق و شکسته نستعلیق خوش، با رقم: «بجبهه تقدیم... علی‌رضا الحسنی القایینی الطیب المتخلص به صفائی... سنه ۱۳۰۸»؛ جلد روغنی مثنوی زیبایی که خط آنرا برادرش، محمد علی قاینی به این رقم نوشته است: «رقم کمترین اقل السادات علیرضا بن محمد اسمعیل الحسنی القاینی». مولف «احوال و آثار نقاشان» قلمدانی از وی دیده است که در روی آن، تصویر کالسکه‌ای است، با رقم: «کمترین علیرضا الحسنی القاینی سنه ۱۲۰۵»، که احتمالا صحیح این تاریخ ۱۳۰۵ ق است. در «الذریعه» و «بزرگان قائن» تخلص صاحب عنوان، صفا ذکره شده است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۲ / ۴۶۳)، احوال و آثار نقاشان (۱ / ۳۸۴)، بزرگان قائن (۲۷۹-۲۷۷)، الذریعه (۶۰۹ / ۹).

صفای ملایری، ابراهیم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۶ / ۱۲۹۲ ش)، مورخ، روزنامه‌نگار، نویسنده و شاعر. وی در ملایر به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود و دوره‌ی متوسطه را در مدرسه‌ی آمریکایی همدان به پایان رسانید. وی پس از اتمام دوره‌ی دبیرستان به فراگرفتن علوم مقدماتی عرب همت گماشت و رموز فن شعر را از آزاد همدانی و وحید دستگردی در تهران آموخت و از آن پس به اتسخدام وزارت فرهنگ درآمد. وی در ۱۳۱۵ ش در اهواز با روزنامه «خوزستان» همکاری داشت. سپس به تهران آمد و به نشر هفته‌نامه‌ی «عسس» پرداخت. از آثارش: «اسناد سیاسی دوران قاجار»؛ «اسناد مشروطه»؛ «اسناد نویافته»؛ «برگ‌های تاریخ»؛ «دادگری و دادرسی در ایران»؛ «رهبران مشروطه»؛ «نکته‌های برگزیده تاریخ».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۴۱۷-۴۱۶ / ۲)، الذریعه (۶۱۲ / ۹)، سخنوران نامی معاصر (۲۳۲-۲۳۱۶ / ۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۵۴۳، ۱۸۰۱-۱۷۹۷ / ۲)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۲۹-۲۲۸)، مؤلفین کتب چاپی (۷۱-۶۹ / ۱).

صفایی، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۲۲ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. پدرش آیت‌الله حاج شیخ محمد علی حایری قمی صاحب حاشیه بر «کفایه» بود. در سامراء به دنیا آمد و تحصیلات خود را بیشتر در محضر پدر فرا گرفت و در بیست سالگی به درجه اجتهاد رسید. او همچنین از حوزه‌ی درس آیت‌الله حایری یزدی بهره‌ها گرفت. بعد از پدر در مسجد نو قم به انجام خدمات دینی مشغول شد و تا آخر عمر به تدریس و تألیف اشتغال داشت. از آثارش: «تاریخ شخصیت و صفات پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله»، در دو جلد؛ «تاریخ زندگانی امیرالمومنین علی علیه‌السلام»، در سه جلد؛ جلد اول در ایام خلفا، جلد دوم از خلافت تا شهادت در دو بخش: جمل و صفین، جلد سوم شرح فضایل و مناقب آن حضرت؛ کتابی درباره «زندگانی امام حسین (ع)»؛ «تاریخ سیدالشهداء»، در دو جلد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار الحججه (۵۶-۵۵ / ۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۹۰-۱۸۹ / ۲، ۳۳۶ / ۱).

صفائی حائری، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت‌الله علی صفائی حائری در سال ۱۳۳۰ ه. ش (۱۳۷۰ ق) در بیت علم و تقوا و در مهد دانش، در شهر مقدس قم چشم به جهان گشود. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب: پدر علی صفائی حائری، حضرت آیت‌الله آقای حاج شیخ عباس صفایی حائری (ره) از افاضل علمای زمان خود به شمار می‌رفت. پدر بزرگش مرحوم آیت‌الله العظمی آقای حاج شیخ محمد علی صفایی حائری قمی (ره)، از فحول علمای نجف بود. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: علی صفائی حائری پس از اتمام تحصیلات ابتدایی، به فراگیری علوم اسلامی پرداخت. وی ادبیات و بخشی از سطح را نزد مرحوم حاج شیخ نصرت میانجی و آیت‌الله جلیلی آموخت. شرح لمعه را نزد شهید محراب، مرحوم آیت‌الله مدنی و آیت‌الله میرزا ابوالفضل موسوی تبریزی و آیت‌الله موسوی اردبیلی، کتاب رسائل را نزد حضرت آیت‌الله آقای حاج سید مهدی روحانی و مکاسب و کفایه را نزد آیت‌الله ستوده (ره)، آیت‌الله میرزا حسین نوری و آیت‌الله فاضل لنکرانی فرا گرفت. مرحوم صفایی از استعدادی فوق‌العاده و هوشی سرشار برخوردار بود؛ به همین جهت در مدتی کوتاه توانست مدارج ترقی را پیموده، دروس سطح را با فراست و دقت پشت سر گذاشته و به درس خارج فقه و اصول راه پیدا کند. اساتید او در درس خارج فقه و اصول، حضرات آیات عظام آقایان: مرحوم محقق داماد؛ و حاج آقا مرتضی حائری؛ و مرحوم پدرش آیت‌الله حاج شیخ عباس صفایی حائری بودند. وی مراحل عالی فقه و اصول را با کنجکاوی و ذکاوت خاص خود در محضر پدر طی نمود، تا آن جا که به حلقه مباحثات علمی ایشان راه پیدا کرد. شوق زاید الوصف او در

فراگیری علوم و عشق و علاقه‌اش به راهی که انتخاب کرده بود، از عواملی بودند که لحظه‌ای او را آرام نگذاشتند و هیچ مانعی باعث نشد که او از فراگیری دانش و معرفت غافل شود. او لیاقت خود را در درک عمیق و صحیح مبانی فقه و اصول به همگان نشان داد و به عنوان یکی از اساتید صاحب نام و طراز اول حوزه علمیه، درخشید و در عنفوان جوانی به مقام شامخ اجتهاد نایل آمد. استادان و مریدان: از استادانی که علی صفایی حائری در محضرشان کسب فیض نموده به شرح زیر است: حاج شیخ نصرت میانجی و آیت‌الله جلیلی، مرحوم آیت‌الله مدنی، آیت‌الله میرزا ابوالفضل موسوی تبریزی، آیت‌الله موسوی اردبیلی، حضرت آیت‌الله آقای حاج سید مهدی روحانی، آیت‌الله ستوده (ره)، آیت‌الله میرزا حسین نوری، آیت‌الله فاضل لنکرانی، مرحوم محقق داماد، حاج آقا مرتضی حائری و عمده‌ترین استاد او در این مقطع، مرحوم پدرش بود. زمان و علت فوت: علی صفایی حائری سرانجام این مشعل فروزان در سحرگاه روز سه شنبه بیست و دوم تیر ماه ۱۳۷۸ در حالی که طبق عادت همیشگی با تنی چند از دوستان و شاگردان خود عازم زیارت مرقد مطهر حضرت ثامن الائمه (ع) بود، در سانحه تصادف جان به جان آفرین تسلیم کرد. پیکر آن فقید سعید به قم منتقل شد و روز پنجشنبه بیست و چهارم تیرماه پس از اقامه نماز توسط حضرت آیت‌الله آقای حاج سید مهدی روحانی، در میان موجی از غم و اندوه و بر روی دوش دوستان و شاگردانش با حضور جمعی از علما، فضلا، اساتید حوزه علمیه و اقشار مردم قم از حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (س) تا گلزار شهدای قم با شکوه تمام تشییع و در جوار قبر فرزند شهیدش محمد صفایی به خاک سپرده شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: علی صفایی حائری در حمایت از نظام مقدس اسلامی تا بدانجا پیش رفت که در این راه فرزندش نیز به شهادت رسید. آیت‌الله صفایی حائری در سال ۵۹ طرح حمایت از نظام را مطرح می‌کردند و در مقابل دوستانی که اعتراض می‌کردند این چه حکومت اسلامی است که در یک سو بازرگانی است که ملی گراست و دیگران به صورت دیگر؟! ایشان می‌فرمودند: وقتی اهداف مقدس است، باید کمک کرد. و این عبارت قصار معروف ایشان است که: «تضعیف خیانت است، توجیه حماقت است و تکمیل رسالت. با کمبودها باید ساخت. اگر نیرو نیست، تربیت کن؛ اصلاً خود تو نیروی خوبی باش...» شاگردان: علی صفایی حائری در انتقال معارف کسب کرده خود هیچ بخلی به خرج نمی‌داد و آنچه را که خود آموخته بود، در کمال اخلاص همواره به دیگران نیز می‌آموخت و از این رهگذر شاگردان زیادی را تربیت کرد. روش او در تربیت شاگردان، سنت فراموش شده علمای سلف را زنده کرد، او با اقتدا به شیوه پر بار گذشته حوزه‌های علمیه، افرادی را تربیت کرد که از ابتدایی‌ترین مراحل تحصیلی تا دروس ادبیات و سطح را به آنها آموخت و همگام با آنان و در کنارشان تا آن جا این روش را ادامه داد که درس‌های خارج حوزه را با آنها به مباحثه نشست و نه تنها در کارهای علمی که در همه امور زندگی در کنار آنها بود و به حل مشکلاتشان پرداخت. آثار: آرامش (مجموعه شعر) از زلال ولایت (بررسی چهل حدیث از سخنان امام حسین (ع)) چاپ انتشارات مسجد جمکران قم. از معرفت دینی تا جامعه و حکومت دینی (در دست چاپ) استاد و درس و روش تدریس استاد و درس، ادبیات، هنر و نقد انسان در دو فصل (اشاره به دو دوران قبل از بلوغ و بعد از بلوغ) انفاق (نگاهی به بحث انفاق و اثرات سازنده آن) ای قامت بلند امامت (تحلیلی کوتاه از مسأله انتظار در زمان غیبت) بررسی (مباحث این کتاب عمدتاً به نقد مکتب مارکسیسم می‌پردازد و ضمن بیان مسائلی درباره تاریخ، طبیعت، آزادی، زن، حجاب و مالکیت اسلامی، پاسخ‌های لازم را در مورد این زمینه‌ها بیان می‌کند.) بشنوازی (بحثی در مورد دعا، زیارت و شرحی بر دعای ابوحمزه ثمالی) پاسخ به پیام نهضت آزادی / انتشارات هجرت. پنج نامه بلند به فرزندانش قبل از بلوغ. پیروز (مجموعه شعر) تابوت (مجموعه شعر) تطهیر با جاری قرآن، جلد تفسیر سوره توحید تطهیر با جاری قرآن، جلد (۴) تفسیر سوره نصر تطهیر با جاری قرآن، جلد (۵) تفسیر سوره کافرون تطهیر با جاری قرآن، جلد (۶) تفسیر سوره کوثر تطهیر با جاری قرآن، جلد (۷) تفسیر سوره‌های همزه، فیل، قریش و ماعون تطهیر با جاری قرآن، جلد تفسیر سوره‌های فلق و ناس تطهیر با جاری قرآن، جلد تفسیر سوره تبت تفسیر سوره‌های بقره، انعام، آل عمران، لقمان، مدثر و علق (دنباله مباحث تطهیر با جاری قرآن که آماده چاپ است.) تقریرات درس اصول تقریرات درس فقه دفتر اول: تعریف

انقلاب اسلامی و آرمان انقلاب دفتر پنجم: میزان دفتر چهارم: مسئله انتظار دفتر دهم: موارد تقیه و احکام تقیه دفتر دوازدهم: قیام دفتر دوم: بینات دفتر سوم: بینش و آگاهی دفتر ششم: ولایت فقیه دفتر نهم: ضرورت تقیه دفتر هشتم: مفهوم تقیه دفتر هفتم: عمل در ارتباط با معرفت و محبت دفتر یازدهم: ائمه و تقیه ذهنیت و زاویه دید (این اثر به نقد ادبیات داستانی معاصر می‌پردازد و در آن مجموعاً ۱۱ اثر از نویسندگانی چون: حسن عابدینی، سیمین دانشور، محمود دولت‌آبادی، رضا براهنی، اسماعیل فصیح، شهرنوش پارسی‌پور، تقی مدرسی و گابریل گارسیامارکز مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است. این کتاب از طرف انتشارات کوبه در تهران با نام علی حائری در سال ۱۳۶۹ و در تیراژ ۵۵۰۰ نسخه انتشار یافته است.) ، رشد (دیداری با سوره والعصر) ، روش برداشت از قرآن ، روش نقد، جلد (۱) نقد هدف‌ها و مکتب‌ها ۴۱ روش نقد، جلد (۲) نقد مکتب‌ها، آرمان آزادی ، روش نقد، جلد (۳) نقد مکتب‌ها، آرمان آگاهی و عرفان، روش نقد، جلد (۴) نقد مکتب‌ها، آرمان تکامل، مارکسیسم ، روش نقد، جلد (۵) نقد مکتب‌ها، آرمان تکامل، اگزیستانسیالیسم ، شعرهای شهادت (مجموعه شعر) ، صراط (دیداری با سوره حمد) ، طرحی در زمینه روحانیت، مسائل حوزه و تبلیغ ، طرحی در زمینه مسائل فقه. عاشورا (نگاهی به مسأله قیام امام حسین (ع) ، غدیر (بحثی فشرده در زمینه مسأله ولایت و رهبری) ، فریاد (شعری بلند در زمینه توحید و خداشناسی) ، فقر (مباحثی در زمینه اقتصاد اسلامی) ، مسئولیت و سازندگی ، نزدیک به ۳۰۰ نوار کاست و ویدیویی از سخنرانی‌های مختلف او درباره مباحث کلامی، اخلاقی، تاریخی، تفسیر و فقه ، نوشته‌ای در ۴۶ صفحه دست نویس که قبل از رفتن به جبهه در سال ۱۳۶۵ نوشته و طرح‌های کلی و آراء و عقاید خود را در آن بیان داشته است. ، وداع (مجموعه شعر) ، وصیت نامه او

منابع زندگینامه: سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما ۱کz – /www.hawzah.net

صفائی خوانساری، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

السید احمد حسینی صفائی خوانساری والد ماجد آیت‌الله حاج سید مصطفی خوانساری مقیم قم از علماء ابرار قصبه خوانسار است و نسب شریفش با ۲۹ واسطه به حضرت حسین الاصغر بن امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد.

تولدش در حدود ۱۲۹۰ قمری در خوانسار واقع شده و پس از رسیدن به سن هفت سالگی در خوانسار نزد مرحوم علامه شیخ میرزا حسین خوانساری علوم ادبیه و متون فقهیه را تکمیل و پس از آن مهاجرت به اصفهان و سطوح عالیه را نزد اساطین و علماء آن شهر به پایان رسانیده و دروس خارج فقه و اصول را خدمت مرحوم آیت‌الله آمیرزا هاشم چهارسوقی خوانساری مؤلف (اصول آل الرسول و مبانی‌الاصول و رساله احکام الایمان) و آیت‌الله آقای حاج شیخ محمد تقی نجفی مسجد شاهی و آیت‌الله آقا سید محمدباقر درچه‌ای «استاد آیت‌الله العظمی بروجردی» و علامه زاهد آیت‌الله الشیخ ابوالعالی کلباسی و شیخ محمدعلی ثقة‌الاسلام و آقا میرزا حسن بن آقا میرزا ابراهیم و آیت‌الله میرزا حسن نجفی و علامه فقیه آیت‌الله حاج شیخ محمدباقر فشارکی صاحب (عنوان الکلام) تکمیل و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف و در مباحثات مراجع بزرگ نجف اشرف علامه طباطبائی یزدی و علامه خراسانی و آیت‌الله حاج میرزا حسین خلیلی و آیت‌الله شریعت اصفهانی حاضر و استفاده نموده و پس از نیل به مدارج علم و عمل و مرتبه اجتهاد مطلق به وطن مراجعت و به وظائف روحی و دینی پرداخته و در خوانسار و حومه آن مرجعیت عامه و ریاست تامه پیدا نموده و در مدت چهل سال اقامت در خوانسار و ضمن خدمات دینی تألیفات نافعه‌ای از خود به یادگار گذاشته‌اند که فهرست آنها را می‌نگارم:

۱- کشف الاستار عن وجه الکتب والاسفار در حالات مؤلفین شیعه و مؤلفات آنها

۲- کتاب فی الاستصحاب

۳- کتاب التعادل والتراجیح

۴- کتاب فی حجیه الظن

۵- کتاب فی مسئله الولاية

۶- کتاب فی المعاطاة

۷- کتاب فی بیع الوقف.

۸- تاریخ بلده خوانسار. و غیر اینها از رسائل رجالی و فقهی و اصولی و ادبی و متجاوز از یکصد جلد از کتب فقهی و حدیثی و تفسیری و رجالی شیعه امامیه را به خط شریف خود نوشته‌اند. و جمع کثیری از افاضل معاصرین از تلامذه و شاگردان آن مرحوم می‌باشند. در سال ۱۳۵۹ قمری از دنیا رفته و مقبره‌اش در خوانسار مورد توجه مردم آن حدود است.

از آثار ایشانست مسجد بزرگ محله پاتخت خوانسار که در شب و روز در آن اقامه جماعت می‌شود فرزند ارجمندش جاب حجة الاسلام والمسلمین آیت‌الله حاج سید مصطفی خوانساری از علماء بزرگ حوزه علمیه است که ترجمه‌اش در جلد دوم ص ۱۳۸ گذشت دارای تألیفات و حواشی بسیاری بر مکاسب و رسائل و درالفوائد و کفایه و شرح لمعه و قوانین می‌باشد که بعضی از آنها را در ذیل ترجمه‌اش یاد کردیم وی از نوزده نفر از مراجع عظام و مشایخ کرام معاصر نجف و قم و مشهد و اصفهان و تهران اجازه اجتهاد و روایتی دارند.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

صفت گل، منصور

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر منصور صفت گل، عضو هیئت علمی و دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تهران است.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: منصور صفت گل عضو هیات علمی وابسته پژوهشکده تاریخ علم دانشگاه تهران و عضو هیات تحریریه مجله تاریخ، عضو هیات علمی وابسته پژوهشکده تاریخ علم دانشگاه تهران، عضو هیات تحریریه مجله رشد تاریخ سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، عضو افتخاری موسسه فرهنگ‌های شرقی دانشگاه توکیو و عضو گروه نویسندگان مجموعه:

Abstracta Iranica: Paris, France برای تاریخ ایران از قرن دهم تا سیزدهم قمری است

آرا و گرایشهای خاص: دکتر منصور صفت گل، دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تهران است که زمینه‌های پژوهش وی «تاریخ ایران در عهد صفویان با تاکید بر تحولات اندیشه‌ای و موسسات مدنی»، «تاریخ‌نویسی و تاریخ‌نگاری در ایران به ویژه ایران عهد صفویه و پس از آن» و «نهادها و تحولات اقتصادی در ایران از سده دهم هجری تا سده دوازدهم» است.

جوایز و نشانها: دکتر منصور صفت گل پیش از این کتاب «دین و دولت در عصر صفوی» را انتشار داد که عنوان رساله برگزیده دانشجویی را در مقطع فوق لیسانس از آن نویسنده کرد.

چگونگی عرضه آثار: از منصور صفت گل که مقالات بسیاری در مقوله تاریخ از وی در مجلات پژوهشی داخل و خارج از کشور چاپ شده، تا به حال کتاب‌های «ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی»، ترجمه «برآمدن و فرمانروایی تیمور» بئاتریس فوربز منز، تصحیح «مرآت واردات: تاریخ سقوط صفویان و فرمانروایی ملک محمود سیستانی»، و تصحیح «شجره الملوک؛ تاریخ منظوم سیستان از کهن‌ترین روزگاران تا آغازین سال‌های فرمانروایی قاجاران» منتشر شده است. تعداد مقالات: بیش از ۵۴ مورد
تعداد شرکت در کنفرانسها: ۱۱ مورد

آثار:

۱ برآمدن و فرمانروایی تیمور

ویژگی اثر: تالیف بئاتریس فوربز منز. ترجمه منصور صفت گل. رسا. تهران ۱۳۷۷.

۲ تاریخ شناسی

ویژگی اثر: منصور صفت گل و دیگر مؤلفان. دفتر برنامه‌ریزی و تالیف کتب درسی. وزارت آموزش و پرورش. تهران ۱۳۸۲.

۳ تاریخ نویسی در ایران عصر صفوی. دوران شاه عباس یکم.

ویژگی اثر: تالیف شعله کویین. ترجمه منصور صفت گل. (آماده برای انتشار)

۴ ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی

ویژگی اثر: چاپ اول. انتشارات رسا. تهران ۱۳۸۱.

۵ شجره الملوک؛ تاریخ منظوم سیستان از کهن‌ترین روزگاران تا آغازین سال‌های فرمانروایی قاجاران

ویژگی اثر: تصحیح- منصور صفت گل. مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب. تهران (در دست انتشار)

۶ قم در قحطی بزرگ سال ۱۲۸۸ قمری

ویژگی اثر: جان گرنی و منصور صفت گل. انتشارات کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله مرعشی نجفی. قم. (در دست انتشار)

۷ مرآت واردات: تاریخ سقوط صفویان و فرمانروایی ملک محمود سیستانی

ویژگی اثر: تالیف محمد شفیع طهرانی (وارد). مقدمه و تصحیح و تعلیقات. منصور صفت گل. نشر میراث مکتوب. تهران ۱۳۸۳.

صفدری قندهاری، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی مغز و اعصاب، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی دانشگاه لوزان سوئیس در سال ۱۳۵۳ و دکترای تخصصی جراحی مغز و اعصاب از انجمن جراحان مغز

اروپا در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

گلیومهای بدخیم مغزی، بیولوژی رشد، کمر درد و سیاتیک به علت فتق، دیسک کمر، تشخیص و درمان ضایعات مغزی در تروما، تدریس دروس جراحی مغز و اعصاب و پاتولوژی مغز و اعصاب در دانشگاههای لوزان سوئیس، هاروارد آمریکا و مونپلیه فرانسه، استاد راهنمای ۱۲ پایان‌نامه دکترا و تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی:-، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۸

زمینه علمی مقالات:

پزشکی، مغز و اعصاب.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

صفر علی پور، حشمت الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حشمت الله صفر علی پور

محل تولد: کرمانشاه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

دوران ابتدائی و راهنمایی از محضر پدر روحانی آیت الله سیدمجتبی میبیدی (که خداوند درجات ایشان را متعالی فرماید) بهره‌ها گرفتم و قبل از انقلاب از امام خمینی (ره) تقلید می‌نمودیم دو رساله بدون جلد ایشان را داشتیم. دوران دبیرستان که مصادف با انقلاب بود به صورت پاره‌وقت در حوزه علمیه امام خمینی کرمانشاه از محضرات آیات و از جمله آیت الله اشرفی اصفهانی شهید محراب در معارف و اخلاق و تفسیر بهره‌مند می‌شدم و در سال ۱۳۶۰ ه. ش به طور رسمی تحصیل علوم حوزوی را در قم آغاز نمودم و تمامی کتابهای درسی اصلی سطح و جنبی مرسوم در حوزه را نزد اساتید برجسته و مشهور فراگرفتم و در ادبیات از مدرس افغانی و صنایع بدیع و منحصر المعانی و مطول از حاج آقای علوی گرگانی و ادیب دوم حجت هاشمی (به مدت شش ماه در مشهد مقدس) تلمذ نمودم و در منطق و فلسفه بدایه الحکمه و منطق مظفر و حاشیه را نزد آیت الله ربانی گلپایگانی و نهایتاً الحکمه و شرح منظومه را نزد آیت الله ممدوحی آموختم و باب حاوی عشر را تلمذ نموده و شرح تجرید را مطالعه و گاهی بحث می‌نمودم و تابستانها گاهی به تدریس ادبیات و اصول اشتغال داشتم و در تفسیر از محضر آیت الله جوادی آملی، معارف و نهج البلاغه از آیت الله مکارم شیرازی و در دروس اخلاق از محضر آیات عظام همچون آیت الله بهاء الدینی (ره) و آیت الله مظاهری بهره می‌گرفتم.

شرح لمعه را نزد آیت الله شب زنده‌دار، محامی، استادی و سید احمد خاتمی آموختم و رسائل و مکاسب و کفایه را نزد آیت الله اعتمادی، پایانی و استادی فراگرفتم. رجال و ملل و نحل و درایه را نزد آیت الله سبحانی و علم حدیث و سیره را نزد آیت الله سید احمد خاتمی بهره گرفتم. در سال ۶۶ به دست آیت الله بهجت حفظ الله مجلس شدم و در این میان به صورت تبلیغی در جبهه‌های نبرد غرب و جنوب حضور پیدا می‌نمودم. دروس خارج فقه و اصول را بیشتر از محضر آیت الله العظمی فاضل لنکرانی و وحید خراسانی تلمذ نمودم برقی از کتابهای مباحث خارج فقه و اصول را نزد آیت الله شیخ جواد تبریزی (ره) و آیت الله جوادی آملی استفاده نمودم. از سال ۷۰ با مراکز تحقیقاتی قم همکاری داشتم و در کنار دروس حوزه به تحقیق و تألیف در زمینه عقائد و امامت و ولایت پرداختم و آثاری را تألیف و به چاپ رسانیدم و در زمینه کتاب‌شناسی اختصاصی امام حسین (ع) به صورت گزارشی، تخصصی و کاربردی بیش از دو سال در کتابخانه‌ها و مراکز تخصصی تحقیق نمودم و کتاب «کتاب‌شناسی اختصاصی امام حسین (ع) را تدوین و در اختیار علاقمندان و محققان قرار دادم و ثواب معنوی آن را هدیه به مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای نمودم. پایان‌نامه سطح سوم به عنوان معادل فوق لیسانس در موضوع خیار عیب در سال ۷۳ و پایان‌نامه سطح سوم به عنوان مدرک رسمی کارشناسی ارشد در موضوع نقش علم اجمالی در اصول را در سال ۸۱ به پایان رسانیدم و هم اکنون پایان‌نامه مقطع دکتری و سطح چهارم در دست تدوین دارم. در ضمن چند سال در ایام تبلیغ از طرف نهاد رهبری در دانشگاهها توفیق حضور در جمع دانشجویان دانشگاههای دولتی و آزاد مختلف تهران و شهرستاها را پیدا نموده‌ام و از معاونت امور اساتید در دانشگاهها مجوز تدریس دارم.

صفری فروشانی، نعمت الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نعمت الله صفری فروشانی

محل تولد: خمینی شهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۵ هجری شمسی در شهرستان خمینی شهر وارد حوزه علمیه شدم، سال ۵۹ به حوزه علمیه اصفهان وارد شدم و تا سال ۶۳ دروس سطح دانی را به پایان بردم. از سال ۶۴ تا کنون در حوزه علمیه قم مشغول به تحصیل می‌باشم و در دروس فقه، اصول، تفسیر و فلسفه از اساتیدی همچون آیات ستوده، اعتمادی، مؤمن، محقق داماد (سید علی)، اسماعیل پور، قمشه ای، مکارم شیرازی، وحید خراسانی، جوادی آملی و فاضل گلپایگانی بهره بردم در سال ۱۳۶۷ در امتحانات حوزه علمیه قم نفر اول پایه ششم و در امتحانات پایه نهم حوزه در سال ۶۸ رتبه دوم را کسب کردم هم زمان با ادامه دروس حوزوی در سال ۱۳۷۴ در رشته معارف و الهیات موفق به دریافت مدرک کارشناسی از دانشگاه قم (تربیت مدرس) شدم و در سال ۱۳۷۷ در رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران، دانشکده الهیات در مقطع دکتری پذیرفته شدم و در آذر ۱۳۸۵ از پایان‌نامه خود با عنوان (ارزیابی منابع مکتوب امامیه در مورد زندگانی ائمه (ع) از آغاز تا پایان نیمه اول قرن پنجم هجری دفاع کردم. از سال ۱۳۶۹ وارد کارهای پژوهشی شدم و

با موسسات و مراکز مختلف همچون پژوهشکده فقه و حقوق دفتر تبلیغات اسلامی، مرکز معجم فقهی، سازمان اوقاف، صدا و سیما، دارالحدیث، و پژوهشکده تاریخ و سیره دفتر تبلیغات همکاری داشتم. همچنین در همین مدت شروع به نگارش مقالات و کتب نمودم که حاصل آن حدود سی مقاله منتشر شده در مجلات تخصصی و همایش‌ها و چهار کتاب و مشارکت در تألیف پنج کتاب است که در همین راستا موفق به دریافت هشت تقدیر نامه از مراکز معتبر همچون کتاب سال جمهوری اسلامی، کتاب سال حوزه، کتاب سال دانشجویی، کنگره دین پژوهان، پژوهش و فرهنگی سال و جشنواره فرهنگی اشراق شده‌ام. نوشته‌های اینجانب در حوزه‌های مختلف همچون فقه، تاریخ اسلام، کلام و حدیث، می‌باشد. همچنین تاکنون چند مدخل مانند جابر بن یزید جعفی، حریبه و خاندان جعفی برای دانشنامه جهان اسلام به نگارش درآورده‌ام. اینجانب از سال ۱۳۷۸ تاکنون در برنامه ریزی‌های مربوط به رشته تاریخ اسلام در مراکزی همچون مرکز جهانی علوم اسلامی، سازمان مدارس خارج از کشور، رشته تخصصی تاریخ اسلام حوزه علمیه قم و حوزه علمیه خواهران شرکت فعال داشته‌ام. که این برنامه ریزی‌ها در دو سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد در گرایش‌های مختلف تاریخ اسلام انجام گرفته است. از سال ۱۳۷۸ تاکنون مدیر گروه تاریخ اسلام مدرسه عالی امام خمینی (ره) وابسته به مرکز جهانی علوم اسلامی می‌باشم که دارای سه عضو هیأت علمی و حدود چهل استاد مشغول به تدریس در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد می‌باشند. همچنین مدتی مدیریت گروه تاریخ اسلام واحد تاریخ و سیره پژوهشکده تاریخ و سیره دفتر تبلیغات را به عهده داشتم. در سال ۱۳۸۲ در دوره اول انتخابات تاریخ پژوهان حوزه علمیه قم به عنوان یکی از اعضای هیأت مدیره انتخاب شدم و مدیریت بخش پژوهش این انجمن را به عهده گرفتم. همچنین اینجانب از سال ۱۳۷۸ تاکنون ارزیابی نوشته‌ها اعم از کتب و مقالات تاریخی را برای مراکز، موسسات، مجلات و جشنواره‌های مختلف انجام داده‌ام. ضمناً اینجانب از سال ۱۳۷۹ تا کنون در مراکز مختلف حوزوی و دانشگاهی همچون دانشکده الهیات دانشگاه تهران، دانشگاه مفید قم، مدرسه عالی امام خمینی (ره) وابسته به مرکز جهانی علوم اسلامی، جامعه الزهراء، موسسه آموزش و پژوهش امام خمینی (ره) مجمع جهانی اهل بیت (ع) مرکز تخصصی مهدویت، پژوهشکده مهدویت و مرکز تخصصی تاریخ حوزه علمیه قم به تدریس دروس مختلف تاریخی، حدیثی و فرقه‌شناسی اشتغال داشته‌ام.

صفری، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۸ ش)، نویسنده و مترجم. در تبریز به دنیا آمد و به شغل قضاوت اشتغال داشت. از آثار وی: «زندگانی بیسمارک»، ترجمه؛ «عروس مرو، کیانوش دختر یزدگرد».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۲۹۸، ۱۴۸۵ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۹۹ / ۴).

صفوت، محمد علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۶ - ۱۲۹۸ ق)، نویسنده، محقق، ادیب و شاعر. ملقب به صفوت. وی در تبریز به دنیا آمد. علوم ادبی و عربی، فقه، اوصال، منطق و حکمت را از محضر علما و دانشمندانی چون سید علی یزدی، میرزا علی لنکرانی، میرزا نصیر قره‌باغی، آقا ضیاء عراقی، سید ابوالحسن اصفهانی و سید کاظم عصار فرا گرفت و به درجه اجتهاد رسید. سالهای جوانی در سلک روحانیت بود و در ضمن به عظمی پرداخت. بعد از مدتی از لباس روحانیت خارج شد و به استخدام فرهنگ در آمد و در مشاغل مختلفی مثل ریاست اوقاف، کفیل اداره‌ی کل فرهنگ آذربایجان و سرپرست دانشسرای تبریزی انجام وظیفه کرد. صفوت پس از چهل سال فعالیت‌های فرهنگی، مجاورت شهر قم را برگزید و اوقاتش در این شهر، مصروف تألیف آثار ادبی و تاریخی و اخلاقی می‌شد. او سرانجام در همان شهر در گذشت. از آثار وی: «منابع الحکم»، در اخلاق؛ «دانش و پرورش نیازمند هوش و سنجش است»؛ «دسته گل»، منتخب از دیوان عبرت؛ «تاریخ فرهنگ آذربایجان»؛ «مرآت الاعتبار فی احوال رجال الاعصار»؛ «داستان و دوستان» یا «تذکره‌ی ادباء و شعرای آذربایجان»؛ «نعم الرفیق» یا «خل شفیق لارائه الطریق»؛ «چهارده معصوم - تربیت در اسلام»؛ «دیوان» شعر. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۳۴ / ۲۴، ۱۶۱۳، ۹ / ۱۷۱، ۸) زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۰۹ / ۴)، سخنوران نامی معاصر (۲۳۳۷ - ۲۳۳۴ / ۴)، شرح حال رجال (۲۴۴ / ۶)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰۲ - ۲۹۹ / ۴).

صفوی اصفهانی نجفی، ابوالقاسم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۰ - ۱۲۸۳ ق)، عالم دینی و فقیه. معروف به محرر. چون در نجف اشراف از خواص آیت‌الله آقا سید محمد کاظم یزدی بود و محرر ایشان، مشهور به محرر شد. سید مهدی بحرانی وی را از مشایخ خود شمرده و یادآور شده که صفوی از سید میرزا محمد هاشم چهار سوقی روایت کرده است. وی در صحن «جامع الرسائل العملیه» است که فتاوی علامه یزدی و دیگران را در آن جمع کرده است. از دیگر آثارش: «ابواب الجنان»، در اعمال شب و روز، به فارسی. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۷۴ / ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۹ / ۱۴).

صفوی ایجی، قطب‌الدین، ابوالخیر عیسی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۹۵۳ / ۹۵۵ - ۹۰۰ ق)، عالم و محقق شافعی، نحوی، منطقی و صوفی.

او را به مناسبت جد مادریش، صفی‌الدین ایجی، صفوی گویند. موطن او هند بود. ابتدا نحو و صرف و سپس فقه و پس از آن «رساله صغری و کبری» سید شریف را در منطق نزد پدر فراگرفت. آن‌گاه ملازم شیخ ابوالفضل کازوانی رد گجرات شد و در حضر او «مختصر» و «مطول» را خواند و از او به دریافت اجازه نایل شد. پس از آن مدتی در خدمت ابوالفضل استرآبادی در آمد. سپس به

مجامع علمی راه یافت و آوازه فضل او پیچید. وی جلال‌الدین دوانی را نیز درک کرد. سپس به مجامع علمی راه یافت و آوازه فضل او پیچید. وی جلال‌الدین دوانی را نیز درک کرد. سپس چند سالی مجاور مکه شد. او در ۹۳۹ ق از شام و بیت‌المقدس دیدار کرد و در دمشق مجلس درس آراست و جماعتی از اهل دمشق و حلب از او اخذ علم کردند. دو سفر نیز به عثمانی (ترکیه) نمود. سرانجام به مصر رفت و در آنجا سکنی گزید. ابن‌عماد، صاحب «شذرات الذهب»، او را از اعجوبه‌های دوران می‌داند. از آثارش: مختصر «النهایه» ابن‌اثیر، در غریب‌الحديث؛ «شرح الغره» سید شریف، در منطق؛ «تفسیر» سوره‌ی عم تا آخر قرآن؛ رساله‌ای در «حمد»؛ شرح حدیث اول از «صحیح» بخاری؛ شرح «الکافی» ابن‌حاجب، در نحو؛ حاشیه بر «شرح الکافی» جامی؛ حاشیه بر «شرح جمع الجوامع» محلی؛ «شرح الفوائد الغیاثیه»، در معانی و بیان؛ شرح «الشفاء» قاضی عیاض. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۹۴ / ۵)، ایضاح المکنون (۱۰ / ۱)، شذرات الذهب (۲۹۸-۲۹۷ / ۸)، کشف الظنون (۱۹۸۹، ۱۳۷۴، ۱۳۷۱، ۱۲۹۹، ۱۱۹۸، ۱۰۵۴، ۸۵۳، ۵۹۵)، هدیه العارفین (۱ / ۸۱۰).

صفوی نائینی، امان‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۴، مرتبه علمی: استاد، رشته: گوش و حلق و بینی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در سال ۱۳۳۹، دکترای تخصصی در رشته گوش و حلق و بینی در سال ۱۳۴۲، دوره مطالعاتی در بخش جراحی سر و گردن دانشگاه تگزاس آمریکا در سال ۱۳۵۲.

مرتبه علمی:

استاد پایه ۱۸ دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ترومای حنجره، بررسی علل تنگی‌های حنجره، بررسی توده‌های غده بزاقی پاروتید، بررسی اجسام خارجی مجاری تنفسی، استاد راهنمای ۱۲ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

آندوسکوپی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۹، تعداد مقالات به زبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

سقف دهان، تومورهای غده پاروتید، کیست مادرزادی غده بزاقی پاروتید، بررسی ۱۴ ساله در مورد اجسام خارجی مجاری تنفسی، فلج Bell در مورد عصب فاسیال.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

صفی‌الدین ارموی، ابوالفاخر عبدالمومن

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۹۳-۶۱۳ ق)، موسیقی‌دان، خطاط و ادیب. اصلش از بلخ بود، اما خاندانش در ارومیه به سر می‌بردند و او رد همان جا به دنیا آمد. در کودکی به بغداد رفت و در آنجا نشوونما یافت. وی در مدرسه‌ی مستنصریه به تحصیل عربی و علوم دینی و ادب و ریاضی پرداخت و در نظم اشعار و علم انشا و تاریخ و حسن خط شهرت یافت و در علم و عمل موسیقی بی‌مانند شد. در آخرین سال خلافت مستعصم (م ۶۵۶ ق) ندیم و عودنواز و کتابدار و کاتب او بود و بعدها به خدمت هلاکو درآمد. به قول بعضی از محققین، در خط همپایه‌ی یاقوت مستعصمی و ابن مقله بود، اما در موسیقی، پس از اسحاق موصلی، کسی به پایه‌ی او نرسیده است. صفی‌الدین یکی از سه موسیقی‌دان بزرگ ایران و عالم اسلام است، که نخستین ایشان، ابونصر فارابی و دیگری، خواجه عبدالقادر غیبی مراغه‌ای است. صفی‌الدین پیشقدم نظریه‌ی معروف (فرضیه‌ی منتظم) است که در آن گامها به هفده فاصله تقسیم می‌شود. وی سازی به نام مغنی اختراع کرد که ترکیبی از قانون و رباب و نزهه بود، حتی برخی اختراع ساز نزهه را هم به او نسبت داده‌اند. صفی‌الدین شاگردان بنامی تربیت کرده است که از آن جمله‌اند: شیخ شمس‌الدین سهروردی، علی ستایی و حسین زامر. وی در سالهای پایتان عمر به زندان افتاد و همان جا درگذشت. از آثار وی: «رساله الایقاع»، به فارسی، در پنج فصل؛ «الادوار فی حل الاوتار»، که جمعی از دانشمندان و علمای فن به ترجمه یا شرح آن به زبان فارسی پرداخته‌اند؛ «رساله فی علوم العروض و القوافی و البدیع»؛ «رساله الشرفیه فی النسب تألیفیه»، که به عربی و به نام شرف‌الدین هارون، فرزند خواجه شمس‌الدین صاحب دیوان جوینی، نوشته شده است و اختصاراً «کتاب الموسیقی» خوانده می‌شود. [۱]

ارموی، عبدالمؤمن بن یوسف بن فاخر دانشمند و موسیقی‌دان ایرانی (و. ارومیه حدود ۶۱۳ ه.ق. - ف. ۹۶۳ ه.ق.) در کودکی وی را به بغداد بردند و او در آن شهر به تحصیل پرداخت و پس از آموختن فقه شافعی به روزگار مستنصر به مستنصریه پرداخت و به سبب خوشنویسی در کتابخانه خلیفه به خطاطی مشغول شد. سپس به نواختن عود پرداخت و به سبب مهارتی که در این راه یافت ملازم و ندیم مستعصم آخرین خلیفه عباسی گردید و مالی فراوان به دست آورد و بیشتر آن را صرف عشرت خویش و احسان بر یاران کرد. هنگامی که هولاکو بغداد را فتح نمود صفی‌الدین نزد او رفت و به سبب هنر موسیقی در دستگاه‌خان مغول احترامی یافت. سپس به ریاست دارالانشاء علاء‌الدین عظاملک جوینی رسید. آنگاه به تبریز شد و به دستور شمس‌الدین محمد جوینی صاحب دیوان پسرش شرف‌الدین هارون را تعلیم موسیقی داد و رساله «شرفیه» را به نام وی تألیف کرد. زندگانی او در پایان عمر آشفته گردید و به سختی روزگار می‌گذرانید و به سبب وام بسیار به حکم قاضی به زندان افتاد و در سن ۸۰ سالگی درگذشت. وی در عربیت و نظم شعر و انشاء و تاریخ و خلاف و موسیقی مهارت داشت و خط منسوب را کسی مانند او نمی‌نوشت. از آثار او رساله «شرفیه» و «کتاب ادوار» (هر دو به عربی) مشهور است. رساله‌های او در روزگار خود وی به فارسی ترجمه شده و در سال ۱۹۳۷ م. «بارون اولانزه» آنها را به فرانسوی ترجمه و طبع کرده است. موسیقی‌دانان ادوار بعد از رسایل وی استفاده بسیار بردند. او را مخترع سازی به نام «مغنی» دانسته‌اند و گویند آن ترکیبی از «قانون» و «رباب» و «نزهه» بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] استادان موسیقی (۳۵-۳۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۷۲-۲۷۱ / ۳)، تاریخ برگزیدگان (۵۵۳-۵۵۲)، تاریخ موسیقی (۱۸۸-۱۸۲ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۷۳۲، ۱۴۷، ۱۴۶-۱۴۶)، تاریخ هنرهای ملی (۷۵۱-۷۴۹ / ۲)، حبیب السیر (۱۰۷ / ۳)، دانشمندان آذربایجان (۲۳۷-۲۳۶)، دایره‌المعارف فارسی (۱۵۷۴-۱۵۷۳ / ۲)، دستور الوزراء (۲۷۰)، کارنامه‌ی بزرگان (۶۴-۶۲)، معجم المؤلفین (۱۹۸ / ۶)، هدیه العارفین (۶۳۰ / ۱).

صفیر، محمد علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سیدمحمدعلی صفیر، دانشمند و شاعر شهیر در سال ۱۲۹۴ شمسی در شهر کرمانشاه دیده به جهان گشود. استاد صفیر در کودکی همراه پدرش به نجف اشرف رفت و پس از چندی همراه او به کرمانشاه و از آنجا به قم رهسپار و مشغول تحصیل علوم دینی شد و برخی از دروس ادبیات و مقدمات فقه را نزد علامه سیدعبدعلی هندی و آیت الله شیخ جعفر صبوری قمی فراگرفت. پس از آن به تهران رفت و در دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران تحصیلات خود را پی گرفت. استاد صفیر پس از فارغ التحصیل شدن، به تعلیم و تربیت روی آورد و سال‌های متمادی در دبیرستان‌های تهران به تدریس ادبیات پرداخت. استاد سیدمحمدعلی صفیر، در روز چهارشنبه ۲۲ مهر ۱۳۷۷ در سن ۸۶ سالگی در تهران چشم از جهان فروبست.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب: پدر سیدمحمدعلی صفیر، حجت الاسلام سیدحسین حائری از دانشمندان مقیم قم بود. پدر بزرگ او نیز، آیت الله سیدمحمدعلی حسینی تنکابنی از علمای مشهور و از مجاهدین و مبارزین در پیشرفت فتوای تحریم تنباکو بود.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: سیدمحمدعلی صفیر در کودکی همراه پدرش به نجف اشرف رفت و پس از چندی همراه او به کرمانشاه و از آنجا به قم رهسپار و مشغول تحصیل علوم دینی شد و برخی از دروس ادبیات و مقدمات فقه را نزد علامه سیدعبدعلی هندی و آیت الله شیخ جعفر صبوری قمی فراگرفت. پس از آن به تهران رفت و در دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران در گروه نخستین دوره‌ی دانشجویان قرار گرفت.

استادان و مربیان: سیدمحمدعلی صفیر در حوزه علمیه قم برخی از دروس ادبیات و مقدمات فقه را نزد علامه سیدعبدعلی هندی و آیت الله شیخ جعفر صبوری قمی فراگرفت.

زمان و علت فوت: سیدمحمدعلی سیدمحمدعلی صفیر، در روز چهارشنبه ۲۲ مهر ۱۳۷۷ در سن ۸۶ سالگی در تهران چشم از جهان فروبست و پیکرش در قطعه‌ی ۸۸ بهشت زهرا (قطعه‌ی فرهیختگان) به خاک سپرده شد.

فعالیت‌های آموزشی: سیدمحمدعلی صفیر پس از فارغ التحصیلی از دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران، به تربیت و تعلیم روی آورد و سال‌های متمادی در دبیرستان‌های تهران به تدریس ادبیات گذراند.

مراکز: که فرد از بانیان آن به شمار می‌آید: سیدمحمدعلی صفیر در تأسیس مراکز فرهنگی و دینی، یار و یاور علامه شیخ مهدی سراج انصاری بود و بعد از سقوط رضاخان در شهریور ۱۳۲۰، اقدام به تأسیس «انجمن تعلیمات اسلامی ایران» نمودند. وی از جمله در کار تأسیس بنای حسینیه ارشاد و به همراه آقایان محمد همایون، دکتر ناصر میناچی و میرعبدالحمید ادبی در بخش

فرهنگی آن تلاش کرد که قسمت اعظم کتیبه های حسینه و مسجد ارشاد با بهره وری از دیدگاه های استاد صفیر انجام یافت. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سیدمحمدعلی صفیر در کنار کارهای فرهنگی ، به دفاع از حریم تشیع و پاسخ شبهات و ایرادها در کنار علمای تهران همت گماشت. وی در فتنه ی کسروی ، همراه با آیت الله شیخ محمدحسن طالقانی رسماً علیه او در دادگاه شکایت نمود. استاد علاوه بر هنر استادی در انواع شعر در کارهای هنری نظیر خطاطی ، نقاشی ، طراحی و کاشی کاری نیز دست داشت. همچنین در فراگرفتن چند زبان کهن و خارجی کوشش نمود و زبان هایبی چون عربی ، فرانسه ، عبری و پهلوی را به خوبی می دانست. در بسیاری از مساجد ایران و بلکه خارج ایران ، آثار طبع هنری او روی کاشی کاری ثبت و حک شده ، که از جمله ی آن مراکز مذهبی چون مسجد هدایت ، مسجد جامع نارمک ، حسینه ارشاد ، مرقد مطهر حضرت رقیه (ع) در شام ، چند مسجد در هندوستان و پاکستان می توان نام برد. وی به امر علامه سیدمحمود طالقانی ، شعرهای کتیبه ی سردر حسینه ارشاد و سردر بزرگ مسجد هدایت را سروده است.

آرا و گرایشهای خاص : سیدمحمدعلی صفیر در اشعار خود به « صفیر » تخلص می کرد. در زمان دکتر محمد مصدق و بنا بر پیشنهاد او ، تصویبنامه ای از هیئت دولت گذشت که نام خانوادگی صفیر مختص به وی باشد تا آن که شعرهایش با نام خانوادگی این شاعر یکسان و جاودانه شود. استاد صفیر دارای طبعی بلند و همتی زیاد و پشتکار و مجاهدت و استقامت در راه حق و حقیقت بود. در کلام و سخن گفتن ، صداقت و صراحت داشت.

آثار :

- ۱ تاریخ مختصر ایران
- ۲ ترجمه ی دیوان اشعار امام علی (ع)
- ۳ تصحیح انجیل برنابا
- ۴ تصحیح دیوان شیخ محمود شبستری
- ۵ خردنامه
- ویژگی اثر : اثر منظوم ، در پند و اندرز.
- ۶ درس دین
- ۷ دیوان اشعار
- ویژگی اثر : با بیش از پانزده هزار بیت.
- ۸ ماتمکده ی شهید شیرخوار
- ویژگی اثر : منظومه ای در صد بیت ، در رثای عبدالله رضیع (ع).

منابع :

۱ مجله ی آینه پژوهش ، سال نهم ، شماره ی ۵۴ ، بهمن و اسفند ۱۳۷۷ ، ص ۱۱۴

صکوکى نسفى، ابوبکر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۴۴ ق)، حافظ و محدث. از محدث بن نصر مروزی و صالح بن محمد جزره و محمد بن ابراهیم بوشنجی و همطبقه‌ی آنان حدیث روایت کرده است. جعفر مستغفری در «تاریخ نسف» گوید: وی حافظ و مؤلف ابواب بود و به حدیث همشهریانش آگاه: دیگران نیز او را صاحب تصانیف دانسته‌اند. سیوطی وی را تحت عنوان صعلوکی آورده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۲۲۳ / ۱۶)، شذرات الذهب (۳۶۹ / ۲)، طبقات الحفاظ (۳۷۷).

صلاحی، عمران

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عمران صلاحی در دهم اسفندماه ۱۳۲۵ در امیریه تهران بدنیا آمد. مادرش متولد سمنان و پدرش از اردبیل بود. تحصیل را در ۷ سالگی در دبستان صنیع الدوله (قم) آغاز کرد و پس از آن در سال ۱۳۳۵ در دبستان قلمستان (تهران) و سپس در سال ۳۷ در دبستان شهریار و دبیرستان امیر خیزی (تبریز) ادامه داد. نخستین شعر خود را در مجله‌ی اطلاعات کودکان در سال ۱۳۴۰ چاپ کرد. پدر خود را در همین سال از دست داد.

اما بهتر است این دوران را از زبان خودش با عنوان (چه روزگار خوشی داشتیم) بشنویم:

"نام عمران است و فامیلم صلاحی. نام کوچکم را عمویم مراد انتخاب کرده است؛ از قرآن و سوره آل عمران. ترک ها به من می گویند عیمران و فارس ها گاهی با کسره و اکثرا با ضمه صدایم می کنند. ناشران و مترجمان گاهی گیج می مانند که هرکس هرطوری دوست دارد بنویسد و بخواند. نامم را به لاتین با ا بنویسند یا با اُ.

... دهم اسفند ۱۳۲۵ در تهران متولد شده ام؛ چهارراه گمرک امیریه. البته نه وسط چهارراه اگر چه گفته اند خیرالامور اوسطها. و اما زندگی ادبی و هنری من. قدیم ترین شعر و نوشته ای که از خودم پیدا کرده ام، تاریخ پنج شنبه ۳۰/۱۱/۱۳۳۷ را دارد. برخلاف تصور خواننده، خیلی غم انگیز است. بخشی از آن را بخوانیم؛ «از تهران حرکت کردیم و پس از یک روز به تبریز رسیدیم... در خیابان چهارم اردیبهشت، دربند کیوان، یک اتاق کوچک کرایه کردیم به ۲۶ تومان. هفت نفر بودیم. بعد از چهار روز، خواهر کوچکم پروین به یک مرض سخت دچار شد... در روز چهارشنبه ۲۹/۱۱/۱۳۳۷ پروین در بستر مرگ بود. صبح روز پنج شنبه به سختی نفس می کشید. بعد از ظهر همان روز بعد از آنکه ناهار را خوردیم، من در بیرون توپ بازی می کردم. ناگهان پسر همسایه مان به من خبر داد که مادرت چنان گریه می کند که نمی تواند روی پاهای خودش بایستد. با عجله دویدم تا به خانه رسیدم. دیگر کار از کار گذشته بود. نفس پروین بند آمده بود و چشم هاش باز بود...» دیگر بقیه اش را نمی آورم. به قول ایرج میرزا؛ ببند ایرج ازین گفتار غم دم / که غمگین می کنی خواننده را هم. بعد از این نوشته سوزناک چند بیت هم شعر گفته بودم که بیت اولش این بود؛ کجا رفتی ای پروین / می خندیدی چه شیرین. اولین شعرم پاییز سال ۱۳۴۰ در مجله اطلاعات کودکان چاپ شد، به نام «باد پاییزی» که یک مثنوی بود و اینطور شروع می شد؛ باد پاییزی بریزد برگ گل / بلبلان آزرده اند از مرگ گل. هنوز آن مجله را دارم. در صفحه جدول و سرگرمی همان مجله مسابقه ای گذاشته بودند و سوالاتی طرح کرده بودند که هرکس به آنها پاسخ

درست می داد جایزه می گرفت. یکی از سوالات این بود؛ «فرستنده باد پاییزی کیست؟» که منظور فرستنده شعر باد پاییزی بود. من این باد را از تبریز فرستاده بودم! در آخر شعر آورده بودم؛ ای خدا راضی شو این باد بد / برگ گل های مرا پرپر کند، که همین طور هم شد یا نشد! آخر پاییز، پدرم به سفری همیشگی رفت. من آن وقت ۱۵ ساله بودم."

تحصیل در دبیرستان وحید(تهران) در سال ۱۳۴۱ و پس از آن در سال ۴۵ به همکاری با روزنامه توفیق پرداخت و همانجا با پرویز شاپور آشنا شد. در سال ۱۳۴۷ چاپ اولین شعر نیمایی در مجله خوشه به سردبیری احمد شاملو را به همراه داشت. در سال ۴۹ کتاب "طنز آوران امروز ایران" با همکاری بیژن اسدی پور - فوق دیپلم مترجمی از دانشگاه تهران - را منتشر کرد. در سال ۱۳۵۰ به خدمت نظام وظیفه در تهران، تبریز، کرمانشاه، مراغه رفت.

در زندگی خود نوشت صلاحی در مورد این سالها آمده است:

"بعد از مرگ پدر، به تهران آمدم و ساکن جوادیه شدیم. با دوچرخه قراضه ای از جوادیه به دبیرستان وحید در خیابان شوش می رفتم. روزی دوچرخه ام پنجر شد. سر راهم در جوادیه دوچرخه سازی بود. برای پنجرگیری به آنجا رفتم. دیدم در و دیوار پر از شعر است. از دوچرخه ساز پرسیدم شعرها مال کیست؟ گفت مال خودم. دوچرخه ساز، شاعر بود و اسمش رحمان ندایی. با هم دوست شدیم و رفت و آمد پیدا کردیم. به خانه هم می رفتیم و شعر می خواندیم؛ هم از خودمان و هم از دیگران. او به انجمن ادبی صائب می رفت. از طریق او، خلیل سامانی (موج) دعوتنامه ای برای من فرستاد. او دبیر انجمن بود و استاد عباس فرات رئیس انجمن. جلسات انجمن هفته ای یک بار تشکیل می شد؛ در ایستگاه اناری نواب کوچه ماه. اولین بار که به انجمن رفتم در بسته بود و هنوز هیچ کس نیامده بود. دیدم از سر کوچه پیرمردی با کلاه لبه دار و بارانی و کیفی چرمی دارد می آید. پیرمرد آمد و دم در ایستاد و از من پرسید «با کی کار داشتی؟» گفتم؛ «با آقای موج». خودش را معرفی کرد و گفت؛ «من فرات هستم. فرات بی موج نمی شود. الان موجش هم می رسد». دو دقیقه بعد «موج» هم آمد. سامانی برای اینکه نشانی را فراموش نکنیم، آن را در دو بحر می خواند؛ «کوچه ماه، پلاک سی و سه» و «کوچه ماه، کاشی سی و سه». که هنوز به یاد من مانده است. این هم از تاثیرات وزن است. از همان انجمن صائب پایمان به انجمن های دیگر باز شد. یک شب که از انجمن آذربادگان واقع در امیرآباد می آمدم با حسین منزوی آشنا شدم. جوانی لاغر که دانشجوی دانشگاه تهران بود و در خانه عمویش در جوادیه زندگی می کرد و چه عموهای نازنینی، مثل پدر منزوی. از آن به بعد همه در انجمن های ادبی من و منزوی را با هم می دیدند. یک شب که پول نداشتیم از کلبه سعد تا جوادیه پیاده آمدم و من این بیت را سرودم؛ با منزوی پیاده روی می کنیم ما / خود را بدین وسیله قوی می کنیم ما! کاظم سادات اشکوری می فرماید؛ دستت چو نمی رسد به عمران / دریاب حسین منزوی را! روزی یکی از بچه های شیطان جوادیه با سنگ، زد یکی از پره های دوچرخه ام را شکست و پا به فرار گذاشت. من شعری نوشتم از زبان بچه جوادیه و با همان امضا فرستادم برای روزنامه فکاهی توفیق. روزنامه را نمی خریدم. از روزنامه ای که توی جوی آب پیدا کرده بودم، نشانی اش را نوشته بودم. یک روز که از مدرسه به خانه آمدم، نامه ای به دستم دادند. حسین توفیق نوشته بود شعر و کاریکاتور در فلان شماره چاپ شده است هرچه زودتر خودت را به ما برسان. یک روز عصر با همان دوچرخه قراضه از مدرسه رفتم به اداره توفیق در خیابان استانبول. از سال ۱۳۴۵ عضو هیات تحریریه روزنامه توفیق شدم و در آن مکتب پرورش یافتیم. اسامی مستعارم در توفیق، بچه جوادیه، ابوطیاره، ابوقراضه، مداد، زرشک، زنبور و چند امضای دیگر بود. من خود را خیلی مدیون برادران توفیق می دانم. چه روزگار خوشی داشتیم. در توفیق با پرویز شاپور آشنا شدم. از طریق شاپور با اردشیر محمص آشنا شدم. دوستی من با شاپور تا آخر عمر او ادامه داشت. سال ۴۵ در زندگی هنری من نقطه عطفی بود؛ سرودن شعر نو به فارسی و ترکی، همکاری با توفیق، آشنایی با شاپور."

در سال ۵۲ به همکاری با گروه ادب امروز رادیو به دعوت نادر نادرپور پرداخت و به استخدام رادیو تهران در آمد. در سال ۵۳

انتشار کتاب "گریه در آب" را داشت و در همان سال با هایده وهاب‌زاده ازدواج کرد. در سال ۱۳۵۵ کتاب "قطاری در مه" را منتشر کرد. سال ۵۶ انتشار کتاب "ایستگاه بین راه" را داشت. نمایشگاه مشترک کاریکاتور با پرویز شاپور و بیژن اسدی‌پور در نگارخانه تخت جمشید و شعر خوانی در ۱۰ شب کانون نویسندگان ایران نیز از کارهایی است که عمران صلاحی در همان سال به همراه داشت.

اولین فرزند او به نام یاشار در سال ۵۷ به دنیا آمد. انتشار کتاب "هفدهم" و سفر به ترکیه، یونان، بلغارستان از وقایعی است که در سال ۵۸ با آن مواجه بود. دومین فرزندش به نام بهاره در سال ۶۱ بدنیا آمد و در همان سال کتاب "پنجره دن داش گلیر" را به ترکی منتشر کرد. در سال ۶۷ گشایش صفحه "حالا حکایت ماست" در مجله دنیای سخن و مسئولیت نگارش در آن قسمت را به عهده گرفت. در سالهای ۷۰، ۷۳ و ۷۴ به ترتیب انتشار کتاب "رویاهای مرد نیلوفری"، انتشار ویژه نامه "عاشقانه" در آمریکا و انتشار کتاب "شاید باور نکنید" در سوئد را در کنار سایر دست آوردهایش همراه داشت. سال ۷۵ پس از بازنشستگی از صدا و سیما به همکاری با گل آقا و همکاری با شورای عالی ویرایش پرداخت. از خود صلاحی کوتاه درباره ی دوران بعد از سربازیش بشنویم:

"بعد از اینکه از سربازی آمدم، به دعوت نادر نادرپور، به همکاری با گروه ادب رادیو تلویزیون پرداختم. در رادیو با محمد قاضی، رضا سیدحسینی، حسینعلی هروی و دیگران آشنا شدم. در گروه ادب امروز، بخش های طنز را می نوشتم. برنامه مستقلی هم داشتم به نام «زیر دندان طنز». از نادرپور هم خیلی آموخته ام. یادش گرامی باد. برنامه های ماهانه گروه ادب هم با حضور مشاهیر ادبیات جلوه و جذابیت خاصی داشت. شب های شعر کانون نویسندگان که در باغ گوته برگزار می شد برای من فراموش نشدنی است. من در شب دوم شعر خواندم و خیلی تشویق شدم. از سال ۱۳۶۴ با چند نفر از دوستان شاعر و نویسنده جلساتی داشتیم که سه شنبه ها به ترتیب الفبا در منازل تشکیل می شد. جلسات سه شنبه تقریباً ۱۱ سال به طول انجامید. از سال ۶۵ با شاعران ترک زبان بیشتر آشنا شدم. دوشنبه ها در قهوه خانه ها جمع می شدیم و شعر می خواندیم البته به ترکی. دیگر از چه بگویم و از که بگویم. از منوچهر آتشی بگویم که حقی بزرگ به گردن من دارد، از حمید مصدق بگویم که همیشه «از ما به مهربانی» یاد می کرد، از سیمین بهبهانی بگویم که مثل مادرم دوستش دارم و به او افتخار می کنم. واقعا نمی دانم از که بگویم. خوبان همه جمع اند بروم و کمی اسفند دود کنم."

او در سال ۷۷ کتاب های "یک لب و هزار خنده" و "حالا حکایت ماست" و در سال ۷۸ گزینۀ اشعار را به چاپ رساند. همچنین در این سال در ۶ شهر کشور سوئد سخنرانی هایی را ایراد کرد. وی در سال ۷۹ کتابهای "آی نسیم سحری"، "ناگاه یک نگاه"، "ملا نصرالدین"، از گلستان من ببر ورقی" و "باران پنهان" و در سال ۸۰، کتابهای "هزار و یک آینه" و "آینا کیمی" به ترکی را منتشر کرد. وی همچنین قرار بود "تفریحات سالم"، "طنز سعدی در گلستان و بوستان" و "زبان بسته ها" (منتخبی از قصه های حیوانات به نظم) را منتشر کند.

و بالاخره عمران صلاحی در شب ۱۱ مهر ۱۳۸۵ دار فانی را وداع گفت.

در مراسم تشییع پیکر او جواد مجابی درباره ی او می گوید: "عمران هیچ از مرگ نمی گفت. همواره از زندگی می گفت و می سرود... و رای شیرینی کلامش زهری جریان داشت که از واقعیت ناگزیر می تراود و او چرب دستانه هر دو منظر را یکجا به ما نشان می دهد... او همچون ذات زندگی، دیگران را در خود ایمن و شاد می خواست. نمی میرند کسانی که چون عمران عین شادی اند.

عمران تمام عمرش را با مردم کوچه زیست."

همچنین در این مراسم محمود دولت آبادی گفت: "او خود زندگی بود. درخشان و دل زنده... چه بی مهر شده است این زندگانی غمبار ما و این آژنگ های نشسته بر پیشانی آدمیان که انگار به عادت سخت و سنج در آمده است که انگار حس شوخی و شاد زیستن - آنگونه که عمران - رفتاری نابهنجاری نماید. در این هنجار، آری عمران انسانی متفاوت بود..."

صلح جو، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی صلح جو، متولد سال ۱۳۲۳ در قزوین، از ویراستاران و مترجمان باتجربه و خبره و از معلمان ویراستاری در دوره های آموزش ویرایش است. گروه: علوم انسانی رشته: زبان شناسی عمومی گرایش: ویراستاری تحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات رسمی علی صلح جو به قرار زیر است: - کارشناسی رشته زبان و ادبیات انگلیسی، مدرسه عالی ادبیات و زبانهای خارجی، ۱۳۵۴ - کارشناسی ارشد رشته زبانشناسی همگانی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۹ همسر و فرزندان: علی صلح جو متاهل و دارای چهار فرزند می باشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مشاغل و سمتهای علی صلح جو به قرار زیر است: - نمونه خوان، موسسه انتشارات فرانکلین از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۴ - ویرستار موسسه انتشارات فرانکلین از سال ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۸ - ویراستار موسسه دایره المعارف فارسی مصاحب از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۴ - ویراستار دانشگاه آزاد اسلامی از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۸ - ویراستار مرکز نشر دانشگاهی از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۸۲ - ویراستار مجله پیام یونسکو از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰ - دبیر اجرایی مجله زبان شناسی از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۸۰ - ویراستار دانشگاه پیام نور از سال ۱۳۷۳ تا کنون - عضو هیئت تحریریه مجله مترجم فعالیتهای آموزشی: فعالیت های آموزشی علی صلح جو به ترتیب زیر است: تدریس دروس، زبان شناسی، ترجمه، ویرایش از سال ۱۳۶۲ تا کنون در دانشگاههای شیهد بهشتی، آزاد اسلامی، پیام نور، جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، مرکز نشر دانشگاهی دانشکده حدیث و انتشارات سروش. چگونگی عرضه آثار: علی صلح جو از ویراستاران و مترجمین و مولفین در پیرامون زبان، فرهنگ و تاریخ و غیره است که از ایان تا کنون ۱۲ مقاله منتشر شده است. آثار: ۱ آموزش بدمیتون ۲ (رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی) ویژگی اثر: پدیدآورنده: آذر آقایی، علی صلح جو (ویراستار)، ژاله معماری (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور - ۲۷ اسفند، ۱۳۸۶ ۲ آموزش بسکتبال (۱) (رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی) ویژگی اثر: پدیدآورنده: حسن محمدزاده جهتلو، علی صلح جو (ویراستار)، خلیل نسودی رضایی (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور - ۳۱ اردیبهشت، ۱۳۸۴ ۳ اصول آموزش تنیس روی میز ۱ (رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی) ویژگی اثر: پدیدآورنده: محمدرضا رمضانپور، علی صلح جو (ویراستار)، بهمن تاروردی زاده (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور - ۱۵ اسفند، ۱۳۸۶ ۴ اصول آموزش فوتبال (۱): رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی ویژگی اثر: پدیدآورنده: قدرت الله باقری راغب، علی صلح جو (ویراستار)، ابوالفضل فراهانی (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور - ۱۴ آبان، ۱۳۸۶ ۵ پژوهش و نگارش ویژگی اثر: پدید آورنده: علی صلح جو، نشر آگاه ۱۳۶۸۶ تاریخ زبان فارسی (رشته زبان و ادبیات فارسی) ویژگی اثر: پدیدآورنده: مهری باقری، علی صلح جو (ویرایشگر)، حسن انوری (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور - ۲۷ اسفند، ۱۳۸۶ ۷ ترجمه متون ادبی (رشته مترجمی زبان انگلیسی) ویژگی اثر: پدیدآورنده: محمود علی محمدی، علی صلح جو (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور - ۱۴ آبان، ۱۳۸۶ ۸ چگونه تحقیق کنیم؟ (رشته های کارشناسی ارشد علوم انسانی) ویژگی اثر: پدیدآورنده: لورن بلکستر، کریستینا هیوز، ملکم تایت، ابوالفضل فراهانی (مترجم)، عیسی ابراهیم زاده (مترجم)، محمدرضا سرمدی (مترجم)، علی صلح جو (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام

نور - ۱۲ شهریور، ۱۳۸۵ ۹ خواهر وسطی و ویژگی اثر: پدیدآورنده: میریام میس، مترجم (علی صلح جو)، ابن سینا ۱۳۴۶۱۰ در آمدی به اصول و روش ترجمه و ویژگی اثر: پدیدآورنده: کاظم لطفی پورساعدی، علی صلح جو (ویراستار) ناشر: مرکز نشر دانشگاهی - ۱۲ تیر، ۱۳۸۵ ۱۱ راهنمای آمادگی جسمانی برای زندگی سالم ۱ (رشته تربیت بدنی) و ویژگی اثر: پدیدآورنده: مت رابرتس، بهروز ژاله دوست ثانی (مترجم)، ابوالفضل فراهانی (مترجم)، محمدرضا اسد (مترجم)، علی صلح جو (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور - ۱۱ مهر، ۱۳۸۵ ۱۲ رشد و تکامل حرکتی (رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی) و ویژگی اثر: پدیدآورنده: حسن خلجی، علی صلح جو (ویراستار)، مریم سیف نراقی (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور - ۲۲ مهر، ۱۳۸۶ ۱۳ روشها و فنون در آموزش علوم، برای کارشناسان و معلمان علوم تجربی و ویژگی اثر: پدیدآورنده: مهتاش اسفندیاری، علی صلح جو (مترجم) ناشر: مدرسه - ۱۴ ۱۳۸۲ ۱۴ زبان شناسی نوین: نتایج انقلاب چامکسی و ویژگی اثر: پدیدآورنده: دیردری ویلسن، مترجم (علی صلح جو - ترجمه مشترک) ۱۳۶۷۱۵ ۱۵ زبان و ذهن و ویژگی اثر: پدیدآورنده: نوآم چامسکی، کوروش صفوی (مترجم)، علی صلح جو (ویراستار) ناشر: هرمس - ۱۷ خرداد، ۱۳۸۴ ۱۶ زبان و زبان شناسی و ویژگی اثر: پدیدآورنده: الکساندر کنداتف، مترجم (علی صلح جو)، ایران یاد ۱۳۶۳۱۷ ۱۷ فرستادگان نور و ویژگی اثر: پدیدآورنده: امیده صدارت، جیمز توئین، علی صلح جو (مترجم)، مریم بیات (مترجم)، مرجان انصاری (مترجم) ناشر: سخن - ۱۸ ۱۳۸۲ فرهنگ اصطلاحات انگلیسی - فارسی و چگونگی کاربرد آنها و ویژگی اثر: پدیدآورنده: علی صلح جو، حسین وثوقی ناشر: رهنما - ۱۹ ۱۳۸۲ فرهنگ اندیشه نو (مقالات زبانشناسی) و ویژگی اثر: پدیدآورنده: مازیار، مترجم (علی صلح جو) فن مطالعه و ویژگی اثر: پدیدآورنده: لیندافریل انیس، علی صلح جو (مترجم)، احمد سمیعی (گیلانی) (ویراستار) ناشر: مرکز نشر دانشگاهی - ۰۶ آذر، ۱۳۸۶ ۲۱ گفتمان و ترجمه و ویژگی اثر: پدیدآورنده: علی صلح جو ناشر: نشر مرکز - ۰۵ اسفند، نظریه های ترجمه در عصر حاضر و ویژگی اثر: پدید آورنده: هرمس، مترجم (علی صلح جو) ۱۳۸۰۲۳ نکته ای ویرایش و ویژگی اثر: پدیدآورنده: علی صلح جو ناشر: نشر مرکز - ۲۷ اسفند، ۱۳۸۶ ۲۴ نمادها و نشانه ها و ویژگی اثر: پدیدآورنده: آلفرد هوهنه گر، علی صلح جو (مترجم) ناشر: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات - ۰۸ آبان، ۱۳۸۶ ۲۵ نمونه های نثر ساده انگلیسی (رشته مترجمی زبان انگلیسی) و ویژگی اثر: پدیدآورنده: علی صلح جو (ویراستار)، محمود علی محمدی (ویراستار)، بهروز عزبدفتری (گردآورنده) ناشر: دانشگاه پیام نور - ۱۹ اسفند، ۱۳۸۶

صلواتی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود صلواتی

محل تولد: خمینی شهر اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۵ پس از اتمام تحصیلات ابتدایی به تحصیل علوم اسلامی پرداختم. پس از اتمام دروس مقدمات برای ادامه تحصیل از اصفهان به قم آمدم. درسهای فقه و اصول و منطق و فلسفه را در قم آموختم. در سال ۱۳۵۱ بازداشت و به سربازی اعزام شدم آنگاه

به زندان افتادم در سربازی و زندان مطالعات و تحقیقات خود را ادامه دادم بیشترین رشد علمی من در زندان بود که یک دوره کتابهای ملاصدرا را مباحثه کردم به صورت منظم روی قران و نهج البلاغه کار کردم و آنها را برای هم زندانیان تدریس کردم. آشنایی با علوم روز مطالعه تاریخ اسلام، تاریخ ایران، تاریخ جهان و ... رجوعن ایام فراغت دوران زندان بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی مراکز تحقیقات عقیدتی سیاسی سپاه را در قم راه اندازی کردم که وظیفه آن تهیه جزوات آموزشی برای سپاه در سراسر کشور بود و در این ایام کتابها و جزوات بسیاری تدوین و منتشر شد، کتاب روش تحلیلی مسائل سیاسی، تداوم انقلاب بر اساس ایمان، هجرت، جهاد. شرح بسیاری از خطبه های نهج البلاغه، رمضان ماه خدا، و ... در سال ۱۳۵۹ مدرسه رسول اکرم و آنگاه امام باقر و سپس دارالشفاء را زیر نظر آیت الله العظمی منتظری راه اندازی کردم که بیش از دو هزار طلبه در این مدارس به تحصیل مشغول شدند. در کنار کارهای اجرایی به پژوهش و تالیف پرداختم. که هشت مجله سیاسی فقهی حکومت اسلامی، تقریر و ترجمه درسهای استاد بزرگوار آیت الله منتظری نتیجه این دوره از زندگی است. ترجمه قران و صحیفه سجاده را از زندان آغاز کردم با شیوه ای نوین (مسجع و موزون) آنگاه به ویرایش و تکمیل آن پرداختم تا به چاپ رسید. هم اکنون نیز با یاری خداوند متعال به پژوهش و تدریس مشغولم و با مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم همکاری دارم.

صمدی حسین آبادی، حیدرعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: رادیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

صمدی شاه آباد، اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اکبر صمدی شاه آباد

محل تولد: تفت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۴/۱۷

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۲ وارد حوزه علمیه یزد شدم پس از گذراندن مقدمات و مقداری از سطح در سال ۱۳۵۸ به حوزه علمیه قم مشرف شدم و نزد اساتید ذکر شده بهره مند شدم. از آنجا که از ابتدا به امر منبر و تبلیغ علاقه زیادی داشتم به این امر مقدس روی آموردم که به لطف خداوند در این زمینه موفق بودم به گونه ای که در شهرهای مختلف کشور منبر رفته و می روم و گاهی ایام تبلیغی را از

یکسال قبل وعده می‌دهم. در قم نیز در بیوت رهبری، آیت الله فاضل و مکارم نیز گاهی منبر رفته و می‌روم. سفرهایی به خارج از کشور مثل امارات بحرین جهت تبلیغ رفته ام. سفرهایی از طرف بعثه مقام معظم رهبری به عربستان و سوریه جهت تبلیغ رفته ام. در کار تالیف نیز علاقه دارم که تا کنون ۵ جلد کتاب و ده‌ها مقاله نوشته‌ام و تالیفاتی نیز در دست دارم

صمصام شریعت، هادی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: داروسازی، رشته: داروسازی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

صمصامی مهاجر، رضا قلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۵ - ۱۲۶۷ ش)، مترجم. ملقب به رفیع الملک. تصحیلات وی رشته ادبیات، دوره‌ی علوم جدید متوسه، و سمت رسمی او مدیریت عتیقات و موزه‌ی ملی بود. از آثار وی: «عود ارواح»، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۳۵۴ / ۲)، مولفین کتب چاپی (۲۱۱ - ۲۱۰ / ۳).

صمصامی، غلامعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۷۸ ش)، نویسنده و مترجم. پس از اتمام تحصیلات در مدرسه‌ی علوم سیاسی وارد خدمت وزارت خارجه شد و عهده‌دار مشاغل مختلفی چون دبیری و کارداری سفارت‌های روسیه و افغانستان شد. از آثار وی: «آخرین خانواده‌ی امپراتور روس»، ترجمه؛ «سازمان ملل متحد و مؤسسات تخصصی بین‌المللی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۸۹۷ - ۱۸۹۶ / ۲، ۱۷ / ۱)، مولفین کتب چاپی (۷۲۶ - ۷۲۵ / ۴).

صمیمی، غلامحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غلامحسین صمیمی

محل تولد: کریر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

از دست آوردهای بزرگ انقلاب اسلامی رهایی دانش از بند استبداد بود که سالیانی دراز چون دیگر فضایل انسانی در سایه حکومت ستم شاهی، ناچیز و بی ارزش بود و پس از آن در تلالو فجر پیروزی در لوای معارف بلند اسلام رخ نمود و امید در دل مشتاقان گشود و در همین افق بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه کاشمر شدم و چون پیش از آن در حزب جمهوری اسلامی که در آن دوران تشکلی زنده و مؤثر در برابر تبلیغات انحرافی گروهکهای التقاطی و ضد اسلامی مشغولیتی داشتم و فرصتی برای درس و مطالعه نداشتم به پیشنهاد یکی از دوستان دور که از حوزه علمیه یزد به کوشه ای بی توشه و آماده از برای کسب دانش و مطالعه نام می برد بدانجا رفتم و درسها را از آغاز پی گرفتم ولی باز همان دل مشغولیتهای پیش به اضافه عضویت غیر رسمی در سپاه و بدین گونه بود تا پس از سه سال که چندی هم در مناطق جنگی و بویژه در محورهای عملیاتی کردستان سپری شد به قم آمدم و در مدرسه شهابیه ساکن شدم و در درس معالم آقای قاسمی کاشانی که اخلاق و منش به عنوان نخستین استاد در قم در من تأثیری ژرف داشت شرکت جستم و ماهی چند خود نیز برای چند دانش آموز مقطع دبیرستان که آشنایی اتفاقی داشتیم در حرم حضرت معصومه (س) به تدریس شرح امثله و سپس صرف میر پرداختم. این کلاس تقریباً هر وقت از منطقه جنگی به قم می آمدم ادامه می یافت. و بدین گونه توفیقی آمد تا از جامع المقدمات کتابی چند مانند شرح امثله و صرف میر و شرح تصریف، و المودج تدریس شد.

سالیان بعد نیز در کنار فراگیری کتابهای سطح منطق کبری و شرح باب حادی عشر را تدریس نمودم. همراه با درس خارج فقه و اصول و فلسفه و آیات الاحکام و تفسیر قرآن کریم هم در زمینه تاریخ که از خردسالی بدان علاقه داشتم به کاوش پرداختم. این پژوهش که اکنون ۱۲ ساله است غالباً در سده نخست اسلام بوده است و چهار سالی است که روزانه بین چهار تا پنج ساعت است که بهره اش ۵۸۰ فیش تحقیقاتی و ۳۶۰ ورق آچار است و روزهای پنج شنبه نیز در مسجد امام زین العابدین (ع) برای روحانیون تدریس سیره دارم سیره سیاسی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حدود چهل مقاله هم در نشریات گوناگون.

سناری خوارزمی، ابوالحسن علی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۳۹ق)، فقیه، مفسر، نحوی و لغوی. ادبیات را نزد شیخ ابوعلی ضریر نیشابوری آموخت و فقه را در خوارزم نزد ابو عبدالله وبری فراگرفت. آن گاه به بخارا رفت و فقه خویش را در محضر فقهای آن دیار تکمیل نمود. سپس به جرحانیه (خوارزم) بازگشت و سرانجام در قریه‌ی مذانه از قرای خوارزم سکنی گزید و عهده‌دار امور مذهبی آنجا گشت و در مسجد جامع آنجا هر صبح جمعه

وعظ می‌گفت. او لغات غریب و اشعار مشکل بسیاری را در حفظ داشت. وی در مذانه درگذشت. از آثارش کتاب «شمارخ الدرر»، در تفسیر قرآن مجید می‌باشد.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: الاعلام (۱۲۸ / ۵)، ریحانه (۴۷۰ - ۴۶۹ / ۳)، کشف الظنون (۱۰۱۹، ۴۴۷)، لغت‌نامه (ذیل / علی)، معجم الادباء (۶۴ - ۶۳ / ۱۴)، معجم المؤلفین (۱۴۹ / ۷).

صناعی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد، مترجم، محقق، مؤلف.

تولد: ۱۲۹۷، اراک.

درگذشت: شهریور ۱۳۶۴، لندن.

محمود صناعی که اشعار خود را با عنوان «هونر» (فرود) و «هونر» (م) منتشر می‌کرد، پس از پایان تحلیلات متوسطه در کالج آمریکایی تهران از دانشکده‌ی ادبیات و دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران در رشته‌های فلسفه و علوم تربیتی و ادبیات پارسی و حقوق لیسانس گرفت. پس از چند سال تدریس فلسفه و ادبیات فارسی در کالج آمریکایی تهران در سال ۱۳۲۴ برای تکمیل تحصیلات خود عازم انگلستان گردید و در دانشگاه لندن به تحصیل در رشته‌ی حقوق و فلسفه و روان‌شناسی مشغول شد و به دریافت درجه‌ی دکتری در رشته‌ی روان‌شناسی نایل شد. در سال ۱۳۳۳ به عضویت انجمن بین‌المللی پسیکوانالیز انتخاب گردید. مدتی به سمت رایزن فرهنگی ایران در انگلستان خدمت کرد. وی همچنین عضو هیئت نظارت تألیف تاریخ ایران در کمبریج بود پس از بازگشت به ایران به عنوان استاد در دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد و به مقام‌های ریاست دانشسرای عالی تهران و معاونت وزارت فرهنگ نیز رسید.

دکتر محمود صناعی همچنین موفق به تأسیس و پایه‌گذاری مؤسسه‌ی روان‌شناسی در دانشگاه تهران شد. وی در این مؤسسه کتابخانه‌ای حاوی کتابهای مربوطه و نشریات ادورای گرد آورد. او بیش از ده سال پیش از فوتش به انگلستان عزیمت کرد و در لندن ساکن شد.

علاوه بر مقاله‌هایی که در مجله‌های «ایران امروز»، «سخن»، «یغما»، «راهنمای کتاب» و «مهر» منتشر می‌کرد و مقاله‌هایی به زبان انگلیسی در مجله‌های جهانی منتشر می‌ساخت، فهرست آثار انتشار یافته وی به شرح زیر است: یادی از استاد (هرلدلسکی، ۱۳۳۲)؛ ترجمه‌ی چهار رساله افلاطون (۱۳۳۶)؛ آزادی فرد و قدرت دولت؛ آزادی و تربیت (۱۳۳۹)؛ اصول روان‌شناسی (نرمال ل. مان چاپ دوم، ۱۳۴۲)؛ پنج رساله از افلاطون (۱۳۳۴)؛ در آزادی (جان استوارت میل).

دکتر محمود صناعی در شهریور ۱۳۶۴ در لندن درگذشت.

در سال ۱۲۹۷ تولد یافت. پس از انجام تحصیلات متوسطه وارد دانشکده‌ی ادبیات شد و لیسانسیه در رشته‌ی فلسفه و علوم تربیتی شد. بعد به اروپا رفت و در دانشگاه لندن فلسفه و علوم تربیتی و روان‌شناسی تحصیل کرد و درجه‌ی دکترا گرفت. چندی در دانشکده‌های انگلستان تدریس می‌نمود، سپس به دعوت دولت ایران به تهران آمد و استاد دانشسرای عالی و دانشکده‌ی ادبیات تهران شد. مدتی ریاست دانشسرای عالی با او بود. بعد به معاونت وزارت فرهنگ و تعلیمات عالی منصوب گردید. چندی هم

وابسته‌ی فرهنگی ایران در لندن بود. صناعی در سال ۱۳۴۵ مجدداً به روانشناسی به زبانهای انگلیسی و فرانسه می‌باشد. مردی بود به تمام معنی دانشمند و با فضل در روانشناسی و روانکاوی صاحب بصیرت. وقتی که در تهران اقامت داشت، مطبی دایر نمود و بیماران روانی را معالجه می‌کرد. در سال ۱۳۶۵ درگذشت.

(تو ۱۲۹۷ ش)، مترجم و نویسنده. در اراک به دنیا آمد. تحصیلات خود را در کالج آمریکایی تهران و دانشکده‌ی ادبیات و دانشکده‌ی حقوق به پایان رسانید و در رشته‌های فلسفه و علوم تربیتی و ادبیات فارسی و زبان خارجه و حقوق به اخذ لیسانس توفیق یافت. پس از چند سال تدریس فلسفه و ادبیات فارسی در کالج آمریکایی تهران، جهت تکمیل تحصیلات به انگلستان رفت و پس از اخذ درجه‌ی دکتری از دانشگاه لندن به تحصیل پسیکو آنالیز (روانکاوی) پرداخت و در ۱۳۳۳ ش به عضویت انجمن بین‌المللی آن رشته انتخاب گردید. مقالات متعددی که وی در مسایل مختلف روانشناسی اجتماعی انتشار داد، او را در زمره‌ی متخصصین بین‌المللی این فن درآورد. صناعی مدتی رایزن فرهنگی سفارت ایران در انگلستان بود. از آثار وی: «آزادی و تربیت»؛ «اصول روانشناسی»، ترجمه؛ «پنج رساله از افلاطون»، ترجمه؛ «چهار رساله‌ی افلاطون»، ترجمه؛ «در آزادی»، ترجمه؛ «یادی از استاد»، ترجمه. [۱]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۳۰)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸-۴۷ / ۶).

صندلی نیشابوری، ابوالحسن علی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۸۹ / ۴۸۴ ق)، متکلم، واعظ و فقیه حنفی معتزلی. از اهالی نیشابور بود. با سلطان طغرل بیگ به بغداد رفت، سپس به نیشابور بازگشت و به زهد و سلوک روی آورد و از دیدار سلاطین روی برتابید. روزی ملک شاه سلجوقی در مسجد جامع نیشابور او را دید و از او به علت عدم رفت‌وآمد به دربار گله کرد. صندلی در جواب گفت: عرض ما آن است که شما با زیارت علماء از اختیار ملوک باشید نه این که ما با زیارت ملوک از اشرار علماء. از آثارش «تفسیر القرآن» را می‌توان نام برد. در «هدیه العارفین» صندلی به صورت صیدلی و در «معجم المؤلفین» به صورت صندیلی ذکر شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اسرار التوحید، تعلیقات (۷۰۷)، الاعلام (۸۲-۸۱ / ۵)، ریحانه (۴۷۰ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / علی)، معجم المؤلفین (۶۷ / ۷)، هدیه العارفین (۶۹۳ / ۱).

صندوقی نیشابوری، ابوالعباس احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۳۸۰-۲۹۶ ق)، محدث. پدرش از عدول نیشابور بود. ابوالعباس از محمد بن شادل و ابن خزیمه و محمد بن مسیب و ابوالعباس محمد بن اسحاق سراح ثقفی حدیث شنید و به گفته حاکم، در روایت، از بیش از ده نفر از مشایخ متفرد است. حاکم و ابوسعید

کنجرودی و عده‌ای دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۳ / ۵۵۵)، تاریخ نیشابور (۱۵۲)، سیر النبلاء (۱۶ / ۳۹۵)، شذرات الذهب (۳ / ۹۶)، العبر (۱۵۶ / ۲).

صنع کاشانی، ملا صنع الله

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۹۴۴ق)، طیب و شاعر. از شاعران و طیبان کاشان است که مدتها در تبریز به امر طبابت مشغول بود. ملا صنع الله نه تنها در طبابت حاذق بود بلکه در سرودن شعر، بویژه ماده تاریخ مهارت داشت. او را قصیده‌ای است درباره‌ی «فتح شیروان»، در ۹۴۴ ق، که هر مصرع آن در بردارنده ماده‌ی تاریخ فتح شیروان است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تحفه سامی (۸۷-۸۶)، الذریعه (۹ / ۶۱۹).

صنعتگر، خلیل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

خلیل صنعتگر

محل تولد: کامو

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و از محضر برجسته اساتید مدرسه امثال حضرات حج اسلام، خراسانی، حسینی، بار فروش تحصیل نمودم. در سال ۱۳۵۷ در نیمه دوم آن وارد حوزه علمیه قم شدم بعد از پیروزی انقلاب از محضر اساتید بزرگوارى چون آیت الله نورانی، ستوده، علوی گرگانی، محفوظی، سطح را به اتمام رساندم و در ادامه جهت درس خارج از محضر بزرگانی چون حضرات آیات عظام مکارم شیرازی، سبحانی، نوری همدانی، تلمذ نموده ام و همچنین دو سال متوالی از درس تفسیر ارزشمند حضرت آیت الله جوادی کسب فیض نموده ام. در کنار درس اصلی حوزه آشنایی با مبانی اهل سنت و حوزه تخصصی مذاهب اسلامی را گذرانده که به علت بعضی تغییرات در حال طی نمودن مقدمات پایان نامه آن می باشم. دوره زبان عربی را در سال ۱۳۶۰ و انگلیسی را در سال ۱۳۷۲ گذرانده ام.

صنعتی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روان پزشکی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

صنوبری قزوینی، محمدباقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدباقر فرزند آخوند میرزا جانی قزوینی معروف به صنوبری از علماء مبارز و مجاهد شهرستان قزوین بوده است تولدش در دیال آباد از مضافات قزوین در سال ۱۲۹۰ قمری اتفاق افتاده و در بیت ورع و تقوای پدر روحانیتش مرحوم آخوند میرزا جانی پرورش یافته و مقدمات را در قزوین خوانده و نیز سطح فقه و اصول را در این شهرستان از مدرسین و علماء بزرگ به پایان رسانیده و پس از آن در سال ۱۳۱۸ قمری عزیمت به نجف اشرف کرده و حدود ده سال تا ۱۳۲۸ هجری قمری اقامت فرموده و از محضر آیات عظام آن سامان چون حضرت آیت‌الله العظمی آخوند خراسانی و آیت‌الله حاج شیخ محمدهادی تهرانی و آیت‌الله حاج شیخ ملا فتح‌الله شریعت اصفهانی و دیگران استفاده نموده و پس از آن به وطن خود قزوین مراجعت و به خدمات دینی از قبیل اقامه نماز جماعت و نشر معارف اسلامی و تبلیغ دین و مبارزه با ستمگران و منحرفین از ولایت خاصه مرام کثیف بهائیت و بابیت پرداخته و غالب خود لباس رزم پوشیده و در خط مقدم با آنان جنگیده و مبارزه می‌نمود.

آن مرحوم حدود دویست آبادی را در منطقه ساوج بلاغ تا تاکستان قزوین و نیز بخشی از قزوین را در زیر پوشش تبلیغی خود داشت و امور شرعی مردم این سامان را به عهده داشت و به خاطر مبارزه با طاغیان زمان و خشونت با دشمنان و شدت در امر به معروف و نهی از منکر مشهور و زبانزد همه بود و جدا مجاهدی نستوه بود در زمان خود و دائماً برای دفاع از حریم اهل بیت علیهم‌السلام و عوامل حکومت مستبد آن زمان مبارزه می‌نمود و با این اوصاف مردی متعبد و عالمی متعهد و اهل حال و اهل مستحبات و ساعی در قضاء حوائج بندگان خدا بود.

اجازات چندی از آیات عظام نجف اشرف دارند که نزد این نگارنده موجود و عبارات و عنایات آنان را نسبت به آن مرحوم می‌نگارم و از نقل تمام آن پوزش و معذرت می‌خواهم.

۱- آیت‌الله العظمی آخوند ملا محمد کاظم خراسانی صاحب کفایه درباره ایشان چنین فرموده چون جناب مستطاب عمده العلماء الاعلام آقای آقا شیخ محمدباقر قزوینی سلمه‌الله تعالی که سالها در نجف اشرف مقیم و مشغول تحصیل علم و کمالات نفسانی بوده و به کمال صلاح و سداد آراسته و به مدارج علم و کمال نائل می‌باشند و سزاوارند که ترویج دین و شریعت سید المرسلین صلی الله علیه و آله نمایند...

۲- آیت‌الله حاج شیخ محمد هادی طهرانی نجفی درباره ایشان گوید: مخفی بر عموم اخوان ایمانی و اخوان روحانی وفقهم الله تعالی نیست که جناب مستطاب علم الاعلام رکن الفقهاء عین العلماء قدوه المحققین و عمده المدققین العالم العامل و المحقق

الکامل سرکار شریعتمدار آقای آقا شیخ محمدباقر سلمه‌الله تعالی نجل مرحوم مبرور آخوند ملا میرزاجان طاب ثراه...

۳- آیت‌الله مرحوم شریعت اصفهانی قدس‌الله سره بعد از حمد و ثناء الهی و درود بر حضرت رسالت پناهی درباره معظم له فرماید: و بعد فان العالم العامل و الفاضل الفاضل البازل ابوالفضائل والفواضل صاحب القریحه القویمه و السلیقه المستقیمه الورع المهدب الصفی والتقی النقی الزکی المولی محمدباقر القزوینی.

۴- آیت‌الله حاج سید محمدتقی الحسینی القزوینی شهیر به سید آقا قزوینی رحمه‌الله در شان ایشان فرماید:

چون جناب مستطاب شریعتمدار عمده العلماء العظام العالم العلام المحججه المسدد زین الفقهاء الکرام آقای آقا شیخ محمدباقر سلمه‌الله تعالی بکمال سداد آراسته...

از باقیات الصالحات او فرزند ارجمند و پرهیزکاری وی حاج میرزا ابوالفضل صنوبری برادر خوانده این نگارنده است که جدا به زیور ورع و تقوا آراسته و به محامد آداب و محاسن اخلاق متصف می‌باشد زیرا که وی سالها از محضر و بیانات حکیمانه عابد صالح مرحوم آقا شیخ رجبعلی خیاط استفاده کرده و خاطرات سازنده و آموزنده از آن مرحوم دارد که برای نمونه یکی از آنها را می‌نگارم.

وی برای نگارنده نقل نمود که مسجد خیابان اکباتان سابق (ملت) امام جماعتی داشت سید و عالم که به زیور تقوا و ورع آراسته و بسیار بزرگوار بود که من گاهی موفق به شرکت نماز او شده و به وی اقتدا می‌کردم. او مریض شد و از دنیا رفت و من در مجلس فاتحه و یادبود او شرکت کردم و چون چند روزی از درگذشت او گذشت روزی در یکی از خیابانهای آن منطقه (سعدی) دیدم که او در حاشیه آن خیابان می‌آید تعجب کردم با خودم گفتم این آقا که از دنیا رفته بود آیا رجعت کرده و زنده شده پس به سوی او رفتم که از او سوال کنم از من گذشت دیگر او را ندیدم.

پس به منزل آمده و پس از خوردن غذا خوابیدم در عالم خواب به منزل جناب شیخ رجبعلی رحمه‌الله رفتم و پس از تعارفات به او گفتم فلان سید را می‌شناسید فرمود خدا رحمتش کند سید خوبی بود از دنیا رفت گفتم می‌دانم ولی امروز چیز عجیبی دیدم فرمود چه دیدی گفتم او را دیدم در پیاده‌رو فلان خیابان می‌آید رفتم به سوی او که بیرسم شما رجعت کرده‌ای به او نرسیدم. فرمود: ابوالفضل باید یک سور (یعنی ولیمه و غذا) بدهی گفتم چرا گفت آقا امام زمان روحی فداه بوده.

پس از خواب برخاستم و به سوی منزل جناب شیخ رفتم و چون به منزل او رسیدم دیدم آماده است که به جانی برود. گفتم داداش فلان سید پیش نماز مسجد اکباتان را می‌شناسید. فرمود خدا رحمتش کند سید خوبی بود از دنیا رفت گفتم می‌دانم ولی امروز چیز عجیبی دیدم فرمود چه دیدی گفتم او را دیدم زنده شده و در فلان خیابان راه می‌رفت. گفت ابوالفضل باید یک سور بدهی گفتم چرا گفت او آقا امام زمان روحی فداه بود باید به صورت آن آقا دیدی.

پس خواب خود را با بیداری و گفتار او را در خواب بیداری مطابق یافتم.

حفید آن مرحوم آقا حاج اسمعیل صنوبری در حال حاضر قائم مقام آقای ری شهری تولیت آستانه مبارکه حضرت عبدالعظیم حسنی است که در حال حاضر افتخار خدمتگذاری به آستانه را دارند.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

صنیع الممالک زرگرباشی، علیقلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۳-۱۲۵۸ ق)، نقاش و طراح. ملقب به صنیع‌الممالک. وی پدر دکتر شیخ محمدخان احیاء‌الملک است که در اوایل عمر از محصلین و طلاب و از شاگردان حاج شیخ عبدالنبی مجتهد نوری بوده و علوم قدیمه را خوب می‌دانسته است. در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه، قسمتی از امور زرگری دولت به او محول شد و بعد ملقب به زرگرباشی و صنیع‌الممالک گردید. در زمان سلطنت مظفرالدین شاه تمام کارهای صندوقخانه که مربوط به جواهر و زرگری بود به او محول شد. صنیع‌الممالک در تهران درگذشت. از آثار وی شمشیر جواهرنشانی است که به سفارش امین‌السلطان اتابک و جهت تقدیم به ناصرالدین شاه قاجار، تهیه و مرصع گشته، با رقم: «به مبارک و میمنت... در زرگرخانه مبارکه تمام شد. میرزا علینقی زرگرباشی ۱۳۰۶». در «احوال و آثار نقاشان» مدخلی تحت عنوان صنیع‌الممالک زرگرباشی آمده است که با توجه به اثر و زمان حیات وی، احتمال می‌رود که با صاحب عنوان یکی باشد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۴۰۳، ۲۸۷ / ۱)، شرح حال رجال (۵۰۱-۵۰۰ / ۲).

صنیعی، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی صنیعی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پشت سر گذاشتن دوره تحصیلات ابتدایی در مدرسه سنایی قم، مشغول تحصیل در مدرسه راهنمایی امام موسی صدر شدم. سال او تحصیلات دوره متوسطه را در دبیرستان صدر و سال دوم را در رشته ریاضی فیزیک در دبیرستان حکیم نظامی و سال سوم دبیرستان را در تابستان سال ۱۳۶۰ هجری شمسی گذراندم. پس از دریافت مدرک دیپلم ریاضی فیزیک در خرداد ماه ۱۳۶۱، در اولین دوره آزمون ورودی دانشگاهها پس از انقلاب اسلامی شرکت کرده و همزمان در چندین مرکز آموزش عالی پذیرفته شدم و از طرف دولت، پیشنهاد تحصیل در خارج از کشور را به صورت بورسیه دریافت کردم. سرانجام در مهرماه ۱۳۶۲ در دانشگاه شیراز در رشته پتروشیمی با رتبه بالا پذیرفته شده و مشغول به تحصیل شدم. شوق به تحصیل در حوزه علمیه، مانع از ادامه تحصیل در دانشگاه شد و در همان ماه اول ورود به دانشگاه، درخواست انصراف دائم دادم و علی رغم ممانعت جدی از سوی مسوولان وقت دانشگاه شیراز خود را در آغوش گرم حوزه علمیه قم قرار دادم. با ورود به حوزه علمیه قم در سال ۱۳۶۲ دوره مقدمات علوم حوزوی را در مدرسه مبارکه رضویه به پایان رساندم و سطوح بعدی را در خدمت اساتید بزرگواری که نام آنها در لیست اساتید آمده است تلمذ کردم. همزمان با تحصیلات حوزوی، در سال ۱۳۶۶ در آزمون ورودی دانشگاهها شرکت کرده و پس از پذیرش در دانشگاه تهران در رشته الهیات و معارف اسلامی - گرایش علوم قرآن و حدیث - مشغول تحصیل شده و در تیرماه ۱۳۷۰ فارغ التحصیل گردیدم. (در مقطع کارشناسی)

پس از گذراندن دوران سطح در حوزه علمیه قم و همزمان با شرکت در دروس خارج فقه و اصول، از سال ۱۳۷۵ در رشته

تخصصی علم کلام، سطح چهار مشغول تحصیل و در سال ۱۳۷۹ این دوره را به پایان رساندم. از سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۸۴ به مدت پنج سال در کانون اندیشه جوان وابسته به پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی مشغول ارزیابی و کارشناسی آثار بودم. تدریس در مباحث اعتقادی حوزه علمیه قم نیز از فعالیت های علمی اینجانب است.

والسلام.

صورتگر، لطفعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۸ - ۱۲۷۹ ش)، شاعر، نویسنده، مترجم، استاد دانشگاه. جد وی، آقا لطفعلی از نقاشان هنرمند و چیره‌دست قرن سیزدهم هجری بود که کارهای او در موزه‌های پاریس و لنینگراد موجود است و بهای گزافی دارد. صورتگر در شیراز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در شیراز به پایان رسانید، سپس به هند رفت و تحصیلات متوسطه را در آنجا به پایان رسانید سپس به ایران بازگشت و به خدمت ادارات دارایی و فرهنگ درآمد و مجله «سپسده‌دم» را در شیراز تاسیس کرد. در ۱۳۰۶ ش باری ادامه تحصیل به لندن رفت و در رشته‌ی زبان و ادبیان انگلیسی دکترا گرفت. صورتگر پایان‌نامه‌ی دکتری خود را درباره‌ی «نفوذ ادبیات ایران در ادبیات انگلستان در قرن یازدهم و شانزدهم میلادی» نوشت. بعد از بازگشت به تدریس ادبیات فارسی و انگلیسی پرداخت و چندی نیز ریاست دانشگاه شیراز را عهده‌دار بوده وی چندی نیز مدیر مجله‌ی «آموزش و پرورش» بود و عضو فرهنگستان. صورتگر سفرهایی به کشورهای روسیه، آمریکا، پاکستان کرده و به مدت یک سال در دانشگاه کلمبیا سمت استادی داشته است. تا این که وفات یافت و در شیراز به خاک سپرده شد. از آثارش: «عشاق ناپل»، ترجمه؛ «سخن سنجی»؛ «تاریخ ادبیات انگلیسی»؛ «علم اقتصاد»؛ «دیوان» شعر؛ «ادبیات توصیفی ایران»؛ «ادبیات غنایی ایران»؛ «برگهای پراکنده»، شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ادبیات معاصر (۶۸-۶۷)، تاریخ جراید (۳۰-۲۸ / ۳ / ۲۷۴، ۱ / ۱)، چشمه‌ی روشن (۵۳۳-۵۲۰)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۸۳-۴۶۸ / ۳)، الذریعه (۶۲۰ / ۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۱۸-۲۱۷ / ۴)، سخنوران نامی (۳۴۸-۳۴۱ / ۲)، سخنوران نامی معاصر (۲۳۶۹-۲۳۶۴ / ۴)، سواد و بیاض (۵۸۶-۵۸۳)، شخصیت‌های نامی (۲۹۱-۲۹۰)، صدف (۵۱۰-۴۹۷)، فرهنگ سخنوران (۵۶۶)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۳۱)، گلزار معانی (۴۳۲-۴۲۵)، مؤلفین کتب چاپی (۱۳۲-۱۳۰ / ۵)، یغما (س ۲۲، ش ۷، ص ۴۱۲-۴۱۱).

صوفی شیرازی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم ق)، طیب و شاعر. معروف به حکیم صوفی. از طبیبان حاذق و بازرگانان بنام شیراز بود که در سرودن شعر نیز مهارت داشت. از اوست:

ز زخم تیغ تو آگه شدند مدعیان

فغان که بخیه‌ام آخر به روی کار افتاد

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی روز روشن (۴۸۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۳۴)، الذریعه (۶۲۱، ۲۶۳ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۶۷)، مرآت الفصاحه (۳۶۳-۳۶۲).

صوفی شیرازی، ابومزاحم احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۴۵ ق)، محدث و صوفی. وی معاصر هارون الرشید و تا روزگار متوکل عباسی در قید حیات بود. با جنید بغدادی و شبلی مجادله و مناقره داشت و عقاید آنها را نمی‌پسندید. وی مدتی در شیراز از کتاب دیوان بود. و در روزگار خود مشهور به حکیم بود. روزبهان او را از شیوخ شطّاح دانسته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان شیراز (۱۱۸)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۷۵، ۱۷۴ / ۱)، شرح شطحیات (۴۳)، نامه‌یدانشوران (۳۹۲) - (۴ / ۳۹۱)، نفحات الانس (۵۸)، الوافی بالوفیات (۸ / ۱۸۸).

صوفی نیشابوری، ابوبکر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۴۲ ق)، حافظ، محدث، صوفی و زاهد. معروف به ابن داوود و زاهد نیشابوری. یکی از پیشگامان حدیث و تصوف در قرن چهارم هجری بود. به دنبال حدیث به شهرهای هرات و مرو و ری و گرگان و عراق و حجاز و مصر و شام و جزیره سفر کرد. قبل از ۳۰۰ ق به بغداد رفت در آنجا اقامت گزید. او در نیشابور از محمد بن عمرو قشمری و ابو عبدالله بوشنجی و در بصره از ابوخلیفه‌ی جمحی و در بغداد از جعفر فریابی و در ری از محمد بن ایوب بجلی و در هرات از حسین بن ادریس و در گرگان از ابن مجاشع و در اهواز از عبدان و در نساء از حسن بن سفیان و در کوفه از محمد بن جعفر قتات و در موصل از ابویعلی و در مصر از ابو عبدالرحمان نسایی و در شام از فضل انطاکی و در مکه از مفضل جندی حدیث شنید. وی شنیده‌های خود را گردآوری نمود و مجلس املاء برپا ساخت. ابوبکر بن ابی داوود و ابن صاعد، که از مشایخش نیز بودند، و ابن عقده و ابواحمد حاکم نیشابوری و ابو عبدالله حاکم نیشابوری و ابن منده و ابن جمیع و دیگران از وی حدیث شنیدند. او را محدثی فاضل و مورد اعتماد توصیف کرده‌اند. در آخر عمر به نیشابور بازگشت و در آنجا از دنیا رفت. وی اخبار صوفیه را نیز جمع‌آوری نمود. از آثارش کتاب «الابواب» و کتاب «الشیوخ» و کتاب «الزهدیات» می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۵۵ / ۶)، تاریخ بغداد (۲۶۶-۲۶۵ / ۵)، سیر النبلاء (۴۲۰ / ۱۵)، شذرات الذهب (۳۶۵ / ۲)، طبقات الحفاظ (۳۶۹)، العبر (۶۵ / ۲)، معجم المؤلفین (۲۹۶ / ۹)، النجوم الزاهره (۳۵۴ / ۳)، الوافی بالوفیات (۶۳ / ۳).

صهبا، ابراهیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابراهیم صهبا، در سال ۱۲۹۰ در یکی از روستاهای تربت حیدریه به دنیا آمد. این استاد دانشگاه، روزنامه نگار و شاعر، پس از اتمام تحصیلات متوسطه، برای ادامه تحصیل به تهران آمد و در دارالفنون مشغول تحصیل گردید، وارد دانشکده افسری شد و ضمن فراگرفتن فنون نظامیگری، سرودهای نظامی و تصانیف فکاهی میسرود پس از اتمام تحصیلات به تبریز منتقل گردید و از آنجا به شیراز رفت و پس از سه سال توقف در آن دیار رهسپار تهران شد. وی به تدریس در دانشکده افسری پرداخت در ۱۳۲۴ ش وارد وزارت دارایی شد. وی اولین فعالیت مطبوعاتی خود را با روزنامه فکاهی «باباشمل» آغاز کرد و اشعارش با نام مستعار شیخ سُرنا و ابرام سرپا منتشر می‌کرد. ایشان در سال ۱۳۷۷ ش دارفانی را وداع گفت.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: روزنامه نگار و شاعر

والدین و انساب: ابراهیم صهبا، فرزند مهدی است. وی در یکی از روستاهای تربت حیدریه به دنیا آمد. پدرش از خوانین و مالکین بود که بر اثر ناملایمات و رنجهای فراوان زادگاهش را ترک گفت و به بیرجند کوچ کرد

تحصیلات رسمی و حرفه ای: صهبا تحصیلات ابتدایی و قسمتی از متوسطه را در مدرسه شوکتیه بیرجند فراگرفت و مدت یکسال هم در آنجا تدریس کرد. برای ادامه تحصیل به تهران آمد و در دارالفنون مشغول تحصیل گردید، وارد دانشکده افسری شد و ضمن فراگرفتن فنون نظامیگری، سرودهای نظامی و تصانیف فکاهی میسرود پس از اتمام تحصیلات به تبریز منتقل گردید و از آنجا به شیراز رفت و پس از سه سال توقف در آن دیار رهسپار تهران شد
زمان و علت فوت: صهبا در سال ۱۳۷۷ ش دارفانی را وداع گفت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: وی به تدریس در دانشکده افسری پرداخت در ۱۳۲۴ ش وارد وزارت دارایی شد. وی اولین فعالیت مطبوعاتی خود را با روزنامه فکاهی «باباشمل» آغاز کرد و اشعارش با نام مستعار شیخ سُرنا و ابرام سرپا منتشر می‌کرد. در همین روزنامه بود که با شاعرانی چون رهی معیری و گلچین معانی آشنا گردید و مناظراتی بین آنها رد و بدل شد. صهبا از موسیقی نیز بهره مند بود و تار می نواخت.

همفکران فرد: با شاعرانی چون رهی معیری و گلچین معانی آشنا گردید و مناظراتی بین آنها رد و بدل شد. -----

آثار:

۱ انسان و شعر و ماه

۲ دفتر صهبا

۳ ساغر صهبا

صهبا، غلامحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: بهداشت انگل شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

صهرشتی، نظام‌الدین ابوعبدالله، سلمان

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س پنجم ق)، فقیه و عالم امامی. فقیهی موجه و متدین از شهرهای دیلم بود. وی از شاگردان نجاشی و شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) و سید مرتضی و دیگر بزرگان بود. شیخ منتجب‌الدین از طریق پدر و جدش از وی روایت کرده است. رجال‌نویسان در اسم و کنیه و اسم پدر و اسم جد او اختلاف نظر دارند. از آثارش: «اصباح الشیعه بمصباح الشریعه»؛ «التبیین فی عمل شهر رمضان»؛ «التنبیه» یت «تنبیه الفقیه»؛ «قبس المصباح» که تلخیص «مصباح المتهدجد» شیخ طوسی است و حموی این کتاب را به ابوالفرج محمد بن حسن صهرجتی نسبت داده است؛ «المتع»؛ «النفیس»؛ «النوادر»؛ «نهج المسالك الی معرفه المناسک».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۷ / ۳۹۷)، الذریعه (۴۲۴، ۱۸۶ / ۲۴، ۳۰ / ۱۷، ۳ / ۳۳۲، ۱۱۹-۱۱۸ / ۲)، روضات الجنات (۱۴-۱۲ / ۴)، ریحانه (۳ / ۴۸۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۸ / ۵)، فهرست منتجب‌الدین (۸۶-۸۵)، الکنی و الالقاب (۴۳۵-۴۳۴ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل / صهرشتی)، معجم البلدان (۳ / ۴۹۵)، معجم المؤلفین (۴ / ۲۵۸)، هدیه الاحباب (۱۹۰)، هدیه العارفین (۳۹۷ / ۱).

سیدلانی اصفهانی، ابوالمطهر قاسم

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۵۶۷-۴۷۰ ق)، عالم، محدث و مسند. وی مسند اصفهان بود. از رزق‌الله تمیمی و رییس ابوعبدالله قاسم بن فضل ثقفی و مکی بن منصور کرجی و سلیمان بن ابراهیم حافظ و جد مادریش، محمد بن علی بن عبدالرزاق، و بسیاری دیگر حدیث شنید. احمد بن محمد جزئی اصفهانی «مسند» شافعی را از وی استماع کرد. حافظ عبدالقادر رهاوی و ابونزار ربیع بن حسن یمنی و محمد بن مسعود مدینی و محمد بن ابوسعید بن طاهر، و از قدما، ابوسعید سمعانی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. شیخ موفق‌الدین مقدسی و کریمه و عجیبه باقداریه از وی، با اجازه روایت، حدیث نقل کرده‌اند. سمعانی گوید: ملیح الخط و در طلب حدیث سیری‌ناپذیر و در اجتماع شاخص بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام بوفیات الاعلام (۲ / ۳۸۳)، سیر النبلاء (۵۲۹-۵۲۸ / ۲۰)، شذرات الذهب (۴ / ۲۲۳)، العبر (۳ / ۵۱)، النجوم الزاهره (۶ / ۶۱).

صیدلانی اصفهانی، شیخ ابوالقاسم عبدالواحد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۰۵-۵۱۴ق)، مسند و محدث. در اصفهان به دنیا آمد. از پدرش و جعفر بن عبدالواحد ثقفی و فاطمه جوزدانیه و اسماعیل اخشید و ابن ابی ذر صالحانی حدیث شنید و نیز در محضر عبدالواحد دشنج حدیث استماع کرد. دو حافظ: شیخ ضیاء و ابن خلیل، و بسیاری دیگر از وی حدیث شنیدند. شیخ شمس‌الدین عبدالرحمان و کمال عبدالرحیم و احمد بن ابی‌لخیر و احمد بن شیبان و فخرالدین ابن البخاری از او اجازه‌ی روایت داشتند. وی در اصفهان درگذشت.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۴۳۶-۴۳۵ / ۲۱)، شذرات الذهب (۱۷-۱۶ / ۵)، العبر (۱۳۹ / ۳).

صیدلانی نیشابوری، ابوصادق محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۱۵ق)، فقیه، مسند و ادیب. از نوادگان شاذان نیشابوری است. از ابوالعباس اصم و ابوعبدالله بن اخرم و ابوبکر صبغی حدیث شنید. بیهقی و رییس ابوعبدالله قاسم بن فضل ثقفی و علی بن احمد مؤذن از وی حدیث روایت کرده‌اند.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۴۰۱ / ۱۷).

صیدلانی، ابوسعید محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۶۳ق)، شاعر، ادیب و دانشمند. وی از شاعران ذولسانین عهد خود بود که برخی از اشعار عربی وی در «دمیه القصر» باخرزی مضبوط است. از شعر فارسی وی نیز نشانی در «لغت فرس» اسدی طوسی می‌توان جست.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۶۴ / ۷)، شاعران بی‌دیوان (۵۴۵)، لغت‌نامه (ذیل / صیدلانی).

صیرفی اصفهانی سمسار، ابوالفرج سعید

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۵۳۲ - ۴۴۰ ق)، عالم و محدث. چون شغلش واسطگی و دلالی در آب و زمین بود به سمسار عقار معروف شد. او خواهرزاده محمد بن احمد خلال محدث است. از احمد بن محمد بن نعمان صائغ «مسند» عدنی و از عبدالواحد بن احمد معلم «مسند» احمد بن منیع و از سبط بحروه «مسند» ابی یعلی را استماع کرد. او از ابن نعمان و منصور بن حسین تانی و احمد بن فضل باطرقانی و ابونصر ابراهیم بن محمد کسائی و احمد بن محمد بن هاموشه و ابومسلم محمد بن علی بن مهربزد و سعید عیار و بنی منده و دیگران حدیث شنید. سلفی و ابن عساکر و ابوموسی و سمعانی و محمود بن احمد ثقفی و محفوظ بن احمد ثقفی و ابوالمجد زاهر بن احمد و عائشه بنت معمر و عین‌الشمس بنت سلیم و زلیخا بنت ابوحفص غضائری و دیگران از وی حدیث شنیدند. سمعانی از و به عنوان شیخی صالح و سیری‌ناپذیر در اخذ روایت یاد کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام بوفیات الاعلام (۳۵۴ / ۱)، سر النبلاء (۶۲۳ - ۶۲۲ / ۱۹)، شذرات الذهب (۹۹ / ۴)، العبر (۴۴۲ / ۲).

صیرفی نیشابوری، ابوسعید محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۲۱ ق)، محدث. معروف به ابن ابی عمرو نیشابوری. از پدرش و ابوعبدالله محمد بن یعقوب شیبانی و یحیی بن منصور قاضی و ابوحامد احمد بن محمد بن شعیب و دیگران حدیث شنید، اما عمده استفاده‌ی وی از پدرش ابوعمر و بود. ابوعمر و تا فرزندش محمد در محضر حاضر نمی‌شد حدیث نمی‌گفت و اگر قسمتی را در غیبت او بیان کرده بود اعاده می‌کرد. ابوبکر بیهقی و خطیب و ابوصالح موذن و ابواسماعیل عبدالله بن محمد هروی و طاهر بن محمد شحامی و ابوالقاسم بن منده و قاسم بن فضل ثقفی و مکی بن علان کرجی و احمد بن سهل سراج و ابن شریوه و عده‌ای دیگر از وی حدیث روایت کردند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام بوفیات الاعلام (۲۸۴ / ۱) سیر النبلاء (۳۵۰ / ۱۷)، شذرات الذهب (۲۲۰ / ۳)، العبر (۲۴۵ / ۲).

صیرفی نیشابوری، شیخ رئیس، ابوبکر یعقوب

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۶۶ ق)، مسند و محدث. از ابومحمد مخلصی و ابوحسین خفاف و ابونعیم احمد بن محمد بن ابراهیم ازهری و ابوعبدالله حاکم نیشابوری حدیث شنید. محمد بن فضل فراوی و زاهر بن طاهر و برادرش، وجیه بن طاهر شحامی، و اسماعیل بن ابی صالح موذن و هبه الحرمان ابن قشیری و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام بوفیات الاعلام (۳۰۹ / ۱)، سیر النبلاء (۲۴۶ - ۲۴۵ / ۱۸)، شذرات الذهب (۳۲۵ / ۳)، العبر (۳۲۱ / ۲).

صیمری، ابو عبدالله حسین

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۳۶-۳۵۱ ق)، محدث، قاضی و فقیه حنفی. اصلش از صیمر خوزستان و شیخ حنفیه در بغداد بود. مدتی قضاوت مدائن و در پایان قضاوت کرخ را بر عهده داشت. از ابن شاهین و هلال بن محمد و ابوبکر مفید جرجرائی و ابوالفضل زهری و ابوبکر بن شاذان و ابوحفص کتانی و ابو عبدالله مرزبانی و عیسی بن علی بن عیسی وزیر حدیث روایت کرده است. خطیب بغدادی و عبدالعزیز کتانی و قاضی ابو عبدالله دامغانی و بسیاری دیگر از وی روایت کرده‌اند. صیمری در بغداد در گذشت و در منزلش در درب زرادین به خاک سپرده شد. از آثارش: «اخبار ابی حنیفه و اصحابه»، که کتابی حجیم است؛ شرح «مختصر الطحاوی»، در فروع حنفیه، در چندین مجلد.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۶۷ / ۲)، انساب سمعانی (۵۷۶ / ۳)، تاریخ بغداد (۷-۷۸ / ۸)، سیر النبلاء (۶۱۶-۶۱۵ / ۱۷)، شذرات الذهب (۲۵۶ / ۳)، العبر (۲۷۲ / ۲)، الکامل (۴۱ / ۸)، کشف الظنون (۱۸۳۷، ۱۶۱۸)، معجم البلدان (۴۹۹ / ۳)، معجم المؤلفین (۳۵ / ۴)، النجوم الزاهره (۴۰ / ۵)، هدیه العارفین (۳۰۹ / ۱).

صیمری، ابو عبس محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۷۵ ق)، منجم، ریاضیدان، ادیب و شاعر. از آثار وی «اصل الاصول»، در هیأت و نجوم است که متضمن بسیاری از اقوال ایرانیان در مسایل نجومی می‌باشد. او شاعری توانا بود. به بغداد رفت و ندیم متوکل شد.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵۷۷ / ۳)، تاریخ علوم و فلسفه‌ی ایرانی (۴۹۲)، النجوم الزاهره (۸۶ / ۳).

صیمری، مفلح

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۸۷۳ ق)، فقیه و شاعر امامی. نسبتش به صیمر نزدیک خوزستان می‌رسد. او پدر حسین صیمری محدث است. با محقق کرکی معاصر و از تلامذهی ابوالعباس احمد بن فهد حلی، صاحب «عده الداعی» بوده و از وی روایت کرده است. شیخ سلیمان بحرانی او را با صفت فقیه علامه توصیف نموده است. از آثارش: «غایه المرام فی شرح مختصر شرایع الاسلام»؛ «کشف الالتباس»، در شرح «الموجز» استادش، ابوالعباس احمد بن فهد حلی؛ «التبینات فی الارث و التورینات»؛ «التنبیه علی غرائب من لا يحضره الفقیه

«جواهر الکلمات فی العقود و الايقاعات»؛ «مختصر الصحاح»؛ «منتخب الخلاف» یا «تلخیص الخلاف» که انتخابی از کتاب «خلاف» شیخ طوسی است؛ اجازه‌ای به ناصر بن ابراهیم بویه در ۸۷۳ ق.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۰۶ / ۸)، اعیان الشیعه (۱۳۳ / ۱۰)، ایضاح المکنون (۳۷۹، ۳۲۶ / ۱)، الذریعه (۴۰۰ / ۲۲، ۲۱، ۲۰ - ۱۸ / ۲۰)، طبقات اعلام الشیعه (۲۰ / ۱۶، ۱۱ / ۸۸، ۹ / ۱۰۸۶، ۲۷۹، ۵ / ۴۳۸، ۴ / ۴)، روضات الجنات (۱۶۱ - ۱۵۹ / ۷)، ریحانه (۴۸۴ - ۴۸۳ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳۸ - ۱۳۷ / ۹)، فوائد الرضویه (۶۶۶)، لغت‌نامه (ذیل / صیمری)، معجم المؤلفین (۳۱۷ - ۳۱۶ / ۱۲)، هدیه العارفین (۴۶۹ / ۲).

صیمری، نصیرالدین حسین

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۳۳ ق)، عالم امامی، محدث، فقیه و زاهد. اخلاقی پسندیده داشت و بسیار اهل عبادت بود و بر مستحبات مواظبت می نمود بطوری که او را مستجاب الدعوه می دانستند. نزد پدرش فقه آموخت و از محقق کرکی با اجازه حدیث روایت می کرد. شیخ یونس مفتی اصفهان و شیخ یحیی بن حسین از شاگردان وی می باشند. در سنی متجاوز از هشتاد در قریه سلماباد در گذشت و ر همان جا دفن شد. از آثارش: «الایقاقات فی العقود و الايقاعات»؛ «محاسن الکلمات فی معرفه النیات»؛ «المنسک الکبیر» یا «النسک الکبیر» یا «مناسک کبیر» یا «مناسک الحج» که شامل فواید بسیاری است؛ «الاسئله الصیمریه»، مسائلی که برای محقق کرکی فرستاده و جواب گرفته است؛ «جواز الحکومه الشرعیه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۷۵ - ۱۷۴ / ۶)، ایضاح المکنون (۴۴۰، ۱۴۱ / ۲)، الذریعه (۱۲۸ - ۱۲۷ / ۲۰، ۲۴۳، ۲۰۴ / ۵، ۵۰۸، ۸۹ / ۲)، روضات الجنات (۱۶۱ / ۷)، ریاض العلماء (۱۸۰ - ۱۷۸ / ۲)، ریحانه (۴۸۳ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۶ / ۱۰)، فوائد الرضویه (۱۶۱)، لغت‌نامه (ذیل / حسین)، معجم المؤلفین (۶۳ / ۴).

ضابطی پور، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد ضابطی پور

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

استاد گرانقدر آقای احمد ضابطی پور در سال ۱۳۳۸ هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت علیهم السلام

در مشهد مقدس به دنیا آمد. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش، با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه فراوان خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۱ و در اوج خفقان حاکم بر کشور از سوی حکومت ستمگر و ظالم شاهنشاهی خصوصا بر حوزه های علمیه بدون هیچ ترس و واهمه ای وارد حوزه علمیه مشهد مقدس شد تا پاسدار دین خویش و اقتداگر مولای خود باشد. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه حاضر شد پس از اتمام دوران سطوح عالی و شاگردی اساتید مبرزی چون آیت الله شاهرودی، فاضل لنکرانی و میزرا علی آقای فلسفی در سال ۱۳۵۷ سال پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به حلقه درس خارج راه یافت و از محضر بزرگانی همچون آیات الله وحید و آیت الله لنگروی کسب فیض کرد و از دامن ستارگان پر فروغ حوزه علمیه مشهد مشغول خوشه چینی گشت و تا کنون در این زمینه از هیچ کوششی دریغ نکره است.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فلسفه و کلام اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۶ از دانشگاه آزاد اسلامی مشهد فارغ التحصیل گردید و باموفقیت از پایان نامه خویش باعنوان "ارشاد در فقه اسلامی و قانون مدنی" دفاع کرد. ایشان ضمن تدریس در دانشگاه فردوسی، آزاد اسلامی مشهد و مراکز آموزش عالی علمی کاربردی به تحقیق و پژوهش مشغول می باشد که مقالاتی مانند "وظایف متقابل نهاد حاکمیت و مردم"، "جستاری در دموکراسی دینی" و "ولایت فقیه، فقه تاریخ یا کلام" در مجلات معتبر کشور به چاپ رسانده است.

ضبی اصفهانی، ابومضر محمود

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۰۸ / ۵۰۷ ق)، ادیب، لغوی، نحوی و طیب. ملقب به فریدالعصر. وی نخستین کسی بود که مذهب کلامی معتزل را در خوارزم رواج داد. چون ضبی در صرف و نحو و لغت عرب استاد زمان خود و در انواع علوم ضرب المثل بود. افراد بسیاری بر گردش جمع شدند و مذهب او را پذیرا گشتند. او مدتی در خوارزم اقامت نمود و مردان بزرگی چون زمخشری و جمعی دیگر از بزرگان را در محضر خود تربیت کرد و آنها از علوم و معارف و مکارم اخلاق وی استفاده کامل کردند. ضبی در مرو در گذشت. زمخشری در سوگ او مرثیه گفت. از آثارش: «زاد الراکب»، مجموعه‌ای در شعر، ادب و اخبار. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴۲ / ۸)، ریحانه (۳۳۵ / ۴)، کشف الظنون (۹۴۵)، لغت‌نامه (ذیل / محمود)، معجم الادباء (۱۲۴- ۱۲۳ / ۱۹)، معجم المؤلفین (۱۵۷- ۱۵۶ / ۱۲).

ضحاک شبانی، ابوبکر احمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۸۷- ۲۰۶ ق)، حافظ، محدث، فقیه و قاضی. معروف به ابن ابی عاصم. ظاهری مذهب بود و قیاس به کار نمی برد. وی از مشاهیر

محدثین بود که به دنبال حدیث در کوفه و بصره و بغداد و دمشق و مصر حجاز از محدثین بسیاری چون جد مادری اش، موسی بن اسماعیل، و ابوولید طیالسی و ابو عمر حوضی و شیبان بن فرخ و ابراهیم بن محمد شافعی و دیگران حدیث شنید. دخترش ام‌ضحاک عاتکه و قاضی ابواحمد عسال و عبدالرحمان بن محمد بن سیاه و احمد بن محمد بن عاصم و احمد بن بندار و ابو عبدالله محمد کسائی از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابن ابی عاصم پس از وفات صالح بن احمد بن حنبل به مدت شانزده سال، از ۲۸۲-۲۶۹ ق، در اصفهان قضاوت می‌کرد. حدود سیصد تصنیف او، در فتنه‌ی صاحب الزنج، در بصره به یغما رفت و او از حفظ، پنجاه هزار حدیث را بازنوشت. آثار به جا مانده از او: «الدیات»، که در قاهره چاپ شده؛ «المسند الکبیر»، شامل پنجاه هزار حدیث؛ «الآحاد و المثنائی»، شامل بیست هزار حدیث؛ «السنه»؛ «الاولئ». [۱]

(ع. بخش ۱) ابوبکر احمد بن محمد بن عمر شیبانی (ف. ۲۸۷ ه. ق.). وی ۱۶ سال منصب قضای اصفهان داشت و کتب او در فتنه زنج به بصره از میان رفت، ولی مقدار ۵۰۰۰۰ حدیث از حافظه خود نوشت. ضحاک مذهب ظاهری داشت و قیاس را منکر بود. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۱۸۲-۱۸ / ۱)، انساب سمعانی (۴۸۶ / ۳)، تذکره القبوره (۳۹۲-۳۹۱)، الجرح و التعديل (ج ۱ ق ۶۷ / ۱)، ریحانه (۴ / ۷)، سیر النبلاء (۴۳۹-۴۳۰ / ۱۳)، شذرات الذهب (۱۹۶-۱۹۵ / ۲)، العبر (۴۱۴-۴۱۳ / ۱)، الکنی و الالقاب (۴۳۵ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل / احمد)، معجم المؤلفین (۳۶ / ۲)، النجوم الزاهره (۱۳۷ / ۳)، الوافی بالوفیات (۲۷۰-۲۶۹ / ۷).

ضرابی، مسعود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۲ ش)، چشم‌پزشک و نویسنده. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران به پایان رساند و بعد از موفقیت در آزمون دانشجویان اعزامی به اروپا در ۱۳۱۱ ش رهسپار فرانسه شد و در شهر بر دو و پس از آن در پاریس در دانشکده‌ی طب به تحصیل پرداخت و در ۱۳۱۷ ش در رشته‌ی چشم‌پزشکی موفق به اخذ درجه‌ی دکتری شد. پس از آن به ایران بازگشت و از ۱۳۲۰ ش به سمت دانشیار بخش چشم دانشکده پزشکی منصوب شد. اثر وی: «چشم پزشکی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۱۰۳ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۸۰-۱۷۹ / ۶).

ضیاء شهابی، پرویز

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

پرویز ضیاء شهابی متولد ۱۳۲۲ در تهران است. تحصیلات متوسطه را در همین شهر به پایان برده و پس از آن در رشته علوم تربیتی دانشگاه تهران پذیرفته شده است. شهابی مدرک کارشناسی اش را در رشته فلسفه و علوم تربیتی در سال ۱۳۴۴ از دانشگاه تهران گرفته و پس از وقفه ای چندساله کارشناسی ارشد را نیز در رشته فلسفه دنبال می‌کند. شهابی مدرک کارشناسی ارشد خود را در سال ۱۳۵۰ در رشته فلسفه از دانشگاه تهران گرفته است. او همچنین در ۲ رشته اصلی و فرعی یکی فلسفه در رشته اصلی و تاریخ

ادیان و اسلام‌شناسی در رشته فرعی دکتر گرفته است. شهابی در خلال این سال‌ها تدریس را نیز به جد دنبال کرده و از سال ۱۳۵۲ به عضویت هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد در آمده است.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: - پایان تحصیلات متوسطه در تهران - دریافت مدرک کارشناسی در رشته فلسفه و علوم تربیتی از دانشگاه تهران سال ۱۳۴۴ - دریافت مدرک کارشناسی ارشد در رشته فلسفه از دانشگاه تهران سال ۱۳۵۰ - دریافت مدرک دکترای فلسفه در رشته اصلی و تاریخ ادیان و اسلام‌شناسی در رشته فرعی

استادان و مربیان: پرویز ضیاء شهابی از شاگردان احمد فریدید بوده و از محضر این استاد بهره‌های فراوان برده است. فعالیتهای آموزشی: پرویز ضیاء شهابی عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد از مرداد ۱۳۵۲ تا اول مهر ۱۳۸۲ و استادیار واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی از اول مهر ۱۳۸۲ نیز بوده است

آرا و گرایشهای خاص: «هایدگر وجود را تعریف ناپذیر می‌داند. پرویز ضیاء شهابی معتقد است باید میان «وجود» و «موجود» تفاوت گذاشت. او این تفاوت را تفاوت «آنتولوژیک» می‌نامد. هایدگر در کتاب «نظر افلاطون درباره حقیقت» پیش از شروع، در مطلبی میان آموزه متفکر و گزاره‌های علمی تفاوت گذاشته است. هایدگر در یک نیم سال تحصیلی و در ۴ واحد دانشگاهی تفسیر جمله به جمله افلاطون در رساله سوفسطایی را موضوع درس خود قرار داد، زیرا او در این دوران به آثار سوفسطایی و افلاطون توجه داشت. هایدگر پس از افلاطون می‌گوید: آیا می‌دانیم که هر گاه لفظ موجود را به کار می‌بریم در حقیقت چه می‌خواهیم؟ او می‌گوید، به هیچ رو پاسخی نداریم و باید پرسش از معنای وجود را از نو آورد. بدین رو در شروع و مقدمه رساله «وجود و زمان» می‌گوید: کسانی که از مابعدالطبیعه دم می‌زنند از وارد شدن به بحث اصلی آن باز می‌مانند. ارسطو کلیت وجود را ورای کلیت جسمی می‌داند. هایدگر وجود را تعریف ناپذیر می‌داند و معتقد است باید میان وجود و موجود فرق گذاشت. او این تفاوت را تفاوتی «آنتولوژیک (هست‌شناسی)» می‌نامد. وجود پیش از هر موجود است، هر چه هست از وجود هست. به بیان دیگر از وجود تعریفی نمی‌توان ارائه کرد و قابل پرسش نیست. او معتقد است هر کس که لفظ وجود را به کار می‌برد، معنای آن را می‌فهمد. هایدگر سپس به توضیح ساختار و صورت هر پرسش می‌پردازد و سؤال می‌کند که لازمه ذات هر پرسش چیست؟ که هر پرسش جست‌وجویی است و در این میان جست‌وجو، باید از آن چه که مقصود است، هدایت گرفت، هر پرسش، پرسشی است درباره چیزی. هایدگر برای آن ۳ جزء قائل می‌شود که در فارسی بیان دوتای آن مشکل ندارد: مسؤل (کسی که از او می‌پرسند) و مسؤل‌عنه (چیزی که از او می‌پرسند). در پرسش از معنای وجود، باید دید از چه کسی باید پرسید؟ در میان موجودات، موجودی است که به داشتن فهم از دیگران ممتاز است و شاید آن موجود که خودمان هستیم، سزاوارتر برای «مسؤل» بودن است، برای شنیدن پاسخ موجود از او. «دازاین» در آلمانی به معنی وجود یا واقعیت است. هایدگر خود می‌گوید، جان کلمه در وجود و زمان و «او» میان آنهاست. وجود عبارت است از زمان و آن زمانی که از آن فهم داریم. هایدگر عقیده دارد از وجود اکنون، زمان را فهمیده‌اند و معلوم می‌شود اصل آن زمان مندی است. «پرسش وجود» نزد هایدگر مهم بود. پرسش وجود نزد او از نحوه وجود انسان منفک نبوده است... شاید بسیاری از اهالی اندیشه را با این شرح مختصر بتوان با حوزه علایق و گرایش‌های شهابی در فلسفه نیز آشنا کرد. نخستین نشانه این آشنایی را می‌توان از گرایش او به هایدگر و تأثیر روشن از اندیشه‌های فریدید بازشناسی کرد. شهابی از شاگردان احمد فریدید بوده اما جست‌وجوهای او در حوزه اندیشه به این گرایش مختصر نشده و دامنه وسیع‌تری بخصوص در مباحث پدیدارشناسی یافته است.

چگونگی عرضه آثار: پرویز ضیاء شهابی مؤلف و مترجمی بسیار آگاه به فلسفه و مسلط بر زبان‌های فارسی و آلمانی است. ویژگی

هایی که در کمتر اهل این حوزه یکجا گرد آمده است. بی شک پرویز ضیاء شهابی در افق پیش رو توانایی تألیف و ترجمه آثاری مهم تر و اثرگذاری جدی تر در فلسفه ایران امروز را دارد. برخی از مقاله های او در حوزه فلسفه عبارتند از: - تهیه مقدمات آشنایی با منطق جدید، مجله دانشکده الهیات مشهد ۱۳۷۶ - تالس تولد فلسفه، مجله دانشکده الهیات مشهد ۱۳۷۸ - پا به پای ارسطو به جست و جوی دانش برین، مجله برهان و عرفان پیش شماره نخست - هست شناسی، دانشی که باید جست، مجله برهان و عرفان شماره دوم زمستان ۱۳۸۳

آثار:

۱ در آمدی پدیدار شناسانه به فلسفه دکارت

ویژگی اثر: به وسیله نشر هرمس به چاپ رسید. در آمدی پدیدار شناسانه به فلسفه دکارت عنوان مهم ترین اثر پرویز شهابی در حوزه اندیشه است. تسلط او به زبان آلمانی و در نتیجه در اختیار داشتن منابع دست اولی برای تحقیق در کنار دقت نظر و نگاه ایتومولوژیک به متن، اثر شهابی را ممتاز و بسیار قابل توجه کرده است. این نگاه ظریف را می توان از جای جای متن کتاب دریافت کرد و بر دقت نظر شهابی در تألیف، صحنه گذاشت. به طور نمونه در مقدمه کتاب دغدغه دقت به خوبی نمایان است: «صفت رئال از اسم res به معنی چیز، جوهر، ماهیت ساخته شده است و آن را باید به جوهری یا ماهوی ترجمه کرد. اگر رئال را از روی معنای جدیدش به واقعی یا حقیقی ترجمه کنیم - که مترجمان می کنند- در فهم مقصود امثال دکارت و بخصوص کانت (به طور مثال آن جا که گفته است وجود محمولی رئال نیست) [که منظور او همین جاست] با اشکال های حل نشدنی مواجه می شویم. « شهابی اینجا نیز نقبی به هایدگر می زند و می گوید: هایدگر مهم ترین جمله بخش نخست کتاب «سنگش خرد ناب» را جمله نخستین آن می داند که در آن کانت بر داده بودگی خود اشیا انگشت گذاشته است.

۲ راه هایی به تفکر فلسفی

ویژگی اثر: ترجمه، نوشته یوزف ماری بوخنسکی، انتشارات پرسش در اصفهان، ۱۳۸۱

۳ راه هایی به تفکر فلسفی در آمدی به مفاهیم بنیادین

ویژگی اثر: این کتاب حاصل گفت و گوها و گفتارهایی است درباره «چیستی فلسفه» که بوخنسکی در یک سری برنامه ها و مصاحبه های رادیویی عنوان کرده بود و به دلیل اهمیت مباحث مطرح شده در این برنامه ها، این مباحث به صورت کتاب درآمد و بنابر موضوع گفتار با عنوان های قانون، فلسفه، شناخت، حقیقت، تفکر، ارزش، انسان، وجود، جامعه و مطلق تنظیم شد. بسیاری از کتاب های قطور فلسفی هستند که انبوهی از اطلاعات فلسفی را در خود گنجانده اند، اما خواننده پس از مطالعه آنها کمتر قادر است تا خود فلسفی بیندیشد و فلسفه ورزی کند، زیرا فلسفه آموختن و فلسفه آموزاندن به غیر از فلسفه ورزی و فلسفی اندیشی است. می توان انبوهی از اطلاعات فلسفی را در ذهن انبار کرد، اما در مواجهه با مسائل گوناگون، فلسفی نیندیشید. مترجم فاضل کتاب، ضیاء شهابی به درستی به این موضوع اشاره دارد: «در میان آوردن این پرسش که «فلسفه چیست؟»، ... در آمد فلسفه ورزی است که آن را با فلسفه آموزی (در؟ معنای تعلّم فلسفه و تعلیم آن) نباید یکی گرفت. بایسته فلسفه ورزی پرسندگی است. فلسفه آموزی فراگیری پاسخ هایی است به پرسش هایی بی آن که حال پرسندگی، مقام فراگیرنده گردد.» کتاب راه هایی به تفکر فلسفی به جای آن که خواننده تازه کار را با انبوهی از نام ها و فلسفه ها گیج کند، می کوشد تا در موضوعات و صفحاتی محدود و با زبانی ساده و منطقی خواننده را درگیر پرسش های بنیادین فلسفی کند و دلایلی بر رد و اثبات برخی نظرگاه های فلسفی بیاورد. بوخنسکی؟؟ موضوع زیر را برای منظور خود برگزیده است.؟؟ قانون-؟، فلسفه-؟، شناخت-؟، حقیقت-؟، تفکر-؟، ارزش-؟ انسان-؟، وجود-؟، جامعه و-؟؟ مطلق. یکی از مهم ترین فصل های کتاب، فصل فلسفه است. نویسنده در ابتدای این فصل

ادعایی می‌کند که شاید برای افراد ناآشنا به فلسفه غریب بنماید. او می‌گوید که فلسفه از اموری نیست که تنها به اهل فن، یعنی فیلسوفان و فلسفه‌دوستان، اختصاص داشته باشد. کم و بیش هر کس در زندگی خود بارها پرسش‌هایی فلسفی از خود کرده است. از همین روست که پرسش «فلسفه چیست؟»، پرسشی است که به همه ما مربوط می‌شود. با این حال این پرسش، یکی از دشوارترین پرسش‌های فلسفی است. کمتر کلمه‌ای وجود دارد که مانند فلسفه بر این همه معناهای گوناگون دلالت کند. فلسفه به نظر راسل مفهومی است جمعی که دلالت دارد بر هر آن چه که نتوان آن را به شیوه علمی بررسی کرد. راسل و دیگر پوزیتیویست‌ها معتقدند که در نزد ارسطو فلسفه هم معنای علم بود. پس از ارسطو، علوم خاص مانند پزشکی و فیزیک (طبیعیات)، روانشناسی و منطق‌صوری از آن جدا شدند. بنابراین فلسفه در حال حاضر به نظر اینان شامل اموری می‌شود که نمی‌توان به طور علمی در باره آنها سخن گفت. مؤلف کتاب می‌کوشد تا نظر راسل را از نزدیک بنگرد و شک‌هایی در درستی آن بیندازد.

۴ سرآغاز کار هنری

ویژگی اثر: ترجمه، نوشته مارتین هایدگر، نشر هرمس به چاپ دوم رسید

۵ فلسفه هنر به نزد هایدگر

ویژگی اثر: ترجمه، نوشته فن هرمن، فرید ریش

۶ فلسفه و بحران غرب

ویژگی اثر: ضیاء شهابی از جمله مترجمان کتاب «فلسفه و بحران غرب» نیز هست که؟ سال پیش به وسیله نشر هرمس و با همکاری جمعی از مترجمان فلسفه منتشر شد. علاوه بر انتشار این آثار، شهابی مقاله‌های ارزشمندی نیز در دهه گذشته به نگارش درآورده که در نشریات دانشگاهی به چاپ رسیده و مورد توجه دانشجویان و علاقه‌مندان و جویندگان مباحث نظری فلسفه در ایران نیز قرار گرفته است. از آن جمله است مقاله مقدمات آشنایی با منطق جدید، تالس تولد فلسفه، پا به پای ارسطو به جستجوی دانش برین، هست‌شناسی دانشی که باید جست و ... که بیشتر آنها در دوران حضور او در دانشگاه فردوسی مشهد در نشریه دانشکده ادبیات به چاپ رسیده است...

ضیاء، سوسن

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سوسن ضیاء در سال ۱۳۱۸ ش. در تهران متولد شد. وی یکی از مترجمان معاصر در حوزه ادبیات کودکان است. ایشان هم اکنون با مجله رشد کودک و مؤسس پژوهشی کودکان (دنیا) همکاری دارد، و عضو و هنرجوی انجمن نویسندگان کودک و نوجوان می‌باشد. کتاب "شهربانو" ترجمه سوسن ضیاء، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: ادبیات کودکان

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: سوسن ضیاء تحصیلات ابتدایی را در مدرسه ژاندارک به پایان رساند و در این مدرسه زبان فرانسوی را آموخت و موفق به دریافت دیپلم زبان فرانسوی گردید.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سوسن ضیاء هم اکنون با مجله رشد کودک و مؤسس پژوهشی کودکان (دنیا) همکاری دارد، و عضو و هنرجوی انجمن نویسندگان کودک و نوجوان می باشد. جوائز و نشانها: کتاب "شهربانو" ترجمه سوسن ضیاء، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

آثار:

۱ بازیهای ورزشی در مهد کودک نشر کارگاه کودک

ویژگی اثر: ترجمه

۲ ریاضیات و بازی برای کودکان پیش دبستانی نشر کارگاه کودک

ویژگی اثر: ترجمه

۳ شهربانو نشر چشمه

ویژگی اثر: ترجمه، این کتاب، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: «شهربانو» شهربانو/ سوزان فیشر استیلز؛ ترجمه سوسن ضیاء. - تهران: نشر چشمه، کتاب و نوشته، ۱۳۷۹. ۲۴۷ ص. خانم سوزان فیشر استیلز روزنامه نگاری است که سالها در پاکستان زندگی کرده و کویر چولستان را در جنوب این کشور دیده است. کویر چولستان بخشی از کویر بزرگ تهر هند در خاک پاکستان است و نویسندگان توانسته با مردمان قبیله نشین آن کویر دیدار کند. شهربانو، اولین کتاب داستانی این خانم نویسنده است که آن را به مردم چولستان تقدیم می کند. او در این داستان زیبا که تصویری ملموس و هنرمندانه از شرایط اجتماعی ارائه می دهد، موفق شده است چهره دختری نوجوان را ترسیم کند که چگونه در میان آرزوی ساختن زندگی اش به دست خویش و پیروی از قوانین مذهبی و آیین دیرپای قبیله ای سرگردان است. مترجم محترم این اثر که مخاطب آن گروههای سنی دوره های راهنمایی و سالهای دبیرستان است، به خوبی از عهد؟ ترجمه برآمده و ضمن وفاداری به سبک اثر، متنی سلیس و خوشخوان ارائه کرده است.

۴ گربه ای که ناخواسته سخن می گفت نشر فارابی

ویژگی اثر: ترجمه

۵ یک مشت ستاره نشر چشمه

ویژگی اثر: ترجمه

منابع:

www.ketabesal.ir

ضیاءالدین یوسف

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۹۱۹ - ۸۸۲ ق)، دانشمند. وی اهل جام و از شاگردان علامه تفتازانی بود و در علوم معقول و منقول زمان خود استادی و مهارت

داشت. در تبریز درگذشت و در آنجا به خاک سپرده شد. ضیاءالدین در خوشنویسی نیز دست داشت و خط نستعلیق را به شیوه‌ی میرعلی هروی خوش می‌نوشت. پدرش، جامی، کتاب «بهارستان» و رضی‌الدین لاری شرح خود بر کتاب «نفحات الانس» را برای خواجه ضیاءالدین یوسف نوشته‌اند. [۱]

یوسف بن عبدالرحمن جامی (شاعر معروف) (و. ۸۷۳ ه.ق.). جامی شرحی را که بر کافیه ابن صاحب در نحو نوشته و معمولاً به «شرح جامی» معروف است به اسم همین فرزند خود ضیاءالدین به «الفوائد الضیائیة» نامزد کرده و نیز تحفه‌الاحرار خود را خطاب به همین فرزند- که در آن هنگام چهار سال داشت- به نظم درآورده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] احوال و آثار خوشنویسان (۹۷۲ / ۳)، از سعدی تا جامی (۷۷۴، ۷۶۳) بهارستان جامی (مقدمه / ۱۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۱۵، ۴۷۰ / ۴)، حبیب السیر (۳۸۶ / ۳)، رشحات عین الحیات (۲۸۵- ۲۸۳ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل / ضیاءالدین)، نفحات الانس (مقدمه / شانزده چهل و دو).

ضیاءنور، فضل‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد، عالم ربانی.

تولد: ۱۲۹۹، اصفهان.

درگذشت: ۱۳۶۴ (۷ ربیع‌الاول ۱۴۰۶ ق.).

فضل‌الله ضیاءنور، فرزند حجت‌الاسلام حاج رضا ضیاءنور از واعظان اصفهان، از کودکی به فراگیری علوم و معارف اسلامی پرداخت. پس از مدتی علوم و معارف اسلامی از قبیل ادبیات، منطق، فقه و اصول و مخصوصاً فلسفه و عرفان را پشت سر گذاشت. از جمله استادان وی می‌توان به این اسامی اشاره نمود: حاج میرزا علی واعظ شیرازی، آیت‌الله حاج میرزا محمد رضا کلباسی، حاج صدرالدین هاطلی کوپایی، حاج شیخ محمدحسین عالم نجف‌آبادی، آیت‌الله حاج آقا رحیم ارباب، آیت‌الله سید محمد رضا خراسانی، ملا محمدعلی حبیب‌آبادی، حاج حسین خادمی، آیت‌الله حاج شیخ احمد فیاض، حاج شیخ محمود مفید.

استاد ضیاءنور ابتدا در کسوت روحانیت بود و علاوه بر تعلیم و تعلم، به منبر هم می‌رفت. در سال ۱۳۳۶ برای مطالعات جدید و علوم دانشگاهی و تدریس در دانشگاه و وزارت فرهنگ اصفهان نیز اقدام نمود. علاوه بر تدریس، به تحقیق درباره‌ی عرفان و تصوف اسلامی و شاعران ادب فارس به ویژه مولانا و حافظ پرداخت و کتابی به نام وحدت وجود تهیه کرد که آماده چاپ است. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

ضیایی دزفولی، محمد رشید

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۴۷- ح ۱۳۳۲ ق.). فقیه، ادیب و شاعر. متخلص به ضیایی. تحصیلاتش را در دزفول گذراند. سپس به نجف رفت و تحصیلات

خود را در آنجا در محضر شیخ انصاری و میرازی شیرای چندین سال ادامه داد. پس از گرفتن اجازه‌ی اجتهاد به دزفول مراجعت نمود و به تدریس مشغول شد. چندی هم در خرم‌آباد و بروجرد اقامت کرد. سپس به عراق رفت و بعد از ۱۳۰۰ ق مجدداً به دزفول بازگشت و به تدریس و ترویج علوم اسلامی و انجام وظایف شرعی پرداخت. او بسیار زاهد و پرهیزگار بود به حدی که هیچ‌گاه از وجوه خیراتی استفاده نکرد و از دست‌رنج و کسب و کار خود روزگار می‌گذراند. میراز هادی دزفولی از شاگردان اوست. وی در مقبره‌ی استاد خود سید حسین بن عبدالکریم گوشه در دزفول دفن شد. از آثار وی: «دیوان» شعر که به نام «اشعار ضیایی دزفولی». در ۱۳۰۴ ق در بمبئی به چاپ رسیده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲۸۰ / ۹). الذریعه (۶۳۲ / ۹). طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۲۵-۷۲۴ / ۱۴). مؤلفین کتب چاپی (۱۲۶ / ۳).

ضیایی دهخوار قانی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، مترجم. اثر وی ترجمه‌ی «شوالیه دو مزون روژ» از الکساندر دوما (پدر) است که در دو جلد، در ۱۳۰۶ ش. در تهران منتشر شد و چاپ دوم آن در ۱۳۳۶ ش صورت گرفت. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۱۷۴ / ۲). مؤلفین کتب چاپی (۷۷۱ / ۲).

ضیایی شیرازی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف قبل از ۱۳۲۸ ش). حکیم، فقیه، طیب و شاعر، متخلص به ضیایی. از سادات حسینی بهبهان بود که در شیراز سکونت داشت. به آورده‌ی تذکره‌ی «شعاعیه» وی از جوانی در تحصیل حکمت الهی کوشید و در فقه شاگرد آیت‌الله آقا سید کاظم یزدی بود و اجازه‌ی اجتهاد از ایشان داشت. بعدها قاضی دادگستری شد و سپس به سمت ریاست دادگستری مازندران ارتقاء یافت. اثر وی: «دیوان» شعر که نسخه‌ای از آن در کتابخانه ملی ملک موجود است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: آثار عجم (۵۶۲-۵۶۱). حدیقه الشعراء (۱۰۸۴-۱۰۸۳ / ۲). دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۹۷-۴۹۴ / ۳). الذریعه (۶۳۳ / ۹). فرهنگ سخنوران (۵۷۴). مرآت الفصاحه (۳۶۶-۳۶۵).

ضیایی فر، سعید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سعید ضیائی فر

محل تولد: کاشان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۹ دروس حوزوی را همراه با سال چهارم دبیرستان در کاشان آغاز کرد، پس از اخذ دیپلم ریاضی در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه قم شد. دروس سطح را سال ۱۳۴۶ به اتمام رسانید و به مدت ۱۲ سال در دروس خارج فقه و اصول شرکت کرد و چند سالی نیز از این سال‌ها را به تحصیل کلام و فلسفه پرداخت تدریس در حوزه دانشگاه از زمره فعالیت‌های علمی اوست و اکنون نیز در برخی مراکز به تدریس اشتغال دارد و مهمترین برنامه علمی وی تحقیق است که از سال ۱۳۷۰ آغاز و تاکنون ادامه دارد به علاوه از سال ۱۳۷۷ تاکنون مدیر گروه پژوهش «فلسفه فقه و حقوق اسلامی» پژوهشکده فقه و حقوق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم و عضو هیئت علمی و شورای پژوهشی این پژوهشکده است. همچنین راهنمایی و مشاوره برخی از پایان‌نامه‌ها را بر عهده داشته است.

ضیائی مردی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۲-۱۲۷۵ ق)، مترجم، مفسر، شاعر، متخلص به ضیایی. ملقب به ناظم الملک. در تهران به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات و فراگیری فنون شعر و ادب از استادان زمان خود. وارد خدمات دولتی گردید و در وزارت خارجه به خدمت اشتغال ورزید و با زبان فرانسه آشنایی کامل یافت. ضیایی در اواخر عمر به قم مهاجرت کرد و در آنجا مقیم شد و تا پایان عمر در این شهر زندگی کرد. وی را در روضه‌ی حضرت معصومه (س) دفن کردند. از آثار وی: «حقیقت‌نامه»، شعر، ترجمه‌ی وصیت‌نامه‌ی امیرالمومنین (ع) به امام حسن (ع)؛ «دیوان»؛ «سیاست‌نامه»، شعر، که ترجمه‌ی عهدنامه‌ی امیرالمومنین (ع) به مالک اشتر است؛ «قصیده‌ی مولودیه»؛ «وصیت‌نامه‌ی حضرت رسول (ص) به امیرالمومنین (ع)»، شعر؛ تفسیر «سوره العصر»، به فارسی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان آذربایجان (۲۴۲). الذریعه (۶۳۳ / ۹ / ۳۳۸. ۴). ریحانه (۱۲۴- ۱۲۳ / ۶). زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۴۰ / ۴). سخنوران نامی معاصر (۲۳۷۹- ۲۳۷۶ / ۴). شرح حال رجال (۲۸۵ / ۱). فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۶۵. ۲۵۵۰. ۲۰۵۳ / ۲ / ۱۵۴۶- ۱۵۴۵. ۱ / ۱۱۹۶). مؤلفین کتب چاپی (۴۴۸- ۴۴۷ / ۲).

ضیائی، عبدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید عبدالله ضیایی از چهره‌های برجسته‌ای بود که علاوه بر دروس حوزه، دروس عالی دانشگاهی را آموخت و در حقیقت جامع علوم دینی و کلاسیک بود. معظم له در سال ۱۳۰۲ ش در روستای دریاکنار شهرستان لنگرود از شهرهای قدیمی استان گیلان، در بیت سیادت و فضیلت پای به عرصه وجود گذاشت. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب: سید حسین، پدر بزرگوار سید عبدالله ضیایی مردی متدین و شب‌زنده‌دار بود و به همان شیوه نیاکان و اسلاف گرامی‌اش به کشاورزی (برنج‌کاری) و نوغان‌داری (پرورش کرم ابریشم) مشغول بود. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: سیدعبدالله ضیایی در سن پنج سالگی برای آموختن قرآن به مکتب رفت و چند سالی را در آنجا نزد معلم‌ان طالقانی - که از طالقان برای تعلیم و تربیت اطفال بدان نواحی می‌آمدند - قرآن و برخی از کتب متداول آن زمان، همانند «احسن المراسلات»، «سید الانشاء نوظهور»، «کلیله و دمنه» و «بوستان سعدی» و همچنین طرز نوشتن سند اجاره و فروش و انواع نامه نگاری، را فرا گرفت. او به دلیل نبوغ و استعداد ذاتی و سرشارش، در مراکز تجمع همانند مسجد، میدان کشتی‌گیری گیل مردان حاضر می‌شد تا معلم مکتب خانه از حافظه و استعداد او در فراگیری قرآن و درس، برای جذب اطفال اهالی آن سامان در مکتب خانه استفاده نماید. آیت الله دکتر ضیایی پس از تحمل سختی‌های فراوان موفق به اخذ پایان نامه کلاس ششم ابتدایی از مدارس دولتی شد و آن گاه در سال ۱۳۲۳ ش عازم حوزه علمیه قم گردید. دکتر ضیایی هر قدر که برای فراگیری علم و دانش تلاش می‌کرد، به همان اندازه نیز متخلق به آداب و اخلاق نبوی و سیره عملی معصومین (ع) بود. او علم و تعهد و معنویت را با هم آمیخته بود. آیت الله دکتر ضیایی، پس از اقامت در قم، به درس خارج آیت الله بروجردی و نیز به درس فلسفه و حکمت حضرات: علامه طباطبایی و امام خمینی حاضر و تنها از این بزرگواران بهره‌مند شد. اقامت آیت الله ضیایی در قم، چندان دوامی نیافت و پس از چندی به ناچار به تهران رفته، در مدرسه علمیه مروی تهران به تحصیل خود ادامه داد و در درس خارج «کفایه» و «رسائل» و «مکاسب» آیات عظام: حاج سید احمد خوانساری، حاج عمادالدین غروی رشتی، آقا باقر آشتیانی و آقا میرزا هاشم آملی ۴ شرکت جست. وی در این باره می‌نویسد: «من نیز دروس آیات عظام: خوانساری، غروی رشتی - که شاید در علم اصول بی‌نظیر بود - ، آقا میرزا هاشم آملی و آقا باقر آشتیانی را فرا گرفته و در مدرسه شیخ عبدالحسین سمت مدرسی داشتم و نیز به دعوت آیت الله خوانساری در جلسه استفتای معظم له حضور می‌یافتم. تا این که پس از چند سالی به اتفاق عده زیادی از فضلاء تهران و قم - که از آن جمله شهید مطهری بود - در امتحان تصدیق مدرسی، که برای اولین بار تشکیل شده بود، شرکت کردیم.» خاطرات و وقایع تحصیل: سید عبدالله ضیایی درباره مسافرت خود به حوزه علمیه قم می‌نویسد: «من به همراه عده‌ای که عازم کربلا بودند، با مختصر اثاثیه زندگی مجردی و مبلغ ۳۵۰ تومان، که شاید ۷۰ تومان هم خودم داشتم، به طرف قم حرکت کردیم. اما از رشت تا قم دو شب و یک روز طول کشید تا وارد قم شدیم. در سال ۱۳۲۳ ه. ش بود. فردای آن روز، وارد یکی از حجرات مدرسه فیضیه، که سه نفر از طلاب گیلان سکونت داشتند، شدیم. با آنها در آن حجره بودیم و مشغول درس شدیم. تا یکی از روزها بعضی از بزرگان علما از من دیدن کردند و پس از چند سؤال از صرف میر و امثله از ما چند نفر، خطاب به حاضرین کرده و فرمودند: هر چه زودتر برایش لباس روحانیت تهیه کنید تا در نرود!». دکتر محمدضیایی در مورد تحصیل در آن دوران اینگونه می‌گوید که: «تمام افرادی که با من بودند، استخدام شدند و من جرأت دخول در جرگه ظلمه را نداشتم و شبهه رکون به ظالم و معاونت ظلمه در نزد من قوی بود و زندگی برای من بسیار سخت شده بود. روزی از آیت الله خوانساری پرسیدم که طلبه‌ای چنین و چنان است و می‌گوید اگر در دستگاه دولتی قرار بگیرم ممکن است داد مظلومی و یا جای یک بهایی یا کمونیست را بگیرم، آیا جایز است؟ فرمودند: «این همه، و سوسه‌های شیطنی است و شیطان قوی است.» و

قصه‌ای نقل کردند که شیطان از طریق حمایت از دین مرجعی را گول زد و دیگر راه جبران نداشت که شرحش مفصل است. «و بعد فرمودند: «اگر روزگار خیلی سخت می‌گذرد، چرخ دستی بگیرید و سبب زمینی بفروشید.» بالاخره به مدت دو تابستان در روستای ما، دریاکنار لنگرود، مشغول پرورش کرم ابریشم شدم؛ اما چون نابلد بودم خیلی بر من سخت گذشت، به پای خداوند متعال محسوب داشتم.» دکتر ضیایی با همه سختی‌ها و گرفتاری‌های زندگی، لحظه‌ای از کسب علم و دانش غافل نماند. ایشان بعد از اخذ مدرک لیسانس، به تحصیلات دانشگاهی ادامه داد تا موفق به اخذ دکترا در رشته علوم تربیتی از دانشگاه تهران شد. وی در این باره خاطره‌ای نقل می‌کند: «در دوره دکترا مبصر کلاس بودم، آخر سال‌ها بود، یعنی در حدود سال ۱۳۳۵ ش، که مرحوم «آقای مشکاة» حُسن ظَنّی به من داشت، در حضور جمعی از اساتید از من خواست که استخدام شوم؛ اما من این کار را حرام می‌دانستم، به تعلّل متوسل شدم. بالاخره استدلال آنها قوی بود و من جرأت نمی‌کردم که بگویم من حرام می‌دانم. تا آنجا که مستأصل شدم، گفتم استخاره می‌کنم. قرآن گرفتم و استخاره کردم. از باب اعجاز قرآن، این آیه در اول صفحه دست راست قرآن، بعد از گشودن، نوشته شده بود: (اهم یقسمون رحمۀ ربّک نحن قسمنا بینهم معیشتهم.) وقتی این آیه را دیدند، کائۀ علی رؤوسهم الطیر!! در مورد عدم قبول استخدام دولتی خیلی حرف‌ها خوردم؛ اما همه را به پای خدا محسوب داشتم که ان شاء الله همان طور که در دنیا پاداش مضاعف داده، در آخرت نیز عطا فرماید.» استادان و مربیان: از استادانی که سید عبدالله ضیایی در محفلشان کسب فیض نمود می‌توان به: آیت الله بروجردی، طالقانی، حاج سیداحمد خراسانی، حاج عمادالدین غروی رشتی، آقا باقر اشتیانی، میرزا هاشم آملی، علامه طباطبایی و امام خمینی اشاره کرد. وقایع میانسالی: با توجه به سابقه طولانی و خدمات بی‌نظیر سید عبدالله ضیایی، مردم منطقه به محض اطلاع از رحلت ایشان، جامه عزا به تن کردند و همه جا را سیاهپوش نمودند. مجالس مختلف و متعددی در همه شهرها، بخش‌ها و روستاهای کوچک و بزرگ منعقد گردید. مجالس متعددی نیز از سوی بزرگان در تهران، قم و... منعقد شد. فرزندان آیت الله ضیایی نقل کرده‌اند که: در شب وفات، حالت بیهوشی به آن مرحوم دست داد؛ به طوری ما خیال کردیم از دنیا رفته است. لذا شروع به گریه و زاری کردیم؛ ولی پس از چندی، ایشان به هوش آمدند و فرمودند: چرا مرا برگردانید؟ آن گاه فرمودند: من نماز نخوانده‌ام. سپس با همان حالت ضعف و ناراحتی تیمّم نمودند، نماز به جا آوردند و با خنده فرمودند: گلاب پاشید، مگر نمی‌بینید؟! و چندین بار این جمله را تکرار کردند. ما نیز این کار را انجام دادیم. در این هنگام نیم قامت برخاستند و در حالی که می‌خندیدند و کلماتی زیر لب زمزمه می‌کردند، چشم از جهان فرو بستند و ما به یاد جمله امیرالمؤمنین (ع) افتادیم که فرمود: یا حار همدانٍ مَنْ یُمْتُ یَرِنِیْ مِنْ مُؤْمِنٍ أَوْ مُنَافِقٍ قَبْلَ زَمَانٍ و علت فوت: سید عبدالله ضیایی، که به امراض معده و سرطان مبتلا شده بود و پس از معالجات ممتد در ایران و خارج (اتریش و انگلیس) در شب شام غریبان حضرت ابی عبدالله (ع) در بیست و سوم مرداد ۱۳۶۸ ش دار فانی را وداع گفت و به عالم بقا شتافت. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سید عبدالله ضیایی، بعد از اخذ مدرک دکترا و اخذ اجازات اجتهاد از آیات عظام، به امر مراجع تقلید، تهران را به قصد توطن در گیلان ترک کرد و در آستانه اشرفیه رحل اقامت افکند. وی به مدت ۱۷ سال، یعنی از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ ش، به امر آیات عظام، بویژه حضرت امام خمینی (ره)، مأمور به امامت جماعت مسجد جامع و مدیریت حوزه علمیه جلالیه آستانه اشرفیه گردید. دکتر ضیایی مبارزه را از هنگام ورود به دانشگاه آغاز کرد و با مباحث و مناظرات علمی با چهره‌های منحرف و وابسته به رژیم طاغوتی و استخدام نشدن در دوائر دولتی - که نشانه مشروع ندانستن حکومت طاغوت بود -، در عرصه‌های مختلف به مصاف طاغوت و اندیشه‌های منحرف رفت. زمانی که به آستانه اشرفیه بازگشت، باز هم از مبارزه باز نایستاد و در منابر و سخنرانی‌ها، در مناسبت‌های مختلف، به شدت از رژیم طاغوتی انتقاد می‌کرد؛ به طوری که یک سال قبل از انقلاب ممنوع المنبر شد و چند ماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، منزل او به دست عوامل مزدور ساواک به آتش کشیده شد که بر اثر آن، بسیاری از نوشته‌ها، کتب و تقریرات درسی مربوط به حوزه و دانشگاهش از بین رفت. او بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان یکی از خبرگان از استان گیلان به

منظور تدوین قانون اساسی انتخاب گردید و سپس به طور موقت به تهران رفته، پس از چندی هم در قم مقیم شد. ایشان علاوه بر تدریس در حوزه، در شورای مدیریت حوزه علمیه قم در سمت دبیر شورا هم انجام وظیفه می‌کرد. فعالیتهای آموزشی: مرحوم سید عبدالله ضیایی از جمله شخصیت‌های برجسته و شاخصی بود که با توجه به تحصیلات دانشگاهی و تسلط و احاطه بر مبانی مسلک‌ها و شناخت عناصر منحرف و عقاید آنان، منزل خود را پایگاه پاسخ‌گویی به سؤالات علمی و شبهات گوناگون اساتید دانشگاه‌ها، فرهنگیان، گروه‌های مختلف از قبیل توده‌ای‌ها، بهایی‌ها، کمونیست‌ها و جوانان مسلمان دانشجو و... قرار داده بود. او نقش به‌سزایی در روشن شدن اذهان مردم در برابر این انحرافات داشت. او کانون توجه و مراجعه روشنفکران بود. وعظ و خطابه او باعث بیداری نسل جوان در برابر تهاجمات و خطرات فکری، فرهنگی، عقیدتی، علمی و... می‌شد؛ در یک کلمه، گرچه او در شهر کوچک آستانه اشرفیه سکونت داشت، ولی در حقیقت مرکز هدایت فکری و فرهنگی تمام گیلان و غرب مازندران به شمار می‌رفت و در این راستا با عده‌ای از واعظان و نویسندگان منطقه، همانند مرحوم آیت‌الله احسان‌بخش، آیت‌الله قربانی و... همکاری داشت. به همت ایشان و جمعی از بزرگان حوزه علمیه و مدرسین عالی مقام، نخستین برنامه جهت ساماندهی و قانون‌مندی دروس و امور مربوط به طلاب تدوین شد. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می‌آید: سید عبدالله ضیایی جزو معدود عالمانی بود که توفیق یافت منشأ خدمات اجتماعی و سیاسی و آثار و برکات معنوی گردد؛ از جمله خدمات وی است: ۱. بازسازی و احیای حوزه علمیه جلالیه آستانه اشرفیه، با تجهیزات کامل ۲۰۰ تربیت و پرورش صدها نفر طلبه که بسیاری از آنان در سمت امامت جمعه و جماعت و مناصب دولتی و قضایی به نظام اسلامی خدمت می‌کنند. ۳. احیای مسجد جامع آستانه اشرفیه با گنبدی بسیار زیبا. ۴. احداث بیمارستان در آستانه اشرفیه. ۵. احداث و مرمت مساجد و حسینیه‌های فراوان در منطقه. ۶. احداث پمپ بنزین. ۷. احداث ساختمان‌های فراوان وقفی از قبیل حمام و... ۸. اعزام مبلغ به روستاهای گیلان و مازندران، یکی از روش‌های پسندیده و موفق وی در این باب بود. از آنجا که ایشان با روحیه و آداب و رسوم مردم منطقه کاملاً آشنایی داشت، اول ماه محرم یا رمضان، مبلغان اعزامی از قم و مشهد وقتی وارد استان گیلان می‌شدند، ابتدا به منزل وی در آستانه می‌آمدند. ایشان در منزل از آنان امتحان منبر به عمل می‌آورد و بعد به تناسب نوع سخنرانی و لحن و معلومات طلبه، می‌فهمید که او را به کدام محل بفرستد تا هر دو راضی باشند. مردم منطقه از این روش همواره رضایت کامل داشتند و از او به نیکی یاد می‌کنند. چگونگی عرضه آثار: سید عبدالله ضیایی از طبع شاعرانه هم بی‌بهره نبود و اشعاری از ایشان به یادگار مانده است. از باب نمونه، غزلی را که ایشان به سال ۱۳۵۴ ش در مدح حضرت بقیه‌الله الاعظم - عجل‌الله تعالی فرجه الشریف - سروده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه: سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما ۱۳۵۴ - /www.hawzah.net

ضیغمی، بهرام

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آمار حیاتی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

طارمی زنجانی، جواد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۵-۱۲۶۳ ق)، عالم، فقیه امامی، اصولی، متکلم و نحوی. در آب‌بر، از نواحی طارم، به دنیا آمد. وی ابتدا در زنجان به تحصیل پرداخت، سپس به قزوین رفت و در خدمت علامه‌ی وقت سید علی قزوینی، صاحب حاشیه‌ی «قوانین»، مقدمات و مراتب علمی را فرا گرفت. برای تکمیل تحصیلات به عتبات مشرف شد. در حوزه‌ی درس حاج سید حسین کوه‌کمری و فاضل ایروانی و فاضل مامقانی و میرزای شیرازی حاضر شد و از ایشان اجازه اجتهاد دریافت کرد. در حالی که از بزرگان علماء شده بود. به زنجان بازگشت و به تدریس و تألیف و امامت جماعت پرداخت. وی رد زنجان درگذشت و در جوار سید ابراهیم به خاک سپرده شد. از آثارش: «الاصول الجعفریه». در عقاید، به فارسی؛ «افضل المجالس فی المواعظ و المصائب»، که مقتلی است به فارسی؛ «تکمیل الایمان نی اثبات وجود صاحب الزمان». به فارسی؛ حاشیه بر «رسائل» شیخ مرتضی انصاری؛ حاشیه‌ی «قوانین الاصول»؛ «ربیع المتهجدين»، در نماز شب؛ «الارث» و «الديات»، به فارسی؛ «شرح الاحتشام»، در شرح «نهج البلاغه»؛ «مشکل الرجال فی منتهی المقال»؛ «شرح الصمدیه»؛ «منتخب العلوم». در صرف و نحو؛ شرح «الدره» سید مهدی بحر العلوم.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲۷۹ / ۴). الذریعه (۲۸۵ / ۸ / ۴۱۸. ۴ / ۲۵۹. ۱۸۰-۱۷۹ / ۲ / ۴۴۳. ۱). ریحانه (۳۸۶-۳۸۵ / ۲). طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۳۹ / ۱۴). علماء معاصرین (۸۹). معجم المؤلفین (۱۶۸-۱۶۷ / ۳). مکارم الآثار (۱۷۱۷ / ۵).

طارمی زنجانی، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۱-۱۲۹۵ ق). فقیه، اصولی و شاعر. اهل طارم سفلی. بین قزوین و زنجان، است. پس از فراگیری مقدمات در ۱۳۱۷ ق به نجف رفت و از محضر شیخ الشریعه اصفهانی و آخوند خراسانی و علامه یزدی استفاده نمود. تا عالمی فرزانه گشت. آن‌گاه به زنجان بازگشت و باری مدتی مرجع امور دینی مردم شد. وی در تهران از دنیا رفت و در جوار حضرت عبدالعظیم حسنی در شهر ری دفن شد. از آثارش: «قاعده لاضرر»؛ کتاب «منجزات المریض»؛ «کتاب فی الاصول»؛ «کتاب الوقف»؛ «نتیجه الحیاه»؛ «دیوان» شعر به عربی و فارسی؛ «ذخیره الممات»، در مواعظ و مصائب.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۱۳-۱۰ / ۱۲ / ۱۴). معجم المؤلفین (۶۲-۶۱ / ۵).

طارمی، نجم‌الدین

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، مترجم. وی از بزرگان دربار میران‌شاه بن تیمور (م ۸۱۰ ق) بود. طارمی در فن انشاء تسلط داشت و به فرمان آن

پادشاه کتاب «کامل التواریخ» ابن اثیر را به فارسی ترجمه کرد.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۲۵۶). حبیب السیر (۵۵۰ / ۳).

طالب شیرازی، ابوطالب

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۰۸ ق)، شاعر، ادیب و خطاط. در علوم ادبی مهارت و در علوم عربی دست داشته است. خط شکسته را پاکیزه و شیرین می‌نوشت. در چند سال آخر عمر به صدارت دیوان خانگی عدلیه‌ی فارس منصوب شد.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۱۰۸۹-۱۰۸۸ / ۲).

طالبزاده، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زنان و مامائی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی تبریز در سال ۱۳۳۵، دکترای تخصصی زنان و مامائی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۶.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی علوم پزشکی تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زنان و مامائی، مسئله RH و روش نوین درمان آن.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

خلاصه‌ای از مامائی طبیعی، خلاصه‌ای از مامائی غیر طبیعی، مسئله RH و روش نوین درمان آن.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

زنان و مامائی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

طالبوف تبریزی، عبدالرحیم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۲۹ / ۱۳۲۸ ق)، نویسنده، مترجم. وی در تبریز به دنیا آمد. شانزده یا هفده ساله بود که تبریز را ترک کرد و به تفلیس رفت و به کسب و کار و تحصیل پرداخت. در اواسط پادشاهی ناصرالدین شاه، طالبوف نیز که از مجرای زبان روسی اطلاعاتی به دست آورده بود. از راه نوشتن به بیداری مردم و انتقاد از استبداد پرداخت. چنان که بعد از صدور فرمان مشروطیت از طرف مردم آذربایجان به نمایندگی مجلس انتخاب شد اما به دلیل نامعلومی از قبول وکالت سر باز زد. او مسلمان با عقیده‌ای بود و مراسم حج را بجا آورد ولی با این همه هرگز پایبند اوهام نشد. مردی وطن پرست و میهن دوست بود. در اواخر عمر برای درمان چشمش به برلین رفت و پس از بازگشت درگذشت. از آثارش: «سفینه‌ی طالبی» یا «کتاب احمد»؛ «مسالک المحسنین»؛ «مسائل الحیات»؛ «پندنامه مارکوس قیصر روم». ترجمه: «رساله‌ی فیزیک»؛ «نخبه‌ی سپهری»، که خلاصه‌ای از «ناسخ التواریخ» است در احوال رسول اکرم (ص)؛ «ایضاحات در خصوص آزادی»؛ «سیاست طالبی»؛ ترجمه‌ی رساله‌ی «هیئت جدید». [۱]

(حاج ملا) عبدالرحیم بن (استاد) ابوطالب نجار تبریزی سرخابی، نویسنده و دانشمند (و. ۱۲۵۰- ف. تمرخان شوره ۱۳۲۸ ه. ق.). وی در حدود ۱۶ سال به تفلیس رفت و به تحصیل زبان روسی و ادبیات آن پرداخت و متدرجا نزد رجال و دانشمندان روسیه به درستکاری و راست گفتاری شناخته شد و سپس در تمرخان شوره - دارالحکومه داغستان - اقامت کرد و مورد احترام جمیع مسلمانان و جزایشان گردید و خانه‌اش مقصد امرا و علما و اعیان و ملجاء نیازمندان و مستمندان شد. وی یکی از نخستین نویسندگان فارسی است که ایرانیان را به تألیف رمانهای علمی و تأثر و ترجمه علوم و فنون و هنرهای زیبا و مکارم اخلاق به زبان ساده آگاه کرد، و این امر روز به روز بر اعتبار و منزلت او نزد همه می افزود. از آثار اوست: «کتاب احمد» یا «سفینه طالبی» در سه جلد، «پندنامه قیصر»، «مسالک المحسنین»، «مسائل الحیاء»، «فیزیک» و «تاریخ مختصر اسلام» (قزوینی). وفیات معاصرین یادگار ۵ شماره ۴-۵، «نخبه سپهری» در احوال حضرت رسول، ترجمه پندنامه مارکوس، هیئت جدید ترجمه از فلاماریون، ایضاحات در خصوص آزادی، سیاست طلبی و غیره (لغ).

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] ادبیات نوین ایران (۱۲۷- ۱۲۶، ۱۰۲)، از صبا تا نیما (۳۰۴- ۲۸۷ / ۱)، پژوهشی در نثر و نظم دوره‌ی بازگشت ادبی (۱۲۹- ۱۲۵)، تاریخ انقلاب مشروطیت (۱۹۱- ۱۹۰ / ۱)، چون سبوی تشنه (۳۴۲، ۱۹۰، ۱۸۹، ۱۵)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۱۰ / ۲)، الذریعه (۲۵۶ / ۹۵ / ۲۴ / ۳۴۵، ۲۰ / ۲۶۳، ۱۷ / ۱۹۹، ۳ / ۱۷ / ۴)، سبک‌شناسی (۳۶۶ / ۳)، شخصیت‌های نامی (۳۰۲- ۳۰۱)، شرح حال رجال (۲۶۳- ۲۶۲ / ۲)، صد سال داستان‌نویسی (۲۵- ۲۴ / ۲- ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۰۱ / ۱۴)، لغت‌نامه (ذیل / طالبوف)، مکارم الآثار (۲۰۲۴ / ۶)، مؤلفین کتب چاپی (۸۲۶- ۸۲۴ / ۳)، یادگار (س ۵، ش ۴-۵، ص ۸۶)، یغما (س ۴، ش ۵، ص ۲۲۱-۲۱۴).

طالبی نیا، سعید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سعید طالبی نیا

محل تولد: خوی

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۳/۱/۲۴

زندگینامه علمی

اینجانب هنگامی که در کلاس چهارم در رشته ریاضی فیزیک نظام قدیم درس می خواندم شیفته حوزه علمیه شدم و در سال ۱۳۷۲ قدم در آن نهادم مقدمات را در حوزه علمیه بناب در محضر اساتیدی همچون استاد صدر کریمی (صرف و نحو) استاد آتش زر (منطق) استاد طباطبایی (فقه) استاد سیدی (اصول) و استاد معظم بنابی (اخلاق و شرح لمعه) به پایان رساندم. آنگاه در مهر ماه سال ۱۳۷۸ عازم حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح را در محضر بزرگانی همچون آیت الله احمدی میانجی، آیت الله استادی، استاد حسینی بوشهری، استاد سید احمد خاتمی، استاد لطفی کاشانی، استاد علیدوست، استاد سجادی امین، استاد در گاهی تبریزی و ... به پایان رساندم و از دروس خارج حضرات آیات بهجت، وحیدخراسانی، مکارم شیرازی، جعفر سبحانی، نوری همدانی و فروغی اردبیلی بهره بردم. در کنار دروس رایج حوزه، در مقطع کارشناسی ارشد رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن نیز تحصیل کرده ام. هم اکنون یکی از مدیران رادیو معارف هستم.

طالع کارزونی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۰۳ ق)، طیب، خطاط و شاعر، متخلص به طالع. پدرش در کارزون ساکن بود و پس از چندی در شیراز منزل گزید و مشغول طبابت شد. میرزا محمد به قدر امکان علم صرف و نحو و معانی و بیان و منطق و کلام تحصیل کرد. خط نستعلیق و شکسته را خوب می نوشت و به شیوه شعرای قدیم شعر می سرود و همانند پدر در شیراز طبابت می کرد. وی در جوانی از دنیا رفت و پیکرش را به عتبات حمل نمودند. اثر وی «دیوان» شعر می باشد.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار عجم (۵۶۲)، حدیقه الشعراء (۱۰۹۵-۱۰۹۰ / ۲)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۵۱۵-۵۱۴ / ۳)، الذریعه (۶۳۹ / ۹)، مرآت الفصاحه (۳۶۹-۳۶۸).

طالقانی اصفهانی، هدایت الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید هدایت الله طالقانی اصفهانی

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۱/۵/۲۸

زندگینامه علمی

اینجانب سید هدایت الله طالقانی اصفهانی در ۲۸/۵/۱۳۳۱ در اصفهان متولد شدم. در خرداد ۵۰ دیپلم ریاضی از دبیرستان حکیم سنائی اصفهان گرفتم و در همان سال مهر ۵۰ وارد دانشگاه ملی سابق (شهید بهشتی) رشته فیزیک شدم و لیسانس فیزیک دریافت نمودم و مقداری دبیر دبیرستانها سپس مدرس مرکز تربیت معلم بودم. دروس حوزوی را در اواخر دوران دبیرستان در اصفهان شروع کردم سپس بطور جدی در مهر ۶۳ دروس را در اصفهان پی گرفتم و از سال ۶۵ در حوزه علمیه قم مشغول بوده ام. پس از گذراندن ۱۳ سال درس خارج و دریافت مدرک سطح چهار از مهر ۷۹ پای درسی شرکت نمودم و صرفاً به کارهای تحقیقاتی پرداختم.

طالقانی قزوینی، شرف الدین محمود

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید شرف الدین محمود فرزند سید علا الدین بن سید جلال الدین طالقانی قزوینی بود. علوم عقلیه را از حوزه درس علمای بزرگ زمان خود فرا گرفته و توانست تدریس فلسفه را در قزوین به دست گیرد. دیری نپایید وی از بزرگان علوم عقلانیه شد. سید شرف الدین محمود در حدود سال ۹۱۸ ق فوت نمود.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

والدین و انساب: سید شرف الدین محمود فرزند سید علا الدین بن سید جلال الدین طالقانی قزوینی بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: سید شرف الدین طالقانی قزوینی علوم عقلیه را از حوزه درس علمای بزرگ زمان خود فرا گرفت.

استادان و مربیان: سید شرف الدین طالقانی قزوینی، علوم عقلی را در محضر محمدبن زین الدین احسایی معروف به ابن ابی جمهور احسایی درک نمود. اخذ اجازه از این استاد را علامه مجلسی در بحار الانوار و شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعه آورده اند.

زمان و علت فوت: سید شرف الدین طالقانی قزوینی در حدود سال ۹۱۸ ق فوت نمود.

فعالتهای آموزشی: سید شرف الدین طالقانی قزوینی، تدریس فلسفه را در قزوین به دست گرفت و دیری نپایید از بزرگان علوم عقلانیه شد.

آثار:

۱ حواشی بر الهیات شرح اشارات خواجه نصیرالدین طوسی

منابع زندگینامه:

انسیم قزوین، بنیاد فرهنگی قزوین شناسی، دفتر اول، زمستان ۱۳۷۵، ص ۱۴۵

طالقانی قزوینی، محمدیوسف

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید میرمحمد یوسف طالقانی قزوینی متوفی حدود سال ۱۰۹۸ هـ.ق، از ارباب حکمت متعالیه و اعظم فلسفه مدرسه قزوین در عصر صفوی بود. وی پس از تکمیل علوم عقلی در قزوین و اصفهان، کرسی تدریس را در زادگاه خود به دست گرفت. آثار و حواشی فلسفی که از شاگردان او باقی مانده، عظمت مدرسه فلسفی قزوین را در این مقطع زمانی منعکس می کند.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

تحصیلات رسمی و حرفه ای: سید میرمحمد یوسف طالقانی قزوینی مقدمات علوم اسلامی و فنون و ادب را نزد افاضل علمای قزوین تکمیل نمود. تمایل مفرط به حکمت و فلسفه باعث گشت به اصفهان عزیمت نموده و به اوج عالی علوم عقلی دست یابد. استادان و مربیان: سید میرمحمد یوسف طالقانی قزوینی پس از عزیمت به اصفهان، به حوزه درس آخوند ملا رجبعلی تبریز متوفی ۱۰۸۰ هـ.ق وارد گردید و از محضر این استاد بهره های فراوان برد. شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب طبقات اعلام الشیعه، به شهادت شاگردش ملا محمد باقر فرزند ایلدر در کتاب المعارف الالهیه، او را ارشد و باهوش ترین شاگردان این استاد نام می برد. هم دوره ای ها و همکاران: سید میرمحمد یوسف طالقانی قزوینی با هم نام خود شیخ ملا محمد یوسف الموتی قزوینی، شاگرد صدرالمتالهین شیرازی مباحثات و جدلهایی در زمان خود داشت.

زمان و علت فوت: سید میرمحمد یوسف طالقانی قزوینی متوفی حدود سال ۱۰۹۸ هـ.ق می باشد.

فعالیت های آموزشی: سید میرمحمد یوسف طالقانی قزوینی پس از تکمیل علوم عقلی در اصفهان، به موطن خود قزوین بازگشت و کرسی تدریس و رهبری را به دست گرفت. آوازه او پس از مدتی در اطراف و اکناف پیچید و عشاق فلسفه به حوزه درس او پیوستند و نزد اهل فضل به تحقیق و تدقیق و قدرت بیان و ابتکارات ظریف و تحقیقات عمیق شهرت یافت. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: سید میرمحمد یوسف طالقانی قزوینی علاوه بر تدریس علوم عقلی، آثاری چند را به رشته تحریر درآورده است.

آرا و گرایشهای خاص: احاطه سید میرمحمد یوسف طالقانی قزوینی به علوم عقلی و نقلی و آرای سلف حوزه او را رونق خاصی بخشیده بود. وی که مخالف مکتب صدرایی و از پیروان مکتب استادش ملا رجبعلی است با هم نام خود شیخ ملا محمد یوسف الموتی قزوینی شاگرد صدرالمتالهین شیرازی مباحثات و جدلهایی داشتند. آثار و حواشی فلسفی که از شاگردان این دو برج عالی فلسفه در قزوین باقی مانده، عظمت مدرسه فلسفی قزوین را در این مقطع زمانی منعکس می کند.

آثار:

۱ رساله ای در دفاع از نظرات استادش ملا رجبعلی تبریز
ویژگی اثر: این رساله در رد فلسفه صدرایی است
منابع زندگینامه:

انسیم قزوین، بنیاد فرهنگی قزوین شناسی، به کوشش محمدعلی حضرتی، دفتر اول، زمستان ۱۳۷۵، ص ۱۶۵

طالقانی، ابوالحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۵۰ ق)، عالم دینی و فقیه. از فرزندان امامزاده سید نصرالدین است که در یکی از روستاهای طالقان به دنیا آمد. وی پس از خواندن دروس ابتدایی به تهران آمد و مقدمات و سطوح را در تهران خواند. آن گاه به عتبات مهاجرت کرد و در حوزه‌ی درس میرزای شیرازی در سامرا شرکت نمود و پس از ایشان نزد آیت‌الله سید اسماعیل صدر به تحصیل پرداخت. در ۱۳۱۷ ق به حج رفت و در مراجعت، به تهران آمد و مقیم گشت و تا پایان عمر به انجام وظائف شرعی و دینی مشغول بود. پس از درگذشت، پیکرش به نجف حمل و در وادی السلام دفن شد. از آثارش: «کیمیای هستی»، «مقاله‌ی اثنی عشریه»، «محاكمه الحجاب»، «السیاسه الحسينيه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۳۷ / ۲۰، ۲۰۲ / ۱۸، ۲۷۱ / ۱۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۳ / ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۱۰-۵۰۹ / ۴).

طالقانی، ابوالخیر، احمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۹۰-۵۱۲ ق)، قاری، محدث، واعظ و فقیه شافعی. در قزوین متولد شد. در هفت سالگی قرآن را حفظ کرد. از ملکداد عمرکی و محمد بن یحیی نیشابوری و ابو عبدالله فراوی و عبدالغافر فارسی و عبدالجبار خواری و زاهر شحامی و ابن قشیری و ابن بطنی در قزوین و نیشابور و بغداد فقه و حدیث آموخت. مدتی ساکن بغداد بود و در نظامیه و جامع قصر تدریس می‌کرد. موفق‌الدین عبداللطیف و ابن القرشی و رافعی از شاگردان وی بودند. با ابن جوزی و واعظ مشهور، به نوبت، هر کدام یک روز، مجلس وعظ منعقد می‌نمودند. خلیفه وقت در مجلس موعظه حاضر و پس پرده می‌نشست و جمع زیادی از مردم در مجلسش ازدحام می‌کردند. روز عاشورایی بر منبر بود، مردم از وی خواستند که بر یزید لعن کند و او امتناع ورزید، لذا مطرود آنان گشت و به قزوین بازگشت و در همان جا درگذشت. وی تصنیفات مختصر و مفصل بسیاری در تفسیر و حدیث و فقه دارد. از آثار وی: «التبیان فی مسائل القرآن»، ردی بر حلولیه و جهمیه؛ «خصائص السواک»، که در «معجم المؤلفین» «خصائص السؤال» آمده است؛ «حظائر القدس».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۹۳/۱)، ریحانه (۹۳/۷)، سیر النبلاء (۱۹۳-۱۹۰ / ۲۱)، کشف الظنون (۳۴۱، ۷۰۵)، لغت نامه (ذیل / احمد)،

المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۴۸- ۴۶/ ۱۹)، معجم المؤلفین (۱۶۸- ۱۶۷/ ۱)، نامه‌ی دانشوران (۳۰۳- ۲۸۷/ ۸)، هدیه العارفین (۸۸/۱).

طالقانی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقا سید احمد بن العلامه السید محمدتقی بن السید الجلیل السید احمد بن السید العلام السید محمد بن السید احمد حسینی اوزانی طالقانی تهرانی یکی از مشاهیر علماء معاصر و مراجع امور دینی مردم تهران بودند در گذر قلی خیابان (خیام). وی در سال ۱۳۰۲ ق در تهران متولد شده و در بیت مجد و شرف پرورش یافته و مقدمات را از فضلاء عصر خود فرا گرفته آنگاه از محضر جماعتی از علماء اعلام تهران مانند علامه آقا سید هادی طالقانی و دیگران از مدرسین مدرسه مروی استفاده نموده و در سال ۱۳۲۵ ق که والدش آیت‌الله آقا سید محمدتقی وفات نمود در مسجد پاچنار بجای ایشان به اقامه جماعت و مرجعیت امور پرداخته تا سال ۱۳۸۲ قمری که بدرود زندگی گفتند. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

طالقانی، علی محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۲- ۱۲۳۳ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. در نوجوانی به نجف رفت و چند سال در درس و بحث شیخ محمد حسن نجفی، صاحب «جواهر»، شرکت کرد. سپس به زادگاهش بازگشت و پس از چندی برای بار دوم به نجف رفت و در محضر شیخ انصاری و ملا آقای دربندی و شیخ راضی نجفی حاضر شد تا به مدارج عالی فقه و فقاہت دست یافت و در ایام غیبت شیخ انصاری به جای او اقامه‌ی نماز کرد. در ۱۲۸۸ ق به ایران بازگشت و ساکن تهران شد و به تدریس و انجام سایر وظائف دینی پرداخت و تا پایان این عمر به تدریس و تصنیف مشغول بود. از آثارش «تقریرات» بحث استادانش صاحب «جواهر» و شیخ انصاری می‌باشد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۱۹- ۱۶۱۸ / ۱۴).

طالقانی، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج سید محمدتقی بن السید العلامه السید احمد ابن العلامه الجلیل السید محمدتقی می‌باشد. وی در سال فوت مرحوم جدش علامه سید محمدتقی ۱۳۲۵ ق در تهران متولد و لذا بنام جدش موسوم گردیده است والده

ماجده‌اش خواهر زاده علامه بزرگوار تهرانی مرحوم آیت‌الله آقا شیخ آقا بزرگ صاحب (الذریعه الی تصانیف الشیعه) بوده است. (وف ۱۳۲۵ ق)، عالم دینی و فقیه. نسبش به امامزاده سید نصرالدین از فرزندان امام باقر (ع) می‌رسد. در نجف از محضر شیخ انصاری و علامه سید حسین کوه کمری و دیگران استفاده نمود و از جمعی از علمای بزرگ همچون علامه سید مهدی قزوینی و علامه کوه کمری و فاضل ایروانی و علامه شیخ زین‌العابدین مازندرانی و شیخ محمد حسین کاظمی و علامه سید علی، مؤلف «البرهان» و دیگران به دریافت اجازه نایل شد. وی در حدود ۱۳۰۰ ق به تهران بازگشت و به انجام وظائف دینی پرداخت تا درگذشت. او در مسجد ماشاءالله شهر ری جنب قبرستان ابن بابویه مدفون شد. از آثار وی «المظاهر العقلیه»، در اصول دین و اجتهاد و تقلید و فروع فقهی است. بر این کتاب اجازه‌ی فاضل ایروانی و سید محمد تقی قزوینی، در ۱۲۹۵ ق، مکتوب است. [۱]

السید محمدتقی بن السید احمد بن السید محمد بن السید احمد الحسینی اوزانی طالقانی والد مرحوم سید احمد آنف الذکر که نسبش بامامزاده جلیل‌القدر سید نصیرالدین مدفون در خیابان (خیام) امروز منتهی و از آن بزرگوار بامامزاده واجب‌التعظیم و لازم‌التکریم حضرت سلطان علی بن الامام الهمام ابی جعفر محمد الباقر علیه‌السلام مدفون (در اردهال) کاشان و معروف به مشهد قالی منتهی میشود.

وی در نجف اشرف از محضر شیخ انصاری و علامه سید حسین کوهکمری و دیگران استفاده نموده و از جمعی از علماء بزرگ مانند علامه سید مهدی قزوینی و علامه کوهکمری و فاضل ایروانی و علامه شیخ زین‌العابدین مازندرانی و شیخ محمدحسن کاظمی و علامه سید علی مولف (البرهان) و دیگران بدریافت اجازه اجتهاد و غیره نائل شده و حدود ۱۳۰۰ ق به تهران مراجعت و قیام بوظائف دینی نموده تا در محرم سال ۱۳۲۵ ق وفات و در مسجد ماشاءالله شهر ری در جنب قبرستان ابن بابویه مدفون گردیده است.

دارای تألیفات عدیده مبسوطه که از آنها است (المظاهر العقلیه) می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۱۶۴ / ۲۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۴۴-۲۴۳ / ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۰۶-۵۰۵ / ۴).

طالقانی، محمدجعفر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ملا- محمدجعفر طالقانی از بزرگان علماء عصر خود بوده است فرزند آن مرحوم ملا محمد معروف به فرشته است که در برغان مرحوم شده و قبر شریفش جنبه مزاریت دارد.

ملا محمد فرشته دارای سه پسر بوده‌اند ۱- آیت‌الله حاج ملا محمدتقی ۲- آیت‌الله حاج ملا محمدصالح ۳- حجة‌الاسلام حاج ملا علی.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طالقانی، محمدحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ محمدحسن طالقانی بن العالم الجلیل آخوند ملا عبدالله طالقانی از مشاهیر علماء و معاریف دانشمندان تهران بودند. در سال ۱۲۸۷ ق متولد شده و در سن ده سالگی باتفاق والد ماجدش به تهران منتقل و در مدرسه حاج رجبعلی خان مشغول بتحصیل شده و پس از خواندن مقدمات واجبات در سن ۱۶ سالگی باصفهان مسافرت نموده و در آنجا از محضر و درس مرحوم آیت‌الله حاج محمدباقر درچه‌ای (استاد مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی) و آیت‌الله ابوالمعالی کرباسی و دیگران استفاده نموده و دروس عقلی و فلسفی را از مرحوم میرزا جهانگیرخان حکیم قشقائی و مرحوم حجه‌الاسلام آخوند ملا محمد کاشی بهره‌مند شده و بعد از بیست سال توقف در آن سامان برای دیدار والدین مسافرتی به تهران نموده سپس مراجعت به اصفهان و بعد از چند سال توقف ثانی و تدریسی و تدریس در اوائل مشروطیت به تهران رحل اقامت افکنده و در مدرسه دارالشفاء و محمودیه مشغول بتدریس فقه و اصول گردیده و در مسجد سیف‌الدوله که اکنون به مسجد طالقانی معروف است در خیابان شاه‌آباد به اقامه جماعت و ترویجات دینی پرداخته تا در سال ۱۳۷۱ ق که دعوت حق را در سن ۸۴ سالگی لبیک گفته و جنازه‌اش با تجلیل فراوان حمل بقمر و در مسجد بالا سر در جوار حضرت معصومه علیهاسلام بخاک سپرده شدند.

نگارنده گوید: مرحوم آیت‌الله طالقانی مجسمه تقوا و فضیلت و پیکره زهد و پارسائی و دارای ملکات فاضله و اخلاق حسنه و در تهران بالاخص محیط شاه‌آباد محبوبیت خاصی داشته و مورد توجه و علاقه مردم بودند. از آثار علمی ایشان رساله‌ای در لباس مشکوک و رساله‌ای در غضب بیادگار مانده است.

(۱۳۷۱- ۱۲۸۷ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. در ده سالگی به اتفاق پدر به تهران آمد و در مدرسه‌ی حاج رجبعلی خان مشغول تحصیل شد و پس از خواندن مقدمات، در شانزده سالگی به اصفهان رفت و از محضر درس آیت‌الله محمد باقر درچه‌ای، استاد آیت‌الله بروجردی، و آیت‌الله ابوالمعالی کرباسی و دیگران استفاده‌ها نمود. دروس عقلی و فلسفی را از میرزا جهانگیرخان حکیم قشقایی و حجه‌الاسلام آخوند ملا محمد کاشی بهره‌مند شد. بعد از بیست سال توقف در آن سامان، برای دیدار والدین به تهران آمد. سپس به اصفهان مراجعت کرد و بعد از چند سال تدریس و تدریس به تهران بازگشت و در مدرسه‌ی دارالشفاء و محمودیه مشغول به تدریس فقه و اصول گردید و در مسجد سیف‌الدوله (طالقانی) نیز به اقامه‌ی جماعت و ترویجات دینی پرداخت. فضائل اخلاقی وی مورد توجه خاص و عام بود. پس از درگذشت، پیکرش در مسجد بالاسر قم در جوار حضرت معصومه (ع) به خاک سپرده شد. از آثارش: رساله‌ای در «لباس مشکوک»؛ رساله‌ای در «غضب». [۱]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۵۰۷- ۵۰۶ / ۴).

طالقانی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۳۵۸- ۱۲۸۹ ش)، عالم دینی، مفسر، فقیه، محقق و نویسنده. در قصبه گلیرد طالقان به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در تهران گذراند و در ۱۳۰۵ ق به قم مهاجرت کرد و چندین سال از محضر اساتیدی چون آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت و آیت‌الله خوانساری بهره برد. او آن‌گاه در مدرسه‌ی سپهسالار (شهید مطهری فعلی) به تدریس پرداخت. در ۱۳۱۸ ش بر اثر مخالفت با دولت پهلوی به شش ماه زندان محکوم گشت. پس از درگذشت استادش، آیت‌الله حایری، و پدرش، آیت‌الله سید ابوالحسن

طالقانی، در تهران مقیم گشت و در مسجد هدایت به تفسیر قرآن و ترویج دین و انشتار مقالات مذهبی و دیگر وظایف دینی مشغول شد. در ۱۳۲۰ ش اولین مقاله‌ی خود را در مجله‌ی «دانش آموز» پیرامون اوضاع تاریک مسلمین نوشت. پس از جنگ جهانی دوم به طور جدی وارد فعالیتهای سیاسی شد و تا پایان عمر از زندانی به زندانی رفت و بیش از ده بار زندانی شد. او عالمی روشنفکر و مبارزی بیدار دل بود. در ۱۳۳۴ ش با نوشتن ترجمه و شرح کتاب «تنبيه الامه و تنزيه المله» علامه نایینی، دروان خفقان پس از کودتای ۲۸ مرداد را پیش‌بینی و خاطر نشان کرد که، با وجود استبداد، رشد علمی و اخلاقی ممکن نیست. آیت‌الله طالقانی در ۱۳۵۷ ش از طرف امام خمینی به ریاست شورای انقلاب و در ۱۳۵۸ ش به سمت اولین امام جمعه تهران - بعد از انقلاب - منصوب و با رأی مردم به نمایندگی مجلس خبرگان انتخاب شد. آیت‌الله طالقانی در ۱۹ شهریور از دنیا رفت و در کنار شهدای ۱۷ شهریور در بهشت زهرا (س) اقامت جاوید گزید. از آثار وی: «اسلام و مالکیت»؛ ترجمه‌ی «الامام علی بن ابی طالب (ع)» عبدالفتاح عبدالمقصود؛ «بسوی خدا می‌رویم (با همه به حج می‌رویم)»؛ «پرتوی از قرآن»، تفسیر جزء سی‌ام قرآن و سوره‌ی حمد و بقره و آل عمران؛ ترجمه و شرحی بر «نهج البلاغه»؛ «مبعث، وحی، غار حرا»؛ «گفتارهای دینی، اجتماعی، اخلاقی، فلسفی، تربیتی» [۱].

آقای حاج سید محمود بن العلامة الورع آیت‌الله حاج سید ابوالحسن طالقانی از افاضل علماء و مجاهدین دانشمندان عصر حاضر تهرانست تولدش حدود سال ۱۳۳۰ قمری در تهران واقع شده و در حجر تربیت والد ماجدش پرورش یافته و تحصیلات خود را در تهران شروع و پس از آن مهاجرت به قم و چندین سال از محضر اساتید حوزه مخصوص مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت کوهکمری و آیت‌الله حاج سید محمد تقی خونساری استفاده نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌الله حایری و والد خود به طهران آمده و در مسجد خیابان اسلامبول (مسجد هدایت) اقامه جماعت و تنویر افکار جوانان و غیره نموده و در راه هدف خود حوادث و بلیاتی را تحمل نموده است.

نگارنده گوید: علامه طالقانی معاصر عالمی مبارز و دانشمندی مجاهد است بسهم خود خدمات ارزنده‌ای نموده و موجب هدایت و ارشاد بسیاری از جوانان و روشن فکران گردیده و نیز آثار عدیده آموزنده‌ای بطبع رسانیده است که از آنهاست:

۱- پرتوی از قرآن چهار مجلد، دو جلد از اول قرآن و دو جلد از آخر قرآن که تفسیر بسیار زیبایی است از جهت مطلب و قلم ۲- ترجمه و مقدمه کتاب عبدالفتاح بنام طلوع خورشید. محقق، عالم اسلامی، مجتهد.

تولد: ۱۲۸۲، یکی از روستاهای اطراف طالقان.

درگذشت: ۱۹ شهریور ۱۳۵۸، تهران.

آیت‌الله سید محمود طالقانی تحصیلات خود را در قزوین شروع کرد و دوره سطح را در تهران به پایان رسانید. اساتید ایشان آیت‌الله محمدحسن اصفهانی، آیت‌الله میرزای شیرازی و آیت‌الله سید حسن صدر بودند. در قم نیز استادان وی آیات عظام کوه‌کمره‌ای و خوانساری بودند. پس از سال‌ها تحصیل در قم از آیت‌الله العظمی حائری یزدی بنیانگذار حوزه‌ی علمیه‌ی قم اجازه‌ی اجتهاد گرفت. آیت‌الله طالقانی در مدرسه‌ی سپهسالار به آموزش علوم اسلامی پرداخت. در حدود سال ۱۳۱۸ الی ۱۳۲۰ به تفسیر قرآن در مسجد قنات آباد پرداخت. اولین بار به سبب دفاع از یک زن محجبه در سال ۱۳۱۸ زندانی شد. بعد از شهریور ۱۳۲۰ دست به تشکیل کانون اسلام در خیابان امیریه زد که در آن یک سلسله سخنرانی‌هایی ایراد می‌شد. همچنین در این کانون مجله‌ای به نام «دانش آموزان» منتشر می‌شد. از جله همکاران این مجله مهندس مهدی بازرگان بود که اساس دوستی آن دو و همچنین دکتر عزت‌الله سبحانی از همین جا آغاز شد. در همین دوره است که انجمن اسلامی دانشجویان با همکاری مهندس بازرگان و دکتر سبحانی تشکیل می‌شود. آیت‌الله طالقانی در تشکیل و تأسیس اتحادیه مسلمین هم نقش فعالی داشت.

علاوه بر این فعالیت‌ها، در ترجمه و تدوین موضوعی نهج‌البلاغه با آقای حاج میرزا خلیل کمره‌ای همکاری نزدیک داشت. وی بعد

از واقعه آذربایجان در سال ۱۳۲۵، از طرف اتحادیه مسلمین و جامعه روحانیت آن روز برای سرکشی به حوادث آذربایجان به آنجا سفر می‌کند و گزارشی تهیه می‌نماید.

در دوره‌ی ملی شدن صنعت نفت در مبارزات مردم شرکت داشت و در انتخابات دوره‌ی هفدهم مجلس شورای ملی از طرف مردم شمالی نامزد نمایندگی مجلس شد که مورد پشتیبانی مردمی قرار گرفت ولی انتخابات آن ناحیه مانند بعضی از نواحی دیگر انجام نگرفت و به دستور دولت برای جلوگیری از اخلاص‌گری‌ها انتخابات آنجا تعطیل شد. بعد از کودتای بیست و هشت مرداد مبارزه را به صورت پنهانی در نهضت مقاومت ملی ادامه داد و همچنان در منبر و جلسات مسجد هدایت برای مردم سخن می‌گفت.

در سال ۱۳۳۴ فدائیان اسلام مدتی در منزل طالقانی پنهان شدند تا این که مأموران طنین می‌شوند ولی چند ساعت قبل از اینکه مأموران به خانه بریزند، نواب و دوستانش از منزل طالقانی خارج می‌شوند و بعد از آن مأموران سر می‌رسند و وی را دستگیر می‌کنند که مدتی در بازداشت بود ولی چون مدرکی علیه او وجود نداشت، آزاد می‌شود، مجدداً در سال‌های ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ نیز بار دیگر سید مجتبی نواب صفوی، از اعضای فدائیان اسلام را، در اطراف دهات طالقان مخفی می‌کند.

در سال ۱۳۳۶ نیز توسط ساواک دستگیر شد که بیش از یک سال در زندان به سر برد. با آیت‌الله مرتضی مطهری همکاری نزدیک داشت و در تابستان سال ۱۳۳۹ در انتخابات دوره بیستم مجلس شورای ملی به جبهه ملی دوم پیوست، جلسات وی در مسجد هدایت توسط حکومت تعطیل می‌شود و بعد از مدت کوتاهی آن جلسات در منزل احمد علی بابایی به مدت ده شب در دهه‌ی آخر ماه صفر ادامه پیدا می‌کند و همراه با آیت‌الله مطهری به تحلیل مسایل اجتماعی و سیاسی و روشنگری و افشاگری حقایق می‌پردازد.

در بیست و دوم خرداد ۱۳۴۲ دوباره دستگیر شد. پس از مدتی در شانزدهم دی ۱۳۴۲ او را به ده سال زندان محکوم کردند. فعالیت‌های او در زندان عبارت بود از برقراری جلسات قرآن، نهج‌البلاغه و تاریخ اسلام بود. آیت‌الله طالقانی همچنین توانست نخستین نماز جماعت در زندان را برپا نماید.

ایشان در کنفرانس‌هایی در کشورهای اسلامی به عنوان نماینده آیت‌الله کاشانی یا آیت‌الله بروجردی شرکت می‌کرد. در عید سعید فطر سال ۱۳۴۸ به مسئله‌ی فلسطین پرداخت و پس از خطبه‌ها مردم به پیروی از او گروه گروه به طرف محراب رفتند و فطریه خود را برای کمک به فلسطین هدیه کردند. روز عید فطر ۱۳۵۰ دستگیر و به زابل تبعید شد. آیت‌الله طالقانی دو سال بدون محاکمه، شکنجه‌های روحی و جسمی را در زندان تحمل کرد. در سال ۱۳۵۶ سه سال را در بدترین شرایط در زندان گذراند. سرانجام در پاییز ۱۳۵۷ همراه با دیگر زندانیان سیاسی از زندان آزاد گردید.

در محرم سال ۱۳۵۷ برابر با یازده آذر پیامی برای مردم ایران فرستاد. ایشان همچنین به پیروی از امام در دهم بهمن ۱۳۵۷ پیامی برای ارتشی‌هایی که با ملت هم‌دل بودند فرستاد. در تشکیل مجلس خبرگان به عنوان نماینده اول مردم تهران انتخاب شد. وی همچنین امام جماعت نخستین نماز جمعه در پنج مرداد ۱۳۵۸ بود. ایشان هفت نماز جمعه برگزار کرد که آخرین آن در بهشت زهرا در شانزده شهریور ۱۳۵۸ بود.

آیت‌الله طالقانی برای پایان یافتن درگیری‌های کردستان به همراه آیت‌الله سید محمدحسین بهشتی و حجت‌الاسلام علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی به آنجا سفر کردند.

از جمله آثار اوست: پرتوی از قرآن (۱۳۴۲)، تنظیم شده در زندان قصر؛ مقدمه، توضیح و تعلیقه بر تنبیه الامه و تنزیه المله؛ اسلام و مالکیت (۱۳۳۰)؛ ترجمه جلد اول کتاب امام علی بن ابیطالب (نوشته عبدالمفتاح عبدالمقصود، ۱۳۳۵)؛ به سوی خدا می‌رویم؛ با هم به حج می‌رویم (۱۳۳۲)؛ پرتوی از نهج‌البلاغه؛ آینده‌ی بشریت از نظر مکتب ما؛ آزادی و استبداد؛ آیه حجاب؛ مرجعیت و فتوا؛ مبحث وحی؛ غار حرا (۱۳۶۸ ق.)؛ درسی از قرآن؛ درس وحدت؛ گفتارهای دینی، اجتماعی، اخلاقی، فلسفی، تربیتی (گفتارهای

رادیویی وی در سال‌های ۱۳۲۵ و ۱۳۲۷، ۱۳۲۶)، روزها و خطابه‌ها، خطبه‌های نماز جمعه، مقدمه‌ای بر انجیل برنابا (ترجمه سردار کابلی)؛ مقالات منتشره در مجلات مختلف.

آیت‌الله سید محمود طالقانی در ساعت یک و چهل و پنج دقیقه بامداد دوشنبه نوزدهم شهریور ۱۳۵۸ جان سپرد و در بهشت زهرا به خاک سپره شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار الحجّه (۲۶۹-۲۶۸ / ۲)، آینه‌ی دانشوران (۵۱۴-۵۱۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۷۷-۵۷ / ۸)، مستدرکات اعیان (۲۱۹ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۱-۵۰ / ۶).

طالقانی، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ مرتضی طالقانی قدس الله روحه از علماء ابرار و مدرسین اخبار حوزه علمیه نجف و تا آخر عمر به تجرد گذرانیده و مقیم مدرسه سید یزدی صاحب عروء الوثقی بودند و در همانجا در سال ۱۳۶۴ قمری دار فانی را وداع گفتند.

وی در حدود ۱۲۸۰ قمری در طالقان قزوین به دنیا آمده و در محیط آرام و باصفای کوهستانی طالقان پرورش و پس از خواندن قرآن و فارسی در مکتب‌خانه آنجا به تهران و بعد از چندی به اصفهان عزیمت نموده و از محضر علماء بزرگ آنجا مانند آیت‌الله ابوالمعالی کرباسی و حکیم قشقائی و آخوند ملا محمد کاشی و دیگران استفاده نموده سپس مهاجرت به نجف اشرف و از محضر مرحوم علامتین آخوند خراسانی و علامه یزدی حاج سید محمد کاظم مرحوم شریعت اصفهانی و آیت‌الله العظمی میرزا محمد تقی شیرازی و دیگران استفاده نموده و به تهذیب نفس و به تکمیل روح پرداخته و به کمالات معنوی و روحی رسیده و جداً معرض از دنیا گردیده و به تدریس و پرورش عده‌ای از محصلین مهذب و بارع پرداخته است.

نگارنده گوید: یکی از علماء ربانی را که در دوره زندگانی خود ملاقات نمودم این بزرگوار بود.

در سال ۱۳۶۲ قمری که در نجف اشرف اقامت داشتم گاه‌گاهی از محضر وی استفاده نموده و از منظر و سیمای نورانی او که آخرت را به یاد انسان می‌آورد بهره‌مند می‌شدم.

بسیاری از مراجع و دانشمندان بزرگ معاصر از محضر و تدریس او استفاده نموده و عده‌ای از پرورش یافتگان درس اخلاق و عرفان ایشانند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طالقانی، نظر علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۰۶-۱۲۴۰ ق)، فقیه اصولی، متکلم، حکیم، حافظ، محدث و واعظ. او از شاگردان صاحب «جواهر» و شیخ انصاری بود. پس از تکمیل مبانی علمی در نجف به تهران آمد و در مدرسه‌ی مروی مقیم گشت و به تدریس و تألیف پرداخت و به مواعظ منبری

اشتغال ورزید. او در کلام و فروع و اصول ماهر و در معقول و منقول صاحب نظر بود. در مشهد رضوی درگذشت و در جوار امام رضا (ع) دفن شد. از وی آثار سودمندی به عربی و فارسی باقی است که از آن جمله: «کاشف الاسرار»؛ حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری؛ «مناط الاحکام»، مشتمل بر دو فن: فنی در فروع و ظواهر و فنی در بواطن و سرائر؛ رساله در «حجیت خبر واحد»؛ رساله در «اشترط الحس فی قبول الشهاده»؛ «اجتماع الامر و النهی»؛ «طراز المصائب»، در مقتل؛ رساله‌ای در «فنا». [۱]

ملا نظرعلی طالقانی عالمی فاضل و فقیهی کامل و حکیمی متکلم و اصولی متبحر و محقق مدقق و عابدی زاهد و واعظی ناصح و حافظ قرآن. مقیم تهران در عصر ناصرالدین شاه قاجار و مدرس مدرسه مروی و مایه فخر اسلامیان و حاوی فروع و اصول و جامع معقول و منقول از اکابر علماء امامیه و از تلامذه صاحب جواهر و بعد از وی از شاگردان شیخنا انصاری قدس الله اسرارهم بوده است.

وی بعد از تکمیلات مبانی علمی به تهران آمده و در مدرسه مروی اقامت و به تدریس و تألیف کتب مفید پرداخته تا در سال ۱۳۰۶ ق که در مشهد رضوی از دنیا رفته و در جوار حضرت رضا علیه الصلوٰه والسلام مدفون گردیده است.

از تألیفات ارزنده ایشان کتب زیر است ۱- اجتماع الامر والنهی ۲- اشترط الحس فی قبول الشهاده ۳- حاشیه بر رسائل شیخ انصاری ۴- حجیه الخبر الواحد ۵- رساله‌ای در فنا ۶- کاشف الاسرار که مکرر بطبع رسیده است ۷- مناط الاحکام.

مرحوم آیه الله حاج میرزا هادی خراسانی که از علماء مجاورین کربلاء معلی بوده در کتاب (کرامات و معجزات) خود می نویسد که مرحوم حاج ملا نظرعلی طالقانی در هنگامی که در مدرسه خان مروی اقامت و اشتغال به تدریس داشتند وقتی چنان در مضیقه مالی قرار می گیرد که حتی چند روزی گرسنه مانده و چیزی که سد جوع و گرسنگی او را نماید به وی نمی رسد.

پس شبی با خود فکر می کند که صبر کردن با این فقر و پریشانی و عسرت کاری بس مشکل و به حدیث نبوی (کاد ان یکون کفرا) چه کنم نامه‌ئی به آیه الله حاج ملا علی کنی مجتهد بزرگ و زعیم اعظم روحانیت تهران بنویسم و از حال خود اطلاع دهم مناعت طبع او وی را منع نموده و می گوید او هم نوع تو است نباید آبرو را نزد هم نوع خود ریخت.

نامه‌ای به شاه وقت بنویسم باز عقل و تقوای او نهی نموده و می گوید تو که آخوند درباری نیستی می خواهی حیثیت و ارزش روحانی خود را از دست بدهی و خود را در اختیار دولت و حکومت بگذاری نامه‌ای برای حضرت علی (ع) بنویسم باز با خود می گوید از حضرت علی (ع) باید علم و معرفت و تقوا و سعادت خواست نه دنیا زیرا خود آن بزرگوار دنیا را سه طلاقه نمود و وقتی برادرش حضرت عقیل چیزی زیاده‌تر از جیره و حق خود طلبید دستش را با آهن گرم داغ کرد.

بالاخره پس از مدتی فکر می گوید هیچ بهتر از این نیست که نامه‌ای برای خدا بنویسم که همه جا حاضر و شاهد و قادر برای رفع حوائج بدون منت می باشد. پس نامه‌ای به این مضمون می نویسد از بنده گنهکار نظرعلی طالقانی به پیشگاه حضرت باری تعالی جلت عظمته.

نامه‌ی طالقانی به خدا

بسم الله الرحمن الرحيم

پس از تقدیم حمد و سپاس و درود فراوان بر حضرت رسالت و خاندان طاهرين او معروض می گردد این بنده مبتلا- به فقر و پریشانی گشته و در کمال مضیقه قرار گرفته‌ام و حوائج و نیازمندیهای ضروریم از این قرار است.

۱- منزل شخصی آبرومند اعیانی با تمام لوازم و مایحتاج آن.

۲- همسر جوان زیبا و قشنگی که در تهران کم نظیر باشد.

۳- یک نوکر زرنگ و یک کلفت و آشپز خوب و امین.

۴- یک کالسکه عالی و راننده آن برای رفت و آمد.

۵- یک ده شش دانگی که تامین مخارج و معاشم را نماید.

۶- یک باغ زیبا در شمیران که در فصل تابستان در آنجا بسر برم.

۷- فلان مقدار پول نقد که قروض خود را ادا و آبروی خویش را حفظ نمایم

آدرس- مدرسه خان مروی دست چپ حیاط کوچک طبقه فوقانی.

حجره دوم نظر علی طالقانی

پس نامه را در هنگام سحر برداشته و می برد لای درب مسجد شاه که در نزدیکی مدرسه مروی می باشد می گذارد.

و متوکلا علی الله برگشته و بعد از انجام وظائف دینی خود در حجره به روی خود بسته و می خوابد اتفاقاً همان روز ناصرالدین شاه

به عزم شکار از تهران خارج شده و به سوی شکارگاه سلطنتی که در قسمت شرقی تهران و بالای قریه (مسگر آباد) واقع است

می رود که ناگاه باد تندی وزیده و طوفانی برخاسته و مانع حرکت کالسکه شاه می شود پس شاه دستور توقف می دهد تا باد ساکت

و گرد و غبار نشست و بتواند به مسیر خود ادامه دهد که گرده بادی رسیده به کالسکه شاه می خورد پس شاه چشم خود را بسته که

خاک در او نرود احساس می کند چیزی روی دامان او گذارده شده فوراً دست فرابده آن را می گیرد و می بیند که نامه ای می باشد.

پس باد ایستاده و گرد و غبار نشست شاه نامه را مطالعه می کند و می بیند که کسی برای خدا نوشته است فوراً شکر خدا نموده و

فرمان برگشت به شهر داده و یکسره به منزل رئیس الوزراء وقت آمده و دستور احضار وزرا را می دهد.

وزرا در حالی که همگی ناراحت از انصراف شاه از شکار رفتن بودند به سرعت شرفیاب شده و تعجب می کردند که چرا شاه از

رفتن شکار منصرف و به شهر برگشته اند پس چون همگی حاضر شدند شاه گفت بحمدالله به شکارگاه نرسیده به صید خود

رسیدیم و به بهتر از آنچه می خواستیم از شکار عایدمان گردد به فضل پروردگار بزرگ نائل شدیم.

پس نامه را از جیب بغل خود در آورده و جریان وزیدن باد تند و آوردن نامه را توضیح می دهد و می گوید ندانم بچه زبان و بیانی

شکر و حمد خدا را بجا آوردم که بنده شرمنده خود ناصر را لایق دید و نامه بنده محتاج خود را به او رسانید تا رفع حوائج و

نیازمندیهای او را بنماید.

پس (آجودان) و پیشکار مخصوص خود را با کالسکه سلطنتی به آدرس مزبور به در مدرسه مروی فرستاده و آقای حاج ملا نظر

علی طالقانی را می طلبد.

تمام طلبه ها تعجب نموده و خود شیخ به وحشت افتاده که شاه مرا برای چه می خواهد آیا کسی از طلبکاران شکایت مرا بشاه نموده

است وقتی این تشریفات مخصوص را می بیند قدری تسکین او می شود تا بحضور شاه رسیده و در کنار مبل شاه جایی قبلاً آماده

شده بود به امر شاه می نشیند.

پس شاه می گوید اسم شما چیست می گوید.

- نظر علی.

- اهل کجائی.

- طالقان.

آیا نامه ای برای کسی و جایی نوشته ای بعد از مدتی می گوید آری برای خدا دیشب نامه ای نوشتم نامهات را کجا گذاردی

می گوید سحرگاه لای درب مسجد شاه گذارده ام.

پس شاه نامه را در آورده می گوید آیا این است نامه تو می گوید آری پس باز شکر خدا نموده و به وزرا می گوید کیست که در رفع

حوائج ایشان شرکت نماید.

پس یک یک از حوائج مرقومه در نامه را می خواند.

- ۱- منزل شخصی خود شاه دستور می‌دهد یکی از منازل سلطنتی را با لوازم و آنچه در آنست بنام وی ثبت و مقرر نمایند.
 - ۲- همسر جوان زیبا- یکی از وزراء عرض می‌کند قبله‌گاهها با کسب اجازه از حضور اعلیحضرت این بنده دختری با این صفات دارم به ایشان تزویج نمودم.
 - ۳- یک نوکر و یک کلفت یکی دیگر از وزراء معروض می‌دارم این دو را هم من تقبل نمودم.
 - ۴- یک کالسکه... سومی می‌گوید این را هم من تقبل نمودم.
 - ۵- یک ده شش دانگی... نخست‌وزیر می‌گوید اعلیحضرتا فلان قریه را که در شهریار دارم تقدیم شیخ نمودم.
 - ۶- یک باغ زیبا... یکی از وزراء بعرض می‌رساند باغی در شمیران دارم اهداء نمودم.
 - ۷- فلان مقدار پول نقد... خود شاه فوراً پرداخته و خلاصه آشیش را که تا یک ساعت قبل فاقد همه‌چی بود دارای همه چیز می‌کند و مستقیماً از آنجا به منزل عالی سلطنتی می‌برند و دختر آن وزیر را هم ازدواج می‌کند و غیر از او چند عیال دیگر اختیار می‌نماید و لکن از هیچ کدام فرزندی نصیبش نمی‌شود تا در سال ۱۳۰۶ ق در مشهد رضوی از دنیا می‌رود.
- برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
- منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۲۷۸ / ۲۲ / ۲۳۴، ۱۷ / ۱۵۹، ۱۵ / ۶۲، ۱۶ / ۲۶۹، ۱ / ۱)، علماء معاصرین (۲۸-۲۷)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۷-۱۳ / ۶)، المآثر و الآثار (۱۷۴)، مکارم الآثار (۱۱۲۹ / ۴).

طامذی اصفهانی، ابو محمد عبدالله

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۶۳ ق)، محدث و زاهد. وی اهل طامذ اصفهان بود. از ابونصر عبدالرحمان بن محمد سمسار حدیث شنید، آن‌گاه در طلب حدیث به مسافرت پرداخت و در بصره از جعفر بن محمد بن فضل عبادانی و در بغداد از طراد بن محمد زینبی و ابن طلحه نعالی و دیگران استماع حدیث کرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۴۷۵-۴۷۳ / ۲۰)، شذرات الذهب (۲۰۸ / ۴)، العبر (۴۰ / ۳)، النجوم الزاهره (۳۶۰ / ۵).

طاووس یمانی، ابو عبدالرحمان طاووس

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۰۶-۳۳ ق)، مفسر، قاری، فقیه، محدث، زاهد و صوفی. اصلش ایرانی است، در یمن به دنیا آمد. ابن جوزی اسم او را ذکوان و لقب او را طاووس آورده و گوید از آنجا که او طاووس القراء بود به طاووس مشهور شد. او از بزرگان تابعین و از راویان ابن عباس و ابوهریره و فقیهی گرانمایه به شمار می‌آید. مجاهد و عمرو بن دینار از وی حدیث روایت کرده‌اند. در و عظم خلفا و سلاطین بسیار بی‌باک بود. ابن عیینه گوید: سه تن، از سلاطین به دور بودند: ابوذر، طاووس و ثوری. گفته‌اند که او چهل مرتبه حج کرد و چهل سال نماز صبح را با وضوی نماز عشاء خواند. شیخ طوسی او را از جمله اصحاب امام سجاد (ع) ذکر کرده، زیرا که وی راوی

بعضی از ادعیه آن حضرت است. ابن قتیبه در «المعارف» به تشیع وی تصریح کرده و صاحب «روضات الجنات» او را در عداد فقهای شیعه شمرده، اما محدث نوری در «مستدرک الوسائل» آن را رد کرده و گوید که از هیچ یک از علما مطلبی دال بر شیعه بودن وی نقل نشده است. طاووس در مراسم حج، روز ترویج، در گذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳ / ۳۲۲)، اعیان الشیعه (۳۹۶-۳۹۵ / ۷)، التاریخ الکبیر (ج ۲ ق ۳۶۵ / ۲)، تهذیب التهذیب (۱۰-۹ / ۵)، الجرح و التعذیل (ج ۲ ق ۵۰۱-۵۰۰ / ۱)، حلیه الاولیاء (۲۳-۳ / ۴)، رجال طوسی (۹۴)، روضات الجنات (۱۳۹-۱۳۶ / ۴)، ریحانه (۲۳-۲۱ / ۴)، سیر النبلاء (۴۹-۳۸ / ۵)، شذرات الذهب (۱۳۴-۱۳۳ / ۱)، طبقات ابن سعد (۷۰-۶۶ / ۶)، العبر (۹۹ / ۱)، الکنی و الالقاب (۴۴۱-۴۳۹ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل / طاووس)، المعارف (۲۶۸)، النجوم الزاهره (۳۳۱ / ۱)، وفيات الاعیان (۵۱۱-۵۰۹ / ۲).

طاووسی قزوینی، رکن‌الدین، ابوالفضل عراقی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۰۰ ق)، متکلم. در جدل و مناظره دستی توانا داشت. وی صاحب طریقه‌ای مشهور در جدل می‌باشد. در علم خلاف ماهر بود و آن را از استادش شیخ رضی‌الدین نیشابوری حنفی، صاحب طریقه‌ای در خلاف، فراگرفت و سه کتاب «مبسوط» و «متوسط» و «مختصر» در این علم دارد. دانش پژوهان از دور و نزدیک بر گردش، در همدان، جمع شدند. حاجب جمال‌الدین، در همدان، مدرسه‌ای به نام حاجبیه برای وی بنا کرد تا شاگردان وی در آن به تحصیل پردازند. قاضی نجم‌الدین ابن راجح از شاگردان بنام وی است. او در همدان در گذشت. ابن خلکان گوید که در قزوین گروهی به نام طاووسی وجود دارد که خودشان را از نسل طاووس بن کیسان می‌دانند، و احتمال دارد که رکن‌الدین ابوالفضل عراقی نیز از آنان باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام بوفیات الاعلام (۲ / ۴۰۵)، سیر النبلاء (۳۵۳ / ۲۱)، شذرات الذهب (۳۴۷-۳۴۶ / ۴)، العبر (۱۳۰-۱۲۹ / ۳)، وفيات الاعیان (۲۵۹-۲۵۸ / ۳).

طاووسی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تبریز، کارشناسی ارشد و دکتری فرهنگ و زبانهای باستانی ایران از دانشگاه تهران.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه شیراز در سال ۱۳۶۵ و ارتقاء به درجه استادی در سال ۱۳۷۲.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

گویش‌شناسی، فرهنگ و زبانهای پیش از اسلام، بررسی نارسائیه‌های دستور و دستورنویسی در دوره‌های دبیرستان، تدریس زبانهای خارجی و زبانشناسی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

زبان فارسی و ادبیات فارسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

زبانها و فرهنگ ایران پیش از اسلام، فرهنگ و ادبیات فارسی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

طاهر خرسندی، عسگر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عسگر طاهر خرسندی

محل تولد: رشت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای عسگر طاهر خرسندی در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهر رشت دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه شهرستان رشت گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد. پس از مدتی تحصیل در حوزه علمیه رشت به شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیها رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۲ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله سبحانی، مرحوم آیت الله فاضل، آیت الله جوادی آملی، مرحوم آیت الله جواد تبریزی و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

وی پس از طی تحصیلات جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون در دانشگاه

دولتی گیلان و دانشگاه آزاد واحد رشت به امر تدریس اشتغال دارد. وی در طول حیات علمی خود به امرنگارش و پژوهش پرداخته است و آثاری از قبیل "مقایسه آرای تطبیقی فارابی و بوعلی سینا و دانشمندان غربی" و "مفاهیم قرآن" را به رشته تحریر در آورده است.

طاهر مروزی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س پنجم و ششم ق)، طیب. ملقب به شرف الزمان. وی طیب دربار ملک شاه سلجوقی (۵۱۰-۵۰۰ ق) بود. از آثار وی: کتاب «طبایع الحیوان»، در علوم طبیعی؛ کتابی در «جغرافیای عالم»، که اخبار چین و ترک و هند را در آن آورده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: لغت نامه (ذیل / طاهر).

طاهری اهوازی، اسدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، مترجم. ملقب به شوکت الوزاره. در ۱۳۱۳ ش موفق به اخذ گواهینامه از کالج آمریکایی تهران گردید و بعد وارد خدمت فرهنگ شد. وی علاوه بر دبیری زبان انگلیسی، نظامت دانشسرای پسران را نیز دارا بود. از آثار وی: «حاجی بابا در لندن»، ترجمه؛ «سه یار دبستانی»، ترجمه. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۰۴۵ / ۲، ۱۱۴۰ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۵۲-۵۵۱ / ۱).

طاهری آزاد، محمدباقر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد باقر طاهری آزاد

محل تولد: بردسیر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد باقر طاهری آزاد در سال ۱۳۳۵ در پردیس کرمان متولد شده و پس از گذراندن تحصیلات کلاسیک در سال ۱۳۵۲ وارد حوزه علمیه شدم و در سال ۱۳۶۰ شروع به درس خارج نمودم که از محضر اساتید حضرات آیات وحید خراسانی، فاضل لنکرانی، و مکارم شیرازی بهره جستیم.

طاهری خرم آبادی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی طاهری خرم آبادی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۳/۳

زندگینامه علمی

در سال ۶۲ پس از اتمام دوره راهنمایی تحصیلی وارد حوزه علمیه شدم و تا سال ۷۰ دوره سطح را به اتمام رساندم. از سال ۷۱ تا ۷۵ در درس خارج فقه و اصول شرکت کردم. سال ۶۸ وارد موسسه در راه حق شده و سپس از سال ۷۳ تا ۷۸ دوره تخصصی (کارشناسی ارشد) فلسفه را در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) به اتمام رساندم. در سال ۷۷ در آزمون ورودی کارشناسی ارشد دانشگاهها شرکت و در رشته فلسفه غرب دانشگاه تهران قبول گردیدم سال ۷۹ این دوره را به اتمام رسانده و بلافاصله قبولی در دوره دکتری. تحصیلات خود را در همان رشته فلسفه غرب ادامه دادم. در تیر ماه ۸۶ دوره دکتری را به اتمام رساندم. از سال ۷۹ در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) به تدریس و تحقیق اشتغال داشته و از سال ۸۳ تاکنون عضو هیات علمی این موسسه می باشم.

طاهری شاهرودی، محمدحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدحسن طاهری محمودی (معروف به شیخ محمدحسن حاجی) در یکی از روستاهای شاهرود که اکنون بخش مهمی است به نام میامی در بیت علم به دنیا آمده و مرحوم پدرش حاج ملا علی اصغر میامی روحانی بود که از راه نماز استجاری و زراعت کشاورزی زندگی می کرد و در شاهرود در یکی از مساجد شهر اقامه جماعت می نمود و به کثرت عبادت و تلاوت قرآن و ملازمت مستحبات معروف بود و کارهای شرعی مردم را رسیدگی و اسناد شرعی‌ای به امضاء ایشان در دست مردم هست نسبتاً متمکن بود و

از راه زحمت کشی در میامی و شاهرود املا-کی در میامی و شاهرود داشت در حدود سن نود سالگی از دنیا رفت و طبق وصیت جنازه‌اش به نجف اشرف حمل و در وادی السلام در جنب حضرت هود و صالح علیهماالسلام مدفون گردید.

عموی بزرگ آقای طاهری (برادر مرحوم حاج شیخ علی اصغر میامی) نیز ملا و روحانی با نفوذ بوده و در مشهد به نام حاج ملا غلامحسین بوده است و پدران ایشان هم تا چند پشت روحانی بوده‌اند.

اما مرحوم حاج شیخ محمدحسن طاهری در کودکی همراه پدرش از میامی به شاهرود آمدند و در شهر ساکن گردیدند تحصیلات اولیه و سطوح آن زمان را نزد علماء شهر که از آن جمله مرحوم حاجی مدرس و حاج شیخ محمدتقی مدرس و حاج شیخ احمد شاهرودی بودند انجام داده و پس از سفری به مشهد به عراق مهاجرت کرده و از محضر مرحومین علمین آیتین آخوند خراسانی و علامه یزدی استفاده نموده و قسمتی از تقریرات مرحوم آخوند را در اصول مباحث الفاظ به رشته تحریر درآورده و با اجازاتی از آن دو بزرگوار به وطن برگشتند و به وظائف روحانی خود از اقامه جماعت و تدریس ادبیات و رسیدگی به امور شرعیه مردم در عقد و نکاح و معاملات مشغول شدند.

مرحوم آیت‌الله حاج شیخ احمد شاهرودی که ریاست روحانیت آن روز شاهرود را داشتند ایشان را مشاور و ملازم خود انتخاب کردند و در امور مردم با ایشان مشورت و کارهای زیادی را به ایشان واگذار می‌کردند. آن مرحوم مدت چند سالی هم در مشهد اقامت داشته و در مدرسه فاضل‌خان تدریس می‌کردند و در ضمن تدریس هم از محضر و درس مرحوم آیت‌الله العظمی آقای حاج آقا حسین قمی استفاده نموده بودند.

مرحوم طاهری دانشمندی خوش قریحه و با ذوق و حاضر جواب و حافظ اشعار زیادی بودند و مجالس علماء به وجود ایشان گرم و بانشاط بود. و خلاصه آن مرحوم عالمی مهربان و سخی و منیع‌الطبع و خوش اخلاق بود و با مناعت طبع و بزرگواری زندگی می‌کرد و درب خانه‌اش به روی همه و بخصوص اهل علم باز و از آنان به گرمی پذیرائی می‌کرد. آن جناب مبارزاتی بر علیه حکام جور قاجار و مامورین رژیم منفور دو پهلوی داشتند و در عصر تحمیل مشروطه نیز برای مشروطه مشروعه مبارزاتی نموده و جزو علماء مجاهد مانند مرحوم شهید نوری حاج شیخ فضل‌الله در منطقه شاهرود بودند و بعد از ماجرای مسجد گوهرشاد و اتحاد شکل و منزوی شدن روحانیت ایشان کم کم منزوی شده و همه املا-ک خود را فروخته و به زندگی شرافتمندانه خود ادامه دادند. و فرزندان خود را بزرگ کردند تا در سال ۱۳۶۵ قمری و ۲۵ شمسی که همسرشان از دنیا رفتند (و او علویه محترمه صبیبه مرحوم آیت‌الله میرمطلب بسطامی و تنها یار و یاور ایشان بودند).

پس مترجم محترم ما برای تحصیل به قم آمده و برادرشان آقای دکتر طاهری به تهران منتقل شدند و یکی از دخترانشان به همسری آیت‌الله حاج سید محمد حسینی شاهرودی فرزند آیت‌الله العظمی حاج سید محمود شاهرودی درآمده و به نجف اشرف هجرت نموده و دو دختر بزرگ دیگر نیز در شاهرود در خانه شوهرانشان بودند و آن مرحوم تک و تنها شدند و در شدت تنگدستی با آن عفت نفس و مناعت طبع زندگی سخت طلبه‌گی و سخت‌تر از آن را می‌گذراندند و در عین حال قلب ذاکر و لسان شاکر و بدنی بر بلاها صابر داشتند و همواره خدا را شکر می‌کردند و ذکر می‌گفتند و تهجد داشتند و بالاخره در ایامی که فرزندانشان در شاهرود نبودند غریبانه در سن ۸۶ سالگی در ماه جمادی‌الثانیه سال ۱۳۷۴ هجری قمری برابر با ۱۳۳۲ شمسی پس از شصت سال خدمت بدین و مردم دنیا را وداع گفته و در مزار شاهرود به خاک رفتند و اغلب مردم شهر شاهرود و بسطام و حومه در تشییع آن مرحوم شرکت و تا چندین روز مجالس عزا برپا نموده و ابراز تاسف و تأثر می‌کردند و مرحوم آیت‌الله العظمی شاهرودی هم سه شب متوالیا در نجف اشرف در مدرسه بزرگ آخوند خراسانی مجلس فاتحه برقرار که عموم آیات و مراجع و روحانیت نجف شرکت نمودند رحمه‌الله علیه.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

طاهری عراقی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مدرس، محقق.

تولد: ۱ اسفند ۱۳۲۲، اراک.

درگذشت: ۱۴ اردیبهشت ۱۳۷۰، تهران.

احمد طاهری عراقی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی، در سال ۱۳۴۴ موفق به اخذ دانشنامه‌ی لیسانس در رشته‌ی ادبیات فارسی از دانشگاه تهران شد. در سال ۱۳۴۵ شروع به کار در بنیاد فرهنگ ایران نمود. پس از طی دوره‌ی نظام وظیفه، در مرکز خدمات کتابداری مشغول به کار شد و در سال ۱۳۵۱ برای تحقیق در رده‌بندی کتب اسلامی ابتدا عازم مشهد و سپس مصر شد. وی تا سال ۱۳۴۸ با این مرکز همکاری داشت.

در سال ۱۳۵۶ به دانشگاه ادینبورو انگلستان وارد شد و تحصیلات عالی خود را همانجا ادامه داد. ضمناً در این دانشگاه به تدریس مثنوی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی و دیوان حافظ نیز مشغول بود. در سال ۱۳۶۱، موفق به اخذ درجه‌ی دکتری در رشته‌ی ادبیات عرب شد و دو سال بعد در مهر ۱۳۶۳ به ایران بازگشت و با بنیاد دایرةالمعارف اسلامی شروع به همکاری نمود. در این مدت وی در انتشار هشت شماره از نشریه‌ی «تحقیقات اسلامی» (در پنج دفتر) همکاری داشت. از سال ۱۳۶۴، نیز شروع به تدریس متون نمود. ضمناً ایشان در سرپرستی انتشار نخستین جزوه‌ی دانشنامه‌ی جهان اسلام (حرف ب، جزوه اول) به عهده داشت و مقدمات چندین جزوه‌ی دیگر را نیز فراهم آورد.

از جمله آثار وی، علاوه بر مقاله‌های وی که در «نامه‌ی انجمن کتابداران ایران»، و «نشر دانش» و «معارف» و «مقالات و بررسیها» و مقاله‌های وی که در دانشنامه‌ی جهان اسلام («ب در زبان عربی» و «ب در عرفان اسلامی») به چاپ رسیده‌اند، می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره نمود: رده بندی دهدهی دیوئی: اسلام (۱۳۶۳، ۱۳۵۳)؛ رده BP: اسلام (علوم دینی اسلام در نظام رده‌بندی کتابخانه‌ی کنگره) (۱۳۵۸)؛ مقدمه و حواشی و تصحیح رساله‌ی قدسیه، از کلمات بهاءالدین نقشبند (از خواجه احمد پارسا، ۱۳۵۴)؛ رده‌بندی دهدهی دیوئی: زبان‌های ایرانی (۱۳۶۶) (۱۳۵۰) رده‌بندی دهدهی دیوئی: ادبیات ایرانی (۱۳۶۳، ۱۳۵۱)؛ همکاری در تصحیح نصیحة الملوک غزالی (به تصحیح جلال‌الدین همایی، ۱۳۵۴).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

طاهری قمی، محسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۹ ش)، عالم دینی و فقیه. در قم به دنیا آمد و پس از فراغت از تحصیلات مقدماتی در ۱۳۰۴ ش به تحصیل علوم دینی پرداخت و حدود سیزده سال سطوح وسطی و نهایی را در خدمت آیت‌الله مرعشی نجفی و آیت‌الله موسوی و آیت‌الله شیخ مهدی مازندرانی و ادیب تهرانی و آیت‌الله آقا سید کاظم گلپایگانی و آیت‌الله سید احمد خوانساری و دیگران به پایان رسانید. او مدت سه

سال از دروس خارج آیت‌الله حایری و آیت‌الله آقا سید محمد حجت و آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری و آیت‌الله فیض استفاده‌ها نمود. در ۱۳۲۰ ش بنا بر دعوت جمعی از مردم ورامین به آن شهر رفت و سالها در مسجد بزرگ ورامین به اقامه جماعت و تبلیغ احکام دینی پرداخت. از آثارش: تأسیس مسجد بزرگ در ورامین و تشکیل حوزه‌ی علمیه در آنجا. از آثار علمی‌اش: «جامع التفاسیر»؛ «راهنمای مبلغین».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: گنجینه‌ی دانشمندان (۶۸۲-۶۸۱ / ۴).

طاهری یزدی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۷۸ ش)، مورخ. در یزد به دنیا آمد. بعد از اتمام تحصیلات ابتدایی برای ادامه تحصیل به تهران رهسپار شد و پس از پایان دوره‌ی متوسطه وارد مدرسه فلاح تهران شد و از آنجا فارغ‌التحصیل گردید. در ۱۳۰۷ ش وارد خدمت وزارت فرهنگ شد و عهده‌دار مشاغل مختلف گردید. اثر وی «تاریخ یزد» می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ تذکره‌های فارسی (۵۵۸ / ۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۴۶ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۴۲۰-۴۱۹ / ۱).

طاهری، احمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد علی طاهری

محل تولد: قم

شهرت: طاهری قمی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۰۴/۱/۱

زندگینامه علمی

احمد علی طاهری قمی فرزند آیه الله العظمی آخوند ملا محمد طاهر اشعری قمی اعلی الله مقامه شریف می‌باشم در سن ده سالگی پدرم را ازدست دادم و تحت کفالت مادرم به درس خواندن خود ادامه دادم. تحصیلات ابتدائی را در مکتبی که متعلق به مرحوم سید هاشم میر شجاعی قمی رحمته الله علیه بود به سر بردم سپس در مدرسه رشدیة چند سالی نزد پیر معارف مرحوم حاج میرزا حسن رشدیة تحصیلات کلاسیک را فرا گرفتم آنگاه اساتید بنده در تکمیل دروس مقدماتی صرف و نحو و منطق و معنی بیان و

هیئت و گاهنامه عبارتند از (که در صفحه بعد به آنها اشاره شده است) از برخی از این بزرگان تقریراتی در فقه و اصول نوشته ام که اگر توفیق نصیب شود آنها را تنظیم نموده و به چاپ خواهیم رساند

طاهری، جلال‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقا جلال طاهری اصفهانی از علماء مجاهد و مبرز معاصر اصفهان است تولد ایشان در حدود سال ۱۳۴۷ قمری در حسین آباد اصفهان که اکنون جزو شهر شده است واقع شده و دروس فارسی و مقدمات و ادبیات را در اصفهان خوانده و در عصر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی به قم مهاجرت نموده و سطوح عالی را از مدرسین بزرگ حوزه فرا گرفته و به درس خارج آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله محقق داماد و آیت‌الله العظمی نایب‌الامام آقای خمینی شرکت و از محاضر و دراسات نامبرده و بعضی دیگر استفاده کامل نموده و چون در میان اقران خود به ذکاوت و خوش فهمی معروف بوده از بعضی همگان گوی سبقت بوده و در حوزه علمیه جلسات بحث و تدریس گذارده تا بعد از تبعید نایب‌الامام که به اصفهان مراجعت و به اقامه جماعت و تدریس و مبارزه با بیدادگران و رژیم طاغوتی پرداخته و چندین بار گرفتار عمال جنایتکار شاه مخلوع و به زندان افتاده و آزاد گردیده تا در سال گذشته (۱۳۹۸ ق) که منزلش مورد حمله مامورین و سربازان مغولی و چنگیزی (محمدرضا پهلوی) سوالله وجهه - گردیده و گرفتار آن جلاخان شده که این بار مردم اصفهان قیام و دولت را محکوم و پشتیبانی خود را به روحانیت و امام ملت اعلام و آزادی ایشان را خواسته و حتی قربانیا داده و خونهای جوانان عزیز و رزمندگان خود را اهداء و او را آزاد نمودند. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

طاهری، حبیب‌الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حبیب‌الله طاهری

محل تولد: نکاء

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۸/۱/۱

زندگینامه علمی

او در روستایی به نام آکرد، واقع در هزار جریب از توابع شهرستان نکاء در مازندران در خانواده‌ای روحانی در شهریور ۱۳۲۸ متولد شدم. و در سن پنج سالگی قرآن را در مدت دو ماه در محضر پدرش شیخ حسین طاهری فرا گرفت، و سپس به خواندن کتب

فارسی در نزد پدر ادامه داد.

تا اینکه در تیرماه ۱۳۴۲ پدرش به رحمت ایزدی پیوست. او به همت مادرش در ۲۳ آذر همان سال به حوزه علمیه شهرستان نکاء در مازندران که زیر نظر حضرت آیه الله حاج شیخ علی لیموندی بود، رفت و در سال ۴۳ به حوزه علمیه کوهستان رفته و در سال ۴۵ به حوزه علمیه مشهد و از سال ۴۸ به حوزه علمیه قم وارد شده که تاکنون در آنجا هست.

اساتید فقه و اصول: در سطوح عالی در قم بسیارند از جمله آنها: آقایان: صلواتی اعتمادی، فاضل لنکرانی و نوری همدانی و... و در خارج آیات عظام: میرزا هاشم آملی سید محمد رضا گلپایگانی، محمد فاضل لنکرانی، ناصر مکارم شیرازی و.....

اساتید فلسفه و عرفان: آقایان: انصاری شیرازی، مصباح یزدی، جوادی آملی، حسن زاده آملی و.....

در دانشگاه: در سال ۱۳۶۷ موفق به اخذ دکترا رتبه: استاد یاری شدم. و در همان سال به عنوان عضو هیأت علمی در دانشگاه تهران برگزیده شدم و در ۲۵ اسفند ۱۳۸۳ موفق به اخذ و دانشیاری از دانشگاه تهران شدم.

تدریس: علاوه بر تدریس به صورت خصوصی از همان اوایل طلبگی، در سال ۱۳۶۷ در حوزه علمیه قم به صورت عمومی به تدریس فلسفه و اصول (کتابهایی مانند نه‌ایه الحکمه علامه طباطبایی و شرح منظومه سبزواری و رسائل شیخ انصاری) مشغول شدم و سپس مکاسب شیخ انصاری در فقه و کفایه الاصول آخوند خراسانی را مکرر تدریس کردم و همچنان این تدریس ادامه دارد. در دانشگاه نیز گرایشهای مختلف علوم انسانی مانند (عقاید، تاریخ اسلام، فقه، قواعد فقه اصول فقه، منطق، تفسیر، علوم قرآنی، اخلاق، انقلاب و ریشه‌ها و...) را تدریس می‌کنم.

طاهری، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید حسن طاهری

محل تولد: خرم‌آباد

شهرت: طاهری خرم‌آبادی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۷/۱/۱

زندگینامه علمی

حضرت آیت الله سید حسن طاهری خرم‌آبادی در روز اول خرداد ماه ۱۳۱۷ هجری شمسی در خرم‌آباد به دنیا آمد. پدرش مرحوم حاج سید حیدر طاهری خرم‌آبادی از شاگردان برجسته مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و از دوستان نزدیک حضرت امام (ره) و آیت‌الله گلپایگانی (ره) بود که پس از سالها تحصیل و بهره بردن از محضر عالمان بزرگ حوزه علمیه اصفهان، مشهد و قم با درخواست مردم شریف خرم‌آباد به زادگاه خود بازگشت و تا آخر عمر به رتق و فتق امور مردم همت گماشت. از ویژگیهای بارز مرحوم حاج سید حیدر برخورداری از محبوبیت فراوان بین مردم و علمای شهر، حلم و بردباری و عدم علاقه به زخارف دنیا و مادیات بود. آیه‌الله سید حسن طاهری خرم‌آبادی که شیفتگی زائدالوصفی به پدر داشت، در سن ۹ سالگی مجبور به بردوش کشیدن داغ هجرت پدر شد و این یتیمی زود هنگام در پرورش و استواری آینده او تأثیر بسزایی داشت. وی از خاطرات شیرین همراهی با پدر، خاطره سفر به عتبات عالیات را ذکر می‌کند که در آن، ضمن باریابی به حرم ملکوتی ائمه هدی، به محضر

علمای بزرگ آن دیار نیز شرفیاب شدند. مادر او نیز که زنی پاکدامن و از طائفه اشعریون قم بود، در حدود سال ۱۳۶۰ شمسی دار فانی را وداع گفت. آیه‌الله طاهری خرم آبادی تحصیلات خود را در یکی از دبستانهای خرم آباد آغاز کرد. وی اصرار داشت که با لباس روحانیت به مدرسه برود؛ اما بسیاری از معلمان شدیداً با این مسأله مخالف بودند که پشتیبانیهای مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج سید احمد طاهری، عموی ایشان، آنها را وادار به سکوت می‌کرد. وی در همان دوره دبستان، با دیگر شاگردان مدرسه به مناظره در باره مسائلی چون علم و ثروت می‌پرداخت و گاهی که نماز جماعت برپا می‌شد، امامت آن را به عهده می‌گرفت. با پایان یافتن دوره ابتدایی، به مدرسه علمیه کمالیه رفت و طی دو سال جامع المقدمات و سیوطی را فرا گرفت. سپس به همراه مادر خود، به قم عزیمت کرد تا تحصیلات حوزوی خود را در آن دیار عالم پرور ادامه دهد. در نخستین روز سکونت در قم، به حرم مطهر حضرت معصومه (س) آمد و در کنار صحن بزرگ، مشغول وضو گرفتن شد که ناگاه چهره‌ای ملکوتی، او را به خود جلب نمود که در حال بازگشت از حرم بود. بی اختیار از یکی از طلاب پرسید: این آقا کیست؟ و او پاسخ داد: حاج آقا روح الله خمینی! بدین ترتیب از همان آغاز ورود به قم، شیفته امام (ره) شد و بعدها، به سبب رفاقت نزدیک امام (ره) با پدرش، مورد تفقد و عنایت ویژه ایشان قرار گرفت. در همان سال اول ورود به قم، مغنی، حاشیه ملاعبده الله و مقداری از سیوطی که باقی مانده بود فرا گرفت. در سال بعد معالم الاصول و شرح شمسیه و در دو سال بعد از آن، لمعه، قوانین و مطول را آموخت و در سال پنجم رسائل و مکاسب شیخ انصاری را آغاز کرد. ظرف سه سال آن کتابها را به همراه جلد اول کفایه به پایان برد و جلد دوم کفایه را هم زمان با رفتن به درس خارج امام (ره) شروع نمود. مقداری از درس خارج قضا را در محضر آیه‌الله العظمی بروجردی فرا گرفت که به دلیل فوت ایشان، از ادامه آن باز ماند. هم زمان در درس بیع امام شرکت می‌جست و پس از تبعید امام نیز به درس مرحوم آیه‌الله داماد و آیه‌الله حاج آقا مرتضی حائری یزدی رفت. حضرت آیه‌الله طاهری خرم آبادی در دوره تحصیل خود از محضر استادان و عالمان برجسته‌ای کسب فیض نمود که حوزه‌های علمیه خاطره مبارزات و مجاهدتهای آنان را هرگز از خاطر نمی‌زداید. وی با ورود به قم، حاشیه ملاعبده الله را نزد آقای هاشمی رفسنجانی فرا گرفت. برای تحصیل معالم الاصول و مطول به نزد آقای شب زنده‌دار رفت و لمعه را نزد مرحوم حاج آقا حسین جزایری از فضلالی خرم آباد، آقایان باقری کنی و ستوده خواند و رسائل شیخ انصاری را نزد آقایان مکارم شیرازی، شب زنده‌دار، مشکینی و سبحانی فرا گرفت و برای آموختن مکاسب محرمة با آقای حاج سید علی محقق داماد به مباحثه پرداخت کتاب بیع را نیز نزد آیه‌الله خزعلی فرا گرفت. کفایة الاصول را نیز در محضر مرحوم شیخ عبدالجواد اصفهانی (جبل عاملی) و مرحوم سلطانی (طباطبایی) آموخت. برای تحصیل درس خارج، به درس مرحوم آیه‌الله بروجردی و مرحوم امام خمینی رفت. ایشان در باره ویژگی علمی امام (ره) می‌فرماید: «بحث ایشان، شاگرد پرور بود و فکر را به کار می‌انداخت. تنها نقل عبارت دیگران نبود. درس ایشان تفاوت زیادی داشت با کل درسهایی که ما تا آن موقع در حوزه دیده بودیم. الان هم معتقدم که نوشته‌های فقهی و اصولی ایشان قابل طرح و استفاده و درخور دقت است. البته نمی‌خواهم بگویم که نظری فوق نظرات ایشان نیست. شاگردان ایشان همان موقع به نظرات ایشان اشکال می‌گرفتند و خود ایشان هم مشوق بود؛ اما نظرات ایشان در همه ابعاد به قدری عمیق و دقیق است که همیشه قابل طرح و بحث خواهد بود. از نظر علمی می‌توان گفت که حضرت امام در ابعاد مختلف فقهی، اصولی، فلسفی و عرفانی در عصر خویش فقیه و اندیشمندی استثنایی بود. حضرت امام از یک نبوغ و استعداد بالایی برخوردار بود. بدون هیچ گونه مبالغه‌ای می‌توانم بگویم بعد از معصومین (ع) حضرت امام یک انسان استثنایی بود». آیه‌الله طاهری خرم آبادی، پس از تبعید امام، در درس آقایان گلپایگانی، شیخ مرتضی حائری و داماد شرکت نمود و از محضر مرحوم حاج آقا حسن فرید اراکی بهره‌های فراوان برد. در بخش فلسفه نیز، ایشان منظومه ملاحادی سبزواری را نزد مرحوم آیه‌الله حاج آقا مصطفی خمینی و آیه‌الله امینی آموخت. اشارات و الهیات شفا را نزد آیه‌الله جوادی آملی و مقداری از اسفار را نزد مرحوم علامه طباطبایی فرا گرفت. بخشی از اسفار را نیز در محضر آیه‌الله شهید مطهری خواند. ایشان در دوره سطح با آقایان سید احمد مرعشی، سید علی

محقق، عمید زنجانی به مباحثه می‌پرداخته است و از هم مباحثه‌ایهای دوره تحصیل درس خارج، از آقایان مؤمن، حسینی کاشانی، ربانی املشی و حاج حسن تهرانی نام می‌برد. آیه‌الله طاهری خرم آبادی، در سالهای متمادی حضور در حوزه علمیه قم، خدمات علمی و فرهنگی شایانی را به این حوزه سترگ تقدیم داشته است. در بخش تدریس، ایشان بسیاری از کتب دوره سطح را به نوآموزان حوزه درس داده است و هم اکنون نیز به تدریس درس خارج فقه و اصول مشغول است و طلاب و فضلاء بسیاری را به جامعه علمی و فقهی کشور ارزانی داشته است. در کنار تدریس، از سالهای پیش از انقلاب تاکنون، در نشریات گوناگونی، مقاله‌های جامع علمی و سیاسی خود را به چاپ رسانده است که برخی از آنها به صورت کتاب منتشر شده است. برخی از کتب ایشان در دست چاپ است که از آنها می‌توان به کتابی در ردّ شبهات وهابیه و کتابهایی چون منابع مالی اسلام در حکومت اسلامی و کتاب الخمس و ذبیح اهل کتاب و کتاب ولایة الفقیه اشاره کرد. زندگی عالمان مجاهد در عصر ما، همواره با مبارزه با رژیم منحوط پهلوی همراه بوده است. آیه‌الله طاهری خرم آبادی نیز، چون دیگر عالمان عصر خویش و مانند پیر و مراد و مقتدای خویش، حضرت امام خمینی (ره) حکومت ننگین پهلوی و سکوت در مقابل ستمهای آن را بر نمی‌تابید و روز و شب را به مبارزه با آن می‌گذراند. سخنرانیها، نامه‌ها و اعلامیه‌ها، به زندان رفتنها و شکنجه شدنهای وی نقش مهمی را در پیشبرد انقلاب و پیروزی آن ایفا می‌کرد که ذکر نمونه‌ها و شرح آن، در این مختصر نمی‌گنجد. در سال ۱۳۴۱، شاه و عوامل آن، لویح ششگانه‌ای را با ظاهر اصلاحات و ایجاد رفاه برای مردم تدوین کردند و می‌خواستند آن را به فرمانروم بگذارند. امام (ره) که به خوبی از حیلها و عوامفریبی‌های شاه اطلاع داشت، مخالفت خود را با لویح اعلام نمود و به آیه‌الله طاهری خرم آبادی نیز دستور داد که به خرم آباد برود و مسائل مطرح شده را با علما و مردم آن دیار در میان بگذارد. تلاش آیه‌الله طاهری خرم آبادی در آن روزگار برای رساندن پیام امام (ره) و گرد هم آوردن علمای خرم آباد و تصمیم‌گیری برای مسائل پیش آمده، نقطه عطفی در مبارزات ایشان می‌باشد. همچنین ایشان پس از مدتی به قم رفت و گزارش مذاکرات علما و جریانهای پیش آمده در شهر را به اطلاع امام (ره) رساند. وی در اوایل سال ۱۳۴۲ به منظور تبلیغ و در آستانه ماه محرم، تصمیم به عزیمت به کاشان گرفت و آن را با امام (ره) در میان گذاشت. امام (ره) موافقت فرمودند و پیامهایی برای علمای کاشان با موضوعیت جریانهای پیش آمده و ضرورت مبارزه با رژیم شاه، دادند. وی ضمن رساندن این سخنرانیهای مهم و افشاگرانه‌ای را در ایام ماه محرم انجام داد که شور عجیبی در مردم کاشان ایجاد کرد و ساواک و عوامل رژیم پهلوی را هراسناک ساخت. همچنین سخنرانی وی پس از حادثه پانزدهم خرداد در حرم مطهر حضرت معصومه (ع) در حمایت از امام (ره) و محکوم کردن جنایات رژیم، در کارنامه مبارزاتی او می‌درخشد. در طول سالهای مبارزه، آیه‌الله طاهری خرم آبادی، بارها و بارها مورد تعقیب ساواک قرار گرفت و بارها تبعید یا زندانی شد. اما بینش صحیح وی از انقلاب و همچنین اطاعت محض از امام (ره) و علاقه وافر به ایشان، تبعید و زندان و... را بر ایشان هموار می‌ساخت. ایشان هدف امام خمینی (ره) از نهضت را اینگونه بیان می‌کند: «از پای درآوردن حکومت سلطنتی در حد ساقط کردن آن و یا ضعیف کردن آن، به عنوان هدف میان مدت برای همه روشن بود. اما هدف نهایی نمی‌خواهم بگویم برای همه، ولی برای بسیاری از مبارزان نیز مجهول بود. به هر حال تا قبل از مطرح شدن مباحث ولایت فقیه حضرت امام، بحثی در مورد نظام جایگزین رژیم شاهنشاهی نشده بود. مباحث امام افق مبارزه را وسیع‌تر کرد و یک هدف مشخص و روشن را برای نهضت ترسیم کرد و آن، حکومت اسلامی و مسأله ولایت فقیه بود». آیه‌الله طاهری خرم آبادی، در حدود سال ۵۶ به عضویت رسمی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم درآمد، هر چند پیش از آن نیز در فعالیتهای مبارزاتی با اعضای این مرکز همکاری داشت. فعالیتهای سیاسی آیه‌الله طاهری خرم آبادی به پیش از انقلاب محدود نیست. ایشان پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی نیز در مسؤولیتهای گوناگون به ایفای نقش پرداختند و خدمات ارزشمندی را در عرصه‌های گوناگون به انجام رساندند

طاهری، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید حسین طاهری

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۲

زندگینامه علمی

آقای سید حسین طاهری شهرت طاهری وحدتی در سال ۱۳۳۸ در خانواده‌ای مؤمن و پای بند به مسائل دینی در مشهد به دنیا آمد. در سال ۱۳۵۴ به دنبال اشتیاق فراوان به تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه مشهد شد. ادبیات عرب را از محضر حجة الاسلام آقایان رضوانی و حجت هاشمی آموخت. سطح را در محضر اساتید مبرز مشهد از جمله مرحوم بنی هاشمی، مرتضوی و رضازاده سپری کرد و خارج فقه و اصول را نزد آیات علم الهدی، زنجانی و مرحوم فلسفی تلمذ کرد. عشق ایشان به بارگان ملکوتی امام رضا(ع) مانع از آن شد تا به حوزه‌ای علمیه و دیگر شهرها از جمله قم وارد شود و لذا در همان جا در حین تحصیل به تدریس علوم دینی و غیردینی پرداخت و در این رهگذر شاگردان بارزی جهت خدمت به انقلاب و مردم و... را تربیت کرد.

طاهری، حیدر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج سید حیدر طاهری از علماء و ائمه جماعت موجه خرم آباد بوده که در اوائل تأسیس حوزه علمیه به قم آمده بعد از اینکه سالها تحصیلات خود را در اصفهان به پایان رسانیده بودند.

در قم از حواریین و اصحاب و رفقای خاص مرحوم آیت الله مجاهد حاج شیخ محمدتقی بافقی بوده و از محضر آیت الله العظمی حایری هم استفاده می‌نموده تا پس از چند سالی از تبعید مرحوم بافقی مراجعت به خرم آباد نموده و به خدمات دینی و اقامه جماعت پرداخته تا سال ۱۳۶۶ قمری که از دنیا رفته و در همانجا مدفون گردیده است. آن مرحوم عمده تحصیلاتش در اصفهان بوده و بعد در قم خدمت مرحوم آیت الله حایری و از آن مرحوم و نیز آیت الله العظمی بروجردی و آیت الله العظمی اصفهانی اجازه اجتهاد داشتند و در خرم آباد در ساختمان و بناء مدرسه کمالیه با مرحوم آیت الله کمالوند همکاری و تشریک مساعی نموده است وی دارای اخلاق پسندیده مخصوصاً صفت حلم بوده و در این خصلت ضرب المثل بوده است وفاتش در ۲۲ شعبان المعظم هزار و سیصد و شصت و شش (۱۳۶۶) قمری واقع شده است.

از باقیات الصالحات اوست فرزند ارجمندش جناب ثقة الاسلام و مصباح الظلام نویسنده و گوینده و الامام آقای حاج سید حسن طاهری خرم آبادی که از فضلاء جوان حوزه علمیه و نویسندگان بنام مجله وزین مکتب اسلام و مکتب تشیع و سایر مجلات دینی حوزه علمیه قم می‌باشند وی بالغ بر بیست سال است که در حوزه علمیه قم مشغول به تحصیل علم و تکمیل مبانی فقه و اصول و موصوف به فضل و تقوا می‌باشد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

طاهری، ضیاء

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: فیزیک پزشکی، دانشکده: پیراپزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

طاهری، عبدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۱۹ ق)، عالم دینی، فقیه، مجتهد و مدرس. در شیراز به دنیا آمد و در بیت علم و عزت پرورش یافت. دروس مقدمات و سطوح را در شیراز خواند، آنگاه به نجف مهاجرت کرد و از محضر آیت الله نائینی و آیت الله عراقی و آیت الله اصفهانی و دیگران استفاده نمود تا به مقام اجتهاد رسید. وی در نجف پس از چندین مرتبه گفتن درس سطوح عالی «کفایه» و «مکاسب» و «فرائد»، به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت. از آثار وی احداث سه مدرسه‌ی علمی در نجف برای طلاب است. از آثار علمی اش: «عمده الوسائل فی شرح الرسائل»، در مباحث قطع و ظن، در چهار مجلد؛ حاشیه بر «عروه الوثقی»؛ «منجزات المریض»؛ «رفع الحاجب فی الاجره عن الواجب».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۴۲ / ۱۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۷۵ / ۷، ۴۵۴ / ۵).

طاهری، عبدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید عبدالله بن العالم النبیل آیت الله آقا سید محمد طاهر مجتهد شیرازی از مشاهیر علماء معاصر نجف اشرف می‌باشند. وی در حدود ۱۳۱۸ ق در شیراز متولد شده و در بیت علم و عزت پرورش یافته و دروس مقدمات و سطوح را در شیراز خوانده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر مرحوم آیت الله نائینی و آیت الله عراقی و آیت الله العظمی اصفهانی و دیگران

استفاده نموده تا به مقام منیع علم و اجتهاد رسید.

و پس از گفتن چندین بار درس سطوح عالی کفایه و مکاسب و فرائد به تدریس خارج فقه و اصول پرداخته و تا حال تحریر در حوزه علمیه هزار ساله نجف اشرف اشتغال به تدریس خارج و یکی از مراجع و مجتهدین بزرگ شیعه محسوب می‌شوند. تألیفات عدیده‌ای در فقه و اصول و غیره دارند که بعضی بطبع رسیده و برخی هم مخطوط مانده است و انشاء الله در جلد ششم در ذکر نجف خدمات و آثار معظم له خواهد آمد. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

طاهری، محمدجعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدجعفر بن العالم الجلیل آقا سید محمدطاهر و مجتهد شیرازی از علماء محترم معاصر شیراز است.

وی در سال ۱۳۱۶ ق در شیراز متولد شده و پس از تحصیل مقدمات و سطوح در اوائل تأسیس حوزه علمیه به قم آمده و از محضر مرحوم آیت الله العظمی حایری یزدی (موسس) حوزه استفاده نموده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر و درس مرحوم آیت الله نائینی و آیت الله عراقی و آیت الله العظمی اصفهانی در مدت هفت سال فقهاً و اصولاً استفاده نموده و پس از تحصیل اجازه به شیراز برگشته و به تالیف و تصنیف کتب علمی و مطالعه پرداخته و مورد توجه غالب مردم شیراز و مرجع و ملجاء آنان گردیده است.

تالیفات ارزنده عدیده دارند که از نظر ارباب فضل می‌گذرانم.

۱- ازاله الشکوک فی لباس المشکوک که در سال ۱۳۲۶ شمسی بطبع رسیده است.

۲- مجموعه مقالات اجتماعی و دینی (در دو جلد که در شیراز چاپ شده است)

۳- الهدایه در شرح کافیه نیز در شیراز چاپ شده است.

از باقیات الصالحات معظم له فرزندان متقی و دانشمندیست بنام حاجتی الاسلام آقای حاج سید فخرالدین و حاج سید نورالدین طاهری شیرازی که از افاضل علماء مقیم شمیران تهرانند و ترجمه اجمالی آنان در ص ۶۵۸ ج چهارم گذشت.

(تو ۱۳۱۶ ق)، عالم دینی و فقیه. در شیراز به دنیا آمد و پس از تحصیل مقدمات و سطوح در اوائل تأسیس حوزه‌ی علمیه به قم رفت و از محضر آیت الله حایری یزدی استفاده نمود و پس از آن به نجف رفت و از محضر درس آیت الله نائینی و آیت الله عراقی و آیت الله اصفهانی مدت هفت سال در فقه و اصول بهره برد. پس از کسب اجازه به شیراز بازگشت و به تالیف و تصنیف کتب علمی و تحقیقی پرداخت. وی مرجع امور دینی مردم شیراز بود. از آثارش: «ازاله الشکوک فی لباس المشکوک»؛ مجموعه مقالات اجتماعی و دینی، در دو جلد؛ «الهدایه»، در شرح «الکفایه». [۱]

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۴۵۴-۴۵۳ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۳۲۷-۳۲۶ / ۲).

طاهری، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمود طاهری

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب اردیبهشت سال ۱۳۴۸ به دنیا آمدم. دروس جدید را تا سوم راهنمایی به اتمام رسانده و در سال ۱۳۶۲ هجری شمسی وارد حوزه علمیه رستم کلای (بوشهر) شدم و سالها از محضر حضرت آیت الله ایازی استفاده کردم. در سال ۱۳۷۰ برای ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه قم شدم و بعد از اتمام دوره سطح حوزه، اکنون هفت سال است که به درس خارج مشغول می باشم. اساتیدی در دوره درس سطح حوزه قم از آنها استفاده کردم عبارتند از: ۱- آیت الله العظمی علوی گرگانی ۲- آیت الله العظمی صافی گلپایگانی ۳- حجت الاسلام حبیب الله طاهری. اساتیدی که در درس خارج از آنها بهره برده و می برم عبارتند از: ۱- آیت الله العظمی علوی گرگانی ۲- آیت الله العظمی صافی گلپایگانی ۳- آیت الله احمدی یزدی ۴- آیت الله مصطفوی ۵- آیت الله سبحانی اکنون نیز به مدت تقریبا ۱۵ ماه است که سردبیری ماهنامه طوبی را به عهده دارم.

طاهری، هوشنگ

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مدرس، مترجم، منتقد.

تولد: ۱۳۱۳، اهواز.

درگذشت: ۲۱ اسفند ۱۳۶۹، تهران.

هوشنگ طاهری دارای مدارج دکترای تاریخ هنر از اتریش، مهندسی اقتصاد کشاورزی از آلمان و تحصیل موسیقی در کنسرواتوار وین بود. در سال ۱۳۴۶ به ایران آمد و در زمینه‌ی هنر و ادب، به نقد، پژوهش و آموزش پرداخت. با مطبوعات همکاری داشت. ابتدا دبیر هنری مجله «سخن» بود. سپس سردبیر آن شد. طاهری در دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده‌ی هنرهای دراماتیک، دانشکده‌ی صدا و سیما و مجتمع دانشگاهی هنر در رشته‌ی سینما تدریس می کرد.

او از پیشگامان ترجمه‌ی فیلمنامه‌های آثار مدرن سینما بود. از آثار اوست: رئالیسم در ادبیات هنر (از ژان پل سارتر)، هنر اسلامی (از ارنست کونل)، خاکستر و الماس (از پرژی آندره یوسکی)، داستان‌های نوین آلمانی، تاریخ سینمای هنری (نوشته اولریش گرگور و انو پاتالاس، برنده‌ی جایزه‌ی بهترین کتاب سال در رشته هنر، ۱۳۷۰)، توت فرهنگی‌های وحشی (اینگمار برگمن)، زندگی (اکیرا کوروساوا)، صحرای سرخ (میکل آنجلو آنتونیونی)، ام M- قاتل (فرتیس لانگ)، مهر هفتم (اینگمار برگمن)، ویریدیا (لوئیس بونوئل)، هنر اسلامی (ارنست کونل)، همچون در یک آینه (اینگمار برگمن)، هیروشیما، عشق من (آلن رنه مارگريت دوراس).

طاهری سال‌ها ویولن می‌نواخت و نقاشی را می‌ستود، مجموعه‌ای نفیس از تابلوها و کتاب‌های نقاشی را گرد آورده بود. اهل شعر و داستان بود. شهرهایی سروده بود و آنها را برای دوستان می‌خواند. همچنین نقدهایی بر فیلم‌های سینمایی نوشته بود. درباره‌ی سینما مطالبی برای مجلات یا روزنامه‌ها ترجمه می‌کرد یا تألیف می‌نمود. ضمناً در تلویزیون برنامه «سینما» را تهیه و اجرا می‌کرد. وی از جشنواره‌ی سوم سینمای آزاد به بعد یکی از داوران سینمای آزاد بود.

هوشنگ طاهری در تهران در بزرگراه آیت‌الله صدر بر اثر تصادف درگذشت. پیکر وی در آرامگاه خانوادگی‌اش در امامزاده‌ی عبدالله به خاک سپرد شد.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

طاهریان، جلیل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جلیل طاهریان

محل تولد: سمنان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی اینجانب جلیل طاهریان در سال ۱۳۴۰ در خانواده‌ی مذهبی در جنوب شهر دیه به جهان گشودم. پدر بزرگوارم جهت کسب روزی حلال به کفش دوزی و والده مکرمه‌ام به پخته نان در منازل مشغول بودند. که هر دو از دنیا رفته و روحشان شاد باد. بعد از دوران ابتدائی پدرم مرا به حوزه علمیه صادقیه سمنان هدایت نمود. که دوره مقدمات و سطح یک و دو را گذراندم. آنگاه جهت درس خارج نزد استاد حضرت آیه‌الله عالمی که به درجه اجتهاد نائل شده بودند، رفته و همزمان درس کلاسیک را در شبانه و دانشگاه ادامه دادم. تا سال ۱۳۷۱ از دانشگاه آزاد اسلامی موفق به کارشناسی ارشد در رشته فقه و مبانی حقوق در آمده و در سال ۱۳۷۲ عضو هیئت علمی ساعتی در دانشگاه آزاد اسلامی فعالیت علمی و پشتکار باعث گردید. که در سال ۱۳۸۰ امام جماعت نمونه کشور در سال ۱۳۸۱ پژوهشگر برتر در حوزه فرهنگ و دین و در سال ۱۳۸۲ نیروی فرهنگی ممتاز از سوی نهاد نمایندگی ولی فقیه و همچنین در سال ۱۳۸۴ مبلغ برتر از سوی صدا و سیما حوزه علمیه دفتر تبلیغات و سازمان تبلیغات اسلامی شده و همچنین در سال ۱۳۸۵ پژوهشگر برتر از دانشگاه آزاد اسلامی انتخاب شده، و در حال حاضر مدیریت حوزه علمیه و تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی را دارم. اولین مقاله‌ای که نوشتم درباره نقش ورزشکاران در احیاء نماز بود که مورد پذیرش قرار گرفت و این خود عاملی بود که دست به قلم زده و کتاب رازها و رمزها نماز را که با رهنمود استادم که درس خارج فقه را بر عهده داشتند. تحریر نموده و بحمدالله مورد پذیرش قرار گرفتند کار مطالعاتی و تحقیقاتی را استمرار داده. که آخرین تحقیقات حقیر پیرامون تهی کردن دین از بصیرت ترویج خرافه پرستی. و ترویج ابتدال تحت عنوان آزادی و مدعیان دروغین در ارتباط با حضرت ولی عصر بوده اخیراً گوشه‌ای از فعالیت‌های علمی را که من جمله درباره حضرت معصومه(س) با عنوان بانوی مهر و همچنین مقالات چاپ شده در ارتباط با اتحاد ملی و انسجام اسلامی و موعود باوری عاملی در ایجاد اتحاد ملی و انسجام اسلامی بود در حوزه علمیه

صادقیه که در زمان بازدید استاندار سمنان صورت گرفت به نمایش گذاشتند که موجب تعجب علماء و طلاب گردیده بود. انجام امور پژوهشی و تحقیقاتی و چاپ مقالات متعدد باعث گردید که اجرای برنامه‌های زنده در صداوسیما را به عهده حقیر گذاشتند و بحمدالله با ارائه بحث‌های جدید علمی من جمله ازدواج- آفات زندگی - سنگ صبور بحث حوزه و دانشگاه جایگاه علمی خوبی را پیدا نموده و عضو پژوهشگران کشوری شدم و در نمایشگاه پژوهشگران راه یافتیم. همچنین با شناختی که مسئولین پیدا نموده برگزاری همایش‌های بزرگ از قبیل عفاف و حجاب، مدیریت و رهبری، تولید علم و نهضت، نرم‌افزاری و برگزاری نمایشگاه نغمه دل که ویژه نماز بود به حقیر محول نموده که آقای قداستی بصورت مکتوب این جمله را نوشتند که اولین کار علمی در کشور به صورت نمایشگاه مجازی به ثمر رسید و قدردانی نمودند.

طائی همدانی، ابوالفوح محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۵۵- ۴۷۵ ق)، حافظ، محدث و واعظ. در همدان به دنیا آمد. در خراسان و عراق و جبال از فید بن عبدالرحمان شعرانی و عبدالرحمان بن حمد دونی و ظریف بن محمد نیشابوری و ادیب محمد بن ابی‌العباس ابیوردی و اسماعیل بن حسن سنجستی فرائضی و عبدالغافرین بن محمد شیروی و علامه ابوالمحاسن رویانی و ابوالقاسم بن بیان رزاز و شیرویه دیلمی و ابن طاهر مقدسی و ابومحمد حسین بن مسعود بغوی و تاج‌الاسلام ابوبکر سمعانی حدیث شنید و نزد محیی السنه بغوی و تاج‌الاسلام سمعانی فقه آموخت. محمد بن عبدالله بن بناء صوفی و ابو عبدالله حسین بن زبیدی و برادرش، حسن، و گروهی در بغداد از وی حدیث شنیدند. وی در همدان در گذشت. اثر وی کتاب معروف «الاربعون حدیثا» یا «الاربعمین فی ارشاد السائرین الی منازل الیقین» یا «الاربعمین الطائیه». که چهل حدیث از چهل شیخ و استاد و هر یک از احادیث از یکی از صحابه پیامبر (ص) است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام بوفیات الاعلام (۳۷۴ / ۲). سیر النبلاء (۳۶۲- ۳۶۰ / ۲۰). شذرات الذهب (۱۷۵ / ۴). العبر (۲۵ / ۳). کشف الظنون (۵۶). معجم المؤلفین (۲۵۱ / ۱۸، ۱۱). النجوم الزاهره (۳۱۸ / ۵). الوافی بالوفیات (۱۴۴ / ۱). هدیه العارفین (۹۳ / ۲).

طباطبا

قرن: ۱۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

لقب جناب ابراهیم بن اسماعیل بن ابراهیم عمرین حسن بن حسن بن علی بن ابیطالب علیهم السلام است. وی از بزرگان سادات و محدثین می‌باشد. در علت شهرت او به طباطبا مطالبی گفته است که مقام گنجایش ذکر آن را ندارد. وی جد سادات طباطبائی می‌باشد که از سلاسل معروف سادات، و به کثرت نسل مشورند. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

طباطبایی اردکانی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ادیب، محقق.

تولد: ۱۲۸۱ (۱۳۱۵ ق.)، اردکان (قریه گزلازقرا، سفلی اردستان).

درگذشت: ۱۳ مهر ۱۳۷۲، تهران.

سید محمود طباطبایی اردکانی دارای درجه‌ی کارشناسی در رشته‌ی فرهنگ اسلامی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳ است. وی سپس به تحصیلات خود ادامه داد و در رشته‌ی فرهنگ اسلامی در سال ۱۳۴۷ موفق به اخذ دکتری شد.

وی از سال ۱۳۵۳ عضو هیئت علمی دانشگاه ابوریحان بیرونی شد. در دانشگاه علامه طباطبایی (در رشته‌ی ادبیات) و دانشگاه تهران نیز تدریس می‌کرد. سرپرستی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده‌ی ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی نیز به عهده وی بود.

از آثار ایشان است: فرهنگ جامع اردکان؛ بررسی گوئی و ویژگی‌های فرهنگی زبان اردکانی؛ تاریخ تحلیلی اسلام؛ گزیده و شرح تاریخ بلعمی.

دکتر طباطبایی اردکانی هنگام تدریس در کلاس درس دار فانی را وداع گفت.

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فرهنگ اسلامی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: علامه طباطبایی

زندگینامه

دکتر شادروان سید محمود طباطبایی اردکانی در سال ۱۳۱۵ دیده به جهان گشود. بعد از اتمام تحصیلات متوسطه، در سال ۱۳۴۳ موفق به اخذ کارشناسی در رشته فرهنگ اسلامی از دانشگاه تهران شد. سپس به ادامه‌ی تحصیلات عالی پرداخت. و سرانجام در سال ۱۳۴۷ در رشته فرهنگ اسلامی موفق به اخذ مدرک دکترا گردید. وی در سال ۱۳۵۳ به عضویت هیئت علمی دانشگاه ابوریحان بیرونی نائل آمد و سرانجام به مرتبه دانشیاری دانشگاه علامه طباطبایی ارتقاء یافت.

آقای دکتر طباطبایی اردکانی در تمام دوران دانشگاهی خود به پژوهش در فرهنگ و ادب عامیانه و گویش اردکانی پرداخت. از ایشان ۵ جلد کتاب در زمینه‌های ادبیات فارسی و تاریخ اسلام به جای مانده است. از وی حدود ۷ مقاله درباره‌ی ادبیات و علوم انسانی و تاریخ اسلام در مجلات معتبر داخلی به چاپ رسیده است.

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فرهنگ اسلامی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: علامه طباطبایی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته فرهنگ اسلامی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳، کارشناسی ارشد و دکترا در رشته فرهنگ اسلامی در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

عضویت در هیات علمی دانشگاه ابوریحان سابق در سال ۱۳۵۳، پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه

علامه طباطبائی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پژوهش در فرهنگ و ادب عامیانه و گویش اردکان، استاد راهنمای ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ادبیات فارسی و تاریخ اسلام.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

ادبیات و علوم انسانی، تاریخ اسلام.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

طباطبایی بروجردی، حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در روزهای پایانی صفر ۱۲۹۲ ق. خانه حجة الاسلام حاج سید علی بن سید احمد طباطبایی با تولد نوزادی که ((حسین)) نام گرفت. غرق در ذکر و سپاس پروردگار شد.

سید حسین اندک اندک بالید، جامع المقدمات، سیوطی، منطق و گلستان سعدی را در مکتب آموخت و سپس در مدرسه نوری بخش به تکمیل اندوخته‌ها و تهذیب نفس پرداخت. نحو، صرف، بدیع، عروض، منطق، فقه و اصول بخشی از دستاورد سالهای مدرسه نور بخش شمرده می‌شد. سالهایی که سید حسین سخت کوشید و در پناه عنایتهای ویژه الهی به پیشرفتی چشمگیر دست یافت.

آنگاه عزم اصفهان سپاهان کرد و پس از جلب رضایت پدر سمت آن سرزمین دانش خیز به راه افتاد. آقا نوح الدین، پسر عمو سید حسین، در مدرسه صدر روزگار می‌گذراند؛ دانشجوی سخت کوش بروجرد یکسره نزد پسر عمویش شتافت و در حجره او اقامت گزید. رابطه پسر عموهای بروجردی بسیار نیک بود. آقا نوح الدین در روزهای آغازین به سید حسین گفت: اگر می‌خواهی در دانش اندوزی و تدریس کامروا شوی باید در محافل علمی سخن بگویی و در درس اشکال کنی و گرنه تا پایان عمر چون من گمنام می‌مانی.

زیر باران

سید حسین نخست در درس استاد گرانقدر آقا سید محمد باقر درچه ای شرکت جست.

دانشور درچه ای، که نورالهی در دیدگان داشت، بزودی گوهر یگانه بروجرد را باز شناخت، او را به خود نزدیک کرد و از عنایات ویژه خویش برخوردار ساخت. حضرت آیه الله ملا- محمد کاشی، مجتهد وارسته میزار ابوالمعانی کلباسی، دانشور

گرانمایه سید محمد تقی مدرس و حکیم برجسته میرزا جهانگیر قشقایی از دیگر استادان ستاره تابناک بروجرد شمرده می شدند. استادان گرانپایه ای که هر یک به گونه ای سید حسین را از عنایت خویش بهره مند ساختند و در شکل گیری شخصیت گوهر گرانبهای خاندان طباطبائی دخالت داشتند. سید دانش پژوهان بروجردی در بامداد یکی از روزهای ربیع الاول ۱۳۱۴ سرمست از باده دانش و حکمتی که استادان نامور حوزه سپاهان در کام روانش می ریختند، در برابر حجره اش نشسته بود که پیکی نامه پدر را به وی سپرد.

هر چند نامه پدر سید حسین را در شادی فرو برد ولی این سرور دیری نپایید زیرا پدر او را به وطن فرا خوانده بود. ستاره بروجرد با این اندیشه که شاید پدر می خواهد او را به نجف گسیل دارد رنج سفر و بریدن از درس را به جان خرید و به زادگاهش برگشت ولی پدر اندیشه ای دیگر در سر داشت. او با پای فشاری بر خواسته خویش مقدمات ازدواج فرزند را فراهم آورد. بدین ترتیب دانشجوی جوان بروجردی در ۲۲ سالگی ازدواج کرد. دو یا سه ماه در زادگاهش ماند و سپس با خانواده سمت اصفهان رهسپار شد.

نامه سرنوشت

۱۳۱۹ ق. برای گوهر یگانه بروجرد سال تحول بود. نامه پدر به دستش رسید و او را آماده سفر ساخت. پدر چنان نوشته بود که می خواهد وی را به نجف گسیل دارد. بنابراین پس از نه سال زندگی سراسر تلاش و پژوهش در اصفهان به زادگاهش بازگشت. اندکی در آن سامان توقف کرد و سپس همراه برادر کوچکش، سید اسماعیل، رهسپار نجف شد.

برادران بروجردی در ۱۳۲۰ به حریم پاک امیر مومنان علیه السلام گام نهادند. سید حسین، که ۲۸ سال داشت و مجتهدی جوان شمرده می شد، به درس حضرت آیه الله العظمی محمد کاظم خراسانی شتافت و خود را در برابر تابش مستقیم آفتاب دانش آن مرجع وارسته جای داد. بزودی نظرهای بجا و قابل تامل دانش تازه وارد توجه استاد بزرگ حوزه نجف را جلب کرد و میان آنها پیوندی ناگسستنی پدید آورد. به گونه ای که اگر پس از درس آخوند خراسانی، سخنی بر زبان نمی آورد، استاد وی را مخاطب قرار می داد و می فرمود: آقا نظری ندارید؟

اندک اندک ارج سید حسین بر شاگردان محفل آخوند نیز آشکار شد. آنها از او خواستند تا پس از خروج استاد از محفل، درس وی را با شرح و توضیح فزونتر بازگو کند. بدین ترتیب یکی از برنامه های مجتهد بروجردی تقریر درس استاد شد.

آن بزرگمرد هشت سال در حریم حضرت علی علیه السلام اقامت گزید. علاوه بر آخوند خراسانی از بزرگانی چون حضرات آیات شیخ الشریعه اصفهانی و سید محمد کاظم یزدی بهره کافی برد، گروهی از دانشجویان را از درس فصول (در علم اصول) خویش کامروا ساخت، سرانجام در اواخر ۱۳۲۸ به اصرار پدر راه بروجرد پیش گرفت و در ۱۳۲۹ با استقبال پرشور مردم به زادگاهش گام نهاد.

او بر آن بود که پس از اقامتی کوتاه در وطن دیگر بار سمت نجف بال گشاید و به آستان مقدس علوی پناهنده شود. ولی بیماری و مرگ پدر سفرش را به تاءخیر انداخت. در این سوگ نامه صاحب کفایه الاصول سبب تسلاهی خاطرش شد. آخوند خراسانی ضمن تسلیت وفات حاج سید علی از اشتیاق وافر خویش برای دیدار مجتهد بروجرد پرده برداشته بود.

این نامه مهرآمیز سید دانشوران بروجرد را بر آن داشت که امور خانواده را سامان دهد و به نجف شتابد. چند ماه بعد همه چیز برای سفر آماده بود که خبر رحلت استاد گرانقدرش وی را در اندوه فرو برد. آن بزرگمرد پیوسته می گفت: مرگ دو پدر در مدت کوتاه کمتر از ۶ ماه بسیار بر من سنگین و ناگوار بود.

خبر مرگ استاد اشتیاق سفر را در وجودش میراند. زندگی در نجف بی حضور استاد خراسانی برایش دشوار بود. پس اندیشه هجرت از سر بردن کرد و در بروجرد بساط تدریس و ارشاد مردم گسترده اندک اندک مؤمنان شهر ارج ستاره خاندان طباطبایی

دانستند و زمام امور معنوی خود را به وی سپردند. ارادت حضرت آیه الله حاج محمد رضا دزفولی به سید مجتهدان بروجرد بر شهرت و اعتبارش افزود. پس از رحلت فقیه دزفولی انبوه مقلدانش به آن مجتهد وارسته رجوع کردند و مرجعیت آن بزرگمرد در منطقه گسترش یافت.

در برابر شب

در این سالها تبلیغ بهایی گری از سوی برخی از مسؤلان شهر و اهانت آشکار آنها مقدمات دینی مردم سرور مجتهدان بروجرد را در نگرانی فرو برد. او با تهران تماس گرفت، وضعیت نامطلوب برخی از ادارات را با پایتخت نشینان در میان نهاد، خواستار برکناری مسؤلان دین ستیز شد و چون بی اعتنایی سران دولت را مشاهده کرد معترضانه شهر را ترک گفت.

پیروان پاکدل آن مرجع روشن بین در مسجاها گرد آمدند، سخنرانان بر منبرها جای گرفتند و همه یکصدا به حمایت از مرجع دلاور بروجرد پرداختند. مسؤلان شهر که توان رویارویی با مردم را در خویش نمی دیدند خواسته فقیه طباطبایی را اجابت کردند و آن راهبر توانا در میان ابراز احساسات پر شور مؤمنان به شهر بازگشت.

سفر سبز

از رخدادهای مهم دیگر این سالها وفات دخت گرانقدر مرجع پارسای بروجرد بود. استاد پس از این حادثه ناگوار راه خراسان پیش گرفت تا در پناه آفتاب توس دمی از رنج هستی بیاساید.

چون توقف آن فقیه فرزانه در مشهد به درازا کشید نمایندگان مردم بروجرد نزدش شتافتند و او را بدان دیار خواندند. دانشمند فروتن طباطبایی خواسته آنها را اجابت کرد، پس از سیزده ماه رهسپار زادگاهش شد و پس از توقفی کوتاه در قم و تهران در میان استقبال پر شور مؤمنان به بروجرد گام نهاد.

او سپس راه عراق پیش گرفت، مدتی در نجف ماند و با بزرگانی که به استقبالش شتافته بودند، دیدار کرد. آنگاه رهسپار حجاز شد، پس از به جای آوردن مراسم حج به عراق بازگشت، چندی در حریم امیر مؤمنان توقف کرد و سپس روانه ایران شد.

در بند دژخیم

همزمان با اوج گیری اعتراضهای مؤمنان علیه رضا خان و هجرت اعتراض آمیز روحانیان کشور به قم، سرور فقیهان بروجرد به مرز ایران گام نهاد. مزدوران دربار، که از پیوستن او به مهاجران و رساندن پیام مراجع نجف به معترضان می هراسیدند در مرز قصر شیرین وی را دستگیر کردند و به پایتخت بردند.

در تهران رضاخان به دیدارش شتافت. او که در پی یافتن فردی برای رویارویی با شیخ عبدالکریم حائری بود با سید مهربانی کرده، گفت: چیزی از من بخواه.

فقیه بروجردی اظهار بی نیازی کرد ولی در برابر پافشاری شاه ناگزیر لب گشاده، فرمود: وقتی در ارکان حرب بودم مقدار جیره غذایی سربازان را ناکافی دیدم، اگر می خواهید کاری کنید فرمان دهید جیره آنها فزونی یابد.

آنگاه در پاسخ رضا خان، که مسأله نادیده گرفتن جایگاه آیه الله العظمی حائری و پیروی دولتیان از مجتهد بروجردی را مطرح کرد، فرمود: خیر، شما با ایشان تماس بگیرید، من هم اگر کاری داشتم از طریق آن جناب با شما در میان می نهم.

آنگاه وی را به همراهی با روحانیت و عمل به دستورات الهی فرا خوانده، چون می دانست اجازه سفر به قم و بروجرد به او نمی دهند، فرمود بر آنم به مشهد سفر کنم.

اندکی پس از خروج رضا خان تیمورتاش پنجاه هزار تومان نزد آن مرجع وارسته آورد. فقیه بروجردی از پذیرش هدیه درباره خودداری کرد و بامداد روز بعد راه خراسان پیش گرفت.

دیدار بزرگان

مدتی پس از بازگشت سید به زادگاهش، ورود حاج آقا حسین قمی به تهران و پیشنهادهای وی به دولت بار دیگر آن رادمرد را به عرصه تلاشهای سیاسی آشکار کشاند. او که چون آیه الله العظمی قمی به لزوم پیروی از دستورات الهی می اندیشید بر آن شد سمت تهران رهسپار شود ولی بستگان، وی را از این کار باز داشتند. فقیه روشن بین از رؤسای عشایر خواست با تهران تماس گرفته، حمایت عشایر از پیشنهادهای حاج آقا حسین قمی را به پایتخت گزارش دهند. البته آن بزرگوار خود نیز به تهران تلگراف زد که، اگر دولت سخن آیه الله قمی را نپذیرد به پایتخت خواهد رفت و مسؤولیت فرجام چنین اقدامی تنها به عهده دولت است. در سایه تلاشهای آن راهبر سخت کوش سرانجام دربار خواستهای حاج آقا حسین را پذیرفت و آن بزرگوار سمت عراق رهسپار شد. فقیه بروجردی در ملایر به دیدار آن دانشور برجسته شتافت و یک ساعت با وی گفتگو کرد.

هجرت

بیماری استاد فقیهان بروجرد را باید در شمار دیگر رخدادهای مهم سالهای زندگی آن مرجع وارسته در زادگاهش به شمار آورد. بیماری دشواری که سرانجام با عمل جراحی و استراحت هفتاد روزه در بیمارستان فیروزآبادی تهران مهار شد. چون او از بند بیماری رهایی یافت، با دو پیشنهاد روبرو شد: از یک سو نمایندگان بروجردیان برای بازگرداندنش پیاپی به تهران می شتافتند و از سوی دیگر دانشوران ساکن قم او را به زندگی در حریم حضرت معصومه علیه السلام فرا می خواندند. استاد برای اقامت در قم با قرآن به رایزنی پرداخت. آیه سوره مؤمنون چراغ سبز الهی به این نیت پاک بود. پس همراه دانشمندان قم راه آن دیار پیش گرفت و در میان استقبال مردم و بزرگان حوزه بدان سرزمین آسمانی گام نهاد. بدین ترتیب آفتاب رخشان فقاقت در چهاردهم محرم ۱۳۶۴ ق. از افق قم بر آمد و جهان را از نور دانش گرمای معنویت خود سرشار ساخت.

در تابش آفتاب توس

مدتی پس از اقامت در قم ستاره تابناک مرجعیت رهسپار توس شد تا در پناه خورشید ولایت جام وجودش را از امدادهای سبز پیشوای هشتم شیعه آکنده سازد. در این سفر دانشور وارسته حضرت آیه الله حاج شیخ علی اکبر نهاوندی جایگاه نماز خویش در مسجد گوهرشاد را به وی سپرد و از آن بزرگمرد خواست، ماه مبارک رمضان در آن مکان نورانی اقامه جماعت کند. استاد بزرگ حوزه پس از ماه مبارک رمضان به قم شتافت و دیگر بار به وظایف سنگین خویش روی آورد. مرجع موید

با رحلت مرجع بزرگوار حضرت آیه الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی مرجعیت گوهر یگانه بروجرد فراگیر شد و مؤمنان از هر سو به آن فقیه وارسته مراجعه کردند.

ناگفته پیداست که عنایات و تاءبیدات الهی در رویکرد عمومی به آن فقیه وارسته نقشی سبز داشت. خاطره ها و سخنان بر جای مانده از دانشوران آن روزگار نشان می دهد که آفتاب رخشان سلسله طباطبایی زیر باران پیوسته امدادها و عنایتهای فرامادی قرار داشت. برای مثال حضرت آیه الله حاج شیخ علی اکبر نهاوندی، که خود از بزرگان روحانیت شیعه بشمار می آمد، پس از وا نهادن مجرب خویش به مرجع بروجردی به نجف شتافت.

مرجع شیعیان جهان، حضرت آیه الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی، که از بیماری رنج می برد، جناب نهاوندی را ماءمور اقامه جماعت کرد. شیخ نهاوندی دنباله این ماجرا را چنین بیان کرده است:

شب اولی که به جای ایشان برای خواندن نماز جماعت رفتم، وقتی بر سجاده قرار گرفتم، آوایی شنیدم که گفت ((عظمت ولدی عظمتک)) - فرزندم را بزرگ داشتی من نیز تو را بزرگ داشتم - برگشتم، به همه سو نگاه کردم، مردم در صفهای جماعت نشسته بودند، کسی جز من پیام غیبی را در نیافته بود.

علاوه بر گفتار دانشمند گرانمایه حضرت شیخ علی اکبر نهایندی کردار آن مرجع وارسته بویژه در سالهای زندگی قم دلیل روشنی بر معنویت و همراهی پیوسته تایید الهی با فقیه فروتن بروجردی است. کرداری که شاگردانش از آن پرده برداشتند و برای همیشه در سینه تاریخ به یادگار نهادند:

۱- همسر یکی از دانشجویان باردار بود. هنگام زایمان او را نزد پزشکی به نام اسماعیل موسوی برد. پس از زایمان، پزشک به پدر نوزاد گفت: این پسر را من نجات دادم، اگر من نبودم می مرد، دوست دارم نامش را اسماعیل بگذاری. دانشجوی جوان نیز نام کودک را اسماعیل نهاد ولی دریغ که نوزاد از نخستین روز تولد در بیماری و درد فرو رفت. تلاشهای شبانه روزی پدر و مادر و مراجعه به پزشکان گوناگون سودمند واقع نشد و کودک میان دنیا و برزخ سرگردان ماند. دانشجو، که دستش از همه جا کوتاه می نمود، نزد استاد وارسته حوزه حضرت آیه الله العظمی بروجردی سفره دل گشاد و گفت: آقا، خداوند نوزادی به من داده که از نخستین روز تولد تا کنون پیوسته بیمار است، نمی دانم چه کنم: استاد مهربان فرمود: نامش را عوش کنی خوب می شود.

دانشجو، که هرگز داستان سفارش پزشک و نامگذاری نوزاد را برای استاد نگفته بود، شگفت زده به خانه رفت، نام کودک را ((امیر)) نهاد و او را برای همیشه از بیماری و رنج رهایی بخشید.

۲- دانشجویی دیگر داستان دلدادگی اش به استاد را چنین باز گفته است:

وقتی تازه به قم آمده بودم، آقا برایم شهریه فرستاد. من نپذیرفتم و گفتم: زمینی در شمال دارم که در آمدش مرا کافی است. پس از چندی خشک سالی شمال را در بر گرفت. من برای گذران زندگی به قرص روی آوردم. چون میزان بدهی ها زیاد شد، ناگزیر فرشهای خانه را جمع کردم و یکی از بازاریان را به خانه بردم تا آن را بخرد. مرد بازار بهایی اندک برای فرش بر زبان آورده، بهایی که برای پرداخت بدهی هایم کافی نبود. بازاری دیگری را به خانه بردم، اما او بهایی کمتر از اولی پیشنهاد کرد. من سرگردان و مردد بودم که ناگهان صدای در مرا به خود آورد، شتابان سمت در دویدم؛ حاج احمد، خادم استاد، پشت در بود. او پاکتی به من سپرد و گفت: این را آقا برای شما فرستاده. به پاکت نگریستم، اثری از پول در آن نبود. چون گشودم چکی در آن یافتم. چکی که مبلغ آن درست به اندازه بدهی ام بود. شگفتی وجودام را فراگرفت زیرا جز من و خداوند هیچ کس از میزان کامل بدهی ام خبر نداشت. سالهای درخشان

حضور فقیهی با چنین معنویت و تاءید الهی حوزه مقدس قم را که، زیر ضربات پیوسته عوامل رضاخان ناتوان شده بود، جانی تازه بخشید. اینک همه چیز برای گسترش حوزه و مستحکم ساختن بنیادهای علمی و اقتصادی آن آماده بود. پیروان مؤمن فقیه بروجردی انبوه و جوه شرعی و هدایای خویش را نزد مرجع وارسته شان گسیل می کردند و دانشجویان از گوشه و کنار کشور برای بهره گیری از دریای دانش آن بزرگمرد به قم می شتافتند.

مرجع پاکدلان با روشن بینی خاص خویش آستین همت بالا زد و در کنار تدریس روزانه به اصلاحات اساسی دست یازید. سامان دادن به وضعیت درسی حوزه.

رسیدگی به مسایل مالی دانش پژوهان، برقرار ساختن ارتباط با دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه و محافل رسمی برادران اهل سنت برای ایجاد وحدت میان گروههای مسلمان، گسیل کردن نمایندگان به اروپا و امریکابرای شناساندن اسلام واقعی به مردم آن مناطق بخشی از اقدامات آن آفتاب فروزان به شمار می رود.

ناگفته پیداست که فقیه فرزانه ای چون وی هرگز نمی توانست در برابر رویدادهای داخلی بی تفاوت باشد. او چنان می اندیشید که ((اگر مردم عالم شوند و دین هم بطور صحیح و معقول به آنها تعلیم گردد، هم دانا خواهند شد و هم متدین)) پس در کنار

رسیدگی به وضع دانشجویان علوم دینی و حوزه ها دبستانها و دبیرستانهای دولتی را نیز از کمکهای نقدی خویش بهره مند ساخت و در رونق آنها کوشید.

او پیوسته مراقب بود تا بیگناهی به زندان اتهام نیفتد و مؤمنی ناخواسته در دام اهریمنان جای نگیرد. بنابراین چون از مسأله متهم شدن یک مسلمان بی گناه به قتل فردی بهایی آگاه شد در نگرانی فرو رفت .

چند بهایی یکی از همکیشان خود را کشته ، با نیرنگ جوانان مؤمن را به قانون سپردند. یکی از این جوانان به اعدام محکوم شد و حکم باید در روز نیمه شعبان به اجرا در می آمد. این خبر مرجع پارسای قم را در نگرانی فرو برد. بی درنگ نامه هایی خطاب به شاه ، نخست وزیر و آیه الله بهبهانی نوشته ، به تهران گسیل داشت ، سپس به هر که سودمند می دانست تلفن زده ، قضیه را دنبال کرد تا سرانجام نیمه شب خبر لغو حکم اعدام را به وی رساندند. با شنیدن این خبر اشک از دیدگانش روان شد و پروردگار را بسیار سپاس گفت : در این لحظه یکی از نزدیکان به اتاقتش آمد و پرسید: شما هنوز بیدارید؟

مرجع بزرگ شیعه پاسخ داد: خیلی مهم بود ولی به خیر گذشت . هر وقت فکر می کردم خون مسلمان بی گناهی ریخته می شود، همه بدنم می لرزید و متحیر می ماندم که فردای قیامت جواب خداوند عالم را چه بگویم .

آنچه گذشت در کنار خدمات رفاهی فقیه بروجردی به مسلمانان سراسر جهان ، که تاسیس بیش از هزار مسجد، مدرسه ، بیمارستان ، کتابخانه ، گرمابه و دبستان در ایران ، عراق ، لبنان ، آفریقا و اروپا، نمونه کوچکی از آن شمرده می شود، مرجع شیعیان را از محدوده مرزهای کشور فراتر برد و به شخصیتی جهانی تبدیل کرد. شخصیتی که شاعران و نویسندگان اهل سنت در شعرها و مقاله های خویش وی را می ستودند. شاهان شیعه و سنی برایش هدیه فرستادند. برای مثال زمانی ملک سعود، پادشاه حجاز، یک چمدان بزرگ حاوی پانزده نسخه قرآن کریم ، قطعاتی از پرده خانه خدا و چیزهای گرانبهای دیگر نزد آن دانشمند وارسته گسیل داشت .

سرور فقیهان شیعه تنها قرآنها و پرده کعبه را پذیرفت و باقی را همراه نامه ای به ملک سعود بازگرداند و گفت چون هدیه نمی پذیرم . این را نیز نمی توانم قبول کنم ولی ناگزیر قرآن و پرده کعبه را می پذیرم و باقی را به رسم هدیه به شما باز می گردانم تا هنگام دعا به یادم باشید.

دانشور جامع

یکی از نکات مهم و قابل توجه در شخصیت آیه الله العظمی بروجردی جامعیت علمی آن بزرگوار بود. استاد فقیهان شیعه را نمی توان تنها یک فقیه به شمار آورد. او از علوم دیگر روزگار به اندازه ای آگاهی داشت که موجب شگفتی صاحب نظران می شد. دو خاطره ای که تاریخ در این باره ثبت کرده است می تواند دلیل روشنی بر درستی این سخن باشد:

۱. وزیر فرهنگ وقت همراه مسعودی ، رئیس روزنامه اطلاعات ، نزد ایشان شتافت . کسی که آنها را خدمت آقا برده بود دست مبارکش را بوسید، در پی او وزیر فرهنگ نیز چنین کرد ولی مسعودی از این کار سرباز زد. پس از معرفی ، آقا درباره تاریخچه روزنامه ، نگاری ، اهداف آن ، اولین روزنامه نگار و... سخن گفت .

آنگاه پرسشی جغرافیایی مطرح کرد و چون وزیر فرهنگ از پاسخ باز ماند خود به تبیین پاسخ و توضیح آن پرداخت .

هنگام خداحافظی مسعودی پیش از همه دست آقا را بوسید و پس از بیرون آمدن گفت : آقا چنان پیرامون روزنامه نگاری صحبت کرد که گویا یک روزنامه نگار است .

۲. روزی دیگر سرتیپ رزم آرا خدمت گوهر یگانه دریای فقاقت شتافت تا قبله نمای اختراعی خویش را به وی بنمایاند. آقا درباره نجوم و ریاضی مطالبی بیان کرد. سرتیپ پس از خروج گفت : من خیال می کردم آقا تنها در فقه و اصول مجتهد است ولی معلوم می شود در هر فنی تخصص دارد چون مطالبی که امروز اظهار داشت از مسایل دقیقی است که حتی بسیاری از استادان از آن

آگاهی ندارند.

میراث ماندگار

مرجع روشن بین شیعه در کنار تدریس و کارهای روزانه به تحقیق نیز می پرداخت و نتایج پژوهشهای خویش را ثبت می کرد. آن بزرگوار در پاسخ علاقه مندانی که در پی بهره گیری از نگاشته هایش بودند فرمود: زیاد چیز نوشته ام ... بعضی از آنها بر اثر نقل و انتقال از بروجرد به قم مفقود شده است .

ذکر نام بخشی از آثار علمی آن دانشور وارسته می تواند نشانه تلاش فراوان وی در این راه باشد:

۱. تجرید اسانید الکافی

۲. تجرید اسانید التهذیب

۳. اسانید کتاب من لایحضره الفقیه

۴. اسانید رجال کشی

۵. اسانید استبصار

۶. اسانید کتاب خصال شیخ صدوق

۷. اسانید کتاب امالی

۸. اسانید کتاب علل الشرایع شیخ صدوق

۹. تجرید فهرست شیخ طوسی

۱۰. تجرید رجال نجاشی

۱۱. حاشیه بر کفایه الاصول

۱۲. حاشیه بر نهاییه شیخ طوسی

۱۳. حاشیه بر عروۃ الوثقی

۱۴. حواشی و مستدرکات فهرست شیخ منتجب الدین رازی

۱۵. حواشی کتاب مبسوط

۱۶. رساله ای درباره سند صحیفه سجادیه

۱۷. اصلاح و مستدرک رجال طوسی

۱۸. بیوت الشیعه

۱۹. جامع احادیث الشیعه

آن بزرگوار از سالهای زندگی در بروجرد همواره در اندیشه نگارش مجموعه ای بود که فقیهان را در استنباط احکام یاری دهد و آنها را از مراجعه به کتابهای روایی متعدد بی نیاز سازد. چون به قم گام نهاد. و شاگردانی خبره تربیت کرد این اندیشه را با آنها در میان گذاشت و به یاری گروهی از آنان در مدت هشت سال اثر بیست جلدی ((جامع احادیث الشیعه)) را آماده چاپ ساخت .

فقیه یگانه جهان اسلام در کنار تلاشهای علمی و اجتماعی فراوان به پاسداری از میراث دانشوران پیشین نیز ارج می نهاد در فرصتهای گوناگون آثار علمی مخطوط و کمیاب را به چاپ می رساند. کتابخانه های کوچک و بزرگ بنیاد می نهاد و آثار دانشمندان را از این راه در اختیار جویندگان دانش می گذاشت . کتابخانه بزرگ آن فقیه نستوه در کنار مسجد اعظم قم نشانه توجه مرجع شیعه به این امر خداپسندانه است . دربار و مرجعیت

دربار از مشکلات پیوسته فقیه پاکرایی بروجرد به شمار می آمد. تبلیغات پر حجم و زمانه ها و مجلات وابسته در راه دین زدایی و

دور ساختن مردم از فرهنگ اصیل اسلامی مرجع بیدار شیعه را رنج می داد. بنابراین گاه بر می آشفته و خشمگینانه به شاه هشدار می داد. روزی به اقبال، نخست وزیر وقت، گفت: پدرش (رضا خان) بی سواد بود ولی یک مقدار شعور داشت. اما این شعور هم ندارد و چیزی ملتفت نمی شود.

گاهی از پذیرش او خودداری می کرد و می فرمود: حتما می خواهد همانطور که چند تا عکس با زنش در این مسافرت گرفته است بیاید با من هم عکس بگیرد.

و زمانی به شدیدترین وجه ممکن در برابر نقشه های او می ایستاد. برای مثال وقتی شاه مسأله تغییر خط ایران از فارسی به لاتین را مطرح کرد. در این راه تبلیغات فراوان انجام داد، مرجع دلاور شیعه چون سدی آهنین در برابر دربار ایستاد و گفت: ... من تا زنده ام اجازه نمی دهم این کار را عملی کنند به هر جا که می خواهد منتهی شود.

منابع موجود نشان می دهد که آن پیرفرزانه در کنار کمک به انقلابیون مؤمن سیاسی بسیار دقیق داشت. او چنان می اندیشید که مردم برای تحمل دشواریها آمادگی ندارند و اگر با فشار نیروهای دولتی روبرو شوند مرجعیت را تنها می نهند. بنابراین زمان را برای رویارویی مستقیم با دربار مناسب نمی دید. از سوی دیگر رها کردن شاه و راندن کامل وی را موجب فروغلتیدن فزونتر او در دامان بیگانگان می دانست پس گاه با وی مدارا می کرد تا آن جوان مغرور جای پای خود را سست نبیند و برای حفظ خویش به بیگانگان پناه نبرد.

فصل سوگ

اندک اندک شوال ۱۳۸۰ ق. فراسید و بیماری بر پیکر مرجع نود و سه ساله جهان اسلام پنجه افکند. بیماری دشواری که با دیگر رنجوریهای استاد فقیهان تفاوت داشت. در چنین روزهایی گروهی از ارادتمندان به عیادتش شتافتند. استاد، که بسیار اندوهگین می نمود، سربلند کرد و گفت: خلاصه عمر ما گذشت ما رفتیم و نتوانستیم چیزی برای خود از پیش بفرستیم و عمل با ارزشی انجام دهیم. یکی از حاضران گفت: آقا، شما دیگر چرا؟ بحمدالله این همه آثار نیک از خود بر جای نهاده اید شاگردان پرهیزگار تربیت کرده اید، کتابهای پرارزش به رشته نگارش کشیده اید. مسجدها و کتابخانه ها ساخته اید. ما باید چنین سخنی بر زبان رانیم. فقیه پارسای شیعه فرمود: خلص العمل فان الناقد بصیر بصیر. (باید کردارت را خالصانه برای خدا انجام دهی زیرا او به همه چیز بیناست و از انگیزه های بشر آگاه است.)

این سخن حاضران را بسیار تحت تأثیر قرار داد.

چند روز پس از این گفتگو پیکر استاد رنجورتر شد و سرانجام در سیزدهم شوال ۱۳۸۰ ه ق برابر با دهم فروردین ۱۳۴۰ ه ش، برای همیشه چشم از جهان فرو بست و در مسجد اعظم قم، که خود بنیاد نهاده بود، به خاک سپرده شد.

طباطبایی پور، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علیرضا طباطبایی پور

محل تولد: مهدی شهر سمنان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۷/۲۲

زندگینامه علمی

سیدعلی طباطبائی در ۲۹ جمادی الثانی ۱۳۸۶ ه. ق برابر با ۲۲/۷/۱۳۴۵ در مهدی شهر سمنان در یک خانواده مذهبی و زحمتکش به دنیا آمدم تا سال ۱۳۶۰ همراه با تحصیلات، مشغول کار و تلاش و فعالیت بودم، در نیمه دوم سال ۱۳۶۰ به لطف الهی وارد حوزه علمیه شدم. چند ماهی در حوزه سمنان ماندم بعد به حوزه تهران منتقل شدم پنج سال در تهران بودم در این مدت مقدمات و سطح را گذراندم و از آنجایی که تهران مرکز مسائل سیاسی بود آن هم در آن زمان حساس این پنج سال برایم یک دوره آموزش سیاسی اجتماعی محسوب می‌شد ولی هرگز مسائل سیاسی اجتماعی مرا از درس غافل نمی‌کرد.

در فروردین ۱۳۶۶ به قم آمدم بعد از اتمام سطح درس خارج اصول را خدمت آیت الله حاج شیخ جواد تبریزی گذراندم و خارج فقه را همواره در محضر مبارک حضرت آیت الله جوادی آملی دامت برکاته توفیق حضور داشتم.

بر اساس کلام نورانی حضرت امام سجاد(ع) (هَلْکَ مَنْ لیس له حکیم یرشده) از ابتدای تحصیل به این حقیقت پی بردم که بدون راهنما و هادی، این مسیر رفتی نیست و خطرهای گوناگون انسان را تحدید می‌کند لذا از همان زمانی که به قم آمدم (بلکه علت اصلی آمدنم به قم) گمشده خویش را در وجود عالم ربانی، حکیم مرشد الهی حضرت آیت الله علامه جوادی آملی دامت برکاته یافتم و دست بیعت به او دادم و همواره راهنمایی‌های ایشان چراغ فروزان زندگی من بوده و هست.

در ابتداء ورود به قم فرمودند باید چهار درس رسمی داشته باشید فقه، اصول، تفسیر و معقول، لذا در کنار درس فقه و اصول حدود هشت سال از درس پرفروغ تفسیر قرآن ایشان استفاده کردم که واقعاً شبستان مسجد اعظم در این دوران برایم بیت المعمور بود.

در معقول آن حکیم فرزانه اصرار داشتند که قبل از فلسفه باید یک دوره کلام ببینید لذا کتابهای که در این رشته خوانده شد عبارت بود از: باب حادی عشر بعد شرح تجرید بعد بدایه الحکمۀ بعد نهایه الحکمۀ این کتاب را خدمت استاد بزرگوار آیه الله مصباح یزدی استفاده کردم، خواندن این کتاب یک سرفصل دیگری در مسائل فلسفی برایم بود، آنگاه آن مربی الهی فرمودند قبل از حکمت متعالیه باید یک دوره حکمت مشاء ببینید لذا کتاب عظیم الشان شرح اشارات را خدمت بزرگ حکیم و عارف دوران حضرت آیت الله الحق جناب آقای حسن‌زاده آملی دامت برکاته خواندیم با خواندن این کتاب نزد آن حکیم متأله دنیای دیگری به سوی ما باز شد و تحوّل اساسی در زندگی برایم به وجود آورد، در دفتری گفته‌ام:

اشارات شمع شب‌های پرسوز من اشارات شاهد دردهای دلسوز من

نمط‌های او کسب و کار هر روز من مقامات او باعث ناله‌های جگرسوز من

چه خوش، وقت درسش وقت هر روز من که شب‌های تارم شده روز من

با ارشادات حضرت استاد فقط خواندن کتاب نبود هم مباحثه بسیار قوی و معنوی داشتم هم تقریرات درس نوشته می‌شد آن هم با یک روش درست و با راهنمایی آن بزرگوار، یادداشت‌های شرح اشارات یکی از مهم‌ترین و پربارترین ذخیره در آثار علمی ماست.

بعد از اتمام شرح اشارات وارد دریای عظیم اسفار شدیم امور عامه اسفار را خدمت استاد عظیم الشان آیت الله حسن‌زاده آملی خواندم اگرچه خیلی از مباحث کلیدی اسفار را دوبار درس گرفتم یعنی بار دوم خدمت استاد متأله آیت الله جوادی آملی دامت برکاته استفاده کردم، الهیات اخص و سفر نفس اسفار را هم خدمت همین بزرگوار درس گرفتم، از آنجایی که درسها بر اساس برنامه و طی مقدمات لازم خوانده می‌شد هیچ‌گاه در مباحث متخیر نبودم بلکه مباحث کتابها را رصد می‌کردم و همراه هر کتابی چندین جزوه و یادداشت به لحاظ موضوعات گوناگون داشتم وقتی مرحله ششم اسفار یعنی بحث علت و معلول تمام شد (جلد دوم اسفار) فرمودند باید کتاب تمهید القواعد صائن الدین علی بن ترقه را ببینید که اولین کتاب درسی در عرفان نظری می‌باشد این

کتاب عزیز الوجود را خدمت خود ایشان یعنی آیت الله جوادی آملی دامت برکاته درس گرفتیم واقعاً آن دوران خوش برایم لیلۃ القدر بود، بعد از اتمام تمهید القواعد کتاب گرانقدر فصوص یعنی شرح جناب علامه قیصری بر فصوص الحکم محیی الدین عربی را در محضر انور عارف مستقیم آیت الله حسن زاده آملی دامت برکاته از اول تا آخر استفاده کردیم بعد کتاب مصباح الأنس یعنی شرح جناب ابن فناری بر مفتاح غیب الجمع و الوجود صدر الدین قونوی که سومین کتاب درسی عرفان نظری می باشد خدمت همان بزرگ عارف دوران خوانده شد. در ابتدا کتاب مصباح الانس یک خاطره شیرین نوشته ام که عین آن خاطره را در این جا می آوریم:

«در سحر روز جمعه ۱۴ جمادی الاول ۱۴۱۲ برای مشرف شدن خدمت حضرت آیت الله حکیم متأله، عالم ربانی، عارف مستقیم جناب آقای حسن زاده آملی دامت برکاته از محضر قرآن کریم به قصد استجازه استخراج نمودم این آیه آمد (و نادیناه من جانب الطور الایمن و قربناء نجینا) (مریم: ۵۲) ساعت ۱۰ صبح همان روز خدمت آن جناب رسیدم فرمودند ما کتاب مصباح الأنس را شروع کرده ایم شما هم شرکت کنید و این آیه در استخراج برای دعوت به این درس بوده است و ما از شما دعوت می کنیم، بعد فرمودند این را به عنوان خاطره بنویسید».

به حول و قوه الهی حدود ۱۵ سال است که مشغول تدریس فقه، فلسفه، منطق و کلام در حوزه علمیه قم هستم و هم اکنون یعنی سال ۱۳۸۵ مشغول تدریس شرح اشارات و نهایت الحکمة (دوره دوم) شرح منظومه (دوره دوم) می باشم و تفسیر موضوعی نهج البلاغه را نیز چهار سال است شروع کردم.

از آنجایی که معرفت نفس در سرنوشت و سعادت انسان نقش اساسی دارد و تا انسان خود را نشناسد و حیات انسانی را درک نکند نمی تواند زندگی هدفمند داشته باشد و زندگی بدون هدف مردگی است و تحصیلات بدون هدف دوام و لذت نخواهد داشت و اشتغال علمی بدون هدف متعالی و جهت مشخص ثمره ای جز سرگردانی و حیرت ندارد لذا یکی از کارهای مهمی که به عنایت الهی در حوزه علمیه قم انجام دادیم تدریس معرفت نفس بوده است.

اگرچه بسیاری از بزرگان علم و اندیشه پیرامون معرفت نفس کتابها نوشته اند ولی آثار استاد اعظم ما در معارف الهی حضرت آیت الله حسن زاده آملی دامت برکاته در این موضوع حقیقتاً بدیع و کم نظیر است بر این اساس همراه درسهای معقول و منقول ابتدا کتاب شریف دروس معرفت نفس در جمع عده ای اهل صفا و معنویت تدریس شد بعد از آن کتاب دروس اتحاد عاقل به معقول تدریس شد و آنگاه کتاب بی نظیر عیون مسائل النفس و هم اکنون دوره دوم معرفت نفس را هم مشغول هستیم، تدریس این سه کتاب پیرامون معرفت نفس در طول هم هدف اصلی ماست و حضرت استاد هم چند بار به ما اصرار فرمودند که عیون مسائل النفس را در حوزه علمیه قم تدریس کنید در تأسیس و ترویج این رشته درسی تأیید، تشویق و دعای آن استاد بی بدیل، بدرقه راه ما بوده و هست.

هر کسی به حسب حال خود در زندگی، خوشی و تلخی دیده و در مسیر زندگی با فراز و نشیب های گوناگون روبرو می شود من نیز به نوبه خود با حوادث سرد و گرم زندگی دست و پنجه نرم کرده ام در خورد و خواب و لوازم دیگر زندگی به حداقل ضروری قناعت نموده بقیه را به درس و مطالعه می پرداختم، امدادهای الهی را در زندگی بسیار دیده ام که مرا از پرتگاه خطر نجات داده است، خاطرات آموزنده، و گفتنی های در زندگی فراوان دارم ولی با نقل یک خاطره این اوراق را ختم می کنم.

در اوائل ورودم به حوزه مطالب علمی را دیر می فهمیدم و فهمیده ها را هم زود فراموش می کردم از طرفی کسی را هم نداشتم تا مرا راهنمایی کند و یا بار اندازه روحی من باشد ولی این را می دانستم و اعتقاد داشتم که این خانه را صاحب خانه ای است به امید او به حوزه آمده بودم تا این که با آن وضعیت، کاسه صبرم لبریز شد از بی کسی دل شکسته داشتم روزی درب حجره را از پشت بستم و در یک توسل جدی و سرنوشت ساز محضر مبارک ولیعصر (عج) به آن حضرت عرض کردم من جای دیگر و کس دیگر ندارم یا

اجازه فرمایید دفتر عمرم بسته شود یا توفیق فهم و درک معارف را به من عنایت فرمائید، از آن روز عنایت فرمائید، از آن روز عنایت حضرت شامل حال ما شد و در حقیقت تولد دیگر یافتیم و دوران تحصیلم آغاز شد خدا را سپاسگذارم از آن روز تاکنون از درس و بحث علمی خسته نشدم و هر چیز غیر از مسائل علمی برایم قسری می‌باشد.
 من به سرچشمه خورشید نه به خود بردم راه ذره‌ای بودم و مهر تو مرا بالا برد
 من خس بی سروپایم که به سیل افتادم او که می‌رفت مرا هم بدل دریا برد

طباطبایی علوی، آمنه

قرن: ۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

(س پنجم و ششم ق)، محدث و مدرس شیعی. وی دختر عباد بن علی بن حمزه‌ی طباطبایی علوی بود و در اصفهان سکونت داشت. و از امام ابو محمد رزق الله تمیمی استماع حدیث کرد. در شهر اصفهان حوزه‌ی درس داشت و جمعی از فضلا در محضر وی حاضر می‌شدند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ریاحین الشریعه (۳/ ۳۲۳)، مشاهیر زنان (۱۰).

طباطبایی فر، عباس

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید عباس طباطبایی فر

محل تولد: نطنز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید عباس طباطبایی فر در سال ۱۳۴۱ در روستای اوهره از شهرستان نطنز در خانواده‌ی روستایی به دنیا آمدم و در سال ۱۳۵۹ از دبیرستان امام خمینی نطنز دیپلم گرفتم و یک سال بعد با مشورت بعضی بستگان روحانی ام (که بین سپاه پاسداران و حوزه مردد بودم) عازم قم شدم یک سال بطور آزاددرس خواندم و پرا هنوز حوزه مدیریت منسجم نداشت سال بعدمدارس حوزه و طلاب تحت پوشش مدیریت حوزه قرار گرفت و من نیز در مدرسه مبارکه رضویه مشغول شدم و پس از اتمام مقدمات و شروع سطح، در درس اساتیدی مانند آیت الله راستی کاشانی (شرح لمعه) وجدانی فخر - محامی - واستاد علوی سرشکی (خصوصی) بهره بردم و علم اصول را نیز نزد آقایان هادوی تهرانی و صالحی مازندرانی و سپس مکاسب رانزد مرحوم آیت الله پایانی شروع کردم و رسائل را نزد

آیت الله راستی و پس از بیماری و تعطیلی درس ایشان از اساتید دیگر از جمله استاد محمدی خراسانی استفاده نمودم و در کفایه آیت الله قدیری شرکت نمودم و ضمناً برای اینکه از تعطیلات سود برده باشم بعضی از قسمت‌های رسائل کفایه و مکاسب را از طریق نوار مرحوم آیت الله ستوده استفاده و با دوستان بحث میکردیم. درس خارج رانیز یک سال اصول آیت الله مکارم شیرازی شرکت نمودم و با ورود به رشته تخصصی کلام که عصرها بزرگزار می شد از درس ایشان محروم شدم لذا مدتی اصول آیت الله وحید رفتم و مقداری نیز آیت الله سبحانی و حدود هفت سال فقه آیت الله مکارم و یک سال آیت الله سبحانی نیز شرکت کردم سه سال نیز از بحث خارج اصول استاد علوی سرشکی استفاده نمودم (نصف دوره) که بسیار برای من پربهره بود اما ایشان فقه و اصول را رها نمودند و به مباحث فلسفی و کلام جدید پرداختند و این درس نیز تعطیل شد اما بحث خارج ایشان (هفته ای یک جلسه) دارند که شرکت مینمایم و بحث‌ها نوشته و چاپ میشود. ضمناً از پایه چهارم در ایام تبلیغی خصوصاً محرم و رمضان به امر تبلیغ میپردازم در زمان جنگ برای تبلیغ به جبهه‌ها نیز رفتم که امیدوارم خداوند توفیق تبلیغ دین را برایم حفظ نماید. مدتی پس از اتمام تخصصی کلام تدریس مباحث اعتقادی در مدارس را شروع کردم و چند سالی است (هفت یا هشت سال) که این برنامه را دارم و الان نیز در جامعه الزهرا (سلام الله علیها) به تدریس مباحث کلامی مشغولم.

طباطبایی قمی، حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت الله حاج آقا حسین طباطبایی قمی در سال ۱۲۴۳ ش (۲۸ رجب سال ۱۲۸۲ ق) در شهر قم دیده به جهان گشود. ایشان تحصیلات ابتدایی خود را در یکی از مکتب‌خانه‌های قم شروع کرد و پس از آن، درس‌های مقدماتی از قبیل صرف و نحو و منطق را فراگرفت. حاج آقا حسین قمی پس از آن برای ادامه تحصیل راهی تهران شد و از استادانی همچون میرزا ابوالحسن جلوه، شیخ فضل الله نوری، میرزا محمد حسن آشتیانی، شیخ علی مدرس یزدی و میرزا محمود قمی بهره برد. آیت الله قمی سپس طی دو بار سفر به عتبات عالیات از محضر عالمان نامداری همچون: میرزا محمد حسن شیرازی، میرزا حبیب الله رشتی، آخوند خراسانی و علامه سید محمد کاظم یزدی و آخوند ملاعلی نهایندی استفاده کرد. وی همچنین تهذیب اخلاق را در محضر علامه سید مرتضی کشمیری و علم حدیث را در محضر علامه میرزا حسین نوری فراگرفت. ایشان ضمناً به حوزه درس میرزا محمد تقی شیرازی رفت و عمده شاگردی خود را نزد وی به انجام رساند به طوری که مورد توجه خاص استاد واقع شد و میرزا، برای مرجعیت و تقلید بعد از خود، او را معین کرد. آیت الله قمی پس از نزدیک به بیست سال اقامت در نجف به مشهد بازگشت و حوزه درس خود را تشکیل داد و مرجعیت مردم را نیز عهده‌دار شد. وی در واقعه قیام خونین مسجد گوهرشاد مشهد در اعتراض به کشف حجاب اعتراض خود را مطرح ساخت که به تبعید ایشان به عراق انجامید. ایشان از مراجع وارسته‌ای بود که در مقاطع مختلف به خصوص در دوران خفقان رضاخانی به پا خاست و شجاعانه به ستیز با دشمن پرداخت و دخالت عملی در سیاست را با حضور در صحنه‌های مختلف سیاسی بخوبی نشان داد که به حق می‌توان او را "قامت قیام" نامید. آیت الله قمی از مشایخ حدیث و اجتهاد زمان خود بود که بعد از شیخ الشریعه اصفهانی، ریاست و زعامت شیعه به او منتهی شد. از ایشان آثار متعددی بر جای مانده که حاشیه بر عروءة الوثقی، حاشیه بر رساله ارث و نفقات، مختصر الاحکام، طریق النجاة، مناسک حج و... از آن جمله‌اند. این فقیه عالی مقام و عالم نستوه سرانجام در هفدهم بهمن ۱۳۲۵ ش برابر با چهاردهم ربیع‌الاول ۱۳۶۶ ق در هشتاد و دو سالگی رحلت کرد و پس از تشییع باشکوه

در صحن امام علی (ع) دفن گردید.
برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون
منابع زندگینامه: تقویم تاریخ

طباطبایی قمی، علی محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۸ ش)، نویسنده و مترجم. در قم به دنیا آمد. دوره‌ی ابتدایی را در قم و متوسطه را در دبیرستانهای تهران و انزلی و کرمانشاه و قزوین به پایان رساند و در ۱۳۱۸ ش موفق به اخذ دیپلم شد. سپس دوره‌ی دانشکده‌ی کشاورزی کرج را گذراند و مهندس کشاورزی شد. بعد به دانشکده حقوق رفت. پس از آن به اروپا عزیمت نمود و پس از گرفتن دکترای حقوق در دانشگاه ژنو یک سال نیز به صورت مستمع آزد در دانشگاه لندن جهت بررسی فلسفه‌ی حقوق به سر برد و در راه مراجعت به ایران مدت شش ماه در دانشگاه فؤاد اول در قاهره برای مطالعه در منطق ارسطو مشغول تحصیل شد. در تهران به وکالت دادگستری و مشاورت قضایی و وکالت بعضی از بانکها اشتغال داشت. از آثار وی: «مبانی اقتصادی مسائل اجتماعی»؛ «مختصری از فلسفه ابن سینا و نفوذ آن در غرب»؛ «مقدمه‌ی تئوری کلی و فلسفه‌ی حقوق»، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۹۱، ۲۹۵۹، ۲۸۶۹ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۵۸۸-۵۸۶ / ۴).

طباطبایی نائینی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. از صاحب منصبان اداره‌ی کل گمرکات بود. بعد به کتابخانه‌ی مجلس انتقال یافت. از آثارش: «جیر جیرک»، ترجمه؛ «گامی لرزان رو به جهان شناخته نشده‌ی قرآن»؛ «لومن»، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۸۳۰، ۲۷۰۶ / ۲، ۱۰۹۱ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳ / ۸).

طباطبایی نژاد، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمود طباطبائی نژاد

محل تولد: اردستان

شهرت : طبائی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمود طباطبائی نژاد در سال ۱۳۵۶ پس از اخذ سیکل وارد حوزه علمیه قم شدم شرکت در برنامه ها و تظاهرات انقلاب و سپس حضور در جبهه در کنار درس ادامه یافت ضمنا در همین دوران دیپلم خود را نیز گرفتم از جمله استادان عالیمقام من مرحوم مدرس افغانی مرحوم وجدانی و حضرت آیات اشتهاردی، فاضل و تبریزی، زنجانی، مددی، شهیدی، مصباح یزدی و جوادی آملی بوده اند در سال ۱۳۷۱ به عنوان محقق جذب دارالحدیث گردیدم و هم اکنون مسئول گروه سیره و تاریخ در این موسسه می باشم

طباطبائی نسب، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد رضا طباطبائی نسب

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد رضا طباطبائی فرزند شهید حجت الاسلام و المسلمین حاج سید حسن طباطبائی نسب که در تاریخ ۱/۱۲/۶۴ همراه با شهید آیت الله محلاتی به شهادت رسیدند. ایشان بعد از شهادت پدر بزرگوارش در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شده، دوره مقدماتی را در مدارس علمیه رضویه و المهدی گذرانید. دوره سطح را در محضر اساتید برجسته همچون حضرات آیات: احمدی میانجی، کریمی جهرمی، اعتمادی، وجدانی، شیخ احمد عابدی، سید احمد خاتمی بهره های فراوان برد. دوره عالی حوزه، دروس خارج فقه و اصول را به مدت ۱۰ سال در محضر حضرات آیات عظام: خامنه ای، وحید خراسانی، میرزا جواد تبریزی، مکارم شیرازی، هاشمی شاهرودی دنبال نمود و هم اینک در درس خارج فقه مقام معظم رهبری اشتغال به تحصیل دارد، در همین راستا از سوی کمیته علمی معاونت امور حوزوی دفتر مقام معظم رهبری (طی نامه شماره ۲۰۱۳/۳۰ مورخ ۳۱/۶/۱۳۸۰) مقرر گردید ایشان پیرامون موضوع « حکمت جعل قوانین جزائی » کاری علمی و تحقیقی تدوین نمایند که بعد از تحقیق و تکمیل، پذیرفته و مورد تأیید آن معاونت محترم قرار گرفت.

در عرصه تحقیقات و تألیف کتاب از ایشان تا به حال ۳۵ عنوان در موضوعات مختلف در تیراژ صدها هزار جلد توسط مؤسسه

فرهنگی نورالائمه علیهم السلام منتشر گردیده است که از آن جمله می‌توان به کتابهای (برکرانه‌ها جلد ۱ و ۲، پرسش از خدا، حج میثاق بندگی، سیمای امام مهدی علیه السلام، جلوه‌هایی از نور، چشمه‌های معرفت پیرامون زندگانی ائمه معصومین علیهم السلام اشاره کرد و در خصوص موضوعات علمی و حوزوی تا به حال چندین اثر تدوین شده از جمله شرح رسائل - آشنایی با ابواب فقه (شرح لمعه) و ... که هنوز منتشر نگردیده است. در عرصه فرهنگی با تأسیس و مدیریت مؤسسه فرهنگی و تحقیقاتی نورالائمه علیهم السلام تا کنون ۱۹ طرح عظیم فرهنگی را برای بیش از صدها هزار نفر بویژه جوانان با همکاری دستگاههای مختلف فرهنگی برگزار نموده است که گزارش آن کتباً به استحضار مقام معظم رهبری رسید و معظم له نیز طی نامه‌ای شماره ۸۱۶۱۳۴ مورخه ۵/۳/۱۳۸۳ اقدامات و خدمات این مؤسسه را مورد عنایت ویژه و تقدیر قرار دادند.

طباطبایی یزدی، محمد کاظم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۷ - ۱۲۵۶/۱۲۴۷ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، لغوی، شاعر و مرجع بزرگ. در کسنویه از قراء یزد به دنیا آمد. مقدمات و سطوح را نزد علمای اصفهان فراگرفت و تحصیلات خود را نزد علمای اصفهان فراگرفت و تحصیلات خود را نزد علمای طراز اول آنجا همچون صاحب «روضات الجنات» و شیخ محمد باقر بن محمد تقی اصفهانی نجفی و میرزا محمد هاشم چهار سوقیان ادامه داد، تا به درجه‌ی اجتهاد رسید. سپس برای تکمیل معلومات به نجف رفت و در حوزه‌ی درس شیخ راضی نجفی و میرزای بزرگ شیرازی حاضر شد، پس از درگذشت میرزا به تدریس علوم اسلامی پرداخت و سالها حوزه‌ی درسش از مهمترین حوزه‌های نجف بود. علامه یزدی در سرودن شعر به فارسی و عربی مهارتی تمام داشت. او در نجف درگذشت در جنب در طوسی صحن علوی به خاک سپرده شد. از آثارش، احداث ابنیه خیریه و مدارس و مساجد است. مدرسه سید در نجف از جمله آثار او است. از آثار علمی اش: «العروه الوثقی»، که رساله‌ای است فتوایی، مشتمل بر سه هزار و دویست و شصت مسأله که در عراق و ایران و هندوستان به چاپ رسید و حاج شیخ عباس محدث قمی آن را به فارسی ترجمه نموده و «غایه القصوی» نامیده و بسیاری از مراجع تقلید بر آن حواشی نوشته‌اند؛ رساله‌ای در «اجتماع امر و نهی» و «تعادل و تراجیح»، حاشیه بر «متاجر» یا «مکاسب» شیخ انصاری؛ رساله‌ای در «احکام ظن»؛ رساله‌ای در «منجزات المریض»؛ «السؤال و الجواب»، در فقه؛ «الاستصحاب»؛ «الصحیفه الکاظمیه»؛ «بستان نیاز و گلستان راز»، در مناجات، به فارسی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۳۴ / ۷)، الذریعه (۲۵۲ / ۱۵، ۱۰۸، ۳ / ۲۵، ۲)، ریحانه (۳۹۳ - ۳۹۱ / ۶)، شرح حال رجال (۲۵۱ - ۲۵۰ / ۶)، علماء معاصرین (۱۱۴ - ۱۱۳)، فوائد الرضویه (۵۹۷ - ۵۹۶)، لغت‌نامه (ذیل / یزدی)، معجم المؤلفین (۱۵۶ / ۱۱)، مکارم الآثار (۱۳۲۴ - ۱۳۲۱ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰ - ۲۶ / ۵).

طباطبایی، ابوالفضل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید ابوالفضل طباطبائی

محل تولد: بابلسر

شهرت: طباطبائی اشکذری

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

جناب آقای سید ابوالفضل طباطبائی مشهور به طباطبائی اشکذری پس از طی تحصیلات ابتدائی و راهنمایی در شهرستان بابلسر، در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه شهر فریدونکفار شد و تحصیلات مقدماتی تا رتبه اول سطح را زیر نظر حضرت آیت الله باکویی از اساتید بزرگ حوزه علمیه به اتمام رسانده پس از آن جهت تکمیل تحصیلات حوزوی خویش رهسپار قم گردید. این هجرت در سال ۱۳۶۷ اتفاق افتاد و سپس در قم دوره سطح عالی را در محضر اساتیدی همانند آیت الله وجدانی فخر، اعتمادی، تهرانی و... در مدت ۳ سال سپری نمود و در سال ۱۳۷۰ رسماً تحصیلات خارج را شروع کرد که به مدت ۵ سال در درس خارج آیت الله مکارم شیرازی و ۱۳ سال در درس خارج آیت الله وحید خراسانی شرکت کرد. در کنار فقه و اصول برخی علوم دیگر را نزد آیت الله جوادی آملی و معرفت آموخت و در سال ۱۳۷۲ در رشته تخصصی تفسیر و علوم قران فارغ التحصیل گردید آغاز به کار تحقیقات و پژوهش از سال ۱۳۷۰ در قالب همکاری با مؤسساتی چون مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج) شروع گردید، محصول این همکاری‌های تألیفات فراوانی در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی می‌باشد.

طباطبائی، آقابگم

قرن: ۱۳

جنسیت: زن

ملیت: ایران

(وف ۱۳۲۳ ق)، فقیه و محدث. از زنان عابد و زاهد و صالح و با تقوی. وی همسر سید علی طباطبائی بروجردی و مادر آیت‌الله حاج آقا حسین بروجردی بود و در مسائل فقهی تبحر داشت. او فقیه، محدث، عالم و از زنان سخنور عصر خویش بود. وی در بروجرد در گذشت، پیکرش را به نجف اشرف منتقل و در وادی السلام دفن کردند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: خاندان آیت‌الله بروجردی (۱۳۲)، مشاهیر زنان پارسی گوی (۵).

طباطبائی، کاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۱-۱۲۴۶ ق)، مصحح، ادیب و نویسنده. ملقب به وکیل‌الرعايا و اعتضادالممالک و معروف به حاجی وکیل. در تبریز به دنیا

آمد.

از خانواده‌های مشهور آن شهر بوده که سالیان دراز و کالت رعیت و مالیات آذربایجان را به عهده داشته. وی به خواسته‌ی امیر نظام گروسی والی آذربایجان «کلیله و دمنه» را تصحیح کرد. نادر میرزای قاجار «تاریخ و جغرافیای تبریز» را به اصرار وی تألیف کرد. میرزا کاظم کتابخانه‌ی مفصل و نسخه‌های خطی زیادی داشت. وی کتابی در انساب آل ابی طالب نگاشته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه رجال و مشاهیر (۲۶۹ / ۴)، شرح حال رجال (۱۸۱-۱۸۰ / ۶ / ۱۴۹، ۳).

طباطبایی، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علامه سیدمحمدحسین طباطبایی از خاندانی دانش‌پرور برخاسته‌اند و تا چهارده پست ایشان از دانشمندان و علمای به نام تبریز بوده‌اند. ولادت آن بزرگوار در پایان سال ۱۳۲۱ هجری قمری مصادف با ۱۲۸۲ شمسی بوده است. ایشان در زادگاه خود تحصیلات مقدماتی را به انجام رساند. در سال ۱۳۰۴ رهسپار نجف شدند و ده سال در آن مرکز جهانی علوم اسلامی به تکمیل معلومات خود پرداختند و نزد استادان معروفی مانند نائینی، کمپانی و بادکوبه‌ای دروس بالای فقه و اصول و فلسفه را خواندند. همچنین ریاضیات را نزد سیدابوالقاسم خوانساری و اخلاق و عرفان علمی و تفسیر قرآن کریم را از محضر حکیم و عارف وارسته، حاج میرزا علی آقای قاضی طباطبایی آموختند. سپس در سال ۱۳۱۴ به زادگاه خود بازگشت و به سبب تنگی وضع معیشتی مجبور شدند ۱۰ سال در تبریز بمانند. سپس به قم مهاجرت کردند و تا پایان عمر در آنجا به تدریس علوم عقلی و تفسیر قرآن مشغول بودند. علامه در نجف

در سال ۱۳۰۴ علامه طباطبایی، برای گذراندن مراتب عالی دروس حوزوی، به همراه همسر و فرزند نورسیده‌اش «محمد» عازم نجف اشرف شدند و منزل محقری اجاره کردند. غربت نا‌منوس بودن با محیط و گرمای هوا، شرایط نا‌گواری برای این خانواده کوچک بوجود آورد. تنگی منزل و نبود آب خود مزید بر مشکلات بود. در این اوضاع تنها دلخوشی علامه و همسرش محمد کوچک بود. ولی ناگهان بیمار شد و بساط شادمانی خانواده را به یکباره برچید. نبود پزشکان متخصص و لوازم پزشکی مورد نیاز، باعث وخیم شدن حال محمد کوچک و مرگ او شد. فقدان آن کودک در دیار غربت، علامه و همسر مهربانش را در سوگ و ماتم نشانده. مرحوم علامه بار سنگین غم را در دل خود پنهان می‌کرد و همسرش را تسکین می‌داد. مدتی بعد خداوند فرزند دیگری به آنها عنایت فرمود، ولی این شکوفه نورسته هم پس از یک سال سر به تیره تراب گذاشت و غم این خانواده جوان را تازه کرد. فرزند سوم هم به سرنوشت برادران خود دچار شد و این وضع خاطر لطیف همسر مهربان علامه را آزرده می‌ساخت. علامه طباطبایی به پیشگاه خداوند زاری می‌کرد تا از چنین وضع پریشانی رهایی یابد. روزی آیت الله قاضی طباطبایی که استاد علامه، و از بستگان همسرش بود، به منزل ایشان آمدند و از آنها دلجویی فرمودند. هنگام رفتن به همسر مرحوم علامه فرمودند این بار فرزندتان پسر است و باقی می‌ماند. نامش را عبدالباقی بگذار تا ان‌شاءالله برایتان بماند. علامه که تا آن زمان از بچه‌دار شدن همسرش خبر نداشت، متحیر ماند اما سرانجام پیش‌بینی این عارف وارسته درست درآمد و خداوند فرزندی به آنها عنایت فرمود. وضعیت معیشتی

علامه طباطبایی به اتفاق همسر و برادرش به مدت ده سال در نجف اشرف اقامت داشت. آن حکیم الهی ضمن کسب معارف

فقهی، عرفانی و فلسفی، موفق به تدوین آثاری در حکمت و کلام شد. اما در اواخر این دوران از جهت معیشتی با مشکل روبرو شد؛ زیرا نسبت به مصرف سهم امام و بیت‌المال حساس بود و هزینه زندگی را با درآمد ملکی موروثی‌اش در تبریز اداره می‌کرد که از تبریز به نجف حواله می‌شد. در اواخر اقامت علامه، دولت از ارسال وجوه به خارج کشور جلوگیری کرد و دیگر مبلغی به دست علامه بزرگوار نرسید و دچار تنگنا شد. مدتی را به صرفه جویی شدید و فروش اثاث منزل و قرض گرفتن گذراندند و در انتظار رسیدن پول بودند، تا اینکه به طور غیرمنتظره وجهی از ایران رسید و علامه پس از پرداخت بدهی‌ها عازم ایران شد. همسر علامه طباطبایی

قمرالسادات، همسر علامه، از خانواده متدین و پاک طینت طباطبایی، زنی بود که در سیر تکاملی و سلوک علامه نقش مؤثر داشت. خانمی که همه عمر را در طبق اخلاص گذاشت و در راه این عارف والامقام تقدیم کرد. دشوارترین مشقت‌ها را در غربت شهرهای نجف و قم تحمل کرد و حتی یک بار هم گلابه نکرد. مهندس سیدعبدالباقی طباطبایی، فرزند این خانواده می‌گوید: هنگامی که خواستیم به قم عزیمت کنیم به مادرم گفتم: شب عید که وقت مسافرت نیست؛ در این هوای سرد کجا می‌خواهیم برویم؟ مادرم نگاهی به من کرد و در حالی که اشک چشمانش را پاک می‌کرد این شعر را خواند:

رشته‌ای بر گردنم افکنده دوست

می‌کشد هر جا که خاطرخواه اوست

رشته برگردن نه از بی‌مهری است

رشته عشق است و بر گردن نکوست قدردانی از همسر

حضرت علامه طباطبایی درباره همسر خود چنین می‌گوید: این زن بود که مرا به اینجا رسانید؛ او شریک من در کارهای علمی است و هر چه نوشته‌ام نصفش مال این خانم است. او به حدی به من کمک می‌کرد که گاه از چگونگی تهیه قبای خود اطلاع نداشتم (به این معنا که می‌رفت پارچه‌ای انتخاب می‌کرد، می‌خرید و پس از دوخت و آماده‌سازی در اختیار ایشان قرار می‌داد) وقتی مشغول تحقیق و پژوهش بودم، با من سخن نمی‌گفت و سعی می‌کرد، شرایط آرامی برایم ایجاد کند، رشته افکارم گسسته نشود و هر ساعت در اطاق مرا باز می‌کرد و آرام‌چای را می‌گذاشت و می‌رفت. مرحوم علامه به همسر باوفایش عشق می‌ورزید و برایش احترام بسیاری قائل بود. پس از مرگش تا مدت‌ها مرحوم علامه هر روز بر سر قبرش حاضر می‌شد و در فقدان او ناباورانه اشک می‌ریخت و این مهر دوسویه همگان را به تعجب واداشته بود. بی‌آلایشی و ساده زیستی

آیت الله سیدمحمدحسین طهرانی، از شاگردان علامه طباطبایی می‌گوید: آیت الله حجت تصمیم به توسعه مدرسه حجتیه قم گرفت. زمین‌هایی را خرید و در پی آن بود که نقشه مناسبی برای مدرسه تهیه کند تا طرح جامع‌اش را اجرا کند. مهندسان نقشه‌های متعددی کشیدند ولی ایشان نپسندید. سرانجام شنیدیم سیدی از تبریز آمده و نقشه‌ای رسم کرده که مورد پسند آیت الله حجت واقع شده است. همچنین شنیدیم این سید در ریاضیات و فلسفه استاد است و درس فلسفه‌ای شروع کرده است. بسیار مشتاق زیارت ایشان بودیم تا اینکه روزی یکی از دوستان آمد و گفت آقای قاضی از زیارت مشهد برگشته، بیاید به دیدنش برویم. چون به منزلشان وارد شدیم، متوجه شدیم آن مرد معروف و آن فیلسوف و ریاضی‌دان همان سیدی است که ما هر روز او را در کوچه می‌دیدیم و از بس ساده زیست و بی‌آلایش بود، حتی احتمال نمی‌دادیم اهل علم باشد، چه رسد به اینکه فیلسوف و دانشمند باشد. تواضع استاد آیت الله سیدمحمدحسین طهرانی در وصف تواضع استاد خود علامه طباطبایی می‌گوید: از زمان طلبگی، ما در قم به منزل ایشان رفت و آمد داشتیم و هیچگاه نشد با ایشان به جماعت نماز بخوانیم و این غصه در دل ما مانده بود که جماعت ایشان را درک نکرده‌ایم. سالی در ماه شعبان به مشهد مقدس مشرف شدند و مهمان ما بودند. موقع نماز مغرب سجاده‌ای برای ایشان و یکی از همراهان پهن کردم و از اطاق خارج شدم؛ به امید اینکه استاد به نماز مشغول شوند و سپس من داخل شوم و نماز را به امامت

حضرت علامه بخوانم. قریب یک ربع ساعت از مغرب گذشت، آن رفیق همراه، مرا صدا زد و گفت: ایشان همینطور نشسته و منتظر شماست. آمدم محضر استاد عرض کردم: چهل سال است از شما تقاضا کرده‌ام که یک نماز با شما بخوانم ولی تا به حال نشده است قبول بفرمایید ما به شما اقتدا کنیم. با تبسم ملیحی فرمودند: یک سال دیگر هم روی آن چهل سال! سرانجام بنده را مجبور به امامت جماعت کردند.

آیت الله سیدمحمدحسین طهرانی در وصف تفسیر گران سنگ مرحوم علامه طباطبایی، المیزان، می گوید: روزی به حضرت استاد عرض کردم: هنوز حوزه‌های علمیه به ارزش واقعی تفسیر شریف المیزان پی نبرده‌اند و اگر حوزه علمیه به تدریس و تحقیق این کتاب با ارزش مشغول شود و پیوسته این کار را ادامه دهد، پس از دو‌یست سال ارزش این کتاب معلوم خواهد شد و باز عرض کردم: وقتی به مطالعه این کتاب مشغول می‌شوم در بعضی از اوقات که آیات را به هم ربط می‌دهید و از راه موازنه و تطبیق آیات معنی را بیرون می‌کشید، جز آنکه بگویم در آن هنگام قلم وحی و الهام الهی آنرا بر زبان شما جاری ساخته است؛ تعبیر دیگری ندارم. ایشان سری تکان دادند و فرمودند: این فقط حسن نظر شما است. ما کاری نکرده‌ایم. عظمت روح و هیبت استاد

آیت الله محمدتقی مصباح یزدی پیرامون شخصیت علامه طباطبایی می گوید: علامه طباطبایی مظهر متانت، وقار، طمأنینه، عزت نفس، توکل، اخلاص، تواضع، عطوفت و دیگر مکارم اخلاقی بودند. آثار عظمت روح و نورانیت دل و ارتباط با ماورای طبیعت در سیمای ملکوتی ایشان هویدا بود. بر مجلس ایشان چنان هیبتی سایه می‌افکند که حضار را در سکوتی ژرف و پر تأمل فرو می‌برد و انسان را به یاد شعر فرزدق می‌انداخت که در مدح امام سجاد(ع) گفته است: او از بس حیا و شرم و ادب داشت به هیچ کس زل نمی‌زند و نگاهش به زمین بود، ولی دیگران از شدت هیبت و جذبه او نمی‌توانستند در چهره‌اش خیره شوند.

به خاطر دارم که روشندلی در محضر ایشان با چشمانی اشکبار می‌گفت: در شگفتم که چگونه زمین، سنگینی چنین مردانی را تحمل می‌کند. رابطه با مجامع علمی و دانشگاهی

علامه طباطبایی علاوه بر تشویق دانش پژوهان و تلاش در تربیت شاگردانی مانند شهید مطهری و شهید بهشتی عنایت خاصی به گسترش معارف اسلامی در خارج از حوزه علمیه داشتند و از این رو، با دانشگاه استادان دانشگاه رابطه داشتند. از ثمرات این رابطه، کتاب گرانسنگ و بی‌بدیل اصول فلسفه و روش رئالیسم است که از اولین نگارندهای شناخت‌شناسی در حوزه فلسفه اسلامی است. آن فیلسوف فرزانه عنایت خاصی به ایجاد رابطه با آن مستشرقان و روشنفکران غربی داشتند که به تحقیق درباره اسلام علاقه‌مند بودند. هانری کربن، که از متدین‌ترین مستشرقان است، چندین سال در کنار علامه بزرگوار شاگردی کرد و حتی در مجلس‌های انس عارفانه مرحوم علامه مانند تفسیر اشعار حافظ شرکت می‌جست. احیای معارف اسلامی

آیت الله مصباح یزدی درباره نقش علامه طباطبایی در احیای معارف اسلامی چنین می‌گوید: برای اینکه تأثیر فعالیت‌های علمی و فرهنگی علامه بزرگوار در جامعه ایران و جوامع اسلامی و کل جهان ارزیابی شود، توجه به دو نکته ضرورت دارد. اول آنکه اهمیت کارهای فرهنگی را در جامعه بدانیم و نکته دوم شناخت کامل جامعه قبل از طلوع خورشید وجود علامه طباطبایی است؛ یعنی دانستن اینکه جامعه در چه وضعی بود و چه کمبودهایی داشت. این مسلم است که فعالیت فرهنگی برای یک جامعه زنده از ضروری‌ترین فعالیت‌های اجتماعی و تأثیر آن برای رشد جامعه از هر عاملی مؤثرتر است. مرحوم علامه نیز هنگامی به حوزه علمیه قم قدم گذاشت که این نهال نورسته علمی تازه به مرحله رشد پا گذاشته بود و سخت نیازمند باغبان توانا و دلسوزی بود تا بتواند آن را بارور کند. در چنین اوضاعی آن فیلسوف و دانشمند جامع، با شناختی که از نیازهای جامعه داشت، به تربیت نیروهای کارآمد پرداخت. ایجاد تحول در حوزه علمیه

علامه طباطبایی درباره وضعیت تحصیلی حوزه علمیه چنین فرموده‌اند: وقتی به قم آمدم مطالعه‌ای در وضع تحصیلی حوزه کردم و یک فکری درباره نیاز جامعه اسلامی بین آن نیاز و آنچه در حوزه موجود بود چندان تناسبی ندیدم. جامعه ما احتیاج داشت به

عنوان جامعه اسلامی قرآن را درست بشناسد و از گنجینه‌های علوم این کتاب عظیم الهی بهره‌برداری کند. ولی در حوزه‌های علمیه حتی یک درس رسمی تفسیر قرآن وجود نداشت. جامعه ما برای اینکه بتواند عقاید خودش را در مقابل عقاید دیگران عرضه و از آنها دفاع کند، به قدرت استدلال عقلی نیاز داشت. پس به درسهایی در حوزه مورد نیاز بود که قدرت تعقل و استدلال را بالا ببرد. ولی از بحث‌های عقلی و فلسفه خبری نبود و تفسیر قرآن نه تنها به عنوان یک درس مطرح نبود، مورد مذمت هم بود. از احادیث هم احادیث عقلی و اعتقادی مورد انزوا واقع شده بود. ذهن فلسفی و روش تفسیری

شهید آیت الله مطهری درباره ذهن فلسفی و روش تفسیری استاد خود علامه طباطبایی چنین می‌گوید: علامه طباطبایی، چند نظریه در فلسفه دارند؛ نظریاتی در سطح جهانی که شاید ۵۰ تا ۶۰ سال دیگر ارزش اینها روشن بشود ولی خود ما قدر خودمان را نمی‌دانیم. ایشان در وصف تفسیر المیزان می‌گوید: تفسیر المیزان همه‌اش با فکر نوشته نشد، من معتقدم که بسیاری از این مطالب از الهامات غیبی است. کمتر مشکلی در مسائل اسلامی و دینی برایم پیش آمده که کلید حل آن را در المیزان نیابم. ذوق و قریحه شعری

عارف وارسته، سیدمحمدحسین طباطبایی، دارای روح لطیف، ذوقی عالی و لطافت خاصی بودند. در اشعار عرب به شعرهای «ابن فارض» بویژه نظم السلوک او علاقه‌مند بودند و در اشعار فارسی دیوان حافظ شیرازی را می‌ستودند و گهگاه برای دوستان غزلی آرام آرام می‌خواندند. او خود نیز دارای قریحه شعری بود و غزل‌های

مهر خوبان دل و دین از همه بی‌پروا برد

رخ شطرنج نبرد آنچه رخ زیبا برد

تو مپندار که مجنون سر خود مجنون گشت

از سَمک تا به سمایش کشش لیلا برد

من به سرچشمه خورشید نه خود بردم راه

ذره‌ای بودم و مهر تو مرا بالا برد علامه طباطبایی (رحمت الله علیه) و استادشان آیت الله قاضی (رحمت الله علیه)

آیت الله سیدمحمدحسین طباطبایی از محضر استادان گرانقدری بهره برده است، اما آنکه مورد عنایت مرحوم علامه بود و بارها نامش را به عظمت یاد می‌کرد، آیت الله میرزا علی آقای قاضی طباطبایی است. علامه بزرگوار می‌فرمود: ما هرچه داریم از مرحوم قاضی داریم، چه در زمینه علوم و چه در زمینه اخلاق و معارف الهی. آن عارف وارسته و یگانه عصر ما در عرفان عملی و سیر و سلوک الی الله، گوهر کمال را در وجود علامه طباطبایی یافت و در همان اوایل ورود ایشان به نجف، او را تحت تربیت خود قرار داد و این شاگرد نیز چه خوش درخشید و کوشش‌های استاد را به بار نشانید. آیت الله شیخ محمدتقی آملی (ره) می‌فرماید: اگر بناست تحت تصرف انسان کاملی باشید، من بهتر از آقای طباطبایی کسی را نمی‌شناسم او از بهترین شاگردان مرحوم قاضی است و همان وقت هم کشفیاتی داشتند. آثار علامه طباطبایی (رحمت الله علیه)

علامه سیدمحمدحسین طباطبایی تبریزی در اواخر اسفند سال ۱۳۲۴ از تبریز به قم مهاجرت کردند و از همان آغاز خلایی را در زمینه پرداختن حوزویان به قرآن کریم و علوم عقلی احساس کردند خود ایشان می‌فرمایند:

«هنگامی که از تبریز به قم آمدم، مطالعه‌ای در نیازهای جامعه اسلامی و مطالعه‌ای در وضع حوزه قم کردم و پس از سنجیدن آنها به این نتیجه رسیدم که این حوزه نیاز شدیدی به تفسیر قرآن دارد، تا مفاهیم والای اصیل ترین متن اسلامی و عظیم ترین امانت الهی را بهتر بشناسد و بهتر بشناساند. از سوی دیگر چون شبهات مادی رواج یافته بود، نیاز شدیدی به بحث‌های عقلی و فلسفی وجود داشت، تا حوزه بتواند مبانی فکری و عقیدتی اسلام را با براهین عقلی اثبات و از موضع حق خود، دفاع نماید. از این رو وظیفه شرعی خود دانستم که به یاری خدای متعال، در رفع این دو نیاز ضروری کوشش نمایم.»

این تشخیص نیاز و تکلیف شناسی سبب گردید تا مرحوم علامه از همان آغاز رویکردی جدی به مباحث قرآنی و عقلی بیابد. ایشان از سال ۱۳۲۵ ش. دروس تفسیر خود را در قم آغاز کرد و آنچه را که در آن جلسات می فرمود، مکتوب می ساخت تا اینکه نخستین جلد المیزان در سال ۱۳۳۴ منتشر شد. و نگارش این تفسیر شگرف حدود ۱۷ سال به طول انجامید. تفسیر قرآن برای علامه طباطبایی نه یک کار علمی بلکه ایفای وظیفه و ادای تکلیف بود و این مفسر عارف چه حالات عرفانی و تأثرات قلبی که در هنگام مطالعه بر روی قرآن عظیم پیدا نکرده است.

آقای موسوی همدانی مترجم محترم تفسیر المیزان که برای مقابله و اطمینان از صحت ترجمه خدمت استاد علامه طباطبایی می رسید می گوید: در تفسیر قرآن، وقتی به آیات رحمت و یا غضب و توبه برمی خوردیم ایشان دگرگون می شد و در مواقعی نیز اشک از دیدگانش جاری می شد، در این حالت که به شدت منقلب به نظر می رسید، می کوشید من متوجه حالتش نشوم. در یکی از روزهای زمستانی که زیر کرسی نشسته بودیم، من تفسیر فارسی می خواندم و ایشان تفسیر عربی، که بحث در رحمت پروردگار و آموزش گناهان بود، ناگهان معظم له به قدری متأثر شد که نتوانست به گریستن بی صدا اکتفا کند و با صدای بلند شروع به اشک ریختن کرد.

یکی از مراجع تقلید گذشته عبارت شگفتی درخصوص زحمات طاقت فرسای مرحوم علامه طباطبایی در راه نگارش تفسیر المیزان دارند و می فرمایند: علامه طباطبایی خود را در این راه تضحیه کرد یعنی قربانی قرآن نمود. مرحوم شهید مطهری درباره این کار سترگ گفته است: تفسیر المیزان هم‌ااش با فکر نوشته نشد. من معتقدم که بسیاری از این مطالب از الهامات غیبی است.

در عین حال مرحوم علامه این کار عظیم را وظیفه و تکلیفی بیش نمی پندارد که با عنایت خداوندی آن را به انجام رسانده است. یکی از شاگردان مرحوم علامه طباطبایی می نویسد: در این تفسیر بین معانی ظاهری و باطنی قرآن و بین عقل و نقل جمع شده و هر یک حظ خود را ایفا می کنند. این تفسیر به قدری جالب است و به اندازه‌ای زیبا و دلنشین است که آن را می توان به عنوان سند عقاید اسلام و شیعه به دنیا معرفی کرد و به تمام مکتب‌ها و مذاهب‌ها فرستاد و بر این اساس، آنان را به دین اسلام و مذهب تشیع فراخواند.

اگر این تفسیر در حوزه‌ها تدریس شود و روی محتویات و مطالب آن بحث و نقد و تجزیه و تحلیل به عمل آید و پیوسته این امر ادامه یابد، پس از دو‌یست سال ارزش این تفسیر معلوم خواهد شد.

عنایت و توجه خاص مرحوم علامه به روایات و احادیث اهل بیت علیهم السلام برای فهم معانی قرآن از آن رو است که ایشان معتقدند که از اسرار و باطن قرآن کسانی آگاهند که به صفت المپهرون متصف باشند چرا که قرآن می فرماید: «انه لقرآن کریم فی کتاب مکنون لایمسه الا المپهرون» و از سوی دیگر در آیه تطهیر می فرماید: «انما یرید الله لیزهه عنکم الرجس اهل البیت و یتطهرکم تطهیرا»

بنابر این قرآن مپهرون را تنها کسانی می داند که می توانند رموز و ظرایف و اسرار آن را درک کنند و به استناد صریح آیه بعدی ایشان، همانا اهل بیت (ع) می باشند.

همچنین مرحوم علامه طباطبایی در خصوص آیه شریفه «قل لا اسئلكم علیه اجراً الا الموده فی القربی» بگو برای رسالتم از شما مزد و پاداشی جز محبت نزدیکانم نمی‌خواهم؛ معتقدند: مراد از القربی در این آیه، اهل بیت (ع) می‌باشند و می‌نویسند: «علاوه بر اینکه روایتهای چندی از طریق اهل سنت و روایتهای بسیاری از طریق شیعه، بر همین معنی وارد شده است، اخبار متواتری نیز از طریق هر دو طرف بر وجوب مودت و لزوم محبت اهل بیت (ع) دلالت دارد که این معنی و تفسیر را تأیید می‌کند».

همچنین ایشان معتقد است که «روایتهای متواتری، از طریق هر دو طرف، از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده مانند حدیث

ثقلین و حدیث سفینه و... که همه متضمن این است که مردم در فهم کتاب خدا و هر آنچه که در آن است؛ از اصول معارف و فروع دین گرفته تا بیان حقایق آن، باید به اهل بیت (علیهم السلام) رجوع کنند. پس از تأمل کافی در این روایات دیگر شکی نمی‌ماند که واجب کردن محبت اهل بیت (علیهم السلام) از سوی خدا و اجر رسالت قرار دادن آن، برای این است که مردم به اهل بیت (علیهم السلام) مراجعه کنند و آنها را ملجأ و مرجع علمی خویش دانند.

مرحوم علامه (ره) همانگونه که استاد شهید مطهری گفته‌اند در تفسیر قرآن از الهامات و توجهات غیبی محروم نمانده‌اند خود ایشان معتقدند که «یک حقیقت قرآنی وجود دارد که نمی‌شود انکار کرد و آن این است که هرگاه انسان به وادی ولایت الهی گام نهاد و به ساحت قدس و کبریا نزدیک گشت، دری از ملکوت آسمانها و زمین به رویش گشوده می‌شود که از آن آیات کبری و انوار جبروت الهی را که بر دیگران مخفی است مشاهده می‌کند».

و از همین جاست که حضرت ایشان می‌فرماید:

خم ابروی تو بود و کف مینوی تو بود
که به یک جلوه زمن نام و نشان یکجا برد
و در جای دیگری می‌فرماید:

تو میندار که مجنون سرخود مجنون گشت
از سمک تا به سمائش کشش لیلا برد

من به سرچشمه خورشید نه خود بردم راه

ذره ای بودم و مهر تو مرا بالا برد

همه دلباخته بودیم و هراسان، که غمت

همه را پشت سرانداخت، مرا تنها برد

واقعاً این عنایت الهی به حضرت علامه پاداش اخلاص و صبر ایشان است. آن روز که ایشان به پژوهش و تدریس پیرامون تفسیر و علوم عقلی پرداخت، در میان علما و بزرگان تدریس فقه و اصول، زمینه ساز مرجعیت عامه به شمار می‌رفت و به اصطلاح غیر از فقه و اصول، فضل محسوب می‌شد.

تحمل مخالفت‌های دوستان با تدریس فلسفه و افتخار هر یک از آنان در آن روزگار کار آسانی نبود به خصوص آنکه حربه تکفیر در دستان عده‌ای به ابزاری برای جایگزینی مباحث علمی و مباحثات طلبگی تبدیل شده بود.

علامه معتقد بود آنچه که تکلیف ساز است، نیاز جوامع بشری است و در روزگاری که دانش پژوهان با چمدانهای پر از اشکال و شبهات به مراکز علمی و آموزشی روی می‌آورند، راهی جز اقناع آنان با شیوه‌های استدلالی نیست.

علامه برای نیل به این اهداف هرگز خود را بی‌نیاز از توجه و عنایت خداوند سبب ساز نمی‌دید و تأثیر اساتید بزرگ و خودساخته‌ای همچون مرحوم حاج سیدعلی آقا قاضی (۱۲۸۵-۱۳۶۵ هـ.ق) بر حالات روحی و عرفانی مرحوم علامه آنچنان بود که خود ایشان می‌فرماید: «وقتی در سال ۱۳۰۴ هـ.ش برای تحصیل به نجف اشرف رهسپار گردیدم، در نخستین روزها در منزل نشسته و به آینده خود فکر می‌کردم و برخی افکار نگران کننده از ذهنم عبور می‌کردند. ناگهان شخصی دق الباب کرد. از جا برخاسته و درب را باز کردم، یکی از علمای نامدار سلام کرد و داخل منزل شد و خیرمقدم گفت، وی که چهره‌ای جذاب و نورانی داشت کم‌کم باب گفت و گو را باز کرد و با من انسی گرفت و درضمن بیانات خود گفت: کسی که برای تحصیل به نجف می‌آید شایسته است علاوه بر فراگیری علوم گوناگون به فکر تهذیب نفس و تکمیل مکارم و کسب فضایل باشد. این جمله را گفت و منزل ما را ترک نمود. سخنان این عارف متشرع - آیت الله حاج سیدعلی قاضی - چنان مرا شیفته نمود که تا در نجف بودم از محضرش بهره

می‌گرفتم».

عشق و ارادت حضرت ایشان به اهل بیت (سلام الله علیهم) و خضوع و خشوع در برابر ولایت و امامت در زندگی ایشان چیزی نبود که از دید نزدیکان و مریدان ایشان هم پنهان بماند.

وقتی از مرحوم شهید مطهری پرسیده می‌شود که دلیل این همه تجلیل شما از علامه طباطبایی برای چیست و چرا تعبیر «روحی فدا» را در مورد ایشان بکار می‌برید، آن فیلسوف متشرع پاسخ داد: من حکیم و عارف بسیار دیده‌ام و احترام من به ایشان به خاطر علم او نیست بلکه از این جهت است که او عاشق و دل‌باخته اهل بیت (سلام الله علیهم) است.

از درخت تنومند معرفت و دانش علامه طباطبایی (رحمت الله علیه) به جز تفسیر المیزان آثار گران مایه ذیل به یادگار مانده است: بدایه الحکمه: کتابی که یک دوره تدریس فشرده فلسفه برای دستداران علوم عقلی در قم و سپس دانشگاه‌های کشور گردید. نهایت الحکمه: این اثر برای تدریس فلسفه با توضیحی بیشتر، عمقی افزون‌تر و سطحی عالیت‌ر تدوین شده است. بر کتابهای بدایه الحکمت و نهایت الحکمت شروح مختلفی نوشته شده است و می‌توان گفت که از جمله بهترین کتابهایی هستند که در سده اخیر در گستره فلسفه اسلامی نوشته شده است.

اصول فلسفه و روش رئالیسم: بینش علامه پیرامون نظرات مادیون و ماتریالیستها باعث فراهم آوردن این اثر گردید. این اثر با پاورقیهای استاد شهید مرتضی مطهری همراه است.

حاشیه بر کفایه: کتابی در علم اصول فقه که پیرامون قوانین استنباط احکام به بحث می‌پردازد.

شیعه در اسلام: دوره‌های کامل از اعتقادات و معارف شیعه در این اثر نفیس به چشم می‌خورد؛ این کتاب گرانها به زبانهای مختلف دنیا ترجمه و بارها چاپ شده است.

مجموعه مذاکرات با پروفیسور هانری کربن.

خلاصه تعالیم اسلام: این کتاب خلاصه‌ای از آن چه یک مسلمان متعهد باید از آن آگاهی داشته و خود را بدان زینت دهد، بیان کرده است.

روابط اجتماعی در اسلام: انسان و اجتماع و رشد اجتماعی او، پایه زندگی اجتماعی، آزادی در اسلام و... مباحثی است که در این کتاب بدانها پرداخته شده است.

بررسیهای اسلامی: مجموعه‌های است زرین از مقالات استاد که بسان دائرة المعارفی از معارف ناب اسلامی جمع آوری شده است.

آموزش دین: کتابی با قلم روان و مطالبی لازم و ضروری است که برای دانش آموزان نوشته شده است.

رساله انسان قبل از دنیا: در دنیا و بعد از دنیا، این کتاب که اکنون با نام «انسان از آغاز تا انجام» ترجمه شده است مباحثی مفید از عوالم سه گانه ماده، مثال و عقل مطرح کرده و پیرامون شبهات و دغدغه خاطر جوانان مطالبی بسیار مفید و لازم ارائه کرده است. رساله‌هایی گوناگون درباره قوه و فعل، صفات، افعال الله، وسائط، نحو، صرف،... این مجموعه ۲۶ رساله است که بنا به ضرورت و نیاز جامعه توسط علامه نگاشته شده است.

دیوان شعر فارسی: مجموعه‌های از اشعار چشمگیر و عمیق علامه که طی سالیان متمادی سروده شده است.

سنن النبی: سیره و روش رسول الله - صلی الله علیه و آله - در بین مردم و همراه خانواده در این اثر به چشم می‌خورد. این اثر اخیر توسط استاد حسین استاد ولی به زبان فارسی ترجمه شده است.

لُب اللباب: مجموعه درسهای اخلاق استاد که از سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۶۹ قمری برای برخی از فضلالی حوزه قم بیان فرموده‌اند.

حاشیه بر اسفار: نظرات استاد فرزانه علامه طباطبایی بر اسفار در این کتاب جمع آوری شده است. علامه طباطبایی (رحمت الله علیه) از دیدگاه آیت الله امینی (حفظه الله)

آیت الله امینی (حفظه الله) در وصف استاد خود چنین می‌فرماید:

علامه طباطبایی (رحمت الله علیه) چشمه جوشانی بود که در صحنه روحانیت شیعه جاری شد و تشنگان حقیقت را سیراب کرد. او آفتاب درخشانی بود که در آسمان اسلام طلوع کرد و تیرگی‌های شُبّهات و اوهام را برطرف کرد و به حق باید ایشان را بزرگترین افتخار حوزه علمیه قم، بلکه بزرگترین شخصیت علمی جهان اسلام در این عصر شمرد که در احیای تفکر اسلامی صحیح و مبارزه با انحرافات و بدعت‌ها و شناساندن اسلام راستین که در مکتب اهل بیت (ع) تبلور یافته است، تأثیر فوق‌العاده داشت. همین بس که اغلب رجال سیاسی، علمی و روحانی امروز کشور و گردانندگان چرخ انقلاب اسلامی از شاگردان بی‌واسطه یا با واسطه اویند. سیره فلسفی

روش حضرت علامه در پژوهش‌ها فلسفه چنین ویژگی‌هایی داشت ۱- پایه‌های اندیشه استاد را تنها بر این یقینی تشکیل می‌داد؛ زیرا اثبات مسائل فلسفی فقط با مقدمات یقینی میسر است. ۲- حفظ و تکرار بر اندیشه فلاسفه بزرگ بسنده نمی‌کرد و اندیشه‌های گذشتگان را مورد تصحیح نقد قرار می‌داد. ۳- امور اعتباری را با مسائل فلسفی مخلوط نمی‌کرد و محور اندیشه خود را تنها بر واقعیت‌های جهان هستی گذاشته بود ۴- اوج تکامل عقلی و روحی این ابرمرد حکمت تا بدانجا بود که کلیات عقلی را بدون دخالت قوه خیال و تمثیل مصداقی آن‌ها در مرحله تخیل، ادراک می‌کرد. ۵- روش تحلیلی آن بزرگ مرد فلسفه بررسی کامل موضوعات فلسفی بود و تا تصور کاملی از موضوع مسئله بدست نمی‌آورد وارد بحث نمی‌شد. ۶- در تنظیم مسائل عقلی از نحوه چینش مسائل ریاضی الهام می‌گرفت. ۷- از مکاتب مختلف فلسفی بهره می‌جست.

عرفان عملی علامه طباطبایی (رحمت الله علیه) از منظر آیت الله حسن زاده آملی (حفظه الله)

آثار هر کس نمودار دارایی اوست بهترین معرف آن جناب، سیر و سلوک انسانی و آثار علمی، از تدریس و تالیف اوست. افاضل حوزه علمیه قم که شاغل کرسی تدریس اصول معارف حقه جعفریه‌اند، از تلامذه اویند، و تفسیر عظیم الشان المیزان که عالم علم را مایه فخر و مباهات است، یکی از آثار نفیس قلمی وام‌الکتاب مؤلفات اوست. جایگاه علامه طباطبائی در عرفان عملی موقعیت جناب علامه طباطبائی (رضوان الله علیه) در عرفان عملی این بود که دریافته بود و به این باور رسیده بود که: «ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم». (۱) راه این است و جز این نیست. و دقیقاً بدین جهت، رفتار او، گفتار او، سکوت او، قلم او و مطلقاً آثار وجودی او، حکایت‌کننده وارستگی و عظمت ذخایر علمی و عملی او بود.

انسان وقتی حضرت علامه طباطبائی را زیارت می‌کرد، به یاد این حدیث شریف می‌افتاد که جناب کلینی در کتاب فضل العلم کافی به اسنادش از حضرت امام صادق علیه السلام نقل می‌کند و فرموده است: من تعلم العلم و عمل به و علم لله، دعی فی ملکوت السماوات عظیمًا: فقیل تعلم لله و عمل لله و علم لله. (۲)

آن کسی که دانش تحصیل کند و بدان عمل کند و به دیگران برای خدا تعلیم بنماید، در ملکوت سماوات و عالم اله - که خودش عالم عظیم است - او را به عظیم صدا می‌کنند: ای بزرگ، ای آقا، ای کسی که برای خدا تحصیل علم کرده‌ای، برای خدا بدان عمل کرده‌ای، برای خدا به دیگران تعلیم داده‌ای، تو آقا و بزرگ و عظیمی.

بنده هفده سال در محضر شریف او با ایشان انس داشتم و از ایشان کار لغوی ندیدم. حرف لغوی نشنیدم. بسیار مواظب کلام خود بود. علامه طباطبائی و مراقبت از نفس

به حقیقت، دل این مرد بزرگوار معدن تقوا بود زیرا بسیار مواظب خود بود. همواره اهتمامش بر این بود و می‌گفت در شب و روز زمانی را برای حسابرسی خود قرار بدهید و ببینید که این ۲۴ ساعت چگونه بر شما گذشته. اهل محاسبه باشید. همان طور که یک بازرگان و یک کاسب دخل و خرج خود و صادرات و وارداتش را حساب می‌کند، شما ببینید در این شب و روز که بر شما گذشت، چه چیزی اندوخته‌اید. چه گفته‌اید. یک‌یک رفتار و گفتارتان را حسابرسی کنید. از نادرستی‌ها استغفار کنید و سعی کنید

تکرار نشود، و برای آنچه شایسته و صالح و به فرمان حاکم عقل بود، خدا را شاکر باشید، تا بتدریج برای شما تخلق به اخلاق ربوبی ملکه بشود. «و لاتکونوا کالذین نسوا الله فانسأهم انفسهم». (۳)

حضرت علامه همواره مراقب نفس خویش بود و از خدا غافل نمی‌شد و این امر در صورت و رفتار و حرفشان پیدا بود که ایشان در پیشگاه دیگری قرار گرفته. هر چند به صورت ظاهر، جسمش با دیگران بود، پیدا بود که در محضر دیگری نشسته است. در این باره، مصباح الشریعه می‌فرماید که: «العارف شخصی مع الخلق و قلبه مع الله» عارف بدنش با خلق و دلش با خداست «و لأمونس له سوی الله، و هو فی ریاض قدسه متردد و من لطائف فضله متزود» توشه‌اش آن سویی است. قلبی که او دارد در پیشگاه ملکوت عالم آمد و شد دارد. مونسش ملکوت عالم است.

چنین کسی مراقبت دارد و انسان بر اثر این مراقبت، یواش یواش به صفات ملکوتی متصف می‌شود و بدان خو می‌گیرد. از خاطر نمی‌رود که مرحوم علامه طباطبائی وقتی به من فرمود: «آقا، من هر روز مراقبتم قوی‌تر است. شب، مشاهدات من، مکاشفات من زلالتر است». هر چه روز مراقبت شدیدتر باشد، شب مکاشفات زلالتر و صافی‌تر است. عصاره خوبی‌ها علامه سید محمد حسین طباطبائی مردی ساده و بی‌آلایش بود. متواضع، مودب، متین و با وقار بود و هیچ وقت عصبانی نمی‌شد. هیچ گاه بلند سخن نگفت؛ در مورد کسی بد نمی‌گفت و هرگز کسی از ایشان غیبت نشنید. سخن کسی را قطع نمی‌کرد و به صحبت‌های دیگران خوب گوش میداد.

برای بدخواهان خودش هرگز نمی‌گذاشت که دیگران اقدامی کنند و خودش هم عفو میکرد. ز بحث‌های جدلی دوری میکرد و در برخورد با شاگردان خود شیوه مخصوصی داشت.

در شیوه وی هیچ وقت تحکم فکر در کار نبود. همیشه در عین حالی که سعی داشت متناسب با درک و استعداد شاگردان، مطلب را القا کند، به آن‌ها مجال تفکر میداد.

اساساً ایشان نسبت به تربیت شاگرد به خصوص اهل فضل و خصوصاً در زمینه معارف و حقایق قرآنی و استدلالی، شیفتگی زیادی داشت.

علامه اجازه نمیداد کسی دست ایشان را ببوسد؛ در همه لحظات مراقب خویش بود و هیچ گاه از خود تعریف نمی‌کرد. نسبت به اهل و عیال و خانواده بسیار مهربان بود. بامناجات و دعا و راز و نیاز بسیار مانوس بود. اکثر اوقات در سکوت بود و فقط لبانش به ذکر خدا حرکت میکرد.

پیاده روی را دوست داشت. در بذل دانش حریص بود. سؤال هیچکس را بدون جواب نمی‌گذاشت. به زیادی و کمی شاگردان توجه نداشت؛ حتی گاهی از اوقات برای دوسه نفر هم درس می‌گفت. گاهی که استاد خطاب میشد، می‌فرمود این تعبیر را دوست ندارم، ما اینجا دور هم جمع شده ایم تا با کمک و همفکری، معارف اسلام را دریابیم. اخلاص کامل داشت و همیشه جلب رضایت خدا را در نظر میگرفت.

و خلاصه این بزرگمرد الهی عصاره‌ای از تمام اخلاقیات نیکو و ویژگیهای حسن را دارا بود. پرواز به سوی ملکوت علامه طباطبائی، سرانجام پس از ۸۱ سال و هجده روز عمر با برکت و زندگی پرتلاش، در ۲۴ آبان ۱۳۶۰ ش از این جهان رخت بر بست و جهان تشیع را در سوگ خود نشانید. با درگذشت علامه، این مفسر وارسته و حکیم عارف، دل‌های پاک اندیشمندان و بزرگان عرصه علم و ادب غرق اندوه شد. سرسلسله بیداردلان، حضرت امام خمینی (ره) با اظهار هم‌دردی و برپایی مجلس ختم برای ایشان، این ضایعه اسفناک را به جهان تشیع تسلیت گفتند.

پاینده باد حوزه‌های نور و حجره‌های کوچک که در هر زمان و مکانی خیزشگاه مردانی بزرگ و ژرف‌اندیش بوده و خواهد بود.

(۲) اصول کافی، تعریب حضرت استاد حسن‌زاده آملی، ج ۱، ص ۲۷.

(۳) سوره حشر/ ۱۹

طباطبایی، نورالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در یکی از روزهای سال ۱۳۱۹ ه. ش در خانواده روحانی و مبارز، حاج میرزا علی آقا طباطبایی، در این آبادی با صفا، کودکی دیده به جهان گشود که پدر نام سید نور الله را برایش برگزید. این غنچه نورسته از همان آغازین روزهای حیات، تحت تربیت پدری متدین و فاضل و پرورش مادری پاکدامن، دانش دوست و علاقه‌مند به خاندان رسالت بالندگی یافت. چون فضای خانه‌ای که سید نور الله دوران طفولیت را در آن می‌گذرانید به علم و ایمان و پارسایی آراسته بود، از همان اوان شیرخوارگی، دانش‌طلبی در پرتو معنویت، با جان این نوباوه عجین گشت و تا آخر با او بود. او پویش علمی و عمل صالح را از پدری عالم و عامل و مادری فضیلت‌پرور، در کلاس تربیت خانوادگی آموخت و بی آن که پایش بلغزد، در طریق صلاح و فلاح گام نهاد و از پی تحصیل معرفت و مکارم به حریم مردان خدا، راه یافت. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب: نام پدر سید نورالله طباطبایی، حاج میرزا آقا است. حاج میرزا علی طباطبایی در عمل، اخلاق و تقوا انسانی نمونه بود و در منطقه اردستان با فرقه ضالّه بهائیت به مبارزه برخاست، مردمان این سامان پس از سال‌ها که از غروب آن ستاره فروزان می‌گذرد، زحمات وافر و تلاش‌های ارزشمند آن مرد بزرگ را در راه نشر معارف اسلامی و قلع و قمع تبه‌کیشان تبه‌ساز و خدمت به مردمان محروم روستاها، از یاد نبرده‌اند و خود را رهین کوشش‌های او می‌دانند. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: سید نورالله طباطبایی آموزش قرآن و مقدمات علوم دینی را نخست نزد پدر فاضل و خوش‌نامش آموخت. پس از تحصیلات ابتدایی برای افزایش دانسته‌ها و آشنایی هر چه بیشتر با معارف قرآن و عترت (ع) به توصیه پدر، ظفرقند (زفرقند) را به قصد اقامت در شهر مقدس قم ترک کرد و در سنین نوجوانی رهسپار این دیار شد. در آنجا نزد مدرسان خبره و استادان برجسته، با ادبیات عرب، فقه، اصول، حکمت، فلسفه و تفسیر قرآن آشنا شد. اخلاص این نوجوان به همراه صفای خانواده موجب آن گردید که خداوند لطفش را شامل حال او کند و از استعدادی سرشار و ذوقی عالی و همتی وافر، بهره‌مندش سازد؛ در نتیجه دوره مقدمات و سطح را در مدتی کوتاه و با سرعت فرا گرفت و از عهده کلیه امتحانات به خوبی برآمد. پس از پشت سر نهادن این دوره‌ها به دوره خارج فقه و اصول راه یافت و این لیاقت را به دست آورد تا به محضر پرفیض حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) راه یابد. وی با کوششی پی‌گیر، عزمی استوار و اراده‌ای خستگی‌ناپذیر، مراحل علمی را در چنین محفلی طی کرد و به کمالات علمی دست یافت. در آن زمان، آیت الله گلپایگانی با تلاشی مجدّانه روح فقاقت را در کالبد شاگردانی چون سید نورالله می‌دمید و امثال او را به عنوان پیشتازان فکری و طلایه‌داران اندیشه‌های دینی پرورش می‌داد. وی در ضمن فراگیری علوم نزد آن فروغ فقاقت، موفق گردید بیش از گذشته بذری مکارم و فضایل را در مزرعه وجود خویش بیفشاند و با احترام به آراء بزرگان بر کشتی نقد و پژوهش نشسته و اقیانوس معارف غنی تشیع را به غواصی پرداخته و صید گوهرهای ثمین و دُرهای گرانبها، به دست آورد. شهید سید نورالله طباطبایی نژاد به محفل نورانی عالم ربانی، متفکر شهید و فیلسوف عالیقدر، آیت الله مرتضی مطهری (ره) راه یافت. انس وی با این دانشمند به خون خفته، سرچشمه‌ای مهم در برنامه‌های درسی، پژوهشی و نیز تحولی شگرف در شیوه‌های تبلیغی، رفتاری و اخلاقی او به حساب می‌آید. به برکت این ارتباط علمی، شهید طباطبایی نژاد (ره) در حراست از مرزهای عقیدتی، حفاظت از حصن حصین اسلام، التقاط زدایی و زدودن

خرافه‌ها از فرهنگ مردم، نقش ارزنده‌ای را ایفا کرد. آن شهید با مبانی فکری و آراء فلسفی شهید مطهری آشنا شد و در کنار فراگیری فقه و اصول، آموختن مضامین فلسفی و حکمی را پی گرفت و در این بوستان از خرمن دانش آیت الله مطهری (ره) خوشه‌ها چید. فعالیتهای ضمن تحصیل: سید نورالله طباطبایی (ره) به موازات بیست سال تحصیل و تدریس و در اثنای این تلاش‌ها از کاوش و تتبع در منابع قرآنی غافل نشد. چه شب‌های زیادی، که آنها را با بحث و تحقیق در آیات قرآنی احیا می‌کرد! ویژگی‌ها، ضرورت‌ها و تقاضاهای آن عصر، مسائلی را طرح می‌نمود که نشان می‌داد از پیدایش مسائل جدید و مفاهیم تازه در عرصه زندگی افراد، سرچشمه می‌گیرد. شهید طباطبایی نژاد (ره) از آن دسته روحانیانی بود که این مسائل و تحولات را درک کرد و با احساس وظیفه فهمید، نمی‌توان در برابر این دگرگونی‌ها خاموش و بی‌تفاوت نشست و با بدگویی از زمانه، فقط بر اوضاع تأسف خورد یا در انزوا فرصتی طلایی را انتظار کشید. استادان و مربیان: از استادان سید نورالله طباطبایی بعد از پدرش می‌توان به آیه الله العظمی گلپایگانی و آیه الله مرتضی مطهری اشاره کرد. همسر و فرزندان: از سید نورالله طباطبایی چهار فرزند باقی مانده که فرزند کوچکش در زمان شهادت وی چهار ساله بود. زمان و علت فوت: سید نورالله طباطبایی در هفتم تیرماه ۱۳۶۰ ه.ش به همراه سالار شهیدان انقلاب اسلامی در کربلای سرچشمه به شهادت رسید و بیکر پاکش را در شیخان قم دفن گردید. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سید نورالله طباطبایی (ره) از وقتی که به حوزه علمیه قم راه یافت با اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره) آشنا گردید و در پرتو افکار تابناک آن روح قدسی، ستیز با استبداد و نفی هر گونه ستم را یکی از مهم‌ترین برنامه‌های خود قرار داد. وی از هیچ تهدید و خطری نهراسید و هر چه شب پرستان تاریک دل و خفاش صفت محیط فعالیت را برایش تنگ کرده و او را از سنگری محروم می‌نمودند، به عرصه دیگری می‌شتافت و چون آذرخش، کویر جهل انسانها را روشن کرده و آنها را از خواب غفلت بیدار می‌ساخت. خطابه‌های آموزنده این شهید برفراز منبر و نیز سخنان روشنگرش در جمع دوستان و جلسات خصوصی، ضمن بیان حقایقی از تعالیم اسلامی و ترسیم فضیلت‌ها، در اوج فصاحت و شیوایی بر دل‌ها می‌نشست. سخنرانی‌های وی این خصوصیت را داشت که با ارائه نمونه‌ها، اشاره به مصادیق و تطبیق اختناق رژیم پهلوی با دوران خفقان عباسیان و امویان، فساد و تباهی اعوان و انصار استبداد را برملا می‌کرد. هر کجا رژیم شاه حرکتی را بر ضد باورهای مذهبی مردم مرتکب می‌گردید، با افشای آن، استوار و فداکارانه خشم و نفرت خود را از تبه‌کاری‌های ستمکاران بروز می‌داد. آن شهید سعید همواره در ایام تبلیغی در نقاط مختلف کشور به هدایت و ارشاد مردم می‌پرداخت. ایشان در راه به ثمر رسانیدن انقلاب شکوهمند اسلامی بارها در قم و منطقه اردستان و زواره مورد ضرب و شتم دشمنان اسلام قرار گرفت. در آن دوران خفقان چندین مرتبه اتفاق افتاد که بعد از نماز مغرب و عشاء، در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (س) در قم، وقتی سخنان و بیانات امام خمینی (ره) را برای مردم تشریح می‌کرد و برای آن مرد بزرگ، دست به دعا بر می‌داشت، به دست مأموران پهلوی مورد هتک و شتم قرار می‌گرفت؛ ولی این فشارها نه تنها هیچ گونه تأثیر منفی در اراده استوارش - که از قلبی لبریز از ایمان و تقوا نشأت می‌گرفت - نمی‌نهاد؛ بلکه او را در راه هدف جدی‌تر هم می‌ساخت و برای وارد آوردن ضربات کوبنده‌تر به ریشه پوسیده استبداد بیش از پیش توان خویش را به کار می‌گرفت. در منطقه اردستان و زواره، اطلاعیه‌های حضرت امام (ره) را با شگرد خاص خود توزیع می‌کرد و در ضمن مبارزه شدید، تقیه را هم در نظر داشت، تا بتواند به کمک این سلاح سازنده، راه خویش را در جهت محو ستم ادامه دهد. او در واقع مأموران ساواک و عوامل رژیم را که با مراقبت دائمی، می‌خواستند سر از کارش درآورند، غافل می‌ساخت. مثلاً ایشان، ماشین حامل اعلامیه امام (ره) را با فاصله‌ای نسبتاً طولانی، از مسجد یا محل دیگر که می‌خواست آنها را در آنجا توزیع کند، پارک می‌کرد؛ سپس از کوچه‌های فرعی به حالت کاملاً عادی، طوری که شک مأموران را برنینگیزد، به آن مجلس وارد می‌شد و اطلاعیه‌ها را به افرادی می‌سپرد تا آنها خود، آن را پخش کنند. ایشان در شهر زواره، از دست طرفداران شاه به تنگ آمده بود؛ زیرا هر وقت او را می‌دیدند با بدگویی از مبارزان و مخالفان رژیم، بدترین نوع توهین‌ها را نسبت به حامیان امام (ره) و نهضت اسلامی، روا می‌داشتند؛ اما او با حفظ

مصلحت‌های لازم ضمن تعریف از مبارزین، مراقب بود تا بهانه‌ای دست این افراد ندهد، برای این که مبدا برای آنان زحمتی ایجاد کند؛ یا در فعالیت‌های سیاسی این نیروها اختلال به وجود آورند. سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: سیدنورالله طباطبایی در سال ۱۳۴۹ ش، در آن بجنوبه که مجلس فرمایشی رژیم پهلوی، هر روز قوانینی جدید در مخالفت با اسلام و تشیع و معارضت با قرآن و عترت وضع می‌کرد، شهید طباطبایی نژاد (ره) با قاطعیت تمام در یکی از مجالس عمومی و بر فراز منبر، نمایندگان آن روز را نوکر اجانب خواند. به دنبال این افشاگری، در منطقه اردستان و توابع ممنوع المنبر گشت و با پرونده‌ای حجیم که مأموران امنیتی برایش تنظیم کرده بودند، به ساواک مرکزی اصفهان منتقل گردید. با این همه پس از آزادی، مجدداً به تلاش‌های روشنگرانه خود ادامه داد و در جهت تنویر افکار عمومی و تغذیه فکری نسل جوان لحظه‌ای آرام نگرفت تا آن که در سال ۱۳۵۶ ش، به دست عوامل رژیم دستگیر و روانه زندان شد؛ اما در روز بیست و ششم دی ماه در سال ۱۳۵۷ که مقارن با فرار شاه مخلوع بود، از زندان رهایی یافت. در حدود سالهای ۱۳۵۱ یا ۱۳۵۲ ش بود که حضرت حجه الاسلام و المسلمین کرباسی - روحانی اعزامی از قم - در مسجد پامنار زواره (واقع در شمال اردستان) به مناسبت سالروز ولادت با سعادت حضرت مهدی (عج) جشنی بر پا کرده بود. شهید طباطبایی نژاد در این مراسم سخنرانی کرد. حداقل در منطقه اردستان و زواره ایشان بود که برای نخستین بار از رهبر و قائد نهضت اسلامی ایران، به عنوان «امام خمینی» اسم برد. آرا و گرایشهای خاص: سید نورالله طباطبایی (ره) از همان اوان کودکی، در مکتب پدر و اساتید وارسته خود، با فضایل و مکارم آشنا گشت و خود نیز با تزکیه نفس، عبادت و ارتباط با خداوند در جهت کسب خوی عالی و نیل به خوبی‌ها کوشید و به صفات نیک و خصال پسندیده آراسته گردید، از مهم‌ترین خصوصیت‌های اخلاقی او، فروتنی بود که در لحظه‌های متفاوت زندگی او نشانه‌های آن را می‌توان دید. وقتی می‌خواست در مجلسی بنشیند، هر کجا را که جا بود، انتخاب می‌کرد؛ با هر کسی که روبرو می‌شد، در سلام کردن از او پیشی می‌گرفت؛ در گفتگوهایش، اهل جدال نبود؛ دوست نداشت او ربه تقوا و ایمان بستایند. اگر از کسی بدی می‌دید، تا آنجا که به خودش مربوط می‌شد، با عفو و نیکی، از آن چشم می‌پوشید؛ اما اگر آن عمل خلاف، به بهای هتک ارزشها تمام می‌شد؛ یا اگر با از بین بردن آبروی مؤمنی ملازم بود؛ به شدت بر افروخته می‌شد. در واقع خشم و عصبانیت این شهید سعادت‌مند، در احیای فضایل و میراندن رذائل تجلی می‌کرد. اگر کسی انتقادی نسبت به رفتار او یا برخی مسائل دینی داشت، او را به نحوی متقاعد می‌کرد که آن طرف مقابل، آن مسائل را نه به عنوان جواب انتقاد بلکه به عنوان حقایقی روشن در کام می‌کشید. آن شهید فروتنی در مقابل اهل کبر و غرور را روا نمی‌دید؛ مخصوصاً نسبت به افراد وابسته به طاغوت سعی می‌کرد با این گونه اشخاص، از موضع صلابت و قدرت رفتار کند. یکی از اعضای شورای شهر اردستان (در زمان رژیم گذشته) حاج آقا نورالله طباطبایی (ره) را کاملاً می‌شناخت. طباطبایی نژاد (ره) به علت برخورداری از مواهب الهی، از خشونت روحی بیزار؛ و اهل صفا و صمیمیت بود. از آنجا که او خویش را از زندان «خود» و «نفس» رهانیده بود، بر اساس مهر و محبتی که داشت، به راحتی با دیگران پیوند قلبی برقرار می‌کرد؛ اما این عاطفه و احساسات، هم با ایمان تلطیف شده و هم به کمک دیگر فضایل، از جمله تقوا، جهت دار و دارای مقاصد الهی گشته بود. همین ویژگی موجب جذب افراد به سوی او گردید و سبب می‌شد اظهارات و توصیه‌هایش ثمر بخش گردد. نگارنده که از دوران نوجوانی و جوانی، با شرکت در محافل عمومی و برخی جلسات خصوصی، افتخار آشنایی، با حالات اخلاقی آن شهید را داشته، ناظر صفا، صداقت و اخلاص آن شهید بزرگوار بوده است. من به خوبی می‌دیدم که چگونه حرارت و نورانیت وی، حاضران را به تحرك و جوشش وای داشت، آنان را برای گوش دادن به سخنان آموزنده‌اش مهیا می‌کرد. این سید بزرگوار، با آن که با استفاده از میراث خانوادگی، می‌توانست زندگی مادی مناسبی را برای خود فراهم کند؛ اما در نهایت ساده زیستی و اکتفا به تأمین حداقل مایحتاج خانواده، روزگار می‌گذرانید. طباطبایی نژاد ضمن آن که خود را به صداقت آراسته بود، عقیده داشت مسؤولان نظام اسلامی همه باید بر این اساس انتخاب شوند و بر این باور بود که جامعه بدون صداقت نمی‌تواند در خط سعادت پیش برود. چگونگی عرضه آثار: سیدنورالله طباطبایی با

هوشیاری کامل این خلاء فکری و اجتماعی را دریافت و تصمیم گرفت آن را به شکلی صحیح برکند و از چشمه‌ای حیات بخش و جاویدان، جرعه‌هایی جانبخش در کام نسل تشنه و عطشان جامعه بریزد؛ لذا با وجود گرفتاری‌ها و اشتغالات بسیار و نیز اختناق سیاه در رژیم شاهی ناگهان به عنوان روزنه امیدی، به فکر او و برخی از دوستان فاضلش رسید تا به همراه سایر پژوهشگران با اخلاص و آگاه، زیر نظر حضرت آیت الله مکارم شیرازی (مد ظله) نگارش و تفسیر نمونه را آغاز نمایند. تلاش شبانه روزی آنان در مدت کوتاهی به ثمر نشست و بسیار زودتر از آنچه تصور می‌گردید، جلد اولش به طبع رسید. این تفسیر به دلیل شیوایی نثر، محتوای مفید و پاسخگویی به نیازها و سؤالات نسل جوان و رفع برخی اشکالات و ایرادهایی که در خصوص اصول و فروع دین مطرح می‌گردید، با استقبال فوق العاده‌ای مواجه شد؛ و به زودی برای تدوین کنندگان فاضل این مجموعه، مشخص گشت که عطش جامعه به تفسیری که در عین سادگی عبارات مباحث فراگیر علمی، کلامی، اجتماعی و توأم با مسایل روز و طرح موضوعات مستعد باشد، تا چه اندازه شدید است؛ لذا کوشیدند تا تمام توان خود را به پای تکمیل آن مباحث بریزند. شهید سید نور الله طباطبائی نژاد (ره) تا جلد یازدهم با تلاش زیاد و همه جانبه برای نگارش این اثر ارزنده و آموزنده، همکاری داشت.

منابع زندگینامه: سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما ۱۳۸۷ - www.hawzah.net

طباطبایی، نورالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در یکی از روزهای سال ۱۳۱۹ ه. ش در خانواده روحانی و مبارز، حاج میرزا علی آقا طباطبایی، در این آبادی با صفا، کودکی دیده به جهان گشود که پدر نام سید نور الله را برایش برگزید. این غنچه نورسته از همان آغازین روزهای حیات، تحت تربیت پدری متدین و فاضل و پرورش مادری پاکدامن، دانش دوست و علاقه‌مند به خاندان رسالت بالندگی یافت. چون فضای خانه‌ای که سید نور الله دوران طفولیت را در آن می‌گذرانید به علم و ایمان و پارسایی آراسته بود، از همان اوان شیرخوارگی، دانش‌طلبی در پرتو معنویت، با جان این نوباوه عجین گشت و تا آخر با او بود. او پویش علمی و عمل صالح را از پدری عالم و عامل و مادری فضیلت پرور، در کلاس تربیت خانوادگی آموخت و بی آن که پایش بلغزد، در طریق صلاح و فلاح گام نهاد و از پی تحصیل معرفت و مکارم به حریم مردان خدا، راه یافت. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب: نام پدر سید نورالله طباطبایی، حاج میرزا آقا است. حاج میرزا علی طباطبایی در عمل، اخلاق و تقوا انسانی نمونه بود و در منطقه اردستان با فرقه ضالّه بهائیت به مبارزه برخاست، مردمان این سامان پس از سال‌ها که از غروب آن ستاره فروزان می‌گذرد، زحمات وافر و تلاش‌های ارزشمند آن مرد بزرگ را در راه نشر معارف اسلامی و قلع و قمع تبه کیشان تبه ساز و خدمت به مردمان محروم روستاها، از یاد نبرده‌اند و خود را رهین کوشش‌های او می‌دانند. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: سید نورالله طباطبایی آموزش قرآن و مقدمات علوم دینی را نخست نزد پدر فاضل و خوش‌نامش آموخت. پس از تحصیلات ابتدایی برای افزایش دانسته‌ها و آشنایی هر چه بیشتر با معارف قرآن و عترت (ع) به توصیه پدر، ظفرقند (زفرقند) را به قصد اقامت در شهر مقدس قم ترک کرد و در سنین نوجوانی رهسپار این دیار شد. در آنجا نزد مدرسان خبره و استادان برجسته، با ادبیات عرب، فقه، اصول، حکمت، فلسفه و تفسیر قرآن آشنا شد. اخلاص این نوجوان به همراه صفای خانواده موجب آن گردید که خداوند لطفش را شامل حال او کند و از استعدادی سرشار و ذوقی عالی و همتی وافر، بهره‌مندش سازد؛ در نتیجه دوره مقدمات و سطح را در مدتی کوتاه و با سرعت فرا گرفت و از عهده کلیه امتحانات به خوبی برآمد. پس از پشت سر نهادن این دوره‌ها به دوره خارج فقه و اصول راه یافت و این لیاقت

را به دست آورد تا به محضر پرفیض حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) راه یابد. وی با کوششی پی گیر، عزمی استوار و اراده‌ای خستگی ناپذیر، مراحل علمی را در چنین محفلی طی کرد و به کمالات علمی دست یافت. در آن زمان، آیت الله گلپایگانی با تلاشی مجدانه روح فقاقت را در کالبد شاگردانی چون سید نورالله می‌دمید و امثال او را به عنوان پیشتازان فکری و طلایه‌داران اندیشه‌های دینی پرورش می‌داد. وی در ضمن فراگیری علوم نزد آن فروغ فقاقت، موفق گردید بیش از گذشته بذر مکارم و فضایل را در مزرعه وجود خویش بیفشاند و با احترام به آراء بزرگان بر کشتی نقد و پژوهش نشسته و اقیانوس معارف غنی تشیع را به غواصی پرداخته و صید گوهرهای ثمین و دُرهای گرانبها، به دست آورد. شهید سید نورالله طباطبایی نژاد به محفل نورانی عالم ربانی، متفکر شهید و فیلسوف عالیقدر، آیت الله مرتضی مطهری (ره) راه یافت. انس وی با این دانشمند به خون خفته، سرچشمه‌ای مهم در برنامه‌های درسی، پژوهشی و نیز تحولی شگرف در شیوه‌های تبلیغی، رفتاری و اخلاقی او به حساب می‌آید. به برکت این ارتباط علمی، شهید طباطبایی نژاد (ره) در حراست از مرزهای عقیدتی، حفاظت از حصن حصین اسلام، التقاط زدایی و زدودن خرافه‌ها از فرهنگ مردم، نقش ارزنده‌ای را ایفا کرد. آن شهید با مبانی فکری و آراء فلسفی شهید مطهری آشنا شد و در کنار فراگیری فقه و اصول، آموختن مضامین فلسفی و حکمی را پی گرفت و در این بوستان از خرمن دانش آیت الله مطهری (ره) خوشه‌ها چید. فعالیت‌های ضمن تحصیل: سید نورالله طباطبایی (ره) به موازات بیست سال تحصیل و تدریس و در اثنای این تلاش‌ها از کاوش و تتبع در منابع قرآنی غافل نشد. چه شب‌های زیادی، که آنها را با بحث و تحقیق در آیات قرآنی احیا می‌کرد! ویژگی‌ها، ضرورت‌ها و تقاضاهای آن عصر، مسائلی را طرح می‌نمود که نشان می‌داد از پیدایش مسائل جدید و مفاهیم تازه در عرصه زندگی افراد، سرچشمه می‌گیرد. شهید طباطبایی نژاد (ره) از آن دسته روحانیانی بود که این مسائل و تحولات را درک کرد و با احساس وظیفه فهمید، نمی‌توان در برابر این دگرگونی‌ها خاموش و بی تفاوت نشست و با بدگویی از زمانه، فقط بر اوضاع تأسف خورد یا در انزوا فرصتی طلایی را انتظار کشید. استادان و مربیان: از استادان سید نورالله طباطبایی بعد از پدرش می‌توان به آیه الله العظمی گلپایگانی و آیه الله مرتضی مطهری اشاره کرد. همسر و فرزندان: از سید نورالله طباطبایی چهار فرزند باقی مانده که فرزند کوچکش در زمان شهادت وی چهار ساله بود. زمان و علت فوت: سید نورالله طباطبایی در هفتم تیرماه ۱۳۶۰ ه. ش به همراه سالار شهیدان انقلاب اسلامی در کربلای سرچشمه به شهادت رسید و پیکر پاکش را در شیخان قم دفن گردید. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: سید نورالله طباطبایی (ره) از وقتی که به حوزه علمیه قم راه یافت با اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره) آشنا گردید و در پرتو افکار تابناک آن روح قدسی، ستیز با استبداد و نفی هر گونه ستم را یکی از مهم‌ترین برنامه‌های خود قرار داد. وی از هیچ تهدید و خطری نهراسید و هر چه شب پرستان تاریک دل و خفاش صفت محیط فعالیت را برایش تنگ کرده و او را از سنگری محروم می‌نمودند، به عرصه دیگری می‌شتافت و چون آذرخش، کویر جهل انسانها را روشن کرده و آنها را از خواب غفلت بیدار می‌ساخت. خطابه‌های آموزنده این شهید بر فراز منبر و نیز سخنان روشنگرش در جمع دوستان و جلسات خصوصی، ضمن بیان حقایقی از تعالیم اسلامی و ترسیم فضیلت‌ها، در اوج فصاحت و شیوایی بر دل‌ها می‌نشست. سخنرانی‌های وی این خصوصیت را داشت که با ارائه نمونه‌ها، اشاره به مصادیق و تطبیق اختناق رژیم پهلوی با دوران خفقان عباسیان و امویان، فساد و تباهی اعوان و انصار استبداد را بر ملا می‌کرد. هر کجا رژیم شاه حرکتی را بر ضد باورهای مذهبی مردم مرتکب می‌گردید، با افشای آن، استوار و فداکارانه خشم و نفرت خود را از تبه‌کاری‌های ستمکاران بروز می‌داد. آن شهید سعید همواره در ایام تبلیغی در نقاط مختلف کشور به هدایت و ارشاد مردم می‌پرداخت. ایشان در راه به ثمر رسانیدن انقلاب شکوهمند اسلامی بارها در قم و منطقه اردستان و زواره مورد ضرب و شتم دشمنان اسلام قرار گرفت. در آن دوران خفقان چندین مرتبه اتفاق افتاد که بعد از نماز مغرب و عشا، در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (س) در قم، وقتی سخنان و بیانات امام خمینی (ره) را برای مردم تشریح می‌کرد و برای آن مرد بزرگ، دست به دعا بر می‌داشت، به دست مأموران پهلوی مورد هتک و شتم قرار می‌گرفت؛ ولی این فشارها نه تنها هیچ گونه

تأثیر منفی در اراده استوارش - که از قلبی لبریز از ایمان و تقوا نشأت می‌گرفت. - نمی‌نهاد؛ بلکه او را در راه هدف جدی تر هم می‌ساخت و برای وارد آوردن ضربات کوبنده‌تر به ریشه پوسیده استبداد بیش از پیش توان خویش را به کار می‌گرفت. در منطقه اردستان و زواره، اطلاعیه‌های حضرت امام (ره) را با شگرد خاص خود توزیع می‌کرد و در ضمن مبارزه شدید، تقیه را هم در نظر داشت، تا بتواند به کمک این سلاح سازنده، راه خویش را در جهت محو ستم ادامه دهد. او در واقع مأموران ساواک و عوامل رژیم را که با مراقبت دائمی، می‌خواستند سر از کارش در آورند، غافل می‌ساخت. مثلاً ایشان، ماشین حامل اعلامیه امام (ره) را با فاصله‌ای نسبتاً طولانی، از مسجد یا محل دیگر که می‌خواست آنها را در آنجا توزیع کند، پارک می‌کرد؛ سپس از کوچه‌های فرعی به حالت کاملاً عادی، طوری که شک مأموران را برنیزد، به آن مجلس وارد می‌شد و اطلاعیه‌ها را به افرادی می‌سپرد تا آنها خود، آن را پخش کنند. ایشان در شهر زواره، از دست طرفداران شاه به تنگ آمده بود؛ زیرا هر وقت او را می‌دیدند با بدگویی از مبارزان و مخالفان رژیم، بدترین نوع توهین‌ها را نسبت به حامیان امام (ره) و نهضت اسلامی، روا می‌داشتند؛ اما او با حفظ مصلحت‌های لازم ضمن تعریف از مبارزین، مراقب بود تا بهانه‌ای دست این افراد ندهد، برای این که مبادا برای آنان زحمتی ایجاد کنند؛ یا در فعالیت‌های سیاسی این نیروها اختلال به وجود آورند. سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره : سیدنورالله طباطبایی در سال ۱۳۴۹ ش، در آن بحبوحه که مجلس فرمایشی رژیم پهلوی، هر روز قوانینی جدید در مخالفت با اسلام و تشیع و معارضت با قرآن و عترت وضع می‌کرد، شهید طباطبایی نژاد (ره) با قاطعیت تمام در یکی از مجالس عمومی و بر فراز منبر، نمایندگان آن روز را نوکر اجانب خواند. به دنبال این افشاگری، در منطقه اردستان و توابع ممنوع المنبر گشت و با پرونده‌های حجیم که مأموران امنیتی برایش تنظیم کرده بودند، به ساواک مرکزی اصفهان منتقل گردید. با این همه پس از آزادی، مجدداً به تلاش‌های روشنگرانه خود ادامه داد و در جهت تنویر افکار عمومی و تغذیه فکری نسل جوان لحظه‌ای آرام نگرفت تا آن که در سال ۱۳۵۶ ش، به دست عوامل رژیم دستگیر و روانه زندان شد؛ اما در روز بیست و ششم دی ماه در سال ۱۳۵۷ که مقارن با فرار شاه مخلوع بود، از زندان رهایی یافت. در حدود سالهای ۱۳۵۱ یا ۱۳۵۲ ش بود که حضرت حجه الاسلام والمسلمین کرباسی - روحانی اعزامی از قم - در مسجد پامنار زواره (واقع در شمال اردستان) به مناسبت سالروز ولادت با سعادت حضرت مهدی (عج) جشنی بر پا کرده بود. شهید طباطبایی نژاد در این مراسم سخنرانی کرد. حداقل در منطقه اردستان و زواره ایشان بود که برای نخستین بار از رهبر و قائد نهضت اسلامی ایران، به عنوان «امام خمینی» اسم برد. آرا و گرایشهای خاص : سید نورالله طباطبایی (ره) از همان اوان کودکی، در مکتب پدر و اساتید وارسته خود، با فضایل و مکارم آشنا گشت و خود نیز با تزکیه نفس، عبادت و ارتباط با خداوند در جهت کسب خوی عالی و نیل به خوبی‌ها کوشید و به صفات نیک و خصال پسندیده آراسته گردید، از مهم‌ترین خصوصیت‌های اخلاقی او، فروتنی بود که در لحظه‌های متفاوت زندگی او نشانه‌های آن را می‌توان دید. وقتی می‌خواست در مجلسی بنشیند، هر کجا را که جا بود، انتخاب می‌کرد؛ با هر کسی که روبرو می‌شد، در سلام کردن از او پیشی می‌گرفت؛ در گفتگوهایش، اهل جدال نبود؛ دوست نداشت او را به تقوا و ایمان بستانند. اگر از کسی بدی می‌دید، تا آنجا که به خودش مربوط می‌شد، با عفو و نیکی، از آن چشم می‌پوشید؛ اما اگر آن عمل خلاف، به بهای هتک ارزشها تمام می‌شد؛ یا اگر با از بین بردن آبروی مؤمنی ملازم بود؛ به شدت بر افروخته می‌شد. در واقع خشم و عصبانیت این شهید سعادت‌مند، در احیای فضایل و میراندن رذائل تجلی می‌کرد. اگر کسی انتقادی نسبت به رفتار او یا برخی مسائل دینی داشت، او را به نحوی متقاعد می‌کرد که آن طرف مقابل، آن مسائل را نه به عنوان جواب انتقاد بلکه به عنوان حقایقی روشن در کام می‌کشید. آن شهید فروتنی در مقابل اهل کبر و غرور را روا نمی‌دید؛ مخصوصاً نسبت به افراد وابسته به طاغوت سعی می‌کرد با این گونه اشخاص، از موضع صلابت و قدرت رفتار کند. یکی از اعضای شورای شهر اردستان (در زمان رژیم گذشته) حاج آقا نورالله طباطبایی (ره) را کاملاً می‌شناخت. طباطبایی نژاد (ره) به علت برخورداری از مواهب الهی، از خشونت روحی بیزار؛ و اهل صفا و صمیمیت بود. از آنجا که او خویش را از زندان «خود» و «نفس» رهانیده بود، بر

اساس مهر و محبتی که داشت، به راحتی با دیگران پیوند قلبی برقرار می‌کرد؛ اما این عاطفه و احساسات، هم با ایمان تلطیف شده و هم به کمک دیگر فضایل، از جمله تقوا، جهت دار و دارای مقاصد الهی گشته بود. همین ویژگی موجب جذب افراد به سوی او گردید و سبب می‌شد اظهارات و توصیه‌هایش ثمر بخش گردد. نگارنده که از دوران نوجوانی و جوانی، با شرکت در محافل عمومی و برخی جلسات خصوصی، افتخار آشنایی، با حالات اخلاقی آن شهید را داشته، ناظر صفا، صداقت و اخلاص آن شهید بزرگوار بوده است. من به خوبی می‌دیدم که چگونه حرارت و نورانیت وی، حاضران را به تحریک و جوشش وای می‌داشت، آنان را برای گوش دادن به سخنان آموزنده‌اش مهیا می‌کرد. این سید بزرگوار، با آن که با استفاده از میراث خانوادگی، می‌توانست زندگی مادی مناسبی را برای خود فراهم کند؛ اما در نهایت ساده زیستی و اکتفا به تأمین حداقل مایحتاج خانواده، روزگار می‌گذرانید. طباطبایی نژاد ضمن آن که خود را به صداقت آراسته بود، عقیده داشت مسؤولان نظام اسلامی همه باید بر این اساس انتخاب شوند و بر این باور بود که جامعه بدون صداقت نمی‌تواند در خط سعادت پیش برود. چگونگی عرضه آثار: سید نورالله طباطبایی با هوشیاری کامل این خلاء فکری و اجتماعی را دریافت و تصمیم گرفت آن را به شکلی صحیح پر کند و از چشمه‌ای حیات بخش و جاویدان، جره‌هایی جانبخش در کام نسل تشنه و عطشان جامعه بریزد؛ لذا با وجود گرفتاری‌ها و اشتغالات بسیار و نیز اختناق سیاه در رژیم شاهی ناگهان به عنوان روزنه امیدی، به فکر او و برخی از دوستان فاضلش رسید تا به همراه سایر پژوهشگران با اخلاص و آگاه، زیر نظر حضرت آیت الله مکارم شیرازی (مدّ ظلّه) نگارش و تفسیر نمونه را آغاز نمایند. تلاش شبانه روزی آنان در مدت کوتاهی به ثمر نشست و بسیار زودتر از آنچه تصور می‌گردید، جلد اولش به طبع رسید. این تفسیر به دلیل شیوایی نثر، محتوای مفید و پاسخگویی به نیازها و سؤالات نسل جوان و رفع برخی اشکالات و ایرادهایی که در خصوص اصول و فروع دین مطرح می‌گردید، با استقبال فوق العاده‌ای مواجه شد؛ و به زودی برای تدوین کنندگان فاضل این مجموعه، مشخص گشت که عطش جامعه به تفسیری که در عین سادگی عبارات مباحث فراگیر علمی، کلامی، اجتماعی و توأم با مسایل روز و طرح موضوعات مستعد باشد، تا چه اندازه شدید است؛ لذا کوشیدند تا تمام توان خود را به پای تکمیل آن مباحث بریزند. شهید سید نورالله طباطبائی نژاد (ره) تا جلد یازدهم با تلاش زیاد و همه جانبه برای نگارش این اثر ارزنده و آموزنده، همکاری داشت.

منابع زندگینامه: سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما ۱۳۷۱ - www.hawzah.net/

طباطبائی

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

۱۳۲۳ ق، از زنان فقیه، محدث، سخنور، عابد و زاهد. مقدمات علوم اسلامی و ادبیات عرب را از علمای آن زمان فراگرفت سپس نزد مردان دانشمند خانواده‌اش فقه آموخت. زمانی که به سن رشد رسید او را به ازدواج سید علی طباطبایی بروجردی درآوردند و از او پسری آورد به نام سید حسین (آیت الله عظمی بروجردی مرجع تقلید عصر) (۱۳۸۰ ق / ۱۳۴۰ ش). خانواده آغابیکم از خاندان‌های بزرگ علم و فضیلت در بروجرد بود و از میان آنها مردان و زنان بزرگی برخاستند. آن مرحومه در بروجرد درگذشت و بر حسب وصیتش، پیکرش را به نجف اشرف منتقل کردند و در وادی السلام به خاک سپردند. برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منابع: اعیان الشیعه (مستدرکات)، ۴/۸، خاندان آیت الله بروجردی، ۱۳۲؛ دایرةالمعارف تشیع، ۱۲۰ / ۱.

طباطبائی ابرقوئی، زین العابدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم زاهد فاضل متقی، و محدث خبیر، ادیب شاعر، از اجله‌ی شاگردان آقا سید محمد باقر درچه‌ای، و آخوند کاشی، و آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی، و جمعی دیگر از فحول دانشمندان بود.

مردی خلیق و مهربان، و از جمله کسانی بود که عملاً درس دین و اخلاق به مردم می‌آموخت، مستحبی را از مستحبات ترک نمی‌کرد، و مکروهات را عملاً جزو محرّمات می‌دانست.

در هشتم ماه صفر سال ۱۳۷۲ به سن متجاوز از هفتاد سال وفات یافته، در تخت فولاد مدفون گردید.

کتب و رسائل عدیده نوشته، از آن جمله: ۱- تریاق اعظم ۲- ولایة المتقین، در تقوی و فضائل امیرالمؤمنین علیه‌السلام به طبع رسیده.

از اشعار اوست:

جز صبر از هجوم بلا نیست چاره‌ای

غیر از رضا به سر قضا نیست چاره‌ای

خواهی اگر نجات ز امواج حادثات

جز التجا به آل عبا نیست چاره‌ای

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

طباطبائی اصفهانی، محمد علی

قرن: ۱۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن عبدالکریم طیب حاذق، مولف کتاب «راحة الانسان» در طب به زبان فارسی، در ادویه‌ی مفرده و مرکبه.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

طباطبائی بروجردی، علینقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۴۹-۱۱۸۸ ق)، عالم امامی و فقیه اصولی. از علمای امامیه قرن سیزدهم و از شاگردان محقق قمی بود. فرزندش، سید میرزا محمود طباطبائی، در حاشیه‌ی شرحی که بر «منظومه‌ی بحرالعلوم نگاشته درباره‌ی پدرش گوید که او با دانش فراوانی که داشت هیچ‌گاه فتوائی نداد و قضاوتی نکرد گر چه پاره‌ای از علما مردم را به رجوع به او سوق می‌دادند. او در بروجرد درگذشت و در

کنار قبر پدرش به خاک سپرده شد. از آثار وی: حاشیه بر «زبدہ الاصول فی اصول الفقہ» شیخ بهایی؛ حاشیه بر «قوانین الاصول فی اصول الفقہ» میرزای قمی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعہ (۳۶۷ / ۸)، الذریعہ (۱۷۸، ۱۰۳ / ۶)، ریحانہ (۳۰ / ۴)، لغت‌نامه (ذیل / طباطبائی)، معجم المؤلفین (۲۵۵ / ۷)، مکارم الآثار (۱۳۴۲ / ۴).

طباطبائی بروجردی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند سید عبدالکریم بن سید مراد طباطبائی اصفهانی بروجردی.

علامه‌ی فقیه زاهد محقق بارع مصنف، خواهرزاده‌ی علامه ملا-محمد باقر مجلسی، و جد پنجم مرحوم آیه‌الله حاج آقا حسین بروجردی. در اصفهان متولد شده، و در این شهر و نجف تحصیل نموده، سال‌ها در کرمانشاه ساکن بوده، و قبرش در بروجرد زیارتگاهی معروف است.

وفاتش بنا به نوشته‌ی مجله‌ی المرشد در ۱۲۰۰ روی داده است.

کتاب زیر از تألیفات اوست:

- ۱- اثبات عصمة الائمه از آیه‌ی (و اذ ابتلی ابراهیم ربه) ۲- الاحباط و التکفیر ۳- تحفه الغری، در معنی و تحقیق در اسلام و ایمان
 - ۴- رساله‌ی رضاعیه ۵- رساله در رد ایراد وحید بهبهانی بر شهید ثانی ۶- رساله در اسرار اشکال خاصه به حروف تهجی ۷- رساله در رد صدوق و قائلین به سهو النبی صلی الله علیه و اله و سلم ۹- رساله در فضل مسجد کوفه ۱۰- رساله در طالع ولادت و زایجه
 - ۱۱- رساله درباره‌ی شهادت زنان ۱۲- رساله درباره‌ی روزه‌ی روز عاشورا ۱۳- رساله در این که آیا فجر از روز است یا از شب؟
 - ۱۴- رساله در امر و بیان از مباحث اصولی ۱۵- شرح زیارت جامعه‌ی کبیره ۱۶- شرح مفاتیح ۱۷- موالید النبی و الائمه؛ و غیره.
- برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

طباطبائی فشارکی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد طباطبائی فشارکی معروف به (سید استاد) بن امیر سید قاسم طباطبائی از اساتید بزرگ و اعظام علماء و مجتهدین و مدرسین عالیمقام و شاگردان برجسته و میرز مرحوم آیت‌الله العظمی آقای میرزا محمدحسن مجدد شیرازی و بنا بر نقل بزرگان اعلم وافقه و اورع تلامذه میرزاه بزرگ بوده است.

مراجع بزرگ و آیات عظامی چون مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری و آیت‌الله العظمی آقا میرزا حسین نائینی و آیت‌الله حاج شیخ محمدرضا مسجد شاهی اصفهانی و امثالهم از شاگردان او بوده‌اند.

آن بزرگوار با آن مقام علمی و فقاہت که داشت معرض از ریاست و مرجعیت بود و هرچه از شاگردان و تلامذه او مانند مرحوم

آیت‌الله حایری یزدی و آیت‌الله حاج سید محمدرضا یثربی کاشانی و دیگران به ایشان اصرار می‌کردند که رساله بنویس و فتوا بده قبول نمی‌کرد.

مرحوم آیت‌الله آقا میرزا سید علی یثربی کاشانی از مرحوم والدش و آیت‌الله حایری نقل کرد که روزی در خدمت آن مرحوم از درس برمی‌گشتند و در راه به ایشان می‌گفتند چرا رساله نمی‌نویسید و چرا خود را در معرض قرار نمی‌دهید مگر از اقران خود کمتر هستید تا رسیدند درب منزلشان آن مرحوم وارد منزل شده و برگشت دو طرف درب منزل را گرفته و گفت شیخ عبدالکریم و سید محمدرضا و... خودم را از رفقایم اعلم و... می‌دانم.

ولی در خود را معرض ریاست و مرجعیت قرار نمی‌دهم زیرا خداوند فرموده (تلك الدار الاخرة نجعلها للذين لا يريدون علواً في الارض ولا فساد او العاقبة للمتقين) پس وارد منزل شده و در را بست.

مرحوم آیت‌الله حاج آقا حسن فرید محسنی از قول مرحوم حجة الاسلام آقا شیخ محمدرضا ازقذانی اراکی نقل کردند که وقتی مرحوم آیت‌الله العظمی میرزا بزرگ شیرازی در سامره وفات کرد همه یقین داشتند که سید استاد بر جنازه میرزا نماز خواهد خواند و مرجعیت او مسلم خواهد بود.

پس دیدند سید نیست هرچه تفحص کردند سید را نیافتند و چند ساعت جنازه را معطل عاقبت مایوس شدند و بر جنازه نماز خواندند و حرکت دادند برای نجف پس دیدند سید پیدا شد در حالی که آنقدر گریسته که چشمانش سرخ شده گفتند آقا کجا بودید و چرا نیامدید که بر جنازه میرزا نماز بخوانید و تکلیف معلوم شود.

گفت من خود این حساب را کرده بودم و دیدم دلم هم بدش نمی‌آید از اینکه من رئیس شوم.

پس رفتم در جائی و به حضرت ولی عصر عجل الله فرجه توسل جستم و قسمش دادم که این هوا از سرم برداشته شود پس لطف فرمودند و پذیرفتند حالا هر که می‌خواهد مرجع و رئیس باشد باشد.

آثار علمی معظم له وجود شاگردان بزرگواری مانند آیت‌الله العظمی حایر یزدی (مؤسس حوزه علمیه قم) و آیت‌الله حاج سید محمدرضا یثربی کاشانی و ده‌ها نفر دیگر است مضافاً دارای دو فرزند دانشمند و متقی.

۱- بنام مرحوم آیت‌الله حاج سید علی اکبر طباطبائی (داماد مرحوم آیت‌الله حاج شیخ مرتضی آشتیانی).

۲- آیت‌الله حاج سید عباس طباطبائی (داماد آیت‌الله حاج میرزا احمد آشتیانی) می‌باشند.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طباطبائی قمی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی بن آیت‌الله العظمی حاج آقا حسین طباطبائی قمی از علماء معروف معاصر کربلا و اکنون مقیم لبنان می‌باشند.

معظم له در حدود سال ۱۳۳۰ قمری در نجف اشرف به دنیا آمده و پس از پرورش در بیت علم و تقوا به تحصیل علوم عربی و ادبی پرداخته و در مصاحبت والد معظمش از نجف اشرف به مشهد رضوی مسافرت و متون فقه و اصول را از مدرسین عالی خراسان فرا گرفته و پس از آن از درس خارج مرحوم والدش و دیگران بهره‌مند گردیده و در سال ۱۳۵۳ قمری به اتفاق والد گرامی و کلیه بستگان اخراج به عراق و در کربلای معلی اقامت نموده و به تکمیل مبانی علمی از والدش و دیگران اشتغال یافته تا پس از فوت آن مرحوم در ربیع ۱۳۶۶ قمری که بجای ایشان در صحن مطهر حسینی به اقامه جماعت و تدریس پرداخته تا در چند سال اخیر که به

واسطه ضعف مزاج و ناامنی عراق به لبنان عزیمت و مردم آن سامان از وجودش مستفیض می‌گردند ادام الله ظلّه و توفیقه. دارای فرزندان برومندی می‌باشند که از آنها جناب حجه الاسلام آقای حاج آقا هادی طباطبائی قمی از دانشمندان و ائمه جماعت معاصر تهرانند و اکنون در مسجد میدان قزوین به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ترویج دین و معارف اسلامی اشتغال دارند. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طباطبائی یزدی، محمد

قرن: ۱۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقا سید محمد طباطبائی یزدی از دانشمندان صاحب اثر یزد و از تألیفات او است رساله المحسنیه که به زبان فارسی در معالجه طیور نوشته است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

طباطبائی یزدی، محمد کاظم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد کاظم بن سید عبدالعظیم طباطبائی یزدی اعراف معاریف علماء و اشهر مشاهیر فقهاء استان یزد است. خیابانی در ص ۳۳۴ ج ۴ ریحانه الادب گوید: از فحول و متبحرین علماء امامیه قرن حاضر چهاردهم هجرت که عالمی است متقی و عامل و محقق مدقق و جامع تمامی علوم دینیه فروعیه و اصولیه و سید علماء امت و حامل لوای شریعت و از مفاخر شیعه و رئیس مذهبی فرقه محقه و بالخصوص در فقه جعفری به نهایت متبحر و دارای فکری عمیق و نظری دقیق و مرجع تقلید اغلب شیعه و علامه وقت و سرآمد فقهاء عصر و حوزه درس او در نجف اشرف انفع حوزه‌های علمیه و مرجع استفاده اکابر و فحول اساتید بوده و مطالب عالیه فقهیه را با بیانات سهل و ساده و شیوا به سمع حاضرین رسانده و از کثرت احاطه‌ای که داشته غالب مشکلات آن علم شریف را با تقریبات قریب به فهم عموم حل نموده:

باری سید در سال ۱۲۴۷ و یا ۱۲۵۶ هجری در یکی از قراء یزد متولد و بعد از بلوغ به اصفهان رفته و مدتی نزد آقا نجفی شیخ محمدباقر و صاحب روضات الجنات و بعضی اکابر دیگر که شرح حال هر یک در محل مقتضی از این کتاب نگارش یافته و از اجلاء فقهاء وقت بوده‌اند تلمذ کرده تا آنکه اجتهاد او مورد تصدیق ایشان بوده.

سپس به نجف اشرف رفته و تمامی اوقات خود را در ادامه تحصیل عالیه علمیه مصروف داشته و به میرزا شیرازی حاج میرزا محمدحسن (سابق الذکر) و بعضی از اکابر دیگر تلمذ نموده است.

و بعد از وفات استاد معظم خود به تدریس علوم دینیه پرداخته و بسیار محترم و محل توجه عموم بوده تا در موقع نهضت ملی ایران و تبدیل اصول سلطنت قتل او تصمیم شده و لکن روساء و شیوخ اعراب نجف گرداگرد خانه او را محاصره کرده و در حفظ و حراست وی اهتمام تمام به کار بردند.

تا آنکه که آن غائله هائله رفع و ریاست مذهبی بد و منتهی و مسلم عموم گردیده... تا در شب سه‌شنبه ۲۷ و یا ۲۸ ماه رجب ۱۳۳۷

قمری وفات و در مقبره درب طوسی از صحن مقدس مرتضوی مدفون گردیده و از خود آثار علمی و باقیات الصالحات چندی که ذیلا می‌نگارم به یادگار گذاشتند.

۱- بستان نیاز در مناجات فارسی که در سال ۱۳۳۶ ق به چاپ رسیده.

۲- تعادل و تراجیح که بسیار مبسوط و در تهران چاپ شده.

۳- حاشیه مکاسب شیخ مرتضی انصاری که بهترین حواشی مکاسب است

۴- حجیه‌الظن در عدد رکعات و کیفیت صلوه الاحتیاط که هر دو در تهران به طبع رسیده.

۵- السؤال و الجواب در نجف چاپ شده.

۶- صحیفه کاظمیه در بغداد به طبع رسیده.

۷- العروه الوثقی که تاکنون ده‌ها بار در ایران و عراق و هندوستان و بیروت به طبع رسیده و صدها حاشیه و شرح بر آن خورده و در این اواخر تعلیقاتی و در دو مجلد بزرگ به نام (غایه القصوی لمن رام التمسک بالعروه الوثقی) آیت‌الله العظمی آقا سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی مدظله بر آن نوشته و به طبع رسانیده‌اند.

و این عروه‌الوثقی به واسطه سلاست متن و عباراتش بیش از پنجاه سال است که عنوان درس خارج فقه مراجع بزرگ نجف و قم و غیره می‌باشد.

۸- منجزات مریض که با حاشیه مکاسب در یکجا طبع شده است.

و اما باقیات الصالحات آن جناب مدرسه علمیه بزرگ و زیبایی در نجف اشرف که احسن مدارس نجف است به نام (مدرسه سید) و شیخ علی مازندرانی از شاگردان او در ماده تاریخ بناء آن گفته.

اسسها بحر العلوم و التقی

محمد الکاظم من نسل طبا

نگارنده... گوید: بیت علامه یزدی از بیوتات اصیله و ریشه‌دار علمی نجف اشرف است که در میان آنان دانشمندان بزرگی - چون آیت‌الله حاج سید محمد طباطبائی یزدی و آیت‌الله حاج سیدعلی طباطبائی یزدی فرزندان سید یزدی بوده و از هر کدام این دو فرع بزرگ علماء برجسته و نویسندگان شایسته و بنامی مانند صاحب (بزم ایران)، و غیره بوده‌اند که شرح آن در خور کتاب مستقلی خواهد بود و ما را مجال بیش از این نیست.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

طباطبائی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن بن آیت‌الله العظمی حاج آقا حسین طباطبائی قمی از فقهاء گرامی معاصر است.

ولادت معظم‌له در سال ۱۳۲۹ قمری در نجف اشرف (سال فوت مرحوم علامه آخوند خراسانی) واقع شده و دوران کودکی را در عتبات عالیات گذرانیده و در خدمت والد بزرگوارش به مشهد آمده و اولیات و سطوح معقول و منقول را در آنجا از علماء و مدرسین آستان قدس رضوی فراگرفته و در سال ۱۳۴۷ هجری به مکه مشرف و و در بازگشت در اثر کسالت مدت شش ماه به اصفهان مسافرت و از محضر مدرسین بزرگ آنجا استفاده نموده و پس از آن در سال ۱۳۵۰ به اتفاق والدش عزیمت به عراق و در

نجف از محضر مرحوم آیت‌الله آقا میرزا حسین نائینی و بعضی دیگر بهره‌مند شده و باز به مشهد مراجعت و از محضر والد بزرگوار استفاده نموده و در سانحه مسجد گوهرشاد در سال ۱۳۵۴ ق در معیت والدش تبعید به کربلا گردیده و در آنجا نیز از آن مرحوم و اساتید دیگر نجف و کربلا بهره‌مند و ضمناً خود به تدریس سطوح نهائی (مکاسب و کفایه و...) پرداخته تا سال ۱۳۶۸ قمری پس از فوت والدش به قصد اقامت مهاجرت به ارض اقدس رضوی و مشهد مقدس نموده و در مسجد گوهرشاد به اقامه جماعت و تدریس خارج فقه و اصول پرداخته و صدها نفر از فضلاء و علماء آن سامان از محضر و درسش استفاده نموده تا سال ۱۳۸۳ قمری که قهراً به کرج آمده و تا حال حاضر در زاویه انزوا اشتغال به عبادت پروردگار دارد.

فرزند ارجمندش محمود طباطبائی از آقازادگان برومند و دانشمند معاصر می‌باشند.

برادران بزرگوارش آیت‌الله حاج آقا مهدی طباطبائی و مرحوم حاج آقامهدی طباطبائی و مرحوم حاج آقا محمد طباطبائی (صاحب مسجد موزه آستانه فاطمیه قم) و حجة الاسلام حاج آقا باقر و حجة الاسلام حاج آقا نقی همه از علماء بزرگ موصوف به فضل و تقوا می‌باشند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

طباطبائی، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید عباس طباطبائی ابن العلامه الاستاذ آیت‌الله السید محمد طباطبائی فشارکی الاصفهانی از علماء ابرار و دانشمندان اخیار معاصر و داماد آیت‌الله حاج میرزا احمد آشتیانی می‌باشد.

تولد این بزرگوار و مرحوم برادرش حجة الاسلام و المسلمین حاج سید علی اکبر طباطبائی داماد مرحوم آیت‌الله حاج شیخ مرتضی آشتیانی در سامره بوده و در سنین کودکی پدر بزرگواری چون علامه فشارکی معروف بسید استاد را از دست داده و در مهد علم پرورش یافته و پس از خواندن اولیات و سطوح از محضر مراجع بزرگ استفاده نموده تا بدرجه سامیه علم و کمال ارتقاء یافته و مهاجرت به تهران نموده و بتدریس در مدرسه مروی و انجام وظائف دینی و روحی تا هم اکنون اشتغال دارد.

نگارنده گوید: آیت‌الله طباطبائی دانشمندی متین و عالمی با معنویت است و در بی هوائی و سادگی و احتراز از سر و صدا و تأسی بمرحوم والدش سید استاد نموده که هر چه شاگردان مبرز وی چون مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حایری و دیگران به وی اصرار می‌کردند که رساله عملیه بنویس و فتوا بده زیرا پس از آیت‌الله مجدد شیرازی متعین است که شما از دیگران اعلم هستید در جواب میفرمود: آری من خود را مجتهد و از اقرانم افضل می‌دانم ولی رساله نمی‌دهم و هرگز خود را در معرض مرجعیت قرار نمی‌دهم زیرا خداوند می‌فرماید: تلک الدار الاخره نجعلها للذین لا- یریدون علوا فی الارض و لا- فسادا و العاقبه للمتقین.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

طباطبائی، عبدالجی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج سید عبدالجی طباطبائی بن سید ابوالقاسم بن سید سامع بن سید حسن بن سید سامع بن سید غیاث طباطبائی یزدی عالمی متقی و فقیهی شایسته و پارسا از آیات عظام یزد بوده‌اند.

وی در یزد متولد شده بعد از پرورش و خواندن مقدمات و سطوح در یزد و غیره مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر مراجع بزرگ نجف بالاخص همشهریش آیت‌الله العظمی آقاسید محمد کاظم یزدی سالهای متمادی استفاده نموده تا به مراتب سامیه علم و فقاہت رسیده و در شمار افاضل وقت و اجلاء عصر آمده و در ورع و تقوا و صلاح و سداد و حسن اخلاق و تواضع و کمالات نفسانی از معدودین گردیده .

آنگاه به یزد مراجعت و قیام به وظائف دین و خدمات مذهبی از اقامه جماعت و تدریس و غیره نموده تا در ۱۶ محرم الحرام ۱۳۴۸ ق به اجداد کرام خویش پیوسته و فرزندان برومندی که از اجلاء و فضلاء نجف و ایرانند و ذیلاً می‌نگارم از خود یادگار گذراده است.

۱- حجه الاسلام مرحوم آقاسید جعفر طباطبائی یزدی متولد نجف و متوفی در شیراز .

۲- حجه الاسلام مرحوم آقاسید مرتضی طباطبائی یزدی.

۳- حجه الاسلام مرحوم آقاسید هاشم طباطبائی یزدی مقیم یزد و متوفی شعبان ۱۳۹۵ قمری.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

طباطبائی، عبدالعزیز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید عبدالعزیز فرزند مرحوم عالم جلیل حاج سید جواد طباطبائی یزدی (حفید و نوه آیت‌الله العظمی آقا سید محمد کاظم طباطبائی یزدی صاحب کتاب عروه الوثقی و حاشیه مکاسب و غیره) که در تاریخ بیست و یکم جمادی‌الثانی ۱۳۴۸ برابر با چهارم آبانماه ۱۳۱۸ شمسی در نجف اشرف متولد شده و پس از طی مراحل مقدمات علوم اولیه ادبی را نزد حاج سید هاشم حسینی تهرانی و حاج سید جلیل طباطبائی یزدی و شرح منظومه را خدمت آیت‌الله حاج سید عبدالاعلی سبزواری و اسفار را خدمت آیت‌الله حاج شیخ صدراء بادکوبه‌ای خوانده و سطوح فقه و اصول را در خدمت حاج شیخ ذبیح‌الله قوچانی و حاج میرزا حسین نبوی کاشمیری و مرحوم آیت‌الله حاج سید علی علامه فانی اصفهانی و حاج شیخ علی سرابی و حاج شیخ عبدالحسین دشتی و آیت‌الله حاج شیخ مجتبی لنگرانی فراگرفته و خارج علم تفسیر و فقه و اصول را از محضر استاذ الاساتید آیت‌الله العظمی خوئی دام ظلّه العالی آموخته و همین طور چند سالی در درس خارج آیت‌الله العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله حاج شیخ حسین حلی حاضر شده و استفاده نموده و در این اثناء مدت بیست و پنج (۲۵) سال از محضر پر فیض دو استاد بزرگ مرحوم علامه مجاهد امینی صاحب الغدیر و علامه رازی حاج شیخ آقا بزرگ صاحب الذریعه الی تصانیف الشیعه بهره‌مند گردیده و از تربیت یافتگان مکتب این دو بزرگوار بشمار آمده است.

پس به کمک مرحوم علامه امینی در پیشبرد کتابخانه امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نجف اشرف فعالیت‌های موثر و چشمگیری داشته و نوشتن فهرست نسخه‌های خطی آن کتابخانه نیز به عهده ایشان بوده است.

در اسفند ماه ۱۳۴۹ شمسی و ذی‌حجه ۱۳۸۹ قمری برای شرکت در کنگره هزاره شیخ طوسی از طرف دانشکده مشهد مقدس

دعوت شده و از نجف به ایران آمده و در کنگره شرکت کرده و بنابر درخواست کتابخانه آستانه قدس حدود یکسال در مشهد مانده و نسخه‌های خطی فقه و اصول و حدیث آنجا را نوشته و باز به نجف بازگشته و تا سال ۱۳۵۶ برابر ۱۳۹۶ قمری در نجف به فعالیت‌های علمی و مذهبی خود ادامه داده تا در تاریخ یاد شده به ایران آمده و در قم اقامت نموده و همچنان به فعالیت‌های مذهبی و علمی خود ادامه داده است.

و اکنون در حوزه علمیه قم وجود مغتنم و مفیدست و در مسائل کتابشناسی و نسخه‌شناسی و حدیث و رجال و غیره نویسندگان و مولفان کتب و محققان متون و موسسات علمی و بنیادهای فرهنگی به ایشان مراجعه و از وجودشان استفاده می‌برند و نسبت به همه با گشاده‌روئی و ملاطفت جواب و پاسخ مثبت داده و راهنمایی و کمک می‌نمایند و بالاخص موسسه آل‌البیت قم که یک موسسه تحقیقاتی معروف است روابط بیشتری با ایشان دارند و آن جناب هم به این موسسه کمک‌های زیادی می‌نمایند.

مسافرت‌های ایشان

مترجم محترم ما به منظور بازدید کتابخانه و استفاده از نسخه‌های خطی و احیاء عکسبرداری از بعضی از آنها علاوه از کتابخانه‌های عمومی و شخصی ایران به کشورهای حجاز و اردن و سوریه و ترکیه و لبنان و انگلستان نیز مکرر سفر کرده و از کتابخانه‌های کشورهای مزبور استفاده‌های شایانی نموده است و در هر یک از مسافرت‌ها خاطراتی را مرقوم داشته‌اند.

تألیفات ایشان

۱- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه امیرالمؤمنین در نجف اشرف.

۲- فهرست قسمتی از نسخه‌های خطی کتابخانه آستان قدس رضوی.

۳- معجم اعلام الشیعه

۴- علی ضفاف الغدیر

۵- تعلیقات بر طبقات اعلام الشیعه

۶- مستدرک الذریعه

۷- تعلیقات بر الذریعه

۸- تهذیب الذریعه

۹- مکتبه العلامه الحلی فهرست تألیفات علامه حلی و نسخه‌های خطی آن.

۱۰- المهدی علیه‌السلام فی السیره النبویه

۱۱- اهل البیت فی المکتبه العربیه

۱۲- الحسین والسنه

۱۳- نتایج الاسفار

۱۴- قید الاواید

تصحیح متون

۱- فهرست شیخ منتجب‌الدین ابن بابویه قمی

۲- فهرست شیخ طوسی

۳- مناقب امیرالمؤمنین علیه‌السلام احمد بن حنبل

۴- الاربعون المنتقی فی فضائل علی المرتضی تألیف ابوالخیر قزوینی مطبوع در سال ۹۲.

۵- ترجمه الحسن و الحسین علیهما‌السلام از طبقات ابن سعد

۶- مقتل امیرالمؤمنین علیه‌السلام تألیف ابن ابی‌الدنیا مطبوع در سال ۸۶.

۷- رساله ذهبی در حدیث الغدیر

شرکت در کنگره‌های علمی

۱- هزاره شیخ طوسی در مشهد

۲- هزاره نهج‌البلاغه شریف رضی در تهران

۳- کنگره جهانی امام رضا علیه‌السلام در مشهد

۴- کنگره حسین (ع) در لندن

۵- کنگره و هزاره حادثه غدیر خم در لندن

اجازات ایشان

معظم‌له از مرحوم علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی و آیت‌الله میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله العظمی خوئی مدظله اجازات روایتی و غیره دارند و خود نیز به چندین نفر اجازه روایتی داده‌اند.
فقیه.

تولد: ۱۳۰۸ (۲۳ جمادی‌الآخر ۱۳۴۸ ق.)، نجف.

درگذشت: ۸ بهمن ۱۳۷۴ (۷ رمضان ۱۴۱۶ ق.)، قم.

آیت‌الله عبدالعزیز طباطبایی یزدی، فرزند آیت‌الله آقا سید جواد طباطبایی، در اوان جوانی پدر خود را از دست داد اما به طلب علم روی آورد و نزد اساتید نجف به تحصیل دانش پرداخت. ادبیات را نزد سید هاشم حسینی تهرانی، منطق را نزد سید جلیل بن سید عبدالحی طباطبایی یزدی، شرح منظومه را نزد آیت‌الله سید عبدالمعنی سبزواری و اسفار ملاصدرا را نزد شیخ صدرا بادکوبی مدرس فلسفه در نجف فراگرفت. شرح لمعه را از میرزا حسن نبوی خراسانی کاشمیری و آقای حاج شیخ ذبیح‌الله قوچانی، قوانین را از آیت‌الله سید علی فانی اصفهانی، سطوح عالی را در محضر آیت‌الله شیخ عبدالحسین رشتی و شیخ مجتبی لنگرانی و دروس عالی خارج فقه و اصول را از محضر مدرسان نجف فراگرفت. در فقه نیز از آیت‌الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی استفاده نمود. در فقه و اصول و تفسیر قرآن از محضر آیت‌الله العظمی ابوالقاسم خویی سال‌ها بهره گرفت و در علوم متداول حوزه‌های علمیه استاد شد. وی در این فاصله و پس از آن با دو تن از محققان شیعه یعنی آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه و علامه عبدالحسین امینی صاحب الغدیر آشنا و از محضر هر دو استاد بهره برد. وی در تألیف و تدوین موسوعه‌ی بزرگ شیعی یعنی الذریعه با شیخ آقا بزرگ تهرانی همکاری مستمر داشت. همچنین در کتابخانه‌ی امیرالمؤمنین نجف که توسط علامه‌ی امینی تأسیس شده بود همکاری داشت و فهرست کتابخانه‌ی آنجا را تهیه نمود. آیت‌الله طباطبایی یزدی در تدوین موسوعه‌ی رجالی شیعه یعنی معجم رجال‌الحديث آیت‌الله خویی با وی همکاری داشت. در نجف پس از آیت‌الله سید باقر طباطبایی یزدی متصدی مدرسه‌ی سید در نجف گردید و سال‌ها در آنجا خدمت کرد. استاد علامه در ۱۳۹۶ ق. نجف را به قصد ایران ترک کرد و در قم سکنی گزید و در قم به تألیف و تحقیق ادامه داد و پس از سوی مدتی مرجع اهل تحقیق شد. مدتی نیز از سوی کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی به همکاری دعوت شد و در آنجا به تألیف فهرستی برای کتب حدیثی و فقهی آن کتابخانه پرداخت. در قم همچنین به یاری مؤسسه‌ی آل‌البیت (ع) شتافت و به کمک شهرستانی و دوستان دیگرش به تأسیس مجله «تراثنا» اقدام نمود.

مشایخ اجازه‌ی ایشان عبارت بودند از شیخ آقا بزرگ تهرانی و آیت‌الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی و حضرت آیت‌الله العظمی خویی.

کتاب‌های ایشان از این قرار است: اساتید و مشایخ شیخ طوسی؛ اضواء علی الذریعه؛ الشیخ المفید و عطاؤه الفکری الخالد؛ الشیعه و

هجمات الخصوم؛ الغدير في التراث الاسلامي (کتابنامه غدیر هم، بیروت، ۱۳۱۴ ق.)؛ الفهرس الوصفی للمنتخب من المخطوطات العربیة فی مکتبات ترکیا؛ المهدی (ع) فی السنه النبویه، انباء السماء برزیه کربلا؛ اهل البيت علیهم السلام فی المکتبه العربیه (معرفی و توصیف کتاب های عربی اهل سنت در فضایل اهل بیت، دو جلد)؛ تعلیقات علی طبقات اعلام الشیعۀ (اولین نوشتار استاد در ۱۳۷۷ ق.)؛ حیاة الشیخ یوسف البحرانی، علی ضفاف الغدیر (چاپ نشده)؛ فهرس المختارات من مخطوطات ترکیا، فهرس المخطوطات العربیه فی مکتبه امیرالمؤمنین (ع) العامه فی النجف الاشرف؛ فهرس المخطوطات تبریز؛ فهرس المنتخب من مخطوطات لندن؛ فهرس المنتقى من مخطوطات الحجاز؛ فهرس كتب الحديث فی مکتبه الامام الرضا (ع)، فهرس كتب الفقهیه فی مکتبه الامام الرضا (ع)، فهرست کتابخانه علامه طباطبایی دانشگاه شیراز؛ فی رحاب نهج البلاغه (کتابنامه نهج البلاغه)؛ قید الاوابد و جمع الشوارد؛ ما ینبغی نشره من التراث (معرفی کتاب های ارزنده مخطوط)؛ مخطوطات اللغة العربیه؛ مستدرک الذریعۀ، معجم اعلام الشیعۀ؛ مکتبه العلامة الحلی (که خلاصه آن در مقدمه ارشاد الذهان به چاپ رسیده است)؛ نتائج الاسفار (چاپ نشده). کتاب های که به قلم ایشان تصحیح شد؛ از این قرار است: فهرست منتخب الدین رازی؛ الاربعون المنتقى من مناقب المرتضى؛ ترجمه الحسن و الحسين (ع) من کتاب الطبقات لابن سعد؛ مقتل امیرالمؤمنین (ع)؛ الحسين (ع) والسنه (مجموعه سه بخش از آثار اسلامی پیرامون امام حسین (ع))، ترجمه امیرالمؤمنین من تاریخ ابن عساکر، طریق حدیث من کنت مولاه فعلى مولاه (حافظ ذهبی)؛ عقد الدرر فی اخبار المهدی المنتظر (سلمی شافعی دمشقی)؛ فرائد السمطين فی فضائل المرتضى و البتول و السبطین (حموی جوینی)؛ فهرست تصانیف کراچکی (آماده چاپ)؛ فهرست شیخ طوسی، فهرست شیخ منتخب الدین الاربعون المنتهى من مناقب المرتضى (ابوالخیر طالقانی قزوینی)؛ مطالب السؤل (زیر چاپ)؛ مناقب امیر المؤمنین (ع) (احمد بن حنبل).

آیت الله طباطبایی یزدی در شب هفتم ماه رمضان ۱۳۷۴ به سبب مشکل قلبی و ریوی دار فانی را وداع گفت. پیکر ایشان در صحن حرم حضرت معصومه (س) مدفون است.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

طباطبائی، علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(سید) علی بن محمد علی بن ابوالمعالی اصفهانی دانشمند بزرگ شیعه (و. کاظمین ۱۱۶۱- ف. ۱۲۳۱ ه.ق.). وی شاگرد علامه بهبهانی بود. اوراست: شرح بر مفاتیح که کتاب الصلوة آن از مسوده به میضه نقل شده و در آن جمیع اقوال فقها را گرد آورده، شرح بر نافع به نام «ریاض المسائل فی بیان احکام الشرع بالدلائل»، رساله‌ای مختصر در اصول پنجگانه شریعت. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

طباطبائی، فیض الله

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(امیر) فیض الله بن غیاث الدین محمد طباطبائی قهپائی از علمای شیعه در قر. ۱۱ ه. وی شاگرد مقدس اردبیلی (ف. ۹۹۳ ه.ق.) و

استاد محمد تقی مجلسی (ف. ۱۰۷۰ ه.ق.) بود. اوراست: حاشیه بر مبحث الهیات شرح تجرید.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

طباطبائی، محمد حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۰ - ۱۲۸۲ ش)، عالم امامی، حکیم، فیلسوف، مفسر، فقیه اصولی و شاعر. مشهور به علامه طباطبائی و معروف به قاضی طباطبائی. وی در تبریز به دنیا آمد. در پنج سالگی مادر و در نه سالگی پدرش را از دست داد. بعد از درگذشت پدرش به مکتب و پس از آن به مدرسه رفت و مدتی هم زیر نظر معلم خصوصی به تحصیل پرداخت و معلومات ابتدایی را کسب نمود. در ۱۲۹۷ ش به تحصیل علم دینی و عربی مشغول شد و مقدمات را فرا گرفت. آن‌گاه در فقه کتب «شرح لمعه» و «مکاسب»، در اصول کتاب «معالم» «قوانین»، «رسائل» و «کفایه»، در منطق کتب «کبری»، «حاشیه» و «شرح شمسیه»، در فلسفه کتاب «شرح اشارات» و در کلام کتاب «کشف المراد» را مورد مطالعه قرار داد. وی در ۱۳۰۴ ش برای ادامه‌ی تحصیلات به نجف رفت و در مجلس درس آیت‌الله آقای شیخ محمد حسین اصفهانی حاضر شد و یک دوره خارج اصول و خارج فقه را در نزد وی آموخت و مدتی نیز در مجلس بحث خارج فقه و خارج اصول آیت‌الله نائینی شرکت کرد و همچنین مدتی در بحث خارج فقه آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی حاضر شد. کلیات علم رجال را نیز در محضر آیت‌الله حجت کوه‌کمری آموخت و معارف الهیه و اخلاق و فقه الحدیث را در نزد حاج میرزا علی آقا قاضی طباطبائی تبریزی فرا گرفت. او چندین سال نیز در زمینه‌ی فلسفه در نزد آقا سید حسین بادکوبه‌ای «منظومه‌ی سبزواری»، «اسفار»، «مشاعر» ملاصدرا، دوره «شفا»ی بو علی سینا، کتاب «اثو لوجیا»، «تمهید» ابن ترکه و «اخلاق» ابن مسکویه را خواند. علامه طباطبائی یک دوره «حساب احتمالی»، یک دوره «هندسه مسطحه و فضایی» و «جبر استدلالی» را در محضر آقا سید ابوالقاسم خوانساری گذراند. او در ۱۳۱۴ ش به زادگاهش بازگشت و مدت ده سال در آنجا ماند و در ۱۳۲۵ ش از تبریز به قم مهاجرت کرد و در آنجا به تدریس و تألیف و فعالیت‌های علمی پرداخت. برخی از شاگردان ایشان عبارت‌اند از: آیت‌الله شهید مرتضی مطهری، آیت‌الله شهید بهشتی، امام موسی صدر، شهید دکتر مفتاح، آیت‌الله شهید بهشتی، امام موسی صدر، شهید دکتر مفتاح، آیت‌الله ابراهیم امینی، آیت‌الله مصباح، آیت‌الله حسن‌زاده آملی و آیت‌الله عبدالله جوادی آملی. پرفسور هانری کربن، استاد شیعه‌شناس دانشگاه سربن نیز با ایشان مصاحبه‌های بسیار داشت که این مصاحبات به زبانهای فارسی، عربی، فرانسه و انگلیسی انتشار یافت و اولین دوره آن در فارسی تحت عنوان «مکتب تشیع» منتشر شد. علامه طباطبائی در خط نستعلیق و شکسته استاد، و در علوم غریبه نیز وارد بود. او همچنین در علم اعداد و حساب جمل مهارت داشت و در شعر نیز توانا بود وی در مسجد بالاسر حضرت معصومه (س) در قم مدفون است. از آثار وی: «تفسیر المیزان»، که ترجمه آن در چهل مجلد آمده است؛ «اصول فلسفه و روش رئالیسم»؛ حاشیه بر «کفایه الاصول»؛ حاشیه بر «اسفار» ملاصدرا؛ «وحی یا شعور مرموز»؛ «شیعه در اسلام»؛ «قرآن در اسلام»، با ترجمه‌های فارسی، انگلیسی و اردو؛ «حکومت در اسلام»، فارسی که به عربی نیز ترجمه شده؛ «سنن النبوی (ص)»؛ و «اصول عقاید»، برای دبیرستانها پنج جلد «بدایه اللحکمه» و «نهایه اللحکمه»، در فلسفه، رسائل بسیاری در «مبدا» و «معاد» و «نبوت» و «ولایت»؛ رساله‌ای در «عشق»؛ دو رساله در «ولایت و حکومت اسلامی». [۱]

صدرالحکماء المتألهین آیت‌الله الاستاد حاج سید محمدحسین معروف به علامه طباطبائی از اعظام علماء و اکابر حکماء و فلاسفه عصر حاضر بود عالمی ربانی و حکیمی سبحانی و آیتی برهانی واجد علم و کمال و جامع کمالات نفسانی و ملکات اخلاقی بود که

بیش از صدها نفر از علماء قم و سایر بلاد افتخار تلمذ و شاگردی وی را دارند.

در آخر ذی‌الحجه ۱۳۲۱ قمری در تبریز متولد و در اصیل‌ترین خانواده‌های علمی آن سامان تربیت یافته و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح در سال ۱۳۴۴ قمری مهاجرت به نجف نموده و از محضر اساتید بزرگ چون مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله نائینی و آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین اصفهانی در مدت ده سال استفاده کافی نموده و دروس معقولیه را از مرحوم علامه حاج سید حسین بادکوبه‌ای فراگرفته و در فن فقاہت و حکمت و فلسفه مقام اجتهاد و استادی را حایز گشته تا در سال ۱۳۵۴ قمری مراجعت به ایران و تبریز نموده و ده سال در آنجا توقف و به تدریس فقه و حکمت و تصنیف کتب پرداخته تا در سال ۱۳۶۵ قمری که مهاجرت به مرکز علم و دانش قم را اختیار و رحل اقامت افکند.

و به تدریس معقول و منقول اشتغال یافته و فضلاء حوزه را از بیانات و تحقیقات دقیقه خود در فقه و اصول و تفسیر و حکمت بهره‌مند می‌نماید آثار قلمی ایشان که هر کدام به مورد خود گرانبهاست از این قرار است.

۱- حاشیه بر کفایه ۲- رساله در مبدء و معاد که جمع بین کتاب و سنت و عقل است ۳- تفسیرالمیزان که بیست مجلد است و تاکنون تمام آن طبع و نشر یافته است ۴- اصول فلسفه ۵- جلد به قلم امروز که ۴ جلد آن مطبوع است ۵- رساله‌ای در عشق ۶- سنن‌النبی ۷- شیعه در اسلام ۸- قرآن در اسلام فارسی و انگلیسی وارد و ترجمه و طبع شده ۹- مصاحبات با پرفسور کربن دو جلد یک جلد آن طبع شده ۱۰- وحی یا شعور مرموز ۱۱- اصول عقاید برای دبیرستانها ۵ جلد ۱۲- رساله محمد در آئین اسلام به زبان فارسی و فرانسه طبع شده ۱۳- بدایه‌الحکمه در فلسفه ۱۴- نهایه‌الحکمه در فلسفه.

۱۵- ترجمه تفسیرالمیزان معظم‌له در چهل مجلد که بیست و پنج مجلد آن تاکنون به طبع رسیده است و اکثر آن به قلم دانشمند معظم‌له حجه‌الاسلام آقای حاج سید محمد موسوی همدانی است.

عالم.

تولد: ۱۳۱۹ (۱۲۸۱ ق.)، تبریز.

درگذشت: ۲۴ آبان ۱۳۶۰، قم.

علامه سید محمد حسین طباطبائی (قاضی)، فرزند سید محمد، در تبریز به دنیا آمد. در همان کودکی پدر (در نه سالگی) و مادر خود را در (پنج سالگی) از دست داد و از سن نه سالگی به مدت تقریبی شش سال به فراگرفتن فارسی و تعلیمات ابتدایی مشغول شد. در سال ۱۲۹۷ وارد رشته‌های علوم دینی و علوم عربیه شد و تا سال ۱۳۰۴ به قرائت متون سرگرم بود. در این سال عازم حوزه علمیه‌ی نجف گردید و در مدت ده سال تحصیل، به تدریس و تألیف اشتغال ورزید. وی در نجف به درجه اجتهاد در فقاہت نایل آمد.

در نجف در حوزه‌ی درس آیت‌الله آقا شیخ محمدحسین اصفهانی و آیت‌الله محمدحسین نائینی و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای به تکمیل تحصیلات خود در فقه و اصول و رجال پرداخت و فلسفه را نزد آیت‌الله سید محمدحسین بادکوبی در مدت شش سال فراگرفت. علوم غریبه (مانند جفر) و جبر و مقابله و هندسه فضایی و مسطحه و حساب استدلالی و هیئت و علوم ریاضی را در نجف نزد آیت‌الله سید ابوالقاسم موسوی خوانساری تلمذ نمود.

در سال ۱۳۱۴ به زادگاه خود تبریز مراجعت کرد و علاوه بر کشاورزی، به تدریس و تصنیف کتاب پرداخت. در سال ۱۳۲۵ نیز متوجه حوزه‌ی علمیه‌ی قم گردید و در آنجا جلسات بحث و درس خود را در رشته‌های مختلف دایر کرد که تا آخر عمر وی ادامه داشت.

پیکر علامه در آستانه حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

از تألیفات متعدد ایشان می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: تفسیر المیزان (بیست جلد به عربی، چهل جلد به فارسی)؛ اصول فلسفه و

رنالیسم (پنج جلد)؛ حاشیه کفایه الاصول؛ حاشیه بر کتاب اسفار ملا صدرا؛ وحی با شعور مرموز؛ شیعه در اسلام (به فارسی)؛ قرآن در اسلام (به فارسی)؛ بدایه الحکمه و نهایت الحکمه (کتاب بدایه الحکمه به ترجمه علی شیروانی هرنندی و کتاب نهایت الحکمه به ترجمه مهدی تدین منتشر شده است)؛ فزاهایی از اسلام (به فارسی)؛ رسالت تشیع در دنیای امروز؛ حکومت در اسلام (به فارسی)؛ پرسش‌های اسلامی؛ اسلام و انسان معاصر؛ سنن النبی؛ کتاب سلسله انساب طباطبایی آذربایجان؛ مبداء و معاد؛ رساله الولایه؛ رساله النبوه و الامامه؛ رساله در مغالطه؛ رساله در برهان؛ رساله در تحلیل؛ رساله در ترکیب؛ رساله در اعتباریات؛ توحید شامل سه رساله (رساله توحید؛ رساله اسماء الله سبحانه؛ رساله در افعال الله)؛ کتاب الانسان (شامل سه رساله انسان قبل الدنيا؛ انسان فی الدنيا؛ انسان بعد الدنيا)؛ رساله وسائط (مجموعه این سه رساله بالا و سه رساله انسان و وسائط در یک جلد شامل هفت رساله جمع آوری شده است)؛ رساله در اثبات ذات؛ دو رساله در ولایت حکومت اسلامی (فارسی و عربی)؛ مصاحبه‌های سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۳۸ با هانری کربن مستشرق فرانسوی، رساله در اعجاز.

علامه خطوط نستعلیق و شکسته را به خوبی می‌نوشت و اشعاری عرفانی نیز می‌سرود. نمونه اشعار ایشان در صفحه ۵۱۴ و ۵۱۵ و ۵۱۶ جلد چهارم و ۱۴۶ جلد پنجم نگین سخن تألیف عبدالرفیع حقیقت (رفیع) به چاپ رسیده است.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۴۶-۶۴۵ / ۱۴)، کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۸، ص ۱۶-۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۲۷-۲۲۶ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۶۳ / ۲)، مهر تابان (یادنامه و مصاحبات علامه طباطبائی تبریزی).

طباطبائی فر، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی اعصاب، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۳ و دکترای تخصصی جراحی اعصاب از مرکز پزشکی شهداء تجریش.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه عمومی پزشکی شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام ۴ طرح پژوهشی در زمینه جراحی اعصاب، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۵ پایان‌نامه دکترای پزشکی عمومی و تخصصی

جراحی اعصاب.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

اصول جراحی اعصاب ترجمه از انگلیسی به فارسی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۹، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

مسایل جراحی اعصاب.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

طبرانی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ ابوالقاسم سلیمان بن احمد بن ایوب بن مطیر لخمی طبرانی.

از مشاهیر محدثین و حفاظ عامه است. مدت سی و سه سال جهت تحصیل علم در اطراف شهرها و ممالک به سیاحت پرداخته، و از هزار تن از مشایخ استماع حدیث نموده.

گویند: مدت سی سال بر روی حصیر خوابیده، و برای خویش رختخواب نگسترده، و به جمع احادیث و حفظ اخبار پرداخته. تألیفاتی دارد از آن جمله است:

معاجم ثلاثه: معجم الکبیر، معجم الاوسط، معجم الصغیر.

در سال ۲۶۰ در طبریه‌ی شام متولد شده، و در شنبه ۲۸ ذی قعدة ۳۶۰ در اصفهان وفات یافت، در جنب قبر حممه بن ابی حممه مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

طبرستانی، مجتبی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۹، مرتبه علمی: استاد، رشته: خون‌شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی از دانشگاه تهران، گذراندن دوره تخصصی علوم آزمایشگاهی بالینی از دانشکده پزشکی دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۰ با ارائه پایان‌نامه‌ای تحت عنوان آنتی‌ژن استراليا در دهندگان خون و هپاتیت ویرال.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پژوهش در زمینه‌های ویروس هپاتیت B و انتقال خون، کشت کروموزوم، تالاسمی‌ها و HTIV-I راهنمائی، مشاوره و نظارت بر

۱۱ پایان‌نامه دکترای پزشکی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

خون‌شناسی، ایمونوهما‌تولوژی و بانک خون هموستاز.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۲

زمینه علمی مقالات:

خون‌شناسی، ایمونوهما‌تولوژی و بانک خون، ویروسها، انتقال خون.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

طبرسی

قرن: ۱۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی بن حمزه بن حسن قمی فاضل جلیل و صاحب تألیف است. در کتب فقهی از او زیاد نقل شده. شهید ثانی در حاشیه‌اش بر ارشاد از فتوای او آورده است. وی به تصریح صاحب ریاض‌العلماء و صاحب روضات الجنات منسوب به تفرش قم است نه طبرستان. سال ولادت و سال وفاتش در دست نیست. (دکتر حسین کریمان).

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

طبرسی، ابومنصور احمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم ق)، عالم امامی، فقیه، متکلم، محدث و مورخ. از اهالی ساری مازندران و از ثقات محدثین و علمای بزرگ امامیه بود. او معاصر ابوالفتح رازی و امین الاسلام طبرسی است. وی از مهدی بن ابی‌حرب حسینی مرعشی، از دوریستی، از شیخ الطایفه، شیخ طوسی، روایت کرده است. شیخ منتجب‌الدین (م ۵۸۵ ق) و ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ ق) از شاگردان وی بودند. شهید اول در «غایه المراد» فتاوا و نظرات وی را بسیار نقل کرده است. وی در مازندران درگذشت و در روستایی نزدیک علی‌آباد (امام شهر فعلی) که امروز نام آن شیخ طبرسی است، دفن شد. از آثار وی: «الاحتجاج عی اهل اللجاج»، معروف به «احتجاج طبرسی» که سید ابن طاووس بر این کتاب و بر مؤلفش درود فرستاده و اکثر متأخرین از آن اخذ کرده و بارها به چاپ رسیده و از آن ترجمه‌هایی مربوط به قرن دهم باقی است؛ «الکافی»، در فقه؛ «فضائل الزهراء (س)»؛ «مفاخر الطالبیه»؛ «تاریخ الاثمه». [۱]

احمد ابن علی بن ابی‌طالب از ثقات محدثان و علمای شیعه در قر. ۶ ه. وی با ابوالفتح رازی و فضل بن حسن طبرسی معاصر بود.

شهید اول غایه‌المراد، فتاوی و اقوال او را بسیار نقل می‌کند. اوراست: الکافی در فقه، الاحتجاج (شامل احتجاجاتی که پیامبر ص و ائمه ۴ و یارانشان با مخالفان خود کرده‌اند)، مفاخر الطالبیة، تاریخ الائمه، فضائل الزهراء و غیره. بعض متأخران وی را به ساری منسوب دانسته، شاید منشأ این شبهه آن باشد که وی چندی در آن شهر زیسته است. سال وفاتش معلوم نیست (دکتر حسین کریمان).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۱ / ۱۶۹)، اعیان الشیعه (۳۰-۲۹ / ۳)، ایضاح المکنون (۲۵۹، ۱۹۶، ۲ / ۲۱۳، ۳۱ / ۱)، بحار الانوار (۹ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۷۱)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۱۴ / ۲)، الذریعه (۳۱۱-۳۱۰ / ۲۱، ۲۴۸-۲۴۷ / ۱۷، ۲۵۸ / ۱۶، ۲۳۶ / ۱۴، ۲۱۳ / ۳، ۲۸۲-۲۸ / ۱)، روضات الجنات (۷۴-۷۲ / ۱)، ریاض العلماء (۴۹-۴۸ / ۱)، ریحانه (۳۵ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲-۱۱ / ۶)، الکنی و الألقاب (۴۴۵-۴۴۴ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / احمد)، معجم المؤلفین (۱۰ / ۲)، هدیه الاحباب (۱۹۴)، هدیه العارفین (۹۱ / ۱).

طبرسی، احمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد بن علی بن ابیطالب ابومنصور طبرسی صاحب کتاب احتجاج متوفی حدود سنه ۶۵۵ هجری.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبرسی، اسماعیل

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج سید اسماعیل نوری طبرسی صاحب کتاب کفایة‌الموحدین در اصول دین محدث قمی در فوائد الرضویه ص ۴۴- گوید اسماعیل بن احمد العلوی العقیلی الطبرسی النوری سید جلیل فقیه و محدث کامل بی‌بدیل صاحب کفایة‌الموحدین در چند جلد و شرح کبیری بر نجات العباد که از ملاحظه این دو معلوم می‌شود کثرت اطلاع و تبحر آنجناب ساکن در نجف اشرف بود در غره ماه شعبان ۱۳۲۱ ق در بلده شریفه کاظمین فات کرد جنازه‌اش را حمل به نجف اشرف کردند و در صحن مطهر در پائین ایوان مبارک دفن نمودند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبرسی، امین‌الدین، امین‌الاسلام، ابوعلی فضل

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۴۸ق)، فقیه، محدث، مفسر، محقق و لغوی امامی. معروف به شیخ طبرسی و صاحب «مجمع البیان». او از برجسته‌ترین پیشوایان مذهب شیعه در قرن ششم هجری است. خودش و پسرش، حسن بن فضل، صاحب «مکارم الاخلاق»، و نوه‌اش، علی بن حسن، صاحب «مشکاه الانوار» و دیگر نزدیکان او همگی از بزرگان علما می‌باشند. وی از شیخ ابوعلی، فرزند شیخ طوسی، و شیخ عبدالجبار قاری رازی، فقیه بزرگ شیعه در ری، روایت کرده و «صحیفه الرضا (ع)» از جمله مرویات اوست. طبرسی از مشایخ روایت پسرش، رضی‌الدین ابونصر حسن بن فضل، و ابن شهر آشوب مازندرانی و شیخ منتجب‌الدین و قطب راوندی و شاذان بن جبریل قمی و شیخ عبدالله دوریستی و برخی دیگر از بزرگان علمای شیعه است. در ۵۲۳ق از مشهد رضوی به سبزوار رفت و تا پایان عمر در سبزوار ماند. صاحبان «ریاض العلماء» و «روضات الجنات» و نیز محدث نوری در «مستدرک» گفته‌اند که وی شهید گشته است. جنازه‌اش را به مشهد انتقال دادند و در محل غسل امام رضا (ع)، مشهور به قتلگاه، دفن کردند. از آثارش: «اعلام الوری باعلام الهدی»، در فضایل ائمه (ع)؛ «الوسیط»، در تفسیر؛ «الوجیز» یا «الکافی الشافی» یا «الکافی الشاف من کتاب الکشاف»، ملخص «کشاف» زمخشری در تفسیر؛ «الوافی»، در تفسیر؛ «تاج الموالید»؛ «الآداب الدینیة»؛ «مجمع البیان لعلوم القرآن»، که شیخ شهید (ره) درباره‌اش گفته که این تفسیری است که مثلش نوشته نشده؛ «جوامع الجامع»، در تفسیر، که آن را بعد از «مجمع البیان» تألیف کرده و در آن لطایف «کشاف» و فواید «مجمع» را جمع نموده است، دکتر گرجی نسخه‌ی آن را تصحیح و بر آن تعلیقاتی نگاشته است؛ «معارج السؤل»؛ «نثر اللثالی»، به سبک «غرر و درر» آمدی؛ «غنیه العابد و منیه الزاهد»؛ «عده السفر و عمده الحضر»؛ «العمده»، در اصول دین و فرائض و نوافل؛ «النور المبین»؛ «الجواهر»، در نحو. [۱]

(ع. معر. تفرشی) ۱- ابوعلی فضل ابن حسن طبرسی ملقب به امین‌الدین و امین‌الاسلام، مفسر و دانشمند معروف شیعه (و. بین ۴۸۰- ۴۶۸ ه.ق. - ف. ۵۴۸ ه.ق.). شهرتش به تصریح علی بن زید بیهقی دانشمند معاصر و هموطن وی در تاریخ بیهق «طبرسی» (به فتح اول و سکون ثانی و کسر ثالث) منسوب به طبرس معرب تفرش است، بنا به نقل افندی شاگرد مجلسی در ریاض العلماء علامه مجلسی و نیز عده‌ای دیگر از علمای همزمان وی طبرسی را به احتمال قوی اهل تفرش میدانستند. منسوب دانستن وی به طبرستان نه سند قدیمی دارد و نه با قانون می‌سازد. باری طبرسی تا سال ۵۲۳ ه.ق. در مشهد مقدس اقامت داشت و در این سال به سبزوار رفت و تا پایان عمر آنجا متوطن بود. مدفنش در مشهد مقدس است. وی از فقه و تفسیر و نحو و لغت و شعر و حساب و جبر و مقابله مشارالیه بود. در فقه فتاوی‌ای مخصوص دارد. اشاره تألیفاتش بر بیست بالغ می‌شود. از آن جمله است: مجمع البیان (ه. م.) در تفسیر، جوامع الجامع (ه. م.) در تفسیر، الآداب الدینیة للخرزانه المعینیة در حکمت عملی، اعلام الوری به اعلام الهدی در تاریخ ائمه، تاج الموالید در تاریخ و انساب، العمده در اصول دین و فرائض و نوافل، نثر اللالی در کلمات قصار علی ۴ و غیره. ۲- رضی‌الدین ابونصر حسن بن فضل، فرزند ابوعلی فضل از علمای بزرگ قر. ۶ ه. در فضایل و کمالات مرتبه‌ای بلند داشت و نزد پدرش تلمذ کرد، اوراست: جامع الاخبار (که بعضی آن را منسوب به محمد بن محمد شعیری و دسته‌ای منسوب به جعفر بن محمد دوریستی و عده‌ای از تألیفات ابوالحسن علی حنط دانسته‌اند)، مکارم الاخلاق که در مصر و ایران به طبع رسیده. اسرار الامامة (درباره مؤلف این کتاب هم قول بسیار است. سال فوتش به دست نیامده) (دکتر حسین کریمان).

الفضل بن الحسن بن الفضل الطبرسی ره که دشمنان و دوستان وی اعتراف به فضل او دارند.

اوست مفسر جلیل و عالم کامل نبیل و ثقه بزرگوار و فقیه عظیم‌الشأن صاحب تألیفات کثیره و تصنیفات عدیده مانند ۱- مجمع البیان در تفسیر قرآن ۲- الوسیط (تفسیر متوسط) ۳- الوجیز (تفسیر مختصر) ۴- جوامع الجامع ۵- الاداب الدینیة للخرزانه المعنیة ۶- غنیة العابد ۷- منیه الزاهد ۸- تاج الموالید ۹- کنوز النجاح ۱۰- عده السفر ۱۱- عمده الحضر ۱۲- النور المبین ۱۳- الفائق ۱۴- اعلام الوری باعلام الهدی و کتب دیگری که در روضات نسبت به او داده است.

بالجمله این بزرگوار پدر ابونصر حسن بن فضل صاحب مکارم الاخلاق و جد ابوالفضل علی بن حسن صاحب مشکوه الانوار در

ادعیه است.

بیت او از علماء بزرگ بوده‌اند در سال ۵۲۳ قمری از مشهد رضوی به سبزوار منتقل شد و در سال ۵۴۸ قمری از دنیا رفت. جنازه او را به مشهد مقدس حمل کردند و در قبرستان معروف به قتلگاه که اکنون در خیابان طبرسی که بنام او شهرت گرفته مدفون نمودند.

و آنجا را از این رو قتلگاه گفته‌اند که در اواخر دولت صفویه در آنجا به دستور عبدالله خان ازبک افغانی قتل عام کردند صاحب روضات گوید از صاحب ریاض العلماء منقولست که میان همه طبقات معروف شده که شیخ طبرسی سخته کرد مردم به گمان اینکه او رحلت نموده او را دفن کردند و چون در قبر بهوش آمد راه بیرون شدن را بر خود مسدود دید در آن حال نذر کرد که اگر حق تعالی او را خلاص بفرماید از آن بلیه کتابی در تفسیر قرآن تالیف نماید پس اتفاق افتاد که یکی از گورکنان بقصد دزدیدن کفن شیخ قبر او را نبش کرد و چون خواست کفن از تنش بیرون کند که ناگاه شیخ دست او را گرفت.

نباش را ترس شدیدی عارض شد شیخ شروع کرد با او تکلم کردن وحشت او زیادتر شد شیخ گفت مترس من زنده‌ام و سخته کرده بودم الحال بهوش آمدم و چون از کثرت ضعف نیروی راه رفتن ندارم مرا بدوش بگیر به خانه ببر.

پس نباش او را به خانه برد شیخ او را خلعت پوشانید و مال فراوانی داد و نباش توبه کرد بدست شیخ طبرسی و آن کار زشت را ترک نمود به برکت شیخ علیه‌الرحمه

پس آنجناب شروع کرد به تألیف مجمع‌البیان بجهت وفاء به نذر خویش و خداوند او را توفیق اتمام داد

فوائد الرضویه ص ۳۵۲

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۳۵۳-۳۵۲ / ۵)، ایضاح المکنون (۴۳۳ / ۲)، اعیان الشیعه (۴۰۱-۳۹۸ / ۸)، تأسیس الشیعه (۳۴۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۵۹ / ۲)، الذریعه (۲۴ / ۲۰، ۲۴۹-۲۴۸ / ۵، ۲۴۲، ۲ / ۲۴۰، ۱۸ / ۱)، روضات الجنات (۳۴۹-۳۴۲ / ۵)، ریحانه (۳۶ / ۴)، شهیدان راه فضیلت (۹۱-۸۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۷-۲۱۶ / ۶)، فوائد الرضویه (۳۵۲-۳۵۰)، کشف الظنون (۱۶۰۲، ۱۲۶)، الکنی و الالقاب (۴۴۴ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل / طبرسی)، معجم المؤلفین (۶۷-۶۶ / ۸)، هدیه الاحباب (۱۹۴-۱۹۳)، هدیه العارفین (۸۲۰ / ۱)، یادداشتهای قزوینی (۲۸۰-۲۷۷ / ۵).

طبرسی، ثقه لاسلام، ابوالفضل علی

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم و هفتم ق)، عالم و فقیه امامی. او نوهی امین الاسلام طبرسی صاحب «مجمع‌البیان» و از فقهای بزرگ امامیه است. وی صاحب کتاب «مشکاه الانوار فی غرر الاخبار» است، که به عنوان تتمیم کتاب پدرش «مکارم الاخلاق» نگاشته است. او در این کتاب از سید جلال‌الدین ابی‌علی بن حمزه موسوی روایت کرده است. از دیگر آثار وی کتاب «کنوز النجاج»، در ادعیه است، که سید ابن طاووس در کتاب «المجتبی» و کفعمی در «المصباح» از این کتاب نقل کرده‌اند. [۱]

ابوالفضل علی بن حسن طبرسی صاحب مشکوة الانوار در ادعیه متوفی بعد از ۶۰۰ هجری.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان الشیعه (۱۸۴ / ۸)، بحار الانوار (۹ / ۱)، الذریعه (۱۴۶ / ۲۲، ۵۵-۵۴ / ۲۱، ۱۷۶-۱۷۵ / ۱۸)، ریاض العلماء

(۴۰۸ - ۴۰۶ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۸۳ / ۶، قرن ۱۰۴ / ۷) الکنی و الالقاب (۴۴۴ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹۰ / ۴).

طبرسی، حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا حسن بن العالم العلام والحجّة الاسلام حاج میرزا محمدتقی مازندرانی قدس الله سره.

فاضل مراغه‌ای در (المآثر والاثار) ص ۱۵۵ گوید: حاج میرزا حسین طبرسی از عظماء علماء می‌باشد به جلالت قدر و علو شأن از اقران ممتاز است.

ترویج اصول مذهب جعفری و تشیید بنیان طریقه اثنی عشری و نشر اخبار و آثار اهل بیت عصمت علیهم السلام را از معاصرین کمتر بقدر او موفق شده‌اند.

در علم حدیث و تفسیر و معرفت احوال رواة و طبقات رجال اسناد و تراجم علماء اسلام همانا امروز نخستین دانای ایرانیان است. پدر جلیل‌الشأنش میرزا محمدتقی مازندرانی از فحول مجتهدین و مشاهیر رؤساء عهد خاقان مبرور فتحعلیشاه رحمه الله بود تعرفه نام و اظهار مقام او تحصیل حاصل است مقام تقوی و ورع و عبادت و تقدس این فرزند هنرمندش مسلم مسلمین می‌باشد. و هم از تبحر نام و تتبع علم در مصنفات علماء اسلام با علی مقام رسیده وصیت فضل و وثاقت و درجه استعداد و لیاقتش برای هرگونه تعظیم و اکرام و توقیر و احترام تا همه جا کشیده است.

تصنیفات سودمند دارد.

منها ۱- نفس الرحمن فی ترجمه سلمان ۲- دارالسلام فیما يتعلق بالمنام ۳- النجم الثاقب فی احوال الامام الغالب ۴- الکلمة الطیبه ۵- رساله میزان السماء ۶- الصحیفه الرابعه ۷- جنه المأوی ۸- مستدرک الوسائل در سه مجلد تا آنجا که گوید این عالم عامل و فقیه فاضل و محدث کامل در حضرت حجة الاسلام ثقة الانام مجدد الاحکام نائب الامام (ع) حاج میرزا محمدحسن بسیار موثق و معتمد و مؤتمن است.

نگارنده گوید: مرحوم حجة الاسلام حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه که از شاگردان آن مرحوم بوده در قسم دوم از جزء اول طبقات از ص ۵۴۳ تا ص ۵۵۵ حدود ۱۲ صفحه ترجمه آن بزرگوار نوشته و وفات او را در شب چهارشنبه ۲۸ جمادی الثانیه ۱۳۲۰ ق ذکر نموده است.

(حاج) میرزا حسین بن محمد تقی نوری از ثقات علمای شیعه در اوایل قر. ۱۴ ه. (ف. ۱۳۲۰ ه. ق.). وی را ثالث مجلسین دانسته‌اند، و از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و حاج ملا علی کنی و حاج میرزا محمد حسن شیرازی است. تألیفاتش بسیار است، از آن جمله: مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل در احادیث و اخبار، فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب، حاشیه منتهی المقال ابوعلی در علم رجال، النجم الثاقب و غیره (دکتر حسین کریمان).

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبرسی، رضی‌الدین، ابونصر حسن

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم ق)، عالم، فقیه و محدث. از علمای بزرگ قرن ششم هجری بود که در مکتب پدرش امین الاسلام طبرسی، صاحب «مجمع البیان»، تربیت یافت. ابونصر طبرسی از رویان پدرش می‌باشد و شیخ مهذب‌الدین حسنی بن ابی‌الفرج نیلی از ابونصر روایت کرده است. وی صاحب کتاب مشهور «مکارم الاخلاق» است. او در این کتاب با استفاده از کتاب پدرش «الآداب الدینیة» و طرح پاره‌ای از آداب به سبک محدثین شیعه آن را در دوازده باب مرتب ساخت. این کتاب در ایران و مصر و لبنان چاپ شده است. از دیرباز از این کتاب ترجمه‌هایی به فارسی انجام شده و باقی مانده است. پسرش شیخ ابوالفضل علی بن حسن طبرسی در ابتدای کتاب «مشکاه الانوار» خود گوید: چون پدرم کتاب «مکارم الاخلاق» را نگاشت، مورد تحسین اهل آفاق شد، پس تصنیف کتاب دیگری که در برگزیده‌ی «سایر اقوال و محاسن احوال» باشد آغاز کرد، گرچه به اتمام آن موفق نشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲۲۳ / ۵)، بحار الانوار (۹ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۷۱)، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (۴۲۰ / ۲)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۱۴ / ۲)، الذریعه (۱۴۹-۱۴۶ / ۲۲، ۴۱ / ۲)، ریحانه (۴۰۰ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۵ / ۶)، الکنی و الالقاب (۴۴۴ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل / طبرسی)، معجم المؤلفین (۲۶۹ / ۳)، هدیه الاحیاء (۱۹۴).

طبرسی، زین‌العابدین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

زین‌العابدین بن مسلم بارفروش مازندرانی حایری از اعام علماء و اکابر مجتهدین عصر خود از شاگردان آیت‌الله سعید العلماء مازندرانی و صاحب ضوابط و شیخ انصاری و از مراجع تقلید آن زمان بوده و در سال ۱۳۰۹ ق وفات و در مقبره شخصی خود در صحن شریف حسینی نزدیک درب قاضی‌الحاجات مدفون شده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبرسی، محمدحسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۴۵ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، متکلم و رجالی. پدرش از بزرگان و علمای قزوین بود. خود صاحب عنوان از شاگردان علامه ملا محمدتقی هروی اصفهانی بود. وی در بارفروش مرجع امور شرعی مردم بود و تا لحظه‌ی وفات مرجعیت داشت. در مقبره بارفروش دفن است. او دارای تالیفات و تصنیفات سودمند بسیاری است. از آثارش: «نتیجه‌المقال»، در علم رجال، که تلخیص شده‌ی کتاب «رجال» استادش شیخ محمدتقی هروی است؛ «حدیقه الشیعه»، در اخلاق و مواعظ؛ «حدیقه العارفین»؛ «سراج الامه»، در شرح «شرح اللمعه»، در چند مجلد؛ شرح التصریف» ملا سعدالدین تفتازانی؛ حاشیه بر «فرائد الاصول» شیخ انصاری، در دو مجلد؛ رساله‌ی عملیه‌ی «صراط النجاه». حدیث قمی در «فوائد الرضویه» او را به عنوان شاگرد صاحب «جواهر» آورده و نظم «تتمیم الدرر فی

صلاه الجمع» را به وی نسبت داده است. [۱]

شیخ محمد حسن بن صفر علی بارفروشی مازندرانی معروف به شیخ کبیر از اکابر علماء امامیه عصر گذشته ماکه عالم عامل فاضل کامل متبحر محقق مدقق جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول بوده و در فقه و اصول و رجال و کلام و اخلاق و غیر آنها تألیفات نافعه بسیاری دارد که محل استفاده افاضل می باشد.

۱- حاشیه رسائل شیخ مرتضی انصاری که در میان دیگر حواشی آن کتاب ممتاز است ۲- حاشیه شرح تصریف ملاسعد تفتازانی ۳- حدیقه الشیعه در اخلاق و مواعظ فارسی ۴- حدیقه العارفین در مناقب و مصائب ۵- سراج الامه فی شرح اللغه ۶- شرح تصریف ملاسعد ۷- نتیجه المقال فی علم الرجال و اکثر آنها در تهران بطبع رسیده غیر از دومی و ششمی. در ماه شوال ۱۳۴۵ قمری وفات نموده و در مقبره خود که معروف است در وسط شهر بابل مدفون گردید و در جنب قبر او مقامی بنام حضرت صاحب الزمان عجل الله فرجه می باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان الشیعه (۱۵۹/۹)، الذریعه (۵۰/۲۴، ۱۴۹/۱۳، ۱۵۶/۱۲، ۳۸۷، ۱۵۶/۶)، ریحانه (۳۳۱/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۰۴/۱۴)، فوائد الرضویه (۴۵۲)، المآثر و الآثار (۱۷۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۸۳-۵۸۲/۲)، معجم المؤلفین (۱۹۵/۹).

طبری آملی، ابوالقاسم علی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س پنجم ق)، عالم امامی، محدث و فقیه. در کتب رجالیه او را تفه‌ای جلیل‌القدر و محدث و فقیه بزرگ توصیف کرده‌اند. فرزندش، شیخ عمادالدین ابوجعفر طبری، در کتاب ارزشمند «بشاره المصطفی» از وی روایت کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: خاتمه مستدرک الوسائل (۳ / ۱۵)، الذریعه (۳ / ۱۱۷)، روضات الجنات (۶ / ۲۳۲)، فوائد الرضویه (۵۸۲).

طبری بصری، ابوعمر و عثمان

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۸۱ / ۲۸۲ ق)، حافظ، محدث و فقیه. وی ساکن انطاکیه بود و عالم آن شهر. از عفان بن مسلم و قره بن حبیب و عمرو بن مرزوق و ابوولید طیالسی و سعید بن عفیر و یحیی بن بکیر و یحیی حمانی و ابراهیم بن حجاج سامی و احمد بن جناب احمد بن یونس و امیه بن بسطام و بکار بن محمد سیرینی و حکم بن موسی و سهل بن بکار و شیبان بن فروخ و سلیمان بن نبت شرحبیل و ابی معمر مقعد و عبیدالله بن عائشه و عمرو بن عون واسطی و محمد بن سنان عوقی و مسدد حدیث شنید. وی شنیده‌های خویش را جمع آوری و تصنیف و تألیف کرد. نسایی و ابوحاتم رازی و ابوعوانه در «صحیح» خود و محمد بن منذر هروی و حاجب ارکین و احمد بن جابر رملی و ابوالحسن بن جوصا و علی بن حسن بن عبد بصری و ابوبکر محمد بن احمد بن محمودیه اهوازی و محمد بن اسماعیل فارسی و هشام بن محمد بن جعفر کندی از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابوالقاسم طبرانی از او اجازه‌ی روایت داشت. ابن ابی حاتم رازی گوید که عثمان بن خرزاد رفیق پدرم در کتابت حدیث در جزیره و شام بود. ابن محمودیه اهوازی گوید که عثمان بن

خرزاد پرحافظه‌ترین فردی است که دیده‌ام. همچنین حاکم او را ستوده و مورد اعتماد توصیف کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تهذیب التهذیب (۱۱۷- ۱۱۶ / ۷)، (سیر النبلاء (۳۸۱- ۳۷۸ / ۱۳)، شذرات الذهب (۲ / ۱۷۷)، طبقات الحفاظ (۲۶۹)، العبر (۴۰۴ / ۱).

طبری، ابوالحسن احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۶۶/۳۵۹ ق)، طیب. اهل طبرستان و طیب رکن‌الدوله دیلمی بود. از تألیفات وی «المعالجات البقراطیه» است که کتابی بسیار نافع و مفید است، مؤلف در این کتاب بیماریها را به طور عموم و داروها را بسیار کامل در چندین مقاله آورده است. ظاهراً این کتاب ابتدا به زبان فارسی تألیف شده و بعد از آن به عربی گزارش گردیده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۱۸/۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۵، ۶۱۰- ۶۰۹ / ۱)، تاریخ طب (۶۵۶/۲)، الذریعه (۱۹۶/۲۱)، ریحانه (۵۹/۷)، سرآمدان فرهنگ (۵۹/۱)، لغت‌نامه (ذیل / احمد)، معجم المؤلفین (۱۱۳- ۱۱۲ / ۲).

طبری، ابوطیب طاهر

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۵۰- ۳۴۸ ق)، قاضی، محدث، فقیه، اصولی، ادیب و شاعر شافعی. در آمل به دنیا آمد. چهارده ساله بود که فقه آموخت. در آمل از ابوعلی زجاجی و در گرگان از ابواحمد بن غطریف و در نیشابور از ابوالحسن ماسرجسی و در بغداد از دارقطنی و علی سکری و شیخ ابوحامد اسفراینی حدیث شنید. ساکن بغداد شد و در آنجا به تدریس و افتاء و قضاوت مشغول گردید. ابواسحاق شیرازی که از شاگردان اوست گوید که در تحقیق و اجتهاد و فکر و نظر بالاتر از ابوطیب ندیده است و خطیب بغدادی گوید که استاد ما ابوطیب شخصی پرهیزگار، عارف به اصول و فروع، محقق و خوش‌برخورد بود. گویند که او و برادرش فقط یکدست لباس داشتند و هرگاه یکی از آن دو از منزل خارج می‌شد دیگری مجبور می‌شد در منزل بماند. در بغداد درگذشت و در مقبره‌ی باب حرب دفن شد. اغلب اشعارش به طریقه‌ی فقه و مسائل فقهی می‌باشد. وی در اصول و مذهب و علم خلاف و جدل کتابهای بسیاری تألیف کرد. از آثارش: شرح «مختصر» المزنی، در یازده جزء، در فقه شافعی؛ شرح «فروع» ابن حداد مصری؛ کتابی در «طبقات الشافعیه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۲۱ / ۳)، انساب سماعی (۴۷ / ۴)، تاریخ بعداد (۳۶۰- ۳۵۸ / ۹)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۱۵ / ۲)، روضات الجنات (۱۴۶- ۱۴۵ / ۴)، ریحانه (۴۶- ۴۵ / ۴)، سیر النبلاء (۶۷۱- ۶۶۸ / ۱۷)، العبر (۲۹۶ / ۲)، الکامل (۸۷ / ۸)، کشف الظنون (۱۶۳۸، ۱۶۳۵، ۱۲۵۷، ۱۱۰۰، ۴۲۴)، لغت‌نامه (ذیل / طاهر)، معجم المؤلفین (۳۷ / ۵)، النجوم الزاهره (۶۵ / ۵)، الوافی

بالیفات (۴۰۴ - ۴۰۱ / ۱۶)، ووفیات الاعیان (۵۱۵ - ۵۱۲ / ۲)، هدیه العارفین (۴۲۹ / ۱).

طبری، ابو عبدالله حسین

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۹۸ - ۴۱۸ ق)، مفتی، محدث و فقیه شافعی. مفتی و محدث مکه بود. در آمل به دنیا آمد. در ۴۳۹ ق «صحیح» مسلم را از ابوالحسین فارسی شنید، و «صحیح» بخاری را از عبدالغافر بن محمد روایت کرد. از ابوحفص بن مسرور و ابو عثمان صابونی و نیز از کریمه مروزی حدیث شنید، و از ناصر بن حسین عمری مروزی فقه آوخت. مدتی ملازم شیخ ابواسحاق شیرازی بود تا از بزرگان اصحاب وی گشت. قبل از غزالی در نظامیه بغداد درس گفت. اسماعیل تیمی و رزین عبدری و قاضی ابوبکر بن عربی و وجیه شحامی و احمد بن محمد عباسی و ابوطاهر سلفی و دیگران از وی حدیث شنیدند. وی از بزرگان شافعیه بود و او را امام الحرمین می‌خواندند، زیرا که در حدود سی سال مجاور مکه بود و در آنجا به تدریس و فتوا اشتغال داشت. عده‌ای در مکه نزد وی فقه آموختند. طبری فقیه در مکه در گذشت. از آثارش: «العهده»، در پنج جزء ضخیم؛ شرح «الابانه» عبدالرحمان فورانی مروزی، در فروع فقه شافعی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۲۰۴ - ۲۰۳ / ۱۹)، شذرات الذهب (۴۰۸ / ۳)، العبر (۳۷۷ / ۲)، کشف الظنون (۱)، معجم المؤلفین (۲۹ / ۴)، الوافی بالوفیات (۱۶ / ۱۳).

طبری، ابوعلی حسن

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۰۵ ق)، متکلم، اصولی و فقیه شافعی. در بغداد سکنی گزید و فقه را نزد ابوعلی بن ابی‌هریره فراگرفت و پس از استادش به تدریس پرداخت و کتاب «المحرر فی النظر» را که اولین کتاب در خلاف مجرد است، تصنیف کرد که در «کشف الظنون» به نام «المجرد فی النظر» نیز آمده است. از دیگر آثارش: کتاب «الافصاح»، در فروع فقه شافعی، که شرح «مختصر المزنی» است؛ «الایضاح»، در فروع فقه شافعی؛ کتاب «العهده»، در فقه، در ده جزء؛ کتابی در «جدل»؛ کتابی در «اصول الفقه». خطیب بغدادی در «تاریخ» خود نام وی را حسین و تاریخ وفات وی را ۳۵۰ ق ذکر کرده است، و در «الاعلام» دو مدخل یکی به نام حسن و دیگری به نام حسین با اشتراکات و اختلافات آورده شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۷۴، ۲۲۷ / ۲) تاریخ بغداد (۸ / ۸۷)، رجال الطوسی (۳۷۴)، روضات الجنات (۳ / ۵۶)، ریحانه (۴ / ۴۵)، سیر النبلاء (۶۳ - ۶۲ / ۱۶)، کشف الظنون (۱۶۳۵، ۱۶۱۲، ۱۵۹۳، ۲۱۱)، الکنی و الالقاب (۴۴۶ - ۴۴۵ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل / حسن)، معجم المؤلفین (۲۷۰ / ۳)، الوافی بالوفیات (۲۰۵ - ۲۰۴ / ۱۲)، ووفیات الاعیان (۲ / ۷۶)، هدیه العارفین (۲۷۰ / ۱).

طبری، احسان

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق، شاعر، مؤلف.

تولد: ۱۲۹۵، ساری.

درگذشت: ۹ اردیبهشت ۱۳۶۸، تهران.

احسان طبری، فرزند فخر طبری ملقب به فخرالعارفین، در شش سالگی به مکتب سید عبدالمجید رفت و قرآن را تعلیم گرفت و خواندن و نوشتن آموخت. نصاب‌الصبيان و کتاب‌های جودی و جوهری را نیز خواند. در هفت سالگی به مدرسه‌ی احمدیه رفت و پس از پایان دوره‌ی ابتدایی به علت تبعید پدرش به تهران به اتفاق مادرش به آن شهر عزیمت کرد و دوره‌ی دبیرستان را هم به انجام رسانید، آنگاه به دانشکده‌ی حقوق راه یافت و فارغ‌التحصیل شد. در خلال تحصیل در دانشکده‌ی حقوق به فراگرفتن علوم ادبیه و عربیه پرداخت و در مدرسه‌ی سپهسالار نزد اساتید کسب دانش کرد و با فلسفه و علوم عقلی نیز آشنایی یافت.

در سنین جوانی به سبب آشنایی با تقی ارانی به مارکسیسم گروید و در سال ۱۳۱۶ همراه با ۵۲ تن دیگر به زندان رضاشاه افتاد و همزمان با تبعید رضا شاه به جزیره موریس، از زندان‌های یافت، سپس در فعالیت‌های حزب توده شرکت داشت، مدتی سردبیری روزنامه‌ی (رهبر) به صاحب امتیازی ایرج اسکندر را در تهران به عهده داشت (۱۱ بهمن ۱۳- ۱۳۲۲- آذر ۱۳۲۵)؛ پس از چندی به اراک تبعید شد و در سال ۱۳۲۵ در کنگره‌ی نویسندگان در تهران شرکت کرد. در پس ترور نافرجام شاه در سال ۱۳۲۷ و اعلام غیرقانونی بودن حزب توده، در سال ۱۳۲۸ به اعدام محکوم شد، ناگزیر از ایران خارج شد و به اتحاد جماهیر شوروی گریخت و در آکادمی مسکو به تحصیل پرداخت و فارغ‌التحصیل گردید و به مقام استادی رسید، در این مدت وی در رادیو مسکو کار می‌کرد و سرانجام پس از نه سال فعالیت در این کشور به آلمان شرقی رفت و در شهر لایپزیک اقامت گزید. در برلین دوره‌ی آکادمی علوم اجتماعی را گذراندن و به دریافت مقام علمی «دکتر هانبل» در فلسفه دست یافت و سال‌ها در دانشگاه‌های آلمان به تدریس اشتغال داشت. وی با زبان‌های عربی و پهلوی و روسی و آلمانی و انگلیسی و فرانسوی و ترکی آذری و ترکی اسلامبولی آشنایی داشت و در تخصصش در زمینه‌ی تاریخ فلسفه و ادبیات بود.

در سال ۱۳۵۷ همزمان با اوج‌گیری قیام مردم و انقلاب اسلامی به ایران آمد و فعالیت‌های سیاسی خود را با بازگشایی حزب توده از سر گرفت. در سال ۱۳۶۲ بنا به تشخیص مصادر امور، فعالیت حزب توده مغایر مصالح جمهوری اسلامی شناخته و به اتفاق کادر رهبری حزب دستگیر و زندانی شد. وی در زندان به اشتباهات خود و حزب اعتراف کرد و کتاب کژراهه (خرداد ۱۳۶۶) را در این زمینه نوشت.

احسان طبری در روزهای پایانی عمر خود نیز مشغول به نگارش اثری موسوم به آورندگان اندیشه‌ی خطا بود که حاوی کنکاشی است در اندیشه‌های احمد کسروی، صادق هدایت و سید حسن تقی‌زاده اما این امر با بسته شدن کتاب عمر وی به سبب نارسایی کلیوی در سال ۱۳۶۸ به انجام نرسید و نیمه تمام ماند.

احسان طبری همچنین به داستان نویسی نیز می‌پرداخت. افسانه‌های تمثیلی وی با نثر شبه کلاسیک آن و با استفاده از اساطیر ایرانی و اروپایی در خدمت تبلیغ مرام سیاسی خاصی است. از جمله داستان‌های او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: شکنجه و امید (۱۳۲۶)؛ مجموعه‌ای از قطعات ادبی او و در دوزخ (۱۳۲۷)؛ خدایان از بند رسته (با امضای طباطبا که ظاهراً از اوست، ۱۳۳۱)؛ حماسه‌ی گئومات (چاپ شده در کشورهای اروپایی شرقی، نمایشنامه تاریخی منظوم)؛ فرهاد چهارم (داستان، استکهلم، ۱۹۷۷)

۱۳۵۶؛ خانواده برومند (داستان)؛ چشمان قهرمان باز است (مجموعه داستان)؛ پنجامه (مجموعه داستان)، چهره خانه (داستان)؛ دهه نخستین (داستان)؛ رانده ستم (داستان).

از احسان طبری سه مجموعه شعر به نام‌های از میان ریگ‌ها و الماس‌ها و دریاچه پاییز و در سال ۱۳۶۰ مجموعه شعری به نام ترانه‌ی خوابگونه (مجموعه شعر نو) طبع و نشر کرد.

علاوه بر آثار فوق می‌توان به عنوان‌های دیگری نیز اشاره نمود: آنتی دورینگ (فردریک انگلس)؛ الفبای مبارزه (استکهلیم، ۱۹۷۷)؛ انسان و پراتیک اجتماعی و رفتار فردی وی (در زمینه اخلاق)؛ ایران در دو سده‌ی واپسین (مجموعه‌ای از دو کتاب بنیاد آموزش انقلابی و بررسی‌ها درباره برخی از...، ۱۳۶۰)؛ برخی بررسی‌ها درباره جنبش‌ها و جهان‌بینی‌های اجتماعی در ایران (چاپ شده در کشورهای اروپای شرقی، ۱۹۷۰، ۱۳۴۸)؛ برخی مسائل حاد انقلاب ایران؛ بررسی چند مسئله‌ی اجتماعی؛ بررسی‌های اجتماعی و تاریخی؛ بنیاد آموزش انقلابی (چاپ شده در کشورهای اروپای شرقی، ۱۹۷۱، ۱۳۵۰)؛ جامعه ایران در دوران رضاشاه (یک تحلیل عمومی، چاپ شده در کشورهای اروپای شرقی، ۱۹۷۷، ۱۳۵۶)؛ جامعه و جامعه‌شناسی؛ چهره‌ی یک انسان انقلابی (برخی از مسائیل اخلاقی و انسان‌شناسی، ۱۳۶۰)؛ دانش و بینش (در زمینه عرصه‌های نوین علمی)؛ درباره منطق عمل، دو مقاله درباره تبلیغات (۱۳۶۱)؛ دو هفته در اتحاد جماهیر شوروی (با همکاری نورالدین کیانوری)؛ دوزخ شغالشاه رویای چینی (۱۳۲۷)؛ رد تئوری همگرایی (سیاسی)؛ زایش و تکامل تئوری انقلابی؛ فروپاشی نظام سنتی و زایش سرمایه‌داری در ایران از آغاز تمرکز قاجار تا آستانه‌ی انقلاب مشروطیت (چاپ شده در کشورهای اروپای شرقی، ۱۹۷۵، ۱۳۵۴)؛ سفر جادو؛ سیمای یک انقلابی؛ شناخت و سنجش مارکسیسم (۱۳۶۸)؛ شمه‌ای درباره شناخت ایران و جهان؛ گفتگو با یک روشنفکر مایوس (نمایشنامه)؛ نوشته‌های فلسفی و اجتماعی.

(۱۳۶۸-۱۲۹۵ ق)، استاد دانشگاه، نویسنده، مترجم و شاعر. در ساری به دنیا آمد. قبل از هفت سالگی به یادگیری علوم دینی پرداخت. دوران دبستان را در ساری گذراند. بعد از تبعید پدرش به تهران، او نیز به تهران آمد و دوره دبیرستان را به انجام رسانید، آن‌گاه به دانشکده حقوق رفت و فارغ‌التحصیل شد. وی در همان وقت به فراگرفتن علوم ادبی و عربی پرداخت و در مدرسه‌ی سپهسالار نزد استادان فن کسب دانش کرد و با فلسفه و علوم عقلی نیز آشنایی کامل یافت. در ۱۳۱۶ ش به همراه گروه پنجاه و سه نفر یاران دکتر تقی آرانی زندانی شد. بعد از آزادی به حزب توده پیوست و از برجسته‌ترین اعضای آن حزب شد. وی به علت تبلیغات کمونیستی از جانب رژیم پهلوی به اعدام محکوم شد و ناگزیر به شوروی پناه برد و در آنجا به تحصیل پرداخت. پس از آن به برلین رفت و در آنجا موفق به کسب دکترای فلسفه شد و سالها در دانشگاه‌های آلمان به تدریس پرداخت. وی به زبانهای روسی، آلمانی، انگلیسی، فرانسه و ترکی تسلط کافی داشت. بعد از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ به ایران بازگشت. در ۱۳۶۲ دستگیر و زندانی شد. احسان طبری از بزرگترین نظریه‌پردازان مارکسیسم در ایران و جهان بود. از حافظه و استعداد شگرف برخوردار بود، و در زمینه‌ی شعر کلاسیک و نو و داستان و رمان و تحقیقات فلسفی و بررسی‌های لغوی و فرهنگ عامیانه و مسایل سیاسی و اجتماعی اطلاعات عمیقی داشت. از آثار وی: «فروپاشی نظام سنتی و زایش سرمایه‌داری»؛ «شناخت و سنجش مارکسیسم»؛ «خانواده برومند»؛ «روشنفکر مایوس»؛ «زایش و تکامل تئوری انقلابی»؛ «رانده‌ی ستم»؛ «دهه نخستین»؛ «کژراهه»؛ «حماسه گئومات»؛ «از میان ریگ‌ها و الماس‌ها»، مجموعه‌ی شعر؛ «ترانه خوابگونه»، مجموعه‌ی شعر؛ «آنتی دورینگ»، ترجمه؛ «شکنجه و امید»؛ «در دوزخ»؛ «رویای چینی» [۱].

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه: [۱] سخنوران نامی معاصر (۱۵۵-۱۴۸ / ۱)، کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۲، ص ۵۶)، مازندران، شرح حال رجال معاصر (۱۴۸-۱۴۷ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳۱۴-۳۱۳ / ۱).

طبری، حافظ ابو عبدالله

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

از اکابر فقها و محدثین عامه است. در سال ۴۹۵ در اصفهان وفات یافته است. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

طبری، ظریفه

قرن: ۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

۵۴۸ ق، از زنان محدث، فاضل، دیندار و نیکوکار. وی دختر ابوالحسن بن ابی القاسم مأمونی طبری و اهل بلخ بود و از عبدالواحد اسمعیل طبری استماع حدیث کرد و سمعانی از او حدیث شنیده است. برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۳۷۴ / ۲.

طبری، عمادالدین، ابوجعفر محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۵۱۸ ق)، عالم و فقیه امامی. پدرش ابوالقاسم علی بن محمد محدثی جلیل‌القدر و مورد اعتماد بود. وی از شاگردان شیخ ابوعلی فرزند شیخ طوسی است. او در کتابش «بشاره المصطفی» که تألیف آن از ۵۰۳ تا ۵۱۸ ق به طول انجامیده از مشایخش پدرش، علی بن محمد، و ابوعلی فرزند شیخ طوسی و فقیه حسکا، حسن بن حسین بن بابویه، و محمد بن احمد بن شهریار خازن و شریف عمر بن ابراهیم علوی زیدی و سعیدی ثقفی و ابوطالب یحیی بن حسن جوانی، صاحب «جریده طبرستان»، و حدقه، ابومحمد جبار بن علی، و ابو عبدالله حسین بن احمد بغدادی روایت کرده است. شاذان بن جبرئیل قمی و قطب راوندی (م ۵۷۳ ق) از وی روایت کرده‌اند. از آثارش: «بشاره المصطفی لشیعیه المرتضی»، در هفده جزء؛ «الفرج فی الاوقات و المخرج بالبینات او النیات»؛ «شرح مسائل الذریعه»؛ کتاب «الزهد و التقوی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بحار الانوار (۱۴۱ / ۱۰۵)، خاتمه مستدرک الوسائل (۱۷- ۱۳ / ۳)، الذریعه (۱۵۶ / ۱۶، ۶۶ / ۱۲، ۱۱۸- ۱۱۷ / ۱۳ / ۳)، روضات الجنات (۲۳۴- ۲۳۱ / ۶)، ریحانه (۲۰۲ / ۴)، طبقات اعلام الشیعیه (قرن ۲۷۸، ۲۴۲ / ۶)، فهرست منتجب‌الدین (۱۶۴- ۱۶۳)، فوائد الرضویه (۵۸۲)، الکنی و الالقاب (۴۴۳ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل / عمادالدین)، معجم المؤلفین (۴۲۰- ۴۱۹ / ۱۳).

طبری، عمادالدین، عماد الاسلام حسن

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۶۹۸ ق)، عالم امامی، محدث، فقیه، اصولی و متکلم. معروف به عماد طبرسی با عماد طبری. از علمای بزرگ امامیه در قرن هفتم و از معاصرین محقق حلی و خواجه نصیرالدین طوسی (م ۶۷۲ ق) است. در فقه و حدیث و تحقیق حقایق اصول مذهب و دیگر فنون تصنیفات سودمندی دارد. فتاوی وی در کتب فقهی متأخرین نقل شده است. در ۶۷۰ ق مناظره‌ای - در تنزیه خداوند از تشبیه - با اهل بروجرد کرد. در ۶۷۲ ق به دستور وزیر خواجه بهاءالدین محمد از قم به اصفهان رفت و هفت ماه در اصفهان اقامت گزید و علمای اصفهان و شیراز و ابرقو و یزد و شهرهای آذربایجان بر گردش جمع شدند و علوم دینی را نزد وی تکمیل کردند. از آثار وی: «الاربعون حدیثا فی فضائل امیرالمومنین (ع) و اثبات امامته» یا «اربعین بهائی»؛ «کامل السقیفه» یا «کامل بهائی»، که در ۶۷۵ ق تألیف شده و دوازده سال جمع آوری آن به درازا کشیده است. چون این دو کتابه به خواهش و نام وزیر بهاءالدین محمد بن وزیر شمس‌الدین محمد جوینی معروف به صاحب دیوان تألیف شده بهائی نام گرفته است. از دیگر آثارش: «اسرار الائمه» یا «اسرار الامامه» یا «الاسرار فی امامه الاطهار»، که در ۶۹۸ ق تألیف شده؛ «جوامع الدلائل»؛ «الکافی فی الامامه»؛ «تحفه الابرار»؛ «العمده»، در اصول دین و فروع آن؛ «المنهج»، در فقه عبادات و ادعیه؛ «معارف الحقائق»؛ «نهج الفرقان الی هدایه الایمان»؛ «نقض معالم التنزیل» فخر رازی؛ «عیون المحاسن»؛ «بضاعه الفردوس».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲۱۴ - ۲۱۲ / ۵)، تاریخ نظم و نثر (۷۳۴، ۱۵۳)، الذریعه (۲۵۳ - ۲۵۲ / ۱۷، ۳۳۳ / ۱۵، ۴۰۵ / ۳، ۴۱ - ۴۰ / ۲، ۴۱۴ / ۱)، روضات الجنات (۲۶۰ - ۲۵۶ / ۲)، ریاض العلماء (۲۷۴ - ۲۶۸ / ۱)، ریحانه (۱۹۹ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۱ / ۷)، فوائد الرضویه (۱۱۷ - ۱۱۱)، الکنی و الالقباب (۴۴۳ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل / حسن و حسین طبری)، معجم المؤلفین (۲۶۲ - ۲۶۱ / ۳)، هدیه العارفین (۲۸۲ / ۱).

طبری، فاطمه

قرن: ۸

جنسیت: زن

ملیت: ایران

ذیحجه ۷۸۳ ق، از زنان محدث. وی دختر احمد بن رضی طبری بود. فاطمه نزد جد خود و سایر محدثان حدیث شنید و احادیثی نیز نقل کرد.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منابع: اعلام النساء، ۲۷ / ۴؛ خیرات حسان، ۹ / ۳.

طبری، محیی‌الدین عبدالقادر

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۰۳۳-۹۷۶ ق)، عالم و ادیب شافعی. در مکه به دنیا آمد. در دوازده سالگی قرآن کریم و «الفیه» ابن مالک و «اربعین» نووی را حفظ کرد و در پانزده سالگی شروع به تحصیلات علمی نمود. ادبیات، فقه، تفسیر، حدیث، طب، منطق، هیئت و حکمت را از بزرگان زمان خویش فراگرفت. طبری نظم و نثر نیکویی داشت و خطیب و مفتی مکه بود. وی در مکه در گذشت. از آثارش: «عیون المسائل من اعیان الرسائل»؛ «الاساطین فی حج السلاطین»؛ شرح «المقصوره الدریدیه» به نام «الآیات المقصوره/ الرایات المنصوره علی الابیات المقصوره»؛ «کشف النقاب عن انساب الاربعه الاقطاب»؛ «افحام المجاری فی افهام البخاری»؛ «حسن السریه فی حسن السیره»، در سیره پیامبر (ص)؛ «سل السیف علی حل کیف»؛ «کشف الخافی من کتاب الکافی»، در علم عروض و قافیه؛ «عرائس الابدکار و غرائس الافکار»، در تفسیر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۶۸ / ۴)، ایضاح المکنون (۶۴۶، ۳۷۹، ۳۶۸، ۱۳۵، ۳۵۹، ۱۱۹، ۹۷، ۲۲ / ۲، ۴۰۴، ۱۰۸، ۶۸، ۷ / ۱)، ریحانه (۴ / ۴۶)، الکنی و الالقاب (۲۰۵ / ۱)، لغت نامه (ذیل / عبدالقادر)، معجم المؤلفین (۳۰۳ / ۵)، هدیه العارفین (۶۰۰ / ۱).

طبسی واعظ، محمد صادق

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۳۱۲ ق)، عالم دینی، فقیه و خطیب. معروف به مسأله گو. از مشاهیر اهل منبر در تهران و مورد توجه خاص و عام، به ویژه نیکان و اهل تقوی، بود. از آثارش: ترجمه «الطرائف فی مذهب الطوائف» سید ابن طاووس؛ ترجمه «کشف المحججه لثمره المهججه»، سید ابن طاووس؛ «منهج السداد»، در ترجمه «نجاه العباد» شیخ محمد حسن نجفی، صاحب «جواهر»، با حواشی شیخ مرتضی انصاری و میرازی شیرازی و میرزا محمد حسین شهرستانی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۹۱ / ۲۳، ۱۳۰ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۵۵ / ۱۴)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۶-۴۹۵ / ۳).

طبسی، ابوالفضل محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۸۲ ق)، محدث، عارف و صوفی. وی محدثی بزرگ و شیخ صوفیه بود. از حافظ ابوعبدالله حاکم و ابوطاهر بن محمش و عبدالله بن یوسف بن بامویه و سلمی و ابوبکر حیری و نظیر آنان حدیث شنید. جنید بن محمد قاینی وجیه شحامی و ابواسعد بن قیری و عبدالغافر بن اسماعیل و دیگران از وی حدیث روایت کرده و او را شیخی ثقه و صوفی زاهد توصیف کرده‌اند. مدتی در نظامیه املاء نمود سپس به طبس بازگشت و در همان شهر در گذشت. طبسی تصانیف بسیاری داشت و کتب زیادی نگاشت. از آثارش، کتاب «بستان العارفین»، در تصوف و اخلاق است. از دیگر آثارش «الشامل فی بحر الکامل» یا «الشامل من البحر الکامل»، در عزائم است که در ابتدا این کتاب را به نام «نزهه الآفاق یوم اجتماع الاخوه و التلاق» نوشت، اما چون مورد توجه مردم، بویژه شیخ

ابوالبرکات عبدالله صاعدی فراوی، قرار گرفت مورد تجدید نظر قرار داد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام بوفیات الاعلام (۱ / ۳۱۸)، انساب سمعانی (۴ / ۴۸)، ایضاح المکنون (۱ / ۱۸۱)، تذکره الحفاظ (۳ / ۱۱۹۵)، سیر النبلاء (۱۸ / ۵۸۸)، شذرات الذهب (۳ / ۳۶۷)، العبر (۲ / ۳۴۵)، کشف الظنون (۱۰۲۴)، معجم المؤلفین (۸ / ۲۴۷)، الوافی بالوفیات (۲ / ۸۸)، هدیة العارفین (۲ / ۷۵).

طبسی، ابوحسین، ابوالحسن احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۵۸ ق)، فقیه و محدث. وی شیخ شافعیه و شاگرد امام ابواسحاق مروزی بود. در نیشابور از ابن خزیمه و در عراق از ابومحمد یحیی بن صاعت و دیگران روایت کرده و حاکم نیشابوری از وی روایت کرده است. از آثارش «تعلیق» بزرگی است در مذهب که حدود هزار جزء دارد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۴ / ۹۴-۵۰)، سیر النبلاء (۱۶ / ۱۱۲).

طبسی، احمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۹۲۶ ق)، عالم و مترجم. وی از علمای اوایل قرن دهم هجری است که کتاب «الدر النظیم فی خواص القرآن العظیم» را به فارسی، به خواست برخی از سروران خود، در ۹۲۶ ق ترجمه کرده است و در آن یادآور شده که طبق مذهب اهل حق بسم الله جزئی از سوره به حساب می آید، مگر در سوره براءت، و در پایان متذکر شده که ملا عبدالعلی بیرجندی این کتاب را در ۹۰۱ ق شرح کرده است. [۱]

ملا احمد بن حاج محمد طبسی سکاکی مترجم کتاب الدر النظیم در خواص قرآن عظیم که در سال ۹۳۶ هجری بوده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۸ / ۸۵، ۱۰۱ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳ / ۱۰)، گنجینه‌ی دانشمندان (۶ / ۳۰).

طبسی، عبدالواحد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالواحد و فرزند فقیه او آقا میرزا محمد رحیم معروف به (آقا میرزا) که مردی فقیه و اصولی و حافظ و حکیم و قاضی و بزرگوار

و مهربان و نوع دوست بوده و دارای چهار فرزند دانشمند به اسامی زیر بوده است.

۱- آقا محمدعلی مشهور به (آقا بزرگ) که فقهی حکمی و اصولی و حافظ بوده است.

۲- آقا محمدرضا مشهور به (آقا میانه) که وی نیز مردی فقیه و فیلسوف و متکلم و خطیب سخنوری بوده و در سال ۱۳۷۶ وفات نموده است.

۳- شیخ بزرگوار علامه معروف به (آقای مشارق).

۴- عالم فاضل آقا شیخ ذبیح‌الله مشهور به (آقای شیری) بوده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبسی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ محمدرضا بن عباس بن علی بن الحسن بن عبدالله الطبسی الخراسانی از آیات عظام و فقهاء کرام و مصنفین والامقام عالم تشیع و مجتهدین مسلم الاجتهاد حوزه علمیه نجف و قم می‌باشند عالمی عامل و فاضلی کامل و بسیار خلیق و متواضع و دارای ملکات فاضله اخلاقی می‌باشند. در ۱۸ شعبان ۱۳۲۴ قمری در مشهد رضوی علی من تشریفها السلام متولد شده و پس از نشو و نما در میان خانواده متدین و شریف خود و طی مبادی اولیه در طب در سن ۱۸ سالگی سنه ۱۳۴۰ ق به مشهد آمده و سطوح اولیه را از مرحوم ادیب نیشابوری و علامتین سید محمد حسین شهرستانی و سید محمدباقر مدرس و سید مرتضی یزدی استفاده نموده و پس از آن مسافرت به قم و فقه و اصول را از علمین آیتین مرحوم حاج سید محمدتقی خونساری و آ میرزا سیدعلی یثربی کاشانی استفاده نموده و حکمت و معقول را از مرحوم میرزا علی اکبر حکیم یزدی و آیت الله میرزا محمدعلی شاه آبادی خواننده و مدت ۷ سال از محضر آیت الله العظمی حایری استفاده نموده و خلال این مدت مسافرتی به عراق و عتبات عالیات نموده و مراجعت به قم کرده و پس از مدتی مهاجرت به نجف اشرف کرده و از محضر علامه کبیر حاج شیخ محمدجواد بلاغی و آیت الله ضیاءالدین عراقی و بالاخص آیت الله العظمی اصفهانی و آیت الله نائینی قدس الله اسرارهم فقها و اصولا و تفسیرا و کلاما استفاده کافی و وافی نموده و از خواص اصحاب مرحوم آیت الله اصفهانی و مورد توجه مخصوص آن جناب گردیده و تا فوت آن مرحوم ۱۳۶۵ قمری از اعضاء رئیسه مجلس استفتاء ایشان بوده تا بعد از رحلت آن جناب که ملازم منزل خود گردیده و به تدریس و تالیف کتب مفیده اشتغال دارند.

مراتب اجتهاد و مقامات علمی معظم له مورد گواهی و تصدیق آیات عظام قم و نجف اشرف است از جمله آیت الله العظمی اصطهباناتی درباره وی مرقوم فرموده لایخفی ان ولدنا الروحانی حجه الاسلام الحاج الشیخ محمدرضا الطبسی النجفی مجتهد عادل یتبع اقواله کثرالله فی العلماء العالمین امثاله ۱۵ شهر ربیع الثانی ۱۳۷۸ ق محل امضاء مبارک- و مرحوم آیت الله العظمی حاج سید عبدالهادی شیرازی لایخفی ان جناب الشیخ المعظم له دامت برکاته قد بلغ درجه الاجتهاد والله ولی التوفیق ۲۳ ذی القعدة ۱۳۷۸ محل امضاء شریف.

معظم له تا ذی القعدة ۱۳۹۱ قمری در مرکز ولایت علوی نجف اشرف به وظائف دینی و روحی اشتغال داشت ولی در تاریخ مزبور روی فشار دولت شویم بعثی عراق با ده‌ها هزار نفر مردم شرافتمند و نجیب ایرانی مقیم عراق از روحانین محترم و طبقات دیگر به ایران اخراج و به حکم ضرورت و علاقه به روضه منوره فاطمه معصومه علیها السلام رحل اقامت به قم انداخته و به تالیف و تصنیف

و مباحثات علمی اشتغال دارند و آیات عظام قم و زعماء حوزه علمیه از تجلیل و احترام نسبت به مقام شامخ علمی آن جناب کوتاهی نمی‌نمایند.

و اما تالیفات مطبوع و مخطوط ایشان از این قرار است.

- ۱- الشیعه و الرجعه دو جزء در احوالات حضرت حجت عجل الله فرجه و رجعت ائمه علیهم السلام که مکرر طبع شده است.
 - ۲- و در الاخبار فیما يتعلق بحال الاحتضار که در نجف به طبع رسیده است.
 - ۳- ذرایع البیان فی عوارض اللسان دو جزء که در نجف چاپ شده است.
 - ۴- المنیه فی حکم الشارب و اللحیه در نجف و بصره به طبع رسیده است.
 - ۵- الدر الثمین فی التختیم بالیمین در بیروت چاپ شده.
 - (گوهر وزین در ترجمه آن به قلم این نویسنده که در قم چاپ شده است).
 - ۶- حاشیه طریق النجاه به طبع رسیده است.
 - ۷- النجعه فی الرجعه به طبع رسیده است.
 - ۸- عقد الفراید فی اصول العقاید به طبع رسیده است.
 - ۹- مصباح الظلام فی هدایه الانام به طبع رسیده است.
 - ۱۰- القول الفصیح فی اصول الدین الصحیح به طبع رسیده است.
 - ۱۱- تبصره المتعلمین فی اصول الدین به طبع رسیده است.
 - ۱۲- ذخیره الصالحین فی شرح تبصره المتعلمین ۸ جلد غیر مطبوع.
 - ۱۳- حاشیه وسیله النجاه غیر مطبوع.
 - ۱۴- حاشیه انیس المقلدین ۱۵- حاشیه‌ای بر تبصره علامه من اوله الی آخره.
- و تالیفات دیگری کمه به آن اشتغال دارند.

فرزندان برومند و نجبائی دارند که سرآمد آنان در علم و کمال و قلم مرحوم ثقه الاسلام آقا شیخ محمدعلی مشهور به نورالدین طبسی بودند و در سنین جوانی در تهران بدرود حیات گفته و در قبرستان وادی السلام قم مدفون و پدر پیر خود را برای همیشه داغدار نمود و دیگر آقا عمادالدین طبسی و سوم آقا نجم‌الدین طبسی که به درس و بحث دینی اشتغال دارند و نیز فرزندان دیگری که بعضی به رشته کار و بعضی به تحصیلات مقدماتی مشغولند و فقه‌الله تعالی لمرضاته و جعلهم من عسا کروییه.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

طبسی، محمدتقی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج محمدتقی طبسی از شاگردان محقق آقا جمال‌الدین خونساری صاحب کتاب (ادعیه الاسابیع) و ترجمه مهج الدعوات و ترجمه ادعیه الاسابیع بوده که به امر شاه سلطان حسین صفوی نموده است و حاشیه بر مدارک نوشته و در سال ۱۱۲۵ ق وفات نموده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبسی، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ محمدحسین طبسی فقیهی بزرگوار از مراجع تقلید زمان خود و محور تقوا و علم و مجسمه فضل و علم بوده است. وی در خدمت مرحوم آیت‌الله ملا میرزا محمدابراهیم طبسی تلمذ نمود و بعد از آن مجتهدا مهاجرت به سامرا و از محضر و درس مجدد شیرازی میرزای بزرگ استفاده نموده و پس از آن از محضر سید استاد سید محمد اصفهانی فشارکی و شیخ محمد کاظم آخوند خراسانی بهره‌مند شده و بعد از وفات میرزای شیرازی به طبس برگشته و به ریاست و زعامت و مرجعیت این سامان رسیده و بسیاری از اعلام که از ایشان است ملا محمد بن ملا علی اکبر طبسی و علامه بزرگوار آیت‌الله حاج شیخ محمدرضا طبسی نجفی استفاده نموده‌اند.

وی در ۱۸ شعبان ۱۳۵۹ قمری بدون اولاد از دنیا رفت دارای کتابخانه نفیس و ارزنده‌ای در علوم مختلفه بود که پس از اندکی از دست عیالش بیرون رفت. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبسی، معین

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، عالم دینی و منطقی. وی از علمای قرن نهم هجری است که در ۸۹۴ ق حاشیه‌ای بر حاشیه‌ی میر سید شیخ جرجانی بر «شرح المطالع»، در منطق نگاشته است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: الذریعه (۷۸-۷۷ / ۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳۷ / ۹)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۰ / ۶).

طبعی اصفهانی، عنایت‌الله

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۴۴ ق)، شاعر و طیب. معروف به حکیم خباز. وی از پزشکان نام‌آورد روزگار خود بود که علاوه بر مهارت در پزشکی، در سرودن غزل نیز توانا بود. از اوست:
شمع ما را تاب پرافشانی پروانه نیست
جانفشانی از برون انجمن خواهیم کرد
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۶۸۵)، تحفه سامی (۸۶)، تذکره‌ی روز روشن (۴۹۸)، الذریعه (۶۴۴ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۸۶).

طبی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۲۹۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: داروسازی، دانشکده: داروسازی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای داروسازی از دانشگاه تهران، فوق تخصص در تکنیک داروسازی صنعتی از دانشگاه رنهد کارت پاریس، گواهی کنترل دارو و داروسازی به ترتیب از لابراتورهای کنترل دارویی پاریس و روابط علمی و فرهنگی وزارت خارجه فرانسه، تقدیرنامه از رئیس لابراتور کنترل فیزیک و شیمی فارماسی سانترال پاریس.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح تحقیقی آنتوسیانین که فاکتور ویتامین P محسوب می‌شود و عروق موئی را محکم و قابل ارتجاع می‌نماید در نتیجه از سگته‌های مغزی و قلبی جلوگیری می‌کند، استخراج آنتوسیانین از قره‌قات ایران و استخراج آنتوسیانین موجود در قرص دیفرال ساخت فرانسه و مقایسه آنها با RF و ترسیم منحنی‌ها در اسپکتروم نتیجه آنکه آنتوسیانین موجود در قرص دیفرال معادل یک گرم در قره‌قات ایران است، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

ابداع:

فورمولاسیون محصول گیاهی به اسم Cressun Compose که مورد استفاده ضد عفونی، ضد التهاب پروستات، سوزش مجرا، بی‌اختیاری ادرار، تکرار ادرار شبانه، دافع سنگ کلیه (سنگریزه را دفع و سنگ درشت را با تسکین درد به تدریج ذوب می‌کند) همچنین محلولی برای تسکین درد دندان.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

تجزیه کمی و کیفی سریع کاتیونها و آنیونها، داروهای شیمیائی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۴۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

استخراج آنتوسیانین، بررسی اکسی پیانها برای ساخت مستقیم قرصها با ماشین دوار.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

طیب احمد آبادی، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مشهور به «ناصر حکمت» فرزند میرزا محمد علی بن حاج محمد.

عالم فاضل، و حکیم جامع، و طیب حاذق، عابد زاهد ورع متقی، از اطباء مشهور، و مدرسین طب قدیم در اصفهان به شمار می‌رفت. در تداوی امراض، مهارت و حذاقتی داشت و معالجات غریبه‌ای از او نقل می‌شود.

در نزد میرزا عبدالعلی هرنیدی، و میرزا ابوالقاسم مدرس رشتی، و حاج میرزا محمد باقر حکیم باشی، و میرزا ابوالحسن پاقلعه‌ای، و مدت زمانی نزد آخوند کاشی و جهانگیر خان قشقائی تلمذ نموده، و در دوشنبه دوم ربیع الثانی سال ۱۳۷۱ بسن نود و سه سالگی در اصفهان وفات یافته، در تکیه مادر شاهزاده مدفون گردید.

رساله «افیوتیه» از تألیفات او است که به فارسی تألیف نموده است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

طیب اصفهانی، زین العابدین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر و طیب. صاحب تذکره‌ی «اختر» درباره‌ی او نوشته است: ۳ «سیدی است عزیز و طیبی مشفق و مسیحا دم. از سادات دارالسلطنه‌ی اصفهان از حمله رفقای قدیم فقیر رو در حسن اخلاق بی‌نظیر. بسیار شکسته‌حال و درست آشنا. با نهایت وارستگی و کمال استغناء». وی از معاصران هدایت صاحب «مجمع الفصحا» می‌باشد که علاوه بر دانش پزشکی در شاعری نیز دست داشته است. اثر وی «دیوان» شعر می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره القبور (۳۹۹)، حدیقه الشعراء (۲ / ۱۱۰۵)، الذریعه (۹ / ۶۴۵)، مجمع الفصحا (۵ / ۷۲۱).

طیب اصفهانی، عبدالباقی موسوی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۷۱ / ۱۱۶۸ ق)، شاعر و طیب. از سادات موسوی اصفهان بود. نیاکان وی در روزگار شاه عباس اول صفوی از فارس به اصفهان کوچیدند و در آن شهر مسکن گزیدند. پدرش حکیم‌باشی شاه سلطان حسین صفوی بود و خود او نیز طیب و ندیم نادرشاه افشار. بعد از نادرشاه، کلانتر اصفهان شد و پس از چندی این کار را به برادرش میرزا عبدالوهاب وا گذاشت و خود با

شاعران و ادیبان اصفهان، هاتف، عاشق، آذر، مشتاق و صهبا به معاشرت پرداخت. طیب در سرون غزل توانا بود. از آثار وی: «دیوان» شعر، مشتمل بر قصاید و غزلیات و قطعات و رباعیات؛ مثنوی «محمود و ایاز»، در حدود ۳۰۰۰ بیت. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ارمغان (س ۷، ش ۲ و ۳، ص ۱۰۱)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۸۶ / ۴)، تذکره‌ی روز روشن (۴۹۹)، تذکره القبور (۳۹۹-۳۹۷)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۱۸ / ۲)، دویست سخنور (۲۱۵-۲۱۴)، الذریعه (۶۴۵-۶۴۴ / ۹)، سفینه‌المحمود (۲۵۴-۲۵۲ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۵۸۶)، لغت‌نامه (ذیل / طیب اصفهانی)، مجمع الفصحا (۷۲۱-۷۱۹ / ۵)، منظومه‌های فارسی (۳۸۰-۳۷۹)، مواد التواریخ (۳۸۸)، نگارستان دارا (۲۲۷)، یغما (س ۱۸، ش ۴، ص ۲۱۲).

طیب اصفهانی، نصیرالدین

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۹۱ ق)، اشعر و طیب. وی در جهرم به دنیا آمد و در اصفهان به تحصیل پرداخت و به سبب اقامت طولانی در آن شهر به اصفهان مشهور شد. به علت جامع‌الاطراف بودن در علم، به نصیرالدین ثانی یا نصیرالدین محمد ثانی شهرت یافت. وی جد بزرگ فرصت شیرازی و طیب و ندیم خاص کریم‌خان زند بود. نصیرالدین طراح مسجد وکیل و تعیین‌کننده‌ی قبله آن بود. از جمله آثارش: «اساس الصحه»، در طب، به عربی؛ «جام گیتی‌نما»، در حکمت، به فارسی؛ «حل‌التقویم»، در نجوم، به فارسی؛ «دیوان» شعر. مشهورترین اثر وی مثنوی «پیر و جوان» است که نام اصلی آن «بهار و خزان» بوده و به نام «بهاریه» نیز مشهور است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار عجم (۱۰۷-۱۰۵)، بزرگان جهرم (۳۷۲-۳۵۴)، تذکره القبور (۵۲۴-۵۲۳)، دویست سخنور (۲۱۷-۲۱۶)، الذریعه (۱۲۰۰، ۱۱۹۷، ۹ / ۶۷، ۷ / ۲۶، ۵ / ۱۸۸-۱۸۶ / ۶)، سفینه‌المحمود (۳۳۰-۳۲۷ / ۱)، صبح گلشن (۵۲۴ / ۷) فرهنگ سخنوران (۹۳۶)، لغت‌نامه (ذیل / نصیر)، مجمع الفصحا (۱۰۳۷-۱۰۳۶ / ۶)، منظومه‌های فارسی (۳۷۹-۳۷۸)، نگارستان دارا (۲۶۶-۲۶۴).

طیب بخاری، عبدالحکیم

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، پزشک و شاعر. وی از پزشکان نام‌آور روزگار خود بود که دانش پزشکی را نزد پدرش آموخت. او علاوه بر مهارت در پزشکی، درس سرودن غزل نیز توانا بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۶۳۴-۶۳۳).

طیب بروجردی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، طبیب. از اهالی بروجرد بود. برای تحصیل به کردستان رفت و مدتی در آن دیار حکیم‌باشی امان‌الله‌خان والی آنجا بود و بعد از مدتی به بروجرد مراجعت کرده و مشغول خدمت محمد تقی میرزا شد و در همان شهر درگذشت. از اوست:

ز باده دوش چنان مست کرد باده فروشم

که تا به صبح قیامت خراب باده‌ی دوشم

چمن اگر همه باغ بهشت بی تو نخواهم

شراب اگر همه آب حیات بی تو نوشم

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۱۱۰۶-۱۱۰۵ / ۲)، سفینه‌المحمود (۲۶۳-۲۶۲ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۵۸۷)، مصطبه‌ی خراب (۱۲۵-۱۲۴)، نگارستان دارا (۲۲۶).

طیب تهرانی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، پزشک و مترجم. پدرش در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه طبابت می‌کرد. میرزا محمد کتاب «وبائیه در طب» را که مربوط به یکی از اطباء اروپایی بود ترجمه و تهذیب کرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۴۹/۷ / ۲) مؤلفین کتب چاپی (۴۶۲-۴۶۱ / ۵).

طیب خراسانی، هاشم

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

طیب ماهر، و فاضل کامل، در شهر نساء ابیورد متولد شده، و در اصفهان ساکن گردید، و در این شهر به سال ۱۱۵۴ وفات یافته، در بقعه‌ی تکیه‌ی آقا حسین خوانساری مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش این است:

به تاریخش رقم زد کلک خادم

وطن بادش بهشت جاودانی

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

طیب رازی، بهاءالدوله حسن

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۹۰۷ ق)، طیب. مولد و منشأ وی شهر ری بود. کتاب «خلاصه التجارب»، که از کتابهای معتبر پزشکی به شمار می‌رفته و تألیف آن در ۹۰۷ ق به پایان رسیده، از آثار علمی اوست. از دیگر آثارش کتاب «هدیه الخیر»، در شرح چهل حدیث، در عرفان است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۰۷ / ۲۵، ۲۱۸-۲۱۷ / ۷)، ریحانه (۲۸۹ / ۱)، ری باستان (۳۴۱ / ۲)، کشف الظنون (۷۱۸)، هدیه العارفین (۸۳۲ / ۱).

طیب شرابی، رضا

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

از اعیان اصفهان و طیب مسیحا نفس، از شاگردان میرزا نصیر [اصفهانی و آقا محمد بیدآبادی] بوده، در سال ۱۲۳۸ وفات یافته، شاعر و ادیب بوده، و در شعر «منصور» تخلص می‌نموده، دارای دیوان اشعار است. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

طیب شیرازی، تقی‌الدین

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، طیب. از پزشکان عهد سلطان سلیمان خان (۹۷۴-۹۲۶ ق) و از شاگردان غیاث‌الدین منصور حکیم دشتکی مشهور بود. از آثار وی: «انیس الاطباء»، در طب، که کتابی است متمثل بر مجربات. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ریحانه (۳۴۴ / ۱)، کشف الظنون (۱۹۷).

طیب شیرازی، عبدالله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، طیب، شاعر، متخلص به طیب. در شیراز به دنیا آمد و علوم عقلی را نزد ملا احمد یزدی و حکمت طبیعی را از

حاج میراز سید رضی فراگرفت. او با عارفان معاشرت داشت. وی از معاصران رضا قلی‌خان هدایت بود، ولی چند سال پیش از تألیف کتاب «مجمع الفصحا» درگذشت. برخی از تذکرها در سال مرگ وی اختلاف دارند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۱۱۰۷-۱۱۰۶ / ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۲۱-۵۱۹ / ۳)، الذریعه (۶۴۵ / ۹)، ریاض العارفین (۲۶۸-۲۶۷)، طرائق الحقائق (۳۳۷-۳۳۶ / ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۷۴-۱۱۷۳ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۵۸۷)، مجمع الفصحا (۷۲۱ / ۵)، مرآت الفصاحه (۳۷۶-۳۷۵)، مصطبه‌ی خراب (۱۲۱).

طیب شیرازی، منصور

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۷۹۸ ق)، طیب. وی از خاندان معروفی از پزشکان شیراز و نواده‌ی برادر نجم‌الدین محمود الیاس طیب شیرازی است که در بیمارستان مظفری به امر طبابت اشتغال داشت. از آثار مهم او در این رشته کتاب «تشریح البدن» یا «تشریح منصور» یا «تشریح الابدان» است که در ۷۹۸ ق آن را در پنج بخش به نام امیرزاده پیر محمد بهادرخان گورکانی به رشته‌ی تحریر درآورد. این کتاب تأثیر بسزایی در پیشرفت علم تشریح داشته است. اثر دیگر وی «کفایه مجاهدیه» یا «کفایت منصور» است که آن را به نام سلطان زین‌العابدین مظفری تألیف کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان شیراز (۲۲۷-۲۲۶)، تاریخ علوم و فلسفه‌ی ایرانی (۷۰۸-۷۰۷)، الذریعه (۹۹-۹۸ / ۱۸، ۱۸۵-۱۸۴ / ۴).

طیب شیرازی، نجم‌الدین محمود

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۶۹۰ ق)، طیب، نویسنده و شاعر. وی از خاندان معروفی از پزشکان شیراز بود که مورد توجه خاص رشیدالدین فضل‌الله همدانی قرار داشت و در طب و فقه صاحب نظر بود. وی ریاست بیمارستان دروازه درب سلم شیراز را بر عهده داشت. در شیراز درگذشت و در محله‌ی باغ نو دفن شد. طیب شعر فارسی را نیک می‌سرود و آثار به دو زبان فارسی و عربی تألیف کرده است که برخی عبارتند از: «الحاوی فی علام التداوی»؛ «غیاثیه»، در طب به فارسی؛ «مختصر»، در طب؛ «لطایف الرشیدیه»؛ «تحفه الحکماء»؛ «اسرار النکاح».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ علوم و فلسفه ایرانی (۶۹۷)، الذریعه (۷۳ / ۱۶، ۲۳۶ / ۶)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۵۲-۱۱۵۱ / ۲)، کشف الظنون (۶۲۸).

طیب کرمانی، عبدالرزاق

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، نویسنده و طبیب. وی از پزشکان معاصر سلطان حسین بایقرا و امیر علیشیر نوایی (م ۹۰۶ ق) بوده و کتاب «شفاء الاسقام» را در طب به نام امیر علیشیر نوایی تألیف کرد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۲۷۳)، الذریعه (۲۰۳-۲۰۲/۱۴).

طیب هروی، محمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، طبیب. در هرات می‌زیست. در پایان عمر همراه ظهیرالدین بابر (۹۳۷-۸۹۹ ق) به هندوستان رفت و رساله‌ی «غرایب و عجایب هندوستان» را در آنجا تألیف کرد. طبیب کتابی نیز در لغات و اصطلاحات طبی به نام «جواهر اللغه» یا «بحر الجواهر» دارد که نخست آنرا به نام جلال‌الدین ملک دینار، از امرای زمان خود، تألیف کرد و سپس روایت دیگری از آن انتشار داد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: تاریخ علوم و فلسفه ایرانی (۷۱۶-۷۱۵).

طیب، عبدالباقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن میرزا محمد علی طبیب، از اطباء معروف بوده، و مدتها نزد جمعی کثیر طب و فلسفه و ادب آموخته که از آن جمله مرحوم همای شیرازی را باید نام برد. متجاوز از یکصد سال عمر نموده، در ۱۸ ذی‌حجه سال ۱۳۴۶ وفات یافته، در صحن تکیه‌ی آغاباشی، جنب تکیه‌ی خاتون آبادی مدفون گردید.

از فرزندان سه تن جزو طبیبان معروف اصفهان در محله‌ی پاقلعه بوده‌اند:

۱- میرزا ابراهیم وثیق‌الحکماء.

۲- میرزا اسماعیل مشیر‌الحکماء.

۳- میرزا مرتضی اعتماد‌الحکماء.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

طیب، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

طیب حاذق، و حکیم ماهر، و فقیه جامع [!] متوفی در ۱۲۶۹، مدفون در تکیه‌ی مادر شاهزاده.
برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

طیب، محمد مسیح

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم ق)، طیب و دانشمند. از پزشکان نامی عهد صفویه بود. او طب را نزد حکیم محمد مؤمن فراگرفت و همانند استاد خود در داروشناسی مهارت داشت. به روزگار شاه سلیمان (۱۱۰۵-۱۰۷۸ / ۱۰۷۷ ق) و شاه سلطان حسین به طبابت مشغول بود. از آثار وی: نسخه‌ی «معجون مسیحی»؛ نسخه‌ی «مفرح مسیحی»؛ کتاب «دستور مسیحی»، در فن پزشکی.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: تاریخ علوم و فلسفه ایرانی (۷۹۹).

طیب، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم فاضل ادیب شاعر، و طیب کامل، در اصفهان ساکن، و در سال ۱۳۱۸ وفات یافته، نزدیک بقعه‌ی آقا محمد بیدآبادی مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش این است:

گفت دانش برای تاریخش

از جهان شد ارسطوی ثانی

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

طیب، هادی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند حاج میرزا کوچک. پدرش در شب ۴ شنبه ۱۴ ربیع الثانی سال ۱۱۸۱ وفات یافته، خود از اطبای اصفهان، و به حذاقت و مهارت معروف بوده، پس از فوت در مقبره سر قبر آقا مدفون شده است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

طیب، یوسف

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، طیب. از پزشکان نام‌آور زمان خود و از شاگردان محمد بن زکریای رازی (م ۳۲۰ / ۳۱۳ ق) بود. رازی رساله‌ی «فی الادویة العین و علاجها و مداواتها و ترکیب الادویة لما یحتاج الیه من ذلک» خود را برای یوسف نوشته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ طب (۶۵۹-۶۵۸، ۴۳۱، ۳۸۷ / ۲)، عیون الانباء فی طبقات الاطباء (۳۹۲).

طیبی کاشانی، مظفر

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۳۰ ق)، شاعر و طیب. وی از طیبیان حاذق بوده و غزل را نیکو می‌سروده است. از اوست:

آمد رقیب و طره‌ی جانان من گرفت

گویا اجل رسید و رگ جان من گرفت

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۶۸۵)، تذکره‌ی روز روشن (۴۹۹)، فرهنگ سخنوران (۵۸۷).

طرازی بغدادی نیشابوری، ابوالحسن علی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۲۲ ق)، مسند، محدث، فقیه و ادیب حنبلی. مسند خراسان و از بزرگان نیشابور بود. از ابوالعباس اصم و ابوحامد احمد بن علی بن حسنویه و ابوبکر محمد بن مؤمل و ابوعمر و بن مطر و دیگران حدیث شنید. ابوبکر خطیب بغدادی و صاعد بن سیار و ابوسعید علی بن عبدالله بن ابی صادق و دیگران از وی حدیث شنیدند. ابونعیم حافظ از او اجازه روایت داشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام بوفیات الاعلام (۲۸۴ / ۱)، سیر النبلاء (۴۱۰-۴۰۹ / ۱۷)، شذرات الذهب (۲۲۵ / ۳)، العبر (۲۴۸ / ۲).

طرائفی عنزی نیشابوری، ابوالحسن احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۴۷ / ۳۴۶ ق)، مسند و محدث. نسبت وی به طرائقی به جهت فروش طرائف یا اشیاء طرفه و نادری است که از چوب و تخته می‌سازند. وی از محمد بن اشرس و سری بن خزیمه حدیث شنید، آن‌گاه به سوی عثمان بن سعید دارمی رفت و بیشترین حدیث را از وی شنید. ابوعلی حافظ و ابوالسحین حجاجی و حاکم و ابن‌محمش و سلمی و یحیی بن مزکی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. حاکم گوید که وی محدثی صدوق بود. گویا مدتی، برای تجارت، نه برای استماع حدیث، در بغداد اقامت داشته است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵۷ / ۴)، سیر النبلاء (۵۲۰-۵۱۹ / ۱۵)، شذرات الذهب (۳۷۲ / ۲)، العبر (۷۲ / ۲)، النجوم الزاهره (۳۶۲ / ۳)، الوافی بالوفیات (۴۵ / ۸).

طر سوسی اصفهانی، ابوجعفر محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۹۵-۵۰۲ ق)، مسند، محدث و فقیه حنبلی. وی از ابوعلی حداد و یحیی بن منده و محمد بن طاهر و محمد بن عبدالواحد دقاق و محمود بن اسماعیل اشقر و ابی‌نهشل عبدالصمد عنبری حدیث شنید. ابوموسی عبدالله بن عبدالغنی و یوسف بن خلیل و گروهی دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. او به احمد بن ابی‌الخیر اجازه روایت داد. در «العبر»، صاحب عنوان تحت نام طر سوسی آمده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۲۴۶-۲۴۵ / ۲۱)، شذرات الذهب (۳۲۱-۳۲۰ / ۴)، العبر (۱۱۲ / ۳)، النجوم الزاهره (۱۳۸ / ۶).

طرفه، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۲ ش)، پزشک و نویسنده. در کاشان به دنیا آمد. دوره‌ی ابتدایی و متوسطه را در دارالفنون گذراند پس از آن به دانشکده‌ی پزشکی راه یافت و در ۱۳۱۷ ش فارغ‌التحصیل گردید. در ۱۳۲۰ ش در وزارت بهداشتی به سمت چشم‌پزشک استخدام شد و در ۱۳۳۱ ش برای گذراندن دوره‌ی تخصصی تراخ‌شناسی به فرانسه، مراکش و الجزایر مسافرت کرد و پس از اخذ دیپلم عالی تراخ‌شناسی از دانشگاه الجزیره برای مطالعه در تراخ به اسپانیا و ایتالیا مسافرت کرد. در ۱۳۳۳ ش به ایران مراجعت کرد و در بیمارستان فیروزآبادی مشغول کار شد. در ۱۳۳۶ ش برای ایراد سخنرانی راجع به درمان تراخ از طرف کنگره‌ی بین‌المللی چشم‌پزشکی به پاریس دعوت شد و متن سخنرانی وی در مجله‌ی رسمی بین‌المللی تراخ‌شناسی پاریس به چاپ رسید. اثر وی: «تراخ‌شناسی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۸۴۱ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۷۳-۷۷۲ / ۲).

طرفه، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی طرفه

محل تولد: دشت آزادگان

شهرت: طرفی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۸/۷/۱۰

حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی طرفه مشهور به شیخ علی طرفی ۱- نسب ۲- معرفی نیای پدری ۳- زندگینامه ۱- نسب شیخ علی طرفی حاتم طایی شخصیت معروف تاریخ که به بخشش و کرم مشهور است از دیار یمن است. و از عشیره بزرگ طئی. فرزند او عدی بن حاتم از یاران خاص پیامبر اسلام و امیرالمومنین بود. عدی سه پسر داشت به نام های طرفه، طارف و طریف که هر سه در جنگ صفین در رکاب امام خود به دست سپاه معاویه به شهادت رسیدند. داستان ایمان آوردن عدی، تعریف کم نظیر پیامبر از او و همچنین داستان هایی که از فداکاری ها و ارادت او و فرزندانش نسبت به خاندان عصمت و طهارت خبر می دهند بسیار است. خانواده عدی پس از اسلام آوردن به خدمت پیامبر مکرم اسلام به مدینه آمدند و پس از دوره حیات ظاهری ایشان و در دوره حکومت امیرالمومنین به کوفه هجرت کردند. عشیره بزرگ بنی طُرف که از بنی طئی هستند اکنون در یمن، عراق و جنوب خوزستان زندگی می کنند. حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی طرفی (طرفی) فرزند مرحوم آیت الله حاج شیخ عیسی طرفی از همین عشیره اند. از افتخارات این خانواده همین بس که همه اجداد آنان از بزرگان و علمای مخلص و مجاهدند و به ارادت به اهل بیت و مردمی بودن شهره اند... ۲- همه قبیله من عالمان دین بودند... حاج شیخ علی طرفی فرزند شیخ عیسی فرزند شیخ سالم فرزند شیخ محمد... آیت الله حاج شیخ عیسی طرفی از فقهای مجاهد و بزرگ خوزستان است. ایشان در جوانی به عشق معارف اهل بیت علیهم السلام به نجف اشرف هجرت کردند و نزدیک به ۲۰ سال از عمر پر برکتشان را صرف تحصیل علوم حقه شیعه کردند. آیت الله طرفی پس از کسب اجازه اجتهاد و به درخواست مردم دیار خود و دستور مراجع عظام نجف به ایران بازگشتند و به ارشاد اهالی خوزستان پرداختند. ایشان از سال ۴۱ با حضرت امام آشنا شده و به نهضت پیوستند. حاج شیخ عیسی طرفی نماینده حضرت امام و اولین امام جمعه دشت آزادگان و امام جمعه موقت آبادان بودند. محبوبیت ایشان میان مردم عرب و عجم خوزستان زبانزد است. شیخ سالم پدر بزرگ حجت الاسلام شیخ علی طرفی از بزرگان و عالمان مجاهد و مردمی بوده است که در واقعه معروف جهاد عشایر بنی طرف علیه غاصبان انگلیسی حضور داشته است. شیخ محمد پدر شیخ سالم از علمای بزرگ و مخلص و صاحب کرامت بوده است. در سفری که به زیارت حضرت امام رضا علیه السلام میرفته، به سختی بیمار می شود و حضرت را در راه زیارت کرده و از ایشان شفا می گیرد. و با مرکبی که حضرت به ایشان عطا فرموده بودند راه طولانی مشهد را در اندک زمانی با طئی الارض می پیماید. مقبره ایشان در دشت آزادگان واقع در همیلی نزدیک مقبره سید خلف است. ۳- نگاهی کوتاه به زندگی روحانی مبارز و رزمنده بسیجی، نماینده امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (دام ظلّه) و امام جمعه دشت آزادگان (سوسنگرد، بستان و هویزه) ما زنده از آنیم که آرام نگیریم موجدیم که آسودگی ما عدم ماست حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی طرفی (طرفه) دهم مهرماه سال ۱۳۲۸ دیده به جهان گشود. پدرش علامه مجاهد حضرت آیت الله حاج شیخ عیسی طرفی از علمای

خوزستان و یاران حضرت امام بودند که از ابتدای نهضت حضرت امام (ره) ضمن ارتباط مستمر با ایشان، به مبارزه با رژیم شاهنشاهی پرداختند و بارها از سوی ساواک مورد بازجویی قرار گرفتند. پس از انقلاب از سوی حضرت امام خمینی (ره) به عنوان نماینده در آبادان، سوسنگرد، بستان و هویزه انتخاب شدند. حاج شیخ عیسی طُرفی دوشادوش رزمندگان اسلام در خط مقدم جبهه حاضر می شدند و با سخنرانی های پرشور خود در دل های بسیجیان شوق مجاهدت و ایثار در راه خدا را افزون می کردند. ایشان سرانجام در سال ۶۱ بر اثر عارضه قلبی به ملکوت اعلی پیوستند و به وصیت خودشان در میان شهدای جنگ در گلزار شهدای اهواز به خاک سپرده شدند. حجت الاسلام حاج شیخ علی طُرفی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را تا دوم دبیرستان در آبادان سپری کرد و سال های پایانی دبیرستان را در سوسنگرد به آخر رساند. از خاطرات شیرین ایشان در سنین نوجوانی، ملاقات با حضرت امام خمینی (ره) به همراه پدرشان است. در این باره چنین می گویند: اولین بار سال ۴۱ به همراه مرحوم والد با حضرت امام رضوان الله تعالی علیه در بیت ایشان واقع در محله یخچال قاضی قم ملاقات کردم. چهره امام و بیان ایشان چنان جذاب و زیبا بود که مجذوب ایشان شدم. من در آن زمان ۱۳ساله بودم و همان ملاقات در روح و جان من تأثیر عمیقی گذاشت به طوری که عاشق امام و سخنان و خط مشی انقلابی ایشان شدم. به گفته حجت الاسلام طُرفی، از همان زمان که مرحوم آیت الله حاج شیخ عیسی طُرفی با امام در شهر مقدس قم ملاقات کردند، خانه ایشان کانون گرم انقلاب و سیره امام، الگوی جاویدان زندگانشان شد. این سیره عملی از آغاز نهضت مقدس حضرت امام تا مرحله پیروزی و تا به امروز تداوم دارد. وی پس از اخذ دیپلم، برای گذراندن دوره نظام وظیفه به شهرهای تهران، کرمان و شیراز اعزام شدند و پس از طی دوران خدمت سربازی، حدود سال ۱۳۵۰ جهت تحصیلات حوزوی به شهر مقدس قم هجرت کرد. اوج فعالیت انقلابی حجت الاسلام طُرفی از زمان شروع نهضت و در دوران طلبگی در شهر مقدس قم متبلور گردید. در آن زمان ضمن تماس و ملاقات با عده ای از پیروان و شاگردان حضرت امام و منتسبین به بیت شریف ایشان از جمله: آقای اعرابی داماد امام، به مبانی نهضت امام آگاهی یافته و خود یکی از مبلغین و مروّجین آن شد و با شرکت در راهپیمایی ها و پخش اعلامیه و... به انجام وظایف انقلابی پرداخت. در سال های ۵۶ و ۵۷ به منظور آگاهی بخشی به مردم مانند رساندن اعلامیه و نوار سخنرانی های انقلابی، به صورت مستمر به شهرهای خوزستان به ویژه آبادان سفر می کردند و در مساجد، مجالس، محافل و نشست های سرّی با ایراد سخنرانی، آخرین مواضع انقلاب را تبیین می کردند. اهم فعالیت های ایشان در سال های قبل از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی را مرور می کنیم: * شرکت در راهپیمایی ها، از جمله شرکت در اولین راهپیمایی انقلابی ۱۹ دی قم. * تهیه نوارهای سخنرانی و اعلامیه های انقلابی و ارسال آن ها به آبادان و سایر شهرها. * تهیه وسائل تکثیر اعلامیه و ارسال آن به آبادان * تشکیل جلسات آموزش قرآن کریم برای جوانان در در آبادان و آگاهی بخشی انقلابی در خلال جلسات. * سخنرانی های انقلابی در مساجد و محافل مردمی. * سازماندهی و راه اندازی راهپیمایی در مناطق شهری و روستایی. * تسخیر رادیو تلویزیون آبادان در ابتدای انقلاب. حجت الاسلام طُرفه پس از انقلاب وظایف انقلابی خود را پی گرفت. برخی از این فعالیت ها چنین است: * تشکیل ستاد عشایر آبادان و نظارت بر کمیته های محلی که مشتمل بر کمیته های مهم مرزی اروندرود بود. * حل مشکلات اجتماعی و اختلافی با تشکیل کمیته ای به نام کمیته حل اختلاف که جایگزین برخی از شعب دادگستری به صورت موقت بود. * مبارزه با قاچاق. * مبارزه با گروهک های منافق و کمونیست و انهدام پایگاه های آنان که به عناوین مختلف از قبیل چریک های اقلیت و اکثریت در آبادان فعالیت داشتند. * مدیریت رادیو نفت ملی آبادان. * تشکیل مجمعی لخطبای آبادان. * تشکیل مجمعی لشعرای آبادان. * تأسیس مرکز الثقافی (مرکز فرهنگی) آبادان. * راه اندازی محافل شعر و ادب انقلابی به زبان عربی و ضبط و پخش آن از صدا و سیما. حاج شیخ علی طُرفی در مدت هشت سال دفاع مقدس و غیورانه از مرزهای ایران عزیز، دوشادوش رزمندگان حضوری آگاهانه داشتند. پارهای از فعالیت های ایشان در سال های دفاع و پس از آن چنین است: * حضور در جبهه ها از اولین روز شروع جنگ تحمیلی تا پایان آن به عنوان نیروی رزمی و فرهنگی در رادیو و کمیته انقلاب اسلامی * بیش از ۱۲ سال

نماینده حضرت امام و رهبری و امام جمعه دشت آزادگان (سوسنگرد، بستان و هویزه). * تهیه سلاح و مهمات جنگی و تدارک نیازمندی های جبهه رزمندگان عشایر آبادان. * حضور مستمر در خطوط مقدم نبرد. * رئیس ستاد پشتیبانی جنگ دشت آزادگان و تهیه و ارسال کمک های مردمی برای رزمندگان اسلام. * نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سوسنگرد، بستان و هویزه. * نماینده جامعه روحانیت در بنیاد مسکن. * رئیس جمعیت هلال احمر دشت آزادگان. * رئیس ستاد اعزام روحانیون به جبهه دشت آزادگان. * سرپرست امور فرهنگی جهادسازندگی آبادان در دوران جنگ. سایر سوابق و مسئولیت های علمی، فرهنگی و سیاسی حجت الاسلام طرفی: * بیش از ۳۰ سال تحصیل و تدریس در حوزه های علمیه و همچنین افتخار تلمذ سطوح نزد استادانی چون: مدرس افغانی، تهرانی، سید علی علوی، شیخ حسین قطفی، بحث خارج نزد آیات عظام مرحوم میرزا جواد تبریزی، مکارم شیرازی، سید کاظم حایری. * بنای بیش از ۴۰ باب مسجد و بنای حوزه علمیه و مصلاهی دشت آزادگان. * مسئول بخش عربی رادیوهای استان خوزستان. * مسئول بخش عربی صدای سپاه پاسداران استان خوزستان. * سرپرست اداره اوقاف و امور خیریه آبادان. * رئیس شورای حل اختلاف دادگستری آبادان. ایشان صاحب تألیفات متعددی هستند که از آن جمله کتاب «آبادان در تاریخ اسلامی» و «مساجد آبادان» به چاپ رسیده است. و تألیفات دیگرشان از جمله «طیّ قبيله المؤمنه»، «نامه ی امام جعفر صادق علیه السلام به دولتمردان»، «الزرع و الزراعه» و «الاخلاق الاسلامی»، «دیوان اشعار عربی و فارسی» در شرف چاپ هستند. و آخر دعوانا أن الحمد لله ربّ العالمین و الصّلاه و السّلام علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمّد و علی أهل بیته الطّیّین الطّاهرین المعصومین المنتجبین و اللّعن الدّائم علی أعدائهم أجمعین إلى یوم الدین.

ترقی اصفهانی، ابوالعباس احمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۲۱ق)، فقیه، اصولی، حافظ و محدث. وی از اهالی طرق از روستاهای اصفهان است. در فقه و اصول و ادب و نویسندگی مهارت داشت. وی در اصفهان از عبدالوهاب بن منده و مطهر بن عبدالواحد بزانی و عثمان بن محمد محمی و در هرات از ابواسماعیل انصاری و در بغداد از ابوالقاسم بن بسری و در بصره از ابوعلی تستری و در اهواز ابوسعید اهوازی و همطبقه آنان حدیث شنید. ابوالعلاء احمد بن محمد اصفهانی و ابوالفرج عبدالخالق بن احمد از وی حدیث شنیدند. او را تصانیف نیکویی بوده است. سمعانی گوید که وی در «قدم و روح» تصنیفی داشته است. این النجار کتاب «اللوامع فی اطراف الصحیحین» را از جمله کتابهای زیبای وی ذکر کرده است. ابن حجر کتاب «اطراف الکتب الخمسه» را از جمله تصنیفات وی می داند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۶۳ / ۴)، سیر النبلاء (۵۲۹-۵۲۸ / ۱۹)، لسان المیزان (۲۱۴-۲۱۳ / ۱)، معجم المؤلفین (۱ / ۱۸۱)، الوافی بالوفیات (۲۸۲ / ۶).

طریقتی، شکرالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۴، مرتبه علمی: استاد، رشته: روان پزشکی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای داروسازی از دانشگاه شیراز در سال ۱۳۴۳، دکترای تخصصی روان پزشکی از لندن در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

روان پزشکی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی تألیفات:

روان پزشکی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: -، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

روان پزشکی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

طسوجی، احمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۳۲ / ۱۲۲۹ - شهادت ۱۲۵۸ ق)، عالم دینی، مفسر، محدث، ادیب و شاعر. نسبتش به طسوج آذربایجان می‌رسد. در کربلا به دنیا

آمد. مادرش دختر علی مرادخان زن بود. نیای بزرگش ملا عبدالنبی طسوجی از نوایغ علما در دولت زندیه بود. در کربلا نشوونما

یافت و مقدمات علوم را فراگرفت. در ۱۲۵۴ ق برای تحصیل، سفری به اصفهان کرد و در ۱۲۵۷ ق به نجف بازگشت و در محضر

بحث و درس شیخ انصاری حاضر شد. وی از دانشمندان بزرگ از شاگردان بنام شیخ مرتضی انصاری بود. او در قضیه‌ی نجیب شاپا

در کربلا شهید شد. در شهادتش مرثیه سروده شد و ماده تاریخش «شد شهید اشقیا افسوس وی» بود. از آثار وی: کتاب «کشکول»؛

حواشی متفرقه بر «ریاض»؛ «تفسیر»، «تمام»؛ حاشیه بر «تفسیر» بیضاوی؛ «الرحله الی الحجاز» یا «سفرنامه‌ی حجاز»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشعیه (۳ / ۳۹)، ریحانه (۴ / ۵۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۷ / ۱۳)، مکارم الآثار (۳ / ۸۵۹).

طسوجی، عبدالنبی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۰۳-۱۱۱۷ ق)، فقیه، اصولی، ریاضیدان، ادیب و شاعر. پدر وی بنا به روایتی اوجاق قلی از نوادر عهد شاه سلطان حسین صفوی بود. ملاعبدالنبی در خوی متولد شد. علوم عقلیه، فنون عربیه و ادبیه را در لاهیجان نزد سید محمد لاهیجانی فراگرفت. به مشهد رفت و نزد ملارفیع گیلانی علوم فقه و اصول و ریاضی و معقول را تکمیل نمود. سپس به نجف رفت و در آنجا ساکن شد. میرزا حسن در فوت او ماده تاریخی سروده بود. از جمله آثار وی: «تفسیر قرآن»؛ «شرح نهج البلاغه»؛ «حاشیه‌ی تفسیر تونی»؛ «شرح معانی الاخبار»؛ «الرد علی نواقض الرافض»؛ «تحفه السالکین».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۲۶/ ۸)، دانشمندان آذربایجان (۲۶۷)، الذریعه (۱۳۴، ۱۴/ ۷۲، ۱۰/ ۲۳۳، ۴/ ۲۸۱)، ریحانه (۵۷-۵۶/ ۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۴/ ۶)، معجم المؤلفین (۲۰۱/ ۶)، مکارم الآثار (۱۵۱-۱۵۰/ ۱).

طسوجی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی طسوجی از علماء و دانشمندان متقی و پارسای معاصر مقیم مشهد مقدس‌اند. در حدود ۱۳۲۵ قمری در یکی از روستاهای طسوج به نام دیزج متولد شده و پس از پرورش مقدمات را در شهر طسوج خوانده سپس مهاجرت به مشهد رضوی نموده و در آنجا از محضر و درس آقایان که از آنها مرحوم آیت‌الله حاج میرزا حبیب‌الله ملکی تبریزی استفاده نموده و پس از چند سال به زادگاه خود مراجعت و مدتی در شهر طسوج به اقامه نماز جماعت و سایر خدمات دینی و روحی پرداخته و چندی هم در شهرستان خوی اقامت نموده و بعداً مشرف به نجف اشرف و از آیات عظام آن سامان چون مرحوم آیت‌الله حکیم و آیت‌الله خوئی و آیات دیگر استفاده نموده تا در سال ۱۳۹۴ قمری که برای کسالت و پاره‌ای از جهات به ایران برگشته و اقامت مشهد مقدس را انتخاب و اکنون در جوار سلطان سریر ارتضا حضرت امام ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه‌السلام انتخاب و به افاضه و افاده و استفاضه از مراحم رضوی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

طغرای اصفهانی، ابواسماعیل حسین

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۵۳- شهادت ۵۱۸ / ۵۱۵ / ۵۱۳ ق)، شاعر، ادیب و نویسنده. ملقب به مؤیدالدین، عمید فخر الکتاب. معروف به طغرای. وی از استادان بزرگ شعر و ادبیات عرب است که در خانواده‌ای که نسب خود را به ابوالاسود دؤلی می‌رسانید، در اصفهان تولد یافت. نسبت طغرای به جهت اشتغال او به منصب طغرانیسی یا نگارش فرمان‌های رسمی حکومتی بود. ابتدای امر در نزد خواجه

نظام‌الملک به سر برد و در قصاید خود او را مدح گفت. در ۵۰۵ ق دیوان طغرا و انشاء سلطان مسعود بن محمد بن ملک شاه سلجوقی به وی واگذار شد و در همین سال به سبب گرفتاری که در بغداد برای او پیش آمد، قصیده‌ی معروف «لامیه العجم» را سرود و همین قصیده از اسباب عمده اشتهاور او در ادب عربی است. طغرای در جنگی که میان سلطان مسعود با برادرش سلطان محمود، در نزدیکی همدان در گرفت، اسیر و به دست وزیر سلطان محمود به ناحق کشته شد. از دیگر آثار وی: «ارشاد الاولاد»؛ «ترکیب الانوار»؛ «جامع الامرار»؛ «حقایق الاستشهادات»؛ «ذات الفوائد»؛ «الرد علی ابن سینا»؛ «مفاتیح الرحمه و مصابیح الحکمه»؛ «دیوان» طغرائی. [۱]

(ع.) ابواسماعیل مؤیدالدین حسین بن علی اصفهانی از جمله فضلان و ادیبان دوره سلجوقی (و. ۴۵۳- مقت. بین ۵۱۳ و ۵۱۶ ه.ق). وی وزارت مسعود بن محمد بن ملک‌شاه را داشت و مشیر و صاحب تدبیر او بود. او را دیوان شعری به عربی بوده است که قصیده معروف «لامیه العجم» از جمله قصاید آن دیوان است. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۲۶۸- ۲۶۷ / ۲)، اعیان الشیعه (۱۳۰- ۱۲۷ / ۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۳۹- ۱۰۳۸ / ۲)، تاریخ ادبیات زبان عربی (۵۲۴)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۲۶ / ۲)، الذریعه (۳۰۳- ۳۰۲ / ۲۱، ۲۷۲- ۲۷۱ / ۱۸، ۱۱۹- ۱۱۸ / ۱۷، ۲۷۵- ۲۷۴ / ۱۳، ۶۴۹- ۶۴۸ / ۹)، روضات الجنات (۱۸۳- ۱۸۱ / ۳)، ریحانه (۵۹- ۵۷ / ۴)، سیر النبلاء (۴۵۵- ۴۵۴ / ۱۹)، شذرات الذهب (۴۳- ۴۱ / ۴)، شهیدان راه فضیلت (۸۷- ۸۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۰ / ۶)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۲۷)، کشف الظنون (۱۷۵۵، ۱۵۳۷، ۸۳۸، ۸۲۱، ۷۹۸، ۶۷۲، ۵۳۴، ۳۹۴، ۶۸، الکنی و الالقاب (۴۵۰- ۴۴۹ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل / حسین طغرائی، طغرائی، فخر الکتاب)، معجم الادباء (۷۹- ۵۶ / ۱۰)، معجم المؤلفین (۳۶ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۲۰ / ۲)، النجوم الزاهره (۲۲۰ / ۵)، الوافی بالوفیات (۴۳۹- ۴۳۱ / ۱۴)، وفیات الاعیان (۱۹۰- ۱۸۵ / ۲)، هدیه العارفین (۳۱۲- ۳۱۱ / ۱).

طفال نیشابوری، ابوالحسن محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۴۸- ۳۵۹ ق)، قاری، مسند و محدث. معروف به ابن‌طفال. اصل وی از نیشابور است. پدرش در مصر سکونت گزید و او در مصر به دنیا آمد. طفال فرشنده‌ی نوعی گل است. او از قاضی ابوطاهر احمد ذهلی و ابوالحسن بن حیویه نیشابوری و ابومحمد حسن بن رشیق و احمد بن محمد بن سلمه خیاش و عبدالواحد بن احمد بن ابی‌محمد بن قتیبه و احمد بن محمد بن هارون اسوانی و ابوطیب عباس بن احمد هاشمی حدیث روایت کرده است. سهل بن بشر اسفرانی و ابوصادق مرشد بن یحیی مدینی و ابوعبدالله محمد بن احمد رازی و ابومحمد عبدالعزیز نخشی و خفره، دختر مبشر بن فاتک، از وی حدیث روایت کرده‌اند. سلفی گوید که وی در مصر از مشاهیر راویان ثقات تایید شده بود.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سماعی (۶۸ / ۴)، سیر النبلاء (۶۶۵- ۶۶۴ / ۱۷)، شذرات الذهب (۲۷۸ / ۳)، العبر (۲۹۳- ۲۹۲ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل / طفال).

طلائی، محمد حسن

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند ملا محمد خراسانی. عالم فاضل، و فقیه کامل، در کیمیا رنجه کشیده و کتابها تألیف نموده که از آن جمله است: ۱- شرح رساله جابر بن حیان ۲- شرح شذور الذهب ۳- شرح مفتاح جلد کی؛ و غیره. در سال ۱۱۲۹ وفات یافته، در مقبره آب بخشان مدفون گردید. پدرش ملا احمد خراسانی هندی نیز از فضلا معدود بوده، و در سال ۱۱۱۰ وفات یافته، و در آب بخشان مدفون بوده است. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

طلقی، فاطمه

قرن: ۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

پیش از ۴۲۷ ق، از زنان محدث. وی دختر محمد بن عبدالرحمان ابو عبدالله طلقی و مادر ابونجیب و ابونجح و ابومجد (فرزندان عبدالملک) است. او از احمد بن عدی روایت کرده است. پدرش او را به نزد ابواحمد بن عدی برد تا حدیث بشنود. سهمی (ز ۴۲۷ ق)، مؤلف تاریخ جرجان، نیز او را دیده است. برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی منابع زندگینامه: منبع: تاریخ جرجان، ۵۰۷.

طنافسی، ابوالحسن علی

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۳۳ ق)، حافظ و محدث. ساکن ری و قزوین و محدث قزوین بود. وی از دایی‌هایش محمد بن عبید طنافسی و یعلی بن عبید طنافسی و همچنین از ابوبکر بن عیاش و سفیان بن عینه و ابومعاویه و ابن وهب و حفص بن غیاث و محمد بن فضیل و عبدالرحمان محابی و وکیع و همطبقه‌ی آنان حدیث روایت کرده است. ابن ماجه قزوینی و زیاد بن ایوب طوسی و ابوزرعه و ابوحاتم و ابن واره و علی بن حسین بن جنید رازی و محمد بن ایوب رازی و علی بن سعید بن بشیر رازی و حسین بن علی قاضی قزوین، فرزندش، و یحیی بن عبدل از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابویعلی خلیلی گوید که علی بن محمد طنافسی و برادرش در قزوین مقیم بودند و بزرگان علم و دانش به نزد آنها می‌رفتند و آن دو جایگاه ویژه‌ای داشتند. ابوحاتم رازی او را ثقه‌ای راستگو توصیف کرده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: التاریخ الکبیر (۶ / ۲۹۵)، تهذیب التهذیب (۷ / ۳۱۹-۳۲۰)، الجرح و التعذیل (ج ۳ ق ۲۰۲ / ۱)، سیر النبلاء (۴۶۱-۴۵۹ / ۱۱)، شذرات الذهب (۶۹-۶۸ / ۲)، طبقات الحفاظ (۱۹۷).

طوبی نایینی، محمدثانی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۸۴ ق)، شاعر و ادیب. در مدتی که پدرش کار وزارت یا انشاء می‌کرد، او نیز نیابت نایین و سرحد داری بلوچ و راهداری را در دست داشت. طوبی مردی ادیب و صاحب قلم بود. اشعار عربی و فارسی وی در زمان حیاتش بالغ بر سی هزار بیت بود که به دلیل عدم جمع‌آوری خود در زمان حیات، بعد از مرگش فقط توانستند در حدود دو هزار بیت از اشعار وی را جمع‌آوری کنند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۱۱۳۲-۱۱۲۹ / ۲).

طوبی، ابراهیم

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۷۴ ق)، حکیم، ادیب، مورخ، هیوی و شاعر، متخلص به طوبی. از منجمان و ادیبان بنام روزگار خود بود که در سخنوری توانا و در علم هیأت استاد بود. طوبی در اصفهان درگذشت و در بقعه‌ی امامزاده اسماعیل به خاک سپرده شد. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره القبور (۴۳)، الذریعه (۹ / ۶۵۱)، ریحانه (۴ / ۶۲).

طوسی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوجعفر محمد بن حسن ملقب به شیخ الطائفه، از بزرگترین علمای دینی شیعه (و. طوس ۳۸۵- ف. نجف ۴۶۰ ه.ق.). وی در ۴۰۸ ه.ق. از طوس به بغداد رفت و چهل سال بعد به نجف شد. تحقیقات او در حدیث و تفسیر و فقه و رجال و کلام و ادب مرجع علمای شیعه می‌باشد. او صاحب تألیفات مهم در مسایل مذهبی شیعه است که از جمله آنهاست: کتاب تبیان (ه.م.)، استبصار (ه.م.)، تهذیب الاحکام، العده فی اصول الفقه، کتاب الرجال، کتاب الغیبه، فهرست کتب الشیعه و اسماء المصنفین، النهایه، کتاب الخلاف، کتاب الجمل والعقود، کتاب یوم دلیله، تلخیص شافی، المفصح در امامت، مناسک الحج، مقتل الحسین، اخبار مختار و غیره.

(۴۶۰-۳۸۵ ق)، فقیه، عالم، مؤلف دو کتاب از کتب اربعه شیعه و بنیانگذار حوزه‌ی علمیه‌ی نجف. معروف به شیخ الطائفه و امام الفرقه بعد الاثمه (ع). در ۴۰۸ ق در بیست و سه سالگی از خراسان وارد عراق شد. پس از چهل سال از بغداد به علت ترس از فتنه‌ای که در آن زمان (۴۴۸ ق) در بغداد در گرفته بود و کتابهای شیخ و خانه‌ی او را طعمه‌ی آتش خویش کرده بود، به نجف اشرف

مهاجرت کرد. او بر کرسی کلام می‌نشست و جوابگوی خاص و عام در تمامی مسائل حتی در امامت بود. آن کرسی از جانب خلفاء به او عرضه شده بود و مخصوص یگانه‌ی دوران بود. شیخ طوسی بینان‌گذار حوزه‌ی علمیه‌ی نجف است که بیش از هزار سال از عمر آن می‌گذرد. وی شاگرد شیخ مفید و ابن‌غضائری و ابن‌عبدون و ابن‌ابی‌جید قمی و سید مرتضی و علی بن شبل بن راشد و حسین بن قاسم علوی و احمد بن ابراهیم قزوینی و هلال بن محمد حفار و احمد بن محمد اهوازی و جعفر بن حسین قمی و ابوعلی بن شاذان و بسیاری دیگر از اساطین علم و دین است. شاگردان دانشمند و مجتهد وی متجاوز بر سیصد تن از شیعه و بی‌شماری از عامه بودند. فرزندش شیخ ابوعلی حسن بن شیخ، صاحب کتاب «المجالس»، از شاگردان و راویان او است. در میان شاگردان او آدم بن یونس نسفی، ابوصلاح حلبی، شیخ‌الاسلام حسن بن بابویه قمی، محی‌الدین حسن همدانی، ابومحمد حسن جهانی، حسین بن فتح واعظ جرجانی، ابوصمصام حسینی، سلمان بن حسن صهرشتی، ابوالصلت محمد بن عبدالقادر، سعدالدین ابن‌براج، شیخ علی سبزواری، شیخ عبیدالله بن بابویه قمی، غازی بن احمد سامانی، کردی بن عکبری فارسی، ابوالحسن دیباجی، محمد وراق، شیخ ابوجعفر حلبی، ابوسعید منصور آبی، جمال‌الدین محمد طبری، ناصرالدین رضی حسینی، محمد بن حسن فتال و بسیاری دیگر را می‌توان نام برد. در هفتاد و پنج سالگی در نجف درگذشت و در منزل خویش که اکنون مزار معروفی است به خاک سپرده شد. خانه‌اش و مسجدش که یکی از معروفترین مساجد نجف است و همچنین آثار باقی مانده از او، تاکنون برجاست. از آثار علمی وی: در تفسیر: «التبیان»؛ «الجامع لعلوم القرآن»؛ در حدیث: «تهذیب الاحکام» یا «التهذیب»؛ «الاستبصار»؛ در فقه: «المبسوط»؛ «الخلاف»؛ «الایجاز»؛ در فرائض؛ «الجمل و العقود»؛ در عبادات؛ «الاقتصاد»؛ در عقاید و عبادات؛ «النهایه»؛ در علم اصول و رجال: «العهده» که ملا خلیل آن را شرح کرده است؛ «الفهرست» که در آن «اصول» و نگارشهای اصحاب و تصانیف آنها آورده شده «و شیخ سلیمان ماحوزی آن را مرتب و شرح کرده و «معراج الکمال الی معرفه الرجال» نامیده است؛ «الابواب» که به نام «رجال شیخ» یا «رجال الطوسی» معروف است؛ «اختیار رجال الکشی» یا «اختیار معرفه الرجال». از دیگر آثار او: «التلخیص للشافی» و «المفصیح»، هر دو در کلام و امامت؛ «هدایه المسترشد و بصیره المتعبد»؛ «کتاب الغیبه»؛ «مناسک حج»؛ «المجالس»، در اخبار که «امالی» اوست؛ «مقتل الحسین (ع)»؛ «اخبار مختار»؛ «مصباح المتهجد»، در اعمال سال. [۱]

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۶/۳۱۵)، اعیان الشیعه (۱۶۷-۱۵۹/۹)، ایضاح المکنون (۷۲۲، ۵۷۳، ۴۵۴، ۴۲۴، ۳۳۵، ۲۸۶، ۲۷۶، ۲۶۶، ۲۱۲، ۲/۹۵، ۶۰۴، ۳۱۴، ۳۱۸، ۲۲۳/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/۲۵۸)، تاریخ برگزیدگان (۲۶-۲۵)، تاسیس شیعه (۳۱۳)، تاریخ علم کلام در ایران و جمان اسلام (۲۵۹-۲۵۶)، خدمات متقابل اسلام و ایران (۴۸۵-۴۸۳)، دایرةالمعارف الاسلامیه (۳۷۸-۳۷۶/۱۵)، دایرةالمعارف فارسی (۲/۱۶۳۴)، الذریعه (۷/۲۳۵، ۵/۱۴۵، ۳/۳۲۸-۳۳۱، ۳/۴۸۶، ۲/۱۴، ۱/۳۶۵)، رجال ابن‌داود (قسم ۱/۳۰۶)، رجال النجاشی (۲/۳۳۲-۳۳۳)، روضات الجنات (۲۳۱-۲۰۱/۶)، ریحانه (۳۲۸-۳۲۵/۳)، سیر النبلاء (۳۳۵-۳۳۴/۱۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۲-۱۶۱/۵)، طبقات خلفاء و اصحاب ائمه و علماء و شعرا (۳۹۴)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۲۹)، فقهای نامدار شیعه (۷۹-۶۷)، فوائد الرضویه (۴۷۳-۴۷۰)، الفهرست للطوسی (۱۶۱-۱۵۹)، قرآن پژوهی (۱۷۵-۱۷۳)، قصص العلماء (۴۱۶-۴۱۴)، الکامل (۸/۱۰۶)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۲۲-۱۲۱)، کشف الظنون (۱۹۷۳، ۱۵۸۱، ۴۵۲)، الکنی و الالقاب (۳۹۷-۳۹۴/۲)، لسان المیزان (۶/۵۲)، لغت نامه (ذیل/ابوجعفر طوسی)، مؤلفین کتب چاپی (۴۰۶-۴۰۲/۵)، مجالس المومنین (۴۸۲-۴۸۰/۱)، مجمل فصیحی (ذیل/سال ۴۶۰)، معجم المؤلفین (۹/۲۰۲)، معجم رجال الحدیث (۲۴۷-۲۴۳/۱۵)، منتخب التواریخ (۱۹۰-۱۸۹)، الوافی بالوفیات (۲/۳۹۴)، وقایع السنین و الاعوام (۲۶۸)، هدیه الاحباب (۹)، هدیه العارفین (۲/۷۲).

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۸۷۷ ق)، حکیم، فقیه حنفی، اصولی و مدرس. در سمرقند به دنیا آمد. علوم عقلی و نقلی را در ایران تکمیل کرد و آن گاه به روم شرقی رفت و مدتی در قسطنطنیه ساکن شد و مورد تکریم سلطان عثمانی قرار گرفت. ابتدا از طرف سلطان مرادخان به تدریس در مدرسه بروسه منصوب و پس از آن از طرف سلطان محمد فاتح تدریس مدرسه زیرک بدو تفویض شد. مدتی بعد به تبریز و از آن جا به ماوراءالنهر رفت و از تمامی مشاغل دنیوی منصرف شد و در خدمت مشایخ صوفیه پا به دایره سیر و سلوک گذاشت. طوسی در سمرقند درگذشت. برخی از شرح حال نویسان گویند که وی در خراسان یا در تبریز درگذشت. در سال وفات او نیز از ۸۶۰ ق تا ۸۸۷ اختلاف نظر وجود دارد. از آثارش: «الذخیره»، در محاکمه بین دو کتاب «تهافت الفلاسفه» غزالی و «الحکماء» ابن رشد که به خواهش سلطان عثمانی نوشت؛ حاشیه بر «التلویح» تفتازانی، در اصول؛ حواشی بر «شرح المواقف»؛ حاشیه بر شرح عضد بر «مختصر المنتهی»؛ حواشی بر «حاشیه الکشاف» سید شریف جرجانی؛ حاشیه بر «لوامع الاسرار فی شرح مطالع الانوار». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۶۲ / ۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۲ / ۴)، ریحانه (۱۶۰- ۱۵۹ / ۴)، کشف الظنون (۱۸۹۲، ۱۸۵۶، ۱۷۱۶، ۱۴۷۹، ۱۱۴۴، ۸۲۵، ۵۱۳، ۴۹۷)، لغت نامه (ذیل / علاءالدین)، معجم المؤلفین (۱۸۵ / ۷)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰۴- ۳۰۳ / ۴)، هدیه العارفین (۷۳۷ / ۱).

طوسی بغدادی، ابوالحسن علی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۶۳ ق)، محدث، زاهد و صوفی. معروف به ابن تاج القراء. وی از ابو عبدالله مالک بن احمد بانیاسی و یحیی بن احمد سیبی و ابوبکر طریثی حدیث شنید. او راوی «جزء» بانیاسی است. رشید بن مسلمه با اجازه و همچنین عبدالغنی حافظ و شیخ موفق الدین و ابراهیم بن عثمان کاشغری و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. سمعانی گوید که وی صوفی و خادم مشایخ و متخلق به اخلاق ایشان بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعلام بوفیات الاعلام (۳۸۰ / ۲)، سیر النبلاء (۴۸۰- ۴۷۸ / ۲۰)، شذرات الذهب (۲۰۹ / ۴)، العبر (۴۰ / ۳)، النجوم الزاهره (۳۶۰ / ۵).

طوسی، ابوابراهیم اسحاق

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۵۵- ۵۶۴ ق)، قاری، محدث، ادیب و دانشمند. در مراکش ادب آموخت. قسمتی از «صحیح» مسلم را از دایی مادرش، ابو عبدالله

بن زرقون، استماع کرد و قرآآت هفت گانه را نزد علی بن هشام جذامی آموخت. او از ابومحمد بن عبیدالله حدیث شنید و از ابوعبدالله بن خلیل قیسی، آخرین شاگرد ابوعلی غسانی، اجازه روایت داشت. ابوجعفر بن زبیر از شاگردان وی بود. طوسی هر روز قرآنی ختم می کرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۳۰۱-۳۰۰ / ۲۳)، الوافی بالوفیات (۳۹۸ / ۸).

طوسی، ابوالحسن علی

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۵۳ ق)، محدث و مسند. او را مسند عراق می گفتند. وی از جریر بن عبدالحمید رازی و یوسف بن یعقوب ماجشون و هشیم بن بشیر و عبدالله بن مبارک و یحیی بن ابی زائده و عبدالرحمان بن زید بن اسلم و ابویوسف قاضی و بسیاری دیگر حدیث شنید، و مسموعات خویش را جمع آوری و تألیف کرد. ساکن بغداد شد و در آنجا حدیث گفت. بخاری و ابوداود سجستانی و نسائی و یحیی بن معین و ابوبکر اثرم و ابن ابی دنیا و عبدالله بن احمد و ابومحمد بن صاعد و قاضی محاملی و حسین بن عیاش قطان دیگران از وی حدیث شنیدند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۱۰۹-۱۰۸ / ۱۲)، تهذیب التهذیب (۳۲۳ / ۷)، الجرح و التعديل (ج ۳ ق ۲۰۳ / ۱)، سیر النبلاء (۵۲۶-۵۲۵ / ۱۱)، النجوم الزاهره (۴۰۷ / ۲).

طوسی، ابوالفضل نصر

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۳۸۳-۳۱۰ ق)، حافظ و محدث. در طلب حدیث سفرهای بسیار کرد و از ابومحمد بن شرقی و ابوحامد بن بلال و ابوعبدالله محاملی و ابن مخلد عطار و ابن عقده و محمد بن حسین قطان و ابن اعرابی و محمد بن وردان عامری و احمد بن زبان کنندی و ابن حبیب حصائری و خیثمه و ربیع بن سلامه رملی و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید. او دارای تصانیف نیکویی بود. حاکم و سلمی و ابونعیم و ابوسعید کنجرودی و دیگران از وی حدیث شنیدند. حاکم گوید که او یکی از ارکان حدیث خراسان و در علوم صوفیه و اخبار آنان سرآمد اقران بود. مدتی با شبلی، در بغداد، و چند تن دیگر از صوفیان مصاحبت داشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۸-۶ / ۱۷)، شذرات الذهب (۱۰۶ / ۳)، طبقات الحفاظ (۴۰۲)، النجوم الزاهره (۱۶۸ / ۴).

طوسی، ابوبکر محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۷۰)، محدث و فقیه شافعی. وی از علی بن احمد بن اصرم و نصرالله خشنامی و فضل بن عبدالواحد تاجر حدیث شنید. او «چهل حدیث» دارد که علی بن عمر طوسی آن را تخریج کرده است. عثمان بن ابوبکر خوشانی و محمد بن ابی طاهر عطاری و ابو حامد محمد بن محمد سمنانی و حسن بن عبیدالله قشیری و حره ناز زینب شعریه و دو فرزند این خانم، مؤید و بی‌بی، و همچنین عبدالقادر رهاوی و چند تن دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۶۵ / ۲۱)، النجوم الزاهره (۶۹ / ۶).

طوسی، ابوجعفر محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۵۴ ق)، حافظ، محدث و عابد. ساکن بغداد بود. از سفیان بن عیینه و معاذ بن معاذ و اسماعیل بن علی و یعقوب بن ابراهیم زهری و یحیی بن سعید قطان و همطبقه آنان حدیث شنید. ابوداود سجستانی و نسایی در «سنن» هایشان و ابوحاتم و ابوجعفر مطین و ابن صاعد و محمد بن هارون حصرمی و ابوعبدالله محاملی و عبدالرحمان بن یوسف بن خراش و عبدالله بن محمد بغوی و دیگران از وی حدیث شنیدند. حافظ ابوسعید نقاش در کتاب «طبقات الصوفیه» گوید: ابن منصور طوسی استاد ابوسعید خراز و ابوالعباس بن مسروق، احادیث بسیاری را نوشت و روایت کرد. از گفته‌های اوست: جاهل را به چهار چیز می‌شناسند، اول به غضب بی‌مورد، دوم افشاء راز، سوم اعتماد به هر کس، چهارم به نصیحت بی‌جا.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۲۵۰-۲۴۷ / ۳)، تهذیب التهذیب (۴۷۳-۴۷۲ / ۹)، الجرح و التعديل (ج ۴ ق ۹۴ / ۱)، سیر النبلاء (۲۱۴-۲۱۲ / ۱۲)، طبقات الصوفیه هروی (۱۲۹-۱۲۶)، النجوم الزاهره (۴۱۰ / ۲)، الوافی بالوفیات (۷۰ / ۵).

طوسی، ابوعلی حسن

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۱۲ ق)، حافظ و محدث. معروف به کردوش. در خراسان و عراق و حجاز از محدثانی چون محمد بن رافع و محمد بن اسلم طوسی و عبدالله بن هاشم و اسحاق بن منصور و ابن شاهین و بندار و زید بن اصرم و احمد بن منیع و فضل بن عبدالله بن خرم هروی و همطبقه آنان حدیث شنید. در هرات و قزوین حدیث گفت. عبدالله بن محمد بن مسلم اسفراینی و احمد بن علی رازی و احمد بن محمد بن عبدوس و ابوسهل صعلوکی و محمد بن جعفر بستی و ابواحمد حاکم نیشابوری از وی حدیث روایت کرده‌اند. شیخ و استادش ابوحاتم رازی نیز از وی حکایاتی روایت کرده است. ابوعلی خلیلی گوید که من اشکرده تن از شاگردان طوسی بودم. او را تصانیفی است که حاکی از علم و معرفت اوست. ابونعیم در «تاریخ» خود گوید که طوسی صاحب تصانیف بوده و از جمله

آنها کتابی است در زمینه‌ی احکام که آن را «الاحکام» نامیده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نیشابور (۱۱۳)، سیر النبلاء (۸-۶ / ۱۵، ۲۸۸-۲۸۷ / ۱۴)، شذرات الذهب (۲ / ۲۶۴)، طبقات الحفاظ (۳۳۲)، لسان المیزان (۴۳۲-۴۳۰ / ۲)، معجم المؤلفین (۳ / ۲۶۴).

طوسی، ابومحمد احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۳۹ ق)، حافظ، محدث و واعظ. معروف به بلاذری صغیر. او از محمد بن ایوب بن ضریس و تمیم بن محمد حافظ و عبدالله بن محمد بن شیرویه و همطبقه آنان حدیث شنید. ابو عبدالله حاکم گوید که او یگانه‌ی دوران خویش در حفظ و وعظ بود و مشایخ بزرگ همچون حافظ ابوعلی در محضرش حاضر می‌شدند و از حدیث‌خوانی او فرحناک می‌شدند و هیچ‌گاه درباره‌ی اسناد یا اسمی و یا حدیثی بر او خرده نگرفتند. او در طابران طوس از دنیا رفت. از آثارش تخریج «صحیحی» به سبک «صحیح» مسلم است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۳۶ / ۱۶)، شذرات الذهب (۳۴۹ / ۲)، طبقات الحفاظ (۳۶۶-۳۶۵)، العبر (۵۶ / ۲).

طوسی، ابومحمد حاجب

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۳۶ ق)، محدث و مسند. از محمد بن رافع و ذهلی و محمد بن حماد ابیوردی و عبدالرحمان بن منیب مروزی و عبدالله بن هاشم طوسی و دیگران حدیث شنید. منصور بن عبدالله خالدی و ابن منده و احمد بن محمد بصیر و علی بن ابراهیم مزکی و محمد بن ابراهیم جرجانی و قاضی ابوبکر حیری و ابوطاهر بن محمش از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابن منده وی را فردی مورد وثوق توصیف کرده است. حاکم نیشابوری سه جزوه وی را از او شنیده، اما گوید که این کتابهای عمومی او بوده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۸۱ / ۴)، سیر النبلاء (۳۳۷-۳۳۶ / ۱۵)، لسان المیزان (۱۴۶ / ۲)، النجوم الزاهره (۳۴۰ / ۳).

طوسی، ابونصر، ابونصر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۳۴۴-۲۵۰ ق)، زاهد، عابد، حافظ، محدث و فقیه شافعی. مفتی خراسان. در طلب حدیث به عراق و شام و مصر و حجاز سفر کرد و از عثمان بن سعید دارمی و حارث بن ابی‌اسامه و اسماعیل قاضی و علی بن عبدالعزیز بغوی و فضل بن عبدالله بن خرم

یشکری هروی و احمد بن موسی کوفی حمار و محمد بن عمرو قشمر د حرشی و محمد بن ایوب بن ضریس و احمد بن سلمه حافظ و حسین بن محمد قبانی و تمیم بن محمد حافظ و محمد بن نصر مروزی فقیه و دیگران حدیث شنیدند. بیشتر ملازم محمد بن نصر مروزی بود و اکثر شنیده‌هایش از اوست. طوسی شنیده‌هایش را جمع‌آوری و تألیف کرد و کتبی به سبک مسلم نگاشت. وی شب را به سه قسمت تقسیم کرده بود: جزئی برای تصنیف، جزئی برای خواب و جزئی برای تلاوت قرآن. او حدود هفتاد سال مرجع امور دینی مردم بود و فتوی می‌داد. بیشتر ایام سال را روزه‌دار بود و آنچه زیاده بر قوت روزانه‌اش بود صدقه می‌داد از امر به معروف و نهی از منکر غفلت نداشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۸۰ / ۴)، تاریخ نیشابور (۱۸۶)، سیر النبلاء (۴۹۲-۴۹۰ / ۱۵)، شذرات الذهب (۳۶۸ / ۲)، طبقات الحفاظ (۳۳۶)، العبر (۶۸ / ۲)، النجوم الزاهراه (۳۵۸-۳۵۷ / ۳)، الوافی بالوفیات (۲۱۰ / ۱).

طوسی، اسدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اسدالله طوسی

محل تولد: بهشهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیر آموزش قرآن کریم را نزد پدر بزرگوارم آموختم آنگاه برای تحصیل وارد مدرسه ابتدایی واقع در محل تولدم در یکی از روستاهای بیلاقی در مناطق جنگلی و خوش آب و هوای مازندران، بخش هزار جریب ساری شدم تا پایه سوم ابتدایی را گذراندم سپس توسط برادر بزرگوارم جناب حجت الاسلام شیخ محمد علی طوسی به شهر مقدس قم آمدم از پایه چهارم ابتدایی تا پایان دوره متوسطه در این شهر مشغول به تحصیل بودم خرداد سال ۱۳۶۲ موفق به اخذ دیپلم شدم و سال بعد یعنی ۱۳۶۳ به حوزه علمیه قم وارد شدم. شروع به تحصیلات حوزوی از برکات زندگی حقیر بود. آشنایی با مراکز علمی حوزوی و اساتید و کارشناسان حوزوی و افتادن در وادی علم و تحصیل و تحقیق برای بنده بسیار مغتنم بود.

سال ۱۳۶۷ یعنی وقتی مشغول به گذراندن سطح ۴ حوزه بودم وارد بخش آموزش مؤسسه در راه حق شدم که بعدها به بنیاد باقر العلوم (ع) و سپس به مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) تغییر نام یافت. پس از اتمام دوره عمومی در سال ۱۳۷۱ دوره تخصصی در رشته تربیتی را آغاز کردم. پس از اتمام دوره تخصصی در سال ۱۳۷۶ از پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته علوم تربیتی با عنوان روش های تربیتی انداز و تبشیر در قرآن با نمره عالی ۵/۱۸ دفاع کردم. فراغت از تحصیلات دوره های مؤسسه همزمان بود با درخواست های برخی دوستان و نیز اساتید برای فعالیت در بخش های مختلف آموزشی و پژوهشی که حقیر با فعالیت در مراکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه قم موافقت کردم و بعنوان مسئول گروه تربیت و مشاوره ادامه داشت. همزمان به اتفاق یکی از دوستان دست به ترجمه مجموعه مقالات تخصصی علوم تربیتی از یکی از منابع خارجی شدیم به صورت

کتاب با عنوان گامی به سوی نظریه پردازی در تعلیم و تربیت اسلامی چاپ و منتشر گردید .
 با افتتاح واحد تربیت مربی اخلاق در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) به سرپرستی و هدایت حضرت استاد حاج آقای دکتر تهرانی ، حقیر جذب آنجا شدم و از اولین گروه آموزشی آن واحد بوم سال بعد از آن خود نیز بنا به درخواست و لطف و عنایت استاد وارد فعالیت های واحد شده و سپس به عنوان مسئول واحد تربیت مربی اخلاق تا کنون مشغول به انجام وظیفه هستم .
 همزمان با فعال بودن در واحد تربیت مربی اخلاق فعالیت هایی نیز در حوزه آموزش و پرورش داشتم.

طوسی، بهرام

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد
 خلاصه شرح حال تخصصی
 سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه مشهد در سال ۱۳۴۱، برنده بورس فولبرایت از طریق آزمون سراسری دبیران زبان انگلیسی و تحصیل در دانشگاه جورج تاون آمریکا در سال ۱۳۴۸، کارشناسی ارشد در زبانشناسی و ادبیات انگلیسی از دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۲ و درجه دکترا در آموزش زبان از انگلستان در سال ۱۳۶۰.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد در گروه زبان و ادبیات انگلیسی.

ابداع:

۱۵ اختراع در زمینه‌های مانع‌یاب زیردریائی برای شناورها و کمک مکانیک پارک اتومبیل.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

مهارت‌های مطالعه، خودآموزی تندخوانی، اصول عملی نوشتن مقاله و رساله.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

آموزش زبان انگلیسی، روش‌های تدریس، ارزشیابی مسائل و مشکلات دانشگاهها، اصول و روش تحقیق و تربیت نیروی متخصص برای بازسازی کشور.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

طوسی، پرویز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد ۱۳۲۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای پوستی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۱، گذراندن دوره تخصصی در رشته بیماریهای پوست و آمیزشی با رتبه عالی، فوق تخصص فتودرماولوژی از انستیتوی درماولوژی لندن.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۱۳۵۸، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده پزشکی دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۶۴.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی اثرات داروی ضد قارچ جدید روی بیماریهای قارچی سطحی پوست، بررسی اثرات داروی سکیلوسپورین روی بعضی از بیماریهای پوستی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۶ پایان‌نامه دکترای.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

بیماریهای پوستی و آمیزشی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۹، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای پوستی و آمیزشی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

طوسی، رضی‌الدین، ابوالحسن مؤید

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۱۷-۵۲۴ق)، قاری، مسند و محدث. «صحیح» مسلم را از فراوی و «صحیح» بخاری را از وجیه و ابوالمعالی فارسی و عبدالوهاب بن شاه و «الموطأ» را از هبه‌الله سیدی و «تفسیر ثعلبی» را از عباسه عساری و «الوسیط» واحدی را از عبدالجبار خواری و «الغایه»

ابن مهران را از زاهر بن طاهر و «الاربعین» حسن بن سفیان را از فاطمه دختر زعبل و همچنین «جزء» ابن نجید را استماع کرد. او را ثقه‌ای نیکوکار و قاری درست‌کرداری توصیف کرده‌اند. گروه بسیاری از دانش‌پژوهان به سوش آمدند. علامه جمال‌الدین محمود ابن حصیری و ابن صلاح و قاضی خویی و ابن نقطه و برزالی و ابن نجار و ضیاء و مرسی و صریفینی و مجد اسفراینی و علی بن یوسف صوری و شمس‌الدین زکی بیلقانی و مفضل قرشی و احمد بن عمر باذینی و کمال بن طلحه و گروهی دیگر از وی حدیث شنیدند. تاج‌الدین عساکر و ابن عساکر و عبدالواسع ابهری و زینب کندیه از وی اجازه روایت داشتند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۱۰۷-۱۰۴ / ۲۲)، العبر (۱۷۶ / ۳)، النجوم الزاهره (۲۲۲ / ۶)، وفيات الاعیان (۳۴۶-۳۴۵ / ۵).

طوسی، شهاب‌الدین، ابوالفتح محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۹۶-۵۲۲ ق)، محدث، فقیه و عالم اشعری شافعی. معروف به شهاب طوسی. از ابوالوقت سجزی حدیث روایت کرده است. سفری به بغداد کرد و مورد احترام بسیاری قرار گرفت و داماد قاضی القضاة ابوالبرکات ابن‌الثقفی شد. آن‌گاه حج به جا آورد در ۵۷۲ ق به مصر رفت و ابتدا در خانقاه سعید السعدهاء در قاهره منزل کرد. وی در جامع مصر وعظ گفت و مذهب اشعری را آشکار کرد. او در منازل العز درس می‌گفت، فقهاء و محدثین بر گردش جمع شدند و از محضرش بهره جستند. تقی‌الدین عمر بن شاهنشاه برایش مدرسه‌ای در منازل العز بنا کرد او در نزد عام و خاص عزیز و محترم بود. گویند که وی مدار فتوی در مذهب شافعی در زمان خود بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۳۸۹-۳۸۷ / ۲۱)، شذرات الذهب (۳۲۸/۷-۳۲۷ / ۴) العبر (۱۱۷-۱۱۶ / ۳)، النجوم الزاهره (۱۴۲ / ۶)، الوافی بالوفیات (۵ / ۹).

طوسی، شیخ الاسلام، ابوالحسن محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۲۴۲ - ۱۸۰ ق)، حافظ و محدث. ذهبی او را به شیخ المشرق ملقب کرده است. از یزید بن هارون و یعلی بن عبید و محمد بن عبید و جعفر بن عون و ابو عبد الرحمن مقری و حسین بن ولید نیشابوری و ابونعیم و نصر بن شمیل و برخی دیگر حدیث شنید. ابراهیم بن ابی‌طالب و ابن‌خزیمه و ابوبکر بن ابی‌داوود و محمد بن وکیع طوسی و محمد بن احمد طوسی و زنجویه و حسن بن علی طوسی و گروه بسیاری از وی حدیث روایت کرده‌اند. بسیاری از علمای رجال شخصیت محمد بن اسلم را در حد عالی ستوده‌اند. ابن‌خزیمه از او به ربانی امت تعبیر می‌کند و گوید که چشمش مثل او را ندیده است. شیخ طوسی او را در شمار راویان و اصحاب امام رضا (ع) آورده است. او راوی حدیث سلسله‌الذهب از امام رضا (ع) است که اربلی در «کشف الغمه» آن را از «تاریخ نیشابور» نقل کرده است. محمد بن اسلم در نیشابور درگذشت و در مقبره‌ی شادیاخ در کنار اسحاق بن راهویه دفن شد. از آثارش:

«السمند»؛ «الرد علی الجهمیه»؛ «الایمان و الاعمال»، در رد کرامیه؛ «الاربعون حدیثاً».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۵۸-۲۵۷ / ۶)، تاریخ نیشابور (۹۴)، الجرح و التعديل (ج ۳ ق ۲ / ۲۰۱)، حلیه الاولیاء (۲۵۴-۲۳۸ / ۹)، رجال الطوسی (۳۹۰)، سیر النبلاء (۲۰۷-۱۹۵ / ۱۲)، شذرات الذهب (۱۰۱-۱۰۰ / ۲)، طبقات الحفاظ (۲۳۸)، العبر (۳۴۴ / ۱)، الوافی بالوفیات (۲ / ۲۰۴).

طوسی، ضیاء‌الدین، ابومحمد عبدالعزیز

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۰۶ق)، فقیه شافعی. اصل وی از طوس بود و در دمشق ساکن، و هم در این شهر در مدرسه نجیبیه تدریس می‌نمود و در همین شهر نیز از دنیا رفت و در مقابر صوفیه دفن شد. برزالی و ابن حبیب مراتب فضل و دانش وی را ستوده‌اند. از آثارش: «مصباح الحاوی و مفتاح الفتاوی»، که شرح «الحاوی الصغیر» عبدالغفار قزوینی است، در فروع فقه شافعی، در چهار مجلد؛ «کاشف الرموز و مظهر الكنوز»، در شرح «منتهی السؤل و الامل فی علمی الاصول و الجدل» یا «مختصر» ابن حاجب، در اصول.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۵۱ / ۴)، شذرات الذهب (۱۴ / ۶)، کشف الظنون (۱۸۵۵، ۱۳۶۸، ۶۲۵)، معجم المؤلفین (۲۶۰ / ۵)، النجوم الزاهره (۱۷۷ / ۸)، الوافی بالوفیات (۵۵۶ / ۱۸)، هدیه العارفین (۵۸۱ / ۱).

طوسی، محقق

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ محمد معروف به خواجه نصیرالدین طوسی جهودی الاصل، شیخ حر عاملی در کتاب امل الامل می‌نویسد: وی مردی فاضل و ماهر و عالم و متکلم محقق در عقلیات او را کتبی است که از جمله آنها کتب زیر است ۱- کتاب «تجرید الاعتقاد» ۲- تذکره «در هیئت» ۳- تحریر کتاب اقلیدس ۴- تحریر مجسطی ۵- شرح اشارات ۶- «فصول نصیری» ۷- «فرائض نصیری» ۸- «آداب المتعلمین» ۹- رساله اسطرلاب ۱۰- رساله جواهر ۱۱- نقد المحصل ۱۲- رساله معینیه در هیئت به فارسی ۱۳- شرح آن به فارسی ۱۴- رساله خلق اعمال ۱۵- شرح ساله العلم میثم بحرانی ۱۶- اخلاق ناصری ۱۷- اوصاف الاشرف و غیر اینها، روایت می‌کند از او علامه حلی که در اجازه بنی‌زهره نوشته است این شیخ افضل اهل زمان خود در علوم عقلیه و نقلیه و از برای اوست مصنفات بسیاری در علوم حکمیه و احکام شرعیه بر مذهب امامیه وی بزرگترین کسی است که ما دیده‌ایم که نورانی کند خدا خوابگاه او را. من، الهیات شفای ابوعلی سینا و بعض کتاب تذکره را در هیئت که از تصانیف خود اوست نزد وی خواندم سپس درک نمود او را اجل محتوم قدس الله روحه.

نگارنده گوید: خواجه در حمله دوم مفعول موقعی که هلاکوخان نوه چنگیز بقعله «میمون دژ» مرکز و پناهگاه اسماعیلیان واقع در الموت قزوین لشکر کشید و آنجا را تسخیر کرد از حبس آن فرقه ضاله آزاد و همراه هلاکو به بغداد آمد سپس هلاکو را بعد از

قتل آخرین خلفاء بنی‌عباس و ابن‌حاجب از جنگ و تخریب بقیه بلاد اسلامی منصرف و به مراغه آذربایجان آورد و به عمران و آبادی و تشویق اهل فضل و احیای علوم عقلی تشویق نمود و خود با تأسیس رصدخانه بزرگ مراغه که آکادمی علوم عقلی و نقلی بود و با داشتن ریاست اوقاف و مقام علمی، جان مردم مسلمان خاصه علماء نامی ما را از خطر نابودی و انهدام حفظ کرد و از این راه بزرگترین خدمت را به دین اسلام و ملت ایران نمود- و حقاً خواجه یکی از بزرگترین دانشمندان جهان و نابغه عالیقدر شیعه و فیلسوف نامی اسلام است. ولادتش در طوس در ج ۱ سال ۵۹۷ ه.ق واقع و در روز عید غدیر سال ۶۷۲ در بغداد از دنیا رفت و در قسمت بالا سر حضرت امام همام باب الحوائج موسی بن جعفر علیهماالسلام در مکانی که برای ناصر عباسی مهیا کرده بودند دفن شد در ماده تاریخ وفات او به فارسی گفته شده:

«نصیر ملت و دین پادشاه کشور فضل

یگانه‌ای که چه او مادر زمانه نژاد

بسال ششصد و هفتاد و دو بذی‌الحجه

بروز هیجدهمش در گذشت در بغداد

ابوجعفر نصیرالدین محمد بن حسن طوسی (و. ۵۹۷- ف. ۶۷۲ ه.ق) از علمای بزرگ ریاضی و نجوم و حکمت ایران در قرن هفتم و نیز از وزراء آن عصر است. مدتی در دستگاه اسماعیلیه بود و هنگام حمله‌ی هلاکوخان مغول به ایران برای نجات مسلمانان از خونریزیهای آن مرد سفاک به خدمت او درآمد و با تدابیر خاصی از خرابی شهرها و کشتار دسته‌جمعی مردم به دست هلاکو جلوگیری کرد. این دانشمند که در ضمن یکی از فقهای مذهب تشیع است هلاکوخان را به ایجاد رصدخانه در مراغه و ترتیب زیج جدیدی که بعداً به زیج ایلخانی مشهور گردید و خود تصدی این کار را برعهده گرفت تشویق کرد. گویند تمام اوقاف نیز در سراسر ممالک مفتوحه مغول در تحت نظر او بود. از خواجه تألیفات متعددی در رشته‌ی علوم ریاضی، نجوم، منطق، علوم طبیعی، حکمت الهی، و مجسطی باقی مانده است. او یکی از شارحان و مفسران کتاب «اشارات» ابوعلی سینا است. از مشهورترین تألیف‌های او در عربی شرح اشارات ابن‌سینا و در فارسی کتاب «اخلاق ناصری» است که در غایت نیکویی سخنان افلاطون و ارسطو را در حکمت عملی جمع کرده و آراء متقدمین را شرح و شبهات متأخرین را رد نموده است. دیگر کتاب «تجریدالکلام فی تحریر عقایدالاسلام» و این تجرید که در الهیات است طرف توجه عده‌ی کثیری از شراح و صاحبان رسائل کلامیه است و نیز «تذکره‌ی نصیری» در هیئت و «اساس الاقتباس» در منطق و «اوصاف الاشراف» در عرفان و رسالات و کتبی به زبان عربی در منطق و هیئت و هندسه از او باقی است.

(۶۷۲- ۵۹۷ ه.ق)، دانشمند، نویسنده، منجم، فیلسوف، ریاضیدان و شاعر. ملقب به استاد البشر و عقل حادی عشر. مشهور به خواجه نصیرالدین و خواجه نصیر طوسی. اصل وی از جهرود ساوه یا قم است. در طوس به دنیا آمد و به همین علت به طوسی مشهور شد. پثرش از فقها و علمای طوس بود. نصیرالدین علوم نقلی را نزد پدر و علوم عقلی را نزد دایی خود فراگرفت. در آغاز جوانی برای تکمیل معلومات به نیشابور رفت. در آنجا به محضر فریدالدین عطار نیشابوری رسید و گویند حکمت مشاء را نزد وی آموخت. ریاضیات را از کمال‌الدین محمد حاسب و فقه را نزد معین‌الدین سالم بن بدران مصری و کمال‌الدین میثم بحرانی فراگرفت و از محضر درس دانشمندانی چون کمال‌الدین بن یونس موصلی، ابوالسعادات اصفهانی، اسعد بن عبدالقاهر اصفهانی و نجم‌الدین محقق حلّی استفاده کرد. با صدرالدین قونوی معاصر و معاشر بوده است. اعتمادالسلطنه در «مطلع الشمس»، سید غیاث‌الدین عبدالکریم بن طاووس و قطب‌الدین محمود بن مسعود شیرازی و جمال‌الدین حسن بن یوسف، ملقب به علامه حلّی، را از شاگردان وی می‌شمرد. او چند سال پس از واقعه‌ی حمله‌ی چنگیز، به قلاع اسماعیلیه پناه برد و به خدمت ناصرالدین عبدالرحیم بن ابی‌منصور، محتشم قهستان رسید و به خواهش او کتاب «الطهاره» ابوعلی مسکویه را به فارسی ترجمه کرد که بعدها آن را اساس

تألیف «اخلاق ناصری» قرار داد. سپس به دعوت علاءالدین محمد، فرمانروای اسماعیلیان، به قلعه‌ی میمون دژ رفت. وی پس از غلبه‌ی هلاکو خان به قلاع اسماعیلیه در ۶۵۴ به خدمت او پیوست و همواره در ملازمت وی بود. در مورد تصمیم به ساختن رصدخانه، گویند منگوقاآن، که از پادشاهان مغول است، هنگام فرستادن هلاکو به ایران، دستور داد که خواجه نصیر را به دربار او روانه کند تا در مغولستان این رصدخانه تأسیس شود، اما هولاکو صلاح دید که این کار به امر او باشد و رصدخانه در ایران بنا شود. بعد از فتح بغداد، خواجه در ۶۵۷ ق از جانب هلاکو مأموریت یافت تا رصدخانه‌ی مراغه را ترتیب دهد. او هم جماعتی از ریاضیدانان بزرگ مانند: مؤیدالدین عرضی، از دمشق، و فخرالدین مراغی، از موصل، و فخرالدین اخلاطی، از تغلیس، و نجم‌الدین دبیران قزوینی را گرد آورد و کار احداث رصدخانه‌ی مراغه را در همان سال آغاز کرد. خواجه با این کار عالمان بزرگ زمان را که پراکنده بودند، گرد آورد و همچنین کتابخانه‌ی عظیم در محل رصدخانه مراغه احداث کرد و کتابهایی را که از بغداد، شام و الجزیره و اطراف و اکناف ایران فراهم آمده بود و به تصریح الکتبی، بیش از چهارصد هزار مجلد می‌شد، در آنجا جمع کرد. عمر خواجه از این پس در خدمات علمی گذشت. خواجه وزارت هولاکو را نیز به عهده داشت و با تقرب خود در نزد هلاکو، از قتل گروهی از بزرگان عهد خویش پیشگیری کرد. نصیرالدین یکی از بزرگترین بنیان‌گذاران کلام شیعه و پیشاهنگ بزرگ فلسفه‌ی مشاء بود. در حکمت و فلسفه بزرگترین کار او تأیید و تسجیل حکمت ابوعلی سینا است و برای این کار به شرح مشکلات «اشارات» ابوعلی سینا و اثبات مباحث آن همت گماشت. خواجه اولین دانشمندی بود که حالات ششگانه را در مثلث کروی قائم‌الزاویه بیان کرد و آن را در کتاب خود به نام «الشکل القطاع» شرح داد. وی در شانزدهمین سال تأسیس رصدخانه وفات یافت و عمل رصد و زیج ناتمام ماند. اگر چه صدرالدین، پسر بزرگ او و بعد از وی، اصیل‌الدین عهده‌دار تکمیل آن شدند، اما به تدریج رصدخانه، متروک گشت تا این زمان که تنها نامی از آن باقی مانده است. نصیرالدین در بغداد درگذشت و جنازه وی را در کاظمین به خاک سپردند. از دیگر آثار وی: «تجرید الکلام» یا «تجرید العقائد» یا «تجرید الاعتقاد» یا «تحریر العقاید»، در اصول دین؛ «زیج ایلخانی»، به فارسی؛ «اوصاف الاشراف»، در اخلاق به فارسی؛ «اساس الاقتباس»، در منطق؛ «تحریر اصول اقلیدس»، در هندسه؛ «تحریر مجسطی»، در هیئت؛ «تذکره‌ی نصیری»، در هیئت؛ شرح «اشارات» ابوعلی سینا؛ «سی فصل»، در نجوم؛ «رساله فی اثبات الفرقة الناجیه»، «رساله فی حصر الحق بمقاله الامامیه»، به فارسی؛ «الاتنی عشریه»؛ «تحریر اکرمانالوس» یا «تحریر کتاب مانالوس فی الاشکال الکرویة»؛ «تجرید المنطق»؛ «البارع فی التوفیم و احکام النجوم»؛ «آداب المتعلمین»؛ «التجرید فی الهندسه»؛ «معیار الاشعار»، در عروض فارسی؛ «زبدۀ الادراک فی هیئت الافلاک»؛ «جامع الحساب فی التخت والتراب» یا «جوامع الحساب بالتخت والتراب»؛ «ظواهر الفلک»؛ «بیست باب»، در معرفت اسطرلاب؛ «دیوان» شعر. به قول صاحب «زندگینامه‌ی ریاضیدانان دوره‌ی اسلامی»، بروکلیمان فهرست پنجاه و نه عنوان و سارتن فهرست شصت و چهار عنوان از آثار نصیرالدین را آورده و آنها را به چندین رشته‌ی مختلف تقسیم کرده‌اند. [۱]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۲۵۸- ۲۵۷/۷)، اعیان‌الشیعه (۴۲۰- ۴۱۴/۹)، ایضاح‌المکنون (۳۵۳- ۳۵۲/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۰۵- ۱۱۹۸، ۲۷۱، ۲۵۷- ۲۵۴، ۲۳۱- ۲۲۹/۳)، تاریخ علوم عقلی (صفحات متعدد)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۴۴۱- ۴۱۷)، تاریخ گزیده (۷۰۶- ۷۰۵)، تاریخ نجوم اسلامی (۲۴۶، ۵۲، ۴۷، ۴۵)، تاریخ و عقاید اسماعیلیه (۴۶۷- ۴۶۵)، دائرة‌المعارف بستانی (۳۵۹/۱۱)، دایرة‌المعارف فارسی (۳۰۳۳/۲)، الذریعه (۲۶۵/۱۳، ۱۱۹۹- ۱۱۹۸، ۹۸۹، ۶۵۱، ۳۰۶/۹، ۳۵۳- ۳۵۲/۸، ۳/۵- ۲/۵، ۲/۲۶)، روضات‌الجنات (۲۹۷- ۲۷۸/۶)، ریاض‌العاریفین (۲۳۵- ۲۳۴)، ریاض‌العلماء (۱۶۴- ۱۵۹/۵)، ریحانه (۱۸۲- ۱۷۱/۲)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۵۰۶- ۴۸۶)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۳۵۷- ۳۴۲)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۷۰- ۱۶۸/۷)، العبر (۳/۳۲۶)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۰۹- ۵۰۷)، فرهنگ سخنوران (۹۳۷)، فلاسفه‌ی شیعه (۵۲۳- ۴۹۰)، فوات الوفيات (۲۵۲- ۲۴۶/۳)

۳)، فواید الرضویه (۶۱۲-۶۰۲)، کشف‌الظنون (۱۶۴۴، ۱۴۳۶، ۹۶۹، ۹۵۰، ۳۹۱، ۳۵۷، ۳۵۲-۳۵۱، ۳۵۱-۳۴۶، ۱۴۲، ۱۳۹)، الکنی واللقاب (۲۵۲-۲۵۰/۳)، لغت‌نامه (ذیل / نصیرالدین طوسی)، مجالس المؤمنین (۲۱۰-۲۰۱/۲)، مجمع‌الفصحا (۱۴۰۷-۱۴۰۶/۳)، مطلع‌الشمس (۲۳۱-۲۱۹/۱)، معجم‌المؤلفین (۲۰۸-۲۰۷/۱۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۴۴-۷۳۰/۵)، نتایج‌الافکار (۷۰۹-۷۰۸)، الوافی بالوفیات (۱۸۳-۱۷۹/۱)، هدیة‌الاحباب (۱۹۶-۱۹۵)، هدیة‌العارفین (۱۳۱/۲).

طوسی، محمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

والد ماجد محقق علامه خواجه نصیرالدین اصلا از جهود قم و مردی جلیل‌القدر است روایت می‌کند از او فرزند ارجمندش خواجه نصیرالدین طوسی.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

طوسی اهری، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، ادیب و نویسنده. از ادیبان و سخنوران آذربایجان بود. از آثارش: منظومه‌های «سببکه المعانی فی المصادر و المعانی» و «توقیعات التقویم» می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان آذربایجان (۲۴۷-۲۴۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۹۳۳/۲، ۱۹۷۱/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۸۵-۵۸۴/۲).

طوسی تبریزی، عبدالحمید ملک

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۴-۱۲۶۴ ش)، طبیب و شاعر، متخلص به طوسی. وی در تبریز به دنیا آمد و پس از تحصیلات مقدماتی به تحصیل طب پرداخت و برای تکمیل آن به تهران آمد و بعد از پنج سال تحصیل به تبریز بازگشت و در آنجا به مداوای بیماران پرداخت، باز به تهران آمد و تا زمان رحلتش در این شهر بود. مجموعه‌ی اشعار وی شامل دو هزار بیت می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سخنوران نامی معاصر (۲۴۳۲-۲۴۲۸/۴).

طوطی ترشیزی، شهاب‌الدین علی

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۸۶۷ / ۸۶۶ ق)، شاعر و طبیب، متخلص به طوطی. وی از شاعران خراسان در عهد ابوالقاسم بابر تیموری و از نزدیکان امیر علیشیر نوایی به شمار می‌رفت. شهاب‌الدین علاوه بر مهارت در سخنوری از پزشکان معروف زمان خود به حساب می‌آمد. طوطی بیشتر ایام عمر خود را در هرات سپری کرد و در جوانی در همان سامان درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۲۹۵)، تذکره الشعراء (۵۲۷-۵۲۶، ۴۹۲، ۲۳)، حبیب السیر (۶۱ / ۴)، الذریعه (۶۵۲ / ۹)، ریحانه (۶۴ / ۴)، صبح گلشن (۲۶۳)، فرهنگ سخنوران (۵۹۲)، لغت‌نامه (ذیل / طوطی)، مجالس النفائس (۳۱)، هفت اقلیم (۳۱۰-۳۰۹ / ۲).

طهرانی رازی، ابوعبدالله محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۷۱ ق)، حافظ و محدث. بدنبال حدیث به شهرهای بسیاری سفر کرد. از عبدالرزاق بن همام و عبیدالله بن موسی و ابوعاصم نبیل و عبیدالله بن عبدالمجید حنفی و ابو نعیم و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید. ابن ماجه قزوینی و ابواسحاق بن ابی‌ثابت و عبدالرحمان بن ابی‌حاتم و عبدالله بن علی خطیب یافا از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابن ابی‌حاتم او را ثقه و مورد اعتماد توصیف کرده و گوید که در ری و بغداد و اسکندریه از وی احادیثی نوشته است. طهرانی در عسقلان شامان درگذشت. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۸۶ / ۴)، تاریخ بغداد (۲۷۲-۲۷۱ / ۲)، تهذیب التهذیب (۱۰۷-۱۰۶ / ۹)، الجرح و التعذیل (ج ۳، ق ۲۴۰ / ۲)، ری باستان (۳۵۳-۳۵۲ / ۲)، سیر النبلاء (۶۲۹-۶۲۸ / ۱۲)، شذرات الذهب (۱۶۱ / ۲)، العبر (۳۹۲ / ۱)، لسان المیزان (۹۶ / ۹)، معجم البلدان (۵۹ / ۴)، الوافی بالوفیات (۲۴ / ۳).

طهرانی عسکری، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۱-۱۲۸۱ ق)، فقیه اصولی و محدث. در تهران به دنیا آمد. بعدها مقیم سامرا گشت و تحت نظر میرزا محمد حسن شیرازی تربیت یافت. وی اجازه‌ی اجتهاد خود را از میرزا محمد تقی شیرازی دریافت کرد و بیش از شصت سال در سامراء به تحصیل و تدریس و تألیف مشغول بود. ابتدا کتاب «مصابیح الانوار» را، در فهرست ابواب مجلدات «بجارانوار»، نگاشت. سپس به تصنیف

«مستدرک بحارالانوار» پرداخت و در بسیاری از ابواب به استدراکاتی دست یافت و تصنیفات خود را در این زمینه به چندین مجلد بزرگ رسانید. از دیگر آثار وی «الصحیفه المهدویه»، حدود شصت دعاء، از ادعیه حضرت حجت (عج)، که از انشآت آن حضرت می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۸۶، ۴ / ۲۱، ۲۴ / ۱۵)، علماء معاصرین (۲۸۳-۲۷۷).

طهماسبی یزدآبادی، اصغر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: غدد، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشکده پزشکی اصفهان در سال ۱۳۴۴، متخصص داخلی و فوق تخصص غدد مترشحه و داخلی از دانشکده پزشکی دانشگاه منچستر انگلستان در سال ۱۳۶۵.

مرتبه علمی:

مربی دانشکده پزشکی اصفهان از سال ۱۳۵۳ تا سال ۱۳۵۵، استادیار دانشکده پزشکی اصفهان از سال ۱۳۵۶، دانشیار دانشکده پزشکی اصفهان از سال ۱۳۷۱ تا کنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طب عوام (فولکوریک) و ریشه‌های طب سنتی، قرص‌های ضد باروری، هیپوگلیسمی و یک مورد انسولینما بر پایه تزریق سریع، دیابت در ضربه مغزی، هیپوگلیسمی، و صرع، نارسائیهای قلبی، سندروم‌ها، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۰ پایان‌نامه دکترای و تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

تازه‌های دیابت قندی بر پایه فیزیولوژی، تولید مثل و مسائل درمانی آن، تیروئید بر پایه فیزیولوژی، غدد پاراتیروئید و بیماریهای متابولیک استخوان از نظر پاتوفیزیولوژی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

مسائل گوناگون پزشکی، داخلی و غدد.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

طهمانی مروزی، ابوالعباس عیسی

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۹۳ / ۲۹۲ ق)، محدث، ادیب، کاتب و لغوی. پیشگام اهل لغت و از بزرگان مرو بود. از اسحاق بن راهویه و علی بن حجر و گروهی دیگر حدیث شنید. به بغداد رفت و از عمر بن محمد بخاری و راهویه و علی بن حجر و گروهی دیگر حدیث شنید. به بغداد رفت و از عمر بن محمد بخاری و احمد بن بکر تغلی و یعقوب بن جراح حدیث روایت کرد. محمد بن مخلد و عبدالباقی بن قانع و احمد بن خضر و یحیی بن محمد عنبری و عمر بن علك از وی حدیث شنیدند.

ابوسعید ابن الاعرابی گوید که در بازار یحیی از طهمانی حدیث شنیده است. خطیب بغدادی او را فردی مورد اعتماد توصیف کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۸۸ / ۴)، تاریخ بغداد (۱۷۱ - ۱۷۰ / ۱۱)، سیر النبلاء (۵۷۲ - ۵۷۱ / ۱۳)، شذرات الذهب (۲۱۱ - ۲۱۰ / ۲)، العبر (۴۲۴ / ۱)، النجوم الزاهره (۱۷۷ / ۳).

طهوری، عبدالغفار

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

خادم نشر.

درگذشت: ۱۹ آذر ۱۳۷۴، تهران.

عبدالغفار طهوری کار خود را در کتابفروشی دانش آغاز کرد و سپس خود را از سال ۱۳۳۱ دست به کار نشر کتاب زد. نخستین کتابی که منتشر کرد، فرهنگ فارسی تألیف محمد کیوان پورمکری (دکتر محمد مکری) بود. فردوس المرشد فی اسرار الصمدیه به تصحیح ایرج افشار که در سال ۱۳۳۳ توسط انتشارات غفوری منتشر شد. وی کتابفروشی خود را نخست در مغازه‌ای در خیابان شاه‌آباد سابق باز کرد و پس از چندی به رو به روی دانشگاه تهران نقل مکان کرد.

از جمله فعالیت‌های وی چاپ و صد و پنجاه جلد کتاب به نام مجموعه زبان و فرهنگ ایران بود. از آثار دیگر او مختصری از شرح حال و منتخبی از اشعار دهخدا (۱۳۳۳) است. مجموعه کتابفروشی او نیز بیشتر شامل کتاب‌های عرفان و ادبیات فارسی است. عبدالغفار طهوری در پی سکتته‌ی مغزی در سال ۱۳۷۴ در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

طیالسی رازی، ابوعبدالله محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۱۳ ق)، محدث. ساکن کرمانشاه بود. به دنبال حدیث سفرها کرد از یحیی بن معین و ابراهیم بن موسی فراء و ابومصعب زهری و قواریری و علی بن حکیم اودی و محمد بن حمید رازی و احمد بن حنبل و عبدالکریم دهقان و هارون حمال و دیگران حدیث شنید. طیالسی در بغداد و مصر طرسوس حدیث گفت و ابوبکر جعابی و احمد بن محمد همدانی مقری و جعفر خلدی و احمد بن اسحاق حلبی و ابواحمد حاکم و یحیی بن محمد بن صاعد و حسن بن محمد بن شعبه و مکرم بن احمد قاضی از وی حدیث شنیدند. دارقطنی و ابواحمد حاکم وی را، در حدیث، از ضعفا شمرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۹۳-۹۲ / ۴)، تاریخ بغداد (۴۰۷-۴۰۴ / ۱)، ری باستان (۳۴۵ / ۲)، سیر النبلاء (۴۶۰-۴۵۸ / ۱۴)، شذرات الذهب (۲۶۸ / ۲)، لسان المیزان (۶۱۷-۶۱۶ / ۵).

طیالسی فارسی، ابوداود سلیمان

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۰۴-۱۳۳ ق)، حافظ، محدث. اصلش ایرانی است، اما ساکن بصره بود و در آنجا هم از دنیا رفت. وی از ایمن بن نابل و سفیان ثوری و معروف بن خربوذ و هشام دستوایی و طلحه بن عمرو و شعبه بن حجاج و بسطام بن مسلم و ابوعامر خزار و داوود به ابی فرات و جریر بن حازم و فلیح بن سلیمان و مسعود و حرب بن شداد و اسرائیل و همام بن یحیی و محمد بن ابی حمید و بسیاری دیگر حدیث شنید. جریر بن عبدالحمید و احمد بن حنبل و عمرو بن علی فلاس و علی بن مدینی و محمد بن بشار و یعقوب دورقی و محمد بن سعد کاتب و عباس دوری و احمد بن ابراهیم دورقی و احمد بن فرات و کدیمی و هارون بن سلیمان و ابومسعود رازی و یونس بن حبيب اصفهانی از وی حدیث روایت کرده‌اند. فلاس گوید که احدی را پرحافظه‌تر از ابوداود ندیدم. گفته شده که او از حفظ، سی هزار حدیث را با رعایت سیاق و اسلوب روایت می‌کرد. در اصفهان چهل هزار حدیث از او یادداشت کرده‌اند در حالی که کتابی به همراه نداشت. از آثارش: «المسند» که بعضی از حفاظ خراسانی آن را جمع‌آوری کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام بوفیات الاعلام (۱۳۴ / ۱)، انساب سمعانی (۹۲-۹۱ / ۴)، التاریخ الکبیر (۴ / ۱۰)، تاریخ بغداد (۲۹-۲۴ / ۹)، تهذیب التهذیب (۱۶۸-۱۶۵ / ۴)، الجرح و التعذیل (ج ۲ ق ۱۱۳-۱۱۱ / ۱)، سیر النبلاء (۳۸۴-۳۷۸ / ۹)، شذرات الذهب (۱۲ / ۲)، طبقات الحفاظ (۱۵۳)، العبر (۲۷۱-۲۷۰ / ۱).

طیب اصفهانی، جلال‌الدین محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مؤلف کتاب «دستورالجلالی» در طب به زبان عربی، از فضلی قرن ۱۲ و ۱۳. نسخه‌ی کتاب مورخ به سال ۱۲۷۵ به خط محمد حسن بن محمدرضا نائینی به شماره‌ی جزو کتب کتابخانه‌ی پزشکی طهران موجود است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

طیب اصفهانی، سید عبدالحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۱۰ ق)، مفسر، فقیه و مدرس. نسب وی به چهل واسطه به امیرالمومنین (ع) می‌رسد. در اصفهان به دنیا آمد و پس از پرورش در خانواده علم و تقوا و فراگرفتن ادبیات و متون فقه و اصول، از محضر و درس آیت‌الله سید محمد باقر درجه‌ای و آیات دیگر اصفهان استفاده‌ی کامل نمود و سپس به تدریس فقه و اصول و تفسیر قرآن پرداخت و در مدرسه صدر اصفهان تشکیل حوزه داد و جماعت بسیاری از فضلاء و علمای اصفهان از محضرش استفاده بردند. از آثارش: «کلیم الطیب»، در اصول دین، به فارسی، سه جلد؛ «طیب البیان فی تفسیر القرآن»، در چندین جلد؛ «العمل الصالح»، در ایمان و تقوا. [۱]

حجه الاسلام والمسلمین و سیدالعلماء والمفسرین آقای حاج سید عبدالحسین طیب ابن العالم الجلیل آیه‌الله حاج سید محمد تقی از علماء و مدرسین ممتاز معاصر مدرسه صدر اصفهانست.

معظم‌له در حدود سال ۱۳۱۰ قمری هجری در اصفهان متولد گردیده و پس از پرورش در بیت علم و تقوا و فراگرفتن ادبیات و متون فقه و اصول از محضر و درس مرحوم آیه‌الله حاج سید محمد باقر درجه‌ای (استاد مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی) و آیات دیگر اصفهان استفاده کامل نموده سپس بتدریس فقه و اصول و تفسیر کلام‌الله مجید پرداخته و در مدرسه صدر تشکیل حوزه داده و جماعت بسیاری از فضلاء و علماء اصفهان از محضرش استفاده نموده و مینمایند.

آثار ارزنده علمی بسیاری دارد که بعضی از آن مطبوع و از آنها کتب زیر است.

۱- کلم الطیب در اصول دین فارسی ۳ جلد.

۲- طیب البیان فی تفسیر القرآن فارسی ۴ جلد بطبع رسیده و بقیه آماده‌ی طبع است.

۳- العمل الصالح در ایمان و تقوا بطبع رسیده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۰۶- ۱۰۰ / ۳).

طیب اصفهانی، محمد سعید

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن محمد صادق، مترجم کتاب «رجوع الشيخ الی صباه فی القوه علی الباه» تألیف مولی احمد بن سلیمان مشهور به ابن کمال پاشا متوفی به سال ۹۴۰ قمری می‌باشد. نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی علیه‌السلام موجود است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

طیب نیا، محمد صالح

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد صالح طیب نیا

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۶/۶/۸

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۴ در رشته مهندسی آبیاری در دانشگاه صنعتی اصفهان پذیرفته شدم. از همان زمان علاقه زیادی به علوم اسلامی بویژه مباحث کلامی و اعتقادی داشتم. در دوران تحصیل کتب شهید مطهری و برخی از کتب فلسفی را مطالعه می کردم.

در همین ایام در محضر یکی از اساتید میرز حوزة علمیه المنوق منظومه سبزواری و سپس نهائیه الحکمه را گذراندم. در اواخر سال ۱۳۷۷ همزمان با تحصیل در دانشگاه دروس حوزوی را نیز شروع نمودم و تا سال ۱۳۷۹ نیز به تحصیل در دروس حوزوی ادامه دادم. (در سال ۱۳۷۸ از دانشگاه فارغ التحصیل گشتم).

بخاطر علاقه ایجاد شده به فلسفه در سال ۱۳۸۱ در رشته فلسفه و کلام اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه قم پذیرفته شدم. علیرغم آنکه رشته کارشناسی بنده علوم انسانی نبود اما دانشجوی ممتاز و رتبه اول گروه بودم و در سال ۱۳۸۳ با معدل ۹۸/۱۸ فارغ التحصیل شدم. موضوع پایان نامه؛ خدا در آینه خود آگاهی بود که در واقع تبیین فلسفی و دینی از روایت شریف (من عرف نفسه فقد عرف ربه) بحساب می آید.

بلافاصله بعد از فارغ التحصیلی، تدریس دروس معارف اسلامی را آغاز کردم و با اخذ مجوزهای لازم به تدریس در دانشگاه جامع علمی - کاربردی و سپس آزاد نجف آباد پرداختم و سرانجام در سال ۱۳۸۵ در دانشگاه صنعتی اصفهان به عنوان هیأت علمی گروه معارف مشغول شدم.

در سال ۱۳۸۳ به همت برخی از اساتید دانشگاه اصفهان و سایر دوستان، مرکز مطالعات و تحقیقات حیات طیبه را راه اندازی نمودیم که تا پایان سال ۱۳۸۴ مدیریت مجموعه را بر عهده داشتم.

ظاهری اصفهانی، ابوبکر محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۹۷- ۲۵۵ ق)، فقیه، محدث، ادیب و شاعر. مذهب ظاهری بدو و به پدرش منسوب است. پدرش پیشوای دینی بود. اصلش از اصفهان است اما در بغداد به دنیا آمد و در آنجا نشوونما یافت. چون نحیف و رنگ پریده بود به او گنجکک لندوک می گفتند. ابن حزم گوید که در هفت سالگی قرآن را از بر کرد و در ده سالی قادر به مذاکره‌ی شعر و ادب بود. با ابوالعباس بن سریق در محضر علی بن عیسی وزیر مناظره و مشاعره داشت. بعد از پدر متصدی کرسی فتوا شد گرچه عده‌ای او را برای این مقام جوان می دانستند اما او شایستگی خو را اثبات کرد. در مجلس درس او چهارصد قلمدان مشاهده می شد. او از پدرش و عباس دوری و

ابوقلابه رقاشی و احمد بن ابی خيثمه و محمد بن عيسى مدائنی حديث روايت می کرد. نطفويه و قاضی ابو عمر محمد بن يوسف از شاگردان وی می باشند. از آثار وی: «الزهره»، در ادبیات و غرائب و نوادر، که آن را زیر نظر پدرش نگاشت؛ «الانذار»؛ «الاعذار»؛ «التقصی»، در فقه؛ «الوصول الی معرفه الاصول»؛ «الایجاز»؛ «اختلاف مصاحف الصحابه» یا «اختلاف مسائل الصحابه»؛ «الفرائض»؛ «المناسک»؛ «الانتصار».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۵۵ / ۶)، انساب سمعانی (۱۰۰ / ۴)، ایضاح المکنون (۶۲۰ / ۱)، تاریخ بغداد (۲۶۳-۲۵۶ / ۵)، تذکره القبور (۳۱۷)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۵۵۹-۵۵۷ / ۳)، ریحانه (۷۱ / ۴)، سیر النبلاء (۱۱۶-۱۰۹ / ۱۳)، شذرات الذهب (۲۲۶ / ۲)، العبر (۴۳۳ / ۱)، الفهرست لابن الندیم (۳۰۵)، الکامل (۱۳۷ / ۶)، کشف الظنون (۲۰۱۴، ۱۴۲۳، ۱۳۹۹، ۱۳۹۴، ۹۶۲، ۱۷۳)، الکنی و الالقاب (۴۵۴ / ۲)، لغت نامه (ذیل / ابن داوود)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۲۹۷)، مروج الذهب (۶۸۹ / ۲)، معجم المؤلفین (۲۹۷-۲۹۶ / ۹)، النجوم الزاهره (۱۹۰ / ۳)، الوافی بالوفیات (۶۱-۵۸ / ۳)، وفيات الاعیان (۲۶۱-۲۵۹ / ۴).

ظاهری اصفهانی، ابوسلیمان داوود

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۲۷۰-۲۰۱ ق)، فقیه و محدث. ملقب به ظاهری. پیشوای اهل ظاهر بود و فرقه ظاهریه بدو منسوب است. این گروه چون ظاهر کتاب و سنت را اتخاذ و از هر گونه تأویل و رأی و قیاس پرهیز می کردند به ظاهری معروف شدند، و داوود بن علی اولین کسی بود که این فکر را علنی کرد. اصل وی از اصفهان بود و اهل کاشان. در کوفه به دنیا آمد و در بغداد ساکن شد. در ابتدا فقه شافعی آموخت و شدیداً نسبت به شافعی تعصب داشت، و دو کتاب در «مناقب» او نوشت، اما ترک مذهب شافعی گفت و خود رد فقه، بر اساس بینش خویش، کتابی نگاشت. او از سلیمان بن حرب و ابو ثرو فقیه و عمرو بن مرزوق و قعنبی و محمد بن کثیر عبدی و مسدد حدیث شنید، آن گاه از بغداد به نیشابور رفت و در محضر اسحاق بن راهویه «المسند» و «التفسیر» را استماع کرد. سپس به بغداد بازگشت. ریاست علمی بغداد به او منتهی می گشت گفته اند که در مجلس او چهارصد قاضی و خطیب ردای سبزپوش حضور داشتند. فرزندش، محمد، و زکریا ساجی و یوسف بن یعقوب داوودی و عباس بن احمد مذکر از شاگردان وی بودند. ظاهری گردآورهای خویش را در قالب کتابهای بسیاری عرضه کرد. ابن ندیم در «فهرست» خویش حدود دو صفحه به اسم کتابهای وی اختصاص داده است. از جمله آثار وی: «الایضاح»؛ «الافصاح»؛ «الدعوی و البینات»؛ «الاصول»؛ «الحیض»؛ «الطهاره»؛ «الزکوه»؛ «الصیام الفرض»؛ «المناسک»؛ «النکاح»؛ «البیوع»؛ «الجهاد»؛ «الوصایا»؛ «القضاء»؛ «الدعاء»؛ «المسائل الاصفهانیات»؛ «المسائل الخوارزمیات».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۸ / ۳)، الاعلام بوفیات الاعلام (۱۹۲ / ۱)، انساب سمعانی (۱۰۰-۹۹ / ۴)، تاریخ بغداد (۳۷۵-۳۶۹ / ۸)، الجرح و التعديل (ج ۱ ق ۴۱۱-۴۱۰ / ۲)، روضات الجنات (۲۹۱-۲۸۹ / ۳)، ریحانه (۷۱-۷۰ / ۴)، سیر النبلاء (۱۰۸-۹۷ / ۱۳)، شذرات الذهب (۱۵۹-۱۵۸ / ۲)، طبقات الحفاظ (۲۵۸-۲۵۷) العبر (۳۹۰-۳۸۹ / ۱)، الفهرست لابن الندیم (۳۰۵-۳۰۳)، الکامل (۵۷ / ۶)، کشف الظنون (۱۸۳۹ / ۲)، الکنی و الالقاب (۴۵۴-۴۵۳ / ۲)، لسان المیزان (۲۷-۲۳ / ۳)، لغت نامه (ذیل / داوود)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۲۷۰)، معجم المؤلفین (۱۳۹ / ۴)، النجوم الزاهره (۶۰ / ۳)، الوافی بالوفیات (۴۷۷-۴۷۳ / ۱۳)، وفيات الاعیان

(۲۵۷- ۲۵۵ / ۲)، هزار مزار (۱۴۴)، هدیه العارفین (۳۵۹ / ۱).

ظاهری، خلیل

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۸۹۳- ۸۷۲ ق)، فقیه، مفسر، مورخ، ادیب و شاعر. ملقب به عرس‌الدین و معروف به ابن‌شاهین. پدرش شاهین برده‌ی سلطان ملک ظاهر سیف‌الدین بود، لذا ظاهری نام گرفت. وی در بیت‌المقدس به دنیا آمد و در قاهره تعلیم یافت. وی در بیت‌المقدس به دنیا آمد و در قاهره تعلیم یافت چون به سن رشد رسید نظارت ضرابخانه‌ی مصر بدو سپرده شد. در ۸۴۰ ق امیرالحاج شد. او در طرابلس درگذشت. در حدود سی تألیف و تصنیف از او بجای ماند. از جمله آثاری وی: «کشف الممالک» و خلاصه آن به نام «زبد کشف الممالک فی بیان الطرق و المسالک» درباره‌ی مصر، که در پاریس چاپ شده است؛ «الاشارات فی علم العبارات»، تعبیر رویا در دو مجلد؛ «الکوکب المنیر فی اصول التعبير»؛ «المواهب فی اختلاف المذاهب»؛ «المنیف فی الانشاء الشریف»؛ «الدره المضيئه فی السیره المرضیه»؛ «دیوان» شعر، در چندین مجلد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۶۷ / ۲)، ایضاح المکنون (۵۹۶ / ۲، ۴۶۰ / ۱)، ریحانه (۴۴ / ۸)، کشف الظنون (۱۵۲۳، ۱۴۹۶، ۹۵۳، ۳۰۵، ۹۷)، معجم المؤلفین (۱۲۰ / ۴).

ظفر ایلخان بختیاری، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۷۳ ش)، مترجم. در چهار محال بختیاری به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در یران و تحصیلات تکمیلی در امور سیاسی و اجتماعی را در لوزان سویس، و انگلستان انجام داد. از ۱۲۹۶ تا ۱۲۹۹ ش به حکومت یزد منصوب و همچنین چند دوره (از دوره‌ی چهارم تا هشتم) به وکالت مجلس انتخاب شد. وی در کابینه‌ی سپهبد زاهدی به سمت وزیر مشاور عضویت داشت. از آثارش: «سفری به سرزمین دلاوران»، ترجمه؛ «زندگی و افکار و عقاید سقراط»، ترجمه؛ «شاهزاده خانم بعلبک»، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: روزشمار تاریخ ایران (۳۵، ۱۹، ۱۸، ۲ / ۴۰۹، ۲۷۵ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۰۶- ۷۰۵ / ۲)، نخبگان سیاسی ایران (۴ / ۴۷۱).

ظفر کرمانی، کاظم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند میرزا محمد تقی مظفر علیشاه کرمانی.

(س سیزدهم ق)، طیب و شاعر. ملقب به ظفر علیشاه. وی در جوانی به مطالعه علوم متداوله پرداخت و در حکمت طبیعی که فن موروثی او بود ماهر و قادر گردید. وی از آغاز جوانی طالب مطالب عرفانی شد و با ارباب کمال از جمله میرزا محمد حسین رونق کرمانی معاشرت داشت. میرزا کاظم همصغر قآنی شیرازی و شاهزاده حسنعلی میرزای شجاع السلطنه بود. از وی «دیوان» شعری به جای مانده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (۶۱۹)، حدیقه الشعراء (۱۱۳۶- ۱۱۳۵ / ۲)، الذریعه (۶۵۵ / ۹)، ریاض العارفین (۲۶۸)، ستارگان کرمان (۲۷۲- ۲۷۰)، طرائق الحقائق (۲۰۹- ۲۰۸ / ۳)، مجمع الفصحا (۷۳۰- ۷۲۹ / ۵)، مصطبه‌ی خراب (۱۲۶)، لغت‌نامه (ذیل / ظفر).

ظفری، ولی‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۵، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۲ و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

نگارش و تدوین یک دوره تاریخ ادبیات ایران، استاد راهنمای ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

پژوهشی درباره شاعران، زندان‌ها و انواع شکنجه‌ها تا قبل از انقلاب اسلامی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

پژوهشی درباره مقلدان سعدی، اشعار و امثال کلیله، نکته‌هایی درباره مسعود سعد سلمان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ظهیر

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(بخش ۱) حسن بن ظئر مکنی به ابوعلی فارسی، فقیه و لغوی و نحوی (ف. قاهره ۵۹۸ ه.ق). مولد اودهی به نام نعمانیه بود و از آنجا به شیراز رفت و به فارسی شهرت یافت. وی در فنون علوم و قرات عشره و تفسیر قرآن عالم و در فقه و حدیث و کلام و منطق و حساب و هیئت و طب مبرز و در لغت و نحو و عروض و قوافی و روایت اشعار عرب چیره دست بود و در هر فنی از این فنون کتابی را از برداشت. اوراست: کتابی در شرح الصحیحین، اختلاف الصحابه و التابعین و فقهاء الانصار که به پایان نرسیده. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ظهیر کازرونی، علی

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۱۱- ح ۶۹۷ ق)، عالم، فقیه، ریاضیدان، مورخ، لغوی و شاعر. از رجال دوران مغول بود که در عراق زندگی می کرد. خط نیکویی داشت و متصدی کارهای بزرگ دولتی بود. کتب بسیاری تألیف و تصنیف کرد که از آن جمله: «روضه الاریب»، در تاریخ بغداد، در بیست و هفت بخش؛ «کنز الحساب» یا «وکر الحساب»، در حساب؛ «الملاحه فی الفلاحه»؛ «النبراس المضیء» یا «نبراس المفتی»، در فقه شاعفی؛ «الذروه العلیا فی سیره المصطفی (ص)»؛ منظومه «الاسدیة»، در لغت؛ «التنزیلات» کازرونی. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۵۵ / ۵)، ایضاح المکنون (۷۱۴ / ۲، ۳۲۸ / ۱)، ریحانه (۷۶ / ۴)، کشف الظنون (۱۹۲۳، ۱۰۱۳، ۹۲۳، ۴۹۴)، لغت نامه (ذیل / علی)، معجم المؤلفین (۲۳۲ / ۷)، هدیه العارفین (۷۱۵ / ۱).

ظهیر نیشابوری، ظهیرالدین، فخرالدین ابوجعفر، محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۹۹ ق)، مفسر. پدرش محمود نیشابوری از علمای زمان خود بود صاحب تصانیف. ظهیر نیشابوری در عهد بهرام شاه غزنوی می زیست و به عنوان سفیر بهرام شاه به نزد سلطان سنجر رفت. از آثارش کتاب «البصائر» یا «تفسیر البصائر» یا «البصائر فی تحقیق الوجوه و النظائر»، در معانی مختلف باری الفاظ قرآن، در چند مجلد، به فارسی، به ترتیب حرف هجا که به آورده‌ی «کشف الظنون» در ۵۷۷ ق از تألیف آن فراغت یافته است. در تذکره‌ی «لباب الالباب»، این کتاب تحت عنوان «تفسیر بصائر یمینی» آورده شده است. همچنین در آن تذکره، کتاب «صحیفه الاقبال» که در معارضه‌ی شمشیر و قلم اوست بدو نسبت داده شده، و ذکر شده که او را تصانیف و اشعار بسیار است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۶۴ / ۴، ۱۲۳-۱۲۲ / ۳)، ریحانه (۷۸-۷۷ / ۴)، کشف الظنون (۱۰۶۷، ۲۴۶)، لباب الالباب (۲۸۲-۲۸۱ / ۱)، معجم المؤلفین (۷ / ۱۲)، هدیه العارفین (۲ / ۱۰۵).

ظهیر همدانی، میرزا سید ابراهیم

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۰۲۶ ق)، عالم امامی، متکلم، حکیم متأله، ادیب و شاعر. پدرش میرزا قوام‌الدین حسین در عهد شاه طهماسب در همدان عهده‌دار منصب قضاوت و متصدی امور شرع بود، بدین جهت میرزا ابراهیم به قاضی‌زاده نیز مشهور است. وی به همراه پدرش مدتی در قزوین بود لذا توانست در محضر میر فخرالدین سماکی تلمذ کند و علوم عقلی را فراگیرد. چون به همراه پدر به اصفهان رفت، شاگرد میرزا مخدوم اصفهانی شد. وی تحصیلات را در فقه و ادب و حکمت و کلام و بلاغت ادامه داد تا سرآمد شد. مراتب علمی او با زهد و تقوی توأم بود. حدیث را از شیخ بهائی فراگرفت و از او اجازه‌ی روایت دریافت کرد. در سفری که به مکه رفت با شیخ محمد بن احمد دریافت کرد. در سفری که به مکه رفت با شیخ محمد بن احمد دریافت کرد. او بعد از وفات پدر قاضی همدان شد، لیکن اکثر اوقات خود را در درس و مطالعه و مباحثه می‌گذراند. شیخ بهایی او را بر میرداماد ترجیح می‌داد و مکاتباتی بین آن دو جریان داشت. ظهیر همدانی از دانشمندان بزرگ عصر خود بود و جمع کثیری از علمای زمان از محضر وی استفاده کردند. مجلسی اول، علامه ملا محمد تقی، از وی اجازه‌ی روایت گرفت. او تألیفات و تصنیفات بسیار دارد که از آن جمله است: رساله‌ی «اثبات الواجب»؛ حاشیه بر «اثبات الواجب» جلال‌الدین دوانی؛ حاشیه بر «الهیات شفا»؛ «انموذجه الابراهیمیه»، تلخیصات بر دو کتاب «شفا» و «نجاه» ابن سینا؛ حاشیه بر «شرح اشارات» خواجه نصیر؛ حاشیه بر «شرح جدید تجرید»؛ حاشیه بر «کشاف».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۹ / ۱)، اعیان الشیعه (۱۲۹-۱۲۸ / ۲)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۱۳-۲۰۹ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۰۴)، الذریعه (۱۱۳، ۱۱۰، ۱۱، ۶ / ۴۰۹، ۲)، روضات الجنات (۴۳-۴۲ / ۱)، ریاض العلماء (۱۳-۹ / ۱)، ریحانه (۷۴-۷۳ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴-۱۲ / ۱۱)، فوائد الرضویه (۵)، الکنی و الالقاب (۵۱-۵۰ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / ابراهیم)، معجم المؤلفین (۲۳ / ۱)، هدیه العارفین (۲۹ / ۱).

ظهیر ی سمرقندی، بهاء‌الدین محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم و هفتم ق)، ادیب. از مترسلان و کاتبان بزرگ ایران و از وزیران خاندان خانیه یا آل‌افراسیاب بود. مدتی صاحب دیوان رکن‌الدین قلج طمغاج‌خان بن مسعود بن حسین از پادشاهان این سلسله بود. عوفی او را با لقب الصدرالاجل یاد کرده و اسم او را در باب «وزراء و صدور» آورده است. لقبش را در تذکره‌ها ظهیرالدین آورده‌اند اما او خود، به تصریح، بهاء‌الدین ذکر کرده است.

از آثار او: «اغراض السیاسه فی اعراض الریاسه»، در آداب سلطنت، که پس از ۵۵۲ ق نوشته است؛ «سمع الظهیر فی جمع الظهیر». از دیگر آثار او نگارش «سندبادنامه» به نثر مزین به فارسی ادبی است که آن را به نام قلج طمغاج خان نوشته است. این کتاب از داستانهای عروقی است که ظاهراً از هند به ایران آمده و در زمان ساسانیان به پهلوی ترجمه شده و رودکی آن را به نظم آورده است. تهذیب دیگری از این کتاب به زبان پارسی، به وسیله شمس‌الدین محمد بن علی بن محمد دقایقی مروزی در اواخر قرن ششم ق انجام گرفته است. [۱]

بهاء‌الدین محمد بن علی بن محمد بن عمر کاتب سمرقندی دبیر طمغاج‌خان ابراهیم (اواخر قرن پنجم ه. و مترجم سندباد نامه م.ه). به فارسی است. وی آن ترجمه را در حدود ۶۰۰ به پایان برده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۰۳-۹۹۹ / ۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۲۸)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۴۸ / ۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۳۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۰۲۴ / ۲)، کشف الظنون (۱۰۰۳، ۱۰۰۲، ۱۳۰)، گنج و گنجینه (۲۴۶-۲۴۰)، لباب الالباب (۹۲-۹۱ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل / محمد)، مع موسوعات رجال الشیعه (۱۶۲-۱۶۱ / ۱).

ظهیری، عباس

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عباس ظهیری

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۹ در اصفهان به دنیا آمد و پس از سپری کردن درسهای کلاسیک در سال ۱۳۵۳ وارد حوزه علمیه شدم البته در مدرسه ذوالفقار اصفهان. در سال ۱۳۶۱ درس خارج را شروع کرده و از محضر حضرات آیات عظام تبریزی، وحید خراسانی، بهجت و فلسفه و تفسیر را نیز در محضر اساتید معظم آیات جوادی و حسن زاده کسب فیض نمودم و در حین تحصیل به تدریس فقه و اصول و تفسیر در مراکز مختلف مشغول بودم و در عین حال به تالیف نیز پرداخته ام که نام آنها را در صفحه آثار نوشته ام.

عابدی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد عابدی

محل تولد : کندوان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

بسمه تعالی

تولد و تحصیلات

در سال ۱۳۵۲ ش در روستای کندوان از توابع شهرستان میانه در استان آذربایجان شرقی متولد شدم پدرم بنا و مادرم خانه دارو از خانواده اهل علم بود. از جمله آیت الله شیخ نصرت الله بناروانی که دایی آنان شمرده می شد. بعد از چند سالی به میانه نقل مکان کردیم و دوره ابتدایی، راهنمایی و اول دبیرستان را همان جا خواندم و وارد حوزه علمیه میانه شدم و به فاصله کمتر از چند ماه در سال ۶۹ به حوزه علمیه مسجد الدوله تهران رفتم. در تهران در مدارس ایلچی بیگ (شهید باهنر) و رضائیه و در نهایت مروی هم تحصیل کردم و تا لمعتین را در این مدارس خواندم. استادان دوره مقدمات آقایان میرحسینی، فاضل، عبدالمجید رشیدپور (استاد اخلاق) و... بودند لمعه را هم با اساتیدی چون مرحوم پاکتچی، تقوایی و... خواندم. ظاهراً در سال ۷۳ به حوزه علمیه قم آمدم. در مدرسه فیضیه و آنگاه دارالشفا ساکن شدم با حضرات اساتید اعتمادی، وجدانی فخر، موسوی تهرانی، دریاباری، رضائی، و... دروس را تا سطح خارج ادامه دادم. در سال ۸۱ وارد رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن شدم. و از محضر اساتیدی چون آیت الله معرفت، بهشتی، و آقایان فاضل گلپایگانی، عبدالمهدی (همکار تفسیر نمونه) دکتر رضایی اصفهانی، نصیری و نعمتی پورفر و... در دروس مختلف تفسیر استفاده بردم همزمان به درس خارج آیات مکارم و سبحانی حاضر شدم و ۲ سال به درس خارج ادامه دادم. ۲.۵ سال هم درس خارج جناب استاد سروش محلاتی حاضر شدم و درس خارج فقه امر به معروف و نهی از منکر و بخشی از قصاص را خواندم. آنگاه به درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی حاضر شدم و درس تفسیر قرآن آیت الله جوادی آملی هم توفیق حضور یافتیم. و اینک هم در دروس آیات مکارم، وحید و جوادی توفیق حضور دارم. در طی سالهای حضور در حوزه به امر تبلیغ هم اهتمام دانسته ام و در داخل و خارج قم به تبلیغ پرداخته ام. و همزمان فعالیت‌هایی در حوزه کتاب و مطبوعات هم داشته ام.

عابدی، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا عابدی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه مقدّسه قم شدم. ابتدا مقدمات را به طور آزاد و در ادامه در مدرسه مبارکه رضویه در حضور اساتید؛

حضرت حجه الاسلام آقای کاشانی، حاج آقا هادوی تهرانی، حاج آقا علوی و... استفاده نمودم. معالم، رسائل و مکاسب را در محضر اساتید محترم؛ استادی، اعتمادی، مرحوم حاج آقا پایانی و در ادامه در محضر استاد حاج آقا حضرت آیه الله عبدالله جوادی آملی دام عزه در کلاس درس استاد، محضر قرآن بوم و در خارج فقه کتاب صوم و مکاسب تلمذ نموده ام. در زمینه تخصصی نسبت به فراگیری اصول و روش تربیت کودکان و نوجوانان در دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم بخش مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان در محضر اساتید محترم؛ حاج آقا محمد حسن راستگو سعد آبادی، مهاجرانی، یحیی کبیر و... اشتغال داشته و دارم. در این زمینه به مدت ۱۵ سال با سایر دوستان محقق و نویسنده در تهیه و تدوین کتاب های ره توشه راهیان نور ویژه دو مقطع ابتدایی و راهنمایی تحصیلی فعالیت و همکاری نزدیک دارم. هم چنین در گروه های تخصصی بخش تحقیقات مرکز کودکان و نوجوانان از جمله؛ گروه های تحقیقی اخلاق، قرآن، معارف و... شرکت جسته و سرگروهی گروه اخلاق را به عهده دارم. با تحقیق و پژوهش و نویسندگی در زمینه کودکان و نوجوانان، در زمینه اخلاق اسلامی ویژه کودکان و نوجوان چه در ره توشه راهیان نور و چه به طور مجزا فعالیت های نوشتاری داشته ام. در گروه قرآن هم در طول سالیان متمادی به بررسی آیات قرآنی از جزء اول تا جزء ۳۰ قرآن نسبت به طرح استفاده کودکان و نوجوانان از معارف قرآنی به زبان آنان به بررسی و طرح آیات قرآنی به صورت ۴ گزینه ای فعالیت نمودم. البته این فعالیت در قالب گروهی بوده که با مهارت های مختلف ارائه شده است. جزء اول این فعالیت به صورت کتاب منتشر شده است و ۶ جزء دیگر آن به صورت آماده و قابل چاپ و در مراحل نهایی می باشد و مابقی اجزاء قرآن در حال بررسی و آماده سازی نهایی است.

عابدی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر محمود عابدی در سال ۱۳۲۳ ش در چادگان - یکی از روستاهای آن روز شهرستان فریدن - به دنیا آمد. ایشان دارای دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی می باشد. ایشان اکنون استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت معلم تهران است. کتاب "کشف المحجوب" تصحیح وی، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای: محمود عابدی تحصیلات ابتدایی و بخشی از متوسطه را در زادگاه خود - فریدن - به انجام رساند و پس از طی دوره دانشسرای مقدماتی در سال ۱۳۴۲ به استخدام آموزش و پرورش درآمد. ضمن خدمت در آموزش و پرورش، دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی را در سال ۱۳۵۴ در دانشگاه اصفهان به پایان برد و مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری را در سالهای ۱۳۵۴ - ۱۳۶۳ در دانشگاه تهران پشت سر گذاشت. پایان نامه دکترای وی تصحیح انتقادی نفحات الانس جامی بود که در سال ۱۳۷۱ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی شناخته شد.

استادان و مربیان: محمود عابدی از محضر استادان بزرگی چون: دکتر سیدجعفر شهیدی، دکتر زرین کوب، دکتر پرویز خانلری، دکتر خلیل خطیب رهبر، دکتر احمد مهدوی دامغانی و دکتر مظاهر مصفا و... بهره‌ها برد و در کارهای پژوهشی اش همواره به تأثیر نفس و عظمت تحقیقات استادان یاد شده می‌اندیشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: محمود عابدی هم اکنون استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت معلم تهران است جوائز و نشانها: پایان‌نامه دکترای محمود عابدی تصحیح انتقادی نفحات‌الانس جامی بود که در سال ۱۳۷۱ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی شناخته شد. همچنین کتاب "کشف‌المحجوب" تصحیح وی، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد. چگونگی عرضه آثار: محمود عابدی افزون بر سخنرانیها و مقالات متعدد در زمینه‌های تصوف و عرفان، بخصوص حافظ و شعر او، دارای آثار گرانسنگی است.

آثار:

۱ ترجمه کهن عهدنامه مالک اشتر

ویژگی اثر: تصحیح

۲ تکلمه نفحات‌الانس

ویژگی اثر: تصحیح

۳ جستجویی در نهج‌البلاغه

ویژگی اثر: ترجمه

۴ خردنمای جان‌افروز

ویژگی اثر: تصحیح

۵ درویش گنج بخش

ویژگی اثر: تالیف

۶ علم و علم‌آموزی در اسلام

ویژگی اثر: تالیف

۷ کشف‌المحجوب

ویژگی اثر: تصحیح، این کتاب، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب کشف‌المحجوب / تألیف علی بن عثمان هجویری؛ مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمود عابدی. - تهران: سروش، ۱۳۸۳. هفتاد و چهار، ۱۱۵۶ ص. کشف‌المحجوب اثر کم نظیر ابوالحسن علی بن عثمان هجویری یکی از ارزشمندترین متون صوفیانه فارسی است که در سده پنجم هجری به رشته تحریر درآمده است. این اثر علاوه بر شرح بسیاری از اصول تصوف و آداب صوفیان، در گزارش فرق صوفیه و کشف حقایق بعضی از احکام و آداب دینی و آیینی صوفیان فصولی دارد که در نوع خود بی سابقه و در میان منابع اصلی تصوف بی مانند است. افزون بر اینکه وسعت دایره واژگان در این اثر به اندازه‌ای است که برای محققان گونه‌های زبان فارسی حوزه حیات مؤلف و عصر او، بررسی و مطالعه آن امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. از کشف‌المحجوب دست نوشته‌های متعددی در کتابخانه‌های تاشکند، لاهور، هند و برخی از کشورهای دیگر جهان موجود است و این امر از فراوانی خوانندگان و علاقه‌مندان این کتاب حکایت دارد. این اثر نخستین بار به سال ۱۳۸۳ ه. ق در شهر لاهور چاپ و پس از آن نیز بارها به طبع رسیده است که از میان آنها طبع لنینگراد با تصحیح والتین ژوکوفسکی، مدرس زبان فارسی دارالفنون سن پترزبورگ قابل ذکر می‌باشد و همین چاپ نیز بارها در ایران به صورت افست منتشر شده است. تصحیح جدید این اثر به همت جناب آقای دکتر محمود عابدی بر اساس نسخه‌های معتبر و قابل

توجه، همراه با مقدمه و تعلیقات ارزشمند و رفع کاستیهای چاپهای پیشین این کتاب، صورت گرفته است و تلاش مصحح محترم برای ارائه تصحیحی دقیق و سودمند از این اثر قابل ستایش می‌باشد

۸ کلمات علیۀ غرا

ویژگی اثر: تصحیح

۹ مطلوب کل طالب

ویژگی اثر: تصحیح

۱۰ نفعات الانس

ویژگی اثر: تصحیح

۱۱ نهج البلاغه از کیست

ویژگی اثر: ترجمه

عابدی پور، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی پلاستیک، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی جراحی پلاستیک و ترمیمی از دانشگاه علوم پزشکی تهران، گذراندن فوق تخصص از آمریکا در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

جراحی پلاستیک و ترمیمی، آماری و درمانی، استاد راهنمای ۲۰ پایان‌نامه دکترا و دکترای تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

سوختگی و سرمازدگی، درمان شوک سوختگی، درمان سرمازدگی و اشکال بالینی آن، اصول جراحی پلاستیک و ترمیمی و نحوه

برخورد با بیمار و مواظبت‌های قبل و بعد از عمل جراحی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

تکنیک جدید برای جراحی سرطان، سرطانهای پوستی در ایران، تکنیک جدید برای درمان همائژیوم پورت.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

عابدینی، ابوالفضل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالفضل عابدینی

محل تولد: مرند

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجناب ابوالفضل عابدینی استادیار دانشگاه تهران، دانشکده الهیات، در سال ۱۳۲۹ در مرند (آذربایجان شرقی) متولد شده و تحصیلات ابتدایی را در آن شهر گذرانده سپس به تبریز هجرت کردم و در مدرسه طالبیه تبریز (حوزه علمیه) تحصیلات حوزوی را شروع کردم و در ضمن دروس جدید را هم ادامه دادم. (۱۳۴۲) سپس به شهر قم رفتم، منطق و اصول و لمعتین و رسائل و مکاسب را پیش اساتید بزرگ جناب آقای پایانی و جناب آقای سبحانی خواندم (تا پایان سطح) در کنار علوم دینی، دروس جدید را هم تا دیپلم ادبی و سپس در سال بعد دیپلم تجربی را پشت سر گذاشتم (۲ دیپلم گرفتم ادبی و تجربی). در سال ۱۳۵۳ در دانشگاه تهران در رشته تاریخ قبول شدم یکی دو سال از قم به تهران تردد می‌کردم و سرانجام به قول طلبه‌ها سلب توفیق شده و ناچار از قم بریدم و برای همیشه ساکن تهران شدم. در سال ۱۳۵۵ لیسانس گرفتم - مجدداً دوره فوق‌لیسانس را در همان دانشگاه ادامه دادم. به انقلاب و انقلاب فرهنگی خورد - مدتی دانشگاه‌ها تعطیل شد. سرانجام در سال ۱۳۶۴ فوق‌لیسانس گرفتم. در سال ۱۳۶۹ از طریق اعزام دانشجو به خارج، از طریق وزارت علوم به کشور فرانسه برای اخذ دکترا، اعزام شدم ۲ سال در فرانسه بودم، بنا به دلایل سیاسی و فرهنگی نتوانستم در آنجا ادامه تحصیل بدهم، ناتمام برگشتم. مجدداً برای دکترا امتحان دادم و در دانشگاه شهید بهشتی ادامه تحصیل دادم و سرانجام از آن دانشگاه دکترا گرفتم. و هم اکنون به کار تدریس و تحقیق و پژوهش مشغول هستم.

عابدینی، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد عابدینی

محل تولد: نجف آباد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب احمد عابدینی فرزند یدالله متولد ۱۳۳۸ در نجف آباد اصفهان در خانواده ای کشاورز متولد شدم از طرف مادرم نسیم به مرحوم آیه‌الله میر سیدعلی آیت نجف آبادی می رسد. به همین جهت مادر و دایی هایم که نوادگان مرحوم میر سیدعلی بودند به درس خواندن من اصرار داشتند، از جهت دیگر کشاورزی و رسیدگی به اموری از این قبیل مطرح بود به همین جهت معمولاً درس خواندن منحصر به مدرسه بود و بیشتر وقت خارج از مدرسه به کمک پدر در امر کشاورزی می گذشت معمولاً شبهای زمستان را در جلسات قرآن و حضور در مسجد و خواندن مقدمات صرف کردم. در سال ۱۳۵۶ دیپلم گرفتم و در کنکور شرکت کردم و پس از قبولی در دانشگاه در رشته فیزیک به تحصیل پرداختم. در همان تابستان اولین کلاس آموزش قرآن را تشکیل دادم و تمامی دوستانی که با هم درس می خواندیم و دیپلم گرفتیم در آن کلاس شرکت کردند و روحانی قرآن را فرا گرفتند. پس از ورود به دانشگاه نیز بنده خود را به دفاع از قرآن و اسلام می دانستم. جو خاص آن زمان و وجود جوانان فراوانی که کمونیست شده بودند و بنده و دوستانم با آنان بحث می کردیم و نا توانی از پاسخ به شبهات آنان، نیاز به خواندن فلسفه را برایمان یقینی ساخت ولی مبارزه با شاه به شکلهای گوناگون از جمله تشکیل نمایشگاه های کتاب در شهرهای مختلف از جمله شهرهای استان چهارمحال و تدارک تظاهرات و نیز درسهای دانشگاه فرصت پرداختن به فلسفه را از ما گرفت با پیروزی انقلاب و افتادن بیشتر دانشگاه ها به دست کمونیستها و التقاتیها به منظور انقلاب فرهنگی، دانشگاه تعطیل شد و بنده فرصت را برای فلسفه خواندن غنیمت شمردم با چند تن از دوستان خدمت مرحوم آیه‌الله ایزدی امام جمعه نجف آباد که از شاگردان خاص مرحوم آیه‌الله علامه طباطبائی و از هم دوره ای های مرحوم شهید مطهری بود رسیدیم و تقاضای فلسفه کردیم و ایشان پذیرفت و فهم فلسفه را منوط به خواندن منطق دانست.

از روی ناچاری به قم رفتیم که روز ورود به قم مصادف شد با حمله عراق به ایران. در درسهای فلسفه نظیر منظومه شرکت می کردیم ولی کامل نمی فهمیدیم، یکی از استادان حاضر شد تنها پنجشنبه ها چهار ساعت برایمان فلسفه بگوید که باز مناسب نبود و ذهنمان کشش نداشت. شروع جنگ و بی برنامهگی ما و تعطیل شدن هر روزی درسهای حوزه و بی پولی و ... دوباره ما را به نجف آباد کشاند این بار استاد حاضر شد برای ما بدایة الحکمه بگوید و ما نیز تصمیم به خواندن منطق گرفتیم و منطق مظفر را شروع کردیم. کم کم برای فهمیدن درست عربی به خواندن کتابهای مقدماتی صرف و نحو مشتاق شدیم و کم کم دروس حوزوی را به سبکی که طلاب می خواندند شروع کردیم، ولی بنده با سرعت بیشتر و اشتیاق فراوان آنها را بسیار زودتر از دیگران به پایان بردم. برخی کتابها را با استاد خواندم و برخی را خودم مطالعه کردم، برخی را با مباحثه و برخی را ضمن تدریس فرا گرفتم.

از جمله اساتیدمان مرحوم شیخ محمدعلی صفر نورالله بود که هدایه، عوامل ملامحسن، مقداری سیوطی و مغنی و مقداری تحریرالوسیله را نزد او خواندم. در عرض این دروس، بدایة الحکمه، منطق مظفر، مقداری اصول فلسفه و روش رئالیسم با مقداری نهایت الحکمه را نزد مرحوم آیه‌الله ایزدی فرا گرفتم. نجف آباد برایم بسیار مناسب و خوب بود زیرا برخی درسها را که نمی توانستم شرکت کنم دوستانم برایم نوار می گرفتند و آن را گوش می دادم هرگاه خبردار می شدیم که عملیات است و جبهه رفتن لازم است با توافق یکدیگر درس را تعطیل می کردیم و پس از بازگشت از جبهه از همانجا شروع می کردیم.

در سال ۱۳۶۱ دوباره به قم وارد شدم و در ایام تحصیل با عشق و علاقه به درس خواندن پرداختم. بقیه اصول و لمعه را نزد آقایان کوه کمره ای، احمدی میانجی، محامی، و مرحوم وجدانی فخر خواندم و در همان زمان سیوطی و هدایه را تدریس کردم و بعد به رسائل و مکاسب مشغول شدم و از درسهای آقایان اعتمادی تهرانی و مرحوم پایانی و مرحوم ستوده استفاده کردم و کفایتین را تنها نزد مرحوم آیه‌الله ستوده خواندم. در طی این مدت تلاش کردم در درس منظومه آیه‌الله انصاری شیرازی و صبح های زود در درس

اسفار جلد ۹ آیة‌الله جوادی شرکت کنم.

زمانی که در نجف آباد بودم گاهی در درس تفسیر آیة‌الله ایزدی شرکت می‌کردم ولی این شرکت مرتب نبود اما در قم پس از اینکه حضرت آیة‌الله جوادی آملی تفسیر قرآن را در مسجد محمدیه شروع کردند در آن شرکت کردم، کم کم جمعیت زیاد شد و درس به مسجد اعظم انتقال یافت و بنده همچنان در آن شرکت می‌کردم. بالاخره در خرداد ۱۳۶۵ دروس سطح کاملاً تمام شد و در امتحان کفایه شرکت کردم در واقع شروع رسمی طلبگی بنده اواخر شهریور ۱۳۵۹ بود که تا خرداد ۱۳۶۵ که حدود ۶ سال می‌باشد طول کشید. بنده علاوه بر درسهای رسمی حوزه که امروزه طی ۱۰ سال می‌خوانند مقدار زیادی فلسفه و تفسیر نیز اندوخته داشتم و با طلاب مباحثه کرده بودم.

از خاطرات به یاد ماندنی آن دوران یکی آنکه شبی هنگام مباحثه کفایه به دوستان گفتم هر جا مطلب مشکل است و خود صاحب کفایه نمی‌فهمد می‌گوید خالی از دقت نیست، دقت کن و ... در اثر همین توهین به ایشان یک مرتبه تیز فهمیم از بین رفت و فردای آن روز هر چه کردم متن کفایه را نمی‌فهمیدم. فردا شب در سر مباحثه پیش دوستان خود به گناه خود اعتراف کردم و در حرم حضرت معصومه (س) نیز توبه و انابه کردم تا مقداری از آن فهم و حافظه برگشت ولی خوب روشن است که پارچه کثیف شسته شده هیچ گاه مثل پارچه نظیف نیست. از آن زمان تصمیم گرفتم به علما و بزرگان اهانت نکنم و به جای اتهام به آنان فهم خود را مورد اتهام قرار دهم.

از خاطرات آن دوران اینکه گروهی بودیم که در تمام درسهای تلاش می‌کردیم قبل از درسهای پیش مطالعه کنیم و به همین جهت تنها خارج درس را گوش میدادیم و نیازی نمی‌دیدیم که تطبیق مطالب با متن را گوش دهیم و به همین جهت از درس خارج می‌شدیم، روزی مرحوم آیة‌الله پایانی در ضمن توضیح خارج مکاسب به برخی غلطهای چاپی کتاب اشاره کرد و فرمود می‌خواهم کسانی که تطبیق با متن را نمی‌نشینند به درد سر نيفتند از اینکه استاد کار ما را به رسمیت شمرده بود خوشحال بودیم. در تابستانها و ایام تعطیل دروس، برنامه‌های دیگری داشتیم. تابستان ۱۳۵۶ قبلاً بیان شد. تابستان ۱۳۵۷ را در شهر کرد صرف کردیم. در آن وقت و در ایام تعطیل دانشگاه در جاهای مختلف نمایشگاه کتاب می‌زدیم. تابستان ۱۳۵۸ را در جهاد سازندگی استان چهارمحال و بختیاری شهرستان جونقان و روستاهای اطراف آن به سر بردم و به کارهای فرهنگی و عمرانی اشتغال داشتم. تابستان سال ۱۳۵۹ در بخش اردل و نوقان و روستاهای آن به کارهای فرهنگی و عمرانی اشتغال داشتم. پس از شروع جنگ بیشتر تابستانها یا ایام تعطیل یا ایام عملیات در جبهه می‌گذشت.

تابستان سال ۱۳۶۰ به سر پل ذهاب رفتیم، خوب به یاد دارم که صبح زود هوا هنوز تاریک بود و ما سه نفر طلبه در کوچه‌های کرمانشاه قدم می‌زدیم تا به ستاد اعزام نیرو برسیم که خبر شهادت ۷۲ تن را از رادیو شنیدیم و خبر شهادت رجائی و باهنر را نیز در سر پل ذهاب و قبل از عملیات معروف بازی دراز شنیدیم. تلاش می‌شد اوقاتمان در جبهه به بطالت نگذرد، مباحثه تحریر الوسیله، حفظ قرآن، خواندن کتابهایی نظیر پرواز در ملکوت از امام امت محصول تلاش آن دوره است. اگرچه اکنون که به گذشته‌ها می‌نگرم باز بسیار وقت تلف کرده‌ام که امکان بهره‌برداری بهتر از آنها وجود داشت.

در تابستان ۱۳۶۴ کلاسهایی از سوی شورای سرپرستی طلاب خارجی گذاشته شد و بنده در آن کلاسها شرکت کردم و در امتحان نمره خوبی آوردم و روزی در حضور استادهاى عربی و محضر مرحوم استاد آیة‌الله ایزدی به عربی سخن گفتم که اثر شادابی آن به خوبی در چهره استادانم ظاهر بود. به همین جهت و برای کامل شدن تکلم به عربی در تابستان ۱۳۶۵ و اتمام دروس سطح، چهار نفر از آن کلاس به لبنان فرستاده شدیم، ورود ما به لبنان مصادف بود با شروع درگیری‌های حرکت امل و فلسطینیان. مدرسه رسول اکرم در حومه جنوبی بیروت و در سر راه فرودگاه که محل استقرار ما بود درست در منطقه وسط درگیری بود و خمپاره‌های طرفین از بالای مدرسه عبور می‌کرد و چندین مرتبه به مدرسه اصابت کرد.

همه فکر آن جمع چهار نفری این بود که در ضمن کار و فعالیت، تمرین زبان کنیم. از جمله آن کارها ایجاد نمایشگاه کتاب بود که یکی از آنها در جلوی مسجد امام رضا(ع) (محل اقامه نماز توسط آیه‌الله سید محمدحسین فضل‌الله) به مدت ۱۰ روز برگزار شد.

هر هفته بنده جدا از دوستان به جنوب لبنان، حوزه صدیقین می‌رفتم و با طلاب آنجا جلسه داشتم و گاهی به روستاهای اطراف نیز می‌رفتم، در ضمن برخی دروس را برای طلاب تدریس می‌کردم. پس از پایان تابستان مسئولان مدرسه از بنده و یکی از دوستان خواستند که برای تدریس آنجا بمانیم و خودشان با ایران هماهنگ کردند و زن و فرزندانشان را به لبنان آوردند و یک سال تحصیلی در آنجا ماندیم.

در آنجا صبح‌ها خدمت آیه‌الله سید محمدحسین فضل‌الله درس خارج فرا می‌گرفتم و بقیه روز را به تدریس مشغول بودم روزهایی که درگیری شدید بود و یا روزهای یکشنبه که تعطیلی رسمی لبنان بود و اساتید در دروس خود حاضر نمی‌شدند من خودم را موظف می‌دانستم درس آنان و یا درسی جایگزین را تدریس کنم، گاهی اوقات تدریسها به ۱۱ عدد می‌رسید که ۲ تا ۳ تا از آنها در مدرسه خواهران بود که همسر مسئولیتش را بر عهده داشت و یکی از آنها درس عدل الهی بود که پس از نماز مغرب و عشا برای دانشجویان می‌گفتم.

بله از امور بسیار جالب در لبنان این بود که یک کلاس برای دانشجویان هفته‌ای سه شب گذاشته بودم و کتاب عدل الهی استاد مطهری را توضیح می‌دادم. حدود ۳۰ تا ۴۰ دانشجو در آن کلاس شرکت می‌کردند این مقدار دانشجو در آن شرایط بد امنیتی و استمرار آن، چشم همه افراد را خیره کرده بود و می‌گفتند این گونه کلاسها با این تعداد دانشجو بی سابقه است.

در بین تمامی این برنامه‌ها از برنامه برای ایرانیان قافل نشدیم و محرم در آنجا منبری گذاشتیم و جلسه‌ای به زبان فارسی، سخنرانی و مداحی به سبک ایرانی برای مجموع ایرانیهای موجود در بیروت اعم از سفارتی‌ها یا غیر از آنها داشتیم که بسیار جالب بود و مورد استقبال واقع شد. شب شام غریبان دسته عزاداری به سبک ایرانی با شمع و ... به راه انداختیم و با نوحه سرائی به زبان فارسی به پشت درهای مسجد امام رضا(ع) و سپس مسجدی که مرحوم شمس‌الدین در آن اقامه جماعت می‌کرد رفتیم. هر دو مسجد بسته بود و کسی در آنجا نبود، اما جالب اینکه بنده در طول راه زنان بی حجاب زیادی را دیدم که می‌آمدند روسری از یکی از خانم‌ها قرض می‌گرفتند و به سر می‌کردند و مقداری دسته عزاداری را همراهی می‌کردند و سپس روسری را تحویل می‌دادند و می‌رفتند. این نشان می‌داد که بی حجابها ضد دین نیستند بلکه علاقه زیادی به دین دارند و شرایط زندگی، آنان را به این وضع در آورده است.

اوایل تابستان ۶۶ لبنان را به قصد ایران ترک کردیم تا دوباره اوایل مهر به آنجا برگردیم ولی دیگر توفیق یار اینجانب نشد. پس از چند ماهی از ورود به ایران با گروه تفسیر دفتر تبلیغات آشنا شدم و به کار تحقیق در قرآن پرداختم و یکی از پژوهشگران تفسیر راهنما گشتم که بحمدالله در ۲۰ جلد به چاپ رسیده است. از آن زمان تا سال ۷۷ به مدت ۱۲ سال در تفسیر راهنما بودم و گاهی اوقات بخصوص تابستانها روزها یا هفته‌ها می‌گذشت که تنها قرآن و تفسیر مطالعه می‌کردم و خداوند را بر این نعمت بزرگ شاکرم. در این مدت درسهای خارج زیادی از مراجع معظم قم را شرکت کردم. نوارهای درسهای اصول و رجال را گوش دادم و مباحثه کردم نوارهای جلدهای ۶ و ۷ و ۸ اسفار را گوش دادم و مباحثه کردم، دو دوره رسائل و زیادی از مکاسب را تدریس کردم و ...

در سال ۷۰ با باز شدن دوباره راه خانه خدا و شروع مجدد حج در امتحان زبان دانها شرکت کردم و پس از قبولی، در همان سال به حج مشرف شدم. البته پول حج را خودم پرداخت کردم و در واقع امتحان، اولین سفر را بی نوبت کرد. در مسیر بین مکه و مدینه اتومبیل حامل ما به سختی تصادف کرد و چند نفر از زبان دانان شهید و بنده نیز به شدت از ناحیه پاها ضربه دیدم. پس از

مراجعه به ایران و بدتر شدن روز به روز کوفتگی پا، مجبورم کرد که چند ماهی در خانه بمانم و هیچ راه نروم این زمان فرصت خوبی بود برای شروع به نوشتن که اولین مقاله عربی در مورد طهارت اهل کتاب نوشته شد. پس از خوب شدن و فعالیتهای دوباره بیرون از خانه، دیگر نوشتن رها نشد و در هر فرصتی قلم بر کاغذ رفت و مقاله های متعدد نوشته شد که از سال ۷۴ یکی پس از دیگری در مجله کاوشی نو در فقه و سایر مجلات به چاپ رسید که لیست ناقصی از آنها تهیه شده است.

در دوره چهارم تربیت مدرس دارالشفاء شرکت کردم و مدرک کارشناسی ارشد دریافت کردم و در همان زمانها و شروع اعطای مدارج علمی از سوی مدیریت حوزه قم در آنجا نیز امتحان دادم و مدرک سطح چهار گرفتم. در سال ۷۷ با به پایان رسیدن تقریبی کار تفسیر راهنما از رفتن به آنجا خود داری کردم و پس از چند ماهی توفیق راه اندازی «مرکز تحقیقات طب اسلامی امام صادق(ع)» نصیب این جانب شد و توفیق یار شد تا یک دور کتب اربعه حدیثی شیعه را با دقت بخوانم که برایم بسیار مفید بود و نزدیک است که مسیر آینده تحقیقات و تألیفاتم را رقم بزند.

در تابستان ۸۱ و تقریباً تمام شدن دور فیش برداری از کتب اربعه و اصرار خوانواده برای ترک قم و هجرت به اصفهان و بسیار خوب بودن استخاره های فراوان در این رابطه علی رغم میل باطنی، راهی اصفهان شدم و از اول مهر ۸۱ در اصفهان به تدریس در حوزه پرداختم تا خداوند چه بخواهد. برخی از مراجع معظم تقلید بنده را با ورقه اجتهاد، وکالت و امثال آن مورد لطف قرار دادند. تا کنون شش جلد کتاب از این جانب به چاپ رسیده است و امیدوارم بتوانم مقاله های چاپ شده ام را با اصلاح و اکمال برای چاپ آماده سازم، زیرا اکثر مقالات از نوآوری بهره مند است، بویژه مقالات فقهی که شرطش نوآوری همراه با استدلالهای محکم است و به همین جهت برخی از آنها در جشنواره ها برنده شده و جایزه ای نظیر عمره برایم به ارمغان آورده است. برخی مکرر در جاهای مختلف چاپ شده و برخی دستمایه محققان برای طرح های تحقیقاتی گشته است. و خداوند را برای همه این نعمتها شاکرم. و اکنون نیز به طرحی پیرامون احادیث اهل بیت می اندیشم.

شاید بتوان روحیه نو آوی این جانب را - اگر واقعاً موجود باشد - ناشی از دانشجو بودن قبل از انقلاب و برخورد با افکار مختلف در دانشگاه و نیز سفر به لبنان در سخت ترین شرایط و برخورد و تضارب آرا با اکثر گروه های موجود در صحنه و بودن در حوادث گوناگون دانست. از ناکامی های این جانب نداشتن هم مباحثه دائم است، در دوران جنگ با هر کسی هماهنگ و هم طراز شدم تا با هم پرواز کنیم به جبهه رفت و به پروازی دیگر مبادرت ورزید. پس از آن نیز هم مباحثه ها، تدریس در دانشگاه ها، ورود به ارگانها و ... را بر طلبگی صرف و کمی امکانات ترجیح دادند و به همین جهت کارهای تحقیقاتی این جانب به تنهایی انجام می پذیرد و به همین جهت از نظر کیفیت و کمیت روند مطلوبی که خودم آن را می پسندم ندارد و به ویژه که گاهی ویراستاران نیز به ویرانگری می پردازند و غلط گیران نیز بی دقتی می کنند و ناگهان مقاله ای منتشر می شود که ...

از خداوند منان عاجزانه تقاضا دارم که توفیقی عنایت کند که مجموعه حدیثی مورد نظر بدون هر اشکالی به پایان رسد. از مهر ماه ۸۳ شروع به تدریس ترتیبی قرآن مجید و نوشتن آن به عربی کردم که الحمدلله اکنون یک جزء از قرآن به اتمام رسیده و بیش از دو جلد دست نویس تفسیر موجود است که امید است با توفیق خداوند بتوانم یک دوره تفسیر را به آخر برسانم و در معرض نظر علاقه مندان قرار دهم.

عارف عجمی، فتح الله

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۶۹ق)، شاعر و مورخ. از شاعران عهد سلطان سلیمان خان عثمانی قانونی و شاهنامه‌چی او بود. اشعار بسیاری درباره‌ی سفرها و جنگها و مدح وی سروده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: ریحانه (۸۰ / ۴)، لغت‌نامه (ذیل / عارف عجمی).

عارف کشفی، جعفر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید جعفر عارف کشفی

محل تولد: استهبان فارس

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۳/۱۵

زندگینامه علمی

آقای سید جعفر عارف کشفی در سال ۱۳۳۴ هجری شمسی در خانواده‌ای پاک، باصفا، متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان استهبان استان فارس دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۶ که سال‌های خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود وارد حوزه علمیه شیراز گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۴ به حلقه دروس خارج راه یافت و از محضر درس بزرگان آن دیار همچون مرحوم آیت الله فلسفی، آیت الله صالحی، آیت الله حسن آیت اللهی و... بهره‌ها برد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۶۹ از دانشگاه فردوسی مشهد تهران فارغ التحصیل گردید. و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان "مقایسه آراء شیخ طوسی و ابن ادریس در احکام قضاء" دفاع کرد. ایشان ضمن تدریس در دانشگاه فردوسی، دانشگاه امام صادق تهران، دانشگاه پیام نور تهران، دانشگاه آزاد قسمت جنوب، دانشگاه علامه طباطبائی تهران، دانشگاه آزاد مشهد، دانشگاه پیام نور مشهد، دانشگاه شیراز و... را در کارنامه خود دارد.

ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس و درس و قلم و کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که کتاب‌های "پیرامون سیره رسول خدا و اهل کتاب"، "اولیاء بنی اسرائیل"، "آثار اهل کتاب در آثار اسلامی" و... از جمله آثار ایشان است.

عارفچه، محمد حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند ملا اسماعیل طبسی خراسانی. پدرش در طبس متولد شده، پس از تحصیل مقدمات علوم جهت تکمیل به اصفهان آمده، و خدمت حجة الاسلام و دیگران تلمذ کرده، و هم در این شهر وفات یافته است، در هارون ولایت مدفون شده. مردی فاضل و متقی بوده و روزگار به کتابت می گذرانیده است.

صاحب عنوان در اصفهان متولد شده، و تحصیلات خود را نزد علمای این سامان همچون ملا حسین علی تویسرکانی و آقا میر سید محمد شهبهانی به پایان رسانیده، در عداد خطبا و واعظین بوده.

کتاب چندی در مواضع منبری تألیف نموده که از آن جمله است: ۱- انیس الواعظین ۲- زاد العارفین ۳- زاد المواقف ۴- زاد الواعظین و غیره.

وی در سال ۱۳۲۲ وفات یافته و در تکیه‌ی آقارضی در تخت فولاد مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عارفی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: قلب و عروق، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۵ و فوق تخصص اطفال، داخلی و قلب و عروق از نیویورک آمریکا.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۴ تا سال ۱۳۶۶، دانشیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۶.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اخلاق پزشکی، نقص دیواره بین دو بطن، تدریس قلب و عروق در دانشگاه علوم پزشکی تهران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

مکانیسم ایجاد گرما و گرمادگی، خودکشی و دیگرکشی تدریجی با سیگار و محسنات شیر مادر.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: -، تعداد مقالات به زبان خارجی: -

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

عاشورا

قرن: ۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

قرن پنجم و ششم هجری، از زنان محدث. وی دختر محمد بن فضل دیلمی اصفهانی بود و از ابوحفص عمر بن احمد سمسار حدیث فراگرفت و سمعانی حدیثی چند از او استماع کرده است.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۲۲۰ / ۳.

عاصم کوفی

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابی النجود بهدله‌ی کوفی شیعی، به اتفاق اهل صنعت، قرائت عاصم، اصوب و اجمل قراء سبعة می‌باشد، و سیاهی قرآن (کتابت با خط سیاه) مطابق قرائت عاصم می‌باشد. در ۱۲۷ - ۸ در کوفه یا سماوه وفات یافته.

راویان او عبارتند از:

۱- ابوبکر بن عیاش معروف به شعبه (۹۵ - ۱۹۳).

۲- حفص بن سلیمان (۹۰ - ۱۸۰).

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

عاصی، مصطفی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

خلاصه: مصطفی عاصی در سال ۱۳۲۴ در تهران بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکترای رشته زبان شناسی گرایش کامپیوتر و فرهنگ نگاری از دانشگاه اکستر انگلستان - ۱۳۶۸ می‌باشد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی فرهنگستان زبان ایران و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (با درجه علمی دانشیار) می‌باشد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان شناسی

گرایش: کامپیوتر و فرهنگ نگاری

والدین و انساب: مصطفی عاصی فرزند سید محمد عاصی است.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات مصطفی عاصی به قرار زیر است: دیپلم ریاضی از دبیرستان دارالفنون تهران - ۱۳۴۲
 لیسانس (کارشناسی) زبان و ادبیات انگلیسی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران - ۱۳۴۷ فوق لیسانس (کارشناسی ارشد)
 زبانشناسی همگانی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران - ۱۳۵۰ دکتری زبانشناسی با گرایش کامپیوتر و فرهنگ نگاری از دانشگاه
 اکستر انگلستان - ۱۳۶۸ دوره های تخصصی : دوره روش تدریس زبان انگلیسی - ۱۳۵۰ دوره های آشنایی با مبانی کامپیوتر و
 سیستم های عامل , برنامه نویسی FORTRAN SNOBOL , RPG , COBOL, ASSEMBLER و تحلیل سیستم ها از سال
 ۱۳۵۲ تا سال ۱۳۵۹ در ایران و انگلستان دوره های آشنایی با سیستم شبکه کامپیوتری MULTICS و کاربرد مجموعه Office و
 نرم افزارهای آماری از جمله SPSS در محیط Windows از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۷۷ (دانشگاه اکستر) دوره های ایجاد و
 مدیریت پایگاه داده ها و ارایه اطلاعات در شبکه جهانی اینترنت - ۱۳۷۷ (دانشگاه اکستر) دوره آشنایی و کار با نرم افزارهای
 مدیریت اصطلاحات Trados و Multiterm در دانشگاه وین - ۱۳۸۱

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : پیشینه استخدامی و اداری دکتر عاصی به ترتیب زیر است : عضو هیأت علمی فرهنگستان زبان
 ایران و پژوهشگاه علوم انسانی از ۱۳۵۰ تا کنون وضعیت کنونی استخدامی : دانشیار پژوهشی پایه ۲۶ و مدیر گروه های آموزشی و
 پژوهشی زبان شناسی همگانی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی عضویت در مجامع علمی : عضو انجمن رایانش ادبی
 و زبانی (ALLC) از ۱۳۵۸ عضو انجمن فرهنگ نگاری اروپا (EURALEX) از بدو تأسیس - ۱۳۶۲ عضو انجمن فرهنگ
 نگاری آمریکای شمالی (DSNA) از ۱۳۶۹ عضو انجمن فرهنگ نگاری آسیا (ASIALEX) از بدو تأسیس - ۱۳۷۶ عضو انجمن
 زبان شناسی ایران و مدیر گروه های تخصصی زبان شناسی رایانه ای و فرهنگ نگاری از بدو تأسیس - ۱۳۸۱ عضو گروه های واژه
 گزینی رایانه و فناوری اطلاعات و زبان شناسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی

فعالیت های آموزشی : پیشینه تدریس : آموزش زبان انگلیسی از ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۴ (در مرکز آموزش زبان نیروی هوایی ، مرکز آموزش
 مخابرات و مدرسه زبان های خارجی کارآ) تدریس دانشگاهی (در دانشگاه های تهران ، علامه طباطبایی ، الزهرا ، مشهد ، اصفهان
 ، پزشکی ایران ، آزاد اسلامی و پژوهشگاه علوم انسانی) : زبان انگلیسی و درسهای تخصصی زبان شناسی در دوره های کارشناسی
 ارشد و دکتری زبانشناسی همگانی ، زبان انگلیسی و فرهنگ و زبانهای باستانی از ۱۳۵۶ تا کنون : زبانشناسی رایانه ای (کامپیوتری
) ، فرهنگ نگاری ، مبانی کامپیوتر و کاربرد آن ، اصول دستور زبان ، ساختار واژه ، ساخت زبان فارسی ، مقدمات زبانشناسی ، روش
 تحقیق ، گویش شناسی راهنمایی و مشاوره بیش از شصت پایان نامه دوره کارشناسی ارشد و دکتری زبانشناسی در پژوهشگاه و
 دانشگاه های دیگر

مراکز که فرد از بنیان آن به شمار می آید : - ایجاد پایگاه داده های واژگانی دوزبانه برای فرهنگ های فارسی به انگلیسی از
 ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱ - راه اندازی پایگاه داده های زبان فارسی در اینترنت - ۱۳۸۴

چگونگی عرضه آثار : پیشینه کارهای پژوهشی : شرکت در طرح تهیه فرهنگ مترادفهای فارسی از ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ شرکت در طرح
 بررسی واژه های مرکب در آثار نظامی گنجوی - ۱۳۵۵ شرکت در طرح تهیه واژه های بسامدی با کامپیوتر از ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۶
 شرکت در طرح تهیه واژه نامه های چند زبانه و ریشه شناسی - ۱۳۵۵ شرکت در گروه های واژه گزینی کامپیوتر ، زبان شناسی ،
 متالورژی ، حسابداری و ادب و هنر فرهنگستان زبان ایران از ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷ و فرهنگستان زبان و ادب فارسی از سال ۱۳۷۸ تاکنون
 شرکت در گردآوری و تدوین کامپیوتری واژه های پیشنهادی فرهنگستان زبان ایران از ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۰ طراحی ، پژوهش و اجرای
 طرح " سیستم فارسی (" Farsi System) برای پردازش و چاپ متن دوزبانه فارسی و انگلیسی با کامپیوتر - ۱۳۵۹ سرپرستی و
 شرکت در طرح فرهنگنامه جوانان و نوجوانان از ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۲ شرکت در طرح فرهنگ برابرهای فارسی برای واژه های علمی و
 فنی از ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۸ اجرای طرح واژه نامه نویسی تخصصی با کمک کامپیوتر (رساله دکتری) از ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ سرپرستی و

اجرای طرح بررسی کاربرد کامپیوتر در پژوهشهای زبانی از ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۱ شرکت در تدوین استاندارد ملی کد تبادل اطلاعات ۸ بیتی فارسی از ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۲ شرکت در تدوین استاندارد ملی برای صفحه کلید فارسی کامپیوتر - ۱۳۷۳ شرکت و مشاوره در طرح تهیه فرهنگ جامع مدیریت از ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۳ سرپرستی و اجرای طرح ایجاد پایگاه داده های زبان فارسی از ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۳ شرکت در تدوین استاندارد بین المللی نویسه گردانی فارسی - ۱۳۷۸ شرکت در تدوین استاندارد بین المللی آوانویسی فارسی - ۱۳۷۹ طراحی و اجرای طرح پژوهشی تعیین مؤلفه های زبانی برای بهره گیری در سیستم های بازیابی اطلاعات و متن کاو فارسی - ۱۳۸۲ مأموریت های علمی و کنفرانس ها : سمینار بین المللی فرهنگ نگاری (اکستر - انگلستان) ۱۳۵۷ مدرسه تابستانی بین المللی فرهنگ نگاری (اکستر - انگلستان) ۱۳۵۹ سمینار واژه گزینی برای اصطلاحات صنعت بیرینگ (تهران) - ۱۳۶۶ نخستین کنفرانس زبانشناسی (تهران) با ارائه مقاله - ۱۳۶۹ چهارمین کنفرانس بین المللی فرهنگ نگاری (مالاگا - اسپانیا) با ارائه مقاله - ۱۳۶۹ سمینار زبانشناسی کامپیوتری (مشهد) دو سخنرانی - ۱۳۷۰ دومین کنفرانس زبانشناسی (تهران) با ارائه مقاله - ۱۳۷۱ سمینار بررسی نقش اطلاع رسانی در تحقیق و توسعه (تهران) با ارائه مقاله - ۱۳۷۲ ششمین کنفرانس بین المللی فرهنگ نگاری (آمستردام - هلند) با گزارش و پوستر - ۱۳۷۳ سومین کنفرانس زبانشناسی (تهران) با ارائه مقاله - ۱۳۷۴ فرصت مطالعاتی در مرکز تحقیقات فرهنگ نگاری (دانشگاه اکستر - انگلستان) ۱۳۷۵ چهارمین کنفرانس زبانشناسی (تهران) با ارائه مقاله - ۱۳۷۶ فرصت مطالعاتی در مرکز تحقیقات فرهنگ نگاری (دانشگاه اکستر - انگلستان) ۱۳۷۷ نخستین هم اندیشی واژه گزینی و اصطلاح شناسی (تهران) با ارائه مقاله ۱۳۸۰ پنجمین کنفرانس زبانشناسی (تهران) با ارائه مقاله - ۱۳۸۰ نخستین همایش ملی ایران شناسی (تهران) ۱۳۸۱ دومین کنفرانس علوم شناختی (تهران) ۱۳۸۱ آکادمی تابستانی اصطلاح شناسی (دانشگاه وین - اتریش) با سخنرانی - ۱۳۸۱ دومین هم اندیشی واژه گزینی و اصطلاح شناسی (تهران) با ارائه مقاله ۱۳۸۲ نخستین هم اندیشی ترجمه شناسی (تهران) با ارائه مقاله ۱۳۸۲ کارگاه آموزشی ویرایش (تهران) با ارائه مقاله ۱۳۸۲ پنجمین کنفرانس سراسری سیستم های هوشمند (مشهد) با ارائه مقاله ۱۳۸۲ دومین کارگاه بین المللی فناوری اطلاعات و رشته های وابسته (WITID ۲۰۰۴) (کیش) با ارائه مقاله ۱۳۸۲ نخستین هم اندیشی دستور زبان فارسی (فرهنگستان زبان و ادب فارسی - تهران) با ارائه مقاله ۱۳۸۲ اولین کارگاه پژوهشی زبان فارسی و رایانه (دانشگاه تهران) با ارائه طرح و شرکت در میزگرد ۱۳۸۳ دومین همایش آموزش الکترونیکی (مرکز فناوری اطلاعات و ارتباطات پیشرفته دانشگاه صنعتی شریف تهران) با ارائه مقاله - ۱۳۸۳ ششمین کنفرانس زبانشناسی (تهران) با ارائه مقاله - ۱۳۸۳ همایش هفته پژوهش (پژوهشگاه علوم انسانی - تهران) با ارائه مقاله و کارگاه پژوهشی - ۱۳۸۳ اولین همایش بین المللی بومی سازی مبتنی بر فناوری اطلاعات در حوزه خط و زبان فارسی (مرکز تحقیقات مخابرات - تهران) با ارائه مقاله - ۱۳۸۴ دومین کنفرانس بین المللی فناوری اطلاعات و دانش (دانشگاه صنعتی امیر کبیر - تهران) با ارائه مقاله - ۱۳۸۴ نخستین همایش انجمن زبان شناسی ایران (تهران) دبیر همایش - ۱۳۸۴ تعداد مقالات ارائه شده در همایشها و منتشر شده در مجلات معتبر علمی: ۳۴ مورد تعداد مقالات بزبان انگلیسی: ۱۳ مورد آثار:

Information and Documentation – Transliteration of Arabic Characters into Latin ۱
 Characters- Part۴: Phonetic Transcription of Persian
 International Standard: ISO/DIS ۲۳۳-۴. -۲۰۰۰. -۲۰۰۰
 ویژگی اثر: ۲
 Information and Documentation – Transliteration of Arabic Characters into Latin ۲
 characters – Part ۳ : Persian Language

ویژگی اثر: ۳-۲۳۳-۱۹۹۹. International Standard: ISO ۲۳۳-۳

۳ استاندارد صفحه کلید فارسی کامپیوتر

- ویژگی اثر: (تالیف گروهی)، شماره استاندارد ملی ایران: ۲۹۰۱، تهران، موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران. -۱۳۷۳
- ۴ استاندارد کد تبادل اطلاعات ۸ بیتی فارسی
- ویژگی اثر: (تالیف گروهی)، شماره استاندارد ملی ایران: ۳۳۴۲، تهران، موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران. -۱۳۷۲
- ۵ استاندارد نحوه ارائه کد زبانها
- ویژگی اثر: (تالیف گروهی)، تهران، مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران. -۱۳۸۲
- ۶ پیشنهاد شما چیست؟ برخی از واژه‌های رایانه‌ای
- ویژگی اثر: (تالیف گروهی)، تهران، فرهنگستان زبان ایران -۱۳۵۵
- ۷ سیستم رایانه‌ای و برنامه‌های واژه‌نامه‌های بسامدی
- ویژگی اثر: (تالیف گروهی)، تهران، فرهنگستان زبان ایران -۱۳۵۵
- ۸ سیستم رایانه‌ای و برنامه‌های واژه‌نامه‌های چندزبانی و ریشه‌شناسی
- ویژگی اثر: (تالیف گروهی)، تهران، فرهنگستان زبان ایران. -۱۳۵۵
- ۹ فرهنگ زبانشناسی
- ویژگی اثر: (نرم افزار کامپیوتری) (باهمکاری محمد عبدعلی)، تهران. -۱۳۷۵
- ۱۰ فرهنگ جامع مدیریت
- ویژگی اثر: (مشاور)، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی -۱۳۷۷
- ۱۱ فرهنگ چهارجلدی فارسی - انگلیسی
- ویژگی اثر: (۴۱۷۲ صفحه) (باهمکاری دکتر منوچهر آریانپور)، تهران، جهان رایانه -۱۳۸۲
- ۱۲ فرهنگ یک جلدی فارسی - انگلیسی
- ویژگی اثر: (۱۶۰۰ صفحه) (باهمکاری دکتر منوچهر آریانپور)، تهران، جهان رایانه -۱۳۸۴
- ۱۳ مجموعه مقالات نخستین همایش انجمن زبان شناسی ایران
- ویژگی اثر: (۳۸۰ صفحه)، تهران، انجمن زبان شناسی ایران
- ۱۴ واژگان گزیده زبانشناسی
- ویژگی اثر: (باهمکاری محمد عبدعلی)، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی -۱۳۷۵
- ۱۵ واژه‌های رایانه (۲)
- ویژگی اثر: (تالیف گروهی) مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران -۱۳۸۳
- ۱۶ واژه‌های تخصصی رایانه (۱)
- ویژگی اثر: (تالیف گروهی) مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران -۱۳۸۰ منابع زندگینامه
- <http://iranologyfo.com>:

عاقلی، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا عاقلی

محل تولد: کرمان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا عاقلی فرزند اکبر دارای پرونده در حوزه مبارکه ۱۳۷۳۴ پس از اخذ دیپلم در سال ۶۳ - ۶۲ در کنکور همان سال شرکت کرده و در رشته فنی مهندسی (مخابرات و الکترونیک) قبول شدم، اما از آنجا که علاقه وافری به فراگیری دروس حوزوی داشتم، علیرغم فشار اطرافیان، حوزه مقدسه را را مقدم بر دانشگاه دانسته و حاضر به ورود به دانشگاه نشدم، لذا با همان مدرک قبولی کنکور وارد حوزه مقدسه علمی شدم که این را از الطاف حقیه الهی می دانم، در بدو ورود به مدت دو سال (به علت عدم پذیرش حوزه علمیه قم از داوطلبان شهرستانی) در حوزه علمیه یزد (مدرسه امام خمینی (ره)) درس حوزه را آغاز و پس از دو سال به قم عزیمت نموده، پس از امتحان ورودی در مدرسه المهدی (عج) حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) به ادامه تحصیل دروس حوزه پرداختم که بحمدالله به مدت ۱۰ سال دوران سطح را با موفقیت به پایان رسانده، سپس در دروس خارج حوزه ادامه دادم.

در اثناء دوره تخصصی تفسیر را بحمدالله سپری نموده، و در آزمونهای متعددی که از طریق نهادها و ارگانها من جمله: آزمون حج، که لطف خاص الهی شامل حال این حقیر شده و بحمدالله هر ساله در خدمت زائرین بیت الله الحرام می باشم. همچنین در آزمون نهاد ولی فقیه در دانشگاهها شرکت کرده، و در گرایش تاریخ اسلام شرکت کرده که بحمدالله بعد از موفقیت در آزمونهای کتبی، شفاهی و مصاحبه، به عنوان استاد در گرایش تاریخ اسلام پذیرفته شده، که مدرک آن نیز موجود می باشد. و به زودی به دانشگاه آزاد اسلامی واحد گلپایگان مسئول واحد فرهنگی آن دانشگاه، کار خودم را شروع خواهم کرد انشاء الله. در طول سفرهای تبلیغی نیز لطف الهی شامل این حقیر بوده، که در چندین جا با یاری مردم و همکاری آنان چند باب مسجد و حسینیه بنا گردیده من جمله: در یکی از روستاهای رفسنجان، در یکی از روستاهای بخش گلباف، در یکی از روستاهای مرکزی شهرستان کهنوج، چندین مرتبه سپاه پاسداران کرمان از این حقیر جهت همکاری دعوت به عمل آورده، اما از آنجا که علاقه ام به درس و بحث بیش از کارهای اجرایی است حاضر به قبول آن نشدم و نیز عدم قبول امامت جمعه برای یکی از شهرستانهای کرمان، که خداوند لطف نمود که از پذیرش آن استنکاف ورزم.

عالم نجف آبادی، محمد حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم زاهد فقیه مجتهد عادل، از مدرّسین و ائمه جماعت اصفهان، و مورد وثوق و احترام کثیّه طبقات، از تلامذه حاج میرزا بدیع درب امامی، و آخوند ملا محمد حسین کرمانی، و آقا سید محمد باقر درچه‌ای، و آخوند کاشی، و جهانگیر خان قشقائی و جمعی دیگر بوده، سالها در مدرسه جدّه تدریس می فرمود و جمعی کثیر از مستعدین از محضرش مستفید می شدند.

کتاب و رسائلی در فقه و اصول از تقریرات اساتید خود نوشته، و ضمناً کتابی به نام «فضیله السیاده» درباره سادات و اهمّیت مقام

آنان، و احادیث وارده در این موضوع تألیف فرموده و به چاپ رسیده است. در شب ۳ شنبه ۱۸ ربیع الاول سال ۱۳۸۴ به سنّ متجاوز از نود و هفت سالگی وفات یافته، در بقعه تکیه کازرونی مدفون گردید. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عالم زاده، هادی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

کارشناسی فرهنگی و تمدن اسلامی، کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد فلسفه و علوم تربیتی از دانشسرای عالی تهران، دکترای فرهنگ و تمدن اسلامی از دانشگاه تهران، تدریس در دانشگاه‌های فردوسی مشهد، تهران، تربیت مدرس و شهید بهشتی از سال ۱۳۵۳.
مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تاریخ اسلام، تاریخ تشکیلاتی اسلامی، تاریخ هنرهای اسلامی، تاریخ فرق و مذاهب، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۴ پایان‌نامه دکترای و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

تاریخ اسلام، تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

تاریخ و تمدن ملل اسلامی (تاریخ اسلام، تشکیلات و سازمانهای حکومتی، هنرهای اسلامی)

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

عالمی دامغانی، ابوالقاسم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالقاسم دامغانی از اعلام علماء گذشته و از تلامذه بزرگ شیخنا الانصاری و شیخ راضی نجفی و علامه شیخ مهدی آل کاشف الغطاء بوده است.

مرحوم استادش شیخ مرتضی انصاری در اجازه‌ای که برای ایشان نوشته تعبیر فرموده (علامه العلماء و عمده الفضلاء حاوی الفروع والاصول و لدنا الا عز الشیخ ابوالقاسم الدامغانی...)

آن بزرگوار پس از رسیدن به مقامات عالیه علم و کمال در سال ۱۲۸۰ قمری به ایران برگشته و چندی در تهران توقف آنگاه به دامغان وطن خویش آمده و به خدمات دینی و انجام وظائف روحی خویش پرداخته تا در ماه شوال ۱۳۳۶ قمری که از دنیا رفته و در مقبره (بکیر بن اعین) مدفون گردیده است و ماده تاریخ وفات وی (مغفوری) است

دارای تألیفات علمی به نامهای زیر می‌باشد

۱- ضیاء الانوار

۲- رساله در اصول دین

۳- حاشیه‌ای بر معالم

۴- تقریرات و غیره.

معظم له دارای چهار فرزند برومند و عالم بوده‌اند به نامهای زیر.

۱- حجه الاسلام آقا شیخ محمد عالمی والد ماجد حاج حسین آقای عالمی مقیم (شهر ری) متوفی ۱۳۱۹ شمسی.

۲- حجه الاسلام آقا شیخ میرزا علیرضا معروف به حاج میرزا آقای عالمی متوفی ۱۳۹۰ قمری.

۳- حجه الاسلام آقا میرزا خلیل عالمی متوفی ۱۳۷۰ قمری.

۴- ثقة الاسلام میرزا محمدتقی مشهور به مدیر عالمی متوفی ۱۳۴۹ قمری.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

عالمی، خلیل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

خلیل عالمی

محل تولد: اهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۲ وارد حوزه علمیه قم شده ام و دو سال در مدرسه امام مهدی موعود(عج) واقع در میدان توحید، سه سال در مدرسه امام محمد باقر(ع) و سه سال در مدرسه حسینه گذراندم. دروس سطح را در سال ۱۳۸۰ در مدت ۸ سال به پایان رساندم همزمان در سال ۱۳۷۷ (ع) وارد مؤسسه امام خمینی(ره) شدم و در رشته حقوق کارشناسی گرفتم و در ادامه در سال ۱۳۸۳ وارد تحصیلات

تکمیلی در رشته حقوق عمومی ادامه تحصیل می‌دهم. الان در حال گذراندن ترم آخر کارشناسی ارشد این رشته هستم از سال ۱۳۸۰ در دروس خارج فقه مرحوم آیت الله تبریزی و اصول فقه حاج شیخ صادق لاریجانی شرکت نمودم. و از همان سال در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت نموده‌ام که همه اینها جز درس آیت الله تبریزی ادامه دارد. تقریباً از سال ۱۳۷۹ در واحد حقوق و سیاست مرکز مطالعات و پژوهش فرهنگی حوزه همکاری مستمر داشته‌ام و در پاسخ به سئوالات محاله به این واحد شرکت کرده دستورات دیگری را پاسخ داده‌ام. و این همکاری هنوز هم ادامه دارد. که تاکنون سه مقاله از اینجانب به چاپ رسیده است.

عالمی، محمدضامن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد ضامن عالمی

محل تولد: سراب

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱۲/۱۴

زندگینامه علمی

اینجانب محمد ضامن عالمی متولد ۱۴/۱۲/۴۸ در یک خانواده متدین و مذهبی متولد شدم به خاطر علاقه وافر پدرم و توجیه ایشان به روحانیت به درس حوزوی توجه خاص پیدا کردم که در سال ۶۳ با ورود به حوزه علمیه امام هادی (ع) درس حوزوی رسماً آغاز و بنده به عنوان طلبه مشغول فراگیری دروس حوزوی شدم.

بعد از مدتی به خاطر ادامه تحصیلی راهی جمهوری اسلامی ایران شدم و در ابتدا ورود به حوزه علمیه صادقیه سمنان رفتم که با راهنمای دلسوزانه و پدرانه جناب استاد نصیری در پذیرش سال ۶۸ که از طرف مرکز جهانی علوم اسلامی برگزار شد شرکت کردم و در مرحله اول قبول شدم و بعد از این سال درسهایم جدی تر شروع شد و با علاقه شدید که داشتم در مدتی بسیار کوتاهی دروس سطح تمام شد و یک سال در خارج خوانده بودم که از طرف مرکز جهانی سازمان مدارس خارج از کشور و مجمع روحانیون غزنی به عنوان مدرس عازم افغانستان شدم و از سال ۷۳ تا اواخر ۷۵ مشغول تدریس و نظارت بر مدرسه و حل دعاوی مردم بودم و در سال ۷۶ دوباره به حوزه مقدسه قم برگشتم و درسهایم کافی السابق با جدیت شروع شد و سال دوم خارج را با درسهای فقه آیه الله العظمی تبریزی قدس سره الشریف و اصول آیه الله وحید خراسانی آغاز گردید.

و همزمان با درسهای که می‌رفتم کارهای تحقیقاتی در موسسه دارالصدیقه‌الشهیده که زیر نظر آیه الله العظمی تبریزی اداره می‌شد شروع کردم. و در سال ۱۳۸۴ با معرفی مرکز جهانی به موسسه عالی علوم انسانی فعلاً مشغول تحصیل آخرین ترم از روانشناسی می‌باشم. این بود اجمالی از گذشت روزهای که در آن مشغول به تحصیل بوده‌ام که بطور فشرده و خلاصه خدمت تقدیم شد شاید بتوان گفت زندگی علمی.

این شعار هر مسلمانی است که به عزت اسلامی می‌اندیشد. خدایا این یگانه آرزوی ما است تا انقلاب مهدی از نهضت خمینی محافظت بفرما خامنه‌ای رهبر به لطف خود نگهدار. آمین یا رب العالمین.

عالی شیرازی، محمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۲۱ ق)، نویسنده، طیب و شاعر، متخلص به عالی. ملقب به نعمت‌خان و بعد مقرب‌خان و سرانجام دانشمندخان. وی در هندوستان به دنیا آمد و در کودکی به همراه پدر خویش به شیراز رفت و در آن جا به تحصیل پرداخت. پس از چندی به هندوستان بازگشت و در خدمت ملا- شفیعی یزدی به تلمذ پرداخت. عالی که از طب و دیگر دانشهای زمان سررشته داشت، در بدو امر، حکیم تخلص می‌کرد ولی به اشاره استاد خود، ملا شفیعا، عالی تخلص نمود. وی در نظم و نثر نیز توانا بود و به سفارش بهادرشاه، فرزند اورنگ زیب، به تحریر «شاهنامه» مشغول شد، ولی اجل مهلتش نداد که آن را به اتمام برساند. از آثارش: «مثنوی من و سلوی»، «به فارسی، در اخلاق؛ مثنوی «سخن عالی»، در ۴۲۰۰ بیت؛ تفسیر «نعمت عظمی»؛ «به فارسی؛ «روزنامه محاصره‌ی حیدرآباد»؛ «جنگ‌نامه‌ی اعظم‌شاه و بهادرشاه، دو فرزند اورنگ زیب؛ منشآت «حسن و عشق»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی شعرای پنجاب (۲۳۲-۲۳۱)، تذکره‌ی شعرای کشمیر (۲۵۵-۲۵۲ / ۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۷۳-۵۶۴ / ۳)، الذریعه (۲۳۳ / ۲۴، ۱۵۳، ۲۳ / ۲۰۳، ۹۲ / ۱۹، ۲۷۰، ۱۱ / ۶۷۶-۶۷۷، ۹ / ۱۷، ۷ / ۱۶۹، ۵ / ۵)، فرهنگ سخنوران (۶۱۲-۶۱۱)، لغت‌نامه (ذیل / عالی شیرازی)، منظومه‌های فارسی (۳۹۳-۳۹۲)، نتایج الافکار (۴۹۰-۴۸۵).

عالیشاهی، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد عالیشاهی

محل تولد: بهشهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۸۸/۸/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۵۳ وارد حوزه علمی مشهد شدم و دروس سطح مانند ادبیات عرب و بخشی از تفسیر قرآن و کلام و فقه و اصول را در آنجا ادامه دادم و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمی قم شده ام تا الان در این حوزه مقدسه مشغول درس و تدریس و تحقیق می‌باشم.

مراحل فراگیری علوم حوزوی را از ابتداء با دروس خارج فقه و اصول در صفحه مخصوص این مطالب یاد آور شدم اما تدریس بنده عبارتند از: بخشی از ادبیات عرب در حوزه علمی مشهد و یکسال تدریس دروس سطح در حوزه علمی دامغان

(۱۳۶۴ تا ۱۳۶۵) و سه سال تدریس در حوزه علمیه مسجد سلیمان (۱۳۶۹ تا ۱۳۷۰) از ادبیات عرب با دروس رسائل و مکاسب مشغول بوده ام و حدود سه سال در بخش حوزه علمیه خواهران مربوط به دفتر تبلیغات در قم دروس فقه و اصول را تدریس نمودم (۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰) و از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۰ در مرکز جهانی بخشی از دروس فقه و تفسیر و علوم قرآن طلاب خارجی را به عهده داشتم. البته خداوند عنایت نمود که از سال ۱۳۷۲ تا اوائل سال ۱۳۷۵ قرآن کریم را هم حفظ نمودم و مباحثه حفظ ما همچنان ادامه دارد. در ایام تبلیغی هم بنده از سال ۱۳۵۷ که ملبس به لباس مقدس روحانیت شده ام تا الان برای تبلیغ معارف دینی به جاهای مختلف کشور اعم از ارگانها و غیر آن حضور پیدا کردم و می‌کنم و از سال ۱۳۷۵ به این طرف غالباً به دانشگاههای مختلف کشور از طریق دفتر اعزام مبلغ رهبری در دانشگاهها اعزام شده ام و در سالهای ۱۳۶۴ و ۱۳۷۰ در تبلیغات خارجی حج هم به مکه و مدینه اعزام شدم، جهت تبلیغ حجاج خارجی از سال ۱۳۷۶ به این طرف در شبکه حج به عنوان روحانی کاروان در خدمت زائران حج و عمره بوده ام.

عالیشوندی، مسعود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مسعود عالیشوندی

محل تولد: فرشبند

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۴/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۵۷ در اوایل پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ملت ایران به رهبری امام خمینی (ره) برای تحصیل علوم دینی به قم عزیمت نمودم و در امتحانات ورودی مدارس حقانی و رسالت که در آن زمان از بهترین و منظم ترین و مطابق نیازهای جامعه برنامه ریزی شده بودند، شرکت نمودم و در هر دو مدرسه با رتبه خوب (۱۹ و ۱۶) قبول گردیدم. ولی چون مدرسه رسالت زودتر نتایج خود را اعلام نمود در آن مدرسه ثبت نام نمودم و تا پایان سال تحصیلی ۶۱-۱۳۶۰ به مدت سه سال در آن مدرسه حضور داشتم و دوره مقدمات را که مطابق برنامه جدید حوزه پایه ۴ محسوب می شود به پایان رساندم. از تاریخ اول مهرماه ۱۳۶۱ در مدرسه امام حسن مجتبی (ع) زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی که عصرها برنامه های فوق برنامه همچون کشف المراد (شرح تجرید) علامه، درس تفسیر قرآن، نهج البلاغه، اصول فلسفه و روش رئالیسم که توسط اساتید مجرب از جمله حضرت آیت الله مکارم تدریس می گردید، شرکت می کردم.

در حوزه نیز به صورت آزاد دروسی همچون شرح لمعه و اصول فقه مظفر و باب هادی عشر و... را به مدت دو سال نزد اساتیدی همچون مرحوم وجدانی فخر، صالحی افغانی و سید مرتضی مهری تحصیل نمودم. سپس به مدت سه سال دروس رسائل و مکاسب را نزد اساتید معروف حوزه از جمله آقای حاج شیخ مصطفی اعتمادی و... خواندم. سپس به مدت دو سال کفایتین آیت الله آخوند خراسانی (ره) را نزد مرحوم آیت الله ستوده تحصیل نمودم. در این مدت در دروس جنبی نیز شرکت می نمودم، از جمله اصول

عقاید را نزد آیت الله مصباح یزدی، نهج البلاغه را نزد آیت الله مکارم شیرازی، رجال را نزد آیه الله سبحانی تبریزی خواندم و همه این دروس را امتحان داده و تا سال تحصیلی ۶۸-۱۳۶۷ به پایان رساندم و دوره سطح به مدت ۱۰ سال به اتمام رسید. از سال ۶۹-۱۳۶۸ در درس خارج فقه و اصول آیات، فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، سبحانی تبریزی و... به مدت ۱۵-۱۴ سال شرکت نموده ام.

در سال ۱۳۷۶ در کنار درس خارج فقه و اصول در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآنی حوزه علمیه شرکت نمودم و به مدت ۴ سال دوره سطح ۴ تفسیر و علوم قرآنی را در سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹ به پایان رساندم. پس از اتمام سطح ۴ حوزه در رشته فوق، در رشته تخصصی تازه تاسیس کلام، گرایش مهدویت شرکت نمودم و پس از ۴-۳ سال این دوره را به عنوان اولین گروه در سال ۱۳۸۳ به پایان رساندم. از آن پس تا شهریور ۱۳۸۴ در مرکز تخصصی مهدویت و پژوهشکده مهدویت در موضوعات و مباحث مهدوی به تحقیق و مطالعه مشغول بودم و در فصل نامه انتظار موعود وابسته به مرکز تخصصی مهدویت از شماره ۴ تا ۸ در موضوع (کلام جدید و مهدویت) مباحثی را تنظیم نمودم که به چاپ رسید، همچنین در واحد پاسخ گویی به پرسشها در پژوهشکده مهدویت مشغول بودم. همچنین از سال ۱۳۷۹ تا تابستان ۱۳۸۴ در بخش تحقیقات و تهیه جزوات در مرکز مشاوره حوزه علمیه قم ساعاتی به امر تحقیق مشغول بودم که حاصل آن تهیه جزوات متعددی بود که توسط آن مرکز به چاپ رسیدند. از سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴ تاکنون نیز در دانشکده علوم قرآنی به تدریس دروس تفسیر و علوم قرآنی مشغول بوده ام. همچنین در سال ۱۳۸۵ در دانشگاه آزاد زاهدان و دانشگاه دولتی سیستان و بلوچستان به تدریس دروس مختلف از جمله متون عرفان عربی، تاریخ قرآن و نظامهای اقتصادی صدر اسلام مشغول بوده و هستم.

عامر

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

وحید بهبهانی در تعلیقه فرموده روایت شیخ صدوق از ابن ابی عمیر از وی شهادت به وثاقت او می دهد و حماد بن عثمان که از اصحاب اجماع است نیز از او روایت نموده است.
بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

عامری

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالحسن محمد بن یوسف نیشابوری حکیم معروف ایرانی (ف. نیشابور ۳۸۱ ه.ق. / ۹۹۱ م.). وی شاگرد ابوزید احمد بن سهل بلخی و استاد ابوعلی احمد ابن محمد مسکویه و معاصر ابوحنیفان توحیدی است. عامری در خراسان حکمت آموخت و سپس به خدمت ابن العمید رسید و در صحبت او به سال ۳۶۴ ه.ق. به بغداد رفت و پنج سال هم در ری اقامت گزید و در این مدت ابوعلی مسکویه در مجلس درس او حاضر میشد ولی به گفته ابوحنیفان توحیدی کلمه‌ای از او استفاده نکرده. وی شارح فلسفه ارسطوست و

کتابهای الابصار و المبصر و النسک العقلى از اوست.
برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عامری شهبابی، هادی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

هادی عامری شهبابی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب هادی عامری شهبابی در سال ۱۳۴۶ در تهران متولد شدم. پس از اتمام تحصیلات کلاسیک در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه شدم و از اساتید بزرگوار حوزه کسب فیض نمودم، همراه با دروس رسمی حوزه در رشته تخصصی کلام نیز مشغول شدم و در سال ۱۳۸۰ فارغ التحصیل شدم و پایان نامه خود را با موضوع اثبات خلافت بلا فصل حضرت علی علیه السلام ارائه دادم. همزمان با تحصیل به تالیف نیز پرداختم که فهرست آثار در صفحات بعد آمده است.

عامری نایینی، علی محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، مترجم، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه‌ی آمریکایی تهران به پایان رساند و در ۱۲۹۷ ش موفق به گذراندن دوره‌ی دبیرستان شد. پس از آن مدت هشت سال سمت دبیری انگلیسی و فارسی و معاونت مدرسه‌ی شبانه‌روزی آمریکایی را عهده‌دار بود. در ۱۳۰۵ ش در وزارت دارایی به سمت مترجمی استخدام شد. سپس به عنوان معلم زبان فارسی و تحصیل علوم اجتماعی و تربیتی در دانشگاه آمریکایی بیروت در آنجا رفت و رد ۱۳۱۰ ش موفق به اخذ لیسانس در رشته فوق گردید و در وزارت معارف به خدمت مشغول شد. از آثار وی: تصحیح «عقد العلی للموقف الاعلی» افضل الدین ابوحامد کرمانی؛ «آن سوی منظومه‌ی شمس»، ترجمه؛ «آهن ربا»، ترجمه؛ «اجتماعات حشره‌ها»، ترجمه؛ «از هواشناس پیرس»، ترجمه؛ «برق»، ترجمه؛ «جانداران»، ترجمه؛ «حرارت»، ترجمه، برای کودکان؛ «حیوانات گذشته»، ترجمه؛ «صوت»، ترجمه؛ «گل، میوه، تخم»، ترجمه؛ «مرغان»، ترجمه؛ «نزدیکترین همسایه زمین»، ترجمه؛ «نور»، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۱۸، ۲۳۲۴، ۲۲۳۱، ۲ / ۱۲۳۰، ۱۱۶۲، ۱۰۰۶، ۴۸۵، ۱۷۶، ۱۱۳، ۷۰ / ۱)، مؤلفین

کتاب چاپی (۵۹۱-۵۸۸ / ۴).

عامری نیشابوری، ابوالحسن محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۸۱ ق)، فیلسوف، در نیشابور متولد شد و برای کسب دانش به اکثر بلاد اسلامی مسافرت کرد، و با دانشمندان بزرگی مانند ابن عمید، ابوالحسن عتبی، ابوسعید سیرافی، ابوسلیمان منطقی سجستانی، ابوحنیفه توحیدی و ابن مسکویه مصاحبت و مباحثه داشت و از هر خرمی توشه‌یی اندوخت. استاد او در حکمت ابوزید بلخی بود. مدتی به صوفیه دل داد و با آنان محشور شد. وی معاصر ابوعلی سینا بود و با او مکاتباتی نیز داشت، چنانکه یکی از تصنیفات بوعلی جواب «اسئله عامری» است. آگاهی ما از زندگی خصوصی عامری بسیار اندک است و لیکن می‌توان گفت که چون مردی تندخو بود و در بیان عقاید فیلسوفان جسور و دلیر، عده‌ای قصد خون او کرده بودند، لذا، بر جان خود هراسان بود، و پیوسته سفر می‌کرد از تألیفات او: «الابصار والمبصر»، درباره‌ی دیدن و بینایی؛ «الاعلام بمناقب الاسلام» در ۲۸ صفحه؛ «الأمد الی الأبد»، در تاریخ فلسفه؛ «انقاذ البشر من الجبر والقدر»؛ «التقرير لأوجه التقدير»؛ «فرخ‌نامه‌ی یونان دستور»، شامل اندرزهای یونان دستور است به کسری انوشیروان ساسانی؛ «السعادة والاسعاد»، که مهمترین و شاید بزرگ‌ترین اثر عامر است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۲/۸)، الامتاع والمؤانسه (۸۴/۲)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۱۴۲-۱۳۱)، دایرةالمعارف فارسی (۲۴/۱)، کشف الظنون (۱۶۸)، لغت‌نامه (ذیل / ابوالحسن عامری)، معجم المؤلفین (۱۲/ ۱۲۷).

عامری، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حدود ۱۲۷۰ ش در نائین متولد شد. پس از انجام تحصیلات مقدماتی در موطن خود در تهران مدرسه‌ی آمریکائی را به اتمام رسانیده و به استخدام در وزارت معارف درآمد. بعد به وزارت دارائی منتقل گردید.

عامری در آموزش زبان فرانسه و انگلیسی جدیت کامل به خرج داد و هر دو زبان را به خوبی فراگرفت و تدریجا با مطبوعات آن روز شروع به همکاری کرد. گاهی ترجمه‌های وی و زمانی مقالات او در مطبوعات منتشر می‌شد تا اینکه به عضویت دائمی هیئت تحریریه روزنامه‌ی رعد که مدیریت آن با سید ضیاءالدین طباطبائی بود، درآمد و هم‌روزه مقاله یا ترجمه‌ای از او به چاپ می‌رسید. همزمان با فعالیت در روزنامه‌ی رعد در وزارت مالیه مراحل از ترقی را پیمود و به معاونت چند اداره رسید.

در حوت ۱۲۹۹ ش که سید ضیاءالدین مدیر روزنامه‌ی رعد در تهران کودتا کرد و به ریاست دولت انتخاب گردید، عامری را به ریاست دفتر اختصاصی خود برگزید. در اواخر حکومت صد روزی سید ضیاءالدین، عامری معاون وزارت دارائی گردید و در نتیجه عیسی فیض وزیر مالیه از کار خود کناره‌گیری نمود و محمود جم به جای او وزیر مالیه شد.

در انتخابات دوره‌ی چهارم، عامری از نائین به وکالت مجلس شورای ملی انتخاب گردید. مجلس چهارم در حکومت احمد قوام که

بلافاصله پس از سید ضیاءالدین زمامدار شده بود، افتتاح و شروع به کار کرد. به هنگام طرح اعتبارنامه‌ی عامری سید حسن مدرس و سردار معظم خراسانی به مخالفت برخاستند و او را به علت همکاری با سید ضیاءالدین، صالح برای نمایندگی مجلس نداشتند. عامری دفاع مفصلی نمود. سرانجام اعتبارنامه‌ی وی رد شد و نتوانست وارد مجلس شود. پس از استخدام دکتر میلیسپو و ورود وی به ایران در ۱۳۰۱، از همکاران نزدیک او شد. در انتخابات مجلس موسسان برای خلع قاجاریه و تفویض سلطنت به رضاخان پهلوی، از نائین به وکالت مجلس موسسان انتخاب شد و به خلع قاجاریه رای داد.

در انتخابات دوره‌ی ششم مجلس شورای ملی از نائین به وکالت مجلس انتخاب گردید.

در ۱۳۰۵ به معاونت وزارت مالیه منصوب شد. در ۱۳۱۲ علی منصور وزیر طرق، او را به معاونت کل وزارت راه معرفی کرد. بعد معاون راه آهن و رئیس حسابداری راه آهن در شمال شد. در سال ۱۳۱۵ علی منصور وزیر طرق، تحت تعقیب عدلیه قرار گرفت. در رابطه با این پرونده، سلطان محمد عامر و عباس آریا معاونین سابق وزارت طرق نیز محاکمه شدند. عامری در این محاکمه تبرئه شد و مدتی کوتاه استاندار آذربایجان غربی بود. سایر مشاغل او عبارت است از: وابسته اقتصادی ایران در آمریکا، عضو هیئت مدیره شرکت فرش، عضو هیئت نظارت سازمان برنامه. وفات او در ۱۳۵۲ اتفاق افتاد. مردی باسواد، حراف، منقد و زرننگ بود. یکی از فرزندان وی به نام هوشنگ عامری که در آمریکا کشاورزی تحصیل نموده بود، مدتی استانداری کرمان را عهده‌دار بود ولی هوش و درایت پدر را نداشت.

(تو ۱۲۶۴ ق)، مترجم، نویسنده و روزنامه‌نگار. در کالج آمریکایی تهران تحصیل کرد و بعد به خدمت وزارت دارایی درآمد. وی مشاغل مختلفی را عهده‌دار بود: نمایندگی مردم نائین در مجلس در دوره‌های چهارم و ششم، معاونت وزارت راه و استانداری آذربایجان غربی. او مدتی به کار روزنامه‌نگاری مشغول بود و چندین شماره روزنامه‌ی «صور» را در تهران منتشر کرد. لازم به ذکر است که عامری مقالاتی را در روزنامه‌ی «رعد» که مدیریت آن با سید ضیاءالدین طباطبایی بود ترجمه می‌کرد و با او دوستی تمام داشت. از آثار وی: «اسرار زندگی»، ترجمه؛ «تاریخ کشورهای متحده‌ی آمریکا»؛ «شرح حال توماس جفرسن سومین رئیس جمهور آمریکا»، ترجمه؛ «قانون تجارت، تقریر».[۱]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۴ / ۳۰۶)، مؤلفین کتب چاپی (۳۵۲-۳۵۱ / ۳).

عامریون، پرویز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: دانشیار رشته: جراحی پلاستیک، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۴۵، رزیدنت جراحی عمومی در بیمارستان امام رضا (ع) مشهد، تخصص در رشته جراحی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۹، فوق تخصص جراحی پلاستیک و ترمیمی از لندن در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۵۰، دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

متد واکسن در درمان عفونتهای پیوسیانیکی در بیماران سوخته، استفاده از عسل در درمان سوختگیهای تازه، استاد راهنمای ۸ پایان‌نامه دکترای عمومی و تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

سوختگی‌ها.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۶، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

بررسی ۸۰ مورد بیماران مبتلا به راکی تانسکی، بررسی آماری بیماران مبتلا به سرطانهای پوستی، بررسی آماری بیماران مبتلا به

ملانوم بدخیم، تکنیکهای نوین جراحی در درمان Pressure Sore.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

عامل تهرانی، شرف‌الدین جعفر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۹۷- ۱۲۴۶ ق)، عالم امامی، فقیه، شاعر و ادیب. در نجف به دنیا آمد. در همان جا نشوونما یافت. مبادی و مقدمات را

فراگرفت، و در فقه و اصول از محضر شیخ مهدی آل کاشف الغطاء استفاده نمود تا از علمای بزرگ گردید، و داماد شیخ اسدالله

کاظمی شد. آن‌گاه به تهران آمد و مدتی ماند. سپس به کرمانشاه رفت و در آنجا ساکن شد و در همان جا درگذشت. از آثار وی:

حاشیه بر «قوانین الاصول»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۹۶ / ۹، ۱۷۶- ۱۷۵ / ۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۴۳ / ۱۳)، معجم المؤلفین (۱۳۷- ۱۳۶ / ۳).

عاملی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ع. منسوب به جبل عاملی) ابوجعفر محمد بن جبل عاملی مشهور به شیخ حر عاملی و معروف به صاحب رسائل، فقیه و محدث

مشهور شیعی (و. مشعر) از قرای جبل عامل (۱۰۳۳- ف. / مشهد ۱۱۱۴ ه.ق.). وی نزد عم خود شیخ محمد حر و جد مادرش شیخ

عبدالسلام و نیز نزد شیخ زین‌الدین نوازه شهید ثانی و گروهی دیگر تحصیل کرد و پس از ۴۰ سالگی به مشهد رفت و مجاور گردید و چند بار نیز به زیارت کعبه شتافت. مدفن وی در مشهد در صحن عتیق قرب مدرسه میرزا جعفر است. اوراست: رسائل (که در آن اخبار کتب اربعه شیعه را گردآورده)، اثبات الهدایه، هدایه الامه، جواهر السنیه (احادیث شیعه)، نزهة السماع (در حکم اجماع)، بدایه الهدایه، فصول المهمه، (در اصول ائمه)، رساله (رد بر صوفیه)، رساله (در تواتر قرآن)، رساله (در رجال)، رساله (در احوال صحابه)، الآمل (ترجمه احوال علمای جبل عامل). دیوان شعر.

محمد ابن علی بن حسن بن علی بن حسن مشغری (و. مشغری جبل عامل ۱۰۳۳ ه.ق. - ف. مشهد ۱۱۰۴ ه.ق.). وی تا سن چهل سالگی در سوریه و جبل عامل نزد استادان شیعی تعلیم یافت و دو بار به حج رفت و سپس به عراق و خراسان رهسپار گردید و به منصب شیخ الاسلامی و قاضی القضاتی مشهد منصوب شد و دوبار نیز از آنجا به حج رفت. آثار او عبارتند از: اثبات الهداء بالنصوص و المعجزات، الاثنا عشریه فی رد الصوفیه، الاجازات، احوال الصحابه، اربعین حدیث، ارجوزه در زکات، ارجوزه در هندسه. پس از وفات او را در صحن آستانه قدس نزدیک در مدرسه میرزا جعفر دفن کردند.
بر گرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عاملی موسوی اصفهانی، محمدعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۷۴ - ۱۲۳۹ ق)، عالم و فقیه امامی. مادرش جان‌جان خاتون دختر شیخ جعفر کاشف الغطاء، مجتهد و مرجع بزرگ شیعه بود. آقا سید محمدعلی از جمله‌ی نوابغ شمرده می‌شد زیرا طبق روایتهای متعدد دوازده ساله بود که کتاب «البلاغ المبین فی احکام الصبیان والبالغین» را نوشت و چندان مورد اعجاب و تحسین سید محمدباقر شفتی قرار گرفت که بر اجتهاد نویسنده‌ی آن گواهی داد. و از آن پس به آقا مجتهد معروف شد و شفتی دختر خود را به همسری وی درآورد. او علاوه بر تبحر در فقه و اصول، به عرفان و تصوف نیز دل‌بستگی داشت و به زبانهای فارسی و عربی شعر می‌گفت و متخلص به عارف بود. وی در ۳۵ سالگی به علت مسمومیت در اصفهان درگذشت و در نجف در یکی از آرامگاه‌های صحن امیرالمومنین (ع) در کنار پدرش مدفون گردید. آثار وی: «احیاء التقوی»، شرح بخشی از «الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه» تألیف شهید اول؛ «العلائم فی شرح المراسم»، شرح بخشی از «المراسم العلویة والاحکام النبویة» سلار بن عبدالعزیز دیلمی؛ منظومه‌ای در وقف؛ منظومه‌ای ناتمام در میراث؛ الفییه‌ای ناتمام، در نحو؛ «فرائد الفوائد» در اصول؛ «نفائس الفرائد» که مختصر «فرائد الفوائد» است؛ «دیوان» شعر فارسی.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: تذکره القبور (۱۵)، تکملة امل الامل (۳۸۸-۳۸۵)، الذریعه (۱۳۹/ ۲۳، ۳۰۸/ ۱۵، ۱۴۱/ ۳، ۳۰۸-۳۰۷/ ۱)، ریحانه (۱/ ۵۷)، معجم المؤلفین (۵۱-۱۱/ ۵۰)، مکارم الآثار (۱۰۹۷-۱۰۹۵/ ۴).

عاملی، صدر الدین

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم آقا سید صدر الدین محمد بن سید صالح عاملی از اکابر فقها و مجتهدین شیعه، در فقه و اصول و حدیث و رجال و ادب و دیگر علوم از اساتید به شمار می‌رود.

در ۱۱۹۳ متولد، و در نزد سید جواد عاملی و حاج سید مهدی بحر العلوم طباطبائی و شیخ جعفر کاشف الغطاء - پدر زن خود - و بسیاری از علمای زمان تحصیل نموده، و عده‌ای کثیر در نزد او درس خوانده و یا اجازه داشته‌اند که از آن جمله است مرحوم آقا سید محمد حسن مجتهدی موسوی اصفهانی.

مرحوم آقا سید صدر الدین سالها در اصفهان در محله‌ی آب بخشان ساکن بوده، و مورد احترام قاطبه‌ی علمای این سامان بالاخص سید حجة الاسلام بوده، و سرانجام در شب جمعه ۱۴ محرم سال ۱۲۶۲ در نجف وفات یافته، و در یکی از حجرات مدفون شد. کتاب‌های زیر از اوست:

۱- اسره العتره، در فقه استدلالی ۲- حاشیه‌ی تسهیل ابن مالک ۳- حاشیه‌ی منتهی امل الادیب تألیف ابن ملاً، در نحو ۴- حاشیه‌ی منتهی المقال ۵- حاشیه‌ی نقد الرجال ۶- حجیه‌ی الظنون ۷- قرة العین، در نحو [مطبوع] ۸- القسطاس المستقیم، در اصول فقه ۹- قوت لایموت، رساله عملیه ۱۰- مجال الرجال ۱۱- المستطرفات ۱۲- منظومه رضاعیه [و شرح آن مطبوع].
برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عاملی، عبدالحسین

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید عبدالحسین محمد، عالم فاضل محقق کثیر التألیف، نواده میر داماد.

حزین در تذکره خود، [فرزند] وی را در عداد علمای شعرای معاصر خود نام می‌برد.

در سال ۱۱۲۱ وفات یافته، قبرش در تخت فولاد، جنب پدر بزرگوار خود می‌باشد، و آثار قبر ظاهر نیست.

کتب زیر از اوست:

۱- تقدیس الانبیاء ۲- الجواهر المنثوره ۳- سدره المنتهی. (عرفانی فارسی در معارف و اصول دین، در ۱۰۶۲ از تألیف آن فراغت حاصل نموده، و آن را جهت حکیم محمد داود تألیف نموده است).

۴- شرح دعای سیفی ۵- شرح بر دعای صباح ۵- صراط الزاهدین، در اعمال ماهها ۷- عرش سماء التوفیق، در تفسیر فارسی ۸- الفطره الملکوتیه، در شرح اثنی عشریه [شیخ بهائی] ۹- مسلک النجاه ۱۰- مناهج الشارعیین، در اصول دین؛ و غیره از اشعار اوست:

آن ماه دو هفته دلبر جانی من

آن یار عزیز یوسف ثانی من

یک روز نکرد فکر شبهای غمم

یک بار نگفت پیر کنعانی من

وی را سه فرزند برومند است:

۱- میر محمد اشرف (بعداً بنام و شرح حالش اشاره خواهد شد).

۲- صدر الدین زین العابدین که او نیز عالم و فاضل بوده است.

۳- میرزا صدر الدین محمد.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عاملی، عبداللطیف

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۵۰ ق)، عالم امامی، فقیه و محقق. بعد از درگذشت پدرش، شیخ علی بن احمد، که از اکابر شاگردان شهید ثانی است، به خلف آباد رفت. وی از علمای بزرگ قرن یازدهم و از شاگردان شیخ بهایی و شیخ حسن بن شهید ثانی، صاحب «معالم»، و سید محمد بن علی بن حسین عاملی، صاحب «مدارک الاحکام»، و دیگر بزرگان می‌باشد و از آنها اجازه داشته است. در «ریاض العلماء» و «امل الآمل» ذکر شده که وی از بزرگترین شاگردان شیخ بهائی بوده است. سید علی‌خان حویزی از شاگردان عاملی است. بین او و شیخ علی، سبط شهید ثانی مسألت (پرسش و پاسخ) بوده است. از آثار وی: «جامع الاخبار فی ایضاح الاستبصار»، که شرحی است بر «استبصار» شیخ طوسی؛ کتاب «الرجال»، در شش طبقه که آن را به صورت مقدمه‌ای بر «جامع الاخبار» تألیف کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴۵-۴۴ / ۸)، الذریعه (۱۳۰-۱۲۸ / ۱۰، ۳۸-۳۷ / ۵)، روضات الجنات (۲۲۲-۲۲۰ / ۴)، ریاض العلماء (۲۵۶ / ۳)، ریحانه (۹۱ / ۴)، لغت‌نامه (ذیل / عبداللطیف).

عاملی، لطف‌الله

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند عبدالکریم بن ابراهیم بن علی بن عبدالعالی میسی.

عالم فاضل صالح فقیه متبحر، جلیل‌القدر، عظیم‌المنزل، در نزد شاه عباس کبیر صفوی در نهایت عزت و احترام، و مورد تکریم و تعظیم علمای زمان بوده، و شاه نامبرده مسجد و مدرسه‌ای در قسمت شرقی میدان نقش جهان در میدان شاه به نام او بنا کرده که مدرسه از بین رفته، و مسجد از شاهکارهای معماری، و از آثار باستانی اصفهان است.

شیخ لطف‌الله در میس از قرای شام متولد شده، در اوایل جوانی به ایران آمده، در خراسان مدتی در خدمت ملا عبدالله شوشتری تحصیل نموده، چندی در قزوین، و اخیراً به اصفهان مهاجرت نموده، به درس و بحث و اقامه‌ی جماعت پرداخته. رسائل عدیده در مسائل مختلفه نوشته و قائل به وجوب عینی نماز جمعه بوده و در مسجد مرقوم، آن را اقامه می‌فرموده. در اوایل سال ۱۰۳۲ در اصفهان وفات یافته.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

عاملی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: جراحی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

عامی، اسماعیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۶۶ ش)، فرهنگ‌نویس و شاعر، متخلص به عامی. وی رییس دادگاه عالی انتظامی قضاوت و زرات دادگستری بود. از آثار وی: «خرده فرهنگ یا لغت منظوم»، فارسی و فرانسه؛ «سرآغاز»، شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۹۵۰ / ۲، ۱۲۵۸ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱ / ۶۱۸).

عباد، ابوالحسن

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

پدرش ابی الحسن عباد، وزیر و کاتب رکن الدوله بوده، از ابو حنیفه فضل بن حباب و معاصرینش از محدثین بغداد، روایت احادیث می‌نماید، و ابوبکر ابن مردویه و جمعی از فضلاء اصفهان از او اخذ حدیث کرده‌اند.

در هدیه العباد (۱۴) در احوال او گوید: در علم و دانش و پرهیزکاری دارای مقامی بلند، و مرتبه‌ای ارجمند بود، و در السنه مشهور به شیخ امین می‌باشد، و در ابتدای حال به معلمی اشتغال داشته، و پس از آن کاتب امیر رکن الدوله دیلمی شده، و بعداً او را منصب وزارت داده.

وی را تألیفاتی است: ۱- رساله در آیات الاحکام ۲- رساله احکام القرآن و غیره.

وفات عباد را در سال ۳۳۴-۵ می‌نویسند.

درباره ی شرح حال و زندگانی صاحب بن عباد کتب و رسائلی مستقلاً نوشته شده، و در بیشتر از کتب، نام او مذکور است، و اخیراً عالم محقق جلیل آقای حاج شیخ عباسعلی ادیب حبیب آبادی از علمای معاصر اصفهان، کتابی مفصل به نام «هدیه العباد، در شرح حال صاحب بن عباد» تألیف فرموده است.

صاحب، در ۴ ذی قعدة سال ۳۲۴ متولد، و در صفر ۳۸۵ در ری وفات یافته، جنازه ی او بر حسب وصیتش به اصفهان نقل شده، در دهلیز خانه‌اش مدفون گردید که تاکنون در محله ی طوقچی، زیارتگاهی معروف است.

کتب زیر از تألیفات است:

۱- الابانۀ عن مذهب اهل العدل ۲- التعلیل ۳- تفضیل علی بن ابیطاب علیه السلام ۴- التذکرۀ ۵- جوهرۀ الجمهورۀ ۶- الرسائل الصحابیۀ، که در مصر به طبع رسیده ۷- زندگانی حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام ۸- الزیدین ۹- الزیدیۀ ۱۰- شرح اسماء

الحسنی ۱۱- شواهد ۱۲- العروض، در نحو ۱۳- مختصر نهج السبیل ۱۴- المحيط، در لغت، در ۷ مجلد ۱۵- نهج السبیل؛ و غیره. مولد صاحب را برخی طالقان قزوین، و عده‌ای طالقان اصفهان (طالخنجه) نوشته‌اند. شیخ صدوق کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام را به نام او تألیف کرده، و در اول آن دو قصیده از اشعار صاحب که در مدح حضرت رضا علیه السلام گفته است را عیناً نقل می‌کند. همچنین تاریخ قم نیز به نام او تألیف شده. از قول صاحب نقل می‌کنند که گفته است: در مدح من هزار قصیده ی عربی و فارسی گفته شد و هیچ کدام مرا شاد نکرد همچنان که اشعار ابو سعید رستمی شادم نمود به گفته‌اش:

ورث الوزارة کابراً عن کابر

موصوله الاسناد بالاسناد

یروی عن العباس عباداً وزا

رته و اسماعیل عن عباد

صاحب عنوان، اول وزیر است که به نام صاحب معروف شده، و علت شهرت او بدین لقب، مصاحبت اوست. بامؤید الدوله فرزند رکن الدوله ی دیلمی، و یا مصاحبت با ابن العمید است.

برای اطلاع بیشتر از حالات او به کتاب نامبرده بالا، و اعیان الشیعه، و الارشاد، و کتب دیگر مراجعه شود.

از اشعار اوست:

أبا حسن لوکان حبک مدخلی

جهنم إن الفوز عند جحیمها

فکیف یخاف النار من هو مؤمن

بأن أمیر المؤمنین قسیمها

در آثار الوزراء (۲۰۲): گوید: ابو علی خطیر الاصفهانی و ابوالعباس الضبّی، بعد از وفات صاحب عبّاد، فخر الدوله وزارت را به ده هزار دینار بدیشان فروخت.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عبادانی، ابوبکر احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۴۵ / ۳۴۴ - ۲۴۸ ق)، محدث. وی در بغداد از حسن بن محمد زعفرانی و علی بن حرب و محمد بن عبدالملک دیقی و عباس ترققی و احمد بن منصور رمادی و دیگران حدیث روایت نمود. ابن رزقویه و ابوعلی بن شاذان و حسین بن عمر بن برهان و گروهی دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام بوفیات الاعلام (۲۳۶ / ۱)، انساب سمعانی (۱۲۲ / ۴)، تاریخ بغداد (۱۷۹ - ۱۷۸ / ۴)، سیر النبلاء (۴۸۰ - ۴۷۹ / ۱۵)، شذرات الذهب (۳۶۹ / ۲)، العبر (۶۹ / ۲)، لسان الیمزان (۲۷۶ - ۲۷۵ / ۱)، النجوم الزاهره (۳۶۰ / ۳).

عبادی حویزی، عبدالقاهر

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۱۰۰ ق)، فقیه، اصولی، متکلم، نحوی، عالم امامی و شاعر. اصل وی از آبادان بود لذا به عبادی مشهور است و چون ساکن حویزه بوده شهرت حویزی نیز داشته است. او از علمای بزرگ اواخر قرن یازدهم یا اوایل قرن دوازدهم است. شیخ حر عاملی در «امل الآمل» چند شعر از او نقل کرده و سپس گوید که وی را در حدود ۱۱۰۰ ق در مشهد رضوی ملاقات کرده است. از آثار وی: حاشیه بر «تفسیر» بیضاوی؛ «الفرائد الصافیه علی الفوائد الوافیه»، در نحو، که حاشیه بر «شرح» جامی است؛ «ریاض الجنان و حدائق الغفران»، در فقه؛ «المستمسکات القطعیه الیقینیه»، در کلام؛ «خبر / خیر الزائر المبتلی بالبلاء فی طریق النجف و کربلا»؛ «صفو صفوه الاصول و نفی هفوه الفضول»، در اصول فقه؛ «العقائد الدینیه»، با براهین عقلی؛ «رفع الغوايه لشرح الهدایه»؛ رساله «النیلوفریه»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۲ / ۸)، ایضاح المکنون (۱۸۳، ۱۰۳، ۶۸، ۲۶ / ۲، ۵۸۰، ۴۴۱ / ۱)، الذریعه (۴۳۸ / ۲۴، ۱۴ / ۲۱، ۱۳۸ / ۱۶ / ۲۸۳، ۵۱ / ۱۵ / ۲۲۷، ۱۲ / ۳۲۱، ۲۴۳ / ۱۱ / ۶۹۲، ۹ / ۱۳۸، ۷ / ۴۳، ۶ / ۲۱۶-۲۱۵ / ۴)، ریحانه (۹۳-۹۲ / ۴)، فوائد الرضویه (۲۳۸)، لغت نامه (ذیل / عبدالقاهر)، معجم المؤلفین (۳۱۰-۳۰۹ / ۵)، هدیة العارفین (۶۰۷ / ۱).

عبادی طالقانی، یحیی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۵ ش)، عالم دینی و فقیه. در تهران به دنیا آمد و پس از فراگیری دروس جدید، اقدام به تحصیل علوم عربی و دینی نمود و مقدمات را در تهران فرا گرفت، سپس برای ادامه‌ی تحصیل در ۱۳۵۳ ق به امر پدرش به قم رفت و ادبیات را در خدمت میرزا محمد علی ادیب تهرانی و سطوح را در محضر آیت‌الله سید میرزا آقای ترابی دامغانی و آیت‌الله مرعشی نجفی و آیت‌الله سید احمد زنجانی و آیت‌الله سید احمد لواسانی تکمیل نمود. آن‌گاه در درس خارج آیت‌الله حجت و آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری و آیت‌الله صدر حاضر شد و چند سالی هم از فقه و اصول آیت‌الله بروجرودی بهره برد، تا به درجات بلند علمی رسید. در ۱۳۷۱ ق به تهران بازگشت. پس از درگذشت پدر در مسجد خیابان ظهیرالاسلام به اقامه جماعت و ترویج امور دینی اشتغال ورزید. از مآثر وی: تعمیر اساسی مسجد طالقان، تعمیر مسجد سراج الملک؛ تکمیل مسجد حسین آباد لویزان و تأسیس دبستان در آنجا. از آثار علمی اش: رساله‌ای در «جبر و تفویض»؛ «اثبات امر بین الامرین»؛ «تقریرات و دراسات» آیت‌الله حجت: مباحث «الفاظ»، در اصول و «لباس مشکوک»، در فقه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: گنجینه‌ی دانشمندان (۵۰۹-۵۰۸ / ۴).

عبادی محبوبی بخاری، جمال‌الدین، ابوالفضل عبیدالله

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۳۰ ق)، فقیه حنفی. شیخ حنفیان در زمان خود بود. وی در نزد علامه عمادالدین عمر بن بکر زرنجری و فخرالدین حسن بن منصور قاضی خان اوزجندی فقه آموخت. او از پدرش، ابراهیم بن احمد، و ابن مازه و نیز از فخرالدین حسن بن منصور قاضی خان و ابوالمظفر ابن سمعانی حدیث شنید. سیف‌الدین سعید بن مطهر باخرزی و شرف‌الدین محمد بن محمد عدوی و جمال‌الدین محمد بن محمد حسینی و علامه حافظ‌الدین محمد بن محمد بن نصر بخاری و دیگران در محضر وی فقه آموختند. وی در هشتاد و چهار سالگی در بخارا در گذشت.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۳۴۶-۳۴۵ / ۲۲)، شذرات الذهب (۱۳۷ / ۵)، العبر (۲۰۷ / ۳).

عبادی مروزی، قطب‌الدین، ابومنصور مظفر

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۴۷-۴۹۱ ق)، واعظ، فقیه و محدث. ملقب به امیر و معروف به امیر قطب‌الدین یا قطب عبادی. در روستای سنج عباد، از قراء مرو، به دنیا آمد و بدین جهت به عبادی مشهور شد. وی از نصرالله خشنامی و عبدالغفار شیروی و عده‌ای دیگر حدیث شنید. او از طرف سلطان سنجر به بغداد رفت و مدت سه سال در جامع قصر و در دارالسلطنه به وعظ پرداخت و مردم بر گردش ازدحام می‌نمودند. او در جامع قصر املائی حدیث می‌کرد. ابن‌اخضر و حمزه بن قبیطی و محمد بن مکرم از وی حدیث روایت کرده‌اند. نیکویی و حسن وعظ وی ضرب‌المثل بود. ابن جوزی گوید که او زیبا کلام بود و از مواعظ او مجلداتی گردآوری کرده‌اند. ابوسعید سمعانی گوید که از او رساله‌ای در «شرب الخمر» دیده است. عبادی در عسکر خوزستان در گذشت.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۱۲۴-۱۲۳ / ۴)، ریحانه (۹۳ / ۴)، سیر النبلاء (۲۳۲-۲۳۱ / ۲۰)، لغت‌نامه (ذیل / ابومنصور)، معجم المؤلفین (۲۹۸-۲۹۷ / ۱۲)، النجوم الزاهراه (۲۹۱ / ۵)، هدیة العارفین (۴۶۳ / ۲).

عبادی هروی، ابوعاصم محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۵۸-۳۷۵ ق)، محدث، فقیه و قاضی شافعی. در هرات به دنیا آمد. وی از احمد بن محمد بن سهل قراب و دیگران حدیث شنید. از قاضی ابومنصور محمد بن محمد ازدی در هرات و از ابوعمر بسطامی در نیشابور فقه آموخت، تا این که در فقه پیشگامی صاحب نظر شد. سپس در شهرهای بسیاری گشت و خلق کثیری از اساتید و مشایخ را ملاقات کرد و از هر یک بهره‌ای گرفت. قاضی ابوسعید هروی از وی فقه آموخت و اسماعیل بن ابی‌صالح مؤذن از وی حدیث شنید. پسرش ابوالحسن عبادی نیز در مکتب پدر

پرورش یافت. از آثارش: «ادب القضاء» یا «ادب القاضی»؛ «المبسوط»، در فروع فقه شافعی، در حدود سی مجلد؛ «الهادی الی مذهب العلماء»؛ «طبقات الشافعیین» یا «طبقات الفقهاء»؛ کتاب «المیاه»؛ کتاب «الاطعمه»؛ کتاب «الزیادات»، در فروع؛ «زیادات الزیادات»؛ «الزیادات علی زیادت الزیادات».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۰۶ / ۶)، انساب سمعانی (۱۲۳ / ۴)، ایضاح المکنون (۲۶۹ / ۲)، سیر النبلاء (۱۸۱ - ۱۸۰ / ۱۸)، شذرات الذهب (۳۰۶ / ۳)، العبر (۳۰۹ - ۳۰۸ / ۲)، کشف الظنون (۲۰۲۶، ۱۵۸۲، ۱۵۸۱ - ۱۱۰۰، ۹۶۴، ۴۷)، معجم المؤلفین (۱۰ / ۹)، الوافی بالوفیات (۸۳ - ۸۲ / ۲)، وفیات الاعیان (۲۱۴ / ۴)، هدیه العارفین (۷۲ - ۷۱ / ۲).

عبادی، جلیل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جلیل عبادی

محل تولد: تبریز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۷ وارد حوزه علمیه تبریز شدم پس از تحصیل مقدمات مشغول تحصیل در شرح لمعه شدم در عین تحصیل از تدریس مقدمات شروع کرده و به تدریج به تدریس‌های خود اضافه نمودم بعد از چهار سال به مدرسه باهنر در تهران رفتم در آن مدرسه ضمن تحصیل مشغول تدریس صرف و نحو بودم بعد از یک سال و اندی جهت ادامه تحصیل وارد قم شدم در قم بعد از اتمام سطح وارد درس خارج شدم و در ضمن تحصیل سطوح، کتاب اصول فقه، شرح لمعه و صرف میر و صمدیه و کتابهای دیگر ادبیات را تدریس نموده و هم اکنون تدریس در فقه و اصول و ادبیات ادامه دارد. پس از شروع جنگ توفیق حضور در جبهات جنگ نصیب ما شد و در اثر اصابت ترکش حدود یک سال و نیم در خانه و بیمارستان بستری بودم. بعد از بهبودی نسبی و خاتمه جنگ تحمیلی از نهادهای مختلف جهت همکاری و کارهای اجرائی و تبلیغی دعوت شدم ولیکن اینجانب تحقیق و تدریس در حوزه را به همه مناصب و کارهای دیگر ترجیح دادم و مشغول تحصیل و تدریس و تالیف شدم و حاصل کوشش‌های فراوان در طی این مدت تدریس در مقاطع مختلف و همچنین تالیف بعضی از کتابها می‌باشد. از جمله: شرح اسقحاب رسائل شیخ انصاری که تقریباً کامل شده است، شرح تعادل و تراجیع کتاب جرائد الاصول شیخ الانصاری و شرح مباحث الفاظ کتاب کفایة الاصول می‌باشد با اینکه اینجانب سعی داشتم که محور فعالیت حوزه باشد ولیکن در سالهای اخیر با بعضی از مراکز دانشگاهها نیز همکاری می‌کنم و وقتی وارد محیط دانشگاه شدم احساس نمودم به کتابهای درسی عقاید نیاز دارند و کتابهای حاضر جوابگوی نیاز آنها نمی‌باشد به این جهت تصمیم گرفتم کتابهای درسی برای دانشگاهها تالیف نمایم و بحمدالله این کتابها در دست تالیف است ولیکن هنوز مقداری از مباحث آنها ناقص است. از جمله این کتابها می‌توان اندیشه اسلامی جلد یک و اندیشه اسلامی جلد دو نام برد و هم‌اکنون تدریس در حوزه و دانشگاه برقرار است و امیدوارم خداوند خودش ما را در جهت خدمت به فرهنگ اسلامی یاری کند و

آخرین کلام حمد خداوند می‌باشد.

عباس افندی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

معروف به عبدالبهاء بن (میرزا) حسینعلی بهاء‌الله (بهاء‌الله) پیشوای فرقه بهائیه (و. تهران ۱۲۶۰ ه.ق. - ف. ۱۳۴۰ ه.ق. / ۱۹۲۱ م.). وی سه برادر ناتنی داشت که آنان (مخصوصاً میرزا محمدعلی) در جانشینی بهاء‌الله و ریاست بهائیه با وی مخالفت بسیار شدید میکرده‌اند و به همین مناسبت اتباع عباس افندی خود را «ثابتین» و اتباع آن سه برادر را «ناقضین» خوانند. در اواسط سال ۱۹۰۸ م. - که انقلاب عثمانی و خلع سلطان عبدالحمید روی داد - همه محبوسان و تبعیدشدگان آزاد گردیدند، از آن جمله عباس افندی بود که در رمضان ۱۳۲۸ ه.ق. / ۱۹۱۰ م. از عکا بیرون رفت و به مسافرت پرداخت و از جمله دوبار به مصر رفت و دفعه دوم از مصر به آمریکاری شمالی سفر کرد (۱۹۱۲ م.) و در نیمه همان سال وارد نیویورک شد و در همان سال به اروپا آمد و در طی یک سال اغلب ممالک اروپایی را سیر کرد و در ۱۹۱۳ به مصر شد و از آنجه به حیفا بازگشت و از آن پس آنجا را به جای عکا مقرر نهایی خود قرار داد. جنازه وی را در جنب مزار باب، بالای حیفا در جبل کرمل دفن کردند. اوراست: تفسیر حدیث کنت کنز مخفیا، مقاله سیاح، مفاوضات عبدالبهاء (طبع لیدن)، الواح (بسیار).
برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عباس زاده، سعید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سعید عباس زاده

محل تولد: اهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱۰/۵

زندگینامه علمی

در دی ماه سال ۱۳۴۵ در شهرستان اهر متولد شدم و درس ابتدایی و راهنمایی را در زادگاه خود فرا گرفتم و سال ۶۱ به تبریز منتقل شدم و همزمان با دوره دبیرستان وارد مدرسه دینی تبریز شدم. مدت ۸ سال در مدرسه دینی طالبیه تبریز ماندگار شدم و با وقفه هایی که به جهت حضور در جبهه ها پیش آمد در این مدت سطح حوزه را به اتمام رساندم.
در سال ۷۰ به شهرستان قم رفتم و دروس حوزه را در حوزه علمیه قم ادامه دادم و موفق شدم یک دور خارج فقه و یک دور خارج اصول را در محضر اساتید بزرگ فرا بگیرم. در سال ۷۲ همزمان با تحصیل فعالیت های پژوهشی را نیز آغاز کرده و مدت ۱۴ سال با

مرکز تحقیقی همچنان همکاری دارم و آثار متعدد از جمله نزدیک به ۶۰ مقاله در زمینه های متعدد ثمره این سال ها بوده است.

عباس زاده، محمدجواد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدجواد عباس زاده

محل تولد: خرم آباد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۶ در خرم آباد و مشغول تحصیل شدم و در کنار تحصیل به کار ادامه دادم در سال ۱۳۶۴ به علت علاقه به تحصیل در مراکز دینی وارد حوزه علمیه کمالیه شدم و نزد اساتید مبرز آن حوزه مشغول شدم و تاکنون سال ۱۳۸۷ ادامه دارد. از اساتید بزرگوار هم چون حضرت آیت الله صادقی رئیس حوزه علمیه و استاد اصول و فقه استفاده نمودم. همچنین جناب حجة الاسلام و المسلمین دکتر حمید عیدی - حاج آقا سید شکرالله طاهری - حاج آقا ساکی و سایر اساتید استفاده نمودم و هم اکنون بعنوان مسئول آموزش حوزه علمیه در خدمت طلاب هستم و در ضمن با کمیته امداد در بحث احیای زکات همکاری می نمایم بعنوان مسئول اجرایی ستاد احیای زکات و بعنوان مبلغ در محافل و مساجد مشغول هستم و در مراکز آموزش عالی به تدریس و تبلیغ و اقامه نماز جماعت مشغول می باشم و امیدوارم خداوند توفیق خدمت به اسلام را عنایت فرماید.

عباسی فردویی، غلامعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

زندگینامه علمی

اینجانب غلامعلی عباسی فردویی در سال ۱۳۳۴ شمسی در یکی از روستاهای قم به نام فردو به دنیا آمده و پس از اتمام تحصیلات ابتدائی در سال ۱۳۵۱ به حوزه علمیه وارد شده و در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی به تحصیل مشغول شدم. سطح را در محضر حجج اسلام و آیات بزرگوار چون: میر احمدی معروف به طالقانی، حججی، نکونام، حاج آقا حسن تهرانی، صلواتی، حاج شیخ مهدی بیگدلی، امینیان، مقتدائی، رضا استادی، اعتمادی و ستوده به پایان رساندم. فلسفه را نزد اساتید معروف حکمت و

فلسفه حضرات آیات: انصاری شیرازی، مصباح یزدی، صالحی مازندرانی، و امینی فرا گرفتم. و نیز از سال ۶۴ در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات: فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، و جعفر سبحانی شرکت نمودم. در سال ۱۳۶۰ موفق به اخذ مدرک کارشناسی شده و در سال ۱۳۷۱ با ارائه پایان نامه خود با عنوان (سیر علم کلام تا قرن سوم) مدرک کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی را از دانشگاه تربیت مدرس دریافت نمودم.

از فروردین ۱۳۷۳ تا آغاز مهر ۸۵ به عنوان مدیر مسئول فرهنگی آستانه مقدسه به خدمت مشغول و از آغاز مهر سال ۸۵ به عنوان مدیریت پژوهشی این آستان مشغول به خدمت در این عرصه نورانی هستم. دو سال تبلیغ سیار در مناطق عشایری استان فارس از سال ۵۸-۵۹ از ارزشمندترین سنوات عمر اینجانب بوده است. و نیز دو سال از سال ۶۱ تا ۶۲ در منطقه شازند به عنوان کارشناس امور تربیتی در آموزش و پرورش به خدمت مشغول بودم.

تا کنون موفق به تالیف: فروغ آفتاب، تاریخ علم کلام تا قرن چهارم، قم در عصر حضور ائمه، تذکره مشایخ قم، فلسفه بست و بست نشینی، در پرتو مکتب زهرا (س) و مشروطیت و عبرتها شده ام. امید است با توجهات حضرت ولی عصر (عج) بتوانم در این عرصه خدماتی را داشته باشم.

عباسی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی عباسی

محل تولد: سربند اراک

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی عباسی در سال ۱۳۶۱ پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه اراک شدم. مدت یک سال در اراک تحصیل نمودم و در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم. دوره سطح را در سال ۱۳۷۰ به پایان رساندم. از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۱ به مدت ۱۱ سال در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات وحید خراسانی، تبریزی، فاضل لنکرانی و هاشمی شاهرودی شرکت نمودم. در سال ۱۳۶۷ همزمان با تحصیلات حوزوی به تحصیل در رشته فیزیک در دانشگاه تهران پرداختم و در سال ۱۳۷۱ مدرک کارشناسی فیزیک با گرایش اتمی دریافت نمودم. از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۷ نیز دوره کارشناسی ارشد فیزیک را در رشته فیزیک ذرات بنیادی در دانشگاه تربیت معلم تهران گذراندم. از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۳ دوره دکترای فلسفه تطبیقی را در واحد تربیت مدرس دانشگاه قم طی نمودم و در حال حاضر رساله دکترای خود را تحت عنوان ماده در فلسفه و فیزیک زیر نظر آقایان دکتر اعوانی و دکتر گلشنی، آماده دفاع کردم. در سالیان آغازین طلبگی به تدریس ادبیات و منطق و فقه و اصول اشتغال داشتم. اکنون عمده فعالیت علمی من تدریس مباحث فلسفی و کلامی در مراکز و مدارس حوزه است. تدریس فلسفه اسلامی، فلسفه غرب، تاریخ فلسفه غرب، کلام اسلامی، کلام جدید، انسان شناسی، معرفت شناسی، شبهات کلامی در مرکز جهانی علوم اسلامی، موسسه آموزشی و پژوهشی

امام خمینی (ره) ، مرکز تخصصی تبلیغ و برخی مراکز دیگر از این جمله است . از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۰ به پژوهش در مباحث حدیثی در مؤسسه دارالحدیث اشتغال داشتم . حاصل این دوره ، جمع آوری و تدوین و بیان نگاری بیش از ۵۰ کلاسور است که در مباحث مختلف به ویژه مباحث کلامی در دارالحدیث آماده نشر است . گمان می کنم مجموعه " العمل فی الکتاب و السنه " به تنهایی بیش از ۵ مجلد خواهد شد . از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲ نیز همکاری پژوهشی نیمه وقتی با پژوهشکده حوزه و دانشگاه داشتم . در سالهای اخیر راهنمایی و مشاوره و داوری پایان نامه های متعددی را در حوزه علمیه قم و مرکز جهانی علوم اسلامی و مؤسسه امام خمینی (ره) و دانشگاه مفید بر عهده داشته ام که تعداد آنها متجاوز از ۴۰ مورد است . از سال ۱۳۸۱ در مرکز جهانی علوم اسلامی معاونت پژوهشی این مرکز و مدیریت گروه فلسفه و کلام را نیز بر عهده دارم . یکی از محصولات معاونت پژوهش نشریه اطلاع رسانی پژوهش است که اینجانب به عنوان مدیر مسئول و عضو شورای علمی آن فعالیت دارم . مسئولیت گروه حکمت فاطمی دانشنامه حضرت زهرا (س) که پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه در حال تدوین آن است نیز بر عهده اینجانب است .

عباسی، فرج الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرج الله عباسی

محل تولد : هشتروند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب فرج الله عباسی فرزند اسلام در سال ۱۳۵۰ در روستایی به نام داش بلاغ از توابع شهرستان هشتروند استان آذربایجان شرقی به دنیا آمده ام پدرم در خانه افتخار معلمی قرآن کریم را بر بچه های تحصیل نکرده و نیز ابتدائی تمام کرده ها داشت و خود نیز تا به امروز از افرادی است که همیشه قرآن می خواند هر چند به برکت نظام مقدس جمهوری اسلامی و اهمیت دادن به قرآن کریم، دیگر دانش آموزان نیاز چندانی به گذراندن روخوانی قرآن را ندارند. بنابراین تولدم در یک خانواده مذهبی و خانه ی قرآنی بود که روحانیت را مدیون دعاها ی مادری و صوت دلربای قرآنی پدری می دانم. تحصیلات ابتدائی را در همان روستا و راهنمایی را در روستای همجوار به نام آق زیارت به پایان رساندم و با صلاحدید پدر قرآنم در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه امامزاده شهرستان مراغه شده و ادبیات را نزد اساتید بزرگوار حج اسلام آقایان قدسی و نجفی گذراندم و در سال ۱۳۶۹ به حوزه علمیه قم وارد شده و منزلی در مدرسه مومنیه مرحوم آیه الله العظمی نجفی مرعشی تهیه کرده و در نزد اساتید حوزه علمیه مرحوم آیه الله وجدانی فخر و نیز آیه الله اشتهاوردی به تحصیل شرح لمعه و معالم الاصول را نزد حجه الاسلام مومنی و اصول فقه را در محضر حجه الاسلام شفیعی به پایان رساندم و در سال ۷۲ با به پایان رساندن سطح یک حوزه و در سن ۲۲ سالگی تشکیل خانواده دادم و به ادامه درس مشغول شدم. سطح دو را نزد اساتیدی چون حج السلام صالحی مازندرانی و طاهری خرم آبادی و علیدوست به تحصیل پرداخته و کفایه را از محضر استاد نکونام استفاده نمودم. و در سال ۷۸ درس های سطح ۳ را تمام کرده ولی امتحان پایه دهم به ۷۹ ماند و با توجه به

اینکه در آن سال در فلسفه قبول نشدم در نتیجه قبولی امتحانات کتبی و شفاهی پایه دهم در سال ۸۱ به پایان رسید. با توجه به تمام شدن تحصیل سطح سه در سال ۷۸-۷۷ برای شرکت در درس خارج فقه در درس نکاح حضرت استاد آیه الله مکارم شیرازی تا به امروز و نیز سه سال در فقه حضرت استاد آیه الله نوری همدانی که پس از درس حضرت مکارم شروع می شد و در مسائل روز، قضا و ... از سال ۸۰ تا ۸۲ شرکت نمودم. برای خارج اصول اول در محضر حضرت استاد آیه الله سبحانی بهره بردم ولی از سال بعد یعنی ۷۹ با صلاحدید برخی از اساتید به درس خارج حضرت استاد آیه الله وحید خراسانی رفته و تا سال ۸۳ استفاده نمودم. در کنار دروس حوزوی و در سال ۷۱ به روش تدریس و تجوید قرآن دوره تربیت معلم که سازمان تبلیغات اسلامی قم برگزار می کرد شرکت نمودم و کارنامه دوره مقدماتی را در سال ۷۲ اخذ کردم. از سال ۷۸ در مقطع کارشناسی ارشد تربیت محقق و نویسندگی علوم قرآنی دفتر تبلیغات به مدت دو سال و نیم به تحصیل پرداخته ولی متأسفانه موفق به نوشتن پایان نامه نشدم. و با توجه به رشته قرآنی به مطالعه درباره موضوعات قرآنی علاقه مند گشته و موضوعاتی به عنوان تحقیق در کلاس و بعد از پایان دوره نیز جمع آوری کردم از جمله: ۱. بررسی ترجمه سوره مد در ترجمه های موجود و نگاهی به روش های ترجمه؛ ۲. سیمای دانشمندان در قرآن و بررسی آیات اولوالالباب و موضوعات مطرح شده در ذیل این آیات؛ ۳. آیات مربوط به صراط مستقیم و جمع آوری آیاتی که به مشخصات صراط مستقیم مرتبط بودند؛ ۴. رمز عشق و زنگ نفرت: آیاتی که می رساند خداوند به افرادی محبت ورزیده و از عده ای به خاطر کارهای ناشایست نفرت دارد. در سال ۸۵ از سوی معاونت تبلیغ حوزه علمیه قم در یک دوره کوتاه مدت آشنائی با تصوف شرکت کردم و از سال ۸۴ در رشته کلام و دین شناسی در سطح کارشناسی ارشد در موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی مشغول به تحصیل شده و در اسفند ۸۶ به پایان رسید که مقاله تحت عنوان اجمالی از تاریخ تحول علم کلام برای تحقیق در کلاس و نیز مقاله ای ۲۶ صفحه با عنوان کرامت در نظام حقوقی اسلام در ارتباط با غیر مسلمانان برای همایش کرامت نوشته ام که در روزنامه قدس چاپ می شود. در کنار اینها به تحقیقات دیگری نیز پرداخته و در سال ۸۳ به دفتر تبلیغات قسمت نشر رسانه دو مقاله ۱۰ صفحه ای نوشتم تحت عنوان: ۱. اقتدار جامعه اسلامی و راه کارهای قرآنی؛ ۲. راه کارهای فقرزدایی که در سال ۸۴ در روزنامه کیهان به چاپ رسید. همچنین از سال ۸۳ تاکنون در مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه علمیه مشغول پاسخ گویی کتبی به پرسشها در دو گروه ادیان و مذاهب، قرآن و حدیث می باشم که بیش از ۲۸۰ مقاله سه و چهار صفحه ای به این مرکز ارائه داده و حدود ۱۱ نمونه نیز در سایت اندیشه قم وابسته به این مرکز آمده است که در موضوعات مختلفی همچون بهائیت، اهل حق، ماتریدیه، قادیانیه، اسماعیلیه، و ... می باشند. علاوه بر مقاله های مزبور کتابی نیز با یکی از محققین برجسته در نقد مبانی و اندیشه های یکی از فرقه ها را آماده کرده ایم که در آینده نزدیک چاپ خواهد شد. از دی ماه ۸۵ نیز به عنوان همکار گروه قرآن و حدیث در همین مرکز فعالیت کرده و به مقالات محققان که در پاسخ پرسش ها آماده می کنند؛ نظارت دارم. برای سطح ۳ حوزه علمیه نیز پایان نامه ی آسیب شناسی جامعه منتظر در آئینه روایات نوشته ام که در حال نظارت استاد راهنما برای تایید به دفاع می باشد که در همین جا لازم می دانم از اساتید راهنما و مشاور کمال تشکر را بنمایم. در کنار تحصیل و تحقیق برای بیان معارف و احکام در ایام دهه محرم و ماه رمضان به مناطق دیگر هجرت نموده و از سال ۱۳۷۲ به تبلیغ و انجام وظیفه در مناطق مختلف مشغول انجام وظیفه بوده ام و دو سال نیز در طرح هجرت تابستانی به شهرستان مراغه رفته و در قم نیز با پایگاه مسجد و بسیجیان فعالیت های دینی و تبلیغی دارم. و به خاطر اشتغال در تحقیقات و درس کلام و دین شناسی در سال ۸۵ و ۸۶ در درس خارج نکردم ولی از سال ۸۷ در درس اصول آیه الله العظمی سبحانی و فقه آیه الله العظمی مکارم موفق به اشتغال شده ام. باشد که خداوند خدمت در سنگر پاسخ گویی به شبهات را مورد قبول و لطف خویش قرار دهد و از زحمات پدر و مادرم خود تشکر نماید که ما عاجز از انجام وظیفه کامل در این مسیریم و کوتاهی ما را به کرم خویش ببخشد. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

عباسی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۵ ش)، محقق، مصحح، مترجم، مؤلف و فرهنگ‌نویس. در مدارس قدیم داخلی و ممالک مختلف خارجی به تصحیل زبانها و ادبیات شرق و غرب پرداخت و سالیان دراز مشغول تحقیقات و تتبع در علوم فلسفه و اقتصاد و سیاست بود. او با صرف نیم قرن از عمر خویش به بررسی آثار و ادبیات زبانهای شرقی و غربی به ویژه آلمانی، فرانسه، انگلیسی، روسی، عربی، ترکی، آذری و تألیف و ترجمه‌ی آثار علمی و ادبی گرانبهای متعددی در زبانهای زنده‌ی خاوری و باختری پرداخت. نگارش چند مجلد «فرهنگ آلمانی به فارسی» و «فرهنگ فارسی به آلمانی»، ترجمه‌ی «سیاست‌نامه‌ی شاردن»، انتشار آثار فلسفی مشاهیر فلاسفه‌ی معاصر، تحقیق و تتبع در متون گرانبهای نظم و نثر پارسی و تازی و احیای نسخه‌های خطی قدیم ایران از آثار این دانشمند پرکار است. در ۱۳۴۱ ش یکی از ترجمه‌های او به نام «جهانگردی مارکوپولو» برنده‌ی جایزه‌ی ادبی کتاب سال ایران شد. از دیگر آثار وی: «انشاء و نامه‌نگاری آلمانی»؛ مقدمه و حواشی «برهان قاطع»؛ «تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره‌ی مشروطیت»، ترجمه؛ تصحیح «دیوان» خاقانی شروانی؛ تصحیح «لباب الالباب»؛ «خودآموز مصور آلمانی»؛ «فلسفه اجتماع و تاریخ»، ترجمه؛ «کاپیتال»، ترجمه؛ «مردان بی‌زن»، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۲۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۵۹-۵۵۵ / ۵).

عباسی، مراد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مراد عباسی

محل تولد: ساری

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ورود به حوزه سال ۱۳۶۰ ه- ش، اتمام سطح در سال ۱۳۶۸ و از سال ۱۳۶۹ در دروس خارج حوزه شرکت نمودم در سال ۱۳۷۱ در رشته حقوق وارد دانشگاه قم شدم و بعد از اتمام دوره کارشناسی به لحاظ علاقه به رشته تفسیر به مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآنی وارد و بعد از چهار سال در مقطع سطح چهار از آن مرکز فارغ التحصیل شدم. همچنین جهت ادامه تحصیل در رشته حقوق در سال ۱۳۸۴ در دانشگاه مازندران در رشته حقوق خصوصی پذیرفته شدم و در حال حاضر مشغول نوشتن پایان نامه در رشته مورد نظر می‌باشم.

عباسی، یعسوب

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

یعسوب عباسی علی کمر

محل تولد: اردبیل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۱۴ در روستای علی کمر از توابع اردبیل بدنیا آمده‌ام تحصیلات اولیه در زادگاهم بوده سپس عازم حوزه‌های علمیه اردبیل، قم، مشهد و تا سطح عالی (کفایتین از دروس حوزوی از اساتید بزرگوار بهره‌مند شدم و مدت ۶ ماه از درس خارج فقه مرحوم آیت الله میلانی استفاده کردم در سال ۱۳۴۵ به اخذ دیپلم درسی رشته منقول و در سال ۱۳۵۱ دیپلم ادبی نائل آمدم در سال ۱۳۵۲ وارد دانشگاه شدم در سال ۱۳۵۶ به اخذ کارشناسی ارشد ادبیات عرب و در سال ۱۳۶۴ کارشناسی ارشد فقه و مبانی اسلامی از دانشگاه فردوسی نائل گردیدم از سال ۱۳۶۴ کار تحقیق و پژوهشی را در گروه حدیث بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی زیر نظر مرحوم استاد شانه‌چی شروع و حاصل فعالیتم ترجمه کتاب الفتره وسائل الشیعه شیخ قزّ عاملی به نام (آداب معاشرت از دیدگاه معصومین (ع) به اتفاق مرحوم محمدعلی فارابی بوده که فعلاً به تجدید چاپ دهم رسیده است.

عبدالصمد

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

از حنان از حضرت صادق علیه‌السلام روایت می‌نماید و ممکن است با عبدالصمد سابق‌الذکر یکی باشد.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

عبدالصمد بن محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

از اصحاب حضرت عسکری علیه‌السلام است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

عبدالعظیمی، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مرتضی بن آیت‌الله آقاسید محمدتقی شاه عبدالعظیمی مقیم طویرج و متوفی حدود ۱۳۸۸ ق.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

عبدالقاهر

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ع. بنده چیره شونده (خدای)) جرجانی (گرگانی)، ابوبکر بن عبدالرحمن، ادیب و دانشمند قر. ۵. ه. (ف. ۴۷۱ یا ۴۷۴ ه. ق.). از آثار اوست: «اسرار البلاغه» و «دلائل الاعجاز» (نخستین کتابهای مرتب‌مدون در معانی و بیان)، «کتاب الجمل» معروف به «جرجانیه» «کتاب المغنی»، در شرح ایضاح ابوعلی فارسی، مختصر المغنی به نام «المقتصد»، «کتاب العده» در صرف، و «شرح الجمل» در توضیح کتاب الجمل مذکور.
برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عبدالله آبادی، سلیمان

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سلیمان عبدالله آبادی

محل تولد: قزوین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۵۲ وارد حوزه علمیه قزوین شدم و نزدیک به دو سال که در آن حوزه بودم علم صرف و نحو را آموختم و در سال ۱۳۵۴ به حوزه علمیه قم آمدم و دروس سطح را نزد اساتیدی چون استاد باکویی استاد لمعه و مرحوم عرفانیان (اصول فقه) و اعتمادی (رسائل) و مرحوم ستوده (مکاسب و کفایه) و ممدوحی (بدایه الحکمه) و انصاری شیرازی (شرح منظومه) فرا گرفتم و در حدود سال ۶۳ وارد درس خارج فقه و اصول آیت‌الله شیخ جواد تبریزی شدم و در حدود ۱۵ سال به درس خارج ایشان رفتم و در

کنار درس خارج کتاب اسفار و بعد از آن کتاب تمهید القواعد و مصباح الانس را نزد استاد انصاری شیرازی فرا گرفتم. در سال ۱۳۷۶ رسماً وارد حوزه تحقیقات شدم که تحقیقات انجام شده را در بخش وضعیت آثار پژوهشی توضیح خواهم داد. لازم به تذکر است که در کنار خواندن دروس تدریس هم داشتم، کتاب‌هایی که تدریس کردم عبارتند از صرف ساده (دو دوره) خلاصه المنطق (دو دوره) منطق مظفر (یک دوره) بدایه الحکمه (پنج دوره) اصول استنباط (یک دوره) روش تحقیق (یک دوره) و همچنین در ایام تبلیغ به مناطق مختلف کشور برای تبلیغ می‌رفتم و هم اکنون ۱۰ سال است که پشت سر هم از طرف نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها در ایام تبلیغ به دانشگاه می‌روم.

عبداللهی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین عبداللهی

محل تولد: ماکو

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در تاریخ ۱۰ / ۷ / ۱۳۴۵ در روستای قره تپه از توابع شهرستان ماکو استان آذربایجان غربی چشم به جهان گشودم. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در زادگاه خود، و دبیرستان را تا سوم نظری در شهر ماکو به اتمام رساندم. مدت دو سال در جبهه‌های حق علیه باطل در کنار یاوران خمینی کبیر (ره) به جهاد مشغول بودم و در این مدت دو بار از چند ناحیه‌ی بدنم مجروح شدم و جانباز ۴۰٪ هستم. پس از برقراری صلح در سال ۱۳۶۷ تحصیلات حوزوی را از مدرسه ولی عصر (عج) تبریز شروع کردم.

در سال ۱۳۷۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس ده ساله حوزه را در مدت شش سال به اتمام رساندم. یک دور کامل درس خارج اصول فقه و مدتی درس خارج فقه را از افاضات علمی حضرت آیت الله فاضل لنکرانی، شیخ جواد تبریزی، جوادی آملی و جعفر سبحانی استفاده نمودم. نیز دوره چهار ساله سطح ۴ تخصصی علم کلام را به پایان رساندم و رساله سطح ۳ حوزه را در موضوع قاعده لا ضرر و لا ضرار با موفقیت دفاع کردم.

در سال ۱۳۷۷ در امتحانات کتبی اجتهاد مجلس خبرگان رهبری با معدل ۵/۱۷ قبول شدم. مدتی است تحقیقات گسترده‌ای در موضوع علم رجال انجام داده‌ام و اکنون مشغول تالیف کتابی در موضوع تحول در علم رجال هستم. ویژگی بارز این کتاب این است که با شواهد و دلائل محکم ثابت می‌کند اقوال رجالیون (توثیقات و تضعیفات آنها) شرایط حجیت را دارا نیستند و ایرادات و اشکالاتی بر آنها وارد است به طوری که بی‌اساس بودن عقیده طرفداران علم رجال آشکار است. و هم چنین این حقیقت را روشن می‌کند که وجود روایت در یکی از کتب معتبر قدمات اصحاب بی‌اشکال بودن آن از جهت سند را می‌رساند و دیگر نیازی نیست که اسناد آن روایت با عنایت به اقوال رجالیون بررسی شود.

عبداللهی، محمدباقر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد باقر عبداللہی

محل تولد: اردستان

شہرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده محمدباقر عبداللہی فرزند رمضانعلی به سال ۱۳۳۵ در خانواده ای متوسط و کشاورز در روستای نیسیان برزاوند اردستان به دنیا آمد. پدرم کشاورزی خداشناس و دینداری بصیر بود، که به خاطر کردار حکیمانه و رفتار خردمندانه اش مورد تکریم و اعتماد اهالی محل بوده رویاهای صادقه و نمازهای عارفانه اش اسراری بود که کمتر آن را ابراز می کرد یا کسی از آن خبر داشت، مادرم سیده طباطبایی مریم بیگم معلم قرآن بود که از پدر و مادرش که آنها نیز از سلسله جلیله روحانیت و سادات و دارای درجات و کمالات بودند به ارث برده بود. در سال ۱۳۵۳ پس از پایان دوره متوسطه و دبیرستان در رشته ریاضی، برای آغاز دور جدید زندگی و سرنوشت، وارد حوزه علمیه قائم (عج) در تهران به اشراف روحانی عالی مقام حاجی سید علی اصغر هاشمی شدم و در آنجا با اساتید بزرگوار علم و اخلاق و مبارزه همچون شهید مفتاح، شیخ علی اندرزگو، حاج شیخ مصطفی ملکی و... آشنا شدم و پس از مدت کوتاهی اقامت برای ادامه تحصیل به قم مهاجرت نمودم. در این زمان، قرآن و اسلام و روحانیت بسیار غریب و مظلوم و منزوی بودند. چون از طرفی مکتب الحادی مارکسیستی، کمونیستی پرچم مبارزه علیه استکبار جهانی را بلند کرده بود و خود را طرفدار طبقه محروم و مستضعف قلمداد می کرد و خدا را ساخته ذهن بشری و دین را افیون جامعه معرفی می کرد که ساخته و پرداخته زورمداران می باشد، و از سوی دیگر استکبار جهانی و رژیم طاغوت مانع مهم و سد اصلی در برابر خود را برای چپاولگری منابع ملت ایران را اسلام و روحانیت می دانست. لذا به انواع ترفندها و به هر بهانه ای حوزه و روحانیت را تضعیف می کرد، تا با خاطری جمع و فراغ بال به اهداف استکباری خود جامه عمل بپوشانند. در چنین شرایطی طلبه شدن و به حوزه آمدن یک جهاد بزرگ بود که شہامتی عظیم و ایمانی قوی می طلبد. به هر صورت درسهای حوزه را با حفظ روحیه مبارزه ادامه دادم. درسهای لمعه، اصول، رسائل، مکاسب، کفایه را نزد اساتیدی بزرگوار همچون وجدانی فر، فاضل هرنندی، بنی فضل، اعتمادی، پایانی، آل عصفور، رضازاده و... تلمذ کردم. درس خارج اصول و فقه را در پای کرسی تدریس آیات عظام فاضل لنکرانی، میرزا جواد آقا تبریزی، وحیدخراسانی و فقه القضا اردبیلی و... زانو زد. و از درسهای تفسیر استاد جوادی آملی توشه ها برگرفتم و از درسهای اسفار و مصباح الانس استاد ذوالفنون حسن زاده آملی نیز خوشه ها چیدم. البته در حاشیه درسهای حوزه به حسب نیاز و ضرورت زمان، مطالعات جانبی و پی گیر و فشرده ای در زمینه های اعتقادی، کلامی، فلسفی، اجتماعی و غیره داشته ام و ضمناً علاوه بر اتمام درس کلاسیک دوره عالی زبان خارجی (انگلیسی) را گذرانده ام. در کنار درس حوزه، درس تخصصی تبلیغی را در گرایش ادیان شناسی به پایان بردم، و در سال ۱۳۸۴ از رساله علمی سطح چهار خود با امتیاز خوب دفاع کردم. کار تحقیقی و پژوهشی خود را از سال ۱۳۷۶ با چندین سوال شروع کردم که ضروری ترین و فوری ترین آنها که باید پاسخ داده می شد این بود

که: چرا ملتی که اعتقاد به خدا یگانه با چنین اسمای حسنایی دارد و پیامبری همچون محمد امین(ص) و رهبران معصومی همچون علی(ع) و فرزندان او دارد از نظر اجتماعی، اخلاقی، روابط خانوادگی و... در سطح ملتهای کفر و شرک یا کمتر از آنها باشد. لذا در این زمینه پژوهش و تحقیقی چندین ساله برای یافتن ریشه و علل آن انجام گرفت که نمره آن کتاب ۵۳۰ صفحه‌ای به نام «بهانه راز» پیرامون ذکر و نقش فردی و اجتماعی آن شد. البته ذکر به معنای قرآنی آن، یعنی حضور و توجه دائمی به خدای متعال، که با این معنی خود قرآن، نماز، پیامبر(ص) و همه چیز می‌تواند ذکر باشد و انسان را به خدا توجه دهد و به دنبال این کتاب تحقیقی، ده جلد کتاب پالتویی با چشم انداز اعتقادی اخلاقی تألیف گردید که ویژه ائمه جماعات می‌باشد که ترتیب و تنسيق آنها بر حسب معیارهای حساب شده و دقیق چپ‌نشین یافته اند که به شرح ذیل می‌باشند.

۱. صباي وصال (نماز)
 ۲. گنجی پنهان (آشنایی و دولتی با خدای مهربان)
 ۳. مراد دل (در جستجوی حق تعالی)
 ۴. عیار (به معیار و میزان ایمان می‌پردازد)
 ۵. طلعت یار (که جهان همه طلعت و جلوه و چهره اوست می‌پردازد)
 ۶. محک تجربه (ادعای اسلام و ایمان موقعی سودمند است که در مرحله عمل با احکام پنجگانه به اثبات برسد، می‌پردازد).
 ۷. رندان بلاکش (مؤمن بیدار و هوشیار و دورنگر، همیشه در تاب و تب و بی‌قراری است).
 ۸. جاودانگی و خلود (بزرگترین دغدغه و آرزوی انسان، فرار از نابودی و رسیدن به جاودانگی است).
 ۹. جان عبادات (ذکر به معنی قرآنی که حضور و توجه دائمی به خدای عزوجل می‌باشد، جان و روح تمامی عبادات و کارهای مؤمن است)
 ۱۰. سنتهای الهی (به بیش از چهل سنت و قوانین ثابت و فراگیر و تبدیل و تحویل ناپذیر الهی که در همه زمانها، مکانها و اقوام جاری و ساری است می‌پردازد).
- سه کتاب اول چاپ شده اند و هشت مجلد دیگر آن انشاء الله حداکثر تا دو ماه دیگر به زینت طبع آراسته خواهند شد. ضمناً مقالات و جزوه های دیگری نیز آماده و یا در حال تألیف می‌باشند که انشاء الله امید است تا پایان سال جاری به مرحله طبع سپرده شوند.

عبداللهی، محمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد علی عبداللهی

محل تولد: نیشابور

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۶ در نیشابور به دنیا آمدم در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه نیشابور شدم و در سال ۱۳۶۱ به حوزه علمیه مشهد رفتم پس از فراگیری ادبیات عرب، معانی و بیان، منطق و مقداری اصول و فقه در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شدم در سال ۱۳۶۷ پس از اتمام سطح به درس خارج فقه و اصول راه یافتیم و به مدت ۸ سال پیوسته از درس اصول آیت الله وحید خراسانی و فقه آیت الله جوادی تبریزی استفاده کردم. همزمان با تحصیل فقه و اصول در مقطع سطح به تحصیل فلسفه اسلامی پرداختم، کتابهای بدایه، نهاییه و منظومه را درس گرفتم و جلد اول اسفار را نزد آیت الله جوادی آملی خواندم. در سال ۱۳۷۱ از طریق آزمون سراسری وارد دانشگاه تهران شدم و در رشته فلسفه غرب به تحصیل پرداختم در سال ۱۳۷۷ کارشناسی ارشد فلسفه غرب را از دانشگاه تهران اخذ کردم و بلافاصله وارد دوره دکتری شدم و اکنون در رشته فلسفه غرب در دانشگاه تهران مشغول نوشتن پایان نامه دکتری هستم

عبداللهی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود عبداللهی

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۶/۱/۱

زندگینامه علمی

حجۀ الاسلام والمسلمین عبداللهی در سال ۱۳۲۶ در اصفهان در خانواده‌ای متدین و دوستدار خاندان پاک پیامبر اسلام (ص) چشم به جهان گشود. حجۀ الاسلام والمسلمین عبداللهی پس از طی کردن دوره دبستان، برای کسب علوم دینی به قم آمد. مشوق اصلی او در این راه، مادر وی بود و نیز برادران وی در کسوت روحانیت به سر میبردند. او با ورود به قم، به مدرسه علمیه علوی رفت. آن مدرسه متعلق به بیت آیه الله العظمی گلپایگانی (ره) و با سرپرستی و اشراف آیه الله شهید بهشتی و مرحوم آیه الله ربانی شیرازی اداره می شد. وی در آنجا به تحصیل دروس دوره مقدمات پرداخت و پس از آن برای آموختن دروس دوره سطح در درس استادان مشهور دوره خود حاضر شد.

با اتمام دوره سطح نیز به درس خارج علمای بزرگ حوزه علمیه قم راه یافت. حجۀ الاسلام والمسلمین عبداللهی در سالهای تحصیل خود از استادان برجسته‌ای بهره‌مند شد. او که سیوطی و مغنی را نزد آیه الله شیخ حسن تهرانی و حجۀ الاسلام والمسلمین یتربی فرا گرفته بود در درس منطق استاد نحوی حاضر می شد و مختصر را نزد آیه الله دوزدوزانی آموخت. شرح لمعه را نزد آیه الله صلواتی فرا گرفت. رسائل را نزد آیه الله شاه آبادی، آیه الله اعتمادی و آیه الله العظمی نوری همدانی و نیز مکاسب را نزد آیه الله ستوده آموخت و در درس کفایة الاصول آیه الله العظمی فاضل لنکرانی حاضر شد. همچنین او در بخش علوم عقلی، فلسفه را نزد آیه الله شهید مفتاح، شهید استاد مطهری و اسفار را نزد آیه الله جوادی آملی و کلام را از محضر آیه الله شیخ محمد شاه آبادی فرا گرفت. با پایان یافتن دروس دوره سطح، به درس خارج آیات عظام شیخ مرتضی حائری، شریعتمداری، منتظری، اراکی و میرزاهاشم آملی رفت اما بطور عمده در حدود دوازده سال از محضر آیه الله شیخ مرتضی حائری بهره برد.

در طی این سالها از شرکت در درسهای تفسیر نیز غافل نماند و در درس تفسیر حضرت آیه الله خزعلی شرکت جدی داشت.

حجة الاسلام والمسلمین عبداللهی دارای فعالیت‌های علمی و فرهنگی بسیاری است. او ضمن تدریس کتب دوره سطح، سالها به تدریس تفسیر برای دوره‌های عمومی حوزه اشتغال داشته و نیز در مرکز تخصصی تفسیر و تبلیغ، به آموزش تفسیر موضوعی پرداخته است. همچنین وی در دانشگاه‌ها فعالیت‌های علمی بسیاری از خود برجا نهاده که از جمله آنها تدریس او در دانشکده‌های شهید بهشتی و شهید محلاتی (سپاه پاسداران) را می‌تواند نام برد. حجة الاسلام والمسلمین عبداللهی از کسانی است که در تدوین تفسیر نمونه همکاری داشته است. تفسیر نمونه تفسیری است که در طول سالیان دراز و با اشراف علمی آیه الله مکارم شیرازی و با همکاری بسیاری از استادان و فضلاء حوزه علمیه قم تدوین و نگاشته شده است و امروزه در اختیار بسیاری از مردم و جوانان کشور قرار دارد.

همچنین وی تاکنون کتابهای بسیاری نگاشته که از جمله آنها می‌توان به «توحید و توسل» «اخلاق برای همه»، «۲۵ داستان»، در سالهای پیش از انقلاب و نیز کتاب «مبانی فقهی اقتصاد اسلامی» که از جمله تألیفات وی در سالهای اخیر به شمار می‌رود، اشاره کرد. از وی مقالات بسیاری در زمینه‌های گوناگون در مجله نور علم به چاپ رسیده است. همچنین مباحث متعددی در موضوعات عقیدتی که به صورت تفسیر موضوعی در قالب جزوه‌های درسی تهیه و در اختیار دانش پژوهان قرار گرفته است. حجة الاسلام والمسلمین عبداللهی در سالهای پیش از انقلاب و پس از آن همواره از فعالیت‌های سیاسی غافل نمانده است. از فعالیت‌های سیاسی وی در پیش از انقلاب می‌توان به همکاری او با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم اشاره کرد. او در شهرهای مختلف ایراد سخنرانی کرد. با حضور در فعالیتها و حرکت‌های سیاسی به اطلاع رسانی و توزیع رساله و بیانیه‌های حضرت امام پرداخته که از این رو در یکی از سفرهای تبلیغی دستگیر و بازداشت گردید.

عبدالهادی

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س هفتم ق)، دانشمند. در دربار ایلخانان مغول بود و در ۶۹۰ ق غازان خان وی را به ترجمه‌ی کتاب «منافع الحيوان» ابوسعید عبیدالله بن جبرئیل ابن عبیدالله بن بختیشوع طیب گماشت. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۷۳۷)، الذریعه (۳۱۰ / ۲۲).

عبدان مروزی، ابو محمد عبدان، عبدالله

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۹۳ - ۲۲۰ ق)، حافظ، محدث، عالم و زاهد شافعی. اهل جنوجرد مرو بود و لذا به عبدان جنوجردی نیز مشهور است. او از قتیبه بن سعید و اسحاق بن راهویه و علی بن حجر و عمار ابن حسن رازی و محمد بن بشار و بسیاری دیگر از طبقه ایشان روایت کرده است. ابوالقاسم طبرانی و ابو حامد بن شرقی و ابوالعباس دغولی و علی بن حمشاد و ابواحمد عسال و یحیی بن محمد عنبری از وی حدیث

روایت کرده‌اند. خطیب وی را مردی مورد اعتماد در حدیث و عابد و زاهد توصیف کرده است. وی مفتی مرو بود. مدت کوتاهی در مصر مقیم شد اما دوباره به مرو بازگشت. عده‌ای او را اول کسی دانسته‌اند که در خراسان مذهب شافعی را اظهار کرد. وی در شب عرفه به دنیا آمد و در شب عرفه نیز، در مرو، از دنیا رفت. از آثارش: «المعرفه»، در صد جزء؛ «الموطأ».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴ / ۲۶۱)، انساب سمعانی (۱۳۰- ۱۲۹ / ۴)، تاریخ بغداد (۱۳۶- ۱۳۵ / ۱۱)، سیر النبلاء (۱۵- ۱۳ / ۱۴)، شذرات الذهب (۲ / ۲۱۵)، طبقات الحفاظ (۳۲۰)، العبر (۱ / ۴۲۴).

عبدوی نیشابوری، ابوالحسن احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۸۵ ق)، محدث، فقیه و زاهد. پدر ابو حازم عبدوی است. وی از ابوالعباس سراج و ابن خزیمه و حاتم بن محبوب و دیگران حدیث شنید. پسرش ابو حازم و حاکم نیشابوری و ابوسعید کنجودی و دیگران از وی حدیث روایت می‌کنند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۴ / ۱۳۴)، تاریخ الاسلام (حوادث ۹۱ / ۴۰۰- ۳۸۱)، سیر النبلاء (۱۶ / ۵۰۴).

عبدوی نیشابوری، ابو حازم عمر

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۱۷ ق)، حافظ و محدث. ملقب به شرف المحدثین. پدرش ابوالحسن عبدوی محدث بود. او از اسماعیل بن نجید و ابوبکر اسماعیلی و محمد بن عبدالله سلیطی و ابو عمرو بن مطر و ابوالفضل بن خمیرویه هروی و ابواحمد غطریفی و ابو عمرو بن حمدان و ابوسعید بن عبدالوهاب و ابواحمد حاکم و همطبقه‌ی آنان در نیشابور و هرات و شهرهای دیگر حدیث شنید و شنیده‌های خویش از ده شیخ خود را در ده هزار جزء با خط خود نوشت. به آورده‌ی ذهبی حدیث عالی و نازل را نگاشت و تمام آنها را گردآوری و سپس تخریج کرد و در علم حدیث قوه‌ی تمیز اعمال نمود. ابوالفتح بن ابوالفوارس و ابوالقاسم علی بن محسن و احمد بن عبدالواحد و کیل و ابوبکر خطیب و ابوصالح مؤذن و محمد بن یحیی مزکی و ابو عبدالله ثقفی ریسی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. خطیب بغدادی او را مورد اعتماد، راستگو و عارف حافظ توصیف کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۴ / ۱۳۴)، تاریخ بغداد (۲۷۳- ۲۷۲ / ۱۱)، سیر النبلاء (۳۳۷- ۳۳۳ / ۱۷)، شذرات الذهب (۲۰۸ / ۳)

، طبقات الحفاظ (۴۱۸)، العبر (۲ / ۲۳۳)، معجم المؤلفین (۲۷۲ / ۷)، النجوم الزاهره (۴ / ۲۶۶).

عبدی بیگ نویدی شیرازی، زین العابدین علی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۹۸۸ ق)، مورخ و شاعر، متخلص به عبدی. از دبیران و شاعران دربار شاه طهماسب صفوی (۹۴۸ - ۹۳۰ ق) بود. اغلب تذکره‌نویسان مولد وی را شیراز نوشته‌اند، اما صاحب تذکره‌ی «روز روشن» او را اصفهانی دانسته و نسبت شیرازی وی را به جهت کثرت اقامتش در آن شهر می‌داند. عبدی بیگ در جوانی به فراگیری ادب و علم و سیاق و ترسل پرداخت و در این رشته‌ها بویژه، سیاق و حساب بزودی نام‌آور و عهده‌دار منصب استیفاء شد. نویدی در سرودن مثنوی مهارت بسیار داشت و مثنوی‌های بسیاری پرداخته است. از جمله آثارش «بوستان خیال» است که به تقلید از «بوستان» سعدی، به همان وزن و به نام شاه‌طهاسب نوشته شده. از دیگر آثار وی بنا بر گفته‌ی سام‌میرزا، سه خمسه در جواب «خمسه‌ی» نظامی است. خمسه‌ی اول: «مظهر اسرار»؛ «جام جمشیدی»؛ «مجنون و لیلی»؛ «هفت اختر»؛ «آیین اسکندری». خمسه‌ی دوم: «جوهر فرد»؛ «دفتر درد»؛ «فردوس العارفین»؛ «انوار تجلی»؛ «خزائن الملوک» یا «خزائن الملکوت». خمسه‌ی سوم: «روضات الصفات»؛ «دوحه الازهار»؛ «جثه الاثمار»؛ «زینة الاوراق»؛ «صحیفه الاخلاص». دکتر صفا منظومه‌ی «خزائن الملکوت» را جدا از «خزائن الملوک» دانسته و آن را مثنوی مذهبى مشتکل از هفت بخش یا خزانه در برابر «حدیقه الحقیقه» سنائی به نام «سبعه‌ی عبدی» ذکر کرده است. سبعه‌ی مذکور شامل: «صحیفه‌ی لاریب»؛ «لوح مسطور»؛ «بحر مسجور»؛ «منشور شاهى»؛ «مروج الاسواق»؛ «مهیج الاشواق»؛ «نهایه الاعجاز». عبدی بیگ کتابی در تاریخ عهد خود به نام «تکمله الاخبار» نیز نوشته و آن را در ۹۷۸ ق به پایان رسانده است. کتاب «صریح الملک»، در شرح املاک و عمارتها و بناهای بقعه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی نیز از آثار اوست.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۷۵۴-۷۴۶ / ۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۵۵۶-۵۵۵ / ۲، ۱۶۹، ۱۵۷-۱۵۶ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۶۸۹)، تحفه سامی (۹۶-۹۵)، تکمله الاخبار (۳۱-۱۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۵۰-۷۴۶ / ۵)، الذریعه (۱۲۳۷-۱۲۳۶ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۶۰-۹۵۹)، منظومه‌های فارسی (۴۱۸-۳۹۷)، هفت اقلیم (۲۳۷-۲۳۶ / ۱).

عبدی فسوی، ابوطالب احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۰۶ ق)، نحوی و لغوی. از جمله استادانش ابوسعید سیرافی و ابوعلی فارسی و ابوالحسن رمانی بوده‌اند. از آثار وی: شرح «الایضاح»، به فارسی؛ «شرح» «الجرمی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۰۰ / ۱)، ایضاح المکنون (۴۵۱ / ۲)، ریحانه (۹۸ / ۴)، الکامل (۲۸۰ / ۷)، لغت‌نامه (ذیل / احمد)، معجم الادباء (۲۳۸-۲۳۶ / ۲)، معجم المؤلفین (۱۷۴ / ۱)، هدیه العارفین (۷۱ / ۱).

عبدی قزوینی تبریزی، محیی‌الدین محمد

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۶۶ ق)، دانشمند. نخست در قزوین سکونت داشت و سپس به تبریز رفت. وی در حیات پدر به عثمانی رفته به راهنمایی ابن‌المؤید از دانشمندان عثمانی که او نیز از آذربایجان مهاجرت کرده بود به دربار سلطان بایزید راه یافت. قزوینی در طول اقامت خود در عثمانی دارای مناصب و مشاغل متعدد بود، از آن جمله: منصب قضای دمشق و حلب، تولیت مدرسه مصطفی پاشای وزیر و مدرسه مغنسیا. وی در ادبیات عرب و علوم دینی و مخصوصاً در انشای عربی و فارسی و ترکی دست داشت ولی بیشتر اهتمام او در آوردن محسنات لفظی بود و همه‌ی خطوط را بسیار خوب می‌نوشت. از آثارش: «راسله فی قطع الید»؛ حاشیه بر «فرایض» سجاوندی؛ حواشی بر «امور عامه مواقف» عضدالدین ایجی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۳۹۱).

عبدی لبنانی اصفهانی، ابوالحسن احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۳۲ ق)، محدث. وی از بن ابی‌الدنیا حدیث فراوانی شنید و همچنین تمامی «مسند» را از فرزند احمد حنبل استماع کرد. حسن بن محمد بن اریوه و ابوعبدالله بن منده و عبدالوهاب سلمی و دیگران از وی روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۳۱۲-۳۱۱ / ۱۵).

عبدی نیشابوری، ابومحمد عبدالرحمان

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۶۰ ق)، حافظ و محدث. پدرش، ابوعبدالرحمان بشر بن حکم، فقیه و محدثی زاهد بود. ابومحمد از سفیان بن عیینه و یحیی بن سعید قطان و وکیع بن جراح و عبدالرزاق بن همام و عبدالله بن ولید عدنی و حسین بن ولید نیشابوری و علی بن حسین بن واقد و حفص بن عبدالله و حفص بن عبدالرحمان و عده‌ای دیگر حدیث روایت کرده است. بخاری و مسلم و ابوداوود و ابن‌ماجه، صاحبان چهار «صحیح» از «صحاح» ششگانه، و ابوبکر بن ابی‌داوود و ابن‌خزیمه و ابراهیم بن ابی‌طالب و ابن‌صاعد و ابوعوانه اسفراینی و مکی بن عبدان و ابوحامد ابن بلال و ابومحمد جارودی و بسیاری دیگر از وی حدیث روایت می‌کنند. وی به بغداد رفت و در آنجا حدیث گفت، و ابراهیم حربی و ابوبکر بن ابی‌الدنیا و عبدالله بن محمد بن ناجیه و عبدالله طیالسی و علی ابن‌الجندی و احمد بن سلمه نیشابوری از وی روایت کردند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۲۷۲-۲۷۱ / ۱۰)، تهذیب التهذیب (۱۳۲-۱۳۱ / ۶)، الجرح و التعذیل (ج ۲ ق ۲ / ۲۱۵)، سیر النبلاء (۳۴۴-۳۴۰ / ۱۲).

عبری فرغانی، برهان‌الدین عبدالله

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۴۳ق)، متکلم، حکیم، فقیه و قاضی شافعی. در تبریز به دنیا آمد. وی قاضی تبریز بود. چند بار به بغداد سفر کرد و در همان شهر نیز درگذشت. از آثارش شرح اکثر آثار و مصنفات بیضاوی از جمله: «المنهاج الوصول الی علم الاصول» و «الغایه القصوی فی درایه الفتوی» و «المصباح الارواح» و «طوالع الانوار» است. از دیگر آثار وی: «الایضاح»، در کلام؛ «معتمد الخلائق فی علم الوثائق»؛ «شرح «المصباح» مطرزی، در نحو.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۷۱ / ۴)، ایضاح المکنون (۵۰۸ / ۲)، کشف الظنون (۱۸۷۹، ۱۷۳۲، ۱۷۰۹، ۱۷۰۴، ۱۱۹۲، ۱۱۱۶، ۲۱۳)، معجم المؤلفین (۱۳۶ / ۶).

عیشمی اصفهانی، ابواحمد معمر

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۶۴- ۴۹۴ق)، حافظ، محدث و واعظ. معروف به ابن فاخر. اهل اصفهان بود و مورد احترام مردم. وی از ابوالفتح احمد حداد و ابوالمحاسن رویانی و ابوعلی احمد بن محمد بن فضل بن شهریار و ابوزکریا بن منده و عبدالواحد دشتج و بسیاری دیگر در اصفهان، و هبه‌الله بن حصین و ابو غالب بن بناء و احمد بن رضوان و عده‌ای دیگر در بغداد حدیث شنید. هفت بار به بغداد مسافرت کرد. او از ابوالحسین بن علاف و اسماعیل بن حسن سنجبستی اجازه‌ی روایت داشت. بزرگانی چون ابوسعید سمعانی و ابن عساکر و ابن جوزی و ابوحفص سهروردی از وی روایت کرده‌اند. سمعانی وی را از چهره‌های درخشان اصفهان با اخلاقی نیکو و دستی گشاده و قلبی تپنده برای یاری هموعان معرفی می‌کند و ابن جوزی حدیث‌شناسی وی را می‌ستاید. به آورده‌ی ذهبی وی کتب بسیاری در حدیث و تاریخ و فرهنگ لغت تصنیف کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۹۱- ۱۹۰ / ۸)، الاعلام بوفیات الاعلام (۳۸۱ / ۲)، سیر النبلاء (۴۸۷- ۴۸۵ / ۲۰)، شذرات الذهب (۲۱۴ / ۴)، العبر (۴۵ / ۳)، الکامل (۱۰۵ / ۹)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۲۳۲- ۲۳۱ / ۱۹)، النجوم الزاهراه (۳۶۲ / ۵).

عیشمی اصفهانی، مخلص‌الدین، ابو عبدالله محمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۰۳- ۵۲۰ق)، فقیه، محدث، نحوی و ادیب. معروف به ابن فاخر. پدرش او را به مضحرفامطه جوزدانیه برد تا از او حدیث استماع

کند. او همچنان از جعفر بن عبدالواحد ثقفی و اسماعیل اخشید و ابن ابی ذر صالحانی و اسماعیل مؤذن و زاهر شحامی حدیث شنید. او به مذهب شافعی کاملاً آگاه بود و در نحو و حدیث دستی قوی داشت و محتشم و مورد احترام مردم بود. به بغداد رفت و در آنجا املائی حدیث کرد. ابن خلیل و ضیاء و ابوموسی ابن حافظ و گروهی دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابن درجی و ابن بخاری از وی دارای اجازه بودند. در شیراز در گذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام بوفیات الاعلام (۲ / ۴۰۶)، سیر النبلاء (۴۲۹-۴۲۸ / ۲۱)، شذرات الذهب (۵ / ۱۱)، العبر (۳ / ۱۳۵)، النجوم الزاهره (۶ / ۱۷۱).

عبشمیه قرشیه اصفهانی، ام حبیبه عائشه

قرن: ۷

جنسیت: زن

ملیت: ایران

(وف ۶۰۷ ق)، مسند و محدث. وی حضوراً از فاطمه جوزدانی حدیث شنید و سماعی از زاهر بن طهر و سعی بن ابی رجا و دیگران حدیث شنید. ابن نقطه و شیخ ضیاء و تقی بن عز و دیگران از وی حدیث روایت کردند. ابن نقطه گوید که «مسند» ابی یعلی موصلی را از وی شنیدم و او از سعید صیرفی استماع کرده بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۵۰۰-۴۹۹ / ۲۱)، شذرات الذهب (۵ / ۲۵)، العبر (۳ / ۱۴۵)، النجوم الزاهره (۶ / ۱۷۹).

عبودیت، عبدالرسول

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالرسول عبودیت

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

عبدالرسول عبودیت در سال ۱۳۳۳ در شهر اصفهان به دنیا آمد، او پس از گذراندن تحصیلات ابتدائی و متوسطه در اصفهان سال ۱۳۵۲ در دانشگاه صنعتی شریف پذیرفته شد، در سال ۱۳۵۸ فارغ التحصیل گردید، آنگاه سالهای ۵۸ و ۵۹ را در اصفهان به خواندن ادبیات و فقه و اصول گذراند در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شد و به ادامه تحصیل در فقه و اصول مشغول شد، در کنار دروس فقه و اصول به یادگیری فلسفه در موسسه در راه حق همت گماشت و پس از چند سال شرکت در دروس خارج آیات عظام بهجت، تبریزی، منتظری و مدت کمی آقای وحید و آقای فاضل لنکرانی به طور تخصصی به فلسفه مشغول گردید

عتابی بخاری، زین‌الدین، ابونصر، ابوالقاسم احمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۸۶ ق)، مفسر و فقیه حنفی. اهل عتاب بخارا بود و در همان جا نیز وفات یافت. عتابی از بزرگان حنفیه بود که دارای تصنیفات و آثار چندی است. از آثارش: «جوامع الفقه»، معروف به «الفتاوی العتابیه»، در چهار مجلد؛ «تفسیر القرآن» یا «تفسیر العتابی»؛ شرح «الجامع الکبیر» و شرح «الجامع الصغیر» و شرح «الزیادات» شیبانی، همگی در فروع فقه حنفی. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۰۹ / ۱)، کشف الظنون (۹۶۴، ۹۶۳، ۶۱۱، ۵۶۸، ۵۶۷، ۵۶۳، ۴۵۳)، معجم المؤلفین (۱۴۰ / ۲)، الوافی بالوفیات (۷۴ / ۸)، هدیه العارفین (۸۷ / ۱).

عتبی، ابونصر محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابونصر محمد بن عبدالجبار نویسنده معروف ایرانی نیمه دوم قر. ۴ و اوایل قر. ۵ ه. (ف. ۴۲۷ ه. ق.). وی از مردم ری بود و مدتی در خراسان در دستگاه ابوعلی سیمجور و سبکتگین به سر برد، و چند هم سمت نیابت قابوس و شمیگر را در خراسان داشت، و مدتی در نیشابور نزد امیر نصر بن سبکتگین سپهسالار خراسان از قبل سلطان محمود روزگار گذرانید. وی مؤلف (تاریخ یمینی) (ه.م.) است. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عتکی نیشابوری، ابومنصور محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۴۶ ق)، محدث. چون رنگ‌فروش بود به صبغی نیز مشهور است. وی از سری بن خزیمه و محمد بن اشرس و حسین بن فضل و اسماعیل بن قتیبه و احمد بن سلمه و همطبقه آنان حدیث شنید. حاکم نیشابوری بیش از دیگران از وی روایت کرده و استادش را چنین ستوده است: «وی شیخی بیداردل، فهیم و صدوق و نیکو قرائت و صحیح الاصول بود». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام بوفیات الاعلام (۲۳۸ / ۱)، سیر النبلاء (۵۲۹ / ۱۵)، النجوم الزاهره (۳۶۲ / ۳).

عتکی نیشابوری، ابویحیی سهل

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۶۷ ق)، قاضی، محدث و فقیه حنفی. شیخ اهل رأی در خراسان و قاضی هرات بود، و مدتی نیز قاضی طرسوس. در طلب حدیث سفرها نمود و از یزید بن هارون و شبابه بن سوار و جعفر بن عون و عبدالرحمان بن قیس و واقدی و عبیدالله بن موسی و عده‌ای دیگر بن محمد بن سفیان فقیه و محمد بن سلیمان بن فارس و احمد بن شعیب فقیه و محمد بن علی بن عمر مذکر و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. حاکم نیشابوری گوید که عدالت او برای عده‌ای زیر سوال بود. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۳۳-۳۲ / ۱۳)، لسان المیزان (۴۴۱-۴۴۰ / ۳).

عتیقی تبریزی، جلال‌الدین محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۴۱ / ۷۱۸ ق)، واعظ و شاعر. وی از خطیبان و واعظان برجسته‌ی ایرانی در دوره‌ی ایلخانان مغول است که با خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی مصاحبت داشت. عتیقی در فصاحت و بلاغت مقامی بلند داشت و غالباً در مدرسه‌ی غیاثیه تبریز وعظ می‌کرد. جلال‌الدین به مانند پدرش در سرودن شعر توانا بود و گویا هر دو، عتیقی تخلص می‌کرده‌اند. از آثار وی: «دیوان» شعر. [۱]

(بخش ۱) جلال‌الدین عتیقی تبریزی بن قطب‌الدین عتیقی، دانشمند و خطیب و واعظ (ف. ۷۱۸ یا ۷۴۱ ه.ق.). وی مصاحب خواجه رشیدالدین فضل‌الله بود. در فصاحت و بلاغت مقامی بلند داشت و غالباً در غیاثیه تبریز (که از ابنیه غیاث‌الدین محمد بن خواجه رشیدالدین بود) وعظ میکرد. فرزندان وی نیز معزز و محترم بوده‌اند. عتیق به انواع فضایل و کمالات آراسته بود. دیوان بزرگی از او که در سال ۷۴۴ ه.ق. استکتاب شده در کتابخانه استانبول موجود است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ گزیده (۷۴۵)، تذکره‌ی روز روشن (۵۳۵-۵۳۴)، دانشمندان آذربایجان (۲۷۱-۲۶۹)، الذریعه (۷۰۷ / ۹)، سخنوران آذربایجان (۵۲۴-۵۱۹)، فرهنگ سخنوران (۶۲۵)، مجالس النفاث (۳۲۹)، هفت اقلیم (۲۲۷-۲۲۶ / ۳).

عتیقی، محمد‌هادی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد هادی عتیقی، صحاف و تذهیب کارقرآن کریم است. او در زمینه صحافی و جلد سازی سنتی فعالیت می‌کند. وی هنر صحافی و مرمت آثار هنری را هنر صیانت و حفظ و نگهداری حرمت و ارزش کتاب قدیمی می‌داند. آثار وی از نمایشگاه‌های گوناگون کریم فراروی پروان این کتاب قرار گرفته است. گروه: هنررشته: هنرهای سنتیوالدین و انساب: پدر محمد هادی عتیقی، محمد حسین عتیقی مقدم از استادان زبر دست در امر صحافی و تذهیب کاری قرآن بود. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می

آید: موسسه صحافی سنتی عتیقی، مرکزی است که توسط ملا حسین صحاف باشی و پسرش محمد حسین عتیقی مقدم (پدر محمد هادی عتیقی) بنیان نهاده شده است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: مهمترین فعالیت محمد هادی عتیقی، صحافی و تذهیب کاری است. او بر این باور است که «لذتی که از نجات یک کتاب کهنه و بویژه یک قرآن قدیمی را نابودی به انسان دست می دهد به هیچ وجه نمی توان وصف کرد. تنها باید عاشق باشی تا بتوانی ساعتها برای نجات یک ورق پاره تلاش کنی.» آرا و گرایشهای خاص: محمد هادی عتیقی درباره اهمیت هنر صحافی بیان می دارد که هنر صحافی و مرمت آثار هنری در واقع هنر ضیافت و حفظ و نگهداری مرمت و ارزش کتاب قدیمی است. کسی که به این هنر روی می آورد باید شیفته و دلباخته همه هنرهای ایرانی باشد.

منابع زندگینامه: <http://www.iranologyfo.com>

عجلی اصفهانی، منتخب الدین، ابوالفتوح اسعد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۰۰-۵۱۵ ق)، زاهد، واعظ و فقیه شافعی. در اصفهان به دنیا آمد و همان جا نشوونما یافت و تا پایان عمر در آنجا باقی ماند. از فاطمه جوزدانی «معجم صغیر» و «معجم کبیر» را استماع کرد و نیز از اسماعیل بن محمد حافظ و غانم بن احمد و ابن بطی و گروهی دیگر حدیث شنید. ابونزار ربیعہ یمنی و حافظ ضیاء و ابن خلیل از وی روایت کرده اند. ابن ابی خیر و ابن بخاری از وی اجازه روایت داشتند. او املائی حدیث می کرد و وعظ می گفت و شیخ شافعی در اصفهان و صاحب فتوا بود. وی زاهدی بود که از دست رنج خویش روزگار می گذرانید بدین ترتیب که به استنساخ کتب می پرداخت و حاصل کار خویش را به فروش می رسانید. زمانی ترک وعظ گفت و به تألیف کتاب پرداخت. از جمله آثارش: «آفات الوعاظ»؛ شرح مشکلات «الوسطی» و «الوجیز» غزالی؛ «تتمه التتمه»، در فقه شافعی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۹۴ / ۱)، تذکره القبور (۸۴)، روضات الجنات (۹-۷ / ۲)، سیر النبلاء (۴۰۳-۴۰۲ / ۲۱)، کشف الظنون (۲۰۰۸، ۲۰۰۲، ۱۹۱۳، ۱۳۱)، معجم المؤلفین (۲۴۸ / ۲)، النجوم الزاهره (۱۶۶ / ۶)، هدیه العارفین (۲۰۴ / ۱).

عجلی رازی، ابوالفضل عبدالرحمان

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۵۴-۳۷۰ ق)، قاری، ادیب و شاعر. معروف به ابن بندار و مشهور به شیخ الاسلام. در مکه به دنیا آمد و قرآن را بر ابو عبد الله مجاهدی و علی بن داوود دارانی و ابوالحسن حمامی قرائت کرد. عجلی حدیث را در مکه و بغداد و دمشق و بصره و کوفه و حمص و مصر و اصفهان و ری و تستر و فساء و نیشابور و نساء و گرگان از محدثین بزرگ فرا گرفت. مستغفری و ابوبکر خطیب و ابوصالح موذن و نصر شیرازی و ابوعلی حداد و محمد دقاق و ابوسهل بن سعدویه و فاطمه بنت بغدادی حدیث از وی روایت کرده اند. عجل پدر یک شهر مدت طولانی اقامت نمی کرد و به شهرهای بسیاری سفر می نمود و در هر شهر در مسجد خراب آن سکنی می کرد و

چون شناخته می‌شد به مکانی دیگر می‌رفت. وی سرانجام در نیشابور درگذشت. او اشعاری در زهد سروده است. از آثارش: «جامع الوقوف»؛ کتابی در «فضائل القرآن». پاره‌ای از رجال‌نویسان وی را همان ابوالفضل رازی، عبدالرحمان بن حسن، صاحب کتاب «اللوامح»، در قرآت، می‌دانند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۶۵ / ۴)، ری باستان (۳۱۸ / ۲)، سیر النبلاء (۱۳۸- ۱۳۵ / ۱۸)، العبر (۳۰۲ / ۲)، کشف الظنون (۱۲۷۷)، معجم المؤلفین (۱۱۶ / ۵).

عجلی مروزی، ابوسعید عثمان

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۲۶- ۴۳۵ ق)، محدث و فقیه شافعی. چون پدران وی سازنده‌ی گاری بودند به عجلی مشهور شده است. وی ملازم قاضی حسین بود. در فقه تبحر یافت و از ابومسعود احمد بجلی و سعید بن ابی سعید عیار و قاضی حسین حدیث شنید. ابوسعید سمعانی وی را به زهد و تقوی ستوده است و گوید که در محضر او احدی قادر به غیبت و پشت سر دیگران صحبت کردن نبود. وی در پنج ده مرورود خراسان درگذشت. از آثار وی «تعلیقات» بر «الحاوی» ماوردی، در فروع. در «معجم البلدان» کنیه وی ابوسعید و نام جدش شرف ذکر شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۷۳- ۳۷۲ / ۴)، انساب سمعانی (۱۶۰ / ۴)، سیر النبلاء (۶۳۳- ۶۳۲ / ۱۹)، معجم البلدان (۱۲۴ / ۵)، هدیه العارفین (۶۵۳ / ۱).

عجلیه، زینب

قرن: ۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

ز ۳۴۷ ق، وی دختر عبدالرحمن بود و از زنانی بود که در گرگان حدیث می‌گفت.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۷۷ / ۲.

عجیبه

قرن: ۷

جنسیت: زن

ملیت: ایران

۶۴۷ ق، ضوء الصباح از زنان محدث. وی دختر محمد باغداری بود و از عبدالحق و عبدالله پسران منصور موصلی حدیث فراگرفت

و احادیث و کتب متعددی را از حافظ محمد بن ابی‌بکر اصفهانی، و رستمی روایت کرده و تعداد زیادی از راویان از جمله محمد بن ناصر بن احمد و سراج‌الدین عمر قزوینی از او حدیث و کتاب روایت کرده‌اند.
برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه: منبع: اعلام‌النساء، ۲۵۸ / ۳.

عدل، عظمی

قرن: ۱۳

جنسیت: زن

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، مترجم. تحصیلات فارسی و فرانسه‌ی خود را از مدرسه‌ی ژاندارک تهران آغاز کرد. پس از اتمام آن به مطالعه‌ی ادبیات ایران و آثار نویسندگان فرانسه پرداخت. وی از مترجمان صاحب ذوق به شمار می‌آید. بانو عظمی از کشورهای فرانسه و انگلستان و سویس و آمریکا دیدن کرد و گذشته از زبان فرانسه به زبان انگلیسی نیز آشنایی داشت. از آثارش: «ترس از زندگی»، ترجمه؛ «داستانهای دوشنبه»، ترجمه؛ «سرخ و سیاه»، ترجمه؛ «جامه‌ی پشمین»، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۹۵۸ / ۲، ۱۳۳۶ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۸-۷۷ / ۴).

عدوی مروزی، ابواحمد محمود

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۴۹ / ۲۳۹ ق)، حافظ و محدث. محدث مرو بود. وی از سفیان بن عینه و فضل بن موسی سینایی و ولید بن مسلم و ابومعاویه و وکیع و یحیی بن سلیم طائفی و عبدالرزاق و نصر بن شمیل و ابوداوود طیالسی و هم‌طبقه‌ی آنان حدیث شنید. او کثیرالحدیث بود و آنها را به نیکویی روایت می‌کرد. بخاری و مسلم و ترمذی و نسایی و ابن‌ماجه قزوینی و محمد بن یحیی ذهلی و ابوزرعه و ابوحاتم و مطین و حسن بن سفیان و ابراهیم بن ابی‌طالب و ابوالعباس سراج و جعفر بن احمد بن نصر و محمد بن شاذان و ابن‌خزیمه و دیگران از وی حدیث شنیدند. در بازگشت از حج به بغداد رفت و در آن جا حدیث گفت. اسحاق بن حسن حربی و محمد بن هیثم قاضی و حسن بن علی معمری و هیثم بن خلف دوری و ابوالقاسم بغوی و محمد بن هارون بن مجدر، در آنجا، از وی استماع حدیث کردند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۹۰-۸۹ / ۱۳)، تهذیب التهذیب (۵۸ / ۱۰)، الجرح و التعديل (ج ۴ ق ۲۹۱ / ۱)، سیر النبلاء (۲۲۴ -

۲۲۳ / ۱۲)، شذرات الذهب (۹۲ / ۲)، طبقات الحفاظ (۲۱۰-۲۰۹)، العبر (۳۳۸ / ۱)، النجوم الزاهرة (۳۶۱ / ۲).

عراقی، ضیاء

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۱ - ۱۲۷۸ ق)، فقیه و مدرس بزرگ امامی. ملقب به ضیاءالدین. در سلطان آباد اراک به دنیا آمد. علوم مقدماتی را در زادگاهش نزد پدر و اساتید دیگر فراگرفت. آنگاه به اصفهان و از آنجا به نجف رفت و در محضر آقا سید محمد فشارکی حضور یافت. پس از وی نزد حاج میرزا حسین خلیلی و آخوند خراسانی و آقا سید محمد کاظم یزدی و شیخ الشریعه‌ی اصفهانی درس خواند. او از شاگردان فاضل و برجسته‌ی آخوند خراسانی شمرده می‌شد و در تدریس سطوح مقام والایی داشت. پس از وفات آخوند خراسانی حوزه‌ی درس خارج تشکیل داد و بسیاری از شاگردان آخوند را به مجلس خود جذب کرد. از این پس او مرجعیت یافت و به عنوان استاد مسلم اصول و مجتهد این علم به حساب آمد. وسعت مشرب وی سبب شد که مجلس درسش پذیرای طلاب فاضلی باشد که هر یک از آنان از مراجع بنام عالم تشیع شوند. از جمله آنان: سید محمدتقی خوانساری و سید عبدالهادی شیرازی و سید ابوالقاسم خویی و سید محسن حکیم و سید علی یتربی کاشانی و شیخ محمدتقی آملی و شیخ عبدالنبی عراقی و میرزا حسن بجنوردی و شیخ محمدتقی بروجردی و بسیاری دیگر می‌باشند. شیخ محمدتقی بروجردی تقریرات درس اصول او را نوشته است. از آقا ضیاء عراقی آثاری باقی مانده است که از جمله‌ی آنها: «الحاشیه علی بیع المکاسب»؛ «الحاشیه علی العروه الوثقی»؛ «مقالات الاصول»؛ «شرح تبصره المتعلمین» علامه؛ کتاب البیع؛ «رساله فی استصحاب العدم الازلی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۹۳ - ۳۹۲/۷)، الذریعه (۲۱/۳۸۹، ۱۳/۱۳۵، ۶/۲۱۹)، ریحانه (۵۶ - ۵۵/۱)، علماء معاصرین (۱۹۰ - ۱۸۹)، فوائد الرضویه (۲۱۷).

عراقی، ضیاءالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای آقا ضیاءالدین عراقی نابغه علم اصول و فقه در عصر اول نگارنده که صیت و صوتش مستغنی از توصیف و تعریف ماست و بعد از مرحوم استادش آیه‌الله العظمی آقای آخوند ملا محمد کاظم خراسانی حوزه درسی مانند حوزه وی نیامده و بلکه قبل از مرحوم آخوند هم یا نبوده یا کم بوده است، در ماه ذی‌الحجه ۱۳۵۹ ق در نجف اشرف از دنیا رفته و در صحن مطهر مقبره شخصی مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

عراقی، عبدالنبی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت‌الله شیخ الفقهاء و المجتهدین مرحوم حاج شیخ عبدالنبی عراقی رحمه‌الله از آیات عظام و فقهاء کرام حوزه علمیه نجف و قم بوده‌اند ولادتش در روز ۲۷ رجب ۱۳۰۸ ق در اراک واقع شده و پس از رشد به همدان مسافرت و دو سالی توقف و تحصیل نموده

و از آنجا مراجعت به اراک و حدود چهار سال تحصیل سطوح را نموده و دو سالی از درس مرحوم آیت‌الله آقای آقا نورالدین عراقی بهره‌مند و در سال ۱۳۲۷ مهاجرت به نجف نموده و دو سالی از اصول مرحوم آخوند و چند سالی از فقه مرحوم علامه یزدی استفاده کرده و پس از ایشان از آیات عظامی چون مرحوم شریعت اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی و آقا شیخ علی قوچانی و آقا شیخ مهدی مازندرانی و هشت سالی از فقه و اصول مرحوم آیت‌الله نائینی استفاده نموده و در پایان جنگ بین‌الملل دوم به ایران آمده و ۵ ماهی توقف در اراک آنگاه مراجعت به نجف و هیجده سال دیگر توقف و به تدریس خارج فقه و اصول در مسجد هندی و مسجد شیخ مرتضی نموده تا سال ۱۳۶۸ ق به عزم زیارت حضرت ثامن الحجج علیه‌الصلوة والسلام به ایران آمده و بنابر حکم تقدیر و تقاضای جماعتی از فضلاء اراک و غیره رحل اقامت انداخته و به تدریس خارج پرداخته تا سال ۱۳۸۷ که در سن هشتاد سالگی تقریباً در بیمارستان فیروزآبادی شهر ری وفات نموده و جنازه‌اش با تجلیل فراوان استقبال و تشییع شده و در مسجد بالاسر در قبری که حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله برای خود تهیه دیده بودند آن را تفویض به آن مرحوم نمودند در نزدیکی قبر مرحوم آیت‌الله حایری مدفون گردیده‌اند دارای ۶۵ جلد تالیفات مفید و ارزنده می‌باشند که حدود بیست جلد آن به طبع رسیده و الباقی مخطوط می‌باشد.

تشریف آن مرحوم خدمت حضرت ولی عصر ارواحنا فداء

بعضی از ثقات از اهل علم و غیر اهل علم حکایت کردند از آن مرحوم که می‌فرمود ۱۴ مسئله در نظرم غامض و مشکل بود می‌خواستم از حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف سوال کنم پس یک اربعین شب چهارشنبه بر طبق معمول و متداول در نجف اشرف به مسجد سهله مشرف شده و نماز خوانده و التماس کردم تا شب چهارشنبه چهلم که از مسجد بیرون آمدم شخصی آمد و گفت: می‌خواهی حضرت ولی عصر علیه‌السلام را ببینی گفتم آری گفت با من بیا از عقب او رفته تا درب منزلی رسید که درب کوتاهی داشت وارد منزل شد و پس از چند دقیقه آمد و به من گفت داخل شو پس وارد شدم منزل کوچکی بود و ایوانی داشت و تختی در آن دیوان بود دیدم وجود مقدس حضرت صاحب‌الزمان علیه‌السلام را که روی آن تخت نشسته‌اند پس سلام کرده چنان مرعوب و مجذوب حضرتش شدم که مسائل را فراموش کردم و سوالات دیگر کرده و بیرون آمدم و قدری که رفتم به یاد مسائل افتاده برگشتم درب منزل را زدم همان شخص بیرون آمد و گفت چه می‌خواهی گفتم مسائلی دارم که می‌خواهم از آقا سوال کنم گفت آقا تشریف بردند لکن نایب آقا هستند گفتم پس از نایب آقا می‌پرسم پس با اجازه وارد شدم دیدم مرحوم آیت‌الله العظمی آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی جای حضرت روی تخت نشسته‌اند پس مسائل را سوال کرده جواب دادند و بیرون آمدم و با خود گفتم آیت‌الله اصفهانی که نجف بودند چه وقت آمده‌اند پس شبانه به نجف برگشتم و صبح قبل از آفتاب درب منزل آیت‌الله رفتم گفتم بگوئید عبدالنبی عراقی است پس اجازه داده وارد شدم دیدم مشغول نمازند پس از فراغت فرمودند چه می‌خواهی دیگر جواب مسائل را ندادم ثانیاً پرسیدم عین همانکه در کوفه داده بودند جواب دادند پس دانستم موقعیت او و اتصال آن مرحوم را به حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

عراقی، مجتبی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج آقا مجتبی بن علامه الزاهد الحاج آقا محمد العراقی الملقب بزین‌الدین متوفی ۲۸ صفر ۱۳۵۸ ق ابن‌العلامة الزاهد الورع

(صاحب تصنیفات العدیده) الاخوند ملا محمدباقر العراقي الكرهودی الشهير بالكبير متوفی ۲۵ ربیع الثانی ۱۳۱۵ هجری قمری که از طرف مادر به سادات صحیح النسب و جلیل القدر حسینی و از طرف جدہ امی به مرحوم آخوند ملا محمود میثمی عراقی طاب ثراه (صاحب کتاب دارالسلام و کتب جوامع و قواعد و قواعد در فقه و اصول مفصل) منصوب می‌باشند.

در سال ۱۳۲۳ ق در قریه کرهرود عراق متولد و در سن ۱۴ سالگی به متابعت مرحوم والد (طبق تقاضای اهالی و امریه علماء عصر) به قصبه کنگاور که در دوازده فرسخی کرمانشاه و هیجده فرسخی همدان است جهت اقامت مهاجرت نموده و تحصیلات ابتدائی و مقداری از سطح را خدمت پدر تلمذ و در سال ۱۳۴۹ قمری به منظور تکمیل به وطن اصلی بازگشته و مدت چهار سال در محضر اساتید فن و حجج اسلام مانند مرحوم آسید محسن هفته‌ای و محقق مدقق آقا شیخ محمدسلطان العلماء تلمذ نموده و در سال ۱۳۵۳ مهاجرت به قم و از آیات عظام حوزه بالاخص مرحوم آیت‌الله حایری و پس از وی از آیت‌الله مرحومین خوانساری و حجت استفاده نموده و تقریرات و دراسات فقه و اصول آنان را به رشته تحریر آورده و در ۲۸ صفر ۱۳۵۸ ق به واسطه فوت مرحوم والد به کنگاور مراجعت و تا هشت سال به ترویج دین و اقامه جماعت پرداخته و مسجد بزرگی با تمام جهات در مدت کوتاهی بنا نموده و ضمناً به تالیف کتابهایی که ذیلاً ذکر می‌شود پرداخته تا در ۱۶ محرم الحرام ۱۳۷۰ قمری که ثانیاً به شهر قم مهاجرت نموده و بنابر مصلحت و امریه مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی رحل اقامت انداخته و به جلسات درس و بحث آن مرحوم حاضر و حسب الامرشان در جلسه استفتاء وی شرکت نموده و در ماه رجب ۱۳۷۷ دفاتر و پرونده‌های مربوط به نظام وظیفه آقایان طلاب و مدیریت کتاب خانه فیضیه قم و تولیت مدرسه مهدی قلی‌خان سابق و مدرسه آیت‌الله بروجردی امروز به معظم‌له واگذار و حقا خدمات شایانی بالخصوص نسبت به کتابخانه نموده است.

کتابخانه فیضیه قبل از سرپرستی ایشان در مدت ۴۰ سال از تاسیس آن فقط دارای چهار هزار کتابهای فقهی مندرس و مکرر در قفسه‌های چوبی نیمه تمام به انضمام چند قطعه ذیلوهای رنگ و رو رفته بود، ولی بعد از مدیریت ایشان در مدت کوتاهی رقم کتب به بیست هزار جلد کتاب در فنون مختلف رسید که در قفسه‌های فلزی و وترین مخصوص برای کتب خطی و تا سر حد امکان وسیله آسایش فکری آقایان مراجعه‌کنندگان آماده گردید.

معظم‌له مسافرت‌های تاریخی و مذهبی مهمی نموده است از جمله در سال ۱۳۷۷ قمری به رهبری صدها نفر از مردم متدین تهران به سوریه برای حمل ضریح مطهر رقیه بنت‌الحسین علیه‌السلام نموده که شایان اهمیت بوده است، و نیز مسافر فی در معیت و مصاحبت سیدنا الاستاد مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدتقی خونساری به همدان نموده که تصادف با فوت آن مغفور له شده و جنازه را با آن عظمت فوق‌العاده و تجلیل عظیم به قم آوردند

و اما آثار آن جناب به قرار زیر است:

۱- دومین بشر یا علی بن الحسین الاکبر کتابی است مشتمل بر رجال نامی بنی‌ثقیف و قضایای تاریخی شیرین و در فن خود بی‌نظیر است.

۲- وقایع الایام با سبک نوین.

۳- لیل‌القدر در ذکر دلیل و براهین در اینکه شب قدر شب بیست و سوم ماه رمضان است.

۴- شرح زندگانی آیت‌الله مرحوم حاج سید محمدتقی خونساری در سی صفحه که در مجله حکمت طبع شده است.

۵- فهرست کتب کتابخانه مدرسه فیضیه در دو مجلد که در سالهای ۷۸ و ۱۳۷۹ به طبع رسیده است.

از اغلب مراجع گذشته و حاضر دارای اجازات روایتی و اجتهاد و غیره می‌باشند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مآثر و آثار گوید: حاج آقا محسن عراقی که جامع ما بین منقول و معقول است بریاست و ثروت و مزایای دیگر بر اقران تقدم دارد و از این جهت محسود بوده و خواهد بود.

نگارنده گوید: معظم له سرسلسله خاندان جلیل محسنی اراکی است، ریاست علمی و دینی اراک باوی بوده و فرزندان بسیاری داشته که در میان آنها مرحوم آیه الله حاج آقا مصطفی و آیه الله حاج آقا احمد و آقای حاج آقا اسمعیل از علماء آنسامان بوده اند و ایشان بودند که از مرحوم آیه الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی رحمه الله دعوت کردند که به اراک آمده و تشکیل حوزه دهد و آن مرحوم دعوت آنان را پذیرفته و در سال ۱۳۳۲ قمری که از کربلا باراک آمده و تا سال ۱۳۴۰ قمری در آنجا تدریس و تربیت فضلاء اعلام نموده آنگاه در سال مزبور بقم مهاجرت نموده و تأسیس حوزه علمیه قم را فرمود. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

عراقی، نورالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ریاست حوزه علمیه اراک قبل از مرحوم آیه الله حایری باوی بوده و آن مرحوم از بیت مرحوم آیه الله حاج آقا محسن یعنی برادرزاده و داماد آن مرحوم دانشمندی بزرگوار و مرجعی عالیقدر و فقیهی شایسته و بمحاسن اخلاق و ملکات فاضله علم و حسن خلق و تواضع موصوف و معروف بوده است در حدود پنجاه سالگی مرحوم و قبرش مزار مردم عراق میباشد. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

عراقی زاده، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

عرب ابوزیدآبادی، عبدالرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالرضا عرب ابوزید آبادی

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۷/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در منطقه ابوزید اباد کاشان گذراندم و در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم مقدمات و سطح را در مدرسه علمیه معصومیه گذراندم و از محضر اساتید فرهیخته حوزه بهره بردم از جمله حجج اسلام آقایان مسعودی رضوانی حسینی قزوینی منتظری مقدم نائینی یغمایی و ...

رسائل و مکاسب را نزد استاد علیدوست و کفایه را نزد استاد محسن غرویان فرا گرفتم و چندی در درس خارج آقایان لاریجانی و واعظی شرکت کردم در سال ۱۳۷۵ وارد موسسه امام خمینی شدم و دوران کارشناسی معارف اسلامی را در ۵ سال سپری کردم که علاوه بر فلسفه و معارف اسلامی با علوم انسانی نیز آشنا شدم

سپس در سال ۱۳۸۰ وارد گرایش تاریخ اسلام در موسسه امام خمینی شدم و از محضر اساتید فرهیخته تاریخ همچون استاد یوسفی غروی مهدی پیشوائی یعقوب جعفری صادق اینه وند امامی میر سپاه سید حمید روحانی و لک زائی بهره گرفتم و در سال ۱۳۸۵ پایان نامه فوق لیسانس خود را دفاع نمودم و از همان زمان به تحقیق و پژوهش در زمینه تاریخ اسلام مشغول شدم که حاصل آن انتشار ۶ مقاله علمی تحقیقی در نشریات و فصلنامه های تخصصی است علاوه بر این به تدریس تاریخ اسلام و تاریخ و فرهنگ ایران^۱ تاریخ امویان و تاریخ عباسیان در مرکز جهانی علوم اسلامی و جامعه الزهرا مشغول هستم و هم چنین با گروه تاریخ مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی (مدرسه حجتیه) همکاری می کنم و دبیر آموزشی گروه تاریخ این مدرسه هستم مدتی نیز با معاونت پژوهشی موسسه امام خمینی همکاری تحقیقاتی و پژوهشی داشتم و در پروژه مقتل جامع امام حسین مطالبی را تهیه کردم .

عرب محفوظی، محمد مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد مهدی عرب محفوظی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۰/۳/۲۴

زندگینامه علمی

اینجانب محمد مهدی عرب محفوظی در سال ۱۳۷۴ تحصیلات حوزوی خود را در مدرسه علمیه ابا صالح (عج) آغاز کردم و از

همان سالهای آغازین تحصیل، به تدریس علوم حوزوی از ادبیات عرب گرفته تا منطق و... پرداختم. همچنین به خاطر علاقه قبلی به ادبیات فارسی در کلاسهای درس استاد سیدابوالقاسم حسینی شرکت کردم و دست به قلم بردم. در طول این سالها در برخی نشریات داخلی مدرسه قلم زدم و چند شماره از نشریه قلم را نیز به همکاری دوستان منتشر کردم. در سالهای پس از مدرسه در ضمن ادامه جدی فقه و اصول در محضر اساتید فن به موسسه امام صادق رفتم و به تحصیل در علم کلام پرداختم و این رشته تخصصی را تا انتهای سطح سه در سال ۱۳۸۵ دنبال نمودم و در سال تحصیلی ۱۳۸۵-۸۶ به سمت استادی در این موسسه انتخاب شدم. همچنین به مدت یک و نیم سال در موسسه تربیت مدرس حوزه تدریس نمودم و همچنان در برخی از مدارس حوزوی اشتغال به تدریس دارم. در طول این سالها مقالات و نوشته های متعددی را ویرایش نمودم و در زمینه مباحث اعتقادی و کلامی و ادبی تحقیقاتی انجام دادم و مقالاتی نگاشتم و اکنون نیز مقالاتی در دست نگارش دارم.

والسلام علیکم و رحمه الله

عربانی، احمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد از شاگردان میرزا حبیب‌الله رشتی معروف به (عربانی) بوده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

عرفان شیرازی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۷۹ ش)، روزنامه‌نگار و مترجم. در شیراز به دنیا آمد. خدمات اداری خود را در زادگاهش شروع کرد و تا ۱۳۳۸ ق در شیراز به سر برد و در همان سال چهار شماره از مجله‌ی «خاور» را منتشر کرد. پس از آن به تهران آمد و در وزارت دادگستری به خدمت مشغول شد و چند سالی نیز در دادگستری اصفهان کار می‌کرد. سپس به تهران بازگشت و در ۱۳۴۱ ق روزنامه‌ی «آسمان» را منتشر کرد. وی از اعضای عالی‌رتبه‌ی وزارت دادگستری بود. از آثارش: «اطلس تاریخی اسلامی»، ترجمه؛ «جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی»، ترجمه؛ «حواء امروز»، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ جراید (۲۴۱-۲۴۰ / ۲، ۱۷۲، ۱۷۰-۱ / ۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۲۱ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹- / ۵۷ / ۶).

عرفان، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در سال ۱۳۳۶ در خانواده‌ای مذهبی در شهرضا چشم به دنیا گشودم پدرم یک خياط مذهبی و مادرم سیده‌ای از تبار سادات طبائیان (طباطبائی) بود.

شش کلاس ابتدایی را در مدرسه خیام به پایان بردم و سپس به حسینیه سادات رفتم تا دروس دینی را بیاموزم در محضر حجج اسلام حاج سید محمد علی طبائیان (طباطبائی) زارعان، محمدحسین رهایی، حاج شیخ علی تاکی و ... زانو زدم.

سپس به اصفهان رفتم و از استادانی چون حاج آقا حسن امامی و آقای ابراهیمی و آقای فقیهی بهره گرفتم، آنگاه به قم آمدم از فروغ علم گسترانی چونان حضرات اعلام: طالقانی، تهرانی، مدرس افغانی، کریمی جهرمی، استادی، ابطحی، زاهدی، اعتمادی، خسرو شاهی، پیشوایی تهرانی و آیت الله اسماعیلپور و آیت الله شیخ جواد تبریزی پرتوهایی نه در خور آنان که همساز با فانوس کورسوز خویش برگرفتم.

سالیانی چند ادبیات فارسی، حاشیه، مغنی، معالم، مختصر، مطول، لمعه، مکاسب، و کاربرد علوم بلاغی در قرآن را با سروران مدارس رسالت، کرمانی‌ها، رضویه، حقانی و موسسه امام خمینی رحمه الله علیه باز گفته‌ام. چندین پایان‌نامه را به مشورت و یا به اصطلاح راهنمایی نوشته‌ام.

تاکنون به عربستان، عراق، سوریه، سوئد، امارات سفر زیارتی و تحقیقی و تبلیغی داشته‌ام و تحقیقاتی در دست سامان بخشی دارم از همسر سیده‌ام پنج فرزند دارم دو پسر و سه دختر، علیرضا در مدرسه کرمانی‌ها درس می‌خواند و امیر محسن در مدرسه شهیدین.

کتاب:

کرانه‌ها / سه مجلد

شرح جواهر البلاغه / دو مجلد

شرح و ترجمه تهذیب البلاغه

فرهنگ غلط‌های رایج

پژوهشی در اعجاز قرآن

خاطر و خاطره

آفت‌ها و لطافت‌های جنسی

زبان آگاهی

پدر و مادر در فرهنگ اسلامی

درمان نازائی. مقالات:

از لابلای متون / حدیث زندگی ۳

رمز و راز شادابی و نشاط در جوانی / گفت و گو / دیدار آشنا ۲۳

موفقیت و شانس / حدیث زندگی ۳

زبان آگاهی پیامبر (ص) و امامان (ع) / علوم حدیث ۱۲

عفت در اندیشه، گفتار و رفتار / حدیث زندگی ۶

اعتماد به نفس / حدیث زندگی ۳

زبان آگاهی پیامبر (ص) و امامان (ع) / علوم حدیث ۶

زبان آگاهی پیامبر(ص) و امامان(ع)/علوم حدیث ۵

عرفانی، فاضل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فاضل عرفانی

محل تولد: عراق - کربلا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۴۳ در شهر مقدس کربلا می‌باشم، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر اهواز گذراندم و از همان سنین نوجوانی و دوره راهنمایی جذب جلسات مذهبی و علمی شدم و در سال ۱۳۵۷ رتبه نخست قرائت قرآن در مقطع مدارس راهنمایی استان خوزستان را کسب کرده و برای مسابقات کشوری به شهر مقدس مشهد اعزام شدم. در سال ۱۳۵۸ پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی وارد حوزه علمیه اهواز شدم. سپس در سال ۱۳۶۰ در حوزه علمیه قم مشغول به تحصیل شده و از اساتید حوزه بهره‌مند شدم در مقطع سطح از اساتیدی همچون حضرات آقایان: پایانی، ستوده، اعتمادی، دوزدوزانی، صالحی مازندانی بهره بردم. و در دوره خارج از حضرات آیات: وحید خراسانی، میرزا جواد تبریزی، فاضل لنکرانی، صافی گلپایگانی. دروس معقول را نزد حضرات آقایان: انصاری شیرازی، مصباح یزدی، حسن‌زاده آملی گذراندم. در اولین دوره چهار ساله تخصصی علم کلام زیر نظر آیت الله جعفر سبحانی شرکت کردم و با معدل ۲۵/۱۹ با رتبه ممتاز در سال ۱۳۷۴ فارغ التحصیل شدم.

عروس الزهاد اصفهانی، ابو عبدالله محمد

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۸۴ ق)، محدث و زاهد. ابن مبارک او را عروس الزهاد نامید. یحیی بن سعید قطان و ابن مهدی او را ستوده‌اند. وی از اجداد پدری ابونعیم حافظ می‌باشد. از یونس بن عبید و اعمش و ابان حدیث روایت کرد. ابن‌المهدی و قطان و ابن مبارک و شاذکونی و زهیر بن عباد و صالح بن مهران و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. نقل کرده‌اند که وی فقط از یک نانوا و یک بقال خرید نمی‌کرد و می‌گفت: «می‌ترسم که مرا بشناسند و با من دوستی گیرند و در آن صورت من از دسته‌ی آنانی باشم که از رهگذر دین زندگی کنند».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الجرح و التعديل (ج ۴، ق ۱۲۱ / ۱)، حيله الاولياء (۲۳۷- ۲۲۵ / ۸)، سير النبلاء (۱۲۶- ۱۲۵ / ۹)، صفوه الصفوه (۲۹۳- ۲۹۲ / ۲)، النجوم الزاهره (۱۴۹ / ۲).

عريان، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: پاتوبیولوژی، دانشکده: دامپزشکی، دانشگاه: شیراز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای دامپزشکی از دانشکده دامپزشکی دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۸، دکترای تخصصی آسیب‌شناسی از دانشکده پزشکی دانشگاه بریستول انگلستان در سال ۱۳۶۸.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده دامپزشکی دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ترمیم زخم‌های بافت‌های پیوندی زردپی، وتر، پوست و استخوان با استفاده از میکروسکوپ نوری، میکروسکوپ الکترونی، بیومکانیک، تعیین میزان و نوع کلاژن بافتی و تعیین میزان DNA بافتی، ضایعات حاصل از انگها، آسیب‌شناسی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۰ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

آسیب‌شناسی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۳

زمینه علمی مقالات:

آسیب‌شناسی دامپزشکی و مقایسه‌ای.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

عزب دفتری، بهروز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: تبریز
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته زبان انگلیسی و علوم تربیتی از دانشسرای عالی تهران، دوره فشرده آموزش زبان از دانشگاه جرج تون شهر واشینگتن آمریکا در سال ۱۳۴۵، کارشناسی ارشد زبان انگلیسی از دانشگاه بیروت در سال ۱۳۴۹، دکترای زبان انگلیسی از دانشگاه ایلینویز آمریکا.
مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۹، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه تبریز.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تهیه کتاب درسی به زبان انگلیسی، خواندن انگلیسی، زبان‌شناسی مقابله‌ای، زبان‌آموزی کودک. استاد راهنمای ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

آموزش زبان انگلیسی، ادبیات، روانشناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

آموزش زبان، ادبیات، روانشناسی و علوم تربیتی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

عزت پور

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، روزنامه‌نگار، مورخ و نویسنده. وی مدیر و صاحب امتیاز هفته‌نامه‌ی «نامه‌ی آزادگان» بود که از ۱۳۰۵ ش انتشار آن آغاز شد. از آثارش: «آثار بزرگان در اخلاق»، «افکار صد مرد نامی»، «امیرالمؤمنین علی (ع)»، «تاریخ ملل قدیمه‌ی شرق و غرب»، «پیغمبر اسلام»، «تاریخ نو»، «فاله‌های حافظ»، «گل‌های خوشبو».

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ جراید (۲۶۰-۲۵۹ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸-۴۷ / ۴).

عزرا

قرن: ۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(عبر، یاری، امداد، فر. عزیر) کاهن و رهبر عبرانیان و کاتب دینی یهود (قر. ۵ ق.م.)، که در دربار ایران صاحب جاه و مقام بود. وی معاصر اردشیر دراز دست هخامنشی بود. در سال ۴۵۷ ق.م. به سرکردگی و پیشوایی عده بسیاری از اسیران یهود که از بابل به اورشلیم بازمی‌گشتند (حدود ۱۷۷۵ تن) برگزیده شد و در اورشلیم به اصلاح دین و تلاوت متون مقدس اشتغال داشت و همچنین به نوشتن تاریخ و کتاب معروف «عزرا» و قسمتی از «نحمیا» سرگرم بود. گویند همه کتب عهد عتیق را وی جمع‌آوری و تدوین کرده است. عزرا در نویسندگی مهارت داشت و در آیین یهود اصلاحاتی کرده و کنیسه‌هایی تأسیس نموده است. ضح- مسلمانان او را به نام «عزیر» (ه.م.) خوانند و از انبیای بنی‌اسرائیل شمارند. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عزیری سجستانی، ابوبکر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۳۰ ق.)، مفسر و مصنف. او به کتابش «غریب القرآن» که بر اساس حروف معجم در مدت پانزده سال تصنیف کرده، مشهور است. عزیری کتابش را بر ابن‌انباری خواند و او اصلاحاتی در آن نمود. ابو عبدالله بن بطن و عثمان بن احمد بن سمعان و عبدالله بن حسین سامری مقری از وی این کتاب را روایت کرده‌اند. دارقطنی حافظ عبدالغنی و خطیب و ابن‌ماکولا- اسم پدر وی را عزیز آورده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۵۰- ۱۴۹ / ۷)، سیر النبلاء (۲۱۷- ۲۱۶ / ۱۵)، الوافی بالوفیات (۹۵ / ۴).

عزیزاللهی، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا عزیزاللهی

محل تولد: کرمان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم. عشق به تحصیل بر تمامی مشکلات زندگی غالب گردید و از ابتدا به تحصیل جدی علوم دینی پرداختم. در سال ۱۳۶۸ در کنار تحصیل و تدریس دروس حوزوی به تحصیل علم حقوق در مجتمع آموزش عالی قم وابسته به دانشگاه تهران پرداختم. در سال ۱۳۷۲ لیسانس گرفتم و در سال ۱۳۷۴ در همانجا به فوق لیسانس مشغول شدم و در سال ۱۳۷۶ فوق لیسانس در رشته حقوق خصوصی گرفتم. در کنار آن پس از اولین سالی که وارد حوزه شدم از سال دوم تدریس در حوزه به تدریس جامع المقدمات شروع کردم و سپس سیوطی و حاشیه و معالم در مسجد فاطمیه به صورت عمومی داشتم و حتی به خاطر دارم که مسجد از طلاب پر می شد. سپس تدریس رسائل و مکاسب و اکنون مشغول تدریس خارج بیع میباشم. در ضمن تالیف یک دوره فقه برای کتب درسی نیز در برنامه کاری می باشد. در سال ۱۳۷۹ در رشته دکتری فقه و حقوق خصوصی در مدرسه عالی شهید مطهری پذیرفته شدم در سال ۱۳۸۴ با دفاع از پایان نامه خود تحت عنوان «بیع متقابل از دیدگاه فقه و حقوق» فارغ التحصیل شدم.

عزیز کیا، غلامعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غلامعلی عزیز کیا

محل تولد: بندر آباد یزد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۴/۲۳

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی را در دبستان همام روستای بندر آباد در ۳۰ کیلومتری یزد گذراندم سپس در مدرسه راهنمایی طراز یزد و یکسال نیز در دبیرستان ۱۷ شهریور یزد تحصیل نمودم. در مهر ۱۳۵۷ به حوزه علمیه یزد وارد شده و مدت دو سال دروس مقدمات ادبیات و منطق را نزد استادان حوزه از جمله مفیدی فر، حجة الاسلام علاقه بند، میر حسینی، مفیدی، معالی، عجمین فرا گرفتم. در مهر ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و باقیمانده دروس مقدماتی و سطح عالی را گذراندم. در این دوران از اساتیدی چون آقایان اشتهاوردی، عبایی، صالحی افغانی، اعتمادی، موسوی تهرانی، ستوده، علوی گرگانی محقق، طاهری حسن آبادی بهره بردم. از سال ۱۳۶۱ هم زمان با دروس حوزوی از برنامه های علمی موسسه در راه حق نیز بهره بردم و از درس های آیه الله مصباح مدظله و دیگر استادان آنجا از جمله آقایان فیاضی، رجبی، میرسپاه استفاده کردم در این سال ها به طور متناوب در درس اخلاق جناب آیه الله مظاهری نیز شرکت می کردم.

در سال ۱۳۶۷ در درس خارج فقه آیه الله میرزا جواد آقا تبریزی (ره) حاضر شده و بیش از هفت یا هشت سال از محضر ایشان بهره بردم. هم زمان طی ۶ سال یک دوره خارج اصول جناب آیه الله مکارم مدظله را درک نمودم، در همین ایام (از ۱۳۶۷-۱۳۷۳) در دوره تخصصی تفسیر و علوم قرآنی بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) شرکت کردم و با معدل ۳۳/۱۸ از پایان نامه حوزه با موضوع آثار

اجتماعی دین از دیدگاه قرآن دفاع نمودم.

پس از آن در مؤسسه پژوهشی حوزه دانشگاه طرح پژوهش روش شناسی تفسیر قرآن را با همکاری استادان آن مؤسسه اجرا نموده (در سال ۱۳۷۹ این کتاب منتشر شد). سپس طرح مکاسب تفسیر را ارائه که با همکاری جناب استاد بابایی اجرا شد (بنده در این طرح حدود پنج مقاله کوتاه و بلند ارائه کردم که در جلد اول مکاسب تقریر در مقاله کوتاه آن منتشر شد و بقیه در آینده منتشر خواهد شد. در سال ۱۳۷۸ در مؤسسه امام خمینی (ره) طرح پژوهشی زن در فرهنگ و اندیشه اسلامی را اجرا نمودیم که حاصل آن یک جلد کتاب جستاری در هستی شناسی زن در سال ۱۳۸۲ منشر شد. در سال ۱۳۷۹ در آزمون ورودی دوره دکترای علوم و قرآن و تفسیر موسسه، شرکت و به این دوره راه یافتیم و اکنون در حال تدوین رساله پایان نامه این مقطع به عنوان نقش حدیث در تفسیر قرآن هستیم. در طی سال های گذشته آثار ناچیزی در زمینه تفسیر و علوم قرآنی به صورت مقاله نگاشته ام. هم چنین دو اثر از مباحث جناب آیه الله مصباح یزدی دام ظلّه را تحقیق و تدوین نمودم و در زمینه اعجاز قرآن/ مبانی و قواعد تفسیری/ روایات تفسیری/ متون تفسیری در مؤسسه، مرکز جهانی، جامعه الزهراء، مرکز تحقیق تفسیر، مرکز سید الشهداء در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد تدوین نمودم. نه شکوفه ای نه برگی نه ثمر نه سایه دارم متحیرم که دهقان به چه کار کشت ما را

عزیزی، حبیب الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حبیب الله عزیزی

محل تولد: مراغه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

ایشان نقش آفرینی نغمه های نورانی، نظریه مدیریت عارفانه (رویکرد اشراقی مدیریت)، همکاری با مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی با ارائه طرح احیای معاونت امور تربیتی وزارت آموزش و پرورش، تدوین طرح جامع آموزش قرآن وزارت آموزش و پرورش و با همکاری اساتید بزرگ قرآن: شهیدی، علامی، حاج ابوالقاسمی ادیب زاده، مدیریت تدوین طرح تربیت داوران فنون قرائت، حفظ و معارف قرآن در دو سطح عمومی و تخصصی را در کارنامه خود دارد.

یکی از خدمات ارزنده ایشان به جامعه قرآنی دو سال تلاش حقوقی برای احیای قانون اعطای مدرک کارشناسی و بالاتر به حافظان قرآن می باشد (ابطال تبصره های مغیر با این قانون توسط دیوان عدالت اداری در شهریور ۱۳۸۳) ایشان هم اکنون علی رغم بعضی نامهربانی ها پیگیر شکل گرفتن معاونت امور قرآنی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می باشد.

عزیزی، فریدون

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

عسال اصفهانی، ابواحمد محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۴۹- ۲۶۹ ق)، قاضی، حافظ، محدث، قاری، مفسر، فقیه و مورخ. از شیوخ خود: پدرش و ابومسلم کجی و محمد بن ایوب بن ضریس رازی و ابوبکر بن ابی‌عاصم و محمد بن اسد مدینی و حسن سری و ابراهیم حلوانی و بکر بن سهل دمیاطی و همچنین از شیوخ شهرهای اصفهان و همدان و بغداد و کوفه و بصره و حرمین و واسط و ری و خوزستان حدیث شنید. قرآن را بر استاد ابوعبدالله محمد بن علی اصفهانی تلاوت کرد. پسرش ابوعامر عبدالوهاب که از بزرگان اصفهان بود بر پدر خود ابواحمد عسال تلاوت نمود. عسال سفری به بغداد رفت و در آنجا حدیث گفت. فرزندان محدثش به نامهای: ابوجعفر احمد و ابواسحاق ابراهیم و ابوالحسین عامر و ابوبکر عبدالله از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابن عدی و ابن مردویه و ابن منده و ابن مقرئ نیز از روایان او هستند. او را یکی از پیشگامان حدیث توصیف کرده‌اند. خودش گفته که در قرآات قرآن پنجاه هزار حدیث در حفظ داشته است. گفته‌اند که او «تفسیر» بزرگی را از حفظ املا- کرد، و همچنین در اردستان چهل هزار حدیث را از حفظ املا کرد و چون به شهر خویش بازگشت و مقابله کرد املائی خویش را صحیح یافت. ابن منده گوید که دوبار دور دنیا را گشته اما مانند عسال ندیده است. او مدتی عهده‌دار منصب قضای اصفهان بود. از آثارش: «تفسیر القرآن»؛ «التاریخ»؛ «المعرفه فی السنه»؛ «الامثال»؛ «مسند الابواب»؛ «الابواب»، در «غریب الحدیث»؛ «احادیث مالک»؛ «الرقائق»؛ «کرامات الاولیاء»؛ «معجم الشیوخ»؛ «غسل الجمعه»؛ «القرآات».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۰۱ / ۶)، انساب سمعانی (۱۹۰- ۱۸۹ / ۴)، تاریخ بغداد (۲۷۰ / ۱)، سیر النبلاء (۱۵- ۱۶ / ۶)، شذرات الذهب (۳۸۱- ۳۸۰ / ۲)، طبقات الحفاظ (۳۶۳- ۳۶۲)، العبر (۸۲ / ۲)، معجم المؤلفین (۲۲۶ / ۸)، الوافی بالوفیات (۴۱ / ۲)، هدیه العارفین (۴۳ / ۲).

عسقلانی

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ع.) ابن حجر ابوالفضل شهاب‌الدین احمد بن علی عسقلانی (و. ۷۷۳ ه. ق / ۱۳۷۲ م. - ف. ۸۵۲ ه. ق / ۱۴۴۹ م.). محدث و فقیه و

مورخ مصری شافعی. پدرش از علما و دانشمندان عهد خود بود. این حجر در سال ۸۲۷ منصب قاضی القضاتی یافت و با این حال پیوسته به تدریس و وعظ اشتغال داشت. بیش از یک صد و پنجاه تألیف داشته و از آن جمله است: الاصابه فی تمییز الصحابه، فتح الباری فی شرح البخاری. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عسکر آبادی، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی عسکر آبادی

محل تولد: حسن آباد نیشابور

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۸/۷/۳

زندگینامه علمی

در سپیده دم روز مبارک جمعه سوم مهر ماه ۱۳۵۸ خورشیدی در روستای حسن آباد سرته ازدهات خاک پاک نیشابور (متبرک و مزبی به وجود مبارک و قدوم نازنین ثامن الحجج مولا امام علی بن موسی الرضا المرتضی علیه السلام) در خانواده‌ای متدین و زحمتکش با چشمی گریان و قلبی شادمان پا به عرصه‌ی فانی و دنیای دانی نهادم.

طفولیت را در آب و هوای فرحبخش و دلنواز روستا با فعالیت‌های جانکاه پدر و مادر عزیزم در قالیبافی، کشاورزی، شبانی، بنایی و کار در کوره‌های آجرپزی و... به پایان رسانده و پایه‌های ابتدایی درس و مدرسه را در شهر مقدس مشهد الرضاعلیه السلام فراگرفتم. دوران نوجوانی و جوانی حقیر با شرکت در جلسات قرآنی منازل و مساجد و مدارس (تعلیم و تعلم و اداره جلسات) و فعالیت در انتظامات و انجمن اسلامی مدارس و نیروی مقاومت بسیج و نیروهای امر به معروف و امور فرهنگی (کتابخانه‌ای، مسجدی،...) و... مزین بود.

در سن هفده سالگی بعد از گذراندن مقداری از دروس مقطع متوسطه، به توفیق الهی و عنایات ائمه معصومین علیهم السلام و به امید تهذیب نفس وارد حوزه مقدسه علمیه شدم. مدت سه سال در مدرسه مبارکه امام محمدباقر علیه السلام (به مدیریت حجة الاسلام والمسلمین دیانی حفظه الله) و همان جا در امتحان شهریه شرکت نموده و سپس جهت کلاسهای رسائل و مکاسب و کفایه دو سال در مدرسه علمیه حضرت آیه الله العظمی خویی رحمه الله علیه و مفتخر به تعمیم به لباس مقدس قطب عالم امکان حضرت مهدی موعود ارواح العالمین (عج) لباس مقدس روحانیت در نیمه شعبان ۱۳۷۸ شمسی شدم. به برکت ورود به مدرسه مبارک حضرت آیت الله العظمی خویی رحمه الله علیه با برنامه‌های آموزشی دفتر تبلیغات اسلامی خراسان آشنا شدم و همزمان دو رشته تخصصی مکالمه و ترجمه عربی و رشته تخصصی علوم و معارف قرآنی (که سه سال طول کشید) را آغاز نمودم. و پایان نامه علوم قرآنی را با موضوع «تقدیم و تأخیر در قرآن کریم از منظر علامه طباطبایی و جلال الدین سیوطی» ارائه دادم. در سال ۱۳۸۱

توفیق ورود به حوزه مبارکه قم مقدسه و همجواری کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها نصیب شد و علاوه بر شرکت در دروس خارج فقه و اصول علماء عظام (همچون حضرت آیه الله العظمی وحید خراسانی، حضرت آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی، حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی، حضرت آیت الله العظمی میرزا محمدحسین احمدی فقیه یزدی، حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی، حضرت حجة الاسلام حاج احمد عابدی مدظله) در دوره یکماهه تربیت مربی قرآن کریم (تحت نظر واحد تهذیب حوزه)، مدیریت مسجد، (با مسئولیت حجة الاسلام تقی قرائتی) دوره شش ماهه اندیشه‌های امام خمینی رضوان الله علیه (واحد آموزش مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره))، دوره دو ماهه آشنایی با فرقه‌ی تصوف (سفیران هدایت)، دوره تخصصی سه ساله تفسیر و علوم قرآن حوزه علمیه قم شرکت نمودم. و هم اکنون مشغول به نگارش پایان نامه تخصصی تفسیر با عنوان «تحلیل شبهات تفسیر المنار رشید رضا در تفسیر شریف المیزان علامه طباطبایی رحمه الله» می‌باشم.

ناگفته نماند در مشهد مقدس از محضر علماء اعلام و فضلاء کرام همچون حضرت آیه الله العظمی مرحوم میرزا حسنعلی مروارید، حضرت آیت الله العظمی مرحوم سید صادق فقیه سبزواری، حضرت آیه الله العظمی سید مهدی عبادی رضوان الله علیهم، حضرت آیت الله العظمی سید محمد موسوی شاهرودی، حضرت آیه الله العظمی جوهری، حضرت آیه الله العظمی دهشت، حضرت آیه الله العظمی سید جعفر سیدان، حضرت حجة الاسلام والمسلمین میرزا جواد مروارید، حضرت حجة الاسلام والمسلمین نوقانی، حضرت حجة الاسلام والمسلمین سید مرتضی حسینی شاهرودی، حضرت حجة الاسلام والمسلمین علی سائلی حفظهم الله تعالی مستفیض گردیدم. ضرورت می‌دانم نهایت تشکر و سپاسگزاری خویش را نسبت به والدین عزیزم اداء کنم که با بذل جان خویش امکانات تحصیل حقیر را فراهم آوردند و نیز از همسر محترم خویش قدردانی می‌نمایم که محیط خانه را فضای مساعد برای مطالعه حقیر قرار داده است.

عسکری حسنی سمنانی، محمد حسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، عالم، فقیه و محدث. معروف به میرزا عسکری. از علمای نیک و نیکان صالح بود. در پی دریگری با حاکم سمنان و اخراجش از شهر، و خوابی که فتحعلی شاه در این زمینه دید، دستور شاه مسجدی بزرگ، مشهور به مسجد شاه سمنان، به جهت تکریم او ساختند، و تولیت آن را به او و فرزندانش واگذار کردند. وی دارای تألیفات چندی است که از جمله آنها: «منهاج العارفین و معراج العابدین»، در اعدیه، که آن را در ۱۲۴۸ ق به اسم شاهزاده بهمن میرزای قاجار، فرزند فتحعلی شاه، تألیف کرده است؛ «منیر القلوب و کاشف الکروب»، در اصول دین و مذهب و فضائل الائمه (ع)، که در ۱۲۴۹ ق آن را به خواست بهمن میرزا و به اسم فتحعلی شاه تألیف کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۷۳ / ۹)، الذریعه (۲۱۲، ۱۶۷ / ۲۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۳۳ / ۱۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۳۴ / ۲).

عسکری، ابوالاحمد حسن

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۸۲- ۲۹۳ ق)، فقیه، لغوی، نحوی و ادیب. در عسکر مکرّم از نواحی اهواز به دنیا آمد. در آنجا نشوونما یافت و سپس به بغداد منتقل شد. او سفرهایی به بصره و اصفهان و دیگر شهرها داشت. از عبدان اهوازی و احمد تستری و ابوالقاسم بغوی و محمد بن جریر طبری و ابوبکر بن درید و ابراهیم نبطویه و عباس بن ولید اصفهانی و همبطقه‌ی آنان روایت کرده است. بزرگان حدیث به سؤیش می‌آمدند تا از او کسب روایت کنند. ریاست عالی‌ی تحدیث و املاء و تدریس در شهرهای خوزستان در عصر وی بدو منتهی می‌شد. وی در عسکر و تستر و شهرهای اطراف آن نواحی املائی حدیث می‌کرد. ابوسعید مالینی و ابوبکر یزدی اصفهانی و ابوالحسن نعیمی و ابوالحسین محمد اهوازی و ابوعلی حسن اهوازی و ابونعیم اصفهانی حافظ و عبدالواحد باطرقانی و احمد بن محمد بن زنجویه و محمد بن منصور تستری و علی بن عمر ایذجی و ابوسعید حسن بن علی تستری سقطی از وی حدیث روایت کرده‌اند. برخی ابوهلال عسکری را خواهرزاده و شاگرد ابواحمد عسکری می‌دانند. در «ریاض العلماء» آمده است که عسکری از مشایخ شیخ صدوق است و صاحب «اعیان الشیعه» این را دلیل بر تشیع عسکری دانسته، و بعلاوه شوق صاحب بن عباد را برای دیار وی و رثاء گفتن صاحب را در مرگ او تاکیدی بر تشیع وی آورده است. عسکری در علوم مختلف و فنون گوناگون متبحر بود. همگان زیبایی تألیف و تصنیف وی را ستوه‌اند. از آثارش: «تصحیفات المحدثین»، «الحکم و الامثال»، «راحه الارواح»، «الزواج و المواعظ»، «المختلف و المؤتلف»، «التفصیل بین بلاغتی العرب و العجم»، «تصحیح الوجوه و النظائر»، «المصون»، در ادب؛ «صناعه الشعر».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۱۱ / ۲)، الاعلام بوفیات الاعلام (۲۶۰ / ۱)، اعیان الشیعه (۱۴۸- ۱۴۵ / ۵)، انساب سمعانی (۱۹۳ / ۴)، ایضاح المکنون (۳۳۲ / ۲)، الذریعه (۶۰ / ۱۲)، روضات الجنات (۶۰- ۵۷ / ۳)، ریاض العلماء (۲۰۱- ۲۰۰ / ۱)، سیر النبلاء (۴۱۵- ۴۱۳ / ۱۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۸ / ۴)، العبر (۱۶۱ / ۲)، کشف الظنون (۱۶۳۷، ۱۴۶۴، ۱۴۰۴، ۹۵۶، ۸۰۱، ۶۷۵، ۴۱۱، ۲۳۳)، لغت‌نامه (ذیل / حسن)، معجم الادباء (۲۵۸- ۲۳۳ / ۸)، معجم البلدان (۱۴۰- ۱۳۹ / ۴)، معجم المؤلفین (۲۴۰- ۲۳۹ / ۳)، النجوم الزاهره (۱۶۶ / ۴)، الوافی بالوفیات (۷۷- ۷۶ / ۱۲)، وفیات الاعیان (۸۵- ۸۳ / ۲)، هدیة العارفین (۲۷۳- ۲۷۲ / ۱).

عسکری، ابوالحسن علی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۱۳ / ۳۰۵ / ۳۰۰ ق)، حافظ و محدث. نسبتش به عسکر سامراء می‌رسد. در ۲۹۸ ق به اصفهان رفت و از آنجا به نیشابور. وی از عمرو بن علی صیرفی و محمد بن مثنی و یعقوب دورقی و زبیر بن بکار و همبطقه‌ی آنان حدیث روایت کرده است. او از محدثین بنام زمان خود بود و حافظان بزرگ زمانش همچون ابوالشیخ و ابوبکر قباب و ابوعمر و بن حمدن و ابوعمر و بن مطر و دیگران از وی روایت کرده‌اند. عسکری در ری سکنی گزید و همان جا در گذشت. به آورده‌ی «العلام» از «اخبار اصفهان» محل وفات وی نیشابور است. از آثارش: «الشیوخ»، «المسند»، کتاب «السرائر».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۰۲ / ۵)، انساب سمعانی (۱۹۵ / ۴)، ایضاح المکنون (۳۰۲ / ۲)، تاریخ نیشابور (۱۱۸)، سیر النبلاء (۴۶۳ /

(۱۴)، طبقات الحفاظ (۳۱۸)، العبر (۴۳۸ / ۱)، معجم المؤلفین (۹۹ / ۷)، النجوم الزاهره (۲۰۱ / ۳)، هدیة العارفین (۶۷۵ / ۱).

عسکری، ابوهلال حسن

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۹۵ ق)، ادیب، لغوی، نحوی و شاعر. وی از مردم عسکر خوزستان بود. نزد دایی خویش، حسن بن عبدالله بن سعید عسکری، کسب علم کرد. از آثار وی: «الصناعتین فی النظم و النثر»، «التفضیل بین بلاغہ العرب و العجم»، «جمهره الامثال»، «معانی الادب»، «تفسیر العسکری»، «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۱۲-۲۱۱ / ۲)، اعیان الشیعه (۱۴۸ / ۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۳ / ۱)، روضات الجنات (۶۰-۵۷ / ۳)، ریحانه (۳۰۵-۳۰۴ / ۷)، کشف الظنون (۱۹۸۰، ۱۸۲۳، ۱۵۴۸، ۱۴۶۸، ۱۴۶۴، ۱۴۶۰، ۱۰۸۲، ۶۹۱، ۶۰۶، ۴۷۹، ۴۵۳، ۲۹۳، ۲۳۳، ۲۰۰-۱۹۹)، الکنی و الالقاب (۱۸۴-۱۸۲ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل / حسن، عسکری)، معجم الادباء (۲۶۷-۲۵۸ / ۸)، معجم البلدان (۱۴۰ / ۴)، معجم المؤلفین (۲۴۰ / ۳)، هدیة العارفین (۲۷۳ / ۱).

عسکری، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، عالم دینی و نویسنده. مشهور به علامه‌ی عسکری. در سامراء نشوونما یافت و ازین جهت به عسکری مشهور شد. از مضحربزرگان سامراء و نجف کسب فیض کرد. سالها به امر آیت‌الله حکیم در بغداد اقامت و وکالت مطلقه از وی داشت و به انور دینی، اقامه جمعت و تألیف مشغول بود. چندین بار مورد حمله و اعتراض دولت بعثی عراق واقع شد، تا در ۱۳۹۱ ق اجبار به ایران مهاجرت کرد و در تهران سکونت گزید و به تصنیف و تألیف و همچنین نقد و انتقاد کتب عامه اشتغال ورزید. از آثارش:

«عبدالله بن سبا»، دو جلد؛ «احادیث عایشه» به عربی؛ «خمسون و مائه صحابی مختلق» یا «۱۵۰ صحابی ساختگی»، دو مجلد. [۱]

سید مرتضی عسکری بن آیت‌الله حاج سید محمد شیخ الاسلام ساوجی از علماء مبرز و نویسندگان متبحر و ممتاز معاصر شمیران است.

وی در سامرا نشو و نما یافته و از این جهت به عسکری شهرت یافته و از محضر آیات عظام سامرا و نجف اشرف استفاده نموده و سالها بامر آیت‌الله العظمی حکیم در بغداد اقامت و وکالت مطلقه از معظم له داشته و بخدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و تألیف کتب مفیده و ارشاد مردم شیعی بغداد نموده و کرارا مورد حمله و اعتراض دولت شوم بعثی عراق واقع شده تا سال ۱۳۹۱ ق که مجبورا به ایران مهاجرت و در شمال تهران (نزدیک تجریش) سکونت و بتألیف و نقد و انتقاد کتب عامه اشتغال دارند.

از آثار ارزنده آن جناب که بطبع رسیده کتب زیر است:

۱- عبدالله بن سبا ج ۱- این کتاب در نجف و قاهره و بیروت و تهران و هند و پاکستان طبع شده.

۲- عبدالله بن سبا ج ۲- این کتاب به (عربی) در تهران چاپ گردیده است.

۳- احادیث عایشه ج ۱- این کتاب بعربی در تهران و به (اردو) در پاکستان چاپ شده.

ترجمه فارسی کتاب مزبور، بقلم محمد صادق نجمی و هاشم هریسی در قم و تهران چاپ شده.

۴- خمسون و مائه صحابی مختلق ج ۱- این کتاب به (عربی) در بیروت و بغداد چاپ شده.

۵- خمسون و مائه صحابی مختلق ج ۲- آماده برای طبع میباشد.

نگارنده گوید: علامه شهیر آقای حاج سید مرتضی عسکری شهرت خدمات و آثارش در عراق و ایران باندازه ایست که دوست و دشمن را بتقدیر و تحسین واداشته و شروع خدمات ایشان بیک کتاب یا رساله مستقلى نیازمند است.

نوشته‌ها و تألیفات معظم له مورد توجه دانشمندان بزرگ مصری و غیره میباشد از جمله علامه بزرگ مصری استاد محقق شیخ محمود ابوریه تقریظ مبسوطی بکتاب احادیث عایشه ایشان نوشته که شایان اهمیت است و ترجمه آن در مقدمه کتاب عایشه در دوران (علی علیه السلام) بطبع رسیده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه [۱]: گنجینه‌ی دانشمندان (۶۶۰-۶۵۹ / ۴).

عسگری

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عسگری مشهور به (آقابزرگ حکیم) فرزند میرزا ذبیح‌الله بن میرزا مهدی شهید از حکماء و متالیهین عصر حاضر و از رجال پاکدامن و وارسته خراسان و از کسانی بود که در وارستگی و جلالت کمتر عالمی به پایه او می‌رسد.

آقای مروج در سوانح گوید. وی در مشهد از محضر شیخ موسی منطقی و حاج میرزا شفتی و میرزا محمد خادم‌باشی و در تهران از حکیم شهیر میرزا ابوالحسن جلوه و میرزا ابراهیم گیلانی و در نجف سالیانی از محضر اخوند خراسانی بهره‌مند شده پس از آن به مشهد مقدس بازگشته و متجاوز از ۲۳ سال به تدریس خارج شرح لمعه و شرح قوشچی و اشارات و شوارق و شرح منظومه و اسفار و امثال اینها می‌پرداخته.

و هم اکنون عده از شاگردان دانشمند او در قید حیوه و نمونه‌های بارز اویند معظم له در شب ۲۹ جمادی‌الثانیه سال ۱۳۵۵ وفات یافته و حسب‌الوصیه در دامنه شرقی کوه سنگی که هم‌اکنون مزار اهل صفا هست مدفون شده است.

فرزند ارجمندش آقا میرزا مهدی از کبار افاضل عصر بوده و محافل علمی به وجود این نوباوه بوستان آل عصمت مزین و مفتخر بودند ولی صد حیف که دیر نپائید و زود محافل علمی را داغدار کرد هنوز هم افاضل خراسان از رحلت وی متاثراند.

وی یک سال پیش از وفات پدرش در ۱۳ رجب سال ۱۳۵۴ درگذشت و قلب پدر پیرش را به رحلت خود داغدار ساخت.

فروع و اصول و در خراسان مرجعیت و ریاست تامه داشته و دارای کرامات باهرات بوده و از آن جمله معروفست که چون در شبها و صحرها به زیارت آستان قدس رضوی علیه‌الصلوه والسلام مشرف می‌شدند درب روضه مطهره از برای او مفتوح می‌گردید.

و نیز می‌گویند که در نیمه شب خود به نفسه برای ارامل و ایتم حمل مایحتاج از نان و غیره می‌نمود.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

عسگری، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

عسگری، منوچهر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: قارچ‌شناسی پزشکی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی با رتبه ممتاز از دانشکده پزشکی تهران در سال ۱۳۳۵، دوره عالی مالاریالوژی، دستیاری کرسی انگل‌شناسی، دوره عالی اپیدمیولوژی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۹، گذراندن دوره فوق تخصصی بیماریهای قارچی در آمریکا از سال ۱۳۴۱ به مدت دو سال.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده پزشکی تهران در سال ۱۳۴۱، دانشیار پاتوبیولوژی دانشکده پزشکی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۴، استاد قارچ‌شناسی و انگل‌شناسی دانشکده بهداشت دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۲، استاد دانشکده پزشکی دانشگاه شهید بهشتی.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحقیق درباره بیماری‌های مالاریا، بیماریهای انگلی، تب راجعه انگلهای روده‌ای بیلازرزیوزیس، توکسوپلاسموزیس، لیشمانیوزیس، تراخم، اپیدمیولوژی بیماری شارب‌ن و نمایش آنتاگونیست داروئی در آن، بررسی حساسیت جلدی مردم نواحی مختلف کشور به آنتی‌ژنهای قارچهای احشائی، بهترین نحوه درمان کچلی سر، بررسی علل قارچی عوامل اسهال‌ها در کودکان، بررسی فلوردر ماتوفیتی پادگان‌های جنوب، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

ابداع:

طراحی دستگاه تصفیه هوا به هنگام بمباران شیمیائی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

قارچ‌شناسی پزشکی، انگل‌شناسی، حشره‌شناسی پزشکی بیماریهای قارچی و تشخیص آزمایشگاهی آن، بیماری شارب‌ن، اپیدمیولوژی بیماریهای شایع در ایران.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۱، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۷

زمینه علمی مقالات:

اولین گزارشات درباره وجود، علل، شیوع و طرز درمان بیماریهای قارچی موجود در ایران و جدا کردن اولیه آنها از محیط و بیماران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

عسگری شیرازی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: فیزیک پزشکی دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته فیزیک، کارشناسی در رشته ریاضی، کارشناسی در رشته علوم تربیتی از دانشگاه تهران و دانشگاه تربیت معلم کارشناسی ارشد در رشته هواشناسی از دانشگاه نیویورک آمریکا، دکترای پزشکی از دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، گواهینامه دوره‌های تخصصی پزشکی هسته‌ای و فیزیک بهداشت از انگلستان.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فیزیک پزشکی، هواشناسی، پزشکی هسته‌ای، حفاظت در برابر پرتوهای یون‌ساز جریانهای تلاطمی هوا، بیماریهای روماتیسمی، آلودگی هوا، استاد راهنمای ۱۰ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

پزشکی و هواشناسی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

فیزیک پزشکی، پزشکی هسته‌ای و هواشناسی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

عشاقی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین عشاقی

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۵/۸ زندگینامه علمی

از حدود سال ۱۳۴۷ همراه با گذراندن دوره دبیرستان وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و در آنجا حدود سه سال به ادبیات و سپس تا پیروزی انقلاب به سطوح پایه در منطق، فقه، اصول و کلام و بعد از آن تا سال ۶۴ به سطوح عالی اصول فلسفه و فقه مشغول بوده ام در سال ۶۴ برای تکمیل تحصیلات مخصوصاً فراگیری عرفان به حوزه علمیه قم هجرت نمودم و در نزد اساتیدی همچون آیات جوادی آملی، حسن زاده آملی، وحید خراسانی، تبریزی، و شاه آبادی ادامه تحصیل داده و حدود ۹ سال در درس خارج فقه و اصول آن بزرگان شرکت نمودم. علاوه بر تحصیلات

یلاست بخش عمده وقتم به تدریس سطوح مختلف مخصوصاً علوم عقلی صرف شده است و کتب رایج حوزه را همچون نهاییه الحکمه، شرح منظومه، شرح اشارات، شوارق الالهام را به طور مکرر و غیر مکرر تدریس نموده ام و اینک چند سالی است به تدریس در سطوح عالی فلسفه و عرفان مشغولم. در مراکز تحقیقاتی نیز همکاری علمی داشته ام مثل استخراج محتوای متون فلسفی جهت کامپیوتری کردن آنها، و اصطلاح یابی و مقاله نویسی جهت دائرة المعارف علوم عقلی و غیره

عشایری، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روانپزشکی، دانشکده: علوم توانبخشی، دانشگاه: علوم پزشکی ایران
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

عشایری، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی ایران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه تهران، دکترای تخصصی جراحی عمومی از دانشگاه شیراز و گذراندن رشته تخصصی جراحی

ترمیمی و پلاستیک در دانشگاه علوم پزشکی ایران.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فعالیت در رشته جراحی دست و اعصاب محیطی و جراحی میکروسکوپی، در این رابطه درمان هفت هزار بیمار جنگی، جراحی شبکه بازویی، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۲۰ پایان‌نامه دکترای پزشکی و جراحی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

پزشکی، جراحی ترمیمی و میکروسکوپی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

پزشکی، جراحی ترمیمی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

عصار تبریزی، شمس‌الدین محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۹۲ / ۷۸۳ ق)، دانشمند، شاعر و نحوی، متخلص به محمد. وی در تبریز به دنیا آمد، در علوم ریاضی، فلکیات، رمل و اسطرلاب دانا و باتصوف آشنا بود. سلطان اویس جلایر را مدح می‌گفت. بیشتر در انزوا و خلوت می‌زیست و به شاعری می‌پرداخت و در شعر به صنعت اغراق توجه خاص داشت. آثار وی: مثنوی «مهر و مشتری»، که در بعضی از تذکره‌ها به اشتباه نام آن را «مهر و ماه» بیان کرده‌اند، و در «ریحانه» از هر دو نام برده شده است؛ رساله‌ی «الوافی فی تعداد القوافی»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آتشکده‌ی آذر (۱۳۲- ۱۳۱ / ۱)، بهارستان (۱۱۷- ۱۱۶)، تاریخ نظم و نثر (۲۰۳)، دانشمندان آذربایجان (۲۷۶- ۲۷۵)، الذریعه (۱۶ / ۲۵، ۳۱۵، ۳۱۴ / ۱۹، ۱۰۰۰، ۷۲۴ / ۹)، روضات الجنان (۳۶۶- ۳۶۳ / ۱)، ریحانه (۱۴۰- ۱۳۹ / ۴)، سخنوران آذربایجان (۵۴۴- ۵۳۳)، صبح گلشن (۲۸۷- ۲۸۶)، فرهنگ سخنوران (۶۳۷)، لغت‌نامه (ذیل / عصار)، مجالس النفائس (۳۵۴)، هفت اقلیم (۲۲۹- ۲۲۷ / ۳).

عصار لواسانی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۶ / ۱۳۵۵ - ۱۲۶۴ ق)، فقیه اصولی، مفسر، حکیم و شاعر، متخلص به عصار. در ابتدا آشفته تخلص می‌کرد و سپس عصار را برگزید و لقب شعری او نظام بود. اصل وی از مازندران و ساکن لواسان تهران بود. پس از فراگیری سطوح و خارج فقه، در تهران، در ۱۲۸۹ ق، به عراق رفت و از آن جا سفری به مکه نمود و در بازگشت، در ۱۲۹۶ ق، به سامراء مهاجرت کرد و تا ۱۳۰۱ ق در آن جا ماند و در این سال به تهران بازگشت. در اواخر عمر، در ۱۳۴۰ ق، به مشهد مهاجرت کرد و در همان جا ساکن شد. او با کهنوت سن و از دست دادن یک چشم و کمی دید چشم دیگر، غالباً به تألیف اشتغال داشت. عصار در مشهد درگذشت و در ایوان صحن رضوی دفن شد. از آثار وی: «التأملیات»، در بیان وجه تأملات «مکاسب» شیخ انصاری؛ حاشیه‌ی «القواعد الکلیه الاصولیه و الفرعیه»، شهید اول؛ حاشیه‌ی «کشف الریبه فی احکام الغیبه» شهید ثانی؛ «فقاہه الرضویه»، فقه استدلالی، در دو مجلد؛ حاشیه بر «کشف الفوائد» علامه حلی، در شرح «قواعد العقائد» خواجه نصیرالدین طوسی؛ «ناسخ التفاسیر»، در تفسیر فارسی، در سه مجلد که قسمتی از آن به خط شاگردش میرزا احمد بن صالح بادکوبه‌ای است؛ «رساله‌ی رجالیه»؛ «توحید کمالی»؛ «اخلاق کمالی»؛ «الحجج الرضویه فی تأیید الهدایه المهدویه و الرد علی البابیة»، به فارسی؛ «المواهب الرضویه فی رفیع الشبهات المقوله و المنویه»، در نبوت خصاه و در جواب تشکیکات مسیحیان، بایان، بهائیان و قادیانیان، به فارسی؛ «آداب السلوک للرعیه و الملوک»، منظوم، به فارسی؛ «التحفه المدنیه»، در عروض جامع بین عربی و فارسی و قافیه عربی و قافیه فارسی، که در ۱۲۹۰ ق در مدینه تألیف کرد؛ «بیان الغیب»، دیوان شعر، در استقبال از «دیوان» خواجه حافظ؛ «لسان الغیب»؛ «نیاح الغیب»؛ «دیوان عصار»؛ «منظومه‌ی خیر الرسائل» یا شرح «دیوان گلشن راز».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷ / ۳۱۲)، اعیان الشیعه (۵۵ / ۱۰)، الذریعه (۵ / ۲۴، ۲۳۹، ۱۱۵، ۲۳ / ۳۰۹، ۱۸ / ۲۷۰، ۱۳ / ۱۰۰۰، ۷۲۴ / ۹، ۱۸۶، ۱۷۳، ۶ / ۴۸۵، ۴ / ۴۶۸، ۳۰۲، ۱۸۳، ۳ / ۳۷۷-۳۷۶، ۲۰ / ۱)، ریحانه (۴ / ۱۴۰)، فرهنگ سخنوران (۶۳۷)، معجم المؤلفین (۳۱۸ / ۱۱)، مکارم الآثار (۱۷۶۶-۱۷۶۵ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۸-۵۹۶ / ۵).

عصاری طاہرانی طوسی، ابو محمد عباس

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۴۹ ق)، عالم دینی، واعظ و محدث. وی «کشف البیان» ثعلبی را از طریق محمد بن سعید فرخزادی، از مؤلفش، روایت کرده است. از ابوالحسن بن ائرم حدیث شنید. مؤید طوسی و عبدالرحیم سمعانی و ابوسعید صفار از وی حدیث شنیدند. وی در فتنه غز در نیشابور کشته شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۲۸۹-۲۸۸ / ۲۰).

عصمت تیمور، عایشه

قرن: ۱۳

جنسیت: زن

ملیت: ایران

۱۳۲۰-۱۲۵۶ ق، از زنان ادیب و متجدد. وی دختر اسماعیل رشدی پاشا پسر محمد تیمور کاشف و از اکراد بود که در مصر به دنیا آمد. عایشه از خردسالی به شعر و ادب تمایل زیادی داشت. پدرش به تعلیم و تربیت او همت گماشت و برای او معلم خانگی گرفت که زبان‌های عربی، ترکی و فارسی را بیاموزد. بعدها عایشه خود در مجامع ادبی حضور یافت و محضر استادان شعر و ادب را درک کرد و در این رشته به پایه‌ای رسید که کمتر زنی تا آن زمان رسیده بود. در نظم و نثر نیز مهارت فراوان یافت. در سال ۱۲۷۱ ق به همسری محمد توفیق بیگ اسلامبولی درآمد و با او به اسلامبول رفت و به خانه‌داری و بچه‌داری مشغول شد. این امر او را از مطالعه و شاعری بازداشت تا اینکه دخترش، توحیده بزرگ شد و توانست که در خانه‌داری به او کمک کند. در سال ۱۲۸۹ ق پدر و سه سال بعد نیز همسرش وفات یافت (۱۲۹۲ ق) و او ناچار به قاهره بازگشت. از آن پس وقت خود را وقف مطالعه و تکمیل معلومات و گسترش دایره‌ی اطلاعات ادبی خود کرد و در نتیجه کثرت مطالعه و تحقیق و تتبع به حد کمال رسید. دو سال پس از فوت همسرش، دختر او نیز که هیجده سال داشت، ناگهانی و در عین جوانی درگذشت. عایشه در مرگ او هفت سال عزاداری کرد و در اثر تالعات روحی اشعار و مراثی شیوا و سوزناکی به زبان عربی سرود که از لحاظ ادبی شاهکار است. او به زبانهای عربی، فارسی و ترکی شعر می‌گفته و قصاید بسیاری درباره تعلیم و تربیت جامعه زنان سروده است. عایشه را سرآمد نهضت علمی و ادبی زنان مصر می‌دانند. ترجمه مرثیه‌ی او که در مرگ توحیده سروده چنین است:

«در بامدادی از ماه روزه تا جامهای مرگ به گردش درآمد، قدح‌های اشک حسرت نیز به گردش افتاد. آنکه دوستش داشتم رفت و شرنگ غم و غصه را به من چشانید و از فراق او در دلم آتشی برپا شد. آه از این آتشی که در بین دنده‌هایم افروخته شد و سرچشمه زندگانیم را خشکاند. من با غم و رنج چنان خو کرده‌ام که اگر از من دور شود از تاخیرش ناراحت می‌شوم. من حاضر نبودم که زمان کوتاهی دوری عزیز را تحمل کنم. اکنون که زمان جدایی بسیار نامحدود است چگونه شکبیا باشم؟ فرزندم! تا روزی که در بهشت و آن باغهای سرسبز همیشگی - که حورها آنجا را آذین بسته‌اند - به همدیگر برسیم از جدایی و دوری ناله سر می‌دهم و گریه می‌کنم. همان بهشتی که دوستان در آنجا به همدیگر می‌رسند و در واقع زندگی خوب و آسوده همان است. به خدا قسم از تلاوت قرآن و دعای خیر تا روزی که پرندگان بر شاخه‌های درختان نواخوانی کنند کوتاهی نخواهم کرد.»

ترجمه قطعه‌ای از اشعار تفاخر و حماسه‌آمیز او چنین است.

«با دست عفت، از عزت و حرمت حجابم نگهداری می‌کنم و با حفظ عصمت و آبرو بر همگان برتری می‌جویم. ادب و تربیت من در سایه اندیشه و روشن و قریحه خردبین به مرز کمال رسیده است. تحصیل و کسب ادب و دانش برای من - که زنی هستم - ضروری نداشته بلکه موجب شده است که در بین جامعه زنان چون گلی جلوه‌گر باشم. شرم و آزر و نیز داشتن چادر و نقاب، مرا از ترقی در رسیدن به کمال مطلوب و برتری در میدان مبارزه برای دست یافتن به هدف باز نداشته است. آینه من صفحات دفتر و کتاب و آرایش و گلگونه‌ام از نقش مداد و جوهر نوشتنی است.

قدرت من در دستهایم است - نه زیبایی و رنگ صورت - و فراست و هوش من برای رسیدن به آینده بهتری است.»

آثار چاپ شده عایشه عبارتند از: دیوان اشعار فارسی و ترکی که یکبار در استانبول و بار دیگر در قاهره به چاپ رسیده است، حلیة الطراز، دیوان شعر به عربی، نتایج الاحوال فی الاقوال و الافعال، شامل حکایات و داستان‌هایی درباره دستوره‌های اخلاقی به زبان عربی، مرآت التامل فی الامور، به زبان عربی در ادب و اخلاق. وی در قاهره درگذشت.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منابع: الاعلام، ۵ / ۴؛ تاریخ مشاهیر کرد، ۸۴-۸۱ / ۲؛ معجم المؤلفین.

عصیری، مجتبی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مجتبی عصیری

محل تولد: آران و بیدگل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیدمجتبی عصیری فرزند سید محمد متولد اول مرداد ماه سال ۱۳۴۹ ه. ش در خانواده‌ای مذهبی و از نظر اقتصادی متوسط، در منطقه بیدگل کاشان می‌باشم که در سن ۵ سالگی به همراه خانواده پدری جهت سکونت به شهرستان کاشان عزیمت نموده و تحصیلات ابتدائی و راهنمایی خود را در این شهر آغاز نمودم. از همان اوان طفولیت که همزمان با تحصیل در مدرسه ابتدائی بود به علت جو خانواده و حرمت و قداستی که در آن نسبت به مقام شامخ روحانیت و این کسوت وجود داشته و همچنین علاقه و ارادت وافری که والدین این جانب، بالاخص پدر که خود به شغل معماری ساختمان مشغول بود توجهم به این سوی جلب گردید. در دومین سال تحصیلی در مقطع راهنمایی بود که فکر روی آوردن به دروس حوزوی به طور جدی به فکرم خطور نمود اما با توصیه بعضی از دوستان جهت تکمیل مقطع راهنمایی مجدداً به ادامه تحصیلات روز مشغول گردیدم و در پایان مقطع راهنمایی چون جهت شرکت در جبهه‌های نبرد حق بر علیه باطل اعزام گردیده بودم تا حدودی از فکر حوزه دور گردیدم و همزمان با حضور در جبهه‌ها تحصیلات دبیرستان را آغاز نمودم. تا اینکه در سال دوم دبیرستان و دومین حضور در جبهه به طور جدی عزم خود را جزم نموده و تصمیم خود را گرفته و در سال ۱۳۶۶ - ۱۳۶۷ رسماً وارد حوزه علمیه مقدسه قم گردیدم و در کنار تحصیلات حوزوی دیپلم علوم انسانی و سپس تحصیلات دانشگاهی در مقطع کارشناسی و نیز کارشناسی ارشد را در رشته زبان و ادبیات عرب اخذ نمودم. سپس برای مدت سه سال در دانشگاه به تدریس مشغول گردیدم. اما پس از آن خود را متمرکز و ممتخص در دروس حوزه نموده و پس از پایان دروس سطح حوزه در سال ۱۳۷۷ وارد دروس خارج فقه و اصول گردیده و تا این زمان نیز به این مهم اشتغال دارم و در کنار آن به بعضی از کارهای قلمی و تألیفی نیز اشتغال دارم که از خداوند متعال مزید توفیقاتش را مسئلت دارم.

عضدالدوله، احمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۹ - ۱۲۳۴ ق)، مورخ. معروف به موجول میرزا و ملقب به عضدالدوله. پس از طی تحصیلات اولیه، در عهد پادشاهی پدر، حکومت کاشان به پیشکاری علی محمدخان نظام‌الدوله به وی تفویض شد. از ۱۲۷۰ ق در زمان پادشاهی پدر به حکومت شهرهای مختلفی رسید. مدتی نیز تولیت آستان مقدس قدس روضی با او بود. اثر وی «تاریخ عضدی» است، در شرح زندگانی خصوصی فتحعلی شاه که در هندوستان و ایران چاپ شده است. لازم به ذکر است که آقای دکتر نوایی، در کتاب «تاریخ عضدی»، سال تولد وی را ۱۲۳۹ ق ذکر کرده است. [۱]

(ع. بازوی دولت) احمد میرزا بن فتحعلی شاه، شاهزاده قاجاری و از رجال قر. ۱۳ ه. وی پدر سپهسالار وجیه‌الدوله میرزا (ه.م.) و مؤلف «تاریخ عضدی» است.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ عضدی (۲۲۴ - ۲۲۲)، الذریعه (۲۶۵ / ۳)، شرح حال رجال (۷۴ - ۷۳ / ۲)، فرهنگ رجال قاجار (۱۲۲)، لغت‌نامه (ذیل / عضدالدوله)، مؤلفین کتب چاپی (۴۲۵ - ۴۲۴ / ۱).

عضدالدین

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(بازوی کیش و آیین) ایچی، (مولانا) عبدالرحمن بن احمد، دانشمند ایرانی قر. ۸ ه. (و. ۷۰۱ - ف. ۷۵۶ ه.ق. / ۱۳۵۵ م.). وی در قصبه ایج (فارس) پایتخت قدیم ولایت شبانکاره متولد شد. او به یک واسطه شاگرد ناصرالدین محسوب می‌شد. پس از پایان تحصیلات در فارس مسند قضاوت یافت و او از فقهای مشهور شافعی است و به قول خواجه حافظ از پنج تنی است که فارس در عهد شاه شیخ ابواسحاق اینجو به وجود آنان مزین بود. عضدالدین دارای مشرب تصوف بود و در حکمت و کلام و مذهب و اخلاق مهارت داشت. مهمترین تألیف او «مواقف» است. او در دستگاه سلطان ابوسعید و خواجه غیاث‌الدین محمد رشیدی و شاه شیخ ابواسحاق و ملوک فارس و شبانکاره بسیار محترم بود و در عهد ابوسعید منصب قاضی القضاتی کل ایران را داشت و در سلطانیه مقیم بود. شاه شیخ ابواسحاق اینجو او را سخت احترام می‌کرد و در کارهای ملکی از او مشورت می‌نمود چنانکه وی در سال ۷۵۳ ه.ق. از جانب شاه شیخ به رسالت نزد امیر مبارزالدین محمد مظفری رفت تا او را از حمله به شیراز منصرف سازد، امیر قانع نشد ولی از وی پذیرایی کرد و سه روز در مولد عضدالدین - قصبه ایج - به افتخار وی ضیافتی ترتیب داد و سپس او را مأمور کرد که کتاب المفصل زمخشری را - که در نحو است به فرزندش شاه شجاع بیاموزد، سپس عضدالدین را با احترام به شیراز برگرداند. قاضی در ضمن محاصره شیراز از طرف امیر مبارزالدین از آنجا خارج شد و به شبانکاره رفت، ولی در آنجا امیر شبانکاره با قاضی نساخت و او را در قلاع شبانکاره محبوس کرد و دانشمند مزبور تا سال ۷۵۶ - که سال فوت اوست - محبوس بود اوراست: مواقف در علم کلام که متن آن را به نام خواجه غیاث‌الدین محمد تألیف کرده، فوائد غیاثیه، شرح مختصر ابن حاجب (هر دو به نام خواجه غیاث‌الدین محمد) منظور از کتاب اخیر کتابی است در اصول که ابن حاجب از کتاب دیگر خود که منتهی الوصول نام دارد مختصر کرده و این مختصر را گروهی شرح کرده‌اند که از آن جمله است عضدالدین ایچی (تاریخ مغول. اقبال. چا. ۱۱ - ۵۱۰: ۲). برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عطاء

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(بخش ۱) ابن یعقوب مکنی به ابوالعلاء و معروف به ناکوک، فاضل و شاعر و نویسنده ذواللسانین (ف. ۴۹۱ ه.ق.). وی در دو زبان عربی و فارسی دیوان مشهور داشت، و معاصر سلطان ابراهیم بود. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عطاء خراسانی، ابویوب، عطاء

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵ - ۵۰ ق)، مفسر، محدث و واعظ. اصل وی از خراسان بود، اما در دمشق و بیت المقدس زندگی می کرد. از صحابیانی چون ابن عباس و ابوهریره و ابودرداء و انس و معاذ بن جبل به طریق ارسال روایت کرده است. او از ابن بریده و بسیاری از تابعین چون سعید بن مسیب و سعید بن جبیر و عروه و عطاء بن ابی رباح و نافع و عکرمه حدیث شنید. معمر و شعبه و سفیان و مالک و حماد بن سلمه و حتی شیخش، عطاء بن ابی رباح، نیز از وی روایت کرده اند. گفته اند که وی در حدیث مردی مورد اعتماد بود و معروف به فتوا و جهاد. اما بخاری و عقیلی و ابن حبان او را از جمله ضعیفان محدثین ذکر کرده اند. در اریحا در گذشت و در بیت المقدس دفن شد. از آثار وی: «الناسخ و المنسوخ» که بخشی از آن باقی مانده است؛ «التفسیر»، که تنها چند برگ از آن بر جای مانده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: التاریخ الکبیر (۴۷۵-۴۷۴ / ۶)، تهذیب التهذیب (۱۸۶-۱۸۴ / ۷)، الجرح و التعذیل (ج ۳ ق ۳۳۵-۳۳۴ / ۱)، سیر النبلاء (۱۴۳-۱۴۰ / ۶)، شذرات الذهب (۱۹۳-۱۹۲ / ۱)، طبقات ابن سعد (۲۶۱ / ۷)، العبر (۱۴۰ / ۱)، کشف الظنون (۴۵۳)، معجم المؤلفین (۲۸۳ / ۶).

عطار اصفهانی، ابوبکر محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۶۶ ق)، حافظ، محدث و رجالی. وی نویسنده‌ی ابونعیم حافظ بود. در طلب حدیث سفرها نمود و از ابو عمر هاشمی و علی بن قاسم نجاد در بصره، و از ابوالقاسم حرفی و ابوعلی بن شاذان در بغداد، و از ابوبکر بن مردویه و ابوسعید محمد بن علی بن عمرو نقاش و همطبقه آنها در اصفهان حدیث شنید. سعید بن ابی رجا و حسین خلال و فاطمه بنت محمد بن بغدادی و اسماعیل بن علی حمامی و دیگران از وی حدیث روایت کرده اند. سمعانی گوید که او حافظ حدیث و در نزد اهل شهرش عظیم الشان بود و مجالس املائی حدیث چندی برقرار کرد. دقاق گوید: «او از حفاظی بود که از حفظ املا می کرد.»

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
 منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۴۱۷ / ۱)، سیر النبلاء (۳۳۹-۳۳۸ / ۱۸)، شذرات الذهب (۳۲۵ / ۳)، العبر (۳۲۰ / ۲)، النجوم الزاهره (۹۸ / ۵)، الوافی بالوفیات (۳۵۵ / ۱).

عطار همدانی، ابوالکرم علی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۵۸۵ ق)، محدث و مسند. مسند همدان بود. وی در ۵۸۵ ق در همدان از ابوغالب احمد بن محمد عدل و از فید بن عبدالرحمان شعرانی و گروهی دیگر حدیث روایت کرد. علی بن اسفہسالار (برابر با سپهسالار) رازی و شمس‌الدین احمد بن عبدالواحد مقدسی بخاری و حافظ عبدالقادر رهاوی و جماعتی دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۱۱۰ / ۲۱).

عطار همدانی، حسن

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۶۹-۴۸۸ ق)، حافظ، محدث و ادیب شیعی. وی به مقام برجسته‌ای از علم و فضیلت دست یافت و شهره‌ی آفاق بود. از محضر علما و راویان بسیاری چون حافظ ابوعلی حداد اصفهانی و ابوالعز قلانسی و محمد بن الفضل عزاوی و دیگران بهره گرفت و عده‌ی زیادی از او سود جستند و حدیث شنیدند، چون: شیخ منتجب‌الدین ابن بابویه و ابن شهر آشوب و موفق به احمد خطیب خوارزم و ابوسعید سمعانی. از آثار وی: «الهادی فی معرفه المقاطع و المبادی و الوقف و الابتداء و الانتصار فی معرفه قراء المدن و الامصار».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست منتجب‌الدین (۶۵)، معجم رجال الحدیث (۲۹۱/۴).

عطار، زین‌الدین علی

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۷۷۰ ق)، طبیب. در شیراز به دنیا آمد. پس از کسب علوم بویژه طب در بیمارستان مظفری شیراز به مداوای بیماران پرداخت. از آثار معروف وی در این رشته کتاب «اختیارات بدیعی»، در مفردات طب است که به ۷۶۷ هجری به نام عصمت‌الدین بدیع الجمال، همسر امیر مبارزالدین محمد و مادر سلطان بایزید مظفری، تألیف کرده و در ۷۷۰ ق روایت دومی از آن نوشته است. در «الذریعه» نام وی علی بن حسین انصاری، معروف به حاج زین‌العابدین عطار، ذکر شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ علوم و فلسفه ایرانی (۷۰۶)، الذریعه (۳۶۸ / ۱).

عطارزاده، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: چشم پزشکی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

عطاری طوسی، مجدالدین، ابومنصور محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۷۳ / ۵۷۱ - ۴۸۶ ق)، فقیه، اصولی و واعظ شافعی. معروف به حفده. اصلش از طوس است و در نیشابور برآمد. از ابوبکر محمد بن منصور سمعانی در مرو و از ابوحامد غزالی در طوس و از محیی السنه ابومحمد حسین بن مسعود بغوی در مرورود فقه آموخت. از بغوی دو کتابش «معالم التنزیل» و «شرح السنه» را شنید و کتابت کرد. در بخارا نزد علامه برهان‌الدین عبدالعزیز بن مازہ حنفی تحصیل نمود. سپس به مرو بازگشت و در آنجا ملجس و عظم آراست و مدتی در آنجا مقیم شد تا در فتنه‌ی غز (۵۴۸ ق) به عراق و از آنجا به آذربایجان و جزیره سفر نمود و به وعظ و تذکار پرداخت و مورد توجه قرار گرفت و به علت حسن و عظم همه بر گرد او جمع شدند. ابوسعید سمعانی گوید: او فقیه و واعظ و فصیح بود و از عبدالغفار شیروی و حافظ ابی لفتیان روآسی و نصار بن احمد عیاضی حدیث شنیده بود. من هم در مرو و نیشابور از او حدیث نوشتم. ابواحمد بن سکینه و ابن‌الاکضر و شمس‌الدین عبدالغفور بن بدل تبریزی بزوری و ابوالموهوب بن صصری و قاضی بهاء‌الدین یوسف بن شداد و ابوالمجد محمد بن حسین قزوینی از وی حدیث شنیده‌اند. وی در تبریز در گذشت. در «شذرات الذهب» نام وی به غلط عطاردی ذکر شده است. از آثارش: «اجویه مسائل»، در فقه و تصوف، که در جواب سؤالیهای یوسف بن مقلد دمشقی نگاشته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۵۶ / ۶)، سیر النبلاء (۵۴۰ - ۵۳۹ / ۲۰)، شذرات الذهب (۲۴۰ / ۴)، العبر (۶۱ / ۳)، معجم المؤلفین (۵۰ /

۹)، النجوم الزاهره (۷۱ / ۶)، الوافی بالوفیات (۲۰۳ - ۲۰۲ / ۲)، وفیات الاعیان (۲۳۹ - ۲۳۸ / ۴).

عظامک جوینی، علاء‌الدین، ابوالمظفر عطاء ملک

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۸۳ / ۶۸۱ - ۶۲۳ ق)، مورخ و ادیب. ملقب به صاحب دیوان. وی از خاندان بزرگ صاحب دیوانان جوینی است که در قرن پنجم

و ششم و هفتم همواره متصدی مشاغل بزرگ دولتی بودند. از جوانی وارد کارهای دیوانی شد و به خدمت امیر ارغوان آقا، حکمران خراسان، پیوست، و دوبار به همراه وی به مغولستان سفر کرد و درای سفرها به احوال مغولان آشنایی پیدا کرد. در ۶۵۴ ق که هولاکو خان مغول به خراسان آمد، عظاملک به او پیوست و در جنگ‌های وی با اسماعیلیان الموت و با خلیفه‌ی عباس در بغداد همراه او بود. پس از از چندی از جانب هولاکو به حکومت عراق عرب منصوب شد و حدود بیست سال در این مقام بود. پس از مرگ هولاکو به سعایت مجدالملک یزدی مدتی گرفتار شد. چون آزاد شد در اران یا مغان در گذشت و پیکر او را به تبریز آوردند و در آنجاه به خاک سپردند. از مآثر وی: کشیدن نهری از فرات به جنوب غربی نجف. از آثار علمی وی: «تاریخ جهانگشای»، در سه مجلد در شرح ظهور چنگیزخان و احوال و فتوحات وی و تاریخ خوارزمشاهیان و حکام مغولی ایران و فتح قلاع اسماعیلیه و شرح جانشینان حسن صباح؛ «تسلیه الاخوان»؛ رساله‌ای در تکمیل «تسلیه الاخوان»؛ «دیوان» شعر. [۱]

جوینی، ملقب به علاءالدین بن بهاءالدین محمد، برادر شمس‌الدین محمد صاحب دیوان، از رجال و مورخان معروف اوایل دوره مغول (و. ۶۲۳- ف. ۶۸۱ ه. ق.) وی از آغاز جوانی وارد کارهای دیوانی شد و از عمال امیر ارغون آقا حکمران خراسان گردید. عظاملک چند بار در خدمت امیر ارغون به قراقرم پایتخت مغولستان سفر کرد و در ضمن همین سفرها درباره احوال مغول و یورتهای اصلی ایشان اطلاع کافی به دست آورد و برای نوشتن تاریخ خود مواد لازم را فراهم کرد. وی در سال ۶۵۴ به توسط امیر ارغون به هلاکو معرفی شد و نزد او تقرب یافت. پس از فوت هلاکو وی و برادرش صاحب دیوان سبب رونق دولت اباقا بودند و عظاملک حکومت بغداد و عراق یافت. مجدالملک مکرر از عظاملک نزد خان مغول سعایت می کرد و موجب مزاحمت او و دیگر افراد خاندان جوینی را فراهم می ساخت و در نتیجه عظاملک به حبس افتاد ولی با وساطت شاهزادگان و خوانین مغول در ۶۸۰ از حبس نجات یافت و مورد نوازش اباقا قرار گرفت. دشمنان خاندان جوینی باز از پای ننشستند ولی نتیجه نبردند. چون تگودار به سلطنت رسید، حکومت بغداد و عراق را کما فی السابق به عظاملک وا گذاشت. وی مؤلف تاریخ «جهانگشای جوینی» است. عظاملک این تاریخ را در سال ۶۵۵ ه. ق. - یعنی مقارن تاریخ فتح قلاع اسماعیلیه به دست هلاکو به انجام رسانید. غالب وقایعی را که جوینی راجع به دوره چنگیزی در کتاب خود آورده از معمرانی که با آن ایام هم عصر بوده اند شنیده و ضبط نموده و از معتبران مغول نیز کسب اطلاع می کرده و گویا از بعضی از نوشته‌های مغول هم استفاده کرده است. تاریخ جهانگشا چنانکه خود مؤلف تقسیم کرده شامل سه جلد است: جلد اول تاریخ شروع کار چنگیزخان و یاساهای چنگیزی و تاریخ قوم او یغور و فتوحات چنگیز در ماوراءالنهر و خراسان و انقراض سلسله خوارزمشاهیان و سلطنت اگتای و گیوک و احوال جوجی و جغتای، جلد دوم در تاریخ سلاطین خوارزمشاهی و قراختاییان و حکام مغول ایران، جلد سوم در تاریخ منگوقاآن و اردو کشی هلاکو به ایران و شرح تاریخ اسماعیلیه تا سال ۶۵۵ که بیشتر قسمت اخیر مقتبس از کتاب «سرگذشت سیدنا» است و شرحی که در باب فتح بغداد منسوب به خواجه نصیر طوسی است غالباً به عنوان ذیل جلد سوم به آخر نسخه‌های جهانگشا الحاق شده. انشاء کتاب مزبور بلیغ و از لحاظ احتوا بر اطلاعات نفیس کم نظیر است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: آتشکده‌ی آذر (۲۸۸- ۲۸۶ / ۱)، از سعدی تا جامی (۹۲- ۹۰، ۳۵- ۲۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۱۳- ۱۲۰۹ / ۳)، تاریخ جهان گشای جوینی (۱- یا- فه)، تاریخ مغول (۴۸۶- ۴۸۵)، تاریخ نظم و نثر (۱۳۶، ۹۴)، حبیب السیر (۳/ صفحات متعدد)، دایره‌المعارف فارسی (۱۷۴۳ / ۲)، دستور الوزراء (۲۹۵- ۲۶۷)، الذریعه (۷۲۸ / ۹، ۳۰۰، ۵ / ۲۴۷- ۲۴۸، ۳ / ۴۴۴ / ۱)، سبک‌شناسی (۱۰۰، ۵۳- ۵۱ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۸- ۹۷ / ۷)، گنج و گنجینه (۳۵۴- ۳۴۶)، لغت‌نامه (ذیل / عظاملک جوینی)، مجمع الفصحا (۸۷۷ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۷۷- ۷۵ / ۴). هدیه العارفین (۶۶۵ / ۱).

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عنایت عطایی کوزانی

محل تولد: فومن

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عنایت عطایی فرزند محمد دوران متوسطه را در رشته ریاضی فیزیک، در سال ۱۳۷۱ به پایان رساندم، و در سال ۱۳۷۲ وارد حوزه علمیه قم شدم، که تا کنون مشغول تحصیل فقه، اصول و فلسفه هستم.

عظمايي، محمدحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی عمومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اهواز.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

عظیمی، شمس الدین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید شمس الدین عظیمی

محل تولد: بروجرد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۱/۱ زندگینامه علمی

از روحانیون قبل از انقلاب و طلاب مدرسه حقانی (به مدیریت شهید قدوسی) و بعد از آن مؤسسه مرحوم آیت الله گلپایگانی (المهدی فعلی) بوده و همان زمان در کنار دروس حوزوی به تدوین و نوشتاری و مقاله‌نویسی مبادرت می‌نمودم به کتب آن زمان استاد محقق و آیت الله فعلی مکارم شیرازی و مدرس آن موقع حوزه و آیت الله فعلی نوری همدانی علاقه زیادی داشتم روش

رنالیسم مرحوم مطهری و ماتریالیسم و دیالکتیک استاد آیت الله فعلی جعفر سبحانی را مطالعه می نمودم به مراکز مختلف اعم از روستاها و شهرهای کشور نیز جهت انجام خدمات تبلیغی مهاجرت می نمودم دروس سطح را قبل از انقلاب اتمام نموده مدتی در کرمانشاه در درس خارج فقه مرحوم آیت الله مبینی شرکت می کردم یک دوره شرح تجرید نزد مرحوم حقی سرابی در مسجد فاطمیه گذرخان (قبل از انقلاب) تلمذ نمودم. سه سال بحث مسیحیت را نزد استاد عبدالقائم شوشتری (الآن از ائمه جمعه هستند) برادر وزیر سابق دادگستری تعلیم گرفتم نزد ایشان دو سال هم تصوف خواندم، یکسال هم مبحث بهائیت و رد آن را نزد استاد قدرت الله نجفی خواندم پیوسته از شاگردان ممتاز استاد شوشتری بودم الان بسیاری از شاگردان آن موقع و همدرسان حقیر از مسئولین طراز اول نظام هستند اوائل انقلاب به تهران هجرت نمودم مدتی درس خارج فقه جواهر مرحوم حقی سرابی در مدرسه و مسجد امام حسین (ع) فعلی شرکت نمودم آنگاه در میدان بهارستان (دبیرستان شریعتی روزانه) به تدریس عربی و دینی چهارم دبیرستان و در دبیرستان شهید رجائی و شبانه ابتدایی پاسداران به همان دروس پرداختم مدتی در مرکز نشر دانشگاهی زیر نظر دکتر پورجوادی مصحح کتب و مقابله کتب دینی و غیردینی بودم همان زمان از سری دوازده گانه کتب محمدعلی دخیل از علمای نجف جلد اول آن یعنی الامام امیرالمؤمنین علی (ع) را به فارسی ترجمه کردم و به بنیاد بعثت تحویل دادم سپس وارد ارتش شدم و ضمن قبول مسئولیت عقیدتی سیاسی بیشتر به تدریس اصول عقاید و ماتریالیسم و ریشه‌های انقلاب و خدمات متقابل اسلام و ایران اشتغال داشتم از اساتید مرکز آموزشهای هوایی بودم پس از ارتش به سپاه رفتم و آنجا نیز ضمن داشتن مسئولیت عقیدتی سیاسی بیشتر مربی و مدرس بودم یکسال ورامین، یکسال نقره، یکسال سفر بودم و سپس به خدمت در سازمان تبلیغات اسلامی درآمدم در دانشگاه خواجه نصیر استاد اخلاق و ریشه‌های انقلاب شدم امام جماعت نیز بودم در سازمان هم ضمن داشتن مسئولیت به نوشتن مقاله و همکاری فرهنگی و تبلیغی ادامه دادم.

پس از ۲۰ سال متارکه رسمی دروس حوزوی مجدداً به قم برگشتم و ضمن انتقال کار اداری از تهران به طور موقت به قم شروع به تجدید و مرور به دروس قبل از انقلاب نمودم سطح ۲ و سطح ۳ را گرفتم و چون فرصت خوبی برایم پیش آمد و تدریس در دانشگاه‌ها هم نیاز به مجوز پیدا کردم مبادرت به امتحان و مصاحبه علمی معاونت اساتید معارف دانشگاه‌ها را نمودم و موفق به اخذ دو مجوز تدریس اخلاق اسلامی و معارف (اندیشه ۲) گردیدم هم اکنون در تهران در دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی طی ۱۲ ساعت در هفته (بعد از ظهرها) اشتغال به تدریس دارم هفته‌ای سه روز یعنی روزهای یکشنبه و دوشنبه و سه‌شنبه در درس خارج فقه (مکاسب محرمه) مقام معظم رهبری شرکت می‌کنم تدوین پایان‌نامه با عنوان (حکمت الهی در ادیان توحیدی) دارم که قائل ارائه می‌باشد جزوه دیگری آماده چاپ تحت عنوان ۱۴ درس اخلاق برای دانشجویان که تقریباً تدریس برای یک ترم دانشگاهی است دارم با هیئت رزمندگان اسلام در تهران در بخش فرهنگی آن همکاری فرهنگی دارم که مصاحبه اخیر حقیر در مجله ماهانه آنها چاپ می‌گردد با مرکز مشاوره جناب دکتر افروز در ارتباط هستم و بیش از ۵ سال است که به بصورت تجربی و روانشناسی و دعا درمانی اسلامی و سنتی خانواده‌ها را سرویس دهی مشاوره‌ای می‌نمایم و اخیراً با مرکز مشاوره جهت اخذ مجوز ارتباط برقرار نموده‌ام ناشر نیز هستم تحت عنوان انتشارات مه‌رویان و کتاب شرح کامله کلیله و دمنه را که بیش از هزار صفحه و در یک مجلد و تألیف ۱۴ ساله حجت الاسلام دکتر موسوی و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب می‌باشد حدود ۵ الی ۶ ماه است که چاپ و نشر نموده‌ام و آماده عرضه می‌باشد و در پایان باید بگویم که هم‌اکنون در تهران و قم (بیشتر تهران) اشتغال به کار اجرایی، مشاوره، دعا درمانی، شرکت در درس خارج فقه رهبر انقلاب، تدریس در هفته در دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی و... دارم.

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فخرالدین عظیمی در سال ۱۳۳۲ در شهر تهران به دنیا آمد. وی تحصیلات تکمیلی خود را بعد از دانشگاه تهران در لندن پی گرفت و در سال ۱۹۸۵ موفق به اخذ دکترای تاریخ از دانشگاه آکسفورد لندن گردید او هم اکنون در دانشگاه‌های کانتیکات آمریکا مشغول تدریس است. دکتر عظیمی از اندیشمندان پرمایه تاریخ نگاری معاصر ایران است.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

گرایش: تاریخ معاصر ایران

تحصیلات رسمی و حرفه ای: - ورود به دانشگاه تهران و تحصیل در رشته حقوق و علوم سیاسی این دانشگاه - اخذ مدرک لیسانس با رتبه نخست از دانشکده حقوق و علوم سیاسی - عزیمت به لندن و تحصیل در رشته علوم سیاسی دانشگاه لندن - اخذ دکترای تاریخ از دانشگاه آکسفورد لندن ۱۹۸۵

فعالیت‌های آموزشی: فخرالدین عظیمی از سال ۹۱ در دانشگاه کنتیکت آمریکا مشغول به تدریس است و دانشیار گروه تاریخ دانشگاه کانتیکات آمریکا از سال ۱۹۹۵ است.

مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می آید: فخرالدین عظیمی از پایه گذاران رشته ایران شناسی در دانشگاه کلمبیا است. آرا و گرایشهای خاص: فخرالدین عظیمی درباره مناقشات فکری و کارایی فلسفه در جامعه ایران معتقد است: «در ایران جذبه و ربی که نسبت به فلسفه وجود دارد نسبت به شاخه های دیگر معرفت وجود ندارد. شاید یکی از پیامدهای این وضع این است که در ایران برخی از اهل فلسفه معنای پیشین خود را از دست داده است و شاخه های مختلف علم از جمله علوم اجتماعی _ انسانی پدید آمده اند و بسیاری تبیین های جالب، پرسشهای اساسی و نظریه های کارآمد در حوزه های علوم اجتماعی و انسانی مطرح می شود و نه در حوزه فلسفه. گذشته از این فلسفه بیش از آنکه پاسخ های قانع کننده پدید آورد پرسشهای استوار و اساسی در میان می نهد و راههای گوناگون پاسخ دادن به این پرسشها را بررسی می کند. اگر پاسخ معینی به عنوان تنها پاسخ ممکن مطرح شود و جای پرسش و گفت و گوی بیشتر نباشد دیگر کار چندانی برای اهل فلسفه باقی نمی ماند. این سخنان به هیچ وجه به معنای انکار اهمیت فلسفه و نقش اساسی آن در کمک به تعمق فکری و روشننگری نیست. هر دانشجوی جامعه و تاریخ باید به فلسفه به عنوان مهمترین یاور درک و طرح پرسشهای اساسی بنگرد. البته از نظر من آن مشربهای فلسفی که فهم مسائل پیچیده اجتماعی _ سیاسی و فرهنگی و شیوه تحلیل این مسائل را تسهیل نکنند یا امکان طرح پرسشهای مهم مربوط به زندگی اجتماعی را فراهم نسازند و به پرورش ذهنی نقاد و ورزیده کمک نکنند، در خور توجه زیاد نیستند. متأسفانه در ایران برداشت برخی کسان از فلسفه و از راهیابی مشکلات جامعه موجب شده است خیال کنند کلید فهم و حتی حل مسائل کشور را مثلاً باید در فلسفه هگل یا فیخته یا فیلسوفان دیگر دید ولی به گمان من این شیوه نگرش به فلسفه و به مسائل ایران نگران کننده و مایه شگفتی است.» عظیمی در عین حال نقش دانشگاهها را در پیشبرد فلسفه در جامعه ایرانی مورد انتقاد قرار می دهد: «متأسفانه دانشگاههای ما نقش قاطعی در نضج بینش تحلیلی و گسترش دانش فلسفی در کشور ایفا نکرده اند و حتی بهترین ترجمه های متون فلسفی هم اغلب در خارج از حوزه دانشگاهها انجام شده است. دوم اینکه فلسفه دانان این کشور اغلب از دانشهایی مانند تاریخ و انسان شناسی که برای مباحثات و کاوشهای فلسفی خلاق اهمیتی اساسی دارند، غفلت کرده اند. به گمان من میزانی از اعتقاد به موجیبت فرهنگی معقول و تلطیف

شده و توجه به زمینه تاریخی و فرهنگی اندیشه‌ها، برای تفکر فلسفی بسیار مهم است. البته در اروپا نیز برخی از فیلسوفان از توجه به نقش تاریخ و فرهنگ غافل مانده‌اند و طبعاً برخی هم راه افراط پیموده‌اند و مثلاً کارایی مفاهیم را تنها محدود به حوزه فرهنگی خود آنها دانسته‌اند. شاید بتوان گفت کمابیش اغلب فیلسوفان نسبت به فرهنگ و چارچوب تاریخی _ فرهنگی اندیشه‌ها و مفاهیم بی توجه بوده‌اند و گمان کرده‌اند که می‌توان اصولی انتزاعی را یافت که به همه فرهنگها و سرزمین‌ها قابل تسری باشد و ریشه در هیچ فرهنگ و سرزمینی هم نداشته باشد. این بی تفاوتی درباره تفاوت‌های فرهنگی به همان اندازه در خور سرزنش است که تقلیل کارایی همه مفاهیم و مقولات به زمینه فرهنگی خاص و به حوزه زبانی که آنها را پدید آورده است.»

جوایز و نشانها: فخرالدین عظیمی که از سال ۹۱ در دانشگاه کنتیکت آمریکا مشغول به تدریس است، برنده جایزه تحقیقات عالی و نیز عضو برگزیده انستیتو پژوهش‌های علوم انسانی آن دانشگاه نیز هست و به راستی که از اندیشمندان پرمایه تاریخ نگاری معاصر ایران است.

چگونگی عرضه آثار: فخرالدین عظیمی علاوه بر مقالات متعدد در زمینه‌های تاریخ تحلیلی معاصر و علوم سیاسی، در کار تألیف نیز سابقه درخشان دارد و گرچه کتب تألیفی اش را به زبان انگلیسی می‌نگارد اما از ترجمه آن به زبان فارسی نیز دریغ نمی‌کند و علاوه بر مخاطبان بین‌المللی کنجکاو در مسائل خاورمیانه و تاریخ معاصر ایران، نظر مخاطبان و دانشجویان و استادان ایرانی را نیز به آثار خویش معطوف داشته و نظر آنان را نیز جلب کرده است. کتاب «بحران دموکراسی در ایران» او از جمله این آثار است. فخرالدین عظیمی همچنان که به کار تألیف آثار خویش می‌پردازد، از کار مؤلفین دیگر نیز بی‌خبر نمی‌ماند و در نقش مخاطب و حتی منتقد آثار مؤلفین دیگر در حوزه تاریخ نیز حضوری پررنگ دارد. نمونه این حساسیت او را می‌توان در نقد جامعی که بر کتاب «جمهوری سوسیالیستی شورایی در ایران» نوشته خسروشاگری نگاشته دنبال کرد. وی که سالهاست تحقیقات تاریخی خود را بر روی سیاست، اجتماعی و فرهنگ اجتماع مدرن ایران متمرکز کرده، چندسالی است که به تاریخ و فرهنگ سیاسی ایران در میان دوانقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی می‌اندیشد و در این حوزه می‌نگارد و می‌اندیشد. -----

آثار:

۱ بحران دموکراسی در ایران

ویژگی اثر: تألیف دکتر فخرالدین عظیمی به زبان انگلیسی ترجمه توسط عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری سال ??? توسط نشر البرز در تهران منتشر شد.

۲ حاکمیت ملی و دشمنان آن

ویژگی اثر: الیف دکتر فخرالدین عظیمی به زبان انگلیسی ترجمه به فارسی در سال ??? توسط نشر نگاره آفتاب. دکتر عظیمی، در کتاب خود کوشش کرده است تصویری از تلاشهایی به دست دهد که از یک سو برای به کرسی نشاندن حاکمیت ملی ایران و از سوی دیگر برای دست نیافتنی کردن این هدف و برانداختن دولت «مصدق» صورت گرفت. او همچنین به بررسی نیروهای درگیر، اهمیت نسبی آنها و پیوندهای ستیزه‌گران بومی و بیگانه پرداخته و جنبه‌هایی از کارنامه سیاسی دولت «مصدق» را نیز بررسی نموده است. بررسی نقش، ترکیب و انگیزه‌های یاران «مصدق» و بویژه مخالفان او، ارزیابی قلمرو یا حوزه اقتدار و امکانات و دشواریهای گوناگونی که وی در روزگار نخست وزیری پیش رو داشت، از جمله مباحث دیگری هستند که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است. نویسنده برای تدوین این کتاب، از تازه‌ترین اسناد و منابعی که از آرشیوهای انگلستان و آمریکا یا از منابع ایرانی به دست آمده استفاده کرده است و از برشمردن نکاتی که بارها درباره آنها نوشته شده پرهیز کرده است.

قرن: ۷

جنسیت: زن

ملیت: ایران

۶۰۶ ق، از زنان محدث. وی دختر احمد بن عبدالقادر فارفانی اصفهانی بود. او از فاطمه جوزدانی حدیث شنید و آخرین کسی است که از عبدالواحد صاحب ابی‌نعیم روایت کرده، ابوعلی حداد و گروهی دیگر از محدثان به او اجازه روایت دادند. حافظ ضیاء‌الدین مقدسی از او حدیث شنید و علی بن احد بن عبدالواحد مقدسی از او اجازه روایت دریافت کرد. محمد بن عبدالغنی حنبلی معروف به ابن نقطه، از وی هنگامی که در اصفهان بوده خبر داده است. او در سن نود و شش سالگی درگذشت.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منابع: اعلام النساء ۳۰۰-۲۹۹ / ۳؛ لغت‌نامه دهخدا، ش ۳۴۴ / ۱۵۳.

عفیفی، رحیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مدرس، محقق.

تولد: ۱۳۰۲ (۲۲ رمضان ۱۳۴۵ ق.)، شیراز.

درگذشت: ۱۳۷۵.

رحیم عفیفی در دو سالگی پدرش را از دست داد و دایی او عبدالله عفیفی (از آزادیخواهان خطه فارس) سرپرستی او را به عهده گرفت. تحصیلات ابتدایی و دوره اول متوسطه را در شیراز و دوره دوم را در دبیرستان کشاورزی کرج گذرانید و در خرداد ۱۳۲۰ دیپلم پنج ساله کشاورزی را به دست آورد و در اداره‌ی کشاورزی شیراز مشغول به کار شد. در همین اوقات دایی او دو روزنامه یکی به نام «فروردین» در نیمه‌ی دوم ۱۳۲۰ و دیگری به نام «سروش» در نیمه‌ی دوم سال ۱۳۲۱ در شیراز انتشار داد که اداره امور داخلی آنها به عهده وی بود. پس از مرگ دایی در سال ۱۳۲۷ تحصیلات خود را دنبال نمود و با گرفتن دیپلم ادبی در شیراز به تهران منتقل شد و در رشته‌ی ادبیات فارسی در دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد. در نتیجه در سال ۱۳۳۱ به درجه‌ی لیسانس و در سال ۱۳۳۵ فوق لیسانس و در سال ۱۳۳۸ به درجه‌ی دکترای ادبیات نایل آمد و در سال ۱۳۳۹ پس از گذراندن مقررات مربوط، به سمت دانشیار زبان پهلوی در دانشگاه مشهد انتخاب شد.

وی در سال ۱۳۳۸ در سازمان نو بنیاد جنگلبانی ایران مسئول اداره‌ی آموزش و انتشارات و تبلیغات بود و مدیریت ماهنامه‌ای به نام نشریه‌ی «جنگل‌ها» را که مجله‌ای فنی بود به عهده داشت و با همه کمبودهای آن زمان به طور مرتب مدت پنج سال آن را انتشار داد و سرپرستی دو دوره کلاس کمک مهندسی و جنگلبانی را عهده‌دار بود و در سال ۱۳۳۶ نیز مدتی سرپرستی اداره‌ی انتشارات وزارت کشاورزی به وی محول شد.

در سال تحصیلی ۱۳۴۰-۱۳۳۹ وی در دانشگاه مشهد به تدریس زبان‌های پیش از اسلام (پهلوی، فارسی باستان، اوستایی) و زبان‌شناسی و فرهنگ ایران باستان پرداخت. در سال ۱۳۴۱ به عضویت شورای انتشارات دانشگاه برگزیده شد و از طرف شورای مذکور به سمت مدیر عامل سازمان چاپ دانشگاه انتخاب گردید تا برای تأسیس مؤسسه چاپ اقدام نماید وی همچنین چند دور

مدیر گروه آموزشی زبان‌شناسی و زبان‌های پیش از اسلام را عهده‌دار بود و برای تأسیس دوره‌های فوق لیسانس و دکترای زبان‌شناسی در دانشگاه مشهد آیین‌نامه‌های لازم را تهیه نمود و به تصویب رساند. در سال ۱۳۴۲ به منظور بازدید از مؤسسه‌های فرهنگی و دانشگاهی کشورهای همسایه مسافرتی به اتفاق دانشجویان به کشورهای افغانستان، پاکستان و هندوستان نمود و در سال ۱۳۴۶ با استفاده از بورس تحقیقاتی دانشگاه مدت یک سال در کشورهای فرانسه و انگلستان سرگرم مطالعات علمی و تحقیقاتی بود. در کنار تدریس، به تحقیق می‌پرداخت و به تدریج سی و اند گفتار از متون پهلوی را به فارسی ترجمه و با شرح و تفسیر در مدت چهارده سال در مجله‌ی «دانشکده‌ی ادبیات مشهد» به چاپ رسانید. کتاب ارداویرافنامه یا بهشت و دوزخ در آیین مزدیستی را با شرح و تفسیر و واژه‌نامه در سال ۱۳۴۲ به چاپ رسانید و در سال ۱۳۴۳ ارداویرافنامه منظوم زرتشت بهرام پژدو گوینده قرن هفتم هجری را انتشار داد. اثر دیگر عقیقی هوشیدران (متن پهلوی و ترجمه فارسی، ۱۳۴۵) است. وی همچنین کتاب فرهنگ جهانگیری با شرح و حواشی و شواهد گوناگون در سه جلد و ۳۴۰۰ صفحه در سال ۱۳۵۴-۱۳۵۱ انتشار داد. این کتاب برنده‌ی جایزه‌ی مسافرت تحقیقاتی دانشگاه مشهد به مدت پنجاه روز به اروپا و آمریکا گردید. وی در برخی از کنگره‌ها حضور می‌یافت و سخنرانی‌هایی درباره‌ی فردوسی و دقیقی ایراد می‌کرد که متن آنها جداگانه به چاپ رسیده است. برخی از مقاله‌های ایشان در مجله‌ی «دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد» منتشر شده است.

پس از تشکیل شورای دانشگاه مشهد از طرف شورای دانشکده‌ی ادبیات به عضویت شورای دانشگاه و نیز شورای آموزشی دانشگاه و شورای تحقیقات دانشگاه برگزیده شد و نمایندگی دانشکده ادبیات در هیئت ممیزه دانشگاه نیز به وی محول گردید. در مهر ۱۳۵۸ تقاضای بازنشستگی کرد. در اردیبهشت سال ۱۳۵۹ از مشهد به تهران آمد. در این دوره کار تحقیق و مطالعه در آثار ادب فارسی را دنبال نمود. از آثار این دوره فعالیت اوست: تصحیح کتاب بهمن‌نامه (از آثار اواخر قرن پنجم هجری)، مثلها و حکمتها در آثار شاعران قرن سوم تا یازدهم هجری (۱۳۷۱)، فرهنگنامه‌ی شعری (شامل ترکیبات، کنایات، اصطلاحات و آثار شاعران قرن سوم تا یازدهم هجری در سه جلد)، اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشته‌های پهلوی، واژه‌نامه پهلوی به فارسی. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

عقاب شوشتری خراسانی، شهاب‌الدین عبدالله

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(شهادت ۹۹۷ ق)، عالم، متکلم و فقیه امامی. معروف به شهید ثالث. از علمای عهد شاه‌طهماسب صفوی بود. وی در شوشتر به دنیا آمد. در جوانی در شیراز به تحصیل علوم عقلی پرداخت، سپس به شامات رفت و در نزد عده‌ای از علماء و فقهای جبل‌عامل درس خواند تا به مدارج عالی رسید. آن‌گاه به ایران بازگشت و در خراسان سکنی گزید. شهاب‌الدین از ابراهیم بن علی بن عبدالعالی میسی‌روایت کرده و نظام‌الدین ابوالفتح عامر بن فیاض جزایری مشهدی و ابومحمد علی بن عنایت‌الله مشهور به بایزید بسطامی و تاج‌الدین حسین صاعدی از شاگردان و راویان عقاب می‌باشند. مدتی در مشهد به موعظه و امر به معروف و نهی از منکر قیام نمود تا در ۹۹۷ ق به دستور ازبکان که در آن زمان بر خراسان استیلا یافته بودند دستگیر شد و به بخارا فرستاده شد، تا با علمای عامه مناظره نماید. او با علمای آنجا بحث نمود و چون از مقابله با وی در ماندند به عبدالله‌خان ازبک گفتند که باید از گفتگو با او دوری کرد، مبادا که عامه‌ی مردم فریب خورند و بشورند، پس او را با چاقو و خنجر کشتند و جسد پاکش را در میدان بخارا به آتش کشیدند. از آثارش: کتابی در «امامت»؛ کتاب «الاربعین فی فضائل امیرالمومنین (ع)».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۷۹ / ۴)، اعیان الشیعه (۵۰ / ۸)، تکمله امل الآمل (۸۲)، الذریعه (۴۲۱-۴۲۰، ۲۰۶، ۱۶۱ / ۱)، روضات الجنات (۲۲۸-۲۲۴ / ۴)، ریاض العلماء (۲۵۳-۲۴۸ / ۳)، ریحانه (۱۵۲.۴)، شهیدان راه فضیلت (۲۸۱-۲۷۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲۹-۱۲۸ / ۱۰)، عالم آرای عباسی (۱۵۵-۱۵۴ / ۱)، فوائد الرضویه (۲۵۶)، معجم المؤلفین (۱۴۷-۱۴۶ / ۶).

عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالرحیم عقیقی بخشایشی

محل تولد: تبریز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۲/۱/۱

زندگینامه علمی

عبدالرحیم فرزند حاتم، معروف به «عقیقی بخشایشی»، در سال ۱۳۶۱ ه.ق (مطابق با ۱۳۲۰ ه.ش) در قصبه «بخشایش» (زادگاه مادر پروین اعتصامی، شاعره نامدار) در ۶۵ کیلومتری شرق تبریز، در یک خانواده کشاورز پا به عرصه حیات نهاد. با داشتن علاقه وافر به تحصیل، زادگاه خویش را به عزم تبریز ترک گفته و در مدرسه طالبیه دروس ادبی و مقدماتی را فرا گرفت؛ تا اینکه در سال ۱۳۷۸ ه.ق به قصد ادامه تحصیل، رهسپار حوزه علمیه قم گردید. در آن حوزه مبارکه، از محضر اساتید معروف روز، بهره مند شد. دروس سطح را از اساتید هم زبان خویش، آقایان حجج اسلام: شیخ احمد پایانی، حاج میرزا یدالله دوز دوزانی، و استاد جعفر سبحانی و دروس عالیله فلسفه و حکمت و فقه را از محضر اساتید بزرگوار، شادروان علامه طباطبایی و معلم شهید مرتضی مطهری و آیت الله سلطانی، اصول فقه را از محضر امام خمینی (ره) و خارج فقه را از محضر آیت الله العظمی گلپایگانی و برخی دیگر از مراجع معروف و دروس اخلاق و معارف عالیله را، از محضر آیت الله العظمی آخوند ملا علی معصومی همدانی، کسب نمود، و از محضر ایشان موفق به اجازه روایتی در مسیر اجازات حاج آقا بزرگ تهرانی گردید.

هم زمان با تحصیلات حوزوی، در دروس دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، شاخه فقه و مبانی حقوق اسلامی، و دروس دارالتبلیغ اسلامی قم شرکت جست، تا در سال ۱۳۹۱ ه.ق (۱۳۴۹ ه.ش) موفق به دریافت لیسانس از دانشگاه تهران و پایان نامه تحصیلی از این موسسه اسلامی گردید. پس از کسب تحصیلات عالیله حوزه و دانشگاه، زندگی او در دو کلمه خلاصه میشود: قلم و قدم، با توجه به شوق و علاقه خاصی که در خود میدید، رشته نویسندگی و خلق آثار قلمی را تعقیب نمود و تاکنون لحظه ای قلم را ترک نگفته است. این رشته را رسماً از سال ۱۳۴۰ ه.ش با جراید معروف آن روز، مانند هفته نامه ندای حق، وظیفه، مجله نور دانش و ... آغاز کرده و نخستین تالیفات خود، «نظری به انجیل و تعلیمات مسیحیت» و «همسران رسول خدا (ص)» را در سال ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ نگاشت و در جلسات اسلام شناسی زیر نظر دکتر مفتاح به چاپ رسید تا اینکه در سال ۱۳۵۰ ه.ش به عضویت هیات تحریریه نخستین مجله اسلامی حوزه علمیه قم، «درسهایی از مکتب اسلام» برگزیده شد و مقالات مختلفی در زمینه های اجتماعی و فرهنگی و اخلاقی منتشر ساخت.

محصول این همکاری، پدید آمدن خمیر مایه آثار چاپی متحدی است که تعداد آنها، هم اکنون به ۱۱۰ جلد بالغ می شود. که برخی از این آثار به زبانهای زنده جهان، مانند انگلیسی، عربی، فرانسه و اردو و ترکی نیز ترجمه و منتشر شده اند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حدود ۱۲ سال، در دانشکده های مختلف کشور، به ویژه دانشگاه آزاد اسلامی، در مرحله کارشناسی ارشد تدریس داشته و هم اکنون عضو هیات علمی دانشگاه تهران و مدرس دروس معارف اسلامی می باشد. اخیرا در پی نگارش کتاب «دیداری با مسلمانان جمهوری آذربایجان»، موفق به دریافت درجه «دکتر» از آکادمی علوم آن جمهوری گردیده که از طریق سفارت ایران به صورت رسمی به ایشان اعطا شده است. او در تعدادی از کنگره های بزرگ علمی و ادبی شرکت جسته و مقالاتی را ارائه داده است. از آن میان کنگره عاشورا، کنگره اوحد الدین مراغه ای و کنگره شیخ شهاب الدین اهری را می توان نام برد. نویسنده کتاب، بر این اعتقاد است که فلسفه وجودی افراد و زکات حیات و بقای آنان، آثار خیر و باقیات صالحاتی است که از آنان به یادگار می ماند، و اگر جامعه بشری چنین انگیزه ای را در خود حس ننماید، زندگی او بهره روحی و نشاط معنوی نخواهد داشت.

از این رو، به برکت انقلاب اسلامی و خونهای گرانبهای شهیدان، و با همکاری مردم خوب و متدین و فداکار، چند اقدام عملی و قدم خیر فرهنگی و عمرانی را با فضل الهی به مرحله عمل درآورده است، که محض تشویق دیگر عزیزان، در این وجیزه مبادرت به درج آنها می گردد: ۱. احداث دو باب دبیرستان ۱۲ کلاسه به نام دبیرستان امام امیرالمومنین (ع) با همکاری مردم، در سال ۱۳۶۶ ه. ش، در زادگاه خویش، بخشایش که اکنون با فضل الهی جمعی از فارغ التحصیلان آن به دانشگاه راه یافته اند. ۲. احداث یک دستگاه پل بزرگ، به طول صد متر (۱۰ دهنه)، به نام «پل عباسیه» در سال ۱۳۷۰ ه. ش بر روی رودخانه «اوجان چای» در زادگاه خویش، با هزینه بالغ بر یکصد میلیون ریال آن روز، که مسیر عبور بخش نو، جانقور، شیخ رجب تا جاده اهر را تامین می نماید. ۳. احداث و مرمت جاده شوسه ۱۴ کیلومتری در مسیر بخشایش به جاده اهر، در سال ۱۳۶۷ که هم اکنون مورد بهره برداری می باشد. ۴. فراهم آوردن مقدمات جاده کشی ۱۲ کیلومتری راه کردکندی، اشتلق علیا و سفلی و تازه کند، به بخشایش، در محور جاده سراب و اردبیل که در عبور و مرور مردم آن منطقه تاثیر بسزایی دارد. ۵. خرید زمین، به مساحت ۴۰۰۰ متر و پی ریزی دبیرستان ۸ کلاسه به نام «دبیرستان صدیقه طاهره ع» در بخشایش جهت تحصیل دختران، که هم اکنون از سوی اداره کل نوسازی آموزش و پرورش آذربایجان شرقی، مشغول تکمیل آن می باشند. ۶. ایجاد و احداث یک باب مسجد به نام مسجد عباسیه (ع) در آذربایجان غربی، در محوطه نیروی انتظامی پادگان جلدیان در حومه نقده، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی. ۷. اداره انتشارات «نوید اسلام» در قم که تا کنون حدود ۲۵۰ عنوان کتاب در عرصه های تاریخی، اجتماعی، آموزشی فرهنگی، تربیتی و دروس حوزوی، چاپ و نشر داده است و اخیرا مجهز به چاپخانه ای با همان نام (نوید اسلام) گردیده است. ۸. مفروش نمودن حرم مطهر و نوبنیاد حضرت رقیه (س) در سوریه، به عنوان روحانی کاروان، از طریق جلب کمکهای زایران، در سفرهایی که به آن کشور داشته است. ۹. توجه دادن جمعی از مردم شریف جمهوری آذربایجان، به احکام دینی و وظایف الهی و فرایض مذهبی، در سفرهای متعددی که به آن کشور آزاد شده از چنگال کمونیسم داشته است. و چاپ بیش از ۱۵ عنوان کتاب تربیتی و معرفی ائمه اطهار (ع) به زبان کریل نیز داشته ام.

عقیقی، یحیی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی با رتبه اول در سال ۱۳۴۰، دکترای تخصصی در رشته کودکان از لندن در سال ۱۳۴۲، تخصص مجدد در رشته کودکان از ایران در سال ۱۳۴۹، تخصص عفونی کودکان از ایران.

مرتبه علمی:

استاد پایه ۱۶ گروه کودکان دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بیماریهای کودکان، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۵۰ پایان‌نامه دکترای عمومی و تخصصی کودکان.
تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۰

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

بیماریهای عفونی کودکان، بیماریهای متابولیک به خصوص ویلسون در ایران.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۵۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

پزشکی و بیماریهای کودکان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

عقیلی بخاری، شرف‌الدین، ابوحفص عمر

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۷۶ ق)، متلکم و فقیه حنفی. از آثارش: «منهاج التفاوی»، در فقه؛ «الهادی، در علم کلام.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۲۳ / ۵)، کشف الظنون (۲۰۲۷، ۱۸۷۷)، معجم المؤلفین (۳۱۶ / ۷)، هدیه العارفین (۷۸۴ / ۱).

عقیلی، مهدی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن نعیم بن محمد مؤمن عقیلی استرآبادی اصفهانی، متوفی در حدود سال ۱۱۶۰، مؤلف: ترجمه‌ی کتب اربعه‌ی سماویه.

وی از پدر خود و عمویش میرزا رحیم بن محمد مؤمن که هر دو از علمای نامدار می‌باشند روایت احادیث می‌نموده است. مرحوم میرزا رحیم عقیلی در زمره علمایی است که خط آنان در خطبه‌ی اول کتاب «جامع الرواة» موجود است، و جدش محمد مؤمن داماد لطف‌الله عاملی میسی صاحب مسجد شیخ لطف‌الله در اصفهان می‌باشد. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

عقیلی، نظام‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند میرزا موسی خان، معروف به مصباح‌الاطباء، طبیب حاذق و ادیب ماهر، در سال ۱۳۲۴ وفات یافته، در تخت فولاد اصفهان مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

عکاسباشی، ابراهیم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۹۴-۱۲۵۳ ش)، عکاس، فیلمبردار و مترجم. وی در تهران به دنیا آمد. پدرش عکاسباشی دربار ناصرالدین‌شاه بود. او از نوجوانی تحصیلات خود را در هنر عکاسی و گراورسازی در پاریس آغاز کرد. پس از مدتی همراه پدر به تهران آمد و ملتزم مظفرالدین‌شاه شد و در ۱۲۷۷ ش، لقب عکاسباشی گرفت. میرزا ابراهیم‌خان نخستین فیلم را در استان بلژیک در مراسم جشن گلها فیلمبرداری کرد و سپس همراه شاه به تهران بازگشت. عکاسباشی ضمن نمایش فیلم در دربار، گاهی نیز به فیلمبرداری می‌پرداخت. در «تاریخ سینمای ایران» محل وفات وی چابکسر قزوین ذکر شده که به نظر اشتباه می‌رسد و باید چابکسر لاهیجان باشد. از دیگر آثار او، ترجمه‌ی «رساله‌ی لکه‌گیری» از فرانسه به فارسی است.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ سینمای ایران (۲۲-۲۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۴ / ۱).

عکاشه، جلال‌الدین فریدون

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س هشتم ق)، شاعر و ادیب، متخلص به عکاشه. وی به دستگاه جلال‌الدین مسعود اینجو (م ۷۴۳ ق) و برادرش شاه‌شیخ ابواسحاق اینجو اختصاص داشت. او در شعر فارسی و عربی و نظم قصاید مصنوع و موشح دست داشت. از آثارش: قصاید «ربیعیه» و «رحیقیه»؛ مجموعه‌ی «منشآت»، که به چاپ رسیده.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۹۱ / ۳)، تاریخ نظم و نثر (۷۶۵، ۲۱۴).

علاء اسمندی سمرقندی، علاءالدین ابوالفتح محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۶۳ / ۵۵۲ - ۴۸۸ ق)، متکلم و فقیه حنفی. معروف به علاء عالم. در اسمند از نواحی سمرقند به دنیا آمد. او از ابن مازہ بخاری حدیث روایت کرده و ابوالبرکات محمد بن علی بن محمد انصاری، قاضی اسیوط، از وی روایت کرده است. اما ابوسعید سمعانی گوید که چون علاء شرب خمر می کرد. از وی روایت نکردم. علاء از بزرگان فقه حنفی و از چیره دست ترین متکلمان زمان خود بود. او به بغداد رفت و با علمای آنجا به مناظره نشست، و در «خلاف» تصنیفاتی نمود. از آثار وی: «مختلف الروایه»، در خلاف؛ «التعلیقه»، در چند مجلد به نام «العالمی»؛ «بذل النظر»، در اصول؛ «الهدایه»، در کلام؛ شرح «الجامع الکبیر» شیبانی، در فروع؛ «حصر المسائل و قصر الدلائل»، در شرح «منظومه» نسفی، در خلاف، و گفته شده که این کتاب در شرح «عیون المسائل» ابی لیث سمرقندی است؛ «الفوائد العلائیه»؛ «میزان الاصول فی نتائج العقول».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۵۸ / ۷)، ایضاح المکنون (۱۷۵ / ۱)، کشف الظنون (۲۰۴۰، ۱۸۶۸، ۱۶۳۶، ۱۱۸۷، ۵۶۹)، لسان المیران (۲۶۹ - ۲۶۸ / ۶)، معجم المؤلفین ۱۳۱ - ۱۳۰ / ۱۰، النجوم الزاهره (۳۵۹ / ۵)، الوافی بالوفیات (۲۱۸ / ۳)، هدیة العارفین (۹۲ / ۲).

علاءالدین خطیر، حسام

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی پلاستیک، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

علاءالدین گلستانه، محمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۰۰ ق)، عالم دینی، محدث و زاهد. معروف به میرزا علاءالدین گلستانه. وی بزرگ سادات گلستانه اصفهان بود و نسب به اما حسن مجتبی (ع) میرساند. گفته اند که او عالمی عابد و محقق جلیل القدر و از ثقات محدثین بود. وی تمام عمر را در عبادت به سر برد و دارای اخلاق و خصال نیکو و جامع علوم عقلی و نقلی بود. دو مرتبه به او صدارت را پیشنهاد و تکلیف نمودند، لیکن از کثرت عقل و زهد قبول نمود. تصنیفات او در اثبات تبحر علمی او در زمینه های گوناگون کافی است. از آثارش: «حدائق الحقائق

فی شرح کلمات کلام الله الناطق و «بهجه الحقائق»، در شرح «نهج البلاغه»؛ «منهج الیقین» شرحی بر «رساله‌ی» وصیت حضرت صادق (ع) که آن حضرت برای اصحاب خویش نگاشته و آنان را در نمازخانه منزلشان قرار داده بودند و چون از نماز فارغ می‌شدند در آن نگریستند، این رساله در کتاب «بحار الانوار» ج ۷۵ آمده است؛ «روضه الشهداء»؛ «روضه العرفاء» یا «کاشف الاسماء»، در شرح «الاسماء الحسنی»؛ «ترتیب مشیخه من لا یحضره الفقیه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۹ / ۶۱)، بحار الانوار (۲۲۴ - ۲۱۰ / ۷۵)، الذریعه (۴۲۷ / ۲۴، ۲۰۱ - ۲۰۰ / ۲۳، ۱۷۰، ۱۴۵ / ۱۴، ۲۲۶ - ۲۲۵، ۲۱۴، ۸۹، ۱۳ / ۲۹۵، ۲۹۹ - ۳۰۰، ۶ / ۲۸۴ - ۲۸۵، ۱۱ / ۶۹ - ۷۰، ۴ / ۱۶۱، ۳ / ۱۶۳ - ۱۶۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۸۸ - ۴۸۶ / ۱۲)، الکنی و الالقاب (۲ / ۴۷۷)، مواد التواریخ (۲۰۸)، هدیه الاحباب (۲۰۱).

علامه

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(علامه دوم) محمد باقر بن محمد اکمل، معروف به آقای بهبهانی، استاد اکبر، سید البشر، محقق ثالث، از بزرگان علمای امامیه (و. اصفهان ۱۱۱۶ یا ۱۱۱۷ یا ۱۱۱۸ ه.ق. - ف. ۱۲۰۵ یا ۱۲۰۶ یا ۱۲۰۸ ه.ق.). وی از شاگردان سید صدرالدین قمی بود، و مدتی در بهبهان سکونت گزید و اواخر عمر را در کربلا گذرانید. اوراست: ابطال القیاس، الاجتهاد والاخبار در رد اخباریان، احکام العقود، الاستصحاب، اصالة البراءة اصول الاسلام والایمان، الامامة.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

علامه حایری، محمد صالح

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد صالح بن العلم العلام الحاج الشیخ میرزا فضل الله مجتهد حایری مازندرانی متوفی (۱۳۴۶ ق) از مشاهیر علماء و معارف مجتهدین معاصر ما بوده‌اند که در شهر ساکت و آرام سمنان چون یوسف (ع) و چاه کنعان بسر می‌بردند.

وی در سال هزار و دو بیست و نود و هفت قمری در کربلا متولد شده و در مهد علم و کمال پرورش یافته و مرحوم والدش در ماده تاریخ ولادت این فرزند برومند گفته (بالخلف الصالح قولوا مرحبا).

علامه حایری ره در دامن پرمهر مادر عفیفه و صالحه‌ای که دختر مرحوم آیت الله حاج ملا محمد یوسف استرآبادی صاحب کتاب (صیغ العقود) و کتب دیگر تربیت شده و مقدمات را از محضر آخوند ملا عباس اخفش و آخوند ملا علی سیبویه استفاده کرده و در همان اوقات الفیه ابن مالک را تخمیس نموده و پس از مقدمات به خواندن سطح فقه و اصول پرداخته و به نجف اشرف عزیمت نموده و از سال ۱۳۱۲ تا سال ۱۳۲۴ قمری در باب مدینه علم از محضر مرحوم علامه خراسانی صاحب کفایه و مرحوم آیت الله حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی فقه و اصول را استفاده نموده و معقول را از حاج ملا اسماعیل بروجردی حائری فرا گرفته و در اوائل بلوغ بسر حد اجتهاد رسیده و پس از تکمیل مبانی فقه و اصول و علوم عقلی در مدت دوازده سال به واسطه کسالت ضعف چشم به ایران

آمده و مدتی در تهران به معالجه پرداخته و پس از آن به بارفروش (بابل) فعلی رحل اقامت افکنده و مرجع تقلید جماعتی گردیده و از آنجا اجباراً به سمنان منتقل و تا سال ۱۳۹۱ قمری به اقامه جماعت و تدریس و تألیف اشتغال داشتند و در سال مزبور در سن نود و شش سالگی وفات نموده و جنازه‌اش با تجلیل حمل به مشهد مقدس و در جوار سلطان سریر ارتضا علیه آلاف التحیه و الثناء مدفون گردیده است.

مرحوم علامه سمنانی در قدرت ادبی به عربی و فارسی وحید عصر و فرید دهر خود بود و تمام بزرگان و ادباء عراق و ایران او را به استادی تعظیم و تکریم نموده و به نبوغ می‌ستودند بیش از سیصد مجلد تألیف از کتاب و رساله دارد که همه در کتابخانه شخصی ایشان آماده برای چاپ می‌باشد.

فهرست تألیفات و تصنیفات این فقیه اصولی و متکلم رجالی و ادیب اریب و شاعر ماهر و حکیم ربانی در فنون مختلف در کتب تراجم مانند ریحانة‌الادب والذریعه و علماء معاصر و غیره مذکور است.

علامه حایری در فن سرودن قصائد عربی متبنی عصر خود و در سرودن قصائد غزلیات فارسی سعدی زمان بود در انشاد مدایح و مراثی اهل بیت (ع) ید طولائی داشت بلکه از جهاتی بی‌نظیر بود. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

علامه، میر حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر سید میر حسین علامه در سال ۱۳۵۲ در اصفهان بدنیا آمد. وی دارای دکتری تاریخ اسلام و عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اصفهان است.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

گرایش: تاریخ اسلام

والدین و انساب: پدر سید میر حسین علامه، حضرت ایه الله سید ضیاءالدین علامه فرزند حضرت آیه الله سید حسن فانی یزدی و مولف بیش از ۵۰ جلد کتاب است. نام مادر محترمشان خانم اعظم دکتر مجدی است.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: سید میر حسین علامه علاوه بر درجه اجتهاد دارای کارشناسی مهندسی کامپیوتر - نرم افزار و دکتری تاریخ اسلام می‌باشد.

استادان و مربیان: از استادان و مربیان سید میر حسین علامه می‌توان به چند تن از آنها اشاره کرد: حضرت آیه الله علامه - حضرت آیه الله فاضل لنکرانی - حضرت آیه الله جوادی تبریزی - حضرت آیه الله صافی - حضرت آیه الله مکارم شیرازی - حضرت آیه الله مظاهری - حضرت آیه الله امامی - حضرت آیه الله جوادی آملی - دکتر نعمت بخش و دکتر آئینه‌وند

همسر و فرزندان: سید میر حسین علامه متاهل و دارای همسر به نام آزاده السادات داوری و دارای فرزند بنام سیده زهرا علامه می‌باشد.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: سید میر حسین علامه مدیر گروه دانشگاه هنر اصفهان و مدیر مرکز تحقیقات علوم اسلامی و رایانه می‌باشد.

مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می‌آید: سید میر حسین علامه بنیاد فرهنگی آل یاسین (ع) را پایه گذاری کرد. -----

آثار:

۱ بلوزالیسم دینی و نقد آن

ویژگی اثر: تالیف

۲ تاکتیکهای قرآنی پیرامون روابط اجتماعی

ویژگی اثر: تالیف

۳ جوان، پاکدامن و تمناهای کاذب

ویژگی اثر: تالیف

۴ شرایط الخیار فی الفقه اسلامی

ویژگی اثر: تالیف

۵ فرآیند تکامل شیعه در قرن سوم هجری (ری - بغداد - قم و خراسان)

ویژگی اثر: تالیف

۶ فروغ ضیاء

ویژگی اثر: تالیف

۷ مدیریت جذب نبوی بر اساس آموزه های قرآنی

ویژگی اثر: تالیف

۸ نفس در قرآن

ویژگی اثر: تالیف

۹ هنر خوباوری

ویژگی اثر: تالیف

۱۰ وجدان اخلاقی

ویژگی اثر: تالیف

۱۱ ویژگیهای هنر از دیدگاه قرآن

ویژگی اثر: تالیف

منابع زندگینامه:

۱ تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر سید میر حسین علامه بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی - زمستان ۱۳۸۵

علامی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد علامی

محل تولد : هشتروند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مقدمات را تا مغنی و مطول پیش آقای انصاری که مدرس برجسته مقدمات در حوزه تبریز بود خواندم. مغنی و مطول را از محضر آقای شیخ علی اکبر ادیب معروف و متخصص فن و لمعتین را از محضر آیت الله آقای حاج سید مهدی انگجی فرا گرفتم و مکاسب را از محضر حضرت آیت الله آقای حاج میرزا فتاح شهیدی (ره) صاحب کتاب «هدایه الطالب الی اسرار المكاسب» که مجتهد معروف حوزه علمیه تبریز بود و فرائد را محضر حضرت آیت الله مرحوم آقایی حاج میرزا محمود آقا دوزدوزانی خواندم و آن زمان از اساتید معروف مطول و مغنی بودم جمع کثیری در درس مطولم حاضر می شدند چون عبارات را صحیح و با دقت می خواندم الان هم تدریسم در حوزه علمیه قم از نظر خوب عبارت خواندن مورد تحسین فضلالی حوزه است و فضلا بارها گفته اند عبارت خواندن شما در مقام تدریس بی نظیر است.

کفایتین را از محضر حضرت آیت الله آقای مرعشی نجفی (ره) استفاده کردم، منظومه حکمت و اسفار را از محضر حضرت آیت الله علامه طباطبایی (ره) فرا گرفتم دوازده سال حکمت خوانده ام به منظومه حکمت شرح نوشته ام در علم حکمت خیلی کار کرده ام فضلالی حوزه می گویند درس حکمت در حوزه شروع کنید بی میلی نیستم اگر توفیق رفیق شد درس حکمت در حوزه شروع کنم انشاء الله در درس خارج فقه حضرت آیت الله العظمی آقای بروجردی و حضرت آیت الله آقای حجت کبیر پانزده سال شرکت و استفاده کامل نموده ام بعد از وفات این دو بزرگوار باقی دوره درس خارج را از محضر مبارک امام رضوان الله تعالی علیه و آیت الله گلپایگانی و آیت الله داماد تکمیل نموده ام بیش از بیست سال درس خارج فقه خوانده ام.

علامی، محمدحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ محمدحسن علامی فرزند آقا محمدصادق تاجر اصفهانی از مشاهیر علماء عصر و مجتهدین بزرگ و اساطین علمی معاصر کرمانشاه بوده اند

معظم له در سال ۱۳۰۵ قمری هجری در کرمانشاه متولد شده و پس از تحصیل مقدمات و ادبیات در زادگاه خود به نجف اشرف عزیمت نموده و دو سال در درس مرحوم آیت الله العظمی آخوند ملا محمد کاظم خراسانی حضور یافته و بقیه تحصیلات خود را در نزد آیت الله محقق استاد المتأخرین آقای آقا ضیاءالدین عراقی ادامه داده و در میان تلامذه آن مرحوم مشار بالبنان گردیده و بعداً به کرمانشاه مراجعت و در حوزه علمیه کرمانشاه به تدریس مشغول بوده و در مسجد ترکها اقامه جماعت می نموده تا در محرم ۱۳۹۴ قمری در سن ۹۰ سالگی به رحمت حق پیوسته و حسب الوصیه اش در یکی از حجرات مسجد ترکها مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علایی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۲۸۷.

درگذشت: ۱۲ آبان ۱۳۷۲.

علی علایی در ادبیات عرب و فارسی و فرهنگ ایران زمین مطالعاتی داشت. وی مدیر هفته‌نامه‌ی «پیک نوروز» در اردبیل بود. این هفته‌نامه بعد از چند سال انتشار، بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ توقیف شد. مبارزات قلمی علایی و نقش روشنگرانه‌ی «پیک نوروز» در مشاهیر آذربایجان در فصل «تاریخچه مطبوعات اردبیل» آمده است. بر گرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

علایی، نورالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. از نویسندگان و مترجمان پرکار معاصر بود. از آثار وی: «از منگلیه تا شاه»، تاریخ هواپیمایی؛ «چهار سرباز پیاده‌ی ارتش آلمان»، ترجمه؛ «در پناه بودن از خطر حملات هوایی»؛ «فتح آسمان». بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۱۲۵، ۱۷۵-۱۷۴ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۵۰-۶۴۹ / ۶).

علم الهدی شیرازی، احمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند حاج سید علی اکبر واعظ طباطبائی یزدی است که در ۱۳ رجب ۱۲۹۷ متولد گردید، و در شب ۵ شنبه ۱۷ جمادی الثانیه‌ی این سال وفات یافته، جنازه به شیراز منتقل گردیده، در شاه چراغ مدفون گردید.
عالم جلیل، و فقیه محدث، و ادیب جامع، و شاعر کامل بود، و سال‌ها در اصفهان ساکن، و محضرش مجمع افاضل و امثال بوده، در اخلاق و ملکات نفسانی و قدرت حفظ، عدیم‌الظنیر بود.
بر گرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

علم، مصطفی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، مترجم. از مترجمان پرکار قرن حاضر است از آثار وی: «پیامبر»، ترجمه؛ «راهنمایی نوین اسکی»، ترجمه؛ «شخص نامرئی»، ترجمه؛ «عقیده و عمل»، ترجمه؛ «میراث اسلام» (در سیزده فصل و هر فصل به قلم یکی از مستشرقین)، ترجمه از انگلیسی. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: مؤلفین کتب چاپی (۲۳۲ / ۶)، یادگار (س ۴، ش ۱ و ۲، ص ۱۲۴-۱۲۱، ش ۵، ص ۵۱-۴۸)، یغما (س ۱، ش ۳، ص ۱۳۲-۱۲۵).

علم الهدی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۱۲ ق)، عالم امامی. در کربلا به دنیا آمد و در مهد علم و شرافت پرورش یافت. به اتفاق پدرش به ایران آمد و به مشهد رضوی رهسپار شد. مقدمات و مقداری از سطوح را از محضر معین‌الغرباء تحصیل نمود و در بعضی از حوزه‌های درس خارج آن روز مشهد شرکت کرد و در اثر تتبع و حدیث به مقام اجتهاد رسید و از آیت‌الله سید محمد عصار به دریافت اجازه‌ی اجتهاد نایل شد. پس از پدر، به اقامه جماعت در جامع گوهرشاد پرداخت. چند سال بعد برای ادامه‌ی تحصیل به نجف رفت و از محضر آیت‌الله نائینی و آیت‌الله سید محمد فیروزآبادی و آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی بهره‌ها برد و به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از آن بزرگواران نیز نایل شد و به مشهد بازگشت. از آثارش: کتاب «رساله الوضوء»، عربی؛ «رساله المیاه»، عربی، در احکام آبها؛ «رایت رهنما»، در چهار جلد، در اصول عقاید، امامت و اثبات آن و نقل معجزات ائمه اطهار (ع)؛ کتاب «عدل و معاد»؛ کتاب «نهج الخطابه» که جلد اول آن به خطب پیامبر اکرم (ص) و جلد دوم به خطبه‌های حضرت امیرالمؤمنین (ع) و جلد سوم به خطبه‌های سایر ائمه اطهار (ع) به ضمیمه خطبه‌های حضرت فاطمه زهرا (س) و خطبه‌های حضرت زینب (س) پرداخته است؛ کتاب «مناظرات» [۱].

سید علی بن العالم الجلیل السید محمدحسین نجفی بن السید الاجله عماد التولیه معروف به علم الهدی از علماء ابرار و دانشمندان اخیر مشهد مقدس و آستان قدس رضوی علیه آلاف التحیه و الثناء می‌باشد.

وی در نهم ماه شعبان المعظم سال ۱۳۱۲ قمری هزار و سیصد و دوازده قمری (سال فوت زعیم اعظم و پیشوای معظم شیعیان آیت‌الله العظمی میرزا محمدحسن مجدد شیرازی) در کربلا- متولد شده و در مهد علم و شرافت پرورش یافته و به اتفاق مرحوم والدش به ایران و مشهد مقدس آمده و در مسیر راه (همدان و غیره) مورد استقبال و احترام مردم واقع گردیده و چندی توقف سپس وارد ارض اقدس شده و پس از گذراندن دوران طفولیت وارد مرحله تحصیل و در کسوت مقدس روحانیت درآمده و مقدمات و مقداری از سطوح را از محضر استاد بزرگ مرحوم معین‌الغرباء تحصیل نموده و در بعضی از حوزه‌های درس خارج آن روز مشهد شرکت و در اثر تتبع و حدیث به مقام رفیع اجتهاد رسیده و از مرحوم آیت‌الله سید محمد عصار که از علماء بزرگ ایران بود نائل به اخذ اجتهاد گردیده و در آن اوقات کتابی در مرد استنباط احکام وضوء بنام رساله الوضوء نگاشت.

در سال ۱۳۳۹ قمری والد معظمش که از علماء بنام خراسان بود و در خصوص استخاره شهرت بسرائی داشت از دنیا رفت و راتبه اقامه جماعت آن مرحوم در جامع گوهرشاد به ایشان محول گردید و در عین حال پس از دو سه سال برای ادامه تحصیل مهاجرت به نجف نموده و از محضر مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله حاج سید محمد فیروزآبادی و آیت‌الله العظمی آقا سید ابوالحسن

اصفهانی استفاده نموده و پس از مدتی با دریافت اجتهاد از آن بزرگواران به مشهد مراجعت و تا هم اکنون به ارشاد مردم و تألیف و تصنیف کتاب اشتغال دارند.
آثار قلمی معظم‌له از این قرار است.

- ۱- کتاب رساله الوضوء عربی مخطوط ۲- رسالت المیاه عربی در موضوع احکام آبها ۱ مخطوط.
 - ۳- رایت رهنماج ۱- (فارسی) دو مرتبه طبع شده است این کتاب در اصول عقاید و اثبات توحید و دفع شبهات مادبین و طبیعیین و گفتگو درباره نبوت عامه و نبوت خاصه.
 - ۴- رایت رهنماج ۲ در موضوع امامت و اثبات خلافت بلا- فصل امیرالمؤمنین (ع) و امامت امام حسن مجتبی و امامت امام حسین علیه‌السلام و فلسفه نهضت آنجناب مطبوع.
 - ۵- رایت رهنماج ۳ و ۴ درباره اثبات امامت و نقل معجزات سایر ائمه اطهار علیه‌السلام و دفع شبهات کیسانیه و واقفیه و مدعیان مهدویت و فرقه ضاله و مضله بهائیت و فلسفه غیبت و رمز طول عمر حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء.
 - ۶- کتاب عدل و معاد درباره تشریح جهان آخرت و عالم پس از مرگ و عالم برزخ و سوال نکیرین و سیر ارواح و بعث و نشر در روز رستاخیز و بهشت و دوزخ از طریق روایات و آیات و دفع عموم شبهات و اشکالات وارده در این موارد و نیز درباره اثبات امر بین‌الامرین جبر و تفویض (مطبوع).
 - ۷- کتاب نهج‌الخطابه در خطب‌النبی والائمه علیهم‌السلام فارسی و عربی ج ۱ در نقل کلیه خطبه‌های پیغمبر صلی‌الله‌علیه و آله و سلم و اخبار معراجیه و وصایای آن حضرت به امیرالمؤمنین (ع) و ابوذر به ضمیمه ترجمه.
 - ۸- نهج‌الخطابه ج ۲- خطبات مولی‌الموحدین امیرالمؤمنین (ع) که در نهج‌البلاغه موجود نیست- مخطوط.
 - ۹- نهج‌الخطابه ج ۳- خطبات سایر ائمه اطهار علیهم‌السلام به ضمیمه خطبه‌های حضرت صدیقه کبری فاطمه سلام‌الله‌علیهاسلام.
 - ۱۰- کتاب مناظرات درباره نقل برخی از مناظراتی که خود ایشان با افراد خارج از دین نموده‌اند به ضمیمه نقل چند مورد از مناظرات قدماء و صحابه.
- نگارنده گوید آقای علم‌الهدی مضافاً بر آن آثار فرزندان دانشمندان و مروج چندی دارند که از باقیات‌الصالحات ایشانست و آنها از این قرار است.

- ۱- سید‌الاعلام آقای حاج سید کاظم علم‌الهدی مقیم مشهد از وعاظ و محدثین معاصر مشهد می باشند.
 - ۲- حجه‌الاسلام آقای حاج آقا محمد علم‌الهدی مقیم تهران و امام مسجد الزهراء خیابان آب منگل.
 - ۳- حجه‌الاسلام آقای حاج آقا جواد علم‌الهدی مقیم تهران و امام جماعت مسجد صاحب‌الزمان خیابان شاهپور.
 - ۴- ثقة‌الاسلام آقای آقاسید احمد علم‌الهدی مشهد که از فضلاء و خطباء بلیغ اکنون مقیم تهران میباشند.
- برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)
- منابع زندگینامه: [۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۶۶۴-۱۶۶۳ / ۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۴۷-۱۴۴ / ۷).

علم‌الهدی، قیصر، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قیصر، محمد بن (حاج میرزا) معصوم رضوی خراسانی مشهور به سید قیصر، از فقهای متأخر شیعه (ف. ۱۲۵۵ ه.ق.). اوراست: اعلام

الوری، کتاب رجال، حاشیه معلم الاصول، مصابیح الفقه.
برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

علمی آخویی، اسماعیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیوشیمی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی علوم آزمایشگاهی، کارشناسی ارشد در پاتوبیولوژی با گرایش بیوشیمی، تخصص و دکترا در بیوشیمی از دانشکده چلسی دانشگاه لندن.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحقیق در زمینه‌های بیوشیمی عمومی و بیوشیمی تخصصی مخصوصاً در جدا کردن و تخلیص آنزیم استیل کولین استراز، بررسی میزان آهن و ظرفیت آهن در خانم‌ها در سنین بلوغ و بعد آمنوره، بررسی انسولین در مایعات بیولوژیک پس از G.T.T کروماتوگرافی دو بعدی اسیدهای آمینه در مایعات بیولوژیک بعد از فیلتراسیون.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

بیوشیمی مقدماتی، تخصصی و بالینی، آزمایشهای تشخیص طبی متابولیک در شیمی پاتولوژی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

بیوشیمی تخصصی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

علمی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد علومی فرزند آیت‌الله آخوند ملاحسین اردکانی از علماء بزرگ و معروف معاصر یزد بوده‌اند.

وی در ماه رمضان ۱۳۱۹ ق در یزد متولد شده و پس از تحصیل مقدمات و فراغت از سطوح مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر اساتید بزرگ و مراجع عالیقدر آن عصر چون مرحوم آیت‌الله آقا میرزا حسین نائینی و آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله آقا سید محمد فیروزآبادی و آیت‌الله حاج میرزا سید آقای اصطهباناتی و دیگران مدت هشت سال استفاده نموده تا به درجه‌ی رفیع اجتهاد نائل و با دریافت گواهی و اجازات به ایران مراجعت و چندی در قم توقف و در زمان مرحوم آیت‌الله العظمی حایری یزدی به تدریس پرداخته و سپس در اثر انقلابات داخلی و سیاسی به وطن اصلی خود یزد بازگشت و اساس حوزه یزد را پی‌ریزی نموده و با شور و علاقه خاصی در توسعه و گسترش آن کوشش و بر حسب مقدرات الهی در سال ۱۳۱۴ ش به مشهد مقدس مشرف و با خاندان حاج میرزا عبدالرسول درانیان که از وعاظ نامی مشهد بودند وصلت و دارای شش فرزند می‌شوند که چهار نفر آنها ذکور و هر یک از آنها در رشته‌های مختلف علمی روحانی پزشکی و اقتصادی و مشاور علمی از فضلاء ممتاز می‌باشند.

مرحوم آیت‌الله علومی پس از سی سال سرپرستی حوزه علمیه یزد و تدریس علوم دینی و امامت در سن ۷۴ سالگی دار دنیا را بدرود و دعوت حق را لیک اجابت گفتند. اما آثار ایشان از این قرار است:

۱- چند رساله مختصر در مسائل فقه در اوقات صلوه و صلوه مسافر و زکوه.

۲- حواشی بر قطع فرائد الاصول و مکاسب شیخ مرتضی انصاری.

۳- حواشی مختصر بر کفایه الاصول مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی.

۴- شرح قصیده شیخ محمد بوسیری معروف به قصیده برده در مدح حضرت رسول (ص).

۵- شرح قصیده بایه و قصیده عینیه ابن ابی‌الحدید معتزلی در مدح حضرت امیر (ع)

۶- المغنی عن المغنی که تلخیص کتاب مغنی ابن هشام است در علم ادبیات.

(۱۳۱۹- ح ۱۳۹۳ ق)، عالم دینی و فقیه. در یزد به دنیا آمد. پس از تحصیل مقدمات و فراغت از سطوح به نجف اشرف سفر کرد و از محضر اساتید بزرگی همچون آیت‌الله میرزا حسین نائینی و آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله آقا سید محمد فیروزآبادی و آیت‌الله میرزا سید آقای اصطهباناتی و دیگران مدت هشت سال استفاده نمود، تا به درجه‌ی اجتهاد نایل شد و با دریافت اجازه به ایران مراجعت کرد. چندی در قم توقف نمود و در زمان آیت‌الله حایری یزدی به تدریس پرداخت. سپس به وطن خویش بازگشت، و حوزه‌ی علوم دینی یزد را پی‌ریزی نمود. در ۱۳۱۴ ش به مشهد رضوی رفت و با خاندان حاج میرزا عبدالرسول درانیان وصلت نمود. وی مدت سی سال حوزه‌ی یزد را سرپرستی و در آن تدریس کرد. از آثارش: چند رساله در مسائل فقه: در «اوقات صلاه»، «صلاه مسافر» و «زکات»؛ حواشی بر «قطع» «فرائد الاصول» و «مکاسب» شیخ مرتضی انصاری؛ حواشی بر «کفایه الاصول» آخوند ملا محمد کاظم خراسانی؛ شرح «قصیده‌ی» شیخ محمد بوسیری، معروف به «قصیده‌ی برده»، در مدح حضرت رسول اکرم (ص)؛ شرح «قصیده‌ی بایه» و «قصیده‌ی عینیه» ابن ابی‌الحدید معتزلی در مدح امیرالمؤمنین (ع)؛ «المغنی عن المغنی» که تلخیص کتاب «مغنی» ابن هشام، در ادبیات است. [۱]

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۴۴۱- ۴۴۰ / ۷).

علوی اصفهانی، ابو محمد حمزه

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۱۷ق)، محدث و صوفی. شیخ صوفیه اصفهان بود. بیشترین حدیث را از ابوطاهر بن عبدالرحیم شنید. سلفی و ابوسعید صائغ و ابوموسی مدینی و محمد بن عبدالخالق بن ابی‌شکر جوهری و عقیفه فارفانیه از وی حدیث روایت کرده‌اند. سمعانی، علوی را در شمار استادان خود که از آنان اجازه داشته، یاد کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۴۵۹-۴۵۸ / ۱۹)، شذرات الذهب (۴ / ۵۵)، العبر (۲ / ۴۰۹).

علوی تهرانی، محمدباقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم حاج سید محمدباقر بن سید الاعلام السید علی بن السید حسین علوی مسجد حوضی تهران از علماء معروف تهران بودند و در مسجد حوض واقع در خیابان سیروس نزدیک محله سرپولک اقامه جماعت می‌نمودند و در میان علماء و اهالی تهران بسیار محترم و مکرم و مورد وثوق قاطبه مردم بودند و با مرحوم آیت‌الله بهبهانی صداقت تام و رفاقت تمامی داشتند.

وی در سال ۱۳۰۵ قمری هجری در تهران متولد و در کودکی قرآن و تجوید را از آخوند ملا-علی فرا گرفته و در مدرسه ادب تحصیلات جدید را آموخته و فقه و اصول را نزد آقا میرزا کوچک ساوجی که از علماء مشهور عصر و مدرس مدرسه صدر بودند خوانده و معقول را نزد حکیم دوران و فرید زمان آیت‌الله حاج عبدالنبی نوری طاب ثراه آموخته و پس از فراغ از تحصیل مسافرت به نجف اشرف نموده و مدت یکسال از محضر مرحوم آیت‌الله شریعت اصفهانی و دیگران استفاده کرده و نائل به درجه اجتهاد شده آنگاه مراجعت به تهران و در مدرسه عبدالله خان واقع در بازار بزرگ مشغول تدریس گشته و احکام تجارت و مکاسب را برای تجار بیان نموده و عده‌ای از بازرگانان از محضرش کسب فقه و معارف اسلامی نموده تا در ماه شعبان المعظم سال ۱۳۸۶ ق در تهران وفات و جنازه‌اش حمل به نجف اشرف و در جوار جد گرام خویش حضرت علی علیه‌السلام مدفون گردیدند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

علوی تهرانی، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج سید محمد رضا بن الایه حاج سید محمدباقر علوی آنف‌الذکر از علماء محترم معاصر تهران است.

وی در سال ۱۳۴۳ ق در تهران تولد یافته و در مهد علم و سیادت پرورش نموده و پس از خواندن دروس عالیہ جدید، ادبیات و سطوح وسطی را در تهران آموخته و در سال ۱۳۶۴ ق مهاجرت به قم نموده و سطوح نهائی را از مدرسین بزرگ قم فرا گرفته و از درس خارج مرحومین آیتین علمین آقای حجت و آقای خونساری استفاده نموده و پس از رحلت ایشان از محضر آیت‌الله العظمی زعیم اعظم آقای بروجردی و آیت‌الله شریعتمداری و آیت‌الله گلپایگانی و علامه معاصر آقای طباطبائی بهره‌مند شده و در سال ۱۳۸۶ ق پس از فوت مرحوم والدش به تهران مراجعت و در مدرسه سپهسالار قدیم و مسجد حضرت امیر علیه‌السلام به اقامه جماعت

و در مدرسه‌ی مزبور بتدریس و ترویج دین پرداخته و هم از محضر مرحوم وحید عصر آیت‌الله شعرائی حاج میرزا ابوالحسن قدس الله سره هیئت و نجوم و ریاضیات را آموخته و تا حال حاضر بانجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارند. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

علوی حسنی نیشابوری، ابوالحسن محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۰۱ ق)، مسند، محدث و فقیه. وی رئیس‌السادات و شیخ‌الاشراف و مسند خراسان زمان خود و سیدی بزرگوار و نیکوکار بود. او برادر بزرگتر ابوعلی محمد بن حسین علوی حسنی نیشابوری است. از محمد بن اسماعیل بن اسحاق مروزی و ابوحامد بن شرقی و برادرش عبدالله بن محمد و همچنین محمد بن عمر بن جمیل و ابونصر محمد بن حمدویه غازی و ابوبکر بن دلویه دقاق و محمد بن حسین قطان و عبیدالله بن ابراهیم بن بالویه و دیگران حدیث شنید. حاکم و ابوبکر بیهقی و محمد بن قاسم صفار و ابوعبید صخر بن محمد و ابوالقاسم اسماعیل بن زاهر و محمد بن عبیدالله صرام و عثمان بن محمد محمی و عمر بن شاه مقری و شیب بن احمد بستیقی و احمد بن محمد بن مکرم صیدلانی و موسی بن عمران انصاری و ابوصالح احمد بن عبدالملک مؤذن و فاطمه دختر ابوعلی دقاق و بسیاری دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. حاکم گوید: وی صاحب همتی عالی بود و ظاهری نورانی داشت. پیوسته از او خواسته می‌شد تا حدیث گوید اما نمی‌گفت. دست آخر من مجلس املائی برپا ساختم و هزار حدیث برایش برگزیدم. در آن مجلس هزار قلمدان شمارش شد و او سه سال املائی حدیث کرد. ابوالحسن علوی به سخته در گذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام بوفیات الاعلام (۲۷۱ / ۱)، سیر النبلاء (۹۹-۹۸ / ۱۷)، شذرات الذهب (۱۶۲ / ۳)، العبر (۱۹۹ / ۲)، الوافی بالوفیات (۳۷۳ / ۲).

علوی حسنی نیشابوری، ابوعلی محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۹۳ ق)، محدث. وی برادر کوچک ابوالحسن علوی حسنی نیشابوری است. از ابن‌بلال و ابوبکر قطان حدیث شنید و حاکم نیشابوری نیز از وی روایت کرده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۹۹ / ۱۷).

علوی حسینی تبریزی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۸۱ - ۱۳۲۰ ق)، عالم دینی و فقیه. در تبریز به دنیا آمد. پس از خواندن سطوح از محضر آیت‌الله حاج سید علی مولانا و آیت‌الله حاج میرزا ابوالحسن انگجی استفاده نمود. آن‌گاه به مشهد رضوی مهاجرت کرد و از محضر آقا زاده کفایی و آیت‌الله آشتیانی بهره برد. پس به انجام وظائف دینی پرداخت، تا در ۱۳۸۱ ق برای معالجه به تهران آمد و در تهران درگذشت. پیکرش در مشهد رضوی در یکی از حجره‌های صحن عتیق به خاک سپرده شد. از آثارش: «الحجاب»؛ «الرباء»؛ «الغناء»؛ «هدیه الاخوان»، در اثبات اسلام، به فارسی؛ «هدایه المسترشدين الى معارف الدين المبين»، در سه مجلد: «توحید»، «نبوت عامه و خاصه» و «امامت و معاد». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۰۵، ۱۹۴، ۲۵ / ۴۵۶، ۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۴۳ / ۷)، مؤلفین کتب چاپی (۶۰ - ۵۹ / ۶).

علوی حسینی نیشابوری، ابومنصور ظفر

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۱۰ ق)، مسند و محدث. گفته‌اند که وی بزرگ مسندان و آقای مجاهدان بود. از عمویش، ابوعلی بن زبارة، و ابوالعباس اصم و محمد بن علی بن دحیم شیبانی و ابوبکر نجاد و علی بن عیسی بن ماتی و خلف بن محمد بخاری خیام و ابوزکریا عنبری و دیگران حدیث شنید. ابوبکر بیهقی و ابوصالح مؤذن و ابوبکر بن خلف ادیب و عمر بن ابی عمر بسطامی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. وی در روستای خود درگذشت و در همان جا دفن شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۲۶۳ / ۱۷).

علوی خوئی، ابراهیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید ابراهیم علوی خوئی بن السید الجلیل حاج سید مهدی که در آذربایجان و مقامهای بزرگ مملکتی خانواده‌شان معروف به سادات مقبره به خاطر مزار جد اعلی‌اش عالم تقی المعی صاحب کرامات سید یعقوب طاب ثراه می‌باشند با بیست و دو فاصله آبائی به حضرت سیدالساجدین علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب سلام الله علیهم اجمعین نسبش می‌رسد در سال ۱۳۳۳ ق هجری در دارالمؤمنین خوی متولد و در هشت سالگی به مکتب اعزام و قرآن کریم را پیش آقای حاج شیخ ابوالفتح واعظ شاهانقی ختم و ادبیات فارسی را از آقای میرزا محمدحسین کارگر و آقا غلامرضا کشاورز و آقای میرزا یوسف کارگر اخلاق و سیاق را از آقای حاج میرزا یحیی فرقانی شرعیات و دستور زبان فارسی را از آقای حاج میرزا محمدعلی موحد و رسم را از آقای سید محسن هدایت و قرائت و تجوید را از آقای کربلانی تقی و آقای حاج میرزا ابراهیم قاری تلمذ نموده است.

ادبیات عربی از علماء اعلام آقای حاج ملا محمدحسین محصلی و آقای شیخ محمد حقیر چهرقانی و آقای شیخعلی اسلام‌پرست و آقای آخوند ملاحسین محسنی و آقای حاج میرزا علی زائر و آقای میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و آقای حاج سید مهدی کشفی و

منطق را از آقای حاج میر شفیع تهامی و آقای شیخ علی اکبر محقق و آقای شیخ محمدحسین تنکابنی و کلام را از حضرت آیت‌الله حاج سید محمدتقی خوانساری و حکمت مشاء را از حضرت آیت‌الله فخرالحکماء الهیین آقای حاج شیخ مهدی مازندرانی و حکمت اشراق و عرفان را از آن معظم له و آیت‌الله و سیدالحکماء المتأخرین امام خمینی و آقای حاج میرزا خلیل کمره‌ای و آقای حاج میرزا محمدعلی شاه‌آبادی و اصول را از حجة‌الاسلام والمسلمین حاج میر شفیع تهامی و آقای حاج میرزا موسی مرجعی و آقای حاج سید کاظم گلپایگانی و آقای میرزا محمد همدانی و آیات عظام آقای حاج سید محمدتقی خوانساری و آقای شیخ محمدعلی قمی و آقای سید کاظم شریعتمداری و آقای سید محمد حجت و فقه را از حجة‌الاسلام آقای شیخ قاسم واعظ مهاجر و آقای میر شفیع تهامی و آقای حاج میرزا ابوالفضل زاهدی و آیات عظام آقای حاج سید کاظم شریعتمداری و آقای میرزا محمد همدانی و آیت‌الله العظمی آقای سید محمد حجت و آقای حاج شیخ عبدالکریم حایری تلمذ کرده است

اجازه اجتهاد از آیات عظام و مراجع عالیقدر عالم تشیع از آقای سید ابوالحسن اصفهانی و آقای سید محمد حجت و آقای حاج سید محسن حکیم دارد.

تصدیق فلسفه و عرفان از آیت‌الله العظمی و استاد الفلاسفه والعرفان آقای امام خمینی دارد.

و در تاریخ ۱۳۴۹ قمری به بلده طیه قم برای تکمیل تحصیل مشرف گردیده و در سال ۱۳۵۵ موفق به دریافت تصدیق مدرسی شده و در سال ۱۳۵۷ با اجازه اجتهاد به خوی عودت نموده است.

مدرسه علوم دینیہ نمازی خوی که از تاریخ ۱۳۵۳ قمری تا ورود ایشان به خوی خالی از سکنه و به صورت خرابی افتاده بود با اقدام ایشان و راهنمایی و معاضدت حضرت حجة‌الاسلام والمسلمین آقا شیخ قاسم واعظ مهاجر از نو اصلاح و تعمیر و به جمع‌آوری طلاب اقدام و در سال ۱۳۶۰ شهریه به طلاب برقرار و امتحان رسمی اعلام و تا تاریخ این نوشته از اول شعبان شروع و به فضلائی که به مقام شایستگی لباس روحانیت به تدریج می‌رسیدند روز ولادت با سعادت حضرت بقیة‌الله امام زمان عجل الله تعالی فرجه که جشن مدرسه و روحانیت است در تحت نظر رئیس روحانیت وقت ملبس به لباس روحانیت می‌شوند.

توضیح اینکه آنجا بالخصوص لباس روحانیت را پوشیدن پس از طی مدارج علمی و گواهی اساتید به شایستگی طرف منوط می‌باشد دفتر نمرات دروس و املاء و انشاء و قرائت و تجوید و اخلاق طلاب از تاریخ ۱۳۶۰ قمری تا حال منظمماً دائر در تحت سرپرست طلاب است و به اضافه شهریه برق و آب و وسائل زمستانی و دوا و معالجه از طرف سرپرست روحانیت الی آلان مرتباً دائر است.

لا- یخفی اینکه از تاریخ ۱۳۱۶ شمسی که امتحانات طلاب علوم دینیہ از رسمیت در مرکز ساقط گردید اولین مدرسه دینیہ در آذربایجان پس از غائله بیستم شهریور ۱۳۲۰ شمسی موفق به دریافت اعتبار رسمی بودن تصدیق اساتید و بهره‌مندی از مزایای آن شده مدرسه نمازیہ خوی با جدیت و مساعی معظم له بود در تاریخ ۱۳۲۴ شمسی که ناچار به مهاجرت به تهران در اثر فشار متجاسرین توده گردید

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

علوی سبزواری، ابراهیم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید ابراهیم بن السید اسماعیل بن سید عبدالغفور علوی سبزواری معروف به شریعتمدار عالمی فقیه و مدرسی بزرگ و زعیمی

جلیل‌القدر بوده است در سبزواری آثار اوست مدرسه شریعتمدار که مسکن طلاب و محصلین علوم دینی می‌باشد. وی از شاگردان علامه فقیه حاج شیخ محمدحسن صاحب (جواهر) بوده و در مشهدالرضا (ع) از میرزا حسن و ملا محمدتقی و ملا علی داماد صاحب (قوانین) استفاده کرده آنگاه به اصفهان مسافرت و از محضر حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدابراهیم کلباسی بهره‌مند شده و پس از آن به نجف مهاجرت نموده و از ابی‌حسین صاحب جواهر و صاحب (انوار الفقاهه) و علامه انصاری و ملازمین العابدین گلپایگانی استفاده وافی نموده و بعد به سبزواری مراجعت و به رتق و فتق امور پرداخته و ریاست تامه و مرجعیت عامه در آن نواحی پیدا نموده و صاحب ثروت فراوان و نفوذ کلام و قدرت کم‌نظیری گردیده و شهرتش به تمام ایران رسیده و با این ثروت و موقعیت از اولاد عقیم و محروم بوده است تا در سال ۱۳۱۴ و یا ۱۵ وفات یافته و در مقبره‌ای که در ضلع جنوبی مدرسه شریعتمدار واقع است مدفون شده و تاکنون قبرش مورد احترام اهالی می‌باشد.

وی عالمی مدبر و روشن‌ضمیر و عمری طولانی را با کمال عزت و جلالت طی نموده است.

آثار خیری که از آن مرحوم باقی مانده است از این قرار است.

۱- مدرسه صلوات معروف به مدرسه شریعتمدار در سبزواری که ظاهراً در سال ۱۳۰۵ قمری از مال شخصی خود ساخته است و مورد استفاده است و مدرس بزرگ و باشکوهی دارد.

۲- موقوفاتی که وقف بر طلاب مدرسه مزبوره و زوار ارض اقدس و اطعام در مجلس تعزیه حضرت سیدالشهداء (ع) نموده است.

۳- حمامی در جنب مدرسه مزبوره واقع در بازار قدیم سبزواری که فعلاً مخروبه است.

۴- کاروانسرای مشهور به سرای آقا.

۵- آثار خیری در کاشمر و خیرات دیگر.

(وف ۱۳۱۶ - ۱۳۱۴ ق)، فقیه، مدرس، مرجع و نیکوکار. معروف به شریعتمدار. در مشهد رضوی از محضر میرزا حسن و ملا محمدتقی و ملا علی، داماد صاحب «قوانین»، استفاده کرد. سپس به اصفهان رفت و از محضر حاج شیخ محمدابراهیم کلباسی بهره‌مند شد. آنگاه به نجف مهاجرت کرد و از مجالس بحث صاحب «جواهر» و صاحب «انوار الفقاهه» و علامه انصاری و ملا زین‌العابدین گلپایگانی استفاده کامل نمود. علوی پس از تکمیل علوم و دریافت اجازه‌ی اجتهاد از صاحب «جواهر» به سبزواری بازگشت و ریاست و مرجعیت مردم را بر عهده گرفت و صاحب ثروت و شهرت فراوان گردید. او در سبزواری درگذشت. و در مقبره‌ای که در ضلع جنوبی مدرسه‌ی شریعتمدار واقع است دفن شد. از آثار وی: مدرسه صلوات، معروف به مدرسه‌ی شریعتمدار، در سبزواری که گویا در ۱۳۰۵ ق از اموال شخصی خود هزینه کرده است؛ حمامی در جنب مدرسه شریعتمدار؛ کاروانسرای مشهور به سرای آقا؛ آثار خیری در کاشمر. [۱]

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹ / ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۰۵ - ۳۰۴ / ۵).

علوی سبزواری، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید میرزا ابوالقاسم بن سید حسن بن اسماعیل بن سید عبدالغفور علوی سبزواری عالمی جلیل و دانشمندی بزرگوار و مرجعی عالیقدر در سبزواری و برادرزاده مرحوم شریعتمدار و مورد وثوق عموم مردم بوده و در محرم سال ۱۳۵۵ ق در سبزواری وفات نموده

است.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

علوی سبزواری، حسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید میرزا حسن بن سید اسماعیل بن عبدالغفور علوی عریضی سبزواری عالمی بزرگ و فقیهی جلیل‌القدر و متقی و مرجعی بزرگوار بوده و در سال ۱۲۵۵ قمری در سبزواری متولد شده و مهاجرت به نجف اشرف و مدت بیست سال اقامت و از محضر علامه شیخ مرتضی انصاری و علامه سید حسین کوه‌کمری و دیگران استفاده نموده و پس از آن به سبزواری مراجعت و در آنجا به ریاست تامه و مرجعیت عامه رسیده و دو مرتبه به حج مشرف و در سفر دوم در ۴ محرم ۱۳۳۲ قمری در نزدیکی مدینه شهید و در بقیع مدفون گردیده است.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

علوی سبزواری، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۳ / ۱۳۵۲ - ۱۲۶۸ ق)، فقیه، محدث، حکیم، متکلم و شاعر. در هفده سالگی با اجازه حاج ملا هادی سبزواری در مجلس درس آن حکیم حاضر شد و کتاب «اسفار» را نزد آن استاد تحصیل نمود. آن‌گاه به عراق رفت و در محضر درس فاضل اردکانی و میرزای شیرازی حضور یافت. بعد از وفات جلوه چند ماهی در مدرسه‌ی سپهسالار (شهید مطهری فعلی) به تدریس ریاضی و حکمت پرداخت. پس از آن به سبزواری بازگشت و در آن شهر مرجعیت و ریاستی تمام یافت. به او در قبال حاج میرزا حسین سبزواری، میرزا حسین کبیر لقب دادند. آیت‌الله نجفی مرعشی از وی دارای اجازه بود. سید عبدالله برهان‌المحققین سبزواری و حاج میرزا علی‌اکبر نوقانی از شاگردان وی بودند. در سبزواری درگذشت و در مقبره‌ی استادش دفن شد. از آثار وی: «الارجوزه فی الفلسفه العالیه»؛ حاشیه بر «فرائد» شیخ انصاری؛ «کتاب الطهاره»؛ «کتاب الصوم»؛ «کتاب النذر»؛ «مشکاه الضیاء»، در بداء؛ تفسیر «آیه الخلافه»: «انی جاعل فی لارض خلیفه...».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۵۶ / ۶ / ۴۹۱، ۱)، ریحانه (۱۹۱ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۷۰ - ۵۶۹ / ۱۴)، المآثر و الآثار (۱۷۲)، مکارم الآثار (۱۸۹۷ - ۱۸۹۶ / ۶).

علوی شیرازی، محمد هاشم

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۱۶۲ / ۱۱۶۰ - ۱۰۸۱ ق)، طبیب و شاعر. ملقب به معتمدالملوک و حکیم علوی خان. جدش سید مظفرالدین حسین خراسانی از اطبای خراسان بود که به شیراز رفت و در آنجا ساکن شد. میرزا محمدهاشم در شیراز به دنیا آمد و پس از کسب علوم و تحصیل علم پزشکی به هندوستان رفت و در دربار اورنگ زیب عالمگیر تقرب یافت. در هنگام یورش نادر به آنجا به همراه او به ایران آمد و به قولی از میان راه گریخت و به هندوستان بازگشت. علوی در آن جا درگذشت و در جوار مزار خواجه نظام‌الدین اولیاء دفن شد. او در سرودن شعر نیز دست داشت. از آثار وی: «مطب»؛ «جمع الجوامع» یا «جامع الجوامع»؛ «تحفه العلویه»؛ شرح موجز بر «قانون» و «مجسطی» و «عشره‌ی کامله».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی روز روشن (۵۵۹-۵۵۸)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۶۴-۶۶۳ / ۳)، الذریعه (۷۳۸-۷۳۷ / ۷۳۷-۷۳۸، ۴۸، ۹ / ۵)، فرهنگ سخنوران (۶۴۵)، کاروان هندن (۹۰۷-۹۰۶ / ۲)، مرآت الفصاحه (۴۲۶-۴۲۵).

علوی عریضی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد مهدی بن ابراهیم بن معصوم بن ابراهیم بن معصوم العلوی العریضی.

نسب ایشان به ظاهر منتهی می‌شود به جناب علی عریضی فرزند مکرم حضرت صادق علیه الصلوٰه والسلام و جد دوم یا سوم ایشان از درود آمدند به کیدقان که یکی از قراء کوه‌میش و از بلوک سبزوار است و سپس جد مترجم به سبزوار منتقل شده و جد مزبور مختصر تحصیلی نموده بودند ولی از محترمین شایسته و اهل ثروت و کسب بوده و در سال ۱۳۱۵ ق در سبزوار فوت شدند و والد ایشان از علماء و نیز از اهل عبادت و تهجد و سالهای متمادی در کاظمین و نجف و کربلا اقامت داشته و در ۱۳۴۱ ق به سبزوار برگشته و در سال ۱۳۶۶ در آنجا فوت شدند و در امامزاده یحیی مدفون گردیدند.

مترجم محترم در ۱۸ شعبان ۱۳۲۶ ق در سبزوار متولد و مادر ایشان صبیبه حاج سید عبدالجواد قوچانی که از تجار مشهور سبزوار بوده‌اند می‌باشد.

در سال ۱۳۲۷ ق والد ایشان که در بین به سبزوار آمده بودند مجدداً مراجعت به عراق و مترجم را نیز با خود بردند و تا ۱۳۴۰ ق در کاظمین مشرف و تحصیلات معموله را نموده سپس به کربلا- مشرف و به درس مرحوم حاج شیخ علی شاهرودی و آقا شیخ محمدحسین قفقازی لنکرانی حاضر چنانکه در خلال هفته در بغداد رفته و از محضر مرحوم آیت‌الله سید هبه‌الدین شهرستانی راجع به شرح احادیث مشکله استفاده نموده و در سال ۱۳۴۴ ق به دستور والدش به سبزوار مراجعت و از محضر مرحوم آیت‌الله حاج میرزا حسین مجتهد (بزرگ) استفاضه نموده تا در شب ۱۸ ماه رمضان ۱۳۵۰ ق در جوانی فوت نموده و در قبرستان سبزی در مقبره مدفون شده‌اند و از ایشان تألیفاتی به نامهای زیر مانده است.

۱- خیر التحف فی جواز السجود علی الاجر والخزف

۲- رساله مختصری که بطبع رسیده

۳- مقاله‌ای درباره ابن العلقمی بما هو بری منا

۴- علم العقود مختصر که در مجله غرب العرب بطبع رسیده

- ۵- تاریخ طوس او المشهد الرضوی
- ۶- نابغه العراق او هبةالدين شهرستانی با اجازه روایتی از آن مرحوم بطبع رسیده
- ۷- مؤلفوا علماء العصر یا حدیقه‌الزهر در تراجم مؤلفین از علماء عصر
- ۸- انیس الاعلام و جلیس الادباء در کشکول و مطالب متفرقه
- ۹- محکم البرهان فی اعجازالقران.
- آن مرحوم اجازه روایتی از علماء اعلام مانند مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدباقر بیرجندی و آیت‌الله حاج میرزا هادی خراسانی و محدث قمی و حاج سید عبدالله بوشهری و میرزا علی اردوباری و آقا میرزا محمود شریعتمدار تهرانی و حاج سید عبدالله برهان و والد مکرم خود داشته‌اند.
- برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

علوی فاضل، کاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روان پزشکی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اهواز.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

علوی فرد، یحیی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

یحیی علوی فرد

محل تولد: بجنورد

شهرت: عموعلوی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۲/۹/۲۱

زندگینامه علمی

یحیی علوی فرد

یحیی علوی فرد در سال ۱۳۵۲ در روستای باغچق از توابع شهرستان بجنورد به دنیا آمد. سال‌های ابتدائی مدرسه را در روستای محل زندگی گذراند و در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه بجنورد شد. او بعد ها به مشهد رفت و در سال ۱۳۷۴ وارد حوزه علمیه قم شد. علوی فرد از همین زمان به صورت جدی وارد عرصه شعر کودک و نوجوان شد. او در جلسات هفتگی شعر مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان با مدیریت آقای تقی متقی شرکت کرد. علوی در سال ۱۳۷۷ شروع به درس خواندن در رشته روان شناسی در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) کرد. همچنین در همین سال همکاری خود را با مطبوعات کودک و

نوجوان آغاز کرد. نتیجه کار او تا کنون چاپ صد ها قطعه شعر، نقد ادبی و نثر در مجلات کودک و نوجوان است. علوی برخلاف بیشتر شاعران کودک و نوجوان سعی می کند به قالب چهارپاره بسنده نکند و در قالب های غزل و شعر نیمایی نیز فعالیت دارد. او همچنین به صورت پراکنده شعر بزرگسال نیز می گوید که در نشریات مختلف به چاپ رسیده است. عناوین و افتخارات علوی در سال ۱۳۸۰ در پنجمین جشنواره دو سالانه مطبوعات کودک و نوجوان در رشته شعر رتبه اول را به دست آورد. همچنین در سال ۱۳۸۱ در جشنواره شعر دانشجویان شاهد رتبه دوم شعر بزرگسال را کسب کرد. او در سال ۱۳۸۲ لیسانس روان شناسی گرفت. همچنین در این سال یکی از شش نامزد دریافت جایزه در ششمین جشنواره مطبوعات کودک و نوجوان بود. در سال ۱۳۸۳ از سوی سازمان صدا و سیما، نویسنده برگزیده گروه کودک و نوجوان معرفی شد. در سال ۱۳۸۷ در مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه قم قبول شد و در این سال در جشنواره هنر آسمانی (طلاب سراسر کشور) در بخش کودک و نوجوان مقام اول را به دست آورد. از شاعران برگزیده شعر فجر در استان قم بود. همچنین کتاب نوآوری این است برگزیده ششمین جشنواره کتاب فصل در سال ۱۳۸۷ شد. فعالیت ها علوی در کنار سرودن شعر، نقد ادبی را جدی ترین فعالیت خود می شمارد. او در این زمینه با مجلاتی مثل کتاب ماه کودک و نوجوان و ماهنامه سلام بچه ها همکاری جدی تری دارد که بعضی از این نقد ها با اسم مستعار (ی. باغچقی) به چاپ می رسد. او مقالات آموزشی در زمینه شعر و نثر ادبی را در مجلات انتظار نوجوان و ماهنامه ملیکا با اسم مستعار (عموعلوی) ارائه می کند. کتاب های چاپ شده از او عبارتند از: فصل ها زیباوند ۱۳۸۵

بهار ماندنی ۱۳۸۷ (تقدیر شده اولین جشنواره آخرین منجی)

نوآوری این است ۱۳۸۷ (برگزیده ششمین دوره کتاب فصل)

محمد دوباره می آید (زیر چاپ)

...

یکی از جدی ترین فعالیت های علوی در کنار سرودن شعر و نقد ادبی، تدریس زیبا نویسی، مخاطب شناسی در ادبیات کودک و نوجوان، سرود دانش آموزی، و اداره جلسات نقد کارگاهی ادبیات کودک و نوجوان در قم می باشد. سابقه تدریس او در مراکز زیر صورت گرفته است: تدریس و نقد شعر در انجمن ادبی شاهد استان قم از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲

تدریس و نقد شعر در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره در سال ۱۳۸۲

تدریس سرود دانش آموزی در دانشگاه قم در سال تحصیلی ۱۳۸۲-۱۳۸۳

تدریس و نقد شعر کودک و نوجوان در مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶

تدریس و نقد شعر کودک و نوجوان در حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی قم در سال ۱۳۸۵

...

او هم اکنون در مقطع فوق لیسانس زبان و ادبیات فارسی مشغول به تحصیل است. عضو تحریریه ماهنامه سلام بچه هاست از سال ۱۳۸۴ دبیر بخش ماهنامه انتظار نوجوان است و به مدت ۵ سال سردبیر ماهنامه قاصدک بود. (ماهنامه قاصدک در مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما برای برنامه سازان کودک و نوجوان به چاپ می رسد).

علوی فزونی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی علوی قزوینی

محل تولد: قزوین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

حجه الاسلام سید علی علوی قزوینی فرزند مرحوم آیت الله حاج سید جواد علوی قزوینی ره در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی در شهرستان قزوین در یک خانواده اصیل و ریشه دار علمی متولد شد پدر و اجداد نامبرده همگی از علماء و دانشمندان عصر خود بشمار می رفتند، جد پدری وی مرحوم علامه سید علی موسوی قزوینی (متوفی ۱۲۹۸ ه.ق) از فقها و اصولیین نامدار قرن سیزدهم هجری، و صاحب تالیفات فراوان در فقه و اصول می باشد از جمله حاشیه معروف وی بر قوانین الاصول میرزای قمی است. او خواهر زاده مرحوم سید ابراهیم موسوی قزوینی صاحب ضوابط الاصول می باشد. حجه الاسلام علوی پس از اتمام تحصیلات مقطع ابتدایی و راهنمایی، همزمان با تحصیل در دوره متوسطه دروس مقدماتی علوم دینی را در نزد والد بزرگوار خود فرا گرفت و پس از اخذ دیپلم ریاضی فیزیک در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه قزوین شد و در نزد اساتید آن حوزه به تحصیل علوم اسلامی (فقه، اصول، فلسفه) پرداخت.

اهم اساتید وی در حوزه علمیه قزوین در زمینه های فقه و اصول عبارتند از مرحوم آیت الله میرزا عبدالرحیم سامت قزوینی، آیت الله مرحوم شیخ محمد مظفری، مرحوم آیت الله شیخ محمود شریعت مهدوی و در فلسفه (منظومه سبزواری) نیز از محضر حکیم متاله آیت الله شیخ محمد حسین اویسی قزوینی بهره مند گردید. وی در سال ۱۳۶۳ برای تکمیل تحصیلات خود رهسپار حوزه علمیه قم شد و از محضر آیات و اساتید این حوزه بهره های فراوان برد و بالاخص در درس خارج اصول حضرات آیات سید محمد روحانی (ره)، سید محمود هاشمی شاهرودی، وحید خراسانی، و نیز از درس خارج فقه حضرات آیات منتظری، شبیری زنجانی، تبریزی و فاضل لنکرانی بهره مند گردید، همچنین دروس عالی فلسفه و عرفان (اشارات، اسفار، مصباح الانس) را در محضر حضرات آیات: انصاری شیرازی، حسن زاده آملی و حاج آقا محمد شاه آبادی تلمذ نمود.

ایشان از برخی اساتید خود از جمله حضرات آیات شبیری زنجانی، فاضل لنکرانی، و نیز آیت الله سیستانی مفتخر به اخذ اجازه روایت و امور حسبه است او همچنین به مدت ۸ سال توفیق مراوده و درک محضر عرفانی و اخلاقی عارف کامل مرحوم آیت الله علامه سید محمد حسینی تهرانی را یافت. ایشان همزمان با تحصیلات علوم اسلامی به تحصیلات دانشگاهی نیز همت گمارد و در سال ۱۳۶۲ در مقطع کارشناسی رشته حقوق دانشگاه تهران پذیرفته و در سال ۱۳۶۶ با احراز رتبه ممتاز و اخذ لوح تقدیر فارغ التحصیل شد و در همان سال در مقطع کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی پذیرفته و در اسفند ماه سال ۱۳۶۹ از این دانشگاه فارغ التحصیل گردید، و در سال ۱۳۸۲ دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران ارتقاء یافت نامبرده در سال ۱۳۷۰ به عضویت هیئت علمی دانشگاه تهران (گروه حقوق - پردیس قم) در آمد و تاکنون در این دانشکده و نیز دانشگاه مفید قم در رشته های حقوق مدنی، فقه به امر تدریس اشتغال دارند ایشان با برخی مراکز تحقیقاتی از جمله مرکز فقهی تحقیقات قوه قضائیه، پژوهشکده فقه و حقوق دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، بنیاد دایره المعارف جهان اسلام، دانشگاه مفید و ... همکاری علمی داشته است و نیز مسئولیت مشاوره پایان نامه های تعدادی از دانشجویان کارشناسی ارشد رشته حقوق را نیز بر عهده داشته است. وی با برخی از زبان های خارجی، عربی، انگلیسی، فرانسه نیز آشنایی دارد. مقالات و تحقیقات متعددی نیز از

ایشان به چاپ رسیده است.

علوی قزوینی، محمدباقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدباقر بن ابی تراب بن مرتضی الحسینی القزوینی عالمی جلیل و دانشمندی متقی و پارسا فقیهی عابد و ناسکی زاهد از علماء محترم حوزه علمیه قم بوده است

وی در سال ۱۲۹۱ ق در قزوین متولد شده و پس از خواندن مقدمات و سطوح در سال ۱۳۱۹ مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیتین علمین کاظمین علامه یزدی صاحب (عروة) و آخوند خراسانی صاحب (کفایه) استفاده نموده و در سال ۱۳۳۲ مراجعت به قزوین نموده و قیام به وظائف دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و غیره داشته تا سال ۱۳۴۲ ق که به قم منتقل و به امر مرحوم آیت‌الله العظمی حائری (مؤسس) حوزه علمیه در نشیید حوزه همکاری و تشویق محصلین علوم دینیه نموده و در مسجد بالاسر حضرت معصومه و مسجد عشقعلی اقامه جماعت داشته و هم تدریس بعضی از متون فقهی نموده تا در ۲۸ صفر ۱۳۶۴ قمری بعد از کسالت ممتد بدرود حیات گفته و در مسجد بالاسر نزدیک قبر مرحوم آیت‌الله حائری مدفون شده است.

نگارنده گوید: مرحوم آقای قزوینی از عباد و زهاد علمائی بودند که توفیق زیارتشان را یافتن نسبت بحقیق محبتی داشته و همواره تشویقم بتحصیل علم و تهذیب اخلاق می فرمودند. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علوی گرگانی، محمد علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حضرت آیت‌الله العظمی آقای حاج سید محمد علی علوی حسینی گرگانی: خاندان: پدر بزرگوار ایشان، آیت‌الله آقای حاج سید سجاد علوی گرگانی - طاب ثراه - نخستین شخصیت علمی منطقه «گرگان و دشت» و از مشهورترین علمای استان مازندران به شمار می‌رفت. وی در سال ۱۳۲۲ ق در یکی از روستاهای گرگان - النگ - در خانه آقا سید قاسم - که مردی دائم الذکر و متعهد و مؤمن و متدین بود و پسر دار نمی‌شد و با توسلات و ادعیه و اذکار فراوان، خداوند این پسر را در ۶۵ سالگی اش بدو بخشید و پس از چند سال هم چشم از جهان فرو بست - به دنیا آمد. در حالیکه نوجوان بود، تندباد اجل، گوهر پدر و مادرش را به فاصله سه روز از کفش ربود و سرپرستی وی را مرحوم آیت‌الله حاج ملا محمد هاشم کبیر کردکویی به عهده گرفت و مقدمات و ادبیات و بخشی از علوم دینی را از او آموخت. در سال ۱۳۴۴ ق، به مشهد مقدس عزیمت نمود و نزد اساتید بنام حوزه علمیه آن شهر مانند حضرات آیات: میرزا مهدی اصفهانی، ملا- هاشم خراسانی، فاضل بسطامی و ادیب نیشابوری اول، سطوح عالیه را فرا گرفت. در ۱۳۴۷ ق به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و در محضر آیات عظام: حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی، حاج شیخ محمد علی حایری قمی، حاج میرزا محمد فیض قمی، حاج شیخ ابوالقاسم قمی، میرزا محمد علی شاه آبادی و میرزا محمد ثابتی همدانی - قدس الله

اسرارهم - زانوی ادب به زمین زد و فقه و اصول و حکمت و کلام را فرا گرفت در سال ۱۳۵۳ ق، به توصیه استاد بزرگوارش آیت‌الله حایری یزدی به نجف اشرف رفت و مبانی علمی خویش را نزد آیات عظام: سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمد کاظم شیرازی، محقق اصفهانی و آقا ضیاء عراقی استوار ساخت و سخت مورد توجه آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی قرار گرفت و همزمان به تدریس سطوح عالیہ پرداخت (که از جمله شاگردانش در نجف، حضرات آیات: شیخ محمد ابراهیم و شهید شیخ مرتضی بروجردی - فرزندان آیت‌الله العظمی حاج شیخ علی محمد بروجردی -، و حاج میرزا علی محدث زاده و حاج میرزا محسن محدث زاده - فرزندان محدث بزرگوار حاج شیخ عباس قمی) ره (و مرحوم شهید نواب صفوی بودند) وی، پس از ۱۲ سال اقامت در نجف، بنا به تقاضای فراوان مردم گرگان از آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و امر معظم له، در ۱۳۶۵ ق رهسپار ایران شد و در حوزه علمیه قم رحل اقامت افکند و به تدریس سطوح عالیہ فقه و اصول پرداخت (که از جمله شاگردانش مرحوم آیت‌الله حاج آقا شهاب اشراقی بوده است). پس از چندی، با اصرار مردم متدین گرگان و امر آیت‌الله العظمی بروجردی، در ۱۳۶۶ ق به گرگان بازگشت و به اقامه جماعت و تبلیغ دین (در مسجد جامع)، تدریس علوم دینی (در مدرسه عمادیه) - که از جمله شاگردانش فهرست‌نگار مشهور مرحوم استاد محمدتقی دانش‌پژوه، و فرزندان بزرگوارش، و حضرات آیات: طاهری گرگانی و جناتی شاهرودی بوده‌اند، بنای حسینیه‌ها و مساجد و امامزادگان (که تعداد آنها به ۲۰۰ بنا می‌رسد)، تفسیر قرآن - که چهار بار آن را به صورت کامل تفسیر نمود - و گره‌گشایی از مشکلات مردم و حلّ و فصل امور عامه پرداخت. وی به واسطه دارا بودن ملکات فاضله اخلاقی و مقام علم و دانش و تقوا، و بیان شیوا در مواعظ و نصایح و تفسیر قرآن، مورد توجه علما و مردم آن منطقه - از شیعه و سنی - قرار گرفته و در فقه و تفسیر و اخلاق، گوی سبقت را از همگان ربوده بود. او در پنجم ربیع الثانی ۱۴۰۷ ق بدرود حیات گفت و جهانی از علم و معرفت را با خود به خاک برد. (۱) فرزندان ایشان، به غیر از آیت‌الله العظمی علوی، حجج اسلام آقایان حاج سید محمدحسن و حاج سید محمد حسین علوی می‌باشند و دامادهای معظم له نیز حضرات آیات: حاج سید حبیب‌الله طاهری گرگانی و حاج سید حسن سبط احمدی می‌باشد. والده ماجده معظم له، صبیّه مرحوم آقا شیخ علی اصغر مؤید الشریعه شاگرد و محرز مرحوم آیت‌الله حاج سید محمد حجت کوهکمری، داماد مرحوم حجة الاسلام ملا- محمود زاهد قمی (۱۳۲۵ - ۱۲۶۶) (۲) نماینده مردم قم در اولین دوره مجلس شورای ملی - در زمان مشروطیت - و همشیره زاده مرحوم آیت‌الله حاج میرزا ابوالفضل زاهدی قمی بوده است. ابوالزوجه آیت‌الله العظمی علوی هم، ادیب نامی قم، شارح و ناظم نهج البلاغه و شاعر اهل بیت - علیهم السلام - مرحوم حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد علی انصاری قمی (۱۴۰۵ - ۱۳۲۸) (۳) - صاحب کتابهای متعدد در دفاع از حریم تشیع - بوده است که او و برادرانش حضرات آیات: حاج شیخ مرتضی، حاج شیخ احمد و حاج شیخ محمود انصاری، همه از مشاهیر علما و خطبای قم و نجف اشرف بوده‌اند. ولادت: آیت‌الله العظمی علوی، در خجسته ایّام ولادت با سعادت حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا سلام الله علیها در سال ۱۳۵۹ ق (خرداد ۱۳۱۸ ش) در نجف اشرف، در بیت فضیلت و تقوا زاده شد. این ولادت، موجی از شادی و سرور در دل پدر بزرگوارش برانگیخت، چه تا آن زمان چند پسر برای وی متولد شده بودند امّا همگی در همان کودکی، از دنیا رفته بودند. لذا وی به ساحت مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام متوسل شد و از آن حضرت، درخواست فرزندى عالم و صالح نمود. رویای صادقه: آیت‌الله حاج سید سجاد علوی، شبی در عالم خواب به محضر امیرمؤمنان علیه السلام مشرف شد و حضرت، بدو مژده ولادت پسری را در آینده نزدیک داد و از او خواست تا فرزندش را به نام «علی» نامگذاری نماید. هنگامی که این پسر به دنیا آمد، پدرش برای رعایت استحباب او را بنام «محمد» و برای قولی که به امیرالمؤمنین علیه السلام داده بود، او را به «علی» نامگذاری کرد. پدرش، بارها بدو می‌گفت: محمدعلی! تو با دیگر برادرانت تفاوت خواهی داشت و در آینده به مقامات عالیہ خواهی رسید. چون تو را با توسل به ذیل عنایت امیرالمؤمنین، از خدا گرفته‌ام. معظم له، در دامان پاک پدر و مادرش - رحمه الله علیهما - بالید و پرورش یافت و بسیاری از مسائل دین و خواندن و نوشتن را در محضر

پدرش بیاموخت. تحصیلات: آیت‌الله العظمی علوی، هفت ساله بود (۱۳۶۵ق) که همراه پدر بزرگوارش به ایران باز آمد و به قرائت قرآن مجید و آموختن نصاب و حساب و گلستان و پس از آن به یادگیری فنون ادب و علوم عرب نزد ایشان پرداخت. نخست، ادبیات و مغنی و مطول و بخشی از شرح لمعه را نزد والدش بیاموخت و در سن شانزده سالگی (۱۳۷۴ق)، همراه با معظم له و گروهی از همشهریانش به زیارت عتبات عالیات، بیت‌الله الحرام و بیت‌المقدس و شامات نائل آمد (و در طول مسیر به بازگویی مسائل شرعی و خواندن کتابهای دینی برای کاروانیان می‌پرداخت)، در بازگشت از سفر حج، قصد ماندن و تحصیل در حوزه علمیه نجف اشرف را داشت که مرحوم آیت‌الله العظمی حکیم(ره) (در زمانی که به دیدار پدر بزرگوارش آمده بود، و از قصد ایشان آگاه شد) فرمودند: اگر ایشان در حوزه علمیه قم به تحصیل پردازد بهتر است، چون حوزه قم واجد دو ویژگی است: فن تدریس و فن سخنوری، شخصی که در آن حوزه تحصیل نماید هر دو را فرا می‌گیرد، هم درس می‌خواند و هم درس می‌دهد و هم به تبلیغ دین می‌پردازد، و لذا رهسپار حوزه علمیه قم شد و در محضر درس اساتید بزرگ همانند حضرات آیات: مجاهدی تبریزی، سلطانی طباطبایی و ستوده اراکی، زانوی ادب به زمین زد و باقیمانده سطوح را فرا گرفت و این همه، ۴ سال به طول انجامید. که نشانگر استعداد بسیارش در کسب معلومات و ضبط محفوظات است. (اساتید: معظم له، در خلال تحصیل خویش توفیق یافت از دانش سرشار استوانه‌های علم و فقاقت، توشه‌ها برگردد و مبانی علمی‌اش را استوار سازد. آنان عبارتند از: ۱. زعیم بزرگ شیعه آیت‌الله العظمی بروجردی، که سه سال از درس فقه ایشان بهره برد. ۲. رهبر کبیر انقلاب آیت‌الله العظمی امام خمینی، که هشت سال از درس اصول ایشان استفاده کرد. ۳. آیت‌الله سید محمد محقق احمدآبادی یزدی - مشهور به محقق داماد - که دوازده سال از درس فقه و اصول وی بهره برد. ۴. آیت‌الله العظمی سید محمدرضا موسوی گلپایگانی. ۵. آیت‌الله حاج شیخ عباسعلی شاهرودی. ۶. آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی اراکی. ۷. آیت‌الله حاج آقا مرتضی حایری یزدی - که مدت ۱۵ سال در درس فقه ایشان شرکت جست و مورد توجه فراوان معظم له بود. همچنین، معظم له در ایام تعطیل حوزه علمیه قم در فصل تابستان به مدت هفت سال، به نجف اشرف می‌رفت و علاوه بر زیارت عتبات عالیات، به درس علمای بزرگ نجف رفته و از آنان بهره‌ور می‌شد. ایشان عبارتند از آیات عظام: امام خمینی، آقای خوبی، آقای شاهرودی و میرزا باقر زنجانی قدس الله اسرارهم. تدریس: استاد معظم آیت‌الله العظمی علوی مدظله العالی، عمر پر بار خویش را به تألیف و تدریس و تبلیغ دین گذرانیده است. ایشان از همان اوان تحصیل، به تدریس کتب ادبیات و سطوح پرداخت. (۱۳۳۴ش) بارها سیوطی و مغنی و مطول، شرح شمسیه و شرح نظام را تدریس کرد و در همان زمان نوجوانی (۱۶ سالگی) کتاب «کشف الغاشیة عن وجه الحاشیة» را تألیف نمود. از سال ۱۳۸۲ ق به تدریس سطوح (معالم، قوانین، شرح لمعه و شرح تجرید) و سطح عالی (رسائل، مکاسب و کفایه و شرح منظومه) پرداخت و گاه روزانه، چهار درس را تدریس می‌کرد و درسهایش، در زمره معروفترین و چشمگیرترین درسهای حوزه علمیه قم بود. یکی از مورخین حوزه علمیه قم - بیش از ۳۰ سال پیش (۱۳۵۰ش) درباره ایشان، نوشت: معظم له از فضلاء و مدرّسین و اساتید سطوح عالی حوزه علمیه است، که به زیور علم و تقوا و متانت و بزرگواری آراسته است. (۴) جناب استاد، در سال ۱۴۰۵ق بود که بنا به تقاضای گروهی از فضلاء تدریس خارج فقه (بر اساس کتاب شرایع الاسلام ابوالقاسم نجم الدین جعفر محقق حلی) را آغاز کرد و تاکنون کتابهای: طهارت و زکات را به پایان برده و هم اکنون شرح کتاب صلاة را ادامه می‌دهند و همزمان خارج اصول را نیز بر پایه کفایة الاصول آغاز نمود که دوره کامل آن ۱۵ سال به طول انجامید و به پایان رسید و هم اکنون دومین دوره آن، آغاز شده است. وی در طول ۴۰ سال تدریس خویش، فضیلت بی‌شماری را از سرچشمه زلال علوم اهل بیت علیهم السلام، بهره‌مند ساخته که بسیاری از آنان، هم اینک در شهرهای مختلف و سمتهای گوناگون مانند: تدریس در حوزه و دانشگاه، امامت جمعه و جماعت، قضاوت و نمایندگی مجلس به خدمت به اسلام و مسلمین اشتغال دارند. تبلیغ دین: قرآن مجید، یکی از وظایف فقیهان و عالمان دین را انذار مردمان و تبلیغ رسالات خداوند بر می‌شمرد. آیه شریفه «نُفِرَ» وظیفه یکایک اندیشمندان را تعیین نموده و آن «ابلاغ تکلیف» است. آیت‌الله

العظمی علوی هم بر طبق عمل به وظیفه خویش، از همان اوان طلبگی اش به تبلیغ دین پرداخت و سالیان فراوان در ایام ماه مبارک رمضان و محرم و صفر بر مسند وعظ و ارشاد تکیه زده و هزاران نفر را با بیان شیوا و سخنان زیبای خویش از آبخور علوم اهلیت - علیهم السلام - سیراب نموده است و این شیوه پسندیده، حتی پس از مرجعیت معظم له ادامه دارد. ایشان، به جز این ایام، سالیان فراوان، قبل از رسیدن به مرجعیت (۱۸ سال متمادی) در گرما و سرما، در تابستان و زمستان هر پنجشنبه و جمعه به تهران می‌رفت و پیرامون معارف دین در مسجد فاطمیه سخن می‌گفت و در همین راستا، هیئت محترم وحدت فاطمیه و صندوق قرض الحسنه آن را هم تأسیس نمود و همزمان به تدریس شرح منظومه و شرح تجرید و اصول اعتقادات به گروهی از اساتید دانشگاه و دانشجویان محترم می‌پرداخت. شیوه تدریس: درس معظم له از ملاحظت گفتار، تتبع اقوال و دقت و بررسی آنها، تحقیق مبسوط در روایات (فقه الحدیث) و جمع بین اخبار متعارضه و بررسی رجال حدیث برخوردار است. ایشان، با نظر افکندن در کتابهای متداول و غیر متداول (همانند: غنائم الایام میرزای قمی، وسیله المعاد ملا اسماعیل عقیلی نوری، جامع المدارک آیت‌الله خوانساری) و نقد و بررسی آنها و کاویدن ادله، سرانجام قولی را برگزیده، که گاه این سخن با سخن دیگر فقیهان منطبق بوده و گاه متفرد است. ایشان، به حضور منظم و بدون تعطیل در ایام درسی و سر ساعت، بدون اندکی تأخیر - مقید بوده، و در روزهای چهارشنبه به شرح و توضیح حدیثی از فرمایشات پیامبر اکرم (ص) می‌پردازد - و اگر روزی چهارشنبه، تعطیل باشد این کار را در روز پیشین آن انجام می‌دهد - و از این رهگذر تاکنون به شرح وصایای رسول خدا (ص) به امیرالمؤمنین علیه السلام، ابوذر غفاری و عبدالله بن مسعود توفیق یافته است. (که شرح وصایای پیامبر اکرم (ص) به ابوذر به نام انوار اخلاقی «ره توشه پارسایان» چاپ رسیده است.) معظم له در طول درس، به یکایک پرسشها و اشکالات - هر چند سست و بی پایه - شاگردان خود گوش فرا داده و با خوشرویی و اخلاق حسنه به پاسخ آنها می‌پردازد و از شاگردان سخت کوش خویش به شایستگی تقدیر به عمل می‌آورد و بر فراز منبر تدریس، از آنان احترام می‌نماید. ایشان در خلال درس، نیز به ذکر مطالب مناسب از تاریخ و تفسیر و رجال و مواعظ نیز پرداخته و درسش، آمیزه‌ای از مطالب گرانقیمت و ارزشمند است، که نتیجه سالیان فراوان مطالعات مختلف و تجربه‌های بسیار معظم له می‌باشد. مرجعیت: معظم له، یکی از چهره‌های مشهور علم و تقوا و فقاہت در حوزه علمیه قم بوده و در زمان مرجعیت آیات عظام و مراجع تقلید پیشین، چشمهای بسیاری به سویش دوخته شده بود، پس از ضایعه وفات آنان بود که بسیاری از مردم مؤمن و متدین - به ویژه اهالی مازندران و گیلان - از جنابش تقاضای رساله عملیه نمودند، که معظم له در سال ۱۴۱۲ق، فتاوی خویش را در اختیار همگان قرار دادند - که به زبانهای عربی و اردو نیز ترجمه شده - و بسیاری از مؤمنان در داخل و خارج کشور تقلید ایشان را پذیرفته و بخشی از شهریه طلباب حوزه علمیه قم، همه ماهه توسط ایشان پرداخت می‌گردد تالیفات: استاد بزرگوار ما، آیت‌الله العظمی علوی به جز تدریس منظم فقه و اصول (که صدها نوار آن موجود است)، تبلیغ و ترویج شعائر دینی، پرورش شاگردان فراوان و راهنمایی مردمان و مقلدان، دارای تالیفات متعدد فقهی، اصولی، حدیثی و رجالی است، که نام آنها عبارتند از: الف. آثار چاپی: ۱. توضیح المسائل (به اردو ترجمه شده است). ۲. اجوبه المسائل یا پاسخ به جدیدترین استفتائات (۲ ج. ۳. مناسک حج). آداب، اعمال و استفتائات حج (۴. منهج الصالحین) رساله توضیح المسائل عربی (۵. منهج الناسکین) مناسک حج عربی (۶. نورالهدی) تعلیقه بر عروۃ الوثقی (۷. المناظر الناضرة فی احکام العترۃ الطاهرة) ج ۱. بخشی از کتاب الطهارة (۸. تعلیقه بر تحریر الوسیله (۲ ج، چاپ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی) ره (۹. گلچینی از انوار اخلاقی) برگزیده درس اخلاق روز چهارشنبه (۱۰. ره توشه پارسایان، انوار اخلاقی) ج ۱، شرح وصایای پیامبر اکرم به ابوذر غفاری (۱۱. توحید از دیدگاه علم) یکی از سخنرانی‌های معظم له (ب. آثار غیر چاپی: ۱. المناظر الناضرة) ج ۲ تا ۱۰. شرح مفصل ابواب طهارت، صلاة و زکات شرایع الاسلام (۲. لثالی الاصول (۱۰ جلد. از مباحث الفاظ تا پایان استصحاب (۳. زبده اللثالی - تلخیص کتاب فوق. ۴. القواعد الفقهیة) قاعده‌های: ضمان، لا ضرر، تقیه، عدالت، میسور و اصالة الصحة (۵. رساله در فروع علم اجمالی. ۶. رساله در تعادل و تراجیح. ۷. رساله در اجتهاد و تقلید. ۸.

تقریرات درس فقه آیت‌الله العظمی بروجردی (بحث: طهارت و قضا). ۹. تقریرات درس فقه آیت‌الله محقق داماد (کتاب صلاة و حج). ۱۰. تقریرات درس فقه آیت‌الله حاج شیخ عباسعلی شاهرودی (کتاب طهارت). ۱۱. تقریرات درس فقه آیت‌الله اراکی (بحث صلاة الجمعة). ۱۲. تقریرات درس فقه آیت‌الله حاج آقا مرتضی حایری (کتاب طهارت و خمس). ۱۳. تقریرات درس اصول آیت‌الله العظمی امام خمینی (از بحث مقدمه واجب تا آخر قطع و ظن). ۱۴. تقریرات درس اصول آیت‌الله محقق داماد (دوره کامل). ۱۵. تعلیقه بر وسیله النجاة. ۱۶. تعلیقه بر منهاج الصالحین. ۱۷. کشف الغاشیة عن وجه الحاشیة (توضیح مشکلات حاشیه ملا عبدالله، اولین تألیف معظم له). ۱۸. نورالبیان فی تفسیر القرآن. ۱۹. طبقات الرجال. ۲۰. ره توشه پارسایان انوار اخلاقی (ج ۲ و ۳). شرح وصایای پیامبر اکرم به امیرالمؤمنین و عبدالله بن مسعود. بناهای ماندگار: آیت‌الله العظمی علوی، احداث و بنیاد بناهای خیریه و عام‌المنفعة را وجهه همت خویش ساخته و تاکنون در ساختمان - کلی یا جزئی - چندین بنای خیر، نقش اساسی و سهم چشمگیر داشته است. معظم له، علاوه بر اجازه مصرف بخشی از وجوه شرعیه برای احداث بناهای عام‌المنفعة، خود نیز به بنیاد مسجد، حسینیه، درمانگاه و صندوق قرض الحسنه در نقاط مختلف اقدام فرموده است. تعمیر بخشی از مسجد جامع گرگان، تأسیس و تعمیر چند مسجد در گرگان و روستاهای اطراف، مسجد اعظم (۵) و درمانگاه آیت‌الله حاج سید سجاد علوی در روستای النک، حسینیه سیدالشهداء در مهدی شهر سمنان، صندوق قرض الحسنه و هیئت محترم «وحدت فاطمیة» در خیابان هفده شهریور جنوبی (تهران) - از آن جمله است. همچنین دفتر معظم له در قم و مشهد مقدس، در ایام ولادت و شهادت ائمه اطهار - علیهم السلام - و روزهای پنجشنبه هر هفته، شاهد برگزاری مجالس معظم و با شکوهی است که خطبا و وعاظ محترم پیرامون معارف شیعی و احیای امر اهل بیت علیهم السلام، به سخنرانی می‌پردازند و نام و یاد اهل بیت عصمت و طهارت را گرامی می‌دارند. خداوند بر دوام توفیقات و صحت و خدمات ایشان بیافزاید و به آمال و مقاصدش در اجرای فرامین الهی، جامه عمل بپوشاند.

----- (۱) آثار الحجۃ ۳۴۲/۲؛ گنجینه دانشمندان ۴۱۵ - ۴۱۳/۶؛ آینه دانشوران ۲۷۲/؛ مجله مسجد، ش ۳۵، ص ۸۷ -

۸۲

- (۲) رجال قم/۱۶۲؛ گنجینه دانشوران ۲۰۳؛ گنجینه آثار قم ۳۷۱/۱؛ اختران تابناک، ج ۲، ص ۱۹۶.
- (۳) گنجینه دانشمندان ۳۴۳ - ۳۳۹/۲؛ اثر آفرینان ۳۲۱/۱؛ سخنوران نامی معاصر ۴۰۴ - ۴۰۱/۱؛ مؤلفین کتب چاپی ۱۹۲/۴؛ الذریعه ۱۰۸/۹ و ۱۰۰۰؛ کتابنامه حضرت زهرا ۲۸/ - ۲۳؛ فرهنگ رجال و مشاهیر ۱۸۶ - ۱۸۵/۲.
- (۴) گنجینه دانشمندان (شریف رازی)، ج ۲، ص ۲۰۶؛ اختران تابناک (محللاتی)، ج ۲، ص ۱۹۶.
- (۵) این مسجد عظیم - که در نوع خود بی‌نظیر است و در آن نواحی به سان گوهری می‌درخشد - در سال ۱۳۵۰ ش ساخته شد. ماده تاریخ ساختمان آن را مرحوم حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمدعلی انصاری قمی چنین سروده است:

این مسجد اعظم که درش بر همه باز است

ستوار چو کعبه که در ملک حجاز است

از همت مردان خدا طی شد و تاریخ

تا روز جزا قبله گه اهل نماز است (۱۳۹۰ق)

علوی کتابادی، سلمان

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید سلمان علوی گنابادی

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۸/۱۰/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۵۸

ورود به حوزه علمیه ۱۳۷۳

پس از آشنایی با انجمن شعر و قصه قم مطالعات ادبی من جلوه جدی تری به خود گرفت. و از آن پس در محافل ادبی سراسر کشور و سمینارها و همایش های شعر دعوت شدم و در کنار استاد بزرگ خودم جناب زکریا اخلاقی به عنوان شاعران حوزوی سعی بر این داشتیم که رسالت حوزوی خویش را از رهگذر شعر و ادبیات در محافل جوان انجام دهیم. در سال ۸۴-۸۵ خدمت مقام معظم رهبری شرفیاب شدم و به فضل الهی اثری که نزد ایشان ارائه شد مورد تحسین و تأیید معظم له قرار گرفت.

گرچه تا کنون کتاب مستقلی از بنده به چاپ نرسیده لکن در نشریات، و کتاب هایی که گردآوری شده آثار شاعران است، اشعار و مقالات زیادی تا کنون از بنده به چاپ رسیده است.

پس از ورود بنده به مؤسسه امام خمینی (ره) مطالعات من شکل دیگری به خود گرفت و بیشتر در حوزه فلسفه و کلام متمرکز شدم. بالطبع فعالیت های ادبی نیز کژدار و مریض ادامه دارد لکن از سال ۸۱ (ورود به مؤسسه) تحقیقاتم را در زمینه فلسفه و کلام جدی تر پی گیری کردم لکن این فعالیت ها و تحقیقات بیشتر جنبه های شخصی داشته که تا کنون در صدد انتشار آنها نبوده ام. گاهی نیز تحقیقاتی - نه در این دو حوزه - داشته ام که آن نیز جنبه شخصی دارد و در صدد چاپ و انتشارش نبوده ام مثل جایگاه شرکت QI در جوامع بین المللی.

علوی مقدم، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۱، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای ادبیات فارسی در سال ۱۳۴۹، تدریس ادبیات فارسی در دانشگاههای عین شمس قاهره (مصر) و اسلام آباد پاکستان هر کدام به مدت یکسال در سالهای ۱۳۵۴ و ۱۳۶۷.

مرتبہ علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ادب و فرهنگ اسلامی و ایرانی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۵ پایان‌نامه دکترا و ۳۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۰

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

علوم بلاغی، تحقیقات ادبی، تفسیر آیات قرآنی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۹۷، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

ادبی، تفسیری، نکته‌های بلاغی قرآنی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

علوی مهر، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین علوی مهر

محل تولد: اهواز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای حسین علوی مهر در تیرماه سال ۱۳۴۲ در شهرستان اهواز در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد و در سنین کودکی به بوشهر مهاجرت می‌کند تحصیلات خود را تا دیپلم در همان شهر گذرانده، سپس با وجود این که در سالهای ۶۱ و ۶۲ در کنکور امتحان داده و پذیرفته می‌شود اما ترجیح می‌دهد دروس حوزه را بخواند. وی جهت ادامه تحصیل راهی حوزه علمیه اصفهان شده و ادبیات عرب را در مدت یک سال و نیم در آن حوزه تمام می‌کند. سپس برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم هجرت می‌کند. از سال ۱۳۶۳ به ادامه دروس پرداخته و سطوح عالی را نزد اساتید بارز آن زمان، از جمله آیات وجدانی فخر، اعتمادی، موسوی تهرانی، احمد پایانی، جعفر سبحانی و جوادی آملی به اتمام می‌رساند. از سال ۱۳۶۸ در درس خارج آیات عظام مکارم شیرازی، وحید خراسانی، و میرزای تبریزی شرکت نموده و در سال ۱۳۷۱ در آزمون ورودی رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن حوزه علمیه قم شرکت نموده و پذیرفته می‌شوند و در سال ۷۶-۷۵ رتبه ممتاز را کسب می‌نماید. و با یک سال مرخصی در سال ۱۳۷۷ سطح

چهار را به پایان می‌رساند. ایشان دروس تفسیر را نزد آیات مکارم شیرازی، جوادی آملی، معرفت، شب زنده دار، خزعلی و محقق داماد و اساتید دیگر گذرانده است. پس از اتمام دوره در سال ۱۳۸۴ پایان نامه سطح چهار خود را با نام بررسی تفسیری و کلام آیات وحی با نمره عالی دفاع نموده و موفق به اخذ مدرک سطح ۴ = دکترا شده است. تاکنون دو کتاب از ایشان با نام روش ها و گرایش های تفسیری و تاریخ تفسیر و مفسران چاپ شده که دو کتاب نیز با نام قرآن و دفاع (مبارزه) و بررسی حقیقت و ارکان وحی آماده چاپ دارند افزون بر آن بیش از بیست مقاله از ایشان در مجلات کشور منتشر شده است.

علوی نیا، سهراب

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سهراب علوی نیا در سال ۱۳۲۲ در کاشان به دنیا آمد. وی ابتدا تحصیلات عالی خود را در رشته فنی دنبال کرد ولی دکترای خود را در رشته فلسفه تحلیلی با دریافت بورس از وزارت علوم از دانشگاه ویلز در بریتانیا اخذ کرد. دکتر علوی نیا تز دکترای خود را درباره پایگاه معرفت شناختی قضایای ریاضی تدوین کرد. مطالعات ایشان بطور تخصصی آراء و نظریه‌های ویتگنشتاین را در بر می‌گیرد. وی به مطالعه روی نظریه مجموعه‌ها و طبیعت شناسی نظریه ای مجموعه ای علاقه مند است و به کار کردن در فلسفه ریاضی و فیزیک تمایل دارد. وی در مرداد ماه سال ۱۳۸۷ بدرود حیات گفت.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

گرایش: فلسفه تحلیلی

تحصیلات رسمی و حرفه ای: سهراب علوی نیا در کاشان و در رشته ریاضی دیپلم گرفت و بعد به دانشکده فنی دانشگاه تهران راه یافت و در سال ۱۳۴۶ با درجه فوق لیسانس در رشته مهندسی شیمی فارغ التحصیل شد. پس از آن که به عضویت هیات علمی دانشگاه تبریز در آمد با بورس وزارت علوم در ۱۳۴۹ به دانشگاه کارل پراگ رفت. اقامت وی در آنجا طولی نکشید و به علت گرفتاریهای شخصی به ایران بازگشت. علوی نیا در سال ۱۳۵۳ برای ادامه تحصیل به دانشگاه لندن رفت و در بدفور کالج آن دانشگاه امتحانات ورودی دوره تحصیلات تکمیلی (qualifying Course) را با موفقیت گذراند. علوی نیا دکترای فلسفه تحلیلی خود را با بورس وزارت علوم از دانشگاه ویلز در بریتانیا گرفت.

خاطرات و وقایع تحصیل: سهراب علوی نیا در مدتی که برای ادامه تحصیلات در لندن اقامت داشت، به رشته شیمی و شغل مهندسی تمایلی نداشت. تا این که با آشنایی با عرفای اسلام، به گمشده خود رسید. شغل مورد علاقه اش معلمی و رشته مورد نظرش را فلسفه یافت.

استادان و مربیان: سهراب علوی نیا در لندن دانشجو و شاگرد هاورد ماونس بود که خود شاگرد رش ریس (Rush Rhess) دوست و شاگرد وینگسناپن بوده است.

زمان و علت فوت: حضور دکتر علوی نیا در انجمن حکمت و فلسفه و گروه فلسفه شهید بهشتی به عنوان استادی فاضل و خوش برخورد و با اخلاق، حضوری فراموش نشدنی است. وی در مردادماه سال ۱۳۸۷ بدرود حیات گفت روحش شاد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سهراب علوی نیا در سال ۱۳۴۶ پس از کسب مرتبه کارشناسی ارشد در رشته مهندس شیمی به

عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز پذیرفته شد. در اسل ۱۳۴۹ با بورس وزارت علوم به دانشگاه کارل پراگ راه یافت اما به علت گرفتاری های شخصی به ایران بازگشت و در کنسرسیوم سابق نفت و سپس پتروشیمی ایران- ژاپن تا سال ۱۳۵۳ که برای ادامه تحصیل به دانشگاه لندن رفت، مشغول به کار شد.

فعالیت های آموزشی: وی دکترای فلسفه ریاضی خود را از دانشگاه ویلز انگلستان اخذ کرده بود. مین امر باعث شده بود مرحوم علوی نیا به خوبی در حوزه فلسفه علم و فلسفه تحلیلی نسبت های خاصی برقرار کند و این در نحوه تدریس و نگاه ایشان به فلسفه تحلیلی قابل مشاهده است. او همچنین به همین خاطر در دانشگاه های شریف و امیرکبیر مدتی به تدریس فلسفه علم اشتغال داشت. دکتر علوی نیا از سال ۱۳۶۴ در دانشگاه شهید بهشتی مشغول به تدریس شد و در دانشگاه های تهران، شریف، امیرکبیر و آزاد به عنوان استاد مدعو تدریس کرده است.

آرا و گرایش های خاص: سهراب علوی نیا به این گفته راس اعتقاد دارد که «فقط کسی می تواند مسائل فلسفی را درک کند که پایه محکمی در ریاضیات و فیزیک نظری داشته باشد.» دکتر علوی نیا تر دکترای خود را درباره پایگاه معرفت شناختی قضایای ریاضی تدوین کرد. عنوان این رساله «راسل، ویتگنشتاین و کواین در جستجوی حقیقت Russell, Quine and Wittgenstein in Pursuit of Truth» است که به زبان فارسی ترجمه نشده است. دکتر علوی نیا از دو جهت به آرا و نظریه های ویتگنشتاین را پرداخته است. اول به سبب شخصیت مذهبی ویتگنشتاین است و دوم دو وجهی بودن فلسفه ویتگنشتاین است که یک وجه آن متأثر از فرگه و راسل است و وجه دیگر آن نقش شوبنهاور بر فرهنگ و اندیشه اوست. جاذبه دیگر ویتگنشتاین را تعارض فکری این فیلسوف اروپایی با مردان اندیشه دوران حاضر می داند. دکتر علوی نیا فلسفه مذهب و فلسفه اخلاق ویتگنشتاین را نزدیک به کانت می داند. و تمایل اخلاقی وی به کانت و مشابهت هایی که در این میان با کنایات عرفای اسلام می دید، از جذابیت های ویتگنشتاین می داند. دکتر علوی نیا به مطالعه روی نظریه مجموعه ها و طبیعت شناسی نظریه ای مجموعه ای علاقه مند است. و به کار کردن در فلسفه ریاضی و فیزیک تمایل دارد. مرحوم علوی نیا اعتقاد داشت تنها صورت مجاز فلسفه، فلسفه تحلیلی است و وقتی فلاسفه از مباحثی همچون وجود و عقول عشره و اتحاد عاقل و معقول و نظایر آن بحث می کنند، یا در مقام شهود و تحققند یا نه! اگر در مقام شهودند، عارف محسوب می شوند و اگر نیستند پس سخن گفتن در این مقام نارواست. این فکر البته مقدمه اش به آرای راسل برگشت دارد؛ فیلسوفی که در نظر دکتر علوی نیا بسیار معتبر بود. اما وجه ممیزه دیگر این استاد فقید فلسفه، روحیه عرفانی وی به شمار می رفت. او در زندگی شخصی خود سرشار از ذوق و وجد می نمود و در گرایش های عرفانی خود نیز بسیار به اهل جذب و اصحاب سکر گرایش داشت و باز از آن میان شیخ فخرالدین عراقی عارف و شاعر قرن هفتم را می ستود و دوست داشت، به طوری که در کلاس های خصوصی شان بارها لمعات عراقی را تدریس کرده بود و مقالاتی نیز درباره عراقی نوشته بود که در مجله عرفان ایران چاپ شده است. برخورد وی با عرفان، عملی و شهودی بود، از سر تصنع نبود و درحقیقت به عرفان عملی عشقی سترگ می ورزید.

چگونگی عرضه آثار: دکتر علوی نیا جدای از این تالیفات در حوزه فلسفه تحلیلی که تخصص اش بوده است اثر سترگی چون «درآمدی بر فلسفه تحلیلی» اثر جان هاسپرس را نیز ترجمه و تقدیم علاقه مندان این حوزه در ایران کرده بود. کتاب هایی مثل «معرفت شناسی ریاضی» و ترجمه کتاب «فلسفه اخلاق» نوشته اتکینسون از دیگر آثار این استاد مرحوم است. -----

آثار:

۱ تالیف کتاب ماهیت بشر از دیدگاه ویتگنشتاین

۲ تالیف معرفت شناسی ریاضی

۳ ترجمه بخش های فلسفه زبان و معرفت شناسی کتاب تحلیل فلسفی جان هاسپرس

ویژگی اثر: این کتاب در سال ۱۳۷۰ ترجمه گردید.

۴ ترجمه درآمدی بر رساله ویتگنشتاین اثر هاوارد ماوس

ویژگی اثر: دکتر علوی تبار هاوارد را عالمی توانا در بیان مطالب دشوار می داند. دکتر علوی تبار هاوارد را معلمی توانا در بیان مطالب دشوار می داند. و شرح ماونس را ساده ترین شرحی می داند که به رساله منطقی-فلسفی ویتگنشتاین نوشته شده است و آن را برای دانشجویان شیوا و گویا می داند.

۵ ترجمه فلسفه اخلاق پرفسور اتکیشون

۶ ترجمه کتاب درآمدی به رساله ویتگنشتاین

۷ ترجمه کتاب روش های منطق کواین

۸ مقاله در شعر عرفانی فارسی تا قرن نهم

ویژگی اثر: این مقاله در مجموعه تحقیقات اسلامی در سال ۱۳۶۶ (با مقدار زیادی غلط چاپی) بچاپ رسید. منابع زندگینامه:

۱ بانک رساله ها، روزنامه همشهری، ۶-۵-۱۳۸۷، "عمری سرشار از ذوق و جذبه"۱

علوی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جراح، چشم پزشکی و استاد دانشگاه، فرزند سیدباشی علوی از تجار بوشهر و بندرعباس، در ۱۲۸۸ متولد شد. بعد از انجام تحصیلات خود در تهران و اخذ درجهی دکترا در علم طب، به انگلستان رفت و دوره‌ی تخصصی چشم پزشکی را در آنجا گذراند و چندی در بیمارستان‌های آنجا استاژ داد. وقتی به ایران آمد، وارد ارتش شد. در بهداری بانک ملی ایران ریاست بخش چشم پزشکی به او تفویض گردید. در ارتش درجات نظامی گرفت و سرتیپ شد. مطبی هم در میدان فردوسی دایر کرد و همه روزه بیماران از شهرهای مختلف به او مراجعه می کردند. مانند سایر پزشکان حاذق و استادان دانشگاه، او هم مشغول ثروت اندوزی و جاه و جلال گردید. در دوره‌ی شانزدهم کاندیدای وکالت مجلس گردید. از شهرستان بوشهر انتخاب شد و به مجلس رفت. در مجلس از در مخالفت با رزم آرا درآمد و او را استیضاح کرد. پس از شنیدن پاسخ استیضاح، به وی رای اعتماد داد. علوی در همان مجلس یکی از طرفداران طرح ملی کردن صنعت نفت بود. غیر از فراکسیون جبهه ملی که کارگردان نفت بود، چند نفری هم در کار ملی کردن نفت دخالت کردند که یکی از آنها همین دکتر علوی چشم پزشکی معروف بود. بعد از انقضای مجلس شانزدهم، دیگر کاندیدا نشد و به شغل وزارت هم نرسید و در دانشگاه تدریس می کرد.

برگرفته از کتاب: شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

علوی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا حسین فرزند سید محسن علوی (سبزواری) یکی از اساتید و علما و محدثین در قرن اخیر بود. میرزا حسین در فقه و اصول و رجال و حدیث و حکمت و کلام تبحر و مهارت کامل داشت. میرزا حسین از شاگردان میرزای بزرگ و فاضل اردکانی بود که خود در تمام فنون علمی، عقلی و نقلی استاد گردید و سالها از کرسی درس او علما برخوردار بودند. میرزا حسین سبزواری یکی از اساتید و مشایخ اجازه به آیت الله شهاب الدین نجفی مرعشی است. او آثاری در فقه و فلسفه و حکمت و رجال از خویش به جا گذاشت و سرانجام در سال ۱۳۵۲ اواسط قرن چهاردهم وفات نمود.

منابع زندگینامه: <http://www.shaaer.com>

علوی، خلیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دانشکده: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: گوش و حلق و بینی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

علوی، سجاد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید سجاد بن آقا سید قاسم علوی گرگانی از علماء مبرز و ممتاز معاصر گرگانست. معظم له در سال ۱۳۳۲ قمری در قریه (النک) از قراء کرد کوه گرگان متولد شده و از سن هفت سالگی شروع به تحصیل مقدمات و قرائت قرآن نموده و در سن پانزده سالگی والدین خود را در مدت یک هفته از دست داده و در تحت نظر حجة الاسلام مرحوم ملا محمد هاشم کردکوهی ادامه به تحصیل داده تا سال ۱۳۴۵ قمری که به مشهد مقدس رضوی عزیمت و حدود سه سال در آن سامان از مرحوم فاضل بسطامی و ادیب بزرگ نیشابوری (میرزا عبدالجواد) و آیت الله حاج شیخ هاشم و سید بحر العلوم و مقداری مرحوم آیت الله آقا میرزا مهدی غروی اصفهانی استفاده و تکمیل ادبیات سطوح عالی را نموده. و در سال ۱۳۴۷ ق مهاجرت به قم و مکاسب و رسائل و کفایه را در خدمت مرحوم آیت الله آقا میرزا محمد همدانی به پایان رسانیده و طهارت شیخ را هم از مرحوم آیت الله آقا میرزا محمد فیض قمی فرا گرفته و حکمت و فلسفه را از مرحوم آیت الله حاج میرزا محمد علی شاه آبادی استفاده و از درس خارج صلوٰه مرحوم آیت الله العظمی حایری یزدی و درس اصول آیت الله حاج شیخ محمد علی حایری قمی استفاده نموده و در سال ۱۳۵۳ قمری با توصیه و تصویب مرحوم آیت الله حایری (مؤسس حوزه) مهاجرت به نجف و محضر مرحوم آیت الله العظمی اصفهانی و آیت الله محقق آقا ضیاء الدین عراقی استفاده و هم تدریس سطوح وسطی و عالی نموده تا بر حسب تقاضای اهالی استرآباد و بالخصوص اهل وطن خود و امریه مرحوم آیت الله محقق آقا ضیاء الدین عراقی استفاده و هم تدریس سطوح وسطی و عالی نموده تا بر حسب تقاضای اهالی استرآباد و بالخصوص اهل وطن خود و امریه مرحوم آیت الله اصفهانی مراجعت به ایران و چندی در گرگان و زاده گاه خود اقامت و در سال ۱۳۶۶ ق بقصد توطن به قم عزیمت و در حوزه علمیه به تدریس مکاسب و کفایه پرداخته و بعد از چند ماه با اصرار اهالی گرگان و امریه مرحوم آیت العظمی بروجردی به گرگان

برگشته و تا حال تحریر در مسجد جامعه به اقامه جماعت و تدریس و خدمات دینی اشتغال دارد. نگارنده گوید: آیت‌الله علوی گرگانی به واسطه داشتن ملکات فاضله اخلاقی و مقام علم و دانش و قدس و تقوا و بیان شیوا و جامع در مواظ و نصایح و ملاحظت سخن در تفسیر قرآن مورد توجه قاطبه اهالی گرگان و اطراف آن و محبوبیت بخصوص دارد. دارای فرزندان برومند و دانشمندی می‌باشد که از باقیات الصالحات و مصداق حدیث شریف (او ولد صالح یستغفر له) می‌باشند و آنها از این قرار است.

۱- جناب حجة الاسلام حاج سید محمدعلی علوی که از مدرسین و افاضل حوزه علمیه قم می‌باشند و در ج ۲ ص ۲۰۶ ترجمه اجمالی وی گذشت.

۲- ثقة الاسلام آقای آقا سید حسن علوی که از محصلین جدی و بارع حوزه علمیه و آینده درخشانی دارند.

۳- ثقة الاسلام آقای آقا سید حسین علوی که از محصلین جدی و یا برادر مذکورش در حوزه اشتغال بتحصیل و از دانشمندان بزرگ آتیه خواهند بود.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علوی، سلیمان

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید سلیمان علوی

محل تولد: سبزوار

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۹/۴/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید سلیمان علوی در سن بزرگسالی پس از معاف شدن از سربازی در سال ۱۳۴۹ به طور رسمی در سبزوار تحصیلات حوزوی را آغاز و در سال ۲۲/۶/۱۳۵۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و ادبیات را از جامع المقدمات آغاز نمودم دروس معمول حوزه سطح را گذراندم سپس درس خارج آغاز و تاکنون شرکت در درس فقه و اصول ادامه دارد. و در سال ۱۳۶۵ در امتحان پایه ۹ قدیم حوزه موفق شدم.

کاری علمی:

مدتی با دایرة المعارف قرآن و دائرة المعارف فقه فارسی حضرت آیت الله حاج سید محمود شاهرودی همکاری داشتم. مدتی در نهاد مقام معظم رهبری به سوالات شرعی دانشجویان پاسخ می‌دادم. همچنین به سوالات اینترنتی مرکز اینترنتی حوزه پاسخ کتبی می‌دادم. از سال ۱۳۷۵ وارد دانشگاه آزاد اراک شدم و به عنوان کارشناس از دفتر فرهنگ مشغول و از آن تاریخ تا سال ۱۳۸۰ به تدریس مشغول و نیز از مهرماه سال ۱۳۸۵ دوباره به تدریس متون مشغول شدم. و از سال ۱۳۷۸ تاکنون در دانشگاه شهید بهشتی تهران به طور حق التدریس مشغول تدریس می‌باشم.

تالیف:

تاکنون به لطف الهی موفق کتابی با نام «آوای ملکوتی» تفسیر چهل پیام از زیارت عاشورا تألیف نمایم که در سال ۱۳۸۵ به چاپ رسیده است.

علوی، عبدالعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مؤلف، محقق.

تولد: ۱۲۸۱، تهران.

درگذشت: ۲ اردیبهشت ۱۳۵۹، تهران.

عبدالعلی علوی که در شعر «پرتو» تخلص می‌کرد، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه اقدسیه به پایان برد، از آن پس به دارالمعلمین (دانشسرای عالی) وارد گردید و به تحصیل پرداخت و به اخذ لیسانس توفیق یافت و علوم عقلیه را نزد اساتید فن آموخت.

پرتو علوی در سال ۱۳۰۰ به عراق و از آنجا به مصر سفر کرد و مدت دو سال در دانشگاه الانزهر مصر به تحصیل علوم نقلی پرداخت و از آنجا رهسپار اروپا شد و در برلین وارد مدرسه عالی کشاورزی گردید، اما نتوانست به تحصیل ادامه دهد. ناگزیر به ایران مراجعت کرد و در وزارت دادگستری مشغول به کار شد و چندی نیز در راه آهن به کار پرداخت.

پرتو از سال ۱۳۱۸ به هنرسرای عالی انتقال یافت و به تدریس ادبیات و زبان خارجه مشغول شد و پس از سالی چند بازنشسته گردید و چون با زبان‌های عربی و آلمانی و انگلیسی آشنایی داشت، به عنوان مترجم رسمی وزارت دادگستری انجام وظیفه می‌کرد و در ضمن تألیفاتی نیز از وی به یادگار مانده که از آن جمله است: زندگی علی بن ابی طالب (ع) (ترجمه از عربی)، راست و نو، دستور زبان آلمانی (به فارسی)، بانگ جرس (شرح مشکلات دیوان حافظ) و چند اثر دیگر.

در سال‌های ملی شدن صنعت نفت به مبارزه علیه شرکت‌های استعماری پیوست و در این راه به زندان افکنده شد. در شعر بیشتر به جنبه‌های اجتماعی آن می‌پرداخت.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

علوی، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدحسین بن العالم الجلیل السید محمدمهدی بن سید ابراهیم علوی عریضی فرزند منحصراً مترجم قبلی ولادتش در سبزوار صبح سه‌شنبه بیست و هشتم رمضان ۱۳۴۹ ق و مادرش که متوفی ۱۴ شوال همان سال است صبیبه مرحوم آقای حاج میرزا حسین پیشنهادی که از علماء اعلام سبزوار بودند و در یک هزار و سیصد و شصت و هشت در هفتاد و دو سالگی فوت شدند و در امامزاده یحیی دفن شدند.

و نسب جد مزبورش برحسب نقل به امامزاده گرامی جناب حسین اصغر فرزند معظم حضرت زین العابدین علیه الصلوٰه والسلام از

جانب پدر می‌رسد و از طرف مادر آنچه که به ظاهر مرحوم آقای فاضل هاشمی که عموزاده ایشان و نیز از اجله فخام سبزواری و مراحل فضل و فلسفه و تدریس و جامع عده‌ای از علوم بودند.

می‌فرمودند که از اولاد برامکه و برخی از پادشاهان سربداریه که مقرر سلطنت آنها این حدود بوده می‌باشند.

مترجم تحصیلاتش نزد حضرت آقای فاضل مزبور مقداری از ریاض و کشف‌المراد و مرحوم حاج سید عبداللّه برهان‌المحققین مقداری از اصول کافی و فقیه و نزد حضرت آقای حاج شیخ محمدتقی عندلیبی مقیم مشهد مطول و مقداری از لمعه و مکاسب و رسائل و قدری از کفایه و مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا حسن سیادت‌ی مختصری از رسائل و کفایه انجام یافت.

و در سال ۱۳۷۷ ق به قم مشرف و مجدداً بعضی از آنچه را که در سبزواری استفاده از درس علماء اعلام که به ایشان اشاره شد خوانده و مکاسب را از آقای میرزا علی مشکینی اردبیلی و جلد اول کفایه را از مرحوم آقای میرزا محمد مجاهدی تبریزی و جلد دوم را خدمت آقای سید محمدباقر سلطانی بروجردی مدظله استفاده نموده و خارج از فقه و اصول را از محضر فقهاء فخام و مراجع عظام آیت‌اللّه العظمی موسوی و نیز آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید محمدرضا گلپایگانی و چون آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری و مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه آقای حاج شیخ مرتضی حایری و آیت‌اللّه آقا میرزا هاشم آملی استفاده نموده.

و در سال ۱۳۸۷ ق به سبزواری مراجعت و مشغول به انجام وظیفه می‌باشد و از عده بسیاری از مراجع کبار و علماء اعلام اجازه روایتی دارد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

علوی، مصطفی بن سید عقیل

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

[وی] نیز طبیب ماهری بوده، مؤلف: ۱- بدایع الحکمه، ترجمه از کتاب حکیم طولوزان، مطبوع ۲- زبده الحکمه ناصری را به فارسی ترجمه در خواص گنه گنه تألیف نموده، و در سال ۱۲۸۰ به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

علوی، موسی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید موسی علوی

محل تولد: دایکندی

شهرت

تابعیت: افغانستان

تاریخ تولد: ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید موسی علوی فرزند سید کاظم در سال ۵۱ در کشور افغانستان استان دایکنندی مرکز نیلی در یک خانواده مذهبی به دنیا آمدم. پس از فراگرفتن سواد خواندن و نوشتن فارسی و قسمت از ادبیات عرب در زادگاهی خودم در سال ۷۰ برای ادامه تحصیلات وارد حوزه علمیه مقدسه قم و مشول درسهای مستداول حوزه شدم و تا سال ۷۹ موفق به اتمام سطوح عالی حوزه شدم و از سال ۸۰ تا حالا مشغول درسهای خارج فقه و اصول می باشم البته با انجام ۵ سال مصاحبه درس خارج از نظر مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی فارغ التحصیل هستم.

از محضر اساتید مرحوم وجدانی فخر، حسینی میانجی، علی محمدی، حسینی بوشهری، نظری میانجی و حضرات آیات مکارم شیرازی و حید خراسانی، جعفر سیبانی و جوادی املی دامت برکاتهم استفاده کردم. در ضمن درسهای معمولی حوزه در رشته فلسفه و کلام در سطح کارشناسی ارشد در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام صادق (ع) تحصیل نموده ام در این رشته از استاد علی ربانی گلپایگانی در کلام قدیم و جدید و از استاد خسرو پناه در معرفت شناسی و فلسفه غرب استفاده نمودم.

علوی، کاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

علویان قواینی، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: توانبخشی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز. خلاصه شرح حال تخصصی سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی در پزشکی فیزیکی و توانبخشی، فوق تخصص بیماریهای عضله و الکتروفیزیولوژی، رزیدنسی در آمریکا به مدت چهار سال، مطالعه در بیماریهای عصب و عضله در آمریکا به مدت ۶ ماه، گذراندن دوره بازآموزی الکتروفیزیولوژی در اکسفورد انگلستان.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

الکتروفیزیولوژی شامل، الکترومیوگرافی و مطالعه سرعت سیر عصبی در بیماریهای آرتروز، روماتیسم مفصلی، سندرم C.T.S سندروم T.T.S آرتروز زانو، استاد راهنمای ۶ پایان نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

۴ جزوه درسی در رشته فیزیکی و توانبخشی در مباحث الکتروترایی، حرارت درمانی، مبانی فیزیوتراپی و اصول پزشکی فیزیکی و توانبخشی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

فلج اطفال، آسیب‌های نخاعی و توانبخشی آن، آرتروز زانو.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

علویان، مرتضی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرتضی علویان

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۴/۱

[زندگینامه علمی

اینجانب مرتضی علویان در سال ۱۳۶۴ دیپلم خود را در رشته اقتصاد با معدل کتبی ۰۶/۱۶ در یکی از دبیرستانهای اخذ نمودم که در سال ۱۳۶۵ علیرغم پذیرفته شدن در دانشگاه مازندران رشته اقتصاد، دانشگاه رضوی مشهد و همچنین مراکز دیگر راهی حوزه علمیه قم شدم و درس حوزه را آغاز نمودم که تا سال ۱۳۷۱ دروس سطح را با میانگین بالایی از نمره طی نمودم.

از سال ۱۳۷۳ همزمان با شرکت در درس خارج تحصیلات دانشگاهی در رشته علوم سیاسی را نیز آغاز کرده و با گذراندن کارشناسی و همچنین کارشناسی ارشد علوم سیاسی را دانشگاه باقرالعلوم ع اخذ نمودم. در کنار فعالیتهای علمی از سال ۷۷-۱۳۷۶ مشغول تدریس در دانشگاههای تهران، بین المللی امام خمینی، علامه و مازندران شدم که البته از مهر ۱۳۸۱ به عنوان هیات علمی دانشگاه مازندران مشغول بکار شدم. در کنار مطالعات حوزوی و دانشگاهی دارای تألیفات و مقالاتی در موضوعات مختلف می

باشم

علویجه‌ای، عباس علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند غلام‌رضا. عالم فاضل، و فقیه جامع، در غره‌ی شعبان ۱۲۸۳ در علویجه از بلوک عربستان اصفهان متولد گردید، در اصفهان مقدمات علوم را فراگرفته، در ۱۳۰۸ به نجف اشرف مهاجرت نموده، به درس حاج میرزا حسین خلیلی و جمعی دیگر حاضر شده، و به آیه‌الله صفهانی اختصاص یافته؛ در حسن خلق و تقوی و زهد معروف بوده. سرانجام در ۷ شعبان ۱۳۵۵ وفات یافته، در وادی‌السلام مدفون گردید. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

علی اکبری، محمدحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسین علی اکبری

محل تولد: بیرجند

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

به سال ۱۳۳۲ در روستایی به نام تقی آباد، از توابع شهر بیرجند (مرکز استان خراسان جنوبی) در خانواده‌ای مذهبی به جهان دیده برگشودم. پدرم کشاورز و مادرم خانه دار است. دوران کودکی را در مهد مهر و محبت مادر و سایه رافت پدر گذراندم و پس از آن برای فراگیری علم و ادب اجتماعی قدم به دبستان نهادم. به لحاظ اینکه در آن زمان بسیاری از روستاهای کشور ما از جمله روستای ما فاقد دبستان بود، هر روزه دوره ابتدایی را از طی مسافت شش کیلومتر، فاصله تا دبستان را در فصل سرما و گرما ناگزیر بودم. پس از پایان مقطع یاد شده مقدمات ورود به حوزه علمیه فراهم گردید و علیرغم همه وسوسه‌ها و موانع با عنایت الهی حدود سال ۱۳۴۵ هجری شمسی به حوزه علمیه شهرستان بیرجند راه یافتم و ادبیات عرب و اخلاق را در کنار حوزه مقدسه از محضر استاد فرزانه حضرت آیت الله شیخ جواد عارفی (ره) فرا گرفتم. سرانجام بعد از قریب پنج سال تلمذ با استیذان و مشورت از استاد به منظور ادامه تحصیل عازم شهر مقدس قم گردیده به حوزه مقدسه قم راه یافتم. البته در آغاز ورود به حوزه مشکل حجره و شهریه وجود داشت که پس از مهمانی یک ماهه در مدرسه فیضیه و موفقیت در آزمون خوابگاه، حجره‌ای در مدرسه مؤمنیه حضرت آیت الله نجفی مرعشی (ره) به بنده و یکی از دوستانم تحویل و مشکل حجره برطرف گردید، چنانکه موضوع شهریه نیز، پس از یک سال کوشش و تلاش و شرکت در آزمون و موفقیت در آن مرتفع شد گرچه به حق در آن یک ساله خدا یار بود و نه تنها در

آن ایام بلکه پیش از آن کمک هزینه تحصیل فراهم گردید. حدود پنج سال در مدرسه یاد شده سکونت داشته و هر روز آن را صبح و شام، برای حضور در حوزه های درسی و تلمذ از محضر اساتید، با پای پیاده، مسافت تا حرم مطهر حضرت معصومه (س) را می پیمودیم و به وقت آمدن به حجره با خستگی از راه و درس و بحث می بایست به تهیه غذا پردازیم. زیرا بر خلاف این زمان و امکانات آن در آن روزها نه چیزی از آشپز و آشپزخانه در مدارس بود نه از ماشین لباسشویی و غیره. البته جد و جهد و تهجد، مباحثه های از پیش مطالعه و جدی حتی گاهی پیش از اذان صبح بود حرم و زیارت شب های جمعه و تشریف به مسجد جمکران با پای پیاده از یاد نرفته ترک نمی شد.

چنانکه امروزه هم برای بسیاری از طلاب حوزه علمیه بحمد الله آن شور و نشاط و اخلاص و گرایش به تزکیه و طهارت هست. به هر حال در این مقطع تحصیلی، در معانی و بیان از محضر استاد گرانمایه، امین شیرازی، در اصول از اساتید بزرگواری همانند استاد عرفانی و سلیمی و در فقه از محضر اساتیدی همچون استاد گرانقدر فاضل هرنندی و عندلیب شیرازی و در منطق نیز از محضر استاد ارزشمند دیگری چون جناب استاد فقیهی بهره وافر بردم. پس از گذر از این مرحله به حوزه فقه و اصول استدلالی راه یافته مکاسب و رسائل را در محضر اساتیدی فرهیخته حضرات آیات سید علی محقق داماد و شیخ علی کرباسی فرا گرفتم.

در تفسیر قرآن کریم پای کرسی فرزانه زمان حضرت آیت الله جوادی آملی زانوی ادب زدم و در عرفان و کلام و فلسفه از اساتید کم نظیر و یا بی بدیل فرهیخته ای همچون آیت الله علامه حسن زاده آملی و انصاری شیرازی بهره ها و نکته ها آموختم و به اندیشه و جانم حیات بخشید. و هم اکنون که بیست و ششمین سال از انقلاب شکوهمند اسلامی را پشت سر می گذاریم، می توان گفت بیست و پنجمین سالی است که در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات، آیت الله العظمی وحید خراسانی، و شیخ جواد تبریزی و برخی دیگر از اساتید حضور داشته و از محضر پر فیض و دانش بی کران آن برجسته فرزندگان عرصه علم و تقوی همواره روح تشنه ام را سیراب می کنم.

شایان ذکر است که در همه مقاطع تحصیلی جز چند سال نخست آن امر مهم تبلیغ را به یاد داشته، ایفای مسئولیت کرده ام همچنان که از حضور در عرصه تحقیق و پژوهش غفلت نورزیده آن را وظیفه ای در راه جبران کاستی های حوزه های علمیه شیعی و پاسنگویی به نیازهای فرهنگی جامعه، بلکه جوامع بشری می دانسته ام.

از همین رو است که از سال ۱۳۷۰ فعالیت خویش را در این حوزه نیز آغاز کرده، تا سال ۱۳۷۴ به فیش برداری از منابع اولیه حول موضوع تاریخ و سیره اهل بیت اشتغال داشته و پس از آن با عنایات الهی و قرین شدن توفیق، قلم برداشته، - هر چند با بضاعت اندکی علمی - در پاره ای از موضوعات صفحاتی را به رشته تحریر در آورم.

علی بابایی، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد علی بابایی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۸/۲۱

زندگینامه علمی

اینجناب احمد علی بابائی در تاریخ ۲۱/۸/۱۳۴۴ در تهران به دنیا آمد. پس از گذراندن تحصیلات جدید در سال ۱۳۶۱ به عنوان بسیجی به جبهه اعزام شدم. فضای آنجا مملو از معنویت و از خود گذشتگی و ایثار بود، مرا وارد مرحله جدیدی در زندگیم نمود. از این رو پس از بازگشت از جبهه در شهریور همان سال وارد حوزه علمیه حاج ملا محمد جعفر (مجتهدی) شدم و تا سال ۱۳۶۴ دروس مقدمات را فرا گرفتم. روزهای پنج شنبه و جمعه نیز با چند تن از دوستان در دروسهای باب حادی عشر و تبصره المتعلمین مرحوم علامه شرکت می کردم. در این سالها از محضر استاد اخلاق حضرت آیت الله مجتهدی بهره های فراوانی بردم. از ابتدای ماه رمضان سال ۱۳۶۴ ش به مدت چهل روز در کنار بارگاه ملکوتی حضرت علی بن موسی الرضا (ع) اقامت گزیدم و از محضر آیت الله میرزا علی آقا تنکابنی (فلسفی) بهره های اخلاقی فراوانی بردم. همچنین از محضر آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی و آیت الله حاج شیخ حسنعلی مروارید استفاده نمودم.

از ابتدای سال تحصیلی ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و از محضر استاد طالقانی در ادبیات و استاد احمد امین شیرازی در فن معانی و بیان و استاد هادوی تهرانی در درس "معالم الاصول" بهره جستیم. همچنین در بعضی دروس از محضر استاد ادیب، مدرس افغانی استفاده بردم. جلدین "اصول فقه" را نزد آیت الله هادوی تهرانی و "شرح لمعتین" را در محضر مرحوم آیت الله وجدانی فخر آموختم. در این سالها سعی من بر این بود که درسها را بنویسم و به عنوان شرح و توضیح آن کتاب برای چاپ و نشر آماده نمایم.

از سوی دیگر، علاقه به مطالعه و تحقیق در یک موضوع خاص مرا بر آن داشت تا از کتابهای موجود در کتابخانه شخصی ام فهرست موضوعی مبسوطی تهیه کنم. از آنجا که قرآن، کتاب آسمانی ما مسلمانان، تمام نیازهای امروز و فردای بشر را بیان کرده است و خود کتاب بسیار جامعی در موضوعات مختلف است، تفسیر قرآن را انتخاب کردم و برای سهولت و سرعت کار از "تفسیر نمونه" آغاز کردم. در میان راه به فکر افتادم تا این فهرست را به طور مستقل برای این تفسیر به چاپ برسانم. از این رو با نویسنده آن آیت الله مکارم شیرازی موضوع را در میان گذاردم که با استقبال ایشان روبرو شدم.

این کتاب زیر عنوان "فهرست موضوعی تفسیر نمونه" در سال ۱۳۶۷ به چاپ رسید و تاکنون پانزده بار تجدید چاپ شده است. بهترین دوران زندگی جوانی من همان روزهایی بود که تفسیر قرآن را برای تهیه فهرست موضوعات آن می خواندم. این توفیقی بود که یک دوره کامل تفسیر قرآن را مطالعه نمایم. همین موضوع سبب شد که آیات روحبخش قرآن آرامش خاصی به من می بخشید. کتاب "رسائل" را نزد آیت الله حاج شیخ مصطفی اعتمادی، کتاب "مکاسب" و جلد اول "کفایه الاصول" را نزد آیت الله حاج شیخ احمد پایانی و جلد دوم "کفایه الاصول" را نزد آیت الله سید رسول موسوی تهرانی خواندم. در نیمه شعبان سال ۱۳۶۹ ش با صبیبه استاد معظم آقای حاج شیخ محمد حسن رئوفی ازدواج نمودم و اکنون چهار فرزند دارم. پس از چاپ "فهرست موضوعی تفسیر نمونه" این انگیزه در من بسیار قوی شد که درسهایی را که در آن شرکت می کنم به طور مبسوط نوشته و سپس به عنوان شرح آن کتاب برای چاپ آماده نمایم. از این رو هنگامیکه در درس "مکاسب" شرکت می کردم، همه مطالب بیان شده توسط استاد را از توضیحات خارج درس تا تطبیق عبارات می نوشتم. با پیشنهاد یکی از دوستان نوشته های "مکاسب محرمة" را در اختیار وی قرار دادم تا برای چاپ آماده نماید. وی تنها سه جلد از آن را زیر عنوان "در کلاس درس مکاسب" به چاپ رساند. سپس اطلاع یافتم یکی از هم درسی های سابق قصد دارد شرح خیرات مکاسب را به چاپ برساند. در محضر استاد پایانی با وی قرار گذاشتیم شرح مکاسب محرمة و بیع را به طور مشترک منتشر سازیم به این صورت که نوشته ها از من باشد و او با متن اصلی مطابقت دهد. و آنها را برای چاپ آماده نماید. متأسفانه او پس از آنکه دفاتر را از من گرفت، مطالب را به سرقت برد و با فروش

آن به یکی از ناشران کار را به نام خود و زیر عنوان "در محضر شیخ انصاری" چاپ و منتشر نمود و حقوق مرا پرداخت نکرد. از سال ۱۳۷۰ در درس خارج اصول آیت الله مکارم شیرازی شرکت کردم و با تجربه ای که در تهیه "فهرست موضوعی تفسیر نمونه" داشتم، به ایشان پیشنهاد کردم "تفسیر نمونه" را خلاصه نمایم. این کار زیر نظر ایشان به دست چهل تن از طلاب رشته تخصصی تفسیر در حال انجام بود و به من فرمودند شما مسئولیت جمع آوری مطالب را به عهده بگیرید. نوشته ها را تحویل گرفتم ولی بیشتر آنها ناقص بودند و بعضی مجلدات اصلا کار نشده بود و متاسفانه در میان نوشته ها اغلاط املایی فراوانی یافت می شد. از این رو به هیچ عنوان قابل استفاده نبود و من پیشنهاد کردم این کار را از ابتدا خودم انجام دهم. همان روز شروع کردم و سوره حمد و چهل آیه از سوره بقره را خلاصه نمودم.

بدین ترتیب که آیات قرآن سپس ترجمه و بعد شرح مختصری از آیه را می آوردم و از میان تفاسیر، یک تفسیر که نویسنده آن را از میان اقوال مختلف پذیرفته بود درج می کردم. سرانجام پس از سه سال کار شبانه روزی این کتاب زیر عنوان "برگزیده تفسیر نمونه" به جمع کتب قرآنی و تفسیر پیوست و بحمدالله از سوی تمام اقشار جامعه مورد استقبال قرار گرفت. این کتاب شانزدهمین چاپ خود را پشت سر گذاشت. و از آنجا که در بسیاری از کلاسها که تفسیر قرآن جزء مواد درسی آنهاست، به عنوان کتاب و متن درسی انتخاب گردید، ترجمه این کتاب به زبانهای دیگر نیز مورد توجه قرار گرفت. این کتاب توسط آقای فائق ولی اوغلی به زبان ترکی آذری ترجمه و تا کنون دو جلد از آن چاپ و منتشر شده است. ترجمه انگلیسی توسط آقای مهندس منصور امینی و در پنج جلد چاپ و منتشر شده است.

ترجمه عربی توسط اینجانب با بهره گیری از کتاب "الامثل" که ترجمه تفسیر نمونه است تهیه شده و به زودی در اختیار علاقمندان قرار خواهد گرفت. این رویکرد و استقبال مرا بر آن داشت تا در سال ۱۳۸۰ بار دیگر آن را مورد مذاقه و تجدید نظر قرار دادم و روش اعراب گذاری آیات آن را تغییر دادم، همچنین ترجمه آیات را طبق آنچه به عنوان ترجمه قرآن از آیت الله العظمی مکارم منتشر شده اصلاح کردم و نیز در مقدمه تفسیر آیات، ترجمه و شرح واژه ها را افزودم و اصلاحات فراوانی در متن اصلی نمودم. از سال ۱۳۷۷ در درس خارج فقه آیت الله العظمی تبریزی شرکت کردم و تا کنون ده ها کتاب را تصحیح و ویرایش نمودم که همگی به چاپ رسیده است. امیدوارم تا زنده ام خداوند این توفیق را نصیبم گرداند که به مکتب اهل بیت عصمت و طهارت (ع) خدمت نمایم و شفاعت آن بزرگواران شامل حال من گردد.

علی بن محمد باقر

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حضرت ابوالحسن علی ابن امام محمد باقر (ع) در سال ۱۱۳ هجری قمری جهت امر تبلیغ دین مبین اسلام و پاسخگویی به احساسات مذهبی مومنان وارد کاشان شدند و به مدت ۳ سال در میان عاشقان و دلباختگان اهل البیت به ارشاد مردم ولایتمدار پرداختند از ویژگیهای بارز این امامزاده لازم التعظیم می توان به فرزند بلافصل بودن و همچنین نایب الامامین یعنی امام محمد باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) اشاره نمود در خصوص مقام والای آنحضرت روایتهای متعددی نقل شده است که از جمله آن می توان به حدیث حضرت امام صادق (ع) اشاره نمود که می فرماید: هر کس برادرم حضرت علی ابن باقر (ع) را در اردهاال زیارت کند مانند کسی است که قبر جدم حسین (ع) را در کربلا زیارت کرده باشد و همچنین حضرت امام رضا (ع) می فرماید نعم الموضع الاردهاال فلزم و

تمسک به ، چه خوب مکانی است اردهال پس به آن التزام و تمسک پیدا کنید حضرت علی ابن امام محمد باقر (ع) در سال ۱۱۶ هجری قمری با یاران و اعوانش به جنگ با کفر زمانه می پردازد و پس از رشادتهای فراوان سرانجام در ۲۷ جمادی الثانی در دره ازناوه با یاران باوفایش به شهادت رسید و سر مبارکش را از تن جدا نموده و برای حاکم جور وقت در شهر قزون ارسال نمودند و بدن مطهرش را در مشهد اردهال به خاک سپردند

علی پور، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین علی پور

محل تولد : فردوس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسین علی پور فرزند علی اکبر در سال ۱۳۳۱ در شهرستان فردوس متولد شدم و در سال ۱۳۴۹ پس از دوران تحصیلات ابتدایی در محل تولد به قصد زیارت بارگاه رضوی (علیه السلام) به مشهد مقدس شرفیاب شدم و تحصیلات حوزوی را در جوار ملکوتی حضرت ثامن الحجج علیه السلام آغاز نمودم. در سال ۱۳۵۲ برای تکمیل دروس حوزوی به حوزه علمیه قم در جوار کریمه اهل بیت (علیهم السلام) آمده و تا سال تحصیلی ۱۳۵۵ سطح را با تلاش شبانه روزی به اتمام رساندم و از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۸۰ توفیق حضور در درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی را داشته ام.

علی پور، مسیح

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مسیح علی پور

محل تولد : کهگیلویه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۸ در روستایی از توابع استان کهگیلویه و بویراحمد به نام کفش کنان و در خانواده ای مذهبی متولد شدم . در سال های قبل و بعد از انقلاب تحصیلات خویش را در مقاطع ابتدایی راهنمایی و تا سال دوم دبیرستان در همین روستا و روستاهای اطراف سپری نمودم . در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شده و همزمان علاوه بر حضور در جبهه های جنگ تحصیلات حوزوی و رسمی را نیز دنبال نمودم . در سال ۱۳۶۹ وارد دانشگاه شهید بهشتی تهران شده و تا سال ۱۳۷۳ در رشته فلسفه غرب تحصیل نمودم در سال ۱۳۷۶ نیز در مقطع کارشناسی ارشد فلسفه از دانشگاه علامه طباطبایی فارغ التحصیل شدم . در ایام تحصیل در دانشگاه دروس حوزه را نیز مطالعه و مباحثه می کردم حدود ۳ سال در دروس خارج آیات عظام ، مکارم شیرازی ، صانعی ، سبحانی و گرامی شرکت می نمودم . در این اثنا مدتی نیز دروس دانشگاهی را در دانشگاه های پیام نور و علامه تدریس کرده و به کارهای پژوهشی اشتغال داشتم . از سال ۱۳۷۸ مسئول واحد پژوهشی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و دبیر شورای پژوهشی بودم . در این سال ها راهنمایی و نظارت بر ده ها پروژه علمی اجتماعی و فرهنگی را به عهده داشته و خود نیز مجری پروژه های میدانی فرهنگی و اجتماعی بودم . در سال های اخیر سردبیر نشریه فرهنگی - پژوهشی نامه قم بودم که تا کنون ۲۹ شماره از آن منتشر شده است . همین طور در سال های گذشته سه سال به عنوان پژوهشگر برتر و نمونه استانی معرفی شدم و یک بار نیز به عنوان کارشناس نمونه استانی.

علی عسگری، سعیدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سعید رضا علی عسگری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از دیپلم در سال ۱۳۶۳ و پس از ترمیم برخی مجروحیتها دوران دفاع مقدس و مسائل جبهه و جنگ در آبانماه سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه شدم و دروس مقدماتی را آغاز کردم در سال ۱۳۷۰ به دلیل احساس نیاز و تعهد به مسائل فرهنگی وارد جامعه مدرسین حوزه علمیه و فعالیت در بخش سیاسی فرهنگی را آغاز کردم و در نشریه گزیده ها به مدت دو سال ونیم فعالیت داشتم در سال ۱۳۷۳ جهت کار پژوهشی حدیثی وارد دارالحدیث شدم که تا سال ۱۳۸۳ ادامه داشت در سال ۱۳۷۴ جهت تحصیل و ارتقای سطح دانش ادبیات عرب وارد دانشگاه مجتمع آموزش عالی (پردیس) و در سال ۱۳۷۸ فارغ التحصیل شدم در سال ۱۳۸۲ در رشته کارشناسی ارشد ادبیات عرب وارد دانشگاه آزاد اسلامی شدم و سال ۱۳۸۴ فارغ التحصیل شدم پایان نامه اینجانب راجع به؛ بازخوانی و جنبش جدید کتاب مقایس اللغه در سال ۱۳۸۵ و با رتبه عالی نمره ۵/۱۹ مورد قبول واقع شده است

علی محمدی، کریم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کریم علی محمدی

محل تولد: تبریز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۲/۲۵

زندگینامه علمی

آقای کریم علی محمدی در سال ۱۳۴۰ در خانواده‌ای با نشاط، دوستدار خاندان امامت و نبوت در تبریز دیده به جهان گشود. پس از اتمام تحصیلات ابتدائی در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه تبریز شد تا از معارف ناب الهی سیراب شود و عطش چندین ساله خود را برطرف سازد غافل از اینکه این عطش او را به دیار قم کشاند پس از ورود به قم ضمن انس با بارگاه ملکوتی کریم اهل بیت حضرت معصومه به جدیت در امر تحصیل حوزوی پرداخت و در سال ۱۳۶۸ به پای درس خارج بزرگان آن زمان نشست و از محضر اساتید معزز حضرات آیات جوادی آملی، مکارم شیرازی و خرازی بهره‌های علمی، اخلاقی فراوان برد. در کنار تحصیل از تدریس و پژوهش غافل نماند و آثاری از قبیل شرح خطبه دوم حضرت زهرا سلام الله علیها و پیامبر و عکس العمل مردم در برابر آن را به زیور طبع آراست.

علی نقی پور، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد علی نقی پور

محل تولد: نجف آباد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

این جانب احمد علی نقی پور نجف آبادی فرزند محمد حسین ش ش ۴۶۵ ت ت ۱۳۴۱ نجف آباد. در سال ۱۳۸۵ وارد حوزه

علمیه نجف آباد شدم و پس از گذراندن بعضی کتاب‌های مقدماتی در سال ۱۳۵۹ به حوزه علمیه قم راه یافتم و دروس سطح را نزد اساتیدی چون حضرت آیت اله ستوده، وجدانی فر، نظری میانجی و... به پایان رساندم و همراه با درس رسمی حوزوی در درس تفسیر آیت اله جوادی آملی شرکت نمودم و در زمینه فلسفه نیز کتاب‌های بدایه الحکمه و نهایه الحکمه را نزد آیت اله گرامی و فیاضی خوانده و سپس در درس شرح منظومه حضرت آیت اله انصاری شیرازی وارد شدم و تا پایان آن نزد ایشان شرح اسفار را نیز شاگردی کردم.

پس گذراندن دوره سطح به درس خارج حضرات آیات منتظری، وحید، تبریزی و فاضل وارد شدم و از آنان استفاده کردم در کنار درس‌های حوزه به خاطر عشق و علاقه‌ای که به نویسندگی و ادبیات فارسی داشتم دوره‌هایی در حوزه از طرف دفتر تبلیغات و غیره گذاشته می‌شد شرکت می‌کردم و تا حدودی اصول و روش نویسندگی را آموختم و همواره از هنگام شروع درس خارج به تحقیق در مسائل قرآنی و علوم قرآنی پرداختم.

علیاری تبریزی، علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۷ - ۱۲۳۶ ق)، عالم، فقیه، اصولی، محدث، متکلم، حکیم، ریاضیدان، ستاره‌شناس، ادیب و شاعر. وی در روستای سردرود تبریز به دنیا آمد. پس از فراگرفتن علوم و فنون معموله و متداوله در نزد استادانی چون میرزا احمد آقا مجتهد شبستری و حاج میرزا لطفعلی و میرزا محمد آقای مجتهد به نجف رفت و در آن جا در نزد پنج تن از مشایخ وقت چون: شیخ مرتضی انصاری و میرزای بزرگ شیرازی و حاج سید حسین کوه‌کمری و شیخ راضی و شیخ مهدی تلمذ نمود و به اجازه‌ی اجتهاد و روایت از هر یک از ایشان نایل آمد. وی پس از فراگیری علوم به تبریز بازگشت و بی وقفه به تدریس و تألیف و تصنیف مشغول شد. او ریاضیات و «قانون» ابوعلی سینا را علاوه بر درسهای جاری تدریس می‌کرد. شاگردش شیخ محمد حسن سردرودی رساله‌ای در شرح حال استاد خود در ۱۳۳۳ ق نگاشته است. از آثار وی: «بهجه الآمال فی علم الرجال»، که شرحی است بر «زبده‌ی المقال» و «منتهی الآمال»، در علم رجال، در پنج مجلد؛ «ایضاح الغوامض فی تقسیم الفرائض»؛ «مشکاه الوصول فی علم الاصول»، در شش مجلد؛ «مناهج الاحکام فی اصول الفقه»، شرح مزجی بر «معالم»، در پنج مجلد؛ «منهاج المله فی تعیین الوقت و القبله»؛ «دلایل الاحکام فی شرح شرایع الاسلام»، در پنج مجلد؛ «ریاض المقاصد»، در شرح قصیده‌ی حسن بن راشد حلّی، در مدح صاحب الزمان (عج)؛ شرح «دعای سمات»؛ «نهج الاعلان فیما یتبث به دخول رمضان»؛ «الوافیه»، در شرح «لغز الکافی» شیخ بهایی؛ «هدایه الطالبین»، رساله‌ی عملیه؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲۸۲ / ۸)، الذریعه (۱۷ / ۲۵، ۲۴ / ۴۱۰، ۶۴ / ۲۱، ۲۵۰ / ۱۳، ۷۶۰ / ۹، ۱۶۰ - ۱۵۹ / ۳، ۴۹۶ / ۲)، ریحانه (۱۹۳ - ۱۹۲ / ۴)، سخنوران آذربایجان (۱۲۲ - ۱۲۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۷۹ - ۱۴۷۶ / ۱۴)، علماء معاصرین (۹۷ - ۹۶)، لغت‌نامه (ذیل / علی علیاری)، معجم المؤلفین (۱۴۰ / ۷).

علیان، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین علیان

محل تولد: فریدن

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۸/۷/۲

زندگینامه علمی

در یکی از دهکده های شهرستان فریدن در یک خانواده کارگر متولد شدم و تا کلاس پنجم ابتدائی در آنجا مشغول تحصیل بودم و در سن چهارده سالگی وارد حوزه علمیه نجف آباد اصفهان شدم مقدمات و سیوطی و مغنی و معالم و حاشیه را به اتمام رسانیدم. و سپس در سال ۱۳۴۵ وارد حوزه علمیه شهر مقدس قم گردیدم. در حوزه علمیه قم در امتحان حوزه در رتبه یک در امتحانات مدرسه آیه الله گلپایگانی شرکت کرده و قبول شدم و بعد از دو سال در رتبه دوم نیز شرکت کردم و قبول شدم. در امتحان رتبه سوم بعد از شرکت در امتحان کتبی در فاجعه مرحله دوم مدرسه فیضیه بدست دژخیمان شاه دستگیر و به زندان اوین در تهران همراه گروه زیادی از طلاب منتقل شدیم. بعد از انقلاب اسلامی با جهاد سازندگی شهرستان فریدن همکاری داشتم. و همینطور حدود دو سال در تهران با عقیدتی سیاسی ارتش در پادگان لویزان و پادگان حر در تدریس همکاری داشتم بعد از آن مشغول به تحقیقات در رابطه با فقه آل محمد (ص) شدم و تاکنون حدود شانزده جلد کتاب مقاله با هشت مذهب نوشته ام.

علیان، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین علیان

محل تولد: فریدن

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۸/۷/۲

زندگینامه علمی

در یکی از دهکده های شهرستان فریدن در یک خانواده کارگر متولد شدم و تا کلاس پنجم ابتدائی در آنجا مشغول تحصیل بودم و در سن چهارده سالگی وارد حوزه علمیه نجف آباد اصفهان شدم مقدمات و سیوطی و مغنی و معالم و حاشیه را به اتمام رسانیدم. و سپس در سال ۱۳۴۵ وارد حوزه علمیه شهر مقدس قم گردیدم. در حوزه علمیه قم در امتحان حوزه در رتبه یک در امتحانات مدرسه آیه الله گلپایگانی شرکت کرده و قبول شدم و بعد از دو سال در رتبه دوم نیز شرکت کردم و قبول شدم. در امتحان رتبه سوم بعد از شرکت در امتحان کتبی در فاجعه مرحله دوم مدرسه فیضیه بدست دژخیمان شاه دستگیر و به زندان اوین در تهران همراه گروه زیادی از طلاب منتقل شدیم. بعد از انقلاب اسلامی با جهاد سازندگی شهرستان فریدن همکاری داشتم. و همینطور حدود دو سال در تهران با عقیدتی سیاسی ارتش در پادگان لویزان و پادگان حر در تدریس همکاری داشتم بعد از آن مشغول به تحقیقات در رابطه با فقه آل محمد (ص) شدم و تاکنون حدود شانزده جلد کتاب مقاله با هشت مذهب نوشته ام.

علیانسب، ضیاءالدین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید ضیاءالدین علیانسب

محل تولد: آذربایجان شرقی

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای سیدضیاءالدین علیانسب در سال ۱۳۴۵ در خانواده ای پاک، با صفا، مخلص و متعهد در سراب دیده به جهان گشود. پس از پایان موفقیت آمیز تحصیلات متوسطه، به خاطر شوق وافر و تشویق خانواده در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه تبریز شد. پس از مدتی تحصیل در آنجا به حوزه علمیه تهران رفت و در نهایت در حوزه علمیه قم سکنی گزید و در سال ۱۳۷۳ به حلقه درس خارج راه یافت. وی در مدت تحصیل در حوزه علمیه از آسمان پرفیض و برکت حوزه علمیه از ستارگانی همچون مرحوم آیت الله معرفت، مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله سبحانی استاد احمد عابدی کسب فیض علمی و اخلاقی نمود و پس از مدتی تحصیل در قم به زادگاه خویش برگشت و در آن دیاربه تدریس دانشگاهها پرداخت تا مصداق حدیث زیبای «زکات العلم نشرها» گردد. و هیچ وقت از امر پژوهش هم غافل نماند و در این راستا آثاری به چاپ رسانده است که کتابهای «صحابه در قرآن» و «جریان شناسی

انجمن حجّتیّه» از جمله این آثار است.

علی پور اصفهانی، پروین

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: رادیولوژی، رشته: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی ایران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

علی پور، اسکندر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: رادیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

علیدوست، ابوالقاسم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالقاسم علیدوست

محل تولد: ابرکوه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابوالقاسم علیدوست در تاریخ ۱۳۴۰ در شهرستان ابرکوه (از توابع استان یزد) متولد شدم.

در سن هفت سالگی به مدرسه رفتم. دوران دبستان را در پنج سال به پایان رساندم. حدود سه الی چهار ماه قبل از پایان یافتن دوران تحصیل در دبستان شوق عجیبی به طلبه شدن و ورود به حوزه علمیه در من پیدا شد. در تابستان همان سال روزی در عبور از مجلس روضه ای به طور اتفاقی با پدرم در آن مجلس شرکت کردیم. واعظ آن مجلس (مرحوم آقای شیخ علی اسلامی) در پایان سخنرانی اظهار داشت که ما تصمیم داریم در شهرستان ابرکوه حوزه ای تشکیل دهیم. در مدرسه ساده ای که به همین منظور ساخته شد ما با ۲۲ نفر دیگر تحصیل را شروع کردیم. (حوزه علمیه ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف) با توجه به نبود استاد و

مدیریت قوی، عدم مساعدت جو و شرکت برخی افراد بدون ذوق و شناخت، در ادامه از این مجموعه ۱۴ نفر بیرون رفتند و حوزه با ۹ نفر به فعالیت خود ادامه داد. عده ای هم در سال دوم از حوزه بیرون رفتند و در پایان سال دوم ۲ نفر ماندیم. حقیر برای سال تحصیلی ۵۵-۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه شیراز شدم. در آن جا آیت الله شهید دستغیب (ره) ما را با گرمی پذیرفتند. در مدرسه (ایمانیه) شیراز با مدیریت خود شهید تحصیل را شروع کردم و در درس اخوی ایشان استاد آیت الله سید مهدی دستغیب شرکت کردم. در همان زمان هم نزد حاج آقا سید هاشم (فرزند شهید) در مدرسه حکیم تحصیل می نمودم. با این احوال سال ۱۳۵۵ به شهر مقدس قم مهاجرت کردم. فعالیت سه ساله تحصیلم در ابرکوه و شیراز فقط مرا در سال دوم حوزه علمیه در مدرسه الوندیه از مدارس حضرت آیت الله گلپایگانی نشانند، اما سال ۵۶-۱۳۵۵ دوم و سوم حوزه و سال بعد چهارم و پنجم و ششم حوزه را جهشی گذراندم. و سه سال مافات گذشته را جبران نمودم. در سال ۵۷ دو جلد شرح لمعه را تمام نمودم و در همان حال ۴۰ تا ۵۰ درصد درسها را خود مطالعه می کردم. دروس رسائل، مکاسب و کفایه را عموماً نزد مرحوم آیت الله ستوده تلمذ نمودم و کمی از آن را هم نزد آیات کریمی، جهرمی، و صلواتی گذراندم. که با اتمام سطح همراه بود. سال ۶۰ یا ۶۱ بود که تحصیل دروس خارج را شروع کردم که با ۲ سال درس خصوصی مرحوم آیت الله خاتم یزدی در اصول همراه بود. درس آیات عظام مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی، جواد تبریزی و سبحانی را درک و عمده دروس خارج فقه و اصول را خدمت حضرت آیت الله استاد وحید خراسانی تلمذ نمودم که ۱۱ سال ادامه داشت. فلسفه را با شرح منظومه سبزواری خدمت آیت الله گرامی و سپس آیت الله انصاری شیرازی و اسفار را نزد علمائی چون مصباح یزدی، جوادی آملی، حسن زاده آملی، انصاری شیرازی و محمدی گیلانی و نکونام تلمذ نمودم. در همان حال بدایه و نهاییه را خودم مطالعه نمودم. ابتدای شروع به تحصیل، تدریس را در همان مدارس شیراز شروع کردم، یعنی کتابی را که تحصیل می کردم، اوایل آن را تدریس می نمودم. این وضع برایم جذابیت خاصی داشت. بر همین منوال از سال ۶۲ رسماً در مدرسه (المهدی) قم - که زیر نظر حضرت آیت الله گلپایگانی (قدس سره) اداره می شد تدریس سیوطی را شروع کردم و این اولین تدریسم به صورت رسمی بود. بعد از آن در مدارس رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)، رضویه، عترت، معصومیه و... درسهای سیوطی، مغنی و عموم کتب سطح را تدریس کرده ام (برخی را ۵ یا ۶ بار) تقریباً ۱۰ سال بعد یعنی سال ۷۱ یا ۷۲ تدریس رسائل را در مدرسه حضرت آیت الله گلپایگانی شروع کردم و سپس مکاسب را که تا کنون ۳ دوره تدریس داشته ام. تفسیر را به صورت درس تخصصی از سال ۷۷ در مرکز تخصصی تفسیر شروع نمودم. تدریس خارج اصول را در سال ۱۳۷۵ و خارج فقه را در سال ۱۳۸۲ شروع کردم و تا کنون ادامه دارد.

علیزاده آستاری، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آب شناسی، دانشکده: داروسازی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای داروسازی از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۵۱، دیپلم در رشته هیدروکلیماتولوژی از کشور فرانسه، دکترای دولتی آب شناسی از کشور فرانسه در سال ۱۳۶۰.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی کیفیت آبهای آشامیدنی شهرستان تبریز و حومه، بررسی آبهای معدنی آذربایجان شرقی، بررسی اثرات آب معدنی کندوان در حل و دفع سنگ‌های ادراری، استاد راهنمای ۳۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

آب‌شناسی، آبهای معدنی، فرآیندهای تصفیه.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۱، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

آب‌شناسی، آبهای معدنی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

علیزاده، اکبراسد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اکبر اسد علیزاده

محل تولد: مشکین شهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از اتمام دوره راهنمایی در سال ۱۳۶۱ به حوزه علمیه شهرستان اردبیل وارد شدم. پس از دو سال و نیم تحصیل به جهت موفقیت بیشتر در تحصیل و استفاده از محضر اساتید مجرب در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و دوره سطوح را از محضر اساتیدی چون آیات عظام وجدانی فخر، اعتمادی، تبریزی، پایانی و صالحی افغانی بهره بردم.

پس از اتمام دوره سطوح در سال ۱۳۷۲ در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات مکارم شیرازی و صالحی مازندرانی شرکت کردم و همزمان از درس کلام و فلسفه استاد علامه جعفر سبحانی و مصباح یزدی نیز استفاده می‌کردم. و در سال ۱۳۷۴ رشته تخصصی کلام اسلامی را شروع و در سال ۱۳۷۸ فارغ التحصیل گردیدم و در حال حاضر مشغول نوشتن پایان‌نامه دکترای کلام اسلامی می‌باشم.

به جهت علاقه فراوان به تألیف و تحقیق، کار تحقیقی خود را از سال ۱۳۷۱ شروع و در حال حاضر بیش از ۶۰ اثر تألیفی و تحقیقی

اعم از کتاب و مقاله از ما به چاپ رسیده است. این فعالیت سبب شد در سال ۱۳۸۲ به عنوان پژوهشگر نمونه کشور انتخاب شوم و یکی از کتابهایم (سیاستهای فقر زدایی در کلام معصومین علیهم السلام) در اولین جشنواره فرهنگی صدا و سیما در سال ۱۳۸۲ به عنوان پژوهش برتر شناخته شود.

علیزاده، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. آثار وی: «ترکستان»، ترجمه؛ «مدنیت اسلام»؛ «مراسلات».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۹۸۲، ۲۹۷۰، ۱ / ۲۹۷۰)، مؤلفین کتب چاپی (۱۸۶ / ۳).

علیزاده، علی اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اکبر علیزاده

محل تولد: رشت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱۰/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ با مدرک دیپلم وارد حوزه علمیه قم شدم دروس مقدمات تا لمعتین را در مدارس علمیه امام صادق و امام باقر گذراندم دروس سطح را در محضر اساتید محترم اعتمادی و مهری و ... آموختم و کفایتین را نیز از دروس استاد اعتمادی و گنجی بهره بردم. از سال ۱۳۷۲ با شرکت در دروس خارج فقه و اصول اساتید بزرگوار چون مکارم شیرازی و وحید خراسانی به مدت هشت سال از محضر آنان سود جستیم.

دروس دانشگاهی را از سال ۱۳۷۰ در رشته فلسفه غرب در گروه فلسفه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شروع کردم و بعد از فارغ التحصیل شدن در سال ۱۳۷۴ در همان رشته در دانشگاه اصفهان پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۸ آن دوره را نیز به پایان رساندم. از سال ۱۳۷۴ با دفتر تبلیغات اسلامی شروع به همکاری کردم. ابتدا با ویرایش کتب فلسفی کلامی و در سالهای اخیر با تحقیق و پژوهش در سائل و موضوعات فلسفی با این دفتر همکاری دارم

علیزاده، غلامحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غلامحسین علیزاده

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

اینجانب غلامحسین علیزاده فرزند حجت بعد از اتمام دوره راهنمایی در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه بابل مدرسه خاتم الانبیاء مشغول به درس شدم و بعد از اتمام ادبیات عرب و منطق و معالم و قسمتی از کتاب مختصر المعانی در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمی قم مدرسه المهدی زیر نظر آیه الله العظمی گلپایگانی (قده) به مدت سه سال مشغول به درس بودم بعد از اتمام دو جلد لمعه و اصول فقه در درس رسائل حضرت آیت الله اعتمادی شرکت و در فقه مکاسب حضرت آیت الله بنی فضل و کفایه را از محضر آیت الله فاضل و علوی گرگانی استفاده کردم و درس شرح منظومه از محضر حضرت آیت الله گرامی و فلسفه جلد اول اسفار را از محضر حضرت آیت الله جوادی آملی و شرح اشارات را از حضرت علامه حسن زاده آملی استفاده کردم. در درس خارج از اساتید معظم حوزه همچون حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی در دوره اصول و در درس خارج فقه در بحث طهاره حضرت آیت الله العظمی تبریزی و همچنین حدود و قصاص و شهادت را از معظم له بهره مند شدم در رجال از محضر حضرت آیت الله زنجانی استفاده کردم.

در بخشی از الفاظ اصول (خارج) از محضر حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی بهره مند شدم. در دوره تخصصی تفسیر زیر نظر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی شرکت کردم و بعد از اتمام و ارائه پایان نامه، مشغول تحقیق در حوزه تفسیر هستم. در ضمن تحصیل و تحقیق همکاری با مؤسسه ولی عصر و مرکز دائرة المعارف اسلامی و جامعه الزهراء و دانشگاه آزاد اسلامی برای تحقیق و تدریس داشتم و مقالاتی برای کنگره تمدن دانشگاه علامه طباطبائی و طرحی برای کنگره اخلاق و عرفان حضرت امام (ره) ارسال نمودم

علیک رازی، ابوالحسن علی

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۹۹ ق)، حافظ و محدث وی از عبدالاعلی بن حماد نرسی و جباره بن مغلس و بشر بن معاذ عقدی و نوح بن عمرو سکسکی

و محمد بن هاشم بعلی و عبدالرحمان بن خالد بن نجیح و نصر بن علی جهضمی و هیثم بن مروان و دیگران حدیث شنید. احمد بن حسن بن عتبه رازی و عبدالله بن جعفر بن ورد و محمد ابن احمد بن خروف و ابوالقاسم طبرانی و حسن بن رشیق و ابومنصور محمد بن سعید ابیوردی و دیگران از وی حدیث شنیدند. دارقطنی او را در حدیث ثقه، آن گونه که باید باشد، نمی‌داند و گوید که او احادیث بدون پشتوانه روایت کرده است. وی در مصر ساکن و والی قریه‌ای در آنجا بود و طلب خراج می‌کرد، و در همان جا نیز درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ اسلام (حوادث ۲۱۰ / ۳۰۰-۲۹۱)، تذکره الحفاظ (۷۵۰ / ۲)، ری باستان (۳۳۰ / ۲)، سیر النبلاء (۱۴۶-۱۴۵ / ۱۴)، شذرات الذهب (۲۳۲ / ۲)، طبقات الحفاظ (۳۱۸)، لسان المیزان (۳۵-۳۴ / ۵)، الوافی بالوفیات (۱۳۴ / ۲۱).

علیم مروستی، غلامحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۱ ش)، پزشک، استاد دانشگاه. تحصیلات متوسطه را در کرمان و پزشکی را در ۱۳۱۸ ش در دانشکده پزشکی تهران به پایان رساند و پایان‌نامه‌ی خود را در باب «درمان ذات‌الجنب چرکی» نگاشت و پس از فراغت از تحصیل وارد خدمت شد و مشاغل ذیل را عهده‌دار گردید. دانشیاری کرسی بیماریهای گوش و حلق و بینی، ریاست بخش بیماریهای گوش و حلق و بینی در بیمارستان امیر اعلم. از آثار وی: «امراض حلق و بینی و حنجره»؛ «اندازه‌گیری شنوایی و فواید آن». وی بیمارستانی در تهران تأسیس کرد که به نام خو او شهرت یافت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۵۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۴-۶۸۳ / ۴).

علیمحمدی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: جراحی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

علیمرادیان، عزیزالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عزیزالله بن المرحوم حاج کریم علیمرادیان نه‌اوندی از علماء اعلام معاصر این شهرستانست.

وی در تاریخ هشتم شوال ۱۳۲۵ قمری در بلده نهاوند متولد شده و پس از تکمیل دروس فارسی و مقدماتی در سال ۱۳۴۳ قمری به قم مشرف شده در حوزه علمیه قم دروس و سطوح اولیه و وسطی و نهائی را در نزد اساتید بزرگ حجج اسلام و آیات عظام چون مرحوم حجة الاسلام آقا سید مهدی کشفی و مرحوم حجة الاسلام حاج میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و مرحوم آیت الله حاج شیخ حسن فاضل و مرحوم آیت الله آقاشیخ محمدعلی حایری قمی و آیت الله حاج سیداحمد خونساری و آیت الله آقاشیخ محمدعلی اراکی و آیت الله حاج سید محمدرضا گلپایگانی فراگرفته و ۴ سال از درس خارج مرحوم آیت الله مؤسس حاج شیخ عبدالکریم یزدی استفاده نموده.

و پس از فوت معظم له از درسهای خارج آیت الله حاج سید محمدتقی خونساری و مرحوم آیت الله حجت و آیت الله صدر استفاده و حظ وافر برده و در سال ۱۳۶۲ به نهاوند مراجعت و متصدی امور شرعیه آن شهرستان شده و تاکنون به انجام وظائف امور دینی و اقامه جماعت و تعمیر مساجد و امکان مقدسه من جمله مدرسه علمیه جدید البناء و تربیت عده‌ای از محصلین علوم دینی گردیده و فعلا حدود سی نفر از آنها در حوزه علمیه قم اشتغال به تحصیل دارند و چند نفر از آنها به درجات عالی علمی نائل و قریب الاجتهاد می‌باشند و در علوم رسمی فقه و اصول و غیرها جزواتی به رشته تحریر درآورده‌اند.

مؤلف گوید مترجم معظم از علماء متین و میرز می‌باشند قریب چهل سالست آشنائی کامل با ایشان دارم از غالب آیات عظام گذشته چون مرحوم آیت الله العظمی اصفهانی و آیت الله العظمی بروجردی و آیت الله میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت الله خونساری معاصر و گذشته و آیت الله حجت و آیت الله العظمی گلپایگانی و آیت الله العظمی مرعشی نجفی و دیگران اجازه اجتهاد و روایتی و غیره دارند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

عماد جوینی، شیخ الشیوخ، ابوالفتح عمر

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۳۶ - ۵۸۱ ق)، محدث، فقیه و مدرس. در دمشق به دنیا آمد و در مصر نشوونما یافت. وی از اثر ابن بنان و شهاب غزنوی حدیث شنید. وی بعد از پدرش عهده‌دار تدریس در قبه شافعی و مشهد الحسین و مشیخه السعدیه یا مشیخه الشیوخ مصر شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۹۹-۹۷ / ۲۳)، شذرات الذهب (۱۸۱ / ۵)، العبر (۲۲۸ / ۳)، النجوم الزاهره (۲۷۸ / ۶).

عماد خراسانی، نسرین دخت

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

نسرین دخت عماد خراسانی در سال ۱۳۲۷ در تهران متولد شد. ایشان تحصیلاتش را در رشته علوم سیاسی دانشگاه تهران آغاز کرد. او تحصیلات خود را در رشته علوم کتابداری در مقطع کارشناسی ارشد در همان دانشگاه ادامه داد و بعد از اتمام تحصیلات برخی دوره های تخصصی سیستم های اطلاع رسانی را نیز در کشورهای ایتالیا و ژاپن گذراند. وی در حال حاضر رئیس بخش اطلاعات

و انتشارات مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی در وزارت کشاورزی می باشد. کتاب "فهرستگان کشاورزی ایران" تألیف سیمین دخت عماد خراسانی، در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه: علوم انسانی رشته: کتابداری گرایش: سیستم های اطلاع رسانی تحصیلات رسمی و حرفه ای: نسرین دخت عماد خراسانی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در رشته علوم سیاسی دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت و پس از اخذ درجه کارشناسی، تحصیلات خود را در رشته علوم کتابداری در مقطع کارشناسی ارشد در همان دانشگاه ادامه داد و بعد از اتمام تحصیلات برخی دوره های تخصصی سیستم های اطلاع رسانی را نیز در کشورهای ایتالیا و ژاپن گذراند مشاغل و سمتهای مورد تصدی: نسرین دخت عماد خراسانی ۲۷ سال است که در وزارت کشاورزی به خدمت اشتغال دارد و علاوه بر آن در مراکز مختلف علمی نیز در دوره های کوتاه مدت، به تدریس کتابداری پرداخته است. وی در حال حاضر رئیس بخش اطلاعات و انتشارات مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی در وزارت یاد شده می باشد. جوایز و نشانها: کتاب "فهرستگان کشاورزی ایران" تألیف نسرین دخت عماد خراسانی، در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. آثار: آموزشهای مذهبی در ادبیات کودکان و نوجوانان و ویژگی اثر: (ویژه نامه نمایشگاه بین المللی کتاب) ۲ خدمت اطلاع رسانی کشاورزی در ایران: یک تجربه و ویژگی اثر: مقاله، (نشر کتابداری دانشگاه تهران) ۳ فهرستگان کشاورزی ایران و ویژگی اثر: تألیف، این کتاب در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «فهرستگان کشاورزی ایران»: فهرستگان کشاورزی ایران (۵ جلد)؛ زیر نظر نسرین دخت عماد خراسانی؛ تهران: وزارت کشاورزی، مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۷۲. برای هرگونه پژوهش علمی در زمینه های گوناگون کشاورزی، شناخت و ارزیابی پژوهش های انجام شده در گذشته ضروری است. فهرستگان کشاورزی ایران - شامل کلیه منابع فارسی و غیرفارسی، اعم از کتاب، مقاله، پایان نامه و گزارش مربوط به کشاورزی ایران از دوران قدیم تا سال ۱۳۶۹ - با چنین منظوری تدوین شده و برای نخستین بار است که بدین صورت جامع منتشر می شود. این کتاب در پنج مجلد به شرح زیر تنظیم شده است: جلد اول، مقدمه، کتابها، اسناد و مدارک. جلد دوم، کتابها، اسناد و مدارک. جلد سوم؛ مقاله ها و پایان نامه. جلد چهارم؛ آثار کشاورزی به زبانهای غیرفارسی. جلد پنجم؛ نمایه ها. دسته بندی فوق به گونه ای است که هماهنگی و انسجام مطالب را تضمین کرده است. «فهرستگان کشاورزی ایران» در حکم ابزاری مطمئن است که از طریق آن پژوهشگران می توانند به منابع موجود دسترسی یابند.

عماد فقیه کرمانی، عمادالدین علی

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۷۳ ق)، عارف و شاعر، متخلص به عماد. معروف به خواجه عماد فقیه و ملقب به شیخ الاسلام. وی معاصر حافظ و از مداحان آل مظفر و مخصوصا شاه شجاع بود. از جمله آثارش: مثنویهای: «صحبت نامه»، «محبت نامه»، «ده نامه»، «صفانامه» یا «مونس الابرار»؛ «طریقت نامه». البته این مثنویها به همراه قطعات، غزلیات و رباعیات عماد در مجموعه «کلیات» وی جمع شده است. [۱]

(خواجه) عمادالدین کرمانی متخلص به عماد، فقیه و زاهد و شاعر معروف (ف. ۷۷۳ ه. ق.). وی در عهد امیر مبارزالدین و شاه شجاع در کرمان محترم می زیست و هر دو پادشاه نسبت به او اخلاص و ارادت داشتند. عماد در کرمان خانقاهی داشت و به سرودن شعر نیز می پرداخت. از آثار او دیوان غزل وی و پنج مثنوی (صحبت نامه صاحب دلان، طریقت نامه) را باید نام برد. بعضی نوشته اند که

وی گربه‌ای تربیت کرده بود به طوری چون وی نماز می‌گذارد وی بدو اقتدا می‌کرد و همین مورد توجه خلق و از جمله شاه شجاع و حافظ به تعریض اوست که می‌گوید:

«صوفی نهاد دام و سر حقه باز کرد
آغاز مکر با فلک حقه باز کرد»

«بازی چرخ بشکندش بیضه در کلاه
زیرا که عرض شعبده با اهل راز کرد»

«ای کبک خوش خرام کجا می‌روی؟ بایست
غره مشو که گربه عابد نماز کرد».

ولی صحت این داستان مورد تردید فاضلانست، چه در مدارک قدیم و معتبر این روایت نیامده، و از سوی دیگر «گربه عابد» و «گربه روزه دار» (یا گربه صائم) مثل بوده است. بعضی غزلیات حافظ و عماد نزدیک به یکدیگر است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: آتشکده‌ی آذر (۶۳۲-۶۲۴ / ۲)، از سعدی تا جامی (۳۴۴-۳۴۰)، بهارستان جامی (۱۱۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۹۵-۹۸۵ / ۳)، تذکره الشعراء (۲۸۶-۲۸۲)، حبیب السیر (۳۱۵ / ۳)، دایره‌المعارف فارسی (۱۷۶۸ / ۲)، الذریعه (۷۶۷-۷۶۶ / ۹)، ریاض العارفین (۱۱۰-۱۰۹)، شخصیت‌های نامی (۳۴۴)، طرائق الحقائق (۶۸۱-۶۸۰ / ۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۵۰)، فرهنگ سخنوران (۶۵۴).

عماد، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی عماد

محل تولد: بیرجند

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۶ وارد حوزه علمیه قم شدم مقدمات و فقه و اصول مقدماتی را در مدرسه علمیه رسالت گذراندم در این اثناء بلحاظ ضرورت های انقلاب برای مدتی کوتاه عضو شورای فرماندهی سپاه پاسداران (۱۳۵۸) برضد و عضو مستشار حقوقی (۱۳۵۹) دادگاه انقلاب بیرجند شدم.

سپس تحصیلات حوزوی را در فقه و اصول ادامه دادم در این اثناء به فلسفه و علوم قرآن و تفسیر نیز اهتمام ورزیدم. سال ۱۳۶۴ وارد درس خارج شده و تاکنون نیز به درس و بحث و مطالعه و تحقیق در این رشته می‌پردازم. چندین سال نیز به عنوان تدریس دروس تخصصی گروه علوم قرآن دانشگاه تربیت معلم تبریز به صورت پروازی در دانشکده الهیات آن دانشگاه تدریس داشته‌ام.

مدتی نیز به ضرورت به حوزه مدیریت پژوهش اعم از صف های پژوهش و ستاد پژوهش (معاونت پژوهشی حوزه) سر کسب می کشم.

مهمترین بخش دغدغه های فقهی حقیر گذشته از مطالعه پیرامون سامان یای علوم به چگونگی توسعه و رشد علوم برتر فقه اختصاص می یابد.

طراحی و مطالعه در راستای تدوین کار مجموعه ای فقه القرآن به صورت گسترده و فراگیر نیز بخش قابل توجه مطالعات را در بر می گیرد.

عمادالدین

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ع. تکیه گاه کیش و آیین) ابوالمظفر شاهپور (شاهپور- شهود) (امام) از علمای شافعی و از نویسندگان (ف. ۴۷۱ ه.ق.). اوراست: تفسیری به نام «تاج التراجم».

بر گرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عمادالدین کاتب اصفهانی، ابو عبدالله محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۹۷-۵۱۹ ق)، مورخ، ادیب و نویسنده. ملقب به عماد و کاتب اصفهانی. معروف به این اخی العزیز. در اصفهان به دنیا آمد و در همین شهر نشوونما یافت. در جوانی به بغداد رفت و در مدرسه نظامیه به آموختن علم پرداخت و در فقه شافعی و فنون ادب و شعر سرآمد شد. سپس به دمشق رفت و به سلطان نورالدین محمود زنگی پیوست و متصدی دیوان انشاء گردید. وی به دو زبان فارسی و عربی می نوشت. او در مدتی که در دمشق بود صلاح الدین ایوبی را نیز می ستود و مورد علاقه ای او بود و به همین مناسبت مقامش نزد نورالدین بالاتر رفت و در زمان مستنجد عباسی، به عنوان پیامگزار از دمشق به بغداد رفت و پس از بازگشت به دمشق در مدرسه ای که به نام خود او خوانده می شود (مدرسه عمادیه) به عنوان مدرس منصوب شد. اما وی مورد سعایت دشمنان قرار گرفت و کار بر او تنگ شد و ناچار از دمشق به موصل رفت و در آنجا بیمار شد. ولی به محض شنیدن خبر رسیدن صلاح الدین ایوبی به دمشق، مجدداً به آن شهر بازگشت و در همان شهر درگذشت و در مقابر صوفیه دفن شد. از آثار وی: «خریده القصر و جریده العصر»، در ده مجلد؛ «الفتح القسی فی الفتح القدسی» یا «القدح القسی فی الفتح القدسی» یا «الفتح القسی فی الفتح القدسی»، گزارشی از فتح شام و فلسطین به وسیله صلاح الدین؛ «البرق الشامی»، در تاریخ، در هفت مجلد؛ «دیوان» شعر، در چهار مجلد؛ «نصره الفتره و عصره الفطره» یا «نصره الفتره و عصره القطره»، در تاریخ سلاجقه ای عراق؛ «السیل علی الذیل»، در سه مجلد، در تاریخ بغداد؛ «العتبی و العقبی»؛ «نحله الرحله».[۱]

(بخش ۱) کاتب، محمد بن محمد صفی الدین بن نفیس الدین حامد بن اله مکنی به ابو عبدالله، ملقب به عمادالدین کاتب اصفهانی مورخ و ادیب و نویسنده (و. اصفهان ۵۱۹ ه.ق. / ۱۱۲۵ م. - ف. دمشق ۵۹۷ ه.ق. / ۱۲۰۱ م.) وی در جوانی به بغداد رفت و به فرا

گرفتن فقه و ادب مشغول گردید، و سپس به خدمت وزیر عون‌الدین بن هبیره رسید و از طرف او نظارت امور بصره و واسطه را عهده‌دار شد و چون عودالدین درگذشت، کار وی روی به ادبار نهاد لذا آهنگ دمشق کرد و در آنجا از طرف سلطان نورالدین به استخدام دیوان انشاء درآمد. سپس نورالدین او را به روزگار المستنجد جهت رسالت روانه‌ی بغداد ساخت و چون نورالدین فوت کرد عمادالدین به صلاح‌الدین پیوست، و پس از مرگ وی در دمشق اقامت گزید و تا آخر عمر از مدرسه خویش که عمادیه نام داشت دست نکشید. او را تألیفات بسیار است از جمله: خریدۀ القصر در ده مجلد، قسم شعراء مصر در دو جزوه، البرق الشامی، الفتح القسی فی الفتح القدسی، دیوان رسائل، دیوان شعر، السیل علی الذیل در تاریخ بغداد، نصرۀ الفتره و عصرۀ الفطره در اخبار دولت سلجوقی که آن را فتح بن علی بنداری در یک جزوه مختصر نموده و زبده النصره و نخبة العصرۀ نامیده است و کتاب اخیر به نام تواریخ آل سلجوق نیز مشهور می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۲۵۴- ۲۵۳ / ۷)، ایضاح المکنون (۶۲۹- ۹۲ / ۲)، تذکره القبور (۴۵۱)، دایره‌المعارف فارسی (۱۷۶۷ / ۲)، ریحانه (۲۰۱- ۲۰۰ / ۴)، سیر النبلاء (۳۵۰- ۳۴۵ / ۲۱)، شذرات الذهب (۳۳۳- ۳۳۲ / ۴)، العبر (۱۲۰ / ۳)، کشف‌الظنون (۲۰۴۹، ۱۹۵۶، ۱۳۱۶، ۱۱۰۳، ۹۵۴، ۸۰۳، ۷۰۲، ۷۰۱- ۲۳۹، ۲۸۸، ۲۳۹)، الکنی و الالقاب (۴۸۴ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل / عمادالدین کاتب)، معجم الادب (۲۸- ۱۱ / ۱۹)، معجم المؤلفین (۲۰۵- ۲۰۴ / ۱۱)، النجوم الزاهره (۱۶۰- ۱۵۹ / ۶).

عمادزاده‌ی اصفهانی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۹- ۱۲۸۴ ش)، مورخ، مدرس و نویسنده. در اصفهان به دنیا آمد. از همان طفولیت با علم و علما آشنا شد و در حوزه‌ی اصفهان به کسب علم و تلمذ از علمای بزرگوار آن روز، چون آیات عظام سیدعلی نجف‌آبادی، شیخ محمود مفید، میرزا علی شیرازی، شیخ محمد حکیم خراسانی، سید صدرالدین کوهپایه‌ای و حاج میرزا رضا کلباسی پرداخته و به کسب اجازات روایتی از علمای بزرگ آن زمان همچون آیات عظام آقا سید ابوالحسن اصفهانی، سید محمد حجت کوه‌کمری، شیخ محمدرضا مظفر، سید یونس اردبیلی و نیز شیخ آقا بزرگ تهرانی و شخصیت‌های علمی دیگر نایل آمد. عمادزاده به تدریس در محیط‌های آموزشی و دانشگاه رغبت فراوان نشان می‌داد او از ابتدای تحصیلات خود علاقه فراوانی به تألیف و تحقیق و نشر فرهنگ و معارف اسلامی و خدمت به اهل بیت (ع) داشت و همواره به دنبال هدف خویش بود. ثمر و حاصل تلاش وی بیش از صد و بیست تألیف درباره‌ی موضوعات مختلف است. از آن جمله: ترجمه و تفسیر قرآن کریم؛ «صحیفه‌ی کامله‌ی سجاده‌ی زبور آل محمد»؛ «تاریخ انبیاء از آدم تا خاتم»؛ «زندگانی حضرت رسول (ص) پیشوای اسلام»؛ «تاریخ مفصل اسلام»؛ «معراج»؛ «زندگانی علی بن ابی‌طالب (ع)»؛ «فاطمه الزهراء (ع)»؛ «شرح خطبه‌ی غدیر»؛ «شرح زندگانی هر یک از حجج معصومین (ع)» یا «مجموعه‌ی زندگانی چهارده معصوم (ع)»؛ «زندگانی حضرت مجتبی (ع)»؛ «زندگانی حضرت خامس آل‌عبا ابی‌عبدالله سیدالشهداء (ع)»؛ «تاریخ عاشورا، عاشورا چه روزیست»؛ «زندگانی حضرت ابوالفضل، قمر بنی‌هاشم (ع)»؛ «زندگانی حضرت علی اکبر و علی اصغر»؛ «زندگانی زینب کبری»؛ ترجمه؛ «تاریخ جغرافیایی مکه»؛ «تاریخ جغرافیایی کربلا»؛ «بستان الادب»؛ «جهان اسلام، اسلام در جهان»؛ «مکتب اسلام»؛ «زندگانی علی بن موسی الرضا (ع)»؛ «منتقم حقیقی، مهدی قائم صاحب العصر و الزمان (عج)»؛ مقالات متعدد در روزنامه‌ها و

مجلات. [۱]

مؤلف، محقق.

تولد: ۱۲۸۴ (۸ ذی الحجه ۱۳۲۵ ق.)؛ اصفهان.

درگذشت: ۱۲ فروردین ۱۳۶۹، تهران.

حسین عمادزاده‌ی اصفهانی، فرزند حجت‌الاسلام احمد عمادالواعظین، در حوزه‌ی اصفهان از علمای آن روز چون آیات عظام سید علی نجف‌آبادی، محمود مفید، علی واعظ شیرازی، محمد حکیم خراسانی، سید صدرالدین کوهپایه‌ای، محمدرضا کلباسی کسب فیض کرد. وی دارای اجازه‌ی روایتی از علمای آن زمان همچون آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ آقا بزرگ تهرانی، سید محمد بهجت کوه‌کمره‌ای، محمدرضا مظفر، سید یونس اردبیلی بود.

حسین عمادزاده‌ی اصفهانی دارای آثار بسیاری است که برخی از آنها به شرح زیر است: *بستان الاداب* (برای سال پنجم و ششم متوسط، ۱۳۰۹)؛ *جهان اسلام و اسلام در جهان*، ترجمه و تفسیر قرآن کریم؛ *تاریخ انبیاء از آدم تا خاتم* (۱۳۳۴)؛ *تاریخ مفصل اسلام* (جلد اول، ۱۳۳۷)؛ *شرح خطبه‌ی غدیر؛ زندگانی حضرت رسول (ص) پیشوای اسلام* (۱۳۲۸)؛ *تاریخ عاشورا، عاشورا چه روزی است* (زندگانی حضرت سیدالشهداء، ۱۳۲۱)؛ *زندگانی حضرت ابوالفضل العباس (ع)؛ قمر بنی‌هاشم* (۱۳۲۱)؛ *زندگانی حضرت علی‌اکبر و علی‌اصغر* (۱۳۵۶ ق.)؛ *زندگانی زینب کبری* (شیخ جعفر نقدی، ترجمه، ۱۳۲۳)؛ *زندگانی حضرت خامس آل عبا ابی‌عبدالله - سیدالشهداء* (۱۳۷۴ ق.)؛ *زندگی حضرت سجاد* (۱۳۳۸)؛ *زندگانی علی بن ابی‌طالب* (۱۳۳۱)؛ *زندگانی حضرت مجتبی* (۱۳۳۷)؛ *زندگانی حضرت علی بن موسی‌الرضا* (۱۳۳۵)؛ *رجال اسلام* (شامل شرح حال قریب بیست هزار نفر از رجال علمی و ادبی اسلام)؛ *تاریخ جغرافیایی کربلا* (۱۳۲۶)؛ *راهنمای حاج، تاریخ جغرافیایی مکه* (۱۳۲۷)؛ *صحیفه‌ی کامله‌ی سجاده‌ی زبور آل محمد* (۱۳۳۴)؛ *فاطمه‌الزهراء* (۱۳۳۶)؛ *مجموعه‌ی زندگانی چهارده معصوم* (دو جلد، ۱۳۳۱ - ۱۳۳۰) دوره‌های مجله‌ی «خرد».

وی علاوه بر تحقیق و تألیف و نیز تدریس در دانشگاه مقالاتی نیز برای روزنامه‌ها و مجله‌ها می‌نوشت.

وی در سال ۱۳۱۵ در تهران ساکن شد و در پنجم ماه رمضان (دوازدهم فروردین سال ۱۳۶۹) درگذشت.

برگرفته از کتاب: *اثرآفرینان* (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۵۲)، *کیهان فرهنگی* (س ۷، ش ۳، ص ۵۰)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۱ - ۸۲۹/۲).

عمادی چاچکامی، کمال الدین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید کمال الدین عمادی چاچکامی

محل تولد: ساری

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۰ در روستای چایکام از توابع شهرستان ساری متولد شدم دوران ابتدایی در روستای خود و روستاهای همجوار طی کردم، برای ادامه تحصیل به ساری هجرت کردم بعد از اخذ دیپلم در سال ۱۳۶۱ وارد دانشکده تربیت معلم در رشته زبان شدم. بعد از مدت ۵ ماه به دلیل علاقه شدید از آن انصراف داده به حوزه علمیه امامیه ساری نزد آیت الله صدوقی مشغول به تحصیل شدم. سال دوم تحصیلی ۱۳۶۲ به قم هجرت نمودم تا سال ۱۳۷۰ مقدمات و سطح را به پایان رساندم از سال ۱۳۷۰ به درس خارج راه یافتم در این مقطع از افاضات آیات عظام صالحی مازندرانی و جوادی آملی و دیگر اساتید بهره بردم به مدت ده سال از خرمن پرفیض اساتید خارج استفاده کردم در این مدت تحقیقات مهم فقهی زیر نظر استادم انجام دادم که مورد عنایت استادم قرار گرفت. در رشته فلسفه ابتدا بدایه الحکمه را نزد آیت الله ممدوحی کرمانشاهی خواندم. سپس منظومه منطق و حکمت را نزد آیت الله طاهری مازندرانی خوانده و در پایان در درس اسفار حکیم عالی قدر جوادی آملی شرکت نمودم که بیش از ۲ سال موفق به ادامه آن نشدم. درس عرفان را با اشاره حکیم متاله عارف بزرگ حسن زاده آملی آغاز نمودم با آنکه مقدمات را نخوانده بودم به تشخیص استاد در درس مصباح الانس ایشان شرکت نمودم که به مدت دو سال فیض برده‌ام. سپس به دلیل بیماری استاد به امر ایشان نوار درس فصوص را پیگیری نمودم. از ابتدای ورود به حوزه مقدس قم علاقه به تحقیق و نوشتن داشتم. لذا در موضوعات گوناگون تحقیقاتی انجام داده‌ام که برخی از آنها چاپ و برخی به صورت مقاله در همایش‌های علمی ارائه گردیده است که لیست تفصیلی آن در ص ۸ ارائه گردیده است. به دلیل شرکت فعال در درس خارج حضرت استاد آیت الله صالحی مازندرانی و تالیف مقالات علمی متعدد زیر نظر آن استاد به دریافت گواهی اجتهاد در سال ۱۳۷۴ نائل شده‌ام. اکنون بیشتر اوقات سرگرم تحقیقات قرآنی و فقهی و کلامی هستم در ضمن تحصیل به تدریس دانشگاهی و همچنین علوم حوزوی پرداختم. کتاب بدایه الحکمه برای جمعی از طلاب دو دوره تدریس نمودم و همچنین کتاب اصول الفقه و مکاسب محرمه شیخ انصاری برای برخی از طلاب تدریس کرده‌ام.

عمادی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: دامپزشکی، دانشکده: دامپزشکی، دانشگاه: شیراز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات عالی و دکترا در رشته دامپزشکی از دانشکده دامپزشکی دانشگاه لندن.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

روش‌های تشخیص آبستنی در میش، گاو، مادیان، سگ، بررسی‌های هورمونی، زایمان زودرس در میش، مکانیزم زایمان، بیوشیمی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مامائی و بیماریهای تولید مثل دام.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۹

زمینه علمی مقالات:

تولید مثل در دامهای مختلف، فیزیولوژی، اندوکرینولوژی، پاتولوژی، کلینیکی، بیوشیمیائی، نازائی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

عمائی، صدیق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، مترجم. از آثار وی: «بیعاران پاریس»، ترجمه؛ «اسکندر مقدونی»، ترجمه؛ «پادشاه شکم پرست»، ترجمه؛ «فرشته و

زاهد»، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۹۸۷، ۲۴۰۶، ۲ / ۵۷۹، ۵۶۱، ۲۱۳ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۴۶-۵۴۵ / ۳).

عمرانی خوارزمی، ابوالحسن علی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۵۶۰ ق)، مفسر، عالم، ادیب، لغوی و شاعر معتزلی. ملقب به حجه‌الافاضل و فخرالمشایخ و، به آورده‌ی «هدیه العارفین»،

معروف به ابن عراق و از خاندان بزرگی در سرخس بود. ادب را نزد محمود بن عمر زمخشری فراگرفت و از نزدیکترین شاگردان و

اصحاب وی شد. عمرانی از عمر ترجمانی و حسن بن سلیمان خجندی و قاضی عبدالواحد باقرحی حدیث آموخت. او اشتیاق کامل

به کسب علم داشت. در اواخر عمر آنچنان سرآمد شد که علمای بزرگ به محضرش می‌آمدند و دانش خود را بر او قرائت

می‌کردند و حل مشکلات خویش را از او می‌خواستند. از وی اشعار زیبایی به جای مانده است. از آثارش: «تفسیر القرآن» یا

«شماریخ الدرر فی التفسیر الآی و السور»؛ «الاشقاق اسماء»؛ «المواضع و البلدان»، که به نوشته‌ی «کشف الظنون» این دو کتاب یکی

است.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۵۰ / ۵)، روضات الجنات (۲۴۳-۲۴۲ / ۵)، ریحانه (۲۰۶-۲۰۵ / ۴)، کشف الظنون (۴۴۶، ۱۰۲)،

لغت‌نامه (ذیل / علی و ابوالحسن)، معجم الادباء (۶۵-۶۱ / ۱۵)، معجم المؤلفین (۲۱۵ / ۷)، الوافی بالوفیات (۹۵-۹۴ / ۲۲)، هدیه

العارفین (۶۹۸ / ۱).

عمرانی، قاسمعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بهداشت، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

عمر کی بوفکی نیشابوری، ابومحمد، عمران

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سوم ق)، عالم و محدث. در بوفک یکی از روستاهای نیشابور به دنیا آمد. او از ثقات اصحاب حضرت امام حسن عسکری (ع) و از کبار مشایخ حدیث بود و بسیاری از مشایخ چون عبدالله بن جعفر حمیری از وی روایت می‌کنند. ابن داوود حلی در «رجالش»، از سید جمال‌الدین نقل کرده، که نام صاحب عنوان علی بن بوفکی است. از وی آثاری به جا مانده که از آن جمله کتاب «الملاحم» است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۸۹ / ۲۲)، رجال ابن داود (قسم ۲۶۴ - ۲۶۳ / ۱)، رجال الطوسی (۴۳۳ - ۴۳۲)، رجال النجاشی (۱۶۱ / ۲)، ریحانه (۲۰۶ / ۴)، معجم رجال الحدیث (۱۵۷ - ۱۵۵ / ۱۳).

عمومی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد عمومی

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

تولد: ۱۳۴۳ دی‌پلم: ۱۳۶۱ ورود به دانشگاه: ۱۳۶۲ و ۲ سال تحصیل رشته ریاضی کاربردی دانشگاه صنعتی اصفهان تحصیل دروس
حوزوی به صورت متفرقه از سال ۱۳۶۱ اشتغال رسمی به دروس حوزه از سال ۱۳۶۴ اشتغال به خارج فقه و اصول از سال ۱۳۷۱ در

اصفهان هجرت به قم در سال ۱۳۷۴ تحصیل در رشته تخصصی فقه و اصول در موسسه بقیه الله از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲ بیش از ۱۸ سال سابقه تدریس در حوزه همکاری علمی پژوهشی با مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه از سال ۱۳۸۰ همکاری علمی با پژوهشکده باقرالعلوم (ع) تدریس در برخی از موسسات آموزش عالی و بیش از ۱۳ سال حضور تبلیغی در دانشگاهها موفقیت در آزمون علمی شورای نگهبان برای انتخابات خبرگان و در سال ۱۳۸۵ همکاری علمی و هنری با صدا و سیما در تهیه برنامه های قرآنی را دارم

عمید زنجانی، عباسعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج میرزا عباسعلی عمید زنجانی سبط فیلسوف بزرگ و فقیه جامع آیت الله میرزا مجید زنجانی از علماء و نویسندگان معاصر تهران است و در مسجد لرزاده به اقامه جماعت و تدریس و ترویجات دینی اشتغال دارد. وی در سال ۱۳۱۶ شمسی در شهرستان زنجان متولد شده و تحصیلات جدید کلاسیک را با مقدمات علوم دینی در آنجا خوانده و در سال ۱۳۷۰ ق مهاجرت به قم نموده و سطوح متوسط و عالی را بطرز خصوصی از محضر اساتید با فضل و کمال حوزه فراگرفته و سپس در حوزه درس خارج آیت الله العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده نموده و ضمناً علوم هیئت و کلام و فلسفه را از اساتید معروف آموخته و در سال ۱۳۴۰ شمسی مهاجرت به نجف اشرف نموده و در آن سامان از محضر دو نابغه علمی آیت الله العظمی خوئی مدظله و آیت الله آقا میرزا باقر زنجانی سلمه الله بهره‌ها برده و دراسات آن دو استاد بزرگ را برشته تحریر و تقریر درآورده و در مراجعت از نجف اشرف در سال ۱۳۴۷ شمسی افتخار مصاهرت با حضرت آیت الله العظمی آقای مرعشی نجفی مدظله را پیدا و بار دیگر در قم برای ادامه تحقیق و تدریس توقف و شرکت در درس فقه آیت الله العظمی مرعشی نموده تا سال ۱۳۹۱ ق که بدرخواست جمعی از مومنین تهران برای امامت مسجد لرزاده که یکی از مساجد حساس و بنام مرکز و از آثار مرحوم مبرور آیت الله عالم ربانی حاج شیخ علی اکبر برهان است منتقل به تهران شده و تا حال حاضر بانجام وظائف دینی و ارشاد و امامت و تدریس و خدمات اجتماعی اشتغال دارند.

دارای تألیفات ارزنده و آثار آموزنده‌ای می‌باشند که بقسمتی از آنها اشاره میشود:

- ۱- تحقیق و بررسی در تاریخ تصوف مطبوع از دارالکتب الاسلامیه
- ۲- اسلام و همزیستی مسالمت آمیز مطبوع از دارالکتب الاسلامیه
- ۳- اسلام و حقوق ملل مطبوع از دارالکتب الاسلامیه
- ۴- حقوق اقلیتها مطبوع از انتشارات صدر
- ۵- بنیادهای اصیل مطبوع از کتابخانه بزرگ اسلامی.
- ۶- اسلام و سیستم بیطرفی.
- ۷- مبانی تفسیر.
- ۸- رساله‌ای در نکاح کتابیه.
- ۹- رساله‌ای در ترتب.
- ۱۰- المنهاج فی شرح وسیله النجاه.
- ۱۱- ۱۲- ۱۳- سع جلد در قم برشته تحریر آورده که با همکاری چند تن از فضلاء تألیف و نشر گردیده است.

۱۴- مقالاتی در نشریات ماهیانه حوزه انتشار داده است.

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات حوزوی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

کامپیوتری کردن علوم اسلامی، کامپیوتری کردن قوانین و مقررات، تکنولوژی جدید انفورماتیک، فقه و علوم حدیث، تفسیر و علوم قرآنی، فلسفه و عرفان اخلاق، ادیان و کلام اسلامی، تاریخ اسلام و سیره، حقوق و قوانین، استاد راهنمای ۳۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲۰

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

حقوق اسلامی، تفسیر و مبانی آن، فقه، فقه سیاسی، اقتصاد اسلامی، تاریخ تصوف و عرفان، حقوق اقلیتها و مبانی انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

مباحث مختلف حقوقی، مباحث فقه سیاسی، مسئولیت بین‌المللی ناشی از جریان سلمان رشدی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

عمید، حسن

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، فرهنگ‌نویس، نویسنده و روزنامه‌نگار. در مشهد به دنیا آمد و در همان شهر به تحصیل پرداخت. وی در جوانی به عضویت انجمن ادبی در آمد و به کار نویسندگی و فرهنگ‌نویسی پرداخت و مدتها در خراسان به پیشه‌ی روزنامه‌نگاری مشغول بود. عمید مدیر «سالنامه‌ی خراسان» و روزنامه‌ی «طوس» بود. از آثارش: «اسرار مانیسم»؛ «بر خرابه‌های تخت جمشید»؛ «غلطهای

فاحش فرهنگ‌های فارسی»؛ «فرهنگ عمید»؛ «نیکوکاران»، [۱]

فرهنگ نویس.

درگذشت: شهریور ۱۳۵۸.

حسن عمید عضو انجمن ادبی و از نویسندگان نشریه‌ی «خراسان» و مدیر «سالنامه‌ی خراسان» و روزنامه‌ی «طوس» بود. از آثار اوست: اسرار مانیتیسیم؛ بر خرابه‌های تخت جمشید (۱۳۱۰)؛ سالنامه‌ی خراسان (سال چهارم، ۱۳۱۶، سال پنجم، ۱۳۱۷)؛ غلطهای فاحش فرهنگ‌های فارسی؛ فرهنگ عمید (دو جلد ۱۳۴۲)؛ نیکوکاران (بخش اول، مشهد، ۱۳۱۵)؛ فرهنگ نو (۱۳۳۳، ۱۳۰۸)؛ فرهنگ کوچک عمید؛ فرهنگ مفصل عمید؛ فرهنگ برگزیده‌ی عمید؛ فرهنگ جیبی عمید (۱۳۳۵)؛ فرهنگ دبیرستانی عمید؛ فرهنگ تاریخ و جغرافیای عمید (۱۳۴۷)؛ طب جدید. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: [۱] تاریخ جراید (۱۶۸-۱۶۷ / ۳)، فرهنگهای فارسی (۲۱۲-۲۰۹)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۵۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۶-۶۱۵ / ۲).

عمید، مسعود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مسعود عمید

محل تولد: بروجرد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

به سال ۱۳۴۹ در بروجرد در خانواده‌ی مذهبی چشم به جهان گشودم در سال ۱۳۶۷ در رشته علوم تجربی در مقطع متوسطه فارغ التحصیل شدم. در دوران دبیرستان در فعالیت های اجتماعی سیاسی حضور داشتم و به عنوان معاون آموزش در انجمن اسلامی دبیرستان و عضو فعال بسیج دانش آموزی انجام وظیفه می کردم به سال ۱۳۶۷ پس از اخذ دیپلم با شوقی فراوان به جرگه تشنگان ولایت و اهل بیت در حوزه علمیه قم پیوستم. در دوره سطح عالی از اساتید گرامی آقایان پایانی، محمدی خراسانی و علوی بهره بردم. از سال ۱۳۷۷ با شرکت در درس خارج فقه و اصول آیت الله مهدی هادوی تهرانی از محضر ایشان کسب فیض نموده ام. همچنین مدتی توفیق درک محضر آیت الله شبیری زنجانی را داشتم. به موازات اشتغال به درس خارج در سال ۷۷ مدتی با مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما همکاری داشتم. از سال ۸۳ بنا برعلاقه به موضوعات تقریبی با مرکز تحقیقات علمی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی - قم - همکاری پژوهشی داشته و در کنفرانس سالانه وحدت اسلامی به عنوان عضوی از پیکره تقریب شرکت داشته ام. از سال ۱۳۸۴ تا کنون در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک به تدریس تاریخ اسلام اشتغال دارم. همچنین در خلال این سالها در فن ترجمه متون سنگین ادب و لغت عرب چون قرآن کریم و نهج البلاغه و نیز پاره ای موضوعات فقهی فعالیت داشته ام که برخی به چاپ رسیده است. نیز به ارائه نکات انتقادی با نگرش جوان پسند پرداخته ام که حاصل آن دست نوشته هایی است که هنوز توفیق تنظیم و چاپ آنها را نیافته ام.

در پایان بر این باورم که می بایست از متون اساسی و جاودانه ای چون قرآن و نهج البلاغه هر ده سال یکبار ترجمه ای روز آمد و

متناسب با تحولات و ساختار زبانی به جامعه فرهنگ دوست عرضه شود.

عمیدی سمرقندی، رکن الدین، ابوحامد محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۱۵ ق)، متکلم، اصولی و فقیه حنفی. وی در علم خلاف و مناظره ماهر بود و در مباحثه روشی مشهور داشت. او یکی از چهار تن شاگردان معروف رضی الدین نیشابوری است که شهرت بسیار داشتند. نظام الدین احمد ابن شیخ جمال الدین محمود حصیری از شاگردان و ملازمان اوست. گفته‌اند که او دارای حسن اخلاق و تواضع بسیار بود. وی در بخارا درگذشت. از آثارش: «الجبست»؛ کتاب «الارشاد»، در علم خلاف و جدل، که گروهی از جمله: قاضی دمشق، شمس الدین احمد خویی، و بدرالدین مراغی و اوحدالدین دونی و نجم الدین و ابن مرندی به شرح آن پرداخته‌اند؛ «الطریقه فی الخلاف و الجدل» یا «الطریقه العمیدیه»؛ «النفائس»، در جدل، که قاضی شمس الدین خوبی آن را مختصر کرد و «عرائس النفائس» نامید.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۹۸-۹۷-۷۷-۷۶ / ۲۲)، شذرات الذهب (۶۴ / ۵)، العبر (۱۶۷ / ۳)، کشف الظنون (۱۹۶۶، ۱۱۱۳، ۶۹)، معجم المؤلفین (۲۸۷ / ۱۱).

عمیدی، علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی بن حاج غفار عالمی جلیل و فقیهی بیهیله بوده از شاگردان مرحوم آیت الله حاج ملاعلی کنی و نسبش به شیخ بهاء الدین عاملی منتهی می‌شده و در حدود سال ۱۳۲۷ وفات نموده و از آثار باقیه او مسجدی است در گلپایگان.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

عمیری هروی، ابو عبدالله محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۸۹-۳۹۸ ق)، فقیه، محدث و زاهد. فقه آموخت و در آن پیشگام بود. سماع حدیث را از ۴۰۷ ق آغاز کرد. وی از پدرش، از عباس بن فضل نصروی، و علی بن ابی طالب خوارزمی و علی بن جعفر قهندزی و عبدالرحمان بن محمد دیناری و ضمام بن محمد شعرانی و عده‌ای دیگر در هرات و از قاضی ابوبکر حیری در نیشابور و از ابوعلی بن شاذان و اقرانش در بغداد و از محمد بن حسین صنعانی در مکه حدیث شنید. عمیری حج گزارد و به یمن نیز مسافرت کرد. او روایات بسیاری نقل می‌کرد. ابن طاهره و مؤتمن و محمد بن ابی‌علی همدانی و ابوالوقت و علی بن حمزه و ابونضر فامی و جنید قاینی از وی حدیث روایت کرده‌اند. او را به عنوان

پیشوایی زاهد و مورد اعتماد در حدیث ستوده‌اند. ابو عبدالله دقاق گوید که برای عمیری در خراسان نظیری نبود تا چه رسد به هرات.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۴ / ۲۴۲)، سیر النبلاء (۷۱-۶۹ / ۱۹)، شذرات الذهب (۳ / ۳۹۴)، العبر (۲ / ۳۶۱)، الوافی بالوفیات (۴ / ۱۴۱).

عمیق، محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن عمیق

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب از سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه قم شدم و فعالیت علمی و آموزش حوزوی را شروع کرده و در مدارس معصومیه و الهادی و امام باقر علیه السلام دوران مقدمات و لمعه‌ها را به اتمام رسانده و رسائل و مکاسب را در محضر اساتیدی همچون محسن وحید خراسانی و حسینی خراسانی و محمدی و .. به اتمام رساندم. و از سال ۱۳۷۴ دروس خارج فقه و اصول آیات عظام وحید خراسانی و مکارم شیرازی و تبریزی و سبحانی، نوری همدانی و درس تفسیر استاد جوادی آملی شرکت داشته و در سال ۱۳۷۶ دوره تخصصی کلام اسلامی را در مؤسسه امام صادق علیه السلام شروع کرده و در سال ۸۰ فارغ التحصیل شدم و پایان نامه سطح ۴ حوزه در حال دفاع می باشد در این مدت همکاریهایی با برخی از مؤسسات علمی پژوهشی همچون نشر آثار حضرت امام (ره) و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه و ... داشتم و در کتاب تا بحال منتشر شده یکی فلسفه خلقت و دیگر اخلاق زیست محیطی در اسلام و مقالاتی نیز منتشر داشته‌ام. و از سال ۱۳۸۴ در مرکز جهانی معاونت پژوهش مدارس تخصصی فقه و اصول اشتغال اجرائی و علمی دارم و در کنار حوزه فعالیت‌های تبلیغی و تدریس نیز داشته‌ام.

عناصری، جابر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جابر عناصری در سال ۱۳۲۴ در شهر اردبیل زاده شد. او از کودکی به تعزیه و شبیه خوانی علاقه مند بود. وی گرچه دکتری خود را در رشته فلسفه از دانش گروه: علوم انسانی رشته: علوم اجتماعی گرایش: تعزیه‌خاطرات کودکی: علی عناصری (پدر جابر)

بدلیل علاقه و ارادتی که به ائمه اطهار علیهم السلام داشت، هر ساله مراسم عزاداری، شبیه خوانی و تعزیه را در منزل خود برپا می نمود. جابر از کودکی به شبیه خوانی و تعزیه علاقه مند بود. و زیر نظر پدر، مراسم شبیه خوانی را آموخت. در زمانی که پدرش مراسم شبیه خوانی را برگزار می نمود، جابر مشق های خود را در پشت نسخه های تعزیه می نوشت. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: جابر عناصری در یک خانواده فرهنگی - مذهبی در اردبیل به دنیا آمد. و بدلیل علاقه پدرش به ائمه اطهار و اجرای مراسم تعزیه و شبیه خوانی در منزل وی، جابر به تعزیه علاقه مند گردید. پدرش نیز یکی از مردان سرشناس اردبیل بود و در نظر مردم بسیار محترم بود. خانه او نیز هر ساله محل برگزاری مراسم تعزیه و شبیه خوانی بود. از این رو در همه جای آن آلات و ادوات شبیه خوانی و تعزیه به چشم می خورد. تحصیلات رسمی و حرفه ای: جابر عناصری تحصیلات ابتدایی و دبیرستان خود را در اردبیل طی کرد و سپس بخاطر عشق به ادبیات عامه، در سال ۱۳۳۹ راهی تهران شد تا ادبیات را در دارالفنون بیاموزد. در سال ۱۳۴۲ تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته فلسفه و علوم تربیتی در دانشگاه تهران آغاز کرد و در این رشته تحصیلات خود را تا دکتری ادامه داد. در سال ۱۳۵۲ برای پژوهش و سبک تخصصی در زمینه ایران شناسی اجتماعی را در دانشگاه لندن به پایان رساند. خاطرات و وقایع تحصیل: جابر عناصری در سیزده سالگی در دوره دبیرستان یک پژوهش فرهنگی را انجام داد و آنرا بصورت روزنامه دیواری ارائه نمود. فعالیتهای ضمن تحصیل: جابر عناصری در ضمن تحصیل به پژوهش در ادبیات و فرهنگ عامه مشغول بود. چنانکه یک تک نگاری درباره روستایی بنام ججین را در سال ۱۳۴۵ انجام داد و در مجله هنر و مردم به چاپ رساند. دکتر عناصری پس از اخذ درجه دکتری از دانشگاه تهران و گذراندن دوره تخصصی مردمشناسی در انگلستان با تکیه بر پژوهشهای قبلی خود، به تحقیق درباره خاورمیانه، جنوب غرب آسیا و بویژه مسائل فرهنگی ترکیه و ایران و افغانستان پرداخت. استادان و مربیان: جابر عناصری ادبیات را در دارالفنون از جلال الدین شریفیان آموخت. اولین استاد وی درباره هنر و ادبیات عامه، پدرش علی عناصری بود. همسر و فرزندان: همسر جابر عناصری کارشناسی ارشد کتابداری است و همواره او را در یافتن اسناد و مدارک و تحقیق و نقد آنها یاری و تشویق نموده است. فرزندان وی نیز همواره از کودکی با کتاب مانوس بوده و بعنوان شاگردان پدر و دستیاران تحقیقاتی و حتی طراحان جلد کتابهای وی، وی را یاری می نمایند. وقایع میانسالی: جابر عناصری از دوره تحقیقات میدانی خود در گوشه و کنار ایران خاطرات تلخ و شیرینی دارد. یکی از آنها زمانی رخ داد که وی با یک دوربین عکاسی جدید و مدرن به یکی از روستاهای آذربایجان شرقی رفته بود. در آنجا به پیرمردی که در حال کشاورزی بود برخورد. دکتر عناصری بدلیل اینکه مبادا پیرمرد را ناراحت کند، بدون اینکه از وی عکسی بگیرد بسرعت از کنار وی گذشت و از چند جوان روستایی که در آن نزدیکی بود عکسهایی تهیه کرد پیرمرد که این صحنه را دید، فریاد زد، عجب روزگاری شده از جوانها عکس می گیرند، ولی از پیرها عکس نمی گیرند. دکتر عناصری نیز از او خواست که هر تعداد عکس می خواهد از او بگیرد. اما پیرمرد آنرا مشرور بر گرفتن عکس دستجمعی با خانواده خود و در لباسهای نو دانست، دکتر عناصری نیز از آنها خواست تا لباس محلی آذربایجان را بپوشند، چند لحظه بعد عکسی زیبا و مردم شناسانه بوجود آمده بود. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: جابر عناصری علاوه بر سابقه تدریس در دانشکده هنرهای دراماتیک (از سال ۱۳۵۶ ه.ش) دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر و دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس، در حال حاضر (۱۳۸۱ ه.ش) سرپرست برخی گروههای تحقیقی مردم شناسی و مسائل تحقیقات ایلی و عشایری می باشند. فعالیتهای آموزشی: جابر عناصری از بیست و یک سالگی در دانشکده هنرهای دراماتیک مشغول به تدریس شد (۱۳۵۶ ه.ش). وی در سال ۱۳۷۷ درجه استادیاری داشت و تا سالهای اخیر به تدریس مشغول بود. [دکتر محسن تهرانی زاده، اسامی و مشخصات استادیاران کشور، تهران: معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور، ۱۳۷۷، ص ۳۱۹]. از این گذشته وی بعنوان استاد تعزیه شناسی در دانشکده هنرهای زیبای تهران، دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر، دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس تدریس نموده است. سایر فعالیتهای و برنامه های روزمره: جابر عناصری در

کنار تدریس و مسئولیت های اداری تحقیق در زمینه ادبیات عامه، شبیه خوانی و تعزیه را ادامه می دهد. همفکران فرد: مرحوم احمد شاملو (نویسنده دایره المعارف کتاب کوچه در باره امثال ایرانی)، دهخدا (نویسنده امثال و حکم) صادق هدایت (گرد آورنده حکایات و مثل های محلی برخی مناطق ایران) در گرد آوری ادبیات عامه پیشگام بوده اند. اما امروزه کسانی چون صادق همایونی، دکتر محمود روح الامینی، مهرداد وحدتی دانشمند، محسن میهن دوست، محمد- احمد پناهی سمنانی و دکتر علی بلوکباشی در ردیف همفکران جابر عنصری قرار میگیرند که با نگاهی مردم شناسانه یا هنری به هنر و ادبیات عامه می نگرند. آرا و گرایشهای خاص: مهمترین علاقه جابر عنصری ادبیات عامه، شبیه خوانی و تعزیه است. وی در این راه اعتقاد کاملی به پژوهش میدانی و مصاحبه دارد. چنانکه وی بیشتر عمر خود را صرف تحقیق در روستاهای گوشه و کنار ایران نموده است. وی این روش را ابزاری برای ارتباط نزدیکتر با واقعیت می داند. جوایز و نشانها: تک نگاری درباره روستای ججین اولین پژوهش چاپ شده جابر عنصری بود که از سوی مجله هنر و مردم بعنوان یکی از تحقیقات نمونه انتخاب شد (۱۳۵۲ ه.ش) هنگامی که دکتر عنصری در انگلستان به سر می برد تحقیقاتی با تکیه بر پژوهشهای قبلی خود درباره خاورمیانه، جنوب غرب آسیا و بویژه مسائل فرهنگی ترکیه ایران و افغانستان انجام داد و در سال ۱۳۵۶ با کسب عنوان دانشجوی برجسته دوره پژوهش به ایران بازگشت. آثار: ویژگی اثر: وی در آثار خود از نگاهی جامعه شناسانه و مردم شناسانه به تئاتر و تعزیه ایرانی می نگرند. [جابر عنصری، مراسم آیینی و تئاتر، تهران: چهارمین فصلنامه تئاتر، ۱۳۵۸، ص ۲] ادبیات نمایشی مذهبی، تجلی قرآن در قالب آئینه فرهنگ عامه ایران و ... [جابر عنصری، مراسم آیینی و تئاتر، تهران: چهارمین فصلنامه تئاتر، ۱۳۵۸. و سه مردمشناسی و روانشناسی هنری، تهران: اسپرک، ۱۳۶۶. و سه، شناخت اساطیر ایران بر اساس طومار نقالان، تهران: سروش، ۱۳۷۰. و سه، شبیه خوانی کهن الگوی نمایشهای ایرانی، تهران: مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲]، دکتر جابر عنصری تا کنون (۱۳۸۱) ۱۲ تعداد ۱۲۰۰ مقاله و ۳۴ کتاب نگاشته اند، که ۲۰ عنوان از کتابهای پژوهشی می باشند و از آن جمله است: شبیه خوانی کهن الگوی نمایشهای ایرانی (۱۳۷۲)، شناخت اساطیر ایران بر اساس طومار نقالان (۱۳۷۰) ویژگی اثر: پژوهشی است میدانی درباره داستانهای شاهنامه که توسط نقالان نقل شده است. [جابر عنصری، شناخت اساطیر ایران بر اساس طومار نقالان، تهران: سروش، ۱۳۷۰، صص فهرست] ۷ مراسم آیینی و تئاتر (۱۳۵۸)، مردم شناسی و روانشناسی هنری (۱۳۶۶) ویژگی اثر: دکتر عنصری در کتاب مردم شناسی و روانشناسی هنری به جایگاه قصه های عامیانه در هنر ایران، باورهای عامیانه، تاثیر رسانه های جمعی در گسترش هنر، مباحث رنگ شناسی، سمبولیسم رنگ و ارتباط آن با روانشناسی می پردازد. سپس به روانشناسی هنری وارد شده و بحث های هنر درمانی، تئاتر درمانی و نقش تئاتر در درمان کودکان معلول و ... را مطرح می نماید. [جابر عنصری، مردم شناسی و روانشناسی هنری، تهران: اسپرک، ۱۳۶۶، و نیز، سه، جابر عنصری، مردم شناسی و روانشناسی هنری، تهران: رشد، ۱۳۸۰، صص جلد و فهرست] ۹ نسیم خاطرات [صارمی، عاشقترین عاشقان فرهنگ، فرهنگ و پژوهش، ص ۲۱] و ویژگی اثر: مجموعه مقالات نسیم خاطرات در بردارنده ۱۵۰ مقاله در باره تاریخ شفاهی اردبیل و گریزهایی به فرهنگ محل ایران است. [صارمی، عاشقترین عاشقان فرهنگ، فرهنگ و پژوهش، ص ۲۱]

منابع زندگینامه: جواد عنصری، مراسم آیینی و تئاتر، تهران: چهارمین فصلنامه تئاتر، ۱۳۵۸، ص ۲ دکتر محسن تهرانی زاده، اسامی و مشخصات استادیاران کشور، تهران: معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور، ۱۳۷۷، ص ۳۱۹ [۳] صارمی، عاشقترین عاشقان فرهنگ، فرهنگ و پژوهش. ص ۲۰ و نیز جابر عنصری، شبیه خوانی الگوی نمایشهای ایرانی، تهران: مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲، صفحات جلد کتاب [۴] کتاب ماه هنر، ویژه هنر عامه ۱، شماره ۴۰-۳۹ (آذر و دی ۱۳۸۰)، ص ۲. و نیز کتاب ماه هنر (ویژه هنر عامه ۲)، شماره ۴۳-۴۴ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۱)، ص ۲

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۱۷-۴۲۷ ق)، فقیه و محدث. پدرش از فضلالی ادبا بود. ابوالحسین بن فاذشاه به وی اجازه داد و عنبری از او «جزء الزهد» اسد بن موسی و از ابن ریزه «معجم» بزرگ و کوچک طبرانی و از هارون بن محمد «فضایل القرآن» عبدالرزاق و همچنین «بر الوالدین» ابوالشیخ را شنید. سلفی و ابوموسی مدینی و ابوجعفر محمد بن اسماعیل طرسوسی و مسعود بن ابی‌مصنور جمال و مسعود بن محمود عجلی و عبدالواحد بن ابی‌مطهر صیدلانی از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابوسعید سمعانی گوید که عنبری به وی اجازه روایت داده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۴۸۵-۴۸۳ / ۱۹).

عنبری اصفهانی، ابوهذیل زفر

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۱۵۸-۱۱۰ ق)، فقیه حنفی. معروف به ابوهذیل عنبری. اصل وی از اصفهان بود و در بصره مقیم. ابونعیم حافظ گوید که پدر عنبری، هذیل، والی اصفهان بود. شیخ طوسی او را از اصحاب امام صادق (ع) و ابن داوود او را از اصحاب امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) شمرده‌اند. ذهبی او را برجسته‌ترین شاگرد ابوحنیفه می‌داند و می‌گوید که او نزد ابوحنیفه فقه آموخت تا فقهی کامل گشت. حدیث را بخوبی فهم می‌کرد و خود می‌گفت که قادر به غربال حدیث است. او از حسان بن ابراهیم کرمانی و اکثم بن محمد و ابونعیم ملائی و نعمان تیمی و مالک بن فدیك و اقران آنان حدیث روایت کرده است. ابن‌معین او را محدثی مورد اعتماد توصیف نموده است. او در ابتدا از اصحاب حدیث بود اما تحت تربیت ابوحنیفه به اصحاب الرأی مایل شد، گرچه او تا زمانی که حدیثی می‌یافت به رأی نمی‌پرداخت. وی مدت‌ها متولی قضای بصره بود، و در همان شهر نیز وفات یافت. عنبری یکی از کسانی است که جامع بین علم و عمل و عبادت بود. تصانیفی چند از وی بجای مانده است که از آن جمله «المقالات» و «مجرد»، در فروع می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷۸ / ۳)، اعیان الشیعه (۶۱ / ۷)، الجرح و التعديل (ج ۱ ق ۶۰۹-۶۰۸ / ۲)، رجال ابن‌داوود (قسم ۴۵۴ / ۲)، رجال الطوسی (۲۰۱)، ریحانه (۳۰۱-۳۰۰ / ۷)، سیر النبلاء (۴۱-۳۸ / ۸)، شذرات الذهب (۲۴۳ / ۱)، طبقات ابن‌سعد (۳۶۱ / ۶)، العبر (۱۷۶ / ۱)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۳۷۶)، کشف الظنون (۱۷۸۲)، المیزان (۱۳۶-۱۳۴ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / ابوالهذیل)، معجم رجال‌الحديث (۲۶۶-۲۶۵ / ۷)، معجم المؤلفین (۱۸۱ / ۴)، النجوم الزاهره (۴۱ / ۲)، الوافی بالوفیات (۲۰۱-۲۰۰ / ۱۴)، وفیات الاعیان (۳۱۹-۳۱۷ / ۲)، هدیه العارفین (۳۷۳ / ۱).

عنبری طوسی، ابواسحاق ابراهیم

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۲۹۰ ق)، حافظ، محدث و مسند. محدث طوس در زمان خویش بود. از خواص شاگردان محمد بن اسلم طوسی بود و زاهدترین آنها. در پی حدیث سفرها کرد و به دمشق و حجاز و عراق و مصر رفت، و از یحیی بن یحیی تیمیمی و ابن راهویه و علی بن حجر و ابن حمید و حسین بن حریث و عبیدالله قواریری و ابراهیم بن یسوف فقیه حدیث شنید. ابونضر فقیه و ابوالحسین بن زهیر و محمد بن صالح بن هانی و بسیاری دیگر از وی روایت کرده‌اند. ذهبی در «عبر» او را از درگذشتگان سال ۲۸۲ ق ذکر کرده است. از آثارش «المسند» یا «مسند العنبری»، که متجاوز از دویست جزء است. شاگردش ابونضر فقیه گوید که با خط خود «مسند» عنبری را در دویست و نود جزء نوشته است. عنبری پس از تصنیف «مسند» برای استحکام آورده‌های خویش کوشید و آنها را متقن کرد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۳۷۷ / ۱۳)، شذرات الذهب (۲۰۵ / ۲)، طبقات الحفاظ (۲۹۹)، کشف الظنون (۱۶۸۴)، معجم المؤلفین (۱ / ۱۴).

عنبری نیشابوری، ابوزکریا یحیی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۴۴ ق)، محدث، مفسر، فقیه، لغوی و ادیب. اهل نیشابور بود از ابوعبدالله محمد بن ابراهیم بوشنجی و محمد بن عمرو قشمری و حسین بن محمد قبانی و ابراهیم بن ابی طالب و ابن خزیمه و بسیاری دیگر حدیث شنید. ابوبکر بن عبدش / عبدوس مفسر و ابوعلی حسین بن علی حافظ و ابوحسین حجاجی و حاکم و ابن منده و دیگران از وی حدیث شنیدند. ابوعلی حافظ قدرت حافظه وی و وسعت آن را ستوده و حاکم گوید که ابوزکریا متجاوز از ده سال گوشه‌گیری کرد، او می‌گفت: عالم برگزیننده باید که به بهترین حالت خویش بازگشت نماید، پاکیزه و حلال بخورد. علم را وسیله‌ای برای مال‌اندوزی قرار ندهد و علم برایش زیبایی آورد. مال خود را فضل الهی محسوب کند و سپاسگزار خداوندگار خویش باشد. در «معجم الادباء» سال وفات وی ۴۴۴ ق ذکر شده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۵۳۴-۵۳۳ / ۱۵)، شذرات الذهب (۳۶۹ / ۲)، العبر (۶۹ / ۲)، معجم الادباء (۳۴ / ۲۰)، النجوم الزاهره (۳ / ۳۵۸).

عنبریان

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(خاندان خانواده عنبریان) خاندانی معتبر در نیشابور که غالب افراد آن اهل فضل و علم و دبیر بوده‌اند، از آن جمله است: خواجه امیرک (ف. ۴۴۸ ه. ق). دبیر ابوالحسن احمد بن محمد بیقهی و برادرش ابونصر و برادر دیگرش ابوالقاسم کاتب نایب ابونصر مشکان (قزوینی. یادداشتها ۶۱: ۶)

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عندلیبی، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دانشمند معظم فقیه فرزانه شیخ محمدتقی عندلیبی که از علمای برجسته و بقیه‌السلف مشهد مقدس بود در سن ۹۷ سالگی دارفانی را وداع گفت.

حاج شیخ محمدتقی فرزند شیخ نعمت‌الله و نوه‌ی شیخ محمدحسین قاضی سبزواری معروف به عندلیبی و ملقب به «خواستار» می‌باشد. در اواخر سال ۱۳۳۲ ق / ۱۲۹۳ ش در شهر سبزوار پا به عرصه گیتی نهاد. پدرش از فضلا و واعظان معروف سبزوار که در فصاحت و بلاغت و داشتن صوت و لحن خوش کم نظیر بود. او در سال ۱۳۳۸ ش در سبزوار در حدود ۷۰ سالگی در گذشت و در امامزاده شعیب به خاک سپرده شد.

شیخ محمدتقی مقدمات را نزد پدر ارجمند خود و شیخ علیرضا مدرس در زادگاهش بیاموخت و به سوی مشهد رهسپار شد و ادبیات را نزد شیخ محمدتقی ادیب نیشابوری به پایان برد. سطوح را نزد حضرات آیات شیخ هاشم قزوینی، سید حسین فقیه سبزواری و شیخ آقا بزرگ شاهرودی طی نمود.

ایشان در سال ۱۳۵۵ ق / ۱۳۱۵ ش عازم نجف اشرف گردید و خارج را از محضر شیخ ضیاءالدین عراقی و سید ابوالقاسم خوئی استفاده نمود، سپس به کربلای معلی رفت و از محضر سید حسین طباطبائی قمی و سید محمد هادی میلانی بهره‌ها برد. آن‌گاه در سال ۱۳۶۴ ق / ۱۳۲۴ ش به زادگاه خود مراجعت نمود و مشغول تدریس و اقامه جماعت در مسجد جامع شد. مخفی‌نماند که ایشان از حضرات آیات سید ابوالحسن اصفهانی، استادش عراقی، میرزا عبدالهادی شیرازی، میرزا محمد هادی میلانی و سید محمود شاهرودی دارای اجازاتی بوده است.

جناب عندلیبی جهت تعمیر و کاشیکاری مسجد جامع سبزوار در سال‌های چهل شمسی به همت حاج محمود مسلم اقداماتی نمود و کار تعمیر در محرم ۱۳۸۹ ق به پایان رسید. نامبرده در سال ۱۳۹۰ ق / ۱۳۴۹ ش در پی دعوت آیه‌الله سید محمد هادی میلانی جهت شرکت در جلسه استفتا رحل اقامت خود را برای همیشه در مشهد مقدس برگزید و در مسجد امام حسین (علیه السلام) به اقامه جماعت و انجام وظیفه دینی پرداخت. در ضمن درس‌های شرح منظومه، کفایه، مکاسب و خارج فقه مقارن و تطبیقی را بر عهده گرفت. او فردی دانشمند، زاهد، مهربان و دارای خصال اخلاقی حقیقی بود.

از آثار او

۱- تقریرات درس عراقی؛

۲- تقریرات درس قمی؛

۳- تقریرات درس میلانی؛

۴- تعالیف علی شرح المنظومه (ملا هادی سبزواری).

عندلیبی بر اثر کهولت سن در غروب جمعه ۸ رجب ۱۴۲۹ ق / ۲۱ تیر ۱۳۸۷ ش در سن ۹۷ سالگی در مشهد مقدس دارفانی را وداع گفت. پیکرش پس از تشییع در صحن امام رضا (علیه السلام)، صحن جمهوری اسلامی به خاک سپرده شد. نویسنده: عبدالحسین جواهرالکلام منابع زندگینامه: آینه پژوهش شماره ۱۱۲.

عزیز جرجانی، ابو عبدالله حسین

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۹۸ ق)، فقیه. معروف به وراق جرجانی. وی در بغداد ساکن بود. او به دنبال حدیث سفرها کرد و شناخت و فهم درستی از آن یافت. از محمد بن حسن بن سیرونه و اسحاق بن ابراهیم جرجانی و احمد بن محمد جرجانی و محمد بن یعقوب اخرم نیشابوری و محمد بن قاسم عتکی نیشابوری و ابوسعید بن اعرابی و اسماعیل صفار و خیمه بن سلیمان و ابوالعباس اصم و احمد بن ابی طلحه فارسی و همطبقه آنان حدیث شنید. ابو عبدالله حاکم و حمزه سهمی و سلیم رازی و علی بن محسن تنوخی و ابومسعود احمد بن محمد بجلي رازی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. در «تاریخ بغداد» صاحب عنوان تحت نام عبری ذکر شده است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ الاسلام (حوادث ۳۵۶-۴۰۰-۳۸۱)، تاریخ بغداد (۲۸-۲۷ / ۸)، سیر النبلاء (۶۳-۶۲ / ۱۷).

عنقای شیرازی، محمد حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۰۸-۱۲۶۰ ق)، ادیب، خوشنویس و شاعر، متخلص به عنقا. ملقب به ملک الشعراء. در اصفهان به دنیا آمد. مردی درویش مسلک بود. وی عموی استاد جلال‌الدین همایی است و بنا به نوشته‌ی او مرگ عنقا بر اثر مسمومیت از قهوه قجری به دنبال مشاجره‌اش با ظل‌السلطان و کتک خوردن از او در ۱۳۰۸ ق روی داده، اما به گفته صاحب «حدیقه الشعراء» عنقا در ۱۳۱۰ ق در اصفهان زنده بوده است. عنقا در اصفهان در گذشت و در تخت پولاد دفن شد. از وی «دیوان» شعری به جای مانده که به همت استاد جلال‌الدین همایی منتشر شده است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره القبور (۹۸)، حدیقه الشعراء (۱۲۳۸-۱۲۳۶ / ۲)، الذریعه (۷۷۴-۷۷۳ / ۹)، شرح حال رجال (۲۲۹ / ۶).

عودی، ستار

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر ستار عودی در سوم خرداد ۱۳۳۳ ه.ش در بغداد متولد شد. تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در مدارس عراق گذراند. و در پانزدهم اسفند ۱۳۵۰ ه.ش به همراه خانواده، همانند بیش از پانصد هزار ایرانی دیگر توسط حکومت یعنی صدام حسین، از عراق اخراج شدند. وی بین سالهای ۱۳۵۴-۱۳۵۲ ه.ش به انجام خدمت نظام وظیفه با درجه گروه‌بان در لشکر ۷۷ خراسان پرداخت و بعد از انقلاب اسلامی به اشتغال در چند شرکت خصوصی و از سال ۱۳۶۴ ه.ش در وزارت راه و ترابری مشغول به کار شد. در فروردین

۱۳۶۷ تا کنون ۱۳۸۳ به عنوان مترجم، دبیر و سر دبیر خبر عربی مشغول به کار است. وی دارای مدرک دکترای تاریخ و تمدن اسلامی است. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی گرایش: تاریخ تمدن اسلامی والدین و انساب: ستار عودی در سال ۱۳۳۳ در خانواده مردی ایرانی به نام غلام از زنی به نام سلیمه متولد شد. خاطرات کودکی: ستار عودی که کودکی و نوجوانی خود را در اطراف کاظمین سپری کرد و گرچه خاطرات زیادی از آن روزگار در ذهن ندارد، آنجا را به سبب رونق مراسم های مربوط به عاشورا در آن روزگار همواره به یاد می آورد. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: پدر ستار، شغل آزاد و نسبتاً مرفه و جزو طبقه متوسط اجتماعی بود. ستار نیز در کنار یک خواهر و پنج برادر خود (به نامهای سهام، جلال، کمال، خالد، سالم و حافظ) تا سال ۱۳۵۰ از زندگی خوبی برخوردار بوده اند. تا اینکه در دیماه ۱۳۵۰ دولت عراق دار اینهای آنان را ضبط کرد. تحصیلات رسمی و حرفه ای: ستار عودی دیپلم خود را در شهر ری دریافت کرد و از سال ۱۳۶۴ در رشته زبان انگلیسی وارد دانشگاه تهران شد، در سال ۱۳۶۹ نیز لیسانس ادبیات فارسی را از دانشگاه پیام نور احراز کرد و در سال ۱۳۷۴ فوق لیسانس تاریخ و تمدن ملل اسلامی و در سال ۱۳۸۰ مدرک دکتری خود را در همان رشته از دانشگاه تهران دریافت کرد. خاطرات و وقایع تحصیل: ستار عودی در کنار تحصیل، به گذراندن یک دوره خبرنگاری و نیز یک دوره دیپلم عالی بازرگانی از لندن (از طریق نامه نگاری) نائل آمده است. در کنار اینها در جاده کرج مشغول به کار بوده است و گاه از فرط خستگی بر سر کلاس به خواب می رفته است. فعالیتهای ضمن تحصیل: ستار عودی در حین تحصیل علاوه بر اشتغال و تحصیل در چندین مقطع و رشته، به چندین جلسه علمی در خارج کشور رفت و نیز برای بنیاد دایره المعارف اسلامی بزرگ مقالاتی تهیه می کرد. همچنین مدتی را به فراگیری زبان فرانسه و اسپانیول مشغول بود. استادان و مربیان: خانم دکتر برزگر و دیگر استادان، به ویژه استادان رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی در دانشکده الهیات دانشگاه تهران از استادان ستار عودی بوده اند. از آن جمله اند: استاد دکتر اسعدی، استاد دکتر حسین قره چانلو، دکتر نصیریان، دکتر هادی عالم زاده و دکتر نورالله کسائی. هم دوره ای ها و همکاران: ستار عودی نام هم دوره ای ها و همکاران روزگار تحصیل خود را به سبب سپری شدن زمان و وقوع بسیار در زندگی او به خاطر نمی آورد. همسر و فرزندان: ستار عودی در ۱۹ شهریور ۱۳۶۰ ش. با دختر خاله خود به نام بتول آهنگری ازدواج کرد و حاصل این ازدواج سه فرزند به نامهای علی متولد ۱۳۶۱، حیدر ۱۳۶۴، و محمد ۱۳۷۱ می باشند. وقایع میانسالی: روزگار میانسالی ستار عودی به تحصیل در رشته تاریخ تمدن و ملل اسلامی در دانشکده الهیات دانشگاه تهران و نیز اشتغال در بخش عربی اخبار جمهوری اسلامی ایران، و نیز به عنوان مترجم و دبیر می گذرد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: ستار عودی مشاغل گوناگونی چون مدیر امور فروش، مدیریت امور انبارها، استادی زبان انگلیسی در نیروی هوایی، استاد زبان عربی در دانشکده وزارت امور خارجه، استاد در دانشگاه های تهران و دانشگاه امام صادق (ع) و سردبیر خبر بین المللی عربی در خبر گذاری جمهوری اسلامی ایران را تجربه نموده است. فعالیتهای آموزشی: ستار عودی سابقه درخشانی در تدریس داشته است که عبارت است از: استادیار رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی در دانشگاه امام صادق. استادیار رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی در دانشکده فرهنگ اسلامی و ارتباطات (شاخه تاریخ تشیع). استاد مدعو در دانشکده الهیات دانشگاه تهران از ۱۳۷۸ تا کنون ۱۳۸۳. استاد ناظر بر رساله های دانشجویان در دانشکده خبر عضو هیات علمی بنیاد دایره المعارف بزرگ اسلامی. کارشناس امور خبری در بخش بین المللی خبر گذاری جمهوری اسلامی ایران. سایر فعالیتهای برنامه های روزمره: ستار عودی در دانشگاههای مختلف در تهران به تدریس و نیز مطالعه و تحقیق مشغول است. و نیز سر دبیری خبر بین المللی بخش عربی را بر عهده دارد. شاگردان: ستار عودی چنانکه خود نوشته است شاگردان بسیاری را طی یک دهه آموزش تربیت کرده است که برخی از آنان مسئولیت های مهمی را عهده دار می باشند. آرا و گرایشهای خاص: تز دکتری ستار عودی تحت عنوان «تاریخ دولت اقلبلیان در افریقه (تونس) در قرن سوم هجری» پس از پنج سال تحقیق صورت گرفته است. وی با توجه به تسلط بر زبانها عربی و انگلیسی و فارسی و دانستن زبانهای فرانسه و اسپانیایی منابع گسترده ای در این باره را شناسایی و

مطالعه کرده است. جوایز و نشانها: جایزه بهترین مقاله دایره المعارفی برای مقاله «تاریخ نگاری در شمال آفریقا» ۱۳۸۳/۱۱/۱۵ چگونگی عرضه آثار: ستار عودی بیش از ۵۰ مقاله علمی به بنیاد دایره المعارف اسلامی تقدیم کرده است که در جلد ششم دانشنامه جهان اسلام هفت مقاله از آن به چاپ رسیده است. از این گذشته وی تعدادی مقاله برای دایره المعارف بزرگ اسلامی نوشته است که در حال چاپ می باشند. و نیز پنج مقاله درباره شخصیت‌های عرب قدیم از جمله بشار بن بردو مجله اول در فرهنگستان زبان و ادب فارسی زیر چاپ است. دو مقاله در جمله ماهنامه دینی و یک مقاله در مجله ریحانه و یک مقاله در دایره المعارف زنان، حدود ۱۰۰ مدخل برای دایره المعارف جدیدی بر سبک و سیاق دایره المعارف مصاحب در دست چاپ دارد. آثار: ایران یک شریک تجاری و ویژگی اثر: این کتاب در رشته بازرگانی و ترجمه ای است از زبان انگلیسی به عربی که در اجلاس سران کشورهای اسلامی به نمایش گذاشته شد و دومین چاپ آن نیز منتشر شده است. ۲. تاریخ آل مظفر و ویژگی اثر: این کتاب خلاصه ای است به زبان ساده که از کتب پیچیده روزگار پس از ایلخانان استخراج شده و توسط موسسه اهل قلم - میراث مکتوب در حال چاپ است. ۳. تاریخ دولت اغلییان در افریقه (تونس) در قرن سوم هجری و ویژگی اثر: عنوان فوق، شامل تز دکتری ستار عودی بود که پس از پنج سال تحقیق و مطالعه بیش از ۷۰۰ منبع به پایان رسیده و در موسسه امیر کبیر در زیر چاپ است. ۴. زندگینامه شاه عباس دوم و ویژگی اثر: این کتاب خلاصه ای است با نثری روان که برای مخاطبین جوان تهیه شده است این اثر خلاصه ای است از منابع مربوط به عصر صفوی که در موسسه اهل قلم - میراث مکتوب در حال چاپ می باشد. ۵. سرگرمیهای ریاضی و ویژگی اثر: ترجمه کتابی سرگرم کننده در رشته ریاضی است که در موسسه علمی - فرهنگی وابسته به وزارت علوم زیر چاپ است.

منابع زندگینامه: اظهارات و نوشته های ستار عودی

عوفی

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، طراحی و نقاش کاشی. وی سازنده‌ی کاشیهای تراش و معرق گنبد شیخ صفی‌الدین اردبیلی است که رقم نهاده: «عمل العبد الفقیر الی عفو صمد - عوض بن محمد...».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱۴۷۴ / ۳).

عوفی، نورالدین، سدیدالدین محمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۶۳۰ ق)، شاعر و تذکره‌نویس. از اعقاب عبدالرحمان بن عوف از صحابه‌ی رسول بود. ولادتش در بخارا بود و تحصیلات وی در همان شهر صورت گرفت و آن‌گاه به سفر پرداخت و بسیاری از بلاد ماوراءالنهر و خراسان و سیستان را دید. در بخارا خدمت امام برهان‌الاسلام تاج‌الدین عمر بن مسعود از ائمه آل‌برهان و امام رکن‌الدین مسعود بن محمد امام‌زاده تحصیل کرد. وی مدتی در

قندهار در دربار قلع طمغاج خان ابراهیم راه داشت و به خدمت پسرش قلع ارسلان خاقان نصره‌الدین عثمان بن ابراهیم بود و مدتی سمت صاحب دیوانی و انشاء آن شاهزاده را داشت. تا اواخر قدرت سلطان محمد خوارزمشاه وی در خراسان و ماوراءالنهر بسر می‌برد و به جمع‌آوری اطلاعات ذی‌قیمت خود که در کتابهای خویش ثبت کرده است، مشغول بود و در اوان حمله‌ی مغول به بلاد سند رفت و خدمت ناصرالدین قباچه از ممالیک غوریه را اختیار کرد. بعد از شکست ناصرالدین قباچه به خدمت شمس‌الدین التتمش در آمد و به هندوستان رفت و بعد از این تاریخ از زندگانی وی اطلاعی در دست نیست. از آثار مشهور او: «لباب الالباب»، قدیم‌ترین کتاب در احوال و اشعار شعرای ایرانی؛ «جوامع الحکایات و لوامع الروایات»، شامل مطالب تاریخی مهم، که در ۶۳۰ ق به پایان رسیده است. [۱]

(منسوب به عوف) سدیدالدین محمد بن محمد بخاری، نویسنده و دانشمند معروف ایرانی در اواخر ق. ۶ و اوایل ق. ۷ (بین ۵۷۲ ه.ق. / ۱۱۷۶ م. - ۶۳۵ ه.ق. / ۱۲۳۲ م.). وی از اعقاب عبدالرحمن بن عوص صحابی معروف است. جد عوفی امام ابوطاهر یحیی بن طاهر ابن عثمان از علمای حدیث و معرفت‌انساب عرب بود و خال او شرف‌الزمان مجدالدین محمد بن ضیاءالدین عدنان سرخکتی دانشمند و مؤلف تاریخ ملوک ترکستان (خاقانیان) است. عوفی در نیمه دوم ق. ۶ در بخارا به دنیا آمد و تحصیلات خویش را در همان شهر به انجام رسانید. پس از آن مدتها در بلاد ماوراءالنهر و سیستان و خراسان به سیر و سیاحت و دیدار فضلا پرداخت و تا سقوط خوارزمشاهیان در خراسان به سر می‌برد و گاه به وعظ و تذکیر اشتغال می‌ورزید. مدتی هم صاحب دیوان قلع ارسلان خاقان نصره‌الدین عثمان بن ابراهیم بود. مقارن حمله مغول عوفی به سند گریخت و به خدمت ملک ناصرالدین قباچه از ممالیک غوری در آمد، و کتاب لباب‌الالباب (ه.م.) را به نام عین‌الملک وزیر این پادشاه تألیف کرد و سپس تألیف جوامع‌الحکایات (ه.م.) را به نام ناصرالدین قباچه آغاز نمود. ناصرالدین در سال ۶۲۵ ه.ق. از شمس‌الدین التتمش شکست خورد و خود را به رود سند انداخت و غرق شد. جمیع خدم و حشم وی به التتمش پیوستند، از آن جمله عوفی بود که به خدمت وزیر التتمش ابوسعید جنیدی مخصوص گردید و جوامع‌الحکایات را که نخست می‌خوست به نام ناصرالدین قباچه تألیف کند- به نام این وزیر به رشته تحریر درآورد. عوفی «فرج بعد از شدت» (ه.م.) تألیف تنوخی را هم از عربی به فارسی ترجمه کرده است. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۳۰-۱۰۲۶ / ۲)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۸۰-۷۷ / ۲)، تاریخ نظم و نثر (۹۸-۹۷)، دایره‌المعارف فارسی (۱۷۸۵ / ۲)، الذریعه (۱۰۰۱، ۷۷۵ / ۹، ۵۰ / ۵، ۴۵ / ۴)، ریحانه (۲۱۹ / ۴)، سبک‌شناسی (۳۸-۳۶ / ۳)، فرهنگ سخنوران (۶۶۰)، لباب‌الالباب (ترجمه مصنف / یب-که)، لغت‌نامه (ذیل / عوفی)، مجله‌ی دانشکده‌ی مشهد (س ۳، ص ۹۳-۸۹)، مجمع‌الفصحا (۱۱۶۸ / ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۷۷۷-۷۷۶ / ۵).

عیار نیشابوری، ابوعثمان سعید

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۵۷ ق)، محدث، فقیه، زاهد، و صوفی. چون در ابتدا به مسلک عیاران سلوک می‌کرد، معروف به عیار شد. در ۳۷۸ ق برای کسب حدیث سفر نمود و «صحیح» بخاری را در مرو، از محمد بن عمر بن شبویه استماع کرد.

او همچنین در نیشابور از ابو محمد مخلصی و ابوطاهر بن خزیمه و ابوالفضل عییدالله بن محمد فامی و ابوالحسن خفاف و دیگران حدیث شنید، و در دمشق و اصفهان و نیشابور و هرات و غزنه حدیث گفت. بزرگانی چون محمد بن فضل فراوی و زاهر شحامی و

ابوالمعالی محمد بن فضل فراوی و زاهر شحامی و ابوالمعالی محمد بن اسماعیل فارسی و، در اصفهان، غانم بن احمد جلودی و فاطمه بنت محمد بغدادی و حسین بن طلحه صالحانی و عتیق بن حسین رویدشتی و عده‌ای دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. عیار در غزنه درگذشت. ابوبکر احمد بن حسین بیهقی «فوائد»ی، در بیست جزء، برگرفته و برگزیده از «اصول» وی نگاشته است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام بوفیات الاعلام (۱ / ۳۰۳)، سیر النبلاء (۸۹- ۸۶ / ۱۸)، شذرات الذهب (۳ / ۳۰۴)، العبر (۳۰۸- ۳۰۷ / ۲)، لسان المیزان (۲۶۷- ۲۶۶، ۲۵۱- ۲۵۰ / ۳)، الوافی بالوفیات (۱۹۸- ۱۹۷ / ۱۵).

عیاشی سمرقندی، ابوالنضر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۳۲۰ ق)، مفسر، محدث، ادیب و فقیه امامی. وی اهل سمرقند از فقهای بزرگ فرقه‌ی اثنی عشری در زمان کلینی می‌باشد که در ابتدا مذهب عامه داشت و احادیث آنرا را استماع می‌کرد ولی بعد به مذهب شیعه گروید. او از شاگردان شیخ کلینی بود. او از علی بن حسن بن علی بن فضال و عبدالله بن محمد خالد طیالسی و جماعتی از شیوخ کوفه و بغداد حدیث شنید. شیخ کشی صاحب «رجال» از شاگردان عیاشی است. از دیگر شاگردان عیاشی پسرش جعفر بن محمد است که خود از مشایخ ابومفضل شیبانی است. شاگرد دیگر او حیدر بن محمد بن نعیم سمرقندی است که راوی جمیع مصنفات عیاشی است. گفته‌اند که وی محدثی مورد اعتماد و یگانه‌ی زمان خویش بود و از نظر علمی و ادبی و اندیشه و ذکاوت در مشرق نظیر نداشت. او مجلسی برای خواص و مجلسی برای عامه مردم برپا می‌کرد. خانه‌اش همانند مسجد، مملو از افرادی چون قاری و کاتب و نیز محدثین و علما بود که در آن عده‌ای به تألیف و مقابله و گروهی به استسناخ و گروهی نیز به تعلیقه و حاشیه‌نویسی مشغول بودند. در طب و نجوم و رویا تبحر داشت و در زمینه‌ی ابواب فقهی و متجاوز از دویست کتاب تألیف کرد که در نواحی خراسان به اشتهار کامل رسید. در فهرست ابن‌الندیم صد و پنجاه و هفت جلد از آثار او ذکر شده است. از آثار وی: «تفسیر علی بن ابراهیم» است؛ «التوحید الصفة»؛ «الصلاه»؛ «الزکوه»؛ «الصوم»؛ «المناسک»؛ «العالم و المتعلم»؛ «الطب»؛ «التجاره و الکسب»؛ «الضقاء و آداب الحکم»؛ «الملاهی»؛ «الجزیه و الخراج»؛ «الطاعه»؛ «حقوق الاخوان»؛ «محاسن الاخلاق»؛ «دلایل الاثمه»؛ «الملاحم»؛ «القول بین القولین»؛ «فضائل القرآن»؛ «الانبياء الاثمه»؛ «النجوم»؛ «الرؤیا»؛ «معارض الشعر».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷ / ۳۱۶)، اعیان الشیعه (۵۶ / ۱۰)، الذریعه (۷۷ / ۲۴، ۱۹۵ / ۲۱، ۱۲۵ / ۲۰، ۲۰۹، ۱۴۰ / ۱۷، ۲۰۷، ۱۳۹، ۱۳۳ / ۶۰، ۱۵ / ۴۴، ۱۲ / ۳۰۷، ۱۱ / ۲۳۹، ۸ / ۴۲، ۷ / ۱۰۵، ۵ / ۲۹۵، ۴ / ۳۴۸، ۳ / ۳۵۶، ۲ / ۴۹۷)، رجال الطوسی (۴۹۷)، رجال النجاشی (۲۵۰- ۲۴۷ / ۲)، روضات الجنات (۱۲۳- ۱۲۱ / ۶)، ریحانه (۲۲۱- ۲۲۰ / ۴)، سفینه البحار (۳۰۱ / ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۰۶- ۳۰۵ / ۴)، فوائد الرضویه (۶۴۲)، فهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۶۳- ۳۶۱)، فهرست للطوسی (۳۷۱، ۳۲۰، ۳۱۷- ۳۰۹، ۱۲۰)، الکنی و الالقاب (۴۹۱- ۴۹۰ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل / ابوالنضر)، معجم المؤلفین (۲۰ / ۱۲)، هدیه الاحباب (۲۰۵- ۲۰۴)، هدیه العارفین (۳۳- ۳۲ / ۲).

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

پدرش از علما و فضلا و محققین بوده.

کتاب زیر از اوست:

۱- تفسیر قرآن ۲- رساله در وجوب عینی نماز جمعه ۳- رساله در طرز قسم دادن اهل کتاب ۴- رساله در حکم رؤیت هلال قبل از زوال ۶- شرح دروس، ناتمام.

حدود سال ۱۰۷۴ وفات یافته است.

صاحب عنوان در ۱۰۶۶ متولد، و در ۱۱۳۰ وفات یافته، و از شاگردان علامه محمد باقر مجلسی است، و چون مدتی در مملکت عثمانی ساکن بود بدین لقب شهرت یافته است.

کتاب زیر از اوست:

۱- الاجازات، یا مجموعه الاجازات ۲- الامان من النیران فی تفسیر القرآن ۳- بساتین الخطباء، در سه مجلد ۴- ترجمه ی جاماسب نامه ۵- ثمار المجالس و نثار العرایس، مانند کشکول ۶- الدرر المنظومه المأثور، در ادعیه. نام صحیفه ثالثه سجادیه است و به طبع رسیده است ۷- رساله در موضوع خواجه گردانیدن ۸- رساله در وجوب عینی نماز جمعه ۹- رساله ی خراجیه ۱۰- رسم خطوط الساعات و نصف النهار ۱۱- روضه الشهداء، به سه زبان ترکی، عربی، فارسی ۱۲- ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، که معروف ترین تألیفات اوست، و بین مؤلفین و نویسندگان کتب تراجم و رجال شهرت دارد، و متأسفانه تاکنون به طبع نرسیده است، در ده مجلد، ۱۳- شرح اصطلاحات شکل العروس از کتاب اقلیدس ۱۴- شرح الفیه ی ابن مالک، مفصل ۱۵- شرح الفیه ی ابن مالک، مختصر ۱۶- شرح صحیفه ی سجادیه و حاشیه بر آن؛ و غیره.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عیسی زاده، ولی الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ولی الله عیسی زاده

محل تولد: آمل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۲ ه. ش وارد دبستان دولتی روستای رزکه از توابع بخش مرکزی شهرستان آمل شدم، و تا پایان دوره ابتدایی که مدرسان و معلمان سپاه دانش مربی ما بودند در همان مدرسه اشتغال به تحصیل داشته و از امتیازات بالایی برخوردار بودم. دوره

راهنمایی را همزمان با مبارزات انقلابی مردم آمل در این شهر آغاز کردم و سال سوم راهنمایی را در مدرسه معتمدی (شهید سقاعلیزاده) با موفقیت به پایان رساندم.

دوره متوسطه را در دبیرستان امام خمینی (ره) آمل شروع کردم که با درگیری منافقان در این شهر همزمان بود، سپس در سال ۱۳۶۴ با اخذ مدرک دیپلم در رشته اقتصاد راهی جبهه شدم و در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه مسجد هاشمی آمل شدم. آن گاه در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه مقدسه قم شدم و همزمان با تحصیل در حوزه وارد موسسه امام خمینی (ره) شده و دوره عمومی آن را در سال ۱۳۷۸ به پایان رسانده و مدت ۲ سال برای خدمت به طلاب و آشنایانی با اهل سنت به حوزه علمیه منتظریه گنبد کاووسی مهاجرت کردم و در این مدت ضمن مدیریت و تدریس در فعالیت‌های فرهنگی و علمی منطقه فعال بودم و در دانشگاه آزاد شهرستان آزاد شهر تدریس می‌کردم. سپس در سال ۱۳۸۱ به قم مهاجرت کردم و در موسسه اسراء که تحت اشراف حضرت آیت الله جوادی آملی است به تحقیق مشغول شدم و در ضمن فعالیت‌های علمی در موسسه به تالیف کتاب و مقاله و تدوین پایان‌نامه مشغول شدم که همچنان به فضل الهی ادامه دارد. در ضمن در تمامی این مدت (از زمانی که ملبس به لباس مقدس روحانیت شدم ۱۳۷۰) تا به حال در سه مقطع تبلیغی رمضان، محرم و صفر به این امر مهم مشغول هستم. از سال ۱۳۷۵ نیز در خدمت‌گذاری خدمت زائران محترم حرمین شریفین و عتبات عالیات فعال هستم.

عیسی لو، عبدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالله عیسی لو

محل تولد: ارومیه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ همزمان با اخذ دیپلم - با توجه به اشتیاق فراوان به تحصیل و تبلیغ علوم دینی - وارد حوزه علمیه حضرت ولی عصر (عج) تبریز گردیدم و پس از مدت دو سال و اندی تحصیل در آن حوزه مبارکه و آموختن درسهایی از مقدمات علوم دینی، در پاییز سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و نخست در مدرسه علمیه بعثت ساکن و به ناچار شروع به تحصیل در برخی موضوعات درسی که اندکی متفاوت با آنچه که در تبریز فرا گرفته بودم بود، کردم؛ و حتی آشنایی‌ام با جناب استاد علی مؤمنی ارموی که سالها در محضر مرحوم مدرس افغانی تلمذ کرده و ادیبی بارع و مدرس فاضل گشته بود. تصمیم به تقویت پایه علمی در زمینه ادبیات عرب و منطق گرفتم (نخست در خدمت استاد ربانی گلپایگانی که در حسینه آیت الله نجفی مرعشی منطقه مظفر تدریس می‌کرد عمده مباحث آن را فرا گرفتم). از این رو در خدمت استاد مومنی تا چندین سال به فراگیری (حاشیه ملا عبدالله) و مطول تفتازانی و سپس مباحثی از اوائل کتاب رسائل شیخ انصاری و پس از آن نمط اول شرح اشارات (طبیعیات) را در خدمت

ایشان تلمذ کردیم در این میان در حال حیات مرحوم مدرس افغانی مدتی در درس شرح تصریف ایشان شرکت کردیم و بخشی از کتاب سیوطی را نزد ایشان فراگرفتیم و با توجه به این که در سالهای قبل از آن و در زمان سلامت احوال مدرس، درسهای ادبیات را تدریس کرده بود و در نوارهای کاست ضبط گردیده بود، از آن نوارها هم تا اندازه‌ای بهره بردم. پس از آن که مباحثی از طبیعیات شرح اشارات بوعلی را فراگرفتم. درس نمط سوم شرح اشارات را در خدمت استاد علی مؤمنی شروع کرده و در مدت دو سال مباحثی مهم از آن را بهره بردیم.

و به دنبال آن نهایتاً الحکمه مرحوم علامه طباطبایی را نزد همان استاد (علی مؤمنی ارموی) شروع کردیم که حدود بیش از دو سال طول کشید. و به دلیل همین درس‌ها بود که هنگامی که وارد مرکز تخصصی کلام اسلامی برای شرکت در دوره هشتم سطح چهار گردیدم، در سال اول برایم خسته کننده و تکراری بود و لذا با درخواست از مدیر آموزشی آن مرکز در سال دوم به همراه دوره هفتم به ادامه تحصیل در آن مرکز پرداختم و تنها در امتحانات سال اول به صورت ارتقائی شرکت نمودم. درسهای سطح حوزه را نیز عمدتاً به صورت آزاد - و در نزد اساتیدی از جمله مرحوم استاد پایانی، استاد مسجد ارموی، استاد صلواتی، استاد موسوی تهرانی، استاد مدرس یزدی و... فراگرفتم و به طور مرتب در امتحانات کتبی و شفاهی حوزه علمیه شرکت می‌کردم.

عیسی نیا، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا عیسی نیا

محل تولد: رودسر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۷/۱

زندگینامه علمی

رضا عیسی نیا، فرزند در مهر ۱۳۴۳ از شهرستان رودسر استان گیلان، در روستای قاسم آباد سفلی واقع در چند کیلومتری دریای خزر و جنگل‌های گیلان، در خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشودم و در دامن پدر و مادری زحمت کش و پرتلاش و کشاورز و مسلمان مسئول، تربیت یافتم؛ دوران تحصیلات ابتدایی و راهنمایی خود را در روستای قاسم آباد سفلی شروع کرده و مدرک ابتدایی را با معدل ۵۲/۱۵ و راهنمایی را با ۱۷ در خردادماه به پایان رسانیده و پس از اتمام تحصیلات دوره راهنمایی برای ادامه تحصیل به خاطر فقر اقتصادی خانواده و تبلیغات زیاد مرکز آموزش کشاورزی در اذهان کشاورزان به رشته کشاورزی پرداختم. دبیرستان را که از سال‌های ۵۷ تا ۶۰-۶۱ که دوران انقلاب و جنگ بود، را با معدل ۸۸/۱۷ به پایان رساندم و با حضور در جبهه‌های جنگ بمدت ۱۴ ماه و آشنایی با طلبه‌های جوان با دعوت آنها مسافرتی به قم کردم که در این سفر بود (سال ۶۲) که تشویق به علم آموزی در حوزه‌های علمیه شدم مصادف با این پیشنهاد در سطح کشور اعلام شد که حوزه علمیه قم از میان فارغ‌التحصیلان در مقطع دیپلم طلبه جهت تربیت کادر قضایی می‌پذیرد بنابراین در امتحان ورودی حوزه علمیه قم جهت گذراندن دوره قضاوت که ۶ سال پیش بینی شده بود شرکت کردیم و از میان داوطلبان ۳۰۰ نفر برگزیده شدیم اما متأسفانه پس از چند ماه تحصیل در مدرسه رضویه

مسئولین حوزه علمیه اعلام کردند که به خاطر مشکلاتی قادر به ادامه کار خود جهت پرورش قضات نیستند بنابراین پذیرفته شدگان در صورت تمایل می‌توانند دروس حوزوی را ادامه دهند لذا کسانی که مایل نبودند انصراف دادند، اما بنده دروس مقدمات تا لمعه را در مدرسه رضویه و المهدی به پایان رسانده و در کنار دروس حوزوی وارد دانشگاه باقر العلوم (ع) قم شده و در کنار دروس حوزوی به تحصیل در رشته علوم سیاسی در مقطع کارشناسی پرداخته و این دوره را با معدل ۸/۱۶ به پایان رسانده و سپس کارشناسی ارشد را هم با معدل ۲۶/۱۶ و با ارائه پایان‌نامه «دوره تجربه نواندیشی و نوسازس سیاسی در ایران» با نمره الف، به پایان رساندم پس از فارغ التحصیل شدن در مقطع کارشناسی ارشد با مدرک ۵ سال حضور در درس خارج فقه و کارشناسی ارشد علوم سیاسی و پذیرش در گزینش اساتید قم، برای تدریس دروس عمومی (انقلاب اسلامی) وارد دانشگاه شدم. در کنار تدریس در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی مشغول کارهای تحقیقاتی می‌باشم.

عین القضاة همدانی، ابوالعالی، ابوالفضائل عبدالله

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۲۵-۴۹۲ ق)، فقیه، حکیم و عارف. مکنی به ابوالفضائل. معروف به قاضی همدانی. در همدان به دنیا آمد، ولی چون پدر و جدش از میانه بودند به میانجی نیز معروف شده است. قاضی در جوانی در زادگاه خویش به کسب علوم متداول پرداخت و به سرعت در ادب و حکمت و کلام مایه‌ور شد و به سبب مهارتی که در فقه پیدا کرد، به عنوان قاضی و مدرس منصوب گردید و با وجود جوانی شهرت و نفوذ فراوان پیدا کرد و همین امر باعث برانگیخته شدن حسد و رشک فقها و متکلمان شد. فلسفه و کلام، طبع حقیقت‌جویی وی را قانع نساخت و گرفتار بحرانهای روحی شد و همین امر او را دچار شک و شبهه کرد. پس از آشنایی با آثار امام محمد غزالی تا حدی خاطرش آرام گرفت و چندی بعد با احمد غزالی آشنا شد و به او دست ارادت داد و همانند احمد غزالی در بیان عقاید خود بی‌پروا بود. همین صراحت در گفتار باعث بدگمانی متشرعه شد. ابوالقاسم در گزینی که خود اندکی بعد به جرم مذهب اسماعیلی کشته شد، او را دستگیر و روانه بغداد نمود. قاضی مدتی در بغداد زندانی بود و در همین زندان رساله‌ی معروف «شکوی الغریب عن الاوطان الی علماء البلدان» را به زبان عربی، خطاب به علمای عصر نوشت و در آن، که مشحون از نکات عرفانی و فلسفی است، اتهاماتی را که به وی نسبت داده بودند رد کرد و به برخی شبهات نیز پاسخ گفت. اما چندی بعد او را به همدان برگرداندند و بر در مدرسه‌ای که ظاهراً محل تدریس او بود بر دار کردند و سپس جسدش را با نفت و بوریاء آتش زدند. از دیگر آثار وی: «تمهیدات»؛ «زبد الحقایق»؛ «نزه العشاق و نهز المشتاق»؛ «نامه‌های عین القضاة همدانی»؛ «رساله‌ی اجمالی». [۱]

(ع. چشم داوران) همدانی، ابوالعالی عبدالله بن محمد بن علی میانجی همدانی، از بزرگان مشایخ صوفیه و دانشمندان ربع اول قر. ۵۶ ه. (و. همدان ۴۹۲ ه. ق/ ۱۰۹۸ م. - مقت. همدان ۵۲۵ ه. ق.). وی شافعی مذهب و در طریقت شاگرد احمد غزالی بود و همچنین از محضر عین‌القضاة - از صحبت باباطاهر - که بعضی نوشته‌اند - درست نیست، زیرا بابا تا زمان او زنده نبود. وی به تحصیل حکمت و عرفان و کلام و ادب عربی پرداخت و نظر به مطالعه بسیار در آثار امام محمد غزالی مع‌الواسطه شاگرد او نیز محسوب می‌شد. احمد غزالی با آن همه عظمت مقام در مکتوبهای خود بدو، او را قره‌العین خطاب میکرد. وی بیشتر اطلاعات خود را از راه تحقیق و تتبع شخصی فراهم آورد. افکار و عقاید او در عمر کوتاهش مبین کمال نبوغ اوست. از آثار اوست: یزدان شناخت در مسایل حکمت الهی و علوم طبیعی که در سه باب به نام عزیزالدین مستوفی نوشته شده، رساله جمالی در بیان مذهب سلف خود که به نام جمال‌الدین شرف‌الدوله از شاهزادگان معاصر خویش تألیف کرده، تمهیدات در تمهید ده اصل تصوف که دارای انشایی است

مقرون به غلبه شوق و عشق و بسیار گیراست، زبده الحقائق، رساله‌ای مختصر راجع به علم ذات و صفات خداوندی و ایمان به نبوت و قیامت، لویح، رساله‌ای مشتمل بر ۲۰۱ فصل در حقایق عشق و احوال و اعراض آن، شکوی الغریب عن الاوطان الی علماء البلدان به زبان عربی (عین القضاء آن را به هنگام حبس خود از بغداد به علمای همدان نوشته) در شکایت مؤلف از محنتهایی که برای او پیش آمده و به اتهام بی‌دینی از همدان دور شده و در بغداد به زندان افتاده. مکاتیب که شامل نامه‌های اوست (نسخه‌های کتابخانه مرادمنلا- ترکیه) و کتابخانه ملی تهران). وی رباعیاتی عرفانی هم به زبان فارسی سروده. عزیزالدین از مستوفیان سلاجقه با عین القضاء دوستی کامل داشت از سوی دیگر عزیزالدین به دشمنی با ابوالقاسم درگزینی وزیر سلطان محمود ابن محمود و سلطان سنجر برخاست.

وزیر اخیر که بسیاری از رجال و بزرگان علم را به حيله و تزویر نابود کرده و خود نیز در پایان به پاداش اعمال زشت خویش به دار کشیده شد، نقشه قتل عین القضاء را طرح کرد و با دسته‌ای از عوام الناس - که حسودان و بدخواهان عین القضاء بودند- توطئه چید و محضری ترتیب داد وی را به کفر و دعوی الوهیت متهم کرد و فقها نیز به قتل این جوان دانشمند فتوی دادند. پس وی را مقید به بغداد فرستادند و از آنجا مجدداً به همدان بازگردانیدند و در شب ۷ جمادی الاخری ۵۲۵ ه.ق. بر دار کشیدند. نوشته‌های فارسی وی مشحون از تعبیرات نغز صوفیانه است. کلام او پرسوز و گداز است. تصنع و تکلف در آثار او دیده نمی‌شود و در تبیین مسایل عرفانی به تمثیل می‌پردازد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: احوال و آثار عین القضاء، ایضاح المکنون (۲ / ۴۵۳)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲ / ۲۸۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۴۴- ۹۳۶ / ۲)، تاریخ برگزیدگان (۵۸۱)، تاریخ عرفان و عارفانی ایرانی (۴۲۶- ۴۲۵- ۴۲۴)، تاریخ نظم و نثر (۱۱۱)، تصوف اسلامی و رابطه انسان و خدا (۲۰۱- ۱۹۲، ۱۹۰، ۱۸۹، ۱۸۴، ۱۷۶)، تمهیدات (مقدمه/ ۱۰۷- ۱-)، جستجو در تصوف (صفحات متعدد)، دانشمندان آذربایجان (۲۸۵- ۲۸۳)، دایره‌المعارف فارسی (۱۷۹۵- ۱۷۹۴ / ۲)، دره الاخبار (۷۴- ۷۳)، دستور الوزراء (۲۰۵)، الذریعه (۲۷ / ۲۴، ۱۵ / ۱۶۷، ۲۴ / ۲۷)، ریاض العارفین (۱۰۸- ۱۰۷)، ریحانه (۲۲۶- ۲۲۴ / ۴)، سلطان العشاق (صفحات متعدد)، شذرات الذهب (۴ / ۷۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۶ / ۶)، طرائق الحقائق (۵۷۲- ۵۶۸ / ۲)، العبر (۴۲۶ / ۲)، عین القضاء و استادان او، فرهنگ سخنوران (۶۶۲)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۷۷- ۱۷۵)، کشف الظنون (۹۵۱)، گنج و گنجیه (۱۵۳- ۱۴۸)، لسان المیزان (۳۹۹- ۳۹۸ / ۵)، لغت‌نامه (ذیل / عین القضاء)، مبانی عرفانی و احوال عارفان (۴۲۵- ۴۱۹)، مجمع الفصحا (۲ / ۸۶۹)، معجم المؤلفین (۱۳۲ / ۶)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۱۲- ۱۰۱۱ / ۳)، نتایج الافکار (۴۵۲)، نسائم الاسحار (۷۶)، نفحات الانس (۴۱۹- ۴۱۸)، هدیه العارفین (۴۵۵ / ۱)، هفت اقلیم (۵۳۴- ۵۳۲ / ۲).

عین الملک هویدا، حبیب الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. عین الملک از کارگزاران دولتی بود که آثار چندی به زبان فارسی نگاشته و یا ترجمه کرده است. وی در ۱۳۳۸ ش به سمت نمایندگی فوق‌العاده به حجاز رفت با برای تجدید روابط ایران و حجاز وارد مذاکره شود. از آثارش: «اسرار سلطانی دربار شاهی»؛ «پسر پاردایان»، ترجمه؛ «داستان آدم جدید»، ترجمه؛ «روکامبول»؛ «مهر فرزندی»، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۷۹۳ / ۲، ۱۳۲۴، ۶۰۹، ۲۰۲ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۸-۴۹۷ / ۲).

غازی اصفهانی، ابونصر احمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۳۲-۴۴۸ ق)، حافظ، مسند و محدث. در اصفهان به دنیا آمد. در طلب حدیث سفرهای بسیار کرد. وی در بغداد از ابوحسین بن نقور و عبدالباقی بن محمد عطار و ابوالقاسم بن بسری و عده‌ای دیگر، و در بصره از ابوعلی تستری، و در سرخس از محمد بن عبدالملک مظفری، و در اصفهان از عبدالرحمان بن منده و برادرش ابوعمرو و ابن شکرویه و بسیاری دیگر، و در نیشابور از فضل بن عبدالله بن محب و همطبقه‌ی وی، و در هرات از ابوعمار ازدی و ابواسماعیل انصاری و همطبقه‌ی آنها حدیث شنید. سلفی و سمعانی و ابوموسی مدینی و ابن عساکر و مؤید بن اخوه و محمود بن احمد مضرری و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. سمعانی گوید که او ثقه‌ای دیندار بود. روایات بسیاری را شنیده و کتبی را جمع‌آوری و استنساخ کرده و نوشته‌های بسیاری را از خود باقی گذاشته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام بوفیات الاعلام (۳۵۴ / ۱)، سیر النبلاء (۹-۸ / ۲۰)، شذرات الذهب (۹۸ / ۴)، طبقات الحفاظ (۴۶۳-۴۶۲)، العبر (۴۴۱ / ۲)، الوافی بالوفیات (۲۶۳-۲۶۲ / ۷).

غازی جرجانی، ابوالحسین محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۳۱۱ ق)، حافظ و محدث. محدث جرجان بود. به دنبال حدیث سفرها کرد. وی از محمد بن عبدالملک بن ابی شوارب و عمرو بن علی فلاس و محمد بن حمید رازی و محمد بن عبدالملک بن زنجویه و محمد بن یحیی ذهلی و بخاری و ابوزرعه رازی حدیث شنید. ابواحمد بن عدی و ابوبکر اسماعیلی و ابواحمد حاکم از وی روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۴۰۷ / ۱۴)، شذرات الذهب (۲۶۲ / ۲)، طبقات الحفاظ (۳۲۲).

غانمی هروی، ابوالمحاسن مسعود

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۵۳-۴۶۴ / ۴۲۴ ق)، فقیه، ادیب، محدث، عابد و شاعر. در طوس به دنیا آمد و در نیشابور نشوونما یافت. و نیز گفته شده که در نیشابور به دنیا آمد و در طوس نشوونما یافت. وی از جانب دو صاحب نام: ابوالقاسم قشیری و ابوصالح مؤذن صاحب اجازه بود. از

ابواسحاق ابراهیم بن محمد اصفهانی و گروهی دیگر حدیث شنید و «مسند» هیشم شاشی را از ابوالقاسم احمد بن محمد خلیلی استماع کرد. ابن عساکر و سمعانی و تاج مسعودی و عبدالرحیم بن سمعانی از او حدیث شنیدند. ابن سمعانی همچنین «مسند» شاشی و «رساله‌ی» قشری را از او استماع کرد. ابوسعید سمعانی گوی که او بسایر عابد و زاهد و پرهیزکار بود. بطوری که از سفره‌ی پدرش چون با حاکمان اختلاط داشت پرهیز می‌کرد. غانمی شاعری چیره‌دست بود و اشعار بدیعی می‌سرود. از آثار وی نظم ابیاتی است به نام «السحریه»، یعنی آنچه که مربوط به وقت سحر است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۲۷۹-۲۷۸ / ۴)، سیر النبلاء (۳۶۰-۳۵۹ / ۲۰).

غبرایی، فرهاد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مترجم.

تولد: ۱۶ بهمن ۱۳۲۸، لنگرود.

درگذشت: ۱۳ اردیبهشت ۱۳۷۳، لنگرود.

فرهاد غبرایی دارای دیپلم طبیعی (تابستان ۱۳۴۸) از یکی از دبیرستانهای کرمانشاه بود. سپس در شیراز به تحصیل زبان انگلیسی پرداخت و در سال ۱۳۵۲ از این رشته فارغ‌التحصیل شد. پس از گذراندن خدمت سربازی در بهار ۱۳۵۵ به فرانسه سفر کرد و در پاریس در زمینه کارگردانی سینما به مطالعاتی پرداخت. تا سال ۱۳۵۸ در فرانسه بود و با گروه‌های نمایشی همکاری داشت. سپس به ایران بازگشت و نخستین ترجمه‌ی خود را در سال ۱۳۵۹ منتشر نمود. وی همچنین در زمینه داستان‌نویسی نیز فعالیت داشت و اولین داستان وی به نام آب و خاک در سال ۱۳۵۹ منتشر شد.

فرهاد غبرایی در آذر ۱۳۶۹ به نوشهر نقل مکان نمود. در سال ۱۳۷۲ با دریافت بورسی از وزارت فرهنگ فرانسه در نشست بین‌المللی مترجمان ادبی در آرل فرانسه شرکت جست.

از جمله آثار ترجمه وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: شهر شیطان زرد (ماکسیم گورکی، ۱۳۵۹)، شکست (امیل زولا، ۱۳۶۰)، آخرین نفر (الکساندر فادایف، ۱۳۶۱)، آسوموار (امیل زولا، ۱۳۶۱)، معجزه در باد و باران (شوراتزبار، ۱۳۶۱)، جزیره (روبر مرل ۱۳۶۲)، کولابرونیون (رومن رولان، ۱۳۶۳)، چهار مجموعه (پابلو نرودا، ۱۳۶۳)، سفر به انتهای شب (لویی فردینان سلین، ۱۳۶۴)، پایان جهان (پابلو نرودا، ۱۳۶۳)، نقد و بررسی آینده وایدا (۱۳۶۶)، حریم (ویلیام فاکنر، ۱۳۶۷)، زندگی بتهوون (رومن رولان، ۱۳۶۷)، جشن بیکران (ارنست همینگوی، ۱۳۶۸)، کودک سیاه (کامارالی، ۱۳۶۹)، خانواده‌ی پاسکوال دوآرته (کاملیو خوسه سلا، ۱۳۶۹)، فلینی از نگاه فلینی (۱۳۷۱)، یادداشت‌های مالت و ریدز بریگه (راینر ماریا ریلکه، ۱۳۷۱)، ظاهرا این اثر ناتمام مانده است)، پیامبران نور (نهال تجدد، ۱۳۷۲، ظاهرا این اثر ناتمام مانده است).

فرهاد غبرایی چندین داستان و چند نمایشنامه و فیلمانه نیز نوشته است، از آن جمله می‌توان به رمان ایختیاندر اشاره نمود. از جمله آثار تألیفی ایشان نیز می‌توان از این کتاب نام برد: گرایش‌های نوین در هنرهای بصری (۱۳۶۹).

فرهاد غبرایی در تاریخ یازدهم اردیبهشت ۱۳۷۳ به سبب تصادف اتومبیل در جاده‌ی بین تنکابن و چالوس درگذشت و پیکر وی در لنگرود به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

غروی اصفهانی، محمد حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۱- ۱۲۹۶ ق)، فقیه اصولی، مرجع تقلید، حکیم، ادیب و شاعر، متخلص به مفتقر. مشهور به کمپانی. اصلش از نخجوان است. نیای او پس از سقوط قفقار در برابر روسها به تبریز و از آنجا به اصفهان هجرت نمود، لذا این خانواده به اصفهانی مشهور شدند. شیخ محمد حسین در کاظمین به دنیا آمد و مقدمات را در آنجا خواند و آن‌گاه به نجف رفت و سطوح را نزد شیخ حسن تویسرکانی خواند و از محضر آخوند خراسانی بهره‌ی کامل برد و مدت سیزده سال فقه و اصول را از ایشان و همچنین از آقا سید محمد فشارکی و آقا رضا همدانی بطور کامل فراگرفت. او علوم معقول و فنون فلسفه را از فیلسوف بزرگ حاج میرزا محم باقر اصطهباناتی شیرازی اخذ کرد، تا اینکه مرجع تقلید جمعی از شیعه شد. او علاوه بر مراتب علمی دارای ملکات اخلاقی بود. در نجف اشرف در گذشت و در صحن علوی در مقبره‌ی جنب مناره ایوان طلا- دفن شد. از او بیش از بیست کتاب و رساله بر جای مانده است. از جمله آثار وی: «نهایه الدرایه فی شرح الکفایه» آخوند خراسانی، در دو مجلد؛ حاشیه بر «مکاسب» شیخ انصاری؛ «اربع قواعد فقهیه»؛ «الحقیقه الشرعیه»؛ «ارجوزه‌ای در «الفلسفه العالیه»؛ «ارجوزه‌ای در «الصوم»؛ دو رساله در «المعاد»؛ «الاجتهاد و التقليد و العداله»؛ «الاصول علی منهج الحدیث»؛ «الوسیله فی اهم ابواب الفقه» یا «رساله‌ی عملیه»؛ «انوار القدسیه»، شعر عربی، بیست و چهار قصیده در تاریخ زندگانی پیامبر (ص)، عموهایش و ائمه (ع) و فرزندانشان؛ «تحفه الحکیم»، منظومه‌ای در فلسفه؛ «دیوان» غزلیات حکمت و عرفان؛ «دیوان» شعر، فارسی، در مدائح و مراثی اهل بیت (ع).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: تذکره القبور (۲۸۷- ۲۸۶)، الذریعه (۴۰۰ / ۲۴، ۱۰۸۳ - ۱۰۸۱ / ۲۴۷، ۱۰۸۱، ۱۸۷، ۹ / ۱۴۸، ۱۸۷، ۶ / ۲۷۱، ۴۸۳، ۶ / ۱)، ریحانه (۹۳ - ۹۰ / ۵)، سخنوران نامی معاصر ایران (۲۹۷۷- ۲۹۷۲ / ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۶۲- ۵۶۰ / ۱۴)، علماء معاصرین (۱۹۱- ۱۹۰)، فرهنگ سخنوران (۸۶۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۶۷ / ۷)، مؤلفین کتب چاپی (۷۲۷- ۷۲۶ / ۲).

غروی بروجردی، محمد حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۴- ۱۲۷۵ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و مرجع تقلید. در بروجرد به دنیا آمد. مدقامت و سطوح را از استادان همان شهر فراگرفت. بعد از ۱۳۰۰ ق برای تکمیل تحصیلات خود به عراق رفت و در سامراء در محضر درس میرزای بزرگ شیرازی شرکت کرد. او همچنین از بزرگان حوزه‌ی سامراء به ویژه آیت‌الله سید محمد اصفهانی فشارکی و آیت‌الله میرزا محمد تقی شیرازی نهایت استفاده را برد. در ۱۳۱۲ ق پس از وفات میرزای بزرگ شیرازی به نجف رفت و در بحث آخوند خراسانی شرکت کرد، تا این که یکی از شاگردان مبرز ایشان شد. او همچنین از آیت‌الله آقا سید محمد کاظم یزدی نیز بهره برد. غروی بر اثر کسالت به ایران بازگشت و مدتی در تهران به معالجه پرداخت. سپس در بروجرد ساکن شد و زعامت امور دینی مردم آنجا را بر عهده گرفت. او

مدت یکسال و چند ماه نیز در مشهد رضوی به تدریس مشغول گشت، اما همان بیماری او را ناچار به بازگشت به تهران و سپس به بروجرد نمود. آقا ابوتراب شیخ الاسلامی و آقا سید ابوالحسن قدغونی و حاج سید ابوالفضل مجاهدی و شیخ حسن کمره‌ای خاتمی و شیخ محمد رضا خاتمی و سید محسن شریعتمداری و شیخ محمود جبرئیلی و بسیاری دیگر از شاگردان وی بودند. او در بروجرد درگذشت و جنازه‌اش به قم منتقل و در قبرستان نو دفن شد. از آثار وی: مجموعه‌ای در «اخلاق»، در شرح صفات و فضائل یک انسان نمونه و حقیقی، متشکل بر نظرات فلاسفه‌ی شرق و غرب از عصر افلاطون تا عصر حاضر و کلمات بزرگان و آیات و اخبار وارده؛ مجموعه‌ای در «فقه استدلالی»، شامل معارف فقهی با ذکر فتاوی‌ای علمای مذاهب مختلف؛ مجموعه‌ای در «شرح مصائب سیدالشهداء (ع)».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بروجرد (۵۷۶-۵۶۱ / ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۹۶ / ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۹۳ / ۳).

غروی تبریزی، عبدالحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۸- ز ۱۳۶۳ ق)، فقیه و عالم دینی. در نجف اشرف ب دنیا آمد و تا ۱۳۵۰ ق در آنجا به تحصیل علوم پرداخت و از محضر اساتیدی همچون آیت‌الله آقا میرزا باقر زنجانی استفاده کرد، و در همان سال به تبریز و سه سال بعد به قم رفت، و مدت دو سال از محضر آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت در فقه و اصول استفاده نمود. وی دارای اجازاتی از آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله آقا ضیاء‌الدین عراقی و آیت‌الله حجت بود. در ۱۳۶۳ ق به تبریز بازگشت و به انجام وظائف دینی و تدریس پرداخت. از آثار وی: «تقریرات» درس آیت‌الله حجت، در اصول فقه؛ کتاب «اسلام و شیعه»، به فارسی؛ کتابی در «امامت حضرت ولی عصر (عج)»؛ کتابی در «اخلاق» [۱].

عبدالحسین غروی تبریزی از افاضل دانشمندان و علماء تبریز است.

وی فرزند رکن العلماء الاعلام آیه الله آقا شیخ مرتضی چهره قانی است که در سال ۱۳۲۸ قمری در نجف اشرف تولد یافته و تا سال ۱۳۵۰ در آنجا به تحصیل علوم پرداخته و از محضر اساتید آیه الله آقا میرزا باقر زنجانی استفاده کرده و در سال مزبور به تبریز آمده و تا سه سال در آن سامان اقامت و در سال ۱۳۵۳ قمری مهاجرت به قم نموده و مدت دو سال درک فیض از محضر آیه الله حایری و آیه الله حجت فقها و اصولا نموده و تا سال ۱۳۶۳ قمری که مراجعت به تبریز و اقامت گزیده و به وظائف دینی و روحانی از قبیل تدریس و اقامه جماعت در مسجد جامع و غیره می‌باشند.

آثار قلمی آن جناب از این قرار است: ۱- کتاب اسلام و شیعه فارسی مطبوع در تبریز.

۲ و ۳- تقریر دروس مرحوم آیه الله حجت اصول و فقه ۴- کتابی در موضوع امامت حضرت ولی عصر عجل الله فرجه.

۵- کتابی در اخلاق. دارای اجازات اجتهاد از مرحوم آیه الله العظمی اصفهانی و آیه الله محقق آقا ضیاء‌الدین عراقی و سیدنا الاستاد آیه الله حجت قدس الله اسرارهم می‌باشد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۳۲۰-۳۱۹ / ۳).

غروی تبریزی، میرزا علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شهید آیه‌الله العظمی میرزا علی غروی تبریزی سال ۱۳۰۵ شمسی در خانواده‌ای متدین و تجارت پیشه در شهر پرآوازه تبریز چشم به جهان گشود دو ساله بود که غبار دردناک یتیمی بر سرش فرو نشست و بدین ترتیب اولین جام بلا را در میدان زندگی سرکشید. در شش سالگی به فراگیری علوم دینی روی آورد و مقدمات را در آنجا گذراند سپس رحل سفر را در قم افکند تا در اقیانوس بی کران علم و دانش گوهر کمیاب اجتهاد را صید کند و وجود فرشی اش را به عطر دلربای کلام معصوم عرشی نماید. چندی بعد با کوله باری از علوم اکتسابی از فقیهانی همچون حضرات آیات بروجردی حجت کوه کمره ای خوانساری و شاهرودی از قم به نجف کوچید تا بابره گیری از حلقه های درس آیه‌الله العظمی خوئی و شیخ حسین حلی و محمد باقر زنجانی روح کمال جویش را کمی آرام کند اما او که نیلوفر جان را به دور عمود ایستادگی بالا می برد آنگاه که ذرات درخشان خورشید راستی و حقیقت را در حریم امیرالمومنین ع در آغوش کشید دریافت که در وادی عشق راحتی نیست. لذا پس از درگذشت استادش آیه‌الله العظمی خوئی بر کرسی تدریس می نشیند و با شوقی وصف ناپذیر و نظمی کم نظیر به تدریس و تالیف و تحقیق می پردازد تا اینکه طلاب بی شماری که از کوثر کلام گهر بارش سیراب شده بودند اورا چون نگینی ارزشمند در برمی گیرند. عالمی که در نظم و ترتیب زبانه زد همگان بود و هیچگاه مطالعه و عبادت و اقامه نماز در حرم امیرالمومنین ع و پاسخ به استفتائات اورا از رسیدگی به امور مردم غافل نمی کرد. نجوای زیارت عاشورا بر لبهای حق گویش آن هم در هر صباح شعله های عشق رادر دلش روز به روز فروزان تر می کرد و بر فروختگی صورتش رازبیاوزیباتر می کرد. او جان رابه زیارت مولا و مقتدایش آقا حسین بن علی ع پرواز داده و دل در کمند گنبد نورانی و حرمی پر حرمت و ضریهی که مهبط پر نشاط ملائک است بسته بود. چه بسیار لیالی جمعه ای که در جستجوی پرنده زیبای شهادت رهسپار کعبه دلها می شد تا در قنوتی عارفانه شهادت را به میهمانی دستهایش فرا خواند. سرانجام در شامگاه جمعه ۲۹ خرداد ۱۳۷۷ ش ۲۴ صفر ۱۴۱۹ ق در رجوع از زیارت آن حرم باصفا گلوله ای آتشین فراق جانکاه را به وصال دلربا مبدل می کند و عطر وصال را به مشام جان بیدارش می رساند و همراه با داماد ورائنده اش باغرووری بهت آور به استقبال شهادت می روند تازنده بودن را برای همیشه تفسیر کنند.

غروی توپسرکانی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۹- ۱۳۹۱ ق)، عالم دینی و فقیه. جد مادری اش آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی بود. در ۱۳۲۹ ق در نجف به دنیا آمد. در ۱۳۳۹ ق به اراک عزیمت کرد و از آنجا به دنیا آمد. در ۱۳۳۹ ق به اراک عزیمت کرد و از آن جا در خدمت آیت‌الله حایری به قم رفت. در ۱۳۴۳ ق پس از مرگ پدر تحت کفالت آیت‌الله حایری درآمد. مقدمات و ادبیات را نزد شیخ ابوالقاسم نحوی خواند و سطوح عالی را از محضر میرزای همدانی و آیت‌الله شیخ محمد علی حایری و آیت‌الله گلپایگانی بهره بود و سالهای متمادی از بحثهای فقه و اصول آیت‌الله حجت استفاده نمود. پس از ایشان منحصرأ در درس و بحث آیت‌الله بروجردی شرکت نمود.

او چند سالی متصدی مدرسه‌ی فیضیه و دارالشفاء بود. از آثارش: «دراسات» کتاب «طهارت» آیت‌الله حایری و «فقه و اصول» آیت‌الله حجت. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: گنجینه‌ی دانشمندان (۲۰۷ / ۲).

غروی علیاری، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۲ رمضان ۱۳۱۹ ق.

درگذشت: ۱ اردیبهشت ۱۳۶۷، تبریز.

آیت‌الله العظمی علی غروی علیاری تبریزی، فرزند آیت‌الله میرزا محسن از شاگردان آخوند خراسانی و صاحب رساله‌های متعدد اصولی و فقهی بود. ایشان پس از پشت سر نهادن دوران کودکی و فراگیری خواندن و نوشتن، به تحصیل علوم دینی روی آورد و نزد جدش آیت‌الله شیخ محمدحسن به فراگیری مقدمات و ادبیات و سطوح فقه و اصول و عقاید و کلام پرداخت. پس از تکمیل سطوح عالی، در بیست و دو سالگی عازم حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف شد و در مدرسه بخارایی سکونت ورزید و سالیان بسیار در محضر آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاءالدین عراقی، میرزای نایینی، شیخ اسدالله زنجانی، آقا سید ابراهیم اصطهباناتی، سید محمد حجت، سید ابوتراب خوانساری، حاج میرزا علی ایروانی، شیخ ابوالحسن مشکینی، میرزا احمد آشتیانی و جمال السالکین آقا سید علی قاضی به تحصیل فنون، اخلاق، فقه، اصول، کلام، رجال، عرفان، حکمت و فلسفه تا سال ۱۳۵۰ ق. پرداخت. وی در جوانی به دریافت اجازات متعدد روایی و اجتهادی از اساتید معظمش نایل آمد. ایشان در سال ۱۳۵۰ ق. به درخواست جدش آیت‌الله شیخ محمد حسن علیاری به تبریز بازگشت و به تحقیق، تدریس، تألیف، اقامه‌ی جماعت و پرورش شاگردان اشتغال ورزید. از آیت‌الله العظمی غرویی علیاری تبریزی نوشتارهای فراوانی به جای مانده است که عبارتند از: چهارده جلد تقریرات درس فقه آیت‌الله العظمی آقا ضیاءالدین عراقی در منجزات مریض (چاپ شده)، رهن، وصیت، وقف، رضاع، نکاح، صلح، خیارات، اجاره، قضاء، شروط، مسقطات خیار، غضب، زکات؛ دو جلد تقریرات درس فقه آیت‌الله العظمی میرزای نایینی در صلوات، بیع، خیارات؛ دو جلد تقریرات درس فقه آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی در طهارت و صلوات؛ دو جلد تقریرات درس آیت‌الله سید محمد حجت کوه کمره‌ای در صلوات و بیع؛ تقریرات درس فقه آیت‌الله میرزا علی ایروانی؛ دو جلد تقریرات درس فقه آیت‌الله شیخ اسدالله زنجانی در خلل صلاة و منجزات مریض؛ توضیح المسائل؛ شریح عروة الوثقی (از طهارت تا وصیت) در پنج جلد؛ شرح استدلالی ملحقات عروة الوثقی؛ ده جلد رساله‌های فقهی در صلح، عدم شرطیت رجوع در مسافر؛ محاذاة الرجل و المرأة فی الصلاة، جواز نقل المیت بعد الدفن، ربا، نماز جمعه، منجسیة المتنجس، لباس مشکوک، حرمان زوجه از عقار، الفروع السنیة، فروع تقلید؛ شرح وسیلة النجاة (سه جلد)؛ کتاب الطهارة؛ کتاب الصوم؛ کتاب الحج؛ مناسک حج (دو جلد)؛ شرح تبصره المتعلمین؛ شرح مبسوط مکاسب؛ علل الشرايع و الاحکام؛ شرح فوائد الاصول؛ شرح کفایة الاصول؛ رساله در ترتب رساله در وضع؛ رساله در ملازمه حکم عقل و شرع؛ قاعده من ملک (و قواعد دیگر)؛ هفت جلد کتاب تقریرات درس اصول آیات عظام: میرزای نایینی (مباحث الفاظ)، آقا ضیاءالدین عراقی (دوره کامل و قاعده لاضرر)، سید ابوالحسن اصفهانی، سید محمد حجت کوه کمره‌ای (مباحث عقیده

و تعادل و تراجیح)؛ شیخ اسدالله زنجانی میرزا علی ایروانی (اجتماع امر و نهی)؛ اصول عقاید؛ رساله فی الرجعة؛ تفسیر قرآن (دوازده جلد)؛ مفردات قرآن؛ شرح دعای صباح؛ شرح دعای کمیل؛ شرح دعای سمات؛ شرح دعای افتتاح؛ شرح دعای ابوحمزه ثمالی؛ شرح دعای زیارت جامعه کبیره؛ حل مشکلات الاخبار؛ شرح اربعین حدیث؛ شرح احادیث پیامبر اکرم (ص)؛ شرح احادیث امیرالمومنین در نهج البلاغه؛ منهاج الرشاد؛ المواعظ؛ النهج فی احوال الحجة (ع)؛ الکواکب الحسینیة؛ تقریرات درس آیت الله سید ابوتراب خوانساری؛ حاشیه بر رجال وحید بهبهانی.

آیت الله العظمی غروی علیاری تبریزی در تاریخ دوشنبه اول اردیبهشت ۱۳۶۷ (۱۳ ذیحجه ۱۴۱۷ ق.) در نود و هشت سالگی بدرود حیات گفت و پیکرش پس از تشییع در تبریز، به قم انتقال داده شد و پس از تشییع مجدد و نماز حضرت آیت الله بهجت بر آن، در صحن حضرت فاطمه معصومه (س) (بقعه آیت الله داماد) به خاک سپرده شد.

علی بن العلامه الحجه المیرزا محسن بن العلامه الکبری الحاج میرزا محمد حسن بن العلامه الکبری الحاج میرزا محمد حسن بن العلامه الکبیر آیه الله العظمی الحاج ملا علی علیاری صاحب کتاب مستطاب (بهجه المقال فی تنقیح الرجال) الغروی العلی یاری از علماء اعلام و مؤلفین کرام معاصر شهرستان تبریز است. وی در صبح جمعه ۱۲ ماه مبارک رمضان سال ۱۳۱۹ قمری هجری در تبریز متولد شده و پس از فراغت از مبادی علوم در خدمت جد امجدش مرحوم آیه الله میرزا محمد حسن سطوح را خوانده و بعد از تکمیل آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محاضر آیات عظام چون زعیم الشیعه آیه الله العظمی اصفهانی و مرحوم آیه الله نائینی و آیه الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیه الله آقا شیخ اسدالله رشتی و آیه الله آقا شیخ اسدالله رشتی و آیه الله آقا سید ابوتراب خوانساری و آیه الله میرزا ابوالحسن مشکینی و آیه الله حاج میرزا علی آقا ایروانی و آیه الله اصطهباناتی استفاده کامل نموده و دروس عقلی را از محضر آیه الله حاج میرزا احمد آشتیانی فراگرفته و از آنان به دریافت اجازات اجتهادی و روایتی نائل شده آنگاه به تبریز مراجعت و تا حال حاضر به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و غیره اشتغال دارند.

دارای تألیفات ارزنده عدیده‌ای می‌باشند که بشرح آنها می‌پردازم:

۱- دوره اصول و نصف تقریر بحث آیه الله محقق عراقی

۲- دوره اصول آیه الله میرزا حسین نائینی

۳- اغلب ابواب فقه از تقریرات آیه الله عراقی

۴- تقریرات اباحت آیه الله العظمی اصفهانی

۵- تقریرات اباحت آیه الله العظمی حجت کوه کمری

۶- تقریرات اباحت آیه الله ایروانی (قده)

۷- تقریرات اباحت آیه الله مشکینی (قده)

۸- شرح دعاء سمات ۹- شرح دعاء صباح ۱۰- شرح اربعین حدیث ۱۱- اصول دین مبسوط فارسی ۱۲- رسائل متفرقه در اصول و فقه ۱۳- رساله در ملازمت ۱۴- رساله در جریان استصحاب در اعدام ازلیه ۱۵- رساله در غیبه ۱۶- رساله در خلل، تقریر بحث آیه الله محقق زنجانی ۱۷- رساله در بعض فروع عروه الوثقی ۱۸- رساله در مواکب الحسینیة ۱۹- رساله در رضاع ۲۰- رساله در منجزات مریض ۲۱- رساله در قاعده من ملک و در قواعد دیگر ۲۲- رساله در قاعده لا ضرر ۲۳- رساله در نجاسه متنجس ۲۴- رساله‌ای در لباس مشکوک و چندین رسائل دیگر.

از باقیات الصالحات دیگر معظم له فرزند ارجمند ایشان جناب حجه الاسلام آقا شیخ محمد جواد غروی علی یاری است که اکنون از علماء و دانشمندان مقیم تهران است. وی در نجف متولد شده و پس از خواندن مقدمات و سطوح و استفاده از محاضر آیات عظام خوئی و حکیم و دیگران به مشهد رضوی مسافرت و چندین سال اقامت و از محضر آیه الله العظمی میلانی مدظله استفاده

نموده آنگاه به قم منتقل و چند سالی از ابحاث و محاضر آیات عظام نجفی مرعشی و شریعتمداری و گلپایگانی استفاده نموده و دو سالی بنا بر دعوت عده‌ای از مؤمنین به تهران عزیمت و رحل اقامت افکنده و در مسجد امام زاده زید بازار و مسجد دیگر به اقامه جماعت و انجام وظائف دینی اشتغال دارند. آن جناب ترجمه مفصلی از اسره و خاندان علیاری مرقوم داشته‌اند ولی چون در کتب رجالی دیگر مانند علماء معاصر و غیره مذکور بود از ذکر آن خودداری نمودم.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

غروی، اسماعیل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اسماعیل غروی

محل تولد: باغملک

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سن ۷ سالگی احکام دینی و خواندن و نوشتن را در محضر پدر خود فرا گرفتم سپس به مکتب جهت خواندن قرآن و سایر کتاب های دینی مدت ۴ سال مشغول شدم ۲ سال دیگر از محضر پدر استفاده کردم.

در سن ۱۴ سالگی راهی حوزه علمیه اهواز شدم .

مدتی از استادانی مانند سید شمس الدین ، سید عبد الکریم موسوی نجفی ، شیخ مروج (استاد جامع المقدمات امام) سپس از مرحوم سید محمد کاظم آل طیب و از سید اسماعیل مرعشی و مرحوم امامی ، مرحوم علم الهدی و شیخ ابوالحسن انصاری ، مرحوم آیت الله بهبهانی ، آقای شیخ مرتضی انصاری و سایر اساتید محترم مانند مرحوم آیت الله کرمی و... استفاده کردم .

مدتی در حوزه علمیه شوشتر از اساتید بزرگوار از علماء شوشتر مرحوم صاحب قاموس رجال و دیگران بهره وافر بردم . پس از آن به نیشابور رفتم و مدت چهار سال در نیشابور از اساتیدی مانند مرحوم آقای مروی و ضیائی ، حاج آقا رضا نجفی و آیت الله موسوی نیشابوری استفاده کردم .

بعد از آن به مشهد مقدس رفتم از ادیب خراسانی مرحوم کفایی مرحوم شیرازی میلانی مصباح واعظی مرحوم افتخاری و دیگر اساتید محترمی که در مشهد مقدس بحث داشته اند بهره بردم .

سپس به قم آمدم و از مرحوم آیت الله مرعشی نجفی ، گلپایگانی و مرحوم آیت الله سلطانی هم درس و هم مشی زندگی بهره بردم .

از اساتید فوق الذکر صرف ، نحو ، منطق ، احکام ، اصول ، فقه تا سطح خارج استفاده کردم در قسمت طب از مرحوم والد و از دکتر جزایری و دکتر خراسانی دکتر موسوی و از دکترهای روان شناس استفاده نمودم و در قسمت جامعه شناسی از اساتید بزرگوار استفاده نمودم .

غروی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد غروی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۹/۱/۱

زندگینامه علمی

سید محمد غروی در سال ۱۳۲۹ در تهران در خانواده‌ای از سلسله جلیله سادات و اهل علم به دنیا آمد، اجداد او همه از اهل علم و فضل بوده‌اند، و پدر او آیت الله سید محمد رضا غروی از علمای تهران و وکیل مورد اعتماد حضرت امام (ره) و دیگر مراجع بزرگ تقلید بود و هم اکنون در تهران امام جماعت می‌باشد و به تدریس و رتق و فتق امور مردم می‌پردازند. غروی تحصیلات حوزوی خود را در تهران در مدرسه حاج ملا محمد جعفر که به مدرسه آقای مجتهدی معروف است در سال ۱۳۴۱ آغاز کرد او پس از طی دروس مقدمات، دروس سطح را آغاز کرد و تا اواخر رسائل و مکاسب را در تهران خواند و سپس در سال ۱۳۴۸ به قم عزیمت نمود در قم نیز دروس سطح عالی را پشت سر گذاشت، و به درس خارج استادان برجسته حوزه علمیه قم راه یافت، او سالها در درس خارج استادان بزرگ بطور فعال شرکت می‌جست و هم اکنون خود از اساتید و محققان برجسته حوزه علمیه قم به شمار می‌رود. غروی در دوران تحصیل خود به محضر عالمان و فرهیختگان بسیاری راه یافت، او در تهران دروس مقدماتی از قبیل صرف و نحو و منطق و معانی بیان و بدیع را از اساتیدی چون حضرات حجج اسلام و المسلمین و آیات: حاج شیخ محمدرضا ناصری (امام جمعه فعلی شهرکرد)، حاج شیخ محسن حبیبی، و حاج آقا موسوی تهرانی و حاج آقای طبرستانی، و اخوان حاج سید حسن مصطفوی و حاج سید حسین مصطفوی آموخت، و معالم و شرح لمعه را خدمت حضرات آیات: حاج میرزا علی سعیدیان و حاج شیخ ابوالقاسم تنکابنی و حاج سید هاشم حسینی تهرانی، و دروس رسائل و مکاسب را عمدتاً خدمت حضرات آیات: حاج شیخ حسین کنی و حاج آقا مرتضی تهرانی، و حاج آقا تقی قمی، فرا گرفت، با ورود به حوزه علمیه قم در سال ۴۸ باقیمانده رسائل را نزد مرحوم آیت الله حرم پناهی (ره)، و خیارات مکاسب را نزد آیت الله العظمی فاضل لنکرانی آموخت، و پس از آن در درس کفایه آیت الله العظمی فاضل لنکرانی و آیت الله سلطانی و آیت الله سبحانی شرکت کرد.

با اتمام دوره سطح به درس خارج فقه و اصول آیات عظام حاج سیدمحمدرضا گلپایگانی (ره)، حاج شیخ مرتضی تهرانی، حاج شیخ کاظم تبریزی، حاج شیخ محمد شاه آبادی و حاج سید محمد روحانی، و حاج شیخ حسین وحید خراسانی، و حاج شیخ جواد تبریزی رفت و سالها (حدود سی سال) از محضر آنان بهره‌مند گردید. او در بخش علوم عقلی، شرح منظومه را نزد حضرات آیات: انصاری شیرازی و محمدی گیلانی، شرح اشارات را نزد آیت الله حسن زاده آملی و نه‌ایه الحکمه و فلسفتنا و نقد فلسفه غرب را نزد آیت الله مصباح و شرح تجرید را نزد آیت الله حاج سید حسین قاضی طباطبایی و اسفار را نزد حضرات آیات: جوادی آملی و شاه آبادی آموخت. ضمناً دو دوره عرفان (تمهید و شرح الفصوص) و تفسیر را از آیت الله جوادی آملی آموخت، و چند سالی نیز از تفسیر موضوعی و درس اخلاق آیت الله مصباح استفاده نمود. ایشان در خلال چند سالی که در تهران بود (۱۳۴۸ - ۱۳۴۱) ضمن

استفاده از اساتید مختلف مقدمات و سطوح، به تدریس صرف و نحو و منطق در سطوح مختلف مشغول بود و پس از هجرت به قم در کنار استفاده از دروس اساتید برجسته همواره به تدریس سطح و سطح عالی اصول، فقه، فلسفه و تفسیر اشتغال داشته است و هم اکنون نیز دارای تدریس خارج فقه می‌باشد، ضمن آنکه چندین سال در مؤسسه امام خمینی (ره) و مرکز تخصصی کلام و تفسیر تدریس می‌نمود، و هم اکنون در مؤسسه امام خمینی (ره) دارای تدریس است.

ایشان در سال ۵۴ ضمن ادامه درس و تدریس در حوزه در اوّلین دوره آموزشی مؤسسه در راه حق شرکت جست و برخی از دروس تفسیر و فلسفه و دیگر دروسی که در حوزه ارائه نمی‌شد، در آنجا گذرانند، و پس از پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در سالهای ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ مدتهای زیادی را در شمال و خرمشهر و آبادان و بوشهر به تبلیغ و تدریس معارف در مراکز علمی و نظامی سپری کرد و در خرمشهر و آبادان و بوشهر به عنوان نمایندگی ولی فقیه فعالیت می‌نمود و پس از آن نیز دو بار دیگر به مناطق جنگی غرب کشور و جنوب کشور برای تبلیغ عزیمت نمود و از آن زمان تا کنون در قم بطور متمرکز مشغول تحقیق و تدریس می‌باشد. در سال ۱۳۶۱ که به امر حضرت امام خمینی (ره) مبنی بر لزوم بازنگری در علوم انسانی دفتر همکاری حوزه و دانشگاه تأسیس شد (که امروزه با ارتقائی که یافته تبدیل به پژوهشگاه حوزه و دانشگاه گردیده است) و در کنار همه کارهای علمی حوزوی با گروه روانشناسی آن مرکز همکاری داشته و دارد که حاصل آن جزواتی است که در آن زمینه تهیه شده و همچنین تدوین دو جلد کتاب مکتبهای روانشناسی و نقد آن که تمامی نقدهای آن که بیشترین قسمت کتاب را تشکیل می‌دهد از ایشان است و ارائه مشاوره و نظارت جدی علمی بر حدود ده (۱۰) اثر ارزشمند در زمینه روانشناسی، جامعه‌شناسی، تفسیر و... از قبیل دو جلد روانشناسی سلامت انسان از دیدگاه اسلام، روانشناسی اجتماعی، روانشناسی رشد (دو جلد) مکاتب تفسیری و کتاب نابرابری و ستم جنسی از دیدگاه اسلام و فمینیسم، روانشناسی تبلیغ تبلیغ، روانشناسی باورهای دینی، خانواده از دیدگاه اسلام با رویکردی روانشناختی و... همچنین نامبرده در مجموعه محققان مؤسسه اسراء در گروه تفسیر جایگاه خاصی دارد و عضو عالی آن مجموعه تلقی می‌شود و تا کنون بازنگری محتوایی حدود بیست (۲۰) جلد اثر تفسیری حضرت آیت الله جوادی (اعم از تفسیر تربیتی تسنیم و دو جلد توحید در قرآن و یک جلد وحی و نبوت و یک جلد تفسیر انسان به انسان) را عهده دار بوده است و نظرات ایشان مورد توجه حضرات استاد قرار گرفته و هم اکنون نیز ادامه دارد. لازم به ذکر است ایشان پس از بازگشایی دانشگاهها از سال ۶۰ تا ۷۹ یک روز در هفته وقت خود را به تدریس در دانشگاههای تهران، شهید بهشتی و... اختصاص داد و در آن مراکز علمی دروس تخصصی اسلامی از قبیل فقه، اصول، فلسفه، کلام و دیگر معارف اسلامی و انسانی را ارائه می‌نمود. در خلال سالهای اخیر اضافه به تدریس و تحقیق و تألیف و نظارت و مشاوره دادن به کارهای علمی، استاد راهنما یا مشاور و یا داور دهها رساله کارشناسی ارشد و سطح ۳ و ۴ بود، ضمن آنکه مقالاتی در مجله نور علم، حوزه و دانشگاه و معرفت و یا مصاحبه‌های علمی در مجلات حوزوی ارائه نموده است، و اکنون نیز در خلال کارهای علمی و تدریس مدیریت گروه روانشناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مؤسسه امام خمینی (ره) را بعهده دارد. از مسؤلیتهای ایشان عضویت در دو دوره شورای عالی سیاستگزاری حوزه علمیه و عضویت در جامعه مدرسین، عضویت در شورای مدارک علمی حوزه علمیه، و عضو هیأت علمی در گروه تفسیر پژوهشگاه اندیشه و فرهنگ می‌باشد.

غروی، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدحسین بن العلامة الورع آیت‌الله آخوند ملا محمدعلی رفسنجانی از علماء معاصر رفسنجان برادر بزرگوار مرحوم آیت‌الله نجفی سابق‌الذکر است وی در حدود سال ۱۳۰۸ قمری در رفسنجان متولد شده و در مهد علم و فضیلت پرورش یافته و مقدمات و ادبیات را از والدش فرا گرفته و مدتی به اصفهان و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات عظام فیروزآبادی و آقا ضیاء‌الدین عراقی و آیت‌الله العظمی اصفهانی و دیگران بهره‌مند گشته آنگاه مراجعت به وطن نموده و به وظائف دینی و روحی پرداخته و تا هم‌اکنون به اقامه جماعت و ارشاد مردم و تبلیغ احکام اشتغال دارد و در علم و تقوی نمونه بارز برادر بزرگوارش می‌باشد.

محمدحسین غروی برادر مرحوم آیت‌الله نجفی از علماء اعلام معاصر رفسنجانست

وی در سال ۱۳۰۸ قمری در رفسنجان متولد شده و تا سن ۱۷ سالگی ادبیات و فقه و اصول را از محضر والد ماجدشان که از نوابغ زمان خود بودند و در اکثر علوم تبحری کامل داشتند فرا گرفته و سپس عزیمت به اصفهان نموده و در آنجا از محضر اساتید و فحول علمی چون مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدباقر درچه‌ای و آخوند گزی و آیت‌الله ارباب به تکمیل فقه و اصول و حکمت و هیئت پرداخته و در معیت و مصاحبت مرحوم برادرش به نجف اشرف مهاجرت نموده و از محضر مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله آقا ضیاء‌الدین عراقی و آیت‌الله حاج سید محمد فیروزآبادی و دیگران استفاده نموده تا به مدارج عالیه اجتهاد رسیده و با دریافت اجازات اجتهاد در سال ۱۳۴۶ قمری به ایران مراجعت و پس از فوت مرحوم والدشان آیت‌الله آخوند ملا محمدعلی طاب ثراه در رفسنجان توقف نموده و تا حد قدرت و استطاعت مشغول ترویج احکام و تعظیم شعائر مذهبی و پرورش و تربیت طلاب علوم دینی و تأسیس مدرسه علمی به همراهی مرحوم اخوی خود آیت‌الله نجفی گردیده و در ماه رمضان به موعظه و ارشاد مردم پرداخته و تاکنون بحمدالله به اقامه جماعت و انجام وظیفه اشتغال دارند.

آثار علمی ایشان از اینقرار است

۱- تقریرات درس مرحوم آیت‌الله نائینی

۲- حکومت عقل در پیرامون خلافت بلافضلی امیرالمؤمنین (ع).

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

غروی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

درگذشت: ۱۳۶۴، احتمالاً ترکیه.

محمود غروی تحصیل کرده‌ی ترکیه و محقق و مؤلف کتاب فهرست اسناد تاریخی ایران در آرشیو صدارت عثمانی در استانبول (این تاب در سلسله انتشارات فرهنگستان ادب و هنر ایران به شماره‌ی ۱۵ به سال ۱۳۵۷ منتشر شد) بود.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

غروی، بدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام آقای حاج میرزا یدالله غروی تبریزی از فضلاء مبرز حوزه و اتقیاء اصحاب و تلامذه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی است، وی از تبریز مهاجرت به قم نموده و پس از تکمیل سطوح از محضر آیات عظام مرحوم آیت الله العظمی بروجردی و آیت الله العظمی مرعشی نجفی استفاده نموده است.

از آثار اوست تعلیقات بر من لایحضره الفقیه شیخ بزرگوار صدوق ره که از ثلث مرحوم حاجی اصفهانی به طبع رسیده است. (س چهاردهم ق)، فقیه و مدرس. وی از فضلاء بزرگ و شاگردان آیت الله مرعشی نجفی بود. از تبریز به قم مهاجرت کرد و پس از تکمیل سطوح، از محضر آیت الله بروجردی و آیت الله مرعشی نجفی استفاده نمود. از آثارش تعلیقاتی بر «من لایحضره الفقیه» شیخ صدوق است. [۱]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۲ / ۳۲۰).

غروی‌ان، محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن غروی‌ان

محل تولد: نیشابور

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

محسن غروی‌ان در سال ۱۳۳۸ در نیشابور بدنیا آمد و پس از اخذ مدرک دیپلم فنی راه و ساختمان در سال ۱۳۵۷ راهی حوزه علمیه قم شد و در سال ۱۳۵۸ رسماً شروع به تحصیل علوم حوزوی نمود. وی دروس مقدمات و سطح را به پایان رسانید و در درس خارج فقه و اصول از محضر آیات عظام وحید خراسانی- فاضل لنکرانی- شیخ جواد تبریزی- مکارم شیرازی و جوادی آملی بهره برد تا اینکه برای کاندیداتوری در مجلس خبرگان رهبری در دوره سوم در امتحان اجتهاد شرکت نموده و آن را با موفقیت پشت سر گذاشت. ایشان در کنار دروس فقه و اصول در موسسه در راه حق و بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) و موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) دروس کلام و فلسفه و آشنایی با مکاتب غربی را پشت سر گذاشته و هم‌اکنون عضویت در شورای سردبیری مجله علمی- تخصصی معرفت را با مدیریت آیت الله مصباح یزدی بعهده دارد.

محسن غروی‌ان عضو هیئت علمی و استاد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) است. از ایشان تاکنون بیش از ۴۰ اثر علمی به صورت کتاب بچاپ رسیده است و مقالات کوتاه و بلند ایشان که در مطبوعات مختلف به چاپ رسیده بالغ بر ۵۰۰ مقاله است. موسسه فرهنگی- انتشاراتی «یمین» به همت ایشان تاسیس شده و تاکنون قریب ۲۰ عنوان کتاب منتشر کرده است. محسن غروی‌ان با دو زبان انگلیسی و عربی آشناست و تاکنون در همایشها و کنگره‌های مختلف داخلی و خارجی مقالاتی را به زبانهای فوق ارائه نموده است. ایشان هم‌اکنون به تدریس خارج اصول و اسفار ملا صدرا اشتغال دارد و در کنار اشتغالش در حوزه، در مجامع

مختلف علمی - سیاسی با ارائه کنفرانس و سخنرانی به امر تبلیغ می پردازد. وی از سوی بعثه مقام معظم رهبری (دام عزه) به عنوان مبلغ زبانندان و عضو هیئت علمی برگزیده شده است. محسن غرویان نویسنده ای است که مستمرا شبهات دینی و فلسفی و اعتقادی را در نشریات و مطبوعات مطالعه می کند و مورد نقد و بررسی قرار می دهد. مجموعه این پرسش و پاسخها تاکنون علاوه بر چاپ در مطبوعات به صورت چهار جلد کتاب نیز بچاپ رسیده است. وی سفرهای متعدد علمی به کشورهای مختلف جهان داشته است: در سال ۱۳۶۱ برای تبلیغ در مجامع علمی و دانشگاهی به کشورهای فیلیپین - مالزی و هند سفر کرده است . در سال ۱۳۶۹ برای شرکت در سمینارهای علمی، کلامی و فلسفی به کشور کانادا مسافرت نموده است. چهار سفر بعنوان زبانندان و عضو هیئت علمی بعثه مقام معظم رهبری به حج اعزام شده است. علاوه بر این با سفر به کشورهای سوریه و عراق با برخی چهره های علمی و فرهنگی نشستها و گفتگوهای علمی در باب ادیان و ملل و نحل داشته است. محسن غرویان یکی از داوران و صاحب نظران در گزینش کتاب سال در حوزه دین و فلسفه است و بعنوان عضو شورای بررسی کتاب استان قم نیز بر روند چاپ و نشر کتب نظارت داشته است. وی هم اکنون عمدتا به تحقیق و تدریس و تالیف اشتغال دارد. محسن غرویان بخشی از وقت روزانه خود را صرف پاسخگویی به سوالات و شبهات علمی - اعتقادی می کند و با شماره تلفن ۲۹۳۶۰۵۴ به پرسشهای علاقمندان بخصوص نسل جوان پاسخ می گوید .

غزال زعفرانی اصفهانی، ابوعبدالله محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۶۹ ق)، حافظ، محدث، قاری و نویسنده. از مقلب به شیخ القراء. وی از محمد بن علی فرقدی و عبدان اهوازی و محمد بن زبان و علی بن احمد علان قاسم بن عصار دمشقی و دیگران حدیث شنید. ابوسعید مالینی و ابونعیم حافظ و ابوبکر احمد بن محمد بن حارث ادیب و عبدالعزیز بن احمد بن فاذویه از وی حدیث شنیدند. گفته اند که او صاحب تصانیف در قرآآت و حدیث بوده است. از آثارش کتاب «الوقف و الابتداء» است. در «شذرات الذهب» وفات وی را در ۳۶۳ ق ذکر کرده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: تذکره الحفاظ (۹۶۵ - ۹۶۴ / ۳)، سیر النبلاء (۲۱۷ / ۱۶)، شذرات الذهب (۴۷ / ۳)، طبقات الحفاظ (۳۸۶ - ۳۸۵)، معجم المؤلفین (۱۴۲ / ۱۰)، هدیه العارفین (۴۹ / ۲).

غزالی بلخی، امیر اسلام

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، طیب و شاعر. از نوادگان امام محمد غزالی بوده و در علم طب و حکمت مهارت کامل داشته است. امیر اسلام در سرودن قصیده توانا بوده و در آن از انوری اقتفا می نموده است. وی در دوره ی هزار اسپیان در بلخ بوده و در زمان سلطان ابوسعید گورکانی (۸۷۳ - ۸۵۴ ق) در بلخ در گذشته و در همان شهر دفن شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۳۳۰)، حبیب السیر (۶۲-۶۱ / ۴)، الذریعه (۷۳ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۶۷)، لغت‌نامه (ذیل / اسلام)، مجالس النفائس (۱۴، ۱۸۹).

غزالی طوسی، حجه‌الاسلام، زین‌الدین، ابوحامد محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۰۵-۴۵۰ ق)، فیلسوف، حکیم، عارف و فقیه شافعی. معروف به امام غزالی. در طابران طوس به دنیا آمد و در طوس، جرجان و نیشابور تحصیل کرد. محضر امام الحرمین ابوالمعالی جوینی فقیه و متکلم بزرگ شافعی را دریافت و در بیست و هشت سالگی در بیشتر علوم زمان خود استاد مسلم بود. پس از درگذشت ابوالمعالی به خدمت خواجه نظام‌الملک طوسی رسید و بسیار مورد احترام قرار گرفت. از ۴۸۴ ق در نظامیه‌ی بغداد به تدریس پرداخت و به وعظ و تصنیف نیز اشتغال داشت. وی در سی و نه سالگی دچار تحول روحی شده از دنیا و مقامات دنیوی برید و برادرش را به جانشینی خود برگزید و به قصد سیر و سلوک و ریاضت به سفر رفت و ده سال در شهرهای شام و حجاز و جزیره به سر برد و در ۴۹۸ ق به طوس بازگشت. در ۴۹۹ ق به درخواست سلطان سنجر به نیشابور به جهت تدریس در مدرسه‌ی نظامیه رفت. در ۵۰۰ ق به طوس و خانقاه خود بازگشت و به ارشاد و تعلیم پرداخت و دیگر دعوت سلاطین و رجال را نپذیرفت و زهد و قناعت عمر را به پایان رسانید. غزالی در طوس درگذشت و در همان جا دفن شد. شمار آثار وی بسیار است. اما مشهورترین آثار او عبارتند از: «نصیحه الملوک»؛ «فضاء الانام من رسائل حجه‌الاسلام»؛ «احیاء علوم‌الدین» یا «احیاء‌العلوم»؛ «کیمیای سعادت»، که خلاصه و ترجمه‌ای فارسی از کتاب «احیاء‌العلوم» است؛ «تهافت الفلاسفه»؛ «المنقذ من الضلال». [۱]

(ع). (حجه‌الاسلام) محمد بن محمد بن محمد بن احمد طوسی مکنی به ابوحامد و ملقب به حجه‌الاسلام، دانشمند معروف دوره‌ی سلجوقی (و. طابران طوس ۴۵۰ ه.ق / ۱۰۵۸ م- ف. طابران طوس ۵۰۵ ه.ق / ۱۱۱۱ م). وی در فقه و حکمت و کلام سرآمد عصر بود. پدرش مردی متعبد بود و بافندگی پیشه داشت و لقب «غزالی» به مناسبت پیشه‌ی اوست. هنگامی که محمد و برادرش احمد کودک بودند پدرشان درگذشت و آن دو در کنف حمایت ابوحامد احمد بن محمد رادکانی قرار گرفتند و مقدمات علوم دینی را نزد وی آموختند. غزالی پس از مدتی تحصیل در طوس و گرگان به نیشابور رفت و در خدمت امام‌الحرمین ابوالمعالی جوینی (امام‌الحرمین) فقیه به تحصیل فقه و کلام پرداخت، و در همه‌ی علوم دینی عصر خود استاد مسلم گردید و با این حال تا سال فوت امام‌الحرمین همچنان در خدمت وی باقی ماند. سپس در نیشابور به خدمت خواجه نظام‌الملک وزیر رفت و در نتیجه‌ی مناظره‌ای که در مجلس این وزیر ترتیب داده شده بود فضیلت و مقام وی بر خواجه معلوم گردید. پس از ۸ سال- یعنی در سال ۴۸۴ ه.ق / ۱۰۹۱ م- نظام‌الملک منصب تدریس مدرسه‌ی نظامیه را به غزالی- که در آن هنگام ۳۵ ساله بود- تفویض کرد. وی ۴ سال (یعنی تا سال ۴۸۸ ه.ق / ۱۰۹۵ م). بدین شغل اشتغال داشت که تحولی در روح وی پدید آمد و منصب مدرسی را به برادرش احمد واگذار کرد و در بلاد شام و حجاز به سیر و سلوک پرداخت. پس از ۱۰ سال، به سال ۴۹۸ ه.ق به طوس بازگشت و سال بعد (۴۹۹) بنا به درخواست سلطان سنجر و وزیرش- که فرزند نظام‌الملک بود- در نظامیه‌ی نیشابور به تدریس پرداخت. در سال ۵۰۰ ه.ق به طوس بازگشت و خانقاهی ترتیب داد و به ارشاد خلق مشغول گردید و دیگر مسند تدریس را قبول نکرد و از کسی نیز مالی نپذیرفت و از آن پس در انزوا بسر می‌برد. غزالی با آنکه از مخالفان فلسفه بود، در نتیجه‌ی سفرها و سیر و سلوک مقالات و گفتارش چاشنی

عرفان پیدا کرده مورد تکفیر فقیهان قرار گرفت و خلقی به آزارش همت گماشتند. وی در طابران (طوس) در گذشت و همانجا مدفون شد. از او آثار متعددی باقی مانده که مهمترین آنها از این قرار است: کیمیای سعادت (فارسی)، نصیحة الملوک (فارسی)، احیاء علوم الدین (عربی)، تهافت الفلاسفه (در رد بر فیلسوفان، عربی)، مکاتیب، المنقذ من الضلال، جواهر القرآن، شفاء العلیل، منهاج العابدین، الجام العوام عن علم الکلام، المستصفی من علم الاصول، عقیده اهل السنه. ضح. -۱- غزالی: ضح. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: الاعلام (۲۴۸-۲۴۷ / ۷)، ایضاح المکنون (۱۱ / ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۲۶-۹۲۰، ۲۷۷، ۲۶۹-۲۶۸ / ۲)، تاریخ عرفانی و عارفان ایرانی (۴۲۲-۴۰۷)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۳۰۲-۲۷۵)، جستجو در تصوف (۱۱۰-۸۵)، دایره‌المعارف فارسی (۱۸۰۶-۱۸۰۵ / ۲)، ریاض العارفین (۱۳۲-۱۳۱)، ریحانه (۲۴۳-۲۳۷ / ۴)، سیر النبلاء (۳۴۶-۳۲۲ / ۱۹)، شخصیت‌های نامی (۳۵۸-۳۵۷)، شذرات الذهب (۱۳-۱۰ / ۴)، العبر (۳۸۷ / ۲)، فرار از مدرسه، فرهنگ سخنوران (۶۶۸)، الکامل (۲۶۴ / ۸)، کشف الظنون (۱۸۶۹، ۱۵۳۴-۱۵۳۳، ۵۱۳-۵۰۹)، الکنی و الالقاب (۴۹۵-۴۹۲ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل / ابوحامد غزالی)، مبانی عرفان و احوال عارفان (۴۱۴-۴۰۴)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۵۰۵)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۳۸-۳۷ / ۱۹)، معجم المؤلفین (۲۶۹-۲۶۶ / ۱۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۲۹-۷۲۴ / ۵)، النجوم الزاهره (۲۰۰-۱۹۹ / ۵)، نفحات الانس (۳۷۹-۳۷۶)، الوافی بالوفیات (۲۷۷-۲۷۴ / ۱)، وفیات الاعیان (۲۱۹-۲۱۶ / ۴)، هدیه العارفین (۸۱-۷۹ / ۲)، هفت اقلیم (۱۹۴ / ۲).

غزالی طوسی، مجدالدین، ابوالفتوح احمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۲۰ / ۵۱۷ ق)، عارف، واعظ و شاعر. وی که برادر کهنتر امام محمد غزالی طوسی است، در طوس دیده به جهان گشود و در اوان کودکی پدر خویش را از دست داد و در نهایت فقر درویشی زندگی را سپری کرد. احمد اگر چه فقه را فراگرفت اما به زهد و تصوف گرایش داشت. در طریقت، شیخ او ابوبکر نساج بود و از برجسته‌ترین شاگردان غزالی، باید از عین القضاة همدانی، سنائی غزنوی و ابوالنجیب سهروردی نام برد. وی پس از کناره‌گیری برادرش امام محمد غزالی از تدریس در نظامیه، یک چند به جای او تدریس کرد. غزالی علاوه بر این در تصوف نام‌آور بود و صاحب آثار. در وعظ و خطابه نیز استاد بود، مواعظ او در هشتاد و سه مجلس توسط صاعد بن فارس لبانی جمع‌آوری شده است. احمد غزالی به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌سروده است. در قزوین در گذشت. از آثار وی: «سوانح العشاق»؛ «احیاء الاحیاء» یا «لباب الاحیاء»، در تلخیص «احیاء العلوم» برادرش؛ «الذخیره فی علیم البصیره»؛ «بحر المحبه فی اسرار الموده»؛ تفسیر سوره‌ی یوسف؛ «تازیانه‌ی سلوک» یا «رساله‌ی عینیه» [۱].

(ع). احمد بن محمد بن محمد بن احمد طوسی، فقیه و عارف ایرانی (ف. قزوین ۵۲۰ ه. ق) وی مانند برادر بزرگش محمد غزالی (۲- غزالی) پس از فوت تحت تعهد و نگاهداشت احمد رادکانی قرار گرفت و مقدمات تحصیل علوم دینی را در نزد او آموخت. احمد از جمله‌ی فقهای شافعی بود و به وعظ علاقه داشت و مدت ۱۰ سال (از ۴۸۸ تا ۴۹۸ ه. ق) بجای برادر به تدریس در نظامیه‌ی بغداد اشتغال داشت. در طریقت پیرو ابوبکر نساج بود. ذهبیه او را از کبار سلسله‌ی خود می‌دانند. او راست: لباب الاحیاء که اختصار احیاء علوم الدین است، الذخیره فی علم البصیره- بحر الحقیقه، رساله‌ی عشقیه، سوانح العشاق، مکاتیب، کتاب مجالس شیخ احمد، کتاب الحق والحقیقه.

ضح. - بعضی او و برادرش را غزالی منسوب به غزال یا غزاله قریه‌ای از قرای طوس دانند (۲- غزالی).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۲۰۸ / ۱)، ایضاح المکنون (۴۵۵، ۹، ۲ / ۵۶۶، ۴۴۰، ۱۹۷ / ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۳۵-۹۳۲ / ۲)، تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (۴۲۵-۴۲۳)، تاریخ گزیده (۶۶۵-۶۶۴)، تاریخ نظم و نثر (۶۹)، تصوف اسلامی و رابطه انسان و خدا (۱۹۳، ۱۹۰، ۱۸۹، ۱۸۴-۱۸۳)، دایره‌المعارف فارسی (۱۸۰۶ / ۲)، روضات الجنات (۲۸۸-۲۸۵ / ۱)، شذرات الذهب (۶۴، ۶۰ / ۴)، العبر (۴۱۳-۴۱۲ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۱۵۹۰، ۱۴۱۳، ۱۰۰۹، ۹۸۵، ۹۰۱، ۸۲۵)، الکنی و الالقاب (۴۹۵ / ۲)، لسان المیزان (۴۴۲، ۴۴۰ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل / احمد)، مبانی عرفان و احوال عارفان (۴۱۸-۴۱۵)، مجالس النفائس (۳۱۸)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۸۱-۸۰ / ۱۹)، معجم المؤلفین (۱۴۷ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۰-۴۲۹ / ۱)، النجوم الزاهره (۲۲۴ / ۵)، نفحات الانس (۳۸۰-۳۷۹)، و فیات الاعیان (۹۸-۹۷ / ۱).

غزالی، عبدالباقی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ع.) عبدالباقی بن محمد بن عبدالواحد مکنی به ابومنصور محدث دانشمند (ف. ۵۱۳ ه.ق.) وی معاصر امام غزالی (۲- غزالی) و شاگرد کیای هراسی بود و ابوطاهر سلفی از او روایت می‌کند.
برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

غزنوی کاشانی، جمال‌الدین احمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۹۳ ق.)، فقیه و اصولی حنفی. از علمای قرن ششم بود که در حلب درگذشت. از آثارش: «روضه اختلاف العلماء»، در اصول فقه؛ «المقدمه الغزنویه» یا «المقدمه المختصره»، در فروع فقه حنفی؛ «روضه المتکلمین فی اصول الدین»، در کلام؛ «مختصر روضه المتکلمین»؛ «عقائد الغزنوی»؛ کتاب «الاصول»، در فقه؛ «الحاوی القدسی»، در فروع؛ «النتف فی الفتاوی». [۱]
(ع.) منسوب به غزنه: غزنی: غزنین) احمد بن محمد بن سعید، فقیه و اصولی (ف. حلب ۵۹۳ ه.ق / ۱۱۹۷ م.). او راست: روضه اختلاف الفقهاء، المقدمه المختصره در فقه، روضه المتکلمین در اصول دین.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۲۰۹ / ۱)، ایضاح المکنون (۵۷۱ / ۲)، کشف الظنون (۱۸۳۸، ۱۸۰۳-۱۸۰۲، ۹۳۲)، معجم المؤلفین (۱۵۶ / ۲).

غزنوی، ابوالقاسم محمود

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۴۲۱-۳۶۰ ق). ملقب به سیف‌الدوله، امین‌المله، یمین‌الدوله و غازی. او هنگام فوت پدر خویش به انجام امور سپاهی و لشکری در نیشابور مشغول بود. سپس برادرش، اسماعیل غزنوی، را که جانشین پدر در غزنه بود از حکومت عزل و در نهایت روانه‌ی زندان کرد. او در طول سلطنت خود فتوحات بسیاری انجام داد و سیستان را از بقایای صفاریان گرفت و لشکرکشی‌های زیادی به هند نمود. بزرگترین لشکرکشی وی برای فتح سومنات بود. در اواخر عمر نیز از ضعف آل‌بویه استفاده کرد و ری را از مجدالدوله دیلمی گرفت و کتابخانه بزرگ آن را سوزاند و بسیاری از اصحاب او را که بیشتر از علما و فضلا بودند، کشت. در نهایت قسمتهایی مهم از ایران و مناطق وسیعی از هند به تصرف او درآمد. بزرگترین عالم دربار سلطان محمود، ابوریحان بیرونی بود. نوشته‌اند که حدود چهارصد شاعر هم‌عصر و ملازم وی بودند از جمله: فردوسی، عنصری، فرخی سیستانی، عسجدی، منشوری، کسائی مروزی، غضائری رازی و غیره. «تاریخ یمینی» و قسمتی از «تاریخ بیهقی» در شرح حال وی می‌باشد و فردوسی نیز «شاهنامه» خود را به نام او کرد. محمود غزنوی سرانجام در غزنین به مرض سل درگذشت و از آن پس او را امیر ماضی خواندند. تذکره‌ها به وی اشعاری نسبت می‌دهند و در آن میان «صبح گلشن» برای او «دیوانی» به نام «محمود نامه» قایل شده است. صاحب «کشف الظنون» کتاب «التفرید فی الفروع» را به وی نسبت می‌دهد. [۱]

(سلطان محمود غزنوی) ابوالقاسم، ملقب به یمین‌الدوله (جل. ۳۸۷ ه. ق. ف. ۴۲۱ ه. ق) فرزند ارشد سبکتکین، سومین و مقتدرترین شاه سلسله غزنوی است. در سال ۳۸۷ ه. پس از شکست دادن برادرش اسماعیل به تخت نشست. در سال ۳۸۹ ه. پس از شکست دادن عبدالملک بن نوح سامانی بر خراسان مستولی شد، در سال ۳۹۳ ه. خلف بن احمد صفاری امیر سیستان را شکست داد و زندانی ساخت و سیستان و قهستان را ضمیمه‌ی قلمرو خویش ساخت، در سال ۴۰۱ ه. خوارزم را به تصرف درآورد، دوازده بار به هندوستان لشکر کشید و در سال ۳۹۶ ه. ق. مولتان را فتح کرد. در سال ۴۲۰ ه. ری و اصفهان را از مجدالدوله‌ی دیلمی گرفت و از یک سال قبل از رفتن به ری در نتیجه‌ی کثرت کار و مسافرت و لشکرکشی فراوان بسیار ضعیف و دچار مرض سل شد و این مرض روز به روز وی را ضعیف‌تر کرد تا اینکه قوایش را به کلی از بین برد و در ابتدای بهار سال ۴۲۱ ه. به هر زحمتی بود خود را از ری به بلخ و از بلخ به غزنین رسانید و پس از چند روز در سوم ربیع‌الآخر سال ۴۲۱ ه. چشم از دنیا بر بست. مدت سلطنتش ۳۳ سال و مدت زندگیش ۵۱ سال بود.

بر گرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ ادبیات در ایران (۲۱۶-۲۱۵ / ۱)، تاریخ دیالمه و غزنویان (۳۱۲-۱۵۲)، تاریخ غزنویان (۲۰۳-۴۳)، تاریخ مفصل ایران (۲۶۸-۲۵۵)، ترجمه‌ی تاریخ یمینی حبیب‌السییر (۳۸۹-۳۷۴ / ۲)، دایرة‌المعارف فارسی (۲۷۰۴-۲۷۰۳ / ۲)، دیوان حکیم فرخی سیستانی (مقدمه)، دیوان عسجدی مروزی (مقدمه)، الذریعه (۱۰۱۱ / ۹)، صبح گلشن (۳۸۴-۳۸۳)، فرهنگ سخنوران (۸۲۱)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۲۰-۳۱۹)، لب‌الب‌الباب (۲۵-۲۳ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل / محمود غزنوی)، مجمع‌الفصحا (۱۱۳-۱۱۲ / ۱)، هفت اقلیم (۳۹۴-۳۸۸ / ۱).

غزنوی، سراج‌الدین عمر

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سراج‌الدین عمر بن اسحاق بن احمد مکنی به ابوحفص، از بزرگان فقهای حنفی (و. ۷۰۴- ف. ۷۷۳ ه. ق). وی دانشمند و استاد در

بحث و بسیار هوشیار بود. مؤلفات بسیاری دارد که از آن جمله است: شرح الهدایه، زبدة الاحکام، شرح بدیع الاصول، شرح المغنی، المعزّه المنیفة فی ترجیح مذهب ابی حنیفه، شرح الزیادات. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

غزنوی، ناصرالدین تاج الشریعه، ابوعلی عالی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۸۲ / ۵۸۱ ق)، فقیه و مفسر حنفی. وی در حلب ساکن بود. از آثارش: «تفسیر التفسیر»، در دو جلد؛ «مشارع الشارح» یا «مشارع الشرائع»، در فروع فقه حنفی، این کتاب به عمر نسفی نیز منسوب است که در صورت صحت، شرحش به غزنوی مربوط است؛ «المناجیح» در شرح «الشماری»؛ شرح «مقدمه فی النحو» ابن بابشاد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۵ / ۴)، کشف الظنون (۱۸۰۴، ۱۶۸۷، ۴۶۶)، معجم المؤلفین (۵۳-۵۲ / ۵)، هدیه العارفین (۴۳۵ / ۱).

غزی سمرقندی، ابوالحسن علی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۴۱-۳۶۵ ق)، محدث و فقیه حنفی. معروف به ابن سحتام. در بغداد و شام از پدرش و محمد بن مت اشتیخنی و ابراهیم بن عبدالله رازی بخاری و ابوسعید عبدالرحمان بن محمد ادریسی و منصور بن نصر کاغدی و محمد بن یحیی غیائی و دیگران حدیث شنید. ابوعلی اهوازی و ابوبکر خطیب و منصور بن عبدالجبار سمعانی و فقیه نصر مقدسی و فید بن عبدالرحمان همدانی و ابوطاهر حنایی و دیگران از وی حدیث شنیدند. گویند که او دارای «ثلاثة اجزاء» در حدیث بوده است. در راه بازگشت از بغداد به سوی خراسان در گذشت. در «شذرات الذهب» او را تحت عنوان غزنی و در «تاریخ بغداد» عربی ذکر کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۳۴۲ / ۱۱)، سیر النبلاء (۶۰۵-۶۰۴ / ۱۷)، شذرات الذهب (۲۶۶ / ۳)، العبر (۲۷۹ / ۲).

غضبان اصفهانی، جعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۷۷ ش)، نویسنده و مترجم. او از نوادگان میرداماد و از طرف مادر نواده‌ی مرحوم سید عباس مراغه‌ای بود. تحصیلات مقدماتی جدید و قدیم و سطوح را نزد استادانی چون میرزا محمدرضا ایروانی و شیخ موسی خوانساری و سید ابوالحسن اصفهانی فراگرفت. سپس به تهران آمد و وارد خدمات دولتی گردید. از آثار وی: «احمد بن طولون»، ترجمه؛ «ارمانوسه‌ی مصریه»، ترجمه؛

«اقتصاد در اسلام»؛ «امام جعفر صادق»، ترجمه؛ «بنی هاشم و بنی امیه»، ترجمه؛ «زینب عقیله‌ی بنی هاشم، دختر علی بن ابی طالب (ع)»؛ ترجمه؛ «یک معجزه‌ی دائم»، ترجمه؛ «اعجاز قرآن»، ترجمه. که دو کتاب اخیر در یک مجلد به چاپ رسیده‌اند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۰۴ / ۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۵۵، ۱۸۸۰، ۲ / ۱۶۱، ۱ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳۳۱-۳۲۹ / ۲).

غضنفری امرایی، اسفندیار

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۲۹۷، کوه‌دشت لرستان.

درگذشت: اواخر فروردین ۱۳۷۲، خرم‌آباد.

اسفندیار غضنفری امرایی، شاعر، محقق، ادیب لرستانی پس از تحصیل، در خرم‌آباد رحل اقامت افکند اما به دلیل مبارزات سیاسی از سال ۱۳۲۲ الی ۱۳۵۷ غالباً در تبعید به سر برد. از اسفندیار غضنفری تحقیقات گوناگونی درباره‌ی شعر و ادب فارسی و لری بر جا مانده است.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

غضنفری، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۵- ز ۱۳۹۱ ق)، عالم دینی و فقیه. در خوانسار به دنیا آمد و پس از پرورش در مهد علم و فراگیری مقدمات، برای تحصیل و تهذیب اخلاق و تکمیل مبانی علمی در ۱۳۵۲ ق به قم رفت و سطوح وسطی و عالی را در خدمت ادیب تهرانی و آیت‌الله ترابی و آیت‌الله مرعشی نجفی خواند و پس از تکمیل آن از محضر آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله صدر استفاده نمود. در ۱۳۶۲ ق به مکه و عتبات رفت. پس از مراجعت چند ماهی از سال در خوانسار و بیشتر آن را در قم مقیم بود. در ۱۳۹۱ ق پس از درگذشت پدرش بنا به تقاضای مردم خوانسار به جای پدر نشست و حوزه‌ی علمیه خوانسار را در مدرسه‌ی میرباقری تشیکل داد و کتابخانه‌ای به نام مهدویه تأسیس کرد. از دیرگ آثارش: تجدید بنای حسینیه خوانسار؛ تجدید بنای مسجد دو راه خوانسار؛ بنای سقاخانه در خوانسار؛ تجدید مقبره‌ی ملا- مبین؛ احداث دو پل در خوانسار؛ تجدید بنای دو حمام زنانه و مردانه؛ تعمیر مقبره‌ی دهکردی در زینیه اصفهان؛ تعمیر بقعه‌ی بابا احمد خمین؛ از آثار علمی‌اش: «جواهر الکلام»؛ «توضیح الکفایه»؛ ترجمه‌ی «منظومه‌ی بی‌الف و همزه» میرزا ابوالقاسم خوانساری، شاگرد علامه‌ی مجلسی؛ خودآموز «لمعه»، در دو جلد؛ شرح؛ «صحیفه‌ی الحسینیه».[۱]

آقای حاج سید مهدی بن آیت‌الله حاج سید محمدتقی غضنفری از علماء معاصر خوانسار است که در سال ۱۳۳۵ قمری در خوانسار متولد شده و پس از پرورش در مهد علم و خواندن مقدمات برای تحصیل و تهذیب اخلاق و تکمیل مبانی علمی در سال ۱۳۵۲ قمری به قم آمده و سطوح وسطی و عالی را در خدمت مرحوم ادیب تهرانی و آیت‌الله ترابی رحمه‌الله و آیت‌الله العظمی مرعشی

نجفی مدظله خوانده و پس از تکمیل آن از محضر مرحومین آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله صدر استفاده نموده و در سال ۱۳۶۲ قمری مشرف به مکه معظمه و عتبات عالیات شده و پس از مراجعت چند ماهی از سال را در خوانسار و بیشتر را در قم اقامت نموده تا در ۲۸ محرم الحرام ۱۳۹۱ قمری که والدش آیت‌الله حاج سید محمدتقی غضنفری فوت نمودند برحسب تقاضای مردم خوانسار بجای آن مرحوم قرار گرفته و حوزه علمیه خوانسار را در مدرسه میرباقری تشکیل و کتابخانه‌ای بنام کتابخانه «مهدویه» تأسیس و برای طلاب آنجا شهریه قرار و به اقامه جماعت و تبلیغات دینی و تدریس و تربیت محصلین خوانسار اشتغال دارند.

در فوت مرحوم والدش انقلاب عجیبی در خوانسار برپا شد که در سالهای اخیر بی نظیر بوده است تشییع جنازه‌اش بسیار مهم و بی سابقه بوده و حدود ۶۵ مجلس ختم در خوانسار و قم و خمین و گلپایگان و سایر نقاط چون اصفهان و تهران و غیره گرفته شد. آثار آن مرحوم از اینقرار است:

- ۱- تجدید بناء حسینیه خوانسار
 - ۲- تجدید بناء مسجد دو راه خوانسار
 - ۳- بناء سقاخانه در خوانسار
 - ۴- ضریح امامزاده (یکی از قراء بر بود)
 - ۵- تجدید مقبره ملازمین (یکی از اجداد مادری مترجم ما)
 - ۶ و ۷- احداث دو پل در خوانسار
 - ۸- تجدید بناء دو حمام مردانه و زنانه در محله دو راه خوانسار
 - ۹- بناء مقبره برای والدشان آیت‌الله حاج سید هاشم
 - ۱۰- تعمیر مقبره دهکردی در زینیه اصفهان
 - ۱۱- تعمیر مسجدی در محله سبزی کار خمین
 - ۱۲- تعمیر بقعه بابا احمد خمین
 - ۱۳- توسعه مسجدی در گوشه آقا عظیم خمین.
- تألیفات مترجم ما به قرار زیر است ۱- جواهرالکلام ۲- توضیح الکفایه ۳- ترجمه منظومه بی‌الف و همزه مرحوم میرزا ابوالقاسم خوانساری شاگرد مرحوم مجلسی ۴- خودآموز لمعه در دو جلد ۵- شرح صحیفه‌الحسینیه. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
- منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۶۰-۵۸ / ۵).

غظریفی جرجانی، ابواحمد محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۷۷ ق)، حافظ، مسند و محدث. پدرش نیشابوری بود و در مرز دهستان سکونت داشت و از مرزداران بود. ابواحمد در همان جا به دنیا آمد و در جرجان نشوونما یافت. غظریفی از ابوخلیفه جمحی و حسن بن سفیان و ابراهیم بن یوسف هسنجانی و عبدالله بن ناجیه و هیشم بن خلف و احمد بن حسن صوفی و ابوالعباس بن سریق، شیخ شافعیان، و ابوبکر بن خزیمه و عبدوس بن احمد همدانی و احمد بن محمد وزان و محمد بن محمد بن سلیمان باغدی و عمر بن محمد کاغدی و همطبقه آنان در جرجان و ری و

بصره و نیشابور و بغداد و همدان حدیث شنید. رفیقش ابوبکر اسماعیلی، در تألیفاتش، متجاوز از صد حدیث از وی روایت کرده است. ابونعیم حافظ و حمزه سهمی و رضی بن اسحاق نصری و ابوالعلاء سری و قاضی ابوطیب طبری و نیز دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. از آثار وی نگارش «الصحیح» یا «الصحیح علی المسانید» به سبک «صحیح بخاری» است، که به نام «المسند الصحیح علی صحیح البخاری» نیز ضبط شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۴ / ۳۰۱)، ایضاح المکنون (۲ / ۶۴)، سیر النبلاء (۳۵۶-۳۵۴ / ۱۶)، طبقات الحفاظ (۳۸۸-۳۸۷)، لسان المیزان (۶۳۹-۶۳۸ / ۵)، معجم المؤلفین (۲۵۴ / ۲، ۶۸، ۸ / ۲)، الوافی بالوفیات (۲ / ۸۴)، هدیه العارفین (۲ / ۵۰).

غفاری ساروی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین غفاری ساروی

محل تولد: ساری

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسین ساروی فرزند حسین در سال ۱۳۳۳ در ساری متولد شدم. در سال ۱۳۴۸ به دلیل علاقه فراوانی که دروس حوزوی داشتم وارد حوزه علمیه شدم و در آنجا به تحصیل و تحقیق پرداختم ولی کار تحقیقات را به طور جد از سال ۱۳۶۶ آغاز و تاکنون ادامه دارد. هم اکنون نیز در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی مشغول می باشم و در رشته تفسیر قرآن همچنان مشغول فعالیت هستم.

غفاری قزوینی، احمد

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۷۵ ق)، شاعر. وی مرد فاضل و نیکو قریحه‌ای بوده و از تاریخ نیز سررشته داشته است. در پایان عمر به زیارت خانه‌ی خدا

رفت و در راه بازگشت به سرای باقی شتافت. از آثارش: تاریخ «نگارستان»؛ «تاریخ جهان آرا».[۱]

(منسوب به عبدالغفار) (قاضی) احمد بن محمد قزوینی، دانشمند و مورخ (ف. ۹۷۵ ه.ق) وی از اعقاب عبدالغفار قزوینی عالم معروف مؤلف کتاب الحاوی الصغیر بود و پدرش قاضی محمد در شهر ری سمت قضا داشته. احمد مردی فاضل و منشی و شاعر و خوش خط و مورخ بود و در نزد امرا و شاهزادگان صفوی محترم می‌زیست و مدتی در دستگاه سام میرزا مقیم بود و در آخر به

عزم حج عازم مکه شد ولی در مراجعت در بندر دیبال سند در گذشت. وی مؤلف دو تاریخ است: تاریخ نگارستان، جهان آرا. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
 منابع زندگینامه: [۱] آتشکده‌ی آذر (۳ / ۱۱۵۰)، الذریعه (۳۰۸-۳۰۹ / ۲۴ / ۵۹، ۹ / ۲۴۶، ۳ / ۲۴۶)، عالم‌آرای عباسی (۹۹، ۸۲ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۶۷۰)، هفت اقلیم (۳ / ۱۷۸).

غفاری مروزی، ابومحمد رجا

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۴۹ ق)، حافظ، محدث و مصنف. در سمرقند و سپس در بغداد ساکن بود. از نصر بن شمیل و ابونعیم و ابوصالح کاتب و محمد بن مجیب و علی بن حسن بن شقیق حدیث شنید. ابوداوود و ابن ماجه قزوینی و ابوحاتم رازی و محاملی و ابوالعباس سراج و ابن ابی‌الدنیا و ابوحامد حصرمی و یحیی بن صاعد و بسیاری دیگر از وی روایت کرده‌اند. او در بغداد در گذشت. خطیب او را در علم حدیث پیشگام و ثقه‌ای مورد اعتماد کامل می‌داند. ابن‌حبان گوید که غفاری شنیده‌های خویش را جمع‌آوری و بر اساس آن تصانیفی از خود به جای گذاشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۴۱۱-۴۱۰ / ۸)، تذکره الحفاظ (۵۴۳-۵۴۲ / ۲)، تهذیب التهذیب (۲۴۱-۲۴۰ / ۳)، الجرح و التعديل (ج ۱ ق ۵۰۳ / ۲)، سیر النبلاء (۱۰۰-۹۸ / ۱۲)، شذرات الذهب (۱۲۰ / ۲)، طبقات الحفاظ (۲۴۳-۲۴۲)، العبر (۳۵۷ / ۱)، معجم المؤلفین (۱۵۲ / ۴).

غفاری، ابوالحسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالحسن غفاری

محل تولد: کندوان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابوالحسن غفاری در سال ۱۳۶۴ شمسی در شهرستان سراب موفق به اخذ دیپلم در رشته علوم انسانی شدم و پس از آن در حوزه علمیه حاج صفرعلی تبریز مشغول تحصیل شده و همزمان با آن به تحصیل رشته‌های دانشگاهی پرداخته و مدرک فوق دینی

و عربی را اخذ کردم دو سال بعد به حوزه علمیه المهدی سراب رفته و به ادامه تحصیل پرداخته و درس فقه را نزد مرحوم حاج آقا رسولی و حاج آقا کمالی امام جمعه محترم سراب خوانده و همچنین بخشی از فلسفه و شرح منظومه را نزد آقا کمالی خواندم در حین تحصیل دروس ادبیات و منطق را تدریس نمودم در سال ۷۱ و ۷۲ به قم مهاجرت و در درس رسائل آیت اله محمد کوه کمره ای و مکاسب مرحوم آیت اله پایانی شرکت کردم، پس از مکاسب کفایه را در نزد مرحوم پایانی خوانده و همزمان با آن در درس تفسیر حضرت آیت اله جوادی املی و دروس فلسفه دکتر بهشتی و عرفان آقای نکونام شرکت نمودم پس از پایان سطح به درس خارج فقه حضرت آیت اله جوادی املی و اصول آیت اله ملکوتی حاضر شده و هم اینک نیز در محضر آنان و درس فلسفه حضرت آیت اله انصاری شیرازی شرکت دارم از سال ۱۳۷۲ و همزمان با تحصیلات حوزه در کنکور شرکت کرده و در رشته فلسفه دانشگاه تهران پذیرفته شدم در سال ۱۳۷۶ موفق به اخذ مدرک لیسانس شده و در سال ۱۳۷۷ پس از موفقیت در امتحان ورودی در رشته فلسفه همان دانشگاه در دوره کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل شده و در سال ۱۳۸۰ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد از دانشگاه تهران شدم، در سال ۱۳۸۴ در رشته فلسفه دانشگاه تربیت مدرس تهران شرکت کرده و در دوره دکتری پذیرفته شدم و هم اینک مشغول تحصیل در دوره دکتری در آن دانشگاه هستم. از سال ۱۳۷۷ در دانشگاه آزاد اسلامی مشغول تدریس دروس فقه، فلسفه، و معارف شدم و از سال ۱۳۸۲ در مرکز جهانی علوم اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد دروس فلسفه و کلام و متون مثل نه‌ایه الحکمه و شرح تجرید و فلسفه غرب را تدریس می‌نمایم.

غفاری، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ حسین غفاری آذر شهری یکی از فضلاء آذربایجان معاصر در تهران بوده است تولد ایشان در حدود ۱۳۳۸ قمری در آذر شهر واقع شده و پس از پرورش و خواندن دروس ابتدائی به تبریز آمده و مقدمات و سطوح اولیه را در مدرسه طالبیه که مرکز انجمن علمی تبریز است آموخته سپس راهی قم شده و سطوح نهائی را از مدرسین بزرگ حوزه‌ی علمیه چون آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی و دیگران فرا گرفته و دروس خارج فقه را از محضر آیات عظام مرحوم آقای حجت و آیت‌الله آقای شریعتمداری و بالاخص نایب‌الامام آقای خمینی مدظله استفاده و پس از فوت مرحوم آقای بروجردی بنا بر دعوت عده‌ای از علاقمندان و دوستان مقیم تهران هجرت به عاصمه تشیع نموده و در یکی از مساجد خیابان تهران به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ارشاد مردم پرداخته و عده‌ای از جوانان را به سوی حق رهبری نموده است.

مرحوم غفاری که نویسنده از نزدیک ایشان را می‌شناختم مردی جدی و فاضل و قاطع و مبارز بود و در امر به معروف و نهی از منکر و جهاد در راه خدا و مبارزه بر علیه امپریالیسم و رژیم منفور طاغوتی سعی بلیغ داشت و از ملامت هیچ‌کس ملامت کننده‌ای ترس و وحشت نداشت و ماه یک مرتبه که به قم مشرف می‌شد و حقیر با او ملاقات می‌کردم دلی پر خون از اوضاع داشت و غالباً با مراجع و زعماء حوزه از جنایات هیئت حاکمه و مظالم دستگاه جباره شکایت کرده و از نقشه‌های شوم آنها که ضد خدا و خلق بود هشدار می‌داد...

بالاخص پس از نهضت روحانیت به رهبری زعیم اعظم نایب‌الامام آقای خمینی مدظله بر علیه انجمن ایالتی و ولایتی که منجر به گرفتاری و تبعید امام شد آن مرحوم بیشتر به مبارزه پرداخت و در مجالس و محافل تهران و مسجدش انتقاد از اعمال ضد انسانی و

دینی دولت و رژیم شاهنشاهی نموده و چندین بار مورد حمله عوامل ساواک قرار گرفته و به شهربانی و زندان افتاده است. مرحوم غفاری هیچگاه در مراحل گرفتاریش تسلیم مأمورین نشده و از سخن خود دست برنداشته و بدون تقیه حقایق را افشاء و از جنایات شاه و دژخیمانش پرده برداشته و در آن ایامی که دولت با قراردادهائی با صهیونیست و دیگر اربابانش گوشتهای یخ زده (کودی) را تحمیل بر مردم مستضعف ایرانی نموده و عموم مراجع قم و تهران آن را تحریم و از خرید و فروش آن منع کردند. مرحوم غفاری بر علیه این عمل ضد ایرانی دولت قیام و در همه مجالسش از حرمت آن سخن گفته و مردم را از خرید و خوردن آن بازداشته تا جائی که تبلیغاتش در محیط تهران نو و نارمک و آن منطقه اثر چشمگیری گذاشته و دولت دید با آزاد گذاردن رزمندگانمانند مرحوم غفاری غفره‌الله نمی‌تواند خواسته‌های اربابانش را انجام دهد و همه روز این گونه مردان آگاه و مبارز مو دماغ آنها هستند پس به منزل آن مرحوم مانند وحشیان مغولی حمله کرده و آن رادمرد فاضل و مجاهد را گرفته و با فرزنداناش به کمپته شهربانی که از زندان قرون وسطائی و وحشی‌های مغولی و افریقائی بدتر بود انداخته و هر چه می‌خواستند او را از مبارزه بازدارند دیدند به هیچ وجهی نه تطمیع و نه تهدید از هدف مقدسش که پیکار با ستمگران است دست بردار نیست او را در زیر شکنجه شهید کردند و می‌خواستند جنازه شریف او را مخفیانه در جای نامعلومی دفن کنند که بعضی از مراجع اقدام و آن را از هیئت حاکمه و مأمورین ساواک گرفته و تسلیم بازماندگان او نمودند. حادثه شهادت مرحوم غفاری در اوائل سال ۱۳۹۴ قمری اتفاق افتاد و دوستان آن مرحوم پس از تحویل جنازه آن شهید خبر به مراجع و حوزه علمیه قم داده و حوزه برای تجلیل از آن عالم فاضل مجاهد تعطیل و با شور و هیجان عجیب و شعار بر علیه دولت تشییع با شکوهی انجام داده و در دارالسلام قم به خاک سپردند. و شهرستان قم ناظر یکی از حملات ناجوانمردانه مأمورین شهربانی و ساواک قم بود که چگونه تشییع کنندگان جنازه آن مرحوم و شهید از طلاب و مردم دلسوخته ماتم زده را که در شهادت یکی از بهترین فرزندان ایران و علماء حوزه علمیه قم اشک می‌ریخت و از دل ناله می‌کرد و فریاد می‌زد (غفاری غفاری شهادتت مبارک) با باطوم و سرنیزه زده و به رودخانه قم می‌ریختند اما به گفته شعر معروف: دیدی که خون ناحق پروانه شمع را آنقدر امان نداد که شب را سحر کند.

آثار آن مرحوم که چشمگیر و مورد توجه است.

تعمیر و تجدید بناء مسجد مرحوم شهید آیت‌الله العظمی حاج شیخ فضل‌الله نوری در نزدیکی گلوبندک که اوقاف می‌خواست به کلی آن را ویران و مدرسه بسازد که آن مرحوم با فعالیت و کوشش بسیار آن را گرفته و تجدید بنا نمود. بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

غفاری، وهرز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۲، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زنان و مامائی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی در رشته زنان و مامائی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۵۳، انکولوژی و بیماریهای تروفوبلاستیک دوره یک ساله در بیمارستان جارینگ کراس لندن.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۵۳، دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران. زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زنان و مامائی، خونریزیهای غیر طبیعی رحم، بیماریهای کلیوی در حاملگی، روشهای جلوگیری از حاملگی، اختلالات سیکل قاعدگی وابسته به پرولاکتین، تأثیرات تغییرات وزن بدن بر روی فونکسیون دستگاه تولید مثل، ناباروری در مرد، لقاح خارج رحمی، زایمان زودرس، بیماریهای پوستی در حاملگی، تکنیک‌های جدید درمان در سرطان دهانه رحم، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۷۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ترجمه کتاب طب زنان (گلاسکو) ترجمه کتاب هورمون‌شناسی (اسپیرف)، ترجمه کتاب مادران RH منفی حساس شده، ترجمه شوک عفونی در بیماریهای زنان.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۶، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

زنان و مامائی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

غفاریان، اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: رادیولوژی، رشته: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

غفرانی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی، دکترای تخصصی و فوق تخصصی کودکان از آمریکا.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

درمان صرع مقاوم با I.V.L.G و رژیم کتوژنیک و مقایسه آنها، طب اعصاب اطفال، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه دکترای عمومی و تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

طب اعصاب اطفال و تشنج اطفال.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

طب اعصاب اطفال.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

غفرانی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد غفرانی

محل تولد: خرم آباد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۶/۳۰

زندگینامه علمی

اینجانب محمد غفرانی فرزند خیرالحاج جناب آقای حاج حسین غفرانی از معتمدین شهر خرم آباد کرالان مجاور حضرت رضا(ع) هستند در سال ۶۳ عازم شهر مقدس قم شده تا در جوار حرم حضرت معصومه (س) و حوزه کریمه علمیه به تحصیل علوم دینی اشتغال ورزم. تحصیلات مقدماتی را در مدرسه علمیه الهادی تحت اشراف حضرت آیه الله مشکینی رئیس مجلس خبرگان رهبری آغاز کردم. به لحاظ نظارت آیه الله مشکینی بر مدرسه زمینه ارتباط بیشتر با ایشان میسر شده و حضرت آیه الله مشکینی حفظه الله کفایت اخلاقی را نیز از مدّ نظر نمی گذراندند و تذاکراتی در خلال ارتباط بیان می فرمودند و می توان گفت ایشان استاد اخلاق سالیان ابتدای تحصیل اینجانب است. کتب سطح را نزد عالمان دینی از جمله استاد عالی قدر حجة الاسلام ابوالقاسم علی دوست،

استاد عالی قدر حجة الاسلام علی نکونام، استاد عالی قدر جناب حجة الاسلام حاج آقا موسوی تهرانی، جناب استاد حجة الاسلام فتوحی همدانی، آیه الله استاد عراقچی همدانی، جناب استاد حجة الاسلام هادوی تهرانی به پایان رسانده و درس حدیث شناسی را نزد آیه الله احمدی یزدی و کتب خارج خمس و حج را نزد آیه الله سبحانی و کتب مکاسب، و حج مختصراً نزد آیه الله گرامی و کتاب قضا و تکمله قضاء را نزد آقایان آیه الله سبحانی و گرامی فراگرفتم. در خلال تحصیل پاره ای از کتب مقدماتی و تفسیر را نیز به جمعی از دوستان منتقل کردم.

از جمله علاقه ای که در طول تحصیل داشتم، پژوهش و تحقیق و نوشتن مقالات بود که این امر منجر به تدوین جزوات احکام که قابل تدریس است گردید. در این میان مقالاتی اخلاقی و حقوقی و اعتقادی از سال ۷۴ تا به حال به رشته تحریر در آمد و در رسانه های کثیرالانتشار چاپ گردید. این مهم با همکاری مرکز پژوهشها و مطالعات حوزه علمیه قم صورت گرفته است. از دیگر فعالیتهای علمی، همکاری با شبکه سراسری رادیو معارف است که از سال ۸۱ تا به حال ادامه دارد و در برنامه مشکاه هدایت به عنوان کارشناس به تکلیف خود عمل می کنم. تدریس البته الفیه ابن مالک از دیگر کارهای ماندگار است که برای سایت بنیان انجام گرفت. همکاری با سایت اندیشه وابسته به حوزه علمیه قم نیز از دیگر فعالیتهای است. مرکز جهانی علوم اسلامی نیز به لحاظ تکمیل بانک سؤالات و نیز ارزیابی طلاب سطح ۲ به عنوان کارشناس جلساتی دعوت نموده که در این جا نیز به اداء تکلیف اقدام شده است. از دیگر خدمات علمی حضور در حوزه علمیه کوتاه مدت است که از سال ۸۱ تا ۸۵ به عنوان استاد ادبیات اشتغال داشتم. و در این مدت مدیر گروه علمی ادبیات بودم. و عضو شورای عالی حوزه علمیه کوتاه مدت از سال ۸۵ به عنوان کارشناس فقه مرکز پاسخ گویی تلفنی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به اداء تکلیف مبادرت می ورزم. مدارسی که به عنوان استاد تدریس داشته ام مدرسه سفیدان، الهادی، معصومیه است.

غفوری، حبیب الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حبیب الله غفوری بارجینی

محل تولد: میبد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجناب حبیب الله غفوری بارجینی فرزند محمد علی به شماره شناسنامه ۴۸۷ و متولد سال ۱۳۴۱ دوران تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در روستای بارجین و فیروز آباد میبد به انجام رساندم و از مهرماه ۱۳۵۶ ش در مدرسه قدیری قم که شعبه شماره ۲ مدرسه کرمانیها محسوب می شد شروع به تحصیل علوم دینی نمودم در حالیکه نوجوانی بیش نبودم دروس حوزه را به همراه جریانات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس گذراندم که شرح آن مفصل است تا سال ۷۱ به درس و بحث در حوزه علمیه قم مشغول بودم که در ضمن آن آموزش نظامی، زبانهای عربی و انگلیسی و دوره دبیرستان را نیز به انجام رساندم. از سال ۷۱ تاکنون توفیق

داشته ام مراکز متعدد و مهم علمی را تاسیس و اداره نمواه ام که بحمدالله ثمره آن دهها طلبه فاضل و توانمند است. در این مدت کتب حوزوی را تا سائل و مکاسب تدریس نموده ام و دروس اعتقادات و اخلاق دانشگاه را نیز بارها تدریس کرده ام و زبان انگلیسی دبیرستان را نیز در این دوره تدریس نموده ام. با توجه به اصرار رهبر معظم انقلاب مبنی بر ضرورت تحول در نظام آموزشی حوزه های علمیه کشور نظام آموزشی خاص حوزه ها بر اساس دیدگاهها و نظرات مقام معظم رهبری را با همکاری جمعی از دوستان فاضل و دلسوز طراحی و در مدرسه علمیه علوی قم اجرا نمودیم که بحمدالله ثمره آن تربیت دهها نفر طلبه فاضل و پژوهشگر شده است که امید آینده حوزه علمیه قم می باشند. علیرغم عنایت الهی در داشتن قلمی روان که اساتید معظم همواره مشوق اینجانب بوده اند به علت اشتغال زیاد در امور مدیریتی و اجرایی متأسفانه تاکنون نتوانسته ام از آن بهره مطلوبی ببرم و حاصل کارهای پژوهشی متفرقه اینجانب تعدادی مقاله، جزوه و ۲ کتاب در دست تالیف است که به صورت نیمه کاره مانده است.

غفوری، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد غفوری

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

محمد غفوری متولد ۱۳۵۰ و تحصیل کرده حوزه و دانشگاه تحصیلات ابتدائی و راهنمایی را در مشهد گذراندم و پس از آن به قم آمده و دروس حوزه را از اواخر دهه ۶۰ آغاز کردم. پس از پایان دروس مقدمات و سطح نزد اساتید متعدد، در مقطع خارج اشتغال یافتم. در سال ۱۳۷۹ در کنار دروس حوزه، در رشته تاریخ وارد دانشگاه شدم و پس از اخذ مدرک کارشناسی، در سال ۱۳۸۴ در مقطع کارشناسی ارشد و در گرایش "تاریخ اسلام" پذیرفته شدم و هم اکنون در حال نگارش پایان نامه فوق لیسانس هستم. هم چنین دوره تخصصی تاریخ اسلام را طی دو سال (۱۳۷۹-۱۳۷۷) در مرکز تخصصی تاریخ اسلام حوزه علمیه قم (زیر مجموعه دفتر تبلیغات اسلامی) به پایان بردم. از سال ۱۳۸۰ تا کنون به عنوان پژوهشگر در پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت (ع) پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی مشغول هستم و از سال ۱۳۸۱ مدیریت اجرایی "فرهنگ نامه مولفان اسلامی" را بر عهده دارم. در طی این مدت شخصیت نگاری مولفان پنج قرن نخست هجری به پایان رسیده و قرن ششم در دستور کار قرار دارد و جلد اول فرهنگ نامه شامل مولفان سه قرن نخست هجری آماده انتشار است. علاوه بر نگارش شماری از مقاله ها کنترل علمی و بازخوانی بسیاری از مقالات فرهنگ نامه را هم انجام داده ام.

غفوری، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: داروسازی، دانشکده: داروسازی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

غلام احمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(میرزا) قادیانی (منسوب به قادیان) (و. ۱۸۳۵ - ف. ۱۹۰۸ م.) مؤسس فرقه‌ی احمدیه (ه.م) یا قادیانی. از آثار اوست: «قصاید احمدیه» (المسیح - الموعود و المهدی المعهود)، مواهب الرحمن، حمامة البشرى الى اهل مكة و صلحاء ام القری. وی خود را مهدی موعود و مظهر رجعت مسیح خوانده و در سال ۱۸۸۹ م. رسالت خود را به عموم اعلام کرد. از مردم پنجاب گروه بسیار با او بیعت کردند (احمدیه).

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

غلام ثعلب باوردی، ابو عمر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۴۵ - ۲۶۱ ق)، ادیب و لغوی. چون شغلش گلدوزی روی لباس بود، به مطرز مشهور و چون از بیورد خراسان بود، به باورد منسوب و چون مدتی در خدمت ثعلب نحوی بود، به غلام ثعلب معروف بود. به او ابو عمر زاهد نیز می‌گفتند. از احمد نرسی و موسی بن سهل و شاء و ابوالعباس کدیمی و بشر اسدی و احمد بن زیاد بن مهران سمسار حدیث شنید. ابوالحسن بن رزقویه، ابن منده، ابو عبدالله حاکم نیشابوری و قاضی محاملی و عده‌ای دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. خطیب بغدادی گوید: غلام ثعلب نسبت به معاویه تعصب داشت. او جزوه‌ای به نام فضایل معاویه نوشته بود و تمام شاگردان خود را که برای کسب علوم نزدش می‌آمدند وادار می‌کرد که پیش از گذراندن هر درسی که برای آن آمده بودند ابتدا این جزوه را بخوانند. بسیاری از بزرگان ادب بر او خرده گرفتند و او را حتی در علم لغت از درجه اعتماد ساقط دانستند. ابن حجر گوید: «ابن جزوه را من دیدم، بسیاری از مطالب آن جعلی است». عجب از صاحب «ریاض العلماء» و به تبع او صاحب «اعیان الشیعه» است که او را ظاهراً امامی می‌دانند. وی در بغداد در گذشت و روبروی ایوان معروف کرخی دفن شد. او در لغت، از حفظ، در حدود سی هزار برگ املاء کرد. از آثارش: «الیواقیت»، در لغت؛ «رساله‌ای در «غریب القرآن»؛ «غرائب الحدیث»، تصنیفی بر اساس «مسند» احمد حنبل؛ «جزء فی الحدیث و الادب»؛ «تفسیر اسماء الشعراء»؛ «المدخل»، در لغت؛ «القبائل»؛ «یوم و لیله»؛ «اخبار العرب»؛ «العشرات»؛ مستدرکی ب کتاب «الفصیح» ثعلب به نام «فائت الفصیح»، و شرح آن به نام «شرح الفصیح»؛ «فائت العین»؛ «فائت الجمهره»؛ «المستحسن»؛ «فائت المستحسن»؛ «المرجان»، در لغت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۳۳- ۱۳۲ / ۷)، اعیان الشیعه (۳۹۳ / ۹)، ایضاح المکنون (۳۱۴، ۱۵۲ / ۲)، تاریخ بغداد (۳۵۹- ۳۵۶ / ۲)،
روضات الجنات (۳۱۷- ۳۱۴ / ۷)، ریاض العلماء (۴۸۰- ۴۷۹ / ۵)، سیر النبلاء (۵۱۳- ۵۰۸ / ۱۵)، کشف الظنون (۲۰۵۴، ۲۰۵۳،
۱۹۸۰، ۱۹۰۳، ۱۶۸۰، ۱۴۷۲، ۱۴۶۲، ۱۴۵۸، ۱۴۴۸، ۱۴۴۳، ۱۴۳۱، ۱۴۲۳، ۱۲۷۳، ۱۲۰۵، ۱۱۰۲، ۴۲۶، ۸۸)، الکنی و الالقاب (۱۸۷-
۱۸۶ / ۳)، لسان المیزان (۳۱۶- ۳۱۴ / ۶)، معجم الادباء (۲۳۴- ۲۲۶ / ۱۸)، معجم المؤلفین (۲۶۷- ۲۶۶ / ۱۰)، النجوم الزاهره (۳۶۰ /
۳)، الوافی بالوفیات (۷۳- ۷۲ / ۴)، وفیات الاعیان (۳۳۳- ۳۲۹ / ۴)، هدیه العارفين (۴۲ / ۲).

غلام جمشیدی، محمدصادق

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد صادق غلام جمشیدی

محل تولد: دماوند

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد صادق غلام جمشیدی در سال ۱۳۴۰ در خانواده ای متدین، دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام دیده به جهان گشودم. تحصیلات ابتدائی، راهنمایی و متوسطه را در زادگاهم شهرستان دماوند با موفقیت سپری کردم. پس از آن به خاطر عشق فراوان به ذی طلبگی، تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه تهران و مدرسه آیت الله مجتهدی شدم. در محضر اساتید تهران، مخصوصاً آیت الله مجتهدی بهره های علمی و اخلاقی فراوان بردم، شوق زیارت آستان ملکوتی بی بی دو عالم حضرت فاطمه معصومه سلام الله از یک سو و کسب تحصیلات بالاتر از سوی دیگر مرا به قم کشاند.

البته ذکر این نکته لازم است که سال ورودم به حوزه علمیه سال ۵۴ بود سالی که استبداد رژیم شاهنشاهی بیداد می کرد، حوزه های علمیه در فشار و اختناق شدید از سوی حکومت بودند اما تنها چیزی که مرا به این سمت کشاند شوق فراوان به دروس دینی بود. مدتی که در قم بودم از محضر بزرگان حوزه علمیه قم آیت الله وحید خراسانی، میزرای تبریزی و فاضل لنکرانی بهره های فراوان بردم. و هم اکنون در تهران مشغول به پژوهش و تدریس در دانشگاههای مختلف تهران هستم که حاصل این زحمات پرورش دانشجویان فراوانی می باشد.

غلام قاجار

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، نقاش و طراح. وی رسمی‌ساز ترسیمات نقوش منظم هندسی و اسکلت اولیه صنعت تذهیب بود. تنها اثری که از وی در دست است، انواع ترسیمات هندسی و متنوع و احیاناً ابتکاری اوست که در یک لوله‌ی کاغذی ترسیم نموده و رقم نهاده است: «غلام بن محمد علی قاجار ۱۲۱۵».

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱۴۷۵ / ۳).

غلام محسن اصفهانی، ابوعلی احمد بن ابراهیم

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۱۸ ق)، محدث. از ابو محمد بن فارس و ابواحمد عسال حدیث شنید. ابوحفص عمر بن احمد معلم و ابوبکر احمد بن محمد بن حافظ ابن مردویه و گروهی از مشایخ حافظ سلفی از وی حدیث روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۳۸۸ / ۱۷).

غلامرضایی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات، دانشگاه: یزد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۵۳، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از پژوهشکده فرهنگ ایران در سال ۱۳۵۵، دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۹.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات دانشگاه یزد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ادبیات فارسی، شرح متن، سابقه ۱۵ سال تدریس در دانشگاه، استاد مشاور ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

کتاب‌شناسی و ادبیات فارسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

ادبیات فارسی و نقد کتاب.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

غنجار بخاری، ابو عبدالله محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۱۲- ۳۳۷ ق)، حافظ، محدث و مورخ. اهل بخارا بود و محدث آنجا. از خلف بن محمد خیام و سهل بن عثمان سلمی و ابو عبید احمد کرمینی و ابراهیم ملاحمی و بسیاری دیگر از علماء و محدثین دیارش حدیث شنید. هناد نسفی و گروهی دیگر از شاگردان وی بودند. غنجار در بخارا درگذشت و در مقبره‌ی حوض فدام دفن شد. از آثارش: «تاریخ بخارا»؛ «فضائل الصحابه»، تصنیفی در «فضائل الاربعه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۰۵ / ۶)، انساب سمعانی (۳۱۲- ۳۱۱ / ۴)، سیر النبلاء (۳۰۵- ۳۰۴ / ۱۷)، شذرات الذهب (۱۹۶ / ۳)، طبقات الحفاظ (۴۱۳)، العبر (۲۲۱ / ۲)، کشف الظنون (۱۲۷۶، ۲۸۶)، معجم الادباء (۲۱۴- ۲۱۳ / ۱۷)، معجم المؤلفین (۱۰۵، ۷ / ۹)، الوافی بالوفیات (۶۰ / ۲)، هدیه العارفین (۶۱ / ۲).

غنجار بخاری ازرق، ابواحمد عیسی

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۸۶ ق)، محدث. معروف به محدث بخارا و ماوراءالنهر و مشهور به عیسی غنجار. چون سرخ‌روی بود به غنجار ملقب شد. او از سفیان ثوری و عیسی بن عبید کندی و ورقاء بن عمر و ابو حمزه سکری و دیگران حدیث روایت کرد. بجیر بن نصر و محمد بن سلام بیکندی و اسحاق بن حمزه بخاری و محمد بن امیه ساوی و محمد بن فضل و بسیاری دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. حاکم گوید که غنجار پیشوای عصرش بود، او در بزرگسالی به طلب حدیث پرداخت و خودش فردی راستگو بود، گرچه از صد شیخ و استادی که معروف نیستند حدیث روایت کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ الاسلام (حوادث ۳۲۲- ۳۲۱ / ۱۹۰- ۱۸۱)، التاریخ الکبیر (۳۹۴ / ۶)، تهذیب التهذیب (۲۰۲- ۲۰۱ / ۸)، الجرح و التعديل (ج ۳ ق ۲۸۶- ۲۸۵ / ۱)، سیر النبلاء (۴۸۸- ۴۸۷ / ۸)، شذرات الذهب (۳۱۰ / ۱)، العبر (۲۲۷ / ۱)، لسان المیزان

(۳۹۰ / ۵)، النجوم الزاهره (۱۵۳ / ۲).

غندجانی اهوازی، ابوالحمد عبدالوهاب

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۴۷-۳۶۶ ق)، محدث. در اهواز به دنیا آمد. «تاریخ» بخاری را از حافظ احمد بن عبدان شیرازی در اهواز شنید. او از ابوطاهر ملخص و ابوالقاسم بن صیدلانی در بغداد حدیث شنید. غندجانی ساکن بغداد گشت و در آنجا حدیث گفت. خطیب بغدادی از روایان احادیث اوست. ابوالفضل بن خیرون و مبارک بن طیوری و ابوغنائم نرسی نیز از وی حدیث روایت کرده‌اند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۳۱۳ / ۴)، تاریخ بغداد (۳۴-۳۳ / ۱۱)، سیر النبلاء (۶۶۲-۶۶۱ / ۱۷)، شذرات الذهب (۲۷۶ / ۳)، العبر (۲۹۱ / ۲).

غندجانی شیرازی، ابومحمد حسن

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۴۲۸ ق)، ادیب، لغوی و نسب‌شناس. معروف به اسود غندجانی. به آورده‌ی حموی در «معجم البلدان» نسبت وی به غندجان فارس است. او در شناخت روزگاران عرب و اشعار آنها تبحر داشت. هم او گوید که یکی از تصانیف غندجانی را دیده که در آن نوشته بوده: در ۴۱۲ ق تصنیف و در ۴۲۸ ق بر او خوانده شده است. از آثارش: «فرحه الادیب»، در رد یوسف بن ابی سعید سیرافی، در شرح «ابیات سیبویه»؛ «اضاله الادیب»، در رد ابن اعرابی، در «نوادری» که ثعلب روایت کرده است؛ «نزهه الادیب»، رد بر ابوعلی؛ «قید الاوابد»، در رد ابن سیرافی، در شرح «ابیات اصلاح المنطق»؛ کتاب «الخلیل» یا «الخلیل»، به ترتیب حروف معجم؛ «السل و السرقة»؛ کتابی در «اسماء الاماکن».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۹۴ / ۲)، ایضاح المکنون (۱۸۶ / ۲)، کشف الظنون (۱۹۳۹، ۸۷)، لسان المیزان (۳۶۷-۳۶۶ / ۲)، معجم الادباء (۲۶۵-۲۶۱ / ۷)، معجم البلدان (۲۴۴ / ۴)، معجم المؤلفین (۱۹۷ / ۳)، هدیه العارفین (۲۷۵ / ۱).

غندر رازی، ابوالحسین محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۳۳۰ ق)، محدث. در طبرستان از ابوحاتم رازی و محمد بن ضریس حدیث روایت کرد. محمد بن جعفر بن حمویه که وی را در ۳۳۰ ق ملاقات کرده، احادیثی از او روایت می‌کند. ذهبی گوید که حدیثش را در کتاب «اللقاب» شیرازی یافتیم.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۲۱۷ / ۱۶).

غنی، قاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند میرزا سید عبدالغنی خان کشاورز و مالک، در سال ۱۲۷۲ ش در سبزوار متولد شد. تحصیلات ابتدائی و مقدماتی را طبق روش آن زمان در مکتب‌خانه آموخت. در سن دوازده سالگی پدرش به بیماری وبا درگذشت و از آن تاریخ حضانت وی را دایش بر عهده گرفت و او را به مدرسه دارالفنون تهران فرستاد. مدت تحصیل غنی در دارالفنون پنج سال به طول انجامید و پس از اخذ دیپلم، زبان فرانسه را به خوبی فراگرفت و برای ادامه تحصیل رهسپار لبنان شد و در مدرسه سن ژوزف بیروت به فراگرفتن فن طب پرداخت. در همان ایام زبان انگلیسی و عربی را فراگرفت و وارد کالج آمریکائی شد و دوره‌ی دانشکده‌ی پزشکی را به پایان رسانید و در ۱۲۹۹ در سن ۲۷ سالگی به ایران بازگشت و در سبزوار مطبی دایر نموده و به مداوای بیماران پرداخت و بیمارستانی نیز در آن شهر بنام حشمتیه با سرمایه سالار حشمت دایر نمود.

غنی در سال ۱۳۰۲ برای تکمیل تحصیلات به فرانسه عزیمت نمود و قریب پنج سال به تکمیل تحصیلات پرداخت و در ۱۳۰۷ به ایران بازگشت. وی در آن مدت علاوه بر تکمیل فن پزشکی، دوره مخصوص شناخت نقاشی را نیز گذرانید و علاوه بر آن به مقام والای آنتول فرانس نویسنده و متفکر فرانسوی وقوف یافت و به ترجمه‌ی یکی از آثار او به نام تائیس پرداخت و در ۱۳۰۸ آن را در تهران انتشار داد. در سال ۱۳۰۹ محیط سبزوار را برای فعالیت‌های خود کوچک دید و لاجرم به مشهد نقل مکان نمود. مطبی در آنجا دائر نمود و در اندک مدتی بنام پزشک مسیحادم معرف گردید و طبعاً با بزرگان و مقامات عالی‌رتبه مشهد دوستی پیدا کرد و سرانجام کاندیدای نمایندگی مجلس شد و در دوره‌ی دهم به نمایندگی مردم مشهد در مجلس شورای ملی انتخاب گردید. در همین ایام به استادی دانشکده‌ی پزشکی انتخاب شد و تاریخ فن پزشکی را تدریس می‌نمود و ضمناً در دانشکده‌ی معقول و منقول به تدریس روانشناسی پرداخت و کتابی در این زمینه به نام معرفه‌النفس نوشته و انتشار داد.

دکتر غنی در ۱۳۱۴ پس از تاسیس فرهنگستان به عضویت آنجا برگزیده شد و از عوامل موثر و متنفذ آن موسسه فرهنگی گردید و شما در ادوار یازدهم، دوازدهم و سیزدهم مجلس شورای ملی عضویت یافت و مجموعاً به مدت ۸ سال نماینده‌ی مجلس بود. در سال ۱۳۱۷ هیئتی تحت ریاست محمود جم نخست‌وزیر وقت برای خواستگاری فوزیه دختر ملک فواد پادشاه متوفای مصر به قاهره رفت. دکتر غنی نماینده مجلس و استاد دانشگاه از اعضای برجسته‌ی این هیئت بود و با تکلم به زبانهای فرانسه، انگلیسی و عربی در بین رجال مصری موقعیت پیدا کرد.

در اسفندماه ۱۳۱۸ محمدرضا پهلوی ولیعهد ایران برای ازدواج با فوزیه مصری عازم قاهره شد. همراهان وی عبارت بودند از: حسن اسفندیاری رئیس مجلس، احمد متین‌دفتری وزیر دادگستری، مظفر اعلم وزیر امور خارجه، محمدعلی مقدم مدیرکل وزارت امور خارجه، دکتر قاسم غنی و عباس مسعودی نمایندگان مجلس نیز همراه ولیعهد به مصر عزیمت نمودند.

دکتر غنی در آذرماه ۱۳۲۲ در ترمیم کابینه‌ی علی سهیلی به جای امان‌الله اردلان به وزارت بهداری تعیین گردید. در فروردین ماه ۱۳۲۳ که محمد ساعد به نخست‌وزیری منصوب شد، دکتر غنی را کماکان در وزارت بهداری تثبیت نمود ولی این کابینه مورد موافقت مجلس قرار نگرفت و ساعد ناگزیر تغییراتی در آن به عمل آورد از جمله دکتر قاسم غنی به وزارت فرهنگ معرفی گردید

و تا شهریورماه ۱۳۲۳ وزیر فرهنگ بود.

در مهرماه ۱۳۲۶ دکتر قاسم غنی با سمت سفیر کبیر در مصر عازم قاهره شد. وی در این سفر ماموریت داشت به اختلاف محمدرضا و فوزیه خاتمه دهد. مدت مسافرت غنی در سفارت مصر یکسال بیشتر طول نکشید و در بهمن‌ماه ۱۳۲۷ با سمت سفیر کبیری عازم ترکیه گردید. این ماموریت نیز کمتر از یکسال بود. دکتر غنی در همان ایام دچار بیماری شد و برای درمان عازم آمریکا گردید. تلاش پزشکان برای بهبودی او به جایی نرسید و سرانجام در فروردین‌ماه ۱۳۳۱ به بیماری سرطان درگذشت.

مقام علمی و ادبی دکتر غنی درخور توجه و امعان‌نظر می‌باشد. از جمله از ترجمه‌های وی باید عصیان فرشتگان تائیس و بریان‌پزی ملک‌سیا اثر آناتول فرانس را نام برد. تنقیح و تصحیح و چاپ دیوان حافظ یکی از کارهای دکتر غنی است که با همکاری علامه محمد قزوینی آن را انجام داد. دیوان حافظ غنی یکی از منابع معتبر و مستند اشعار این غزلسرای نامدار به شمار می‌رود.

یکی از کارهای برجسته و ماندگار صاحب ترجمه، یادداشت‌های وی می‌باشد که تاکنون دوازده مجلد انتشار یافته است و حاوی نکاتی جالب و بارز می‌باشد. در این مجموعه غیر از خاطرات دکتر غنی، از بعضی از رجال هم نوشته‌هایی وجود دارد. آخرین اثر وی کتاب بحثی در تصوف است که در حقیقت دنباله‌ی حافظنامه اوست.

(بخش ۱) قاسم (دکتر) ابن (سید) عبدالغنی پزشک و دانشمند و ادیب ایرانی (و. سبزواری ۱۳۱۶ ه. ق. - ف. کالیفرنیا (آمریکا) ۱۳۷۰ ه. ق. / ۱۳۳۱ ه. ش.). پس از طی تحصیلات مقدماتی در سبزواری به تهران آمد و در مدرسه‌ی دارالفنون (قدیم) وارد شد و سپس برای ادامه‌ی تحصیل در رشته‌ی پزشکی به بیروت رفت و در آنجا دانشکده‌ی طب را به پایان رسانید. و به اخذ درجه‌ی دکتری نایل آمد و در زبان و ادبیات عرب احاطه یافت. دکتر غنی در اواخر سال ۱۲۹۹ ه. ش. به ایران بازگشت و به سبزواری رفت و سه سال در آنجا به طبابت اشتغال داشت. سپس برای تکمیل تحصیلات خود به پاریس رفت و با مرحوم محمد قزوینی آشنایی یافت. در سال ۱۳۰۷ ه. ش. به ایران بازگشت و مدت یک سال در سبزواری و چند سال در مشهد به طبابت پرداخت. در دوره‌های ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰ به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. در اسفند ۱۳۱۴ به عنوان استاد دانشکده‌ی پزشکی به تدریس دروس بیماریهای عصبی و تاریخ طب و علم اخلاق پزشکی مشغول گردید، و مدت دو سال در دانشکده‌ی معقول و منقول به تدریس روانشناسی اشتغال ورزید. در این اثنا به عضویت کمیسیون پزشکی فرهنگستان برگزیده شد. پس از شهریور ۱۳۲۰ در دولت سهیلی به سمت وزیر بهداشتی و در فروردین ۱۳۲۳ در کابینه‌ی ساعد مجدداً وزیر بهداشتی و بعد وزیر فرهنگ شد، ولی در اردیبهشت همان سال به سبب کسالت مزاج استعفا داد. در سال ۱۹۴۵ م. به نمایندگی از طرف دولت ایران در کنفرانس سانفرانسیسکو شرکت کرد و پس از آن نیز چند بار در کنفرانسهای مختلف جهان به نمایندگی ایران شرکت جست، و سه سال در ایالات متحده‌ی آمریکا به مسافرت و مطالعه و تحقیق مشغول بود و بر اثر حادثه‌ی اتومبیل در سرحد کشور مکزیک استخوان پایش شکست و چهار ماه و نیم بستری بود. پس از رفع بیماری از طرف دولت ایران به سفارت کبرای مصر منصوب شد. در شهریور ۱۳۲۶ ه. ش. به ایران بازگشت و در آبان ۱۳۲۷ به سمت سفیر کبیر ایران در ترکیه منصوب گردید. مدتی پس از آن برای معالجه به آمریکا رفت ولی مداوا مؤثر نگشت و درگذشت. وی از خدمتگزاران ادب فارسی است. به زبانهای فرانسوی و انگلیسی و عربی احاطه داشت و به افکار بزرگان باختر آشنا بود، به آثار آناتول فرانس علاقه داشت و سه کتاب او را به فارسی روان ترجمه کرد: داستان طائیس، عصیان فرشتگان، بریان‌پزی ملکه‌ی سبا. دکتر غنی علاقه‌ی شدیدی به حافظ داشت و درباره‌ی او تحقیق بسیار به عمل آورد و طرح یک دوره بنام «بحث در آثار و افکار و احوال حافظ» را ریخت که جلد اول آن راجع به تاریخ عصر حافظ یا تاریخ مفصل فارس و مضافات و ایالات مجاور آن در قرن هشتم و جلد دوم آن که راجع به تاریخ تصوف در اسلام و تطورات و تحولات مختلف آن از صدر اسلام تا عصر حافظ است به چاپ رسیده. از آثار دیگر اوست: رساله در شرح احوال و آثار ابن سینا، معرفه‌النفس، شرکت در تصحیح رباعیات عمر خیام با مرحوم فروغی، شرکت در تصحیح تاریخ بیهقی با دکتر فیاض، شرکت در تصحیح دیوان حافظ با محمد

قزوینی (مجله‌ی دانش ۱۳۳۱ شماره‌ی ۱۰ و ۱۱، لغ.).

(ح ۱۳۳۱ - ۱۲۷۲ ش)، پزشک، نویسنده و مترجم. در سبزوار به دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی را در آن شهر گذراند. پس از فوت پدر همراه دایی‌اش به تهران آمد و تحصیلات متوسطه را در مدرسه‌ی دارالفنون به پایان رساند. وی برای ادامه‌ی تحصیلات در رشته‌ی طب به بیروت اعزام و در ۱۲۹۷ ش دوره‌ی دانشکده‌ی پزشکی آنجا را به پایان رسانید. بعد به ایران آمد و پس از سه سال اقامت در سبزوار به فرانسه سفر کرد. پس از یک سال و اندی به وطن مراجعت نمود و پس از چندی دوباره به فرانسه رفت و در ۱۳۰۷ ش مجدداً به ایران بازگشت و در سبزوار و مشهد به طبابت پرداخت. پس از مدتی طبابت را کنار گذاشت و به کارهای سیاسی روی آورد. وی در دروه‌های دهم تا سیزدهم از جانب مردم مشهد به نمایندگی مجلس منصوب گردید و در ضمن در دانشکده‌ی طب و علوم معقول و منقول و روانشناسی تدریس می‌کرد. مدتی نیز سفیر ایران در کشورهای ترکیه و مصر بود. سرانجام در ایالات متحده از دنیا رفت. دکتر غنی در طول حیات خود کتبی چند تألیف و ترجمه کرده است. از آثار وی: «ابن سینا»؛ «بحث در آثار و افکار و احوال حافظ»، شامل دو قسمت، قسمت اول «تاریخ عصر حافظ یا تاریخ فارسی و مضافات و ایالات مجاوره در قرن هشتم» و قسمت دوم «تاریخ تصوف در اسلام و تطورات و تحولات مختلفه‌ی آن از صدر اسلام تا عصر حافظ»؛ «بحثی در تصوف»؛ «بحث در سیاست»؛ «معرفه النفس»؛ «عصیان فرشتگان»، ترجمه؛ «تائیس»، ترجمه؛ «بریان‌پزی ملکه‌ی سبا»، ترجمه. [۱]

برگرفته از کتاب: شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه: [۱] آینده (س ۷، ش ۷، ص ۵۰۳ - ۵۰۲، س ۸، ش ۱، ص ۶۲ - ۵۹)، بحث در آثار و افکار و احوال حافظ، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۹ - ۲۵ / ۵)، شرح حال رجال (۱۷۹ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۸۹۹ - ۸۹۷ / ۴)، یغما (س ۲۴، ش ۱۰، ص ۶۰۶ - ۵۹۹).

غنی‌زاده سلماسی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۳ / ۱۳۱۲ - ۱۲۵۷ ش)، مترجم، روزنامه‌نگار، مصحح، نویسنده و شاعر. در سلماس به دنیا آمد و در زادگاهش به کسب دانش و ادب پرداخت. وی در اوایل جوانی دوردور با سید جلال‌الدین کاشانی، مدیر روزنامه‌ی «جبل‌المتین»، مکاتبه داشت و گاهی اوقات مقالاتی برای این روزنامه می‌فرستاد. غنی‌زاده سفری به قفقاز داشت که در این سفر با طالبوف آشنا شد. وی پس از بازگشت از این سفر در ۱۳۲۵ ق روزنامه‌ی «فریاد» را در شهر ارومیه منتشر کرد و در ۱۳۲۶ ق به تبریز مهاجرت نمود و در روزنامه‌ی «شورای ایران» به چاپ مقالات مختلف هست گماست. مدتی منشی مخصوص ستارخان بود و از طرف او به نمایندگی انجمن ایالتی تعیین شد و با تصویب این انجمن روزنامه‌ای به نام «انجمن» تأسیس شد که اداره‌ی آن را غنی‌زاده و علی‌اکبر و کیلی به عهده داشتند. غنی‌زاده همزمان روزنامه‌ی «محاکات» را تأسیس و با هفته‌نامه‌ی «شفق» نیز همکاری می‌کرد. وی در ۱۳۲۷ ق روزنامه‌ی «بوقلمون» را منتشر کرد. چون در ۱۳۲۹ ق مأمور تشکیل عدلیه سلماس شد از همکاری با این روزنامه‌ها دست کشید. در ۱۳۳۰ ق که سپاهیان روس وارد تبریز شدند با جمعی از آزادیخواهان آذربایجان به استانبول مهاجرت کرد و در آن شهر علاوه بر نوشتن مقالات و اشعار در روزنامه‌ی «اختر»، که ایرانیان مقیم استانبول انشطار می‌دادند، با زبان و ادبیات ترکی استانبولی آشنا شد. در بحبوحه‌ی جنگ جهانی با تقی‌زاده در تحریر مجله‌ی «کاوه» همکاری داشت. در ۱۳۰۵ ش به ایران بازگشت و در همان سال روزنامه‌ی «سهند» را در

تبریز منتشر کرد وی سرانجام در تبریز وفات یافت. از آثارش: مقدمه‌ی «سفرنامه ناصر خسرو»؛ تصحیح «زاد المسافرین»؛ تصحیح «وجه دین»؛ «پالتو»؛ ترجمه؛ «آدم نامرئی»؛ ترجمه؛ «دوای خواب»؛ ترجمه؛ «هینوزه یا واهمه»؛ ترجمه. از آثار منظوم غنی‌زاده جز چند غزل و مثنوی «هدیان» چیزی در دست نیست. [۱]

محمود سلماسی، ادیب و شاعر ایرانی (و. سلماس ۱۲۹۶ ه.ق. - ف. ۱۳۵۳ ه.ق.)، وی به استانبول و سپس به برلین رفت و در مجله‌ی کاوه مقالاتی منتشر کرد و بعد به ایران بازگشت و روزنامه‌ی سهند را انتشار داد، او راست: تاریخ آذربایجان، ایرانیان مستعرب. دیوانی از او بنام «آثار منظوم محمود غنی‌زاده» به چاپ رسیده (لغ.).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] آینده (س ۱۷، ش ۸-۵، ص ۵۰۴-۴۹۹)، از صبا تا نیما (۳۳۲-۳۲۵ / ۲)، تاریخ جراید (۱۹۴، ۸۰، ۷۸- / ۷۴، ۴، ۷۲- / ۴۹، ۴۸- / ۲۶، ۳ / ۲۸۶-۲۸۸، ۲ / ۱)، الذریعه (۷۹۲ / ۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۲- / ۳۰، ۵)، سخنوران نامی معاصر (۲۵۶۷- / ۲۵۶۴، ۴) شرح حال رجال (۲۵۷- / ۲۵۶، ۶)، لغت‌نامه (ذیل / غنی‌زاده)، مؤلفین کتب چاپی (۶۹- / ۶۸، ۶)، یادداشتهای قزوینی (۲۱۹- / ۲۱۸، ۸).

غورجی هروی، ابوبکر احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۸۱ ق)، محدث. او راوی «جامع» ترمذی از ابو محمد عبدالجبار جراحی است. مؤتمن ساجی و ابوالفتح کרוخی و دیگران از او روایت کرده‌اند. حسین بن محمد کتبی محدث او را در حدیث مورد اعتماد دانسته است. وی در حدود نود سالگی در هرات درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۷ / ۱۹)، شذرات الذهب (۳ / ۳۶۵)، العبر (۲ / ۳۴۳)، الکامل (۸ / ۱۴۸).

غیاث طبیب، غیاث‌الدین محمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، طبیب. وی مؤلف «قوانین العلاج» در طب است که آن را در سال ۸۷۱ ق به پایان رسانید و سپس خلاصه‌ای از آن را به نام «زبده قوانین العلاج» پرداخت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۲۷۴).

غیاثی طرزی، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدرضا غیائی طرزی

محل تولد: راور کرمان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

جناب استاد غیائی ضمن معرفی کامل خودتان، آثار برتر و منتخب خودتان را که طی ۳۰ سال گذشته تالیف کرده اید، معرفی نمایید. بسم...الرحمن الرحیم، اینجانب سید محمد رضا غیائی کرمانی متولد سال ۱۳۳۸ در روستای زیبای «طرز» از توابع شهرستان راور کرمان از سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمی شده و تا کنون یعنی سال ۱۳۸۷ مدت ۳۳ سال است که به تحلیل و تالیف و تدریس اشتغال دارم. تا کنون ۷۰ عنوان کتاب تالیف کرده ام که ۷ مورد از آنها به عنوان کتاب سال و آثار مکتوب برتر و قابل تقدیر، شناخته شده اند که عبارتند از: ۱- اختران هدایت (سال ۷۲)، ۲- فضیلت های اخلاقی (سال ۷۸)، ۳- ابو مسلم اصفهانی (سال ۷۹)، ۴- آیات الاحکام (سال ۸۰)، ۵- صحیفه کاظمیه (ع) (سال ۸۱)، ۶- پژوهشهای قرآنی علامه شعرانی (سال ۸۶)، ۷- در محضر علامه شعرانی / پرسش ها و پاسخهای قرآنی (سال ۸۷) لازم به ذکر است، کتاب پژوهشهای قرآنی علامه شعرانی دو مرتبه به عنوان کتاب سال برگزیده شده است. یکی در کرمان از سوی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و دیگری از سوی کمیته انتخاب کتاب سال دانشجویی تهران. - استاد غیائی، اگر ممکن است نام کتابهای خود را بفرمایید. چون نام بردن از ۷۰ عنوان اولاً در خاطر نیست و در ثانی از حوصله یک مصاحبه روزنامه ای خارج و برای خوانندگان عزیز هم خسته کننده است و لذا از ذکر آنها خودداری می کنم، ولی لازم است که از روزنامه وزین کرمان امروز که همواره ابراز محبت نموده و به ویژه سردبیر محترم و مسوول و صاحب امتیاز آن، جناب آقای «فتح نجات» که خود فرهیخته ای خدیم علم و ندیم قلم هستند، تشکر کنم که همواره در مسیر نشر فرهنگ دینی کوشا هستند در فرصتی بیشتر در این باره گفتگو خواهیم کرد، ان شاء...

غیائی، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

غیلان

قرن: ۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن سلمه ی ثقفی، حکیم و شاعر دوره ی جاهلیت عرب و اوایل اسلام (ف. ۲۳ ه.ق) وی از بزرگان ثقیف بود و در روز طایف

مسلمان شد.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

فاتحی بروجنی، ایرج

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: عوالم پزشکی تهران
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

فارابی، ابونصر اسماعیل

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابونصر اسماعیل بن حماد نیشابوری مسکن و مدفن و فارابی الاصل خواهرزاده (اسحق بن ابراهیم) است. وی در فاراب متولد و به جوهری شهرت یافته و در علم و فطانت و ذکاوت نادره دوران و اعجوبه زمان و بالخصوص در لغت و فنون ادب امام اهل لغت و مرجع علماء عربیه بوده و به جهت تحصیل لغت عرب و اطلاعات بر نکات و حقائق مشکلات و دقائق معضلات آن به بلا در بیعه و مضر و نجد و حجاز و مصر و شام مسافرتها کرده و از سیرافی فارسی و دانی خود اسحق ابن ابراهیم فارابی صاحب (دیوان الادب) و اکابر دیگر عصر خود علوم عربیه و ادبیه را فرا گرفته و لغت عرب را از زبان اعرابی که اصلا مرآده با اجانب نداشته و مخلوط به کلمات بیگانه نموده اخذ نموده و با اینکه زبان مادری او ترکی بوده از پیشوایان لغت عرب محسوب می شود.

وی پس از مسافرتهاى کثیره عاقبت به نیشابور برگشته و به تدریس و تألیف پرداخته تا در ۳۳۳ یا ۴۰۰ و یا مابین آن دو رقم از بام افتاده و مرده است.

از آثار اوست ۱- بیان الاعراب ۲- صحاح اللغه ۳- عروض الورقه ۴- مقدمه نحو و کتاب صحاح او مشهورترین تألیفات اوست که مورد توجه عموم ادباء و دانشمندان است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فارابی، ابونصر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۳۹ / ۳۳۸ - ۲۶۰ / ۲۵۹ ق)، ریاضیدان، عارف، فیلسوف، دانشمند، حکیم و موسیقیدان. ملقب به معلم ثانی. در فاراب ماوراءالنهر به دنیا آمد. بیشتر عمر خود را در بغداد گذراند و اکثر کتابهای خود را در آنجا نوشت. فارابی همچنین سفرهایی به شام، مصر،

حران و مرو داشت و در آنجا به تعلیم و تألیف مشغول بود. او نزد استادانی چون متی بن یونس و یوحنا بن حیلان فلسفه آموخت. از شاگردان فارابی، یحیی بن عدی می‌باشد. فارابی مانند صوفیان زندگی می‌کرد و از موسیقی علمی نظری اطلاعات زیادی داشت، وی کتابی هم در این فن نوشته است. بیشترین اهمیت او در شرح آثار ارسطو است و به همین سبب او را معلم ثانی نامیده‌اند. وی در دمشق در گذشت. از آثار او: «احصاء العلوم»؛ «آراء اهل المدینه الفاضله»؛ «عیون المسائل»، در منطق؛ «الجمع بین رأی الحکیمین» افلاطون و ارسطو، در حدوث عالم؛ «اغراض ما بعد الطبیعه»؛ «تحصیل السعاده»؛ «رساله فی (ماهیه) العقل»؛ «السیاسه المدنیه»؛ «رساله فی اثبات المفارقات»؛ «المدخل الی (صناعه) الموسیقی»، که قفطی در «اخبار العلماء» و صفدی در «الوافی بالوفیات» آن را «کتاب الموسیقی» ذکر کرده‌اند و گفته شده که وی این کتاب را به درخواست وزیر ابوجعفر محمد کرخی نگاشته است. [۱]

ابونصر محمد بن محمد، فیلسوف بزرگ اسلام در نیمه‌ی دوم قر. ۳ و نیمه‌ی اول قر. ۴ ه. (و. فاراب ۲۶۰ ه. ق. / ۸۷۴ م. - ف. دمشق ۳۳۹ ه. ق. / ۹۵۰ م.) فارابی از ماوراءالنهر برای تحصیل علوم به بغداد رفت و بعد از آموختن عربی در حلقه‌ی درس ابوبشر متی بن یونس حضور یافت و چندی بعد به حران رفت و از یوحنا بن حیلان بخشی از منطق را فراگرفت و به بغداد بازگشت و به تکمیل فلسفه مشغول شد. فارابی همه‌ی کتب ارسطو را به دقت مورد مطالعه و تحقیق قرار داد و به معانی آنها وقوف تام و در شرح و تفسیر آثار ارسطو مهارتی خاص یافت و بدین جهت او را «ارسطوی ثانی» یا «معلم ثانی» نامیدند. فارابی از بغداد به مصر رفت و از آنجا به خدمت سیف‌الدوله ابوالحسن علی بن عبدالله بن حمدان تغلبی پادشاه حلب و دمشق و شام درآمد و در کنف حمایت وی به تعلیم و تألیف مشغول گردید تا در سن ۸۰ سالگی در گذشت. فارابی به ثروت و زینت دنیوی بی‌میل بود و به امر مسکن و پیشه توجهی نداشت و غالب اوقات خویش را در تنهایی بسر می‌برد. اهمیت فارابی بیشتر در شرح‌های اوست بر آثار ارسطو و به سبب همین شروح هم او را «معلم ثانی» خوانده و در مقام بعد از ارسطو، قرار داده‌اند. فارابی مانند بسیاری از فلاسفه‌ی اسکندریه و خاور نزدیک که می‌کوشیدند بین عقاید افلاطون و ارسطو را التیام دهند، در کتبی که به بحث در اتفاق آراء افلاطون و ارسطو اختصاص داده سعی بلیغ در این راه به کار برده است و کتاب «الجمع بین رأی الحکیمین: افلاطون الالهی بین رأی الحکیمین: افلاطون الالهی و ارسطو طالیس» را در این باب تألیف کرده. فارابی در رساله‌ی فصوص الحکم برای اثبات توحید بیشتر به اصول و عقاید نو افلاطونیان و عرفا نزدیک شده و در رساله‌ی آراء اهل المدینه الفاضله تحت تأثیر افلاطون قرار گرفته و سعادت بشر را در ایجاد اجتماع کاملی دانسته است که همانند اجتماع روحانی باشد. فارابی مانند همه‌ی دانشمندانی که در تمدن اسلامی عنوان فیلسوف داشته‌اند از همه‌ی علوم عهد خود مطلع و در آنها صاحب تصانیفی بوده است. اطلاعات وی در ریاضیات خوب ولی در طب متوسط و در موسیقی بسیار بوده است. روش فلسفی او را باید فی الحقیقه یک روش نو افلاطونی اسلامی نامید و این همان روشی است که پیش از فارابی به وسیله‌ی کندی شروع شد و بعد از او از طرفی در آثار اخوان الصفاء و از طرفی دیگر در کتب ابوعلی سینا به مرحله‌ی کمال رسید. مع ذلک فارابی در بعض موارد با کندی و ابوعلی سینا اختلاف دارد و همچنین چون آثار او تحت تأثیر سه روش عمده‌ی افلاطون و ارسطو و فلوطینس واقع است گاه موارد اختلافی در آنها مشاهده می‌شود و وجه اشتراک همه‌ی این آثار با یکدیگر عبارتست از ترکیب عقاید مذکور با اصول دینی اسلامی. به نظر فارابی بی‌سعادت و عظمت مقام فیلسوف در ترک علائق و تجرد و گوشه‌گیری است. حاصل علم و مقدمه‌ی سعادت اخلاق است و عالمی که از مبانی اخلاقی پیروی نکند از سعادت کمال برخوردار نیست. اثر فارابی در فلاسفه‌ی بعد از خود بسیار بوده است و با این حال از انتقادات برخی مانند ابن رشد آسوده نمانده است. ابن رشد در چند مورد از کتاب تهافت التهافت بر فارابی تاخته و او را در شمار متکلمان قرار داده است نه در زمره‌ی فیلسوفان. فارابی را در حدود صد تألیف است و مهمترین آنها عبارتند از: رساله‌ی فی مبادی آراء اهل المدینه الفاضله، مقاله‌ی فی معانی العقل، عیون المسائل، فصوص الحکم، رساله‌ی فی السیاسه، المسائل الفلسفیه، احصاء العلوم، اغراض ارسطو طالیس فی کتاب ما بعد الطبیعه، رساله‌ی فی اثبات المفارقات.

ابونصر محمد بن طرخان بن اوزلع و یا محمد بن محمد بن محمد بن طرخان حکیم و فیلسوف ترک معروف به (معلم ثانی). تولد این دانشمند بزرگ در (فاراب) و شهرتش نیز فارابی از اکابر فلاسفه نامی و حکماء اسلامی قرن چهارم زمان آل بویه می‌باشد و چون ارسطوی حکیم مشهور به معلم اول است وی را معلم ثانی گویند.

در میان حکماء کسی به پایه وی نرسیده و در قوه مدرکه دارای اولین درجه بوده و ابن سینا با آن همه جلالت و نبوغ علمی که داشته از کتابهای او استفاده شایانی نموده و در مصنفات خود از انوار علمیه اش اقتباس می‌کرده است.

از همین جهات است که در کلمات اکابر و بزرگان به استاد الفلاسفه و ملک‌الحکما توصیف شده است و او اولین حکیم و فیلسوفی است که در دوره اسلام ظهور کرده و نام فاراب را به تمام جهان رسانیده.

اجمالاً فارابی در زادگاه خود شهر فاراب علوم اولیه را فرا گرفته و مسافرت به بلاد ایران نموده و به زبان فارسی و السنه دیگر آشنا شده و مسافرت به بغداد نموده و زبان عربی را هم در آنجا آموخته و با صاحب بن عباد و شیعیان آنجا مصاحبت داشته و پس از تکمیل حکمت و فلسفه در حران و غیره در بغداد به تحصیل ریاضیات و فنون حکمت اشتغال و تمام کتب ارسطو را تتبع و ممارست نموده و گویند وقتی از او پرسیدند تو داناتری یا ارسطو در پاسخ گفت اگر من زمان ارسطو را درک می‌کردم هر آینه بزرگترین شاگردان او می‌شدم.

قاضی نورالله شهید شوشتری در مجالس المؤمنین خود او را بسیار ستوده و گوید: وی معلم مقالات اهل یونان و متمم کمالات نوع انسان بوده است.

از آثار فارابی است ۱- آراء اهل المدینه الفاضله والمدینه الجاهله والمدینه الفاسقه والمدینه المبدله والمدینه الضاله که در مصر و لیدن چاپ شده و مرحوم علامه تهرانی در الذریعه خود در چندین مورد استظهار کرده که فارابی شیعه مذهب و به عصمت ائمه طاهرین علیهم السلام معتقد بوده است.

۲- الابانه ۳- ابطال احکام النجوم ۴- احصاء العلوم و چهل کتاب دیگر که جمعاً ۴۴ تألیف می‌شود وفات این نابغه اسلامی در سال ۳۳۷ یا ۳۹ یا ۴۰ یا ۳۴۴ واقع شده و سیف‌الدوله حکمران شام با جمعی بر وی نماز خوانده است از اشعار فارسی که به او نسبت می‌دهند این رباعی است.

اسرار وجود خام و ناپخته بماند

وان گوهر بس شریف ناسفته بماند

هر کس بدلیل عقل چیزی گفته

آن نکته که اصل بود ناگفته بماند

(خلاصه‌ای از ریحانه‌الادب و غیره)

ابونصر فارابی محمد بن محمد، از همه‌ی علوم عهد خود مطلع و در آنها صاحب تصانیفی بوده است. اطلاعات وی در ریاضیات خوب ولی در طب متوسط و در موسیقی بسیار بوده است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۲۴۳- ۲۴۲ / ۷) تاریخ ادبیات در ایران (۲۹۹- ۲۹۳ / ۱)، تاریخ الحکماء قفطی (۳۸۳- ۳۷۹)، تاریخ علوم و فلسفه ایرانی (۵۱۱- ۵۰۶)، تاریخ فلاسفه ایرانی (۱۳۰- ۹۸)، تاریخ فلسفه در اسلام (۱۸۲- ۱۶۵ / ۲)، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی (۴۴۸- ۳۹۵)، دایره‌المعارف فارسی (۱۸۲۱- ۱۸۲۰ / ۲)، الذریعه (۲۶۰ / ۲۳، ۲۹۱، ۲۴۷ / ۲۰، ۴۲، ۴۱ / ۱۹، ۲۳۵ / ۱۶، ۳۸۳، ۱۵ / ۲۷۳، ۱۲ / ۱۰، ۱۱ / ۲۵۰، ۱۰ / ۱۸۳، ۷ / ۳۹۷، ۶ / ۲۸۸، ۲۵۲، ۱۳۵، ۱۰۳، ۱۶ / ۵ / ۵۰۰، ۴۹۹، ۴۳۷، ۲۲۷، ۲۲۴ / ۴، ۳۹۷، ۹۱، ۳ / ۲۵۱، ۱۲- ۱۱ / ۲ / ۳۸۶، ۳۷۶، ۲۸۹، ۲۶۹، ۱۰۰، ۶۶، ۵۶، ۳۴- ۳۳ / ۱)، روضات الجنات (۳۱۲- ۳۰۵ / ۷)، ریحانه

(۲۶۶- ۲۶۱ / ۴)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۳۴۱- ۳۴۰)، سیر النبلاء (۴۱۸- ۴۱۶ / ۱۵)، شخصیت‌های نامی (۳۶۰- ۳۵۹)، شذرات الذهب (۳۵۴- ۳۵۰ / ۲)، الفهرست لابن الندیم (۳۶۸)، کارنامه‌ی بزرگان (۶۲- ۶۱)، الکامل (۳۳۷ / ۶)، کشف الظنون (۱۲۶۵)، ۱۰۱۱، الکنی و الالقاب (۵- ۴ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / ابونصر)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۳۳۹)، معجم البلدان (۲۵۵ / ۴)، معجم المؤلفین (۱۹۶- ۱۹۴ / ۱۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۹۶- ۲۹۱ / ۵)، النجوم الزاهره (۳۴۸- ۳۴۷ / ۳)، الوافی بالوفیات (۱۱۳- ۱۰۶ / ۱)، وفیات الاعیان (۱۵۷- ۱۵۳ / ۵)، هدیه العارفين (۴۰، ۳۹ / ۲).

فارابی، اسحق

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اسحق بن ابراهیم مکنی به ابوابراهیم از اکابر ادباء قرن چهارم هجری و دانی اسماعیل بن حماد جوهری است. از تألیفات اوست ۱- بیان الاعراب ۲- دیوان‌الادب ۳- شرح ادب الکاتب وفات او در سال ۳۵۰ یا ۳۷۰ هجری واقع شده. (وف ۳۷۰ / ۳۵۰ ق)، ادیب و لغوی. از ادیبان دانشور ایرانی است که اصل وی از فاراب ماوراءالنهر بود. فارابی دایی استاد لغوی بزرگ اسماعیل جوهری صاحب «صحاح اللغه» است. از موطن خود به یمن مهاجرت کرد و در زبید اقامت گزید و «دیوان‌الادب» را در آنجا تصنیف کرد. از آثار وی: «دیوان‌الادب»، در لغت که آن را به درخواست اتسز خوارزمشاه، در پنج بخش: اسم، فعل، حرف، صرف اسم و صرف فعل نگاشت؛ شرحی بر «ادب الکاتب» ابن قتیبه؛ «بیان الاعراب». [۱] برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۲۸۵- ۲۸۴ / ۱)، انساب سمعانی (۳۳۱ / ۴)، ایضاح المکنون (۲۰۴ / ۱)، روضات الجنات (۴۴ / ۲)، ریحانه (۲۶۱ / ۴)، کشف الظنون (۷۷۵- ۷۷۴، ۴۸)، معجم الادباء (۶۵- ۶۱ / ۶)، معجم البلدان (۲۵۵ / ۴)، معجم المؤلفین (۲۲۷ / ۲)، هدیه العارفين (۱۹۹ / ۱).

فارسانی مالکی، منصور

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۲، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: گوارش، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی بیماریهای داخلی از سنت‌لوئیس تگزاس آمریکا در سال ۱۳۶۱، فوق تخصص بیماریهای گوارش از تگزاس آمریکا در سال ۱۳۶۴.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه علوم پزشکی اصفهان از سال ۱۳۴۹.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی کانسر مری در اصفهان، تدریس دروس گوارش و بیماریهای داخلی در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تشخیص و درمان بیماریها.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۴، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

گوارش، بررسی سرطان مری در اصفهان و حومه اطراف، اثر مسمومیت حاد تریاک بر روی کبد، خونریزی دستگاه گوارش و نقش اندوسکوپی در درمان آن.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

فارسی ابوالخیر، تقی‌الدین محمد، محمدتقی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۹۴۰ ق)، ریاضیدان، منجم، ادیب، پزشک و شاعر شیعی، متخلص به فهمی. در شیراز می‌زیست و نزد میر صدرالدین محمد دشتکی شیرازی و فرزند وی میر غیاث‌الدین منصور دشتکی به فراگیری دانش پرداخت. از آثار چاپی او: «آداب السلطنه»، به فارسی؛ «حل التقویم»، به فارسی در نجوم و هیئت. آثار خطی او: «الاحکام الاحکام»، در نجوم به فارسی؛ «اسامی العلوم و اصطلاحاتها» به فارسی در فضیلت علم، حکمت، آداب تعلیم و تعلم، اخلاق و صفات؛ «آغاز و انجام»؛ «طلیعه العلوم»؛ به عربی؛ «بستان الادب»؛ «خلاصه‌ی طلیعه العلوم»، به عربی در علوم ادبی، تفسیر، تصوف و طریقت، حکمت، اخلاق و ریاضیات؛ «انتخاب حل التقویم»؛ «انیس اطباء»؛ «رساله در هیئت»، به فارسی؛ «رساله فی حساب القمر»؛ «زبدۀ الصوف»؛ «شرح رساله‌ی هیئت»؛ «طالع‌نامه»؛ «معرفة سمت القبلة».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴۰۶/۹)، تاریخ نظم و نثر (۳۸۶)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۹۶/۱)، الذریعه (۱۸۰، ۱۳۵، ۱۵/۷، ۶۷/۷، ۳۵۹-۳۵۸، ۱۰-۹/۲، ۲۹۲-۲۹۱، ۳۶-۳۵/۱)، ریحانه (۹۴/۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۱/۱۰)، کشف الظنون (۱۱۵)، معجم المؤلفین (۲۵۸/۱۱).

فارسی فسوی، ابوالقاسم زید

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۶۷ ق)، نحوی و لغوی. از بسیاری علوم متداول زمان خود آگاهی داشت. مدتی در حلب و دمشق بود و زبان عربی را در آنجا فراگرفت. علم نحو را از ابوالحسن خواهرزاده‌ی ابوعلی فارسی و علم حدیث را از ابوذر هروی آموخت. وی در طرابلس شام درگذشت. از آثارش: شرح «ایضاح ابوعلی»، در نحو؛ شرح «حماسه‌ی ابوتمام». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳ / ۹۹)، روضات الجنات (۳ / ۳۷۴)، ریحانه (۴ / ۲۶۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۴ - ۸۳ / ۵)، کشف الظنون (۶۹۱، ۲۱۲)، لغت‌نامه (ذیل / زید)، معجم الادباء (۱۷۷ - ۱۷۶ / ۱۱)، معجم المؤلفین (۱۹۱ - ۱۹۰ / ۴).

فارسی مهر، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی فارسی مهر

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۷/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۷ دیپلم ریاضی در تهران گرفته در همان سال در دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی بابلسر در رشته اقتصاد قبول شدم. بعد از انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاهها به سپاه پاسدارن پیوستم. در سال ۱۳۶۱ در تهران طلبه شدم و در سال ۱۳۶۳ به قم آمدم، مقدمات و سطح را به پایان رسانده و خارج فقه و اصول را از دروس آقای مکارم شیرازی استفاده کردم و چند سال نیز از درس خارج فقه آقای جوادی آملی و آقای سید محمود هاشمی بهره بردم. در حال حاضر قدرت استنباط از دلائل شرعی را دارم. در سال ۱۳۶۲ کتاب جامع المقدمات را اصلاح و نو نویسی و زیبا کاری کردیم که چاپ شد و تا چاپ ششم هم رفت. و سپس کتاب تجارب و نکات تبلیغی را نوشتم که حاوی تجربیات تبلیغی خود و مبلغین دیگر بود، چون هیچ کس نبود که اشتباه کاریها و قدرتهای تبلیغی آقایان مبلغین را به دیگران منتقل کند. سپس تجارب مبلغان هنرمند را نوشتم و بعد روش مدیریت و تبلیغ در مناطق تسنن را نوشتم زیرا مناطق تسنن، نیازها و مشکلات و ساز و کارهای دیگری را میطلبد. در زمینه معالجات پزشکی از راه طبیعت تجربیات خوبی دارم، در زمینه روان شناسی به اذن خدا کارآمدی بالایی دارم، در زمینه عرفان عملی هم می توانم نیازمندیها را اشباع کنم. کتابهایی که در حال حاضر نیمه تمام دارم در زمینه نماز و عرفان عملی و تجربیات پزشکی و تجربیات روان شناسی و ... می باشد.

فارسی نیشابوری، ابوالحسن عبدالغافر

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۲۹-۴۵۱ ق)، حافظ، محدث، لغوی، ادیب، مورخ و فقیه شافعی. از طرف پدر نوهی شیخ بزرگ ابوحسین فارسی نیشابوری و از طرف مادر نوهی شیخ ابوالقاسم قشیری است. او در نیشابور به دنیا آمد. نزد امام الحرمین جوینی اصول علم حدیث و فقه آموخت و از پدرش، اسماعیل، و مادرش، ام‌رحیم، دختر قشیری و جدش ابوالقاسم عبدالکریم قشیری و جداهش، فاطمه دختر ابوعلی دقاق، و دو دایی‌اش ابوسعید و ابوسعید، فرزندان قشیری، و احمد بن منصور مغربی و احمد بن عبدالرحیم اسماعیلی و احمد بن حسن ازهری و خلقی کثیر، احادیث بسیار استماع کرد، و در علوم مذهبی سرآمد گشت و به غزنه و هند و خوارزم مسافرت کرد و بزرگان را دیدار نمود و از ابومحمد جوهری و ابوسعید کنجرودی و ابوبکر محمد طبری اجازه دریافت کرد. ابوسعید عبدالله بن عمر صفار آخرین کسی است که از وی حدیث روایت کرده است. او را فقیهی محقق و فصیحی خوش‌زبان و ادیبی کامل توصیف کرده‌اند. وی خطیب نیشابور گشت و سرانجام در نیشابور درگذشت. از آثارش: «مجمع الغرائب فی غریب الحدیث»؛ «السیاق»، در تاریخ نیشابور که تکمله‌ای بر کتاب «تاریخ نیشابور» حاکم نیشابوری است؛ «المفهم»، شرح «غرایب صحیح مسلم». بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۵۷ / ۴)، روضات الجنات (۲۲ / ۸)، ریحانه (۲۷۳-۲۷۲ / ۴)، سیر النبلاء (۱۸-۱۶ / ۲۰)، شذرات الذهب (۹۳ / ۴)، العبر (۴۳۶-۴۳۵ / ۲)، کشف الظنون (۱۶۰۲، ۱۰۱۱، ۵۵۸، ۳۰۸)، الکنی و الالقاب (۶۷ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / ابوالحسن)، معجم المؤلفین (۲۶۷ / ۵)، وفيات الاعیان (۲۲۵ / ۳)، هدیه العارفین (۵۸۷ / ۱).

فارسی نیشابوری، ابوالحسین عبدالغافر

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۴۴۸-۳۵۰ ق)، محدث و فقیه. وی از ابواحمد محمد بن عیسی بن عمرویه جلودی در ۳۶۵ ق «صحیح» مسلم و از ابوسلیمان خطابی «غریب الحدیث» را استماع کرد و از بشر بن احمد اسفراینی و چند تن دیگر حدیث شنید و خود حدود پنجاه سال حدیث گفت. نصر بن حسن تنکیتی شاشی و ابوعبدالله حسین بن علی طبری و عبیدالله بن ابوالقاسم قشیری و عبدالرحمان بن ابوعثمان صابونی و محمد بن فضل صاعدی فراوی و اسماعیل بن ابوبکر قاری و فاطمه بنت زعبل و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. «صحیح» مسلم را حسن بن احمد سمرقندی حدود سی مرتبه و ابوسعید بحیری حدود بیست مرتبه بر او قرائت کرده‌اند. نوه‌اش عبدالغافر بن اسماعیل فارسی نیشابوری جد خود را مردی مورد اعتماد، صالح و دیندار معرفی کرده است. شیخ ابوالحسین فارسی در نیشابور درگذشت.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام بوفیات الاعلام (۲۹۸ / ۲)، سیر النبلاء (۲۱-۱۹ / ۱۸)، شذرات الذهب (۲۷۸-۲۷۷ / ۳)، العبر (۲۹۲ / ۲).

فارسی، ابوالعلاء

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۳۸۰ ق)، طیب. وی در دوران سلاطین آل‌بویه می‌زیست و با علی بن عباس مجوسی اهوازی، ابوماهر، موسی بن یوسف

شیرازی و ابن مندویه اصفهانی معاصر بود. در زمان سلطان‌الدوله در شیراز مشغول طبابت بود و پس از انقراض دولت آل بویه به خدمت سلاطین غزنوی، خاصه مسعود پرداخت. وی به حذاقت و حسن درمان معروف بود. تألیف طبی از وی دیده نشده، اما، در باب معالجات و درمانهایی که کرده، در بعضی از تواریخ حکایاتی آمده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان نامی پارس (۱۵۹-۱۵۷)، تاریخ الحکماء قفطی (۵۵۳)، تاریخ طب (۶۶۸-۶۶۷/۲)، لغت‌نامه (ذیل / ابوالعلاء)، نامه‌ی دانشوران (۱۸-۱۲/۳).

فارسی، ابوعلی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوعلی فارسی نحوی صاحب تصانیف کثیره معاصر امیر عضدالدوله دیلمی بود و در سال ۳۷۷ ق در بغداد وفات نموده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فارسی، فاطمه

قرن: ۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

پیش از ۴۲۷ ق، از زنان محدث. وی از ابواحمد بن عدی روایت کرده است.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: تاریخ جرجان، ۵۰۷.

فارسیجانی، پرویز

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

پرویز فارسیجانی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای پرویز فارسیجانی در سال ۱۳۴۳ در خانواده‌ای دوستدار خاندان پاک عصمت و طهارت در تهران دیده به جهان گشود، شوق فراوان او به تحصیل علوم دینی سبب گردید تا در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه گردد. در روزهای نخستین ورود به حوزه با جدیت تمام به تحصیل پرداخت و از آسمان آستان حوزه علمیه ستاره‌ها چید. در درس اخلاق مرحوم آیت الله مجتهدی تهرانی حاضر گردید. شرح تجرید را نزد آیت الله مکارم شیرازی آموخت، از محضر آیت الله صالحی مازندرانی به تحصیل رسائل و مکاسب پرداخت.

در کنار درس، تدریس را نیز فراموش نکرد و در حوزه علمیه آیت الله مجتهدی تهرانی، دانشگاه آزاد تهران و دانشگاه علوم قرآنی تهران دروس مختلفی را تدریس کرد. وی هیچ وقت از امر پژوهش نیز غافل نبوده است و کتابهایی نیز به چاپ رسانده که برخی از آنها عبارتند از: میزان حکمت، نگین هستی

فارغانیه اصفهانیه، عقیفه

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۰۶-۵۱۶ ق)، محدث و مسند. وی مسندهی اصفهان بود و در فقه و حدیث شهره‌ی شهر. از عبدالواحد بن محمد دشتج و حمزه بن عباس علوی و اسحاق بن احمد اشنانی و جعفر بن عبدالواحد ثقفی حدیث شنید و از فاطمه جوزدانی «المعجم الکبیر» و «المعجم الصغیر» طبرانی و «الفتن» نعیم بن حماد را شنید و از ابوعلی حداد اجازه‌ی روایت گرفت. ابوعلی بن مهدی و ابوغنائم بن مهتدی بالله و ابوسعید ابن طیوری و ابوطالب یوسفی برای وی اجازه ارسال داشتند. گویند که مشایخ وی بیش از پانصد نفر بودند. ابوموسی بن عبدالغنی و شیخ ضیاء و رفیع اسحاق ابرقوهی و ابوبکر ابن نقطه از وی حدیث روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۵ / ۵)، سیر النبلاء (۴۸۳-۴۸۱ / ۲۱)، النجوم الزاهره (۱۷۷ / ۶).

فارمدی طوسی خراسانی، ابوعلی فضل

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۷۷-۴۰۷ / ۴۰۵ ق)، محدث، زاهد، صوفی و واعظ. در فارمد طوس به دنیا آمد. از مشایخ بزرگ صوفیه خراسان، و به گفته‌ی سمعانی زبان گویای خراسان و شیخ آنجا بود. او از شاگردان امام محمد غزالی و استاد حجه الاسلام ابوحامد غزالی است. از ابوعثمان صابونی و دیگران فقه آموخت و از ابوعبدالله بن باکویه و ابومنصور عبدالقاهر بغدادی و ابوحسان مزکی حدیث شنید. عبدالغافر بن اسماعیل و عبدالله بن علی خرکوشی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. فارمدی به نیشابور رفت و مدتی از نزدیکان و مریدان خاص امام ابوالقاسم قشیری شد. سپس در پی تحولات روحی به طوس بازگشت و در آنجا با ابوالقاسم کرگانی آشنا شد و مرید او گردید و سپس داماد او شد. از دیگر استادان وی در تصوف ابوالحسن خرقانی را نیز می‌توان نام برد. فارمدی معاصر شیخ ابوسعید ابوالخیر بود و در مجلس درس وی نیز حاضر می‌شد. مجالس ذکر و موعظه‌ی فارمدی شهرت فراگیر داشت، به این دلیل او را لسان‌الوقت می‌خوانده‌اند. عبدالغافر از او تعبیر به شیخ الشیوخ کرده، گوید که طریقه او در وعظ ممتاز بود و آنچنان

نیکو ادا می‌شد که در دلها می‌نشست. او بیشتر دارایی خویش را بر صوفیه انفاق کرد. وی در طوس درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اسرار التوحید (۶۶۹-۶۶۸ / ۲)، انساب سمعانی (۳۳۵ / ۴)، سیر النبلاء (۵۶۶-۵۶۵ / ۱۸)، شذرات الذهب (۳۵۶-۳۵۵ / ۳)، العبر (۳۳۷ / ۲)، کشف المحجوب (۲۱۱)، کیمیای سعادت (۱۵۶، ۳۵-۳۴ / ۲)، معجم البلدان (۲۵۹ / ۴)، نفحات الانس (۳۷۵-۳۷۳).

فاضل اردکانی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محدث قمی در الکنی واللقاب ج ۳ ص ۲۲- گوید: شیخ اجل علامه مولی حسین بن محمد اسماعیل اردکانی حایری عالم جلیل و مرجع تقلید بوده، و جمعی از مجتهدین از محضر او برآمدند چون علامه جلیل میرزا محمد تقی شیرازی و سید اجل سید محمد اصفهانی (استاد آیه‌الله حایری یزدی) و سید حسن کشمیری و میرزا مهدی شیرازی.

از عموی فاضلش مولی محمد تقی اردکانی روایت میکند که سال ۱۲۶۷ در تهران که ساکن بوده فوت کرده در مدرسه خان تهران مدرس بوده و هم روایت کند که از سید حجه الاسلام رشتی اصفهانی.

مولای اردکانی مصنفاتی دارد در طهارت و صلوه و متاجر و غیره و در سال ۱۳۰۵ در کربلا فوت کرده و در مقبره استادش صاحب ضوابط دفن شده است.

علامه شهرستانی حاج میرزا محمد حسین که از تلامذه مبرز اوست و بعد از وی ریاست امامیه بوی منتهی گردید در تاریخ وفات او گوید:

و لما ذاب وجد القلب هما

لموت ولی امیر المؤمنینا

فقم فزعا وارخ بالبکاء

حسین بالثری امسی رهینا

(۱۳۰۵)

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

فاضل استرآبادی، محمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد بن علی بن ابراهیم معروف به فاضل استرآبادی استاد علماء کربلا صاحب منهج‌المقال (رجال کبیر) و رجال صغیر که وحید بهبهانی تعلیقاتی بر آن نوشته و معروف است که در رجال کتابی بهتر از آن نوشته نشده و هم از تصنیفات اوست شرح آیات الاحکام و حاشیه تهذیب و رسائل مفیده دیگر وفات آن بزرگوار در سیزدهم ذی‌قعدة ۱۰۲۸ ق در مکه معظمه واقع و در قبرستان

معلى نزدیک قبر حضرت خدیجه کبری مدفون گردید و در نخبه ماده تاریخش را چنین گفته.

والاسترآبادی فاضل سنی

له الرجال فوئنه رضی

و این بزرگوار از افرادی است که به فیض تشرف و زیارت حضرت ولی عصر روحی له الفداء رسیده چنانکه مجلسی ره در سیزدهم بحار نقل نموده از جماعتی از آن بزرگوار که فرمود شبی در مسجدالحرام طواف می کردم بر دور خانه کعبه که جوان خوشروئی را دیدم که مشغول به طواف بوده چون به من رسید دسته گل سرخی به من عطا کرد و این در غیر فصل گل بود پس من از او گرفتم و بوئیدم و پرسیدم که ای سید من این گل از کجاست. فرمود از خرابات این بفرمود و پنهان شد و دیگر او را ندیدم سمعانی در انساب گفته خرابات جزیره‌ای در مغرب است در دریای محیط که از آنست جزیره خضراء. بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فاضل ایروانی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۰۶ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی و مجتهد. اصلش از ایروان بود. در چهارده سالگی وارد کربلا شد و چهار سال نزد صاحب «ضوابط» تلمذ نمود. سپس به نجف مهاجرت کرد و در محضر صاحبان «جواهر» و «انوار الفقاهه» شاگردی کرد، و بعدها از محضر شیخ انصاری استفاده بسیار نمود و بعد از ایشان و علامه کوه کمری در ۱۲۹۹ ق به تدریس و تألیف مشغول شد و مرجع تقلید گشت. ریاست دینی و شهرت فراگیرش در ایران و روسیه و ترکیه و هند سبب شد تا عالمان بزرگی بر گردش جمع شده و در محضرش شاگردی نمایند. وی در مدرسه‌ی معروف خودش در نجف اشرف دفن شد. از او تألیفات و رسائل بسیار در فقه و اصول باقی مانده است. از آثار وی: تعلیقه بر «رسائل» استادش، علامه انصاری؛ حاشیه بر «قواعد»؛ حاشیه بر «تفسیر» بیضاوی؛ «رساله‌ی عملیه»، فارسی، در جمیع فقه، مجلد اول در عبادات و دوم در معاملات؛ رساله‌ای در «اجتماع الامر و النهی»؛ «المکاسب المحرمه»؛ کتاب «البیع» استدلالی؛ «اصول الفقه»؛ «الاجتهاد و التقليد»؛ «الاجزاء»؛ «الاستصحاب»؛ «اصاله البرائه»؛ «التعادل و التراجیح»؛ «حجیه المظنه».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴۱۰ / ۹)، الذریعه (۱۵۱ / ۲۲، ۶۲ / ۱۵، ۲۱۸، ۳۰ / ۱۱، ۲۷۸، ۱۷۳، ۴۳، ۶ / ۲۰۴، ۴ / ۱۹۲، ۳ / ۲۰۹، ۱۱۵، ۲۵ / ۲ / ۲۷۴، ۲۷۲، ۲۶۸ / ۱)، ریحانه (۴ / ۲۷۸)، علماء معاصرین (۲۲ - ۲۱)، فوائد الرضویه (۶۰۱)، الکنی و الالقاب (۸-۹ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / فاضل ایروانی)، المآثر و الآثار (۱۵۲)، معجم المؤلفین (۱۹۷ / ۱۱).

فاضل بخشایش، جواد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جواد فاضل بخشایش

محل تولد : بستان آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب جواد فاضل بخشایش در سال ۱۳۴۵ در شهر بخشایش از توابع شهرستان بستان آباد واقع در آذربایجان شرقی در یک خانواده روحانی دیده به جهان گشودم تا مقطع سیکل در زادگاه خودم تحصیل کردم پس از اتمام سیکل در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه مدرسه طالبیه تبریز شدم و مقدمات ادبیات عرب و مقداری از فقه و اصول را در آن جا فرا گرفتم. سپس در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه قم شدم و به تحصیل فقه و اصول و فراگیری کلام و فلسفه و عرفان از اساتید بزرگوارى همچون مرحوم آیه الله پایانی قدس سره، حاج آقا اعتمادی، حاج آقا موسوی تهرانی و استاد اسحاق نیا حفظهم الله تعالی مشغول بوده و هستم. الان بیشتر فعالیتیم آموختن فلسفه و عرفان و تحقیق در نهج البلاغه و تفسیر می باشد. در هر هفته یک روز مدت ۸ سال است که مشغول تدریس تفسیر قرآن برای جوانان هستم. در طول این مدت با دفتر تبلیغات و موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث در تحقیق موضوعات و آثار مختلف اسلامی همکاری داشته و دارم.

فاضل بسطامی، نوروز علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۰۹ ق)، عالم امامی، فقیه، محدث و واعظ. در بسطام به دنیا آمد. در کودکی به مشهد مهاجرت کرد و در خدمت علمای بزرگ آن زمان تحصیل فقه و اصول نمود تا به درجات بالائی از فضل و کمال رسید. از آثارش: «التحفة الحسینیة»، در بیان حالات حضرت سیدالشهداء (ع) و اهل بیت او، در دو مجلد؛ «التحفة الرضویة»، در ذکر حالات و معجزات حضرت ثامن الائمه (ع)؛ «سرور العارفین»، در احوال مختار؛ «نجاه لخافقین فی ثواب زیاره الحسین (ع)»؛ کتاب «ذخیره المعاد»، در اخلاق و موعظه و ارشاد؛ کتاب «سراج المتجهجین»، منتخبی از «تحفه الأبرار» شیخ حسین اصفهانی؛ کتاب «لولوه البحرین فی ذکر مناقب الحسین (ع)». [۱]

نوروزعلی معروف به (فاضل بسطامی) متوفی ۱۳۰۹ ق عالمی با عمل و فاضلی بی بدل از روات اخبار و ناقلین آثار ائمه اطهار علیهم سلام الله الملك الغفار بوده وی در بسطام متولد و از کودکی مهاجرت به مشهد نموده و در خدمت علماء بزرگ آن زمان تحصیل فقه و اصول نموده تا به درجات سامیه فضل و کمال رسیده و چندین کتب تألیف کرده که از آن جمله (تحفه الحسینیة) در دو مجلد در بیان حالات و مرثی حضرت سیدالشهداء و اهل بیت طیبات آن جناب و دیگر کتاب تحفه الرضویة در ذکر حالات و معجزات حضرت ثامن الائمه (ع) و کتاب سرورالعارفین در احوال مختار و نجات الخافقین در فضیلت زیارت حضرت سید الشهداء و کتاب ذخیره المعاد و کتاب (سراج المتجهجین) و کتاب (لؤلؤة البحرین) و غیره.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۵۸-۵۷ / ۲۴ / ۳۷۸، ۱۸ / ۱۷۵، ۱۶۱، ۱۶۰-۱۶۱ / ۱۲ / ۲۱، ۱۰ / ۴۳۶، ۴۳۰ / ۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۵۲) - (۷ / ۱۵).

فاضل جم، حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۱۹ ق)، عالم، ادیب، خطیب و شاعر، متخلص به فاضل. معروف و ملقب به فاضل جم. وی به روستای جم وزیر در چهار فرسخی سیراف فارس منسوب است. او از شاگردان علامه شیخ مهدی کجوری است که مدتی در شیراز در محضر شیخ حاضر شد و از او کسب اجازه نمود. سپس به عراق مهاجرت کرد و در محضر ملا حسین فاضل اردکانی در کربلا و سید حسین کوه کمری در نجف شاگردی نمود تا از سید حسین کوه کمری نیز کسب اجازه نمود. او در بسیاری از علوم ماهر و دارای خط بسیار خوبی بود. وی اخلاق نیکویی داشت و شعر را روان می‌گفت. از آثار وی: «جام جم فی آثار العجم»، کشکول مانندی است مشتمل بر فواید علمی و تاریخی، از آن جمله ذکر ادوار تاریخی سیراف که امروزه به بندر طاهری معروف است و همچنین ذکر آثار برجسته و قدیمی، مانند مسجدی که در نزدیکی کوه آنجا بنا شده و غیره؛ «ریاض المصائب»، مقتل، در مواعظ و تواریخ و سیر و مصائب؛ «المنشآت اللطیفه» نظم و نثری به فارسی و عربی است که آن را با سفرنامه حجتش آغاز و در ضمن آن پاره‌ای از اسرار حج را ذکر کرده و در پایان، منظومه‌ی «لیلی و مجنون» را آورده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۴۵ / ۶)، الذریعه (۲۷ / ۲۳، ۳۳۷، ۱۱ / ۲۳، ۵)، ریحانه (۲۷۹ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۲۲ - ۶۴۱ / ۱۴)، لغت‌نامه (ذیل / فاضل جم).

فاضل شرایبانی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج ملا محمد فرزند فضلعلی معروف به فاضل شرایبانی یکی از آیات و مراجع بزرگ بلاد ترک در اوایل قرن چهاردهم هجری بود. فاضل مجتهدی جامع، فقیهی کامل، محقق دانشمند و متبحر در اصول، فقه و تفسیر و حدیث و علم رجال بود. فاضل از فکری صائب، حافظه‌ای قادر و ذهنی وافر و قلبی ذاکر برخوردار بود. این آیت عظمی در سال ۱۲۴۵ در شرایبان آذربایجان متولد شد و پس از پیمودن مقدمات علوم عازم نجف اشرف گردید و سالها از محضر سید حسین ترک و علامه شیخ انصاری رحمه الله علیه استفاده نمود و خود در استنباط احکام فقهی متبحر و استاد گردید و در ردیف مراجع بزرگ قرار داشت. پس از فوت آیت کبری مرحوم سید حسین کوه کمره ای، فاضل شرایبانی و فاضل مامقانی مرجع خاص و عام اغلب شیعیان مخصوصا اهالی آذربایجان و قفقاز و دیگر بلاد تشیع گردیدند. فاضل شرایبانی در مراجعت از عتبات چند سالی در آذربایجان ساکن بود. مرحوم مدرس تبریزی در ریحانه‌ی الادب می‌نویسد: فاضل شرایبانی در اصول بحری بی‌پایان بود، و ضمن تجلیل از مقام علمی او می‌افزاید: اگر تمام کتب

فقهی و اصولی را به دریا می‌شستند، فاضل مذکور قادر بود با حافظه و ذهن قوی خویش تمام آنها را مجدداً به رشته تحریر برد. فاضل شریائینی عمری طولانی یافت و سالیانی چند سال از فوت شیخ انصاری رحمه الله علیه تقریرات بررسی او را برای علما مدرسی عالم و شرحی سودمند بود و در این زمینه کتابی در شرح رسائل و مکاسب در نه جلد به رشته تحریر برد. همچنین رسائلی در فروع و عبادات از خویش به یادگار گذاشت، و سرانجام در بین الطلوعین جمعه ۱۷ رمضان ۱۳۲۲ ندای حق را لبیک گفت.

منابع زندگینامه: <http://www.shaaer.com>

فاضل قائینی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد المعروف به فاضل قائینی نجفی رحمه الله. وی در یکی از روستاهای قائن در سال ۱۳۰۵ به دنیا آمده و در دامن والد ماجدش مرحوم حجة الاسلام آقا شیخ عبدالکریم که از اهل فضل و دانش بودند پرورش یافته و با تشویق و تحریص او به تحصیل علم و کمال پرداخته و مقدمات را از یکی از علماء روستای مجاورش آموخته و بعد از آن مهاجرت به شهر قائن نموده و در مدرسه جعفریه آنجا اشتغال به تحصیل کرده و سطوح عالی را از علماء قائن فرا گرفته و به واسطه اعتراض به حاکم آن سامان که موقوفات را صرف در غیر موردش می‌کرده دستگیر و به بیرجند که مرکز حکومت بوده برده شده ولی حاکم به سبب ایمانی که در معظم له دیده عذرخواهی کرده حتی مبلغی زیاد پول تقدیم ایشان نموده ولی وی نپذیرفته و از آنجا مهاجرت به مشهد مقدس نموده و پس از مدت کوتاهی مسافرت به تهران کرده و بعد از چند ماهی مهاجرت به نجف اشرف کرده و در مدرسه بزرگ آخوند اقامت و پص از چندی با صبیبه مرحوم آیت الله آقا شیخ علی همدانی داماد مرحوم علامه بزرگوار حاج آقا رضا همدانی صاحب مصباح الفقیه پیوند همزیستی بسته و مجدداً به تحصیل و تکمیل مبانی فقه و اصول و غیره گردیده تا به مدارج عالی علمی ارتقا یافته و به مرتبه سامیه اجتهاد نائل می‌گردد.

اساتید معظم له

۱- مرحوم آیت الله حاج سید میرزا آقا اصطهباناتی شیرازی

۲- آیت الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی

۳- آیت الله العظمی آقا میرزا حسین نائینی رحمه الله علیهم اجمعین.

دارای اجازات جامع اجتهادی و غیره از آیات عظام و اساتید کرام خود بوده و در اجازه‌ای که مرحوم آیت الله العظمی اصفهانی قدس الله سره بر ایشان مرقوم داشته‌اند چنین آمده:

فان جناب العالم العامل عماد العلماء العالمین و ملاذ الفقهاء الراشدين جامع المعقول و المنقول حاوی الفروع و الاصول علم الاعلام و رکن الاسلام الشیخ الثقة الجلیل السند و الرکن الامید المعتمد الشیخ محمد القائینی المعروف بالفاضل دامت برکاته قد صرف عمره الشریف خصوصاً فی ارض الغری فی تحصیل العلوم الشرعیه حضر لدی الاعلام وجد و اجتهاد و وجد ما هو المراده و بلغ درجه الاجتهاد و الاستنباط.

و نیز مرحوم آیت الله اصطهباناتی (ره) چنین مرقوم نموده‌اند:

فلا یخفی ان الشیخ الجلیل العالم النبیل الهادی المتقی عمده المحققین و صفوه المجتهدین الشیخ محمد القائینی المعروف بالفاضل دامت برکاته...

و نیز از مرحوم آیت‌الله الرجالی الکبیر معروف به سیدابوتراب خونساری متولد ۱۲۷۱ متوفی ۱۳۴۶ قمری دارای اجازه روایتی بوده‌اند.

از امتیازات مرحوم فاضل قائینی (ره) ممارست و جدیت او در حوزه علمیه نجف به تدریس اصول و فقه بوده که در طول ده سال صبح و عصر اشتغال داشته و جمع کثیری از محضر و بیاناتش استفاده نموده‌اند. و در شبهای ماه رمضان و شبهای پنج‌شنبه و جمعه دوره سال تدریس علم کلام داشته‌اند چنانچه در مقدمه (مختصر در الثمین) اشاره فرموده‌اند که من در زمان گذشته چهل سال قبل کتابی در اصول عقاید به فارسی و مکرر در ماه رمضان و شبهای پنج‌شنبه و جمعه دوره سال برای طلاب و مؤمنین مباحثه نموده و آن را بازگو کردم.

بسیاری از صاحبان تراجم مانند علامه تهرانی صاحب الذریعه در طبقات اعلام الشیعه و صاحب معجم رجال الفکر و الادب او غیرهما معظم‌له را در کتب خود یاد و تجلیل نموده‌اند.

تألیفات و آثار علمی آن مرحوم

۱- وجیزه‌ای در علم اصول که در سال ۱۳۵۰ هجری در نجف به طبع رسیده.

۲- درر النجفیه در خمس و زکوه در سال ۱۳۵۴ هجری نیز در نجف منتشر و برای دوم در قم به طبع رسیده.

۳- حاشیه بر زاد المقلدین آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین کاشف الغطاء.

۴- حاشیه بر تبصره علامه که در قم طبع شده.

۵- گوهر دین در علم کلام در اصول و فروع دین.

۶- ناظم الشتات که در مطبوعه حیدری تهران به چاپ افست رسیده است و برای آن مرحوم تألیفات گرانقدر دیگریست که هنوز به طبع نرسیده و مخطوط مانده است.

در عصر روز جمعه سیزدهم ربیع‌الاول ۱۴۰۵ هجری در قم در منزل فرزند برومندش از دنیا رفته و در باغ بهشت در جوار قبر جناب علی بن جعفر علیهماالسلام مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

فاضل قندهاری، عبدالله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۳ / ۱۳۱۲ / ۱۳۱۱ - ۱۲۲۷ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، محدث، ریاضیدان، مدرس و شاعر، متخلص به وصال. اصلش از قندهار و سکونتش در مشهد بود. نزد پدرش ملا- نجم‌الدین که از علمای معروف افغانستان و از مراجع آن دیار بود، مشغول به تحصیل گردید و علوم گوناگون از قبیل تفسیر، حدیث، اصول، فقه، کلام، حکمت و اخبار را در نزد وی آموخت، تا به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از وی نایل شد. سپس در محضر حاج سید محمد باقر اصفهانی شفتی معروف به حجه‌الاسلام حاضر شد. پس از آن به نجف رفت و در سلک شاگردان شیخ انصاری درآمد. در بازگشت به ایران در مشهد ساکن شد. او در ۱۲۵۷ ق پس از اشغال قندهار توسط نیروهای انگلیس به کابل رفت و توانست اتحادی بین فرقه‌های شیعه و سنی ساکن آنجا پدید آورد و بر ضد انگلیسی‌ها قیامی تدارک کند. در ۱۲۷۱ ق به مشهد بازگشت و تا آخر عمر در آنجا زیست و به عنوان مرجعی بزرگ و مدرسی توانا کرسی تدریس فقه و اصول و حدیث و تفسیر و کلام و عقاید و حکمت و تاریخ و ادبیات را اداره و شاگردان بسیاری را

تربیت کرد. نامبرده علاوه بر این که جامع معقول و منقول بوده، طبع شعر نیز داشته است. در اوایل مهجور تخلص می‌کرد و در اواخر وصال را برای تخلص خویش برگزید. در ده سال آخر عمر زمین‌گیر شد. او در دارالضیافه آستان رضوی مدفون است. از آثار وی: «حل العقال فی خلق الاعمال»؛ «الفرائد البهیه»، در شرح «العقاید» شیخ بهائی؛ «محل الطرف فی علم الصرف»؛ «الهدایه فی تفسیر آیه الولایه»؛ شرح «مشکاه الانوار»؛ «البرهان فی قطع شبه الشیطان» یا رساله‌ی «برهانیه»، در کلام؛ ترجمه‌ی «تفسیر العسکری (ع)»؛ «تحریر الاصول»، در اصول فقه؛ «تذکره العلماء»؛ «دلالة السالکین فی قواعد العارفین»؛ «کشف الغطاء عن مسئله البداء»؛ «خوان الوان»، در متفرقات، به سبک کشکول.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۸۷ / ۸)، الذریعه (۱۸۷ / ۲۵، ۴۵ / ۱۸، ۲۸۵ / ۱۷، ۱۳۴- ۱۳۳ / ۱۶، ۲۵۵، ۸ / ۲۷۵- ۲۷۴ / ۷۱، ۷ / ۹۰، ۸۹- / ۴، ۳۷۹، ۹۰ / ۳)، ریحانه (۳۲۱- ۳۲۰ / ۶)، شرح حال رجال (۱۴۶ / ۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲۱۹- ۱۲۱۸ / ۱۴)، مکارم الآثار (۸۵۰- ۸۴۶ / ۳).

فاضل لاریجانی، جواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۰- ۱۲۹۳ ش)، مترجم، نویسنده و شاعر. تحصیلات ابتدایی را در آمل به پایان رساند و سپس به تحصیلات دینی پرداخت. در ۱۳۱۷ ش با سمت دبیر ادبیات و روان‌شناسی در دانشسرای مقدماتی بابل مشغول خدمت شد. بعد از یک سال برای ادامه‌ی تحصیلات به تهران آمد و در ۱۳۲۴ ش از دانشکده‌ی الهیات در رشته‌ی فلسفه‌ی فارغ‌التحصیل شد. سپس به سمت مترجمی در وزارت کشاورزی وارد خدمت شد. وی دارای ذوق شعری بود. از آثار وی: «اسرار انهدام اروپا»، ترجمه؛ «افسونکار»؛ «بمب اتمی»؛ «خطبه‌های محمد (ص)»، ترجمه؛ «سخنان علی (ع)»؛ ترجمه؛ «دختران محمد (ص) سخن می‌گویند»، ترجمه؛ «طب و بهداشت در اسلام»، ترجمه‌ی طب النبی، «طب الصادق»؛ «طب الرضا» و «طب الائمة»؛ «نویسنده»؛ «وفا»؛ «هفت دریا».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۰۶، ۳۳۲۹، ۲۲۵۴- ۲۲۵۳ / ۲، ۱۹۴۲، ۱۳۵۹، ۵۱۶، ۲۹۷، ۱۹۵ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۰۳- ۳۹۷ / ۲).

فاضل لنکرانی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد فاضل لنکرانی در سال ۱۳۱۰ شمسی مطابق با ۱۳۴۹ قمری و ۱۹۳۱ میلادی در شهر قم دیده به جهان گشود. او تحصیلات حوزوی را در حوزه علمیه قم سپری کرد و در سن ۲۵ سالگی به درجه اجتهاد رسید. وی پس از انقلاب اسلامی به عنوان یکی از اعضای مجلس خبرگان رهبری انتخاب شد و بیش از ده سال ریاست عالی شورای مدیریت حوزه علمیه قم را عهده دار بود. آیت الله لنکرانی در کنار تدریس و تربیت طلاب علوم دینی کتابهای بسیاری به رشته تحریر در آورده است. ایشان در خرداد ماه سال

۱۳۸۶ دار فانی را وداع گفتند. گروه: علوم انسانی‌رشته: علوم اسلامی‌الدین و انساب: نام پدر محمد فاضل لنکرانی، عبدالله می باشد. آیت‌الله عبدالله فاضل لنکرانی مجتهد بود. وی با دختر آیت‌الله سیدعباس فیض برقی ازدواج کرد که حاصل آن ۴ پسر و ۵ دختر بود و محمد فاضل موحدی لنکرانی چهارمین فرزند او بود. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: پدر محمد فاضل لنکرانی از اساتید و علمای حوزه علمیه قم به شمار می آمد. او در حوزه علمیه قم تحصیلات دینی را پی گرفت. تحصیلات رسمی و حرفه ای: محمد فاضل لنکرانی دوره‌ی ابتدایی را در قم گذراند. پس از پایان دوره‌ی ابتدایی به دلیل علاقه به دروس دینی به حوزه‌ی علمیه‌ی قم رفت و در مدرسه‌ی فیضیه به تحصیل علوم دینی پرداخت. وی قسمتی از مطوّل و بخشی از شرح لمعه را نزد آیت‌الله حسنعلی منتظری و قسمتی دیگر را نزد شیخ اسدالله نوراللهی نجف‌آبادی خواند، رسایل و مکاسب را نزد چند تن از اساتید حوزه چون، پدرش آیت‌الله فاضل موحدی، آیت‌الله آقا شیخ عبدالجواد جبل عاملی سده‌ی و آیت‌الله شیخ مرتضی حائری بهره برد. آیت‌الله لنکرانی به دلیل شور و علاقه به تحصیل علوم دینی در زمان کوتاهی دوره‌های ادبیات عربی و سطوح را که معمولاً طلاب دیگر در ۸ یا ۹ سال به پایان می‌رسانند در مدت ۶ سال گذراند، لذا در سن ۱۹ سالگی وارد آخرین مرحله‌ی تحصیلات حوزوی یعنی درس خارج فقه گردید. پس از تشکیل کلاسهای آیت‌الله بروجردی در قم، وی در درس خارج فقه ایشان شرکت جست و این درحالی بود که هنوز قسمتی از کفایه را به اتمام نرسانده بود. به این دلیل صبح‌ها اول وقت در مسجد عشقعلی دروس کفایه را نزد آقا شیخ عبدالجواد می‌خواند و پس از پایان درس همراه استاد در درس خارج فقه آیت‌الله بروجردی شرکت می‌کرد و از جوانترین شاگردان استاد بود. پس از تشکیل کلاسهای درس اصول امام خمینی، آیت‌الله لنکرانی از همان ابتدا در کلاسهای ایشان حاضر شده و هر روز دو نوبت در درس امام شرکت کرده و مباحث اجتهاد و تقلید را به طور کامل با ایشان گذراند. مبحث طهارت در فقه را نیز نزد امام فراگرفت و مطالب دروس امام را نیز تقریر می‌کرد. فاضل لنکرانی خیلی زود به درجه اجتهاد رسید. در زمان حیات آیت‌الله بروجردی و سالهای مرجعیت ایشان به تقلید از وی پرداخت. در ۲۵ سالگی به اجتهاد رسید و این امر مورد تأیید آیت‌الله بروجردی قرار گرفت. پس از وفات آیت‌الله بروجردی در ۱۳۴۰ ش. وی در سن ۳۰ سالگی به استنباط خود مسایل دینی را اجتهاد می‌کرد. ایشان علاوه بر دروس فقه و اصول، در درسهای فلسفه و حکمت علامه طباطبایی نیز شرکت جست و قسمتی از مباحث منظومه سبزواری و کتاب اسفار ملاصدرای شیرازی را از ایشان آموخت. استادان و مربیان: از استادان محمدفاضل لنکرانی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: استاد آیت‌الله عبدالله فاضل موحدی لنکرانی (پدرشان) استاد آیت‌الله حسنعلی منتظری شیخ اسدالله نوراللهی نجف‌آبادی علامه طباطبایی شیخ عبدالجواد جبل عاملی آیت‌الله بروجردی هم دوره‌ای‌ها و همکاران: از هم مباحثه‌ایهای محمدفاضل لنکرانی در مدرسه فیضیه حاج سیدمصطفی خمینی بود که نقش مهمی در پیشرفت علمی ایشان داشت. زمان و علت فوت: محمد فاضل لنکرانی سرانجام پس از مدتی عارضه‌ی قلبی در روز ۲۶ خرداد ۱۳۸۶ دار فانی را وداع گفت و پیکر آن مرحوم روز ۲۸ خرداد مصادف با شهادت حضرت زهرا (س) طی تشییع جنازه‌ی باشکوهی در حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: محمد فاضل لنکرانی پس از انقلاب اسلامی به عنوان یکی از اعضای مجلس خبرگان رهبری انتخاب شد و بیش از ده سال ریاست عالی شورای مدیریت حوزه علمیه قم را عهده دار بود. وی از همان ابتدای مبارزات امام خمینی در دهه‌ی ۱۳۴۰ ش از اقدامات ایشان حمایت می‌کرد و به عنوان جامعه مدرسین حوزه علمیه قم شناخته گردید. این تشکل روحانیون سیاسی در موارد مختلف به حمایت از امام خمینی پرداخت. او در حمایت از نهضت امام خمینی در اکثر اعلامیه‌هایی که در این باره منتشر می‌شد مشارکت داشت و در این رابطه چند بار توسط ساواک دستگیر و سپس تبعید شد. ابتدا چهار ماه دوران تبعید را در بندر لنگه با تحمل رنج و ناراحتی بسیار گذراند، و پس از آن به مدت دو سال و نیم به یزد تبعید شد. وی در آن شهر با آیت‌الله صدوقی آشنا گردید و با کمک آیت‌الله صدوقی به طور مخفیانه با مردم یزد دیدار داشته و در روشنگری مردم نقش فعالی ایفا نمود. فاضل لنکرانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مدتی مسئولیت دادگاه انقلاب شهرستان

قم را به امر امام خمینی بر عهده گرفت. سپس به عنوان نماینده‌ی استان مرکزی ر نخستین دوره‌ی مجلس خبرگان رهبری حضور یافت. ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی کمتر به فعالیتهای سیاسی روی آورد و بیشتر هم خود را به تقویت نهاد حوزه پرداخت، لذا در ارتباط با مراجع تقلید به عنوان ارشد شورای مدیریت حوزه علمیه قم مطرح شد و به مدت ده سال ریاست عالی این شورا را بر عهده داشت. پس از رحلت آیت‌الله اراکی به عنوان مرجع اعلم، جامعه روحانیت مبارز او را به عنوان یکی از سه مرجع مسلم تقلید در کنار آیت‌الله خامنه‌ای و میرزا جواد تبریزی معرفی کرد. همچنین جامعه مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم ایشان را در زمره‌ی هفت مرجع پیشنهادی خود به مردم معرفی کرد. آیت‌الله لنکرانی پس از این فقط در جایگاه مرجعیت تقلید قرار گرفت و تدریس حوزوی را در فعالیتهای خود قرار داد و دیگر در مدیریت حوزه و فعالیت جامعه مدرسین نقشی ایفا نکرد. فعالیتهای آموزشی: محمدفاضل لنکرانی در نخستین سالهای تحصیل در حوزه‌ی علمیه قم، در سالهای سوم و چهارم، زمانی که هنوز شانزده سال نداشت، ضمن تحصیل، تدریس نیز می‌کرد. نخستین تدریس وی مربوط به کتاب حاشیه‌ی ملاعبدالله و معالم بود. بعدها شرح لمعه را شروع کرد و طلبه‌های بیشتری در درس وی حاضر می‌شدند. او لمعه را در دو دوره و کتاب ارث را در سه دوره تدریس کرد. سپس به تدریس رسائل و مکاسب مشغول شد. مکاسب را پنج دوره و کفایة‌الاصول را شش دوره تدریس کرد. از آخرین دوره‌ی درس کفایة‌الاصول وی، نوار تهیه شد و طلاب در قم و شهرستانهای دیگر از آن بهره می‌بردند. بسیاری از شاگردانش از نظر سنی بزرگتر از استاد خود بودند و در بیشتر اوقات صدها نفر در کلاسهای درس ایشان شرکت می‌جستند. آیت‌الله لنکرانی از سال ۱۳۶۰ ش به تدریس درس خارج فقه و اصول پرداختند و در مدت ۲۵ سال گروه کثیری از طلاب از محضر وی بهره‌مند شدند. این درس از رادیو معارف نیز پخش می‌شد. مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می‌آید: محمد فاضل لنکرانی علاوه بر تأسیس مرکز اعزام مبلغ برای ترویج مکتب تشیع و تربیت فقیهان و مجتهدان، مرکز فقهی ائمه اطهار که مرکزی آموزشی و پژوهشی است، را تأسیس کرد که در این مرکز علاوه بر آموزش محققان و تألیف کتابها، کتابخانه تخصصی فقه را راه‌اندازی کرد. سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: محمد فاضل لنکرانی در کنار تدریس و تربیت طلاب علوم دینی کتابهای بسیاری به رشته تحریر در آورده است. ایشان در ۲۶ خرداد ۱۳۸۶ در قم رحلت نمودند و در جوار کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها آرام گرفتند.

آثار: ۱ آیین کشورداری از دیدگاه امام علی (ع) ۲ ائمه اطهار (ع) یا پاسداران وحی در قرآن کریم (این دو کتاب را به همراهی آیه‌الله اشراقی نگاشته‌اند) ۳ احکام الحج، حاشیه بر کتاب حج تحریر الوسیله (عربی) ۴ احکام عمره ۵ استفتاءات حج ۶ استفتاءات حول الحج ۷ الاحکام الواضحه (فتاوی‌ای عربی) ۸ القواعد الفقهیه (عربی) ۹ المسائل المستحدثة (عربی) ۱۰ اهل البیت (ع) یا چهره‌های درخشان د رآیه تطهیر ۱۱ تبیان الاصول - تقریرات درسی ایشان - در چهار جلد (عربی) ۱۲ تفسیر سوره حمد (عربی) ۱۳ تقریرات الاصول - تقریرات درس امام خمینی - در پنج جلد (عربی) ۱۴ تقریرات الاصول - تقریرات درس آیه‌الله بروجردی (عربی) ۱۵ تقریرات درس خارج اصول ایشان در هشت جلد (فارسی) ۱۶ تقیه مداراتی (فارسی) ۱۷ جامع المسائل (مجموعه‌ای از استفتاءات). ۱۸ حاشیه بر کتاب الطهاره مصباح الفقیه محقق همدانی (عربی) ۱۹ حاشیه بر کتاب عروه الوثقی (عربی) ۲۰ رساله ۲۱ رساله‌ای در حکم نماز در لباس مشکوک (عربی) ۲۲ رساله‌ای در خلل حج و عمره (عربی) ۲۳ رساله‌ای در قاعده فراغ و تجاوز (عربی) ۲۴ رساله توضیح المسائل (فارسی) ۲۵ شرح فروع (الاجتهاد و التقليد) از کتاب العروه الوثقی (عربی) ۲۶ عصمت انبیاء ۲۷ کتاب الصوم (عربی) ۲۸ کتاب القضاء (عربی) ۲۹ کتاب تفصیل الشریعه (عربی) - شرحی است بر کتاب تحریر الوسیله امام خمینی در ۱۳ مجلد) ویژگی اثر: شرحی است عربی بر کتاب تحریر الوسیله‌ی امام خمینی که ۲۵ جلد آن چاپ شده و ۵ جلد دیگر آماده چاپ است. پنج جلد اول این شرح در زمان تبعید آیت‌الله لنکرانی در یزد نوشته شده، است. این کتاب یک دوره‌ی کامل فقه است و جدیدترین آراء فقهی در آن آمده

است. ۳۰. مجمع الفهارس - مجموعه فهرستهای بحارالانوار، الغدیر و المیزان ۳۱. مختصر الاحکام ۳۲. مدخل التفسیر در علوم قرآن (عربی) ۳۳. مناسک الحج (عربی) ۳۴. مناسک حج (فارسی) ۳۵. نه‌ایه‌التقریرات درس آیه‌الله بروجردی در بحث نماز (عربی - دو جلد)
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

فاضل لنکرانی، محمدجواد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد جواد فاضل لنکرانی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

حجة الاسلام والمسلمین محمد جواد فاضل لنکرانی در سال ۱۳۴۱ در قم و در میان خانواده‌ای از سلک روحانیت به دنیا آمد. پدرش آیه‌الله العظمی فاضل لنکرانی (ره) است. او پیش از تولد فرزند خود در خواب دیده بود که خدا به او پسری عطا می‌کند که به بدن او متصل است که آن را به روحانی شدن فرزند خود تعبیر کرده بود. مادر او نیز از سادات مکرم قمی است که نقش بسیاری در تربیت و پیشرفت وی داشته است. حجة الاسلام والمسلمین محمد جواد فاضل لنکرانی تحصیلات خود را در قم آغاز کرد و تا پنجم ابتدایی به پایان برد. پس از آن به دلیل تبعید پدرش به یزد، دروس خود را در آنجا پی گرفت و سپس به قم باز گشت. او پس از به پایان بردن سال اول دبیرستان، با مشورت با بزرگان و به دلیل شوق بسیار برای تحصیل علوم دینی به حوزه علمیه قم پا نهاد و همزمان دروس دبیرستان را نیز پی گرفت تا موفق به کسب دیپلم شد. سالهای نخستین تحصیل او در حوزه علمیه قم با راهپیمایی ملت ایران برای سرنگونی رژیم شاه مصادف شده بود و او که از طلاب مدرسه رسالت بود نیز از خیل عظیم ملت ایران باز نماند و همواره با مبارزه همراه بود. او پس از سالهای اندکی دروس دوره سطح را به پایان برد و به درس خارج فقه و اصول استادان برجسته حوزه علمیه قم، از جمله پدر گرامی خود راه یافت. حجة الاسلام والمسلمین فاضل لنکرانی در سالهای تحصیل خود به محضر عالمان بسیاری شرفیاب شد. او دروس دوره ادبیات را نزد استاد بیگدلی که هم اکنون نیز از استادان برجسته دوره سطح است، گذراند و در رسائل، به درس آیه‌الله سید رسول تهرانی و آیه‌الله مصطفی اعتمادی راه یافت. برای فراگیری مکاسب نیز به درس آیه‌الله پایانی (ره) رفت. با پایان یافتن دوره سطح به درس خارج فقه و اصول پدر گرامی خود - حضرت آیه‌الله العظمی فاضل لنکرانی - راه یافت و حدود ۱۵ سال از محضر ایشان بهره برد. همچنین در حدود هفت سال در درس خارج فقه و اصول آیه‌الله العظمی وحید خراسانی و در حدود دو سال در درس آیه‌الله سید کاظم حائری شرکت کرد. در بخش دروس عقلی نیز اشارات را نزد آیه‌الله حسن زاده آملی و اسفار را نزد آیه‌الله جوادی آملی فرا گرفت. او در طی این سالها با فضیلتی بسیاری رابطه دوستی داشت و دروس فرا گرفته را با آنان مباحثه کرد که از میان آنها می‌توان به شیخ عبدالله اسلامی و شیخ علی حکیم را می‌توان نام برد. حجة الاسلام والمسلمین فاضل در طول سالهای تحصیل خود همواره به امر تدریس نیز عنایت ویژه‌ای داشت به گونه‌ای که ۵ بار

کتاب معالم، ۴ بار کتاب اصول فقه، چند بار کتاب شرح لمعه، ۳ بار کتاب مکاسب و بیش از ۵ بار کتاب کفایه را تدریس کرد و هم اکنون هشت سال است که به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارد. او در طی این سالها مقالات فراوانی در زمینه‌های فقهی و اصول و... نگاشته که برخی در کنگره‌هایی همچون کنگره شیخ انصاری و مرحوم نراقی و مقدس اردبیلی ممتاز شناخته شده است. همچنین بر کتابهای اصول فقه، مکاسب و کفایه حاشیه‌هایی نگاشته که هنوز به چاپ نرسیده است. از فعالیتهای مهم ایشان در این عرصه، اداره مرکز فقهی ائمه اطهار است که در آن طلاب و فضلاء بسیاری به تحصیل و پژوهش می‌پردازند و تاکنون کتب بسیاری در آنجا به چاپ رسیده است. از کارهای مهم این مرکز برگزاری لجنه‌های فقهی گسترده است که سهم بسزایی در پیشبرد مباحث فقهی و اصولی داشته است. حجة الاسلام والمسلمین محمد جواد فاضل، در طول سالهای مبارزه ملت ایران، همواره با آنان همگام بوده است. او در سنین نوجوانی در روز عاشورا در محفلی مقاله‌ای در باره نهضت امام حسین (ع) و اهداف آن خواند که در همان زمان رئیس ساواک را که خود در جلسه حاضر بود، به خشم واداشت. او که در سالهای تبعید با پدر خود همراه بود، همواره از مسائل مهم نهضت آگاه بود و ظلم رژیم شاه را به چشم خود می‌دید. حجة الاسلام والمسلمین فاضل، پس از پیروزی انقلاب نیز همواره مدافع نظام و انقلاب بود و در سالهای جنگ تحمیلی و پس از آن، به حراست از دستاوردهای نظام، اهمیت ویژه‌ای می‌داد. او هم اکنون از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و در شهر قم به تدریس و تربیت طلاب می‌پردازد.

فاضل مراغی، احمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۱۰ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، متکلم، ادیب و شاعر. مشهور به فاضل و فاضل مراغی. اصل وی از مراغه و ساکن تبریز بود. وی در نجف از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و حاج سید حسین کوه‌کمری و دیگر بزرگان بود، و تقریرات استادش، انصاری، را در فقه نوشت. به تبریز بازگشت و به تدریس فقه و اصول و کلام پرداخت. در تبریز به بیماری وبا درگذشت و پیکرش به نجف منتقل و در وادی السلام دفن شد. از آثار وی: «التحفة المظفریه»، به فارسی، در رد حاج محمد کریم خان قاجاری کرمانی؛ حاشیه بر «مطول»؛ شرح «نهج البلاغه»؛ «صیغ العقود»؛ حاشیه بر «تحریر القواعد المنطقیه فی شرح الشمسیه»؛ حاشیه بر «صمدیه»؛ حاشیه بر «قوانین الاصول» میرزای قمی؛ «تفسیر قرآن»؛ «نکات القرآن و بیان دقائقه»؛ حاشیه بر «فرائد الاصول» یا «رسائل» شیخ انصاری.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۵۱ / ۳)، الذریعه (۱۰۸ / ۱۵، ۱۱۵ / ۱۴، ۲۰۲، ۱۷۴، ۱۵۳، ۳۴ / ۶، ۴۷۰، ۴۶۹- / ۳)، ریحانه (۲۸۲ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۴ / ۱۴)، علماء معاصرین (۴۵)، لغت‌نامه (ذیل / فاضل مراغی)، معجم المؤلفین (۳۱۹ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۰ / ۱).

فاضل میدی، محمدتقی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد تقی فاضل میبدی

محل تولد : میبد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۲

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه قم شدم. اساتید سطح بنده آقایان: باکوبی، دوزدوزانی، موسوی تبریزی و صانعی. اساتید فلسفه آقایان انصاری شیرازی، جوادی آملی بودند. خارج اصول: ۶ سال درس آقای مکارم شیرازی خارج فقه: ۶ سال درس آقای منتظری و تدریس دروس شرح لمعه، حاشیه منطق، بدایه الحکمه، اصول فقه و کفایه را نیز داشته‌ام.

فاضل هرندی، محی الدین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محی الدین فاضل هرندی

محل تولد : هرنند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۱۳ شمسی در شهر «هرند» از توابع استان اصفهان در خانواده‌ای روحانی و مذهبی متولد شدم. پدرم از علمای بنام و مدرسان معروف اصفهان به شمار می‌آمد و از مجتهدانی بود که در احاطه به فقه و اصول و ادبیات عرب زبانزد علمای اصفهان بود. تا سال ۱۳۲۲ شمی در «هرند» زندگی می‌کردم و در مدت سه سال، خواندن و نوشتن و قرائت قرآن را در مکتب خانه‌های هرنند فرا گرفتم و از سال ۱۳۲۲ شمسی در پی مهاجرت پدر بزرگوارم به اصفهان مهاجرت کردم و تا سال ۱۳۳۰ شمسی در اصفهان، ادبیات فارسی، دوره ابتدایی و مقدمات را فرا گرفتم و از سال ۱۳۳۰ شمسی به قم عزیمت نمودم و تا سال ۱۳۳۷ شمسی در این شهر مقدس دوره سطح را طی کردم و در همان سال از عهده امتحان رتبه سوم حوزه برآمدم و در درس خارج فقه مرحوم آیت الله العظمی بروجردی «قدس سره» و بحث خارج اصول حضرت امام خمینی «قدس سره» نیز شرکت می‌نمودم و از سال بعد در بحث خارج فقه حضرت امام خمینی «قدس سره» نیز شرکت کردم و در شمار یکی از شاگردان رسمی خارج فقه و اصول حضرت امام «قدس سره» به حساب می‌آمدم. هم بحثهای من به ترتیب عبارت بودند از: آیت الله مومن، آیت الله گرامی و آیت الله مقتدایی

اصفهانی که حدود ده سال با ایشان هم بحث بودم.

بعد از تبعید حضرت امام «قدس سره» در بحث خارج فقه و اصول مرحوم آیت الله محقق داماد «قدس سره» شرکت کردم و پس از ارتحال ایشان در بحث خارج فقه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی «قدس سره» و اصول حضرت آیت الله اراکی «قدس سره» شرکت می‌کردم. به دلیل قریحه سرشار و بیان شیوا، از ابتدای اشتغال در حوزه علمیه به تدریس مقدمات، ادبیات، معانی، بیان، منطق مشغول شدم. در سال ۱۳۴۰ شمسی به تدریس سطح از کتاب شرح لمعه و سپس رسائل و مکاسب مشغول گردیدم. در کنار تحصیل و تدریس به کار تبلیغ نیز اشتغال داشتم و در ایام تبلیغی در شهرهای مختلف ایران از جمله شهر مقدس قم به وعظ و ارشاد مردم اشتغال داشتم.

هم چون پدرم از رژیم پهلوی متنفر بودم و با خاندان ستمگر آن، دشمنی خاصی داشتم و لذا با هر کس که مخالف رژیم بود، دوستی ایجاد می‌کردم. خصوصا اگر این مخالفت نشأت گرفته از مذهب بود. فعالیت‌های من به عنوان ایفای وظیفه نهی از منکر و مبارزه با بدعت صورت می‌گرفت. براین اساس، بعد از علنی شدن فعالیت گروه مخلص و متعهد فدائیان اسلام به رهبری شهید بزرگوار مرحوم نواب صفوی «قدس سره» رسماً به عضویت این گروه مذهبی - سیاسی درآمدم و از یاران نزدیک مرحوم «نواب» و «واحدی» قرار گرفتم. بعد از رحلت مرحوم آیت الله العظمی بروجردی «قدس سره» و مسئله انجمن‌های ایالتی و ولایتی و قضیه فراندوم شاه و مسئله «کاپیتولاسیون» برای انجام هر کاری در جهت گسترش انقلاب اعلام آمادگی کردم. بعد از تبعید حضرت امام «قدس سره» و ترور «منصور» برای ادای وظیفه اسلامی گاه از سوی شهدای بزرگوار باهنر و سعیدی، سفرهایی خطیر و پر خطر را انجام دادم. بعد از شهادت مرحوم آیت الله حاج آقا مصطفی خمینی «قدس سره» که مبارزات رنگ دیگری به خود گرفت و نقطه عطفی در انقلاب اسلامی بود. بنده نیز مثل سایر هم‌سنگران خود به افشاگری علیه رژیم ستم شاهی پرداختم. در نتیجه این فعالیت‌های سیاسی و انقلاب در اوائل سال ۱۳۵۷ شمسی دستگیر و زندانی و در تیرماه همان سال به علت خون‌ریزی شدید از زندان به بیمارستان شماره چهار شهربانی منتقل و پس از آن آزاد گردیدم. در همان سال پس از آزادی از زندان، ماه مبارک رمضان را در شهر «سیرجان» به سر بردم و مبارزات و راهپیمایی مردم را سامان دادم و در روز عید فطر بزرگترین و بی نظیرترین راهپیمایی را در آن شهر رهبری کردم.

در محرم همان سال به اهواز رفتم و به دلیل سخنرانی‌های روشن‌گرانه ام، مرا ممنوع‌المنبر کردند. از آنجا به سنندج رفتم و به جمع متحصنین در مسجد جامع سنندج که به حمایت از دو طایفه شیعه - که دستگیر شده بودند - پیوستم. بعد از ورود حضرت امام «قدس سره» به کشور در ستاد استقبال مستقر در مدرسه رفاه با مرحوم آیت الله ربانی شیرازی و مرحوم ربانی املشی همکاری می‌کردم. به دنبال این همکاریها، در اواخر بهمن ۱۳۵۷ برای تأسیس کمیته‌های انقلاب اسلامی به شهرهای شمال کشور مسافرت نمودم. در اسفند ماه همان سال، بعد از مراجعت حضرت امام «قدس سره» به قم برای بررسی مسائل کردستان، دو دفعه از جانب حضرت امام «قدس سره» به کردستان سفر کردم. از اوایل سال ۱۳۵۸ شمسی از سوی حضرت امام «قدس سره» به عنوان قاضی شرع شهر قائن منصوب گردیدم که ماههای شعبان و رمضان را در آن جا به سر بردم و بعد از مراجعت به قم به عنوان قاضی شرع و رئیس دادگاه انقلاب اسلامی استان سیستان و بلوچستان منصوب گردیدم. در اواخر همان سال به دنبال محاصره زندان خرم آباد به وسیله گروههایی از مردم سفری به آن شهر کردم و معترضان را به آرامش دعوت کردم و بحمد الله به دست اینجانب غائله ختم گردید. از سال ۱۳۵۹ شمسی که ستاد مرکز هیئت‌های هفت نفره کار خود را شروع کرد، به نمایندگی ولی فقیه در ستاد مزبور منصوب شدم و تا کنون با حکم مقام معظم رهبری مد ظله العالی در این سمت به خدمت مشغول هستم.

در تیر ۱۳۶۰ به دنبال شهادت مرحوم آیت الله دکتر بهشتی به همراه ۲۸ نفر از نمایندگان مجلس، در انتخابات میان دوره ای از سوی مردم اقلید فارس به نمایندگی مجلس شورای اسلامی انتخاب گردیدم و از بدو ورود به مجلس کار خود را در کمیسیون

کشاورزی شروع کردم و طولی نکشید که از سوی اعضای محترم کمیسیون کشاورزی به ریاست کمیسیون برگزیده شدم. در دوره های دوم و سوم مجلس شورای اسلامی هم از سوی مردم شریف اصفهان انتخاب و به مجلس راه یافتیم. مجموعاً هشت سال به ریاست کمیسیون کشاورزی و یک سال به ریاست کمیسیون امور اقتصاد و دارایی مجلس برگزیده شدم. در مدت نمایندگی، علاوه بر تصدی ریاست کمیسیونهای مذکور، در کمیسیونهای ویژه مجلس که به صورت اضطراری تشکیل می شد، گاه ریاست آن کمیسیونها را نیز عهده دار بودم از جمله کمیسیون ویژه تدوین و بررسی اساس نامه جهاد سازندگی، کمیسیون خاص ادغام یا تفکیک وظایف وزارت خانه های جهاد سازندگی و کشاورزی، کمیسیون خاص بررسی طرح قانونی بخش تعاون در نظام جمهوری اسلامی را نام برد

فاضل همدانی، یحیی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۲۶ ق)، عالم امامی و فقیه. در روستای سلیمان آباد همدان به دنیا آمد. در ۱۳۴۲ ق به قم مهاجرت نمود و پس از تکمیل سطوح در ۱۳۴۹ ق در درس آیت الله حایری و آیت الله حجت شرکت نمود و در تمام دروس آیت الله حجت را به رشته تحریر درآورد. او همچنین از محضر و دروس آیت الله خوانساری و آیت الله شیخ محمدعلی حایری قمی استفاده کرد و حدود هیجده سال هم در درس آیت الله بروجردی و پس از آن دوازده سال در درس آیت الله شریعتمداری شرکت کرد و مورد توجه آن آیات بوده و اغلب نوشته هایش مورد تحسین آیت الله حجت قرار گرفته و برای ایشان استنساخ شده است. از آثار وی: دوره ی «اصول» از اول تا آخر «تقریرات و دراسات» آیت الله حجت، در دو جلد؛ کتاب «بیع» از اول تا آخر، در سه جلد؛ «صلاه» از اول تا آخر، در دو جلد؛ «قاعده ی لا ضرر»؛ «قاعده ی لباس مشکوک».[۱]

آقای حاج شیخ یحیی بن المرحوم الشیخ علی اکبر همدانی معروف به فاضل از علماء اعلام و قدماء والامقام حوزه علمیه قم است که آراسته به زیور علم و حلم و فضل و کمال و تقوا و متانت است تولدش در هفتم ربیع الثانی ۱۳۲۶ ق در قریه سلیمان آباد سه فرسخی شهر همدان واقع شده و در سن ۱۶ سالگی سال ۱۳۴۲ ق مهاجرت به قم نموده و پس از تکمیل سطوح در سال ۱۳۴۹ ق شرکت در دروس مرحوم آیت الله حایری و مرحوم آیت الله حجت شرکت نموده و تمام دروس مرحوم سید استاد را به رشته تحریر درآورده و هم از محضر و دروس مرحومین آیت الله حجت و حایری قمی استفاده کرده و بالغ بر ۱۸ سال هم در درس آیت الله العظمی بروجردی شرکت نموده و پس از آن مرحوم تا هم اکنون که ۱۲ سال است به درس آیت الله العظمی شریعتمداری شرکت می کند و مورد توجه کامل معظم له و آیات عظام دیگر حوزه می باشد.

آثار علمی ایشان به قرار زیر است:

۱- دوره اصول از اول تا آخر تقریرات و در اسارت آیت الله حجت- ره- در دو جلد. ۲- کتاب بیع از اول تا آخر در سه جلد

۳- صلوه از اول تا آخر در دو جلد.

۴- قاعده لا ضرر.

۵- قاعده لباس مشکوک و کتب و رساله های دیگر و غالب جزوات و نوشته های ایشان مورد تحسین مرحوم آیت الله حجت بوده که برای آن مرحوم استنساخ شده است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار الحجه (۱۳۰- ۱۲۹ / ۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۱۶- ۲۱۵ / ۲).

فاضل هندی، بهاء‌الدین محمد

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۱۳۷ / ۱۱۳۵ - ۱۰۶۲ ق)، عالم امامی، فقیه، محدث و مفسر. معروف به بها و تاج الفقها و فاضل اصفهانی. گاهی به جهت تألیف کتاب «کشف اللثام» به او کاشف اللثام گفته‌اند. با این که اصفهانی است، اما چون در اوایل زندگانی با پدرش، ملا تاج‌الدین حسن، به هندوستان رفت و مدتی در آنجا اقامت کرد، بعد از مراجعت به اصفهان به فاضل هندی مشهور شد. در دوازده سالگی از فراگیری علوم عقلی فارغ شد. او از شاگردان ملا محمدباقر مجلسی است. وی به واسطه‌ی پدرش، ملا تاجا، از ملا حسنعلی بن ملا عبدالله از مشایخ علامه‌ی مجلسی است، روایت حدیث کرد. شیخ احمد حلی و محمدعلی کشمیری از شاگردان او هستند که از وی دارای اجازه بودند. به هنگام فتنه‌ی افغان در اصفهان درگذشت و در تخت پولاد دفن شد. بعدها حاج ملا محمد نائینی در کنارش به خاک سپرده شد و قبور این دو تن به فاضلان مشهور گشت. از آثار وی: «تفسیر قرآن»؛ «تلخیص الشفا»، در حکمت که ملخص «شفا»ی ابن سینا است؛ «کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام»، در فقه، که شرح «قواعد» علامه حلی و از مهمترین تألیفات فاضل هندی است که صاحب «جواهر» و صاحب «ریاض» به آن اعتماد بسیار داشتند و از مدارک کتب ایشان است؛ «المناهج السویه النبویه»، در شرح «روضه البهیة»؛ «مناسک الحج»؛ «کلید بهشت»، به فارسی، در اصول دین؛ «النجاه»؛ «احاله النظر»، در قضاء و قدر؛ «التمحیص» یا «ملخص التلخیص»، خلاصه‌ای از «تلخیص المفتاح» خطیب قزوینی دمشقی، در علم بلاغت؛ «چهار آئینه»، به فارسی، در اثبات امور چهارگانه که آن را به نام شاه سلطان حسین صفوی تألیف کرده است؛ «جوابات المسائل الفقهیه»، که بیشتر آن در عبادات است؛ حاشیه بر «شرح المواقف» سید شریف جرجانی؛ حاشیه بر شرح «الهدایه الاثیریة» میبیدی؛ شرح؛ «العقائد النفسیه»؛ «رساله فی الاحتیاطات اللازمه العمل»، که شاگردش شیخ عبدالحسین بن عبدالرحمان بغدادی آن را از املائات او نوشته است؛ «اللالی العبقریه فی شرح العینیة الحمیریة»؛ «الخور البریعه فی اصول الشریعه» و شرح آن؛ «الزبده»، در اصول دین.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۳۸ / ۹)، ایضاح المکنون (۵۹۶، ۵۶۴، ۳۶۶ / ۲ / ۵۸۳، ۴۴۰، ۳۰۹ / ۱)، تذکره القبور (۴۵۷- ۴۵۶)، الذریعه (۵۷ / ۲۴، ۳۶۱، ۳۴۵، ۲۷۲، ۲۰۴ / ۲۲، ۲۶۰، ۲۵۹، ۱۳۲، ۵۷- ۵۶ / ۱۸، ۲۳۳، ۱۷ / ۳۶۱، ۱۵ / ۳۷۰، ۱۳ / ۱۶۸، ۳۵- ۳۴ / ۱۱، ۲۵۷ / ۱۰، ۲۷۷- ۲۷۶ / ۷ / ۱۳۷، ۱۳۹، ۶ / ۳۱۱، ۲۲۹، ۵ / ۴۳۱، ۴۲۳، ۲۹۶، ۲۶۵ / ۴ / ۲۸۰، ۱)؛ «روضات الجنات (۱۱۲- ۱۰۶ / ۷)»؛ «طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۷۷- ۵۷۵ / ۱۲)»؛ «فوائد الرضویه (۴۸۲- ۴۷۷)»؛ «الکنی و الالقاب (۱۱ / ۳)»؛ لغت‌نامه (ذیل / فاضل هندی)، معجم المؤلفین (۲۱۲ / ۹)، هدیه العارفین (۳۱۸ / ۲).

فاضل، ابرج

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: جراحی عمومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

فاضل، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

هو العالم العامل والفاضل العادل از علماء و مجتهدین است که تمام تحصیلاتش در قم بوده ولی به واسطه کثرت ممارست و شدت مداومت و مطالعات از فحول رجال علم گردیده. در فقه و اصول و ادبیات مقامی عالی داشت. با عالم فقر و فاقه و تنگدستی ریاضات شاقه کشید و برای یک لقمه نان منت دو نان نکشید و در اواخر عمر به مرض فلج و رخوه مبتلا و خانه نشین و در سنین بیش از هشتاد سالگی از دنیا رفت. غالب تلمذش در قم نزد همانم خودش شیخ محمدحسن نادی و مرحوم حاج سید صادق بوده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

فاضل، محمدهادی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد هادی فاضل

محل تولد: نجف اشرف

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۸/۱۲

زندگینامه علمی

اینجانب محمد هادی فاضل پس از دوره راهنمایی در سال ۱۳۵۳ وارد حوزه شدم و پس از یک سال تحصیل دروس ابتدائی در نجف اشرف به ایران عزیمت کرده و تا سال ۵۶ در بابل در حوزه مدرسه صدر آن شهر ادامه دادم و از سال ۵۶ وارد حوزه مقدس قم شدم و تا سال ۱۳۵۹ سطح را به پایان رسانده و از آن سال در درس خارج آقای وحید خراسانی شرکت کردم (در فقه و اصول) و تا سال ۱۳۷۲ از محضر ایشان استفاده نمودم در کنار این درسها منظومه سبزواری را خدمت آقایان گرامی و انصاری شیرازی خواندم و اشارات را خدمت آقای ممدوحی و مقداری از اسفار را خدمت آقای احمدی یزدی و نیز از نوارهای منطق (برهان شفا) و فلسفه استاد مصباح یزدی (شفا و نهاییه و مباحث متفرقه فلسفی دیگر) و استاد جوادی آملی (اسفار جلدهای اول و دوم و سوم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و کتاب شرح فصوص الحکم قیصری و قبل از آن تمهید القواعد ابن ترکه) بهره بردم و در درس مصباح الانس استاد حسن زاده آملی شرکت کردم.

در فقه و اصول حدود ۶ سال در درسهای مرحوم شیخ جواد تبریزی شرکت کردم و سه سال در درس مکاسب (خارج) آقای

هاشمی شاهرودی و از سال ۱۳۸۴ تاکنون نیز در درس آقای شبیری زنجانی شرکت می‌کنم. مطالعات تاریخی، تفسیری، علوم سیاسی، کلامی، اخلاقی و عرفانی نیز داشته و دارم.

بیشتر فعالیت‌های اینجانب تدریس کتب حوزوی و درس بوده و از سال ۶۴ تدریس را به طور رسمی از کتب ادبیات و فقه و اصول آغاز نموده و تا به حال همچنان مشغول تدریس سطوح عالی فقه و اصول (مکاسب، کفایتین، جواهر الکلام) و عرفان نظری (شرح فصوص قیصری) هستم. این درسها به طور آزاد و یا در مدارس قم عرضه شده و از سال ۷۲ تا ۷۸ در حوزه فیضیه مازندران واقع در شهر بابل به عنوان مدرس مشغول بودم و در سال ۸۵ و ۸۶ نیز در امتحانات شفاهی مدارس برای پایه های مختلف سطح یک و دو به عنوان ممتحن خدمت کرده ام.

فاضل زاده بدیع شیرازی، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۴ ش)، نویسنده، مترجم و خطاط. در شیراز به دنیا آمد. در مدرسه‌ی شعاعیه تحصیل کرد. پاره‌ای از مقدمات علوم ادبی و عربی و زبان انگلیسی را در خدمت عم خود، میرزا عبدالصمد بدیع، آموخت. او در هیجده سالگی به عنوان معلم به استخدام وزارت فرهنگ درآمد. بدیع خط نسخ و شکسته بخصوص نستعلیق را بسیار خوش می‌نوشت و چند جلد کتاب از قبیل: «مثنوی» مولوی و «منتهی الآمال» و غیره را برای چاپ نوشت. او همچنین در دبیرستانهای شیراز معلم زبان انگلیسی بود در ضمن آموزشگاهی برای تعلیم زبان انگلیسی دایره کرده بود. از آثار وی: «اراده‌ی آهنین»، ترجمه؛ «بزرگان ما»، شرح حال و منتخب اشعار فردوسی؛ «دستور زبان انگلیسی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۴۵-۴۴۴ / ۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۴۲ / ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۴۹۹، ۱۴۸ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۶۶-۵۵۶ / ۳).

فاضلی، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید احمد فاضلی

محل تولد: بیارجمند

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۳

زندگینامه علمی

پس از گذراندن دوران کودکی به فراگیری قرآن مجید، ادبیات فارسی و دروس ابتدائی (حساب و هندسه) پرداخت در سال ۱۳۵۱ در سیزده سالگی به حوزه عملیه گرگان (مدرسه علمیه صالحیه) در محضر اساتید وقت از آن جمله آیت الله حاج سید علی رئیسی به آموختن ادبیات (صرف میر، تصریف، عوامل) همت برگماشت؛ سپس در سال ۱۳۵۴ به حوزه علمیه قم مشرف شد و سطوح را در محضر حضرات آیات حاج شیخ محمد علی مدرس (ره) (صمدیه و سیوطی)، حاج شیخ فخر الدین وجدانی (ره) (شرح لمعه و مکاسب شیخ انصاری)، حاج شیخ مصطفی اعتمادی (معالم و رسائل شیخ انصاری) و آیت الله حاج شیخ محمد تقی ستوده (ره) (کفایتین) را فرا گرفت. و از سال ۱۳۶۳ به درس خارج حضرات آیات عظام حاج شیخ جعفر سبحانی، حاج شیخ میرزا جواد آقا تبریزی (ره)، آیت الله وحیدی خراسانی و حضرت آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی (ره) حاضر شد و از محضر آنان توشه‌ها برگرفت و در کنار آن به تدریس، تالیف، تحقیق و تأسیس دست یازید.

در ایام تحصیل و تحقیق خود در دانشگاه نیروی انتظامی تهران و پرندک رباط کریم تدریس می‌کرد؛ دروسی که وی تدریس می‌کرد عبارت بودند: متون اسلامی، اخلاق، معارف و احکام تخصصی
بیش از ۱۵ سال سابقه تبلیغی در ایام محرم و صفر و ماه رمضان که بیش از ۱۴ ماه آن در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل بوده است.

فاضلی، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۶ ش)، مورخ. در تهران به دنیا آمد. از پانزده سالگی به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و مدت هشت سال آموزگار بود. پس از چندی وارد اداره‌ی آموزش متوسطه شد و به سمت دبیری در دبیرستانهای تهران منصوب گردید. وی مشاغل مختلفی را عهده‌دار بود: تصدی دایره‌ی تعلیمات متوسطه در اداره‌ی تعلیمات مرکزی، معاونت دبیرستان انوشیروان دادگر. اثر وی: «تاریخ ملل مشرق و یونان»، به مشارکت بهمن کریمی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۴۳ / ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۷۵۶ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۸۹-۱۸۸ / ۳).

فاضلی، قادر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قادر فاضلی

محل تولد: هشتروند

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب قادر فاضلی در سال ۱۳۶۰ دیپلم در رشته الکترونیک را گرفته سپس وارد حوزه علمیه شدم دروس حوزوی را تا درس خارج ادامه داده و به تحقیق و تدریس پرداخته ام. در کنار دروس فقه و اصول به فلسفه و عرفان پرداخته و نزد استادانی چون علامه حسن زاده آملی، جوادی آملی و مصباح یزدی تلمذ کرده ام. وقتی از قم به تهران مراجعه کردم به محضر علامه محمد تقی جعفری شرفیاب شده و مدت قریب ۱۰ سال در موضوعات فقه و دین شناسی از خدمت ایشان استفاده نمودم. از سال ۱۳۶۷ به تدریس در دانشگاهها مشغول شده و هم اکنون نیز ادامه دارد. قریب به ۱۰ سال است که در شبکه های مختلف تلویزیونی برنامه های مختلف داشته و در راستای مسائل دینی و اجتماعی بیش از ۱۰۰ برنامه از اینجانب پخش شده است. بیش از ۳۰ مقاله علمی در مجله های داخل و خارج کشور چاپ و منتشر شده است. تا کنون قریب به ۵۰ جلد کتاب در موضوعات مختلف نوشته ام که تعداد ۲۴ عنوان از آنها به چاپ رسیده است.

فاضلی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات عربی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

فاضلی، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدرضا فاضلی

محل تولد: نجف

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از به پایان رساندن دبیرستان در رشته ریاضی، فیزیک سال ۶۹ - ۷۰ وارد حوزه شدم و سه سال در مدرسه معصومیه از محضر بعضی اساتید مانند آقایان عاملی، نائینی، حیائی و حسینی ادبیات عربی را فرا گرفتم و سه سال بعد در مدرسه رضویه از محضر اساتیدی چون استاد علی دوست و قارویی لمعتین را خواندم و اصول مرحوم مظفر را نیز به پایان رساندم. پس از این شش سال با گذراندن دوره سطح وارد درس خارج شدم و خارج اصول را نزد آیت الله کرباسی شروع کردم و دو سال از محضر ایشان بهره بردم در همین سال خارج فقه آیت الله جوادی آملی را نیز شروع کردم و با شرکت در درس ایشان از وجود درس وی نیز بهره بردم. علاوه بر استفاده از محضر این دو استاد درس خارج فقه آیت الله زنجانی نیز در دروسی بود که در دو سال با شرکت در آن درس

استفاده لازم از درس ایشان نیز بردم. سال ۱۳۸۴ در درس مرحوم آیت الله العظمی تبریزی حاضر شدم و از وجود با برکت ایشان نیز بهره بردم تا اینکه ایشان به رحمت ایزدی نائل گشت. در این سالها یعنی از سال ۱۳۸۰ تاکنون مشغول انجام کارهای تحقیقی و احیاء آثار بعضی از دانشمندان و بزرگان گذشته شدم و با تصحیح و تحقیق در حدود ۱۰ رساله قرآنی و شرح صحیفه سجاده شیخ علی اصغر از نوادگان شهید ثانی مشغول فعالیت هستم.

فاطمی ابهری، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد فاطمی ابهری

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۸ با معدل بالایی اخذ دیپلم کردم و در چندین مرکز آموزشی پذیرفته شدم. در نهایت در رشته دکترای دامپزشکی دانشگاه تهران مشغول شدم ولی بعد از حدود دو سال جذابیت علوم حوزوی مرا بر آن داشت که دانشگاه را به طلب حوزه ترک کرده و دروس حوزه را با جدیت دنبال کردم. دروس سطح و ادبیات عرب را در مدرسه امام خمینی (ره) با موفقیت در عرض سه سال به پایان رساندم و سپس دروس خارج فقه و اصول را مشغول شدم، از اساتید بسیار والا مقامی چون استادی، محفوظی، محقق داماد، وجدانی فخر و اعتمادی در سطح استفاده بسیار بردم و در درس خارج از آیت الله وحید و آیت الله تبریزی بهره های وافری بردم. تدریس در دانشگاه را در سال ۱۳۷۵ در دانشگاه تهران، دانشگاه آزاد تهران مرکزی آغاز کردم و در سال ۱۳۷۶ نیز دروس حوزوی را تدریس کردم و تا کنون مشغول به تدریس تفسیر قرآن کریم بر مبنای المیزان و مکاسب و اصول شیخ انصاری می باشم. بیش از ۱۱ سال در زمینه قرآن پژوهش خوبی داشتم و چهار سال در دوره تخصصی تفسیر قرآن کریم شرکت داشتم.

فاطمی جهرمی، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر سید ابوالقاسم فاطمی جهرمی پس از اتمام دوره تحصیلات متوسطه و اخذ دیپلم، تحصیلات دانشگاهی خود را در مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات انگلیسی در دانشگاه تهران آغاز و پایان رسانید. او برای تکمیل معلومات دانشگاهی عازم آمریکا

شده و در رشته آموزش زبان انگلیسی مدرک دکترای خود را اخذ نموده است. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی می باشد. گروه: علوم انسانی رشته: زبان و ادبیات انگلیسی گرایش: آموزش زبان انگلیسی تحصیلات رسمی و حرفه ای: سوابق تحصیلی سید ابوالقاسم فاطمی جهرمی به ترتیب زیر است. لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه تهران فوق لیسانس آموزش زبان انگلیسی آمریکا دکتری آموزش زبان انگلیسی آمریکا مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سوابق کاری و مدیریتی سید ابوالقاسم فاطمی جهرمی به قرار زیر است: عضو هیات علمی (دانشیار) دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۵۲ تاکنون مدیر گروه زبان و ادبیات انگلیسی به مدت ۱۶ سال معاون آموزشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی به مدت ۸ سال معاون آموزشی دانشگاه به مدت ۴ سال فعالیتهای آموزشی: سوابق تدریسی و آموزشی سید ابوالقاسم فاطمی جهرمی: زبان شناسی، آواشناسی، متون پیشرفته نثر ادبی، جامعه شناسی زبان، روش تدریس، روان شناسی زبان، تجزیه و تحلیل کلام، مقاله نویسی چگونگی عرضه آثار: فعالیت های پژوهشی سید ابوالقاسم فاطمی جهرمی: تعداد مقالات علمی منتشر شده: ۱۱ مورد تعداد سخنرانی های علمی: بیش از ۳ مورد تعداد طرح های تحقیقاتی خاتمه یافته: ۲ مورد آثار: درک متون انگلیسی *Reflections on Reading* ویژگی اثر: چاپ دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۷۵ ۲ رهیافتی بر آموزش واجهای انگلیسی به فارسی زبانان *A Comprehensive Pedagogical Approach to Teaching English Phonemes to Persian Students* ویژگی اثر: چاپ دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۵۳ مروری بر آواشناسی انگلیسی *A Survey of English Phonetics* ویژگی اثر: چاپ دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۷۰

فاطمی، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید حسن فاطمی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۵ در شهر قم متولد شدم. سال ۱۳۶۰ پس از اتمام کلاس اول دبیرستان در رشته علوم تجربی، با ثبت نام در مدرسه آیت الله گلپایگانی (امام مهدی فعلی) وارد حوزه علمیه شدم. تحصیلات را در این مدرسه تا ابتدای شرح لمعه فرا گرفتم و از آن پس به صورت آزاد تحصیلات را ادامه دادم. از حدود سال ۱۳۷۰ در درس خارج حاضر شدم و به مدت ۵ سال ادامه دادم و از آن پس به فعالیتهای تحقیقی با تدوین مقاله و کتاب روی آوردم. ضمن تحصیلات حوزوی دروس دبیرستان را در رشته فرهنگ و ادب ادامه دادم. سال ۱۳۶۹ با معادل لیسانس از حوزه در مقطع فوق لیسانس در رشته الهیات و معارف اسلامی گرایش فقه و مبانی حقوق در دانشگاه آزاد اسلامی اراک پذیرفته شدم. به دلیل رسمیت نداشتن مدرک حوزوی، مقطع لیسانس را نیز در رشته الهیات و معارف اسلامی گرایش علوم قرآن و حدیث فرا گرفتم. نظر به اینکه با موافقت ریاست کل دانشگاه آزاد واحدهای بیشتر از معمول را می

توانستم انتخاب کنم در سال ۱۳۷۲ هر دو مقطع را به پایان رساندم. تا کنون ۴ کتاب و حدود ۱۵۰ مقاله اعم از بی امضاء یا با امضای خودم یا با نام مستعار از اینجانب چاپ شده است.

فاطمی، ولی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ولی فاطمی

محل تولد: قائم شهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۲/۱۰/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ولی فاطمی در سال ۱۳۵۵ پس از سه ماه در حوزه علمیه بابل در پائیز همان سال به قم مشرف شدم و دروس حوزوی را در نزد اساتید این حوزه مبارکه ادامه دادم. پس از مدتی که به طور آزاد مشغول تحصیل بودم وارد مدرسه مبارکه رضویه شدم که از افتخارات و اسباب توفیق حقیر، آشنایی با عالم ربانی حضرت آیت الله بدلا قدس سره بود که درحقیقت هدیه معنوی حضرت معصومه سلام الله علیها به حقیر بود که با عالم فرهیخته و مهذب همچون معظم له آشنا شدم و این آشنایی تا آخر عمر شریف ایشان ادامه داشت و آنچنان با هم مانوس و معاشر بودیم که عقد اخوت میان من و ایشان خوانده شد. بنده بسیاری از توفیقاتم را در پرتو قرآن و عترت علیهم السلام و توسل به آن ذوات مقدس بویژه امام زمان علیه السلام برایم حاصل شد این ناچیز به همه طالبان علم و معرفت توصیه میکنم که از دامان عترت پیامبر علیهم السلام نکشند و از همنشینی با علمای مهذب و متقی حداکثر بهره برداری را بنمایند.

ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب

فاکر، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا فاکر

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حجة الاسلام محمدرضا فاکر در سال ۱۳۲۴ در مشهد مقدس و در میان خانواده‌ای متدین و ارادتمند به ساحت بلند علی بن موسی الرضا (ع) چشم به جهان گشود. حجة الاسلام فاکر به دلیل شغل پدرش، به اتفاق دیگر اعضای خانواده مدتی به اصفهان آمد و در آنجا ضمن طی نمودن دروس دوره ابتدایی، با بخشی از دروس دوره مقدمات حوزه آشنا شد. سپس به مشهد بازگشت و تحصیلات خود را به صورت جدی در کنار مرقد علی بن موسی الرضا (ع) پی گرفت و پس از چندی دوره مقدمات را در خدمت ادیب نیشابوری به پایان برد. او در سال ۱۳۴۳ پس از طی نمودن بخشی از دروس دوره سطح به قم آمد. در قم، باقیمانده شرح لمعه را خواند و سپس در دروس رسائل، مکاسب و کفایه استادان مشهور زمان خود شرکت کرد. سپس به درس خارج رفت و در این میان از شرکت در دروس جنبی، همچون تفسیر نیز غافل نماند. حجة الاسلام فاکر در طول سالهای تحصیل به خدمت استادان بسیاری شرفیاب شد. او که دروس مقدمات را بیشتر نزد مرحوم ادیب نیشابوری فرا گرفته بود، برای فراگیری شرح لمعه به نزد مرحوم مدرس یزدی رفت و بخشهایی از شرح لمعه را نزد او آموخت. در قم، باقیمانده شرح لمعه را نزد حضرات آیات صلواتی و دوزدوزانی آموخت و در درس مکاسب آیه الله خزعلی و آیت الله العظمی فاضل لنکرانی شرکت کرد، ضمن اینکه رسائل را نزد آیه الله العظمی نوری همدانی می خواند. حجة الاسلام فاکر در درس کفایه الاصول مرحوم آیه الله سلطانی طباطبایی و آیه الله العظمی فاضل لنکرانی شرکت کرد و سپس به درس خارج فقه و اصول راه یافت. او در این دوره بیشتر در درس آیه الله العظمی گلپایگانی (ره) و آیه الله العظمی وحید خراسانی شرکت کرد. همچنین در زمینه تفسیر، به درس آیه الله مشکینی می رفت. او در طی سالهای تحصیل در دروس اخلاق استادان خود نیز شرکت جدی داشت. حجة الاسلام فاکر در طی سالهای تحصیل خود با طلاب و فضلاء بسیاری رابطه دوستی داشت که از آن جمله شهید شیخ عباس شیرازی و حجج اسلام هادی مروی، آقا ضیاء مسجد جامعی و محمد حسین امراللهی را می توان نام برد.

حجة الاسلام فاکر در سالهای تحصیل خود، بسیاری از دروسی را که آموخته بود، تدریس می کرد و پس از آن نیز، سالها به این امر مهم در حوزه های علمیه اشتغال داشت. او تقریرات دروس خارج را نگاشته و در طول سالهای تحصیل و پس از آن بارها به مناطق مختلف سفرهای تبلیغی و سیاسی کرده است. حجة الاسلام فاکر از مبارزان خستگی ناپذیر سالهای پیش از انقلاب و از مدافعان اصلی انقلاب اسلامی به شمار می آید. او مبارزات خود را در دوره ای آغاز کرد که در مشهد به خواندن ادبیات مشغول بود. در آن زمان او بسیاری از اعلامیه های امام (ره) را در حجره خود تکثیر و یا از روی آن می نوشت و سپس آن را به طور مخفیانه بر در و دیوار شهر نصب می کرد یا به اطلاع دیگر هواداران انقلاب می رساند. او نخستین بار در سال ۱۳۴۱ دستگیر و روانه زندان شد و دومین بار در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ بازداشت شد و در زندان با حضرت آیه الله خامنه ای، آشنا شد. رژیم شاه آنها را به بیگاری کشیده بود تا آنها ضمن این کارها، تحمل و صبر خود را از دست بدهند. او دیگر بار در اوایل سال ۱۳۵۲ دستگیر و روانه زندان شد. و تا آخر سال ۱۳۵۵ در زندان بسر برد علت آن هم سخنرانی وی در نهبوند بر ضد رژیم شاه و افشاگری عملکرد آن رژیم مزدور و همکاری با گروه ابوذر بود.

رژیم شاه پس از انتقال وی از مشهد به تهران او را روانه زندان کرد. از فعالیت های مهم حجة الاسلام فاکر طرح مرجعیت امام (ره) به همراه بسیاری از استادان و فضلاء حوزه علمیه قم، پس از درگذشت آیه الله العظمی حکیم (ره) بود. او در این زمینه، تصمیم گرفت طی سفری به خرمشهر و آبادان و زاهدان و... علمای آن دیار را با تصمیم فوق آشنا کند و برای این کار عزم سفر کرد و ضمن ارائه آخرین اطلاعات و اخبار در باره نهضت مردم ایران، آنان را از تصمیم علمای حوزه علمیه قم آگاه ساخت. فعالیت های وی به پیش از

انقلاب منحصر نماند. پس از انقلاب نیز وی همواره مدافع نظام بود و مدتی نیز به عنوان نماینده امام (ره) در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به ایفای نقش می‌پرداخت. او چند دوره به نمایندگی از مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی حضور یافت و در سالهای ظهور خط نفاق و لیبرالیسم، همواره به افشای ماهیت پلید آنان می‌پرداخت که از این رهگذر، بارها مورد حمله گروه‌های به اصطلاح اصلاح طلب قرار گرفت او پس از انقلاب لااقل سه بار مورد سوء قصد ضدانقلاب قرار گرفت که از همه آنها جان سالم به در برد. حجة الاسلام فاکر در پیش و پس از انقلاب با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بوده است و امضاء او در زیر بسیاری از اعلامیه‌ها و بیانیه‌های مهم آن مرکز به چشم می‌خورد

فال اسیری شیرازی، علی‌اکبر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی‌اکبر فال اسیری شیرازی از فقهاء بزرگ و علماء جلیل‌القدر شیراز از شاگردان میرزا حبیب‌الله رشتی بوده و در شیراز قیام به وظائف دینی و روحی نموده تا در ذی‌القعدة ۱۳۱۹ ق وفات نموده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

فالی خوزستانی، ابوالحسن، ابوالحسین مؤدب علی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۴۸ ق)، محدث، نحوی، ادیب و شاعر. او به فاله از توابع ایذج (ایذه) خوزستان منسوب است. وی در بصره مدتی زیست و در آنجا از ابو عمر هاشمی و ابن خربان نهاوندی و ابوالحسین بن نجار/ نجاد و دیگر شیوخ آن زمان حدیث شنید. سپس به بغداد آمد و در آنجا ساکن شد. خطیب در «تاریخ بغداد» و ابوالحسین ابن طیوری و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. او نظم نیکویی داشت. فالی در مقبره‌ی جامع المنصور مدفون است. از آثارش: «کتاب الاستقامه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۴ / ۳۴۲)، ایضاح المکنون (۲ / ۲۶۶)، تاریخ بغداد (۱۱ / ۳۳۴)، ریحانه (۲۹۰-۲۸۹ / ۴)، سیر النبلاء (۵۵-۵۴ / ۱۸)، شذرات الذهب (۳ / ۲۷۸)، الکامل (۸ / ۷۹)، کشف الظنون (۱۳۸۹)، الکنی و الالقاب (۳ / ۱۲)، لغت‌نامه (ذیل / علی فالی)، معجم الادباء (۲۳۰-۲۲۶ / ۱۲)، معجم البلدان (۴ / ۲۶۴)، معجم المؤلفین (۲۱-۲۰ / ۷)، النجوم الزاهرة (۵ / ۶۱)، هدیه العارفین (۱ / ۶۸۸).

فالی، حسام‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید حسام‌الدین فالی بن العالم الجلیل السید محمد بن حاج سید علی‌اکبر مجتهد فال اسیری شیرازی از علماء و فقهاء معاصر شیراز و از خاندان علم و دانش است.

در سال ۱۳۱۶ قمری در شیراز متولد شده و پس از تحصیل مقدمات چندی از محضر مرحوم آیت‌الله میرزا محمدصادق استفاده فقه و اصول نموده سپس مهاجرت به نجف اشرف و از محضر آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله العظمی آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله حاج شیخ محمدکاظم شیرازی تحصیل کرده و به درجه رفیع اجتهاد رسیده و در سال ۱۳۰۵ شمسی به شیراز برگشته و در مسجد جامع وکیل به اقامه جماعت و خدمات دینی پرداخته و در تعمیر و مرمت مسجد مزبور و سایر مساجد شیراز سعی وافی بجای آورده است.

معظم له اکنون در شیراز به تدریس اشتغال دارد تألیفی بنام «تعلیمات قرآن» دارد و از دانشمندان متقی و زاهد و بی‌اعتناء به امور مادی و دنیوی و با کمال قناعت و مناعت طبع زندگانی می‌نماید.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

فامی قزوینی، ابوداود سلیمان

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۳۹ ق)، عالم و محدث. در مسافرتی همسفر ابوالحسن قطان بود. از ابوحاتم رازی و منسجر بن صلت و ابوعبدالله بن ماجه و اسحاق بن ابراهیم دبری و همطبقه آنان حدیث شنید. سلیمان بن احمد نساج و ابوالحسین احمد بن فارس لغوی و حسن بن عبدالرزاق و محمد بن احمد بن عثمان بن طلحه زبیری قزوینی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۴۰۶-۴۰۵ / ۱۵).

فامی هروی، ابوصابر عبدالصبور

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۵۲-۴۷۰)، محدث و فقیه. او تاجری نیکوکار بود که امین نامیده می‌شد. وی «الجامع» ترمذی را از ابی‌عامر ازدی، در بغداد، استماع کرد و از شیخ‌الاسلام و نجیب واسطی و الیاس بن مضر حدیث شنید. در همدان و بغداد در ۵۳۹ ق حدیث گفت. سمعانی و فرزندش عبدالرحیم و ابوالحسن بن نجای واعظ و احمد بن حسن عاقولی از وی روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام بوفیات الاعلام (۳۷۲ / ۲)، سیر النبلاء (۳۲۹-۳۲۸ / ۲۰)، شذرات الذهب (۱۶۲ / ۴)، النجوم الزاهره (۳۱۳ / ۵).

فامی هروی، ابومحمد عبدالجلیل

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۶۲ - ۴۷۰ ق)، محدث و مسند. وی مسند هرات بود. آخرین کسی است که از بی بی بنت عبدالصمد هرثمیه و عبدالرحمان بن محمد کلار بوشنجی حدیث شنید. او همچنین از شیخ الاسلام خواجه عبدالله بن محمد انصاری حدیث روایت کرد. وی آخرین کسی است که به اسنادی عالی حدیث ابوالقاسم بغوی را نقل کرده است. سمعانی و فرزندش، ابوالمظفر، و عبدالباقی بن عبدالواسع ازدی و حافظ عبدالقادر رهاوی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. او بزرگترین استاد حفاظ عبدالقادر رهاوی است. سمعانی او را ستوده و وی را اهل نیکی و راستی قلمداد کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام بوفیات الاعلام (۳۷۸ / ۲)، سیر النبلاء (۴۵۱ / ۲۰)، شذرات الذهب (۲۰۵ / ۴)، العبر (۳۷ / ۳).

فامی هروی، ثقه‌الدین ابونصر، ابونصر عبدالرحمان

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۴۶ - ۴۷۲ ق)، حافظ، محدث، ادیب و مورخ. اهل هرات بود و محدث آنجا. از ابواسماعیل خواجه عبدالله انصاری و محمد بن علی عمیری و نجیب بن میمون واسطی و قاضی و ابوعامر ازدی و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید. در کهولت به حج رفت و از هبه‌الله بن علی بخاری و ابوالقاسم بن حصین حدیث شنید. ابن عساکر و سمعانی و ابوروح عبدالمعز بزاز و گروهی دیگر از وی حدیث شنیدند. سمعانی گوید که او دارای شناخت کافی در حدیث و ادب بود و اخلاقی نیکو داشت. از آثارش کتاب «تاریخ هرات» است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۳۴۳ / ۴)، سیر النبلاء (۲۹۹ - ۲۹۷ / ۲۰)، شذرات الذهب (۱۴۰ / ۴)، طبقات الحفاظ (۴۷۱)، معجم المؤلفین (۱۴۳ / ۵)، النجوم الزاهره (۲۹۰ / ۵)، هدیه العارفین (۵۱۸ / ۱).

فامی شیرازی، ابومحمد عبدالوهاب بن محمد بن عبدالوهاب

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۰۰ - ۴۱۴ ق)، فقیه، محدث، مدرس و مفتی معتزلی شافعی. از استان فارس و اهل شیراز بود. از طرف خواجه نظام‌الملک، در ۴۸۳ ق، برای تدریس در نظامیه به همراهی ابوعبدالله حسین بن محمد طبری به بغداد رفت، پس هر یک از آنها یک روز در میان درس می‌گفتند، ولی بعد از سالی عزل شدند. فامی از ابوبکر احمد بن حسن بن لیث و عبدالواحد بن یوسف قزاز و لعی بن بندار حنفی و

ابوزرعه احمد بن یحیی خطیب شیرازی و حسن بن محمد بن عثمان بن کرامه شیرازی حدیث نوشت. وی در جامع قصر املائی حدیث می‌کرد. عبدالوهاب انماطی و ابن ناصر از وی حدیث روایت کرده‌اند. فامی در شیراز درگذشت. او از بزرگان فرقه شافعی بود که حدود هفتاد اثر در هیجده شاخه علمی از خود بجای گذاشته است. از آثارش: «تفسیر»ی بزرگ، مضمّن صد هزار بیت؛ «تاریخ الفقهاء»؛ کتاب «الاحاد».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴ / ۳۳۶)، ذیل تاریخ بغداد (۳۹۹-۳۹۰ / ۱۶)، سیر النبلاء (۲۵۲-۲۴۸ / ۱۹)، شذرات الذهب (۳ / ۴۱۳)، الکامل (۸ / ۲۴۵)، کشف الظنون (۱۱۰۰، ۴۵۱)، لسان المیزان (۵۱۲-۵۰۹ / ۴)، مدارس نظامیه (۱۴۲)، معجم المؤلفین (۶ / ۲۲۹)، هدیه العارفین (۱ / ۶۳۷).

فانی اصفهانی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۴۱۰-۱۳۳۳ ق)، عالم امامی و فقیه اصولی. در اصفهان به دنیا آمد. از ۱۳۴۲ ق شروع به تحصیل مقدمات نمود. سطوح و خارج فقه و اصول را در محضر عده‌ای از علماء بزرگ اصفهان خواند. «قوانین» را نزد شیخ محمد حکیم خراسانی و «فرائد» شیخ انصاری را در خدمت سید مرتضی خراسانی و «متاجر» و دو جزء «کفایه» و قسمتی از خارج را نزد آیت‌الله سید محمد نجف آبادی و خارج اصول و فقه و فلسفه و کلام و تفسیر را در خدمت آیت‌الله میر سید علی نجف آبادی مدت سیزده سال فراگرفت. بعد از درگذشت استادش، میر سید علی نجف آبادی، در ۱۳۶۲ ق، به نجف مهاجرت کرد و در حوزه‌ی علمیه آنجا به تدریس فقه، اصول، تفسیر، کلام، اخلاق و بحث در متن و حواشی «عروه الوثقی» پرداخت. در ۱۳۹۳ ق به ایران بازگشت و در قم مقیم شد و به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت. آثار باقیمانده از وی متجاوز از هشتاد جلد می‌باشد که عموماً در علوم اسلامی چون فقه، اصول، کلام، فلسفه، تفسیر و غیره نگاشته شده است، که از آن جمله‌اند: «تقریرات»، دوره‌ی کامل اصولی که جزئی از آن به نام «المختار فی الجبر و الاختیار» به چاپ رسیده؛ شرح «شرایع»، در فقه، در دوازده جزء؛ «زکوه» و «خمس» و «صوم» و «اجاره» و «وصایا» و «اجرت بر واجبات» و «قرعه» و «منجزات مریض» و «مکاسب» به روش «مکاسب» شیخ انصاری؛ حاشیه بر «وسیله النجاه» آیت‌الله اصفهانی؛ «قبات العقول فی الفروع و الاصول»، به فارسی، در شرح «اربعین حدیث»؛ ترجمه‌ی «نصایح الهدی»؛ رساله «توضیح المسائل»، به فارسی، به عربی و اردو؛ ترجمه‌ی «تقویم المحسنین» فیض؛ «مناسک حج»؛ تعلیقه بر «عروه الوثقی»؛ «دیوان» شعر، در مواعظ، حکم، مدایح و مراثی اهل بیت (ع)؛ «فوائد رجالیه»، در بیان احوال اصحاب اجماع و جماعتی از روات؛ «معارف العلویه»، در کلام؛ «غایه البیان فی عم تحریف القرآن»؛ رساله‌ای در «معاصی کبیره»؛ رساله‌ای در «ذباحه»؛ رساله‌ای در «معاملات الربویه»؛ رساله‌ای در «مقدمات التفسیر»؛ رساله‌ای در تفسیر «سوره جمعه»؛ رساله‌ای در تفسیر «سوره فاتحه»؛ رساله‌ای در «بداء».[۱]

عالم دینی.

تولد: ۲۹ ربیع‌الاول ۱۳۳۳ ق، اصفهان.

درگذشت: ۸ خرداد ۱۳۶۸.

آیت‌الله سید علی فانی اصفهانی در سال ۱۳۴۲ ق. شروع به تحصیل مقدمات نمود و سطوح و خارج فقه و اصول را در محضر برخی علمای اصفهان بدین ترتیب خوانده است: قوانین را نزد افرادی چون محمد حکیم خراسانی و فرائد شیخنا الانصاری را خدمت

آیت‌الله مرتضی خراسانی و دو جزء کفایه و قسمتی از خارج را خدمت آیت‌الله سید محمد نجف آبادی و خارج اصول و فقه و فلسفه و کلام و تفسیر را خدمت آیت‌الله العظمی سید علی نجف آبادی، سپس به نجف مهاجرت کرد و به تدریس فقه و اصول پرداخت. در ماه رجب ۱۳۹۳ ق. پس از سی و یک سال توقف در نجف اشرف به ایران مراجعت و دارالمؤمنین قم اقامت گزید و به تدریس خارج فقه و اصول مشغول شد.

از جمله تألیفات ایشان است: تقریرات دوره‌ی کامله اصول که جزیی از آن را در جبر و اختیار به نام المختار فی الجبر و الاختیار در سال ۱۳۷۵ ق. به طبع رسانید و علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی آن را در الذریعه ذکر کرده است؛ شرح شرایع در فقه (دوازده جزء در طهارت و صلوٰه که جزء اول طهارت آن در سال ۱۳۸۲ ق. و جزء دوم آن در سال ۱۳۵۸ ق. به طبع رسید)؛ زکوة و خمس و صوم و اجاره و وصایا و اجرة بر واجبات و قرعه و منجزات مریض و مکاسب شیخنا الانصاری تا بحث فضولی، حاشیه بر وسیله النجاة آیت‌الله العظمی اصفهانی و حاشیه بر صراط النجاة در سال ۱۳۸۰ ق. طبع شد؛ قبسات العقول فارسی در شرح اربعین حدیث از اصول و فروع (۱۳۷۵ ق.)، علامه تهرانی در الذریعه از آن یاد کرده است؛ ترجمه نصایح الهدی (آیت‌الله شیخ محمد جواد بلاغی، ۱۳۷۰ ق.)، اصفهان؛ رساله توضیح المسائل فارسی (۱۳۸۲ ق.)؛ رساله توضیح المسائل عربی (۱۳۸۴ ق.)؛ ترجمه تقویم المحسنین فیض (۱۳۶۸ ق. با قرآن به چاپ رسید)؛ مناسک حج عربی (۱۳۸۴ ق.)؛ دستور حج و عمره (۱۳۸۵ ق.)؛ تعلیقه بر عروه الوثقی (۱۳۴۹، ایران)؛ رساله‌های متعدد دیگر در موضوعات مختلف که از آن‌هاست: رساله در علم امام (ع) دیوانی در مواعظ و حکم و مدایح و مراثی اهل بیت؛ توضیح المسائل به زبان اردو و مناسک حج به زبان اردو؛ فوائد رجالیه؛ رساله‌ای در کلام به نام بالمعارف العلویة رساله‌ای در تحقیق عدم تحریف قرآن موسوم به غایة البیان فی عدم تحریف القرآن، رساله‌ای در امر به معروف و نهی از منکر؛ رساله‌ای در معاصی کبیره؛ رساله‌ای در ذباحت؛ رساله‌ای در جوائز سلطان؛ رساله‌ای در معاملات الربوییه؛ رساله‌ای در احکام خراج؛ رساله‌ای در تفسیر سوره جمعه، رساله‌ای در تفسیر سوره فاتحه؛ رساله‌ای در مقدمات التفسیر، رساله‌ای در بداء. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۱۷ / ۳۴)، کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۳، ص ۴۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۱۲ - ۲۱۰ / ۲).

فانی خوارزمی، کمال‌الدین حسین

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۵۳ ق.)، ادیب و شاعر، متخلص به فانی. وی ظاهراً از مردم قصبه‌ی قسا در خوارزم یا از قاشان ماوراءالنهر بود که نام آن را قاسان هم نوشته‌اند. در خوارزم منصب قضاوت داشت و مردی دانشمند به شمار می‌رفت وی غزل را نیکو می‌سرود. از آثارش: شرح «شواهد مغنی البیب»؛ شرح «شواهد مطول»؛ حاشیه بر «شرح تجرید»؛ شرح «مطالع».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۶۸۹-۶۸۸)، تذکره‌ی روز روشن (۶۸۳-۶۸۲)، فرهنگ سخنوران (۷۶۸).

فانی یزدی، حسن، محمد حسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۸ - ۱۲۸۱ ق)، عالم، خطیب، مصنف، ادیب و شاعر، متخلص به فانی. معروف به سید آقایی. وی ساکن اصفهان بود. از جوانی در تحصیل علم و ادب کوشید، سپس روی به خطابه آورد تا در این فن سرآمد شد. او ادیبی شاعر و نویسنده‌ای پر تلاش بود. فانی در اصفهان درگذشت و در تکیه‌ی ملک از تخت پولاد دفن شد. از آثار وی: «اکسیر الاخبار»، در چهار مجلد: جلد اول در توحید و صفات الله، جلد دوم در فضائل ائمه اطهار (ع) و نصوص امامت و بعضی از خطب و مواعظ امیرالمؤمنین (ع)، و دو جلد دیگر در اخلاق و مواعظ؛ «التوفیقات الالهیه»، در مواعظ ماه رمضا در سی مجلس؛ «حرز المؤمنین»، در احراز و ادعیه و برخی از نمازهای متفرقه؛ «فلاح الایمان»، به فارسی در مواعظ و مصائب؛ «غوث الامه فی اثبات الغیبه»؛ «عقیده الحق»، در شرح «باب الحادی عشر»؛ «هدایه السالکین»؛ «حیب العاشقین»؛ «درر اللثالی فی اسرار الموالی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره القبور (۲۶۰)، الذریعه (۳۰۱-۳۰۰، ۷۲ / ۱۶، ۳۰۶ / ۱۵، ۸۰۴ / ۹، ۱۳۳، ۸ / ۳۹۴، ۶ / ۵۰۰، ۴ / ۲۷۸-۲۷۷ / ۱)، ریحانه (۲۹۰ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۹۴-۳۹۳ / ۱۴)، معجم المؤلفین (۲۱۷ / ۳).

فانی، کامران

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کامران فانی در سال ۱۳۲۳، در قزوین به دنیا آمد. با تحصیل در رشته ادبیات، به رشته کتابداری نیز علاقمند شد و تحصیلات خود را در این زمینه ادامه داد. او پس از قبولی در رشته کتابداری، در مرکز خدمات کتابداری که مراکز جدید التاسیس آن دوره وزارت علوم بود، استخدام شد و در سال ۱۳۶۱ که استادش دکتر محقق دایره المعارف تشیع را تاسیس نمود به عنوان دستیار در خدمت استادش بود و تاکنون نیز همواره بدین کار پرداخته و با سرپرستی سیداحمد صدر حاج سیدجوادی و جمعی از نویسندگان توانسته اند سه جلد از دایره المعارف تشیع را به چاپ برسانند. کتاب "دایره المعارف تشیع" کامران فانی (ویراستار و مؤلف)، در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه: علوم انسانی رشته: کتابداری تحصیلات رسمی و حرفه ای: کامران فانی تحصیلات مقدماتی را در قزوین گذراند و با اخذ دیپلم طبیعی در سال ۱۳۴۱، وارد دانشکده پزشکی شد. اما پس از گذشت سه سال، به ادبیات فارسی علاقمند گردید و با ترک تحصیل از رشته پزشکی و موفقیت مجدد در کنکور دانشگاه، تحصیلات خود را در رشته ادبیات پی گرفت و در سال ۱۳۴۷ موفق به اخذ لیسانس گردید. عشق و علاقه به کتاب سرانجام او را به سوی کتابداری کشاند و توانست وارد دانشکده کتابداری گردد. در سال ۱۳۵۰-۵۲ در مقطع کارشناسی ارشد در رشته کتابداری و در سال ۷۷-۱۹۷۶ در مقطع دکتری در رشته علوم اطلاع رسانی از دانشگاه لاف بارو در انگلستان موفق به کسب این مدارج علمی گردید. خاطرات و وقایع تحصیل: عشق و علاقه به مطالعه در کامران فانی از همان دوران ابتدایی تحصیل وجود داشته، به شکلی که از همان دوران اول و دوم دبستان، کتابهای بزرگسالان را مطالعه می کرده او در این باره می گوید: «در آن زمان هنوز ادبیات کودکان رسم نشده بود. ناگزیر کودک کتابخوان همان کتابهایی را می خواند که بزرگسالان می خواندند. در قزوین کتابخانه عمومی وجود نداشت. یکی دو تا مغازه و یا در واقع دکه کتابفروشی بود که کتاب کرایه می دادند، به شبی «یک قران» که ظاهراً پول کلانی می آمد و همین شد که اجباراً تندخوانی را آموخت. «فعالیت‌های ضمن تحصیل: آشنایی کامران فانی با قرآن به سالهای آخر دبیرستان باز می گردد. او در این زمان می توانست به کمک ترجمه های

تحت الفظی و زیرنویس قرآن که در آن زمان منحصر به دو ترجمه مرحوم معزی و مرحوم الهی قمشه ای بود، به فهم ظاهری معانی قرآن برسد. استادان و مربیان: کامران فانی در دوران تحصیل از محضر درس استادانی چون دکتر جعفر شهیدی، دکتر مهدی محقق، استاد عبدالحمید بدیع الزمان کردستانی، امیر حسین یزدگردی و ذبیح الله صفا بهره مند گردید. هم دوره ای ها و همکاران: کامران فانی در دوران تحصیلات دانشگاهی با بهاء الدین خرمشاهی همکلاس بود و این رابطه به دلیل قزوینی بودن هر دو ادامه یافت و همچنان با یکدیگر همکاری نمودند، چنانکه خرمشاهی در این باره چنین می گوید: «درست نوزده سال پیش بود که در چنین شب یا روزی با جان جانان جناب فانی نشسته بودیم و از هر در سخن می گفتیم، بحثمان در اطراف داستان «کریستین و کید» نوشته هوشنگ گلشیری بود که به تازگی منتشر شده بود، به فانی گفتم نقدی بر این کتاب بنویس و... که گفت خود تو چرا نمی نویسی و خلاصه چند ماه بعد به پایمردی فانی این نقد در مجله سخن چاپ گردید.» مهندس حسین معصومی همدانی دکتر سعید حمیدیان، حسن انوشه، ملایری، ثلاثی و اسدپور بیرانفر از جمله دوستان دیگر فانی بودند. وقایع میانسالی: کامران فانی حتی در دوران سربازی از کتاب و ترویج فرهنگ کتاب خوانی دور نماند، او این موضوع را این گونه تعریف می کند: «در کنار ارون رود و دهانه فاو و در زیر نخلهای بلند کتابخانه کوچکی درست کردم که اولین تجربه من در کتابداری بود. روزهای گرم و بلند تابستان خوزستان به کندی می گذشت و سربازان و گروهبانان و افسران به بطالت وقت کشی می کردند و روز را به شب می رساندند. به اصرار کتاب داستان و شعر به آنها می دادم، نخست از خواندن ابا داشتند، آن را امری شاق می پنداشتند. ولی کم کم شیفته مطالعه شدند. به وضوح می دیدم هر انسانی که سواد خواندن داشته باشد بالقوه دوستدار کتاب و کتابخوانی است، فقط امکان و فرصت آن را نیافته است. نقش کتابخانه در همین است که چنین فرصتی را به سهولت در اختیار همگان می گذارد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: کامران فانی پس از قبولی در رشته کتابداری، در مرکز خدمات کتابداری که مراکز جدید التاسیس آن دوره وزارت علوم بود، استخدام شد. او به عنوان دستیار در خدمت استادش دکتر محقق دایره المعارف تشیع را تاسیس نمود. او به همراه کامران فانی نیز به این کار پرداخت. اما همکاری با دکتر محقق یک سال بیشتر طول نکشید که دکتر محقق «بنیاد دایره المعارف بزرگ اسلامی» را تاسیس نمود اما توصیه و سفارش اکید به فانی و خرمشاهی نمود که این راه را ادامه دهند و تاکنون نیز همواره بدین کار پرداخته و با سرپرستی سیداحمد صدر حاج سیدجوادی و جمعی از نویسندگان توانسته اند سه جلد از دایره المعارف تشیع را به چاپ برسانند. وی عضو هیئت علمی کتابخانه ملی و سرپرست بخش ایرانشناسی کتابخانه ملی می باشد. فعالیت‌های آموزشی: کامران فانی پس از اخذ لیسانس به تدریس زبان فارسی پرداخت. او همچنین در سال ۱۳۵۸ به تدریس ترجمه و تفسیر قرآن در مرکز خدمات کتابداری ایران پرداخت، که مدت دو سال به طول انجامید. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: کامران فانی در سال ۱۳۵۰ سربازی را به اتمام رساند و به انگلستان سفر نمود. شاید آن گونه که خود او بیان می دارد، برای آموختن زبان انگلیسی این سفر را تجربه نمود. به هر حال پس از آن وی در کنار مشاغل اداری و کار موسسات پژوهشی به کار ترجمه و تالیف کتاب پرداخت. جوایز و نشانها: کتاب "دایره المعارف تشیع" کامران فانی (ویراستار و مؤلف)، در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. چگونگی عرضه آثار: نزدیک به ۱۵۰ مقاله نیز اعم از تألیف و ترجمه کامران فانی تاکنون در نشریات و مجلات مختلف از جمله سخن، نگین، رودکی، نگاه نو، کلک، بخارا، نشر دانش، کیان، کیهان فرهنگی، جهان کتاب و غیره چاپ شده است. آثار: ترجمه آدمهای ماشینی: روباتها و ویژگی اثر: نوشته کارل چابک می باشد ۲ ترجمه بخشی از کتاب «تاریخ فلسفه اسلامی» ویژگی اثر: م. م. شریف، بخشی از کتاب «زندگینامه علمی دانشمندان اسلامی». ۳ ترجمه خطابه پوشکین ویژگی اثر: نوشته داستایوسکی می باشد ۴ ترجمه کتاب سلوک روحی بتهوون، ترجمه مرغ دریایی ویژگی اثر: نوشته آنتون چخوف می باشد ۶ ترجمه موش و گربه ویژگی اثر: نوشته گونتر گراس، نویسنده آلمانی و برنده جایزه نوبل ۱۹۹۹. ۷ ترستانا ویژگی اثر: ترجمه، نوشته لوئیس بونوئل، فیلمساز اسپانیایی ۸

جنگ جهانی اول و دوم، دانشنامه کودکان و نوجوانان، دایره المعارف تشیع و یژگی اثر: این کتاب در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است ۱۱ رده بندی تاریخ ایران، رده بندی فلسفه اسلامی، زردشت: سیاستمدار یا جادوگر و یژگی اثر: این کتاب نوشته هنینگ و ترجمه فانی می باشد ۱۴ سرعنوانهای موضوعی فارسی و یژگی اثر: سه جلد می باشد ۱۵ سه خواهر و یژگی اثر: ترجمه، نوشته آنتون چخوف ۱۶ علم در تاریخ و یژگی اثر: نوشته جان برنال می باشد که فانی آنرا ترجمه کرده است ۱۷ فرهنگ موضوعی قرآن مجید و یژگی اثر: تالیف، با همکاری آقای بهاءالدین خرمشاهی ۱۸ گسترش رده بندی تاریخ ایران و یژگی اثر: تالیف ۱۹ لنتس و دیتسک، و یژگی اثر: نوشته بوفنر، نویسنده آلمانی ۲۰ مقاله اسطوره شناسی، مقاله بیت الحکمه و دارالترجمه، مقاله پایان فلسفه، مقاله زبان موسیقی، مقاله زندگی سیدنعمه الله جزایری، مقاله سیاحت شرق، مقاله شیوه نقد کتابهای علمی، مقاله طبقه بندی علوم در اسلام، مقاله عناوین موضوعی در زبان فارسی، مقاله فلسفه میرداماد، مقاله کتب درسی فلسفه در حوزه های علمیه، مقاله کتب فارسی ابن سینا، مقاله گفتگوهای تمدنها، مقاله نقد ادبی

فائزی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد فائزی

محل تولد: رودسر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد فائزی در سال ۱۳۴۱ هجری شمسی در خانواده ای متدین و کاملاً مذهبی در شهرستان رودسر دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. علاقه وافرخویش به فراگیری علوم دینی، تشویق خانواده و اطرافیان او را برای تحصیل به مشهد مقدس کشاند و در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه مشهد مقدس گردید. وی ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا (ع) از درس بزرگان آن دیار همچون آیت الله علمی اردبیلی، آیت الله شاهرودی و آیت الله رضا زاده بهره ها برد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته زبان در مقطع کارشناسی در سال ۱۳۷ از دانشگاه فردوسی فارغ التحصیل گردید.

وی پس از سالها تلاش و علم اندوزی در مشهد مقدس، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون علاوه بر مدیریت آموزش و پرورش، در دانشگاه علوم گیلان، دانشگاه آزاد رشت و دانشگاه آزاد لاهیجان مشغول تحصیل می باشد. وی در طول حیات علمی خویش از امرنگارش و پژوهش غافل نمانده است و مقالاتی از قبیل (تهاجم

فرهنگی، نماز و چرا به فلسفه نیازمندیم) را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

فتال نیشابوری، ابوعلی، ابوجعفر محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم ق)، فقیه، حافظ، مفسر، محدث و واعظ. معروف به فتال و فارسی و ابن‌الفارسی. نام و نسب او را گاهی به جهت انتساب به پدرش، محمد بن حسن، و گاهی به مناسبت جدش، محمد بن علی، و گاهی به ملاحظه‌ی جد عالی‌اش، محمد بن احمد، ذکر کرده‌اند. او از مشایخ ابن شهر آشوب است. فتال از شیخ طوسی و به واسطه‌ی پدرش از سید مرتضی حدیث روایت کرده است. با زمخشری صاحب «کشاف» از علمای عامه و ابوالفتوح رازی و فضل بن حسن طبرسی از مفسران خاصه معاصر و هم طبقه بود. در فقه و حدیث استادی توانا بود. دانش و زهد و پارسایی را با هم داشت. سخنرانی با منطق رسا و کوبنده بود و واعظی که با سخن و عمل پند می‌داد. گویش زیبای او باعث شد که به او فتال یا بلبل گویند. ابن داوود در کتاب «رجال» گوید که: فتال عقیده‌شناسی جلیل‌القدر و فقیهی دانشمند و زاهدی پارسا بود، که عاقبت به دست عبدالرزاق ملقب به شهاب‌الاسلام، رئیس نیشابور به جرم شیعه بودند شهید شد. از آثارش: «روضه الواعظین و بصیره المتعظین»؛ «التنویر فی معانی التفسیر». ابن شهر آشوب راوی هر دو می‌باشد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۰۵ / ۱۱، ۴۶۹-۴۷۰، ۲۹۷-۲۹۶ / ۴)، رجال ابن داود (قسم ۲۹۵ / ۱)، روضات الجحانات (۲۴۳-۲۳۴ / ۶)، ریحانه (۲۹۴-۲۹۱ / ۴)، شهیدان راه فضیلت (۷۹-۷۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۷۵ / ۶)، فوائد الرضویه (۴۶۹)، فهرست منتجب‌الدین (۱۹۱، ۱۶۶)، الکنی و الالقاب (۱۳-۱۲ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / ابوعلی، فتال)، معجم المؤلفین (۲۰۰ / ۹).

فتحی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی فتحی

محل تولد: زنجان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۲/۱۲/۲

زندگینامه علمی

سال (۱۳۶۵-۱۳۵۹) دوره ابتدایی را در زادگاه خود، روستای قلابرسفلی از توابع زنجان، روستایی با قدمت بیش از هزار سال گذراندم به علت محرومیت روستا، یک سال سال سوم ابتدایی معلم نداشتیم لذا در زمستان همان سال، به مکتب‌خانه رفتم و در مدت ۲ یا سه هفته روخوانی قرآن را یاد گرفته و موفق به ختم قرآن شدم و یک هفته هم به کلاس «تنبیه الغافلین» رفتم بعد استاد گفت شما دیگر لازم نیست به کلاس بیایید.

سال (۶۸-۱۳۶۵) روستای ما، مدرسه راهنمایی نداشت. من با ۴ نفر دیگر به روستای دیگر (نیکه کند ضیائی) در حدود ۲۰ کیلومتر روستای خود رفتیم و آن چهار نفر بعد از مدتی فرار کردند و تنها من ماندم و در این مرحله نفر اول یا دوم مدرسه شبانه روزی بودم. با اصرار و رایزنیهای جدی یکی از دوستان دوره راهنمایی که یکسال قبل از من به قم آمده بود، جناب برادر ارجمند جناب حجة الاسلام عبدالله بهرامی علی‌رغم میل باطنی، به حوزه علمیه قم آمدم، با آن که برای اولین بار بود که قم و فضای حوزه و مدارس علمیه را میدیدم، مدرسه شهیدین را که با شرایط خاصی، گزینش می‌کرد، برای تحصیل انتخاب کردم. مقدمات و سطح را در مدرسه شهیدین(ره) پایه ششم مدرسه معصومیه با حفظ خوابگاه و موقعیت در شهیدین در این مرحله نیز به لطف الهی نفر اول یا دوم در برخی از پایه‌ها از نظر معدل بودم.

همزمان دوره‌ی دبیرستان را به صورت متفرقه گذراندم. در سطح دو و سه حوزه را نیز به توفیق الهی جزو ممتازین شدم. (در لیست ممتازان شناسایی شده مرکز خدمات) توفیق شرکت در دوره‌ی عالی فقه و اصول تخصصی با اشراف و نظارت، مدرسه‌ی شهیدین(ره) که مباحث به طور تفصیلی نوشته می‌شد و در محضر استاد ارائه می‌گردید؛ اصول: استاد ارجمند حاج آقای علی‌عندلیب از اساتید یاد شده دروس فقه آیه‌الله شبیری زنجانی نیز به مدت یک سال و نیم شرکت داشته‌ام و اخیراً نیز در درس اصول حاج آقای لاریجانی شرکت می‌کنم.

کارشناسی: رشته معارف اسلامی و علوم قرآنی؛ نفر ممتاز گردیده، توفیق تدریس همزمان با تحصیل در سطح کارشناسی تدریس دروس چون حلقات شهید صدر، درایه و علم الحدیث، علوم قرآن و... در جامعه‌الزهره و مرکز جهانی علوم اسلامی و در سطح کارشناسی ارشد، تدریس متون عربی (کهن و معاصر)؛ اصول و روش ترجمه قرآن، فن ترجمه، زبان قرآن، علوم قرآن و... در جامعه‌الزهره و دانشکده علوم قرآنی و...

کارشناسی ارشد: نفر اول گروه با معدل ۸۶/۱۸، موضوع پایان‌نامه: معیارشناسی ارتباط الفبایی آیات قرآن کریم، که با عنوان مبانی و معیارهای تفسیر قرآن به قرآن در موسسه امام خمینی با تکمیل و اصلاحات برای چاپ پذیرفته شده است. از جمله اساتید این دوره‌ها، آیه‌الله معرفت (ره)، حاج آقای محمود رجبی، حاج آقای یوسفی غروی، دکتر نجارزادگان دکتر رفیعی، دکتر جباری، حاج آقای حسن عرفان، دکتر شمالی و...

(ج) دکتری ۸۷-۸۶: همزمان با نگارش پایان‌نامه به توفیق الهی در آزمون دکترای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، رشته علوم قرآن و حدیث پذیرفته شدم. و در حال حاضر مشغول ترم دوم و از محضر اساتیدی چون دکتر معیدی روشن، حاج آقای رجبی، حاج آقای احمد واعظی، حاج آقای بابائی و حاج آقای مهدوی‌راد، استفاده می‌کنیم. خدا عاقبت ما را به خیر گرداند.

فتونی عاملی نباطی اصفهانی، ابوالحسن علی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۰۷۰- ح ۱۱۳۹ ق)، فقیه، اصولی، مفسر و شاعر. معروف به شریف، چون مادرش خواهر میرمحمد صالح خاتون آبادی بود. پدرانش همگی از علما بودند. وی در محله‌ی درب امام اصفهان به دنیا آمد. بدین دلیل به او امامی نیز می‌گفتند. در نجف ساکن بود. او شاگرد علامه مجلسی ثانی و از ایشان و از علمای دیگری از جمله احمد بن محمد بن یوسف بحرینی و قاسم بن محمد کاظمی و محمد حسین بن حسن میسی و صفی‌الدین بن فخرالدین طریحی و عبدالواحد بن محمد بن احمد بورانی و محمد صالح

خاتون آبادی و محمود میبدی صاحب اجازه بود. فرزندش، ملا- ابوطالب فتونی، و محمد بن علی بن حیدر عاملی و احمد بن اسماعیل جزائری از شاگردان وی بودند و از او اجازه داشتند. عبدالله ابن کرم الله حویزوی و نصرالله شهید حائری نیز از جانب وی به دریافت اجازه نائل شدند. فتونی جد مادری شیخ باقر، پدر صاحب «جواهر»، است. از آثار وی: شرح «الکفایه» سبزواری؛ «شرح الصحیفه»؛ «شریعه الشیعیه و دلائل الشریعه»؛ «الفوائد الغریبه و الدرر النجفیه»، در اصول دین و اصول فقه؛ «مرآه الانوار و مشکاه الاسرار فی تفسیر القرآن» یا «مشکاه الانوار فی تفسیر القرآن»؛ «الرساله الرضاعیه»؛ «الانساب»؛ رساله در «حقیقه مذهب الامامیه»؛ «نصایح الملوک و آداب السلوک»، در شرح «عهدنامه مالک اشتر»؛ «ضیاء العالمین»، در امامت؛ «تنزیه القمیین»؛ «معراج الکمال»؛ «الکشکول»؛ «دیوان» شعر، در مرثی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۴۸۷، ۴۸ / ۲)، اعیان الشیعیه (۳۴۳- ۳۴۲ / ۷)، تلامذه العلامه المجلسی (۱۳- ۱۲)، خاتمه مستدرک الوسائل (۵۶- ۵۴ / ۲)، الذریعه (۱۷۱ / ۲۴، ۲۳۳- ۲۳۲ / ۵۳، ۲۱ / ۲۶۵- ۲۶۴ / ۲۰، ۱۸ / ۷۰، ۱۶ / ۳۵۳- ۳۵۴، ۱۵ / ۱۲۴، ۱۸۷ / ۳۶- ۳۵ / ۱۴، ۱۳ / ۳۴۶، ۱۸۹- ۱۸۸ / ۱۱، ۵۰- ۴۹ / ۴۵۷، ۷ / ۴ / ۳۷۲- ۳۷۱ / ۲، ۲۴۹، ۲۲۷- ۲۲۶، ۱۹۹، ۲۰۸، ۱۸۲ / ۱)، طبقات اعلام الشیعیه (قرن ۱۷۵- ۱۷۴ / ۱۲)، معجم المؤلفین (۲۰۵- ۲۰۴ / ۷)، هدیه العارفین (۷۶۶ / ۱).

فخر داعی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(سید) محمد تقی گیلانی ملقب به فخرالمحققین و داعی الاسلام نویسنده و محقق ایرانی (ف. تهران آذرماه ۱۳۴۳ ه. ش / شعبان ۱۳۸۴ ه. ق). وی پس از تحصیل نزد شیخ محمد طالقانی، میرزا حسن کرمانشاهی، میرزا مسیح سمغانی، فاضل تفرشی عازم عراق عرب شد و از محضر آخوند ملا کاظم خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی استفاده کرد و به درجه‌ی اجتهاد رسید. در اوایل نهضت مشروطه با آزادی خواهان عراق همکاری کرد. سپس از طرف آخوند ملا کاظم مأمور اداره‌ی انجمن دعوه الاسلام بمبئی گردید. وی علاوه بر وظایف دینی که به عهده داشت به تحقیق و تتبع مشغول بود و زبانهای انگلیسی و اردو را تحصیل کرد و مدت چهار سال در «کالج ایندور» به تدریس ادبیات فارسی و عربی پرداخت. وی پس مراجعت به ایران در وزارت فرهنگ به خدمت مشغول شد و کتب ذیل را ترجمه و منتشر کرد: تمدن اسلام و عرب تألیف گوستاولوبون، تاریخ ایران تألیف سرپرسی سایکس (دو جلد)، تاریخ عرب و اسلام تألیف امیرعلی، شعرالعجم یا تاریخ منظوم ایران تألیف شبلی نعمانی (پنج جلد)، تفسیر قرآن تألیف سید احمدخان (که سه جلد آن منتشر شده)، تاریخ علم کلام تألیف شبلی نعمانی، مجموعه‌ی مقالات شبلی نعمانی، تاریخ هند تألیف امیرعلی. وی در هشتاد و پنج سالگی درگذشت.

(وف ۱۳۴۳ ش)، عالم و مترجم. ملقب به فخرالمحققین و معروف به داعی الاسلام. وی از شاگردان آخوند ملا- محمد کاظم خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی است که به مقام اجتهاد رسید. در نهضت مشروطه به پیروی از استادانش به حزب آزادی خواهان ایران مقیم عراق پیوست. وی به دستور آخوند ملا محمد کاظم خراسانی به بمبئی رفت و اداره‌ی امور انجمن دعوه الاسلام آن شهر را بر عهده گرفت و معروف به داعی الاسلام شد. او به زبان اردو و انگلیسی مسلط بود. آن گونه که توانست کتابهایی را به زبان فارسی برگرداند. فخر داعی در کالج ایندور به تدریس ادبیات فارسی و عربی پرداخت. در تهران درگذشت و در قم در کنار آرامگاه میرزایوسف مستوفی و مقابل صحن طلا دفن شد. از آثار وی: «تمدن اسلام و عرب» گوستاولوبون، ترجمه؛ «تاریخ عرب و

اسلام» امیرعلی، ترجمه؛ «تاریخ هندوستان»، ترجمه؛ «تاریخ علم کلام» شبلی نعمان، ترجمه؛ «تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان» یا «تفسیر قرآن سید احمدخان»، ترجمه؛ «سوانح مولوی» شبلی نعمان، ترجمه؛ «شعر العجم» یا «تاریخ ادبیات منظوم ایران» شبلی نعمان، ترجمه؛ «تاریخ ایران» سرپرستی سایکس، ترجمه. [۱]
 برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)
 منابع زندگینامه: [۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۶۰۸، ۲۰۳۲، ۲ / ۹۳۳-۹۳۲، ۷۶۸، ۷۲۷، ۷۲۶-۷۲۴، ۶۷۳، ۱ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳۳-۲۳۱ / ۲)، نامها و نامدارهای گیلان (۳۷۱).

فخر رازی، فخرالدین ابو عبدالله، ابوالعالی، ابوالفضل محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۶۰۶-۵۴۴ ق)، مفسر، واعظ، مصنف، حکیم، اصولی و عالم اشعری شافعی. مشهور به امام رازی و فخر رازی و امام فخرالدین، معروف به امام المشککین و موصوف به شیخ الاسلام و ابن خطیب و ابن خطیب ری. اصل وی از طبرستان بود و در ری به دنیا آمد. وی شاگرد پدرش، ضیاءالدین عمر، در کلام بود و سلسله‌ی استادانش را، از طریق پدر، به اشعری می‌رساند. در مرند در مدرسه‌ای که قاضی مرند، پدر، پدر محیی‌الدین بنا کرده بود، فقه و حکمت آموخت. وی در علوم عقلی و نقلی، تاریخ، کلام، فقه، اصول، تفسیر، حکمت، علوم ادبی و فنون ریاضی یگانه‌ی عصر خود بود دانشمندان بسیاری از شهرهای دور حاضر حوزه‌ی درس او می‌شدند، و حتی در موقع سواری نیز دهها تن از فقهای شاگردانش به جهت استفاده علمی در رکابش می‌رفتند. فخر رازی به دلیل ژرف بینی در اقوال حکمای یونان و تعمق در جرح و تعدیل آنها شک و شبهه در مطالب عقلی و دینی وارد می‌کرد و به گفته‌ی ابن حجر گاه شبهات سختی وارد می‌آورد که خود از حل آن در می‌ماند. وی به خوارزم رفت و به جهت مذاکرات دینی که با علمای آنجا نمود محکوم به اخراج از آن سرزمین شد، پس به ماورالنهر رفت و باز به همان دلیل تبعید شد. وی به ری موطن خود بازگشت و از آن جا به خراسان رفت و مورد عنایت سلطان محمدخوارزمشاه قرار گرفت. سرانجام در هرات ساکن شد و شیخ الاسلام آنجا گشت و به دو زبان عربی و فارسی وعظ گفت. او در هرات در گذشت و در دامنه‌ی کوه مزداخان نزدیک هرات دفن شد. از آثار وی: «تفسیر الکبیر» یا «مفاتیح الغیب»، «تفسیر قرآن در هشت مجلد»؛ «تفسیر الفاتحه»؛ «اسرار التنزیل و انوار التأویل»؛ «اساس التقدیس» یا «تأسیس التقدیس»، در علم کلام؛ «تهذیب الدلائل و عیون المسائل»؛ «لباب الاشارات»؛ «لوامع البینات فی شرح اسماء الله و الصفات»؛ «محصل افکار المتقدمین و المتأخرین من العلماء و حکماء و المتکلمین»؛ «المحصول»؛ شرح «قانون» ابن سینا، در طب؛ شرح «نهج البلاغه»؛ «نهایه الایجاز فی درایه الاعجاز»، در علم بیان؛ «کتاب الهندسه»؛ «دائرة المعارف» «جامع العلوم» یا «حدائق الانوار فی حقائق الاسرار» یا «ستینی»، به فارسی در پیرامون شصت علم که در ۵۷۴ ق به نام علاءالدین تکش خوارزمشاه تألیف کرده است؛ رساله در «اصول عقاید»، به فارسی، در هشت باب در توحید و نبوت و معاد و امامت و اصول فقه؛ «رساله‌ی روحیه»، به فارسی، در جواب تعزیت نامه‌ای که پادشاه وقت در مرگ پسر فخر رازی نوشته بود؛ رساله «الاختیارات العلانیه» یا «الاحکام العلانیه فی الاعلام السماویه»، به فارسی، در اختیارات نجومی، که به نام سلطان علاءالدین محمد خوارزمشاه در دو مقاله نوشته است؛ «شعر»، به عربی و فارسی. [۱]

رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر بن حسین بن حسن بن علی طبرستانی رازی مشهور به امام فخر فقیه شافعی و دانشمند علوم معقول و منقول معروف به ابن الخطیب و فخر رازی (و. ری ۵۴۳ یا ۵۴۴- ف. هرات ۶۰۶ ه. ق). وی در عصر خوارزمشاهیان می‌زیست و جاه

و منزلت و نفوذ کلام او در نزد سلطان محمد خوارزمشاه بسیار بود. و بین او و بهاء‌الدین پدر جلال‌الدین مولوی اختلاف ایجاد شد. وی در علم کلام و معقولات سرآمد عصر بود، و در فنون مختلف تألیفات مهم دارد. فخر رازی در غالب اصول مسلم فلسفی شک کرده و بر فلاسفه‌ی مقدم ایراداتی وارد آورده و حکیمانی نظیر نصیرالدین طوسی و قطب‌الدین رازی و میرداماد و صدرالدین شیرازی مدتها سرگرم جواب دادن به شبهات او بوده‌اند. به سبب همین قدرت در تشکیک است که وی را «امام المشککین» لقب داده‌اند. از آثار اوست: *نهایة‌العقول*، کتاب الاربعین، *المطالب العالیة*، *محصل افکارالمتقدمین و المتأخرین* (م.ه)، *البیان والبرهان فی الرد علی اهل الزيغ والطغیان*، *المباحث العمادیة فی المطالب المعادیة*، *تهذیب الدلائل و عیون المسائل*، *ارشاد النظار الی لطائف الاسرار*، *تحصیل الحق*، *الزبدة*، *المعالم*، *مفاتیح الغیب* (م.ه)، *نهایة‌الاعجاز* (م.ه)، *المسائل الخمسون* (م.ه)، *شرح کلیات قانون ابن سینا*، *ستینی* (م.ه)، *الملخص* (م.ه)، *شرح الاشارات* (در این کتاب ایراداتی بر ابن سینا وارد کرده که بعداً نصیرالدین طوسی آنها را جواب داده)، *شرح عیون‌الحکمة*، *مباحث المشرقیة* (م.ه).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۲۰۳ / ۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۱۷- ۱۰۱۶ / ۲)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۴۱۳- ۳۸۲)، دایره‌المعارف فارسی (۱۸۴۸- ۱۸۴۷ / ۲)، *روضات الجنات* (۴۴- ۳۶ / ۸)، *ریحانه* (۳۰۱- ۲۹۷ / ۴)، *ری باستان* (۳۷۷- ۳۷۴ / ۲)، *سیر النبلاء* (۵۰۱- ۵۰۰ / ۲۱)، *شخصیت‌های نامی* (۳۶۴- ۳۶۳)، *شذرات الذهب* (۲۲- ۲۱ / ۵)، *فرهنگ ادبیات فارسی* (۳۶۸- ۳۶۷)، *الکامل* (۳۰۲ / ۹)، *کشف الظنون* (۲۰۰۲، ۱۹۸۸، ۱۹۸۶، ۱۹۷۳، ۱۹۰۵، ۱۸۶۴، ۱۸۴۰، ۱۸۱۹، ۱۷۷۴، ۱۷۵۶، ۱۷۲۷، ۱۷۲۶، ۱۷۱۴، ۱۶۹۷، ۱۶۱۶، ۱۶۱۵، ۱۶۱۴، ۱۵۷۸- ۱۵۷۷، ۱۵۶۱، ۱۴۶۷، ۱۴۴۵، ۱۳۱۲، ۱۱۸۶، ۱۱۴۱، ۱۱۱۳، ۱۰۳۵، ۹۹۳، ۹۸۹، ۹۵۴، ۷۶۰، ۷۳۹، ۷۳۰، ۷۲۵، ۶۳۳، ۶۰۵، ۵۶۵، ۵۱۵، ۴۵۴، ۴۴۹، ۳۵۹، ۳۵۴، ۳۳۳، ۲۶۲، ۲۲۴، ۲۰۴، ۱۲۰، ۹۴، ۸۳، ۶۷، ۶۱)، *الکنی و الالقاب* (۱۶- ۱۳ / ۳)، *لسان المیزان* (۴۳۵- ۴۳۰ / ۵)، *لغت‌نامه* (ذیل / فخر رازی)، *مجمل فصیحی* (ذیل / سال ۶۰۶)، *معجم المؤلفین* (۸۰- ۷۹ / ۱۱)، *منتخب التواریخ* (۴۰۹)، *مؤلفین کتب چاپی* (۶۴۴- ۶۴۲ / ۵)، *النجوم الزاهرة* (۱۷۶- ۱۷۵ / ۶)، *الوافی بالوفیات* (۲۵۲- ۲۴۸ / ۴)، *وفیات الاعیان* (۲۵۲- ۲۴۸ / ۴)، *وقایع السنین و الاعوام* (۳۳۵)، *یادداشت‌های قزوینی* (۹۵ / ۶).

فخر فارسی، فخرالدین ابوعبدالله محمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۶۲۲- ۵۲۸ ق)، محدث، زاهد، صفوی و متفلسف شافعی. اصلش شیرازی و ساکن مصر بود. احادیث بسیاری از سلفی شنید و آنها را به رشته تحریر درآورد و در دمشق نیز ابن‌عساکر حدیث شنید. برزالی و منذری و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. ذهبی نیز از طریق ابوالمعالی ابرقوهی و ابوالحسن ابن‌قیم نیز از وی حدیث روایت کرده است. در خانقاه ذوالنون مصری زوایه داشت و پس از مرگ در همان‌جا دفن شد. او در نظم و نثر توانا بود و صاحب تصنیفاتی در زمینه‌ی تصوف و کلام است، که برخی از آنها به سبک فلاسفه صوفیه است. از آثار وی: کتاب «*مطیة النقل و عطیة العقل*»، در اصول و کلام؛ «*الاسرار و سر الاذکار / الاسکار*»، که در آن بین حقیقت و شریعت جمع کرده است؛ «*برق النقا و شمس اللقا*»؛ «*جمحة النهی عن لمحہ المها*»؛ «*الفرق بین الصوفی و الفقیر*»؛ «*تذکره مناهج السالکین*»؛ «*بلغه الفاصل و عروه الواصل*».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۸۷ / ۶)، *ایضاح المکنون* (۵۰۲- ۵۰۱ / ۲، ۱۸۸، ۳۶۵، ۱۷۶، ۷۶ / ۱)، *سیر النبلاء* (۱۸۱- ۱۷۹ / ۲۲)،

شذرات الذهب (۱۰۱ / ۵)، العبر (۱۸۸ / ۳)، لسان المیزان (۶۳۱-۶۲۹ / ۵)، معجم المؤلفین (۱۹۲-۱۹۱ / ۸)، النجوم الزاهره (۲۳۴ / ۶)، الوافی بالوفیات (۹ / ۲)، هدیة العارفین (۱۱۲-۱۱۱ / ۲).

فخرالاسلام ارومی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۳۳۰ ق)، عالم، متکلم و نویسنده. اصل وی از ارومیه آذربایجان بود. پدرش و خود وی مسیحی بودند، و از کشیشان دانشمند به شمار می‌رفتند. او پس از مطالعات به دین اسلام گروید، و در تهران ساکن شد. وی از جانب ناصرالدین شاه قاجار ملقب به فخرالاسلام و مسمی به محمدصادق گردید. وی صاحب تألیفاتی دقیق و محققانه در حقانیت اسلام و قرآن و رد نصاری است. از جمله آثار وی: «انیس الاعلام فی نصره الاسلام و الرد علی النصاری»، به فارسی، در دو مجلد؛ «برهان المسلمین»، در رد نصاری، به فارسی، مشتمل بر سوال و جواب با مسیحیان در تهران است؛ «بیان الحق و الصدق المطلق»، به فارسی، در ده مجلد، که چهار مجلد آن در اثبات قرآن مجید و نبوت پیامبر (ص) می‌باشد؛ «تعجیز المسیحیین فی تأیید برهان المسلمین»؛ «خلاصه الکلام فی افتخار الاسلام»؛ «وجوب الحجاب و حرمة الشراب»؛ «السیاسه الاسلامیه»، در اخلاق و مصائب.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۲ / ۲۵، ۲۷۱، ۱۲ / ۲۳۲، ۷ / ۲۱۰، ۴ / ۱۸۰، ۱۰۲-۱۰۱ / ۳، ۴۵۳-۴۵۲ / ۲)، ریحانه (۳۰۲-۳۰۱ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۵۱-۸۵۰ / ۱۴).

فخرالدین محمد

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، متکلم و عالم امامی. از علمای بزرگ زمان خود بود که کتاب «سلیمانیه» را در کلام و اصول دین در ۹۷۰ ق در مراغه برای سلطان سلیمان میرزا، شاهزاده صفوی، نگاشت. از دیگر آثار وی «الشوارق اللامعه» یا «المشارق اللامعه» و «السبحات الساطعه» است در دو بخش: بخش اول آن در کلام پنج شارقه به ترتیب اصول دین و بخش دوم آن در اخلاق در سه سبحه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۸۱۴)، الذریعه (۳۶ / ۲۱، ۲۴۰-۲۳۸ / ۱۴، ۲۲۸ / ۱۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۷۸ / ۱۰).

فخرالمحققین، محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ع. موجب نازش محققان) محمد بن حسن (علامه‌ی حلی) ابن یوسف مطهر حلی، مکنی به ابوطالب و ملقب به «فخرالدین» فقیه و

متکلم شیعه (ف. ۷۷۱ ه.ق) که بعدها لقب «فخرالمحققین» به وی داده شده. پدرش علامه‌ی حلی در دیباجه‌ی برخی از تألیفات خود وی را ستوده است. این پدر و پسر هر دو در دربار خدابنده محترم می‌زیسته‌اند. فخرالمحققین متون بسیاری از تألیفات پدر را شرح و حاشیه کرده است، و تحصیل النجاه والکافیة در کلام از خود وی می‌باشد. وی در سن ۸۹ سالگی در گذشته است. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

فخرایی، سید حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: نوزادان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۳، رزیدنت در کلینیک‌های مایو و اسکات اندوایت آمریکا از سال ۱۳۵۶ تا سال ۱۳۵۷، تخصصی نوزادان از بیمارستان سنت لوئیس دانشگاه واشنگتن آمریکا از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۵۹.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی از سال ۱۳۶۹، تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

هیپوگلسمی دیررس نوزادان و کمبود موقت PTH، اندازه‌گیری بیلروبین آزاد خون در نوزادان مبتلا به زردی، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۴۰ پایان‌نامه دکترای عمومی و تخصصی کودکان.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

بیماریهای تنفسی نوزادان.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

کودکان و نوزادان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

فخر طباطبائی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی مغز و اعصاب، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

فخری هروی، محمد

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، مترجم و شاعر، متخلص به فخری. در هرات به دنیا آمد و در اوایل عهد شاه‌طهماسب (۹۸۴-۹۳۰ ق) ب قصد زیارت خانه خدا به سند رفت و در سلک ملازمان میرزا شاه‌حسین ارغون (۹۶۲-۹۲۸ ق) در آمد و تذکره‌ی «روضه السلاطین» و کتاب «صنایع الحسن» را، در صنایع و بدایع شعری، به نام وی تألیف کرد و پس از درگذشت او به دربار جلال‌الدین محمد اکبرشاه رفت و تذکره‌ی «جواهر العجایب» را که قبلاً به نام حاجیه ماه‌بیگم، همسر میرزا شاه‌حسین، تألیف کرده بود با اندک تغییری به ما هم اتکه، دایه جلال‌الدین اکبرشاه تقدیم کرد. از دیگر آثار وی: دو «دیوان» غزلیات به نامهای: «بوستان خیال» و «تحفه الحیب»؛ «لطایف‌نامه»، ترجمه فارسی «مجالس النفائس»؛ «جواهر العجایب»، در شرح حال بیست و پنج تن از زنان سخنگو؛ «هفت کشور»، در تاریخ و اخلاق و افسانه؛ «روضه السلاطین»، در ذکر هشتاد نفر از سلاطین و امرا.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۰-۱۲۹ / ۴)، تاریخ تذکره فاسی (۱۲۰-۱۱۸ / ۲، ۶۴۹-۶۴۴، ۴۲۹-۴۱۷ / ۱)، دایره‌المعارف فارسی (۱۸۴۸ / ۲)، الذریعه (۸۱۴ / ۹)، روضه السلاطین (مقدمه/ی-یح)، فرهنگ سخنوران (۶۹۳)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۲۴۶۱-۲۴۶۰ / ۳)، کاروان هند (۹۹۸-۹۹۶ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ فخری)، مجالس النفایس (مقدمه/ کج-ل)، مؤلفین کتب چاپی (۷۹۶-۷۹۵ / ۴).

فدایی آستانی، اسماعیل

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۶۲ ق)، عالم، فقیه، محقق و شاعر، متخلص به فدائی. اصل وی از آستان از روستاهای کزاز است. در زادگاهش، آستان، علوم مقدماتی را فراگرفت. در ۱۲۱۷ ق برای تکمیل معلومات ابتدا به بروجرد و سپس به اصفهان و همدان رفت، پس از فراگیری علوم و مهارت در فقه و اصول به زادگاهش بازگشت و به وظایف دینی و خدمات اجتماعی مشغول گردید. از آثار وی: «الاشعه البدریه»، در شرح «الجغفریه» محقق کرکی؛ «اللالکی»، در اصول و اعتقادات؛ «الفیوضات القدسیه فی شرح الرساله المجلسیه»؛ منظومه «العقیده الوحیده»، ارجوزه‌ای در کلام؛ «کفایه الطالب»، در شرح «مختصر الاصول» ابن‌حاجب؛ «معیار التمییز فی شرح الوجیز» یا شرح «وجیزه» مجلسی دوم؛ «دیوان» شعر؛ «کشف الاسرار فی رموز الاشعار»، که شرحی است بر دیوان شعرش.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۷۸ / ۲۱، ۹۲، ۱۶ / ۱۸، ۴۱۱، ۴۱۰ / ۱۶، ۳۰۷-۳۰۶ / ۱۵-۱۰۹ / ۲)، مکارم الآثار (۱۶۷۲-۱۶۷۱ / ۵).

فدایی یزدی، یحیی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۸۲ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به فدایی. وی پس از تحصیل علوم دینی به اقتفای پدر قدم در میدان شاعری گذاشت. وی به مرض وبا وفات یافت. اثرش «دیوان» شعر می‌باشد.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۱۳۰۵-۱۳۰۴ / ۲)، الذریعه (۸۱۶ / ۹)، ریحانه (۳۰۴-۳۰۳ / ۶)، فرهنگ سخنوران (۶۹۴).

فدشکوئی فسائی، کمال

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا کمال‌الدین محمد بن معین‌الدین محمد فدشکوئی فسائی معروف به (میرزا کمالا) از فقهاء و فضلاء قرن یازدهم هجری داماد علامه ملا محمد تقی مجلسی اول بوده و در حدود ۱۱۱۰ قمری وفات نموده است از تألیفات اوست (القیودا الوافیه) فی شرح الشافیه در صرف و نیز شرحی منظوم بر قصیده تائیه دعبل خزاعی که در سال ۱۱۰۳ سروده است و در سال ۱۳۰۷ شمسی در تهران چاپ شده است.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فدشکوئی فسائی، محمد مسیح

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

۵- در کتاب دانشمندان و سخن‌سرایان فارس ج ۱ ص ۳- گوید مولانا محمد مسیح مشهور به آخوند مسیحا فرزند مولا اسماعیل فدشکوفی فسائی. از فقهاء و شعراء قرن دوازدهم هجریست.
و از شاگردان (علامه) آقا حسین خونساری بوده که به درجه اجتهاد رسیده و چندین سال منصب شیخ‌الاسلامی ایالت فارس را داشت (متوفی ۱۱۲۷).
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فراء همدانی، ابوعمران موسی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، فقیه و محدث. وی از محمد بن اسماعیل صائغ و بشیر بن موسی و یحیی بن عبدالله کرابیسی و ابن ضریس و عبدالله بن احمد و محمد بن صالح اشج و همطبقه آنان حدیث شنید. در بغداد حدیث گفت. صالح بن احمد و عبدالله بن ابی زرعه قزوینی و ابوبکر بن مقری اصفهانی و ابوالقاسم بن ثلاج (۳۸۷-۳۰۷ ق) و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۵۹ / ۱۳)، سیر النبلاء (۳۰۶-۳۰۵ / ۱۵).

فراء، ابومحمد حسین

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(بخش ۱) بغوی (منسوب به بغ یا بغشور)، ابومحمد حسین بن مسعود، فقیه و عالم مذهب شافعیه و مفسر و محدث. (و. ۴۳۶ ه.ق / ۱۰۴۴ م. - ف. ۵۱۰ ه.ق / ۱۱۱۷ م). وی در علوم تبحر داشت و فقه را از قاضی حسین بن محمد که یکی از شاگردان قفال مروزی بود آموخت. در تفصیل کلام الله تصنیفی کرده و پاره‌ای از مشکلات را از قول پیامبر اکرم توضیح داده است. وی از راویان حدیث می‌باشد و کتب بسیار به او منسوب است. وجه تسمیه‌ی فراء به مناسبت فروش فراء (بخش ۱) است. از آثار او دو کتاب مصابیح السنه در حدیث و معالم التنزیل در تفسیر معروف است. فراء در مرو در گذشت و در کنار استادش قاضی حسین به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

فراشندی، علیمراد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۰۰ ش)، مورخ، نویسنده و روزنامه‌نگار. در برازجان به دنیا آمد. دوره‌ی ابتدایی و متوسطه را در دبیرستان فرخی برازجان به پایان رساند. در ۱۳۱۸ ش در اداره‌ی فرهنگ بنادر جنوب وارد خدمت شد و در برازجان به تدریس مشغول گشت. در ۱۳۲۴ ش به اداره‌ی فرهنگ شیراز منتقل شد. در ۱۳۳۱ ش امتیاز روزنامه‌ی «خانه‌ی ملت» را گرفت. از آثار وی: «تاریخ و جغرافیای برازجان»؛ «دکتر مصدق یا جرج واشنگتن ایران»؛ «نظری به گذشته‌ی ایران»؛ «ایران و ایرانیان»؛ «آمریکاییها را بشناسید»؛ «زندانه‌ی من»؛ «تاریخ مختصر سلسله‌ی قاجاریه»؛ «انگلیسیها را بهتر بشناسید».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۰۹-۷۰۷ / ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۰۱-۶۰۰ / ۴).

فرامرزی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۶۸ ش)، مورخ، مترجم، نویسنده و روزنامه‌نگار. وی در روستای کچویه فرامرزان از توابع لارستان فارس به دنیا آمد. در ده سالگی همراه پدر به بحرین عزیمت نمود و در آنجا مقدمات فقه شافعی و نحو را در خدمت پدر آموخت. بعد از مراجعت به ایران به دلیل پیوستگی پدرش با مشروطه‌خواهان مجدداً مجبور به ترک وطن و عزیمت به بحرین شد. فرامرزی در بحرین مدتی به تجارت مشغول گشت و در ۱۳۰۱ ش به همراه برادرش به تهران سفر کرد. در ۱۳۲۴ ش مدیریت کل وزارت دارایی را به عهده گرفت. او چند دوره نیز به وکالت مجلس شورای ملی انتخاب گردید. وی در ۱۳۰۶ ش به همراه برادرش مجله‌ی «تقدم» و بعد از شهریور ۱۳۲۰ ش روزنامه‌ی «خاور» را تأسیس و منتشر کرد. از آثار او: «چرا فرانسه شکست خورد»، ترجمه؛ «نتایج سیاسی جنگ بین‌المللی اول»، ترجمه؛ «انگلیسی‌ها در انگلستان»، ترجمه؛ «تاریخ تشکیلات سیاسی و قانونی و قضایی و اقتصادی»، ترجمه؛ «تاریخ بصره»؛ «تاریخ کویت».[۱]

فرزند شیخ عبدالواحد لاری در ۱۲۶۵ در قریه گجویه از بلوک فرامرزیان لارستان به دنیا آمد. مقدمات زبان فارسی و عربی را نزد پدر خود فراگرفت. در سن جوانی به مشروطه‌خواهان پیوست و با نیروهای استبدادی مبارزه نمود. حاصل این مبارزات یک سال زندان بود. فرامرزی پس از استخلاص از زندان به اتفاق برادرش عبدالرحمن به بحرین رفت و کار معلمی را پیشه‌ی خود ساخت و چون هر دو برادر روح سرکشی داشتند و در آنجا به مبارزاتی دست زدند که ناچار به ایران آمدند.

احمد فرامرزی مدتی در وزارت امور خارجه مترجم زبان عربی بود. چندی در وزارت راه و چند سالی هم در دادگستری شاغل مقاماتی شد. مدتی هم مدیرکل وزارت دارایی بود.

در ۱۳۰۸ ش در تهران مجله‌ی علمی و ادبی و تحقیقی تقدم را انتشار داد و دانشمندانی چون تقی‌زاده و جمال‌زاده عضو هیئت تحریریه آن مجله بودند. پس از ۱۳۲۰ نامه‌ی هفتگی سیاسی و اجتماعی خاور را منتشر نمود و مدتی هم روزنامه‌ی آینده‌ی ایران را می‌نوشت. در دوره‌ی پانزدهم از بوشهر به وکالت مجلس انتخاب شد و در ادوار هفدهم و هیجدهم نیز وکیل مردم بوشهر در مجلس بود. مرحوم فرامرزی ادیب و دانشمند و محقق بود. تحقیقات دامنه‌داری درباره‌ی تاریخ و جغرافیای خلیج فارس نموده که قسمتی از آن به چاپ رسیده است. به زبان و ادبیات عرب تسلط وافیه داشت. در اسفندماه ۱۳۴۰ در ۷۳ سالگی درگذشت. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ جراید (۱۳۴- ۱۳۲ / ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۴- ۷۰ / ۴)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۵۷- ۵۶ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۱- ۴۳۰ / ۱).

فرامرزی، عبدالرحمان

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۲- ۱۲۷۵ ش)، شاعر، ادیب، نویسنده، مترجم، روزنامه‌نویس. وی در قریه کچویه فرامرزان لار به دنیا آمد. پس از تحصیل علوم مقدماتی در زادگاهش به اتفاق خانواده به بحرین رهسپار گردید و برای تکمیل تحصیلات به چند کشور عربی مسافرت کرد و پس از چندی به بحرین بازگشت و به تدریس در مدرسه‌ی ایرانیان پرداخت. سپس به ایران بازگشت و در تهران به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و به تدریس در دبیرستانهای تهران پرداخت. اما چندی طول نکشید که از این کار دست کشید و به روزنامه‌نگاری روی آورد و بیست سال سردبیری روزنامه «کیهان» را عهده‌دار بود. وی چندین دوره از طرف مردم لار به نمایندگی

مجلس شورای ملی انتخاب شد. از آثار اوست: «راه زندگی»، «داستان دوستان»، «مجموعه داستان»، «مجموعه مقالات فرامرز»؛ «دستور زندگانی»، ترجمه؛ «سرگذشت یک بدبخت»، ترجمه. [۱]

نویسنده‌ی برجسته و روزنامه‌نگار و سیاستمدار معاصر، متولد ۱۲۸۰ ش و فرزند عبدالواحد است. وی تحصیلات خود را در لار و بحرین به اتمام رسانید و در ادبیات فارسی و فقه و اصول و منطق و حکمت صاحب نظر شد. از ۲۰ سالگی به خدمات فرهنگی اشتغال ورزید و در مدارس مختلف فارس و تهران به تدریس ادبیات فارسی و عربی مشغول شد. در زمانی که مختار رئیس شهربانی بود، اداره‌ای به نام اداره‌ی راهنمای نامه‌نگاری در شهربانی تاسیس کرد، دشتی ریاست آن اداره را عهده‌دار بود و فرامرز به ریاست آن اداره منصوب شد و تا شهریور ۱۳۲۰ در آنجا خدمت می‌کرد. آن اداره در حقیقت کار سانسور مطبوعات را انجام می‌داد.

بعد از شهریور ۱۳۲۰ فرامرز به کار مطبوعاتی پرداخت و روزنامه‌ی آینده‌ی ایران را انتشار داد. بعد از چندی، امتیاز روزنامه‌ی کیهان را گرفت و با سردبیری دکتر مصباح‌زاده آن را انتشار داد. در آذرماه ۱۳۲۱ که قوام‌السلطنه امتیاز تمام روزنامه‌ها را باطل کرد، روزنامه‌ی کیهان هم منحل گردید. بعد از مدتی مجدداً کیهان به صاحب‌امتیازی دکتر مصباح‌زاده و مدیریت عبدالرحمن فرامرز انتشار یافت. این روزنامه در اثر تلاش و قلم فرامرز و چند تن دیگر از دوستان به زودی در محافل مختلف ایران معروف شد و در ردیف بزرگترین روزنامه‌های روز شد. سرمقالاتی که فرامرز در آنجا می‌نوشت طرفداران زیادی پیدا کرد و مخصوصاً انتقادات و حملات فرامرز به دولتها موجبات گرایش مردم به سوی این روزنامه را فراهم نمود. فرامرز در حزب دموکرات ایران قوام‌السلطنه وارد شد و روزنامه‌ی بهرام را که طرفدار قوام‌السلطنه بود، اداره می‌کرد.

در انتخابات دوره‌ی پانزدهم، فرامرز از طرف حزب دموکرات ایران کاندیدای نمایندگی مجلس شد و از لار به پارلمان رفت. فرامرز در مجلس پانزدهم با ایراد چند سخنرانی جای خود را باز کرد و در زمره‌ی وکلای متنفذ قرار گرفت. در دوره‌ی شانزدهم نیز کرسی نمایندگی را حفظ نمود. در دوره‌ی هفدهم از ایوانکی و ورامین نماینده شد و در دوره‌ی هیجدهم هم وکیل ورامین بود. در انتخابات زمستانی دوره‌ی بیستم که منجر به انحلال مجلسین شد، فرامرز به عنوان نماینده‌ی مردم بندر لنگه در مجلس عضویت داشت. از آن تاریخ به بعد، دیگر کاری به او ارجاع نشد تا اینکه در ۱۳۵۱ در ۷۳ سالگی در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] آینده (س ۸، ش ۶، ص ۳۴۲-۳۴۰)، سخنوران نامی معاصر (۲۶۰۳-۲۶۰۰ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۱۶- / ۳ / ۸۱۴).

فراهانی کمره‌ای، علی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۱۰۰ ق)، متکلم و فقیه شیعی. معروف به آقاشیخ. شاگرد آقا حسین خوانساری بود و از مجلسی حدیث فراگرفت. وی در کاشان سکنی گزید و در همان جا از دنیا رفت. از آثارش: رساله‌ای در «اثبات الحدوث الزمانی للعالم»، که در آن هشتصد حدیث از اخبار معصومین (ع) دال بر حدوث آورده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱/ ۸۹)، ریاض العلماء (۱۷۵- ۱۷۴ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۴۹ / ۱۲)، معجم المؤلفین (۱۶۵ / ۷).

فرمود، عبدالرسول

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیهوشی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

فرجی سلطان آبادی، علی اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اینجانب علی اکبر فرجی سلطان آباد هشترودی در سال ۱۳۲۶ هجری شمسی در قریه گنجینه کتاب از توابع هشترود آذربایجان شرقی در یک خانواده اهل علم به دنیا آمدم. تمام تحصیلات علوم دینی من تا لمعتین نزد مرحوم پدرم بود (که از علما و وعاظ آن منطقه به شمار می رفت) و در سال ۱۳۴۹ به قم منتقل شده و پس از آشنائی با وضع دروس حوزه همزمان با تحصیل مکاسب و کفایه در دارالتبلیغ اسلامی نیز مشغول تحصیل شدم که در سال ۱۳۵۴ سطح را تمام کرده و از دارالتبلیغات اسلامی فارغ التحصیل شدم. مدت ۲ سال در دارالزهراء مشغول تدریس در رشته های تفسیر قرآن، تاریخ اسلام و ادبیات فارسی بودم. بعدا چون به تحقیق علاقه مند بودم با چند نفر از رفقا لجنه تحقیقی تشکیل دادیم و کتاب نفیس و بسیار ارزشمند مرحوم سید هاشم بحرانی بنام (غایه المرام و حجه الخصام) را زیر نظر مرحوم آیه الله آقای سید رضا صدر شروع به تحقیق و پیاورقی نمودیم و نزدیک به ۴ سال این کار بطول انجامید که الحمد لله الآن ۳ جلد چاپ شده و بقیه زیر چاپ است (چاپ اول ۱۴۲۵ ق ۱۳۸۳ ش نشر دانش حوزه) مقاله ای از اینجانب درباره اصلاحات ارضی که پاسخی به یک نویسنده بود در روزنامه اطلاعات شنبه ۳۰ فروردین ۱۳۵۹ به چاپ رسیده ضمنا چون اینجانب طبع شعر هم دارم اشعار زیادی به آذری و فارسی سروده ام که یکی از اشعارم بعنوان (البلاء للولاء) در آخرین شماره مجله مکتب اسلام چاپ شده است البته چون اینجانب واعظ و منبری هستم فعلا اغلب فعالیتیم در این زمینه است

اللهم وفقنا لما تحب و ترضی علی اکبر فرجی هشترودی

۲۲/۲/۸۶

فرخ خراسانی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شاعر.

تولد: ۱۲۶۷ (۲۳ جمادی الثانی ۱۳۱۴ ق.)، مشهد.

درگذشت: ۲ اردیبهشت ۱۳۶۰، مشهد.

سید محمود فرخ خراسانی متخلص به «فرخ» فرزند سید احمد جواهری متخلص به «دانا»، مقدمات فارسی و عربی را در مدارس قدیمه (مکتبی در مجاورت منزلشان) آموخت، الفبای قرآن را فراگرفت و کتاب‌های موش و گربه و حسنین و عاق والدین و حسین کرد و نصاب الصبیان و گلستان سعدی را خواند، امثله و صرف میر را در یکی از حجره‌های صحن نو از آخوند مکتب‌داری به نام ادیب‌السلطنه آموخت. فنون ادب را (انموذج و هدایه و مغنی و مطول) از محضر شیخ محمدحسین سبزواری و پدر خود (کتاب گوهر مراد را پیش پدرش خواند) فراگرفت، در هشت سالگی به نظم شعر پرداخت، بیشتر اشعار وی به سبک خراسانی است. سال‌ها تصدی امور آستان قدس رضوی را بر عهده داشت و چندی نیز کفیل استانداری خراسان بود. وی در همان حال عضویت هیئت مدیره کارخانه‌ی نخ‌ریسی و برق خسروی را نیز داشت. ضمناً دوره‌های دوازدهم و سیزدهم مجلس شورای ملی نماینده‌ی قوچان بود. در سال‌های آخر عمر در مشهد انزوا گزید و به تأسیس انجمن ادبی فرخ اقدام کرد. در سال ۱۳۵۳ دانشگاه مشهد به محمود فرخ مقام استادی افتخاری دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی آن دانشگاه را اعطاء کرد.

فهرست آثار وی به شرح زیر است: تصحیح و چاپ تاریخ مجمل فصیحی خوافی (سه جلد، ۱۳۳۹)؛ مناظرات و اخوانیات، سفینه‌ی فرخ (دو جلد، ۱۳۳۲)؛ دیوان اشعار (شامل چهار هزار بیت که به چاپ نرسیده است)؛ روضه‌ی خلد (۱۳۴۵)؛ مثنوی فروزنده و منتخب آثار و شرح احوال استاد منشی باشی نصرت (۱۳۳۱)؛ خلاصه‌ی احوال و منتخب آثار اوحدی اصفهانی معروف به مراغه‌ای و مثنوی منطق‌العشاق یا ده نامه‌ی احدی (۱۳۳۵). از فرخ چند مقاله تحقیقی و ادبی در مجله‌های «آینده» «یغما» «فرهنگ خراسان» و «یادگار» طبع شده است.

ادیب و شاعر توانای معاصر، فرزند میرزا احمدخان جواهری خراسانی، در ۱۲۷۴ ش در مشهد تولد یافت. پس از انجام تحصیلات مقدماتی وارد حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد شد و نزد علمای مشهور آن زمان از جمله ادیب نیشابوری، ادبیات فارسی و عربی را به حد کمال رسانید و به خدمت آستان قدس رضوی درآمد. وی از جوانی در تشکیل انجمن‌های ادبی در مشهد و همکاری با مطبوعات پیشقدم بود و اشعار او در بیشتر جراید انتشار می‌یافت. فرخ در ادوار دوازدهم و سیزدهم مجلس شورای ملی که انتخابات هر دو دوره در اوج دیکتاتوری انجام گرفته بود، وکیل شد ولی از آن پس همچنان در آستانه مشغول کار بود. مدتی نیز کفیل آستان قدس رضوی بود و بیشتر وقت او صرف کارهای ادبی می‌شد. وی را باید یکی از شعرای بزرگ معاصر دانست، مخصوصاً در قصیده در زمره‌ی چند استاد معاصر می‌باشد. در سن ۸۴ سالگی در مشهد وفات یافت. تالیفات زیادی از او باقی مانده است.

(۱۳۶۰- ۱۲۷۵ ش)، مصحح و شاعر، متخلص به فرخ. در شهر مشهد به دنیا آمد. پدرش از ادیبان خراسان بود. علوم مقدماتی را در مدارس قدیمه‌ی آن شهر و فنون ادب را در محضر شیخ محمد حسین سبزواری و پدر خود آموخت و در هشت سالگی به نظم شعر پرداخت. وی دارای مشاغل مختلفی، از جمله: ریاست دفتر آستان قدس رضوی، نمایندگی مردم قوچان در دوره‌های دوازدهم و سیزدهم مجلس شورای ملی بود. فرخ در ۱۳۲۳ ش به ازبکستان سفر کرد. از آثارش: «سفینه‌ی فرخ»؛ تصحیح «مجمل فیحصی»؛ تصحیح کتاب «روضه‌ی خلد»، مجد خوافی؛ «خلاصه‌ی احوال و منتخب آثار اوحدی اصفهانی».[۱]

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه: [۱] آینده (س ۷، ش ۴، ص ۳۳۰-۳۲۱)، ادبیات معاصر (۷۹-۸۷)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۶۷-۶۴ / ۵)، سخنوران نامی (۲۹۹-۲۹۰ / ۱)، سخنوران نامی معاصر (۲۶۲۳-۲۶۱۸ / ۴)، صدف (۵۴۲-۵۳۳)، صد سال شعر خراسان (۴۳۱-۴۱۸)، فرهنگ سخنوران (۶۹۷)، مؤلفین کتب چاپی (۷۲-۷۱ / ۶).

فرخ، علی

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی فرخ

محل تولد: رودسر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۷/۳

زندگینامه علمی

بعد از گرفتن دیپلم طبیعی در سال ۱۳۵۶ شمسی به مدت شش ماه در شروع انقلاب اسلامی در رشته حسابداری صنعتی وارد انستیتو تبریز شدم و در واقعه ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ که در چهلّم شهدای قم اتفاق افتاد در میان تظاهرات بودم بعد از جریان انقلاب یک سال قبل از طلبگی در دو اردویی که در تهران و قم شرکت نمودم با تاریخ عمومی و تاریخ صد ساله اخیر و اساطیر و ... آشنا شدم. بعد در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه شدم. در سال ۱۳۶۵ در دایره درسی استاد بزرگوار حسن زاده آملی در مسجد معصومیه وارد شدم و با ایشان تا سالهای ۱۳۷۰ همراهی داشتم. و درسهایی را از قبیل اشارات و هیئت و مصباح همراه بودم بعداً از نوار درسی فصوص الحکم ایشان استفاده نمودم و همچنانکه به درسهای حوزوی مشغول بودم علاقه شدید به درسهای معارف از جمله تفسیر و عرفان و ... داشتم به این خاطر بعد از چند سالی درس فقه و اصول وارد حلقه درسی استاد عالیقدر جوادی آملی در درس تفسیر شدم که اکنون که در تاریخ دفتر درسی دارم از سال ۱۳۷۶ مستمراً با ایشان همراهی نموده ام و احساس می‌کنم که اگر چیزی از حوزه گرفته ام از پای استاد حسن زاده آملی و جوادی آملی بوده است و تبلیغ را هم البته از جمله وظایف و واجب عینی برای خود و هر طلبه ای می‌دانم و در سالهای ۱۳۷۴ که دیوان طلوعی گیلانی را تنظیم و چاپ نمودم همراه عده ای از دوستان وارد تصحیح بعضی از کتب و مقالات دارالحدیث شدم که تا چند سال پیش ادامه داشت که نهایتاً به تحقیق درباره زندگی خاندان ملا محمد جعفر شریعتمدار (استرآلادی) تهرانی کشید که تحقیق وسیعی از زندگانی وی و خانواده اش که دارای مجتهدین و فضیلهای بزرگانی از ۲۰۰ سال پیش تا روزگار ما بوده اند و اکنون هم خانواده اش در تهران معروفند تحقیق کاملی نمودم که حاصل آن تحقیقات اکنون در دست چاپ است که این تحقیق به کمک و یاری خانواده اش صورت گرفت و علاوه بر اینها می‌توانم تاکید کنم که در علوم همچون ریاضی و فیزیک، برق و الکترونیک و علوم طب قدیم و ... آشنایی نسبی دارم یعنی نسبتاً با علوم جدید آشنایی داریم چون یکی از چیزهایی که در حوزه به آن برخورد می‌شود این است که طلاب علوم دینی بخاطر اقتضای طلبگی نسبت به علوم متداول روز بیگانه هستند و آشنایی چندانی ندارند.

فرخ، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۰۴ ق)، مورخ و نویسنده. ملقب به متین السلطنه و معتصم السلطنه. سیزده ساله بود که لقب متین السلطنه و فرمان مستوفی‌گری

از مظفرالدین شاه گرفت. پس از پایان تحصیلات خود در مدرسه‌ی علوم سیاسی، در وزارت خارجه مشغول خدمت شد. وی پس از آن عهده‌دار مشاغل مختلفی گردید و به استانداری و وزارت و سفارت رسید و مدتی سناتور شد. از آثار وی: «تاریخ مختصر افغانستان»؛ «نظری به مشرق»، تاریخ سیاسی افغانستان؛ «یک سال در چین»؛ «خاطرات سیاسی فرخ»؛ «شجره‌ی خبیثه» [۱].

فرزند سیدمحمد سادات تهرانی است که در ۱۳۳۳ ه.ق لقب معتمد السلطنه گرفت. تاریخ تولد فرخ را ۱۳۰۴ ه.ق نوشته‌اند. پس از انجام تحصیلات ابتدائی و متوسطه به مدرسه‌ی عالی علوم سیاسی راه یافت و دوره‌ی مدرسه‌ی مزبور را قبل از مشروطیت پایان داد و به خدمت در وزارت امور خارجه درآمد. در اداره‌ی تذکره و دفتر وزارتی مشغول کار شد. سپس ماموریت قفقاز گرفت و چندی در باطوم و گنجه نایب‌قنصل بود. در ۱۳۳۱ ه.ق به عنوان کارگزار مامور خدمت در تربت‌حیدریه شد و در انتخابات دوره‌ی سوم قانونگزاری از طرف مردم تربت‌حیدریه به مجلس رفت. مجلس سوم به علت جنگ بین‌الملل اول و مهاجرت نمایندگان و تشکیل حکومت موقت در کرمانشاه بیش از یک سال به طول نینجامید.

فرخ مجدداً به وزارت خارجه رفت و سرحددار سیستان گردید و پس از مدتی کارگزار گیلان شد و پس از دو سال ریاست اداره‌ی تحریرات روس در وزارت خارجه به عهده‌ی او واگذار گردید. پس از کودتای ۱۲۹۹ با سمت کارگزاری کل عازم خراسان شد. فرخ در این ماموریت از دوستان و نزدیکان کلنل محمدتقی خان پسیان شد و در قیام او مشارکت داشت. پس از شهادت مرحوم کلنل، فرخ مدتی تحت تعقیب حکومت مرکزی قرار گرفته و به بیرجند رفت. اعتبارنامه‌ی وی در دوره‌ی چهارم در مجلس رد شد. در ۱۳۰۲ در کابینه‌ی مشیرالدوله به ریاست حسابداری وزارت امور خارجه رسید و سپس مدیرکل مالی آن وزارتخانه شد.

در ۱۳۰۵ با سمت وزیرمختار به افغانستان رفت و مدت دو سال در آن کشور اقامت داشت. فرخ در این ماموریت موفق گردید قرارداد و عهدنامه‌ی بی‌طرفی دو طرفی دولت را به امضاء برساند. شغل بعدی فرخ معاونت وزارت معارف است. در آن تاریخ اعتمادالدوله قره‌گوزلو وزیر معارف بود.

مسئله‌ی توسعه‌ی مدارس و تعمیم فرهنگ در سرتاسر کشور و موضوع اعزام دانشجویان به خارج از برنامه‌های اصلی وزارت معارف بود. وجود معاون فعال و پرتحرکی چون فرخ در آن تاریخ ضرورت داشت. فرخ در سمت معاونت وزارت معارف نایب‌التولیه مدرسه عالی سپهسالار نیز بود. در ۱۳۱۰ وزارت اقتصاد منحل شد و سه اداره کل بوجود آمد که عبارت بود از اداره‌ی صناعت، اداره‌ی فلاح، اداره‌ی تجارت، فرخ به ریاست اداره کل صناعت رسید. روسای این ادارات در حکم وزیر بودند و در مجلس حضور می‌یافتند. پس از مدتی کوتاه، امور مربوط به اداره کل فلاح هم با فرخ گردید.

در ۱۳۱۴ فرخ به حکومت رضائیه منصوب شد و دو سال بعد مجدداً رئیس اداره کل صناعت شد و پس از چند روز اداره‌ی صناعت به وزارت صناعت تبدیل شد و فرخ وزیر صناعت ایران گردید.

مدتی کوتاه در مقام وزارت صناعت باقی بود تا اینکه جای خود را ابتدا به فروهر و بعد به منصورالملک داد. در ۱۳۱۹ استاندار فارس و بنادر شد و در شهریور ۱۳۲۰ به استانداری کرمان و بلوچستان تغییر ماموریت یافت. در ۱۳۲۱ از کرمان احضار شد و در تیرماه ۱۳۲۱ در کابینه‌ی سهیلی به وزارت کشور رسید. هنوز یک ماه از وزارت کشور او نگذشته بود که کابینه‌ی سهیلی دچار بحران گردید و کنار رفت.

قوام‌السلطنه به جای سهیلی به زمامداری رسید. وضع نابسامانی غله‌ی کشور، وجود وزارتخانه‌ی خاصی را ایجاب می‌نمود. نخست‌وزیر لایحه‌ی تاسیس وزارت خواروبار را به مجلس برد و سید مهدی فرخ را به این سمت به مجلس معرفی نمود. در انتخابات دوره‌ی چهاردهم قانونگزاری، فرخ کاندیدای نمایندگی مجلس شورای ملی شد و از طرف مردم زابل و سیستان به نمایندگی انتخاب شد. در همین دوره چند بار مسئله‌ی نخست‌وزیری و ریاست مجلس وی پیش آمد که جامه‌ی عمل نپوشید. فرخ در این دوره علیه سهیلی و تدین به علت دخالت در انتخابات اعلام جرم کرد که هر دو پس از محاکمه در دیوان کشور تبرئه شدند.

در اواخر دوره‌ی چهاردهم که آذربایجان وضع خاصی یافته بود، حکیمی نخست‌وزیر فرخ را به استانداری آذربایجان شرقی و غربی در نظر گرفت و فرمان او صادر شد ولی اوضاع و احوال سیاسی آن روز امکان انجام این ماموریت را به فرخ نداد و دولت او را مجدداً به استانداری فارس فرستاد. فرخ در ۱۳۲۷ در دولت هژیر به سمت سفیر کبیر ایران در چین تعیین شد. فکر اعزام سفیر کبیر به چین در دولت حکیم‌الملک پیش آمد و عبدالحسین هژیر نامزد این سمت بود و یک هفته قبل از نخست‌وزیری خود قرار بود به این ماموریت اعزام شود که از طرف مجلس به نخست‌وزیری رسید و طبعاً پست سفارت ایران به سید مهدی فرخ تعلق گرفت و مدت یک سال در آن کشور اقامت داشت. در حکومت منصورالملک در ۱۳۲۹ در شرایط و محیط خاصی، فرخ به ریاست کل شهربانی منصوب شد و با زمامداری رزم‌آرا سرتیب دفتری به این سمت منصوب شد و فرخ به عنوان سناتور انتصابی آذربایجان به مجلس سنا رفت و با لویجی که بدون مطالعه یا به عنوان انتقام از افراد در مجلس هفدهم به تصویب می‌رسید، در سنا مخالفت می‌کرد.

در ۱۳۳۴ برای بار سوم به استانداری فارس رفت و یک سال بعد استاندار خراسان شد و مدتی در این سمت باقی بود تا به تهران احضار گردید و دیگر از آن تاریخ شغلی به وی ارجاع نگردید.

سید مهدی فرخ در دوره‌ی پنجم سناتور انتصابی تهران گردید. فرخ قریب نیم‌قرن به طور متوالی مصدر مشاغل و مقامات مختلف بوده است، در عمر سیاسی خود هفت مرتبه استاندار و پنج نوبت وزیر و سه دوره سناتور و دو دوره نماینده‌ی مجلس و دو دفعه سفیر کبیر بوده است. فرخ در تمام مدت خدمات خود در کارها قاطعیت داشته، با قدرت و انضباط خاص امور مربوطه را اداره نموده است.

وی در اواخر عمر به انتشار خاطرات زندگانی سیاسی خود پرداخت. گذشته از اینکه این خاطرات لایحه‌ی دفاعیه‌ی زندگانی سیاسی او بود، به افرادی که در طول حیات خود با آنها مناسباتی نداشته است، انتقام‌گیری محسوب می‌گردد. فرخ این خاطرات را در کمال بی‌پروائی و یک‌جانبه‌ی به رشته‌ی تحریر درآورده و در حقیقت تحریف تاریخ است. او در ۸۸ سالگی در تهران درگذشت. برگرفته از کتاب: شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه [۱]: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۶۳-۵۸ / ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۷۴۶، ۷۱۴ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۱۸-۴۱۷ / ۶).

فرخ‌نیا، فهیمه

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیهوشی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی و دکترای تخصصی بیهوشی با رتبه اول از دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

استادیار بیهوشی دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۵۶، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحقیق بر روی داروی جدید میدازولام از گروه بنزودیازپین‌ها برای بیهوشی در بیماران مبتلا به سرطان در مورد ۱۰۰ بیمار، استاد راهنمای ۷ پایان‌نامه تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

بی حسی، بیهوشی در جراحی چشم، درمان درد در بیماران سرطانی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۷، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

تحقیق در زمینه بیهوشی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

فردوسی فراهانی، اسماعیل

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۲ ش)، مترجم و شاعر. در قریه ابراهیم‌آباد از توابع اراک به دنیا آمد. وی مدت بیست و شش سال به تحصیل پرداخت. تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود به پایان رساند، از آن پس برای ادامه‌ی تحصیل به شهر قم عزیمت کرد و در حوزه‌ی علمیه به تحصیل اشتغال ورزید. وی صرف و نحو، معانی و بیان، منطق و فقه و اصول را از محضر اساتید فن فراگرفت. پس از آن در اداره ثبت اسناد و املاک به خدمت مشغول شد. در ۱۳۲۸ ش به تهران انتقال یافت و در این شهر ساکن شد. از آثار وی: «اسلام و هیئت»، ترجمه؛ «کمال آتاتورک»، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۸۱- ۷۵ / ۵)، سخنوران نامی معاصر (۲۶۰۸- ۲۶۰۴ / ۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۶۷۷ / ۲، ۲۲۱ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۰۶- ۶۰۵ / ۱).

فردید، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۳- ۱۲۹۱ ش)، استاد دانشگاه، فیلسوف. اصل وی از یزد بود. فردید از دانشگاه سوربن موفق به اخذ دکتری فلسفه شد و پس از بازنشستگی به مدت چند سال در انجمن حکمت و فلسفه به تدریس اصول و مبانی فلسفه پرداخت. دکتر فردید با زبانهای عربی،

فرانسه و آلمانی آشنا بود و اصطلاح معروف غریزدگی که بسیار شایع شده است از اوست. از آثار وی: «روابط حکمت اشراق و فلسفه ایران باستان»، ترجمه، به مشارکت عبدالحمید گلشن [۱].
استاد.

تولد: ۱۲۹۱، یزد.

درگذشت: ۲۵ مرداد ۱۳۷۳.

دکتر سید احمد فریدد دارای درجه‌ی دکتری از دانشگاه سربین در رشته‌ی فلسفه بود. استاد فلسفه و حکمت معنوی دانشگاه تهران بود و پس از بازنشستگی نیز چندین سال به آموزش و تدریس مبانی فلسفه در انجمن حکمت و فلسفه می‌پرداخت. وی بر واژه‌شناسی زبان‌های سانسکریت، لاتین، آلمانی، عبری، و عربی تسلط داشت و از برخی از زبان‌های دیگر نیز تا اندازه‌ای اطلاع داشت. وی از لحاظ فلسفی تحت تأثیر اندیشه‌های فلسفی مارتین هایدگر قرار داشت. نوارهای بخشی از کلاس‌های ایشان در بنیاد علامه‌ی طباطبایی موجود است. مقالاتی از وی در مجله‌ی «سخن» به چاپ رسیده است.

از آثار وی است: روابط حکمت اشراق و فلسفه ایران باستان (هانری کربن، ترجمه با همکاری عبدالحمید گلشن، ۱۳۲۵).
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۷۵۲ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۲-۴۳۱ / ۱)، نشر دانش (س ۱۵، ش ۱ و ۲، ص ۸۲).

فرزاد، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۲، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی عمومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی جراحی عمومی در سال ۱۳۵۸ (بورد تخصص ناسیونال)، فلوی جراحی از بیمارستان دانشگاهی اوپالای سوئد به مدت ۴ ماه در سال ۱۳۷۰.

مرتبه علمی:

استادیار گروه جراحی مرکز پزشکی قائم دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۵۸، دانشیار گروه جراحی در سال ۱۳۶۶.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

جراحی، طرح‌های کیست هیداتیک و لاپاراسکپی، استاد راهنمای ۱۲ پایان‌نامه دکترای.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

جراحی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

جراحی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

فرزاد، مسعود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۰-۱۲۸۵ ش)، شاعر، نویسنده، محقق، مترجم، استاد دانشگاه و مصحح. در سنندج به دنیا آمد. در کندی به اتفاق خانواده از کردستان به تهران مهاجرت کرد و در این شهر سکونت اختیار نمود. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی، دوره‌ی متوسطه را در دارالفنون به انجام رسانید و با زبان انگلیسی آشنایی کامل یافت. فرزاد از آن پس به استخدام وزارت دارایی درآمد و به عنوان مترجم مشغول کار شد و در ۱۳۰۸ ش همراه سایر محصلین اعزامی به اروپا به لندن رفت و در رشته‌ی اقتصاد به تحصیل پرداخت. سپس به ایران مراجعت کرد و در وزارت خارجه به عنوان مترجم به خدمت مشغول شد و در ضمن در دانشکده‌ی افسری و دارالفنون به تدریس زبان انگلیسی پرداخت. فرزاد یکبار دیگر به لندن سفر کرد و در آغاز جنگ بین‌الملل دوم از طرف بنگاه رادیو لندن برای بخش فارسی و ادبی آن موسسه برگزیده شد و چندین سال در آن جا سخنگو بود. پس از بازگشت به ایران به عنوان استاد دانشگاه شیراز به تدریس مشغول گردید و سرانجام در ۱۳۶۰ ش که جهت معالجه به لندن رفته بود در آنجا درگذشت. فرزاد با صادق هدایت دوستی تمام داشته و با وی در کتاب «وغ و غ ساهاب» همکاری کرده است. از آثارش: «کوه تنهایی»؛ «بزم درد»؛ «گل غم»؛ «دیوان» شعر؛ «رویای ستاره»، ترجمه؛ «مرتد»؛ «داروی محبت»، ترجمه. [۱]

شاعر، نویسنده، مترجم.

تولد: ۱۲۸۵، سنندج.

درگذشت: ۴ مهر ۱۳۶۰، لندن.

مسعود فرزاد متخلص به «فرزاد» فرزند حبیب‌الله فرزاد (انتخاب الملک یا انتخاب‌الدوله) اصفهانی‌الاصل و رییس دارایی و گمرک کردستان بود. با انتقال پدرش از کردستان به تهران توانست تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس تربیت و دارالفنون تهران به پایان رسانید. بعد از گرفتن دیپلم از مدرسه آمریکایی در وزارت دارایی به عنوان مترجم استخدام شد. سپس با قبولی در کنکور اعزام محصلین به اروپا، به انگلستان رفت و در دانشگاه لندن به تحصیل علم اقتصاد و ادبیات همت گذاشت و پس از بازگشت به ایران به خدمت وزارت امور خارجه درآمد. فرزاد مدتی هم به تدریس زبان انگلیسی در دانشکده‌ی افسری و دارالفنون پرداخت و در اوایل جنگ جهانی دوم از طرف بنگاه سخن پراکنی بی‌بی‌سی انگلستان برای بخش ادبی آنجا انتخاب شد و استخدام گردید و چندین سال به این شغل در رادیو لندن مشغول به کار بود. اما در اوایل ملی شدن صنعت نفت چون حاضر نشد مقاله‌های ضد ملی را در رادیو بخواند، از آن بنگاه مستعفی گردید و مترجم سفارت ایران در لندن شد و تا مدت‌ها به همین شغل اشتغال داشت. بعدها در ایران مدت هشت سال در رادیو کار می‌کرد. سپس در سال ۱۳۴۶ به شیراز رفت و در دانشگاه آن شهر به تدریس «عروض» پرداخت. وی موفق شد که تحقیقات خود را درباره‌ی حافظ در ده جلد تحت نام تصحیح انتقادی دیوان حافظ به چاپ برساند و به

دانشگاه شیراز اهداء نماید و از سوی دانشگاه شیراز دکترای افتخاری به وی اعطاء شد.

از یازده سالگی به سرودن شعر پرداخت. از آثار منظوم او می‌توان از این عنوان‌ها یاد کرد: وقتی که شاعر بودم (تهران، ۱۳۲۱)؛ کوه تنهایی (تهران، ۱۳۲۶)؛ گل غم (لندن، ۱۹۴۶)؛ بزم درد (تهران، ۱۳۳۲)؛ لبخند بدرود (شیراز، ۱۳۵۵)؛ چامه؛ دیوان اشعار. در شیراز از سال ۱۳۴۶ در برخی جلسات کانون دانش پارس و انجمن هدایت شرکت می‌کرد. از تألیفات وی به زبان انگلیسی باید به این عنوان‌ها اشاره نمود: وزن رباعی، ترجمه غزل‌های حافظ، مردی که فکر می‌کند، ترجمه انگلیسی موش و گربه، تفسیری درباره دو لغت از متن شکسپیر، شعر انگلیسی، الفباء و املاء جهانی، نقد ادبیات فارسی. وی از دوستان صادق هدایت بود و کتاب و غوغ ساهاب را این دو نویسنده با همکاری هم نوشتند از فعالیت‌های دیگر اوست: ترجمه رؤیا در نیمه شب تابستان (۱۳۳۵)، و هملت (از آثار ویلیام شکسپیر ۱۳۳۳)، ترجمه کوهولین رستم ایرلندی (از ویلیام باتلر ییتز)، آمون تیلاد (ادگار آلن پو)، اسب سواری (ویلیام کاپر)، بریان خوک (چارلز لام)، پز عالی (هنری)، داروی محبت (هنری)، مرغ حق (داستان)، رؤیای ستاره (چارلز دیکتز)، ریگی تیکی تاوی (ردیاری کیپلینگ)، سرو چه می‌گفت (هانز اندرسن)، قلب رازگو (ادگار آلن پو) محبوس شیطان (لرد بایرون، ترجمه با مشارکت جواد شیخ‌الاسلامی، ۱۳۳۳)، مرتد (۱۳۳۳)، ماه‌الابه (ترجمه)، معلم کم‌آزار؛ مهربانی شوم، نی‌زن پاره پوش (رابرت برونیگ)؛ یعنی که مصاحبه؛ آماده ساختن پنجاه داستان مثنوی مولوی به صورت نمایشنامه که از رادیو پخش شد؛ تحقیقات در عروض فارسی؛ سیل بجنورد؛ حافظ - گزارش از نیمه راه (این کتاب پس از فوت فرزند به چاپ رسید)؛ نوشتن مقالاتی پیرامون مسائل مختلف ادبی در مجلات کشور از جمله «مهر»، «یغما»، «فرهنگ و هنر»، «تماشا»، «تلاش»، «اطلاعات» و «کیهان».

فرزاد در سال ۱۳۵۵ دچار سکنه‌ی ناقص شد و برای معالجه به لندن رفت. پس از بهبودی نسبی به شیراز بازگشت. او در چهارم مهر ۱۳۶۰ برابر با ششم سپتامبر ۱۹۸۱ در لندن درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آینده (س ۷، ش ۸، ص ۶۰۱-۵۸۸)، انجمن‌های ادبی شیراز از اواخر قرن دهم تا به امروز (۴۵۹-۴۵۵)، الذریعه (۱۰۳۸-۸۲۳ / ۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۸۳-۸۲ / ۵)، سخنوران نامی معاصر (۲۶۴۴-۲۶۳۸ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۱۸۵-۱۸۲ / ۶).

فرزام، حمید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر حمید فرزام در ۱۳۰۲ در کرمان متولد شد. و پس از اتمام تحصیلات ابتدایی، به تهران آمد و تحصیلات خود را تا درجه دکتری ادبیات در دانشگاه تهران ادامه داد. سپس بعنوان استاد در دانشگاه اصفهان به تدریس مشغول شد و پس از بازنشستگی در سال ۱۳۵۹ به تهران آمد و به تدریس در دانشگاه تهران، دانشکده اقتصاد و دانشگاه امیر کبیر پرداخت و در همان سال به عضویت فرهنگستان زبان و ادب فارسی درآمد. وی در کنار تدریس به تحصیل در ادبیات عرفانی ایرانی بویژه در احوال و آثار شاه نعمت الله ولی مشهور است.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: ادبیات فارسی

والدین و انساب: حمید فرزام، پدرش را درشش سالگی و مادرش را درسیزده سالگی ازدست داد و از طرف مادر بزرگ عموی بستگان حمایت شد.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: تحصیلات ابتدایی فرزام در کرمان سپری شد. وی دارای دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران است. پایان نامه تحصیلی وی درمقطع دکترا، به راهنمایی استاد فروزانفر و درباره احوال و آثار شاه نعمت‌الله ولی بوده است.

خاطرات و وقایع تحصیل: حمید فرزام در دوران نوجوانی، حساس، زودرنج و بسیار پرتوقع بود، اما حافظه خوبی داشت. فعالیت‌های ضمن تحصیل: فرزام زمانی که دانشجوی دوره دکترا بود، در دبیرستانی درباغ فردوس، ادبیات فارسی و عربی درس می‌داد. علاوه بر آن، ضمن درس از نهج البلاغه و آیات و قرآن کریم هم استفاده می‌کرد و همزمان، ابیاتی از مولانا و حافظ می‌خواند و حالی عجیب و عرفانی پیدا می‌کرد و اشک درچشمانش حلقه می‌زد و این حال او، دانش آموزان را تحت تاثیر قرار می‌داد که این امر در زمان تحصیل او فعالیت ویژه‌ای بود.

استادان و مربیان: استادان معروف حمید فرزام عبارتند از: ملک الشعراء، استاد بهمنیار، استاد جلال همایی، استاد عبدالعظیم قریب، استاد اقبال آشتیانی، استاد سید محمد کاظم عصار و استاد فروزانفر، استاد معین، استاد محمد باقر هوشیار. او با استاد بهمنیار نسبت و رابطه خویشاوندی دوری داشت. استاد راهنمایش نیز در دوره دکترا مرحوم فروزانفر بود. ولی بهترین استادی که از جنبه معنوی داشته است شیخ رجبعلی نکوگویان بود که از محضر پرفیض ایشان کسب فیض فراوان کرده است.

همسر و فرزندان: دکتر حمید فرزام در این باره نقل می‌کند که: «در اوایل ازدواجم یک روز سرسنگین وبدون خداحافظی با همسر م تقریبا به حالت قهر از خانه بیرون رفتم. آن زمان رییس دبیرستان صباء در تجریش بودم. هنگام غروب با چند نفر از دوستان وضو گرفتیم و برای نماز مغرب و عشاء آماده شدیم و به اتاق جناب شیخ نکوگویان رفتیم هنوز یک ربع ساعتی به اذان مغرب مانده بود. جناب شیخ هم وضو گرفتند و آمدند و همین که نگاهشان به من افتاد با حالت تعجب گفتند: قهر می‌کنی؟ باید تحمل داشت زود از میدان در می‌روی و بلافاصله شعر مناسبی از حافظ خواندند.

وقایع میانسالی: فرزام در سن ۳۰ یا ۳۱ سالگی از ضربان قلب و درد آن ناراحت بود. بدان علت از طریق آقای گویا به استادش شیخ رجبعلی نکوگویا خیاط پیغام فرستاد که من قلبم ناراحت است و مثل اینکه باید مرخص شوم. «وقتی که این حرف به گوش شیخ رسید. گفت که از جانب من به فرزام بگویند ناراحت نباش، موهای سرو صورتت هم سفید می‌شود یعنی به سن هفتاد و هشتاد هم می‌رسی و من می‌بینم.» این سخن شیخ به واقفیت پیوسته و فرزام هشتاد ساله است.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: دکتر فرزام استاد دانشگاه اصفهان و سپس استاد دانشگاه تهران بود. او در دانشکده اقتصاد دانشگاه امیرکبیر نیز تدریس می‌کرده است. وی عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی نیز می‌باشد.

فعالیت‌های آموزشی: تدریس در دبیرستان باغ فردوس در تهران، دانشگاه اصفهان، دانشگاه تهران، و نیز در دانشکده اقتصاد در دانشگاه امیرکبیر از فعالیت‌های آموزشی دکتر فرزام بوده است.

سایر فعالیت‌ها و برنامه‌های روزمره: استاد فرزام در کنار تدریس در دانشگاه به تحقیق و تالیف و تصحیح متون ادبیات و عرفان ایرانی و فارسی پرداخته است.

شاگردان: دکتر فرزام شاگردان بسیاری داشت. بعضی از شاگردان او ۷۵ ساله هستند او با بعضی از آنها نیز ارتباط می‌داشت. یکی از آن دانشجویان سید محمد خاتمی می‌باشد که به منصب ریاست جمهوری ایران رسیده است.

همفکران فرد: یکی از همفکران فرزام، دکتر گویا بود که در دوران تدریس درباغ فردوس با هم آشنا شدند. این دوبه حافظ و مولوی عشق می‌ورزیدند و به شیخ رجبعلی خیاط ارادت خاصی داشتند.

آرا و گرایشهای خاص: استاد فرزام ادبیات فارسی را در بعد عرفان اسلامی و ایران مورد بررسی قرار داده و نظری تخصصی بر عرفان نعمت الهیه و شیخ نعمت الله ولی دارد.

چگونگی عرضه آثار: بیشتر آثار استاد فرزام از سوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی و نیز دانشگاه اصفهان منتشر شده است. -----

آثار:

۱ احوال و آثار شاه نعمت الله ولی

ویژگی اثر: احوال و آثار شاه نعمت الله ولی کرمانی عنوان پایان نامه دکتری استاد فرزام است که تحت نظر استاد فروزانفر دفاع شده است.

۲ شعر افسانه زندگی

۳ شعری درباره فلسطین

۴ شعری در جواب سلمان رشدی

۵ کتاب تحقیق در احوال و نقد آثار و افکار شاه نعمت الله ولی

۶ کتاب تعلیم و تربیت در اسلام، اصول اخلاقی اسلامی

ویژگی اثر: این کتاب اثری مشترک است از دکتر علی شریعتمداری (بخش اول کتاب) و دکتر حمید فرزام که توسط انتشارات کانون علمی و تربیتی جهان اسلام منتشر شده است.

۷ کتاب روابط معنوی شاه نعمت الله ولی با سلاطین ایران و هند

ویژگی اثر: این کتاب ضمیمه دوره سلسله از آثار شاه نعمت الله ولی توسط انجمن کتابخانه ای عمومی اصفهان وابسته به وزارت فرهنگ و هنر منتشر شده است.

۸ کتاب شاه ولی و دعوی مهدویت

ویژگی اثر: این کتاب که ضمیمه ای بنام رساله مهدیه اثر شاه نعمت الله ولی دارد که در سال ۱۳۸۱ منتشر شده است.

۹ کتاب نکته ها و نقد ها

ویژگی اثر: عنوان مجموعه مقالاتی است که شامل (۵۵ مقاله ادبی و عرفانی، تاریخی و مذهبی، تربیت و اجتماعی و انتقادی است با مقدمه دکتر مهدی محقق که در ۱۳۸۰ توسط مطالعات اسلامی دانشگاه تهران و دانشگاه مک گیل کانادا چاپ شده است.

۱۰ مسافرت های شاه نعمت الله ولی و ارزش آن از جهات تربیت اجتماعی و سیاسی

ویژگی اثر: این کتاب توسط شخص استاد فرزام (ناشر مولف) در اصفهان به چاپ رسیده است. -----

منابع:

۱] شهلا پروین زاده، نگاهی به آثار استاد حمید فرزام، کیهان فرهنگی، ص ۲۹ [۲] مقام عشق و عرفان، یادنامه جناب شیخ رجبعلی خیاط نکوگویان، در گفت و گو با دکتر حمید فرزام، ماهنامه کیهان فرهنگی، سال بیستم، شهریور ۱۳۸۲، پیاپی ۲۰۳، ص ۱۷

فرزانی، بیژن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیوشیمی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای داروسازی از دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۰، تخصص در رشته فیزیوشیمی و آنزیم‌شناسی از دانشگاه‌های آمریکا در سال ۱۳۴۷، فوق دکترا از دانشگاه‌های کالیفرنیا و نورت وستون آمریکا به مدت دو سال، تدریس در دانشگاه موریس ایالت نیجرسی به مدت دو سال.

مرتبه علمی:

استادیار در دانشکده پزشکی تهران گروه بیوشیمی از سال ۱۳۵۶ تا سال ۱۳۶۶، دانشیار از سال ۱۳۶۶ تا سال ۱۳۷۲، ارتقاء به درجه استادی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۷۲.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اثر و مکانیسم آنتی‌پروتئازها در سرم خون ویروسی این ترکیبات در سرم خون مصدومین جنگی، مطالعه در ساختمان و مکانیسم مولکولی کالمودولین و بررسی آن در سرطان خون، اثر یونهای فلزی بر ساختمان آنزیمی و نحوه تشکیل لیگاند فلزی در آنزیم، ارائه روشی که توسط آن می‌توان عامل فعال ترکیب شونده با یون فلزی را در روی آنزیمها و پروتئینها مشخص نمود، شناسایی کنفورماسیون کوآنزیمها و مولکولهای کوچک توسط روش ابدائی با بکارگیری یون فلزی در محلولها به توسط روش اسپکتروسکوپی، شناسایی و معرفی دو آنزیم آلوستریک، شناسایی هفت ایزوآنزیم در سرم خون و شش ایزوآنزیم در بزاق شناسایی آمکه آنزیمهای گوارشی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳۵ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اصول شیمیائی فرآیندهای بیوشیمیائی، آنزیمها، ساختمان مکانیسم و کاربرد آنزیمها، بیوشیمی فیزیک، اصول فیزیکی فرآیندهای شیمیائی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۴۱، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲۵

زمینه علمی مقالات:

مکانیسم واکنشهای آنزیمی، مکانیسم اثر کوآنزیمها مطالعه در پیوند یونهای فلزی با آنزیمها، آنزیم و تغییرات مولکولی آنزیمها در بیماریهای گوارشی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

فرزان بیرجندی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۹ - ۱۲۷۳ ش)، عالم و ادیب. در بیرجند به دنیا آمد. زبان و ادبیات عرب را از «نصاب الصبیان» فراهی آغاز و تا مراحل پایانی ادامه داد. در خلال فرا گرفتن کتب صرفی و نحوی که در مدارس طلاب تدریس می‌شد، از مطالعه‌ی کتبی که درین باره در کشورهای عربی مانند لبنان و مصر تألیف می‌گردید غفلت نداشت و به موازات آن ادبیات عرب را در دوره‌ی جاهلیت به خوبی فراگرفت. وی عضو وزارت فرهنگ بود و دوران خدمات فرهنگی را در سیستان و بلوچستان و خراسان و بوشهر گذرانید و سالها مربی، معلم و رئیس فرهنگ بود. شناساننده‌ی او به جامعه‌ی ادبی ایران سید حسن تقی‌زاده بود و به وسیله او از خراسان به تهران آمد و چندی به تدریس در دانشکده‌ی الهیات و ادبیات پرداخت و با بنگاه ترجمه و نشر کتاب همکاری علمی داشت. وی علاوه بر اطلاعات وسیع در ادبیات عرب، زبان فرانسه را نیز خوب می‌دانست. در پایان عمر در بابلسر عزلت گزیده بود. در تهران درگذشت و در بقعه‌ی ابوالفتح رازی در مرقد عبدالعظیم حسنی به خاک سپرده شد. از وی آثار عمده‌ای باقی نمانده و آنچه نوشته غالباً درباره‌ی کتابهایی است که جامعه ادب به آنها علاقه دارند، مثل «کلیله و دمنه»، «مرزبان‌نامه»، «دیوان» حافظ، «مثنوی» مولوی، و در صدر همه‌ی اینها قرآن کریم.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آینده (س ۸، ش ۲، ص ۱۱۹)، از نیما تا روزگار ما (۱۷۰-۱۶۷)، راهنمای کتاب (س ۱۳، ش ۱ و ۲، ص ۱۲۹ - ۱۲۲)، سواد و بیاض (۶۱۱-۶۱۰ / ۲)، یغما (س ۱۹، ش ۸، ص ۳۹۶-۳۹۴، س ۲۳، ش ۱، ص ۶۱-۶۰).

فرزانه، حافظ

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حافظ فرزانه

محل تولد: لیلان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حافظ فرزانه متولد ۱۳۵۰ در شهر لیلان از توابع استان آذربایجان شرقی به دنیا آمدم. بعد از آتش بس جنگ ایران و عراق بنا بر اینکه به فضای جبهه و بسیجیها عادت کرده بودم و با آنها مأنوس بودم و در آن روز هیچ جا مثل حوزه فضای معنوی را نداشت و تنها حوزه بود که فضای جبهه را تداعی می‌کرد، بنا بر این در سال تحصیلی ۱۳۶۸-۱۳۶۹ با تشویق حضرت استاد باقری بنابی مسئول حوزه ولیعصر بناب وارد همان حوزه شدم و در مدت ۵ سال موفق به اتمام شرح لمعه (پایه شش) شدم. بلافاصله در همان سال وارد حوزه علمیه قم شدم، مکاسب را در محضر حضرت استاد وجدانی و رسائل را در محضر استاد حسینی تهرانی تلمذ کردم. بعد از اتمام آنها کفایه را در محضر استاد اعتمادی که آخرین دوره تدریس کفایه ایشان بود به اتمام رساندم، بعد از پایه نهم و هم عرض دیگر دروس در مرکز تربیت محقق و نویسنده در گرایش تاریخ اسلام پذیرفته شدم. در دو سال موفق به فارق

التحصیلی از آن مرکز شدم، بنا بر علاقه ای که به نهج البلاغه داشتم ۳ سال تمام بدون تعطیلی تابستان و دیگر مناسبتها در محضر استاد صدر کریمی به تلمذ نهج البلاغه پرداختم و از بوستان گل و دریای در نشان حضرت امیر(ع) و کلمات گهربار ایشان خوشه چینی کردم. در این سه سال موفق به اتمام این کتاب نورانی شدم به طوری که با تلاش استاد به سبک و سیاق و لحن کلام امیر سخن حضرت علی (ع) آشنا شدم. ضمن حفظ دو سؤم نهج البلاغه می توانستم کلمات نهج البلاغه و احادیث حضرت علی (ع) را در بین کلمات و احادیث دیگر تشخیص دهم بنا بر این با تشخیص استاد خود به تحقیق در جوانب مختلف نهج البلاغه پرداختم مخصوصاً نقد تاریخی خطبه شقشقیه و برخی خطبه ها. به لطف حضرت امیر (ع) مجموعه خوبی در این موضوع به دست آمد و شواهد تاریخی خطبه شقشقیه را جمع آوری کردم که امیدوارم در آینده به چاپ رسد. در طول سالهای تحصیلی ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲ به مدت ۴ سال به پیشنهاد و اصرار و تشویق جمعیت تعاون اسلامی و رئیس هیئت مدیره آن، حضرت آیه الله غیوری در شهرستان بیجار مسئولیت حوزه علمیه را به عهده گرفتم و بعد از ۴ سال بنا بر علاقه ای که به تحقیق و پژوهش داشتم موفق به برگشت و مراجعت به شهر مقدس قم شدم و در موضوعات تاریخی و مهدویت به تحقیق و پژوهش می پردازم که تا امروز ادامه دارد. بنده مقالات زیادی به چاپ رسانده و دو کتاب در دست چاپ دارم و فرهنگ جامع متمدین (مدعیان مهدویت و نبوت و امامت) را با همکاری و مشارکت یکی از دوستانم در دست تألیف داریم که امیدوارم با الطاف غیبی حضرت ولیعصر(عج) موفق به اتمام شویم.

فرزانه، هادی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: جراحی عمومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

فرساد یزدی، محمود مجد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۸۳ - ۱۳۰۹ ق)، عالم امامی، ادیب و شاعر. پدرش، مجدالعلماء، صاحب کتاب «هدیه المهدویه» یا «هدایه المهدویه»، از علمای بزرگ اردکان و استاد علوم مقدماتی آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی بود. شیخ محمود فرساد در صحرای عدن در راه مکه به دنیا آمد. او قسمتی از علوم مقدماتی را در یزد آموخت. در پانزده سالگی به اصفهان رفت، و از محضر شیخ علی مدرس یزدی اصفهانی استفاده نمود. فقه و اصول را در محضر شیخ عبدالکریم در گزی و حاج سید محمدصادق اصفهانی فراگرفت. سپس به نجف رفت و تحصیلات خود را کامل کرد و به درجه‌ی اجتهاد نایل و صاحب اجازه گردید. وی پس از مراجعت به ایران در یزد ساکن شد. پس از دو سال در ۱۳۴۰ ق به قم رفت. و از محضر حاج شیخ عبدالکریم حایری نیز بهره‌مند گردید و در ضمن به تدریس پرداخت، و از مدرسین طراز اول گردید. بسیاری از فضلا از محضرش بهره بردند. امام خمینی نیز «شرح لمعه» و «قوانین» را در نزد او فراگرفت. وی پس از دو سال توقف در قم به یزد بازگشت و تا پایان عمر آنجا ماند. آقای سید علیرضا ریحان یزدی،

صاحب «آینه‌ی دانشوران»، از شاگردان اوست که در یزد منطق را از او آموخته است. آیت‌الله شیخ محمود فرساد در خط و انشاء و شاعری توانا بود، و سالها انجمن ادبی یزد تحت ریاستش در منزلش تشکیل می‌شد، و شعرا و ادبای یزد و سایر شهرها از محضرش بهره‌مند می‌شدند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آینه‌ی دانشوران (۲۲۴- ۲۲۳)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۶۳۰- ۶۲۹)، الذریعه (۸۲۴ / ۹)، سخنوران نامی معاصر (۲۶۵۹- ۲۶۵۵ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۷۰۲).

فرسام، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: داروسازی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

فرشاد، فریدون

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۶ ش)، استاد دانشگاه، مترجم و نویسنده. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه به دانشسرای عالی وارد شد و در ۱۳۱۰ ش به دریافت درجه‌ی لیسانس در علوم طبیعی نایل گردید. برای ادامه تحصیل به فرانسه عزیمت نمود و از دانشگاه پاریس به دریافت دکتری در علوم طبیعی موفق شد. در ۱۳۱۶ ش به ایران بازگشت و به سمت دانشیاری علوم طبیعی، دانشسرای عالی برگزیده شد و عهده‌دار تدریس دیرین‌شناسی گردید. از آثار وی: «چینه‌شناسی»، «دیرین‌شناسی»، «فسیل‌شناسی مهره‌داران»؛ «نبرد من»، «فلسفه ناسیونال سوسیالیسم، ترجمه [۱].

فرزند میرزا عبدالوهاب مستشار دفتر آشتیانی، متولد ۱۲۸۶ ش است. تحصیلات خود را در دارالمعلمین مرکزی و دانشسرای عالی به پایان برد و درجه‌ی لیسانس علوم ریاضی دریافت کرد. سپس عازم اروپا شد و در دانشکده‌های علوم رن و پواتیه پاریس به تحصیل پرداخت. ابتدا درجه‌ی لیسانس تعلیم و تربیت گرفت و بعد درجه‌ی دکتری در علوم طبیعی و زمین‌شناسی دریافت نمود. در ۱۳۱۶ به ایران مراجعت نمود و به استادی در دانشکده‌ی علوم و دانشکده‌ی فنی مشغول گردید.

در ۱۳۳۰ در حالی که معاونت دانشکده‌ی علوم را برعهده داشت، به معاونت وزارت فرهنگ منصوب شد و در ۱۳۳۹ ریاست دانشکده‌ی علوم را عهده‌دار گردید و در ۱۳۴۳ به معاونت دانشگاه تهران منصوب شد. چند بار نیز کاندیدای ریاست دانشگاه تهران بود ولی توفیقی نیافت.

دکتر فرشاد در رشته‌ی تخصصی خود دارای تالیفات متعددی است که در دانشگاه تدریس می‌شود. وفات او در سال ۱۳۵۶ اتفاق افتاد.

برگرفته از کتاب: شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه: [۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۲۴۷-۳۲۴۶، ۲۴۴۵ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۳-۸۳۲ / ۴).

فرشته استرآبادی، محمد قاسم

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۹۶۰ ق)، مورخ و ادیب. وی در استرآباد به دنیا آمد. در اوایل جوانی به همراه پدر به هند رفت و در احمدنگر مستقر گردید. پدرش تعلیم فرزند نظامشاه را به عهده گرفت. فرشته نیز وارد دربار نظامشاه شد و تا مقام ریاست نگهبانان سلطنتی ارتقاء یافت. وی چنان که در مقدمه‌ی کتابش می‌گوید، از احمدنگر خارج شد و به دربار عادل‌شاه در بیجاپور رفت و از طرف سلطان ابراهیم ثانی، عادل‌شاه (۱۰۳۵-۹۸۷ ق) مأمور نوشتن تاریخی درباره‌ی سلاطین هند شد و آن را با استفاده از کتابهای زیادی در ۱۰۱۵ ق به پایان رسانید و به نام سلطان ابراهیم «گلشن ابراهیمی» نام نهاد. در همین سال از جانب عادل‌شاه به سفارت نزد جهانگیر پادشاه (۱۰۳۷-۱۰۱۴ ق) به لاهور رفت و مدتی در آنجا ماند و در این فرصت نیز مطالبی به آن کتاب افزود. از آثار وی «تاریخ فرشته»، است که این کتاب را در ابتدا به نام ابراهیم عادل‌شاه نگاشت و آن را «گلشن ابراهیمی» نامید، سپس نگارش کتاب را تجدید کرد و این بار آن را «نورس‌نامه» نامید ولی عاقبت به «تاریخ فرشته» شهرت یافت. از دیگر آثارش «دستور الاطباء»، معروف به «اختیارات قاسمی»، در پزشکی است.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۱۱-۱۷۰۹ / ۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۷۳۳-۷۳۲ / ۱)، تذکره‌ی روز روشن (۶۱۷)، الذریعه (۳۶۹ / ۲۴، ۲۲۳ / ۱۸، ۸۲۴ / ۹، ۱۵۰ / ۸، ۲۷۳-۲۷۲ / ۳)، ریحانه (۳۲۹-۳۲۸ / ۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۷۵۸-۲۷۵۷ / ۲).

فرشته خوسفی قائنی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، عالم، ادیب، نویسنده، محقق و شاعر، متخلص به فرشته. وی معاصر فتحعلی‌شاه و محمدشاه قاجار بود. فرشته کتابی در مصائب اهل بیت (ع)، به نظم فارسی، به نام «ماتمکده» دارد، که مرتب بر چهارده ماتمکده به عدد معصومین (ع) و یک خاتمه است و در آن غیر از سروده‌های خو سروده‌های کسانی چون وصال، جوهری، بیدل، ناجی، هادی و دیگران را نیز آورده است. وی در این کتاب از روایات صحیح و معتبر استفاده کرده و از نقل مطالب نادرست اجتناب نموده است.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان قاین (۳۵۵-۳۵۴ / ۱)، الذریعه (۱۷-۱۶ / ۱۹)، مؤلفین کتب چاپی (۶۳۹ / ۵).

فرشته، محمدتقی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ محمد تقی فرشته (متوفی سال ۱۱۸۶ هـ.ق) از اعلام فلاسفه و اعظم علمای امامیه بود. وی پس از درک محضر علمای بزرگ زمان خود و رسیدن به درجه عالی علمی، توانست کرسی تدریس فلسفه و فقه و اصول را در قزوین به خود اختصاص دهد. شیخ محمد تقی فرشته آثاری چند به طبع و تالیف رسانده است. گروه: علوم انسانی رسته: الهیات و معارف اسلامی‌الدین و انساب: شیخ محمد تقی فرشته فرزند شیخ محمد جعفر بن شیخ محمد کاظم طالقانی قزوینی رمضان، از اعلام فلاسفه و اعظم علمای امامیه بود. تحصیلات رسمی و حرفه ای: شیخ محمد تقی فرشته پس از فراگیری مقدمات، حکمت و فلسفه را نزد علمای زمان خود آموخت و در ردیف عالمان زمان خود قرار گرفت. استادان و مربیان: شیخ محمد تقی فرشته حکمت و فلسفه را از حوزه درس پدرش شیخ محمد جعفر فرشته و میرزا حسن بن عبدالرزاق لاهیجی (متوفی سال ۱۱۲۱ هـ.ق) اخذ کرد. همسر و فرزندان: شیخ محمد تقی فرشته پدر ملا نعیم طالقانی صاحب کتاب اصل الاصول و ملا محمد ملائکه متوفی سال ۱۲۰۰ هـ.ق می باشد. زمان و علت فوت: شیخ محمد تقی فرشته متوفی سال ۱۱۸۶ هـ.ق می باشد. فعالیت‌های آموزشی: شیخ محمد تقی فرشته پس از درک محضر علمای بزرگ زمان خود و رسیدن به درجه عالی علمی، توانست کرسی تدریس فلسفه و فقه و اصول را در قزوین به خود اختصاص دهد. او از ائمه فتوا و تقلید بود. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: شیخ محمد تقی فرشته علاوه بر فعالیت های آموزشی، آثاری چند به طبع و تالیف رسانده است. آثار: حواشی بر اسفار ملا صدرا، شیرازی، حواشی بر شرح قوشجی منابع زندگینامه: نسیم قزوین، بنیاد فرهنگی قزوین شناسی، به کوشش محمد علی حضرتی، دفتر اول، زمستان ۱۳۷۵، ص ۱۷۰

فرشچیان، فضل‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ترمیمی دهان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

فرشیدورد، خسرو

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

فرقانی‌زاده، جعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: داخلی دوماتولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی ایران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

فرمانیان، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی فرمانیان

محل تولد: کاشان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۲/۱۰/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مهدی فرمانیان اهل کاشان متولد ۱۳۵۲، بعد از سیکل به حوزه علمیه قمصر وارد شده و تا سال ۱۳۷۱ در قمصر تا لعمه را خواندم. سال تحصیلی ۱۳۷۱-۱۳۷۲ را در مدرسه علمیه آیت الله یثربی کاشان سپری کردم و از سال ۱۳۷۲ تا کنون در قم اقامت دارم. در سال ۱۳۷۲ به مؤسسه در راه حق وارد شده ولی بیشتر از یک ترم نماندم و آنجا را ترک کرده و به مطالعه شخصی پرداختم و چند سال به درس خارج رفتم. از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶ مسئول کانون فرهنگی در مسجد صفائی کاشان بودم و با بسیج نیز همکاری داشتم. در سال ۱۳۷۶ به مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب وارد شده و در رشته مذاهب اسلامی مشغول به تحصیل شدم که تا سال ۱۳۸۰ ادامه یافت. در سال ۱۳۷۸ در کارشناسی ارشد تربیت مدرس دانشگاه قم رشته فلسفه و کلام شرکت کرده و قبول شده ام و در سال ۱۳۸۱ از پایان نامه خود با عنوان «اندیشه های کلامی قاضی سعید قمی» دفاع کردم. از این سال به بعد جزو هیئت علمی مرکز ادیان و مذاهب شدم که هنوز هم ادامه دارد. از سال ۱۳۸۱ در مدرسه امام خمینی (ره) به تدریس مذاهب پرداخته و در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد سطح دوم و سوم تدریس کردم. امامیه، تاریخ تشیع، اسماعیلیه، فرق تسنن، وهابیت، زیدیه، گرایشهای فکری جهان اسلام معاصر، فرق نخستین و روش تحقیق در مذاهب را تدریس کرده ام. از سال ۱۳۸۲ در مؤسسه مذاهب اسلامی در سطح سوم به تدریس اسماعیلیه و زیدیه پرداخته و در سال ۱۳۸۳ مذاهب کلامی دیگر همچون خوارج، غلات، وهابیت، قادیانیه، یزیدیان، نصیرییه و ... را تدریس کرده ام (تدریس در معاونت تبلیغ: وهابیت). همچنین در مرکز تخصصی تاریخ دفتر تبلیغات، تاریخ تشیع تدریس نموده ام، در مرکز ادیان روش تحقیق در مذاهب، تاریخ فرق اسلامی، فرق نخستین، تاریخ کلام شیعه و فرق تسنن در مقطع کارشناسی ارشد تدریس کرده ام و در حال تدریسم. از سال ۱۳۷۸ به تحقیق روی آورده و مقالات زیادی را تألیف و به چاپ رسانده ام.

فرمند، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ارتدسنسی، دانشکده: دندان پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

فروتن، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

فروزانفر خراسانی، بدیع الزمان محمد حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۲-۱۲۷۸- وف ۱۳۴۹ ش)، نویسنده، استاد دانشگاه، محقق، مصحح، مترجم و شاعر. در روستای بشریه از توابع طبس خراسان در خانواده‌ای اهل علم به دنیا آمد. نسب وی به ملا احمد تونی، از علمای عصر شاه‌عباس، می‌رسید. وی مقدمات علوم قدیمه را در زادگاه خود آموخت و در ۱۳۳۸ ق به مشهد رفت و محضر ادیب نیشابوری را درک کرد و ادب و منطق را نزد او خواند و مدتی نزد میرزا حسین سبزواری تلمذ کرد و اصول و بعضی از مباحث فقه را از حاج شیخ مرتضی آشتیانی فراگرفت. در ۱۳۴۲ ق به تهران آمد، و یک دوره شرح «اشارات» و «شفا» و «کلیات قانون» را نزد میرزا طاهر تنکابنی خواند و نزد آقا حسین نجم‌آبادی تحصیل فقه و اصول کرد. وی قسمت الهیات کتاب «اسفار» را نزد آقا میرزا مهدی آشتیانی، و «شرح چغمینی» را نزد ادیب پیشاوری فراگرفت. فروزانفر، از آغاز ورود به تهران، با ادیب پیشاوری و شمس‌العلمای گرکانی و میرزا لطفعلی صدرالافاضل و میرزا رضاخان نائینی و شاهزاده افسر و ذکاءالملک فروغی و علامه محمد قزوینی مأنوس و محشور بود. در ۱۳۰۵ ش به جای شمس‌العلمای گرکانی در مدرسه دارالفنون به تدریس فقه و اصول مشغول شد و در ۱۳۰۶ ش معلم منطق در مدرسه‌ی حقوق شد و سال بعد معلم زبان عربی و منطق و از ۱۳۰۸ ش معلم زبان و ادبیات فارسی در دارالمعلمین شد. پس از تأسیس دانشکده‌ی علوم معقول و منقول به سمت معاونت آنجا انتخاب و ریاست مؤسسه‌ی وعظ و خطابه را به عهده داشت. از ابتدای تأسیس دانشگاه تهران، استاد تاریخ ادبیات فارسی شد. وی سمت‌های متعددی در دانشکده‌های مختلف داشت. فروزانفر سفرهای متعدد به خارج کشور کرد. از جمله، به دعوت دانشگاه بیروت برای تأسیس کرسی زبان فارسی، به لبنان و برای مشارکت در کنگره اسلامی پاکستان، به لاهور و برای بازدید از مؤسسات فرهنگی و خاورشناسی و زیارت مزار مولانا جلال‌الدین رومی و دیدار از کتابخانه‌های علمی، به ترکیه نیز سفر کرد. وی دانشمندی نکته‌سنج، استادی محقق و مدرسی بی‌نظیر بود. سرانجام بر اثر سکته قلبی در تهران درگذشت. از آثارش: «منتخبات شاهنامه»، «سخن و سخنوران»، «منتخبات ادبیات فارسی»، «رساله در تحقیق احوال و

زندگانی مولانا جلال‌الدین محمد؛ «تاریخ ادبیات ایران»؛ «فرهنگ تازی به فارسی»؛ «خلاصه‌ی مثنوی»؛ «دستور زبان فارسی»؛ «شرح مثنوی شریف»؛ تصحیح «فیه مافیه»؛ «زنده‌ی بیدار (حی بن یقظان)»، ترجمه؛ «قدیمترین اطلاع از زندگی خیام»؛ «احادیث مثنوی»؛ تصحیح «کلیات شمس» یا «دیوان کبیر». لازم به ذکر است که در مجله‌ی «راهنمای کتاب» نام فروزانفر، جلیل ذکر شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ادبیات معاصر (۲۹-۲۷)، از نیما تا روزگار ما (۱۲۶-۱۲۲)، راهنمای کتاب (س ۱۳، ش ۳ و ۴، ص ۱۶۷ مکرر-۱۷۰ مکرر، ص ۲۶۷-۲۶۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۹۳-۹۲ / ۵)، سخنوران نامی معاصر (۵۱۹-۵۱۲ / ۱)، سواد و بیاض (۶۱۱-۶۱۷)، شرح حال رجال (۳۷-۳۶ / ۵)، فرهنگ سخنوران (۱۲۸)، کلک (س ۷، ش ۳-۱، ص ۳۰۶-۱۸۶)، مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران (به یاد استاد بدیع‌الزمان فروزانفر)، مستدرکات اعیان (۲۲۷-۲۲۶ / ۳)، مقدمه‌ی مجموعه‌ی مقالات و اشعار فروزانفر (مقدمه / سیزده- بیست و پنج)، یغما (س ۲۳، ش ۲، ص ۱۲۵-۱۲۳).

فروزانی، مینودخت

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۲، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تغذیه، دانشکده: بهداشت، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا در رشته غذا و تغذیه و رژیم غذایی از دانشگاه‌های ایالتی یونا و پنسیلوانیا در آمریکا، دریافت گواهی تغذیه بالینی از دانشگاه ایالتی پنسیلوانیا، دریافت گواهی آموزش در شیردهی از دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در لوس آنجلس. مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی وضع تغذیه در مادران و کودکان زیر ۵ سال در برخی از نقاط ایران، بررسی وضع شیردهی در مادران مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی، بررسی وضع مواد مغذی در خون مادر و نوزاد، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

تغذیه در دوران بارداری، مبانی تغذیه، تغذیه و رژیم غذایی در دوران‌های طبیعی، فیزیولوژی و اضطرابی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۱

زمینه علمی مقالات:

تغذیه، سوء تغذیه، ارزیابی وضع تغذیه کودکان و مادران، شیر مادر.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

فروزنده، اقدس

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۲، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: پاتولوژی فک و دهان، دانشکده: دندان پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای دندانپزشکی از دانشگاه علوم پزشکی تهران، فوق دکترا در رشته پاتولوژی فک و دهان از دانشگاه لومالیزا در کالیفرنیا آمریکا.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پاتولوژی فک و دهان، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۵ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

پاتولوژی فک و دهان.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

ضایعات و خصوصاً تومورهای حفره دهان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

فروزنده، بهرام

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

فروزین، طهمورت

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: رادیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

فروشانی سدهی، محمد باقر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۵ - ۱۲۳۵ ق)، عالم امامی و فقیه. پس از خواندن متون فقه و اصول در اصفهان، به عتبات رفت و در نجف از آیت‌الله حاج شیخ زین العابدین مازندرانی و آیت‌الله آقا میرزا ابوالقاسم کلانتر نوری استفاده نمود. وی از استادش، مازندرانی، اجازه‌ی اجتهاد و روایت داشت. بعد از مراجعت به اصفهان به خدمات دینی و اقامه‌ی جماعت و تدریس و تألیف پرداخت. از آثارش: کتابهای فقهیه در «طهارت»، «صلوه» و «الصوم»؛ رساله‌ای در «منجزات مریض»؛ رساله‌ای در «ارث». [۱]

سید محمدباقر بن مرحوم سلامه‌السادات آسید حسنعلی فروشانی متولد ۱۲۳۵ ق از علماء بزرگ سده بوده‌اند.

آن مرحوم پس از خواندن متون فقه و اصول در اصفهان مهاجرت به عتبات نموده و در نجف از مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ زین العابدین مازندرانی و مرحوم آیت‌الله آقا میرزا ابوالقاسم کلانتر نوری صاحب تقریرات شیخ استفاده نموده و بعد مراجعت به اصفهان و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تدریس و ترویج احکام پرداخته تا سال ۱۳۲۵ که به رحمت حق پیوسته است. از آثار او است. کتب فقهیه فی الطهاره و الصلوه و الصوم و رساله‌ای در منجزات مریض و رساله‌ای در ارث و غیره.

از استادش مرحوم مازندرانی اجازه اجتهاد و روایتی داشته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۳۵۲ - ۳۵۱ / ۷).

فروغ، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۰ ش)، موسیقیدان، مترجم و نویسنده. در اصفهان به دنیا آمد. تحصیلاتش را در زادگاه خود و شیراز گذراند و در همان وقت از اساتید بزرگ آواز، سید رحیم و سید حسین ساعت‌ساز تعلیم آواز گرفت و با ردیفها و گوشه‌های دستگاههای موسیقی ایران آشنا شد. سپس به تهران آمد و در دانشسرای عالی به تحصیل رشته زبان انگلیسی پرداخت و در رشته هنرهای دراماتیک، در

آکادمی پادشاهی هنرهای دراماتیک فارغ‌التحصیل و به آکادمی پادشاهی موزیک وارد شد. پس از بازگشت به ایران، به مدت پنج سال در هنرستان عالی موسیقی تدریس کرد و سپس به آمریکا رفت و در رشته ادبیات دراماتیک از دانشگاه کلمبیا دکترا گرفت. سپس به ایران بازگشت و بار دیگر در هنرستان موسیقی به تدریس پرداخت و در همان وقت ریاست اداره هنرهای دراماتیک (از ادارات تابعه اداره کل هنرهای زیبا) نیز بر عهده‌ی او بود. از آثار وی: «تاریخ احوال مصنفین موسیقی اروپا»؛ «نفوذ علمی و عملی موسیقی ایران» و ترجمه‌های: «علم موسیقی»؛ «نمایشنامه‌ی پدر»؛ «باغ وحش شیشه‌ای»؛ «خانه عروسک و اشباح»؛ «فن نمایشنامه‌نویسی» و دهها مقاله در مجلات موسیقی وزارت فرهنگ و هنر وقت. [۱]

مهدی فروغ که یکی از موسیقیدانان و صاحب‌نظران بنام کشور است، به سال ۱۲۹۰ در شهر اصفهان، شهر هنرمندپرور، در یک خانواده‌ی روحانی متولد گشت. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اصفهان گذراند و در همین زادگاه خود بود که از اساتید بزرگ آواز ایران مرحوم سیدرحیم و سیدحسین ساعت‌ساز تعلیم آواز گرفت و با ردیف‌ها و گوشه‌های دستگاه‌های موسیقی ایران آشنا گردید.

مهدی فروغ پس از مدتی با خانواده رهسپار شیراز شد و تحصیلات دوره‌ی دوم متوسطه را در این شهر به پایان رسانید و پس از آن به تهران آمد و در رشته زبان خارجه از دانشسرای عالی فارغ‌التحصیل شد و ضمن تحصیل در دانشکده‌ی زبان، سرپرستی انجمن موسیقی نیز به وی محول گردید.

وی با توجه به فعالیت هنری چشمگیری که داشت مورد توجه مقالات دولتی قرار گرفت و برای آشنایی با فرهنگ ملل و موسیقی کشورهای پیشرفته جهت تحصیل عازم انگلستان شد و تحصیلات خود را در رشته هنرهای دراماتیک، در آکادمی پادشاهی هنرهای دراماتیک لندن به پایان رسانید و وارد آکادمی پادشاهی موزیک آن کشور شد.

دکتر مهدی فروغ در اواخر جنگ دوم جهانی به ایران بازگشت و مدت پنج سال در هنرستان عالی موسیقی تدریس کرد، سپس برای مدت چهار سال جهت تحصیل در رشته ادبیات دراماتیک عازم آمریکا گردید و از دانشگاه کلمبیا موفق به دریافت دکترا شد. وی پس از تحصیل در آمریکا مجدداً به ایران بازگشت و در هنرستان موسیقی تدریس استتیک و تلفیق شعر و موسیقی را عهده‌دار و ریاست اداره هنرهای دراماتیک که از ادارات تابعه اداره‌ی کل هنرهای زیبا بود به عهده گرفت.

دکتر مهدی فروغ یکی از بزرگان هنر و ادبیات ایران بخصوص در رشته‌های مختلف هنری می‌باشند که آثار ایشان عبارت است از: ترجمه‌ی «موسیقی» اثر آرون کوپلند، مترجم دکتر مهدی فروغ، تألیف «تاریخ احوال مصنفین موسیقی اروپا» ترجمه‌ی نمایشنامه‌ی «پدر» و «باغ وحش شیشه‌ای» و کتاب «نفوذ علمی و عملی موسیقی ایران» و یک سری مطالب و مقالات سودمند و راهگشا در زمینه‌ی موسیقی در مجلات موسیقی وزارت فرهنگ و هنر وقت و مجله موزیک ایران. دکتر مهدی فروغ فرزند هنرمندی دارد بنام علی فروغ که تحصیلات خود را در رشته موسیقی در بروکسل به پایان رسانیده و ویولنیست شایسته‌ای در ارکستر سمفونیک می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ موسیقی (۱۲۶ / ۱)، شخصیت‌های نامی (۳۷۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۱۰، ۲۳۴۰ / ۲)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۶۶)، مردان موسیقی (۲۰۶-۲۰۵ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۲۰-۴۱۹ / ۶).

فروغی اصفهانی، ابوالحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۸ - ۱۲۶۳ ش)، نویسنده، استاد دانشگاه، شاعر، مترجم و روزنامه‌نگار. در تهران به دنیا آمد. پدرش از رجال دانشمند دوره‌ی ناصری بود. وی علوم مقدماتی را نزد پدر آموخت و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه‌ی دارالفنون و آلیانس به پایان برد و زبان فرانسه را به خوبی آموخت، آن‌گاه به فرانسه عزیمت نمود. بعد از بازگشت به ایران معلم دارالفنون و مدرسه‌ی علوم سیاسی شد و علاوه بر مترجمی، تدریس جغرافیا و تاریخ و علوم طبیعی را نیز عهده‌دار شد. وی در تربیت دانش‌آموزان سلیقه‌ی خاصی داشت و بدین منظور یک مدرسه عالی به نام «دارالمعلمین» در ۱۲۹۸ ش تأسیس کرد که خود، ریاست آن را به عهده داشت. وی همچنین نظارت و سرپرستی مجله‌ی «اصول تعلیمات» را، که از طرف وزارت معارف منتشر می‌شد، به عهده داشت. فروغی پس از نشرش شماره از آن مجله نام آن را به «اصول تعلیم» تغییر داد. چندی بعد ماهنامه‌ی «فروغ تربیت» را دایر کرد. وی جمعا چهار سفر به اروپا داشت که سفر آخر او به عنوان وزیر مختار ایران در سویس بود. ابوالحسن فروغی عضو فرهنگستان زبان فارسی و استاد دانشگاه تهران بود. در ادبیات و انشای زبان فرانسه بسیار پرمایه و زبردست و در ادبیات فارسی و عربی هم صاحب مطالعات زیاد بود. نثر را خوب می‌نوشت و شعر نیز می‌گفت. سرانجام در تهران درگذشت. آثار وی: مجموعه‌ی «اشعار»؛ اوراق مشوش «یا مقالات مختلفه»؛ رساله‌ی «تجدد و ملیت»؛ منظومه‌ی «شیدوش و ناهید»؛ «تاریخ شعرا»، با همکاری محمدعلی فروغی؛ «سرمایه سعادت» یا «علم و آزادی» [۱].

فرزند محمدحسین ذکاءالملک، در ۱۲۶۳ ش (۱۸۸۴ م) در تهران متولد شد. در سن ۶ سالگی تحصیلات مقدماتی را تحت نظارت پدر و محمدعلی فروغی برادر مہترش آغاز کرد و سپس تحصیلات خود را در مدارس دارالفنون و آلیانس فرانسه ادامه داد و فارغ‌التحصیل شد. آنگاه به زبان و ادبیات فارسی و عربی پرداخت و چون شوق و علاقه‌ای به فلسفه و عرفان داشت، بیشتر وقت خود را صرف فلسفه قدیم و جدید نمود و با مکتبهای فلسفی آشنا شد و در مدرسه‌ی سپهسالار قدیم آن را تکمیل نمود. فروغی در سن ۱۸ سالگی به روزنامه‌ی تربیت که پدرش انتشار می‌داد پیوست و مدیریت داخلی و توزیع روزنامه‌ی مزبور را بر عهده گرفت. پس از تعطیلی روزنامه‌ی تربیت که مقارن طلوع مشروطیت بود، به کار معلمی و تدریس پرداخت و در مدارس علمیه و دارالفنون ساعاتی از وقت خود را تدریس می‌نمود.

فروغی در ۱۲۹۸ ش با کمک برادرش که ریاست دیوان عالی کشور را بر عهده داشت، به تأسیس مدرسه‌ای به نام دارالمعلمین مرکزی پرداخت و برنامه‌ی آن مدرسه عینا از مدارس متوسطه فرانسه اقتباس شده بود و دوره‌ی آن شش سال کامل بود و مدرک تحصیلی آن دیپلم کامل متوسطه بود. همزمان با تأسیس دارالمعلمین مرکزی، نصیرالدوله (احمد بدر) وزیر معارف وقت، مدیریت مجله‌ی اصول تعلیم را که از طرف اداره‌ی بازرسی وزارت معارف منتشر می‌شد به ابوالحسن فروغی طبق حکمی واگذار کرد که با کمک مدرسین و معلمین مدرسه‌ی مزبور، مجله را منتشر سازند. این مجله که هزینه‌ی آن را وزارت معارف تامین می‌نمود، یک مجله‌ی فلسفی و تربیتی و علمی و تاریخی و ادبی بود. فروغی اعضاء هیئت تحریریه‌ی نشریه‌ی مزبور را به این شرح انتخاب نمود: غلامحسین رهنما، ابوالقاسم بهرامی، عبدالعظیم قریب و اقبال آشتیانی. علاوه بر هیئت تحریریه، فروغی در هر شماره دو مقاله‌ی فلسفی داشت. با تمام کوششی که برای ادامه‌ی کار این مجله به عمل آمد، مع‌الوصف شش شماره بیشتر منتشر نشد و در محاق تعطیل قرار گرفت.

پس از تعطیلی مجله‌ی اصول تعلیم، فروغی در سال ۱۳۰۰ مجله‌ی فروغ تربیت را انتشار داد که آن هم دوام زیادی نکرد و از چند شماره تجاوز نمود. در ۱۳۰۷ ش دارالمعلمین عالی از طرف وزارت فرهنگ تأسیس شد و ابوالحسن فروغی به استادی آنجا منصوب شد.

ابوالحسن فروغی در سال ۱۳۱۲ ش به سمت وزیرمختار ایران در سویس انتخاب شد و یک سال در این مأموریت بود و بعد

نماینده‌گی ایران را در جامعه‌ی ملل برعهده گرفت و سرانجام در ۱۳۱۴ به ایران بازگشت و به استادی دانشگاه تهران و عضویت پیوسته‌ی فرهنگستان منسوب شد و تا پایان عمر در مشاغل فرهنگی بود.

وفات وی در ۶ بهمن ماه ۱۳۳۸ ش اتفاق افتاد. ابوالحسن فروغی تالیفاتی به زبان فرانسه و فارسی دارد که عبارتند از: دو جلد در اصول حکمت و فلسفه به زبان فرانسه، سرمایه سعادت، اوراق مشوش و دوره‌های مجله اصول تعلیم و فروغ تربیت. وی طبع شعر داشت و قسمتی از اشعار او به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: ادبیات معاصر (۸۰-۷۹)، از نیما تا روزگار ما (۱۵۹-۱۵۷)، تاریخ برگزیدگان (۳۷۲-۳۷۱)، تاریخ جراید (۶۹ / ۴، ۱۹۰-۱۸۵ / ۱)، الذریعه (۸۲۸ / ۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۹۵-۹۴ / ۵)، سخنوران نامی معاصر (۲۷۰۰-۲۶۹۷ / ۴)، سرآمدان فرهنگ (۶۱ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۷۰۵)، لغت‌نامه (ذیل / فروغی)، مؤلفین کتب چاپی (۱۶۲-۱۶۱ / ۱)، یغما (س ۱۹، ش ۳، ص ۱۷۲، س ۲۱، ش ۱۰، ص ۵۷۶-۵۷۴).

فروغی نژاد، عبدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالله فروغی نژاد

محل تولد: گلپایگان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عبدالله فروغی نژاد به ش ۶۱ صادره از گلپایگان متولد سال ۱۳۵۰، پس از اخذ مدرک سیکل در سال تحصیلی ۱۳۶۵ وارد حوزه عملیه گلپایگان شدم. پس از گذراندن بخشی از سطح حوزه در سال تحصیلی ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه ولی عصر (عج) شهرستان خوانسار شدم و دروس لمعه و اصول، رسائل و مکاسب و کفایتین را تا سال ۱۳۷۶ به اتمام رساندم. سال ۱۳۷۶ وارد حوزه علمیه قم شدم و در درس خارج فقه حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی شرکت نمودم و تا هم اکنون توفیق حضور محضر ایشان را دارم. در سال تحصیلی ۱۳۸۳-۱۳۸۲ در درس خارج فقه آیه الله جوادی آملی و آیه الله نوری همدانی نیز شرکت داشتم. و همچنین درس خارج اصول را در محضر آیه الله جعفر سبحانی از سال ۱۳۷۶ تا سال ۱۳۸۳ شرکت نمودم. در سال تحصیلی ۱۳۷۹ با قبولی در سطح ۲ مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن اشتغال به این رشته تحصیلی پیدا نمودم تا در سال ۱۳۸۲ مقطع کارشناسی آن به پایان رسید. و هم اکنون در مقطع کارشناسی ارشد مشغول تحصیل هستم که در ترم پایانی آن هستم. در باب تدریس، در سالهای ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ که مشغول خواندن سیوطی و معالم بودم. درسهای ادبیات عرب، عوامل فی النحو و هدایه و صمدیه را در حوزه علمیه گلپایگان تدریس داشتم. و در حوزه علمیه خوانسار نیز سالهای ۱۳۷۶-۱۳۷۵ به مدت دو سال. ادبیات عرب: هدایه،

صمدیه، صرف ساده و مبادی تدریس داشتم. در زمینه تبلیغ نیز خداوند توفیق مرحمت نمود تا از سال ۱۳۷۰ به تبلیغ معارف دین پردازم و بحمداله تاکنون این توفیق را داشتم تا در فصلهای تبلیغی، ماه مبارک رمضان، دهه محرم، دهه صفر و ایام فاطمیه را در اقصی نقاط میهن عزیزمان به تبلیغ و بیان معارف دین پرداخته که امیدوارم این توفیق از طرف حضرت حق جل جلاله و عنایت خاص ولی عصر(عج) ادامه داشته باشد. از سال ۱۳۷۹ تا اکنون توفیق تحقیق و پژوهش در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی داشتم کاری که در سالهای ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۳ با کمک برادران بزرگوار دیگر مخصوصاً مسئول محترم پروژه حضرت حجه الاسلام ابن الرضا صورت گرفت کار تقطیع و فایل سازی و نمایه موضوعی پیرامون کتاب شریف الغدیر یادگار علامه امینی رحمه الله علیه بود و هم اکنون در حال تنظیم و تدوین درختواره الغدیر هستم که امید است به زودی جامعه بزرگ اسلام از این کار نو و جدید بهره مند شوند.

فروغی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر حسن فروغی در سال ۱۳۲۳ در شهرستان طبس متولد شد. وی مدرک دکتری ادبیات فرانسه و تطبیقی را از دانشگاه سوربن فرانسه در سال ۱۳۵۷ دریافت داشته است. ایشان از سال ۱۳۵۸ با درجه استادیاری در دانشکده ادبیات و زبان های خارجی دانشگاه شهید چمران اهواز آغاز و نامبرده در سال ۱۳۷۷ به مرتبه دانشیاری و در سال ۱۳۸۵ به مرتبه استادی نایل گردیده است. دکتر فروغی در حال حاضر با پایه ۳۵ استادی در این دانشگاه مشغول بکار می باشد. گروه: علوم انسانی رشته: زبان و ادبیات فرانسه گرایش: ادبیات فرانسه و تطبیقی والدین و انساب: پدر حسن، محمد فروغی متولد ۱۲۹۷، از اولین فارغ التحصیلان ششم ابتدایی و از اولین آموزگاران شهرستان طبس و معلم اغلب فارغ التحصیلان دوره های گذشته این شهرستان می باشد. ایشان بادنش و حافظه تاریخی فوق العاده در قید حیات می باشند. مادرش خانداندار است. او نیز شش برادر و یک خواهر دارد. خاطرات کودکی: " در منطقه ای محروم ولی در خانواده ای فرهنگی پرورش یافتم. آگاهی فرهنگی پدرم و اقتدار مادرم از ما فرزندان آگاه، با پشتکار و موفق آفرید" اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: حسن فروغی در خانواده ای فرهنگی و با شرایط اقتصادی متوسط در طبس دنیا آمد. تحصیلات رسمی و حرفه ای: حسن فروغی در سال ۱۳۳۶ تحصیلات ابتدایی را در دبستان میرطبس و در سال ۱۳۴۲ تحصیلات متوسطه را در دبیرستان شیبانی همان شهرستان به پایان رساند و در سال ۱۳۴۲ موفق به اخذ دیپلم متوسطه در رشته تجربی گردید. ایشان در سال ۱۳۵۲ مقطع کارشناسی رشته زبان فرانسه را در مدرسه عالی ترجمه تهران به پایان رسانید و در سال ۱۳۵۳ (همزمان با گذراندن چند واحد از دروس ادبی برای تبدیل لیسانس مترجمی به لیسانس ادبیات) به دریافت کارشناسی ارشد ادبیات فرانسه از دانشگاه سوربن پاریس و در سال ۱۳۵۷ به دریافت درجه دکتری ادبیات فرانسه و تطبیقی از دانشگاه سوربن پاریس توفیق یافت. دکتر فروغی همچنین در سال های ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۲ دوره کارشناسی علوم اجتماعی را در دوره شبانه دانشسرای عالی تهران به صورت ناتمام گذرانده و در طول اقامت خود در فرانسه، در سال ۱۳۵۳ موفق به اخذ دیپلم مهارت آموزش زبان فرانسه به روش های سمعی و بصری و در سال ۱۳۵۶ موفق به اخذ فوق لیسانس (DEA=دانشوری) جامعه شناسی از مدرسه مطالعات عالی پاریس نیز گردیده است. خاطرات و وقایع تحصیل: " پس از دو سال توقف در پشت کنکور بخاطر اصرار خودم در پذیرفته شدن در رشته های پزشکی یا مهندسی و پس از انجام خدمت سربازی، استخدام در آموزش و پرورش و علاقه فراوان به شغل معلمی تصمیم

گرفتم در رشته های زبان و یا جامعه شناسی تحصیل کنم که تا در سطح تخصص در دانشگاه هم شد "...فعالتهای ضمن تحصیل : حسن فروغی در حین تحصیل به کار تدریس در آموزش و پرورش اشتغال داشت. استادان و مربیان : در ایران، خانم ها و آقایان : دکتر بروخیم، دکتر بارویان، دکتر شاهین، مهندس پایور، دکتر فولادوند در رشته زبان و ادبیات فرانسه، دکتر غلامعباس توسلی، دکتر خسروی، دکتر خوئی ف و غیره در رشته علوم اجتماعی در فرانسه : دکتر ژاک شوئی، رئیس وقت دانشگاه پاریس سه (سوربن پاریس جدید) و استاد راهمای دکتر حسن فروغی، دکتر ژاک ورنان، ریمون آرون در رشته جامعه شناسی هم دوره ای ها و همکاران : هم دوره ایهای و همکاران حسن فروغی در مقاطع مختلف تحصیل و اشتغال به قرار زیر است: دانشسرای عالی تهران : آقای محمد نبی حبیبی دانشگاه شهید چمران اهواز : دکتر عبدالله محتشمی، دکتر سید علاء الدین گوشه گیر، خانم دکتر المیرا داور، دکتر محمود رضا گشمری (۴)، دکتر مسعود نذری دوست، دکتر سید جمال موسوی شیرازی و چند استاد فرانسوی در اوایل انقلاب. همسر و فرزندان : دکتر حسن فروغی متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم زهرا صدقی است. ایشان آموزگار بازنشسته آموزش و پرورش می باشد. حاصل ازدواج آنها سه فرزند بنامهای مریم (پزشک)، فرامرز (پزشک) و مرجان مهندس کامپیوتر است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در زمینه فعالیت های اجرایی، حسن فروغی در دو دوره، از فروردین ۱۳۵۸ تا آذر ۱۳۵۹ و از دیماه ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲ مدیر گروه فرانسه، در سال تحصیلی ۱۳۵۸ تا ۱۳۵۹، دبیر شورای مدیریت دانشکده زبان های خارجی و عضو شورای دانشگاه جندی شاپور، و از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۶، نماینده منتخب اعضای هیأت علمی دانشکده ادبیات در کمیته ارتقاء بوده است. در زمینه فعالیت های علمی - پژوهشی دکتر فروغی از سال ۱۳۷۵ تا بهمن ماه ۱۳۷۹، عضو شورای پژوهشی گروه فرانسه سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها بوده و در حال حاضر عضو هیأت تحریریه مجله های دانشکده ادبیات دانشگاه شهید چمران، مجله پژوهش دانشگاه تهران، مجله لقمان در مرکز نشر دانشگاهی و مجله هنرهای نمایشی دانشگاه تهران می باشد. خلاصه ای از فعالیت های اداری و مدیریتی دکتر حسن فروغی به قرار زیر است: عضو شورای پژوهشی گروه فرانسه سازمان سمت از تاریخ ۱/۱/۱۳۷۵ تا کنون ادامه دارد عضو کمیته علمی هفته پژوهش دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز در تاریخ ۱/۱/۱۳۸۲ دبیر شورای مدیریت دانشکده زبانهای خارجی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز از تاریخ ۱/۱/۱۳۵۸ تا تاریخ ۱/۱/۱۳۵۹ عضو شورای دانشگاه شهید چمران اهواز از تاریخ ۲/۲/۱۳۵۸ تا تاریخ ۲/۲/۱۳۵۹ مدیر گروه فرانسه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز از تاریخ ۳/۳/۱۳۵۸ تا تاریخ ۳/۳/۱۳۵۹ نماینده منتخب دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز در کمیته ارتقاء از تاریخ ۱/۱/۱۳۷۷ تا کنون ادامه دارد عضویت در هیئت تحریریه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز از تاریخ ۱/۱/۱۳۷۹ تا کنون ادامه دارد مدیر گروه فرانسه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز از تاریخ ۱/۱/۱۳۸۰ تا کنون ادامه دارد عضو هیات تحریریه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی از تاریخ ۱/۱/۱۳۸۲ تا کنون ادامه دارد عضو کمیته تالیف و ترجمه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز از تاریخ ۱/۱/۱۳۸۴ تا کنون ادامه دارد عضو جامعه ادبی قرن ۱۸ فرانسه، (پاریس). عضو بنیان گذار «جامعه ادبی دیدرو»، (پاریس). عضو جامعه ادبی منتسکیو، (پاریس). عضو خزانه دار انجمن علمی مطالعات فرانسوی زبان، (ایران). فعالتهای آموزشی : فعالیت های آموزشی دکتر فروغی از سال ۱۳۵۸ با درجه استادیاری در دانشکده ادبیات و زبان های خارجی دانشگاه شهید چمران اهواز آغاز و نامبرده در سال ۱۳۷۷ به مرتبه دانشیاری و در سال ۱۳۸۵ به مرتبه استادی نایل گردیده است. دکتر فروغی در حال حاضر با پایه ۳۵ استادی در این دانشگاه مشغول بکار می باشند. ایشان بسیاری از دروس مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد در رشته ادبیات فرانسه از جمله ادبیات فرانسه، نقد ادبی، تفسیر متون ادبی، روش تحقیقی و ادبیات تطبیقی تدریس می کند. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر حسن فروغی در کنار فعالیت های پژوهشی و آموزشی به ورزش و پیگیری اخبار داخلی و خارجی و غیره می پردازد. شاگردان : دکتر عادل خنیاب نژاد (۴)، و دکتر ابراهیم سلیمی (عضو هیئت علمی

گروه فرانسه اصفهان) از دانش آموختگان حسن فروغی می باشند. آرا و گرایشهای خاص: گرایش های ایشان عبارت است از: ادبیات فرانسه، ادبیات تطبیقی، نقد ادبی، روش تحقیق، تفسیر متون ادبی فرانسه، جوائز و نشانها: دکتر فروغی در سال ۱۳۸۱ به عنوان مولف و مترجم برگزیده دانشگاه و در سال های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۶ به عنوان پژوهشگر برتر انتخاب شده است. ایشان در سال ۱۳۸۱ به عنوان مولف و مترجم برگزیده دانشگاه شهید چمران اهواز مورد تقدیر قرار گرفته است. چگونگی عرضه آثار: بیش از صد پایان نامه کارشناسی و چندین پایان نامه کارشناسی ارشد توسط دکتر فروغی در سال اخیر راهنمایی شده است. آثار: ترجمه کتاب اسلام و تمدن اسلامی و ویژگی اثر: (دوجلد) از آندره میکل، هانری لوران، انتشارات سمت، ۱۳۸۱. این کتاب به عنوان یک کتاب مبنایی برای تدریس در بیشتر رشته های دانشکده الهیات به چاپ رسیده است. ۲. تفسیر متون ادبی و ویژگی اثر: (به زبان فرانسه)، انتشارات سمت، ۱۳۸۱. این کتاب، کتاب درسی مربوط به سه درس تفسیر متون در دوره کارشناسی ادبیات فرانسه که در این دوره تدریس می شود. ۳. فرانسه برای دانشجویان رشته علوم و ویژگی اثر: (به زبان فرانسه)، انتشارات سمت، چ اول، ۱۳۷۳، (با همکاری دکتر عبدالله محتشمی و دکتر سید علاء الدین گوشه گیر). ۴. یادداشت برداری و روش تحقیق و ویژگی اثر: (به زبان فرانسه)، انتشارات سمت، چاپ اول ۱۳۸۰، چاپ دوم ۱۳۸۲، چاپ سوم ۱۳۸۵- این کتاب از کتابهای درسی دانشگاهی است که در دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فرانسه در گروه های آموزشی تدریس می شود.

فروغی، محمد حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۵- ۱۲۵۵ ق)، ادیب، نویسنده، مترجم، روزنامه‌نگار و شاعر. ابتدا فدایی، سپس ادیب و سرانجام فروغی تخلص نمود. در جوانی تجارت می کرد و چون سرمایه‌ی خویش را در راه تجارت هند به خلیج فارس از دست داد. مدتی در بندر لنگه، جهرم، فسا و یزد گذرانید و سپس به کرمان رفت و به خدمت حاکم کرمان، محمد اسماعیل خان نوری، وکیل الملک، درآمد. مدتی نیز در کرمانشاه اقامت گزید و وارد جمع درویشان شد. در آنجا نیز به مدیحه‌سرایی شاهزاده عمادالدله پرداخت و ادیب تخلص می کرد. سرانجام به تهران آمد و در دستگاه وزارت انطباعات و دارالترجمه‌ی میرزا محمد حسن خان اعتمادالسلطنه به منشی‌گری پرداخت. در ۱۲۹۱ ق از طرف ناصرالدین شاه ملقب و متخلص به فروغی شد. مدتی نیز مدیریت دارالترجمه و دارالطباعة دولتی و مترجمی زبان عربی و فرانسه را عهده‌دار بود و روزنامه‌های دولتی «ایران»، «اطلاع»، «رسمی»، «شرف» معمولاً با انشای وی نوشته می شد. در ۱۳۱۱ ملقب به ذکاءالملک ش وی روزنامه‌ی «تربیت» را در ۱۳۱۴ ق منتشر کرد. با تأسیس مدرسه‌ی عالی علوم سیاسی در ۱۳۱۷ ق به استادی مدرسه و در ۱۳۲۳ ق به ریاست آن منصوب گشت. فروغی در ابن بابویه شهر ری مدفون شد. آثار وی عبارتند از: «تاریخ سلاطین ساسانی» یا «تاریخ ساسانیان»، ترجمه، با همکاری فرزندش محمدعلی فروغی؛ تصحیح «بوسه‌ی عذرا»؛ «تاریخ ادبیات ایران»؛ «چرا و به این جهت»، ترجمه؛ «سفر هشتاد روزه‌ی دور دنیا»، ترجمه؛ «عشق و عفت»، به نظم، ترجمه؛ تصحیح «عجز بشر»؛ «علم بدیع»؛ «غرائب زمین و عجایب آسمان»، ترجمه؛ «کلبه هندی»، ترجمه. ضمناً از وی «دیوان» شعر به جای مانده است. [۱]

ملقب به ذکاءالملک (اول)، ادیب و نویسنده (و. اصفهان ۱۲۵۵ ه. ش - ف. ۱۲۸۹ ه. ش / ۱۳۲۵ ه. ق) ابن آقا محمد مهدی ارباب. وی در جوانی به عنوان تجارت عازم هند گردید، اما کشتی دچار طوفان شد، و مال التجاره‌ی او در آب غرق گردید. وی در بندر لنگه پیاده شد و به جهرم و فسا و از آنجا به یزد رفت، و در آن شهر زندانی گردید. سپس به کرمان رفت و تحت حمایت وکیل الملک حاکم کرمان قرار گرفت و قصایدی سرود. آنگاه به عزم زیارت عتبات به مغرب شتافت. در کرمانشاه با چند تن از مشایخ و عرفا

ملاقات کرد و در زمره‌ی اهل سلوک درآمد، سپس به کربلا و نجف رفت. پس از ورود به تهران مورد نوازش صنیع‌الدوله وزیر انطباعات قرار گرفت و به توسط او به دربار ناصرالدین شاه قاجار معرفی گردید، و به فرمان همایونی تخلص «فروغی» را انتخاب کرد و به مدیریت و مترجمی دارالطباعه منصوب گردید. روزنامه‌های «ایران» و «شرف» و «رسمی» و «اطلاع» که دولتی بودند، غالباً به انشای او نوشته می‌شدند. در ۱۳۰۸ ه.ق به موجب فرمان پادشاه به درجه‌ی اول استیفا و ریاست دارالطباعه رسید. در ۱۳۱۱ ه.ق به موجب دستخط همایونی به لقب «ذکاءالملک» مفتخر شد. روزنامه‌ی «تربیت» از سال ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۵ ه.ق به مدیریت او منتشر گردید. در سال ۱۳۱۷ که مدرسه‌ی علوم سیاسی تأسیس شد وی به معلمی ادبیات آن مدرسه انتخاب گردید و چند کتاب ادبی کلاسیک تألیف و منتشر کرد (بدیع و معانی و عروض و قافیه و تاریخ شعرا). در ۱۳۲۳ به مدیریت مدرسه‌ی مذکور منصوب شد. وی به سن ۷۰ سالگی درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ جراید (۱۲۴- ۱۱۶ / ۲ / ۳۰۶، ۱۹۸، ۱ / ۱)، حدیقه الشعراء (۱۳۴۳- ۱۳۳۸ / ۲)، سرآمدان فرهنگ (۳۶۲- ۳۶۰)، شرح حال رجال (۳۸۸- ۳۸۴ / ۳)، فهرست کتابهای چاپی (۲۳۳۴، ۲۳۱۱، ۲ / ۷۱۲، ۶۶۱، ۱ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل / فروغی)، مکارم الآثار (۱۴۹۲- ۱۴۹۱ / ۵).

فروغی، محمد علی ذکاءالملک

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۱- ۱۲۹۴ ق)، نویسنده، ادیب، مترجم و دانشمند. فروغی تحصیلات خود را از پنج سالگی نزد پدر آغاز کرد و ظرف مدت هفت سال کلیات زبانهای فارسی، عربی و فرانسه را آموخت و از علوم جدید نیز بهره گرفت. بعد از آن وارد مدرسه‌ی دارالفنون شد و به تحصیل در رشته‌ی طب پرداخت. اما پس از چندی به علت علاقه به فلسفه و ادبیات در این دو زمینه مشغول فعالیت شد. چندی نیز در مدرسه‌ی صدر به تکمیل تحصیلات پرداخت. بعد از این که پدرش هفته‌نامه‌ی «تربیت» را انتشار داد محمدعلی به عنوان سردبیر، نویسنده و مترجم هفته‌نامه مقالاتی در آن نوشت. پس از تأسیس مدرسه‌ی علوم سیاسی در ابتدا به عنوان مترجم و سپس به عنوان استاد و معاون مدرسه به خدمت پرداخت. بعد از درگذشت محمدحسین فروغی، محمدعلی ملقب به ذکاءالملک شد و ریاست مدرسه‌ی علوم سیاسی را به عهده گرفت. فروغی در طی زندگانی سیاسی خود چند بار به وکالت مجلس و سفارت رسید و چندین بار وزیر و نخست‌وزیر شد. وی در تهران درگذشت و در ابن‌بابویه به خاک سپرده شد. آثار او عبارتند از: «آئین سخنوری در فن خطابه»؛ «حکمت سقراط»؛ «تاریخ ملل شرق»؛ ترجمه؛ «اصول علم ثروت»؛ «سیر حکمت در اروپا»؛ «تاریخ ساسانیان» یا «تاریخ سلاطین ساسانی»، ترجمه، با همکاری پدرش؛ «فهرست رجال بزرگ ممالک» [۱].

معروف به ذکاءالملک، فرزند مرحوم محمدحسین خان ذکاءالملک اول، متولد ۱۲۹۴ ه.ق در تهران است. پدرش از دانشمندان و محققان و شعراء بلندپایه‌ی عصر ناصری و مظفری است که در وزارت انطباعات اعتمادالسلطنه ریاست قسمت ترجمه و تالیف با او بود. علاوه بر آن بر مترجمان همایونی ریاست داشت و شاعری توانا، ادیبی دانشمند و مترجمی کم‌نظیر بود. غالب کتبی که اعتمادالسلطنه به نام خود چاپ کرده است، قسمت اعظم آن نتیجه‌ی تحقیق و نگارش فروغی است.

محمدعلی فروغی تحصیلات خود را نزد پدرش آغاز کرد. پس از آموزش زبان پارسی به آموختن مقدمات عربی و قرآن و شرعیات پرداخت. پس از آن ادبیات زبانهای فارسی و عربی را فراگرفت و در آموزش فلسفه و عرفان و حسن خط همت گماشت و

ابتدا زبان فرانسه و بعد زبان انگلیسی را به خوبی فراگرفت و وارد دارالفنون ناصری شد. مدتی به علم طب روی آورد، سالی چند در این علم غوطه‌ور بود تا اینکه طبابت را مطابق ذوق خود نیافت و بر فلسفه و عرفان متمایل شد و تحصیلات خود را در این رشته در مدارس معروف آن روز تهران نزد اساتید بزرگی چون میرزا ابوالحسن جلوه و میرزا طاهر تنکابنی به حد کمال رسانید و چون مسلط به زبانهای خارج بود، از نوشته‌های فلاسفه‌ی مغرب زمین هم بهره‌مند گردید.

پدرش در سال ۱۳۱۴ ه.ق به انتشار مجله‌ی تربیت همت گماشت. محمدهلی در کار این نشریه دخالتی تام داشت. گذشته از سردبیری آن ترجمه‌هایی از او منتشر می‌شد. در این روزنامه از قانون و مدرسه و تجدد سخن بسیار آمده است و قریب ده سال منظمًا انتشار پیدا می‌کرد.

در ۱۳۱۷ ه.ق که میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله به تشویق دو فرزند خود موتمن‌الملک و مشیرالملک (بعدها مشیرالدوله) مدرسه‌ی عالی علوم سیاسی را بنیاد نهاد، محمدحسین فروغی به استادی آنجا برگزیده شد و فرزندش نیز به ترجمه‌ی تاریخ برای دانشجویان پرداخت و پس از چندی معلم تاریخ در مدرسه‌ی سیاسی گردید. پس از مدتی محمدحسین ذکاءالملک به ریاست مدرسه گمارده شد و فرزندش را به معاونت انتخاب کرد. این وضع تا اوایل مشروطیت ادامه داشت. در این سال ذکاءالملک درگذشت و لقب و شغلش را به فرزند ارشد او واگذار کردند. محمدهلی فروغی با لقب ذکاءالملک به ریاست مدرسه عالی علوم سیاسی منصوب گردید. پس از صدور فرمان مشروطیت و تشکیل مجلس اول که در حقیقت مجلس موسسان بود، فروغی برای ریاست دبیرخانه دعوت شد و کار اداری مجلس را انجام می‌داد. سازمان اداری و تاسیس کتابخانه از کارهای اولیه‌ی اوست. در انتخابات دوره‌ی دوم مجلس شورای ملی که پس از استبداد صغیر انجام گرفت، محمدهلی ذکاءالملک به نمایندگی مردم تهران انتخاب شد و پس از چندی به ریاست مجلس شورای ملی انتخاب گردید. چند ماهی بیشتر در این سمت نبود که جای خود را به موتمن‌الملک سپرد و خود به نیابت ریاست رسید.

ذکاءالملک در سال ۱۲۹۰ ش در کابینه‌ی صمصام‌السلطنه بختیاری ابتدا وزیر مالیه و بعد وزیر عدلیه شد. در کابینه‌ی بعدی که به ریاست مشیرالدوله تشکیل یافت، همچنان وزیر عدلیه بود. در دوره‌ی سوم و کیل مجلس شد ولی در مجلس باقی نماند تا به ریاست دیوان عالی کشور منصوب شد و سالیان دراز در آن سمت اشتغال داشت. پس از پایان جنگ بین‌الملل اول، به اتفاق مشاورالممالک انصاری به کنفرانس صلح رفتند ولی موفق به حضور در کنفرانس نشدند و آنها را مودبانه جواب کردند. در ۱۳۰۱ ش ذکاءالملک در کابینه‌ی مستوفی‌الممالک وزیر امور خارجه شد و در جدال مستوفی و مدرس نقشی اساسی داشت و غالبًا پاسخ مجلسیان را او می‌داد. در کابینه‌ی بعدی به ریاست مشیرالدوله وزیر مالیه شد. از ۱۳۰۲ تا ۹ آبان ۱۳۰۴ در چهار کابینه‌ی رضاخان سردارسیه، دو بار وزیر خارجه و دو بار وزیر مالیه بود تا سرانجام در ۹ آبان ۱۳۰۴ مجلس پنجم طرح انقراض قاجاریه را به تصویب رسانید و حکومت موقت را به رضاخان پهلوی سپرد تا مجلس موسسان به اصلاح اصول قانون اساسی بپردازد. ذکاءالملک در این تاریخ به کفالت نخست‌وزیری و سرپرستی دولت تعیین شد.

مجلس موسسان در آذرماه ۱۳۰۴ امور سلطنت را به رضاخان پهلوی واگذار کرد و محمدهلی فروغی به عنوان اولین نخست‌وزیر سلطنت رضا پهلوی معرفی شد. او قریب شش ماه رئیس دولت بود. تاجگذاری رضاشاه، انتخابات دوره‌ی ششم قانون نظام اجباری و الغاء القاب و قانون ثبت در دوران نخست‌وزیری او انجام یا به تصویب رسید. فروغی در اثر دخالت‌های تیمورتاش وزیر دربار تاب مقاومت نیاورد و از شاه اجازه‌ی استعفا گرفت. شاه استعفای او را پذیرفت مشروط بر اینکه کاری در کابینه قبول کند. پس از مذاکرات لازم، قرار شد فروغی در کابینه‌ی بعدی وزیر جنگ باشد ولی کارهای وزارت جنگ را رضاشاه انجام بدهد. جانشین فروغی که پس از لغو القاب حسن مستوفی نام گرفته بود، فروغی را به عنوان وزیر جنگ معرفی کرد و پس از چندی فروغی به اتفاق دو فرزند خود (جواد و محسن) از راه روسیه عازم اروپا شد تا ترتیب تحصیل فرزندان خود را تحت نظر علامه محمد قزوینی

در پاریس بدهد. برخی از مورخین درباره‌ی این مسافرت مطالب خلاف واقعی عنوان نموده و متذکر شده‌اند که انگیزه‌ی فروغی در این مسافرت صرفاً برای ملاقات با سلطان احمدشاه و اخذ استعفانامه از وی و پرداخت مبلغی حدود هفت میلیون تومان بوده است در حالی که مرحوم فروغی در تمام عمر نسبت به این مطلب معترض بود، و قویاً آن را تکذیب می‌نمود و اصولاً در پاریس بین او و احمدشاه ملاقاتی دست نداده بود. فروغی چند ماهی در پاریس اقامت گزید تا به سمت سفارت کبرای ایران در آنقره تعیین شد و مراتب تلگرافی به او ابلاغ گردید. مدت ماموریتش در ترکیه دو سال به طول انجامید و در ایجاد حسن روابط بین دو کشور زحماتی متحمل شد. ذکاءالملک در سفر ترکیه دوستی و نزدیکی زیادی با رجال ترک پیدا کرد مخصوصاً با کمال آتاتورک دوستی او زبانزد بود و همه روزه با رهبر مقتدر و اصلاح‌طلب ترکیه ملاقات و مذاکره داشت.

در ۱۳۰۸ ش با سمت ریاست هیئت نمایندگی ایران در جامعه‌ی ملل به ژنو رفت و به ریاست جامعه‌ی ملل انتخاب شد. جامعه‌ی ملل در دوران ریاست فروغی، قدمهائی برای رفاه مردم دنیا و صلح کشورها برداشت که یقیناً فروغی نیز سهم بسزائی در این امر مهم دارد. در ۱۳۰۹ به تهران بازگشت و در کابینه‌ی حاج مخبرالسلطنه هدایت به وزارت جدیدالتاسیس اقتصاد منصوب شد. پس از دو ماه وزارت امور خارجه هم ضمیمه‌ی کار او شد و هر دو وزارتخانه را توأمان اداره می‌کرد ولی چند ماه بعد وزارت اقتصاد منحل گردید. فروغی تا شهریور ۱۳۱۲ در پست وزارت امور خارجه مستقر بود.

در شهریور ۱۳۱۲ مهدی‌قلی هدایت پس از شش سال‌ونیم صدارت، از کار کناره گرفت و محمدعلی فروغی به جای او به نخست‌وزیری منصوب شد. در دوران نخست‌وزیری او، کار تاسیس دانشگاه تهران به اتمام رسید. جشن هزاره‌ی فردوسی با شرکت مستشرقان و دانشمندان دنیا در طوس برگزار شد. فرهنگستان ایران هم برای احیاء زبان فارسی بنیان گرفت. در دوران نخست‌وزیری او، رضاشاه برای اولین بار از کشور خارج شد و چند روزی مهمان کمال آتاتورک شد و از نزدیک با ترقیات کشور دوست و همجوار آشنا گردید. فروغی متجاوز از دو سال در راس دولت بود تا واقعه‌ی گوهرشاد پیش آمد. پاکروان استاندار و نوائی رئیس شهربانی، کاسه و کوزه را بر سر محمدولی اسدی نایب‌التولیه شکستند و او را عامل اصلی قیام معرفی کردند. در آن تاریخ یکی از دختران فروغی، عروس اسدی بود لذا فروغی در مقام شفاعت برآمد ولی آتش غضب رضاشاه تندتر شد، نه تنها شفاعت او را پذیرفت بلکه فروغی را هم از کار کنار گذاشت، تمام مشاغل او را گرفت و تحت نظر نظمی در منزل خود نیز زندانی شد. تیمورتاش و سردار اسعد در این دوره از نخست‌وزیری او در زندان به قتل رسیدند.

فروغی تا ۱۳۲۰ در انزوا به سر می‌برد تا اینکه پس از حمله‌ی روس و انگلیس به ایران، رضاشاه به سراغ او رفت. در آن ایام پرتلاطم، سکان کشتی نجات ایران را به دست او داد.

فروغی پس از اینکه زمام امور را به دست گرفت، در مقام مذاکره با شوروی و انگلیس برآمد. نتیجه‌ی مذاکرات بر این قرار گرفت که رضاشاه از سلطنت کناره‌گیری کند. ابتدا قرار بود رژیم تغییر نماید و جمهوری به جای سلطنت انتخاب شود ولی پافشاری فروغی موجب شد که رژیم باقی بماند و فرزند شاه طبق قانون اساسی سلطنت کند. از اقدامات فروغی در این دوره تثبیت انتخابات دوره‌ی سیزدهم بود که در زمان رضاشاه و جو دیکتاتوری صورت گرفته بود. قرارداد سه‌جانبه با متفقین که پس از پایان جنگ ایران را تخلیه کنند، از دیگر اقدامات فروغی است. وی در این دوره از نخست‌وزیری خود با مشکلات بزرگی مواجه شد. مورد هتاک و حمله رادیوهای خارجی و مطبوعات داخلی قرار گرفت. در مجلس به سوی او سنگ پرتاب کردند. رادیوی آلمان او را کلیمی‌زاده خطاب کرد و ایران تیمورتاش در روزنامه‌ی رستاخیز به او نسبت دزدی داد ولی با تمام این مشکلات، فروغی شش ماه دوام کرد و چهار بار کابینه را ترمیم نمود ولی سرانجام در مقابل آن همه مصائب توان خود را از دست داد با وجودی که در مجلس اکثریت داشت، از کار کناره گرفت و خود را مخفی ساخت و زیر بار مسئولیت مجدد نرفت. وکلاء چون از فروغی مایوس شدند، سهیلی را بدان سمت برگزیدند.

فروغی بعد از نخست‌وزیری به وزارت دربار منصوب شد و پس از چندی قرار شد با سمت سفیر کبیر به آمریکا عزیمت کند. برایش پذیرش خواستند، موافقت شد و قبل از حرکت فروغی چون بیمار بود، تقاضا نمود در این مأموریت محمود فروغی فرزند کوچکش که عضویت وزارت امور خارجه را داشت با او همراهی کند. این امر احتیاج به تصویب‌نامه هیئت وزیران داشت. قوام‌السلطنه نخست‌وزیر موضوع را در هیئت دولت مطرح کرد و با مخالفت باقر کاظمی مذهب‌الدوله مواجه شد کاظمی در زمره افرادی بود که تمام ترقیات او مدیون فروغی بود. فروغی او را از کارمندی ساده وزارت امور خارجه به سفارت و وزارت رسانید و همیشه برای حمایت از او مورد ایراد و حتی طعن بعضی دوستان قرار می‌گرفت و انتظار نداشت در آن ایام کاظمی با تقاضای کوچک او مخالفت کند. موضوع چندی در هیئت دولت باقی ماند و اخذ تصمیم به عمل نیامد. فروغی به شدت متاثر شد و بیماری او شدت یافت تا اینکه در آذرماه ۱۳۲۱ در سن ۶۷ سالگی به بیماری سکته درگذشت. فروغی دارای دو چهره‌ی متضاد است، یکی فروغی سیاستمدار، دیگری فروغی دانشمند و ادیب و فیلسوف. در چهره‌ی اول تمام مراحل ترقی و مشاغل مهم مملکت را پشت سر گذاشت. او در طول زندگانی سیاسی خود سه بار نخست‌وزیری، یک بار کفیل نخست‌وزیری، یک بار رئیس مجلس شورای ملی، پانزده بار وزیر امور خارجه، دارائی، جنگ، عدلیه، اقتصاد ملی، یک بار سفیر، وزیر دربار، رئیس جامعه‌ی ملل، رئیس مدرسه‌ی عالی حقوق و بالاخره رئیس دیوان عالی کشور بوده است. ممکن است از لحاظ سیاسی دانسته یا ندانسته اشتباهاتی مرتکب شده باشد. همانطوری که دوستان سیاسی همیشه او را تایید می‌نمودند، دشمنان او را تقیح کرده نسبتهایی به او بدهند ولی آنچه مسلم است فروغی از پایه‌گذاران سلسله‌ی پهلوی بود و هنگام جلوس پدر و پسر به سلطنت، نخست‌وزیری را در اختیار داشته است.

محمدعلی فروغی دانشمند و فیلسوف و ادیب در قرن اخیر از بزرگان و محققین درجه اول محسوب می‌شود. در جوانی به امر ترجمه اشتغال داشت، چندین جلد تاریخ دنیا را ترجمه و تلخیص می‌کرد که در مدارس آن روز کشور تدریس می‌شد. بعد به تصحیح دواوین شعرا پرداخت. دیوان عمر خیام نیشابوری، دیوان حافظ و دیوان سعدی و از همه مهمتر شاهنامه فردوسی به همت او تصحیح و چاپ شده‌اند که هنوز نوشته‌های او مورد استفاده‌ی دانشمندان است. در تاسیس فرهنگستان و احیاء زبان فارسی جد و جهدی وافر داشت. خود مدتی ریاست فرهنگستان را عهده‌دار بود. مقاله‌ی مستند «پیام به فرهنگستان» نمونه‌ای از طرز فکر او درباره‌ی زبان فارسی است.

پربارترین دوران حیات علمی فروغی از ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۰ است که موفق شد آثار مهمی از خود به یادگار گذارد. سه جلد کتاب سیر حکمت در اروپا و شرح اشارات بوعلی سینا از اهم کارهای او در این دوره است. او فلسفه‌ی شرق و غرب را به خوبی می‌دانست، مع‌الوصف از مشورت و مذاکره با دانشمندان و فلاسفه‌ی شرق خودداری نمی‌کرد. در ایامی که سرگرم تهیه‌ی سیر حکمت در اروپا و شرح اشارات بوعلی سینا بود، غالباً با میرزا طاهر تنکابنی، سید محمد مشکوه و استاد فاضل تونی در مذاکره و تبادل نظر بود. فروغی در نویسندگی از پیشقدمان ساده‌نویسی است. مقدماتی که بر بعضی از دواوین نوشته است این رویه را به اثبات می‌رساند. او حتی‌المقدور سعی کرده است از لغات بیگانه پرهیز کند و مطالب خود را در عین استحکام و فصاحت طوری بیان کند که همه بتوانند از آن بهره‌مند شوند. در کتاب آیین سخنوری، این شیوه در حد اعلی جلوه گر است. او در اواخر عمر تصمیم به تقریر خاطرات خود گرفت. بیش از ۵۰ صفحه تقریر نکرده بود که اجل مهلتش نداد. این یادداشتها بیشتر درباره‌ی پدرش محمدحسین خان ذکاءالملک و رویه‌ی او در تعلیم و تربیت فرزندان و طریقه‌ی تالیفات اوست. انتخاب نام خانوادگی فروغی نیز مربوط به پدر اوست. وقتی پدرش در دربار ناصرالدین شاه قطعه شعری سرود و شاه را خوش آمد، لقب فروغی را به او داد که از آن تاریخ در اشعارش تخلص فروغی دیده می‌شود. مرحوم ذکاءالملک اول درباره‌ی لقب فروغی چنین گفته است:

فروغ یافت چو از مدح شاه گفته‌ی من

مرا خدیو معظم لقب فروغی داد

مرحوم محمدعلی فروغی نقاش چیره‌دستی بود. او در جوانی با کمال‌الملک در زمینه‌ی نقاشی کار کرده بود. خود می‌نویسد: من به کمال‌الملک فرانسه درس می‌دادم و او به من تعلیم نقاشی می‌داد. آثاری از او نزد فرزندانش به یادگار باقی است. ذکاء‌الملک گذشته از مراحل سیاسی و علمی که در حد اعلا-قرار داشت، در دوستی و وداد هم سرآمد اقران بود. به خانواده‌ی خویش دلبستگی خاصی داشت. پس از فوت پدرش سرپرستی سه خواهر و یک برادر را عهده‌دار شد. یک خواهر و برادرش ابوالحسن فروغی تا روز مرگ با ذکاء‌الملک زندگی می‌کردند و گذشته از اینکه جمع‌المال بودند، هرگز آنها را از خود دور نساخت. یکی از خواهران او همسر سرتیپ عبدالرزاق خان بغایری بود. خواهر دیگرش به عقد و ازدواج وقارالسلطنه وصال یکی از فرزندان وصال شیرازی در آمد ولی وقارالسلطنه در ۱۳۰۵ در میان‌سالی درگذشت و فروغی مادام که حیات داشت، خواهرزاده‌های خود را چون فرزندان خویش مراقبت می‌کرد.

ذکاء‌الملک در جوانی با خواهرزاده‌ی نظام‌السلطنه (رضاقلی) ازدواج کرد و ثمره‌ی این وصلت چهارپس و دو دختر بود. همسر او در سنین سی‌سالگی مبتلا به سل شد. تلاش اطباء به جایی نرسید. او را از فرزندانش جدا کردند و در قلهک خانه‌ای اجاره و او را تنها در آن منزل قرار دادند تا تنها پزشک متخصص در سل که پزشک سفارت انگلیس بود، از او عیادت کند. او هفته‌ای یک بار فرزندان خود را از پشت شیشه می‌دید. معالجات پزشکان موثر واقع نشد و آن زن درگذشت. فروغی پس از فوت همسرش، قریب بیست سال زیست و هرگز ازدواج نکرد. در واپسین روزهای عمر به یکی از فرزندان خود گفته بود من پس از مرگ مادر شما هرگز افطار نکردم (منظور این است که زنی ندیدم). فروغی از مال دنیا بهره‌ای نداشت. پدرش در خیابان امیریه نزدیک باغ انتظام‌السلطنه خانه‌ای مشتمل بر بیرونی و اندرونی خریده بود که پس از مرگش فرزندان در آن خانه زندگی می‌کردند. در حوالی ۱۳۰۰ آن خانه را فروغی فروخت و با پس‌اندازی که از حقوق دیوان کشور اندوخته بود در خیابان سپه‌خانه‌ی بزرگی که چهار هزار مترمربع بود، به مبلغ دوازده هزار تومان خریداری کرد. پس از مرگش این خانه را به وزارت بهداری اجاره دادند و بیمارستانی به نام نجات در آنجا مستقر شد. در ۱۳۳۰ وزارت بهداری این خانه را به مبلغ یک میلیون تومان خریداری کرد ولی ابوالحسن فروغی از قبول سهم خویش خودداری کرد و تمام آن را به فرزندان برادرش داد.

روابط ذکاء‌الملک با برادر کوچکش ابوالحسن فروغی که از فلاسفه و دانشمندان بزرگ معاصر بود، رفتار پدر و فرزند و معلم و شاگرد بود. فروغی هرگز عادت نداشت مطالب و جریانات سیاسی روز را برای فرزندان خود تعریف کند. اگر از او سئوالی می‌شد مختصر پاسخی می‌داد. از مذاکرات چند ساعته‌ی او و رضاشاه که در همان منزل خیابان سپه اتفاق افتاد، هیچکس اطلاع ندارد. ذکاء‌الملک سه تن از فرزندان خود را به اروپا فرستاد. جواد فرزند ارشد او علم سیاست آموخت و داخل وزارت امور خارجه شد و همسر سوئسی اختیار کرد. در ۱۳۳۵ در حالی که وزیرمختار در سوئیس بود درگذشت. محسن فرزند دومش ابتدا ریاضیات و سپس فن معماری آموخت و الحق در این رشته هم‌تا نداشت. مقامات سیاسی و اداری را تا وزارت طی کرد. مسعود فرزند سوم او علوم سیاسی تحصیل نمود و مشاغلی در طول حیات قبول کرد. محمود اساساً خارج نرفت و تحصیل او در دانشکده‌ی حقوق تهران انجام گرفت و در حقیقت تنها فرزندی که توانست از محضر پدر خود برخوردار شود او بود. به همین دلیل در بین فرزندان ذکاء‌الملک، محمود تا حدی از علوم فلسفی و ادبی بهره‌مند شده است. دو دختر او هر دو عروس مصباح‌السلطنه اسدی شدند. دانشگاه تهران چند بار برای بزرگداشت فروغی جشنهایی ترتیب داد. درباره‌ی مقام علمی و سیاسی او سخن بسیار رفت. حبیب یغمائی مدیر مجله‌ی یغما، مجموعه‌ای از مقالات او را تحت عنوان «مقالات فروغی» انتشار داده است. فروغی در جوانی وارد لژ فراماسونی شد و به استاد اعظمی رسید. در سال ۱۳۲۱ درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] آینده (س ۱۹، ش ۹-۷، ص ۶۸۳-۶۷۷)، تذکره القبور (۴۴۸-۴۴۷)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۰۸-۹۶)

(۵ / ۳۶۴-۳۶۳ / ۱)، شخصیت‌های نامی (۳۷۶-۳۷۵)، شرح حال رجال (۴۵۱-۴۵۰ / ۳)، گلزار معانی (۵۳۶-۵۳۳)، لغت‌نامه (ذیل / فروغی)، مؤلفین کتب چاپی (۳۳۸-۳۳۴ / ۴).

فروغی، نعمت‌الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نعمت‌الله فروغی

محل تولد: مبارکه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب تحصیلات کلاسیک را در شهرستان مبارکه یکی از شهرستانهای استان اصفهان آغاز نمودم و مقارن با انقلاب اسلامی در آن شهرستان موفق به دریافت گواهی نامه دیپلم شدم با مدرک دیپلم وارد حوزه علمیه اصفهان شدم یکی دو سالی در آنجا مقدمات را گذراندم و بعد از آن به شهر مقدس قم هجرت نمودم و در این شهر ادبیات عرب، منطق، فلسفه، فقه و اصول و به تعبیرات حوزوی سطح را در طی چند سال گذراندم و البته همزمان در دانشگاه اصفهان هم تحصیل نمودم و موفق به لیسانس در رشته ادبیات فارسی شدم. حدود ۱۰ سالی است که در درس خارج آیات عظام شرکت دارم و سال ۸۱ موفق به نوشتن پایان نامه سطح سه در موضوع و نقش تربیتی مساجد در جوامع اسلامی شدم و همچنین یک دوره علمیه قرآن را گذراندم ده سالی است علاوه بر تحصیل، مقالات و آگاهی هم نوشته ام و در بخش آثار آنها را ذکر کرده ام همچنین در مدارس حوزه قم درس آیین نگارش هم تدریس می‌نمایم.

فروه‌وشی، بهرام

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق، مترجم.

تولد: ۱۳۰۶، ارومیه.

درگذشت: ۱ خرداد ۱۳۷۱، آمریکا (سانفرانسیسکو).

بهرام فروه‌وشی فرزند علی محمد فروه‌وشی (مترجم همایون) که رییس اداره فرهنگ ارومیه بود، در سال ۱۳۳۲ از دانشسرای مقدماتی اصفهان فارغ‌التحصیل شد. آنگاه ضمن تدریس در دبستان‌های تهران ابتدا در رشته‌ی زبان‌های خارجی و سپس در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران لیسانس گرفت. در همان سال‌ها هفته‌ای چند روز در محضر سید محمد فرزاد حاضر می‌شد و به

همراه امیرحسن یزدگردی، محمداسماعیل رضوانی و اقبال یغمایی به مباحثه و تحقیق در دقایق و مشکلات متون فارسی می‌پرداخت. چندی بعد به پاریس رفت و به اخذ درجه‌ی دکتری در رشته‌ی زبان‌ها و فرهنگ باستان ایران از مدرسه‌ی تتبعات عالی‌ی دانشگاه پاریس نایل گردید و در این مدت از محضر استادان بزرگ پرفسور دو مناش و پرفسور بنویست بهره‌مند بود. پس از بازگشت به ایران به دانشیاری در دانشکده‌ی ادبیات انتخاب گردید. و از آن به بعد وقت خود را به تدریس در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران و تحقیق در رشته‌ی تخصصی و تألیف کتاب‌های خود پرداخت. در وهله‌ی اول اوقات خود را صرف نشر آثار ابراهیم پورداود که به سبب پیری نیازمند همکار جوان‌تری بود، کرد و بخش دوم گاتها (شامل یادداشت‌های ابراهیم پورداود) را در سال ۱۳۳۶، سینا را در ۱۳۴۰، ویسپر را در ۱۳۴۳ منتشر ساخت. آنگاه فرهنگ پهلوی به فارسی که حاصل بیست سال بررسی متون پهلوی بود در ۱۳۴۶، و فرهنگ به پهلوی را در سال ۱۳۵۲ به چاپ رسانید. آخرین اثر او ایران‌وچ شامل ۲۹ مقاله دربار‌ی ایران باستان در اسفند ۱۳۵۶ منتشر گردید. از آثار دیگر اوست: ترانه‌های شرقی (فرانتس توسن، ۱۳۳۶)، روبسن کروژنه (دانیل دفو، ۱۳۳۴). وی همچنین مدتی برنامه‌ی «فرهنگ ایران زمین» را در سازمان رادیو و تلویزون اداره می‌کرد. از کارهای دیگر او اهمی است که در چاپ کتاب ایران، کلد و شوش اثر مادام دیولافوا به ترجمه‌ی پدرش انجام داد که در سال ۱۳۶۵ منتشر شد. از وی مقالاتی در مجلات مختلف از جمله «بررسی‌های تاریخی» و «یمغا» به چاپ رسیده است. دکتر فره‌وشی گرفتار سرطان بود. در اوایل آذر ۱۳۷۰ برای معالجه به آمریکا رفت. در فرودگاه سانفرانسیسکو دچار سکتة شد و به اغما رفت. او را به بیمارستان رساندند و پس از چند روز پزشکان شیمی درمانی را آغاز کردند. با ابتلاء به ذات‌الریه سرانجام روز اول خرداد ۱۳۷۱ زندگی را بدرود گفت.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

فره‌وشی، علی محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۷-۱۲۵۴ ش)، نویسنده و مترجم. مشهور به مترجم همایون. در اصفهان به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات، در زادگاهش، برای تحصیل عربی و مبانی طب به تهران آمد. وی سفری به استانبول کرد و پس از بازگشت در مدرسه‌ی دارالفنون به فراگیری زبان فرانسه و ریاضیات پرداخت و بعد وارد وزارت فرهنگ شد و کار خود را با سرپرستی دبستان دانش و آموزگاری زبان و ریاضی در مدرسه‌ی کمالیه شروع کرد. او مدارس بسیاری را تأسیس نمود. عمده مشاغل وی عبارتند از: ریاست معارف زنجان، بازرسی عالی فرهنگ، ریاست مدرسه‌ی معقول و منقول چهارباغ اصفهان، سرپرستی مدرسه‌ی آرامنه در جلفا و سرپرستی آموزشگاه‌های زرتشتیان تهران. او سرانجام در تهران درگذشت. از آثار وی: «اصول جبر و مقابله»؛ «حساب مقدماتی»؛ «حساب سال اول»؛ «حساب مظفری»؛ «حساب نوین»؛ «حل المسائل جبر»؛ «هندسه»؛ «علم الاشیاء»؛ «جغرافیای رهنما»؛ «دستور دانش»؛ «باستان‌نامه»؛ «ایرانی که من شناخته‌ام»، ترجمه؛ «ربسن سویس»، ترجمه؛ «سفرنامه از خراسان تا کشور بختیاری»، ترجمه؛ «سفرنامه مادام دیو لافوا»، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۸۹ / ۱۲، ۱۵۳ / ۸-۷ / ۱۷۹، ۲ / ۱۷۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۱۴-۱۱۳ / ۵)، شرح حال رجال (۱۶۵ / ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۹۹۶، ۱۹۹۲، ۱۹۹۱- / ۱۶۷۷، ۲ / ۱۶۱۸، ۱۲۰۷، ۱۱۷۱، ۱۰۳۶، ۴۴۱، ۴۱۹، ۲۵۲ / ۱)،

مؤلفین کتب چاپی (۵۹۳-۵۹۱ / ۴).

فرهاد، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۴ ش)، مترجم و نویسنده. در تهران به دنیا آمد. از آنجایی که بیشتر ترجمه‌های او به نام فرهاد به چاپ رسیده است. معروف به فرهاد بود. پس از تکمیل تحصیلات متوسطه در مدرسه‌ی دارالفنون و گذراندن مسابقه‌ی ورودی وزارت فواید عامه، به منظور تحصیل در رشته‌ی مهندسی ساختمان و راهسازی به بلژیک عزیمت نمود و دوره‌ی چهار ساله‌ی دانشگاه آن کشور را باموفقیت به پایان رساند و به ایران بازگشت. در ۱۳۱۰ ش به خدمت وزارت راه درآمد و سه سال در دانشکده‌ی فنی که تازه تأسیس شده بود تدریس کرد. از ۱۳۲۶ ش که ساخت خطوط راه‌آهن آذربایجان و خراسان شروع شد، به سمت رییس و مدیر کل اداره‌ی ساختمان منصوب شد و مدتی معاونت وزارت راه را عهده‌دار بود. از آثار وی: «حیات مردان نامی»، ترجمه؛ «اعترافات»، ترجمه؛ «امیدواری در یک شب»، ترجمه؛ «تاریخ اکتشافات جغرافیایی از آغاز تا تاریخ تا دوره‌ی معاصر»، ترجمه؛ «فروید»، ترجمه؛ «کلئوپترا»، ترجمه؛ «کوروش نامه»، ترجمه؛ «ماری استوارت»، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی (۱۴۱۲ / ۲، ۲۸۰-۲۷۹ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۰۲-۲۰۰ / ۳).

فرهاد، مجید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: رادیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

فرهاد، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: قلب و عروق، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی از دانشکده پزشکی علوم پزشکی اصفهان، گذراندن دوره فلوشیپ قلب و عروق در انستیتو کارایولوژی لندن در

سال ۱۳۴۵.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان بخش داخلی در سال ۱۳۴۳، دانشیار بخش قلب و عروق دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در سال ۱۳۵۱، ارتقاء به درجه استادی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در سال ۱۳۶۹.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بیمایهای قلب و عروق، استاد راهنمای ۲۳ پایان‌نامه دکترا و دکترای تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

قلب و عروق، صداها و سوفل‌های قلبی، نبض شریانی، نبض وریدی، فشار وریدی و مضرات آن.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

پولیپوز روده‌ای و کیست هیداتیک قلب.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

فرهادی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: گوش و حلق و بینی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی ایران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی و دکترای تخصصی گوش و حلق و بینی و سر و گردن.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۵۹، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی ایران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

گوش و حلق و بینی و جراحی سر و گردن، مسئول پروژه کاشت حلزون شنوایی در ایران، بررسی عوامل میکروبی هوازی و

بی‌هوازی عفونت‌های گوش میانی، بررسی اثر اولتراسوند در درمان سینوزیت‌های مزمن، تحقیق در مورد اختلالات تکلمی و

اصلاح گفتار با اعمال جراحی حلق، بررسی F.N.A توده‌های گردنی، گفتار درمانی و بررسی عوامل میکروبی در سینوزیتها، استاد

راهنمای ۸ پایان‌نامه تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

سنیوزیتهای عفونی، کاربرد بالینی روش ABR و الکتروکولتوگرافی در تشخیص بیماریهای سیستم شنوایی و تشریح (آناتومیک) جراحی استخوان تمپان.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

پزشکی و بخصوص در مورد گوش و حلق و بینی و جراحی گردن.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

فرهادیان، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا فرهادیان

محل تولد: همدان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۷/۶/۱

زندگینامه علمی

به نقل از کتاب والدین مسئول و کتاب یار مهربان یادمان نخستین جشنواره انتخاب کتاب معلم: مولف در سال ۱۳۲۷ در جوار آرامگاه حکیم و فیلسوف بزرگ شرفیاب شیخ الرئیس ابو علی سینا و شاعر شوریده بابا طاهر در شهر همدان پا به عرصه هستی گذاشت. تحصیلات را در زادگاهش آغاز کرد و پس از اخذ مدرک دیپلم در دانشگاه علم و صنعت تهران در رشته مهندسی مکانیک و دانشگاه تربیت معلم (دانشسرای عالی تهران) در رشته مشاوره و راهنمایی تحصیلی (علمی) قبول گردید به دلیل علاقه مندی به تعلیم و تربیت و معارف اسلامی، دانشگاه تربیت معلم را انتخاب نموده و با طی دوره دانشگاه زمینه برای ورود به آموزش و پرورش و درآمدن به کسوت شریف معلمی فراهم شد و در سال ۱۳۵۲ با استخدام در آموزش و پرورش سالهای پر شور و به یاد ماندنی تدریس و مشاوره تعلیم و تعلم در زندگی فرهنگی او آغاز شد. با ارتباطی که با مرحوم شهید دکتر بهشتی (ره) داشت جهت فعالیتهای فرهنگی قبل از انقلاب در سال ۱۳۵۳ به سمت مدیر عامل موسسه آیت فیلم انتخاب گردید. و در اسفند ماه سال ۱۳۵۷ با تایید و پیشنهاد شهید مرحوم آیت الله مدنی (ره) به سمت مدیر صدا و سیمای استان همدان منسوب گردید و در اسفند سال ۱۳۵۸ به سمت مدیر صدا و سیمای استان کردستان منسوب گردید و در سال ۱۳۶۰ به سبب احساس نیاز و علاقمندی به علوم اسلامی وارد حوزه علمیه قم شد و با علاقه فراوان به فراگیری دروس حوزه پرداخت. وی در طول سالهای خدمت در آموزش و پرورش به مطالعه، مشاوره و تحصیل دروس حوزوی اشتغال داشته و ساعاتی به عنوان مشاور و راهنمای دانش آموزان و اولیای آنها

نقش موثری در پیشبرد اهداف تعلیم و تربیت داشته و مسئولیت مرکز مشاوره خانواده در آموزش و پرورش استان قم از دیگر مسئولیتهای وی در آموزش و پرورش بوده است در سال ۱۳۶۷ طی حکمی عضو ستاد تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش گردید و در تدوین فلسفه تعلیم و تربیت و پیش نویس طرح بنیادی تغییر نظام آموزش و پرورش با وزارت آموزش و پرورش مشارکت نمود. در طی این دوران همچنان به دروس حوزه اشتغال داشته و به فراگیری درس خارج از اساتیدی چون آیت الله جوادی آملی، فاضل لنکرانی (ره)، مکارم شیرازی، وحید خراسانی بهره برده است و دوره تخصصی فلسفه اسلامی از منطق منظومه تا فلسفه و عرفان اسلامی را گذرانده است. وی در طول دوره های تحصیل حوزه و خدمت در آموزش و پرورش در سال ۱۳۶۹ با تاسیس موسسه فرهنگی تربیتی توحید در جهت پیشبرد اهداف تعلیم و تربیت اسلامی تلاش نموده و حاصل سالها فعالیت و مطالعه و تجربه مفید آموزشی و تربیتی، تالیف بیست جلد کتاب و مقالات مختلف در مجله پیوند و تربیت و سایر روزنامه ها و ویژه نامه های تربیتی وابسته به آموزش و پرورش اقدام نموده است که برخی از این کتابها بارها به چاپ رسیده است و تجدید چاپ مکرر گردیده است و در حال حاضر کماکان مدیر موسسه فرهنگی تربیتی و مجتمع آموزشی دخترانه و پسرانه توحید می باشند و با طرح ارزشیابی توصیفی، حرکتی نو در جامعه آموزشی ایران ایجاد نموده و اخیرا با وزارت آموزش و پرورش در جهت تالیف کتاب مهارتهای زندگی همکاری مستمر داشته اند. (مهر ۱۳۸۵)

فرهنگ شیرازی، ابوالقاسم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۰۹ - ۱۲۴۲ ق)، خطاط، ادیب، نویسنده و شاعر، متخلص به فرهنگ. وی چهارمین فرزند وصال شیرازی است. در شیراز به دنیا آمد. در آغاز جوانی به تحصیل علوم ادبی و فنون ریاضی پرداخت. علم جفر و رمل را نیز فراگرفت و زبان فرانسه را به تشویق حکیم قآنی آموخت. فرهنگ شاعری توانا و در آداب سخنوری استاد بود. وی هفت اقلیم را خوش می نوشت و در خط ثلث مهارت خاصی داشت. او در شیراز درگذشت و در حرم سید میرمحمد، برادر شاهچراغ، به خاک سپرده شد. آثار خطی وی: یک نسخه «حدائق السحر» رشید و طواط، به خط نسخ و شکسته کتابت خوش، با رقم: «حرره العبد الاقل... ابوالقاسم بن... وصال الشاعر... سنه ۱۲۷۸ ثمان و سبعین و مأتین بعد الالف». دیگر آثار وی: شرح «حدائق السحر» رشید و طواط، به طرز چهار مقاله‌ی نظامی عروضی، متجاوز از پانزده هزار بیت: کتاب لغتی به نام «فرهنگ فرهنگ»، شال لغات مصطلحه فارسی، عربی و ترکی؛ رساله‌ی «طب البله» یا «سکنجینی» در مطایبات؛ شرح و ترجمه‌ی کتاب «بارع»، در علم نجوم بالغ بر ده هزار بیت؛ «دیوان» شعر، نزدیک به دوازده هزار بیت، به فارسی و عربی. [۱]

(بخش ۱) ابوالقاسم بن (میرزا) محمدشفیع وصال، شاعر و نویسنده‌ی دوره‌ی قاجاریه (و. ۱۲۴۲ ه. ق - ف. ۱۳۰۹ ه. ق). وی برادر وقار، داوری و یزدانی بود. فرهنگ در کودکی نزد پدر به تحصیل علم و خط پرداخت و پس از پدر نزد وقار برادر بزرگ خویش به تکمیل علوم و ادبیات مشغول گردید و گذشته از شعر و فنون ادبی در تحصیل رمل و جفر و اسطرلاب رنج بسیار کشید و در این فنون استاد شد در سال ۱۲۷۴ با وقار سفری به تهران کرد و دو سال بعد با وی به همراهی حسام السلطنه به شیراز بازگشت. سفر دیگری پس از مرگ وقار به شیراز نمود (حدود ۱۳۰۰). وی ناصرالدین شاه و حاج معتمدالدوله فرهاد میرزا، حسام السلطنه سلطان مراد میرزا، حاج معدل شیرازی را مدح نمود و مانند وقار و دیگر برادران نزد ممدوحان خویش اعزاز و احترام بسزا داشته

است. فرهنگ در اشعار خویش مانند داوری و وقار یکی از پیروان سبک خراسانیست. مضامین بکر در اشعار او بسیار است و نوعی تجدد از آنها استنباط می‌شود. برخی از قصاید وی مشحون از لغات فرانسه می‌باشد. و شماره‌ی اشعار او را بالغ بر ۲۰۰۰۰ می‌دانند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار عجم (۳۵۶-۳۵۴)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۲۰ / ۴، ۳۴-۳۲ / ۱)، اطلس خط (۵۶۶)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۱۰-۲۰۸ / ۴)، تاریخ هنرهای ملی (۹۸۸ / ۲)، حدیقه الشعراء (۱۳۷۰-۱۳۶۰ / ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۳۵-۱۳۱ / ۴)، الذریعه (۲۱۳ / ۱۶، ۱۸۵، ۱۳ / ۲۰۷، ۱۲ / ۸۲۹، ۹ / ۳۳۲-۳۳۴)، شرح حال رجال (۱۰-۹ / ۶)، طرائق الحقائق (۳۸۱-۳۷۹ / ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۰۱۴-۱۰۱۱ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۷۰۴)، گلستان هنر (بیست)، المآثر و الآثار (۲۰۶)، مجمع الفصحا (۸۱۷-۸۰۷ / ۵)، مرآت الفصاحه (۴۷۳-۴۷۱)، مکارم الآثار (۱۱۷۴-۱۱۷۳ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۲۷۳-۲۷۲ / ۱).

فرهنگ، ناصرالدین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ناصرالدین فرهنگ

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۴/۳

زندگینامه علمی

اینجانب ناصر فرهنگ (ناصرالدین انصاری قمی) در اول ربیع الثانی ۱۳۸۸ ق- سوم تیرماه ۱۳۴۷ ش- در شناسنامه ۵ مرداد ۱۳۴۶ ثبت است. در بیت علم و فضیلت زاده شدم. پدرم شارح و ناظم نهج البلاغه، و شاعر اهلیت مرحوم حجة الاسلام حاج شیخ محمد علی انصاری قمی و عموهایم حجج الاسلام: حاج شیخ مرتضی، حاج شیخ احمد و حاج شیخ محمود انصاری از علمای قم و نجف بوده‌اند. کودکی را در دامان پدرم پشت سر نهادم و از او درس قرآن و نهج البلاغه و ادبیات آموختم و در ۱۴ سالگی به طلبگی روی آوردم و در اندک مدتی مقدمات را آموختم و به فراگیری سطوح پرداختم. از همان اول به تدریس و تالیف علاقمند بودم و چند بار جامع المقدمات و بعد معالم و شرح لمعه را تدریس کردم، سپس در سال ۱۳۷۷ تدریس نموده‌ام. از سال ۱۳۶۸ ش، مقالاتم در مجله نور علم و مشکاة به چاپ رسید که تاکنون هم ادامه دارد. از سال ۱۳۶۵ ش، به تبلیغ دین و منبر در شهرها و روستاهای مختلف پرداختم که تاکنون هم ادامه دارد. از سال ۱۳۷۵ ش به امامت جماعت در مسجد شاه خراسان (قم) هر دو وعده اشتغال دارم و از سال ۱۳۷۷ عضو مجلس استفتای آیت الله العظمی علوی گرگانی بوده‌ام و از سال ۱۳۸۴ به عنوان نماینده طلاب و فضیلتی قمی به خدمت اشتغال داشته‌ام. در سال ۱۳۸۵ ش به عنوان کاندیدای مجلس خبرگان رهبری از استان قم ثبت نام کردم که بعد، انصراف دادم. در کنگره‌های مختلف با ارائه مقالات و سخنرانیها شرکت داشته‌ام: ۱. کنگره جهانی امام رضا (ع) - مشهد (۲ بار) ۲. کنگره کتاب و کتابخانه در اسلام- مشهد (۲ بار) ۳. کنگره کتاب میرزا محمد حسن آشتیانی- آشتیان ۴. کنگره سید عبد الله

بلادی بوشهری- بوشهر ۵. کنگره سید جعفر اعرجی- ایلام ۶. کنگره شیخ انصاری- قم ۷. کنگره شیخ مفید- قم ۸. کنگره محقق اردبیل- قم ۹. کنگره علامه مجلسی- اصفهان ۱۰. کنگره آقا جمال خوانساری- خوانسار ۱۱. کنگره محقق نراقی- کاشان ۱۲. کنگره فیض الاسلام- خمینی شهر ۱۳. کنگره حضرت عبد العظیم- شهر ری ۱۴. کنگره شیخ خطی- تهران ۱۵. کنگره شیخ فضل الله نوری- نور و دهها همایش و کنگره دیگر ۱۶. کنگره شرف الدین- قم ۱۷. کنگره علامه بلاغی- قم ۱۸. همایش مدرس خیابانی- تهران ۱۹. همایش شیخ محمد تقی آملی- تهران ۲۰. کنگره حضرت زینب- همدان. ضمناً از آیات عظام (مذکور در ذیل) اجازه روایت و امور حسیه دارم: ۱. آیت الله علوی گرگانی (روایت و حسیه) ۲. آیت الله فاضل لنکرانی (روایت و حسیه) ۳. آیت الله صافی گلپایگانی (روایت و حسیه) ۴. آیت الله مظاهری اصفهانی (روایت و حسیه) ۵. آیت الله سبحانی (روایت) ۶. آیت الله نجومی (روایت) ۷. آیت الله پایانی ادرییلی (روایت) ۸. آیت الله نجفی مرعشی (روایت) ۹. آیت الله گلپایگانی (روایت) ۱۰. آیت الله شیخ بشیر نجفی (روایت)

فرهنگیان آستیم، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ویراستار، مترجم.

تولد: ۱۳۲۱، کرمانشاه.

درگذشت: ۱۳۵۶.

محمد فرهنگیان فعالیت‌های فرهنگی خود را با همکاری با مجله‌ی «خواندنیها» که در آن با نام مستعار «م.م.» مقاله‌های انتقادی می‌نوشت. آغاز کرد. از سال ۱۳۴۵ به عنوان ویراستار با مؤسسه‌ی فرانکلین شروع به کار کرد و همزمان برای نشریاتی چون «آیندگان»، «فردوسی» و ماهنامه‌ی «فرهنگ و زندگی» مقاله می‌نوشت. سپس به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان رفت و به عنوان ویراستار به کار پرداخت. از آنجا به مرکز مطالعه‌ی فرهنگ‌ها رفت و با سمت سازمانی ویراستار ارشد تا سال ۱۳۶۱ در آن مرکز فعالیت کرد.

محمد فرهنگیان در زمینه‌ی ویرایش، ترجمه، نقد ادبی و هنری فعالیت داشت و از جمله کارهای او می‌توان از عنوان‌های زیر یاد کرد: کتابی در نقد آسیا (در مقابل غرب نوشته داریوش شایگان که منتشر نشد)؛ گزارشی درباره‌ی ابیانه و پژوهش و تحقیقی درباره‌ی سرگذشت و آثار تاریخی شهر امام از منطقه‌ی دیلمستان در بلوک رامکوه و تحقیق و پژوهشی درباره‌ی لافت در جزیره قشم. وی این سه رساله را برای مرکز مطالعه‌ی فرهنگ‌ها نوشت. همچنین گفتار تلویزیونی درباره‌ی پیرچک‌چکو ساخته‌ی منوچهر عسگری را هم او تهیه نمود.

در زمینه‌ی ترجمه می‌توان از کارهایی چون نمایشنامه‌ی آسانسور مطبخ از هارولد پینتر که چندین بار چاپ شده و کتاب ویلیام تل برای کودکان و نوجوانان و همچنین از ترجمه‌های چاپ نشده‌ی وی از چستی علم از چمرز و آنک آن مرد از نیچه را نام برد. فرهنگیان ویرایش کتاب‌های زیادی را عهده‌دار بوده است، از آن جمله است: فلسفه‌ی هگل (ترجمه حمید عنایت)؛ فلسفه ریاضی؛ حقیقت و ضرورت در ریاضیات؛ انواریه سهروردی؛ کوه‌های سفید و... که همگی به طبع رسیده‌اند.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

فرهودی، ابوالحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۳، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۳۲، دکترای تخصصی بیماریهای کودکان از بخش مرحوم دکتر

محمد قریب در سال ۱۳۴۶.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آلرژی به شیر گاو و مقایسه با شیر مادر، تاگومیتوز و آلرژی به شیر گاو، اندازه‌گیری ایمونوگلوبولین اطفال ایرانی، مقایسه NBT و

Killing در بیماران CCD، آلرژی به پنسیلین در کودکان، اندازه‌گیری ارقام طبیعی فونکسیون تنفسی از ۶ ساله تا ۲۰ ساله، مطالعه

بیماران مبتلا به عیب اولیه مژکها (PCD)، مطالعه آلرژیهای هوایی کرج و تهران، راه اندازی آزمایشگاه ایمونولوژی و آلرژی توام

با بخش ایمونولوژی و آلرژی بالینی کودکان، روشهای ایمونوفلورسانسی در ایمونولوژی، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۲۰

پایان‌نامه دکترای تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

بیماریهای کودکان، ایمونولوژی کودکان، بیماریهای شایع آلرژی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: متعدد، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

اکثرا در رابطه با پژوهش در زمینه ایمونولوژی و آلرژی می‌باشند.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

فرهودی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۵ ش)، مورخ، مترجم و نویسنده. در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات عالی در مدرسه‌ی علوم سیاسی و دانشکده‌ی حقوق در ۱۳۱۴ ش وارد خدمت وزارت فرهنگ شد و چند سال بعد ریاست فرهنگ مازندران را به عهده گرفت. بعد از آن مشاغل مختلفی را عهده‌دار شد، از جمله: ریاست دبیرستان، کفالت اداره‌ی اوقاف، ریاست دفتر وزارتی، ریاست دانشکده‌ی کشاورزی. در ۱۳۲۲ ش به نمایندگی مجلس انتخاب گردید. از آثار وی: «تاریخ قرن نوزدهم»، ترجمه؛ «دوره‌ی تاریخ عمومی»؛ «راههای پیشرفت اقتصادی»، ترجمه؛ «فروغ زندگی، پرورش افکار سالمندان و دانش آموزان».[۱]

در ۱۲۸۵ تولد یافت. پس از انجام تحصیلات مقدماتی وارد مدرسه‌ی عالی سیاسی شد و درجه‌ی لیسانس گرفت. خدمات اداری را از وزارت فرهنگ آغاز کرد. چندی رئیس دفتر وزارتخانه بود، بعد رئیس اداره تعلیمات سالمندان و رئیس تعلیمات عمومی شد. در تالیف کتب درسی هم مداخله داشت. در دوره‌ی چهاردهم در ۱۳۲۲ از دزفول به نمایندگی مجلس انتخاب گردید. در دوره‌ی پانزدهم توفیقی پیدا نکرد. چندی سمت مشاوری در وزارت فرهنگ داشت تا اینکه در ۱۳۲۶ هنگام نخست‌وزیری ابراهیم حکیمی، به معاونت پارلمانی و اداری نخست‌وزیر تعیین گردید. در انتخابات دوره‌ی شانزدهم مجدداً از دزفول انتخاب گردید و در تصمیمات خود در مجلس از دکتر مصدق پیروی می‌کرد و در آراء خود نظر استصوابی او را می‌گرفت. به همین دلیل مورد توجه او قرار گرفت و به دوران نخست‌وزیری اش او را با سمت وزیرمختار ریزن اقتصادی ایران در ایتالیا نمود. فرهودی در این سمت با حکومت مصدق همراهی و همکاری داشت مقالاتی در تایید دکتر مصدق در مطبوعات خارج و داخل انتشار می‌داد. در اواخر حکومت مصدق، با کسب مرخصی به تهران آمد. روزنامه‌های باختر امروز و اطلاعات را اداره می‌کرد. تمام مقالات تند روزنامه‌ها به قلم او بود. پس از ۲۸ مرداد از شغل خود به طور موهن و زنده‌ای برکنار شد. به تهران آمد و به حال انزوا می‌زیست. سرانجام سوراخ دعا را پیدا کرد. دولت از سر تقصیرات او گذشت و به وی شغلی دادند و به معاونت پارلمانی وزارت کشور منصوب شد. چند سالی در آنجا بود تا کنار رفت. چندی بیکار ماند تا اینکه در انتخابات انجمن شهر تهران با کمک حزب ایران‌نویین به عضویت انجمن برگزیده شد. در نخستین جلسه به اتفاق آراء رئیس انجمن شهر شد و بین وی و شهردار وقت تهران نزدیکی و دوستی زیادی ایجاد شد و به غالب کشورهای درجه اول دنیا مسافرت کردند.

فرهودی از زمانی که در اروپا اقامت داشت، در دانشگاه سورین ثبت‌نام نمود و دکترای اقتصاد دریافت کرد. وی مردی دانشمند و محقق بود. از جوانی با مطبوعات همکار داشت. عباس مسعودی مدیر روزنامه‌ی اطلاعات در روزهای آخر زمامداری دکتر مصدق، روزنامه را به فرهودی سپرده بود و خود در اروپا به سر می‌برد. فرهودی مقالات تندی علیه شاه و به نفع مصدق انتشار می‌داد. بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، فرهاد دادستان فرماندار نظامی وقت، عباس مسعودی را برای ادای توضیحات به دفتر خود احضار کرد و علت انتشار آن مقالات را جویا شد. چون جواب قانع‌کننده‌ای نتوانست دریافت کند، او را مورد ضرب و شتم قرار داد و اهانتها به او کرد. از تالیفات ایشان تاریخ عمومی ایران را در سه جلد، ترجمه‌ی تاریخ قرن نوزدهم در دو جلد، و ترجمه‌ی کتاب راه‌های پیشرفت اقتصادی را می‌توان نام برد. وی مدتها در دانشسرای عالی جغرافیای اقتصادی تدریس می‌کرد. فرهودی داماد وحیدالملک شیبانی بود.

برگرفته از کتاب: شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه: [۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۴۶۸-۱۴۶۷ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۹-۸۳۸ / ۲).

فرهودی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

فرهی، عزت‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، مترجم. وی در رشته‌ی زبان در دانشسرای عالی تحصیل کرده و کتابهایی به زبان فارسی ترجمه کرده است. از آثارش: «آبهای بهاری»، ترجمه؛ «اسرار موفقیت»، ترجمه؛ «اشعه‌ی آفتاب و فواید آن»، ترجمه؛ «عشق نخستین»، ترجمه؛ «قوه‌ی عصبی»، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۰۹، ۵ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۱ - ۵۰ / ۴).

فرهی، فرج‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: داروسازی، دانشکده: داروسازی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

فریابی، ابوبکر جعفر

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۰۱ - ۲۰۷ ق)، قاضی و محدث. اهل فریاب بلخ و ساکن بغداد بود. برای کسب حدیث سفرهای زیادی کرد و در خراسان و ماوراءالنهر و عراق و حجاز و مصر و شام و جزیره بزرگان و محدثین را ملاقات کرد و از آنان حدیث شنید. چون به بغداد رسید، مورد استقبال قرار گرفت. وی در بغداد سکنی گزید و مجلس درس آراست. در مجلس او گاه در حدود سی هزار نفر شرکت می‌کردند. که در میان آنها سیصد و شانزده نویسنده‌ی حدیث بودند. او در آن جا از هدبه بن خالد و علی بن مدینی و محمد بن بندار و هیثم بن ایوب طالقانی و ابوقدامه‌ی سرخسی و قتیبه بن سعید بلخی و اسحاق بن راهویه و محمد بن حمید رازی و احمد بن فرات رازی و یونس بن حبیب اصفهانی و عبدالرحیم بن حبیب فریانی و محمد ابن زنجویه و فرزندان ابراهیم دورقی و بسیاری دیگر حدیث روایت کرد. محمد بن مخلد دوری و ابوالحسین بن منادی و ابوبکر شافعی و ابوالقاسم طبرانی و ابواحمد بن عدی و ابوبکر اسماعیلی و ابوبکر جعابی و ابوبکر آجری و ابوالحسین محمد رازی و حسن بن عبدالرحمان رامهرمزی و خلق بسیاری از وی حدیث

روایت کرده‌اند. وی در مصر و بغداد روایت حدیث کرد. خطیب بغدادی او را ثقه‌ای مورد اعتماد توصیف کرده است. فریابی مدتی قاضی دینور بود. او را یکی از بزرگان معرفت و فهم و علم خوانده‌اند. وی در بغداد در گذشت و در مقابر باب الانبار دفن شد. از آثار باقی‌مانده از وی: رساله‌ی «صفه النفاق و ذم المنافقین»؛ رساله‌ی «دلائل النبوه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲ / ۱۲۳)، انساب سماعی (۴ / ۳۷۶)، تاریخ بغداد (۲۰۲- ۱۹۹ / ۷)، سیر النبلاء (۱۱۱- ۹۶ / ۱۴)، شذرات الذهب (۲ / ۲۳۵)، طبقات الحفاظ (۳۰۵)، الکامل (۶ / ۱۴۷)، معجم البلدان (۴ / ۲۹۴).

فریار، عبدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۹ ش)، مترجم و نویسنده. وی قبل از مسافرت به آمریکا مدت ده سال در وزارت فرهنگ به معلمی و خدمات فرهنگی مشغول بود. در آمریکا به تکمیل تحصیلات خود در رشته‌ی آموزش و پرورش پرداخت و از دانشگاه کلمبیا فارغ‌التحصیل شد و در ضمن در دبیرخانه‌ی سازمان ملل متحد به کار مشغول گشت. وی سپس به دانشگاه تهران منتقل شد و به استادی رسید و مدتی نیز ریاست دانشگاه مشهد را عهده‌دار بود. از آثار وی: «تاریخ صنایع ایران، باستانشناسی، ترجمه؛ «جرج واشنگتن کارو»، ترجمه؛ «راهنمای صنایع اسلامی»، ترجمه؛ «طوفان»، ترجمه؛ «فلسفه‌ی تاریخ»، ترجمه؛ «روش آموزش و پرورش در چند کشور: انگلستان، سوئیس و مصر»؛ «کتاب انگلیسی»، برای دوره‌ی دبیرستان، به مشارکت علی پاشا صالح. [۱]

مترجم.

تولد: ۱۲۹۸.

در گذشت: مرداد ۱۳۶۳.

عبدالله فریار، میرزا آقاخان عصر انقلاب (وکیل مجلس از اردبیل در دوره‌های پنجم و ششم از خلخال)، بود که روزنامه‌ای به همین نام یعنی «عصر انقلاب»، منتشر می‌کرد. تحصیلات وی در ایران و آمریکا صورت گرفته است. وی قبل از مسافرت به آمریکا مدت ده سال در وزارت فرهنگ به معلمی و خدمات فرهنگی مشغول بود. در آمریکا به تکمیل تحصیلات خود در رشته‌ی فارغ‌التحصیل شد و در ضمن در دبیرخانه‌ی سازمان ملل متحد کار می‌کرد. در موقعی که سازمان مزبور خواست اداره‌ی اطلاعات را تأسیس کند، او را به ریاست آن انتخاب کرد.

از آثار اوست: تاریخ صنایع ایران (کریستی ویلسن، ۱۳۱۷)؛ دکتر جرج واشنگتن کارو (شرلی گراهام و جرج لیپکم، ۱۳۳۲)؛ راهنمای صنایع ایران (م. س. دیمانند، ۱۳۳۶)؛ روش آموزش و پرورش در چند کشور؛ انگلستان و سوئیس و مصر (ترجمه، ۱۳۲۰)؛ طرز اداره آموزشگاه (۱۳۱۷)؛ طوفان (جرج ر. استوارت)؛ فلسفه تاریخ (امری نف، ۱۳۴۰)؛ کتاب انگلیسی (با مشارکت علی پاشا صالح برای سال ششم دبیرستان‌ها، ۱۳۲۳)؛ تخت جمشید (رایش اشمیت، ترجمه با همکاری دیگران، ۱۳۴۲)؛ مردم‌شناسی ایران (هنری فیلد، ۱۳۴۳)؛ معماری اسلامی ایران در دوره‌ی ایلخانان (دونالد ویلبر، ۱۳۴۶).

فرزند میرزا آقاخان عصر انقلاب، در ۱۲۸۸ متولد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در تهران به پایان رسانید و برای ادامه تحصیلات به انگلستان رفت. ابتدا لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی و اقتصاد از دانشگاه لندن گرفت، سپس عازم آمریکا گردید و از دانشگاه کلمبیا فوق‌لیسانس در علوم تربیتی دریافت کرد. آنگاه تحصیلات خود را در همان دانشگاه ادامه داد و درجه‌ی دکترای

علوم تربیتی گرفت و به ایران بازگشت. چندی در دانشسرای عالی به استادی اشتغال داشت، مدتی هم بازرس فنی وزارت فرهنگ بود. در سال ۱۳۳۴ در حکومت علاء مدیرکل اداره تبلیغات و معاون نخست‌وزیر شد. پس از سقوط کابینه‌ی علاء به دعوت سازمان ملل به آمریکا رفت و ریاست اداره‌ی آموزش را در سازمان ملل عهده‌دار شد. از مشاغل دیگر وی نمایندگی سازمان ملل با سمت دبیرکلی در پاکستان بود. در آفریقای شرقی و نیجریه نیز دارای همان سمت بود. پس از این مأموریت به ایران بازگشت و به معاونت وزارت علوم و آموزش عالی منصوب گردید. مدتی هم ریاست دانشگاه فردوسی را عهده‌دار بود. آخرین سمت وی در ایران قائم مقامی دبیرکل کمیته‌ی ملی پیکار جهانی با بیسوادی بود. آثار زیادی از اعلم از تالیف و ترجمه از او باقی مانده است که بخشی از آنها عبارتند از: تاریخ صنایع ایران، تخت جمشید، راهنمای صنایع اسلامی، مردم‌شناسی ایران و روش آموزش در چند کشور. دکتر عبدالله فریار در سال ۱۳۵۶ درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۶۵۲ / ۲ / ۷۱۹، ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۹۸۰-۹۷۹ / ۳).

فریب اصفهانی، عبدالغفار

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، طیب، خطاط و شاعر، متخلص به فریب. پدرش از افاضل اصفهان بود. وی تحصیلات خود را در اصفهان و سپس در تهران به پایان رسانید و در هیجده سالگی جامع علوم ادبی بود. او از علوم معقول و منقول نیز بهره داشت و در علم طب ماهر بود. صاحب «مجمع الفصحا» آورده که: «... از فرط کیاست طرز معالجه جدید اطبای فرهنگ را مزید طب قدیم کرده...». وی قصیده را نیکو می‌سرود و در خط نستعلیق سرآمد اقران خود بود. او ابتدا خطاط و سپس فریب تخلص می‌کرد. از آثار وی: رساله‌ی درباره‌ی «بیماری و با»، به عربی؛ منظومه‌ای در «تشریح»، به فارسی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۴۰۵-۴۰۴ / ۲)، حدیقه الشعراء (۱۳۷۴-۱۳۷۲ / ۲)، الذریعه (۹۶ / ۲۳، ۸۲۹ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۰۷-۷۰۶)، مجمع الفصحا (۸۲۸-۸۲۰ / ۵).

فرید پاک، فرهاد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. وی نایب رییس اداره‌ی بهره‌برداری شیلات در بندر انزلی بود. از آثار وی: «آب و هوای کرانه‌های شمالی ایران»؛ «ماری استوارت»، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۸۵۳ / ۲ / ۵، ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۱۸ / ۴).

فرید حسینی، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: آلرژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

فرید گلپایگانی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۲۸۰.

درگذشت: ۱۳۶۶.

از آثار اوست: اثبات صانع و مراتب توحید (تهران، ۱۳۶۳)؛ تفسیر سوره اسراء، مؤمنون و ملک (۱۳۶۶)؛ تفسیر سوره حدید، صف، تغابن و رساله‌ای در ولایت (تهران، ۱۳۶۴)؛ تفسیر سوره مبارکه جمعه و تفسیر سوره کریمه منافقون (تهران، ۱۳۶۴)؛ رساله فی صلاة الجمعة و ساله فی التقیه (۱۳۶۴)؛ متمم قانون اساسی اسلام (تهران، ۱۳۶۴)؛ مناسک عمره مفرد (تهران، ۱۳۶۴).
حاج شیخ حسن بن العالم الجلیل و التقی الزکی حاج ملا محمد مهدی گلپایگانی از علماء معاصر تهرانست که در جنوب غربی تهران در مسجد علوی واقع در خیابان رباط کریم به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال داشت.

وی در ماه صفر ۱۳۱۹ ق متولد شده و دوره مقدمات را در گلپایگان خوانده و در سال ۱۳۳۶ ق به شهرستان اراک رفته و دوره سطح را در حوزه علمیه آن شهرستان به پایان رسانیده و در سال ۱۳۴۰ ق که آن حوزه بیلده طیبه قم انتقال یافت جزو مهاجرین آن حوزه به قم مهاجرت نموده و معقول را در نزد مرحوم میرزا علی اکبر حکیم یزدی خوانده و تا پایان سال ۱۳۴۵ ق از محضر مبارک و درس فقه و اصول مرحوم آیت الله العظمی حایری یزدی طاب ثراه بهره‌مند شده آنگاه برای اطلاع بر مبانی اساتید بزرگ نجف اشرف به آن مرکز علمی مهاجرت نموده و سه سال از محضر آیات عظام و مراجع بزرگ چون آیت الله حاج میرزا حسین نائینی و آیت الله استاد محقق آقا ضیاءالدین عراقی و فقیه اهل البیت آیت الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی قدس الله اسرارهم استفاده کرده سپس به حوزه علمیه بازگشت نموده تا سال ۱۳۶۵ ق که برای نشر معارف و احکام اسلام باین مرکز تبلیغی تهران انتقال یافته و تا این تاریخ بوظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

دارای آثار و تألیفات ارزنده و آموزنده‌ای می‌باشد که از نظر اهل ادب و دانش می‌گذرانم:

- ۱- ترجمه مفتاح الابواب یا تاریخ باب و بهاء که در سال ۱۳۳۴ بطبع رسیده و تاکنون مکرر چاپ شده است.
- ۲- راه بزرگواری که در سال ۱۳۳۶ بچاپ رسیده و برای دومین بار هم بنام روش بزرگواری منتشر شده است.
- ۳- قانون اساسی اسلام که چاپ اول آن در تاریخ ۱۳۴۹/۵/۲۷ منتشر شد و در تاریخ ۱۳۵۰/۵/۱۰ تجدید طبع شده و مورد توجه دانشمندان و محصلین واقع شده است.
- ۴- ارمغان فرید که در سال ۱۳۵۰ ق منتشر گردیده است.

۵- دشمنی خویشاوندان یا عداوت خاندان یزید با خاندان حسین شهید علیه‌السلام.

۶- رساله استدلالی در خمس که هنوز بطبع نرسیده است.

۷- ملاحظات الفرید علی فوائد الوحید.

(تو ۱۳۱۹ ق)، عالم دینی و فقیه. دوره‌ی مقدمات را در گلپایگان خواند و در ۱۳۳۶ ق به شهرستان اراک رفت و دوره سطح را در حوزه‌ی علمیه آنجا به پایان رسانید. در ۱۳۴۰ ق به قم رفت و معقول را نزد میرزا علی‌اکبر حکیم یزدی خواند و تا پایان ۱۳۴۵ ق از محضر درس فقه و اصول آیت‌الله حایری یزدی بهره‌مند شد. آن‌گاه به نجف رفت و سه سال از محضر آیت‌الله میرزا حسین نایینی و آیت‌الله آقا ضیاء‌الدین عراقی و آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نمود. سپس به حوزه‌ی علمیه قم بازگشت. وی در ۱۳۶۵ ق برای نشر معارف و احکام اسلامی به تهران آمد. از آثارش: ترجمه «مفتاح الابواب» یا «تاریخ باب و بهاء»؛ «راه بزرگواری» یا «روش بزرگواری»؛ «قانون اساسی اسلام»؛ «ارمغان فرید»؛ «دشمنی خویشاوندان» یا «عداوت خاندان یزید با خاندان حسین شهید (ع)»؛ رساله‌ی استدلالی در «خمس»؛ «ملاحظات الفرید علی فوائد الوحید». [۱]

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۴/ ۴۲۶، ۵۲۲- ۵۲۱ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۶۵۴- ۶۵۳ / ۲).

فرید محسنی نجفی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۹۰- ۱۳۱۵ ق)، عالم دینی، فقیه و مدرس. در نجف به دنیا آمد و در مهد علم تربیت یافت. سپس با پدرش به اراک رفت و پس از تحصیل مقدمات و فراگیری علوم ریاضی و طبیعی در محضر برخی از علماء همچون آخوند ملا- محمد صابونی و آقا میرزا ابوالحسن کمره‌ای، که از شاگردان برجسته خراسانی بود، و آخوند ملا محمد تقی گلپایگانی استفاده کرد و پس از آن از محضر آیت‌الله شیخ عبدالکریم حایری یزدی که در آن زمان در اراک بودند، در فقه و اصول استفاده‌ها نمود. سپس با وی به قم مهاجرت نمود و تا ۱۳۵۱ ق از بحث‌های آن بزرگ بهره جست. آن‌گاه به اراک مراجعت کرد و تا ۱۳۷۵ ق به تدریس فقه و اصول خارج پرداخت و شاگردان فاضلی تربیت نمود. در همان سال برای همیشه به قم رفت و به تدریس استدلالی فقه و اصول پرداخت و عده‌ای از زبده‌ترین محصلین به درسش حاضر می‌شدند. او به بیماری سرطان در تهران در گذشت، و پیکرش به نجف منتقل و طبق وصیتش در جوار امیرالمومنین (ع) به خاک سپرده شد. از آثار وی: «تقریرات و دراسات» آیت‌الله حایری؛ تألیفاتی در فقه و اصول تفسیر. [۱]

سید آیت‌الله مرحوم حاج آقا حسن بن العلامه حاج آقا مصطفی بن العلامه الکبری والایه الله العظمی حاج آقا محسن عراقی از علماء اعلام و آیات عظام حوزه علمیه قم که به فضل و کمال و قدس و مقام موصوف و به دقت نظر و هم مناعت طبع و متانت نفس معروف عالی و دانی بودند.

ولادتش در سوم جمادی‌الثانی سال ۱۳۱۵ ق در نجف اشرف واقع شده و در مهد علم و کمال تربیت یافته و با والد مرحومش به اراک آمده و پس از تحصیل مقدمات و مقداری علوم ریاضی و طبیعی به درک فیض محضر بعضی از دانشمندان اراک از قبیل مرحوم آخوند ملا محمد صابونی و مرحوم آمیرزا ابوالحسن کمره‌ای که از فضلاء تلامذه مرحوم خراسانی بوده و مرحوم آخوند ملا محمدتقی گلپایگانی استفاده کرده و پس از آن از محضر مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم یزدی که در آن زمان در اراک

بودند استفاده نموده و تا مدتی که در آنجا بودند فقها و اصولا در محضرشان حاضر و پس از مهاجرت آن مرحوم به قم ایشان هم مانند دیگران از اصحاب و شاگردان حایری به قم آمده و تا سال ۱۳۵۱ ق مدت ۱۱ سال از اباحت آن مرحوم استفاده نموده آنگاه به اراک مراجعت و تا سال ۱۳۷۵ ق در وطن خود به تدریس فقه و اصول خارج پرداخته و فضلائى تربیت نموده و در سال مزبور برای همیشه به قم مهاجرت و در بلده طیبه رحل اقامت افکنده و به تدریس استدلالی فقه و اصول پرداخته‌اند.

و عده‌ای از مبرزین و زبده‌ترین محصلین و فضلاء به درسش حاضر شده تا در ۱۳۹۰ ق که مبتلا به کسالت سرطان و در تهران بدرود زندگی گفته و جنازه‌اش طبق وصیتش حمل به نجف اشرف و در جوار مولای متقیان امیرالمومنین علیه‌السلام مدفون گردید نوشته‌های ایشان تقریرات و دراسات آیت‌الله حایری و هم تالیفات در فقه و اصول و تفسیر است که به طبع نرسیده است.

ظرائف عجیبه و حکایات نادره‌ای داشت و بسیار بامعنویت و باصفا بود کمتر در اجتماعات می‌آمد و غالباً در فراغت به تهذیب نفس و تکمیل روح پرداخته و با آفریدگار عزیز راز و نیاز می‌کرد و هم با مولایمان صاحب‌الزمان ارواحنا له الفداء سر و سری داشت و بسیار این بیت را می‌سرود:

به امید طاعت تو همه عمر زنده باشم

چه نباشد این سعادت نه من و نه زندگانی

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۲۱۸-۲۱۶ / ۲).

فرید معیر، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۴، مرتبه علمی: استاد، رشته: پاتوبیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای داروسازی در سال ۱۳۴۳، دکترای تخصصی در رشته انگل‌شناسی پزشکی و دریافت مدرک M.P.H رشته پاتوبیولوژی.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انگل‌شناسی پزشکی و کاربرد آن، استاد راهنمای ۲۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

انگل شناسی پزشکی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

فرید، جواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: داروسازی، دانشکده: داروسازی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای داروسازی با رتبه ممتازی از دانشگاه علوم پزشکی تبریز در سال ۱۳۴۱، دیپلم تخصصی داروسازی صنعتی از دانشگاه مونیخ فرانسه در سال ۱۳۴۹.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه علوم پزشکی تبریز، استاد نمونه در سال ۱۳۶۸. زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

داروهای صنعتی، داروسازی و داروشناسی، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۶۲ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

داروسازی و داروسازی صنعتی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۶۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۱

زمینه علمی مقالات:

داروسازی صنعتی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

فریدالدین

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عمر بن غیلان بلخی، معروف به فرید غیلانی، حکیم ایرانی در نیمه‌ی اول قر. ۶ ه. وی در ۵۲۳ ه. ق در نامیه‌ی مرو مشغول بوده و قسمتی از عمر خود را در سمرقند گذرانیده و فخرالدین رازی در ۵۸۲ به خانه‌ی او رفته است فرید در فلسفه شاگرد ابوالعباس

لوکری شاگرد بهمنیار شاگرد ابن سیناست آثار مهم او عبارتند از: «حدوث العالم»، «التنبیه علی تمویهات کتاب التنبیهات»، «التوطئه للتخطئه» در ذکر ایراداتی بر منطق ابن سیناست. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

فریدن اصفهانی، رحمت‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اهواز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی داخلی از ایران و گذراندن فرصت مطالعاتی و تحصیلات تکمیلی در انگلستان.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علوم پزشکی شهید چمران اهواز در سال ۱۳۶۱، و ارتقاء به درجه استادی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید چمران اهواز از سال ۱۳۷۱ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بیماریها و اختلالات دستگاه گوارش، بیماریهای کبد و مجاری صفراوی، راهنمایی مشاوره و نظارت بر یک پایان‌نامه کارشناسی و بیش از ۱۰ پایان‌نامه دکترای عمومی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

بیماریها و اختلالات دستگاه گوارش.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۸، تعداد مقالات به زبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

بیماریها و اختلالات دستگاه گوارش، سیستم آندوکروینی مؤثر بر دستگاه گوارش، دهان و دندان و بررسی‌های آماری آندوسکوپی با مقایسه با کشورهای دیگر و ارزیابی علمی آنها.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

فریدنی، محمد صالح

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۸ - ۱۲۴۰ ق)، حکیم، عارف و فقیه. در قریه‌ی چادگان فریدن اصفهان متولد شد. مقدمات علوم را در اصفهان آموخت. سپس به سبزوار رفت و از محضر حاجی ملاهادی حکیم سبزواری بهره جست و از شاگردان برجسته‌ی او گردید. چون به کمال رسید به اصفهان بازگشت. وی علاوه بر کمالات علمی در فضایل نفسانی نیز به مقامات والا رسید، و این راه را با کمک آقا محمد کاظم سعادت علیشاه اصفهانی پیمود، و با حاج ملا سلطان محمد گنابادی پیمان بست و سالها در موطن خویش منزوی و به عبادت و ریاضت مشغول بود. ملک‌المتکلمین اصفهانی، خطیب دوران مشروطه، از شاگردان او است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره القبور (۳۸۴-۳۸۳).

فریدونی، هورچیترا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: گوش و حلق و بینی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

فزاری مروزی، ابوالوجه محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۹۰ / ۲۸۲ ق)، لغوی، حافظ و محدث. وی محدث مرو بود. از عبدان بن عثمان و علی بن جعد و سعدویه واسطی و سعید بن منصور و صدقه بن فضل و سعید بن هبیره و دیگران حدیث شنید. حسن بن محمد بن حلیم و عبدالرحمان بن ابی حاتم و علی بن محمد حبیبی مروزی و ابوبکر بن ابی نصر مروزی و عده‌ای دیگر از وی حدیث شنیده‌اند. گفته‌اند که او محدثی بزرگ و ادیبی کثیرالحدیث بود. ابوالوجه در مرو درگذشت. وی «السنن» و «الاحکام»، را تصنیف کرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الجرح و التعديل (ج ۴ ق ۳۵ / ۱)، سير النبلاء (۳۴۸-۳۴۷ / ۱۳)، طبقات الحفاظ (۲۷۴)، الوافی بالوفیات (۲۹۰ / ۴).

فزونی استرآبادی، محمدهاشم

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۰۲۵ ق)، مورخ و شاعر، متخلص به فزونی. در استرآباد به دنیا آمد و در آن جا نشو و نما یافت. وی از علمای عصر دولت

صفوی است که در زمان شاه‌عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶ ق) می‌زیست. در ایام جوانی به قصد تجارت به سیر و سفر می‌پرداخت. در زمان صفدرخان بن میرزا یوسف‌خان رضوی مشهدی حاکم کشمیر به آنجا سفر کرد. صفدرخان او را در خدمت خود نگاه داشت. بعد از برکناری صفدرخان همراه وی در ۱۰۲۵ ق به هندوستان رفت، در لاهور از او جدا شد و به دکن رفت. از آثار وی: «بحیره» یا «تاریخ البحیره»، به فارسی، در حکایات تاریخی و احوال طبقه وزراء و شگفتیهای حیوانات و کوهها و چشمه‌ها و رودها و ساختمانها در حدود پنجاه هزار بیت؛ «اللجین الطبریه» یا «البحیره الطبریه»، در تاریخ و مناسبتهای تاریخی؛ «دیوان» شعر؛ «ساقی‌نامه»، که به اسم شاه‌عباس صفوی سرود. در تذکره‌ی «میخانه» نام وی تحت عنوان هاشم‌بیگ آمده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی شعرای کشمیر (۱۰۹۳-۱۰۹۲ / ۳)، تذکره‌ی میخانه (۶۷۹-۶۷۴)، الذریعه (۲۹۷ / ۱۸، ۱۱۲ / ۱۲، ۸۳۲ / ۹، ۵۱- / ۵۰)، ریاض العلماء (۲۲۴ / ۷)، ریحانه (۳۴۰، ۳۳۸-۳۳۷ / ۴)، صبح گلشن (۳۱۷)، فرهنگ سخنوران (۷۰۹)، کاروان هند (۱۰۱۳-۱۰۱۲ / ۲).

فسایی فارسی، ابراهیم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۹۰ ق)، طیب و شاعر. مشهور به میرزا آقای طیب. اهل فسا و از اطبای معروف زمان خود بود. که در کنار شغل طبابت شعر نیز می‌سرود از اوست:

ز هشیاری نبستم هیچ طرفی

بکن ساقی ز جام باده مستم

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فرهنگ سخنوران (۱۷)، مرآت الفصاحه (۳۲).

فسایی، حسن حسینی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۶-۱۲۳۷ ق)، محقق، مفسر، ادیب، صوفی، شاعر و طیب. از سادات دشتکی شیراز بود. در فسا به دنیا آمد. در کودکی پدر و مادر خویش را از دست داد و تحت سرپرستی مادر بزرگ و برادر به کسب علم و ادب پرداخت. در خدمت میرزا ابوالحسن مجتهد فسایی ابتدا علوم را و بعدها «شرح هدایه»، «شرح تجرید» و «معالم الاصول» و «مطول» را فرا گرفت. سپس نزد میرزا محمد علی واحدالعین «مفاتیح الشرایع» فیض کاشانی را، در فقه، خواند. بعد از آن سفری به اصفهان داشت. پس از بازگشت به شیراز مدتی نزد شیخ مهدی کجوری مازندرانی شاگردی کرد و کتب ریاضی را فرا گرفت. میرزا حسن علم طب را نیز در خدمت میرزا سید علی نیاز و حاجی میرزا بابا حکیم‌باشی اصفهانی آموخت. وی در ۱۲۷۹ ق سفری به تهران و یزد کرد و پس از بازگشت به شیراز به معالجه‌ی بیماران پرداخت و شهرتی کسب کرد. چنان که پزشک مخصوص سلطان اویس میرزا احتشام‌الدوله پسر فرهاد میرزا

معمدالدوله شد. از آثار وی: «فارسنامه ناصری»؛ «تفسیر حسن»؛ «تحفه احتشامی»، دراندرز و نصایح، به نظم؛ «نقشه مملکت فارس». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۵۷-۲۵۱ / ۲)، سبک‌شناسی (۳۶۵ / ۳)، سرآمدان فرهنگ و تاریخ (۲۸۹ / ۱)، شرح حال رجال (۳۴۲ / ۱)، فارسنامه ناصری (۴۲-۱۳ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۲۵۸)، المآثر و الآثار (۲۰۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۴۱-۵۴۰ / ۲)، یادگار (س ۳، ش ۴، ص ۷۱-۶۸).

فسایی، کمال‌الدین محمد

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن معین‌الدین محمد فسائی شیرازی معروف به میرزا کمالا.

در روضات الجنات (۵۱۹:) و فارسنامه ناصری و ریحانه‌الادب (۶:۶۳) و دیگری کتب نام او به احترام و تجلیل یاد شده است. مشارالیه داماد مجلسی اول (ملاً محمد تقی) است، و خود عالمی فقیه، و مفسر ادیب، و فاضل کامل بوده. و کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- بیاض کمالی. در الذریعه (صفحه ۱۷۰ جلد سوم) گوید: مجموعه نفیسی است که آن را به عنوان وصیت به یکی از اولاد و یا شاگردان و یا یکی از دوستان خود نوشته است. در زمان حیات علامه ملاً محمد باقر مجلسی تألیف شده. کتاب زیاده بر هزار سطر است، و در ریحانه‌الادب گوید بیشتر آن تاریخی و رجالی است.

۲- شرح شواهد مطول ۳- شرح قصیده تائیه دعبل خزاعی ۴- القیود الوافیه در شرح شافیه در علم صرف. تاریخ اتمام تألیف رمضان ۱۱۰۸.

قبرش را در بقعه مجلسی در جنب مسجد جامع اصفهان می‌نویسند.

در ریحانه‌الادب گوید: سال وفات میرزا کمالا به دست نیامد.

در جلد چهارم دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۴۶:) گوید: کمالا- فدشکویی متوفی در حدود ۱۱۱۰، و سپس شرح حال مختصری نقل می‌کند.

در کتاب فهرست کتب خطی کتابخانه‌های اصفهان نسخه‌ای از شرح شافیه ابن حاجب تألیف میرزا کمالا معرفی می‌شود و در آنجا گوید: تاریخ تألیف ۱۱۰۸ و تاریخ کتاب جمعه ۱۸ ربیع المولود سال ۱۱۲۸، و در کنار نسخه حواشی از مؤلف نقل شده، بدین صورت «منه» یا «منه مدّله العالی» و یا «منه زیدت بر کاته» و امثالها که همگی حکایت از حیات مؤلف در سال مرقوم دارد.

در مصفّی‌المقال (۳۷۷:) شیخ محمد بن محمد زمان کاشی و میرزا ابراهیم قاضی را از شاگردان او معرفی می‌کند.

در صحن تکیه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد سنگ قبری است از دانشمندی به نام آخوند کمالا که این دو سطر شعر بر آن منقور است:

آخوند کمالا که به فضل و به کمال

مشهور بد و نداشت مانند و مثال

با عالم قدس رفت و تاریخ آمد

بادا فردوس جای آخوند کمال

جمادی الاولی سال ۱۱۱۰.

اکنون گوئیم: صاحب قبر، دانشمندی است غیر از آن دو نفر، که او نیز در اصفهان ساکن بوده و فعلاً بیشتر از این از حالاتش معلوم نیست. (کمال مخفف کمال الدین، و الف آخر آن جهت تعظیم و تکریم است) برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

فسائی، ابراهیم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا ابراهیم بن میرزا محمدحسین بن میرزا مجدالدین محمد بن میرزا سید علی مدنی دشتکی فسائی مجتهد از بزرگان علماء و اکابر دانشمندان این شهر است.

وی در فساء متولد شده و پس از رشد در شیراز علوم ادبی را آموخت آنگاه به ریاضیات و حکمت الهی پرداخت و به تهران رفته سه سال در آن شهر به تحصیل پرداخته و در ۱۲۱۱ ق به عراق مهاجرت نموده و در محضر درس علامه آقا میر سید علی طباطبائی صاحب (ریاض) تحصیل فقه و اصول و سایر علوم دینی کرده تا به درجه اجتهاد رسیده سپس به شیراز مراجعت و بافاده و تدریس مشغول شده و در سال ۱۲۲۳ ق به مکه معظمه مشرف و بعد از بازگشت نیز چند سالی به انجام وظائف اشتغال داشت تا در ماه ربیع‌الاول ۱۲۵۵ ق در شیراز از دنیا رفت.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فسوی شیرازی، ابراهیم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۵۵ - ۱۱۷۳ ق)، فقیه، عالم و شاعر. از سادات محترم شیراز و از احفاد امیر غیاث‌الدین منصور دشتکی بود. در شیراز وفات یافت. از آثار اوست: «بحرالحقایق»، در فقه؛ حاشیه بر «معالم الاصول»؛ حاشیه بر «شرح لمعه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۱/۷۰)، فرهنگ سخنوران (۱۷)، مرآت الفصاحه (۳۲-۳۱).

فسوی شیرازی، کمال الدین حسین

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حزین در تاریخ خود و تذکره خویش نامی از او برده و گوید: من در خدمت او تحصیل نمودم و او در هنگام محاصره اصفهان به سال ۱۱۳۴ در سن کهولت وفات یافت، و کتب زیرا را از تألیفاتش نام می‌برد

۱- حاشیه بر معالم اصول ۲- رساله در حل شبهات کاتبی قزوینی ۳- شواهد مطوّل؛ و غیره.

و از اشعار او نیز چند بیتی نقل می‌کند که از آنهاست:

بکش بسوز که عاشق شدن جزاش این است

کسی که دل به تو ظالم دهد سزاش این است

حزین گوید: از افاضل شاگردان علامی مسیح الانام فسائی بود کاشف معضلات اوایل و حلال غوامض مسائل بود در علوم منقوله

تبع کامل و در معقولات قسطی وافر حاصل نمود (محل دفن او معلوم نیست)

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

فسوی فارسی، ابوالحسن علی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۱۹ ق)، محدث. وی از اسحاق بن راهویه و ابوعمار حسین بن حرث حدیث شنید. ابوعلی حسن بن احمد فارسی و ابوبکر

محمد بن احمد اصفهانی سمسار و محمد بن قاسم بن بشر فارسی از وی حدیث روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۵۲۰ / ۱۴).

فسوی فارسی، ابویوسف یعقوب

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۲۷۷ - ۱۹۰ ق)، مورخ، حافظ و محدث. اهل فسا و محدث اقلیم فارس بود. به شهرهای مختلف مسافرت کرد و از مشایخ

فلسطین و دمشق بهره گرفت و خود گوید که از هزار شیخ حدیث نوشته، که همگی آنان مورد وثوق بوده‌اند. وی از ابوعصام بنیل

و فضل بن دکین و ابوولید طیالسی و آدم بن ابی‌ایاس و اصمعی و عبیدالله بن موسی و محمد انصاری و مکی بن ابراهیم و

ابوعبدالرحمان مقری و ابونعیم و سعید بن ابی مریم و ابومسهر غسانی و حجاج بن منهال و حبان بن هلال و عبدالحمید بن بکار

بیروتی و صفوان بن صالح و همطبقه آنان حدیث شنید. ابوعیسی ترمذی و ابوعبدالرحمان نسایی، صاحبان دو «صحیح» از «صحاح»

ششگانه، و ابراهیم بن ابی‌طالب و حسن بن سفیان فسوی و عبدالرحمان بن خراش و ابوبکر بن ابی‌داوود و ابوبکر بن خزیمه و محمد

بن حمزه بن عماره اصفهانی و ابوعوانه اسفراینی و عبدالله بن جعفر بن درستویه نحوی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. وی

در فساء درگذشت. از آثارش: کتاب «التاریخ» یا «تاریخ الفسوی» یا «تاریخ یعقوب بن سفیان الفسوی»، در سه مجلد؛ «المشیخه»، در

یک مجلد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام بوفیات الاعلام (۱۹۷ / ۱)، تهذیب التهذیب (۳۳۷- ۳۳۵ / ۱۱)، الجرح و التعذیل (ج ۴ ق ۲۰۸ / ۲)، سیر

النبلاء (۱۸۴- ۱۸۰ / ۱۳)، شذرات الذهب (۱۷۱ / ۲)، طبقات الحفاظ (۲۶۳- ۲۶۲)، کشف الظنون (۳۱۰، ۲۹۹)، لسان المیزان (۵۰۳ /

(۷)، معجم المؤلفین (۲۴۹ / ۱۳)، النجوم الزهراء (۸۹ / ۳)، هدیة العارفين (۵۳۷ / ۲).

فشار کی اصفهانی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۸ / ۱۳۱۶ - ۱۲۵۳ ق)، عالم امامی، فقیه، محقق و مدرس. او در کلمات بعضی از بزرگان معروف به استاد کبیر است. در فشارک از روستاهای قهپایه اصفهان به دنیا آمد. پس از درگذشت پدرش در یازده سالگی برای فراگیری علوم به عتبات رفت و در کربلا ساکن شد. وی از شاگردان حاجی آقا حسین بن سید مجاهد و فاضل اردکانی در فقه و اصول و حاج میرزا محمد حسن شیرازی بود. در زمان حیات استادش، حاج میرزا محمد حسن شیرازی، مرجعیت تقلید و تدریس در سامراء را بر عهده داشت. بعد از درگذشت استادش به نجف مهاجرت کرد و مرجعیت آنجا را بر عهده گرفت و به تدریس در حوزه‌ی علمیه نجف مشغول گشت. حاج میرزا محمد حسین نائینی و حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و آقا شیخ محمدرضا نجفی و حاج شیخ محمد حسین طبسی و آقا میرزا سید علی مدرس یزدی از شاگردان وی بودند. او در نجف درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثار وی: «اصاله البارئه»، «الاغسال»، «الفروع المحمديه»، مجموعه رسالاتی در فقه و غیره؛ شرح «اوائل رساله البرائه» شیخ انصاری؛ رساله‌ای در «خلل نماز».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: آینه دانشوران (۱۳۷ - ۱۳۶)، اعیان الشیعه (۳۹ / ۱۰)، تذکره القبور (۱۶۶ - ۱۶۵)، الذریعه (۱۸۵ / ۱۶، ۲۵۲، ۱۱۶ - ۱۱۵ / ۲)، ریحانه (۳۴۲ - ۳۴۱ / ۴)، معجم المؤلفین (۱۲۷ / ۱۱)، مکارم الآثار (۱۴۳۷ - ۱۴۳۵ / ۴).

فشار کی، رحیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: پزشکی، دانشکده: پزشکی دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

فشار کی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۹، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان خلاصه شرح حال تخصصی سوابق تحصیلی:

کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳، کارشناسی ارشد در رشته ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷ و دکترای ادبیات فارسی از دانشگاه تهران.
مرتبہ علمی:

استادیار رسمی دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۴۹، دانشیار دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۶۸ تاکنون، تدریس در دانشگاه دورهام انگلستان به مدت یکسال.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ادبیات فارسی و بلاغت، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

زبان و ادبیات فارسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۲، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

عروض، بلاغت اسلامی، تصحیح متون ادبیات فارسی و عربی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

فشارکی، محمد حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت الله العظمی محمدحسین فشارکی فرزند ملا جعفر و از علمای بنام اصفهان بوده‌اند.

شرح حال وی به تفصیل در کتب رجال شیعه از جمله اعلام‌الشیعه و مکارم‌الاثار و ده‌ها کتاب دیگر ثبت شده و جمعی کثیر از علما عصر از آن مرحوم روایت می‌کنند و اجازاتی که نوشته بسیار است و ضمناً چند رساله فتوایی را تحشیه فرموده است.
و در محضر استادان نامداری همچون: میرزا حبیب الله رشتی، شیخ زین‌العابدین مازندرانی و میرزا محمد حسن شیرازی زانوی ادب زد.

ایشان فرزند: محمدجعفر. متوفی ۱۳۵۳ق. عالم فقیه و از مجتهدین صاحب فتوی. در فقه و اصول استاد و در تقوی و زهد نزد مردم مشهور بود. او در اواخر عمر از علمای با نفوذ و معروف اصفهان گردید. از شاگردان برجسته ی او می توان به حاج میرزا ابوالحسن توپسرکانی. شیخ محمد باقر قزوینی. شیخ محمود مفید اشاره نمود. از آثار وی: حاشیه بر رسایل و حاشیه بر طهارت شیخ انصاری است. (مهدوی: دانشمندان و بزرگان اصفهان. ص ۲۸۵)

آخوند ملا محمد حسین بن محمد جعفر فشارکی از اکابر علمای امامیه نیمه اول قرن چهاردهم است تولد او به سال ۱۲۶۶ اتفاق افتاده، وی از شاگردان شیخ زین‌العابدین مازندرانی، حاج میرزا حبیب الله رشتی، و حاج میرزا محمد حسن شیرازی بوده است.

پس از مراجعت از نجف به اصفهان آمده و بتدریس و ارشاد اشتغال یافت، در مسجد سلام امامت می نمود محضرش مرکز فضلا و اهل دانش بود و در اواخر عمر مرجعیت تامه پیدا نمود.

مرحوم فشارکی در فقه و اصول استاد بود و در این اواخر مردم اصفهان مسائل خود را از او استفتاء می نمودند، زهد و تقوای او نیز بین مردم این سامان مشهور است، آخوند فشارکی سرانجام در ۲۳ بهمن ۱۳۱۳ ش برابر با ۸ ذی‌قعدة ۱۳۵۳ ق در ۸۵ سالگی در گذشت و در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

تالیفات

از تالیفات اوست:

۱- حاشیه رسائل .

۲- حاشیه طهارت شیخ انصاری

برگرفته از کتاب: پایگاه روستای فشارک

فشارکی، محمدباقر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آخوند ملا محمدباقر فشارکی بن ملا محمدجعفر از علماء بزرگ و فقهاء و مجتهدین معروف و از مدرسین عالیمقام بوده است. وی در اصفهان متولد شده و نزد حاج شیخ محمدباقر صاحب حاشیه معالم و در نجف خدمت علماء بزرگ تحصیل نموده و پس از مراجعت در مسجد محله نو و مسجد قطیبه اقامه جماعت و تدریس نموده و عده‌ای کثیر از فضلاء بدرس او حاضر شده و از دراستش استفاده نموده‌اند.

مرحوم فشارکی اول دانشمندی است که در اصفهان احیای شب جمعه را در تخت فولاد رسم نمود. که با جمع زیادی از فضلاء و اصناف در مسجد مصلاهی آنجا رفته و شب را بقرائت قرآن و نماز و دعاء کمیل و توبه و انابه می گذارنید که پس از وی مرحوم شیخ مرتضی ریزی و پس از ایشان دیگران این سنت سنیه را تا هم‌اکنون اجراء می نمایند.

و آنمرحوم پس از نماز در مسجد خود منبر رفته و مردم را با بیانات کافیه و مواعظ شافیه ارشاد می فرمودند.

تالیفات عدیده‌ای از خود بیادگار گذارده که ذیلاً می نگارم:

- ۱- آداب الشریعه ۲- آداب نماز شب ۳- اعمال سه ماه (رجب- شعبان- رمضان) ۴- اسباب الفقر والغناء والمغفرة ۵- اصول دین ۶- اربعین ۷- تنزیه المؤمنین ۸- حواشی بر شرح لمعه ۹- حواشی بر فرائد ۱۰- حواشی بر قوانین ۱۱- حواشی بر متاجر ۱۲- ذخیره العباد ۱۳- رساله‌ای در تداخل اسباب ۱۴- رساله در خیار غبن ۱۵- رساله در حیض ۱۶- رساله در رضاع ۱۷- رساله‌ای در شرط ۱۸- رساله در شهرت ۱۹- رساله در صحت عبادت جاهل ۲۰- رساله در طهارت ۲۱- رساله در عدم جواز حق الرجوع ۲۲- رساله در عدم لزوم تقلید اعلم ۲۳- رساله در غناء ۲۴- رساله در قرعه ۲۵- رساله در منجزات مریض ۲۶- رساله در معرفت اسامی چهارده معصوم ۲۷- رساله در اموری که سبب طول عمر و حفظ از امراض می شود ۲۸- رساله عملیه ۲۹- عشریه ۳۰- عنوان الکلام که مطبوع می باشد.

آنمرحوم در شب یکشنبه ۲۶ رجب سال ۱۳۱۴ ق وفات و در بقعه تکیه محقق خونساری آقا حسین در تخت فولاد مدفون گردید در مآثر و آثارش ۱۸۴ ذکر او گردیده است.

فرزندش مرحوم حجه‌الاسلام میرزا محمدمهدی مشهور به آقا میرزا عالم فاضل و زاهد و خلیق و مهربان و بسیار ساده و با صفا بوده و در دوم جمادی‌الاول سال ۱۳۴۰ ق وفات و در جنب والد مغفورش به خاک رفته است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فشید یزجی نسفی بخاری، ابوعلی حسین

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۲۸ / ۴۲۵ / ۴۲۴ ق)، قاضی و فقیه حنفی. نسبت وی به شهر فشیدیزه یا فشیدیزج بخارا می‌رسد. وی قاضی بخارا و پیشوای اهل ری بود. به بغداد رفت و فقه آموخت. از ابن شویه و جعفر بن فناکی نیز بهره گرفت. شریف سید مرتضی با او مناظره‌ای داشت. او از ابوالفضل زهری در بغداد حدیث شنید. وی همچنین در بخارا از ابی عمرو محمد بن محمد بن صابر حدیث شنید. شاگردانش در هر سو پراکنده شدند. آخرین کسی که از وی حدیث روایت کرده، دخترزاده‌اش علی بن محمد بخاری است. از آثارش: «الفوائد»، در فروع؛ «فتاوی القاضی».

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۱۵۷ / ۲)، سیر النبلاء (۴۲۶-۴۲۴ / ۱۷)، شذرات الذهب (۲۲۷ / ۳)، کشف الظنون (۱۲۹۴)، معجم المؤلفین (۲۲۲ / ۳)، الوافی بالوفیات (۳۶۱ / ۱۲)، هدیه العارفین (۳۰۹ / ۱).

فصیح خوافی، احمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۷۷۷- بعد از ۸۴۵ ق)، مورخ و شاعر. ملقب و مشهور به فصیح. خاندانش اهل روی خواف بودند و خود در هرات به دنیا آمد و همان جا نشوونما یافت. وی در خدمت شاهرخ و پسرش بایسنقر عهده‌دار مشاغل دولتی بود. در ۸۳۶ ق مورد غضب واقع و چندی هم مقید و محبوس شد. فصیح بعد از معزولی و بیکاری، به تألیف کتاب خود «مجمل» پرداخت. سرانجام در ۸۴۵ ق از زندان خلاص شد و به ملازمت شاهرخ تیموری رسید. از آثار وی «مجمل فصیحی» است که به صورت اجمال از هبوط آدم تا تاریخ زمان خود را نگاشته است. [۱]

(بخش ۱) خوافی، احمد بن جلال‌الدین محمد از رجال و نویسندگان نیمه‌ی اول قر. ۹ ه. (و. ۷۷۷- ف. پس از ۸۴۵ ه. ق). از مردم خواف بود و نسبش به ابوامامه صدی بن عجلان بن وهب باهلی صحابی می‌رسد و محل تحصیل و نشو و نما او ظاهراً هرات بود. در سال ۸۰۷ بعد از مرگ تیمور، شاهرخ او را از هرات با دو تن از امرا به سمرقند برای تحویل گرفتن خزانه‌ی خاصه‌ی شاهرخ از عمر شیخ خازن فرستاد. وی تا سال ۸۱۸ در خدمت یکی از امرای بزرگ علاء‌الدین علی ترخان کار می‌کرد، و از آن سال به ملازمت شاهرخ در آمد و در سال ۸۱۹ ترقی کرد و منصب «موجه دیوان» بدو ارزانی شد. در سال ۸۲۰ به شرکت دو تن دیگر به تصدی دیوان اعلی (شاهرخ) تعیین شد ولی در ۸۲۱ معزول گردید. باز در ۸۳۴ جهت مهمات دیوانی مأمور کرمان گردید. در ۸۲۷ مراجعت کرد و در بادغیس هرات به حضور شاه شرفیاب شد. در ۸۲۸ موجهی دیوان امیرزاده بایسنقر بدو داده شد، و چند سال در

این سمت بود تا در ۸۳۶ به خدمتش خاتمه دادند. بعد از این سال - که معزول و مورد جریمه واقع شد - از احوال او اطلاع دقیقی در دست نیست. در ۸۴۳ مورد غضب گوهرشاد آغازن شاهرخ واقع شد و در خانه‌ی امیربیگ محبوس گردید و پس از چندی آزاد شد و مجدداً در ۸۴۵ در خانه‌ی امیربیگ مقید گردید و بار دیگر خلاص شد. اثر مهم او مجمل‌التواریخ معروف به مجمل فصیحی (م.ه) است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه [۱] از سعدی تا جامی (۶۱۶ - ۶۱۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۹۶ - ۴۹۴ / ۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۳۸)، رجال حبیب السیر (۲۷۳ - ۲۷۲)، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات (۱۶۸ - ۱۶۷)، لغت‌نامه (ذیل / فصیح خوافی)، محمل فصیحی (مقدمه / هشت - بیست و یک).

فصیح، اسماعیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اسماعیل فصیح در تاریخ دوم اسفند ماه سال ۱۳۱۳ در تهران به دنیا آمد. در سن شش سالگی به مدرسه ابتدایی عنصری رفت؛ وی از پاییز سال ۱۳۲۶ دوران تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان رهنما آغاز کرد و در سال ۱۳۳۲ موفق به اخذ دیپلم طبیعی شد. در آغاز تابستان سال ۱۳۳۵ از راه استانبول و پاریس به آمریکا رفته و در شهر بوزمن به تحصیل ادامه داد و لیسانس شیمی را دریافت کرد. وی پس از یک سال زندگی در سانفرانسیسکو به ایالت مانتانا بازگشت و طی یک سال از (University of Montana) در شهر میسولا، به اخذ لیسانس ادبیات انگلیسی نائل شد. اسماعیل فصیح پس از بازگشت از آمریکا، به کار ترجمه برای «موسسه انتشارات فرانکلین» پرداخت. بعد از آن با معرفی نامه‌ای از طرف صادق چوبک که خود سال‌ها در شرکت ملی نفت ایران در تهران مشغول بود، در تابستان ۱۳۴۲ به استخدام رسمی شرکت نفت درآمد و به اهواز یکی از مراکز مهم نفت خیز کنسرسیوم (شرکت بین‌المللی ساخته و پرداخته محمدرضاشاه پس از مصدق) بود، رفت و در هنرستان صنعتی شرکت نفت مشغول به کار شد. اسماعیل فصیح در یک سفر ماموریتی پژوهشی شرکت ملی نفت ایران به آمریکا، توانست در دانشگاه میشیگان فوق لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی را اخذ نماید. پس از بازگشت به ایران کار تدریس در دانشکده نفت آبادان (A.I.T. Abadan Institute of Technology) آغاز کرد. با شروع جنگ ایران و عراق و بسته شدن این دانشکده، وی در سن چهل و هفت سالگی با سمت استادیار زبان انگلیسی تخصصی مجبور به بازنشستگی شد. گروه: علوم انسانی رسته: زبان و ادبیات انگلیسی و اجتماع و شرایط زندگی: زندگی اسماعیل فصیح با جنگ‌ها و انقلاب‌های متعدد کشور عجین بوده که در زندگی و کارهای او نیز بی‌شک آثار عمده نهاده است. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: فصیح از مهرماه ۱۳۲۰، در سن شش سالگی به مدرسه ابتدایی عنصری رفت؛ از پاییز سال ۱۳۲۶ دوران تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان رهنما آغاز کرد و در سال ۱۳۳۲ با اخذ دیپلم طبیعی، تحصیلات این مقطع وی به پایان رسید. در آغاز تابستان سال ۱۳۳۵ از راه استانبول و پاریس به آمریکا رفته و در شهر بوزمن به تحصیل ادامه داد و موفق به دریافت لیسانس شیمی گردید. وی پس از یک سال زندگی در سانفرانسیسکو به ایالت مانتانا بازگشت و طی یک سال از (University of Montana) در شهر میسولا، به اخذ لیسانس ادبیات انگلیسی نائل شد. اسماعیل فصیح در یک سفر ماموریتی پژوهشی شرکت ملی نفت ایران به آمریکا، توانست در دانشگاه میشیگان فوق لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی را اخذ نماید. خاطرات و وقایع تحصیل: شروع تحصیل اسماعیل فصیح با جنگ

جهانی دوم به ایران (۱۳۲۰) مصادف بود. او همچنین در اوج انقلاب ملی دکتر مصدق و آشوب های سال ۱۳۳۱ و حکومت چند روزه احمد قوام السلطنه دوره متوسطه تحصیلی را به پایان رساند. هم دوره ای ها و همکاران: اسماعیل فصیح پس از بازگشت از آمریکا با عده ای از بزرگان اهل قلم آن سال ها از جمله: صادق چوبک، نجف دریابندری، مهشید امیر شاهی و دکتر غلامحسین ساعدی آشنا شد. همسر و فرزندان: اسماعیل فصیح در سانفرانسیسکو با دختری اروپایی ازدواج کرد، اما متأسفانه این ازدواج پس از گذشت یک سال با مرگ همسرناکام ماند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: اسماعیل فصیح پس از بازگشت از آمریکا، به کار ترجمه برای «موسسه انتشارات فرانکلین» پرداخت. بعد از آن با معرفی نامه ای از طرف صادق چوبک که خود سال ها در شرکت ملی نفت ایران در تهران مشغول بود، در تابستان ۱۳۴۲ به استخدام رسمی شرکت نفت درآمد و به اهواز یکی از مراکز مهم نفت خیز کنسرسیوم (شرکت بین المللی ساخته و پرداخته محمدرضاشاه پس از مصدق) بود، رفت و در هنرستان صنعتی شرکت نفت مشغول به کار شد. فعالیتهای آموزشی: اسماعیل فصیح با اخذ درجه فوق لیسانس از دانشگاه میشیگان، به ایران بازگشت و به کار تدریس در دانشکده نفت آبادان (Abadan Institute of Technology) (A.I.T) پرداخت. با شروع جنگ ایران و عراق و بسته شدن این دانشکده، وی در سن چهل و هفت سالگی با سمت استادیار زبان انگلیسی تخصصی مجبور به بازنشستگی شد. آرا و گرایشهای خاص: از اسماعیل فصیح ترجمه های متعددی انتشار یافته که روشنگر دو زمینه از اشتغال ذهنی او به ادبیات جهانی و همچنین به علم جدید تحلیل رفتار متقابل روانشناختی و حالت های شخصیتی فرد منعکس می سازد، علمی که امروزه تحت نام (Transactional Analysis) یا (TA) در رشته های بسیار گوناگون روانشناسی، روان درمانی، آموزش، مدیریت و بازسازی شخصیت در جهان کاربردهای متعدد و موثر دارد. آثار: ۱. باده کهن ۲. بازی ها و ویژگی اثر: نوشته دکتر اریک برن ۳. ترجمه استادان داستان ویژگی اثر: این کتاب شامل سی داستان کوتاه از نویسندگان شهیر جهان ترجمه و انتخاب و بصورت ناشر مترجم انتشار یافت. ۴. ترجمه هملت ویژگی اثر: اثر ویلیام شکسپیر ۵. ترجمه وضعیت آخر ویژگی اثر: نوشته تامس آ. هریس ۶. تولد/عشق/عقد/مرگ، ثریا در اغما ۸. خاک آشنا، خودشناسی به روش یونگ و ویژگی اثر: نوشته دکتر مایکل دانیلز ۱۰. داستان جاوید ویژگی اثر: این کتاب در ماه کیانی آیین زرتشتی پس از شش سال پژوهش و ویراستاری موبد رستم شهزادی (چاپ اول ۱۳۵۳) توسط انتشارات امیر کبیر بیرون آمد. ۱۱. درد سیاوش، دل کور، دیدار در هند، رستم نامه ویژگی اثر: این کتاب نوشته پرفسور ام. ویلمونت باکستون می باشد. که شامل داستان های جاودانی شاهنامه فردوسی به صورت داستان های کوتاه و پیوسته بی نظیری می باشد که اکنون جزو کتب کلاسیک جهان در غرب است. ۱۵. زمستان ۶۲، شراب خام ویژگی اثر: این کتاب توسط انتشارات فرانکلین و زیر نظر نجف دریابندری و ویراستاری بهمن فرسی انتشار یافت. ۱۷. شکسپیر ویژگی اثر: این کتاب شامل زندگی نامه، مقدمه ای بر کل آثار شکسپیر و همچنین چکیده کلیه سی و هفت نمایشنامه های کمدی، تاریخی و تراژدی او می باشد. ۱۸. شهباز و جعدان، فرار فروهر، لاله برافروخت و ویژگی اثر: پیش نویس این رمان به زبان انگلیسی تحت عنوان Child Martyrs (بچه های شهید) در مرکز کتب ایرانی دانشگاه آکسفورد زیر نظر دکتر جان گرنی موجود است. ۲۱. ماندن در وضعیت آخر ویژگی اثر: نوشته خانم دکتر ام بی. هریس و دکتر تامس آ. هریس ۲۲. نمادهای دشت مشوش

فصیحی، ابوالحسن

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالحسن علی بن محمد بن علی بن زید استرآبادی مشهور به فصیحی فاضلی ادیب و نحوی شاگرد شیخ عبدالقار جرجانی و استاد

ملک‌النجاة بود (این چنین استاد و شاگردی که دید) بعد از خطیب تبریزی در مدرسه نظامیه بغداد مدرس بود و چون او را به تشیع متهم نمودند و حقیقت مال از او پرسیدند گفت انکار مذهب خود نمی‌توانم و از فرق تا به قدم خود را شیعه می‌دانم بنابراین او را از تدریس آنجا معزول ساختند و ابومنصور جوالیقی را بجای او تعیین نمودند و بعد از آن شیوه عزلت ورزید و از آمیزش مردم دوری گزید تا در ۱۳ ذی‌الحجه ۵۱۶ در بغداد وفات نمود.

(وف ۵۱۶ ق)، عالم امامی، ادیب، نحوی و شاعر. معروف به ابن ابی‌زید. به دلیل مطالعه‌ی بسیار کتاب «الفصیح» ثعلب نحوی و همچنین تدریس آن ملقب به فصیحی. اصل وی از استرآباد و از شاگردان شیخ عبدالقاهر جرجانی در نحو استاد ملک‌النحاه، حسن بن صافی، و حیص بیص شاعر بود. وی به بغداد رفت و در آنجا مقیم شد و پس از یحیی بن علی خطیب تبریزی مدتی در مدرسه‌ی نظامیه‌ی بغداد نحو تدریس کرد. چون او را به تشیع متهم ساختند و حقیقت را از وی پرسیدند گفت: انکار نمی‌کنم و از فرق تا به قدم خود را شیعی می‌دانم. بنابراین او را از مقام مدرسی معزول و ابومنصور جوالیقی را جاشین وی ساختند. پس از آن از مردم کناره گرفت و گوشه‌نشینی اختیار کرد، حتی شاگردانش را از خود دور می‌کرد که مبادا آنان نیز از مدرسه محروم شوند. اما شاگردانش در خانه به حضورش می‌رسیدند. حافظ ابوطاهر سلفی اصفهانی از شاگردان، راویان و مجالسان اوست. وی اشعاری در رد ابن سکره‌ی نحوی ناصبی، در حرمت متعه دارد، که شیخ ابوالفتوح در تفسیرش «روض الجنان»، آن را ذکر کرده است. [۱]

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه: [۱] روضات الجنات (۲۴۰-۲۳۹ / ۵)، ریحانه (۳۴۳ / ۴)، الکنی و الالقاب (۳۲-۳۱ / ۳)، مجالس المؤمنین (۵۶۸-۵۶۴ / ۱)، معجم الادباء (۷۵-۶۶ / ۵)، هدیه الاحباب (۲۱۳)، وفيات الاعیان (۳۳۷ / ۳).

فضل اصفهانی، امین‌الدین، ابوالخیر فضل‌الله

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۹۲۱ ق)، عالم و مورخ. ملقب به امین و معروف به خواجه ملا یا خواجه مولانا و پاشا. در بدو امر از پیوستگان دربار ااق قویونلو و بویژه سلطان یعقوب بیگ بود. او سنی بسیار متعصبی بود و در اصفهان و شیراز می‌زیست چون شاه‌اسماعیل اصفهان را گرفت، وی به کاشان و از آنجا به ماوراءالنهر گریخت تا در کنف حمایت سلاطین سنی ازبک به سر برد. او تا سال تألیف شرح «قصیده برده» بوصیری (۹۲۱ ق) زنده بود. قبر وی در بخارا است. از آثارش: «تاریخ عالم‌آرای امینی»، در تاریخ خاندان آق قویونلو؛ «بديع الزمان فی قصه حی بن یقظان»؛ «ابطال نهج‌الباطل و اهمال کشف‌العاطل»، معروف به «ابطال الباطل» که در کتاب «نهج‌الحق و کشف‌الصدق» علامه حلی است و قاضی نورالله شهید شوشتری کتاب فضل روزبهان را با کتاب «احقاق‌الحق» خویش جواب گفته است؛ شرح «وصایای عبد‌الخالق غجدوانی، از مشایخ نقشبندیه؛ «المقاصد»، در علم کلام؛ «سلوک الملوک»، که در ۹۲۰ ق به نام عبیدالله‌خان ازبک نگاشته. [۱]

ابن روزبهان بن فضل‌الله امین ابوالخیر بن امین‌الدین خنجی شیرازی، صوفی معروف به خواجه مولانای اصفهانی ملقب به امینی (و. بین ۸۵۰ و ۸۶۰- ف. ۹۲۸ ه. ق) ظاهراً مولد و منشأ او اصفهان بود و در اوایل دوره‌ی صفوی- هنگامی که محمدخان شیبانی به خراسان تسلط یافت- بر اثر تعصب به مذهب تسنن ملازمت او را اختیار کرد و به ماوراءالنهر رفت، و چند تاریخ به نام محمدخان مزبور تألیف کرد، از جمله‌ی آنهاست: «میهمان‌نامه‌ی بخارا» که به تصریح خود او در ۹۱۵ ه. ق آن را به اتمام رسانیده و مشتمل است بر تاریخ غزوات محمدخان شیبانی مؤسس سلسله‌ی شیبانیان (ازبک) (پس از انقراض تیموریان و فوت سلطان حسین میرزا)،

عالم آرای امینی، سلوک الملوک، و نیز وی کتابی به عربی به نام «ابطال الباطل» در کلام تألیف کرده که نسخ متعدد از آن در دست است.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ ادبیات در ایران (۵۴۰-۵۳۸ / ۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۵۲-۲۵۱)، تذکره القبور (۴۶۰)، الذریعه (۴۱۶ / ۲۴)، کشف الظنون (۲۰۱۲، ۱۲۱، ۲۳۶)، معجم المؤلفین (۶۸ / ۸)، هدیه العارفین (۸۲۰ / ۱).

فضلک صائغ رازی، ابوبکر فضل

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۷۰ ق)، حافظ، محدث و محقق. وی از عیسی بن میناقالون و شیبان بن فروخ و اسحاق بن راهویه و ابوریع زهرانی و عبدالعزیز بن عبدالله اویسی و قتیبه بن سعید و هدبه بن خالد و احمد بن عبده و همطبقه‌ی آنان حدیث روایت کرده است. ابوعوانه اسفراینی و صالح بن ابی مقاتل و ابوبکر خرائطی و محمد بن مخلد عطار و محمد بن جعفر مطیری و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. وی صاحب تصانیفی چند می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۳۶۸-۳۶۷ / ۱۲)، الجرح و التعديل (ج ۳ ق ۶۶ / ۲)، ری باستان (۳۴۰ / ۲)، سیر النبلاء (۶۳۱-۶۳۰ / ۱۲)، شذرات الذهب (۱۶۰ / ۲)، طبقات الحفاظ (۲۷۲-۲۷۱)، معجم المؤلفین (۶۹ / ۸)، هدیه العارفین (۸۱۸ / ۱).

فضلی بزاز، صدیقه

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: داروسازی، دانشکده: داروسازی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی شیمی از دانشگاه فردوس مشهد در سال ۱۳۴۹، کارشناسی ارشد شیمی دارویی از دانشگاه لافبرا انگلستان در سال ۱۳۵۸ و دکترای میکروشناسی دارویی از دانشگاه لافبرا انگلستان در سال ۱۳۶۰.

مرتبه علمی:

استادیار و دانشیار دانشگاه علوم پزشکی مشهد از سال ۱۳۶۱.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی تولدی سایید گلوتامیک به روش تخمیری، بررسی تهیه دیسک آنتی‌بیوتیک، بررسی اثر ضد میکروبی کلماستین، بررسی اثر ضد میکروبی دیکلوفناک، بررسی اثر ضد میکروبی داروهای بیحسی موضعی، بررسی اثر ضد میکروبی عصاره‌های گیاهان خراسان، تدریس درس شیمی و ریاضی، میکروشناسی عمومی، کنترل میکروبی دارو، فرآورده‌های دارویی بیولوژیک، شیمی

داروئی، روشهای نوین تجزیه دستگاهی، زبان تخصصی در دانشگاه مشهد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

میکروب‌شناسی داروئی، جزوات درسی در زمینه میکروبی‌شناسی عمومی، کنترل میکروبی دارو و فرآورده‌های دارویی بیولوژیک.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

میکروب‌شناسی داروئی، ارزیابی اثر ضد میکروبی آمیکاسین و مقایسه آن با سه آمینوگلیکوزید دیگر، بررسی اثر ضد میکروبی

داروهای بیحس کننده موضعی، تحقیق در مورد اثر آنتی بیوتیک‌های مختلف بر پنیوموکوک و پیدایش انواع مقاوم به پنی‌سیلین،

مواد ضد میکروبی در خمیر دندان و بررسی آلودگی میکروبی در آسایشگاه جانبازان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

فضیل عیاض، شیخ‌الاسلام، ابوعلی فضیل

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۰۵-۱۰۱ و ف ۱۸۷ ق)، محدث صوفی، عارف و زاهد. در خراسان به دنیا آمد. روزگار جوانی فضیل در نزدیکی ابیورد و

میان ابیورد و مرو سپری گردید. وی در جوانی مدتی راهزنی می‌کرد. سپس توبه کرد و در کوفه به فراگیری حدیث و علم پرداخت

و یکی از پیشگامان تصوف گردید. از استادان وی: امام جعفر صادق (ع)، اعمش، ابن ابی‌لیلی، حمید طویل، یحیی بن سعید

انصاری و بسیاری دیگر بودند. او مدتی در کوفه تحت تربیت سفیان ثوری نیز قرار گرفت. یکبار در مکه به هارون الرشید، خلیفه

مقتدر عباسی، اندرز داد و این کار باعث شد که در بغداد نزد صوفیه و زهاد محبوب شود و حتی مورد احترام امام احمد حنبل نیز

قرار گرفت. ابن مبارک، یحیی بن سعید قطان، ابن مهدی، ابن عیینه، اصمعی، شافعی، بشر حافی، عبدالصمد ابن مردویه، عبده

مروزی و حسین بن داوود بلخی و بسیاری دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. بخاری، مسلم، ابن داوود، نسائی و ترمذی در

«صحاح» خود به نقل حدیث از وی پرداخته‌اند. فضیل در مکه وفات یافت. از سخنان اوست: به عزت پروردگار سوگند که اگر در

آتشم کند امیدم به وی از دست نرود؛ بیم برتر از امید است مادام که انسان از صحت و سلامت برخوردار است و چون به کام مرگ

افتد امید برتر خواهد بود. [۱]

ابن عیاض (و. سمرقند بین ۱۰۱ تا ۱۰۵- ف. مکه ۱۸۷ ه. ق) ولادت وی در سمرقند اتفاق افتاده و از سلیمان تیمی و محمد ابن

اسحاق و امام جعفر صادق علیه‌السلام و سفیان ثوری و چند تن دیگر حدیث شنیده است. فضیل بیشتر عمر خود را در مجاورت

خانه‌ی خدا بسر برده و بیش از هشتاد سال عمر کرده و در محرم سال ۱۸۷ هجری در شهر مکه در گذشته و همانجا مدفون گردیده

است. مأثورات او بیشتر در کتب صوفیه چون حلیه‌الاولیاء ابونعیم اصفهانی و تذکره‌الاولیاء شیخ عطار آمده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (۲۸۸-۲۷۳)، تذکره الاولیاء (۸۵-۷۴ / ۱)، تهذیب التهذیب (۲۵۸-۲۵۶ / ۸)، الجرح و التعديل (ج ۳ ق ۷۳ / ۲)، جستجو در تصوف (۱۱۲)، حلیه الاولیاء (۱۴۰-۸۴ / ۸)، ترجمه‌ی رساله قشیریه (۲۸-۲۷)، سیر النبلاء (۴۲۲-۴۲۱ / ۸)، شذرات الذهب (۳۱۸-۳۱۶ / ۱)، صفه الصفوه (۴۸۱-۴۷۶ / ۱)، طبقات الصوفیه سلمی (۱۴-۶)، کارنامه‌ی بزرگان (۲۰-۱۸)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۱۸۷)، النجوم الزاهره (۱۵۶-۱۵۵ / ۲)، نفحات الانفس (۳۴-۳۳)، وفيات الاعیان (۵۰-۴۷ / ۴).

فضیلی هروی، ابوالفضل محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۳۷ / ۵۳۴ ق)، مسند و محدث. وی از محلم بن اسماعیل ضبی و ابو عمر عبدالواحد بن احمد ملیحی و سعید بن ابوسعید عیار حدیث شنید. از جمله مرویات او «صحیح» بخاری است، که آن را از ملیحی استماع کرده بود. سمعانی و ابن عساکر و ابوروح عبدالمعز و گروهی دیگر از وی روایت کرده‌اند. سمعانی در «تحریر» خود آورده: او مدتی در جامع هرات مجلس املائی حدیث برقرار کرد و به من اجازه روایت داد. وی در مرو در گذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۶۶-۶۴ / ۲۰)، شذرات الذهب (۱۰۵ / ۴).

فضیلی هروی، ابوعاصم فضیل

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۷۱-۳۸۳ ق)، فقیه، مسند و محدث. وی از عبدالرحمان بن ابی شریح انصاری و ابوعلی منصور بن عبدالله خالدی و ابوالحسین بن بشران معدل و عده‌ای دیگر حدیث روایت کرده است. عبدالسلام بکبره و محمد بن حسین علوی و عبدالاول سجزی و گروهی دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. او مسند هرات بود، و به گفته‌ی ابوسعید سمعانی فقیهی وارسته و راستگویی مورد اعتماد که در طول عمر خود احادیث بسیاری را به آیندگان سپرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام بوفیات الاعلام (۳۱۲ / ۱)، سیر النبلاء (۳۹۸-۳۹۷ / ۱۸)، شذرات الذهب (۳۴۱ / ۳).

فغفور لاهیجی، محمد حسین

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۳۰ / ۱۰۲۹ ق)، دانشمند، طبیب، موسیقیدان و شاعر، متخلص به فغفور. در ابتدا رسمی تخلص می‌کرد و زمانی که به هند

رفت تخلص فغفور را برگزید. وی گاهی میر نیز تخلص می‌کرد. محمد حسین از سادات لاهیجان گیلان بود. دوران جوانی را در همان ولایت به فراگیری دانش و ادب به ویژه دانش پزشکی گذراند. علم طب را نزد دایی خود، حکیم تاج‌الدین حسین، آموخت و بیشتر کتابهای مربوط به علم طب را مطالعه کرد و به همین جهت او را حکیم نیز گفته‌اند. وی در زمینه‌ی ادبیات فارسی و عربی، خط، شطرنج، علم ادوار و موسیقی نیز تبحر داشت. در اوایل عمر به خدمت خان‌احمد گیلانی که خود شاعر و مشوق شاعران و عالمان بود رسید و منظومه «شهر آشوب» را در آن زمان به نظم درآورد. سپس به گرجستان، آذربایجان و اصفهان مسافرت کرد. در اصفهان با حکیم شفایی آشنا شد. در زمان شاه‌عباس مورد توجه علی‌قلی خان شاملو که دیوان بیگی و ایشیک آقاسی پادشاه بود قرار گرفت. وی مسافرتی هم به هند داشت و در آگره مدتی در خدمت حکیم علی‌گیلانی از پزشکان معروف ایرانی در هند بود. در هند با خان‌خانان عبدالرحیم‌خان ملاقات کرد و تحت ملازمت وی قرار گرفت و به وساطت وی از مقربان شاهزاده پرویز شد و در مدح او اشعار زیادی سرود. فغفور در الله‌آباد بر سر راه آگره درگذشت. از آثار وی: رسالاتی در «موسیقی»؛ رساله در «حساب اصابع»؛ «دیوان» شعر، در چهار هزار بیت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آتشکده‌ی آذر (۸۴۳-۲ / ۸۴۳)، احوال و آثار خوشنویسان (۷۰۵ / ۳، ۵۷۶-۵۷۵ / ۲)، ایضاح المکنون (۵۲۲ / ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۳۱-۱۰۲۴ / ۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۱۴)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۴۴-۲۴۳)، تذکره‌ی میخانه (۴۷۱-۵۴۳)، الذریعه (۸۴۱-۸۴۰، ۳۵۸ / ۹)، سرو آزاد (۳۸-۳۷)، فرهنگ سخنوران (۷۱۵)، کاروان هند (۱۰۴۴-۱۰۲۸ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل / فغفور گیلانی)، مآثر رحیمی (۹۲۷-۹۰۱ / ۴)، مجمع الخواص (۲۳۴-۲۳۳)، نامها و نامدارهای گیلان (۳۷۵).

فقهی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد فقه و اصول

تولد ۱۳۰۹ شمسی (شناسنامه ۱۳۱۲) ۵ رجب المرجب ۱۳۴۹ قمری - در شهر علم و هنر، اصفهان فرزند: سید جعفر نوه‌ی مرحوم سید عبدالکریم خواجه‌ئی.

استاد فرزانه جناب مستطاب آقای سید محمود فقهی یکی از برجستگان و مدرسان شهیر حوزه علمیه‌ی اصفهان خاصه در فقه و اصول می‌باشند معظم له از سالهای گذشته تاکنون علی‌رغم اصرار شاگردان و ارادتمندان از ارائه زندگینامه و تهیه گزارش و مصاحبه دوری جسته‌اند، تا آنجا که به فراز شاگردان نزدیک ایشان به تولید کنندگان نرم‌افزار مشاهیر ایران، توصیه می‌کردند که: تلاش شماره به جایی نمی‌برد و ایشان به جهت عدم علاقه به اشتها دعوت شما را اجابت نمی‌کنند ولی به لطف استاد در یکی از روزهای بهار، سال ۱۳۸۵ که به جهت تفرج رد یکی از باغات اطراف اصفهان در محضر ایشان شرف حضور داشتیم توفیقی حاصل شد و ایشان به سؤالات ما با حوصله و بزرگواری پاسخ فرمودند و این موجب خرسندی و مباهات ماست. آنچه در ادامه خواهد آمد حاصل آن گفتگوی کمتر از یک ساعت است که قلمی گردیده است.

جد ایشان مرحوم سید عبدالکریم خواجه‌ئی در عداد شاگردان برجسته مرحوم آخوند ملا-محمدباقر فشارکی بودند (مرحوم فشارکی شاگرد شیخ اعظم انصاری بوده و ایشان از تکیه‌ی خوانساری در تخت فولاد اصفهان است) هم چنین بسیار مورد احترام مرحوم آقا نجفی بودند و بنا بر پدر استاد فقهی مرحوم آقا نجفی در تشییع جنازه‌ی مرحوم سید عبدالکریم شرکت نموده و بسیار

متأثر بودند.

مرحوم خواجه‌ای گر چه عمری در طلب علم و دانش بود ولی به جهت بی‌توجهی اهل زمانه به اهل علم و مشکلات شدید مالی چندان رغبتی به طلبه شدن فرزندانش نداشت فلذا پدر استاد فقهی گرچه بسیار متدین بود ولی به کسب و کار مشغول بود و برای فرزندان از مشکلات مالی دوران پدر بسیار گفته بود، مرحوم سید جعفر در میان فرزندان به سید محمود عنایت و ویژه‌ای داشت لذا ابتدا وی را به یکی از مکتبخانه‌های قدیمی در محله خواجه، محله‌ی چهارسوق آجری به تحصیل گماشت و پس از مدتی وی به مدرسه‌ی هدایت از مدارس جدید انتقال داد ولی به جهت هوش سرشار و تحصیلات گذشته در مکتبخانه او را در کلاس دوم ثبت نام کرد با این حال سید محمود شاگرد برجسته‌ی کلاس دوم شد در سال ۱۳۲۴ کلاس ششم ابتدائی را به پایان رساند ولی پس از آن تحصیل را ادامه نداد. و سپس وارد بازار کار شد.

در ۱۲ سالگی ابتدا در میدان امام، در یک مغازه‌ی خرازی با حقوق روانه ۷ ریال مشغول گردید و پس از چند سالی مستقلاً وارد بازار کار شد و به خرید و فروش سهام مشغول شد در آن مقطع زمانی خرید و فروش سهام کارخانه‌های ریسباف شهرضا، زاینده‌رود و پشم‌باف که از کارخانه‌های ریسندگی و بافندگی اصفهان بودند رایج بود، محل معامله در ابتدایی بازار قیصریه و همچنین قهوه‌ی خانه محمود در میدان امام بود - خواننده‌ی گرامی مستحضر است که در آن زمان قهوه‌خانه‌ها محل گفتگو و معامله بوده و فضای آن با قهوه‌خانه‌های دهه‌های به متفاوت. استاد فقهی هنوز به یاد دارد که شاعر شهیر مرحوم صغیر اصفهانی به آن قهوه‌خانه می‌آمد و گهگاهی قلم و کاغذ از جیب بیرون آورده و قطعه شعری انشاء می‌کرد.

تا سال ۱۳۳۴ فعالیت ایشان در بازار سهام ادامه داشت و اکنون وی به سن ۲۲ سالگی رسیده بود. در آن زمان عالم ربانی و مرد الهی آیه‌الله میرزا علی آقا شیرازی که مورد احترام آیه‌الله العظمی بروجردی بوده و مرحوم شهید علامه مطهری نیز مدتی در اصفهان از محضر ایشان استفاده کرده بودند و اکنون از قبرستان شیخان قم فراز ایشان محل درود و فاتحه‌ی اهل دل است - در مدرسه‌ی صدر اصفهان به تدریس و بیان معارف مشغول بوده، یکی از شاگردان ایشان مرحوم استاد حسین شفیعی بود که با سید محمود آشنائی داشت. استاد شفیعی شرحی بر خطبه‌ی همام نهج‌البلاغه نوشته بود و یک نسخه از آن را به سید محمود داد، ایشان پس از یکبار مطالعه بدون سابقه‌ی ذهنی و تحصیلات حرف و نحو آن را به حافظه‌ی خود سپرد روز بعد هنگامی که استاد شفیعی را دید، سید محمود به ایشان گفتند می‌خواهم خطبه‌ی همام را بخوانم - استاد شفیعی گفت: کتاب کو، سید محمود گفت: از حفظ می‌خوانم و پس خطبه را تمام و کمال قرائت نمود. این قدرت حافظه استاد شفیعی را متعجب کرد فلذا گفت: تو باید درس بخوانی و در ابتدا باید یک جامع المقدمات بخری و این ابتدای مسیری تازه در زندگی سید محمود بود.

ایشان جامع المقدمات را به قیمت ۵ ریال اتباع نمود و هر روز صبح نزد استاد شفیعی جامع المقدمات را درس گرفت و سپس به بازار می‌آمد. رفته رفته بر فراز کتابهای جامع المقدمات را با استاد شفیعی فرا گرفت و به فراز خود مطالعه می‌کرد سپس تحصیل سیوطی را با ایشان شروع کرد و تا اواسط سیوطی را با ایشان و مابقی را مطالعه و تدریس کرد. بدینسان به جهت قوه‌ی تحلیل و حافظه‌ی قوی بسیاری از کتب را بدون آنکه نزد استاد خوانده باشد مطالعه و تدریس می‌کرد.

پس معنی در شرح لهما را از محضر مرحوم حجة الاسلام والهی شیخ مرتضی فقیهی درس گرفت پس از آن فرائد الاصول را از محضر فقیه وارسته و پاک سیرت مرحوم آیت‌الله سید علی مشکوة فرا گرفت و سپس مکاسب محرمة و کفایة الاصول را نزد عالم ربانی مرحوم آیت‌الله شیخ احمد فیاض (استاد شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی) آموخت.

در مقطع دروس عالمی فقه و اصول در حوزه‌ی درس خارج فقه و اصول مرحوم آیه‌الله سید حسین خادمی، فقیه مبارز و مجاهد و پیشگام نهضت روحانیت اصفهان در انقلاب اسلامی حاضر گشت و پس از آن به هنگامی که هر ساله ۶ ماه از سال حوزه‌ی علمیه و شهر اصفهان میزبان فقیه مدقق و محقق اهل بیت و بنا به فرموده‌ی امام خمینی (س) ابوالفقاء با آیه‌الله العظمی سید علی بهبهانی

بود، در محضر ایشان تلمذ می‌نمود که این علم اندوزی ۹ سال دوام داشت. پس از رحلت آیه‌الله العظمی بهبهانی رابطه‌ی ایشان با حوزه‌ی علمیه قطع شده و در پائیز سال ۱۳۶۲ مجدداً ایشان به تدریس مشغول گردیدند. استاد فقهی سفرهائی به شهر مقدس قم داشته و دیدارهایی با فراز علماء همچون آیه‌الله العظمی فاضل لنکرانی، آیه‌الله مشکینی، و مرحوم آیه‌الله روحانی داشته‌اند که گفتگوی آن جلسات در این مقال نمی‌گنجد ولی در جای خود شنیدنی است.

جناب استاد فقهی اگر چه بنابر روش و منش خاص خود هیچگاه ملبس به لباس روحانیت نشده‌اند ولی از دید زمان تا بدعی هنگام شاگردان بسیاری از محضر ایشان کسب علم نموده‌اند از جمله جنابان مستطاب آقایان: دکتر جواد اژه‌ای، حجة الاسلام شیخ علی اکبر فقیه که حجة الاسلام و المسلمین محمد عمومی - شیخ سالک، جناب آقای معصوم زاده، جناب آقای محسن کاظمی، جناب آقای سید اصغر حجازی و...

معظم له تمام مقاطع دروس سطح حوزه از مقدمات، لمعه، رسائل، کفایه را به دفعات تدریس نموده و پس از به تدریس قواعد فقه - متمسک نموده و پرداخته‌اند و همچنین بنابر درخواست شاگردان به بیان شرح نهج البلاغه و به فراز کتابهایی مربوط به مبانی علمی مرحوم بهبهانی پرداخته‌اند و هم اکنون نیز علی‌رغم تنهائی و سن پیری پیوسته به تدریس مشغولند.

محضر ایشان بسیار دوست داشتنی و صراحت لهجه و مطایبه گوئی و بیان تمنیلات خاص، شگفت آور و بی‌مانند شهره‌ی حوزویان است و در گذشته‌ی نه چندان دور به فراز مثالهای علمی ایشان از فرط خاص بودن به حوزه‌ی نجف نیز رسیده است.

از خداوند متعال و ائمه اطهار و حضرت سیدالشهداء که مورد ارادت و محبت ایشان است عمر با برکت و صحت و سلامت بر این استاد گرامی و گرانقدر مسئلت داریم.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

فقیری، محمدصادق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نسخه‌شناس.

تولد: ۱۳۱۹، شیراز.

درگذشت: ۴ فروردین ۱۳۷۰، شیراز.

محمدصادق فقیری از دبیران دبیرستان های شیراز بود. از کارهای پژوهشی او همکاری در تألیف فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه‌ی ملی پاریس در دو جلد (۱۳۵۱) و همچنین دو جلد فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه‌ی حضرت احمد بن موسی «شاهچراغ» با علی نقی بهروزی بود. کتاب‌شناسی فریدون توللی در مجله‌ی «آینده» نیز محصول فعالیت تحقیقی او بود. غلطگیری متن حروف چینی شده و تهیه فهرست‌های کتاب انجمن‌های ادبی شیراز از اواخر قرن دهم به امروز در حدود ششصد صفحه به دست او انجام گرفته است.

فهرستی از کتاب‌ها و روزنامه‌های چاپ سنگی در چاپخانه‌های قدیمی شیراز در دست تألیف داشت که به بیماری مزمنی دچار شد و در بامداد چهارشنبه چهارم فروردین ۱۳۷۰ درگذشت.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

فقیه ایمانی، محمدباقر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم جامع زاهد و فقیه متبحر کامل آیت الله میرزا محمدباقر فقیه ایمانی در حدود سال ۱۲۹۰ق. در شهر اصفهان دیده به جهان گشود. پدرش حجت الاسلام والمسلمین شیخ حسین علیشریف، از علما و فضلالی تهران، بود که با توجه به مرکزیت علمی اصفهان به ویژه رونق حوزه علمی این شهر در آن دوران، به اصفهان آمد و مشغول به تحصیل و تعلیم شد. نامبرده خواهر زاده‌ی دانشمند منجم مرحوم میرزا عبدالغفار نجم‌الدوله، نجم‌الدوله متوفی ۱۳۲۶ق. بود.

رحلت پدر، همت مادر

میرزا محمدباقر فقیه ایمانی در دوران کودکی، پدر دانشمندش را از دست داد ولی با بهره‌مندی از تربیت مادری علویه و باتقوی و نیز تلاش‌های بسیار در مطالعه و تحقیق توانست مراحل عالی علمی و معنوی را با موفقیت طی کند و پشت سر گذارد. ورود به حوزه اصفهان و استادان

وی در نوجوانی و جوانی به آموختن رشته‌ی عربی و منطق و ادبیات پرداخت که از جمله اساتید ادبی ایشان ادیب متبحر مرحوم سید محمود کلیشادی معروف به سید مغنی گو (متوفی ۱۳۲۴ق.) بود. مرحوم میرزا محمدباقر شرح لمعه و قوانین را از محضر عارف ربانی آخوند کاشی، (متوفی ۱۳۳۳ه.ق.) فرا گرفت. از جمله اساتید دیگر وی در فقه و اصول مرحوم آیت‌الله العظمی آقای حاج آقا حسین بروجردی طباطبایی، بود که در ایام اقامت ایشان در اصفهان از مجلس درس ایشان بهره برد. وی فرائد و مکاسب را نزد عالم ربانی و فقیه عالیقدر آخوند ملا عبدالکریم گزی فرا گرفت.

حاج شیخ محمدباقر فقیه ایمانی مراحل عالی فقه و اصول و نیز علم رجال را از محضر آیت‌الله العظمی حاج آقا منیرالدین بروجردی، (۱۲۶۹ - ۱۳۴۲ق.) که از چهره‌های مبرز علمی زمان خود و پدر عیالش بود بهره برد. همچنین از دروس فقه، اصول و کلام آیت‌الله محقق شیخ عبدالحسین محلاتی (متوفی ۱۳۲۳ه.ق.) صاحب «مغتنم الدرر» بهره‌برداری نمود. تا این که به مقام اجتهاد رسید و به تألیف و تدریس پرداخت.

خصوصیات عبادی و اخلاقی

از جمله ویژگی‌های ایشان تقید به نماز شب و توسیلات به ساحت مقدس ائمه اطهار علیهم السلام به ویژه امام عصر علیه السلام که ذکر آن خواهد آمد. نسبت به مردم با حسن خلق و مدارا رفتار می‌کرد و با اهل علم و یا عوام متواضع بود.

اقامه‌ی جماعت در قدیمی‌ترین مسجد اصفهان

مرحوم فقیه ایمانیاز ائمه‌ی جماعت مشهور اصفهان بود که در مسجد امامزاده اسماعیل مسجد امامزاده اسماعیل، واقع در خیابان هاتف اقامه‌ی جماعت می‌نمود. بنا به نوشته‌ی برخی از منابع تاریخی این مسجد (امامزاده اسماعیل) که به مسجد شعیبا نیز معروف است اولین مسجد بزرگی است که در اصفهان ساخته شده و این مسجد در زمان خلافت امام علی بن ابی طالب علیه السلام بنا شده است. در قرون اولیه هجری از مسجد مذکور به جامع خشینان مسجد جامع خشینان، یاد شده است.

عشق به ولایت و اشتیاق به دیدار حجت خدا

آنچه بیش از هر چیز قابل ذکر است، توجه و علاقه خاصی بود که به اهل بیت عصمت علیهم السلام در رفتار و گفتار ایشان آشکار بود و در تمام عمرش در انتظار فراق حضرت حجج بن الحسن العسکری ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف سوخته و اشکی

ریزان داشت و در منابر و مجالس و هر فرصتی در طول سال مردم را به ساحت قدس آن حضرت توجّه و تئبه می‌داد و با آن حال معنوی خاصی که در ایشان بود تأثیر خاصی در حال اشخاص می‌گذاشت. مثلاً روزهای جمعه با حال گریه و شور و اشتیاق چند مرتبه دعای ندبه را در طول روز قرائت می‌کرد. عنایت و اهتمام زایدالوصفی به ذکر فضایل و مناقب حضرت بقی‌الله‌الاعظم امام زمان «عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف» داشت چنان که تمام منبرهای او در ایام مختلف سال چه در مسجد محل اقامه‌ی نماز جماعتش یا مکان‌های دیگر و یا مجالسی که در تمام روزهای سال قبل از ظهر در منزل شخصی خود منعقد می‌نمود به وعظ و ارشاد می‌پرداخت و منحصر به امام زمان -عجل‌الله‌تعالی فرجه- بود و آغاز و انجامش در شرح زندگی و دیگر شئون حیاتی و امامتی آن حضرت برگزار می‌گردید. و کسانی هم که برای حل و فصل هرگونه مشکل مادی و معنوی از قبیل شفای بیماری، ادای دین و بدهی مالی، پیدا شدن گمشده، رفع دیگر گرفتاری‌های شخصی و اجتماعی به آن مرحوم مراجعه می‌نمودند، جنابش قبل از هر چیز او را به نوعی توسل‌های ذکری و زیارتی و مالی و نمازی و دیگر طرق مناسب به عنوان توسل به ساحت قدس حضرت مهدی علیه‌السلام راهنمایی و تشویق می‌کرد وی را با این طرق رهایی از مشکلات می‌داد.

همواره در یاد او

آیت‌الله حاج شیخ محمدباقر فقیه‌ایمانی حتّی در سال‌های آخر عمر که بخاطر ابتلا به کسالت و ناتوانی قادر به بیرون رفتن از منزل نبود و یا ایام زمستان که به دلیل سردی هوا خانه‌نشین می‌شد دائماً مشغول ذکر و توسل به آن حضرت بود و یا اشتغال به نوشتن اوراق و مطالبی به ویژه درباره‌ی وجود و برکات و آثار امام عصر علیه‌السلام جست. فرزند ایشان فاضل ارجمند حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین حاج آقا مهدی فقیه‌ایمانی می‌گوید: خاطره جالبی از مرحوم والد بنظم رسید که یکی از اشعار ایشان درباره‌ی حضرت بقیه‌الله‌الاعظم عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف شعری مندرج در «مطلع‌الانوار» ص ۲۳۵ است بدین مضمون:

لا سیما امامنا الثانی عشر من حاضرینا و عنا مُستتر

که بیانگر حاضر بودن امام زمان علیه‌السلام در بین مردم و در نزدیکی آنها است، اما بطور نادیدنی و ناشناختنی که حاضرین در خدمتش حضرتش را نمی‌بینند یا نمی‌شناسند.

یکی از علمای تهران که دورا دور مرحوم والد را با ویژگی‌ها و راه و رسم علاقه به آن حضرت و ذکر فضایل و مناقبشان شناخته بود به منزل ایشان در اصفهان وارد شد و با ابراز راه و رسم ایشان درباره آن حضرت، از ملاقات آن بزرگوار سراغ گرفت و با اصرار خواست اگر خاطره‌ی ملاقاتی دارند توضیح دهند. ایشان (آیت‌الله فقیه‌ایمانی) گفتند: من ادعای ملاقات با آن بزرگوار را ندارم امّا خاطره‌ای برای من پیش آمده که فکر می‌کنم لطف امام شامل حال شده و بی‌ارتباط با شعری که درباره آن حضرت سروده ام نیست. و قضیه بدین شرح است که در شبی از شب‌های ماه مبارک رمضان (شب پانزدهم) مشغول سرودن شعر فوق و اشعار قبل و بعد از آن بودم، پس کم‌کم دچار خستگی شدم که دیگر نشاط ادامه دادن به شعر و گفتن نداشتم و تصمیم به خوابیدن گرفتم، امّا نتوانستم به خواب بروم، آنگاه متوجه شدم که در شب‌های ماه رمضان غسلش مستحب است و به نظرم رسید به حَمّام نزدیک منزل بروم، غسل شب نیمه‌ی ماه رمضان را بجا آورم. پس برخاستم به حَمّام نو مجاور مسجد خواجه اعلم نزدیکی سبزه‌میدان (میدان کهنه) رفتم و چون به سمت خزینه‌ی معمولی رفتم متوجه شدم آن قدر آب آن کثیف و آلوده است که نمی‌توانم رغبت به وارد شدن در آن خزینه نمایم. آن گاه به سراغ خزینه کوچکتی رفتم که آبش بسیار تمیز و زلال بود ولی همین که پا را در آن خزینه گذاردم آنچنان احساس حرارت شدید از آب خزینه کردم که دیدم طاقت وارد شدن در آن خزینه و غسل کردن در آن را ندارم. رفتن در آن غیر قابل تحمل [با آب زلال] پس متحیر شدم چه کنم که آن خزینه است و چگونه بدون غسل و انجام یک امر مستحب ارزشمند از حَمّام خارج شوم. ناگهان متوجه شدم مرد بزرگوار وارد گرمخانه شد و بطور عادی مستقیماً وارد

خزینہ‌ی کوچک که از گرمی شدید برخوردار بود شد بدون آن که احساس گرمی نماید. در این موقع من با حالت فراموشی گرمی شدید آن خزینہ به دنبال آن مرد بزرگوار وارد خزینہ شدم و با احساس ملائمت آب خزینہ مشغول غسل شدم ولی ناگهان آن شخص ناشناس از خزینہ خارج شد و همین که پا از خزینہ بیرون نهاد من مثل قبل از آمدن آن مرد محترم، که احساس گرمی غیر قابل تحمل می‌نمودم دیگر قوت و توانایی ماندن در خزینہ برای تکمیل غسل نداشتم و با زحمت و سوختن از خزینہ خارج شدم و تازه به فکر افتادم مگر نفهمیدی چند لحظه پیش آب خزینہ آنقدر گرم و سوزنده بود که پا بیرون نهادی، و این مرد کیست که با وارد شدن در خزینہ آن قدر آبش ملایم شد که بدنم را حال آورد و با بیرون نهادن او، همانند دفعه‌ی اول که امتحان نمودم آب خزینہ غیر قابل تحمل گردید. آن گاه به فکر افتادم بروم بیرون گرمخانه، بفهمم آن مرد چه کسی بود، که آمدنش در خزینہ و بیرون رفتنش این گونه آب را تغییر داد و چون بیرون رفتم، متوجه شدم فقط متصلی حیات در آن جا است و دیگر کسی نیست. پس سراغ آن شخص را گرفتم، پاسخ داد در حال حاضر کسی غیر از شما در حمام نیامده و مثلاً یک ساعت قبل فلان کاسب آمد و رفت. در این موقع متحیر شدم که این شخص کجا رفت و این قضیه چگونه پیش آمد، و به ذهنم خطور کرد که شاید آن بزرگوار، آقا امام زمان علیه‌السلام بودند که با آمدن و رفتن این چنانی خواستند شعری را که من سروده بودم عملاً به تجلی درآورده و نشان دهند که در محوطه‌ای که هستیم حاضر شده‌اند و من در نزدیکی ایشان قرار گرفتم اما حضرتش را نشناختم و ترتیب اثری به حضور مبارکش ندادم.

آثار قلمی و تألیفات آیت‌الله حاج شیخ محمدباقر فقیه‌ایمانی بیش از هشتاد مورد است که تنها چند جلد آنها به همت فرزند فاضل ایشان (حاج شیخ مهدی فقیه‌ایمانی) طبع و منتشر گردیده است. تألیفات ایشان دو دسته عمده است یکی زمینه‌های مختلف عقیدتی، فقهی، اخلاقی و تاریخی، دیگری تحقیقات و نوشته‌هایی در باره‌ی امام عصر صلوات‌الله علیه - ارتحال و مدفن

تاریخ وفات این عالم جلیل‌القدر در سن حدود هشتاد سالگی و در شب جمعه بیستم ماه ذی قعدة سال ۱۳۷۰ ه.ق. بوده است، قبر شریفش در اتاق شرقی تکیه‌ی کازرونی است.

در تاریخ فوتش مرحوم میرزا حبیب‌الله نیر، میرزا نیر (متوفی ۱۳۷۹ ق.) سروده است:

لهفی لفقدان ذی علم و ناشرفقیه مذهب اسلام و ناصره

محمدباقر راوی الاحادیث تألیف سبعین جلداً من مفاخره

زد واحداً ایها النیر تورخه توقف العالم من فقد لباقره (۳۹۸)

بر سنگ قبر مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدباقر فقیه‌ایمانیچنین نگاشته شده است:

قال الصادق علیه‌السلام خیر الناس من بعدنا من ذاکر بامرنا و دعا الناس الی ذکرنا مرقد شریف عالم جلیل و فقیه نبیل، یگانه موالی و مروج رسم و آثار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام مؤلف و نویسنده هفتاد و شش جلد کتاب و رساله‌ی عربی و فارسی بنظم و نثر پیرامن مسائل علمی و عقیدتی و تاریخی و اخلاقی که بیست و شش جلد آنها در شئون مختلف حضرت بقی‌الله الاعظم امام مهدی منتظر عجل‌الله تعالی فرجه اختصاص یافته

مرحوم مغفور جنّت مکان آئی‌الله شیخ محمدباقر بن شیخ حسینعلی فقیه‌ایمانی بتاریخ ذیقعدة سال ۱۳۷۰ ه.ق. برابر با شهریور سال

۱۳۳۰ هـ. ش. دعوت حق را لیبیک گفت.

فقیه دزفولی، اسدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید اسدالله بن محمدعلی بن عبدالله بن عبدالکریم بن شاه میر بن محمد مهدی بن سید محمد شفیع بن مرتضی بن سید حبیب‌الله ابن سید ولی‌الدین ابن محمد بن احمد بن سید عبدالله بن سید شمس‌الدین بن محمد بن سید تاج‌الدین ابن سید شرف‌الدین بن سید حسین بن سید عالی بن سید صدرالدین بن سید نظام‌الدین بن سید محمود بن سید جمال‌الدین بن سید محمود بن سید صدرالدین بن سید مظفرالدین ابن سید احمد بن سید عبدالله بن امام موسی بن جعفر علیهماالسلام از علماء نجف اشرف بودند و با بیست و هفت واسطه به امام هفتم علیه‌السلام منتهی می‌شوند.

وی در سال ۱۳۰۲ قمری در دزفول در بیت علم و تقوی و کمال متولد شده و در حجر والد علامه اش تربیت یافته و پس از خواندن اولیات و مقدمات سطوح وسطی و نهائی را از محضر مرحوم والدش و سایر اساتید و علماء دزفول فرا گرفته و سپس چند سالی پیش از جنگ بین‌المللی اول مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر و دراسات آیت‌الله العظمی مرحوم سید محمدکاظم یزدی که پیوسته مورد توجه خاص و جزو اصحاب معظم له بودند و همچنین در محضر دراسات آیت‌الله العظمی شریعت اصفهانی و میرزا محمدحسین نائینی و سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاء‌الدین عراقی رضوان الله تعالی علیهم اجمعین استفاده نموده و در ۲۱ رجب‌المرجب ۱۳۶۱ قمری در نجف اشرف دعوت حق را لیبیک گفته و برحسب وصیت آن مرحوم در وادی‌السلام نجف اشرف مدفون شدند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فقیه دزفولی، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج سید محمدرضا فقیه دزفولی از علماء محترم و ائمه جماعت مکرم معاصر تهرانست. وی در دزفول متولد شده (و از بیت واسره سادات گوشه‌ی دزفول است) و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات عظام آن سامان مانند مرحوم آیت‌الله العظمی آقا سید ابوالحسن قدس الله اسرارهم و آیات دیگر استفاده کامل نموده و پس از فوت آن مرحوم به تهران آمده و تاکنون در مسجد خیابان جهان پناه به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.

نگارنده گوید: جناب آقای فقیه دزفولی عالمی متین و دانشمندی متقی موصوف بفضل و تقوا و محامد اخلاق و مبادی آداب میباشد. معظم له با حضرت آیت‌الله فیض دزفولی قرابت و خویشاوندی دارند.

سید محمدرضا بن آیت‌الله مرحوم حاج سید اسدالله دزفولی اجمالی آنجناب در سال ۱۳۳۷ قمری در نجف اشرف متولد شده و در بیت علم و تقوی پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات سطوح وسطی و نهائی را نزد اساتید بزرگ مانند مرحوم آیت‌الله حاج سید علی نوری و خارج را چندی از مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی و آیت‌الله العظمی آقا

سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی کاظمینی و آیت‌الله حاج سید میرزا آقا اصطهباناتی و آیت‌الله العظمی خوئی استفاده نموده و با دریافت اجازات اجتهاد و روایتی از اساتید نامبرده و غیره به تهران مهاجرت و تاکنون در مسجد مهدوی خیابان جهان پناه به خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

فقیه رضوی، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت‌الله حاج سید عباس فقیه مبرقی رضوی والد ماجد حاج سید مرتضی فقیه مذکور از علماء اعلام و آیات عظام قم بوده‌اند که در خدمت مرحوم حاج ملا غلامرضا معروف به حاج آخوند قمی صاحب حاشیه و مرحوم آقا سید عبدالله برقی رضوی تلمذ نموده و در مدرسه مهدی قلیخان هم تدریس می‌کرده تا در سال ۱۳۳۵ ق وفات نموده و در ایوان آئینه اتاییکی مدفون شده است، دارای یک پسر به نام حجه الاسلام والمسلمین آقای حاج سید مرتضی فقیه مبرقی و ۴ دختر بوده است که همسر چهار نفر از مفاخر روحانیت عالم تشیع و حوزه علمیه قم و شرفاء می‌باشند.

۱- همسر آیت‌الله العظمی و العلامه الکبری آقا سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی مدظله العالی.

۲- همسر آیت‌الله العظمی مرحوم فاضل لنکرانی.

۳- همسر آیت‌الله آقای حاج شیخ محمد کرمی اهوازی.

۴- همسر آقای آقا سید ابوالفضل لاجوردی.

نسب مرحوم آیت‌الله حاج سید عباس منتهی می‌شود به علامه جلیل سید رشیدالاسلام رضوی قمی که تولیت آستانه بی‌بی معصومه علیهاالسلام از طرف شاه طهماسب اول صفوی با آن مرحوم بوده است و قبرش در رواق آئینه در مدخل حرم بوده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

فقیه سبزواری، حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۸۶-۱۳۰۹ ق)، عالم دینی و فقیه. در سامرا به دنیا آمد و در خانواده‌ای اهل علم پرورش یافت. در ۱۳۱۸ ق به همراه پدرش به نجف رهسپار شد و مدت چهار سال در آنجا، تحت نظر پدرش، مقدمات و ادبیات را خواند و در ۱۳۲۲ ق به همراه پدر به سبزواری رفت و چهار سال در آنجا به تحصیل پرداخت. در هفده سالگی با اجازه و امر پدر به مشهد رفت و از محضر ادیب بزرگ نیشابوری و شیخ حسن برسی و سید محمد باقر مدرس استفاده نمود. پس از چندی به خواست پدرش به سبزواری بازگشت و ضمن استفاده از درس خارج پدر و بهره‌گیری از افتخار الحکماء، در زمینه‌ی معقول، خود به تدریس سطوح پرداخت. در ۱۳۳۷ ق پس از درگذشت پدر به نجف مهاجرت نمود و دو سال از محضر آیت‌الله میرزا محمد تقی شیرازی و آیت‌الله شریعت اصفهانی و آیت‌الله سید محمد فیروزآبادی و آیت‌الله میرزا حسین نایینی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله اصفهانی استفاده نمود و به مدارج

عالی فقه و اجتهاد رسید و با دریافت اجازات اجتهاد مطلق از اساتیدش، در ۱۳۴۷ ق، به ایران بازگشت و در مشهد مقیم شد و به تدریس خارج فقه و اصول و امامت جماعت در جامع گوهرشاد پرداخت. او در مشهد درگذشت و در مقبره‌ی باغ رضوان به خاک سپرده شد. از آثار خیرش: بنای کوی طلاب؛ مدرسه‌ی محمدیه؛ تکیه سیدها؛ گورستان و غسلخانه و دیگر آثار خیر او در کتاب «خاطرات زندگانی» وی با شرح آثار آمده است. [۱]

حسین بن العلامه میرزا موسی فقیه سبزواری از آیات عظام و فقهاء فخام معاصر سبزواری (مقیم مشهد مقدس) بوده‌اند. ترجمه احوال و آثار آن بزرگوار رساله و کتاب جداگانه‌ای لازم دارد که آن هم بحمدالله به قلم یکی از دانشمندان بنام خاطرات زندگانی آیت‌الله فقیه سبزواری بطبع رسیده است و خلاصه آن را نگارنده در اینجا می‌نگارم. وی در سال ۱۳۰۹ قمری در سامره دیده به جهان گشوده و در بیت علم و عزت پرورش یافته و در سال ۱۳۱۸ ق به همراه والد ماجدش به نجف اشرف رهسپار شده و مدت چهار سال در آنجا در تحت نظر والدش مقدمات و ادبیات را خوانده و در سال ۱۳۲۲ ق در معیت پدرش به سبزواری آمده و چهار سال در آنجا به تحصیل پرداخته و در سن ۱۷ سالگی با اجازه و امر پدر به مشهد آمده و از محضر مرحوم ادیب بزرگ نیشابوری و مرحوم آقا شیخ حسن بررسی و حجة الاسلام آقای حاج سید محمدباقر مدرس استفاده نموده. و در همان اوان صحنه دلخراش توپ بستن روسها را به آستان قدس رضوی مشاهده می‌کنند و بعد از چندی بر حسب امر والدش به سبزواری آمده و ضمن استفاده از درس خارج والدش و استفاده معقول از مرحوم افتخارالحکماء خود به تدریس سطوح پرداخته تا والدش در سال ۱۳۳۷ قمری به رحمت ایزدی واصل و ایشان به نجف اشرف مهاجرت نموده.

و دو سال از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی میرزا محمدتقی شیرازی و مرحوم آیت‌الله شریعت اصفهانی و آیت‌الله حاج سید محمد فیروزآبادی و آیت‌الله میرزا حسین نائینی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله العظمی اصفهانی استفاده نموده و به مدارج عالی فقه و اجتهاد رسیده و با دریافت اجازات اجتهاد مطلق از آیات نام برده در سال ۱۳۴۷ ق به ایران بازگشت و به سبزواری وارد و بعد از سه ماه به مشهد مقدس عزیمت نموده و روی اصرار علماء و مراجع حوزه مشهد رحل اقامت افکنده و به تدریس خارج فقه و اصول و امامت در جامعه گوهرشاد پرداخته و در خلال توقف در مشهد چندین مسافرت مهم به عتبات عالیات و مکه معظمه نموده که شرح هر یک مفصل خواهد بود.

و در کتاب خاطرات زندگانی وی مذکور می‌باشد. معظم له پس از یک عمر خدمت به دین و مسلمین و آستان ملک پاسبان ثامن الائمه المعصومین علیهم صلوات المصلین در شب شنبه ۲۴ شوال ۱۳۸۶ ق شب قبل از شهادت حضرت امام صادق علیه الصلوة والسلام در سن ۷۷ سالگی از دنیا رفت و در مقبره باغ رضوان که از باقیات الصالحات اوست مدفون گردید. آثار خیر مرحوم آیت‌الله فقیه سبزواری از اینقرار است.

۱- مدرسه کوچک باغ رضوان

۲- تکمیل بناء درمانگاه رازی

۳- خانه‌های سیل زدگان

۴- مسجد بهار

۵- کوی طلاب

۶- مدرسه محمدیه و آثار خیر دیگر که در کتاب خاطرات زندگانی ایشان با شرح آثار مذکوره موجود است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۵۲ / ۷، ۳۲۳-۳۲۱ / ۵).

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۲۱ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی، در قم به دنیا آمد و در مهد علم و تقوا پرورش یافت. او دخترزاده‌ی آیت‌الله حاج آقا احمد طباطبائی قمی بود. پس از طی مقدمات و ادبیات، سطوح را نزد آقا شیخ حسین علامه و آیت‌الله آخوند ملا-علی همدانی و حجت‌الاسلام شیخ ابوالقاسم قمی صغیر و آیت‌الله میرزا محمد همدانی خواند و خارج «عروه» را از محضر آیت‌الله فیض استفاده نمود و همچنین مدتی از محضر آیت‌الله حایری بهره‌مند شد. وی عمده دروس تحلیلی خود را از محضر آیت‌الله حجت استفاده نمود. بعد از ورود آیت‌الله بروجردی در شمار اصحاب وی درآمد و حدود هیجده سال از محضر بحثهای فقه و اصول ایشان مستفیض شد و دروس معقول را از محضر آیت‌الله سید ابوالحسین رفیعی قزوینی و امام خمینی بهره‌ها برد. او چندین سال در درس فقه آیت‌الله مرعشی نجفی نیز شرکت کرد. از آثارش: «تقریرات» درس اصول و فقه (مکاسب و خمس) آیت‌الله حجت. [۱]

حاج سید مرتضی فقیه بن العلامة الورع حاج آقا عباس برقی رضوی قمی از علماء حوزه علمیه و شهرستان مذهبی قم سبط مرحوم آیت‌الله حاج آقا احمد طباطبائی برادر بزرگ مرحوم آیت‌الله العظمی حاج آقا حسین طباطبائی قمی و برادر متعلقه حضرت آیت‌الله العظمی آقا شهاب‌الدین مرعشی مدظله یکی از سه زعیم معاصر حوزه علمیه است.

آن جناب در سال ۱۳۲۱ ق در قم متولد شده و در مهد علم و تقوا پرورش یافته و پس از رشد و طی مقدمات و ادبیات سطوح را نزد مرحوم حجه‌الاسلام آقا شیخ حسین علامه و آیت‌الله آخوند ملاعلی همدانی و مرحوم حجه‌الاسلام شیخ ابوالقاسم قمی معروف (به صغیر) و مرحوم آیت‌الله میرزا محمد همدانی خوانده و خارج عروه را از محضر مرحوم آیت‌الله فیض استفاده نموده و نیز مقداری از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی حایری بهره‌مند شده و عمده دروس تحلیلی خود را از محضر سیدنا الاستاد مرحوم آیت‌الله حجت قدس الله سره استفاده نموده و از موقع ورود آیت‌الله العظمی بروجردی نورالله مضجعه در شمار اصحاب آن جناب درآمد و بالغ بر ۱۸ سال از محضر و ابحاث فقه و اصول آن مرحوم کامیاب و مستفیض شده و دروس معقول را از محضر آیت‌الله حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و آیت‌الله العظمی... موسوی مدظله استفاده نموده و هم چندین سال به درس فقه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله شرکت نموده و در حال حاضر با چند نفر از علماء حوزه حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عباس مستقیم و حجه‌الاسلام آقای حاج میرزا اسماعیل رحمت‌خواه تبریزی و حجه‌الاسلام آقای حاج میرزا حسن غفاری نژاد مباحثه کمپانی دارند و ظهرها هم در حرم مطهر حضرت معصومه علیهاسلام اقامه جماعت دارند.

از نوشته‌های ایشان است: تقریرات درس اصول و فقه (مکاسب و خمس) مرحوم آیت‌الله العظمی حجه طاب ثراه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار الحجه (۱۲۳- ۱۲۲ / ۲)، آینه‌ی دانشوران (۲۸۲- ۲۸۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۲۰- ۲۱۹ / ۲).

فقیه، اسماعیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: الهیات و ادبیات، دانشگاه: الزهرا (س)

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

فقیه، محسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن فقیه جد مادری حجة الاسلام سید مجدالدین مترجم عزیز ماست، که از مجتهدین بزرگ شیراز و از شاگردان آیات عظام میرزا نائینی و آقا ضیاءالدین عراقی بوده و از آنان اجازه اجتهاد داشته، مجلس درس این فقیه گرامی مورد توجه فضلاء بوده است. مجله الاسلام که در ایران و کشورهای اسلامی از اول رژیم پهلوی منتشر می‌شد نشانه رشد فکری این فقید بود. مرحوم حجة الاسلام شیخ جمال‌الدین اسلامی و شیخ کمال‌الدین فقیهی فرزندان ذکور این مرحوم می‌باشند و خاندان اسلامی و فقیهی در شیراز از ارحام این مجتهد بزرگند. مدفن ایشان در حرم مطهر حضرت علی بن حمزه است. فرزندان این دانشمند بزرگ هم اکنون به خدمات ذی‌قیمت دینی و اجتماعی اشتغال دارند. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

فقیه، فاطمه

قرن: ۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

از زنان فقیه و محدث قرن ششم. وی دختر علاء‌الدین محمد بن احمد سمرقندی (و ۵۴۰ ق) مؤلف کتاب تحفه الفقهاست. فاطمه نزد عده‌ای از فقها دانش آموخت و بسیاری نیز از وی کسب دانش کردند. او حلقه درس داشت و گروهی از علما به وی اجازه روایت دادند. علاوه بر علم و فضل، از زهد و پارسایی نیز بهره زیاد داشت. فاطمه آثار بسیاری در فقه و حدیث تألیف کرد که بین دانشمندان و اهل فضل انتشار یافت. پدرش به مناسبت شرح محققانه‌ای که علاء‌الدین ابوبکر کاشانی (و ۵۸۷ ق) بر کتاب تحفه الفقها نوشت، فاطمه را به عقد او درآورد. علاء‌الدین نیز که از فقها و دانشمندان زمان خود بود شب و روزش به حل و فصل مسائل فقهی مصروف می‌شد و طرف مراجعه مردم بود. او با تمام حضور ذهن و تبحری که داشت وقتی در پاسخ دادن به مسائل مشکلی مردد می‌ماند از همسر دانشمندش استمداد می‌طلبید و او بدون درنگ پاسخ کافی و قانع کننده‌ای به همسرش می‌داد. فاطمه به همراه همسر و پدرش در یک خانه در کاشان سکونت داشتند و پس از مدتی به حلب رفته و در آنجا مقیم شدند. وی با ملک نورالدین شهید معاصر بود و او مدتها در پاره‌ای از امور داخلی کشور با این زن مشورت داشت. و برخی از مسائل فقهی را از او فراگرفت. نورالدین هواره در حق این زن انعام می‌کرد و او را در کوشش‌هایش یاری می‌نمود. فاطمه در شهر حلب درگذشت. برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منابع: اعلام النساء، ۹۵-۹۴ / ۴؛ از رابعه تا پروین، ۱۷؛ تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ۳۷۱.

فقیهی بروجردی، عبدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام آقای حاج میرزا عبدالله فقیهی بروجردی فاضلی کامل و عالمی عامل و خیر و خدمتگذار و در کارهای دینی و خدمات اجتماعی روحی فعال و جدیت در ماه صفر الخیر ۱۳۴۶ قمری در بروجرد در خانواده‌ای پرهیزکار به دنیا آمده و پس از طی دوران علوم جدید و مقداری از ادبیات و سطوح وسطی از بروجرد به قم مهاجرت نموده و پس از تکمیل سطوح مدت ده سال از محضر و اباحت علامه کبری آیت الله العظمی بروجردی قدس الله سره استفاده نموده و هم از محضر مرحوم آیت الله خونساری و آیت الله حاج شیخ عبدالنبی عراقی و مرحوم حاج شیخ مهدی مازندرانی بهره‌مند شده و ضمناً تدریس فقه و اصول (مکاسب و رسائل و کفایه) و منظومه و شرح تجرید نموده و در سال ۱۳۲۵ شمسی به نجف اشرف مشرف و مدت پنجسال توقف نموده و از محضر مرحوم آیت الله میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت الله سید جمال الدین گلپایگانی و آیت الله حاج سید یحیی یزدی و آیت الله میرزا حسن بجنوردی و آیت الله حاج شیخ علی محمد بروجردی و آیت الله میرزا هاشم آملی و آیت الله میرزا باقر زنجانی و دیگران استفاده نموده و موفق به دریافت اجازات اجتهاد و روایتی از آیات عظام نجف و قم شده و در سفر مکه با بعضی از علماء اهل سنت مصر و مکه و مدینه و شام و عمان و سامرا و کاظمین ملاقات و درباره تشیع و خلافت بلافصل علی بن ابی طالب علیه السلام و اولاد طاهرین آن حضرت بحث و موجب استبصار بعضی از آنان به اصل خلافت و مرام تشیع گردیده است آثار و مولفات ایشان گذشته از تقریرات و دراسات مباحث اساتید معظم به قرار زیر است.

۱- رساله‌ای در حرمت ریش تراشیدن ۲- حاشیه‌ای بر کفایه ۳- کتابی به نام گوشه‌ای از علوم و فنون ۴- شناسائی مرد و زن از نظر روانی و فیزیولوژی ۵- رسائلی در علوم غریبه ۶- رساله‌ای در حقیقت عشق و محبت ۷- کشاف المذاهب العالم او القضاوه بین الملل و النحل در ۲ جلد ۸- شرح اسماء الحسنی ۹- الفقه علی المذاهب الخمسه در مباحث طهارت ۱۰- رساله‌ای در حد کرو تطبیق آن با اوزان دنیا ۱۱- تفسیر استعاذه ۱۲- رساله‌ای در ولایت اهل البیت و علم ائمه علیهم السلام ۱۳- رساله‌ای در لغز و معما ۱۴- الفوائد المختاره فی علم اصول الفقه ۱۵- رساله‌ای در تفسیر سوره حمد و بقره ۱۶- قواعد الرجال ۱۷- کتابی به سبکی تازه و جدید در علم السند و الحدیث ۱۸- زهره العلوم فی اصول الدین و الکلام و الفقه علی نهج الاخبار.

۱۹- رساله‌ای در مختلف العلوم و الفنون ۲۰- اجوبه مسائل الدینی ۲۱- رساله‌ای در تراجم علماء و رواه.

اما آثار دیگر خدمات دینی و موسسات اجتماعی برای روحانیت و سایر کارهای اجتماعی و دینی.

۱- تاسیس دارالشفاء الثقلین (درمانگاه قرآن و عترت) ۲- کتابخانه قرآن و عترت علیهم السلام.

۳- دارالایتام ثقلین ۴- دارالمبلغین الثقلین ۵- مسجد صاحب الزمان علیه السلام در سربند دربند شمیران ۶- حسینیه صاحب الزمان در همان محل ۷- حسینیه صاحب الزمان در پست قلعه دربند ۸- کتابخانه مسجد صاحب الزمان علیه السلام در سربند ۹- تاسیس مکتب التفسیر و الاحکام ۱۰- تاسیس غسالخانه به وسیله مبلغین دارالثقلین در دهات قم. ۱۱- حمام در قراء قم و ساوه به وسیله مبلغین مزبور ۱۲- تشکیل هیئت دینی در قصبات قم به وسیله مبلغین مذکور ادام الله توفیقاته و برکاته.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

فقیهی حکم آبادی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۵، مرتبه علمی: استاد، رشته: چشم پزشکی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، دکترای تخصصی چشم پزشکی از مرکز پزشکی فارابی در سال ۱۳۳۲.

مرتبه علمی:

دانشیار در دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۳۴، ارتقاء به درجه استادی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

عوارض چشمی، درمان تراخم با الکتروکواگوسیون، ضایعات قرنیه در تراخم، گلوکوم حاد و درمان آن راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۳۰ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: متعدد، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

جدیدترین طرق معالجه تب خال قرنیه.

بر گرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

فقیهی رشتی، عبدالحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۳۲۱ق)، فقیه و عالم دینی. در نجف به دنیا آمد. وی ادبیات را در خدمت آقا میرزا عبدالحسین قفقازی و مقدمات را در خدمت میرزا مجید گنجه‌ای و سطوح را نزد آقا شیخ حسین رشتی و شیخ محمد علی کاظمینی و سید علی کازرونی و شیخ علی مازندرانی خواند و دروس فقه و اصول استدلالی را از محضر حاج میرزا علی ایروانی و آیت‌الله شیخ محمد حسین اصفهانی و آیت‌الله نائینی و پدر خود، آیت‌الله شیخ شعبان رشتی، استفاده نمود و علوم اجتماعی را از آیت‌الله شیخ جواد بلاغی فراگرفت. در حدود ۱۳۵۰ ق به قم رفت و در درس آیت‌الله حایری حاضر شد و بعد از ایشان حدود هیجده سال از دروس و بحث آیت‌الله بروجردی استفاده کرد و چند سالی از طرف آیت‌الله بروجردی در موسم حج به مکه و مدینه برای رسیدگی به امور شرعی حجاج

ایرانی فرستاده شد. وی برای فضلا به تدریس فقه و اصول نیز می‌پرداخت. از آثارش: شرح بر «کفایه»؛ شرح بر «مکاسب».[۱]

حاج شیخ عبدالحسین بن العلامه الکبری والایه العظمی الحاج الشیخ شعبان رشتی نجفی معروف به فقیهی از علماء اعلام و حجج اسلام حوزه علمیه عالمی کامل و فقیهی عادل از بیت فضل و کمال جامع حسب و نسب است در سال ۱۳۲۱ قمری در نجف اشرف متولد و پس از بلوغ و رشد مقدمات را در خدمت مرحوم میرزا مجید گنجه‌ای خوانده و سطوح را نزد مرحوم آقاشیخ حسین رشتی و شیخ محمدعلی کاظمینی و سید علی کازرونی و شیخ علی مازندرانی و دروس فقه و اصول استدلالی را از مرحوم حاج میرزا علی ایروانی و آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین اصفهانی و آیت‌الله نائینی و مرحوم والد ماجد استفاده نموده و در سال ۱۳۵۰ قمری به قم مهاجرت و حاضر درس آیت‌الله حایری گردیده و بعد از آن مرحوم ۱۸ سال از دروس و بحث آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده کرده و چند سالی از طرف معظم‌له در فصل حج به مکه و مدینه مسافرت برای رسیدگی به امور شرعی حجاج ایرانی نمود و تاکنون همه ساله این توفیق را داشته و دارد و در حوزه علمیه برای عده‌ای از فضلاء تدریس فقه و اصول می‌نماید دارای تصنیفات چندیست چون شرح بر کفایه و شرح بر مکاسب.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار الحجج (۵۶ / ۲)، آینه‌ی دانشوران (۲۲۹-۲۲۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۲۳-۲۲۲ / ۲).

فقیهی، علی اصغر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۶ ش)، عالم، مورخ، مترجم و ادیب. در قم به دنیا آمد. ابتدا در مکتب با مقدمات و در محضر پدرش که از روحانیون بود با علوم حوزوی آشنا شد و تا حد متوسطه پیش رفت. آن‌گاه برای تکمیل تحصیلات به تهران آمد و از دانشکده معقول و منقول لیسانس گرفت. سپس به سمت دبیر ادبیات دبیرستان حکیم نظامی، کفالت فرهنگ و ریاست دبیرستان حکیم نظامی در قم منصوب شد. وی سالهای متمادی عمر خود را صرف نوشتن کتابهای سودمندی کرد. از آثار وی: سلسله مقالات «ایران در جنگ گذشته»؛ سلسله مقالات «تاریخ قضیه‌ی بحرین»؛ سلسله مقالات «گذشته‌ی خوزستان»؛ «تاریخ آل بویه»؛ «تاریخ و عقاید وهابیان»؛ «تاریخ اسلام و جغرافیای کشورهای اسلامی»؛ «دستورهای املاء و انشاء»؛ «توحید مفضل»، ترجمه؛ «عهدنامه‌ی مالک اشتر»، ترجمه؛ «سفرنامه‌ی حج»؛ «عضدالدوله دیلمی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: کیهان فرهنگی (س ۳، ش ۶، ص ۱۰-۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴۷۳-۴۷۱ / ۴)، یادگار (س ۱، ش ۷، ص ۸۰).

فقیهی، محمدتقی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدتقی فقیهی

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

سید محمدعلی فقیهی فرزند حجه‌السلام آقا مصطفی فقیهی از روحانیون محله برزان اصفهان و امام جماعت مسجد امام زاده عبدالله و حسینیه آفران واقع در خیابان شهیدان. نامبرده نوه دختری مرحوم آیه الله سید علی اصغر از مجتهدینی که دارای اجازه اجتهاد از آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی و آغا ضیاء عراقی و محمد حسین فشارکی بوده اند. آقای فقیهی داماد مرحوم آیه الله سیدعلی اکبر واعظ است، وی در سادات حسینی که نسب او با ۳۵ واسطه به امام زین العابدین علیه السلام میرسد. وی در سال ۱۳۴۲ شمسی در خانواده ای با ایمان در شهر اصفهان دیده به دنیا گشود، تحصیلات جدید را در اصفهان گذراند و پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۶۱ جهت تحصیل علوم دینی و حوزوی به شهر مقدس قم هجرت نمود ابتدا در مدرسه علمیه رسالت و پس از آن در مدرسه امام مجتبی (ع) تحت اشراف آیه الله مکارم شیرازی به تحصیل دروس حوزوی مشغول بود دروس سطح را تا سال ۱۳۶۹ به پایان رساند و در تمام مقاطع تحصیلی از طلاب ممتاز بود و پس از آن در درس خارج فقه و اصول مراجع عظام شرکت نمود و مدت ۹ سال مؤسسه تحقیقاتی بقیه الله (ع) زیر نظر آیه الله طاهری خرم آبادی در رشته تخصصی فقه و اصول اشتغال به تحقیق داشته و چند رساله فقهی و اصولی در موضوعات مختلف به رشته تحریر در آورده است. ایشان علاوه بر فقه و اصول در درس تفسیر عقائد و فلسفه شرکت نموده و در کنار تحصیل سالیانی به تدریس دروس مختلف ادبیات عرب (صرف ساده - جامع المقدمات - سیوطی - مغنی - تجزیه و ترکیب) عقائد (آموزش عقائد آیه الله مصباح بدایه المعارف الالهیه) منطق و فقه (شرح لمعه) و اصول (رسائل - اصول فقه مظفر و حلقات شهید صدر) در مدارس علمیه معصومیه و رضویه و شهیدین مشغول بود. در هنگام تدریس با طلاب صمیمی بود و با آنها به گفتگو می پرداخت و برای آنان مشاور مطمئنی در امور درسی و غیر درسی بود. ایشان در کنار تدریس و تحصیل و تحقیق تقریرات دروس آیات عظام فاضل لنکرانی، شیخ جواد تبریزی و وحید خراسانی را به رشته تحریر آورد.

فقیهی، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد رضا فقیهی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد رضا فقیهی در سال ۱۳۳۴ در شهر اصفهان متولد شدم و در سال ۱۳۴۹ طلبگی را در همین شهر شروع کردم. پس از دو سال به قم آمده و دروس حوزوی را در قم دنبال کردم در سال ۵۷ در اوج مبارزات مردمی دستگیر و زندانی شدم در پایان بهمن ماه آزاد درس خارج را پس از انقلاب شروع کردم علاقه شدیدی به مباحث قرآنی داشتم سعی کردم قرآن را مباحثه کنم در محضر آیت الله جوادی بیش از ده سال تفسیر را آموختم سپس کار تفسیر گروهی را با متد جدیدی در دفتر تبلیغات شروع کردیم که نتیجه آن ۲۰ جلد تفسیر راهنما می باشد خمیر مایه اصلی این کار تلاش جناب هاشمی رفسنجانی در زندان بود که گروهی کار را بازنگری کردند و نهایتاً "پس از ده سال کار به اتمام رسید در کنار آن به درس اخلاق فقه و اصول نیز مشغول بودم و سپس به فعالیت اجرائی فرهنگی مشغول شدم حدود ۱۴ سال فعالیت فرهنگی را در دانشگاهها شروع کردم.

فکری ارشاد، جهانگیر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات آلمانی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات آلمانی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۵، با استفاده از بورس ویژه دولت آلمان و گذراندن دوره آموزش زبان و ادبیات آلمان در دانشگاه مونیخ، کارشناسی ارشد در رشته فرهنگ و زبانهای باستانی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۲، درجه دکترای فرهنگ و زبانهای باستانی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۵ و تدریس در دانشگاه اصفهان در سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبانهای ایرانی و ادبیات تطبیقی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

ادبیات آلمانی، وضع اجتماعی ایران در زمان ساسانیان.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

ادبیات فارسی، فرهنگ و زبانهای باستانی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

فکری فلاح، جعفر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جعفر فکری فلاح

محل تولد: لاهیجان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۰ هجری شمسی وارد حوزه علمیه شدم و پس از سالهای اولیه تحصیل علاقه مند به پژوهش شدم و در کنار تحصیل به کارهای تحقیقی نیز پرداختم و سرانجام به همکاری با پژوهشگاه علوم اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی و نیز مرکز پژوهشهای اسلامی و نیز به عنوان عضو هیات تحریریه مجله با معارف اسلامی ادامه دادم و این فعالیت علمی و فرهنگی به فضل الهی ادامه دارد و امیدوارم بتوانم منشأ اثری در خدمت به اسلام و مسلمین باشم.

فکور یزدی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام والمسلمین حاج میرزا محمد فکور یزدی از علماء اعلام و حجج اسلام و مدرسین والامقام حوزه علمیه عالمی عامل و فاضلی کامل و فقیهی بارع موصوف به فضل و کمال و مشهور به قدس و تقوا می باشد تولد این عالم ربانی و دانشمند سبحانی در سال ۱۳۲۴ قمری واقع شده و پس از طی مقدمات مهاجرت به قم نموده و سطوح را نزد اساتید حوزه چون مرحوم میرزای همدانی و دیگران خوانده و پس از آن حاضر حوزه تدریس آیت الله حایری و آیت الله حجت گردیده و نیز از محضر آیات دیگر چون آیت الله خونساری و آیت الله صدر استفاده نموده و حدود ۱۸ سال هم از محضر آیت الله العظمی بروجردی بهره مند شده و اکنون از مدرسین عالی رتبه حوزه است که به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارند و در استخاره مهارت کاملی دارند و استخاره قرآن ایشان مجرب و شهرت بسزائی دارد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

فکور، محمدحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدحسین فکور

محل تولد: شهرضا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسین فکور در سال ۱۳۵۸ با شروع انقلاب اسلامی در ایران و علاقه به علوم حوزوی وارد حوزه علمیه شدم و به تحصیل پرداختم و مانند سایر محصلین و طلاب حوزه های علمیه به خواندن درسهای سطح پرداخته در این بین با شروع جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۱ به مدت یک سال تمام در جبهه ها حضور یافتم پس از آن مجدداً به تحصیل ادامه دادم و از اساتیدی همانند آیات عظام سید محسن خرازی، ستوده، پایانی، موسوی تهرانی، اعتمادی و فیاضی در دروس سطح بهره بردم سپس به درس خارج پرداخته و از اساتیدی همانند آیت الله شیخ محمد علی اسماعیل پور شهرضایی، وحید خراسانی، شیخ جواد تبریزی و آیت الله بهجت بهره بردم در این بین در لجنه تحقیقاتی کتاب وزین جامع احادیث الشیعه که به امر آیت الله بروجردی در حال تالیف بود و تا سالیان اخیر نیز ادامه داشت به مدت چند سال شرکت کرده و از این لجنه استفاده فراوانی بردم با توجه به علاقه ذاتی به ادبیات و نویسندگی به مطالعه آثار ادبی نویسندگان بزرگ ایران و جهان پرداخته که این امر در ارتقای مساله نویسندگی در این جانب نقشی اساسی داشت در سالهای بعد با دعوت سردبیر مجلات کودک و نوجوان، پوپک و سلام بچه ها در آنجا به فعالیت پرداختم که این مساله تا کنون ادامه دارد. همزمان به تحصیل دانشگاهی در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه قم نیز پرداختم و در سال ۱۳۸۳ موفق به دفاع از پایان نامه خود با درجه عالی با عنوان خداشناسی در مکتب اهل بیت علیهم السلام شدم.

فکار شیرازی، لطفعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۶۶ ق)، فقیه، اصولی و شاعر، متخلص به فکار. پس از تحصیل مقدمات در خدمت حاجی محمد حسن قزوینی به تکمیل علم فقه و اصول پرداخت و به درجه‌ی اجتهاد رسید. وی در خوشنویسی و سرودن انواع شعر مهارت داشت. در شیراز از دنیا رفت. اثر وی «دیوان» شعر می باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۱۳۸۳-۱۳۸۱ / ۲)، الذریعه (۸۴۴ / ۹)، طرائق الحقائق (۳۴۸-۳۴۷ / ۳)، فارسنامه ناصری (۹۴۲ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۷۱۸)، مرآت الفصاحه (۴۸۳-۴۸۲)، مکارم الآثار (۱۸۴۵ / ۵).

فلاح تفتی، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدرضا فلاح تفتی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

پدرم اصالتاً اهل یزدند؛ تفت یزد. اما پیش از انقلاب برای تحصیل علوم حوزوی به قم آمدند و چنین شد که من شدم قمی. ابتدایی را در مدرسه خدیوی و راهنمایی را در مدرسه علامه حلی و دبیرستان را در هدایت گذراندم. سال ۷۶ دیپلم ریاضی گرفتم. معلم ۹۸/۱۸ بود. دبیران مدرسه تشویقم می کردند که دانشگاه بروم. اما من می خواستم در فضای حوزه رشد کنم. فضای خانواده و بویژه شخصیت پدرم مرا شیفته حوزه کرده بود. همان سال وارد حوزه شدم و در مدرسه معصومیه درس را شروع کردم. مقررات مدرسه سرعت بیش از حد را اجازه نمی داد ولی با استفاده از تبصره ها و الحاقیه ها پنج ساله دروس مقدمات را گذراندم و سال ۸۱ وارد دروس سطح شدم. سال ۸۴ هم آخرین امتحان شفاهی پایه ده را دادم و از همان سال وارد دروس خارج شدم که این مقطع هم چنان جاری است.

فلاح رزومی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی فلاح رزومی

محل تولد: ساری

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای علی فلاح رزومی در سال ۱۳۴۳ در خانواده‌ای دوستدار اهل بیت (ع) دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدائی، راهنمایی و

متوسطه را در ساری گذرانده و در سن ۲۰ سالگی برای تحصیل علوم دینی به مشهد مهاجرت کردند نامبرده در کنار دروس حوزوی به تحصیل دروس دانشگاهی نیز پرداخت و در سال ۱۳۷۸ در مقطع ارشد رشته فلسفه و کلام از دانشگاه فردوسی مشهد فارغ التحصیل گشته و هم اکنون نیز در مقطع دکترا در حال تحصیل می‌باشند. ایشان همزمان با تحصیل، حوزه درسی را دایر کردند و به تربیت طلاب و دانشجویان پرداختند. ایشان ادبیات عرب را نزد حجت الاسلام و المسلمین رازینی و شرح لمعه را نزد آیت الله صالحی آموختند سپس مکاسب را نزد آیت الله واعظی و کفایه را نزد آیت الله رضازاده تلمذ کردند، پس از آن مدت مدیدی در درس خارج فقه و اصول آیت الله فلسفی شرکت کردند و نامبرده سفرهای متعدد تبلیغی نیز به خارج از کشور داشته‌اند که برخی از آنها را می‌توان چون عربستان و نامیبیا نام برد.

فلاح زاده، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید حسین فلاح زاده

محل تولد: ابرکوه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید حسین فلاح زاده متولد سال ۱۳۴۲ شمسی می‌باشم. دوران نوجوانی و قسمتی از دوران جوانی ام را در زادگاهم گذراندم. به هنگام وقوع انقلاب اسلامی سال سوم دوره راهنمایی را می‌گذراندم. بسیاری از شعارهای انقلاب را در آن سالها در همان مقطع یادداشت کرده ام که امیدوارم بتوانم روزی آنها را انتشار دهم. پس از اخذ دیپلم تجربی در سال ۱۳۶۰ علیرغم علاقه ای که به علوم فنی و مهندسی داشتم، به سبب آشنایی با چهره های برجسته ای از روحانیت همچون حضرت امام (ره) و شهید بهشتی تحت تاثیر قرار گرفتم و لذا جهت تحصیلات دینی به قم آمدم و به تحصیل دروس حوزوی پرداختم. در کنار آن به سبب پاره ای مطالعات که در علوم انسانی بخصوص تاریخ داشتم، چند سالی را با مرکز اسناد انقلاب اسلامی تهران همکاری می‌کردم. پس از آن در سال ۱۳۶۷ پس از شرکت در کنکور سراسری وارد رشته تاریخ دانشگاه تهران شدم. به دنبال اتمام مقطع کارشناسی، در کنار تداوم دروس حوزوی، تحصیلات دانشگاهی را نیز ادامه دادم. در سال ۱۳۷۴ کارشناسی ارشد را به اتمام رساندم و در همان سال به عنوان عضو هیات علمی در گروه تاریخ مؤسسه آموزش عالی باقر العلوم (ع) مشغول شدم که تا کنون نیز ادامه دارد. در سال ۱۳۷۹ در رشته تاریخ ایران اسلامی دانشگاه شهید بهشتی در مقطع دکتری پذیرفته شدم و هم اکنون در مرحله دفاع از پایان نامه و فارغ التحصیلی می‌باشم. در مؤسسه باقر العلوم (ع) عضو هیات تحریریه فصلنامه تاریخ اسلام نیز هستم و چندین سال مدیریت گروه را برعهده داشته‌ام. در دانشگاهها و مراکز دیگری چون دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، مرکز تخصصی تاریخ حوزه علمیه قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، دانشگاه اهل البیت (ع) نیز در مقطع کارشناسی و ارشد به تدریس

اشتغال داشته و پژوهشهایی را انجام داده ام. علاوه بر این از طراحان و مؤسسين انجمن تاريخ پژوهان حوزه نیز بوده ام که خود منشأ شکل گیری انجمنهای علمی دیگری در حوزه گردید. در طراحی و تنظیم واحدها و سرفصلهای مرکز تخصصهای تاریخ حوزه نیز فعال بوده و چندین ترم نیز در آن مرکز پس از راه اندازی تدریس داشته ام. هم اکنون نیز علاوه بر مدیریت گروه تاریخ مؤسسه، مدیر گروههای تاریخ دانش نامه قرآن شناسی و دانش نامه و فرهنگ فاطمی (س) نیز می باشم و با گروه تاریخ پژوهشگاه فرهنگ نیز همکاری دارم.

فلاح زاده، محمدحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسین فلاح زاده

محل تولد: ابرکوه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۴ ه.ش دروس حوزوی را در مدرسه علمیه حکیم شیراز که زیر نظر شهید محراب، آیت الله سید عبدالحسین دستغیب اداره می شد شروع کردم. یک سال بعد به قم آمدم و در مدرسه منتظریه (معروف به حقانی) که به مدیریت شهید آیت الله قدوسی اداره می شد، مشغول به تحصیل شدم. دروس سطح را خدمت اساتید محترم آن مدرسه و برخی دیگر از اساتید حوزه به پایان رساندم. در سال ۱۳۵۹ دروس دبیرستان را به طور جهشی به صورت شبانه در کنار دروس حوزه امتحان دادم و دیپلم اقتصاد گرفتم. پس از دروس سطح، درس خارج فقه و اصول را به مدت بیش از ده سال خدمت اساتید بزرگ حوزه علمیه قم گذارندم. در کنار دروس فقه و اصول، علوم حدیث، منطق و فلسفه و کلام را نیز به طور متداول در حوزه خدمت اساتید این فن فرا گرفتم. از سال ۱۳۵۸ تحقیق، بازننگری، بازنویسی و تدریس احکام دین را به صورت تخصصی آغاز کردم، تمام ابواب فقه را به سبک جدید بازنویسی و تنظیم و دسته بندی کردم و در کنار آن تدریس احکام را در مدارس علمیه قم و برخی از دانشگاهها آغاز کردم که این روش جدید آموزشی مورد استقبال قرار گرفت و در نتیجه، نگاشته های خود را برای استفاده بیشتر علاقه مندان به چاپ رساندم که با عنایت الهی تا کنون بیش از ۲۰ نمونه آن منتشر شده و برخی از آنها در تیراژ بسیار گسترده مورد استفاده قرار گرفته است. اکنون نیز به امر تبلیغ و نگارش و نیز تحصیل مسائل دینی مشغول و از خدای بزرگ آرزوی توفیق و قبولی اعمال و حسن عاقبت را دارم. انه ولی التوفیق

فلاح شیروانی، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا فلاح شیروانی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیق دوره های دبستان و راهنمایی را در شهرک خزانه تهران در مدارس دینی مناسبی گذراندم و دوره دبیرستان را در مدرسه نمونه دولتی رشد (ظاهراً اولین مدرسه نمونه دولتی آن زمان - تأسیس ۱۳۶۴) گذراندم (ورودی دوره اول آن بودم) این مدرسه هم محصول خوبی داشت. و همین تأثیرات چشمگیری روی چند منطقه جنوب شهر گذاشت. پس از دیپلم در سال ۶۸ در رشته مخابرات دانشگاه صنعتی شریف مشغول تحصیل شدم. منتها اندیشه ای که یکبار سال چهارم دبیرستان سر کوبش نموده بودم دوباره سراغم آمد و این بار جدی تر و تحلیلی تر گریانم را گرفت. به طور جدی به این می اندیشیدم که آیا باید ادامه تحصیل در رشته مهندسی بدهم یا به حوزه بروم. مخالفتها متنوع و همه جانبه بود و موافقین برخی عاطفی برخورد می کردند و برخی تحلیلهایشان ضعیف بود. پس از چند ماه تحقیق و حتی سکونت چند ماهه در قم جهت تحقیقی در این باب بالاخره تصمیم خود را قاطعانه گرفتم و در سال ۷۱ پس از انصراف از دانشگاه وارد حوزه شدم. در عرض سه سال تا چهار سال پایه ده ۱۰ حوزه را گذراندم (سال ۷۴ تخصصی های پایه ده و در سال ۷۵ عمومیها را امتحان دادم. از سال ۷۴ به دروسهای خارج سرزدم. از همان سال اول به دروس معقول علاقه ای ویژه داشتم لذا در کنار ادبیات عرب و حلقات شهید صدر المنطق را هم (پس از مطالعه دقیق آموزش منطق غرویان و مباحثه مفصل آن) تمام کردم و کتاب «آشنایی با فلسفه» شهید مطهری و «علم چیست، فلسفه چیست» را نیز خواندم. تابستان همان سال اول (۷۲) با کتاب در آمدی بر آموزش فلسفه آقای غرویان و در محضر آقای معلمی رسماً دوره فلسفه را شروع کردیم و پس از آن در سال دوم آموزش فلسفه را با ایشان ادامه دادیم و تا انتهای همان سال (۷۲) هر دو جلد را تمام کردیم پس از آن به مطالعاتی در باب فلسفه غرب رو آوردیم که به صورت کامل پیگیری نشد و در سال بعد نهاییه را با نظارت جناب استاد فیاضی و برگزاری جلسات مرتب رفع اشکال توسط ایشان گذراندم. پس از آن به جهت فشار دروس اصول و فقه و اصرار بر اتمام سطح ۲ سیر فلسفی مدتی متوقف شد. در سال ۷۶ در کنار دروس فقه و اصول دوره اشارات (حکمت) را با نوارهای آیت الله حسن زاده حفظه الله شروع کردم و پس از آن «اسفار اربعه» را با نوارهای آیت الله جوادی حفظه الله مطالعه کردم. از سال ۷۷ دروس عرفان نظری با کتاب «تمهید القواعد» توسط استاد یزدان پناه حفظه الله شروع شد که توفیق شرکت مستمر در آن و پس از آن «شرح فصوص الحکم» مرحوم قیصری و در کنار آن دروس حکمة الاشراق و جلسات فلسفه بود. دروس فقه و اصول پس از پایه ۱۰ با حضور در کلاسهای آیت الله تبریزی و بهجت حفظه الله حجة الاسلام و المسلمین مددی و تحریری و همچنین حجة الاسلام شیخ صادق لاریجانی ادامه پیدا کرد؛ تا سال ۸۲ که با پذیرفتن مسؤلیت بخش شهید بهشتی (فارغ التحصیلان دانشگاهی که به حوزه آمده بودند) در مدرسه معصومیه، کلاً برنامه های علمی بنده متوقف شد. پس از استعفا از مسؤلیت آن بخش در سال ۸۴ دوباره برنامه دروس عرفانی و فلسفی و تحقیقات تربیتی پی گرفته شد. همزمان با استعفا از دو گروه پژوهشی اخلاق و تربیت در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی مشغول شدم. سال تحصیلی ۸۶ - ۸۷ معاونت پژوهشی مدرسه معصومیه را پذیرفتم و در زمستان همان سال (۸۶) گروه پژوهشی «اخلاق و عرفان» را به کمک تعدادی از دوستان در پژوهشکده علمی - کاربردی باقرالعلوم ع وابسته به سازمان تبلیغات طراحی و تأسیس کردیم. دغدغه ما در این گروه پژوهشی فعال کردن تحقیقات کاربردی در حوزه اخلاق و

عرفان توسط پژوهشگران توانمند این عرصه بود.

فلاح نژاد، عبدالحمید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالحمید فلاح نژاد

محل تولد: خرم آباد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۷ وارد حوزه علمیه کمالیه خرم آباد شدم و دروس مقدماتی را همراه با سال سوم راهنمایی شروع کردم در سال ۵۸ به مدرسه علمیه ولی عصر (عج) بروجرد عزیمت کردم. در سال ۵۹ به حوزه علمیه مقدسه قم منتقل شدم ابتدا در مدرسه امام صادق (ع) و سپس در مدرسه حجتیه مستقر شدم در سال ۶۰ وارد مدرسه آیت الله گلپایگانی شدم و تا لمعتین را در آن مدرسه بادم سپس وارد درسهای عمومی حوزه شده و تا سال ۱۳۶۸ دوره سطح عالی گذراندم. در سال ۶۸ در درس اصول آیت الله فاضل لنکرانی شرکت کردم و از سال ۶۹ در درس فقه آیت الله تبریزی و به مدت ۲ سال در درس فقه و اصول آیت الله مکارم شیرازی و از سال ۷۲ تاکنون در درس خارج فقه و اصول آیت الله وحید خراسانی حضور می یابم. جلد ۱۱ اسفار اربعه ملاصدرا را از محضر آیت الله جوادی آملی و مجلات ۲ تا ۹ اسفار را از محضر آیت الله ممدوحی استفاده کردم. در سال ۷۰ به صورت داوطلب آزاد دیپلم فرهنگ و ادب گرفتم در سال ۷۶ در دوره تخصصی تبلیغ حوزه قم شرکت کرده و در سال ۸۰ این دوره را به پایان رساندم و در حال حاضر مشغول تدوین پایان نامه سطح ۴ حوزه تحت عنوان شیوه جدال احسن در تبلیغ دین می باشم. در سال ۸۰ در کنکور دانشگاه آزاد مقطع کارشناسی ارشد شرکت کردم و بارتبه دوم در رشته فلسفه و حکمت اسلامی پذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۲ این مقطع را به پایان رساندم و پایان نامه ای تحت عنوان مبانی ولایت از دیدگاه امام خمینی (ره) به نگارش در آوردم. از سال دوم طلبگی تدریس دروس مقدماتی را آغاز کردم و در سال ۷۴ در دانشگاه مشغول تدریس شدم که هم اکنون نیز ادامه دارد در سال ۷۵ در مدارس تحت پوشش حوزه علمیه قم تدریس ادبیات عرب شدم و سپس فقه و اصول را شروع کردم از سال ۸۰ تاکنون نیز دروس سطح عالی حوزه را تدریس می کنم. چند مقاله در موضوعات ارتداد ولایت فقیه امام خمینی و فلسفه تخطئه و تصویب در نظر مذاهب اسلامی به رشته تحریر در آوردم که بعضی از آنها را در اختیار بعضی مجلات قرار داده ام هم اکنون در حال تدریس در حوزه و دانشگاه می باشم.

فلاح، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن فلاح احمد چالی

محل تولد: بابل

شهرت: فلاح بابلی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای حسن فلاح احمدچالی در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان بابل دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۵ و در اوج خفقان حاکم بر کشور از سوی حکومت ستمگر و ظالم شاهنشاهی خصوصا با فشار مضاعف بر حوزه های علمیه وارد حوزه علمیه بهشهر گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد. پس از مدتی به شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه (سلام الله علیها) رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۲ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله مکارم، مرحوم آیت الله فاضل، آیت الله منتظری، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته عرفان اسلامی در مقطع دکترا از دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات فارغ التحصیل گردید. پس از طی تحصیلات جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت. وی هم اکنون در دانشگاه آزاد اسلامی شهرستان بابل به امر تدریس اشتغال دارد. درطول حیات علمی خویش به امر نگارش و پژوهش پرداخته است و آثاری از قبیل " صبر و استقامات " و " روش تحقیق و تألیف " را به رشته تحریر در آورده است.

فلاح، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد فلاح سلوکلائی

محل تولد: ساری

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱/۴

زندگینامه علمی

مشخصات فردی: محمد فلاح سلوکلائی - تاریخ تولد ۴/۱/۱۳۴۹ - شهرستان ساری

سابقه تحصیلات:

از دبستان تا پایان دبیرستان را در شهرستان ساری گذراندم.

سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه قم شده و در مدرسه معصومیه سلام‌الله‌علیها مشغول تحصیل شدم.

در سال ۱۳۷۱ ملبس به لباس روحانیت شدم.

در سال ۱۳۷۲ برای انجام خدمت سربازی به خدمت رفتم و به عنوان مربی عقیدتی - سیاسی در پادگان ولی عصر عجل‌الله‌فرجه

شهرستان ساری مشغول بودم و در سال ۱۳۷۴ مجدداً به قم بازگشتم.

در سال ۱۳۷۹ دروس سطح را تمام کرده و وارد دروس خارج فقه و اصول شدم.

بعضی از اساتیدی که از محضرشان بهره‌مند شدم: حجج اسلام موحدی، علیدوست، رضوانی و آیات عظام: وحید خراسانی، مکارم

شیرازی و صالحی مازندرانی.

در سال ۱۳۷۸ وارد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره شده و در رشته حقوق مشغول تحصیل شدم و در سال ۱۳۸۳

مقطع کارشناسی را به پایان رساندم.

در همان سال در مقطع کارشناسی ارشد حقوق عمومی در مؤسسه پذیرفته شده و در سال ۱۳۸۸ با معدل کل ۲۱/۱۸ فارغ‌التحصیل

شدم. موضوع پایان‌نامه «سازوکارهای نظارت بر حکومت در اسلام و لیبرال‌دموکراسی» بود که با نمره ۲۰ دفاع نمودم و به عنوان

دانش‌پژوه ممتاز معرفی شدم.

بعضی از اساتیدی که از محضرشان بهره‌مند شدم: آیت‌الله کعبی، آیت‌الله عمید زنجانی، دکتر کدخدایی، دکتر مکرمی، دکتر

راعی.

سابقه کار و فعالیت:

در سال ۱۳۶۶ به جبهه اعزام شدم و نزدیک به شش ماه در جبهه حضور داشتم.

از همان سال‌های آغازین طلبگی برای تبلیغ به شهرستان‌های مختلف و نیز به چند دانشگاه اعزام شدم.

در سال ۱۳۸۶ به مدت دو ماه معاون آموزش مرکز تخصصی حقوق و قضای اسلامی بودم. از ۱/۲/۸۷ تا ۱/۲/۸۸ نیز به عنوان مدیر

آموزش نیمه‌حضوری مؤسسه اشتغال داشتم.

چند سالی هم به عنوان کارشناس در واحد مشاوره معاونت فرهنگی نهاد رهبری در دانشگاه و نیز در مرکز مطالعات فرهنگی حوزه

مشغول بوده و به سؤالات مختلف در حوزه حقوق زن، فلسفه احکام، حکومت اسلامی و حقوق و سیاست، پاسخ می‌دادم.

چند ترم هم به تدریس «اخلاق اسلامی» در دانشگاه و نیز «درآمدی بر نظام ارزشی و سیاسی اسلام» در طرح ولایت دبیران و

دانشجویی مشغول بودم.

مقالات چاپ شده:

حکمت‌های تفاوت قصاص مرد و زن در اسلام. این مقاله در مجله معرفت شماره ۸۵ چاپ شد؛ این مقاله در همایش حقوق زن در

دانشگاه مازندران نیز ارائه شد؛

سیمای کارگزاران دولت اسلامی از منظر امام علی علیه‌السلام. این مقاله در مجله معرفت شماره ۹۳ به چاپ رسید؛

تهاجم فرهنگی و راه‌های مبارزه با آن از منظر قرآن و نهج‌البلاغه. این مقاله در شش شماره در هفته‌نامه پرتوسخن چاپ شد.

(شماره‌های ۱۲۵ به بعد).

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمدحسین فلاحی

محل تولد : سربند اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدائی را در زادگاهم در یکی از روستاهای سربند اراک سپری و در سال ۱۳۶۷ با مدرک سیکل وارد حوزه علمیه اراک و همزمان تا دیپلم تحصیلات را ادامه دادم در سال ۱۳۷۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح را در محضر اساتیدی همچون مرحوم شیخ حسن تهرانی، موسوی تهرانی، بیگدلی، فقیهی، آل غفور و گذراندم و در سال ۱۳۷۶ وارد درس خارج و از محضر حضرات آیات: آیه الله سبحانی، مکارم شیرازی، جوادی آملی، وحید خراسانی و سید احمد خاتمی بهره مند شدم. یک دوره درس خارج اصول را از محضر آیت الله سبحانی و ۸ سال خارج فقه آیت الله مکارم و ۲ سال خارج فقه آقای خاتمی و مدتی کمتر از یک سال هم از محضر حضرات آیات جوادی آملی و وحید خراسانی بهره بردم. در سال ۷۶ همزمان با درس خارج وارد موسسه کلام اسلامی شدم و دوره سطح ۴ را در آنجا سپری کردم و از محضر اساتید بزرگوار چو آیت الله سبحانی و ربانی گلپایگانی بهره مند شدم با فارغ التحصیل شدن از آنجا همزمان با تدوین پایان نامه سطح ۴ دوره تخصصی مذاهب اسلامی و اهمیت اطلاعات بیشتر در سطح ۳ گذراندم و مدت دو سال بعنوان پژوهشگر با مرکز مطالعات حوزه و موسسه مذاهب و موسسه تنظیم آثار امام همکاری داشتم. با دفاع از پایان نامه در سال ۱۳۸۵ وارد دانشگاه پیام نور شدم و با عضویت هیئت علمی تاکنون در استان همدان مشغول فعالیت بوده و از حوزه علمیه همدان هم در سطح حوزه مشغول تدریس می باشم.

فلاحتی، رسول

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رسول فلاحتی

محل تولد : صومعه سرا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب رسول فلاحی فرزند معصوم متولد سال ۱۳۴۲ شمسی در یکی از روستاهای شهرستان صومعه سرا در سال ۱۳۵۷ با معدل ۱۷ و اندی در دبیرستان بازرگانی رشت سال اول دبیرستان را سپری کردم و با شروع سال تحصیلی ۱۳۵۸ وارد حوزه مقدسه قم شدم و دوم دبیرستان را در این شهر خواندم البته همراه با دروس حوزه. دروس مقدمات را در مدرسه امام صادق (علیه السلام) به اتمام رسانده و شرح لمعه را نزد حضرات آیات وجدانی فخر قدس سره، اشتهاوردی و شب زنده دار و اصول فقه را از آیت الله صالحی بهره بردم. رسائل شیخ اعظم را از استاد آیت الله اعتمادی و مکاسب را از حضرات آیات صلواتی، بنی فضل و دوزدوزانی استفاده کردم. کفایه جلد اول را از آیت الله دوزدوزانی، تبریزی و جلد دوم را از حضرت آیت الله ستوده بهره مند شدم. فلسفه را از حضرات آیات جوادی آملی و انصاری شیرازی استفاده کرده ام و درس خارج فقه و اصول را به محضر حضرات آیات فاضل لنکرانی، جوادی، تبریزی، مکارم شیرازی، بهجت، باریافته و استفاده کرده ام که بیشتر این ایام در محضر حضرت آیت الله فاضل سپری گردیده است که مباحث خارج حج و اصول ایشان را به عربی به رشته تحریر درآورده ام. حدود سه سال نیز در مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام با اشراف آیت الله العظمی فاضل لنکرانی کار فقهی تخصصی انجام داده ام که حاصل آن طرح مباحثی پیرامون مسائل مستحدثه حج بود که مجموعه ای بنام نور الفقه تنظیم گردید. از سال ۱۳۶۵ به تدریس سطوح درسی حوزه مانند شرح لمعه و رسائل و مکاسب و کفایه تا کنون مشغول می باشم. البته به صورت خصوصی بدایه الحکمه و نهاییه الحکمه علامه طباطبایی را نیز تدریس داشته ام و هم اینک نیز مشغول تدریس سه کتاب رسائل، مکاسب و کفایه هستم.

فلاحی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد فلاحی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم. دوره مقدمات را در مدرسه حقانی سپری کردم و دوره سطح را در مدرسه علمیه معصومیه در سال ۱۳۷۲ آغاز نمودم پس از اتمام لمعتین رسائل و مکاسب را در مدرسه مرحوم آیت الله گلپایگانی در سال ۱۳۷۵ آغاز کردم و در محضر اساتیدی نظیر موسوی تهرانی، نکونام، حسینی خراسانی و ... کسب فیض کردم. حدوداً از سال ۱۳۸۰ در درس خارج آیات عظام شیخ صادق لاریجانی، مکارم، سبحانی و عابدی نجف آبادی شرکت نمودم. همزمان در سال ۱۳۷۵ وارد موسسه امام خمینی (ره) شدم و در سال ۱۳۸۴ دوره کارشناسی ارشد رشته دین شناسی را گذراندم. هم اکنون در موسسه شیعه شناسی به عنوان مدیر ترجمه همکاری می کنم.

فلاطوری، جواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فیلسوف.

تولد: ۱۳۰۴ ق.، اصفهان.

درگذشت: ۹ دی ۱۳۷۵.

عبدالجواد فلاطوری از نوادگان آخوند ملا اسماعیل اصفهانی، استاد فلسفه‌ی حاجی سبزواری، است. فلاطوری از ابتدای جوانی علاوه بر تحصیلات دبیرستانی به کسب معارف اسلامی همت گماشت و در شهرهای اصفهان، تهران و مشهد در محضر استادانی نظیر محمدعلی شاه‌آبادی، مهدی آشتیانی، آیت‌الله محمدتقی آملی، آیت‌الله خوانساری، محمدرضا کلباسی و آیت‌الله هادی کدکنی نیشابوری به شاگردی پرداخت.

در سال‌های ۱۳۲۸ و ۱۳۲۹ کتاب جواهر را با آیت‌الله محمدرضا کلباسی مباحثه کرد و از محضر وی به اخذ روایت و گواهی درجه‌ی اجتهاد نایل آمد.

فلاطوری در سال ۱۳۳۳ برای تحصیل روانه آلمان شد و در رشته‌ی فلسفه به تحصیل پرداخت. وی در رشته‌ی «کانت‌شناسی» به درجه‌ی استادی رسید. همچنین در آلمان به تحصیل رشته‌های فلسفه، روان‌شناسی علوم تربیتی، علوم اجتماعی، و تطبیق ادیان پرداخت. در همین ایام زبان‌های لاتین و یونانی را نیز فراگرفت و پس از نوشتن مقالات و رسایل کوچکتری به نوشتن رساله‌ی استادی خود پرداخت و آن را درباره‌ی «دگرگونی بنیادی فلسفه‌ی یونانی بر اثر طرز اندیشه اسلامی» نگاشت و به درجه‌ی استادی نایل آمد. دکتر فلاطوری استاد دانشگاه کلن آلمان در رشته‌های فلسفه (به شیوه‌ی تطبیقی) و حقوق و کلام و علوم اسلامی و اسلام معاصر بود.

از جمله فعالیت‌های دکتر فلاطوری، تأسیس مرکز آکادمی کلن در سال ۱۳۵۶ بود که دست به اصلاح کتاب‌های درسی مدارس آلمان زد، و نواقص و کاستی‌های کتاب‌های درسی را در زمینه‌های اسلام و تاریخ اسلام اصلاح کرد و در این ارتباط شش کتاب تألیف شد که به عنوان مرجعی برای نویسندگان کتاب‌های درسی آلمان و دیگر کشورهای اروپا از قبیل فنلاند، فرانسه، پرتغال و اسپانیا شد و خود اروپایی‌ها براساس اقدامات و تألیفات استاد فلاطوری، مطالب کتاب‌های درسی خود را اصلاح بازنویسی کردند. دکتر فلاطوری برای این که مرکز آکادمی کلن به عنوان یک نهاد علمی جزء دانشگاه قرار بگیرد، آن را از شهر کلن به هامبورگ انتقال داد و از آن پس جزیی از دانشگاه هامبورگ شد. قصد وی این بود که در این مرکز آکادمی، دانشجوی علوم اسلامی تربیت کند و مدرک معتبر نیز بدهد.

دکتر فلاطوری در آلمان به عنوان یک مرجع اسلامی و دانشمند فلسفه و علوم اسلامی مطرح بود. هر زمان که مجلس اروپا در تجزیه و تحلیل و بیان مسایل اسلامی و تفاهم و همفکری و گفت و گوی بین پیروان ادیان اسلام و مسیحیت و یهودیت دچار مشکل می‌شدند، به وی مراجعه می‌کردند و نظرخواهی و راهنمایی می‌خواستند. وی برای ایجاد مباحثه، تفاهم، همفکری، و همکاری بین پیروان ادیان مختلف تلاش می‌کرد. وی در برپایی اجلاسی که پیش از فوتش بین مفتکران و اندیشمندان مسلمان، مسیحی و یهودی در یونان برگزار شد، مسئولیت داشت.

از آثار ترجمه‌ی اوست: تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی (تألیف برتولد اسپولر، تهران، ۱۳۴۹).

دکتر عبدالجواد فلاطوری روز یکشنبه نهم دی ۱۳۷۵ هنگام تدریس در کلاس درس بر اثر سکته‌ی قلبی درگذشت.
برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

فلامرزیان، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: داروسازی، دانشکده: داروسازی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

فلسفی شیرازی، هدایت‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فاضل ادیب، و نویسنده‌ی توانا، از قضات دادگستری بوده، در شیراز متولد شده، و هم در آن شهر تحصیل علوم دینی و ادبی، از فقه و اصول و ادبیات عربی و فارسی نموده، در سال ۱۳۰۴ خورشیدی روزنامه‌ی «شوش» را در محمره (خرم شهر فعلی) منتشر نموده، سپس به خدمت وزارت عدلیه وارد گردیده، سالها در دادگستری به شغل قضاوت اشتغال داشته، و از قضات پاکدامن و درستکار به شمار می‌رفته.

سرانجام در سال ۱۳۳۸ خورشیدی در ضمن مأموریت اصفهان وفات یافته، در این شهر مدفون گردید.
برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

فلسفی کازرونی، محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد بن عبدالله بن محمد مظفرالدین حمیدالدین بن سعدالدین امامی فلسفی کازرونی از علماء امامی مذهب فلسفی مشرب و اطباء قرن نهم هجریست وی در ۸۷۰ از دنیا رفته است.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فلسفی نایینی حسینی، حسنعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، پزشک و نویسنده. از ابتدای جوانی به تحصیل علوم معمول زمان خود پرداخت. پس از آن به اصفهان سفر کرد و در مضر میرزا باقر حکیم‌باشی یک دوره طب قدیم را گذراند و سپس در اواخر دوره‌ی مظفری به تهران آمد و به فراگیری زبان فرانسه و طب جدید پرداخت. او در فراگیری چشم پزشکی و علم تاریخ و جغرافیا تلاش بسیار کرد. اثر وی: «هفت مقاله‌ی فلسفی»، در لزوم دیانت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۰۸ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۳-۶۸۲ / ۲).

فلسفی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت‌الله حاج شیخ محمدرضا تنکابنی معروف به (فلسفی) از علماء اعلام و مدرسین عظام معاصر مشهدهند.

ایشان در حدود ۱۳۴۲ قمری در تهران چشم به جهان گشوده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات و اولیات و سطوح را در تهران در خدمت والد علامه‌اش و اعلام دیگر به پایان رسانیده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و چند سالی از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و بالآخر آیت‌الله العظمی خوئی مدظله و بعضی دیگر فقها و اصولا استفاده نموده تا به مدارج عالی علم و کمال ارتقا یافته و پس از آن در سال ۱۳۷۰ قمری به تهران مراجعت و چند سالی در مسجد لرزاده (مسجد مرحوم آقای برهان) به اقامه جماعت و تدریس و وظائف روحی اشتغال داشته تا سال ۱۳۸۸ قمری که عزیمت به مشهد مقدس نموده و در آنجا مورد توجه و استقبال گرم فضلاء مشهد قرار گرفته و حوزه تدریس خارج فقه و اصول قرار داده و تا حال تحریر در آن سامان به تدریس و انجام وظائف روحی و دینی از قبیل نماز جماعت و غیره اشتغال دارند و ماه رمضان و شبهای شنبه و جمعه را در مسجدشان منبر رفته و با بیانی قاطع و جامع نشر معارف اسلامی نموده و صدها نفر از عموم طبقات و بالآخر اهل علم و طلاب از محضر و بیانشان استفاده می‌نمایند.

نگارنده گوید: جناب آقای حاج میرزا علی آقای فلسفی (برادر ارجمند حضرت مستطاب حجة الاسلام والمسلمین لسان الشیعه و سیف الشریعه خطیب شهیر و نویسنده بصیر آقای حاج شیخ محمدتقی فلسفی واعظ بزرگ ایران و خاورمیانه) که ده بار کتبا و شفاهاً مراجعه به جنابشان کردم که عکس و ترجمه خود را مرحمت نمایند ولی پاسخ مثبت ندادند و مرا و دیگران را از این فیض مرحوم داشتند و بنده این چند سطر را بدون اطلاع معظم‌له نوشتم زیرا وجدانم اجازه نمی‌داد که (گنجینه) از ذکر مثل چنین دانشمندان مهذب و بارعی خالی باشد و از طرفی هم در جلد دوم ص ۳۸۷ برادر ارجمند مذکورشان را نگاشته و در جلد چهارم ص ۴۰۶ هم والد ماجد و برادران دیگرشان را ترجمه و وعده دادم ایشان را هم در ذکر خراسان و مشهد یاد نمایم لذا در اینجا به وعده خویش وفا نموده و این چند جمله را یاد نمودم و امید دارم مورد قبول معظم‌له و دوستان دانش و روحانیت و بالآخر ایشان قرار بگیرد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

فلسفی، محمد تقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۴۱۹-۱۳۲۷ ق)، عالم دینی، خطیب، واعظ، متکلم، مفسر و محدث. در تهران به دنیا آمد. مقدمات و ادبیات و سطوح را نزد اساتیدی همچون پدرش، آیت‌الله تنکابنی، و آقا شیخ یونس قزوینی و آقا شیخ علی رشتی، و معقول و فلسفه را از میرزا طاهر تنکابنی و آقا میرزا محمود قمی و میرزا مهدی آشتیانی فراگرفت. وی حدود دو سال در زمان آیت‌الله حایری یزدی در قم اقامت داشت و از محضر اساتید حوزه‌ی علمیه بهره‌مند شد. سپس به تهران آمد و به ادامه تحصیل و مطالعه‌ی کتب مختلف و متنوع پرداخت. وی در منبر و خطبه روش نوینی را پایه‌گذاری کرد و تحول عمیقی در فن سخنوری بوجود آورد و شاگردان بسیاری را تربیت کرد. خدمات دینی و اجتماعی او بسیار و مسافرت‌های تبلیغی او به کشورهای عربستان، عراق، پاکستان و همچنین به شهرهای مختلف ایران قابل توجه است. در تهران، در پایان جلسه درس، درگذشت و در جوار حضرت عبدالعظیم حسین در کنار عمو و پدر همسرش، آیت‌الله حاج شیخ محمد حسین تنکابنی، دفن شد. آثار علمی و قلمی او منشوری آموزنده با نثری جذاب است. عمده آثار وی که تحت عنوان کلی «گفتار فلسفی» انتشار یافته عبارتند از: «کودک»، از نظر وراثت و تربیت، دو مجلد؛ «جوان»، از نظر عقل و احساسات، دو مجلد؛ «بزرگسال و جوان» از نظر افکار و تمایلات، دو مجلد؛ «آیه‌الکرسی»، پیام آسمانی توحید؛ «اخلاق»، از نظر همزیستی و ارزشهای انسانی، دو مجلد؛ «معاد»، از نظر روح و جسم، سه مجلد؛ «سخن و سخنوری»، از نظر بیان و فن خطابه؛ «شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق»، از صحیفه‌ی سجاده، سه مجلد. [۱]

حاج شیخ محمدتقی فلسفی بن العلامه العلام و الفقیه القمقام حجه‌المسلمین والاسلام المرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدرضا تنکابنی تهران اعراف خطباء عصر و شهر و عاظ زمان مایند که خود چندی افتخار توقف حوزه علمیه را داشته و حوزه علمیه هم فخر بر این ثمره مفید و اثر ارزنده خود می‌کند.

این رادمرد بزرگ و این نابغ سترک که صیت و صوتش عالم گیر شده و شهرت و ملاححت سخن‌وری و سخنرانش مستغنی از تعریف ما و جهانی گردیده بخصوص در تحقیقات علمی و دخول و خروجش به مطالب و از مطالب و اداء سخن و حق مطلب دانش در این زمان بی‌قرین و در قرون گذشته کم‌نظیر بوده و مبالغه نیست اگر بگویم.

انصاف می‌دهم که دلیران و دلیران

بسیار دیده‌ام نه بدین حسن و دلبری

عالمی است محقق و ناطقیست مدقق مفسرست خبیر و محدثیست بصیر متکلمی است فاضل و واعظی است کامل جامع معقول و منقول حاوی فروع و اصول بسیار خوش محاوره و خوش مجلس منزلش مهبط اهل فضل و محفلش مجمع اهل کمال سینه‌اش باز و دستانش گشاده در قضاء حوائج مومنین و بالاخص روحانین ساعی و در امور خیر مساعی جمیله دارد و از خدمات دینی و اجتماعی فرونمی‌گذارد.

در سال ۱۳۲۷ قمری هجری در تهران متولد شده و در خاندان علم و فضیلت و مجد و شرافت تربیت یافته و مقدمات و ادبیات و سطوح را نزد اساتید بزرگ چون والد معظم خود و آشیخ یونس قزوینی و آشیخ علی رشتی و معقول و فلسفه را از مرحوم میرزا طاهر تنکابنی و آقا میرزا محمود قمی و میرزا مهدی آشتیانی استفاده نموده و حدود دو سال هم در زمان مرحوم آیت‌الله حایری یزدی در قم توقف و از محضر اساتید حوزه علمیه بهره‌مند شده و بعد به تهران مراجعت و به ادامه تحصیل و مطالعه کتب مختلفه و متنوعه عصری و قدما گردیده و از هر خرمنی خوشه‌ها چیده و از هر گلستانی گلها به دست آورده و با آن فکر سرشار و ذوق فراوان و استعدادی که تنها موهبت خداوندیست (و ذلک فضل‌الله یوتیه من یشاء) خریت ادب و تحریر سخنوری گردیده و خاص و عام و جاهل متقدم و متجدد را مجذوب بیان سحرآمیز خود به مضمون (و ان من الیابان السحر) نموده است.

من نمی‌گویم که آن شمع جهان

هست پیغمبر ولی دارد بیان

حدود ۶ سال در ماه رمضان و ده شب اول محرم از مسجد سلطانی با دنیای امروز از اسلام و غیره صحبت کرده و حقایق اسلام را با بیانی بس رسا و ملیح خود به زبان عصری به وسیله دستگاہ فرستنده به مردم جهان رسانیده و این به خدا فخر اسلام و مسلمین و به ویژه شیعیان اثنی عشر روی زمین است.

چندین سال متمادی ظهرهای ماه رمضان در مسجد حاج سید عزیزالله تهران صحبت می‌کردند ده‌ها هزار نفر از طبقات مختلف، روحانیین و اساتید دانشگاه و دبیران و آموزگاران و محصلین جدید و قدیم و تجار و اصناف برای استماع سخنرانیهای معظم‌له حاضر می‌شدند و چون صحن مسجد و شبستانها و ایوانها و راهروهای مسجد گنجایش آن همه جمعیت را نداشت.

قسمت مهمی از مستمعین در بازار و سراهای اطراف مسجد اجتماع می‌کردند و متجاوز از سی بلندگو که در نقاط مختلف نصب می‌شد صدا را به همه آنها می‌رسانید.

خاطرات آن مجلس باشکوه فراموش نشدنی است بسیاری از مشکلات دینی در آن مجلس مورد بحث قرار می‌گرفت و حل می‌شد و بسیاری از افراد منحرف با استماع آن سخنان نافذ به راه می‌آمدند و از سقوط و تباہی رهائی می‌افتند.

علامه فلسفی روش نوینی را در منبر پایه‌گذاری کرد و تحول عمیقی را در فن سخنرانی به وجود آورد روایات حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه طاهرین علیه‌السلام را که گوهرهای گرانقدر اسلامی است با منطق علمی روز تشریح و توضیح نموده و در نسل تحصیل کرده اثر بسیار عمیق گذارده و کتابهای ایشان نمونه‌ای از این روش نوین است.

در زمان حیات مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی قدس سره سالهای متمادی به دعوت آن مرجع بزرگ و عالیقدر در دهه آخر صفر به قم می‌رفتند صبح‌ها در منزل معظم‌له و شبها در صحن بزرگ قم به دعوت تولیت آستانه برای جمعیت زیادی که در صحن بزرگ و صحن کوچک و صحن موزه و خیابان مجاور صحن و شیخان گرد آمده بودند سخنرانی می‌کردند سخنان ایشان علاوه بر آثار مفیدی که در افکار تمام مردم می‌گذارد برای فضلاء طلاب حوزه علمیه که به منبر علاقه داشتند آموزنده و سرمشق بود و از روش ایشان استفاده بسیار می‌کردند، کلیه مراجع بزرگ تقلید نجف اشرف و قم و مشهد مقدس از گذشته و معاصر عنایت مخصوص و توجه خاصی به معظم‌له داشته و دارند.

خلاصه استاد و علامه فلسفی از نوابغ زمان و از افرادی است که می‌توان درباره شخصیت علمی و اخلاقی او و مسافرت‌هایش به کشورهای اسلامی حجاز و اعتبار عالیات و پاکستان و شهرهای مهم ایران که برای تبلیغ رفته و منبرهای مهیج و منابر معجزه‌آسا و خدمات دینی و اجتماعی و مبارزاتش با منحرفین و گروه‌های ضد اسلامی کتاب مستقلی نوشت.

از آثار علمی و قلمی این استاد که به طبع رسیده و جهانی را به خود متوجه نموده کتب زیر است که برای تربیت کودکان و راهنمایی نسل جوان بهترین کتاب و آموزنده‌ترین منشوریست که منتشر شده است.

۱- گفتار فلسفی راجع به کودک از نظر وراثت و تربیت در دو جلد که هر جلدی بیش از پانصد صفحه است.

۲- گفتار فلسفی راجع به جوان از نظر عقل و احساسات در دو جلد که هر جلدی بیش از پانصد صفحه است.

۳- گفتار فلسفی آیه‌الکرسی یا پیام آسمانی توحید در چهارصد صفحه.

یکی از شعراء معاصر درباره معظم‌له سروده است

او ستاد اوستادان بلاغت (فلسفی)

آنکه نامش زی فلک از عرشه منبر گذشت

ابن جوزی گرچه در یک آیه سالی حرف زد

بودی از امروز گفتی وی زمن برتر گذشت
 (فلسفی) تنها نه در نطق و بیان باشد فرید
 کلک وی از تیغ مردان دلاور در گذشت
 در کتاب کودکش بنگر که خودپیرانه گفت
 از یونسکو خود کتاب وی مهین دفتر گذشت
 ویژه از بهر جوانان این کتاب تازه‌اش
 انقلابی کرده خوش برپا که از اختر گذشت
 بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
 منابع زندگینامه [۱]: آینه دانشوران (۶۵-۶۴)، بزرگان رامسر (۱۷۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۹۰-۳۸۷ / ۲).

فلسفی، نصرالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نصرالله فلسفی در سال ۱۲۸۰، در تهران متولد گردید. تحصیلات مقدماتی را در مدارس اقدسیه و آلیانس فرانسه و دارالفنون فراگرفت. فلسفی پس از تکمیل معلومات عالییه، به استخدام وزارت پست و تلگراف درآمد و در سال ۱۳۰۷ چند ماهی در وزارت دادگستری به خدمت پرداخت، سپس به وزارت فرهنگ منتقل گردید. وی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۰ به سمت رایزن فرهنگی ایران در ایتالیا و اسپانیا منصوب و مشغول خدمت شد تا سرانجام در سال ۱۳۴۳ به درخواست خودش بازنشسته و در اروپا ساکن شد. گذشته از سمت های اداری و مشاغلی که متذکر گردیدیم، وی به امر آموزش نیز پرداخته است. او در سال ۱۳۰۷ در دارالفنون، دانشسرای عالی و سایر مدارس متوسطه تهران به تدریس تاریخ و جغرافیا و علوم ادبی پرداخت و با تاسیس دانشگاه تهران به عنوان استاد به تدریس تاریخ پیش از اسلام در دانشکده ادبیات مشغول گردید. وی همچنین مدتی نیز استاد مدعو در دانشگاه استراسبورگ فرانسه بود. نصرالله فلسفی علاوه بر نویسندگی و ترجمه ی کتاب های فراوان، مقالات تحقیقی درباره ی تاریخ و ادبیات ایران در نشریات به چاپ رسانده است. نصرالله فلسفی سرانجام در سال ۱۳۶۰، یک ماه بعد از ورود به ایران، زندگی را بدرود گفت و در شهر ری به خاک سپرده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب: نصرالله فلسفی، فرزند میرزا نصرالله خان سوادکوهی مستوفی (از مستوفیان دربار قاجار) بود که اصل خانواده اش از سوادکوه قزوین است.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: فلسفی شش روز پس از مرگ پدرش به دنیا آمد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: فلسفی تحصیلات مقدماتی را در مدارس اقدسیه و آلیانس فرانسه و دارالفنون فراگرفت.

زمان و علت فوت: نصرالله فلسفی سرانجام در سال ۱۳۶۰، یک ماه بعد از ورود به ایران، زندگی را بدرود گفت و در شهر ری به خاک سپرده شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: فلسفی پس از تکمیل معلومات عالییه، به استخدام وزارت پست و تلگراف درآمد و در سال ۱۳۰۷

چند ماهی در وزارت دادگستری به خدمت پرداخت، سپس به وزارت فرهنگ منتقل گردید. وی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۰ به سمت ریزن فرهنگی ایران در ایتالیا و اسپانیا منصوب و مشغول خدمت شد تا سرانجام در سال ۱۳۴۳ به درخواست خودش بازنشسته و در اروپا ساکن شد.

فعالیت‌های آموزشی: استاد فلسفی در سال ۱۳۰۷ در دارالفنون، دانشسرای عالی و سایر مدارس متوسطه تهران به تدریس تاریخ و جغرافیا و علوم ادبی پرداخت و با تاسیس دانشگاه تهران به عنوان استاد به تدریس تاریخ پیش از اسلام در دانشکده ادبیات مشغول گردید. وی همچنین مدتی نیز استاد مدعو در دانشگاه استراسبورگ فرانسه بود.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: نصرالله فلسفی علاوه بر نویسندگی و ترجمه ی کتاب های فراوان، مقالات تحقیقی درباره ی تاریخ و ادبیات ایران در مجلات تهران از جمله: تعلیم و تربیت، مهر، سخن، شفق سرخ، اتحاد، مرز آزاد، اطلاعات، شرق، یغما، دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، نشریه کتابخانه ملی تبریز و وحید به چاپ رسانده است. وی به روزنامه نگاری هم می پرداخت که از جمله مجلاتی که توسط وی منتشر شده است، عبارتند از: مدیریت داخلی مجله آینده (۱۳۰۴)، کفالت مجله پست و تلگراف (فقط سه شماره، ۱۳۰۴)، مجله ایران (نشریه کلپ بین المللی ایران برای تمبر و مجموعه های دیگر از سال ۱۳۰۱ تا ۱۳۱۱)، مجله تعلیم و تربیت (وابسته به وزارت معارف، ۱۳۱۳ - ۱۳۱۴)، مهر (از ۱۳۱۲ به مدت چهار سال، دوره ی یک تا چهار)، مدیریت و سردبیری مجله هفتگی امید (۱۳۲۲، مدت سه سال)، همکاری فکری در نشر مجله اطلاعات ماهانه (در سال های ۱۳۳۰ - ۱۳۳۴)، مجله ایرانیکا به زبان ایتالیایی در دوره ی ریزنی فرهنگی در ایتالیا. فلسفی گاهی شعر هم می سرود و آثار منظومی از وی به یادگار مانده است، از آن جمله است منظومه ی «بیچارگان» و قصاید و قطعات دیگر. مجموعه ای از اشعار وی در سال ۱۳۵۱ در تهران چاپ و منتشر شده است.

جوایز و نشانها: نصرالله فلسفی در سال ۱۳۵۴، عنوان «استاد ممتاز» دانشگاه تهران را یافت.

آثار:

- ۱ اصول آموزش و پرورش
- ۲ تاریخ اروپا در قرن ۱۹ و ۲۰ و ویژگی اثر: انتشار در سال ۱۳۰۹.
- ۳ تاریخ ایران بعد از اسلام و ویژگی اثر: انتشار در سال ۱۳۱۷.
- ۴ تاریخ ایران پیش از اسلام و ویژگی اثر: انتشار در سال ۱۳۱۷.
- ۵ تاریخ روابط اروپا و ایران در دوران صفوی و ویژگی اثر: انتشار جلد اول در سال ۱۳۱۶.
- ۶ تاریخ عمومی جهان در قرن های هفدهم تا بیستم میلادی و ویژگی اثر: مشتمل بر دو مجلد
- ۷ تاریخ عمومی در قرن معاصر
- ۸ تاریخ غزنویان؛ اصول تعلیم و تربیت و ویژگی اثر: انتشار در سال ۱۳۱۴.

۹ تاریخ و جغرافیا

ویژگی اثر: مشتمل بر دوازده جلد، برای تدریس در دبیرستان‌ها با مشارکت علی اصغر شمیم.

۱۰ ترجمه‌ی اشعار منتخب شاعران رمانتیک فرانسه

ویژگی اثر: انتشار در سال ۱۳۴۱.

۱۱ ترجمه‌ی تاریخ انقلاب روسیه

ویژگی اثر: انتشار در سال ۱۳۰۲.

۱۲ ترجمه‌ی تاریخ تمدن روم و یونان

ویژگی اثر: تالیف فوستل دوکولانژ، انتشار در سال ۱۳۱۹.

۱۳ ترجمه‌ی تاریخ تمدن قدیم

ویژگی اثر: تالیف فوستل دوکولانژ، انتشار در سال ۱۳۰۹.

۱۴ ترجمه‌ی تاریخچه‌ی سلطنت قباد و ظهور مزدک

ویژگی اثر: اثر کریستین سن، با مشارکت احمد بیرشک، انتشار در سال ۱۳۰۶.

۱۵ ترجمه‌ی تهران قدیم

ویژگی اثر: تالیف فوستل دوکولانژ، انتشار در سال ۱۳۰۹.

۱۶ ترجمه‌ی داستان توده‌ی طلا

ویژگی اثر: انتشار در سال ۱۳۰۴.

۱۷ ترجمه‌ی داستان دندان‌بیر

ویژگی اثر: اثر موریس لبلان، انتشار در سال ۱۳۰۲.

۱۸ ترجمه‌ی داستان سر تنگ بلور

ویژگی اثر: انتشار در سال ۱۳۰۲.

۱۹ ترجمه‌ی داستان‌های کوتاه از نویسندگان بزرگ

ویژگی اثر: انتشار در سال ۱۳۳۳.

۲۰ ترجمه‌ی داستان هشتصد و سیزده

ویژگی اثر: انتشار در سال ۱۳۰۲.

۲۱ ترجمه‌ی راز فلورانس

۲۲ ترجمه‌ی سرگذشت ورت

ویژگی اثر: تالیف گوتسه، انتشار در سال ۱۳۰۵.

۲۳ ترجمه‌ی فرهنگ فلسفی ولتر

ویژگی اثر: انتشار در سال ۱۳۳۷.

۲۴ ترجمه‌ی منتخب اشعار ویکتور هوگو

ویژگی اثر: انتشار در سال ۱۳۳۵.

۲۵ ترجمه‌ی منظومه‌ی بیچارگان

ویژگی اثر: تالیف ویکتور هوگو، و به نظم فارسی، انتشار در سال ۱۳۰۵.

۲۶ جغرافیای مفصل ؛ جغرافیای ممالک بزرگ دنیا

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۱۶.

۲۷ جنگ چالدران

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۳۲.

۲۸ دوره ی کامل تاریخ ایران

ویژگی اثر : مشتمل بر پنج مجلد برای کلاس های مدرسه های متوسطه.

۲۹ زندگی شاه عباس کبیر

ویژگی اثر : مشتمل بر سه جلد ، انتشار در سال های ۱۳۴۲ ، ۱۳۵۳ و ۱۳۶۴ .

۳۰ شرح حال بزرگان (داریوش و انوشیروان)

۳۱ مجموعه ی هشت مقاله تاریخی

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۳۰.

منابع :

اشاعران تهران از آغاز تا امروز ، تالیف : مجید شفق ، ج ۲ ، تهران : انتشارات سنایی ، ص ۸۴۴۲ گلزار مشاهیر ؛ زندگی نامه در گذشتگان مشاهیر ایران (۱۳۵۸ - ۱۳۷۶) ، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ، ص ۳۱۹

فلسفیان، عبدالمجید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید عبدالمجید فلسفیان

محل تولد : دهدشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید عبدالمجید فلسفیان با شروع به تحصیل در سالهای اخیر مطالعات خود را به قرآن و نهج البلاغه اختصاص داده ام که در زمینه نهج البلاغه دو کتاب «علی و پایان تاریخ» و «علی و جاری حکمت» را توسط انتشارات مسجد مقدس جمکران و انتشارات لیلہ القدر ناشر آثار استاد علی صفائی حائری (ع - صاد) عرضه شده است که کتاب اول عنوان فرعی آن امام زمان (عج) در نهج البلاغه است و کتاب دوم شرح چهل حکمت از حکمتهای نهج البلاغه می باشد. در زمینه قرآن نوشته هایی همچون پیش زمینه های برداشت از قرآن تفسیر سوره روم، لقمان، قمر و یوسف به رشته تحریر در آمده که هیچکدام به چاپ نرسیده است. و فعالیت دیگری که چند سال اخیر به آن مشغول بوده ام همکاری با دوستان و شاگردان زنده یاد استاد علی صفائی حائری (ع - صاد) برای نوشتاری کردن سخنرانیهای ایشان در زمینه های مختلف معارف دینی بالاخص مباحثی در حوزه نهج البلاغه از جمله روش برداشت

از نهج البلاغه شرح ششقیه با عنوان مشکلات حکومت دینی شرح حکمت ۱۴۷ با عنوان خط انتقال معارف و شرح خطبه ۳۲ با عنوان روزگار ستمگر و...

فلکی شروانی، نجم‌الدین

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۸۷ / ۵۷۷ / ۵۴۰ ق)، حکیم، منجم و شاعر، متخلص به فلکی. در قصبه‌ی شماخی از نواحی شروان به دنیا آمد. در اوایل جوانی به تحصیل نجوم پرداخت و به همین دلیل تخلص فلکی را انتخاب کرد. وی از مداحان شروانشاهان، و بویژه مداح منوچهر بن فریدون بود و گفته‌اند که توسط وی به ملک‌الشعرایی برگزیده شد. فلکی از معاصران خاقانی و نظامی بود. او شعر و ادب را نزد ابوالعلاء گنجوی فراگرفت. به گفته‌ی صاحب «آتشکده‌ی آذر» تخصص فلکی در قصیده‌سرایی بود و تحت تأثیر سبک خراسانی قرار داشت. او قصاید حبسیه‌ای نیز دارد که مربوط به زمانی است که به تهمت افشای اسرار به زندان شروانشاه افتاده بود. وی در شماخی در گذشت و در آن‌جا نیز مدفون شد. از آثارش «دیوان» شعر؛ «کتابی» در احکام نجوم.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آتشکده‌ی آذر (۲۰۴-۱۹۸ / ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۷۷۶-۷۷۴ / ۲)، تاریخ گزیده (۷۴۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۰۶)، تذکره الشعراء (۱۱۵)، حبسیه در ادب فارسی (۲۶۹-۲۶۷)، دانشمندان آذربایجان (۳۰۲-۳۰۱)، الذریعه (۸۴۶ / ۹)، ریحانه (۳۵۳-۳۵۲ / ۴)، سخن و سخنوران (۶۱۱-۶۰۱)، شخصیت‌های نامی (۳۸۱-۳۸۰)، صبح گلشن (۳۲۰)، فرهنگ سخنوران (۷۱۹)، گنج سخن (۲۵-۲۰ / ۲)، مجمع الفصحا (۹۴۸-۹۴۶ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶۶۷-۶۶۶ / ۵).

فلکی نیشابوری خوارزمی، ابوالمظفر سعید

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۶۰ / ۴۷۸ ق)، محدث و صوفی. اصلش از نیشابور بود. وی از نصرالله بن احمد خشنامی و ابن‌اخرم ابوالحسن علی بن احمد بن محمد مدینی حدیث شنید. او مدتی در خوارزم ساکن بود و وزارت خوارزمشاه را بر عهده داشت، لذا به سعید بن سهل وزیر مشهور شد. وی بارها به بغداد رفت و در آن‌جا حدیث روایت کرد. ابن‌عساکر و فرزندش، بهاء‌الدین، و ابوالموهّب بن صصری و برادرش، حسین، و محمد بن حسین مجاور و ابوالبرکات و محمد بن غسان و مکرم بن ابی‌صقر و دیگران «جزء» منسوب به او را از وی شنیدند. از بیم پادشاه به مکه رفت و حج گزارد و اموالش را به مستمندان بخشید، سپس به شام رفت تا قدس را زیارت کند. پس از آن به دمشق رفت و از آنجا خواست که به وطن بازگردد، لیکن نورالدین او را در آنجا نگهداشت و در خاقانه سمیسطیه/ شمشیطیه ساکن کرد و او را شیخ آنجا قرار داد و او تا پایان عمر در آن خانقاه ماند و در آن تعمیراتی انجام داد. او را دارای هیبت و شهامت وجود و سخاوت و تواضع و فروتنی توصیف کرده‌اند. او در مقابر صوفیه مدفون است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام بوفیات الاعلام (۳۷۷ / ۲)، سیر النبلاء (۴۲۳-۴۲۲ / ۲۰)، شذرات الذهب (۱۸۸ / ۴)، العبر (۳۲ / ۳)، النجوم الزاهره (۳۵۱ / ۵)، الوافی بالوفیات (۲۲۴ / ۱۵).

فلکی همدانی، ابوالفضل علی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۲۷ / ۴۰۷ ق)، حافظ، محدث، صوفی، رجالی، مصنف و فقیه شافعی. جدش در علم نجوم و حساب سرآمد بود، بدین جهت به فلکی مشهور شد و ابوالفضل علی را گاه ابن فلکی نیز گفته‌اند. وی برای جمع‌آوری حدیث سفرها کرد و از ابن رزقویه و ابولحسین بن بشران و قاضی ابوبکر حیری و به قول شیرویه از تمام مشایخ همدان و عراق و خراسان حدیث شنید. خواجه عبدالله انصاری گوید که بشری را پرحافظه‌تر از فلکی ندیدم. حسنی و میدانی از وی حدیث روایت کرده‌اند. او در نیشابور در گذشت. فلکی کتابهایی تصنیف کرد که از آن جمله طبقاتی است به نام «المنتهی فی الکمال فی معرفه الرجال» یا «منتهی الکمال فی معرفه الرجال»، در هزار جزء از دیگر آثارش: کتاب «اللقاب» یا «معرفه القاب المحدثین» است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۵۰۴-۵۰۲ / ۱۷)، شذرات الذهب (۲۳۱، ۱۸۵ / ۳)، طبقات الحفاظ (۴۳۱-۴۳۰)، کشف الظنون (۱۸۵۸ / ۱۷۳۹، ۱۳۹۷)، معجم المؤلفین (۷۲-۷۱ / ۷)، الوافی بالوفیات (۳۴-۳۳ / ۲۱)، هدیه العارفین (۶۸۷ / ۱).

فناکی رازی، ابوالقاسم جعفری

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۸۳ ق)، محدث. وی «مسند» محمد بن هارون رویانی را از خود وی روایت کرد، و از عبدالرحمان بن ابی حاتم حدیث شنید. خلیلی گوید: وی به عدالت و حسن دیانت موصوف بود. هبه الله لالکایی و ابوالفضل عبدالرحمان بن بندار رازی از وی حدیث روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ری باستان (۲۹۳ / ۲)، سیر النبلاء (۴۳۱-۴۳۰ / ۱۶، ۵۰۸ / ۱۴)، شذرات الذهب (۱۰۴ / ۳)، النجوم الزاهره (۱۶۷ / ۴)، الوافی بالوفیات (۱۱۱ / ۱۱).

فناکی اشکوری، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد فناکی اشکوری

محل تولد : رودسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

محمد فنایی اشکوری در سال ۱۳۴۰ در شهرستان رود سر به دنیا آمد، در سال ۱۳۵۵ هجری شمسی وارد حوزه علمیه قزوین شد و ادبیات، منطق و مقداری فقه و اصول را در آنجا در مدرسه صالحیه گذراند. در سال ۱۳۵۹ هجری شمسی به قم هجرت کرد و دروس سطح را طی سه سال به پایان رساند، خارج فقه و اصول را نزد آیه الله سید محمود هاشمی شاهرودی فرا گرفت و همزمان دروه چهار ساله مؤسسه در راه حق را به پایان رساند. درسهای فلسفه و عرفان را نزد حضرات آیات جوادی آملی، حسن زاده آملی و مصباح یزدی بهره برد و به مدت دو سال در گروه تخصصی فلسفه بنیاد باقرالعلوم علیه السلام مشغول بود و همزمان در درسهای فلسفه غرب در دانشگاه تهران نزد اساتید مختلف شرکت کرد. در سال ۱۳۷۱ هجری شمسی به کانادا اعزام شد، کارشناسی ارشد را طی دو سال از مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل در فلسفه و منطق تطبیقی گذراند سپس در رشته فلسفه غرب دوره دکتری را در دانشگاه مک گیل به پایان برد. طی ده سال اقامت در شمال امریکا در دانشگاههای مختلف آمریکا و کانادا سخنرانی داشت و در بسیاری از کنفرانسهای فلسفه و دین مقاله ارائه نمود. در سال ۱۳۸۰ هجری شمسی به ایران برگشت و در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) به تدریس فلسفه تطبیقی، فلسفه سیاسی و عرفان پرداخت. تا کنون حدود ده پایان نامه تخصصی در رشته های فلسفه، دین شناسی و عرفان با راهنمایی ایشان به انجام رسیده است.

فنایی نعمت سرا، هادی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

هادی فنایی نعمت سرا

محل تولد : ---

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده از سال ۱۳۶۵ که در دبیرستان مشغول تحصیل بودم به مطالعات دینی پرداختم و همراه با تحولات سیاسی و اجتماعی و پدید آمدن گروههای مارکیستی والتقاطی به مطالعه آثار آنها پرداختم تا در مناظرات با آنها با مشکلی مواجه نباشم، تقریباً مارکیست را یک دوره به طور کامل مطالعه کردم و در کنارش آثار فلسفی و کلامی متکلمین و فیلسوفانی را که به زبان فارسی بود مطالعه

کردم عطش مطالعات علوم اسلامی مرا وادار نمود که به حوزه علمیه وارد شوم و به صورت فنی بحث را ادامه بدهم، پس از ورود به حوزه علمیه همزمان با دروس کلاسیک حوزه و مطالعات دینی به مطالعه پیرامون آثار روشنفکران مسلمان پرداختم چون گفتمان غالب در مناظرات دهه شصت و هفتاد مباحث روشنفکری بود که به اعتقاد بنده با بیماری مواجه است و نشناختن آن موجبات کج فهمی در داورها خواهد شد. برای تعمیق بخشیدن این مباحث رشته کلام و فلسفه را به صورت تخصصی در حوزه ادامه دادم و خوشبختانه بیشترین استفاده را در این حوزه برده ام و به برکت اندوخته های همین حوزه امروز در دانشگاهها مشغول تدریس هستم. البته در کنار دروس فلسفه و کلام، دروس حوزه را تا مرحله یک دوره خارج اصول و چند کتاب فقهی به پایان رساندم.

فنجگردی نیشابوری، ابوالحسن علی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۱۳ / ۵۱۲ / ۵۰۳ - ۴۳۳ ق)، ادیب، نحوی و شاعر. ملقب به شیخ‌الفاضل. نسبت وی به فنجگرد از توابع نیشابور می‌رسد. وی معاصر با زمخشری و نزدیک به عصر سید رضی بود و میدانی کتاب «السامی فی الاسامی» را، در لغت، به فارسی، به نام وی تألیف کرده و در سرآغاز کتاب او را در فضل و علم و ادب ستوده است. او را مدون «دیوان» امیر المومنین (ع) می‌دانند. در نیشابور درگذشت. از جمله آثارش: «تاج الاشعار» یا «سلوه الشیعه»، در اشعار حضرت امیر المومنین (ع)؛ «دیوان» شعر. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۵۶ / ۸)، الذریعه (۸۴۹ / ۹، ۲۲۳ / ۱۲، ۲۰۵ / ۳)، ریاض العلماء (۳۵۴ - ۳۵۲ / ۳)، ریحانه (۳۵۷ - ۳۵۶ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۸۱ / ۶)، فوائد الرضویه (۲۶۹ - ۲۶۸)، الکنی و الالقاب (۳۵ - ۳۴ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / علی فنجگردی)، معجم الادباء (۲۷۲ - ۲۷۰ / ۱۲)، معجم المؤلفین (۲۸ - ۲۷ / ۷).

فندر سکی، ابوطالب

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(منسوب به فندر سک) میرزا ابوطالب فرزند ابوالقاسم فندر سکی. شاعر و منشی قر. ۱۲ ه. وی از شاگردان علامه مجلسی است و با میرزا عبدالله افندی صاحب ریاض العلماء و نظایر وی معاصر و در یک حلقه‌ی تدریس با آنان به کسب علم مشغول بود. تألیفات او عبارتند از: ترجمه‌ی فارسی شرح لمعه‌ی شهید، حاشیه‌ی تفسیر بیضاوی، حاشیه‌ی خفزی بر شرح تجرید قوشچی سامی که منظومه است، غزوات حیدری که نیز منظومه است، المنتهی در نجوم، نگارخانه‌ی چین که حاوی تمامی مکتوبات و منشات عربی و فارسی اوست.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

فورانی مروزی، ابوالقاسم عبدالرحمان

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۶۳ / ۴۶۱ - ۳۸۸ ق)، محدث، فقیه شافعی، اصولی و مصنف. در مرو به دنیا آمد. وی در فقه شاگرد ابوبکر قفال شاشی بود و از او و از علی بن عبدالله تیسفونی حدیث شنید. عبدالرحمان بن عمر مروزی و عبدالمنعم بن ابی القاسم قشیری و زاهر بن طاهر و محیی السنه بغوی و دیگران از وی حدیث شنیدند. او پیشوای فقهای مرو و شیخ شافعیان بود. وی استاد ابوسعید متولی صاحب «التتمه» (یعنی تتمه کتاب «الابانه» که شرح گونه‌ای است بر کتاب استادش) بود. امام الحرمین جوینی در کتاب «النهایه» خویش در باب اذان جمله‌ای در تخفیف فورانی گفته که تمامی علما این مطلب را بر امام الحرمین عیب گرفته‌اند، زیرا که فورانی از ستونهای مذهب به شمار می‌آمده است. او در مرو درگذشت. فورانی دارای مصنفات بزرگ و بسیاری در اصول و خلاف و جدل و ملل و نحل می‌باشد. از آثار وی: «الابانه»، در فقه شافعی؛ «العمده»، در فقه؛ «اسرار الفقه»؛ «کتاب العمل»؛ شرح «الفروع» ابن حداد، در مذهب شافعی.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۰۲ / ۴)، انساب سمعانی (۴۰۵ / ۴)، سیر النبلاء (۲۶۵-۲۶۴ / ۱۸)، شذرات الذهب (۳۰۹ / ۳)، الکامل (۱۱۰۸)، کشف الظنون (۱۴۴۱، ۱۲۵۷، ۸۴، ۱)، لسان المیزان (۳۰۳-۳۰۲ / ۴)، معجم المؤلفین (۹۲ / ۸، ۱۶۹ / ۵)، وفيات الاعیان (۱۳۲ / ۳)، هدیه العارفین (۵۱۷ / ۱).

فورجه اصفهانی، ابوالقاسم محمود

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۶۵ ق)، محدث. «جزء لوین» را از ابوبکر محمد بن احمد بن ماجه استماع کرد و از سلیمان بن ابراهیم حافظ و رییس ابوعبدالله ثقفی و محمد بن محمد بن عبدالواهاب مدینی و از جد خود، علی بن محمد، حدیث شنید. سمعانی و یوسف بن احمد شیرازی و یوسف عاقولی و علی بن نصر و عبدالسلام بن عبدالرحمان بن سکینه و ثابت بن مشرف و علی بن بوند و عبدالقادر بن عبدالله رهاوی و محمد بن محمد بن محمد بن غانم و محمد بن محمود رویدشتی و محمود بن محمد لباد و عده‌ای دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. گروهی نیز همچون ابن‌اللتی و علی بن صابونی و کریمه قرشیه و دخترش، صفیه، از وی اجازه روایت حدیث داشته‌اند. فورجه در اصفهان درگذشت.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۵۰۲-۵۰۱ / ۲۰)، شذرات الذهب (۲۱۶ / ۴)، النجوم الزاهره (۳۶۴ / ۵).

فولادوند، بهزاد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

فولادوند، عزت الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عزت الله فولادوند در سال ۱۳۱۴ ش در شهرستان اصفهان به دنیا آمد. ایشان تحصیلات دانشگاهی خود را در آمریکا پی گرفت و موفق شد کارشناسی و کارشناسی ارشد فسطله را از دانشگاه کلمبیای نیویورک دریافت کند. ایشان در کنار فعالیت در شرکت ملی نفت ایران و وزارت امور اقتصادی و دارایی به فعالیت های فرهنگی نیز می پردازد. از ایشان چندین ترجمه به یادگار است. ترجمه کتابهای "فلسفه کانت" و "آگاهی و جامعه" عزت الله فولادوند، به ترتیب در دوره هشتم و نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شده است.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

تحصیلات رسمی و حرفه ای: عزت الله فولادوند بعد از گذراندن تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی جهت ادامه تحصیل عازم کشور امریکا شد و از دانشگاه کلمبیای نیویورک در رشته فلسفه موفق به دریافت لیسانس و فوق لیسانس گردید. استادان و مربیان: از اساتید برجسته عزت الله فولادوند می توان به «آرتور دانتو»، «رابرت کامینگ» و «سیدنی مورگن بسر» اشاره کرد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: عزت الله فولادوند از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۹ در سمتهای مختلف در شرکت ملی نفت ایران و وزارت امور اقتصادی و دارایی مشغول به کار بوده است.

جوایز و نشانها: ترجمه کتابهای "فلسفه کانت" و "آگاهی و جامعه" عزت الله فولادوند، به ترتیب در دوره هشتم و نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شده است. -----

آثار:

۱ آگاهی و جامعه

ویژگی اثر: ترجمه، (ه. استیوارت هیوز)، این کتاب در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «آگاهی و جامعه»: موضوع اصلی این کتاب جستجوی پاسخی برای این پرسش است که انسان چگونه به خود و حیات اجتماعی اش آگاهی می یابد و اصولاً علم انسان به خود و اجتماعش چگونه ممکن است. این مساله در این کتاب به صورت تاریخی بررسی شده است و قصد نویسنده روشن کردن این نکته بوده است که چگونه در میانه دهه آخر قرن نوزدهم و دهه سوم قرن بیستم میلادی از برخورد اندیشه ها و نگرشهای گوناگون تصور تازه از آگاهی بشری و نگرش جدیدی به اجتماع و حیات اجتماعی پدید آمد. کتاب آگاهی و جامعه از نمونه های خوب و موفق تاریخ فکری است و به همین دلیل هر چند بیش از یک ربع قرن از تألیف آن می گذرد هنوز هم خواندنی و آموزنده است. ترجمه این کتاب دقت و روشنی بیان را با هم در یکجا جمع کرده است و مترجم در انتقال مباحث گوناگون این کتاب به زبان فارسی کاملاً موفق بوده است

۲ آلبر کامو

ویژگی اثر: ترجمه، (کانر کروز اوبراین)

۳ آیا انسان پیروز خواهد شد؟

ویژگی اثر: ترجمه، (اریش فروم)

۴ امریکایی آرام

ویژگی اثر: ترجمه، (گراهام گرین)

۵ انقلاب

ویژگی اثر: ترجمه، (هانا آرنه)

۶ جامعه باز و دشمنان آن

ویژگی اثر: ترجمه، (کارل پوپر)

۷ خشونت

ویژگی اثر: ترجمه، (هانا آرنه)

۸ رشد سیاسی

ویژگی اثر: ترجمه، (سی. ایچ. داد)

۹ فلاسفه بزرگ

ویژگی اثر: ترجمه، (براین مگی)

۱۰ فلسفه کانت

ویژگی اثر: ترجمه، (اشتفان کورنر)، این کتاب در دوره هشتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «فلسفه کانت»: به گمان بسیاری از اهل نظر کانت بزرگترین فیلسوف اروپایی از زمان ارسطو و شاهکار او «نقد عقل محض»، مهمترین کتاب فلسفی پس از «مابعدالطبیعه» معلم اول بوده است. کتاب فلسفه کانت در واقع مدخلی بر فلسفه کانت به شمار می‌رود و از نظر نظم و دقت و ایجاز و وضوح عبارت و جامعیت کم‌نظیر است. مؤلف توانسته است در کتابی هر چند مختصر، اندیشه کانت را از نظر گاهی جامع و عام بررسی کند و با پاره‌ای از مسائل فلسفه معاصر پیوند دهند. مترجم نیز با سابقه درخشانی که در ترجمه آثار وزین و ارزشمند فلسفی دارند، به خوبی از عهده ترجمه کتاب برآمده و با انتقال مضامین آن به زبان فلسفه اسلامی، خدمت ارزنده‌ای به جامعه علمی نموده‌اند و در پایان کتاب نیز واژه‌نامه مفید و سودمندی به کتاب افزوده و فایده آن را فزونی بخشیده‌اند

۱۱ فیلسوفان و مورخان

ویژگی اثر: ترجمه، (ود مهتا)

۱۲ کاتالونیا

ویژگی اثر: ترجمه، (جرج ارول)

۱۳ گریز از آزادی

ویژگی اثر: ترجمه، (اریش فروم) برنده جایزه ترجمه ممتاز در علوم اجتماعی پیشرفته از یونسکو (۱۳۴۸)

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد محمد مهدی فولادوند فرزند شادروان محمد حسین بختیاری، در اول دی ماه ۱۲۹۹ در اراک متولد شد. او از سوی مادر، نوه‌ی حجت‌السلام حاجی آقا محسن ادراکی و نیره‌ی دختری مرحوم سید محمد علی تهرانی است. پس از طی تحصیلات اولیه و رایج به سبک جدید، در شهریور ۱۳۲۹ برای ادامه‌ی تحصیل به ویژه در رشته‌های شعر و ادب و هنر و زیبایی‌شناسی، به پاریس رفت و چهارده سال در آن شهر اقامت و در رشته‌های دلخواه دانشگاهی و تکمیل زبان و ادب فرانسوی خود تلاش کرد. جناب فولادوند در آبان ماه ۱۳۴۳ (۱۹۶۴ م) به تهران بازگشت و تاکنون که بیش از هشتاد سال از عمر پربار و برکتش می‌گذرد، در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی، مواد مختلف فلسفه، زیباشناسی، زبان فرانسه، تاریخ مذاهب و فرهنگ ایران را تدریس کرده است. او عضو انجمن فلسفه‌ی ایران و علوم انسانی یونسکو و عضو انجمن شعرای فرانسه و نویسندگان فرانسه زبان است. مجموعه‌ی آثار فرانسه و فارسی وی قریب به سی جلد است که در حدود پانزده جلد آن به چاپ رسیده است. برخی از آثار چاپ شده‌ی ایشان از این قرار است:

- ترجمه‌ی [رباعیات] عمر خیام، پاریس، مزون نو، ۱۹۶۰، طبع جدید آن با مقدمه و حواشی و «سخنان تازه درباره‌ی عمر خیام و رباعیات او» به پیوست آن. تهران، فروغی.
- هیدا (در جستجوی زیبایی)، چاپ فرهنگ و هنر (به فرانسه)
- سنفونیا، چاپ فرهنگ و هنر (به فرانسه)
- زن در اندیشه‌ی خدا (به فرانسه)
- دیوان اشعار و نوشته‌ها (آثار فارسی - بخش یکم)
- ترجمه‌ی کتاب المنقذ من الضلال (= زندگینامه‌ی خود نوشت فکری و فرهنگی غزالی، عنوان ترجمه‌ی فارسی اش رهنمای گمراهان، نشریات محمدی)
- نخستین درس زیبایی‌شناسی. انتشارات دهخدا.
- پاسکال - ونسی - بلندل. مجموعه کتابهای جیبی.
- زیباترین اشعار فرانسه (متن فرانسه و فارسی). انتشارات کندی. در سالهای اولیه‌ی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، که بنیاد قرآن تاسیس شد، استاد فولادوند چند اثر قرآنی از نویسندگان برجسته‌ی معاصر عرب، نظیر سید قطب، به فارسی شیوایی ترجمه کرد که از سوی همان بنیاد منتشر شده است.
- برگرفته از کتاب: بررسی ترجمه‌های امروزمین فارسی قرآن کریم

فومنی، علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ علی فومنی عالمی بزرگ و فقیهی بزرگوار از بزرگان اهل فضل و خیار ایشان بود سالهای متمادی در نجف اشرف خدمت مشاهیر مدرسین تلمذ نموده و ملازمت آیت‌الله العظمی میرزا حبیب‌الله رشتی را اختیار و از خواص تلامذه‌ی ایشان گردیده و

بسیاری از تقریرات بحث معظم له را به رشته تحریر آورده و در حدود ۱۳۲۶ ق در قضیه مشروطه و استبداد کشته شده است. صاحب الذریعه: در طبقات قسم ۴ جزء اول می گوید سبب شهادت و چگونگی آن را متذکر نمی شوم. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فہیم، مرتضی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرتضی فہیم

محل تولد: کرمان

شہرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب روز چهار شنبه ۱۲/۶/۱۳۳۰ هجری در کرمان وارد حوزه علمیه آنجا شدم و مشغول تحصیل علوم دینی گشتم، بعد از مدت ۸ سال با اینکه خودم ادامه تحصیل می دادم روزانه حدود ۵ الی ۶ درس به افراد تازه وارد مجوزه می گفتم پس از ده سال تحصیل و اتمام دوره سطح در سال چهل فوت آقای بروجردی وارد قم شدم در قم به درس مرحوم امام خمینی (ره) داماد، حائری یزدی، و دیگران شرکت می کردم و از آن سال به بعد در قم ماندگار هستم و برای رفاه حال طلاب استان کرمان مدرسه کرمانیها را در قم و سپس مدرسه ای در کرمان تأسیس نمودم که هم اکنون مورد بهره برداری و از بهترین مدارس علمی بشمار می روند...

فہیمی، عزیزاللہ

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عزیزاللہ فہیمی

محل تولد: قم

شہرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

اینجانب عزیز الله فهیمی در سال ۱۳۴۰ در بخش خلیجستان قم متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در قم و تهران سپری نمودم و تحصیلات دوره راهنمایی و دبیرستان را در تهران گذراندم. بعد از اخذ دیپلم و خدمت سربازی در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه علمیه امام صادق (ع) مقدمات را گذراندم و سطح ۲ و ۳ و ۴ را از دروس آزاد حوزه استفاده کردم که نام اساتید محترم حوزه را در جدول آتی ذکر کرده‌ام. از سال ۱۳۷۰ مشغول درس خارج شدم و پس از ده سال درس خارج رساله سطح ۴ خود را با عنوان مبانی و قلمرو اصل حجت در حوزه علمیه قم تدوین نمودم که این رساله در بهار سال ۱۳۸۵ دفاع گردیده است. همزمان با دروس حوزه از زمان اشتغال به سطح ۳ حوزه وارد دانشگاه تهران شدم و در رشته حقوق قضایی در سال ۱۳۷۱ لیسانس گرفتم و در سال ۱۳۷۷ از دانشگاه شهید بهشتی در همین رشته فوق لیسانس گرفته و رساله علمی خود در زمینه ارث اقلیتهای دینی ایران در مقایسه با قوانین اسلام را تدوین نمودم که بعدها به صورت کتاب مستقل چاپ شد. در سال ۱۳۷۷ بعد از فارغ التحصیلی از دانشگاه شهید بهشتی به عنوان عضو هیات علمی در دانشگاه قم مشغول تدریس شدم که منافاتی با تحصیل حوزوی هم نداشت. در سال ۱۳۸۱ برای تکمیل تخصص دانشگاهی وارد دانشگاه امام صادق (ع) تهران شدم و در رشته دکترای حقوق خصوصی مشغول تحصیل شدم که تا کنون ادامه دارد. تا کنون دهها پایان نامه علمی حوزوی و دانشگاهی زیر نظر اینجانب تدوین شده است و دهها مقاله علمی و نشریات معتبر علمی چاپ گردیده است و پایان نامه علمی سطح ۴ اینجانب نیز با عنوان مبانی و قلمرو اصل حجت در معاملات در دست چاپ می باشد. در دانشگاه در رشته حقوق قضایی در سطوح لیسانس و فوق لیسانس در دروس مختلف تدریس داشته‌ام. در حوزه نیز دروس مختلف فقهی و اصولی مثل لمعه و اصول و مکاسب را تدریس نموده‌ام.

فیاض سرخه دیزجی زنجانی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۰ - ۱۲۸۵ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی و مرجع تقلید. در قریه‌ی سرخه دیزج زنجان به دنیا آمد. مقدمات را نزد پدرش، آخوند ملا محمد سرخه دیزجی، که از شاگردان آخوند ملا علی قارپوزآبادی بود، خواند. سپس به زنجان رفت و متون فقه و اصول را نزد علمای آنجا قرائت کرد، آن گاه به تهران آمد و معقول را در محضر میرزا ابوالحسن جلوه اصفهانی و فقه و اصول را در محضر آیت الله میرزا محمد حسن آشتیانی و دیگران فراگرفت، تا به درجه‌ی اجتهاد نایل شد. سپس به نجف مهاجرت کرد و نزد علمای آنجا، و به طور عمده در محضر آقا شیخ هادی تهرانی، تلمذ کرد. پس از درگذشت علامه تهرانی در ۱۳۲۶ ق به زنجان بازگشت و به انجام وظائف دینی و تدریس پرداخت، و مرجع تقلید مردم آن دیار شد. وی در زنجان درگذشت و در مقبره‌ی آخوند ملا علی قارپوزآبادی دفن شد. از آثارش: «کتاب الاجاره»؛ کتاب «الخمس»؛ کتاب «الزکاه»؛ «ذخایر الامه»؛ رساله در «ماهیت وجود»؛ تقریر بحث استادش علامه تهرانی؛ «رساله‌ی عملیه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۲۲ / ۱)، علماء معاصرین (۱۸۹)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۵۱ / ۵).

فیاض لاهیجی قمی، عبدالرزاق

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۷۲ ق)، عالم امامی، محقق، حکیم، منطقی، متکلم، نویسنده، ادیب و شاعر. اصل وی از لاهیجان است، اما چگون مدت زیادی در شهر قم اقامت داشته و در حوزه‌ی علمیه آنجا تدریس می‌کرده به قمی نیز مشهور شده است. وی شاگرد و داماد صدرالمآلهین ملا صدرا محمد بن ابراهیم بن یحیی شیرازی است. تخلص یا لقب فیاض را استادش به او داده است، چنان که لقب فیاض را به دیگر دامادش ملا- محسن کاشانی. او از بزرگان علمای شیعه و از معروفترین حکیمان و عالمان عصر صفوی و معاصر شاه‌عباس ثانی (۱۰۸۷- ۱۰۵۲ ق) است. وی در مدرسه حضرت معصومه قم تدریس می‌کرد. از جمله شاگردانش فرزندش میرزا حسن لاهیجی صاحب «شمع الیقین» می‌باشد. از دیگر شاگردانش قاضی سعید قمی است. وی در قم درگذشت و همان جا دفن شد. گرچه در برخی از تذکره‌ها تاریخ وفات وی در ۱۰۵۱ ق ذکر شده اما با توجه به تاریخ تألیف «گوهر مراد» و «سرمایه ایمان» نمی‌تواند درست باشد. وی در حکمت و کلام و منطق صاحب تألیفات سودمندی است. از آثار وی: «گوهر مراد»، در اصول عقاید، به فارسی، که برای شاه‌عباس ثانی (۱۰۷۸- ۱۰۵۲ ق) تألیف کرده است؛ «سرمایه ایمان فی اثبات اصول العقائد بطریق البرهان»، که تلخیص «گوهر مراد» است به فارسی؛ «شوارق الالهام»، در شرح «تجرید الکلام»، خواجه نصیر طوسی، به عربی؛ «حاشیه» ای بر «حاشیه» شمس‌الدین محمد خفری بر «الهیات شرح تجرید»، که به درخواست شاگردانش ترتیب داد؛ «حاشیه» ای بر «حاشیه» ملا عبدالله یزدی بر «تهذیب المنطق» تفتازانی؛ «حاشیه» بر «شرح الاشارات» خواجه نصیرالدین طوسی؛ «شرح الهیاکل فی حکمه الاشراق»؛ رساله‌ی «حدوث العالم»؛ «مشارق الالهام فی شرح تجرید الکلام»، ناتمام؛ «الکلمات الیهی»، در محاکمه‌ی میان میرداماد و ملاصدرا در اصالت ماهیت میرداماد یا اصالت وجود ملاصدرا، که لاهیجی به نام شاه‌عباس ثانی نگاشته است؛ «دیوان» بزرگ شعر، به فارسی، مجموعه‌ای از قصاید و ترکیب‌بند و ترجیع‌بند در منقبت پیامبر (ص) و ائمه (ع) بویژه امیرالمؤمنین (ع) و در مرثیه‌ی شهیدان کربلا (رض). [۱]

(بخش ۱) لاهیجی، عبدالرزاق بن علی متکلم و حکیم ایرانی (ف. ۱۰۵۲ ه.ق) وی داماد و شاگرد صدرالدین شیرازی بود و در ادب و شعر و کلام دست داشت. از اوست: شوارق دو جلد در شرح تجرید الکلام، گوهر مراد در کلام، سرمایه‌ی ایمان در کلام، شرح فصوص الحکم در تصوف (عربی)، شرح فصوص الحکم (به فارسی)، دیوان شعر شامل ۵۰۰۰ بیت. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آتشکده‌ی آذر (۸۴۹- ۸۴۶ / ۲)، اعیان الشیعه (۴۷۱- ۴۷۰ / ۷)، ایضاح المکنون (۵۹ / ۲)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۶۱ / ۴)، تاریخ علم کلام (۳۲۴- ۳۲۲)، تذکره‌ی پیمانه (۴۱۲- ۳۹۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۵۶)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۶۸ / ۲)، دنباله جستجو در تصوف (۲۵۴- ۲۵۱)، الذریعه (۲۳۸ / ۱۴، ۱۶۱ / ۱۳، ۸۵۳- ۸۵۲ / ۹، ۱۹۰ / ۴)، روضات الجنات (۱۹۴- ۱۹۲ / ۴)، ریاض العارفین (۲۲۷)، ریحانه (۳۶۳- ۳۶۱ / ۴)، سیر در شعر فارسی (۳۸۴)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۴۰۶- ۴۰۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۱۹ / ۱۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۳۰- ۴۲۹)، فوائد الرضویه (۲۲۹)، فلاسفه شیعه (۳۷۷- ۳۷۵)، الکنی و الالقاب (۳۷- ۳۶ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / عبدالرزاق)، معجم المؤلفین (۲۱۸ / ۵)، منتخب التواریخ (۷۴۶)، مؤلفین کتب چاپی (۸۴۲- ۸۴۱ / ۳)، هدیه الاحباب (۲۱۴- ۲۱۳).

فیاض، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ احمد فیاض فرزند مرحوم حجت‌السلام حاج ملا مصطفی فروشانی سده (همایونشهری) از علماء محترم و مدرسین بزرگ معاصر اصفهانند. معظم له در هفدهم ذی‌قعدة الحرام ۱۳۲۴ قمری تولد یافته و در بیت علم پرورش یافته و مقدمات را در محل و زادگاه خویش تا حدود سیوطی خوانده و در سال ۱۳۴۱ قمری به اصفهان مهاجرت نموده و تا سال ۱۳۶۴ در اصفهان سطوح اولیه و وسطی و دروس خارج فقه و اصول را از اساتید و مدرسین اصفهان مانند مرحوم آیت‌الله آقای سید علی نجف آبادی و آیت‌الله آقا سید مهدی درچه‌ای و آیت‌الله حاج میرزا محمد صادق یزدآبادی فراگرفته سپس در سال مزبور مشرف به نجف اشرف شده و حدود پنج سال در حوزه به نجف محضر مرحوم آیت‌الله العظمی آقا میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله حاج شیخ محمد کاظم شیرازی و آیت‌الله حاج سید محمود شاهرودی و آیت‌الله حاج سید جمال‌الدین گلپایگانی فقهاً و اصولاً استفاده نموده و در سال ۱۳۶۹ قمری مراجعت به اصفهان نموده و تاکنون به اقامه جماعت و به تدریس فقه و اصول و غیره و خدمات دینی اشتغال دارند. دارای مدارک اجتهادی و روایتی از آیات عظام زیر می‌باشند.

- ۱- آیت‌الله اصفهانی.
- ۲- آیت‌الله آقای سید محمد نجف آبادی.
- ۳- آیت‌الله ملاحسین.
- ۴- آیت‌الله آقا سید جمال‌الدین گلپایگانی.
- ۵- آیت‌الله آقا سید عبدالهادی.
- ۶- آیت‌الله حاج میرزا احمد آشتیانی.
- ۷- آیت‌الله حاج آقا بزرگ تهرانی.
- ۸- آیت‌الله آقا سید احمد جزایری معروف به سید آقا. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

فیاض، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد فیاض در سال ۱۲۶۱، در همدان متولد گردید. تحصیلات ابتدایی در زادگاه خود پشت سر نهاد و در شهر قم علوم مقدماتی را فراگرفت. سپس به اصفهان رفته و سه سال در آن شهر به تحصیل پرداخت. پس از خاتمه تحصیلات در اصفهان، به نجف اشرف عزیمت کرد و سالهای متمادی در آن دیار به فراگیری علوم مختلف مشغول شد. او پس از بازگشت نجف، در سالهای اقامت خود در همدان بنا به تقاضای اداره معارف و اوقاف همدان در مدرسه نصرت که از مدارس بزرگ آن شهر محسوب می‌شد، به تدریس ادبیات و عربی پرداخت. پس از آن در اواسط شهریور ماه ۱۳۰۸ ه.ش. به دعوت وزارت معارف و اوقاف به تهران عزیمت کرد و ابتدا به سمت معلمی و مدیریت مدرسه برگزیده شد و پس از تاسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳، به استادی دانشکده معقول و منقول انتخاب گردید. پس از آنکه قسمتی از دانشکده معقول و منقول (در سال ۱۳۱۸) به دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی منتقل گردید برای تدریس به آن دانشکده دعوت شد و مدتی در هر دو دانشکده تدریس کرد، و پس از آنکه دانشکده معقول و منقول (در سال ۱۳۲۱) از دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی مستقل گردید، وی در سمت استادی دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی باقی ماند. استاد محمد فیاض در خرداد ماه ۱۳۵۴ ه.ش. دار فانی را بدرود گفته و به رحمت ایزدی پیوست.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : فیاض تحصیلات ابتدایی در زادگاه خود همدان پشت سر نهاد و در شهر قم علوم مقدماتی را فراگرفت. سپس به اصفهان رفته و سه سال در آن شهر به تحصیل پرداخت. پس از خاتمه تحصیلات در اصفهان، به نجف اشرف عزیمت کرد و سالهای متمادی در آن دیار به فراگیری علوم مختلف مشغول شد. فیاض پس از اشتغال در دانشگاه تهران، طبق قانون تاسیس دانشگاه سه رساله عربی در معانی و بیان و بدیع و یک رساله در شرح قسمتی از نهج البلاغه به زبان فارسی نگاشت و در نوزدهمین جلسه شورای دانشگاه، به عنوان دکترای ادبیات شناخته شد.

استادان و مربیان : فیاض پس از اقامت در اصفهان در محضر میرزا جهانگیر خان قشقایی (عالم معروف و جامع علوم معقول و منقول) و آخوند ملا عبدالکریم گزی (سرپرست امور قضایی شهر اصفهان)، آقا سید محمد باقر درچه ای (از مراجع بزرگ تقلید) به تحصیل مشغول گردید و ضمن آن در درس آخوند کاشی (آخوند ملا محمد کاشانی، حکیم و فقیه و ریاضیدان معروف) و عده دیگری از علمای آن عصر حاضر می شد. پس از سه سال اقامت در اصفهان و نوشتن دو رساله در فقه و اصول در سال ۱۲۸۲ ه.ش (۱۳۲۱ ه.ق) اصفهان را ترک کرد و به موطن خود، همدان، بازگشت. علمایی که فیاض در مجلس درس آنان حاضر می شده عبارت بودند از: آخوند ملا محمد کاظم خراسانی (صاحب کتاب معروف کفایت الاصول)، آقا سید محمد کاظم یزدی (صاحب کتاب مشهور عروه الوثقی)، میرزا فتح الله نمازی شیرازی معروف به شیخ الشریعه یا شریعت اصفهانی، از مشاهیر علمای آن عصر نجف، شیخ عبدالله مازندرانی از مراجع بزرگ دوره مشروطه، آخوند ملا محمد علی نخجوانی، مرجع تقلید شیعیان قفقاز. آخوند ملاعلی امامی خوانساری از مدرسین معروف نجف.

وقایع میانسالی : فیاض در سالهای آخر تدریس دچار ضعف بینایی شد و با اینکه دانشکده ادبیات در آن ایام در باغ نگارستان (شمال میدان بهارستان) قرار داشت و از محل سکونت ایشان چندان دور نبود، اغلب با کمک فرزندان و دوستان به دانشکده می رفت.

زمان و علت فوت : محمد فیاض در خرداد ماه ۱۳۵۴ ه.ش دار فانی را بدرود گفته، به رحمت ایزدی پیوست.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : استاد فیاض چندی سرپرست حوزه علمی به نام (مدرسه کوچک) گردید. همچنین به مدت پانزده سال در همدان به عنوان امامت جماعت مسجد برگزیده شد.

فعالیتهای آموزشی : محمد فیاض در یکی از حوزه های علمی همدان به نام مدرسه کوچک به تدریس علوم معقول و منقول پرداخت. در سالهای اقامت خود در همدان بنا به تقاضای اداره معارف و اوقاف همدان در مدرسه نصرت که از مدارس بزرگ آن شهر محسوب می شد، به تدریس ادبیات و عربی پرداخت. حاج آقا محمد فیاض اواسط شهریور ماه ۱۳۰۸ ه.ش. به دعوت وزارت معارف و اوقاف به تهران عزیمت کرد و ابتدا به سمت معلمی و مدیریت مدرسه برگزیده شد و پس از تاسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳، به استادی دانشکده معقول و منقول انتخاب گردید. پس از آنکه قسمتی از دانشکده معقول و منقول (در سال ۱۳۱۸) به دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی منتقل گردید برای تدریس به آن دانشکده دعوت شد و مدتی در هر دو دانشکده تدریس می کرد، و پس از آنکه دانشکده معقول و منقول (در سال ۱۳۲۱) از دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی مستقل گردید، وی در سمت استادی دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی باقی ماند. فیاض در دانشکده های یاد شده، نهج البلاغه، بیان و زبان عربی تدریس می کرد و در سال ۱۳۳۰ با تصویب شورای دانشگاه کرسی زبان عربی دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی به ایشان تفویض گردید.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : استاد فیاض هنگام اقامت در همدان، علاوه بر مسجد و مدرسه، بنا به دعوت مشاتاقان در منازل آنان حضور یافته، ضمن اقامه نماز در اول وقت، حاضرین را با معارف دین و شرایط بندگی و تکالیف شرعی آشنا و با نصایح خود

راهنمایی و هدایت می کرد، این دوره ها تا پایان اقامت ایشان در همدان برگزار شد و از آن پس بنا به تقاضا و دعوت مشتقان تهرانی، در تهران برگزار گردید. نام وی در دفاتر انجمن ادبی همدان ذکر شده است و دکتر مهدی درخشان استاد فقید دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، در کتاب «بزرگان و سخن سرایان همدان» در این خصوص نوشته است: «حاج آقا محمد فیاض علاوه بر مقام فقاقت و اجتهاد دارای ذوقی سلیم و طبعی لطیف است، اشعاری نغز و دلنشین سروده است که بسیاری از آنها از میان رفته. وی در سال ۱۳۰۷ ه.ش. از اعضای برجسته انجمن ادبی همدان بود...»

منابع:

افرننگ همدان، سال دوم، شماره ۸، زمستان ۱۳۷۵

فیاضی، غلامرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غلامرضا فیاضی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۸/۱/۱

زندگینامه علمی

حجة الاسلام والمسلمین غلامرضا فیاضی در سال ۱۳۲۸ در قم و در میان خانواده‌ای متدین و دوستدار روحانیت و علمای شیعه به دنیا آمد. پدرش مرحوم حاج اسدالله، به بنایی اشتغال داشت و از همان راه روزگار می گذراند. حجة الاسلام والمسلمین فیاضی پس از اینکه قرآن و بخشی از دروس فارسی را نزد مادر خود و مکتب خانه فرا گرفت، با پدر خود به بنایی ساختمان میرفت. در یکی از روزها که با پدر خود به منزل روحانی جلیل القدری برای تعمیر ساختمان رفته بود، مورد عنایت آن روحانی جلیل القدر قرار گرفت و با عنایت او و رخصت پدر به امر اشتغال در حوزه علمیه قم رو آورد. پس از طی مقدمات، به دروس سطح در نزد استادان مشهور آن روزگار راه یافت و سپس به درس خارج فقه و اصول استادان برجسته حوزه علمیه قم رفت و سالها از محضر آنان بهره مند شد. او همزمان با تحصیل فقه و اصول، علوم عقلی را نیز در نزد استادان خبره فرا گرفت، به گونه‌ای که بعدها خود به تدریس آن دروس رو آورد و درس او در زمره بهترین دروس حوزه در علوم عقلی به شمار رفت. حجة الاسلام والمسلمین فیاضی در سالهای تحصیل خود به محضر استادان برجسته بسیاری شرفیاب شد. او جامع المقدمات را نزد مرحوم شیخ محمد حسن قاضی زاده که همانا مشوق اصلی او برای رو آوردن به تحصیل در حوزه بود، فرا گرفت. سیوطی را نزد حجة الاسلام والمسلمین باکویی امام جمعه فریدون کنار و مغنی را هم نزد او و نیز در محضر آیه الله شیخ حسن تهرانی و آقای جلیلی آموخت. حاشیه را نزد حجة الاسلام والمسلمین باکویی و مختصر را نزد آیه الله دوزدوزانی و معالم را نزد حجة الاسلام والمسلمین فاضل هرنندی خواند و سپس به دروس لمعه آقای سید ابوالفضل موسوی تبریزی و آقای تقدیری رفت. استاد او در رسائل آیه الله العظمی نوری همدانی و آیه الله مؤمن، در مکاسب آیه الله شیخ علی پناه اشتهاردی و آیه الله العظمی فاضل لنکرانی و در کفایه آیه الله العظمی نوری همدانی و آیه الله العظمی فاضل لنکرانی

بود. وی از سال ۵۱ به مدت چهارده سال در دروس خارج حضرات آیات آقایان گلپایگانی، اراکی، حائری، شاه آبادی، شیخ کاظم تبریزی، شیخ جواد تبریزی و وحید خراسانی شرکت کرد. او در بخش علوم عقلی، شرح منظومه سبزواری را نزد آیه‌الله گرامی، بدایه را نزد آیه‌الله جوادی آملی، نهاییه را نزد آیه‌الله مصباح یزدی و اسفار را نزد آیه‌الله جوادی آملی فرا گرفت. همچنین او تمهیدالقواعد و شرح فصوص الحکم را نزد آیه‌الله جوادی آملی آموخت. از دوستان او در سالهای تحصیل، حجة الاسلام والمسلمین غروی را می‌توان نام برد. حجة الاسلام والمسلمین فیاضی در سالهای متمادی و از سالهای آغازین تحصیل به امر تدریس اهتمام ویژه‌ای داشت. او در دروس مختلف دوره مقدمات و سطح را بارها تدریس کرده و سپس به تدریس بدایه، نهاییه و شرح اشارات رو آورده است و هم اکنون نیز به تدریس اسفار اشتغال دارد. تبیین زیبا و استوار علوم عقلی از ویژگیهای اوست و دروس و حتی نوارهای تدریس او همواره مورد استفاده طلاب بوده است. از حجة الاسلام والمسلمین فیاضی تعلیقه‌ای بر نهاییه الحکمه علامه طباطبایی به چاپ رسیده است. او از اعضای جامعه مدرسین است و هم اکنون در قم ضمن اشتغال به تدریس، به پژوهش در مؤسسه امام خمینی (ره) می‌پردازد.

فیروز آبادی

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(منسوب به فیروزآباد) مجدالدین محمد بن یعقوب شیرازی فیروزآبادی مکنی به ابوطاهر، ادیب و لغت‌شناس زبان عربی (و فیروزآباد (فارس) ۷۲۹ ه.ق/ ۱۳۲۹ م. - ف. زبید (یمن) ۸۱۷ ه.ق/ ۱۴۱۵ م.). وی نخست در شیراز و سپس در واسط و بعد در بغداد به تحصیل پرداخت و نیز مدتی در دمشق در محضر درس تاج‌الدین عبدالوهاب سبکی حاضر می‌شد، و با وی سفری نیز به اورشلیم کرد و در آنجا مدت ده سال به تدریس پرداخت، و سپس به آسیای صغیر، قاهره و مکه مسافرت کرد و مدت پانزده سال در مکه ساکن شد. آنگاه به دهلی و پس از پنج سال بار دیگر به مکه بازگشت و دو سال دیگر آنجا اقامت کرد. پس به دربار احمد بن اویس جلایری (بغداد) رفت و سپس سفری به شیراز کرد و در آنجا با امیر تیمور ملاقات نمود و بعد از راه هرمز و خلیج فارس به یمن رفت و قاضی القضاة یمن شد و دختر سلطان الملک‌الاشرف را به زنی گرفت و سپس بار سوم به مکه رفت و در آنجا مدرسه‌ای برای تدریس فقه مالکی تأسیس کرد و مجدداً به یمن بازگشت و در شهر زبید در گذشت. شهرت وی به سبب تألیف ارجمند اوست در لغت عرب موسوم به القاموس المحيط معروف به قاموس (ه.م.).

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

فیروز آبادی شیرازی نجفی، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۲۹ ق)، فقیه اصولی و عالم امامی. پدرش از مراجع تقلید و فقهای بزرگ نجف بود، که بسیاری از مراجع دوره‌ی بعد از او افتخار شاگردی وی را داشتند. سید مرتضی در نجف به دنیا آمد و نشوونما یافت. سطوح را از محضر آیت‌الله میرزا علی ایروانی،

صاحب حاشیه بر «مکاسب»، و آیت‌الله میرزا ابوالحسن مشکینی، صاحب حاشیه بر «کفایه»، و آیت‌الله شیخ کاظم شیرازی و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نمود. بعد از فوت آن استاد به تدریس فقه و اصول در سطح و خارج پرداخت و شاگردانی را تربیت نمود. در ۱۳۹۱ ق، به قم مهاجرت و به تدریس خارج فقه و اصول و تألیف و تصنیف کتب علمی اشتغال ورزید. از آثارش: «فضائل الخمسه من الصحاح الستة من الکتب العامه»، در سه مجلد؛ «السبعه من السلف من الکتب العامه»، در مطاعن هفت نفر از صحابه؛ «عنايه الاصول»، در شرح «کفایه»، در شش جلد؛ «الفروع المهمه فی احکام الامه»، در سه مجلد؛ «خلاصه الجواهر مع البیان الظاهر»، متن و شرح «منتخب المسائل» از اول طهارت تا آخر زکوه. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: گنجینه دانشمندان (۱۲۴ / ۶، ۲۲۵- ۲۲۴ / ۲).

فیروزآبادی شیرازی، جمال‌الدین، ابواسحاق ابراهیم

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۷۶-۳۹۳ ق)، فقیه اصولی شافعی، محدث، متکلم، مدرس، عارف و شاعر. در فیروزآباد فارس به دنیا آمد. از ابوعبدالله بیضاوی و عبدالوهاب بن رامین در شیراز و از خزری در بصره فقه آموخت. در ۴۱۵ ق به بغداد رفت و در آنجا ساکن و ملازم قاضی ابوطیب طبری شد و از او بهره‌ها برد تا در فقه سرآمد شد. او از ابوعلی حسن بن شاذان و ابوبکر احمد برقانی و محمد بن عبیدالله خرجوشی حدیث شنید. آنگاه در بغداد و همدان و نیشابور حدیث گفت. او مرجع دانش پژوهان و مفتی امت در زمان خود بود و توانمندی او در جدل و مناظره مشهور همگان. ابوبکر خطیب بغدادی و ابوالولید باجی و حمیدی و اسماعیل ابن سمرقندی و ابوبدر کرخی و زاهد یوسف بن ایوب و ابونصر احمد بن محمد طوسی و ابوالحسن بن عبدالسلام احمد بن سهل مسجدی و ابوبکر فارمذی و شیب بن حسین بروجردی از وی حدیث شنیدند. احمد بن نصر بن حمان همدانی آخرین کسی است که از وی روایت کرده است. فیروزآبادی معاصر امام الحرمین و ابوالقاسم قشیری بود. خواجه نظام‌الملک وزیر مدرسه نظامیه‌ی بغداد را در ۴۵۹ ق برای وی بنا کرد و او اولین مدرس آنجا بود. وی در بغداد در گذشت و خلیفه مقتدای عباسی بر پیکرش نماز خواند و در باب ابرز دفن شد. به روایتی او مدفون در شیراز است. از آثار وی: «التنبیه فی فروع الشافعیه» و «المهذب فی الفروع»، در فقه شافعی که از کتابهای مهم در این زمینه است؛ «طبقات الفقهاء»؛ «اللمع» و «شرح اللمع»، در اصول فقه؛ «المعونه فی الجدل»؛ «التبصره»؛ «الملخص» یا «التلخیص»؛ «النکت فی علم الجدل»؛ «تذکره المسؤولين فی الخلاف بین الحنفی و الشافعی»؛ «الطب الروحانی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴۵-۴۴ / ۱)، انساب سمعانی (۴۱۸-۴۱۷ / ۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۶۴، ۲۳۸-۲۳۷ / ۲)، روضات الجنات (۱۸۱-۱۷۹ / ۱)، ریحانه (۱۲-۱۱ / ۷)، سیر النبلاء (۴۶۵-۴۵۲ / ۱۸)، شذرات الذهب (۳۵۱-۳۴۹ / ۳)، صفه الصفوه (۲۸۰ / ۲)، الکامل (۱۳۴ / ۸)، کشف الظنون (۱۹۱۲، ۱۸۱۸، ۱۷۴۳، ۱۵۶۲، ۱۱۰۵، ۱۱۰۰، ۴۸۹، ۳۹۱، ۳۳۹)، الکنی و الالقاب (۸-۷ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل / ابواسحاق شیرازی)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۴۶-۴۲ / ۱۹)، معجم البلدان (۴۳۲ / ۳)، معجم المؤلفین (۶۹-۶۸ / ۱)، النجوم الزاهره (۱۱۶ / ۵)، الوافی بالوفیات (۶۶-۶۲ / ۶)، وفيات الاعیان (۳۱-۲۹ / ۱)، هدیة العارفین (۸ / ۱).

فیروزآبادی یزدی نجفی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۵-۱۲۷۵ ق)، عالم، فقیه و مجتهد امامی. در فیروزآباد یزد به دنیا آمد. به نجف رفت و در آنجا ساکن شد. او از شاگردان آخوند خراسانی و سید کاظم یزدی است. فیروزآبادی در سامراء در گذشت و در نجف دفن گردید. از آثار وی: «جامع الکلم فی حکم اللباس المشکوک»؛ حاشیه بر «عروه الوثقی» سید محمد کاظم طباطبایی؛ «مجموعه الاحادیث الاخلاقیه و المواعظ»؛ رساله‌ای در «مناسک الحج و العمره»؛ کتاب «الطهاره و الصلوه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۶۲-۶۱ / ۲۰ / ۱۴۹، ۶ / ۶۹، ۵ / ۴)، ریحانه (۴ / ۳۶۴)، علماء معاصرین (۱۳۸-۱۳۷)، معجم المؤلفین (۱۳۴ / ۱۱).

فیروزآبادی، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۳۴۴-۱۲۵۱ ش)، عالم امامی و نیکوکار. در فیروزآباد از روستاهای ری در خانواده‌ای فلاحت پیشه به دنیا آمد. مقدمات علوم را در تهران فراگرفت و در فقه و اصول از محضر سید علی اکبر تفریشی و سید ریحان‌الله کشفی بروجردی و دیگران استفاده برد. سپس به عراق مهاجرت نمود. در نجف از محضر آیت‌الله میرزا حسین خلیلی تهرانی و آخوند خراسانی و در کربلا از آیت‌الله سید اسماعیل صدر بهره‌ها برد. آن‌گاه به ایران بازگشت و در زادگاهش به انجام وظائف دینی مشغول شد. از دوران کودکی در اندیشه خدمت به خلق خدا بود و حتی المقدور از آنان دستگیری می‌کرد. در اوایل مشروطیت چهار دوره نماینده‌ی مجلس شورای ملی بود. حضورش در مجلس تنها برای دفاع از حقوق ملت بود چنان که یک ریال از حقوق ماهیانه آنجا را تصرف نکرد و حقوق جمع شده‌ی چندین ساله را با اجازه‌ی مراجع تقلید به بنای بیمارستانی در شهر ری اختصاص داد. وی تا اواخر عمر از رسیدگی به وضع بیماران کوتاهی نمی‌کرد و حتی تا نیمه‌های شب به قسمتهای مختلف بیمارستان سرکشی و از بیماران دردمند بیدار عیادت می‌کرد. وی در مقبره‌ای که در کنار بیمارستان برای خود بنا کرده بود به خاک سپرده شد. از آثار خیرش: بیمارستان هزار تخت‌خوابی، زایشگاه و درمانگاه فیروزآبادی؛ پرورشگاه و دارالایتام؛ مسجد جامع فیروزآبادی؛ مقبره‌ی فیروزآبادی؛ مدرسه‌ی رضائیه؛ مسجدی در فیروزآباد. [۱]

از علمای روحانی معاصر (ف. تهران امرداد ۱۳۴۴ ه.ش). وی از مردان خیر عصر بود و بیمارستان فیروزآبادی در شهر ری به همت وی تأسیس شده.

مرحوم حاج سید رضا بن السید الجلیل السید هاشم بن السید عبدالکریم الحسینی فیروزآبادی عالمی جلیل و دانشمندی خدوم از مشاهیر علماء متقی و خدمتگزار معاصر ما بود که شب و روز خود را مصروف خدمات اجتماعی بالخصوص طبقات بیچاره گان و بینویان قرار داده و شهرت اخلاق کریمانه‌اش بشرق و غرب عالم رفته.

ولادتش در سال ۱۲۸۸ قمری و یا بنا بر نقل صاحب (الذریعه) (در قسم دوم از جزء اول) نقباء البشر (۷۷۹) در سال ۱۲۹۰ قمری در قریه فیروزآباد شهر ری واقع شده و در سال ۱۳۸۵ قمری در سن نود و هشت سالگی در شهر ری از دنیا رفته و در مقبر مخصوص

خود جنب مسجد جامع فیروزآبادی و بیمارستانش که از آثار اوست مدفون و اکنون از مزارات عموم مردم ری و تهران میباشد. وی در خانواده متوسط الحال و نجیب و اصیل فلاحت پیشه‌ای پرورش یافته و از دوران کودکی بفکر خدمت بخلق خدا و بیچاره گان بود و حتی المقدور از آنها دستگیری می کرد. مقدمات علوم و سطوح فقه و اصول را در تهران و ری در خدمت مرحوم آیت الله حاج سید علی اکبر تفریسی مدفون در ری و آیت الله آقا سید ریحان الله کشفی بروجردی و غیره خوانده آنگاه مهاجرت به عراق نموده و از محضر آیت الله حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی و آخوند خراسانی در نجف و آیت الله حاج سید اسمعیل صدر در کربلا- استفاده نموده سپس مراجعت به ایران و در زادگاه خود (فیروزآباد) به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و تعلیم احکام نموده و در اوائل مشروطیت چهار دوره از مردم ری و تهران انتخاب برای مجلس شورا ملی گردیده و ایشان جهت دفاع از حقوق ملت و خدمت به مردم به مجلس مزبور رفته ولی یک ریال از حقوق آنجا را تصرف ننموده تا چندین سال که حقوقش در صندوق جمع شد با اجازه از مرحوم آیت الله حاج شیخ محمدتقی بافقی یزدی و بعضی دیگر از مراجع اقدام ببناء بیمارستان در شهر ری نمود و خود تا اواخر عمرش از رسیدگی کردن بوضع بیماران کوتاهی نمی کرد و نیمه شب به قسمتهای مختلف بیمارستان رفته و از بیماران عیادت نموده و از آنها تفقد می فرمود. آثار بسیاری از این عالم بزرگوار مانده که قسمتی از آنها را می نگارم:

۱- بیمارستان فیروزآبادی که اکنون بیش از هزار تخت و سه ساختمان سه طبقه بزرگ دارد.

۲- زایشگاه که نیز مجهز به همه گونه وسائل برای آسایش و زایش بانوانست.

۳- درمانگاه فیروزآبادی.

۴- پرورشگاه و دارالایتام برای اطفال بی پدر و بینوا.

۵- مسجد جامع فیروزآبادی که اکنون فرزند ارجمندش حجه الاسلام حاج سید محمد فیروزآبادی در آن اقامه جماعت می کنند.

۶- مقبره فیروزآبادی جنب مسجد و بیمارستانش.

۷- مسجدی در قریه فیروزآبادی.

۸- مدرسه رضائیه در خیابان سیروس جنب حسینیه و مسجد تکیه رضاقلی خان.

فرزند سیدهاشم فیروزآبادی است. در ۱۲۵۰ در قریه فیروزآباد متولد شد. از سن ده سالگی به تحصیلات قدیمه نزد علمای عصر در تهران پرداخت و مدتی نیز در نجف اشرف علوم معقول و منقول را فراگرفت و پس از مراجعت به ایران، به تکالیف شرعی پرداخت و حوزه‌ی درس دائر نمود. در دوره‌ی سوم که انتخابات مجلس مصادف با جنگ بین‌المللی اول بود، از طرف مردم شهر ری به وکالت مجلس انتخاب گردید. در ادوار ششم و هفتم نیز وکیل مردم شهر ری در مجلس شورای ملی بود. آخرین بار در دوره‌ی چهاردهم وکیل شد. در مجلس به خاطر سن او که از هفتاد تجاوز نموده بود، سر و صدا شد ولی سرانجام اعتبارنامه‌ی او به تصویب رسید. وی در مجلس از وکلای پر سروصدا شد و با تمام لوايح دولت مخالفت می نمود. فیروزآبادی مردی خیر و نیکنام بود و در تمام مدت نمایندگی دیناری از مجلس حقوق نگرفت و آن را اختصاص به تاسیس بیمارستانی در شهر ری داد. ابتدا باغ حرمت‌الدوله را در شهر ری با کمک مردم خیر خریداری کرد و یک بیمارستان صدتختخوابی در آنجا احداث نمود، مجدداً یک بیمارستان سیصد تختخوابی در جنب آن بنا کرد و سرانجام بیمارستان را به هزار تختخوابی تبدیل نمود. همچنین یک دانشگاه بزرگ و مدرن و مسجد معظمی جنب بیمارستان ساخت و یک پرورشگاه و دارالایتام نیز پی ریزی کرد. وفات او در سال ۱۳۴۴ در سن ۹۴ سالگی اتفاق افتاد. روزی که دار فانی را وداع گفت، از مال دنیا چیزی جز دوازده فرزندش باقی نگذاشت. این مرد خیر غالباً هزینه‌ی شخصی خود را صرف بیمارستان می کرد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه [۱] شرح حال رجال (۹۸ / ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۸۰-۷۷۹ / ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۶۳۲-۶۳۱ / ۴)،

یاد نامه‌ی آیت‌الله سید رضا فیروزآبادی.

فیروزآبادی، مجدالدین، ابوظاهر محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۸۱۷ / ۸۱۶ - ۷۲۹ ق)، عالم لغوی، ادیب، مفسر، قاضی و فقیه شافعی. نسبش به شیخ ابواسحاق شیرازی و به روایتی به ابوبکر صدیق می‌رسید و لذا او خود را صدیقی معرفی می‌کرد. اصل وی از فیروزآباد شیراز است، که در کازرون به دنیا آمد و در آن جا در هفت سالگی قرآن را حفظ کرد. در هشت سالگی به شیراز رفت و از محضر علمای آنجا استفاده نمود، سپس به بغداد، مصر، شام، روم، حجاز، یمن و اغلب سرزمینهای شرقی مانند هند مسافرت کرد. فقه و تفسیر و حدیث و علوم مختلف را از اساتید مکانهای مختلف فراگرفت. در دمشق در محضر درس ابن‌قیم و تقی‌الدین سبکی و فرضی و شیخ خلیل مالکی حضور یافت. وی مورد عنایت شاه شجاع مظفری، حکمران آذربایجان، و امیر تیمور گورکانی و سلطان بایزیدخان عثمانی بود، بیشتر از همه در دربار ملک اشرف اسماعیل حکمران یمن تقرب یافت و داماد وی شد. مدت بیست سال قاضی شهر زبید یمن بود، تا به مقام قاضی القضاة یمن و درجه‌ی شیخ‌الاسلامی رسید. وی در زبید یمن در گذشت و در تربت شیخ اسماعیل جبروتی دفن شد. شیخ رمضان عطیفی کتابی در شرح حال فیروزآبادی نگاشته است. از فیروزآبادی حدود چهل تصنیف ذکر کرده‌اند. از آثارش: «قاموس المحيط و القابوس الوسیط الجامع لمآذهب من کلاما لعرب شماطیط»، که به «قاموس اللغه» نیز معروف است، در چهار جزء، که مهمترین اثر وی می‌باشد؛ «اللامع المعلم العجائب الجامع بین المحکم و العباب»، در شصت مجلد که پس از آن آنها را در دو مجلد خلاصه کرد؛ «بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز»، در دو مجلد؛ «الجلس الانیس فی اسماء الخندریس»؛ «المرقاه الوفیة فی طبقات الحنفیه»؛ «البلغه فی تراجم ائمه النحو و اللغه» یا «البلغه فی تاریخ ائمه اللغه»؛ «سفر السعاده»، در حدیث و سیره نبوی؛ «نغبه الرشاف من خطبه الکشاف»؛ «نزهه الاذهان فی تاریخ اصفهان»؛ «تحبیر الموشین فی مایقال بالسنین و الشین»؛ «الاسعاد بالاصعاد الی درجه الاجتهاد»؛ «الدرر الغالی / الدرر الغوالی فی الاحادیث العوالی»؛ «الدرر النظیم المرشد الی مقاصد القرآن العظیم»، در تفسیر؛ «النفحه العنبریه فی مولد خیر البریه (ص)»؛ «زاد المعاد فی وزن بانث سعاده»؛ شرح «صحیح بخاری.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۹ / ۸)، ایضاح المکنون (۱۰۶، ۸۵، ۸۰ / ۱)، دایره‌المعارف فارسی (۱۹۶۱ / ۲)، روضات الجنات (۹۷ - ۹۲ / ۸)، ریحانه (۳۶۸ - ۳۶۵ / ۴)، کشف الظنون (۲۰۴۸، ۱۹۳۹، ۱۶۵۷، ۱۴۸۰، ۲۵۳ - ۲۵۲، ۱۴۹، ۹۰، ۸۷، ۸۵)، الکنی و الالقاب (۳۹ - ۳۷ / ۳)، قاموس المحيط (مقدمه / ۴۸ - ۴۷)، لغت‌نامه (ذیل / فیروزآبادی)، معجم المؤلفین (۱۱۹ - ۱۱۸ / ۱۲)، هدیه الاحباب (۲۱۳)، هدیه العارفین (۱۸۱ - ۱۸۰ / ۲).

فیروزآبادی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

السید محمد فیروزآبادی یزدی نجفی «والد ماجد آیت‌الله حاج سید مرتضی فیروزآبادی معاصر و نزیل قم» این بزرگوار در آخر

ربیع‌الاول سنه ۱۳۴۵ قمری در سامرا وفات نمود و بدن شریفش را مانند استاد استادش میرزای بزرگ شیرازی حمل به نجف اشرف نمودند و وی از شاگردان مبرز علامه یزدی صاحب عروء‌الوثقی و از مراجع تقلید آن زمان بود.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

فیروز آبادی، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سیدالعلماء والمجتهدین آیت‌الله آقای حاج سید مرتضی بن العلامه الکبری والایه العظمی السید محمد فیروزآبادی شیرازی النجفی از علماء اعلام و مراجع عظام معاصر است که در سال ۱۳۹۱ قمری از طرف حکومت شوم بعثی عراق با ده‌ها هزار نفر مردم شرافتمند مقیم عراق و صدها نفر دانشمندان کرام اخراج به ایران شده و معظم‌له قم را که آشیانه و حرم امن آل محمد علیهم‌السلام است انتخاب نموده و رحل اقامت افکنده است.

والد ماجدش از مراجع تقلید و فقهاء بزرگ شیعه در نجف اشرف بوده‌اند و بسیاری از مراجع حاضر افتخار شاگردی وی را داشته و استفاده‌ها نموده‌اند.

مترجم ما در سال ۱۳۲۹ قمری در نجف اشرف متولد شده و در مهد علم و کمال تربیت یافته و سطوح را از محضر مرحوم آیت‌الله حاج میرزا علی ایروانی صاحب حاشیه معروفه بر مکاسب و آیت‌الله میرزا ابوالحسن مشکینی صاحب حاشیه مطبوع بر کفایه و مرحوم آیت‌الله حاج شیخ کاظم شیرازی و مرحوم آیت‌الله حاج شیخ کاظم شیرازی و مرحوم آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نموده و بعد از فوت آن مرحوم به تدریس فقه و اصول سطحا و خارجا پرداخته و شاگردانی را تربیت نموده تا در سال مذکور که قهرا به قم مهاجرت و به تدریس خارج فقه و اصول و تالیف و تصنیف کتب مفیده علمی اشتغال دارند و شبها در رواق مطهر حضرت معصومه علیهاالسلام اقامه جماعت می‌نمایند و عده‌ای از محصلین معاودین و بعضی دیگر که عارف به مقام شامخ علمی و اطلاعات عمیق ایشان دارند از درس و بحث و جماعت ایشان استفاده می‌کنند.

اما آثار و تالیفات قیمه و مفیده معظم‌له از این قرار است.

- ۱- فضائل الخمسه من الصحاح الستة من الکتب العامه در سه مجلد که مکرر در عراق و ایران طبع شده است.
 - ۲- السبعة من السلف من الکتب العامه در مطاعن هفت نفر از صحابه.
 - ۳- عنایه الاصول در شرح کفایه در ۶ جلد که مکرر به طبع رسیده است.
 - ۴- الفروع المهمه در احکام الامه- در سه مجلد مبسوطتر از جواهر در طهاره.
 - ۵- خلاصه الجواهر مع البیان الظاهر متن و شرح منتخب المسائل من اول الطهاره الی آخر الزکاه.
- برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

فیروز آبادی، یعقوب

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

۱- محمد بن یعقوب فیروزآبادی متوفی ۸۱۷ و مدفون در یمن صاحب کتاب (قاموس الاعلام) در لغت که چندین شرح و حاشیه بر آن خورده و تمامی مطبوع می‌باشد منسوب به این شهر است.
وی عالمی فاضل و تحریری کامل بوده در ممالک روم و حجاز و غیرها سفرها نموده و با قبایل عرب مجالستها کرده و هشتاد سال عمر نموده است.

شروخی که به کتاب او خورده به اسامی زیر است.

- ۱- تاج العروس فی شرح القاموس ۲- الجاموس ۳- الفانوس ۴- رجل الطاوس ...
- برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فیروز کوهی، عبدالرسول

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالرسول فیروز کوهی از فقهاء بزرگ و فضلاء متبحر از یکی از مضافات فیروز کوه و مقیم در تهران و از بزرگان تلامذه علامه میرزا محمدحسن آشتیانی و دارای تصانیف بسیار و آثار ارزنده‌ای بوده که از آنهاست کتب و رساله‌های زیر.
۱- شرح زیارت عاشوراء ۲- رساله‌ای در حرمت شطرنج ۳- رساله‌ای در عقد صغیره ۴- رساله‌ای در ظروف و اوانی ۵- رساله‌ای در تکلیف کفار به قضاء ۶- رساله‌ای در حکم وضوء قبل از وقت ۷- رساله‌ای در اعتبار اخلاص در عبادت که تمامی در زندگانش در سال ۱۳۲۱ ق بطبع رسیده و بعضی از آنها را فرزند فاضل و ارجمندش آقا شیخ علی ترجمه به فارسی نموده.
و دیگر از آثار وی تصحیح کتاب (روض الجنان در شرح ارشادالاذهان) شهید ثانی است که حواشی بسیاری بر آن زده مخصوصاً در باب نیت.

فاضل مراغی در ص ۱۸۲ کتاب (المآثر والاثار) نیز از او اجمالاً یاد کرده و گفته ملا عبدالرسول فیروز کوهی فاضلی کامل و در علوم شرعیه به درجات عالیّه نائل آن مرحوم در حدود سال ۱۳۲۳ قمری در تهران وفات نموده است.

(وف ح ۱۳۲۳ ق)، عالم دینی و فقیه. اصل وی از غرفان چاه فیروز کوه، اما در تهران ساکن بود. او از شاگردان بزرگ میرزا محمدحسن آشتیانی بود. در علوم اسلامی به درجات عالیّه رسید. در تهران در گذشت. وی دارای تصانیف بسیاری است. از آثارش: شرح «زیارت عاشورا»؛ رساله‌ای در «حرمت شطرنج»؛ رساله‌ای که در «عقد صغیره»؛ رساله‌ای در «ظروف و اوانی»؛ رساله‌ای در «تکلیف الکفار بالقضاء»؛ رساله‌ای در «حکم الوضوء قبل الوقت»؛ رساله‌ای در «اعتبار الاخلاص فی العباده». تمامی این کتب در طول حیاتش به چاپ رسید و بعضی از آنها را فرزند دانشمندش دکتر علی عبدالرسولی به فارسی ترجمه کرد. از دیگر آثار فیروز کوهی تصحیح کتاب «روض الجنان فی شرح ارشاد الاذهان» شهید ثانی است و او تعلیقات و حواشی بسیاری بر آن نگاشته است. [۱].
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه: [۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۱۵ / ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۲۵- ۱۲۴ / ۶)، المآثر و الآثار (۱۸۲).

فیروز مهر، محمد مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد مهدی فیروز مهر

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۶۲ وارد حوزه علمیه امام جعفر صادق (ع) در رستمکلاهی بهشهر شدم تا سال ۶۴ مقدمات دروس حوزوی را به اتمام رساندم و سال تحصیلی ۶۵ روانه مشهد شدم و تا سال ۶۹ در حوزه مشهد اشتغال به تحصیل داشتم؛ زمستان ۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح حوزوی را ادامه دادم. سال ۷۲ سطح را به اتمام رساندم و به دنبال آن در درس خارج فقه آیت الله فاضل لنکرانی و خارج اصول آیت الله صالحی مازندرانی حضور پیدا کردم و همزمان با آن در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن شرکت کردم که سال ۷۷ دوره چهار ساله این رشته علمی را به پایان رساندم و همزمان با تحصیل در این رشته، سال ۷۶ دوره کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی در دانشگاه قم را آغاز کردم که در سال ۷۹ از پایان نامه این دوره دفاع کرده و مدرک این رشته را اخذ کردم. همزمان با تحصیل در تخصصی تفسیر و علوم قرآن و تحصیل در دانشگاه با مرکز فرهنگ و معارف قرآن به عنوان محقق علوم قرآنی همکاری می‌کردم که تا الآن کم و بیش ادامه دارد.

فیض الاسلام، علینقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۳۶۴ - ۱۲۸۴ ش)، عالم دینی، شارح و مصحح. در سال ۱۲۸۴، در چنین خانواده‌ای که به صفای معنوی آراسته بود، کودکی دیده به جهان گشود که سید علی نقی نامیده شد و بعدها به سید علی نقی سدهی اصفهانی آل دیباج مشهور و به فیض الاسلام موسوم گشت. لفظ سده در پسوند نامش، به زادگاهش اشاره دارد که در دوازده کیلومتری شمال غربی اصفهان است و اکنون خمینی شهر نامیده می‌شود. وی دانشمندی پرکار و پرثمر بود، و از آقا سید ابوالحسن اصفهانی، حاج شیخ ضیاءالدین عراقی، آقا شیخ محمد کاظم شیرزای اجازه‌ی اجتهاد داشت و نیز صاحب اجازه‌ی روایتی از آیت‌الله حاج شیخ علی اکبر نهایندی و حاج شیخ عباس محدث قمی بود. وی بیش از چهل سال پیش «نهج البلاغه» را به فارسی روان ترجمه و شرح کرد که این کتاب به «نهج البلاغه» فیض الاسلام مشهور است. از دیگر آثارش: ترجمه و شرح «صحیفه‌ی کامله‌ی سجادیه»، که در ۱۳۷۵ ق منتشر شده؛ «قرآن عظیم»، ترجمه و خلاصه تفسیر، در سه مجلد که مؤلف حدود چهارده سال وقت خود را صرف تألیف این کتاب نموده؛ «اشارات الرضویه»؛ «افاضات الغریبه فی اصول الفقهیه»، عربی؛ «چراغ راه»؛ «رهبر گمشدگان در رجعت»، ردی بر عبدالوهاب فرید. [۱]

سید علینقی مشهور به (فیض الاسلام) صاحب ترجمه نهج البلاغه که در سده از حیات سلطان دختر شیخ فاضل آقا ملا محمدصادق

سده‌ی به دنیا آمده و تحصیلات خود را در سده و اصفهان و قم و نجف اشرف نموده و بعد رحل اقامت به تهران افکنده و تا حال تحریر در کسوت روحانیت به کار تجارت و تبلیغ دین و تألیف اشتغال و آثار گرانقدری که ذیلاً می‌نگارم از خود به یادگار گذارده است.

۱- ترجمه نهج البلاغه در ۶ جزء که در دو مجلد مکرر به طبع رسیده.

۲- ترجمه صحیفه سجادیه. ۳- تفسیر کلام‌الله مجید ۴- ترجمه صحیفه علویه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] کیهان فرهنگی (س ۲، ش ۲، ص ۳۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۰-۶۰۹ / ۴)، نهج البلاغه (مقدمه).

فیض دزفولی، فخرالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید فخرالدین بن محمدعلی بن عبدالله بن عبدالکریم بن شاه میر بن محمد مهدی بن سید محمد شفیق بن مرتضی بن سید حبیب‌الله بن سید ولی‌الدین (گوشه) ابن محمد بن احمد بن سید عبدالله بن سید شمس‌الدین محمد بن سید تاج‌الدین بن سید شرف‌الدین بن سید حسین بن سید عالی بن سید صدرالدین بن سید نظام‌الدین بن سید محمود بن سید جمال‌الدین بن سید محمود بن سید محمود بن سید صدرالدین مظفرالدین بن سید احمد بن سید عبدالله بن امام موسی بن جعفر علیهماالسلام از علماء ابرار معاصر تهرانست. وی که با بیست و هفت واسطه بامام هفتم منتهی می‌شود در حدود سال ۱۳۱۴ قمری در دزفول متولد شده و پس از پرورش و خواندن مقدمات و سطوح، از محضر علماء اعلام دزفول بالاخص آیت‌الله معزی و دیگران استفاده نموده و در سال ۱۳۶۱ قمری به تهران مهاجرت نموده و تاکنون در این عاصمه تشیع به اقامه نماز جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام اشتغال دارد.

از باقیات الصالحات معظم له فرزند برومند ایشان جناب حجة الاسلام آقا سید علی فیض از ائمه جماعت معاصر تهرانست. وی در سال ۱۳۴۹ قمری در شهر و بلده دزفول از مرحومه بی‌بی زهرا بیگم صبیبه مرحوم آیت‌الله آقا سید ابوالقاسم موسوی دزفولی متولد و در معیت والدش به تهران آمده و پس از تحصیلات ابتدائی و خواندن مقدمات عربی به قم مشرف گردیده و از محضر مدرسین حوزه بهره‌مند گردیده و جهت کسالت مزاج پدر گرامیش به تهران برگشته و تاکنون در تهران و حومه آن (و صفنارد) بانجام وظائف دینی اشتغال دارد.

دارای آثار عدیده‌ای می‌باشد که ذیلاً توضیح میدهم.

۱- کتاب کربلا یا کانون انقلاب ۲- مقاله‌ای در بعثت نبی اکرم صلی‌الله‌علیه و آله و سلم ۳- مقاله‌ای در ارتحال و بزرگداشت مرحوم آیت‌الله حجت ۴- مقاله‌ای تحت عنوان سعادت واقعی کدام است ۵- شرح مرحوم ضیائی دزفولی (مولی محمد رشید) و چندین مقاله دیگر.

سید فخرالدین بن العالم الجلیل والفقیه النبیل حاج سید محمدعلی فیض دزفولی ایشان در سال ۱۳۱۱ قمری از مرحومه علویه بی‌بی ساره بیگم صبیبه مرحوم حجة الاسلام والمسلمین آسید محمدصادق دزفولی فرزند آسید محمدعلی که برادر عالم عامل عارف آسید صدرالدین کاشف دزفولی صاحب تالیفات عدیده در اخلاق و سیر و سلوک بودند متولد شده و پس از تکمیل مقدمات قسمتی از سطوح را در محضر مرحوم آیت‌الله آشیخ محمد مهدی بیگدلی دزفولی و مرحوم آیت‌الله آقا سید عبدالمهدی داعی دزفولی استفاده نموده و هم از محضر مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدرضا معزی دزفولی و آیت‌الله آسید ابوالقاسم موسوی دزفولی

پسرعموی خود بهره‌مند شده و پس از فوت مرحوم والدش آیت‌الله آقا سید محمدعلی بن امر و وصیت آن مرحوم به امامت مسجد و تدریس و تسجیل معاملات و خدمات دینی پرداخته و هم فصل دعاوی و خصومات می‌نمودند که شرح و بسط آن بسیار و موجب اطناب است.

آنجناب سفری به عتبات عالیات جهت زیارت و شرکت در درس آیات عظام و مراجع فخام به نجف و ملاقات برادر ارجمند و بزرگتر خود مرحوم حجة الاسلام والمسلمین آیت‌الله حاج سید اسدالله فقیه دزفولی (پدر عیال فرزند گرامیش) که مقیم نجف اشرف بودند نموده و در درس مرحوم آیت‌الله فیروزآبادی و مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله اصفهانی قدس الله اسرارهم شرکت و با دریافت اجازه اجتهاد به دزفول مراجعت نمودند.

معظم له با چند نفر از علماء ربانی که صاحب مقامات معنوی بودند مانند مرحوم آیت‌الله آشیخ حسین آستانه‌ای (صاحب مدرسه علمیه در آستانه لاهیجان) و مرحوم حجة الاسلام عارف و عالم ربانی دانی پدر خود حاج سید حسین ظهیرالاسلام دزفولی و مرحوم عالم عامل و عابد کامل حجة الاسلام حاج شیخ حسنعلی اصفهانی روابط معنوی داشتند.

آن مرحوم مضافاً از مقامات فقهی اطلاعات بسیاری از طب قدیم و گیاه‌شناسی داشت که آن را از دانی خود مرحوم سید محمدعلی سیدالحکماء که قریب پانزده سال در هندوستان به تحصیل طب و گیاه‌شناسی اشتغال داشت فرا گرفته بود. و به اذکار و اوراد و توسلات و تزکیه اخلاق اعتقاد تام و اهتمام تمام داشت.

در سال ۱۳۶۱ قمری برای امر خیر برادرش مرحوم حجة الاسلام آسید محمد مهدی ضیائیان به تهران آمده و روی جهاتی بنابر توقف و توطن گذارده و قریب ده سال در مسجد حاج ابوالفتح سه راه نایب علی وقع در جنب خیابان مولوی به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته سپس آنجا را ترک و در مسجد حجتیه مقابل منزل خود به امامت مشغول و در این اواخر به واسطه کسالت و ضعف مزاج و ضیق نفس از رفتن مسجد محروم و در زمستان به اهواز مسافرت تا در شب جمعه ۱۲ ذیحجه الحرام ۱۳۹۴ قمری داعی حق را لبیک گفته و پس از تشییع عظیمی از دزفول وطن و زادگاهش بنابر وصیتش حمل به قم و در وادی السلام در آرامگاه مرحوم حجة الاسلام حاج سید محمد مهدی ضیائیان دزفولی دفن گردید

و مجالس عدیده‌ای در قم و تهران و دزفول و اهواز و غیره برای او گذارده شد آن مرحوم از غالب مراجع قم مانند مرحوم آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و مرحوم و آیت‌الله صدر و دیگران اجازه روایتی و امور حسبیه داشتند. عاش سعیداً و مات سعیداً حشره الله مع السعداء والشهداء والصالحین و حسن اولئک رفیقاً.

از باقیات الصالحات اوست فرزند ارجمندش حجة الاسلام و مروج الاحکام آقای حاج سید علی فیض دزفولی. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فیض کاشانی، محسن

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۰۹۱-۱۰۷۰ ق)، عالم، عارف، محقق، فقیه، محدث، مفسر، حکیم متأله، متکلم، ادیب و شاعر. فیض و پدرش، ملا شاه مرتضی، و فرزندش، محمد علم‌الهدی، و برادرش، ملا عبدالغفور بن شاه مرتضی، و فرزند برادرش، ملا محمد مومن بن عبدالغفور، و برادر دیگرش، نورالدین کاشانی، و فرزند برادرش، ملا-محمد هادی یک خانواده علمی جلیل را تشکیل داده‌اند. فیض در قم نشوونما یافت. آن‌گاه به شیراز رفت و در محضر سید ماجد بحرانی علوم شرعی را آموخت و از فلیسوف بزرگ ملاصدرا، صدرالمآلهین،

الجنات (۹۷- ۷۳ / ۶)، ریاض العارفین (۲۲۶- ۲۲۵)، ریاض العلماء (۱۸۲- ۱۸۰ / ۵)، ریحانه (۳۷۹- ۳۶۹ / ۴)، شخصیت‌های نامی (۳۸۳- ۳۸۲)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۴۰۴- ۴۰۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۹۲- ۴۹۱ / ۱۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۸۶- ۳۸۵)، فرهنگ سخنوران (۷۲۴)، فلاسفه شیعه (۵۶۰- ۵۵۶)، فوائد الرضویه (۶۴۲- ۶۳۳)، الکنی و الالقاب (۴۲- ۳۹ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / فیض)، مجمع الفصحا (۴۹- ۴۸ / ۴)، مراقد المعارف (۴۰۵- ۴۰۴ / ۱)، مستدرک اعیان (۳۰۹- ۳۰۸ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۰۸- ۷۹۹ / ۵)، نتایج الافکار (۵۴۱)، وقایع السنین و الاعوام (۵۳۶- ۵۳۵)، هدیه الاحباب (۲۳۳).

فیض مرندی، مقصود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مترجم.

تولد: ۱۳۱۵.

درگذشت: ۱۸ آذر ۱۳۶۹.

مقصود فیض مرندی فارغ‌التحصیل رشته‌ی نمایشنامه‌نویسی از دانشکده‌ی هنرهای دراماتیک است. وی از سال ۱۳۴۱ شروع به همکاری با مطبوعات نمود و به نوشتن داستان‌های فکاهی و ترجمه‌ی آثار ناظم حکمت و عزیز نسین از زبان ترکی پرداخت. در روزنامه‌ی «توفیق» هم با امضای «دیلاق» مطالبی را به چاپ می‌رساند. او همچنین با مجله‌های «سپید و سیاه»، «خواندنیها»، «کاریکاتور»، «اطلاعات هفتگی»، «تهران مصور»، «امید ایران» و برخی نشریه‌های دیگر همکاری می‌کرد.

مرندی دبیر زبان آموزش و پرورش و کارشناس تئاتر کرمانشاه بود و سال‌ها به عنوان معاون هنرستان موسیقی، مجتمع دانشگاهی هنر خدمت کرد. وی در سال ۱۳۶۳ بازنشسته شد.

از ترجمه‌های او می‌توان از خانه‌ی آن مرحوم و آدم عوضی (دو نمایشنامه از ناظم حکمت) و کتاب‌های عزیز نسین نظیر میهمانان خارجی، مرگ مشکوک، پس‌انداز کارمند، یک خارجی در استانبول، جاسنجاقی، مهمان آمریکایی و پرونده‌ی اداری نام برد. او ترجمه‌های مشترکی هم با همسرش پروین صمیمی داشت: وظیفه‌ی ملی؛ اجاره‌نشین؛ زنده باد وطن؛ شهرداد نمونه؛ دم بریده.

مقصود فیض مرندی روز هیجدهم آذر سال ۱۳۶۹ به علت سکت‌های قلبی درگذشت.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

فیض، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیرضا فیض

محل تولد: مشکین شهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی رضا فیض پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در ملایر و تهران در سال ۱۳۵۵ در رشته مهندسی صنایع دانشگاه صنعتی شریف مشغول به تحصیل شدم و تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی حدود ۷۰ واحد از این دوره را پشت سر گذاشتم. با پیروزی انقلاب و لزوم فعالیت در مؤسسات و نهادهای انقلاب اسلامی در نهاد مقدس جهاد سازندگی مشغول به کار شدم و تا سال ۱۳۶۱ در این نهاد و نیز ستاد مردمی هیئت های هفت نفره واگذاری و احیاء اراضی کشاورزی فعالیت نمودم. تلاش برای به تصویب رساندن قانون و آیین نامه واگذاری و احیاء در اراضی از جمله فعالیت های من در این دو نهاد است. در این زمان به علت علاقه مندی به علوم اسلامی وارد حوزه علمیه قم شده و تا سال ۱۳۷۲ به سطح و پنج سال خارج و یک سال تخصصی تفسیر و علوم قرآنی مشغول بودم. در این سال از طرف سازمان تبلیغات اسلامی (سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی) تا سال ۱۳۷۵ به بلغارستان اعزام و به عنوان نماینده فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مشغول تبلیغ و تدریس بودم. پس از بازگشت به عنوان مدیر مدرسه الهادی (ع) مشغول کار شدم و تا سال ۱۳۷۹ در این مدرسه و نیز برنامه ریزی تحصیلی و نیز ارزیابی تحصیلی مرکز مدیریت حوزه علمیه قم مشغول به کار شدم. در این مدت دوره تخصصی تفسیر و علوم قرآنی (سطح ۴) را نیز پشت سر گذاشتم. در سال ۱۳۷۹ پس از طی دوره یک ساله کارآموزی قضایی وارد قوه قضائیه شدم و اکنون به عنوان دادیار در دادسرای عمومی و انقلاب قم مشغول فعالیت می باشم. از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۹ روزانه یک یا دو درس ادبیات و فقه و اصول و اخلاق نیز تدریس نموده ام.

فیض، محمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد علی فیض

محل تولد : لاهیجان

شهرت : فیض گیلانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۳/۱/۱

زندگینامه علمی

آیة الله محمدعلی فیض گیلانی در سال ۱۳۰۳ هجری شمسی در یکی از روستاهای لاهیجان و در میان خانواده‌ای متدین به دنیا آمد. پدرش دروس حوزوی را تا لمعتین به پایان رسانیده بود و به دلیل عارضه لکنت زبان، به کار کشاورزی می پرداخت و از همان راه روزگار می گذراند. او که به اخلاص و پرهیزگاری مشهور بود مورد اعتماد مردم روستا و مرجع حل مشکلات و اختلافات آنان بود. استاد فیض گیلانی تحصیلات خود را از مکتب خانه شروع کرد و پس از به پایان بردن آن به دبستان رفت. در دبستان به دلیل هوش سرشار و توانایی بسیار، مورد استقبال معلمان قرار گرفت و با تصمیم آنان تحصیلات خود را از سال سوم

دبستان آغاز کرد. او سه سال نیز به دبیرستان رفت و پس از آن به تحصیل علوم حوزوی رو آورد. او که تحصیلات حوزوی خود را در سال ۱۳۲۲ آغاز کرده بود، در مدت کوتاهی دروس مقدمات را به پایان رسانید و در محضر استادان بزرگوار دروس دوره سطح را پی گرفت و پس از اتمام سطوح عالی به درس خارج استادان مشهور آن روزگار راه یافت. او در سالهای تحصیل خود، همواره در دروس اخلاق شرکت جدی داشت و می‌کوشید علم خود را با عمل درهم آمیزد و نیز به مطالعه کتابهای جنبی علاقه بسیار داشت. استاد فیض در سالهای تحصیل خود به محضر عالمان بسیاری راه یافت. او مطول را در محضر شهید آیه الله مطهری (ره) و سیوطی را نزد شیخ اسدالله اصفهانی آموخت. شرح لمعه را در محضر شهید آیه الله صدوقی (ره) و شیخ حسن علی اصفهانی فرا گرفت. دروس رسائل و مکاسب و کفایه را نیز در نزد آیه الله سلطانی طباطبایی (ره) که از استادان بنام آن روزگار بود آموخت. با پایان یافتن دروس سطح و نیز اندکی پیش از آن، به درس خارج آیه الله العظمی بروجردی (ره) رفت و همزمان در دروس خارج امام خمینی (ره) نیز شرکت داشت. استاد اصلی او در دروس خارج امام (ره) بود؛ اما با تبعید آن مرجع حماسه آفرین، وی مجبور شد در دروس دیگر شرکت کند که از جمله آنان درس آیه الله العظمی محقق (ره) بود. استاد فیض، در طی این سالها در دروس اخلاق امام خمینی (ره) شرکت جدی داشت و با بسیاری از فضلاء آن روزگار، رابطه دوستی داشت و دروس پیش آموخته را مباحثه می‌کرد که از جمله آنان حجة الاسلام و المسلمین امینیان - امام جمعه آستانه اشرفیه است. استاد فیض گیلانی در سالهای عمر پربرکت خود، خدمات فرهنگی بسیاری را به انجام رسانیده است، از جمله آن می‌توان به ساخت چند مسجد در مناطق محروم اشاره کرد که خود باعث تحولات عظیمی در آن مناطق شد، او پیش از انقلاب و پس از آن در ایام حج در بعثه امام (ره) خدمات بسیاری را برای حجج فراهم آورده و در ساماندهی امر حج و آشنایی واقعی با احکام و اهداف آن نقش مهمی را ایفا کرده است. او سالها در دانشگاهها به تدریس علوم و معارف اسلامی می‌پرداخته، و مدتی نیز نماینده امام (ره) در دانشگاه الزهرا(س) بوده است. استاد فیض چند کتاب تألیف نموده که هنوز به چاپ نرسیده است؛ از جمله آنان تاریخ و زندگی عالمان لاهیجان است. استاد فیض گیلانی در سالهای حکومت خاندان پهلوی، فعالیتهای مبارزاتی بسیاری را به انجام رسانیده است. او که خود از شاگردان امام (ره) بود همچون دیگر شاگردان آن مرجع بزرگ و نیز همچون مردم ظلم ستیز ایران در مبارزات و تظاهرات بسیاری شرکت کرده است. او در زمان رژیم طاغوت منزلی را که در قم به تازگی خریده بود، به درخواست اطرافیان امام (ره) در خدمت امام (ره) قرار داد. این قضیه، مدتی پس از تبعید امام (ره) به تهران بود. فعالیتهای سیاسی استاد فیض به پیش از انقلاب محدود نشد. وی پس از انقلاب نیز در عرصه‌های گوناگونی به خدمت پرداخت. او در طول سالهای دفاع مقدس، بارها در جبهه‌های جنگ حضور یافت و ضمن تبلیغ مبانی اعتقادی اسلام، انگیزه و شرف رزمندگان را دو چندان می‌ساخت.

فیلسوف الدوله، عبدالحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۴۳ - ح ۱۳۲۲ ش)، طبیب. نخست لقب رکن الحکما داشت و بعدا به فیلسوف الدوله شهرت یافت. وی در خدمت سید علی سید الحکما و چند تن از اطباء نامی وقت هر دو قسمت علمی و عملی طب را تکمیل نمود و طب جدید را نزد دکتر طولوزان فرانسوی فرا گرفت. سالها در تبریز به وظائف مداوا و معالجه اشتغال داشت. در اواخر عمر از تبریز به قم رفت و ریاست بیمارستانی را بر عهده گرفت. عاقبت به مشهد مقدس رضوی مهاجرت نمود و در آنجا وفات یافت وی طبیب مخصوص محمدعلی میرزای ولیعهد نیز بود. از تألیفات وی: «تاریخ تبریز»؛ «الجدریه»؛ «الجدامیه»؛ «حاشیه‌ی تحریر اقلیدس»؛ «مطرح الانظار فی تراجم اطباء الاعصار»؛ «معرفة

السموم ناصری؛ «مفتاح الادویه»؛ «گریپ»، رساله در مرض آنفولوا آنزا.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ریحانه (۳۸۵-۳۸۴ / ۴)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۵۴ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۷۵۰-۷۴۹ / ۳).

قائنی شیرازی، حبیب‌الله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۷۲ / ۱۲۷۰ - ۱۲۲۳ / ۱۲۲۲ ق)، حکیم و شاعر، متخلص به قاننی. ملقب به حسان‌العجم و مجتهدالشعراء. اصلش از طایفه‌ی زنگنه کرمانشاه بود. در شیراز به دنیا آمد. ابتدا حبیب تخلص می‌کرد ولی بعدها حسنعلی میرزا شجاع‌السلطنه تخلص وی را به مناسبت آباقآن میرزا، فرزند خود، قاننی نهاد. در جوانی به خراسان سفر کرد و در مشهد مقدس به تحصیل علوم ادبی و عربی و حکمت الهی و هیأت و نجوم و زبان فرانسه پرداخت. سپس به تهران آمد و با آشکار شدن هنر وی در شاعری و سخنوری به دربار راه یافت و از سوی فتحعلی‌شاه مجتهدالشعراء و از سوی محمدشاه حسان‌العجم لقب گرفت. در قصیده و ترکیب‌بند مهارت داشت. وی با فروغی بسطامی معاصر بود. در تهران در گذشت و مجاور قبر ابوالفتح رازی در آستانه‌ی حضرت شاه‌العظیم به خاک سپرده شد. از آثارش: «دیوان» شعر، حدود هفده هزار بیت، در مدح پیامبر (ص) ائمه و شاهان؛ مقدمه‌ای بر «دیوان فریدون میرزا قاجار»؛ «قصاید قاننی»؛ «گلستان قاننی»؛ «پریشان‌نامه»، در مقام معارضه با گلستان؛ رساله‌ای در «علم‌شانه‌بینی»؛ رساله‌ای در «هندسه‌ی جدید».[۱]

(منسوب به قان) (میرزا) حبیب‌الله شیرازی متخلص به قاننی بن (میرزا) محمدعلی گلشن، شاعر ایرانی قر. ۱۳ ه. (و. شیراز حدود ۱۲۲۲ ه. ق / ۱۸۰۷ م. - ف. ۱۲۷۰ ه. ق / ۱۸۵۳ م.). اصل خاندان وی از ایل زنگنه بود که در عراق و فارس سکونت کردند. پدرش شاعر بود و گلشن تخلص داشت. وی در جوانی به تحصیل علوم ادبی در شیراز پرداخت و سفری به خراسان کرد، و در آن سامان نیز به ادامه‌ی تحصیل پرداخت و شعر گفتن آغاز کرد و در آن زمان «حبیب» تخلص می‌نمود، و به تدریج شهرتی یافت و در نزد حسنعلی میرزا شجاع‌السلطنه حاکم آن خطه مقرب گردید و قصایدی در مدح او گفت و به دستور وی تخلص خود را به «قاننی» مبدل کرد، زیرا اسم پسر شجاع‌السلطنه اگتقاآن بود. شاعر مدتی در خراسان و کرمان ملازم شجاع‌السلطنه بود و همین شاهزاده وی را فتحعلی‌شاه معرفی کرد. قاننی به تهران منتقل شد و بر شهرت او افزود و در دربار محمدشاه و مخصوصاً در دربار ناصرالدین شاه تقرب بسیار یافت. وی به آموختن زبان فرانسوی آغاز کرد. هنر او در قصیده‌سرایی است. در غزل و مسمط و ترجیع‌بند نیز دست داشت. قاننی در انتخاب کلمات خوشایند و خوش‌آهنگ و استعمال آنها در جمله و نیکویی وصف و تتبع‌قدم کمتر نظیر دارد. به طور کلی در اشعار وی لفظ غالب بر معنی است و معانی اخلاقی و فلسفی در گفته‌های او کمتر دیده می‌شود. وی از شاعران خراسان پیروی کرده، مخصوصاً به منوچهری علاقه نشان داده است. قاننی مداح شاهان (مخصوصاً ناصرالدین شاه) و شاهزادگان قاجاری و امرای دربار آنها بود. علاوه بر دیوان اشعار- که مکرر بطبع رسیده- کتابی به نثر به نام «پریشان» دارد که به اسلوب «گلستان» سعدی تألیف شده (۱۲۵۱ ه. ق). آرامگاه وی در حضرت عبدالعظیم در جوار قبر ابوالفتح رازی است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار عجم (۴۳۳-۴۳۰)، از صبا تا نیما (۱۰۹-۹۲ / ۱)، اعیان‌الشیعه (۵۶۱ / ۴)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۱۶-

۲۱۱ / ۴)، حدیقه الشعراء (۱۴۱۱-۱۴۰۱ / ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۸۱-۱۶۳ / ۴)، الذریعه (۲۲۱ / ۱۸، ۸۵۸-۸۵۷ /

۹، ۱۹۷، ۳ / ریحانه (۳۹۰-۳۸۷ / ۴)، سبک‌شناسی (۳۳۳ / ۳)، سخنوران نامی معاصر (۲۷۷۲-۲۷۶۳ / ۴)، سفینه‌المحمود (۵۲۴ / ۲)، شخصیت‌های نامی (۳۸۵-۳۸۴)، شرح حال رجال (۳۰۳ / ۲، ۳۱۰-۳۰۷ / ۱)، طرائق الحقائق (۳۳۴ / ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۲۹-۱۱۲۷ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۷۲۸-۷۲۷)، الکنی و الالقاب (۴۵-۴۴ / ۳)، گنج سخن (۲۰۵-۲۰۱ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / قآنی)، المآثر و الآثار (۲۰۷-۲۰۶)، مجمع الفصحا (۸۸۶-۸۴۴ / ۵)، مرآت الفصاحه (۴۹۱-۴۸۸)، مکارم الآثار (۷۴۹-۷۴۵ / ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۲-۴۹۰ / ۲)، یادگار (س ۳، ش ۳، ص ۷۸-۷۴)، یغما (س ۲، ص ۴۳۷-۴۳۴).

قابل، هادی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

هادی قابل

محل تولد: تربت جام

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۴/۵

زندگینامه علمی

مختصر از زندگی علمی و سیاسی آقای هادی قابل (جامی) در پنجم تیرماه ۱۳۳۴ شمسی در خانواده مذهبی و روحانی متولد شد. پدر ایشان از علمای مشهد مقدس و امام جمعه شهرستان فریمان بود. در سال ۱۳۴۹ پس از اخذ مدرک ششم ابتدایی وارد حوزه علمیه مشهد شد. دروس مقدماتی تا شرح لمعه را در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی میلانی گذراند. سپس با هجرت به قم تحصیلات خود را در حوزه علمیه قم ادامه داد تا به درجه اجتهاد رسید. اساتید ایشان در ادبیات، حضرات آیات و حجج اسلام حجت هاشمی، رضوانی، ذاکری، اسلامی (در مشهد مقدس) و منطق، شرح نظام و منظومه، واعظی، آقا شیخ یحیی انصاری، نعیم آبادی و در اصول، شهید حاج شیخ عباس شیرازی، احمد بهشتی، دوزدوزانی، ستوده، موسوی تهرانی، سید علی محقق و در فقه، فاضل هرنندی، علوی گرگانی، ستوده، دوزدوزانی، طاهری خرم آبادی و در خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: منتظری، وحید خراسانی، فاضل لنکرانی، میرزا جواد تبریزی، موسوی اردبیلی و یوسف صانعی بوده‌اند. همچنین از محضر اساتید بزرگوار، مشکینی، جوادی آملی، شهید حقانی و... دروس تفسیر قرآن، اخلاق و فلسفه را فرا گرفت. از آغاز طلبگی با مبارزات روحانیت به رهبری امام خمینی (ره) آشنا شد. از سال ۱۳۵۳ که منبر و تبلیغ را آغاز کرد به بیان اندیشه‌های امام و مبارزاتی همچون مرحوم طاقانی، آیت الله منتظری، بازرگان و شریعتی پرداخت. در خرداد سال ۱۳۵۴ در مدرسه فیضیه پس از مضروب شدن، توسط مأموران گارد دستگیر و روانه زندان اوین شد. سپس به سربازی اعزام گردید که تا سال ۱۳۶۵ ادامه یافت. پس از مراجعه مجدد به حوزه علمیه و ادامه تحصیل، مبارزات خود را با جدیت بیشتری پیگیری کرد. در زمان اوج گیری مبارزات ملت ایران در سالهای ۵۶ و ۵۷ در شهرهای قم، نایین، تربت جام، فریمان و مشهد، هم پای ملت بزرگ ایران در تمامی صحنه‌ها حاضر بود.

قادری سهی، بهزاد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

بهزاد قادری سهی در سال ۱۳۳۱ در شهر زاهدان دیده به جهان گشود. بعد از کلاس اول ابتدایی در زادگاهش به شهر کرمان رفتند و سه سال در آنجا بودند بعد به شهر بجنورد رفتند و سال پنجم تحصیل خود را در آن شهر سپری کردند. گروه: علوم انسانی رشته: زبان و ادبیات انگلیسی گرایش: ادبیات نمایشی والدین و انساب: پدر بهزاد قادری سهی اصفهانی و مادرش اهل سیستان بودند. پدرش هم‌ردیف بود؛ یعنی در پست مهندسی ارتش و با لباس شخصی مسئولیت فنی موتورهای برق و آب مناطق را بر عهده داشت. مادرش خانه دار است و از طایفه توکلی های سیستان و بلوچستان است. خاطرات کودکی: خاطرات کودکی بهزاد قادری سهی به زبان خودش: شش سال اول زندگی را در زاهدان زندگی کردم. از همان کودکی با پدرم به سفر می‌رفتم. شب های کویری و خرگوش هایی که نور چراغ اتومبیل آن ها را چراغی می‌کرد، وهم شب های کویر و جیغ و زوزه حیوانات و آدم ها. آنچه سخت در ذهنم جا خوش کرده روز اول دبستان بود، در نمی‌دانم کجای زاهدان.. سرگشته، از کلاسی به کلاسی دیگر می‌رفتم. در یک کلاس نقشه پلاس جهان بود: می‌خواستم بدانم من کجای این جهان هستم! دلهره ای همراه ناامیدی اما شیرین. بعد ها، خودم که به کلاس پنجم رسیدم برای درس جغرافی زمین را نقش زدم که معلم، آقای عبدالرضائی، خیلی تشویق کرد. تحصیلات رسمی و حرفه ای: بهزاد قادری سهی بعد از گذران تحصیلات اولیه خود در شهرهای زاهدان، کرمان و بجنورد، مقاطع تحصیلات لیسانس خود را در رشته زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۳۵۴ گذراند و فوق لیسانس ادبیات آمریکا، دانشگاه شیراز، شیراز، ۱۳۵۷ طی کرد، و دکترای ادبیات نمایشی قرن نوزده و سه دهه ۱۹۶۰-۱۹۹۰ در بریتانیا به اتمام رسانید. خاطرات و وقایع تحصیل: از وقایع تحصیل بهزاد قادری سهی به زبان خود او: آن روزها رشته پزشکی خیلی طرفدار و اعتبار داشت. من در کنکور که شرکت کردم، انتخاب اولم زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه مشهد بود. وقتی هم که از امتحان برگشتم، به مادرم گفتم "کاسه بشقاب من را آماده کن، دارم میرم مشهد!" ولی وقتی قبول شدم، فوج دوستان پیش پدرم رفتند که نگذارند من در رشته ادبیات انگلیسی درس بخوانم. ولی او گفته بود "هرچه خودش می‌خواهد". خاطره خوشی که از این دوران دارم، به ویژه دوره کارشناسی، بیرون آمدن از کتابخانه دانشکده همراه با رفنگر و در دیر وقت شب هاست. فعالیت‌های ضمن تحصیل: بهزاد قادری سهی تنها مطالعه می‌کرد و در عین حال تدریس هم می‌کرد. در دوره کارشناسی ارشد، در شیراز، دانشکده اش کنار حافظیه بود. استادان و مربیان: از استادان بهزاد قادری سهی در دوره تحصیلات تکمیلی به شرح زیر است: دوره کارشناسی: دکتر قنادان، دکتر فرخ، خانم شایگی، استاد حدیدی، استاد صدر، استاد برادران رفیعی دوره کارشناسی ارشد: دکتر بالیتاس، دکتر ویلیام هاروی، استاد یارمحمدی، استاد ابجدیان دوره دکتری: راجر هاوارد، پیترو هیوم، الین جوردن، آنجلا لیوینگستن هم دوره ای ها و همکاران: از هم‌دوره ایهای دکتر بهزاد قادری سهی می‌توان به دکتر علیرضا امامی، دکتر علیرضا انوشیروانی، دکتر هادی کامیابی، دکتر فارسیان، دکتر جهانبخش لنگرودی اشاره نمود. همسر و فرزندان: بهزاد قادری سهی ازدواج کرده و حاصل این ازدواج چهار فرزند است که: دو پسر (سیاوش و سعید) و دو دختر (مریم و مهردیس). سیاوش در شهریور ۸۶ تخصصش را در رشته پاتولوژی دانشگاه علوم پزشکی تهران تمام می‌کند؛ سعید کارشناسی ارشد عمران را تمام خواهد کرد؛ مریم در رشته کارشناسی ارشد گیاهپزشکی درس می‌خواند و مهردیس دارد خودش را برای ورود به مراحل دیگر زندگی آماده می‌کند. وقایع میانسالی: شهادت برادر بهزاد قادری سهی به نام حیدرعلی قادری سهی، در سوسنگرد در سال ۱۳۶۰. در گذشت پدرم در سال ۱۳۸۲ در شهرستان بجنورد. انتقال از دانشگاه شهید باهنر کرمان به دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۴. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: ۱-

سرپرستی کتابخانه ملی کرمان در بدو تاسیس ۲- سرپرستی گروه زبانهای خارجی، دانشگاه شهیدباهنر کرمان ۳- معاونت آموزشی دانشکده هنر، دانشگاه کرمان ۴- عضو هیات تحریریه نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی ۵- عضو شورای تخصصی گروه زبان و ادبیات انگلیسی ۶- عضو هیات امنای تئاتر کرمان به مدت دو سال ۷- عضو هیات ممیزه دانشگاه های جنوب شرق ایران ۹- عضو هیات تحریریه نشریه پژوهش زبان های خارجی، دانشکده زبان های خارجی، دانشگاه تهران ۱۰- عضو مرکز ایسن شناسی دانشگاه اسلو-نروژ فعالیتهای آموزشی : ۱- تدریس دروس نقد ادبی، نمایشنامه، مکتبهای ادبی، اصول و روش ترجمه، شعر، رمان، داستان کوتاه و نثر انگلیسی در دانشگاه کرمان از مهر ماه ۵۷ تا ۸۴. ۲- تدریس همین دروس در دانشگاه آزاد کرمان. ۳- تدریس همین دروس در دانشگاه ولی عصر(عج) رفسنجان (به مدت چهار ترم) ۴- تدریس دروس فوق و نیز دروس کارشناسی ارشد ادبیات انگلیسی در دانشکده زبان های خارجی، دانشگاه تهران ۵- تدریس دروس عصر روشنگری، عصر رمانتیسیسم، و نمایشنامه قرن نوزدهم در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشگاه Essex انگلستان از سال ۱۳۷۲ تا پایان تحقیقات دوره دکتری (۱۳۷۶). ۶- شرکت در تدوین برنامه دوره دکتری زبان و ادبیات انگلیسی در دانشگاه تهرانسایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ۱- پژوهش در زمینه ادبیات نمایشی ۲- ترجمه و تالیف مقاله و کتاب ۳- راهنمایی پایان نامه و تشویق دانشجویان به استخراج مقاله از آن ها شاگردان : ۱- دکتر پیرنجمالدین، دانشگاه اصفهان ۲- دکتر امید طیبزاده، دانشگاه همدان ۳- دکتر طاهره احمدیپور، دانشگاه ولی عصر (رفسنجان) ۴- دکتر محمد حسن حفیظی، دانشگاه فلوریدا، آمریکا ۵- دکتر محمد شهابی، دانشگاه آزاد کرمان ۶- دکتر آزاد منش، دانشگاه آزاد کرمان ۷- خانم ناهید فخرشفاپی، دانشگاه شهید باهنر کرمان ۸- خانم زهرا میهنخواه، دانشگاه شهید باهنر کرمان (مرحوم) ۹- دکتر رضا پاشا مقیمی، دانشگاه آزاد کرمان همفکران فرد : ۱- آقای اکبر رادی، نمایشنامه نویس ۲- آقای جلال ستاری، نویسنده و منتقد ۳- خانم لاله تقیان، نویسنده و منتقد ۴- آقای ید... آقاعباسی، دانشگاه شهیدباهنر کرمان ۵- دکتر حسین پیرنجم الدین، دانشگاه اصفهان ۶- دکتر محمد مرنندی، دانشگاه تهران ۷- دکتر آزیبورن اورشیت، دانشگاه برگن-نروژ ۸- دکتر کنوت برینتسول، دانشگاه اسلو- نروژ ۹- دکتر فروده الان، دانشگاه اسلو-نروژ ۱۰- دکتر ویگدیس استا، دانشگاه اسلو-نروژ ۱۱- دکتر پیتر هیوم، دانشگاه اسکس-انگلیس ۱۲- دکتر توماس برتونو، دانشگاه دولتی نیویورک ۱۳- دکتر جون تمپلتن، دانشگاه نیویورک ۱۴- دکتر کاری مایزر، دانشگاه پنسیلوانیا آرا و گرایشهای خاص : گرایش به مکتب رمانتیسیسم، شیوه جدلی هگلی و تکیه بر ایسن به عنوان یکی از جدلی اندیشان دوران مدرن جواتر و نشانهها : ۱- استاد نمونه دانشگاه شهید باهنر کرمان در سال ۱۳۷۶ ۲- لوح تقدیر برای ترجمه متون نمایشی در استان کرمان در سال ۱۳۷۸ ۳- نمایشنامه مرد یخین می آید به عنوان ترجمه برتر در نخستین جشن ادبیات نمایشی کانون نمایشنامهنویسان خانه تئاتر، تهران: ۲۶ شهریور ماه ۸۴. ۴- ترجمه مرگ تراژدی به عنوان پژوهش و ترجمه برتر در نخستین جشن ادبیات نمایشی کانون نمایشنامهنویسان خانه تئاتر، تهران: ۲۶ شهریور ماه ۸۴. ۵- لوح سپاس از سوی سفارت نروژ در تهران و مرکز هنرهای نمایشی در سال ۱۳۸۵ برای پژوهش در باره آثار ایسن. ۶- با چراغ در آینه های قناس، نوشته بهزاد قادری، نشر قطره، ۱۳۸۴، به عنوان کتاب برتر سال در میان کتب دانشگاهی در سال ۱۳۸۴. چگونگی عرضه آثار : بهزاد قادری سهی بیش از ۱۹ طرح نمایشنامه را ترجمه کرده است و عهده دار ۱۰ ترجمه مقاله را داشته، وی ۳۹ مقاله در عنوانهای مختلف ارائه داده است. آثار : ۱ *Theatres of the Mind* ویژگی اثر : B. Ghaderi Sohi,; *Revolutions and* *British Drama, New Delhi, Bahri Publications, ۲۰۰۲.۲* ایسن ویژگی اثر : بهزاد قادری: آرمانشهر و آشوب، زیر چاپ ۳ با چراغ در آینه های قناس ویژگی اثر : بهزاد قادری، ادبیات نمایشی رمانتیسیسم و تئاتر پسا-مدرن، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۴.۴ گذر از تئاتر ارسطویی به درام پسا-مدرن، کرمان ویژگی اثر : بهزاد قادری، انتشارات دانشگاه شهیدباهنر کرمان، ۱۳۸۲۵ مرگ تراژدی ویژگی اثر : جورج اشتاینر، زیر چاپ. تهران: مرکز هنرهای نمایشی. این کتاب بررسی نسبتا جامعی است در باره زوال تراژدی از یونان باستان تا دهه ۶۰ قرن بیستم و یکی از کتب بسیار ارزشمند و مرجع برای دانشجویان و علاقمندان به هنر تئاتر

و نمایشنامه نویسی است. ۶ هر کسی را اصطلاحی داده اند ویژگی اثر: بهزاد قادری، شش گفتار پیرامون ترجمه متون نمایشی، کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۸۲

قادری، عاصم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد بن محمد باقر شریف کاشانی اصفهانی، استاد فن و تجوید و قرائت در اواخر قرن ۱۳ هجری در اصفهان بوده، و در نزد اساتیدش فن در کاشان و اصفهان قراءات را آموخته، و قریب چهل سال در اصفهان استاد قراء این شهر بوده، و عده‌ای کثیر شاگرد تربیت نموده.

از آثارش کتاب «وجیزه التجوید» به چاپ رسیده.

کتاب مزبور را شاگرد ایشان: مرحوم میرزا عبدالغفور شمس القراء استنساخ و تصحیح نموده، و پس از قریب چهل سال از فوت او به طبع رسانیده است، و در مقدمه‌ی آن عالم جلیل مرحوم آقا شیخ محمد حسین مشکینی تقریظ نوشته‌اند.

فوت عاصم در حدود سال ۱۳۲۰ روی داده است.

در کتاب نامبرده (: ۱۸۹) گوید: سند روایت خود را از طریق «منهاج النشر فی قراءات العشر» به عاصم می‌رسانم. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قاری اصفهانی، طاهر

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حافظ ابوالحسن فخرالدین طاهر بن عرب بن ابراهیم بن احمد اصفهانی. عالم فاضل محدث قاری بصیر محقق، از اساتید فن تجوید و قرائت در اصفهان بوده، کتب عدیده در فن تجوید تألیف نموده، و عده‌ای کثیر شاگرد تربیت نموده، و جهت برخی از آنها اجازه نوشته.

خود از شاگردان محمد بن محمد بن الحرزی، متوفی به سال ۸۳۳ بوده، و جهت نجم‌الدین محمد السعدی الحموی یزدی به سال ۸۵۷ به خط خویش اجازه نگاشته است.

کتب زیر از اوست:

- ۱ - تجوید قرآن، فارسی ۲ - التجوید فی التجوید ۳ - الدر الفرید، در تجوید ۴ - شرح شاطبیه، ممکن است از تألیفات او باشد ۵ - طبقات القراء ۶ - القراءه المفردة، از ابی عمرو ۷ - قرائت مفردة، از ابن عامر ۸ - قرائت مفردة، از حمزه ۹ - قرائت مفردة از نافع ۱۰ - منتخب در الفرید، و آن را در ۸۹۲ تألیف نموده ۱۱ - منهل العطشان؛ و غیره.

در قرن یازدهم هجری نیز دانشمندی به نام: حافظ طاهر قاری در اصفهان می‌زیسته، و کتابی در شرح «شاطبیه» تألیف نموده است، و تا اوایل قرن دوازدهم یعنی تا سال ۱۱۱۷ زنده بوده است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قاری رمجاری نیشابوری، ابومحمد اسماعیل

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۳۱-۴۳۹ ق)، مسند، محدث و قاری. نسبتش به رمجار از توابع نیشابور می‌رسد. او از ابوالحسین عبدالغافر فارسی «صحیح» مسلم و احادیث یحیی بن یحیی تمیمی را شنید و همچنین از ابوحفص بن مسرور صوفی، از خدمتگزاران ابوالقاسم قشیری، چند جزئی را شنید. ابوالعلاء عطار و ابوالقاسم بن عساگر و ابوسعید سمعانی و حسن بن محمد قشیری و زینب شعریه و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابن نقطه گوید که ابوسعید حسن بن محمد بن محسن قشیری از وی «صحیح» را روایت کرده است ذهبی گوید که: ابوالقاسم بن حرستانی از وی اجازه‌ی روایت داشته است. سمعانی گوید که وی شیخی صالح و عقیف و صوفی پاک بود که خدمت استاد ابوالقاسم قشیری را نمود. قاری در نیشابور درگذشت. در «شذرات الذهب» به جای قاری، غازی آمده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام بوفیات الاعلام (۱ / ۳۵۳)، سیر النبلاء (۲۰ / ۱۹-۲۰)، شذرات الذهب (۴ / ۹۷)، العبر (۲ / ۴۳۹-۴۴۰)، معجم البلدان (۳ / ۷۸).

قاری هروی، نورالدین علی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۱۶ / ۱۰۱۴ ق)، فقیه حنفی. معروف به ملا علی قاری. در هرات به دنیا آمد. پس از گذراندن قسمتی از مراتب علمی در هرات به مکه رفت و در همان جا ساکن شد و در نزد مشایخ آنجا به تکمیل مراتب علمی خود اقدام کرد تا آن که آوازه‌اش در همه جا پیچید. او به هر یک از پیشوایان چهارگانه اهل سنت بویژه شافعی باب اعتراض گشود، و به همین جهت مورد بی‌مهری قرار گرفت. قاری در مکه از دنیا رفت. چون خبر درگذشت او به مصر رسید در جامع‌الازهر متجاوز از چهار هزار تن به وی نماز در غیبت خواندند. از آثار وی: «تفسیر القرآن»، در چند مجلد؛ «انوار القرآن و اسرار الفرقان»؛ «الاحادیث القدسیه و الکلمات الانسیه»، «شرح الحدیث القدسی»؛ «الحرز الثمین للحصن الحصین» یا «شرح الحصن الحصین»؛ «الانثار الجنیه فی اسماء الحنفیه»؛ «الفصول المهمه»، در فقه؛ «بدایه السالک»، در مناسک؛ «مرقاه المفاتیح»، در شرح «مشکاه المصابیح»، در چهار مجلد، فراگیر همه شروح و حواشی؛ «شرح مشکلات الموطأ»؛ «توضیح المبانی»، در شرح «مختصر المنار»، در اصول؛ «ضوء المعالی»، در شرح قصیده‌ی «بدء الأمالی»، در توحید؛ «منح الروض الازهر فی شرح الفقه الاکبر»؛ «تذکره الموضوعات»؛ شرح «شمائل النبی (ص)» ترمذی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۶۷-۱۶۶ / ۵)، ایضاح المکنون (۶۶۱، ۶۴۴، ۶۰۷، ۵۷۷، ۵۵۵، ۵۵۳، ۴۹۵، ۴۹۴، ۴۸۰، ۴۶۴، ۴۴۸، ۴۰۲، ۲۱۴، ۱۹۱، ۱۸۷، ۱۸۴، ۱۳۹، ۱۳۸، ۱۰۳، ۸۷، ۵۵، ۴۳، ۲۱ / ۲، ۶۱۲، ۵۷۸، ۵۶۹، ۵۵۸، ۵۴۱، ۴۶۰، ۲۹۸، ۲۶۴، ۲۴۱، ۲۰۹، ۱۴۵، ۹۳، ۹۰، ۲۱ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۹۴-۳۹۵)، ریحانه (۳۹۸-۳۹۷ / ۴)، کشف الظنون (۲۰۳۴، ۱۹۷۲، ۱۹۰۱، ۱۸۹۷، ۱۸۰۲، ۱۷۰۰، ۱۵۴۵، ۱۳۶۴، ۱۳۶۰، ۱۳۵۰، ۱۳۳۵، ۱۲۸۷، ۱۲۳۲، ۱۲۶۴، ۱۱۵۹، ۱۱۴۹، ۱۰۶۰، ۱۰۵۰، ۸۸۳، ۷۴۳، ۶۷۱، ۶۷۰، ۶۶۰، ۵۵۸، ۴۵۴،

۴۴۵، ۶۰، ۲۴)، لغت‌نامه (ذیل / قاری)، معجم المؤلفین (۱۰۱- ۱۰۰ / ۷)، هدیه العارفین (۷۵۳- ۷۵۱ / ۱).

قاری، محمد

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن لطف‌الله معروف به ملا- شاه و ملا- حافظ. ظاهراً از شاگردان محقق کرکی، و خود و پدرش از علما و دانایان به علوم تجوید و قراءت می‌باشند. در سال ۹۶۳ نسخه‌ای از رساله‌ی رضاعیه‌ی استاد را استنساخ نموده ضمن مجموعه‌ی از رسائل استاد، همچنین حواشی محقق کرکی را در این سال بر کتاب شریع نوشته است. بر گرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قاری، محمد حسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن حاج میرزا محمد مهدی قاری اصفهانی از دانایان به علم تجوید و قرائت و از خطاطین معروف اواخر قرن سیزدهم است. یک نسخه از کتاب «تحفه حکیم مؤمن» به خط زیبای او در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار موجود است. در اصفهان در محله مسجد حکیم سکونت داشته است. بر گرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قاسمزاده، حبیب‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روان پزشکی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی روانشناسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷، دکترای روانشناسی رشد از آمریکا در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحقیق درباره ثبات آزمون ترستون، پسیکو پاتولوژی کودکان، پرخاشگری در کودکان، تحلیل چند متغیری افسردگی در کودکان، آزمون Gestalt- Bender در تشخیص عقب ماندگی ذهنی و رشد طبیعی کودکان، تکنیک افتراق معنایی درباره ساختار

روانشناسی کلمه، رشد اخلاق در کودک، ارتباط شیوه‌های کودک پروری با اختلالهای رفتاری کودکان، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۱۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

روانشناسی زبان، شناخت، تفکر، رفتار درمانی، شناخت درمانی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

رفتار درمانی، شناخت درمانی، روان درمانی، مفاهیم عمده روان‌شناسی، نوروسایکولوژی، روان‌شناسی زبان، متدولوژی، اعتیاد. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

قاسم‌لو خوبی، یعقوب

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

یعقوب قاسم‌لو خوبی

محل تولد: خوی

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

حقیر در شهرستان خوی از توابع آذربایجان غربی متولد شدم و پس از دوران کودکی در مدرسه بابالو شهبانق تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را به اتمام رساندم با توجه به اینکه در سوم راهنمایی شاگرد ممتاز شده بودم برادرانم پیشنهاد دادند که در رشته ریاضی فیزیک مشغول تحصیل شوم ولی برادر بزرگم چون فنی بود و در رشته برق استاد بود به من گفت که در هنرستان شهید رجایی خوی مشغول تحصیل شوم بنده نیز حرف او را گوش دادیم و در رشته برق در هنرستان مشغول شدم و در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ دیپلم فنی شدم با توجه به اینکه برادرم در سال ۱۳۶۴ به فیض شهادت نایل شده بود و مادر مرحومه ام همیشه به من می‌گفت که تو باید راه برادرت را ادامه بدهی این فرمایش او همیشه در ذهنم بود و هنوز هم هست. باعث شد که ما جذب حوزه علمیه بشویم ابتدا تا پایه ششم در حوزه علمیه تبریز مشغول تحصیل شدیم از اساتید بنده در تبریز می‌توانم حجه الاسلام والمسلمین پور محمدی و حجه الاسلام وثوقی را نام ببرم که هر دو آدمهای اخلاقی و ملایی بودند. سپس در سال ۱۳۷۷ وارد حوزه علمیه قم شدم و همزمان در دانشگاه مفید مشغول تحصیل در رشته فلسفه محض شدم و دانشگاه از محضر اساتیدی همچون حجج الاسلام دیوانی، انتظام، کامران و ادیب بهره‌های فراوانی بردم و در رسائل و مکاسب از محضر استاد بزرگوار حجه الاسلام وللمسلمین محمد باقری

شاهرودی بهره بردم و کفایه را نیز از محضر آیت الله اعتمادی بهره بردم سپس در سال ۱۳۸۵ به قصد تبلیغ در وزارت دفاع مشغول شدم همزمان در درس خارج فقه حضرت آیت الله خامنه ای و در خارج اصول حضرت آیت الله شاهرودی به مدت دو سال استفاده های معنوی و علمی بردیم و با توجه به اتمام ماموریت در وزارت دفاع به قم باز گشتم و به امر تبلیغ و تالیف و تحصیل مشغول هستم اینجانب دارای تالیفات زیر می باشم. ۱. دین و آزادی ۲. طیب عاشقان (خاطرات و اشعار علامه طباطبایی) ۳. فروغ دانایی (خاطرات علامه جعفری) ۴. خلاصه الغدیر ۵. گامی به سوی تدوین منشور وحدت اسلامی ۶. مقاله در زمینه اشعار علامه طباطبایی در کتاب مرزبان وحی چاپ دفتر تبلیغات اسلامی.

قاسمی کوخیمینی سمرقندی، ابومحمد حسن

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۹۱ / ۴۹۰ - ۴۰۹ ق)، حافظ و محدث. پیشوای حدیث در عصر خویش بود. وی ساکن نیشابور بود. از عبدالصمد عاصمی و ابوحفص بن مسرور و حمزه بن محمد جعفری و ابوسعید کنجرودی و ابوعثمان صابونی و دیگران حدیث شنید. بزرگترین استادش منصور کاغذی بود. وی با جعفر بن محمد مستغفری حافظ مصاحب بود و بیشتر شنیده‌هایش از مستغفری است و به احادیث او استناد می‌کرد. اسماعیل بن محمد تیمی و وجیه شحامی و جنید قاینی و ابوسعید بن قشیری و محمد بن جامع خیاط و دیگران از وی روایت کرده‌اند. سمعانی گوید که وی شنیده‌های خود را گردآوری کرد و تصنیفاتی به وجود آورد. عمر بن محمد نسفی در کتاب «القدر» گوید که وی حافظ و قوام‌السنه بود که در زمانش چون او، در فن او، در شرق و غرب، وجود نداشت. از آثار وی: «بحر الأسانید فی صحاح المسانید»، در هشتصد جزء، که در آن صد هزار حدیث را گردآوری، مرتب و تهذیب کرده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۹۴ / ۲)، تذکره الحفاظ (۱۲۳۲ - ۱۲۳۰ / ۴)، سیر النبلاء (۲۰۶ - ۲۰۵ / ۱۹)، شذرات الذهب (۳۹۵ - ۳۹۴ / ۳).

قاسمی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۰ ش)، نویسنده و مترجم. در اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در موطن خود گذراند و سپس برای تکمیل تحصیلات به تهران آمد و از دانشسرای عالی در رشته‌ی فلسفه و علوم تربیتی فارغ‌التحصیل شد. بعد از فراغت از تحصیل در وزارت فرهنگ عهده‌دار مشاغلی چند از جمله: دبیر دبیرستانهای اصفهان، ریاست دبیرستان کرمان، ریاست چند دبیرستان در تهران، ریاست دفاتر دانشسرای عالی دانشکده علوم و ادبیات، ریاست فرهنگ شهرهای یزد و همدان و کرمانشاه شد. از آثار وی: «این جنگ عجیب آن طور که من دیدم»، ترجمه؛ «بیماری کودکی کمونیسم»، ترجمه؛ «منشأ خانواده و دولت»؛ «حزب توده‌ی ایران چه می‌گوید و چه می‌خواهد»؛ «چند موضوع از اقتصاد»؛ «جامعه را بشناسید».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۶۳ / ۲ / ۱۱۵۶، ۱۱۱۸، ۱۰۰۲، ۵۶۳، ۴۲۶ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۴-۴۳۳ / ۱).

قاسمی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین قاسمی

محل تولد: کاشان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسین قاسمی متولد شهرستان کاشان، پس از گذراندن تحصیلات کلاسیک در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه مرحوم آیت الله یثربی در کاشان شدم و پس از طی مقدمات و سطوح ابتدائی حوزه در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه قم شدم و از آن زمان تاکنون سطوح مختلف حوزوی را گذرانده و اکنون در مقطع خارجی سطح مشغول به تحصیل هستم. البته در کنار دروس حوزوی در زمینه‌های فلسفی و کلامی مطالعاتی در رشته و دارم و در ضمن تألیفاتی نیز در هر دو حوزه فقهی و فلسفی داشته‌ام.

قاسمی، علی محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی محمد قاسمی

محل تولد: نیک آباد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

حدود سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه قم شدم قسمتی از دوره سطح را در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی و قسمتی دیگر را بطور آزاد در محضر اساتید بزرگوار هم چون آیت الله ستوده، آیت الله اعتمادی، آیت الله پایانی و آیت الله فاضل گذارندم پس از پیروزی انقلاب و اتمام تقریبی سطح از درس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام، وحید خراسانی و تبریزی بیشترین استفاده را کردم و قبل از آن از محضر آیات عظام آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله جوادی آملی نیز بهره مند شدم، کنار درسهای فقه و اصول و همزمان با شروع درس خارج دوره آموزشی مؤسسه در راه حق و بنیاد فرهنگی باقر العلوم را با موفقیت گذراندم (بین سالهای ۶۸-۶۱) و در بنیاد باقر العلوم، در کنار برنامه آموزشی شروع به کارهای تحقیقاتی بطور دسته جمعی نمودیم. در کنار کارهای تحقیقاتی و همزمان با گذراندن دوره آموزشی کارشناسی ارشد موفق به اخذ کارشناسی ارشد از مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شدم. خدای متعال توفیق داد که بیش از ۱۵ سال در مدرسه عترت (ع) مشغول تدریس اصول و کلام شدم که هم اکنون نیز ادامه دارد و از سال ۷۷ تا کنون نیز در مؤسسه امام خمینی (ره) قبل از آن در مؤسسه در راه حق و گاهی در برخی مؤسسات همانند جامعه الزهراء، مرکز جهانی علوم اسلامی و... اشتغال به تدریس دروس معارف و تفسیر موضوعی قرآن دارم. حدود پنج سال است که عضو هیئت علمی مؤسسه امام خمینی (ره) مشغول تدریس و در ساعاتی که فراغت باشد مشغول تهیه معجم موضوعی معاد و توحید هستم.

قاصر زهانی قاینی، محمد حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، عالم، ادیب، نویسنده و شاعر. مشهور به قاصر. اصل وی از زهان قاین است. تحصیلات خود را در زهان قاین و مشهد به پایان رساند. وی در ایام اقامت خویش در مشهد در مدرسه‌ی خیراتخان با شاعر مرثیه‌سرا عبدالجواد جودی (م ۱۳۰۲ ق) آشنا شد. از آثارش: «تذکره الباکین»؛ «دیوان» شعر؛ کتابت و ترمیم نسخه‌ای از «مثنوی» مولوی. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: بزرگان قائن (۴۲۲-۴۲۰).

قاضی اصفهانی، ابوطالب محمود

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۸۵ ق)، مدرس، خطیب، محدث و فقیه شافعی. نزد محیی‌الدین محمد بن یحیی شهید فقه آموخت، و در خلاف نامی شد، و در این طریق «تعلیق» ای نگاشت که گویای فضل و برتری وی بر بسیاری از همگنان اوست. او بین فقه و تحقیق جمع کرد. در تدریس یکی از اعجوبه‌ها به شمار می‌آمد. او مدتی در اصفهان تدریس کرد. در وعظ و خطابه نیز چیره‌دست بود. از آثارش «تعلیق» و «طریقه»، در خلاف است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۲۹۹ / ۱)، سیر النبلاء (۲۲۷ / ۲۱)، شذرات الذهب (۲۸۴ / ۴)، معجم المؤلفین (۱۸۲ / ۱۲)، وفیات الاعیان (۱۷۴ / ۵)، هدیة العارفین (۴۰۴ / ۲).

قاضی الحرمین نیشابوری، ابوحسین

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۵۱ ق)، فقیه و قاضی حنفی. نزد ابوالحسن کرخی و ابوطاهر بن دباس فقه آموخت و در فقه سرآمد شد. ابواسحاق در «طبقات الفقهاء» گوید: که علمای نیشابور از وی و ابوسهل زجاجی فقه آموختند. ابوبکر ابهری که خود شیخ الفقهاء بود گوید: که فقیه‌تر از ابوحسین نیشابوری در خراسان وجود ندارد. او شیخ حنفیان در زما خود بود. بیش از ده سال متولی قضاوت حرمین بود. سپس به نیشابور رفت و به قضاوت در آن شهر پرداخت. او از ابوخلیفه جمحی و حسن بن سفیان و گروه دیگری حدیث شنید. مدتی نیز متولی قضای موصل و رمله بود. حاکم نیشابوری از وی حدیث روایت کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نیشابور (۱۵۱)، سیر النبلاء (۲۶-۲۵ / ۱۶)، شذرات الذهب (۸-۷ / ۳)، العبر (۸۷ / ۲).

قاضی القضاة همدانی اسدآبادی، ابوالحسن، ابوالحسن عبدالجبار

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۱۴ / ۴۱۵ ق)، عالم امامی، قاضی، متکلم، مفسر، فقیه شافعی و اصولی معتزلی. وی شیخ معتزلیان در روزگار خود بود و آنان وی را به لقب قاضی القضاة ملقب ساخته بودند. از علی بن ابراهیم بن سلمه قطان قزوینی و از عبدالله بن جعفر بن فارس اصفهانی در اصفهان استماع حدیث کرد و همچنین از زیبر بن عبدالواحد اسدآبادی حفاظ و عبدالرحمن بن حمدان حدیث شنید. در بازگشت از حج به بغداد رفت و در آن جا حدیث گفت. ابوالقاسم تنوخی و حسن بن علی صیمری فقیه و ابویوسف عبدالسلام قزوینی مفسر و جماعتی دیگر از وی حدیث شنیدند. او از استادان سیدرضی و با یک واسطه از مشایخ روایت خطیب بغدادی است. مناظره‌ی شیخ مفید با او در موضوع حدیث غدیر و اصحاب جمل مشهور است که در پایان مفید را به جای خود بر مسند نشانند و گفت حقا که تو مفیدی. او به دعوت صاحب بن عباد و وزیر از بغداد به ری آمد و به تدریس مشغول شد و همچنین عهده‌دار مقام قضاوت ری و تمام توابع آن بود و در همان جا نیز در گذشت. مصنفات بسیاری در مذهب اعتزال بدو منسوب است و گویند که هزاران ورق بوده است. از آثار وی: «تنزیه القرآن عن المطاعن»؛ «علم الکیمیا»؛ «العمده فی اصول الفقه»؛ «تفسیر القرآن»؛ «دلائل النبوه»؛ «امال» یا «الامالی»، در حدیث؛ «طبقات المعتزله»؛ «المجتبی فی القراءات».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴۷ / ۴)، انساب سمعانی (۱۳۷-۱۳۶ / ۱)، ایضاح المکنون (۴۳۰ / ۲، ۴۷۸، ۳۲۹ / ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۷۹، ۳۴۹ / ۱)، تاریخ بغداد (۱۱۵-۱۱۳ / ۱۱)، روضات الجنات (۱۸-۱۶ / ۵)، ریحانه (۴۱۶-۴۱۵ / ۴)، سیر النبلاء (۲۴۵-۲۴۴ / ۱۷)، شذرات الذهب (۲۰۳-۲۰۲ / ۳)، العبر (۲۲۹ / ۲)، الکامل (۳۱۵ / ۷)، کشف الظنون (۱۱۰۷)، الکنی و الالقاب (۵۳ / ۵۳)

۳)، لسان المیزان (۲۱۳-۲۱۱ / ۴)، لغت‌نامه (ذیل / عبدالجبار)، معجم المؤلفین (۷۹-۷۸ / ۵)، الوافی بالوفیات (۳۴-۳۱ / ۱۸)، هدیه العارفین (۴۹۹-۴۹۸ / ۱).

قاضی تبریزی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام والمسلمین آقای آقا سید حسین بن العلام حاج سید احمد قاضی طباطبائی تبریزی از علماء بزرگوار قم و افاضل اصحاب و مبرزین تلامذه مرحوم آیت‌الله حجت می‌باشند. در سال ۱۳۱۷ قمری در تبریز متولد شده و مدتی از محضر مرحوم حاج میرزا علی اصغر ملکی و آیت‌الله انگجی استفاده نموده و بعد به نجف مشرف و از مباحثات مرحوم حاج شیخ احمد کاشف‌الغطاء و مرحوم ایروانی و آقا ضیاء‌الدین عراقی و آقا سید ابوتراب خونساری استفاده کرده آنگاه به مشهد رضوی مشرف و به دروس مرحوم آیت‌الله قمی و آقازاده خراسانی و میرزا مهدی اصفهانی حاضر شده و در تاریخ ۱۳۵۴ قمری به قم مشرف و یکسال از مرحوم آیت‌الله حایری بهره‌مند گردید و پس از آن مرحوم منحصر از مرحوم آیت‌الله حجت استفاده و تاکنون که به تدریس فقه و اصول اشتغال دارند آثار علمی ایشان رساله‌های زیر است.

۱- رساله‌ای در رباع ۲- رساله‌ای در جمع اخبار طینت و خلقت از ارواح و ابدان آن جناب در شب سه‌شنبه ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۳۹۳ وفات نموده و در قبرستان حایری در مقبره مرحوم والدش به خاک رفت حشره الله مع اولیائه برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

قاضی جرجانی، ابونعیم فضل

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۹۳ ق)، حافظ، محدث و قاضی. از قتیبه بن سعید و همطبقه‌ی آنان در خراسان، و عیسی بن حماد و ابوطاهر بن سرح در مصر، و محمد بن مصفی و هشام بن خالد در شام حدیث شنید. ابوجعفر عقیلی و زبیر بن عبدالواحد و ابواحمد بن عدی و ابوبکر اسماعیلی و دیگران از وی حدیث شنیدند. حمزه سهمی در کتاب «تاریخ جرجان» وی را جزء علمای گرگان شمرده و شرح حالش را آورده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۵۷۴-۵۷۳ / ۱۳).

قاضی حسین مرورودی، ابوعلی حسین

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۶۲ق)، فقیه شافعی. معروف به قاضی. از ابوبکر قفال مروزی فقه آموخت و از ابونعیم سبط ابی‌عواہ حدیث روایت کرد. عبدالرزاق منبغی و ابومحمد حسین بن مسعود فراء بغوی از وی حدیث روایت کرده‌اند. او چهره‌ای شناخته شده در مذهب شافعی است و از پیشگامان این مذهب به شمار می‌آید. عده‌ای به او لقب حبرالامه داده‌اند. او پیوسته به تدریس، افتاء و قضاوت بین مردم مشغول بود. گویند که امام الحرمین از قاضی حسین فقه آموخت. در مرورود از دنیا رفت. وی در اصول و فروع و خلاف دارای تصانیفی است. از آثار وی: «التعلیقہ الکبری»، در فقه؛ «الفتاوی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۷۸ / ۲)، سیر النبلاء (۲۶۲- ۲۶۰ / ۱۸)، شذرات الذهب (۳۱۰ / ۳)، العبر (۳۱۳- ۳۱۲ / ۲)، کشف الظنون (۵۱۷- ۴۲۴)، وفيات الاعیان (۱۳۵- ۱۳۴ / ۲).

قاضی رئیس نسوی، ابوعمرو، ابوعمر محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۷۸- ۳۷۸ق)، قاضی، فقیه، محدث، مفسر، مدرس، مفتی، ادیب و شاعر. در نسای خراسان به دنیا آمد و در آنجا نشوونما یافت، و از قاضی حسن دامانی نسوی فقه آموخت. سپس به عراق و مصر و شام و مکه مسافرت کرد و تحصیل علم نمود و از ابو بکر حیری و ابواسحاق اسفراینی در نیشابور و ابوذر هروی در مکه و ابن‌نظیف در مصر و ابوالحسن علی بن موسی سمسار در دمشق و ابومعمر اسماعیلی در گرگان حدیث شنید. او مجالس املائی حدیث برپا کرد و درباره‌ی احادیث سخن گفت. ابوعبدالله فراوی و عبدالمنعم قشیری و دیگران از وی روایت کردند. وی مورد اعتماد سلجوقیان بود و در رسالت‌های مهم از وی استفاده می‌کردند. امیر طغرل بیگ او را به دارالخلافه‌ی بغداد فرستاد و وی از جانب ملک‌شاه سلجوقی مأموریت یافت تا دختر خلیفه را خواستگاری کند. القائم بامرالله او را عهده‌دار امر قضاوت خوارزم کرد و به وی لقب اقصی القضاة بخشید. اهل خوارزم از وی حدیث روایت کرده‌اند. او دارای آثاری در زمینه‌ی «فقه» و «تفسیر» بود. وی در ادبیات نیز مهارت داشت و شعر می‌گفت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۶۴ / ۷)، سیر النبلاء (۴۷۸- ۴۷۷ / ۱۸)، طبقات المفسرین الداوودی (۱۸۱- ۱۷۸ / ۲).

قاضی زاده، کاظم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کاظم قاضی زاده

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات دبستان و دبیرستان را به سرعت طی کرد و در سال ۱۳۵۶ (۱۶ سالگی) به دانشگاه و در رشته فیزیک مشغول تحصیل شد. همراه با انقلاب فرهنگی به حوزه علمیه قم آمد دروس سطح را نیز در حدود شش سال فرا گرفت و از سال ۱۳۶۶ به درس خارج اساتید حوزه حاضر شد. وی تا سال ۱۳۸۰ (به مدت ۱۵ سال) از دروس خارج حوزه بهره برد. اهم اساتید وی به ترتیب استفاده زمانی بیشتر عبارتند از: آیت الله تبریزی، آیت الله سید کاظم حائری، آیت الله منتظری، آیت الله سید محمود هاشمی، آیت الله جوادی آملی (در تفسیر)، آیت الله سید موسی شبیری، آیت الله محمد فاضل لنکرانی و آیت الله وحید خراسانی. گرچه وی اقدامی جهت اخذ مدرک رسمی از حوزه علمیه نکرده است اما در امتحان کتبی و شفاهی مجلس خبرگان در سال ۱۳۷۷ که در سطح تایید تجربی در اجتهاد داوطلبان شرکت و در نامزدی مجلس خبرگان رهبری برگزار می شد شرکت کرده و با درجه عالی موفق به قبولی در امتحانات مربوطه شد. وی در سال ۱۳۷۱ همزمان با تحصیلات فردی در دوره کارشناسی ارشد تربیت مدرس قم تحصیل کرد و با ادامه آن در مقطع دکتری علوم قرآن و حدیث در این رشته نیز موفق به اتمام شد. اهم فعالیت‌های علمی وی تدریس در حوزه و دانشگاه بوده است. از سال ۱۳۶۰ تدریس حوزوی را با تدریس ادبیات و منطق شروع کرد و در ادامه با تدریس فقه و اصول ادامه داد. در آغاز مدارس رضویه و رسالت محل تدریس وی بود ولی در سطوح عالی حوزه در مدرسه آیت الله گلپایگانی، مسجد امام زین العابدین و مدرسه آیت الله بروجردی مشغول به تدریس بوده و هست. هم اکنون پنج سال است که به تدریس خارج فقه اشتغال دارد. از سال ۱۳۸۰ نیز تدریس در دانشگاه را آغاز کرد و هم اکنون در مقاطع دکتری و کارشناسی ارشد به تدریس تفسیر و علوم قرآن، حدیث و رجال نیز اشتغال دارد.

قاضی زاهدی، ابراهیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابراهیم قاضی زاهدی

محل تولد: گلپایگان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابراهیم فرزند مرحوم آیت الله حاج آقا علی قاضی زاهدی متولد سال ۱۳۳۳ شمسی تحت تربیت والد معظم پرورش یافته پس از خواندن دروس ابتدائی و اولیه در گلپایگان برای تحصیل علوم دینی در سال ۱۳۴۹ شمسی به قم هجرت نموده و مقدمات و سطوح وسطی را در مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی قدس سره در خیابان تهران نزد جمعی از فضلاء و علماء خوانده و بعد از چند سال به مدرسه خان مدرسه آیت الله العظمی مرحوم بروجردی قدس سره رفته و سطوح نهائی فقه و اصول را از آیات عظام و حجج الاسلام مرحوم آیت الله ستوده اراکی و سید ابوالفضل موسوی نیریزی (ره) و صلواتی و فاضل لنکرانی و نوری همدانی و

سبحانی به تکمیل رساندم و سپس شرکت در درس خارج مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی قدس سره و مرحوم آیت الله شیخ مرتضی حائری یزدی قدس سره و نجفی مرعشی تا پایان عمر شریفشان از اباحت فقهی مستضعفین و اکنون از دراسات آیت الله وحید خراسانی مدظله العالی استفاده و تقریرات ایشان را به رشته تحریر در آورده و از غالب نامبردگان اجازات روایتی و غیره دریافت نموده و اکنون به عنوان یک واعظ نامی کشور در اکثر شهرهای ایران منبر می روم و مورد تشویق مؤمنین در مجالس سنگین ادای وظیفه اسلامی نمایم و از طریق منبر و خطابه خدمات ارزنده و چشمگیری نموده چند سالی هم در یکی از حجرات صحن تدریس لمعه و مکاسب داشتم و کتابهای خطی نوشتم که امید است بتوانم آنها را به چاپ برسانم.

قاضی زاهدی، عباسعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا عباسعلی قاضی زاهدی ابن علامه متبحر آیت الله آقای آخوند ملا علی قاضی زاهدی گلپایگانی اعلی الله مقامهما به شرح زیر می باشد معظم له در سال ۱۲۸۵ هجری قمری در شهر مذهبی گلپایگان قدم به عرصه وجود نهاده و تا سن بلوغ در نزد والد معظم خود که یکی از اوتاد و مجتهدین تراز اول عصر خود بوده و معمرین کرامتهای زیادی از ایشان نقل نموده و می نمایند مقدمات و اولیات را فرا گرفته و پس از رحلت اب معظم خود به اصفهان مهاجرت و در نزد علماء و اساتید وقت همچون آیت الله حاج آقا نورالله اصفهانی و مرحوم درجه‌ای و دیگران تلمذ نموده و مدت هشت سال هم خود مستقیماً در مدرسه صدر به تدریس علوم شرعیه اشتغال داشته‌اند و سپس به اتفاق جمعی از علماء اعلام مخصوصاً حضرت آیت الله آقا سید جمال‌الدین گلپایگانی که یکی از مراجع بزرگ عالم تشیع بوده‌اند به نجف اشرف مهاجرت و از محضر علماء عالی قدر چون علامه خراسانی و سید محمد کاظم یزدی و دیگران استفاده‌های علمی شایان نموده و به درجه رفیعہ اجتهاد و اخذ آن از مرحومین آیتین علامه خراسانی و میرزا محمدحسین نائینی نائل و مدت چند سالی هم در حوزه نجف اشرف به تدریس طلاب علوم دینه اشتغال داشته‌اند تا اینکه در سال ۱۳۱۲ هجری طبق فرموده خودشان به مرض حصبه مبتلا و تا مدت سه روز در حال اغماء و بیهوشی بوده‌اند و پس از بیهوشی جریان عالم رؤیای خود را در مدت نقاهت چنین بیان فرموده‌اند.

پس از مبتلا به حصبه رختخواب خود را در روی دریای آب مشاهده و مدتی

در حال تحیر بسر بردم و در اطراف خود جز دریای موج آب چیزی نمی دیدم ناگاه احساس ترشح آبی به گوش رسید تا اندازه‌ای به خود آمده و شبیهی را به فاصله‌ای در کنار خود مشاهده نمودم که با عجله به سویم می آید در او خیره بودم تا به من نزدیک شد سلام کرد و گفت مامورم و سه تقاضا از شما می پذیرم ملهم شدم که او حضرت عزرائیل است و جعبه‌ای آهنین همراه داشت ادای احترام نمودم و گفتم شهر شیراز و رفقای خود را که در آنجا اشتغال به تدریس و تعلیم دارند مایلم ملاقات نمایم فوراً جریان آب معدوم و شهر زیبای شیراز آشکار و در سر پشتبام یکی از حوزه‌های علمیه قرار گرفته و بعضی از رفقا که مشغول مطالعه و مباحثه بودند زیارت کردم حاجت دوم این بود که شهر اصفهان و رفقای آنجا را نیز مایل به زیارتشان هستم فوراً سر پشتبام صدر اصفهان قرار گرفتم و اکثر رفقا که مشغول درس و بحث بودند نیز ملاقات نمودم عرض کردم که گلپایگان خودمان را هم مایلم ببینم تبسمی کردند و مانند حله اول رختخواب خواب خود را بر روی دریای آب دیدم و در این موقع دوازده درخت سبز و بسیار زیبا که سر به فلک کشیده بود در نظرم رسید که در هر دقیقه یکی از آنها در آب سقوط می کرد تا دوازدهمین آن و منزلی که در آن

بستری بودم در نزدیکی حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین (ع) واقع بود و ساعت صحن مطهر ساعت ۱۲ ظهر را اعلام می نمود و آنگاه به خود آمدم و صدای زنگ ساعت را استماع نمودم و متوسل به ذیل عنایت مولای خود حضرت امیرالمؤمنین (ع) شدم و تقاضای تجدید حیات نمودم ناگاه حضرت قابض الارواح دست خود را در جعبه‌ای که همراه داشت برده و موی بسیار نازکی را به من ارائه نمود و فرمود فاصله عمر تو از این موهم نازکتر و کوتاهتر بود لکن به واسطه توسلی که نمودی و شفاعتی که حضرت مولا از شما نموده از این تاریخ تا چهل سال دیگر در این دنیا خواهی بود ناگاه

به هوش آمدم و جمع کثیری از علماء اعلام را در اطاق خود حاضر و ناظر دیدم که به قرائت سوره مبارکه انعام و از اذکار مشغول بودند و از به هوش آمدنم مشعوف و خرسند گردیده دیگر احساس هیچگونه کسالت و مرض در خود ننمودم و همان موقع جریان ماوقع را یادداشت نمودم و پس از مدتی اندک به تقاضای اهالی شهر گلپایگان و خوانسار در معیت جمعی از رفقای روحانی که به عنوان مشایعت ملازم بودند به گلپایگان موطن اصلی عزیمت و بقیه عمر را در راه ترویج و تبلیغ احکام مقدس شرع نبوی (ص) و اجرای حدود الهی حتی الامکان به سر برده این مطالب و وقایع را معظم له در دوران تجدید حیات خود به کسی اظهار نفرمودند تا یک هفته قبل از فوتشان به این کیفیت که روزی جناب مستطاب عمده الواعظین ثقه الاسلام آقای آقا شیخ محمدحسن مثنوی که یکی از روحانیون محترم خوانسار (قریه تیدجان) می باشند و برای عیادت فقید سعید از خوانسار آمده بود هنگام خداحافظی آقا به ایشان و جمعی از بستگان نزدیک مکاشفات خود را عیناً نقل فرمودند و گفتند بنابراین شما چند صباحی دیگر نزد من بمانید و شما در روز جمعه آینده تا نزدیکی ظهر از اعمال تغسیل و تکفین و تجهیز بنده فارغ خواهید شد آقای آقا شیخ حسن مثنوی که اکنون در قید حیات می باشند و ناظر جریان ماوقع می باشند در آن ماندند و حتی در شب فوت به وسیله ایشان برای داروئی استخراج و آیه شریفه این بود که (الیس الصبح بقریب) تا اینکه در صبح جمعه اول ماه رمضان ۱۳۶۴ هجری قمری داعی حق را لبیک اجابت گفته و به دار باقی رحلت نمودند و با تشییع جنازه بی نظیر در معیت حضرت آیت الله آقای آخوند ملا محمد جواد صافی رضوان الله علیه و سایر علماء اعلام در یکی از حجرات شرقی امام زاده‌های واجب التعظیم (هفده تن) گلپایگان مدفون و مضجع معظم له زیارتگاه انام است - آیت الله قاضی زاهدی گذشته از معنویت و روحانیت در میان همکنان خود به حسن خطوط مختلفه از نسخ و نستعلیق و رقاع و ثلث و شکسته مشهور و آثار ایشان در اکثر خانه‌های اهالی موجود است و مشمول این حدیث شریف نبوی (ص) می باشند که خط حسن جمال مرء ان کان لعالم فاحسن - معظم له تا زمانی که در شهر گلپایگان مقیم بودند تا آنجا که قدور و میسور بود اجرای حدودات الهی را می نمودند و متصدی امورات شرعیه بوده‌اند مقررات و کتابهای خطی و آثار ایشان که از فقید سعید باقیمانده بود در سال ۱۳۶۵ هجری بوسیله اولاد ذکور منحصر به فرد ایشان جناب آقای آقا محمد قاضی زاهدی که خود یکی از خدمتگزاران و مروجین مذهب جعفری در تهران می باشند و در این راه از هیچگونه فداکاری و خدمتی دریغ ندارند و نیز به حسن خط و معروف هستند که به قم منتقل و به طور رایگان در اختیار آقایان علماء و فضلاء حوزه علمیه قم (مدرسه فیضیه) گذارده شده - شعراء زیادی در رثاء ایشان شعر سروده‌اند رحمه الله علیه و علی والدیه و علی جمیع المؤمنین و المؤمنات

اجمالی از ترجمه ایشان و خاندانش را در ج ۶ ص ۵۱۴ گذشت ولی چون در این تفصیل فایده‌ای بود ذکر شد.

عباسعلی بن آخوند ملاعلی سالها در اصفهان اشتغال به تحصیل داشته و از اساتید بزرگ آنجا استفاده نموده و پس از آن به نجف اشرف هجرت و سالها مشغول به تدریس و تحصیل بوده و پس از پایان تحصیلات به وطن بازگشته و اقامت گزیده و پس از فوت برادرش در مسجد قاضی زاهدی و مساجد دیگر امامت می نمود و متصدی امورات شرعیه بوده تا در اوائل ماه رمضان ۱۳۶۲ قمری دار فانی را بدرود گفته و در یکی از حجرات شرقی اطراف صحن امامزاده‌های هفده تن به خاک سپرده شد و آن مرحوم پدر عیال حاج آقا علی قاضی زاهدی می باشد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

قاضی سعید، محمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۱۰۳-۱۰۴۹ ق)، حکیم، ادیب، عارف، مفسر، محدث، محقق، قاضی و عالم امامی. معروف به قاضی سعید و ملا سعید قمی و ملقب به حکیم کوچک. از دانشمندان بزرگ شیعه و از مفاخر حدیث و حکمت و عرفان و ادبیات بود. وی از شاگردان ملا محسن فیض کاشانی و ملا- عبدالرزاق لاهیجی و ملا- رجبعلی تبریزی بود. او بسیار مورد توجه و تجلیل شاه‌عباس دوم و درباریانش بود. مدتی عهده‌دار منصب قضاوت قم بود و این خود حاکی از تبحر وی در شرعیات می‌باشد. در قم درگذشت. از آثار وی: شرحی بر کتاب «توحید» صدوق، در چند مجلد؛ «اسرار الصنایع»، در صناعات خمسه‌ی قیاسیه منطقیه: شعر، خطابه، برهان، جدل و مغالطه که از «صناعیه» میرفندرسکی الهام گرفته است؛ «شرح حدیث بساط»، که در ۱۰۹۹ ق، در اصفهان، از تألیف آن فراغت یافت؛ رساله‌ی «کلید بهشت» در اشتراک لفظی اسماء‌الله، به فارسی؛ حاشیه بر «اثولوجیا»ی ارسطو؛ حاشیه «شرح اشارات خواجه»؛ «الاربعون حدیثا»، شرح چهل حدیث در معارف که سراسر تحقیقات علمی است؛ رساله‌ی «الاربعونیات لکشف الأنوار القدسیات»، چهل رساله، در چهل باب از معارف که هر یک از آنها را به اسمی خاص نامیده است، رساله اول «روح الصلاه»، که آن را به استادش ملا محسن فیض کاشانی اهداء نموده و دیگری «حقیقه الصلاه» و دیگری «فوائد رضویه» و دیگری «الحدیقه الوردیه و السوانح المعراجیه» و... برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۴۴ / ۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۰-۳۳۶ / ۵)، الذریعه (۱۳۲ / ۱۸، ۳۴۱-۳۴۰ / ۱۶، ۱۵۴-۱۵۳ / ۱۳، ۴۹، ۷ / ۳۹۱، ۱۱۱، ۱۲، ۶ / ۴۷۹، ۴ / ۵۱، ۲ / ۴۳۷، ۴۳۶-۴۱۸، ۴۱۷-۴۱ / ۱)، روضات الجنات (۱۲-۱۰ / ۴)، ریاض العلماء (۲۸۵-۲۸۴ / ۲)، ریحانه (۴۱۳-۴۱۲ / ۴، ۵۹، ۲ / ۲)، الکنی و الالقب (۵۲ / ۳)، معجم المؤلفین (۳۸ / ۱۰).

قاضی سعیدی، کبری

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیهوشی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی بیهوشی از دانشگاه Dowstate Med.center نیویورک آمریکا به مدت سه سال.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بیهوشی، مراقبت‌های ویژه، تحقیق در مورد Pine Mechanism، استاد راهنمای ۶ پایان‌نامه دکتر.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

طب، بیهوشی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

بیهوشی، مراقبت‌های ویژه، تحقیق در مورد مکانیسم ایجاد درد.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

قاضی سعیدی، کیومرث

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: پاتولوژی، دانشکده: بهداشت، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی در رشته پاتوبیولوژی (میکروبیولوژی) و ماستر بهداشت عمومی از دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران

در سال ۱۳۶۱.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۶۱، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۶۹.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

میکروباکتریومها (سل، جذام و میکروباکتریومهای محیطی) عفونتهای روده‌ای، عفونتهای تنفسی، پیشگیری بیماری جذام در

آذربایجان شرقی، گیلان و خراسان، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۲۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

میکروباکتریومهای محیطی در ایران، بیماری زائی میکروباکتریومهای محیطی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۸، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

میکروباکتریومها (سل، جذام و میکروباکتریومهای محیطی)، عفونتهای روده‌ای، عفونتهای تنفسی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

قاضی صاعد استوایی نیشابوری، ابوالعلاء صاعد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۳۲ / ۴۳۱ - ۳۴۳ ق)، قاضی، فقیه حنفی، محدث و شاعر. ملقب به عمادالاسلام. در استوا، یکی از روستاهای نیشابور، به دنیا آمد. شیخ حنفیان و رئیس آنان و قاضی نیشابور بود و ریاست اصحاب رأی خراسان به وی منتهی می‌شد. چون چهره‌ای زیبا داشت به ماه نیشابور ملقب شد. علوم ادبی را در نزد پدر آموخت، سپس از محضر ابوبکر خوارزمی استفاده نمود. فقه و حدیث را از ابوعمر و اسماعیل بن نجید نیشابوری و بشر بن احمد اسفراینی و عبدالله بن محمد بن علی زیاد نیشابوری شنید. در جوانی حج گزارد و به عراق رفت و در کوفه از علی بن عبدالرحمان بکائی حدیث شنید. خطیب بغدادی و قاضی صاعد بن سیار و ابوالحسن علی بن محمد شعری از وی حدیث شنیدند. قاضی صاعد مقام فقهاتی و قضایی والایی داشت و در حوزه‌ی درس او اغلب علمای عصر شرکت می‌کردند. او افزون بر فقه و حدیث در شعر و ادب نیز تبحر داشت و در این رشته جانشین ابوبکر محمد عباسی خوارزمی بود. به آورده‌ی بیهقی وی استاد مسعود و محمد غزنونی است و بعدها پس از به حکومت رسیدن مسعود بسیار مورد توجه او قرار گرفت. در نیشابور درگذشت. از آثار وی کتاب «الاعتقاد» است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: اسرار التوحید، تعلیقات (۷۰۶-۷۰۵)، الاعلام (۲۷۲ / ۳)، انساب سمعانی (۱۳۵-۱۳۴ / ۱)، تاریخ بغداد (۳۴۵- / ۳۴۴)، سیر النبلاء (۵۰۸-۵۰۷ / ۱۷)، شذرات الذهب (۲۴۸ / ۳)، العبر (۲۶۴ / ۲)، کشف الظنون (۱۳۹۳)، معجم المؤلفین (۳۱۹- / ۳۱۸)، هدیه العارفین (۴۲۱ / ۱).

قاضی طباطبایی، باقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۶-۱۲۸۵ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی و مجتهد امامی. در تبریز به دنیا آمد و مقدمات و مبادی فقه و اصول و کلام و معقول را از علمای زادگاهش همچون آقا میرزا محمود اصولی و حاج میرزا محمدعلی قراجه‌داغی و آقا سید علی یزدی تحصیل کرد. در ۱۳۰۸ ق برای تکمیل تحصیلات به عتبات عالیات رفت و در محضر میرزای بزرگ شیرازی در سامراء حضور یافت، سپس وارد نجف شد و در حوزه‌ی درس آیت‌الله حاج میرزا حبیب‌الله رشتی و فاضل شریانی و آقا شیخ محمد باقر اصطهباناتی و آخوند ملا اسماعیل قراباغی شرکت کرد. درس اخلاق را نزد آخوند ملا حسینقلی همدانی فراگرفت. سرانجام به تبریز بازگشت و بعد از چند سال اقامت به نجف عودت نمود و از درس و بحث آیت‌الله آقا سید محمد کاظم یزدی و شریعت اصفهانی استفاده کرد، تا در ۱۳۲۴ ق به تبریز مراجعت نمود. به مدت چهل سال در نهایت عزت و احترام به خدمات دینی مشغول بود. قاضی طباطبائی از آیت‌الله علامه‌ی یزدی و فاضل شریانی اجازه‌ی اجتهاد داشت و از آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی روایت می‌کرد. وی در تبریز وفات یافت و در قم دفن شد. از آثارش: حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری، به نام «مخزن الفوائد فی حاشیه الفرائد»؛ «الدرر الغریبه فی

الفوائد العلمیه؛ حاشیه بر «فصول الاصول»؛ «التقریرات» اساتیدش: میرزای رشتی، سید یزدی طباطبائی و شیخ الشریعه اصفهانی؛ حواشی بر «مکاسب»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۵۳۴-۵۳۳ / ۳)، الذریعه (۲۲۸ / ۲۰، ۱۲۸، ۸ / ۱۶۵، ۶ / ۳۷۱، ۴)، ریحانه (۴۰۵-۴۰۴ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۷ / ۱۴)، علماء المعاصرین (۲۴۰)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۲۶-۳۲۵ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / قاضی)، معجم المؤلفین (۳ / ۳۶).

قاضی طباطبایی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۴-۱۲۹۰ ش)، استاد دانشگاه، مورخ و مصحح. قاضی از ۱۳۳۴ ش متصدی کرسی زبان عربی در دانشکده‌ی ادبیات تبریز شد. تسلط وی به تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام زبانزد اکثر دانشگاهیان بود. از آثار وی: تصحیح و تحشیه «تجربه الاحرار و تسلیه الابرار»، عبدالرزاق بیگ دنبلی؛ حواشی و تعلیقات بر «تجارب السلف». از وی مقالات بسیاری در نشریه‌های کتابخانه‌ی ملی تبریز و دانشکده‌ی ادبیات تبریز به چاپ رسیده که از آن جمله: «به یاد مرحوم سید هادی سینا»؛ «کتاب و اهمیت آن در جامعه‌ی امروزی»؛ «محضر و محضرهای تاریخی»؛ «داستان یک مناظره‌ی ادبی»؛ «اشتباهات تاریخی تجارب السلف»؛ «خاطراتی چند از استاد عبدالرسول خیامپور»؛ «حکم استیناف ضیاء العلماء» را می‌توان نام برد. [۱]

ادیب، مدرس.

تولد: ۱۲۹۵.

درگذشت: ۱۸ اسفند ۱۳۶۴، تهران.

سید حسن قاضی طباطبایی از سال ۱۳۳۴ متصدی کرسی زبان عربی در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تبریز شد. وی بیش از چهل سال به تدریس در دبیرستان‌ها و دانشگاه تبریز مشغول بود و مقالات تحقیقی و انتقادی وی در نشریه‌ی «دانشکده‌ی ادبیات تبریز» و «کتابخانه‌ی ملی تبریز» چاپ می‌شد. از جمله آثار اوست: تعلیقات و حواشی تجارب السلف (۱۳۵۱) و تجربه‌ی الاحرار و تسلیه‌ی الابرار (اثر عبدالرزاق بیگ دنبلی در دو جلد، ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] نشر دانش (س ۶، ش ۳، ص ۸۸).

قاضی طباطبایی، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم ربانی.

تولد: ۱۲۸۹ (۱۳۳۱ ق.)، تبریز.

شهادت: ۱۰ آبان ۱۳۵۸، تبریز.

آیت‌الله محمدعلی قاضی طباطبایی، فرزند سید باقر از علمای آذربایجان، تحصیلات مقدماتی علوم دینی در مدرسه‌ی طالبیه تبریز و نیز پدر و عمویش اسدالله قاضی طباطبایی گذراند.

ایشان در سال ۱۳۴۷ ق. مقارن با قیام مردم تبریز به سبب شرکت در مبارزات به دستور رضاشاه به همراه پدرش از تبریز اخراج گردید، مدت دو ماه در تهران سکنی گزید و پس از آن محل تبعید آنها به مشهد تعویض گردید و پس از یک سال اقامت در مشهد به آذربایجان مراجعت نمود و به بحث و خدمات دینی دیگر مشغول شد. وی در سال ۱۳۵۹ ق. برای تکمیل درس خود به قم رفت و از محضر اساتید حوزه‌ی علمیه‌ی قم استفاده برد از جمله فلسفه و خارج علل اصول را از امام خمینی (ره) فراگرفت. پس از آن تکمیل متون فقه و اصول و علم و علم درایه و رجال را نزد آیت‌الله سید محمدرضا گلپایگانی و آیت‌الله سید محمدحجت کوه‌کمره‌ای فراگرفت. در همین زمان مدتی نزد آیت‌الله سید حسن صدر به تحصیل پرداخت.

آیت‌الله محمدعلی قاضی طباطبایی با تکمیل سطوح در قم، در سال ۱۳۲۷ عازم حوزه‌ی علمیه‌ی نجف گردید. پس از سه سال تحصیل نزد آیت‌الله حکیم، آیت‌الله عبدالحسین رشتی، علامه محمد حسین کاشف الغطاء آیت‌الله میرزا باقر زنجانی و آیت‌الله حسن بجنوردی به ایران بازگشت به تبریز رفت.

در تبریز، در کنار فعالیت تحقیق و تألیف و امامت دو مسجد، به فعالیت سیاسی به ویژه در فاصله ۱۳۳۱ تا ۱۳۴۱ در تبریز به فعالیت علیه رژیم پرداخت. فعالیت‌های سیاسی وی همزمان با قیام مردم در سال ۱۳۴۲ ابعاد دیگری یافت. در سیزدهم آبان همان سال به عنوان رهبر نهضت مذهبی در آذربایجان دستگیر و ابتدا به پادگان زرهی تهران فرستاده شد و سپس در زندان قزل قلعه‌ی تهران به مدت دو ماه و نیم زندانی گردید. پس از آن به سلطنت‌آباد تهران منتقل شد. پس از چند روز با ضمانت برادرش آزاد شد که آزادی وی با قید ممنوع‌الملاقات توأم بود و مأموران ساواک در اجرای این امر نظارت داشتند. پس از چهار ماه به قم می‌روند تا امام خمینی (ره) را در این هنگام آزاد شده بود ملاقات کند.

وی پس از دیدار با امام خمینی به مشهد رفت و از آنجا که هنوز در تبعید بود بی‌اجازه رژیم تهران را ترک گفت و به تبریز رفت در تبریز مورد استقبال مردم قرار گرفت و به همین سبب همان شب در منزلش دستگیر و به سلطنت‌آباد تهران منتقل شد. بعد از مدتی با وساطت آیت‌الله سید محمدهادی میلانی آزاد شد. سپس به تبریز مراجعت کرد اما این آزادی وی مدت زیادی طول نکشید زیرا پس از چند روز اقامت در تبریز دستگیر شد و به تهران منتقل گردید. در تهران به سبب کسالت مدت شش ماه در بیمارستان مهر بستری و در عین حال تحت مراقبت شبانه‌روزی ساواک بود. پس از مرخصی از بیمارستان در یازدهم آذر ۱۳۴۳ پس از یک سال تبعید و دستگیری‌های مکرر به عراق تبعید شد.

مدت تبعید در نجف فرصتی پیش آورد تا بیشتر به تحصیل بپردازد و همچنین در این مدت با امام خمینی که مدتی قبل از ایشان به عراق تبعید گردیده بود ارتباط نزدیک داشته باشد. آیت‌الله قاضی طباطبایی پس از یک سال و نیم اقامت اجباری در عراق به ایران و تبریز مراجعت نمود اما مبارزه خود را علیه نظام پهلوی به ویژه در مساجد مقبره و شعبان تبریز ادامه داد تا اینکه در روز عید فطر سال ۱۳۴۷، یعنی سی‌ام آذر، به جرم مخالفت با رژیم و اظهار مطلبی علیه رژیم اشغالگر قدس دستگیر و به بافت کرمان به مدت شش ماه تبعید گردید. پس از پایان مدت تبعید از مراجعت آیت‌الله قاضی جلوگیری و مجدداً در تیر ۱۳۴۸ به زنجان تبعید شد. اما وی بدون توجه به دستور تبعید به سوی تبریز رفت که در روز یازدهم تیز به بوستان‌آباد در شصت کیلومتری تبریز رسیده بود که رژیم خبردار شد و ایشان را به زنجان بازگرداند. محل استقرار ایشان در زنجان منزل امام جمعه‌ی وقت بود. ایشان همچنان در زنجان تحت نظارت ساواک قرار داشت. مدت تبعید ایشان در زنجان فقط چهار ماه طول کشید و با وساطت علمای بزرگ از تبعید آزاد و در تاریخ بیست و نه آبان ۱۳۴۸ به تهران و سپس در تاریخ ششم آذر ۱۳۴۸ به تبریز مراجعت کرد. در تبریز در کنار تدریس

و تألیف همچنان به مبارزه ادامه داد و در عین حال دائما تحت نظر ساواک قرار داشت. در این سال‌ها منزل وی یکی از محل‌های توزیع بیانیه‌ها، نوارها و رساله‌های امام بود. در سال ۱۳۵۶ در تظاهراتی در بیست و نه بهمن به مناسبت چهلم شهدای نوزده دی قم برگزار شد که در آن رهبری آیت‌الله قاضی و نفوذ وی در میان راهپیمایان آشکار بود. ایشان در مدت یک سال پیش از انقلاب فعالیت‌های مستمری علیه رژیم پهلوی داشت.

با پیروزی انقلاب اسلامی، از سوی رهبر انقلاب به امامت جمعه تبریز منصوب و به عنوان نماینده حضرت امام (ره) در تبریز انتخاب شد.

عنوان‌های برخی از نوشته‌های ایشان به این شرح است: الاجتهاد و التقليد (عربی و خطی)؛ الفوائد (فقهی و تاریخی)؛ خاندان عبدالوهاب (فارسی، خطی)؛ کتاب فی علم الکلام (عربی، خطی)؛ فصل الخطاب فی تحقیق اهل کتاب (عربی خطی)؛ السعاده فی الاهتمام علی الزیارة (عربی، خطی)؛ اجوبه الشبهات الواهیه (فارسی، خطی)؛ رساله فی اثبات وجود الامام (ع) فی کل زمان (عربی، خطی)؛ سفرنامه بافت (فارسی، خطی)؛ المباحث الاصولیه (عربی، خطی)؛ حاشیه بر رسائل و مکاسب شیخ مرتضی انصاری و کفایه الاصول محمد کاظم بن حسین آخوند خراسانی؛ تقریرات اصول آیت‌الله سید محمد حجت کوه کمره‌ای؛ تاریخ قضاء در اسلام؛ صدقات امیرالمؤمنین و صدیقه طاهر علیهما السلام؛ حدیقه الصالحین؛ رساله در دلالت آیه تطهیر بر اهل بیت (علیهم السلام)، رساله در اوقات نماز؛ رساله در نماز جمعه، رساله در مباحله، رساله فی مسأله الترتیب؛ تعلیقات بر کتاب فردوس اعلی تألیف شیخ کاشف الغطاء (عربی و مطبوع)؛ تحقیق درباره روز اربعین حضرت سیدالشهداء (ع) (فارسی و مطبوع)؛ تعلیقات بر کتاب انوار نعمانیه تألیف آیت‌الله جزایری (عربی و مطبوع)؛ مقدمه مفصل، تعلیقات و مؤخره بر تفسیر جوامع الجامع (عربی و مطبوع)؛ تعلیقات بر کتاب اسلام صراط المستقیم (فارسی و مطبوع)؛ آثار تاریخی آیت‌الله طباطبایی حکیم قدس سره (فارسی و مطبوع)؛ تعلیقات بر کتاب کنز العرفان (عربی و خطی)، مقدمه بر کتاب صحائف الابرار کاشف الغطاء (ره)، مقدمه بر تنقیح الاصول مرحوم متوفی، مقدمه بر کتاب مرآت الصلوة، پیشگفتار بر علم امام علامه طباطبایی؛ مقدمه بر کتاب معجزه و شرایط آن تألیف محمد آصفی؛ مقدمه بر کتاب جنه الماوی اثر کاشف الغطاء؛ اللوامع الالهیه فی المباحث الکلامیه اثر علامه حلی؛ مقدمه، تصحیح و تعلیق بر انیس الموحدین اثر علامه حاج مهدی نراقی؛ تحقیق در ارث زن در دارایی شوهر (تنظیم از بیانات ایشان) به کوشش محمد آصفی؛ علم الامام (ع) به زبان عربی (ترجمه به فارسی از محمد آصفی)؛ مقدمه بر العقائد الوثنیه فی الدیانه النصرانیه اثر محمد طاهر التنیر، چاپ بیروت (این کتاب در سال ۱۳۹۱ ق. در تهران افست گردید)؛ ترجمه مسائل قندهاریه (اثر شیخ محمد حسین کاشف الغطاء)؛ مقالات متعدد و کثیر در مجلات عربی در صیدا (لبنان).

اجازه روایت ایشان را افراد زیر امضا نموده‌اند: آیت‌الله مرتضی چهرگانی؛ پدر ایشان، آیت‌الله محمدباقر طباطبایی؛ بانو علویه هاشمیه؛ آیت‌الله سید محمد حجت کوه کمره‌ای؛ آیت‌الله سید صدرالدین صدر موسوی؛ علامه محمدحسین کاشف الغطاء آیت‌الله سید محسن طباطبایی حکیم؛ آیت‌الله سید محمد جواد طباطبایی تبریزی؛ آیت‌الله سید محمد هادی میلانی؛ امام خمینی (ره)؛ علامه آیت‌الله حسن بجنوردی آیت‌الله العظمی گلپایگانی؛ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی؛ آیت‌الله محمد حسینی شاهرودی؛ آیت‌الله عبدالنبی عراقی؛ علامه سید محمدحسین طباطبایی تبریزی؛ آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی.

آیت‌الله قاضی طباطبایی در دهم آبان ۱۳۵۸ توسط گروه فرقان ترور شد و به شهادت رسید و در مسجد مقبره به خاک سپرده شد. سید محمد علی قاضی طباطبائی ابن العلامه العلام حاج میرزا باقر آقای قاضی بن السید الجلیل و الفقیه النبیل آیه الله حاج میرزا محمد علی بن العلامه الکبری آقا سید میرزا محسن آقای قاضی طباطبائی که ابا عن جد از علماء و اساتید بزرگ تا بحضرت امام حسن مجتبی علیه السلام بوده و شرح سلسله نسب ایشان در کتاب خاندان (عبدالوهاب) مشروحا بیان شده است.

وی در سال ۱۳۳۳ قمری در تبریز متولد و در مهد علم و شرف نمو یافته و پس از رشد و تربیت در حجر مرحوم والد ماجد خود و

استفاده خصوصی از ایشان و عم گرامش مرحوم آیه الله حاج میرزا اسدالله قاضی طباطبائی متوفی ۱۳۴۸ قمری وارد مدرسه طالبیه تبریز شده و مقدمات و ادبیات و سطوح اولیه و وسطی را با سطوح عالی نزد مرحوم والد مکرم خوانده و در سال ۱۳۵۷ در موقع انقلاب و شورش اهالی تبریز به اتفاق والدش تبعید به تهران و پس از چند ماه توقف در تهران و ری مراجعت به تبریز نمود تا سال ۱۳۵۹ که برای تکمیل مبانی علمی به حوزه قم مشرف شده و از محضر اساتید بزرگ حوزه چون آیه الله گلپایگانی بقیه متون فقه و اصول را خوانده و معقول را از محضر آیات دیگر فرا گرفته و پس از آن از محضر مرحوم آیه الله حجت فقها و اصولا و هم درایه و رجال و غیر این‌ها را استفاده نموده و هم از محضر آیه الله صدر و پس از ورود آیه الله بروجردی پنج سالی هم از دروس آن جناب بهره‌مند شده تا سال ۱۳۶۹ قمری که مشرف به نجف گردیده و در آنجا از محضر آیه الله حکیم و آیه الله حاج شیخ محمد حسین کاشف الغطاء استفاده‌های متنوع از فقه و اصول و حکمت و غیره نموده تا اواخر سال ۱۳۷۲ که روی بعضی از دسایس دشمنان دین مراجعت به تبریز و به انجام وظائف و خدمات و مجاهدات و مبارزات با بیدادگران و اقامه جماعت و غیر آن پرداخته است. آن جناب از غالب مراجع عظام و مشایخ کرام عصر حاضر از اساتید و غیر هم دارای اجازات جامع روایتی و غیره می‌باشد که برای اختصار از درج آن خودداری می‌نمایم.

تألیفات و آثار قلمی ایشان از مطبوع و غیره بقرار ذیل است:

- ۱- رساله فارسی در ترجمه آخوند ملا عبدالرزاق لاهیجی صاحب گوهر مراد ۲- تقریرات اصول آیت الله حجت. ۳- تقریرات فقه آن مرحوم. ۴- تاریخ قضاء در اسلام بفارسی ۵- کتاب صدقات امیرالمؤمنین و صدیقه طاهره علیهما السلام بفارسی ۶- حدیقه الصالحین که در ج ۶ کتاب الذریعه الی تصانیف الشیعه ص ۳۷۸ ذکر شد ۷- تقریرات دروس اساتید نجف ۸- المقالات مجلیدیست مشتمل بر مقالات عربی که تدریجا در مجله (الفرمان) مطبوعه صید المنان منتشر شده. ۹- خاندان عبدالوهاب تراجم انساب خود آن جناب. ۱۰- رساله در شرح و تحقیق درباره حدیث شریف (من صام یوما فی سبیل الله تعالی کان کعمل سنه یصومها) ۱۱- الاجازات که مشتمل بر اجازه علماء و فوائد بسیاریست ۱۲- ترجمه مسائل فندهاریه از تصانیف آیه الله کاشف الغطاء مد ظله رحمه الله. ۱۳- کتابی درباره تحقیق از هر کتاب که عبادت از کدام طوائف‌اند و راجع بنجاست اهل کتاب و راجع بانبیاء از نظر اسلام. ۱۴- تعلیقات بر انوار نعمانیه طبع تبریز در ۴ جلد. ۱۵- تعلیقات و اضافات بر کتاب انیس الموحدین علامه نراقی که بطبع رسیده است ۱۶- کتابی درباره تعیین اربعین حضرت سیدالشهداء علیه السلام ۱۷- رساله بسیار لطیفی عربی در اثبات وجود امام علیه السلام در هر زمان. ۱۸- سفرنامه بافت.

۱۹- الفوائد در مطالب علمی و فوائد فقهی و تفسیری و رجالی و غیره در جلد بزرگی.

(۱۳۳۳- شهادت ۱۳۹۹ ق)، فقیه، عالم امامی و شاعر. نسب وی به حضرت امام حسن (ع) می‌رسد. در تبریز به دنیا آمد. از محضر پدرش، میرزا باقر، و عمویش، حاج میرزا اسدالله قاضی طباطبائی، استفاده نمود. در مدرسه‌ی طالبیه‌ی تبریز مقدمات و ادبیات و سطوح اولیه و وسطی یا سطوح عالی را نزد پدرش خواند. در ۱۳۵۷ ق به هنگام انقلاب و شورش اهالی تبریز به همراه پدرش به تهران تبعید شد و پس از چند ماه توقف در تهران و ری مجدداً به تبریز بازگشت. در ۱۳۵۹ ق برای تکمیل مبانی علمی به حوزه قم رفت و در محضر استایدی چون آیت‌الله گلپایگانی فقه و اصول را خواند و معقول را از محضر آیات دیگر فراگرفت. پس از آن از محضر آیت‌الله حجت در فقه و اصول و درایه و رجال و از محضر آیت‌الله صدر و همچنین به مدت پنج سال از محضر آیت‌الله بروجردی استفاده نمود. در ۱۳۶۹ ق به نجف رفت و از محضر آیت‌الله حکیم و آیت‌الله حاج شیخ عبدالحسین رشتی و آیت‌الله آقا میرزا باقر زنجانی و آیت‌الله بجنوردی و آیت‌الله حاج شیخ محمد حسین کاشف الغطاء در فقه و اصول و حکمت و غیره استفاده

نمود، و از اساتیدش صاحب اجازه بود. در ۱۳۷۲ ق به تبریز بازگشت، و به وظایف دینی و اقامه جماعت مشغول شد. از آثار وی: «تقریرات اصول» آیت‌الله حجت؛ «تقریرات فقه» آیت‌الله حجت؛ «تاریخ قضاء در اسلام»، به فارسی؛ «حدیقه الصالحین»؛ «المقالات»، مجلدی مشتمل بر مقالات عربی؛ ترجمه‌ی «مسائل قندهاریه» آیت‌الله کاشف الغطاء؛ «الفوائد»، مشتمل بر «مطالب علمی و فوائد فقهی و تفسیری و رجالی؛ تعلیقات و اضافات بر کتاب «انیس الموحدین» علامه نراقی؛ «تحقیق درباره‌ی روز اربعین حضرت سیدالشهداء (ع)»، که در تألیف آن از بیش از چهارصد و پنجاه عنوان کتاب استفاده شده است. [۱]

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۳۸۸-۳۸۷ / ۶)، کیهان فرهنگی (س ۱، ش ۸، ص ۴۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۲۵-۳۲۲ / ۳).

قاضی عسکر، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی قاضی عسکر

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۳/۵

زندگینامه علمی اینجانب سید علی قاضی عسکر در روز پنجم خرداد ماه یک هزار و سیصد و سی و سه شمسی برابر با ۲۳ رمضان المبارک ۱۳۷۳ هجری قمری در یک خانواده مذهبی در خیابان مسجد سید اصفهان متولد شدم. تحصیلات دوره ابتدایی را در دبستان جعفری وابسته به تعلیمات اسلامی که در محله بیدآباد اصفهان واقع شده بود سپری کردم و دوره راهنمایی را نیز در مدرسه احمدیه که مدیریت آن را یک نفر روحانی به نام حجت الاسلام آقای سید ابوالحسن بدری بعهده داشت گذراندم. پدرم آقای حاج سید مصطفی قاضی عسکر که کارمند کارخانه صنایع پشم اصفهان و از مقلدان حضرت امام خمینی (ره) بود بسیار علاقه داشت تا یکی از فرزندان خود را به حوزه فرستاده تا دروس حوزوی بخواند، از این رو در سن ۱۵ سالگی وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و جامع المقدمات را آغاز کرده از اساتید بزرگوار آن حوزه بهره مند شدم. سپس با گذشت یک سال به دلیل آوازه و شهرتی که قم داشت تصمیم گرفتم به قم آمده و در حوزه کهن قم ادامه تحصیل دهم در قم به ترتیب در مدرسه مومنیه واقع در خیابان چهارمردان، مدرسه آیت الله نجفی مرعشی واقع در خیابان ارک قم، مدرسه فیضیه و سپس در مدرسه حجتیه سکونت داشتم. دروس مقدماتی را از محضر اساتید بزرگوار از جمله مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقای کافی اصفهانی، مرحوم شهید حجت الاسلام و المسلمین آقای سید حسن بهشتی طاب ثراه امام جمعه موقت اصفهان پس از انقلاب که به دست منافقین به شهادت رسیدند، حجت الاسلام و المسلمین آقای حجازی اصفهانی، مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقای یحیی سلطانی و ... فرا گرفتم. سپس به درس مرحوم آیت الله ستوده، آیت الله خزعلی، آیت الله انصاری شیرازی حاضر شدم و مکاسب را در درس آیت الله حاج شیخ یوسف صانعی و کفایه را در محضر حضرت آیت الله فاضل لنکرانی بهره گرفتم. و سپس در درس خارج آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله منتظری، آیت الله حاج شیخ جواد تبریزی حاضر شده سالها از محضر این اساتید بهره مند شدم در درس تفسیر و اخلاق از محضر آیت الله مشکینی استفاده کردم در درس تخصصی مرحوم شهید آیت الله مرتضی مطهری که در مسجد

ارک قم برگزار میشد شرکت داشتم و بخشی نیز از محضر آیت الله جوادی آملی استفاده کرده ام و بر اساس تاییدیه مکتوبی که از اساتید بزرگوار و اعزه همچون حضرت آیت الله فاضل لنکرانی، حضرت آیت الله سبحانی، حضرت آیت الله خاتم یزدی، حضرت آیت الله محمد حسن قدیری و ... دارم بیش از ده سال از دروس خارج حوزه استفاده کردم. بنده از ابتدای تکلیف مقلد حضرت امام خمینی (ره) بودم و از آنجا که پدرم در حادثه ۱۵ خرداد در قم حضور داشت و شاهد حمله کماندوهای رژیم پهلوی به مدرسه فیضیه و شهادت و مجروحیت طلاب و روحانیون حوزه علمیه بود و با روحانیون مبارزه و تلاشگر مانوس بود بطور طبیعی اینجانب از همان سال اول تحصیل با قیام حضرت امام همراه شدم، در همان سال اول طلبگی در مدرسه ملا عبدالله گاهی شبها نوارهای کاست که از نجف ارسال شده بود را همراه با تنی چند از طلاب آن روز مدرسه که حاوی سخنرانیهای امام خمینی (ره) بود استماع و در توزیع اعلامیه های ایشان مشارکت داشتم، و پس از آنکه به قم آمدم این فعالیتها ادامه یافت و با اکثر چهره های انقلابی حوزه آشنا و همراه شدم.

قاضی عسکر، محمد حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

معروف به داور پناه. عالم فاضل، و محقق جلیل، در خوانسار متولد گردیده، و در محل تولد خود و اصفهان و نجف تحصیل کرد، مجتهدی عالی مقدار، و مدرسی کامل بود. در فقه و اصول و ادبیات در حدود سطوح و خارج تدریس می فرمود، و در کشف معضلات علوم، ید بیضا می نمود. سالها در مدرسه‌ی درکوشک، فرائد و متاجر و کفایه مباحثه می نمود، جمعی از افاضل این شهر خدمت او تحصیل نموده‌اند.

از بدو تشکیل مدارس جدید به خدمت فرهنگ وارد شده، و بدین جهت مقامات علمی مشارالیه مجهول ماند، و آن طور که باید و شاید از ایشان استفاده نگردید.

در ارتش سالها به عنوان قاضی عسکر خدمت می نمود.

نگارنده مدتی از محضر ایشان در علوم عربیت استفاده نموده است.

در رجب سال ۱۳۸۲ به سن متجاوز از هشتاد وفات یافته، در این تکیه در بقعه‌ای مخصوص مدفون گردید.

بر گرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قاضی فضل خنجی اصفهانی

قرن: ۱۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن روزبهان معروف به باشا و ملقب به امین.

فقیه ادیب ناصبی [؟] متعصب. وی را کتب و رسائلی است، از آن جمله است:

۱- ابطال الباطل، در رد نهج الحق علامه‌ی [حلی] و آن را علامه‌ی فقیه شهید قاضی نورالله شوشتری رد نموده، و آن را احقاق الحق

نامید ۲- المقاصد در علم کلام] ۳- شرح صلوات بر چهارده معصوم؛ و غیره.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قاضی کمره‌ای، جعفر

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم فاضل محقق، استاد علمای زمان، و مرجع فتوی و احکام بوده، در خدمت آقا حسین خوانساری، و ملا محمدباقر سبزواری، و ملا محمدتقی مجلس تلمذ نموده، و سال‌ها منصب قضاوت اصفهان را داشته؛ بر بسیاری از کتب حواشی و شرح نوشته، از آن جمله است:

۱ - حواشی و تعلیقات بر شرح لمعه ۲ - حواشی بر کفایه‌ی سبزواری ۳ - رساله در اصول دین، فارسی ۴ - ذخائر العقبی، در تعقیبات ۵ - وجیزه، در حکم ولایت وصی بر نکاح صغیر؛ و غیره.
وفاتش در ۱۱۱۵ در مسافرت حج در عراق روی داده است، و در نجف مدفون گردیده.
برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قاضی نوری، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: دندان پزشکی، دانشکده: دندان پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

گذراندن دوره یک ساله دکترای دندان پزشکی و اندودانتیکس در دانشگاه ایلینویز در شیکاگو آمریکا.
مرتبه علمی:

دانشیار گروه اندودانتیکس دانشکده دندان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بیماریهای پالپ و پری اپیکال، میکروبیولوژی در اندودانتیکس، آناتومی داخلی دندانها، مقایسه آماری درمان اندودانتیکس، استاد راهنمای ۲۲ پایان‌نامه دکترا و ۵ پایان‌نامه دکترای تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

آناتومی داخلی دندانها و طرز تهیه حفره‌های اندودانتیک.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۶، تعداد مقالات به زبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

اندودانتیکس.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

قاضی یزدی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم ق)، عالم امامی و مفسر. احتمالاً وی از سادات و به هر حال از بزرگان علمای امامیه قرن یازدهم هجری است. لقب اصلی او قاضی است. از آثار وی: شرح «آیات الاحکام»، به فارسی موسوم به «تفسیر قطب شاهی» که تفسیر پانصد آیه احکام قرآنی است که به نام سلطان محمد قطب شاه تالیف شده است؛ تفسیر آیه «و جزاء سیئه سیئه مثلها»؛ شرح حدیث «ان الله لا یجمع امتی علی ضلاله»؛ رساله‌ای در «الجمع بین قول النبی (ص): ما عرفناک حق معرفتک، و قول امیرالمومنین (ع): ما شککت فی الحق منذ رایته، و لو کشف الغطاء ما ازددت یقینا».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۳۰/۷)، الذریعه (۱۳۴/۵، ۳۰۲-۳۰۱/۴)، ریحانه (۱۷۴-۱۷۳/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۵۵/۱۱).

قاضی، باقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید باقر بن العالم الجلیل آقا میرزا محمد علی متوفی ۱۳۱۲ بن الایه العظمی آقا حاج میرزا محسن آقا قاضی طباطبائی در سال ۱۲۸۵ در تبریز متولد و مقدمات و مبادی فقه و اصول و کلام و معقول را از علماء و فضلاء تبریز مثل آقا میرزا محمد و اصولی و حاج میرزا محمد علی قراچه داغی و آقا سید علی یزدی صاحب رسائل مظفری و معاصرین دیگر ایشان تحصیل نموده و در سال ۱۳۰۸ به عتبات عالیات مشرف و بعد از درک حضور امام مجدد شیراز در سامری وارد نجف و در حوزه درس آیه الله حاج میرزا حبیب الله رشتی و فاضل شریانی و آقا شیخ محمد باقر اصطهبانی و صاحب الکرامات آخوند ملا اسمعیل قراباغی و در اخلاق در حوزه آخوند ملا حسینقلی همدانی حاضر بودند و به جهت بعضی دواعی و پیشامدها به تبریز مراجعت و بعد از دو سه سال باز توفیق رفیق گشته معاودت به نجف نموده و به بحث آیه الله آقا سید محمد کاظم یزدی و استاد کل شیخ الشریعه اصفهانی حاضر شده تا در سال ۱۳۲۴ ق به تبریز مراجعت فرمودند.

وی اجازاتی از مرحوم آیت الله یزدی و فاضل شریانی داشته و از بعضی از معاصرین خود چون آیت الله العظیم اصفهانی روایت می‌کند.

تألیفات آن مرحوم عبارت است از حاشیه بر رسائل شیخ انصاری و حاشیه بر فصول و حواشی بر مکاسب و کتابی در اصول آداب

تقریرات اساتیدشان می‌باشد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

قاضی، زاهدی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سرسلسله قاضی زاهدیها مردی بزرگوار و فقیهی پرهیزکار و از نامداران روزگار بوده از طرف سلاطین صفویه برای قضاوت شرعی بین مردم گلپایگان و نواحی آن منصوب گردیده و شیخ الاسلام عهد و زمان خود بوده و چون در زهد و علم و ورع و تقوا به پایه اعلی رسیده مشهور به قاضی زاهد گردیده.

بیت چند صدساله او بیت علم و تقوا و فضیلت است و از باقیات الصالحات اوست مقبره و پل قاضی زاهد.

حضرت آیت الله العظمی مرعشی مدظله می‌فرمودند معظم‌له از رجال برجسته علم و فضیلت و دارای مؤلفانی بوده و من شرح احوال او را دیده‌ام.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

قاضی، علی آقا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج سید علی آقا قاضی فرزند حاج سید حسین قاضی است. ایشان در سیزدهم ماه ذی الحجّه الحرام سال ۱۲۸۲ هـ.ق. از بطن دختر حاج میرزا محسن قاضی، در تبریز متولد شد و او را علی نام نهادند، بعد از بلوغ و رشد به تحصیل علوم ادبیه و دینیه مشغول گردید و مدتی در نزد پدر بزرگوار خود و میرزا موسی تبریزی و میرزا محمد علی قراچه داغی درس خواند.

در ایشان، سید حسین قاضی، انسانی بزرگ و وارسته بود که از شاگردان برجسته آیت الله العظمی میرزا محمد حسن شیرازی بود و از ایشان اجازه اجتهاد داشت.

درباره ایشان گفته اند زمانی که قصد داشت سامرا را ترک کند و به زادگاه خویش تبریز باز گردد استادش میرزای شیرازی به وی فرمود در شبانه روز یک ساعت را برای خودت بگذار.

یک سال بعد چند نفر از تجار تبریز به سامرا مشرف می‌شوند و با آیت الله میرزا محمد حسن شیرازی ملاقات می‌کنند؛ وقتی ایشان احوال شاگرد خویش را جویا می‌شود، می‌گویند:

« یک ساعتی که شما نصیحت فرموده اید، تمام اوقات ایشان را گرفته، و در شب و روز با خدای خود مرادده دارند. » تحصیلات

سید علی قاضی از همان ابتدای جوانی تحصیلات خود را نزد پدر بزرگوار سید حسین قاضی و میرزا موسی تبریزی و میرزا محمد علی قراچه داغی آغاز کرد.

پدرش به علم تفسیر علاقه و رغبت خاص و ید طولایی داشته است، چنانکه سید علی آقا خودش تصریح کرده که تفسیر کشاف را خدمت پدرش خوانده است. همچنین ایشان ادبیات عربی و فارسی را پیش شاعر نامی و دانشمند معروف میرزا محمد تقی تبریزی

معروف به «حجة الاسلام» و متخلص به «نیر» خوانده و از ایشان اشعار زیادی به فارسی و عربی نقل می‌کرد و شعر طنز ایشان را که هزار بیت بود از بر کرده بود و می‌خواند.

ایشان در سال ۱۳۰۸ هـ.ق. در سن ۲۶ سالگی به نجف اشرف مشرف شد و تا آخر عمر آن جا را موطن اصلی خویش قرار داد. آیت الله سید علی آقا قاضی از زمانی که وارد نجف اشرف شد، دیگر از آنجا به هیچ عنوان خارج نشد مگر یک بار برای زیارت مشهد مقدس حدود سال ۱۳۳۰ هـ.ق به ایران سفر کرد و بعد از زیارت به طهران بازگشت و مدت کوتاهی در شهرری در جوار شاه عبدالعظیم اقامت گزید. اساتید

ایشان در نجف نزد مرحوم فاضل شرایبانی، شیخ محمد حسن مامقانی، شیخ فتح الله شریعت، آخوند خراسانی، عارف کامل حاج امامقلی نخجوانی و حاجی میرزا حسین خلیلی درس خواند و مخصوصاً از بهترین شاگردان این استاد اخیر به شمار می‌آمد که در خدمت وی تهذیب اخلاق را تحصیل کرد.

آقازاده سید علی آقا قاضی نقل می‌کند:

«... میرزا علی آقا قاضی بسیار از استادش میرزا حسین خلیلی یاد می‌کرد و او را به نیکی نام می‌برد و من ندیدم کسی مثل این استادش او را در شگفتی اندازد و هر وقت نام این استاد نزدش برده می‌شد به او حالت بهت و سکوت دست می‌داد و غرق تأملات و تفکرات می‌شد!»

ایشان از سن نوجوانی تحت تربیت والد گرامی، آقا سید حسین قاضی بود و جوهره حرکت و سلوک ایشان از پدر بزرگوارشان می‌باشد و بعد از آن که به نجف اشرف مشرف شدند، نزد آیت الله شیخ محمد بهاری و آیت الله سید احمد کربلایی معروف به واحد العین و به کسب مکارم اخلاقی و عرفانی پرداخت و این دو نیز از مبرزترین شاگردان ملاحسینقلی همدانی (ره) بودند.

درباره ملاحسینقلی همدانی حکایات های بس شگفت آوری نقل شده، که گویای عظمت، روح بلند و نفوذ معنوی ایشان می‌باشد. او با عشق و همت بی نظیر زمان زیادی از عمرش را به تربیت مستعدین سپری کرد تا این که توانست ۳۰۰ نفر را تربیت کند که هر یک از آنها یکی از اولیای الهی شدند، مانند شیخ محمد بهاری، مرحوم سید احمد کربلایی، مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی و ...

سلسه اساتید ملاحسینقلی همدانی به حاج سید علی شوشتری و سپس به شخصی به نام ملاقلی جولا می‌رسد.

آقا سید علی قاضی در عراق به خدمت جمعی از اکابر اولیاء رسید و از آن جمله سالهایی چند در تحت تربیت مرحوم آقا سید احمد کربلایی معروف به واحدالعین، قرار گرفت و از صحبت آن بزرگوار به درجات اولیاء ابرار ارتقاء گزید، چندان که در تهذیب اخلاق شاگردان و مریدان و ملازمان چندی را تربیت کرد.

آقا سید علی آقای قاضی درباره این استادش می‌فرماید:

«شبی از شبها را به مسجد سهله می‌گذاریدم - زاده الله شرفاً - به تنهایی به نیمه شب یکی در آمد و به مقام ابراهیم علیه السلام مقام کرد و از پی فریضه صبح در سجده شد تا طلوع خورشید. آنگاه برفتم و دیدم عین الانسان و الانسان العین آقا سید احمد کربلایی بکاء است، و از شدت گریه، خاک سجده گاه گل کرده است! و صبح برفت و در حجره نشست و چنان می‌خندید که صدای او به بیرون مسجد می‌رسید.»

آیت الله شیخ علی سعادت پرور نقل می‌کند:

«وقتی مرحوم آقا سید علی قاضی جوانی بیش نبود، پدر مرحومش آقا سید حسین قاضی که خود از دست پروردگان مرحوم عارف کامل حاج امامقلی نخجوانی بود به آقای قاضی سفارش کرده بود که هر روز به محضر استاد مشرف شده و چند ساعتی در محضرش بنشیند، اگر صحبت و کلامی شد که بهره گیرد و گرنه به صورت و هیئت استاد نظاره نماید. در آن روزها، مرض وبا در

نجف غوغا می کرد، فرزندان مرحوم آقا امامقلی نخجوانی یکی پس از دیگری در اثر مرض وبا رحلت می کردند و ایشان بدون هیچ ناراحتی و انزجار قلبی به شکرگزاری مشغول بود. وقتی از وی علت این عمل را جویا شدند فرمود:

قباله های زمین را دیده اید که وقتی کسی صاحب یکی از آنها شد، هر کاری که دلش خواست با زمین اش انجام می دهد؛ حالا هم خدای سبحان صاحب و مالک اصلی این فرزندان و همه چیز من است و هر کاری که بخواهد با آنان انجام می دهد و کسی را حق سوال و اعتراض نیست! « درجه اجتهاد

پس از اقامت در نجف اشرف، تحصیلات حوزوی خود را نزد اساتیدی از جمله فاضل شریانی، شیخ محمد مامقانی، شیخ فتح الله شریعت، آخوند خراسانی و... ادامه دادند و سرانجام کوشش های خستگی ناپذیر مرحوم آیت الله قاضی در راه کسب علم، کمال و دانش، در سن ۲۷ سالگی به ثمر نشست و این جوان بلند همت در عنفوان جوانی به درجه اجتهاد رسید. جامعیت علمی آقا سید هاشم حداد از شاگردان ایشان می فرمود:

« مرحوم آقا (قاضی) یک عالمی بود که از جهت فقهت بی نظیر بود. از جهت فهم روایت و حدیث بی نظیر بود. از جهت تفسیر و علوم قرآنی بی نظیر بود. از جهت ادبیات عرب و لغت و فصاحت بی نظیر بود، حتی از جهت تجوید و قرائت قرآن. و در مجالس فاتحه ای که احياناً حضور پیدا می نمود، کمتر قاری قرآن بود که جرأت خواندن در حضور وی را داشته باشد، چرا که اشکالهای تجویدی و نحوه قرائشان را می گفت... »

آیت الله خسروشاهی از علامه طباطبائی نقل می کردند که:

کتابهای معقول را خواندم ولی وقتی خدمت سید علی آقا قاضی رسیدم فهمیدم که یک کلمه هم نفهمیدم!

مرحوم قاضی در لغت عرب بی نظیر بود، گویند: چهل هزار لغت از حفظ داشت. و شعر عربی را چنان می سرود که اعراب تشخیص نمی دادند سراینده این شعر عجمی (غیر عرب) است. روزی در بین مذاکرات، مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالله مامقانی (ره) به ایشان می گوید:

من آن قدر در لغت و شعر عرب تسلط دارم که اگر شخص غیر عرب، شعری عربی بسراید من می فهمم که سراینده عجم است، اگرچه آن شعر در اعلی درجه از فصاحت و بلاغت باشد. مرحوم قاضی یکی از قصائد عربی را که سراینده اش عرب بود شروع به خواندن می کند و در بین آن قصیده، از خود چند شعر بالبداهه اضافه می کند و سپس به ایشان می گوید: کدام یک از اینها را غیر عرب سروده است؟ و ایشان نتوانستند تشخیص دهند.

مرحوم قاضی در تفسیر قرآن کریم و معانی آن ید طولائی داشت و علامه طهرانی از قول مرحوم استاد علامه طباطبائی می فرمودند: « این سبک تفسیر آیه به آیه را مرحوم قاضی به ما تعلیم دادند و ما در تفسیر {المیزان}، از مسیر و روش ایشان پیروی می کنیم. ایشان در فهم معانی روایات وارده از ائمه معصومین علیهم السلام ذهن بسیار باز و روشنی داشتند و ما طریقه فهم احادیث را که « فقه الحدیث » گویند از ایشان آموخته ایم. » شاگردان

آیت الله قاضی طی سه دوره، اخلاق و عرفان اسلامی را با کلام نافذ و عمل صالح خویش تدریس فرمودند و در هر دوره شاگردانی پرورش دادند که هر کدام از بزرگان وادی عرفان و اخلاق محسوب می شوند؛ و البته فقط نام تعدادی از آن ها بر ما معلوم است و این که ایشان در حقیقت چه کسانی را تا قله های بلند عرفان و معنویت بالا کشیده و از شراب گوارای معرفت بر کامشان ریختند، برای ما بصورت کامل و دقیق آشکار نیست. اما به تعدادی از آن ها که مبرز و شناخته شده هستند، اشاره می کنیم:

آیت الله شیخ محمد تقی آملی (ره)

آیت الله سید محمد حسین طباطبائی (ره)

آیت الله سید محمد حسن طباطبائی (ره)

آیت الله محمد تقی بهجت فومنی (حفظه الله)

آیت الله سید عباس کاشانی (حفظه الله)

آیت الله سید عبد الکریم کشمیری (ره)

آیت الله شهید سید عبدالحسین دستغیب (ره)

آیت الله علی اکبر مرندی (ره)

آیت الله سید حسن مصطفوی تبریزی

آیت الله علی محمد بروجردی (ره)

آیت الله نجابت شیرازی (ره)

آیت الله سید محمد حسینی همدانی

آیت الله سید حسن مسقطی (ره)

آیت الله سید هاشم رضوی کشمیری (ره)

حاج سید هاشم حداد (ره)

و ... در پی محبوب

ایشان از جوانی به دنبال تزکیه و تهذیب نفس و کسب معنویت و معارف بلند اسلام بود و در این راه چهل سال صبر و مجاهده کرد و چهل سال درد طلب و عشق، آرام و قرار و خواب و خوراک را از وی ربوده بود.

ضمیر الهی اش او را به عالم قدس می خواند و او که قصد کوی جانان را در سر دارد، می خواهد به هر نحو شده از این خاکدان طبیعت به عالم نور و ملکوت پا گذارد.

می داند که جانب عشق عظیم است و نباید به راحتی از دستش بدهد و فرو بگذاردش، برای همین چهل سال است که مشغول مجاهده است.

چهل سال است که آداب عبودیت می آموزد و هنوز معشوق به حضور خود راهش نداده است!

خود ایشان می گوید:

« نزد هر کس احتمال می دادم از او چیزی بفهمم، می نشستم اگر مطلبی را می فهمیدم، که خود خدا نعمت داده بود و اگر نمی فهمیدم دیگر به آن شخص مراجعه نمی کردم. » تقید تام به آداب شرع

برای همین آن قدر خود را به ضوابط و آداب شرع و رعایت مستحبات و ترک مکروهات ملزم ساخته بود تا امری از محبوب فرو نماند و آن قدر بر آن اصرار می کند که به حسب طاقت بشری هیچ مستحبی از او فوت نمی شود تا آن جا که بعضی از مخالفان و معاندان می گویند:

« قاضی که این قدر خود را مقتید به آداب کرده شخصی ریایی و خودنماست. »

و عده ای دیگر هم با وجود مخالفت باز نمی توانند تحسینش نکنند.

یکی از مخالفین ایشان می گوید:

« من سفر بسیار کردم، با بزرگان عالم اسلام محشور بوده ام و از احوال بسیاری از آنان بالمشاهده آگاهم اما حقیقتاً هیچ کس را همانند قاضی تا بدین حد مقتید به آداب شرع ندیده ام. »

خود ایشان می گوید:

« چون بیست سال تمام چشمم را کنترل کرده بودم، چشم ترس برای من آمده بود، چنان که هر وقت می خواست نامحرمی وارد

شود از دو دقیقه قبل خود به خود چشم‌هایم بسته می‌شد و خداوند به من منت گذاشت که چشم من بی اختیار روی هم می‌آمد و آن مشقت از من رفته بود.»

و ایشان ناامید نمی‌شود، می‌داند که طلب حقیقی جدا از مطلوب نیست زیرا که شنیده است:
«اذا تقرب الی شبراً تقربت الیه ذراعاً»

و هرگاه به اندازه یک وجب به من نزدیک شود به اندازه زراعی به او نزدیک شوم.»

این قدم‌ها باید برداشته شود و آن نزدیکی باید حاصل گردد تا زمانی که عاشق به معشوق برسد و پرده‌ها کامل برداشته شود و وصال صورت گیرد و البته معلوم است که معشوق خود در همه جا پیشقدم و مشتاق تر است.

«او نیز اطمینان دارد که باز نشدن در روحانیت، نه از ناحیه بی‌تفاتی معشوق است بلکه اگر در، بی‌موقع باز شود صد در صد خام از کار در آید!»

و بعدها آیت‌الله قاضی که خود چهل سال پشت در مانده، و صادق بودن خود را در آن عشق و محبت به محبوب و معبود ازل ثابت کرده، درس استقامت و صبوری را به شاگردانش هم می‌آموزد و چنین می‌گوید:

«اگر به جستجوی آب زمین را کنی، نباید خسته و ناامید شوی، اگر وقتش باشد به آب می‌رسی، و گرنه ناامید مشو که بالاخره به آب می‌رسی و حتی آبرایت فوران می‌کند.»

آیت‌الله نجابت از قول ایشان می‌گوید:

«چهل سال است دم از پروردگار عالم زدم. چند مرتبه خواستند مرا بکشند، آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی نگذاشت و خدا هم کمکم کرد! در این مدت نه خوابی دیدم، نه مکاشفه‌ای، نه رفیقی، نه همدردی، چهل سال است که در را می‌کوبم و خبری نیست.» صبر و استقامت چهل ساله

بیت زیر از اشعار ایشان می‌باشد:

ولا تکن کمثل من ان فتح الباب خرج

والزم و کن کمثل من ان فتح الباب ولج

اگر دری باز شد، تو بیشتر استقامت به خرج بده؛ بگو خدایا! افزونش کن؛ باید در عبودیت استقامت ورزید، یعنی صبور شد؛ اگر خواستند بکشندش، بگوید من از خدا دست بر نمی‌دارم؛ اگر نان و آبش را قطع کردند، استقامت کند، و حتی اگر دنیا جمع شود و بگویند بیا صرفنظر کن بگوید صرفنظر نمی‌کنم.

و آیت‌الله قاضی به این زودی‌ها خسته نمی‌شود.

و می‌گوید:

«هر چه بادا باد، در بحر جنون پا می‌زنم، امشب کشفی نصیبم شد شد، نشد نشد، امشب خوابی دیدم دیدم، ندیدم ندیدم، من کشف نمی‌خواهم تمام این مدت چهل سال آن هم برای زرق و برق و کشف و کرامتی چند، نه! من معرفت خودش را می‌خواهم، من خودش را می‌خواهم.»

اسم اعظم را استقامت بر وحدانیت خدای جل و علا می‌داند و می‌گوید:

«اگر شخص در طلب، استقامت پیدا کرد، اسم اعظم در روح او جا پیدا می‌کند و آن وقت لایق اسرار ربوبی می‌گردد.»

و خود چون استقامت دارد، سرانجام صدای فرشتگان را می‌شنود که:

«ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تنزل علیهم الملائکه الا تخافوا و لا تحزنوا و ابشروا بالجنه التي کنتم توعدون»

آنان که گفتند پروردگار ما الله است و بر این ایمان پایدار ماندند، فرشتگان بر آن‌ها نازل شوند که دیگر هیچ ترسی و حزن و

اندوهی نداشته باشید و شما را به همان بهشتی که وعده دادند بشارت باد. سوره فصلت آیه ۳۰. «فتح باب

آیت الله قاضی همیشه نماز مغرب و عشاء را، در حرمین شرفین امام حسین علیه السلام و حضرت ابوالفضل علیه السلام به جا می آورد، و چون به حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام می رسد، با خود می اندیشد که تا به حال در مدت این چهل سال هیچ چیز از عالم معنا برایم ظهور نکرده، هر چه دارم به عنایت خدا و به برکت ثبات است.

در راه سید ترک زبانی که دیوانه است، به طرف او می دود و می گوید؛ سید علی، سید علی، امروز مرجع اولیاء در تمام دنیا حضرت ابوالفضل علیه السلام هستند، و او آن قدر سر در گریبان است که متوجه نمی شود آن سید چه می گوید! به حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام می رود. اذن دخول و زیارت و نماز زیارت می خواند و می خواهد که مشغول نماز مغرب شود. آیت الله نجابت می گوید:

« تکبیره الاحرام را که می گوید، می بیند که وضع در اطراف حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام به طور کلی عوض می شود، آن گونه که نه چشمی تا به حال دیده و نه گوشی شنیده و نه به قلب بشری خطور کرده است. قرائت را کمی نگه می دارد تا وضع تخفیف یابد و بعد دوباره نماز را ادامه می دهد، مستحبات را کم می کند و نماز را سریع تر از همیشه به پایان می رساند. به حرم امام حسین علیه السلام نمی رود و به دنبال جایی خلوت به خانه رفته و برای این که با اهل منزل هم برخورد نکند به پشت بام می رود. آن جا دراز می کشد و دوباره آن حال می آید و بیشتر می ماند. تا اهل منزل سینی چای را می آورد، آن حال می رود. نماز عشاء را می خواند و دوباره آن وضع بر می گردد؛ چیزی که تا به حال حتی به گفته خودش یک ذره اش را هم ندیده است و حالا که دیده نه می تواند در بدن بماند و نه می تواند بیرون بیاید. دوباره که شام را می آوردند، آن حال قطع می شود و نیمه شب دوباره بر می گردد و مدت بیشتری طول می کشد. »

آری و بالاخره درهای آسمان برایش گشوده و فتح باب می شود.
می گوید:

« آن چه را می خواستم، تماماً بدست آوردم و امام حسین علیه السلام در را به رویم گشود. این فرض یک قصیده تائیه برای استادش گفته؛ من هم یک قصیده تائیه برای امام حسین علیه السلام گفته ام نمره یک! که کار مرا ایشان درست کرد و در غیب را به نحو اتم برایم باز کرد. »

« او در اثر طلب حقیقی و استقامت به خانه که نه، به خود صاحبخانه رسیده است و یار او را به درون خانه راه داده؛ او از حصار تنگ دنیا که خیال و سرابی بیش نبوده و حقیقی ندارد، گذشته و به عالم روح و مجردات پیوسته است و چون فهمیده که از عالم خیال چیزی نصیبش نمی شود، باب خیال برایش بسته می شود. »

آیت الله نجابت نقل می کند:

دفعه اولی که ما آیت الله قاضی را دیدیم، خیلی با ما گرم گرفتند و ما را تحویل گرفتند. در اثر این التفات زیاد، من زبانه باز شد و گفتم: آقا این وضع اهل معرفت به خیال است یا به حقیقت؟ ناگهان ایشان چشمهایش درشت شد و گفت:

« ای فرزندم من چهل سال است با حضرت حق هستم و دم از او می زنم این پندار و خیال است؟! » رحلت

به هر حال، میرزا علی آقا قاضی پس از سالها تدریس معارف بلند اسلامی و تربیت شاگردان الهی، در روز دوشنبه چهارم ماه ربیع المولود سال ۱۳۶۶ مطابق هفتم بهمن ماه در نجف اشرف وفات کرد و در وادی الاسلام نزد پدر خود دفن شد.

مدت عمر شریف ایشان هشتاد و سه سال و دو ماه و بیست و یک روز بوده است.

ایشان در سال های آخر عمر عطش و بی تابی، جسم و روحش را با هم می سوزاند و او مرتب آب می خواهد و می گوید:

« در سینه ام آتش است ساکت نمی شود. »

و دائم با خود تکرار می کند:
گفت من مستسقی ام آبم کشد
گر چه می دانم که هم آبم کشد
طبیخ به وی می گوید:

« آقا من طیب شما هستم، به شما می گویم در این ماه رمضان روزی ۳-۲ لیوان آب بخورید. »
و او که می داند این آب آن آتش را خاموش نمی کند تا آخر روزه هایش را کامل می گیرد و می گوید:
« رها کن تا که چون ماهی گدازان غمش باشم »

لحظات احتضار سخت ترین لحظات برای زمین و زیباترین لحظات برای عارف است.

آیت الله کشمیری می فرمودند:

هنگام احتضار، خودش با اشاره به بدن خود می فرمود:

« این دارد می رود. »

و هنگام غسل مشاهده شد که صورتش باز و لبانش خندان بود.

باز آیت الله کشمیری فرمودند:

« بعد از وفاتش خواستم بفهمم مقام ایشان چقدر است، در رؤیا دیدم از قبر آقای قاضی تا به آسمان نور کشیده شده است، فهمیدم خیلی مقام والایی دارد. »

سید عبدالحسین قاضی نوه ایشان جریان شب رحلت آقای قاضی را این طور بیان می کند:

« ایشان مدتی بیمار بودند. یک شب به پدرم که در آن زمان ۲۰ ساله بودند می گویند که امشب نخواب و بیدار باش. پدرم هم متوجه نمی شود که جریان چیست.

ایشان نقل می کند که ساعتی از نیمه شب آقای قاضی او را صدا می زنند و رو به قبله دراز می کشند و می گویند من در حال مرگ هستم و به او سفارش می کنند که همسر و بچه های دیگرشان را بیدار نکند و تا صبح بالای سرشان بنشیند و قرآن بخواند. پدرم می گوید علی رغم این که اگر کسی بداند که پدرش در حال مرگ است و هیچ نگوید، سخت است، اما من این موضوع را با کمال آرامش پذیرفتم و به کسی هیچ نگفتم و پیش او نشستم.

آقای قاضی به من فرمودند که دارم راحت می شوم و این راحتی از طرف پاهایم شروع شده و به طرف بالا می آید. سپس فرمودند فقط قلبم درد می کند بعد فرمودند که رویم را بپوشان، من هم روی صورتشان را پوشاندم و ایشان از دنیا رفتند.

من بدون هیچ دغدغه و اضطراب تا صبح پیش ایشان نشستم و قرآن خواندم تا آن که هنگام اذان صبح شد و خانواده آمدند و پرسیدند که جریان چیست و من هم گفتم که پدر فوت شده است و فریاد و سر و صدا از اهل خانه بلند شد و در آن لحظه تازه متوجه تصرف او شدم و فهمیدم چه اتفاقی افتاده است و از مرگ پدرم بسیار متأثر شدم. »

او که عمری با عشق و سرسپردگی به مولایش امام حسین علیه السلام سر کرده، غریب نیست اگر حضرتش، کریمانه، خود کسی را سراغش بفرستد تا کارهای دفن و کفن او را بجا آورد. آقا یحیی هرگز آقای قاضی را نمی شناخته ولی از طرف امام حسین علیه السلام در حالت خواب یا مکاشفه برای این امر مأموریت پیدا می کند و تمام کارهای کفن و دفن ایشان را انجام می دهد.

آیت الله بهجت می فرمودند:

« شب قبل از وفات آقای قاضی، کسی خواب دیده بود که تابوتی را می برند که رویش نوشته شده بود « توفی ولی الله » فردا دیدند آقای قاضی وفات کرده است. » تناثر نجوم در رحلت ایشان

مرحوم علامه آقا سید عبدالعزیز طباطبائی یزدی نقل نمود که از استاد مرحوم آیت الله العظمی خوئی شنیدم که فرمود: « در ایام وفات استاد اخلاق آقا سید علی قاضی تبریزی تناثر نجوم رخ داد و این به جهت رفعت مقام آن مرحوم بود. مرحوم طباطبائی یزدی نقل کرد که ما گفتیم: این اصلاً محال است که ستاره‌ها به خاطر کسی ریزش کنند و سقوط نمایند ولی استادمان آقای خوئی تأکید نمود، شما انکار کنید من که خودم این واقعه شگفت‌انگیز را با چشمان خود دیدم و نمی‌توانم چیزی را که در پیش من یقینی است، انکار نمایم. »

قاضی، محسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن طباطبائی قاضی بن العالم الجلیل میرزا عبدالجبار قاضی از اعظم علماء تبریز و در زهد و ورع و تقوا و علم و عمل بی‌نظیر و همیشه مشغول عبادت و طاعت و دائم‌المطالعه و التدریس بوده و با نظر مرحوم محمد علی شاه قاجار و وزیرش حاج میرزا آغاسی اخذ علم از علماء دار‌الخلافة تهران نموده و در سایر مراکز علم نیز مشغول تحصیل گردید و به خدمت بسیاری از اعظم رسیده و با مرحوم حاج ملاهادی حکیم سبزواری صاحب منظومه ارتباط کامل داشته است.

ولادتش در سال ۱۲۳۶ ق و وفاتش در روز دوشنبه سوم جمادی‌الآخر ۱۳۰۶ واقع شده و مرحوم ادیب ماهر حاج میرزا کاظم طباطبائی تبریزی ملقب به اعتضاد الممالک و معروف به حاج وکیل در کتاب شجره سادات عبدالوهابیه ساکنین آذربایجان در ترجمه آن مرحوم گوید: حاج میرزا محسن قاضی شخصی بزرگوار طیب‌الاعراق حسن‌الاخلاق بود و فحایل سیادت و بزرگواری را بر وجه اتم داشت مخصوصاً الی غیر‌النهاییه مهمان دوست و بشاش و گشاده‌ابرو بود و در خانه او لیلا و نهارا بر وارد و صادر باز و محفل ایشان مجمع عمومی بود.

در مقبره جد بزرگوارش حاج میرزا مهدی قاضی جنب مسجد مقبره روبروی راسته بازار مدفون گردید و از آثار باقیه آن مرحوم احداث حمامی است در حوالی همین مقبره که به حمام قاضی اشتهار دارد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

قاضی، نعمت‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۳۰۳.

درگذشت: ۱۳۷۵.

از نعمت‌الله قاضی که نام مستعار در برخی از آثار «شکیب» بود، آثار زیر به جای مانده است: اسلام از دیدگاه تاریخ (تهران، ۱۳۶۷)؛ ایل قاجار در پهنه‌ی تاریخ ایران (۱۳۷۰)؛ برگزیده‌ای از دیوان پروین اعتصامی (تبریز، ۱۳۶۷)؛ به سوی سیمرخ: منظومه منطق‌الطیر (اثر شیخ عطار نیشابوری به نثر پارسی، با مقدمه، پاورقی، فهرست و چند بحث انتقادی، تهران، ۱۳۶۹، ۱۳۶۲)؛ عشق و مرگ پوشکین (مجموعه چند داستان؛ تهران، ۱۳۷۰).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

قاضی خان اوزجندی فرغانی، فخرالدین، ابوالمحاسن حسن

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۹۲ق)، فقیه حنفی از ظهیرالدین حسن بن علی بن عبدالعزیز و ابراهیم بن عثمان صفاری حدیث شنید. وی مجالس املای حدیث بسیاری داشت. علامه جمال‌الدین محمود بن احمد حصیری، یکی از شاگردان قاضی خان است که از او روایت کرده است. از آثارش: «الفتاوی»، در چند مجلد؛ «الامالی»، در فقه؛ «الواقعات»، در فروع؛ «المحاضر»؛ «شرح الزیادات» شیبانی، در فروع فقه حنفی؛ «شرح الجامع الصغیر» و «الجامع الکبیر» شیبانی، در فروع فقه حنفی؛ «شرح ادب القضاء» خصاف؛ که در «کشف الظنون» تحت عنوان «ادب القاضی علی مذهب ابی حنیفه» آمده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام: (۲۳۹- ۲۳۸ / ۲)، سیر النبلاء (۲۳۲- ۲۳۱ / ۲۱)، کشف الظنون (۱۴۵۶، ۱۲۲۷، ۹۶۲، ۵۶۲، ۱۶۵، ۴۷)، معجم المؤلفین (۲۹۷ / ۳)، هدیه العارفین (۲۸۰ / ۱).

قاضی زاده کرهرودی، علاءالدین عبدالخالق

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم و یازدهم ق)، عالم امامی، متکلم، محقق، صوفی و شاعر. معروف به قاضی زاده یا قاضی علای کرهرودی. نسبت وی به کرهرود از روستاهای مابین همدان و اصفهان می‌رسد. وی از شاگردان شیخ بهائی و مدتی عهده‌دار منصب قضاوت قم بود. در مجلس شاه‌عباس اول (۱۰۳۸- ۹۹۶ ق) با قاضی زاده‌ی خوارزمی مناظره کرد و کتابی در همین باب به خواست شاه‌عباس اول نوشت. از آثارش: «الامامه»، کتابی بزرگ در مبحث امامت؛ «التحفه الشاهیه»، به فارسی، مشتمل بر مناظرات وی؛ «الاعتقادیه»؛ حاشیه بر «اثبات الواجب» جلال‌الدین دوانی؛ حاشیه بر «الشرح الجدید للتجرید»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴۵۸ / ۷)، تحفه‌ی سامی (۸۴)، روضات الجنات (۳۷۶- ۳۷۵ / ۱)، الذریعه (۸۷۱ / ۹، ۱۱۵- ۱۱۴، ۱۱، ۶ / ۴۴۴- ۴۴۳ / ۳، ۳۲۸، ۲۲۸ / ۲)، ریاض العلماء (۹۱ / ۳)، ریحانه (۴۱۱ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۵۶ / ۱۱)، کشف الظنون (۸۴۲)، الکنی و الالقاب (۵۰- ۴۹ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / قاضی زاده کرهرودی)، هدیه الاحباب (۲۱۵).

قاضی زاده‌ی اردبیلی، ظهیرالدین کبیر

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(مقتول ۹۳۰ ق)، عالم، ادیب، فقیه و شاعر. پس از جنگ چالدران سلطان سلیم در بازگشت از تبریز وی را به همراه اسیران با خود به روم برد. وی در نزد او مقام و رتبتی یافت و «وفیات الاعیان» ابن خلکان را برای وی به فارسی ترجمه کرد. قاضی‌زاده در انشاء، شعر و خط توانا بود. چون به عقاید شیعه‌ی امامیه گرایش پیدا کرد او را گرفتند و کشتند و سرش را بر دروازه‌ی زویله قاهره آویختند. از آثارش: ترجمه «وفیات الاعیان»، که در «معجم المؤلفین»، «مختصر وفيات الاعیان» ذکر شده؛ «تاریخ سلطان سلیم»؛ «دیوان» شعر. در «کشف الظنون» اظهرالدین اردبیلی و کبیر بن اویس لطیفی، مشهور به قاضی‌زاده، با احتمال این که یکی باشند جدا از هم ذکر شده‌اند. در «شذرات الذهب» و «معجم المؤلفین» ظهیرالدین قاضی‌زاده اردبیلی بدون ذکر نام و نام پدر آمده است. [۱].

اردبیلی، ظهیرالدین، دانشمند اوایل قر. ۱۰ ه. (مقت. ۹۳۰ ه.ق). وی تا هنگام تصرف تبریز توسط سلطان سلیم عثمانی در آن شهر به تدریس مشغول بود و همراه سلطان مذکور به استانبول رفت و در آنجا برای وی مقرری تعیین شد. سپس به مصر رفت و در سرکشی احمد پاشا به هواداران او پیوست و همراه وی کشته شد. در شعر و انشاء و خوش‌نویسی دست داشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] دانشمندان آذربایجان (۲۵۰-۲۴۹)، الذریعه (۸۷۰-۸۶۹ / ۹)، شذرات الذهب (۱۷۳ / ۸)، فرهنگ سخنوران (۷۳۵)، کشف الظنون (۲۰۱۹)، لغت‌نامه (ذیل / قاضی‌زاده اردبیلی)، مجالس النفاث (۳۹۷-۳۹۶)، معجم المؤلفین (۴۸ / ۵).

قاضی‌زاده‌ی خوارزمی، شمس‌الدین احمد

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۹۸۸-۹۱۸ ق)، قاضی، فقیه، ادیب، محقق، مدرس، حکیم، متکلم و ریاضیدان. در قسطنطنیه به دنیا آمد. وی شاگرد جوی‌زاده و سعدی جلبي و ملازم ملاقادی بود. در ۹۶۳ ق به قضاوت حلب، در ۹۷۱ ق به قضاوت استانبول و در ۹۷۴ ق به قضاوت عسکر روم ایلی منصوب شد. سپس به ادرنه رفت و در دارالحدیث آنجا به تدریس پرداخت. پس از درگذشت پسرش به استانبول رفت، و در اوایل سلطنت سلطان مرادخان سوم به مقام شیخ‌الاسلامی رسید. در ۹۸۳ ق به صدارت روم ایلی نامزد شد، و در ۹۸۵ ق مفتی رسمی گردید. در قسطنطنیه درگذشت و در نزدیکی جامع سلطان محمد فاتح دفن شد. از آثارش: حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ حاشیه بر «الهیات شرح تجرید الکلام» قوشچی؛ حاشیه بر «مفتاح العلوم» سکاکی؛ حاشیه بر «اثبات الواجب» جلال‌الدین دوانی؛ «نتایج الافکار فی کشف الرموز و الاسرار»، در تکمله‌ی «فتح القدير» ابن‌همام، در فروع فقه؛ حاشیه بر «التلویح»، شرح «تنقیح الاصول» تفتازانی؛ شرح «هدایه الحکمه» شیخ اثیرالدین ابهری.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۷۲۱، ۶۲۰ / ۲)، روضات الجنات (۳۷۸-۳۷۵ / ۱)، ریحانه (۴۰۹-۴۰۸ / ۴)، شذرات الذهب (۴۱۵-۴۱۴ / ۸)، کشف الظنون (۲۰۳۴، ۲۰۳۰، ۲۰۲۲، ۱۷۶۶، ۴۹۸، ۳۴۸)، الکنی و الالقاب (۴۹ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / قاضی‌زاده‌ی افندی)، معجم المؤلفین (۱۷۱ / ۲)، هدیه الاحباب (۲۱۵).

قافی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین قافی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۶۴ با مدرک سیکل وارد حوزه علمیه قم شدم و از سال ۶۵ به همراه خانواده به شهر یزد عزیمت نموده و تحصیلات خود را تا سال ۷۲ در حوزه علمیه آن شهر ادامه دادم و اکثر دروس صرف و نحو و معانی و بیان و دوره مقدماتی فقه و اصول را نزد اساتید مبرز حوزه یزد گذراندم در کنار تحصیلات حوزوی از سال ۶۸ به صورت متفرقه در امتحانات دوره متوسطه شرکت کرده و در سال ۷۲ موفق به اخذ دیپلم علوم انسانی گردیدم. در همان سال در کنکور سراسری دانشگاه شرکت نموده و در همان سال در رشته فلسفه دانشگاه شهید بهشتی تهران و نیز رشته های حقوق و فلسفه دانشگاه مفید قم (به صورت نیمه متمرکز) پذیرفته شدم. در نتیجه از بهمن ماه ۷۲ به قم مراجعت نموده و همزمان با تحصیلات حوزوی در رشته حقوق دانشگاه مفید مشغول به تحصیل شدم و دوره لیسانس را ظرف سه سال و نیم به پایان رساندم. قابل ذکر است که کلاسهای دانشگاه نوعاً عصرها برگزار می گردید و صبح ها به دروس حوزوی اشتغال داشتم. در سال ۷۶ پس از اخذ مدرک لیسانس در کنکور کارشناسی ارشد شرکت نموده و در رشته حقوق خصوصی دانشگاه مفید پذیرفته شدم و در سال ۷۹ موفق به دریافت مدرک کارشناسی ارشد گردیدم. از سال ۷۴ تا کنون در دروس خارج فقه و اصول آیات عظام تبریزی، وحید، شبیری، سبحانی و قافی یزدی (ابوی محترم) دامت برکاتهم شرکت داشته ام. از الطاف بزرگ خداوند نسبت به اینجانب، این بوده که در تمام مراحل تحصیلی جزء ممتازین بوده ام به گونه ای که موفق به احراز رتبه اول پایه دهم حوزه و نیز رتبه اول فارغ التحصیلان رشته حقوق دانشگاه مفید (سال ۷۶) گردیدم. در حال حاضر چندین سال است که به پژوهش و تحقیق در زمینه مسائل حقوق، فقهی و اصولی و نیز تدریس در این زمینه ها اشتغال دارم و با مراکز پژوهشی و آموزشی همچون پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، بنیاد دایره المعارف اسلامی، دانشگاه یزد و دانشگاه قم همکاری دارم.

قایم اصفهانی، خلیل، محمد خلیل

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۳۶ ق)، فقیه، فیلسوف، مدرس، متکلم و حکیم. در اصفهان از حوزه‌ی درس آقا رضا خوانساری و برادرش، آقا جمال‌الدین خوانساری استفاده نمود. وی مدتی در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان فلسفه، کلام، کتب ابن‌سینا و کتب خواجه نصیر را تدریس کرد. سید اسدالله بن علی رضا حسینی و سید نعمه‌الله جزائری و امیرمحمد صالح قزوینی از شاگردان وی بودند. پس از فتنه‌ی افغان در ۱۱۳۴ ق به قزوین مهاجرت کرد و در همان جا درگذشت و کلمه‌ی الظهر ماده تاریخ وفاتش می‌باشد. از آثار وی: «الآلهیه» یا «نور البصر بحل مسأله الجبر و القدر»، شرح رساله «نفی الجبر و التفویض و اثبات الامر بین الامرین» امام هادی (ع) مذکور در «تحف العقول»؛ «شرح حدیث عمران الصابی»؛ «الرد علی النصارى»؛ «البداء»؛ حاشیه بر «شرح الاشارات» خواجه نصیر طوسی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان قائن (۱۸۷-۱۸۰)، بهارستان آیتی (۲۵۳-۲۵۲)، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (۱۹۹ / ۲)، الذریعه (۳۶۴ / ۲۴-۲۰۴، ۲۰۳ / ۱۳، ۲۳۲ / ۱۰، ۱۱۱، ۶ / ۵۵-۵۴، ۳ / ۲۸۵-۲۸۴ / ۲)، ریحانه (۴۲۸ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۴۴-۲۴۳ / ۱۲)، فوائد الرضویه (۱۷۴)، لغت‌نامه (ذیل / قاینی).

قاینی خراسانی، ابوطالب

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۳۰- شهادت ح ۱۲۹۳ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، رجالی، متکلم و مصنف. در قائن به دنیا آمد. مقدمات و علوم اولیه را همراه ملا محمد حسن قاینی نزد علمای قاین فراگرفت. آن‌گاه به مشهد رفت و از محضر استادانی چون آیت‌الله سید محمد رضوی، معروف به قصیر خراسانی، و آیت‌الله شیخ محمد رحیم بروجردی استفاده برد و به اخذ اجازه‌ی اجتهاد و افتاء از سوی آنان نائل آمد. سپس به حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان رفت، و با ملا حمزه قاینی در بحث حجه‌الاسلام حاج محمد حسن کرباسی شرکت کرد. پس از چندی از فرزندش، آیت‌الله شیخ ابراهیم کرباسی کاخکی، اجازه‌ی اجتهاد و لقب مصباح الشریعه گرفت. آن‌گاه به نجف رفت و از محضر فقیه مشهور شیخ محسن خنفر بهره برد و تقریرات درس او را نوشت و مدتها در ملازمت آن استاد بود و از وی نیز اجازه‌ی اجتهاد گرفت. پس از آن به قائن بازگشت و مرجع خاص و عام گردید و در ضمن انجام امور شرعی مردم و تدریس در حوزه‌ی علمیه‌ی قائن، به تصنیف کتب باارزشی همت گماشت. آیت‌الله شیخ محمد باقر گازاری (قاینی) بیرجندی و ملا محمد بن ملا- عبدالحسین قاینی و نجف بن علی اکبر بیرجند و محمد حسین قاینی کاخکی از شاگردان او بودند. وی هنگامی که به حج مشرف شد در کراچی پاکستان توسط افراد امیر علم‌خان، حاکم قاین، به شهادت رسید و همان‌جا به خاک سپرده شد. از آثارش: «الدره الباهره»، در توحید؛ «الدره»، در معارف خسمه؛ «ینایع الولایه»، رساله‌ای در احکام ولایت قانونی و اقسام آن؛ «الکواکب السبعه» یا «سبه‌ی سیاره»، در هفت مساله اصولی؛ «فوائد الغرویه»، در درایه و رجال؛ «ماحی الضلاله و الغوایه»، در رد کتاب «شمس الهدایه و قالع الضلاله» خان ملاخان، معروف به ملا شمس مفتی هرات؛ «الدروس»، تقریرات درس استادش شیخ خنفر؛ «المکاسب»؛ «مناسک الحج»؛ «رساله فی صلاه المسافر»؛ «السؤال و الجواب»، به فارسی و عربی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۶۴ / ۲)، بزرگان قائن (۹۱-۷۳)، بهارستان آیتی (۲۸۲-۲۸۱)، الذریعه (۲۹۱-۲۹۰ / ۲۵، ۲۵۴-۲۵۳، ۱۵۰ / ۱۵، ۲۲ / ۲۸۸، ۲۰ / ۱۸، ۱۷-۱۹ / ۸۳، ۱۵ / ۲۴۲، ۱۲ / ۱۴۴، ۹۰، ۸۸ / ۸، ریحانه (۴۲۸ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۲-۴۰ / ۴۰، ۱۳ / ۴۰)، فوائد الرضویه (۴۱۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۳۳-۱۳۲ / ۶)، معجم المؤلفین (۲۹ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۱۸۳-۱۸۲ / ۱).

قاینی خراسانی، حسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۳۰۰ ق)، فقیه، عالم امامی، مجتهد، مدرس، نویسنده و محقق. او دوران تحصیلی خود را در قاین و اصفهان و نجف گذراند و با

جمعی از بزرگان دوران خود مصاحب بود. وی معاصر و هم‌دوره‌ی شیخ مرتضی انصاری بود، و از محضر اساتیدی چون شریف العلماء و سید شفیع چاپلوی استفاده نمود و از سید شفیع چاپلوی صاحب اجازه بود. او در قاین حوزه‌ی درس خوبی داشته و از استادان شایسته‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی این شهر بوده است. از شاگردان وی ملا محمد حسن قاینی، پدر شیخ محمد باقر گزاری، و دیگری محمد حسن بن ملا محمد قاینی که در ۱۳۰۰ ق نزد وی تلمذ نموده است. از آثارش: «الابداع»، در اصول فقه؛ «القصوی فی المنطق»؛ «الابصار فی أصول الفقه»؛ «وثائق الاصول» یا «الوثائق فی اصول الفقه»، در فقه استدلالی. در «بزرگان قائن» نام پدر صاحب عنوان سید احمد بن سید محمد ذکر شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان قائن (۱۴۹-۱۴۵)، بهارستان آیتی (۲۸۲)، الذریعه (۲۶-۲۵ / ۲۵، ۱۰۸ / ۱۷، ۶۵، ۶۴ / ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۵۴-۳۵۳ / ۱۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۳۳ / ۶).

قاینی، ابوالحسن محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س پنجم و ششم ق)، عالم امامی، فقیه، محدث و متکلم. از دانشمندان قرن پنجم و ششم هجری است. او در رجال و حدیث مردی مورد اطمینان و وثوق می‌باشد و کتاب وی به نام «السابقین فی اعتقاد اهل البیت الطاهرین» مورد قبول علمای شیعه است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان قائن (۵۰۰)، الذریعه (۹۹ / ۱۲)، ریاض العلماء (۱۵۶ / ۵)، ریحانه (۴۲۸ / ۴)، فهرست منتجب‌الدین (۱۹۱).

قاینی، ابوالقاسم جنید

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۴۷-۴۶۶ ق)، محدث، فقیه و صوفی. پدرش محمد بن علی قاینی از بزرگان علم و دانش و یکی از معدود محدثانی است که به خوبی و دانش زیاد شهرت داشته است. وی شیخ صوفیه بود. ایام تحصیل را در اصفهان به سر برد، سپس ساکن هرات شد. در طلب حدیث سفرهای بسیار نمود. از حسن بن اسحاق تونی، در قاین، و از ابوبکر بن ماجه و سلیمان حافظ، در اصفهان، و از ابوالفضل محمد بن احمد عارف و دیگران، در طبرستان، و از محمد بن علی عمیری و نجیب بن میمون، در هرات، و از ابوالمظفر منصور بن محمد سمعانی، در مرو، حدیث شنید و از وی فقه آموخت. پدر جنید، محمد بن علی، بر محمد بن منصور سمعانی سمت استادی داشت، و ابوسعید عبدالکریم بن محمد بن منصور سمعانی از شاگردان جنید بود. وی همچنین از سعد مهینی فقه آموخت. ابن ناصر و ابن عساکر و ابوالمعمر مبارک بن احمد انصاری و ابوبکر مبارک بن کامل خفاف و سعید بن موفق نیشابوری و حافظ ابوالقاسم علی بن حسن بن هبه‌الله و به گفته‌ی ذهبی، زکی مروزی و ابوروح هروی و عبدالرحیم سمعانی از وی حدیث شنیدند. در هرات درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۴ / ۴۳۷)، بزرگان قائن (۱۱۰)، سیر النبلاء (۲۷۳- ۲۷۲ / ۲۰)، الوافی بالوفیات (۲۰۴- ۲۰۳ / ۱۱).

قائنی، ابوتراب

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۳۲۸ ق)، فقیه، دانشمند، ادیب و شاعر، متخلص به انوار. وی در نجف در محضر آقا سید حسین کوه کمری تلمذ نمود. پس از تکمیل دروس و رسیدن به درجه‌ی اجتهاد به قائن بازگشت و در آن جا مرجع امور دینی و سیاسی شد. در اواخر عمر به مشهد رضوی رفت و در آنجا درگذشت و در جوار تربت پاک اما هشتم (ع) در دارالسیاده دفن شد. وی در سرودن شعر مهارت داشته و اشعار زیادی از او بجای مانده است. از آثارش: «اسرار التوحید»، به فارسی، در تفسیر سروه توحید است، که در ۱۳۱۸ ق، به همراه کتاب «لؤلؤه الغالیه» پدرش، به چاپ رسید.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲ / ۳۰۹)، بزرگان قائن (۵۷- ۵۶)، بهارستان آیتی (۳۲۲- ۳۱۹)، الذریعه (۲۱۸ / ۲۶، ۴۳ / ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۵۸ / ۱۴)، مؤلفین کتب چاپی (۱ / ۱۱۹).

قائنی، ابوشریف محمد

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۳۹ ق)، عالم امامی، فقیه، محدث، مفسر، مدرس، متکلم، فیلسوف و خوشنویس. چون در مناظرات علمی کسی را یارای سخن گفتن با او نبود به سلطان‌العلماء مشهور شد. در چهارده سالگی به تحصیل روی آورد. دوران تحصیلات عالی خود را در اصفهان به پایان رساند. در حوزه‌ی علمیه‌ی قاین، به تدریس فقه و فلسفه می‌پرداخت و گاه به نقاط دیگر جهت مباحثات علمی سفر می‌کرد، که سفر ۱۱۱۵ ق او به هرات و مباحثه او با علمای اهل سنت از آن جمله است. سرانجام در ماه رمضان درگذشت و (بماه رمضان) ماده تاریخش گشت. سلطان محمد پدر قطب‌الدین قائنی عالم ریاضی است. از آثارش: «تهذیب الامه»، تفسیر مفصلی بر قرآن؛ «تطهیر الائمه (ع)»؛ «الامامه»؛ «رساله فی الوجود»، شامل مباحث و فوائد فلسفی درباره‌ی وجود؛ «ام الوسائل فی ام المسائل»، تفسیر سوره‌ی حمد و برگرفته از تفسیر مفصل، به زبان عربی؛ حاشیه بر «الشرح الجدید للتجريد»؛ کتابت «ضیاء القلوب»، در حدیث، به خط نستعلیق.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان قائن (۵۳۷- ۵۳۱)، الذریعه (۳۶ / ۲۵، ۱۱۶- ۱۱۵ / ۶، ۳۲۷- ۳۲۶ / ۲)، ریحانه (۶۰- ۵۹ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۱۷- ۳۱۶ / ۱۲).

قائنی، احمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۵۶ ق)، عالم امامی و فقیه. به آورده‌ی «مکارم الآثار» معروف به مدرس و به آورده‌ی «بهارستان» آیتی معروف به مجتهد، و ممکن است که چون پدرش به هر دو لقب ملقب بوده است. وی در امر به معرف و نهی از منکر نهایت تلاش و کوشش را داشت. از آثارش: شرح «اشارات» کلباسی؛ رساله‌ی «لب المعارف»، در اصول دین، که این کتاب را به امر محمد ولی میرزا، فرزند فتحعلی‌شاه، تألیف نمود. پس از مرگش سیصد و چهل جلد کتاب او بنابر وصیتش به مدرسه‌ی بیرجند هدیه شد. در «بهارستان» آیتی، اهدای سیصد و چهل جلد کتاب به پدرش نسبت داده شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان قائن (۴۱)، بهارستان آیتی (۲۶۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۸ / ۱۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۳۳ / ۶)، مکارم الآثار (۱۵۲۳ / ۵).

قائنی، جلال‌الدین جلال

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۸۳۸ ق)، عالم دینی، فقیه، واعظ، محدث و مدرس. وی از احفاد نجم‌الدین عمر نسفی است. به گفته‌ی مؤلف «بزرگان قائن» نامش را به اشتباه جلال‌الدین محمد بن ابن عبدالله قائنی، محمد بن محمد قائنی، جلال‌الدین ابو محمد بن نجم‌الدین محمد قائنی، جلال‌الدین محمد بن عبدالله قائنی و غیره ذکر نموده‌اند. در قاین به دنیا آمد. به بخارا رفت و در آنجا مدتی به تحصیل پرداخت. وی شاگرد شمس‌الدین ابوالخیر محمد بن محمد جزری و محمد بن جلال عبدی و خواجه عبدالله سمرقندی بود و از آنها اجازه‌ی روایت داشت. پس از گذراندن دوران تحصیل به هرات رفت و در دانشگاه و در مقصوره‌ی جامع آنجا به تدریس پرداخت. فصیح‌الدین محمد بن محمد قائنی و محمد بن شیخ محمد جامی، صاحب «ریاض الناصحین»، و جلال‌الدین یوسف اهل، مورخ و محدث سده‌ی نهم هجری، و حسین ابن جمال قهستانی، صاحب «شرح قصیده‌ی ابن سینا»، از شاگردان او بودند. وی علاوه بر وعظ و تدریس مدتی نیز منصب احتساب شهر هرات را عهده‌دار بود. در هرات به بیماری طاعون درگذشت و در مدرسه‌ی جغرتان به خاک سپرده شد. از آثار وی: مدرسه‌ی علمیه‌ی جغرتان، که امروزه به صورت مسجد درآمده، و به جامع جغرتان معروف است؛ کتابخانه‌ی بزرگ. از آثار علمی وی: «تبیان الکبائر»، «اربعین»، مشتمل بر چهل حدیث؛ «مفتاح الفرائض»؛ «شعب الایمان»، در ادیان و جامعه‌شناسی دینی؛ شرح «نصاب»؛ «اجازات»؛ «نصایح شاهرخ شاهی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان قائن (۱۲۰-۱۱۳)، بهارستان آیتی (۱۹۴)، تاریخ نظم و نثر (۷۸۵)، حبیب السیر (۱۳ / ۴)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۸۳۸)، مزارات هرات (۹۰-۸۹).

قائنی، خلیل

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند محمد اشرف. از اهالی قاین، در اصفهان تحصیل نموده، و در قزوین ساکن گردیده، و در سال ۱۱۳۶ وفات یافته.
کتب زیر از اوست:

- ۱- رساله در رد بر نصاری ۲- شرح رساله‌ی جبر و تفویض منسوب به حضرت هادی علیه‌السلام موسوم به الرسالة الالهیه ۳- شرح حدیث عمران صابی؛ و غیره.
- برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قائمی، زین‌العابدین

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۳۱ ق)، عالم امامی، فقیه، محدث، مدرس، زاهد و نویسنده. وی از مراجع تقلید شهر قاین و از مدرسان مشهور حوزه‌ی علمیه‌ی آنجا بود. وی از محضر سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض»، استفاده نمود. محمد حسن قائمی از شاگردان او بود. وی با میر سید محمد قائمی از علمای قاین هم‌عصر و با وی مراد داشت. در روستای درخش در گذشت و در همان جا دفن شد. از آثار وی: «مصباح النجاه» یا «اصول‌الدین»، به فارسی که نگارنده در آن وعده کرده که بخش دوم را در فروع دین بنگارد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان قائن (۱۹۵-۱۹۴)، الذریعه (۱۸۸ / ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۹۴ / ۱۳).

قائمی، سبحانعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۲۶۵ / ۱۲۶۰ ق)، فقیه، متکلم، فیلسوف، ریاضیدان، طبیب، محقق، نویسنده و شاعر. معروف به فاضل سبحانعلی خان. وی در شهر لکنه ساکن و از امیران و مراجع علمی، سیاسی و اجتماعی این شهر بود. او علاوه بر امر تدریس به امور سیاسی نیز می‌پرداخت. مدتی وزیر و مشاور حیدر پادشاه بود و سایر حکام هند، همچون یمین‌الدوله سعادت علی خان به او ارادت می‌ورزیدند. میرزا محمدعلی کشمیری (م ۱۳۰۹ ق) وی را از شاگردان شریف‌العلماء محمد شریف ابن ملا حسنعلی مازندرانی (م ۱۲۴۶ ق) ذکر کرده است. وی در هند در گذشت و طبق وصیتش پیکرش به کربلا- منتقل و در آنجا دفن شد. از آثارش: «شرح حدیث الاثره»؛ «شرح حدیث الثقلین»؛ «شرح حدیث الحوض»؛ «الوجیزه»، در علم کلام و اصول دین به فارسی؛ «لطفه المقال»، که در رد اعتراضات فاضل رشید نگاشت و فاضل رشید این کتاب را در تحت نام «ایضاح لطفه المقال» پاسخ گفت و فاضل سبحانعلی خان کتاب «فذلکه الکلام» را در جواب «ایضاح» نوشت. جواب رساله‌ی «مکاتیب» حیدرعلی فیض آبادی؛ «فیوضات سبحانی»؛ «فضائح البخاری فی صحیحه»، در مورد نویسنده و متن کتاب «صحیح» بخاری و روایات جعلی آن، که به فارسی است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان قائن (۲۰۹-۲۰۷)، الذریعه (۵۰-۴۹ / ۲۵ / ۳۲۳، ۱۸ / ۲۴۹، ۱۳۰ / ۱۶ / ۱۹۸، ۱۹۵، ۱۸۷- / ۱۸۶ / ۱۳ / ۲۱۱ /

(۱۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۹۷-۵۹۶ / ۱۳).

قاینی، ضیاءالدین، ابومحمد فضل

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم ق)، فقیه و محدث. وی معاصر بهرام‌شاه غزنوی (۵۴۷-۵۱۱ ق) بود. پدرش، محمد بن ابراهیم، نیز از بزرگان حدیث بود و کتابی درباره‌ی «خاندان عصمت و طهارت (ع)» به نامن «السابقین» نوشته است. پدر و پسر معاصر حسن بن منصور قاینی وزیر سلطان بهرام‌شاه و از چهره‌های درخشان علمی خراسان بودند. در سلسله‌ی اجازات محدثین بزرگ از فضل بن محمد قاینی تعبیر به شیخ امام اجل ضیاءالدین ابومحمد شده است و اجازات و روایاتش در حدود ۵۴۷ ق است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان قائن (۲۸۸)، بهارستان آیتی (۱۵۱-۱۵۰)، الذریعه (۹۹ / ۱۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۹-۲۱۸ / ۶).

قاینی، علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، محدث، فقیه، محقق، نویسنده و خطاط. از شاگردان ملا-احمد نراقی و شیخ موسی بن جعفر نجفی، شریف العلماء، و سید محمد مجاهد بود. وی علاوه بر اینکه خود نویسنده و محقق بود، آثار نویسندگان دیگر را نیز به خط خود کتابت می‌نمود. از آثارش: «شرح المعالم الاصول»؛ کتابی در دانش «اصول»؛ کتابی در «تاریخ»؛ «الاسئله و الاجوبه» که فقه استدلالی و رساله‌ی عملیه است. از آثار کتابتی او: «محزن الادویه» و تذکره‌ی «اولی النهی» محمد حسین عقیلی به قلم نسخ در ۱۲۴۶ ق که جلد کتاب دارای گل و بوته و مذهب می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان قائن (۲۵۹-۲۵۸)، الذریعه (۷۱ / ۱۴، ۲۴۸ / ۱۲).

قاینی، علی‌اکبر

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۳۰-۱۲۲۳ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی و نویسنده. از روستای آفریز قاین بود، که پس از فراگیری مقدمات علوم به تحصیل در حوزه‌های علمیه معروف پرداخت و با استعداد و ذوق سرشار به مدارج عالی و فقهی نایل آمد. وی مدتی در کربلا ساکن بود و یکی از آثارش را در آن شهر نگاشت. از آثارش: «کتاب الطهاره»، در فقه استدلالی به سبک «مدارک الاحکام»؛ شرح «معالم الاصول» شیخ حسن عاملی که جلد اول آن تا مبحث «مجمّل و مبین» در کربلا به پایان رسید.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان قائن (۲۴۰-۲۳۹)، الذریعه (۱۸۶ / ۱۵، ۱۴ / ۷۱)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی آیت‌الله نجفی مرعشی (۳۱۹ / ۱۰).

قائنی، علینقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، عالم دینی و فقیه. از علمای طراز اول قرن خود بود. دوران تحصیلات عالی را در نجف اشرف گذراند، و از علمای معروف حوزه‌ی علمیه‌ی نجف همچون شیخ قاسم نجفی (م ۱۲۹۰ ق)، اجازه‌ی اجتهاد داشت. از آثارش کتابی در امامت به نام «جوامع الامامه» است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان قائن (۲۶۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۲۹ / ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۳۸-۱۳۷ / ۶).

قائنی، محتشم

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم و یازدهم ق)، حکیم، دانشمند، فقیه و شاعر. از اکابر قاین و جد مقیم، فرزند میرزا هادی، بود. وی در شعر و لغز و معما مهارت داشت. از آثارش: «فصول الحق»، در فلسفه و حکمت، به فارسی؛ «هادی المسترشدين»، در حکمت عملی و دعا و عبادات؛ «معمیات» که مجموعه‌ای ریاضی ادبی است؛ «دیوان» شعر. از اوست:

از نظر چون شد رخ او ناپدید

قطره‌های اشک بر دامن چکید

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان قائن (۳۶۶-۳۶۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۲۷-۵۲۶)، الذریعه (۹۷۱ / ۹).

قائنی، محمد حسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۳۲۵ ق)، عالم و فقیه: تحصیلات خود را، بخشی در مشهد و نزد اساتیدی همچون شیخ محمد رحیم بروجردی مشهدی و بخشی در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، گذراند و از محضر اساتید آن روزگار استفاده برد. وی از مشایخ اصفهان و مشهد، بخصوص از شیخ محمد رحیم بروجردی، اجازه‌ی اجتهاد و روایت داشته است. او معاصر با سید ابوطلاب قائنی است. از آثارش: رساله‌ای در

«اصول‌الدین»، که به گفته‌ی معاصرش ملا-محمد باقر بیرجندی در «بغیة الطالب»، استخراج اصول دین از قضیه‌ی شهادت سیدالشهداء (ع) است؛ رساله‌ی «تجوید القرآن»؛ «تکمیل الایمان فی اثبات وجود صاحب الزمان (عج)»، پیرامون غیبت امام زمان (عج).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان قائن (۵۷۵)، الذریعه (۲۳۲ / ۲۶، ۳ / ۳۶۶، ۳ / ۱۸۷، ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۱۷ / ۱۴).

قائنی، محمد حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند محمد محسن بن عبدالله بن محسن بن حسین اصفهانی بیرجندی.

عالم عامل و فقیه، سال‌ها در نجف اشرف ساکن بوده، و درس شیخ انصاری را درک نموده، سپس به درس آقا سید حسین کوه‌کمری حاضر شده، در سامرا مدتی درک محضر میرزای شیرازی کرده، و در ۱۳۰۷ وفات یافته، در کربلا مدفون گردید. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قائنی، میرک

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم و دوازدهم ق)، عالم، فیلسوف و خطاط. مدتی به تحصیل در حوزه‌ی علمیه اصفهان پرداخت، و از محضر آقا حسین خوانساری استفاده نمود. آثار باقیمانده از وی نمایانگر فضل و هنر اوست. از آثارش: کتابت «تهلیلیه» منسوب به جلال‌الدین دوانی با خط نستعلیق؛ کتابت «تلتحفه الرضویه» معزالدین محمد نقیب، در اصول فقه، برای امیر سید اسماعیل خاتون‌آبادی که حواشی و تعلیقاتی خود بر آن افزوده که نشان‌دهنده‌ی دانش قائنی در علوم عقلی است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان قائن (۲۲۵)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی دانشکده‌ی الهیات دانشگاه تهران (۳۷۹ / ۱).

قائم مقامی، باقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۷ ش)، مترجم، نویسنده. در اراک به دنیا آمد. تحصیلات خود را تا سوم متوسطه در زادگاهش گذرانید و در ضمن به فراگیری علوم قدیم پرداخت و صرف و نحو عربی و منطق را در محضر ملا-عبدالحیمد مدرس انجدانی فراگرفت. تحصیلات متوسطه خود را در رشته ادبیات در دارالفنون به اتمام رسانید و از دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران در رشته‌ی حقوق قضایی

فارغ‌التحصیل شد. آثار وی: «زندگانی سیاسی و مذهبی عمر بن خطاب»، ترجمه؛ «سنگتراش سن پوان»، ترجمه؛ «شبگردان مخوف»، ترجمه؛ «قائم‌مقام در جهان ادب و سیاست». بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۵۰۷، ۲۰۹۱، ۲۰۲۵، ۱۸۵۱ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۷-۸۶ / ۲).

قائم مقامی، جهانگیر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۰-۱۲۹۷ ش)، نویسنده، روزنامه‌نگار و مترجم. تحصیلاتش را در رشته‌ی فنون نظامی به پایان رسانید و موفق به گذراندن دوره‌ی دکتری‌ای تاریخ در فرانسه شد. وی مجله‌ی «بررسی‌های تاریخی» را در ۱۳۴۵ ش تأسیس نمود که این مجله تا ۱۳۵۷ ش منتشر می‌شد. قائم‌مقامی نویسنده‌ی و تحقیق را با انتشار مقالاتی در مجله‌ی «یادگار» آغاز نمود و مقالاتی در مجله‌های «مهر»، «سخن»، «راهنمای کتاب» و «یغما» نیز منتشر می‌کرد. وی حدود یک سال در پرتغال و اسپانیا به تحقیق در منابع تاریخی بایگانی‌ها پرداخت و توانست مجموعه‌ای معتبر گرد آورد. او همچنین «منشآت و مکتوبات» قائم‌مقام فراهانی را جمع‌آوری کرد و یکی از افراد متخصص در رشته‌ی تاریخ دوره‌ی قاجاریه بود. از آثار وی: «تاریخ تحولات سیاسی نظام ایران»؛ «سفرنامه‌ی دمرگان»، ترجمه؛ «تاریخ ژاندارمری ایران»؛ «ایران امروز»؛ «بحرین و مسائل خلیج فارس»؛ «مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی». [۱]

محقق.

تولد: ۱۲۹۷.

در گذشت: ۲۰ تیر ۱۳۶۰.

جهانگیر قائم‌مقامی تحصیلات خود را در رشته‌ی فنون نظامی تمام کرد. اما سراسر دوران خدمت ارتشی را در امور فرهنگی و تحقیقاتی گذراند و توانست دوره‌ی دکتری تاریخ را در فرانسه بگذراند. وی مجله‌ی «بررسی‌های تاریخی» را در سال ۱۳۴۵ تأسیس نمود که خود مدت نه سال مدیر آن بود. این مجله تا سال ۱۳۵۷ منتشر شد.

قائم‌مقامی نویسنده و تحقیق را در مجله‌ی «یادگار» و به راهنمایی عباس اقبال آغاز کرد. مقالاتی که در «یادگار» انتشار داد همه در مسائل تاریخی و طوایف ایران است. مقاله‌های دیگر او در مجله‌های «بررسی‌های تاریخی»، «مهر»، «سخن»، «راهنمای کتاب» و «یغما» انتشار یافته است.

قائم‌مقامی نزدیک یک سال در پرتغال و اسپانیا به تحقیق در منابع تاریخی بایگانی‌ها پرداخت و توانست مجموعه‌ای معتبر گرد آورد. وی قسمتی از آن مطالب را چاپ کرده است. یک قسمت از تحقیق قائم‌مقامی در جمع‌آوری منشآت و مکتوبات قائم‌مقامی فراهانی است. وی سه مجلد از نامه‌های قائم‌مقامی فراهانی را چاپ کرده است. قائم‌مقامی از محققان تاریخ قاجاریه بود.

از آثار دیگر او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: تحولات سیاسی نظام ایران از قرن یازدهم هجری تا سال ۱۳۰۱ شمسی (۱۳۲۶)؛ سفرنامه‌ی دمرگان (۱۳۳۵)؛ ناسخ التواریخ (قسمت قاجاریه، ۱۳۳۷)؛ منشآت قائم‌مقامی (۱۳۳۷)؛ بحرین و مسائل خلیج فارس (۱۳۴۱)؛ یک صد و پنجاه سند تاریخی از جلایریان تا پهلوی (۱۳۴۸)؛ اسناد تاریخی وقایع مشروطه‌ی ایران (نامه‌های ظیهرالدوله)؛ نیم قرن تمدن و فرهنگ ایران (۱۳۴۹)؛ مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی (۱۳۵۰)؛ اسناد فارسی عربی و ترکی در آرشو پرتغال درباره‌ی هرمز و خلیج فارس (دو جلد، ۱۳۵۸-۱۳۵۴)؛ ایران امروز (۱۳۵۴)؛ تاریخ ژاندارمری ایران (۱۳۵۵)؛ نامه‌های پراکنده‌ی

قائم‌مقام فراهانی، بخش یکم (نامه‌های مربوط به جنگ‌های ایران و روسیه، ۱۳۵۷)؛ نامه‌های سیاسی و تاریخی سیدالوزراء قائم‌مقام فراهانی (درباره‌ی معاهده‌ی صلح ترکمان چاپ و غرامات آن (۱۳۵۸).
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: [۱] آینه (س ۷، ش ۵، ص ۴۰۸-۴۰۷)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۶۳، ۱۹۹۴، ۲ / ۶۸۴، ۴۶۳ / ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۷۷)، مؤلفین کتب چاپی (۴۴۶-۴۴۷ / ۲).

قائم‌مقام فراهانی، ابوالقاسم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا ابوالقاسم خان فراهانی قائم‌مقام و صدارت مرحوم فتحعلی شاه قاجار که در شهر ری در مقبره مرحوم ابوالفتح رازی صاحب تفسیر معروف مدفون می‌باشد.

مرحوم خیابانی در ج سوم ص ۲۵۴ ریحانه‌الادب گوید: قائم‌مقام- میرزا ابوالقاسم بن میرزا عیسی بن محمد حسن بن عیسی بن ابی‌الفتح بن ابی‌الخیر حسینی فراهانی تهرانی از افاضل ادباء نامی عهد فتحعلی شاه قاجار که ادیب فاضل منغی کامل شاعر ماهر مترسل دانشمند جامع کمالات صوری و معنوی و در نظم و نثر عربی و فارسی سرآمد امثال و اقران خود بوده و به (ثنائی) تخلص می‌نموده است.

از آثار قلمی اوست انشاء که حاوی مکتوبات و منشآت اوست که مرحوم حاج فرهاد میرزا آن را تدوین و به منشآت قائم‌مقام معروف و به امر او یس میرزا پسر فرهاد میرزا به طبع رسیده.

۲- جلایرنامه که مثنوی فکاهی است و بنام جلایر غلام خود به نظم درآورده ۳- الجهادیه ۴- دیباچه جهادیه صغرای پدرش میرزا عیسی ۵- دیباچه جهادیه کبرای مرحوم پدرش ۶- دیوان شعر.

از اشعار اوست این چند بیت.

گر در دو جهان کام دل و راحت جهانست

من وصل تو جویم که به از هر دو جهانست

در کیش من ایمانی اگر هست به عالم

در کفر سر زلف چو زنجیر بتانست

گر واعظ مسجد بجز این گوید مشنو

این احمق بی‌چاره چه داند حیوانست

گر مذهب اسلام همین است که او راست

حق بر طرف مغیبه دریر مغانست

او خون دل خم خورد این خون دل خلق

باور نتوان کرد که این بهتر از آنست

آن مرحوم در سال ۱۲۵۱ قمری بدورد حیات گفته و در شهر ری در مقبره ابوالفتح به خاک رفته است.

(۱۱۹۳- مقتول ۱۲۵۱ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به ثنائی. پدر وی از رجال سیاسی و از مفاخر علمی و ادبی ایران بود که مدتی

مقام وزارت و قائم مقامی را به عهده داشت. میرزا ابوالقاسم پس از فوت پدر به منصب قائم مقامی رسید و در دربار عباس میرزا نایب السلطنه مصدر کارهای بزرگی شد. او پس از وفات فتحعلی شاه، محمدشاه را به تهران آورد و با حسن تدبیر و لیاقت خود سلطنت او را مستقر کرد و خود اقدام به سرکوب شورشها و آرام کردن اوضاع نمود. قائم مقام در زمینه‌های ادبی نیز صاحب استعداد بود وی به سرودن شعر می پرداخت. اما بیشترین شهرت او در زمینه‌ی ادبی، در نثر است تا نظم. در نوشته‌هایش از مکتب گلستان سعدی پیروی می نمود. نثر قائم مقام دارای ویژگی‌هایی از جمله: کوتاهی جمله‌ها، صراحت لهجه و ترک استعاره و همچنین آهنگین بودن جملات می باشد. وی سرانجام بدستور محمدشاه در باغ نگارستان به توسط اسماعیل خان قراچه‌داغی به قتل رسید. در شهر ری، در مقبره‌ی ابوالفتوح رازی، دفن شد. از آثارش: «منشآت» قائم مقام؛ «دیوان» شعر؛ «جلایرنامه»؛ «الجهادیه»؛ دیباچه‌ای بر «جهادیه‌ی صغری» و «جهادیه کبری» پدرش؛ «عروضیه»؛ «شمایل خاقان»، در تاریخ [۱].

(میرزا) ابوالقاسم بن (میرزا) عیسی قائم مقام فراهانی وزیر عباس میرزا و محمدشاه قاجار (و. ۱۱۹۳ ه. ق. - مقت. ۱۲۵۱ ه. ق. / ۱۸۳۵ م.). وی ادیب، منشی، شاعر و در نظم و نثر فارسی استاد بود و ثنائی تخلص می کرد. در سال ۱۲۳۷ پس از وفات پدر در تبریز به وزارت عباس میرزا منصوب شد و قائم مقام لقب یافت. اما به سعایت گروهی از دشمنان معزول شد ولی پس از سه سال مجدداً در سال ۱۲۴۱ به وزارت عباس میرزا نایب السلطنه منصوب گردید. وی، پس از مرگ فتحعلی شاه (۱۲۵۰) وسایل حرکت محمد میرزا و جلوس او را به تخت سلطنت فراهم کرد و خود صدراعظم ایران گردید. کوششهای بسیار وی در اصلاح امور ایران موجب حسادت عده‌ای از جمله حاجی میرزا آقاسی، میرزا مسلم خویی، میرزا نصرالله اردبیلی گردید و آنان دسایس مختلف برانگیختند تا شاه در ۳۰ ماه صفر ۱۲۵۱ ه. ق. او را به باغ نگارستان (تهران) احضار کرد و در آنجا وی را خفه کردند. جسد قائم مقام را در حضرت عبدالعظیم به خاک سپردند. وی در نثر فارسی سبکی خاص ایجاد کرده که مختصات آن از این قرار است: شیرینی بیان و عذوبت الفاظ و حسن ادا، کوتاهی جمله‌ها، دقت در حسن ادا، کوتاهی جمله‌ها، دقت در حسن تلفیق هر مزدوج از سجعیهای زیبا که شیوه‌ی سعدی است، حذف زواید القاب و خودداری از تعریفات خسته کننده، ترک استشادات مکرر شعری از تازی و پارسی مگر به ندرت که آن هم به قدری زیبا و خوش ادا که گویی شاعر آن شعر را فقط برای همین مورد گفته و همینطور در استدلال قرآنی و حدیث و تمثیل، صراحت لهجه، ترک استعاره و کنایه و تشبیهات دور و دراز خسته کننده، اختصار و ایجاز، ظرافت و لطیفه پردازی که از مختصات کلام سعدی است و قائم مقام نیز در این باره دستی قوی داشته. مخصوصاً در آوردن لغات و مصطلحات تازه که استعمالش برای نویسندگان محافظه کار دشوار بلکه محال می نمود، دست داشت. همچنین عباراتش دارای آهنگ است و به گوش خوشایند می نماید. قائم مقام موجب تغییر سبک منشآت درباری و همچنین نثر معمولی گردید. از آثار اوست: «منشآت قائم مقام» حاوی نوشته‌ها و انشاءهای او پس از وفاتش فرهاد میرزا معتمدالدوله مجموع آنها را گردآوری کرد و آن به سال ۱۲۹۴ ه. ق. به دستور اویس میرزا ابن فرهاد میرزا چاپ و منتشر گردید و بعدها مکرر به طبع رسید، جلایرنامه که مثنوی است فکاهی و انتقادی (انتقاد اوضاع درباریان و نقایص لشکری و کشوری) که آن را به نام جلایر (غلام خود) نظم کرده، و آن ضمن دیوانش چاپ شده، مقدمه‌ی جهادیه‌ی صغری پدرش میرزا عیسی، مقدمه‌ی جهادیه‌ی کبری پدرش، دیوان شعر وی (شامل قصاید و قطعات و رباعیات) که با جلایرنامه بطبع رسیده. او از پیشوایان نثر ساده‌ی دوره‌ی قاجاری است و نوشته‌های وی در نثر دوره‌ی مشروطیت و زبان تخاطب مؤثر افتاده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه [۱] از صبا تا نیما (۷۵-۶۲ / ۱)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۰۲-۲۰۰ / ۴)، حدیقه الشعراء (۱۴۱۷ / ۲، ۳۶۴-۳۶۱ / ۱)، دایره‌المعارف فارسی (۱۹۸۲-۱۹۸۱ / ۲)، الذریعه (۳۶-۳۵ / ۲۳، ۲۱۹ / ۱۴، ۱۰۵۳، ۸۵۸، ۱۸۶-۱۸۵ / ۹)، ریحانه (۳۹۲-۳۹۱ / ۴)، سبک‌شناسی (۳۶۳-۳۴۸ / ۳)، سفینه‌المحمود (۷۵ / ۱)، طرائق الحقائق (۲۷۹-۲۷۸ / ۳)، فرهنگ سخنوران

(۲۰۱)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۵۱-۳۴۸)، لغت‌نامه (ذیل/ قائم‌مقام)، مجمع الفصحا (۲۰۴-۱۹۴ / ۴)، مصطبه‌ی خراب (۱۴۴-۱۴۲)، مکارم الآثار (۱۳۸۲-۱۳۸۱ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۲۷۶-۲۷۴ / ۱)، نگارستان دارا (۵۵-۴۶).

قائم‌مقام فراهانی، عیسی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۳۸ / ۱۲۳۷ ق)، دانشمند، ادیب و شاعر. مشهور به میرزا بزرگ قائم‌مقام اول. در ابتدا منشی حاج ابراهیم‌خان اعتمادالدوله‌ی شرازی صدراعظم بود. سپس در ۱۲۱۳ ق به اعتمادالدوله‌ی شیرازی صدراعظم بود. سپس در ۱۲۱۳ ق به سمت وزارت عباس میرزا نایب‌السلطنه و پیشکاری آذربایجان تعیین شد و به تبریز رفت. از جمله کارهای او و عباس میرزا فرستادن محصل و هنرآموز به انگلستان برای آموختن بعضی علوم و صنایع جدید بود. وی در تبریز به بیماری وبا درگذشت. از آثارش: «رساله‌ی جهادیه» به نامهای «احکام الجهاد و اسباب الرشاد» و «الجهادیه» که به ترتیب «الجهادیه الکبری» و «الجهادیه الصغری» است، و او آنها را از روی رساله‌های جهادیه‌ی متعددی که علمای زمان می‌نوشتند تحریر و تنظیم کرده و فرزندش میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام بر آنها دیباچه‌ای نگاشته است؛ «دیوان» شعر؛ «اثبات النبوه الخاصه»، به زبان فارسی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۱۴۲۱-۱۴۱۷ / ۲)، دایره‌المعارف فارسی (۱۹۸۱ / ۲)، الذریعه (۸۵۸ / ۹، ۲۹۷ / ۵، ۱۰۱ / ۱)، ریحانه (۳۹۳-۳۹۲ / ۴)، شرح حال رجال (۵۱۳-۵۱۲ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ قائم‌مقام)، مجمع الفصحا (۸۹۲-۸۹۱ / ۵)، مکارم الآثار (۱۰۴۱-۱۰۴۰ / ۴)، نگارستان دارا (۱۱۸-۱۱۳).

قائم‌مقامی تبریزی، هادی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید هادی قائم‌مقامی از علماء اعلام نجف اشرف و کاظمین بودند که از طرف دولت منحوس صدام تسفیر به ایران و حوزه علمیه قم شدند.

وی در ماه صفر ۱۳۲۷ هجری قمری در یک خانواده روحانی متولد شده و در مهد پرورش و تربیت مرحوم والدش حجه‌الاسلام آقا سید محمد تبریزی پرورش یافته است. و جد گرامیش مرحوم آیت‌الله آقا سید حسین قائم‌مقامی تبریزی نیز از مجتهدین عالی مقام نجف اشرف بوده و نامبرده اولین کسی است از این سلسله جلیله قائم‌مقامیه که در حدود سال ۱۳۰۰ قمری به نجف اشرف مهاجرت کرده است.

وی پس از دوران کودکی و مراحل مقدمات و سطوح عالی علمیه نزد اساتید بزرگ و مراجع عالیقدر چون مرحوم آیت‌الله فاضل شریبانی و آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمدحسن مامقانی بزرگ استفاده نموده و بعد از وصول به مقام رفیع اجتهاد به تبریز مراجعت نموده و مورد توجه عامه مردم و بالا-خص علماء اعلام گردیده و در مسجد محله دشت کلات امامت و مرجع امور دینی مردم بوده است.

و اما آیت‌الله حاج سید هادی تبریزی از احفاد مرحوم میرزا عیسی قائم مقامی فراهانی معروف به میرزا بزرگ بوده که در مقبره ابوالفتوح رازی مدفونست.

مرحوم مدرس خیابانی در کتاب ریحانه‌الادب چنین می‌نگارد:

«میرزا عیسی پدر میرزا ابوالقاسم قائم مقام مذکور به میرزا بزرگ مشهور و از وزرای نامی ایران در عهد فتحعلی شاه قاجار می‌باشد که ادیب و منشی و دانشمند فاضل بوده و از آثار قلمی اوست:

۱- اثبات النبوه الخاصه- به زبان فارسی.

۲- احکام الجهاد و اسباب الرشاد که رساله‌ای است فارسی در جهاد که جهادیه کبری نیز گویند.

۳- الجهادیه الصغری.

و چنانچه فوقا اشاره شد دیباچه این دو کتاب جهادیه از میرزا ابوالقاسم قائم مقام پسر صاحب ترجمه است و او را سه پسر دیگر بنام میرزا معصوم که در حیات پدر فوت شده و میرزا حسن وزیر و حاج میرزا موسی خان متولی شهید آستان قدس رضوی علیه‌السلام است.

مرحوم آیت‌الله حاج سید هادی تبریزی از احفاد همین میرزا حسن وزیر می‌باشد قابل توجه اینکه این خانواده افتخار مهورداری (خاتم مبارک) حضرت سیدالساجدین امام زین‌العابدین علی بن الحسین علیه‌السلام را داشته و کماکان این فضیلت و افتخار نصیب این بیت جلیل می‌باشد و بعضی از احفاد بنام (مهردار قائم مقامی) لقب دارند.

تفصیل این موضوع در بسیاری از کتب مذکور و چند سال قبل بانک ملی ایران یک شماره از مجله خود را به این اثر نفیس و مقدس اختصاص داده است.

آیت‌الله حاج سید هادی تبریزی علاوه بر کمالات صوری و معنوی و عرفانی و زهد و تقوا جامع معقول و منقول بوده و نسبت به مرحوم حاج شیخ مرتضی طالقانی معروف و متوفی سال ۱۳۶۴ قمری ملازمت و وصی او بوده است.

علوم عقلی و نقلی را از اساتید بزرگی چون مرحوم طالقانی یاد شده و مرحوم آیت‌الله حاج سید حسین بادکوبه‌ای و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله حاج میرزا علی ایروانی و آیت‌الله حاج شیخ محمدرضا آل یاسین و آیت‌الله حاج شیخ کاظم شیرازی و غیره استفاده نموده است.

از بسیاری از اعظام مانند مرحوم حاج شیخ کاظم شیرازی و حاج سید جمال‌الدین گلپایگانی و حاج سید میرزا آقا اصطهباناتی و دیگران اجازه اجتهاد داشته و نامبردگان مراحل عالی علمی و فضلی و تقوای ایشان را تصریح کرده‌اند.

از تألیفات ایشانست کتاب امالی الهادی که چاپ شده و نیز حاشیه استدلالی بر منهاج که به طبع رسیده و کتب عرفانی وی در حدود ۲۷ سال در کاظمین سرپرستی حوزه علمیه کاظمین را داشته که مورد توجه عموم بوده است. در هشتم ماه صفر ۱۴۰۶ هجری قمری در کاظمین پس از سالهائی که در زیر ظلم و جور بعثیها تحمل رنجها و ستمها نمود از دنیا رفته و در جوار امامین هم‌امین علیهما‌السلام مدفون شده است.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

قائم مقامی هزاوه، محمدامین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مغز و اعصاب، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

قائم مقامی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۳، مرتبه علمی: استاد، رشته: دندان پزشکی، دانشکده: دندان، پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
دکترای دندان پزشکی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۶.
مرتبه علمی:

استادیار رشته بیماریهای دهان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۱۳۵۳، دانشیار در سال ۱۳۶۴، و استاد رشته بیماریهای دهان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۱۳۷۰.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

دندان پزشکی عمومی، بیماریها و ضایعات مخاط دهان، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۳۸ پایان‌نامه دکترای تالیفات

تعداد تالیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۳

تعداد تالیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تالیفات:

بیماریهای مخاط دهان، تشخیص مخاطی، کاربرد داروها و آنتی‌بیوتیک‌ها در درمان بیماریهای مخاط دهان.
مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۴، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای دهان و دندان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

قائم مقامی، رضا قلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۳۷ ش)، نویسنده و مترجم. در ارتش خدمت می‌کرد. از آثار وی: «وقایع غرب ایران در جنگ اول جهانی»، «جنايات عشق»، ترجمه؛ «دستور اتومبیل رانی فرد»؛ «سه روز از زندگی ماری آنتوانت ملکه‌ی فرانسه»، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۷۰، ۲۰۴۱-۲۰۴۰، ۲/۲۰۴۰، ۱۴۱۴، ۱۰۵۲، ۱/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۱۱/۳).

قائم مقامی، عالمتاج

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

اسفند ۱۲۶۲- پنج مهر ۱۳۲۵ ش. ملقب به ژاله از زنان ادیب، سخنور و هنرمند. وی در فراهان به دنیا آمد. پدرش میرزا فتح‌الله، از نوادگان پسری میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی صدر اعظم مقتول محمد شاه قاجار (۱۲۶۴-۱۲۵۰ ق) و مادرش مریم ملقب به گهر ملک بود. در پنج سالگی خواندن و نوشتن را نزد یکی از فضیلاهای فراهان معروف به جناب، که معلم سرخانه او بود، فراگرفت و بدلیل استعداد زیاد در طول چند سال صرف و نحو، معانی و بیان، منطق، نقد شعر، مقدمات حکمت و نجوم را با شوق و علاقه وافر تحصیل کرد. تا سن پانزده سالگی به همراه خانواده‌اش در فراهان زندگی کرد و سپس به همراه پدرش به تهران مهاجرت نمود.

در سال ۱۲۷۷ یا ۱۲۷۸ ش، در سن شانزده سالگی علیرغم بی‌علاقگی، به اصرار پدرش به ازدواج یکی از خوانین بختیاری بنام علی مرادخان درآمد. تفاوت سن زیاد زن و مرد، روحیه ایلاتی مرد و بیگانه بودن او با عالم ادب و هنر موجب ناسازگاری در زندگی زناشویی آن دو از نخستین ماههای زندگی گردید. در همان سال پدر و مادر ژاله- که حامیان زندگی او بودند- فوت کردند و او مجبور بود که زندگی را با تخیلی سپری کند. پس از گذشت ده سال از شروع زندگی مشترک که با گلایه و تلخکامی ژاله همراه بود همسرش نیز فوت نمود و او تا پایان عمر با تنها فرزندش (حسین پژمان بختیاری) زندگی کرد.

ژاله حافظه‌ای قوی داشت. تقریباً سراسر خمسه‌ی نظامی، دیوان امیر خسرو دهلوی، کلیات سعدی و دیوان حافظ را از حفظ داشت. وی از آغاز جوانی به سرودن شعر پرداخت. از جمیع صنوف شعری به غزل علاقه داشت.

عشق را نیز جوهر غزل می‌دانست و چون به زعم وی زندگی از عشق تهی بود لذا هیچگاه غزلی نسرود بلکه قصایدی به سبک خراسانی و به تقلید از ناصر خسرو و مسعود سعد سلمان گفت. وی شاعر رنجها و ناکامیهای خود و همگان خود بود. در جریان کشف حجاب در دوره رضاشاه، ژاله همصدا با تبلیغات رسمی، به دفاع از حقوق زنان در برابر مردان برخاست. مضمون اغلب اشعارش نیز ستیز با مردسالاری و تشویق زنان به رفع عقب‌ماندگی و کسب علم و دانش است. وی از بیان مکنونات قلبی خود ابایی نداشت و در این باره شباهت زیادی به مهستی گنجوی و مهری هروی دارد.

نخستین بار در سال ۱۳۱۲ ش تعدادی از رباعیات ژاله در مجلات ادبی آن زمان و سپس در مجله ادبی یغما، چاپ و منتشر شد. وی در تهران درگذشت.

قصاید، قطعات، چامه‌ها و چکامه‌های ژاله بالغ بر نهصد و هفده بیت می‌شود که پس از مرگ وی، توسط فرزندش منتشر شد. از اشعار اوست:

گم شد جوانیم همه در جستجوی عشق

اما رهم نداد طبیعت به کوی عشق

از کبر و از غرور دل خرده‌بین من

شد بهره‌ور ز عشق ولی ز آرزوی عشق

من باغبان عشقم از آنرو که سالها

در گلشن امید نشستم به بوی عشق
 معشوق ناشناس مرا ای صبا بگوی
 دل می‌کشد به سوی تو یعنی به سوی عشق
 آینه گفت در رخ دوشیزه رنگ من
 کاین روی دلپذیر شود آبروی عشق
 شویی بزرگمرد و گرانمایه داشتم
 غافل ز عشق و بی‌خبر از گفتگوی عشق
 روی نکو و خوی نکو داشتم چه سود
 بیگانه بود همسر خوبم ز خوی عشق
 خاطر نشین به دیده او بود ای دریغ
 روی نکوی ژاله نه روی نکوی عشق
 شادم که بسته شد در هستی به روی من
 شاید در دگر بگشایم به روی عشق
 پس از مرگ همسرش نیز مرثیه‌ای چنین سرود:
 به دل گفتم از دست این بختیاری
 گر آسوده گردم شود بخت یارم
 جمالم خریدار بسیار دارد
 چرا بر به دل رنج بسیار دارم
 یکی شوی فاضل گزینم که با او
 دو روزی جهان را به شادی گذارم
 کنون او به خاک سیه خفت و خیزد
 شرار غم از روح امیدوارم
 گرانمایه مردی جوانمرد شویی
 به سر سایه‌ای بود از کردگارم
 ندانستمش قدر و اکنون چه حاصل
 گر از دیدگان اشک خونین بیارم
 به گرد اندرم بهر تاراج و یغما
 سبک حلقه بستند خویش و تبارم
 بسی عقده بستند بر کارم اما
 کسی عقده نگشود یک ره ز کارم
 یکی خواند در خورد اورنگ شام
 یکی گفت شایان سالار بارم
 مرا کبر یا کیش کردند از آندر

که کوچک شود جمله دار و دیارم
 نه کارم نکوتر شد آوخ نه روزم
 سیه چهره تر شد سیه روزگارم
 پدر نیست مادر نه شوهر نه اینک
 به دوشی ضعیف است سنگینه بارم
 پسر رفت و شومرد و هستی تبه شد
 توان گفتن اکنون به کف هیچ دارم
 که را گویم آخر که آن روی چون گل
 چنین کرده در چشم ایام خوارم
 که را گویم آخر که با جرم پاکی
 فلک زیر پی سوده ناپاکوارم
 برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منابع: از رابعه تا پروین، ۱۵۱-۱۴۳؛ زنان سخنور، ۲۴۹-۲۴۱ / ۱؛ دیوان ژاله قائم مقامی.

قائمی مقدم، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا قائمی مقدم

محل تولد: اسفراین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد رضا قائمی مقدم فرزند محمد در بهمن ماه ۱۳۴۴ در روستای روئین از توابع شهرستان اسفراین در خراسان شمالی در خانواده ای روحانی متولد شدم. پدرم را در سه سالگی از دست دادم و تحت حمایت مادرم و پدر بزرگم که روحانی و منبری محل بود بزرگ شدم. تحصیلات ابتدائی و نیز آشنایی با قرآن و عربی را در روستا گذراندم و تحصیلات راهنمایی را در شهر اسفراین به پایان رساندم و در سال ۱۳۶۰ برای تحصیلات حوزوی وارد قم شده و در مدرسه حقانی (شهیدین) پذیرفته شدم تا سال ۱۳۷۰ کلیه دروس سطح و نیز چند سالی از درس خارج را زیر نظر مدرسه شهیدین گذراندم و سپس به صورت آزاد در دروس خارج حوزه شرکت می کردم و از محضر اساتیدی چون آیات عظام استادی، خرازی، سید کاظم حائری، سبحانی، مرحوم آیه الله تبریزی و... غیره بهره می بردم. دیپلم را نیز همزمان در طول تحصیل گرفتم در سال ۱۳۷۰ همزمان با دروس حوزه برای گذراندن تحصیلات دانشگاهی وارد برنامه های پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه سابق) شدم که همزمان با تحصیل به کار تحقیق نیز مشغول شدم و در نهایت در سال ۱۳۷۹ از مقطع کارشناسی ارشد با گرایش تاریخ و فلسفه آموزشی و

پژوهشی فارغ التحصیل شدم و هم اکنون نیز به تحقیق و بررسی در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی به ویژه در خصوص روشهای تربیت در قرآن کریم مشغول هستم. و همزمان مسئولیت واحد تحقیقات و پایان نامه های جامعه الزهرا(س) را بعهده دارم. دوره های تربیت مربی دفتر تبلیغات، روش تحقیق دکتر فرامرز فرا ملکی و آشنایی با دوره های کامپیوتر Icdl را نیز گذرانده ام. بیشترین تدریس بنده در جامعه الزهرا (س) بوده است که شامل دروس ادبیات عرب، اخلاق اسلامی، درایه رجال، روانشناسی عمومی، اصول (طبقه اولی) الموجزئی علم الاصول و... می شود. راهنمایی چندین پایان نامه را نیز در مرکز جهانی و جامعه الزهرا بعهده داشته و دارم.

قائمی نیا، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیرضا قائمی نیا

محل تولد: ارومیه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علیرضا قائمی نیا در سال ۱۳۴۳ در شهرستان ارومیه به دنیا آمدم و تحصیلات ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان را در همانجا به پایان رساندم همزمان در کلاسهای قرآنی و هیئت های مذهبی شروع به فعالیت کردم و با شروع انقلاب اسلامی در سال ۵۷- ۵۶ به فعالیتهای سیاسی روی آوردم پس از پیروزی انقلاب اسلامی علاوه بر تحصیلات دولتی در دبیرستان به تحصیلات حوزوی پرداختم و در سال ۶۱ - ۶۰ برای ادامه تحصیلات حوزوی وارد حوزه علمیه قم شدم و تا تحصیلات درس خارج پیش رفتم و در درس خارج برخی از مراجع شرکت نمودم. همراه با تحصیل سطح، به صورت تخصصی در رشته فلسفه در موسسه امام خمینی (ره) شرکت کردم و در سال ۷۹ موفق به اخذ کارشناسی ارشد در رشته فلسفه شدم و پس از اندکی در رشته دکتری فلسفه در دانشگاه تربیت مدرس تهران پذیرفته شدم و اکنون به تدوین رساله دکترا اشتغال دارم. در تمام این سالها همراه با تحصیل، در مراکز مختلف حوزوی و دانشگاهی به تدریس اشتغال داشته ام و مقالات و کتابهای زیادی را تالیف نموده ام که برخی منتشر شده اند و برخی در دست انتشار می باشند. در ضمن ایشان در حال حاضر سر دبیری مجله ذهن را به عهده دارند.

قائمی، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۰ ش)، پزشک و نویسنده. تحصیلات متوسطه را در دبیرستان شرف به پایان رساند و از دانشکده‌ی پزشکی فارغ‌التحصیل شد. بعد از فراغت از تحصیل عهده‌دار مشاغلی چند از جمله: ریاست درمانگاه، ریاست بخش وابسته‌ی سرم‌شناسی بود. اثر وی: «کیمیا پزشکی»، درباره‌ی پنی‌سیلین و موارد استعمال آن.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۷۰۲ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۷۷-۲۷۶ / ۱).

قائمان، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۵ ش)، نویسنده و مترجم. تحصیلات عالی خود را در فرانسه در رشته اقتصاد گذراند. وی از دوستان نزدیک صادق هدایت بود و در ترجمه «مسخ» نوشته‌ی کافکا با وی همکاری داشت و نوشته‌های پراکنده هدایت را گردآوری کرد. در ۱۳۵۴ ش که خانه‌اش آتش گرفت بسیاری از کتابها و دست‌نوشته‌هایش سوخت و این حادثه آن چنان وی را رنجور ساخت که در بیمارستان بستری شد. از آثار وی: «آری بوف کور را باید سوزانید»، ترجمه: «داستان ویکتور هوگو و وطنی و شاهکار وی»؛ «راهنمای تلفظ کلمات انگلیسی»؛ «زبان انگلیسی پیش خود»؛ «صادق هدایت، نوشته‌ها و اندیشه‌های او»، ترجمه: «عبرت بودا»، ترجمه: «کارخانه مطلق‌سازی»، ترجمه: «گروه محکومین»، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: خودکشی صادق هدایت (۶۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۸۲۱، ۱۶۴۱، ۲ / ۱۳۳۳، ۱ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲۳-۶۲۰ / ۲).

قائنی، ابوطالب

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آسید ابوطالب بن آسید ابوتراب بن قریش بن ابی‌طالب بن المیرزا یونس الحسینی قائنی خراسانی عالمی جلیل و فقیهی بارع و رجالی متبحر و مصنفی مکتور بوده است.

وی در قائن متولد شده اولیات و مقدمات را در آنجا خدمت فضلاء قائن با ملا محمدحسن قائنی خوانده و پس از آن عزیمت به اصفهان نموده و با ملا حمزه قائنی برادر ملا حسن مذکور از محضر مرحوم حجة‌الاسلام حاج محمدحسن کلباسی استفاده نموده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف و حاضر به درس فقیه مشهور شیخ محسن خنفر شده و تقریرات درس او را به نام (الدروس) نوشته و مدت‌ها ملازمت آن مرحوم را اختیار تا به دریافت اجازه‌ی اجتهاد نائل گردیده است.

تألیفات بسیاری به اسامی کتب زیر دارد.

۱- الکواکب السبعة یاسبعة سیاره در هفت مسئله اصولیه

۲- الفوائد الغرویه در درایه و رجال ۳- صلاة المسافر ۴- المکاسب ۵- سؤال و جواب ۶- اللؤلؤة الغالیه در اسرار الشهاده ۷-

مناسک الحج ۸- الدرّة در معارف خمسه

آن بزرگوار در مراجعت از سفر مکه در ششم شوال سال ۱۲۹۳ قمری در کراچی از دنیا رفته و در همانجا مدفون گردیده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قائنی، اسماعیل

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ اسماعیل از بزرگان تلامذه میرزای شیرازی و مقیم تهران و یکی از مراجع دینی عصر خود بوده تا در حدود ۱۳۰۰ قمری وفات نموده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قائنی، عبدالرزاق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ عبدالرزاق قائنی از علماء و مجتهدین مبرز و مدرسین عالی قدر معاصر تهرانست. وی در سال ۱۳۱۰ قمری در قاین متولد و پس از رشد و دیدن قسمتی از ادبیات و مقدمات عزیمت بمشهد نموده و در آنجا سطوح و خارج را نزد اساتید آن سامان خوانده و پس از آن در سال ۱۳۴۲ قمری به قم مهاجرت و از محضر مرحوم آیت الله العظمی حایری و بعض دیگر استفاده نموده و تا سال ۱۳۷۶ قمری در قم بتدریس فقه و اصول و ضمناً از محضر و دروس مرحوم آیت الله العظمی بروجردی بهره‌مند گردیده تا سال مزبور که از طرف آن مرحوم برای اقامه جماعت در مسجد (مهدیه) واقع در اوائل خیابان شهر ری نزدیک میدان شوش اعزام و تا اکنون در آنجا باین وظیفه و تدریس در مدرسه مروی تهران اشتغال دارند.

نگارنده گوید: آیت الله قائنی عالمی کامل و مدرسی فاضل و موصوف بورع و تقوا و بسیار ساده و بی آرایش می باشد.

از باقیات الصالحات معظم له فرزند برومند ایشان جناب حجه السلام و عمده الفضلاء الکرام آقای حاج شیخ محمدحسین قائینی میباشد. وی در قم متولد شده و در حجر چنین پدر بزرگوار پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و سطوح اولی از والد ماجدش و آقایان دیگر سطوح نهائی را به پایان رسانیده و سالها از محضر مرحوم آیت الله العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده نموده آنگاه به نجف اشرف مهاجرت و چندین سال از دروس خارج مرحوم آیت الله العظمی حکیم و آیت الله العظمی شاهرودی و آیت الله العظمی خوئی بهره‌مند گردیده و خود بتدریس فقه و اصول اشتغال داشته و گاهی برای ملاقات والد بزرگوارش به تهران مسافرت و اکنون از فضلاء بنام حوزه قم و نجف میباشد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

قائنی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی مدد بن سید حسین بن سید علی مدد بن سید حسین بن میر سید حسن موسوی قائنی از علماء بزرگ و مراجع معاصر بوده است.

تولد آنجناب در (۲۱ محرم ۱۳۰۱ هـ) در قریه (سیددان) قائنات واقع شده و مرحوم والدش بعد از سه سال در سنه ۱۳۰۴ ق وفات نموده و برادرش مرحوم آیت‌الله آقا سید علی (متوفی ۱۳۴۲ قمری) وی را متکفل گردیده پس مقدمات و اولیات را از او فرا گرفته و در سال ۱۳۱۶ به قائن آمده و در مدرسه جعفریه اقامت و حدود یکسال توقف نموده و در سال ۱۳۱۷ مهاجرت به مشهد مقدس نموده و از اباحت شیخ حسن برسی و شیخ حسن کاشی و فاضل سود خروی و فاضل بسطامی و شیخ محمدباقر نوقانی و سید میرزا محمدباقر رضوی و میرزا ابی‌القاسم معین‌الغرباء و آیت‌الله آقا سید علی سیستانی و شیخ اسماعیل کوه سرخهی و آیت‌الله حاج شیخ حسنعلی تهرانی و آقا سید اسدالله قزوینی و آیت‌الله آقا میرزا محمد آیت‌الله‌زاده خراسانی استفاده نموده و در سال ۱۳۲۵ قمری مراجعت به قائن و با دختر عموی خود ازدواج و به زیارت حضرت رضا (ع) مشرف و به زادگاه خود قریه (سیددان) برگشته و تا سال ۱۳۳۲ به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و وعظ و ارشاد پرداخته و در سال مزبور به تنهایی مهاجرت به عراق نموده و در نجف اشرف به درس علامه یزدی آقا سید محمدکاظم صاحب (عروه) و شیخ‌الشریعه اصفهانی و آقا شیخ ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و بالاخص آیت‌الله آقا میرزا محمدحسین نائینی حاضر و استفاده‌های سرشاری نموده و تقریرات وی را به رشته تحریر درآورده و متصدی تدریس سطوح عالی شده تا در سال ۱۳۷۵ قمری که به مشهد مقدس معاودت و در مسجد بالای سر به اقامه جماعت و تدریس خارج فقه و اصول مشغول شده تا در سال ۱۳۸۴ که به عزم زیارت به عتبات عالیات مشرف و در شب جمعه ۱۸ رمضان سال مزبور وفات و در حجره دوم صحن شریف مرتضوی قسمت شرقی مدفون شده است.

نگارنده گوید: حقیر در آنسال مشرف و در تشییع جنازه آن بزرگوار شرکت نموده و از مسجد بهبهانی جنب وادی‌السلام با حضور مراجع بزرگ مرحوم آیت‌الله العظمی حکیم و آیت‌الله العظمی خوئی و هزاران نفر دیگر از عموم طبقات و بالاخص فضلاء و طلاب حوزه نجف تا صحن شریف تشییع مجلی نموده و در جوار جد گرامش به خاک سپرده شدند.

آن مرحوم از آیت‌الله العظمی اصفهانی و نائینی اجازه اجتهاد و از مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدباقر بیرجندی و علامه سید حسن صدر و سید ابی‌تراب خونساری و میرزا محمد تهرانی عسکری و محدث قمی و سید محسن امین و علامه سید عبدالحسین شرف‌الدین و علامه تهرانی صاحب (الذریعه) اجازه روایتی داشته‌اند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قائنی، محمدحسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ محمدحسین قائینی بن محمد حسن بن عبدالله بن محسن بن حسین از شاگردان شیخ انصاری و سید حسین کوه‌کمری و میرزا بزرگ شیرازی و حدود ۱۳۱۰ قمری وفات نموده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قائنی، محمدعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ محمدعلی بن عبدالصمد قائنی عالمی زاهد و فقیهی کامل از شاگردان میرزای شیرازی دارای مقام علم و تقوا و فضائل اخلاقی و نفسانی بوده و در حدود ۱۳۲۰ قمری وفات نموده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قبانی نیشابوری، ابوعلی حسین

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۸۹ ق)، حافظ، محدث و مصنف. یکی از ارکان حدیث در نیشابور و شیخ محدثین در خراسان بود. وی در طلب حدیث سفرهای بسیار نمود. از اسحاق بن راهویه و سهل بن عثمان و مصور بن ابی مزاحم و عمرو بن زراره و ابومصعب و حسین بن ضحاک و سریق بن یونس و ابوبکر بن ابی شیبه و ابراهیم بن منذر حزامی و محمد بن عباد مکی و عبیدالله بن عمر قواریری و ابراهیم بن محمد شافعی و همطبقه‌های آنان در خراسان و حرمین و عراق حدیث شنید. استادش محمد بن اسماعیل بخاری و زکریا بن محمد بن بکار و احمد بن محمد بن عبیده و ابوحامد بن شرقی و ابوالفضل محمد بن ابراهیم هاشمی و یحیی بن محمد عنبری و محمد بن یعقوب شیبانی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. اهل حدیث در نیشابور پس از مسلم بن حجاج در نزد او اجتماع می‌کردند. بعد از درگذشت، ابو عبدالله پوشنجی بر جسد وی نماز گزارد. از آثارش: «المسند»؛ «الأبواب»؛ «التاریخ»؛ «الکنی»؛ «اتباع الاتباع».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲ / ۲۷۷)، انساب سمعانی (۴ / ۴۴۰-۴۴۱)، تهذیب التهذیب (۳۳۲-۳۳۱ / ۲)، سیر النبلاء (۵۰۲-۴۹۹ / ۱۳)، شذرات الذهب (۲ / ۲۰۱)، طبقات الحفاظ (۳۰۰)، العبر (۱ / ۴۱۶).

قبیسی، هادی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

هادی قبیسی

محل تولد: نجف

شهرت

تابعیت: لبنان

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب هادی قیسی تبعه لبنان دارای پرونده مرکز جهانی (۱۵۳۵۲) که در سال ۱۳۶۴ ش تشکیل شد و از آن تاریخ شروع به تحصیل علوم حوزوی نموده ام. برنامه تحصیلی اینجانب طبق روش حوزه های عربی بود که از متن الاجرومیه و قطر الندی و شرح ابن عقیل شروع شد و ادامه تحصیل منطبق مظهر حاشیه ملا عبدالله، بعد به مرحله چهارم و پنجم لمعتین و اصول فقه مظهر، و بعد از آن رسائل و مکاسب شیخ انصاری و کفایتین و بدایه الحکمه تا مرحله درس خارج رسید درس آیت الله وحید خراسانی فقه و اصول شروع نموده ام و درس فقه آیت الله تبریزی. اما مرحله تحقیق متون تراثی و مشارکت در نوشته های علمی بعد از پایان درس سطح و شروع به درس خارج بود و آن زیر نظر مرحوم سید عبد العزیز طباطبائی نسبت به آشنائی با روش تحقیق متون و نسخه های خطی. اما تدریس از زمان اشتغال به درس سطح شروع به تدریس مقدمات و غیره و تا الان تدریس قطع نشده است، در مدارس زیر نظر حوزه تدریس نموده ام مثل مدرسه الهادی آیت الله مشکینی، مدرسه دائره المعارف آقای مالکی، مدرسه منتدی جبل عامل طلاب لبنانی، مدرسه علمیه مرکز السجاد طلاب کویته، مدرسه مهدی موعود (عج) غیر از برنامه های درسی مستقل از این مدارس. در سال ۱۳۷۳ حائز به جایزه تحقیق از وزارت ارشاد برای مسابقه سراسری با همکاری موسسه آل البیت (ع).

قدرتی، حسینعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسینعلی قدرتی

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۳ در روستای حسینان از توابع شاهرود در خانواده ای مستضعف متولد شدم تحصیلات ابتدائی را در روستا گذراندم و برای ادامه تحصیل به سمنان عزیمت کردم و دوران راهنمائی و دبیرستان را در سمنان سپری کردم و پس از اخذ دیپلم به دلیل علاقه شدید به قم عزیمت نمودم و مدت ۱۲ سال در قم بودم و دروس مقدماتی و شرح لمعه را در مدرسه رسول اکرم (ص) خواندم و در مدت در قم از دروس آقای محمدی خراسانی، حسینی، تهرانی، فیاضی، اعتمادی، نکونام، خاتمی، مکارم شیرازی، جوادی آملی و وجدانی فخر بهره مند شدم و در سال ۷۳ به کار اجرایی مشغول شدم و ارتباط با حوزه نیز دارم.

قدسی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فاضل و ادیب و خطاط، از بنیان‌گزاران فرهنگ جدید در اصفهان، در ۲۷ ذی قعدة ۱۳۶۷ وفات یافته.

ماده تاریخ وفاتش را مرحوم هور گوید:

شاهد قدس، روان حسن قدسی شد

شد روانه حسن قدسی در عالم قدس

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قدسی، عبدالحسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند میرزا محمد علی خوشنویس بن محمد کریم.

ادیب فاضل و شاعر، جامع فضایل و کمالات صوری و معنوی، از فرهنگیان اصفهان بود که با تأسیس مدرسه‌ی قدسیه فرهنگ جدید را در این شهر پی‌ریزی نمود.

در شب ۴ رمضان ۱۲۸۷ متولد، و در شب یکشنبه ۵ صفر سال ۱۳۶۶ وفات یافته، در تکیه‌ی تویسرکانی مدفون گردید.

از آثارش کتاب «تحفة الفاطمیة» و کتاب «شرعیات» جهت مدارس جدید به طبع رسیده.

مرحوم نیر در ماده تاریخ وفاتش گوید:

لما فقدت ادبیا قل لرحلته

عبدالحسین اتی فی جنه القدس

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قدسی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۷۹ ش)، پزشک و نویسنده. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه و پزشکی را در زادگاهش گذراند. چندی در سمت ریاست قرنطینه‌ی خوزستان به کار مشغول شد. در ۱۳۱۴ ش به پاریس عزیمت نمود. در انستیتو پاستور تحصیلات خود را تکمیل کرد. پس از بازگشت به ایران در انستیتو پاستور ایران به درمان بیماران مبتلا به هاری پرداخت و حاصل تحقیقات خود را در مجلات بین‌المللی منتشر کرد و به واسطه همان مقالات از طرف سازمان بهداشت جهانی به عنوان کارشناس بین‌المللی برگزیده شد. وی به کشورهای اروپا و آمریکا سفر کرد و در مراکز بهداشتی آن کشورها به تحقیق و مطالعه پرداخت و در بازگشت به ایران روش جدید مایه‌سازی ضد سل را در ایران مورد استفاده قرار داد. از جمله مشاغل وی: معاونت وزارت بهداشتی، نیابت ریاست انستیتو پاستور و ریاست بخش ب. ث. ژ بود. از آثار وی: «بیماری هاری و اقسام مختلف آن»، «درمان ضد هاری»، «سخنرانیهای پرفسور آندره لمی‌یر»، در دانشکده‌ی پزشکی تهران؛ «مایه کوبی بر ضد سل بوسیله ب. ث. ژ».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۸۶۶ / ۲ / ۱۳۹۷، ۵۷۲ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۲۴-۴۲۲ / ۶).

قدوسی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد قدوسی نهاوندی (معروف به آقای آخوند) از علماء و مشاهیر دانشمندان نهاوند بوده‌اند، در روز جمعه ۱۶ ربیع‌الثانی ۱۲۸۲ قمری در شهر نهاوند متولد شد.

تحصیلات ابتدائی را در نهاوند طی نموده و برای یاد گرفتن سطوح عالی و خارج عازم نجف اشرف گردید و ۲۰ سال تمام در آنجا متوقف و در سن ۳۵ سالگی پس از احراز مقامات عالی تحقیق و اجتهاد به نهاوند مراجعت و در آن شهر مشغول تدریس و ترویج گردیده و مورد توجه عموم مردم بوده تا در سال ۱۳۵۵ قمری که به مناسبت جریانی که در غائله رفع حجاب پیش آمد به کلی بساط معاشرت را برچیده و عزلت اختیار نموده و تتمه عمر را در انزوا به سر برد تا در شب چهارشنبه ۲۴ جمادی‌الاولی ۱۳۷۴ قمری در سن ۹۲ سالگی داعی حق را اجابت و جنازه ایشان حمل به قم و پس از آنکه آیت‌الله العظمی بروجردی بر آن نماز خواندند در قبرستان نو در مقبره خانوادگی به خاک سپرده شد:

آباء و اجداد ایشان غیر از پدرش حجة الاسلام والمسلمین آقای آخوند ملاحسین و عمویش آیت‌الله آخوند ملاعلی اکبر نهاوندی همه از خوانین و معاریف شهر بوده‌اند که حتی گاهی در مقابل پادشاه وقت ایستادگی کرده و دعوی سلطنت داشتند:

ولی از آن میان جد ایشان مرحوم حاجی آقاخان مردی متقی و خداپرست و به نقل بعضی مستجاب‌الدعوه بوده تقوای سرشار مرحوم حاجی آقاخان سبب شد که مسیر زندگی این فامیل عوض شد لذا دو پسر ایشان به فکر تحصیل علم افتاده و در رشته روحانیت وارد و از آن دو مرحوم آخوند ملاعلی اکبر نهاوندی سالها در نجف اشرف به تحصیل مشغول و صاحب کمالات عالی‌ای گشت.

ولی متأسفانه بعد از برگشت به نهاوند طولی نکشید که در سنین جوانی از دنیا رفت و برادر دیگر به همین جهت موفق به تحصیلات عالی نشد ولی او نیز که آخوند ملاحسین نام داشت مردی متدین و بانفوذ بود اینان همگی از نظر زندگی مادی احتیاج به تصرف وجوه نداشته و کاملاً از تصرف سهم مبارک امام (ع) احتراز می‌کردند و تا آخر عمر از درآمد موروثی خود زندگی می‌کردند.

مرحوم آیت‌الله قدوسی از شاگردان ممتاز مرحوم آیت‌الله العظمی آقای حاج میرزا حسن شیرازی (میرزای بزرگ) و مرحوم آیت‌الله میرزا حبیب‌الله رشتی و در اواخر از محضر درس مرحوم آیت‌الله آخوند خراسانی و مرحوم آیت‌الله آقا سید محمد کاظم یزدی نیز استفاده داشتند.

معظمه علاوه بر ذوق و استعداد قوی از حافظه سرشار خدادادی نیز بهره‌مند بود که حتی در سالهای کهنولت و پیری کاملاً بر محفوظاتش مسلط و گوئی فراموشی در قاموس وجودش مفهومی نداشت.

در رشته اخلاق معلوم نیست که از محضر چه استادی برخوردار بوده بعضی از هم دوره‌هایش احتمال استفاده از حضور محترم آخوند ملافتحعلی سلطان‌بادی را تقویت می‌کردند ولی از آنجا که عمویش مرحوم آخوند ملا اکبر مردی اخلاقی بلکه در زبان و افواه مردم نهاوند کراماتی به او نسبت می‌دهند شاید مربی اخلاق او عموی بزرگوارش بوده است و به هر تقدیر ایشان به تقوا و پرهیزکاری در همه شهر معروف و مسئله تقید او و پدر و جدش را به تهجد خصوصاً در یک مکان از اطاق مسکونی منزلش را به

نحوی نقل می‌کنند که گوئی توصیه‌ای در این زمینه از پدر و جد بوده است.

عیالش نقل می‌کند که در تمام مدت ۶۴ سالی که در خدمت ایشان بودم یکشب نشد که اذان صبح گفته شود مگر آنکه معظم‌له را مشغول عبادت در همان محل مخصوص از اطاق دیدم جز اینکه ایشان را به تب شدیدی مبتلا بود تا لحظه اذان خواب ماند و با شنیدن صدای موذن سراسیمه بیدار و بلند شدند.

نوشته‌های مدون و منظمی از ایشان جز یک اربعین موجود نیست ولی مسودات زیادی در میان کتابهای ایشان و بعضاً در اختیار بعضی از شاگردان و فامیلش باقی بوده که متأسفانه در واقعه سیل ۱۳۱۷ نهاوند به نحوی ضایع شده که قابل استفاده نیست. ایشان دارای سه فرزند ذکور است که یکی از آنها به نام علی قدوسی در رشته روحانیت است و ترجمه وی در جلد اول گنجینه دانشمندان در ضمن رجال و مدرسین حوزه علمیه گذشت.

(۱۳۷۴ - ۱۲۸۲ ق)، عالم امامی و فقیه. معروف به آقای آخوند. در نهاوند به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در نهاوند گذراند و برای فراگرفتن سطوح عالی و خارج به همراه عمویش، ملا علی‌اکبر نهاوندی، ابتدا به سامرا و سپس به نجف رفت و بیست سال تمام در آنجا ساکن شد. وی از شاگردان ممتاز میرزای بزرگ شیرازی و آیت‌الله میرزا حبیب‌الله رشتی بود. وی همچنین از محضر درس آیت‌الله آخوند خراسانی و آیت‌الله آقا سید محمد کاظم یزدی نیز استفاده نمود. در سی و پنج سالگی پس از احراز مقامات عالیه تحقیق و اجتهاد به نهاوند مراجعت کرد و در آن شهر به تدریس و ترویج علوم دینی پرداخت. در ۱۳۵۵ ق به دنبال غائله رفع حجاب رو به عزلت آورد و تا پایان عمر در انزوا به سر برد. پیکرش پس از درگذشت به قم منتقل و در قبرستان نو، در مقبره‌ی خانوادگی، به خاک سپرده شد. مسودات وی در واقعه‌ی سیل نهاوند در ۱۳۱۷ ق از بین رفته است و تنها اثر باقیمانده‌ی وی «اربعین» می‌باشد. [۱]

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه: [۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۸ / ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۳۲ - ۳۳۰ / ۷).

قدیری، محمدحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسن قدیری سال ۱۳۱۵ در اصفهان دیده به جهان گشود و پس از گذراندن تحصیلات متوسطه و دروس مقدماتی حوزه در سال ۱۳۳۷ برای طی سطوح عالی حوزه به نجف اشرف عزیمت کرد و در آنجا از محضر بزرگانی چون آیت‌الله خویی بهره‌مند شد. آیت‌الله محمد حسن قدیری با آغاز نهضت امام خمینی (ره) و تبعید به عراق از همان ابتدا در زمره یاران و نزدیکان ایشان درآمد و ضمن تلمذ در محضر آن حضرت در برخی فعالیت‌های مبارزاتی علیه رژیم منحوس پهلوی فعالانه شرکت داشت. در سال ۱۳۵۰ به عضویت هیات استفتاءات حضرت امام خمینی (ره) درآمد و این مسئولیت را تا زمان ارتحال ایشان بر عهده داشت. امامت جمعه بخش رویدشت استان اصفهان، عضویت در هیات استفتاءات مرحوم آیت‌الله العظمی اراکی و دفتر مقام معظم رهبری، تدریس دروس خارج فقه اصول درحوزه علمیه قم و عضویت در شورای نگهبان قانون اساسی از دیگر فعالیت‌ها و خدمات این عالم ربانی در طول ۷۲ سال عمر پر برکت وی محسوب می‌شود. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: محمدحسن قدیری پس از گذراندن تحصیلات متوسطه و دروس مقدماتی حوزه در سال ۱۳۳۷ برای طی سطوح عالی حوزه به نجف اشرف عزیمت کرد و در آنجا از محضر بزرگانی چون آیت‌الله خویی بهره‌مند شد. علت فوت:

محمدحسن قدیری ۸۷/۷/۲۶ در سن ۷۲ سالگی درگذشت و پیکر ایشان صبح شنبه از مسجد امام حسن عسگری (ع) تا حرم مطهر حضرت معصومه (س) تشییع خواهد شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: محمدحسن قدیری با آغاز نهضت امام خمینی (ره) و تبعید به عراق از همان ابتدا در زمره یاران و نزدیکان ایشان درآمد و ضمن تلمذ در محضر آن حضرت در برخی فعالیت‌های مبارزاتی علیه رژیم منحوس پهلوی فعالانه شرکت داشت. در سال ۱۳۵۰ به عضویت هیات استفتاءات حضرت امام خمینی (ره) درآمد و این مسئولیت را تا زمان ارتحال ایشان بر عهده داشت. امامت جمعه بخش رویدشت استان اصفهان، عضویت در هیات استفتاءات مرحوم آیت‌الله العظمی اراکی و دفتر مقام معظم رهبری، تدریس دروس خارج فقه اصول در حوزه علمیه قم و عضویت در شورای نگهبان قانون اساسی از دیگر فعالیت‌ها و خدمات این عالم ربانی در طول ۷۲ سال عمر پر برکت وی محسوب می‌شود. آثار: البعث فی الرسائل عشر، البیع تقریرات درس حضرت امام (ره)، التیمم، الحاشیه علی العروه الوثقی، المباحث فی علم الاصول، رساله فی الوضع والاستعمال

قراب سرخسی هروی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(بعد از ۴۱۴ - ۳۳۰ ق)، حافظ، محدث، فقیه، زاهد، مقری و ادیب. وی برادر ابویعقوب اسحاق قراب است. از منصور بن عباس و ابوبکر اسماعیلی و ابواحمد بن غطریفی و ابو عمر بن حمدان و ابواحمد حاکم و مخلد بن جعفر باقرحی و بشر بن احمد اسفراینی و علی بن عیسی عاصمی و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید. در بغداد نزد امام عبدالعزیز دارکی فقه آموخت. ابوعطا عبدالاعلی بن عبدالواحد ملیحی و شیخ الاسلام عبدالله بن محمد انصاری و دیگران از وی حدیث شنیده‌اند. وی در بسیاری از علوم همچون قرائت و حدیث و فقه و معانی قرآن و ادب پیشرو و سردسته زاهدان و متألهان بود. از آثارش: «درجات التائبین و مقامات الصدیقین»؛ «الکافی فی علم القرآن»، در قرآآت سبع، در چندین مجلد؛ «الجمع بین الصحیحین»، جمع بین «صحیح» بخاری و «صحیح» مسلم؛ کتابی در «مناقب الامام الشافعی»؛ «الشافی» در قرآآت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۳۸۱ - ۳۷۹ / ۱۷)، کشف الظنون (۱۸۳۹، ۱۳۷۹، ۱۰۲۳، ۷۴۵، ۵۹۹)، معجم المؤلفین (۲۵۶ / ۲)، هدیه العارفین (۲۰۹ / ۱).

قراب سرخسی هروی، ابویعقوب اسحاق

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۲۹ - ۳۵۲ ق)، حافظ، محدث، مورخ، فقیه، زاهد و مصنف. محدث هرات بود. ابونضر فامی گوید که وی بیش از هزار و دویست استاد داشته است. وی از عباس بن فضل نصرویی و جد مادری‌اش، محمد بن عمر بن حفصویه، و ابوالفضل محمد بن عبدالله سیاری و عبدالله بن احمد بن حمویه سرخسی و زاهر بن احمد سرخسی فقیه و خلیل بن احمد سجزی و حسین شماخی صفار و ابومنصور محمد بن عبدالله بزاز حدیث شنید. شیخ الاسلام عبدالله انصاری هروی و ابوالفضل احمد بن ابی عاصم صیدلانی و حسین بن محمد

بن مت و اهل هرات از وی حدیث روایت کردند. خواجه عبدالله انصاری در «جرح و تعدیل» به او احتجاج کرده است. از آثارش: «الوفیات» یا «تاریخ السنین» در «وفیات العلماء» از قرن اول تا ۴۲۹ ق، در دو مجلد؛ «نسیم المهج»؛ کتاب «الأنس و السلوه»؛ «شمائل العباد»؛ «الرمی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۸۵ / ۱)، الاعلام بوفیات الاعلام (۲۸۸ / ۱). انساب سمعانی (۶۳۸ / ۴)، ایضاح المکنون (۵۳ / ۲)، تذکره الحفاظ (۱۱۰۲ - ۱۱۰۰ / ۳)، سیر النبلاء (۵۷۲ - ۵۷۰ / ۱۷)، شذرات الذهب (۲۴۴ / ۳)، طبقات الحفاظ (۴۲۴)، العبر (۲۶۱ / ۲)، کشف الظنون (۱۰۵۹)، العبر (۲۶۱ / ۲)، معجم المؤلفین (۲۲۸ / ۲)، الوافی بالوفیات (۳۹۴ / ۸)، هدیه العارفین (۲۰۰ / ۱).

قراجه داغی، جعفر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، مترجم. وی منشی سلطان جلال‌الدین میرزا، پسر فتحعلی شاه قاجار، بود و مترجم نمایشنامه‌های هفت‌گانه‌ی میرزا فتحعلی آخوندزاده از ترکی به پارسی، تحت عنوان: «تمثیلات».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: شرح حال رجال (۲۴۱/۱).

قراچه‌داغی، جعفر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۰ - ۱۲۵۰ ق)، مترجم. وی با ترجمه‌ی «تمثیلات» آخوندزاده معرفی شده و از منشی‌های سلطان جلال‌الدین میرزا، پسر فتحعلی‌شاه، بود. بعد از مرگ شاهزاده در وزارت انطباعات در سمت مترجم ترکی مشغول به کار شد. وی یکی از روشنفکران دوره‌ی قاجاریه بود و با بسیاری از اهل فکر و قلم آن روزگار مراوده و مکاتبه داشت. ترجمه‌ای انگلیسی و فرانسه «تمثیلات» از روی ترجمه فارسی میرزا جعفر به چاپ رسیده است. آثار وی: «تمثیلات»، ترجمه «عروس و داماد»، ترجمه «تاریخ کرید»، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ادبیات نمایش در ایران (۳۶۷ - ۳۶۰ / ۱)، از صبا تا نیما (۳۴۵)، دانشمندان آذربایجان (۴)، شرح حال رجال (۲۴۱ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳۳۲ - ۳۳۱ / ۲).

قربان نیا، ناصر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ناصر قربان نیا

محل تولد: رودسر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

۱. ورود به حوزه علمیه قم پس از اخذ دیپلم علوم تجربی در سال ۶۲
۲. تحصیل در رشته فلسفه دانشگاه تهران در سال ۶۸
۳. تحصیل در رشته حقوق دانشگاه مفید در سال ۷۰
۴. قبولی در کارشناس ارشد حقوق بین الملل با رتبه دوم کشوری
۵. فارغ از تحصیل در سال ۷۶ با دفاع از رساله کارشناسی ارشد با نمره ۲۰
۶. ورود به مقطع دکتری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۰
۷. دفاع از رساله دکتری در شهریور ۸۵ با درجه عالی
۸. کسب رتبه اول در پایه ششم حوزه علمیه قم با معدل عالی، رتبه دوم در پایه هفتم، رتبه اول در پایه هشتم و نهم در امتحان همزمان
۹. انتخاب کتاب اخلاق و حقوق بین الملل به عنوان رتبه اول در جشنواره کتاب سال ۷۹
۱۰. تالیف بیش از پنجاه مقاله و چاپ آن در مجلات معتبر علمی به زبان های فارسی عربی و انگلیسی
۱۱. کسب عنوان پژوهشگر برتر کشوری، استانی و دانشگاهی در سال های متوالی ۸۱، ۸۲، ۸۳
۱۲. تدریس در دانشگاه های قم و بعضا تهران
۱۳. عضو هیئت علمی گروه حقوق و معاون پژوهشی دانشگاه
۱۴. شرکت در بیش از صد رساله کارشناسی ارشد دانشگاه به عنوان استاد راهنما، مشاور و یا داور.
۱۵. همکاری با مراکز علمی پژوهشی حوزوی و دانشگاهی
۱۶. ارائه سخنرانی های علمی در همایش های مراکز دانشگاهی داخلی و خارجی
۱۷. انتخاب کتاب «عدالت حقوقی» به عنوان رتبه دوم در جشنواره کتاب سال ۸۲

قربانی نمین، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۹، مرتبه علمی: استاد، رشته: انگل شناسی، دانشکده: بهداشت، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای حرفه‌ای داروسازی از دانشکده داروسازی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۷، کارشناسی ارشد انگل‌شناسی از دانشگاه لیوپول انگلستان در سال ۱۳۵۳، و دکترای تخصصی انگل‌شناسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۴.
مرتب‌ه علمی:

استادیار دانشکده داروسازی و دانشکده بهداشت از سال ۱۳۴۶، تا سال ۱۳۵۴، دانشیار دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۴ تا سال ۱۳۶۴ و استاد دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۴ تا کنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس انگل‌شناسی پزشکی در دانشگاه تهران و مجتمع پزشکی طالقانی، کوکسیدهای بیماری‌زا توکسوپلاسموز در ایران، سرواپیدمیولوژی توکسوپلاسموز در ایران، بررسی سرولوژی توکسوپلاسموز در حیوانات، مطالعه روش‌های تشخیص آزمایشگاهی پنموسیستوزیس ریوی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۸

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

متون درسی پزشکی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲۰

زمینه علمی مقالات:

توکسوپلاسموز، لیشمانیوز و مالاریا.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

قربانی، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ش)، ریاضیدان، نویسنده و مترجم. آثار وی: «جبر برای سال سوم دبیرستانها»، «جبر و مثلث سال ششم طبیعی»، «حل المسائل مکانیک»، «حل المسائل هندسه»، «رسم فنی»، «متمم هندسه»، «هندسه ترسیمی و رقومی»، ترجمه «هندسه‌ی فضایی»، «هندسه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۲۱۵، ۱۰۱۳، ۱۰۱۱، ۱ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۸۰-۲۷۸ / ۱).

قربانی، علی اصغر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اصغر قربانی ده برزویی

محل تولد: ده برزو

شهرت: قربانی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در تاریخ اول فروردین سال هزار و سیصد و پنجاه و چهار هجری شمسی با سواد قرآنی و خواندن و نوشتن وارد حوزه علمیه شدم؛ مدرسه فولاد در تربت حیدریه، صرف میر و شرح المثل را در محضر استاد شیخ حسن کله (قده) فرا گرفتم. کتابهای: ملامحسن، هدایه، قطرالندی و نحو را از محضر مرحوم آقای بحر آموختم. خط را از هنر شیخ محمود هروی بهره بردم. سیوطی، مغنی، مختصر، منطق (حاشیه ملاعبدالله) و اندکی از اصول فقه مظهر و لمعه را از محضر استاد فرزانه مرحوم صدر الدین ربانی فرا گرفتم. در ضمن، کلاس پنجم ابتدایی را به صورت شبانه آزاد همزمان خواندم. در سال ۵۷ حدود پنج ماهی زندان و کیل اندر مشهد زندانی شده و در آنجا از محضر برخی اساتید، مانند جناب آقای جواد منصوری مقداری از مسایل سیاسی و اقتصادی را آموختم. در سال پنجاه و هشت که به قم آمدم ادامه اصول مظهر را از محضر استاد مصطفی محقق داماد (جلد اول را) و استاد مرحوم عمّانی (جلد دوم) را فرا گرفته و ادامه درس لمعه را هم از محضر سرورانی، چون شَماعی همدانی، نظری و وجدانی فخر و مقدار اندکی از آن را هم در محضر آیت الله اشتهاردی فرا گرفتم. بخشی از کتابهای اصول فقه و لمعه و تفسیر را هم از محضر مرحوم استاد محامی و عرفانی کسب فیض کردم. هم زمان با درسهای فقه و اصول برای تکمیل مباحث ادبیات و منطق چند صباحی پای دروس منطق استاد انصاری شیرازی و مطون استاد مرحوم مدرس افغانی حاضر شدم. استاد محمد رضا حکیمی که از دیر باز مورد علاقه من بود، درسی از کتاب الحیات را در حوزه آغاز فرمودند که بنده متأسفانه در آن شرکت می کردم و مطالب ارزنده ای تصمیم می شد. درسهای اخلاق استاد و بزرگوار آیت الله مشکینی هم حال و هوای خاص خود داشت. که بنده از پای بندان به شرکت در آن بودم. بخشی از درسهای تفسیر ایشان را هم شرکت کردم. درس اخلاق حضرت آیت الله بهاءالدینی روزهای پنجشنبه در مدرس زیر کتابخانه فیضیه زمزمه محبتی بود که تا پنجشنبه دیگر جانم را سرشار از طراوت می کرد. از حدود سال ۶۰ رسایل را در محضر اعتمادی تبریزی در شبستان آیت الله گلپایگانی مسجد اعظم قم هر روز ساعت هفت صبح شرکت کردم؛ اما این درس مصادف با جنگ تحمیلی و ماجرای جانبازی بنده شد به همین دلیل مقداری طولانی شد و تا سال حدوداً ۶۴ طول کشید همزمان با این درس، درس مکاسب را در محضر استاد گرانقدر سید حسن طاهری خرم آبادی حاضر می شدم تا بیع و خیارات را به پایان بردم، اما مکاسب درس کفایتین را در محضر استاد صالحی مازندارانی رحمه الله آموختم. پس از اتمام دروس سطح عالی خارج اصول را با شرکت در درس حضرت آیت الله فاضل آغاز کردم. بخشی از خارج اصول را هم پای درس استاد فرزانه حضرت آیت الله مکارم شیرازی نشستیم، در مدرسه امام امیر المؤمنین، عصرها یک ساعت به غروب، درس خارج فقه؛ کتاب الظهاره و بخشی از کتاب الصلاة و کتاب القضا را (البته کتاب القضاء روزهای چهارشنبه هر هفته) در مسجد اعظم در شبستان آیت الله بروجردی (ره) از محضر حضرت آیت الله شیخ جواد تبریزی (ره) به مدت هشت سال کسب فیض کردم. درس خارج فقه حضرت آیت الله نوری همدانی مدظله را هم حدود دو سال شرکت می کردم و بهره فراوانی بردم، به ویژه که موظف بودیم آن را با جمعی از دوستان به عربی بنویسیم و نوشته ها مان ارزیابی و نقد و بررسی می شد؛ علاوه بر آن رجال سند هم به دقت تمام بررسی و جرح و تعدیل می شد.

این درس در مدرسه آیت العظمی گلپایگانی خیابان ارم (در مدرس بزرگ یا مسجد مدرسه) برگزار می شد و موضوع بحث کتاب الصلاة بود. و سرانجام؛ درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی که از اواخر جلد اول کفایه، مباحث قطع و علم رجال و مباحث اصول عملیه و تاکنون که بحث تعادل و ترجیح است و هنوز مشغول به آن هستم.

قربانی، ولی الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ولی الله قربانی

محل تولد: فاروج

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۶/۱۲/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب ولی الله قربانی فرزند علی محمد اهل خراسان شمالی متولد ۱۰/۱۲/۱۳۲۶ (فاروج) از سال ۱۳۴۲ تا سال ۱۳۴۳ به مدت یک سال به مکتب رفته و در حوزه علمیه شهرستان قوچان تحصیلات حوزوی را در محضر حضرات اساتید: شیخ غلامحسین احمدی (جامع المقدمات) ۲. سلامی (سیوطی) شیخ عبد الله ابراهیمی (شرح النموذج منطق) ۳. محمود موقر (عقائد باب حادی عشر) ۴. شیخ حسین حسین زاده (مغنی) و در سال ۱۳۴۷ به صورت قاجاق از طریق آبادان در آغاز حکومت حزب بعث به عراق رفته و ادامه مغنی و سیوطی را در محضر حضرت استاد شیخ محمد علی مدرس افغانی و اصول (معالم، اصول مظفر) در حضور آقایان قاضی زاده و عزیز و قاهانی استفاده بردم و شرح لمعه جلد اول را در حضور آقای مصطفوی کاشانی و جلد دوم شرح لمعه در محضر حضرت آیت الله شهید مدنی خوانده و کتابهای متداول حوزه را در محضر اساتیدی چون آقایان لنکرانی و بعضی آقایان دیگر خوانده ام. در سال ۱۳۴۹ از عراق اخراج شدم و مدت کوتاهی در مشهد بودم و مقداری از بقیه درس لمعه در محضر آقای محامی خواندم و بعد از چندی به قم آمدم و درس اصول و فقه را مثل کفایه جلد اول و دوم و رسائل و مکاسب را در محضر حضرات آقایان اعتمادی و مظاهری اصفهانی، آیت الله فاضل لنکرانی و قدیری اصفهانی خواندم. در درس خارج آقای میرزا جواد تبریزی (خارج فقه، مکاسب) یک دوره حاضر شده و در برخی درسهای متداول حوزوی از محضر حضرات آیات عظام: وحید خراسانی، مکارم شیرازی و غیره استفاده نمودم. مقداری نهج البلاغه از درس آیت الله حسین نوری استفاده نمودم و در تفسیر آقای خزعلی نیز متناوباً حاضر بودم. در سال ۱۳۵۹ وارد مدرسه عالی قضائی شدم و از محضر حضرات آقایان: سید محمود شاهرودی (اقتصاد غرب)، استاد فیاضی (فلسفتنا)، آقای ممدوحی (بدایه الحکمه) و تفسیر را از آقای رضا استادی استفاده بردم و درس اخلاق توسط استاد مظاهری و روانشناسی دکتر اهری و در اقتصاد اسلامی از آقای حسینی استفاده بردم. در درس ادبیات فارسی از مرحوم آقای ناظمی بهره مند بودیم. پس از دریافت مدرک لیسانس در الهیات مشغول به کارهای تحقیقی (احیاء آثار) شده و اولین کار تألیف معجم الفاظ احادیث بحار الأنوار به صورت گروهی که حدوداً ۱۴ سال طول کشید، آغاز شد. و اینجانب عضو هیئت علمی بوده و چند گروه به نام گروههای مقابله را اداره و کارها را کنترل نموده و آماده چاپ می نمودیم و در سال ۱۳۷۳ به واحد احیاء آثار

اسلامی منتقل شدم و اولین کار در واحد مزبور کار در غایه‌المراد شهید اول بود و هم زمان منتقد المنافع آقای شریف کاشانی را انجام می‌دادیم و بعد از آن کتاب روضه الجنان را شروع کردیم و پس از آن کتاب انیس المجتهدین آقای نراقی را کار کردیم. همزمان آثار آقای بلاغی و شرف‌الدین را تحقیق نمودیم و چندین رساله تفسیری و هلالی را به دست گرفتیم. رسائل شهید را نیز تحقیق نمودیم. رساله ای در حلق اللحیه تحقیق نمودم که چاپ شده. کتاب قواعد و فوائد شهید را نیز در دست اقدام داریم. چهار جلد کتاب حدود الشریعه آقای محسنی آصفی را تحقیق و اصلاح نموده ام، همچنین کتاب الفقه و مسائل طیبه ایشان را و کتاب الحکم الزاهره آقای صابری یزدی را اصلاح نمودم.

قربانین، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: اورلوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

قرشی هروی، ابوعثمان سعید

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۳۳ / ۴۳۲ ق)، مسند و محدث. اهل هرات بود. از عباس بن فضل نضروی و ابوحاتم محمد بن یعقوب هروی و ابوسعید محمد بن علاء نیشابوری و ابوعمرو محمد بن احمد بن حمدان مقری و ابوسعید عبدالله بن محمد بن عبدالوهاب رازی و ابومنصور محمد بن احمد ازهری و عبدالله بن احمد بن حمویه سرخسی و ابوعبدالله شماخی و ابوعلی حامد بن محمد رفاء و ابوحامد بن حسویه و ابوالفضل بن خمیرویه و منصور بن عباس بوشنجی و دیگران حدیث شنید. در ۴۱۳ ق در بازگشت از حج به بغداد رفت و در آن جا حدیث روایت کرد. سپس به هرات بازگشت. وی در حدیث یگانه بود. ابوبکر خطیب و ابواسماعیل عبدالله بن محمد انصاری و محمد بن عمیری و دیگران از او حدیث روایت کرده‌اند. قرشی در هرات درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۴ / ۴۷۰)، تاریخ بغداد (۱۱۴- ۱۱۳ / ۹)، سیر النبلاء (۵۵۳- ۵۵۲ / ۱۷)، شذرات الذهب (۲۵۰ / ۳)، العبر (۲ / ۲۶۷)، النجوم الزاهره (۵ / ۳۷).

قرشی، جمال‌الدین، ابوالفضل محمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س هفتم ق)، دانشمند و لغوی. وی از علمای مقیم کاشغر بود. از آثارش کتاب «صراح اللغه» یا «الصراح من الصحاح» است که تلخیص و ترجمه‌ی فارسی «صراح اللغه» جوهری است. وی این کتاب را در ۶۸۱ ق به پایان رساند، سپس ذیلی به عربی بر آن نوشت به اسم «ملحقات الصراح»، که مشتمل بر مطالب تاریخی مهمی است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۲۸۵ / ۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۶)، ریحانه (۴۴۰ / ۱)، کشف الظنون (۱۰۷۷)، لغت‌نامه (ذیل / ابوالفضل)، هدیه العارفین (۱۳۴ / ۲).

قرشی، مجتبی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مجتبی قرشی

محل تولد: شهرضا قمشه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱۲/۵

زندگینامه علمی

در پنجم اسفند ماه سال ۱۳۳۹ در شهرضای اصفهان متولد شده ام با گذراندن تحصیلات ابتدائی و اول راهنمائی به دلیل علاقه مندی به دروس حوزوی و جو مذهبی خانواده در سال ۱۳۵۴ در مدرسه علمیه صاحب الزمان شهرضا به تحصیل علوم حوزوی مشغول شدم حدود یک سال ادبیات و احکام قرآن خواندم و پس از آن به قم سفر کرده و در مدرسه آیه الله گلپایگانی به ادامه تحصیل پرداختم و بخشی از ادبیات (سیوطی، مغنی، مبانی بیان، منطق، عقائد، عروق الوثقی، لمعتین، بخشی از مکاسب شیخ انصاری و رسائل) را در آن مدرسه خواندم. در ایام تحصیلات تابستان در شهرضا به فعالیتهای فرهنگی و تبلیغی و تدریس احکام و روش قرائت قرآن مشغول بودم با آغاز مبارزات در حد توان به صورت مخفی و گاهی عملی در حد توان در مبارزه با رژیم شاه شرکت و فعالیت داشتم و در سالهای اولیه پیروزی انقلاب تا سال ۱۳۶۴ مکاسب و رسائل (که بخشی از آن را خوانده بودم) مجدداً از ابتدا نزد اساتید بزرگ حوزه آقایان ستوده و اعتمادی و کفایتین را نزد استاد ستوده خواندم و به لحاظ شرایط خاص کشور و جنگ تحمیلی عراق و دستور امام اعلام نیاز قوه قضائیه به کمک طلاب حوزه از طریق دفتر تبلیغات اسلامی پس از قبولی در آزمون ورودی و معرفی به قوه قضائیه و گذراندن دوره آموزشی علمی و عملی از اواخر سال ۱۳۶۰ همکاری خود را با قوه قضائیه و در دادگاههای انقلاب آغاز نمودم. اما این همکاری تا حدود ده سال اکثراً به صورت چند ساعت در روز همزمان اشتغال به تحصیل ادامه یافت و در این اثناء با پایان دروس سطح و اشتغال به درس خارج فقه و اصول نزد اساتید حوزه آیات فاضل لنکرانی، موسوی اردبیلی، منتظری، مکارم شیرازی، سبحانی و تبریزی مشغول بودم از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۳ از طرف قوه قضائیه به استانهای کردستان و خوزستان اعزام شده و پس از پایان و انجام وظایف محوله که به فعالیتهای تبلیغی و فرهنگی و تدریس نهج البلاغه و احکام و بازخوانی دروس حوزه (کفایتین) پرداختم از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۹ مستمراً در درس خارج فقه و اصول آیه الله سبحانی

شرکت کرده و در سال ۱۳۷۵ بخشی از تقریرات درس ایشان را به نام (رساله فی الجبر و الاختیار) به زبان عربی نگاشته و با تقریظ استاد به چاپ رساندیم و همزمان کتاب دیگری را به نام صلاحیتهای قانونی دادگاههای انقلاب تدریس نموده و چاپ و منتشر نمودم. با ثبت نام در قسمت مدارج علمی حوزه مقطع سطح چهار و تصویب موضوع پایان نامه به نام «رساله فی علم القاضی» چندین ماه به تحقیق و نگارش آن مشغول شده و پس از اتمام آن و دفاع از رساله در حضور آیه الله معرفت و سایر اساتید موفق به اخذ مدرک سطح چهار شدم و یکی از اساتید حوزه آیت الله لاجوردی نیز با ملاحظه آن رساله و مطالعه آن اجازه روایی و اجتهاد نویسنده را گواهی فرمود در سال ۱۳۸۱ در آزمون سراسری دانشگاه آزاد در مقطع کارشناسی ارشد شرکت نموده و در رشته مذکور در دانشگاه قم دایر شده لذا آن را گذرانده و موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد در آن رشته شدم. موضوع پایان نامه به پیشنهاد اساتید تکمیل تحقیقات در زمینه اعتبار علم قاضی و جایگاه آن در فقه و قوانین جزائی ایران بود که با نگارش و دفاع از آن به عنوان پایان نامه برتر و به قول اساتید در حد پایان نامه مقطع دکترا انجام شده و پایان پذیرفت در سال ۱۳۸۲ با شرکت در آزمونی دیگر در رشته علوم قرآن و حدیث در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه دولتی قم قبول شده و در آن رشته مشغول تحصیل شدم و تمامی تحقیقات و مقالات مربوطه به علوم قرآن و حدیث که نام آنها در صفحات قبل ذکر شده در ظرف زمانی سالهای ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۴ نگارش یافته و بعضاً پس از تکمیل به صورت کتاب قابل ارائه و انتشار است این دوره نیز با انتخاب موضوع در بررسی تحلیل علوم قرآنی در تفسیر نمونه به عنوان پایان نامه و دفاع از آن پایان پذیرفت سال ۱۳۸۵ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد در آن رشته نیز شدم از سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ علاوه بر اشتغالات قضائی و درسی با مرکز مشاوره حوزه علمیه قم در زمینه مشاوره حقوقی و با مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه واحد تدوین متون همکاری و در تدوین برخی از کتب نظیر قتل عمد و محاربه و افساد فی الارض و برخی موضوعات دیگر نظارت و دخالت داشتم و از آن پس تاکنون نیز به تکمیل برخی از تحقیقات گذشته مشغول می باشم و ما توفیق الا با الله العزیز الحکیم و الحمد لله رب العالمین.

قرقره چی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی عمومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی جراحی عمومی از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۶، فوق تخصص از دانشگاه لوئی پاستور فرانسه در سال ۱۳۵۳.

مرتبه علمی:

استادیار جراحی دانشگاه علوم پزشکی تبریز از سال ۱۳۴۸ تا سال ۱۳۵۳، دانشیار جراحی دانشگاه علوم پزشکی تبریز از سال ۱۳۵۳ تاکنون.

تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پزشکی و جراحی عمومی، جراحی معده و دوازده.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

درمان جراحی زخم دوازده، ضربه‌های دست و انگشتان.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: متعدد، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

تعداد متعددی مقاله به زبان فراسی در رشته جراحی، تعدادی مقاله در رشته جراحی به زبان فرانسه.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

قرنی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ علی بن العالم الجلیل مرحوم آقا شیخ محمد ابراهیم قرنی منسوب بتابعی جلیل‌القدر شهید راه ولایت جناب اویس قرن رضی الله عنه و رزقنا شفاعته می‌باشد. وی در سال ۱۳۳۳ ق در قریه گوگد متولد شده و پس از رشد و خواند فارسی و مقدمات در گلپایگان در سال ۱۳۵۷ ق مهاجرت به قم نموده و سطوح را از مدرسین بزرگ چون آیت‌الله العظمی گلپایگانی و آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی تکمیل نموده و پس از آن مسافرت به نجف اشرف نموده و مدت سه سال از محضر مرحوم آیت‌الله آقا شیخ محمدعلی کاظمینی و آیت‌الله العظمی خوئی استفاده نموده و سپس مراجعت به قم و از محضر مرحوم آیت‌الله خونساری و آیت‌الله العظمی بروجردی و مراجع دیگر استفاده نموده و بمراتب علم و کمال رسیده و حسب الامر مرحوم آیت‌الله بروجردی قدس الله سره برای ارشاد و هدایت و نشر معارف اسلام و تبلیغ احکام به علیشاه عوض شهریار عزیمت نموده و تاکنون به اقامه جماعت در مسجد حاج حسن و خدمات دیگر اشتغال دارند.

دارای تألیفات عدیده در فنون مختلفه می‌باشد که آنها را ذیلا می‌نگارم:

۱- سوقات سفر دو جلد مطبوع

۲- اسرار معراج دو جلد مطبوع

۳- منهاج الدموع دو جلد مطبوع

۴- منهاج‌السرور ۳ جلد دو جلد مطبوع و یک جلد آماده طبع

۵- منتهی‌المقال دو جلد مطبوع

۶- در‌المنظوم دو جلد مطبوع

۷- آینه عمر دو جلد مطبوع

۸- پیوند دو گل دو جلد مطبوع

۹- منهاج‌الجنان در دعاء دو جلد مطبوع

(تو ۱۳۳۳ ق)، عالم امامی و فقیه. نسب وی به اویس قرنی می‌رسد. در روستای گوگد گلپایگان به دنیا آمد و پس از فراگیری

ادبیات فارسی و مقدمات در گلپایگان در ۱۳۵۷ ق به قم مهاجرت نمود و سطوح را در نزد آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله نجفی مرعشی تکمیل نمود. پس از آن به نجف رفت و مدت سه سال از محضر آیت‌الله شیخ محمد علی کاظمینی و آیت‌الله خویی استفاده نمود. سپس به قم مراجعت کرد و از محضر آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله بروجردی و مراجع دیگر استفاده نمود. قرنی به دستور آیت‌الله بروجردی برای نشر معارف اسلامی به علیشاه عوض شهریار رفت. از آثارش: «سوقات سفر»، در دو جلد؛ «اسرار معراج»؛ «منهاج الدموع»؛ «منهاج السرور»، در چهار جلد؛ «منتهی المقال»؛ «در المنظوم»؛ «آینه عمر»؛ «پیوند دو گل»؛ «منهاج الجنان»، در دعا. [۱]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: گنجینه‌ی دانشمندان (۶۷۶-۶۷۵ / ۴).

قره چانلو، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر حسین قره‌چانلو در سال ۱۳۱۹ در شهر تهران به دنیا آمد. وی دارای دکترا رشته الهیات و معارف اسلامی از دانشگاه تهران است. نامبرده، پس از فراغت از تحصیل، به کار تدریس از دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد اسلامی پرداخت. ترجمه کتاب "الاعلاق النفیسه" حسین قره چانلو، در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی تحصیلات رسمی و حرفه ای: حسین قره‌چانلو تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در تهران به پایان رسانید. سپس وارد دانشگاه شد و موفق به گرفتن مدرک لیسانس و فوق لیسانس و دکترا در رشته الهیات و معارف اسلامی از دانشگاه تهران گردید. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: حسین قره‌چانلو، پس از فراغت از تحصیل به کار تدریس از دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد اسلامی پرداخت. دکتر قره‌چانلو در تهیه و تنظیم قسمتهایی از دایرة المعارف شیعه و دایرة المعارف اسلام همکاری کرده، هم‌اکنون طراح مسائل تاریخی در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است. جوایز و نشانها: ترجمه کتاب "الاعلاق النفیسه" حسین قره چانلو، در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. چگونگی عرضه آثار: حسین قره‌چانلو بیش از چهارصد مقاله تحقیقی و تاریخی نوشته است که تمامی آنها در مجله بررسیهای تاریخی ارتش و مجله بررسیهای دانشکده الهیات و معارف اسلامی و دایرة المعارفهای مختلف فارسی به چاپ رسیده است. آثار: ترجمه الاعلاق النفیسه و یژگی اثر: ابن رسته، ۱۳۶۵، امیرکبیر- این کتاب در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزیده شد- آشنایی با کتاب «الاعلاق النفیسه» مقصود مؤلف از نوشتن این کتاب، فراهم آوردن اطلاعاتی از مجموعه علوم زمان تألیف کتاب بوده است. او علاوه بر توصیف بلاد اسلامی از سرزمینهای خارج از جهان اسلام نیز سخن به میان آورده است و به صورتی کامل و جامع از جغرافیای نجومی و ریاضی با استناد به آیات قرآنی و آثار نجومی و اقوال دانشمندان سخن رانده است. مطالب کتاب در مورد سرزمین صنعا و امپراتوری بیزانس و هند شرقی و سقلاییان و اقوام اورال و آلتایی و اقوام اطراف دریای سیاه و نواحی اصفهان در خور توجه بوده و اطلاعات جمع‌آوری شده در باب مکه و مدینه و توصیف رودها و مناطق طبرستان از اهمیت خاصی برخوردار است. با توجه به تنوع اطلاعاتی که در کتاب فراهم آمده، می‌توان آنرا دایرة المعارفی کوچک از علوم، جغرافیا و تاریخ گذشته جهان دانست ۲ حرمین شریفین و یژگی اثر: ۱۳۶۲، امیرکبیر.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

قره‌باغیان، مهین

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیهوشی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشکده پزشکی دانشگاه تهران، دکترای تخصصی بیهوشی از دانشگاه تهران، دیپلم بیهوشی از کالج سلطنتی انگلستان.

مرتبه علمی:

دانشیار رشته بیهوشی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

کاربرد داروهای مختلف که در ضمن بیهوشی مصرف می‌شوند، مراقبت‌های مهم قبل از عمل و بعد از عمل، طب سوزنی، کاربرد درمانی داروها در ضمن عوارض بیهوشی، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۸ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترای

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

روش‌های بیهوشی عمومی و بیحسی موضعی، ICU و بخش مراقبت‌های ویژه تنفسی، سندروم نارسائی تنفسی، بیهوشی در بیمارهای غدد داخلی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

اثرات داروهای سراتید و آنالژزیک و کاربرد آنها در بیهوشی عمومی و بیحسی‌های موضعی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

قره‌بیگلو، فیروز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی اطفال، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی جراحی عمومی از دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۱، طی دوره‌های تخصصی در دانشکده پزشکی بردو فرانسه و طی دوره جراحی اطفال در انگلستان از سال ۱۳۴۸ تا سال ۱۳۵۱ و دریافت گواهی فوق تخصص جراحی اطفال از وزارت فرهنگ و آموزش عالی در سال ۱۳۶۱، طی دوره کوتاه مدت جراحی کودکان و نوزادان در آمریکا. مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

جراحی‌های کودکان و نوزادان، استاد راهنمای ۹ پایان‌نامه تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

جراحی کودکان و نوزادان.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۸، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

ضربه‌های قفسه صدري و پانکراس و جراحی‌های اطفال.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

قریب ، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم دکتر محمد قریب در سال ۱۲۸۸ در یک خانواده مذهبی در تهران متولد شد. پدرش مرحوم علی اصغر از مردم گرگان از توابع آشتیان بود. دوران ابتدایی را در دبستان سیروس و متوسطه را در دارالفنون گذرانید. وی در سال ۱۳۰۶ شمسی در زمره اولین گروه دانشجویان ایرانی بودند که برای ادامه تحصیل در رشته پزشکی به فرانسه رفتند. وی در پایان سال اول در شهر رن فرانسه موفق به دریافت جایزه لابراتور تشریح دانشکده پزشکی شد. وی در سال ۱۳۱۴ نخستین ایرانی بود که توانست در کنکور انترنی بیمارستان پاریس موفق شود. رساله دکترای خود را تحت عنوان ((وقفه تنفسی شیرخواران)) با درجه بسیار خوب گذرانید و در سال ۱۳۱۵ با دوشیزه زهرا قریب، دختر مرحوم آقا میرزا عبدالعظیم خان قریب ازدواج کرد و نتیجه این پیوند مبارک دو پسر و دو دختر می باشد. پسران ایشان به پزشکی اشتغال دارند. ازدواج نموده و در سال ۱۳۱۷ به ایران بازگشت نمود. پس از طی نمودن دوره سربازی در سال ۱۳۱۹ به عنوان دانشیار طب اطفال در دانشگاه به فعالیت علمی مشغول گردید. وی ابتدا در بیمارستان رازی به اداره بخش اطفال مشغول شد و بعد از آن به بیمارستان هزار تخته‌خوابی آمد و در آن بخش اطفال دایر نمود. وی در سال ۱۳۱۹ کتاب

بیماریهای کودکان را به چاپ رساند و در سال ۱۳۳۵ با همکاری آقای دکتر اهری آن را با اطلاعات جدید تجدید چاپ نمود. دکتر قریب در سال ۱۳۲۱ به دریافت نشان عالی دولت فرانسه شد و در سال ۱۳۵۰ به عضویت هیئت مدیره انجمن بین‌المللی بیماریهای کودکان در آمد. همچنین در آخرین سالهای عمر وی موفق به نشان درجه اول فرهنگ از وزارت آموزش و پرورش شد. وی در طول سالهای فعالیت علمی خود در کنگره‌های مختلف بین‌المللی در کشورهای مختلف از جمله فرانسه، آمریکا، کانادا، ژاپن، ترکیه و اتریش شد و عضویت چندین مجمع علمی بین‌المللی را برعهده داشت. ایشان اولین تعویض خون را در ایران انجام دادند و از بنیانگذاران انتقال خون در ایران بودند.

از مهمترین اقدامات ایشان بنیانگذاری و تأسیس اولین بیمارستان تخصصی کودکان یعنی بیمارستان مرکز طبی کودکان به همراه دکتر اهری بود که ایشان این اقدام را در زمان بازنشستگی خود انجام دادند. آنچه دکتر محمد قریب را شاخص می‌نمود هوش سرشار، علاقه به فراگیری، قدرت کار و استقامت در مقابل مشکلات بود.

کلاس درس استاد که تقریباً همیشه بر بالین بیمار بود، در نوع خود مکتبی از پیشرفته‌ترین روشهای علمی کنونی به شمار می‌رفت. استاد شاگرد را در برابر بیمار و مسایل وی قرار می‌داد، وی را به تفکر و تعقل و سخن گفتن و امی داشت و سپس راهنمایی می‌نمود.

مرحوم دکتر قریب در حین فعالیت علمی فعالیت سیاسی و اجتماعی نیز داشت به گونه‌ای که بارها در کلاس درس به اقدامات رژیم انتقاد نموده و پس از واقعه ۲۸ مرداد ۳۲ نیز بدنبال امضاء یک بیانیه به همراه ۱۰ تن دیگر از اعضای هیئت علمی دانشگاه مانند مهندس بازرگان، دکتر سحابی و دکتر نعمت الهی به دستور شاه از دانشگاه اخراج شدند که این موضوع باعث افزایش محبوبیت ایشان در بین دانشجویان و جامعه دانشگاهی شد.

مرحوم دکتر قریب در سال ۱۳۵۱ به هماچوری (دفع خون از دستگاه ادراری) مبتلا شدند که بعدها تشخیص کانسر مثانه داده شد و اقدامات درمانی انجام شده در ایران و آمریکا تأثیر چندانی بر بیماری ایشان نداشته و سرانجام در روز سه شنبه اول بهمن ماه ۱۳۵۳ در بیمارستان مرکز طبی کودکان محل خدمت خود دار فانی را وداع کردند و طبق وصیت خودشان در قبرستان شیخان قم به خاک سپرده شدند. برای مراسم تدفین دکتر محمد قریب، آیت الله العظمی گلپایگانی نماز ایشان را قرات فرمودند. از جمله شاگردان ایشان می‌توان به دکتر ولایتی وزیر امر خارجه سابق اشاره کرد. روزگار قریب نام مجموعه تلویزیونی است که کیانوش عیاری درباره زندگی دکتر محمد قریب ساخته‌است.

برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

منابع زندگینامه: مرکز طبی کودکان

سایت پروفیسور سلطان زاده

پایگاه عصر ایران

قریب گرکانی، عبدالعظیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۳۴۴ - ۱۲۵۸ ش)، ادیب، مدرس، نویسنده و شاعر. وی در قریه‌ی گرکان تفرش از توابع اراک به دنیا آمد. مقدمات زبان فارسی و عربی را در زادگاه خود در خانه‌ی پدر آموخت. در ۱۳۱۱ ق به تهران آمد و زبان و ادبیات عرب و ریاضی را نزد برادر

بزرگش، میرزا غلامرضا، تکمیل کرد. بعد «مطول» را در محضر شیخ باقر تهرانی، قوانین و شرح «مطالع» و هئیت و نجوم را نزد سید محمد جواد قاهانی، علم اصول را در مدرسه‌ی حاج ابوالحسن از سید محمد جمارانی، منطق و حکمت را در مدرسه سپهسالار جدید در محضر میرزا طاهر تنکابنی و زبان فرانسه را در مدرسه‌ی دارالفنون آموخت و بعد وارد خدمت وزارت معارف شد و در مدرسه‌ی علمیه که تنها آموزشگاه به طرز جدید بود و در مدرسه‌ی نظام به تدریس پرداخت. از جمله شاگردانش محمد تقی خان پسیان شهید و برادر و پسر عمویش، سلطان غلامرضاخان، علیقلی خان بودند. وی چندی در مدرسه‌ی دارالفنون و سپس در دانشسرای عالی به تدریس اشتغال داشت. قریب در مقام استادی، در دانشکده‌ی ادبیات تهران، تدریس زبان و ادبیات فارسی را عهده‌دار بود. از جمله آثارش: «بدایه‌الادب»؛ «بدیع»؛ «تصحیح کلیله و دمه»؛ «تصحیح گلستان»؛ «تصحیح تاریخ برامکه»؛ «دستور زبان فارسی»؛ «قواعد فارسی در صرف و نحو»؛ «فوائد الادب»؛ «قرائت فارسی»؛ «سخنان شیوا»؛ «کتاب املاء»؛ «دیوان» شعر. [۱]

(بخش ۱) عبدالعظیم، ادیب و استاد دانشگاه تهران (و. گران ۱۲۵۷- ف. تهران ۳ فروردین ۱۳۴۴ ه.ش) وی قریب ۶۷ سال به تدریس زبان و ادب فارسی مشغول بود. از آثار اوست: قواعد فارسی (صرف و نحو فارسی، ۳ جلد)، دستور زبان فارسی (۴ جلد)، دستور زبان فارسی به همراهی چهار استاد دیگر (۲ جلد)، بدایه‌الادب، فوایدالادب (۶ جلد)، کتاب املاء (۳ جلد)، قرائت فارسی (با همکاری چند تن از فاضلان) ۲ جلد، کتاب فارسی (از انتشارات مؤسسه‌ی وعظ و خطابه)، تصحیح کلیله و دمنه‌ی نصرالله بن عبدالحمید (که مکرر بطبع رسیده)، تصحیح گلستان سعدی با مقدمه‌ی مشروح، تصحیح بوستان سعدی، تصحیح تاریخ برامکه به ضمیمه‌ی رساله‌ای در احوال برمکیان. وی به سبب زمین خوردن دچار شکستگی استخوان پای چپ شد و بستری گردید و به سبب کهولت و ناراحتی ناشی از شکستگی پا و عمل جراحی به تدریج قوایش به تحلیل رفت و در نتیجه به رحمت ایزدی پیوست. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] از نیما تا روزگار ما (۱۵۶-۱۵۴)، الذریعه (۸۸۱ / ۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۷۰-۱۶۸ / ۵)، سخنوران نامی معاصر (۲۸۱۱-۲۸۰۸ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۷۴۳)، گلزار معانی (۵۴۲-۵۳۷)، مؤلفین کتب چاپی (۸۷۶-۸۷۲ / ۳)، یغما (س ۱۸، ش ۱، ص ۵۱-۴۹).

قریب، ایرج

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

درگذشت: ۵ مهر ۱۳۶۶.

ایرج قریب به زبان‌های فرانسه، انگلیسی، آلمانی تسلط داشت و وقوف او نسبت به ادبیات جهان از او مردی آگاه ساخته بود. در رادیو نیز به کار اشتغال داشت. پیش از این در امور مطبوعاتی نیز فعالیت داشت. در سالهای پیش از درگذشت، به ترجمه کتاب اشتغال داشت. از آثار اوست: اسکندر کبیر (جان گونتر، ۱۳۳۹).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

قریب، بدرالزمان

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

استاد بدرالزمان قریب در سال ۱۳۰۸، در تهران به دنیا آمد. پس از اخذ مدرک لیسانس زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برای ادامه تحصیل در رشته زبان شناسی به دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا راه یافت و در گروه زبان شناسی و مطالعات شرقی، به دریافت درجه ی فوق لیسانس نایل آمد. خانم قریب پس از مدتی با استفاده از بورس شاگردان اول به دانشگاه کالیفرنیا بر کلی وارد شد و به تکمیل معلوماتش افزود و بالاخره مدرک دکتری زبان های باستان را در سال ۱۳۴۳ از دانشگاه پنسیلوانیا دریافت کرد. او پس از بازگشت به ایران به عنوان استادیار در دانشگاه شیراز به فعالیت آموزشی مشغول شد. در سال ۱۳۵۰ به دانشگاه تهران منتقل گردید و در آن دانشگاه به مقام استادی نائل آمد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: زبان های باستانی

والدین و انساب: نام پدر بدرالزمان قریب ضیاءالدین و مادرش ضیاءالملوک نواده شمس العلماء قریب از عالمان و شاعران به نام بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: بدرالزمان قریب تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه ژاندارک طی کرد. پس از آن وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۳۶ موفق به دریافت مدرک لیسانس زبان و ادبیات فارسی گردید. او در سال ۱۳۳۸ برای ادامه تحصیل در رشته زبان شناسی به دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا راه یافت و در سال ۱۳۴۲، در گروه زبان شناسی و مطالعات شرقی، به دریافت درجه ی فوق لیسانس نایل آمد. خانم قریب پس از مدتی با استفاده از بورس شاگردان اول به دانشگاه کالیفرنیا بر کلی وارد شد و با راهنمایی «پرفسور «هنینگ» و پرفسور «مارک درسدن» به تحقیق پرداخت و در سال ۱۳۴۳ موفق به اخذ درجه دکتری از دانشگاه پنسیلوانیا شد.

استادان و مربیان: بدرالزمان قریب در دوران تحصیلات عالی از محضر استادانی چون بدیع الزمان فروزانفر، دکتر محمد معین، استاد جلال الدین همایی، مدرس رضوی، ابراهیم پورداود، دکتر پرویز ناتل خانلری، دکتر احسان یارشاطر و دکتر صادق کیا بهره وافر برد. همچنین وی در بر کلی نزد پرفسور هنینگ به تحقیق پرداخت و پایان نامه دکتری خود را تحت عنوان «تحلیل ساختاری فعل در زبان سغدی» با راهنمایی پرفسور مارک درسدن تکمیل کرد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: از جمله مشاغل بدرالزمان قریب، همکاری با بنیاد فرهنگ ایران و دانشگاه میشیگان به عنوان پژوهشگر بوده است. دکتر قریب هم اکنون عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی می باشد.

فعالیتهای آموزشی: بدرالزمان قریب پس از اخذ مدرک دکتری از دانشگاه پنسیلوانیا، در سال ۱۳۴۴ به ایران بازگشت و با عنوان استادیار در دانشگاه شیراز به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۵۰ به دانشکده ادبیات دانشگاه تهران منتقل گردید، و در گروه زبان شناسی و فرهنگ و زبان های باستانی این دانشکده با عنوان دانشیار و بعد استاد مشغول فعالیت های آموزشی گردید. او همچنین به عنوان استاد مدعو، با دانشگاه هاروارد و یوتای آمریکا نیز همکاری نموده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: از بدرالزمان قریب تاکنون دوازده مقاله به زبان فارسی، چهار مقاله به زبان انگلیسی و یک مقاله به زبان فرانسه به چاپ رسیده است که از این تعداد، ده مقاله درباره زبان سغدی است. همچنین ایراد سخنرانی درباره زبان سغدی، در کنگره های بین المللی در سال های ۷۶-۱۳۷۵ از جمله فعالیت های علمی وی می باشد. بدرالزمان قریب از هنر شاعری نیز بهره مند است و برخی از اشاعر او در گزینه ها و جنگ های شعر به ثبت رسیده اما هنوز در مجموعه ی منتشر نشده است.

آرا و گرایشهای خاص: بدرالزمان قریب در شعر سبک اساتید کهن را برگزید و به راه آنان رفت و در انواع شعر از قصیده، غزل،

مثنوی، دویستی و رباعی طبع آزمایی کرده است.

جوایز و نشانها: دو کتاب از آثار بدرالزمان قریب به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزیده شده اند. از جمله کتاب فرهنگ زبان سغدی در سال ۱۳۷۴ و کتاب زبان های خاموش که در سال ۱۳۶۵ منتشر شده است.

آثار:

۱ تحلیل ساختاری فعل در زبان سغدی

ویژگی اثر: این کتاب به زبان انگلیسی در سال ۱۹۶۵ منتشر شد- مؤسس؟ میکرو فیلم دانشگاهی آن اوپر- میشیگان

۲ ریشه های ایرانی باستان در سغدی

ویژگی اثر: مقاله-اکتاایرانیکا ۴، یادنامه ینبرگ، ۱۹۷۵.

۳ زبان های خاموش

ویژگی اثر: این کتاب با همکاری دکتر یدالله ثمره ترجمه گردید و در سال ۱۳۶۵ منتشر شد. این کتاب در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزیده شد- آشنایی با کتاب «زبان های خاموش» کتاب «زبان های خاموش»، سرگذشت کوششها و تلاشهای پیگیر و توان فرسای دانشمندان را در حل معمای خطوط باستانی بازگو می کند و ما را با دقت نظر و روشهای علمی و نظام یافته آنان در رمزگشایی این خطوط و نیز تحلیل علمی زبانهای باستانی آشنا می سازد. این کتاب در چهار فصل تنظیم گردیده است. در بخش اول، از رمزگشایی خطوط کهن خاور نزدیک از جمله: خط تصویرنگار هیروگلیف مصری، خطوط بین النهرین، انواع خطوط میخی بویژه خط میخی فارسی باستان که به گونه ای الفبایی بوده و نشانگر تحول شایان توجهی در تاریخ خط میخی است، به تفصیل سخن رفته است. در بخش دوم؛ رمزگشایی دیگر خطوط و زبانهای باستانی از جمله: آسیای صغیر، شمال آفریقا، سوریه، لبنان، فلسطین و نیز زبانهای ناشناخته ایتالیا مورد بحث قرار گرفته است و در بخش سوم؛ اصول و روشهای علمی رمزگشایی خطوط ناخوانده و زبانهای ناشناخته معرفی می شود و سرانجام در بخش چهارم؛ چند نمونه از خطوطی که هنوز رمزگشایی نشده اند و نیز تلاشهای دانشمندان برای رمزگشایی آنها ارائه می شود. پاره ای از اطلاعات سودمند درباره اقوام، اشخاص، مکانها و نیز بعضی مآخذ جدیدتر و آگاهیهای دقیقتر توسط مترجمان به صورت پانوشت با ذکر منبع در پایان کتاب اضافه شده است

۴ طلسم باران به زبان سغدی

ویژگی اثر: مقاله-نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان ۱۳۴۸.

۵ فرهنگ زبان سغدی

ویژگی اثر: این فرهنگ سغدی-فارسی-انگلیسی در سال ۱۳۷۴ منتشر شد. این کتاب در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «فرهنگ سغدی»: فرهنگ سغدی (سغدی-فارسی-انگلیسی)، بدرالزمان قریب، تهران: فرهنگان، ۱۳۷۴. زبان سغدی از شاخ؟ زبانهای ایرانی میان؟ شرقی است که از قرن اول تا سیزدهم میلادی در گستر؟ جغرافیایی عظیمی، از دریای سیاه تا چین، مردمانی ایرانی تبار بدان تکلم می کردند. این شاخه گروه های مختلفی را در برمی گیرد و از نظر تنوع و حجم ادبیات مهمترین زبان ایرانی میان؟ شرقی است. مؤلف این کتاب از بیست سال پیش به گردآوری واژه های سغدی همت گمارده است و حاصل این تلاش، فرهنگی غنی و جامع است که دانشمندان و پژوهشگران می توانند از آن بهره مند شوند. این فرهنگ از دو مقول؟ فارسی و انگلیسی و سه بخش تشکیل شده که این سه بخش عبارتند از: بخش اصلی، واژه یاب فارسی، واژه یاب انگلیسی

۶ قانون هم وزنی مصوت ها در زبان سغدی
ویژگی اثر: مقاله-مجله دانشکده ادبیات، ۱۳۵۵.

۷ کتیبه تازه یافته خشایار شاه

ویژگی اثر: مقاله- نشری ?فرهنگ ایران باستان، ۱۳۴۶مجله دانشکده ادبیات، ۱۳۴۷، مجله ایرانیکا آنتیکو، ۱۹۶۷ (انگلیسی)

۸ کشف کتیبه پهلوی در چین

ویژگی اثر: مقاله-مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران ۱۳۶۴

۹ مآخذ و مدارک پیرامون سرزمین سغد

ویژگی اثر: مقاله-مجله ?بنیاد فرهنگ، ۱۳۴۹، (انگلیسی)

۱۰ مرز زبانی فارسی باستان و سغدی

ویژگی اثر: مقاله-یادنامه ژان دومنانس، ۱۹۶۹، (انگلیسی)

۱۱ وستره جاتکه

ویژگی اثر: داستان تولد بودا به روایت سغدی است که در سال ۱۳۷۱ منتشر شد.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

منابع زندگینامه: www.ketabesal.ir برگزیدگان علمی و فرهنگی کشور (از اولین سال برگزاری مراسم تا انتهای برنامه

پنجساله)، ناشر: دفتر شورای جذب نخبگان نهاد ریاست جمهوری، ص ۱۶۵۳ زنان فرهنگساز ایران و جهان، تألیف: پوران

فرخزاد، ج ۲، تهران: انتشارات زریاب، ص ۱۳۱۶ و ۱۳۱۷۴ سخنوران نامی معاصر ایران، تألیف: سیدمحمدباقر برقی، قم:

انتشارات خرم، ص ۴۹۲

قریب، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۸، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۳۲، دکترای تخصصی کودکان و قلب کودکان از آمریکا در سال

۱۳۳۹.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علوم پزشکی شیراز در سال ۱۳۴۱، دانشیار در سال ۱۳۵۴، استاد دانشگاه علوم پزشکی شیراز در سال ۱۳۵۰.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بیماریهای کودکان.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

بیماریهای کودکان و طب کودکان.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲۳

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای کودکان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

قریب، ضیاءالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، مترجم. تحصیلات متوسطه را در مدرسه‌ی علوم سیاسی به پایان برد و از دانشکده‌ی حقوق فارغ‌التحصیل شد. پس از فراغت از تحصیل عهده‌دار مشاغل مختلفی از جمله: رایزنی سفارت ایران در پاریس، معاون اداره‌ی حقوقی در وزارت دارایی، رایزنی سفارت ایران در قاهره، ریاست اداره‌ی اول و پنجم سیاسی در مرکز بود. آثار وی: «بنده‌ی فراری»، ترجمه‌ی «تاریخ سرگذشت بزرگترین سلاطین هخامنشی ایران سیروس یا کورش کبیر»، ترجمه [۱].

فرزند محمدحسین شمس‌العلماء گرگانی، در ۱۲۷۰ در تهران متولد شد. پس از انجام تحصیلات ابتدائی و متوسطه وارد مدرسه‌ی علوم سیاسی شد و از آنجا فارغ‌التحصیل گردید. در ۱۲۹۳ ش به استخدام وزارت امور خارجه در آمد و طی خدمت طولانی خود در آن وزارتخانه که قریب نیم قرن طول کشید، مشاغل مختلفی را احراز کرد. چندی در قاهره نایب اول و مستشار و بعد کاردار شد. در سفارت ایران در فرانسه با سمت وزیرمختار، کاردار بود. مدتی مدیریت کل وزارت امور خارجه را بر عهده داشت، سرانجام به سفارت ایران در عربستان سعودی منصوب شد. وفات او در ۱۳۶۵ در تهران در سن ۹۵ سالگی اتفاق افتاد. چند ترجمه از او باقی ماند مانند بنده‌ی فراری اثر جرجی زیدان. قریب یک پسر و سه دختر از خود باقی گذاشت. شمس‌الدین قریب در وزارت امور خارجه به مقام کارداری و مستشاری رسید ولی در میانسالی درگذشت. از بین دختران وی، بدرالزمان قریب در رشته‌ی زبانشناسی و زبانهای باستانی، از دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا درجه‌ی دکترا گرفت. چندی در دانشگاه شیراز و سپس در دانشگاه تهران به تدریس زبانهای ایران باستان مشغول شد. دو دختر دیگر وی به نام فخری و مهری، تحصیلات عالی خود را به اتمام رسانیده در مشاغل فرهنگی خدماتی عرضه داشتند.

برگرفته از کتاب: شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه: [۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۷۱۲، ۵۱۸، ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۴-۵۷۳ / ۳).

قریشی کوه کمره ای، عبداللطیف

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید عبداللطیف قریشی کوه کمره ای

محل تولد: کوه کمره

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۰/۱/۱

زندگینامه علمی

حاج سید عبداللطیف قریشی کوه کمره ای فرزند سید علی اکبر فرزند سید جلیل فرزند سید حسین در تاریخ ۱۴ صفر الخیر سال ۱۳۵۰ برابر با ۱۳۱۰ ش در روستای «کوه کمر» در بیت سیادت و معنویت به دنیا آمد. نسب شریفش از طریق سید تاج الدین حسن معروف به «سید حسن بابا» صاحب آرامگاه معروف در روستای کوه کمر به امام زین العابدین حضرت سید الساجدین علیه السلام می‌رسد. علوم مقدماتی را از عالم زاهد آقا میر رسول بن سید عبد الله کوه کمری فرا گرفت و سپس در معیت پدرش به شهرستان خوی مهاجرت نمود و در مدرسه نمازی سکونت نمود و آنگاه در پیش استادانی همچون: حاج میر علی محدث (مطول)، حاج شیخ جابر فاضلی خویی، حاج شیخ علی مجتهدی خویی، عالم زاهد حاج شیخ حبیب فیاضی خویی، حاج شیخ ابوالفتح خویی (حاشیه و معالم)، آیت الله شیخ صادق خویی (قوانین و رسائل) و آیت الله سید ابراهیم علوی خویی به تحصیل دروس حوزوی همت گماشت و پس از آن به شهر عش آل محمد علیهم السلام مهاجرت نمود و دروس فقه اصول و درس خارج را از محضر فرزندان حوزه علمیه قم مانند: آیت الله شیخ محمد مجاهدی تبریزی، آیت الله سید محمد باقر سلطانی طباطبایی، آیت الله شیخ عباسعلی شاهرودی، علامه سید محمد حسین قاضی طباطبایی، آیت الله سید حسن حجت، آیت الله سید محسن حجت، آیت الله شیخ احمد کافی الملکی (رسائل و مکاسب)، آیت الله شیخ عبد الرحیم مدرس تبریزی (رسائل و مکاسب و کلام)، آیت الله سید حسین مشهور به «حاج آقا حسین بروجردی»، آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی، آیت الله حاج سید روح الله خمینی، آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی فرا گرفت و خود به تحقیق و تالیف پرداخت.

فزانلو، جمیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، مورخ. از آثار وی: «تاریخ نظامی ایران»؛ «تاریخ نظامی جنگ ایران و مقدونیه»؛ «تاریخ نظامی جنگ ایران و هند»؛ «جنگ ایران و روس»؛ «جنگ ده ساله یا جنگ اول ایران و روس»؛ «جنگ ایران و افغانه».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۶۷-۱۶۶ / ۵)، فهرست‌واره‌ی کتابهای فارسی (۹۴۱، ۹۱۳-۹۱۲ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳۹۵-۳۹۳ / ۲).

قزل ایاغ، حسینقلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۳۶ ش)، پزشک و نویسنده. تحصیلات پزشکی خود را در فرانسه به پایان رساند. چند دوره از طرف مردم سمنان و دامغان و جندق و کالت مجلس را به عهده داشت. از رجال علم و ادب و از پزشکان بنام بود و در مجله «یغما» مقالات از او به چاپ رسیده است. در اواخر عمر کتابهای خود را به کتابخانه‌ی دانشکده‌ی پزشکی و کتابخانه‌ی ملی اهدا کرد. آثار وی: «پزشکی قانونی»؛ «حفظ الصحه‌ی عملی یا کلید صحت»؛ «دستور مادران جوان»؛ «سوزاک».[۱]

فرزند قربان‌خان، در ۱۲۵۴ ش متولد شد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی وارد مدرسه‌ی دارالفنون شد و به تحصیل فن پزشکی پرداخت و درجه‌ی دکترا گرفت و به طبابت مشغول شد. به هنگام نهضت مشروطیت، مشروطه‌خواهان را یاری می‌داد و با آنها حشر و نشر داشت و تدریجاً در محافل اجتماعی و سیاسی تهران اسم و رسمی پیدا کرد و با بزرگان و سیاستمداران محشور و نزدیک شد. در انتخابات دوره‌ی سوم مجلس شورای ملی، از سمنان به وکالت انتخاب شد و در مجلس به فرقه‌ی اعتدالی‌ها ملحق شد و در انتخابات هیئت رئیسه جزء هیئت مباشرت مجلس گردید. در ۱۳۰۶ بنا به دعوت علی‌اکبر داور، به عدلیه رفت و رئیس پزشکی قانونی شد. سالیانی دراز در آن سمت بود و در دوره‌ی نهم مجدداً از سمنان به وکالت رسید. در ادوار دهم، یازدهم و دوازدهم نیز سمت خود را حفظ کرد. قزل‌ایاغ مردی دانشمند و ادیب بود. چندی نیز در فرانسه به تحصیل و تمرین پرداخت. در اواخر عمر از طبابت اعراض نموده و ایام خود را به مطالعه و معالجه می‌گذرانید. در ۱۳۳۴ قریب پانصد جلد از کتابهای طبی خود را به کتابخانه‌ی مجلس اهدا نمود. وفات او در سال ۱۳۳۶ ش اتفاق افتاد. تالیفاتی نیز در رشته‌ی پزشکی از خود باقی گذاشت.

برگرفته از کتاب: شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه: [۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۴۲۹، ۱۱۷۹-۱۱۷۸، ۱۱۷۸-۱۱۷۹، ۱۱۷۸-۱۱۷۹، ۱۱۷۸-۱۱۷۹)، مؤلفین کتب چاپی (۹۴۰-۹۳۹ / ۲)، یغما (س ۷، ش ۱۰، ص ۴۷۸).

قزوینی اصفهانی، محمد ابراهیم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم فقیه فاضل علامه، از شاگردان و مجازین از حاج سید محمد باقر رشتی بیدآبادی است، و تاریخ اجازة سال ۱۲۴۶ می‌باشد. سید مرحوم در این اجازة وی را بسیار ستوده، و تصدیق به اجتهادش فرموده. صاحب عنوان در قزوین متولد شده و در اصفهان تحصیلات خود را به پایان رسانیده است.

انصاری در تاریخ مختصر اصفهان (۸۹): گوید: مرحوم حاج سید محمد باقر حجة الاسلام گذشته از ملاحظه مقاماتشان در علم و عمل، توجه خاصی نسبت به ایشان داشته تا جایی که مرحوم حاج محمد جعفر آباده‌ای با آن جلالت قدر، و مکانت علم و تقوی، و بستگی به مرحوم سید، باز غبطه مقام ایشان را می‌خورده، کتابخانه‌اش بعد از هشتاد سال (تا سال تألیف تاریخ که سال ۱۳۳۲ قمری باشد) که همه آکنده‌ها پراکنده شد به حال خود باقی است، و گرد پنجاه ساله بر آن متلاقی.

صاحب عنوان تا سال ۱۲۶۳ حیات داشته و سپس وفات یافته است.

از تألیفاتش حواشی است بر حدیث غمامه که آن را فرزندش شیخ محمد حسین، مدّون نموده و به صورت کتابی خاص درآورده است.

وی را دو فرزند برومند و فاضل است:

۱- فرزند بزرگش حاج آقا محمد قزوینی که از ائمه جماعت اصفهان بوده، و در مسجد آقا نور پس از پدر اقامه جماعت می‌نموده، و در شب ۲۸ ذیحجه سال ۱۳۰۴ قمری وفات یافته است.

فرزند ایشان: مرحوم حاج محمد جواد قزوینی،

و نواده‌اش: حاج آقا باقر قزوینی نیز از علمای اصفهان و ائمه جماعت بودند که در این شهر شهرت و نفوذ داشته، و مرحوم حاج آقا باقر در سال ۱۳۶۲ وفات یافته، در تخت فولاد در تکیه‌ای مخصوص مدفون گردید که اخیراً به نام تکیه خلیلیان معروف شده است. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قزوینی آملی، ابوالفرج محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۰۱ ق)، فقیه و محدث. از پدرش و منصور بن اسحاق و سهل بن ربیع حدیث شنید. ابن ناصر و شهید و ابن‌الخل از وی روایت کرده‌اند. وی در مدینه بر سلفی املای حدیث کرد. ابوالفرج قزوینی در آمل در گذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۲۱۸-۲۱۷ / ۱۹)، شذرات الذهب (۳ / ۴)، العبر (۳۸۲ / ۲).

قزوینی حلی نجفی، معزالدین محمد مهدی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۰۰-۱۲۲۲ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، مفسر، رجالی و شاعر. اصلش از قزوین بود. نسب این خاندان به محمد بن زید شهید فرزند امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد. در نجف به دنیا آمد و در حله ساکن شد. او را قزوینی کبیر نیز نامیده‌اند، تا در مقابل یکی از فرزندان گانش به نام مهدی بن هادی بن میرزا صالح بن محمد مهدی، قزوینی صغیر صاحب «دیوان»، مشخص باشد. سید مهدی در نجف از محضر شیخ موسی و شیخ علی و شیخ حسن، فرزندان شیخ جعفر صاحب «کاشف الغطاء»، و سید باقر قزوینی و سید علی قزوینی و سید محمد تقی قزوینی استفاده کرد و از آنها اجازه‌ی روایت گرفت. او نزد شیخ مرتضی انصاری و میرزای بزرگ شیرازی تلمذ کرد و در بیست سالگی به درجه‌ی اجتهاد رسید. وی از مشایخ اجازه‌ی علامه نوری صاحب «مستدرک الوسائل» بود. او علاوه بر تبحری که در فقه و اصول و کلام و حکمت و توحید و امامت و تفسیر و حدیث داشت در کمالات نفسانی نیز کم‌نظیر بود. در بازگشت از حج در گذشت و در نجف، در مقبره‌ی آل قزوین دفن شد. از وی متجاوز از سی اثر باقی مانده است. از آن جمله: «اسماء قبائل العرب» یا «اسماء القبائل والعشائر»؛ «البحر الزاخر فی اصول الاوائل والاواخر»؛ «تفسیر سوره الاخلاص، الفاتحه و

القدر»؛ «فلک النجاه فی احکام الهداه»؛ «التقیه»؛ «آیات الوصول الی علم الاصول»، در مباحث الفاظ از مسائل اصول فقه، به عربی؛ «فرائد الاصول» یا «الفرائد»، در اصول؛ «بصائر المجتهدین»، در شرح «تبصره المتعلمین» علامه حلی؛ «الاقفال»، در نحو و شرح آن به نام «المفاتیح» یا «مفاتیح الاقلال»؛ «مواهب الافهام»، در شرح «شرایع الاسلام»؛ «الصوارم الماضيه لرد الفرقه الهاویه و تحقیق الفرقه الناجیه»، در امامت؛ «آیات المتوسمین»، در حکمت الهی؛ «منظومه تامه» در اصول؛ منظومه در تمام عبادات، متجاوز از پانزده هزار بیت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷ / ۳۳۵)، اعیان الشیعه (۱۴۶- ۱۴۵ / ۱۰)، خاتمه مستدرک الوسائل (۱۳۶- ۱۲۷ / ۲)، الذریعه (۶۲ / ۲۵)، ۲۳۹ / ۲۴، ۲۹۲، ۲۳۸، ۱۲۲ / ۲۳، ۲۹۹، ۱۳۴- ۱۳۳، ۳۳ / ۲۱، ۱۶۱ / ۱۷، ۳۱۴- ۳۱۳، ۱۳۳- ۱۳۲ / ۱۶، ۳۱۷، ۹۳ / ۱۵، ۳۲۹ / ۱۳، ۸۳ / ۷، ۲۱۰ / ۶، ۴۰۵، ۳۴۲، ۳۴۱، ۳۳۶ / ۴، ۱۲۵، ۴۰ / ۳، ۳۸۹، ۲۷۴، ۶۸، ۳۴ / ۶، ۲ / ۶، ۴۸۵، ۴۶۲، ۴۴۹، ۴۹، ۴۸ / ۱، ریحانه (۴۵۷- ۴۵۶ / ۴)، علماء معاصرین (۱۱- ۶)، لغت‌نامه (ذیل / قزوینی)، معجم المؤلفین (۵۶ / ۱۲)، مینو در (۹۷۴، ۹۶۳، ۹۵۱، ۹۵۰، ۹۲۱- ۹۲۰، ۹۱۸، ۸۶۰- ۸۵۹، ۸۴۷، ۸۵۱، ۸۴۰، ۸۲۱، ۸۰۴، ۷۷۶، ۳۱۱- ۳۱۰، ۲۹۲، ۲۳۹، ۲۳۲، ۲۳۱، ۱۳۵، ۱۱۴- ۱۱۳، ۹۴، ۸۴، ۸۱، ۶۸، ۶۳ / ۱۰- ۸ / ۲).

قزوینی حلی، ابوالعز محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۵- ۱۲۶۲ ق)، عالم امامی، فقیه و شاعر. اصل وی از قزوین بود. نسبش به محمد بن زید فرزند علی بن حسین (ع) می‌رسد. در حله به دنیا آمد. در سنین بلوغ به همراه دو برادرش، سید حسین و میرزا جعفر، به نجف مهاجرت کرد و معقول و منقول را به طور کامل فراگرفت. در ۱۳۱۳ ق به اصرار مردم حله به بازگشت. در حله در گذشت و پیکرش به نجف منتقل و در مقبره‌ی مخصوص آل قزوین دفن شد. از آثار خیرش در حله بازسازی نهر حله و تعمیر قبور علمای حله همچون قبر محقق، آل طاووس، ابن ادریس، شیخ ورام و غیره می‌باشد. از آثار علمی وی: رساله‌ای در تجوید؛ «حبوه الفرائض»، یا «ارجوزه فی الارث»، منظومه‌ی عربی؛ «ارجوزه فی حدیث الکساء»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۴۴ / ۶، ۴۷۱- ۴۷۰، ۴۵۵- ۴۵۴ / ۱)، ریحانه (۴۵۶- ۴۵۵ / ۴)، علماء معاصرین (۱۱۱)، الکنی و الالقاب (۶۴- ۶۳ / ۳)، مینو در (۶۵- ۶۲ / ۲).

قزوینی حلی، ابوموسی، ابوالهادی، جعفر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۹۸ / ۱۲۹۷- ۱۲۵۳ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، کاتب، ادیب لغوی و شاعر. در حله به دنیا آمد. جد مادری اش شیخ علی بن جعفر کاشف الغطاء است. در مقدمات شاگرد پدرش، سید مهدی بود. آن گاه به نجف رفت و فقه را در محضر دایی هایش شیخ

مهدی و شیخ جعفر، فرزندان علی بن جعفر کاشف الغطاء، و اصول را در محضر شیخ مرتضی انصاری و ملا محمد فاضل ایروانی فراگرفت. پس از فراگیری فقه و اصول و فلسفه و حکمت و تاریخ و لغت به حله بازگشت و در کنار پدرش به امور دینی پرداخت و در نزد او به تکمیل تحصیلات مشغول شد تا از وی به دریافت اجازه‌ی اجتهاد نایل گشت. او به نوبه‌ی خود مجلس درسی بنا نهاد و شاگردانی تربیت کرد. در حله درگذشت و پیکرش به نجف منتقل شد و در صحن شریف دفن گشت. در سوک او بیست و دو شاعر بزرگ عرب مرثیه سرودند و سید حیدر حلی تمام آنها را در کتابی به نام «الاحزان فی خیر انسان»، گردآوری کرده است. از آثار وی: کتاب «اشراقات»، در منطق؛ «التلویحات الغریبه»، در اصول فقه، با عنوان مختصر «تلویح- تلویح».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشعیه (۱۸۸ / ۴)، الذریعه (۴۳۰ / ۴)، ریحانه (۴۴۸ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۷۱- ۲۶۹ / ۱۳)، لغت‌نامه (ذیل / قزوینی)، معجم المؤلفین (۱۵۱ / ۳)، مکارم الآثار (۱۴۲۷- ۱۴۲۵ / ۴).

قزوینی قمی، زکریا

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در سامره خدمت حجة الاسلام حاج میرزا محمدحسن شیرازی قدس سره تحصیل و تلمذ نموده بود و به طوری که شنیده‌ام از معظم له اجازه اجتهاد داشته پس از آن به قم اقامت و مشغول ترویج شرع و امامت جماعت و منبر شد. تا در قم مرحوم و مدفون گردید. آن مرحوم ابوالزوجه مرحوم آیه الله آقای حاج آقا حسین طباطبائی قمی بوده‌اند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قزوینی قوام الدین، محمد

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۵۰ / ۱۱۴۹ / ۱۱۴۰ ق)، عالم امامی، فقیه، قاضی، ادیب و شاعر. مشهور به میرزا قوام الدین. وی از شاگردان و خواص شیخ جعفر کمره‌ای اصفهانی قاضی و در ۱۱۰۷ ق از علامه مجلسی به دریافت اجازه نایل شد. او مهارت بسیاری در سرودن شعر داشت و کتابهای چندی را به نظم کشید و قصائد و مقطعات در درود بر پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) و اشعار زیادی در مراثی از خود به یادگار گذاشت. او به هنگام بازگشت از مکه درگذشت. از آثار وی: نظم «اللمعه الدمشقیه»، به نام «التحفه القومیه فی فقه الامامیه»؛ «ارجوزه فی الحساب» به نام «نظم الحساب»، نظم «خلاصه الحساب» شیخ بهایی؛ «ارجوزه فی الاسطرلاب»، نظم «صحیفه الاسطرلاب» شیخ بهایی؛ «ارجوزه فی اصول الفقه»، نظم «زبده‌ی» شیخ بهایی؛ «ارجوزه فی الطب»، به نام «مفرح القوام»؛ «منظومه البیان»، ارجوزه‌ای در علم بیان؛ «ارجوزه فی التجوید»، که نظم «الشاطیبه» است؛ «ارجوزه فی النحو»، به نام «الصافیه»، که نظم «الکافی» ابن حاجب است؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشعیه (۷۴ / ۱۰، ۴۱۲ / ۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۵۱ / ۵)، تذکره‌ی روز روشن (۶۶۶)، تذکره المعاصرین

(۱۲۱- ۱۱۹، ۴۶)، الذریعه (۲۱۰- ۲۰۹ / ۲۴ / ۴۸۷، ۹ / ۲۲۵، ۷ / ۴۶۲، ۳ / ۵۰۴، ۴۹۰، ۴۸۵- ۴۸۴، ۴۸۲، ۴۷۲، ۴۷۱- ۴۶۴، ۴۶۱، ۴۵۵، ۴۵۲ / ۱)، ریحانه (۴۹۳- ۴۹۲ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۷۵۰)، فوائد الرضویه (۶۲۲- ۶۲۱)، الکنی و الالقاب (۳ / ۹۰)، لغت‌نامه (ذیل / قوام‌الدین)، معجم المؤلفین (۳۰۴ / ۱۱)، هدیه الاحباب (۲۲۱).

قزوینی یزدی، عبدالنبی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۱۲۵- ز ۱۱۹۷ ق)، فقیه، حکیم، فیلسوف، متکلم، رجالی و عالم امامی. اصل وی از قزوین و ساکن یزد بود. او عالم و حکیم بزرگ امامی و معاصر علامه بحرالعلوم (م ۱۲۱۲ ق) است. در سفر حج در ۱۱۷۵ ق با آقا محمد باقر بهبهانی ملاقات کرد. وی از سید بحرالعلوم روایت می‌کند و آن جناب نیز از وی روایت کرده است، بدین گونه که هر یک از ایشان با اجازه از دیگری روایت می‌نماید. بر این اساس است که در بعضی از کتب حدیث و رجال به وی عنوان شیخ سید بحرالعلوم داده‌اند. از آثارش کتاب «تتمیم امل الآمل» است که آن را به امر سید بحرالعلوم در ۱۱۹۱ ق تألیف نمود، و سید از این کتاب مدح بلیغی کرده است. قزوینی تقریظی بر «مشکاه الهدایه» سید مهدی بحرالعلوم دارد که آن را در ۱۱۹۷ ق نگاشته و در آن تقریظ مشایخ خود چون میر محمد صالح حسینی قزوینی و میر محمد ابراهیم قزوینی و ملا علی اصغر مشهدی رضوی را نامبرده و گفته که ایشان از علامه مجلسی و محقق خوانساری و محقق سبزواری روایت کرده‌اند. قزوینی تعلیقاتی بر رساله‌ی «مطالب النفس و مسائلها» حکیم حمزه گیلانی دارد. او همچنین تقریظی بر «مرآت الازمان» محمد بن محمد زمان کاشانی دارد.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: خاتمه مستدرکات (۱۰۶- ۱۰۵ / ۲)، الذریعه (۶۴ / ۲۱، ۲۶۳- ۲۶۲ / ۲۰، ۱۸۹، ۶ / ۳۳۷- ۳۳۹، ۳ / ۲۰۷، ۱)، ریحانه (۴۵۳ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۷۹- ۴۷۶ / ۱۲)، فوائد الرضویه (۲۵۹)، لغت‌نامه (ذیل / قزوینی)، معجم المؤلفین (۲۰۰ / ۶)، هدیه الاحباب (۱۷۱).

قزوینی، ابوالحسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید ابوالحسن بن امیر سید علی بن امیر عبدالباقی بن محمد هادی بن محمد رضا بن امیر محمد علی مشهور به پیر سید صاحب مزار معروف در تنکابن عالمی فقیه بوده و در حدود ۱۲۸۰ وفات نموده است.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، ابوالقاسم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ میرزا ابوالقاسم بن ملا محمدتقی (شهید ثالث) برغانی قزوینی عالمی جلیل بوده و بعد از ۱۳۰۰ وفات نموده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، ابوتراب

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آسید ابوتراب بن سید مرتضی قزوینی معروف به سکاکی عالمی جلیل و فقیهی نبیه بوده و در سال ۱۳۰۳ هجری وفات نموده برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، اسماعیل

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دوازدهم و سیزدهم ق)، فقیه و عالم امامی. اصل وی از قزوین بود. او پدر ملا عباس قزوینی، صاحب «اسرار الصلاة»، می باشد. از آثار وی «انباء الانبیاء فی اثبات النبوه الخاصه من الکتب السماویه»، که در آن آیات قرآنی و احادیث قدسی و آنچه در سایر کتابهای آسمانی نازل شده بر انبیاء پیشین دلالت بر نبوت خاصه حضرت محمد (ص) دارد، را به فارسی ترجمه کرده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۹۲، ۳۷۶ / ۳)، الذریعه (۳۵۵-۳۵۴ / ۲)، ریحانه (۴۴۸ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۳، ۱۳۶ / ۱۳)، لغت نامه (ذیل / قزوینی).

قزوینی، آمنه

قرن: ۱۳

جنسیت: زن

ملیت: ایران

۱۲۶۹-۱۲۰۲ ق، از زنان عالم، عابد، فاضل و مجتهد. وی دختر شیخ محمدعلی قزوینی از علمای قزوین، و نوهی سید حسین قزوینی (۱۲۰۸ ق) و سیدمحمد مهدی بحرالعلوم (۱۲۱۲ ق) و مادر ربابه خانم و قره‌العین بود. در حدود هفده سالگی با شیخ محمدصالح برغانی (۱۲۷۵ / ۱۲۷۰ ق) ازدواج کرد. او در آغاز نزد برادرش شیخ عبدالوهاب قزوینی درس خواند و سپس در درس فقه و اصول همسرش حاضر شد و حکمت و فلسفه را از ملا آقا حکمی قزوینی در مدرسه صالحیه فراگرفت و در درس شیخ احمد احسایی در قزوین حضور یافت تا اینکه به درجه بالایی از علم و فضل رسید. همسرش، ملا محمدصالح، زنان را در احکام و مسائل شرعی به رجوع و عمل به دستورات او سفارش می کرد. آمنه خانم حوزه درسی برای زنان در کربلا و قزوین داشت. وی از همسر و برادرش و شیخ احمد احسایی اجازات مفصلی داشت.

از آثار او قصیده‌ای طویل در چهارصد و هشتاد بیت از زبان حضرت زینب (س) در حوادث کربلا و بعضی رساله‌های دیگر با کمک ابوالثناء محمود آلوسی است در هنگامی که دخترش قره‌العین در خانه آلوسی در بغداد ساکن بود. بسیاری از مردان و زنان این خانواده اهل علم و فضل و تقوا بودند. مادرش فاطمه قزوینی از زنان عالم، فاضل، محدث و سخنور بود. برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منابع: اعیان‌الشیعه (مستدرکات)، ۲ / ۷؛ دایره‌المعارف تشیع، ۲۳۶ / ۱.

قزوینی، باقر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید باقر بن سید هادی بن سید میرزا صالح بن سید مهدی بن سید حسن بن سید احمد حسینی الحلی القزوینی از افاضل ادباء بیت خود بوده و در سال ۱۳۰۴ متولد و در سال ۱۳۳۲ وفات نموده

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، بهاء‌الدین، ابومحمد طاهر

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۷۵ق)، محدث، نحوی. او به واسطه جماعتی از ثقات از ادیب فاضل مجمع بن محمد بن احمد مسکنی حدیث نقل کرده و کتابهای وی، «شرح الفصیح» و «شرح الالفاظ» و «دیوان النظم» و «دیوان النثر»، را روایت نموده است. رافعی در کتاب «التقریب» وی را ستوده و او را صاحب تصانیف ذکر کرده است. شیخ منتجب‌الدین از شاگردان و راویان شیخ بهاء‌الدین است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۰۴ / ۱۳، ۱۱۷۱ / ۹)، روضات الجنات (۱۳۹ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۷ / ۵)، فهرست منتجب‌الدین (۱۷۰)، لغت‌نامه (ذیل / طاهر).

قزوینی، تاج‌الدین، ابوالحسن علی

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۴۵ق)، قاضی، محدث، فقیه شافعی، مدرس، ادیب و لغوی. اصل وی از قزوین و در بغداد ساکن بود و در مدرسه‌ی نظامیه بغداد تا پایان عمر تدریس می‌نمود. از آثارش: شرح «مصابیح السنه» بغوی؛ «المحیط بفتاوی اقطار البسیط»؛ «الرغاب»، در تصریف؛ «العجاب»، در نحو، و شرح آن؛ «اللطائف»؛ شرح «المقامات الحریری».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۵۷ / ۵)، معجم المؤلفین (۱۸۱ / ۷)، هدیه العارفین (۷۱۹ / ۱).

قزوینی، حمزه علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ حمزه علی قزوینی عالمی جلیل و فقیهی فاضل از شاگردان میرزا حسین خلیلی و آخوند خراسانی و سید محمد کاظم یزدی و غیرهم بوده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، خلیل

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۰۸۹-۱۰۰۱ ق)، عالم امامی، محدث، فقیه، متکلم و نحوی. اصل وی از قزوین بود. در قزوین به دنیا آمد. وی از شاگردان شیخ بهایی و میرداماد است. او شریک درس خلیفه سلطان وزیر در درس حاج محمود رنانی و ملا حسین یزدی بود. وی از معاصران شیخ حر عاملی و ملا محسن فیض کاشانی است. ملا خلیل قزوینی استاد علامه مجلسی و آقا رضی‌الدین قزوینی بود. پیش از سی سالگی عهده‌دار تولیت حضرت عبدالعظیم و تدریس در آنجا بود. پس از چندی به مکه رفت و مجاورت آنجا را برگزید. سپس به قزوین بازگشت و شروع به تصنیف و تألیف نمود. در قزوین درگذشت و در مدرسه‌اش دفن شد. از آثار وی: حاشیه بر «مجمع البیان» طبرسی؛ «رموز التفاسیر الواقعه فی الکافی و الروضه»؛ «الصفافی فی شرح الکافی»، به فارسی؛ «الشافی فی شرح الکافی»، به عربی؛ «المجمل»، در نحو؛ «الرساله النجفیه»؛ «الرساله القمیه»؛ شرح «عده الاصول» شیخ طوسی یا حاشیه بر «العهده»، در اصول فقه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۶۹-۳۶۸ / ۲)، اعیان الشیعه (۳۵۶-۳۵۵ / ۶)، الذریعه (۴۸-۴۷ / ۲۰، ۵-۴ / ۱۵، ۳۶۸، ۶-۵ / ۱۳، ۲۵۱ / ۱۱، ۱۹۱، ۱۴۸، ۶ / ۱۴۲، ۵ / ۸۲، ۲ / ۲)، روضات الجنات (۲۶۲-۲۵۷ / ۳)، ریاض العلماء (۲۶۶-۲۶۱ / ۲)، ریحانه (۴۵۲-۴۵۰ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۰۴-۲۰۳ / ۱۱)، لغت‌نامه (ذیل / خلیل)، معجم المؤلفین (۱۲۵ / ۴)، مینو در (۱۷۳ / ۲)، هدیه العارفین (۳۵۴ / ۱).

قزوینی، سراج‌الدین، تاج‌الدین، ابوحفص عمر

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۷۵۰-۶۸۳ ق)، حافظ و محدث. در قزوین به دنیا آمد و در واسط نشوونما یافت. وی در زمان خود محدث عراق بود. او در بغداد درگذشت. از آثارش: «الفهرست».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۱۸ / ۵)، معجم المؤلفین (۳۰۰ / ۷).

قزوینی، شرف‌الدین

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۷۴۰ - ۶۶۰ ق)، منشی، ادیب و شاعر، متخلص به شرف. وی در قزوین تولد یافت، پس از تحصیل، به توسط خواجه غیاث‌الدین محمد به خدمت اولجایتو راه یافت و با خواجه به تبریز آمد. چند گاهی نیز در درگاه اتابک نصره‌الدین احمد لر از امرای فضلویه یا لر بزرگ بود و او را مدح می‌گفت. از جمله آثارش: «المعجم فی آثار ملوک العجم»، که مختصری در ذکر معالی و مآثر پادشاهان قدیم ایران است و به نام اتابک نصره‌الدین احمد تالیف کرده؛ «الترسل النصریه»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۵۸ - ۱۲۵۶ / ۳)، تاریخ در ایران (۱۰۸)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۴)، دایرةالمعارف فارسی (۱۴۶۵ - ۱۴۶۴ / ۲)، الذریعه (۲۱۸/۲۱، ۲۱۸/۹، ۲۸۸ - ۲۸۷ / ۳)، سبک شناسی (۱۰۵/۳)، فرهنگ سخنوران (۴۹۹)، مجمع الفصحا (۸۰۸ - ۸۰۷ / ۲)، مینودر (۹۲۳ - ۹۲۲ / ۲).

قزوینی، شمس‌الدین، ابوالرضا، ابوالمظفر حامد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۳۶ - ۵۴۸ / ۵۴۶ ق)، مفتی، محدث و فقیه شافعی. در قزوین به دنیا آمد. مصاحب و ملازم قطب نیشابوری بود و خلاف را نزد وی آموخت و به همراه او به دمشق رفت. وی از شهبادهی کاتبه، دختر احمد بن فرج دینوری، و خطیب موصل و یحیی ثقفی حدیث شنید. شهاب‌الدین عبدالحلیم بن تیمیه و محدالدین ابن عدیم و پدرش از وی روایت کردند. قاضی تقی‌الدین سلیمان حنبلی و ابونصر محمد ابن شیرازی از وی اجازه روایت داشتند. وی شیخ شافعیه و عهده‌دار منصب قضاوت در حمص بود، مدتی نیز در حلب درس و فتوا می‌داد. وی پدر عمادالدین قزوینی است که از مدرسین زمان خود بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۶۴ - ۶۳ / ۲۳)، الوافی بالوفیات (۲۸۰ / ۱۱).

قزوینی، عارف

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کودکی و جوانی عارف در حدود سال ۱۳۰۰ هجری قمری در قزوین متولد شد. پدرش "ملاهادی وکیل" بود. عارف صرف و نحو

عربی و فارسی را در قزوین فرا گرفت. خط شکسته و نستعلیق را بسیار خوب می‌نوشت. موسیقی را نزد حاج صادق خرازی فرا گرفت. مدتی به اصرار پدر در پای منبر میرزا حسین واعظ، یکی از وعاظ قزوین، به نوحه خوانی پرداخت و عمامه می‌بست ولی پس از مرگ پدر عمامه را برداشت و ترک روضه خوانی کرد. ازدواج عارف در ۱۷ سالگی به دختری به نام "خانم بالا" عشق و علاقه پیدا کرد و

با او در پنهان ازدواج کرد. (تصنیف دیدم صمنی ... را در وصف ایشان سرود) فشارهای خانواده دختر پس از اینکه مطلع گردیدند زیاد شد و عارف به ناچار به رشت رفت و پس از بازگشت با وجود عشق بسیار آن دختر را طلاق داد و تا آخر عمر ازدواج نکرد. میان سالی و مشروطه عارف در سال ۱۳۱۶ ه.ق به تهران آمد و چون صدای خوشی داشت با شاهزادگان قاجار آشنا شد و مظفرالدین شاه خواست او را در ردیف فراش خلوتها درآورد اما عارف به قزوین بازگشت. در سال ۱۳۲۳ در زمان آغاز ۲۳ سالگی عارف زمزمه مشروطیت بلند گشته بود، عارف نیز با غزلهای خود به موفقیت مشروطیت کمک کرد. ایرج میرزا شاعر طنز سرای معروف، منظومه عارفنامه را در هجو وی سروده است. در سال ۱۳۳۵ یکی از دوستان عارف به نام «عبدالرحیم خان» خودکشی کرد و عارف بر اثر این به جنون مبتلا شد و نظام السلطنه مافی او را برای مداوا به بغداد برد. پس از چندی با شروع جنگ جهانی اول همراه نظام السلطنه به استانبول رفت. وی از این سفر پشیمان شد و در سال ۱۳۳۷ ه.ق به تهران بازگشت و کنسرت با شکوهی ترتیب داد.

در هنگام مرگ کلنل محمد تقی خان پسیان

در سال ۱۳۴۰ ه.ق در تشییع جنازه او شرکت نمود و به مسبب این حادثه ناسزا گفت. هنگامی که خواستند سر کلنل را روی توپ بگذارند، عارف فریاد بر آورد:

این سر که نشان سر پرستی ستامروز رها ز قید هستی ست

با دیده عبرتش ببیند کاین عاقبت وطن پرستی ست

کهن سالی و مرگ عارف در سال ۱۳۰۵ هـ.ش به دعوت دوستی به بروجرد رفت تا شرح احوال دوره □

آزادی خواهی را بنویسد. اما از بروجرد بر اثر حادثه‌ای ناخوشایند (مسموم

کردن یکی از سگهای وی و شایعات کوتاه فکرانه علیه او) خارج شده و به اراک

پناه برد. در اراک هم او را راحت نگذاشتند. او خود می‌گوید:

"بعد می‌گویند این ننگ [مقصود خود عارف است] بسته نباید در خاک قبر

بماند، ای داد، بی داد! حقیقتاً ای داد، بی داد؛ الان ده، پانزده سال است

شب و روز ورد زبان من این شده است که بگویم ای داد، بیداد."

سپس بیماریش شدت گرفت و حنجره اش گرفته، از خواندن بازماند و از معالجه ناتوان:

"آیا به که می‌شود گفت که سینه □ من گرفت و من استطاعت معالجه □ آن را نداشتم تا اینکه به کلی از بین رفت [۳۰]."

سرانجام عارف در سال ۱۳۰۷ جهت معالجه نزد دکتر بدیع به همدان رفت و

برای همیشه در آنجا ماند. عارف در همدان بیمار، رنج دیده و مایوس بود و از

همه جز اندک دوستانی یک دل و صمیمی کناره گرفت و انسان‌ها را شیطان و

دروغگو می‌نامید. او از دشمنی اهل روزگار چنین شکوه می‌کند:

"آخر این چه بدبختی بود که دامن گیر من شده است. فرمان فرمان با من بد، سلیمان میرزا بد، قوام السلطنه بد، تقی زاده هم بد، نصرت الدوله بد، ملک الشعرا بد، مرتجع و آزادی خواه هر دو دشمن، من از هر طرف هدف تیر کینه خواهی شده

عارف باقیمانده عمر را در خانه‌ای اجاره‌ای در یک قلعه کوچک در دره مراد بیگ با یک کلفت به صورت تبعیدی و خود خواسته سکونت گزید؛ در حالی که دارایی او سه سگ و دو دست لباس کهنه بود. او در سال‌های پایانی با فقر دست به گریبان بود و اگرچه دوستان دور و نزدیک به او کمک می‌کردند، این امر به روح آزاده شاعر لطمه می‌زد و او را شرمنده می‌ساخت. خود درباره روزهای تنهایی می‌گوید:

"حالا که هنگام زوال آفتاب عمر است و پایان روزگار به غفلت گذرانده زندگانی است. که تازه دانسته ام تنها دوستان من این دو تا سگ هستند که معنی وفا و محبت و دوستی را در آنها دریافته ام در سال ۱۳۰۸ عارف سر مکاتبه با زرتشتیان هند را باز کرد و برخی پژوهش‌های خود را برای «سردین شاه پارسی» به هند فرستاد. زرتشتیان او را به هند دعوت کردند، اما جواب رد داد و دیری نگذشت که از کرده خود پشیمان شد.

مقبره عارف در میدان ابن سینا همدان

سرانجام در روز یکشنبه یکم بهمن ۱۳۱۲ خورشیدی در حالی که عارف ۵۴ سال داشت، مرگ زودرس به سراغش آمد. جیران، کلفتش که او را به عقد خویش در آورده بود، حکایت کرده که عارف در آخرین دم از او خواست که وی را نزدیک پنجره ببرد تا آفتاب و آسمان میهن را ببیند و او پس از دیدن آفتاب چنین خواند: ستایش مر آن ایزد تابناک که پاک آمدم پاک رفتم به خاک

سپس به بستر بازگشت و لحظاتی بعد جان سپرد و در کنار آرامگاه بو علی سینا در همدان در خاک آرامید. تصنیف‌ها ۱. از خون جوانان وطن لاله دمیده

۲. دیدم صنمی، سرو قدی، روی چو ماهی - آواز افشاری - ۱۲۶۵

۳. ای امان از فراق امان - دستگاه شور - ۱۲۷۵ (هم‌زمان با ورود مشروطه خواهان به تهران)

۴. نمی دانم چه در پیمانۀ کردی - آواز افشاری

۵. نکنم چاره اگر دل هر جایی را - آواز افشاری - ۱۲۷۶

۶. افتخار همه آفاقی و منظور منی - دستگاه سه گاه - (برای افتخار السلطنه - دختر ناصرالدین شاه)

۷. توای تاج، تاج سر خسروانی - آواز افشاری - ۱۲۷۷ - (برای تاج السلطنه - دختر ناصرالدین شاه)

۸. هنگام می‌فصل گل و گشت چمن شد - آواز دشتی - (به مناسبت افتتاح دوره دوم مجلس شورای ملی ایران)

۹. دل هوس سبزه و صحرا ندارد - آواز ابوعطا

۱۰. نه قدرت که با وی نشینم، نا طاق که جز وی بینم - آواز افشاری

۱۱. ننگ آن خانه که مهمان ز سر خوان برود - آواز دشتی - ۱۲۸۸ - (به مناسبت اخراج مورگان شوستر آمریکایی از ایران)
 ۱۲. باد فرح بخش بهاری وزید - آواز بیات‌زند
 ۱۳. بلبل شوریده فغان می‌کند - دستگاه ماهور - ۱۲۸۹
 ۱۴. گریه را به مستی بهانه کردم - آواز دشتی - ۱۲۸۷
 ۱۵. از کفم رها شد مهار دل - آواز افشاری - ۱۲۸۸
 ۱۶. ترک چشمش ار فتنه کرد راست - ابوعطا (حجاز -) - ۱۲۹۴
 ۱۷. چه شورها که من به پا ز شاهناز می‌کنم - دستگاه شور - ۱۲۹۵
 ۱۸. بماندیم ما، مستقل شد ارمنستان - دستگاه سه‌گاه - ۱۲۹۷
 ۱۹. جان برخی آذربایجان باد - آواز دشتی - ۱۲۹۷ (برای آذربایجان - در جواب تفرقه افکنان)
 ۲۰. شانه بر زلف پریشان زده‌ای، به به و به - آواز دشتی - ۱۲۹۷
 ۲۱. رحم‌ای خدای دادگر کردی نکردی - آواز بیات‌زند - ۱۲۹۷
 ۲۲. امروزای فرشته رحمت بلا شدی - آواز افشاری - ۱۲۹۹
 ۲۳. گریه کن که گر سیل خون گری ثمر ندارد - آواز دشتی - ۱۳۰۰ (به مناسبت مرگ کلنل محمد تقی‌خان پسبان)
 ۲۴. تا رخت مقید نقاب است - آواز بیات‌اصفهان - ۱۳۰۱
 ۲۵. ای دست حق پشت و پناهت باز آ - دستگاه شور - ۱۳۰۰ (برای سید ضیا)
 ۲۶. گو به ساقی کز ایاغی ترکی و ماغی
 ۲۷. باد صبا بر گل گذر کن - آواز شوشتی
 ۲۸. چه آذرها به جان از عشق آذربایجان دارم - ۱۳۰۳ (به یاد ستارخان و باقر خان)
 ۲۹. باد خزانی زد ناگهانی، کرد آنچه دانی - دستگاه شور - ۱۳۰۳ (برای آذربایجان)
- خوانندگان تصنیف‌ها به دلیل سادگی و نداشتن اوج در تصنیف‌های عارف و اینکه غالب تصنیف‌ها قابل اجرا روی یک یا دو گوشه‌است، تصنیف‌های عارف را به سادگی مردم می‌توانستند بخوانند، از زمان سروده شدن تصنیف‌ها تا به امروز به وسیله خوانندگان غیرحرفه‌ای و حرفه‌ای بارها این تصنیف‌ها خوانده شده، از جمله خوانندگان پرآوازه که برخی تصنیف‌های عارف را اجرا کرده‌اند: قمرالملوک وزیری، عبدالله دوامی، الهه (تدوین از روح الله خالقی)، محمدرضا شجریان، صدیق تعریف، محسن کرامتی.

قزوینی، عمادالدین، ابوعبدالله زکریا

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۸۳ / ۶۸۲ - ۶۰۵ / ۶۰۰ ق)، عالم، ادیب، قاضی، فقیه، محدث، مورخ، جغرافیدان و خطاط. معروف به عماد قزوینی. نسبش به مالک بن انس انصاری خادم پیامبر (ص) می‌رسد. در قزوین به دنیا آمد. در جوانی به شام رفت و پس از تحصیلات به عراق مسافرت کرد. او شاگرد اثیرالدین ابهری حکیم بزرگ ایرانی بود. ابن طاووس، سید غیاث‌الدین عبدالکریم بن احمد بن طاووس،

مجلس او را درک نموده است. وی در ۶۵۰ ق قاضی حله و در ۶۵۲ ق قاضی واسط شد و تا آخر عمر عهده‌دار آن منصب بود. در واسط درگذشت و پیکرش به بغداد نقل و در مقبره‌ی شونیزیه دفن شد. از آثار وی: «آثار البلاد و اخبار العباد»، در جغرافی، که ظاهراً در «کشف الظنون» به نام «عجائب البلدان» نیز آمده است؛ «عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات»، به عربی، در وصف کائنات، در دو مقاله: مقاله نخست در علویات و مقاله دوم در سفلیات به نام سلطان معزالدین شاپور. این دو کتاب گرچه هر کدام کتابی مستقل است اما در حقیقت حکم دایره‌المعارف واحدی درباره عالم و موجودات و مخلوقات و بلاد و آثار آن دارد و این کتاب به فارسی و آلمانی و ترکی ترجمه شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳ / ۸۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۸۱- ۲۷۹ / ۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۶)، الذریعه (۲۱۹ / ۱۵، ۷ / ۱)، روضات الجنات (۳ / ۳۷۳)، ریحانه (۴ / ۴۵۳)، کشف الظنون (۱۱۲۸- ۱۱۲۷، ۱۱۲۶، ۹)، الکنی و الالقاب (۶۲- ۶۱ / ۳)، معجم المؤلفین (۴ / ۱۸۳)، مینودر (۵، ۸۳۷- ۲ / ۳)، هدیه الاحباب (۲۱۶)، هدیه العارفین (۱ / ۳۷۳).

قزوینی، فاطمه

قرن: ۱۳

جنسیت: زن

ملیت: ایران

حدود ۱۱۷۲- حدود ۱۲۶۰ ق، از زنان عالم، فاضل، محدث و مفسر، وی دختر سید حسین قزوینی (۱۲۰۸ ق) بود و در قزوین به دنیا آمد. او نزد پدرش و سید محمد مهدی بحر العلوم و عمویش سید حسن قزوینی (۱۱۹۸ ق) درس خواند و هنگامی که به سن رشد رسید با شیخ محمدعلی فرزند شیخ عبدالکریم قزوینی ازدواج کرد. سپس در درس فقه و اصول و حدیث همسرش حضور یافت تا اینکه در اغلب علوم معقول و منقول نابغه شد. علاوه بر این او حافظ قرآن و خطیب و سخنور ماهری بود، منبر می‌رفت و صدای بلند و رسایی داشت و در وعظ و خطابه توانا بود. فاطمه سخنرانی می‌کرد و درس می‌داد و زنان از مجلس درس، وعظ و سخنرانی او استفاده می‌کردند. وی بسیار پارسا و باتقوا بود و مجلس درس داشت. وی سه پسر داشت که همه از علمای زمان خود بودند. دخترش آمنه خانم قزوینی نیز همانند مادر از زنان عالم، فاضل، ادیب و شاعر بود.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: اعیان الشیعه (مستدرکات)، ۱۵۹ / ۳.

قزوینی، فضل علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قزوینی قدس سره متولد ۱۲۹۰ قمری و متوفی ۱۳۶۷ قمری است چنانچه در الذریعه ج ۲ ص ۲۵۸ یاد شده است فرزند علامه زاهد بارع ملا ولی محمد قدس سره در قزوین به دنیا آمده و دوره مقدمات را در مدرسه صالحیه تکمیل سپس به تهران عزیمت نمود و در آنجا از اساتید بزرگ بهره‌مند شده و بعد متوجه حوزه علمیه اصفهان گردیده و چندی در آنجا اقامت و بین محصلین مشار بالبنان گردیده و سپس هجرت به نجف اشرف نموده و از محضر علامه خراسانی آخوند ملا محمد کاظم صاحب کفایه‌الاصول

استفاه نموده و مورد توجه خاص ایشان قرار گرفته و پس از چندی حسب‌الامر معظم‌له مراجعت به ایران و در وطن مالوف خود مرجع مراجعات عمومی و مرافعات بودند لکن شدت علاقه به زیارات و بحث و تدریس به طور اغلب در مسافرت بودند. حوزه علمیه قم و مشهد مقدس به قدر امکان از ایشان جهت استفاده علمی و ارشادی استقبال می‌نمودند خاصه آبتین علمین همدانین آخوند ملا علی و میرزا محمد طالب تراهما چون در بعضی علوم اطلاعات داشتند. در مشهد مقدس مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی با ایشان ارتباط حسنه ممتده داشتند تا آنکه در قضیه کشف حجاب در منزل آماده پذیرائی بودند ناگاه یکی از دوستان خصوصی به عجله و هراسان وارد شده و مخفیانه و به طور نجوی گفتند فرمانداری بوم نام حضرتعالی و چند نفر از علماء قزوین در مجلس عشرت با همسرشان دعوت خواهید شد. معظم‌له با حالت اضطراب شدید چشم از جمیع موقعیتها پوشیده و فرار را بر قرار اختیار و خائفاً بترقب به اسرع وقت پناه به قبر حضرت ابی‌عبدالله‌الحسین علیه‌الصلوه والسلام برده و حدود چهارده سال در آنجا اقامت و علاوه بر بحث و تدریس کتب مشروحه ذیل را تألیف نمودند:

۱- اصحاب حضرت سید الشهداء علیه‌السلام.

۲- زندگانی حضرت سید الشهداء علیه‌السلام.

۳- بانوان و زنانی که در کربلا بودند.

۴- کتاب زندگانی حضرت صادق علیه‌السلام و روءاء مذاهب باطله اهل سنت.

۵- شرح خطبه حضرت صدیقه کبری علیها‌السلام.

۶- مختصری در حالات حضرت معصومه (ع).

معظم‌له پس از چهارده سال اقامت در کربلا به شوق زیارت حضرت رضا علیه‌السلام به ایران آمده و در قم به منزل مرحوم حاج سید ابوالقاسم روحانی برادر داماد گرامیشان مرحوم حجة‌الاسلام حاج آقا احمد روحانی واعظ وارد شده و مورد احترام کم‌سابقه همه علماء خاصه حضرت آیت‌الله‌العظمی بروجردی قرار گرفته ولی متأسفانه به مقصدشان که زیارت حضرت ثامن‌الحجج علیه‌السلام بود نائل نشده و در راه زیارت در جوار خواهر گرامی آن حضرت، حضرت فاطمه معصومه علیها‌السلام از دنیا رفته و با تشییع و تجلیل فراوان در شیخان قم در این معدن مردمی به خاک رفتند. بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

قزوینی، مجتبی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مجتبی قزوینی از علماء وارسته و دانشمندان شایسته و مریبان برجسته معاصر مشهد بودند. ولادت ایشان در یکی از مضافات قزوین واقع شده و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح در قزوین و تهران مهاجرت به مشهد نموده و سالها از محضر مرحوم آیت‌الله آقا محمد کفائی معروف به آقازاده و دیگران و بالاخص مرحوم عالم ربانی آیت‌الله آقا میرزا مهدی غروی اصفهانی استفاده نموده تا به درجه کمال از علم و معارف الهی رسیده و خود به تدریس فقه و اخلاق و تربیت جمعی از فضلاء شایسته و مذهب مشهد پرداخته و عده‌ای از محضر و بیانشان به مقام شامخی از علم و اخلاف رسیدند.

دارای تألیفاتی در معارف و اخلاق و غیره بوده‌اند که از آنها بیان الفرقان مسجد مرونیها اقامه جماعت داشتند تا در سال ۱۳۸۷ ق وفات نموده و در آستانه مقدسه رضوی به خاک رفته‌اند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

قزوینی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد قزوینی در سال ۱۲۵۴ خورشیدی در قزوین متولد گردید. تا سال ۱۳۰۶ ق. که پدرش در حال حیات بود، مقدمات صرف و نحو را نزد پدر آموخت. پس از فوت پدر تحت سرپرستی شمس العلماء شیخ محمدمهدی عبدالرب آبادی قزوینی، نزد علمای وقت به تکمیل تحصیلات پرداخت. قزوینی پس از مدتی به جهت مطالعات بیشتر به اروپا رفت و مدت‌ها در فرانسه، انگلستان و آلمان اقامت داشت. علامه محمد قزوینی در سن ۲۶ سالگی به اروپا رفت. در لندن پس از آشنا شدن به طرز کار خاورشناسان، به دعوت پرفسور ادوارد براون و امنای اوقاف گیب دست به کار تصحیح و انتشار تاریخ جهانگشای جوینی زد، پس از دو سال اقامت در لندن، در ماه ربیع الثانی ۱۳۲۴ به پاریس رفت؛ او در این مدت به نشر جلد اول تاریخ جهانگشای جوینی و آماده کردن جلد دوم آن برای چاپ توفیق یافت و ضمناً چند مقاله و رساله درباره ادبیات و تاریخ ایران نوشت، و دو سه متن از متون قدیمه فارسی را تصحیح کرد. قزوینی یک سال پس از جنگ جهانی اول به آلمان رفت. بعد از خاتمه جنگ در روز ۱۳ دی ماه ۱۲۹۸ (۴ ژانویه ۱۹۲۰) به دعوت میرزا محمدعلی خان فروغی به پاریس برگشت و تصحیح کتبی را که نیمه کاره مانده بود از سر گرفت. در این زمان از سوی وزارت فرهنگ مبلغی در اختیار او گذاشته شد که از بعضی نسخ خطی نفیس عکسبرداری نموده و به ایران ارسال دارد. قزوینی در سال ۱۳۱۸، به علت جنگ جهانی دوم فرانسه را ترک کرد و برای اقامت دایم به ایران بازگشت. در ایران نیز اوقات قزوینی پیوسته مصروف مطالعه و تحقیق و تصحیح متون قدیمه بود. علامه محمد قزوینی در روز جمعه ششم خرداد ماه ۱۳۲۸ ش. در تهران درگذشت.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: تصحیح متون

والدین و انساب: نام پدر محمد قزوینی، عبدالوهاب بن عبدالعلی قزوینی است. عبدالوهاب یکی از مولفین اربعه «نامه دانشوران» می باشد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: پدر علامه قزوینی از علمای زمان خود بود که در مدرسه دوستعلی خان معیر الممالک، در تهران به کار تدریس اشتغال داشت. او از جمله کسانی است که با سه تن از دانشمندان دیگر، در نوشتن «نامه دانشوران» شرکت داشته و بیشتر ترجمه احوال علمای لغت و صرف و نحو و ادب و فقه در کتاب مزبور به قلم اوست.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: محمد تحصیلات علوم متداوله اسلامی را در تهران سپری کرد. قزوینی با وجود آنکه از خانواده علمای دین بود، از همان عهد جوانی در خط تحصیل زبان‌های اروپایی و آشنا گشتن با طریقه تتبع و تحقیق فرنگیان افتاد.

فعالیت‌های ضمن تحصیل: علامه قزوینی در ایام تحصیل با درس دادن به بعضی از دوستان و آشنایان خود امرار معاش می نمود. از جمله فعالیت‌های دیگر او در این زمان ترجمه مقالات و کتب از زبان عربی بود که توسط روزنامه تربیت ایشان انتشار می یافت.

استادان و مربیان: محمد قزوینی، صرف و نحو را در خدمت پدرش عبد الوهاب بن عبد العلی قزوینی و در خدمت حاجی سید مصطفی قنات آبادی در مدرسه معیر الممالک و فقه را در خدمت، همسو و شیخ محمد صادق تهرانی و اندکی کمتر در محضر شیخ

فضل‌الله‌نوری، کلام و حکمت قدیم را از شیخ علی نوری در مدرسه خان مروی و اصول فقه را نزد ملا محمد آملی در مدرسه خازن‌الملک، اصول فقه خارج را در محضر افضل‌المتاخرین میرزا حسن آشتیانی آموخته است. او همچنین از محضر شیخ هادی نجم‌آبادی نیز بهره برده است، اما بدون تدریس و تدریس کتب رسمی وی از سید احمد ادیب پیشاوری نیز کسب فیض کرده است. شمس‌العلماء شیخ محمد مهدی قزوینی عبدالرب آبادی، میرزا محمد حسین خان اصفهانی (متخلص به فروغی و ملقب به ذکا الملک) نیز از اساتید قزوینی بوده اند.

همسر و فرزندان: محمد قزوینی در سفر دوم خود به پاریس با یک خانم ایتالیایی ازدواج نمود، که حاصل آن یک دختر بود که برای او به یادگار ماند.

وقایع میانسالی: در اوایل سال ۱۳۲۲ محمد قزوینی بنا به دعوت برادرش (میرزا احمد خان) به لندن سفر کرد، و از کتابخانه بزرگ لندن دیدن کرد. او در این سفر با مستشرقین انگلیسی بسیاری آشنا شد از جمله پرفسور توان (A.A.Bevan)، الس (A.G.Elis)، آمد روز (H.F.Amedroz) و ادوارد براون (E.G.Browne). علامه قزوینی با میرزا عباس خان اقبال آشتیانی نیز مراد و مکاتبه داشت، همچنین با میر محمد حسین خان عمیدالملک حسابی. [محقق. مهدی، زندگینامه و آثار مرحوم علامه محمد قزوینی، دی ماه ۱۳۷۸، ص ۲۹-۳۰] قزوینی با کازانووا (P.Casanova) و گابریل فران (FerandG.)، مستشرقین فرانسوی نیز آشنا بود. علامه قزوینی، با احمد زکی ولیدی طوغان، رهانری ماسه، ماسینیون، برتلز، مارکوارت و ادوارد براون آشنایی داشته است. محمد قزوینی با علی اکبر دهخدا، نویسنده لغت نامه دهخدا، همدوره و دوست بود. همچنین با حاجی سید نصر الله اخوی، حسینی‌قلی خان نواب، سید حسن تقی زاده، میرزا فضلعلی آقا مجتهد تبریزی، سید محمد علی خان جمال زاده، میرزا محمود خان غنی زاده، میرزا حسین خان کاظم زاده (ایران‌شهر) میرزا محمد علی خان تربیت، سید محمد رضا مساوات و میرزا ابراهیم پور داود. از دوستان آلمانی محمد قزوینی می‌توان به مستشرقینی همچون مارکوارت (J.Marquart)، زاخائو (E.Sachau)، موریتز (B.Moritz) هارتمن (M.Hartmann)، مان (o.Mann)، میتووخ (E.Mitwoch)، فرانک (Frank)، بک (S.Beck)، نولدکه (T.Noldeke) اشاره کرد. قزوینی به پاریس نیز مسافرتی داشت که بر اثر آن لبا جمعی از مستشرقین فرانسه آشنا شده است همانند هرتویک درنبروک (Hartwig Dernbourg)، باریه دومنار (Barbier de Meynard)، میه (A.Meillet) و هوارت (C.Huart) قزوینی در اواخر زندگانی خود می‌گفت: «... اکنون که تأمل ایام گذشته می‌کنم و بر عمر تلف کرده تاسف میخورم باز یکی از بهترین تفریحات من مطالعه شرح رضی و مغنی البیب است که برای من احلی من وصل الحیب است! العاده کالطبیعه الثانیه.»

زمان و علت فوت: محمد قزوینی، روز جمعه ششم خرداد ۱۳۲۸ شمسی مطابق با ۲۸ رجب ۱۳۶۸ قمری، حدود ساعت ده و نیم در کوچه دانش منشعب از خیابان فروردین تهران، چهره در نقاب خاک کشید.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: محمد قزوینی در سن ۲۶ سالگی به اروپا رفت. در لندن پس از آشنا شدن به طرز کار خاورشناسان، به دعوت پرفسور ادوارد براون و امنای اوقاف گیب دست به کار تصحیح و انتشار تاریخ جهانگشای جوینی زد؛ چون بهترین نسخ آن کتاب در کتابخانه ملی پاریس بود، پس از دو سال اقامت در لندن، در ماه ربیع الثانی ۱۳۲۴ به پاریس رفت؛ و از آن تاریخ تا سال ۱۳۳۳ ق. همیشه در پایتخت فرانسه مقیم بود؛ او در این مدت به نشر جلد اول تاریخ جهانگشای جوینی و آماده کردن جلد دوم آن برای چاپ توفیق یافت و ضمناً چند مقاله و رساله درباره ادبیات و تاریخ ایران نوشت، و دو سه متن از متون قدیمه فارسی را تصحیح کرد. قزوینی یک سال پس از جنگ جهانی اول، به دعوت سید حسن تقی زاده، که در برلین سرپرستی کمیته ایرانی آلمان را داشت و در آنجا روزنامه کاوه را منتشر می‌ساخت، به همراهی حسینی‌قلی خان نواب که به سمت سفیر ایران در آلمان انتخاب شده بود، به آلمان رفت و در ۱۸ ذی‌الحجه ۱۳۳۳ (۲۷ اکتبر ۱۹۱۵) به برلین رسید و تا چندی پس از پایان جنگ در آن شهر ماند. بعد از خاتمه جنگ در روز ۱۳ دی ماه ۱۲۹۸ (۴ ژانویه ۱۹۲۰) به دعوت میرزا محمدعلی خان

فروغی به پاریس برگشت و تصحیح کتبی را که نیمه کاره مانده بود از سر گرفت. در این زمان از سوی وزارت فرهنگ مبلغی در اختیار او گذاشته شد که از بعضی نسخ خطی نفیس عکسبرداری نموده و به ایران ارسال دارد؛ او جمعاً ۱۶ کتاب عکس گرفت و با مقدمه‌های به ایران فرستاد. قزوینی در سال ۱۳۱۸، به علت جنگ جهانی دوم و مشکلاتی که خارجیان مقیم در اروپا گریبانگیر آن شدند، فرانسه را ترک کرد و، بعد از سی و شش سال غربت، در مهر ماه آن سال، برای اقامت دائم به ایران بازگشت. در ایران نیز اوقات قزوینی پیوسته مصروف مطالعه و تحقیق و تصحیح متون قدیمه بود.

همفکران فرد: روش محمد قزوینی در کار متن‌شناسی آن چنان از دقت نظر برخوردار بود که بزرگانی چون فروزانفر، بهار، دهخدا، اقبال آشتیانی، مینوی و... را متأثر ساخت.

آرا و گرایشهای خاص: محمد قزوینی در کار متن‌شناسی، استادی زبردست بود. اجتهاد متن‌شناسی وی نه تنها در متونی که خود تصحیح کرد، بلکه در مقالات و رسائلش نیز به خوبی قابل درک است. دکتر قاسم غنی همکار علمی قزوینی در تصحیح دیوان حافظ در مورد وی چنین می‌گوید: «مرحوم قزوینی روش تدقیق و نقد ادبی را به معاصرین خود آموخت؛ آفتاب فیاض با برکتی بود که هر کس را مستعد می‌دید به تربیت و ارشاد او می‌پرداخت...»

آثار:

۱.

ویژگی اثر: علامه محمد قزوینی برای کتابخانه شخصی خود که اکنون در دانشکده ادبیات تهران محفوظ است برای خود فهرستی تهیه کرده و برای همه کتابهای چاپی و خطی به شیوه‌ای دقیق کتابداری، اطلاعات لازم را نوشته است که شامل چهار جلد فهرست را شامل می‌گردد.

۲ بیست مقاله

ویژگی اثر: این کتاب شامل دو جلد است. [ص ۴۵]

۳ تصحیح المعجم فی معاییر اشعار العجم

ویژگی اثر: این اثر تالیف شمس قیس رازی است. [ص ۴۲]

۴ تصحیح تاریخ جهانگشای جوینی

ویژگی اثر: این اثر تالیف علا الدین عطا ملک جوینی است. [صص ۴-۴۳]

۵ تصحیح چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی

ویژگی اثر: این اثر تالیف عروضی سمرقندی است [ص ۴۳]

۶ تصحیح دیوان حافظ

ویژگی اثر: این اثر تالیف حافظ شیرازی است. [ص ۴۴]

۷ تصحیح کتاب شد الازار فی حط الاوزار عن زوار المزار

ویژگی اثر: این اثر تالیف معین الدین شیرازی است. [ص ۴۴]

۸ تصحیح مرزبان نامه

ویژگی اثر: این اثر تالیف مرزبان بن رستم است. [ص ۴۲]

۹ تصحیح مقدمه قدیم شاهنامه

ویژگی اثر: این اثر تالیف فردوسی لوسی است. [ص ۴۷]

۱۰ رساله ای در شرح حال مسعود سعد سلمان

ویژگی اثر: [ص ۴۵]

۱۱ رساله در شرح احوال شیخ ابوالفتوح رازی

ویژگی اثر: این اثر به نام خاتمه الطبع راجع به شرح احوال مولف کتاب و وصف اجمالی تفسیر حاضر چاپ شده است. [صص ۸-۴۷]

[۴۷]

۱۲ رساله ممدوحین سعدی

ویژگی اثر: [ص ۴۷]

۱۳ مقاله تاریخی و انتقادی راجع به کتاب نفثه المصدور

ویژگی اثر: این اثر تالیف نور الدین محمد نسوی است. [ص ۴۷]

۱۴ مقدمه تذکره الاولیا

ویژگی اثر: این اثر تالیف عطار نیشابوری است. [ص ۴۵]

۱۵ مقدمه تذکره الشعرا عوض

ویژگی اثر: این اثر موسوم به لباب الالباب است. [ص ۴۵]

منابع زندگینامه: سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین، نوشته: پرویز ورجاوند، ج ۲، تهران: نشر نی، ص ۱۲۵۴ [۲] محقق. مهدی،

زندگینامه و آثار مرحوم علامه محمد قزوینی، دی ماه ۱۳۷۸، ص ۱ [۱] از نیما تا روزگار ما، تالیف: یحیی آرین پور، ج ۳، تهران:

انتشارات زوار، ص ۱۰۸

قزوینی، محمد معصوم

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۹۹ / ۱۰۹۱ ق)، عالم امامی، حکیم، ریاضیدان، محدث و مصنف. او ریاضیات را در محضر ملا محمد باقر یزدی، صاحب «عیون الحساب»، تلمذ کرد. امیر محمد معصوم در فلسفه و کلام شاگرد میرزا رفیعا امیر رفیع الدین نایینی بود. «اصول کافی» را بر استادش قرائت کرد و از او به دریافت اجازه نایل آمد. وی همچنین حاشیه‌ی استادش بر «اصول کافی» را، در زمان حیات استاد، تدوین کرد. او معاصر آقا حسین خوانساری و ملا محسن فیض کاشی و ملا محمد تقی مجلسی بود. در حدیث، ریاضیات، حکمت و علوم عربی مهارت کامل داشت. از آثار وی: منتخب «الملل و النحل» شهرستانی؛ حاشیه بر «شرح الاشارات» خواجه نصیر طوسی؛ حاشیه بر «الشفاء» ابن سینا؛ حاشیه بر «حاشیه‌ی خفزی بر شرح تجرید قوشچی»؛ حواشی بر «تعلیقات» میرزا رفیع نایینی؛ رساله‌ای در «ریاضیات».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۴۳۸ / ۲۲، ۱۸۴، ۱۴۳، ۱۱۲ / ۶)، ریحانه (۴ / ۴۵۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۷۴-۵۷۳ / ۱۱).

قزوینی، محمدجعفر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ مولانا محمدجعفر قزوینی از علماء کربلا در عصر خود بوده و حدود ۱۲۸۰ وفات نموده. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، محمدحسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ محمدحسین بن علی (عباس علی) طالقانی قزوینی حایری متولد ۱۲۱۸ و متوفی ۱۲۸۱ ق از اعظام فقهاء و اجلاء علماء و از شاگردان شریف‌العلماء و صاحب جواهر و غیرهما و دارای آثاری چون نتایج‌البدایع در شرح شرایع و نتیجه‌البدیعه و غیرها بوده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، محمدصادق

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ محمدصادق بن العالم الجلیل ملا علی قارپوزآبادی قزوینی عالمی کامل و فاضلی جلیل بوده و بعد از ۱۳۳۳ وفات نموده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، محمدکاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد کاظم فرزند مرحوم آیت‌الله حاج سید محمد ابراهیم موسوی حایری قزوینی از مشاهیر خطباء و محدثین و مبلغین و مروجین و نویسندگان نامی معاصر و مقیم شهرستان علمی و دینی قم می‌باشند.

در سال ۱۳۴۸ هجری قمری در کربلاء معلی علی من شرفها الصلوه والسلام به دنیا آمده و در مهد فضل و سیادت پرورش یافته و پس از دوران کودکی و خواندن اولیات و ادبیات و سطوح اولیه را در خدمت مرحوم حاج شیخ جعفر رشتی و حاج شیخ محمد خطیب و سید محمد صالح قزوینی و مرحوم آیت‌الله حاج سید محمد حسن قزوینی معروف به حاج آقا و دروس نهائی را از محضر آیت‌الله میرزا مهدی شیرازی و آیت‌الله میلانی و آیت‌الله حاج شیخ یوسف شاهرودی و آیت‌الله حاج سید محمد حسن قزوینی صاحب (الامامه الاکبری) استفاده نموده است.

در سال ۱۳۹۳ هجری قمری مهاجرت به کویت و مدت هفت سال اقامت و به خدمات تبلیغی و تالیفی اشتغال داشته و در سال ۱۴۰۰

قمری به قم هجرت و اقامت نموده و چهار مرتبه برای ارشاد و تبلیغ دین به استرالیا سفر نموده و از راه منبر و خطابه چه در خارج و چه در داخل ایران قم و تهران و غیره نشر معارف اهل بیت علیهم السلام نموده و خدمات ارزنده و چشمگیری نموده و می‌نمایند. معظم‌له داماد گرامی آیت‌الله العظمی میرزا مهدی شیرازی می‌باشند دارای پنج فرزند فاضل و برومندند به اسامی زیر که اسباط مرحوم میرزا مهدی شیرازی هستند و همگی در حوزه علمیه اشتغال به درس و تدریس سطوح عالی دارند.

۱- حاج سید محمد ابراهیم موسوی قزوینی

۲- حاج سید محمدعلی موسوی قزوینی

۳- حاج سید مصطفی موسوی قزوینی

۴- حاج سید محسن موسوی قزوینی

۵- حاج سید جعفر موسوی قزوینی

تألیفات ارزنده دارند که به طبع رسیده و آنها از این قرار است:

۱- شرح نهج البلاغه - سه مجلد

۲- علی (علیه السلام) من المهد الی اللحد

۳- فاطمه الزهراء (علیها السلام) من المهد الی اللحد

۴- الامام المهدی (علیه السلام) من المهد الی الظهور

۵- الامام الجواد (علیه السلام) من المهد الی اللحد

۶- الامام الهادی (علیه السلام) من المهد الی اللحد

۷- الامام العسکری (علیه السلام) من المهد الی اللحد

۸- سیره الرسول الاعظم (صلی الله علیه و آله و سلم)

۹- فاجعه الطف

۱۰- الاسلام والتعالیم

و در حال حاضر مشغول به تألیف موسوعه‌ای درباره زندگانی و شخصیت حضرت صادق علیه السلام می‌باشند که به ده‌ها جلد خواهد رسید.

تولد: ۱۳۰۸.

درگذشت: ۱۳۷۳.

آیت‌الله محمد کاظم قزوینی صاحب آثار زیر است: اسلام و تعلیمات تربیتی (ترجمه ذکراالله احمدی، قم، ۱۳۷۰)؛ الامام المهدی علیه السلام من المهد الی الظهور (بیروت، ۱۳۷۰)؛ الامام الهادی علیه السلام من المهد الی اللحد (قم، ۱۳۷۱)؛ عاشورا غمبارترین روز تاریخ (ترجمه و نگارش علیرضا کرمی، قم، ۱۳۷۴)؛ فاطمه‌ی زهرا (ع) از ولادت تا شهادت (ترجمه حسین فریدونی، ۱۳۷۱، ۱۳۶۵)؛ موسوعه الامام الصادق علیه السلام (قم، ۱۳۷۲). همچنین در اولین بزرگداشت سالگرد رحلت آیت‌الله قزوینی، کتاب زیر از سوی ستاد مربوطه منتشر گردید: صفحاتی از زندگینامه آیت‌الله سید محمد کاظم قزوینی قدس سره (۱۳۷۴).

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

قزوینی، میرزا محمد طاهر

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا محمد طاهر قزوینی، متخلص به وحید، از شاعران سده یازدهم و اوایل یازدهم است که در قزوین متولد گردید. وحید به سبب استعداد ذاتی، به تحصیل مقدمات علوم زمانی خود مشغول گردید و در فن سیاق و امور دفتری و استیفا مهارت و در انشاء و حسن خط به حسب مقدر کوشید. پس از فراغت از تحصیل وارد خدمات دیوانی شد، وی نخست به عنوان دستیار میرزا صالح پسر میرزا باقر توجیه نویس به تحریر جلدی از دفاتر توجیه مشغول گردید و چون میرزا صالح فوت نمود، میرزا طاهر (وحید) با لیاقتی که از خود ظاهر ساخته بود، به عنوان دستیار و مشیر و مشار اعتمادالدوله میرزا تقی مشهور به سارو تقی و زیر شاه صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲ ه.ق) و شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ ه.ق)، کفالت آن خدمت را عهده دار شد. پس از قتل سارو تقی، اعتمادالدوله - سید علاء الدین خلیفه سلطان - صدرالعظم دستگاه شاه عباس دوم منصب مجلس نویسی یا وقایع نگاری را به عهده وحید قزوینی نهاد، و به سال ۱۰۵۵ ه.ق مورخ رسمی دربار شاه عباس دوم و مامور نوشتن تاریخ سلطنت این پادشاه شد. او همچنین بعد از وزارت شیخ علیخان زنگنه یک چند با لقب عمادالدله وزیر اعظم شاه سلیمان (۱۰۷۷ - ۱۱۰۵ ه.ق) گشت و تا جلوس شاه سلطان حسین (۱۱۰۵-۱۱۳۵ ه.ق) بر این مسند باقی ماند. وحید قزوینی علاوه بر مشاغل دیوانی، وقایع نگار و شاعری توانا بوده و آثاری نیز از خود به یادگار نهاده است.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب: میرزا محمد طاهر قزوینی، متخلص به «وحید»، از ادبا و فضلا و رجال دوره صفوی و از شاعران سده یازدهم و اوایل دوازدهم هجری است.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: میرزا محمد طاهر قزوینی به سبب استعداد ذاتی، به تحصیل مقدمات علوم زمانی خود مشغول گردید و در فن سیاق و امور دفتری و استیفا مهارت و در انشاء و حسن خط به حسب مقدر کوشید.

هم دوره ای ها و همکاران: میرزا محمد طاهر قزوینی با شاعر بزرگ زمان خود، صائب تبریزی دوستی نزدیک داشت. وقایع میانسالی: بنا بر روایت هدایت در روضه الصفا، میرزا محمد طاهر قزوینی در دوره وزارت شیخ علی خان زنگنه مخدول و منکوب گردید و این وضعیت تا پایان وزارت شیخ علی خان در سال ۱۱۰۱ ادامه داشت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: میرزا محمد طاهر قزوینی پس از فراغت از تحصیل وارد خدمات دیوانی شد، وی نخست به عنوان دستیار میرزا صالح پسر میرزا باقر توجیه نویس به تحریر جلدی از دفاتر توجیه مشغول گردید و چون میرزا صالح فوت نمود، میرزا طاهر (وحید) با لیاقتی که از خود ظاهر ساخته بود، به عنوان دستیار و مشیر و مشار اعتمادالدوله میرزا تقی مشهور به سارو تقی و زیر شاه صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲ ه.ق) و شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ ه.ق)، کفالت آن خدمت را عهده دار شد. پس از قتل سارو تقی، اعتمادالدوله - سید علاء الدین خلیفه سلطان - صدرالعظم دستگاه شاه عباس دوم منصب مجلس نویسی یا وقایع نگاری را به عهده وحید قزوینی نهاد، و به سال ۱۰۵۵ ه.ق مورخ رسمی دربار شاه عباس دوم و مامور نوشتن تاریخ سلطنت این پادشاه شد. او همچنین بعد از وزارت شیخ علیخان زنگنه یک چند با لقب عمادالدله وزیر اعظم شاه سلیمان (۱۰۷۷ - ۱۱۰۵ ه.ق) گشت و تا جلوس شاه سلطان حسین (۱۱۰۵-۱۱۳۵ ه.ق) بر این مسند باقی ماند.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: میرزا محمد طاهر قزوینی علاوه بر مشاغل دیوانی، وقایع نگار و شاعری توانا بوده و آثاری نیز از خود به یادگار نهاده است. قصاید وحید را در حدود ۵۷۶۷ بیت، و غزلیاتش را در حدود ۳۰۰۰۰ بیت، و رباعیاتش در حدود ۱۰۰ بیت ذکر کرده اند.

آرا و گرایشهای خاص: میرزا محمد طاهر قزوینی که شاعری توانا بود، در سرودن شعر تلاش می کرد از مزامین تازه استفاده نماید. ابن یوسف شیرازی در مورد اشعار وحید چنین می گوید: «از لحاظ شعر کلیات وحید ارزش و بهای بسیار ندارد، ولی مثنویات او بی لطافت نیست و جنبه تاریخی دارد. در آخر «عاشق و معشوق» به تعریف تمام اصناف و کسبه اصفهان پرداخته و «مثنوی آلات جنگ» او بسیار جالب نظر و توجه می باشد، مثنوی «خلوت راز» و «ناز و نیاز» او لطیف و اخلاقی است...» نصر آبادی نیز در باره وی چنین می نویسد: «با اینکه در تحصیل علوم از احدی استفاده ننموده و هیچ گاه فرصت آن نداشته، باز به قوت ادراک از جمیع علوم بهره وافی برده؛ در ترتیب نظم، قوه بدیهه اش به حدی است که تا کسی نام بیت برد معمار خاطرش به دستیاری خامه به عمارت آن پرداخته...».

آثار:

۱ تاریخ طاهر وحید یا عباسنامه، یا تاریخ شاه عباس دوم

ویژگی اثر: این کتاب مربوط به وقایع دوران پادشاهی شاه عباس دوم از آغاز تا سال بیست و دوم سلطنت او بدست می دهد.

۲ عاشق و معشوق

ویژگی اثر: در حدود هزار و سیصد بیت می باشد.

۳ کلیات شعر وحید

ویژگی اثر: هدایت در تتمه روضه الصفا جلد هشتم می نویسد، دیوان وحید که مرکب از اشعار ترکی، عربی و فارسی است در حدود نود هزار بیت می باشد. نصر آبادی دیوان وی را از غزل و قصیده و مثنوی، قریب به سی هزار بیت ذکر می کند؛ و حزین که دیوان وحید را دیده است، اشعار او را بیش از ششصد هزار بیت یاد می کند.

۴ مثنوی

ویژگی اثر: در حدود هزار و سیصد و هشتاد بیت که فقط در نسخه کلیات به شماره ۱۱۶۱ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود می باشد.

۵ مثنوی آلات جنگ

ویژگی اثر: در حدود هشتصد بیت است.

۶ مثنوی خلوت راز

ویژگی اثر: در حدود دوهزار و دویست بیت می باشد.

۷ مثنوی در وصف تنبور

ویژگی اثر: بالغ بر شصت و شش بیت می باشد.

۸ مثنوی در وصف عمارت شاهی

ویژگی اثر: بالغ بر شصت و یک بیت می باشد.

۹ مثنوی در وصف نرد

ویژگی اثر: بالغ بر پنجاه و نه بیت می باشد.

۱۰ مثنوی در وصف همایون تپه

۱۱ مثنوی ساغر سرشار

ویژگی اثر: این مثنوی در کلیات وحید قزوینی محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۱۶۲، فقط هفت بیت آن

باقی است.

۱۲ مثنوی فتح قندهار

ویژگی اثر: در حدود چهارصد و هشتاد بیت است.

۱۳ مثنوی گلزار عباس

ویژگی اثر: در حدود ششصد و هشتاد بیت است.

۱۴ مثنوی ناز و نیاز

ویژگی اثر: در حدود سه هزار و دویست بیت است.

۱۵ مجموعه منشآت وحید

ویژگی اثر: در حدود دویست و پنجاه نامه است، که به مناسبت شغل و مقامی که داشته به امرا و سلاطین و... نگاشته است.

منابع زندگینامه: سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین، پرویز ورجاوند، ج ۲، تهران: نشر نی، ۵۶-۱۳۵۵ [۲] فرهنگ سخنوران و سرایندگان قزوین (تذکره شعرای قزوین)، تالیف: سید محمود خیری، به کوشش: نقی افشاری، قزوین: انتشارات طه، ص ۲۷۴

قزوینی، نجم‌الدین عبدالغفار

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۶۵ / ۶۶۳ ق)، ریاضیدان و فقیه شافعی. در قزوین به دنیا آمد. در فقه و حساب و حسن اختصار ید طولانی داشت. از آثار وی: «اللباب»، در فقه، و «العجاب»، در شرح «اللباب»؛ کتابی در «حساب»؛ «الحاوی الصغیر فی الفروع»، که ابن‌الوردی آن را در پنج هزار بیت به نظم کشید و «بهجه الحاوی» نامید.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۵۷ / ۴)، ریحانه (۱۴۱ / ۶)، کشف الظنون (۱۵۴۳، ۶۲۵)، لغت‌نامه (ذیل / عبدالغفار)، معجم المؤلفین (۲۶۸-۲۶۷ / ۵)، هدیه العارفین (۵۸۷ / ۱).

قزوینی، هاشم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

هاشم قزوینی از بزرگان علماء و مدرسین معاصر حوزه مشهد بودند ولادت ایشان در قزوین اتفاق افتاده و مقدمات و قسمتی از سطوح را در قزوین و تهران خوانده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و چندین سال در آنجا از محضر مرحوم آیت‌الله نائینی و عراقی و اصفهانی استفاده نموده و پس از آن به ایران مراجعت و مجاورت آستان قدس رضوی را اختیار و سالها از محضر مرحوم آیت‌الله کفائی معروف به آقازاده و اعلام دیگر و بالاخص مرحوم مبرور زین العلماء العاملين و قدوه الفقهاء و المجتهدین آیت‌الله فی العالمین آقای آقامیرزا مهدی غروی اصفهانی تا آخر عمرش استفاده نموده و خود به تدریس سطوح نهائی و خارج پرداخته و صدها نفر از علماء و دانشمندان معاصر مشهد و نقاط دیگر از محضر و دراساتش بهره‌مند شده‌اند.

نگارنده گوید مرحوم قزوینی مذکور از علماء عظام بل آیات کرام عصر ما و از اساتید حقیر بوده‌اند زیرا جلد اول کفایه را در خدمت ایشان خوانده و در خدمتشان به مباحثه مرحوم آیت‌الله آقا میرزا مهدی غروی رحمه‌الله علیه می‌رفتم و ایشان نسبت به مرحوم میرزا اصفهانی اعتقاد و خلوص عجیبی داشت و همواره بر فقاء توصیه می‌کرد که در بحث میرزا صحبت نکنید بلکه سراپا گوش استماع و استفاده نمائید.

مرحوم آیت‌الله حاج سید هاشم میردامادی نجفی می‌فرمودند حاج شیخ هاشم از میرزا اگر اعلم (ملا تر) نباشد قطعا کمتر نیست ولی چطور است که آنقدر نسبت به میرزا تواضع و ابراز اخلاص و علاقه می‌کند. خلاصه بسیار متواضع و فروتن مجتنب از تظاهرات و (مبرء من کل شین) بود. وی در ۱۳۸۰ قمری فوت و در جوار حضرت علی بن موسی الرضا (ع) مدفون گردید. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

قسمی خراسانی مروزی، ابوزید عبدالعزیز

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۶۷ ق)، محدث، فقیه و زاهد. وی از عبدالله بن دینار و مطر الوراق و ایوب و ابوهارون عبدی و حصین بن عبدالرحمان و ابواسحاق همدانی و یحیی بن سعید انصاری و ابن عجلان و اعمش و مطرف بن طریف و یزید بن ابی زکریاء و دیگران حدیث شنید. ابن مهدی و عقدی و قعنبی و عبیدالله بن عائشه و حفص بن عمر حوضی و حفص بن عمر ضریر و شیبان بن فروخ و عبدالصمد بن عبدالوارث و علاء بن عبدالجبار و ابو عبیده حداد و عبدالله بن رجاء و عبدالله بن معاویه جمحی و دیگران از وی حدیث روایت کردند. بخاری و مسلم و ابوداود و ترمذی و نسائی در «صحاح» خودشان از وی حدیث نقل کرده‌اند. یحیی بن معین و عده‌ای دیگر وی را ثقه خوانده‌اند. یحیی بن اسحاق سیلحینی که از راویان اوست او را از خوبان توصیف کرده است. وی ساکن بصره بود و در همان جا درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام بوفیات الاعلام (۱۰۷ / ۱)، انساب سمعانی (۴ / ۵۰۰)، تهذیب التهذیب (۶ / ۳۱۳)، الجرح و التعديل (ج ۲ ق ۳۹۵-۳۹۴ / ۲)، سیر النبلاء (۱۹۳-۱۹۲ / ۸)، شذرات الذهب (۱ / ۲۶۴)، العبر (۱ / ۱۹۳).

قشقاوی، هادی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

هادی قشقاوی

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۱/۱۰/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه روحیه بابل شدم در طی ۵ سال دروس مقدمات و سطح را به پایان رساندم پس از آن به مدت ۳ سال در درس خارج فقه و اصول حضرت آیه الله محمدی در همان مدرسه مبارکه و سپس در قم در درس خارج حضرات آیات وحید خراسانی، شبیری زنجانی، هاشمی شاهرودی، صادق لاریجانی در مجموع بیش از ۱۲ سال شرکت نمودم. دروس فلسفه را در قالب کتابهای آموزش فلسفه، بدایه الحکمه، نهایه الحکمه اشارات شواهد الربوبیه، برخی از قسمتهای اسفار از اساتید فوق حضرات آیه الله مصباح، حجه الاسلام میانجی، استاد حشمت پور و برخی از اساتید دیگر عمدتاً به صورت غیر حضوری فرا گرفتم از سال ۱۳۶۸ تاکنون به تدریس دروس مقدمات و سطح از ادبیات و منطق، فقه و اصول کتابهای سیوطی، حاشیه ملا- عبدالله، معالم الاصول، اصول فقه، شرح لعمه، مکاسب و رسائل و کفایه مشغول می‌باشم. با عضویت در گروه فقه دانشنامه امام خمینی (ره) از سال ۱۳۸۱ به تهیه و تنظیم و تالیف و بازنویسی مقالات فقهی در مورد امام می‌باشم، موضوعات فقهی چون اتلاف، اجهاض (سقط جنین)، استحاضه، تعزیه و برخی موضوعات دیگر در موسسه دائره المعارف فقه اسلامی تحقیق نموده‌ام.

قشقای، جهانگیر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۸ - ۱۲۴۳ ق)، فیلسوف، فقیه، عارف و شاعر. از تیره‌ی دره شوری ایل قشقای بود. در چهل سالگی که برای تکمیل هنر به اصفهان آمد ناگهان شوق فراگیری دانش در او بیدار شد و از زندگی ایلی دست کشید و در مدرسه‌ی صدر اصفهان به فراگیری علوم دینی روی آورد. جهانگیرخان حکمت و فلسفه را نزد محمدرضا حکیم قمشاه‌ای، متخلص به صهبا، و فقه را در خدمت ملا حسین علی تویسرکانی و شیخ محمدحسین نجفی آموخت و طب را نیز در محضر ملا- عبدالجواد، پزشک معروف اصفهان، فراگرفت. او در فقه و اصول و ریاضیات و حکمت مهارت یافت و پس از آن در همان مدرسه‌ی صدر مدت چهل سال دروس فقه و اصول و ریاضیات و حکمت را تدریس و شاگردان بسیاری تربیت کرد. آیت‌الله سید حسین طباطبایی بروجردی، آقا ضیاءالدین عراقی و آقارحیم ارباب از شاگردان وی بودند. جهانگیرخان در اصفهان درگذشت و در تخت پولاد دفن شد. از او اشعار پراکنده‌ای نیز بر جای مانده است؛ از آثار وی شرحی بر «نهج البلاغه» است. [۱]

(میرزا) جهانگیر (خان)؛ دانشمند ایرانی (ف. اصفهان. ۱۳۲۸ ه.ق) از خوانین قشقای و از اهالی دره شولی یا کشکولی. وی ساکن دهقان بختیاری و جامع معقول و منقول بود و بسیاری از بزرگان قرن اخیر از محضر او استفاده کرده‌اند. از شاگردان او آیت‌الله بروجردی، سید حسن مدرس، فاضل تونی، وحید دستگردی هستند. وی در مدرسه‌ی صدر اصفهان تدریس می‌کرد.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تذکره القبور (۲۴۶)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۱۶۲ - ۱۶۱/۱۲)، سرآمدان فرهنگ (۲۶۶/۱)، شرح حال رجال (۲۸۴/۱)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۵۸۱/۲)، فوائد الرضویه (۸۸).

قشقای، جهانگیر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند آقا محمد خان درّه شوری. از اعظام حکما و متألهین، و اجله فلاسفه و مرتاضین بوده، در اوایل عمر اندکی تحصیل علوم نموده، به سنّ چهل سالگی به اصفهان آمده و شوق تحصیل علم در او ایجاد شده، به تحصیل معقول و منقول پرداخته، نزد آقا محمد رضا حکیم قمی‌شاهی و میرزا محمد حسن نجفی و جمعی دیگر تحصیل نموده، و عده‌ای کثیر از علمای اصفهان افتخار شاگردی او را دارند، و آن حکیم دانشمند از جمیع جهات ممتاز بوده، در علم و اخلاق زکیه بر عموم علما تفوق داشته، و در مدرسه صدر ساکن بوده، و عمری را به تجرد و قناعت گذرانیده، و تا آخر عمر، لباس ایلی خود را تغییر نداده، و به عبا و عمامه ملبّس نگردیده.

در ۱۲۲۳ متولد، و در شب یکشنبه ۱۳ رمضان المبارک سال ۱۳۲۸ در اصفهان وفات یافته، در تکیه آقا سید محمد ترک، اول تخت فولاد مدفون گردید. وی مؤلف شرحی است بر نهج البلاغه و اشعاری دارد.

ماده تاریخ وفاتش را جابری چنین می گوید:

«جهانگیر نزد خدای جهان شد»

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قشیری نیشابوری، ابوالقاسم، زین الاسلام، عبدالکریم

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۶۵-۳۸۶ ق)، صوفی، فقیه، محدث و مفسر. مشهور به امام و استاد امام. از نظر اصول اشعری و از نظر فروع شافعی بود. نسبت وی از جانب پدر به قبیله قشیرین کعب می‌رسید، و از طرف مادر به سلمی منسوب بود. در ناحیه استواء نیشابور (قوچان کنونی) متولد شد. خاندان او از بزرگان دهقانان این ناحیه بودند. خود او نیز از محدثان بنام اهل تصوف بود. در کودکی پدر خود را از دست داد و در محضر درس ابوالقاسم یمانی، پرورش یافت و مقدمات ادب فارسی و عربی را نزد او فراگرفت، بعدها در نیشابور ساکن شد و از ابوحنسین خفاف و ابونعیم اسفراینی و حاکم نیشابوری و ابوعبدالرحمن سلمی و دیگر ارباب حدیث و بزرگان صوفیه حدیث شنید و فقه را از ابوبکر محمد بن بکر طسی و علم کلام را از استاد ابوبکر بن فورک فراگرفت و تصوف را از ابوعلی دقاق نیشابوری آموخت و پس از وفات وی با ابوعبدالرحمن سلمی معاشرت کرد و عاقبت استاد خراسان گردید. از شاگردان وی می‌توان به احمد بن اسماعیل جوهری که «رساله‌ی قشیریه» را بر قشیری خوانده و سمعانی از وی اجازه گرفته، و سید اسماعیل جرجانی صاحب «ذخیره‌ی خوارزمشاهی» و ابوعبدالله حسین بن احمد بیهقی، ابوالقاسم فضل بن محمد عطار ابیوردی، ابوالمظفر محمد بن احمد هروی و شعیب بن نوح رازی صوفی اشاره کرد. قشیری از معاصرین و منکران ابوسعید ابوالخیر بود که در نهایت به او گروید. آثار بسیاری از خود به جای گذاشته و در سرودن شعر به زبان عربی دست داشته است. طریقه‌ی او در تصوف به واسطه‌ی ابوعلی دقاق به جنید و معروف کرخی می‌رسد. وی در نیشابور درگذشت و همان جا دفن شد. از آثار وی: «الرساله‌ القشیریه»، در علم

تصوف و بیان رؤس مسائل علم باطن که مورد مراجعه و استناد بزرگان صوفیه و اهل ذوق است؛ «لطائف الاشارات»؛ «التحیر فی علم التذکیر»؛ «آداب الصوفیه»؛ «عیون الاجوبه فی فنون الاسئله»؛ «الاربعین»؛ «فصل الخطاب فی فضل النطق المستطاب»؛ «حیة الارواح و الدلیل الی طریق الصلاح».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۸۰/ ۴)، ایضاح المکنون (۱۹۴/ ۲، ۴۲۴، ۱۹۴/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۵۷، ۲۱۸/ ۲)، تاریخ بغداد (۸۳/ ۱۱)، تاریخ گزیده (۶۵۹)، تاریخ نیشابور (۲۲۶، ۲۲۵)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیری (مقدمه)، جستجو در تصوف (۶۷-۶۴)، روضات الجنات (۹۴-۸۹/ ۵)، ریحانه (۴۶۱-۴۶۰/ ۴)، سیر النبلاء (۲۳۲-۲۳۰/ ۱۸)، الکامل (۱۱۸/ ۸)، کشف الظنون (۱۹۳۵)، ۱۹۲۰، ۱۸۵۸، ۱۶۴۰، ۱۵۵۱، ۱۴۶۰، ۱۲۶۰، ۱۱۸۳، ۸۸۲، ۵۲۰، ۴۵۷، ۳۵۴، ۵۸)، کشف المحجوب (۲۰۹)، الکنی و الالقاب (۶۷-۶۵/ ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالکریم)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۴۶۵)، معجم المؤلفین (۶/ ۶)، نفحات الانس (۱۳۸)، وفيات الاعیان (۲۰۸-۲۰۵/ ۳)، هدیة الاحباب (۲۱۷)، هدیة العارفين (۶۰۸-۶۰۷/ ۱).

قشیری نیشابوری، ابوحسین مسلم

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۶۱-۲۰۴ ق)، حافظ و محدث. وی دومین محدث اهل سنت و یکی از ارکان حدیث بود. در نیشابور به دنیا آمد. به دنبال حدیث به عراق و حجاز و شام و مصر سفر کرد و از دویست و بیست نفر از جمله: عبدالله بن مسلمه قعنبی و یحیی بن یحیی نیشابوری و اسحاق بن راهویه و احمد بن حنبل و احمد بن سعید دارمی و احمد بن عیسی تستری و محمد بن اسماعیل بخاری و اسحاق بن منصور مروزی و بشر بن حکم و حسن بن عیسی بن ماسرجس و حسین بن عیسی بسطامی و علی بن جعد و عبیدالله قواریری و ابوریع زهرانی و عمر بن حفص بن غیاث و اسماعیل بن ابی‌اویس و عبدالله بن محمد زهری و عمرو بن زراره و محمد بن اسحاق صاغانی و بندار و محمد بن صباح دولابی و محمد بن قدامه بخاری و محمد بن یحیی مروزی و موسی بن قریش بخاری و هیشم بن خارجه و یحیی بن محمد لؤلؤی و یحیی بن معین و یوسف بن عیسی مروزی و ابوالاحوص بغوی و یوسف بن یعقوب صفار و ابوزرعه رازی و ابوقداده سرخسی حدیث شنید. شیخ و استادش، محمد بن عبدالوهاب فراء، و علی بن حسن هلالی و ابوبکر جارودی و علی بن حسین رازی و صالح بن محمد جزره و ابوعلی ترمذی و احمد بن مبارک مستملی و عبدالله بن یحیی سرخسی و ابوسعید حاتم بن احمد کندی بخاری و ابراهیم بن اسحاق صیرفی و ابراهیم بن محمد، راوی «الصحيح»، و ابوعمرو خفاف و زکریا خفاف و عبدالله خفاف و ابوعلی حافظ بلخی و عبدالرحمان بن ابی‌حاتم رازی و علی بن اسماعیل صفار و ابوحامد اعمشی و ابوحامد احمد شرقی و ابو محمد عبدالله شرقی و فضل بن محمد بلخی و ابن خزیمه و ابوالعباس سراج و ابو عوانه حافظ و ابو حامد احمد بن علی بن حسنویه و مکی بن عبدان و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. محمد بن بشار گوید: حفاظ دنیا چهار تن هستند: ابوزرعه در ری، مسلم در نیشابور، عبدالله دارمی در سمرقند و محمد بن اسماعیل در بخارا. در نیشابور در گذشت. از آثارش: «الجامع الصحيح» یا «صحيح مسلم» دومین کتاب حدیث اهل سنت، که در آن دوازده هزار حدیث را در مدت پانزده سال نوشته است و بسیاری آن را شرح کرده‌اند؛ «المسند الكبير على الرجال»؛ «الجامع الكبير على الابواب»؛ «الاسماء و الکنی» یا «الکنی و الاسماء»، در چهار مجلد؛ «السؤالات عن احمد بن حنبل»؛ «الاقران»؛ «الأفراد»؛ «الوحدان»؛ کتاب «من لیس له الا راو واحد»؛ «او هام المحدثین»؛ کتاب «التمیز فی الحدیث»؛ «العلل» یا «علل الحدیث»؛ «الطبقات». [۱]

مکنی به ابی اسحاق از مردم خراسان و از محدثین بزرگ و مشهور قرن سوم هجری است؛ کتاب «صحیح» وی در علم حدیث بسیار معروف و یکی از معتبرترین کتب حدیث است و از جمله کتب سته در این علم است (ف. ۲۶۱ ه. ق) بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۱۱۸-۱۱۷/۸)، انساب سمعانی (۴/۵۰۳)، تاریخ بغداد (۱۰۴-۱۰۰/۱۳)، تاریخ نیشابور (۱۰۱-۱۰۰)، تذکره الحفاظ (۵۹۰-۵۸۸/۲)، تهذیب التهذیب (۱۱۶-۱۱۴/۱۰)، تهذیب الکمال (۷۳-۶۸/۱۸)، الجرح و التعذیل (ج ۴، ق ۱۸۳-۱۸۲/۱)، سیر النبلاء (۵۸۰-۵۵۷/۱۲)، شذرات الذهب (۱۴۵-۱۴۴/۲)، طبقات الحفاظ (۲۸۴-۲۸۳)، العبر (۳۷۵/۱)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (۴۲۱-۴۲۰)، الکامل (۶/۷)، کشف الظنون (۱۴۶۹، ۱۴۶۴، ۱۴۵۳، ۱۴۰۵، ۱۳۹۹، ۱۳۸۷، ۱۱۶۰-۱۱۵۹، ۱۰۹۹، ۵۵۵، ۴۸۵، ۲۰۲، ۱۷۵)، معجم المؤلفین (۲۳۳-۲۳۲/۱۲)، المنتظم (۱۳۷-۱۳۶/۷)، النجوم الزاهرة (۴۳-۴۲/۳)، وفيات الاعیان (۱۹۶-۱۹۴/۵)، هدیة العارفين (۴۳۲-۴۳۱/۲).

قصار نیشابوری، ابوصالح حمدون

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۷۱ ق)، صوفی، عالم و فقیه. اهل نیشابور، شیخ و امام طریقه‌ی ملامتیه بود. وی مذهب سفیان ثوری داشت و بر طریقت او بود. قصار استاد زاهد معروف عبدالله منازل است و گویا هیچ کس از شاگردان وی به مانند ابن منازل از طریقه‌ی او خوب پیروی نکرده است. از محمد بن بکار بن ریان و ابن راهویه و ابومعمر هذلی حدیث شنید و کسانی چون فرزندش و حافظ ابوحامد اعمشی و مکی بن عبدان و ابوجعفر بن حمدان از وی حدیث شنیدند. با سلم بن حسن باروسی و ابوتراب نخشی و علی نصرآبادی و ابوحفص نیشابوری دوستی داشته است. وی در نیشابور از دنیا رفت و در حیره به خاک سپرده شد. سلمی جزئی از «حکایت حمدون» را جمع‌آوری کرده است. از سخنان اوست: از مصیبت کسی بی‌تاب می‌شود که در خدای خود شک کند و کلام او را باور ننماید.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵۰۸/۴)، تاریخ گزیده (۶۴۴)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (۴۹)، جستجو در تصوف (۳۴۲-۳۳۸)، حلیه الاولیاء (۲۳۲-۲۳۱/۱۰)، سیر النبلاء (۵۱-۵۰/۱۳)، طبقات الصوفیه سلمی (۱۲۹-۱۲۳)، طبقات الصوفیه هروی (۱۲۲-۱۲۱)، کشف المحجوب (۱۵۷-۱۵۶)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۲۷۱)، نفحات الانس (۵۹).

قصری زاده، منصور

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران استاد "منصور قصری زاده" دارنده‌ی رتبه نخست مسابقات قرآنی دانشجویان سراسر کشور در سال‌های ۶۵ و ۶۷ و مقام اول مسابقات بین‌المللی قرآن کریم در مالزی در سال ۷۰ و نیز حفظ کل قرآن کریم و از افتخارهای ایران زمین است. او متولد ۱۳۴۶ در شهر تهران و در خانواده‌ی متدین و مذهبی به دنیا آمد. پدر و مادر او با فراهم کردن فضای مناسبی در خانه و همراهی صمیمانه و نیز تشویق‌های سازنده موجبات موفقیت او را فراهم کردند از جمله مشوقین اصلی او، دایی‌شان آقای اکبر

شریعتمداری بود که خود قاری قرآن بود. استاد موفقیتش را مدیون خانواده و دایی خود می‌داند و می‌گوید همین قضیه باعث شده که آنها از من راضی باشند و از اینکه آنها از من راضی اند خیالم راحت است. او مدرک فوق لیسانس رشته ی الهیات و علوم حدیث از دانشگاه تهران دارد و صاحب سه فرزند صالح و دوست داشتنی است که در راه پدر گام بر می‌دارند. دخترشان کلاس اول راهنمایی و از قاریان ممتاز مدرسه است و محمد حسین، پسر ۷ ساله ایشان نیز در جلسات قرآنی شرکت می‌کند و محمد مهدی ۲ ساله هم فعلاً ادای قرآن خوانها را در می‌آورد.

پدر این خانواده قرآنی، استاد قصری زاده از ۹ سالگی کار قرائت قرآن را به سبک استاد عبدالباسط شروع کرد ۱۵ ساله بود که انقلاب جمهوری اسلامی ایران پیروز شد و پس از آن رادیو جمهوری اسلامی با اعلان عمومی از همه قراء دعوت کرد که در تست و گزینش شرکت کنند او هم در گزینش حاضر شد، قرائت زیبای او را برگزیدند و از او خواستند در کلاسهای فراگیری نغمه ها و دستگاههای استاد سید محسن موسوی بلده شرکت کند و پس از اتمام دوره در رادیو پذیرفته شد. در سال ۶۵ قرائت ایشان را از مسجد شیخ فضل الله نوری ضبط و در تلویزیون پخش کردند و بعد از آن ایشان به صورت کلاسیک کار تجوید و قرائت را ادامه داد و از محضر اساتیدی چون مرحوم اربابی استفاده و در مسابقات بسیاری شرکت کرد که از شاخص ترین آنها در سال ۶۶ مسابقات دانشجویی بود که امتیاز نفر اول را کسب کرد و همچنین مسابقات حج بود که در همان سال برگزار شد و باز نفر نخست مسابقات شد و در سال ۶۸ در مسابقات استان تهران نفر اول شد و در مسابقات کشوری سال ۶۹ نفر دوم و برای شرکت در مسابقات جهانی مالزی انتخاب و به همراه داور مسابقه استاد عبایی به مالزی رفت و آن سال مصادف بود با جنگ عراق و آمریکا و جنگ خلیج فارس و به همین خاطر ایران را از شرکت در مسابقات محروم کرده بودند و آنها اطلاع نداشتند و تا مالزی رفتند و بدون شرکت در مسابقه برگشتند. سال ۷۰ بار دیگر برای شرکت در مسابقات جهانی مالزی انتخاب و به یاری خداوند نفر اول شد.

خاطره از دوران جوانی :

سال ۷۱ بعد از اینکه از مسابقات مالزی برگشته بودم همراه پدرم خدمت رهبر عزیز " آیت الله خامنه ای " رسیدیم و هدیه ای را که آنجا به من داده بودند که قرآنی در یک کاپ نقره ای بود، خدمت ایشان تقدیم کردیم. ایشان سؤالاتی از من کردند در رابطه با آن قرآن و چاپ آن و وضعیت مسابقات و بسیار تشویق کردند برای ادامه ی راه و آن دیدار برای من بسیار شیرین و به یاد ماندنی بود.

مسافرتهای خارج از کشور او قریب به ۴۰ کشور است؛ از جمله سوریه، چین، پاکستان، انگلیس، اتریش، تایلند، ماداگاسکار، اتیوپی، عراق، سریلانکا و... در خاطراتی از سفرهایش می‌گوید: اخیراً در سفری که به انگلیس رفتیم آنجا قاریان مصری هم دعوت شده بودند. حقیقتاً وقتی بچه های ایرانی قرائت می‌کردند قرائتشان چیزی کمتر از قراء مصری نبود حداقل اینکه شانه به شانه مصریان بودند و این نظر من از باب استقبال مردمی بود که در مقابل قراء ایرانی نشان می‌دادند و با شوق فراوان به قرائت ایرانیان گوش می‌سپردند. و این نشان می‌دهد که به رغم آنکه ایرانیان فارسی زبان اند و تقلیدشان بیشتر از استماع است تا بحث های علمی و نقلهای سینه به سینه ولی در بسیاری از موارد از مصریان جلوتر هستند. من در سال ۷۰ که در مسابقات مالزی شرکت کردم یکی از رقبای من مصری بود. بنده به کمک خداوند مقام اول را آوردم و او نفر پنجم شد. یک غلط اعرابی هم داشت و غلط قرائت کرد.

ولی قراء مصری شهرت جهانی دارند چرا؟ استاد در پاسخ می‌گوید: در کل می‌توان گفت مصریان صاحب سبک اند و سبک و سیاق قرائت قرآن را مصریان ابداع کردند و مصر یکی از کشورهای صاحب تمدن و فرهنگ است و ذوق خواندن در مدایح و ابتهالات دینی در مردمش وجود دارد قشرهای مذهبی در قرائت و قشرهای غیرمذهبی در زمینه های دیگر و احساس می‌شود که

قرائت قرآن به سبک مصری با فطرت انسان منطبق است این یکی از ریشه های شهرت قراء مصری می باشد .

در مورد جذابیت و گیرایی قرائت می گوید :

جذابیت‌های صوت و لحن در قرائت بسیار دارد . اگر شما نیم ساعت ترتیل گوش کنید شاید گوشتان از نظر موسیقایی خسته شود اما در قرائت اختیارات انسان در صوت و لحن بیشتر است و قاری قدرت مانور دارد ؛ در آیات عذاب می تواند حزین و اندوهگین بخواند و در آیات بهشتی مهیج و شاد بخواند . مثلاً در قرائت تحقیق استاد عبدالباسط " اذا الشمس " و ... جذابیت و زیبایی و اثرگذاری قرائت متجلی است . خدا رحمت کند کسانی مانند عبدالباسط زمینه را فراهم کردند و دنیا را با این قرائت ها هدایت کردند و الان حدود ۹۹٪ قراء جهان از سبک آنها پیروی می کنند .

استاد قصری زاده اگر چه الان در جلسات قرآنی زیادی حضور ندارد . اما از قرآن جدا نشده و همواره قرآن چراغ روشن گر راه زندگی او در زندگی شخصی و اجتماعی اش است ایشان همچنین در مسابقات خارج از کشور و در مراسمات حج تمتع دعوت می شود و حضور دارد .

در حال حاضر جلسات هفتگی قرائت قرآن کریم در مسجد شهدا واقع در خیابان ۱۷ شهریور ، اتوبان شهید محلاتی ، شبهای جمعه ، قبل از نماز مغرب و عشاء با حضور استاد منصور قصری زاده برگزار می شود . این جلسات بیست سال است که با کمک هیئت امناء ، امام جماعت و بسیج مسجد دایر است . منابع زندگینامه : مجله راه قرآن ش ۲۱

قصری، ابوغانم عبدالرحیم

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم و پنجم ق)، ادیب و شاعر. در گرگان کاتب و وزیر منوچهر بن قابوس بن وشمگیر، ملقب به فلک المعالی بود. که به سمت سفارت نزد سلطان محمود غزنوی رفت. وی اشعار نیکویی به عربی دارد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه : دائرةالمعارف البستانی (۲۸۷- ۲۸۶ / ۲)، ریحانه (۲۲۰ / ۷)، لغت‌نامه (ذیل / ابوغانم).

قصیر رضوی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۵۵ ق)، فقیه و عالم امامی. معروف به سید قصیر، به جهت تمیزش از سید محمد بن حبیب‌الله رضوی مشهدی که معاصر با وی بود، و ملقب به علم الهدی. وی از بزرگترین فقیهان سادات رضوی مشهد و از شاگردان صاحب «ریاض» و آیت‌الله بحرالعلوم و محقق بهبهانی و شیخ جعفر کاشف الغطاء بود. ملا نوروز علی بسطامی صاحب «فردوس التواریخ» از شاگردان وی می‌باشد، که به شرح حالش پرداخته است. پیکرش در مشهد مابین دو مسجد بالاسر و پشت سر حضرت رضا (ع) مدفون است. از آثار وی: «اعلام الوری»، در فقه، از اول طهارت تا انتهای تیمم؛ حاشیه بر «معالم الاصول»؛ کتاب «رجال»؛ «مصایح الفقه»، از اول طهارت تا آخر دیات.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۸۱ / ۲۱ / ۱۴۷، ۱۰ / ۲۱۰، ۶ / ۲۴۲، ۲ / ۲)، ریحانه (۴۶۳ / ۴ / ۱۳۸، ۳ / ۱۳۷-۳)، الکنی و الالقاب (۳۳۹ / ۲)، هدیه الاحباب (۱۵۶).

قضائی، صمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۴، مرتبه علمی: استاد، رشته: پزشکی قانونی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات عالی و تخصصی در رشته‌های پزشکی، پزشکی قانونی و اجتماعی.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پزشکی قانونی، طب کار و بهداشت حرفه‌ای، استاد راهنمای ۲۰ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۸

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

پزشکی قانونی، تروماتولوژی پزشکی قانونی، تعیین هویت و جرم‌یابی، معلولیت‌ها، بیماریهای ناشی از کار، مسمومیت‌های عمده

ناشی از کار، بیماریهای ناشی از عوامل فیزیکی و سرطانهای ناشی از کار.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۱، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۷

زمینه علمی مقالات:

طب کار و پزشکی قانونی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

قطاعی شیرازی، محمدطاهر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۱۴۶ ق)، قاطع، مذهب، طراح و رسام. از آثار وی قطاعی کتیبه‌ای در مشهد مقدس است. در این اثر استادانه، ابیاتی به نستعلیق

زیبا بر روی فولاد سخت قطاعی شده و زمینه‌ی آن، با تزیینات دایره‌ای و اسلیمی مدور، به زیبایی تمام به کناره‌ها وصل گشته است و کاتب آن چنین رقم نهاده: «... قطاعی آن بید اهتمام محمدطاهر ولد استاد مسیح شیرازی به اتمام رسید ۱۱۴۶».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۹۰۵-۲/۹۰۴).

قطان قزوینی، ابوالحسن علی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۴۵-۲۵۴ ق)، حافظ، محدث، فقیه و ادیب. محدث و شیخ قزوین بود. به طلب حدیث مسافرت‌هایی به عراق و یمن نمود و به نقل شاگردش، ابن فارس قزوینی، از وی حاصل این سفرها حفظ یکصد هزار حدیث بوده است. او «سنن» ابن ماجه قزوینی را از خود وی استماع کرد و همچنین از محمد بن فرج ازرق و ابوحاتم رازی و ابراهیم بن دیزیل و حارث بن ابی‌اسامه و قاسم بن محمد دلال و یحیی بن عبدک قزوینی و اسحاق بن ابراهیم دبری و حسن بن عبدالاعلی بوسی و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید. وی بر حسن بن علی ازرق- به حرف کسائی- قرائت نمود و احمد بن نصر شدائی قاری بر قطان قرائت کرد. زبیر بن عبدالواحد حافظ و ابوالحسن نحوی و ابوالحسین احمد بن فارس لغوی و احمد بن علی بن لال و ابوسعید عبدالرحمان بن محمد قزوینی و قاسم بن ابی‌منذر خطیب از وی حدیث شنیده‌اند. ابویعلی خلیلی گوید که وی شیخی عالم به جمیع علوم و تفسیر و فقه و نحو و لغت بود. جماعتی از شیوخ قزوین گفتند که قطان مانند خود در زهد و فضل ندیده است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره الحفاظ (۸۵۷-۸۵۶ / ۳)، سیر النبلاء (۴۶۵-۴۶۳ / ۱۵)، شذرات الذهب (۳۷۰ / ۲)، طبقات الحفاظ (۳۵۵-۳۵۴)، العبر (۷۰ / ۲)، معجم الادباء (۲۲۱-۲۱۸ / ۱۲)، النجوم الزاهره (۳۶۰-۳۵۹ / ۳).

قطان مروزی، عین الزمان، ابوعلی حسن

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۴۸-۴۶۵ ق)، حکیم، ریاضیدان و ادیب. اصل وی از بخارا بود. در مرو به دنیا آمد. در طب، ریاضیات، ادبیات و علوم دینی سرآمد ولی اشتغال وی بیشتر در علم طب بود. او از شاگردان ابوالعباس لوکری بود. وی در فتنه‌ی غزان کشته شد. قطان در عروض، انساب، طب، هیئت و ریاضی تألیفات متعدد دارد. مهمترین اثر ریاضی او کتاب «گیهان شناخت» یا «کیهان شناخت» و «اختر شناخت» است. از دیگر آثارش: «الدوحه»، در انساب؛ «رسائل»، در طب. [۱]

مروزی، عین‌الزمان ابوعلی حسن بن علی؛ ریاضی‌دان و طبیب و فیلسوف قرن‌های پنجم و ششم. اصل وی از بخارا بود و او خود به سال ۴۶۵ در مرو ولادت یافت. تحصیلات علمی وی نزد لوکری (م.ه) صورت گرفت و او در مرو می‌زیست تا در ۵۴۸ در فتنه‌ی غزان به دست آنان کشته شد. قطان در طب و علوم اوایل و ریاضیات و ادبیات و علوم دینی سرآمد زمان خود بود، ولی بیشتر به طب علاقه داشت و در مرو دکانی داشت که در آن به طبابت مشغول بود. مهمترین اثر ریاضی او «گیهان شناخت» (م.ه) است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۲۲۰-۲۱۹ / ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۶۷-۹۶۵-۳۱۳-۳۱۲ / ۲۹۴ / ۲)، تاریخ علوم و فلسفه ایرانی (۵۸۷)، تاریخ نظم و نثر (۱۲۷)، تتمه‌ی صوان الحکمه (۹۱)، الذریعه (۲۵۵-۲۵۴ / ۱۸، ۲۷۲-۲۷۱ / ۸)، کارنامه‌ی بزرگان (۲۶۵)، معجم المؤلفین (۲۶۰ / ۳).

قطان نیشابوری، ابوبکر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۳۲ ق)، محدث و مسند. وی شیخی صالح و مسند خراسان بود. از احمد بن ازهر و محمد بن یحیی و احمد بن یوسف سلمی و ابوزرعه رازی و احمد بن منصور زاج و عبدالرحمان بن بشر یا بشیر بن حکم و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید. ابوبکر بن اسحاق صبغی و ابوعلی حسین بن علی حافظ و ابو عبدالله بن منه و محمد بن حسین علوی و محمد بن ابراهیم جرجانی و ابوطاهر بن محمش و دیگران از وی روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵۲۰-۵۱۹ / ۴)، سیر النبلاء (۳۱۹-۳۱۸ / ۱۵)، شذرات الذهب (۳۳۲ / ۲)، العبر (۴۳ / ۲)، الوافی بالوفیات (۳۷۲ / ۲).

قطب رازی، قطب‌الدین، ابوجعفر محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۷۷۶ / ۷۶۶-۶۹۴ ق)، عالم امامی، فقیه، حکیم و ادیب. ملقب به قطب‌الدین و قطب‌المحققین و موصوف به علامه‌ی رازی. چون در مدرسه‌ای که وی تحصیل می‌کرد شخص دیگری که لقب قطب داشت مشغول تحصیل بود وی به قطب تحتانی اشتهار یافت. در ورامین از نواحی ری به دنیا آمد و چون در آنجا نشوونما پیدا کرد به رازی شهرت یافت. بدیهی است چون نسبش به آل‌بویه می‌رسد و موافق فرموده شهید ثانی از آل‌بویه قمی است که جد عالی شیخ صدوق می‌باشد. او از بزرگترین شاگردان علامه‌ی حلی بود. او کتاب «قواعد الاحکام» علامه را به خط خود نوشته و بر او قرائت کرده و علامه نیز در پشت کتاب برایش اجازه نوشته و با عبارات بلندی او را ستوده است. قطب رازی از مشایخ شهید اول محمد بن مکی است. از دیگر شاگردان او می‌توان به میرسید شریف جرجانی و سعدالدین تفتازانی اشاره کرد. بیشتر علمای شیعه از جمله محقق ثانی و میرزا عبدالله، صاحب «ریاض العلماء»، قاضی شوشتری و شیخ حر عاملی او را شیعه دانسته‌اند، اما صاحب «روضات الجنات» وی را سنی می‌داند و در «شذرات الذهب»، شافعی به حساب آمده است. قطب رازی مدتی در خدمت سلطان ابوسعید و وزیرش خواجه غیاث‌الدین محمد بود و دو کتاب «شرح شمسیه» و «شرح مطالع» را به نام آن وزیر نگاشت. پس از درگذشت سلطان ابوسعید به شام رفت و در دمشق درگذشت. از آثار وی: «المحاکمات بین شرحی الاشارات»، که محاکمه مابین دو شرح «اشارات» فخر رازی و خواجه نصیر طوسی است و این کتاب را به خواست استادش، قطب شیرازی، به تحریر کشید؛ «تحریر القواعد المنطقیه فی شحر الشمسیه»؛ «لوامع الاسرار فی شرح

مطالع الانوار»، در منطق؛ «تحفه الاشراف» و «بحر الاصداف» دو حاشیه بزرگ و کوچک بر «الكشاف»؛ «تحقیق معنی التصور و التصدیق»؛ شرح و حاشیه بر «قواعد الاحکام» علامه حلی؛ رساله در «تحقیق کلیات»؛ «تقسیم العلم»؛ «شرح مفتاح العلوم» سکاکی. [۱] رازی، محمد بن محمد بن ابوجعفر ملقب به قطب‌الدین و قطب‌المحققین و علامه رازی و سلطان‌المحققین دانشمند معروف ایرانی (ف. ۷۷۶ ه.ق). وی از شاگردان میرز علامه حلی است و قواعد علامه را به خط خود استنساخ کرده و علامه در پشت همان نسخه به سال ۷۱۳ ه.ق در قصبه‌ی ورامین برای او اجازه نوشته است. پس از وفات او را در مقبره‌ی صالحیه‌ی دمشق دفن کردند و سپس به موضعی دیگر بردند. او راست: بحر الاصداف حاشیه و شرح تفسیر کشاف، تحریر القواعد المنطقیه در شرح شمسیه، تحفه الاشراف فی شرح الکشاف که شرحی است بر کشاف و مفصلتر از بحر الاصداف، تحقیق معنی التصور و التصدیق، تقسیم العلم، حاشیه‌ی قواعد علامه مشهور به حواشی قطبیه، شرح الاشارات، شرح مطالع که شرحی است بر مطالع الانوار قاضی سراج‌الدین ارموی در منطق و کلام، المحاکمات بین شرحی الاشارات که محاکمه‌ای است بین دو شرح اشارات فخر رازی و نصیرالدین طوسی. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۷ / ۲۶۸)، اعیان الشیعه (۹ / ۴۱۳)، ایضاح المکنون (۲ / ۵۶، ۴۰۳، ۲۳۳ / ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۸۹، ۲۵۶، ۲۵۴-۲۵۳، ۲۴۶-۲۴۴، ۲۳۷، ۱۴۷، ۴۷ / ۳)، تأسیس الشیعه (۴۰۱-۴۰۰)، حبیب السیر (۳ / ۲۲۱)، دایره‌المعارف فارسی (۲ / ۲۰۵۹)، الذریعه (۲۰ / ۱۰۷، ۱۸ / ۳۵۹، ۱۷ / ۱۵۶، ۱۴ / ۶۹، ۱۳ / ۳۳۷، ۱۲ / ۱۹۹-۱۹۸، ۴ / ۳۸۸، ۳ / ۳۸۸)، روضات الجنات (۴۷ / ۳۷-۳۶)، ریاض العلماء (۵ / ۱۵۶، ۱۶۸-۱۷۲)، ریحانه (۴ / ۴۶۵-۴۶۷)، ری باستان (۲ / ۳۸۰-۳۸۱)، شذرات الذهب (۶ / ۲۰۷)، شرح و بررسی زندگانی و معرفی آثار علامه قطب‌الدین رازی و ورامینی، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۰۲-۲۰۰ / ۸)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۹۹-۳۹۸)، فوائد الرضویه (۶۱۸-۶۱۶)، کارنامه بزرگان (۲۴۵)، کشف الظنون (۱۷۱۶-۱۷۱۵، ۸۸۶، ۶۲۶، ۹۵)، الکنی و الالقاب (۷۱-۷۰ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / قطب‌الدین رازی)، مجالس المؤمنین (۲۱۳-۱۲ / ۲)، معجم المؤلفین (۲۱۶-۲۱۵ / ۱۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۱۹-۷۱۶ / ۵)، النجوم الزاهره (۷۰ / ۱۱)، هدیه الاحباب (۲۱۸-۲۱۷)، هدیه العارفین (۱۶۳ / ۲).

قطب راوندی، قطب‌الدین، ابوالحسن، سعید

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۷۳ ق)، عالم امامی، فقیه، محقق، متکلم، محدث، مفسر و شاعر. خانواده‌ی وی از جد و پدر و برادر و دو فرزندش عمادالدین علی بن سعید و ظهیرالدین محمد بن سعید همه از علمای بزرگ شیعه بودند. وی از شیخ ابوعلی طبرسی، صاحب «مجمع البیان» و عمادالدین طبری و سید مرتضی رازی و برادرش، سید مجتبی رازی، و ابن‌الشجری بغدادی و الآمدی و سید ناصح‌الدین ابوالبرکات مشهدی و پدر خواجه نصیر طوسی و گروهی دیگر روایت کرده است. او از طریق شیخ عبدالرحیم بغدادی، معرف به ابن‌الاخوه، از دختر سید مرتضی علم‌الهدی از عموی او سید رضی روایت می‌کند. ابن شهر آشوب و شیخ منتجب‌الدین رازی از شاگردان وی بودند. در قم وفات یافت و در صحن مطهر حضرت معصومه (س) دفن شد و قبرش امروزه مزاری معروف است. از آثار وی: «آیات الاحکام» یا «فقه القرآن»، اولین اثر در شرح و تفسیر آیات الاحکام؛ «احکام الاحام»؛ «اسباب النزول»؛ «الاعراب / الاغراب فی الاعراب»؛ «الانجاز فی شرح الایجاز»، در شرح «الایجاز» شیخ طوسی؛ «بیان الانفرادات»؛ «تحفه العلیل»، در ادعیه، احراز و آداب؛ «تفسیر القرآن»، معروف به «تفسیر قطب»؛ «الدعوات» یا «دعوات راوندی» یا «سلوه الحزین»؛ «تهافت الفلاسفه»؛ «جواهر الکلام فی شرح مقدمه الکلام»؛ «الخرايج و الجرايح»، در معجزات معصومین (ع)؛ «خلاصه التفاسیر»، در ده مجلد؛ «ضیاء الشهاب»،

در شرح «شهاب الاخبار»؛ «المغنی»، در شرح «النهایه» شیخ طوسی، در ده مجلد؛ «منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه»؛ «الرابع فی الشرایع»؛ «المستقصى»، در شرح «الذریعه»؛ «قصص الانبیاء»؛ «لب اللباب».[۱]

راوندی، سعید بن هبة الله بن حسن مکنی به ابومحسن یا ابوالحسین، محدث و مفسر معروف شیعه (ف. ق. ۵۷۳ ه. ق). وی از شیخ طبرسی و عمادالدین طبری و سید مرتضی سید مجتبی رازی و پدر نصیرالدین طوسی و جمعی دیگر روایت کرده و خود از مشایخ ابن شهر آشوب و شیخ منتخب‌الدین است. او راست: آیات الاحکام، احکام الاحکام، الاختلافات الواقعة بین الشیخ المفید والسید المرتضی فی بعض المسائل الکلامیه، اسباب النزول، ام القرآن، الانجاز فی شرح الایجاز، تفسیر القرآن معروف به تفسیر قطب، خلاصه التفاسیر، المغنی فی شرح النهایه، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه و غیره.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] خاتمه مستدرک الوسائل (۹۰- ۷۹ / ۳)، الذریعه (۴۳۱، ۲۴۴، ۱۴، ۲۴ / ۱۵۸، ۱۵۷- ۲۳ / ۲۹۶، ۶۶، ۱۳ / ۲۱، ۲۸۹، ۲۸۰ / ۲۸، ۱۸ / ۱۰۵، ۱۷ / ۲۹۵، ۱۶ / ۱۲۴- ۱۲۳ / ۱۵، ۱۲۶، ۱۱۰، ۱۱ / ۴۱، ۱۴ / ۳۷۲، ۳۴۴، ۲۷۷، ۱۱۶، ۵۶- ۵۵ / ۱۳، ۲۲۳، ۷۲- ۷۱ / ۱۲، ۶۶ / ۱۰، ۲۰۱ / ۲۰، ۸ / ۲۲۰، ۱۴۶- ۱۴۵ / ۲۷۷، ۷ / ۱۴۵- ۳۰۲، ۳۰۱- ۲۲۸، ۴ / ۴۵۶، ۱۷۶، ۲۹ / ۳ / ۲۳۴، ۲۵۱، ۳۰۳، ۳۶۴، ۲ / ۲، ۳۶۲، ۲- ۳۶۱، ۲۹۱، ۴۲ / ۱)، روضات الجنات (۱۰- ۷ / ۴)، ریحانه (۴۶۹- ۴۶۷ / ۴)، فوائد الرضویه (۲۰۲- ۲۰۰)، الکنی و الالقاب (۷۳- ۷۲ / ۳)، هدیه الاحباب (۲۱۹- ۲۱۸).

قطب نیریزی، محمد

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۷۳ ق)، صوفی و شاعر. ملقب به قطب‌الدین. معروف به قطب‌الاقطاب. از سادات حسینی تبریز بود. او با بیست و سه واسطه به امام علی بن‌الحسین (ع) می‌رسید. در شیراز به کسب علوم پرداخت. وی به حکمت علاقه‌ی خاص داشت و در تفسیر، حدیث، فقه و ادب نیز تا حدی تبحر حاصل کرد. او بعد از تکمیل علوم، در بقعه شاه داعی‌الله نزد شیخ علی نقی اصطهباناتی به طی مقامات سلوک پرداخت و بعد از مرشد و شیخ خویش، اصطهباناتی، در فارس مروج طریقه‌ی ذهبیه و مرشد و مربی سالکان این طریقت شد. وی سفرهایی به قزوین، قم، کاشان، اصفهان و نجف داشت و در این سفرها به تدریس و تعلیم نیز می‌پرداخت. افرادی چون شیخ احمد احسایی، ملا محراب گیلانی، شیخ جعفر نجفی و سید محمد نجفی از او کسب معرفت کرده‌اند. وی بعد از بازگشت به شیراز به جزیره‌ی خارک رفت و در کوه مقبره‌ی منسوب به محمد حنفیه اعتکاف جست. بعد از مدتی به شیراز بازگشت و در همان جا درگذشت. از آثارش: رساله‌ی «فصل الخطاب»؛ رساله‌ی «شمس الحکمه»؛ رساله‌ی «کنز الحکمه»؛ «انوار الولاية»؛ «نور الهدایه»؛ قصیده‌ی «عشقیه»، اشعار فارسی و عربی.[۱]

شیرازی، محمد حسینی ذهبی معروف به قطب‌الاقطاب، از بزرگان مشایخ سلسله‌ی ذهبیه (ف. ۱۱۰۳ ه. ق) او راست: ارجوزه فی الصرف، ارجوزه فی العوامل النحویه، ارجوزه فی الفقه والاصول والموازين الشرعیه، انوار الولاية، شمس الحکمه فصل الخطاب، کنز الحکمه، نور الهدایه.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه [۱] تاریخ ادبیات در ایران (۲۸۲ / ۵)، تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (۲۴۳- ۲۳۹)، حدیقه الشعراء (۱۴۳۴- ۱۴۳۱ / ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۱۸- ۲۱۵ / ۴)، دنباله‌ی جستجو در تصوف (۳۳۵- ۳۳۳)، الذریعه (۱۵۲ / ۱۸، ۱۲۰- ۱۱۹ /

۱۷، ۲۳۰-۲۲۹، ۱۶ / ۲۲۲، ۱۴ / ۸۸۴، ۹ / ۴۹۰، ۴۸۸-۴۸۶، ۴۸۲، ۴۷۹ / ۱، ریاض العارفین (۲۷۸-۲۷۵)، ریحانه (۴۷۰-۴۶۹ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۰۲-۵۹۸ / ۱۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۵۶۹-۱۵۶۸ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل / قطب‌الدین شیرازی)، مرآت الفصاحه (۵۰۷-۵۰۶).

قطب‌الدین شیرازی، ابوالثناء محمود

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۷۱۰-۶۳۴ ق)، طیب، ریاضیدان، منجم، فیزیک‌دان، فیلسوف، عالم اشعری شافعی و مفسر. معروف به قطب شیرازی و ملقب به علامه. در شیراز به دنیا آمد. پدرش ضیاء‌الدین مسعود پزشک و مدرس طب در بیمارستان مظفری شیراز و در همان حال از بزرگان فرقه سهروردیه بود. قطب‌الدین محمود علم طب را نزد پدر و عموی خود فراگرفت. خرّقه‌ی تصوف را در ده سالگی از دست پدر خود پوشید و از نجیب‌الدین علی بن بزغش شیرازی نیز خرّقه گرفت. در چهارده سالگی پدرش فوت کرد و او به جای پدر به عنوان چشم‌پزشک در بیمارستان شروع به کار نمود. وی قرائت و شروح «قانون» را نزد استادان شیراز فراگرفت. چندی نیز شاگرد نجم‌الدین کاتبی قزوینی بود. سپس به مراغه رفت و در آنجا علم هیت و «اشارات» ابن سینا را در خدمت خواجه نصیرالدین طوسی آموخت و نزد آن استاد و به یاری او به حل مشکلات «قانون» توفیق یافت. او همچنین سفرهایی به خراسان، عراق عجم، بغداد و روم داشت. در قونیه به خدمت صدرالدین قونیوی رسید و علم شریعت و طریقت را نزد او فراگرفت. قطب‌الدین شیرازی از دانشمندان جامع و بزرگ، و در معقول یگانه زمان خود بود. او در طب و ریاضیات و نجوم و حکمت و موسیقی دست داشت و در نظم و نثر پارسی و عربی دارای مهارت کامل بود. عده‌ای از رجال علم و دانش در محضر او شاگردی کرده‌اند. از جمله شاگردان وی: قطب‌الدین رازی، کمال‌الدین فارسی و نظام‌الدین اعرج بودند. قطب‌الدین در اواخر عمر در تبریز سکنی گزید و در همان جا درگذشت و در مقبره‌ی چرنداب تبریز در کنار قاضی بیضاوی دفن شد. از آثارش: «دره التاج لغره‌الدیباج / الدباج»، معروف به «انموذج العلوم»، به فارسی؛ که به خواش امیر دباج، پادشاه اسحاق‌وند گیلان، تألیف کرد؛ «تحفه‌ی شاهی»، در علم هیت، به فارسی؛ «نهایه‌الادراک فی درایه‌الافلاک»، در علم هیت، به فارسی؛ «اختیارات مظفری»، در هیت و نجوم؛ «شرح حکمه‌الاشراق»؛ «شرح مفتاح العلوم» سکاکی، قسمت سوم؛ شرح «مختصر الاصول» حاجبی؛ «فتح المنان فی تفسیر القرآن»، در حدود ۴۰ مجلد؛ «مشکلات التفاسیر». [۱]

شیرازی، محمود بن مسعود بن مصلح فارسی کازرونی اشعری شافعی مکنی به ابوالثناء، دانشمند معروف (ف. تبریز ۷۱۰ یا ۷۱۶ ه.ق). وی نزد نصیرالدین طوسی علم آموخت و سپس به روم (آسیای صغیر) رفت و نزد صدرالدین قونیوی تلمذ کرد و قاضی سیواس، ملطیه و زارالشام گردید و سپس در تبریز ساکن شد و در امر رصدخانه با خواجه نصیر همکاری داشت. وی در اغلب علوم عصر مانند طب و نجوم و حکمت و موسیقی تبحر و نیز ذوق ادبی و قریحه‌ی شعری داشت. او راست: شرح قانون ابن سینا، شرح حکمه‌الاشراق، دره‌التاج شامل علوم حکمی به فارسی، التحفه‌الشاهی، ترجمه‌ی تحریر اقلیدس، شرح مفتاح العلوم سکاکی، نهایه‌الادراک فی درایه‌الافلاک.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار عجم (۳۲۸)، الاعلام (۶۶-۶۵ / ۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۳۰-۱۲۲۷ / ۳)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۴۷۶-۴۶۰)، تاریخ گزیده (۷۰۲-۷۰۱)، تاریخ نجوم اسلامی (۵۳-۵۲)، تاریخ مغول (۵۰۷-۵۰۶)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۸-۱۴۷)،

تذکره‌ی روز روشن (۶۶۲-۶۶۱)، حبیب السیر (۱۱۷-۱۱۶ / ۳)، دائره‌المعارف فارسی (۲۰۵۹ / ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۱۴-۲۰۵ / ۴)، الذریعه (۸۸۴ / ۹)، روضات الجنات (۱۲۹ / ۸)، ریحانه (۴۷۲-۴۷۰ / ۴)، زندگینامه‌ی ریاضی‌دانان (۳۵۴-۳۵۱)، شخصیت‌های نامی (۳۹۵-۳۹۴)، شرح و بررسی زندگانی و معرفی آثار علامه قطب‌الدین رازی ورامینی (۹۶-۹۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۴-۲۱۲ / ۸)، العبر (۲۵ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۴۷۲)، کشف الظنون (۱۶۹۵، ۱۹۸۵، ۱۲۳۵، ۷۳۸، ۳۶۷، ۳۵)، الکنی و الالقاب (۷۳ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / قطب‌الدین شیرازی)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۷۱۰)، مرآت الفصاحه (۵۰۴-۵۰۱)، معجم المؤلفین (۲۰۳-۲۰۲ / ۱۲)، مؤلفین کتب چاپی (۹۱-۸۹ / ۶)، هدیه الاحباب (۲۱۹)، هدیه العارفین (۴۰۷-۴۰۶ / ۲)، هفت اقلیم (۲۰۹-۲۰۸ / ۱).

قطب‌الدین طریثی نیشابوری، ابوالعالی مسعود

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۷۸-۵۰۵ ق)، محدث، مدرس، مفسر، ادیب، واعظ و فقیه شافعی. اصل وی از طریث نیشابور است. وی یگانه پیشوای شافعیان زمان خود بود. نزد پدرش و محمد بن یحیی، شاگرد غزالی، و عمر بن علی، معروف به سلطان، و در مرو نزد ابواسحاق ابراهیم بن محمد فقه آموخت و از هبه‌الله بن سهل سیدی و عبدالجبار خواری حدیث شنید. قطب‌الدین از پدرش ادبیات را نیز فراگرفت و برآمد و در روزگار اساتیدش وعظ گفت و فتوا داد. وی مدتی نیز در نظامیه‌ی نیشابور به نیابت از جوینی تدریس کرد. در ۵۳۸ ق به بغداد رفت و وعظ گفت و مورد توجه قرار گرفت. وی برای سلطان صلاح‌الدین ایوبی کتاب «عقیده» را تألیف کرد و در آن جمیع مسائل دینی مورد نیاز را گردآوری نمود. سپس در دمشق ساکن شد و با ابونصر قشیری ملاقات کرد. در روزگار فقیه ابوالفتح مصیصی در دمشق مورد توجه قرار گرفت و در مجاهدیه درس گفت و پس از مرگ ابوالفتح تدریس در غزالیه را عهده‌دار شد، سپس راهی حلب شد و در آن جا در دو مدرسه‌ای که نورالدین و اسدالدین بنا نهاده بودند درس گفت. سپس به همدان رفت. مدتی در آنجا تدریس کرد. سرانجام به دمشق بازگشت و درس در غزالیه را از سر گرفت و به شاگردانش فقه آموخت. او همچنین در جاروخیه‌ی دمشق درس گفت، سپس به نمایندگی به بغداد رفت و داماد ابوالفتح اسفراینی شد. حافظ ضیاء از وی اجازه حدیث داشت. ابوالموهوب ابن صصری و برادرش حسین و تاج ابن حمویه و دیگران از وی روایت کردند. در دمشق درگذشت. در مقبره‌ای در نزدیکی مقبره‌ی صوفیه‌ی غربی دفن شد. از دیگر آثار وی کتاب «الهادی» در فقه است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۱۵ / ۸)، سیر النبلاء (۱۰۹-۱۰۶ / ۲۱)، شذرات الذهب (۲۶۳ / ۴)، النجوم الزاهره (۸۶ / ۶)، وفيات الاعیان (۱۹۷-۱۹۶ / ۵).

قطب‌الدین کیدری نیشابوری، ابوالحسن محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۵۷۶ ق)، عالم، فقیه، ادیب و شاعر. اصل وی از کیدر از روستاهای بیهق خراسان است. وی شاگرد فضل بن حسن طبرسی و

ابن حمزه عمادالدین طوسی و معاصر با قطب راوندی بود. نقطه نظرات او در فقه مشهور و در کتابهای «مختلف» و «غایه المراد» و «مسالك» و «كشف اللثام» منقول است. از وی اشعار لطیفی باقی مانده است. از آثار وی: «الحدیقه الانیقه»، اشعار منسوب به امیرالمؤمنین (ع) دایر بر آداب و حکم و عبرت و مواعظ؛ «انوار العقول من اشعار وصی الرسول»، که تمامی اشعار منسوب به امیرالمؤمنین (ع) را گردآوری کرده است؛ «حدائق الحقائق فی تفسیر دقائق أحسن الخلائق»، در شرح «نهج البلاغه»، که آن را در ۵۷۶ ق تألیف کرده است؛ کتاب «الاصباح» در فقه؛ «کفایه البرایا فی معرفه الانبیاء و الاولیاء»؛ «مباهج المهج فی مناهج الحجج»؛ «الدرر فی دقائق علم النحو»؛ «البراهین الجلیه فی ابطال الذوات الازلیه»؛ «لب الالباب»، در مسائل کلام. [۱]

کیدری، محمد بن حسین بن حسن بیهقی مکنی به ابوالحسن، دانشمند معروف (ف. ۷۷۶ ه. ق) او راست: الاصباح فی فقه الامامیه، انوار العقول من اشعار وصی الرسول ص، البراهین الجلیه فی ابطال الذوات الازلیه، حدائق الحقائق که شرحی است بر نهج البلاغه، الدرر فی دقائق علم النحو.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان الشیعه (۲۵۰ / ۹)، الذریعه (۱۰۱ / ۹، ۳۸۲-۳۸۱، ۲۸۵ / ۶، ۸۰ / ۳، ۴۳۴-۴۳۱، ۱۱۸ / ۲)، روضات الجنات (۲۷۸-۲۷۴ / ۶)، ریحانه (۴۷۳ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۶۰-۲۵۹ / ۶)، فوائد الرضویه (۴۹۴-۴۹۳)، الکنی و الالقاب (۷۴ / ۳)، لغت نامه (ذیل / ابوالحسن)، معجم المؤلفین (۲۳۸-۲۳۷ / ۹).

قطب‌الدین لاهیجی، محمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۱۰۷۵ ق)، عالم امامی، ریاضیدان، عارف و شاعر. وی از علمای شیعه در سده یازدهم و از شاگردان میرداماد (م ۱۰۴۱ ق) و معاصر با شیخ حر عاملی بود. گذشته از مقام علمی، متألهی کامل و شاعری ماهر بود. از آثار وی: «ثمره الفواد»؛ رساله‌ای در «عالم المثال»؛ «محبوب القلوب»، ملمع، نظم و نثر؛ «لطائف الحساب»، به فارسی؛ «تفسیر»، به فارسی، به نام «الترجمه الانیقه»، در دو مجلد، و ترجمه «الصحیفه السجادیه»؛ «خیر الرجال»، در بیان احوال رجال مذکور در اسانید کتاب «من لا یحضره الفقیه» شیخ صدوق، که به آورده‌ی صاحب «الذریعه» تألیف شیخ بهاء‌الدین محمد بن شیخ ملا علی شریف لاهیجی، در ۱۰۷۵ ق، است و به گمان خود شیخ آقا بزرگ تهرانی، شیخ بهاء‌الدین محمد همان قطب‌الدین لاهیجی است. [۱]

اشکوری، محمد بن علی بن عبدالوهاب شریف اشکوری لاهیجی دیلمی، فقیه و دانشمند، از علمای امامیه‌ی قر. ۱۱ ه. (ف. حدود ۱۰۷۵ ه. ق) وی شاگرد میرداماد و معاصر حر عاملی بود. او راست: ثمره الفواد حاوی اسرار احکام دینی و حقایق اعمال، رساله‌ای در باب عالم مثال، محبوب القلوب (م.ه).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۱۹۲-۱۹۱ / ۲۶، ۱۴۲-۱۴۱ / ۲۰، ۲۰۶ / ۱۵، ۲۸۳-۲۸۲ / ۷، ۱۶-۱۵ / ۵)، ریاض العلماء (۱۲۴ / ۵)، ریحانه (۴۷۶-۴۷۵ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۹۹-۴۹۸ / ۱۱، قرن ۷۰۰-۶۹۷ / ۱۲)، لغت نامه (ذیل / قطب‌الدین لاهیجی)، هدیه الاحباب (۲۱۷).

قطب‌الزمان

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد ابن ابوطاهر طبسی مروزی، از حکیمان نیمه‌ی اول قرن ششم ه. پدر وی از حکام قرای مرو و مادرش خوارزمی بود و خود از شاگردان بنام لوکری (ه.ق) محسوب می‌شد. در آغاز مورد توجه نصیرالدین ابوالقاسم محمود بن ابی‌توبه‌ی وزیر بود، لیکن بعد مرحوم و محتاج ماند و در شوال ۵۳۹ بسبب بیماری فالج در سرخس درگذشت و از شاگردان او ابوالفتح بن ابوسعید فندورجی است.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

قطبی اهری، ابوبکر

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۸۶۰ ق)، مورخ. از مورخان بنام عهد خود که «تاریخ شیخ اویس» را در ۸۶۰ ق تألیف کرد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۵۹۹-۵۹۸ / ۳)، تاریخ نظم و نثر (۲۸۳).

قطیفی، احمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۵-۱۲۵۱ ق)، عالم امامی. وی از علمای بزرگ عصر خود و از شاگردان شیخ مرتضی انصاری بود. در بحرین درگذشت. از آثارش: «التحفة الاحمدیه للفرقة الجعفریه فی المنشآت الصادقیه و الدعوات الجعفریه» یا «الصحیفه الصادقیه»؛ رساله‌ای در «شرح احوال استادش شیخ مرتضی انصاری»؛ «دیوان» شعر. [۱]
احمد بن صالح بحرانی، عالم شیعی (ف. ۱۳۱۵ ه.ق) وی از شاگردان شیخ مرتضی انصاری است. او راست: التحفة الاحمدیه، دیوان اشعار.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۲۲-۲۱ / ۱۵، ۹ / ۸۸۶، ۴۱۳-۴۱۱ / ۳)، ریحانه (۴۸۱ / ۴).

قفال مروزی خراسانی، ابوبکر عبدالله

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۲۷ / ۴۱۷-۳۲۷ ق)، فقیه شافعی. برای تمییز بین او و قفال شاشی یا قفال کبیر به قفال صغیر معروف شد. اهل مرو بود و شغلش قفل‌سازی. چون به سی سالگی رسید به فراگیری علوم اسلامی روی آورد. وی فقه را از ابی‌زید فاشانی مروزی آموخت و از او، از خلیل بن احمد سجزی حدیث شنید. در فقه و تقوی مشهور زمان خود بود. فتاوا و گفته‌های او در کتب فقهی آمده است. در ترویج مذهب شافعی زحمت بسیاری کشید و مرجع استفاده بسیاری از بزرگان شد که هر یک توانستند علوم را در اطراف پراکنده سازند. ابو عبدالله محمد بن عبدالملک مسعودی و ابوعلی حسین بن شعیب سنجی مروزی و ابوالقاسم عبدالرحمان بن محمد بن فوران مروزی از وی فقه آموختند. قفال شیخ شافعی‌ها در خراسان و صاحب طریقه‌ی خراسانین بود. در سجستان درگذشت، و قبرش در آنجا زیارتگاه است. از آثارش: «شرح فروع محمد بن الحداد المصری»، در فقه. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴ / ۱۹۰)، انساب سمعانی (۴ / ۵۳۳)، ایضاح المکنون (۲ / ۱۸۸)، روضات الجنات (۵ / ۱۰۵-۱۰۸)، ریحانه (۴ / ۴۸۲)، سیر النبلاء (۴ / ۴۰۸-۴۰۵ / ۱۷)، شذرات الذهب (۳ / ۲۰۸-۲۰۷ / ۳)، العبر (۲ / ۲۳۲-۲۳۳)، الکنی و الالقاب (۷۹-۷۸ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ قفال صغیر)، معجم المؤلفین (۶ / ۲۶۶)، النجوم الزاهره (۴ / ۲۶۶)، وفيات الاعیان (۳ / ۴۶)، هدیه العارفین (۱ / ۴۵۰).

قفقازی، تقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: فارماکولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

قلانسی بلخی، آدم

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سوم ق)، محدث. اهل بلخ. شهرت قلانسی او از آن روست که مدتی به فروش قَلَنْسُوَه (نوعی کلاه) اشتغال داشت. وی به اعتقاد به تفویض متهم بود و از احمد بن یونس نسوی، علی بن حسن دقاق نیشابوری، علی بن محمد قمی و محمد بن شاذان نقل حدیث کرده است. مشهورترین محدثی که از او حدیث شنیده، محمد بن مسعود عیاشی بوده و کَشّی برخی روایات او را آورده، اما طوسی این روایت را ضعیف شمرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اختیار معرفة الرجال (۵۳۳، ۴۹۶، ۱۸)، اعیان الشیعه (۲/ ۸۶)، رجال ابن داود (قسم ۴۱۴ / ۲)، رجال الطوسی (۴۳۸)، لسان المیزان (۱/ ۵۱۱)، معجم رجال الحدیث (۱۲۴- ۱۲۳ / ۱).

قلمبر، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیوشیمی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی بیولوژی و کارشناسی آموزش از دانشگاه تهران، کارشناسی و کارشناسی ارشد در میکروبیولوژی، دکترا در رشته میکروبیولوژی و بیوشیمی، فوق تخصص در متابولیسم میکروبی از دانشگاه میشیگان در سال ۱۳۴۲، فوق تخصص در آنزیم شناسی از دانشگاه جانزهاپکینز آمریکا در سال ۱۳۴۶، فوق تخصصی بیولوژی مولکولی از دانشگاه کلرادو در سال ۱۳۶۷.

مرتبه علمی:

استاد مدعو در بیوشیمی در دانشگاه‌های جانزهاپکینز، تنسی، کلرادو، کالیفرنیا، بنیاد اسکرپیز و هاروارد استاد بیوشیمی میشیگان در سالهای ۱۳۶۴-۵۷، استاد بیولوژی مولکولی دانشگاه تمپل، استاد بیوشیمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز از سال ۱۳۶۸.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

متابولیسم میکروبی، بیوسنتز پوسته خارجی میکروبه‌ها، آنزیم‌های باکتریوفاژها، بیولوژی مولکولی بیماری دیابت کودکان، ایمونوشیمی بیماری دیابت، ژنهای مربوط به کلروپلاست و میتوکندری‌ها، جداسازی و تخلیص آنتی‌بیوتیک‌ها، جداسازی و تخلیص چهار آنزیم در مسیر متابولیسم L-fucose استاد راهنمای ۲ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: ۴

زمینه علمی تألیفات:

بیوشیمی تجربی عمومی، بیوشیمی تجربی بالینی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: -، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۸۹

زمینه علمی مقالات:

آنزیم‌شناسی، بیولوژی مولکولی بیماری دیابت، ایمونوشیمی، ژنتیک مولکولی، بیوسنتز و ساختمان شیمیائی پوسته خارجی میکروبه‌ها.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

قلی بیگیان، مرتضی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرتضی قلی بیگیان

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۰ در تهران متولد شدم و در سال ۱۳۵۸ از دبیرستان دارالفنون در رشته ریاضی فیزیک فارغ التحصیل گردیدم و سپس در همان سال در مدرسه عالی شهید مطهری مشغول به تحصیل در رشته علوم دینی گردیدم و در سال بعد به موسسه مجتهدی (ملا جعفر) در تهران ادامه داده و در سال ۶۴-۶۵ به قم منتقل گردیدم و در دروس اساتید پایانی و ستوده و حاج شیخ جواد تبریزی و وحید خراسانی به دروس سطوح و خارج مشغول شده و در ضمن به تدریس نیز اشتغال داشته و دارم، اشتغال به تدریس شامل تدریس در دبیرستان و حوزات علمیه تهران و قم می‌باشد در ضمن حدود ۱۰ سال به کار تحقیقات در مؤسسه نشر آثار مشغول بوده و دوره تخصصی فقه و اصول را در موسسه ائمه اطهار که زیر نظر آقای فاضل لنکرانی می باشد به مدت ۵ سال به پایان رساندم و پایان نامه اینجانب تحت عنوان پیوند اعضا می باشد.

قلی زاده مشکول، مجتبی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مجتبی قلی زاده مشکول

محل تولد : خلخال

شهرت : قلی زاده

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۳/۷

زندگینامه علمی

اینجانب مجتبی قلی زاده در تاریخ ۷/۳/۱۳۵۳ در یکی از توابع شهرستان خلخال در یک خانواده کشاورز و معنوی به دنیا آمدم و تحصیلات ابتدائی و راهنمایی را در آن محل پشت سر گذاشتم و در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه خلخال شدم که چون حوزه علمیه در حال ساخت و توسعه بود نتوانستم خوب بهره علمی بگیرم لذا هجرت کردیم و به حوزه علمیه کاشان وارد شدیم. و پس از پایان مقدمات در سال ۱۳۷۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از سپری کردن پایه‌های تحصیلی در سال ۱۳۸۴ از محضر مراجع گرانقدر درس خارج فقه اصول بهره می‌گیرم. «و من الله التوفیق» و اکنون مشغول تحقیق و یادداشت برداری هستم. امیدوارم توفیق الهی

همراه من و شما عزیزان باشد.

قلی‌زاده، احمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مولف، مترجم.

تولد: ۱۲۸۶.

درگذشت: ۲۸ خرداد ۱۳۶۸، لس‌آنجلس.

احمدرضا قلی‌زاده تحصیلات خود را در مدرسه‌های ثریا و ادب و دانش به پایان رسانید و پس از آن به دارالمعلمین وارد شده و از دانشسرای عالی در رشته‌ی فیزیک و شیمی در مقطع کارشناسی فارغ‌التحصیل شد. علاوه بر تدریس در دبیرستان‌های انوشیروان دادگر و فیروز بهرام در دانشگاه نیز درس می‌داد.

از آثار اوست: آزمایش‌های علمی (ژوزف لیمپتین، ۱۳۳۴)؛ شیمی (برای دوره‌ی متوسطه، ۱۳۱۷-۱۳۱۶)؛ شیمی آلی (بامشارکت دکتر وارطانی، ۱۳۳۰، جلد سوم، ۱۳۱۶)؛ شیمی فنی خانه‌داری، فیزیک (برای سال سوم دبیرستان‌ها، ۱۳۱۷، با مشارکت علی‌اصغر نوروزیان و هادی رهنما، جلد پنجم، چاپ یازدهم، ۱۳۳۳، جلد ششم، ۱۳۱۹)؛ ماشین‌های خانگی (ژوزف لیمپتین). وی همچنین در ترجمه‌ی کتاب زندگینامه‌ی علمی دانشوران همکاری داشت.

احمدرضا قلی‌زاده در خرداد ۱۳۶۸ در بیمارستانی در شهر لس‌آنجلس آمریکا درگذشت.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

قمرزاده، مرتضی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

موسی قمرزاده

محل تولد: اهواز

شهرت: حاج قمر

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۲/۱۴

زندگینامه علمی

بنده پس از پایان جنگ و دوران دفاع مقدس وارد حوزه علمی شدم و ابتدا در شهرستان دزفول حوزه آیت الله قاضی و سپس در قم

اشتغال به تحصیل پیدا کردم. گرچه از قبل به مطالعه علاقه وافری داشتم و از همان دوران نوجوانی و در جبهه و سپاه پیوسته برنامه مطالعاتی داشتم ولی با آمدن به حوزه به این علاقه افزوده شد. هنوز مشغول به تحصیل در دوره سطح ۱ بودم که کار تدریس را نیز رسماً در مدارس شروع کردم و از همان سال تا کنون همه ساله درس یا دروسی را مشغول به تدریس بوده‌ام. علاقه ام بیشتر به مطالعه و تحقیق در حوزه علوم عقلی و سپس نقلی بوده و در کنار آن به تحقیقات پیرامون تاریخ خصوصاً تاریخ معاصر میپردازم. در زمینه موضوعاتی که تدریس کرده‌ام تحقیق و مطالعه گسترده نیز انجام می‌دهم و در حال تهیه مطالبی نیز هستم. در زمینه تاریخ معاصر نیز مجموعه‌ای در قالب کتاب در دست نوشتن دارم. همچنین جلد اول خاطرات دفاع مقدس با عنوان حدیث وصل و هجران را به چاپ رسانده‌ام که در جشنواره کتاب سال دفاع مقدس بعنوان کتاب برگزیده انتخاب شد دفتر دوم کتاب خاطراتم نیز در حال آماده شدن برای چاپ است و در زمینه ادبیات نیز کتاب نجوا با شلمچه به چاپ رسید که چاپ دوم آن در حال حاضر منتشر شده است.

قمری بخاری، ابومنصور حسن

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۳۸۰ ق)، طیب. در قسمت علمی و عملی طب مهارتی بسزا داشت و در زمان سامانیان می‌زیست. شیخ ابوعلی سینا نزد وی درس خواند. برخی نوشته‌اند که او نزد ابن سینا شاگردی کرد که درست نیست. از جمله تألیفات وی: «علل العلل»، «غنی و منی»، «مجموعه‌ی کبیر»، «معالجات منصوری»، «رسالة ف امراض الصدر»، «رسالة فی الحمیات»، «فی مرض الاستسقا».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۳۴۵)، تاریخ طب (۲/ ۶۵۳)، ریحانه (۲۷۸- ۲۷۶/ ۷)، کشف الظنون (۱۷۵۰)، لغت‌نامه (ذیل / حسن قمری)، معجم المؤلفین (۲۹۹/۳)، نامه‌ی دانشوران (۲/ ۲۳۰)، هدیه‌ی العارفین (۱/ ۲۷۲).

قمشه‌ای، محمدرضا

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدرضا قمشه‌ای (شهرضائی) از مشاهیر حکماء و افاضل مدرسین زمان خود بوده است.

وی قبل از ۱۳۰۰ ه از اصفهان به تهران عزیمت نموده و در مدرسه صدر (که در جلو خان مسجد شاه) است به تدریس فقه و اصول و فلسفه و غیره پرداخته و بالخصوص در علم فلسفه و عرفان ید طولی و استادی ماهر بود و جماعتی از بزرگان دانشمندان و حکماء و فلاسفه معروف از وی استفاده معقولی نموده که هر کدام پس از او فیلسوف بزرگ و حکیمی سترک بودند که از مشاهیر آنها نامبردگان زیراند.

۱- آیت‌الله حاج میرزا ابوالفضل کلانتر

۲- علامه حکیم میرزا جهانگیر خان قشقائی

۳- آیت‌الله حاج میرزا سید حسین قمی

- ۴- علامه ملا حیدرخان نهاوندی
- ۵- آیت‌الله حاج میرزا عبدالله ریاضی رشتی
- ۶- علامه شیخ علی نوری تهرانی
- ۷- آیت‌الله میرزا علی اکبر یزدی مدرس قم
- ۸- علامه شیخ محمود بروجردی
- ۹- آیت‌الله حاج میرزا محمود قمی
- ۱۰- علامه میرزا هاشم رشتی

علامه قمشه‌ای دانشمندی عمیق‌الفکر و دقیق‌النظر و کثیرالتفکر و خوش‌بیان و ادیبی فاضل و شاعری مبتکر و به صهبا تخلص داشت و وفات او در سال ۱۳۰۶ ق روز وفات علامه بزرگوار و مجتهد عالی‌مقدار آیت‌الله العظمی حاج ملا علی کنی اتفاق افتاد فاضل مراغی او را در کتاب (المآثر والاثار) ص ۱۶۴ ذکر کرده.

و درباره وی گفته که او مردی متواضع و خوش‌اخلاق و متقی و پرهیزکار بود و در موقع احتضار و مرگش به کسانی که اطرافش نشسته بودند توجه کرده و گفت آیا دیدید اسب سفیدی را که حضرت امام مهدی ولی عصر عجل‌الله‌فرجه برای سوار شدن من فرستاده‌اند.

آثاری از آنجناب بجا مانده که از آنست کتاب (الخلافه الکبری) که در سال ۱۳۱۵ در تهران بطبع رسیده به مباشرت شاگردش شیخ محمود بروجردی با کتاب (الجمع بین الرائین) معلم دوم فارابی و دیگر حواشی او بر شرح خصوص و رساله‌ای در فرق بین اسماء ذات و اسماء صفات و حدیث زندیق.

(بخش ۱) قمشه‌ای، آقا محمدرضا دانشمند مدرس کتب عرفانی (ف. تهران ۱۳۰۶ ه.ق.) وی از قمشه اصفهان و مردی زیرک بود. حکمت و کلام را نزد حاجی محمد جعفر لاریجانی و میرزا حسن نوری فراگرفت و در عرفان شاگرد حاجی سید رضی بود و از شاگردانش صفای اصفهانی شاعر معروف است. از اوست: حواشی بر کتاب اسفار اربعه صدرالدین شیرازی، حواشی بر شرح فصوص الحکم قیصری، رساله در موضوع الخلفاء الکبری، رساله در موضوع العلم (دو رساله اخیر در پایان رساله الجمع بین الرائین فارابی در تهران به چاپ رسیده است.) وی مردی برسبیل تفنن اشعار عرفانی می سروده.

(وف ۱۳۰۶ ق)، شاعر. اهل قمشه اصفهان بود. چندین سال در آن دیار تدریس حکمت و عرفان نمود و در سال قحطی آنچه از زمین و مال داشت فروخت و صرف طلاب فقراء نمود و در اواخر به تهران آمد و در مدرسه میرزا شفیع صدر اعظم که در جلو خان مسجد شاه واقع است. به ارشاد می‌پرداخت. می‌گویند «فصوص الحکم» را بعد از صدر قونوی کسی بهتر از وی مباحثه نکرده است. در تهران وفات یافت و در ابن بابویه نزدیک مزار حاج آخوند محلاتی دفن شد. از اوست:

ساغر ز خون ماست به اندازه نوش کن

این جام باده نیست که لبریز می‌کنی [۱]

(۱۳۰۶ - ۱۲۴۱ / ۱۲۳۴ ق)، عالم، فیلسوف، حکیم، عارف، مدرس و شاعر، متخلص به صهبا. اصل وی از قومشه‌ای اصفهان بود و مقدمات علوم را در همان جا فراگرفت، سپس برای تکمیل معلومات به اصفهان رفت و در محضر حاج ملا محمد جعفر لاهیجی و میرزا حسن نوری و آقا سید رضی لاهیجی فلسفه و حکمت و عرفان را فراگرفت. در اصفهان به تدریس کتب عرفانی پرداخت، در اواخر عمر به تهران آمد و در مدرسه‌ی صدر به تدریس حکمت و عرفان، بویژه کتب محیی‌الدین عربی و شروح آنها پرداخت. میرزا ابوالفضل کلانتری و میرزا جهانگیرخان قشقایی و میرزا سید حسین قمی و ملا حیدرخان نهاوندی و میرزا عبدالله ریاضی و میرزا هاشم اشکوری و میرزا علی محمد اصفهانی و حاج ملا علی حکیم الهی سمنانی و صفای اصفهانی و حاج ملا علی حکیم

الهی سمنانی و میرزا علی اکبر یزدی مدرس و شیخ محمود بروجردی از شاگردان او بودند و همگی بر شاگردی وی افتخار می‌کردند. او با ملا هادی سبزواری معاصر بود. در تهران در گذشت و در کنار قبر حاج آخوند محلاتی در قبرستان ابن بابویه دفن شد. از آثارش وی: «الاسفار الاربعه و تحقیقها»؛ «حاشیه اسفار ملاصدرا»؛ حاشیه بر «شرح تمهید القواعد» صائن‌الدین ترکه؛ حاشیه بر «شرح القیصری لفصوص الحکم»؛ «الخلافة الکبری»؛ «رساله فی موضوع العلم»؛ رساله‌ای در «فرق بین اسماء الذات و الصفات»؛ «دیوان» شعر. [۲]

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] طرائق الحقائق (۳/۵۰۸)، فرهنگ سخنوران (۳۸۲).

[۲] الاعلام (۶/۳۶۲)، اعیان الشیعه (۹/۳۳۳)، تاریخ علوم و فلسفه ایرانی (۸۲۷-۸۲۵)، الذریعه (۲۳/۲۶۹، ۲۳/۶۲۳، ۹/۲۳۸، ۷/۱۲۶، ۶/۴۹، ۶/۶۰، ۲/۲)، ریحانه (۴/۴۹۶-۴۹۷)، شرح حال رجال (۶/۲۳۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۳۴-۷۳۲/۱۴)، طرائق الحقائق (۳/۵۰۸-۵۰۹)، فرهنگ سخنوران (۵۶۵)، لغت‌نامه (ذیل/قومشاهی)، المآثر و الآثار (۱۶۴)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹۱-۱۹۰/۳)، یادگار (س ۳، ش ۱، ص ۷۹-۷۵).

قمشهای کبیر، محمدحسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدحسین بن محمدقاسم اصفهانی قمشهای کبیر از بزرگان علماء و اعظام فقهاء از شاگردان علامه انصاری (مدت پنجسال) و بعد از وی علامه سید حسین کوه‌کمری و آیت‌الله العظمی میرزا محمدحسن شیرازی و علامه میرزا حبیب‌الله رشتی و غیر ایشان بوده تا از مبرزین علماء و معروف به فقاہت تامه در میان معاصرین خود و متأخرین گردیده و به جنگ انگلیسی‌ها در ثوره عراق با علماء نجف و کاظمین مانند آیت‌الله العظمی حاج سید مصطفی کاشانی و فرزند مجاهدش مرحوم آیت‌الله حاج سید ابوالقاسم کاشانی رفته تا در محرم ۱۳۳۶ ق در سن ۸۶ سالگی وفات نموده و در ایوان مقبره شیخ‌الشریعه مدفون شده است.

دارای تألیفات عدیده رشیقهای در فقه و اصول بوده است که از آنها کتب ذیل است.

۱- (ادله‌الرشاد) در شرح (نجاه‌العباد).

۲- عده طریق التدقیق در ۱۴ مجلد و کتب دیگر.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

قمشهای نجفی، محمد حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۳۶ ق)، عالم امامی و فقیه. مدت پنج سال در محضر علامه انصاری تلمذ نمود. پس از ایشان از محضر علامه میرزا حبیب‌الله رشتی و دیگران استفاده کرد. وی به همراهی علماء نجف و کاظمی در جنگ عراق با انگلیس شرکت نمود. پس از درگذشت، در ایوان مقبره شیخ‌الشریعه مدفون شد. از آثارش: «ادله‌الرشاد»، در شرح «نجاه‌العباد»؛ «عده طریق التدقیق لسالك سبیل التحقيق» در

اصول فقه، در چهارده مجلد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۳۰ / ۱۵، ۴۰۲ / ۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۹۱ / ۵).

قمشه‌ای، محمدحسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدحسین بن ابی طالب قمشه‌ای نجفی عالمی متقی و فاضلی بزرگوار و ثقه‌ای شایسته و پرهیزکاری معروف بوده است. ایشان ملقب به صغیر بود به جهت تمیز از استادش که هم‌نام او و هم‌شهری او کبیر بود و این بزرگوار از علماء و فقهاء و اخیار مجاهدین از شاگردان اخلاقی مرحوم آخوند ملا حسینقلی همدانی و علامه آشیخ محمدحسین قمشه‌ای کبیر و میرزا حسین خلیلی و آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و غیر ایشان و معروف به فضل و مشارالیه به تقوی و ورع بود. بعضی از معجزات و کرامات ائمه معصومین علیهم‌السلام و بعضی از علماء صالحین را با چشم خود دیده و آنها را در مجموعه‌ای نوشته در روزهای جمعه در منزلش مجلس سوگواری برقرار و جمعی از صلحاء و اخیار و متدینین از عوام و خواص در آن شرکت می‌کردند تا در دوم محرم ۱۳۳۷ ق وفات نموده و در نزدیکی مقبره شیخ‌الشریعه اصفهانی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

قمی ابواسحاق، ابراهیم

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابواسحق قمی اصلاً کوفی بوده منتقل به قم شده است شاگرد جناب یونس بن عبدالرحمن است و او اول کسی است که احادیث کوفیین را در قم نشر داده و این مطلب را کراراً از سید استادم علامه نجفی مرعشی مدظله در بحث فقهش شنیدم، شیخ کشی او را از اصحاب حضرت رضا علیه‌السلام شمرده است در بزرگواری و وثاقت او بسکه ثقة‌الاسلام کلینی اصول و فروع کافی خود را از احادیث و طریق او تدوین نموده است، از تصانیف اوست کتاب نوادر و کتاب قضایای امیرالمؤمنین علیه‌السلام. محل قبر او معین نیست ولی مقبره‌ی فرزندش جناب علی بن ابراهیم صاحب تفسیر در قسمت شمالی باغ ملی جنب شهرداری فعلی زیارتگاه است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قمی طباطبائی، باقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج آقا باقر بن العالم الجلیل آیت‌الله العظمی حاج آقا حسین طباطبائی قمی از علماء اعلام معاصر تهرانست.

وی در ماه ذی الحجه ۱۳۳۵ قمری در مشهد مقدس متولد شده و در بیت علم و ورع پرورش یافته و دروس مقدماتی و سطوح را نزد اساتید و علماء مشهد فرا گرفته و سپس در سال ۱۳۵۳ قمری در خدمت والد ماجدش بعتبات عالیات مهاجرت نموده و در کربلاء معلی اقامت و از دروس خارج مرحوم والد و آیت‌الله العظمی میلانی (مقیم مشهد) استفاده نموده و بعد از آن مدتی در نجف اشرف از محضر آیت‌الله العظمی خوئی بهره‌مند و نیز چندی از ابحاث مرحوم آیت‌الله آقا ضیاء‌الدین عراقی و مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی مستفیض گردیده آنگاه در سال ۱۳۶۶ قمری بعد از فوت مرحوم والدش آیت‌الله العظمی قمی به تهران منتقل و تاکنون بخدمات دینی و روحی و اقامه جماعت در مسجد (نوریان) خیابان شمیران (باغ صبا) و مباحثات علمی و غیره اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

قمی طباطبائی، تقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام والمسلمین و سید العلماء والمدرسین حاج آقا تقی بن العلامه الکبری والایه العظمی الفقیه العابد الناسک الورع الحاج آقا حسین طباطبائی قمی از علماء اعلام و مدرسین کرام حوزه علمیه نجف و قم‌المحمیه می‌باشد.

در ماه رجب سال ۱۳۴۱ قمری در مشهد مقدس رضوی متولد گردیده و در خانواده علم و دانش و محیط فضیلت و تقوا و مهد تربیت والد ماجدش نشو و نما یافته و تا سن ۱۴ سالگی در جوار حضرت ثامن الحجج علیه‌الصلوه والسلام اقامت نموده و در سال ۱۳۵۴ قمری به واسطه مبارزات مرحوم آیت‌الله والدش بر علیه منکرات و بیدادگریها در معیت آن پدر مجاهد مسافرت به عراق نموده و در کربلا رحل اقامت افکنده و به تحصیل مقدمات و سطوح پرداخته و در سال ۱۳۶۵ قمری به نجف اشرف منتقل شده و چندین سال از محضر آیات عظامی چون مرحوم آیت‌الله حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی کاظمینی و بالاخص آیت‌الله العظمی خوئی استفاده کامل نموده و باعلی درجه علم و فقاوت و حکمت و فلسفه و رجال ارتقا یافته و ضمناً به تدریس متون فقه و اصول پرداخته و در نجف اشرف عده‌ای را تربیت نموده تا در سال ۱۳۹۱ قمری که مانند صدها نفر دیگر از دانشمندان از طرف دولت شوم و پلید بعثی عراق اخراج به ایران و قم را که حوزه علمیه تشیع است مرکز اقامت قرار داده و به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال داشت.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

قمی لاهوری، ابوالقاسم بن حسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۲۴ ق)، عالم امامی، مفسر و مصنف. در کشمیر به دنیا آمد. نواب ناصر علی‌خان، مروج مذهب جعفری در لاهور، از وی خواست تا به لاهور رود و او به لاهور رفت و به کمک و تایید نواب ناصر علی‌خان توانست کتابهای خود را تألیف کند و به همت نواب نوازش علی‌خان کابلی تصانیفش به چاپ رسید. وی در لاهور درگذشت. از آثار وی: «عصمه الانبیاء و الملائکه»، به فارسی؛

کتاب «برهان شق القمر و رد النیر الا-کبر»، به عربی، که آن را برای نواب ناصر علی خان در ۱۲۹۶ ق نوشته است؛ تفسیر «لوامع التنزیل و سواطع التاویل»، در شرح رساله‌ی «موده القربی» سید علی بن شهاب‌الدین همدانی؛ «الاجوبه الزاهره»؛ «ابطال التناسخ» یا «بطلان النسخ و المسخ»؛ «ارض العتاق»، به فارسی؛ «ازاله الغین فی رویه العین»، به فارسی؛ «برهان البیان»، در خلافت و امامت و تفسیر آیه استخلاف، به اردو.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۶ / ۲۴ / ۱۹۴، ۲۱ / ۳۶۶-۳۶۵ / ۱۸ / ۲۷۴، ۱۵ / ۱۲۸، ۱۱۸، ۹۷-۹۶ / ۹۴، ۳ / ۵۲۹، ۵۲۴، ۲۷۷، ۲۷۶-۶۷، ۱ / ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۶ / ۱۴)، علماء معاصرین (۸۶-۸۵)، الکنی و الالقاب (۱۴۱-۱۴۰ / ۱).

قمی مشهدی، محمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۱۰۷ ق)، فقیه، مفسر، محدث، ادیب و عالم. وی با علامه محقق سبزواری و علامه مجلسی صاحب «بحارالانوار» و فیض کاشانی معاصر بود او از شاگردان علامه مجلسی و از ایشان، در ۱۱۰۷ ق، به دریافت اجازه نایل آمد. شیخ حر عاملی در «امل الامل» او را از فضلالی معاصر خود می‌شمارد. از آثار وی: «کنز الدقائق و بحر الغرائب» یا «کنز الحقائق و بحر الدقائق»، در تفسیر قرآن که در حدود یکصد و بیست هزار بیت است و استادش علامه مجلسی در پشت این تفسیر تقریظی، در ۱۱۰۲ ق، نگاشته و در آن او را ستوده است؛ «شرح المنظومه» موسوم به «نجاح المطالب» یا «ارجوزه»، منظومه‌ای در صد بیت، در معانی و بیان، و شرح آن موسوم به «انجاح المطالب فی الفوز بالمرب»؛ رساله در «احکام صید و ذباحت»، به عربی؛ «التحفه الحسینیة»، در ادعیه؛ «سلم درجات الجنة»؛ «شرح الزیارة الرجیة»؛ «شرح الصحیفه السجادیة»؛ «شرح التصریف فی علم التصریف»، به نظم.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تلامذه العلامة المجلسی (۷۲-۷۱)، الذریعه (۶۴ / ۲۴، ۱۵۴-۱۵۳ / ۱۵۲-۱۵۱ / ۱۸ / ۹۲، ۱۴ / ۳۵۶، ۳۰۷-۳۰۶، ۱۴۵ / ۱۳ / ۲۲۰، ۱۲ / ۴۳۰-۴۲۹ / ۳ / ۳۶۴-۳۶۳ / ۲ / ۴۹۶، ۱ / ۱)، روضات الجنات (۱۰۶-۱۰۵ / ۷)، فوائد الرضویه (۶۱۸، ۵۳۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۱۷ / ۱).

قمی، ابوالعباس عبدالله

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۳۱۰ ق)، فقیه امامی. از اصحاب مورد اعتماد و ثقه‌ی امام علی النقی (ع) و امام حسن عسکری (ع) و از شیوخ قم و در بین آنها موجه بود. پس از ۲۹۰ ق به کوفه رفت و اهل کوفه از او حدیث شنیدند. ابوغالب زراری و محمد بن یحیی عطار، که از رجال کلینی هستند، از وی روایت می‌کنند. او به پسرش محمد بن عبدالله بن جعفر در ۳۰۴ ق اجازه داده است. از آثار وی: «الامامه»؛ «العظمه و التوحید»؛ «التوحید و البداء و الاراده و الاستطاعه و المعرفه»؛ «فضل العرب»؛ «کتاب الدلائل»؛ «کتاب الطب»؛ «قرب الاسناد»؛ مسائل ابی محمد (ع) و «التوقعات»؛ «الافاعیل و البداء»؛ «کتاب الغیبه و الحیره».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۰۴ / ۴)، ایضاح المکنون (۳۱۷، ۳۱۴، ۳۱۱ / ۲)، الذریعه (۶۸ / ۶۷، ۲۷۰ / ۱۶، ۲۷۹، ۱۳۷ / ۱۵، ۲۳۷ / ۸، ۵۰۱، ۴۸۵، ۴ / ۳۲۸، ۲۵۶، ۲ / ۲)، رجال الطوسی (۴۳۲، ۴۱۹)، رجال النجاشی (۱۹ - ۱۸ / ۲)، ریحانه (۸۲ - ۸۱ / ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۳ / ۴)، الفهرست للطوسی (۱۹۰ - ۱۸۹)، الکنی و الالقاب (۱۹۹ - ۱۹۸ / ۲)، معجم المؤلفین (۴۰ / ۶).

قمی، ابوالقاسم سعد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۰۱ / ۳۰۰ / ۲۹۹ / ۲۹۷ ق)، محدث و فقیه امامی. اهل قم بود. در طلب حدیث سفرها نمود و از احادیث عامه بسیار شنید، و محدثین سرشناس آنها چون حسن بن عرفه و محمد بن عبدالملک دیقی و ابوحاتم رازی و عباس ترقفی را ملاقات کرد. برخی گفته‌اند که او امام حسن عسکری (ع) را نیز ملاقات کرده است. سعد کتب بسیاری تصنیف نمود. از آثارش: کتاب «الرحمه»؛ «فضل النبی (ص)»؛ «فضل ابی طالب و عبدالمطلب و عبدالله»؛ «مقالات الامامیه»؛ «مناقب رواه الحدیث»؛ «مثالب رواه الحدیث»؛ «بصائر الدرجات»؛ در چهار جزء؛ «فضل قم و الکوفه»؛ «المنتخبات»؛ در حدود یک هزار برگ؛ «مناقب الشیعه»؛ «فضل العرب»؛ «ناسخ القرآن و منسوخه و محکمه و متشابهه»؛ «الرد علی الغلاه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۳۶ - ۱۳۵ / ۳)، الذریعه (۳۶۲، ۳۲۸، ۳۲۷ / ۲۲، ۷۶، ۷۵ / ۱۹، ۲۷۵، ۲۷۲، ۲۷۰، ۲۶۷ / ۱۶، ۱۲۱ / ۱۵، ۲۲۲، ۲۱۴، ۲۱۲ - ۲۱۱ / ۱۰، ۲۸۳ / ۱)، رجال الطوسی (۴۳۱)، رجال نجاشی (۴۰۴ - ۴۰۱ / ۱)، الفهرست للطوسی (۱۵۳ - ۱۵۲)، معجم رجال الحدیث (۸۷ - ۷۴ / ۸).

قمی، ابوطالب

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند میرزا ابوالحسن از اجله علماء و سادات بلده طیبه قم و از تلامذه و شاگردان و دامادهای مرحوم میرزا ابوالقاسم قمی صاحب قوانین است و مرحوم میرزا نهایت وثوق را به او داشتند چنانکه بسیاری از حکومتات شرعیه را به ایشان رجوع می‌فرمود و عالمی ثروتمند و متمول بود که بسیاری از اراذل و ایتام و بینویان را تکفل می‌فرمود و در آن موقع که مردم قم نیازمند به آب بودند آب انبار بزرگی در قم جنب میدان کهنه بنا نمود و بعد از حیوة خود ثلث املاک خود را وقف بر مصارف خیر کرده و در سال ۱۲۴۹ وفات نمود و در بقعه جناب زکریا بن آدم مدفون گردید.

مرحوم میرزا علی اکبر فیض در تاریخ خود گوید: میرزا ابوطالب قمی الاصل است فضلی باهر و قدسی متکافر داشت و داماد مرحوم میرزا ابوالقاسم بوده و ایشان پدر و مادر مرحوم آقای حاج میرزا سید حسین متولی باشی (بقعه منوره فاطمیه معصومه علیها السلام) از همان صبیبه مرحوم میرزا بود کتابی دارد به نام سؤال و جواب.

(وف ۱۲۴۹ ق)، عالم امامی. اصل او از قم و از شاگردان و داماد میرزای قمی، صاحب «قوانین»، بود. میرزای قمی نسبت به ایشان

اعتماد فراوان داشت و بسیاری از داوریه‌های شرعی را به وی واگذار کرده بود. او عالمی ثروتمند بود و بسیاری از ایام و بینوایان را تکفل می‌نمود. در قم آب‌انبار بزرگی جنب میدان کهنه بنا نهاد و وصیت کرد که ثلث املاک او را وقف مصارف خیر کنند. وی در بقعه‌ی زکریا بن آدم دفن شد. از آثارش: کتاب «سؤال و جواب».[۱]

ایشان مالک سه روستای اطراف قم بنام های زنبیل آباد، فرج باد، و علی آباد بوده که ثلث هر یک یعنی دو دانگ از آنها را برای مصارف خیریه (روضه خانی سید الشهداء، زوار فقیر کربلا و مشهد و فقرای ارحام واقف) وقف نموده است. زنبیل آباد فعلا جزء شهر قم بنام بلوار شهید صدوقی حدود ۵۰۰ قطعه منزل و مغازه گردیده است و حاجی آباد هم بنام شهر قنوات حدود ۷۰ هکتار اراضی کشاورزی و مسکونی وقف می‌باشد علی آباد جنب مبارک آباد نیز حدود ۱۶ و نیم هکتار از اراضی کشاورزی آن از موقوفات میرزا ابوطالب می‌باشد.

برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون به نقل از متولی موقوفه

منابع زندگینامه [۱]: طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۹ / ۱۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۳۰ / ۱).

قمی، تقی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، شاعر و طیب. از نام‌آوران عراق بود و در فضل و کمال شهره‌ی آفاق. این سخن از اوست: «عادل‌ترین دردها حسد است که حاسد را در آتش حقد چنان مبتلا دارد که داد محسود از او بستاند.» وی در کنار طبابت و معالجت بیماران شعر نیز می‌سرود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آتشکده‌ی آذر (۱۲۵۸/۳)، تذکره‌ی روز روشن (۱۵۵)، الذریعه (۱۷۴/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۹۰)، هفت اقلیم (۵۰۲-۵۰۱/۲).

قمی، جواد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در مآثر و آثار می‌گوید: حاج سید جواد قمی مجتهدی مسلم و مروجی مبسوط الید بود و در نهی از منکر و منع اهل فجور قلبی قوی داشت و در حفظ حدود شرعی از هیچ نکته فرو نمی‌گذاشت مکرر به تهران آمد و صحبت شریفش ادراک شد. در فقه و اصول و رجال تصنیفات دارد در ماه رمضان سال ۱۳۰۳ قمری هجری به شهر قم رحلت یافت رفع الله درجته.

فرزند ارجمندش مرحوم عالم جلیل و فاضل کامل نبیل مرحوم حاج میرزا زین‌العابدین که از اجلاء علماء و از طراز اول تلامذه مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی قدس سره بود در حاشیه رجال ابوعلی به خط خود حالات ایشان را از این قرار نگاشته: الحاج سید جواد قمی اعلی الله مقامه ملقب به جواد نام شریفش سید محمد تقی است تلمذ نمود در عنفوان شباب بر جماعتی از اعلام و کوچ کرد از قم به اصفهان به جهت تلمذ بر سید جلیل و عالم نبیل سید محمد باقر اصفهانی و تلمذ نمود در آن شهر نیز بر

جماعتی از اعلام پس کوچ کرد به مشهد مقدس غری و تلمذ نمود مدت کمی نزد شیخ اجل مرتضی انصاری و رجوع نمود به قم و تصنیف کرد در قم کتاب «مقالید الاحکام» را در شش جلد و آن کتاب بزرگ پرفائده و پر فرعی است و کتاب «الدره الباهره فی احکام العتره الطاهره» و آن در دو مجلد است و کتاب «ینایع» در توحید و ثبوت و اثبات کفر بعض اهل الحاد و بدعت و از برای اوست قریب بیست رساله با اینکه مشغول بود به ترویج دین و قمع ظالمین و او را رحمه الله علیه محاسباتی بود با نفس خود در ایام حیاتش و مردی ورع و زاهد و کثیر التهجده و البکاء بود بسیاری از اوقات مناجات ابی حمزه ثمالی را در قنوت نماز و ترش قرائت می نمود و او را کرامات باهراتی است در موقع وفات شصت و سه سال داشت در روز شنبه سوم شهر صفر سنه ۱۳۰۳ رحلت و در دارالایمان قم در بقعه زکریا بن آدم نزد قبر پدر و جدش مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قمی، سعید

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علامه خونساری در باب سین ص ۳۰۱ روضات الجنات گوید، القاضی سعید بن محمد مفید القمی اوست مولا و فاضل حکیم بارع عارف متشرع ادیب کامل محقق صمدانی که در بعضی از نوشته‌هایش از خود تعبیر به بنده ملتجی به درب صاحبان توحید محمد معروف به سعید نموده است.

دست بازی در مراتب ولایت و عرفان و روش عالی بر طریقه اهل معرفت و وجدان دارد. وی از بزرگان فضلاء حکمت و ادب و حدیث و تأویل و مؤید به روح القدس در استنباط نکات و دقایق خفیه و اطلاع بر اسرار و ضمائر و مکاشفات بوده است. در عصر شاه صفی صفوی ریاست روحانیت و علمیت شهرستان قم با وی بوده و در بین مردم قضاوت و داوری می نمود و در شرعیات نهایت تسلط را داشته است.

بیشتر و عمده تلمذ و شاگردیش در محضر محدث بزرگوار مولانا محمد محسن فیض کاشانی بوده شباهت تامی در مشرب و روش به خواهرزاده اش شیخ نورالدین که به منزله پیراهن تن او و زبان وی در ظاهر و باطن بوده داشته است.

تألیفات و آثار ارزنده بسیاری دارد در حدیث و اخلاق که بعضی از آن را اشاره می نمایم:

۱- شرح کبیری بر کتاب توحید صدوق در چندین مجلد، ۲- کتاب اربعینیات که در او چهل رساله جمع کرده که از هر کدام چهل باب از بابهای معارف و تحقیقات باز می شود و آن از بهترین تصنیفات شیعه است.

قبر شریف این بزرگوار در نزدیک قبر جناب شیخ ابوالحسن علی بن بابویه در کنار خیابان ارم مقابل پارک فعلی شهرداری شهرستان قم می باشد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قمی، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ عباس قمی در سال ۱۲۹۴ هجری قمری در شهر مقدس قم چشم به جهان گشود. وی تحصیل علوم اسلامی را در زادگاه خود شروع کرد و در سال ۱۳۱۶ ه. ق. راهی نجف اشرف شد و در آنجا به تحصیل و تکمیل علوم و معارف اسلامی پرداخت؛ او اندوخته‌های علمی خود را در اختیار فضلا و طلاب دیگر نیز قرار داد و توانست شاگردان زیادی را تربیت نماید. محدث قمی سرانجام در سال ۱۳۵۹ ه. ق. دار فانی را وداع گفت. گروه: علوم انسانی‌رشته: الهیات و معارف اسلامی تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: شیخ عباس قمی تحصیل علوم اسلامی را نزد علمای سرشناس قم آغاز کرد سپس در سال ۱۳۱۶ ه. ق. راهی نجف اشرف شد و در جوار با عظمت و پرشکوه مولای متقیان امیرمؤمنان حضرت علی به تحصیل و تکمیل علوم و معارف اسلامی پرداخت. استادان و مریبان: شیخ عباس قمی به خاطر علاقه بسیار زیادی که با احادیث و اخبار اهل بیت داشت، همساز محدث نوری شد و رابطه این دو بزرگوار از استاد و شاگردی گذشت و به مرید و مرادی تبدیل شد و لذا این دوتن بسیاری از کتابهای محدث نوری را با هم استنساخ و مقابله و تصحیح می کردند. وقایع میانسالی: شیخ عباس قمی در سال ۱۳۴۱ ق، به درخواست جمعی از فضلا و طلاب شهر مشهد، در مدرسه میرزا جعفر شروع به تدریس نمود. اما حوادث خونین مسجد گوهر شاد که توسط رضا خان پهلوی صورت گرفت، او را وادار نمود مجدداً به نجف مهاجرت نماید. محدث قمی انسانی زاهد و پارسا بود ساده زیست لباس وی عبارت بود از یک قبای کرباس بسیار نظیف و تمیز و فرش خانه اش نیز گلیم و غذایش هم بسیار ساده. او از سهم امام استفاده نمی کرد، مردی از بازرگانان خیر تهران تا آخر عمر تبرعا وجه مختصری به ایشان می داد و وی در کمال قناعت زندگی می کرد: «روزی در نجف اشرف دو زن محترم که در بمبئی سکونت داشتند و از بستگان آفا کوچک - از محترمان نجف بودند، به حضور آن مرحوم رسیدند و تقاضا کردند هرماه مبلغ ۷۵ روپیه برایشان تقدیم کنند، تا از لحاظ زندگی در رفاه باشد حاج شیخ عباس از پذیرفتن آن خودداری می کند. میرزا محسن محدث زاده فرزند کوچک آن مرحوم اصرار نمود تا قبول نماید، ولی ایشان نپذیرفت تا اینکه زنان محترم نا امید شد، او را ترک کردند. پس از رفتن آنها فرزند به پدر گرفت من هم دیگر از کسبه بازار برای مخارج روزانه قرض نمی کنم. حاج شیخ عباس میگوید ساکت باش این همین مقدار هم که الان خرج می کنم، نمیدانم فردای قیامت چگونه جواب خدا و امام زمان (عج) را بدهم در جواب این مقدار معطل هستم. و نیز در اواخر عمرش شخصی همدانی به دیدن او در نجف می زود و از وضع داخلی ایشان جويا میشود، مرحوم محدث قمی هر چه اصرار کرد ایشان نپذیرفت پس از رفتن فرد مذکور فرزند بزرگش پرسید، پدر چرا نپذیرفتند. جواب می دهد: نازک و بدنم ضعیف است طاقت جواب خدا را در قیامت ندارم و سپس داستان امیرالمومنین در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان را نقل می کرد. آنگاه می گرید و به موعظه اهل خانه می پرداخت. در یکی از سالها مرد نیکوکاری از محدث قمی خواهش می کند که در مجلس او سخنرانی و موعظه بنماید و او را متعهد کرد که مبلغ پنجاه دینار و عراقی به ایشان بدهد اما محدث قمی گفت: من برای امام حسین به منبر می روم نه برای دیگری و مبلغ را نگرفت. زمان و علت فوت: شیخ عباس قمی در مدت اقامت در عراق همواره به کشورهای خوش آب و هوا سفر میکرد لیکن در سال ۱۳۵۹ ه. ق. به خاطر تیرگی روابط عراق و سوریه نتوانست به سوریه و لبنان مسافرت کند و در نتیجه در همان هوای بسیار گرم نجف بسر برد، لذا این امر موجب شدت بیماری و کسالت دائمی وی شد تا اینکه نهایتاً در سن ۶۵ سالگی شب سه شنبه ۲۳ ذی الحجه الحرام سال ۱۳۵۹ ه. ق. فوت کرد. فعالیتهای آموزشی: شیخ عباس قمی در سال ۱۳۴۱ ه. ق. بنا به درخواست عده ای از فضلا و طلاب حوزه علمیه مشهد، آموزش درس اخلاقی را در شبهای پنجشنبه و جمعه در مدرسه میرزا جعفر شروع کرد. می گویند: قریب هزار نفر از طلاب و علمای در شهر مجالس درس وی حاضر می شدند. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی، از دوستان و همنشینان شیخ عباس قمی، از وی چنین یاد می کند: محدث قمی پیوسته سرگرم کار بود، عشقی شدید به نوشتن و تالیف و بحث و تحقیق داشت، هیچ امری او را از این شوق و عشق منصرف نمی کرد، و مانعی در این راه نمی شناخت. محدث قمی در زمان اقامت در عراق تابستانها برای زیارت و تجدید قوا به کشورهای خوش آب و هوای لبنان و

سوریه سفر کرد. آثار: الدار النظیم فی لغات القرآن العظیم ویزگی اثر: کتاب در عین حالی که لغات قرآن را کاملاً شرح داده و معانی آنها را روشن ساخته مختصر و موجز است لذا استفاده از آن بسیار آسان است در مورد همین ویزگی مولف چنین نگاشته است. هذا مختصر منیف و سفر لطیف، عملیه فی توضیح لغات القرآن الشریف فی غایه الایجاز و الاختصار، لیسهل علی الطالبن تحصیله و لا- تفسیر علیهم مصاحبه و تحویلہ این کتاب مختصر است و لطیف و بسیار نیکو، آن را در شرح و توضیح لغات قرآن شریف در نهایت ایجاز و اختصار نگاشتن با اینکه استفاده از آن برای خوانندگان آسان باشد و همراه بردن و نقل و انتقالش مشکل نباشد ب: منابع و ماخذ کتاب آثار کهن و گران سنج و در نتیجه مورد اطمینان است لذا کتاب از اعتبار خاصی برخوردار است. ج: مولف صرفاً بشرح لغات بسنده نکرده بلکه به مسائل صرف و نحو نیز پرداخته و میتوان گفت کتاب سرشار از بحثهای ادبی است. د: در لابلای مطالب به مناسبتهای گوناگون، روایات جالب و روشنگر مطلب وارد شده است. که این امر راهگشای بسیاری از مسایل است. [کیهان فرهنگی، شماره ۵، مرداد ۱۳۶۶، ص ۳۷ و ۳۸]

منابع زندگینامه: کیهان فرهنگی، شماره ۵، مرداد ۱۳۶۶، ص ۳۶

قمی، عبدالله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

از بزرگان علماء و سادات سلسله جلیله رضویه برقمی قم است که سلسله نسب و اجازه‌اش را در سنگ قبرش که در شیخانست نوشته‌اند.

در ابتداء جوانی مهاجرت به نجف اشرف نمود و در آن شهر بر علماء اعلام مخصوص شیخ راضی عرب و مرحوم حاج میرزا حبیب‌الله رشتی قدس سرهما تلمذ نمود تا به درجه رفیعه اجتهاد نائل گشته و در سال ۱۲۸۸ هجری مجتهداً به قم مراجعت نمود. و در مسجد امام حسن علیه‌السلام اقامه جماعت می‌کردند در شهر قم ریاستی بزرگ داشت. و قریب چهل سال مشغول ترویج شریعت و رفع مرافعه و قضاوت بود تا در شهر ربیع‌الاول سنه ۱۳۳۳ هجری در سن هشتاد و چهار سالگی بدار بقا خرامید و در قبرستان شیخان بزرگ در مجاورت قبر ابو جریب اشعری مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قمی، غلامعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ غلامعلی قمی عالمی صالح و متقی و فاضلی جلیل و پارسا از افاضل شاگردان آخوند خراسانی و مشار بالبنان مقیم سامرا بوده و در آنجا وفات نموده و جنازه‌اش حمل بنجف و در جوار حضرت علی (ع) مدفون شده است دارای دو فرزند فاضل بنام آشیخ محمود (داماد مرحوم آیت‌الله حاج شیخ علی اکبر برهان تهرانی) و آشیخ هادی که از افاضل نجف می‌باشند بوده است

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قمی، فیض

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم آیت‌الله فیض قمی از آیات عظام و فقهاء کرام و مراجع والامقام شهرستان قم عالمی عادل و جامعی کامل و فقیهی بزرگوار بوده‌اند. تولدش در سال ۱۳۹۳ قمری در قم واقع شده و مقدمات و سطوح را خوانده و برای تکمیل فقه و اصول و حکمت و عرفان به تهران رفته و خدمت آیت‌الله حاج میرزا حسن آشتیانی صاحب حاشیه بر وسائل تحصیل فقه و اصول نموده و نزد میرزا محمود قمی و شیخ علی رشتی تحصیل حکمت و عرفان کرده و در سال ۱۳۱۷ به نجف اشرف عزیمت و در حوزه درس مرحوم آخوند خراسانی و علامه طباطبائی یزدی شرکت کرده است و پس از استفاده کامل از محضر این دو بزرگوار برای سیر دقیق افکار و تحقیقات رشیده حضرت آیه‌الله میرزا محمدتقی شیرازی به سامرا هجرت نموده و علاوه از اینکه در شمار اعظام تلامذه آن بزرگوار درآمدند یکی از مدرسین نامی آنجا محسوب شده فوق‌العاده مورد عنایت و عقیده و طرف توجه مرحوم شیرازی گشته که همان زمان در احتیاطات مطلق بعضی از مقلدین خود را به ایشان ارجاع می‌فرمودند.

چنانچه بعد از مراجعت به قم هر کس از اهالی قم و ساوه و اطراف آن که از آیت‌الله مزبور سؤال می‌نمودند که احتیاطات مطلق شما را به کدام یک از علماء رجوع کنیم ایشان را در قم تعیین می‌کردند.

در سال ۱۳۳۳ قمری به قم مراجعت کرده و از رؤسای روحانی این شهر گردیده و برای تربیت طلاب علوم دینیه آن زمان (پیش از ورود مرحوم آیت‌الله حایری) کمر همت بسته مدرسه فیضیه که بسیاری از حجرات آن انبار علافها و بقالها شده بود از دست آن جماعت انتزاع نموده و مسکن طلاب قرار داده و خود در آن مدرسه تدریس می‌فرمودند.

و قبل از ورود مرحوم حایری در مسجد بالاسر حضرت معصومه علیهاالسلام اقامه جماعت داشتند پس از آمدن آن مرحوم محل نماز خود را تفویض و تا چند شب هم به ایشان اقتداء و بعد در مسجد امام علیه‌السلام مستقلا اقامه جماعت نموده و در همانجا هم تدریس می‌کردند.

پس از فوت مرحوم آیت‌الله حایری همت بیشتری برای حفظ جمعی از طلاب و محصلین گماشته و به آنها شهریه خصوصی می‌دادند در سال ۱۳۶۷ قمری که سال حج العلماء بود با چند نفر از فرزندان و خواص اصحاب خود به مکه مشرف شده که این حقیر در منی و مکه زیارتشان کردم و از محضر فیضشان درک فیض کردم.

در ۲۵ ماه جمادی‌الاولی سال ۱۳۷۰ قمری در هنگام نماز موقع تشهد از دنیا رفت و قم و حوزه علمیه و مسلمین را به فقدان خود داغدار نمود قبر شریفش در ایوان طلای حضرت معصومه علیهاالسلام مورد توجه مردم است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قمی، محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن قمی

محل تولد : مامازند ورامین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی در روستای مامازند ورامین به دنیا آمد. پدرش از کشاورزان زحمتکش و ساده زیست آن منطقه بود که به علت تدین و پارسایی زیاد به شیخ حسین معروف شده بود. او را که پنجمین فرزند خانواده بود، محسن نام نهادند. در سن پنج سالگی قرآن را از پدر خویش یاد گرفت. محسن در ۷ سالگی وارد کلاس درس شد و تحصیلات ابتدایی را در مدرسه اندیشه به اتمام رسانید. در سال ۱۳۵۰ و در سن ۱۱ سالگی به قم رفت و به تحصیل علوم دینی در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی مشغول شد. او در دوران طلبگی شاگرد ممتاز مدرسه بود و به دفعات مکرر توسط حضرت آیت الله گلپایگانی مورد تشویق قرار گرفت و در سن ۱۴ سالگی شروع به تدریس دروس ادبیات و مقدماتی در حوزه علمیه نمود. ایشان سطوح عالی تحصیل حوزوی خود را نزد اساتید بزرگواری همچون حضرات آیات فاضل لنکرانی، ستوده، اعتمادی، صلواتی و صالحی مازندرانی به پایان رسانید. حجة الاسلام والمسلمین محسن قمی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به تحقیق و تحصیل و تدریس در حوزه پرداخت و با شروع جنگ تحمیلی همراه با برادران خویش به ندای پیر انقلاب لبیک گفته و عازم جبهه های نبرد حق علیه باطل شدند. در سال ۱۳۶۰ در هنگام محاصره آبادان مجروح گردیده و به مقام رفیع جانبازی نائل گشت. در جریان انقلاب اسلامی و دفاع مقدس ۵ نفر از خانواده حجة الاسلام محسن قمی به فیض شهادت نایل گشتند.

قمی، محمد بن رضا

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ حر عاملی در کتاب امل‌الامل گوید: آنجناب از فضلاء معاصرین بوده و گوید او راست شرح منظومه در معانی و بیان که یکصد بیت است و آن را «انجاح المطالب» نامیده و صاحب روضات گوید المولی میرزا محمد بن المولی محمد بن رضا بن المولی اسماعیل ابن جمال‌الدین المشهدی القمی مردی فاضل و عالمی عامل و جامع و ادیب و محدث و فقیه و منسر و نبیه و موثق و وجیه و از علماء زمان علامه سبزواری (جناب مولى محمدباقر ابن محمد مؤمن سبزواری اصفهانی) و علامه مجلسی (صاحب بحار) و مرحوم فیض کاشانی است او راست کتاب تفسیر کبیر موسوم به «کنزالدقایق و بحرالغرائب» که تقریباً یکصد و بیست هزار بیت است و سبقت نگرفته است او را به این طرز تفسیر احدی از علماء قدیماً و جدیداً و از برای اوست ایضاً کتاب کبیری در اعمال سال به فارسی که خوش طرز و پرفایده است و رساله‌ای به عربی در احکام صید و ذباحت با نهایت استدلال و غیر اینها از کتب دیگر. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قمی، محمد طاهر

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۰۰ / ۱۰۹۸ ق)، عالم امامی، فقیه، محقق، متکلم و محدث. وی شیخ الاسلام و امام جمعه‌ی رسمی قم و استاد شیخ حر عاملی و علامه‌ی مجلسی بود و این دو از وی روایت کرده‌اند. در قم درگذشت و در پشت مرقد زکریا بن آدم دفن شد. از آثار وی: «الاربعون حدیثاً دلیلاً»، در امامت ائمه (ع)، که در کنار چهل حدیث، چهل دلیل در اثبات امامت امیرالمؤمنین (ع) ذکر کرده و عقاید عامه را در اصول و فروع به نقد کشیده و آن را «الاربعین فی فضائل امیرالمؤمنین و امامه الائمه الطاهیرین (ع)» نامیده است؛ «بهجه الدارین»، در جبر و تفویض و امر بین الامرین؛ «حجه الاسلام»، در شرح «تهذیب الاحکام»؛ «فرحه الدارین»، در تحقیق معنی عدالت بر مذهب امامیه؛ «حکمه العارفین فی رد شبه المخالفین من المتصوفین و المتفلسفین»؛ «مونس الابرار»، قصیده‌ای به فارسی در مدح امیرالمؤمنین (ع) و شرح آن به نام «تحفه الابرار» یا «تحفه الاخیار»؛ رساله «الجمعه»؛ رساله «الفوائد الدینیة»؛ رساله در معنی نماز به فارسی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۲۰۵ / ۲ / ۴۱۴، ۳۹۲، ۲۰۰، ۵۵، ۱ / ۱)، الذریعه (۲۸۱-۲۸۰ / ۲۷۲، ۲۳ / ۱۵۸، ۱۶ / ۲۷۸، ۷۳-۷۲ / ۱۵، ۱۳ / ۱۵۷، ۴۱، ۵۸، ۴۰- / ۲۵۷، ۷ / ۴۹۸، ۶ / ۴۱۷، ۴ / ۱۶۲، ۳ / ۴۱۹، ۲۰۰ / ۱)، ریاض العلماء (۱۱۱ / ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۰۳-۳۰۲ / ۱۱)، فوائد الرضویه (۵۴۸)، معجم المؤلفین (۱۰۱ / ۱۰)، هدیه العارفین (۳۰۱ / ۲).

قمی، محمدرضا

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ محمدرضا قمی فقیهی بارع و عالمی جلیل از شاگردان میرزای شیرازی بوده و در تهران اشتغال به وظائف دینی و روحی داشته تا وفات نموده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قمی، محمدطاهر

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن محمد حسین الشیرازی ثم النجفی، در کتاب امل‌الامل است که وی از اعیان فضلاء معاصرین و مردی عالم و محقق و مدقق و بسیار ثقه و فقیه و متکلم و محدث و جلیل‌القدر و عظیم‌الشأنست.

او را کتبی است که از آنهاست «شرح تهذیب الحدیث» و کتاب «حکمه العارفین» در رد شبه مخالفین و کتاب «اربعین» در فضائل امیرالمؤمنین و امامت ائمه‌ی طاهیرین و «رساله جمعه» و رساله «فوائد دینیة» در رد حکماء و صوفیه و کتاب «حجه الاسلام» و غیر اینها از کتب و رسائل که ما آنها را از او روایت می‌کنیم.

نگارنده گوید: این بزرگوار که معاصر با محقق فیض کاشانی و دولت صفویه است در زمان خود شیخ‌الاسلام قم و امام جمعه بوده

در سفری که به اصفهان نموده علامه مجلسی صاحب بحارالانوار از وی اجازه گرفته که در کتاب اجازات بحار آن را ذکر کرده است و در کاشان نیز دانشمند عظیم‌الشأن مرحوم ملا محسن فیض به ملاقاتش رفت و از اینجا میزان شخصیت و موفقیت ممتاز این عالم جلیل‌القدر معلوم می‌گردد.

کتاب دیگری به نام «تحفه‌الاخیار» که به فارسی بسیار سلیس و متین در رد صوفیه نوشته است که مرحوم عاملی آن را ذکر نکرده و این از بهترین کتب رد صوفیه است و این کتاب مطبوع می‌باشد قبر شریف این بزرگوار در شیخان قم در بقعه جناب زکریا بن آدم است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قمی، محمدعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ محمدابراهیم بن محمدعلی قمی عالمی فقیه و پرهیزکاری مقدس از شاگردان صاحب (الضوابط) و صاحب جواهر و علامه انصاری داماد شیخ مشکور نجفی بوده و در تهران اقامت نموده تا در ۲۸- ج ۱۳۰۱- ۲ ق وفات نموده فاضل مراغی در کتاب (المآثر والاثار) ص ۱۷۹ وی را یاد نموده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قمی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

از علماء و وعاظ درجه اول قم بود که در ترتیب مطالب منبری و حسن ابتکار آن ربطی عظیم داشت و منبرش برای عموم خصوصاً طبقه عوام زیاد نافع بود. در سال ۱۲۶۶ در قم متولد شده و در اوائل جوانی تحصیل فقه و اصول نموده و چندی هم در قم امامت جماعت داشت دارای ذوقی سلیم و طبعی سرشار بود و در مراثی حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام و خاندان مظلوم پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم اشعاری داشت که اکنون نزد فرزند ارجمندش حجه‌الاسلام آقای حاج میرزا ابوالفضل زاهدی موجود می‌باشد.

در دوره اول مشروطی از طرف اهالی قم به وکالت مجلس شورا و پارلمان انتخاب گردید و می‌فرمود من در کتابخانه خود بدون اطلاع و خبری نشسته بودم که خبر دادند اهالی شما را به وکالت مجلس انتخاب نموده‌اند. پس در همان دوره اول به تهران عزیمت نمود و در مجلس شرکت کرد.

از آثار آن مرحوم است چهار جلد کتاب که در مواعظ و مجالس منبری ترتیب و تألیف نموده که خیلی با سلیقه و مفید و خوب نوشته‌اند. دیگر در اواخر عمر کتابی هم در فضیلت صلوات مرقوم نموده‌اند در سن ۸۷ سالگی در سال ۱۳۵۱ هجری وفات نموده و در صحن کهنه مقابل بقعه محمد شاه مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قمیشه‌ای، ابوالفتح

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم و فاضل حکیم بوده، و در قرن دوازدهم می‌زیسته است، و حواشی بر شرح اصول کافی نگاشته که آن را فرزندش محمد مهدی قمیشه‌ای در نسخه‌ای از کتاب مرقوم، که در تاریخ ۲۶ شعبان سال ۱۱۳۳ از کتابت آن فراغت یافته است، نقل نموده است. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قمیشه‌ای، مفیدالله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم فاضل ادیب، ساکن اصفهان بوده، و در ۱۲۹۳ وفات یافته، نزدیک خواجه‌ی مدفون گردید. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قنادی، صالح

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

صالح قنادی

محل تولد: کربلا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب صالح قنادی پس از اخذ دیپلم در رشته الکترونیک و قبولی در دانش سرای تربیت معلم و دانشگاه تهران، دروس طلبگی را در مدرسه حاج آقای مجتهدی تهران شروع کردم. از سال حدود ۶۳ تا ۶۷ دروس مقدماتی تا اوایل رسایل و مکاسب را گذراندم و برای ادامه تحصیل به قم عزیمت کردم و از محضر اساتید محقق داماد و استادی و اعتمادی جهت رسایل و مکاسب استفاده کردم و کفایه را نزد آیت الله قدیری گذراندم و حدود هشت سال درس فقه آیت الله میرزا جواد تبریزی و اصول آیت الله وحید خراسانی گذراندم و هم زمان رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآنی را گذراندم و در این زمان پایان نامه سطح ۳ مدارج علمی را با موضوع اجتماعی امر و نهی دفاع کردم و پایان نامه سطح ۴ با عنوان صفات جمالیه و جلالیه خداوند با رویکرد تجلی صفات در نظام تکوین

و تشریح و نظام آخرت. حظ عبد از این صفات به پایان رساندم و در سال ۷۹ با موفقیت دفاع کردم. هم زمان و در ادامه سه جلد تفسیر موضوعی با عنوان مفاهیم اعتقادی در قرآن، اخلاق در قرآن و مفاهیم اخلاقی در قرآن جهت مدارس علمیه خارج از کشور تألیف کردم و با همکاری آقایان حمید محمدی و غلام علی همایی شش جلد تفسیر تربیتی بشری تدوین شده است که اکنون کتاب درسی حوزه های خواهران می باشد. هم چنین کتاب قرآن شناسی با همکاری جمعی از محققان با جمع آوری پرسش و پاسخهای دانشجویان تدوین شده است. و حدود بیست جلد کتاب پرسش و پاسخهای دانشجویی را به عنوان مسئول اداره مشاوره و پاسخ نهاد رهبری در دانشگاهها تنظیم و به چاپ رسانیدم. هم زمان به تدریس در دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد در موضوعات تفسیر تربیتی و تفسیر موضوعی داشته ام و به عنوان استاد راهنما و مشاور و داور حدود ۱۰ پایان نامه را عهده دار بودم.

قناعت باجگیران، جواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۹، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: میکروبیولوژی، دانشکده: داروسازی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

گذراندن دوره دستیاری میکروبیولوژی پزشکی در سال ۱۳۵۲، دکترای تخصصی میکروبیولوژی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۵۳، درجه M.S.C از دانشگاه جرج تاون آمریکا در سال ۱۳۵۹.

مرتبه علمی:

طی مرحله استادیاری و ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

زمینه های علمی و تحقیقاتی:

میکروبیولوژی بالینی، استاد راهنمای ۲۰ پایان نامه دکترا و دکترای تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

میکروبیولوژی پزشکی، ویروس شناسی پزشکی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۸، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

میکروبیولوژی بالینی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

قنبرپور، علیرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۳۱۹.

درگذشت: ۱۵ شهریور ۱۳۷۱.

دکتر علیرضا قنبرپور دارای درجه‌ی دکترای علوم دارویی از دانشگاه کلمبیا بود و در دانشگاه تهران تدریس می‌نمود. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

قنبرپور قوچانی، علیرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۹، مرتبه علمی: استاد، رشته: داروسازی، دانشکده: داروسازی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی داروسازی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۲، کارشناسی ارشد داروسازی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳، کارشناسی ارشد علوم دارویی از دانشگاه کلمبیا آمریکا در سال ۱۳۴۹، دکترای علوم دارویی از دانشگاه کلمبیا آمریکا در سال ۱۳۵۲. مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۲، تا سال ۱۳۵۷، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۶، استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۶۶ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تهیه دی‌سیکلوکومین، نیریدازول و متیل فنیدیت، تیه مترونیدازول، آمپی‌سیلین و آموکسی‌سیلین، تهیه کلوکساسیلین و آمینوپنی سیلانیک اسید، تهیه نیفیدپین، بوکلوزامید، متوکلوزامید و آنتازولین، تیه نالوکسان، تهیه نالترکسون، تهیه کدئین، تهیه کلر هیدرات سیکلیزین، تهیه تیابندازول، سنتزپنی سیلین‌های جدید.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

سنتتیک ساده واکنش‌های مبادی آنتی‌بیوتیک، شرح ریاضی سنتتیک‌های شیمیائی در محلول و شیمی داروئی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

N- متیل برداری از تبائین، N- بنزیل نور تبائین، سنتز مشتقات جدیدی از تبائین، الکلوئیدهای گلوسیوم فلاوم نوع لئوکاریوم رحمت آباد رودبار و غیره.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

قندوزی بلخی، سلیمان

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۹۴ / ۱۲۹۳ - ۱۲۲۰ ق)، فقیه حنفی و صوفی. ساکن قسطنطنیه بود و در همان جا درگذشت و در مقبره‌ای مخصوص، در خانقاه مرادیه، دفن شد. از آثار وی: «اجمع الفوائد»؛ «مشرق الأ-کوان»، بشاراتی درباره حضرت حجت (ع)؛ «ینابیع الموده»، در مناقب ذی القربی و اهل بیت نبی (ص) که در ۱۳۰۱ ق، در عهد دولت عثمانی، در اسلامبول به چاپ رسید.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۷۳۱ / ۲)، الذریعه (۲۹۰ / ۲۵، ۴۷ / ۲۱)، معجم المؤلفین (۲۵۲ / ۴)، هدیه العارفین (۴۰۸ / ۱).

قندی، شهریار

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

قندیها، احد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: فارماکولوژی، دانشکده: داروسازی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای فارماکولوژی از دانشگاه استرس کلاید انگلستان.

مرتبه علمی:

استاد دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فارماکولوژی بنیادی و نوروماسکولار، تحقیق در زمینه محل تلاقی عصبی و عضلانی مخطط شامل عصب حرکتی و فیبر عضلانی مخطط، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۵۰ پایان‌نامه دکترای فارماکولوژی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۵۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

فارماکولوژی بنیادی، نوروماسکولار.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

قوام الدین کرمانی، ابومحمد، ابوالفتح مسعود

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۷۴۸-۶۶۴ ق)، ادیب و فقیه حنفی. در دیارش علوم مقدماتی را فراگرفت و آن‌گاه در ادبیات عرب و فقه و اصول مهارت پیدا کرد و نظم و نثر نیکویی یافت. پس به دمشق رفت و ساکن آنجا شد. سپس مدتی را در قاهره گذرانید و سرانجام به دمشق بازگشت و تا پایان عمر در آنجا ماند. از آثارش: شرح «کنز الدقائق» به نام «شرح الکتز»، در فروع فقه حنفی؛ حاشیه بر «الکاشف الذهنی» در شرح «المغنی» خبازی خجندی، در اصول فقه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۱۵ / ۸)، شذرات الذهب (۱۵۸-۱۵۷ / ۶)، کشف الظنون (۱۷۴۹، ۱۵۱۶)، هدیه العارفین (۴۲۹ / ۲).

قوام السنه اصفهانی، ابوالقاسم اسماعیل

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۳۵-۴۵۷ ق)، مفسر، حافظ، محدث و لغوی شافعی. معروف به جوزی و قوام‌السنه جوزی. از ابوعمر و عبدالوهاب بن منده و عائشه بنت حسن و ابراهیم بن طیان و قاضی ابومنصور شکرویه و محمد بن احمد سمسار و احمد ذکوانی و رئیس ابوعبدالله ثقفی و عاصم بن حسن و محمد زینی و ابوبکر بن خلف شیرازی و ابونصر سراج و عبدالرحمان واحدی در اصفهان و بغداد و نیشابور حدیث شنید. او همچنین سالی را در مجاورت مکه گذرانید و املاء و تصنیف نمود. ابوسعید سمعانی و ابوالعلاء همدانی و ابوطاهر سلفی و ابوالقاسم بن عساکر و ابوموسی مدینی و ابوسعید صائغ و عبدالله بن محمد خباز و ابوالمجد زاهر بن احمد ثقفی و محمود عبدکوی از شاگردان وی در حدیث می‌باشند. ابوموسی مدینی او را پیشگام و استاد علمای زمانش می‌داند. یحیی بن منده گوید که در عصر او مثل او نبود. او در تفسیر، معانی، اعراب و فقه سرآمد اقران بود. فتاوای او در شهر و روستا شهرت داشت. وی کتاب

بسیاری به عربی و فارسی نگاشت. از آثارش: «الجامع»، در تفسیر، سی مجلد؛ «المعتمد»، تفسیری در ده مجلد؛ «الایضاح»، در تفسیر، در چهار مجلد؛ «الموضح»، تفسیری به فارسی در چندین مجلد؛ «دلائل النبوه»؛ «التذکره»، حدود سی جزء؛ «سیر السلف»، در شرح حال صحابه و تابعین؛ «الترغیب و الترهیب»؛ «شرح الصحیحین»؛ «المغازی»؛ «اعراب القرآن». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۲۳-۳۲۲ / ۱)، الاعلام بوفیات الاعلام (۳۵۶ / ۱)، سیر النبلاء (۸۸-۸۰ / ۲۰)، شذرات الذهب (۱۰۶- / ۱۰۵)، طبقات الحفاظ (۴۶۴-۴۶۳)، العبر (۴۴۷-۴۴۶ / ۲)، الکامل (۳۶۹ / ۸)، کشف الظنون (۱۹۰۴، ۱۷۳۲، ۱۴۰۴، ۶۳۱، ۷۶۰، ۵۷۵، ۵۷۱، ۵۵۸، ۵۵۴، ۴۴۲، ۴۰۰، ۲۱۱، ۱۲۳)، النجوم الزاهره (۲۶۱ / ۵)، الوافی بالوفیات (۲۱۱ / ۹)، هدیة العارفین (۲۱۱ / ۱).

قوام، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

معروف به «قوام السلطنه»، در ۱۲۵۲ ش در تهران متولد شد. پدرش میرزا ابراهیم معتمد السلطنه از رجال دوره‌ی ناصری و جدش قوام الدوله وزیر دفتر استیفا بود. مادرش طاووس خانم دختر میرزا محمدخان مجدالملک سینکی صاحب رساله مجدیة و پدر میرزا علی خان امین الدوله است. قوام تحصیلات مقدماتی را به اتفاق برادرش حسن و ثوق نزد معلمین خصوصی فراگرفت، سپس در زمینه‌ی ادبیات فارسی و صرف و نحو عربی، عروض و قافیه و معانی بیان و ریاضیات قدیم ادامه‌ی تحصیل داد و مدتی نیز در مدرسه‌ی مروی به آموزش فلسفه و حکمت اشتغال ورزید. تلاش او در حسن خط موجب شد که در عداد خطاطان درجه‌ی اول روز قرار بگیرد.

قوام وقتی به سن رشد رسید، معتمد السلطنه شمه‌ای از تحصیلات او و نمونه‌ای از خط او را نزد ناصرالدین شاه برد و برای فرزند خود تقاضای شغل و لقب نمود. شاه وقتی از حسن خط و شیوه‌ی نگارش این جوان واقف شد، او را جزء پیشخدمتان مخصوص قرار داد و ملقب به عنوان دبیر حضور کرد.

در سال ۱۳۱۴ ه. ق میرزا علی خان امین الدوله دای او با پیشکاری ولیعهد به آذربایجان رفت و میرزا احمد دبیر حضور را نیز به عنوان منشی و رئیس دفتر مخصوص با خود به این ماموریت برد. چند ماهی پس از این ماموریت، امین الدوله به تهران احضار شد و به جای میرزا علی اصغر خان امین السلطان به صدارت رسید و قوام را منشی و رئیس دفتر خود نمود.

عبدالله مستوفی در تاریخ قاجار درباره‌ی این سمت دبیر حضور چنین می‌نویسد: «منشی گری صدراعظم در این ایام هم مثل سابق زیبایی خط و انشاء و امانت و صحت و پشتکار و هوش و فراستی لازم داشت که در همه یافت نمی‌شد زیرا هنوز هم نوشتن نامه به طور مرتجل و بدون پیش‌نویس و قلم‌خوردگی از لوازم کار به شمار می‌آمد. عهده کردن این کار زیر دست نویسنده دقیق و صاحب خطی مانند امین الدوله کار هر بافنده و حلاج نبوده و آقای دبیر حضور تمام مزایای شغل را از زیبایی خط و انشاء مرتجل و امانت و پشتکار حائز بود».

میرزا احمدخان دبیر حضور مادام که امین الدوله صدراعظم بود، در آن سمت حساس قرار داشت. پس از کناره‌گیری امین الدوله، راه اروپا را پیش گرفت و متناوباً قریب ۳ سال در اروپا به تکمیل تحصیلات و آموزش زبانهای خارجی اشتغال ورزید. در ۱۳۲۲ ه. ق عین الدوله صدراعظم شد، دبیر حضور را به تهران فراخواند و به او مقام و عنوان وزیر رسائل داد. این سمت در آن ایام در حقیقت معاونت اجرائی و اداری نخست‌وزیر بود. در سفر سوم مظفرالدین شاه به اروپا در زمره‌ی همراهان قرار گرفت. پس از

بازگشت به تهران، با دریافت لقب وزیرحضور، رئیس دفتر مخصوص مظفرالدین شاه شد. او در این سمت توانست اعتماد شاه را نسبت به خود جلب کند. قوام در اثر توقف طولانی در اروپا و مطالعه در نوع حکومتها به حکومت قانون و مشروطیت بستگی داشت و از این رو از سنگر دفتر مخصوص، شاه را تشویق به اعطای مشروطیت می‌نمود. اقدامات قوام و اعلم‌الدوله ثقفی پزشک مخصوص در این باره قابل تقدیس است. قوام فرمان مشروطیت را به خط زیبای خود نوشت و آن را برای امضاء نزد مظفرالدین شاه برد و در اثر اصرار سرانجام فرمان را به توشیح رسانید.

قوام در ۱۳۲۴ پس از فوت نریمان‌خان قوام‌السلطنه وزیرمختار ایران در اتریش با اهداء ۲۵ هزار اشرفی برای خود از شاه لقب قوام‌السلطنه گرفت.

قوام از تاریخ صدور فرمان مشروطیت تا فتح تهران، کار دولتی نداشت و گاهی به عنوان میانجی بین مشروطه‌خواهان و مستبدین می‌شد و یا بعضی تندروی‌ها را تعدیل می‌کرد.

پس از خلع محمدعلی میرزا و اداره‌ی کشور وسیله‌ی سپهسالار و سردار اسعد از طرف سردار اسعد به معاونت وزارت داخله منصوب شد. ظاهراً مقام وزارت با سردار بود ولی او عملاً هیچگونه مداخله‌ای در کارها نداشت. قوام سازمانی بر اساس کشورهای اروپائی برای وزارت داخله پی‌ریزی کرد و مسئولیتها را مشخص نمود و برای احراز مشاغل ضوابطی تعیین نمود. در مرداد ۱۲۸۹ در کابینه‌ی اول مستوفی‌الممالک، وزارت جنگ را احراز کرد. قوام‌السلطنه در این سمت توانست لایحه‌ی خلع سلاح مجاهدین را از تصویب مجلس بگذراند. همچنین از خودسری‌های بختیاری‌ها و تروریست‌ها جلوگیری کند. ستارخان و فدائیان او که مسلح و غالباً موجب بروز حوادث ناگواری در شهر می‌شدند، خلع سلاح شدند. در زدوخوردی که بین قوای دولتی و فدائیان ستارخان در پارک اتابک به وقوع پیوست، ستارخان گلوله خورد. قوام در همین سمت قیمتی برای سلاح مردم تعیین کرد و با قیمتی مناسب آنها را خرید و تحویل انبار مهمات وزارت جنگ داد.

در ۱۲۹۰ ش در کابینه‌ی دوم محمدولی‌خان سپهدار تنکابنی به وزارت عدلیه منصوب شد و در مرداد همان سال در هیئت دولت صمصام‌السلطنه بختیاری به وزارت داخله رسید و در هر سه ترمیم کابینه در وزارت داخله باقی ماند. در ۱۲۹۱ در کابینه‌ی محمدعلی‌خان علاء‌السلطنه وزارت مالیه را عهده‌دار گردید. در ۱۲۹۶ در نخست‌وزیری دوم علاء‌السلطنه وزیر داخله شد. در کابینه‌ی سلطان عبدالمجید میرزا عین‌الدوله همچنان مقام وزارت داخله را حفظ کرد.

در ۱۲۹۶ قوام‌السلطنه به جای کامران میرزا قاجار به ایالت خراسان منصوب شد. پس از ورود به مشهد، خود را فرمانروای کل ایالت خراسان و سیستان خواند. در این ماموریت، قوام‌السلطنه اقدامات چشمگیری برای ایجاد امنیت از طریق تقویت ژاندارمری و شهربانی به عمل آورد و اعتباراتی از مرکز برای تهیه‌ی تفنگ و مهمات دیگر تحصیل نمود. یاغیان و طاغیان را سر جای خود نشاند و به این استان پهناور امنیت نسبی بخشید. در همین ایام موجبات انتقال کلنل محمدتقی‌خان پسیان را برای ریاست ژاندارمری خراسان فراهم نمود و ساز و برگ مناسب و در خور یک واحد نظامی قومی برای او تدارک دید و از هر جهت کلنل را مورد تایید و تشویق قرار داد.

قوام‌السلطنه تا پایان ۱۲۹۹ در استان خراسان مستقر بود. بعد از کودتای ۱۲۹۹ و نخست‌وزیری سید ضیاء‌الدین طباطبائی و صدور ابلاغ اعلامیه‌های تازه نخست‌وزیر از مرکز توضیح بیشتری خواست ولی سید ضیاء که از او بیم داشت، دستور توقیف او را به کلنل محمدتقی‌خان پسیان داد روز سیزده نوز ۱۳۰۰ هنگامی که قوام با کالسکه‌ی مخصوص خود از باغ ملک آباد عازم شهر بود، در مقابل ژاندارمری توسط ماژور اسمعیل‌خان بهادر معاون کلنل دستگیر و زندانی شد و کلنل عهدشکنی خود را نسبت به ولی نعمت خود که سوگند وفاداری به او خورده بود شکست. کلنل پس از دستگیری قوام، اموالش را مصادره کرد و او را تحت‌الحفظ با گاری پستی به تهران فرستاد و تحویل زندان قصر داد.

در خردادماه ۱۳۰۰ سید ضیاءالدین از ریاست دولت معزول و به اروپا تبعید شد و شهاب‌الدوله شمس ملک آراء رئیس تشریفات سلطان احمدشاه فرمان نخست‌وزیری قوام‌السلطنه را در زندان قصر به او ابلاغ کرد.

قوام در چهاردهم خرداد رئیس‌الوزراء شد. در همین کابینه برای جلوگیری از تندیروهای سردار سپه، مصدق‌السلطنه را به وزارت مالیه معرفی کرد و از مجلس برای او اختیارات گرفت و در تمام مدت نخست‌وزیری، وزارت داخله را خود متصدی گردید. قوام پس از نه ماه زمامداری و یک سلسله اقدامات بنیادی، در بهمن‌ماه همان سال جای خود را به مشیرالدوله داد ولی مشیرالدوله بیش از چهار ماه نتوانست دولت را اداره کند و کنار رفت و مجلس بار دیگر قوام‌السلطنه را به ریاست‌الوزرائی برگزید. قوام در این دوره از نخست‌وزیری مورد تایید مدرس و اصلاح‌طلبان بود. در این دوره، قوام لایحه‌ی تشکیل بانک ملی و استخدام مستشاران آمریکائی را برای امور مالی تقدیم مجلس کرد. نخست‌وزیری دوم قوام‌السلطنه، حدود هشت ماه طول کشید و مستوفی جانشین او شد.

قوام در ۱۳۰۲ ظاهراً به جرم توطئه‌ای علیه وزیر جنگ تحت تعقیب قرار گرفت و مدتی توقیف بود تا در اثر وساطت عده‌ای از زندان آزاد و رهسپار اروپا گردید و سالها به صورت انزوا و تبعید در اروپا به سر می‌برد تا اینکه در اثر وساطت وثوق‌الدوله و ذکاءالملک فروغی به تهران آمد و دور از کارهای سیاسی در لاهیجان به کشاورزی مشغول شد. بعد از شهریور ۱۳۲۰ بار دیگر قوام وارد صحنه‌ی سیاست شد و خود را کاندیدای نخست‌وزیری کرد. فروغی برای رهائی از تحریکات قوام، او را به عضویت کابینه دعوت نمود ولی قوام نپذیرفت و همچنان در کمین نخست‌وزیری نشست. قوام، محمدرضا پهلوی را جز یک بار در دوران خردسالی ندیده بود. در ۱۳۰۱ که قوام‌السلطنه نخست‌وزیر و سردار سپه وزیر جنگ بود، رضاخان از رئیس‌الوزراء و وزیران برای صرف نهار در منزل بیلاقی خود که بعدها سعدآباد نامیده شد، دعوتی به عمل می‌آورد. در آن روز سردار سپه فرزند سه‌ساله‌ی خود را نزد قوام‌السلطنه می‌برد و قوام نیز بر حسب رویه رجال و متعینین، کودک را در آغوش گرفته مشتی اشرافی طلا در جیب او می‌ریزد. دیگر از آن تاریخ به بعد، شاه جدید را ندیده بود. توسط شکوه‌الملک پسرعموی خود تقاضای ملاقات می‌کند. شاه او را می‌پذیرد و قوام وقتی وارد اتاق شاه می‌شود، بدون رعایت تشریفات می‌گوید آه چقدر بزرگ شده‌ای. شاه از این جمله که جنبه‌ی تحقیر در آن نهفته بود، از قوام نفرت پیدا می‌کند و همیشه انزجار خود را ابراز می‌کرد. در این ملاقات، شاه از قوام خواهش می‌کند کابینه را تقویت کند. قوام با صدور اعلامیه‌ای شایعه‌ی نخست‌وزیری خود را تکذیب می‌نماید.

در مرداد ۱۳۲۱ مجلس سیزدهم به نخست‌وزیری قوام رای اعتماد می‌دهد و شاه ناچار فرمان نخست‌وزیری او را صادر می‌کند. اشغال ایران از طرف متفقین قحطی و کمبود مواد غذایی، تورم شدید اقتصادی و بیکاری، دولت قوام را با مشکلات بزرگی روبرو ساخت. با وجودی که از تنی چند از رجال صدر مشروطیت در کابینه‌ی خود دعوت کرد، مع‌الوصف نتوانست به اوضاع کشور سر و صورتی بدهد. در ۱۷ آذر همان سال مردم شورش کردند، به داخل مجلس ریختند، عده‌ای از نمایندگان را مجروح ساختند، دکاکین به غارت رفت، ساختمانها به آتش کشیده شد و حتی خانه‌ی قوام‌السلطنه را آتش زدند و حکومت نظامی تمام مطبوعات را منحل کرد و مدیران آنها را به زندان انداخت، فقط نشریه‌ای به نام اخبار روز از طرف دولت منتشر می‌شد که حاوی اخبار جاری روز بود. قوام در محیط اختناق و خفقانی که به وجود آورده بود، نتوانست ادامه حکومت دهد، ناچار از کار کنار گرفت و مجدداً صندلی صدارت را به سهیلی داد. مجلس چهاردهم در روزهای آخر عمر خود به فکر تعیین نخست‌وزیر مقتدری افتاد که بتواند بر مشکلات فائق آید. ماجرای آذربایجان و خراسان و فارس و اصفهان هر کدام در نوع خود مشکل بزرگی بودند. اوضاع درهم‌ریخته‌ی کردستان و تهدید قاضی محمد به استقلال، خود داستانی مفصل بود. در آن ایام موتمن‌الملک ذخیره‌ی سیاسی کشور و قوام‌السلطنه رجل استخواندار، کاندیدای نخست‌وزیری بودند. پس از اخذ رای، آراء آنها برابری می‌کرد و هر کدام پنجاه رای موافق داشتند. سید محمدصادق طباطبائی رئیس مجلس، در رای شرکت کرد و به نفع قوام رای خود را در گلدان انداخت و

بدین ترتیب با یک رای اضافی، قوام بر رقیب خود موتمن‌الملک فائق آمد و زمام امور را در دست گرفت. قوام، دو تن از نخست‌وزیران سابق یعنی سهام‌السلطان بیات و دکتر احمد متین‌دفتری را به کابینه برد ولی مجلس مخصوصاً فراکسیون حزب توده، با عضویت متین‌دفتری به شدت مخالفت کردند و قوام ناچار از او صرف‌نظر کرد و دولت و کشور را به دست سهام‌السلطان بیات سپرد و خود با هیئتی از کارشناسان سیاسی و اقتصادی و مطبوعاتی عازم مسکو شد تا قضیه‌ی آذربایجان را حل کند. قریب ده روز در مسکو به سر برد. در نخستین روزهای اقامت خود به هیچ وجه توفیقی در کار به دست نیاورد، حتی مقامات رسمی شوروی از مذاکره با او خودداری کردند. قوام در مسکو تصمیم به استعفا گرفت که از همانجا به اروپا برود ولی همکاران او را به مقاومت بیشتری ترغیب کردند و مراتب را تلگرافی از موتمن‌الملک مشورت نمودند. موتمن‌الملک پاسخ داد قدری تامل کنید. قوام چند روز توقف خود را در مسکو ادامه داد تا اینکه استالین آمادگی خود را برای مذاکره با قوام اعلام نمود و قرار شد قوام به دیدار استالین برود. قوام این ملاقات را نپذیرفت و پیغام فرستاد که او در راس هیئتی به مسکو آمده و اگر ملاقاتی می‌شود بایستی کلیه اعضاء هیئت او حضور داشته باشند. استالین ناگزیر پیشنهاد قوام را پذیرفت و روز بعد قوام‌السلطنه و هیئت او وارد اتاق کار استالین شدند. قوام در صندلی مقابل میز استالین قرار گرفت و بقیه‌ی اعضاء در روی مبلهای سالن نشستند. در این موقع استالین سیگاری از روی میز برداشته و پس از روشن کردن سیگار، مشغول کشیدن سیگار می‌شود بدون اینکه به قوام سیگار تعارف کند. قوام بلافاصله از جعبه سیگار خود سیگاری بر لب می‌نهد و ظاهراً به دنبال فندک در جیبهای خود می‌گردد. استالین فندک خود را روشن کرده سیگار قوام را آتش می‌زند. مذاکرات قوام و استالین رضایت‌بخش بود و قوام با وعده‌ی واگذاری نفت شمال به روسها در صورت تصویب مجلس شورای ملی، موضوع تخلیه‌ی ایران و خودمختاری آذربایجان را با رهبر شوروی توافق می‌کند. او پس از مراجعه از شوروی چندی بعد کابینه‌ی خود را ترمیم کرده و سه تن از اعضاء حزب توده را داخل کابینه نمود و حزبی به نام دموکرات ایران تاسیس کرد. شاه را موظف کرد در حدود قانون اساسی سلطنت کند و در امر حکومت مداخله ننماید. حتی قسمتی از اختیارات قانونی شاه را محدود نمود مثلاً در فرامینی که شاه صادر می‌کرد، همیشه نوشته می‌شد پیشنهاد نخست‌وزیر، قوام دستور داد تمام فرامین دربار را تعویض نمایند و به جای پیشنهاد «تصویب و موافقت قوام‌السلطنه» را افزود. به هیچ‌وجه به توصیه‌های شاه و خاندان پهلوی ترتیب اثر نمی‌داد، در مجالس رسمی و بازدیدها گاهی دیرتر از شاه حضور می‌یافت و زمانی جلوتر از او حرکت می‌کرد. پس از حل مسئله‌ی آذربایجان و فارس و کردستان، شاه خدمات او را صادقانه ستود و به او عنوان و لقب جناب اشرف که قبلاً از طرف سلطان احمدشاه هم داده شده بود، اعطاء کرد. قوام قریب بیست‌ماه بلامنازع حکومت کرد تا سرانجام در اثر فشار افکار عمومی انتخابات دوره‌ی پانزدهم را با دخالت کامل حزب دموکرات ایران انجام داد و ظاهراً تمام سرسپردگان خود را به مجلس فرستاد و در آن مجلس فراکسیونی به نام دموکرات ایران با اکثریت قاطع تشکیل شد. لیدر فراکسیون ملک‌الشعرای بهار بود. شاه پس از حل قضیه‌ی آذربایجان از محبوبیتی که برای او در بین عامه فراهم شده بود، رشک می‌برد و می‌خواست اعاده‌ی امنیت در کشور و سایر اصلاحات توسط او انجام گیرد، لذا در مقام مبارزه‌ی پنهانی با قوام برآمد. ابتدا وزرای نظامی را تحریک کرد که با قوام سرشاخ شوند. قوام هر دو آنها را که سپهبد احمدی و سرلشکر آق‌اولی بودند، از کابینه خارج ساخت. بعد عده‌ای از وزراء را پنهانی تحریک کرد و آنها به حالت اجتماع استعفا دادند و قوام ضرورتی برای رای اعتماد نمی‌دید، مع‌الوصف به اتفاق تنها وزیر کابینه سیدجلال‌الدین تهرانی که مستعفی نشده بود، به مجلس رفت و نطق مفصلی ایراد کرد و تقاضای رای اعتماد نمود. سردار فاخر که چشم به مقام قوام دوخته بود و با شاه سر و سری داشت، موجبات سقوط قوام را فراهم نمود و مآلاً اکثریت به او رای عدم اعتماد دادند و نخست‌وزیری او در آذر ۱۳۲۶ ساقط شد. پس از چند روز راه اروپا را پیش گرفت. از آن همه افراد حزب و دوستان و آشنایان، تنها یک نفر در فرودگاه او را بدرقه کرد، آن هم سید جلال‌الدین تهرانی بود.

شاه پس از سقوط قوام ساکت نشست و به وسیله‌ی ایادی خود مشغول پرونده‌سازی شد تا خدمات قوام را از ذهن مردم خارج کند

و خود را قهرمانی ملی قلمداد نماید. اعلام جرم‌های متعدد در مجلس و دادگستری به جریان افتاد ولی چون هیچ کدام محتوا نداشت، به جایی نرسید. قوام مدتها در اروپا باقی ماند تا اینکه شاه تصمیم گرفت به قانون اساسی شیخون بزند و چند اصل آن را به نفع خود تغییر داده، اختیار انحلال مجلسین را برای خود بگیرد، لذا دستور مجلس موسسان صادر شد. قوام السلطنه از اروپا عریضه‌ی سرگشاده‌ای برای شاه نوشت و مدلل ساخت که تغییر قانون اساسی نه به مصلحت شاه و نه ملت است، این خونبهای پدران را نباید ملعبه نمود و راهی برای تغییر آن باز کرد. شاه از نامه‌ی قوام برآشفت، جوابیه‌ای تهیه و به امضای حکیم‌الملک وزیر دربار برای قوام فرستاد و تمام مفاسد کشور را متوجه زمامداری قوام السلطنه ساخت. قوام پس از چندی، پاسخی به نامه‌ی شاه داد. این نامه را فقط روزنامه‌ی داریا به مدیریت حسن ارسنجان‌ی انتشار داد. از نظر ضبط در تاریخ، نامه‌ی قوام عینا در زیر به نظر می‌رسد. ضمنا شاه عنوان و لقب جناب اشرف را نیز از او سلب نمود.

در جواب عریضه‌ی سرگشاده که چندی قبل به حضور همایونی عرض کرده بودم نامه‌ای به امضای جناب آقای حکیم‌الملک به اینجانب رسید که تاریخ آن ۱۹ فروردین بود و در روزهای آخرین فروردین که به دستور طبیب در جنوب فرانسه بودم به اینجانب ابلاغ گردید. در آن موقع به شهادت جمعی از آقایان قریب بیست روز بیمار و بستری بودم و بعد هم برحسب وقتی که از جراح متخصص اذن گرفته بودم بایستی روز ۲۷ ماه مه (۱۶ اردیبهشت) برای عمل جراحی به لندن می‌رفتم این بود که پس از رفع کسالت برای ویزای گذرنامه به پاریس آمد و روز ۱۶ اردیبهشت وارد لندن شدم. بدیهی است در جریان عمل جراحی امکان خواندن و نوشتن و فرصت ایراد جواب غیرمقدور بود. اکنون که از بیمارستان بیرون آمده با حال ضعف و نقاقت تحت نظر طبیب و جراح در لندن اقامت دارم و فرصت محدودی برای مطالعه جراید تهران حاصل است با کمال تعجب ضمن شایعات جراید در روزنامه‌ی اطلاعات ملاحظه شد که اینجانب نامه‌ای به علیاحضرت ملکه مادر به طهران فرستاده و تقاضا کرده‌ام اجازه داده شود به طهران مراجعت نمایم و نیز نوع انتشارات سبب شد که با حال کسالت اولاً شایعات مزبور را تکذیب کنم، زیرا در خود گناه و خطائی نمی‌بینم که مورد عفو و اغماض ملوکانه واقع شوم و بنابراین هر وقت طبیب اجازه دهد به وطن عزیز خود مراجعت خواهم کرد و ثانیاً چنانچه آقای ابراهیم حکیمی را بی‌جواب می‌گذاشتم مثل این بود که مندرجات آن را تصدیق کرده باشم و از مدلول جواب واضح بود که آنچه را شرح داده‌اند بر حسب ابتکار شخص ایشان نبوده، چه عمری است با ایشان رفاقت و خصوصیت داشته‌ام و در تمام این مدت کلمه‌ای برخلاف نزاکت و احترام از ایشان نسبت به خود نشنیده‌ام. پس مسلم است که آنچه را ایشان امضاء نموده‌اند ابلاغ فرمایشات همایونی بوده. بنابراین روی سخن و در عرض جواب به پیشگاه ملوکانه است نه به جناب ابراهیم حکیمی و چون در خاتمه‌ی نامه ابلاغ نموده‌اند که حسب‌الامر در آتیه از عرض عرایض به حضور همایونی خودداری شود ناچار جواب تقریرات را به وسیله‌ی رجال خیرخواه و جراید به عرض برسانم تا برخلاف اراده مبارک عمل و اقدامی نکرده باشم.

آنچه را در عریضه سرگشاده به عرض رسانده‌ام تنها عقیده فدوی نبوده بلکه نظر علمای اعلام و متفکرین عالیمقام و وطن پرستان ایران بوده است که جز خیر و سعادت مملکت و صلاح شخص شخص سلطنت نظری نداشته‌اند و جای بسی تاسف است که عرایض خیرخواهانه به جای حسن قبول تولید ملال و کدورت نموده تا حدی که قسمت اعظم مشکلات موجود را نتیجه‌ی دوران زمامداری فدوی دانسته‌اند.

اعلیحضرت همایونی اگر اندکی صرف وقت فرموده به تاریخ قرن اخیر ایران مراجعه فرمایند توجه خواهند فرمود که دوران زمامداری فدوی از جهانی مشکل‌ترین و هولناکترین ازمنه تاریخ ایران بوده و اگر فدوی به وظیفه‌ی وطن پرستی جرات نموده قبول مسئولیت کرده‌ام و مصدر خدمت بوده یا مرتکب خیانت گردیده‌ام تاریخ ایران و بلکه تاریخ دنیا قضاوت آن را کرده و یا خواهد کرد و جای تعجب و تاسف است که اعلیحضرت که حامی و نگهبان مقام و احترام خدمتگزاران کشور هستند به جای تشویق و تقدیر می‌فرمایند زندگانی پلید خود را باید در گوشه زندان سپری نمایم در صورتی که اگر جسارتی کرده‌ام از این نظر بوده است

که چون مملکت را مشروطه و اعلیحضرت را متجدد و شاهنشاه دموکرات می‌دانستم لازم دیدم نظریات عموم را در کمال سادگی و صراحت برای خیر مملکت و صلاح شخص اعلیحضرت به عرض برسانم لکن از جوابی که امر به صدور فرموده‌اند جا دارد تصور شود که اوضاع امروز با هفتصد سال قبل فرقی نکرده است چنانکه شیخ سعدی گوید «از تلون طبع پادشاهان برحذر باید بود که وقتی به سلامی برنجد و دیگر وقت به دشنامی خلعت دهند» می‌فرمایند اگر فدوی فراموش کرده یا تظاهر به فراموشی می‌نمایم عواقب سوءسیاست و خیانت‌ورزی فدوی به این کیفیت تجلی می‌نمود که اگر تفضل خداوند و غیرت ملی افراد آذربایجانی همراهی نمی‌کرد و فداکاریهای ارتش دلیر این کشور تحت فرماندهی مستقیم اعلی‌حضرت نبود حال نام آذربایجان از تاریخ کشور زدوده شده بود.

اگرچه عرض ادب پیش یار بی‌ادبی است
 زبان خموش ولیکن دهان پر از عربی است
 پری نهفته رخ و دیو در کرشمه حسن
 بسوخت عقل زحیرت که این چه بلعجیست
 هزار عقل و ادب داشتم من ای خواجه
 کنون که مست و خرابم صلاح بی‌ادیست

افسوس و هزار افسوس که نتیجه‌ی جانبازیها و فداکاریهای فدوی را با کمال بی‌رحمی و بی‌انضباطی تلقی فرموده‌اند پس ناچارم برخلاف مسلک و رویه خود که هیچ‌وقت دعوی حسن خدمت نکرده‌ام هر خدمتی را وظیفه‌ی ملی و وطن‌پرستی خود دانسته‌ام در این مورد با کمال جسارت و با رقت قلب و سوز دل به عرض برسانم که به خدای لایزال قسم روزی که تقدیرنامه اعلی‌حضرت به خط مبارک به افتخار فدوی رسید که ضمن تحسین و ستایش فرموده بودند سهم مهم اصلاح امور آذربایجان به وسیله‌ی فدوی انجام یافته است متحیر بودم که چگونه افتخار ضبط و قبول آن را حائز شوم زیرا غیر از خود برای احدی در انجام امور آذربایجان سهم و حقی قائل نبودم و فقط نتیجه‌ی تدبیر و سیاست این فدوی بود که به حمدالله مشکل آذربایجان حل شد و اهالی رشید و غیرتمند آذربایجان با سیاست فدوی یاری و همکاری نمودند و بعد که بحمدالله اعلیحضرت با جاه و جلال تشریف‌فرمای آذربایجان شدند- و برخلاف انتظار اعلیحضرت در بعضی نقاط استفاده‌جویی و غارتگری شروع شد- با تلگراف رمز عرض کردم اگر نتیجه‌ی زحمات و اقدامات این است، از این تاریخ فدوی مسئول امور آذربایجان نیستم و ای کاش به جای این تهمتها و بی‌انصافی‌ها که بر خود اهالی آذربایجان نیستم و ای کاش به جای این تهمتها و بی‌انصافی‌ها که بر خود اهالی آذربایجان معلوم است در آبادی و عمران و رفع خرابی‌ها و خسارتها توجه بیشتری مبذول شده بود که اهالی رنجیده و فلک‌زده‌ی آنجا به اطراف و اکناف پراکنده نمی‌شدند، مال و حشم خود را برای معاش یومیه به ثمن بخش نمی‌فروختند و امروز بعد از چهار سال آذربایجان به صورت بهتر و آبرومندتری عرض‌اندام می‌نمود.

جناب آقای ابراهیم حکیمی با اطاعت امر ملوکانه انواع تهمت و افترا را نسبت به این فدایی ملت و مملکت ابلاغ نموده‌اند پس چرا تکمیل و تصریح نموده‌اند که تعهدات شوم اینجانب در مسکو چه بود یا اینکه گزارش مسافرت خود را به تفصیل در مجلس شورای ملی قرائت کردم نقشه‌ی تجزیه‌ی آذربایجان چگونه طرح شده و کی و چه وقت در مجلس شورای ملی لزوم تغییر قانون اساسی را پیشنهاد کرده‌ام و اگر هم وقتی اشاراتی کرده باشم راجع به تفسیر بعضی از مواد قانون اساسی بوده است نه تغییر آن. آن هم به این نظر بوده است که حدود مسئولیت وزراء دستخوش پاره‌ای مداخلات غیرقانونی نشود و امور حکومت من جمیع‌الجهات به وسیله‌ی وزراء و تحت نظارت دقیق مجلس اداره شود و اینکه می‌فرمایند دو نفر از وزرای کابینه را برای تغییر قانون اساسی مامور نموده‌ام برحسب و امر و فرمایش همایونی بوده است که خواستم به عرض برسانند راهی برای تغییر قانون اساسی

پیش‌بینی نشده است. آیا تمام این مقدمات دلیل نمی‌شود که به ترتیبی که به همه معلوم است جمعی را به نام مجلس موسسان دعوت نموده قانون اساسی را تغییر دهند یعنی همان قانون اساسی که اعلیحضرت موقع قبول سلطنت حفظ و صیانت آن را تعهد نموده و سوگند یاد فرموده و کلام‌الله مجید را شاهد و ناظر قرار داده‌اند و مرحوم فروغی رئیس دولت وقت تصریح نموده که اعلیحضرت همایونی طبق قانون اساسی موجود سلطنت خواهند فرمود و اما اینکه می‌فرمایند در کابینه‌ی اول خود از مقام سلطنت انحلال مجلس را درخواست نموده‌ام اولاً- در آن موقع اکثریت مجلس طرفدار فدوی بوده است ثانیاً البته در نظر مبارک هست که یک روز فرمودند فلان نماینده‌ی خارجی عرض کرده است فدوی دعوی انحلال مجلس را کرده‌ام و فرمودند اگر اینطور باشد پس من چه کاره هستم فدوی عرض آن شخص را تکذیب کردم و به عرض رساندم نه اعلی‌حضرت همایونی و نه رئیس دولت هیچکدام حق انحلال مجلس را ندارند و با اصرار تمام استدعا نمودم آن شخص را بخواهند و با حضور فدوی مواجهه نمایند تا صحت و سقم مطلب معلوم شود و با اینکه دو مرتبه عرض خود را تجدید کردم اقدامی نفرمودند و استدعای فدوی به دفع‌الوقت گذشت. در نامه‌ی مزبور نوشته شده است اصلاح و تکمیل قانون اساسی با توجه به سنت طبیعی یعنی اصل تکامل و ارتقاء صورت گرفته فدوی با هوش و ذکاوت فوق‌العاده اعلیحضرت چگونه قبول کنم که اعلیحضرت همایونی چنین فرمایشی را فرموده باشند زیرا قانون تکامل و ارتقاء را نمی‌توان بدین طریق تاویل نمود که حقوقی را که بیش از چهل سال قبل ملت ایران دارا بوده اکنون که افکار عموم ملل روشن‌تر و مبانی آزادی در همه جا محکم‌تر و کامل‌تر شده و برای مردم دنیا در تمام ممالک حقوق بیشتری شناخته شده است حقوق مردم ایران را به عنوان اصل تکامل و ارتقاء یعنی به طور معکوس لغو کرده و قانون اساسی کشور را به نفع قوه مجریه تغییر داد و ملت ایران را از حق مشروع و مسلم خود محروم نمود.

امر فرموده‌اند در عریضه سرگشاده حقوق و حدود مقام سلطنت را بی‌پایه و مایه و بی‌ادبانه و جسورانه تلقی نموده و اگر این حقوق تشریفاتی می‌بود اکنون بنیان نظام کشور از بیخ و بن برکنده شده بود. فدوی آنچه را به عرض رسانده‌ام معمول ممالک مشروطه دنیا و مدلول قانون اساسی ایران بوده است و چنانچه عده‌ای از قضات محترم و عالی‌مقام کشور و متخصصین خارجی را مامور می‌فرمودند که عرایض فدوی را با قانون اساسی موجود تطبیق نمایند صحت و سقم عرایض فدوی معلوم می‌شد و نظری جز این نداشته‌ام که اعلیحضرت سالهای فراوان با کمال محبوبیت بر اریکه‌ی سلطنت برقرار باشند و مقام شامخ سلطنت را آلوده امور حکومت نفرمایند و به معمول سلاطین مشروطه و قانون اساسی ایران از مسئولیت و طرفیت با مردم مصون و محفوظ مانند. می‌فرمایند ضرورت پاره‌ای اصلاحات از قبیل تمدید مدت مجلس برای جلوگیری از تشنج انتخاباتی که هر دو سال گریبانگیر کشور می‌شود و با افزایش عده نمایندگان مجلس برای تقویت بنیان حکومت ملی به حدی روشن است که محتاج به توضیح نیست. خاطر مبارک مستحضر است که در قانون اساسی موجود عده‌ی نمایندگان تا دوپست نفر پیش‌بینی شده است و برای تمدید مدت مجلس نیز هر وقت از طرف ملت تقاضاهای تمدید شد و آزادیخواهان و صلحای قوم تقاضای مجلس موسسان نمودند و مجلس موسسان در کمال آزادی و بی‌مداخله مامورین دولت تشکیل یافت راجع به تمدید مجلس نیز تصمیم ملت معلوم خواهد شد.

می‌فرمایند که در دوره‌ی زمامداری فدوی حبس و زجر عناصر آزادیخواه به حدی بود که عده‌ای از آنان در توفیقگاه در گذشتند و پاره‌ای دیگر نزدیک به این خطر گردیده بودند. خوب بود یکی از آنان را که در توفیقگاه در گذشته بودند معلوم فرموده بودند به علاوه ایام زمامداری فدوی به حدی با پیشامدهای هولناک مصادف بود که ناچار از بعضی از دوستان عزیز و حتی منسوبین خود با کمال احترام در عمارت شهربانی پذیرائی نمودم لیکن بر خاطر مبارک پوشیده نیست که بعد از فدوی هر امری که واقع شد اشخاص محترم و آزادیخواه را به حبس و زجر محکوم و در محبس شهربانی زندانی نمودند و روحانی بزرگواری را مانند آیت‌الله کاشانی که چندی در قزوین با کمال احترام و آزادی مهمان فدوی بودند و با اینکه خودشان میل به توقف فرمودند، تا زنده‌ام از وجود محترمشان خجل و شرمندهم شبانه به آن طرز فجیع گرفتار و از هیچ نوع بی‌احترامی و اسائه ادب به شخص ایشان و مقام

روحانیت فروگذار نکردند و ایشان را بدون هیچ دلیل و مدرک گرفتار و تبعید و در قلعه‌ی فلک‌الافلاک زندانی نمودند و بطرزی شرم‌آور از وطن مالوف اخراج و تبعید کردند و چنین فاجعه‌ی بی‌سابقه‌ای را به جامعه و روحانیت وارد ساختند. فدوی عرض نمی‌کنم این جنایت به امر و دستور اعلیحضرت همایونی واقع شده بلکه یقین دارم خاطر مبارک از وقوع آن مکدر و متاثر است لکن عرض می‌کنم بعد از اطلاع چرا مجرم و مسبب را تنبیه و تعزیر نفرموده از خدمت اخراج ننموده‌اند.

می‌فرمایند مردم به خوبی واقف هستند چه کسانی در مدت حکومت خود میلیون‌ها اندوخته ذخیره کرده و چه اشخاصی نیز میلیونها در راه رفاه عموم صرف نموده‌اند و در جای دیگر اشاره به جوازفروشی و رشوه‌خواری فرموده‌اند. اولاً اگر اعلیحضرت در تمام اوقات حکومت فدوی چه قبل از سلطنت اعلیحضرت و چه بعد معلوم فرمودند که فدوی اهل رشوه و استفاده بوده‌ام یا اندوخته و ذخیره‌ای در بانکهای داخله یا خارجه دارم تمام دارائی خود را به دولت تقدیم می‌کنم. ثانیاً راجع به موضوع جواز چنانکه مکرر به عرض رسانده‌ام در محافل عمومی اظهار داشته و در مجلس شورای ملی به دفعات تصریح کرده‌ام فدوی چیزی از کسی نخواسته‌ام مقداری برنج و غیره اضافه بر احتیاجات کشور بود که اگر خارج نمی‌شد می‌پوسید و ضرر آن به رعیت و ملاک می‌رسید و از طرفی برای آسایش مردم و رفع نگرانی‌ها حزب دموکرات ایران تشکیل شده بود و لازم بود با عجله و شتاب پیشرفت کند این بود که خود مردم برای سرعت جریان و پیشرفت حزب دموکرات ایران و هم برای صرفه دولت و صرفه رعیت و ملاک و پیشرفت امور آذربایجان برای مقداری برنج و جو با تصویب هیئت وزراء اجازه‌ی صدور گرفته و ارز آن را به دولت پرداختند و هدایائی نیز به حزب دموکرات ایران دادند و اینکه می‌فرمایند چه اشخاصی میلیونها در راه رفاه عمومی صرف نموده‌اند این قسمت را هم مردم خوب می‌دانند که این میلیونها را خود دارا بوده‌اند یا از اموال و املاک مردم فقیر و غنی این مملکت اندوخته و بعد که خط آن اموال غیرمقدور شد مقداری از آن را به چه مصارفی رسانده‌اند.

در خاتمه عرض می‌کنم که اعلی حضرت همایونی البته عرایض مکرر فدوی را فراموش نفرموده‌اند که فدوی با وضع حاضر داوطلب هیچ نوع منصب و مقامی نبوده‌ام و آنچه را با کمال وضوح و خلوص به عرض رسانده‌ام در راه خیر مملکت و صلاح شخص اعلیحضرت بوده و باز هم عرض می‌کنم که دوام و بقای سلطنت، و موفقیت، در حفظ و حراست حقوق ملت و احترام به افکار عامه است و در این موقع انتظار عموم از پیشگاه مبارک این است که حقوق ملت طبق قانون اساسی موجود محفوظ بماند و امور کشور به مبعوثین ملت و وزرای مسئول واگذار شود و دولتها مانند همیشه با رای تمایل مجلس انتخاب شوند و اعلیحضرت همایونی طبق روح قانون اساسی سلطنت فرمایند و آنچه برخلاف این منظور در بیست سال سلطنت شاهنشاه فقید معمول بوده از جزئی و کلی منسوح و متروک گردد و از آنچه را هم خلف وعده و نقض عهد است اجتناب شود. بدیهی است با پیروی مراتب فوق عموم افراد ملت را به وفاداری و فداکاری تشویق و ترغیب فرموده و قلوب مردم را به مهر و محبت وجود مبارک تسخیر خواهند فرمود برعکس چنانچه حقوق مردم گرفته شود و دلها شکسته و مجروح گردد جز یاس و ناامیدی عمومی که موجب بغض و عناد و مقدمه مقاومت و طغیان است نتیجه‌ای نمی‌توان انتظار داشت.

ما نصیحت به جای خود کردیم

چند وقتی در این بسر بردیم

گر نیاید به گوش رغبت کس

بر رسولان پیام باشد و بس

۲۵ خرداد از لندن احمد قوام

قوام مدتی در اروپا به معالجه پرداخت و در اوایل ۱۳۲۹ به تهران بازگشت و غالباً ملترزم بستر بیماری بود. در همین سال وثوق‌الدوله برادر او درگذشت. قوام از این حادثه سخت مکدر شد و غالباً وقت خود را در مصاحبت دوستان می‌گذرانید. در ۱۳۳۱ بین

مصدق السلطنه و شاه اختلافاتی بروز کرد. مصدق خواهان وزارت جنگ بود ولی شاه از واگذاری آن خودداری کرد و مصدق از نخست‌وزیر استعفا داد. شاه برای اینکه حریف کردن کلفتی در مقابل مصدق بتراشد، سراغ قوام السلطنه رفت. در این کار تلاش اشرف پهلوی برای جلب رضایت قوام چشمگیر بود. قوام السلطنه جاه‌طلب که در آن هنگام هشتاد و یک سال از سنش می‌گذشت، داوطلب نخست‌وزیری شد و مجلس با اکثریت ضعیفی به او رای اعتماد داد و فرمان با عنوان جناب اشرف برای او صادر شد. به دنبال استعفای مصدق و روی کار آمدن قوام، مردم به حرکت درآمدند. جبهه ملی از یک طرف، آیت‌الله کاشانی و بازار تهران از طرف دیگر مردم را برای یک قیام خونین آماده کردند. مخصوصاً اعلامیه‌ی شدیدالحن قوام که چند بار از رادیو قرائت شد، بیشتر مردم را به حرکت درآورد به طوری که در روز سی تیر ۱۳۳۱ تهران و غالب شهرستانها صحنه‌ی زدوخورد پلیس و مامورین نظامی با مردم بود. در آن روز عده‌ی کثیری در تهران و شهرستانها کشته و زخمی شدند و ناچار در اثر عقب‌نشینی شاه، قوام از سمت خود استعفا داد و مجدداً مصدق با اختیارات نظامی زمام امور کشور را در دست گرفت. شاه در کتاب مأموریت برای وطنم در مورد انتصاب قوام به نخست‌وزیر برای دفاع از خود و رد اعمال خلاف خویش چنین می‌نویسد:

«... من برخلاف نظر باطنی خود احمد قوام را که در گذشته شاغل مقام نخست‌وزیری بود به جای وی به نخست‌وزیر برگزیدم زیرا بزعم عده‌ای قادر بود در برابر دست‌چپی‌ها سخت مقاومت نماید. با روی کار آمدن قوام السلطنه حزب توده بلافاصله به طرفداران مصدق پیوستند و دست به تظاهر و آشوب زدند. نظم و قانون مختل گشت و دولت قوام در برابر عناصر اخلاک‌گر و افراطی ناتوان ماند. ضمناً نطقی که قوام در رادیو کرد و در آن مخالفت خود را با احساسات شدید عامه در مسئله‌ی ملی شدن نفت اظهار نمود، اوضاع را وخیم‌تر ساخت. قوام به علت کبر سن بسیار ناتوان و بیمار شده و غالباً در مذاکرات مهم سیاسی به خواب می‌رفت هر چند حقیقتاً در حل مسائل به اعمال قدرت معتقد بود ولی من وجدانا نمی‌توانستم اجازه‌ی اتخاذ چنین رویه‌ای را به شخص ناتوانی مانند او بدهم، ناچار پس از چهار روز نخست‌وزیری به صلاحدید من از نخست‌وزیری استعفا داد.»

قوام پس از استعفا، مدتی به حالت اختفا می‌زیست و جانش در خطر بود. مجلس هفدهم لایحه‌ی مصادره‌ی اموال او را تصویب کرد و مامورین دولتی به خانه‌ی او رفته و از اموالش صورت‌برداری نمودند. قوام بعد از این جریان کاملاً تاب و توان خود را از دست داد و غالباً بیمار بود تا اینکه در تیرماه ۱۳۳۴ در سن ۸۲ سالگی درگذشت و در مقبره‌ی خانوادگی در قم مدفون شد. قوام السلطنه در سن بیست سالگی با دختر حاجب‌الدوله دولو قاجار ازدواج کرد و تا آخر عمر صاحب فرزندی از او نشد. در ۱۳۲۶ در لاهیجان با دختر یکی از کشاورزان خود عقد ازدواج بست. حاصل این مزاجت یک پسر به نام حسین بود که قوام و همسر اصلی‌اش به این کودک علاقه‌ی خاصی داشتند. حسین پس از مرگ پدر، چندی تحت نظر دکتر امینی در اروپا تحصیل نمود و با دختر جواد مسعودی ازدواج کرد ولی این ازدواج طولانی نشد و قسمتی از ثروت حسین از بین رفت. او تدریجاً به مواد مخدر پناه برد و در استعمال این مواد راه افراط را پیمود تا اینکه در ۳۴ سالگی در اروپا در اثر استعمال مواد مخدر درگذشت. درباره‌ی قوام السلطنه سیاستمدار کهنسالی که قریب ۶۰ سال در صحنه‌ی سیاسی ایران بازیگر ماهری بود، همه‌گونه سخن رفته است. دشمنان او بیشتر از دوستانش توانسته‌اند درباره‌ی او چیز بنویسند یا حرف بزنند.

او مجموعاً پنج بار نخست‌وزیر و متجاوز از بیست مرتبه وزیر، یک بار فرمانروای کل خراسان و یک دوره هم وکیل مجلس بوده است. قوام ذاتاً مردی مستبد و قانون‌شکن و جاه‌طلب بود، از جنجال و سروصدا لذت می‌برد، همیشه دوران صدارت او با هیاهو و سروصدا توأم بوده است ولی در عین حال به وطن عشق می‌ورزید و هرگز خیانتی به زعم خود مرتکب نشد. از تملق لذت می‌برد، به همین دلیل اطرافیان او را همیشه افرا متملق و چاپلوس تشکیل می‌دادند. از ریخت‌وپاش دولتی ابائی نداشت. او مردی به تمام معنا دانشمند بود، از ادبیات و فلسفه و عرفان بهره‌ی کافی برده بود، گاهی بر حسب تفنن شعر می‌سرود. اشعار او پرمغز و مشحون از مضامین لطیف ادبی است. البته در سرودن شعر هرگز به پایه و مایه برادرش وثوق‌الدوله نبود. در تحریر واقعا معجزه می‌کرد.

نامه‌های او همیشه محکم و مستند و مستدل با کلمات زیبای فارسی و عربی توأم بود. معتقدات مذهبی داشت. به اهل علم و روحانیون احترام می‌گذاشت. درب منزل او به روی همه باز بود. زندگانی او از محل عایدات باغهای چای در لاهیجان تأمین می‌گردد.

درباره‌ی قوام اظهار نظرهای متعدد و متضادی شده است که در اینجا به چند مورد آن اشاره می‌کنیم. در یادداشت‌های خطی موجود در کتابخانه‌ی مجلس که ظاهراً تالیف حاج میرزا ابوالحسن علوی است و تاریخ تحریر آن ۱۳۳۶ ه. ق می‌باشد، درباره‌ی قوام السلطنه چنین آمده است:

«قوام السلطنه (میرزا احمدخان) پسر میرزا ابراهیم خان معتمد السلطنه در ایام جوانی جزء پیشخدمتهای ناصرالدین شاه و بعد منشی امین الدوله میرزا علی خان در موقعی که حکومت آذربایجان را داشته بود بعد در موقع صدارت میرزا علی خان امین الدوله در حدود ۱۳۱۵ به منشی حضوری صدراعظم معرفی شد و مدتی گذشت. به مناسبت حسن خط و نیکوئی انشاء به منشی حضوری مظفرالدین شاه و از لقب دبیر حضوری که داشت به وزیر حضوری مفتخر گردید. در دوره مشروطیت پس از فتح تهران (۱۳۲۷) معاون وزیر داخله شد و به واسطه بروز لیاقت زیادی که در ترتیبات و تاسیسات جدید به خرج داده به وزارت داخله و وزارت جنگ و وزارت مالیه مدتی مشغول بود و حالیه (۱۳۳۶) در طهران بی‌شغل است. سن او بیش از چهل سال نیست. یکی از رجال قابل ایران است.»

در کتاب برگزیدگان تالیف امیرمسعود سپهرم درباره‌ی او چنین آمده است:

«در نظم و نثر صاحب ذوق و چیره‌دست و جامع کمالات و سیاستمداری بزرگ بود و خدمات بسیار ارزنده و فراموش نشدنی به ملت ایران و حتی نسلهای آینده این مملکت انجام داد.»

(بخش ۱) احمد، ملقب به قوام السلطنه (و. ۱۲۴۹ ه. ش - ف. تهران ۱۳۳۴ ه. ش) وی در دربار مظفرالدین شاه سمت دبیری مخصوص و ریاست دفتر را داشت و فرمان مشروطیت به خط او نوشته شده. قوام در دوره‌ی احمد شاه مدتی والی خراسان بود و پس از تشکیل کابینه‌ی سید ضیاء محبوس شد و سپس در زمان شاه مذکور نخست‌وزیر گردید (۱۳۰۱ - ۱۳۰۰ ه. ش)، و چون سردار سپه به نخست‌وزیری رسید، قوام از کار برکنار شد و سپس مجبور به ترک ایران گردید. پس از شهریور ۱۳۲۰ فعالیت‌های سیاسی را مجدداً آغاز کرد و مکرر نخست‌وزیر شد (۱۳۳۱ - ۱۳۲۶ - ۱۳۲۵ - ۱۳۲۴ - ۱۳۲۱). آخرین بار فقط ۴ روز نخست‌وزیر بود و بر اثر حوادث ۳۰ تیر ۱۳۳۱ از کار برکنار شد. وی به بیماری قلبی درگذشت.

(۱۳۳۴ - ۱۲۵۲ ه. ش)، خطاط، ادیب و شاعر. ملقب به دبیر حضور، وزیر حضور و قوام السلطنه. وی از رجال نامی عهد مظفری و عصر مشروطیت است. نخست جزو عمله خلوت و پیشخدمتهای ناصرالدین شاه بود. در صدارت عین الدوله (سلطان عبدالمجید میرزا) منشی بود. پس از آن به تدریج در مقامات دولتی ترقی کرد، چنان که بارها به وزارت رسید و چندین بار نخست‌وزیر شد. ژاندارمری در زمان تصدی او در پست وزارت داخله تشکیل یافت. خروج نیروهای شوروی از ایران، بعد از جنگ جهانی دوم، و نیز عدم پشتیبانی شوروی از دموکراتهای آذربایجان، از نتایج اقدامات او دانسته شده است. وی در نظم و نثر صاحب ذوق بود و در خوشنویسی نیز مهارت داشت. فرمان مشروطیت به خط اوست. در تهران درگذشت و در مقبره‌ی خانوادگی خود در قم به خاک سپرده شد. قوام السلطنه خط شکسته نستعلیق را استادانه می‌نوشت و در نستعلیق نیز ماهر بود. از آثار وی: یک مرقع، شامل ده رقعۀ مناجات حضرت علی (ع) که به شیوه‌ی میرعماد سیفی قزوینی و به قلم دو دانگ و کتابت عالی نوشته شده، با رقم: «... احمد بن معتمد السلطنه، فی شهر رجب المرجب سنه ۱۳۱۱»؛ یک مرقع مشتمل بر قصیده‌ای در مدح مظفرالدین شاه، به قلم چهار دانگ خوش، با رقم: «المذنب احمد»؛ دو قطعه نستعلیق سه دانگ خوش، با رقم: «المذنب احمد».[۱]

برگرفته از کتاب: شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه: [۱] احوال و آثار خوشنویسان (۴۳ - ۴۲ / ۱)، تاریخ هنرهای ملی (۱۰۳۳ / ۲)، تذکره خوشنویسان معاصر (۹۴ -

۸۸)، شخصیت‌های نامی (۴۰۰-۳۹۸)، شرح حال رجال (۹۹-۹۴ / ۱)، گلستان هنر (بیست و یک)، نخبگان سیاسی ایران (۱۴۱، ۱۳۶، ۱۳۳، ۱۱۰، ۹۲، ۸۹، ۸۴، ۸۳، ۷۵ / ۳).

قوام، فرخ

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: پاتولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی ارومیه.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات تخصصی و اخذ مدرک کلینیکال پاتولوژی و آناتومی‌کال پاتولوژی در بیمارستان همراسمیت دانشگاه لندن و دارای
بورده تخصصی پاتولوژی بالینی و تشریحی از دانشگاه لندن.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

نقش منزیم در انفارکتوس میوکارد، بررسی سلنیوم و انفارکتوس میوکارد، سل در زنان نازا، ارزش تومور مارکر، CA۱۲۵ در تومورهای تخمدان، هیستوپاتولوژیک لنفوم غیر هوچکینی و طبقه بندی جدید آن، آمار مواد آپاندکتومی در بیمارستانهای ارومیه، بررسی هیستوپاتولوژیک تیروئیدهای بزرگ شده در استان آذربایجان غربی، بررسی تومورهای بدخیم استان آذربایجان غربی، طبقه بندی هیپرپلازی آندومتر، میزان CA۱۲۵ در تومورهای تخمدان در شهرستان ارومیه، نازائی و توکسوپلاسموزی، نازائی و لیستریوزیس، پاتولوژی بالینی و تشریحی، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۱۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

پاتولوژی، ایمونوهیستوشیمیائی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۱، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

کندرو دیسپلازی منقوط، پنوماتوز کیستیک روده، روش رنگ آمیزی پراکسیداز- آنتی پراکسیداز، شیوع سرطان مثانه در آذربایجان غربی، لیومیوم با فعالیت میتوزی زیاد، سیالوزیس، تومور مارکرها در سرطان پستان، سندرم زلینجرالیون، آنزیم‌های پروتئولیتیک در تشخیص قارچ‌ها، تومور مارکرها در تشخیص و درمان بیماریها، پدیده کاتاستروف.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

قوام‌الشریعه، محمدحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ محمدحسن قوام‌الشریعه همدانی طاب‌ثراه در حدود تاریخ ۱۳۲۰ هجری قمری در شهر همدان چشم‌بجهان گشود، پدر ایشان پس از بازگشت از نجف اشرف در همدان و تهران و اصفهان به بیان مناقب آل‌عصمت علیهم‌السلام پرداخت و سرانجام در همدان درگذشت و به قم منتقل و در قبرستان آیت‌الله‌العظمی حائری دفن شد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

قوام‌زاده، اردشیر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۹، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی از وین (اتریش)، دکتراتی تخصصی بیماریهای داخلی از زوریخ (سوئیس)، دوره فوق تخصص هماتولوژی-انکولوژی از زوریخ (سوئیس)، دوره تخصصی پیوند مغز استخوان از زوریخ سوئیس.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پیوند مغز استخوان، کم‌خونی، درمان سرطان پستان، سرطان پستان از نظر کروموزم، پیوند در تالاسمی‌ها، انجام پیوند مغز استخوان در ایران برای اولین بار در سال ۱۳۶۹، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۲۱ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اصول هماتولوژی بالینین، بیماریهای خون و سرطان.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲۱، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

درمان سرطان پستان، درمان چکین، درمان لنفون، پیوند مغز استخوان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

قوامی، تقی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تقی قوامی

محل تولد: شهرری

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۰۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در شهر ری در خانواده روحانی چشم باز کردم؛ پدرم حضرت آیت الله میرزا محمد حسن قوام الشریعه. (که این لقب را مرحوم آیت الله حکیم، مرحوم آیت الله شوانی و مرحوم آیت الله دکتر مشکاه به ایشان داده اند). سطح را در محضر بزرگانی چون آیت الله علامه شوانی و همچنین آیت الله شیخ محمد حسین تهرانی که شاگرد مرحوم آخوند بودند گذراندم؛ همچنین از حضرت آیت الله العظمی سلطانی طباطبایی، بروجردی و آیات عظام: خوانساری، گلپایگانی و مرعشی نجفی استفاده کرده و تا زمان این بزرگواران به مباحثه بحث خارج فقه و اصول جمعی اشتغال و پس از درگذشت این عزیزان درس خارج فقه و اصول و تفسیر می گویم و چند سالی است که برای تبلیغ داخل و خارج کشور به تربیت مبلغ مشغول هستم. منظومه هایی قبل و بعد از انقلاب اسلامی بصورت فکاهی و در ذم طاغوت به چاپ رسیده است.

قوامی، صمصام الدین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید صمصام الدین قوامی

محل تولد: کرمان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات من در تهران تا اخذ دیپلم ریاضی، سال ۱۳۵۲ بوده است و سال ۱۳۵۶ فارغ التحصیل کارشناسی رشته مدیریت صنعتی از مدرسه عالی مدیریت گیلان شدم (شهر لاهیجان) که پایان نامه ای تحت عنوان کتاب و کتابخوانی تنظیم کردم که مورد توجه قرار

گرفت. در حالیکه ۲۳ سال داشتم از من برای تدریس دعوت به عمل آمد که توفیق نشد. در همان سال ۱۳۵۶ در فوق لیسانس مدیریت صنعتی در مرکز مدیریت صنعتی تهران پذیرفته شدم ولی در مصاحبه شفاهی به علت اینکه فرزند روحانی بودم و خودم هم به شدت مذهبی بودم مردود شدم. بعد از انقلاب از من برای ادامه تحصیل دعوت به عمل آمد که به علت فرو رفتن در فعالیتهای انقلابی در آموزش و پرورش و سپس در سپاه ترجیح را به خدمت دادم. در سپاه در عین حال که مشغول پذیرش سپاه تهران بودم سخنرانیهای علمی و کلاسهای عقیدتی را برگزار کردم و به من به عنوان یک نیروی علمی نگریسته می شد و بعد که دبیرستان سپاه را طراحی کردیم و دو سال مدیر آن بودم (در لانه جاسوسی آمریکا، سال ۶۲ تا ۶۳) تدریس معارف دینی و اخلاق داشتم. قبلا هم در آموزش و پرورش مسئول تربیتی دبیرستانهای ناحیه ۹ بودم که برای دبیران کلاس اسلام شناسی داشتم و جزوه ای هم در توحید و نبوت نگاشتم. از سال ۶۲ به حوزه بازگشتم و ۲ سال مدیر و مدرس حوزه علمیه محمودیه کرمان شدم و ادبیات عرب تدریس کردم و سال ۱۳۶۵ وارد قم شده، دروس خارج را شروع کردم و در عین حال مدیریت مدرسه علمیه بعثت را در سال ۱۳۶۶ بعهده گرفتم که تدریس اخلاق و ادبیات داشتم و در سلسله های بعدی مدیریت، مدارس علمیه رسول اکرم (ص) و امام محمد باقر (ع) را بعهده گرفتم؛ همزمان تدریس فقه و اصول را مشغول شدم که اکنون یک دوره فقه و اصول سطح را تدریس کرده ام و مشغول تدریس کفایه الاصول هستم. در سال ۱۳۷۳ به دبیرخانه مجلس خبرگان پیوستم و در مرکز تحقیقات علمی آنجا مشغول شدم که حاصل آن پژوهش و مدیریت از منظر کتاب و سنت شد که پژوهش برتر سال ۸۲ از دبیرخانه دین پژوهان گردید با لوحی از رئیس جمهور؛ در همین دبیرخانه عضو هیئت علمی فصلنامه حکومت اسلامی شدم که چندین مقاله در آن نوشتم و ارزیابی کردم که یکی از مقالات تحت عنوان ساختار حکومت پیامبر (ص) در سال ۸۲ مقاله برتر از طرف وزارت ارشاد شد و در حاشیه آن مقالات زیادی در نشریات گوناگون نگاشته ام (در فصلنامه انتظار، ماهنامه پیام زن، نشریه پگاه و مقالاتی در کنگره های حکومت اسلامی مخصوص اندیشه امام و کنگره نراقی و کنگره اندیشه های اخلاقی عرفانی امام و غیره). اکنون کتاب دوم من تحت عنوان نظریه خدمت به شورای سیاستگذاری ائمه جمعه که به شکل پروژه بوده است، آماده چاپ است در حالیکه کتاب اول اکنون در آستانه چاپ سوم می باشد. پروژه پژوهش (شیوه رهبری امام خمینی (ره)) از طرف دبیرخانه مجلس خبرگان سومین کتاب من خواهد بود، که به شدت و سرعت مشغولم و تا حداکثر ۲ سال به مثابه یک پروژه علمی چاپ خواهد شد. این اثر با تاکید اکید حضرت آیت الله ابراهیم امینی انجام می گیرد. و دست یارانی هم مرا کمک می کنند. من صاحب امتیاز و مدیر مسئول دو فصل نامه نخل شهادت و زیره کرمان هستم که از طرف هیئت نظارت مطبوعات مجوز رسمی کشوری دارد. در نخل شهادت بعد از حدود ۱۰ شماره اجتماعی و بعد از آنکه کتاب مدیریت پژوهشی برتر شد با سفارش نخبگان تبدیل به ارگان مدیریت اسلامی شده است که مرتب منتشر می شود و به علت موفقیت از حمایتهای وزارت ارشاد بهره مند شده است. اینجانب رسماً با انتخاب مدیریت پژوهشی حوزوی در سال جاری به عنوان رئیس مجمع عمومی انجمن علمی مدیریت اسلامی برگزیده شدم که آرمان و رسالت آن تولید دانش مدیریت اسلامی و برنامه نهضت مدیریت اسلامی است. این انجمن زیر نظر معاونت پژوهشی حوزه است و دارای هیئت مدیره و بازرس و ارکان رسمی دیگر است. علت انتخاب اینجانب دارا بودن کتاب و مجله مدیریت و رشته مدیریت است؛ در ضمن در مباحث رسانه ای شرکت دارم مدتهاست که مهمترین آن، شرکت در میزگرد نقد و نظر در رشته مدیریت اسلامی است که در بیش از ۲۰ جلسه در رادیو معارف با محققان عالی مدیریت شرکت کردم که هنوز ضبط و پخش آن ادامه دارد. در ضمن حدود ۲۰ جلسه برنامه عرفانی سحرهای رادیو معارف در برنامه در خلوت یار از من ضبط و پخش شده است که مورد استقبال واقع شده البته برنامه های پراکنده زنده و غیر زنده در مناسبتهای مختلف از صدا و سیما منتشر شده است. اینجانب طی سالهای ۷۸ تا ۸۱ مدیر کل آموزش حوزه های خارج از کشور بودم که در خلال آن عضو هیئت علمی نشریه بین المللی الرشاد شدم که به زبانهای مختلف چاپ می شود و ارگان سازمان حوزه های خارج از کشور است. من در حوزه بین المللی هم تا به حال به کشورهای زیادی برای بازرسی از

حوزه های خارج از کشور سفر کرده ام و بیش از ده سال است که در مدرسه امام خمینی (ره) تدریس دارم و اکنون در مقطع کارشناسی ارشد آنجا حلقه ثالثه از شهید صدر را تدریس می کنم و قبل از حلقه قبلی مباحث اخلاق و تعلیم و تربیت و عقائد تدریس کرده ام و سخنرانیهای زیادی برای طلاب غیر ایرانی دارم و نیز مشاور اخلاقی طلاب غیر ایرانی در مدرسه المهدی (عج) هستم. من در ضمن عضو هیئت علمی دائره المعارف فقه اهل بیت (ع) که زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی تدوین می شود هستم و تا بحال مقالات زمان و مکان، خطوط کلی اقتصاد اسلامی و سلیقه های مختلف اجتهادی را تنظیم کرده ام که در جلد های اول و دوم آن چاپ می شود. نام من در فهرست صاحبان و تدوین کنندگان مقاله در این دائره المعارف ثبت می شود.

قوامی، فرخ الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

قوجقی، امان

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد ۱۳۱۸، مرتبه علمی: استاد، رشته: گوش و حلق و بینی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۷، گذراندن دوره سه ساله رزیدنتی در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی از سال ۱۳۴۹، گذراندن فلوشیپ اتولوژی و اتونورولوژی در انگلستان و آمریکا به مدت دو سال.

مرتبه علمی:

استاد دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

زمینه های علمی و تحقیقاتی:

تحقیق در زمینه گوش، حلق و بینی، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۴۸ پایان نامه تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

تکنیک جراحی در بازسازی و باز شنوایی گوش، آموزش بیماریهای گوش و حلق و بینی، سر و گردن.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۴۳، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

گوش و حلق و بینی و اتونورولوژی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

قوچانی، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ عباس قوچانی از افاضل دانشمندان خراسان و قوچان است در نجف اشرف وی در قوچان متولد شده و مقدمات و سطوح وسطی را در آنجا و مشهد مقدس خوانده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات عظام و بالاخص مرحوم آیت الله العظمی شاهرودی و آیت الله حاج میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت الله العظمی خوئی و در اخلاق و عرفان از محضر جمال السالکین عالم ربانی و آیت سبحانی حاج میرزا علی آقای قاضی استفاده نموده تا به مدارج علم و اخلاق رسیده است. و گذشته از معظم له آقایان آقا شیخ عبدالله بلقانی و آقا شیخ عبدالله ابراهیمی و آقا شیخ براتعلی حسین زاده و آقا شیخ ذبیح الله سلامی و آقای صاحب الزمانی از مدرسین مدرسه عوضیه قوچان و ائمه جماعت مساجد این شهرستان می باشند. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قوشچی سمرقندی، علاءالدین علی

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۸۷۹ق)، عالم، منجم، مفسر، محقق، متکلم، مدرس و ریاضیدان. معروف به ملا- علی قوشچی و فاضل قوشچی. چون در نوجوانی مرغبان سلطان الغیبیگ و موظف به حفظ مرغان شکاری او بود به قوشچی مشهور شد. اصل و زادگاهش سمرقند بود. در آنجا اغلب علوم متداول از جمله هیت و ریاضیات را از قاضی زاده‌ی رومی و الغیبیگ بن شاهرخ گورکانی فراگرفت. سپس به کرمان رفت و بعد از تکمیل تحصیلات علمی اش به سمرقند بازگشت و به ارائه «رساله فی حل اشکال القمر» مشتمل بر حل بعض جهات اشکال قمری که از زمانهای قدیم مبهم و حل نشده باقی مانده بود دوباره به الغیبیگ نزدیک شد. وی از تقرب بسیاری که در نزد سلطان الغیبیگ داشت به فرزندی وی مخاطب بود. سلطان الغیبیگ وی را به تکمیل رصدخانه‌ای که در سمرقند تأسیس کرده بود واداشت، و «زیج الغیبیگی»، یا «زیج جدید» را که غیاث‌الدین جمشید و قاضی زاده‌ی رومی قبل از وی متصدی این امر بودند و قبل از مرگ نتوانستند به اتمام برسانند، با نام «سلم السماء» که شرح «زیج الغیبیگ» است به اتمام رسانید. بعد از مرگ میرزا الغیبیگ عازم حج شد و در تبریز مورد توجه اوزون حسن، از حکمرانان آق قویونلو، قرار گرفت و باری عقد مصالحه اوزون حسن و سلطان محمدخان ثانی عثمانی به استانبول رفت و پس از انجام وظیفه به تبریز بازگشت و به درخواست سلطان محمد فاتح به استانبول رفت

و در آن جا ساکن شد و «الرساله محمدیه»، در علم حساب، به عربی، را به نام همین پادشاه نوشت و بعدها به مدرسی مدرسه‌ی ایاصوفیا منسوب شد. در استانبول در گذشت و در جوار قبر ابویوب انصاری دفن شد. از دیگر آثار وی: حاشیه بر «شرح کشف تفتازانی»، در تفسیر؛ شرح «تجرید الکلام» خواجه نصیر طوسی، که به «شرح جدید» نیز معروف است؛ «العنقود الزواهر فی نظم الجواهر»، در علم صرف؛ «محبوب الحمائل فی کشف المسائل»؛ «الرساله الفتحیه»، در علم هیئت، به عربی، که آن را به نام فتح‌السلطان نامگذاری کرد؛ «رساله فی علم الهیئه»، به فارسی، معروف به «هیئت فارسی»، از کتب درسی علم هیئت؛ «تفسیر الزهراوین»، سوره بقره و آل عمران؛ «رساله فی الحمد»؛ «میزان الحساب»، در علم حساب، فارسی. [۱]

(قوشچی؛ تر. بخش ۱، وی باز مخصوص الغیبیگ را در شکارگاه نگاه می‌داشته) (ملا) علی علاء‌الدین علی بن محمد سمرقندی، عالم و ریاضی و متکلم ایرانی (ف. استانبول ۸۷۹ ه.ق). وی به فرمان سلطان الغیبیگ مأمور تشکیل رصدخانه‌ی سمرقند گردید و زیج الغیبیگی را به پایان رسانید. پس از مرگ سلطان به سفر حج رفت و مورد توجه اوزون حسن آق‌قویونلو شد و از جانب وی به سفارت و عقد مصالحه به دربار سلطان محمدخان ثانی به استانبول رفت. پس از عقد صلح بار دیگر به استانبول بازگشت و مدرس مدرسه‌ی ایاصوفیا شد. از تألیفات اوست: حاشیه‌ی شرح کشف تفتازانی، شرح تجرید خواجه، رساله‌ی محمدیه، هیئت فارسی، العقود الزواهر، محبوب الحمایل.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۱۶۲ / ۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۶ - ۱۰۵ / ۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۷۰ - ۲۶۹)، دایره‌المعارف (۲۰۹۳ - ۲۰۹۲ / ۲)، الذریعه (۲۵۸، ۲۴۷ / ۲۵ / ۱۱۳ / ۶)، ریحانه (۴۹۶ - ۴۹۵ / ۴)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۳۶۴ - ۳۶۱)، کشف الظنون (۱۶۷۶، ۱۶۱۱، ۱۴۷۹، ۱۲۳۶، ۱۱۷۴، ۹۶۶، ۹۵۲، ۸۹۴، ۸۸۹، ۸۸۴، ۸۶۲، ۴۹۷، ۴۴۸، ۳۴۸)، الکنی و الالقاب (۹۶ - ۹۴ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / علاء‌الدین قوشچی، قوشچی سمرقندی)، معجم المؤلفین (۲۲۷ / ۷)، هدیه الاحباب (۲۲۲ - ۲۲۱)، هدیه العارفین (۷۳۶ / ۱).

فوکاسیان، هراند

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مترجم.

تولد: ۱۳۰۶، جلفای اصفهان.

درگذشت: ۱۹ خرداد ۱۳۷۵.

هراند فوکاسیان پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در اصفهان، از دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد. وی با تخصص بیهوشی در اصفهان شروع به کار کرد و در دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه اصفهان به تدریس اشتغال ورزید. در سال ۱۳۴۵ در کنار تدریس در دانشکده‌ی پزشکی در دانشگاه ادبیات دانشگاه اصفهان در رشته‌ی نوین‌یاد زبان و ادبیات ارمنی نیز به تدریس ادبیات ارمنی مشغول گشت.

وی با مجلات «سخن»، «ارمغان»، «صائب»، «نگین» و «هور» همکاری می‌کرد. او با «جنگ اصفهان» نیز همکاری داشت و با همکای محمد حقوقی در ترجمه اشعار شاعران نوپرداز ارمنی در مطبوعات ارمنی زبان کوشش نمود. وی اشعار مهدی اخوان ثالث و احمد شاملو (بامداد) و فروغ فرخزاد را به زبان ارمنی ترجمه کرد.

هراند فوکاسیان کتاب آنوش را که برگزیده‌ای از شعر شاعران ارمنی زبان است در سال ۱۳۴۸ و به مناسبت صدمین سالگرد تولد

هرانس تومانیان شاعر ملی ارمنه ترجمه و منتشر نمود. در کتاب آنوش او به معرفی شاعرانی که در واقعه ۱۹۱۵ به شهادت رسیدند و شاعران معروف ارمنستان شرقی و شاعران برگزیده‌ی ارمنستان غربی پرداخت.

دکتر قوکاسیان در سال ۱۳۴۹ دومین کتاب خود را به نام گرونک که حاوی ترجمه‌ی اشعار شاعران ارمنی زبان که خارج از ارمنستان بودند و به خصوص شاعران ارمنی زبان ایرانی مانند گالوست خاننس، آشوت اصلان دو، آرماند و ارشایر مگرونچ و ... پرداخت.

آخرین کتاب چاپ شده دکتر هراند قوکاسیان به نام گل‌های آفتاب گردان در سال ۱۳۵۵ چاپ گردید که ترجمه‌ی کارهای منثور آرام مورادیان است.

هراند قوکاسیان به اشعار زوریک میرزیانسن علاقه داشت و در نظر داشت که مجموعه‌ای از اشعار میرزیانسن را در کتاب جداگانه‌ای چاپ کند.

هراند قوکاسیان به علت ناراحتی قلبی در سال ۱۳۶۵ در تهران درگذشت.
برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

قومسانی همدانی، ابوالفضل محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۷۱-۳۹۹ ق)، محدث، فقیه و ادیب. معروف به ابن‌زیرک. نسب وی به قومسان همدان می‌رسد. شیخ همدان در روزگار خود در فنون علمی یگانه دورانش بود. او از پدرش، ابوالقاسم عثمان، و عمویش، ابومنصور محمد، و داییش، ابوسعید عبدالغفار و ابن‌خلنجان و علی بن احمد بن عبدان و یوسف بن کج الفقیه و حسین بن فنجویه و دیگران و همچنین با اجازه از ابوالحسن بن رزقویه و ابوعبدالرحمان سلمی حدیث روایت کرده است. اکثر مشایخ بغداد با اجازه از وی روایت کرده‌اند همچون ابوبکر شادان و ابوالحسن رزقویه و دیگران. شیرویه گوید که وی محدثی صدوق و ثقه و دارای شأن و حشمت بود و در تفسیر ید طولانی داشت. او فقیه و ادیبی متعبد بود و دارای حسن خط و عبارت. عمده مشایخ بغداد از وی روایت کردند. پس از مرگ در رأس کهر دفن شد و قبرش مزار گردید.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره الحفاظ (۱۱۷۷ / ۳)، سیر النبلاء (۴۳۵-۴۳۳ / ۱۸)، شذرات الذهب (۳۴۱ / ۳)، العبر (۳۳۰ / ۲)، معجم البلدان (۴۷۰ / ۴)، الوافی بالوفیات (۸۴ / ۴).

قومسانی همدانی، ابومنصور محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۲۳ ق)، عالم و محدث. اصل پدرانش به نهاوند و نسبت وی به قومسان همدان می‌رسد. در روستای فارسجین همدان ساکن بود. وی از پدرش، ابوعلی احمد بن محمد قومسانی، و عبدالرحمان جلاب و عبدالرحمان بن عبید و عمرو بن حسین صرام و اوس

بن احمد و ابی علی رفاء و ابوجعفر بن برزه و فضل بن فضل کندی حدیث روایت کرد. فرزندش، طاهر، و نوه‌اش، ابوعلی احمد بن طاهر، و برادرزاده‌اش، ابوالفضل محمد بن عثمان، و ابوطاهر احمد بن عبدالرحمان رودباری و ابوالحسین بن حمید و حمید بن مأمون و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۴۴۲ / ۱۷)، معجم البلدان (۴۷۰ / ۴).

قویمی، مهوش

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای ادبیات نوین فرانسه، کارشناسی زبان‌شناسی و کارشناسی ارشد جغرافیای شهری.
مرتبه علمی:

استادیار تمام وقت دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۵۶، دانشیار دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۶۶ تاکنون.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ادبیات فرانسه، شعر، تئاتر، رمان، نگارش یک روش نیمه سمعی و بصری برای آموزش زبان فرانسه.
تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی تألیفات:

آئین نگارش به زبان فرانسه، املاء فرانسه، انشاء فرانسه، آواشناسی و انواع شعر زبان فرانسه.
مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

زبان‌شناسی و کاربرد آن در ادبیات، زبان‌آموزی و تدریس ادبیات، مقایسه ترجمه‌های مختلف، معرفی نقد نو و منتقدان معاصر، مسائل مربوط به زبان‌آموزی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

قهبایی، زکی‌الدین، عنایت‌الله

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم و یازدهم ق)، عالم امامی، رجالی، محدث، محقق و مورخ. معروف به زکی نجفی. اصل او از قهپایه اصفهان بود. در نجف به تحصیل پرداخت و همان جا ساکن شد. وی شاگرد محقق اردبیلی و شیخ بهایی و ملا عبدالله تستری و معاصر با سید امیر مصطفی تفرشی بود. در تمامی علوم دینی متداول بویژه رجال و درایه توانا بود. از آثار وی: «مجمع الرجال»، که در ۱۰۱۶ ق آن را تألیف نموده بود. از آثار وی: «مجمع الرجال»، که در ۱۰۱۶ ق آن را تألیف نموده و جزوه بهترین کتب رجالیه است؛ «ترتیب اختیار کتاب رجال الکشی»؛ «ترتیب رجال النجاشی»، و حواشی بر آن؛ «ترتیب رجال شیخ الطائفه»؛ «ترتیب فهرست شیخ الطائفه»؛ حاشیه بر «نقد الرجال» میر مصطفی تفرشی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۸۱ / ۸)، الذریعه (۲۹ / ۲۰، ۲۲۸، ۲۲۶ / ۶، ۷۱، ۷۰-۶۶، ۶۵ / ۴)، روضات الجنات (۳۹۴-۳۹۳ / ۴)، ریحانه (۴۹۸-۴۹۷ / ۴)، الفوائد الرضویه (۳۴۲)، الکنی و الالقاب (۹۷-۹۶ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / قهپایی)، معجم المؤلفین (۱۴ / ۸).

قهپایی، قاسم

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم ق)، عالم و محدث. به اصفهان رفت و در محضر شیخ بهائی تلمذ کرد. او از استاد خود شیخ بهائی و ملا ابوالقاسم جرفادقانی حدیث روایت کرده است. وی از مشایخ روایت علامه ملا محمد باقر مجلسی و ملا محمد تنکابنی معروف به سراب است. او در علم رجال صاحب تحقیقاتی بود. ملا-محمد علی بن احمد استرآبادی، صاحب «مشرکات الرجال»، و دیگر علمای زمان، علم رجال را از وی فرا گرفتند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴۴۶-۴۴۵ / ۸)، روضات الجنات (۳۹۴ / ۴)، ریحانه (۴۹۸ / ۴)، الکنی و الالقاب (۹۷ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / قهپایی).

قهپائی، محمد قاسم

قرن: ۱۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میر سراج‌الدین قاسم بن محمد قهپائی طباطبائی، از مشایخ علامه‌ی مجلسی، و از شاگردان شیخ بهائی و [مشایخ] مولی ابوالقاسم بن محمد گلپایگانی بوده، وی را تألیفاتی است، از آن جمله است: ۱- تعلیقاتی بر کتب رجال ۲- رساله در مسأله‌ی بداء ۳- رساله در فلاح؛ و غیره.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قهرمان، آنالیزه

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات آلمانی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی
 خلاصه شرح حال تخصصی
 سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد بیولوژی و زبان آلمانی از دانشگاه‌های ابرهارد آلمان و تهران در سال ۱۳۳۳ و دکترای تخصصی علوم طبیعی از دانشگاه ابرهارد آلمان در سال ۱۳۵۴، متخصص در ادبیات آلمان.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۴۶.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ترجمه بعضی از آثار ادبی نوین ایران، تحقیق در زمینه صرف و نحو زبان آلمان.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

دستور زبان آلمان و تجزیه و تحلیل دستوری متن.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

Die Horen، نقد ادبی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

قهرمانی نژاد، بهاء‌الدین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

بهاء‌الدین قهرمانی نژاد

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای بهاء الدین قهرمانی نژاد در بیست و پنجم مرداد سال ۱۳۴۳ هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در تهران دیده به جهان گشود. نامبرده پس از فراغت از تحصیل در دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در زادگاه خویش، در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه شیخ عبدالحسین در تهران گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی و اخلاقی فراوان برد. وی پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۲ به حلقه دروس خارج راه یافت. و از درس ستارگان درخشان حوزه های علمیه عالم شیعه همچون مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله موسوی تبریزی، آیت الله جوادی آملی، و... بهره های فراوان علمی و اخلاقی برد. وی در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته تاریخ اسلام در مقطع دکترا از دانشگاه اصفهان فارغ التحصیل گردید. و هم اکنون به تدریس در دانشگاه تهران مشغول می باشد. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به تبلیغ، تحقیق و تألیف به چیز دیگری نیاندیشیده است که آثار متعددی از جمله "علویان طبرستان، قیام سبز جامگان، و... را به رشته تحریر و زیور طبع آراسته است.

قهرمانی، ساسان

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: دندانپزشکی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

قهرمانی، شرفالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۳ - ۱۲۷۹ ش)، نویسنده، فرهنگ‌نویس و مترجم. تحصیلات عالی خود را در روسیه به پایان رساند سپس وارد خدمات ارتشی شد. سرانجام در یک سانحه‌ی هوایی در گذشت. از وی بیش از سی و هفت اثر به جای مانده است. از آثار وی: «آموزش هوایی تاکتیک هوایی»؛ «استتار توپ»؛ «پیش آهنگ خلبان»؛ «خدای می‌رساند»؛ «شاهسون و دیوانه»؛ «هواپیمایی»؛ «ختم غائله سیمیتفو»؛ «بی بی گلایی»، ترجمه؛ «جاسوسی و جلوگیری از آن»، ترجمه؛ «حکومت تزار و محمدعلی میرزا»، ترجمه؛ «قوای سری در جنگ بین‌المللی»، ترجمه؛ «فرهنگ جامع»، روسی به فارسی؛ «فرهنگ جامع»، فارسی به روسی. [۱]

فرزند کیومرث میرزا عمیدالدوله، در ۱۲۷۹ در تهران متولد شد. پس از انجام تحصیلات مقدماتی وارد مدرسه‌ی سن‌لویی و دارالفنون گردید و سپس مدرسه‌ی نظام را گذرانید و افسر شد و محل اولیه‌ی خدمت او آترپاد همدان بود. وی در زمره افسرانی بود که در معیت میرپنج رضاخان کودتای ۱۲۹۹ را انجام دادند. در ۱۳۰۳ با درجه‌ی ستوان یکمی برای آموزش فن خلبانی به

شوروی اعزام شد. پس از پایان تحصیلات با یک فروند هواپیمانی خریداری شده وارد ایران شد و خدمت خود را در نیروی هوایی ادامه داد و درجات نظامی را تا سرهنگی اخذ نمود. در ۱۳۱۹ به معاونت اداری نیروی هوایی منصوب گردید و در ۱۳۲۱ فرمانده نیروی هوایی ایران گردید. دو ماه پس از انتصاب به فرماندهی نیروی هوایی به دعوت دولت انگلیس برای بازدید فرودگاه جابیه عراق و وضعیت جبهه مصر و آفریقای شمالی با یک فروند هواپیما در معیت عده‌ای از افسران ایرانی و انگلیسی فرودگاه قلعه‌مرغی را ترک نمودند. یک ساعت بعد از پرواز به علت بدی هوا و علل فنی هواپیما سقوط کرد و کلیه سرنشینان آن از جمله سرهنگ شرف‌الدین قهرمانی کشته شدند. از طرف ارتش مراسم نظامی برای تشییع جنازه به عمل آمد و در ظهرالدوله اجساد مدفون گردید.

قهرمانی مردی فاضل و دانشمند و مترجم بود. در طول حیات آثار زیادی ترجمه و تالیف نمود که متجاوز از سی جلد می‌باشد. اکثر کتب منتشر شده پیرامون موضوعات نظامی است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۶۴۲، ۱۸۹-۱۸۸، ۶۰ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۱۹-۴۱۵ / ۳).

قہستانی الاصل، ابوقریش محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۱۳ ق)، محدث، فقیه، حافظ و مصنف. وی در پی حدیث سفرهای بسیار نمود. از ابومسلم قهستانی و محمد بن حمید رازی و احمد بن منیع بغوی و محمد بن زنبور مکی و اباکریب محمد بن علاء همدانی و یحیی بن حکیم مقوم و محمد بن مثنی عتزی و سلم بن جناده و محمد بن سهل بن عسکر و عبدالجبار بن علاء عطار و سعید بن عبدالرحمان مخزومی و همطبقه‌ی آنها در ری و کوفه و بصره و حجاز حدیث شنید. حدیثش در خراسان انتشار یافت، به بغداد رفت و در آنجا حدیث گفت. ابوبکر شافعی و ابوبکر بن علی رازی و ابوالحسین بن یعقوب حجاجی و ابوسهل صعلوکی و ابوعلی نیشابوری و ابوحامد احمد بن سهل انصاری و ابوعمرو بن حمدان و ابوحامد بن شرقی و ابو عبدالله بن یعقوب اخرم از وی حدیث شنیدند. در قهستان درگذشت. در «تاریخ حبیب السیر» نام پدر وی جعفر ذکر شده است. از آثارش: «المسند»، مرتب به ترتیب ابواب، و مرتب به ترتیب رجال؛ «حدیث مالک و سفیان ثوری و شعبه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۰۱ / ۶)، انساب سمعانی (۵۶۲ / ۴)، بزرگان قائن (۵۱۷-۵۱۴)، تاریخ بغداد (۱۷۰-۱۶۹ / ۲)، تاریخ نیشابور (۱۲۲)، حبیب السیر (۲۹۳ / ۲)، سیر النبلاء (۳۰۶-۳۰۴ / ۱۴)، شذرات الذهب (۲۶۸ / ۲)، طبقات الحفاظ (۳۲۴)، العبر (۴۶۸ / ۱)، الغدير (۱۴۷ / ۱)، الوافی بالوفیات (۳۱۰-۳۰۹ / ۲).

قہستانی، ابوجعفر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سوم و چهارم ق)، محدث اهل تسنن. از قهستان به بغداد رفت و از ابوالعباس محمد بن اسحاق سراج نیشابوری و ابوقریش محمد بن جمعه قهستانی حدیث روایت کرد. ابوبکر احمد بن عبدالله دوری وراق و احمد بن فرج بن حجاج از وی روایت کرده‌اند. وی از روایان حدیث غدیر و فضائل امیرالمؤمنین علی (ع) می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۴ / ۵۶۲)، بزرگان قائن (۵۰۱)، تاریخ بغداد (۴۱۲-۴۱۱ / ۱)، الغدیر (۴۷ / ۱).

قهستانی، ابوسلیمان زافر

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دوم ق)، محدث، مدرس و قاضی. معروف به ابوسلیمان ایادی. وی از طبقه‌ی اتباع‌التابعین و از دومین گروه روایان و ناقلان احادیث نبوی (ص) است. در کوفه به دنیا آمد. در کوفه، بغداد، سیستان، ری، قهستان، گرگان و دیگر شهرها به تحصیل و تدریس حدیث پرداخت. مدتی قاضی سیستان شد. سپس به ری مهاجرت کرد و در آنجا ساکن شد. وی در سفرهای بین ایران و عراق مایحتاج عمومی را از قهستان به عراق انتقال می‌داد و به امر تجارت مشغول بود. وی از شعبه بن حجاج و مالک بن انس و اسرائیل و سفیان ثوری و عبدالملک بن جریح و عبدالعزیز بن ابی رواد و رقاہ بن عمر و عبیدالله و صاف و ابوسنان شیبانی و ابوبکر هذلی و جعفر احمر حدیث شنید و از آنها اجازه‌ی روایت گرفت. یعلی بن عبدالله/ عبید و حسین بن علی جعفی و ابونضر هاشم بن قاسم و حسن بن عرفه و یحیی بن معین و محمد بن بکار بن ریان و خلف بن تمیم و محمد بن مقاتل مروزی و محمد بن سعید اصفهانی و عبیدالله بن موسی نیز از وی حدیث روایت کردند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۴ / ۵۶۵)، بزرگان قائن (۱۹۹-۱۹۶)، تاریخ بغداد (۴۹۵-۴۹۴ / ۸)، تاریخ الکبیر (ج ۲، ق ۴۵۱ / ۱)، تاریخ نیشابور (۷۶)، تهذیب التهذیب (۲۷۱-۲۷۰ / ۳)، الجرح و التعديل (ج ۱، ق ۶۲۵-۶۲۴ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل / زافر).

قهستانی، ابوعبدالله حسین

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(مقتول ۴۵۱ ق)، دانشمند و محدث. نسبت وی به ون، از روستاهای قهستان، می‌رسد. وی در حساب و ریاضیات از سرآمدان روزگار بود. او همچنین از محدثان مورد اعتماد بود که از ابوعلی صفار و دیگران حدیث شنید و از آنها اجازه‌ی روایت داشت. ابوحکیم عبدالله بن ابراهیم خبری، صاحب «التخلیص»، در حساب، و خطیب تبریزی و دیگران از وی حدیث شنیدند. او همچنین استاد ابوحکیم عبدالله خبری، در علم حساب و فرائض، بود. قهستانی تألیفات بسیاری داشته که جمع کثیری از رجال علم آن زمان از آن آثار استفاده می‌نموده‌اند. وی در فتنه‌ی بساسیری در شهر بغداد کشته شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان قائن (۱۶۶)، وفيات الاعیان (۱۳۸ / ۲).

قہستانی، شمس‌الدین محمد

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۹۶۷ ق)، فقیه حنفی، زاهد، عالم، مدرس، ادیب و شاعر. ملقب به ابوحنیفه‌ی ثانی، به جهت تسلطی که بر فقه حنفی داشت. وی مفتی بخارا بود. مدتی از سوی والیان ازبک به قضاوت بخارا منصوب شد و در آن جا به تدریس و تفریر فقه پرداخت. با ملا عصام‌الدین، از بزرگان سده‌ی نهم هجری، مصاحب بود. تاریخ در گذشتش در مراجع و مآخذ به اختلاف ذکر شده است. او در مزار خواجه بهاء‌الدین نقشبند دفن شد. از آثارش: «جامع الرموز»، در شرح «التقایه مختصر الوقایه» صدر الشریعه ثانی عبیدالله بن مسعود حنفی، در فقه؛ حاشیه بر حاشیه سید شریف جرجانی بر «شرح الشمسیه»؛ «مقدمه الصلوه» به نظم؛ «رساله در دلالت» به عربی، در منطق؛ حاشیه بر «شرح آداب البحث»؛ شرح «رساله صلوه»، که آن را برای فرزندش کمال‌الدین محمد در ۹۶۷ ق املا نمود.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۳۳ / ۷)، بزرگان قائل (۶۰۶-۶۰۱)، تاریخ نظم و نثر (۶۱۹)، حیب السیر (۳۶۰-۳۵۹ / ۴)، شذرات الذهب (۳۰۰ / ۸)، کشف الظنون (۱۹۷۱).

قہندزی، ابو محمد عبدالرحمان

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۶۴ ق)، محدث و مسند هرات. وی از عثمان بن سعید دارمی و ابو مسلم کجی و یوسف قاضی حدیث شنید. ابواحمد معلم و ابو منصور دیباجی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۱۵۳ / ۱۶).

قیسی طوسی، ابوالحسن محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۱۷ ق)، حافظ، محدث و مصنف. وی از عبدالله بن هاشم طوسی و اسحاق بن منصور کوسج و عبدالرحمان بن بشر و محمد بن یحیی ذہلی و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید. ابوالولید حسان بن محمد فقیه و حافظ ابوعلی نیشابوری و احمد بن منصور حافظ و ابواسحاق مزکی و زاهر بن احمد سرخسی و دیگران از وی حدیث شنیدند. در نوقان طوس در گذشت.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۴۹۴-۴۹۳ / ۱۴)، شذرات الذهب (۲۷۶ / ۲)، العبر (۴۷۶ / ۱)، الوافی بالوفیات (۳۶ / ۲).

قیسی نیشابوری، ابوبکر عبدالصمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۸۴ ق)، محدث. مشهور به قاتل قتیبه. اهل نیشابور و در مسافرت به نقاط مختلف پیشرو بود. در خراسان از قتیبه بن سعید و اسحاق بن ابراهیم حنظلی، در عراق از احمد بن حنبل و علی بن مدینی و در حجاز از ابومصعب زهری و محمد بن یحیی بن ابی عمرو و در شام از هشام بن عمار و دیگران حدیث شنید. ابوحامد بن شرقی و مؤمل بن حسین بن عیسی و محمد بن صالح بن هانی و احمد بن اسحاق صیدلانی و دیگران از وی روایت کرده‌اند. در نیشابور درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵۷۷ / ۴)، سیر النبلاء (۲۰ / ۱۴).

قیوم زاده، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود قیوم زاده

محل تولد: یزد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۶/۱۵

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۷ در حوالی شهرستان یزد روستای حزانق متولد شدم در دوران کودکی به یزد هجرت نمودیم. در سال ۱۳۵۷ در حالی که کلاس پنجم ابتدایی بودم با شکل‌گیری مبارزات انقلابی اسلامی مردم جذب آنها تدبیر و پس از پیروزی انقلاب اسلامی بلافاصله و در مدت کوتاهی قرآن را فرا گرفته و در حالی که ۱۲ سال داشتم در یزد تدریس قرآن می‌کردم. در سال ۱۳۶۱ پس از گرفتن سیکل وارد حوزه یزد شدم همیشه در حوزه شاگرد ممتاز بودم و در کنار تحصیل تدریس داشتم. در حوزه علمیه یزد عمدتاً ادبیات و منطق و اصول مظفر تدریس می‌کردم در سال ۱۳۶۶ و امتحان اصول مظفر و لمعتین وارد حوزه علمیه قم شدم. و بلافاصله شروع به تحصیل نموده و در سال ۱۳۶۸ به درس خارج آیة‌الله مکارم رفتم. در مدت ۱۴ سال شرکت در درس خارج به تدریس در حوزه نیز مشغول بودم در سال ۱۳۷۱ در رشته تخصصی کلام حوزه وارد شدم و این دوره را با موفقیت طی کردم و با نوشتن پایان‌نامه در سال ۱۳۸۰ مدرک سطح چهار حوزه را اخذ کردم. در دوره آشنایی با فقه و کلام اهل سنت که نمایندگی رهبری در امور اهل سنت بلوچستان در سال ۱۳۶۹ تشکیل داده بود به مدت دو سال شرکت کردم در سال ۱۳۷۳ در دوره کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس شرکت کردم و در سال ۱۳۷۳ با موفقیت فارغ التحصیل شدم و الان هم در کنار تحصیل در دوره‌های درس خارج و

فلسفه به تدریس در حوزه (لمعه، بدایه، اصول فقه و دانشگاه (معارف اسلامی، اخلاق اسلامی، تعدی اسلامی، فلسفه اسلامی و کلام اسلامی) مشغول هستم. به لحاظ علاقه به مطالعات و تحقیقات فلسفی کتب منظومه (منطق و فلسفه) بدایه الحکمه، نهایتاً الحکمه، اشارات، شفاء، اسفار را خوانده ام و هم اکنون هم در حال پویای اندیشه فلسفی و دین خود هستم.

قیومی، محمدباقر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد باقر قیومی

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب دوره ابتدایی و راهنمایی را در مدرسه بدر و اسلامی بابل گذراندم. دروه متوسطه در رشته تجربی تا دوم تجربی را در مدرسه آیت الله طالقانی گذراندم. سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه روح بابل شدم و کتب صرف و نحو (جامع المقدمات، سیوطی، ملا هادی، مبادی، مغنی و مختصر المعانی) را درس گرفتم. تقریباً چند ماه پس از ورود به تدریس مشغول شدم و تا کنون (تقریباً بدون وقفه) تدریس در زمینه های گوناگون اشتغال دارم. در سال ۱۳۶۵ به قم برای ادامه تحصیل در سطح بیع مکاسب مسافرت کردم. از سال ۱۳۶۷ به طور رسمی در درس خارج شرکت جست. در سال ۱۳۷۰ به گروه کلام جدید در بنیاد فرهنگی باقر العلوم علیه السلام (بخش تخصصی موسسه در راه حق) وارد شدم و تا سال ۱۳۷۵ درسهای کارشناسی ارشد رشته دین شناسی موسسه امام خمینی (ره) را به اتمام رساندم. در سال ۱۳۷۲ وارد دوره کارشناسی ارشد تربیت مدرس دانشگاه قم شدم. در سال ۱۳۷۴ به تدریس در دانشگاه مشغول شدم. سال ۱۳۷۶ برای کمک در اداره حوزه شهرستان بابل رفتم و در آنجا مدیر مدرسه و مدرس آنجا گردیدم همچنین در دانشگاه و جامعه الزهرا بابل نیز درس می گفتم و بعضاً کارهای اجتماعی و نیز امامت جماعت مسجدی در بابل را بعهده داشتم. از سال ۱۳۷۷ در دوره دکتری فلسفه تطبیقی تربیت مدرس قم پذیرفته شدم. در سال ۱۳۸۲ پس از اتمام دوره آموزشی امتحان جامع را داده و موضوع پایان نامه با اصالت فاعل شناسایی در هایدگر ملا صدرا را مشغول شدم. از سال ۱۳۸۱ هیات علمی تمام وقت مرکز جهانی علوم اسلامی شدم و در گروه ادیان و مذاهب مدرسه عالی امام خمینی (ره) عهده دار تدریس و اداره گروه بودم. در این دوره ها موضوعاتی چند در زمینه های کلام، فلسفه، (اسلام و غرب) معرفت شناسی، مباحث ادیان و مذاهب (بویژه ادیان ابراهیمی) ذهن مرا اشغال کرد. و بعضاً صفحات زندگی را قلمی نمودم. مکتوب پایانی دوره کارشناسی ارشد درباره متکلمان قرن بیستم مسیحی بود. امروزه تا حدی آشنا با موضوعات ذیل می باشم: ادبیات عرب، فقه، اصول، ادیان ابراهیمی، مذاهب معتزله، اشاعره، ماتریدیه، تاریخ فقه، کلام اسلامی، فلسفه اسلامی و تاریخ آن، تاریخ فلسفه غرب، معرفت شناسی، مباحث کلام تطبیقی بین

الادیان و المذاهب البته در هیچ حوزه ای ادعای تخصص نمی توانم داشته باشم. عمده اساتید بنده در حوزه های علمیه سنتی، آیات محمدی بابلی، مرحوم حاج سید حسن محقق بهشتی، محمد فاضل، حاج سید محمود شاهرودی، مرحوم سید محمد روحانی، میرزا جواد تبریزی، حاج سید علی محقق و... بودند. شاهرودی در دوره دروس جدید، جناب آقای آیت الله مصباح یزدی، حجت الاسلام فیاضی، جوادی آملی، شیخ صادق لاریجانی، شیخ علی عابدی، دکتر اخوان، دکتر پازوکی، دکتر احمدی، دکتر حداد عادل، حجت السلام توفیقی، مصطفی ملکیان، دکتر لگنهاوزن، دکتر مجتبایی، دکتر ضیاء موحدی، دکتر دینانی

کابلی اصفهانی، ابوبکر محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم ق)، محدث. اصلش از کابل بود. از ابوالقاسم علی بن عبدالرحمان بن علیک نیشابوری حدیث شنید. ابوسعید عبدالکریم سمعانی (م ۵۶۲ ق)، صاحب «انساب»، از وی، در اصفهان، حدیث شنیده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵/۵).

کابلی، ابو عبدالله محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۷۷ ق)، محدث. ساکن بغداد بود. از عبدالعزیز بن عبدالله اویسی و عاصم بن علی و ابراهیم بن موسی فراء حدیث شنید. یحیی بن محمد بن صاعد و محمد بن مخلد و ابو عمرو بن سماک و احمد بن کامل شجری از او روایت کرده‌اند. دارقطنی او را ثقه دانسته و ابو حسین بن منادی از او نام برده است. در بغداد درگذشت. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۶-۵/۵).

کاتب بلخی، ازهر

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دوم ق)، محدث. اهل بلخ و کاتب ابن الرماح بود. از ابراهیم بن طهمان، ابوسعید خراسانی (م ۱۶۳ ق) و مسلم بن خالد زنجی روایت کرد. مردم بلخ از او روایت کرده‌اند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵/۶)، الثقات (۸/۱۳۲)، لسان المیزان (۱/۵۱۵)، میزان الاعتدال (۱/۱۹۶).

کاتبی قزوینی، علی

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قزوینی، علی ابن عمر بن علی شافعی ملقب به نجم‌الدین و مکنی به ابوالحسن و ابوالمعالی و معروف به دبیران و کاتبی قزوینی، دانشمند و حکیم (ف. ۶۷۵ ه.ق) وی در ریاضیات و هندسه و منطق و فنون حکمت تبحر داشت و در آلات رصدی ماهر بود و شاگرد نصیرالدین و استاد علامه‌ی حلی و قطب‌الدین محمود شیرازی بود و در قزوین تدریس می‌کرد و حوزه‌ی درس او مجمع افاضل بود. از آثار او است: عین‌القواعد در منطق و حکمت، بحرالفوائد فی شرح عین‌القواعد، که شرح مزجی کتاب عین‌القواعد (مذکور) است، جامع‌الدقائق فی کشف‌الحقائق در منطق، و آن کتابی است بزرگ و حاوی همه‌ی اصول و فروع علم منطق، حکمة‌العین حاوی مباحث الهیات و طبیعیات حکمت و بر آن چند شرح نوشته‌اند، الشمسیه در منطق که برای شمس‌الدین صاحب دیوان جوینی تألیف کرده و چند شرح بر آن نوشته‌اند.

بر گرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

کاتبی، حسینقلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۹ - ۱۲۹۱ ش)، فرهنگ‌نویس، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به جوشغون. در مراغه به دنیا آمد. مادرش شاهزاده اختر، دختر رضاقلی میرزا بن ملک قاسم میرزا بن فتحعلی شاه بود. کاتبی پس از طی دوره‌ی ابتدایی و متوسطه در تبریز، از دانشکده‌ی حقوق تهران موفق به اخذ لیسانس در دو رشته‌ی حقوق قضایی و علوم سیاسی شد. کاتبی از ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۱ ش سردبیر مجله‌ی «ماهتاب»، وابسته به انجمن ادبی آذربایجان بود و از ۱۳۲۱ تا ۱۳۳۱ ش اداره‌ی روزنامه‌ی «فریاد آذربایجان» را مستقلاً عهده‌دار بود. وی مشاغل مختلفی از جمله: وکالت دادگستری در تبریز و تهران، عضویت کمیسیون‌های واژه‌گزینی حقوق و اقتصاد و بازرگانی فرهنگستان زبان و همکاری در تأسیس انجمن کانون مشاوره‌ی حقوقی را بر عهده داشت. از آثار وی: «آذربایجان و وحدت ملی»، «اعلان حقوق بشر»، «بردگی»، «شکوفه‌های ادب»، قصه‌های کوتاه؛ «سی فصل در فن انشاء»؛ «فرهنگ حقوق»، فرانسه به فارسی؛ «نویسندگان بزرگ معاصر دنیا»؛ «حقوق تجارت». [۱]

محقق، روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۲۹۱، مراغه.

درگذشت: ۲۱ دی ۱۳۶۹، تهران.

دکتر حسینقلی کاتبی، فرزند بهجت‌الممالک (رییس اداره‌ی پست و تلگراف مراغه)، در سال ۱۳۱۶ در رشته‌ی حقوق قضایی و سیاسی از دانشگاه لیسانس گرفت و در سال ۱۳۱۸ خدمت دولتی خود را با سمت مستنطق مستقل - که چندی بعد از بازپرس - نامیده شد در شهرستان خوی آغاز کرد.

نخستین مقاله‌ی وی زیر عنوان «لباس وطنی» در حالی که بیش از هیجده سال نداشت، در سال ۱۳۰۹ در روزنامه‌ی «تبریز» انتشار

یافت. کتاب شکوفه‌های ادب مجموعه‌ای از نوشته‌های ادبی دوران دانشجویی او بود. نوشتن مقاله‌ای با عنوان «آذربایجان و وحدت ملی ایران» که در شهریور ۱۳۲۱ یعنی درست یک سال بعد از اشغال کشور در تبریز به چاپ رسید، موجب گردید که ایشان به مدت یازده ماه و یازده روز از سوی نیروی انتظامی روس‌ها، در شهرهای تبریز، اراک و رشت زندانی شود. وی در سال‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ سمت سردبیری مجله‌ی «ماهتاب» نشریه‌ی وابسته به انجمن ادبی آذربایجان به ریاست ادیب‌السلطنه سمیعی را بر عهده داشت. و از سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۳۱ روزنامه‌ی «فریاد» (دو شماره در هفته) را که در میان روزنامه‌های آن روز شهرستان‌ها هم طراز با روزنامه‌ی «پارس» شیراز شمرده می‌شد، مستقلاً اداره می‌کرد.

کاتبی شغل وکالت را بر خدمت بر مسند قضا ترجیح داد. ابتدا در تبریز و بعد تا سال ۱۳۶۲ در تهران به وکالت دادگستری پرداخت. حتی با همکاری دو تن از حقوقدان به نام‌های دکتر محمدعلی موحد و دکتر احمد تهرانی به تأسیس انجمنی به نام کانون مشاوره حقوقی همت گماشت. او در زمینه‌ی حقوق و تجارت کتاب‌های سودمندی تألیف کرد و از دو انتشار مجله‌ی «کانون وکلا» به سردبیری محمود سرشار، از نویسندگان مقالات ادبی آن مجله بود. ضمناً در کمیسیون‌های واژه‌گزینی حقوق، اقتصاد، و بازرگانی فرهنگستان زبان تا سال ۱۳۵۷ عضویت و فعالیت داشت.

دکتر کاتبی به سرودن شعر هم علاقه‌مند بود و تخلص خود را «جوشغون» انتخاب کرد. فهرست آثار چاپ شده‌ی وی به شرح زیر است: سی فصل در فن انشاء (تبریز، ۱۳۱۷)؛ آذربایجان و وحدت ملی ایران (تبریز، ۱۳۲۱)؛ سبک‌شناسی فارسی (تبریز، ۱۳۲۱)؛ اعلان حقوق بشر (تبریز، ۱۳۲۲)؛ حق و منشاء آن (تبریز، ۱۳۲۳)؛ شکوفه‌های ادب (تبریز، جلد اول، ۱۳۲۶، جلد دوم، ۱۳۳۲)؛ تاریخ مختصر نثر فارسی یا نگاهی به سبک‌شناسی (تبریز، ۱۳۲۷)؛ نویسندگان بزرگ معاصر (تبریز، جلد اول، ۱۳۲۸، تهران جلد سوم، ۱۳۵۲)؛ ادب و ادبیات (تهران، ۱۳۵۶)؛ وکالت، مجموعه مقالات در فن و وکالت و... (تهران، ۱۳۵۷)؛ حقوق تجارت برای تدریس در دانشگاه تهران جلد اول، ۱۳۴۸، جلد پانزدهم، ۱۳۶۷)؛ عقود و تعهدات (تهران، ۱۳۴۹)؛ حقوق و صنعت (به زبان فارسی و فرانسوی، تهران، ۱۳۵۹)؛ از لیبرالیسم تا سوسیالیسم (تهران، ۱۳۵۸)؛ فرهنگ حقوق (فرانسه به فارسی، تهران، جلد اول، ۱۳۳۷)؛ جلد دوم، ۱۳۶۳)؛ زبان باستانی آذربایجانی (تهران، ۱۳۶۳)؛ سلام به شهریار عزیز (تهران، ۱۳۴۳)؛ آذربایجان تابلوسی (تهران، ۱۳۵۸)؛ زبان‌های باستانی آذربایجان (این تحقیق در نامواره‌ی دکتر محمود افشار به صورت کتابی مستقل در ۱۳۵۹ به چاپ رسید).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] آینده (س ۱۷، ش ۴-۱، ص ۱۹۵-۱۹۳)، ادبیات نوین (۳۰۲، ۱۴۸)، الذریعه (۱۲/۲۹۰)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۲۹، ۳۰۷۶، ۲۴۲۴، ۲۱۶۰-۲۱۵۹، ۲۰۶۶، ۱۹۳۳، ۲، ۷۴۹، ۴۷۸، ۲۸۶، ۲۳۵، ۱/۲۸)، کتابنامه‌ی نخستین دهی انقلاب (۲۸۳)، مؤلفین کتب چاپی (۹۴۱-۲/۹۴۰).

کاتوزیان، محمد علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۵۴ ش)، فرهنگ‌نویس و نویسنده. در تهران به دنیا آمد. از دوران نوجوانی به تحصیل ادبیات فارسی و صرف و نحو عربی و منطق و ریاضی و هیئت پرداخت. وی پس از تکمیل آن علوم، نزد استادانی چون میرزای آشتیانی و آقا میرزا حسن کرمانشاهی و آقا میرزا هاشم رشتی به تحصیل اصول، فقه، فلسفه، کلام و عرفان مشغول شد و ضمناً در زمینه‌ی تاریخ و جغرافیا و فیزیک نیز تحقیق کرد و در هر یک از علوم مزبور خصوصاً منطق و فلسفه و عرفان شرح و حواشی نوشت. در ۱۳۲۲ ق با کوشش فراوان

انجمن علمی را تأسیس کرد که از مهم‌ترین آثار آن انجمن کتاب «لغت انجمن علمی»، از عربی به فارسی، است. وی همچنین در تأسیس کتابخانه‌ی ملی نقش مهمی داشت. او از طرف مردم تهران، در دوره‌ی اول و از طرف مردم تبریز، در دوره‌ی پنجم به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. از مهم‌ترین تألیفاتش «فرهنگ کاتوزیان» است، مشتمل بر سی و پنج هزار لغت فارسی قدیم و جدید و عربی و ترکی و اروپایی معمول در زبان فارسی. از دیگر آثار وی: «انوار المشعشعین فی بیان شرافة القم و القمیین»، تاریخ قم؛ «تاریخ انبیاء اولوالعزم»؛ «فقه در عبادات و سیاسات»؛ «تاریخ مختصر انبیاء».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۸/۳۳۲، ۲۹۲، ۲۱۴-۲۱۳/۱۶، ۴۴۱/۲)، زندگینامه رجال و مشاهیر (۲/۳۱۸)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۹۳، ۲۸۱۲، ۲۴۵۲، ۲۴۳۵، ۲۱۴۲، ۲/۲۱۴۱، ۷۴۶، ۶۷۰، ۳۹۱، ۱۳۸، ۱۳۵، ۱/۱۳۴)، مؤلفین کتب چاپی (۳۵۱-۴/۳۴۸)، نخبگان سیاسی ایران (۴۹۲، ۴/۴۸۴)، یغما (س ۵ ش ۱۰، ص ۴۶۵-۴۶۴).

کاجری، ابواحمد محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۱۱ق)، محدث. نسبتش به کاجر، از قرای نخشب می‌رسد. از ابوسهل هارون بن احمد استرآبادی و ابوجعفر محمد بن عبدالله فقیه هندوانی و ابوالفوارس احمد بن محمد بن جمعه نسفی و دیگران حدیث شنید. ابوالعباس مستغفری از وی روایت کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵/۹).

کاجری، ابوسلمه احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۱۰ق)، محدث. نسبتش به کاجر، از قرای نخشب، می‌رسد. از لیث بن نصر کاجری حدیث شنید. ابوتراب اسماعیل بن طاهر نسفی از او روایت کرده، و غیر او کسی از ابوسلمه حدیث نشنیده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

کاجری، ابومحمد عبدالرحمان

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، محدث. نسبتش به کاجر، از قرای نخشب، می‌رسد. از پدرش، لیث بن نصر کاجری، و محمد بن طالب بن زکریا

نسفی و عبدالمؤمن بن خلف نسفی (م ۳۴۶ ق)، روایت کرد. ابوجعفر عبدالملک بن عبدالله خزاعی هروی و دیگران از وی روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵/۹).

کاخی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی عمومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

کاخی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد ۱۳۱۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی عمومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۴۴، دکترای تخصصی در جراحی عمومی از دانشگاه مونترال کانادا در سال ۱۳۴۹ و فوق تخصص جراحی کبد و مری از دانشگاه هنگ کنگ در سال ۱۳۵۷.
مرتبه علمی:

استادیار دانشکده پزشکی اهواز از سال ۱۳۴۹ تا سال ۱۳۵۵، دانشیار تمام وقت دانشکده پزشکی اهواز از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۵۸، دانشیار تمام وقت دانشگاه علوم پزشکی مشهد از سال ۱۳۵۸ تاکنون.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

عوارض عصبی روانی بعد از عمل جراحی، کیست‌های مادرزادی، تومورهای کبد و مری، تدریس در رشته جراحی عمومی در دانشگاه‌های علوم پزشکی اهواز و مشهد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۴، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

پارگی خود بخودی تومورهای دو لبه کبد، آپاندیست حاد در اطفال، تومورهای مری، وضع سرطان در ایران. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

کار، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۵ ش)، پزشک، استاد دانشگاه و نویسنده. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی دو سال به مدرسه‌ی آلیانس رفت و سپس وارد دارالفنون گشت. دوره مدرسه‌ی طب را در تهران گذراند و در ۱۳۱۴ ش، بعد از دو سال طبابت، برای تکمیل تحصیلات به اروپا عزیمت نمود و یک سال در برلن و سه سال در پاریس تحصیل نمود و موفق به اخذ دیپلم از دانشگاه پاریس گردید. پس از آن به ایران بازگشت و در دانشگاه تهران به سمت دانشیار بافت‌شناسی و سپس آسیب‌شناسی به تدریس پرداخت. در ۱۳۳۱ ش بار دیگر برای مطالعه به آلمان سفر کرد و مدت سه سال در قسمت آسیب‌شناسی و امراض داخلی در دانشگاه توینگن مشغول کار شد. وی در ۱۳۳۴ ش به ایران بازگشت و پس از چند ماه مأمور تأسیس دانشکده‌ی پزشکی جندی شاپور در اهواز گشت. از آثار وی: «فن کالبدگشایی و آسیب‌شناسی ماکروسکوپیک».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۶/۳۱۷)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/۲۴۷۰)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۸۴)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۹-۶۸۷/۵).

کاردن سلمانی، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا کاردان سلمانی

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجناب رضا کاردان سلمانی در سال ۱۳۱۹ در مشهد مقدس به دنیا آمد. برخی از کتب ادبیات عرب را در مشهد نزد استاد معروف مرحوم «ادیب نیشابوری (ره)» خواندم و حدود سال ۱۳۴۰ به حوزه علمیه قم وارد شدم و کتاب شرح لمعه را نزد استاد مرحوم آقای «ستوده (ره)» و مکاسب را از استاد آقای «خزعلی» و رسائل را از استاد آقایان «نوری و اعتمادی» و کفایه را از آقایان «سلطانی و فاضل لنکرانی» بهره گرفتم و نزدیک یک دوره درس خارج اصول مرحوم «حاج شیخ هاشم آملی (ره)» شرکت کردم و درس خارج فقه «آیه الله گلپایگانی» و «حضرت امام» (قدس سرهما) و بیش از یک دوره خارج اصول «آیه الله وحید خراسانی» و

خارج فقه مکاسب ایشان نیز شرکت کردم.

کار کیا لاهیجی، حسام‌الدین

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم ق)، عالم دینی، حکیم و شاعر. از آثارش: «التوضیحات»، در حکمت و عرفان، که در ۱۰۵۲ ق تألیف نموده و بعضی از اشعار خود را در آن ذکر کرده است؛ «المسالک»، در یک مقدمه، چهار مقاله و نه مسلک؛ شرح بعضی ابیات ناصر خسرو؛ رساله‌ی «نفس» و مراتب آن، سلوک در دوازده مرحله؛ شرح رساله «الشرقیه» سهروردی؛ شرح عبارتی از «تلویحات»، که در ۱۰۷۹ ق تألیف نموده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۶/۲۴۲)، طبقات اعلام الشیعه (۱۱/۱۳۴)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۱۳۸۴، ۲/۸۵۵)، نامها و نامدارهای گیلان (۱۳۸).

کارنگ، عبدالعی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق.

۱۳۵۸.

عبدالعی کارنگ سال‌های خدمت دولتی را در وزارت معارف گذرانید. وی عضو شورای هیئت مدیره‌ی کتابخانه ملی شهر تبریز بود. آخرین کار او تصحیح قسمت مربوط به آذربایجان وقف‌نامه‌ی ربع شیدی است که به چاپ رسید. وی مقاله‌هایی برای مجله‌های ادبی و تاریخی تهران و تبریز و از جمله «یغما» نوشته است. از آثار اوست: تاتی و هرزنی (۱۳۳۳)، خلخال‌ی یک لهجه از آذری (۱۳۳۴)، ادبیات پارسی (مدرسه‌ای) (با همکاری علی اکبر صبا و علی لک دیزجی، ۱۳۳۴)، تاریخ تبریز (تألیف ولادیمیر فدوروویچ مینورسکی، ۱۳۳۷)، دستور زبان فارسی (با همکاری علی اکبر صبا و عزیز دولت آبادی و چند تن دیگر، ۱۳۳۷)، دستور زبان کنونی آذربایجان (۱۳۴۰)، راز (مجموعه شعر، ۱۳۴۳)، سفرنامه کارری (اثر جمعی کارری، ترجمه با همکاری عباس نخجوانی، ۱۳۴۸)، آثار باستانی آذربایجان (دو جلد، ۱۳۵۱)، وقف‌نامه‌ی ربع شیدی (تصحیح قسمت تبریز، ۱۳۵۷).

از وی مقالاتی در مجلات و نشریات «آرش»، «معلم امروز»، «کتابخانه‌ی ملی تبریز»، «سرو»، «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی تبریز»، «جهان اخلاق»، «تاریخ و فرهنگ ایران»، «بررسی‌های تاریخی» منتشر شده است.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

کازرونی فارسی، ابو عمر عبدالواحد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۱۰-۳۱۸ ق)، فقیه و محدث. مشهور به ابن مهدی، مسند زمان خود بود. از قاضی ابوعبدالله حسین محاملی و ابوالعباس بن عقده و محمد بن احمد بن یعقوب بن شیبیه و محمد بن مخلد عطار و حسین بن یحیی بن عیاش قطان و محمد بن اسماعیل فارسی و اسماعیل بن محمد صفار و محمد بن عمرو رزاز و ابوعمر بن سماک حدیث شنید. خطیب بغدادی و هبئه الله بن حسین بزاز و یوسف بن محمد مهران و خطیب انباری و ابوالحسن داوودی و عبدالرحمان بن ابوبکر طبری و بزرگ معتزلیان ابویوسف عبدالسلام بن محمد قزوینی مفسر از وی روایت کرده‌اند. ذهبی قسمت‌های عمده‌ای از «المحاملیات» قاضی محاملی را به دست آورده بود که از ابوعمر کازرونی که از آخرین اصحاب محاملی است نقل شده بود. در بغداد درگذشت و در گورستان باب الحرب آنجا دفن شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۱۴-۱۳/۱۱)، سیر النبلاء (۲۲۲-۲۲۱/۱۷)، شذرات الذهب (۱۹۲/۳)، العبر (۲۱۸/۲)، النجوم الزاهرة (۲۴۶-۲۴۵/۴).

کازرونی مکی، جمال‌الدین محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۷۷۷-۷۱۲ ق)، محدث. اصل وی از کازرون است که در مکه به دنیا آمد. از رضی طبری حدیث شنید و از او روایت کرد. از آثارش: «ارجوزة فی المیقات».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: معجم المؤلفین (۲۲۷/۱۰).

کازرونی، ابوالسعود محمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۰۵۸-۹۸۰ ق)، فقیه شافعی. پیشوای شافعیان مدینه بود. از آثار وی: «التذکره الکازرونیة»، که هر چیز غریب و نادر را در آن جمع کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۲۷۶/۱)، معجم المؤلفین (۹۸/۱۲، ۲۱۸/۴)، هدیة العارفین (۲۸۴/۲، ۲۴۳/۱).

کازرونی، ابوبکر محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم و پنجم ق)، حافظ و محدث. معروف به ده زور. اهل کازرون بود. به عراق و مکه رفت. در مکه از ابوالحسن احمد بن ابراهیم بن فراس عبقرسی و در بصره از ابوبکر احمد بن یعقوب طائی و دیگران حدیث شنید. وی شیخی ثقه و مورد اعتماد بود. ابو محمد عبدالعزیز بن محمد بن محمد نخشی (م ۴۵۷ ق) از وی روایت کرده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵/۱۴).

کازرونی، ابو عبدالله محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۵۵ ق)، فقیه شافعی، محدث و مقری. وی شیخ شافعیه و ساکن آمد و فقیه آنجا بود. او از احمد بن حسین بن صیاح بلدی و قاضی ابو عمر هاشمی و ابن رزقویه و ابوالفتح بن ابی الفوارس بغدادی حدیث شنید. قرآن را نزد ابوالحسن علی بن احمد بن عمر بغدادی حمای خواند. فقیه نصر مقدسی به نزد وی رفت و در محضرش فقه آموخت و فقیه ابوعلی فارقی قرآن را بر او قرائت کرد. کازرونی در دمشق، پیش از تشرف به حج، حدیث گفت و ابو غانم عبدالرزاق معری و عبدالله بن حسن نحاس و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. از آثارش: «الابانه»، در فقه شافعی. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۱۷۲-۱۸/۱۷۱)، طبقات الشافعیه اسنوی (۲/۱۸۰)، طبقات الشافعیه سبکی (۱۲۳-۴/۱۲۲)، کشف الظنون (۱)، معجم المؤلفین (۵۷/۱۰، ۹/۱۲۰)، هدیة العارفین (۲/۷۱).

کازرونی، ابو عمر عبدالملک

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۵۸ ق)، محدث. او را از ابدال و مستجاب الدعوه‌ها دانسته‌اند. در طلب حدیث سفر نمود و از ابو مسلم ابراهیم بن عبدالله کجی بصری و جماعتی از اهل عراق حدیث نوشت. او را محدثی مورد اعتماد و زاهد ذکر کرده‌اند. جماعتی از اهل فضل شیراز به نزد وی شتافتند. ابوالقاسم دهان و ابوبکر احمد بن محمد بن عبدوس نسوی و ابواسحاق ابراهیم بن ابوبکر رازی و دیگران از وی حدیث روایت کردند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵/۱۴)، توضیح المشتبه (۷/۲۶۷).

کازرونی، تاج‌الدین، ابوالبرکات محمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۸۴۳- ۷۵۷ ق)، محدث و فقیه شافعی. معروف به حاج هراس کازرونی. اصلش از کازرون بود و در مدینه به دنیا آمد. در زادگاهش فقه آموخت و فنون حدیث را از عراقی و نحو را از جمال محمد بن شهاب شامی و تج عبدالواحد بن عمر انصاری فراگرفت و از جلال خجندی حنفی بهره برد. او به مصر و شام رفت و در محضر بهاء

ابی البقاء سبکی فقه و عربیت را تکمیل کرد و ملازم وی و سراج بلقینی شد و آن دو به او اجازه دادند تا مقام افتاء و تدریس را احراز کند. سپس فقیه مدینه گشت و قضاوت آنجا را عهده‌دار و نیز متصدی منصب افتاء و تحدیث شد. او در مدینه درگذشت. از آثارش: مختصر «المغنی» بارزی، در فروع؛ شرح «التنبیه» ابواسحاق؛ شرح «مختصر التنبیه» عیسی بجلی، در سه سفر؛ شرح بر «شرح التنبیه»؛ «تفسیر قرآن»؛ «بحر السعاده»، در اخلاق و ادب، به فارسی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الضوء اللامع (۹۷- ۷/۹۶)، کشف الظنون (۲۲۵- ۲۲۴)، معجم المؤلفین (۹/۱۷)، هدیة العارفین (۲/۱۹۴).

کازرونی، عبدالسلام

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ عبدالسلام ابومسلم کازرونی بن احمد متوفی ذی‌حجه ۶۲۶ ق در شیراز عالمی فقیه و شاعری نبیه بود و در رباط امینی تدریس می‌کرد ابیات ذیل از اوست.

یا من بوجوده فنائی

ما بال هواک فی التنائی

هجرانک والممات عندی

سیان و حرمة الوفاء

قد امرضنی و لست ارجو

الا بوصاله دوائی

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کازرونی، عقیف‌الدین سعید

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۸۵ ق)، محدث. معروف به شارح کازرونی. در شیراز ساکن بود. از آثار وی: شرح «الجامع الصحیح» بخاری که آن را در ۷۶۶ ق در شیراز تصنیف کرد؛ «المطالع المصطفویة»، در شرح «مشارق الانوار النبویة من صحاح الاخبار المصطفویة»؛ «شفاء الصدور»، در چهار بخش، مشتمل بر احادیثی در فضائل اعمال؛ شرح «النجم من کلام سید العرب و العجم» ابوالعباس اقلیشی. در «معجم المؤلفین» به تبع «کشف الظنون» سال وفات وی ۷۵۸ ق ذکر شده، در صورتی که کاتب چلبی در ذیل شرح «صحیح» بخاری سال اتمام آن را ۷۶۶ ق آورده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: کشف الظنون (۱۹۳۰، ۱۶۸۹، ۱۰۵۰، ۵۵۳)، معجم المؤلفین (۴/۲۳۱)، هدیة العارفین (۳۹۲-۳۹۱/۱).

کازرونی، منصور

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۸۶۰ ق)، فقیه شافعی، مفسر، محدث و متکلم. در ۸۵۸ ق مجاور مکه شد و در همان جا تا پایان عمر در حال گوشه‌گیری از مردم باقی ماند. او در مکه در گذشت. تصانیف وی را در حدود صد اثر ذکر کرده‌اند که از آن جمله: «لطائف اللطاف فی تحقیق التفسیر و نقد الکشاف»؛ شرح «الجامع الصحیح» بخاری؛ «حجة السفر البررة علی المبتدعة الفجرة»، در نقد «الفصوص» ابن عربی. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۸/۲۳۶)، ایضاح المکنون (۲/۴۰۳)، شذرات الذهب (۷/۲۹۷)، معجم المؤلفین (۱۲-۱۱/۱۳).

کازقی، ابوسهل احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۴۶۰ ق)، محدث. نسبتش به کازه، از قرای فرنباد مرو می‌رسد. در بخارا از ابونصر حسن بن عبدالواحد شیرازی حدیث شنید. ابوالفتح طاهر بن سعید بن ابوسعید بن ابوالخیر صوفی از وی روایت کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵/۱۴-۱۵).

کاسکانی، ابومحمد عبدالله

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم و پنجم ق)، محدث و صوفی. نسبتش به کاسکان، از قرای کازرون فارس می‌رسد. از ابومحمد حسین بن علی بن احمد بن بشار نیشابوری، مصاحب مادرانی وزیر، روایت کرده است. ابوالقاسم هبة الله بن عبدالوارث شیرازی (م ۴۸۶) از وی حدیث

شنیده و در «معجم الشیوخ» خود یک حدیث از او آورده و ذکر کرده که در کاسکان آن را شنیده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵/۱۵)، لغت نامه (ذیل / کاسکانی).

کاسمی ساروی تهرانی، نصرت‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(توح ۱۲۸۷ ش)، استاد دانشگاه، پزشک، روزنامه‌نگار، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به نصرت. اصلش از مازندران بود و در تهران به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در دارالفنون به پایان رساند. وی بنابر ذوق و قریحه‌ی ادبی که داشت، همزمان با تحصیل علوم ادبی، به تاریخ و فلسفه پرداخت و از محضر استادانی چون شیخ خندق آبادی و شیخ یدالله پاک‌نظر و شیخ مهدی نوری بهره‌مند شد و در همان زمان به عضویت انجمن ادبی ایران و انجمن ادبی فرهنگستان درآمد. کاسمی در ۱۳۱۴ ش از دانشکده پزشکی فارغ‌التحصیل شد و پایان‌نامه‌ی دکترای خود را در زمینه‌ی «قطع عصب سیاتیک حوصلی زنان» نوشت. پس از فراغت از تحصیل عهده‌دار مشاغل مختلفی از جمله: تدریس بیماری‌های عمومی در دانشکده‌ی دندان‌پزشکی، نمایندگی دوره‌ی سوم مجلس مؤسسان، نمایندگی مردم ساری در دوره‌ی شانزدهم مجلس شورای ملی، وزیر مشاور در دولت دکتر اقبال، دبیر کل بنیاد نیکوکاری نوریانی، سرپرست مجله «گوهر» و انجمن ادبی گوهر و صاحب امتیاز و مدیر ماهنامه‌ی «دانشکده‌ی پزشکی» بود. دکتر کاسمی در سرودن شعر توانایی خاصی داشت و قصایدش را به سبک خراسانی می‌سرود. از دیگر آثار وی: «غدد مترشحه داخلی و بیماریهای آن»؛ «راه خوشبختی»، در اخلاق و بهداشت، ترجمه؛ «آنچه باید یک پسر جوان بداند»، ترجمه؛ «آنچه باید یک دختر جوان بداند»، ترجمه؛ «مهر مادر»، شعر؛ «امواج»، شعر؛ «سه نامه»، حاوی سه نامه ادبی و فلسفی؛ «چهار صد سال بعد از فردوسی»، در نظم بعضی از وقایع عصر امیر تیمور گورکانی؛ «داستان یوسف»، مثنوی به سبک «حدیقه» سنایی؛ «دائرة المعارف پزشکی». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ادبیات نوین (۱۴۷)، الذریعه (۱۲/۲۶۵، ۶۳-۶۲/۱۰، ۳۱۳/۵)، روزشمار تاریخ (۱۱۱، ۲/۸۴، ۱/۳۱۱)، زندگینامه مشاهیر رجال پزشکی (۸۳-۳۱/۱)، سخنوران نامی معاصر (۲۹۱۹-۲۹۱۴/۵)، شرح حال رجال معاصر مازندران (۱۳۴-۲/۱۳۰)، صدف (۵۵۲-۵۴۳)، فرهنگ سخنوران (۷۵۴)، فرهنگ شاعران زبان پارسی (۴۶۸-۴۶۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۹۴)، ۲۰۴۴، ۲/۱۶۲۷، ۱۱۲۶-۱۱۲۵، ۳۳۸، ۱/۶۵، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۸۶)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۰-۶/۵۶۸)، نخبگان سیاسی ایران (۴/۵۱۳).

کاسنی نسفی، ابونصر احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۴۳ ق)، فقیه شافعی، عالم، ادیب و شاعر. در ابتدا تنها در ادبیات مهارت داشت. سپس فقه را فراگرفت به طوری که از برجستگان مذهب شافعی گشت. او از ابو‌حسین محمد بن طالب نسفی و ابویعلی عبدالمؤمن بن خلف نسفی حدیث شنید. وی در

روزگار جوانی در قریه‌ی کاسن درگذشت. از آثارش تصنیف کتاب «تواتر الحجج» یا «تواتر الحجج»، در فقه است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۱۷-۱۶/۵)، ایضاح المکنون (۱/۳۳۵)، معجم المؤلفین (۱/۲۵۰).

کاشانی غروی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ محمد الغروی بن العلامة البارع آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین (مجتهد نطنزی) کاشانی از مشاهیر دانشمندان کرام و آیات عظام معاصر تهران است.

وی در سال ۱۳۱۳ قمری هجری در دار المومنین کاشان متولد شده و در بیت علم و کمال پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات از محضر مرحوم والدش که از مراجع و مجتهدین بزرگ عصر خود بوده و در کتاب (مآثر و آثار) مذکور می‌باشد، و نیز مرحوم مبرور آیت‌الله آخوند ملا حبیب‌الله کاشانی صاحب تألیفات کثیره و بزرگان دیگر کاشان استفاده نموده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف و از محضر و دراسات آیت‌الله العظمی حاج میرزا حسین نائینی و آیت‌الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله استاد الاساتید آقا ضیاءالدین عراقی رضوان‌الله‌علیهم اجمعین استفاده کامل فرموده و تقریرات آنان را برشته تحریر آورده و از آن بزرگواران بدریافت اجازه اجتهاد نائل سپس مراجعت بوطن و چندی بتدریس و وظائف روحی پرداخته، پس از آن عزیمت به تهران و در عاصمه تشیع رحل اقامت افکنده و تاکنون بقضاء حوائج مؤمنین اشتغال دارند.

نگارنده گوید: آیت‌الله غروی دانشمندی جامع و عالمی بارع و مجتهدی جامع شرایط و دارای معقول و منقول و حاوی فروع و اصول و ادیبی کامل و از نوادر عصر بشمار می‌رود. درب منزلش بروی همگان باز و در سخاوت و عطا ممتاز و در استخاره با قرآن مجید و فهم مراد مردم از قرآن و توضیح دادن خیر و شر مقاصد مشاور بالبنان و همه روزه صدها نفر از عموم طبقات بمنزل معظم له مراجعه و با استخاره و اشاره آن جناب رفع تحیر و سرگردانی از خود نموده و می‌نمایند.

محضرش شیرین و منطقی نمکین و طبعی روان و ذوقی فراوان و اشعار بسیاری در مواعظ و مدایح و غیره دارد. بسیاری از شعراء کاشان و تهران وی را ستوده و قصائدی در مناقب او سروده‌اند. از شرکت در اجتماعات غالباً خودداری و از تظاهرات کناره‌جویی نموده و معتکف در بیت خویش می‌باشد.

روزهای جمعه در منزلش مجلس تبلیغ منعقد و عموم طبقات و بالخصوص علماء تهران و غیره شرکت نموده و از بیانات گویندگان ماهر و بالخصوص مطالب سودمند و علمی معظم له استفاده می‌نمایند.

خاطراتی عجیب از فداکاریها و مبارزات آن جناب با منکرات دارم و چند شبانه‌روز در یکی از حوادث در خدمتشان بوده‌ام ادام‌الله‌عمره و اطال‌الله‌بقاه‌آمین‌یا‌الله.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کاشانی نجفی، ابوالقاسم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید ابوالقاسم کاشانی نجفی فرزند احمد حسینی کاشانی در حدود سال ۱۲۳۰ قمری در کاشان متولد شده و در بیت علم و کمال پرورش یافته و در دوران کودکی را در دامن پدر بزرگوارش که از علماء و بزرگان دانشمندان کاشان بوده گذرانیده و مقدمات و قسمتی از سطوح را در آنجا نزد ایشان فرا گرفته و بعد به همراه والدش عزیمت به نجف اشرف نموده و تا آخر عمر در آنجا اقامت نمودند تا حدود سال ۱۳۱۸ که وفات نموده و در وادی السلام مدفون شدند.

آن مرحوم نزد بزرگان نجف اشرف مانند مرحوم شیخ مرتضی انصاری و سید علی بحرالعلوم تلمذ نموده تا به مرتبه اجتهاد نائل شده است.

تألیفات ایشان

۱- کشف الاسرار الخفیه فی شرح الدرہ النجفیه در فقه دو جلد.

۲- کشف المهمات والالغاز و المعمیات.

۳- المشکاة الزاهرة فی احوال الخمسه الطاهره.

(سید) ابوالقاسم بن (سید) احمد کاشانی الاصل نجفی المسکن، از افاضل علمای امامیه (ف. ۱۲۹۸ یا ۱۳۱۸ ه.ق) او راست: کشف الاسرار الحنفیه فی شرح الدرہ النجفیه، که منظومه‌ی فقهی دره‌ی نجفیه‌ی سید بحرالعلوم را با کمال اتقان شرح کرده و دو مجلد از آن برآمده که تا باب اغسال است، کشف المهمات فی الالغاز و المعمیات به پارسی (ریحانة الادب، لغ.).
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

کاشانی نجفی، احمد فیضی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۸۶ ق)، فقیه و مجتهد. وی از نوادگان فیض کاشانی بود و در کاشان به دنیا آمد. مادرش از سادات لاجوردی کاشان بود. در خاندان فضل و دانش نشو و نما یافت. چون به سن تمیز رسید پس از فراگیری قرائت و کتابت و مقدمات علوم نزد علمای شهر خویش به نجف مهاجرت کرد و در بحث شیخ محمد حسن نجفی، صاحب «جواهر»، حاضر شد و «تقریرات» استاد خویش را نوشت و ملازم وی گردید تا از وی به دریافت اجازه نایل شد. پس از درگذشت شیخ محمد حسن نجفی، وی ملازم شیخ مرتضی انصاری شد و مدتی طولانی در مجلس درس و بحث او شرکت کرد و «تقریراتش» را نوشت، تا اینکه از برجسته‌ترین شاگردان شیخ انصاری گردید و از جانب وی نیز به دریافت اجازه نایل شد. کاشانی همچنین از اساتید بزرگی چون شیخ محمد قاسم بن محمد نجفی، صاحب «کنز الاحکام فی شرح شرایع الاحکام»، و شیخ زین العابدین مازندرانی حائری و سید محمد رضا بن محمد حسین حسینی کاشانی کلهری صاحب اجازه بود. او تحقیقات وسیعی در معانی الفاظ ادعیه و زیارات داشت و بسیاری از آنها را بر حواشی کتب ادعیه و زیارات نگاشته بود. از دیگر آثار وی کتاب «الفوائد» است که ملا محمد حسین سلطان آبادی قسمت‌هایی از آن را در کتاب خود «عجاله الراكب» نقل کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۶- ۱۳/۱۰۴)، معجم المؤلفین (۱۴۷-۱۴۶/۲).

کاشانی نجفی، مصطفی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۷/۱۳۳۶ - ۱۲۶۸/۱۲۶۶ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد، مفسر، ریاضیدان، ادیب و شاعر. در کاشان به دنیا آمد. بعد از گذراندن مقدمات، فقه و اصول و معقول و منقول و ریاضیات را در حوزه‌ی درس پدرش فراگرفت. سپس به اصفهان رفت و از محضر شیخ محمد تقی، صاحب حاشیه «معالم»، بهره گرفت، تا به درجه‌ی اجتهاد رسید. در ۱۲۹۲ ق در حالی که جامع جمیع علوم و ماهر در فقه و اصول و تفسیر و حکمت و ریاضی بود به تهران آمد. در ۱۲۹۶ ق پس از فوت پدرش قائم مقام منصب او گشت و چندین سال ریاست علمی و مرجعیت مذهبی مردم را عهده‌دار بود. در ۱۳۱۳ ق حج گزارد و در بازگشت در نجف سکنی گزید و از علمای آنجا بهره برد و خود حوزه‌ی درس و بحث مستقل تشکیل داد و یکی از علمای بزرگ نجف به شمار آمد. در ۱۳۳۳ ق به همراه علمای مجاهد قیام مردمی ضد انگلیس را اداره و رهبری کرد. او سپس تا پایان عمر در کاظمین ماند و در آنجا درگذشت و همان جا دفن شد. از آثارش: «التجری»، پیرامون مسائل اصول فقه؛ «الاجزاء»؛ «رسالة فی منجزات المریض»؛ «الاستصحاب»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل»؛ «دیوان» شعر، به عربی و فارسی. [۱]

(حاج سید) مصطفی بن (حاج سید) حسین کاشانی الاصل تهرانی المسکن، از بزرگان علمای امامی (ف. ۱۳۳۷ ه.ق). وی سالها در تهران ریاست علمی و مرجعیت عمومی داشت. او بعد از تحصیل مقدمات متداول، فقه و اصول و معقول و منقول و اخلاق و کلام و ریاضیات و رجال را در حوزه‌ی درس پدر خود تکمیل کرد و بعد از وفات او به اصفهان رفت ولی حوزه‌ی علمی آنجا را فراخور استعداد خود ندید. پس عزیمت نجف کرد و در آنجا یکی از مراجع علمی گردید و حوزه‌ی دینی او مرجع استفاده‌ی افاضل بود. وی قریحه‌ی شعر نیز داشت و دیوانی هم در مناقب و مرثی معصومین دارد. او در استصحاب و تجزی و تفسیر مختصر قرآن و حاشیه‌ی ارشاد علامه و حاشیه‌ی شرایع و علامت ظن و قاعده‌ی لاضرر و منجزات مریض، تألیفاتی داشته ولی اکثر آنها تلف شده (ریحان‌الادب، لغ).

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۱۳۳- ۸/۱۳۲)، اعیان الشیعه (۱۲۸- ۱۰/۱۲۷)، الذریعه (۲۳/۱۹)، ۱۰۵۵، ۹/۱۰۲، ۶/۲۵، ۲/۳۵۰، ۳/۲۷۵- ۲۷۴/۲۷۴)، ریحانه (۵/۲۱)، طبقات اعلام الشیعه (۱۳/۴۱۳)، علماء معاصرین (۱۱۲- ۱۱۱)، لغت‌نامه (ذیل / مصطفی)، المآثر و الآثار (۱۶۰)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۰۳۱- ۳/۱۰۳۰)، معجم المؤلفین (۱۲/۲۴۸).

کاشانی، ابوالحسن

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۶۶ ق)، عالم دینی، فقیه و متکلم. پدرش ملا احمد، و به آورده‌ی «ریحان‌الادب» ملا محمد، از علمای منطلق بود که حواشی بر کتب منطق نگاشته است. اصل ملا- ابوالحسن از ایبورد است. در کاشان سکنی گزید و به کاشانی منسوب شد. وی از علمای امامی عهد شاه طهماسب صفوی (۹۸۴- ۹۳۰ ق) می‌باشد که جامع علوم و حکمیات و فضائل و کمالات بود. ملا- ابوالحسن از

پدرش و از شیخ عبدالعالی بن محقق کرکی روایت کرده است. او از اساتید سید حسین بن سید حیدر مجتهد کرکی بود. شیخ آقا بزرگ تهرانی از وی به عنوان قاینی، به جای کاشانی، نام برده است. از آثار وی: «اثبات الواجب و صفاته»، که در ۹۶۳ ق از تألیف آن فراغت یافت؛ «ارکان الایمان»، در اصول دین و امامت؛ «روض الجنان» یا «روضه الجنان»، در کلام و حکمت؛ «الحسنی»، در حکمت طبیعی که مختصر «روض الجنان»، مذکور است؛ «التحریر»، شرح «رسالة الفرائض» خواجه نصیر طوسی، در میراث؛ «الشوارق»، در کلام؛ «مقدار الديات و احکامها»؛ «المنطق» [۱].

(منسوب به کاشان) ابوالحسن بن محمد ابیوردی الاصل کاشانی المسکن، از علمای امامیه‌ی قر. ۱۰ ه. و معاصر شاه طهماسب صفوی (ف. ۹۶۰ ه.ق). وی عالم و فقیه و متکلم و جامع معقول و منقول و استاد مجتهد کرکی سید حسین بن حیدر بود. او راست: اثبات الواجب و صفاته؛ ارکان الایمان در امامت؛ الحسنی در حکمت طبیعی؛ روض الجنان (یا روضه الجنان) در کلام و حکمت؛ شرح فرائض خواجه نصیر طوسی، الشوارق در کلام؛ مقدار الایات و احکامها؛ المنطق (ریحانه‌الادب، لغ.). برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] اعیان الشیعه (۲/۳۲۲)، الذریعه (۱۱/۲۷۴، ۳۷۷-۳۷۶، ۳/۵۲۶-۵۲۵، ۲/۱۰۲، ۱)، ریاض العلماء (۴۳۷-۴۳۵/۵)، ریحانه (۱۸-۱۷/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰/۵۶)، لغت‌نامه (ذیل / کاشانی).

کاشانی، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید ابوالقاسم کاشانی در سال ۱۳۰۰ هـ ق در تهران دیده به جهان گشود. او پس از انجام مناسک حج به عتبات مقدسه رفته و در نجف اشرف اقامت گزید و علوم مختلف دینی را در محضر پدر خود و سایر بزرگان علما فراگرفت و در سن ۲۵ سالگی به درجه اجتهاد رسید. پس از آن وی با الهام از تعلیمات دینی به مبارزه با استبداد و استعمار پرداخت و در این راه متحمل مشکلات و مصائب بسیار شد. او از جمله کسانی بود که همراه و همدوش دکتر مصدق، نقش خود را در ملی شدن صنعت نفت ایفاء کرد و در راس مبارزات ضد استعماری قرار گرفت. آیت الله کاشانی سرانجام در سحرگاه سال ۱۳۸۱ هـ ق مطابق با ۲۳ اسفند ماه ۱۳۴۰ هـ ش چشم از جهان فرو بست. گروه: علوم انسانی رشته: علوم اسلامی والدین و انساب: پدر سید ابوالقاسم کاشانی، آیه الله حاج سید مصطفی کاشانی، از علما و مراجع بزرگ شیعه در عصر خویش بود که در سال ۱۲۸۰ ش. از ایران به نجف اشرف هجری کرد و به تحقیق و تدریس پرداخت. تحصیلات رسمی و حرفه ای: سید ابوالقاسم کاشانی که در این هنگام، جوانی شانزده ساله بود - همراه پدر عازم نجف اشرف گردید و در آنجا علاوه بر استفاده از حلقه درس پدر و دیگر اساتید، دوره سطح را به پایان برد و سپس در درس آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی و آیه الله آخوند خراسانی شرکت جست. استادان و مربیان: سید ابوالقاسم کاشانی علوم مختلف دینی را در محضر والد معظم خود و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، حاج میرزا حسین، حاج میرزا خلیل (ره) و آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی بزرگان علما تلمذ نموده است. هم دوره ای ها و همکاران: سید ابوالقاسم کاشانی در نهضت مشروطه، مشاور شخصیتی چون آیه الله آخوند خراسانی (از رهبران اصلی نهضت) بود و او را در تصمیم گیری ها و تنظیم اعلامیه ها یاری می داد. وقایع میانسالی: سید ابوالقاسم کاشانی از همان اوان جوانی، انسانی دور اندیش و شجاع و با شهامت بود و در کنار تحصیل علوم اسلامی، توجه خاصی به اوضاع مسلمین داشته و چهره کریه و زشت استعمار و مخصوصا استعمار بریتانیا را که دهان برای فرو بردن کشورهای اسلامی، توجه خاصی به اوضاع مسلمین داشته و چهره کریه و زشت استعمار و مخصوصا

اول در سال ۱۳۳۲ هـ.ق موقعی که انگلیسی‌ها با نیروی عظیمی به قصد تسلط بر عراق و مناطق شرقی از راه خلیج فارس حمله ور گردیدند، سید ابوالقاسم کاشانی در کنار پدر بزرگوار و جمعی دیگر از علمای مجاهد شیعه با بسیج ملت مسلمان عراق دلاورانه پیشروی نیروهای انگلیس را سد نموده و حدود ۱۸ ماه در منطقه حساسی از جبهه با استقامت و پافشاری فوق تصور در مقابل آن همه تجهیزات نوین اروپایی مقاومت کرده و مانع تحركات آنها شده‌اند. در جنگ جهانی دوم با ورود متفقین به ایران، انگلیسی‌ها در صدد انتقام جویی از کاشانی برآمده‌وی را دستگیر و به زندان ارتش انگلیس در اراک اعزام می‌دارند. پس از هشت ماه که کاشانی در اراک زندانی بود، وی را تحویل ستاد ارتش شوروی در رشت می‌دهند و روسها پس از محاکمه مرحوم کاشانی تصمیم به آزادی وی می‌گیرند ولی انگلیسی‌ها پیشدستی کرده‌وی را دوباره تحویل گرفته در اراک زندانی می‌نمایند پس از ۹ ماه حبس در زندان اراک وی را به زندان انگلیسی‌ها در کرمانشاه منتقل می‌کنند وی از همین زندان به فرمانده قوای انگلیس در ایران می‌نویسد: اگر در زندان شما بمیرم ننگ ابدی بر شما خواهد بود و اگر از زندان شما سالم بیرون آیم ترتیبی خواهم داد که انگلستان از نفت ایران بی‌نصیب بماند. سید ابوالقاسم کاشانی در یک دادگاه انگلیسی در عراق غیاباً محکوم به اعدام شد. پس از محاصره نجف و کربلا توسط ارتش اشغالگر انگلیس، ایشان به پیشنهاد روحانیون عراق برای جلوگیری از گرفتاری ناچار گردید مخفیانه و با لباس مبدل از طریق پشتکوه به ایران آید. سال ۱۳۳۹ هـ.ق در تهران مورد تجلیل و احترام مردم پایتخت و اولیاء امور وقت واقع گردید حکم اعدام کاشانی تا انقلاب ۱۹۵۸ میلادی عراق که منجر به تغییر رژیم عراق شد دارای اعتبار بود. در دوران دیکتاتوری رضاخان مرحوم کاشانی حوزه علمیه تهران را اداره می‌کرد کاشانی در دوران دیکتاتوری رضاخان هیچگاه تسلیم نبود و در جواب (تیمور تاش) وزیر دربار وقت که به وی پیشنهاد ریاست مدرسه عالی سپهسالار را می‌نماید می‌نویسد: طلاب و علمایی که من تربیت کنم به کار حکومت شما نخواهد خورد. به هنگام تشکیل مجلس مؤسسان که زیر برق سر نیزه و به منظور افزایش قدرت شاه انجام می‌شد کاشانی پیامی از بیروت به تهران فرستاده و در قسمتی از این پیام می‌گوید: تبعید این خادم اسلام و ملت با آن وضع فجیع برای تغییر قانون اساسی و انتخابات فرمایشی و سوار کردن خیانتکاران به گرده ملت و مسأله نفت و تجدید امتیاز بانک شاهی است. در کشاکش مبارزه مردم تهران، مرحوم کاشانی را به نمایندگی دوره شانزدهم انتخاب نموده و او پس از یک سال و ۴ ماه تبعید با استقبال بی نظیری به تهران وارد می‌شود. مرحوم کاشانی پس از بازگشت به ایران، رهبری مردم را در مبارزه با استعمار انگلستان بار دیگر به عهده گرفت و پیامی به مجلس شانزدهم که اساسی‌ترین کارش تعیین تکلیف لایحه الحاقی نفت بود فرستاد. کاشانی به محض صدور فرمان نخست‌وزیری (رزم آرا) طی اعلامیه‌ای که عیناً توسط دکتر مصدق در جلسه علنی مجلس قرائت شد مخالفت قطعی و شدید خود را با حکومت (رزم آرا) بیان نمود. کاشانی طی اعلامیه‌ای در مورد ملی شدن صنعت نفت می‌نویسد: ملی شدن صنعت نفت در ایران تنها چاره بیچارگی‌های ماست زیرا به این وسیله اولاً ثروت بیکرانی که خداوند به ملت ایران عطا فرموده از دست دشمنان بشر که هدفی جز منفعت طلبی و مکیدن خون ملل ضعیف ندارند بیرون آمده به صاحبان حقیقی و مستحق آن می‌رسد و ثانیاً: با عملی شدن حاکمیت ملی دیگر شرکت‌های غاصب نمی‌توانند عمال خود را به جان و مال و ناموس مردم مسلط کنند و به این وسیله مقاصد پلید خود را انجام دهند. زمان و علت فوت: سید ابوالقاسم کاشانی در سحرگاه سال ۱۳۸۱ هـ.ق مطابق با ۲۳ اسفند ماه ۱۳۴۰ هـ.ش چشم از جهان فرو بست و پیکرش در میان انبوه مشتاقان تا حرم عبدالعظیم علیه السلام تشیع گردید و بین مزار آن حضرت و امامزاده حمزه به خاک سپرده شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سید ابوالقاسم کاشانی در انقلاب ۱۹۲۰ عراق، آیه الله کاشانی به منظور آماده کردن، مردم و سران عشایر برای مبارزه با سلطه استعمار، از نجف به کاظمین رفت و آنجا را برای شروع یک حرکت انقلاب برگزید. با شروع جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط نیروهای متفقین، استعمار انگلیس که از مبارزات آیه الله کاشانی در عراق ضربات سختی خورده بود با

شایع کردن همکاری او با آلمانیها، تصمیم به دستگیری اش گرفت تا بدون مزاحمت وی بتواند در انتخابات دوره چهاردهم مجلس دخالت کند. به همین منظور در خرداد ۱۳۲۲ چند افسر انگلیسی برای دستگیری آن روحانی مجاهد به منزلش هجوم بردند. اما بر اثر هوشیاری و فداکاری یارانش تا کام ماندند آیه الله کاشانی به ناچار مخفی گردید. کاشانی مدت یک سال، مخفیانه به مبارزه اش ادامه داد تا این که انگلیسیها در هنگام انتخابات مجلس از محل اقامتش در تهران (امامزاده قاسم شمیران) با خبر شده و او را دستگیر کردند. با وجود اینکه وی از سوی مردم تهران به عنوان نماینده انتخاب گردیده بود، به دستور فرستاد ارتش متفقین، از لیست اسامی نمایندگان حذف شد و به زندان روسها در رشت فرستاده شد. او پس از چندی به زندان انگلیسیها در اراک و سپس به زندانی در کرمانشاه منتقل گردید. سرانجام پس از تحمل یک سال و چهار ماه زندان در سخت ترین شرایط، در ۲۴ مرداد ۱۳۲۴ آزاد گشت و روز جمعه، سی و یکم شهریور، میان انبوه استقبال کنندگان وارد تهران شد. کاشانی یک سال در تبعید بسر برد تا این که بر اثر فشارهای سیاسی از سوی علما و مردم، در ۲۱ خرداد ۱۳۲۶ آزاد گردید و دوباره به تهران برگشت و بعد از آن به مخالفت با عبدالحسین هژیر که در صدد رای اعتماد مردم بود برآمد. فعالیتهای آموزشی: سیدابوالقاسم کاشانی از همان آغاز جوانی به نکته سنجی و دقت نظر مشهور شده و در دانش سر آمد بود؛ بطوری که در ۲۵ سالگی به درجه اجتهاد دست یافت و بزرگانی مانند آیه الله شیخ الشریعه اصفهانی، آیه الله آقا ضیاء الدین عراقی و آیه الله صدر در نوشته های خود، مقام علمی اش را با القابی نظیر ((شکافنده دریای علم))، ((کلید در گنجهای دقیق)) و... ستودند و آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی، تقلید از وی را تائید می نمود. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: سایر فعالیتهای سید ابوالقاسم کاشانی به شرح زیر می باشد: - تشکیل مجلس موسسان برای تغییر قانون اساسی که با دستگیری وی صورت گرفت و با ترور کارگردان تقلب در آرا به نام هژیر مجددا کاشانی به وطن بازگشت - مخالفت کاشانی از روی کار آمدن رزم آرا برای جلوگیری از تصویب قرارداد نفت - وی در سی ام اردیبهشت ۱۳۲۷ بار دیگر مردم را به تظاهرات بر ضد اسرائیل فراخواند و خود در اجتماع پر شور تظاهر کنندگان سخنرانی نمود و وضع نابسامان مسلمانان را نتیجه دخالت استعمارگران در امور آنها و از بین رفتن روح اتحاد و دوری از احکام اسلام دانست. - کاشانی مسلمانان مصر را نیز در مبارزات استقلال طلبانه آنان، مورد حمایت قرار و در بحران کانال سوئز، پیام تائیدی خطاب به جمال عبدالناصر (رئیس جمهور مصر) فرستاد و در مسجد ارک تهران مراسمی برای گرامی داشت یاد شهدای مصر و ارج نهادن به فداکاریهایشان برپا کرد. - او در جریان مبارزه مردم مسلمان تونس برای رهایی از سلطه استعمار فرانسه، بیانیه ای صادر کرد و تنفر شدید خود را نسبت به برقراری جو ترور و وحشت توسط فرانسه در خاک تونس، بیان داشت. - کاشانی در سال ۱۳۳۱ ش. پس از بازگشت از مراسم حج، نامه ای به تمام کشورهای اسلامی فرستاد و از آنها خواست برای شرکت در کنگره اسلامی و تبادل نظر درباره اتحاد جهان اسلام، نمایندگانی به ایران بفرستند

کاشانی، ابوبکر

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوبکر ابن مسعود بن احمد حنفی کاشانی ملقب به ملک العلماء و علاءالدین؛ از بزرگان فقیهان اهل سنت (ف. حلب ۵۸۷ ه.ق) وی نزد علاءالدین محمد بن احمد سمرقندی فقه آموخت و اکثر مصنفات او را نزد خود وی فراگرفت و بر کتاب تحفه الفقهاء وی شرحی نیکو نوشت، و آن شرح را که شامل سه مجلد است بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع نامید، و آن را پس از اتمام به نظر استاد خود رسانید و مورد تحسین او قرار گرفت. استاد دختر خود فاطمه را - که او نیز فقیه بود - به عقد ازدواج وی درآورد و به همین

جهت درباره‌ی کاشانی گفته‌اند، شرح تحفته و تزوج ابنته (تحفه‌ی او را شرح کرد و دخترش را به ازدواج خویش درآورد). از تألیفات دیگر وی کتاب السلطان‌المبین فی اصول‌الدین است (ریحانة‌الادب، لغ).

(وف ۵۸۷ ق)، فقیه حنفی. در حلب سکنی گزید و همان جا از دنیا رفت. از آثار وی: «بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع»، در شرح «تحفة الفقهاء» استادش علاء‌الدین محمد سمرقندی در چند مجلد، در فقه؛ «السلطان‌المبین فی اصول‌الدین». در پاره‌ای از منابع از وی به عنوان کاشانی منسوب به کاسان، شهری در ترکستان و رای نهر جیحون و شاش، یاد کرده‌اند. [۱]

بر گرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه [۱]: الاعلام (۲/۴۶)، کشف‌الظنون (۳۷۱، ۹۹۶)، معجم‌المؤلفین (۷۶-۷۵/۳)، هدیه‌العارفین (۱/۲۳۵).

کاشانی، باقر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید باقر بن اسماعیل کاشانی عالمی ادیب بود و در شعرش (مهری) تخلص می‌نمود تولدش ۱۲۹۲ ولی وفاتش بدستم نیامده. بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشانی، جمال‌الدین، ابوالقاسم عبدالله

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س هفتم و هشتم ق)، مورخ و نویسنده. از خانواده‌ی هنرمندی بود که اکثر آنها در کاشی کاری ماهر و استاد بوده‌اند. خود جمال‌الدین نیز از این حرفه اطلاعاتی کافی داشت ولی به کارهای دیوانی و مشاغل ادبی و علمی پرداخت و به خدمت سلاطین ایلخانی درآمد. وی از جمله منشیان متعددی بود که زیر دست خواجه رشیدالدین فضل‌الله (۷۱۸-۶۴۵ ق)، وزیر غازان خان و سلطان محمد خداپسند، به کار تألیف و تدوین اشتغال داشت. پس از مرگ خواجه رشیدالدین، کاشانی در مقدمه کتاب «تاریخ اولجایتو» که برای گنج‌نیده شدن در کتاب «جامع‌التواریخ» خواجه در نظر گرفته شده بود، مدعی شد که همه‌ی «جامع‌التواریخ» از اوست و خواجه کار او را به خود نسبت داده است. از آثارش: «تاریخ اولجایتو»؛ «عرایس الجواهر و نفایس الاطایب»، درباره‌ی شناخت احجار و املاح و خوشبویه‌ها؛ «زبدۀ‌التواریخ». در «کشف‌الظنون» کتاب «زبدۀ‌التواریخ» به محمد بن علی کاشی (م ۸۳۶ ق) نسبت داده شده است.

بر گرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۳۲-۱۲۳۱/۳)، تاریخ‌گزیده (۷)، تاریخ‌نگاران ایران (۳۵۹-۳۵۸)، تاریخ نظم و نثر (۷۳۴-۷۳۳، ۱۵۱)، عرایس الجواهر و نفایس الاطایب (مقدمه)، کشف‌الظنون (۹۵۱).

کاشانی، حبیب‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ملا-) حبیب‌الله بن علی مدد بن رمضان، از علمای امامیه‌ی قرن ۱۴ ه. (و. ۱۳۴۰ ه.ق). وی عابد و زاهد و متقی و عرفان مسلک و دارای اخلاق نیکو بود و علاوه بر علوم دینی متداول از بعض علوم غریبه آگاه و دارای قریحه‌ی شعر بود. او در ۱۴ سالگی از نحو و صرف عربی و مقدمات متداول فارغ شد و نزد حاج سید حسین و بعض دیگر به تحصیل فقه پرداخت و مقداری از فصول را نزد شیخ محمد اصفهانی خواهرزاده‌ی خود صاحب فصول و قسمت عمده از رسائل شیخ مرتضی انصاری را نزد حاج میرزا ابوالقاسم کلانتری تهرانی خواند و مقداری از حکمت را نزد شاگردان ملا- هادی سبزواری آموخت و در ۱۶ سالگی به تحصیل اجازه‌ی روایت و در ۱۸ سالگی به اجازه‌ی اجتهاد از طرف استاد خود حاج سید حسین مذکور نایل آمد و همه‌ی عمر را به انزوا گذرانید و عزت را در عزلت دید و اوقات خود را به تألیف و تدریس مصروف داشت. او راست: اسرار العارفين فی الاخلاق والمعارف، اصطلاحات الصوفیة، اصطلاح علم الجفر، الانوار السانحة فی تفسیر الفاتحة، ایضاح الریاض (حاشیه بر ریاض المسائل)، تذکره الشهداء، تفسیر بعض سور و غیره (ریحانة الادب، لغ).

حبیب‌الله الشریف بن ملا- علی مدد بن رمضان ساوجی کاشانی عالمی فقیه و رئیسی جلیل و مؤلفی مروج و مکثر در تألیف بوده است. وی در حدود ۱۲۶۲ متولد شده و در سال ۱۳۴۰ ق وفات نموده است. مرحوم آخوند ملا حبیب‌الله یکی از مفاخر دانشمندان کاشان و صاحب تألیفات عدیده مانند (لباب الالقاب) و (توضیح البیان) و (منتقد المنافع) در شرح مختصر النافع در ۱۲ جلد و (ریاض الحکایات) و (عقاید الایمان) و (گلزار) و (شکایت‌نامه) و (منیة الاصول) و (دره الجمان) و تذکره الشهداء و ده‌ها کتاب دیگر که جمعاً بیش از یکصد و بیست کتاب و رساله می‌شود. بوده است.

آن مرحوم دارای چندین فرزند عالم و فاضل بوده‌اند. ۱- مرحوم حجة الاسلام آقا حسین شریف ۲- ثقة الاسلام آقا احمد شریف ۳- ثقة الاسلام آقا محمد شریف که در قید حیات و از محترمین کاشان می‌باشند.

دامادهای ارجمندی داشته‌اند که از علماء بزرگ کاشانند ۱- مرحوم آیت‌الله حاج سید فخرالدین امامت ۲- مرحوم آیت‌الله آخوند ملا عبدالرسول مدنی والد آیت‌الله حاج آقا رضا مدنی معاصر که مذکور خواهد شد.

و مخفی نباشد که مرحوم آخوند ملا- حبیب‌الله چون در سنین کودکی والدش را از دست داد در تحت تربیت و پرورش مرحوم آیت‌الله آقا سید حسین حسینی کاشانی (جد مرحوم آیت‌الله مجاهد حاج سید ابوالقاسم کاشانی معاصر) قرار گرفت و در کاشان از وی و در تهران از شیخ محمد اندرمانی و شیخ محمد (خواهرزاده صاحب فصول) و میرزا ابوالقاسم کلانتر صاحب (تقریرات شیخ انصاری) و شیخ هادی مدرس تهرانی و در کربلا از فاضل اردکانی استفاده نموده و از غالب آنان اجازه داشته است. در کاشان ریاست علمی و دینی و در عین حال صاحب کرامت و مقامات معنوی بوده است.

(ح ۱۳۴۰-۱۲۶۲ ق)، عالم دینی، عابد، عارف و شاعر، متخلص به سالک. اصل وی از ساوه است و پدرش از علمای آنجا بود که مدتی در قزوین سکنی گزید و سپس به کاشان منتقل گردید. ملا حبیب در کاشان به دنیا آمد. در دوران کودکی تحت تربیت و پرورش آیت‌الله آقا سید حسین حسینی کاشانی قرار گرفت و صرف

و نحو و مقدمات را از ایشان آموخت. در شانزده سالگی به دریافت اجازه‌ی روایتی و در حدود نوزده سالگی به دریافت اجازه اجتهاد از استادش سید حسین کاشانی نایل شد. سپس به تهران آمد و قسمتی از «فصول» را نزد شیخ محمد اصفهانی، خواهرزاده صاحب «فصول»، خواند و از محضر شیخ محمد اندرمانی استفاده نمود. او آن‌گاه قسمت عمده‌ی «رسائل» شیخ انصاری را نزد میرزا ابوالقاسم کلانتر، صاحب «تقریرات»، شیخ مرتضی انصاری و حکمت را نزد شیخ هادی مدرس تهرانی، از شاگردان برجسته‌ی حاج ملا- هادی سبزواری، فراگرفت. سپس به عراق رفت و در کربلا از محضر فاضل اردکانی استفاده نمود. او از اغلب اساتید خویش

صاحب اجازه بود. سپس به کاشان بازگشت و ریاست علمی و دینی آنجا را عهده‌دار شد. وی صاحب کرامات و مقامات معنوی بود. از آثارش: «ایضاح الرياض»، حواشی «رياض المسائل»، «منتقد المنافع»، در شرح «المختصر النافع»؛ «الانوار السانحة فی تفسیر الفاتحة»؛ تفسیر هر یک از سوره‌های: «جمعه»، «دهر»، «فتح» و «ملک»؛ «توضیح السبل»، در بیان ادیان؛ «اسرار العارفين»، در اخلاق و معارف؛ شرح هر یک از دعاهای: «کمیل»، «جوشن»، «سحر»، «صبح»، «عدیله» و «زیارت عاشورا»؛ «لباب الالباب فی القاب الاطیاب»؛ «نخبه التبیان»، در معانی و بیان؛ «توضیح البیان»، در تسهیل اوزان؛ «ریاض الحکایات»، در قصص و امثال. کاشانی منظومه‌های بسیاری در فقه، اصول، عقاید، بیان، بدایع و درایه، به عربی و فارسی، دارد که «منیة الاصول»، در درایه از منظومه‌های عربی و «نصیحت نامه» و «شکایت نامه» و «گلزار اسرار» از منظومه‌های فارسی اوست. [۱]

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان الشیعه (۴/۵۵۹)، الذریعه (۴/۲۳، ۲۷۷، ۱۸/۲۱۵، ۱۵/۲۸۲، ۱۴/۲۱۴، ۳۲۴-۳۲۳/۶۷، ۱۱/۲۳۱، ۹/۹۸، ۸/۲۷۱، ۷/۴۹۲-۴۹۱، ۴/۱۸۲)، ریحانه (۲۰-۱۸/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۶۱-۳۶۰/۱۴)، گنجینه دانشمندان (۲۵۲-۲۵۰/۶)، لغت نامه (ذیل / حبیب‌الله)، معجم المؤلفین (۳/۱۸۷).

کاشانی، حبیب‌الله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید میرزا حبیب‌الله معروف (به میرزا بابا) بن سید رفیع‌الدین محمد حسینی الکاشانی از افاضل علماء و از شاگردان فاضل نراقی بوده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشانی، عبدالحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا عبدالحسین خان ملقب (به ملک المورخین) بن میرزا هدایه‌الله خان بن لسان‌الملک میرزا محمدتقی خان ملقب (به سپهر) بن ملا علی ضرابی کاشانی تهرانی متولد ۱۲۹۰ و متوفی ۱۳۵۲ قمری ادیبی بارع و مورخی فاضل بوده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشانی، عبدالرزاق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالرزاق کاشانی در قرن سیزدهم در کاشان متولد شد. وی چنان که در نامه خود به علاءالدوله سمنانی اظهار می‌دارد «در اوایل

جوانی از بحث فضلیات و شرعیات فارغ شده بود و از بحث اصول فقه و اصول کلام هیچ تحقیقی نگشود. و در ادامه در «بحث معقولات و علم الهی» جست‌وجو کرد و در این زمینه به درجه‌ای از کمال رسید. بر اثر این حیرت و انقلاب درونی، همچون غزالی به تصوف روی آورد از محضر اساتید برجسته آن دوران بهره گرفت. در حیطه راهنمانگاری کاشانی بدون شک یگانه است و هیچ یک از نامبرداران اندیشه خانقاهی در سرتاسر حوزه تمدن اسلامی - حتی خود شیخ اکبر هم - درخشش او را ندارد. در این زمینه می‌توان به اثر عظیم وی به نام «لطایف‌الاعلام فی اشارات اهل‌الالهام» اشاره کرد که آن را می‌توان «بزرگترین اصطلاحات‌نامه همه حوزه‌های صوفیان» نام برد. جامعیت این اثر که تلخیصی از آن با عنوان اصطلاحات‌الصوفیه نیز یکی از منابع مهم صوفیه در این زمینه است ثابت می‌کند که به حق «عبدالرزاق یکه‌تاز میدان اصطلاحات نگاری است». گروه: علوم انسانیرشته: علوم قرآنی‌تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: عبدالرزاق کاشانی چنان که در نامه خود به علاء‌الدوله سمنانی اظهار می‌دارد «در اوایل جوانی از بحث فضلیات و شرعیات فارغ شده بود و از بحث اصول فقه و اصول کلام هیچ تحقیقی نگشود». پس از این دوران، روح پرتلاطم وی از جست‌وجوی آرامش و سکون بازماند و آن را در وادی دیگر یعنی در «بحث معقولات و علم الهی» جست‌وجو کرد و در این زمینه به درجه‌ای از کمال رسید که «بهرتر از آن صورت نبندد». ولی این مایه تحصیل علوم نیز نه تنها وی را از قید و سرگردانی نجات نداد بلکه «چندان وحشت و اضطراب و احتجاج از آن پیدا شد که قرار نماند و معلوم شد که معرفت مطلوب از طور عقل برتر است». بر اثر این حیرت و انقلاب درونی، همچون غزالی به تصوف روی آورد و به صحبت نورالدین عبدالصمد نطنزی، از مشایخ سهروردیه، رسید و پس از او نیز از محضر اساتید و مشایخ دیگری نظیر صدرالدین روزبهان ثانی، شمس‌الدین کیشی و اصل‌الدین عبدا... بهره گرفت. کاشانی با مطالعه فصوص‌الحکم با عقاید ابن‌عربی آشنا شد و این آشنایی، سرفصل مهمی در زندگی عبدالرزاق بود؛ چرا که وی با اینکه از مشایخ سهروردیه ارشاد یافته بود به یکی از بزرگترین شارحان و مروجان مکتب وحدت وجودی پس از صدرالدین قونوی تبدیل شد، به طوری که با وجود چهره‌های برجسته‌ای در میان شاگردان و مروجان عقاید شیخ اکبر، نظیر عقیف‌الدین تلمسانی، مؤیدالدین جندی، سعید فرغانی، فخرالدین عراقی، شاه نعمت‌الله ولی و...، کاشانی از جایگاهی والا- و منحصر به فرد برخوردار است؛ زیرا وی با بیان ساده، روشن و محققانه به نظام‌مندی نظریات شیخ اکبر پرداخت و برخی از آثارش مثل شرح فصوص‌الحکم، تاویلات‌القرآن، لطایف‌الاعلام فی اشارات اهل‌الالهام در نوع خود بی‌بدیل است و بیش از هر اثر دیگری مورد رجوع و استفاده طالبان بوده است. استادان و مریبان: بر اثر حیرت و انقلاب درونی، همچون غزالی کاشانی به تصوف روی آورد و به صحبت نورالدین عبدالصمد نطنزی، از مشایخ سهروردیه، رسید و پس از او نیز از محضر اساتید و مشایخ دیگری نظیر صدرالدین روزبهان ثانی، شمس‌الدین کیشی و اصل‌الدین عبدا... بهره گرفت. در میان شاگردان و مروجان عقاید شیخ اکبر، کاشانی از جایگاهی والا و منحصر به فرد برخوردار است. چگونگی عرضه آثار: در حیطه راهنمانگاری کاشانی بدون شک یگانه است و هیچ یک از نامبرداران اندیشه خانقاهی در سرتاسر حوزه تمدن اسلامی - حتی خود شیخ اکبر هم - درخشش او را ندارد. در این زمینه می‌توان به اثر عظیم وی به نام «لطایف‌الاعلام فی اشارات اهل‌الالهام» اشاره کرد که آن را می‌توان «بزرگترین اصطلاحات‌نامه همه حوزه‌های صوفیان» نام برد. جامعیت این اثر که تلخیصی از آن با عنوان اصطلاحات‌الصوفیه نیز یکی از منابع مهم صوفیه در این زمینه است ثابت می‌کند که به حق «عبدالرزاق یکه‌تاز میدان اصطلاحات نگاری است». یکی دیگر از ویژگی‌های کاشانی تلاش وی در جهت تحکیم مبانی علمی مکتب وحدت وجودی از طریق تقریب آن با شریعت و قرآن کریم است و نامه وی به علاء‌الدوله سمنانی در جهت دفاع از عقاید شیخ اکبر و اثبات نبود مغایرت آن با شریعت و نیز تدوین تاویلات‌القرآن را می‌توان در این راستا برشمرد که در آن کاشانی آیات قرآنی را منطبق با مشرب وحدت وجودی تاویل کرده است. از امتیازات دیگر کاشانی، گرایش‌های شیعی وی است. عبدالرزاق به گرامیداشت اهل‌بیت و ائمه اطهار(ع)، به‌خصوص حضرت علی(ع) و امام جعفر صادق(ع)، می‌پردازد. عبدالرزاق کاشانی یکی از نام‌آوران عرصه ترویج و انتظام بنای فکری و مکتب

محمّد الدین ابن عربی است. از وی آثار گرانسنگ متعددی بر جای مانده که برخی از آنها در نوع خود در تاریخ تصوف بی‌بدیل است. در واقع، کاشانی در شمار پرکارترین نویسندگان تمام حوزه‌های تصوف اسلامی است، چه در دوران تکامل و رواج عرفان - دورانی که با حضور شیخ اکبر و ابن فارض آغاز شد - کمتر نویسنده‌ای بسان کاشانی به تدوین نظرگاه‌های خانقاهیان پرداخته است، به گونه‌ای که در این دوران نه تنها دست‌نوشته‌های بزرگانی همچون تلمسانی، جندی و فرغانی به تنوع و حجم آثار کاشانی نیست، بلکه حتی شیخ کبیر در این وادی همسان عبدالرزاق کاشانی نیست.

آثار: تاویلات القرآن و ویژگی اثر: تاویلات القرآن بی‌تردید گرانسنگ‌ترین اثر کاشانی است. به جرات می‌توان آن را در میدان تفسیر باطنی قرآن اثری منحصر به فرد دانست، چنانکه امام خمینی (ره) در تفسیر سوره حمد خویش از آن یاد می‌کنند. در این اثر، عبدالرزاق تفسیر قرآن را به شیوه تاویلی - مبتنی بر کشف و شهود - به اختصار در ۲ مجلد فراهم آورده است. مجلد اول دربرگیرنده مقدمه مؤلف و تاویل سوره‌های آغازین قرآن تا پایان سوره کهف است و مجلد دوم مشتمل بر تاویل سوره مریم تا انتهای قرآن است. تاویلات القرآن به عقیده «لوری» پژوهشگر آثار کاشانی اثری منحصر به فرد در زمینه تفسیر باطنی قرآن است که نه تنها در میان متشرعه، بلکه در میان تفاسیر متصوفه نیز نمی‌توان برای آن نظیری یافت. در هر صورت در میان مسلمین، صوفیه، باطنیان و اخوان‌الصفا در بسیاری از موارد به تاویل تمسک جسته‌اند و حتی از قدمای متصوفه نیز چون واسطی، شبلی، نوری و حلاج تاویل‌هایی در باب برخی از آیات قرآن نقل شده است. در تاریخ متصوفه، از قرن سوم به بعد، تفاسیری از بخشی از یک سوره یا قسمتی از قرآن یا تمام قرآن به دست رسیده است که در آنها نشانه‌هایی از ذوق و تاویل باطنی را می‌توان سراغ گرفت. «تاویلات القرآن» در حدود یک قرن پس از دوران شیخ اکبر و در زمانی به رشته تحریر درآمد که اندیشه متصوفه با طرح نظریات ابن عربی و رواج آن در محافل صوفی توسط قونوی، فرغانی، جندی و ... به اوج خود رسیده بود. به علاوه، کاشانی که با حکمت و فلسفه نیز آشنایی داشته و از طرفی در طریقت پیرو سهروردیه بوده است، در تاویلات، بر پرداخته‌هایش که غالباً رنگ محی‌الدینی دارند چاشنی فلسفه و ادراک ذوقی سهروردیه را نیز افزوده است. به علاوه، شیوه ساده، روان، آموزشی و به دور از طمطراق‌های ادبی، آن را به اثری قابل فهم و منبعی مهم برای رجوع طالبان تبدیل کرده است. از ویژگی‌های دیگر تاویلات، ارائه کلیدها و رهنمودهایی به سالک در جهت فهم معنی باطنی آیات قرآنی است. کاشانی خود در مقدمه اثرش از این نکته به عنوان یکی از انگیزه‌های اصلی تدوین تاویلات یاد می‌کند. کاشانی در بخشی از این کتاب به تبیین مفاهیم تاویل و تفسیر و تفاوت این دو و نیز به مختصری از تاریخچه سیر تاویل باطنی متصوفه در اسلام می‌پردازد. او چند نوع تفسیر را از هم متمایز می‌کند: ۱ - تفسیر قرآن بر اساس شواهدی از دستور زبان، علم‌اللغه، احادیث و روایات است. این رویکرد، که تفسیر ظاهری نام دارد، به برداشت ظاهری از بیانات قرآنی اکتفا کرده و به شدت از دخالت رای و نظر شخصی پرهیز می‌کند. غالب تفاسیر به خصوص در نزد متشرعه رسمی سنی از این نوع است. ۲ - تاویل، که مبتنی بر دخالت نظر و تفکر مفسّر است و خود دارای ۲ گرایش تاویل عقلی و تاویل کشفی است. تاویل عقلی، که جسورانه‌ترین نمونه‌های آن در مذهب معتزله نگاشته شده است، علاوه بر به کارگیری تمام امکانات تفسیر ظاهری، نتیجه تفکرات شخصی مفسّر را نیز در خود دخیل می‌کند. تاویل کشفی یا تاویل باطنی عبارت است از راه کشف درونی از طریق درک مستقیم و شهودی مفهوم باطنی کلمات و آیات قرآنی. تاویلات عبدالرزاق کاشانی در این گروه جای دارد. وی نیز به جست و جوی «هسته‌های تاویل باطنی» در خود قرآن کریم می‌پردازد و آیات نور، میثاق الست و آیات مربوط به معراج پیامبر (ع) را در زمره این «هسته‌ها» برمی‌شمارد. همچنین عبدالرزاق مسئله انتساب تاویلات القرآن به ابن عربی را مورد کنکاش قرار داده است. وی با بحثی دقیق اشتباه بودن انتساب آن به ابن عربی را اثبات و براهینی بر آن اقامه می‌کند: اولاً غالب نسخ خطی تاویلات به عبدالرزاق منسوب است. شیخ حیدر آملی به کرات در جامع‌الاسرار از آن یاد کرده و مؤلف آن را «ولی‌الاعظم کمال‌الحق و المله‌والدین

عبدالرزاق قدس... سره» نامیده است. جامی و شمس‌الدین محمدابن حمزه فناری نیز در آثار خود تاویلات را تالیف عبدالرزاق کاشانی دانسته‌اند. شیخ بهایی نیز در کشکول ضمن بیان حدیثی از امام جعفر صادق (علیه‌السلام) که عیناً در مقدمه تاویلات نیز آمده است، می‌نویسد: «روی‌العارف الربانی مولانا عبدالرزاق القاسانی فی تاویلاته». به هر روی، هدف عبدالرزاق تفسیر مسلسل و آیه به آیه تمام آیات قرآن یا تفسیر موضوعی قرآن نیست. وی که از سویی به وجود معانی باطنی در ورای ظاهر آیات قرآنی معتقد است و از سوی دیگر اهل کشف و شهود است و از جهتی نیز دغدغه ارائه کلیدها و رهنمون‌هایی به سالکان جهت تسهیل درک معنوی قرآن را دارد، شروع به تدوین تاویل قرآن، بر اساس ادراک شهودی و با بیانی ساده و آموزشی، کرد. بنابراین، تاویلات باطنی عبدالرزاق حاصل تجربه شخصی او است. از آنجا که کاشانی، به اختصارنویسی گرایش دارد، از این رو، آیاتی با مضمون ۲ شرح فصوص‌الحکم لطایف‌الاعلام فی اشارات اهل‌الالهام منابع زندگینامه: <http://www.iranologyfo.com>

کاشانی، عبدالله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ عبدالله کاشانی عالمی کامل و فقیهی بارع از شاگردان شیخ انصاری بوده و در خراسان ریاست علمی و دینی داشته تا در سال ۱۳۰۳ وفات و در (توحیدخانه) وفات نموده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشانی، عبدالمطلب

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، ادیب، مفسر، طبیب، مورخ و شاعر. مشهور به ادیب کاشانی. سلسله نسب وی به طایفه غفاری و بنا به قول صاحب «گنج شایگان» به ابوذر غفاری می‌رسد. وی در عصر ناصرالدین شاه (۱۳۱۳-۱۲۶۴ ق) می‌زیست. میرزا عبدالمطلب، خواهرزاده‌ی میرزا ابوالحسن خان نقاش باشی صنیع‌الملک بود. وی در قواعد عربی، علوم ادبی، تفسیر و علم طب بی‌نظیر بود و همگان او را در فنون مزبور به استادی قبول داشتند. ادیب کاشانی تاریخی نیز تألیف کرده که گویا از بین رفته است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۱۱۸۰-۱۱۷۹/۲)، شرح حال رجال (۱۵۰/۶)، گنج شایگان (۳۴۸-۳۴۵).

کاشانی، علم الهدی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۱۰۷ ق)، فقیه، محدث، مفسر و ریاضیدان. از نوادگان صاحب «معالم» بود که در کاشان می‌زیست. از آثارش کتابی در «فقه

استدلالی» است که در ۱۱۰۷ ق از تألیف آن فراغت یافت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۴۹ / ۸)، الذریعه (۲۸۸ / ۱۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۸۸ / ۱۲)، معجم المؤلفین (۲۹۴ / ۶).

کاشانی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در سال ۱۳۴۹ هجری قمری برابر با ۱۳۰۹ هجری شمسی در محله گذر حاجی، یکی از محله‌های قدیمی دارالمؤمنین کاشان خانه محمد حسین و بتول آغا از ارادتمندان آیت الله آقا سید محمد حسین رضوی کاشانی، پسری به دنیا آمد که او را علی نام نهادند. اطلاعات وسیع از مسائل و موضوعات فقه، اصول و کلام و عرفان، طریقه نقد و بررسی آراء و نظریات فقیهان و اصولیان در مناظره‌های علمی و استدلالی او با مخالفان دارا بودن کمالات و فضایل معنوی، او را در شمار نوابغی قرار داد که در آغاز جوانی به رتبه عالی و قله رفیع اجتهاد در آورد. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب: نهادند بیش از شش روز از ولادت شیخ علی کاشانی نگذشته بود که مادر را از دست داد، نام پدرش هم محمد حسین است. تحصیلات رسمی و حرفه ای: شیخ علی کاشانی در نه سالگی پای به مکتب گذاشت و خواندن و نوشتن را فرا گرفت. در آستانه سیزدهمین بهار زندگی به توصیه پدر و تشویق آیت الله رضوی، برای کسب معارف دینی، عازم اصفهان گردید. در آنجا نیز اساتید گرانمایه دروس حوزوی را، تا مرحله سطح، گذراند. آنگاه برای بهره‌وری علمی بیشتر و کسب کمالات بیشتر راهی آستان قدس رضوی (ع) شد و در مدرسه علمیه نواب ساکن شد. مدت اقامتش در مشهد چهار سال بود که در این دوره از محضر اساتید بزرگی همچون؛ آیت الله آقا میرزا محمد هاشم قزوینی، آقا سید محمد یزدی و در کوهستان اطراف بهشهر نزد عالم مذهب حضرت آیت الله سید محمد کوهستانی استفاده‌ها برد. شیخ علی ضمن کسب در مدرسه میرزا جعفر که اسم اکنون بخشی از دانشگاه علوم رضوی تبدیل شده است، به تدریس و تعلیم طلاب و مشتاقان علم و در همان دوران جزو چهره‌های سرشناس علمی مردان با تقوای حوزه به شمار آمد. پس از اقامتی کوتاه در مشهد آهنگ هجرت به حوزه علمیه قم کرد. در قم امامت مسجد کیهان را به عهده داشت و در منزل جنب مسجد، با شهید هاشمی نژاد و... به سر برد بعد از آن در یکی از حجره‌های قست شرقی مدرسه حجتیه سکنی گزید. با جدیت تمام در سالهای ۱۳۲۵ ش در درسهای خارج فقه و اصول آیت الله بروجردی و خارج اصول امام خمینی شرکت کرد و در کنار آن در مسجد کوچک گذر خان به تدریس دروس سطح عالی و درس خارج خصوصی برای شهید هاشمی نژاد پرداخت. خاطرات و وقایع تحصیل: نامادری شیخ علی می‌گوید: چند ماهی پس از درگذشت مادر شیخ من به عقد پدرش در آمدم در حد توان کارهای او را انجام می‌دادم ولی پدرش بیشتر مواظب او بود. آن موقع‌ها که برای تحصیل به مشهد و قم می‌رفت گاهی به کاشان می‌آمد و از زمان آشنایی شیخ با آقای هاشمی نژاد با هم به کاشان می‌آمدند و بیشتر ماه مبارک یا محرم مدتی می‌ماندند شیخ در خانه به مطالعه و عبادت مشغول بود و آقای هاشمی نژاد منبر و جلسه داشت. آقا شیخ علی به آیت الله رضوی علاقه بسیار داشت و به دیدن او می‌رفت. استادان و مربیان: شیخ علی کاشانی، نزد اساتید و بزرگان سه حوزه مهم، اصفهان، مشهد و قم، به تحصیل پرداخت. برخی از اساتید او عبارتند از: آیت الله آقا سید محمد حسین رضوی کاشانی؛ آیت الله سید محمد علوی بروجردی معروف به باغ؛ آیت الله آقا میرزا محمد هاشم قزوینی؛ آیت الله شیخ محمد کوهستانی؛ آیت الله حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی؛ امام خمینی؛ زمان و علت فوت: شیخ علی کاشانی در مسافرتی که محرم سال ۱۳۷۴ به رودسر کرده بود در شب ۱۴ آن ماه پس از ادای

قریضه مغرب و عشاء در منزل یکی از آشنایان دچار سکتة قلبی گردید و ندای ارجعی را لیک گفت. جنازه آن مرحوم را به قم آورده‌اند و پس از تشییع در قسمت جنوبی قبرستان نو به خاک سپردند. شاگردان: از شاگردان معروف فریده الاسلام کاشانی که بیشترین بهره‌های علمی و معنوی را در مکتب وی کسب کردند؛ شهید والا مقام حجت الاسلام و المسلمین سید عبد الکریم هاشمی نژاد (۱۳۱۱ - ۱۳۶۰ش) است. در بین دیگر شاگردان می‌توان از وی حجت الاسلام و المسلمین سید حسن ابطحی خراسانی، سید حبیب الله اهری گرگانی، حاج شیخ غلامرضا عرفانیان خراسانی، حاج شیخ علی اصغر مسلمی کاشانی، حاج شیخ حسن شریعتی نیاسری، حاج شیخ محمد امامی کاشانی، حاج شیخ یحیی انصاری شیرازی و دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی نام برد. آرا و گرایشهای خاص: شیخ علی شانزده سال زندگی طلبگی را با پشتکار تمام در کسب علوم و فضائل و در نهایت سادگی و بی‌آلایشی سپری کرد. او نسبت به دنیا و امور دنیوی بی‌توجه بود، در ارتباط با خالق و اولیای الهی آنچنان عاشق بود که سر از پا نمی‌شناخت. او عاشق عبادت، تهجد و سجده‌های طولانی، ناله و زمزمه‌های شبانه بود لباسها ساده و وصله دار و حرارش معمولی بود برای خود خانه نخرید و زن اختیار نکرد. در مباحثات و مناظرات علمی با جرئت و درود یافت مطالب و سرعت انتقال قوی و پر استعداد بود. آثار: تعلیقه بر فرائد الاصول شیخ انصاری و ویژگی اثر: کتابها به صورت چاپ شده یا خطی ۲ رساله و جزواتی در مبحث فقه و اصول و ویژگی اثر: کتابها به صورت چاپ شده یا خطی ۳ رساله‌ای در لباس مشکوک و ویژگی اثر: کتابها به صورت چاپ شده یا خطی ۴ مجمع الفرائد و ویژگی اثر: کتابها به صورت چاپ شده یا خطی ۵ منظومه مجمع الفرائد و ویژگی اثر: کتابها به صورت چاپ شده یا خطی ۶ منظومه‌ای در علم اصول و ویژگی اثر: کتابها به صورت چاپ شده یا خطی ۷ منظومه‌ای در علم کلام و ویژگی اثر: کتابها به صورت چاپ شده یا خطی

منابع زندگینامه: سایت حوزه علمیه قم / بخش زندگینامه علما ۱۳۷۵ - / www.hawzah.net

کاشانی، علی اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۵ - ۱۲۹۲ ق)، فقیه، مفسر و زاهد. در کاشان به دنیا آمد. نسب وی به سی و چهار واسطه به امام زین العابدین (ع) می‌رسد. خانواده‌ی او از خاندان‌های اصیل کاشان است. از اوایل جوانی به تحصیل نزد علمای بزرگ کاشان همچون آیت‌الله ملا محمد حسین نظری و آیت‌الله ملا-حبیب‌الله کاشانی پرداخت. او از بسیاری از بزرگان روایت کرد و عده‌ای بسیار همچون فرزندش، آیت‌الله سید عباس کاشانی، از وی روایت کرده‌اند. در ۱۳۴۰ ق به عتبات رفت و در کربلا مقیم شد و مشغول به تدریس و تألیف گردید و کتابخانه‌ی نفیسی را گردآوری کرد. وی داماد آیت‌الله آقا سید محمد صادق اصفهانی، از مجتهدین و مراجع زمان خود، بود. در کربلا از دنیا رفت و در صحن مطهر امام حسین (ع) به خاک سپرده شد. در سوک او شعرای بزرگ فارسی گوی و عرب اشعاری سرودند و ماده تاریخ تنظیم کردند. از آثارش: تفسیر «سوره‌ی یوسف»؛ تفسیر «سوره‌ی جمعه»؛ تفسیر «سوره‌ی عم»؛ تفسیر «سوره‌ی یس»؛ «ریاض الانس»؛ در پنج جلد؛ «کشکول کاشانی»؛ «مکارم الآثار»؛ «التحفه العلوویه»؛ «مناقب آل محمد (ع)»؛ «الرحله الحجازیه»؛ «النصیحه العالیه»؛ «حلیه المرتلین»؛ «پرتو نور»؛ در امامت، به فارسی. [۱]

حجه الاسلام والمسلمین عالم ربانی محقق مدقق و عابد زاهد مرحوم حاج سید علی اکبر حسینی کاشانی حایری والد معظم مترجم گرامی ما از اجلاء علماء و اعظام اتقیاء عالمی جلیل‌القدر و متعبدی زاهد و منبع فیوضات ربانی بوده تولدش در سال ۱۲۹۲ قمری

در کاشان واقع شده و در خاندان فضیلت و شرف چشم به جهان گشوده و از اوائل جوانی شخصیتی برجسته و مورد توجه و عنایت خاص و عام و منزلش ماوای فقراء و مستمندان و مرجع تهیدستان بوده است بیشتر مشکلات اجتماعی و گرفتاریهای عجیب به دستش حل می‌گشته لیاقت عجیب در قضاء و رفع خصومات داشته مدتها نزد اعظم علماء کاشان مانند مرحوم آیت‌الله ملا محمد حسین نظری و آیت‌الله ملا-حبیب‌الله کاشانی و غیر ایشان تلمذ نموده و از جمع کثیری از بزرگان روایت می‌کند و عده‌ای از بزرگان و علماء که از آنهاست نجل جلیل مذکورش آیت‌الله حاج سید عباس کاشانی از وی روایت می‌نمایند.

در سال ۱۳۴۰ قمری با یک دنیا شخصیت و عظمت که داشته مقام ارجمند را زیرپا گذارده و به قصد عتبات عالیات مهاجرت و در شهر کربلا اقامت و مشغول به تدریس و تالیف گردیده و مولفات عدیده از خود به یادگار گذارده است که از آن جمله است:

۱- تفسیر سوره یوسف ۲- تفسیر سوره عم ۳- تفسیر سوره جمعه ۴- تفسیر سوره یس ۵- ریاض الانس ۵ مجلد ۶- کشکول کاشانی ۷- مکارم الاثار ۸- التحفه العلویه ۹- مناقب آل محمد ۱۰- الرحله الحجازیه ۱۱- النصیحه العالیه ۱۲- حلیه المرتلین و ده‌ها کتب دیگر که تمامی آنها نزد نجل زکیش آیت‌الله حاج سید عباس موجود و به طبع خواهد رسید انشاءالله.

جمعی از بزرگان مانند حاج شیخ آقابزرگ تهرانی ترجمه آن مرحوم را در کتب الذریعه و اعلام الشیعه ذکر نموده است. معظم‌له عالمی عابد و زاهدی بی‌بدیل و ورعی بی‌مثیل بوده و در ترویج احکام و نشر احادیث اهل بیت علیهم‌السلام سعی بلیغ داشته است وی بسی و چهار واسطه به حضرت امام زین‌العابدین علیه‌السلام می‌رسد و خاندان او از اجل خاندان و بیوتات اصیله کاشان بوده است مضافاً بر این اصالت و نبالت داماد معظم آیت‌الله العظمی حاج سید محمدصادق اصفهانی اعلی‌الله مقامه که یکی از مجتهدین و مراجع زمان خود بودند می‌باشند. وی در روز یکشنبه ۲۴ محرم ۱۳۶۵ قمری بدرود حیات گفته و روز وفاتش شورش عجیبی در کربلا- برپا و تجلیل وافری از تشییع او به عمل آمده و در مقبره شخصی خود در صحن مطهر حضرت امام حسین علیه‌السلام مدفون گردید.

از شدت زهد و ورعی که داشت پیوسته به فرزند جلیلش توصیه می‌فرمود که (ایاک و التصدی بامر القضاء و المرجعیه و حتی الامامه) و می‌فرمود تا می‌توانی انزوا را اختیار و از شهرت طلبی و جاه‌پرستی پرهیز کن و علیک بتقوی الله فی السر و العلانیه و ادع الی الله و روح دین اجدادک الطاهرین و لا تقصر عن نصره الدین و اهله.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] طبقات اعلام الشیعه (۱۴/۱۶۰۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۴۰-۲۳۸/۲).

کاشانی، فاطمه

قرن: ۱۱

جنسیت: زن

ملیت: ایران

ذوالقعدة ۲۰ - ۱۰۸۸ جمادی‌الثانی ۱۱۱۴ ق، مکنی به ام‌سلمه از زنان عالم، فاضل، محدث، ادیب و شاعر. وی دختر شیخ محمد علم‌الهدی (۱۱۲۳ / ۱۱۱۲ - ۱۰۳۹ ق) و نوه ملا-محسن فیض کاشانی (۱۰۹۱ - ۱۰۰۷ ق) بود. مقدمات علوم اسلامی را نزد خواهرانش و فقه و اصول را از عموهایش ابوحامد محمد مشهور به نورالهدی و معین‌الدین احمد فراگرفت و به تکمیل علوم نزد پدرش پرداخت. فاطمه از پدر و دو عمویش اجازه روایت داشت و از آنان روایت می‌کرد. در سال ۱۱۱۲ ق با زین‌الدین علی، از بستگان خود ازدواج کرد. وی در کاشان درگذشت و در مقبره خانوادگی که پدر و پدربزرگش مدفون بودند در کنارپای پدرش دفن شد.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منابع: اعیان‌الشیعه (مستدرکات)، ۱۵۹ / ۳؛ دایرة‌المعارف تشیع، ۵۰۳ / ۲، معادن‌الحکمه (مقدمه)، کج.

کاشانی، فتح‌الله

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۸۸ ق)، عالم دینی، فقیه، متکلم، محقق، مفسر، محدث و مورخ. از علمای بزرگ اواخر قرن دهم قمری و از شاگردان مفسر بزرگ، ابوالحسن علی بن حسن زواری، بود که به واسطه‌ی او از محقق کرکی روایت کرده است. او همچنین از ضیاء‌الدین محمد بن محمود، از مقدس اردبیلی، روایت می‌کند. در «مشیخه» سید حسین کرکی سال وفاتش ۹۹۷ ق ذکر شده اما ماده تاریخ وفات وی (ملاذ الفقهاء) برابر با ۹۸۸ ق می‌باشد. از آثار وی: ترجمه قرآن به فارسی؛ «منهج الصادقین فی تفسیر القرآن المبین و الزام المخالفین»، به فارسی، در یکصد و هفتاد هزار سطر؛ «خلاصه‌المنهج»، به فارسی، که ملخص «تفسیر منهج» است، در سه مجلد؛ «زبدۃ التفاسیر»، تفسیری به عربی، در حدود هشتاد هزار سطر؛ شرح «نهج‌البلاغه»، به نام «تنبيه الغافلین و تذکرۃ العارفین»، به فارسی؛ «کشف الاحتجاج»، در ترجمه‌ی «احتجاج» طبرسی، به فارسی، که آن را برای شاه طهماسب صفوی تألیف کرده است. [۱]

(ملا) فتح‌الله بن شکرالله، فقیه و محقق و متکلم و مفسر امامی (ف. ۹۸۸ ه.ق). وی شاگرد علی بن حسن زواری بود و به واسطه‌ی او از محقق کرکی روایت دارد. او در همه‌ی علوم دینی متداول متبحر بود خصوصاً در تفسیر، وی راست: ترجمه‌ی احتجاج طبرسی که به نام کشف‌الاحتجاج مذکور است، ترجمه‌ی قرآن به فارسی (و آن غیر از سه فقره تفسیر قرآن مذکور در ذیل است)، تنبيه الغافلین و تذکرۃ العارفین (شرح فارسی نهج‌البلاغه)، خلاصه‌المنهج (ملخص تفسیر منهج الصادقین مذکور در ذیل)، زبدۃ التفاسیر (تفسیر قرآن به عربی)، کشف‌الاحتجاج (ترجمه‌ی فارسی احتجاج طبرسی که برای شاه طهماسب تألیف شده)، منهج الصادقین فی الزام المخالفین (تفسیر بزرگ به فارسی) (ریحانۃ‌الادب، لغ).

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان‌الشیعه (۸/۳۹۲)، ایضاح‌المکنون (۲/۵۹۲)، تاریخ کاشان (۲۸۰-۲۷۹)، الذریعه (۱۹۴-۱۹۳/۲۳، ۸-۷ / ۱۸، ۱۲/۲۳، ۲۳۴-۲۳۳/۷، ۴/۴۴۷)، روضات الجنات (۳۳۱-۳۳۰/۵)، ریاض‌العلماء (۳۱۹-۳۱۸/۴)، ریحانه (۵/۲۰)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۷۸-۱۷۷/۱۰)، فوائد‌الرضویه (۳۴۶-۳۴۵)، لغت‌نامه (ذیل / کاشانی)، معجم‌المؤلفین (۸/۵۱)، هدیة العارفین (۱/۸۱۵).

کاشانی، مجدالدین محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۵۵ ق)، فقیه حنفی. از آثارش «قنیة العالم و منیة فضلاء العالم» می‌باشد که به گفته‌ی خود در آن «الفتاوی الکبری» حسام‌الدین عمر بن عبدالعزیز حنفی (م ۵۳۶ ق) را تلخیص کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: کشف الظنون (۱۳۵۶)، معجم المؤلفین (۱۲/۱۸)، هدیة العارفین (۲/۹۳).

کاشانی، محمد حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۹ - ۱۳۰۳ ق)، عالم دینی، خطیب و مرجع تقلید. در نجف به دنیا آمد. مادرش دختر عالم بزرگ شیخ اسدالله شوشتری است. مقدمات و سطوح را فراگرفت. او در کنار پدرش که از علمای برجسته بود و در بمبئی به وظائف شرعی و تبلیغی می‌پرداخت، نشو و نما یافت و پس از پدر عهده‌دار وظائف وی گشت و مرجع تقلید مردم بمبئی شد. وی سرانجام در همان جا درگذشت. سال تولد او در «طبقات اعلام الشیعه»، ۱۳۳۳ و در جای جای «الذریعه» ۱۳۰۳ ق قید شده است. همچنین در چند جای «الذریعه» و به تبع آن در «مؤلفین کتب چاپی» تحت نام محمد حسین و صاحب کتاب‌های «اسرار الغیبیه» و «برق الخاطف» و «التحقیق الجدید» و «چهار مقاله» ذکر شده است. او را تصانیف بسیاری است که اکثر آنها به زبان گجراتی است. وی «فهرست کتب خزانه الشیخ محمد حسن» را که مشتمل بر فهرست دو هزار کتاب و تألیف موجود در کتابخانه‌اش بود تنظیم نموده و در آن به اثرهای خود که متجاوز از چهل تصنیف می‌باشد، اشاره کرده است. از جمله: «احکام الجمعة»؛ «احکام العیدین»؛ «احکام النیروز»؛ «دین الاسلام»؛ «عقاید النجفی»؛ «فلسفه نماز»؛ «قید شرق و آزادی غرب»؛ «محرم و عاشورا»؛ «معرفة الامام»؛ «مقدمه‌ی منطق»؛ «مناسک النجفی»؛ «نجاه الصائمین». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۴/۵۹، ۲۷۷، ۲۲/۱۰۲، ۲۴۷/۲۱، ۱۵۰/۲۰، ۲۲۴/۱۷، ۳۹۰، ۳۱۰/۱۶، ۲۸۶/۱۵، ۲۹۱/۸، ۳۱۴/۵، ۴۸۱، ۸۶/۳، ۵۳/۲، ۳۰۳، ۳۰۰، ۲۹۶/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۳۸۰)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۱۲۷، ۴۸۵، ۲۰۶/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲/۶۹۱).

کاشانی، محمد حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ محمد حسن بن شیخ ابی القاسم بن شیخ عبدالحکیم کاشانی مشهور به (نجفی) عالمی مؤلف و مرجعی بزرگوار و امام مسجد (خوجه‌ها) بوده است وی در سال ۱۳۳۳ متولد و در سال ۱۳۸۷ در تهران وفات و در قم مدفون شده است. نگارنده گوید: این عالم جلیل و مرحوم والدش در بمبئی خدمات بسیار نموده و منشاء آثار زیادی شده و ده‌ها هزار از شیعه‌های اسماعیلی را مستبصر و ارشاد نموده‌اند. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشانی، محمدرضا

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدرضا بن سید اسماعیل بن سید عبدالرزاق - (برادر سید محمدتقی) ابن سید عبدالحی حسینی پشت مشهدی کاشانی عالمی فقیه از شاگردان میرزای بزرگ شیرازی و علامه سید محمد فشارکی و میرزا محمدتقی شیرازی بوده و در سال ۱۳۱۶ به کاشان مراجعت و در پشت مشهد اقامت و در مسجد حبیب بن موسی امامت و به خدمات دینی پرداخته تا سال ۱۳۵۰ که وفات نموده است.

فرزند این بزرگوار مرحوم سید استاد ما آیت‌الله العظمی آقا میرزا سید علی یشری کاشانی شریک بحث مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم یزدی حایری بوده است.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشانی، مصطفی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مصطفی شهید بن آیت‌الله حاج سید حسین کاشانی کاظمینی (والد مرحوم آیت‌الله مجاهد حاج سید ابوالقاسم کاشانی) از علماء بزرگ و مراجع بنام کاظمین است. خونساری در احسن الودیع ج ۱ ص ۳۰۵ گوید عالم عامل و فاضل کامل زبده المحققین و اسوه‌الادباء الماهرین مولینا سید مصطفی بن العالم الفقیه سید حسین کاشانی مولداً والغروی منشأً و تحصیلاً والکاظمی خاتمه و مدفناً از اکابر علماء متتبعین و اعظام علماء بارعین و افاحم فضلاء ماهرین و بر دین خدا از جمله ناصرین عارف لغه عربیه و فقه و رجال و حدیث بود و از اشعار لطیفی که خطاب به مولا امیرالمؤمنین (ع) در (نص غدیر خم) می‌کند این دو بیت است.

انت مولی الوری بما نص خیر ال

سل یوم الغدیر فیک جهارا

ملا الخافقین فضلك حتی

لم یجد منکر له انکارا

معظم له از شاگردان معظم میرزای بزرگ شیرازی بوده و در جنگ بین‌المللی اول یا جماعتی از طلاب و جمله از فضلاء اصحاب برای جهاد به ارض کاظمین (ع) مهاجرت فرموده و بعد از مراجعت در کاظمین ساکن و مرجع اهالی آنجا گشته اقامه نماز جماعت نمود و اهالی کاظمین اتفاق و اتحاد بر جلالت او نمودند.

وی در حدود ۱۲۶۰ متولد شده و در کاظمین علیهماالسلام در عشر ثانی ماه رمضان سال ۱۳۲۶ ق به رحمت حق پیوست و در یکی از حجرات کشوانیه صحن کاظمین مدفون گردید.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشف الغطاء

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ع. برطرف کننده‌ی پرده) لقب (شیخ) جعفر بن (شیخ) خضر بن (شیخ) یحیی حلی جناحی الاصل و نجفی المسکن والمدفن معروف به شیخ اکبر و شیخ نجفی، از بزرگان علمای امامیه و فقیه و مجتهد (ف. نجف ۱۲۲۷ یا ۱۲۲۸ ه.ق) وی شاگرد آقای بهبهانی و سید مهدی بحر العلوم و سید صادق فخام و جز ایشان بود؛ و صاحب جواهر و حجة الاسلام رشتی و شیخ محمدتقی صاحب هدایة المسترشدين و سید صدرالدین موسوی عاملی و سید جواد صاحب مفتاح الکرامة و شیخ عبدالحسین اعسم و حاجی کلباسی و گروهی دیگر از شاگردان اویند و از او روایت دارند. او راست: اثبات الفرقة الناجية من بين الفرق الاسلامية، احکام الاموات، بغية الطالب في معرفة المفروض والواجب (رساله‌ای است عملیه و مطلب اول آن در اصول عقاید و مطلب دوم در احکام طهارت و نماز است)، الحق المبين فیتصویب المجتهدین و تخطئة جهال الاخباریین (که در آن حقیقت مذهب طرفین را نگاشته و گوید که هر دو در اصول دین متحد و در فروع نیز مرجع هر دو فرقه، روایات ایمة ۴ است و در حقیقت مجتهد اخباری و اخباری نیز مجتهد و فضلاى طرفین ناجی و طعن کنندگان در هلاکتند)، شرح قواعد علامه (که در آن بعضی از ابواب مکاسب را تا مبحث خیرات شرح کرده)، العقائد الجعفریة، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء (این کتاب حاکی از کثرت اطلاع و فهم و جودت فکر و حسن سلیقه‌ی او و حاوی اصول و فروع دینی است. شهرت شیخ جعفر به کاشف الغطاء به مناسبت نام همین کتاب است). وی نزد بزرگان عصر محترم بود و ریاست علمی داشت و بسیار حلیم و متواضع بود. مدفن او در نجف در محله‌ی عماره در مقبره‌ی مخصوص خانواده‌ی اوست. خاندان او را به نام آل کاشف الغطاء می‌نامند و هر یک از آنان را نیز به لقب کاشف الغطاء می‌خوانند، از آن جمله کسان ذیل از آن نامبردارند:

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

کاشفی سبزواری هروی، معین الدین، حسین

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۱۰ ق)، فقیه، محدث، حافظ، مفسر، واعظ، صوفی، ادیب و شاعر. مشهور به ملا حسین کاشفی یا ملاحسین واعظ. در سبزواری به دنیا آمد. دوره‌ی جوانی را در آن شهر گذراند و در آنجا و نیشابور و هرات نشو و نما یافت. در زمان سلطان حسین میرزای بایقرا در هرات و نیشابور به وعظ و ارشاد می‌پرداخت و با صوتی خوش آیات قرآن و احادیث نبوی را با عبارات و اشارات مناسب بیان می‌کرد. وی از ملازمان امیر علی شیرنویابی بود. پس از ملاقات مولانا جامی و معاشرت با وی طریقت نقشبندی را پذیرفت. درباره‌ی مذهب وی اختلاف است، وی را به جهت گرایش به تصوف ملازمت با امیر علیشیرنویابی و نسبت خانوادگی نزدیک به ملا عبدالرحمان جامی سنی مذهب و به جهت نگارش کتاب «روضه الشهداء» و محل رشد و تربیتش سبزواری که از شهرهای اهل تشیع بوده، شیعه مذهب دانسته‌اند. به هر حال وی در هرات به شیعه بودن و در سبزواری به تسنن اشتهار داشت. کاشفی در هرات درگذشت. از آثار وی: «جواهر التفسیر لتحفة الامیر»، به نام امیر علیشیرنویابی؛ «مختصر الجواهر»، تفسیری دیگر در حدود بیست هزار سطر؛ «جامع الستین»، در تفسیر «سوره‌ی یوسف»؛ «المواهب العلیة»، معروف به «تفسیر حسینی»، به نام سلطان حسین بایقرا؛ «روضه الشهداء»، در مقاتل و ذکر مصیبت اهل بیت (ع) و واقعه‌ی کربلا، که چون اهل منبر از روی این کتاب می‌خواندند به روضه‌خوان مشهور شدند؛ «الاربعین»، در احادیث موعظه؛ «المرصد الاسنی»، در شرح اسماء الله الحسنی؛ «اخلاق محسنی»؛ «مخزن الانشاء»، در فن ترسل که برای سلطان حسین بایقرا و امیر علیشیرنویابی، در ۹۰۷ ق، تألیف نموده؛ «انوار سهیلی»، در تدابیر حکم و آداب از زبان حیوانات، بازنویسی از «کلیله و دمنه» نصرالله منشی، که آن را برای امیر شیخ احمد سهیلی از امرای عهد سلطان

حسین بایقرا نوشت؛ «اسرار قاسمی»، در سحر و طلسمات و کیمیا؛ «بدایع الافکار فی صنایع الاشعار»، در ذکر صناعات ادبی؛ شرح «مثنوی» مولوی؛ «لب المثنوی»؛ «لب اللب مثنوی»؛ «اختیارات النجوم»، به نام «الواح القمر»؛ «السبعة الکاشفیه»، شامل هفت وسیله در علم نجوم. [۱]

(بخش ۱: کاشف) حسین بن علی بیهقی سبزواری واعظ ملقب به کمال‌الدین، دانشمند و واعظ معروف (ف. ۹۰۶ یا ۹۱۰ ه.ق) وی در علوم دینی و معارف الهی و فنون غریبه و ریاضیات و نجوم دست داشت. او در زمان سلطان حسین بایقرا در هرات و نیشابور به وعظ و ارشاد مشغول بود و با صوتی خوش و آهنگی دلکش آیات قرآنی و احادیث نبوی را با عبارات و اشارات مناسب ایراد می‌کرد. او راست: آینه‌ی اسکندری به فارسی (در استخراج مطلوب و حاوی ۸ جدول و ۲۰ دایره) و آن را جام جم نیز گویند، الاختیارات یا اختیارات النجوم (حاوی یک مقدمه و یک خاتمه و دو مقاله)، اخلاق محسنی (ذیل فرهنگ حاضر)، الاربعون حدیثاً در مواعظ بنام الرسالة العلیه فی الاحادیث النبویه (این کتاب به فارسی و حوال ۴۰ حدیث است)، اسرار قاسمی (ذیل فرهنگ حاضر)، انوار سهیلی (ذیل فرهنگ حاضر)، بدایع الافکار فی صنایع الاشعار، تحفه الصلوات (به پارسی)، جامع الستین (تفسیر فارسی عرفانی و ادبی و اخلاقی و تاریخی سوره‌ی یوسف)، روضه الشهداء (ه.م) سبعة کاشفیه (۷ رساله در علم نجوم)، شرح مثنوی، جواهر التفسیر لتحفه الامیر یا عروس (عروس)، اللباب المعنوی فی انتخاب المثنوی، مختصر الجواهر (مختصر جواهر التفسیر یا عروس مذکور)، مخزن الانشاء به پارسی، المرصد الاسنی فی شرح اسماء الله الحسنی، مطلع الانوار، المواهب العلیه (مواهب العیله) (لغ). برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] از سعدی تا جامی (۶۸۱، ۶۴۷، ۶۴۶، ۶۴۵، ۶۴۴-۶۴۳، ۶۴۱، ۶۳۹-۶۳۶، ۶۲۸، ۳۲۹)، اعیان الشیعه (۱۲۴- ۶/۱۲۱)، ایضاح المکنون (۶۷۴، ۲/۴۱۶، ۱/۷۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۲۶-۵۲۳/۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۴۸-۲۴۵)، حبیب السیر (۳۴۶-۳۴۵/۴)، الذریعه (۱۹۴-۱۹۳/۲۰، ۲۹۱، ۱۸/۱۹۰-۱۲۵۲، ۹/۸۹۹، ۵۸-۵/۵۷، ۳/۴۵۵، ۲/۴۳۰، ۱/۵۰)، روضات الجنات (۲۲۳-۲۱۷/۳)، ریاض العارفین (۲۳۱-۲۳۰)، ریحانه (۳۲-۵/۲۹)، طرائق الحقائق (۳/۱۱۴)، کشف الظنون (۱۹۱۶، ۱۸۹۶، ۱۶۴۸، ۱۵۷۴، ۱۳۰۵، ۳۹۸)، الکنی و الالقاب (۳/۱۰۵)، لغت‌نامه (ذیل / کاشفی)، مجالس المؤمنین (۵۴۸-۵۴۷/۱)، مجالس النفائس (۹۳)، معجم المؤلفین (۳۵-۴/۳۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۱۶-۲/۸۱۰).

کاشی، بهاء‌الدین

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

از شاگردان علامه ملا محمد باقر مجلسی و راوی از ایشان است. در ۱۱۳۷ به دست افغانه شهید گردیده.

وی را تألیفات است: ۱- شرح بر صحیفه کامله سجادیه ۲- شرح بر نهج البلاغه؛ و غیره.

قبرش در چملان (سنبلستان) واقع بود و بعداً که آنجا را تسطیح کردند از بین رفت. نگارنده به زیارت او موفق شده بود.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کاشی، حسین

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم فاضل محدث، در سال ۱۱۹۰ وفات یافته، قبرش در صحن تکیه‌ی جعفریه مقابل امامزاده اسماعیل. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کاشی، عمادالدین یحیی

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۷۴۵ ق)، محدث، ریاضیدان و ادیب. یکی از شاگردان محقق کرکی او را در رساله «مشایخ الشیعه» و شیخ یحیی مفتی بحرانی وی را در «تذکره المجتهدین» ذکر کرده‌اند. او گذشته از ادبیات و حدیث در علم حساب نیز دانشمندای برجسته بود. در ۷۴۵ ق در یزد می‌زیست و سرانجام در اصفهان در گذشت. شیخ آقا بزرگ تهرانی شرح حال یحیی کاشی را در ذیل علمای قرن دهم آورده است. از آثارش: شرح «مفتاح العلوم» سکاکی؛ «لباب الحساب» یا «اللباب فی علم الحساب»؛ حاشیه بر شرح رساله‌ی «آداب البحث» فاضل سمرقندی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۶۲/۹)، الذریعه (۸۲-۸۱/۱۴، ۱۰۹/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۷۵/۱۰)، کشف الظنون (۱۵۴۲، ۳۹)، معجم المؤلفین (۱۸۴/۱۳).

کاشی، کمال‌الدین، ابوالفغانم عبدالرزاق

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۳۵/۷۳۰ ق)، حکیم، مفسر، عارف و صوفی. از مشاهیر عرفا و متصوفه علمای امامیه بود. وی معاصر با علامه حلی و شیخ علاءالدوله سمنانی می‌باشد. مابین وی و شیخ علاءالدوله سمنانی مباحثات و مکاتباتی برقرار بوده است. کاشانی در عرفان عملی و سلوک شاگرد نورالدین عبدالصمد نطنزی اصفهانی و خلیفه او در طریقه‌ی سهروردیه بد. در «ریحانه الادب» پدر صاحب عنوان، جمال‌الدین اسحاق کاشانی سمرقندی ذکر شده است. از آثارش: «اصطلاحات الصوفیه»؛ «تأویلات القرآن» یا «تأویل الآیات»؛ «تحفه الاخوان فی خصائص الفتیان»، در آیین فتوت؛ شرح «فصوص الحکم» ابن عربی؛ «خلاصه التذییر»؛ «شرح الزلال»، در شرح «الالفاظ المتداوله بین ارباب الاذواق و الاحوال»؛ «القضا و القدر»؛ «السراج الوهاج»، در تفسیر قرآن؛ شرح «منازل السائرین» خواجه عبدالله انصاری هروی؛ «فتوت نامه»؛ «کشف الوجوه الغر لمعانی نظم الدر»، در شرح «التائیه» ابن فارض، در تصوف؛ «لطائف الاعلام فی اشارات اهل الافهام»، در اصطلاحات صوفیه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۵۷۳/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۶۴، ۸۰۸، ۸۰۹، ۱۷۲، ۱۷۱/۳)، تاریخ نظم و نثر (۷۵۸)، الذریعه (۱۷۴/۲۰، ۵۱/۱۹، ۳۱۳، ۶۷/۱۸، ۱۴۸/۱۷، ۳۲۰، ۱۱۵/۱۶، ۸۸/۱۴، ۳۸۲/۱۳، ۲۳۴-۲۳۳/۱۲، ۲۱۹-۲۱۸/۷، ۳۳۰/۴، ۴۱۶-۴۱۵، ۳۰۳/۳، ۱۲۲/۲)، ریحانه (۳۴/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۳-۱۱۲/۸)، کشف الظنون (۱۸۲۸، ۱۵۵۲، ۱۴۹۶،

۱۲۶۳، ۹۸۵-۹۸۴، ۳۳۶، ۲۶۶، ۱۰۷)، لغت‌نامه (ذیل / کاشی)، مجالس المؤمنین (۷۰-۶۹ / ۲)، معجم المؤلفین (۲۱۵ / ۵)، نفحات الانس (۴۸۴-۴۸۳، ۴۸۲-۴۸۱)، هدیه العارفین (۵۶۷ / ۱).

کاشی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حکیم عارف بزرگوار، و فیلسوف علی‌الاطلاق، مرحوم آخوند ملا محمد کاشی، از نوادر اعصار، و در علم و عمل و زهد و تقوی و تدریس حکمت علمی و عملی یگانه روزگار بوده، در کمتر زمانی از ازمه برای او در بین علما و دانشمندان مثل و مانندی می‌توان یافت.

در اوایل در مدرسه جده کوچک، و در اواخر در مدرسه صدر ساکن بوده؛ حالات غریبه، و حکایات عجیبه از او نقل شده و عموماً به حدّ تواتر رسیده.

مدت هشتاد و چهار سال تقریباً عمر نموده، و در این مدّت مجرد زیسته، تا سرانجام در روز شنبه ۲۰ شعبان المعظم سال ۱۳۳۳ وفات یافته، در تخت فولاد در جنب لسان الارض مدفون گردید.

و پس از آن مرحوم حاج محمد ابراهیم ملک التجار برای او تکیه‌ای احداث نمود و عده‌ای کثیر از فضلا و دانشمندان و حکما و شعرا و ارادتمندانش در آن حوالی مدفون شدند که بعد از این به نام عده‌ای از آنها اشاره خواهد شد.

ماده تاریخ وفاتش را جابری انصاری گوید:

طایری سر برون نمود و بگفت

زد محمد علم بقصر بهشت

عبارت لوح قبر آن بزرگوار چنین است:

فقیرالحق اضعف خلق الله آخوند ملا محمد کاشانی.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کاشی‌ساز، مهدی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۳۰۸ ق)، طراح کاشی. نقاش و طراح نقوش کاشی‌ها در عهد ناصرالدین شاه قاجار بود که به دستور امین‌الملک و به همراهی استاد صادق کاشی‌های برجسته راهرو و طبقه دوم کاخ ایض تهران را ساخت و نصب نمود، با رقم: «... عمل جان‌ناران مهدی و صادق کاشی ۱۳۰۸»؛ دیگر از آثار وی: کاشی‌های زمینه لاجوردی ایوان بزرگ بقعه امامزاده زید (ع) در تهران، با رقم: «عمل استاد مهدی ولد استاد علی کاشی پز سنه ۱۲۹۷»؛ کاشی کاری مدرسه عالی سپهسالار در تهران که با همکاری استاد محمدصادق کاشانی، نقوش و طراح آنها را ترسیم نموده و در ۱۳۰۲ ق به پایان رسانده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱۲۴۵/۳).

کاظمی بجستانی، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: دندانپزشکی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

کاظمی خلغالی، زین‌العابدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۲۹۹.

درگذشت: ۱۳۶۵.

از آثار اوست: الحیاء النبیین و المعروفین و حیاء المعصومین (زندگینامه پیامبران معروف و زندگینامه معصومین؛ مؤلف و مترجم؛ تهران، ۱۳۶۳)؛ ترجمه انسان روح است نه جسد (تألیف رئوف عبید؛ تهران، به صورت دو جلدی و تک جلدی و در سالهای متعدد به چاپ رسیده است)؛ ترجمه تا کرانه‌های عالم اثری عالی حافه العالم الاثیری (جمیز آرتور فیندلی؛ تهران، ۱۳۷۲، ۱۳۷۰)؛ حدیث اهل‌بجه (از امام جعفر صادق؛ تهران، ۱۳۶۲)؛ دو هزار حدیث - برگزیده فارسی - عربی غررالحکم و دررالکلم (تهران، ۱۳۷۰)؛ زناشویی راز خوشبختی (تهران، ۱۳۶۶)؛ سفر به کوه‌ی مریخ (تهران، ۱۳۷۰)؛ صحیفه‌ی سجادیه (با مقدمه محمدباقر صدر، تهران، ۱۳۶۲)؛ ترجمه طب الرضا (ع)؛ طب و درمان در اسلام (تحقیق از مرتضی عسگری، قم، چاپهای متعدد)؛ کلیات حدیث قدسی (ترجمه کتاب جواهر السنیه تألیف محمدحسین حرعاملی، تهران، ۱۳۶۶)؛ گفتگو با مردگان: حقیقت و شناخت روح اسرار جهان هستی (تألیف شودز موند؛ تهران، ۱۳۷۳، ۱۳۷۲)؛ گنجینه‌های دانش (تهران، ۱۳۶۴)؛ چاپهای دیگری از این کتاب با همکاری به صورت دو جلدی منتشر شده است)؛ مدرسه اسلامی (نوشته محمدباقر صدر، تهران، ۱۳۶۲)، هزار حدیث (از حضرت علی (ع)، تهران، ۱۳۶۲ و چاپهای دیگر در سالهای بعد).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

کاظمی خوانساری اصفهانی، محمد مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۹۱ - ۱۳۱۹ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. وی در محله‌ی قطانه کاظمین به دنیا آمد و پس از نشو و نما به تحصیل پرداخت. مقدمات و ادبیات و منطق و سطوح وسطی و نهایی را از علمای کاظمین، همچون میرزا ابراهیم سلماسی کاظمی و آیت‌الله شیخ

حسین رشتی کاظمی، فراگرفت. سپس به نجف مهاجرت کرد و چند سالی از محضر آیت‌الله سید ابوتراب خواسناری و آیت‌الله شیخ علی مازندرانی و دیگران بهره‌ها جست و از سید ابوتراب خوانساری و میرزا ابراهیم سلماسی کاظمی و شیخ علی مازندرانی و شیخ اسدالله زنجانی و سید محمد کاشانی حایری و شیخ علی آل کاشف الغطاء نجفی و شیخ علی شاهرودی و شیخ ضیاءالدین عراقی و سید محسن عاملی، صاحب «اعیان الشیعه»، و شیخ کاظم شیرازی نجفی و سید میرزا هادی خراسانی حایری اجازه گرفت. آن‌گاه به کاظمین بازگشت و به وظائف دینی و تألیف و اقامه جماعت پرداخت تا در همان شهر درگذشت و در جوار قبر امام موسی بن جعفر (ع)، به خاک سپرده شد. از آثارش: «احسن الودیعه فی تراجم مشاهیر مجتهدی الشیعه» یا «الباقیات الصالحات»، در تتمیم «روضات الجنات»؛ «صرف العنایه فی حل معضلات الکفایه»؛ «نزهة المرئاض فی شرح طهاره الرياض»؛ «القول المقبول فی مباحث الاصول»؛ «جامع الشتات فی النوادر و المتفرقات»؛ «نفایس الکلام فی شرح اسماء الله العظام»؛ «زبدۀ الکلام فی المنطق و الکلام»؛ «بغیة اللیب و غنیة الادیب فی شرح منطق التهذیب»؛ «الانوار الکاظمیة فی احوال السادات الموسویه»؛ «النقد و البیان فیما يتعلق بکتاب الاعیان»؛ «مطلع الشمسین فی الدفاع عن السیدین»؛ «البرهان الجلی فی احوال زید بن علی (ع)».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۴۲، ۱۲/۳۱، ۲/۴۳۹، ۱/۲۸۹)، ریحانه (۱۹۱-۲/۱۹۰)، علماء معاصرین (۲۴۴-۲۴۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۱۰-۶/۳۰۹)، مؤلفین کتب چاپی (۳۶۷-۶/۳۶۵).

کاظمی، اقدس

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

اقدس کاظمی در پاییز سال ۱۳۱۸ در روستای وشنوه قم متولد شد. وی پس از گذراندن سیکل اول متوسطه به آموزگاری سرگرم شد. بعد از ازدواج، به تشویق همسر با رتبه‌ی شاگرد اول در سال ۱۳۴۱ دیپلم خود را دریافت کرد. یک سال بعد در رشته فیزیک دانشگاه تهران شرکت کرد. ولی پس از کشته شدن همسرش با دوفوزند کوچک، ادامه زندگی بر او تنگ گردید و به آموزگاری ادامه داد و سرانجام از مدرسه عالی امور اداری و قضایی قم، لیسانس حقوق قضایی خود را دریافت کرد. پس از آن کاظمی در پست بازرسی انجمن حمایت زندانیان و ریاست بازرسی کمیته حمایت از مصرف کنندگان نیز انجام وظیفه کرد. از خدمات مهم اقدس کاظمی تاسیس دبیرستان دخترانه آزرمی دخت «بنت الهدی صدر» در قم گردید. سپس از قم به شمیران انتقال یافت و ریاست مدرسه ایران و آلمان را به عهده گرفت و تا سال ۱۳۵۶ به کار تدریس ادامه داد. وی پس از بازنشستگی کوشید کوشید در کانون و کلا به‌کار پردازد، اما به سبب تعطیل شدن کانون و مشکلات دیگر این میسر نگردید.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: والدین اقدس کاظمی او را در پنج سالگی به مکتب خانه فرستادند و چون به دانش اندوزی علاقه‌ی زیادی نشان می‌داد سرانجام از وشنوه به قم آورده شد و پس از موفقیت در امتحانات لازمه در کلاس سوم دبستان پذیرفته شد و پس از اتمام کردن سیکل اول متوسطه به آموزگاری سرگرم شد، یک سال بعد ازدواج کرد و به تشویق همسر با رتبه‌ی شاگرد اول در ۱۳۴۱ دیپلم را دریافت کرد. یک سال بعد در رشته فیزیک دانشگاه تهران شرکت کرد و سرانجام از مدرسه عالی امور اداری و قضایی قم لیسانس حقوق قضایی خود را دریافت کرد.

وقایع میانسالی: از اتفاقات مهم دوران زندگی اقدس کاظمی کشته شدن همسرش می باشد. پس از آن با داشتن دو فرزند کوچک، ادامه ی زندگی بر او تنگ گردید.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: اقدس کاظمی پس از آنکه لیانس حقوق قضایی را اخذ نمود، در پست بازرسی انجمن حمایت زندانیان و ریاست بازرسی کمیته حمایت از مصرف کننده انجام وظیفه کرد. پس از انتقال از قم به شمیران نیز مدتی در پست ریاست مدرسه ایران و آلمان قرار گرفت.

فعالیت‌های آموزشی: اقدس کاظمی پس از اتمام سیکل اول متوسطه به آموزگاری سرگرم شد. کاظمی پس از مرگ همسر مجدداً به شغل آموزگاری روی آورد، و تا سال ۱۳۵۶ به کار تدریس ادامه داد.

مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می آید: از جمله اقدامات اقدس کاظمی پس از فارغ التحصیل شدن و قرار گرفتن در مسیر مسولیت پذیری جامعه تاسیس دبیرستان دخترانه آزر می دخت (بمات الهدی صدر) در قم بود.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: اقدس کاظمی فعالیت‌های اجتماعی را پس از اخذ مدرک لیسانس آغاز کرد و نه تنها مسولیت امور زنان قم را پذیرفت که رسیدگی به خانواده های بی سرپرست نیز در شمار وظایفش قرار داشت. او همچنین پس از مرگ همسرش به شعر روی آورد.

آثار:

۱ آذرین مهر

ویژگی اثر: مجموعه شعری است که از سوی انتشارات (ما) در بهار ۱۳۷۴ به بازار کتاب آمده است. [گلزار مشاهیر، زندگینامه درگذشتگان مشاهیر ایران ۱۳۵۸-۱۳۷۶، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی]

منابع زندگینامه: دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان (زن از کتیبه تا تاریخ)، به کوشش: پوران فرخزاد، ج ۲، تهران: انتشارات زریاب، چاپ اول ۱۳۷۸، ص ۱۳۶۳

کاظمی، بهروز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: توانبخشی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی فیزیکی و توانبخشی از دانشگاه نیویوک در سال ۱۳۴۵.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فیزیوتراپی، بیماریهای عصبی، فلج کودکان و تدریس دروس پزشکی فیزیکی و توانبخشی، حرکت‌شناسی، ماساژ، تمرین درمانی،

فیزیوتراپی در بیماریهای عصبی، فیزیوتراپی در ارتوپدی، فیزیوتراپی در بیماریهای داخلی، وسایل کمکی و اندامهای مصنوعی در

دانشگاه علوم پزشکی شیراز.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

بررسی پولیومیلیت قبل و بعد از واکسیناسیون همگانی در جنوب ایران، بررسی سرعت سیر عصبی در دیفتری، بررسی فلج Bolls اطفال در جنوب ایران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

کاظمی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین کاظمی

محل تولد: نجف آباد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۶۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سن ۱۴ سالگی وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس رسمی حوزه مثل: (ادبیات عرب، اصول، فقه، فلسفه اسلامی و امثال آن) را مطابق برنامه معمول حوزه ها خواندم و خارج از برنامه و به عنوان علاقه شخصی، در زمینه «عرفان، اخلاق، فلسفه غرب، ادبیات فارسی، روانشناسی، علوم سیاسی، مکالمه عربی و انگلیسی و امثال آن» در حدّ وسع، مطالعات و مباحثات داشتم. به علاوه عرفانهای مختلف از قبیل: «هندی، آمریکائی و فلسفه آنها و مباحث به انرژی و انرژی درمانی و ما یشبهه» که هنوز هم ادامه دارد و به عنوان گرایش اصلی علمی خودم، آنها را انتخاب کرده ام. غرض نقشی است که ما باز ماند که از گردون نمی بینم بی وفائی مگر صاحب‌دلی روزی ز رحمت کند در حق درویشی دعائی

کاظمی، فرج‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرج‌الله کاظمی هرسینی از علماء بزرگ معاصر کرمانشاه بوده‌اند آن مرحوم در سال ۱۳۰۴ ق در نورآباد لرستان به دنیا آمده و تا پانزده سالگی در آن سامان به سر برده و پس از ملاقات میهمان دانشمندی که با او کتاب (معراج السعاده) مرحوم نراقی بوده وی به دیدن آن کتاب دل از دنیا کنده و بخصوص از وضع خانواده خود که صدها سال ریاست عشایری و خوانینی آن محیط را داشتند نگران و ناراحت شده و از بستگان و کسان خود فاصله و مدت سه سال با آنها مبارزه و در تحمیلات و فشارهای آنها آیت‌الله حاج شیخ فرج‌الله هرسینی صبر نموده تا سال ۱۳۲۲ از آن فضا و مرکز جهل و ضلالت که یک نفر روحانی و اهل علم نداشتند فرار به هرسین نموده و از آنجا به کرمانشاه و پس از بیرون آمدن از لباس خان‌زادگی و پوشیدن لباس ساده با قافله به سمت عراق رفته و در کربلا ساکن گردیده و حدود سه سال مقدمات را در آنجا تحصیل و پس از آن مشرف به سامرا شده و در شمار ملازمین و خواص اصحاب و تلامذه مرحوم آیت‌الله العظمی میرزا محمدتقی شیرازی رضوان‌الله‌علیه درآمده و از محضرش استفاده نموده تا موقع جنگ بین‌المللی که به کربلای معلی مهاجرت نمودند ایشان هم در ملازمت معظم له به کربلا آمده و تا بعد از فوت ایشان سال ۱۳۳۸ ق به نجف اشرف عزیمت و از اساتید و مدرسین آن زمان چون مرحوم آشیخ احمد کاشف‌الغطاء و مرحوم آیت‌الله اصفهانی استفاده نموده تا سال ۱۳۵۱ ق که به ایران مراجعت و در لرستان و هرسین و اطراف آن و کرمانشاه مشغول تبلیغ و ترویج و تشویق طلاب و محصلین گردیده و عده‌ای طلبه تربیت و اعزام نموده و خود شب و روز با خوانین ظلم و جور لرستان مبارزه و مخصوص با فرقه ضاله علویون و غلات نورآباد و نواحی کرمانشاه مناظره‌ها نموده و حدود صد هزار نفر را ارشاد و از ضلالت نجات تا سال ۱۳۷۱ ق که برای معالجه و کسالت به تهران وارد و پس از چند ماه به قم عزیمت و رحل اقامت افکنده و حدود ده سال توقف تا در اواخر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی بنا بر اصرار و تقاضای مردم کرمانشاه به آن سامان مهاجرت و تا پایان عمر در یکی از مساجد معروف شهر که برای ایشان بنا نموده بودند به اقامه جماعت و ارشاد مردم پرداخته تا سال ۱۳۸۲ قمری که به رحمت ایزدی واصل گردید.

آن مرحوم دارای چهار فرزند مذکور و نه فرزند اناث می‌باشند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاظمی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد کاظمی

محل تولد: کرکوک

شهرت

تابعیت: عراق

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در شهر «کرکوک» واقع در شمال عراق و دقیقاً در منطقه «تسعین» متولد شدم و در همانجا دوره ابتدائی، راهنمایی و دبیرستان را سپری کردم. بعد از آن در دانشکده به عنوان «کلیه التریبه» در رشته شیمی قبول شدم. در این دانشگاه، طلاب به عنوان معلم شیمی

در دوره راهنمایی و دبیرستان فارغ التحصیل می‌شوند ولی در سال ۱۹۹۱م در اثر نافرجامی قیام مردم عراق که در آن شرکت کرده بودم؛ دانشکده را در آخرین ترم ترک کردم و به جمهوری اسلامی پناهنده شدم.

در ایران بعد از دو سال خدمت در لشکر «بدر» در سال ۱۹۷۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه «شهید صدر» که زیر نظر: (آیت الله حائری) است مشغول تحصیل شدم و بعد از سه سال تحصیل در این مدرسه به مدرسه «اهل البیت» که زیر نظر (شیخ شهید مهدی عطار) بود؛ منتقل شدم. در این مدرسه بقیه کتاب لمعه را تمام کردم و پیش از آن، مکاسب محرمة را با «قسم اول حلقه ثالثه شهید صدر» به اتمام رساندم.

در سال ۱۳۷۸ بعد از قبولی در امتحان ورودی، مشغول دوره فوق لیسانس در رشته: «فلسفه و کلام» در مدرسه (عالی امام خمینی ره) مشغول تحصیل شدم و در سال ۱۳۸۱ این دوره را به اتمام رساندم و پایان نامه که با عنوان: «الخلود فی الجهنم عند المفسرین و المتکلمین و الفلاسفه» نوشته بودم و نمره عالی ۱/۱۹ گرفتم که این پایان نامه مورد پسند مرکز جهانی علوم اسلامی واقع شد و آن را در سال ۱۹۸۳ به عنوان کتاب چاپ کرده است.

در سال ۱۳۸۴ بعد از قبولی در امتحان ورودی در دوره دکتری در رشته: «فلسفه اسلامی» در مدرسه (عالی امام خمینی ره) مشغول تحصیل شدم و تا الان مشغول درس در این دوره هستم. قبل از دوره دکتری مشغول یک بحث تحقیقی شدم با عنوان: «تفکر در کتاب و سنت و مقصود از تفکر و اثر تفکر نه روش تفکر» و این بحث بعد از فیش برداری فصل بندی شده است و قبل از شروع به نگارش دوره دکتری مطرح شد و مجبور شدم نگارش این بحث را به آینده موکول کنم.

کاظمی فرد، غلامعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: استاد، رشته: داروسازی، دانشکده: داروسازی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد داروسازی از دانشگاه ورسبورگ آلمان در سال ۱۳۴۶، دکترای تخصصی داروسازی از دانشگاه ارلانگن آلمان در سال ۱۳۴۹.

مرتبه علمی:

استاد دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

سنتر ترکیبات جدید از گروه سوفونامیدها، سنتز و آنالیز داروها، تحقیق در زمینه داروسازی در دانشگاههای مونستر آلمان، بامبرگ آلمان، پوردو آمریکا، ملبورن استرالیا، سیدنی استرالیا، فردوسی مشهد، اصفهان و علوم پزشکی تهران راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۳۹ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شیمی داروئی و روشهای آنالیز و کنترل داروها.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲۷

زمینه علمی مقالات:

ارائه روشهای جدید برای آنالیز مواد داروئی و شیمیائی، سنتز یک سری از مواد آلی، سنجش داروها در مایعات بیولوژیکی. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

کاظمینی بروجردی، طاهر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۴۰۰ - ۱۳۰۸ ق)، عالم دینی، فقیه و نویسنده. وی در بروجرد به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات در ۱۳۳۲ ق به نجف رفت و از محضر سید محمد کاظم یزدی استفاده نمود. ولی به واسطه‌ی جنگ جهانی اول بیش از سه سال نتوانست در آنجا توقف کند و به بروجرد بازگشت، سطوح را تکمیل کرد و پس از فراغت از آن بیست سال تمام در درس خارج آیت‌الله حاج آقا حسین بروجردی حاضر شد. پس از مهاجرت آیت‌الله بروجردی به قم، وی در مسجد ناسک‌الدین بروجرد به امامت و تدریس و بیان مسائل و احکام پرداخت. در ۱۳۶۲ ق به دریافت اجازه‌ی اجتهاد و روایت از آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی نایل گشت. او در ۱۳۷۶ ق موفق به سفر حج شد و پس از مراجعت به خدمات دینی ادامه داد. از آثارش: کتاب «مضرات المسکرات»؛ جزوه‌ای در «مسافرت صائم در ماه رمضان»؛ جزوه‌ای در «جواب از اعتراض به دعای مبارک ندبه»؛ کتابی در «تجوید»؛ کتابی در «قواعد جفر و اعداد و ختوم و ریاضیات»؛ کتاب «تذکره المتکلمین»، در شرافت علم و مقام علماء؛ «صلاة المسافر»، استدلالی، به عربی. [۱]

السید طاهر بن السید العلام السید ابوالقاسم بن السید الاجله السید عبدالعزیز بن العلامه السید محسن الکاظمینی اعلی الله مقامهم اجمعین که همه از علماء اعلام بوده‌اند.

مرحوم والدش در حدود سال ۱۲۹۰ قمری از کاظمین منتقل به بروجرد شده و در آنجا متأهل گردیده و در سال ۱۳۲۰ قمری وفات نمود. مترجم معظم ما که یکی از علماء اعلام و مراجع کرام معاصر است در سال ۱۳۰۸ در بروجرد تولد یافته و مدت دوازده سال در بروجرد بعد از تحصیل معاش بکدیمین اشتغال بکتاب فارسی و مقدمات عربی نموده و در سال ۱۳۳۲ قمری در عصر آیه‌الله حاج سید کاظم یزدی مهاجرت بنجف اشرف نموده ولی بواسطه جنگ بین‌المللی بیش از سه سال نتوانسته توقف و تحصیل نماید به بروجرد مراجعت و سطوح را تکمیل و پس از فراغت از آن بیست سال تمام در درس خارج آیه‌الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی حاضر شده و در همان زمان امامت مسجد ناسک‌الدین را که محل امامت قبلی خودشان بود بوی واگذار و پس از مهاجرت ایشان بقم بتدریس و بیان مسائل و احکام در مسجد مزبور پرداخته و در سال ۱۳۶۲ قمری نائل با اجازه اجتهاد و روایتی از مرحوم آیه‌الله العظمی آقای اصفهانی گردیده و در سال ۱۳۷۶ قمری موفق بحج خانه خدا و پس از مراجعت تا حال حاضر بخدمات دینی و وظائف روحی اشتغال دارند و ایشانند والد ماجد عالم بزرگوار صدیق عزیز نگارنده جناب حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمد علی کاظمینی بروجردی مقیم و مهاجر به تهران که ترجمه و آثار و خدماتش در ضمن علماء تهران خواهد آمد.

آثار و تألیفات آقای کاظمینی مدظله از این قرار است:

- ۱- کتاب مضرات المسکرات که در آن آیات قرآنی و هفتاد و چهار خبر در موضوع مسکرات از اهل بیت رسالت علیهم السلام ذکر شده و با خط نفیس ایشان که حقا در میان علماء از این جهت کم نظیر و دارای این سعادت بزرگ است که فرموده‌اند (و من سعادۀ المؤمن جوده خطه) افست و منتشر گردیده است و حقا در این کتاب آیاتی از تورا و انجیل در پیرامون حرمت شراب آورده و بیانات نافع و سودمندی نموده‌اند.
 - ۲- جزوه‌ای در مسافرت صائم در ماه رمضان پیش از ظهر یا بعدازظهر و مراجعت کند در همان روز پیش از ظهر یا بعدازظهر که بطبع رسیده و منتشر گردیده است.
 - ۳- جزوه‌ای در جواب از اعتراض بدعاء مبارک ندبه که در همین سال ۱۳۵۱ شمسی نوشته و بطبع رسیده.
 - ۴- کتابی در تجوید که مخطوط است.
 - ۵- کتابی در قواعد جفر و اعداد و ختوم و ریاضیات مخطوط.
 - ۶- کتاب تذکره المتکلمین فارسی در موضوع شرافت علم و مقام علماء و سادات.
 - ۷- صلوه المسافر استدلالی عربی متجاوز از دویست صفحه که آماده برای طبع است.
- ناگفته نماند که جد اعلائی آقای کاظمینی مرحوم علامه زاهد سید محسن کاظمینی یکی از اوتاد زمان خود بوده و در حدود ۱۲۴۰ قمری از دنیا رفته و قبرش در کوچه قریب بصحن مطهر است در طرف شمالی آن و معروف است.
- و در مستدرک الوسائل از عالم عامل ملا زین العابدین سلماسی نقل کرده که گفت در خواب دیدم قصر عالی رفیعی که درب وسیعی داشت و دیدم بدر و دیوارهای آن میخهای طلا زده بودند گفتم صاحب این قصر کیست گفتند سید محسن کاظمینی تعجب کردم گفتم منزلش در کاظمین کوچک و درب کوچکی داشت از کجا این منزل مال او شده گفتند چون داخل شد از این درب کوچک خداوند باو عطا فرمود این منزل عالی بزرگ را.
- برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
- منابع زندگینامه [۱]: تاریخ بروجرد (۵۷۸/۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۹۸-۱۹۶/۳)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۰۶۱/۳).

کاظمینی بروجردی، محمد علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(توح ۱۳۳۹ ق)، عالم دینی و فقیه. در بروجرد به دنیا آمد. در هجده سالگی به مدرسه علمی بروجرد وارد شد و به تحصیلات علوم دینی پرداخت. پس از چهار سال به نجف مهاجرت کرد و در مدرسه‌ی بادکوبه‌ای‌ها مشغول به تحصیل شد. ولی به علت کسالت، با اینکه آیت‌الله اصفهانی به امر درمان ایشان توجهی خاص داشت، به موطن خود بازگشت. آن‌گاه به قم رفت و حدود چهارده سال در آن شهر اقامت گزید و از محضر آیت‌الله حجت و آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری و آیت‌الله شیخ عبدالنبی عراقی و آیت‌الله بروجردی استفاده نمود. در ۱۳۷۵ ق به تهران آمد و در مسجدی در خیابان خراسان به انجام وظایف مذهبی و گفتن تفسیر و احکام و معارف اسلام و ترویج دین پرداخت. از آثارش «نهایه‌ی المقام لابناء الامام»، «نهایه‌ی الکلام فی حق رسول الاسلام»، «اسلام از نظر دیگران»، «منتخب اللالی»، در سؤال و جواب و داستانهای اسلامی؛ «گنجینه‌ی معارف»، «منشورات»، «جواهر الولایه»، در امام

شناسی؛ «منشورات مقدس نور»، راجع به شیعه‌شناسی در نظر فریقین. [۱]

سید حبیب‌الله برهانی بن حاج سید کریم رستمکلائی تاجر معروف مازندران از علماء معاصر شمال بودند. وی مقدمات تحصیلی خود را در حوزه‌های مازندران تکمیل و مدتی در جوار حضرت علی بن موسی‌الرضا علیه‌السلام اشتغال داشتند و در عصر مرحوم آیه‌الله حایری بقم آمده و از محضر آن بزرگوار استفاده نموده آنگاه بنجف اشرف مهاجرت و از محضر علمین آیتین آیه‌الله نائینی و آیه‌الله العظمی اصفهانی و دیگران استفاده کرده و سپس بوطن مراجعت و بانجام وظائف دینی و روحی از جماعت و تبلیغ دین و احکام پرداخته و در امور سیاسی اشتهار پیدا نموده که در تمام مازندران معروف بود. در سال ۱۳۷۶ ق از دنیا رفته و جنازه‌اش حمل بمشهد مقدس و در یکی از حجرات غربی باغ رضوان مدفون گردیده است.

مرحوم برهانی دارای صفات حمیده و برجسته از قبیل مهمان نوازی و مساعدت بمستمندان و بیچارگان بوده و در سخاوت در حدود خود بسیار کم نظیر بوده است.

فرزندان بسیاری از خود گذارد که بعضی در سلک روحانیت میباشند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۵۳۱-۵۳۰/۴).

کاظمینی خونساری، محمدمهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدمهدی بن العلامة حاج سید محمد بن العلامة سید محمدصادق بن العلامة آیت‌الله العظمی آسید زین‌العابدین خونساری اصفهانی کاظمینی رحمه‌الله علیهم اجمعین از علماء معروف و معاصر کاظمین بوده‌اند آن مرحوم در محله قطانہ کاظمین در سوم ماه شعبان ۱۳۱۹ ق متولد شده و پس از پرورش در بیت علم و عزت شروع به تحصیل نموده و مقدمات و ادبیات و منطق و سطوح وسطی و نهائی را از علماء مبرز کاظمین چون مرحوم آیت‌الله حاج شیخ حسین رشتی کاظمی خوانده سپس به نجف اشرف مهاجرت و چند سالی از محضر مرحوم آیت‌الله آسید ابوتراب خونساری و آیت‌الله آشیخ علی مازندرانی و غیرهما استفاده نموده آنگاه مراجعت به کاظمین و به وظائف دینی و روحی از اقامت جماعت در صحن و حرم مطهر کاظمین (ع) و ترویج دین و تألیف کتب مفیده پرداخته تا در محرم ۱۳۹۱ قمری که رد سن ۷۲ سالگی از دنیا رفته و در جوار جد گرام خود باب‌الحوائح الی‌الله حضرت موسی بن جعفر (ع) مدفون گردیده است

دارای تألیفات عدیده می‌باشد که ذیلا می‌نگارم

- ۱- احسن الودیعه فی تراجم مجتهدی الشیعه ۲- صرف العنایه فی حل معضلات الکفایه ۳- نزهة المرئاض فی شرح طهاره الرياض
- ۴- القول المقبول فی مباحث الاصول ۵- جامع الشتات فی النوادر والمتمفرقات ۶- نفایس الکلام فی شرح اسماء الله العظام ۷- زبده الکلام فی المنطق والکلام ۸- بغیة اللیب و غنیة الادیب فی شرح منطق التهذیب ۹- الانوار الکاظمیه فی احوال السادات الموسویه
- ۱۰- النقد والبیان فیما يتعلق بکتب الاعیان

۱۱- مطلع الشمسین فی الدفاع عن السیدین ۱۲- البرهان الجلی فی احوال زید بن علی (ع) و چندین کتاب دیگر. آن مرحوم دارای اجازات عدیده روایتی و غیره از بزرگان مراجع نجف و کاظمین بوده‌اند

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاظمینی، راضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ راضی بن شیخ محمد کاظمینی از اکابر علماء کاظمین بوده و علماء فریقین به فضل او اقرار نموده و آن بزرگوار در زهد و ورع و علم کم نظیر بود. علوم عربیه و منطق و معانی و بیان و فقه و اصول را تدریس می نمود تا در روز شنبه ۱۷ شوال ۱۳۴۹ وفات و مل به نجف و در جنب والد علامه اش شیخ محمد که از اکابر علماء کاظمین بودند مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاظمینی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احسن الودیعہ ج ۱ ص ۲۵- گوید عالم او حد و فقیه مسدد مولینا سید محمد بن سید احمد کاظمینی (آل حیدر) از قاطنین کاظمین علیهما السلام عالم کامل زاهد عابد عارف باخبار و آثار منطبق متکلم مهاب رئیس مقدم بر اقران بارع در زمان خود بود و در حسینیه که بعضی از امراء به امر او بنا کرده بود به منبر تشریف می برد و خطبه می خواند و موعظه کرده و مردم را به طریق حق و رشاد هدایت و ارشاد می فرمود و علی رؤس الاشهاد حق می گفت و از کسی باک نمی نمود و بر اهل علم تعظیم و تکریم و در مجالس و محافل برای ایشان قیام و در این طریقه حسنه تاسی بر گذشتگان می کرد و در کاظمین علیهما السلام به کرم و اخلاق او مردم ضرب المثل می کردند.

وی از شاگردان شیخنا الانصاری و علامه میرزا محمدحسن شیرازی در ایام اقامت او در سر من رای بود و در حیات میرزا به کاظمین برگشته و مشغول به ترویج شرع مبین و نشر سنن سیدالمرسلین گردید.

از آثار علمی او کتب زیر است.

۱- کتابی در اخبار ۲- حاشیه بر معالم ۳- منظومه در اصول موسوم به در نظم ۴- کتابی در موالید ائمه اطهار علیهم السلام ۵- کتابی در وفیات ایشان ع سفری در ۱۲۸۰ ق به مشهد مقدس نموده و بعد از چهار سال اقامت در ارض اقدس به کاظمین مراجعت و در محرم ۱۳۱۵ ق به رحمت حق پیوست و در مقبره شخصی خود مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاظمینی، مرتضی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مرتضی پنجمین فرزند علامه آسید احمد کاظمینی عالمی محقق و فاضلی مدقق و از بزرگان و مشاهیر علماء شیعه و رؤساء

روحانیون کاظمین بوده است

علماء بزرگوار کاظمین او را از هر جهت بر برادرش مرحوم آسید مهدی مذکور مقدم می‌داشتند عمده تلمذش خدمت علامتین آیت‌الله العظمی آشیخ محمد حسن آل یس کاظمی و آیت‌الله العظمی میرزا محمدحسن شیرازی اعلی‌الله مقامهم. الشریف بوده است.

وفات آنجناب در هشتم ماه رجب ۱۳۰۳ قمری در کاظمین اتفاق افتاد و با تشییع عظیمی در مقبره خود ایشان که در حسینیه واقع است مدفون گردیدند

مساجد و حسینیه‌های کراچی

در کراچی که بیش از یکصد هزار نفر ایرانی یزدی و اصفهانی و خراسانی و شیرازی و غیره سکونت دارند مساجد و حسینیه‌های بسیاریست که همه مجلل و باشکوه و مخصوص حسینیه آقاخان‌ها از نظر صنعت معماری و ریزه‌کاری که تمام قرآن کریم در سقف آن به طرز جالب زرین منقوش شده از مهمترین بناهای پاکستان بلکه دنیای اسلام است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاغذی اصفهانی، ابوالفضائل عبدالرحیم

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۹۴-۵۰۱ ق)، محدث، قاضی و خطیب. از ابوعلی حداد و محمد بن عبدالواحد دقاق و اسماعیل اخشید و فاطمه جوزدانیه حدیث شنید. یوسف بن خلیل از وی حدیث روایت کرد و احمد بن سلامه از وی اجازه حدیث داشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعلام بوفیات الاعلام (۲/۴۰۰)، سیر النبلاء (۲۱/۲۴۶)، شذرات الذهب (۴/۳۱۷)، العبر (۳/۱۰۹).

کاغذی سمرقندی، ابوالفضل منصور

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۲۳ ق)، مسند و محدث. مسند سمرقند و ماوراءالنهر بود. کاغذ منصوره که در شهرهای خراسان مشهور بوده منسوب به اوست. وی از ابوسعید هیشم بن کلب شاشی و ابوجعفر محمد بن محمد جمال حدیث شنید. ابوالحسن علی بن محمد خدام بخاری و ابواسحاق اصفهانی و ابوبکر حسن بن حسین بخاری و فقیه ابوبکر شاشی و بسیاری دیگر از اهل ماوراءالنهر از وی حدیث روایت کرده‌اند. وی در سمرقند درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵/۱۹)، توضیح المشتبّه (۲/۲۵۶)، سیر النبلاء (۱۷/۳۶۸)، شذرات الذهب (۳/۲۲۶).

کاغذی سمرقندی، ابوتوبه سعید

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۵۹ ق)، محدث. اهل سمرقند بود. وی از ابونعیم و عمرو بن عاصم کلابی و قبیصه بن عقبه و ابوولید طرابلسی و دیگران روایت کرد. ابن‌حبان در کتاب «الثقات» خود به شرح حال وی پرداخته و گوید: از طریق محمد بن صالح و اهل سمرقند حدیث از وی روایت می‌کنم.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۱۹-۵/۱۸)، الثقات (۲۷۲/۸).

کاغذی نیشابوری، ابواحمد حامد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۵۶ ق)، محدث. از ابوبکر محمد بن اسحاق بن خزیمه و ابوالعباس محمد بن اسحاق ثقفی حدیث شنید. حاکم نیشابوری ابو عبدالله حافظ از وی حدیث شنیده و در «تاریخ نیشابور» به او اشاره کرده است. ابواحمد کاغذی در ۳۵۳ ق به سیستان رفت و خطیب آن ناحیه شد و در همان جا درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۱۹/۵)، تاریخ نیشابور (۱۶۱).

کاغذی نیشابوری، ابوعمرو محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۷۰ ق)، محدث. اهل نیشابور و از طرف پدر و مادر به بیت علم و دانش وابسته بود. پدر و جدش محدث بودند و جد مادری اش، ابوبکر بن زکریا، از محدثین بنام بود. اسم پدرش را ذهبی حسنام ضبط کرده است. محمد کاغذی از جعفر بن احمد بن نصر حافظ و عبدالله بن شیرویه و ابوقریش محمد بن جمعه و اقران آنها حدیث شنید. حاکم ابو عبدالله حافظ نیشابوری از شاگردان وی می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۱۹/۵)، تاریخ الاسلام (۴۴۷/۳۸۰-۳۵۱)، تاریخ نیشابور (۱۸۲).

کافوری اصفهانی، ابوالعباس احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۴۵ ق)، محدث. از کسانی بود که در طلب حدیث به سفرهای بسیاری مبادرت کرد. در اصفهان از ولید بن ابان و در عراق از ابوبکر بن باغندی و ابوالقاسم بغوی حدیث شنید. در ایام ابوبکر محمد بن اسحاق وارد نیشابور گشت و مدتی در آنجا زیست. سپس به مرو رفت و تا پایان عمر در آنجا باقی ماند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵/۲۰).

کافی الکفاه طالقانی، اسماعیل

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جناب اسماعیل بن عباد بن عباس طالقانی معروف به صاحب بن عباد منسوب به این ناحیه است و اگر نداشت طالقان کسی را جز این یک نفر برای او کافی بود که به اکثر مناطق و اماکن فخر و مباهات کند.

محدث قمی در فوائد الرضویه ص ۴۵- گوید: پا به فضل و کمال و معالی و افضال آن قدوه ارباب جلال از آن گذشته است که زبان بتواند ثنای او گوید چه ظاهرست که چون جمال بغایت رسد دست مشاطه بیکار ماند و چون بزرگی و جلال بحد کمال رسد بازار و صافان شکسته گردد.

آنجناب از وزراء آل بویه و ملجاء عوام و خواص و مرجع ملت و دولت و از خانواده شرف و عزت بوده و سالها وزارت فخرالدوله و مجدالدوله دیلمی را داشته و خدمات بسیاری به دین و مذهب نموده است.

ورث الوزراء کابراً عن کابر

موصوله الاسناد بالاسناد

یروی عن العباس عباد و زنا

رته و اسماعیل عن عباد

و یگانه عصر خویش در فضل و کمال و علم و ادبیت بود، علویین و سادات و علماء و فضلا نزد او محلی منیع و منزلتی رفیع داشتند. و از علماء ترویج می کرد و ایشان را به تصنیف و تألیف تشویق می نمود.

بجهت خاطر او شیخ فاضل خبیر ماهر حسن بن محمد قمی تاریخ قم را تألیف کرده و در اول آن برخی از فضائل جناب صاحب را ذکر کرده.

و نیز شیخ صدوق برای او عیون اخبارالرضا (ع) را تألیف نموده و اول آن را به ذکر دو قصیده‌ای از او در اهداء اسلام به سوی مولانا الرضا (ع) مزین ساخته.

و هم ابن فارس کتاب (الصاحبی) را که در لغت است به اسم او معنون کرده است و نیز شیخ اجل حسین بن علی بن بابویه برادر شیخ صدوق کتابی به اسم او نوشته و ثعالبی کتاب (یتیمه الدهر) را در احوال شعراء برای او تصنیف نمود.

عده‌ای از علماء اهل سنت هم به مدح و ستایش او کتابهای خود را زینت داده‌اند.

ثعالبی در وصف آن جناب گوید. لیست تحضرنی عبارة ارضاهما للافصاح عن علو محله فی العلم والادب و جلاله شانه فی الجنود والکرم وتفرد بالغايات فی المحاسن و جمعه اشتات المفآخر لان همه قولی تخفض عن بلوغ ادنی فضایله و معالیه و جهد وصفی

يقصر عن ايسر فواضله و معاليه...

خلاصه وی اعجوبه زمان و ناده دوران و در تشیع و حب اهل بیت علیهم السلام یکتای عصر بود حتی مردم اصفهان آن روز مذهب تشیع را نسبت به او می‌دادند و می‌گفتند فلانی بر دین ابن عباد است.

آن بزرگوار تألیفات بسیار دارد از جمله کتاب محیط در لغت که هفت جلد است و کتاب الکافی در وسائل و کتاب اعیاد. و فضائل نوروز و رساله‌ای در احوال حضرت عبدالعظیم (ع) و نیز کتاب تذکره و کتاب الوزراء و کتاب الانوار و کتاب جوهره الجمهره و کتاب الشواهد و کتاب القضاء والقدر و کتاب الامامه که در آن ذکر کرده تفضیل امیرالمؤمنین (ع) و تثبیت امامت آن حضرت را و غیر اینها.

اشعار بسیاری در مدح ائمه علیهم السلام و تبری از دشمنان آنان گفته که برخی از آن را می‌نگارم.

ایات جناب صاحب

حب علی بن ابیطالب

هو الذی یهدی الی الجنۃ

ان کان تفضیلی له بدعۃ

فلعنه الله علی السنۃ

و نیز گوید

لو شق عن قلبی یری وسطه

سطران قد خطا بلا کاتب

العدل والتوحید فی جانب

و حب اهل البیت فی جانب

و نیز فرموده

قالت تحب معاویه قلت اسکت یازانیه

قالت اسأت جوابیه فاعدت قولی ثانیه

یا زانیه یا زانیه یا بنت الهی زانیه

احب من شتم الوصی علانیه

فعلی یزید لعنه و علی ابیه ثمانیه

آن بزرگوار در سال ۳۲۶ در طالقان متولد و در ۲۴ صفر ۳۸۵ در ری وفات و جنازه‌اش حمل به اصفهان و در خانه خودش او را دفن نمودند صاحب روضات گوید قبر صاحب در اصفهان در محله‌ای معروف به باب طوقچی در میدان کهنه است و قبه‌ای دارد و در زمان ما چون منهدم گردید شیخ علامه حاج ملا محمد ابراهیم کرباسی امر به تجدید عمارت آن نمود و به زیارت او مداومتی داشت و عامه مردم تجربه کرده‌اند که هر کس به زیارت او رود یک هفته نمی‌گذرد که خیری عاجل نصیب او می‌شود.

ابوالحسن جوهری در مدح او گوید.

هلم للخیر المأثور مسنده

فی الطالقان فغرت عین ناقله

فذلک الكنز عباد و قد وضحت

عنه الامامۃ فی اولی مخایله

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کافی الملک، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ احمد بن المرحوم عباسعلی از علماء اخیار و مدرسین بزرگوار حوزه علمیه قم است که به فضل و کمال موصوف و به قدس و تقوا معروفست. وی در قریه کافی الملک که در هشت فرسخی تبریز است متولد شده و در سن کودکی به تحصیل فارسی پرداخته و بعد از فراگرفتن آن در شهر تبریز وارد مدرسه طالبیه شده و ادبیات را از علماء آنجا خوانده و مکاسب را از مرحوم آیت الله حاج میرزا ابوالحسن انگجی و کفایه را نزد آیت الله شهیدی و قسمتی از معقول را از آیت الله آقا سید عبدالعظیم رضوان الله علیهم خوانده و در تاریخ ۱۳۵۰ قمری مهاجرت به قم نموده و مدت پنج سال از محضر آیت الله العظمی حایری و ضمناً آیت الله العظمی حجت و آیت الله العظمی خونساری طیب الله مضاجعهم و مدت ۱۸ سال هم تقریباً از ابحاث آیت الله العظمی بروجردی استفاده کرده و هم تا حال حاضر به تدریس سطوح عالی فقه و اصول را اشتغال دارند.

مولف گوید: جناب حجه الاسلام آقای کافی الملکی از علماء برجسته حوزه است و از روزی که ایشان را شناختم به علم و فضیلت شناخته و یافته‌ام ادام الله عزه و توفیقه.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

کاکویی، ابو عمرو و فضل

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۰۶-۴۳۹ ق)، محدث. چون احمد بن متویه معروف به کاکو احمد، به معنای برادر احمد، بود فرزندش مشهور به کاکویی شد. گرچه سمعانی این دو را تحت عنوان متویی نیز آورده است. از ابو حنین عبدالغافر بن محمد فارسی و ابوسعید محمد بن عبدالرحمان گنجرودی و ابونصر زهیر بن حسن بن علی جذامی و ابوحفص عمر بن احمد بن مسرور زاهد و ابوعثمان اسماعیل بن عبدالرحمان صابونی و ابوعثمان سعید بن محمد بحیری حدیث شنید. سمعانی گوید: پدرم از او بسیار حدیث شنید، و فرزندان ابو عمرو، ابوطیب مطهر و فاطمه و عائشه برای من از او روایت کردند و من از ابو عمرو صاحب اجازه هستم. ابو عمرو در قریه لاکملان مرو ساکن بود و در همان جا درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۱۹۴، ۲۱/۵)، لب اللباب (۱۹۹).

کامجری مروزی، ابویعقوب اسحاق

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۴۶ / ۲۴۵ - ۱۵۰ ق)، حافظ و محدث. اصل وی از خراسان و ساکن بغداد بود. از عبدالقدوس بن حبیب شامی و حماد بن زید و محمد بن جابر یمامی و عبدالوارث بن سعید و هشام بن یوسف صنعانی و کثیر بن عبدالله ابلی، از راویان انس بن مالک، و جعفر بن سلیمان و سفیان بن عیینه و عبدالواحد بن زید و عبدالرحمان بن ابی‌زناده حدیث شنید. وی زائده بن قدامه را ملاقات کرد. ابوداود و، به واسطه‌ای، نسایی و عبدالله بن احمد بن حنبل و یعقوب بن شیبه و محمد بن اسماعیل بخاری، در کتاب «الادب»، و ابوبکر احمد بن علی مروزی و عبدالله بن محمد بن ناجیه و ابویحیی صاعقه و فضل بن سهل اعرج و ابوالقاسم بغوی و دیگران از وی روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۲۲ / ۵)، تاریخ بغداد (۳۶۲ - ۳۵۶ / ۶)، التاریخ الکبیر (۳۸۰ / ۱)، تذکره الحفاظ (۴۸۶ - ۴۸۴ / ۲)، تهذیب التهذیب (۲۰۳ - ۲۰۲ / ۱)، سیر النبلاء (۴۷۸ - ۴۷۶ / ۱۱)، طبقات ابن سعد (۲۵۲ / ۷)، العبر (۳۴۹ / ۱)، میزان الاعتدال (۲۰۷ - ۲۰۶ / ۱).

کامخی ساوی، ابو عبدالله محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۹۶ / ۴۹۵ ق)، محدث. اهل ساوه بود. در طلب حدیث سفرها کرد. در نیشابور از قاضی ابوبکر حیری و از ابوسعید محمد بن موسی صیرفی و ابوبکر برقانی و هبه‌الله لالکایی و دیگران حدیث شنید. در ری «مسند» شافعی را درس گفت. اسماعیل بن محمد تیمی حافظ و سعید بن سعدالله میهنی و هبه‌الله میهنی و راضیه میهنی، و ابوزرعه مقدسی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۲۰۶ / ۳)، سیر النبلاء (۱۸۵ - ۱۸۴ / ۱۹)، شذرات الذهب (۴۰۳ / ۳)، العبر (۳۷۱ / ۲)، لسان المیزان (۶۹۱ - ۶۹۰ / ۵)، میزان الاعتدال (۴۵۲ - ۴۵۱ / ۳).

کامشاد، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن کامشاد مترجم و پژوهشگر ادبیات فارسی است. حسن کامشاد لیسانس حقوق را از دانشگاه تهران دارد و دکترای ادبیات فارسی از دانشگاه کیمبریج گرفت. زندگی:

حسن کامشاد متولد اصفهان است، او تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اصفهان و دبیرستان ادب طی کرد پس از دبیرستان با دیپلم ادبی برای ادامه تحصیل به دانشکده حقوق دانشگاه تهران رفت. پس از فارغ التحصیلی به جنوب رفت و مشغول کار در شرکت نفت شد. او در این دوران به فعالیت‌های دست چپی پرداخت و در پی وقایع ۲۸ مرداد مجبور شد به تهران بیاید. او بعدها به دعوت دانشگاه کیمبریج برای تدریس زبان فارسی به انگلستان رفته و در کنار تدریس به تحصیل زبان و ادبیات فارسی در این دانشگاه

پرداخت. رساله دکترای او درباره نثر معاصر فارسی بود که بعدها در انگلستان به عنوان **Modern persian prose literature** به چاپ رسید [۱]. این کتاب سالها بعد توسط او به عنوان پایه گذاران نثر جدید فارسی توسط نشر نی منتشر شد. او پس از تحصیل به عنوان استاد زبان فارسی دانشگاه کیمبریج به تدریس پرداخت و همچنین استاد دانشگاه کالیفرنیا و دانشگاه تهران هم بوده است. وی پس از پنج سال تحصیل به ایران بازگشت و سالها در ایران بود تا اینکه از طرف شرکت نفت به لندن رفته و پس از بازنشستگی به تالیف و ترجمه مشغول شد.

کتاب‌های حسن کامشاد: ترجمه

در خدمت تخت طاووس

خاورمیانه

استالین مخوف، خنده و بیست میلیون

عیسی

دنیای فرضی

قبله عالم

سرگذشت فلسفه

دنیای سوفی

تاریخ چیست

ویتگنشتاین - پوپر و ماجرای سیخ بخاری: ده دقیقه جدل میان دو فیلسوف بزرگ

سوگ مادر

دریای ایمان

ایران: برآمدن رضاخان، برافتادن قاجار و نقش انگلیسیها

سیر نابخردی، از ترویا تا ویتنام

شبح خانم ویل

امپراتور

آخرین امپراتور

روح داروئی دینگلی

الوهیت و هایدگر

تاماس پین

حدیث نفس (زندگینامه): تالیف

پایه گذاران نثر جدید فارسی (تألیف به دو زبان فارسی

کامکار پارسی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق، ادیب.

تولد: ۱۲۷۴، فسا.

درگذشت: ۲ شهریور ۱۳۶۲، تهران.

محمد کامکار پارسی پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدارس فسا و شیراز وارد دانشسرای عالی شد و به اخذ درجه‌ی لیسانس نایل آمد. سپس از دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران موفق به اخذ درجه دکترا‌ی زبان و ادبیات فارسی گردید. دکتر کامکار سال‌ها با عنوان دبیری و ریاست دبیرستان، ریاست فرهنگ شهرستان‌های مختلف، ریاست خانه‌ی فرهنگ ایران در دهلی نو و بمبئی و استاد ادبیات فارسی دانشگاه‌ها و مدارس عالی کشور مشغول به فعالیت بود. از وی اشعار و مقاله‌هایی در روزنامه‌ها و مجلات ادبی به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

کامکار، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: استاد، رشته: داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترا‌ی تخصصی داخلی از دانشگاه علوم پزشکی میامی آمریکا در سال ۱۳۴۵، فوق تخصص قلب هسته‌ای از دانشگاه علوم پزشکی فیلادلفیا در سال ۱۳۴۶ و فوق تخصص قلب هسته‌ای از دانشگاه جرج واشنگتن در سال ۱۳۵۸. مرتبه علمی:

دانشیار پایه ۱۱ پزشکی هسته‌ای دانشگاه علوم پزشکی شیراز از سال ۱۳۶۶ تا سال ۱۳۷۱، استاد دانشگاه علوم پزشکی شیراز. زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی علل اورمی براساس تشخیص میکروسکوپی در بیمارستانهای دانشکده پزشکی، بررسی علل ۱۰۰ مورد تب در مرکز پزشکی گلستان اهواز در سالهای ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴، سرطان مری، تشخیص افتراقی آسیت‌ها، تومورهای بدخیم روده کوچک، تغییرات التکتروکاردیوگرافیک بیماریهای کرونز، تدریس دروس تشخیص فیزیکی بیماریها، قلب و عفونی، بالینی، پزشکی هسته‌ای و قلب در دانشکده‌های پزشکی اهواز و شیراز.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

اندازه‌گیری کاتکولامین و تغییرات شبانه روزی آن و رابطه آن با ریتم قلب، سندرم پارائتوپلاستیک، شوک عفونی، مطالعه

کلینیکی ۱۰۰ بیمار مبتلا به انفارکتوس میوکارد، استفاده از مواد رادیو اکتیو در ورزش دست و رابطه آن با بازدهی قلب، وجود و تأثیر استروئید روی میوزیت.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

کاملی، ابویعلی حمزه

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۱۴ ق)، محدث. چون کنیه نیای بزرگش سلیمان، ابو کامل بود به کاملی مشهور گشت. او اهل نسف بود. در کهنسالی حدیث نوشت. مستغفری در «تاریخ نسف» گوید که ابویعلی کاملی در پیری از من و از جعفر بن محمد توبنی فقیه و ابوجعفر محمد بن علی و ابومروان عبدالملک بن سعید و ابوالحسن محمد بن مکی و ابومحمد عبدالله بن احمد جوبقی حدیث نوشت. کاملی در هنگام مرگ حدود هفتاد و شش سال داشت.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۲۳-۲۲/۵).

کامیاب تهرانی، ثریا

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: شیمی پاتولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

دکترای شیمی پاتولوژی Royal Postgraduate School از بیمارستان Hammersmith دانشگاه لندن.
مرتبه علمی:

استاد دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام ۱۵ طرح تحقیقاتی در زمینه اندوکرینولوژی و شیمی پاتولوژی، همکاری با دانشگاه علوم پزشکی تهران به مدت ۲۵ سال، دارای ۳۰ سال تجربه و تحقیق در زمینه اندوکرینولوژی آزمایشگاهی در انگلستان و ایران، عضویت در انجمن اندوکرینولوژی انگلستان، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۳۰ پایان‌نامه شخصی دکتر او و ۱۰ پایان‌نامه مشترک.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

اندوکرینولوژی، کارهای علمی آزمایشگاهی، بیوشیمی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۶، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۷

زمینه علمی مقالات:

اندوکرینولوژی و شیمی پاتولوژی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

کامیاب تهرانی، سیمین دخت

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زنان و مامائی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

کاودانی آملی، ابو عبیدالله محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۳۹۸ ق)، محدث. در ۳۹۸ ق به همراه گروهی از مشایخ به خدمت امیر شمس المعالی قابوس بن وشمگیر رسید. او سفری به مصر داشت و رفیق سفر ابو جعفر بن دلان بود. از ابوالعباس احمد بن حسن رازی مصری و ابوبکر احمد بن محمد سنی حافظ حدیث شنید. رئیس ابوالمحاسن سعد بن محمد جولکی و ابوبکر محمد بن حسن جاجرمی و دو فرزند ابوسعید اسماعیلی: ابوالفضل و ابوالحسن از وی روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵/۲۳)، معجم البلدان (۴/۴۹۱).

کاوه نافچی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد کاوه نافچی

محل تولد: آبادان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۹/۲

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۲ دروس حوزوی را در حوزه علمیه قم شروع کردم و از همان ابتدا در کنار دروس اصلی حوزه، نه تنها کتاب های متنوعی در همان موضوع را مطالعه می کردم بلکه به مطالعات غیر دروس حوزوی می پرداختم تا این که در سال ۱۳۶۹ موفق شدم دروس سطح حوزه را تمام بکنم. همزمان با شروع درس خارج در سال ۶۹ در امتحان ورودی کنکور شرکت کردم و با آوردن رتبه ۵۰۰ در رشته فلسفه، در دانشگاه شهید بهشتی تهران پذیرفته شدم.

در سال ۷۴ در کنکور ارشد رشته «فلسفه غرب» شرکت کرده و رتبه ۱۴ را کسب کردم و همزمان در امتحان ورودی رشته تخصصی حوزه (کلام) پذیرفته شدم و در میان این دو، انتخاب رشته تخصصی «کلام» را ترجیح داده و در کنار شرکت در دروس خارج فقه: (آیت الله علوی گرگانی)، خارج اصول: (آیت الله مکارم)، به تحصیل در رشته کلام پرداختم در سال ۷۸ توانستم دروس تخصصی را با موافقت و امتیازات عالی در هر ترم به پایان برسانم.

در سال ۷۹، موضوع «معرفت دینی و معرفت علمی» را انتخاب و موضوع رساله دکتری کلام خود انتخاب کردم. بعد از دفاع از رساله خود در دانشگاه آزاد واحد جنوب تهران به عنوان: (عضو هیئت علمی) پذیرفته شدم و در گروه معارف اسلامی به ادامه تدریس دروس معارف اسلامی پرداختم.

لازم به ذکر است اینجانب از سال ۱۳۷۸ مشغول تدریس دانشگاه‌های: آزاد اراک، دولتی شاهرود، تربیت معلم تهران، شاهد و آزاد شاهرود شدم. در سال ۱۳۸۳ مقاله ای به نام: «مقایسه معرفت دینی و علمی» نوشتم که در مجله رواق اندیشه صدا و سیما به چاپ رسید. در سال ۱۳۸۵ مقاله ای به نام: «جلوه های رفتاری پیامبر اعظم» نوشتم که در همایش دانشگاه آزاد لاهیجان پذیرفته و در آنجا ارائه گردید.

کاوه، علی اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۹-۱۲۷۳ ش)، خطاط و ادیب. در شیراز به دنیا آمد. از کودکی به مشق خط پرداخت و از قطعات و آثار استادان پیشین، چون میرعماد، درویش عبدالمجید، کلهر و میر سید حسین خوشنویس باشی تمرین می کرد سپس نزد استاد عماد الکتاب رفت و از او بهره مند شد و سرآمد شاگردان گردید. وی در ۱۲۹۸ ش وارد وزارت مالیه (دارایی) شد و در سمت منشی مخصوص وزیر، مشغول خدمت گردید. در ۱۳۱۰ ش به وزارت فرهنگ منتقل شد و سالهای متمادی در دبیرستان‌های مختلف تهران به تعلیم شاگردان پرداخت. کاوه در نوشتن خط نستعلیق از خفی و جلی استادی تمام عیار بود و در سیاه مشق و شکسته نستعلیق مهارت داشت. ملک الشعراء بهار او را میرعماد عصر می دانست. از شاگردان معروف او علی منظوری، عبدالله فرادی، جهانگیر نظام العلماء و محمد سلحشور در خور ذکرند. از آثار وی کتابت: «گلچین اشعار صائب»، «آیات منتخبه قرآن»، «تعلیمات دینی»، «صرف و نحو»؛ «تاریخ ششم دبستانها و دبیرستانها». [۱]

خوشنویس.

تولد: ۱۳۱۲ ق.، شیراز.

در گذشت: ۶ شهریور ۱۳۶۹، تهران.

علی اکبر کاوه، فرزند علی محمدخان شیرازی، از کودکی به مشق خط پرداخت. سپس نزد استادانی به تکمیل هنر خود پرداخت. مدتی نیز نزد میرزا محمدحسین سیقی قزوینی (عمادالکتاب) به مشق و به ویژه خط نستعلیق پرداخت.

استاد از سال ۱۲۹۸ به سمت منشی مخصوص وزیر در وزارت دارایی به خدمت مشغول شد و پس از چندی بر حسب دعوت یحیی قزاق‌لو (اعتمادالدوله) وزیر فرهنگ وقت از وزارت دارایی به وزارت فرهنگ منتقل گردید و سالهای متمادی در دبیرستان‌های تهران از قبیل: دارالفنون، ثروت، سیروس کالج، شاهدخت، شرف و علمیه به تعلیم خط اشتغال داشت تا اینکه بازنشسته گردید و مجدداً بنابر تقاضای اداره‌ی کل هنرهای زیبا در کلاس آزاد خط هنرهای زیبا به تعلیم نوآموزان هنر مشغول شد و نیز ایشان چندی در کلاس کارآموزی خط که از طرف وزارت فرهنگ در عهد دکتر محمود مهران (وزیر فرهنگ وقت) تشکیل شده بود به تعلیم و تربیت مشغول بود. وی سالیان دراز به انجمن خوشنویسان ایران در تهران به تعلیم هنرجویان اشتغال داشت.

از آثار خطی که از وی به جای مانده است می‌توانیم به این عناوین اشاره کنیم: گلچین اشعار صائب؛ آیات منتخبه قرآن؛ تعلیمات دینی؛ صرف و نحو؛ تاریخ ششم دبستان‌ها و دبیرستان‌ها و غیره.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اطلس خط (۵۹۷-۵۹۶)، پیدایش و سیر تحول هنر خط (۲۳۴-۲۳۰)، تاریخ برگزیدگان (۴۷۶-۴۷۵)، تذکره‌ی خوشنویسان معاصر (۱۳۰-۱۲۶)، کیهان فرهنگی (س ۵، ش ۱، ص ۵-۱).

کاویانپور، طلعت

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

طلعت کاویان پور در سال ۱۳۲۳ به دنیا آمد. وی دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران می‌باشد. با تدریس در دبیرستان خدمات فرهنگی خود را آغاز کرد، و پس از سالها در حالی که تدریس در دانشگاه را در پیش گرفته بود در هیئت علمی - پژوهشی فرهنگستان زبان ایران پذیرفته شد و به همکاری با فرهنگستان پرداخت و اینک در دانشگاه صنعتی شریف به تدریس ادبیات فارسی سرگرم است. او همچنین ریاست انجمن حمایت از عقب ماندگان ذهنی و بدنی را به عهده دارد. طلعت کاویان پور، افزون بر فعالیتهای دانشگاهی، در سمینارهای ادبی - هنری متعددی شرکت داشته است. از وی تا کنون چندین مقاله ادبی - اجتماعی در نشریات معتبر ایران به چاپ رسیده است.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: طلعت کاویان پور دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران می‌باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: طلعت کاویان پور ریاست انجمن حمایت از عقب ماندگان ذهنی و بدنی را به عهده دارد.

فعالیتهای آموزشی: طلعت کاویان پور با تدریس در دبیرستان، را آغاز کرد، وی ضمن تدریس در دانشگاه، به عضویت هیئت علمی - پژوهشی فرهنگستان زبان ایران درآمد و به همکاری با فرهنگستان پرداخت. او اینک در دانشگاه صنعتی شریف به تدریس ادبیات فارسی سرگرم است.

سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: طلعت کاویان پور، افزون بر فعالیتهای دانشگاهی، در سمینارهای ادبی - هنری متعددی شرکت

داشته است. از وی تاکنون چندین مقاله ادبی - اجتماعی در نشریات معتبر ایران به چاپ رسیده است .

آثار :

۱ ستم نامه ی شاهان و درد دل بی گناهان

ویژگی اثر : مقاله- ادبستان -۱۳۷۱

۲ شاه نامه فردوسی

ویژگی اثر : مقاله

۳ فردوسی شاعر همه قرن‌ها

ویژگی اثر : مقاله -دانش و فن ،۱۳۷۱

۴ نمونه هایی از نظم و نثر در ادب فارسی از قرن چهارم تا قرن سیزدهم هجری

ویژگی اثر : مقاله -۱۳۷۵-۷۶

۵ واژه های بسامدی و کاربرد آنها در زبان فارسی

ویژگی اثر : مقاله-ادبستان -۱۳۷۲

منابع زندگینامه :

دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان ، تالیف : پوران فرخزاد ، ج ۲ ، تهران : زریاب ، ص ۱۳۸۱

کاویانی، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۴۷ ش)، نویسنده و مترجم. وی رسالات و مقالات زیادی در زمینه اجتماعی نوشت. او از کسانی است که آثار فلاسفه و متفکران یونانی به ویژه افلاطون را ترجمه کرده که در ترجمه‌ی تعدادی از آنها دکتر محمد حسن لطفی نیز مشارکت داشته است که از آن جمله «دانایی شامیدس»، «دیانت اتیفرون»، «سقراط در زندان کریتون»، «فن سخنوری گرگیاس» و «نامه‌ی شماره‌ی هفت» را می‌توان نام برد. از دیگر آثار وی: «درس عبرت»، ترجمه؛ «جنگ بزرگ»، «راه نجات»، «سرنوشت غرب»، ترجمه؛ «مملکت بی‌نقشه و هدف» در دو جلد.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۶/۳۱۶، ۱۲/۲۰۵)، سواد و بیاض (۵۷۲-۵۷۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۰۰۶، ۱۹۷۹/۲، ۱۴۸۸، ۱۳۴۵، ۱۳۴۴/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹۳-۱۹۱/۳).

کاویانی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد کاویانی ارانی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۴۱ هستم، در سال ۱۳۶۰ با دیپلم تجربی وارد حوزه علمیه قم شدم، طی شش سال دروس سطح را تحصیل و بعضاً تدریس کردم. از سال ۱۳۶۷ به صورت رسمی در دروس خارج فقه، اصول فقه، تفسیر و فلسفه شرکت کردم. ضمن دروس رسمی حوزه علمیه، در دروس معارف اسلامی موسسه در راه حق (موسسه آموزشی، پژوهشی امام خمینی) شرکت کردم و فوق لیسانس دریافت کردم.

دوره آموزش زبان انگلیسی را طی یکسال به طور فشرده در دفتر تبلیغات اسلامی قم گذراندم. در کنار دروس حوزه و پس از اتمام درس های موسسه در راه حق، به گروه روانشناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه پیوستم، پس از اتمام دروس فوق لیسانس، در رشته «روانشناسی بالینی»، برای ادامه تحصیل در دکترای روانشناسی، به دانشگاه اصفهان وارد شدم. هم اکنون در حال نوشتن پایان نامه دکترای روانشناسی هستم.

در ضمن تحصیلات مختلفی که داشتم تدریس های متعدد نیز به صورت دائم در حوزه و دانشگاه و مجموعه های جانبی حوزه علمیه قم داشته ام و دارم. اکنون عضو هیئت علمی «گروه روانشناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» هستم. تألیفات و ترجمه ها از نوع کتاب و مقاله و پژوهش داشته ام که اطلاعات مفصل آن در پرونده ضمیمه درج شده است. اکنون روحانی کاروان حج نیز هستم و ۸ سفر مشرف شده ام.

کاویانی، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جغرافیا هواشناسی و اقلیم، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد کشاورزی از دانشگاه یوستوس لیبیگ آلمان در سال ۱۳۴۴، و دکترای تخصصی هواشناسی و اقلیم‌شناسی از دانشگاه فنی هانور در سال ۱۳۵۲.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۵۴ تا سال ۱۳۶۷ و دانشیار دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۶۷.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی کانونهای آلودگی برای شهر اصفهان، جغرافیای طبیعی کرمان با تکیه بر ویژگیهای اقلیمی، بررسی اقلیمی سواحل جنوبی دریای مازندران، تدریس دروس اقلیم‌شناسی عملی، اقلیم‌شناسی، میکروکلیماتولوژی و اقلیم کاربردی از دانشگاههای فنی هانور و اصفهان، استاد راهنمای ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اقلیم‌شناسی، اقلیم ایران و میکروکلیماتولوژی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

تغییرات اقلیمی قرن حاضر، بررسی اقلیمی پدیده شرجی در سواحل جنوبی کشور، بررسی کسری اقلیمی آب در مناطق خشک و نیمه خشک ایران، تحلیلی آماری از رژیم بارندگی ایران، تأثیر آبهای تحت‌الارضی بر روی تبخیر سطح زمین و بررسی بیلان آب در زمینهای واجد و فاقد موش گیاهی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

کاویانی، مسعود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: گوش و حلق و بینی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی و دکترای تخصصی گوش و حلق و بینی از دانشگاه علوم پزشکی شیراز در سال ۱۳۵۹.

مرتبه علمی:

استادیار و دانشیار دانشگاه علوم پزشکی شیراز از سال ۱۳۵۹ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه آینده‌نگر درمان بیماریهای گوش با سولفات روی، مطالعه آینده‌نگر درمان وزوز گوش با تزریق وریدی گزیلوکائین و کاربامازپین، مطالعه آینده‌نگر عوارض گوش و حلق و بنین تالاسمی بتا، مطالعه آینده‌نگر هیپوتیروئیدی و سیستم شنوائی، مطالعه آینده‌نگر ترسیم پارگی پرده گوش با کوتیزاسیون اسید، تدریس دروس گوش و حلق و بینی و سر و گردن در دانشگاه خلاصه علوم پزشکی شیراز، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۱۱ پایان‌نامه دکترا و تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

القبای گوش و حلق و بینی برای استفاده بهیاران، پرستاران و دانشجویان پزشکی، عوارض گوش و حلق و بینی تالاسمی بتا، تروماهای گوش.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۴، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

عوارض گوش و حلق و بینی تالاسمی بتا، درمان وزوز گوش مقاوم به درمان در اثر موج انفجار در مجروحین جنگ تحمیلی، مطالعه اتواسکلروز در جنوب ایران، مننژیت عود کننده در اثر فیستول پری لنف، تومورهای خوش خیم غده بزاقی، و گفروپری و گفر، بازتاب کمبود روی در بیماریهای گوش و حلق و بینی، بیماری ایدز و گوش و حلق و بینی. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

کاویانی، منصوره

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

منصوره «شیوا» کاویانی، نویسنده، مترجم و شاعر، در سال ۱۳۱۶ در بندر خرمشهر زاده شد. تحصیلاتش را در رشته ی کارشناسی تاریخ و کارشناسی ارشد کتابداری در دانشگاه شیراز و دانشگاه تهران به پایان رسانید. سپس در آلمان به اخذ درجه دکترای فلسفه نایل آمد. او در زمینه فلسفه و ادیان غرب و شرق به ویژه ایران، زیباشناسی، موسیقی، جامعه شناسی و ادبیات تطبیقی در ایران و در سطح جهان مطالعه، پژوهش می نمود و تاکنون نزدیک به بیست جلد کتاب ترجمه، تحقیق و تالیف و سی و پنج مقاله به زبان فارسی و انگلیسی از روی به چاپ رسیده و یا آماده چاپ است. او از نوجوانی به سرودن شعر نیز علاقه نشان داده و در این زمینه هم به موفقیت هایی دست یافته است.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

والدین و انساب: منصور کاویانی با تباری بوشهری در ندر خرمشهر زاده شد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: منصوره کاویانی تحصیلاتش را در رشته ی کارشناسی تاریخ و کارشناسی ارشد کتابداری در دانشگاه شیراز و دانشگاه تهران به پایان رسانید. سپس برای ادامه تحصیل به آلمان رفته و به اخذ درجه دکترای فلسفه نایل شد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: از منصوره کاویانی تاکنون نزدیک به بیست جلد کتاب ترجمه، تحقیق و تالیف و سی و پنج مقاله به زبان فارسی و انگلیسی به چاپ رسیده و یا آماده چاپ است. او از نوجوانی به سرودن شعر نیز علاقه نشان داده و در این زمینه هم به موفقیت هایی دست یافته است.

آرا و گرایشهای خاص: منصوره کاویانی در زمینه فلسفه و ادیان غرب و شرق به ویژه ایران، زیباشناسی، موسیقی، جامعه شناسی و ادبیات تطبیقی در ایران و در سطح جهان مطالعه نموده است.

آثار:

- ۱ آموزش و شناخت انتقادی
- ۲ اورو گوئه
- ۳ خرد زیبا
- ۴ خلق مدام
- ۵ دیدارها
- ۶ دیدارها
- ۷ رازوری در آیین زرتشت
- ۸ سفر دیگرگون
- ۹ شبکه اطلاعات علمی
- ۱۰ شهر در گذر زمان
- ۱۱ صوفیسم ابن عربی و آیین لائوتسه
- ۱۲ عرفان و فلسفه ی یهود
- ۱۳ فرزاندگی در آینه ی زمان
- ۱۴ فرهنگی علوم اجتماعی
- ۱۵ فلسفه ی انسانی موسیقی
- ۱۶ فلسفه ی روشنگری
- ۱۷ فهم موسیقی
- ۱۸ کتاب در ایران: کتاب نامه و مقاله نامه
- ۱۹ کتاب شناسی و طرح مطالعه ی امپریالیسم
- ۲۰ کتاب نور و روشنایی
- ۲۱ مجموعه ی داستان
- ۲۲ نفس انسان و روان شناسی اسلامی

منابع زندگینامه: دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان (زن از کتیبه تا تاریخ)، به کوشش: پوران فرخزاد، ج ۲، تهران: انتشارات زریاب، چاپ اول ۱۳۷۸، ص ۱۳۸۲

کبودر آهنگی، محمدجعفر

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدجعفر بن صفرخان بن عبدالله کبودر آهنگی از علماء فقهاء و عرفاء صلحاء از شاگردان ملا محمد مهدی نراقی و میرزا

ابوالقاسم قمی و غیر آنان از بزرگان بوده و در فقه و اصول مقام بلندی داشته و در ردیف اتقیاء و ابرار بوده و با جلالت قدرش مشهور به عرفان سلوک گردیده و در سال ۱۲۳۹ در تبریز وفات نموده است.

آثار و تألیفات وی بسیار و از آنها کتب زیر است ۱- شرح دعاء حضرت امیر (ع) (اللهم نور ظاهری بطاعتک) ۲- مراحل السالکین ۳- الاعتقادات ۴- مرات الحق و غیر اینها.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

کبیر قمی، محمد نجفی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۳۶۹ - ۱۲۹۰ ق)، فقیه، اصولی و مدرس. در قم به دنیا آمد. مقدمات و سطوح را نزد ملا محمد تقی نحوی و حاج شیخ محمد حسین قمی و معقول را در خدمت حکیم یزدی فراگرفت. آن گاه به تهران آمد و از محضر حاج شیخ فضل الله نوری و آقا سید عبدالکریم گیلانی و حاج میرزا حسن آشتیانی و حاج شیخ علی نوری و آقا میرزا محمود قمی بهره گرفت و فقه و اصول و حکمت را تکمیل کرد. پس از آن به نجف مهاجرت کرد و از حوزه‌ی درس آخوند خراسانی و علامه یزدی و آیت الله حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی استفاده نمود. در ۱۳۳۸ ق پس از نیل به درجه‌ی عالی اجتهاد به قم بازگشت و به تدریس و تربیت محصلین و دانشجویان علوم دینی همت گماشت. درس خارج فقه و اصولش مورد استفاده‌ی گروهی از فضلاء بود. او از طرف آیت الله سید محمد کاظم یزدی مرجع در احتیاطات گردیده بود. وی در مناسبت‌های ویژه چون اعیاد و سوگواری‌ها منبر می‌رفت و به موعظه‌ی مردم می‌پرداخت. در قم از دنیا رفت و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد. از آثارش: حاشیه بر «جواهر»، حاشیه بر «عروه»؛ «مشارق الشموس»، در اصول، تعلیقه‌ای بر «کفایه الاصول» آخوند خراسانی؛ «منتخب الرسائل» [۱].

مرحوم مبرور شیخ الفقهاء والمجتهدین حاج میرزا محمد کبیر قمی از آیات عظام و علماء کرام و مراجع والامقام شهرستان قم و حوزه علمیه بوده است. تولدش در سال ۱۲۹۰ قمری در قم واقع شده و مقدمات و سطوح وسطی را خدمت مرحوم حاج شیخ محمد حسین قمی و معقول را خدمت مرحوم حکیم یزدی خوانده آنگاه به تهران مسافرت و از محضر مرحوم آیت الله حاج شیخ فضل الله شهید نوری و آیت الله آقا سید عبدالکریم گیلانی استفاده نموده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف و از محضر مرحومین علمین آیتین آخوند خراسانی و علامه یزدی و آیت الله حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی استفاده نموده و در سال ۱۳۳۸ قمری به قم مراجعت و به تدریس و تربیت عده‌ای از محصلین و طلاب و هم اقامه جماعت در مسجد امام علیه السلام پرداخته است.

وی منبری شیرین داشت و در منزل خود در اعیاد و سوگواریها منبر می‌رفت و مردم را به موعظه حسنه خود بهره‌مند می‌نمود. درس خارج فقه و اصولش مورد استفاده جمعی از فضلاء بوده و با حکماء و فلاسفه مخالفت علنی داشت و مانند مرحوم آیت الله میرزا مهدی اصفهانی مشهد می‌فرمود این فلسفه‌بافی‌ها مردم را از آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین و اخبار و احادیث اهل بیت دور ساخته است. در سال ۱۳۶۹ قمری از دنیا رفت و در قبرستان شیخان جنب مقبره زکریا بن آدم اشعری در مقبره خصوصی خود مدفون گردیده است.

آثار قلمی ایشان از این قرار است ۱- حاشیه بر جواهر ۲- حاشیه بر عروه ۳- مطالع الشموس در اصول ۴- رساله‌های علمیه. برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: آینه‌ی دانشوران (۱۵۰- ۱۴۸)، الذریعه (۳۶/ ۲۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۴۳- ۳۴۲/ ۱)، فهرست کتابهای چاپی

فارسی (۳۱۴۵/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶۹۱-۶۹۰/۵).

کبیر، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند مرحوم شیخ محمدتقی از اجله علماء و مجتهدین و فقهاء و مدققین عصر خود بود در علوم ادبیه و حسن خط نیز مقامی عالی داشت در قم خدمت مرحومین شیخ محمدحسن نادری و ملا محمدجواد تحصیل نمود و در نجف نزد علامتین خراسانی مرحوم آخوند و مرحوم سید محمدکاظم یزدی تلمذ نمود.

نگارنده در آثارالحجّه ج ۱ ص ۳۹ ترجمه وی را به عنوان ششمین حادثه حوزه‌ی علمیه بعد از تأسیس آن چنین نگاشته‌ام ششمین حادثه‌ای که قم و حوزه علمیه و عالم تشیع دیده رحلت عالم فاضل محقق مدقق فقیه اصولی تقی زاهد معروف به فضل وسعه اطلاع و دقت نظر آیه‌الله العظمی آقای آقا شیخ ابوالقاسم کبیر قمی بود که او را بعضی بر مرحوم آیت‌الله حایری یزدی مؤسس حوزه‌ی علمیه ترجیح می‌دادند. فضلاء اصحاب ایشان از مراجع امروز به شمار می‌روند.

نگارنده گوید: گرچه این حقیر آن بزرگوار را درک نکردم و به فیض ملاقات و زیارتش نرسیدم ولی از علماء و مراجع بزرگ امروز حوزه که آنجناب را دیده‌اند شنیدم که آن مرحوم دارای نفس قدسی و ملکوتی بود و مرحوم آیه‌الله حاج آقا حسین قمی می‌فرمود من منکر بودم که در این زمان آدم خوب پیدا شود با شرایط فعلی و فساد عمومی تا آنجناب را دیدم در قم و آیت‌الله آقا سید مرتضی کشمیری را در نجف اشرف که یقین کردم در این عصر هم انسان کامل و مؤمن حقیقی یافت می‌شود.

در سال ۱۳۵۳ ه.ق دو سال قبل از فوت مرحوم آیت‌الله حائری در سن هفتاد سالگی وفات نمود و در مسجد بالاسر نزدیکی قبر حاج شیخ عبدالکریم مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

کبیری هندی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: میکروبی‌شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

کبیری، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۱، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی و دکترای تخصصی کودکان از دانشگاه مانیس و فرانکفورت آلمان غربی در سال ۱۳۴۸، فوق تخصص متابولیک از دانشگاه فرانکفورت در سال ۱۳۵۰.

مرتب علمی:

استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۵۰ تا سال ۱۳۵۶، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۵۶ تا سال ۱۳۶۳، و استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۶۳، تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی شیوع بیماری فیل کتونوری در ایران به مدت ۶ سال، تدریس بیماریهای کودکان، بیماریهای متابولیک و سیتوژنتیک در دانشگاههای علوم پزشکی تهران و علوم پزشکی شیراز، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۲۸ پایان‌نامه دکترای و ۶ پایان‌نامه دکترای تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

درمان عقب‌افتادگی رشد ذهنی در اختلالات مادرزادی متابولیسم ارثی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲۴، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۳

زمینه علمی مقالات:

مطالعه پنوموتوراکس در کودکان، مطالعه پتاسیم سرم در کودکان مبتلا به کم‌آبی اتاکس در کودکان، تظاهرات دیررس توکسوپلاسموز مادرزادی، فینل کتونوری، تریزومی -E گزارش ۶ مورد هموگلوبین O اندونزی، تشخیص فینل کتونوری در هتروزیگوتهای، تغذیه در بیماران فینل کتونوری و دارو درمانی سل کودکان. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

کتابچی، ابراهیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی اعصاب، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

جراح و متخصص مغز و اعصاب.

مرتب علمی:

دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

Percutaneous discectomy، تربیت رزیدنت جراحی مغز و اعصاب، عضویت در انجمن بین‌المللی جراحان مغز و اعصاب، مطالعه و تحقیق در رابطه با کیست هیداتیک ستون فقرات، بررسی ضایعات تومرال مغزی در ایران، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۸ پایان‌نامه تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اصول جراحی مغز و اعصاب، سیستم اعصاب مرکزی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

جراحی مغز و اعصاب.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

کتاب فروش، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم آقا میر سید محمد بن سید محمد علی بن هادی افطسی حسینی نیز عالم و زاهد بوده، و بسیار پیرو معمر شده، و در اصفهان سطوح فقه تدریس می‌نموده، پس از فوت در همین بقعه مدفون گردیده است. فرزندانش در اصفهان ساکن، و عموماً اهل فضل و کمال می‌باشند.

دیگر از معروفین این خاندان: مرحوم میر محمد حسین کتابفروش فرزند میر علی نقی است که از علما و فضلا بوده، و در ۱۳۴۱ وفات یافته، جنب بقعه‌ی نام برده مدفون شده است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کتاب فروش، محمد صادق

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند میر سید محمد. عالم زاهد متقی، شاگرد و داماد سید حجة الاسلام شفتی، از جمله‌ی فقهای ممتازین بوده، و در نزد علمای این شهر به علم و عمل و فقاهاات شهرت داشته، در محله‌ی خواجه سکونت داشته، و عمر خویش را به تحصیل و تدریس و مطالعه و

تألیف گذرانیده. سطوح فقه تدریس می‌نموده، و عده‌ی کثیری در خدمت ایشان تحصیل نموده‌اند.

کتاب و رسائلی در فقه نوشته‌اند، شرحی بر شرایع دارد.

در حدود ۱۲۱۰ متولد، و در ۵شنبه ۱۲ شعبان ۱۳۰۴ وفات یافته، در بقعه‌ای مخصوص جنب تکیه‌ی میرزا رفیعا مدفون گردید که فعلا جزو اراضی فرودگاه می‌باشد.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کتابی، بدرالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۶ - ۱۲۹۱ ق)، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به امید. در اصفهان به دنیا آمد. جد پدری او آیت‌الله میرزا محمد صادق کتابی اصفهانی، صاحب شرحی بر «شرایع» است و جد مادری وی حاج شیخ محمد علی نجمی می‌باشد. پس از تحصیل در مدارس قدیم اصفهان، در مشهد به تحصیل ادبیات، منطق، فقه، اصول و فلسفه‌ی اسلامی پرداخت. وی «منظومه‌ی» حاج ملا هادی سبزواری را نزد شیخ محمد خراسانی فراگرفت. پس از اخذ دیپلم علمی، در ۱۳۱۶ ش، موفق به اخذ درجه‌ی لیسانس در رشته‌ی فلسفه و علوم تربیتی از دانشسرای عالی و دانشکده‌ی ادبیات شد. وی به دو زبان عربی و فرانسه تسلط کامل داشت. پس از فراغت از تحصیل ابتدا در اصفهان به تدریس در دبیرستان‌ها مشغول شد و سپس ریاست دبیرستان ادب و چندی معاونت اداره‌ی کل فرهنگ استان اصفهان را عهده‌دار بود. وی در بنیان‌گذاری دانشکده‌ی ادبیات اصفهان در ۱۳۳۷ ش و نیز تأسیس کتابخانه‌ی آن نقش مؤثری داشت و سالها نیز در آن دانشکده به تدریس فلسفه، روان‌شناسی، منطق نظری و عملی، ادبیات فارسی و متون فلسفی به زبان فرانسه پرداخت. بیشتر با حاج آقا رحیم ارباب و حاج شیخ محمد باقر الفت مصاحبت داشت. از آثارش: «هیپنوتیسم در دسترس همه»؛ «فروغ خاور»، شرح حال و آیین رهبانیت بودا، ترجمه؛ «پیرامون سیره‌ی نبوی»، ترجمه؛ «اخلاق»، ترجمه؛ «آداب المتعلمین»، ترجمه؛ سفرنامه‌ی «به سوی اصفهان»، ترجمه؛ «مکتبهای اصلی فلسفه»، ترجمه؛ «مبانی جامعه‌شناسی»، ترجمه؛ «دیوان» شعر. [۱]

مترجمه، مؤلف.

تولد: ۱۳۳۰ (۱۲۹۱ ق)، اصفهان.

درگذشت: ۱۳۶۶.

بدرالدین کتابی متخلص به «امید» ابتدا در مدارس قدیم اصفهان و یک سال در مشهد به تحصیلات قدیم از ادبیات و منطق و فقه و اصول پرداخت و منظومه‌ی حاج ملا هادی سبزواری نزد حکیم همدانی و آقا شیخ محمد خراسانی فراگرفت. در سال ۱۳۱۳ موفق به اخذ دیپلم شد. سپس وارد دانشگاه گردید. در سال ۱۳۱۶ موفق به اخذ درجه‌ی لیسانس در رشته‌ی فلسفه و علوم تربیتی گردید. وی برای ادامه تحصیلات در اروپا برگزیده شد. وی با دو زبان عربی و فرانسوی آشنایی داشت.

پس از فراغت از تحصیل در دانشسرای عالی به زادگاه خود اصفهان بازگشت. ابتدا به دبیری دبیرستان‌ها اشتغال ورزید و سپس ریاست دبیرستان ادب اصفهان را عهده‌دار گردید و مدتی نیز معاونت و کفالت اداره‌ی کل فرهنگ استان را به عهده داشت. وی همچنین در بنیان‌گذاری دانشکده‌ی ادبیات اصفهان به سال ۱۳۳۷ و نیز تأسیس کتابخانه آن نقش داشت و خود سال‌ها در آن دانشکده به تدریس فلسفه، روان‌شناسی، منطق نظری و عملی، ادبیات فارسی و متون فلسفی به زبان فرانسوی می‌پرداخت.

از آثار و تألیفات اوست: هیپنوتیسم در دسترس همه (این کتاب که احتمالاً اولین اثر او است نخست در روزنامه‌ی «اصفهان» و سپس

جداگانه به طبع رسیده است)؛ سفرنامه‌ی به سوی اصفهان (اثر پی‌یر لوتی، ترجمه از فرانسوی، اصفهان)؛ ترجمه فروغ خاور (شرح حال و آیین رهبانیت بودا، اثر هرمان الدنبرگ، اصفهان، سه جلد، ۱۳۳۲ - ۱۳۳۰)؛ پیرامون سیره‌ی نبوی (عنوان عربی آن علی هاشم السیره، آثار دکتر طه حسین، سه جلد، ۱۳۳۵)؛ ترجمه‌ی اخلاق (اثر دکتر پیرژانه ترجمه از فرانسوی، اصفهان ۱۳۳۱)؛ ترجمه‌ی رساله «آداب المتعلمین» با مقدمه‌ی کوتاهی راجع به عدم صحت انتساب آن به خواجه نصیرالدین طوسی (۱۳۳۶)، ضمیمه‌ی «سالنامه‌ی دبیرستاد ادب»، اصفهان)؛ مقالات وی در مجلات زیر چاپ می‌شد: «سالنامه‌ی دبیرستان ادب اصفهان»؛ «آئینه‌ی پزشکی» و نشریه‌ی «اداره‌ی فرهنگ استان دهم، اصفهان».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] الذریعه (۱۶/۱۵۸)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/۲۴۱۱، ۶۳۸، ۵۰۵، ۱/۱۳۳)، کیهان فرهنگی (س ۴، ش ۶، ص ۳۷-۳۴)، مؤلفین کتب چاپی (۹۷-۹۶/۲).

کثیب فسائی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم حاج میرزا سید حسن رئیس‌الاطباء فسائی متخلص به (کثیب) از اطباء و حکماء و شعراء معاصر بوده است. میرزا فرصت در آثار عجم گوید: وی طبیعی است حداقت نصیب و در حکمت الهی نیز دانا و لیب رأیی صائب دارد و فکری ثاقب. گاهی بر سیل تفنن شعری می‌فرماید و سخنی می‌سراید. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کجی بصری، ابومسلم ابراهیم

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۹۲ - ۲۰۰ ق)، حافظ، محدث و مفسر. معروف به کجی و کشی. نسبتش به کج خوزستان می‌رسد. مسند زمان خود و ساکن بغداد بود. از محمد بن عبدالله انصاری و عبدالرحمان بن حماد و ابوعاصم نبیل و عبدالملک بن قریب اصمعی و عبدالله بن رجاء و سلیمان بن حرب و ابوولید طیالسی و عبدالله بن مسلم قعنبی و عمرو بن مرزوق و سعید بن سلام عطار و سعید بن اوس انصاری و حجاج بن منهال انماطی و عثمان بن هیثم موذن و مسلم بن ابراهیم و عفان بن مسلم و عمرو بن حکام و محمد بن کثیر عبدی و جماعتی دیگر حدیث شنید. او در بغداد در رجه‌ی غسان املائی حدیث می‌کرد. در مجلس او حدود چهل هزار نفر دوات به دست برای ثبت حدیث شرکت می‌کردند و هفت نفر مستملی به ترتیب سخن او را به مستمعین دوردست می‌رساندند. ابوالقاسم بغوی و ابوالقاسم طبرانی و اسماعیل بن محمد صفار و ابوبکر نجاد و ابوبکر شافعی و حبیب قزاز و ابوبکر قطیعی و قاضی ابواحمد عسال اصفهانی و احمد بن طاهر میانجی و ابوبکر آجری و ابوسهل بن زیاد و محمد بن جعفر آدمی و عبدالباقی بن قانع و ابومحمد بن ماسی و دیگران از وی روایت کردند. در بغداد در گذشت و پیکرش به بصره منتقل و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثارش: کتاب «السنن»؛ کتاب «المسند»؛ «ناسخ القرآن و منسوخه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/۴۲)، انساب سمعانی (۵/۳۶)، تاریخ بغداد (۶/۱۲۰-۱۲۴)، تذکره الحفاظ (۶۲۱-۶۲۰/۲)، سیر النبلاء (۴۲۵-۴۲۳/۱۳)، شذرات الذهب (۲/۲۱۰)، طبقات الحفاظ (۲۹۶-۲۹۵)، طبقات المفسرین داودی (۱/۱۱)، العبر (۱/۴۲۲)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (۴۲۲)، معجم البلدان (۴/۴۹۷)، المنتظم (۷/۳۶۲-۳۶۳)، الوافی بالوفیات (۶/۲۹-۳۰).

کدخدایان، امین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی کلیه، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی جراحی کلیه از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۹.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

گذراندن کورس‌های آندوسکوپی در لندن سال ۱۹۸۲، استفاده از فرصت‌های مطالعاتی برای جراحی‌های پیوند کلیه در لندن، اسکاتلند و آمریکا، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۸ پایان‌نامه دکتر و ۴ پایان‌نامه تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

جراحی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

کرایسی سمرقندی، ابوالفضل، محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۲۲ق)، فقیه حنفی. از آثارش: «الفروق»، در فروع فقه حنفی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: کشف الظنون (۱۲۵۷)، معجم المؤلفین (۱۰ / ۸۵)، هدیة العارفين (۲ / ۳۳).

کرایسی نیشابوری، ابوالمظفر جمال‌الاسلام اسعد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۷۰ق)، فقیه حنفی. به دلیل خرید و فروش کرباس به وی کرایسی گفته‌اند. در «کشف الظنون» در یک جا سال وفات وی ۵۳۹ ق و در جای دیگر ۵۷۰ ق ذکر شده است. از آثار وی «الفروق فی فروع الحنفیه» است که در «هدیه العارفين» تحت عنوان «تلقیح العقود فی الفروق من فروع الحنفیه» آمده است. از دیگر آثارش: «الموجز»، شرح «المختصر فی فروع الحنفیه». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: کشف الظنون (۱۸۹۸، ۱۶۳۰، ۱۲۵۷)، لب اللباب (۲ / ۲۰۴)، معجم المؤلفین (۲ / ۲۴۷)، هدیة العارفين (۱ / ۲۰۴).

کرامتی، محمدتقی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدتقی کرامتی

محل تولد: بابل

شهرت: کرامتی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ با مدرک سیکل وارد حوزه علمیه فیضیه مازندران به سرپرستی «آیه الله فاضل استرآبادی» شدم. پس از آن به حوزه علمیه امام صادق دماوند رفتم و تا سال ۶۸ را در آن حوزه به تحصیل و تدریس دروس پایه های پایین تر اشتغال داشتم و تقریباً پس از اتمام لمعتین و اصولین به قم مهاجرت کرده و دروس رسائل، مکاسب و کفایه را نزد اساتید برجسته حوزه: حضرت آیت الله استادی، آیت الله مرحوم طاهر شمس، آیت الله طاهری خرم آبادی و استاد رحمانی گذراندم. کتاب های: (بدایة الحکمه، نهایة الحکمه، اشارات، شواهد الربویه و حکمة الاشراق) را نزد اساتیدی همچون: فیاضی، نیکزاد، حشمت پور و دکتر بهشتی گذراندم. پس از پایان دروس سطح، در دروس خارج فقه و اصول به مدت پنج، شش سال شرکت و نزد اساتیدی همچون: آیت الله فاضل لنکرانی، استاد شیخ جواد تبریزی، صادق لاریجانی و استاد شهیدی بهره جستیم. همزمان با ادامه تحصیلات دانشگاهی به مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم وارد شدم و مقطع فوق لیسانس را در رشته «مدرسی الهیات و معارف اسلامی و گرایش فلسفه و کلام» گذراندم و با دفاع پایان نامه ام تحت عنوان «تأثیر مبانی فلسفی در تفسیر صدر المتالمین» با نمره ۱۹ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد گردیدم. در همان سال های پایانی، امتحان تدریس در دانشگاه توسط نهاد نمایندگی ولی فقیه را نیز با عنایت الهی پشت سر نهادم و موفق به اخذ مجوز تدریس در دانشگاهها شدم.

به دلیل حضور مستمر در جنگ و پس از آن در عرصه انقلاب و نیز علاقه به مقوله تالیف، وارد این حوزه ها نیز گردیدم. در مجموع، مدت ۶ - ۷ سال سابقه تدریس در حوزه های علمیه شهرستان دماوند، مرکز جهانی علوم اسلامی قم، تدریسی آزاد و حوزه علمیه شهرستان فریدن را دارم. کتابهای مورد تدریس: دروس سطح اول حوزه، کلام اسلامی و فلسفه می باشد و اکنون نیز امام جمعه شهرستان فریدن اصفهان هستم.

کرامی سجستانی نیشابوری، ابو عبدالله محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۵۵ ق)، محدث، متکلم، عابد و زاهد. شیخ و پیشوای کرامیه بود. اصل او از زرنج، از نواحی سجستان، است. در سجستان نشو و نما یافت. سپس به شهرهای خراسان رفت. در بلخ از ابراهیم بن یوسف ماکیانی، در مرو از علی بن حجر، در هرات از مالک بن سلیمان و عبدالله بن مالک بن سلیمان و در نیشابور از احمد بن حرب حدیث شنید. وی در نیشابور سکنی گزید. او با احمد بن عبدالله بن خالد جویناری معاشرت و مجالست نمود و از وی و محمد بن تمیم سعدی که هر دو از حدیث‌سازان مشهورند، احادیث بسیاری فراگرفت. محمد بن اسماعیل بن اسحاق و عبدالله بن محمد قیراطی و ابراهیم بن محمد بن سفیان و ابراهیم بن حجاج و احمد بن محمد بن یحیی دهان از او روایت کرده‌اند. کرامی مدت پنج سال در مکه مجاور بود. وی از جمله متکلمینی است که به سبب اظهار مطالبی در باب توصیف، تشبیه و حتی تجسیم خداوند مذهب خاصی را پدید آورده است. او به علت اظهار عقاید کفرآمیزش مدت هشت سال در نیشابور زندانی گشت و چون آزاد شد به بیت المقدس رفت و در آن دیار در گذشت و در قبرستان باب اریحا دفن شد. شاگردانش مدتی بر قبر وی معتکف بودند. کرامیه، که طایفه‌ای از مشبهه هستند، منسوب به وی می‌باشند. از آثارش «عذاب القبر» است که در آن به پاره‌ای از عقاید خود اشاره کرده است. در «الوافی بالوفیات»، سال وفات وی ۲۵۶ ق و در حواشی «تاریخ بیهقی»، کتاب «السر» نیز از جمله تألیفات وی ذکر شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/۲۳۶)، انساب سمعانی (۴۴-۴۳/۵)، تاریخ مذاهب اسلام (۱۶۹-۱۵۶)، تذکره الحفاظ (۲/۵۳۶)، تلبیس ابلیس (۶۹)، حواشی تاریخ بیهقی (۹۶۸-۹۱۵/۲)، سیر النبلاء (۵۲۴-۵۲۳/۱۱)، شذرات الذهب (۲/۱۳۱)، العبر (۱/۳۶۶)، الکامل (۵/۳۵۱)، لسان المیزان (۴۸۲-۴۷۸/۶)، لغت‌نامه (ذیل / کرامیه)، معجم المؤلفین (۱۶۲-۱۶۱/۱۱)، میزان الاعتدال (۲۰-۱۹/۴)، النجوم الزاهرة (۳/۳۱)، الوافی بالوفیات (۳۷۷-۳۷۵/۴).

کرباسچی، غلامرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غلامرضا کرباسچی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات حوزوی: قسمتی از سطح را نزد پدرم حاج شیخ محمد صادق تهرانی (کرباسچی) و دایی ام عبدالحمید معادیخواه خواندم و سپس وارد مدرسه حقانی (منتظریه) شدم. درسهای مدرسه حقانی علاوه بر دروس متداول حوزوی، شامل درسهای دیگری بود که به این شرح است:

«تاریخ اسلام؛ دکتر محمد مفتاح»، «هیئت و نجوم؛ آیت الله حسین نوری»، «نویسندگی؛ زین العابدین قربانی، محمد مجتهد شبستری، محسن مجتهد شبستری، علی حجتی کرمانی، دکتر احمد بهشتی»، «ادبیات فارسی؛ حسن حسن زاده آملی»، «زبان انگلیسی؛ دکتر خلیلی»، «جامع المقدمات؛ محمد علی شیخ زاده»، «دستور زبان فارسی؛ حسین حقانی»، «شرح نظام و سیوطی؛ محمد رضا آدینه نند»، «محاوره عربی؛ خاقانی»، «مغنی؛ احمد جنتی»، «مختصر المعانی؛ محمد علی گرامی»، «عروه الوثقی؛ علی قدوسی»، «لمعه؛ محمدی گیلانی»، «تجوید و قرائت قرآن؛ قارائی» و اساتید دیگری دروس سطح را تدریس می کردند.

سپس وارد حوزه شدم و از محضر اساتید دیگری همچون: «آیت الله فاضل لنکرانی؛ کفایه الاصول»، «آقای ستوده؛ مکاسب و لمعه»، «آقای محمد علی گرامی؛ رسائل»، «آقای اسدالله بیات؛ کفایه و مکاسب»، «آیت الله نوری همدانی؛ خارج فقه»، «آیت الله منتظری؛ خارج فقه»، «آیت الله انصاری شیرازی؛ فلسفه»، «آیت الله فاضل لنکرانی؛ خارج اصول» و «آیت الله صانعی؛ خارج فقه» را فرا گرفتم.

کرباسی، ابوالقاسم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۰۸ ق)، فقیه، اصولی و عالم دینی. معروف به شیخ العراقین. نوهی دختری سید حجه الاسلام بود. در اصفهان به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات و استفاده از محضر پدرش به نجف مهاجرت کرد و از محضر علامه انصاری و پس از او از شیخ محمد حسین کاظمی بهره برد. آن گاه خود به تدریس پرداخت. او در نهایت احترام در نجف باقی ماند. در آنجا درگذشت و هما جا دفن شد. از آثار وی: «اصول الفقه»، در دو مجلد بزرگ، شرح کتاب «اصول» پدرش، آقا شیخ محمد مهدی کرباسی؛ «کتاب الصلاة»، که در آن از کتاب «الجواهر» و نیز از استادش شیخ انصاری بسیار نقل کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴۱۷-۲/۴۱۶)، تذکره القبور (۵۰۸)، الذریعه (۱۵/۵۴، ۲۰۳-۲/۲۰۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۷-۱۴/۷۶)، معجم رجال الفكر و الادب فی النجف (۳/۱۰۶۶)، معجم المؤلفین (۸/۱۲۴)، مکارم الآثار (۶/۲۱۹۹).

کرباسی، ابوالمعالی محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۵-۱۲۴۷ ق)، فقیه اصولی، رجالی، محقق و مجتهد. در اصفهان به دنیا آمد. از محضر سید محمد بن عبدالصمد شهبهانی و سید حسن مدرس اصفهانی استفاده نمود. کرباسی عالمی متبحر و دارای تتبع بسیار بود. او استاد آیت‌الله بروجردی بود. در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد به خاک سپرده شد. از آثار وی: «الاستخارات»، «البشارات»، در اصول فقه؛ «الجبر و التفویض»؛ «الاسرافیه»؛ «الاستیجاریه»؛ «الاستشفاء بالتربه الحسینیة»؛ «شرح زیارة عاشوراء»؛ شرح «الکفایة» سبزواری، در فقه؛ «حجیه المظنه»؛ «تعارض الاستصحاب و اصالة الصحة»؛ «تعارض الاستصحابین». از دیگر آثار وی نگارش کتب مستقلی در شرح حال محدثین بزرگی چون: ابن الغضائری، ابوبکر حضرمی، آقا حسین خوانساری، حفص بن غیاث، حماد بن عثمان، سلیمان بن داوود، شیخ بهائی، علی بن سندی، قاسم بن محمد، محمد بن سنان، محمد بن فضل، محمد بن قیس، نجاشی و جمعی دیگر می‌باشد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آینه‌ی دانشوران (۴۷۵)، تذکره القبور (۱۰۶-۱۰۵)، الذریعه (۱۴/۳۶، ۱۳/۳۰۸، ۶/۲۷۶، ۵/۸۳، ۳/۱۱۰، ۳۵، ۵۷، ۲۳، ۱۹-۱۸/۲)، ریحانه (۲۷۰-۲۶۹/۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۰-۱۴/۷۹)، الکنی و الالقاب (۱/۱۵۹)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲/۲۴۳).

کرباسی، جمال‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۵۰ ق)، فقیه، هیوی و زاهد. در اصفهان ابتدا نزد پدر مقدمات را فراگرفت و پس از تلمذ در خدمت بعضی از علمای شهر به نجف رفت و در محضر آخوند خراسانی حاضر گشت. او از پدرش روایت کرده است. وی در جنب مزار پدرش دفن شد. از آثارش «تلخیص الهیئة»، در مهمات مسائل هیئت قدیم و شناخت تقویم و اسطرلاب است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره القبور (۱۰۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۳۰۸)، معجم المؤلفین (۱۳/۳۷۹).

کرباسی، رضا، محمد رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۸۳-۱۲۹۵ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و مجتهد. در اصفهان به دنیا آمد. از محضر علمای آنجا استفاده نمود. سپس به تهران آمد و در درس علمای تهران شرکت کرد. در ۱۳۲۳ ق به نجف مهاجرت کرد و از شیخ الشریعه اصفهانی و سید محمد کاظم یزدی به دریافت اجازه نایل شد. آن گاه به اصفهان بازگشت و سالها به ترویج دین و نشر احکام و احیای مساجد مخروبه پرداخت. وی سپس به مشهد مهاجرت نمود و در آنجا ساکن گردید و به انجام وظائف دینی و تدریس پرداخت. او در همان جا درگذشت و به خاک سپرده شد. از آثار وی: «انیس اللیل»، در شرح «دعای کمیل»؛ «مکیال الیقین فی اصول الدین»؛ «ایقاعات الاصول»؛ «مقامات العارفين فی بیان منازل السالکین»، به فارسی؛ «هدایة السالکین لعموم المؤمنین»، به فارسی؛ «دعوة الحسینیة»؛ حواشی بر کتب مختلف

فقهی و اصولی؛ «مرآت المصنف».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره القبور (۳۳۱)، الذریعه (۱۷۶/۲۵، ۱۸۲، ۱۲/۲۲، ۲۸۷/۲۰، ۴۶۴/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۵۹/۱۴).

کرباسی، کمال‌الدین ابوالهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۵۶ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد، رجالی و زاهد. در اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات خود را در محضر پدرش و عده‌ای دیگر از علما گذراند، سپس برای تکمیل تحصیلات در حدود ۱۳۲۰ ق به نجف مهاجرت کرد و در اصول و فقه از محضر آخوند ملا کاظم خراسانی و آقا سید محمد کاظم یزدی استفاده نمود. پس از رسیدن به مقامات عالی اجتهاد به اصفهان بازگشت و به درس و بحث و تدریس پرداخت و حوزه‌ی درس فقه و اصول و رجال تشکیل داد. وی از علمای روزگارش به دریافت اجازه نایل آمده بود و از سید حسن صدر و میرزا محمد هاشم خوانساری چهار سوقی و حاج ملا علی محمد نجف آبادی اجازه‌ی روایت داشت. وی خود نیز از مشایخ اجازه‌ی آیت‌الله سید شهاب‌الدین نجفی و سید حسن خراسانی و شیخ عبدالحسین گروسی بود. در اصفهان درگذشت و در مقبره‌ی خانوادگی در کنار پدرش در تخت فولاد دفن شد. از آثار وی: «البدر التمام و البحر الطمطم»، در شرح حال پدر و جدش؛ «التحفة الی سلاله النبوة»، اجازه‌ی مبسوطی است برای آیت‌الله سید شهاب‌الدین نجفی؛ حاشیه بر «کفایة الاصول» آخوند خراسانی؛ «الدر الثمین فی جملة من المصنفات و المصنفین»؛ «درة البیضاء»، در اجازه‌ی روایت؛ «زلات الاقدام»، در اشتباهات رجالی؛ «سما المقال فی تحقیق علم الرجال»؛ «الصراط المستقیم فی التمییز بین الصحیح و السقیم»؛ «القواعد الرجالیة».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴۵۳/۲)، تذکره القبور (۱۰۷-۱۰۶)، الذریعه (۳۳۷/۱۶، ۳۴/۱۵، ۲۲۹/۱۲، ۶۴-۶۳/۸، ۴۰۳/۶۷، ۳/۳)، ریحانه (۳۰۰-۲۹۸/۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۱/۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲/۲۴۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۰۶۸-۱۰۶۷/۳)، معجم المؤلفین (۱۴۶/۱۳)، مکارم الآثار (۴/۱۳۰۴)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰۸-۳۰۷/۱).

کرباسی، محمد ابراهیم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۱۸۶/۱۱۸۰- وف ۱۲۶۲-۱۲۶۰ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، زاهد و عابد. اصل او از حوض کرباس هرات است. پدرش از هرات به کاخک خراسان منتقل شد و بدین جهت به کاخی یا کاخکی معروف شد. ابراهیم در اصفهان به دنیا آمد. پس از فراگرفتن مقدمات به عتبات رفت. او محضر وحید بهبهانی را درک کرد و فقه و اصول و علوم دینی را از حوزه‌ی اساتیدی چون سید مهدی بحر العلوم و شیخ جعفر کاشف الغطاء و آقا سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض»، و سید محسن مقدس کاظمی و دیگر علمای وقت فراگرفت. سپس به ایران بازگشت. در قم از محضر محقق قمی، صاحب «القوانین»، و در کاشان از محضر ملا محمد مهدی نراقی بهره برد. آن گاه به اصفهان بازگشت و در مسجد حکیم آنجا حوزه‌ی درس تشکیل داد. کرباسی از میرزای قمی و

شیخ جعفر نجفی و شیخ احمد احسائی و شیخ عبدعلی خطی بحرانی و شیخ حسین ماحوزی و شیخ سلیمان بحرانی اجازه داشت و از آنان روایت می‌کرد. میرزا زین‌العابدین خوانساری و آقا سید حسن مدرس و سید حسن مجتهد موسوی و آقا میر سید محمد شهشهبانی از شاگردان وی بودند. او در اصفهان درگذشت و در جوار مسجد حکیم دفن شد. از آثار وی: «اشارات الاصول»، در دو مجلد بزرگ؛ «الایقاعات»، در اصول فقه؛ «شوارع الهدایه»، در شرح «الکفایه» محقق سبزواری؛ «ارشاد المسترشدين»؛ «منهاج الهدایه الی احکام الشریعه و فروع الفقه»؛ «مناسک الحج»، به فارسی؛ «نقد الاصول»؛ «نخبه»، رساله‌ی عملیه، به فارسی. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۹۵/۶)، اعیان الشیعه (۲۰۷-۲۰۶/۲)، ایضاح المکنون (۵۸/۲، ۸۳، ۶۴/۱)، تذکره العلماء (۲۱۷-۲۱۶)، تذکره القبور (۴۸-۴۷، ۴۶)، الذریعه (۲۷۲/۲۴، ۱۸۰-۱۷۹/۲۳، ۲۲/۲۵۳، ۲۳۷/۱۴، ۵۰۷، ۹۸-۹۷/۲، ۵۲۱-۵۲۰/۱)، روضات الجنات (۴۷-۴۴/۱)، ریحانه (۴۴-۴۲/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵-۱۴/۱۳)، فوائد الرضویه (۱۲-۱۰)، الکنی و الالقاب (۱۰۹/۳)، لغت‌نامه (ذیل/ابراهیم کرباسی)، معجم المؤلفین (۱/۹۱)، مکارم الآثار (۱۶۴۶-۱۶۴۳/۵)، هدیة العارفین (۱/۴۲).

کرباسی، محمد حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۴۱۸-۱۳۲۳ ق)، فقیه، عالم و زاهد. در اصفهان به دنیا آمد و در خاندان علم و فضیلت نشو و نما یافت. نیای بزرگ او شیخ محمد ابراهیم کرباسی، مولف «اشارات الاصول»، است. او مقدمات و ادبیات را نزد علمای اصفهانی آموخت و آن‌گاه در ۱۳۴۰ ق در هفده سالگی به نجف مهاجرت کرد و فقه و اصول را در محضر آیت‌الله شیخ عبدالحسین رشتی و آیت‌الله شیخ ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله اصطهباناتی و آیت‌الله شیخ محمد کاظم شیرازی فراگرفت و سپس به اصفهان مراجعت کرد و از محضر آیت‌الله سید محمد صادق خاتون آبادی استفاده نمود. پس از آن به نجف بازگشت و از خدمت آیت‌الله میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله شیخ حسین حلی بهره‌مند گشت و در ۱۳۶۰ ق به زیارت بیت‌الله الحرام مشرف شد. مدتی در مکه و مدینه اقامت کرد. در ۱۳۷۷ ق برای معالجه به تهران آمد و پس از بهبودی در قم سکنی گزید و به تدریس و مطالعه و تألیف پرداخت. از آثارش: «تقریرات» دروس آیت‌الله عراقی، یک دوره کامل در اصول؛ «تقریرات» آیت‌الله اصفهانی، یک دوره کامل در اصول؛ کتاب «الطهاره»، در فقه؛ «صلاه»، در فقه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۵۸۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۴۴-۲۴۳/۲).

کرباسی، محمد مهدی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۹۲ ق)، فقیه امامی. از پدرش، علامه حاج محمد ابراهیم کرباسی، به دریافت اجازه‌ی اجتهاد نایل آمده بود و پس از پدر جانشین وی گشت. شیخ محمد مهدی کرباسی داماد سید حجه الاسلام بود. او کتاب «منهاج الهدایه» پدرش، در فقه، را شرح کرد

و آن را «معراج الشریعه» در شرح «منهاج الهدایه الی احکام الشریعه» نامید و در ۱۲۶۷ ق از نگارش آن فراغت یافت. از دیگر آثار وی: «الاجتهاد و التقليد»؛ «الاستصحاب».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۳۵-۷/۳۳۴)، الذریعه (۲۳۱-۲۳۰/۲۱، ۲/۲۵، ۱/۲۷۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵/۱۳)، فوائد الرضویه (۱۰).

کربکندی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند ملا یوسف بن علی. واعظ صالح، و فاضل ادیب محدث، از فضلالی اهل منبر بوده، و به عماد الواعظین شهرت داشته. در خدمت فضلالی اصفهان تحصیل نموده، در ۹ صفر سال ۱۳۲۳ وفات یافته، در بقعه‌ی حاج آبداده‌ای مدفون گردید. از آثارش چندین مجلد کتاب و بیاض در مواضع منبری و اخبار به صورت مجلس است که در نزد اولادش موجود است. پدرش: مرحوم ملا یوسف نیز واعظ و صالح بوده، و در ۱۲۹۸ وفات یافته، در بقعه‌ی حاج آبداده‌ای مدفون شد. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کربلایی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند علی بن محمد رضا بن محسن تستری اصفهانی.

عالم جلیل، و فقیه فاضل، در کربلا متولد شده و بدین جهت به کربلایی معروف شده، در مدرسه اکبر خان ساکن بوده، به درس میرزای شیرازی حاضر شده و از او و جمعی دیگر از علما استفاده کرده، و در موضوع امتیاز تنباکو و لغو آن که از قضایای سال ۱۳۰۹ می‌باشد کتابی جامع تألیف نموده به نام «تاریخ الدخانیة». پس از فوت میرزا به کربلا- مراجعت نموده و به خدمت حاج اسماعیل صدر اصفهانی رسیده.

سرانجام در روز ۵ شنبه ۱۷ ربیع الاول سال ۱۳۲۲ در کاظمین وفات یافته، و هم در آنجا مدفون شد.

کتاب زیر از اوست:

۱- تاریخ دخانیه ۲- تقریرات استادش ۳- رساله در قاعده «الناس مسلطون علی اموالهم» در نهایت بسط وجودت؛ و غیره. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کرد هکاری، امه‌الله

قرن: ۹

جنسیت: زن

ملیت: ایران

قرن نهم هجری. از زنان دانشمند و ادیب. وی دختر ابوالعلا- شهاب‌الدین کردی بود. او به زنان و دختران دروس ادبی و دینی می‌داد. مردانی چون مؤلف الضوء اللامع شاگرد او بوده‌اند. امه‌الله حدود شصت سال زندگی کرد.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: تاریخ مشاهیر کرد، ۱۲۷ / ۱.

کردی، تاج‌الدین، ابوالمفاخر عبدالغفار

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۶۲ ق)، فقیه حنفی و قاضی. اصلش از کردر، از قرای خوارزم بود. وی عهده‌دار منصب قضاوت در حلب بود و در همان جا درگذشت. از آثار وی: «اصول فقه»؛ «المفید و المزید»، در شرح «التجرید» کرمانی، در فروع فقه حنفی؛ شرح «الجامع الصغیر» و شرح «الجامع الکبیر» شیبانی، در فروع؛ «حیره الفقهاء»، که در آن مسائلی را که فقها در حلش حیران بودند جمع کرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴/۱۵۸)، ایضاح المکنون (۱/۴۲۵)، کشف الظنون (۵۶۲، ۳۴۶-۳۴۵، ۱۱۴)، معجم المؤلفین (۲۷۰-۲۶۹/۵)، هدیة العارفين (۱/۵۸۷).

کرمانشاهی، باقر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، مترجم. از آثار وی «اظهار سیاحت ایران» است که ترجمه‌ی کتاب «سیاحت نامه‌ی» مانکجی، ملقب به درویش فانی، می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/۲۷۸)، مؤلفین کتب چاپی (۲/۶۷).

کرمانشاهی، حبیب‌الله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حبیب‌الله بن آقا محمدجعفر آقا محمدعلی کرمانشاهی عالمی فقیه و خطیبی متکلم بوده و در حدود ۱۳۱۴ وفات نموده

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانشاهی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا حسن کرمانشاهی از افاضل حکماء و اکابر فلاسفه بوده و در سال ۱۳۳۶ وفات نموده
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانشاهی، محمد تقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۹۹ ق)، فقیه، اصولی و منطقی. از علمای فاضل دودمان وحید بهبهانی است. در نجف در گذشت و در یکی از حجرات
صحن علوی دفن شد. از او آثاری در فقه و اصول و ادب باقی است. از آثارش: شرح «زبدۃ الاصول» شیخ بهائی؛ حاشیه بر حاشیه
ملا عبدالله یزدی بر «شرح التهذیب»، در منطق؛ تعلیقه بر «مبادی الاصول» علامه‌ی حلی.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۹/۱۹۷)، الذریعه (۱۳/۲۹۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/۲۱۰)، معجم المؤلفین (۹/۱۳۵)، وحید
بهبهانی (۳۳۷).

کرمانشاهی، محمد جعفر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۵۴-۱۱۷۸ ق)، فقیه، اصولی، محقق، مجتهد و زاهد. نوه‌ی وحید بهبهانی است. برادرش آقا احمد در «مرآت الاحوال» گوید که
او در عراق به دنیا آمد و همراه پدرش به ایران آمد. مدتی در قم از محضر میرزای قمی استفاده کرد. سپس از محضر پدرش آقا
محمد علی بهبهانی بهره برد. او مدتی نیز در حوزه‌ی درس سید علی طباطبائی، صاحب «ریاض»، حضور یافت تا سرآمد اقران شد.
آن گاه حج گزارد و به کرمانشاه رفت و در آنجا به انجام وظائف شرعی پرداخت. او در تحقیق اصول فقه معروف بود و در
برآوردن حاجات مردم مشهور. از آثارش: «شرح مختصر النافع»؛ «مصایح»، شرح «مفاتیح» فیض؛ حاشیه شرح عمیدی بر «هذیب
الاصول»؛ حاشیه «معالم الاصول»؛ «انیس الطلاب»، در مسایل متفرقه از فقه و اصول و غیره، به عربی و فارسی؛ «تکمله»، در شرح
«تبصره‌ی» علامه‌ی حلی؛ «الجواهر البهیة»، در فقه، به فارسی؛ «نهج الرشاد فی ارشاد العباد»، اصول دین؛ «تحفة الابرار»؛ «منتخب
الاصول»، در علم اصول.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۹/۲۰۲)، الذریعه (۱۴/۵۸، ۲۰۵، ۱۳/۱۲۰، ۴۰۵-۴۰۴/۳، ۴۶۰-۴۵۹/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن

۲۶۴-۲۶۳/۱۳)، فوائد الرضویه (۵۷۵، ۴۴۹)، مرآت الاحوال (۱۶۳-۱۶۲)، وحید بهبهانی (۳۳۷-۳۳۴).

کرمانشاهی، موسی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۳۴۰ ق)، فقیه امامی. در کربلا نشو و نما یافت. او شاگرد حاج میرزا محمد حسین شهرستانی حائری بود و از وی اجازه داشت. شیخ آقا بزرگ تهرانی از کرمانشاهی روایت می‌کند. وی در کربلا درگذشت. از آثارش «تحقیق الاحکام»، در فقه است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: الاعلام (۸/۲۷۰)، الذریعه (۳/۴۸۱)، معجم المؤلفین (۱۳/۳۷).

کرمانی حایری، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، فقیه، مدرس و واعظ. وی داماد آیت‌الله کرمانی از علمای بزرگ قم بود. حدود چهل سال در حوزه علمی قم از محضر آیت‌الله حجت و آیت‌الله خوانساری و به ویژه هجده سال از محضر آیت‌الله بروجردی استفاده نمود و پس از ایشان از شرکت کنندگان درس آیت‌الله شریعتمداری شد. وی در راه نشر و گسترش دین و احکام اسلام تلاش‌های بسیار نمود و مورد توجه آیت‌الله شریعتمداری و آیت‌الله مرعشی نجفی بود. از وی آثار علمی فراوانی باقی است، از جمله: «تقریرات» بحث‌های آیت‌الله حجت و آیت‌الله بروجردی؛ تعلیقاتی بر «ایضاح الفوائد» فخر المحققین، که به اتفاق دو نفر از علماء نگاشته است، در چهار مجلد؛ «مجمع الانوار» [۱].

حجه الاسلام والمسلمین آقای حاج سید حسین کرمانی داماد معظم مرحوم آیت‌الله کرمانی از علماء اعلام و فضلام بنام حوزه علمی قم است که حدود چهل سال در این حوزه از محضر آیات عظام مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله خوانساری و بالاخص ۱۸ سال از آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده و پس از آن مرحوم هم از شرکاء درس آیت‌الله العظمی شریعتمداری است و منبری شیرین و مفید دارد و در محرم و صفر و ماه رمضان در تهران همه ساله برای منبر و ترویج دین و تبلیغ احکام می‌روند و از راه منبر خدماتی نموده و می‌نمایند آثار علمی فراوان دارند از قبیل دراسات و تقریرات ابحاث مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله بروجردی تعلیقاتی بر ایضاح الفوائد فخرالمحققین که به اتفاق دو نفر از فضلاء نوشته‌اند که در چهار مجلد به طبع رسیده است ۲- مجمع الانوار مطبوع. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۲۴۳-۲۴۲/۲).

کرمانی نجفی، عبدالله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۷-۱۲۵۴ ق)، عالم دینی، محقق، فقیه و زاهد. به عتبات عراق مشرف شد و در نجف به حلقه‌ی درس شیخ انصاری پیوست و مدت پنج سال از وی بهره گرفت. او همچنین در محضر درس میرزای بزرگ شیرازی در سامرا حضور یافت و سالیانی چند ملازم بحث و درس وی گشت. او از بزرگان علم و تقوا به حساب می‌آمد و در ادب و شعر و نثر نیز سرآمد بود. در حوزه‌ی درس او نخبگان شرک می‌کردند. در نجف درگذشت و در صحن علوی دفن شد. از آثارش: «تنقیح المقاصد»، در شرح «فرائد» شیخ انصاری؛ «خلاصه‌ الاصول»؛ «خلاصه‌ الفقه»؛ «التنبیها»، در اصول و فقه؛ «قاطع النزاع فی تحقیق حقیقه‌ الاجماع»؛ حاشیه «مکاسب» شیخ انصاری؛ کتابی مبسوط در «اصول»؛ «مدایح الاولیاء» و «مصائب الاولیاء» که این دو «دیوان» شعر او به فارسی می‌باشند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۱/۷۴، ۲۰/۲۴۲، ۱۷/۸، ۲۱۳-۲۱۲/۷، ۶/۲۲۰، ۴۶۶-۴۶۵، ۴/۴۵۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲۱۰-۱۲۰۹/۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۴۲-۳۴۱/۱۶)، میرزای شیرازی (۱۵۹).

کرمانی، ابراهیم، حسام‌الدین

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س هشتم و نهم ق)، طبیب. از پزشکان حاذق و از ملازمان دربار تیمور گورکانی بود که در شطرنج و نرد نیز مهارت داشت. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: حبیب‌السیر (۳/۵۵۱)، رجال حبیب‌السیر (۷۷).

کرمانی، ابوجعفر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ ابوجعفر کرمانی عالمی جلیل و متبحر و مرجع عوام و خواص کرمان معاصر حاج محمدکریم خان شیخی بوده و با او مناظراتی داشته و در حدود ۱۳۱۰ قمری وفات نموده و او والد آیت‌الله حاج میرزا محمدرضا فقیه کرمانی است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانی، تاج‌الدین، محمود

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۸۰۷ ق)، فقیه شافعی. مشهور به اصفهیدی. عده‌ای وی را به جای کرمانی، شماخی نامیده‌اند. از آثارش: شرح «الفیه» ابن مالک، در نحو؛ «الایجاز»، مختصر «المحرر فی فروع الشافعیة» ابوالقاسم رافعی قزوینی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: کشف الظنون (۱۶۱۳)، لغت‌نامه (ذیل / اصفهیدی)، معجم المؤلفین (۱۲ / ۱۹۴)، هدیه العارفین (۲ / ۴۱۰).

کرمانی، جمال‌الدین محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۲ / ۱۳۵۱ - ۱۲۹۲ ق)، عالم امامی و فقیه اصولی. وی از دانشمندان برجسته‌ی قرن چهاردهم قمری و مؤلف کتاب «أسس الاصول» یا «اصول بی نقطه»، شکل گرفته از حرف مهمله، در ۱۶۵۰ سطر، در مباحث «الفاظ» از علم اصول می‌باشد که در حدود ۱۳۱۸ ق تألیف و در ۱۳۱۹ ق به همراه چند خطبه‌ی مؤلف چاپ شده است. او در کتاب خود با چهارده حرف بی نقطه مطالب اصولیه را بیان کرده و در آخر نسخه چند خطبه آورده است: اول «خطبه‌ی حسدیه»، که فقط از حروف مهمله بی نقطه ترکیب یافته و دوم «خطبه‌ی اثنی عشریه» که فقط از دوازده حرف بی نقطه، غیر الف و همزه، ترکیب یافته، و سوم «خطبه‌ی منقوشیه» که برخلاف خطبه‌ی پیش فقط از حروف منقوطة ترکیب یافته و چهارم «خطبه‌ی معکوسه» که هر یک از فقرات آن را از راست به چپ و از چپ به راست به یک نحو می‌توان خواند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعلام (۷ / ۲۱۷)، الذریعه (۵۸ - ۵۷ / ۲)، ریحانه (۱ / ۴۲۶)، لغت‌نامه (ذیل / جمال‌الدین کرمانی)، معجم المؤلفین (۱۱ / ۱۱۲).

کرمانی، حبیب‌الله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجة الاسلام شیخ حبیب‌الله کرمانی از فقهاء و مجتهدین این استان بوده و در حدود ۱۲۸۰ ق وفات نموده.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانی، حجة العرافین، حمیدالدین، احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۵۲- بعد از ۴۱۲ ق)، منشی. وی از داعیان و کاتبان فرقه‌ی اسماعیلیه و داعی الدعاء خلیفه فاطمی در مصر بود و در روزگار آن خلیفه مسئول دعوت در مشرق بود. او با غلات اسماعیلی که در روزی گشتند به مخالفت پرداخت. از آثار وی: «مجموعه رسائل»، در سیزده رساله که مهم‌ترین آنها نهمین رساله است به نام «مبسم البشارات بالامام الحاکم بامر الله امیر المؤمنین» و دهمین رساله به نام «الواعظ»، در رد بر فرغانی اجدع و یازدهمین رساله به نام «الکافیة فی الرد علی الهارونی الحسنی»؛ «راحة العقل»، که از کتاب‌های

مهم اوست.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/۱۴۹)، تاریخ و عقاید اسماعیلیه (۲۸۳).

کرمانی، رکن‌الدین، ابوالفضل عبدالرحمان

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۴۴ / ۵۴۳-۴۵۷ ق)، فقیه و محدث حنفی. وی مفتی خراسان و شیخ حنفیه بود. در کرمان به دنیا آمد و در آنجا نزد پدرش و در مرو نزد قاضی محمد بن حسین ارسابندی و به قولی اردستانی فقه آموخت و برآمد. او از پدرش و استادش، قاضی محمد بن حسین ارسابندی، و نیز ابوالفتح عبدالله بن اردشیر هشامی حدیث شنید. سمعانی از وی حدیث شنیده و او را بسیار ستوده و گفته است که دانشجویان بسیاری بر گردش جمع شدند و فقهای زیادی نزدش آمدند و تصانیفش در خراسان و عراق شهرت یافت و علما آن را درس می‌گفتند. ابوالفتح محمد بن یوسف بن احمد قنطری سمرقندی در محضر وی فقه آموخت. در مرو از دنیا رفت. از آثارش: «التجريد»، در فقه؛ «الایضاح»، در شرح «التجريد»، در سه مجلد؛ «نکت الجامع الكبير» یا «اشارات الجامع الكبير» یا «اشارات الاسرار»، در شرح «الجامع الكبير» شیبانی، در فروغ؛ «الفتاوی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴/۱۰۳)، انساب سمعانی (۵/۵۷)، سیر النبلاء (۲۰/۲۰۶)، طبقات المفسرین داودی (۲۸۲-۲۸۱/۱)، الکامل (۹/۲۳)، کشف الظنون (۱۴۱۴، ۱۲۲۰، ۵۶۹، ۳۴۵، ۲۱۱، ۹۶)، معجم المؤلفین (۶/۱۱۱، ۵/۱۷۲)، هدیة العارفین (۱/۵۱۹).

کرمانی، رکن‌الدین، ابوبکر محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۶۵ ق)، فقیه حنفی و محدث. از آثارش: «زهره الانوار»، در حدیث.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۱/۶۱۹)، معجم المؤلفین (۱۰/۱۶۶).

کرمانی، زین‌الدین، ابومنصور محمد

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۹۷۵ ق)، فقیه حنفی. در «کشف الظنون» سال وفات وی بعد از ۹۷۵ ق ذکر شده است. از آثارش: «المسالک فی علم المناسک» یا «مناسک ابی منصور»، در سه بخش سنن و آداب سفر، مناسک حج و فضیلت مجاورت، که در ۹۷۵ ق از تألیف آن

فراغت یافت. «زلة القراء»؛ «المستعذب»، شرحی بر «مختصر القدوری»، در فروع فقه حنفی؛ کتاب «السجلات»؛ «الحجج الشافیة و الدلائل الکافیة فی سنن السفر». بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: کشف الظنون (۱۸۳۰، ۱۶۶۳)، معجم المؤلفین (۱۲/۴۶)، هدیة العارفین (۲/۲۵۰).

کرمانی، شمس‌الدین، ابو عبدالله محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۷۸۶-۷۱۷ ق)، فقیه شافعی، اصولی، محدث، مفسر، متکلم و نحوی. اصل وی از کرمان است. مدت سی سال در بغداد به نشر دانش مشغول بود و در آنجا صاحب نام و آوازه گشت. مدتی نیز در مکه اقامت کرد. در راه بازگشت از مکه به بغداد در گذشت. جنازه‌اش به بغداد منتقل و در آنجا دفن شد. از آثار وی: «الکواکب الدراری»، در شرح «الجامع الصحیح» بخاری، بیست و پنج مجلد کوچک و یا چهار مجلد بزرگ؛ «ضمائر القرآن»، و مختصر آن؛ «النقود و الردود فی الاصول»؛ شرح «مختصر» ابن حاجب، به نام «السبعة السیارة»، که در آن هفت شرح جمع‌آوری شده است؛ شرح «اخلاق» قاضی عضدالدین ایجی؛ در معانی و بیان، که آن را «تحقیق الفوائد» نامید؛ شرح «المواقف» قاضی عضدالدین ایجی، در علم کلام؛ حاشیه بر «انوار التنزیل» بیضاوی، در تفسیر، در چهار مجلد.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۸-۲۷/۸)، کشف الظنون (۱۸۹۱، ۱۶۶۲، ۱۲۹۹، ۵۴۶، ۱۸۹، ۳۷)، معجم المؤلفین (۱۳۰-۱۲۹/۱۲)، هدیة العارفین (۲/۱۷۲).

کرمانی، علی اصغر

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۱۴۰-۱۰۵۱ ق)، عالم دینی، مفسر و صوفی. اصل وی از مدینه بود. چون یکی از اجدادش به کرمان مهاجرت کرد به کرمانی شهرت یافتند. وی در قنوج به دنیا آمد و در همان شهر نیز از دنیا رفت. از آثارش: «اللطائف العلیة فی المعارف الالهیة» به شیوهی «فصوص الحکم» ابن عربی؛ «تبصرة المدارج»، در علم سلوک؛ «ثواب التنزیل»، در تفسیر قرآن، همانند «تفسیر الجلالین»، که در «ایضاح المکنون» به نام «ثواب التنزیل» آمده است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷۱-۷۰/۵)، ایضاح المکنون (۱/۳۴۸)، معجم المؤلفین (۷/۳۸)، هدیة العارفین (۱/۷۶۶).

کرمانی، علی اکبر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اکبر بن شیخ محمدعلی کرمانی و فاضلی خلیل از شاگردان میرزا حبیب‌الله رشتی و میرزا شیرازی بوده و حدود ۱۳۲۸ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانی، محمد علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم فاضل، مرحوم حاج شیخ محمد علی کرمانی از علمای اخیار بوده، در اصفهان خدمت جمعی کثیر همچون: حاج ملا جواد آدینه‌ای، و میرزا محمد علی رنانی اصفهانی، و آقا سید محمود مغنی، و شیخ محمد حسن حکیم شیرازی، و آخوند کاشی، و جهانگیرخان، و میرزا محمد علی حکیم کاشانی اصفهانی، و آقا سید محمد باقر درچه‌ای، و عبدالکریم جزئی، و میرزا حسین همدانی (عالم فاضل ادیب، در مدرسه‌ی نیم آورد تدریس می‌نموده، و در سال ۱۳۲۵ وفات یافته، در صحن درب امام مدفون شده) و آیه‌الله بروجردی (قبل از مهاجرت به نجف) تحصیل نموده؛ سپس در سال ۱۳۱۹ به نجف مهاجرت کرده، در آنجا خدمت: آقا سید محمد کاظم یزدی، و شیخ الشریعه‌ی اصفهانی، و آخوند خراسانی تحصیل نموده، و نسبت به اخیر، خصوصیت داشته، و از جمعی از اساتید خود به اخذ اجازه‌ی روایت و اجتهاد نایل گردیده، در ۱۳۳۰ به اصفهان مراجعت فرموده، و مدتی به درس و بحث اشتغال یافته، سپس ترک مباحثه و تدریس نموده، و تقریباً مدت ده سال آخر عمر به طور مجرد و انزوا می‌زیست.

در ذی حجه ۱۲۹۵ متولد، و در شب جمعه ۶ جمادی الاولی سال ۱۳۸۰ وفات یافته، در تخت فولاد مقابل تکیه‌ی میرزا ابوالمعالی مدفون گردید.

رسائل عدیده‌ای در مباحث فقه و اصول نوشته، از آن جمله: تقریرات اصولی آخوند خراسانی ۱ - رساله در مبحث الفاظ ۲ - رساله در استصحاب ۳ - رساله در تعادل و تراجیح ۴ - رساله در عدالت ۵ - رساله در بیع ۶ - رساله در مرجحات ۷ - رساله در وضو ۸ - رساله در مسح رجلین ۹ - رساله در دماء ثلاثه ۱۰ - رساله در تعرض استصحاب و ید ۱۱ - رساله در بیع معاطاة ۱۲ - شرح خطبه‌ی نهج البلاغه (اول الدین معرفه الله) و حدود بیست رساله و کتاب دیگر.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کرمانی، محمد کریم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۸۸ - ۱۲۲۵ ق)، عالم دینی، متکلم، محدث و شاعر. از علمای فرقه‌ی شیخیه بود. در کرمان به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات به کربلا رفت و در محضر سید کاظم رشتی، رئیس فرقه‌ی شیخیه، تلمذ نمود و از وی به دریافت اجازه نایل شد. به دستور سید کاظم رشتی در کرمان به تبلیغ آن فرقه پرداخت و پس از درگذشت سید جانشین او گردید. وی یکی از بزرگترین مخالفان فرقه‌ی

باییه در ایران بود. زمانی که عازم مکه بود در گذشت و پیکرش به عتبات انتقال یافت. از آثارش: «فصل الخطاب فی الاخبار»، در حدیث؛ «علم الیقین»، در رد فرقه‌ی باییه؛ «ارشاد العوام»، در عقائد؛ «ازهاق الباطل»؛ «اسرار الحج»؛ رساله‌ی «ایقاظ الغافل»؛ «الجامع لاحکام الشرایع»؛ تفسیر «سوره‌ی حجرات»؛ «حقایق الطب» و جلد دوم آن «دقایق العلاج»، در طب؛ «رجوم الشیاطین»، در رد باییه؛ «طریق النجاة»؛ «دیوان» شعر عربی، در مرثی؛ «مثنوی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۰/۴۴)، ایضاح المکنون (۱۹۰، ۲/۱۱۹، ۱/۶۱)، الذریعه (۱۶/۲۲۹، ۱۵/۱۷۰، ۱۶۵، ۱۰/۱۶۴)، ۱۰/۲۳۵، ۸/۳۴، ۷/۵۱۵، ۱/شرح حال رجال (۵-۱/۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۶/۳۴۰)، المآثر و الآثار (۱۴۷)، معجم المؤلفین (۱۶۲/۱۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱-۵۷/۵)، هدیه‌ی العارفین (۳۸۰-۳۷۹/۲).

کرمانی، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدرضا فقیه کرمانی بن العالم الجلیل حاج آقا ابوجعفر بن آیت‌الله حاج آقا احمد کرمانی (که ذکرشان بمناسبت ورودشان به قم در سال ۱۳۴۳ ق گذشت) از علماء و آیات عظام استان کرمانست
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانی، مروارید، شهاب‌الدین عبدالله

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۹۲۲-۸۶۵ ق)، منشی، خطاط، موسیقیدان و شاعر، متخلص به بیانی. از اشراف کرمان و وزیر دربار تیموریان بود. وی در جوانی به خدمت سلطان حسین میرزا بايقرا رسید و نزد آن امیر بسیار معزز می‌زیست، تا اینکه سمت صدارت یافت و به جای امیرعلیشیر نوایی مهر بر فرمانها و منشورها می‌زد. پس از مرگ امیرعلیشیر، گوشه‌نشینی گزید و به عبادت و کتابت قرآن مشغول شد. هنگامی که شاه اسماعیل صفوی بر خراسان دست یافت، او را فراخواند و شغل وزارت را به وی داد ولی، خواجه از پذیرفتن آن سر باز زد و بنابراین مامور نظم «تاریخ شاهی» شد. خواجه عبدالله به اکثر علوم و فنون متداول آشنا بود و در نظم و نثر مهارت داشت و جمله‌ی خطوط را خوش می‌نوشت. او در موسیقی و ادوار نیز صاحب نظر بود و در ساختن ساز قانون تصرف کرد. در خطوط اصول، اشگرد عبدالله طبایح هروی و در خط تعلیق، از شاگردان خواجه تاج سلمانی بود. از تالیفات وی، منظومه‌های: «تاریخ شاهی»؛ «تاریخ منظوم»؛ «خسرو و شیرین» و «مونس الاحباب» است. از خطوط او قطعه‌ای است به خط محقق و نسخ و رقاع که تاریخ کتابت آن سال ۹۱۲ ق است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آتشکده‌ی آذر (۶۱۹-۶۱۷/۲)، احوال و آثار خوشنویسان (۳۵۲-۳۵۰/۲)، اطلس خط (۳۲۸-۳۲۷)، پیدایش خط و خطاطان (۱۴۰-۱۳۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۲/۴)، تاریخ موسیقی (۲۳۱-۲۳۰/۱)، تاریخ نظم و نثر (۷۷۷)،

۲۵۹)، تاریخ هنرهای ملی (۸۰۳-۸۰۲/۲)، تحفه سامی (۱۰۷-۱۰۲)، تذکره‌ی روز روشن (۱۲۶-۱۲۵)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۱۵۰-۱۴۷)، حبیب السیر (۳۲۶-۳۲۵/۴)، خوشنویسان و هنرمندان (۲۷)، دستور الوزراء (۳۹۷-۳۹۴)، الذریعه (۲۳/۲۸۱، ۱۵۱-۱۵۰/۹، ۱۶۱/۷)، ریحانه (۲۹۴-۲۹۳/۵)، ستارگان کرمان (۱۲۱-۱۱۷)، فرهنگ سخنوران (۱۵۲)، کارنامه‌ی بزرگان (۵۵)، مجالس النفائس (۲۸۱)، مناقب هنروران (۹۷)، مولفین کتب چاپی (۹۴۸-۹۴۷/۳)، نتایج الافکار (۱۰۰-۹۹)، هفت اقلیم (۲۷۹-۲۷۸/۱).

کرمانی، نورالدین، ابوالقاسم محمود

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۵۰۰ ق)، مقری، مفسر، فقیه شافعی و نحوی. معروف به تاج القراء. او عالم در قرآات بود. از آثارش: «لباب التأویل و عجائب التأویل»، در دو مجلد؛ «البرهان فی توجیه متشابه القرآن لما فيه من الحجّة و البیان»؛ «عجائب القرآن» یا «الغرائب و العجائب فی تفسیر القرآن الکریم» یا «العجائب و الغرائب» که تحت عنوان «لباب التفاسیر» می‌باشند؛ «الافاده»، در نحو؛ «الایجاز»، مختصر «الایضاح» ابوعلی فارسی نحوی، در نحو؛ شرح «اللمع» ابن جنی ابوالفتح عثمان موصلی، در نحو؛ «العنوان»، در نحو.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۸/۴۴)، کشف الظنون (۱۵۶۲، ۱۵۴۱، ۱۱۹۷، ۱۱۷۷، ۱۱۲۶، ۲۴۱، ۲۱۳، ۱۳۱)، معجم الادباء (۱۹/۱۲۵)، معجم المؤلفین (۱۲/۱۶۱)، هدیة العارفين (۲/۴۰۲).

کرمانی، یوسف

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۲۸۳ ق)، طراح فرش. اهل کرمان بود. او را در طراحی و بافت فرش، هنرمندی صاحب ذوق و دقیق دانسته‌اند. از آثار وی: فرش خوش نقش و ریزبافی که در صحنه داخلی آن، دسته گل‌های زیبایی در نقش فرنگی‌سازی ترسیم گشته و کنارها نیز دارای گل‌های متنوع است. در قسمت بالای فرش به خط زیبای نستعلیق رقم نهاده: «عمل استاد یوسف کرمانی ۱۲۸۳».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۳/۱۴۳۲).

کریمی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حسین کریمی روز اول فروردین سال ۱۳۴۲ در شهر اردبیل در خانواده‌ای مذهبی و متوسط دیده به جهان گشود. جدّ مذهبی

خانواده از همان آغاز، بر عشق و اشتیاق به قرآن را در ژرفای وجود او نشانند و ایشان را در جرگه عاشقان و دوستان این کتاب انسان ساز قرار داد. و به این ترتیب او که خانه دلش از شنیدن تلاوت قرآن از رادیوی قاهره در ۸ سالگی به قرائت قرآن علاقه مند شد و به جلسات قرآن شهر اردبیل رفت. دکتر حسین کرمی از همان سن ۸ سالگی با شرکت در جلسات قرآن شهر اردبیل و همزمان با تحصیل و تجوید به فراگیری مقدمات تلاوت قرآن هم پرداخت و با گوش دادن به نوارهای تلاوت اساتید مشهور مصری توانایی خودش را در مسیر تلاوت بیشتر کرد. او با تقلید از تلاوت های استاد منشاوی در آغاز کار و بقیه اساتید در ادامه کار، اولین گامها را در مسیر تلاوت برداشت و توانست به موفقیت‌های چشمگیری در مسیر تلاوت دست پیدا کند.

دکتر کرمی از جمله قاریانی است که علاوه بر فعالیت در زمینه های قرآنی و تلاوت به فراگیری علم و دانش نیز اهتمامی وافر دارد. به همین دلیل هم تحصیلات خود را تا مقطع فوق تخصص جراحی کلیه ادامه داده و د حال حاضر دارای مدرک دکترای فوق تخصص جراحی کلیه است. دکتر حسین کرمی به موسیقی عرفانی وهم چنین از میان رشته های ورزشی به فوتبال علاقه دارد. وی علاوه بر مدارای بیماران کلیوی در بیمارستان شهدای تجریش عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی نیز می باشد.

رتبه هایی که تا کنون آقای حسین کرمی در مسابقات مختلف بدست آورده است عبارتند از:

۱- رتبه نخست در مسابقات کشوری که در شهر مقدس قم برگزار شد.

۲- رتبه نخست در سال ۱۳۷۸ در شانزدهمین دوره مسابقات بین المللی قرآن کریم در تهران.

۳- رتبه دوم در سال ۱۳۷۲ در مسابقات جهانی قرآن کریم در کشور مالزی.

۴- رتبه نخست در سال ۱۳۷۷ در کشور سوریه و در مسابقات قرآنی.

آقای حسین کرمی در سال ۱۳۷۸ ازدواج کرد و یک فرزند بنام امیر علی دارد و همسرشان دارای مدرک دکترای در رشته زنان و زایمان است و ایشان هم به مسائل مختلف قرآنی علاقه وافر دارند. دکتر حسین کرمی نیز مثل بسیاری از قاریان برجسته در ابتدای کار از سبک قاریان مصری مثل استاد منشاوی تقلید کرده است اما اعتقاد دارد که هر قاری قرآنی در ابتدای کار تلاوت باید از قاریانی مثل منشاوی، عبدالباسط، مصطفی اسماعیل، شحات محمد انور و متولی عبدالعالی تقلید نماید و بعد از طی مراحل ابتدایی باید از تقلید محض خارج شود و با تسلط بر الحان و موسیقی عربی و قرآن به تلاوت پردازد و میان معنا و الفاظ آیات در تلاوتهایش پیوند برقرار نماید. ایشان تا کنون به کشورهای زیادی همچون مالزی، سنگاپور، هند، بنگلادش، سوریه و ترکیه برای تلاوت قرآن سفر کرده و بیش از ده بار برای انجام مناسک سیاسی عبادی حج به عنوان قاری اعزام شده است. آقای دکتر حسین کرمی از اساتیدی مثل مصطفی اسماعیل، عبد الباسط و منشاوی به عنوان بهترین و برترین قاریان عصر طلایی تلاوت در مصر یاد می کند و همچنین از اساتیدی مثل شعیب، شحات محمد انور و احمد نعیم به عنوان قاریان برتر کنونی در مصر نام می برد. دکتر کرمی که خود از قاریان برجسته کشور است و بارها در محضر مقام معظم رهبری به تلاوت پرداخته است به قاریان ایرانی سفارش می کند که برای موفقیت در امر تلاوت ابتدا به فراگیری تجوید و اصول صحیح آن از اساتید برجسته فن تجوید پردازند و بعد از آنکه تجوید را تکمیل کردند به مسائل دیگر روی بیاورند و برای فراگیری لحن خوش و مطابق با آیات، بسیار به نوارهای مختلف اساتید قرآن گوش جان بسپارند و نکات لازمه آن را از تلاوتهای مختلف فرا بگیرند. ایشان همچنین تقلید را در ابتدای امر تلاوت لازم و ضروری می دانند آنرا باعث خلاقیت در انسان می شمارد زیرا هنگامی که انسان به طور کامل تقلید از یک قاری را انجام داد باید تقلید را کنار بگذارد و تمام آنچه را که از تقلید آموخته و بدست آورده در تلاوتهای خود به نحو بدیع بکار برد و او آخر سفارش می کند که قاریان قرآنی اخلاق و رفتار قرآنی را رعایت کنند و به آن ملزم باشند و به پیش کسوتان در امر تلاوت احترام بگذارند و به آیات قرآن عمل کنند.

کرمی، رضاعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضاعلی کرمی

محل تولد: کرمانشاه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

رضا علی کرمی در سال ۱۳۳۹ در خانواده مذهبی و علاقمند به پیامبر و اهل بیتش (صلوات الله علیهم) متولد شد. ایشان در کنار دروس جدید، دروس حوزوی را دنبال کردند. وی در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شد و دروس سطوح را به سرعت گذراند و پس از آن، در دروس خارج آیات عظام: «فاضل لنکرانی»، «مکارم شیرازی» و «وحید خراسانی» شرکت می نماید و دروس تفسیر قرآن کریم حضرت «آیت الله جوادی آملی» و فلسفه «آیت الله علامه حسن زاده» را فرا گرفته است.

ایشان تدریس، تألیف و تبلیغ را در همان اوایل تحصیل آغاز کردند که هم زمان با فعالیت های علمی با توجه به وظایف شرعی و انقلابی خود قبل از انقلاب اسلامی، جزء فعالان انقلابی و بعد از انقلاب اسلامی و با همکاری جدی با نهادهای انقلاب اسلامی، همواره تلاش مجدانه داشتند. موضوعاتی که توسط ایشان از سال ۱۳۶۷ تاکنون تدریس می شود:

۱. فقه و مکاسب

۲. اصول و کفایه

۳. کلام (فرق و مذاهب - ادیان و مکاتب)

۴. روش تبلیغ

۵. روش های مطالعه و تحقیق

۶. اخلاق و تربیت اسلامی

۷. تعلیم و تربیت اسلامی

۸. روان شناسی تربیتی

۹. راهنمایی و مشاوره

۱۰. روش های جذب جوانان

۱۱. اصول و فنون مناظره

۱۲. تفسیر قرآن

۱۳. روش تدریس

۱۴. روان شناسی تبلیغ

۱۵. روان شناسی عمومی

۱۶. روان شناسی کودک و نوجوان

۱۷. روش ذکر مصیبت

۱۸. مهارت‌های زندگی در اسلام

کرمی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی کرمی

محل تولد: فریدن

شهرت: کرمی فریدنی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی کرمی فریدنی، در سال ۱۳۳۴ هجری شمسی در منطقه ی فریدن از استان اصفهان دیده به جهان گشودم و پس از تحصیلات ابتدایی به فراگیری علوم حوزوی گرایش یافته و با ترغیب دایی بزرگوارم مرحوم آیت الله فرهادی به آموزش آن پرداختم. مقدمات را نزد آن مرحوم آموختم، آنگاه با راهنمایی او در سال ۱۳۴۸ به مدرسه مرحوم آیت الله گلپایگانی در قم آمدم و ادامه ادبیات و بخشی از سطح را در آنجا خواندم و بخش دیگر را نزد اساتید بزرگوار و آیاتی چون: شهیدی، شبستری، باکویی، وجدانی، ستوده، صلواتی، پایانی، دوزدوزانی، اعتمادی، سید ابوالفضل موسوی، نوری، فاضل، سبحانی، احمد بهشتی و ... فرا گرفتم.

همزمان با ادامه درس و بحث، برای فراگیری دیگر معارف اسلامی و دانش روز پس از مشورت با بزرگانی همچون: استاد مطهری، گلسترخی و محقق به دارالتبلیغ اسلامی رفتم و دوره کارشناسی آنجا را با موفقیت و دریافت جوایز متعدد به پایان رسانده و به عنوان دانشجوی ممتاز برای ادامه تحصیل و پژوهش برای اعزام به خارج برگزیده شدم که متأسفانه رحلت نابهنگام پدر و مسئولیت اداره خانواده و خردسالی برادران و خواهران و تنگنای اقتصادی، اجازه رفتن نداد.

همزمان قرآن و نهج البلاغه را که مرحوم آیت الله فرهادی، استاد شهیدی و بلاغی جرقه اش را در اندیشه و جانم زده بودند از آغاز با شماری از دوستان به مباحثه و حفظ برخی خطبه ها و نامه ها و قصار آن نشستم و این گام ابتکاری و مبارک، به لطف خدا با شوق و پشت کار خستگی ناپذیری ادامه یافت و اندوخته های آن، همراه ره توشه این نویسنده و سخنور ناچیز در راه پژوهش و نگارش و نیز سخنرانی ها و نشست های علمی و یکی از رازهای احساس رضایت و موفقیت او در زندگی است.

اینجانب بخش هایی از فقه استدلالی را در دارالتبلیغ اسلامی و بخش های دیگر را در درس برخی از آیات همچون: فاضل، سبحانی، شیرازی و دیگران گذراندم اما عمده ترین استادم در (خارج فقه و اصول، تفسیر، عقاید، معارف اسلامی و هنر نویسندگی)؛ آیت الله مکارم شیرازی بود که چیزی حدود یک دهه یا یک دوره کامل در درس های متنوع ایشان به ویژه خارج فقه و اصول شرکت نموده و مباحث را خلاصه نگاری و با دوستان مباحثه کردم و به استاد ارائه دادم و بارها مورد تشویق کتبی و

شفاهی او قرار گرفتیم. دوره‌ی نویسندگی و ترجمه را از دارالتبلیغ آغاز نمودم و همزمان با تلاش و تمرین بسیار دوبار دوره تخصصی ترجمه را گذراندم و آن گاه به ترجمه مقالات و کتاب‌ها پرداختم که اینک به لطف خدا دهها اثر مطرح به صورت تألیف و ترجمه از اینجانب چاپ شده و برخی از آنها رتبه اول را آورده است.

فراتر از یک دهه پیش، توفیق پژوهش‌های قرآنی روزی این بنده ناچیز شد و از سوی برخی از مراکز قرآنی از جمله دارالقرآن آیت الله گلپایگانی به همکاری دعوت شدم. این راه نیز تاکنون به صورت تلاش فردی و گروهی ادامه یافته است که ره آورد آن چندین کتاب و مقاله چاپ شده و نیز ترجمه وزینی از قرآن است که از نظر دقت در ترجمه و انتخاب واژه‌ها و زیبایی جمله‌ها در همایش اهل قلم رتبه نخست را آورده است.

کرمی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۴۰ ق)، عالم دینی، فقیه و شاعر. در نجف به دنیا آمد. وی دخترزاده‌ی آیت‌الله شیخ حسن مامقانی است. سطوح را در خدمت مدرسین بزرگ آنجا خواند. در ۱۳۴۱ ق به قم مهاجرت نمود و در حوزه‌ی درس آیت‌الله حجت کوه کمری حاضر شد و تا پایان عمر آن استاد از فقه و اصول وی استفاده نمود و مدت پنج سال هم در درس آیت‌الله بروجردی شرکت کرد و از محضر آیات دیگر نیز بهره‌مند شد، و ضمناً خود به تدریس فقه و اصول پرداخت تا در اواخر عمر پدرش، به اصرار پدر، به خوزستان مهاجرت کرد و در اهواز اقامت گزید و به وظائف دینی مشغول شد. وی اشعار زیبایی نیز دارد. از آثار وی: احداث مسجدی در حویزه، حسینیه‌ای در حویزه و مدرسه در اهواز است. وی دارای بیست و شش جلد مؤلفات در علوم مختلف اسلامی است. از آثار علمی‌اش: «الحیاء الروحیه»، در چهار مجلد؛ «التقریب الی حواشی التهذیب»؛ «الوشاح علی الشرح المختصر لتلخیص المفتاح»، سه مجلد؛ «نتایج الفکر فی شرح الباب الحادی عشر»، چهار جزء؛ «طریق الوصول الی کفایة الاصول»، چهار جزء؛ «القول الجامع فی تحریر فروع الشرایع»؛ «بحوث و آراء»، دو مجلد؛ «التحفة المحمدیه»؛ «عواطف نائرة».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار الحجۃ (۲/۱۰۹)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۵۴-۳/۱۵۲).

کرمی، محمدحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسین کرمی اسفه

محل تولد: شهرضا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۴/۱۲

تصویر بزرگتر

زندگینامه علمی

مقاطع ابتدایی و راهنمایی را در شهرستان شهرضا گذراندم و سپس وارد شهرستان قم شده و در مدرسه علمیه منتظریه (حقانی) پذیرش شدم (در سال ۱۳۶۵)، در سال ۱۳۸۵ در مؤسسه «در راه حق» یک دوره صد روزه درباره مباحث نقد و بررسی مارکسیسم را گذراندم. در همان سال و در آزمون ورودی مؤسسه در راه حق برای گذراندن یک دوره ۶ ساله الهیات و معارف اسلامی پذیرش شدم، در این دوره دروس (فلسفه، تفسیر قرآن کریم، فلسفه اخلاق، منطق شفا و اخلاق) را نزد استاد آیه الله مصباح و پاره ای دیگر از دروس را نزد اساتید دیگر فرا گرفتم.

پس از آن به دوره تخصصی اقتصاد در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) وارد شدم. در سال ۱۳۶۷ همزمان با دروس تخصصی اقتصاد برای انجام پژوهش اقتصاد اسلامی به دفتر همکاری حوزه و دانشگاه که اکنون «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» نام گرفته است راه یافتم و تاکنون در آن پژوهشگاه به پژوهش اشتغال داشته‌ام. اکنون نیز در مقطع دکترا در رشته اقتصاد پژوهش مشغول به تحصیل هستم. همراه این تحصیلات و پژوهشها، دروس متداول حوزوی را ادامه دادم و پس از اتمام سطح از محضر اساتید بزرگی، خارج فقه و اصول را استفاده نموده‌ام. در ضمن تحصیل، اقدام به نوشتن رساله شش سال درس خارج نموده و در سال ۱۳۷۶ موفق به دریافت مدرک آن از حوزه علمیه قم شدم.

کرنبائی، ابوعلی هشام

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۲۱۶ ق)، لغوی. اصل وی از کرنباء اهواز است. وی با اصمعی و امثال او همنشین بود و از این رهگذر بهره‌ها برد. او در لغت و تاریخ و اشعار عرب عالمی توانا به حساب می‌آمد. فضل بن حباب از وی روایت کرده است. از آثارش: «الحشرات»؛ «الوحوش» یا «الوحش»؛ «النبات»؛ «خلق الخیل».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۳۴۸، ۳۴۲، ۲۹۰ / ۲)، روضات الجنات (۱۷۸ - ۱۷۷ / ۸)، الفهرست لابن الندیم (۱۰۵)، معجم الابداء (۲۸۵ / ۱۹)، معجم المؤمنین (۱۳ / ۱۴۷).

کروخی هروی، ابوالفتح عبدالملک

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۴۸ - ۴۶۲ ق)، محدث. وی در کרוخ هرات به دنیا آمد. «جامع» ابی عیسی ترمذی را از قاضی ابی عامر ازدی و احمد بن

عبدالصمد غورجی و عبدالعزیز بن محمد ابی نصر تریاقی، و ابومظفر عبید الله بن علی بن یاسین دهان حدیث کرد. او همچنین از ابواسماعیل انصاری و محمد بن علی عمیری و حکیم بن احمد اسفراینی و ابوعطاء ملیحی حدیث شنید. در ۵۰۹ ق وارد بغداد شد و مدتی در آنجا ماند و حدیث گفت. خلق کثیری از وی روایت کرده‌اند، از جمله: سمعانی و ابن عساکر و ابن جوزی و خطیب دمشق عبدالملک بن یاسین دولعی و زاهر بن رستم و ابواحمد بن سکینه و ابن‌اخضر و ابن‌طبرزد و احمد بن علی غزنوی و علی بن ابوالکرم مکی بناء و ابوالیمین کندی و عبدالسلام بن ابی مکی قیاری و احمد بن یحیی بن دبیقی و مبارک بن صدقه باخرزی و فقیه محمد بن معالی حلاوی و ثابت بن مشرف بناء. سمعانی او را شیخی صالح، زاهد و دین‌دار با اخلاقی نیکو توصیف کرده که از راه اتساح کتاب روزگار می‌گذرانده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۶۱-۵/۶۰)، تذکره الحفاظ (۴/۱۳۱۳)، ذیل تاریخ بغداد (۸۵-۱۶/۸۱)، الکامل (۹/۴۳)، العبر (۳/۶)، سیر النبلاء (۲۷۵-۲۷۳/۲۰)، شذرات الذهب (۴/۱۴۸)، معجم البلدان (۴/۵۲۰)، المنتظم (۱۰/۴۰۱).

کهرودی سلطان آبادی، محمد باقر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۵-۱۲۵۷ ق)، عالم دینی، فقیه و زاهد. سطوح را نزد سید عبدالرحمان کهرودی فراگرفت. آن‌گاه به ملایر رفت و نزد آخوند ملا احمد ملایری به شاگردی پرداخت. او همچنین مدتی در نجف در محضر شیخ انصاری تلمذ کرد، سپس به ایران بازگشت و مدتی در تهران به تدریس مشغول شد. سرانجام در کنگاور سکنی گزید و همان‌جا درگذشت. قبرش در آنجا به قبر آقا معروف است. از او در فقه و اصول مؤلفاتی باقی است. از آثارش: رساله‌ای در «قسامه» و احکام آن؛ «رساله عملیه» فارسی، در عبادات؛ شرح «الدره» سید مهدی بحر العلوم طباطبائی؛ شرح «میمیه» ابن الفارض به نام «کشف الرموز»؛ «الاشارات»؛ «فرائد الدرر»، در علم لوح و قدر؛ «المواسعة و المضایقة»؛ رساله «علم الکلام»؛ رساله‌ای، در اصول، در «مباحث الالفاظ».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۹۰-۹/۱۸۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۲۲۱)، معجم المؤلفین (۹/۹۵).

کریمان، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۲-۱۲۹۲ ش)، نویسنده، استاد دانشگاه و ادیب. در تهران به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در ۱۳۲۲ ش موفق به اخذ لیسانس ادبیات فارسی از دانشسرای عالی گردید. در ۱۳۲۴ ش برای فراگیری علوم دینی و معارف اسلامی به قم رفت. در سن ۱۳۳۵ ش موفق به دریافت دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران شد. خدمات تدریسی و تعلیمی خود را از دبستان آغاز نمود و تا تدریس در دانشگاه‌های تهران و شهید بهشتی (ملی سابق) پیش رفت و در این زمان تحقیقاتی نیز انجام داد. وی فعالیت‌های زیادی در زمینه‌ی جغرافیای تاریخی و رسم نقشه‌ها داشت. دکتر کریمان از مؤلفان «دایره‌المعارف تشیع» بود. از آثار

وی: «جغرافیای شهرستان قم»؛ «طبرسی و مجمع البیان»، در دو مجلد؛ «ری باستان»، در دو مجلد؛ «قصران»، در دو مجلد؛ «آثار بازمانده از ری»؛ «تهران در گذشته و حال»؛ «سیره و قیام زید بن علی». علاوه بر اینها بیش از هشتاد مقاله و رساله در موضوعات دینی و علمی و ادبی و تاریخی نوشته است. [۱]

محقق، استاد.

تولد: ۱۷ آبان ۱۲۹۲، حومه‌ی تهران (رودبار قصران).

درگذشت: ۳۰ آذر ۱۳۷۲.

حسین کریمان دارای کارشناسی در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشسرای عالی در سال ۱۳۳۲ بود. در سال ۱۳۲۴ برای فراگیری علوم دینی و معارف اسلامی به قم مهاجرت نمود. در سال ۱۳۳۵ در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران موفق به اخذ درجه‌ی دکتری گردید.

از آن پس به تدریس و تحقیق در دانشگاه‌های تهران و شهید بهشتی پرداخت. در سال ۱۳۴۲ به کسب درجه‌ی دانشیاری و در سال ۱۳۴۶ به مقام استادی رسید.

اهم تألیفات وی به شرح زیر است: فرهنگ‌نویسی در ایران و فرهنگ‌هایی که تاکنون نوشته شده است (۱۳۲۲-۱۳۲۱)؛ قم را بشناسید (۱۳۲۸)؛ طبرسی و مجمع البیان؛ ری باستان؛ برخی از آثار بازمانده از ری قدیم (۱۳۵۰)؛ تهران در گذشته و حال (۱۳۵۵)؛ قصران (۱۳۵۶)؛ سیره و قیام زید بن علی (۱۳۶۴)، این کتاب در چهارمین دوره‌ی کتاب سال به عنوان کتاب برگزیده در رشته‌ی تاریخ اسلام انتخاب شد؛ تصحیح و تعلیق دیوان شمس به اتفاق دکتر یزگردی و با اشرف فروزانفر.

حسین کریمان در سن هشتاد سالگی به سبب سکته‌ی قلبی درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۲۴۹، ۱۸۱۲/۲)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۹۳)، کیهان فرهنگی (س ۲، ش ۸، ص ۱۱-۳، س ۱۰، ش ۹، ص ۶۵).

کریم‌پور، کریم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد، محقق.

تولد: ۱۳۱۵، چهارمحال بختیاری.

درگذشت: ۱۳۶۳، فرانسه.

کریم کریم‌پور پس از طی دوران تحصیلی ابتدایی و دبیرستان در شهرکرد و اصفهان، لیسانس ادبیات فارسی را از دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران گرفت و سپس برای ادامه‌ی تحصیلات خود به خارج از کشور رفت و با اقامت پنج سال در انگلستان و سه سال در فرانسه دکترای تاریخ سیاسی را از دانشگاه سربین پاریس دریافت کرد و به ایران مراجعت نمود و نزدیک به دوازده سال در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به تدریس اشتغال داشت. آخرین سمت اداری او مدیر کل مطبوعات کشور بوده است.

وی علاوه بر زبان فارسی به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، عربی، آلمانی و اردو تسلط کامل داشت و مقالاتی به زبان‌های فرانسوی و انگلیسی تحت عنوان «برداشتی تازه از سلسله‌ی صفویه و علل زوال آن سلسله» به رشته‌ی تحریر درآورده است که در مراجع مختلف

دانشگاهی مورد توجه و استناد قرار گرفته‌اند.

کریم کریم‌پور در سال ۱۳۶۳ برای ادامه‌ی تحقیقات علمی و دیدار خانواده‌اش به فرانسه رفت که در آن کشور دچار حادثه شد و زندگی را بدرود گفت.
برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

کریمه مروزیه، ام‌الکرام

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۶۳- ۳۶۵ ق)، مسند و محدث. اصلش از مرو شاه جهان و اهل کشمیهن مرو بود، گرچه زرکلی در «الاعلام» اصل وی را از مرورود دانسته و نامش را مروزیه ذکر کرده است. او از ابوهیثم کشمیهنی، «صحیح» بخاری را روایت کرد و گفته‌اند که عالی‌ترین اسناد «صحیح» به وی منتهی می‌شود. او از زاهر بن احمد سرخسی و عبدالله بن یوسف بن بامویه اصفهانی حدیث شنید. خطیب و ابوالغنائم نرسی و ابوطالب حسین بن محمد زینبی و محمد بن برکات سعیدی و علی بن حسین فراء و عبدالله ابن غزال و ابوالقاسم علی بن ابراهیم نسیب و ابومظفر منصور سمعانی و دیگران از وی حدیث شنیدند. کریمه مدت‌ها مجاور مکه بود و در همان جا درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷۹- ۷۸/۶)، سیر النبلاء (۲۳۵- ۲۳۳/۱۸)، شذرات الذهب (۳/۳۱۴)، العبر (۳۱۶- ۳۱۵/۲)، الکامل (۱۱۱- ۸/۱۱۰)، المنتظم (۹/۴۹۷).

کریمی گلپایگانی، محمدکریم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ملا محمدکریم بن العلام الفهام آخوند ملا محمد جد کریمیهای ساکن رباط ابلولان گلپایگان عالمی بزرگوار بوده که در بعضی از نوشته‌جات موجوده تعبیر از او به مجتهدالزمان شده قسمتی از تحصیلات ایشان در گلپایگان و بقیه تا رسیدن به مرتبه کمال و اجتهاد در بروجرد و اصفهان در نزد بزرگان علماء و فقهای وقت و زمان انجام گرفته تألیفاتی داشته که به چاپ نرسیده و از بین رفته فقط بعضی از اوراق علمی پراکنده از ایشان باقی است.

وی دارای چهار فرزند روحانی بوده که اکبر ایشان مرحوم حجة‌الاسلام آ میرزا محمد کریمی است که از شاگردان مرحوم آقا سید محمد مهدوی بوده دوم علام فهام مرحوم آقا میرزا علی محمد که صهر و داماد آقا سید محمد مذکور بوده و این دو از ائمه جماعت و مروجین و موجهین بوده‌اند سوم عمادالاعلام مرحوم آ میرزا محمدعلی کریمی و چهارم مرحوم آخوند ملاعلی کریمی وفات مترجم محترم مادر ليله عاشورای ۱۳۱۱ قمری اتفاق افتاده.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

کریمی والا، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدرضا کریمی والا

محل تولد: تبریز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیقیر در سال ۱۳۷۰ افتخار ورود به حوزه را کسب نمودم. ابتدا در حوزه علمیه حضرت ولی عصر (عج) شهرستان بناب مشغول تحصیل شدم و تا سال ۱۳۷۴، پایه ششم را تمام نمودم. سال ۱۳۷۴ عازم قم شدم و دروس سطح را آغاز کردم و از محضر اساتید فیض بردم. در سال ۱۳۷۵ وارد دوره کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی موسسه امام خمینی (ره) شده و در سال ۱۳۸۰ پایان نامه این دوره را دفاع نمودم سپس به مدت دو سال به حوزه علمیه بناب برگشتم و دروس مقدمات را در این حوزه تدریس کردم. بعد از بازگشت به قم شروع به تدوین پایان نامه سطح چهار نمودم و در سال ۱۳۸۵ پایان نامه را دفاع کردم. ضمناً از سال ۷۷ الی ۸۱ در درس خارج شرکت می کردم. همچنین از ۸۳ الی ۸۶ در دروس خارج شرکت می کردم. حقیقیر به مدت ۸ ترم در دانشگاه آزاد تهران جنوب، به مدت ۴ ترم در دانشگاه تربیت معلم تهران، به مدت ۲ ترم در دانشگاه قم، همچنین امسال یعنی (۸۷ - ۸۶) مشغول تدریس بدایه المعارف و شرح لمعه در حوزه علمیه مدرسه معصومیه بودم و مشغول تدریس دروس معارف بودم.

کریمی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. وی در ۱۳۲۹ ش مدیر باشگاه دوچرخه سواران اراک بود. از آثار وی: «زن پاکدامن»، ترجمه؛ «عصر اعتقاد»، ترجمه؛ «عشق و پول»، ترجمه؛ «بانک جهانی و مؤسسات وابسته به آن»، ترجمه؛ «واژه‌های کلیده و دمنه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۴۵، ۲۳۱۵، ۲۳۰۹، ۱۸۴۰-۱۸۳۹/۲)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۹۴)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۷-۴۳۶/۱).

کریمی، بانو

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

استادیار و دانشیار دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ادبیات و فرهنگ ایران، تدریس دروس متون نظم و نثر فارسی از قبیل فردوسی، نظامی، سنایی، صائب و کلیله و دمنه در دانشکده

ادبیات دانشگاه تهران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شرح و تفسیر دوپست و یک غزل صائب و جوامع‌الحکایات و لوامع‌الروایات سیدالدین محمد عوفی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: متعدد، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

موضوعات ادبی همانند مقالاتی در یغما و سخن، نقدی بر فرهنگ صائب.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

کریمی، بهمن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق، مؤلف.

درگذشت: اردیبهشت ۱۳۶۲.

بهمن کریمی، فرزند عبدالله میرزا، تحصیلات خود را در رشته‌ی تاریخ و جغرافیا انجام داد و سپس به تدریس پرداخت و سال‌های

دراز در دبیرستان‌های اداری هم در وزارت فرهنگ مشغول به کار بود.

فهرست تألیفات او به شرح زیر است: جامع‌التواریخ (اثر رشیدالدین فضل‌الله دو جلد، تهران، ۱۳۳۸)؛ تاریخ نیشابور (تهران، ۱۳۴۰)؛

شیرازنامه (تهران، ۱۳۱۵)؛ نظام‌التواریخ (قاضی بیضاوی، تهران، ۱۳۱۳)؛ ذیل ظفرنامه نظام‌الدین شامی (تهران، ۱۳۲۸)؛ یزدان

شناخت (منسوب به عین‌القضاء، تهران، ۱۳۲۷)؛ معراج‌نامه (ابن سینا، رشت، ۱۳۱۲)؛ رسائل ملا-حسن فیض (نه رساله)؛ جغرافیای تاریخی مفصل غرب ایران (تهران، ۱۳۱۶)؛ راه‌های باستانی و پایتخت‌های قدیمی غرب ایران (مختصری در باب طوایف، عشایر و آداب و اخلاق آنها، تهران، ۱۳۲۹)؛ راهنمای آثار تاریخی شیراز (۱۳۲۷)؛ خرابه‌های ری (۱۳۳۵)؛ میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام، آمریکا و تعلیم و تربیت.

بهمن کریمی از زمره‌ی مؤلفان کتاب‌های درسی تاریخ و جغرافیا برای دوره‌های دبیرستانی بود و در این زمینه بیش از بیست تألیف مشترک با همکاران مؤلف خود داشت. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

کریمی، جعفر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید جعفر کریمی

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۰۸/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت الله سید جعفر کریمی در سال ۱۳۰۹ هجری شمسی در روستای دیوکلا از توابع بابل و در میان خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پدرش مرحوم سید رضا کریمی، که به درخواست والده فاضله‌اش و تشویق دایی خود مرحوم آیه‌الله العظمی حاج سید احمد استاد مصمم بود به تحصیل علوم دینی مشغول شود. در اثر فوت والده و نیز پیش آمد مشکلات دیگر ناگزیر به پیشینه کشاورزی روی آورده و از تحصیل بازماند. مادرش نیز زنی پاکدامن و روحانی زاده بود که نقش بسزایی در تربیت فرزند خود ایفا می‌کرد.

اقوام آیت الله کریمی بیشتر از طبقه برجسته و بنام روحانیان بودند و برای اشتغال به تحصیل علوم دینی ارزش فراوان قائل می‌شدند. دوران کودکی آیت الله کریمی با اوج ستم رضا خانی همراه بود. او تا پایان شهریور ۱۳۲۰ تنها به فراگیری قرآن در مکتب خانه بسنده کرده بود و از سال ۱۳۲۱ برای فراگیری مقدمات، به نزد ثقة الاسلام سید محمود موحدی رفت و بخشی از جامع المقدمات را فرا گرفت. از مهرماه ۱۳۲۳ به حوزه علمیه بابل رفت و تا مهر ۱۳۲۶ در محضر استادان و عالمان آن حوزه به فراگیری ادبیات عرب اشتغال داشت. در مهرماه ۱۳۲۶ عازم قم شد تا در حوزه علمیه قم و در محضر استادان و عالمان آن دیار، پله‌های پیشرفت علمی و عملی را بپیماید. دروس دوره سطح را تا سال ۱۳۳۲ در محضر استادان برجسته قم به پایان برد و سپس به درس خارج علمای بزرگ حوزه علمیه قم مشرف شد.

در دی ماه سال ۱۳۳۳ به سفارش پدر، به نجف اشرف، مشرف شد تا به محضر استادان آن حوزه عظیم نیز شرفیاب شود. حضور او در نجف تا سال ۱۳۵۷ ادامه پیدا کرد. در طی سالهایی که امام (ره) در نجف اشرف حضور داشت، همواره به درس ایشان می‌رفت و هنگامی که دولت عراق به محاصره بیت ایشان پرداخته و آن مرجع بزرگ را به خروج از عراق وادار کرده بود، او با گروهی، امام (ره) را تا مرز صفوان بدرقه کرد. او در طی این سالها، خود نیز به تدریس دروسی که آموخته بود پرداخت و نیز از محضر

دروس اخلاق استادان خود بهره‌مند بود. آیت الله سید جعفر کریمی در سالهای تحصیل خود، به محضر استادان گرانقدر بسیاری شرفیاب شد. او که بخشی از جامع المقدمات را نزد ثقة الاسلام سید محمود موحدی در زادگاه خود آموخته بود، در حوزه علمیه بابل، دروس مقدمات را نزد حجج اسلام حاج سید حسن استاذزاده، حاج شیخ علی موحد، حاج سید محمد محقق، حاج شیخ محمد علی طبرستانی و آیت الله حاج شیخ ولی الله مدرس آموخت. در قم نیز دروس سطح را نزد حضرات آیات: صدوقی، شیخ محمد فکور یزدی، طباطبایی و ... به پایان رساند. سپس حدود یک سال در درس خارج آیت الله العظمی حاج شیخ مهدی امامی امیری (ره) و مدتی در درس خارج فقه آیت الله العظمی بروجردی (ره) شرکت کرد. وی در حوزه علمیه نجف نیز، از محضر استادان بسیاری بهره برد.

او مدت هشت سال در دروس خارج فقه و اصول آیت الله العظمی آملی (ره) شرکت کرد. او مدت ۲۴ سال در درس خارج فقه و اصول آیت الله العظمی خویی (ره) حضور داشت و مدت ۱۲ سال نیز در درس خارج فقه آیت الله العظمی شاهرودی (ره) شرکت جست. در میان سالهای یاد شده، مدت چهار ماه به بحث خارج فقه آیت الله العظمی اصطهباناتی (ره) و مدت شش ماه به درس خارج اصول آیت الله العظمی یزدی (ره) رفت. او از مهر ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۳ در درس خارج فقه آیت الله حلی شرکت کرد و مدت ۳ سال در درس خارج فقه آیت الله العظمی حکیم (ره) حاضر شد.

آیت الله سید جعفر کریمی، با ورود حضرت امام خمینی (ره) به نجف اشرف، از سال ۱۳۴۴ تا تیرماه ۱۳۵۷ یعنی آخرین سال حضور امام (ره) در نجف، در درس خارج فقه ایشان، حضور مستمر داشت. آیت الله سید جعفر کریمی، در سالهای تحصیل و پس از آن با بسیاری از طلاب و فضلاء آن روز رابطه دوستی و رفاقت داشت که از میان آنها می‌توان از مرحوم آیت الله سید عباس خاتم یزدی نام برد.

زندگی آیت الله کریمی، تاکنون از خدمات علمی و فرهنگی بسیار سرشار بوده است. او در سالهای تحصیل خود تقریرات درس استادان خود را نگاشته است که از میان آنها می‌توان به تقریرات درس خارج فقه حضرات آیات عظام: (حلی و حکیم) و تقریرات درس اصول آیت الله العظمی خویی اشاره کرد. جلد چهارم تقریرات درس فقه آیت الله العظمی آملی نیز با عنوان «کشف الحقائق عن الفقه الجعفری» به چاپ رسیده است. آیت الله سید جعفر کریمی تا به حال دروس منطق، ادبیات عرب، فقه و اصول تا سطوح عالی را چندین بار تدریس فرموده است و به مدت یک سال در مدرسه عالی قضایی و تربیتی قم و دو سال در مدرسه عالی شهید مطهری و مدرسه علوم قضایی تهران (دانشکده علوم قضایی) تدریس داشته است. آیت الله کریمی از سال ۱۳۷۰ در حوزه علمیه قم به تدریس خارج فقه قضا اشتغال ورزید و هم اکنون نیز چندین سال است به تدریس خارج فقه عبادات و معاملات می‌پردازد.

امام خمینی (ره) پس از ورود به نجف و ملاحظه نابسامانیهای موجود در آن حوزه شریف، به آیت الله کریمی و دو تن از فضلاء حوزه دستور دادند که با مذاکره با بیت آیت الله العظمی خویی (ره)، هیأت مشترکی برای تنظیم برنامه و امتحانات تشکیل دهند که این امر، با کارشکنی برخی از آقایان روبرو شد. از این رو امام (ره) تصمیم گرفت خود، به این امر اقدام نماید و مسئولیت برگزاری امتحانات طلاب و نظارت بر دفتر شهریه را به آیت الله کریمی واگذاشت. در سال ۱۳۴۵، تحقیق و بازنگری و تصحیح رساله عملیه عربی زبده الاحکام و رساله فارسی توضیح المسائل را امام (ره) به آیت الله کریمی واگذار کرد و در سال ۱۳۴۶، آیت الله کریمی با همکاری آیت الله خاتم یزدی (ره) کتاب البیع امام (ره) را تحت نظارت و اشراف ایشان، در بهترین اسلوب و در پنج جلد در نجف اشرف به چاپ رسانید. او کتاب خلل صلات امام را نیز به امر معظم له در نجف اشرف تحقیق و تصحیح کرد که بعدها در ایران به چاپ رسید.

آیت الله کریمی از سال ۱۳۴۷ تا پایان مدت حضور امام (ره) در نجف، نوشتن پاسخ استفتائات تحت نظارت امام (ره) را در بیت ایشان به عهده داشت. این مسئولیت در ایران نیز از سال ۱۳۵۸ تا پایان عمر آن مرجع بزرگ، در قم به عهده ایشان بود. او بارها

برای استعلام نظر مبارک امام (ره) در زمینه‌های گوناگون به تهران سفر می‌کرد و با استاد و مراد خود دیدار می‌نمود. با انتخاب آیت الله خامنه‌ای به رهبری انقلاب در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸، و در مرداد همان سال، آیت الله کریمی عهده دار پاسخ دادن به استفتائات ایشان شد که پاسخها با نظارت ایشان، هم اکنون نیز ادامه دارد. از مهر ماه ۱۳۶۸ تاکنون شورای افتای رهبری، غالباً هفته‌ای یک بار با حضور رهبر انقلاب تشکیل می‌شود که آیت الله کریمی همواره در آن حضور دارند. مباحث فقهی و مسائل مستحدثه به صورت استدلالی مورد بحث قرار می‌گیرد. مقام معظم رهبری تنظیم استفتائات در قالب کتاب را نیز بر عهده آیت الله کریمی نهادند که تاکنون دو جلد آن به چاپ رسیده است. او از زمان حضور امام خمینی (ره) تاکنون در جلسات استفتای بعثه او و بعثه مقام معظم رهبری حضور دارد و همواره به زائران بیت الله الحرام در مدینه و مکه خدمت می‌رساند. آیت الله کریمی از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۹ در شورای عالی حوزه علمیه قم حضور داشت و به برنامه ریزی درسی و اخلاقی برای طلاب و نیز برقراری جلسات امتحان نهایی طلاب می‌پرداخت.

آیت الله سید جعفر کریمی، از سنین نوجوانی تا به امروز در عرصه‌های گوناگون سیاسی، به انجام دادن وظیفه می‌پرداخته است. او که در سنین کودکی و نوجوانی طعم تلخ استبداد رضاخانی را چشیده بود و حس مبارزه و انگیزه برجینی بساط ظلم در وجودش جوانه زده بود، در سال ۱۳۲۷ به جمع فدائیان اسلام به رهبری شهید مجتبی نواب صفوی پیوست و در صحنه‌های گوناگون مبارزه حضور فعال داشت. پس از کودتای ۲۸ مرداد و اقدام جدی حکومت ستم‌شاهی بر تعقیب و دستگیری اعضای جمعیت فدائیان اسلام به سفارش پدر برای ادامه تحصیل به نجف اشرف رفت. در سال ۱۳۴۸ رژیم بعثی عراق، قصد انحلال حوزه علمیه نجف را در سر می‌پروراند و امام (ره) تصمیم گرفت با ازدیاد شهریه، طلاب را به درس خواندن و پایداری در برابر رژیم بعثی، تشویق کند؛ اما در حوزه علمیه نجف، افراد مشکوک و ناصالحی وجود داشتند که گاه وابسته به حزب بعث بودند و امام (ره) خوش نمی‌داشت که سهم امام را نصیب آنان کند. از این رو به آیت الله سید جعفر کریمی دستور داد که به پاک سازی حوزه از عناصر وابسته به رژیم بپردازد. این امر باعث شد که آیت الله کریمی با سازمان امنیت عراق درگیر شود و مورد احضار قرار گیرد.

از دیگر فعالیت‌های وی در نجف اشرف، ورود به جمع حامیان آیت الله العظمی حکیم (ره) در مبارزه با حزب توده بود. او در کنار بارگاه مقدس علوی همواره یار و مدافع امام (ره) بود و پس از تبعید امام به ترکیه، همواره در معیت دوست دیرین حضرت امام مرحوم حجة الاسلام حاج شیخ نصرالله خلخالی با برقراری جلسات توجیهی در نجف اشرف به حمایت از اهداف امام (ره) در تشکیل حکومت اسلامی می‌پرداخت. و با تنظیم تلگراف و ارسال آن به سفارتخانه‌های دولتهای اسلامی در بغداد آنان را از حوادث دنیای اسلام آگاه می‌ساخت. در سال ۱۳۵۶ اخبار جسته گریخته‌ای مبنی بر سوء قصد به جان امام (ره) به گوش می‌رسید. این اخبار را بیشتر عمال رژیم شاه پخش می‌کردند. امام در تاریخ ۲۷ ذی حجه ۱۳۹۷ هجری قمری، آقایان سید جعفر کریمی، شیخ حبیب الله اراکی، سید عباس خاتم یزدی و رضوانی خمینی را وصی خود قرار داد و وصیت نامه را در پاکتی سر بسته تحویل آنان داد و پشت پاکت نوشته بود: این پاکت نزد جناب آقای سید جعفر کریمی محفوظ باشد و پس از فوت این جانب آن را باز کنند و مطالعه کنند.

آیت الله کریمی، پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی نیز، در مسؤلیتهای گوناگونی به انجام وظیفه پرداخت. او در مرداد سال ۱۳۵۸ با فرمان امام (ره)، داوطلب نمایندگی مجلس خبرگان قانون اساسی شد که با رأی مردم مازندران به آن مجلس راه یافت و در پاره‌ای از موضوعات رابط مجلس و امام (ره) بود. در سال ۱۳۶۰، آیت الله کریمی به نمایندگی از سوی امام (ره) به همراه آیت الله احمدی میانجی (ره) در شورای عالی اقتصاد، بر لوایح قانونی و تنظیم برنامه متناسب با نظام در زمان دولت آقای میر حسین موسوی حضور داشت و در همان سال، با عضویت در دادگاه عالی انقلاب، به بازنگری پرونده‌های محاکم می‌پرداخت. آیت الله کریمی از سال ۱۳۵۸ به عضویت جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در آمد و در طی این سالها، نقش مهم و مثبتی در احیای

حوزه‌های علمیه و اعتلای اسلام ناب محمدی ایفا کرده است. او هم اکنون در قم به تدریس بحث خارج فقه معاملات اشتغال دارد و در دفتر مقام معظم رهبری به پاسخ استفتائات و خدمت‌رسانی به مردم انقلابی می‌پردازد.

کریمی، جلال

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جلال کریمی مهرجردی

محل تولد: مهرجرد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب جلال کریمی مهرجردی فرزند «حیب»، دروس ابتدایی را در مدرسه ابتدایی «فارابی» در مهرجرد و دروس راهنمایی را در مدرسه راهنمایی «ابن سینا» گذراندم. در سال ۱۳۵۶ وارد حوزه علمیه میبد شدم. هر چند در دوران نوجوانی به سر می‌بردم ولی در راه پیمائی‌ها و پخش اعلامیه‌ها و حتی تکثیر آنها بوسیله کاربن، نقش داشتم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی یک سال در حوزه علمیه «مصلاهی یزد» و مدرسه «خان یزد» تحصیل کردم. در سال ۱۳۶۴ به حوزه علمیه قم وارد شدم و پایه چهارم را ادامه دادم (از سال ۱۳۵۹ در منطقه محروم سیستان، بلوچستان و منطقه سوسنگرد و ... بودم).

در سال ۱۳۷۳ وارد مرکز تفسیر و علوم قرآن شدم که در سال ۱۳۷۶ در سطح چهار فارغ‌التحصیل شدم. از سال ۱۳۶۴ شروع به حفظ قرآن نمودم که پس از سه سال، بیش از ۲۰ جزء را همزمان با تحصیل حفظ کردم. از اساتید جامعه القرآن جهت حفظ یک ساله بودم. کارشناس شبکه قرآن سیما و برنامه «آیه‌های زندگی» در شبکه رادیویی معارف بودم. نشریه پیام و راهنما را تهیه و ویراستاری می‌کردم (این نشریه مختص روحانیون سپاه می‌باشد). تحقیقات دوران مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن نیز دارم. کتاب روش حفظ قرآن در ۵ مرحله را نوشتم که در دو مرحله چاپ شده است. در آزمون تفسیر قرآن کریم توسط استاد قرآن کریم، جزء ممتازین بودم که به عمره مفرده اعزام شدم. در چندین مرحله مسابقات حفظ شرکت کردم و رتبه اول را کسب کردم. از طرف سازمان مدارس علمیه خارج از کشور، عازم «ساحل عاج» شدم که در معهد اهل البیت (علیهم السلام) تدریس می‌کردم که برای همه موضوعات تدریسی ام جزوه به زبان عربی نوشته‌ام.

کریمی، علیجان

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیجان کریمی

محل تولد: محلات

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از پایان تحصیلات ابتدایی با تشویق والد بزرگوارم راهی حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی به تحصیل مقدمات علوم حوزوی پرداختم و از اساتید نامی چون: (حاج حسن آقا تهرانی، صلواتی، کریمی جهرمی، تقوی اشتهاردی و ...) بهره وافر بردم. در سال ۱۳۵۶ با شروع انقلاب اسلامی به حوزه آزاد وارد شده و در دروس فقه و اصول: «آیت الله بنی فضل» و «وجدانی فخر» شرکت جستیم.

در سال ۱۳۵۹ در اولین دوره مدرسه «عالی تربیتی و قضایی طلاب قم» که به منظور تربیت مربی و دبیر بینش دینی از سوی شورای انقلاب تأسیس گردید؛ شرکت کرده و پس از فارغ التحصیلی در دوره کوتاه مدت، برای تدریس در دبیرستان‌ها راهی شهرستان ایلام شده و به مدت سه سال در دبیرستانهای این شهر به تدریس پرداختم. در کنار آن به تدریس دروس حوزوی نیز تا حدودی می‌پرداختم.

از سال ۱۳۶۴ مجدداً به حوزه علمیه قم مراجعت نموده و بخشی از دروس حوزه را مجدداً بازخوانی کردم. در سال ۱۳۶۷ در اولین دوره مرکز تربیت مدرس که به منظور تربیت استاد معارف برای دانشگاهها تأسیس گردید شرکت نمودم. پس از فارغ التحصیلی به مدت پنج ترم در دانشگاه اصفهان و نیز در دانشگاه آزاد اراک، پیام نور ساوه و دانشگاه آزاد محلات به تدریس (معارف، تاریخ اسلام و متون ادبی) پرداختم. ناگفته نماند که در خلال سالهای ۱۳۶۴ - ۱۳۶۸ از دروس فقه «آیت الله ستوده» و «علوی گرگانی» بهره می‌بردم.

در سال ۱۳۶۸ در درس خارج فقه «آیت الله منتظری» حاضر شدم و به مدت هفت سال از محضر ایشان استفاده کردم، از سال ۱۳۷۱ - ۱۳۷۳ در درس خارج اصول «آیت الله میرزا جواد تبریزی» شرکت جستیم و از سال ۱۳۷۱ تاکنون در مرکز فرهنگ و معارف قرآن) به پژوهشهای قرآنی اشتغال دارم، حاصل کار تحقیقات این دوره که به صورت کار جمعی صورت می‌پذیرد عبارتند از:

۱. فرهنگ موضوعی تفاسیر در سه جلد.

۲. فرهنگ موضوعی قرآن (۱۰ جلد آن تاکنون چاپ شده) که پیش‌بینی می‌شود به ۳۰ جلد برسد.

در همین سالها مقالاتی نیز تدوین نموده‌ام از جمله: مقاله «مبانی تفسیر عرفانی امام خمینی (ره)» که در سلسله مقالات کنگره اخلاقی عرفانی امام خمینی به چاپ رسید. و در مقاله با عنوان «ویژگیهای جامعه الهی» به ستاد نشر رسانه‌ای مرکز فرهنگ و معارف قرآن ارائه گردید تا در رسانه‌های مکتوب به چاپ رسد. مقاله‌ای نیز با عنوان «حقوق خانواده در قرآن» به بنیاد پژوهشهای مشهد مقدس ارائه شد تا در مجموعه‌ای به چاپ رسد. ناگفته نماند که در خلال سالهای ۱۳۶۴ - ۱۳۷۰ از دروس تفسیر «آیت الله جوادی»، درس اسفار «مصباح یزدی» (از طریق نوار)، شفای «بوعلی» (تدریس مصباح یزدی و از طریق نوار)، استفاده بردم و چندی نیز در درس اسفار «انصاری شیرازی» شرکت جستیم.

اینجانب در سال ۱۳۶۷ با وجود مأموریت‌هایی که برای تبلیغ در جبهه داشتم و با توجه به فاصله چند ساله‌ای که با دروس حوزه داشتم مجدداً در امتحانات حوزه از پایه چهارم تا نهم شرکت کردم و در سال ۱۳۶۷ رتبه سوم را کسب نموده و از جانب امام

خمینی و آیت الله گلپایگانی (همه ممتازین و از جمله اینجانب) مورد تشویق قرار گرفته و جوایزی به اینجانب اهدا شد و در روزنامه جمهوری آن زمان نیز لیست ممتازین منتشر شد. چند بار در امتحان تفسیر که از سوی ستاد تفسیر قرآن برگزار شده، شرکت کرده و هر بار جز ممتازین بوده و جوایزی دریافت کرده‌ام.

در سال ۱۳۸۲ جهت آماده کردن پرونده خود در شورای مدیریت، جهت نوشتن پایان‌نامه سطح چهارم حوزه در مصاحبه درس خارج شرکت کردم و پس از آن به عنوان کسب رتبه ممتاز از این حین، فوق‌العاده و نیز افزایش شهریه مقام رهبری به مدت یک سال بهره‌مند شدم. اکنون نیز در مرکز (فرهنگ و معارف قرآن) به عنوان عضو شورای علمی گروه به تحقیق در علوم و تفسیر قرآن اشتغال دارم و امیدوارم که خداوند متعال در ظل عنایات خود و حضرت ولی عصر این توفیق را از اینجانب سلب نکرده که تا آخر عمر در خدمت قرآن کریم بوده باشم.

کریمی، غلامعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات عربی، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: اصفهان
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

کریمی، مرتضی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرتضی کریمی

محل تولد: اردکان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۶۰/۶/۳۰

زندگینامه علمی

اینجانب مرتضی کریمی متولد ۱۳۶۰ پس از اخذ سیکل در شهرستان اردکان در سال ۱۳۷۴ به قم عزیمت کردم و در مدرسه شهیدین، تحصیلات حوزوی خود را آغاز کردم. دوره سطح را در طول ۷ سال به پایان رساندم. همزمان از سال ۱۳۷۹ دوره کارشناسی رشته کلام در مؤسسه امام خمینی (ره) مشغول تحصیل شدم. از سال ۱۳۸۱ درس خارج را آغاز کردم و در این راستا در دوره تخصصی فقه و اصول مدرسه شهیدین شرکت کردم و از محضر آقای عندلیب و آیت الله تبریزی کسب فیض کردم. پس از

اخذ مدرک کارشناسی در سال ۱۳۸۴ از مؤسسه امام خمینی (ره)، در ۴ آزمون کارشناسی ارشد شرکت کردم که در همه آنها رتبه اول را کسب کردم که عبارتند از:

۱. ارشد دین شناسی مؤسسه امام خمینی (ره)

۲. فلسفه و کلام اسلامی

۳. کلام

۴. ادیان ابراهیمی مرکز مطالعات ادیان و مذاهب که از سال ۱۳۸۴ در مرکز اخیر مشغول به تحصیل در رشته ادیان ابراهیمی شده ام. در طول تحصیل در مدرسه شهیدین در دوره های زبان عربی (۲ سال) و انگلیسی (۳ سال) شرکت کردم و چند سالی است به عنوان مترجم زبان انگلیسی با مراکز همکاری دارم. چند سالی نیز به عنوان محقق سایت یهود شناسی مؤسسه لوح و قلم با این مؤسسه و مدتی نیز به عنوان محقق بخش پرسش و پاسخ سایت حوزه نت با این مرکز همکاری داشته ام. آخرین کارهای علمی بنده عبارت است از: ترجمه مدخل ایران از دایرة المعارف اسلام که به زودی به صورت کتاب چاپ خواهد شد و نیز ترجمه مقالاتی پیرامون هولاکاست که با همکاری عده ای از دوستان و با هزینه مؤسسه لوح و قلم به صورت کتاب چاپ خواهد شد.

کریمی، مصطفی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مصطفی کریمی

محل تولد: همدان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

مصطفی کریمی در سال ۱۳۴۸ در روستای «دستجرد» از استان همدان متولد شد. دوره ابتدایی را در روستای خود و دوره راهنمایی و دبیرستان را در شهرستان گذراند. در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه قم شد. حدود هفت سال در درس خارج فقه و اصول از محضر: «آیت الله سبحانی»، «آیت الله مکارم شیرازی» و «حجت الاسلام و المسلمین لاریجانی» و در تفسیر از محضر: «آیت الله جوادی آملی» و در علوم قرآنی از محضر: «آیت الله معرفت» (حفظهم الله) بهره برد و در کنار درس حوزه از سال ۱۳۶۹ دوره عمومی پنج ساله مؤسسه امام خمینی (قدس سره) را گذراند و از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۰، دوره تخصصی تفسیر و علوم قرآنی (کارشناسی ارشد) را به پایان رساند. در مراکز حوزوی و دانشگاهی فعالیتهای علمی وی در سه بخش: مدیریت علمی - آموزشی، پژوهش و تدریس در مراکز حوزوی و دانشگاهی بوده است.

کریمیان میقلان، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی کریمیان میقلان

محل تولد: فومن

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای علی کریمیان در سال ۱۳۴۶ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان «فومن» دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی از یک سو و شوق ادامه تحصیل در قم، زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه (سلام الله علیها)، وی را رهسپار قم و در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود، ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت (ع)، با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۶ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون: «آیت الله جوادی آملی»، «استاد فیاضی»، «آیت الله مصباح»، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته «مبانی نظری» در مقطع دکترا در سال ۱۳۸۷ از موسسه پژوهشی آموزشی امام خمینی فارغ التحصیل گردید. وی پس از طی تحصیلات، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت و هم اکنون در دانشگاه گیلان علاوه بر تدریس، «مسئول نهاد رهبری» در این دانشگاه نیز می باشد. وی در طول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نمانده است و آثاری از قبیل: «اسوه حسنه» و «سه مکتب مشاء، اشراق و حکمت متعالیه» را به رشته تحریر در آورده است.

کزازی قمی، محمدابراهیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در «مآثر و آثار» گوید: ملا- محمد ابراهیم کزازی قمی خلف مرحوم حاج زین العابدین مازندرانی است که عالمی فاضل و دانشمندی بزرگوار بود، و از موطن اصلی خویش مازندران به عراق آمده در آستانه توقف اختیار کرده بود و هم عاقبت در آستانه شریفه به خاک سپرده شد، و پسرش ملا محمد ابراهیم که فقیهی فاضل و عالمی عامل بود از آستانه به قم رخت گشود و هم در آنجا رحلت نمود.

نگارنده گوید آن مرحوم داماد مرحوم حجة الاسلام حاج ملا محمد مجتهد کزازی قمی است که شرح احوالش خواهد آمد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

کزازی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالمی عامل و فقیهی کامل. پدرانش از خوانین و متمولین حومه (کزاز) بودند و خود نیز تا اوائل جوانی در کزاز به همان طریقه آباء و اجداد مشغول امور دنیوی بود تا اینکه محقق قمی صاحب قوانین را سفری به آن سامان پیش آمد و در آنجا خواهر او را به حباله نکاح درآورد و آن مرحوم از برکات انفاس قدسیه مرحوم میرزا مشغول تحصیل علوم دینی و معارف یقینیه شد و به اندک زمانی قابل استفاده از محضر آن بزرگوار گردید و پس از فوت مرحوم میرزا مسافرت به کاشان و نراق نموده و از محضر درس مرحوم حاج ملا احمد فاضل نراقی اعلی‌الله مقامه بهره‌مند شد و پس از رحلت آن مرحوم به قم مراجعت و مشغول ترویج دین و امامت جماعت و قضاوت و سایر مراسم مذهبی گردید تا از دنیا رفت و در قبرستان شیخان مدفون گردید از آثار خیر او آب انبار محله عشقلی و نیز ثلث قریه تجربه دستجرد را در کزاز وقف بر امور و اعمال خیریه نموده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

کزازی، میرجلال الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد میرجلال الدین کزازی در دیماه ۱۳۲۷ در کرمانشاه در خانواده‌ای فرهیخته و فرهنگی که بنیادگذار آموزش نوین در این سامان است، چشم به جهان گشود. خوگیری به مطالعه و دل بستگی پرشور به ایران و فرهنگ گرانسنگ و جهانی آن را از پدر که مردی آزادمنش و فراخ اندیش و مردم دوست بود به یادگار ستاند. دوره دبستان را در مدرسه آلیانس کرمانشاه گذرانید و از سالیان دانش آموزی با زبان و ادب فرانسوی آشنایی گرفت. سپس دوره دبیرستان را در مدرسه رازی به فرجام آورد و آنگاه برای ادامه تحصیل در رشته زبان و ادب پارسی که در چشم او رشته و دانشی است گرامی و سپند، به تهران رفت و در دانشکده ادبیات فارسی و علوم انسانی دانشگاه تهران دوره های گوناگون آموزشی را سپری کرد و به سال ۱۳۷۰ به اخذ درجه دکتری در این رشته نائل آمد. او اینک عضو هیأت علمی و استاد در دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی وابسته به دانشگاه علامه طباطبایی است. ایشان برنده جایزه نخستین در پژوهشهای بنیادین در هیجدهمین جشنواره بین المللی خوارزمی، برای نوشتن زنجیره ای از کتاب بنام " نامه باستان - " بهمن ۱۳۸۳ است.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب: پدر میرجلال الدین کزازی سید محمود کزازی (فرزند سید احمد کزازی) است. سید احمد کزازی برادر سید حسین کزازی (آزادخواه که در دوره های دوم و سوم نماینده مجلس بود و در سال ۱۳۴۰ قمری رئیس معارف و فواید عامه کرمانشاه گردید و یک سال بعد بعثت تاسیس مدرسه دخترانه در این شهر به شهادت رسید) است. نیاکان دکتر کزازی از کزاز استان مرکزی بودند از این روی نام کزازی بر خاندان ایشان مانده است.

خاطرات کودکی : میرجلال الدین کزازی از پدر خود بعنوان اولین آموزگارش یاد میکند و از وی که نمونه برجسته ای از فرهیخته ایرانی است به نیکی یاد میکند. او روزهای تعطیل را در دهستانهای زنگی‌شاه، هولان و شلان سپری می‌کند. روزهای کودکی دکتر آمیخته است با گشت و گذار در چشمه ساران، کوهها، هامونهای سبز و غیره.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : میرجلال الدین کزازی در خانواده ای فرهنگی و فرهیخته و از نظر اقتصادی در وضعیت متوسطی دنیا آمد. از آنجایی که از خانواده ای سرشناس بودند در میهمانی های باشکوه با بزرگان و فرهیختگان روزگار خود آشنا می‌شد و از وجود آنان بهره می‌برد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : میرجلال الدین کزازی دوره دبستان را در مدرسه آلیانس کرمانشاه گذرانید و از سالیان دانش آموزی با زبان و ادب فرانسوی آشنایی گرفت. سپس دوره دبیرستان را در مدرسه رازی به فرجام آورد و آنگاه برای ادامه تحصیل در رشته زبان و ادب پارسی که در چشم او رشته و دانشی است گرامی و سپند، به تهران رفت و در دانشکده ادبیات فارسی و علوم انسانی دانشگاه تهران دوره های گوناگون آموزشی را سپری کرد و به سال ۱۳۷۰ به اخذ درجه دکتری در این رشته نائل آمد

فعالیت‌های ضمن تحصیل : میرجلال الدین کزازی در کنار تحصیل از سالیان نوجوانی نوشتن و سرودن را آغاز کرده است و در آن سالیان با هفته نامه های کرمانشاه همکاری داشته و آثار خود را در آنها به چاپ می‌رسانیده است. در جلسات انجمن ها و جشنهایی که در مدرسه به بهانه های مختلف برگزار می‌شد بعنوان سخنران سخنرانی میکرد یا شعر می‌خواند. وی همچنین با همکاری دو تن از دانش آموزان که یکی از آنها خوشنویس بود و دیگری نگارگر، روزنامه دیواری بنام "نائره ها" پدید آوردند.

استادان و مربیان : دکتر سید جعفر شهیدی، دکتر عبدالحسین زرین کوب، دکتر مظاهر مصفا، دکتر شفیعی کدکنی و دکتر اسماعیل حاکمی والا از استادان میرجلال الدین کزازی بودند.

همسر و فرزندان : میرجلال الدین کزازی در سال ۱۳۵۴ با همسر خود سرکار خانم پیوند پیوکانی ازدواج کردایشان دارای چهار فرزند می‌باشد: - دکتر امیر صدر الدین، پزشک - مهندس امیر رهام، کارشناس برق و الکترونیک - ستی آناهیت، کارشناس زبان و ادبیات انگلیسی - ستی ماندان، کارشناس باستان شناسی

وقایع میانسالی : میرجلال الدین کزازی اینک عضو هیأت علمی در دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی وابسته به دانشگاه علامه طباطبایی است. او افزون بر زبان فرانسوی که از سالیان خردی با آن آشنایی یافته است، با زبانهای اسپانیایی و آلمانی و انگلیسی نیز آشناست. چندی را نیز در اسپانیا به تدریس ایرانشناسی و زبان فارسی اشتغال داشته است. او گهگاه شعر نیز می‌سراید و نام هنری اش در شاعری "زروان" است. ترجمه او از "انه اید ویرژیل" برنده جایزه بهترین کتاب سال شده است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : میرجلال الدین کزازی عضو هیئت علمی و استاد دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی وابسته به دانشگاه علامه طباطبایی است.

فعالیت‌های آموزشی : میرجلال الدین کزازی عضو هیئت علمی دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی دانشگاه علامه طباطبایی می‌باشد . چندی را نیز در اسپانیا به تدریس ایرانشناسی و زبان فارسی اشتغال داشته است. سوابق تدریس دکتر کزازی به ترتیب زیر است: تدریس تمام وقت : - دانشگاه رازی کرمانشاه از سال ۱۳۵۵ - ۱۳۵۸ - دانشگاه علامه طباطبایی - دانشکده های ادبیات فارسی و زبان های خارجی از سال ۱۳۵۸ - ۱۳۸۶ - دانشگاه بارسلون اسپانیا تدریس زبان پارسی، ایران شناسی و شیعه شناسی از سال ۱۳۷۶ - ۱۳۷۹ تدریس پاره وقت : - دانشگاه تربیت معلم تهران - دانشگاه سراسری گیلان - دانشگاه سراسری یزد - دانشگاه آزاد اسلامی - واحد اراک - دانشگاه آزاد اسلامی - واحد ساوه - دانشگاه آزاد اسلامی - واحد کرمانشاه

آرا و گرایشهای خاص : میرجلال الدین کزازی در نوشتار و گفتارش پارسیگرایی را دنبال می‌کند.

جوایز و نشانها: - برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (دوره نهم) برای ترجمه کتاب "انه آید" در سال ۱۳۶۹ - برنده جایزه نخستین در پژوهشهای بنیادین در جشنواره بین المللی خوارزمی، برای نوشتن زنجیره ای از کتاب "نامه باستان -" بهمن ۱۳۸۳ - چهره برگزیده در نخستین همایش تجلیل از برگزیدگان استان - نشان زرین و سپاسنامه از بزرگترین انجمن ادبی و فرهنگی یونان، پاراناسوس، به عنوان برجسته ترین ایرانی در گسترش و شناساندن فرهنگ و ادب یونان زمستان ۱۳۸۴ - پژوهشگر برگزیده در دانشکده ادبیات فارسی و زبان های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی در سال ۱۳۸۵ - چهره ماندگار فرهنگ و ادب ایران در پنجمین همایش آن به سال ۱۳۸۴

چگونگی عرضه آثار: آثار میرجلال الدین کزازی به ترتیب زیر است: - تعداد تالیفات: ۲۵ تالیف - تعداد کتب ترجمه شده: ۱۳ ترجمه - تعداد کتب ویرایش و تصحیح شده: ۶ کتاب - تعداد مقالات منتشر شده ک بیش از ۱۰۰ مقاله -----

آثار:

۱ آب و آینه (مجموعه مقاله)

۲ آتالا ورنه

ویژگی اثر: ترجمه اثر شاتو بریان چاپ اول: نشر مرکز - سال ۱۳۶۶ چاپ دوم: نشر مرکز - سال ۱۳۶۷ چاپ سوم: نشر مرکز - سال ۱۳۶۹ چاپ چهارم: نشر مرکز - سال ۱۳۸۰ "آتالا ورنه" در برگزیده دو داستان جداگانه از نویسنده چیره دست و مشهور فرانسوی "شاتو بریان" است. دکتر کزازی در دیباچه مفصل این کتاب، زندگینامه شاتو بریان را بر پایه نوشته های وی، بویژه کتاب "گرانسنگ" یادمانهای آن سوی گور "بررسی کرده و سرچشمه های دو داستان آتالا ورنه را به دست داده است.

۳ آنه آید

ویژگی اثر: ترجمه اثر ویزیل، چاپ اول: نشر مرکز - سال ۱۳۶۹، ترجمه، این کتاب در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «انه آید»: آشنایی با آثار ادبیات کلاسیک جهان به ویژه حماسه های برجسته ملتها مورد علاقه هر دانش پژوهی است، انه آید یکی از بارزترین آثار ادبی جهان است که به زبان لاتین نوشته شده است و مترجم آن را به شیوه زیبا و رسایی به زبان فارسی ترجمه کرده است چاپ سوم: نشر مرکز - سال ۱۳۸۱ "انه آید" اثر ویزیل، حماسه سرای بزرگ لاتین است که برای اولین بار توسط دکتر کزازی به فارسی ترجمه شده است. انه آید، یکی از سه اثر بزرگ پهلوانی در فرهنگ و ادب اروپایی است. دو حماسه دیگر، "ایلیاد" و "اُدیسه" است. انه آید را می توان همچون اُدیسه، دنباله ای بر ایلیاد شمرد. انه "بزرگزاده ای تروایی بوده است که از آتش و خون جان به در برده و در جستجوی سرزمینی نوید داده شده در دریاها و خشکی ها سرگردان شده است.

۴ اُدیسه

ویژگی اثر: چاپ اول: نشر مرکز - سال ۱۳۷۹ چاپ چهارم: نشر مرکز - سال ۱۳۸۳ "اُدیسه" اثر دیگر هومر، یکی دیگر از سه گانه های ادب پهلوانی اروپایی است که توسط دکتر کزازی به فارسی ترجمه شده است.

۵ از دهلی نو تا آتن کهن

ویژگی اثر: این کتاب را نشر نویسنده در سال ۱۳۸۷ چاپ کرده است. کتاب چهار سفرنامه را در دارد که سه از آنها پیشتر در روزنامه ها و ماهنامه های فرهنگی به چاپ رسیده است. این سفر نامه به شیوه کتابهای روزهای کاتالونیاو دیدار با اژدها نوشته شده است.

۶ از گونه ای دیگر

ویژگی اثر: مجموعه مقالات - چاپ اول: نشر مرکز - سال ۱۳۶۸ چاپ دوم: نشر مرکز - سال ۱۳۸۰ از گونه ای دیگر "مجموعه ای فراهم آمده از چهار جستار یا مقاله است که خمگی در زمینه فرهنگ و ادب نوشته شده اند. گفتارهای این دفتر که برخی از آنها برای اولین بار در این اثر به چاپ رسیده اند و بعضی پیش تر در گاهنامه ها نشر شده اند، در چند زمینه پیوسته با هم و جملگی بر زمینه فرهنگ ایرانی و میراث معنوی آن است.

۱۷ ایلیاد

ویژگی اثر: چاپ اول: نشر مرکز - سال ۱۳۷۷ چاپ چهارم: نشر مرکز - سال ۱۳۸۳ ایلیاد "شاهکار" هومر "اثری است که بارها به زبانهای اروپایی ترجمه شده است. پس از ترجمه "انه اید" و استقبال اهل فرهنگ و ادب از این اثر، دکتر کزازی به درخواست دانشوران، دو نامه دیگر پهلوانی در ادب اروپایی، ایلیاد و اودیسه را نیز به همان شیوه به پارسی ترجمه کردند.

۸ بدایع الافکار فی صنایع الاشعار

ویژگی اثر: تصحیح و ویرایش - نشر مرکز - سال ۱۳۶۹ "بدایع الافکار فی صنایع الاشعار" کتابی است از ملاحسین واعظ کاشفی سبزواری، نویسنده و دانشور پرکار ایرانی در سده نهم هجری. این کتاب که در آرایه های سخن نوشته شده است، پرمایه ترین کتاب در دانش "بدیع" است. در دیباچه مفصل کتاب، تاریخچه بدیع نویسی و بدیع سرایی در پهنه ادب پارسی، از نخستین کتاب بدیعی "ترجمان البلاغه" تا واپسین که "مدارج البلاغه" است، توسط دکتر کزازی نوشته و بررسی شده است. در بخش گزارش های کتاب نیز، این کتاب با دیگر کتاب های بدیعی سنجیده شده است.

۹ بهار خسرو

ویژگی اثر: نشر مرکز - سال ۱۳۷۴ "پیترو چیتاتی"، از ایران شناسان دلبسته و علاقمند به تاریخ و فرهنگ ایران است. وی در این اثر بدیع، شاعرانه و دل انگیز، به شیوه ای داستانگونه، نماها و چشم اندازهایی از تاریخ و فرهنگ ایران را بررسی و به زیبایی آرایه کرده است.

۱۰ پارسا و ترسا

ویژگی اثر: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی - سال ۱۳۷۶ "پارسا و ترسا" گزارشی است از داستان شیخ صنعان، عطار. این چامه که از دشوارترین و پیچیده ترین چامه های خاقانی است، توسط دکتر کزازی از سه دیدگاه ویژه واژه شناسی، زیباشناسی و ژرفاشناسی بررسی شده است.

۱۱ پرنیان پندار

ویژگی اثر: سراچه آوا و رنگ (خاقانی شناسی) چاپ اول: انتشارات سمت - سال ۱۳۷۶ چاپ سوم: انتشارات سمت - سال ۱۳۸۵ "سراچه آوا و رنگ" کتابی است که دکتر کزازی آن را در "خاقانی شناسی" نوشته است. در این اثر، دوازده قصیده، یک ترکیب بند، شانزده غزل، نه قطعه و هشت رباعی یا چارانه بررسی و کاویده شده است. در گزارش بیت ها، زمینه ها و دانش های گونه گون چون: واژه شناسی، ریشه شناسی، زبانشناسی سنجی، باورشناسی، نمادشناسی و زیباشناسی به کار گرفته شده اند.

۱۲ پند و پیوند

ویژگی اثر: "پند و پیوند" در حقیقت، جلد دوم کتاب دیرمغان است که در آن، دکتر کزازی به شیوه ای نو به گزارش غزل های حافظ پرداخته است و غزلهای خواجه را بر پایه زیباشناسی و باورشناسی بررسی و گزارش کرده است.

۱۳ ترجمانی و ترزبانی (هنر ترجمه)

ویژگی اثر: نشر جامی - سال ۱۳۷۴ "ترجمانی و ترزبانی" حاصل کند و کاوها، درنگ ها و دیدگاه های دکتر کزازی درباره هنر ترجمه است که در چند جستار فراهم آمده است و در آن شیوه های گونه گون ترجمه مورد بررسی قرار گرفته است.

۱۴ تلماک

ویژگی اثر: ترجمه اثر فنلون-نشر مرکز - سال ۱۳۶۸ جایگاه تلماک، اثر گرانسنگ "فنلون" را در ادب و فرهنگ فرانسه، تنها می توان با "گلستان" سعدی و "قابوسنامه" سنجد و برابر نهاد. سات های بسیار، تلماک را در آموزشگاه های فرانسه همچون گلستان به قصد آموختن ادب و اخلاق و آیین به نوآموزان می آموخته اند و فنلون چون آموزگاری فرزانه، در چهره نمادین "مانتور"، فرزند جوان اولیس، تلماک را اندرز می داده است.

۱۵ تندبادی از کنج (شاهنامه شناسی)

۱۶ توانهای نهانی در آدمی

ویژگی اثر: نشر نی - سال ۱۳۷۲ این کتاب، سومین اثری است که دکتر کزازی در زمینه فرا روانشناسی به زبان فارسی ترجمه کرده است. "کالین و ویلسن" نویسندگان این کتاب، با دیدی سنجد، روانشناسانه و دانشورانه، پدیده های فرا روانشناسی را مورد بررسی و تحقیق قرار داده است.

۱۷ جهان اشباح

ویژگی اثر: ترجمه اثر مرورودین-انتشارات عطایی - سال ۱۳۷۰ "جهان اشباح" کتابی در زمینه فرا روانشناسی است که دو نویسنده "دانیل هامر" و "آلکس رودن" آن را نوشته اند. در این اثر، پدیده های "فرا روانشناسی" به گونه ای گسترده و فراگیر بررسی شده است. جهان اشباح، دومین ترجمه دکتر کزازی در زمینه فرا روانشناسی است.

۱۸ جهان پس از مرگ

ویژگی اثر: چاپ اول: نشر دنیای کتاب - سال ۱۳۶۱ چاپ دوم: نشر دنیای کتاب - سال ۱۳۷۱ "جهان پس از مرگ" اثر نویسنده نامدار انگلیسی "سر آرتور کُنان دوئل" خالق کارآگاه معروف "شرلوک هولمز" است. کنان دوئل در سال های واپسین زندگی، به پدیده روحگرایی دلبستگی یافت و این اثر، رهاورد همان سال هاست. کتاب از دو بخش پژوهش ها و داستان ها پدید آمده است و هر یک از داستان ها بر پایه یکی از آزمون ها و پدیده های روحگرایی نوشته شده است.

۱۹ خاقانی شروانی

ویژگی اثر: این کتاب را دفتر پژوهشهای فرهنگی در مجموعه "از ایران چه می دانم؟" به سال ۱۳۸۷ چاپ کرده است و هشتاد و پنجمین کتاب از این مجموعه است. در این کتاب، نویسنده به شیوه ای نوآیین و در پیکره داستانی دلکش، زندگانی و شعر خاقانی را بسر رسیده است تا خواننده که بیشتر از جوانانند با شور و شراری افزونتر کتاب را بخوانند و با این چامه سرای بزرگ آشنا بشوند.

۲۰ در دریای دری

ویژگی اثر: در بزرگداشت شاعران ایران "در دریای دری" کتابی کم نظیر در ادب پارسی است. این کتاب گزارش دراز آهنگی است از قصیده ای بلند که دکتر کزازی آن را در ۲۷۸ بیت سروده است و چنین آغاز می شود: هر که او را شور معنی گستری است زیب شعرش در دریای دری است در این چامه بلند، سرگذشت شعر پارسی از آغاز تا روزگار ما نموده شده است. علاوه بر آن، زندگینامه، نکات ویژه زندگی و نیز شیوه سخنوری هر شاعر بیان گردیده است. نویسنده در مقدمه گسترده خویش بر این اثر، مطالب جالب و مفیدی در زمینه "چیستی هنر" و "نیز چگونگی آفرینش هنری" آورده است که در جای خود، روزنی به جهان پر رمز و راز هنر است. در دریای دری در سال ۱۳۶۸ به همت نشر مرکز بچاپ رسیده است.

۲۱ داستان مستان

ویژگی اثر: این کتاب را نشر نویسنده در سال ۱۳۸۷ چاپ کرده است. داستان مستان گزیده ای از سروده های میر جلال الدین کزازی است. که در دهه ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ سروده شده اند.

۲۲ دیدار با اژدها

ویژگی اثر: تصحیح و ویرایش - انتشارات نشر قطره ۱۳۸۰- دیدار با اژدها، روزنگار سفر کوتاه دکتر کزازی به چین سرزمین افسانه ای آسیا است. این اثر که از دید شیوه و قالب یکسره با روزهای کاتالونیا همسان و دمساز است، پیوندهای فرهنگی تاریخی ایران و چین مورد بررسی قرار داده است.

۲۳ دیر مغان

ویژگی اثر: دیر مغان (حافظ شناسی) نشر قطره - سال ۱۳۷۵ "دیر مغان" گزارش بیست غزل حافظ است، از آغاز دیوان وی و بر پایه زیباشناسی و باورشناسی. دکتر کزازی در این اثر کوشیده است از نگاهی متفاوت، غزل های خواجه شیراز را بنگرد و آنها را بر پایه زیباشناسی و باورشناسی که دیگر حافظ پژوهان کمتر بدان پرداخته اند، بکاود و برسد. نویسنده وعده کرده است که در آینده، بقیه اشعار حافظ را به همین شیوه مورد کند و کاو قرار دهد.

۲۴ دیوان خاقانی

ویژگی اثر: نشر مرکز - سال ۱۳۷۵ "دیوان خاقانی" ویرایشی نو از دیوان سخن سالار بزرگ شروان است. این ویرایش بر پایه نسخه های چاپی و برخی برنوشته ها، به انجام رسیده است. دکتر کزازی در این ویرایش جدید، تاریکی ها، دشواری ها و بی اندامی های متن را که از ریخت و ضبط نادرست بیت ها مایه گرفته است برطرف کرده و هر جا که نسخه بدل ها "پچینها" ناکارآمد بوده است، به یاری دانش های ادب، چون: واژه شناسی، سبک شناسی، زیباشناسی و جز آن کوشیده است که ریخت و صورت درست به دست داده شود. ویراستار دیوان خاقانی، همه جا در پانوشت، دگرگونیهای رخ داده در متن را با برهان باز نموده است.

۲۵ دیوان میرزا محمد باقر حسینی سپاهانی

ویژگی اثر: نشر مرکز - سال ۱۳۷۶ "دیوان میرزا محمد باقر حسینی سپاهانی" سخنور توانا و کم شناخته سده یازدهم و دوازدهم هجری، بر پایه نسخه ای منحصر به فرد ویراسته شده است. در دیباچه کتاب نیز سبک هندی در شعر فارسی و همچنین سروده های سخنور و پیوند او با دیگر سرایندگان این سبک بررسی و باز نموده شده است.

۲۶ رباعیات خیام

ویژگی اثر: تصحیح و ویرایش-چاپ اول: نشر مرکز - سال ۱۳۷۱ چاپ سوم: نشر مرکز - سال ۱۳۸۴ "رباعیات خیام"، همچون غزلهای سعدی ویرایشی تازه از چارانه های این شاعر و اندیشمند بزرگ ایرانی است که با شیوه ای نو نقادی شده است

۲۷ رخسار صبح

ویژگی اثر: گزارش چامه از خاقانی با دیباچه ای بلند در شناخت او-چاپ اول: نشر مرکز - سال ۱۳۶۸ چاپ سوم: نشر مرکز - سال ۱۳۷۴ "رخسار صبح" کتابی است حجیم و هفتصد صفحه ای در گزارش قصیده ای بلند و دلپسند از خاقانی. به تقریب، نیمی از این کتاب، شامل دیباچه مفصلی است در شرح زندگانی و شیوه شاعری این قصیده سرای بزرگ ایران. دکتر کزازی در این اثر کوشیده است بر پایه سروده ها و نوشته های خاقانی، زندگی وی را بررسی کرده و روشنایی هایی بر بخش های تاریک و ناشناخته زندگی وی بیندازد. دکتر کزازی در این کتاب، همانند کتاب های "سوزن عیسی" و "پارسا و ترسا" کوشیده است تا این چامه بلند خاقانی را بر بنیاد واژه شناسی، زیباشناسی و ژرفاشناسی بررسی کند.

۲۸ روزهای کاتالونیا

۲۹ رویا، حماسه، اسطوره (شاهنامه شناسی)

ویژگی اثر: چاپ اول: نشر مرکز - سال ۱۳۷۲ چاپ سوم: نشر مرکز - سال ۱۳۸۵ "رویا، حماسه، اسطوره" آنچنانکه از عنوان

آن برمی آید، سه قلمرو پر رمز و راز و جاودانه رویا، حماسه و اسطوره را در بر می‌گیرد. این اثر، در حقیقت پایان نامه و تز دکترای نویسنده است که به قول قدما "به زیور طبع آراسته شده است."

۳۰ رویدادهای شهر سنگی

ویژگی اثر: ترجمه اثر اسماعیل کاداره-نشر مرکز - سال ۱۳۷۰ "اسماعیل کاداره" در این اثر داستانی، به شیوه ای دلنشین و شاعرانه، خاطرات دوران کودکی و نوجوانی خویش را به رشته تحریر در آورده است. وی از نویسندگان نامدار آلبانیایی است که اکنون به شهرتی جهانی دست یافته است. یکی از داستانهای او با عنوان "سردار سپاه مرده" به بیش از پانزده زبان دنیا ترجمه شده است. دکتر کزازی با ترجمه این اثر، اسماعیل کاداره را به جامعه فرهنگی ایران شناسانده است.

۳۱ زیبا شناسی

ویژگی اثر: در دو جلد

۳۲ زیبا شناسی سخن (۲) معانی

ویژگی اثر: چاپ اول: نشر مرکز - سال ۱۳۷۰ چاپ ششم: نشر مرکز - سال ۱۳۸۵ "معانی" جلد دوم از مجموعه سه جلدی "زیباشناسی سخن پارسی" است که زبان شکرین و شیوای پارسی را بر پایه این دانش بررسی و کاویده است.

۳۳ زیباشناسی سخن (۳) بدیع

ویژگی اثر: چاپ اول: نشر مرکز - سال ۱۳۷۳ چاپ پنجم: نشر مرکز - سال ۱۳۸۵ "بدیع" سومین جلد از مجموعه "زیباشناسی سخن پارسی" است. جلدهای اول و دوم این مجموعه عهده دار بررسی دو دانش دیگر زیباشناسی ادب پارسی، یعنی "بیان" و "معانی" هستند.

۳۴ زیباشناسی سخن پارسی -۱- بیان

ویژگی اثر: جلد اول - بیان (زیباشناسی سخن پارسی) چاپ اول: نشر مرکز - سال ۱۳۶۸ چاپ هفتم: نشر مرکز - سال ۱۳۸۵ این کتاب نخستین جلد از دوره سه جلدی "زیباشناسی سخن پارسی" است که در موضوع دانش بیان نوشته شده است. دکتر کزازی این اثر را به شیوه کتاب های آموزشی برای دانشجویان دانشگاه ارایه کرده است.

۳۵ سراچه آوا و رنگ

ویژگی اثر: سراچه آوا و رنگ (خاقانی شناسی) چاپ اول: انتشارات سمت - سال ۱۳۷۶ چاپ سوم: انتشارات سمت - سال ۱۳۸۵ "سراچه آوا و رنگ" کتابی است که دکتر کزازی آن را در "خاقانی شناسی" نوشته است. در این اثر، دوازده قصیده، یک ترکیب بند، شانزده غزل، نه قطعه و هشت رباعی یا چارانه بررسی و کاویده شده است. در گزارش بیت ها، زمینه ها و دانش های گونه گون چون: واژه شناسی، ریشه شناسی، زبانشناسی سنجی، باورشناسی، نمادشناسی و زیباشناسی به کار گرفته شده اند.

۳۶ سه داستان

ویژگی اثر: ترجمه اثر گوستاو فلوبر-نشر مرکز - سال ۱۳۶۷ "گوستاو فلوبر" نویسنده بلند آوازه و آفریننده آثار برجسته ای چون: "مادام بواری" و "سالامبو" است. فلوبر، این اثر را در سال های پایانی زندگانی خود نوشت. سال هایی که نویسنده را در تلخکامی و اندوهی ژرف فرو برده بود. کتاب شامل سه داستان "ساده دل"، "افسانه ژولین، تیمارگر پاک" و "هرودیا" است.

۳۷ سوزن عیسی

ویژگی اثر: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی - سال ۱۳۷۶ "سوزن عیسی" گزارشی است از چامه ترسایی خاقانی که از پیچیده ترین و دیرپاب ترین چامه های اوست. در این کتاب دکتر کزازی، قصیده بلند ترسایی را چونان "رخسار صبح" در سه بخش واژه شناسی، زیبا شناسی و ژرفا شناسی بررسی کرده است و هر گاه نیازی نبوده که بیت ها را از آن سه دیدگاه برسد، تنها از دو دید

نخستین کاوبده است.

۳۸ سیلوی

ویژگی اثر: ترجمه آثار ژرار دو نروال-نشر مرکز - سال ۱۳۷۰ "سیلوی" داستانی نه چندان بلند از "ژرار دونروال" است. وی از نویسندگان سخنور و نامدار فرانسوی در سده نوزدهم بوده است. ژرار دونروال چونان شوریده سرانی که زندگی را به سودای یافتن آنچه یافت نمی شود، سیر کرده اند، سراسر زندگانی را در پی نازنینی گشت که هرگز در عالم خاکی به دست نمی آید. از اینرو، به دنبال آنچه در عالم واقع به دست نمی آمد و در دسترس نبود، به خواب و رویا پناه برد و سر در پی این سودا نهاد و در رویا گم شد.

۳۹ غزل های سعدی

ویژگی اثر: تصحیح و ویرایش - چاپ اول: نشر مرکز - سال ۱۳۷۱ چاپ سوم: نشر مرکز - سال ۱۳۸۴ "غزلهای سعدی" ویرایشی تازه از غزلهای شاعر و سخنور توانا و نامی ایران است که بر پایه نسخه های چاپی، به شیوه ای سخن سنجانه و دانشورانه، توسط دکتر کزازی انجام گرفته است.

۴۰ گزارش دشواریهای دیوان خاقانی

۴۱ گزیده ای از سروده های شیخ الرئیس قاجار

ویژگی اثر: تصحیح و ویرایش-نشر مرکز - سال ۱۳۶۹ "شیخ الرئیس قاجار" از نوادگان فتحعلیشاه قاجار، شاهزاده ای دانش دوست و سخنور بود که به کسوت روحانیت و درویشی درآمد. دکتر کزازی کتاب حاضر را بر پایه چاپ سنگی "منتخب نفیس از آثار شیخ الرئیس"، طبع شده در سال ۱۳۱۲ هجری ویراسته است و در مقدمه کتاب، زندگی و آثار وی را بررسی و شرح کرده است.

۴۲ مازهای راز

ویژگی اثر: چاپ اول: نشر مرکز - سال ۱۳۷۰ چاپ دوم: نشر مرکز - سال ۱۳۸۰ "مازهای راز" جستارهایی است در شاهنامه فردوسی و در برگزیده شش مقاله درباره شاهنامه است. نخستین جستار، نمادشناسی اسطوره در داستان ضحاک است که به همایش جهانی بزرگداشت فردوسی که در دی ماه ۱۳۶۹ در تهران برگزار شد، پیشکش شده است.

۴۳ نامه باستان

ویژگی اثر: انتشارات سمت در سال ۱۳۷۹-نامه باستان ویرایش و گزارشی است که از شاهنامه فردوسی که نخستین جلد آن در سال ۱۳۷۹ منتشر شده. این جلد از اثر، آغاز شاهنامه تا پایان زال و پادشاهی منوچهر را در بر میگیرد. نامه باستان بر پایه بر نوشته فلورانس و چاپ مسکروژول مول و خالقی و مطلق انجام گرفته است.

۴۴ نامه باستان در هشت جلد

ویژگی اثر: این کتاب را سازمان سمت در سال ۱۳۸۷ چاپ کرده است و هشتمین جلد از زنجیره ای است از کتاب در ویرایش و گزارش شاهنامه فردوسی با نام نامه باستان.

زندان گینامه

منابع

۵: www.ketabesal.ir ۴: http://www.kazzazi.com ۳: http://parsisaray.blogfa.com ۲: http://persianblog.ir

پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر میر جلال الدین کزازی بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی - بهار ۱۳۸۶ سید محمد باقر برقی، سخنوران نامی معاصر ایران، ج ۳، ص ۱۶۵۰

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۴۵ ق)، محدث، فقیه و صوفی. وی ساکن مصر بود. از احمد بن عبدان شیرازی در اهواز و از نصر بن احمد مرجی در موصل و از عبدالوهاب کلابی در دمشق و از ابوالفتح محمد بن احمد نحوی در رمله و از منیر بن عطیة در قیساریه و از ضراب در مصر حدیث شنید. عبدالمحسن شیخی و سهل بن بشر اسفراینی و ابو عبدالله رازی، صاحب «سداسیات» از وی حدیث روایت کرده‌اند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۶۵۳-۶۵۲/۱۷).

کسائی، ابوالحسن علی بن حمزه بن عبدالله بن بهمن بن فیروز اسدی فارسی

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۸۹ ق)، قاری، ادیب، لغوی و نحوی. یکی از قراء سبعة است. اصلش از ایران بود که در یکی از روستاهای کوفه به دنیا آمد و در بغداد سکنی گزید. وی در تلاوت مدتی شاگرد حمزه یکی دیگر از قراء سبعة بود و موافق حمزه قرائت می‌کرد، ولی عاقبت قرائت مخصوصی اتخاذ نمود. حفص و ابو عمر دوری از راویان مشهور قرائت او هستند. جمعی دیگر نیز همچون نصیر رازی و قتیبة بن مهران اصفهانی و احمد بن ابی سربج و عیسی بن سلیمان شیزری و ابو حمدون طیب نیز قرائت او را روایت کرده‌اند. کسائی از شاگردان امام جعفر صادق (ع) شمرده شده و از اعمش و سلیمان بن ارقم و سفیان بن عیینه و ابوبکر بن عیاش حدیث روایت کرده است. او در ادبیات و نحو و لغت نیز از پیشگامان عراق بود. نحو را از معاذ هراء و یونس نحوی و خلیل بن احمد عروضی فراگرفت. فراء و ابو عبید قاسم بن سلام و جمعی دیگر از شاگردان او به حساب می‌آیند. شافعی گوید که هر که خواهد در نحو متبحر شود پس باید که بر سفره‌ی کسائی نشیند. هارون الرشید احترام ویژه‌ای برای او قائل بود و دو پسرش امین و مأمون را به دست وی سپرد تا ادب آموزند. با هارون الرشید به ایران آمد و در ری در قریه‌ی ارنبویه در گذشت. در سال مرگ وی اختلاف است و سالهای ۱۹۳، ۱۸۵، ۱۸۳، ۱۸۲، ۱۸۰ و ۱۹۷ ق به عنوان سال وفات ذکر شده است. از آثارش: «معانی القرآن»، «القرآت»، «النوادر» کبیر، اوسط و اصغر؛ مختصری در نحو؛ «المصادر»؛ «الوقف و الابتداء فی القرآن»؛ «متشابه القرآن»؛ «مقطوع القرآن و موصوله»؛ «الحروف»؛ «العدد»؛ «اختلاف العدد»؛ «الهجاء»؛ «اشعار المعایات و طرائقها»؛ «الهاآت المکنی بها فی القرآن»؛ «لحن العامه»؛ «نسب رسول الله (ص)».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۹۴-۹۳/۵)، اعلام بوفیات الاعلام (۱/۱۲۲)، اعیان الشیعه (۲۳۴-۲۳۳/۸)، ایضاح المکنون (۳۵۰، ۳۴۵، ۳۳۶، ۳۳۲، ۳۲۲، ۳۱۳، ۲/۲۸۹، ۱/۴۸، ۱/۱۲۶، ۱/۶۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۶، ۱/۶۸)، تاریخ بغداد (۴۱۵-۴۰۳/۱۱)، تهذیب التهذیب (۷/۲۶۷)، دایرة المعارف فارسی (۲/۲۲۱۹)، الذریعه (۲۴/۱۳۹، ۱۹/۱۵)، روضات الجنات (۱۸۹-۱۸۶/۵)، ری باستان (۲/۴۱۹)، ۴۳۹-۴۳۸/۱)، ریحانه (۵۶-۵۲/۵)، سیر النبلاء (۱۳۴-۱۳۱/۹)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (۱۱۲-۱۱۱، ۶۴، ۶۰، ۵۳-۵۲)، کشف الظنون (۱۷۳۰)، الکنی و الالقاب (۱۱۳-۱۱۲/۳)، لغت‌نامه (ذیل/علی، کسائی)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۱۸۹)، معجم

الادباء (۲۰۳-۱۶۷/۱۳)، معجم المؤلفین (۷/۸۴)، وقایع السنین و الاعوام (۱۵۳)، هدیة العارفين (۱/۶۶۸)، هفت اقلیم (۱/۱۱۴).

کسائی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی کسائی

محل تولد: رشت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای سید علی کسائی در سال ۱۳۴۱ هجری شمسی در خانواده ای پاک، با صفا، متدین و کاملاً آگاه به مسائل مذهبی در رشت دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شد. از نخستین روزهای ورود به حوزه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از محضر درس اساتیدی همچون: «آیت الله باقری کنی»، «آیت الله سید حسن مصطفوی» و دیگر اساتید بهره ها برد.

وی در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در مقطع کارشناسی ارشد در رشته معارف اسلامی و علوم سیاسی از دانشگاه امام صادق علیه السلام در سال ۱۳۶۹ فارغ التحصیل شد و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان «جنگ تحمیلی» دفاع کرد و سالهای متمادی است که در مدرسه عالی سوره، و دیگر دانشگاهها به تدریس مشغول می باشد. ایشان در طول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نمانده است و در کتابخانه ملی تهران مشغول تحقیق و پژوهش می باشد و آثار متعددی از جمله: «کتابخانه های ملی جهان»، «نسخه های خطی و اسلامی در جهان»، «تاریخ اوقاف در جهان» و ... را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

کسروی اصفهانی، ابوحسین علی

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سوم ق)، حافظ، فقیه شافعی، ادیب، نحوی و شاعر. اصل وی از اصفهان و ساکن بغداد بود. معلم هارون، فرزند ابوالحسن علی بن یحیی بن ندیم، بود. او سپس به ابی النجم بدر معتضدی والی اصفهان، در زمان معتضد عباسی، پیوست. وی راوی شعر و تاریخ و سیر، و بر کتاب «العین» خلیل بن احمد مسلط بود. بین کسروی و ابن المعتز عبدالله نامه نگاری و مراجعات بسیار بوده است و اشعار زیادی را سروده به هم ارسال می کردند. کسروی در عهد خلافت معتضد (۲۸۹-۲۷۹ ق) از دنیا رفت. سال مرگ وی در

«کشف الظنون» و «هدیه العارفين»، ۳۳۰ ق ذکر شده است. از آثارش: «الخصال»، مجموعه‌ای از اشعار و حکم و امثال؛ «الاعیاد و النواریز»؛ «تأویل الاحادیث المشکلات الواردة فی الصفات»؛ «مراسلات الاخوان و محاورات الخلان»، که در «هدیه العارفين»، «مجاوبات الخلان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۲/۴۶۳، ۱/۲۲۰)، ریحانه (۵/۵۸)، الفهرست لابن الندیم (۲۱۴)، کشف الظنون (۱۳۹۴، ۷۰۵)، لغت نامه (ذیل/ علی کسروی)، معجم الادباء (۹۶-۸۸/۱۵)، معجم المؤلفین (۷/۲۴۷)، هدیه العارفين (۱/۶۷۸).

کسروی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۶۹-مقتول ۱۳۲۴ ش)، مورخ، ادیب، نویسنده و استاد دانشگاه. وی در خانواده‌ای روحانی در تبریز به دنیا آمد. مقدمات علوم و ادبیات عرب را در مدارس قدیم و زبان انگلیسی را در مدرسه‌ی آمریکایی تبریز فراگرفت. وی بعدها در همان مدرسه به تدریس پرداخت، و در آنجا با مبلغان مسیحی، در دفاع از اسلام، مباحثات می‌کرد. بعد از اعضاء حزب دمکرات شد و به تهران تبعید گردید. او مدتی به کار در دادگستری پرداخت و مناصبی را نیز عهده‌دار بود. از ۱۳۱۲ تا ۱۳۲۰ ش به نشر روزنامه‌ی «پرچم» پرداخت. در دانشکده‌ی الهیات نیز به تدریس تاریخ اشتغال داشت ولی به سبب بدگویی‌هایی که از شعر و شاعری و عرفان و ادب ایرانی کرده بود با استادی او موافقت نشد. وی با زبان پهلوی و ارمنی و فرانسه آشنایی داشت. کسروی در زمینه‌های مختلف ادب، تاریخ، اجتماع، اقتصاد و مذهب عقاید مخصوص به خود داشت. آنچه او در باب نقد ادبی و بررسی شعر شاعران ایرانی و به خصوص ادب و شعر صوفیه، به ویژه حافظ و مولوی، نوشته از نوعی خشکی طبع و عدم آگاهی از جوهر هنر و زیبایی‌های آثار ادبی سرچشمه گرفته است و بر روی هم دیدگاه نقد او با اینکه دیدگاهی اجتماعی است، اما در مجموع نماینده‌ی ضعف تشخیص او در شناخت آثار ادبی است. آرای او در نقد مذهب شیعه مسایلی بود که پیش از وی بر قلم بعضی از نویسندگان اهل سنت جاری شده بود و علمای شیعه نیز پاسخ آنها را داده بودند اما او با زبانی که از بی‌نزاکتی و هتاک‌ی خالی نبود همان انتقادات را رواج داد. وی عضویت انجمن آسیایی همایونی و انجمن جغرافیایی آسیایی و عضویت آکادمی آمریکا را داشت. کسروی یکی از پرکارترین نویسندگان دوره‌ی اخیر است که متجاوز از هفتاد کتاب و رساله، علاوه بر مقالات بسیار، از وی منتشر شده است. او سرانجام در یکی از محاکم وزارت دادگستری به وسیله‌ی گروهی از فداییان اسلام به قتل رسید. از آثار او در زمینه‌ی تاریخ: «تاریخ مشروطه‌ی ایران»؛ «تاریخ هیجده ساله‌ی آذربایجان»؛ «تاریخ پانصد ساله‌ی خوزستان»؛ «شیخ صفی و تبارش»؛ «شهریاران گمنام»؛ «تاریخچه‌ی شیر و خورشید»؛ «تاریخچه‌ی چق و قلیان»؛ «نادر شاه». در زمینه‌ی مذهب: «آیین کژی»؛ «ورجواند بنیاد»؛ «در پیرامون اسلام»؛ «در پیرامون روان»؛ «صوفیگری». در زمینه‌ی مسایل سیاسی و اجتماعی: «کار و پیشه و پول»؛ «در راه سیاست»؛ «فرهنگ چیست؟»؛ «افسران ما». در زمینه‌ی مسایل مربوط به زبان شناسی و دستور: «آذری یا زبان باستان آذربایگان»؛ «زبان پاک»، دستور زبان؛ «زبان فارسی»؛ «نامهای شهرها و دیه‌های ایران». زمینه‌ی نقد ادبی و مباحث هنری: «حافظ چه می‌گوید»؛ «در پیرامون ادبیات»؛ «در پیرامون شعر و شاعری».[۱]

(بخش ۱) (سید) احمد بن (حاجی میر) قاسم، دانشمند، مورخ، زبان‌شناس و اصلاح‌طلب ایرانی (و. تبریز ۱۲۶۹-مقت. تهران ۱۳۲۴ ه.ش). تا چند پشت وی اهل علم و مورد توجه مردم تبریز بوده‌اند. کسروی در رشته‌های تاریخ، لغت، زبان و دین تحقیق کرده و

طرفدار جدی اصلاح و تصفیه‌ی مذهبی و مخالف سرسخت تصوف و عرفان بود. وی طرفدار جدی ملیت ایرانی بود و از به کار بردن لغات عربی دوری می‌جست و در برابر آنها لغات و اصطلاحات و ترکیباتی از ریشه فارسی ساخته بود و خود آنها را به کار می‌برد. کسروی مردی رک گو و مبارز و در عقاید خود استوار بود. روزنامه‌ای به نام «پرچم» و مجله‌ای به نام «پیمان» منتشر می‌کرد که ناشر عقاید وی بودند. کسروی در روز دوشنبه‌ی بیستم اسفند ماه ۱۳۲۴ ه.ش به وسیله‌ی خنجر و اسلحه‌ی کمری به دست برادران امامی - از فدائیان اسلام - به قتل رسید. تألیفات کسروی از ۷۰ جلد متجاوز است که اهم آنها از این قرار است: «تاریخ مشروطه‌ی ایران»، «تاریخ هیجده ساله‌ی آذربایجان»، «شهر یاران گمنام»، «تاریخ پانصد ساله‌ی خوزستان»، «تاریخچه‌ی شیر و خورشید»، «شیخ صفی و تبارش»، «نامهای شهرها و دههای ایران»، «قانون دادگری»، «زبان پاک» «تاریخچه‌ی چیق و غلیان»، «مشعشعیان»، «ترجمه‌ی کارنامک اردشیر بابکان»، «ترجمه‌ی (تلخیص) پلوتارخ»، «زبان آذری»، «پیدایش آمریکا»، «ده سال در عدلیه»، «صوفی‌گری».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: [۱] ادبیات نوین (۲۷۴، ۲۷۲)، از نیما تا روزگار ما (۱۰۲ - ۹۰)، تاریخ انقلاب مشروطیت (۸ - ۷ / ۱)، تاریخ برگزیدگان (۳۴۹ - ۳۴۱)، تاریخ جراید (۹۷ - ۹۳ / ۲)، چون سبوی تشنه (۲۳۱)، دایرة‌المعارف فارسی (۲۲۲۰ / ۲)، الذریعه (۱۹، ۳ / ۲۴، ۲۶۶ - ۲۶۵، ۱۴ / ۲۶۱، ۱۴ / ۳۳، ۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۷۳ - ۲۶۵ / ۵)، شرح حال رجال (۲۲ - ۲۱ / ۵)، شخصیت‌های نامی (۴۰۶ - ۴۰۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۵۵، ۳۴۵۴، ۳۳۵۴، ۳۲۴۰، ۳۲۱۶، ۳۰۱۸، ۲۷۳۵، ۲۷۳۳، ۲۵۹۱، ۲۵۸۷، ۲۵۸۴، ۲۴۲۴، ۲۴۱۵، ۲۲۳۳، ۲۱۹۳، ۲۱۸۶، ۲۱۸۴، ۲۰۶۴، ۱۹۷۹، ۱۸۵۶، ۱۸۲۲، ۱۸۲۱، ۱۶۲۸ / ۲، ۱۴۸۵، ۱۳۸۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۵، ۱۳۷۴، ۱۳۵۹، ۱۳۴۵، ۱۳۱۹، ۱۲۹۶، ۱۲۵۰، ۱۲۴۹ - ۱۱۸۱، ۱۱۷۳، ۱۱۴۵، ۱۱۳۴، ۱۱۱۶، ۱۰۵۰، ۹۷۱، ۷۶۹ - ۷۶۸، ۷۵۱، ۶۹۷، ۶۹۶، ۶۸۱، ۶۳۶، ۶۳۳، ۶۲۲، ۶۱۴، ۵۹۴، ۵۸۳، ۵۸۲، ۵۴۵، ۵۲۹، ۴۷۰، ۴۶۶، ۳۷۸، ۳۳۵، ۲۹۷، ۱۷۲، ۸۵، ۷۷، ۲۹ / ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۹۴)، لغت‌نامه (ذیل / احمد، کسروی)، مؤلفین کتب چاپی (۴۴۶ - ۴۳۷ / ۱)، یادداشت‌های قزوینی (۲۲۶ / ۸).

کسمایی، علی اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۲ - ۱۲۹۹ ش)، مترجم، نویسنده و روزنامه‌نگار. وی در تهران به دنیا آمد. پس از گذراندن دوره‌ی مقدماتی، تحصیلات خود را در رشته‌ی معقول و منقول ادامه داد. پس از کسب لیسانس، برای ادامه تحصیل در رشته‌ی روزنامه‌نگاری، به مصر رفت و در این فرصت توانست در زبان عربی تبحر یابد. نویسندگی را با کار در روزنامه‌ی «امید» آغاز کرد. وی در شمار قدیمی‌ترین روزنامه‌نگاران و مدتی سردبیر مجلات «صبا» و «وحید» بود و سرانجام به همکاری با روزنامه‌ی «اطلاعات» پرداخت و فعالیتی نزدیک به پنجاه سال با این روزنامه داشت. کسمایی به زبان‌های فرانسوی، انگلیسی و عربی مسلط بود و علاوه بر تألیفاتش تعدادی کتاب نیز ترجمه کرده است. وی سرانجام در هفتاد و سه سالگی در گذشت. از آثارش: «عشق بزرگان»، ترجمه و تألیف؛ «بالتازار»، ترجمه؛ «خدایان عشق اشک می‌ریزند»، ترجمه؛ «دنبال زن»، ترجمه از عربی؛ «روانشناسی در خدمت بشر»، ترجمه؛ «گل‌های وحشی»، ترجمه؛ «مرد خون آشام»، ترجمه؛ «احوال و آثار فرانکلین»؛ «از چند نویسنده‌ی بزرگ دنیا»؛ «پریچهرگان تاریخ»؛ «جهنم دره»؛ «علل شکست آلمان، جاسوس انگلیسی»؛ «قرن دیوانه»، بحران تمدن فرهنگ و نادانی‌های دوران دانش. [۱]

مترجمه، نویسنده، روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۲۹۹، تهران.

درگذشت: ۱۶ بهمن ۱۳۷۲.

علی اکبر کسمایی پس از گذراندن دوره‌ی مقدماتی و کسب مدارک لیسانس در رشته‌ی ادبیات، تحصیلات خود را در رشته‌ی معقول و منقول پی گرفت.

خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۱۶ با مؤسسه‌ی «اطلاعات» آغاز کرد. مدتی نیز نمایندگی و نویسندگی روزنامه‌ی «اطلاعات» را در مصر بر عهده گرفت. کسمایی از پایه‌گذاران مجله‌ی «اطلاعات هفتگی» بود و طی خدمت مطبوعاتی خود با روزنامه‌ها و مجلات (و از جمله «جوانان») به عنوان نویسنده و منتقد همکاری داشت. مدتی سردبیری روزنامه‌ی «امید» و زمانی نیز سردبیری مجلات «صبا» و «وحید» را به عهده داشت. مدت‌ها نیز برنامه‌های مختلف رادیو ایران، از جمله «برنامه جوانان» را اداره می‌کرد. در ترجمه هم دستی داشت. علاوه بر آن چندی رییس اداره‌ی انتشارات هواپیمایی ملی و پس از آن رایزن مطبوعاتی ایران در قاهره بود. در سال ۱۳۲۲ به سبب تألیف کتاب آئین کامیابی به عنوان بهترین کتاب سال به دریافت جایزه‌ی سلطنتی نایل آمده است. از دیگر تألیفات کسمایی می‌توان از جهنم دره؛ قرن دیوانه؛ عشق بزرگان؛ گل‌های وحشی؛ روان‌شناسی در خدمت بشر؛ و نیشخندهای آناتول فرانس (ترجمه) نام برد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] ادبیات نوین (۱۵۰، ۱۴۲، ۱۴۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۷۵، ۳۳۴۰، ۳۳۱۶، ۲۹۸۸، ۲۷۶۸، ۲۶۹۳، ۲۵۳۰، ۲۳۳۱، ۲۳۰۵، ۲۱۹۳-۲۱۹۲، ۲/۱۷۶۰، ۱۴۵۶، ۱۲۵۳، ۱۰۹۰، ۶۰۳، ۴۴۷، ۱۶۹، ۱۲۵، ۱/۸۵)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۹۴)، کلک (س ۵، ش ۵۱ و ۵۲، ص ۲۶۱)، کیهان فرهنگی (س ۱۰، ش ۱۱، ص ۶۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۳۷-۵۳۵/۴).

کشانی سمرقندی، ابوعلی اسماعیل

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۹۲ / ۳۹۱ ق)، مسند و محدث. نسبتش به کشان از نواحی سمرقند می‌رسد، و چون از نوادگان حاجب بن نعمان دهقان است به حاجبی نیز مشهور است. وی «صحیح» بخاری را از ابو عبدالله محمد بن یوسف فربری روایت کرده است. زمانی که هیچ کس دیگری از راویان صحیح، از فربری، زنده نبود. مردم از دور و نزدیک نزد وی می‌آمدند تا از او استماع حدیث کنند. کشانی همچنین از ابونعیم عبدالملک استرآبادی حدیث شنید. ابوالعباس مستغفری و ابو عبدالله حسین بن محمد خلال و ابوسهل احمد بن علی ابیوردی و ابوطاهر محمد بن علی شجاعی و ابو عبدالله غنجار و عمر بن احمد بن شاهین سمرقندی و دیگران از وی روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۷۳/۵، ۱۵۰-۲/۱۴۹)، سیر النبلاء (۱۶/۴۸۱)، شذرات الذهب (۳/۱۳۹)، العبر (۲/۱۸۲)، معجم البلدان (۴/۵۲۴).

کشاورز دهنو، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: علوم تغذیه، دانشکده: بهداشت، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی علوم زیستی، کارشناسی ارشد تغذیه، دکترای تغذیه و بیوشیمی کاربردی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام دو پروژه بزرگ تحقیقاتی پنج ساله و دو ساله در زمینه بهداشت و تغذیه، متخصص در توکسپولوژی مواد غذایی (تحقیقات

تز کارشناسی ارشد)، بررسی نقش میکرواورگانسمی در سنتزئیزوز آمینها در مواد غذایی (تز دکتر)، راهنمایی مشاوره و نظارت بر

۱۷ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

ترجمه کتاب تغذیه و بهداشت عمومی از دیدگاه اپیدمیولوژی و سیاست‌های پیشگیری.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۶، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

سرطان زدائی مواد غذایی، تغییرات مواد مغذی در مجروحان شیمیائی (ویتامین ث و روی)، بررسی‌های بهداشتی و تغذیه‌ای، تغذیه

مادران حامله و شیرده.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

کشاورز صدر، محمد علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۳ - ۱۲۸۱ ش)، حقوقدان، ادیب و نویسنده. در محلات به دنیا آمد پس از اتمام تحصیلات وارد دادگستری و شغل قضاوت شد.

وی در دوره‌های پانزدهم و شانزدهم نماینده‌ی خرم‌آباد در مجلس شورای ملی بود و از اواخر ۱۳۲۹ ش به همکاری با دکتر مصدق

پرداخت و از زمره‌ی یازده نماینده‌ای بود که طرح ماده‌ی واحده‌ی ملی کردن نفت را به مجلس پیشنهاد کردند. او همچنین مدتی

استانداری تهران و گیلان و اصفهان را به عهده داشت. سرانجام در تهران بر اثر حمله‌ی قلبی درگذشت. از آثارش: «از رابعه تا

پروین؛ «مکتب سعدی»؛ «عقاب کامازان یا کریم خان زند»، از مرگ نادر... تا شکست علیمردان خان؛ «آیین و رویه دادرسی مدنی»؛ «آیین و رویه دادرسی کیفری»؛ «وزیران محبوس و مقتول».[۱]

در ۱۲۸۱ ش متولد شد. پدرش آقا سید محمد کوچک در دستگاه امیر مفخم بختیاری، سمت پیشکاری داشت. سید محمد علی تحصیلات خود را در حد مدرسی انجام داد و از مدرسه عالی حقوق لیسانس گرفت و به خدمت قضاوت مشغول شد. تمام مراحل قضائی را طی کرد. مدت‌ها دادستان و رئیس دادگستری در شهرستان‌ها بود. در ۱۳۲۵ مدیر کل بازرسی وزارت دادگستری شد. در دوره‌ی پانزدهم از خرم‌آباد به وکالت مجلس رسید و در دوره‌ی شانزدهم این سمت را حفظ کرد. در دوره‌ی اخیر ابتدا از حکومت رزم‌آرا طرفداری می‌نمود، بعد به دکتر مصدق نزدیک شد و عضویت جبهه ملی را پذیرفت ولی با تمام این احوال، در دوره‌ی هفدهم به مجلس راه پیدا نکرد و در عوض، دکتر مصدق او را به کار اجرائی گمارد. ابتدا استانداری گیلان را به او دادند، سپس استانداری اصفهان به او واگذار شد. در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در اصفهان بود، مورد تعرض عده‌ای قرار گرفت. چون جانش در خطر بود در منزل دکتر حکمی چند روز به حالت اختفا می‌زیست، سرانجام دستگیر شد. مدتی در زندان بود تا آزادش کردند. تدریجا به شغل وکالت دادگستری اشتغال ورزید و در جبهه ملی هم فعالیت می‌کرد. در کار وکالت با هدایت الله متین دفتری نوهی دختری مصدق همکاری داشت و چون هم فکر سیاسی هم بودند، دست به اقداماتی زدند که مورد تعقیب قرار گرفته و مدتی در بازداشت بسر برد. وفات او در ۱۳۵۵ اتفاق افتاد. کتابی از وی به نام از رابعه تا پروین که شرح حال زنان شاعره است، و کتاب عقاب کامازون و چند تألیف دیگر باقی مانده است. چند ماهی نیز در فترت مجلس پانزدهم و شانزدهم از طرف ساعد نخست‌وزیر وقت، رئیس اداره کل انتشارات و تبلیغات شد.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/۲۳۲۱، ۵۳۴، ۱۷۱، ۱/۸۸)، کیان (س ۶، ش ۳، ص ۵۶-۵۵)، مؤلفین کتب چاپی (۵/۷۷).

کشاورز، فریدون

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۶ ش)، پزشک، استاد دانشگاه، روزنامه نگار و نویسنده. در انزلی به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در رشت و دوره‌ی متوسطه را در دارالفنون به پایان برد. سپس برای تکمیل تحصیلات خود به فرانسه عزیمت نمود و از دانشکده‌ی پزشکی پاریس موفق به اخذ درجه‌ی دکترای، در طب کودکان شد و پس از چندی معاونت بیمارستان اطفال را در پاریس بر عهده گرفت. سپس به ایران آمد و به سمت دانشیاری دانشکده‌ی پزشکی تهران منصوب شد و بعد از پنج سال به استادی دانشکده‌ی پزشکی رسید. وی در دوره‌ی چهاردهم مجلس، از طرف مردم بندر انزلی، نماینده مجلس و عضو فراکسیون حزب توده بود. در ۱۳۲۴ ش برای شرکت در جشن بیست ساله‌ی تأسیس دانشگاه آسیای میانه به تاشکند مسافرت کرد. وی مدیر روزنامه‌ی «رزم» بود و همچنین در ۱۳۲۵ ش به وزارت فرهنگ منصوب شد. از آثارش: «آداب پرورش کودکان»؛ «دانستنیهای کودکان»، راهنمای پدران و مادران برای تربیت اخلاقی کودکان.[۱]

در ۱۲۸۶ ش در گیلان تولد یافت. پدرش وکیل‌التجار گیلانی حرفه‌ی تجارت داشت و دو دوره هم به وکالت مجلس رسیده بود. کشاورز پس از اخذ دیپلم به اروپا رفت و در رشته‌ی پزشکی در پاریس ادامه تحصیل داد و تخصص خود را در زمینه‌ی کودکان

دریافت نمود. پس از مراجعت به ایران به دانشکده پزشکی دعوت شد و مقام دانشیاری گرفت و در چند بیمارستان نیز ریاست بخش اطفال با او بود. وی به علت علاقه‌ی شدید به فن خود و مطالعات زیاد، در تهران فوق‌العاده مورد توجه واقع شد و همه روزه مطب وی پر از بیمار بود. واقعا در علم پزشکی اعجاز می‌کرد و پزشک دربار هم بود. در نیمه دوم ۱۳۲۰ که حزب توده بنیاد گرفت، دکتر فریدون کشاورز به آن حزب پیوست و یکی از فعالین درجه اول حزب مزبور گردید. امتیاز روزنامه‌ای به نام رزم گرفت که گاهی یومیه و زمانی به صورت هفتگی انتشار می‌یافت که افکار و عقاید و فعالیت‌های حزب توده در آن منعکس می‌شد. در دوره‌ی چهاردهم از طرف حزب توده کاندیدای نمایندگی مجلس شد و از بندر انزلی به وکالت مجلس رسید. در سال ۱۳۲۵ در کابینه‌ی ائتلافی قوام‌السلطنه به وزارت فرهنگ معرفی گردید و چند ماهی که در رأس آن وزارتخانه قرار داشت، تمام مشاغل وزارتخانه را به افراد حزب توده واگذار نمود. پس از ۱۳۲۷ که حزب توده غیرقانونی اعلام گردید، وی توقیف و به زندان رفت و محکومیت یافت و سرانجام در ۱۳۲۹ از زندان فرار کرد. کشاورز چند سال پس از فرار خود از حزب توده کناره گرفت و حتی در مقام منازعه با آنها درآمد و افشاگری کرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: ادبیات نوین (۲۸۷-۲۸۶)، الذریعه (۸/۴۴)، روز شمار تاریخ (۲/۱۹۳، ۳۰۲، ۲۸۰، ۲۷۹، ۱/۲۷۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۳۴۷، ۱/۲۳)، کتاب گیلان (۳/۵۹۷، ۱/۶۷۴)، من متهم می‌کنم (مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۷-۸۳۶/۴)، وزیران علوم و معارف و فرهنگ (۴۰۲-۴۰۱).

کشاورز، کریم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۵-۱۲۷۹ ش)، نویسنده، محقق و مترجم. در رشت به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش در مدرسه‌ی کشاورزی و سپس در مدرسه‌ی آلیانس فرانسه در تهران به پایان برد. وی در نوجوانی برای روزنامه‌ها و مجلات رشت مقاله می‌نوشت. کشاورز مدتی با کنسول‌گری روس در رشت همکاری داشت و زبان روسی را همان‌جا آموخت. او علاوه بر زبان‌های ترکی، روسی و فرانسه با زبان‌های انگلیسی و عربی نیز آشنا بود. وی مدتی معلم زبان فارسی در مدرسه‌ی مبلغین آمریکایی رشت بود. از اقدامات فرهنگی او تأسیس انجمن فرهنگی در رشت بود. وی پس از چندی به تهران آمد و در کنگره‌ی نویسندگان سمت منشی داشت و در همان‌جا با دهخدا و بهار و نیما یوشیج آشنا شد. او بیش از هفتاد سال از عمرش را به تألیف و ترجمه گذراند و کتابهای زیادی از زبان‌های روسی و فرانسه به فارسی ترجمه کرد. عاقبت در تهران از دنیا رفت. از آثار وی: «تاریخ ماد»، ترجمه؛ «امضای مرموز»، ترجمه؛ «بلا»، ترجمه؛ «دشمنان»، ترجمه؛ «اشکانیان»، ترجمه؛ «ترکستان نامه»، ترجمه؛ «عشق بی‌پیرایه»، ترجمه؛ «نهضت سربداران در خراسان»، ترجمه؛ «اسلام در ایران»، ترجمه؛ «حسن صباح»، ترجمه؛ «گیلان»، ترجمه؛ «هزار سال نثر پارسی»، در پنج مجلد؛ «چهارده ماه در خارک»، [۱].

نویسنده، محقق، مترجم.

تولد: ۱۲۷۹، رشت.

درگذشت: ۱۳۶۵، ۱۸، تهران.

کریم کشاورز در مدرسه‌ی کشاورزی رشت و بعدها در آلیانس فرانسه در تهران تحصیل کرد. وی فعالیت فرهنگی خود را با

مقاله‌نویسی در روزنامه‌های رشت آغاز کرد و توانست در آن شهر انجمن فرهنگ رشت را دایر کند. احاطه‌ی اصلی کشاورز به زبان روسی و فرانسوی بود. علاوه بر این به زبان گیلکی، ترکی، انگلیسی و عربی آشنایی داشت. کشاورز بیش از هفتاد سال از عمر خود را به ترجمه و تألیف گذرانید و اصولاً گذران زندگی او از این راه بود.

کریم کشاورز از اعضای هیئت رئیسه «نخستین کنگره‌ی نویسندگان ایران» بود. داستان‌های مجموعه فی مده‌المعلوم (۱۳۵۵) حاصل دوران تبعید او در یزد (در سال‌های آخر حکومت رضاشاه) است. از آثار ترجمه اوست: آبیاری در ترکستان (بارتولد، ۱۳۵۰)؛ آشغال‌دونی (کارولینا ماریاژروس، ۱۳۵۱)؛ اشکانیان (دیاکونوف، ۱۳۴۴)؛ افسانه‌های کردی (رودنکو، ۱۳۵۲)؛ امضای مرموز (ژرژ سیمون، ۱۳۴۱)؛ باران سیاه (ماسودزی ایبوسه، ۱۳۵۶)؛ بازی مرگ (استانلی گاردنر، ۱۳۴۲)؛ بلا (میخائیل لرمانتوف، ۱۳۲۵)؛ تاریخ ماد (ایگور میخائیلوویچ لرمانتوف، ۱۳۴۵)؛ تاریکی گرتلی (۱۳۴۵)؛ حسن صباح (برای نوجوانان، ۱۳۴۵)؛ چهارده ماه در خارک (۱۳۶۳)؛ خاطرات جنگ (شارل دوگل، ۱۳۴۲)؛ دشمنان (ماکسیم گورکی، ۱۳۲۶)؛ دوبروسکی (پوشکین، ۱۳۲۴)؛ دوران کودکی (ماکسیم گورکی، ۱۳۳۰)؛ رساله‌ی سلطانعلی مشهدی در خوشنویسی (۱۳۵۶)؛ روستایان، روشنی‌ها، داستان مرد ناشناس (چخوف، ۱۳۲۳)؛ زارع شیکاگو (مارک تواین، از متن ترجمه شده‌ی فرانسه، ۱۳۲۹)؛ شبی در چهارراه (ژرژ سیمون، ۱۳۴۱)؛ شهریار کوهسار (ادمون آبو، ۱۳۴۳)؛ عشق بی‌پیرایه (وانداوسیلوسکایا، ۱۳۴۶)؛ قربانعلی بک و نه داستان دیگر (محمدقلی‌زاده، ۱۳۵۵)؛ قهرمان دوران (میخائیل لرمانتوف، ۱۳۳۱)؛ کار دو طناب (ژرژ سیمون، ۱۳۴۲)؛ کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران در عهد مغول (ایلیا پاولوویچ پتروشفسکی، ۱۳۴۱)؛ کودکی، نوباوگی جوانی (تولستوی، ۱۳۴۵)؛ گزیده‌ی مقالات تحقیقی (بارتولد، ۱۳۵۸)؛ گیلان (برای جوانان، ۱۳۴۷)؛ لبخند بخت (گی دوموپاسان، ۱۳۴۱)؛ لنین (ماکسیم گروکی، ۱۳۲۳)؛ مقدمه‌ی فقه اللغه ایرانی (ارانسکی، ۱۳۵۸)؛ موزیک‌ها (آنتوان پاولویچ چخوف، ۱۳۲۳)؛ موضوع روسیه (کنستانتین سیمونوف، ۱۳۲۶)؛ نهضت سربداران در خراسان (پتروشفسکی، ۱۳۴۱)؛ وجدان گمشده (ترجمه داستان‌هایی از روسی، ۱۳۵۵)؛ هزار سال نثر فارسی پنج جلد، (۱۳۴۵)؛ یادداشت‌های حسنگ یزدی در سفر گیلان (۱۳۵۰).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] آینده (س ۸، ش ۶، ص ۳۳۸-۳۳۴)، الذریعه (۱۵/۲۷۰، ۸/۱۷۱)، روزشمار تاریخ (۱/۲۷۹)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۳۴، ۳۱۸۸، ۳۱۸۵، ۲۸۲۴، ۲۸۰۰، ۲۶۸۹-۲۶۸۸، ۲۶۲۹، ۲۵۸۲، ۲۵۷۳، ۲۳۰۵، ۲۰۹۴، ۲/۱۸۲۰، ۱۴۸۶، ۱۴۶۴، ۱۴۶۱-۱۴۶۰، ۱۴۳۴، ۱۲۳۹، ۱۱۷۳، ۷۴۴، ۵۱۳، ۴۴۰، ۱/۲۳۸)، کتاب گیلان (۳/۷۴۱، ۷۱۴-۷۱۳، ۲/۲۸)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۹۵)، کلک (س ۲، ش ۲۰، ص ۲۰۶-۲۰۳)، کیهان فرهنگی (س ۳، ش ۸، ص ۴۰)، مؤلفین کتب چاپی (۷۳-۷۱/۵).

کشاورزولیان، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۳۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: انگل‌شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی کرمان.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زیست‌شناسی از دانشگاه رازی در سال ۱۳۵۶، کارشناسی ارشد علوم بیولوژی از دانشگاه ایلینویز غربی آمریکا در سال

۱۳۵۸ و دکترای تخصصی انگل شناسی از دانشگاه ایلینویز آمریکا در سال ۱۳۶۲.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه شهید باهنر کرمان از سال ۱۳۶۲ تا سال ۱۳۶۷ و دانشیار دانشگاه علوم پزشکی کرمان از سال ۱۳۶۷ و استاد نمونه سال ۱۳۶۸.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس انگل شناسی و ایمنی شناسی در دانشگاه‌های ایلینویز آمریکا و علوم پزشکی کرمان، تحقیق در زمینه‌های انگل روده‌ای، پلاسمودیوم و توکسوپلازما، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه دکترای علوم آزمایشگاهی و ۳ پایان‌نامه دکترای داروسازی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اشاراتی به ایمنی شناسی عمومی، ایمونولوژی پزشکی و ایمونولوژی عملی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳ تعداد مقالات به زبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

انگل شناسی، ایمونولوژی و تغذیه، ایمونولوژی پلاسمودیوم، فیزیولوژی تریما تودها.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

کشفی بروجردی، سینا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

یکی از فرزندان دوازده گانه‌ی سید جعفر بن اسحاق دارابی بروجردی معروف به کشفی است. عالم و فاضل و جامع بوده، و به تفسیر و فقه تخصص داشته، در سال ۱۳۲۵ وفات یافته.

در اواخر عمر در اصفهان ساکن بوده، و در این شهر وفات یافته است. فرزندان و اعقاب برادرش سید محمود در اصفهان و نجف آباد ساکن و به کشفی معروفند.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کشفی جزی، روح‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

متولد ۱۲۷۶ هجری شمسی و متوفی به سال ۱۳۴۱ هجری شمسی به علت ابتلا به بیماری سرطان در سن ۶۳ سالگی دارفانی را وداع گفت و در تکیه میر در تخت فولاد اصفهان مدفون می‌باشد. وی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه دیانت اصفهان زیر نظر مرحوم میرزا عباس نحوی و صرف و نحو و فقه و اصول را در محضر علمای طراز اول اصفهان مانند مرحوم میرزا شیخ علی یزدی و سید عبدالباقی و میرزا احمد اصفهانی و آقا عبدالجواد آدینه شروع و به پایان رسانیده و قسمتی از درس خارج را نیز نزد مرحوم آخوند ملا عبدالکریم گزی فرا گرفته است. از سال ۱۳۰۳ به خدمت آموزش و پرورش که در آن موقع به وزارت معارف و اوقاف موسوم بوده، درآمد. بعداً به سمت نماینده فرهنگ شهرستان لار و داراب فارس و کازرون و اصطهبانات منصوب شد. او مجدداً به اصفهان منتقل شد و از سال ۱۳۲۸ به سمت رئیس اداره اوقاف نجف آباد منصوب و تا پایان سال ۱۳۳۷ یعنی پایان خدمت اداری و بازنشستگی در این شهرستان خدمت نموده است.

آن مرحوم علاوه بر مطالب علوم جدید و حوزوی در فن شعر و شاعری و شعرشناسی و تحقیق و تتبع در ادبیات فارسی و عرب شأن و مقامی والا داشته و در هنر خط‌شناسی و خوشنویسی که از میراث اجداد والامقام و دانشمند خویش بوده بهره کافی داشته و قسمتی از اشعار و حتی از قصاید و غزلیات آن مرحوم توسط فرزندان دانشمند و برومند ایشان آقایان: آقا سید مهدی و سید محمدعلی و آقا ریحان و دکتر سید محمود کشفی جزی، تحت عنوان «تحفه کشفی»، به زیور طبع آراسته شده و از آثار دیگر ایشان تحت عنوان «تلخیص الأغانی» با حاشیه و برداشتهای شخصی ایشان و برگزیده‌های دیگر اعم از مطالب نظم و نثر فارسی و عربی و عرفان و یادداشت‌های دیگری موجود است که امید است با همت فرزندان ایشان، آنها نیز به زیور طبع آراسته گردند و افتخارات دیگری بر افتخارات گذشته پدر مغفور خود بیفزایند و نسبت به غنای هر چه بیشتر ادبیات فارسی و عربی و اصلاح مطالب تدوین شده در رساله‌های خویش و استنساخ شده نظیر رساله «کسر اصنام جاهلیه» از رساله «سه اصل» و «تفسیر منشآت ملاًصدرا» که توسط آن مرحوم با خط شیوا و ذوق خاص بازنویسی و حاشیه زده شده است و چند نمونه خطی دیگر که ضمیمه همین یادداشتها شده، راه را برای مطالعه علاقمندان و دانش پژوهان دیگر در این راستا هموار نماید.

باید توجه داشت که آن مرحوم از سادات کشفی دارابی و از سادات صحیح‌النسب منطقه داراب و اصطهبانات فارس می‌باشد. پدرش مرحوم سید محمود کشفی ابن سید مصفی بن سید الجلیل ابی‌الحسن جعفر معروف به علامه کشفی و مادرش مرحوم طوبی بیگم کشفی مدفون در تکیه میر در تخت فولاد اصفهان، دختر مرحوم آقا سید سینا کشفی ابن سید جعفر کشفی بوده که بنا بر آنچه در شجره‌نامه ذکر شده، با ۳۷ واسطه به امام همام حضرت موسی بن جعفر می‌رسد. برگرفته از کتاب: فرهنگ تاریخ گز و برخوار

کشفی دارابی بروجردی، جعفر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۲۶۷ - ۱۱۸۹ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، محدث، مفسر، متکلم، نحوی، عارف، ادیب و شاعر. نسب وی با سی و چهار واسطه به حضرت موسی بن جعفر (ع) می‌رسد. چون اهل عرفان و ریاضت‌های شاق و کشف و شهود بود به سید کشفی معروف شد. اصل وی از داراب شیراز بود. تحصیلات مقدماتی را در اصطهبانات گذراند. در ۱۲۰۸ ق به نجف رفت و از محضر اساتید وقت استفاده نمود و در فقه و حدیث برآمد. به تدریس و تصنیف پرداخت و مدت‌ها از مدرسین حوزه‌ی نجف بود. وی به اصرار محمد تقی میرزا حسام‌السلطنه، پسر فتحعلی شاه، حاکم بروجرد به بروجرد رفت و در آنجا به تدریس پرداخت. وی همچنین در

شهرهای اصفهان، یزد و اصطهبانات نیز چند سالی تدریس کرده است. او با صاحب «جواهر» و سید محمد باقر حجت الاسلام شفتی معاصر بود. سید حسین بروجردی، صاحب «نخبه المقال» و حاج میرزا صالح لرستانی و اورنگ زیب میرزا، فرزند حسام السلطنه محمد تقی میرزا حاکم بروجرد، و ملا-عبدالله بروجردی از شاگردان وی بودند. در بروجرد در گذشت. از آثار وی: «اجابه المضطربین»، در اصول دین، حاوی تحقیقات عرفانی؛ «البلد الامین»، منظومه‌ای به عربی، در علم کلام و اصول دین؛ «تحفه الملوک»، در سیر و سلوک و عقل و جهل و تعدیل قوا؛ «جمع الشتات»؛ «الرطب الیابس»؛ «الرق المنشور»؛ «الشریفیه»، در منطق؛ «الشموس و العکوس»؛ «صید البحر»؛ «کفایه الایتام»، در فقه، در سه جلد؛ «میزان الملوک»، در عدالت سلطان؛ «نخبه العقول فی علم الاصول»؛ «سنابرق فی شرح البارق من الشرق»، در شرح دعای رجب؛ «برق و شرق» که به آن «شرق و غرب» نیز گفته‌اند، در شرح بعضی از احادیث عرفانی؛ «دیوان» شعر. [۱]

مرحوم سید جعفر کشفی دارابی از اعظم علماء قرن ۱۳ سیزدهم (۱۲۶۷-۱۱۹۱ هجری قمری) و دارای تألیفات متعدد و بسیار مشهور است که یکی از آنها کتاب معروف «میزان الملوک و الطوائف و صراط المستقیم فی سلوک الخلیف» در اندیشه سیاسی اسلام و از نشریات مرکز تحقیقات و مطالعات اسلامی قم در سال ۱۳۵۷ می‌باشد. که یکی از آثار بی بدیل در روند تحولات اندیشه سیاسی در حوزه تفکر اسلامی بوده و از میراث گرانبهای سیاسی دانشوران سلف و به عنوان گنجینه‌ای پر ارج از دانشوران دوره قاجار تلقی می‌گردد.

باید دانست که مرحوم علامه سید جعفر کشفی تحصیلات مقدماتی را نزد مادر فاضل خویش آموخته و مدتی در یزد به تحصیل مقدمات مشغول و بعداً رهسپار نجف اشرف و در آنجا از محضر اساتیدی نظیر مرحوم سید محمد مهدی بحر العلوم استفاده کرده و رفته رفته به عنوان فقیه اصولی و عارفی سالک و حکیمی آگاه به زمان، شهره آفاق گردید. از علمای جامعین مابین علم و ایقان و ذوق و عرفان شناخته شده و در اجتهاد و فتاوی شهرت و در علم تفسیر و حدیث بی نظیر و در ردیف اعظم علمای امامیه در قرن ۱۳ هجری محسوب می‌گردد و تا آنجا که آقا بزرگ تهرانی در اعلام الشیعه او را «هو من اعاجیب الزمان و اغالیط الدهر» خوانده است. در اواسط سلطنت فتحعلی شاه قاجار در بروجرد مقیم بوده و در سال ۱۲۶۷ در همان جا وفات و مدفون گردیده است. از سایر بزرگان این سلسله سید علی عارف کشفی و سید موسی نجل مرحوم سید جعفر کشفی و حجت الاسلام و المسلمین سید حجت کشفی از فقیهان حوزه علمیه قم و استاد خط ثلث در قید حیات می‌باشند. از بزرگان دیگر این خانواده، مرحوم محمد صالح کشفی خوشنویس قرن ۱۱ هجری که در صفحه ۷۱ کتاب خوشنویسان اصفهان به قلم مرحوم منوچهر قدسی از او نام برده شده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار عجم (۱۰۳)، اعیان الشیعه (۴/۸۵)، ایضاح المکنون (۶۳۱، ۵۸، ۴۸، ۲/۴۸، ۲/۴۸، ۱/۲۵۹)، تاریخ بروجرد (۳۰۶-۳۰۳، ۲۹۶-۲۸۰، ۲۷۳-۲۷۲/۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۹۰-۸۸/۲)، الذریعه (۲۴/۹۷، ۳۲۷-۳۲۶، ۲۳/۴۹، ۲۳/۲۲۵، ۲۱/۲۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۴۲-۲۴۱/۱۳)، طرائق الحقائق (۳/۴۵۵)، فارسنامه (۲/۱۲۶۰)، لغت‌نامه (ذیل/دارابی)، المآثر و الآثار (۱۵۶)، معجم رجال‌الفکر و الادب فی النجف (۱۰۷۹-۱۰۷۸/۳)، مکارم الآثار (۱۸۵۸-۱۸۵۵/۵)، مؤلفین کتب چاپی (۳۳۳-۳۳۲/۲)، هدیه العارفین (۱/۲۵۶).

کشکریا، ابوالحسین

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۷۰ ق)، طیب. از شاگردان ممتاز سنان بن ثابت بن فره بود. ابتدا در خدمت امیر سیف‌الدوله بن حمدان خدمت می‌کرد، و طیب مخصوص او بود. زمانی که عضدالدوله دیلمی بیمارستان عضدی را در بغداد ساخت، وی را به طبابت بیمارستان برگزید. تاریخ تولد او معلوم نیست. وی بسیار زبان‌آور بوده و پیوسته با القاء سؤالات در مقام تخریج اطباء برمی‌آمده است. ابوالحسین ماده‌ی تنقیه‌ای را از ساقه بعضی گیاهها و مواد تند و گرم ساخت. که به نام خودش معروف شد. از آثار وی: کناش معروف به «حاوی»؛ «معرفت نبض»؛ کناشی دیگری نیز دارد که به نام امیر سیف‌الدوله است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ الحکماء قفطی (۵۴۳)، تاریخ طب (۶۷۳-۶۷۲/۲)، معجم المؤلفین (۴۲/۴).

کشمیری، محمدباقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدباقر بن سید ابوالحسن محمد بن علی شاه رضوی قمی کشمیری ساکن لکنهو مجتهدی بزرگ و مرجعی عالیقدر از مشاهیر علماء عصر خود بوده وی در ۱۲۸۶ متولد و در ۱۳۴۶ ق وفات نموده است
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کشمیری زاده شیرازی، نصره الملوک، نصرت

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

(ز ۱۳۲۶ ش)، معلم، مترجم و روزنامه نگار. اجدادش همه دارای فضل و دانش و عرفان بودند. وی همسر محمد رضا کشمیری زاده می‌باشد. در ۱۳۲۰ ش از دانشسرای عالی در رشته‌ی ادبیات خارجی فارغ‌التحصیل و در وزارت فرهنگ استخدام شد و در مدارس شیراز به تدریس پرداخت. وی از معتقدان نهضت ملی نفت ایران بود. او در ۱۳۲۶ ش امتیاز روزنامه‌ی «ندای ایران» را گرفت. از دیگر آثارش: «چگونه می‌توان خوشبخت بود»، ترجمه؛ «سرگذشت خانواده‌ی ویک فیلد»، ترجمه؛ «گل‌های خندان»، قانون تعلیم و تربیت نوزادان از قن‌داقه تا حد بلوغ، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۴۲-۲۴۱/۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۷۶۷-۲۷۶۶، ۱۹۶۷، ۲/۱۱۱۲، ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶/۵۶۰).

کشمینی مروزی، ابوالهیشم محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۸۹ ق)، فقیه، محدث، ادیب و زاهد. اصل وی از کشمیهن مرو است به عراق و حجاز سفر کرد و در ک محضر شیوخ بسیاری نمود. وی «صحیح» بخاری را در فربر به کرات از ابوعبدالله فربری شنید و آخرین کسی است که آن را به عالی‌ترین اسناد روایت کرد، لذا در شرق و غرب شهرت یافت. او در مرو از عمر بن احمد جوهری و در سرخس از ابوالعباس محمد بن عبدالرحمان دغولی و در نیشابور از ابوالعباس محمد بن یعقوب اصم و در ری از ابو حاتم و سقندی و در بغداد از ابومحمد جعفر بن محمد خلدی و در کوفه از ابوالحسن علی بن محمد شیبانی و در مکه از ابوسعید احمد بن محمد اعرابی و جماعتی دیگر چون (عبدالله بن) محمد بن ابراهیم مروزی داعونی و محمد بن احمد بن عاصم و اسماعیل بن محمد صفار حدیث شنید. ابوذر هروی و ابو عثمان سعید بن محمد بحیری و ابوالخیر محمد بن ابی عمران صفار و ابوسهل محمد بن احمد حفصی و کریمه مروزیه و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵/۷۶)، تاریخ الاسلام (حوادث ۱۸۹/۴۰۰-۳۸۱)، سیر النبلاء (۴۹۲-۱۶/۴۹۱)، شذرات الذهب (۳/۱۳۲)، العبر (۱۷۸-۲/۱۷۷).

کشی جرجانی، ابوزرع محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۹۰ ق)، حافظ، محدث و نسابه. اصل وی از کش جرجان است. از ابوالعباس دغولی و مکی بن عبدان نیشابوری و ابونعیم عبدالملک بن محمد بن عدی جرجانی و محمد بن عبدک شعرانی و عبدالرحمان بن ابو حاتم رازی و موسی بن عباس آزاد یاری و همطبقه‌ی آنها در خراسان و عراق و حجاز حدیث شنید. قاضی ابوالعلاء واسطی و ابوالقاسم ازهری و عبدالعزیز ازجی و حمزه بن یوسف سهمی از وی حدیث شنیدند. کشی در مسجد جامع بصره املائی حدیث می‌کرد. در پایان عمر در مکه مجاور شد و سالها در آنجا حدیث گفت و در همان جا در گذشت. از او گردآوریه‌ها و مصنفاتی در «ابواب» و «مشایخ» به جا ماند. صاحب «کشف الظنون» به نقل از ابن عبدالبر در «الاستیعاب»، کتاب «الموثق فی الانساب» را به او نسبت می‌دهد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵/۷۷-۷۸)، تاریخ بغداد (۳/۴۰۸-۴۰۹)، تذکره الحفاظ (۳/۹۹۷-۹۹۸)، توضیح المشتبه (۳۳۶/۷)، سیر النبلاء (۴۵-۱۷/۴۴)، شذرات الذهب (۳/۱۳۴)، طبقات الحفاظ (۴۱۳)، العبر (۱۸۰-۲/۱۷۹)، معجم البلدان (۴/۵۲۵)، معجم المؤلفین (۱۲/۱۲۴)، المنتظم (۹/۶۶)، هدیة العارفين (۲/۵۶).

کشی، ابوعمر و محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۳۴۰ ق)، فقیه و رجالی بزرگ امامی. نسبتش به کش از شهرهای ماوراء النهر می‌رسد. کشی معاصر عیاشی سمرقندی و از

شاگردان او بود و از او بهره‌ها برد و در منزل وی در سمرقند حدیث شنید و بر وی قرائت کرد و در جرح و تعدیل بر وی اعتماد نمود. هارون بن موسی تلعکبری از او روایت می‌کند. کشی استاد ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه است. او همطبقه ثقة الاسلام کلینی است. ابوعمر و کشی به کتاب رجالش معروف است. به آورده‌ی «معالم العلماء» نام کتاب «معرفة الناقلين عن الأئمة الصادقين» است که شیخ طوسی آن را در ۴۵۶ ق ملخص و تصحیح کرد و «اختیار معرفة الرجال»، معروف به «رجال کشی»، نامید و از عصر علامه تا زمان ما آنچه در دست است همان «اختیار الرجال» طوسی است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اختیار معرفة الرجال (مقدمه)، الاعلام (۷/۲۰۱)، الذریعه (۱۰/۱۴۱)، روضات الجنات (۶/۲۰۶)، سفینه البحار (۲/۴۸۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۹۶-۲۹۵/۴)، فرقه های اسلامی (۱۳۸)، فوائد الرضویه (۵۸۷-۵۸۵)، الکنی و الالقاب (۱۱۶-۱۱۵/۳)، لسان المیزان (۸/۱۰۱)، معجم رجال الحدیث (۶۴-۶۳/۱۷)، معجم المؤلفین (۱۱/۸۵)، هدیة الاحباب (۲۲۶)، هدیة العارفين (۲/۲۲).

کعبی بلخی خراسانی، ابوالقاسم عبدالله

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۲۹ / ۳۲۷ / ۳۱۹ / ۳۱۷ ق)، متکلم معتزلی و سر سلسله‌ی فرقه کعبیه. نسبت وی به قبیله‌ی بنی کعب می‌رسد. اصلش از بلخ بود. وی در علم کلام آراء و عقاید بخصوصی داشت. ابوالعباس مستغفری در «تاریخ نسف» گوید که کعبی در زمان ریاست ابوعثمان سعید بن ابراهیم وارد نسف شد و در رباط جوبق منزل گرفت. ابوعثمان برای وی مجلس املاء برپا ساخت. محمد بن زکریا بن حسین نسفی از وی روایت کرده است. مدتی در بغداد ساکن گشت. سپس به بلخ بازگشت و در همان جا درگذشت. در «ایضاح المکنون» ذیل نام کتاب «قبول الاخیار فی معرفة الرجال» سال وفات وی ۴۸۸ ق ذکر شده است. خطیب بغدادی گوید که او در کلام کتب بسیاری تصنیف کرد و آنها را در بغداد منتشر ساخت. از آثارش: کتاب «التفسیر القرآن»؛ «المقالات»؛ کتاب «الغرر»؛ کتاب «استدلال بالشاهد علی الغائب»؛ کتاب «فی الرد علی متنبی»؛ کتاب «الامامة»؛ «المسترشد فی الامامة»؛ کتابی در نقض رازی در «الفلسفة الالهیة»؛ «اوائل الادلة فی اصول الدین»؛ «مفاخر خراسان»؛ «عیون المسائل»؛ «محاسن آل طاهر»؛ «الطعن علی المحدثین»؛ «تأیید مقاله ابی الهذیل».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴/۱۸۹)، انساب سمعانی (۵/۸۰)، ایضاح المکنون (۲/۲۲۰)، تاریخ بغداد (۹/۳۸۴)، ریحانه (۶۶-۶۵/۵)، العبر (۲/۴)، سیر النبلاء (۲۵۶-۲۵۵/۱۵، ۳۱۳/۱۴)، شذرات الذهب (۲/۲۸۱)، طبقات المعترله (۸۹-۸۸)، الکامل (۶/۲۱۷)، کشف الظنون (۱۷۸۲، ۱۷۵۸، ۱۶۰۸، ۱۱۸۷، ۲۰۰)، الکنی و الالقاب (۳/۱۱۶)، لسان المیزان (۷۱۹-۷۱۶/۳)، لغت نامه (ذیل/عبدالله)، المنتظم (۸/۱۱۱)، معجم المؤلفین (۶/۳۱)، وفیات الاعیان (۳/۴۵)، هدیة الاحباب (۲۲۷-۲۲۶)، هدیة العارفين (۱/۴۴۴)، یادداشتهای قزوینی (۲۳۸-۲۳۶/۶).

کعبی طبری بخاری، ابوسعید محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۰۴ق)، قاضی و فقیه حنفی. از فقهای بود که سالها عهده‌دار منصب قضاوت بود. او در بخارا درگذشت. از آثار وی: الملخص فی الفتاوی، در فروع؛ «المصباح»، در فروع. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: معجم المؤلفین (۲۲۹- ۲۲۸/۸)، هدیة العارفین (۲/۱۰۷).

کعبی نیشابوری، ابومحمد عبدالله

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۴۹ق)، محدث. حاکم نیشابوری از او به عنوان محدثی کثیر السفر و صحیح السماع نام می‌برد. وی از محمد بن ایوب رازی و علی بن عبدالعزیز و فضل بن محمد شعرانی و اسماعیل بن قتیبه و یسع بن زید مکی - دوست و مصاحب سفیان بن عینه - و دیگران حدیث شنید. حاکم و ابونصر بن قتاده و ابوعبدالرحمان سلمی و محمد بن محمد بن ابوصادق و دیگران از وی حدیث شنیدند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵/۸۰)، تاریخ نیشابور (۱۶۵)، سیر النبلاء (۵۳۱- ۵۳۰/۱۵).

کعبی همدانی، ابوطاهر حسین

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۱۶- ۳۴۰ق)، محدث. شیخ همدان بود. از فضل بن فضل کندی و ابوبکر بن سنی و ابوبکر اسماعیلی و ابوبکر قطیعی و ابواحمد عبدالله بن عدی و ابوبکر بربهاری و ابواسحاق مزکی و ابوعمر بن حمدان حدیث شنید. ابوالقاسم بن منده و محمد بن عیسی و محمد بن حسین صوفی و ابوعلی احمد بن طاهر قومسانی و ثابت بن عبدالرحمان صائغ و ابوطالب بن هشیم صیرفی و عده ای دیگر از وی حدیث شنیدند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۱۷/۴۳۵).

کعبی، عباس

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عباس کعبی

محل تولد: اهواز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

حجة الاسلام و المسلمین کعبی در سال ۱۳۴۱ هجری شمسی در منطقه «لشکرآباد اهواز» و در میان خانواده‌ای متدین و معتقد به مبانی مستحکم اسلام به دنیا آمد. عشق به اهل بیت (ع) و روحانیت شیعه از وی انسانی متدین و مجاهد ساخته و در همان دوران نوجوانی او را به خدمت در راه تعالی اسلام و تشیع علاقه‌مند ساخته بود. حجة الاسلام و المسلمین کعبی تحصیلات ابتدائی و راهنمایی را در مدارس اهواز سپری نمود. شرکت وی در مجالس و محافل مذهبی و حضور علمایی همچون: «حاج شیخ صالح طرفی» و «مرحوم حاج سید عبدالمطلب جزایری» در مسجد جامع لشکرآباد سبب شد تا در سن سیزده سالگی و بنا به توصیه پدر، همزمان با تحصیل در مقطع دبیرستان به مدرسه علمیه «آیه الله کرمی» رفته، دروس حوزوی را فرا گیرد.

وی در سال ۱۳۵۵ به حوزه علمیه اهواز رفته به صورت رسمی تحصیلات حوزوی خود را پی می‌گیرد. با اوج‌گیری انقلاب و حضور جدی در مبارزات پیش از انقلاب و نیز فعالیت‌های پس از انقلاب و شروع جنگ تحمیلی وقفه‌ای چند ساله در سیر درسی ایشان ایجاد می‌شود اما در سال ۱۳۶۰ مجدداً تحصیلات حوزوی را پی گرفته برای استحکام بنیه علمی خود، دروس مقدمات را در مدرسه علمیه امام خمینی اهواز بازآموزی می‌کند. در سال ۱۳۶۴ به قم مهاجرت کرده و پس از اتمام دوره سطح در درس خارج حضرات آیات: «میرزا جواد تبریزی»، «وحید خراسانی»، «مکارم شیرازی»، «صافی گلپایگانی»، «جعفر سبحانی»، «سید کاظم حائری» و «سید محمود هاشمی شاهرودی» شرکت کرد.

حجة الاسلام و المسلمین کعبی با اهتمام ویژه‌ای که به مباحث تفسیری و معارف اسلامی داشت از محضر حضرات آیات: «مشکینی»، «جوادی آملی»، «مصباح یزدی» و «مظاهری» کسب فیض نمود. وی در طول سالهای تحصیل خود در درسهای اخلاق شرکت می‌جست و به تهذیب نفس (به عنوان مهمترین دغدغه درسی خود) اهمیت بسیار می‌داد. حجة الاسلام و المسلمین کعبی همزمان به تحصیل در دانشگاه نیز پرداخته مقطع کارشناسی رشته حقوق از مجتمع آموزش عالی قم و مقطع کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی دانشکده حقوق دانشگاه تهران را به پایان رساند.

حجة الاسلام و المسلمین کعبی فعالیت‌های بسیاری را در زمینه تدریس و تألیف به انجام رسانده است. او تدریس علوم دینی را از آغازین سالهای طلبگی شروع کرده و تاکنون به تدریس دروس بسیاری از جمله تدریس کتابهای: (لمعه، رسائل، مکاسب، حلقات اصول شهید صدر و نیز شش سال خارج فقه و اصول) توفیق یافته است. همچنین مباحثی نظیر: (علوم حدیث، درایه، نهج البلاغه، تاریخ اسلام، ولایت فقیه، فلسفه و فقه روابط بین الملل) را بارها تدریس فرموده‌اند. استاد کعبی در دانشگاه نیز دروسی همچون: (فلسفه حقوق، فلسفه سیاست، نظام حقوقی در اسلام، دولت و نظام سیاسی در اسلام، حقوق کار و ...) را بارها تدریس کرده است. وی همچنین بیش از پنجاه دوره حقوق اساسی را تدریس کرده است.

او در زمینه مباحث فقهی و حقوقی دارای تألیفات بسیاری است که از آن جمله می‌توان به کتاب: «الحصیله فی حکم الجهاد الابتدائی فی عصر الغیبه»، «احکام المیت»، «النظام القانونی فی الاسلام مقارناً بالنظم الوضعیه المعاصره»، «فلسفه سیاست» و ... اشاره کرد. بسیاری از جزوات و دست‌نوشته‌های ایشان به عنوان کتب درسی در مراکز حوزوی و دانشگاهی در حال تدریس است. جزواتی نظیر: «علوم الحدیث و الدرايه»، «مصادر الحدیث»، «مجموعه درسهایی از نهج البلاغه»، «ضمانت اجرائی قانون اساسی»،

«تیین ولایت فقیه از منظر فقهی، حقوقی و سیاسی». ارائه مقالات علمی در همایشها، ضمن طرح راهکارهای مناسب در حل برخی معضلات و پرسشهای فقهی و حقوقی از ویژگیهای بارز استاد کعبی است. بیشترین این مقالات در زمینه‌های فقهی و حقوقی بوده که از جمله آنها می‌توان به «نوآوریهای فقهی آیه‌الله نائینی و آیه‌الله شیخ فضل‌الله نوری»، «کنکاشی در اختیارات رهبری»، «شیوه مجازات اسلامی و اجرای علنی حدود» و «دبیر علمی همایش مردم سالاری دینی» که مجموعه مقالات آن در دو مجلد منتشر گردید، اشاره کرد.

او در کارنامه خود، سفرها و مصاحبه‌های علمی بسیاری را به ثبت رسانده که «حضور در کنفرانس دین و توسعه دانشگاه بیروت» و «انجام مصاحبه و مناظره با آقای تیموتی ویلیام واترز استاد دانشگاه هاروارد در کنفرانس حقوق بشر» از آن جمله‌اند. فعالیت‌های علمی و فرهنگی، استاد کعبی را از فعالیتهای گوناگون در عرصه سیاست باز نداشته است. او که همواره پایبندی خود را به امام (ره)، نظام و ارزشهای انقلاب اعلام داشته از سنین نوجوانی در فعالیتهای مبارزاتی پیش از انقلاب حضوری جدی داشته است. پس از پیروزی انقلاب در جهاد سازندگی در زمینه محرومیت زدایی و توزیع زمین برای خانه سازی محرومان و نیز مبارزه با گرانفروشی حضوری جدی داشت.

با شروع جنگ تحمیلی وارد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد و فعالیت‌های فرهنگی و نظامی خود را در بخش عربی سپاه آغاز کرد. در سال ۱۳۶۰ به لبنان رفت و همراه با شهید سید عباس موسوی دبیرکل سابق حزب الله لبنان و سیدحسن نصرالله به سازماندهی تشکیلات حزب الله پرداخت. او مدت ۴۶ ماه از عمر خود را در جبهه‌های دفاع مقدس گذرانده و دو بار نیز در مناطق عملیاتی مجروح شده است. از جمله فعالیتهای حجه‌الاسلام و المسلمین کعبی در این عرصه، عضویت در مجلس خبرگان رهبری، مخبری کمیسیون سیاسی - اجتماعی، نائب رئیسی کمیسیون حراست و پاسداری از ولایت فقیه و نیز عضویت در کمیسیون تحقیق است. استاد کعبی هم اکنون عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و از حقوقدانان شورای نگهبان است.

کفائی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد (کفائی) فرزند آیت‌الله العظمی آخوند ملا محمد کاظم خراسانی از مشاهیر علماء خراسان بودند.

وی نیز در نجف اشرف متولد و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح از محضر مرحوم والدش و دیگران استفاده نموده و پس از فوت والدش به مشهد مقدس عزیمت و اقامت نموده و یکی از زعماء روحانیت حوزه علمیه مشهد گردیده و در مسجد گوهرشاد به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال داشت تا در اواخر سال ۱۳۹۱ قمری بدرود حیات گفته و در آستانه مقدسه رضویه مدفون گردیده است.

از آثار ایشان حاشیه‌ئی بر کفایه الاصول مرحوم والدش می‌باشد که به طبع نرسیده است.

در سال ۱۳۶۶ قمری پس از فوت مرحوم آیت‌الله اصفهانی بود که مرحوم آیت‌الله حاج میرزا احمد کفائی نجل ارجمند استاد الكل مرحوم آیت‌الله آخوند ملا محمد کاظم خراسانی صاحب کفایه در مراجعت از عتبات عالیات با مصاحبت حجه‌الاسلام آقای حاج شیخ محمود حلبی واعظ فداکار و بعضی دیگر به قم مشرف شده و مرحوم آیت‌الله بروجردی درس خود را برای احترام ایشان تعطیل و بسیار از آنجناب تجلیل کردند و دو بار دیگر هم در سال ۱۳۶۹ و سال ۱۳۷۱ در ماه ربیع‌الثانی به واسطه غائله مشهد و

قضایای سیاسی و بازیگرهای دولت مصدق که این نگارنده را هم مبتلا و گرفتار زندان و تبعید نمود مرحوم کفائی ناچار به مسافرت شده و برای مدتی مشهد را ترک و به تهران و قم آمد و چند ماهی توقف نمود و پس از آن در اواسط ماه ذی‌القعدة سال مزبور عزیمت به مشهد نمودند.

مرحوم حاج میرزا احمد کفائی یکی از علماء و زعماء روحانی مشهد مقدس بودند و چندین سال حوزه مشهد را اداره می‌کردند و مورد احترام دولت و ملت معتدل و متدین بودند و آبرویی برای حوزه مشهد و خراسان بودند تا در ذی‌الحجه سال ۱۳۹۰ در سنین هشتاد سالگی بدرود حیات گفته و در جوار سلطان سریر ارتضا حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام مدفون گردیدند. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

کفائی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد بن علامه خراسانی آخوند ملا محمد کاظم خراسانی معروف به (آقازاده کفائی) از اعلام علماء معاصر خراسان و رئیس حوزه علمیه مشهد مقدس بودند.

تولد آن جناب در نجف اشرف واقع شده و در مهد علم پرورش یافته و به تحصیل اولیات و ادبیات و پس از آن متون فقه و اصول پرداخته و بعد از تکمیل سطوح از منحصر مرحوم والدش استفاده کامل نموده تا به مدارج اعلاء علم ارتقاء یافته و در زمان حیات مرحوم والدش به مشهد مقدس عزیمت و رحل اقامت افکنده و حوزه تدریس خارج تشکیل و صدها نفر از علماء و فضلاء خراسان به درسش شرکت نموده و کم‌کم دارای ریاست تامه و مرجعیت عامه گردیده تا در غائله مسجد گوهرشاد سال ۱۳۵۴ ق به تهران منتقل و بعد از دو سال تقریباً در ۱۳ ذی‌قعدة و در سال ۱۳۵۶ قمری وفات و در مقبره ناصرالدین شاه قاجار در جوار سید الکریم عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام مدفون گردید ماده تاریخش (قل انه مخلص فی دارالنعیم) و جناب آقای ساعدی خراسانی گوید.

سال فوتش ساعدی جست از خرد

نغزبیتی کردانشاد آن عظیم

چونکه آخر رفت از حزن او سرود

(آیت‌الله زاده در جنت مقیم)

در اوائل تأسیس حوزه علمیه بود که مرحوم آیت‌الله آقای حاج میرزا محمد کفائی فرزند مرحوم آیت‌الله آخوند ملا محمد کاظم خراسانی ریاست حوزه علمیه مشهد مقدس و زعیم اول آستان خراسان به قم آمده و مورد تجلیل روحانیت قرار گرفت و پس از چند روز زیارت و ملاقات مراجع بزرگ قم به خراسان مراجعت و در غائله مسجد گوهرشاد از راه یزد تبعید به تهران و در آنجا از دنیا رفت و در شهر ری در جوار سیدالکریم عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام در مقبره مرحوم ناصرالدین شاه مدفون گردید.

محمد کفائی در سال ۱۳۴۷ قمری به مکه مشرف شده و در مراجعت به قم آمده و مورد احترام آیت‌الله حایری و عموم دانشمندان واقع و در مدت توقفش در قم میان ایشان و مرحوم آیت‌الله خونساری مباحثاتی واقع شده که مورد گفتگوی بعضی از مراجع حاضر است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

کفرانی رویدشتی، عبدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند علی بن محمد بن قدیر. در اصفهان متولد، و در نجف در خدمت جمعی از افاضل تحصیل نموده، و اخیراً به درس حاج میرزا حبیب‌الله رشتی حاضر شده، و سال‌ها در محضر او تلمذ فرموده، و به ایشان اختصاص یافته، و مقرر درس ایشان بوده، و پس از فوت استاد حوزه‌ی درس داشته، و در مسجد هندی تدریس می‌نموده، و جمعی از افاضل به درس او حاضر می‌شده‌اند.

در سال ۱۳۱۷ وفات یافته، در نجف مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کفری کرمانشاهی تهرانی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۶-۱۲۴۵ ق)، پزشک، مترجم و نویسنده. مشهور به کفری. در کرمانشاه به دنیا آمد. وی پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در موطن خود و علوم دینی در نجف اشرف، برای ادامه تحصیل وارد دارالفنون شد و طب قدیم را نزد حاج میرزا عبدالباقی اعتضاد الاطباء و طب جدید را نزد دکتر تولوزان فرانسوی آموخت. بعدها، به تشویق دکتر تولوزان، برای تکمیل رشته طب در ۱۲۸۷ ق به پاریس عزیمت نمود و مدت زیادی در بیمارستانها و مدارس آن شهر مشغول کار و آموختن علم بود. در ۱۲۹۶ ق پس از گذراندن پایان‌نامه‌ی خود موفق به اخذ درجه‌ی دکترای طب از دانشکده‌ی پزشکی آنجا شد. بعد از مراجعت به ایران، به توسط علیقلی خان مخبرالدوله، به دربار ناصرالدین شاه معرفی گشت و مدتی طبیب تلگرافخانه، معلم طب فرنگی دارالفنون، پزشک دربار قاجار و رئیس بیمارستان دولتی ابن‌سینای کنونی شد. ولی بعدها کم‌کم از تمام این مشاغل عزل گردید و در ۱۳۰۵ ق به عنوان طبیب مخصوص حسنعلی خان گروسی، امیر نظام پیشکار آذربایجان، به تبریز رفت و مدتی با او بود. پس از بازگشت خانه‌نشین شد و در خانه به طبابت و تدریس پرداخت و علاوه بر آن به ترجمه‌ی کتب علمی به خصوص طب، جراحی و هیتولوژی نیز می‌پرداخت. علت شهرت وی به کفری مخالفت تند و صریح او با خرافات و موهومات بود. وی در تهران درگذشت و در ابن‌بابویه دفن شد. از آثارش: «امراض الاطفال»، ترجمه؛ «ضیاء الناظرین»، تشریح چشم، ترجمه؛ «کوفت»، رساله‌ای در امراض مقاربتی؛ «ژیل بلاس»، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات ایران، براون (۴/۲۹۱)، دایرة المعارف فارسی (۲/۲۲۳۶)، الذریعه (۱۸/۱۸۴، ۱۵/۱۳۱، ۲/۳۴۸)، شرح حال رجال (۲۷۸-۲۷۵/۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۶۹۸، ۲۲۴۳، ۱۸۸۹-۱۸۸۸، ۲/۳۳۳، ۱)، المآثر و الآثار (۲۲۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۹۸-۶۹۵/۵).

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۲۸ ق)، عالم دینی و فقیه. در محله عیدگاه مشهد به دنیا آمد و پس از نشو و نما، مقدمات و سطوح را از پدرش و شیخ عبدالجواد ادیب بزرگ نیشابوری و ادیب ثانی و حاج محقق قوچانی و شم و همچنین از آیت‌الله شیخ کاظم دامغانی و آیت‌الله میرزا احمد مدرس یزدی فراگرفت. در ۱۳۵۰ ق به نجف مهاجرت نموده و در خدمت آیت‌الله میرزا باقر زنجانی و آیت‌الله سید علی نوری سطوح را به پایان رسانید و خارج فقه و اصول را از آیت‌الله شیخ موسی خوانساری و آیت‌الله میرزا ابوالحسن مشکینی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله اصفهانی فراگرفت. در ۱۳۵۸ ق به ایران مراجعت کرد و در مشهد رضوی سکنی گزید، پس از دو سال به زابل رفت و مدت شش سال در آنجا اقامت گزید و به خدمات دینی پرداخت. آن گاه به درخواست مردم زاهدان به آن شهر رفت و به تدریس فقه و اصول و انجام وظائف دینی مشغول شد و تا پایان عمر در آنجا ماند. از آثارش: مدرسه‌ی علمیه زاهدان؛ مسجد جامع؛ کتابخانه‌ی عمومی مسجد جامع؛ مسجد کفعمی در زابل؛ تعمیر حدود هجده مسجد در زابل؛ تأسیس منازلی برای اهل علم و سادات زاهدان در یک محله مخصوص و مساعدت برای ساخت مساجدی در ایرانشهر، چابهار، خاش، میرجاوه و سراوان. از آثار علمی‌اش: «ضیاء المصباح فی مستدرک المفاتیح»، در استدرک ادعیه و اعمال عبادی. [۱]

محمد کفعمی بن العالم الجلیل حاج شیخ رجبعلی محدثی از علماء مبرز معاصر است در زاهدان.

وی در سال ۱۳۲۸ قمری در محله عیدگاه مشهد متولد شده و پس از رشد و پرورش در مهد علم و تقوا مقدمات و سطوح را از والد معظم و جنابان حاج شیخ عبدالجواد ادیب بزرگ نیشابوری و ادیب ثانی معاصر و حاج محقق قوچانی و مرحوم شمس و سطوح را نزد آیت‌الله حاج شیخ کاظم دامغانی و مرحوم آیت‌الله حاج میرزا احمد مدرس یزدی خوانده و در سال ۱۳۵۰ ق مهاجرت به نجف اشرف نموده و بقیه سطوح را خدمت آیت‌الله حاج میرزا باقر زنجانی و مرحوم آیت‌الله حاج سید علی نوری به پایان رسانیده و خارج فقه و اصول را از آیت‌الله حاج شیخ موسی خوانساری و آیت‌الله حاج میرزا ابوالحسن مشکینی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله العظمی اصفهانی رضوان الله تعالی علیهم استفاده کافی نموده.

و در سال ۱۳۵۸ قمری به ایران و مشهد مراجعت و پس از دو سال توقف در ارض اقدس به زابل رفته و مدت شش سال در آنجا اقامت و خدمات دینی از اقامه جماعت و غیره نموده و بعد بنابر دعوت و اصرار مردم زاهدان منتقل به آن سامان گردیده و تاکنون به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و تبلیغات و تدریس فقه و اصول و غیره اشتغال دارند.

مؤلف گوید: مترجم معظم از هنگامی که از مشهد مقدس مهاجرت به زابل و زاهدان نموده‌اند منشأ آثار و خدمات بسیار ارزنده‌ای گردیده و باقیات الصالحات زیادی از خود به یادگار گذارده‌اند که ذیلاً می‌نگارم.

۱- مدرسه علمیه زاهدان

۲- مسجد جامع

۳- کتابخانه عمومی مسجد جامع

۴- مسجد کفعمی در زابل

۵- تعمیر حدود هجده مسجد در زابل

۶- تأسیس منازلی برای اهل علم و سادات زاهدان در یک محله مخصوص

۷- مساعدت برای تکمیل و تعمیر مساجد عیدگاه‌ای در ایرانشهر و چابهار و زاهدان و خاش و میرجاوه و حسین آباد و سراوان.

از آثار قلمی ایشانست. ضیاء المصباح فی مستدرک المفاتیح مخطوط.

نگارنده گوید: آیت‌الله کفعمی در زاهدان وجود بسیار مغتنم و مؤثریست و در واقع مرزبان کشور اسلام و تشیع ایرانست زیرا زاهدان در ۱۲ فرسخی میرجاوه مرز ایران و پاکستان واقع و هر روحانی و مبلغی که بخواهد به پاکستان و هندوستان از راه زمین برود از زاهدان باید عبور کند و ناچار از آیت‌الله کفعمی دیدن خواهد نمود و ایشان با آغوش باز از واردین پذیرائی نموده و گویندگان و وعاظ را به مناطق مختلف زاهدان و حومه آن هدایت و معرفی خواهند نمود خود نگارنده در مسافرت به پاکستان و هندوستان در سفر اول ایاباً و ذهاباً به آنجناب وارد شده و از نزدیک خدمات و آثار ایشان را دیده و از محبت‌های گرم ایشان برخوردار شدم حقاً عالمی عامل و عابدی زاهد و دانشمندی مجاهد و خدمتگذار است در منطقه زاهدان و بلوچستان و سیستان محبوبیت خاصی دارد دامادهای فاضل و دانشمندی دارند

- ۱- جناب ثقة‌الاسلام آقای آقا شیخ علی مزاری که از گویندگان و مبلغین زاهدان می‌باشند.
 - ۲- جناب حجة‌الاسلام آقای آقا سید مهدی عبادی بیرجندی از فضلاء محترم حوزه علمیه قم.
 - ۳- جناب حجة‌الاسلام آقای حاج سید محمدتقی مطهری یزدی از فضلاء یزدی حوزه علمیه قم که در حوزه علمیه به تحصیل و تکمیل مبانی علمی مشغول می‌باشند.
- برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
- منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۱۳۰ / ۱۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۲۳ - ۲۲۱ / ۵)، معجم رجال‌الفکر و الادب فی النجف (۱۰۸۸ / ۳).

کلابادی بخاری، تاج الاسلام، ابوبکر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۸۴۰ / ۳۸۰ ق)، فقیه حنفی، محدث و صوفی. نسبتش به کلاباد بخارا می‌رسد، ولی اهل بخارا بود. از آثارش: «بحرالفوائد»، مشهور به «معانی الاخبار»، که در آن پانصد و نود و دو حدیث جمع کرده است؛ «الاربعین»، در حدیث؛ «الاشفاع و الاوتار»؛ «امالی»، در حدیث؛ «التعرف لمذهب التصوف»، که در «الاعلام» به صورت «التعرف لمذهب اهل التصوف» آمده است؛ «حسن التصرف» در شرح «التعرف» خودش؛ «فصل الخطاب»؛ «معدل الصلاة».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۸۴ / ۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۲۸، ۲۵۷ / ۱)، جستجو در تصوف (۷۰ - ۶۸)، سرآمدان فرهنگ (۹۴ / ۱)، کشف الظنون (۴۲۰ - ۴۱۹، ۲۲۵، ۱۶۳، ۱۰۵، ۵۳)، معجم المؤلفین (۲۲۲، ۲۱۳ - ۲۱۲ / ۸)، هدیة العارفین (۵۴ / ۲).

کلابادی بخاری، شمس‌الدین، ابوالعلاء محمود

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۷۰۰ - ۶۴۴ ق)، فقیه حنفی، حافظ و محدث. نسبت وی به کلاباد بخارا می‌رسد. در خراسان و بغداد و شام و مصر به فراگیری علم و دانش پرداخت، تا از عالمان دین و از مفتیان آگاه به حدیث شد و تصانیفی در فرائض نگاشت و حلقه درس و اشتغال برقرار کرد. او در ماردین، شمال عراق، درگذشت. از آثار وی: «ضوء السراج» در شرح «الفرائض السراجیه»، و مختصر آن «المنهاج المنتخب من

ضوء السراج؛ کتابی در «مشتبه النسبة».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴۲/۸)، شذرات الذهب (۴۵۸-۴۵۷/۵)، کشف الظنون (۱۲۴۹).

کلابادی، ابونصر احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۹۸ / ۳۷۸ - ۳۲۳ ق)، فقیه حنفی، حافظ و محدث. از کلاباد بخارا بود. از هیثم بن کلیب شاشی و عبدالمؤمن بن خلف نسفی و ابوجعفر محمد بن محمد بغدادی الجمال و عبدالله بن محمد بن یعقوب استاد و علی بن محتاج کشانی و محمد بن محمود بن عنبر نسفی و محمد بن احمد بن خنب و همطبقه‌ی آنها حدیث شنید. به بغداد رفت و در آنجا حدیث گفت. ابوالحسن دارقطنی در کتاب خود «المدبج» و حاکم نیشابوری و جعفر بن محمد مستغفری و دیگران از وی روایت کرده‌اند. دارقطنی وی را در حدیث ثقه دانسته است و حاکم او را دارای فهم و شناخت عالی معرفی کرده و مستغفری گوید که او پرحافظه‌ترین فرد زمان خود در ماوراء النهر بوده است. ابوسعید خلیل بن احمد سجزی نیز از وی حدیثی روایت کرده است. کلابادی در بخارا درگذشت. از آثار وی: تصنیفی در شناخت رجال «صحیح» بخاری به نام «الارشاد فی معرفة رجال البخاری» یا «الهدایة و الارشاد فی معرفة اهل الثقة و السداد» یا «اسماء رجال صحیح بخاری».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۱۱۴/۵)، ایضاح المکنون (۷۲۴/۲)، تاریخ بغداد (۴۳۵-۴۳۴/۴)، تاریخ نیشابور (۱۵۲)، تذکره الحفاظ (۱۰۲۷/۳)، سیر النبلاء (۹۶-۹۴/۱۷)، شذرات الذهب (۱۵۱/۳)، طبقات الحفاظ (۴۲۳)، العبر (۱۹۳/۲)، کشف الظنون (۵۵۵، ۸۸)، معجم المؤلفین (۹۵/۲)، وفيات الاعیان (۲۱۱-۲۱۰/۴)، هدیة العارفين (۶۹/۱).

کلابزی، ابواسحاق ابراهیم

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۴۰/۳۱۶/۳۱۲ ق)، ادیب، لغوی و نحوی. نسبتش به کلابزی به مناسبت حفظ، نگهداری و تربیت سگهای شکاری است. محضر مازنی را درک کرد و فنون ادب را از مبرد فراگرفت. او از ابوحاتم سهل بن محمد سجستانی روایت کرده و ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی از وی روایت می‌کند. وی در نحو و لغت متقدم و عهده‌دار منصب قضای شام بود. او در بصره درگذشت. از آثار وی: «شرف الفقر علی الغنی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۱۱۶/۵)، ریحانه (۷۰/۵)، کشف الظنون (۱۰۴۵)، معجم الادباء (۳/۲)، معجم المؤلفین (۱۰۵/۱).

کلابی نیشابوری، ابومحمد عمرو

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۳۸ ق)، فقیه، محدث و قاری. نزد علی بن حمزه کسائی تلاوت آموخت و از هشیم بن بشیر و عبدالوارث ثقفی و ابوبکر بن عیاش و ابوعبیده حداد و قاسم بن مالک مزنی و یحیی بن زکریا بن ابی‌زائده و عبدالعزیز بن ابی‌حازم و سفیان بن عیینه و زیاد بن عبدالله بکائی و ابن علیہ و معاذ عنبری و همطبقه آنان حدیث شنید. نسائی او را مورد اعتماد دانسته و ابن‌حبان می‌گوید که شیوخ نیشابوری ما از وی تمجید می‌کردند. بخاری و مسلم و نسائی و محمد بن یحیی ذهلی و ابومحمد دارمی و ابراهیم بن ابی‌طالب و حسن بن سفیان و ابوالعباس سراج و مسدد بن قطن قشیری نیشابوری و ابوعمار حسین بن حرث مروزی و احمد بن سیار مروزی و احمد بن سلمه نیشابوری و جعفر بن محمد بن حسین نیشابوری معروف به ترک و داوود بن حسین بیهقی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب (۵/۱۱۷)، التاریخ الکبیر (۶/۳۳۲)، تهذیب التهذیب (۳۱-۳۰/۸)، تهذیب الکمال (۲۲۶-۲۲۵/۱۴)، الثقات (۸/۴۸۷)، الجرح و التعديل (ج ۳/۲۳۳)، سیر النبلاء (۴۰۷-۴۰۶/۱۱)، شذرات الذهب (۲/۹۰)، العبر (۱/۳۳۶).

کلار پوشنجی هروی، ابومنصور عبدالرحمان

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۷۷ ق)، مسند، محدث و فقیه. معروف به کلار و کلاری. وی از عبدالرحمان بن ابی‌شریح حدیث شنید. ابن‌طاهر و وجیه شحامی و زهیر بن علی سرخسی و حسن بن محمد بن محمد سنجستی و فضیل بن اسماعیل و ابوالوقت سجزی و عبدالجلیل بن ابوسعده و محمد بن اسماعیل فضیلی و منصور بن علی حجری و دیگران از وی حدیث شنیدند. کلار از کبار شیوخ ابی‌الوقت بود. او در پوشنج درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام بوفیات الاعلام (۱/۳۱۵)، توضیح المشتبه (۷/۳۴۸)، سیر النبلاء (۴۴۳-۴۴۲/۱۸)، العبر (۳۳۷-۳۳۶/۲).

کلانتر معتمدی، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی عمومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

کلانتری تهرانی، ابوالقاسم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۹۲ - ۱۲۳۶ ق)، عالم امامی و فقیه اصولی. اصلش از نور مازندران است. به دلیل انتساب به دایی خود، محمود خان کلانتر (کلانتر تهران که در سال قحطی، ۱۲۸۸ ق، به امر ناصرالدین شاه مصلوب گشت)، به کلانتری شهرت یافت. در تهران به دنیا آمد. فراگیری مقدمات را در تهران آغاز کرد و در خلال سفر چند ساله با عمویش به اصفهان مقدمات را تکمیل کرد. در بازگشت به تهران به عراق عزیمت نمود تا دروس عالی را در آنجا فراگیرد ولی به علت عدم امکانات مالی به تهران بازگشت و در مدرسه مروی معقول را در محضر ملا عبدالله زنوزی و فقه و اصول را نزد شیخ جعفر کرمانشاهی خواند. آن گاه برای ادامه تحصیلات به عراق رفت. فقه و اصول را از سید ابراهیم قزوینی صاحب «ضوابط» و شیخ انصاری به طور کامل فراگرفت. وی مدت بیست سال از حوزه شیخ انصاری استفاده نمود و بیانات استاد را تقریر نمود و یکی از ارکان حوزه شیخ انصاری و از جانب او به دریافت اجازه اجتهاد نایل شد. در ۱۲۷۷ ق به تهران آمد و به انجام وظائف دینی و افتاء و تدریس فقه و اصول پرداخت. در محضر درس او، فرزندش، علامه میرزا ابوالفضل تهرانی و امیر سید حسین ابن صدر الحفاظ قمی از شاگردان برجسته به حساب می‌آمدند. ملا فتحعلی نهایندی نیز از شاگردان اوست. وی در تهران درگذشت و در مقبره شیخ ابوالفتوح رازی، در شهر ری به خاک سپرده شد. او در فقه و اصول صاحب تألیفات است. از آثارش: «مجموعه رسائل»، در فقه؛ «مطرح الانظار»، در اصول فقه، تقریرات درس شیخ انصاری؛ «الاستصحاب»، از مباحث اصول فقه؛ «الرساله فی المشتق»؛ رساله‌ای در «ارث».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۹-۱۸/۶)، اعیان الشیعه (۴۱۴-۴۱۳/۲)، الذریعه (۱۳۶/۲۱، ۱۹۶/۱۰، ۲۴/۲، ۴۰۳/۱)، ریحانه (۷۱-۷۰/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۱-۵۸/۱۳)، الکنی و الالقاب (۱/۱۴۴)، لغت نامه (ذیل/ ابوالقاسم)، معجم المؤلفین (۸/۱۲۰)، مؤلفین کتب چاپی (۱/۲۸۵)، نامه‌ی دانشوران (۳۶۸-۳۶۴/۲).

کلانتری، ابراهیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابراهیم کلانتری

محل تولد: مرو دشت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابراهیم کلانتری پس از اتمام دوره ابتدایی در روستای محل تولد (شوراب) برای فراگیری علوم اسلامی به مدرسه علمیه «حضرت امام صادق (علیه السلام)» شهرستان «مرو دشت» آمدم. پس از یکسال با اوج گیری انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (قدس سره) مدتی حوزه تعطیل گردید که بنده در این مدت به فعالیت‌های انقلابی مشغول بودم تا اینکه مجدداً دروس

حوزه دایر گردید و بنده نیز به تحصیل ادامه دادم. در سال ۱۳۶۰ هجری شمسی برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه «آقا باباخان شیراز» عزیمت نمودم و تحصیلات حوزوی را در این مدرسه تا سال ۱۳۶۴ ادامه دادم. همزمان با تحصیل در شیراز و بازگشایی دانشگاهها پس از انقلاب فرهنگی، چند نیم سال تحصیلی در دانشگاه شیراز به تدریس دروس عمومی از قبیل: (صرف و نحو عرب، منطق و متدولوژی) مشغول بودم. تابستان ۱۳۶۴ برای ادامه تحصیل علوم اسلامی به حوزه علمیه قم آمدم و به صورت ممحض به تحصیل مشغول بودم.

از محضر ارجمند حجج اسلام: (خدایی، موسوی نژاد و موحد شیرازی) در شهرستان و در قم از محضر بزرگان حوزه حضرات آیات: (اعتمادی، پایانی و ستوده) و دروس خارج را از محضر حضرات آیات: (جعفر سبحانی، وحید خراسانی و فاضل لنکرانی) بهره‌مند شدم. تحصیلات در حوزه قم تا تابستان سال ۱۳۷۳ ادامه داشت. همزمان با تحصیل در حوزه قم، دروس متوسطه را ادامه دادم و سال تحصیلی ۷۱-۷۰ پس از قبولی در مرکز تربیت مدرس، کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی را آغاز و در تابستان ۱۳۷۴ از رساله کارشناسی ارشد تحت عنوان: «تکامل زیستی موجودات زنده و پیامدهای کلامی آن» دفاع و با درجه عالی و نمره ۱۹ به پایان رساندم.

از بهمن ماه ۱۳۷۵ در مقطع دکتری الهیات گرایش (علوم قرآن و حدیث) تحصیل خود را آغاز و پس از اتمام واحدهای نظری به تحقیق در موضوع «قرآن و چگونگی پاسخگویی به نیازهای زمان» پرداختم. در دی ماه ۱۳۸۱ از رساله دکتری خود تحت همان موضوع دفاع کردم و با نمره ۲۳/۱۷ و درجه خوب فارغ التحصیل شدم. از سال ۱۳۷۳ (مهرماه) به دانشگاه اصفهان عزیمت نمودم و همزمان با فعالیت‌های دینی، فرهنگی در مسئولیت «نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه مذکور»، به تدریس دروس الهیات و معارف اسلامی مشغول شدم. در طول سالهای تدریس در دانشگاه، علی‌رغم گرفتاریهای بسیار کاری در موضوعات مختلفی نیز به تحقیق و پژوهش پرداخته‌ام. نتایج برخی از پژوهش‌ها تا کنون منتشر گردیده اما نتایج برخی نیز هنوز به مرحله انتشار نرسیده است. در حال حاضر عضو هیأت علمی دانشگاه هستم و با مرتبه استادیاری به تدریس در دانشگاه الزهراء (سلام الله علیها) مشغول می‌باشم.

کلانتری، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی پلاستیک، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی ایران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

کلانی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای اعصاب، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

کلباسی، ابوالقاسم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در اصفهان متولد گردیده، و پس از تحصیل مقدمات در اصفهان به نجف مهاجرت کرده، و ریاست و مرجعیت یافته، و به شیخ العراقین مشهور گردید. مادرش دختر حاج سید محمد باقر بیدآبادی است.

اساتید او غیر از پدرش: علامه [شیخ مرتضی] انصاری و شیخ محمد حسین کاظمینی می‌باشند. در ۱۳۰۸ وفات یافته، در نجف مدفون گردید.

کتاب زیر از اوست:

۱- شرح کتاب اصول پدرش ۲- کتابی در اصول، در دو مجلد ۳- کتابی در صلوات؛ و غیره.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کلباسی، ابوالمعالی محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند مرحوم [آیه الله] حاج محمد ابراهیم.

عالم فاضل محقق، مجتهد جامع، فقیه اصولی، جامع معقول و منقول، از اکابر علما و مجتهدین، محقق مدقق و دقیق الفکر، کثیر التتبع، در غایت زهد و تقوی؛ درباره زهد و ورع ایشان بین الخواص و العوام حکایاتی منقول است که همگی دلالت بر عظمت مقام او می‌کند.

در شب ۴ شنبه ۷ شعبان ۱۲۴۷ متولد، و شب ۴ شنبه ۲۷ ماه صفر المظفر سال ۱۳۱۵ وفات یافته، در تخت فولاد، در تکیه‌ای مخصوص مدفون گردید.

در تذکره القبور درباره او فرماید: مجلس آن مرحوم، مصداق حدیث حواریین و عیسی علیه السلام بود که عرض کردند: مَنْ نُجَالِسُ فرمود: مَنْ يُذَكِّرْ كَمَ اللَّهِ رُوَيْتَهُ، وَ يَزِيدُ كَمَ فِي الْعِلْمِ مَنْطِقَهُ، وَ يَرْغَبُ كَمَ فِي الْآخِرَةِ عَمَلَهُ.

در اصفهان خدمت آقا میر سید حسن مدرس تحصیل نموده. کتب و رسائل زیادی تألیف فرموده که از آن جمله است:

- ۱- استخارات ۲- الاستشفاء بالتربة [مطبوع] ۳- الاستجاریة ۴- الاسرافیه ۵- بشارات، در اصول، سه مجلد ۶- تعارض استصحاب و اصالة الصحة ۷- جبر و تفویض ۸- حجیت مظنه ۹- رساله در تزکیه ی اهل رجال ۱۰- رساله در نیت ۱۱- رساله در مفطر بودن قلیان ۱۲- سند صحیفه ی کامله ۱۳- شرح خطبه ی شقشقیه ۱۴- شرح زیارت عاشورا ۱۵- شرح کفایه سبزواری، در فقه ۱۶- متجاوز از بیست رساله در شرح حال روات و علما [مطبوع] ۱۷- متجاوز از سی جلد کتاب و رساله ی دیگر در فقه و اصول و رجال ۱۸- شرح زیارت جامعه.

(مجموع کتب و رسائل تألیفی ایشان متجاوز از هشتاد مجلد می‌شود).

جمعی کثیر از بزرگان علما و مجتهدین از شاگردان ایشان می‌باشند که معروف تر از همه ی آنها مرحوم آیت الله العظمی مرحوم حاج آقا حسین بروجردی رحمه الله علیه می‌باشد.

در شرح زندگانی مرحوم بروجردی چندین مجلد کتاب، و چند شماره مجله نوشته شده است که از جمله ی آنها کتابی است که نگارنده تألیف نموده و به ضمیمه ی تاریخچه ی شهر سامراء به طبع رسیده است.
برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کلباسی، ابوتراب

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در نجف به درس آخوند خراسانی و حاج میرزا حسین بن حاج میرزا خلیل طهرانی حاضر شده، و در سال ۱۳۳۷ در نجف اشرف وفات یافته، و هم در آن زمین مقدس مدفون گردید.

در ماضی النجف و حاضرها تولدش را ۱۲۷۹ در اصفهان، و وفات را در ۱۳۳۵ در نجف می‌نویسد، و از تألیفاتش ۱- حواشی بر کفایه ۲- رسائلی در فقه ۳- السعه و الرزق، مجموعه احادیث مربوط به آن را نام می‌برد.
برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کلباسی، ایران

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

دکتر ایران کلباسی در سال ۱۳۱۸ در شهر اصفهان متولد گردید. ایشان دارای دکتری رشته زبان شناسی همگانی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۱ است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد پژوهشکده زبانشناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران می‌باشد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: زبان شناسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای :- دریافت گواهی نامه ششم ابتدایی: دبستان دانش، اصفهان ۱۳۳۱ - دریافت دیپلم متوسطه: دبیرستان شاهدخت سابق، اصفهان رشته علوم طبیعی، ۱۳۳۷ - دریافت گواهی نامه کارشناسی: در رشته زبان و ادبیات فارسی، از دانشگاه شیراز، در سال ۱۳۴۲ - دریافت گواهی نامه ارشد: در رشته زبانشناسی همگانی، از دانشگاه تهران، در سال ۱۳۴۶ - دریافت گواهی نامه دکتری: در رشته زبانشناسی همگانی، از دانشگاه تهران، در سال ۱۳۵۱

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سوابق شغلی ایران کلباسی به قرار زیر است: - استخدام در وزارت آموزش و پرورش، در اصفهان، ۱۳۳۷ - رئیس انستیتو تربیت معلم، وابسته به وزارت آموزش و پرورش در تهران، از سال ۱۳۵۱-۱۳۵۳ - انتقال از آموزش و پرورش به فرهنگستان سابق زبان ایران، در تهران، در سال ۱۳۵۳ - انتقال به پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در تهران

بعد از انقلاب اسلامی - استفاده از فرصت مطالعاتی، در دانشگاه لندن، مدرسه مطالعات شرقی و افریقایی (SOAS) در سالهای ۱۳۶۵-۱۳۷۱ - استاد، پژوهشگر و مدیر فعلی گروه گویش شناسی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - مدیر فعلی گروه گویش شناسی در انجمن زبانشناسی ایران

فعالتهای آموزشی: ایران کلباسی در دانشگاههای تهران، شهید بهشتی، الزهرا، علوم پزشکی ایران، پیام نور، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دانشگاه آزاد اسلامی به تدریس می پردازد.

آرا و گرایشهای خاص: ایران کلباسی در زمینه گویش های ایرانی تخصص دارد و بیشتر مقالات خود را در این زمینه نوشته است. چگونگی عرضه آثار: - تعداد راهنمایی پایان نامه های دکتری و کارشناسی ارشد در رشته زبانشناسی همگانی: بیش از ۱۰۰ رساله - تعداد مقالات ارائه شده در همایشها به همراه ایراد سخنرانی: بیش از ۴۰ مورد - تعداد تالیف کتاب: ۱۰ کتاب - تعداد مقالات منتشر شده در مجلات علمی: ۵۶ مقاله

آثار:

۱ بررسی ساخت واژه در زبان رومانو (۱۳۷۳)

۲ زبان فارسی و زبانهای محلی

ویژگی اثر: دانشکده مکاتبه ای، ۱۳۵۵

۳ ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز

ویژگی اثر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۱

۴ ساخت واژه در گویش کلیمیان اصفهان

ویژگی اثر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳

۵ ساخت واژه در گویش لاری

۶ ساختمان آوایی در فارسی

۷ فارسی اصفهانی

ویژگی اثر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۰

۸ فارسی ایران و تاجیکستان

ویژگی اثر: دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴

۹ گویش کلاردشت (رودبارک) بیپژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ویژگی اثر: ۱۳۷۶

۱۰ گویشهای ایرانی و لهجه های فارسی (۱۳۷۱)

۱۱ گویشهای کردی مهاباد

ویژگی اثر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۶۲

منابع زندگینامه: <http://www.ihcs.ac.ir/User/People.aspx?ID=۳۳۲۲> پوران فرخزاد، دانشنامه زنان فرهنگساز ایران

و جهان، ج ۲، ص ۱۴۲۴۳ تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر ایران کلباسی بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی - پاییز ۱۳۸۶

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند آقا میرزا ابوالمعالی، از اعظام علما و مجتهدین، ازهد زهاد، و عابدترین افراد زمان خود بود. در اصفهان نزد پدر و دیگران، و در نجف خدمت آخوند خراسانی تلمذ فرموده؛ مدت عمر، دقیقه‌ای از تألیف و تدریس و عبادت غافل نبود. در مسجد جوجو (جوجی) اقامه جماعت می‌فرمود، و نماز ایشان از زیاده‌ترین جماعات اصفهان محسوب می‌شد. در شب ۱۷ رمضان المبارک سال ۱۳۵۰ وفات یافته، در جنب پدر مدفون گردید. کتاب تلخیص الهیئه، در مهمات مسائل هیئت قدیم، و معرفت تقویم و اسطرلاب از اوست. مشارالیه بزرگتر از برادر خود مرحوم آقا میرزا ابوالهدی می‌باشد. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کلباسی، رضا

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند میرزا عبدالرحیم بن میرزا محمدرضا بن العلامة حاج محمد ابراهیم کلباسی. عالم جلیل، فقیه جامع، و مجتهد اصولی کامل، در شب ۲۵ ذی قعدة الحرام ۱۲۹۵ در اصفهان متولد، و در شب ۴ شوال ۱۳۸۳ در مشهد مقدس وفات یافته، و در آنجا مدفون گردید. در اصفهان و طهران و نجف در نزد علما تحصیل نموده، و سال‌ها در اصفهان ساکن، و به ترویج دین، و نشر احکام، و احیای مساجد مخروبه قیام نموده، و اخیراً در مشهد مجاور شده، و در اصفهان امامت، و در مدرسه‌ی صدر تدریس می‌نمود، و جمعی از افاضل از محضر او مستفید می‌شدند. کتب زیر از ایشان است:

۱- انیس اللیل، در شرح دعای کمیل ۲- ایقاضات الاصول ۳- الدعوة الحسینیة ۴- رهنمای دین، یا دستور تبلیغ ۵- مقامات العارفین ۶- مکیال الیقین، در اصول دین ۷- هدیة السالکین لعموم المؤمنین، که آن را بر حسب خواهش نویسنده‌ی این کتاب تألیف فرموده و به طبع رسیده است. ۸- حواشی عدیده بر کتب مختلفه فقهی و اصولی و غیره. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کلباسی، کمال الدین ابوالهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند میرزا ابوالمعالی. عالم فقیه زاهد مجتهد اصولی، در زهد و تقوی مانند پدر بزرگوار و برادر عالی مقدار خود بی مثل و مانند بود، در مکارم اخلاق و صفات و حالات روحانی کم نظیر.

در اصفهان نزد پدر خود و عده‌ای دیگر تلمذ فرموده، و جهت تکمیل به نجف اشرف مهاجرت فرموده، و در آنجا از محضر مرحوم آقا سید محمد کاظم یزدی و آخوند خراسانی استفاده نموده، و پس از وصول به مقامات عالیّه اجتهاد با اخذ اجازات از علمای وقت به اصفهان مراجعت نموده و به درس و بحث و تدریس اشتغال جست، حوزه‌ی درس ایشان خصوصاً در قسمت رجال مورد نظر و عنایت اهل فضل بوده.

کتب و رسائلی تألیف فرموده که از آن جمله است:

۱- البدر التمام، در احوال پدر و جدّ والا مقام خود به طبع رسیده.

۲- التحفه الی سلاله النبوه، و آن اجازه‌ای است که جهت آیت الله العظمی آقای آقا سید شهاب الدین نجفی مرعشی مرقوم فرموده‌اند.

۳- حاشیه بر کفایه الاصول استادش.

۴- الدر المثین فی جمله من المصنفات و المصنّفین.

۵- درّه البیضاء، در اجازه روایت.

۶- زلّات الاقدام، در اشاره به اشتباهات رجالی برخی از اعلام.

۷- سماء المقال فی تحقیق علم الرجال، در دو مجلد که به سعی فرزند دانشمندش عالم فاضل آقای آقا محمد کلباسی در قم به طبع رسیده است.

۸- الصراط المستقیم فی التمییزین الصحیح و السقیم.

۹- القواعد الرجالیّه، حاوی سی فایده؛ و غیره.

صاحب عنوان در شب ۳ شنبه ۲۷ ربیع الثانی سال ۱۳۵۶ در اصفهان وفات یافته، در مقبره پدر مدفون گردید.

ماده تاریخ وفات ایشان را مرحوم حاج میرزا حسن خان ضمن قطعه‌ای فرموده است.

جاء البشیر مُهنياً و مورّخاً

اتل السلام علی من اتبع الهدی

بر گرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کلباسی، محمد ابراهیم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد ابراهیم کلباسی

محمد ابراهیم فرزند محمد حسن کاخکی خراسانی مشهور به حاجی کرباسی (کلباسی) یکی از اعلام بزرگ شیعه در شهر اصفهان بود. کرباسی فقیهی جامع و مجتهدی کامل بود. در مواظبت به انجام و آداب و سنن دینی و اسلامی خیلی کوشا بود. کرباسی دانشمندی محتاط بود و با آنکه به مراتب علمی و کمال فقاقت رسیده بود از نوشتن رساله و دادن فتوی بیمناک بود. (کرباسی پدرش به اتفاق خانواده مدتی از خراسان به محله حوض کرباس هرات ساکن بود سپس ساکن اصفهان گردیدند و آنها را کرباسی خواندند.) مرحوم حاجی کرباسی سالها در عتبات از محضر سید بحر العلوم، شیخ جعفر کبیر، سید صاحب ریاض و محقق اعرجی بهره برد و از محضر آنها توشه‌ها اندوخت. نوشته‌اند در نوجوانی مدتی کوتاه کنار درس وحید بزرگ هم زانو زد و خود با مقام

فقاقت و اجتهاد وارد اصفهان شد. مرحوم کلباسی با حجة الاسلام اصفهانی معاصر بود و به همدیگر صمیمیتی وافر و خلوصی کامل داشتند. مرحوم کرباسی برای فرامین و دستورات سید محمد باقر شفتی احترام قائل بود و نوشته سید را بوسیده به دیده می سائید و در بزرگداشت حجة الاسلام کوتاهی نکرد با آنکه شخصیتی در ردیف حجة الاسلام بود. حاجی کرباسی در مسجد حکیم اصفهان مرکزیتی جامع، مروجی کامل، راهنمائی دائم و امام جماعتی خاشع بود. «نوشته اند شیخ احمد احسائی کذائی متواضعانه به گوشه مسجد حکیم می خزید، و به دنبال حاجی سری به خاک می سائید. و به زعم بعضی خود افضلی زبان آرا بود.» مرحوم حاجی از خالق خویش خیلی خائف بود. دستورات و موازین شرع اسلام را مو به مو رعایت می کرد. در انجام فرائض، نوافل و مستحبات جدیدی کامل به خرج می داد. هیچ گاه جماعت او ترک نشد. به فرزندش ابو المعالی می فرمود: عزیزم راضی نیستم هیچ گاه فرایض خود را فرادی به پا داری (که این امر پدر نماز جماعت را به پسر واجب کرد). نوشته اند برای درک شب قدر سالی را شبها به کلی نخواید تا به فیض شب قدر نایل آمد. در انجام حوایج بیچارگان آماده بود دوست داشت آن گاه هزینه سالانه بی نوایان را دهد که فقر و تهی دستی آنان ثابت گردد و این اثبات هم بسی دشوار بود. شهادت دادن نزد مرحوم حاجی کاری بسی مشکل بود. نوشته اند وقتی غسلی درباره موضوعی برای دادن شهادت نزد او آمد مسائل مربوط به غسل میت را از او سؤال کرد و آنچه را لازمه مسائل اول تکلیف است از او انتظار داشت و غسل بیچاره او را پاسخگو بود. در اینجا اضافه می کنند که غسل به حاجی آقا گفت گذشته از این مسائل جمله ای نیز به گوش میت می خوانیم. پرسید چه جمله ای؟ غسل جواب داد به میت می گوئیم خوشا به حال شما که مردی و به پای میز حاجی آقا برای بیان شهادت حضور نیافتی... مرحوم کرباسی سالها غیر از خدمت دینی و رسیدگی به امور مردم، فضلائی چند نیز در اصفهان تربیت نمود که به مقامات علمی و اخلاقی نایل آمدند. او آثاری هم از خویش به جا گذاشت. از اهم تألیفات او: کتاب اشارات در اصول، منهاج الهدایه در فقه، و شوارح هدایت در شرح کفایه. او کتابی فارسی به نام نخبه و رسائلی در عبادات نوشت. رساله عملیه ای نیز به اصرار جناب میرزای قمی تدوین نمود اما آن را با ترس و لرز از آتش جهنم به رشته تحریر برده است. آن جناب سرانجام در سال ۱۲۶۲ در اصفهان وفات نمود و در مسجد حکیم مدفون شد. پس از او آقازاده ها وارث علوم پدر گشتند که در آینده به شرح برخی انشاءالله می رسیم.

کلباسی، محمد مهدی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند علامه حاج محمد ابراهیم. عالم زاهد و ورع متقی، از فحول علما و مجتهدین، محقق مدقق، در اصفهان متولد گردیده، و نزد پدر خود و سید حجة الاسلام و جمعی دیگر تحصیل نموده، در مسجد حکیم امامت و تدریس می نموده، و مرجعیت تامه یافته، و مورد وثوق و احترام قاطبهی طبقات بوده، و بسیار متواضع و در عین حال ساده بوده است. حکایتها از سادگی ایشان نقل می شود که ذکر آنها موجب اطالهی کلام است، و همگی آنها دلیل بر خوبی او می شود. وی هرگز دربارهی مردم گمان بد نمی برده است. کتب زیر از ایشان است:

۱- رساله در استصحاب ۲- رساله در اراضی مفتوح العنوة ۳- رساله در طهارت ۴- رسائلی در اصول - شرح طهارت لمعه ۵- شرح منهاج الهدایهی پدرش موسوم به «معراج الشریعة» در ۸ مجلد - شرح روضه البهیة ۶- شرح تصریف ۷- شرح بر قسمتی از لمعه در چهار مجلد ۸- شفاء الاسقام، در شرح تهذیب المنطق ۹- ضیاء العوالم، در اصول فقه ۱۰- عیون الاصول، در اصول، مختصر ۱۱-

مشارق الاصول ۱۲- مصابیح الاصول ۱۳- منهج السداد، در شرح ارشاد ۱۴- نور العیون [للمتقین] ۱۵- هدایه الطالبین، نام رساله‌ی عملیه‌ی ایشان است؛ و غیره.

مشارالیه داماد حاج سید محمدباقر بیدآبادی و مجاز از ایشان بوده، و در شب ۴ جمادی‌الثانیه سال ۱۲۷۸ وفات یافته، در جنب پدر در مقبره‌ی مقابل مسجد حکیم مدفون گردید.
برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کلباسی، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت‌الله آقای حاج شیخ محمدحسین بن علامه الشیخ محمدرضا بن علامه الشیخ محمدعلی بن العالم الشیخ محمدجعفر ابن علامه الکبری والایه العظمی الحجه الباهره الشیخ محمد ابراهیم کرباسی مشهور بکلباسی مولف (اشارات الاصول النخبه و غیرها) از علماء اعلام و فقهاء کرام حوزه علمیه قم عالمی عادل و فاضلی کامل و فقیهی زاهد واجد عنوان حسب و نسب دارای مقام علم و عمل صاحب ملکات فاضله و صفات حمیده و از بیت علم و فضیلت است. جد سوم ایشان آیت‌الله فی الوری حاج ملا محمدابراهیم کلباسی صاحب کرامات باهره معاصر فتحعلیشاه قاجار از مفاخر عالم تشیع است که صاحب روضات الجنات در ص ۱۱ کتاب روضات ترجمه ایشان را نگاشته و عموی معظم والدشان مرحوم علامه بزرگوار ابوالمعالی کلباسی استاد آیت‌الله العظمی بروجردی و فرزند وی علامه ابوالهدی کلباسی مولف کتاب بدرالتمام از اساتید علامه معاصر آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی است.
بیت معظم له از بیوتات رفیعه علم و تقوی و اصیل و ریشه‌دار اصفهان می‌باشد و بالغ بر صد سال این بیت در اصفهان و تهران و مشهد و اعتبار عالیات مصدر امور شرعی و روحی بوده‌اند.

مترجم محترم ما در ۷ شعبان ۱۳۲۳ قمری در اصفهان متولد شده و در خاندان علم و فضیلت نشو و نما یافته و مقدمات و ادبیات را نزد علماء اصفهان آموخته آنگاه در سال ۱۳۴۰ قمری در سن ۱۷ سالگی مهاجرت به نجف اشرف نموده و فقه و اصول را در خدمت مرحوم آیت‌الله جاج شیخ عبدالحسین دشتی و آیت‌الله شیخ ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله اصطهباناتی و آیت‌الله حاج شیخ کاظم شیرازی تلمذ نموده و بعد مراجعت به اصفهان کرده و از محضر مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدصادق خواتون آبادی استفاده کرده و مجدداً بازگشت به نجف نموده و از خدمت مرحوم آیت‌الله میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله حاج شیخ حسین حلی بهره‌مند جگشته و در سال ۱۳۶۰ قمری مشرف به زیارت بیت‌الله الحرام شده و مدت ۷ ماه در مکه و ۷ ماه در مدینه اقامت نموده و در سال ۱۳۷۷ قمری برای معالجه به تهران آمده و پس از بهبودی و عافیت نسبتاً اطباء از مراجعت به عراق او را منع نموده پس مجبور به اقامت در ایران شده و شهرستان دینی و علمی قم را اختیار کرده و رحل سکونت در این بلده طیه که حرم آل محمد علیهم‌السلام است انداخته و به تدریس و افاضات و مباحثات و مطالعه اشتغال دارند.

اما آثار علمی ایشان از این قرار است ۱- تقریرات دروس آیت‌الله عراقی یک دوره در اصول ۲- تقریرات اصول مرحوم آیت‌الله اصفهانی یک دوره ۳- مقداری از فقه مثل کتاب طهارت و صلوه و غیره.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

کلوناتی، شهاب‌الدین، ابوالفتح احمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۸۳۵- ۷۶۲ ق)، فقیه حنفی و محدث. اصلش از کرمان بود. عز بن جماعه به او اجازه نقل فهرست مرویاتش را داده و صلاح بن ابی عمرو ابن امیله و دیگران به وی اجازه‌ی روایت داده‌اند. مناوی و ابن حسان و تغری برمش الفقیه از وی روایت کرده‌اند. در قاهره درگذشت و در جوار زین العراقی دفن شد. از آثارش: مختصر «الناسخ و المنسوخ» حازمی؛ مختصری در «علوم الحدیث»؛ مختصر «تهذیب الکمال»؛ «ثبت»، در دو مجلد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الضوء اللامع (۳۸۰- ۳۷۸ / ۱)، معجم المؤلفین (۱ / ۳۱۱).

کله عبدی اصفهانی معلم، ابواحمد عبدالواحد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۵۳ ق)، محدث و مسند. در «سیر النبلاء» به جای معلم، بقال ذکر شده است. وی از خویشان حافظ ابو عبدالله بن منده بود. او راوی «مسند» احمد بن منیع از طریق عبیدالله بن جمیل است. از ابوبکر محمد بن احمد بن جشنس و محمد بن احمد بن شهریار و عبدالله بن عمر بن هیثم و ابو عبدالله بن منده و دیگران حدیث شنید. ابوعلی حداد و سعید بن ابی الرجاء صیرفی از وی حدیث شنیدند و صیرفی بعد از ۴۵۰ ق «مسند» ابن منیع را از وی شنید.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۹۶- ۱۸ / ۹۵)، شذرات الذهب (۳ / ۲۹۱)، العبر (۲ / ۳۰۰).

کلیشادی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند میر محمد حسین بن حاج میر محمد صادق معروف به «سید مغنی گو». عالم فاضل ادیب شاعر نحوی، مدرس مدرسه‌ی شاهزاده‌ها.

به مناسبت تخصص ایشان در تدریس کتاب «مغنی اللیب» به سید محمود مغنی معروف بوده، جمعی کثیر از فضلالی اصفهان در خدمت او تحصیل نموده‌اند.

کتاب زیر از تألیفات اوست:

۱- اربعیه، در نحو ۲- جنگ، در متفرقات، در چهار مجلد، در کتابخانه‌ی مرحوم آقا میرزا محمد رضا الهی موجود بود، و حاوی مطالب مفیده از صرف و نحو و حدیث و اخبار و اشعار می‌بود. ۳- درر منتظمه، الفیه، نسخه‌ی آن نزد نگارنده موجود است. ۴- کتابی در مواعظ ۵- مختصر کتاب «غرر و درر» سید مرتضی ۶- مختصر اکسیر العبادات ۷- محمودیه، در نحو ۸- ناصریه، در نحو،

و ظاهراً با محمودیه یک کتاب باشد.

صاحب عنوان در شب ۵ شنبه ۸ ربیع‌الثانی سال ۱۳۲۴ وفات یافته، در تخت فولاد مدفون گردید. قبرش در قسمت‌های جنوبی خانه‌های تخت فولاد، در تکیه‌ای کوچک قرار دارد.
برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کلینی رازی، ابوجعفر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۲۹/۳۲۸ ق)، رئیس‌المحدثین امامیه، فقیه، مفتی و مرجع. ملقب به ثقة الاسلام، معروف به سلسلی. نسبت وی به روستای کلین، از قرای فشافویه ری، می‌رسد. وی از علمای بزرگ زمان غیبت صغری و شیخ مشایخ شیعه بود. چون شیعه و سنی در فتاوا بدو مراجعه می‌کردند به ثقة الاسلام شهرت یافت و او اولین کسی است که بدین لقب نامیده شد. کلینی نخستین از محمدهای ثلاثه، صاحب «کافی» اولین از کتب اربعه می‌باشد. ابن‌اثیر در «جامع الاصول» از کلینی به عنوان مجدد مذهب اثنی عشری در آغاز قرن سوم قمری نام می‌برد. وی از ابوعلی و حسین بن محمد اشعری و حمید بن زیاد نینوایی و عبدالله بن جعفر حمیری و علی بن ابراهیم قمی و از دایی‌اش، علان کلینی، و ابو عبدالله احمد بن محمد عاصمی و احمد بن مهران و بسیاری دیگر روایت کرد. شیخ ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه و ابوغالب احمد بن محمد زراری و ابومحمد هارون بن موسی تلکبری و ابوالفضل محمد بن عبدالله بن مطلب شیبانی و ابو عبدالله احمد بن ابراهیم صیمری، معروف به ابن ابی‌رافع، و دیگران از وی روایت کرده‌اند. او در سال تناثر نجوم و اول غیبت کبری، در بغداد در گذشت و در باب الکوفه‌ی بغداد در بازار نزدیک جسر دفن شد. از آثار وی: «الکافی»، در سه قسمت: «اصول کافی»، «فروع کافی» و «روضه‌ی کافی»، شامل شانزده هزار و صد و نود و نه حدیث، که در مدت بیست سال آن را به رشته‌ی تحریر درآورده؛ «تعبیر الرؤیا»؛ «الرد علی القرامطه»؛ «رسائل الاثمه (ع)»؛ کتاب «الرجال»؛ «ما قیل فی الائمة من الشعر»؛ «فضائل القرآن»؛ «العقل»؛ «العلم»؛ «التوحید»؛ کتاب «الاشربة»؛ کتاب «الدواجن و الرواجن». [۱]

محمد بن یعقوب، ثقة الاسلام، عالم و فقیه معروف شیعی (ف. ۳۲۹ ه. ق) او راست: «الکافی فی علم‌الدین»: کافی.
برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۸/۱۷)، اعیان الشیعه (۱۰/۹۹)، ایضاح المکنون (۲۹۵، ۲۶۸، ۱۹۷/۲)، دایرة المعارف فارسی (۲۲۵۹/۲)، الذریعه (۲۴۶-۱۷/۲۴۵)، رجال الطوسی (۴۹۶-۴۹۵)، رجال النجاشی (۲۹۲-۲/۲۹۰)، روضات الجنات (۱۱۲-۶/۱۰۱)، ریاض العلماء (۲۰۰-۵/۱۹۹)، ری باستان (۳۸۵-۲/۳۸۳)، ریحانه (۸۲-۵/۷۹)، سیر النبلاء (۱۵/۲۸۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴/۳۱۴)، فوائد الرضویه (۶۵۹-۶۵۷)، الفهرست للطوسی (۳۲۷-۳۲۶)، کارنامه‌ی بزرگان (۵۴)، الکامل (۶/۲۷۴)، الکنی و الالقاب (۱۲۱-۳/۱۲۰)، لسان المیزان (۶۳۷-۶/۶۳۶)، لغت‌نامه (ذیل / کلینی)، معجم رجال الحدیث (۶۶-۱۸/۵۰)، معجم المؤلفین (۱۱۷-۱۱۶/۱۲)، الوافی بالوفیات (۵/۲۲۶)، هدیة الاحباب (۲۲۸-۲۲۷)، هدیة العارفين (۲/۳۵).

کماری تبریزی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۷-۱۳۰۹ ق)، عالم دینی. در کمار از قرای تبریز به دنیا آمد. ابتدا نزد میرزا محمد علی قراچه داغی و حاج میرزا مصطفی درس خواند. سپس در اردوباد نزد آقا سید مرتضی مدرس تلمذ نمود. آن گاه به نجف رفت و خدمت حاج میرزا فرج‌الله تبریزی رسید و از محضر او و دیگر اساتید آنجا بهره گرفت. در ۱۳۴۸ ق به قم رفت و از حوزه‌ی درس آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حایری استفاده نمود. از آثار وی حاشیه بر «رسائل» است که به طبع رسیده است. [۱]

سید محمد کماری از علماء معروف تبریز بودند که در اواخر عمر در تهران اقامت نموده و بتدریس و مباحث علمی و خدمات دیگر دینی اشتغال تا در چند سال قبل رحلت و در مسجد موزه آستانه مقدسه حضرت معصومه علیهاالسلام مدفون گردیده و او از احفاد مرحوم سید علی بن عبدالصمد است که در سال ۶۰۴ قمری از دنیا رفته و قبرش مزار و در یکی از مضافات تبریز واقع و بر روی آن نوشته است (هو الحی الذی لا یموت سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین) هذه الروضه الثمره الشجره النبوه المصطفویه و الولایه المرتضویه سلاله آل طاها و یس المرحوم المغفور الواصل الی رحمه الله الملك الغنی السید علی بن السید عبدالصمد الحجازی الموسوی طاب ثراهما و جعل الجنة مثوالمهما فی تاریخ ۶۰۴ قمری.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار الحججه (۱/۲۲۲)، آینه‌ی دانشوران (۱۸۹-۱۸۸).

کماری، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مهدی موسوی ابن العالم الجلیل الحاج سید محمد کماری که به بیست و شش واسطه بامام هفتم علیه‌السلام می‌رسد از علماء مبرز و دانشمندان ممتاز معاصر تهرانست.

وی در بیست و ششم ذی‌الحجه ۱۳۲۳ قمری در تبریز متولد شده و در مهد علم و کمال پرورش یافته و پس از خواندن اولیات سطوح را در خدمت مرحوم حاج مولینا و آیت‌الله حاج میرزا ابوالحسن انگجی و حاج سید موسی خسروشاهی و حاج میرزا علی اصغر ملکی خوانده و در سال ۱۳۴۶ قمری به قم آمده و در خدمت مرحوم میرزا محمد همدانی و آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی حایری قمی و آیت‌الله العظمی حایری و آیت‌الله حجت قدس الله اسرارهم تلمذ نموده و در سال ۱۳۵۰ مهاجرت به نجف و حدود ده سال اقامت و از محضر مرحوم آیت‌الله میرزا حسین نائینی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی و آیت‌الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی رضوان الله علیهم استفاده کافی و وافی نموده و در سال ۱۳۶۰ قمری با دریافت اجازات اجتهاد از آیات عظام نجف مراجعت به ایران و در تهران رحل اقامت افکنده و تا اکنون بتدریس و امامت و انجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارد و در مسجد امامزاده زید واقع در بازار تهران اقامه جماعت می‌نمایند.

از آثار علمی ایشانست کتابهائی که نگارنده مطالعه کرده ولی متأسفانه بطبع نرسیده و بعضی از آن هم تکمیل نشده است و آنها از این قرار است ۱- مباحث الفاظ دو جلد ۲- مباحث عقلیه ۲ جلد ۳- رساله‌ای در اجاره ۴- رساله‌ای در قاعده لاضرر ۵- کتابی در حج و مناسک آن علمی و استدلالی ۶- شرحی بر وسیله.

(۱۳۲۳- ز ۱۳۶۰ ق)، عالم دینی و فقیه. نسب وی به بیست و شش واسطه به امام هفتم (ع) می‌رسد. در تبریز به دنیا آمد. پدرش، آیت‌الله سید محمد کماری از علمای معروف تبریز بود. او میان خانواده‌ای اهل کمال پرورش یافت. پس از فراگیری مقدمات،

سطوح را در خدمت حاج مولانا و میرزا ابوالحسن انگجی و حاج سید موسی خسروشاهی و حاج میرزا علی اصغر ملکی خواند. در ۱۳۴۶ ق به قم رفت و در خدمت میرزا محمد همدانی و آیت‌الله شیخ محمد علی حایری قمی و آیت‌الله حایری یزدی و آیت‌الله حجت تلمذ نمود. در ۱۳۵۰ ق به نجف مهاجرت کرد و حدود ده سال از محضر آیت‌الله میرزا محمد حسین نایینی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله شیخ محمد حسین غروی اصفهانی و آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده کافی برد و در ۱۳۶۰ ق با دریافت اجازات اجتهاد از استادانش در نجف، به تهران آمد و به تدریس و امامت و انجام وظائف دینی پرداخت. از آثارش: «مباحث الفاظ»، در دو مجلد؛ «مباحث عقلیه»، در دو مجلد؛ رساله‌ای در «اجاره»؛ رساله‌ای در «قاعدیه لا ضرر»؛ کتابی علمی و استدلالی در «حج و مناسک»؛ شرحی بر «وسيله» [۱].

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه [۱]: گنجینه دانشمندان (۵۳۵-۵۳۳/۴).

کمال پور، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد کمال پور، متخلص به «کمال» در سال ۱۲۹۷، در مشهد دیده به جهان گشود. از پنج سالگی در مکتبخانه شیخ موسی و در محله‌های سرشور به آموختن قرآن، دیوان حافظ و گلستان و بوستان سعدی روی آورد و سپس در مدرسه نظمیه که بعدها دبیرستان ابن یمین نام گرفت، تحصیلات دوره ابتدایی را سپری کرد. تا سال ۱۳۱۰ که پدرش در قید حیات بود، روزها را به تحصیل و شب‌ها را به خواندن شاهنامه حکیم توس در نزد پدر می‌گذراند. با درگذشت پدر مجبور به ترک تحصیل شد و در منزل دایی اش که سرپرستی اش را به عهده گرفته بود، به مطالعه و تتبع در شاهنامه ادامه داد. استاد کمال پور اشتغال به کار را با کفاشی در بازار آغاز نمود. او در بازار توفیقی نیافت، لذا حرفه کفاشی را رها کرد و به انجمن‌های ادبی پیوست. پس از فوت استاد فرخ، استاد کمال تا آخرین روزهای زندگی، مسئولیت انجمن ادبی آستان قدس رضوی را در صحن جمهوری حرم مطهر امام رضا (ع) عهده دار گردید. او سرانجام در روز چهارشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۷۹، در بیمارستان امام رضا (ع) مشهد، بر اثر عارضه قلبی درگذشت.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: احمد کمال پور از پنج سالگی در مکتبخانه شیخ موسی و در محله‌های سرشور به آموختن قرآن، دیوان حافظ و گلستان و بوستان سعدی روی آورد و سپس در مدرسه نظمیه که بعدها دبیرستان ابن یمین نام گرفت، تحصیلات دوره ابتدایی را سپری کرد. تا سال ۱۳۱۰ که پدرش در قید حیات بود، روزها را به تحصیل و شب‌ها را به خواندن شاهنامه حکیم توس در نزد پدر می‌گذراند. با درگذشت پدر مجبور به ترک تحصیل شد و در منزل دایی اش که سرپرستی اش را به عهده گرفته بود، به مطالعه و تتبع در شاهنامه ادامه داد.

فعالیت‌های ضمن تحصیل: احمد کمال پور که در سیزده سالگی پدر خود را از دست داد، ناچار برای تحصیل و معیشت، شاهنامه خوانی را وسیله کسب درآمد قرار داد؛ او روزها به مدرسه می‌رفت و شب‌ها به شاهنامه خوانی می‌پرداخت.

استادان و مربیان: احمد کمال پور شاهنامه خوانی را نزد پدر فراگرفت. محمود فرخ در ارشاد و راهنمایی شعر او از عوامل موثر بود

و سپس از استادان دکتر فیاض ، دکتر رجایی ، و نوید بهره ها گرفت.

هم دوره ای ها و همکاران : احمد کمال پور در انجمن های ادبی با افرادی چون باقرزاده (بقا) ، صاحبکار ، (سهی) ، قهرمان و غلامرضا قدسی معاشرت داشت.

زمان و علت فوت : احمد کمال پور در روز چهارشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۷۹ ، در بیمارستان امام رضا (ع) مشهد ، بر اثر عارضه قلبی دار فانی را وداع گفت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد کمال پور اشتغال به کار را با کفاشی در بازار آغاز نمود. او در بازار توفیقی نیافت ، لذا حرفه کفاشی را رها کرد و به انجمن های ادبی پیوست. پس از فوت استاد فرخ ، استاد کمال تا آخرین روزهای زندگی ، مسئولیت انجمن ادبی آستان قدس رضوی را در صحن جمهوری حرم مطهر امام رضا (ع) عهده دار گردید.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : احمد کمال پور در آن هنگامی که شاعری را تجربه می کرد به انجمن ادبی سرگرد نگارنده راه آرا و گرایشهای خاص : احمد کمال پور که در شعر تخلص «کمال» را برگزید ، استاد قصیده سرایی به سبک خراسانی در عصر حاضر بود و به آن افتخار داشت: من خراسانی ام این است کمال من که سخن گویم ، با سبک خراسانی از سوی دیگر عشق به فردوسی و شاهنامه در روح و جان او ریشه داشت. او از خردسالی با این شاهکار ادب پارسی خو گرفته بود و شعر او در شاهره حماسه و اسطوره به هدایت سخن سرای بزرگ توس جلوه گری داشت: کمال خراسانم و چامه ام را کند شاعر سیستان رهنمایی جوائز و نشانها : در مهر ماه ۱۳۷۲ به همت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان ، کنگره بزرگداشت احمد کمال پور در محل دانشکده ادبیات مشهد برگزار شد.

آثار :

۱ آئینه کمال

ویژگی اثر : در سال ۱۳۵۶ این مجموعه ، به کوشش محمدحسین ساکت ، در زمان بزرگداشت کمال چاپ گردید.

منابع زندگینامه : روزنامه جام جم ، ۳۰ مهرماه ۱۳۷۹۲ سخنوران نامی معاصر ایران ، تالیف : سید محمدباقر برقی ، ج ۵ ، قم : انتشارات خرم ، ص ۲۹۴۴

کمال عزت، هادی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

هادی کمال عزت

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب تحصیلات کلاسیک را تا مقطع دیپلم در مشهد گذرانده و پس از آن در آبان سال ۱۳۷۴ با توجه به علاقه ای که به دروس حوزه و جهان طلبگی پیدا کردم، شروع به خواندن این دروس کرده و پس از اتمام دروس اصلی مانند ادبیات، اصول فقه و ... در سال ۱۳۷۶ موفق به شرکت در امتحانات حوزه علمیه قم و قبولی پایه ۶ شدم. از ابتدای سال تحصیلی ۱۳۷۶ دروس سطح ۲ را با سری درسهای مدرسه حضرت «آیت الله گلپایگانی» آغاز کرده و هم زمان به تدریس دروس (الموجز، اصول فقه، لمعه، مباحث طهارت، نماز، حدود، قصاص، دیات، متاجر، صوم، خمس، زکات، ارث، امر به معروف و نهی از منکر، منطق، ادبیات، ابن عقیل، صرف ساده، نحو مقدماتی، هدایه، صمدیه و مختصر) به صورت آزاد و خارج از مدارس پرداختم.

پس از اتمام دروس سطح در سال ۱۳۷۹ - ۱۳۸۰، جهت تدریس به مدرسه «امام موسی بن جعفر (ع) تهران» دعوت شدم و پس از یک سال تدریس دروس ادبیات، فقه و اصول به قم بازگشته و در مدرسه «انوار الرسول» به عنوان مربی و مدرس دعوت به همکاری شدم و تا سال ۸۲ - ۸۳ در آن مدرسه مبارکه مشغول به فعالیتهای علمی بودم و پس از آن در سال ۸۳ همزمان با خدمت در مدرسه معصومیه به تدریس (درس احکام) برای طلاب پایه ۱ و (الموجز) برای طلاب پایه ۴ پرداختم.

دروس خارج را از سال ۱۳۸۰ (همزمان با تدریس)، در تهران با شرکت در درس فقه [قصاص] مقام معظم رهبری آغاز نمودم و در سالهای بعد در محضر «حضرت استاد شهیدی» در درس فقه و اصول افتخار تلمذ پیدا کردم. هم اکنون افتخار تدریس در مدرسه امام مهدی (عج) از مدارس مرکز جهانی علوم اسلامی و همزمان تدوین دو عنوان کتاب احکام ۱ و ۲ (احکام تمهیدیه) جهت ترم ۱ و ۲ دانشستان امام خمینی (دانشگاه مجازی وابسته به مرکز جهانی علوم اسلامی) را دارم.

کمال عزت، هادی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

هادی کمال عزت

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب تحصیلات کلاسیک را تا مقطع دیپلم در مشهد گذرانده و پس از آن در آبان سال ۱۳۷۴ با توجه به علاقه ای که به دروس حوزه و جهان طلبگی پیدا کردم، شروع به خواندن این دروس کرده و پس از اتمام دروس اصلی مانند ادبیات، اصول فقه و ... در سال ۱۳۷۶ موفق به شرکت در امتحانات حوزه علمیه قم و قبولی پایه ۶ شدم. از ابتدای سال تحصیلی ۱۳۷۶ دروس سطح ۲ را با سری درسهای مدرسه حضرت «آیت الله گلپایگانی» آغاز کرده و هم زمان به تدریس دروس (الموجز، اصول فقه، لمعه، مباحث

طهارت، نماز، حدود، قصاص، دیات، متاجر، صوم، خمس، زکات، ارث، امر به معروف و نهی از منکر، منطق، ادبیات، ابن عقیل، صرف ساده، نحو مقدماتی، هدایه، صمدیه و مختصر) به صورت آزاد و خارج از مدارس پرداختم.

پس از اتمام دروس سطح در سال ۱۳۷۹ - ۱۳۸۰، جهت تدریس به مدرسه «امام موسی بن جعفر (ع) تهران» دعوت شدم و پس از یک سال تدریس دروس ادبیات، فقه و اصول به قم بازگشته و در مدرسه «انوار الرسول» به عنوان مربی و مدرس دعوت به همکاری شدم و تا سال ۸۲ - ۸۳ در آن مدرسه مبارکه مشغول به فعالیتهای علمی بودم و پس از آن در سال ۸۳ همزمان با خدمت در مدرسه معصومیه به تدریس (درس احکام) برای طلاب پایه ۱ و (الموجز) برای طلاب پایه ۴ پرداختم.

دروس خارج را از سال ۱۳۸۰ (همزمان با تدریس)، در تهران با شرکت در درس فقه [قصاص] مقام معظم رهبری آغاز نمودم و در سالهای بعد در محضر «حضرت استاد شهیدی» در درس فقه و اصول افتخار تلمذ پیدا کردم. هم اکنون افتخار تدریس در مدرسه امام مهدی (عج) از مدارس مرکز جهانی علوم اسلامی و همزمان تدوین دو عنوان کتاب احکام ۱ و ۲ (احکام تمهیدیه) جهت ترم ۱ و ۲ دانشستان امام خمینی (دانشگاه مجازی وابسته به مرکز جهانی علوم اسلامی) را دارم.

کمال، فاطمه

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: داروساز، دانشکده: داروسازی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

کمالا فد شکویی فارسی شیرازی، کمال‌الدین محمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۱۱۰ ق)، عالم دینی، مفسر و ادیب. معروف به میرزا کمالا و میرزا کمال‌الدین. نسبت وی به فدشکوی فسا می‌رسد. او داماد ملا محمد تقی مجلسی اول بود. از آثار وی: «بیاض الکمالی»، در مباحث متفرقه که بیشتر آن فواید رجالی و تاریخی است؛ شرح «شواهد مطول»؛ شرح منظوم «قصیده‌ی تائیه» دعبل خزاعی، که در ۱۱۰۳ ق تألیف یافت؛ «القیود الوافیة»، در «شرح الشافیة» ابن حاجب، در علم صرف.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی نصرآبادی (۲۰۲)، الذریعه (۱۷/۲۲۷، ۱۴/۱۲، ۳/۱۷۰)، روضات الجنات (۳۶۵-۳۶۴/۵)، ریحانه (۶۴- ۶/۶۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۲/۱۳۹۴)، فوائد الرضویه (۳۶۶)، الکنی و الالقاب (۳/۲۲۷)، گنجینه‌ی دانشمدان (۱۰۳-۱۰۲/۶).

کمال‌الدوله میرپنج، محمد حسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۳۱۵ ق)، مترجم. معاصر مظفرالدین شاه قاجار بود. در زمان صدارت میرزا یوسف خان مستوفی الممالک سمت منشی باشی داشت و در ۱۳۱۴ ق ملقب به کمال‌الدوله گردید و در ۱۳۱۵ ق به منصب استیفای درجه‌ی اول منصوب شد. از آثار وی: «ابواب الحکم»، ترجمه‌ی چهارصد و سی کلمه از «کلمات قصار امیرالمؤمنین (ع)»؛ «الف النهار»، ترجمه، در مقابل «هزار و یک شب». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۴/۲۶، ۲۹۴/۲)، فرهنگ رجال قاجار (۱۴۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۲۰، ۱۰۲/۱)، لغت‌نامه (ذیل / کمال‌الدوله)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲۶-۶۲۵/۲).

کمال‌الملک، سمیری، علی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سمیری، علی بن احمد بن حرب از مشاهیر نویسندگان فارسی (ف. ۵۱۶ ه.ق). وی وزیر محمود بن محمد بن ملک‌شاه شد. نام او را در جزو کارداران دولت سنجر نیز نوشته‌اند.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

کمالوند خرم‌آبادی، روح‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج روح‌الله خرم‌آبادی اول عالم مبرز متنفذ این شهرستان بوده است.

تولدش در سال ۱۳۱۹ قمری در خرم‌آباد واقع شده و تا سال ۱۳۳۶ قمری در آنجا مشغول به تحصیل بوده آنگاه به بروجرد آمده و دو سال از محضر آیت‌الله العظمی بروجردی و آقایان دیگر استفاده نموده و از آنجا به اراک رفته و از محضر آیت‌الله حایری بهره‌مند شده و پس از انتقال آنجناب به قم با مهاجرین به قم مهاجرت و تا سال ۱۳۴۶ ق در قم از حوزه تدریس معظم له بهره‌مند شده و دروس عقلی را از میرزا علی‌اکبر یزدی آموخته سپس به خرم‌آباد مراجعت و پس از تشریف و اقامت آیت‌الله بروجردی باز به قم آمده و مدت پنج سال از محضر آن بزرگوار کامیاب شده و در سال ۱۳۶۹ ق به امر مرحوم بروجردی به خرم‌آباد برگشته و تأسیس حوزه علمیه در آنجا نموده و به تعلیم و تربیت محصلین و طلاب منطقه لرستان و اقامه جماعت و ترویج دین و رسیدگی به امور مسلمین پرداخته تا در سال ۱۳۸۳ ق که بدرود حیات گفته و جنازه‌اش با تجلیل بسیار حمل به قم و در نزدیکی قبر استادش مرحوم آیت‌الله حایری به خاک سپرده شد. مؤلف گوید مرحوم کمالوند از دانشمندان بافضیلت معاصر ما بود و در معاشرت خوش برخورد و رفیق و در امورات دینی متعصب و غیور بود در سفری که در خرم‌آباد حدود یک ماه میهمان ایشان بودم خاطرات شیرین از ایشان دارم.

از آثار ایشانست مدرسه و مسجد جامع کمالیه خرم‌آباد که در سبزه‌میدان شهر نزدیک قلعه رفیع فلک‌الافلاک واقع و دارای

حجرات متعدد و طلاب علوم دینی می‌باشد مدرسه‌ی با روح و دلگشائی می‌باشد.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

کمالی، حیدر علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند حاج محمد مهدی، در شوال ۱۲۸۸ متولد، و در ذی حجه‌ی ۱۳۶۵ در طهران وفات یافت.
شاعر و ادیب و نویسنده‌ی ماهر بوده، کتب چندی تألیف نموده که از آن جمله است: ۱- دیوان اشعار ۲- لازیکا ۳- مظالم ترکان خاتون ۴- منتخبات اشعار صائب؛ و غیره.
برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کمالیان، ناصر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۰، مرتبه علمی: استاد، رشته: آسیب‌شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی آناتومی پاتولوژی از دانشگاه ویسکانسین آمریکا در سال ۱۳۵۲، و فوق تخصص نوروپاتولوژی از دانشگاه ویسکانسین آمریکا در سال ۱۳۵۲.
مرتبه علمی:

استادیار، دانشیار و استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

لنفوم مخ، آدنومهای هیپوفیز کوردوم، تومورهای پراتیروئید، تدریس دروس آسیب‌شناسی میکروسکوپی، آسیب‌شناسی میکروسکوپی، آسیب‌شناسی بیماریهای پوست و چشم، جراحی و آسیب‌شناسی عملی و تئوری.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۹

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

آسیب‌شناسی جراحی معده، آسیب‌شناسی دستگاه دیکولو آندوتلیال، آسیب‌شناسی بیماریهای پوست، آسیب‌شناسی بیماریهای عفونی، آسیب‌شناسی دستگاه عصبی مرکزی، آسیب‌شناسی تومورهای شایع دوره کودکی، جنین‌شناسی لازنگمن و پاتولوژیک بیسیس.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: -، تعداد مقالات به زبان خارجی: -
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

کمره ای، محمد باقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ح ۱۳۲۰ ق)، عالم دینی، فقیه، مترجم و نویسنده. در کمره خمین به دنیا آمد و پس از خواندن مقدمات نزد پدر به سلطان آباد (اراک) رفت و پس از انتقال حوزه علمیه به قم رفت و از محضر آیت‌الله حائری و مدرسین بزرگ استفاده نمود. او در ۱۳۴۷ ق از آیت‌الله حایری اجازه‌ی اجتهاد یافت. وی فلسفه و ریاضیات را نزد اساتید قم فراگرفت و نزدیک دو سال نیز در اصفهان درس خواند، آن گاه به نجف مهاجرت نمود و چند سالی از درس و بحث آیت‌الله میرزا محمد حسین نائینی و آیت‌الله آقا ضیاء‌الدین عراقی و آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله شیخ محمد حسین کمپانی و دیگران بهره‌مند شد و به مدارج عالی علم نایل آمد و از اساتید خود اجازه‌ی اجتهاد و روایت گرفت. سپس به تدریس متون فقه همچون «مکاسب» و «کفایه» و رسایل و غیره پرداخت و در حدود ۱۳۶۰ ق به ایران بازگشت و بعد از چند سال به شهر ری رفت و به تألیف و تدریس و ترجمه مشغول شد و کتاب‌های بسیاری شامل ترجمه و تألیف و شرح از خود باقی گذاشت. از آثارش: ترجمه و تنظیم برخی از مجلدات «شرح نهج‌البلاغه» خویی، و تألیف به سبک آن؛ ترجمه‌ی «اصول کافی»؛ ترجمه‌ی «امالی» شیخ صدوق؛ ترجمه «خصال» شیخ صدوق؛ ترجمه «اکمال‌الدین» شیخ صدوق؛ «رموز الشهاده»، ترجمه‌ی «نفس المهموم» محدث قمی؛ ترجمه «مفاتیح الجنان» محدث قمی؛ ترجمه جلد چهاردهم «بحارالانوار»، در ده جلد، به نام «آسمان و جهان»؛ «الدین فی طور الاجتماع»؛ «روحانیت و اسلام»؛ «انتخابات اساسی حکومت ملی، اصلاح مجلس شورای ملی»؛ «فصل الخصومه فی الورد و الحکومه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آینه‌ی دانشوران (۵۱۸-۵۱۷)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۴-۴۳/۵)، مؤلفین کتب چاپی (۱۱/۲).

کمره‌ای فراهانی، عزالدین، زین‌الدین علینقی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۶۰ ق)، عالم امامی، فقیه، متکلم و محدث. از محضر سید ماجد بحرانی و عده‌ای از فضلالی شیراز استفاده نمود. در عهد شاه صفی مدتی در شیراز عهده‌دار نصب قضاوت بود. لذا به شیرازی نیز معروف است. سپس در دوران شاه عباس دوم شیخ الاسلام اصفهان گردید و به اصفهانی نیز شهرت یافت. وی معاصر با میرداماد و شیخ بهائی و ملا محسن فیض کاشانی بود. در فقه و اصول و تفسیر و ادب تبحر داشت. در اصفهان درگذشت و در تکیه‌ی آقا رضی شیرازی دفن شد. از آثار وی: «مسار الشیعه»، در امامت، در رد نوح افندی حنفی، مفتی روم، که حکم به کفر شیعه کرده و جان و مال و ناموس ایشان را حلال و قتل و اسیر کردن و کنیز و بنده نمودن زنان و فرزندان ایشان را مباح دانسته بود؛ «المقاصد العالیة فی الحکمة الیمانیة»، در کلام و حکمت، در چند مقصد که

نهمین آن به صورت مستقل و به نام «حدوث العالم» تصنیف یافت؛ «مناسک حج»؛ «همم الثواب»؛ «حرمت دخانیات»، رساله‌ای در تحریم توتون؛ «نماز جمعه در زمان غیبت».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۵/۱۸۲)، ایضاح المکنون (۲/۵۳۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۲۰-۱۰۱۹/۵)، تاریخ نظم و نثر (۵۰۹)، تذکره القبور (۴۴۳)، الذریعه (۲۴۳/۲۵، ۳۸۱/۲۱، ۳۷۶/۲۰، ۱۲۲۳-۱۲۲۲، ۹/۲۲۲، ۲۹۵-۲۹۴/۶)، روایات الجنات (۳۷۴-۳۶۶/۴)، ریاض العلماء (۲۷۶-۲۷۱/۴)، ریحانه (۲۳۵-۲۳۴/۶)، لغت‌نامه (ذیل/علینقی شیرازی)، معجم المؤلفین (۷/۲۵۵)، هدیه العارفین (۱/۷۵۷).

کمره‌ای، خلیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۴۰۵-۱۳۱۷ ق)، فقیه، اصولی و استاد. در کمره، از توابع خمین، به دنیا آمد. پس از کسب علوم مقدماتی در جاپلق، به خوانسار رفت و در محضر آخوند ملا-محمد بیدهندی و سید علی اکبر بیدهندی و آقا سید احمد جاده‌ای تلمذ کرد. در ۱۳۳۷ ق به سلطان‌آباد (اراک) رفت و از شاگردان نخست آیت‌الله حایری گشت و علم فقه و اصول را در خدمت حاج شیخ عبدالغنی و حاج شیخ عباس ادریس آبادی آموخت، و نزد سایر اساتید علوم عقلی و ریاضی و اخلاق را فراگرفت. در ۱۳۴۰ ق ساکن قم شد. و به افاده و استفاده مشغول گشت، و از درس میرزا علی اکبر حکمی یزدی بهره گرفت و «اسفار» را نزد آیت‌الله رفیعی قزوینی و حدیث را از محدث قمی و شیخ آقا بزرگ تهرانی و آیت‌الله شیخ محمد رضا مسجد شاهی اصفهانی و آیت‌الله سید محسن جبل عاملی و اخلاق و عرفان را نزد آیت‌الله حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی تکمیل کرد و اجازه‌ی اجتهاد و نقل حدیث از استادان خود گرفت. از این زمان به حاج میرزا خلیل مجتهد معرف شد و خود به تدریس «کفایه» و «مکاسب» و اصول فقه و معقول و هیئت و هندسه پرداخت. او از مدرسین معقول و منقول حوزه و دانشگاه بود و مدت‌ها به تدریس «تفسیر» ی که بر قرآن نوشته بود اشتغال داشت. دکتر خزائی، آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله کاظم گلپایگانی، حجه‌الاسلام انصاری قمی و حجه‌الاسلام تربتی از شاگردان وی بودند. در ۱۳۵۴ ق در رابطه با مسأله کشف حجاب دستگیر و زندانی و پس از یک ماه آزاد شد. آیت‌الله کمره‌ای در ۱۳۷۱ ق، به همراه آیت‌الله سید محمود طالقانی و آیت‌الله سید رضا زنجانی و سید صدرالدین بلاغی به پاکستان دعوت و در کراچی، به ریاست مؤتمر عالم اسلامی انتخاب شد. در ۱۳۷۹ ق با همین سمت به بیت‌المقدس رفت و به دستور آیت‌الله بروجردی با شیخ محمد شلتوت، رئیس دانشگاه الازهر، درباره‌ی اتحاد اسلامی دیدار و گفتگو کرد. در ۱۳۹۵ ق، پاپ پل ششم، پیشوای کاتولیک‌های جهان، توسط سفارت واتیکان در تهران، دوازده مشکل کلامی را از وی استعلام نمود و پاسخ ایشان به فرانسه ترجمه و ارسال شد. از آیت‌الله کمره‌ای در حدود هفتاد اثر به جای مانده است از جمله: شرح «نهج‌البلاغه»، در بیست و سه جلد؛ «عنصر شجاعت»، در هفت مجلد؛ «افق وحی»؛ «افق اعلی»؛ «ملکه اسلام»؛ «علی و الزهراء»؛ «قبله اسلام»؛ تفسیر «سوره‌ی نور»؛ «آثار مقدس، احادیث و اخبار اسلام»؛ «علم الحدیث و طبقه‌الکبری»؛ «اسرار حج»؛ «بیت‌المقدس و تحول قبله»؛ «مادر، و وظائف زن در اسلام». [۱]

حاج میرزا خلیل کمره‌ای دامت برکاته از علماء و حکماء و دانشمندان و نویسندگان طراز اول تهرانست که در خیابان زرین نعل ساکن و در مسجد معروف فخرالدوله واقع در دروازه شمیران اقامه جماعت و ترویج دین و تفسیر قرآن مبین نموده و تنویر افکار و قلوب ارادتمندان و دانش جویان و حقیقت طلبان را می‌نمایند.

در سال ۱۳۱۷ قمری برابر ۱۲۷۶ شمسی در جنوب جلگه کمره که بسیار حاصلخیز و پر برکت و از قدیم مسکن شیعیان خالص بوده در بلد کوهستانی و سرچشمه رودخانه‌ها چشم بجهان باز کرده و پس از پرورش در آن هوای آزاد و تحصیل علوم ابتدائی و مقدماتی برای کسب علوم عالیتر مجبور به هجرت از وطن شده و برای ادامه تحصیلات خونسار را که یکی از زیباترین مناطق کوهساری بشمار می‌رود انتخاب نموده و در آنجا از محضر یکی از اوتاد زمان بنام آخوند ملا محمد بید هندی علاوه بر تحصیل مقدمات و فنون علم و قرائت قرآن از پارسائی و وارستگی محضر آن مرد روحانی بیش از پیش استفاده نموده و در سال ۱۳۳۷ قمری با فوت مرحوم آخوند بید هندی برای ادامه تحصیلات نزد مجتهد بزرگوار حاج سید علی اکبر بید هندی و آسید احمد جاده‌ای رهسپار شده و از محضر آن دو عالم ربانی استفاده شایان نموده و در نوروز همان سال بکمره برگشته و در سن بیست سالگی تأهل اختیار کرده و برای تحصیلات بیشتری به شهرستان اراک که مرکز علم و دانش بوده آمده و مشغول ادامه تحصیل شده و سه سال تمام در اراک علوم فقه و اصول را در خدمت حاج شیخ عبدالغنی و حاج شیخ عباس ادیس آبادی و مقداری حکمت و فلسفه را نزد آقای سید محمد بروجردی و هم چنین درس خارج را در سال ۱۳۴۰ قمری از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم یزدی تلمذ نموده و در نوروز آنسال که آن مرحوم به قم مهاجرت و تشکیل حوزه دادند بنا بر دعوت آن مرحوم با قافله‌ای از طلاب کاروانی تشکیل و با وسایل آن روز به قم رهسپار شده و اقامت نمودند.

در آن موقع استاد فلسفه و حکمت قم مرحوم حاج میرزا علی اکبر یزدی مدرس و همدرس مرحوم فیلسوف شهیر میرزا جهانگیر خان قشقائی که در عصر خود بی نظیر بوده، دوره فلسفه و حکمت حاجی سبزواری و فلسفه عالی صدر المتألهین و دوره ریاضیات را نزد حکیم مزبور فرا گرفته و نیز دو دوره درس اصول و یکدوره درس خارج فقه را در حوزه مرحوم آیت‌الله حایری یزدی تلمذ نموده و این دروس بالغ بر چهارده سال که در قم اقامت داشتند ادامه داشت و طرز اصول اصحاب سامرا را بوسیله آیت‌الله حایری و اصول اصحاب نجف را بوسیله دیگران مانند آیت‌الله میرزا سید علی یثربی کاشانی فرا گرفته و از مقایسه بین دو طرز اصول و تکمیل فلسفه و معقول و غور در مباحث عقلی که پیش آمده بود لذت وافری می‌بردند.

متعاقب آن بتدریس کفایه و مکاسب و اصول فقه و معقول و همچنین بتدریس هیئت و هندسه مشغول بودند.

در سال ۱۳۵۴ ق که غائله تغییر لباس پیش آمد ایشان تبعید به تهران شده و حدود یک ماه زندانی شده آنگاه بقید توقف در تهران آزاد گردیده و تاکنون چهل سال است که در عاصمه تشیع بخدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

در سال ۱۳۶۷ ق بمکه معظمه مشرف شده و در سال ۱۳۷۱ ق بدعوت شعوب المسلمین پاکستان بکراچی رفته و در آن حفله و کنفرانس بزرگ اسلامی بیاناتی ایراد نموده که موجب اعجاب همگی گردیده و نیز سفری به بیت المقدس نموده و در مؤتمره اسلامی آنجا شرکت کرده و هم در کنگره اسلامی حجاز و مکه معظه دعوت شده در تمام این مراحل نداء شیعه را که مغز و لب و حقیقت اسلام است ظاهر نموده و اثرات عمیقی در روح دانشمندان مسلمین گذارده است.

نگارنده گوید: علامه کمره‌ای از دانشمندان بزرگوار است که بسهم خود خدمات بسیار ارزنده از راه بیان و قلم بعالم اسلام نموده است. تألیفات و تصنیفات آموزنده‌ای شاهد این گفتار و گواه این مدعا است و فهرست آن در رساله‌ی جداگانه‌ای بطبع رسیده با شرحی از کتب مفیده آنجناب که اسامی آنها را می‌نگارم:

- ۱- کتاب افق وحی ۲- کتاب افق اعلی نگاهی بچهره محمد و علی علیهما السلام ۳- علی و الزهراء- سرچشمه آب حیات ۴- ملکه اسلام فاطمه زهراء علیها سلام ۵- ترجمه قصیده النبی محمد صلی الله علیه و آله و سلم ۶- نهج البلاغه السماء و العالم آسمان و جهان ۷- نهج البلاغه و جنگ ۸- پیام میلاد امیرالمومنین علیه السلام بسلاطین اهل قبله ۹- کتابی بقلم امیرالمؤمنین علیه السلام ۱۰- نامه کودک در مسجد ۱۱- محنت اسلام ۱۲- عنصر شجاعت یا هفتاد و دو تن و یک تن جلد اول ۱۳- جلد دوم عنصر شجاعت ۱۴- جلد سوم عنصر شجاعت ۱۵- جلد چهارم عنصر شجاعت (مسلم بن عقیل) ۱۶- چند مرحله از زندگانی امام حسین ۱۷- تاج

مأمون الرشید ۱۸- مجلس مباحثه امام رضا علیه السلام با عمران صابی ۱۹- فلسفه غیبت امام زمان عجل الله فرجه ۲۰- امامزاده عبدالله علیه السلام در ری ۲۱- شرح حال محمد بن ابی بکر ۲۲- پیام ایران بنجد و حجاز و مصر ۲۳- اماناء الهی در کتاب سلمان فارسی و ابوذر غفاری ۲۴- خواب دیدن ائمه اطهار علیهم السلام ۲۵- قبله اسلام کعبه یا مسجدالحرام ۲۶- بیت المقدس و تحول قبله ۲۷- آفاق کعبه ۲۸- پنج رساله در حج و قبله ۲۹- نهیب پیغمبر صلی الله علیه و آله بملوک و امراء و فقهاء علماء از خیف منی ۳۰- کلید امن جهان ۳۱- کلید امن دنیا ۳۲- رساله مناسک و مسائل حج و عمره ۳۳- ندائی از سرزمین بیت المقدس ۳۴- اجتماع پیرامون خانه تقدیس ۳۵- اسرار حج ۳۶- تفسیر سوره نور ۳۷- ندای اذان و ثواب آن بفارسی ۳۸- دروس متون احادیث ۳۹- الحدیث عند الشیعه تا تاریخ تدوین حدیث ۴۰- تصحیح تفسیر دانشگاه (بفارسی) ۴۱- غروب آفتاب در اندلس ۴۲- کتاب مادر ۴۳- مقدمه مواقع النجوم ۴۴- تحشیه رساله لقاء الله ۴۵- تصحیح و تحشیه مراقبات السنه ۴۶- من روح الفرج بعد الشده (بعربی) ۴۷- مقاله در سالنامه نور دانش سال ۱۳۲۶ تحت عنوان اسرار موت و حیات ۴۸- آثار مقدس احادیث و اخبار اسلام ۴۹- علی علیه السلام و آل محمد صلی الله علیه و آله ۵۰- آل رسول الله ۵۱- رابطه عالم اسلامی بزبان فارسی در جواب علماء کردستان ۵۲- رابطه عالم اسلامی قبس من ولاء علی علیه السلام بزبان عربی ۵۳- آراء ائمه الشیعه الامامیه فی الغلاه.

آثاری که آماده طبع است

۱- جلد پنجم عنصر شجاعت ۲- جلد دوم قبله اسلام ۳- جلد دوم افق اعلی ۴- تفسیر تعدادی از سور قرآن ۵- جلد دوم سرچشمه آب حیات ۶- جلد دوم افق وحی ۷- جلد دوم دروس متون احادیث ۸- پیام بلال حبشی مولای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از با کعبه بسپاهان جهان ۹- ترجمه کتاب الاسلام علی مفترق الطرق.

معظم له دارای فرزندان برومندی می‌باشند که در میان آنان دانشمند معظم و فاضل برومند جناب آقای حاج میرزا محمدحسن ناصر آقای کمره‌ای بفضل و تقوا و اطلاعات عمیقی موصوف و بیشتر امور والد ماجدش بدست با کفایت و نظر صائب او انجام می‌گیرد. علم ربانی.

تولد: ۱۳۱۷ (۱۲۷۶ ق.)، کمره از توابع اراک.

درگذشت: ۱۹ مهر ۱۳۶۳، تهران.

آیت الله خلیل کمره‌ای بعد از تحصیل علوم ابتدایی و مقدماتی برای کسب علوم عالی‌تر به خوانسار رفت و نزد آخوند ملا محمد بیدهندی مقدمات و متون علم قرائت قرآن را فراگرفت. با فوت ملا محمد بیدهندی به نزد سید علی اکبر بیدهندی و سید احمد جاده‌ای رفت و به تحصیل علوم پرداخت شد.

در سال ۱۳۳۷ ق. به حوزه علمی اراک (مدرسه‌ی سپهدار) که توسط آیت الله عبدالکریم حائری یزدی تأسیس گردیده بود ملحق شد و جزو اولین شاگردان حوزه علمی وی بود. سه سال تمام فقه و اصول را نزد شیخ عبدالغنی و شیخ عباس ادریس آبادی و مقداری حکمت و فلسفه را نزد سید محمد بروجردی و درس خارج را در سال ۱۳۴۰ ق. نزد آیت الله حائری یزدی تلمذ نمود.

در سال ۱۳۳۹ ق. از حوزه علمی اراک به همراه آیت الله عبدالکریم حائری یزدی مؤسس حوزه علمی قم، به قم منتقل شد و در آنجا ساکن شد و به تحصیل سطوح و فقه و اصول پرداخت در درس خارج آیت الله عبدالکریم حائری یزدی نیز حاضر می‌شد و معقول را نیز نزد آقا میرزا علی اکبر یزدی معروف به «حکیم» تلمذ می نمود پس از وفات آقا میرزا علی اکبر حکیم الهیات به معنی اخص اسفار را با حضرت امام خمینی (ره) مذاکره‌ی بینابین داشتند و همچنین مقداری خارج فقه جواهر را با حضرت امام (ره) و آیت الله میرزا عبدالله تبریزی مذاکره می نمود.

اساتید دیگر وی عبارتند از: آیت الله ملکی تبریزی و آیت الله اصفهانی و آیت الله محدث قمی و علامه عاملی. آیت الله کمره‌ای سپس

در قم به تدریس سطوح و تفسیر و فلسفه پرداخت.

آیت‌الله کمره‌ای در سال ۱۳۴۱ ق.، به سبب مخالفت با کشف حجاب، به دستور رضاشاه دستگیر و زندانی شد و سپس در تهران نفی بلد گردید. در سال ۱۳۷۱ ق. در کراچی به ریاست مؤتمر اسلامی انتخاب گردید و بار دیگر در سال ۱۳۷۹ ق. در مؤتمر اسلامی اردن شرکت کرد. در پایان مؤتمر به اشاره‌ی آیت‌الله سید حسین بروجردی همراه آیت‌الله مرتضی طالقانی برای تشکر از شیخ محمود شلتوت، مفتی اهل سنت و رئیس جامع‌الازهر، درباره‌ی فتوای ایشان در به رسمیت شناختن مذهب تشیع، به قاهره رفت و با شیخ شلتوت دیدار و گفتگو کرد. در سال ۱۳۸۵ ق. در مکه در مؤتمر عالم اسلامی شرکت کرد و به ریاست مؤتمر برگزیده شد.

آیت‌الله کمره‌ای در سال ۱۳۴۹ در هزاره‌ی شیخ طوسی درباره‌ی مقام علمی شیخ طوسی ایراد کرد.

آیت‌الله کمره‌ای در شروع انقلاب اسلامی همگام با مردم حرکت نمود و در راهپیمایی تاسوعای ۱۳۷۵ به اتفاق آیت‌الله طالقانی شرکت جست. پس از حمله عراق به ایران با نوشتن مقاله «عرب این ننگ را به کجا می‌بری؟»، در روزنامه‌ی «اطلاعات» به حمایت از موضع به حق ایران برخاست.

آیت‌الله کمره‌ای در دوره‌ی دکترای دانشکده الهیات دانشگاه تهران تدریس می‌نمود.

از آثار وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: تفسیر سوره‌ی نور (در دو مجلد)؛ عنصر شجاعت یا هفتاد و دو تن و یک تن (در تراجم شهدای کربلا، چهار جلد)؛ شرح نهج‌البلاغه؛ نهج‌البلاغه السماء و العالم آسمان و جهان؛ نهج‌البلاغه و جنگ؛ ملکه اسلام فاطمه زهرا؛ نوید اسلام؛ ندای اذان و احادیث استحباب آن؛ مادر و وظیفه زن در اسلام؛ فتح مکه غروب آفتاب در اندلس؛ اسرار حج؛ قبله اسلام کعبه یا مسجدالحرام؛ یک دوره کامل تفسیر قرآن؛ افق وحی؛ افق اعلی؛ نگاهی به چهره محمد (ص) و علی (ع)؛ علی و الزهراء سرچشمه‌ی آب حیات؛ ترجمه قصیده‌النبی (ص) پیام امیرالمؤمنین به سلطان اهل قبله؛ کتابی به قلم امیرالمؤمنین (ع) نامه‌ی کودک در مسجد، محنت اسلام؛ چند مرحله اسلام؛ چند مرحله از زندگانی امام حسین (ع)؛ تاج مأمون الرشید؛ مجلس مباحثه‌ی امام رضا (ع) با عمران صابی؛ فلسفه غیبت امام زمان (ع) (عج) امامزاده عبدالله (ع) در ری؛ شرح حال محمد بن بکر؛ پیام ایران به نجد و حجاز و مصر؛ امناء الهی در کتاب سلمان فارسی و ابوذر غفاری؛ خواب دیدن ائمه اطهار (ع)؛ بیت‌المقدس و تحول قبله؛ پنج رساله در حج و قبله؛ کلید امن جهان؛ کلید امن دنیا؛ رساله مناسک و مسائل و حج و عمره؛ ندایی از سرزمین بیت‌المقدس؛ اجتماع پیرامون خانه مقدس دروس متون احادیث؛ الحدیث؛ تصحیح تفسیر دانشگاه (به فارسی)؛ کتاب مادر؛ مقدمه مواقع النجوم؛ تحشیه رساله لقاءالله؛ تصحیح و تحشیه مراقبات السنه، من روح الفرج بعد الشده (به عربی)؛ آثار مقدس احادیث و اخبار اسلام؛ علی (ع) و آل محمد؛ آل محمد رسول‌الله؛ رابطه اسلامی (به زبان فارسی)؛ در جواب علمای کردستان؛ رابطه‌ی عالم اسلامی قیس من ولای علی (ع) به زبان عربی؛ آراء ائمه الشیعه فی الغلاة نهب پیغمبر (ص) به ملوک و امراء و فقهاء از خیف منی. آثاری که آماده طبع است: جلد پنجم عنصر شجاعت؛ جلد دوم قبله اسلام؛ جلد دوم افق اعلی؛ تفسیر تعدادی از سوره‌های قرآن؛ جلد دوم سرچشمه آب حیات؛ جلد دوم افق وحی جلد دوم دروس متون احادیث؛ پیام بلال حبشی مولای رسول خدا (ص) از بام کعبه به سیاهان جهان؛ ترجمه کتاب علی مفترق‌الطرق.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آینه دانشوران (۴۹۳-۴۹۱، ۱۸۸-۱۸۷)، الذریعه (۲۱۹/۲۲، ۴۴/۱۷، ۳۵۲/۱۵، ۱۲۶-۱۲۵/۱۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۰۵-۷۰۴/۱۳)، عنصر تلاش و کوشش، گلزار معانی (۵۸۲-۵۶۶)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۳/۵، ۵۴۰-۵۳۵/۴)، مؤلفین کتب چاپی (۳۵-۳۲/۳).

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۶ - ۱۲۶۸ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. نسبش به امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد. در بروجرد به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات نزد پدر، از محضر سید ریحان‌الله موسوی بروجردی و دیگران استفاده نمود و به تقلید از ملا علی کنی، به شرح بعضی از ابواب «الدره» پرداخت. در ۱۲۹۸ ق به نجف رفت و از حوزه‌ی درس شیخ محمد حسین کاظمی بهره برد و ملتزم وی گشت. کمونه از استادش کاظمی بهره برد و ملتزم وی گشت. کمونه از استادش کاظمی و ملا لطف‌الله مازندرانی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی و میرزا حسین نوری حدیث روایت می‌کند. او از فقیهانی بود که عمرش در تألیف و تصنیف سپری شد. جایگاه علمی‌اش نزد خواص و علما رفیع بود. او در نجف درگذشت و در صحن شریف مرتضوی به خاک سپرده شد. آثار علمی بسیاری در زمینه‌های گوناگون از وی باقی ماند. از آثارش: «اصول الفقه»، در دو مجلد؛ «حواش الریاض»، حاشیه بر «الریاض»؛ «نور الهدایه»، در تفسیر آیه‌ی نور؛ «شرح خطب‌الحسین (ع) و کلماته القصیره و اشعاره»؛ «الرساله‌ الکعبیه»، در تحقیق معنی کعبین؛ «رساله فی قاعده الید»؛ «رساله فی تحقیق المکاسب المحرمه»؛ «رساله فی ماهیه المحرمات»؛ «رساله فی اصاله الصحه»؛ «رساله فی حمل فعل المسلم علی الصحه»؛ «الرساله فی المعاملات»؛ «رساله فی نسب آل کمونه بالنجف».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۷/۴۴۲)، تاریخ بروجرد (۵۲۱-۵۱۹/۲)، الذریعه (۲۴/۱۳۶، ۱۶/۲۸۷، ۲۰۶-۲/۲۰۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۵۶-۱۰۵۳/۱۴)، معجم رجال‌الفکر و الادب فی‌النجف (۱۰۹۵-۳/۱۰۹۴)، معجم المؤلفین (۵/۸۸)، مکارم الآثار (۱۹۰۹-۶/۱۹۰۸).

کنانی هروی، جمال‌الاسلام، ابوالعلاء صاعد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۹۵ / ۴۹۴ ق)، فقیه، مفتی، محدث و قاضی. قاضی‌القضاة هرات بود. از ابوسعید محمد بن موسی صیرفی و علی بن محمد طرازی و نیز از جدش، قاضی ابونصر یحیی بن محمد، و قاضی ابوالعلاء صاعد بن محمد حنفی و ابوبشر حسن بن احمد مزکی و سعید بن عباس قرشی و دیگران حدیث شنید. محمد بن طاهر و نصر بن سیار بن صاعد، نوه‌اش، از وی حدیث نقل کرده‌اند. از راویان او می‌توان از نوه‌اش، شهاب بن سیار، و علی بن سهل شاشی، و عبدالواسع بن عطاء، و محمد بن فضل دهان و مسرور بن عبدالله حنفی نیز نام برد. در «شذرات الذهب»، نام کنانی تحت عنوان کنانی آمده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۱۸۳-۱۹/۱۸۲)، شذرات الذهب (۳/۴۰۲)، العبر (۲/۳۷۱)، النجوم الزاهره (۵/۱۶۷).

کنتوری، اعجاز حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۸۶ - ۱۲۴۰ ق)، محدث، فقیه امامی، اصولی، مورخ و متکلم. وی یکی از سه فرزند عالم و فضال سید محمدقلی بن محمدحسین و برادر علامه میرحامد حسین صاحب «عبارات الانوار» است. وی علوم مختلف را از پدر و برادر خود فراگرفت. او در تمام علوم متداول زمان آگاه و از بزرگان علمای شیعه بود. از آثار وی: «شذور العقیان فی تراجم الاعیان»، در چند مجلد؛ «کشف الحجب و الاستار عن وجه الکتب و الاسفار»، فهرست مصنفات شیعه؛ «القول السدید».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۳۸/۱)، اعیان الشیعه (۴۶۷/۳)، الذریعه (۲۸- ۲۷/ ۱۸، ۴۳/۱۳)، ریحانه (۳۵۶/۵)، فوائد الرضویه (۵۹۶- ۵۹۵)، لغت‌نامه (ذیل / اعجاز)، معجم المؤلفین (۳۰۳/۲).

کنگری، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیهوشی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای بیهوشی و متخصص آنستزیولوژی و مراقبت‌های ویژه.

مرتبه علمی:

مربی، استادیار و دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

شناساندن رشته بیهوشی و هوشبری به مردم با ارائه تألیفاتی چند درباره این رشته، تحقیقات بسیار در مورد اثرات داروهای مختلف، تأمین انرژی لازم برای بیماران بیهوشی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

هوشبری از راه ورید.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

رشته آنستزیولوژی (هوشبری).

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

کنی، آقا بزرگ

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج شیخ آقا بزرگ کنی سبط مرحوم علامه کبری آیت‌الله العظمی حاج ملا علی کنی اعلی‌الله مقامه از علماء مبرز و با تقوای شهر ری بودند و در مسجد صحن اقامه جماعت می نمودند و عمر خود را بوظائف دینی و روحی مشغول داشته تا از دنیا رفته و در ایوان آئینه حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام بخاک رفته است.

مرحوم علامه تهرانی صاحب (الذریعه) در جزء اول نباء البشر ص ۲۳۲ گوید: الشیخ آغا بزرگ ابن شیخ مهدی لاریجانی شاه عبدالعظیمی عالمی فاضل بوده و در نجف خدمت آیت‌الله شیخ میرزا حسین خلیلی تلمذ نموده و در سال ۱۳۲۲ قمری بزایویه عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام مراجعت و در اوائل سال ۱۳۴۴ قمری بعد از مراجعت از حج وفات نموده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کنی، عبدالرحیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج شیخ عبدالرحیم بن العالم الجلیل حاج آغا بزرگ بن العلم العلام حاج شیخ مهدی بن ملا رجبعلی لاریجانی یکی از اسباط علامه کنی و علماء معاصر و بنام شهر ری میباشند.

وی در سال ۱۳۲۳ ق در زاویه مقدسه شهر ری و جوار سید الکریم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام متولد شده و در بیت اصیل و ریشه‌دار و محیط علم و روحانیت پرورش و دروس جدید را طبق معمول خوانده تا آنگاه بتحصیل علوم دینی پرداخته و مقدمات و ادبیات را نزد والد ماجد خود شروع نموده و پس از اتمام آن مهاجرت به قم کرده و سطوح را از محضر آیت‌الله آخوند ملا علی همدانی و آیت‌الله میرزا محمد همدانی استفاده و سطوح عالی را از مرحومین آیتین آقا میرزا محمد فیض و آقا میرزا محمد کبیر بهره‌مند شده سپس از حوزه درس مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله حاج سید محمدتقی خونساری و مرحوم آیت‌الله العظمی حایری مؤسس حوزه استفاضه نموده و در طول سالها با رشته‌های علوم اسلامی آشنا و باخذ دانشنامه مدرسی در رشته معقول و منقول و نیز موفق و مسافرتی باعتبار عالیات نموده و از محضر آیات عظام نجف مانند مرحوم آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی بهره‌مند و بدریافت اجازه نائل آنگاه بوطن برگشته و در مسجد صحن مطهر به اقامه جماعت و ترویجات دینی و انجام وظائف مذهبی و روحی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: مترجم معظم ما از دانشمندان متین و با صفاست و در کمال سادگی و بی‌آلایشی زندگانی نموده و می‌نماید ادام‌الله عزه و توفیقه.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کنی، ملا علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

الحاج ملا علی کنی عطرالله مرقده، تولدش در سال ۱۲۲۰ ق در قصبه کن در شمال غربی تهران واقع شده و با این که پدرش باغ دار و غیر روحانی بوده خود علاقه مفراط و شوق بسیاری به تحصیل علوم و فنون داشته و در کودکی مخفی از پدر دروس مقدماتی را خوانده و با استعداد ذاتی و نبوغ فطری که داشته از کتب سطحی فقه و اصول فارغ شده و مهاجرت به نجف اشرف نموده و در درس مرحوم علامه فقیه شیخ محمدحسن نجفی صاحب جواهر و آیت‌الله العظمی شیخ الانصاری شرکت کرده و در نزد این دو فحل بزرگ باوج کمال علم و فقاقت رسیده و در فقه و اصول و حدیث و رجال و غیره مهارت تامی پیدا کرده و بتصنیف اصول شروع نموده و جمله از مباحث الفاظ آن را نوشته تا در سال ۱۲۲۴ ق که طاعون عظیم واقع گردید ناچار مانند دیگران از اهل فضل حرکت باین طرف و آن طرف نموده تا خداوند منان توفیق داده و ثانیاً مراجعت و مجاورت عتبات عالیات را موفق گشته و در نزد فحول و ارباب معقول و منقول بتکمیل فقه و اصول مشغول شد تا بمنتهای کمال و مبلغ رجال فایز و نایل آمده و به تهران مراجعت و در جمیع بلاد با نهایت بزرگواری و جلالت اشتهار معروف و مشهور گشت و بمقامی رسید که روحانیون بزرگ کمتر به آن پایه و مقام رسیدند تا جائی که شاه مقتدر وقت مرحوم ناصرالدین شاه قاجار با تمام قدرت و عظمت همواره از وی خائف و ترسناک بود و می گفت اگر آیت‌الله کنی مرا از سلطنت خلع کند چه می توانم بکنم، در سال چندین بار با کسب اجازه قبلی بمنزل آن مرحوم شرفیاب شده و دست آن بزرگوار را بوسیده و اظهار انقیاد و اطاعت می کرد.

مآثر و آثار ص ۱۳۸ گوید: حاج ملا علی مجتهد کنی ساکن دار الخلافه از عظماء علماء اسلام است بعزت نفس و مناعت جانب از ابناء جنس امتیاز داشت اهل دیوان وی را رئیس المجتهدین می نوشتند و حق تعالی آن عالم و فقیه کامل را بفراط ثروت و طول عمر و نفاذ امر اختصاص بخشیده بود.

اکثر علماء و رؤساء تهران بتربیت و ترویج او اعتبار و بمقامات رسیدند، عمده تلمذ او بر شیخ الطائفه انصاری و صاحب جواهر بوده و در فقه و اصول و رجال و غیره تصنیفات فرموده و جامع تافقی را که در علم درایه و حدیث پرداخته است بطبع رسیده اشتهار و اعتبار این بزرگوار در دین و دولت و ملک و ملت باعلا درجه کمال بود وصیت بزرگی و عظمت شأنش از آسیا بقسمتهای کره ارض نیز رفته و همه جا را فرا گرفته بود احترام و اکرامی که این پادشاه (ناصرالدین شاه) باین عالم عامل و فقیه کامل می فرمود کمتری از مجتهدین را نصیب افتاد الحق وجودش مذهب جعفری را قوتی و قوامی بود و شرع شریف را استظهاری و استحکامی.

احسن الودیعه (ج ۱- ص ۱۰۱) گوید شیخنا و مولانا حاج ملا علی کنی تهرانی از اعاجیب دهر و اکابر علماء خود بود ماهر بر علوم عربیه و لغت و قرائت جامع بین روایت و درایت عالم تفسیر و مناعت حدیث حافظ رجال و انساب عارف معقول و مجتهد در فروع و اصول واسع المعرفه غزیر العلم صاحب اختراعات و استنباط و تحقیقات رایقات محبوب خاص و عام مرجع فتاوی و احکام معظم در عیون اعظام و حکام غیور در امر بمعروف و نهی از منکر لا- تاخذه فی الله لومه لائم و بالجمله فهو آیت‌الله العظمی بلا کلام و النائب المرضی عن الامام علیه السلام بوده... تا در صبح روز پنجشنبه بیست و هفتم محرم الحرام ۱۳۰۶ در سن هشتاد و شش سالگی در تهران از دنیا رفته و سه روز جنازه اش برای تشییع و تجلیل و غیره مانده و روز یکشنبه غره صفر سال مذکور حمل بشهر ری و جوار حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام با ازدحام عام و احترام تمام گردیده و در مسجد عتیق بین الحرمین که اکنون مقبره ناصرالدین شاه معروف است دفن گردید و در رثاء او شعراء عرب و عجم قصائدی سروده و ماده تاریخ مناسبی سرودند منجمله

مجد الادباء میرزا حیدر علی تهرانی سرود

سرود مرتجلا مجد بهر تاریخش

علی بنزد محمد بخلد کرد مقام

و دیگری گفت:

ز جنت شد یکی حورا برون با جلوه و گفتا

علی در جنه الماوی علی را میهمان دارد

آثار علمی آن بزرگوار از این قرار است:

۱- رساله‌ای در اوامر و نواهی و مفاهیم و استصحاب ۲- کتاب طهاره ۳- کتاب صلوه ۴- کتاب بیع ۵- کتاب قضاء و شهادت که در ۱۴۰۴ ق در تهران چاپ سنگی شده ۶- توضیح المقال فی علم الرجال که در پشت منتهی المقال شیخ ابوعلی رجالی مشهور کرارا بطبع رسیده ۷- تحقیقات الوسائل فی شرح تلخیص المسائل.

نگارنده گوید: شرح احوال محامد خصال آن نادره دوران و آثار و خدماتش در خور کتاب بزرگی خواهد بود ولی برای اختصار این اندازه قناعت. فهرستی از خاطرات عجیبه آن بزرگوار نگاشته و اشاره بخاندان علمی و روحی او می‌نمائیم. نوادر خاطرات حاجی کنی- ره-

۱- تشرف آن مرحوم با میرزا شیرازی بزیارت حضرت زینب علیهاالسلام در شام و نظافت کردن وی و میرزا آن حرم مطهر را و توجه مخصوص حضرت ولی عصر عجل الله فرجه باین عمل آن دو عالم ربانی و آن قصه از این قرار است:

حکایت کرد برای نگارنده مرحوم حجة الاسلام حاج شیخ ابراهیم شریفی اسدآبادی همدانی که در نجف اشرف خدمت مرحوم آیت الله العظمی حاج میرزا علی آقا شیرازی فرزند مرحوم آیت الله علی الاطلاق میرزا بزرگ (مجدد) شیرازی قدس الله اسرارهم شرفیاب شدم و از محضرشان استفاده‌ها نمودم و از نوادر خاطرات مرحوم والدشان قضایائی نقل کردند که از آنها این بود:

مردی تهرانی مشرف به نجف خدمت مرحوم والدش شد (قبل از هجرتش بسامرا و گفت من مکه مشرف بودم و در آنجا زاد و خرج خود را تمام و یا گم کردم. و در مسجدالحرام بحق تعالی متوسل و التماس می‌کردم و حضرت ولی عصر عجل الله فرجه الشریف را واسطه می‌نمودم که فرجی برآیم بشود که در مکه ویلان و معطل نمانم.

پس رزوی که پرده خانه را گرفته و تضرع می‌نمودم دستی بشانه‌ام خورد و گفت چه حاجت داری مطلب و نیازم را گفتم چند لیره بمن داد و گفت با این وجه خود را به نجف رسانیده و در آنجا خدمت میرزا محمدحسن شیرازی برو و بگو سید مهدی گفت باین نشانی که باتفاق حاج ملا علی کنی در مراجعت از مکه بشام بزیارت حضرت زینب علیهاالسلام رفتید و دیدید حرم را گرد و غبار گرفته مشغول نظافت شدید و با گوشه‌ی عبا خود خاک و خاشاک را بیرون بردید بیست اشرفی بتو بدهد.

و تا آن مرد این نشانی را به مرحوم والدش گفت دیدم بسیار متغیر شد و برخاست مبلغ بیست اشرفی به آن مرد داد.

نگارنده گوید: که از بعضی شنیدم که آن شخص وقتی به تهران آمد خدمت مرحوم آیت الله علامه کنی رسید جریان را گفت آن مرحوم فرمودند آیا حواله‌ای آن آقا بمن نداد. گفت: خیر. پس آن مرحوم بسیار گریسته و فرمودند: چون مرحوم میرزا بسیار در تنظیف حرم حضرت زینب علیهاالسلام کوشش می‌کرد و این عملش توجه آن حضرت قرار گرفته است.

۲- مکاشفه آن مرحوم برای فتحعلی شاه قاجار در حرم منور حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام و وفات شاه مزبور در همان روز و همان ساعت.

۳- مداومت ایشان بزیارت حضرت امامزاده ابوالحسن شهر ری و این که بریاست و ثروت کذائی نرسیده مگر برای این عمل.

۴- توسل مخصوص در حرم مطهر حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام برای قضاء حوائج و کیفیت آن باین طریق است.

حکایت کرد برای این نگارنده جناب حجة الاسلام حاج سید مصطفی علوی الاری در دوحه قطر از بعضی از ثقات آن مرحوم علامه کنی- ره- که مجرب است برای قضاء حوائج دو رکعت نماز حاجت خواندن در حرم حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام و بعد چهارصد

صلوات هدیه گفتن و هدیه نمودن به حضرت امام علی النقی علیه‌السلام استاد حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام باین طریق بعد از آن نماز صد صلوات در قسمت شمالی غربی حرم فرستادن و بعد جلو رفتن و صد مرتبه صلوات در جنوبی غربی حرم گفتن و بعد بسمت شرق حرم رفتن و صد مرتبه صلوات در جنوب شرقی حرم گفتن و بطرف عقب برگشتن و صد مرتبه در قسمت شمال شرقی حرم فرستادن.

نگارنده گوید: التبه در جائی نرسیده اگر کسی بخواهد بجا آورده رجاء این عمل را بجا می‌آورد انشاءالله حاجتش برآورده خواهد شد انشاءالله.

(۱۳۰۶ - ۱۲۲۰ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، رجالی، محدث، ادیب و مرجع تقلید. اصلش از آمل مازندران است. جدش در قریه کن از توابع تهران سکنی کرد و ملا علی در آنجا به دنیا آمد. پس از طی مراحل مقدماتی و فراگیری ادبیات به عتبات رفت و در حوزه‌ی درس صاحب «جواهر» و صاحب «ضوابط» و سید اسدالله بن سید محمد باقر و شیخ مشکور حولای حاضر شد و در لغت، فقه، اصول، حدیث، رجال و تفسیر متبحر گشت. سپس به تهران بازگشت و به تدریس و زعامت امور دینی پرداخت. میرزا حسین نایب‌الصدر و ملا محمد علی خوانساری از شاگردان وی بودند. در تهران درگذشت و در بین الحرمین، در جوار حضرت عبدالعظیم (ع)، دفن شد. از آثارش: «الاستصحاب»؛ «الاوامر»؛ «ایضاح المشتبهات فی تفسیر الکلمات المشکله القرآنیه»؛ «توضیح المقال فی علم الدراية و الرجال»؛ «تلخیص المسائل»، در فقه؛ «تحقیق الدلائل فی شرح تلخیص المسائل»؛ «القضاء و الشهادات»؛ «احکام العقود و الخیارات»؛ «البیع»؛ «الطهاره»؛ «الصلوة»؛ رساله «ارشاد الامه»، رساله‌ی عملیه، به فارسی. [۱]

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۵ / ۱۳۸)، اعیان الشیعه (۸ / ۳۰۲)، الذریعه (۱۱ / ۵۷)، ۴۹۹ - ۴۹۸، ۴ / ۴۲۷، ۴۸۳، ۳ / ۴۸۲ - ۴۸۱، ۲ / ۴۹۹، ریحانه (۵ / ۹۷ - ۹۸)، شرح حال رجال (۲ / ۳۴۹ - ۳۵۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۰۷ - ۱۴ / ۱۵۰۴)، علماء معاصرین (۲۷ - ۲۵)، فوائد الرضویه (۲۹۹ - ۲۹۸)، قصص العلماء (۱۲۲)، المآثر و الآثار (۱۳۸)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۳ / ۱۰۹۸)، معجم المؤلفین (۷ / ۱۷۱)، مکارم الآثار (۳ / ۶۹۷ - ۶۹۹)، یادداشتهای قزوینی (۸ / ۲۱۳).

کواری، حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۳۰۴ ق)، خطاط و منشی. از سادات حمزوی کوار شیراز بود. وی در شیراز به تحصیل مقدمات علمی پرداخت و در جوانی مورد توجه محمد رضا خان قوام الملک قرار گرفت و در دستگاه وی ملازم و منشی شد. کواری خط نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت. او به هنگام تألیف «فارسنامه‌ی ناصری»، ۱۳۰۴ ق، هنوز می‌زیسته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۱ / ۱۶۷)، فارسنامه‌ی ناصری (۲ / ۱۴۶۵).

کوپائی هاطلی، صدرالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند سید حسن بن سید جعفر حسینی.

عالم زاهد فقیه حکیم مفسر زاهد، در شب اربعین سال ۱۳۰۱ در قریه‌ی کوپا از بلوک کوهپایه‌ی اصفهان متولد گردیده، در اصفهان و نجف نزد علمای معروف تحصیل نموده، خصوصاً در اصفهان از محضر آخوند کاشی و جهانگیر خان قشقائی، و در نجف از: شیخ الشریعه‌ی اصفهانی، و شیخ ابراهیم اردبیلی، و شیخ احمد شانه ساز شیرازی، و شیخ عبدالصمد سبزواری، و آقا سید محمد فیروزآبادی، و آقا سید محمد کاظم یزدی، و آخوند خراسانی استفاده برده، قبل از فوت استاد به اصفهان مراجعت نموده، و به آقایان مسجد شاهی اختصاص یافت. مردی وارسته، و جامع جمیع ملکات و فضایل انسانی بود، و الحق ملکی بود به صورت بشر. در عین فقر و تهیدستی نسبت به متمولین و اغنیای بی‌اعتنا، فقط متوجه حضرت باری تعالی بود.

در مدرسه‌ی صدر حکمت و فلسفه تدریس می‌نموده، و در محافل خصوصی تفسیر می‌گفت.

در شب شنبه پنجم جمادی الاولی سال ۱۳۷۲ به عارضه‌ی سکت و فوات یافته، در بقعه‌ی تکیه‌ی در کوشکی مدفون گردید.

و قابل توجه آن که روز قبل، در مجلس ختم علامه‌ی فقیه مرحوم آقا سید محمد [حجت] کوه کمری در مدرسه‌ی صدر، در حضور جمعی فرمود: فردا نوبت من است، و به همان کیفیت فردا وفات یافته، در همان محل، مجلس ختم جهت او گرفتند.

از آثارش: کتاب شروق الحکمه است، در حل معضلات اسفار و منظومه، که آن را در دوره‌ی اشتغال خود در نجف مرقوم داشته، و کتاب بزرگی است؛ دیگر: شرح مطالب کفایه است.

پدرش از فضلالی اصفهان بوده، و قبل از ۱۳۲۳ فوت شده است.

بر گرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کوتاه اصفهانی، ابوحامد محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۸۳ ق)، حافظ و محدث. از حفاظ حدیث بود که به شناخت آن شهرت داشت. در نوجوانی و جوانی احادیث بسیار شنید و تمای آنها را به خط خویش نگاشت. از آثار وی کتاب «اسباب الحدیث» به سبک «اسباب النزول» واحدی است. او همچنین کتابی بزرگ در «تاریخ اصفهان» جمع‌آوری کرد که موفق به تدوین آن نگشت.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/۵۶)، الوافی بالوفیات (۳/۲۱۸).

کوتاه جویباری اصفهانی، ابومسعود عبدالجلیل

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۵۳-۴۷۶ ق)، حافظ و محدث. از رزق اللہ تمیمی و ابوبکر بن ماجه ابهری و قاسم بن فضل ثقفی و احمد بن عبدالرحمان ذکوانی و ابن‌اشته و عده‌ای از یاران ابوسعید نقاش و ابونعیم و ابوطاهر بن عبدالرحیم حدیث شنید. او در علم و اخلاق یگانه دورانش بود و

در حدیث از شناخت کافی برخوردار بود. مدتی که در اصفهان بود با پدر سمعانی مصاحبت داشت. کوتاه سفری به نیشابور نمود و از عبدالغفار شیروی حدیث شنید. ابوالقاسم بن عساکر و یوسف بن احمد شیرازی و دیگران از وی روایت کرده‌اند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعان (۲/۱۰۷)، تذکره الحفاظ (۱۳۱۵-۱۳۱۴/۴)، سیر النبلاء (۳۳۱-۳۲۹/۲۰)، شذرات الذهب (۱۶۷/۴)، طبقات الحفاظ (۴۷۳-۴۷۲)، العبر (۳/۲۰)، معجم البلدان (۲/۲۰۴)، المنتظم (۱۰/۱۸۲)، النجوم الزاهرة (۵/۳۱۴).

کوثر همدانی، رضا

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۴۷ ق)، عالم دینی، فقیه، عارف و شاعر، متخلص به کوثر. ملقب به کوثر علیشاه. وی از فرزند زادگان شیخ اشراق، شهاب‌الدین سهروردی، است. تحصیلات مقدماتی را در همدان گذراند و مدتی از محضر حسین علیشاه اصفهانی عارف استفاده نمود. وی از کودکی مصاحب مجذوب علیشاه، حاج محمد جعفر همدانی، بود و همراه او به تحصیل علوم عقلی و نقلی پرداخت و در فقه و اصول و حکمت و فن مناظره و مباحثه تبحر یافت. او با مجذوب علیشاه به سفر حج رفت. پس از بازگشت چون فضای اجتماعی همدان را بر خود تنگ یافت، از همدان به تبریز رفت و مورد توجه عباس میرزای نایب‌السلطنه قرار گرفت و به همراه وی به کرمان رفت و همان جا درگذشت و در مشتاقیه، در خارج کرمان به خاک سپرده شد. از آثار وی: «الدر النظیم فی تفسیر القرآن الکریم»، تفسیری فارسی که در آن آیات اصول و فروع و مواعظ را آورده است؛ «مفتاح النبوة فی اثبات النبوة الخاصة»، و منتخب آن «ارشاد المضلین فی نبوت خاتم النبیین»، در رد هانری مارتن انگلیسی، ملقب به پادری، مبلغ مسیحی؛ مثنوی «آتش پاره»، مشتمل بر هشت هزار بیت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۸۴-۸۱/۲)، حدیقه الشعراء (۱۴۶۴-۱۴۶۲/۲)، الذریعه (۳۵۳-۳۵۲/۲۱)، ۹/۹۲۳، ۸/۸۳، ۱/۵۲۲، ریاض العارفین (۲۷۹-۲۷۸)، ریحانه (۱۰۱-۱۰۰/۵)، سفینه المحمود (۲۷۷-۲۷۴/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/۵۴۹)، طرائق الحقائق (۲۶۶-۲۶۴/۳)، فرهنگ سخنوران (۷۷۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۷۳/۲، ۱۴۰۰-۱۳۹۹/۱)، قصص العلماء (۱۳۰-۱۲۹)، مکارم الاثار (۱۳۰۱-۱۳۰۰/۴)، نگارستان دارا (۱۲۳-۱۲۲).

کوثری، عباس

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عباس کوثری

محل تولد: تربت حیدریه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان تحصیلات ابتدائی در سال ۱۳۴۸ وارد حوزه علمیه هراتی شهرستان «تربت حیدریه» شدم و جامع المقدمات، سیوطی، بخشی از مغنی اللیب (که در ادبیات عرب است) را نزد اساتید آن حوزه فرا گرفتم. سپس جهت ادامه تحصیل رهسپار حوزه علمیه مشهد شدم و ادبیات تکمیلی، منطق، معانی بیان و بدیع را در محضر اساتید بزرگوار آن سامان به ویژه آقای: «واعظی» و آقای «حجت هاشمی» به پایان رساندم. پس از اتمام معالم الاصول و شرح لمعه، کتاب مکاسب شیخ انصاری را (که در معاملات نگاشته شده) در نزد «آیت الله میرزا علی فلسفی» شروع نمودم و در سال ۱۳۵۴ به قم آمدم. جهت ادامه مکاسب در درس «آیت الله ستوده» حاضر شدم، کفایة الاصول مرحوم آخوند خراسانی را نزد اساتید معروف قم از آن جمله: «آیت الله فاضل لنکرانی» و «آیت الله سلطانی» خواندم و سال ۱۳۵۶ برای خارج فقه و اصول در درس «آیت الله وحید خراسانی» حاضر شدم و حدود بیست سال، آن را ادامه دادم و مدت حدود دو سال نیز از درس خارج فقه و اصول «آیت الله تبریزی» نیز استفاده بردم.

در کنار درس های فقهی و اصولی، کتابهای فلسفی را از محضر اساتید فلسفه آموختم: (شرح منظومه) را نزد «آیت الله انصاری شیرازی»، «نهایة الحکمه» را نزد «آیت الله مصباح» و «اسفار ملاصدرا» را از محضر «آیت الله جوادی» بهره مند شدم. این در حالی است که در کنار تحصیل، همواره به تدریس، اشتغال داشته ام که از آن جمله می توان به این موارد اشاره کرد: (مکاسب، کفایة الاصول، تدریس ادبیات، فقه و اصول). همچنین در زمینه های مختلف به ویژه موضوعات قرآنی دارای تالیفاتی که در قبل ذکر شده می باشم.

کوثری، عبدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالله کوثری در سال ۱۳۲۵ شمسی در شهر همدان متولد شد. کوثری از جمله مترجمانی است که ادبیات امریکای لاتین را ترجمه کرده و در شناساندن این ادبیات به اهل فرهنگ ایران، تلاش فراوانی است. از عبدالله کوثری، بیش از ۵۰ عنوان کتاب در حوزه ادبیات و اقتصاد ترجمه شده است. کتابهای "جنگ آخر زمان" و "خاطرات پس از مرگ" ترجمه عبدالله کوثری، به ترتیب در دوره های هیجدهم و بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شدند.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: ترجمه

تحصیلات رسمی و حرفه ای: عبدالله کوثری تحصیلات ابتدایی متوسطه را در تهران سپری کرد و در سال ۱۳۴۴ شمسی از دبیرستان البرز فارغ التحصیل شد. تحصیلات دانشگاهی را در رشته اقتصاد دانشگاه ملی (شهید بهشتی) گذراند و در سال ۱۳۴۸ شمسی موفق به اخذ لیسانس گردید.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: عبدالله کوثری از همان سالها در نشریات ادبی اشعار آقای کوثری چاپ می‌شد. وی ترجمه را از سال ۱۳۵۲ شروع کرد و در کنار ترجمه، در امر ویرایش کتابهای ترجمه شده در زمین علوم انسانی نیز فعالیت می‌کرد. جوایز و نشانها: کتابهای "جنگ آخر زمان" و "خاطرات پس از مرگ" ترجمه عبدالله کوثری، به ترتیب در دوره‌های هیجدهم و بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شدند.

چگونگی عرضه آثار: از عبدالله کوثری، بیش از ۵۰ عنوان کتاب در حوزه ادبیات و اقتصاد ترجمه شده است؛ از جمله «پوست انداختن»، «خودم با دیگران»، «آئورا» از کارلوس فونتس، «خوان رامون خیمس» از هاوارد تی یانگ، «الکساندر پوشکین» از جی ناماس شا... «گزیده شعرها» نام کتابی است که در سال ۱۳۷۷ به چاپ رسیده و در آن ۴۳ قطعه شعر سروده شده عبدالله کوثری طی سال‌های ۱۳۴۶ تا ۱۳۷۳ ارایه شده است.

آثار:

۱ آئورا

ویژگی اثر: ترجمه، نوشت؟ کارلوس فونتس نشر تندر

۲ آدام اسمیت

ویژگی اثر: ترجمه، نوشت؟ د.د. رافائل نشر طرح نو

۳ آنتوان بلوایه

ویژگی اثر: ترجمه، نوشت؟ پل نیزان نشر توس

۴ پوشکین

ویژگی اثر: ترجمه، نوشت؟ تامس شا نشر نسل قلم

۵ تراژدی اورستیا

ویژگی اثر: ترجمه، نوشت؟ آیسخلوس نشر تجربه

۶ جنگ آخر زمان

ویژگی اثر: تالیف: ماریو بارگاس یوسا؛ ترجمه: عبدالله کوثری. - تهران: آگه، ۱۳۷۷ [توزیع ۱۳۷۸]. - ۹۱۹ص. این کتاب، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: «جنگ آخر زمان» جنگ آخر زمان / ماریو بارگاس یوسا؛ عبدالله کوثری. - تهران: آگه، ۱۳۷۷ [توزیع ۱۳۷۸]. - ۹۱۹ص. رمان جنگ آخر زمان شاهکار ادبی یوسا، نویسند؟ برجست؟ اهل پرو است که به سبکی رئالیستی (و به دور از هرگونه «نوپردازی») نوشته شده است. از ویژگیهای این رمان، ترسیم فضای بومی و حال و هوایی است که مختص کشورهای لاتین است و رویدادهای آن به قرن نوزدهم مربوط می‌شود. شیو؟ روایت این رمان وابسته به فضای اسطوره‌ای-حماسی آن است که به شیوه‌ای ساده و صریح و سنتی صورت می‌گیرد و در آن از بازیهای شکلی خبری نیست. در هر بخش رمان به تناوب، شخصیت‌های رمان معرفی می‌شوند و گذشته‌شان در کمال ایجاز و اختصار شرح داده می‌شود و در کنار این معرفی شخصیتها، ماجرایا حادث؟ داستان نیز دنبال می‌شود. مترجم محترم در ترجم؟ حاضر ضمن رعایت دقت و امانت در انتقال مطالب و مضامین، به حفظ سبک نویسند؟ کتاب نیز وفادار مانده و کوشیده است ترجمه‌ای استوار، روان و خوشخوان به دست دهد. تلاش مترجم در رساندن پیام کتاب یوسا به زبان فارسی با بیانی روشن و دلنشین ستودنی است.

۷ خاطرات پس از مرگ

ویژگی اثر: ترجمه، این کتاب، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آگه آشنایی با کتاب: خاطرات پس از مرگ خاطرات پس از مرگ براس کوباس / نوشته ماشادو د آسیس، ترجمه عبدالله کوثری. - تهران: مروارید، ۱۳۸۲. داستانهای برزیلی - قرن ۱۹ ژواکیم ماریا ماشادو د آسیس (۱۸۳۹ - ۱۹۰۸) نویسنده برزیلی، از نامدارترین نویسندگان قرن نوزدهم آمریکای لاتین و از بهترین آنها در همه زمانهاست. در خانواده‌ای فقیر زاده و در کودکی یتیم شد. زندگی را نخست با کار کردن در چاپخانه و آنگاه با روزنامه‌نگاری و سپس با نویسندگی می‌گذراند. در برزیل به شهرت و منزلت دست یافت و اولین رئیس آکادمی ادبیات این کشور شد و تا پایان عمر در این سمت برجا بود. ماشادو در خلق طرح‌های پیچیده روانی و آنچه مایه آزار انسان است، استادی بی‌بدیل بود. خاطرات پس از مرگ براس کوباس شاهکار ماشادو به شمار می‌رود و نویسنده در آن با آمیزش هنر کامل نقل و طنزنویسی، محیطی خاص به وجود آورده است. داستان خاطرات ثروتمندی را شرح می‌دهد که در عشق با ناکامی و تیره‌روزی همراه است. قهرمان کتاب در واقع نویسنده است که اندیشه‌ها، آرزوها، خاطرات، رؤیاها و احساس‌های خویش را در ضمن توصیفی از آداب و رسوم بیان کرده است. ماشادو در آثار خود توانسته است نثر برزیل را از حالت منطقه‌ای و تصویر منظره‌ها و آداب و رسوم خاص آن خارج کند و به مطالعه بشر از نظر کلی و جهانی نزدیک شود. او به وسیله تحلیل دقیق روانی و تحقیقی استادانه موفق گشته است احساس تلخ ناکامی‌های خود را در ورای لحن مطایبه‌آمیز و طنز آرام و لطیف بپوشاند و ناپیدترین گوشه‌های زندگی را چون مسائلی عالی آشکارا پیش چشم گذارد. آثار داستانی ماشادو یک سلسله پرده نقاشی منعکس‌کننده واقعیت‌هاست و بیان موجز او که از زبان و فرهنگ عامه رنگ دارد، وی را یکی از بزرگترین نویسندگان زبان پرتغالی ساخته است.

۸ خودم با دیگران

ویژگی اثر: ترجمه، نوشت ؟ کارلوس فونتس نشر قطره

۹ روانکاو و داستان‌های دیگر

ویژگی اثر: ترجمه، آشنایی با کتاب: روانکاو و داستان‌های دیگر روانکاو و داستان‌های دیگر / نوشته ماشادو د آسیس، ترجمه عبدالله کوثری - تهران: لوح فکر، ۱۳۸۲. مجموعه روانکاو و داستان‌های دیگر، شامل یک داستان بلند و یازده داستان کوتاه از نویسنده مشهور برزیلی ژواکیم ماریا ماشادو د آسیس است که توسط مترجم نامدار عبدالله کوثری به زبان فارسی ترجمه گردیده و انتشارات لوح فکر آن را منتشر کرده است. نثر شیوا و روانی که مترجم برای برگرداندن متن به زبان فارسی به کار برده، واجد چنان ویژگی‌های ممتازی است که خواندن ترجمه این مجموعه داستان نه فقط افاده لذت می‌کند، بلکه همچنین مشابه همان تأثیری را در خواننده فارسی زبان باقی می‌گذارد که متن اصلی در خواننده اسپانیایی زبان می‌گذارد. مترجم با دقتی لغت‌شناسانه و با وسواسی محققانه کوشیده است تا سطح کلام را در گفتار هریک از راویان یا شخصیت‌های داستان‌ها متناسب با متن اصلی حفظ کند. به این منظور، وی علاوه بر گزینش دقیق برابری مناسب برای واژگان، به نحو یا ترکیب واژه‌ها در جمله نیز توجه نشان داده است. مترجم به سبب تسلطی که به سبک نویسنده دارد، موفق شده است متنی را به خواننده فارسی‌زبان عرضه کند که تا حد امکان مؤلفه‌های متمایزکننده طرز داستان نویسی ماشادو د آسیس را هم شامل می‌شود. رعایت امانت در ترجمه، به کارگیری معادل‌های دقیق و کوشش درخور تحسین برای حفظ یا بازآفرینی سبک متن اصلی، از جمله بارزترین ویژگی‌های ممتاز این ترجمه است.

۱۰ شکسپیر

ویژگی اثر: ترجمه، نوشت ؟ جرمین گریر نشر طرح نو

۱۱ کارلوس فونتس

ویژگی اثر: ترجمه، نوشت ؟لاین. آ. گیورگو نشر نسل قلم

منابع زندگینامه: www.ketabesal.ir <http://www.ibna.ir/vdcauin۶.۴۹nm۰۱۵kk۴.html>

کوثریان، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: آناتومی، دانشکده: دندانپزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

کوچک، محمدهادی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فارماکولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اهواز.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

کورانلو، جعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد ۱۳۲۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه شهید بهشتی، دکترای تخصصی جراحی عمومی از انگلستان و دکترای فوق تخصصی در جراحی کودکان و نوزادان از دانشگاه شهید بهشتی.

مرتبه علمی:

طی مرحله استادیاری و ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۷۲.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه و تحقیق در زمینه جراحی کودکان و نوزادان، شرکت در کنگره‌های خارجی با ارائه مقالات متعدد و راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۱ پایان‌نامه دکترای عمومی و تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: -

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۳، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای اطفال، ضربه‌های شکمی در اطفال، کیست مادرزادی پانکراس، آپاندیست حاد در اطفال، یبوست در اطفال. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

کوسج اصفهانی، ابوالمظفر محمود

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۷۳ ق)، محدث. از عموی پدرش، حسین بن احمد، و حسین بن علی بن بغدادی حدیث شنید. اسماعیل بن محمد حافظ از وی روایت کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء ۴۵۰-۴۴۹/۱۸.

کوسج مروزی، ابویعقوب اسحاق

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۵۱ ق)، حافظ، محدث و فقیه حنبلی. در مرو به دنیا آمد و در نیشابور نشو و نما یافت. برای فراگیری فقه و حدیث به عراق و حجاز و شام سفر کرد و از سفیان بن عینه و یحیی بن سعید قطان و عبدالرحمان بن مهدی و وکیع بن جراح و محمد بن یوسف فریابی و ابواسامه و نضر بن شمیل و ابویمان حکم بن نافع حدیث شنید. او از احمد بن حنبل و اسحاق بن راهویه و یحیی بن معین مسائل فقهی آموخت و آموخته‌های خود را مدون ساخت و در خراسان آنها را روایت کرد و چون در آن مسائل تشکیک کردند به بغداد رفت و صحت آنها را از احمد اعتراف گرفت. اسحاق بن منصور در بغداد حدیث گفت. بخاری و مسلم و نسائی و ترمذی و ابن ماجه قزوینی و ابوزرعه رازی و ابوبکر بن خزیمه و ابوالعباس سراج و مؤمل بن حسن ماسرجسی و احمد بن حمدون اعمشی و محمد بن احمد بن زهیر و ابراهیم بن اسحاق حربی و عبدالله بن احمد بن حنبل و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. سرانجام در نیشابور سکنی گزید و همان جا از دنیا رفت و در کنار اسحاق بن راهویه و محمد بن رافع به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۳۶۴-۳۶۲/۶)، التاریخ الکبیر (۴۰۴/۱)، تذکره الحفاظ (۵۲۵-۵۲۴/۲)، تهذیب التهذیب (۲۲۷-۲۲۶/۱)، تهذیب الکمال (۷۷-۷۴/۲)، الثقات (۱۱۸/۸)، الجرح و التعديل (ج ۱ ق ۲۳۴/۱)، سیر النبلاء (۲۶۰-۲۵۸/۱۲)، شذرات الذهب (۱۲۳/۲)، طبقات الحنابلة (۱۱۵-۱۱۳/۱)، طبقات الحفاظ (۲۵۳)، العبر (۳۶۰/۱)، الکامل (۳۳۰/۵)، معجم المؤلفین (۲۳۹/۲)، النجوم الزاهرة (۳۹۸/۲)، الوافی بالوفیات (۴۲۶/۸).

کوسه قراباغی محمد شاهی، یوسف

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۵۴ ق)، عالم دینی، متکلم و شاعر. معروف به کوسج. وی از اهالی قراباغ بود. سال وفات وی در «هدیه العارفین» و به تبع آن در «معجم المؤلفین» ۱۰۳۵ ق ذکر شده است. از آثار وی: حواشی و تعلیقات بر شرح مولانا جلال‌الدین دوانی بر «العقائد العصدیه»، که به نام «خانقاهی» معروف است، زیرا آن را در خانقاه حسینییه سمرقند تألیف کرده، و به ابو حامد خلیل‌الله تقدیم کرده است؛ «تممه الحواشی فی ازالة الغواشی»، در جواب انتقادات آقا حسین خلخالی بر کتاب «خانقاهی» وی که در ۱۰۳۳ ق در شهر بخارا آن را نگاشت؛ شرح «الرساله الحنفیه» محمد حنفی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آتشکده‌ی آذر (۱/۲۰۶)، دانشمندان آذربایجان (۴۰۴)، کشف الظنون (۱۱۴۴)، معجم المؤلفین (۳۳۲-۳۳۱/۱۳)، هدیه العارفین (۲/۵۶۶).

کوشا، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۲ ش)، ادیب و نویسنده. در تهران به دنیا آمد. پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی و متوسطه از دانشسرای عالی در رشته‌ی ادبیات فارسی با مدرک لیسانی فارغ‌التحصیل گردید. سپس وارد خدمت فرهنگ شد. وی در دوران خدمت عهده‌دار مشاغل مختلفی از جمله: دبیری و بازرسی فنی، ریاست دبیرستان‌ها در شهرهای همدان و تهران و کرمانشاه، مؤسس دبستان خاقانی، معاونت دارالفنون، بازرسی وزارت فرهنگ بود. از آثار وی: «انشاء ابتدایی مصور»؛ «بدیع و قافیه و عروض»، برای دوره‌ی دوم متوسطه؛ «دستور زبان»؛ «راهنمای امتحانات نهایی»؛ «فارسی و تاریخ ادبیات»؛ «فارسی و دستور زبان»؛ «منتخب نظم و نثر فارسی». سه کتاب اخیر با مشارکت چند تن از اساتید گروه ادبیات به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۵۲، ۲۳۸۴، ۱۶۳۶/۲، ۴۷۳، ۳۶۴/۱)، کتابشناسی موضوعی ایران (۱/۸۸)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۹۸)، مؤلفین کتب چاپی (۴۵۲-۴۵۰/۱).

کوشا، محمد علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد علی کوشا

محل تولد: بیجار گروس - سیرلان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در تاریخ ۱/۱/۱۳۳۱ در یکی از روستاهای توابع شهرستان «بیجار گروس» واقع در استان «کردستان» به نام «دولت آباد» به دنیا آمده ام که به گفته مرحوم پدرم پس از ۱۴ روز به روستای «سیرلان» کوچ می‌کنند و تا کلاس ششم ابتدایی در سیرلان تحصیل نمودم و پس از آن وارد دبیرستان در شهر بیجار شدم. تا کلاس یازده نظام قدیم در بیجار و سال آخر دبیرستان را در شهرستان «سقز» به پایان رساندم و سال ۱۳۵۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی مقدمات را خواندم و سپس در حلقه های دروس دیگر تا شروع لمعه شرکت کردم و سپس دروس رسائل، مکاسب و کفایه را به پایان بردم و آنگاه در درس خارج شرکت کردم.

پا به پای دروس سطح عالی در مدرسه «الهادی» و «امام عصر» حدود ۱۲ سال یا بیشتر تدریس نمودم و در زندانهای سیاسی کشور از جمله «اوین» در تهران و نیز «ساحلی» در قم و همچنین در اراک و همدان برای افراد سطح عالی به تدریس عقاید پرداختم و اکنون مدت ۱۰ سالی است که به کار تحقیق و نوشتن مشغول هستم. جمعاً ۲۶ اثر تألیفی، تحقیقی و تصحیحی را ارائه نموده ام که عمده آنها به چاپ رسیده است. اخیراً به علوم قرآنی بیشتر توجه نموده ام و ترجمه های قرآن را مورد نقد و بررسی قرار داده ام که کتاب معروف اینجانب به نام «ترجمه های ممتاز قرآن در ترازوی نقد» مورد توجه محافل ادبی و دانشگاهی به ویژه قرآن پژوهان، با استقبال خوبی مواجه بوده است و حدود ۱۱ مجله مثل آیین پژوهان، ترجمان وحی، بینات و ... مقالات این بنده را در موضوعات کتابشناسی، نقد، ترجمه و ... چاپ کرده اند و همچنین با شماری از روزنامه ها و هفته نامه ها مصاحبه داشته ام و مقالاتی نیز در آنها به چاپ رسانده ام.

هدف اصلی من از طلبه شدن «فهم اسلام و فهماندن آن» بوده و چیزی جز این هم از خدا نخواستیم که به هر حال (از خدا جوییم توفیق ادب - بی ادب محروم ماند از لطف رب). ضمناً در ایام تعطیلی برنامه های وسیع تبلیغی در پیش و پس از انقلاب اسلامی داشته ام که می توانم بگویم در تمام آنها موفق بوده ام. از جمله: در شهرهای سبزوار، نیشابور، تربت جام، آبادان، زابل، شیراز، فیروز آباد فارس، همدان، تویسرکان، نهاوند، ملایر، بیجار و لار علاوه بر سخنرانی، کلاسهای تدریس اصول عقاید و پاسخ به پرسش ها و تفسیر قرآن را نیز برقرار نموده و در همه آنها موفقیت چشمگیری داشته ام.

کوشانفر، اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

کوشکی، عبدالرحیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند ملا-ابراهیم. عالم فاضل، و فقیه کامل [؟]، از ائمه‌ی جماعت، در ماه محرم سال ۱۳۱۷ در اصفهان وفات یافته، جنب فاضلان مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کوفی، ابو عصیده ابو جعفر احمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۷۳ ق)، نحوی، ادیب و محدث. معروف به ابن بلنجر. اصل وی از مردم دیلم و از موالی بنی هاشم بود. از واقدی و اصمعی و ابوداوود طیالسی و زید/یزید بن هارون حدیث نقل می‌کرد. معلم فرزندان متوکل عباسی بود و در سامره ساکن. قاسم بن محمد انباری، احمد بن حسن بن شهیر و محمد بن جعفر آدمی از او روایت می‌کردند. ابوداوود در «سنن» خود از وی حدیث نقل کرده است. از آثار وی، کتاب «المقصود و الممدود»؛ کتاب «المذکر و المؤنث»؛ کتاب «الزّیادات» در «معانی الشعر» ابن سکیت؛ کتاب «عیون الاخبار و الاشعار».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/ ۱۵۹)، ایضاح المکتون (۲/ ۳۰۱)، تاریخ بغداد (۲۶۰- ۲۵۸/ ۴)، تهذیب التهذیب (۵۵/ ۱)، روضات الجنات (۲۱۰- ۲۰۹/ ۱)، ریحانه (۸/ ۱۱۶)، الذریعه (۱۵/ ۳۷۶)، سیر النبلاء (۱۹۴- ۱۹۳/ ۱۳)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۱۲۳- ۱۲۲)، کشف الظنون (۱۴۶۱، ۱۴۵۸، ۱۱۸۴)، الکنی و الالقاب (۱۲۴- ۱۲۳/ ۱)، لسان المیزان (۸/ ۱۹۹)، لغت‌نامه (ذیل / احمد)، معجم الادباء (۲۳۲- ۲۲۸/ ۳)، معجم المؤلفین (۱/ ۳۰۸)، الوافی بالوفیات (۱۶۷- ۱۶۶/ ۷)، هدیة العارفین (۵۱/ ۱).

کوکب شیرازی، محمد صادق

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، طیب و شاعر، متخلص به کوکب. از اهالی شیراز بود. وی در دوران نوجوانی با علوم عقلی و نقلی به ویژه علم طب و ریاضی آشنایی کامل یافت. شعر را نیکو می‌سرود و خط نستعلیق و شکسته را خوب می‌نوشت و در دولت زندیه خدمات دیوانی می‌کرد. پس از انقضای دولت زندیه (۱۲۰۸ ق) برای تجارت به هندوستان عزیمت نمود و در شهر مدرس آن دیار از دنیا رفت. از وی «دیوان» شعری بر وزن «هفت پیکر» نظامی به جای مانده که با همت فرزندانش گردآوری شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۱۴۷۰- ۱۴۶۸/۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۵۴- ۲۵۲/۴)، الذریعه (۹/۹۲۵)، سفینه المحمود (۵۳۶- ۵۳۵/۲)، فرهنگ سخنوران (۷۷۳)، لغت‌نامه (ذیل/ کوبک شیرازی)، مجمع الفصحا (۸۹۴- ۸۹۳/۵)، مرآت الفصاحه (۵۲۶- ۵۲۴)، مصطبه‌ی خراب (۱۵۳).

کوبکی، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام والمسلمین آقای حاج سید ابوالقاسم کوبکی بن السید الجلیل والعالم النبیل السید علی اصغر کوبکی تبریزی از فضلاء مدرسین حوزه علمیه قم است. وی در سال ۱۳۰۴ شمسی در تبریز متولد شده و پس از رشد و پرورش در حجر علم و تقوا و خواندن مقدمات و سطوح اولیه به قم آمده و سطوح وسطی و نهائی را از مدرسین بزرگ حوزه به پایان رسانیده و چندی از محضر مرحوم آیت الله العظمی حجت کوهکمری و آیت الله العظمی بروجردی اعلی الله مقامهما استفاده نموده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف کرده و از محضر زعیم اعظم والمرجع الاعلی الخوئی مدظله و بعض آیات عظام دیگر بهره‌مند شده و به تدریس فقه و اصول پرداخته تا سال ۱۳۹۱ قمری که به ایران مراجعت و اقامت در قم را اختیار و به گفتن درس خارج فقه و اصول مشغول و عده‌ای از فضلاء از بیانات دقیقه‌اش مستفیض می‌شوند.

از آثار ایشانست تقریرات در اسات و ابحاث استاد بزرگوارش علامه خوئی در فقه اصول نگارنده گوید: مترجم معظم از افاضل بنام تبریز و حوزه علمیه قم و نجف می‌باشد که به زیور علم و کمال آراسته و به تقوا و ورع موصوف و به محامد اخلاق و آداب معروف است.

برادر گرامی ایشانست جناب حجه الاسلام آقای حاج سید موسی کوبکی که از اصحاب و تلامذه مخصوص آیت الله العظمی آقای مرعشی نجفی مدظله العالیست.

سید ابوالقاسم کوبکی فرزند عالم جلیل و سید نبیل حاج سید علی اصغر باغیشه‌ای تبریزی از افاضل دانشمندان و اکابر مدرسین حوزه علمیه قم و نجف می‌باشند.

ایشان در سال ۱۳۰۴ شمسی برابر ۱۳۴۵ قمری در تبریز متولد شده و در حجر فضل و دانش پرورش یافته و دروس جدید را در تبریز خوانده و در مدرسه طالبیه تبریز مقدمات و ادبیات را خوانده و در سال ۱۳۲۰ شمسی سال گریختن رضاخان از ایران و تبعید او به موریس به قم آمده و سطوح عالی مکاسب و کفایه را از مرحوم محقق داماد یزدی آموخته و به درس خارج مرحوم آیت الله حجت کوهکمری که سمت کفالت ایشان را داشت شرکت نموده و تا سال ۱۳۷۰ قمری از فیض درس و محضر آن بزرگوار استفاده نموده و از ابحاث مرحوم آیت الله بروجردی هم بهره‌مند شد.

تا سال مزبور که والد ماجدش به رحمت ایزدی پیوست. جنازه‌اش را حمل به نجف نموده و مدت شش ماه اقامت و پس از آن به قم برگشت و بعد از فوت استادش مرحوم آقای حجت مهاجرت به عراق نموده و برای تکمیل مبانی علمی رحل اقامت افکنده و از درس و بحث مرحوم آیت الله العظمی حکیم و بالا-خص آیت الله العظمی خوئی مدظله الوارف فقه و اصول- استفاده نموده و دراسات اصول معظم له را به نام مبانی الاستنباط در چهار جلد تألیف که دو جلد مطبوع و دو جلد مخطوط می‌باشد.

معظم له حدود سی سال در نجف اقامت و به درس و تدریس اشتغال داشته تا سال ۱۴۰۰ قمری که به ایران آمده و بنا بر استخاره و خواست خداوند متعال به قم آمده و اقامت در این بلده طیبه را انتخاب و تا حال تحریر به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال و

جمعی از محصلین از محضرش استفاده می‌نمایند.

مرحوم والدش حجة الاسلام حاج سید علی اصغر باغمیشه‌ای نیز از علماء ابرار و دانشمندان اخیار آذربایجان و تبریز بوده‌اند. و آن مرحوم در قم با مرحوم آیت‌الله حجت قدس‌الله سرهما اختلاط و آمیزش داشتند و حدود نه سال به اتفاق آن مرحوم به درس مرحوم آیت‌الله حایر یزدی مؤسس حوزه شرکت کرده و استفاده می‌نمودند و پس از فوت آن مرحوم به تبریز برگشته و به وظائف دینی از اقامه جماعت و ترویج و تبلیغ اشتغال داشت تا در سال ۱۳۶۶ قمری که از دنیا رفت و حسب الوصیتش جنازه‌اش را بعد از چهار سال تر و تازه مانند روزی که از دنیا رفته حمل به نجف اشرف نموده و در جوار جد گرامیش حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام به خاک سپردند.

آن مرحوم دارای خصایص روحی و معنوی و فضائل اخلاقی بوده‌اند. وقتی به مشهد مشرف شده و در مراجعت به تبریز با فرزندان و خانواده‌اش که با ماشین می‌رفتند هنگام عصر و نماز به راننده می‌گویند نگهدار نماز بخوانیم راننده لابلالی می‌گوید جلوجل و نگه نمی‌دارد که به آب روانی در کنار راه می‌رسند و هر چه آقا می‌گوید نگه دار او به سرعت به راه ادامه داده و جلو جلو می‌گوید که آقا می‌بیند نزدیک است آن آب روان از دست برود و نماز هم قضا شود که فریاد می‌زند به تو می‌گویم نگه دار که ماشین چهار چرخش پنجر شده و از کار می‌افتد و آقا و مسافری پیاده شده نمازشان را می‌خوانند و آن راننده هم به دست و پای آقا افتاده و بوسه زند و عذرخواهی می‌کند. و بدن شریفش هم پس از چهار سال تازه و بدون هیچ تغییری حمل به نجف می‌شود که مورد اعجاب ماموران مرز و گمرک مندریه قصر شیرین می‌گردد.

برادر آقای کوکبی آقای حاج سید موسی کوکبی از ائمه جماعت تهران می‌باشند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

کومار، ویجندا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آسیب‌شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

کوملادی همدانی، ابوالفضل صالح

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۸۴-۳۰۳ ق)، حافظ، محدث و عارف. او از دانشمندان و محدثان مشهور همدان بود. از پدرش و ابوالعباس فضل بن سهل بن سری قزوینی و محمد ابن حمویه و علی بن حسن بن سعد بزاز و احمد بن حسن بن عزون و قاسم بن ابراهیم و محمد بن عبدالله بن نبیل و قاسم بن ابوصالح و عبدالرحمان بن ابوحاتم رازی و محمد بن قارن رازی و علی بن محمد بن مهرویه قزوینی و عبدالسلام بن عبدیل و احمد بن محمد بن اویس و جماعتی دیگر حدیث شنید. طاهر بن عبدالله بن ماهله و حمد زجاج و احمد بن زنجویه عمری و طاهر بن احمد امام و ابوالفتح بن ابی‌الفوارس و احمد بن حسین بن زنبیل نهاوندی و دیگران از وی حدیث شنیدند. در «انساب»

سمعانی و «سیر النبلاء» صاحب عنوان تحت نام کوملابادی ذکر شده است. از آثارش: «سنن الحدیث» یا «سنن التحدیث»؛ «طبقات العلماء لاهل همدان» یا «طبقات الهمدانیین»، که در برخی از مآخذ به جای آن، کتاب «تاریخ همدان» برای وی ذکر شده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵/۱۱۲)، ایضاح المکنون (۲/۲۸، ۲/۲۱۹، ۱)، تاریخ بغداد (۹/۳۳۱)، تذکره الحفاظ (۹۸۶-۹۸۵/۳)، طبقات الحفاظ (۴۰۹)، سیر النبلاء (۵۱۹-۱۶/۵۱۸)، شذرات الذهب (۳/۱۱۰)، العبر (۲/۱۶۴)، کشف الظنون (۳۱۰)، معجم البلدان (۵۶۳-۴/۵۶۲)، معجم المؤلفین (۴/۳۲۰)، الوافی بالوفیات (۱۶/۲۴۷)، هدیة العارفین (۱/۴۲۲).

کوه کمره ای، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد کوه کمره ای

محل تولد: تبریز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۹/۱/۱

زندگینامه علمی

الحمد لله المفیض علی الاطلاق المتجلی علی الانفس و الاخلاق، و الصلوة و السلام علی النبی الاعظم و النور الاتم و الخلق الاول محمد و آله الطاهرین و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین.

بر همه راهیان علم و ادب و فرهنگ و هنر و سالکان راه حق و حقیقت، پوشیده نیست که یکی از کارهای ارزشمند و مفید بر حال همه طبقات جوامع بشری احیای آثار و تراجم احوال بزرگان علم و ادب می باشد. مع الاسف این کمترین داخل در این مقوله نیست چون نه مشکلی را با بیان حل کرده و نه گره و عقده علمی را با بنان، تا صاحب تصنیف و تألیفی باشم شایسته تحسین و سزاوار تبیین، نه به مقامی واصل و نه بهره و اثری از او حاصل، لیکن بنا به منطق شرع مبین که اجابت دعوت مؤمن مستحسن است و لازم، به دعوت مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور (شکر الله مساعیهم) لیبیک گفته چند کلمه مختصر به عنوان بیوگرافی و شرح حال اجمالی نوشته و بازگویی می نمایم: اینجانب سید محمد کوه کمری فرزند مرحوم خلد آشیان حاج سید ابوالفضل کوه کمری (غفر الله و لنا)، به سال یک هزار سیصد و نوزده هجری شمسی و روز چهاردهم شعبان المعظم در شهرستان تبریز دیده به جهان گشوده و تحت مراقبت و کفالت پدر و مادر الهی تربیت یافته و از شیر مادری مؤمنه و عقیقه تغذی نموده ام (سقاها الله و جمیع المؤمنین و المؤمنات شراباً طهوراً) و انتساب پر افتخار و سلسله سیادت اسره و خانواده اینجانب با ۲۹ واسطه به چهارمین اختر تابناک امامت و ولایت حضرت سید الساجدین و زین العابدین علی بن الحسین (علیهما السلام) می رسد و از سادات صحیح النسب کوه کمره که از توابع و نواحی شهرستان تبریز شمرده می شود؛ می باشد و در این رابطه مناسب و به جا می بینم که متذکر و متمثل به اشعار استاد شهریار رحمه الله علیه باشم

جز یک نسب که از تو به خود بسته چیستم من آنچنانکه آل علی هست، نیستم

اما مرا هم ای علی از خود مران که من تا چشم داشتم به حسینت گریستم

پس از پایان تحصیلات ششم ابتدایی در شهرستان تبریز وارد مدارس علوم دینی شده و مشغول خواندن کتابهای ادبیات فارسی معمول و متعارف آن زمان مانند گلستان، نصاب، تاریخ معجم، کلیله و دمنه و کتابهای دیگر و بعد مشغول فرا گرفتن کتب ادبیات عربی متعارف حوزه های آن عصر از محضر اساتید بزرگوار و روحانیون عالی مقام گردیدم (غفر الله للماضین منهم و ادام الله افاضین الباقین و اداء حقوقهم) که به اسم مبارک بعضی از بزرگواران اشاره و یاد آوری می نمایم: مرحوم مغفور شیخ عبدالکریم دستجردی، آقای حاج شیخ موسی ناصحی، آقای میرزا رحیم قراملکی و آقای حاج شیخ جعفر اشراقی که هر سه بزرگوار در قید حیات می باشند (وقفهم الله لمرضاته) و در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی پس از ارتحال مرحوم حضرت آیه الله العظمی بروجردی (رحمة الله علیه) به حوزه مقدسه علمیه قم (صانها الله عن الحوادث و الفتن) مشرف شدم. پس از زحمات فراوان در مدرسه مبارکه حجتیه (اعلی الله درجات مؤسسها و بانیها) حجره گرفته و تحصیل را ادامه دادم و باقیمانده لمعتین، رسائل و مکاسب را در محضر اساتید بزرگوار و گرانقدری چون: جناب مستطاب «حاج میرزا جعفر سبحانی»، «حاج سید جواد خطیبی»، «آقای شیخ کریم ملاثانی»، «آقای میرزا ابوالفضل علمائی» و «شیخ حسین ایوبی» استفاده کردم و جلدین کفایه را در محضر انور و پر فیض «مرحوم آیه الله سید محمد باقر طباطبائی بروجردی» معروف به (سلطانی) فرا گرفته و بهره جست. (حشره الله مع اجداده الطاهیرین و جزاه الله عن الاسلام خیراً).

از علوم عقلی کتاب شریف شرح تجرید را در خدمت مرحوم آقای «شیخ اسحاق آستارائی» و شرح منظومه را در خدمت مرحوم شهید بزرگوار «آیت الله دکتر محمد مفتح» و مدت نه سال مشغول خواندن کتاب شریف اسفار مرحوم ملاصدرا در محضر نورانی و پر از معنویت و روحانی حکیم الهی «حضرت آیت الله جوادی آملی» (ادام الله ظلّه العالی) بوده و بهره کامل برده و مدت چهار سال از محضر اقدس و نورانی حکیم الهی و عارف ربانی «حضرت آیت الله حسن زاه آملی»، مقداری از هئیت قدیم و مقداری از مصباح الانس را تلمذ نموده و استفاده کافی بردم و پیش از انقلاب مقدس اسلامی مرحوم شهید بزرگوار فیلسوف عالیقدر و اسلام شناس آن هم به معنی واقعی کلمه، «حضرت آیت الله مطهری» (اعلی الله درجات العالیه و جعل ابخته مثواه) مدت کوتاهی در شب های پنجشنبه، خارج اسفار و روزها بحث شناخت، افاضه فیض می فرمودند و اینجانب هم افتخار شرکت داشتم.

پس از اتمام دوره سطح در علوم عقلی و نقلی قسمت خارج فقه و اصول را شروع نمودم که نسبتاً زمان طولانی بود در محاضرات و دراسات آیات عظام و اسطوانه های فقه و فقهات و مراجع گرانقدر آن زمان حضور مستمر داشتم و اول کسی که در درس خارج او شرکت نمودم و از چهره دل آرای او لذت می بردم؛ شخصیت والا مقام و کم نظیر، عالم متضلع و فقیه مطلق و نائب بر حق حضرت حجه بن الحسن العسکری (علیه السلام) و بینان گذار جمهوری اسلامی ایران «حضرت آیت الله العظمی امام خمینی» بود (اعلی الله درجاته العالیه و جزاه الله عن الاسلام خیراً) و البته باید بگویم من در آن زمان هنوز سطح را تمام نکرده بودم ولیکن به جهت شدت محبت و اردات بی شائبه‌ای که به ایشان داشتم؛ بعد از ظهرها در خارج اصول ایشان در مسجد اعظم قم افتخار محضرشان را داشتم و از جمله کسانی که از خرمن علمی آنها خوشه چینی نموده و استفاده کافی برده ام عبارتند از: «حضرت آیت الله شریعتمداری»، «حضرت آیت الله گلپایگانی»، «آیت الله علامه سید علی فانی» که مدت ۱۲ سال در محضر پرفیضشان بهره مند شدم، «حضرت آیت الله داماد»، «حضرت آیت الله میرزا هاشم آملی»، «حضرت آیت الله فیروز آبادی»، «حضرت آیت الله وحید خراسانی» و سایر بزرگان علم (غفر الله للماضین منهم و اصال الله عمر الباقین).

(و اما خدمات اجتماعی): از ۲۲ سالگی وظیفه سنگین امر به معروف و نهی از منکر را به عهده گرفته و در مناطق و محل های مختلف مانند: تهران، تبریز، خلخال، آمل، اطراف تبریز و جاهای دیگر منبر رفته و در اشتغال مقدس تبلیغات ایفاء وظیفه نموده ام و در کنار تبلیغات در اطراف تبریز و در تهران، حمام و لوله کشی محل و حسینیه و تعمیر مساجد بنیان نهاده ام. و در خارج کشور در آذربایجان شوروی منبر رفته ام و خاطرات شیرین و بیاد ماندی دارم که به یکی از آنها اشاره می نمایم: در اولین شب ورودم که

شب اربعین حضرت سید الشهداء علیه السلام بود در یک منزلی مجلس عزا و احسان منعقد شده بود. بنده هم به آنجا دعوت شدم و رفتم و پس از صرف شام، صاحب منزل آمد پیش من و گفت جناب آقا، بنده جهت این احسان مبلغ چهار هزار مانت (واحد پول آنجا) خرج و هزینه نموده ام. خمس مبارک این مبلغ چقدر می شود بفرمائید تا من پرداخت نمایم. برای بنده این منظره بسیار جالب بود که پس از گذشتن هفتاد و دو سال از حکومت کمونیستی و لامذهبی این چنین عقیده پاک خودش را حفظ نموده است که قدر آیه شریفه (یریدون لیطفئوا...) تداعی می شد.

و باز در قسمت خدمات و کار اجتماعی باید بگویم از همان اوائل شروع به تحصیل، اشتغال مقدس تدریس و تعلیم و در کنارش تربیت را به عهده گرفته ام. یعنی از آن دوران که در تبریز بودم تا به امروز که سال ۱۳۸۷ هجری شمسی می باشد؛ اکثر متون و کتب درسی را در دوره های مکرر تدریس نموده ام و الان هم بحمدالله و المنه در حوزه علمیه مقدسه قم در محضر پر فیض حضرت فاطمه المعصومه (علیها سلام)، تدریس مکاسب و کفایتین ادامه دارد و از خداوند منان توفیقات هر چه بیشتر برای سالکان راه حق و حقیقت و راهیان علم و عمل عموماً و برای این کمترین و خاک پای پویندگان راه سعادت خصوصاً مسئلت می نمایم و حسن عاقبت و رضای حضرت حق (جل و علی) برای عموم شیعیان امامت و ولایت خواهانم. (و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین). ضمناً در کار تصحیح و تحقیق بعضی از کتابهای علمی مانند: کتاب «مهدب قاضی ابن براج» و سایر کتابها مشارکت داشتم. و ضمناً چندین سال است که امامت ظهرین و عشائین و تبلیغ و نشر احکام و تفسیر قرآن کریم در مسجد قائم واقع در بلوار شهید منتظری را تقبل نموده و مشغول هستم.

کوه کمری، حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۹۹ ق)، عالم امامی و فقیه اصولی. معروف به سید حسین ترک. در ارونق تبریز به دنیا آمد. نسبش با بیست و چهار واسطه به امام حسین (ع) می رسد. پس از تحصیل مقدمات، در تبریز نزد میرزا احمد مجتهد تبریزی و پسرش حاج میرزا لطفعلی امام جمعه و در عراق در محضر صاحب «فصول» و صاحب «ضوابط» و صاحب «جواهر» و شریف العلمای مازندرانی و شیخ علی کاشف الغطاء و شیخ مرتضی انصاری تلمذ نمود تا به درجات عالی علمی رسید و بعد از وفات استادش، شیخ انصاری، مرجعیت یافت و به تدریس پرداخت. حوزه‌ی درس وی از پررونق‌ترین حوزه‌های زمانش بود. حاج میرزا موسی تبریزی، صاحب «اوثق الوسائل»، و شیخ حسن مامقانی و ملا محمد شرایبانی و ملا احمد شبستری از شاگردان وی بودند که بحث استاد را تقریر می کردند. از دیگر شاگردان وی سید عبدالمجید گروسی، سید عزیرالله تهرانی، ملا علی دماوندی، ملا علی علیاری تبریزی، میرزا جواد آقا تبریزی، شیخ عبدالله مازندرانی، سید حسن طالقانی، میرزا محمد علی چهاردهی و بسیاری دیگر را می توان نام برد. در نجف درگذشت و در مقابل مقبره‌ی صاحب «جواهر» به خاک سپرده شد. از آثار وی: «الاستصحاب»، «المواریث»، «القضاء»، «الصلاة»، «الزکوة»، «الاجاره»، «تقریرات» درس استادش صاحب «ضوابط»؛ رساله در «مقدمه الواجب».[۱]

عموی بزرگوار مرحوم حجت است که در ج ۴ مشاهیر دانشمندان ص ۱۴۶ (ترجمه الکنی واللقاب محدث قمی) این نگارنده ترجمه نمود و در ذیل آن از مترجم عظیم الشان خود هم ذکر کرده ام.

مرحوم علامه سید حسین کوه کمراهی فرزند سید محمد بن سید حسین است که با بیست و پنج پشت به امیرالمؤمنین علیه السلام منتهی می شود وی برادر مرحوم سید علینقی پدر سید علی کوه کمراهی سابق الذکر است و آنجناب از نوابغ و نوادر زمان خود بوده

و به گفته صاحب مجله المرشد در ج ۴ ص ۲۴ در اواخر قرن سیزدهم هجری چند تن از علماء اعلام و مجتهدین عظام طلوع کردند که عالم به نور هدایت ایشان روشن گردید ولی دو نفر مجد و بزرگواری و مساعی جمیله خود را حیازت کردند و ایشان آیت‌الله العظمی سید حسین کوه کمره‌ای و رئیس‌الامه آیه‌الله میرزا محمدحسن شیرازی اعلی‌الله مقامهما بودند.

در قریه ارونق تبریز متولد شده و پس از نشو و نما در دامن والده ماجده و صالحه‌اش در تبریز شاگردی میرزا احمد مجتهد و پسرش حاج میرزا لطفعلی امام جمعه دو شاگرد صاحب ریاض و در کربلا- بر جنابان صاحب ضوابط و صاحب فصول و مرحوم شریف العلماء و در نجف الاشرف بر شرفاء آن عصر شیخ علی آل کاشف‌الغطا و صاحب جواهر و شیخ الطائفه انصاری رضوان الله علیهم اجمعین تلمذ نموده و بحث شیخ را برای شاگردان شیخ تقریر می‌فرمود و افاضل برای حضور پای منبر از یکدیگر سبقت می‌گرفتند که عدد آنها چهارصد نفر فاضل می‌شد.

دارای کتب علمیه بسیاریست لکن آنها برای نقصان خط او و نبودن روابط در ذیل صفحات تدوین آنها بسیار مشکل بود و برای همین باد حوادث بر آنها وزید و ضایع نمود تنها رساله‌هایی که مانده به شرح زیر است:

۱- رساله در استصحاب ۲- رساله‌ای در مقدمه واجب ۳- رساله‌ای در خلل ۴- رساله در حج ۵- اجاره ۶- ارث ۷- قضاء ۸- نماز ۹- زکوة و از تقریر بحث او در اصول اوثق الوسائل حاشیه بر رسائل شیخ انصاری و بشری الوصول الی علم الاصول مانده است، و تمام کتب و مؤلفات او بالارث منتقل به مرحوم آیت‌الله حجت برادرزاده گرامش گردید.

در ۲۳ ماه رجب ۱۲۹۹ وفات نمود و در بقعه معروفه در نجف مدفون گردید و ادباء زمان که از آنهاست سید محمد سعید حبوبی (استاد مرحوم آیت‌الله العظمی حکیم) و شیخ کاظم سبتی و غیر آنها درباره او مرثیه گفتند:

و ما کان قیس هلکه هلک واحد

ولکنه بنیان قوم تهدما

و به فارسی برایش گفته‌اند:

مقدار آفتاب ندانند مردمان

تا نور او نگردد از چشمها جدا

تفصیل ترجمه معظم له را در ج ۱ ص ۹۵ تا ص ۹۸ کتاب آثارالحجه نگارش داده‌ام رجوع به آنجا شود.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان الشیعه (۱۴۷-۱۴۶/۶)، ریحانه (۱۰۶-۱۰۵/۵)، شرح حال رجال (۴۰۵/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۲۳-۱۳/۴۲۰)، علماء معاصرین (۶-۳)، الکنی و الالقاب (۱۲۷-۱۲۶/۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۰۹-۳۰۷/۱)، لغت‌نامه (ذیل/ حسین ترک)، المآثر و الآثار (۱۴۸)، معجم المؤلفین (۴/۴۷).

کوه کمری، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

والد ماجد مرحوم آیت‌الله حجت از اجلاء علماء و دانشمندان بزرگ و از تلامذه مرحوم آیت‌الله حاج میرزا حبیب‌الله رشتی و فاضل ایروانی و فاضل شریانی قدس‌الله اسرارهم بوده و پس از آنکه در نجف اشرف فارغ‌التحصیل شده و عازم مراجعت به ایران گردید مورد تجلیل و تبجیل فوق‌العاده استاد خود فاضل شریانی قدس سره واقع شده چنانچه با جمعی از طلاب و اکابر علماء نجف

تا کوفه مشایعتش فرموده و با جمعی بی‌شمار به او اقتداء کرده و پشت سرش نماز خواندند.

باری پس از ورود به تبریز مورد استقبال و اقبال عموم مردم آن سامان شده و مشغول همه‌گونه وظائف لازمه و خدمات دینیه بوده و بسیار مجلل و بزرگوار زندگی نمود و بس در عظمت و شخصیت وی که گذشته از مقامات شامخه و فضائل عظیمه فرزندی چون آیت‌الله حجه منسوب به اوست، در بیست و نهم محرم الحرام ۱۳۶۰ هجری در تبریز وفات نمود و جنازه‌اش را با تجلیل فراوان با شرایط سخت آن زمان از تبریز نقل به قم و در قم از مسجد امام تا به صحن شریف تشییع باشکوهی گردید و در راهرو صحن عتیق مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

کوه کمری، محمد حجت

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۲ - ۱۳۱۰ ق)، فقیه، اصولی، محدث، رجالی، مجتهد و مرجع تقلید. پدرش آقا سید علی کوه کمری از علمای بزرگ تبریز و از شاگردان حاج میرزا حبیب‌الله رشتی و فاضل ایروانی و فاضل شریانی بود. اصل وی از کوه کمرب تبریز بود. نسبش به سید محمد مصری ملقب به حجازی از اولاد علی اصغر بن امام سجاد (ع) می‌رسد. در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری ادبیات و مقدمات، از درس فقه و اصول و ریاضیات و معقول و طب قدیم و جدید و فیزیک و شیمی از اساتید وقت استفاده نمود. او قسمت عمده‌ی تحصیلات فقهی و اصولی خود را در خدمت پدرش فراگرفت. سپس در ۱۳۳۰ ق به نجف مهاجرت نمود و فقه را در محضر آیت‌الله سید محمد کاظم یزدی و رجال و حدیث را در محضر آقا سید ابوتراب خوانساری فراگرفت. وی همچنین از محضر آیت‌الله شریعت اصفهانی و حاج شیخ علی قوچانی و حاج شیخ علی گنابادی و آیت‌الله میرزا حسین نایینی و آیت‌الله سید محمد فیروزآبادی و آیت‌الله شیخ ضیاءالدین عراقی و دیگر بزرگان استفاده نمود. تا آنکه در نجف مریض شد و به خواست پدرش به تبریز بازگشت و پس از درگذشت آیت‌الله سید محمد کاظم یزدی و آیت‌الله شریعت اصفهانی به نجف مراجعت کرد و سالها از محضر اساتید آنجا استفاده نمود تا آنکه خود به تدریس در مسجد شیخ مرتضی انصاری و مقبره‌ی میرزای شیرازی و تصنیف مشغول شد. در ۱۳۴۹ ق به ایران آمد و در قم سکنی گزید و به تدریس خارج فقه و اصول استدلالی پرداخت و پس از درگذشت شیخ عبدالکریم حایری، بر حسب سفارش ایشان به انجام امور مذهبی و اقامه حوزه‌ی علمیه مشغول گردید. آقا شیخ عبدالله مامقانی، شریعت اصفهانی، سید حسن صدر کاظمی، سید ابوتراب خوانساری، شیخ محمد باقر بیرجندی و پدرش، سید علی کوه کمری، از مشایخ روایت وی و حاج میرزا حسین نایینی، سید محمد فیروزآبادی، آقا ضیاءالدین عراقی، حاج شیخ عبدالکریم حایری و شریعت اصفهانی از مشایخ اجتهاد و روایت او بودند. در قم درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد. از آثار وی بنای مسجد و مدرسه‌ی حجتیه است و از آثار علمی وی: «الاستصحاب»؛ «کتاب البیع»؛ «تنقیح المطالب المبهمة فی حکم عمل الصور المجسمة»؛ «جامع الاحادیث و الاصول»؛ حاشیه بر «الکفایة»؛ «الصلوة»؛ «الوقف»؛ «لوامع الانوار الغرویة فی مراسلات الآثار النبویة»؛ «مستدرک المستدرک فی استدراک مافات عن صاحب المستدرک».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۴/۴۶۵، ۳/۱۹۳، ۲/۲۵)، ریحانه (۲۵- ۲۳/۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۸۲- ۳/۸۱)، علماء معاصرین (۲۱۶- ۲۱۴، ۱۸۷)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۲۰- ۳۰۹، ۳۰۶- ۱/۳۰۵)، لغت‌نامه (ذیل / حجت کوه کمری)، معجم

المؤلفین (۱۷۷ / ۹).

کوهستانی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیه‌الله فی الارضین مرحوم حاج شیخ محمد کوهستانی بهشهری عالمی ربانی و فقیهی سبحانی و زاهدی عابد از مشاهیر علماء معاصر بهشهر ساکن در کوهستان یکفرسخی شهر دارای کرامات باهره و معنویت فوق‌العاده و در عصر ما بی‌نظیر بودند. معظم‌له در قریه کوهستان متولد شده و پس از طی مقدمات و سطوح در مازندران بمشهد مشرف شده و چند سالی در آنجا کسب فیض کرده آنگاه بنجف اشرف مهاجرت نموده و در درس مرحوم آیه‌الله نائینی و آیه‌الله العظمی اصفهانی و دیگران حاضر شده و پس از وصول بمقام اجتهاد مراجعت بوطن نموده و هرچه مردم بهشهر و ساری و گرگان خواستار شد که شهر را محل سکونت خود قرار دهند نپذیرفته و نشستن در آن قریه دور از مفاصد شهر را اختیار و قلوب چندین میلیون مردم شمال و غیره را مسخر زهد و ورع خویش ساخته و همه وی را بنام (آقا جان) خوانده و از تقدیم مال و جان حتی قربانی کردن فرزندانشان را در مقدم او مضایقه نمی‌کردند.

نگارنده گوید مرحوم آیه‌الله کوهستانی واقعا از مصادیق حقیقی علماء ربانی بود منظرش انسانی را بیاد اولیاء و امامان معصوم علیهم‌السلام آورده و منطوقش آدمی را بیاد خدا و قیامت می‌آورد در آن محل کوچک چندین مدرسه بنام‌های زیر تأسیس کرد.

۱- مدرسه فضل ۲- مدرسه رحمت ۳- مدرسه فرح ۴- مدرسه خیر ۵- مدرسه جمع. البته مدارس مزبور در کمال سادگی است و در آنها تربیت طلاب و محصلین مبتدی مینمود و از حوزه علمی او صدها نفر مجتهد و فاضل و نویسند و واعظ نامی چون مبلغ شهر و نویسند ارجمند دانشمند گرانمایه آقای حاج سید عبدالکریم هاشمی نژاد صاحب تألیفات و تصنیفات ارزنده که ترجمه‌اش در ضمن مشاهیر خطباء گذشت برخاسته‌اند.

با نگارنده الفت و محبت تامی داشت و چند شبی را در کوهستان از فیض حضور و بیاناتش در پیرامون حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه‌الشریف و اولیاء خدا استفاده نمودم. وقتی از وجه تسمیه مدارس پرسیدم فرمود چون تصمیم گرفتم که در کوهستان حوزه‌ای تأسیس و مدارس برای سکونت طلاب بنا کنم با خدا مشورت کرده و استخاره نمودم این آیه آمد (قل بفضل الله و رحمته و بذالك فلیفرحوا هو خیر مما یجمعون) پس پنج مدرسه و هر کدام را بنام یکی از جملات آیه گذاردم. بسیاری از علماء و دانشمندان مازندران، بهشهر، هزار جریب نکا، رستم کلا و غیره و نیز فضلاء شمالی حوزه علمیه قم از حوزه آن بزرگوار و شاگردان آنجنابند. کرامات زیادی از قبیل طی‌الارض و اطعام خلق کثیر با غذای قلیل و قضایای دیگر از آن بزرگوار مشهور و معروف است که ضبط و نگارش آن کتاب مستقلی می‌خواهد و بحمدالله دو کتاب در شرح زندگانی آن جناب دو نفر از افاضل شمال نوشته و منتشر نموده‌اند.

در ماه ذی‌القعدة ۱۳۹۱ قمری مبتلا- بکسالت تنگ نفس و قلب شده و برای معالجه و استشفاء بقم آمده و در بیمارستان آیه‌الله العظمی گلپایگانی بستری و مورد تجلیل و تعظیم عموم مراجع و زعماء قم گردیده و پس از تخفیف کسالت مراجعت بوطن و بعد از چند ماه در اثر ضعف و همان کسالت در ماه ربیع‌المولود ۱۳۹۲ قمری از دنیا رفته و جنازه‌اش را با هزاران تجلیل و تشییع بی‌نظیر حمل بمشهد نموده و در جوار حضرت ثامن الحجج علیه‌السلام در دارالسیاده بخاک رفته و در مشهد و قم و چهل روز تمام در مازندران برای او مجالس ترحیم و عزا برپا بود حشره‌الله مع اولیائه المعصومین علیهم‌السلام.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

کوهلی، راکونات

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: دامپزشکی، دانشکده: دامپزشکی، دانشگاه: شهید چمران اهواز.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

کوهی کرمانی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۸ / ۱۳۳۷ - ۱۲۷۶ ش)، ادیب، محقق، روزنامه‌نگار و شاعر. در اوان کودکی تحصیلات چندانی نکرد و در اداره‌ی یکی از روزنامه‌ها به شاگردی پرداخت. وی در ۱۳۰۲ ش اقدام به تأسیس و انتشار «نسیم صبا» کرد. کوهی بعدها از کار روزنامه‌نگاری دست کشید و به عضویت وزارت فرهنگ درآمد. وی یکی از ارادتمندان ملک‌الشعراى بهار و از طرفداران سرسخت سید حسن مدرس بود. کوهی از نخستین کسانی است که به گردآوری ادبیات عامیانه پرداخت و مدت‌ها در کار تصحیح نسخه‌ها و چاپ آثار متقدمین فعالیت داشت که در این راه، ملک‌الشعراى بهار و سعید نفیسی او را یاری می‌کردند. «ترانه‌های ملی - فلهویات» وی را پروفیسور کریستین سن به آلمانی و پرفیسور هنری ماسه به فرانسه ترجمه نموده‌اند. وی در تهران درگذشت. از دیگر آثارش: «از شهریور ۱۳۲۰ تا فاجعه‌ی آذربایجان»؛ «غوغای جمهوری»؛ «افسانه‌های روستایی ایران»؛ «خلنامه»، شعر؛ «هفتصد ترانه»؛ «سوگواریهای ادبی در ایران»؛ «راهنمای اهل ذوق یا بهترین غزل‌های سعدی و حافظ»؛ گلچینی از «مثنوی»؛ اهتمام در چاپ «مزارات کرمان»؛ اهتمام در چاپ «کلمات علیه غرا»، از سلسله‌ی انتشارات روزنامه‌ی «نسیم صبا»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: از نیما تا روزگار ما (۴۶۷ - ۴۶۶، ۴۶۱ - ۴۶۰)، تاریخ جراید (۳۰۲ - ۳۰۱ / ۴)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۴۱۷ - ۴۱۵)، الذریعه (۲۳۵ / ۲۵، ۳۲۶ / ۲۰، ۲۳۰ / ۱۸، ۷۲ / ۱۶، ۲۶۰ / ۱۲، ۲۵۱ / ۷، ۹۲۷ - ۹۲۶ / ۹)، زندگینامه رجال و مشاهیر (۳۱۶ - ۳۱۴ / ۵)، ستارگان کرمان (۳۱۵ - ۳۱۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۰۷، ۳۱۳۶ - ۳۱۳۵، ۳۰۰۱، ۲۷۶۳، ۲۳۷۴، ۲۰۳۵، ۱۶۳۷ / ۲، ۱۲۸۶، ۸۴۶، ۲۹۴، ۱۷۳ / ۱)، کتابنامه نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۹۹)، مزارات کرمان (دو - هفت)، مؤلفین کتب چاپی (۸۴۸ - ۸۵۰ / ۲)، یغما (س ۲۲، ش ۱۰۰ - ۹۷ / ۲).

کهنویبی پور، ژاله

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

ژاله کهنمویی پور در سال ۱۳۲۵ در تهران متولد شد. وی دوره ابتدایی و متوسطه را در همین شهر گذراند و چون شاگرد باهوش و موفقی بود، توانست در ۱۳۴۴ در رشته زبان ادبیات فرانسه دانشگاه تهران پذیرفته شود. او در ۱۳۴۹ دوره کارشناسی را با موفقیت به پایان برد و برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت. کهنمویی پور دوره کارشناسی ارشد و دکترا را در رشته ادبیات معاصر فرانسه در دانشگاه هوت برتانی (رن - فرانسه) گذراند. وی دوره دکترا را در ۱۳۵۲ در آکادمی رن (دانشگاه هوت برتانی) به پایان برد. کهنمویی پور پس از پایان تحصیلات، به ایران بازگشت و در ۱۳۶۰ مدیر گروه زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه تهران شد. وی تا سال ۱۳۷۰ در آن سمت باقی بود و در طول این مدت توانست خدمات شایسته‌ای را به انجام رساند. گروه: علوم انسانی رشته: زبان و ادبیات فرانسه گرایش: زبان و ادبیات فرانسه تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: ژاله کهنمویی پور توانست در ۱۳۴۴ در رشته زبان ادبیات فرانسه دانشگاه تهران پذیرفته شود. او در ۱۳۴۹ دوره کارشناسی را در رشته زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه تهران با موفقیت به پایان برد و برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و دوره کارشناسی ارشد را در سال ۱۳۵۰ با پایان نامه «تصویر زن در آثار آندره ژید» و دکترا را در رشته ادبیات معاصر فرانسه در دانشگاه هوت برتانی (رن - فرانسه) در سال ۱۳۵۲ اخذ کرد «مقایسه میان اندیشه و سبک آندره ژید و پل والرئ از طریق مکاتباتشان» نیز عنوان پایان نامه دکترای ژاله کهنمویی پور است که در آکادمی رن (دانشگاه هوت برتانی) به دفاع از آن پرداخت. هم دوره‌ای‌ها و همکاران: از همکاران ژاله کهنمویی پور میتوان به نسرین دخت خطاط و علی افخمی، اشاره که «فرهنگ توصیفی نقد ادبی» را در سال ۱۳۸۱ با همکاری آنان تدوین و تألیف کرده است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: ژاله کهنمویی پور پس از پایان تحصیلات، به ایران بازگشت و در ۱۳۶۰ مدیر گروه زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه تهران شد. وی تا سال ۱۳۷۰ در آن سمت باقی بود و در طول این مدت توانست خدمات شایسته‌ای را به انجام رساند. سپس در ۱۳۸۳ به عنوان معاون پژوهشی دانشکده زبان‌های خارجی مشغول به کار شد و با مجلات مختلفی چون *Dialogues et Cultures* مجله پژوهش دانشکده زبان‌های خارجی، پژوهشنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، مجله رشد زبان، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشکده تبریز، مجله مدرس در دانشگاه تربیت مدرس و... همکاری و مقالات با ارزش و مفیدی را تألیف یا ترجمه کرد. فعالیتهای آموزشی: ژاله کهنمویی پور در دانشگاه تهران به تدریس زبان فرانسه مشغول می‌باشد. ژاله کهنمویی پور از استادان دانشگاه تهران است که در زمینه ترجمه آثار و گسترش زبان فرانسه در دانشگاه نقش به‌سزایی داشته و تلاش‌های بسیاری کرده است. و همچنین راهنمایی بیش از ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد نیز بوده است که مواردی از آن به شرح زیر است: - «مضمون آب و خاک در آثار کولت» - «نوشتار زن در ادبیات معاصر فرانسه» - «نوشتار خود زندگی نامه‌ای در آثار آنی ارنو و...» سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: ژاله کهنمویی پور تاکنون مسئولیت سه طرح پژوهشی را به عهده داشته است که عبارتند از: «واژه‌نامه توصیفی و تحلیلی نقد ادبی»، «واژه‌نامه تجزیه و تحلیل گفتمان و آموزش زبان کاربردی در دوره کارشناسی». چگونگی عرضه آثار: آثار ژاله کهنمویی پور علاوه بر تالیفات و مقالات، به ترجمه آثار ادبی فرانسه نیز میتوان اشاره کرد: اصولاً فرهنگ نویسی اکنون یکی از شاخه‌های مهم علوم انسانی است که مورد توجه بسیار واقع شده است. اهمیت فرهنگ نویسی دوزبانه وقتی بیشتر می‌شود که در مورد نقد ادبی به ویژه در زبان فرانسه با آن ادبیات پربارش صورت گیرد. از این رو «فرهنگ توصیفی نقد ادبی» که با تلاش پیگیر و تحقیقات پربار مؤلفانش از جمله ژاله کهنمویی پور استاد دانشگاه و مترجم زبان فرانسه، صورت گرفته، درخور اهمیت بسیار است. ترجمه آثار همواره توانسته افکار انسان‌ها را به همدیگر نزدیک کرده، آن‌ها را با افکار، اندیشه‌ها و نگرش‌های مردمان و کشورهای دیگر آشنا سازد. زبان فرانسه با قدمت بسیار و ادبیات پربارش جایگاه ویژه‌ای دارد. نویسندگان و شاعران فرانسوی در طول تاریخ ادبیات جهان همواره سهم بسیاری داشته‌اند و چهره‌های شناخته‌شده ادبیات فرانسه از بزرگان ادبیات جهان‌اند. کمتر کسی را سراغ داریم که به ادبیات علاقه مند باشد و از آثار سارتر دوبووار، کامو، کلود سیمون و... بهره ننگرفته باشد. از این رو، نقش مترجمان آثار فرانسوی بسیار حائز اهمیت و قابل ستودن است. بی‌شک، در

این مسیر مترجمان بسیاری عمر خود را صرف ترجمه و تدوین آثار ادبی کرده و هر کدام گوشه ای از این دنیای بزرگ را به تصویر کشیده اند. در زمینه ادبیات فرانسه نیز به سبب آشنایی دیرینه ایرانیان با فرهنگ ممالک فرانسه، نقش مترجم نقشی مهم در ارتباط میان دو کشور بوده است و مترجمان مهمی نیز در این فاصله ظهور یافته اند. ژاله کهنمویی پور از استادان دانشگاه تهران است که در زمینه ترجمه آثار و گسترش زبان فرانسه در دانشگاه نقش به سزایی داشته و تلاش های بسیاری کرده است. دکتر ژاله کهنمویی پور از استادان فعال و پژوهشگری است که همگام با کار تدریس، در بسیاری از همایش های مربوط به زبان فرانسه از جمله هفتمین کنگره استادان زبان فرانسه در یونان، کنگره بین المللی استادان زبان فرانسه در آسیا و اقیانوسیه در چین، هشتمین کنگره استادان زبان فرانسه در لوزان سوئیس و نهمین کنگره استادان زبان فرانسه در توکیو شرکت داشته است. و نیز شرکت در سمینارها و همایش های داخلی و خارجی: - کنگره بین المللی استادان زبان فرانسه / آتلانتا - همایش اسطوره و ادبیات / تهران - همایش نقد ادبی / تبریز - همایش استادان زبان فرانسه / فرانسه - همایش ترجمه متون / آرل فرانسه و ... را در کارنامه دارد. آثار: آموزش مکالمه فرانسه، انواع شعر و صناعات شعری در زبان فرانسه و ویژگی اثر: با همکاری دکتر ضیاءالدین دهشیری، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲. ۳. انواع نوشته های مثنوی، تئاتر و شقاوت و ویژگی اثر: ترجمه، چاپ ۱۳۷۴ نشر قطره. کتاب «تئاتر و شقاوت» ترجمه ای از ژاله کهنمویی پور است که توسط نشر قطره وارد بازار نشر شده است. این اثر که مؤلف آن پیررونل، استاد برجسته دانشکده پاریس است، نقدی بر تئاتر و شقاوت در تئاتر قدیم و جدید در آثار نمایشنامه نویسانی چون آنتون آرتو، ون کلايست و جان فورد دارد. در این اثر، کوشش شده برداشتی که آنتون آرتو در اثرش «تئاتر و همزادش» درباره زبان سحرآمیز تئاتر داشته است، مورد بررسی قرار بگیرد و در مقام مقایسه با دیدگاه های نمایشنامه نویسان دیگر نیز قضاوت شود. ۵ تراژدی سیاسی، تصویر زن در آثار آندره ژید و ویژگی اثر: پایان نامه کارشناسی ارشد ۱۳۵۰۷ فرهنگ توصیفی نقد ادبی و ویژگی اثر: فرهنگ توصیفی نقد ادبی با همکاری نسرین دخت خطاط و علی افخمی تألیف شده است. این فرهنگ گرچه دارای عنوان نقد ادبی است، ولی همه بحث های ادبی اعم از انواع صناعات ادبی، مکتب های ادبی و تاریخ ادبیات را دربرمی گیرد. به این ترتیب در تألیف این کتاب علاوه بر مفهوم خاص نقد که مبتنی بر نظریه های ادبی است، مفهوم عام و گسترده آن که نگرش به ادبیات است، نیز مدنظر بوده است. همچنین هدف اصلی از نگارش این فرهنگ ارائه مجموعه ای از اطلاعات در زمینه ادبیات و نقد ادبی به خوانندگان، بویژه دانشجویان بوده است. از این رو، هم توصیفی و هم تطبیقی است. بدین معنی که تنها به معادل یابی کوتاه و نارسا اکتفا نشده و توصیف واژه ها با ذکر مثال های متعدد آورده شده است. از سوی دیگر، مؤلفان تا حد امکان کوشیده اند برای هر واژه نقد در ادبیات فرانسه، معادل تطبیقی آن را (اعم از صناعات ادبی، انواع ادبی و جریانات و مکتب های ادبی) در زبان و ادبیات فارسی بیابند. در «فرهنگ توصیفی نقد ادبی» در مدخل شامل اجزای زیر است: - تعریف و توصیف واژه، همراه با ذکر مثال در متن فرانسوی. در برخی مدخل ها، مثال ها و بخصوص اشعار ترجمه شده است، ولی چون ترجمه بعضی از اصطلاحات یا ابیات شعری برای بیان مطلب و توضیح مدخل ضروری نبوده، تنها به اصل متن اکتفا شده است. - ارائه، معادل های تطبیقی در زبان و ادبیات فارسی. - ارائه واژه های مترادف که بتوان با مراجعه به آن ها توضیحات بیشتری در مورد مدخل به دست آورد. - کتابنامه مربوط به هر مدخل ۸ مقایسه میان اندیشه و سبک آندره ژید و پل والری از طریق مکاتباتشان و ویژگی اثر: پایاننامه دکتر ۱۳۵۲۹ نقد ادبی فرانسه و ویژگی اثر: با همکاری دکتر نسرین خطاط، انتشارات سمت، ۱۳۷۴.

کهنوجی، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی کهنوجی

محل تولد: کرمان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

نامبرده تحصیلات حوزوی خود را از سال تحصیلی ۱۳۶۳ - ۱۳۶۴ در حوزه علمیه کرمان آغاز کرد. پس از گذراندن برخی از کتابهای مقدمات در سال ۱۳۶۵ به شهر مقدس قم هجرت نمود و در حوزه مقدس علمیه قم به فراگیری دروس حوزوی مشغول شد. در همان سال وی به علت احساس نیاز، به جبهه‌های حق علیه باطل رفته و در عملیات های کربلای ۴ و ۵ شرکت کرد و از ناحیه (شانه و فک) مجروح شد و بعد از پذیرش قطع‌نامه به تحصیلات خود ادامه داد. فراگیری دروس کلاسیک و آموزش عالی را بعد از موفقیت در امتحانهای کتبی حوزه از سال ۱۳۷۲ در رشته «فلسفه» آغاز کرد و به توفیق و عنایت خداوند متعال پیوسته در این رشته مشغول بوده است به ترتیب: «دانشگاه تهران»، «تربیت مدرس تهران» و «علوم و تحقیقات تهران» و هم اکنون در حال دفاع از رساله دکتری است.

ایشان در مدتی که مشغول به تحصیل بوده با «دایرة المعارف علوم عقلی اسلامی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)» از سال ۱۳۷۸ همکاری پیوسته داشته است و در سه سال اخیر در گروه «تربیت محقق عرفان اسلامی» پذیرفته شده و پس از گذراندن بیش از ۸۰ واحد عرفان نظری اسلامی، هم اکنون در حال نوشتن پایان‌نامه در این رشته می‌باشد. وی تدریس خود را در مراکز علمی و دانشگاهی از سال ۱۳۸۲ شروع کرده و هم اکنون ادامه دارد. ایشان عضو «نخبگان حوزوی کرمان» و «جانبازان استان قم» می‌باشد.

کهنوئی، صمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: جراحی عمومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی در جراحی عمومی و سرطان از آمریکا در سال ۱۳۴۶.

مرتبه علمی:

عضویت در هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی تبریز در سال ۱۳۴۶، استادیار دانشگاه علوم پزشکی تبریز دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تبریز، استاد دانشگاه علوم پزشکی تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی و جداسازی میکروبهای مولد عفونت در اتاق‌های عمل مرکز پزشکی امام خمینی تبریز، عضویت در کالج بین‌المللی

جراحان، شرکت در کنگره‌های ملی و بین‌المللی در کراچی، استانبول و تهران به منظور شناساندن دانشگاه علوم پزشکی تبریز، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۲۴ پایان‌نامه دکترا و تخصصی.

ابداع:

تکنیک تیروئید کتومی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تحقیق و بررسی در جراحی و بیماریهای تیروئید در منطقه آذربایجان و کردستان.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۶، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

تحقیق در جراحی و بیماریهای تیروئید در منطقه آذربایجان و کردستان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

کی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق.

تولد: ۱۲۹۹، تبریز.

درگذشت: ۱۳۶۶، پاریس.

محمود کی از خاندان قائم‌مقام و جد بزرگ او یوسف صدرالاشرف برادرزاده‌ی میرزا جعفرخان مشیرالدوله (مهندس باشی) بود. محمود کی در دبیرستان نظام و دانشکده‌ی افسری تحصیل کرد و به درجه‌ی سرلشگری رسید. چهار سال وابسته‌ی نظامی ایران در فرانسه بود. مدتی به تربت حیدریه تبعید شد. سرانجام در سال ۱۳۵۴ بازنشسته گردید. اهل قلم بود و به شعر و ادبیات و تاریخ علاقه داشت.

ترجمه‌های او سرگذشت مرشال نی، یادداشت‌های ناپلئون جوان، هنر جنگ اثر سورن تزو است. مقاله‌ی «نامه‌های وزیر مختار ایران در فرانسه به وزیر امور خارجه در زمان ناصرالدین شاه» در مجله «بررسی‌های تاریخی» منتشر شد. از آثار چاپ نشده‌ی او کتابی است به نام شاه مهبولستان اثر ژاک دموورگان باستان‌شناس فرانسوی. دموورگان این کتاب را با نام مستعار قره‌گوز افندی انتشار داده بود. این کتاب قرینه‌گونه‌ای است به کتاب معروف حاجی بابا اصفهانی جمیز موریه.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

کیا تهرانی، صادق، محمد صادق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۹ ش)، زبان شناس، استاد دانشگاه و شاعر، متخلص به تیرا. در تهران به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آموزشگاه‌های ادب، ثروت و دارالفنون به پایان رساند. سپس در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی به تحصیل پرداخت و در ۱۳۲۰ ش به اخذ لیسانس نایل آمد و وارد خدمت وزارت فرهنگ شد. وی در ۱۳۲۳ ش به اخذ درجه دکترای ادبیات توفیق یافت و آن گاه در سمت دانشیاری در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد. در ۱۳۳۰ به عنوان استاد زبان و ادبیات پهلوی در آن دانشکده ارتقاء یافت. دکتر کیا در اشعارش گاهی از واژه‌های پهلوی که امروز در زبان فارسی از میان رفته استفاده می‌کرد. از آثارش: «چند نمونه از متن نوشته‌های پهلوی»؛ «داستان جم»، با همکاری دکتر مقدم؛ «گشته دبیره» یا «خط کستج»، درباره‌ی خط کتیبه‌ها و سکه‌ها و مهرهای دوره‌ی اشکانی و ساسانی؛ «گوش آشتیان»؛ «ماه فروردین روز خرداد»، متن پهلوی و ترجمه‌ی فارسی با واژه‌نامه؛ «نقطویان یا پسیخانیان»؛ «واژه‌نامه‌ی گرگانی»؛ «یادداشتی درباره‌ی آرامگاه زرتشت در بلخ»؛ «یادداشتی درباره‌ی زبان رازی و طهرانی»؛ «واژه‌نامه‌ی طبری»، با مشارکت دکتر مقدم؛ مجموعه‌ی اشعاری به نام «کابل».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: چهره‌های آشنا (۴۸۹)، الذریعه (۱۱/۲۵، ۲۴/۲۹۲، ۳۲-۳۱/۱۹، ۲۵۳/۱۸، ۳۷/۸)، سخنوران نامی معاصر (۹۵۲-۹۴۸/۲)، شرح حال رجال معاصر مازندران (۱۶۴-۱۶۲/۲)، فرهنگ سخنوران (۷۷۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۴۰)، ۳۴۳۹، ۳۳۰۴، ۲۸۶۴-۲۸۶۳، ۲۷۸۷، ۲۷۲۵، ۲۶۳۰، ۲۵۷۹، ۲۵۵۵، ۱۶۵۵/۲، ۱۳۲۶، ۱۱۱۹، ۴۱۷-۴۱۵، ۴۰۰، ۳۴۵/۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۰۰)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۹-۴۹۸/۳).

کیا خانلری، زهرا

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

مترجم، محقق.

تولد: ۱۲۹۴، تهران.

درگذشت: اسفند ۱۳۶۹.

زهرا کیا (خانلری)، فرزند هادی نوری نواده حاج شیخ فضل‌الله نوری، تحصیلات دبستانی را در مدرسه ناموس به پایان رسانید و تحصیلات دبیرستانی را در دارالمعلمات مرکزی (دانشسرای مقدماتی) انجام داد و بلافاصله در سن هفده سالگی به تدریس در مدارس ملی و دولتی پرداخت و خود برای گذراندن امتحانات دوره‌ی کامل متوسطه با پسران آماده کرد و اجازه‌ی آن را نیز از معارف دریافت نمود و در سال ۱۳۱۴ پس از گذراندن امتحان ورودی در رشته‌ی ادبیات فارسی دانشکده‌ی ادبیات تهران که در زمان دانشسرای عالی نامیده می‌شد قبول شد و در سال ۱۳۱۸ به اخذ لیسانس نایل آمد و سپس ضمن خدمت دولتی در رشته‌ی دکترای زبان و ادبیات فارسی که تازه تأسیس شده بود ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۲۳ با گذراندن رساله خود درباره‌ی «سبک ادبی تواریخ ایران بعد از اسلام تا قرن نهم» به اخذ دکتری نایل آمد.

پس از چند سال تدریس در دبیرستان به ریاست دبیرستان نوریبخش (رضاشاه کبیر سابق) منصوب شد و چند سال به سمت

دانشیاری و پس از آن به مقام استادی دانشکده‌ی ادبیات نایل آمد.

در سال ۱۳۲۰ با پرویز خانلری همکلاسی رشته‌ی دکترای خود ازدواج کرد و با کمک هم مجله «سخن» را در سال ۱۳۲۲ منتشر کردند و در این ایام در شورای زنان با دکتر فاطمه سیاح و عده‌ای دیگر به فعالیت‌های اجتماعی پرداخت و به سمت منشی هیئت مدیره‌ی شورا منصوب شد. زهرا خانلری پس از مرگ دردناک پسر هشت ساله‌اش از هر گونه فعالیت اجتماعی دست برداشت و تنها به کارهای ادبی خود ادامه داد.

او از هفده سالگی بنا بر ذوق شخصی به مطالعه و نوشتن مقالات در جراید روز پرداخت و در همان ایام دو داستان به نام پروین و پرویز و ژاله یا رهبر دوشیزگان (۱۳۱۵) نوشت و چنان که ذکر شد در مجله «سخن» به داستان‌نویسی و ترجمه‌ی مقالات پرداخت. در سال ۱۳۳۹ برای مطالعه درباره‌ی کتب درسی به کشورهای فرانسه و انگلستان سفر کرد و در بازگشت در سازمان کتاب‌های درسی با عده‌ای از همکارانش دست به تغییر در کتاب‌های درسی مدارس زد و کار او از اولین کتاب دبستانی آغاز نمود و به کلی سبک کتاب‌های گذشته را عوض و کتاب‌های تازه را به سبک جدید با در نظر گرفتن محیط و زبان کشور خود تألیف کرد و برای آموزگاران نیز روش تدریس نوشت تا با سهولت بتوانند کتاب‌های تازه را تدریس نماید و این همکاری را تا کتاب فارسی اول دبیرستان ادامه داد و کتاب‌های پنجم و ششم دبیرستان را شخصاً نوشت و این کتاب‌ها از سال ۱۳۴۱ به تدریج به صورت کتاب‌های رسمی در سراسر کشور تدریس شد. و چون همیشه در ضمن تدریس در دبیرستان و دانشگاه به این نکته برمی‌خورد که شاگردان از داستان‌های منظوم و معروف ادبی زبان فارسی به کلی بی‌اطلاع‌اند و هرگز فرصت خواندن آنها را ندارند بنابراین درصدد برآمد که این داستان‌ها را خلاصه کند و به لباس نثر درآورد. این مجموعه که با شیوه‌ی خاصی نوشته شد به نام داستان‌های دل‌انگیز ادبیات فارسی (۱۳۳۷) منتشر و دوباره تجدید چاپ شد و برنده‌ی جایزه‌ی یونسکو در ایران شد.

از آثار دیگر اوست: پروین و پرویز (داستان)، ژاله یا رهبر دوشیزگان (داستان، ۱۳۱۵)، راهنمای ادبیات فارسی، فرهنگ اعلام، اصطلاحات (۱۳۴۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۳۴۸)، نمونه فارسی در سلسله شاهکارهای ادبیات فارسی، داستان حسنک از تاریخ بیهقی (۱۳۵۱)، برگزیده‌ی قابوسنامه (تصحیح از قدیمی‌ترین نسخ، ۱۳۵۲)، کتاب‌های فارسی و دستور در سلسله کتاب‌های درسی، افسانه‌ی سیمرغ (از منطق الطیر عطار)، برای کودکان، ترجمه شب‌های روشن (اثر فنودر داستایوسکی، ۱۳۲۴)، رنج‌های جوانی و رتر (اثر آندره موروا، ۱۳۲۲)، بیست داستان (از پیراندللو، ۱۳۳۵)، آقای رییس جمهور (اثر میگل انخل آستوریاس، ۱۳۴۸)، سه داستان حماسی فارسی برای گنجینه‌ی ادبیات کودکان، نمونه‌ی غزل فارسی (۱۳۴۳)، دنیای خیال، (اثر آندره موروا، ۱۳۴۹)، تورو تومیو (۱۳۵۱)، پاپ سبز (۱۳۶۰).

(۱۳۶۹- ۱۲۹۴ ش)، نویسنده و مترجم. نسبش به حاج شیخ فضل‌الله نوری می‌رسد. در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی در مدرسه‌ی ناموس، تحصیلات متوسطه را در دانشسرای مقدماتی، به پایان رساند و بلافاصله به تدریس در مدارس ملی و دولتی پرداخت. در ۱۳۱۸ ش موفق به اخذ لیسانس در رشته‌ی ادبیات فارسی از دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران شد. وی، در ضمن خدمات دولتی، در رشته‌ی دکترای زبان و ادبیات فارسی ادامه‌ی تحصیل داد و با ارائه‌ی رساله‌ی خود درباره‌ی «سبک ادبی تواریخ ایران بعد از اسلام» موفق به اخذ مدرک دکترا شد. پس از چند سال تدریس در مدارس و ریاست دبیرستان نوریبخش به سمت دانشیاری و سپس به مقام استادی دانشگاه ادبیات رسید. وی به اتفاق همسرش، پرویز ناتل خانلری، در ۱۳۲۲ ش مجله‌ی ادبی «سخن» را منتشر کرد و در این ایام در شورای زنان با دکتر فاطمه سیاح و عده‌ای دیگر به فعالیت‌های اجتماعی پرداخت. او برای مطالعه درباره کتب درسی به کشورهای فرانسه و انگلستان سفر کرد و پس از بازگشت، در سازمان کتاب‌های درسی با عده‌ای از همکارانش به تغییر و تحول در کتب درسی پرداخت. از آثار وی: «پروین و پرویز»، داستان؛ «ژاله یا رهبر دوشیزگان»، داستان؛ «نمونه‌ی غزل فارسی»؛ «راهنمای ادبیات فارسی»؛ «داستانهای دل‌انگیز ادبیات فارسی»؛ «برگزیده قابوسنامه»؛ «داستان حسنک»؛ «از

«تاریخ بیهقی»؛ «افسانه سیمرغ»، برای کودکان، از «منطق الطیر» عطار؛ ترجمه‌های: «بیست داستان»، «سه اندیشه‌ی دخترک گوزپشت»، «خانه‌ی افسون‌زده»، «انتقام سگ»، «روسری سیاه»، «شب عروسی»، «کدامیک است»، «دود»، «زن مرده و زن زنده»، «سکته ناقص»، «گل سرخ»، «سرگرمی»، «چائولا ماه را کشف می‌کند»، «نمازخانه کوچک»، «پاسخ»، «بیچاره آن مرحوم»، «دو و دو شش»، «لباس نو»، «گربه، پرنده، ستارگان»، «دنیای خیال»، «شبهای روشن»، «رنجهای جوانی ورترا»، «آقای رئیس جمهوری»، «پاپ سبز».[۱]

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه:

[۱] صد سال داستان نویسی (۱ و ۲ و ۳/۷۷۲، ۴/۱۵، ۲)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۱۳۱-۱۳۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۳۵، ۳۳۱۴، ۳۳۱۰-۳۳۰۹، ۲۸۰۰-۲۷۹۹، ۲۷۵۷، ۲۷۱۲، ۲۶۲۲، ۲۰۹۳، ۲۰۹۱، ۲۰۳۶، ۲۰۰۷، ۱۹۷۵، ۱۷۷۸، ۱۷۷۳، ۱۷۵۰، ۱۶۳۴، ۲/۱۶۳۴-۱۴۸۴، ۱۴۸۳-۱۲۴۵، ۱۰۹۳، ۶۰۲، ۵۸۴، ۵۸۲، ۵۵۷، ۵۵۴، ۳۴۸/۱)، کارنامه‌ی زنان (۲۲۰-۲۱۷)، مؤلفین کتب چاپی (۲۵۰-۲۴۹/۳).

کیا، امیر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، پزشک و نویسنده. تحصیلات متوسطه را در دارالفنون به پایان رساند و جهت ادامه‌ی تحصیل به فرانسه عزیمت نمود و در ۱۳۱۵ ش از دانشکده‌ی پزشکی پاریس در رشته‌ی ارتوپدی فارغ‌التحصیل شد و به ایران بازگشت. بعد از بازگشت به وطن عهده‌دار مشاغلی از جمله: ریاست درمانگاه جراحی و ریاست بخش وابسته جراحی بیمارستان ابن سینا شد. آثار وی: «بررسی و تجربیات علمی در رفع نقائص پا»، پاهای کج و دردناک؛ «شکسته بندی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/۲۱۵۸، ۱/۴۸۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۲-۶۸۱/۱).

کیا الحسینی، ضیاء‌الدین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید ضیاء‌الدین کیا الحسینی

محل تولد: گرگان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۵/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید ضیاء الدین کیا الحسینی در مرداد ماه سال ۱۳۴۰ در خانواده‌ای متوسط در روستا به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را در گرگان به سال ۱۳۵۸ به اتمام رسانده و در همان سال برای تحصیلات عالی به یکی از مراکز عالی مشهد در رشته تأسیسات حرارتی قبول شده و مشغول به تحصیل شدم. با شروع انقلاب فرهنگی در خرداد سال ۱۳۵۹ به کارهای فرهنگی دینی در شهرستان «کردکوی» مشغول بودم.

در سال ۱۳۶۰ با شرکت در امتحانات ورودی حوزه علمیه قم و موفقیت در آنان (که از قبل علاقه مندی به این درس در اینجانب وجود داشته و با مطالعه آثار شهید مطهری بیشتر شد)، وارد حوزه علمیه قم شده و در مدرسه (امام صادق علیه السلام) مشغول به تحصیل شدم. در سال ۱۳۶۷ دوره سطح را تمام کرده و مشغول درس خارج گشتم که عمده اساتید سطح اینجانب در شرح لمعه «حجت الاسلام و المسلمین سید علی اکبر مدنی» و در رسائل از محضر استاد «مصطفی اعتمادی» و در مکاسب از محضر مرحوم استاد «احمد پایانی» و در کفایه و خیرات مکاسب از محضر استاد «محمد حسن قدیری» بهره بردم. خارج اصول را عمدتاً از محضر اساتید: «وحید خراسانی» و «تبریزی» بهره بردم. و این حضور به مدت ۷ سال ادامه داشت.

با اتمام درس سطح و تاسیس دانشگاه مفید توسط «حضرت آیت الله موسوی اردبیلی»، در آنجا مشغول به تحصیل رشته «اقتصاد» در مقطع کارشناسی شدم و در سال ۷۳ با اتمام مقطع کارشناسی وارد مقطع کارشناسی ارشد شدم. در سال ۱۳۷۷ با نوشتن پایان نامه خود با عنوان: «زکات در قرآن و تخمین تابع آن در ایران» مطالعه موردی سال‌های ۷۵ - ۱۳۶۱ فارغ التحصیل شدم و به عنوان عضو هیئت علمی در آنجا مشغول به فعالیت علمی شدم. در طی این مدت به تدریس و تدوین بعضی از مقالات و آثار علمی پرداخته و در سال ۱۳۸۰ در امتحان ورودی اولین دوره دکتری این دانشگاه قبول و در حال حاضر (۱۳۸۴) امتحانات آموزشی و جامع را پشت سر گذاشته و مشغول تدوین پایان نامه می باشم.

کیاشمشکی، ابوالفضل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالفضل کیاشمشکی

محل تولد: شمیران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابوالفضل کیاشمشکی پس از گذراندن دوران تحصیلی رسمی در مقاطع ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و اخذ مدرک دیپلم در رشته (ریاضی فیزیک)، به دلیل علاقه بسیار به معارف دینی وارد حوزه علمیه شدم. در سال ۱۳۶۳ ابتداء به حوزه علمیه «حضرت قائم (ع) چیدر» رفته و طی چهار سال دروس مقدمات و سطوح را به پایان رسانده و در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه قم شدم. پس از موفقیت در آزمون‌های سطح و تشکیل پرونده در شورای مدیریت حوزه علمیه قم، موفق به شرکت در دروس خارج آیات عظام:

«میرزا جواد تبریزی»، «وحید خراسانی»، «فاضل لنکرانی»، «میرزا هاشم آملی» و «سید محمود هاشمی شاهرودی» شدم. در کنار دروس خارج فقه و اصول، توفیق حضور در دروس (فلسفه و عرفان) اساتید فن، حضرات آیات: «حسن زاده آملی» و «جواد آملی» را یافتم و موفق به تحصیل کتب اساسی (فلسفه و عرفان): «اسفار اربعه»، «تمهید القواعد»، «فصوص الحکم» و «مصباح الأنس» شدم. همزمان در سال ۱۳۷۲ در آزمون تربیت مدرس دانشگاه قم شرکت نموده و پس از قبولی در آزمون و گذراندن دوره، مدرک کارشناسی ارشد در رشته (الهیات و معارف اسلامی) را اخذ نمودم. سال ۱۳۷۴ پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد، در آزمون دکتری دانشگاه تهران شرکت نموده و پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۹ موفق به پایان دوره دکتری و دفاع رساله خود با عنوان: «معاد جسمانی در حکمت متعالیه» با درجه عالی شدم. در کنار تحصیل در دانشگاه، رساله سطح چهار حوزه (مدارج علمی) را با موضوع «تقلید میت» نوشته و مدرک سطح چهار حوزه را نیز دریافت کردم. همزمان با تحصیل، به تدریس در حوزه و دانشگاه نیز اشتغال داشتم و علاوه بر دروس (فقه، اصول و سطوح)؛ فلسفه، عرفان و کلام را نیز تدریس می نمودم. به قدر وسع فعالیت های پژوهشی نیز در قالب کتاب و مقاله داشته ام و در حال حاضر نیز تمام وقت من صرف تدریس و تحقیق در مباحث معارفی به ویژه فلسفه، عرفان، کلام و تفسیر می شود.

کیا هراسی طبری، شمس الاسلام عمادالدین، ابوالحسن علی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۰۴ - ۴۵۰ ق)، فقیه شافعی، محدث، مفسر و مدرس. مشهور به عماد طبری یا عمادالدین طبری یا عماد کیا یا عمادالدین کیا و معروف به کیا هراسی. اهل طبرستان بود و در آنجا به دنیا آمد. وی را تالی و ثانی ابو حامد غزالی بلکه شایسته تر از وی می دانند. در نیشابور از امام الحرمین، ابوالمعالی جوینی، فقه آموخت و در مذهب و اصول برآمد. او در نظامیه نیشابور پس از اتمام درس توسط استاد، درس او را برای شاگردان حوزه تقریر و اعاده می نمود. سپس در بیهق به تدریس اشتغال یافت. آن گاه به بغداد رفت و تا پایان عمر در نظامیه تدریس کرد. وی شیخ الشافعیه بغداد بود. او از زید بن صالح آملی و جماعتی دیگر حدیث روایت کرد. سعد الخیر و عبدالله بن محمد بن غالب و ابوطاهر سلفی از وی روایت کرده اند. او لعن به یزید بن معاویه را به صراحت جایز می دانست. ابن اثیر گوید که جهال به او اتهام عقیده و مذهب باطنی (اسماعیلیه) بستند و سلطان محمد او را دستگیر و زندانی کرد و آن گاه که جمعی از علما بر برائتش گواهی دادند آزاد شد. در بغداد درگذشت و در مقبره‌ی باب ابرز در کنار ابواسحاق شیرازی به خاک سپرده شد. از او آثار نیکویی بجا ماند. از آثارش: «احکام القرآن»، در چهار مجلد؛ «شفاء المسترشدين فی مباحث المجتهدین»، در خلیفیات؛ «لوامع الدلائل فی زوایا المسائل»؛ «تعلیق فی اصول الفقه»؛ نقض و ردی بر «مفردات الامم احمد». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۵/۱۴۹)، التفسیر و المفسرون (۴۴۷-۴۴۴/۲)، ریحانه (۶/۳۵۹-۱۰۷-۵/۱۰۶)، سیر النبلاء (۳۵۲-۳۵۰/۱۹)، شذرات الذهب (۱۰-۸/۴)، طبقات الشافعیه اسنوی (۲۹۴-۲۹۲/۲)، طبقات الشافعیه ابن قاضی شهبه (۱/۲۸۸)، طبقات الشافعیه سبکی (۲۳۴-۲۳۱/۷)، العبر (۲/۳۸۶)، الکامل (۸/۲۶۲)، کشف الظنون (۱۵۶۹، ۱۰۵۶، ۴۲۳، ۲۰)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۱۹/۱۹۷)، معجم المؤلفین (۷/۲۲۰)، المنتظم (۱۱۱-۱۱۰/۱۰)، النجوم الزاهره (۱۹۹-۵/۱۹۸)، الوافی بالوفیات (۸۴-۲۲/۸۲)، وفیات الاعیان (۲۹۰-۳/۲۸۶)، هدیة العارفین (۱/۶۹۴).

کیمیا، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد کیمیا

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد کیمیا در سال ۱۳۷۲ وارد حوزه علمیه شدم و در ۱۳۷۷ وارد شهر مقدس قم و حوزه علمیه گردیدم. از سال ۷۷ بود که علاقمند به تحقیق و نوشتن مقالات علمی شده و از همان زمان بود که تحقیق در موضوعات مختلف اعم از فقهی، کلامی و تحقیق در نهج البلاغه را شروع نمودم که تعدادی از مقالات و تحقیقات اینجانب در مجلات و هفته نامه های داخلی و استانی به چاپ رسیده است.

کیمیافر، مسعود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تغذیه، دانشکده: تغذیه و بهداشت، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی تغذیه از دانشکده علوم تغذیه دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۶، کارشناسی ارشد علوم بهداشتی در تغذیه از دانشکده بهداشت دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۰، کارشناسی ارشد علوم غذایی و تغذیه از دانشگاه ایالتی ردآیلند آمریکا در سال ۱۳۵۳، دکترای علوم زیستی در تغذیه از دانشگاه ایالتی ردآیلند آمریکا در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۱۳۶۸ و ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی از سال ۱۳۶۸ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی وضع تغذیه استانها، مدارس، کودکان آواره عراقی، پیشگیری از اختلالات ناشی از کمبود ید، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۹ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اقتصاد تغذیه، زبان تخصصی (ویرایش).

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۷، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۸

زمینه علمی مقالات:

کم‌خونی، کمبود ید، وضعیت ویتامین A، وضعیت تغذیه، گواتر آندمیک.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

کیوان سمیعی، غلامرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۲ - ۱۲۹۲ ش)، محقق، ادیب و شاعر، متخلص به کیوان. در کرمانشاه به دنیا آمد. در کنار تحصیلات جدید، صرف و نحو را نزد میرزا باقر توحیدی فراگرفت. او همچنین منطق و نحو را نزد شیخ عزیزالله واعظ خواند و علوم عربی و منطق و نحو و اصول و فقه را نزد حاج آقا میندی ادامه داد. در نوزده سالگی برای تکمیل تحصیلات به قم رفت و از آیت‌الله سید محمد حجت بهره برد. او معقول را نزد آیت‌الله میرزا محمد علی شاه آبادی فراگرفت. آن گاه به مشهد رفت و ادبیات را نزد ادیب نیشابوری دوم تکمیل کرد. وی همچنین در محضر حکیم آقابزرگ عسکری و فرزندش میرزا مهدی عسکری بهره برد. سپس به تهران آمد و با مجامع ادبی و بزرگان و دانشمندان آشنا شد و از محضر حاج شیخ عبدالله حایری و حاج شیخ عباسعلی کیوان قزوینی استفاده برد. آن گاه به زادگاهش بازگشت و چندی از محضر سردار کابلی کسب فیض نمود. در ۱۳۲۲ ش به تهران آمد و مقیم گشت و به مطالعه و تحقیق و تألیف پرداخت. او مدتی امور حقوقی بانک کشاورزی را عهده‌دار بود. وی در تهران وفات یافت و در بهشت زهرا، در قطعه هنرمندان، دفن شد. از آثارش: «زندگانی سردار کابلی»؛ مقدمه‌ای بر «مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز»؛ «راز دل»، مجموعه شعر؛ مقدمه‌ای بر «دیوان آزاد همدانی»؛ رساله‌ای در «شرح حال طیب اصفهانی»؛ شرح و مقدمه «دیوان» رنجی؛ مقدمه بر «دیوان» صابر همدانی؛ «تحقیقات ادبی یا سخنانی پیرامون شعر و شاعری»؛ مقدمه بر «اوصاف الاشراف» خواجه نصیر؛ مقدمه بر «قبله شناسی» سردار کابلی. [۱]

محقق، شاعر.

تولد: ۱۲۹۲، کرمانشاه.

درگذشت: ۴ مرداد ۱۳۷۲، تهران.

غلامرضا کیوان سمیعی متخلص به «کیوان»، فرزند محمد صادق، تحصیلات ابتدایی را در دبستان نصرت در کرمانشاه به پایان برد. در کنار درس‌های دبستانی به فراگیری علوم عربی و قرآنی نزد برخی استادان کرمانشاه از جمله میرزا باقر توحیدی و شیخ عزیزالله واعظ پرداخت. سپس به دبیرستان رفت و همچنان پس از فراغت از مدرسه به فراگرفتن علوم عربیه پرداخت و شرح سیوطی بر الفیه

ابن مالک و حاشیه‌ی ملا عبدالله بر تهذیب در منطق و شرح جامی بر کافیه ابن حاجب در نحو و معالم الاصول و جلد اول قوانین الاصول در علم اصول و اکثر شرح لمعه را در فقه، نزد حاج آقا محمد میبدی تلمذ کرد و در خلال دروس دبیرستانی و علوم عربیه شب‌ها به تحصیل در رشته‌ی ریاضیات و زبان انگلیسی پرداخت. در نوزده سالگی پس از طی دوره دبیرستان به قم رفت و به فراگیری علوم اسلامی ادامه داد. رسائل را نزد آیت‌الله سید محمد بهجت کوه‌کمره‌ای و مبداء و معاد ملاصدرا را نزد آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی خواند و سپس به مشهد رفت و در محضر شیخ محمدتقی راموز مشهور به ادیب نیشابوری (ثانی) درس مطول را خواند. از استادان دیگر وی آقا بزرگ عسگری و آقا میرزا مهدی بودند.

آنگاه به تهران آمد و علم کلام را از شریعت سنگلجی آموخت و در تهران با مجامع ادبی و ادیبان رفت و آمد داشت و با شیخ عبدالله حایری (رحمت‌علیشاه) و شیخ عباس‌علی کیوان قزوینی به مشرب عرفان آشنا شد و شرح قیصری بر فصوص الحکم را فراگرفت.

آنگاه به زادگاه خود بازگشت و چندی نیز از محضر حیدرقلی‌خان سردار کابلی جامع معقول و منقول و ریاضیات کسب فیض کرد و به دنبال معیشت چندی به تجارت پرداخت. سرانجام به استخدام بانک کشاورزی درآمد. و سال‌ها امور حقوقی بانک را عهده‌دار بود و پس از سی سال خدمت در سال ۱۳۵۲ بازنشسته شد.

علاوه بر مقالات کیوان سمیعی در مجله‌های «دعوت اسلامی» (نخستین مقاله وی در سال ۱۳۰۹ در همین مجله به چاپ رسید)، «شفق سرخ»، «کرمانشاه»، «وحید» و روزنامه‌ی «کیهان»، از جمله آثار وی است: زندگانی سردار کابلی مشتمل بر حوادث افغانستان در قرن نوزدهم میلادی (۱۳۶۱)؛ مقدمه‌ای بر شرح گلشن راز (شیخ محمد لاهیجی، ۱۳۳۷)؛ رساله در شرح احوال طیب اصفهانی (۱۳۴۷)؛ تحقیقات ادبی یا سخنانی پیرامون شعر و شاعری (۱۳۶۱)؛ کتاب چند جلدی اوراق پراکنده (مجموعه مقاله‌ها، ۱۳۶۶)؛ مقدمه بر قبله‌شناسی (تصنیف سردار کابلی، ۱۳۲۴)؛ مقدمه بر اوصاف الاشراف خواجه نصیر طوسی (۱۳۳۶)؛ مقدمه بر تذکره مختصر شعرای کرمانشاه (تألیف باقر شاکری، ۱۳۳۷)؛ مقدمه بر خاک نشیان عشق (تألیف فرشید یوسفی، ۱۳۶۴)؛ مقدمه‌ای بر تحقیق در مسائل فقهی (تألیف دکتر سید حسن صفوی ۱۳۴۹)؛ مقدمه‌ای بر دیوان آزاد همدانی (۱۳۵۶)؛ تصحیح دیوان صابر همدانی در دو قسمت با مقدمه‌ی مشروح؛ مقدمه‌ای بر دیوان هادی رنجی (به اهتمام غلامحسین تهرانی، ۱۳۴۱)؛ مقدمه‌ای بر دیوان کی‌فر (۱۳۴۲)؛ راز دل (مجموعه شعر، به اهتمام محمدعلی سلطانی ۱۳۶۳)؛ مقدمه بر مناظرات ترجمه المراجعات (تألیف سید شرف‌الدین عاملی با ترجمه سردار کابلی، ۱۳۲۴)؛ رساله تاریخ فلسفه؛ مقدمه تحفه الاجله سردار کابلی؛ شاهکارهای هنری؛ تاریخ و کیفیت روزه در ادیان؛ علت شهرت سید جمال‌الدین اسدآبادی؛ ترجمه حال کیوان قزوینی؛ مبادی عرفان و تصوف؛ وی کتابخانه‌ی شخصی خود را به دانشگاه ادبیات دانشگاه رازی کرمانشاه اهدا کرد.

استاد غلامرضا کیوان سمیعی در پس سرطان حنجره درگذشت و در قطعه مقبره‌الشعرا، حجره‌ی ۹۵۳ بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آینده (س ۱۹، ش ۹-۷، ص ۸۴۱-۸۴۰)، سخنوران نامی معاصر (۳۰۲۲-۳۰۱۷/۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/۳۰۶۲)، کیهان فرهنگی (س ۳، ش ۸، ص ۹-۳)، مؤلفین کتب چاپی (۷۱۰-۴/۷۰۹).

کیوان قزوینی، عباسعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۷-۱۲۷۷ ق)، مفسر، واعظ، صوفی و شاعر، متخلص به کیوان. ملقب به منصور علیشاه. در قزوین به دنیا آمد. برای تکمیل تحصیلات به عراق رفت و از محضر شیخ حبیب‌الله رشتی استفاده کرد تا به درجه‌ی اجتهاد نایل شد. پس از بازگشت در ۱۳۱۳ ق به گناباد و خراسان رفت و به فرقه‌ی دراویش گنابادی پیوست. آن گاه به تهران آمد و به وعظ و ارشاد پرداخت و به شهرت فراوانی دست یافت اما به دلایلی به فقط از سلسله‌ی گنابادیه برید بلکه بر ضد آنها به تبلیغ پرداخت. وی در رشت درگذشت و در سلیمان داراب به خاک سپرده شد. از آثارش: «کنوز الفوائد»؛ «راز گشا»؛ «تفسیر کیوان»؛ «استوارنامه»؛ «بهین سخن»؛ «دیوان» شعر. [۱] عباس ابن اسماعیل بن علی بن معصوم قزوینی مشهور به حاج ملا-عباسعلی کیوان، از علمای دینی و عارف و واعظ (و. قزوین ۱۲۷۷- ف. ۱۳۷۷ ه.ش). وی پس از تحصیل در نجف و کربلا و سامره اجازه‌ی اجتهاد گرفت و به خراسان رفت. در آنجا نزد حاج ملا-سلطانعلی به تحصیل عرفان و تصوف پرداخت. در اواخر عمر از تصوف بیزار گردید و کتابهایی در رد آن نوشت. وی مفسر قرآن به عربی و فارسی است که چند مجلد آن بطبع رسیده، اشعار خیام را شرح کرده و از جمله تألیفات وی از: «کیوان‌نامه»، «استوار»، «راز گشا»، «حج‌نامه»، «عرفان»، «میوه‌ی زندگانی»، «فریاد بشر» را باید نام برد. کیوان معتقد است که بزرگترین عارف و صوفی خیام و بزرگترین حکیم بوعلی سیناست. وی عرفان را به عرفان علمی و عرفان عملی تقسیم نمود و سلوک و درویشی را عرفان عملی می‌داند.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۱۸/۱۷۴، ۱۰/۵۸، ۹/۹۲۸)، شرح حال رجال (۶/۱۳۰)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/۱۶۱۸)، ۹۳۴، ۱/۵۴۶، کیهان فرهنگی (س ۳، ش ۸، ص ۵-۴)، لغت‌نامه (ذیل / کیوان قزوینی)، مولفین کتب چاپی (۳/۶۹۳-۶۹۴)، یادداشتهای قزوینی (۸/۲۲۷).

کیوانپور کرمانشاهی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۸ ش)، مترجم، نویسنده و شاعر، متخلص به کیوان. از خانواده‌ی مکرری بابا میری کردستانی بود. وی در کرمانشاه به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در موطنش و دوره‌ی متوسطه را در دبیرستان شرف تهران به پایان رساند و از دانشسرای عالی در رشته زبان و ادبیات فارسی مدرک لیسانس گرفت. سپس پایان‌نامه‌ی دکترای خود را در موضوع «بحث در لهجه‌های مغرب ایران» نوشت و سپس به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و در سمتهای مختلف مشغول به کار گردید. وی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش عازم اروپا شد و سالها در فرانسه اقامت کرد و هنگام پیروزی انقلاب اسلامی به ایران مراجعت نمود و به سمت سفیر کبیر ایران در مسکو منصوب گشت. وی ضمن آشنایی با چند زبان و خط به زبان پهلوی نیز تسلط کامل داشت. لازم به ذکر است که صاحب «الذریعه» نام «دیوان» شعر وی را ذیل مکرری کردستانی آورده است. از آثارش: «بغستان» یا «بیستون»؛ مجموعه‌ی «ترانه‌های کردی یا گورانی»، شعر؛ «عشایر کرد»؛ «فرهنگ فارسی»؛ «نمونه‌های نظم و نثر فارسی»، از قرن سوم هجری تا عصر حاضر؛ «نغمه‌های جوانی»، شعر؛ «اندرز خسرو قبادیان»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۴/۲۳۸، ۱۶/۲۰۹، ۱۵/۲۶۳، ۹/۱۰۹۵)، سخنوران نامی معاصر (۳۰۲۵-۳۰۲۳/۵)، فرهنگ سخنوران

(۱۳۳۳، ۳۳۱۵، ۳۲۹۰، ۲۴۳۱، ۲۳۰۴، ۲۳۰۳، ۲/۱۰۲۷، ۱۰۲۶، ۱۰۲۶، ۸۴۶، ۳۵۴-۳۵۳/۱)،
مؤلفین کتب چاپی (۷۰۱-۷۰۰/۵).

کیوانی، مجدالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه تربیت معلم در سال ۱۳۴۰ و دکترای زبان‌شناسی کاربردی از دانشگاه ولز انگلستان در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه تربیت معلم تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آموزش زبان و زبان‌شناسی نوین و کاربردی، تدریس دروس زبان انگلیسی، قرائت متون ادبی و ترجمه متون اسلامی در دانشگاه‌های تربیت معلم و علم و صنعت تهران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

اصول آموزش زبان و اصول یادگیری و تدریس زبان و زبان‌شناسی نوین.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

شوق یادگیری، صفات تخصصی و صفات خبری، متدولوژی آموزش زبانهای خارجی، دوزبانگی و مسائل تربیتی و اجتماعی آن، نمای تربیت در اتحاد شوروی، آموزش و پرورش بیرون از مدرسه، دورنمای تکامل ساخت نظام‌های تربیتی، وضع تایلند، سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال رشد و بازگشت به زبان و فرهنگ ملی. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

کیهانی، عبدالحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بهداشت عمومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

کیهانی، عزت‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: پزشکی، دانشکده: مرکز تحقیقات بیوشیمی، دانشگاه: تهران. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

کیهانی، منوچهر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۹، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران. خلاصه شرح حال تخصصی سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۴، دکترای تخصصی داخلی از نیویورک آمریکا در سال ۱۳۵۲، فوق تخصص خون از دانشگاه نیویورک آمریکا در سال ۱۳۵۴. مرتبه علمی:

استادیار گروه داخلی دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۴ تا سال ۱۳۶۴، دانشیار گروه داخلی دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۴. زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

کمکهای لاپاروسکوپی، بررسی لوسمی حاد در بیماستان خصوصی و دولتی، ضد انعقادهای اکتسابی، مواد شیمیائی سرطان‌زا در انسان و حیوان، بررسی و مقایسه میزان افسردگی در کودک و روشهای شیمی درمانی در سرطان، تدریس دروس خون در دانشگاه علوم پزشکی تهران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: -

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: -، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۹

زمینه علمی مقالات:

درمان PTT در ایران و سایر بیماریهای داخلی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

کیهانی، نعمت‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۷ ش)، نویسنده، پزشک و استاد دانشگاه. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ی ادب و تحصیلات متوسطه را در دارالفنون و تحصیلات عالی را در دانشکده‌ی پزشکی تهران به اتمام رساند و در ۱۳۰۹ ش موفق به دریافت دانشنامه‌ی دکترا شد. سپس به فرانسه رفت و تحصیلات پزشکی را در دانشکده‌ی مون پلیه آغاز کرد و در دانشکده‌ی پزشکی پاریس به پایان رساند و پایان‌نامه‌ی خود را در باب «تجزیه خواص دفاعی بدن در مقابل میکروبهای عفونی» ارائه داد و موفق به اخذ مدرک دکترا از دانشکده پزشکی گردید. سپس به ایران مراجعت کرد و عهده‌دار مشاغل مختلفی از جمله: دانشیاری کرسی کالبد شناسی، استادی بدون کرسی در دانشکده‌ی پزشکی، تدریس کالبد شناسی و فیزیولوژی در آموزشگاه پرستاری دانشکده‌ی پزشکی و استادی کرسی کالبد شناسی گردید. از آثار وی: «استخوان شناسی»؛ «فیزیولوژی هنری»، «حالات و حرکات»؛ «عضله و زیبایی پلاستیک»؛ «کالبد شکافی»، در سه زمینه‌ی تشریح عملی دست و پا، تشریح عملی سر و گردن و سلسله اعصاب مرکزی، تشریح عملی قفسه‌ی سینه و قلب و ریه؛ «کالبد شناسی هنری با راهنمای هنرمندان و نقاشان و پیکرسانان»؛ «تشریح عملی لگن».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی مشاهیر رجال پزشکی (۱/۳۷۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۵۹۶، ۲۵۹۵، ۲۵۹۳-۲۵۹۱، ۲۳۱۸، ۲، ۹۰۲، ۱۹۰، ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۰۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶۳۶-۶۳۴/۶).

گاوان، عماد الدین محمود

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عماد الدین محمود گاوان در سال ۸۰۸ در روستای گاوان در گیلان متولد شد. پدران وی از حاکمان گیلان بوده اند. وی پس از آموختن علوم معقول و منقول به توسعه مادر برای تجارت و نیز دیدار با علما به سفر و خراسان و عراق پرداخت تا اینکه در ادامه سفرهای خود به هند رفت و مورد توجه سلاطین بهمنی قرار گرفت. در مناسبات اداری و شگری چون هزار امیر الامرا، سپهسالار، حاکم تا مقام وزارت و وکالت امور شاهی ترقی کرد. و همین قدرت یابی وی و نیز سخت گیری او بر نظامیان هندی و رشوه خواران موجب توطئه علیه وی و اعدام او توسط محمد شاه بهمنی در سال ۸۸۶ ه. ق گردید. خواجه عماد الدین مردی ثروتمند اما صوفی مسلک، بخشنده و صاحب ذوق بود و اشعار و نثر زیبایی را از خود در آثار وی و ریاض الانشاء، مناظر الانشاء و قواعد الانشاء به جا مانده است.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: انشای دیوانی

والدین و انساب: منشاء خاندان وی محمد گاوان از روستای گاوان یا قاوان بوده است. مایه محمود نیز از خاندان مشایخ بوده است.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: آبا و اجداد عماد الدین محمود گاوان از گذشته های دور، از فرمانروایان گیلان بودند چنانکه یکی از آنان در رشت حکومت می کرد و این فرمانروایان از طریق ارث به محمود گاوان رسید. علت انتساب وی به گاوان یا قاوان انتساب وی به روستایی از گیلان به همین نام بوده است.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: عماد الدین محمود گاوان علوم و کمالات در زادگاه خود گیلان فرا گرفت. اما به توصیه مادر، از بیم مخالفان به سفر در عراق و خراسان پرداخت. با بزرگان علمی و صوفیان دوران خود دیدار کرد. چنانچه انواع علوم معقول و منقول، بویژه ریاضی و طب را خوب می دانست و در فن نثر و نظم و انشاء و حساب و خط سیاق را خوب می نوشت و شعر نیز می سرود و از خود دیوانی داشت که چند قصیده ای در کتاب مشهوری ریاض الانشاء باقی مانده است.

وقایع میانسالی: عماد الدین محمود گاوان پس از اتمام تحصیلاتش به سفارش مادر به سفرهایی در شهرهای عراق و خراسان پرداخت و از سال ۸۵۱ در عهد سلطنت علاء الدین بهمنی (۸۶۲-۸۳۸) برای تجارت از راه دریا به احمد آباد بیدر، پایتخت سلاطین بهمنی رکنی رفت و به دعوت وی جزو درباریان آنجا قرار گرفت و به مناصب بالایی چون هزار «منصبی نظامی» دست یافت. حتی قلعه نلکنده را از تصرف افغانان و راجپوتان بیرون آورد و ضمیمه متصرفات سلاطین بهمنی کرد. همایونشاه ظالم بهمنی (۸۶۵-۸۶۲) نیز القاب ملک التجاره و حکومت و سپهسالاری ولایت بیجانپور را به وی سپرده بود و حتی در زمان مرگ خود وزارت پسرش نظام شاه بهمنی (۸۶۷-۸۶۵) را به وی واگذار کرد. محمود گاوان دو دشمن خارجی نظارت شاه بنامهای سلطان محمود خلجی و محمود شاه گجراتی را شکست داد و تحت عنوان سپهسالار سپاه رکن اقوام بسیاری یافت. سلطان محمد شاه بهمنی (۸۸۷-۸۶۷) نیز القاب خواجه جهان، منصب امیر الامرا و کالت امور شاهی را بر القاب وی افزود. زیرا محمود گاوان ولایت های سنگسیر و برخی بلاد بیجانگر را برای وی تصرف کرد. تا آنجا که غلام محمود گاوان مو سوم به «خوشی قدم» به «کشور خان» ملقب شد. اما خواجه جهان به یکباره متغیر شد و برای دوری از غروری که به سراغش آمده بود اموال خود را در میان مردم تقسیم کرد و مانند مردم عادی می زیست. با این وجود از چهار هزار سوار در رکاب داشت. سرانجام به سبب سخت گیری هایی که بر امرا به علت استیفای حقوق دولت می کرد، امرا را ناراضی کرد و و طی تهمتی که برای براندازی نظام حکومت بهمنیان به وی زاده شد، سلطان محمد بهمنی فرمان قتل وی را صادر کرد. خواجه جهان در اواخر عمر با سلطان حسین؟؟؟ تیموری بود و بدلیل عدم اجازه محمد شاه بهمنی نتوانست به دعوت سلطان حسین در هرات، پاسخ مثبت بگوید و درهند ماند.

زمان و علت فوت: عماد الدین محمود گاوان در ماه صفر ۸۸۶ ه. ق در سن ۷۸ سالگی به فرمان سلطان محمد بهمنی کشته شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: عماد الدین محمود گاوان در آغاز بعنوان تجارت و کسب علم به سفر پرداخت اما در دربار سلاطین بهمنی دکن (شمال هند) به مناصبی چون «هزار» نوعی درجه نظامی، سپهسالار، امیر الامرا، ملک التجاره، حاکم ولایت بیجانپور و حتی وزارت و کالت امور شاهی را به دست یافت.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: آثار عماد الدین محمود گاوان جهان در رکن بسیار بود از آن جمله مدرسه و مسجدی که دو سال پیش از وفات خود در احمد آباد بیدر به اتمام رسانیده بود.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: عماد الدین محمود گاوان به عبادت، کمک مالی به مستمندان و تمرین در شعر و نثر از فعالیت های روزانه او بود.

شاگردان: ملا عبد الکریم همدانی از مریدان و شاگردان خواجه عماد الدین محمود گاوان بود که در کتابی شرح زندگانی وی را نوشته است. که مختصری از آن در کتاب «تاریخ فرشته» محفوظ مانده است. ملا سامعی مداح و ندیم خواجه و نظام الدین حسن

گیلانی خزانه دار وی بوده است .

همفکران فرد : عماد الدین محمود گاوان از نظر عرفانی با مولانا عبد الرحمن جامی همفکری و دوستی داشت و در نامه هایی که به یکدیگر نوشته اند و در ریاض النشاء ثبت شده است . این مباحث عرفانی موید است.

آرا و گرایشهای خاص : عماد الدین محمود گاوان جهان مردی دیندار و سنی متعصبی بود ، اما ارادتمند شیخین و دستگیر فقیران بود . و گرچه شخصا مردی بازرگان بود در عین وزارت از بازرگانی دست نمی شست ، بخشنده و کریم بود اخلاق و صوفی مشربی داشته است . شیوه وی درانشای فارسی نیز بسیار منشیانه و مترسلانه است . و ترکیبات عربی زیادی با آرایشهای بسیار در آن به کار برده است .

آثار :

۱ ریاض الانشاء

ویژگی اثر : شامل نامه های خواجه عماد الدین محمد گاوان است که سر مشق منشیان هند است .

۲ قواعد الانشاء

۳ مناظر الانشاء

ویژگی اثر : درباره آیین ترسل و مباحث مربوط به بلاغت است «موضوع و فایده انشاءرا در آن بیان می کند»
منابع زندگینامه :

ادبیح الله صفا ، تاریخ ادبیات در ایران ، ج ۴ ، چاپ دوم ، تهران : فردوسی ۱۳۶۳ ، ص ۵۰۰

گرانسر، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آسیب شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشکده پزشکی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۸ و فوق تخصص پاتولوژی و هماتولوژی از دانشگاه کالیفرنیا آمریکا در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

استادیار مؤسسه اهاترنوترن اهایو از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۳ و دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۶۳.

زمینه های علمی و تحقیقاتی:

تحقیق در زمینه مسائل گوناگون پزشکی و آسیب شناسی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

روشهای نوین آزمایشگاهی، ایمنولوژی و سرولوژی، بیماریهای خون، هماتولوژی و بانک خون.
مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: -، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

هماتوپاتولوژی، میکروب مقاوم در زخم‌های عفونی، AIDS و هموفیلی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

گرایلی، فریدون

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فریدون گرایلی در سال ۱۳۲۱ در نیشابور دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و متوسطه و دانشسرا را در زادگاهش گذراند و در رشته تاریخ از دانشگاه اصفهان فارغ التحصیل شد. او در سال ۱۳۴۰ به استخدام آموزش و پرورش در آمد و مدت ۳۳ سال در کسوت معلمی به امر آموزش و تربیت همت گماشت. گرایلی علاوه بر تالیف آثار تاریخی و فرهنگی، اشعار زیبایی سروده است. منزل وی همواره محل ورود اهل علم بویژه اساتید ادب فارسی و تاریخ و دانشجویان بود که از محضر او کسب فیض می کردند. فریدون گرایلی سرانجام در ۱۴ مهرماه ۱۳۷۹ دارفانی وداع گفت.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه ای: فریدون گرایلی تحصیلات ابتدایی و متوسطه و دانشسرا را در زادگاهش گذراند. او پس از چند سال خدمت در آموزش و پرورش، برای ادامه تحصیل به شهر مقدس مشهد و از آنجا به شهر اصفهان عزیمت نمود و در رشته تاریخ از دانشگاه اصفهان فارغ التحصیل شد.

فعالیت‌های ضمن تحصیل: فریدون گرایلی همواره در دوران تحصیلات دانشگاهی به تحقیقات و پژوهش‌های تاریخی گرایش نشان داده و با اندیشمندان و شاعران بزرگ کشور در ارتباط بود و از محضر آنان کسب فیض نمود و اشعار زیبایی در این مدت سرود. زمان و علت فوت: فریدون گرایلی در ۱۴ مهرماه ۱۳۷۹ دارفانی وداع گفت.

فعالیت‌های آموزشی: با علاقه و عشق خاصی که در فریدون گرایلی به شغل معلمی وجود داشت، در سال ۱۳۴۰ به استخدام آموزش و پرورش در آمد و مدت ۳۳ سال در کسوت معلمی به آموزش و تربیت همت گماشت. او در یکی از اشعار خود چنین می گوید: با هزاران دانش اندوزی که الفت داشتم بذر مهر و دوستی در سینه هاشان کاشتم سی و اندی سال می باشد در کسب هنر برده ام رنج فراوان، خورده ام خون جگر سینه تاریخ نیشابور را طی قرون چاک کرده ام تا مگر خوب و بدش آرم برون

سایر فعالیت‌ها و برنامه های روزمره: فریدون گرایلی علاوه بر تالیف آثار تاریخی و فرهنگی، اشعار زیبایی از او به یادگار مانده است. منزل استاد همواره محل ورود اهل علم بویژه اساتید ادب فارسی و تاریخ و دانشجویان بود که از محضر او کسب فیض می کردند.

آثار:

۱ مشاهیر نیشابور شهر قلمدانهای مرصع

ویژگی اثر: این اثر استاد جایگاه خود را در بین دانشگاهیان و استاتید بخوبی باز نمود و در حال حاضر بعنوان یک کتاب مرجع تاریخی قلمداد می‌شود. استاد دکتر شفیع کدکنی درباره این کتاب چنین فرموده است: "کتاب نیشابور شهر فیروزه جامع ترین کتاب در تاریخ نیشابور می‌باشد". گرایلی در کتاب «مشاهیر نیشابور شهر قلمدانهای مرصع» حداقل ۶۰۰ ادیب و دانشمند نیشابوری را به جهانیان معرفی نموده و خود نیز در این باره چه زیبا گفته است: قلم تو شاهدهی شبهای تار فریدون تا سحرگه بود بیدار پی تحقیق تاریخ نیشابور فراهم کرد هر چه بود مقدور

۲ نیشابور شهر فیروزه

ویژگی اثر: در سال ۱۳۵۷ گرایلی اولین اثر خود بنام "نیشابور شهر فیروزه" را چاپ و منتشر ساخت که در مدت بسیار کوتاهی کمیاب گردید و بعداً تا چاپ چهارم هم رسید.

۳ نیشابور و محاکمه حکیم عمر خیام

ویژگی اثر: گرایلی کتاب "نیشابور و محاکمه حکیم عمر خیام" را در سال ۱۳۷۹ به چاپ رساند. او با انتشار این کتاب تلاش کرد تا تیرگیهای ایام را از چهره حکیم عمر خیام نیشابوری زدوده و او را در دادگاه تاریخ تبرئه نماید.

گرچی، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۰۰ ش)، فقیه اصولی، محقق، مدرس، استاد دانشگاه و نویسنده. در تهران به دنیا آمد. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی، در ادبیات از محضر سید محمد قصیر و آقا شیخ محمد حسین بروجردی، در فلسفه از محضر آیت‌الله شاه آبادی و آیت‌الله آقا شیخ ابراهیم امامزاده زیدی و در فقه و اصول از محضر آیت‌الله آقا شیخ محمد رضا تنکابنی استفاده نمود. در ۱۳۲۲ ش برای ادامه‌ی تحصیل به نجف رفت و از محضر آیت‌الله آقا شیخ محمد علی جمالی کاظمینی و آیت‌الله آقا سید عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله آقا شیخ محمد کاظم شیرازی و آیت‌الله خوئی بهره برد و از بعضی از آنان و از آیت‌الله آقا شیخ محمد حسین کاشف الغطاء اجازه‌ی اجتهاد گرفت. وی در نجف به موازات تحصیل به تدریس «رسایل»، «مکاسب» و «کفایه» نیز اشتغال داشت. در ۱۳۳۰ ش به تهران آمد و در مدرسه‌ی حاج ابوالفتح فیروزآبادی و مدرسه‌ی مروی به تدریس پرداخت. در ۱۳۳۲ ش وارد دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی شد. در ۱۳۳۵ ش لیسانس منقول و در ۱۳۳۸ ش دکترای فلسفه و حکمت اسلامی را به پایان رساند. وی تا ۱۳۴۷ ش در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی تهران به تدریس ادبیات عرب و از ۱۳۴۸ ش به بعد در دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی تهران به تدریس حقوق اسلامی پرداخت. از آثارش: تجدید نظر و اضافات بر «تاریخ پیامبر اسلام (ص)» دکتر محمد ابراهیم آیتی؛ «مسائل حامة من مسائل الخلاف»؛ «نگاهی به تحول علم اصول»؛ تصحیح و تعلیق «الذریعه الی اصول الشریعه» سید مرتضی علم الهدی؛ تصحیح و تعلیق «تفسیر جوامع الجامع» امین‌الدین طبرسی؛ «تأثیر منطق در علم اصول»؛ «صرف و نحو»؛ مقالات حقوقی متعدد. [۱]

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: فلسفه و حکمت اسلامی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] کیهان فرهنگی (س ۱، ش ۱۲، ص ۱۶-۵)، معجم رجال‌الفکر و الادب فی النجف (۳/۱۱۰۸).

گر جیان عربی، محمد مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد مهدی گر جیان عربی

محل تولد: عربخیل بابلسر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۴/۲۰

زندگینامه علمی

اینجانب در ۲۰ تیرماه ۱۳۴۲ در محله عربخیل بابلسر در یک خانواده مذهبی متولد شدم و در سن شش سالگی به تحصیل در دبستان مسعود سعد وارد شدم و دوران راهنمایی را نیز در همانجا گذراندم و دوران دبیرستان را در رشته علوم تجربی در سال ۱۳۶۰ به پایان رساندم و بعد از چند بار قبولی در دانشگاه در رشته های مختلف و شرکت در جبهه های حق علیه باطل با توجه به علاقه شدیدی که به تحصیلات حوزوی به حوزه علمیه روحیه بابل وارد شدم و تحت تعلیم حضرت آیت الله محمدی طبری و آیت الله بهشتی (ره) دروس سطح را تقریباً در طی کمتر از چهار سال به پایان رساندم و در اواخر سال ۱۳۶۴ به قم مشرف شدم. به محض ورود به درس خارج فقه حضرت آیت الله شیخ جواد تبریزی و کفایه را نزد حضرت آیت الله محقق داماد ادامه دادم و از همان سال در درس اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی نیز شرکت می نمودم در سال ۱۳۷۵ همزمان به دانشگاه علامه طباطبائی رشته علوم اجتماعی وارد شدم و بعد از اتمام بلافاصله در مقطع حقوق لیسانس و بعد نیز بلافاصله در دوره دکتری قبول شده و ادامه تحصیل دادم و در مجموعه آموزشی موسسه در راه حق که تحت اشراف استاد مصباح یزدی بود شرکت نمودم و دوره آموزش آنجا را به اتمام رساندم و دروس فلسفه (اشارات) و عرفان (فصوص الحکم و مصباح الانس) را نزد حضرت استاد آیت الله حسن زاده آملی به اتمام رساندم و در بعضی دروس جناب استاد آیت الله جوادی آملی شرکت می نمودم ضمناً در درس فقه حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی به مدت ۷ سال شرکت نمودم، لازم به ذکر است که از همان سال سوم حوزه به تدریس دروس اشتغال داشتم (که می توان گفت بیش از ۱۹ سال مشغول به تدریس دروس حوزوی و ۱۷ سال به تدریس دروس دانشگاهی مشغول می باشم و تمام دروس سطح را چند بار تدریس نموده ام).

گردیزی، عبدالحی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۴۴۰ ق)، مورخ. وی از مورخان برجسته ایرانی است که در نیمه اول قرن پنجم هجری، در روزگار سلطنت عبدالرشید بن سلطان مسعود غزنوی، می زیست. از احوال او اطلاعاتی در دست نیست جز این که منسوب به گردیز است و آن منطقه ای است در یک

منزلی غزنه بر جاده‌ی هند. وی در غزنین سکونت داشت و در همین شهر کتاب خود را نوشت. در اواخر زندگی ابوریحان بیرونی (م ۴۴۰ ق) با او دیدار کرد. اثر برجسته‌ی او «زین الاخبار» مشهور به «تاریخ گردیزی» است، مشتمل بر تاریخ عالم و اسلام از قدیم‌ترین روزگار تا اندکی بعد از ۴۴۰ ق، که به نثری پخته نوشته شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۶۳۵ / ۱)، دایره‌المعارف فارسی (۱۲۰۱ / ۱)، زین الاخبار (مقدمه)، سرآمدان فرهنگ (۱۱۲-۱۱۱)، لغت‌نامه (ذیل / ابوسعید).

گرگانی، ابوالمحاسن حسین

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم و دهم ق)، عالم، محدث و مفسر. از مشاهیر علمای امامیه بود و مؤلف تفسیری به نام «جلاء الاذهان و جلاء الاحزان فی تفسیر القرآن»، که حاوی اخبار ائمه (ع) و روایات امامیه و یکی از معروفترین کتابهای تفسیر فارسی است. تفسیر «جلاء الاذهان» همان تفسیری است که به «تفسیر گازر» مشهور است. قدیمی‌ترین نسخه‌هایی که از این تفسیر، چه در ایران و چه در خارج از ایران، باقی مانده است تاریخ قرن دهم را دارد؛ لذا به گفته‌ی آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی تألیف کتاب در همان قرن یا قرن قبل از آن بوده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۵/ ۴۷۲)، تاریخ نظم و نثر (۲۷۲)، تفسیر گازر (۱/ مقدمه)، الذریعه (۵/ ۱۲۳)، ۳۱۰-۳۰۹ / ۴، ریاض العلماء (۸۶-۸۵ / ۲)، ریحانه (۱/ ۴۰۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۲-۶۱ / ۱۰)، لغت‌نامه (ذیل / حسین جرجانی).

گرگانی، ابوالمحاسن علی

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س هشتم ق)، عالم، فقیه و محدث. از علمای بزرگ شیعه و معاصر علامه حلی بود. او مؤلف کتاب «تکملة السعادات فی کیفیه العبادات المسنونات»، به فارسی است، که در سال ۷۰۲ ق از تألیف آن فراغت یافت. صاحب «ریاض العلماء» یک نسخه از این کتاب را که به خط مولی ابوسعید حسن شیعی سبزواری است دیده که تاریخ ۷۴۷ ق دارد، لذا احتمال داده که ابوسعید از شاگردان ابوالمحاسن باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲/ ۴۲۲)، الذریعه (۴/ ۴۱۴-۴۱۵)، ریاض العلماء (۵/ ۵۰۹، ۱/ ۱۷۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۷۴ / ۸).

گرگانی، ابوالهیثم احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم و پنجم ق)، شاعر و حکیم. وی شاعر اسماعیلی مذهب است و علاوه بر شاعری در حکمت نیز استادی یگانه بود و محمد بن سرخ از شاگردان وی بوده است. از اشعار ابوالهیشم، تنها قصیده‌ای به نام «چون و چرا» درهشتاد و هشت بیت باقی مانده است که مشتمل بر سئوالاتی است درباره‌ی بسیاری از مسایل، بی آنکه خود آنها را جواب گفته باشد. بعد از او دو تن آن را شرح کرده‌اند، یکی ابومعین ناصر بن خسرو قبادیانی بلخی شاعر و نویسنده‌ی مشهور اسماعیلی مذهب که به خواهش عین‌الدوله ابوالمعالی علی بن اسد بن حارث، امیر بدخشان، کتاب «جامع الحکمتین» را در این باب نوشت و پیش از او محمد بن سرخ نیشابوری که در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم قمری می‌زیست کتابی مفصل در شرح هفتاد و شش بیت از این قصیده ترتیب داده است. مطلع این قصیده چنین است:

یکی است صورت هر نوع را نیست گذار

چرا که هیئت هر صورتی بود بسیار؟

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۵۳۱-۵۲۱/۱)، تاریخ و عقاید اسماعیلیه (۱۹۷)، ترجمه‌ی تمه‌ی صوان الحکمه (۷۸)، الذریعه (۹/ ۲۶۰)، یادگار (س دوم، ش ۸ ص ۲۱-۹).

گرگانی، امیر فریدون

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مترجم، محقق.

تولد: ۱۳۰۲.

درگذشت: آذر ۱۳۵۸.

امیر فریدون گرگانی، مترجم و محقق، سال‌ها در زمینه‌ی ادبیات و فرهنگ مشترک هند و پاکستان مطالعه کرده است و از شیفتگان عرفان مشرق زمین است.

از آثار اوست: سده‌رتها (هرمان هسه، ۱۳۴۱)، میهن من، کنگو (پاتریس لومومیا، ۱۳۴۲)، نمایشنامه‌های قربانی، پستخانه، مرتاض، مالینی و شاه، ملکه (رابیندرانات تاگور، ۱۳۴۰)، میهمانی کوکتیل (۱۳۵۴).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

گرگانی، حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین گرگانی (استرآبادی) از علماء و فقهاء عصر خود در گرگان و دارای ریاست عامه بوده و در کتاب (المآثر والاثار) ص ۱۵۳ بعنوان (آقا میرزا حسین مجتهد استرآبادی) از دانشمندان معاصر ناصرالدین شاه قاجار بوده و در حدود ۱۳۱۰ وفات نموده. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

گرگانی، سید شریف

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی بن محمد بن علی گرگانی حسینی مشهور به میر سید شریف گرگانی در سال ۷۴۰ ه. ق متولد شد. کلیه آثار بزرگ و کوچک وی در منطق و کلام و ادب و حکمت معروف است. وی برای تحصیلات ابتدایی خود در شهر گرگان زادگاهش شروع به فراگیری علوم مختلفی نزد استادان معروف کرد. سید شریف در سال ۷۸۰ در سن ۴۰ سالگی به خدمت شاه شجاع رسید و شروع به تدریس در مدرسه دارالشفاء کرد. بعد از شاه شجاع پسرش امیر تیمور جانشین او شد. او همراه امیر تیمور و جمعی از اکابر به سمرقند رفت و در آنجا به تدریس علوم مختلفی پرداخت. سید شریف بعد از مرگ امیر تیمور به شیراز برگشت و در مدرسه دارالشفاء شروع به تدریس کرد. او در سال ۸۱۶ در شهر شیراز دارفانی را وداع گفت.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

والدین و انساب: علی بن محمد بن علی گرگانی حسینی مشهور به میر سید شریف گرگانی در سال ۷۴۰ ه. ق متولد شد. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: علی (میر سید) شریف گرگانی از همان کودکی به تحصیل علم اشتغال داشت و فنون و شروح علمی را نزد استادان عصر خواند تا در دانشهای مختلف ادبی استادی مسلم شد. مقدمات علوم را در دیار خود آموخت. او از گرگان به هرات سفر کرد و رساله شمسیه و شرح مطالع و دیگر کتب را نزد استادش آموخت. وی به توصیه استادش به مصر رفت و علم حدیث و نحو و صرف و معانی را آنجا آموخت و از آنجا به بلاد روم سفر کرد و در علوم شرعی و عقلیه و ادبیه و عربیه حاضر شد و سپس به ایران مراجعت کرد.

استادان و مربیان: از استادان علی (میر سید) شریف گرگانی می‌توان به استادانی چون طاووسی که مفتاح العلوم را به او آموخت نام برد. در حجر تربیت علامه قطب الدین رازی رساله شمسیه و شرح مطالع و دیگر کتب را آموخت دید. میرک بخاری و شمس الدین محمد بن مبارک شاه هروی علم منطق را یاد گرفت. در علم حدیث، نحو، لغت، صرف، معانی پیش استاد اکمل الدین محمد بن محمد بن محمود بابرقتی و در کلاس شیخ جمال الدین محمد بن محمد بن امام فخر رازی معروف به آقسرایبی در علوم شرعی و عقلیه و عربیه و ادبیه حاضر شد.

همسر و فرزندان: از فرزندان علی (میر سید) شریف گرگانی می‌توان به ذکر چند تن اشاره کرد: - امیرسید شمس الدین محمد بن علی بن محمد حسینی جرجانی از علمای عصر خود بود که در چند فنون کتابهای مختلفی به زبانهای گوناگون نگاشته مثل دو رساله از پدرش که بنامهای کبری و صغری معروفند به زبان عربی ترجمه کرده است که در علم منطق بود و به نامهای دره و غره نام گذاری شده است. - قاضی سید نور الدین سید شریف الدین بن جمال الدین بن نورالله شمس الدین محمد شاه حسینی مرعشی شوشتری نوه سید شریف از بزرگان علمای شیعه بود. - امیر سیر ابوالفتح محمد علی بن میر عبد الباقی بن میر شمس الدین محمد بن میر سید شریف از نوه های گرگانی که در دربار شاه طهماسب بود. از او دو پسر به نامهای امیر معین الدین و میرزا امیرمانده

است . - میر مرتضی شریفی شیرازی نبیره میر سید شریف بود که از دانشمندان عصر خود در رشته منطق و کلام و ریاضیات و اقسام حکمت دست داشت .

زمان و علت فوت : علی (میر سید) شریف گرگانی در سال ۸۱۶ در روز چهارشنبه ، ششم ربیع الثانی در شیراز بدرود حیات گفته و آرامگاه وی در محله سردزک شیراز می باشد .

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علی (میر سید) شریف گرگانی در سن ۴۰ سالگی به خدمت شاه شجاع در شیراز می رود و پس از مصاحبت با او در مدرسه دار الشفاء شروع به تدریس می کند . بعد از فوت شاه شجاع در سال ۷۸۶ پسرش امیر تیمور جانشین او می شود و در سال ۷۹۰ امیر تیمور همراه شریف گرگانی و جمعی از اکابر شیراز به سمرقند می رود و در آنجا به تدریس می پردازد . میان شریف و تفتازانی مباحثات روی می دهد به طوری که شریف همیشه بر او غلبه می شود . پس از درگذشت امیر تیمدر در سال ۸۹۷ سید شریف به شیراز برگشته و در آن جا به تدریس در مدرسه دار الشفاء ادامه می دهد .

شاگردان : از شاگردان علی (میر سید) شریف گرگانی می توان به چند تن اشاره کرد : عقیف جرهی - علامه جلال الدین دوانی - اسعد بن محمد صدیقی کازرونی - شجاع شیرازی - ابن عربشاه ابوالعباس احمد بن محمد بن عبد الله بن عربشاه - ابوالفتح نور الدین احمد بن عبد الله طاوسی ابرقوهی - مولا خواجه علی سمرقندی - فتح الله شروانی - مظهر الدین محمد کازرونی - فخرالدین عجمی - شمس الدین محمد بن مرهم الدین شیرازی

آرا و گرایشهای خاص : بسیاری از مولفین اهل سنت، علی (میر سید) شریف گرگانی را سنی حنفی مذهب دانسته‌اند از جمله : لکنوی، شوکانی، سخاوی و دیگران و گروهی از مولفین شیعه وی را شیعه مذهب دانسته‌اند. چنانکه سید محسن امین در کتاب اعیان شیعه و شیخ آغا بزرگ تهرانی در کتاب طبقات اعلام الشیعه نام میر سید شریف را جزو اعلام شیعه یاد کرده‌اند و قاضی نورالله شوشتری در کتاب مجالس المومنین بر این تاکید دارد و دلایلی هم بر اثبات تشیع میرسید شریف آورده است از آن جمله به گواهی دو تن از شاگردان گرگانی به نام های سید محمد موسوی خراسانی معروف به نوربخش متوفی ۸۶۹ هـ ق و شیخ محمد ابن ابی جمهور احسائی متوفی پس از ۹۰۱ هـ ق که هر دو از اکابر علما و عرفای امامیه‌اند. -----

آثار :

۱ اسکندریه

ویژگی اثر : پاسخ سئوالات میرزا اسکندر بن میرزا عمر شیخ بن امیر تیمور گورکان در سال ۸۱۵ در اصول دین می باشد .

۲ اسلام و ایمان و اعتقاد و مذاهب

ویژگی اثر : رساله ای در بیان به زبان فارسی است که نسخه خطی آن در کتابخانه الهیات تهران در شماره ۳۰۸ موجود می باشد .

۳ اصطلاحات الصوفیه الواردة فی الفتوحات المکیه

ویژگی اثر : نسخه خطی این رساله در دانشگاه کمبریج شماره ۳۷ موجود است . ادوارد فند می گوید : میرسید شریف رساله ای در تعریفات دارد که حاوی اصطلاحاتی در علوم فقه و فرائض و حدیث و کلام و نحو و صرف و تفسیر است و ابن عربی می گوید : رساله ای در تعریفات دارد که مشتمل بر تفسیر اصطلاحات صوفیه است که در کتابخانه مکیه آمده است و این هر دو به کوشش فلوگل ، دانشمند آلمانی در لایپزیک در سال ۱۸۴۵ میلادی به چاپ رسیده است .

۴ الاصول المنطقیه

ویژگی اثر : این رساله در سال ۱۳۲۸ هـ ق ضمن مجموعه ای در بولایق به چاپ رسیده است

۵ التعریفات

ویژگی اثر: رساله ای است در اصطلاحات متداوله بین فقها و محدثین و متکلمین و نحاه و صرفیین و مفسرین به ترتیب حروف به چاپ رسیده است.

۶ التوضیح شرح التنقیح

ویژگی اثر: یاد داشتهایی است بر اوائل کتاب تنقیح

۷ الدیباج المذهب فی معرفه اصول الحدیث

ویژگی اثر: این رساله در علم حدیث است که یک بار در دهلی به سال ۱۳۰۲ و بار دیگر در سال ۱۳۲۸ در مقدمه کتاب جامع ترمذی چاپ شده است

۸ الرساله الحرفیه

ویژگی اثر: این رساله کوچکی است که در معنی حرف که نسخه های خطی متعددی در ایران و عراق و قاهره و لینگراد و آمریکا موجود است

۹ الرساله الشریفیه فی قواعد البحث

ویژگی اثر: این رساله در هند به سال ۱۲۸۹ چاپ شده است و نسخه های خطی آن مکرر وجود دارد

۱۰ الزاویه

ویژگی اثر: منسوب است به میرسید شریف در سه فصل - فی بیان ما قبل... نسخه شماره ۷۵۸/۲ در هیات تهران

۱۱ الشافی فی الفقه

ویژگی اثر: نسخه خطی این کتاب به شماره ۱/۱۲۰۰ در کتابخانه ایاصوفیه استانبول موجود است

۱۲ الشریفیه

ویژگی اثر: رساله ای است در فرائض که در سال ۱۲۴۵ در کلکته و در سال ۱۳۲۶ با شرح عبد الحی در لنکو چاپ شده است و نسخه اصلی آن در کتابخانه آصفیه در حیدرآباد دکن است

۱۳ العلم الالی اوالتبعی و الاستقلالی

ویژگی اثر: دو نسخه از این رساله در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است

۱۴ العلم بالوجه و العلم بالشی من ذلک الوجه

ویژگی اثر: یک نسخه از این رساله در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است

۱۵ الفرق بین العلم بالشی و بوجه

ویژگی اثر: رساله فلسفی است که به زبان عربی است سه نسخه از آن در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۸۸۰ و ۶۵۴۳ و ۶۸۶۹ موجود می باشد.

۱۶ الفرق بین الغرض و الغایه و الفایده

ویژگی اثر: گفتاری کوتاه است که در یک صفحه که دو نسخه از آن در کتابخانه سپهسالار تهران و یک نسخه هم در کتابخانه مجلس در تهران است

۱۷ الفیه

ویژگی اثر: این رساله که به فارسی در بیان معما و تصاریف و اعمال آن تالیف شده است که بالغ بر ۱۵ هزار بیت می باشد.

۱۸ المصباح فی شرح المفتاح

ویژگی اثر: گزارشی است از میرسید شریف بر قسم سوم مفتاح العلوم سکاکی که در سمرقند ساخته شده که نسخه های خری آن

فراوان است .

۱۹ امثله

ویژگی اثر : رساله مختصری است به فارسی در صرف که مکرر چاپ شده و منسوب به میر سید شریف است

۲۰ ترجمان القرآن

ویژگی اثر : میر سید شریف در این رساله به شرح واژه های قرآن به فارسی ساده پرداخته و چون لغتی در سوره دیگر مکرر شود آن را ذکر نکرده است بدین ترتیب که اول از سوره حمد شروع کرده و سپس از سوره ناس به ترتیب قهقرا تا سوره بقره را آورده است . در اواخر سده نهم هجری ، عادل بن علی این فرهنگ نامه را به ترتیب حروف تهجی در آورده است و تحریر عادل مکرر چاپ شده است

۲۱ تعلیقه بر تفسیر بیضاوی

۲۲ تعلیقه بر عوارف المعارف سهروردی

۲۳ تعلیقه بر نصاب الصبیان فراهی

۲۴ تفسیر زهراوین

ویژگی اثر : تفسیر سوره بقره و آل عمران

۲۵ جامع التعلیل

ویژگی اثر : رساله ای است به عربی در صرف و نحو . نسخه شماره ۴۹۰/۲۱۳ خانه دکتر قریشی احمد حسین قریشی قلعه داری نزدیک گجرات پاکستان .

۲۶ حاشیه آداب البعث

ویژگی اثر : اصل آن از قاضی عضد الدین ایجی که در منطق در سال ۱۲۳۶ در قسطنطنیه چاپ شده و حاشیه از میر سید شریف .

۲۷ حاشیه اشکال التاسیس (حسینی سمرقندی)

ویژگی اثر : کتاب اشکال التاسیس به توضیح پیرامون ۳۵ شکل از کتابهای اصول اقلیدس صوری را توضیح داده است که میر سید شریف بر حاشیه آن نگاشته است .

۲۸ حاشیه التحفه الشاهیه

ویژگی اثر : این کتاب که درباره ستاره شناسی و در چهارباب که آن را به خاطر وزیر امیر شاه محمد بن صدر سعید تاج الدین معتز بن طاهرتحفه شاهی - موسوم داشته است که میر سید شریف بر حاشیه آن نوشته است

۲۹ حاشیه التلویح الی کشف حقایق التنقیح

ویژگی اثر : علامه صدر الشریعه ، عبید الله بخاری که در اصول فقه آنرا نگاشته است به نام تنقیح الاصول . که بعد ها تفتازانی آن را به نام التلویح در یکی از شهرهای ترکستان به چاپ رساند که میر سید شریف بر حاشیه آن نوشته است و در کتابخانه رضوی نسخه ای از آن به شماره ۲۹۶۸ که منسوب به ملاعلی قوشچی است موجود می باشد .

۳۰ حاشیه الخلاصه فی اصول الحدیث

ویژگی اثر : این کتاب در اصول الحدیث ، تالیف شرف الدین حسن بن محمد طیبی می باشد در یک مقدمه و چهارباب و خاتمه . که میر سید شریف یادداشتهای بر آن نگاشته است .

۳۱ حاشیه العباب فی شرح اللباب

ویژگی اثر : علامه تاج الدین محمد بن محمد بن احمد بن سیف در نحو نگاشته است به نام اللباب فی النحو که شامل یک مقدمه و

چهار قسم است. که این کتاب راجمال الدین حسینی نیشابوری به شرح نقره کار و العباب فی شرح اللباب است که میر سید شریف بر حاشیه آن نوشته است.

۳۲ حاشیه العوامل الجرجانیه

ویژگی اثر: شیخ عبد القاهرین عبدالرحمان در نحو کتابی به نام العومل المائیه نگاشته است که احتمالاً نسخه ای به شماره ۲۷۸ رضوی با خط نسخ که میر سید شریف بر حاشیه آن نگاشته است.

۳۳ حاشیه الموشح فی شرح الکافیه

ویژگی اثر: این کتاب از شمس الدین محمد بن ابی بکر در نحو تألیف شده که میرسید شریف در حاشیه آن نوشته است.

۳۴ حاشیه الهدایه

ویژگی اثر: این کتاب در فقه از شیخ الاسلام برهان الدین علیبن ابی بکر مرغینانی می باشد و حاشیه از میر سید شریف گرگانی.

۳۵ حاشیه الوافیه فی شرح الکافیه

ویژگی اثر: ابن حاجب نحوی، عثمان بن عمرمالکی کتاب مختصری در نحو نوشته به نام الکافیه فی النحو که سید رکن الدین حسن بن محمد استرآبادی بر این کتاب سه شرح نوشته که شرح دوم شرح متوسط است که به نام وافیه نیز معروف است میر سید شریف بر حاشیه آن نگاشته است.

۳۶ حاشیه بر شرح قدیم تجرید

ویژگی اثر: کتاب تجرید از تالیفات خواجه نصیر الدین طوسی که شمس الدین محمود بن عبد الرحمان اصفهانی آن را شرح کرده و به نام شرح قدیم تجرید مشهور است که میر سید شریف بر حاشیه آن یادداشتهای عظیمی دارد. نسخه خطی این حاشیه در مشهد و قم و تهران موجود است که قدیمی ترین آنها به شماره ۱۱۵/ رضویاست با تحریر ۸۲۹ ه.ق و نسخه شماره ۹۳/۱۳۷۲۷ کتابخانه انکرلی بغداد هم که به نام حاشیه قوشچی معرف شده باید حاشیه میرسید شریف باشد.

۳۷ حاشیه تحریر اقلیدس

ویژگی اثر: این کتاب مشتمل بر هندسه مسطحه و حساب و خواص اعداد و هندسه فضایی که صوری نجار آنرا در عصر خلفای عباسی نوشته است و میرسید شریف بر حاشیه آن نوشته است

۳۸ حاشیه تحریر القواعد المنطقیه فی شرح الشمسیه

ویژگی اثر: این کتاب را نجم الدین علی بن عمرو قزوینی نوشته و قطب الدین محمد بن محمد تحتانی آن را شرح داده است و میر سید شریف بر حاشیه آن نوشته و نسخه های خطی آن فراوان است.

۳۹ حاشیه تفسیر کشف

ویژگی اثر: این کتاب از جار الله محمود بن عمر خوارزمی معتزلی حنفی که ضمن شرح نکات بلاغی و وجه اعجاز قرآن، مباحث اعتقادی و کلامی را به شیوه معتزله بیان کرده است که میر سید شریف از آغاز تا آیه ۲۶ سوره بقره درحاشیه آن نوشته است

۴۰ حاشیه حکمه الاشراق

ویژگی اثر: حاشیه این کتاب از میر سید شریف است

۴۱ حاشیه شرح تلخیص المفتاح

ویژگی اثر: این کتاب از تالیفات خطیب قزوینی بر شرح تفتازانی است که تلخیص المفتاح گزیده ای است بر مفتاح العلوم سکاکی و سراج الدین ابی یعقوب بن ابی بکر در معانی و بیان. میرسید شریف در حاشیه آن نوشته است. که این حاشیه درسالهای ۱۲۴۱ و

۱۲۸۹ و ۱۳۱۰ در آستانه در ۲۳۶ صفحه به چاپ رسیده است و نسخه های خطی فراوان دارد

۴۲ حاشیه شرح حکمه العین

ویژگی اثر: این کتاب تالیفی از نجم الدین ابی الحسن علیبن محمد مشهور به دبیران کاتبی قزوینی شیعی از شاگردان خواجه نصیرالدین طوسی است که میر سید شریف بر حاشیه آن نوشته است و نسخه خطی آن به شماره ۶۰۹۹ با تحریر سده ۱۱ ه.ق در کتابخانه مرعشی در قم است.

۴۳ حاشیه شرح کافیه

ویژگی اثر: این کتاب از ابن حاجب نحوی، جمال الدین عثمان بن عمر که در نحو نگاشته است و رضی استرآبادی آن را به شرح در آورده است و میر سید شریف بر حاشیه آن نوشته است.

۴۴ حاشیه شرح مختصر الاصول

ویژگی اثر: این کتاب را ابن حاجب، جمال الدین عثمان بن عمر مالکی در اصول فقه نگاشته است و عضد الدین ایجی به شرح در آورده است و میر سید شریف بر این شرح، حواشی توضیحی و تحقیقی و مزجی بر حاشیه نوشته است.

۴۵ حاشیه شرح هدیه الحکمه

ویژگی اثر: کتاب هدایه الحکمه تالیف شیخ اثیر الدین مفضل بن عمر ابهری است و به شرح میرحسین بن معین الدین میبیدی حسینی و حاشیه از میرسید شریف

۴۶ حاشیه شرح وقایه الروایه فی مسائل الهدایه

ویژگی اثر: حاشیه و یادداشتهایی از میرسید شریف بر شرح صدر الشریعه دوم عبیدالله بن مسعود محبوبی در فقه حنفی

۴۷ حاشیه لوامع الاسرار فی شرح مطالع الانوار

ویژگی اثر: حاشیه ای است بر گرگانی بر شرح قطب الدین محمد بن محمد رازی تحتانی بر کتاب مطالع الانوار تالیف قاضی سراج الدین محمود بن ابی بکر ارموی در منطق که نسخه های خطی آن در کتابخانه آستان قدس رضوی و دیگر کتابخانه ها است.

۴۸ حاشیه مشکاه المصابیح

ویژگی اثر: فرا بغوی، حسین بن مسعود شافعی این کتاب را نگاشته است و ابو عبد الله محمد بن عبد الله تبریزی این اثر را به زبان انگلیسی ترجمه و در کلکته به طبع رسانده است. میر سید شریف بر حاشیه های این کتاب یادداشتهایی نوشته است و در کتابخانه جامعه ام القری در مکه مکره سه نسخه از این حاشیه به شماره های ۱۳۸۸ و ۱۱۵۹ و ۱۱۶۰ موجود می باشد.

۴۹ حاشیه مطالع الانظار فی شرح طوابع الانوار

ویژگی اثر: قاضی بیضاوی شیرازی، عبد الله بن عمر کتاب جامع و کاملی در علم کلام به نام طوابع الانوار تالیف کرده است و شمس الدین محمود بن عبد الرحمان اصفهانی بر این کتاب شرح کامل و مفیدی به نام مطالع الانظار فی شرح طوابع الانوار نوشته و میر سید شریف بر حاشیه آن نوشته است که در آستانه به سال ۱۳۰۵ در هامش به چاپ رسیده است.

۵۰ رد شبهات معتزله

ویژگی اثر: میر سید شریف آن را به زبان فارسی جهت امیرزاده محمد حاکم شیراز نوشته است که نسخه خطی آن به شماره ۳۰۸/ الهیات تهران به جامانده است

۵۱ رساله التوحید

ویژگی اثر: نسخه خطی این کتاب به شماره ۵:۱۸۲۱ در مکتبه دارالعلوم الاسلامیه در پشاور است

۵۲ رساله القدر

ویژگی اثر: گفتار کوتاهی است به عربی پیرامون افعال عباد با بیان آراء مختلفه در این باب و شواهدی از آیات قرآن کریم. نسخه

های خطی این رساله در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و کتابخانه های دانشکده الهیات تهران و کتابخانه های آیه الله مرعشی در قم وجود دارد

۵۳ رساله در الذیعه

ویژگی اثر: این اولین آفریده میرسید شریف است که در تهران در کتابخانه الهیات به شماره ۱۵۹ موجود می باشد. و رساله مستقلی که گرگانی نیست.

۵۴ رساله فی التردید الانفصالی

ویژگی اثر: این رساله منسوب به گرگانی است و تنها آقای دانش پژوه می گوید که این رساله از محمدبن علی گرگانی می باشد و چهار نسخه از آن را در کتابخانه دانشگاه پرینستون آمریکا نشان داده است

۵۵ رساله فی الصرف

ویژگی اثر: کتاب معروفی است که به زبان فارسی می باشد و مکرر در ایران و کلکته و لنکو چاپ شده است

۵۶ رساله فی الصوت

ویژگی اثر: لنکوی و سخاوی این رساله را جزو آثار میرسید شریف دانسته و نسخه های خطی در دست نیست.

۵۷ رساله فی الموجود و مراتبها

ویژگی اثر: میرسید شریف در این رساله مراتب موجود را به حسب موجودیت به سه قسم تقسیم کرده است از اعلی تا ادنی. دو نسخه از این رساله به شماره های ۱۲۱۶ و ۱۳۱۹ در کتابخانه سپهسالار تهران و دو نسخه هم در شماره های ۶۵۴۳ و ۶۸۶۹ در کتابخانه های آیت الله مرعشی قم و یک نسخه هم به شماره ۲۳۸ در کتابخانه پرینستون آمریکا موجود است.

۵۸ رساله فی النحو

ویژگی اثر: این رساله به زبان پارسی در علم نحو و به جهت انتساب به مولف (میرسید شریف) به نحو میر معروف است. این رساله در سال ۱۸۴۳ میلادی در هندوستان به قطع وزیری چاپ شده است و سه نسخه از آن در کمبریج و بودلیان و بنگلادش موجود است

۵۹ رساله فی الوجود

ویژگی اثر: رساله کوتاهی است به زبان عربی در اثبات واجب الوجود و بیان معنی و مفهوم آن. نسخه خطی از آن به شماره ۸۸۰/ در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم موجود است.

۶۰ رساله فی الوجود (الوجودیه)

۶۱ رساله فی تحقیق الواقع

۶۲ رساله فی تحقیق نفس الامر

ویژگی اثر: محمد تقی دانش پژوه نسخه خطی این اثر را از علی بن محمد گرگانی دانسته است

۶۳ رساله فی تفسیر

۶۴ رساله فی تقسیم العلوم

ویژگی اثر: میرسید شریف در این رساله از چهار روشی که منطقیین و فلاسفه در تقسیم علم به کار می برند بحث می کند. دو نسخه از این رساله به شماره ۶۸۶۹ م در کتابخانه مرعشی قم و یک نسخه هم به شماره ۸۸۰ در کتابخانه مرکز دانشگاه تهران و یک نسخه هم به شماره ۱۶۳/ در کتابخانه دانشگاه تهران پرینستون آمریکا و یک نسخه هم به شماره ۱:۵۸۵/ در کتابخانه اندیافیس در لندن موجود است.

۶۵ رساله فی عدم کون افعال الله معلله بالاغراض

ویژگی اثر: نسخه ای این رساله به شماره ۹:۸۶ در کتابخانه عمومی اسکندریه موجود است

۶۶ رساله فی علم الادوار

ویژگی اثر: این رساله در علم موسیقی است

۶۷ رساله فی مناقب الخواجه بهاء الدین نقشبندی

۶۸ رساله ولدیه

ویژگی اثر: هفت نسخه از این رساله باقی مانده است

۶۹ رموز شرایع

ویژگی اثر: رساله ای است به فارسی که نسخه خطی آن ضمیمه شماره ۱۵۰۸۸ در کتابخانه رضوی است

۷۰ روحیه

ویژگی اثر: رساله دیگری است به فارسی در حکمت

۷۱ شرح التذکره النصریه

ویژگی اثر: کتاب التذکره النصریه که نوشته خواجه نصیر الدین طوسی است و به شرح میرسید شریف که در شهر شیراز ساخته

است. این کتاب قدیمی ترین نسخه خطی نسخه شماره ۵۵۶۷/ کتابخانه رضوی در مشهد به تحریر ۸۲۵ ه.ق وجود دارد.

۷۲ شرح امثله

ویژگی اثر: رساله مختصری است در صرف به فارس که مکرر به چاپ رسیده است

۷۳ شرح ایساغوجی

ویژگی اثر: رساله کوتاهی است در منطق که به سال ۱۳۲۱ ه.ق در مطبعه موید ثر قاهره در ۳۷ صفحه چاپ شده است

۷۴ شرح تصریف عزری

۷۵ شرح خطبه البیان

ویژگی اثر: خطبه البیان منسوب به امیر المومنین است که کهن ترین نسخه ای که هم اکنون در دست است همان نسخه ضمیمه

نهج البلاغه می باشد به شماره ۱۸۶۰/ دو نسخه خطی از این شرح در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و یک نسخه هم در کتابخانه

ملی ملک در تهران و دو نسخه هم در نجف اشرف است که قدیمی ترین آنها نسخه شماره ۱۰۱۵/۲۶ دانشگاه تهران است.

۷۶ شرح عقاید عضدی

ویژگی اثر: کتاب عضدی تالیف عضد الدین عبد الرحمان است که شروح متعددی از آن نوشته اند از جمله میر سید گرگانی

۷۷ شرح فرائض السجاوندی

ویژگی اثر: کتاب فرائض تالیف سراج الدین محمد بن محمود سجاوندی حنفی از دانایان سده هفتم هجری قمری می باشد در بیان

آراء و مذاهب چهار گانه اهل سنت. میرسید شریف در سمرقند که در سال ۸۰۴ آن را شرح داده است. کهن ترین نسخه خطی آن

به شماره ۴۶۵۵/ و دو نسخه دیگر در کتابخانه رضوی در مشهد موجود است.

۷۸ شرح فرائض نصریه

ویژگی اثر: رساله مختصری است در اصول علم و فرائض برابر مذاهب اهل بیت (ع)، که شش شرح و تعلیقه دارد که یکی از این

شرحهای آن بنا به نقل جرجی زیدان در کتاب آداب اللغه از آن میرسید شریف است.

۷۹ شرح قصیده بانب سعاد

ویژگی اثر: کعب بن زهیر ابی سلمی از شاعران عصر رسول خدا است قصیده لامیه ای در ۵۷ و یا ۵۸ بیت در بحر بسیط سروده است که به زبانهای مختلفی در کشورهای متعدد به چاپ رسیده است و میر سید شریف از جمله کسانی است که به شرح آن پرداخته است.

۸۰ شرح کافیه

ویژگی اثر: اصل این کتاب از ابن حاجب نحوی و شرح میر سید شریف گرگانی است.

۸۱ شرح کنز الدقایق

ویژگی اثر: ابو البرکات ابن کتاب را در فقه نگاشته است که میر سید شریف این کتاب را شرح کرده است

۸۲ شرح ملخص چغمینی

ویژگی اثر: شرف الدین محمود بن محمد چغمینی خوارزمی این کتاب را در علم هیات نوشته است که میر سید شریف به شرح آن پرداخته است که نسخه های خطی آن در شهر مشهد در گوهر شاد به شماره ۸۵۹ وجود دارد.

۸۳ شرح مواقف

ویژگی اثر: کتاب مواقف السلطانیه از تالیفات قاضی عضد الدین ایجی و عبد الرحمان بن احمد فارسی شیرازی در علم کلام است که میر سید شریف آن را به شرح در آورده است نسخه شماره ۱۶۱۵ در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم موجود است

۸۴ صغری

ویژگی اثر: رساله مختصری است به فارسی در منطق

۸۵ ظفر الامانی فی مختصر الجرجانی

ویژگی اثر: این رساله در مصطلح الحدیث است که در سال ۱۳۰۴ ه. ق در هند بامقدمه ابن صلاح چاپ شده است

۸۶ عشقیه

ویژگی اثر: رساله ای است در هفت فصل به فارسی که سه نسخه از آن در دارالکتب مصر و یک نسخه آن در کتابخانه سپهسالار و یکی دیگر هم در کتابخانه ملک تهران

۸۷ فی تحقیق المباحث الموجودیه و المقاصد الاصولیه

۸۸ قدم و حدوث قرآن

ویژگی اثر: این رساله ای است به زبان عربی در کلام.

۸۹ قضا و قدر

ویژگی اثر: این رساله، رساله کوتاهی است به فارسی که نسخه شماره ۶۵۹۴ مجلس شورای اسلامی

۹۰ کبری

ویژگی اثر: رساله مشهور و معروفی است در منطق به فارس که مکرر به چاپ رسیده است

۹۱ کلیات فی ماهیات الاشیاء

ویژگی اثر: فقط اسماعیل پاشا از آن یاد کرده است

۹۲ مبدا و معاد

ویژگی اثر: رساله ای است به زبان فارسی که تنها ۱۷ صفحه از آن نشان داده است که نسخه ای از آن به شماره ۲۳۸۱ توسط احمد گلچین معرفی شده است.

۹۳ مسائل علوم ثلاثه

ویژگی اثر: رساله ای است به فارسی شامل امهات مسائل علوم سه گانه یعنی علم کلام و اصول دین، علم فقه و فروع دین و علم اصول فقه که میرسید شریف آن را به نام یکی از امراء زمانش نگاشته است در سه باب و هر باب مشتمل بر مسائل یکی از علوم سه گانه .

۹۴ نسبه البصیره الی مدرکاتها

ویژگی اثر: رساله کوچکی است در کیفیت میان عقل و آنچه را که ادراک می کند. نسخه های خطی آن /۶۶۳۶ کتابخانه آیت الله مرعشی قم با خط محمد بن علی جیلی دراستر آباد و نسخه شماره /۱۰۴ و ۲۸:۷۳ کتابخانه اوقاف موصل

۹۵ نصیحت نامه

ویژگی اثر: رساله ای است به فارسی که در نه صفحه که آقای گلچین معنی عافع الله تعالی به نسخه آن در مجلس شورای اسلامی اشاره کرده است که ضمن مجموعه شماره /۱۴/۲۳۸۶ می باشد.

گرگانی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

متولد ۱۲۶۱ در گنبد کاووس. پدرش آقا جیق بای رئیس ایل ترکمن و از طایفه جعفر بای یموت بود و املاک زیادی داشت. محمد پس از تحصیلات مقدماتی عازم نجف شد و سالها به تحصیل علوم عقلی و نقلی پرداخت و درجه ای اجتهاد گرفت. پس از مراجعت به ترکمن صحرا پیشوائی مذهبی آن منطقه را عهده دار شد. بعد از استبداد صغیر با آنکه کمتر از سی سال داشت از گنبد کاووس و ایل تراکمه به وکالت مجلس دوم انتخاب شد. از دوره ی ششم به بعد متوالیا ده دوره وکالت مجلس داشت. در پارلمان کوچکترین تحرکی از او به ظهور نمی رسید. با تمام دولت ها موافقت می کرد و به تمام لوایح رأی موافق می داد. پس از انقضای دوره ی شانزدهم چون سنش از هفتاد تجاوز نموده بود دیگر به مجلس نرفت و در گنبد به امور املاک و سיעش رسیدگی می نمود. با این حال، مردی دانشمند و فرهنگ دوست بود. قریب نود سال عمر کرد. چندین همسر انتخاب کرد و فرزندان متعددی داشت. برگرفته از کتاب: شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)

گرم آبدشتی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد گرم آبدشتی

محل تولد: گرم آبدشت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد گرم آبدشتی متولد ۱۳۵۰ در روستای گرم آبدشت شهرستان رودسر متولد شدم. دوران ابتدائی و راهنمائی را در روستای همجوار سپری کردم. بعد از آن در آزمون سراسری حوزه علمیه شرکت کردم و پذیرفته شدم. دوران مقدمات حوزه را به ترتیب در مدارس حقانی، الهادی و رضویه شهر مقدس قم به پایان رساندم و درسهای پایه هفت تا ده را به صورت آزاد گذراندم. در کنار تلمذ دروس خارج فقه و اصول مدیریت معارف اسلامی حوزه را هم به عهده دارم و در کنار آن تدریس نیز می‌نمایم. در روش کلاسداری برای دانش آموزان در سال ۱۳۷۹ به عنوان مدرس نمونه کشوری انتخاب شدم.

گروسی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

امیرنظام حسنعلی خان بن محمدصادق خان سرتیپ، سیاستمدار، ادیب، نویسنده و خوشنویس مشهور دوره قاجاریه (و. بیچار حدود ۱۲۳۶- ف. کرمان ۱۳۱۷ یا ۱۳۱۸ ه.ق). درجه‌ی سرتیپی فوج گروس به ارث از پدرش به وی رسیده بود و در جنگ هرات به فرماندهی حسام‌السلطنه، وی اولین کسی بود که وارد قلعه‌ی هرات شد. در مسافرت اول ناصرالدین شاه به اروپا به سال ۱۲۹۰ ه.ق با سمت وزارت فوائد عامه جزو ملتزمین بود. گروسی مدتی نیز پیشکار مظفرالدین شاه، به هنگام ولیعهدی وی در تبریز بود. بعدها سمت وزارت مختاری فرانسه و انگلستان را یافت و مدتی هم به حکومت کرمانشاه منصوب گردید. در ۱۳۱۷ به سمت والی وارد کرمان شد و در همان شهر درگذشت و او را در آرامگاه شاه نعمه‌الله ولی در ماهان دفن کردند. وی نویسنده‌ای زبردست و خوشنویس بوده و انشا و خط وی مورد توجه و تقلید بود. از آثار وی کتاب «منشات» و «پندنامه‌ی یحویه» است که به خط بسیار زیبا برای فرزندش نوشته است.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

گزی اصفهانی، محمدتقی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

معروف به ملا تقیا از مقدسین و پیشوایان و علماء قرن دوازدهم هجری در اصفهان و از مجازین از فاضل هندی و ملا حسین ابن ملا حسن جیلی اصفهانی است. تاریخ اجازه فاضل هندی به او ۱۱۱۸ هجری قمری می‌باشد. فقیه، زاهد، و از معاریف علماء عصر صفویه بوده و در رمضان ۱۱۲۶ هجری قمری وفات یافته و در تخت فولاد اصفهان دفن گردیده است.

برگرفته از کتاب: فرهنگ تاریخ گز و برخوار

گزی، اسماعیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند عبدالکریم معروف به آقا گزی (متوفی حدود ۵۰ سال قبل) فاضل، ادیب، فقیه وارسته از شاگردان و مجازین علامه شیخ محمد رضا مسجد شاهی (متولد ۱۲۸۷ و متوفی ۱۳۶۲ هجری قمری در سن ۷۵ سالگی) که در مسجد نو و مدرسه صدر بازار و از شاگردان ممتاز مرحوم علامه نجفی محسوب می‌شده تا آنجا که در مجلس درس خصوصی علامه نجفی در دوره اختناق رضاخانی نیز که در منزل استاد تشکیل می‌شده شرکت داشته و از معاصرین مرحومان حیدرعلی خان برومند و حاج شیخ عباسعلی ادیب حبیب آبادی و حاج آقا عطاء الدوله فقیه امامی و حاج شیخ احمد فیاض سدهی فروشانی بوده و در گز و اصفهان در معارف اسلامی جهد و سعی بلیغ داشته و مورد احترام و از بزرگان علوم دینی عصر خویش محسوب و پس از وفات در تخت فولاد، تکیه کازرونی به خاک سپرده شده است. نامبرده در زهد و تقوا و ورع مورد احترام بوده و از فرزندان و احفاد ایشان آقای رضا کریمیان جزی بازنشسته آموزش و پرورش در گز و در قید حیات می‌باشد.

برگرفته از کتاب: فرهنگ گز و برخوار

گزی، خلیل

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

منشی و رقم نویس دیوان عالی و دفترخانه صفوی قرن یازدهم هجری قمری و همسرش حلیله جلیله مکرمه علیا جناب نامدار عصمت و عفت و طهارت شعار بلقیس والا شهربانو بیگم
برگرفته از کتاب: فرهنگ گز و برخوار

گزی، عبدالکریم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالکریم گزی سال ۱۲۶۰ هـ. ق در قریه ی گز و برخوار متولد شد. عبدالکریم بعد از طی مراحل مقدماتی و فراگیری برخی علوم و دانش های رایج در منطقه ی برخوار و گز راهی حوزه علمیه اصفهان شد که در آن زمان رونق ویژه ای داشت. آخوند ملا عبدالکریم گزی از محضر اساتید مبرزی مانند میرزا محمد حسن نجفی (شاگرد صاحب جواهر که از طرف میرزای شیرازی به قضاوت و رفع اختلافات می پرداخت و نیز جزو مراجع تقلید به حساب می آمد)، میر محمد صادق کتاب فروش (از شاگردان سید حجت الاسلام و صاحب جواهر)، آیت الله میرزا ابوالمعالی کلباسی و آیت الله حاج شیخ محمد باقر نجفی مسجد شاهی سود جست. پس از آن برای ادامه ی تحصیل و وصول درجات عالی علمی و معنوی راهی عتبات شد و در حوزه علمیه نجف مستقر شد و در آنجا از محضر استادان بزرگی مانند مرحوم حاج سید حسن ترک (کوه کمری)، آیت الله حاج میرزا حسین خلیلی و آقا میرزا حبیب الله رشتی که همه از علمای بزرگ بودند استفاده کرد و سرانجام در سال ۱۲۹۸ هـ. ق در سن سی و هشت سالگی به اخذ

درجه اجتهاد نائل آمد و در همان سال به اصفهان بازگشت و در یکی از حجره‌های مدرسه نیم آورد ساکن شد و مجالس درس وی در همان نهاد آموزشی (نیم آورد) دایر گردید. زندگی آخوند گزی در اصفهان بدون هرگونه تجمل و عاری از هر نوع تکلف بود، مجالس درس او جالب، دلنشین و پر محتوا بود و طلاب زیادی از محضر او سود می‌جستند.

آخوند گزی از نظر اخلاقی بسیار برجسته بود و از حسن اخلاق و مباشرت نیکویش با مردم بسیار یاد شده است. وی بیشتر با اقشار محروم جامعه نشست و برخاست می‌کرد. کلاس درس وی نیز خالی از لطف نبود و گاه‌ها حکایت‌هایی شیرین نیز نقل می‌کرد. بسیاری از افراد معاصر و مخاطب او حکایات و شوخی‌های ظریف و لطیف از وی نقل می‌کنند.

ایشان علاوه بر تدریس، مسؤولیت قضاوت و حل و فصل دعاوی مردم را بر عهده داشت. آخوند گزی شبها در مدرسه نیم آورد اقامه نماز داشت و بعد از مرگ شیخ محمد علی نجفی بنابر تقاضای اهل محل در مسجد ذوالفقار به اقامه نماز جماعت پرداخت و شب‌های پنج‌شنبه به گز می‌رفت و پنج‌شنبه و جمعه را در آنجا به سر می‌برد و به امور آن منطقه رسیدگی می‌کرد.

تألیفات آخوند گزی متعدد و در موضوعات گوناگون بوده است. از جمله می‌توان:

۱- رساله‌ای در اصول دین ۲- دیوان اشعار و مثنویات ۳- رساله‌ی حاشیه به طهارت شیخ مرتضی انصاری یا رساله علمیه

سرانجام آخوند ملا عبدالکریم گزی در سن ۷۹ سالگی در شب پنج‌شنبه سیزدهم ذی‌حجه ۱۳۳۹ برابر با ۲۶ خرداد ۱۳۰۰ شمسی دارفانی را وداع گفت و در بقعه تکیه‌ی کازرونی به خاک سپرده شد
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره القبور (۴۲۰-۴۱۸)، الذریعه (۴/۴۴)، سرآمدان فرهنگ (۵/۱)، شرح حال رجال (۵/۱۴۷)، مصفی المقال (۲۳۳)، همایی‌نامه (۲۰-۱۹).

گزی، محمد حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند محمّد ابراهیم بن محمّد علی بیک شیروانی. عالم فاضل معتمّر، مؤلف کتب فقهیه، در شب ۲ شنبه ۲۶ رمضان المبارک سال ۱۳۲۶ وفات یافته، نزدیک فاضل هندی در تخت فولاد مدفون شده، سپس به نجف منتقل گردید.

از آثار او کتاب «مجمع الرسائل» است که عده‌ای از مجتهدین بر آن حاشیه نوشته‌اند.

خود از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و دیگران بوده است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

گلایری، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی گلایری

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در تاریخ ۱۵ شهریور ۶۵ وارد حوزه علمیه مازندران شدم و مدت ۴ سال تالمعتین در آنجا از محضر استاد ارجمند حضرت آیت الله فاضل دام ظلّه بهره بردم و سپس وارد حوزه علمیه قم شدم و از محضر اساتیدی همچون حضرت آیت الله اعتمادی و حاج آقا محمدی و درس خارج حضرات آیات تبریزی، مرحوم صالحی مازندرانی و جوادی آملی استفاده کردم و در این مدت ۴ سال در موسسه تخصصی کلام حضرت آیت الله سبحانی و مدت ۴ سال کلاس فن خطابه در دفتر تبلیغات اسلامی گذراندم و از سال ۸۲ همکاری خود را با مجله وزین رواق اندیشه شروع نمودم که حاصل آن چاپ دوازده مقاله بوده است.

کلیپایگانی نجفی، عبدالله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۷ - ۱۲۸۵ ق)، عالم دینی و فقیه. مقدمات را در اصفهان فراگرفت. سپس به نجف رفت. او از خواص شاگردان آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، صاحب «کفایه الاصول»، بود که از محضر استاد بهره‌ها برد و بحث استاد را برای شاگردان تقریر می‌کرد. او خود مستقلاً حوزه‌ی درسی داشت که عده‌ای از فضلا در آن شرکت می‌کردند. وی در نجف به بیماری سل درگذشت و در وادی السلام دفن شد. از آثارش: «التبر المسکوک فی حکم اللباس المشکوک»؛ «فصل القضاء لانتصار الرضا»، در انکار معانی مجازی؛ «تقریرات» استادش، در فقه و اصول. [۱]

شیخ عبدالله کلیپایگانی متولد ۱۲۸۵ و متوفی ۱۳۲۷ ق عالمی جلیل و فقیهی متبحر و محقق فاضل از شاگردان بزرگ و مخصوص علامه خراسانی آخوند ملا محمد کاظم صاحب (کفایه الاصول) و مقررین درس او و صاحب آثار گرانقدری مانند (التبر المسکوک فی حکم اللباس المشکوک) و (فصل القضاء لانتصار الرضا) در انکار معانی مجازیه بوده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۲۳۴/۱۶، ۳/۳۱۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۸۸ - ۱۴/۱۱۸۷)، گنجینه‌ی دانشمندان (۶/۴۲۶)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۳/۱۱۱۱).

کلیپایگانی، بهزاد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نقاش، گرافیسیت.

تولد: ۱۳۱۷، تهران.

درگذشت: دی ۱۳۶۴.

بهزاد گلپایگانی فارغ‌التحصیل دانشکده‌ی هنرهای تزئینی از دانشگاه تهران است. سپس به فرانسه رفت و به تحقیق درباره‌ی نقاشی و طراحی پرداخت. وی در چندین نمایشگاه فردی و جمعی شرکت داشته است، نقاشی‌هایش سال‌ها زینت‌بخش کتاب‌های درسی مدارس بود.

وی به سبب سکته‌ی قلبی پس از یک دوره بیماری طولانی درگذشت.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

گلپایگانی، جعفر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۳۷ ق)، عالم دینی و فقیه. اصل وی از روستای سعیدآباد گلپایگان است. او از خواص شاگردان و ملازمان آیت‌الله میرزا حبیب‌الله رشتی در نجف بود. پس از درگذشت استادش، وی در ۱۳۱۴ ق، به تهران آمد و سالها به انجام وظایف دینی مشغول بود. او در اواخر عمر در مشهد مجاور گردید و در همان جا درگذشت. از آثارش شرح «نجاه العباد» می‌باشد. [۱]

شیخ جعفر گلپایگانی از اجلاء علماء آن سامان از قریه سعیدآباد و شاگردان میرزا حبیب‌الله رشتی و مجاورین آستان قدس رضوی بوده و در سال ۱۳۳۷ ق وفات نموده.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه: [۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۷۷ / ۱۴)، معجم رجال الفكر و الادب فی نجف (۳ / ۱۱۱۰)، معجم المؤلفین (۱۴۳ / ۳).

گلپایگانی، جمال‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۹ - ۱۲۹۵ ق)، عالم دینی، فقیه، مرجع تقلید و شاعر. در قریه سعیدآباد گلپایگان به دنیا آمد و پس از فراگرفتن مقدمات به اصفهان رفت و سطوح را در آنجا خواند. آن گاه در ۱۳۱۹ ق به نجف مهاجرت نمود و از محضر علامه خراسانی و علامه یزدی و حاج آقا رضای همدانی، صاحب «مصباح الفقیه»، و نیز آیت‌الله میرزا محمد تقی شیرازی، در سامرا، استفاده کرد. سپس از خواص اصحاب و شاگردان میرزای نایینی شد. در اخلاق از شاگردان حاج سید احمد کربلایی و از دوستان و نزدیکان حاج سید علی آقا قاضی بود. ملکات فاضله اخلاقی و مقامات معنوی و حالات باطنی عجیب او به گونه‌ای بود که او را جمال‌السالکین لقب داده‌اند. او در مدح ائمه اطهار (ع) و به خصوص حضرت ولی عصر (عج) اشعار بسیاری به فارسی و عربی سروده است. وی در کنار «تقریرات»

بسیاری از اساتید خود، کتاب‌های مستقلى نیز در فقه مانند: «طهارت» و «صلاة» و «وصایا» و «اجاره» و «مکاسب» و چندین راسله عملیه از خود به جای گذاشته است. از دیگر آثار وی: رساله‌ای در «غیبت»؛ «رساله فی الترتب»؛ «اجتهاد و تقلید»؛ «اجتماع امر و نهی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴/۲۰۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۳۰۹)، گنجینه‌ی دانشمندان (۷/۲۷۲، ۴۲۱، ۶/۴۲۰-۶)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۳/۱۱۰۹-۱۱۱۰).

گلپایگانی، حبیب‌الدین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، حکیم و عارف. متولد در گوگرد، از قریه‌های گلپایگان، که مولد اکثر علمای آن دیار است. ملا محمد به احتمالی شاگرد آخوند ملا علی نوری بوده است. آثار او عبارت‌اند از: «تکملة الصافی»؛ «تقریب المرام علی القسم الاول من تهذیب الکلام»؛ «کشکول» و «واردات غیبی»، در اخلاق که در ۱۳۲۱ ق به اهتمام شیخ حسینعلی تهرانی چاپ شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۹/۲۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۷/۵۱۰).

گلپایگانی، حبیب‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حبیب‌الله گلپایگانی تحصیلات خود را در اصفهان به پایان رسانیده و سپس مجاور مشهد مقدس رضوی گردیده و از ائمه جماعت مسجد گوهرشاد بوده تا آخر کار در مدرسه خیرات خان حجره داشت که در آن حجره تدریس فقه و حدیث و تفسیر و درس اخلاق می‌نمود و در ماه جمادی‌الثانی ۱۳۸۴ بدرود حیات گفت و در یکی از رواقهای حرم مطهر به خاک سپرده شد عاش سعیدا و مات سعیدا.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

گلپایگانی، ذوالفقار

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

امیر ذوالفقار گلپایگانی معاصر شیخ بهاء‌الدین عاملی و شرکاء بحث او بوده چنانچه مجلسی اول آن جناب را با شیخ دیده که مشغول مقابله صحیفه کامله بوده و ارجع به سند آن بحث می‌کردند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

گلپایگانی، رضا

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

و نیز از علماء بزرگ که از آنجا برخاسته مرحوم آقا میرزا رضا بوده که ارجوزه در شرح دره مرحوم بحرالعلوم نگاشته و در ۱۲۸۰ وفات نموده و فرزندش آقا میرزا هدایت‌الله نیز از فقهاء و علماء بزرگ آن سامان بوده و مجلس مرافعه و قضاوت داشته.

(وف ح ۱۲۸۰ ق)، عالم دینی و مرجع. او پدر میرزا هدایت‌الله گلپایگانی و از معاصران میرزا زین‌العابدین گلپایگانی بود. او در زادگاهش مرجع امور دینی مردم و دارای نفوذ تام بود. از آثارش شرح منظوم بر «الدره» سید مهدی بحرالعلوم، در فقه، می‌باشد. [۱] برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان الشیعه (۷/۱۵)، الذریعه (۱۳/۲۳۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۴۵-۵۴۴/۱۳)، معجم المؤلفین (۱۶۳/۴).

گلپایگانی، ضیاء‌الدین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ ضیاء‌الدین بن میرزا هدایه‌الله بن میرزا رضا گلپایگانی فقیهی بارع و عالمی کامل بوده و پدر و جدش نیز از علماء بزرگ آن سامان بوده‌اند

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

گلپایگانی، عبدالکریم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ عبدالکریم بن حاج آقا رضا گلپایگانی عالمی ورع و فقیهی بارع (داماد علامه آمیرزا رضا گلپایگانی) و مروجین و خدمتگذاران بزرگ دینی بوده تا در حدود ۱۳۳۰ ق به رحمت حق پیوسته

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

گلپایگانی، کاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج سید کاظم موسوی گلپایگانی از علماء اعلام و دانشمندان عظام معاصر است در تهران. وی در روز ششم سال ۱۳۲۴ قمری هجری در گلپایگان متولد شده و در سن ۱۳ سالگی در سال ۱۳۳۸ قمری برای تحصیل به اراک آمده و بعد از مهاجرت مرحوم آیت‌الله حایری به قم باتفاق بعضی از اعظام حوزه مهاجرت به قم نموده و چون مشغول بخواندن سطح بوده و در سال اول تأسیس حوزه دروس سطحی قم مورد پسند ایشان نبوده مرحوم والدش ایشان را باصفهان فرستاده و سطوح عالی را در اصفهان از محضر مرحوم آیت‌الله حاج سید محمد صادق اصفهانی و مرحومین آیتین آقا سید محمد و آقا سید علی نجف آبادی خوانده و در سن ۱۳۴۴ قمری مراجعت به قم نموده و از محضر مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله یثربی کاشانی مدت هفت سال استفاده نموده و در سال ۱۳۵۱ قمری به اراک هجرت نموده و تا سال ۱۳۸۲ قمری بالغ بر سی و یکسال توقف و بخدمات دینی پرداخته تا سال مزبور که منتقل به تهران و در مختاری خیابان شاهپور سکونت و به اقامه جماعت و تفسیر قرآن مجید در مسجد (مختاری) و تدریس و مباحثات اشتغال دارد.

نگارنده گوید: معظم له عالمی منبع الطبع و بزرگوار می‌باشد در مدت توقفش در اراک خدمات شایانی نموده و عده زیادی از محصلین اراکی را تربیت نموده است و پرورش یافته‌گان حوزه ایشان از ائمه جماعت و نویسندگان برجسته اراک و قم و تهران می‌باشند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

گلپایگانی، محمد تقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۹۸ / ۱۲۹۲ - ۱۲۱۸ ق)، عالم دینی، فقیه، حکیم، طبیب، فیلسوف، مجتهد، عارف و زاهد. در ۱۲۵۸ ق به نجف رفت و در محضر شیخ محمد حسن نجفی، صاحب «جواهر»، و شیخ علی کاشف الغطاء و سید ابراهیم قزوینی و شیخ مرتضی انصاری و حجت‌الاسلام بروجردی تلمذ نمود. در زمان خودش، در نجف، کسی در حکمت و رشته‌های متنوع آن، برتر از او نبود. وی استاد صاحب «التکمله» در علم الهی است. در نجف درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد. او کتاب‌های بسیاری در حکمت، طب و فقه تصنیف کرد. از آثارش: شرح «اصول الکافی»؛ شرح «الرساله الذهبیه»؛ منتخب «احیاء العلوم»؛ منتخب «امل الآمل»؛ منتخب «جامع السعادات»؛ منتخب «شرح الهدایه»؛ منتخب کتاب «السماء و العالم»؛ منتخب «الکشکول»؛ منتخب «الملل و النحل»؛ مختصر «مسکن الشجون»؛ رساله‌ای در علم کلام؛ رساله در علم کیمیا؛ «حاشیه»، در طب.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۹ / ۱۹۳)، الذریعه (۲۲ / ۳۶۹، ۲۰۹، ۱۰۷، ۱۰۶ - ۲۰ / ۹۶، ۲۷۱، ۲۷۰ / ۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳ / ۲۰۵)، فوائد الرضویه (۴۳۸ - ۴۳۷)، گنجینه‌ی دانشمندان (۷ / ۴۹۹)، معجم رجال الفكر و الادب فی النجف (۳ / ۱۱۱۲)، معجم المؤلفین (۱۳۳ - ۱۳۲ / ۹).

گلپایگانی، محمد رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۴۱۴ - ۱۳۱۶ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مدرس و مرجع تقلید. در روستای گوگرد گلپایگان به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات و مقداری از سطوح نزد علمای آنجا در ۱۳۳۶ ق به اراک رفت. پس از تکمیل سطوح در ۱۳۳۷ ق در درس فقه و اصول آیت‌الله حایری حاضر شد. در ۱۳۴۰ ق به همراه استادش به قم رفت و از محضر ایشان و آیت‌الله شیخ محمد رضا نجفی استفاده نمود و خود به تدریس سطوح پرداخت. با درگذشت آیت‌الله حایری او تدریس خارج فقه و اصول را شروع نمود. پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی بخش عمده‌ای از اداره‌ی حوزه‌ی علمیه قم به او واگذار شد. از اقدامات مهم وی: اعزام مبلغ به خارج از کشور و نیز در داخل به شهرستان‌ها و روستاها، اهتمام به تألیف کتب دینی به زبان‌های مختلف و نشر آن در کشورهای خارجی به طور رایگان، ایجاد زمینه و تشویق برای حفظ قرآن کریم در حوزه‌ی علمیه قم. از آثارش: احداث ساختمان وضوخانه، حمام، رختشویخانه و سالن قرائت برای مدرسه‌ی فیضیه؛ تأسیس بیمارستانی در قم؛ تأسیس مدارسی در قم؛ تأسیس حوزه‌ی علمیه در سنقر؛ تأسیس حسینیه و مرکز نشر معارف اسلامی در سنندج؛ ساختمان حسینیه و مرکز نشر معارف اسلامی در سنندج؛ ساختمان مسجد جامع و مدرسه علمیه در الیگودرز؛ ساختمان مسجد و تأسیس کتابخانه در فریدونکنار. از آثار علمی وی: «بلغه الطالب فی التعلیق علی المکاسب»؛ کتاب «القضاء»؛ کتاب «الشهادات»؛ کتاب «الحج»؛ تقریرات خارج فقه در مسأله ولایت فقیه؛ کتاب «الطهاره»؛ «نائج الافکار فی نجاسة الکفار»؛ «لدر المنصود فی احکام الحدود»؛ حاشیه بر «درر الفوائد»؛ حاشیه بر «عروه الوثقی»؛ حاشیه بر «وسائل»؛ «توضیح المسائل»؛ «مناسک حج» [۱].

مرجع تقلید، فقیه، عالم روحانی.

تولد: ۱۲۷۷ (۸ ذی‌القعده ۱۳۱۶ ق). قریه گوگرد گلپایگان.

درگذشت: ۱۸ آذر ۱۳۷۲ (۲۴ جمادی‌الثانی ۱۴۱۴ ق.).

آیت‌الله العظمی سید محمدرضا گلپایگانی، فرزند سید محمدباقر از علمای گلپایگان بود. نه ساله بود که پدرش از دنیا رفت. وی پس از فوت پدر به تحصیل علوم متداوله و به ویژه علوم دینی پرداخت و پس از تحصیلات مقدماتی و تکمیل مقداری از سطوح را نزد علمای آن دیار، در اوایل سال ۱۳۳۶ ق. به شهر اراک که به مناسبت اقامت آیت‌الله العظمی حائری یزدی در آن شهر مرکزیت یافته بود، مهاجرت کرد و پس از تکمیل سطوح در سال ۱۳۳۷ ق. در کلاس‌های فقه و اصول آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی شرکت کرد. در شعبان ۱۳۴۰ ق. آیت‌الله العظمی حائری به قم رفت و به تأسیس حوزه‌ی علمیه مبادرت کرد و شخصا از آیت‌الله گلپایگانی دعوت نمود و ایشان در شوال همان سال به قم عزیمت و تدریس سطوح را آغاز کردند. پس از فوت آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، آیت‌الله گلپایگانی به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت. در سال‌های آخر عمرش که درس خارج وی در مسجد اعظم قم تشکیل می‌شد، نزدیک به هشتصد تن از فضلاء علما و طلاب در آن کلاس شرکت می‌جستند.

بعد از فوت آیت‌الله سید حسین بروجردی که سرپرستی حوزه‌ی علمیه به عهده آیت‌الله العظمی گلپایگانی و علمای دیگر قرار گرفت و جمعیت طلاب رو به افزایش گذارد. وی مدارس خیابان تهران، خیابان چهارمندان و خیابان صفائیه را تأسیس نمود که در این مدارس گذشته از دورس قدیمه عربی و نحو و منطق و غیره دروس جدید ادبیات فارسی و علوم روز هم به انضمام دروس اخلاق و عقاید و تفسیر تدریس می‌شد.

آثار به جای مانده از وی همچون مساجد و مدارس و بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها و مراکز تبلیغی خارج از کشور بسیار بوده است. مهم‌ترین آنها مدرسه عظیم و مجهز به دستگاه کامپیوتر در قم، مرکز تبلیغی لندن، مسجد جامع گلپایگان و بیمارستان در قم بوده

است.

از جمله کتاب‌ها و مکتوبات برگرفته از تقریرات درسی وی، می‌توان از کتاب‌های زیر نام برد: مختصر الاحکام؛ مناسک؛ بلغة الطالب فی التعلیق علی المکاسب (تقریرات درس خارج فقه براساس بیع مکاسب شیخ انصاری) که فقط بخشی اندکی از آن تقریر شده است؛ کتاب القضاء (دو جلد تقریرات درس خارج فقه در باب قضاء) کتاب الشهادات (تقریرات درس خارج فقط در باب شهادات)؛ کتاب الحج (دو جلد تقریرات درس خارج فقه در مسأله ولایت فقیه)؛ الدر المنضود فی احکام الحدود (تقریر درس خارج فقه در باب حدود)؛ نائج الافکار فی نجاسة الکفار (تقریر درس خارج فقه در مسأله نجاست کفار)؛ کتاب الطهار (تقریر درس خارج فقه و باب طهارت).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] آینه‌ی دانشوران (۱۹۸-۱۹۷، ۸۹-۸۸)، الذریعه (۲۶۷/۲۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۴۲/۱۴)، کلک (س ۴، ش ۴۵ و ۴۶، ص ۳۱۴)، کیهان فرهنگی (س ۱۰، ش ۹، ص ۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۶-۳۱/۲، ۶۲-۶۱/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹۶-۳/۱۹۵).

گلپایگانی، محمدتقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در فوائدالرضویه است: عالم ربانی زاهد استاد صاحب التکمله فی العلم الهی قال سلمه الله لم یکن فی النجف الاشرف افضل منه فی الحکمه بجمیع اقسامها حتی علم الطب کان تارکا للدنیا ساکنا احد حجر الصحن الفوقانیة و لم یتزوج حتی توفی سنه ۱۲۹۲ و دفن بالنجف کان من تلامذه حجة الاسلام البروجردی صنف کتبا کثیره فی الحکمه و الطب و الفقه.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

گلچین گیلانی، مجدالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۳/۱۳۵۱-۱۲۹۰/۱۲۸۹ ش)، پزشک و شاعر، متخلص به گلچین. معروف به گلچین گیلانی. در رشت به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش و متوسطه را در تهران به پایان رساند و در رشته‌ی فلسفه و علوم تربیتی موفق به اخذ لیسانس شد. سپس به انگلستان رفت و در رشته‌ی طب به دریافت درجه دکترا نایل گردید. پس از آن در لندن اقامت گزید و دیگر به ایران نیامد. گلچین از نوجوانی به شاعری پرداخت و کم‌کم اشعارش مورد توجه قرار گرفت و برای اولین بار در ۱۳۰۷ ش در مجله «ارمغان» و بعدها در مجله‌های «روزگار نو»، «فروغ» و «سخن» انتشار یافت. شعر باران او یکی از معروفترین شعرهایی است که قسمتی از آن در کتاب‌های ابتدایی کوکان به چاپ رسید. در واقع او اولین شاعر نوپردازی است که شعرش به کتاب‌های ابتدایی راه یافت. از آثارش: سه مجموعه‌ی شعری: «گلی برای تو»، «مهر و کین» و «نهفته» یا «نهضت»، که در ۱۹۴۸ م در لندن به چاپ رسید؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ادبیات نوین (۳۵۵، ۱۶۹، ۸۱)، از بهار تا شهریار (۳۸۳-۳۷۲/۲)، چشمه‌ی روشن (۵۴۵-۵۳۴)، چون سبوی تشنه (۱۶۲، ۱۰۹، ۱۰۳، ۱۰۲)، الذریعه (۴۳۰/۲۴، ۹/۹۳۱)، سخنوران نامی معاصر (۳۰۵۲-۳۰۴۹/۵)، فرهنگ سخنوران (۷۷۹)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۳۳، ۲/۳۱۹۵)، کتاب گیلان (۷۱۶-۷۱۵، ۶۰۹-۶۰۷/۲)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۵۹)، مؤلفین کتب چاپی (۱۸۷-۱۸۶/۵)، نامها و نامدارهای گیلان (۴۳۵-۴۳۱).

گلچین معانی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۷۹-۱۲۹۵ ش)، استاد دانشگاه، تذکره نویس، مورخ، مصحح، فهرست نویس و شاعر، متخلص به گلچین. در تهران و در خانواده‌ی مذهبی به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات، در ۱۳۱۳ ش، به استخدام وزارت دادگستری درآمد و تا ۱۳۳۸ ش در آنجا مشغول خدمت بود. او از ۱۳۳۰ ش در کتابخانه ملی نیز خدمت می‌کرد و بعد از ۱۳۳۸ ش به طور تمام وقت در کتابخانه‌ی مجلس مشغول شد. در ۱۳۴۲ ش به دعوت نایب‌التولیه آستان قدس رضوی، برای تنظیم فهرست کتب خطی آنجا، به مشهد مهاجرت کرد. وی در حین خدمت دولت به تحصیل ادامه داد و از محضر اساتید مختلف بهره برد. در ۱۳۵۶ ش برای تدریس در دوره‌ی فوق لسانس و دکترای زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه مشهد دعوت شد. گلچین از سیزده سالگی شروع به سرودن شعر کرد و در پانزده سالگی رسماً قدم در وادی شعر نهاد و آثارش در روزنامه‌های «نسیم شمال» و «توفیق» انتشار یافت. او با امیری فیروزکوهی و رهی معیری معاشرت و مصاحبت داشت. وی در ۱۳۱۴ ش به انجمن ادبی حکیم نظامی پیوست و با وحید دستگردی همکاری نمود. در آن انجمن، علاوه بر شعرخوانی، «خمس» نظامی مقابله و تصحیح می‌شد و گلچین از محضر استادان ادب فنون و رموز شعر آموخت. وی پس از درگذشت استاد وحید برای تأسیس انجمن ادبی ایران در منزل محمد علی ناصح زحمات زیادی کشید. گلچین معانی مقالات ادبی، تاریخی و کتابشناسی زیادی در مجلات مختلف از جمله: «ارمغان»، «مهر»، «دانش»، «یغما»، «سپاهان»، «راهنمای کتاب» و غیره نوشته است. از آثار وی: «گلزار معانی»، «شهر آشوب در شعر فارسی»، «تاریخ تذکره‌های فارسی»، در دو مجلد؛ تذکره‌ی «پیمان»؛ ذیلی بر تذکره‌ی «میخانه»؛ «کاروان هند»؛ رساله در احول «آل بنجیر»؛ «مکتب وقوع در شعر فارسی»؛ تصحیح و تکمیل تذکره‌ی «میخانه» عبدالنبی فخرالزمانی قزوینی؛ تصحیح «لطایف الطوائف»؛ «راهنمای گنجینه‌ی قرآن»؛ «فرهنگ اشعار صائب»؛ «دیوان» شعر. اهتمام در انتشار کتابهای: «تاریخ ملا زاده» احمد بن محمود بخاری، در ذکر مزارات بخارا؛ «کنوز الاسرار و رموز الاسرار»، شرح منظوم «السوانح فی العشق» احمد غزالی؛ فهرست مجموعه‌های خطی کتابخانه‌ی مجلس؛ فهرست قسمتی از کتب خطی کتابخانه‌ی عبدالحسین بیات. [۱]

احمد گلچین معانی، از شاعران و محققان نامدار است که به سال ۱۲۹۵ خورشیدی در تهران متولد گردید و یکی از محققانی است که کتاب‌های وی مأخذی برای همه شیفتگان اهل هنر و تحقیق می‌باشد. وی در سال ۱۳۱۳ در ادار کل ثبت مشغول خدمات دولتی گردید.

«اشک و آه»

بی تو سوزی بدل انگیخته دارم چون شمع

اشک و آه بهم آمیخته دارم چون شمع

چه کشی دامنم از دست، که سیلی ز سرشک
تا بدامن ز غمت ریخته دارم چون شمع
همه شب بهر نثارت رخت از مخزن چشم
رشته‌های گهر آویخته دارم چون شمع
اشک من تیره از آنست، که خاکستر غم
بسر از آتش دل بیخته دارم چون شمع
چون گهر روشن از آنم که بجز رشته اشک
رشته‌ها از همه بگسیخته دارم چون شمع
نیست تا در برم آن آتش سوزان، گلچین
شوری از سوز دل انگیخته دارم چون شمع
«ماه»

دیدم ای ماه که شمع شب تارم نشدی
تا نکشتی ز غمم، شمع مزارم نشدی
بی‌خبر از بر من رفتی و این دردم کشت
که خبردار ز دشواری کارم نشدی
روی برتافتی و پشت و پناه دل من
نشدی کز همه جا رو بتو آرام، نشدی
زاریم دیدی و آنقدر تغافل کردی
که خبردار ز حال دل زارم نشدی
غافل از یاد تو بودم که نگشتی یارم؟
یا بدیدی که غم روی تو دارم، نشدی؟
یاد آن عهد، که از یکدلی و یک جهتی
لحظه‌ی دور، ز آغوش و کنارم نشدی
گفتی آرام ندارد دل گلچین بی من
چکنم مایه آرام و قرارم نشدی
باز هم مهر تو می‌پرورم اندر دل تنگ
گرچه عمری بتو دل بستم و یارم نشدی
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] از بهار تا شهریار (۵۰۸-۴۹۶/۲)، چشمه‌ی روشن (۷۰۶-۷۰۲)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی
(۸۰۹)، الذریعه (۱۸/۲۱۸، ۹/۹۳۱)، سخنوران نامی معاصر (۳۰۵۹-۳۰۵۳/۵)، صدف (۵۶۷-۵۵۳)، فرهنگ سخنوران (۷۷۹)،
فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/۲۸۰۸، ۱/۷۵۵، ۸۳۷)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۰۷)، کیهان فرهنگی (س ۸، ش ۸
ص ۹-۳)، گلزار معانی (۶۱۰-۵۸۵).

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۳۲۰ ق)، نقاش و طراح. وی نقاش و طراح گل و مرغ و سایر نقوش دیگر بر روی پارچه و مخملها بود. از آثار او پرده‌ی بزرگی در زمینه‌ی تیره‌ای از مخمل است که بر روی آن، انواع و اقسام گلها و شکوفه‌ها، به اصطلاح رشتی دوزی شده و رقم «محمد گلدوز باشی ۱۳۲۰» دارد.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۲/۶۰۸).

گلزی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۳ ش)، پزشک و نویسنده. او در ۱۳۲۰ ش از دانشکده‌ی پزشکی تهران فارغ‌التحصیل شد و سپس ریاست درمانگاه بیماری‌های میزه‌راه بیمارستان ابن سینا را بر عهده گرفت. از آثار وی: «بیماریهای میزه‌راه»، در دو جلد.
بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/۵۷۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲/۸۵۳).

گلستانه، محمد تقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند میرزا محمد مهدی. عالم فاضل، ساکن طهران. پدرش از علمای طهران و امام مسجد قنات آباد بوده و در سال ۱۳۲۲ وفات یافته. وی به جای پدر امامت می‌نموده. از احفاد سید علاء الدین محمد شارح نهج البلاغه می‌باشد. دارای کتابخانه آبرومندی بوده است.

بر گرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

گلستانه، محمدعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند محمد باقر بن حسین بن سید علاء‌الدین.

فاضل ادیب، در اواخر قرن سیزدهم هجری در اصفهان محترم و معزز می‌زیسته، و منصب استیفاء داشته، و در سال ۱۲۹۰ مسجد صفا واقع در محله‌ی شهبهان را بنا نموده، و اثر خیری از خود به یادگار نهاده. کتیبه‌ی مسجد به خط محمدتقی بن محمد ابراهیم خطاط اصفهانی است. ماده تاریخ بنا این است:

بنا شد چو این مسجد با صفا
به عون خداوند رکن و حطیم
ز پرتو به تاریخ آن شد سوال
بگفتا «لساعیه فوز عظیم»

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

گلستانی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی گلستانی

محل تولد: همدان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۷/۹/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات حوزوی

سال ورود به حوزه ۱۳۳۳ در شهر همدان/ همان سال شروع به درس خارج ۱۳۵۰، اینجانب شیخ علی گلستانی در سال ۱۳۱۷ در شهر همدان متولد شدم و تحصیلات ابتدائی را در آنجا گذراندم سپس وارد حوزه علمیه همدان مدرسه آیه... آخوند همدانی شدم و بعد از چهار سال به قم مشرف شده به محضر آیه... فاضل لنکرانی و جعفر سبحانی رسیدم و از آنان کسب فیض کرده و سپس به محضر آیه الله العظمی سید شهاب الدین الحسینی مرعشی رسیدم و بعد از ایشان آیه الله گلپایگانی و شیخ جواد تبریزی کسب فیض کردم و در این مدت اقدام به تألیف این کتب نیز نمودم ضمناً یک کتاب عربی نیز در دست چاپ دارم.

گلستانی، هاشم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فلسفه و حکمت اسلامی، دانشکده:، دانشگاه: آزاد اسلامی اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فلسفه و حکمت اسلامی از دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۸، دکترای فلسفه و حکمت اسلامی از دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۵.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

شرح و تفسیر و نقد متون فلسفی عربی به زبان فارسی، علوم تربیتی، علوم قضائی، استاد راهنمای ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

فلسفه، منطق، کلام، علم‌النفوس، روانشناسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

فلسفه اسلامی، منطق، آراء، تربیتی فیلسوفان اسلامی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

گلسرخی، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۳۱۸ ش)، پزشک، روزنامه‌نگار و نویسنده. وی فارغ‌التحصیل در رشته‌ی طب و دامپزشکی و از اعضای عالی‌رتبه‌ی وزارت کشاورزی بود. در ۱۲۹۷ ش مجله‌ی «بیطاری» را منتشر کرد و در ۱۳۱۰ ش شروع به انتشار مجله‌ی «فلاحت» تحت نظارت اداره کل فلاحت در تهران نمود. نشر این مجله تا آخر ۱۳۱۷ ش ادامه یافت و در ۱۳۱۸ ش گلسرخی به شغل دیگری روی آورد. از دیگر آثارش: «امتحان گوشت»، «حفظ الصحه‌ی زنان و دختران»، «علاج الخیل» یا «فرس نامه»، «کتاب فلاحت»، در دو مجلد؛ «علاج الطیر».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ جراید (۸۸- ۸۷/۴، ۴۶- ۴۳/۲)، الذریعه (۳۰۲، ۱۷۱/۱۶)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۳۲- ۳۳۱/۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/۲۳۲۹، ۱۱۷۸، ۱/۳۳۰)، مؤلفین کتب چاپی (۶/۱۴۶).

گلشن، عبدالحمید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. از آثار وی: «دلکش و پریش»؛ «روابط حکمت اشراق و فلسفه ایران باستان»، ترجمه، با مشارکت احمد فردید.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۷۵۲/۲، ۱۴۵۱/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۷۸۱/۳).

گلشنی، عبدالکریم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالکریم گلشنی چهاردهم خردادماه ۱۳۰۷ در شهر رشت در محله «مسجد ملاعلی محمد» به دنیا آمد. عبدالکریم تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس زادگاه خود، قآنی، امید، تربیت و شاهپور، همزمان با تعلیمات دوره ای خارج مدرسه، به پایان برد. تابستان ۱۳۲۰ در مکتب سرای مرحوم شیخ محمدرضا انشایی، راسته علاقبندان، به مشق خط مشغول شد. سال بعد در کلاس دوم دبیرستان به آموختن زبان روسی پرداخت و تا اخذ شهادت نامه و برگزاری جشن فارغ التحصیلی از طرف انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی به مدت هفت سال در رشت و تهران ادامه داد. او سال ۱۳۲۹ در دانشکده افسری ثبت نام کرد و خدمت وظیفه را در گارد گمرک مشهد به پایان برد و در سال ۱۳۳۰ هفته نامه سیاسی - انتقادی «هفگز» را با همکاری تنی چند از دوستان آزاده و صاحب نظرش در رشت منتشر کرد که جمعاً هفده شماره (از آذر ۱۳۳۰ تا خرداد ۱۳۳۱) به چاپ رسید. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مدت سه سال در وزارت فرهنگ به شغل معلمی روی آورد و در سال ۱۳۳۵ برای ادامه تحصیلات دانشگاهی به آلمان رفت. قبل از ثبت نام در دانشگاه، مقدمات آلمانی را در کلاس های زبان آموخت. شش ماه هم در کارخانه کنتس الکتروموتور در هامبورگ - آلتونا از نزدیک با «کار در آلمان» آشنا شد که در پیشرفت مکالمه وی تأثیر داشت. گلشنی تا سال ۱۳۴۸ در دانشگاه هامبورگ به تحصیل و تحقیق و تدریس اشتغال داشت در سال ۱۳۴۷ به دریافت درجه دکترای تاریخ و شرق شناسی «Dr.phil» نایل شد. در شهریور ۱۳۴۸ به دعوت رسمی دانشگاه به وطن بازگشت و به عنوان استاد قراردادی و سرپرست بخش تاریخ دانشکده ادبیات و علوم دانشگاه شیراز به تدریس و پژوهش مشغول شد. دکتر عبدالکریم گلشنی از فضیلت افتخار آفرین این سرزمین است. او با حوصله و همت عمر گرانبهایش را در این مسیر صرف کرده است. مقالات او که بیش از صد عنوان است، درباره تاریخ و معارف اسلامی، ادبیات، تاریخ ایران و تاریخ پیش از اسلام است.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

گرایش: ایران دوره اسلامی

والدین و انساب: پدر عبدالکریم گلشنی در کاروانسرای «شیشه کوچک» به داد و ستد اشتغال داشت و تجارت او بیشتر با انواع کاغذ و مقوا بود. در حریق بازار به سال ۱۲۹۸ هجری شمسی حجره او و همسایگانش طعمه آتش شد و ناگزیر به سرای گلشن تغییر مکان داد که بعدها به «گلشنی» شهرت یافت. به نوشته شادروان ابراهیم فخرایی، در این آتش سوزی که ظاهراً عمدی بوده و به

قصد غارت اموال بازرگانان صورت گرفت، بسیاری از تاجران اموال خود را از دست دادند.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: عبدالکریم گلشنی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس زادگاه خود، قآنی، امید، تربیت و شاهپور، همزمان با تعلیمات دوره‌ای خارج مدرسه، به پایان برد. تابستان ۱۳۲۰ در مکتب سرای مرحوم شیخ محمدرضا انشایی، راسته علاقبندان، به مشق خط مشغول شد. سال بعد در کلاس دوم دبیرستان به آموختن زبان روسی پرداخت و تا اخذ شهادت نامه و برگزاری جشن فارغ التحصیلی از طرف انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی به مدت هفت سال در رشت و تهران ادامه داد در سال ۱۳۳۵ برای ادامه تحصیلات دانشگاهی به آلمان رفت. قبل از ثبت نام در دانشگاه، مقدمات آلمانی را در کلاس‌های زبان آموخت تا سال ۱۳۴۸ در دانشگاه هامبورگ به تحصیل و تحقیق و تدریس اشتغال داشت. در سال ۱۳۴۷ به دریافت درجه دکترای تاریخ و شرق شناسی «Dr.phil» نایل شد.

فعالیت‌های ضمن تحصیل: عبدالکریم گلشنی سال ۱۳۲۹ در دانشکده افسری ثبت نام کرد و خدمت وظیفه را در گارد گمرک مشهد به پایان برد و در سال ۱۳۳۰ هفته‌نامه سیاسی - انتقادی «هفگز» را با همکاری تنی چند از دوستان آزاده و صاحب‌نظرش در رشت منتشر کرد که جمعاً هفده شماره (از آذر ۱۳۳۰ تا خرداد ۱۳۳۱) به چاپ رسید. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مدت سه سال در وزارت فرهنگ به شغل معلمی روی آورد و در سال ۱۳۳۵ برای ادامه تحصیلات دانشگاهی به آلمان رفت.

استادان و مربیان: عبدالکریم گلشنی تا سال ۱۳۴۸ در دانشگاه هامبورگ به تحصیل و تحقیق و تدریس اشتغال داشت و از محضر استادانی چون برتولد اشپولر، ولفگانگ لنتس، هریرت بوسه و هلموت براون بهره‌ها برد.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: عبدالکریم گلشنی در شهریور ۱۳۴۸ به دعوت رسمی دانشگاه به وطن بازگشت و به عنوان استاد قراردادی و سرپرست بخش تاریخ دانشکده ادبیات و علوم دانشگاه شیراز به تدریس و پژوهش مشغول شد. در سال ۱۳۵۵ پس از انتقال به دانشگاه تهران به عنوان مدیر گروه تاریخ دانشگاه تهران ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۴ و رئیس کمیته تخصصی تاریخ در همکاری با شورای عالی برنامه ریزی ستاد انقلاب فرهنگی از ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۸ مشغول به کار بوده است. و همچنین با سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) همکاری داشته است.

فعالیت‌های آموزشی: بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ عبدالکریم گلشنی به مدت سه سال در وزارت فرهنگ به کار معلمی پرداخت. در شهریور ماه ۱۳۴۸ به دعوت رسمی دانشگاه (سابق) به وطن بازگشت و به عنوان استاد قراردادی و سرپرست بخش تاریخ دانشکده ادبیات و علوم دانشگاه شیراز به کارهای علمی و اداری مشغول شد. در سال ۱۳۵۵ به تهران انتقال یافت و به جمع استادان و اعضای هیئت علمی گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران پیوست و مدیریت گروه تاریخ دانشگاه تهران را بر عهده گرفت. دکتر گلشنی ضمن اشتغال به امور آموزشی و تدریسی در دانشگاه‌های هامبورگ، شیراز، تهران، شهید بهشتی (ملی سابق)، تربیت معلم و آزاد اسلامی، به کارهای پژوهشی نیز پرداخته است.

سایر فعالیت‌ها و برنامه‌های روزمره: عبدالکریم گلشنی در مطبوعات سابقه بسیار طولانی دارد و در این راه عمر بسیار صرف کرده است در آن ایام یعنی پس از جنگ جهانی دوم بین سال‌های ۱۳۳۲ - ۱۳۲۰ که روزنامه‌ها بدون محابا حقایق اخبار و اطلاعات را در اختیار مردم می‌گذاشتند. او که جوانی پرشور و آزادیخواه بود و فارغ از قید و بند و سرشار از روحیه مردم‌سالاری بود در انتشار «هفگز» در رشت همکاری داشته است. فریدون نوزاد - شاعر و پژوهشگر گیلانی در نشریه گیلان ما - در وصف ویژگی‌های عبدالکریم گلشنی می‌گوید: «در چنین حال و هوایی، جوانی پرشور و هیجان، عاشق آزادی و رهایی مردم از قید بند، سرشار از روحیه مردم‌سالاری با گردآوری چند نوجوان نوخیز و ضد استبدادی و قلدری به دور خویش، هفته‌نامه طنزپرداز هفگز را در رشت بنیاد نهاد. عبدالکریم گلشنی از زنده‌یاد محمدصادق غنچه صاحب امتیاز و مدیر هفته‌نامه صفدر خواست تا اجازه دهد به صورت ضمیمه صفدر با شعار: «هفگز بلای جان عدوی وطن بود» منتشر شود و او نیز با سعه صدری که داشت، بدون هیچ شرطی

موافقت خود را اعلام داشت و بدین سان نخستین شماره این نشریه را با سرمقاله پرمحتوا انتشار داد. انتشار هفگزر درست همزمان با هفدهمین دوره انتخابات مجلس شورای ملی ایران صورت گرفت و در میان مردم گیلان آنچنان محبوبیتی یافت که فریدون نوزاد می گوید: «بازار داغی در میان مردم یافته و به راستی غوغا می کرده است و موجبی فراهم آورده بود که هفگزر بلافاصله پس از انتشار نایاب می شد.» حضور عبدالکریم گلشنی در نشریه هفگزر باعث جلا و ارتقای آن نشریه بود. او با احاطه بر اصول شعری و ادبیات موجب صلابت بیشتر اشعار به چاپ رسیده در آن نشریه شد. فریدون نوزاد درباره عبدالکریم گلشنی می گوید: «عبدالکریم گلشنی که امروزه از فضایی افتخارآفرین جامعه ماست بشدت از بیگانگی پرستی نفرت داشت و هنوز هم این ویژگی را در نهاد خود حفظ کرده است. به همین علت همان گونه که با رهبران فرمانبردار بعضی از احزاب اشتباه کار می جنگید. از مبارزه با مسئولان زورگو و مردم ستیز هم باز نمی ایستاد، برای او جمال امامی، سیدشوشتری یا رئیس قدرتمند شهربانی های گیلان، علی بنی آدم فرماندار رشت و همچنین سرتیپ مغروری فرمانده تیپ منطقه به خاطر خصلت مردم ستیزی که داشتند، با آن گروه اول تفاوتی وجود نداشت، هر دو گروه بد می کردند، و بدی را نمی باید بدون جزا و مکافات گذاشت.

چگونگی عرضه آثار: از عبدالکریم گلشنی پنجاه مقاله تحقیقی در زمینه تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام در مجلات علمی آلمان و ایرانی به جای مانده است. عبدالکریم گلشنی در بسیاری از جشن نامه ها مانند یادگار نامه فخرایی به کوشش رضا رضازاده لنگرودی، جشن نامه استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب به کوشش علی دهباشی، ستوده نامه به کوشش ایرج افشار و یادنامه و جشن نامه دکتر محمدامین ریاحی مقالات با ارزش و گرانقدر ارائه کرده اند. مقاله های ارزشمندی که در نگارش آنها از جان مایه گذاشت و عمر خود را در این مسیر صرف کرد تا دانشجویان و استادان تاریخ بتوانند از آنها بهره ببرند. در مقاله ای از او با عنوان «جمال الدین شروانی» که در «دانشنامه جهان اسلام» منتشر شده است؛ می خوانیم: «جمال الدین شروانی، وزیر موسی خان از شوال تا ذیحجه ۷۳۶ وزیر امیرعلی پادشاه، وی پسر تاج الدین علی بود. با مرگ سلطان ابوسعید بهار در ۱۳ ربیع الآخر ۷۳۶ و فقدان فرمانروایی لایق اقتدار دولت ایلخانی وسیله ای برای قدرت طلبی امیران با نفوذ شد. پس از جلوس آرپاخان / آرپای گائون، به جانشینی ابوسعید، این که غیاث الدین محمد، وزیر سلطان ابوسعید، امرا را به اتحاد دعوت کرده بود، امیرعلی پادشاه، دایی سلطان ابوسعید و حکمران دیاربکر، به سلطنت آرپاخان رضایت نداد و موسی خان مغول نواده بایدو را به شاهی برگزید...» «... ایلخانان مغول در بیش از یک قرن فرمانروایی در ایران (۶۵۳، ۷۵۶) به رغم حفظ وحدت دولت، نتوانستند حدود مسئولیت صاحبان مناصب و وزیران را مشخص کنند و نفوذ هر ایلخان یا وزیر در قلمرو حاکمیتش، به شخصیت خود او بستگی داشت و همین موضوع یکی از عوامل انقراض این سلسله شد.»

آثار:

۱ - طبقات ابن سعد

ویژگی اثر: نخستین ترجمه، تصحیح و چاپ، نشریه تاریخ (مجله تخصصی گروه تاریخ دانشگاه تهران)

۲ ابوحنیفه دینوری گیاه شناس. از فؤاد سزگین.

ویژگی اثر: ترجمه عبدالکریم گلشنی. به کوشش دکتر مهدی محقق. تهران. «از بلبر برگ کتاب النبات را، از نظر ریخت شناسی گیاهی (مورفولوژی) «جالب ترین قسمت گیاه شناسی آن روزگار یافته است» و در آن یک نظریه ریخت شناسی نسبتاً فوق علمی پیدا کرده که اصطلاحات به کار رفته و رایج برای اعضا و اندام های مختلف گیاه و تعریف و تبیین واژه ها آن را تصدیق و تأیید می کند. (یک عامل با ارزش دیگر) این تجسم جنبه های ریخت شناختی (مورفولوژیکی)، ارائه اشکال پیچیده نبات از طریق مقایسه با نمونه های معلوم و مشهور است. این همان واقعیتی است که برتسل Bretzl در بررسی های گیاه شناختی یونان، در

- کارتو فراست، Theophrast، بازشناخته است و در تحقیقاتش در زمینه گیاه‌شناسی راه اسکندر، به طور ممتاز و پرمعنایی، توصیف و ویژگی های گیاه را از نظر ریخت‌شناسی و قیافه‌شناسی نشان داده است.»
- ۳ ستوده نامه (دکتر منوچهر ستوده). پاسخ ابن عمید به پرسش های عضدالدوله. از پروفیسور هانس دای بر.
- ویژگی اثر: ترجمه و تلخیص از عبدالکریم گلشنی پژوهش های ایران‌شناسی، نامواره دکتر محمود افشار، جلد ۱، به کوشش ایرج افشار با همکاری کریم اصفهانیان - محمدرسول دریاگشت. تهران
- ۴ فرهنگ ایران در قلمرو ترکان
- ۵ قیام گئومات مغ (ترجمه)
- ۶ مقابله متن آلمانی با ترجمه کتاب «تاریخ نگارش های عربی» تألیف فواد سزگین، جلد اول (علوم قرآنی، حدیث، تاریخ، فقه، عقاید و تصوف) و جلد دوم (شعر).
- ویژگی اثر: چاپ خانه کتاب
- ۷ مقالات چاپ شده در دایرة المعارف بزرگ اسلامی،
- ویژگی اثر: زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی
- ۸ مقالات در دانشنامه جهان اسلام
- ویژگی اثر: زیر نظر غلامعلی حداد عادل، جلد تهران
- ۹ نقد و معرفی کتاب تقویم التواریخ
- ویژگی اثر: تألیف حاجی خلیفه کاتب چلبی. تصحیح میر هاشم محدث. آئینه میراث، سال اول شماره ۱، تهران
- برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

گلشیری، هوشنگ

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

هوشنگ گلشیری در سال ۱۳۱۶ در اصفهان به دنیا آمد. در سال ۱۳۲۱ همراه با خانواده به آبادان رفت. از سال ۱۳۲۱ تا ۱۳۳۴ در آبادان اقامت داشت که این دوره از زندگی را باید شکل‌دهنده حیات فکری و احساسی او دانست. پدرش کارگر بنا، سازنده مناره‌های شرکت نفت بود، و ما مدام از خانه‌ای به خانه دیگر می رفتند. از سال ۱۳۳۴ تا ۱۳۵۲ هم در اصفهان زیسته است. گلشیری اولین داستانش را در سال ۱۳۳۷ زمانی که در دفتر اسناد رسمی کار می کرد نوشت. پس از گرفتن دیپلم، معلم شد، در دهی دورافتاده در سرراه اصفهان به یزد. گلشیری در سال ۱۳۳۸ تحصیل در رشته ادبیات فارسی را در دانشگاه اصفهان آغاز کرد. آشنایی با انجمن ادبی صائب در همین دوره نیز اتفاقی مهم در زندگی او بود. شرکت در جلسات انجمن صائب زمینه‌ساز آشنایی با برخی اهل قلم آن روز اصفهان شد که در نشست‌های ادبی دیگر تداوم یافت. آشنایی با برخی فعالان سیاسی در این جلسات او را وارد عرصه فعالیت سیاسی کرد که به دستگیری‌اش در اواخر سال ۱۳۴۰ انجامید. در پایان شهریور ۱۳۴۱ از زندان آزاد و در همان سال از دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان فارغ‌التحصیل شد. در این زمان دیگر چند شعر و یک داستان از او در مجلات پیام نوین، فردوسی، و کیهان هفته به چاپ رسیده بود. این نشست‌های ادبی که به دلیل حساسیت ساواک در خانه‌ها ادامه یافت، هسته اصلی جنگ اصفهان شد.

از شماره دوم ابوالحسن نجفی، احمد میر علائی، ضیاء موحد و بعدتر تعدادی از نویسندگان و شاعران جوان به حلقه همکاران پیوستند. جنگ اصفهان که این جمع را به عنوان قطبی در ادب معاصر شناساند کمابیش با همین ترکیب تا سال ۱۳۶۰ در یازده شماره منتشر شد. گلشیری تعدادی از داستان‌های کوتاه و چند شعر خود را در شماره‌های مختلف جنگ به چاپ رساند. در سال ۱۳۴۷، این داستان‌ها را در مجموعه مثل همیشه منتشر کرد.

گلشیری و تعدادی از یاران جنگ اصفهان، در سال ۱۳۴۶، همراه با عده‌ای دیگر از اهل قلم در اعتراض به تشکیل کنگره‌ای فرمایشی از جانب حکومت وقت بیانیه‌ای را امضا کردند و با تشکیل کانون نویسندگان ایران در سال ۱۳۴۷ به عضویت آن درآمدند. در سه دوره فعالیت کانون در جهت تحقق آزادی قلم و بیان و دفاع از حقوق صنفی نویسندگان، گلشیری همواره از اعضای فعال آن باقی ماند. در دوره‌های دوم و سوم فعالیت کانون، به عضویت هیئت دبیران نیز انتخاب شد.

رمان شازده احتجاج را در سال ۱۳۴۸، و رمان کریستین و کید را در سال ۱۳۵۰ منتشر کرد. در اواخر ۱۳۵۲، برای بار دوم به مدت شش ماه به زندان افتاد و به مدت پنج سال نیز از حقوق اجتماعی، از جمله تدریس محروم شد. ناچار در سال ۱۳۵۳ به تهران آمد. در تهران با بعضی از یاران قدیمی جنگ که ساکن تهران بودند و عده‌ای دیگر از اهل قلم جلساتی هفتگی برگزار کردند. مجموعه داستان نمازخانه کوچک من (۱۳۵۴)، و جلد اول رمان بره گمشده راعی (۱۳۵۶) حاصل همین دوره بود. در سال ۱۳۵۴، نمایشنامه‌ای از او به نام سلامان و ابدال به روی صحنه آمد. این نمایشنامه هنوز منتشر نشده است.

در سال ۱۳۵۶، تدریس در گروه تئاتر دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران را به صورت قراردادی آغاز کرد. در پائیز همین سال، گلشیری در ده شب شعری که کانون نویسندگان ایران با همکاری انجمن فرهنگی ایران و آلمان - انستیتو گوته - در باغ این انجمن بر پا داشت، سخنرانی‌ای با عنوان جوانمردی در نثر معاصر فارسی ایراد کرد. در بهمن همین سال، برنده جایزه فروغ فرخزاد شد. در تابستان ۱۳۵۷، برای شرکت در طرح بین‌المللی نویسندگی به آیواسیتی در آمریکا سفر کرد. در چند ماه اقامت در خارج از کشور در شهرهای مختلف سخنرانی کرد و در زمستان ۱۳۵۷، پس از بازگشت به ایران، به اصفهان رفت و تدریس در دبیرستان را از سر گرفت.

گلشیری در بهمن ۱۳۵۸ معصوم پنجم را منتشر کرد. سال ۱۳۶۱ آغاز انتشار گاهنامه نقد آگاه بود. مطالب این گاهنامه را شورایی متشکل از نجف دریابندری، هوشنگ گلشیری، باقر پرهام و محسن یلفانی (بعدتر، محمدرضا باطنی) انتخاب می‌کردند. انتشار این نشریه تا سال ۱۳۶۳ ادامه یافت.

در اواسط سال ۱۳۶۲، گلشیری جلسات هفتگی داستان‌خوانی را که به جلسات پنج‌شنبه‌ها معروف شد، با شرکت نسل جوان‌تر داستان‌نویسان آغاز کرد. در این جلسات که تا اواخر سال ۱۳۶۷ ادامه یافت، نویسندگانی چون اکبر سردوزامی، مرتضی ثقفیان، محمود داوودی، کامران بزرگ‌نیا، یارعلی پورمقدم، محمدرضا صفدری، اصغر عبداللهی، قاضی ربیحاوی، محمد محمدعلی، ناصر زراعتی، رضا فرخفال، آذر نفیسی، بیژن بیجاری، عبدالعلی عظیمی، علی موذنی، عباس معروفی، منصور کوشان، شهریار مندنی‌پور، منیرو روانی‌پور شرکت داشتند.

در این جلسات آثار منتشر شده‌ای از شهرنوش پارسی‌پور، سیمین دانشور، تقی مدرس، محمود دولت‌آبادی، رضا جولایی، ابوالحسن نجفی، رضا براهنی، نجف دریابندری و اکبر رادی نیز با حضور خود آنها نقد و بررسی شد.

جبه‌خانه در سال ۱۳۶۲ و حدیث ماهیگیر و دیو در سال ۱۳۶۳ منتشر شد. گلشیری از اواخر سال ۱۳۶۴، با همکاری با مجله آدینه از اولین شماره آن، و پس از آن، دنیای سخن، و پذیرش مسئولیت صفحات ادبی مفید برای ده شماره (۶۵ تا ۶۶) دور تازه‌ای از کار مطبوعاتی خود را در حالی آغاز کرد که انتشار این نشریات سرآغاز فضای تازه‌ای در مطبوعات ادبی بود. سردبیری ارغوان که فقط یک شماره منتشر شد (خرداد ۱۳۷۰)، و سردبیری و همکاری با چند شماره نخست فصلنامه زنده رود (۱۳۷۱ تا ۱۳۷۲) ادامه فعالیت

های مطبوعاتی او تا پیش از سردبیری کارنامه بود. در سال ۱۳۶۸، در اولین سفر به خارج از کشور پس از انقلاب برای سخنرانی و داستان‌خوانی به هلند (با دعوت سازمان آیدا)، و شهرهای مختلف انگلستان و سوئد رفت. در سال ۱۳۶۹ نیز برای شرکت در جلسات خانه فرهنگ های جهان در برلین به آلمان سفر کرد. در این سفر در شهرهای مختلف آلمان، سوئد، دانمارک و فرانسه سخنرانی و داستان‌خوانی کرد. در بهار ۱۳۷۱ به آلمان، امریکا، سوئد، بلژیک و در بهمن ۱۳۷۲ هم به آلمان، هلند، بلژیک سفر کرد.

مجموعه داستان پنج گنج در سال ۱۳۶۸ (سوئد) فیلمنامه دوازده رخ در سال ۱۳۶۹، رمان‌های در ولایت هوا در سال ۱۳۷۰ (سوئد)، آینه‌های دردار (امریکا و ایران) در سال ۱۳۷۱، مجموعه داستان دست تاریک، دست‌روشن در سال ۱۳۷۴، و در ستایش شعر سکوت (دو مقاله بلند در باره شعر) در سال ۱۳۷۴ منتشر شد.

گلشیری تدریس ادبیات داستانی را که پس از اخراج از دانشگاه مدت کوتاهی در دفتر مجله مفید ادامه داده بود، در سال ۱۳۶۹ با اجاره محلی در تهران و برگزاری کلاس‌های آموزشی و جلسات آزاد ماهانه از سر گرفت. در این دوره که به دوره تالار کسری معروف شد، ابوالحسن نجفی، م.ع. سپانلو و رضا براهنی نیز به دعوت گلشیری کلاس‌هایی برگزار کردند.

در کنار ادبیات و نقد معاصر، ضرورت شناخت متون کهن نیز از دلمشغولی‌های گلشیری بود. او به همراه دوستانی از اهل قلم در جلساتی هفتگی، که از سال ۱۳۶۱ آغاز شد و پانزده سالی ادامه داشت، بسیاری از آثار کلاسیک فارسی را بازخوانی و بررسی کرد.

در فروردین ۱۳۷۶، اقامتی نه‌ماهه در آلمان به دعوت بنیاد هاینریش بل فرصتی شد برای به پایان رساندن رمان جن‌نامه که تحریر آن را سیزده سال پیشتر آغاز کرده بود. در همین دوره، برای داستان‌خوانی و سخنرانی به شهرهای مختلف اروپا رفت و جایزه لیلیان هلمن / دشیل همت را نیز دریافت کرد. در زمستان ۱۳۷۶، رمان جن‌نامه (سوئد) و جدال نقش با نقاش انتشار یافت.

گلشیری سردبیری ماهنامه ادبی کارنامه را در تابستان ۱۳۷۷ پذیرفت و نخستین شماره آن را در دی ماه همین سال منتشر کرد. در این دوره جلسات بررسی شعر و داستان نیز به همت او در دفتر کارنامه برگزار می‌شد. یازدهمین شماره کارنامه به سردبیری او پس از مرگش در خرداد ۱۳۷۹ منتشر شد.

گلشیری در دوازدهم تیرماه ۱۳۷۸ جایزه صلح اریش ماریا رمارک را در مراسمی در شهر ازنا بروک آلمان دریافت کرد. این جایزه به پاس آثار ادبی و تلاش‌های او در دفاع از آزادی قلم و بیان به او اهدا شد. در مهر ماه همین سال در آخرین سفرش در نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت شرکت کرد. سپس برای سخنرانی و داستان‌خوانی به انگلستان رفت. مجموعه مقالات باغ در باغ در پاییز ۱۳۷۸ منتشر شد.

به دنبال یک دوره طولانی بیماری، که نخستین نشانه‌های آن از پاییز ۱۳۷۸ شروع شده بود، هوشنگ گلشیری در ۱۶ خرداد ۷۹ در بیمارستان ایرانمهر تهران در گذشت و در امامزاده طاهر در مهر شهر کرج به خاک سپرده شد.

گل‌گلاب، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۳۴۷، تهران.

در گذشت: ۲۲ اسفند ۱۳۶۳، تهران.

حسین گل‌گلاب، فرزند میرزا مهدی‌خان مصورالملک (نقاش و عکاس دوره قاجار)، تحصیلات ابتدایی را در مدرسه علمی و

متوسطه را در دارالفنون به سال ۱۲۹۵ به پایان رسانید. از سال ۱۲۹۸ که تدریس علوم طبیعی مدرسه‌ی دارالفنون را عهده‌دار شد تا سال ۱۳۰۷ دوازده جلد کتاب در رشته‌ی علوم طبیعی تألیف نمود. ضمناً در دانشکده‌ی حقوق به تحصیل پرداخت و به دریافت دانشنامه‌ی لیسانس در رشته‌ی قضایی و علوم سیاسی در سال ۱۳۰۱ نایل آمد. به سال ۱۳۰۷ تصدی کارهای عملی گیاه‌شناسی در دانشکده‌ی پزشکی به عهده‌ی وی محول شد و از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۳ در دبیرستان نظام و دانشکده‌ی پزشکی تدریس گیاه‌شناسی را بر عهده داشت. به سال ۱۳۱۴ که کلاس مقدمات طب به دانشسرای عالی انتقال یافت، به معاونت دانشسرای عالی و دانشکده‌ی علوم و ادبیات منصوب گردید و در همین سال طبق مقررات قانون دانشگاه به دریافت درجه‌ی دکتری در رشته‌ی علوم نایل شد و به تدریس فیزیولوژی گیاهی در دانشسرای عالی و گیاه‌شناسی در دانشکده‌ی پزشکی پرداخت. در سازمان نوین دانشکده به استادی کرسی بیولوژی گیاهی و ریاست آزمایشگاه مربوطه انتخاب گردید.

دکتر گل‌گلاب در سال‌های ۱۳۲۴ و ۱۳۲۶ علاوه بر تدریس به معاونت دانشکده‌ی پزشکی منصوب شد و تا سال ۱۳۲۷ در این سمت خدمت کرد و از پس از معاونت کناره‌گیری کرد و فقط به تشکیل فرهنگستان، به سبب تخصص در معادل‌یابی در رشته‌های علمی، به عضویت پیوسته‌ی این مؤسسه برگزیده شد و در سال ۱۳۱۵ سردبیری فرهنگستان نیز به وی واگذار شد.

علاوه بر کتاب‌های متوسطه تألیفات دکتر گل‌گلاب به شرح زیر است: پایان‌نامه‌ی دکتری راجع به «نباتات» ایران که خلاصه‌ی آن در سال ۱۳۱۳ به چاپ رسید، در این پایان‌نامه شش هزار گیاه که در ایران می‌روید توصیف شده است؛ گیاه (راهنمای گیاهی)؛ گیاه‌شناسی (برای دانشجویان دانشکده‌ی پزشکی)؛ فرهنگ گیاهان معمولی و دارویی؛ تدوین برخی از کتاب‌های درسی گیاه‌شناسی، زمین‌شناسی، تشریح و فیزیولوژی حیوانی و شیمی برای دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها (از سال ۱۳۱۲ الی ۱۳۲۶)؛ تاریخ طبیعی (در قسمت‌های مختلف)؛ جغرافیا (۱۳۱۰)؛ مشخصات جغرافیای طبیعی ایران (تألیف م. پتروف، ترجمه از روسی، ۱۳۳۶)؛ ترجمه‌ی بیش از پنجاه قطعه نمایش کلاسیک برای هنرستان هنرپیشگی (برخی از این نمایشنامه‌ها در مجلات به چاپ رسیده است)؛ ترجمه‌ی کامل «اپرای کارمن» به نظم فارسی که مطابق با آهنگ‌های اصلی است؛ ترجمه‌ی کامل «اپرای فوست» به نظم فارسی مطابق با آهنگ‌های اصلی. وی موسیقی می‌دانست و سرود هم می‌ساخت. از جمله سرودهایی که ساخته است، می‌توان به این دو عنوان اشاره نمود: «ای ایران ای مرز پر گهر» و «آذربایجان».

(۱۳۶۵/۱۳۶۳-۱۲۷۴ ش)، نویسنده، مترجم، موسیقیدان و استاد دانشگاه. وی در تهران به دنیا آمد. پدرش نقاش و عکاس دوره‌ی قاجار بود. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ی علمیه، در محضر استادانی چون: عبدالعظیم قریب، میرزا ابراهیم قمی مسعودی، غلامحسین رهنما و شمس‌العلماء قریب شروع کرد و دوره‌ی متوسطه را در دارالفنون به پایان برد. در دوره‌ی متوسطه، علاوه بر زبان انگلیسی و فرانسه، مقدمات زبان روسی را در کلاس اسکندرخان ماردیروسیان فراگرفت. پس از پایان دوره‌ی متوسطه به تدریس در مدرسه‌ی دارالفنون مشغول شد. در ۱۳۰۱ ش به دریافت لیسانس حقوق نایل آمد و در ۱۳۰۷ ش به تدریس در مدارس نظام منصوب شد. وی دارای لیسانس در رشته‌ی قضایی و علوم سیاسی و دکتری در رشته‌ی علوم بود. او به تدریس فیزیولوژی گیاهی، در دانشسرای عالی و گیاه‌شناسی، در دانشکده‌ی پزشکی پرداخت و در سازمان نوین دانشکده به استادی کرسی بیولوژی گیاهی و ریاست آزمایشگاه مربوطه انتخاب شد. دکتر گل‌گلاب علاوه بر تدریس مدتی به معاونت دانشکده پزشکی منصوب گردید. وی مدتی نیز سردبیر فرهنگستان بود. او در دوره‌ی تحصیلات متوسطه در محضر درس آقا حسنقلی، استاد تار، به فراگیری این هنر نیز پرداخت و با مقدمات موسیقی ایران آشنا شد. سپس در مدرسه‌ی موسیقی کلنل علینقی وزیر ثب نام کرد و به تشویق وزیر چندین سرود و تصنیف به عنوان نمونه تهیه کرد که مورد پسند قرار گرفت. وی همچنین با انجمن موسیقی ملی در زمینه‌ی تصنیف و سرود همکاری داشت. سرودهای «ای ایران» و «آذربایجان» از آثار هنری اوست. گل‌گلاب به نقاشی، عکاسی و شعر نیز علاقه‌مند بود. او در زمینه‌ی واژه‌یابی معادل در رشته‌های علمی تخصص داشت و عضو فرهنگستان ایران بود. از آثار علمی وی:

«تاریخ طبیعی»، تشریح و فیزیولوژی حیوانی؛ «تاریخ طبیعی»، زمین شناسی؛ «تاریخ طبیعی»، گیاه شناسی؛ «تاریخ طبیعی»، قسمت چهارم، «حفظ الصحة»؛ «پایان نامه دکتر»، درباره‌ی نباتات ایران؛ «فرهنگ گیاهان معمولی و دارویی»؛ «شیمی فلزات»؛ «جغرافیا»؛ ترجمه‌ی «مشخصات جغرافیای طبیعی ایران» [۱].
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ برگزیدگان (۳۹۶-۳۹۴)، تاریخ تحول ضبط موسیقی (۳۱۳، ۲۳۶، ۲۳۵)، تاریخ موسیقی (۲/۴۹۰)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۵/۳۳۶)، زندگینامه‌ی مشاهیر رجال پزشکی (۱۴۰-۱/۱۲۹)، سرگذشت موسیقی (۱/۳۲۴)، شرح حال رجال (۵/۳۰۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۷۲۲-۱/۷۲۱)، مردان موسیقی (۱۳۲، ۲۴، ۴/۲۲، ۲/۱۹۸)، مؤلفین کتب چاپی (۸۵۳-۲/۸۵۱).

گل گلاب، داریوش

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مترجم، محقق.

تولد: ۱۳۱۴، تهران.

درگذشت: ۲۶ شهریور ۱۳۶۷، تهران.

داریوش گل گلاب فرزند حسین گل گلاب، متخصص رادیولوژی و دانشیار دانشکده‌ی علوم پزشکی بود و علاوه بر این به عکاسی هم می‌پرداخت. وی سه کتاب در زمینه‌ی عکاسی تألیف و منتشر کرد. کتاب‌های او عبارتند از: بررسی فنی عکاسی (دو جلد، رنگی، سیاه و سفید) ترجمه تاریخ عکاسی (تألیف جین کیم)؛ نظارت بر ترجمه‌ی رادیوگرافی دستگاه ادرار توسط مهدی غفوری و محمود بنی یعقوب، ترجمه و تألیف اطلس سونوگرافی.

داریوش گل گلاب به دلیل نارسایی قلبی در بیمارستان توس درگذشت و در بهشت زهرا قطعه‌ی هشت به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

کلمانی، عبدالکریم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

کتاباد نیشابوری، ابویعقوب اسحاق

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۱۶ ق)، محدث. از محمد بن یحیی ذهلی و ابوالزهرا و نعیم بن رزین و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید. حسین بن علی و جماعتی دیگر از وی حدیث شنیده‌اند.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۲/۸۹)، تاریخ نیشابور (۱۳۴)، معجم البلدان (۲/۱۹۱).

کتابادی خراسانی، سلطانعلی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، طبیب و نویسنده. در دوره‌ی صفویه می‌زیست. مدت چهل سال، یعنی تا ۹۳۳ ق، در خراسان و ماوراء النهر و به ویژه در سمرقند به فراگیری دانش پزشکی پرداخت و مدتی در دربار ابوالمنصور کوچکونجی خان ازبک، پسر ابوالخیر خان، معروف به کوچوم خان (۹۳۶-۹۱۶ ق) به سر می‌برد و تحت ملازمت وی بود. از آثارش: کتاب «دستور العلاج»، به فارسی، که در ۹۳۳ ق در دو مقاله نوشته شده، در مورد بیماری‌های موضعی، در بیست و پنج فصل و بیماری‌های عمومی، در هشت فصل، وی این کتاب را به درخواست ابوالمظفر محمود سلطان، پدر عبیدالله خان ازبک، تألیف نمود؛ «مقدمه‌ی دستور العلاج»، در یک مقدمه و دو مقاله، در بیان حفظ صحت و بیان حد طب و احوال تندرستی و بیماری و احوال نبض و غیره که به دستور ابوالغازی سلطان ابوسعید خان ازبک، پسر کوچوم خان (۹۳۹-۹۳۶ ق) نوشت؛ «رساله‌ی علاجیه».
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۳۵۶-۳۵۵/۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۹۸)، الذریعه (۸/۱۶۲).

کتابادی نیشابوری، ابوبکر عبدالغفار

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۱۰-۴۱۴ ق)، مسند و محدث. مسند نیشابور بلکه مسند خراسان بود. پدرش ابوالحسن محمد بن حسین از علمای گناباد بود از ابوطاهر مخلص استماع حدیث کرده بود. عبدالغفار شش ساله بود که استماع علوم اسلامی را شروع کرد و از قاضی ابی‌بکر محمد خیری یا حیری و ابوسعید محمد صیرفی و ابومنصور عبدالقاهر اصولی بغدادی و محمد مزکی و فضل‌الله میهنی و ابوبکر بن ریزه در نیشابور و اصفهان حدیث شنید. ابوبکر سمعانی و ابوسعید سمعانی و ابوالفتوح طائی و عبدالرحیم حاجی و عبدالمنعم فراوی از وی حدیث روایت کرده‌اند. سمعانی در «انساب» او را ستوده است. مردم از اطراف برای استفاده از وی به نزدش می‌رفتند. او تا پایان عمر نزدیک به صد ساله‌اش از نعمت‌های چشم و گوش و عقل بهره‌مند بود و به تدریس و املائی حدیث ادامه می‌داد. از آثارش: «الاجزاء» و «الفوائد»، در حدیث.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۲/۸۹)، سیر النبلاء (۲۴۸-۲۴۶/۱۹)، شذرات الذهب (۴/۲۷)، العبر (۲/۳۹۵)، معجم البلدان

(۱۹۲-۱۹۱/۲)، معجم المؤلفین (۲۶۹-۲۶۸/۵)، النجوم الزاهرة (۲۰۸/۵)، هدیة العارفین (۵۸۷/۱).

کتابادی نیشابوری، ابوعلی حسن

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۱۵ ق)، محدث. قاضی و زاهد. به دنبال حدیث مسافرت کرد و احادیث بسیاری از علی بن حسن هلالی و محمد بن عبدالوهاب و ابوحاتم رازی و ابوقلابه رقاشی شنید. حافظ ابوعلی حسین بن علی نیشابوری از وی حدیث روایت کرده است. او تا پایان عمر عهده‌دار منصب قضای نیشابور بود. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۲/۸۹)، تاریخ نیشابور (۱۳۵).

کتابادی، ابوالفتح

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۳۲ ق)، شاعر و پزشک. از پزشکان عهد شاه اسماعیل صفوی بود و طبعی موزون داشت. از اوست: ابروان تو طیبیان افکارانند هر دو پیوسته از آن بر سر بیمارانند بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: تحفه‌ی سامی (۵۷)، تذکره‌ی روز روشن (۲۳)، فرهنگ سخنوران (۳۱).

گنبدی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۴-۱۲۸۷ ق)، فقیه، عارف و خطاط. در قریه‌ی گنبد از توابع ملایر چهار فرسنگی همدان متولد شد. پس از تحصیل مقدمات به اصفهان رفت و پس از ۱۲ سال اقامت در اصفهان به نجف اشرف عزیمت و در محضر درس آخوند خراسانی و آقا سید محمد کاظم یزدی حضور یافت و پس از فراغت از درس به وطن بازگشت و بقیه‌ی عمر را در همان گنبد ماند. استاد اخلاقی او آخوند ملا حسینقلی همدانی و حاج شیخ محمد بهاری است. کراماتی نیز از وی نقل می‌کنند. یکی از هنرهای آخوند گنبدی حسن خط بود، خود نیز خطی خاص اختراع کرده. از شاگردان وی می‌توان ملا-علی همدانی و آقامیرزا محمد ثابتی را نام برد. آثار او عبارت‌اند از: «حاشیه بر تبصره‌ی علامه»، «تحریر تقاریر آخوند خراسانی و سید یزدی»، در اصول و فقه؛ «شرح مشکلات دیوان سیدرضی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان و سخن سرايان همدان (۲۲۸، ۲۴۱/۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۸۷-۳۸۴/۷).

گنج بخش، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۰ ش)، نویسنده، پزشک و استاد دانشگاه. پس از به پایان رساندن تحصیلات متوسطه، از دانشکده‌ی طب، در ۱۳۱۷ ش فارغ‌التحصیل شد و بعدها عهده‌دار مشاغل مختلفی از جمله: پزشک بخش بیماری‌های زنان در بیمارستان شهرداری، دانشیار کرسی کالبد شناسی و استاد بی کرسی دانشکده‌ی پزشکی گردید. از آثارش: «کالبد شناسی انسانی»، در دو مجلد: جلد اول «کالبد شناسی سر و گردن»، توصیفی، موضعی، طرز تشریح و جلد دوم «کالبد شناسی تنه». لازم به ذکر است که در هر دو اثر نامبرده دکتر منوچهر حکیم با وی همکاری داشته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۵۹۵، ۲۵۹۲/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۵۴/۲).

گنج‌رودی نیشابوری، ابوسعید محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(بعد از ۴۵۳-۳۶۰ ق)، فقیه، مسند، نحوی، ادیب، طیب و شاعر. اهل نیشابور و مسند خراسان بود. در بغداد بزرگان علم نحو را درک کرد. او از ابو عمرو محمد بن احمد بن حمدان و ابوسعید عبدالله بن محمد رازی و حسینک بن علی تمیمی و شافع بن محمد اسفراینی و ابوبکر بن مهران مقری و حافظ ابواحمد حاکم نیشابوری و ابو حسین بن دهم و محمد بن بشر بصری و ابوبکر محمد بن محمد طرازی و احمد بن محمد بالوی و احمد بن حسین مروانی و همطبقه‌ی آنها حدیث شنید. او گذشته از علوم اسلامی در طب و سوارکاری و به کار بردن سلاح مهارت داشت و به نیکویی شعر می‌سرود. اسماعیل بن عبدالغافر و ابوعبدالله محمد بن فضل فراوی و هبة الله بن سهل سیدی و تمیم بن ابوسعید جرجانی و زاهر بن طاهر حامی و عبدالمنعم بن ابوالقاسم قشیری و ابوسعید بن ابوصادق متطبیب و ابوبکر احمد بن حسین بیهقی در نیشابور، مرو و اصفهان از وی حدیث شنیدند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۱۰۱-۱۰۰/۵)، سیر النبلاء (۱۰۲-۱۰۱/۱۸)، شذرات الذهب (۲۹۲-۲۹۱/۳)، العبر (۳۰۱/۲)، معجم البلدان (۳۹۴/۵)، الوافی بالوفیات (۲۳۱/۳).

گنجویان، محمد صالح

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد ۱۳۱۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ارتوپدی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی ایران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای حرفه‌ای پزشکی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۵۰، دکترای تخصصی ارتوپدی از دانشگاه علوم پزشکی ایران در سال ۱۳۵۶ و فوق تخصص در جراحی ستون فقرات از دانشگاه‌های مینه‌سوتای آمریکا در سال ۱۳۵۸، و سنت لوئیس آمریکا در سال ۱۳۶۸.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه علوم پزشکی ایران از سال ۱۳۶۸.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

کنتراکچر عضلانی پس از تزریق داخل عضله، ضایعات ستون فقرات ناشی از جنگ، دررفتگی چرخشی مهره‌های ۲۶-۲۱ درمان جراحی سل ستون فقرات، تومرهای ستون فقرات و تدریس ارتوپدی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه دکترای و ۵ پایان‌نامه اختصاصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

معاینه فیزیکی ستون فقرات و اندام‌ها.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

ساتنومیلیت حاد همتوزن، کله سیستیت حاد به دنبال عمل جراحی در ستون فقرات، جراحی ارتوپدی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

گنجی، ابوالقاسم یحیی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، محدث. ابومحمد هارون بن موسی تلعبکری از وی روایت کرده و استماع او در ۳۱۸ ق بوده است. گنجی در این ملاقات بیش از یکصد و بیست سال عمر داشته. او همچنین امام عسکری (ع) را ملاقات نموده است. اما مستقیماً روایتی از ایشان نقل نکرده است. در بعضی از نسخ نام او را کتنجی ذکر کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: رجال الطوسی (۵۱۷-۵۱۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴/۳۳۱)، الکنی و اللقب (۳/۱۲۳)، معجم رجال الحدیث

(۲۰ / ۵۰).

گنجی، ابو عبدالله محمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۵۸ ق)، حافظ، عالم، محدث شافعی و شاعر. معروف به فخر گنجی. ساکن دمشق بود. به دنبال حدیث بسیار سفر کرد و دستاورد نیکویی داشت. او که از محدثان پیشگام بود، گرایش به مکتب شیعه داشت و کتبی در زمینه تشیع گردآوری کرد. از آثارش: «کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب (ع)»؛ «البیان فی اخبار صاحب الزمان (ع)»، که در تبریز به چاپ رسیده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ریحانه (۱۱۷-۱۱۶/۵)، کشف الظنون (۱۸۴۴، ۱۴۹۷، ۲۶۳)، الکنی و الالقاب (۳/۱۲۳)، معجم المؤلفین (۱۳۴/۱۲)، الوافی بالوفیات (۵/۲۵۴).

گنجی، ایرج

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۴۳، دکترای تخصصی کودکان از دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۶ و گذراندن دوره بیماریهای کلیه اطفال در پاریس.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد از سال ۱۳۶۴.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بیماریهای کودکان، بیماریهای غددی شایع در اطفال، طب کودکان، بیماریهای کلیوی کودکان، استاد راهنمای تعداد زیادی پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: متعدد، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

معرفی بیماران کمیاب، راههای تشخیص، درمان و در نتیجه بهبود و ارتقاء به سطح دانش پزشکی. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

گندمی نصرآبادی، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا گندمی نصرآبادی

محل تولد: کاشان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱۰/۱۰

زندگینامه علمی

تحصیلات حوزوی را در مدرسه علمیه امام خمینی (ره) کاشان آغاز کردم (تیر ماه ۱۳۶۱) بعد راهی حوزه علمیه قم شدم. ابتدا در مدرسه کرمانیها مشغول به تحصیل شدم و بعد زیر نظر شورای عالی حوزه دروس حوزوی را پی گرفتم. پس از اتمام دوره سطح به مدت شش سال در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات مکارم شیرازی و جعفر سبحانی شرکت کردم. از سال ۱۳۶۸ در کنار دروس حوزوی دروس جدید را ادامه دادم. پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۷۰ در کنکور سراسری با رتبه بالا در رشته مورد علاقه ام فلسفه غرب در دانشگاه تهران پذیرفته شدم. در سال ۱۳۷۴ در آزمون کارشناسی ارشد شرکت و رتبه نخست این آزمون را احراز کردم. با موافقت اساتید از نیم سال اول کار نوشتن پایان نامه را شروع و در پایان نیم سال سوم از آن دفاع کردم و هم زمان در آزمون اعزام به خارج قبول شدم و با تلاش بسیار موفق به اخذ پذیرش از دانشگاه سوربون شدم که وزارت علوم به بهانه اتمام وقت قانونی با اعزام بنده موافقت نکرد تا این که در سال ۱۳۸۲ در آزمون دکتری فلسفه دانشگاه شرکت کردم و در حال حاضر مشغول نوشتن پایان نامه می باشم. ضمناً از سال ۱۳۷۹ تا کنون با مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب در گروه ادیان ابراهیمی همکاری می کنم.

گودرزی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود گودرزی

محل تولد: ملایر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

الحمد لله رب العالمین و الصلوٰة و السلام علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطاهرین و لعنة علی اعدائهم اجمعین الی قیام یوم الدین. اینجانب محمود گودرزی پس از گذراندن دوران ابتدائی در سیزده سالگی به سال ۱۳۴۷ خورشیدی وارد حوزه علمیه قم شدم و از همان ابتدا به مدرسه روزانه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی رضوان الله تعالی علیه که در آن زمان تنها مرکز علم ای بود که با برنامه ای جامع و حساب شده و نظم و انضباطی در خور توجه با حضور اساتیدی مجرب و شناخته شده همچون آقایان صلواتی، حاج حسن آقا تهرانی، مقتدائی، بنی فضل، طالقانی و اداره می شد، راه پیدا کردم و بمدت هفت سال آنجا بودم و دروس اصلی حوزه را از امثله تا مقدار قابل توجهی از رسائل و مکاسب را در این مرکز مقدس فرا گرفتم، باقی مانده رسائل و مکاسب و جلدین کفایه و شرح تجرید را در خارج از آنجا گذارندم سپس در حلقه دروس خارج فقه و اصول و درسهای جنبی دیگری مانند شرح منظومه حاج ملا هادی ره و اسفار اربعه شرکت می کردم تقریباً در سالهای ۵۶ و ۵۷ بود، امتحانات کتبی شفاهی: در سال ۱۳۵۰ رتبه اول و در سال ۱۳۵۳ رتبه دوم و در سال ۵۶ یا ۵۷ امتحانات رتبه سوم را با موفقیت به پایان رساندم. نا گفته نماند که در کنار تحصیل به تدریس دروس حوزوی از مقدمات تا شرح لمعه و مقداری از رسائل نیز می پرداختم تا اینکه در سال ۱۳۷۵ در امتحانات مقطع دوم جهت تدریس شرکت نمودم و پس از قبولی کتبی و شفاهی از سوی مرکز مدیریت حوزه در زمان آقای استادی برخی حوزه‌های شهرستانها مانند نظنز و دامغان اعزام شدم و درس تا پایه پنجم را تدریس می کردم در سال ۱۳۷۷ به مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم دعوت شدم و تاکنون در این مرکز مقدس و پر برکت قرآن کریم افتخار خدمت و بهره وری از خرمن پر فیض معارف والای قرآن را دارم امید است مورد قبول و رضای خداوند متعال قرار گرفته باشد و تا آخرین نفس هم ادامه دهنده این را بوده باشم. و آخر دعولنا الحمد لله رب العالمین.

گوران سوادکوهی، داریوش

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی از دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۵۱، دکترای تخصصی ارتوپدی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۷، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

سازماندهی مرکز بانک استخوان در بخش ارتوپدی بیمارستان سینا، مطالعه و ساخت مفصل مصنوعی زانو، ترجمه کتب پزشکی، گذراندن دوره‌های کوتاه مدت ارتوپدی در لندن و کانادا، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۲۰ پایان‌نامه دکترای تخصصی ارتوپدی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:

ترجمه کتاب معاینات بالینی در ارتوپدی، ترجمه کتاب ارتوپدی آدامز، تألیف کتاب گرفت یا پیوندهای استخوان.
مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۶، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱
زمینه علمی مقالات:

کاربرد گرفت‌های استخوانی در ضایعات استخوانی مجروحین جنگ، دررفتگی استخوان اسکافوئید میچ دست، اوستئوتومی کیاری و کاربرد آن در ضایعات ارتوپدی، کیست هیداتیک استخوان، اوستئوتومی کاپیتیت در درمان ضایعه کین بوک میچ دست.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

گورانی، ستینه

قرن: ۹

جنسیت: زن

ملیت: ایران

آخر قرن نهم هجری، از زنان عالم، ادیب و محدث. وی دختر بدر محمد گورانی و خواهر فاطمه خاتونی گورانی بود و از راویان علم حدیث به شمار می‌رفت.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه: منبع: تاریخ مشاهیر کرد، ۱۳۵ / ۱.

گوگدی گلپایگانی، محمد باقر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۳۲ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. اصل وی از گوگد گلپایگان بود. از شاگردان برجسته‌ی آخوند خراسانی بود. بعد از تکمیل مراتب علمی به تهذیب نفس و عبادت و ریاضت مشغول شد. سید صادق بن سید عباس لشت نشانی رشتی از شاگردان وی بود، که کتب وی را در اختیار داشت. در کربلا از دنیا رفت و در آنجا دفن شد. از آثارش: کتابی در اصول، در دو مجلد، فراگیر: «الاستصحاب»، «التعادل و التراجع»؛ کتابی در «فقه»، در دو مجلد، به ضمیمه‌ی بحث «الخلل»، در نماز و «الخيارات».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۷۹، ۷/۲۴۷، ۴/۲۰۳، ۲/۲۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۹۰/۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۶/۴۲۰)، معجم رجال الفكر و الادب فی النجف (۱۱۱۲-۱۱۱۱/۳)، معجم المؤلفین (۹۰-۸۹/۹).

گوگدی گلپایگانی، محمد تقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۳۰۲ ق)، عالم دینی و فقیه. معروف به حاج آخوند گوگدی و یا حاج آخوند گلپایگانی. از بزرگان علمای گوگد و برادر بزرگ ملا زین‌العابدین گلپایگانی بود. او در روستای گوگد در گذشت. از آثار وی: «سراج النجاه فی کشف المقامات لتحصیل السعادات»، در مواعظ و اخلاق، در دو مجلد، که مجلد اول آن در ۱۲۷۱ ق در اصفهان پایان پذیرفته است. به آورده‌ی شیخ آقا بزرگ تهرانی در «الذریعه» و «طبقات اعلام الشیعه»، در حاشیه‌ی نسخه‌ی موجودی از این کتاب، به خط مؤلف، تاریخ ۱۳۰۲ ق ذکر شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۲/۱۶۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۵۶-۱۴/۲۵۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۲۵، ۴۲۰-۶/۴۱۹).

گوهر مدراس، محمد باقر

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد باقرخان مدراسی از گویندگان زبان فارسی (ف. اواخر قرن ۱۲). وی دیوان شعری دارد.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

گوهرین، صادق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۴-۱۲۹۳ ش)، نویسنده، محقق، مدرس و مصحح. صرف و نحو را در مدارس قدیم آموخت. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه، از دانشسرای عالی در رشته‌های ادبیات فارسی و فلسفه لیسانس گرفت. وی در ۱۳۱۹ ش تدریس ادبیات و فلسفه و روان‌شناسی در دبیرستان‌های تهران را به عهده داشت و در ضمن خدمت موفق به اخذ درجه‌ی دکترا در رشته‌ی ادبیات فارسی شد و رساله‌ی خود را در لغات و آثار مولا جلال‌الدین رومی، به نام «فرهنگ لغات و تعبیرات مثنوی»، در شش مجلد تدوین کرد. از دیگر آثار وی: «حجۀ الحق ابوعلی سینا»؛ «پیر چنگی»، حکایاتی از مثنوی؛ مقدمه‌ای بر «شمس الحقائق»؛ تصحیح و تعلیقات «منطق الطیر» عطار نیشابوری؛ «داستان بهرام گور»؛ تصحیح و تعلیقات «اسرار نامه» عطار نیشابوری؛ «شرح اصطلاحات تصوف». [۱]

ادیب، محقق.

تولد: ۱۲۹۳.

درگذشت: ۶ آذر ۱۳۷۴، تهران.

سید صادق گوهرین صرف و نحو عربی را در مدرسه‌های قدیم فراگرفت و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در رشته‌های ادبیات فارسی و فلسفه از دانشسرای عالی لیسانس گرفت. وی ضمن تدریس در دبیرستان‌ها در دوره‌ی دکترای فارسی نیز

به تحصیل پرداخت و «لغات مثنوی» را موضوع پایان‌نامه خود قرار داد. این رساله که به چاپ رسید، مهم‌ترین اثر گوهرین است. او در کنار تدریس در دانشکده‌های ادبیات دانشگاه تهران و دانشگاه شهید بهشتی چند کتاب نیز تألیف و تصحیح کرد. از جمله آثار وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: حجة‌الحق ابوعلی سینا (۱۳۳۱)؛ پیر جنگی؛ حکایاتی از مثنوی (این اثر به تفاریق میان سال‌های ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۵ منتشر شده است)؛ تصحیح اسرارنامه شیخ عطار (۱۳۳۸)؛ تصحیح منطق الطیر عطار (۱۳۴۲)؛ داستان بهرام گور (از شاهنامه فردوسی، ۱۳۴۳)؛ شیخ صنعان (از منطق الطیر، ۱۳۴۴)؛ شرح اصطلاحات تصوف (۱۳۶۷). وی مقاله‌هایی نیز در مجله‌های «مردم» و «ستاره صلح» و «راهنمای کتاب» به چاپ رسانده است. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه: [۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۶۸، ۳۱۳۶، ۲۸۱۴، ۲۴۳۹، ۲۱۸۷، ۲۱۶۴، ۲ / ۱۳۲۵، ۱۱۵۲، ۱۱۵۱- ۶۴۰، ۶۳۹، ۲۱۰ / ۱)، فرهنگ لغات و تعبیّرات مثنوی (مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (۵۰۰ / ۳).

گیتی، ناصر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۳ ش)، استاد دانشگاه، پزشک و نویسنده. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در دبیرستان ثروت و تحصیلات عالی را در دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه تهران در ۱۳۱۹ ش به پایان رساند. سپس پایان‌نامه‌ی خود را درباره‌ی «پروتئوتراپی در دیابت» با درجه‌ی ممتاز گذراند و بعد عهده‌دار مشاغل مختلفی از جمله: دستیاری آزمایشگاه فیزیولوژی، دانشیاری کرسی فیزیولوژی، استادی بی‌کرسی کالبد شناسی بود. در ۱۳۲۹ ش برای مطالعات علمی به آمریکا رفت. از دیگر آثار وی: «تکنیک فیزیولوژی»؛ «طب تجربی»؛ «طب تجربی و فیزیولوژی تجربی»؛ «فیزیولوژی بالینی»؛ «فیزیولوژی طبیعی و فیزیوتولوژی دستگاه بینایی». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: چهره‌های آشنا (۵۰۸-۵۰۹)، الذریعه (۴۰۴، ۴۰۳ / ۱۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۴۹۹، ۲۳۸۵، ۲۲۴۹ / ۲، ۹۴۴ / ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۱۰)، مؤلفین کتب چاپی (۵۱۴-۵۱۳ / ۶).

گیلانی استرآبادی، عبدالوحید

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم ق)، فقیه، مفسر، متکلم و عارف. معاصر شیخ بهائی (م ح ۱۰۳۰ ق) و از شاگردان وی به حساب می‌آید. در «ریاض العلماء» نزدیک به شصت اثر به وی نسبت داده شده است. از آثار وی: «الآیات الیّنات فی خلق اللّٰه الارض و السماوات»؛ «اسرار القرآن فی تفسیر الفرقان»؛ «الحبل المتین فی آداب الدعاء و الداعی»؛ «اثبات الشوق»؛ رساله «اعلیٰ علین»، در معنی عبادت؛ «آینه‌ی غیب‌نما»، در اسرار و احوال قلب، به فارسی؛ «اسرار التوحید»، در شرح اسم اعظم؛ «انیس الواعظین» صغیر و وسیط و کبیر؛ «طب القلوب»، در معالجه امراض روحی؛ «کشف الغطاء فی اسباب الضلال و الغرور»؛ «میزان العدالۃ»، در فقه؛ «تهذیب الاخلاق فی تزکیۃ النفس»؛ «نثار السماع»، در تصوف؛ «البرزخ الجامع»؛ «الجنة النعیم»؛ «معراج السماء»، در وصف علم و علماء؛ «معیار الصلاة»، در اسرار

نماز.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۸/۱۳۱)، الذریعه (۳۱۵/۲۳، ۴۶/۱۸، ۱۴۳/۱۵، ۲۳۹/۶، ۲۴۳، ۵۴/۴۳، ۲، ۹۶، ۵۴-۵۳، ۴۷-۴۶/۱)، ریاض العلماء (۲۸۶-۲۸۴/۳)، ریحانه (۵/۱۱۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۶۳-۳۶۱/۱۱)، فوائد الرضویه (۲۶۰).

گیلانی اصفهانی، حمزه

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دوازدهم ق)، عالم دینی، حکیم و فیلسوف. او شاگرد برجسته‌ی ملا محمد صادق اردستانی اصفهانی (م ۱۱۳۴ ق) بود. شیخ عبدالنبی قزوینی، در «تتمیم الامل»، از او تعبیر به فیلسوف اعظم و حکیم افخم می‌کند. از آثار وی: «رساله فی التشکیک»؛ «رساله فی الحکمه» معروف به «الحکمه الصادقیه» که تقریرات استادش، ملا محمد صادق، می‌باشد و لذا نام صادقیه گرفته و به «تقریرات» نیز مشهور شده است و معاصر و هم شاگردیش، ملا محمد صالح خلخالی، بر آن حاشیه نگاشته است؛ شرح قول خواجه نصیر طوسی: «الجوهریه و العرضیه من ثوانی المعقولات»؛ «قوی النفس»؛ «رساله فی مطالب النفس و مسائلها»، که تقابل با کتاب ششم «طبیعیات الشفاء» دارد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۹۸، ۱۴۱/۲۱، ۲۱۸/۱۷، ۲۴/۱۴، ۱۴۸/۱۱، ۵۸، ۵۷-۵۸/۷، ۸۱/۶، ۳۷۶/۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲/۲۲۸).

گیلانی دوانی، ابوالفتح مسیح الدین

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۹۷ ق)، طیب، شاعر و خطاط. پدرش در دانش پزشکی و روانشناسی و حکمت معروف زمان خود بود. حکیم ابوالفتح چنان که از قول تذکره‌نویسان برمی‌آید، در شعر دست داشته و در نوشتن خط نستعلیق نیز استاد بوده است. وی پس از مرگ پدرش به سال ۹۸۳ ق در زندان پادشاه صفوی، همراه دو برادر خود حکیم همان گیلانی و نورالدین قراری، شاعر زمان، به هندوستان مهاجرت کرد و به دربار جلال‌الدین اکبر پادشاه گورکانی راه یافت. بر اثر حذاقت در مداوای بیماران و دقت در روانشناسی که با تواضع و پاک نظری همراه بود، منزلتی عظیم یافت و محسود همگنان گردید. با این همه، از یاری رساندن به اهل دانش دریغ نداشت. از تألیفات وی: «افادات حکیم ابوالفتح»؛ «رقعات حکیم ابوالفتح یا چهارباغ» مشتمل بر نامه‌های او؛ «قیاسیه»، در حکمت؛ دو مثنوی به نامهای «مظهر الاسرار» و «ضیاء النیرین»؛ مجموعه‌ی اشعار خطی و اشعاری در جنگ «کنوز الشعرا».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۲۹/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۶۹-۴۶۶/۵)، تاریخ نظم و نثر (۸۳۳، ۵۴۲-۵۴۱)، تذکره‌ی میخانه (۲۱۸)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۷۶)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۰۸-۱۰۷/۱)، الذریعه (۳۰۰، ۲۳۸/۱۹،

۱۳۱ / ۱۵ / ۴۶، صبح گلشن (۱۳-۱۲)، لغت نامه (ذیل / ابوالفتح)، کاروان هند (۱۵-۱۳ / ۱)، نامها و نامدارهای گیلان (۱۴) - (۱۲).

گیلانی رشتی، شعبان

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شعبان بن مهدی بن عبدالوهاب گیلانی رشتی نجفی از اعلام فقهاء و مراجع تقلید در عصر خود بوده.

جد آن بزرگوار میرزا عبدالوهاب از خراسان هجرت به گیلان نموده و در آنجا رحل اقامت افکنده و وی در نیمه ماه شعبان ۱۲۷۵ ق متولد شده و پس از رشد و فراگرفتن اولیات و ادبیات از اهل فضل رشت مانند حجه الاسلام آمیرزا حسین مدرس به قزوین آمده و خدمت شیخ عبدالوهاب بهشتی و آیت الله آسید علی مؤلف حاشیه (قوانین الاصول) متون فقه و اصول را خوانده و در سال ۱۳۰۲ ق مهاجرت به نجف اشرف نموده و ملازمت علامه کبیر آیت الله العظمی میرزا حبیب الله رشتی و علامه ملا محمد فاضل ایروانی و علامه جلیل شیخ حسن مامقانی و علامه شیخ محمد فاضل شربانی و آیت الله شیخ عبدالله مازندرانی و دیگران را اختیار نموده و از محاضر آنان استفاده کرده

و در سال ۱۳۱۸ ق با علامه شیخ هاشم بن ابراهیم ابن عبدالوهاب انصاری متوفی ۱۳۱۱ قمری وصلت نموده و از خواص شاگردان و اصحاب علامه مازندرانی گردیده و در میان اهل علم به فضل و تقوا و دقت نظر مشهور گشته و عده زیادی از فضلاء رشت و غیره اطرافش را گرفته و به تدریس خارج فقه و اصول پرداخته و جمع کثیری از علماء و مجتهدین از محضرش استفاده و به مقام عالی علم و کمال رسیدند.

و همین موجب شد که هزاران نفر در تقلید به وی رجوع نموده و رساله علمیه اش هشت مرتبه بطبع رسید غالب مردم گیلان و رشت از ایشان تقلید می نمودند و معظم له گذشته از مقامات علمی دارای مقامات عالیه معنوی و اهل باطن و پرهیزکار و کثیرالعباد بود و چندین سال به وظائف شرعی از تدریس و امامت و تألیف اشتغال داشت تا در صبح روز سه شنبه ۲۴ شوال ۱۳۴۸ قمری وفات نموده و مرحوم آیت الله حاج شیخ علی زاهد قمی بر وی نماز خواند و در وادی السلام نزدیک قبر جناب هود و صالح پیغمبر علیهما السلام مدفون گردید و تاریخ وفات او را علامه شیخ محمد سماوی چنین گفت:

یالهنفۃ الاسلام من فقد امرء

کان له من اعظم الارکان

قد زال اقصى اللب حین ارخوا

انهدم الاسلام فی شعبان

دارای آثار علمی زیر می باشد

۱- صلوٰة المسافر ۲- القضاء ۳- احکام الخلل ۴- المتاجر ۵- مباحث الالفاظ ۷- اصول العملیه والقطع والظن والتعادل والتراجیح و چندین رسائل علمی دیگر

سه فرزند دانشمند و فاضل دارد ۱- آیت الله حاج شیخ عبدالحسین فقیهی متولد ۱۳۲۱ ق که ترجمه اش در ج ۲ گنجینه ص ۲۲۲ گذشت

۲- حاج شیخ ابوالحسن خطیب گیلانی مؤلف (تفسیر سوره یوسف) متولد ۱۳۲۱ ق که بالغ بر بیست تألیف دارد

۳- آشیخ مرتضی گیلانی متولد ۱۳۳۵ قمری
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

گیلانی نجفی، یوسف

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۱ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و شاعر. در نجف به دنیا آمد. سطوح را در محضر شیخ محمد علی چهاردهی گیلانی فراگرفت. او همچنین مدتی در محضر میرزای شیرازی و میرزا حبیب‌الله رشتی و نیز آیت‌الله شریعت اصفهانی تلمذ نمود. پس از اتمام تحصیلات به رشت رفت و در آنجا به تدریس و تحقیق پرداخت. از آثارش: «آیات البينات» یا «بیان الآيات بالزبر و البينات»؛ «اصول العقائد الدینیة»؛ «حل العقود»؛ «مختصر المجل»؛ «تذکره المؤمنین»، در فضایل علمای عاملین؛ «کار در اسلام»؛ «لایحه‌ی ملیه‌ی اسلامیة»، در رد فرقه‌ی بابیه و بهائیه؛ «وسيلة العفایف» یا «طومار عفت».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۸۰/۲۵، ۱۸۳/۱۵، ۷/۷۲، ۴/۴۹، ۳/۱۷۵، ۱/۴۷)، معجم رجال الفكر و الادب فی النجف (۳/۱۱۱۷)، مؤلفین کتب چاپی (۹۰۲-۹۰۱/۶).

گیلانی هندی، صدرالدین علی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم ق)، عالم دینی، حکیم و طبیب. اهل گیلان بود. نزد علمای ایران تلمذ کرد. سپس به هند سفر نمود و ساکن آنجا شد. میر ابوالقاسم فندرسکی که معاصر وی بود او را در هند، زمانی که مشغول تألیف شرح «قانون» ابن سینا بود، ملاقات کرد. مشهور است که گیلانی بر اندیشه‌ی میرفندرسکی تأثیرگذار بوده است. وی همان جا در گذشت. از آثارش: شرح «القانون» ابن سینا، که شرح جامع و بزرگی است؛ رساله‌ی «السؤال و الجواب»، در طب؛ «الشفاء العاجل»، که آن را در مقابل «براء الساعة» محمد بن زکریای رازی نگاشته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۰۵/۱۴، ۳۸۹/۱۳، ۲۴۶/۱۲)، ریاض العلماء (۳/۳۸۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۱۳/۱۱).

گیلانی، ابونصر

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، طبیب. وی از اطباء دربار شاه طهماسب اول بود و مورد عنایت خاندان سلطنتی سرانجام به اتهام قصور در مداوای شاه

طهماسب دستگیر شد، و در دولت خانه‌ی همایون به دست قورچیان به قتل رسید.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: عالم آرای عباسی (۱/ ۱۶۸)، نامها و نامدارهای گیلان (۲۳).

گیلانی، اشرف الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید اشرف الدین گیلانی موسوم به نسیم شمال از شعرای معروف و مردمی، نویسنده و روزنامه نگار دوره مشروطیت، در سال ۱۲۸۷ ه.ق در قزوین متولد شد. وی پس از سپری نمودن تحصیلات مقدماتی مدت پنج سال در نجف و کربلا به تحصیل علوم دینی پرداخت و مجدداً به زادگاه خود بازگشت. سید اشرف در بیست و دو سالگی به تبریز رفت و صرف و نحو، منطق، نجوم و جغرافیا را فراگرفت و سپس به گیلان رفت. اقامت او در رشت و فعالیتهای مطبوعاتی سید اشرف الدین مصادف بود با امضای فرمان مشروطیت. سید در شهر رشت روزنامه‌ای ادبی و فکاهی با نام نسیم شمال را منتشر کرد که انتشار آن تا انحلال و به توپ بستن مجلس شورای ملی ادامه یافت و در این زمان، که بشدت مورد علاقه مردم گیلان قرار گرفته بود، توقیف شد. نسیم شمال در سال ۱۳۲۷ ه.ق مجدداً روزنامه خود را منتشر ساخت و از سال ۱۳۳۳ آن را در تهران انتشار داد که به شهرت و آوازه فراوانی دست یافت و مورد استقبال مردم قرار گرفت. او عاقبت دچار جنون شد و در دارالمجانین بستری شد و فوت کرد و در ابن بابویه مدفون شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: نویسنده، شاعر و روزنامه نگار

والدین و انساب: سید اشرف قزوینی معروف به گیلانی فرزند سید احمد حسینی قزوینی است.

خاطرات کودکی: سید اشرف الدین گیلانی شش ماهه بود که یتیم شد، در یتیمی ملک و مال و خانه اش را غصب کرده اند و او دچار فقر و تنگدستی شده است.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: سید اشرف الدین گیلانی پس از سپری نمودن تحصیلات مقدماتی مدت پنج سال در نجف و کربلا به تحصیل علوم دینی پرداخت و مجدداً به زادگاه خود بازگشت. سید اشرف در بیست و دو سالگی به تبریز رفت و صرف و نحو، منطق، نجوم و جغرافیا را فراگرفت و سپس به گیلان رفت.

زمان و علت فوت: در سال ??? هجری قمری شایع کردند که سید اشرف الدین گیلانی به بیماری جنون مبتلا شده است و با این دستاویز وی را به تیمارستان بردند. و بازهم حق ناشناسی مردم را در زمان اقامتش در تیمارستان و در زمان مرگش می بینیم. سرانجام سید اشرف الدین قزوینی (گیلانی) در ?? اسفندماه سال ??? در دارالمجانین چهارراه قزوین تهران (حوالی میدان قزوین فعلی) جان به جان آفرین تسلیم کرد و در عین گمنامی در گورستان ابن بابویه تهران به خاک سپرده شد و تا سال های سال کسی نمی دانست گور او کجاست و بعدها به همت زنده یاد دکتر اسماعیل رضوانی و ابراهیم فخرایی مقبره او را یافتند و سنگی بر گورش نهادند، تا شاید روزگاری کسی کنار گور او گذشت و برایش فاتحه خواند. جالب است بدانید تا سال ???، گور او نامعلوم بود و به راهنمایی یکی از فرزندان پخش کنندگان نسیم شمال، گور او شناسایی شد. حافظا عشق و صابری تا چند ناله عاشقان خوش است بنال

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: اقامت سید اشرف الدین گیلانی در رشت و فعالیت‌های مطبوعاتی سید اشرف الدین مصادف بود با امضای فرمان مشروطیت. سید در شهر رشت روزنامه‌ای ادبی و فکاهی با نام نسیم شمال را منتشر کرد که انتشار آن تا انحلال و به توپ بستن مجلس شورای ملی ادامه یافت و در این زمان، که بشدت مورد علاقه مردم گیلان قرار گرفته بود، توقیف شد. نسیم شمال در سال ۱۳۲۷ ه. ق مجدداً روزنامه خود را منتشر ساخت و از سال ۱۳۳۳ آن را در تهران انتشار داد که به شهرت و آوازه فراوانی دست یافت و مورد استقبال مردم قرار گرفت. سید اشرف در روزنامه خود و در قالب شعر و طنز همواره استبداد و ظلم را مورد حمله قرار می‌داد و سخنان منظوم و موزون او بسیار مورد توجه مردم بود. از اینرو در سال ۱۳۴۵ ه. ق به جرم دیوانگی وی را به تیمارستان که در واقع زندان سید بود منتقل کردند.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می‌آید: نسیم شمال در اصل نام روزنامه‌ای چهارصفحه‌ای با مضامین فکاهی و طنز بود که سید اشرف الدین گیلانی در سال ۱۳۲۷ ه. ق.؟؟؟.؟؟؟_ شمسی- در رشت تاسیس کرد

همفکران فرد: سعید نفیسی در مقدمه دیوان کامل نسیم شمال درباره وی می‌گوید: «یقین داشته باشید که اجر او در آزادی ایران کمتر از اجر ستارخان نبود. حتی این مرد شریف بزرگوار در قزوین تفنگ برداشته و با مجاهدان دسته محمد ولی خان تنکابن سپهدار اعظم و سپهسالار اعظم جنگ کرده و در فتح تهران جانبازی کرده بود.» با این وجود در متون و مقالاتی که درباره مشروطه نوشته می‌شود، می‌بینیم که کمتر نامی از سید اشرف الدین آمده است. علت این حق ناشناسی را می‌توان این دانست که سید اشرف الدین کمترین ادعایی نسبت به نقش خود در مشروطه نداشته است. باز سعید نفیسی درباره آزادی و بزرگواری وی می‌گوید: «بزرگی او در اینجا است که با این همه نفوذی که در مردم داشت هرگز درصدد برنیامد از آن سود مادی ببرد. نه هرگز در موقع انتخابات از کسی رای خواست، نه به خانه صاحب مسندی و خداوند زر و زوری رفت.»

آرا و گرایشهای خاص: سید شرف الدین گیلانی در اشعار خود بارها ظلم و استبداد محمد علی شاه و دولت‌های پس از وی را به باد حمله و انتقاد گرفت و همواره حامی و پشتیبان آزادی و آزادگی بود. اشعار او به زبان مردم کوچه و بازار و فاقد انسجام لازم ادبی بود ولی ویژگی عمده شعر نسیم شمال گذشته از سادگی و صمیمیت زبانی، مضمون و محتوای آن بود که در سال‌های بیداری از عمق وجود مردم مایه می‌گرفت و نظر خاص و عام را به خود جلب می‌کرد. به طور کلی بعد از انقلاب مشروطه، طنز در ادبیات ایران به جهت فضای خفقان آور حاکم بر جامعه، موقعیتی جدی یافت و مورد توجه شاعران و نویسندگان از جمله سید اشرف الدین گیلانی قرار گرفت. به علت آزادی و آزادگی شخصیتش اشعار وی از احساسات و عواطف شدید وطن پرستی و عشق به آزادی و مردم سرشار است. به واسطه زبان ساده و عوامانه اش و همچنین عاری بودن از رکاکت کلام و هزل‌های بی ادبانه، اشعارش در میان مردم محبوبیت و مقبولیت زیادی پیدا کرد تا جایی که وی را به اسم آقای «نسیم شمال» می‌شناختند.

جوایز و نشانها: در اسفندماه سال ۱۳۸۴ پس از یک فراخوان، به همت «خانه کتاب ایران» همایش بزرگداشتی برای سید اشرف الدین گیلانی برپا شد و ماحصل آن کتابی است در ??? صفحه، در شش فصل و به قلم فرهیختگانی که دل در گرو آزادی دارند، از آزادمردی گفته و نوشته اند که پس از نیم قرن تلاش در راه بیداری و آزادی ملت ایران، در عین غربت و گمنامی، ظاهراً به علت اختلال مشاعر دست از دنیا شست

آثار:

۱ مجموعه اشعار (نسیم شمال و بهشت باغ)

ویژگی اثر: مهم ترین اثر ادبی سید اشرف الدین مجموعه اشعار او مشتمل بر بیست هزار بیت است که به نام نسیم شمال و بهشت باغ در دو جلد چاپ شده است

گیلانی، بشیر

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت‌الله آقا سید بشیر گیلانی رشتی عالمی فقیه و حکیمی نحریر معاصر با اوائل فتحعلی شاه قاجار بوده است
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

گیلانی، شیخ الاسلام، محیی‌الدین ابومحمد عبدالقادر

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۶۲ / ۵۶۱ / ۵۶۰ - ۴۹۱ / ۴۹۰ / ۴۷۱ / ۴۷۰ ق)، عارف، صوفی، محدث شافعی یا حنبلی و شاعر، متخلص به محیی. ملقب به غوث، غوث اعظم، غوث الثقلین، باز اشهب، باز الله و جنگی دوست که این آخری، نام یا لقب یکی از اجداد اوست. اهل گیلان بود. نسبش به نوشته‌ی بعضی از مآخذ به امام حسن مجتبی (ع) می‌رسد، گرچه در «فوات الوفيات» این نسبت به امام حسین (ع) رسانده شده است. او دخترزاده‌ی ابوعبدالله صومعه‌ای، از بزرگان مشایخ گیلان، است. در گیلان به دنیا آمد. در جوانی به بغداد رفت و در آنجا نشو و نما یافت. وی مؤسس سلسله‌ی قادریه (منتسب به عبدالقادر) در تصوف بود. علوم ادبی را از ابوزکریای تبریزی فراگرفت. از ابوسعید مخرمی و دیگران فقه آموخت. از ابوغالب باقلانی و احمد بن مظفر بن سوسن تمار و ابوالقاسم بن بیان و جعفر بن احمد سراج و ابوسعید بن خشیش و ابوطالب یوسفی و دیگران حدیث شنید. ابوسعید سمعانی و عمر بن علی قرشی و حافظ عبدالغنی و شیخ موفق‌الدین ابن‌قدمه و شیخ علی بن ادریس و احمد بن مطیع باجسرائی و محمد بن لیث وسطانی و اکمل بن مسعود هاشمی و دیگران از وی حدیث شنیدند. رشید احمد بن مسلمه با اجازه از او روایت کرده است. وی با شیخ احمد یا حماد دباس صاحب بود و از او فنون طریقت را آموخت. در مدرسه‌ای که ابوسعید مخرمی در باب ازج بغداد بنا کرده بود، سکونت داشت و مجلس وعظ و خطابه در آنجا برپا می‌کرد و مطابق هر دو مذهب شافعی و حنبلی فتوا می‌داد و در سیزده شاخه از علوم دینی تدریس می‌نمود. او در بغداد درگذشت و در مدرسه‌اش در باب ازج دفن شد. در اصول و فروع فقه و تصوف تألیفاتی به او منسوب است. از آثار وی: «بشائر الخیرات»؛ «الغنیة لطالبی طریق الحق» یا «غنیة الطالبین لطریق الحق»، در تصوف؛ «الفتح الربانی و الفیض الرحمانی»، در تصوف؛ «جلاء الخاطر فی الباطن و الظاهر» «الکبریت الاحمر»، در صلوات بر پیامبر (ص)؛ «فتوح الغیب»، در تصوف؛ «ملفوظات قادریه»؛ «الفیوضات الربانیة فی الاوراد القادریه»؛ «ملفوظات گیلانی»؛ «سر الاسرار و مظهر الانوار فیما یحتاج الیه الابرار»؛ «آداب السلوک و التوصل الی منازل الملوک»؛ «تحفة المتقین و سبیل العارفين»؛ «حزب الرجاء و الانتهاء»؛ «یواقیت الحکم»؛ «معراج لطیف المعانی»؛ «دیوان» شعر که به «دیوان غوث اعظم» معروف است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۷۲- ۴/۱۷۱)، انساب سمعانی (۲/۱۴۶)، ایضاح المکنون (۲۶۰، ۲/۱۶۳، ۳۷۶، ۱/۲۵۷)، تاریخ نظم و نثر (۱۳۲- ۱۳۱)، الذریعه (۹/۱۰۱۶)، روضات الجنات (۵/۸۱- ۸۵)، ریحانه (۵/۲۵۴- ۲۵۲)، سیر النبلاء (۴۵۱- ۲۰/۴۳۹)، شذرات الذهب (۲۰۲- ۴/۱۹۸)، صبح گلشن (۳۹۰- ۳۸۹)، العبر (۳/۳۶)، فرهنگ سخنوران (۸۲۴)، فوات الوفيات (۲/۳۷۳- ۳۷۴)، الکامل

(۹/۹۴)، کشف الظنون (۲۰۵۳، ۱۷۳۸، ۱۲۴۰، ۸۷۹، ۶۶۲)، لسان المیزان (۱/۴۷۱)، معجم المؤلفین (۳۰۸-۳۰۷/۵)، المنتظم (۴۷۹-۴۷۸/۱۰)، نامها و نامدارهای گیلان (۳۳۲-۳۳۱)، النجوم الزاهرة (۳۵۳-۳۵۲/۵)، نفحات الانس (۵۱۰-۵۰۷)، هدیة العارفين (۱/۵۹۶).

گیلانی، محراب

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دوازدهم ق)، عارف و حکیم. وی از مشاهیر حکما و عرفا و شاگرد آقا محمد بیادآبادی (م ۱۱۹۷ ق) و ملا اسماعیل خاجویی (م ۱۱۷۳ ق) بود. گویند که وی از محضر قطب‌الدین نیریزی نیز کسب معرفت کرده است. او شیخ و نماینده‌ی سید قطب‌الدین در اصفهان و عراق عجم بود. محراب به وحدت وجود اعتقاد داشت و مورد طعن عده‌ای از فضلا بود. از معاصرین او می‌توان علامه نراقی را نام برد. حاجی محمدجعفر معروف به مجذوب علیشاه از شاگردان ملا محراب بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (۲۴۳، ۲۴۱)، ذهبیه (۱/۳۲۵)، ریحانه (۵/۳۸۵، ۱/۳۰۱)، طرائق الحقائق (۳۳۹، ۲۵۸، ۲۵۵، ۲۱۷، ۲۱۴/۳)، مرآت الحق (۶۷، ۶۸)، نامها و نامدارهای گیلان (۴۹۴).

گیلانی، محمد محسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم فاضل محقق کثیر التالیف، شاعر ادیب زاهد، در اواخر عمر ظاهرا در طهران ساکن بوده، و در آن شهر وفات یافته، در نجف مدفون گردید. نسب او به علامه محقق شیخ بهائی می‌رسد و شاید انتساب او از طرف مادر باشد.

تعداد مؤلفاتش از کتاب و رساله متجاوز از ۱۱۶ مجلد می‌شود، از آن جمله است: ۱- اجابۀ المحب ۲- اربعین ۳- انیس الصالحین ۴- انیس العباد ۵- ایقاعات ۶- بحر الحکم [شرح هدایه‌ی میبیدی] ۷- بحر الامکان ۸- بحر الامال ۹- بحر المآرب ۱۰- بحر المصائب ۱۱- بروق اللوامع ۱۲- بستان الجعفریه ۱۳- بدیهیات ۱۴- بنیان الاصول ۱۵- تحفه‌ی ایادی ۱۶- تحفه‌ی الاخیار ۱۷- جامع المسائل ۱۸- جامع المصائب، در دو جلد ۱۹- جنات عدن ۲۰- جنۀ الامان ۲۱- خلاصۀ الخلاصۀ ۲۲- درج الدرایج ۲۳- درر الاقوال [فی فقه سیدنا محمد و آله الاطهار المفضال] ۲۴- دلیل المتحیرین ۲۵- دیوان اشعار، و در آن «عاصی» تخلص می‌کند ۲۶- دره‌ی مزیئه ۲۷- ذخیره‌ی المعاد ۲۸- ذریعۀ الوداد [تفسیر سوره‌ی یوسف] ۲۹- رضوان الامال ۳۰- روض الریاض [حاشیه‌ی معالم] ۳۱- ریاض الارواض [شرح معالم] ۳۲- روضه‌ی حسینیہ ۳۳- رسائل الرسائل ۳۴- وریقات الانیقات ۳۵- زاد السالکین ۳۶- سیبل السبل ۳۷- سفینه‌ی النجاة ۳۸- سوانح ۳۹- شد الوثیق ۴۰- ضیاء الذاکرین ۴۱- عوالم العوالم ۴۲- غزوه‌ی خیبر، منظوم ۴۳- قبلۀ الافاق ۴۴- القواعد و الفوائد ۴۵- قوانین المصائب ۴۶- کشایف الاسرار ۴۷- کشف الحجب ۴۸- کشف المقال ۴۹- کنز الاحباب ۵۰- کنز الاخوان ۵۱- لویح الطرایح ۵۲- متروک الانظار ۵۳- مجمع الاذکار ۵۴- مجمع المعانی [حاشیه‌ی ریاض] ۵۵- مرجع الضمایر، در دو مجلد ۵۶- منهاج الدین، در اصول دین ۵۷- مثنوی شش دفتر ۵۸- مثنوی شور و شیرین ۵۹- مفاتیح النجاة ۶۰- ملتسم

المحبوب ۶۱- نظم المجالس، در چندین مجلد ۶۲- نسج النسوج ۶۳- وقایع الصفین ۶۴- وسیله المراد ۶۵- وسیله النجاة، فارسی، در جبر و تفویض، و آن را در سال ۱۲۶۹ تألیف نموده ۶۶- هدیه الاخوان ۶۷- ینابیع الدرر؛ و غیره. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

گیلانی، نظر علی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دوازدهم ق)، حکیم. سال ولادت و وفات وی مضبوط نیست ولی می‌دانیم که در حوزه‌های اساتید اصفهان از جمله آقا محمد بیدآبادی تحصیل کرده و عمر خویش را در گیلان و اصفهان و آذربایجان گذرانده است. وی از نخستین طرفداران فلسفه‌ی ملاصدرا و مروجین حکمت متعالیه به شمار می‌رود. برخی از آثار او عبارت‌اند از: تلخیص و تنقیح «مبدأ و معاد» ملاصدرا؛ «رساله‌ی تحفه»، در مباحث علم و برخی از مسائل وجود؛ «شرح ان الله خلق آدم علی صورته»؛ شرح «عوامل» ملا محسن. برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۳/ ۳۷۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۶۲۲)، نامها و نامدارهای گیلان (۵۹۱).

گیوه چی مفرد، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن گیوه چی مفرد

محل تولد: مشهد

شهرت: پویا

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۲

زندگینامه علمی

اینجانب پس از اخذ سیکل نظام قدیم (قبل از نظام راهنمایی) سال اول دبیرستان را در رشته طبیعی نیز خواندم. پس از آن در مکتب امام صادق (ع) در مشهد شبها به دروس حوزوی مشغول بودم. سپس در سال ۵۵ - ۵۶ به صورت نیمه روزه در مدرسه معروف به مدرسه آقای موسوی نژاد مشغول به تحصیل شدم و سپس در مدرسه آیت الله شیخ غلامحسین تبریزی حجره گرفتم و به صورت خصوصی به دروس حوزه به صورت تمام وقت ادامه دادم و در تمام ایام سال جز جمعه‌ها و یا تعطیلات مهم به درس مشغول بودم به صورتی که در سال ۵۹ که به قم آمدم به درس مکاسب مرحوم آیت الله ستوده و کفایه مرحوم آیت الله پایانی رحمهما الله رفتم و یک جلد از کفایه را نیز نزد آیت الله دوزدوزانی خواندم و بخشی از آن را با نوار، در این اثنا نوارهای دروس بدایه و نهایه آیت الله مصباح را نیز گوش می‌کردم عمدتاً در مشهد به صورت خصوصی درس خواندم و تنها به درس تفسیر مرحوم آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی حاضر می‌شدم. و بخشهایی از کتاب شرح لمعه را نیز در دروس حوزه مشهد شرکت می‌کردم. پس از اتمام سطح

به درس خارج اصول آیت الله شیخ جواد تبریزی که از ابتدای اصول شروع شده بود شرکت کردم و جز ایامی که در دوران دفاع مقدس به جبهه می رفتم تقریباً یک دوره اصول کامل درس ایشان را شرکت کردم و همزمان به درس فقه ایشان که آن زمان کتاب البیع بود و چهارشنبه ها بحث کتاب القضاء بود شرکت می کردم. ضمناً از ابتدایی که آیت الله منتظری به قم آمدند و در منزلشان درس فقه را شروع کردند تقریباً تا آخرین روزهای درس ایشان شرکت کردم. در این اثنا کتاب اشارات را به صورت کامل در آخرین دوره درس آیت الله حسن زاده آملی خواندم که بسیار از نظر معنوی پر بهره بود. تا اینکه در سال ۱۳۶۴ با تاسیس موسسه معارف اسلامی امام رضا (ع) که اینجانب از هسته های اولیه و اصلی آن بودم ابتداء کلاسهای آموزشی که تا آن روز در حوزه متداول نبود و به اعتقاد ما نیاز حوزویان بود برگزار شد و بنده ضمن برنامه ریزی و برگزاری اجرایی آنها در همه آنها شرکت کردم که آنها عبارتند از: دوره مدیریت منابع انسانی، تشریح انسان، اقتصاد، تاریخ معاصر ایران و جهان، کلام جدید، علوم قرآن و تفسیر، اخلاق، روان شناسی عمومی، روان شناسی کودک، جامعه شناسی، تند خوانی و ... برخی از این کلاسها به صورت اردوهای آموزشی در مشهد و تهران برگزار شد و حتی به صورت عملی مثل شرکت در سالن تشریح، شرکت در برخی ادارات وابسته به بنیاد مستضعفان در حین درس مدیریت و ... عمدتاً از اساتید برجسته و طراز اول آن زمان از دانشگاه مثل استاد شعاری نژاد، زرگر نژاد، ابطحی، سروش، آیت الله معرفت، حسن پور، حائری و ... استفاده می شد. با پایان یافتن این دوره ها و نیز تاسیس مراکز مختلف آموزشی در قم و شروع به کار اولین فصلنامه تخصصی قرآن و تفسیر با نام بینات در سال ۱۳۷۳، اینجانب ضمن شرکت در یک درس خارج، تمام وقت و همت خود را مصروف مباحث قرآنی کردم و به لطف خداوند تا کنون که سال دوازدهم نشر این نشریه است همچنان در سطح بسیار بالایی می درخشد. (ضمناً قبل از نشریه بینات از آغاز تاسیس و نشر مجله حوزه اینجانب در گروه اخلاق آن نشریه فعالیت داشتم تا اینکه در سال حدوداً ۷۵ - ۷۶ از مجله خارج شدم.) اینجانب همزمان با برخی از دورس به تدریس نیز اشتغال داشتم بویژه ادبیات، علوم قرآن و ... که به لحاظ موقعیت آن زمان به صورت غیر آکادمیک و مباحثه های طلبه ای بوده است. همزمان با سردبیری نشریه بینات، معاونت پژوهشی موسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام را پس از دوران مسوولیت آموزشی به عهده داشتم و سپس جزو هیات تحریریه دو نشریه قرآنی دیگر یعنی بشارت و آفاق نور بوده و هستم. در ضمن مدتی در معاونت بین الملل وزارت ارشاد به عنوان کارشناس جهت اعزام به رایزنی ایران در لاهور بوده ام و سفری به آنجا رفتم. سپس در سال ۱۳۷۹ معاونت پژوهشی موسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) را پذیرفتم و در سال ۸۳ مدیریت طرح و برنامه و اکنون نیز معاونت پژوهشی موسسه می باشم که به لطف خداوند تا کنون دهها جلد از آثار حضرت امام (ره) و یا درباره امام خمینی (ره) از آن سال تا کنون منتشر شده است.

لاجوردی حسینی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام والمسلمین آقاسید مهدی بن سید الاجله سید ابوالفضل بن سید الاعلام السید عباس بن السید الجلیل سید محمدطاهر حسینی کاشانی الاصل قمی الولاده والمسکن در سال ۱۳۰۵ قمری متولد شده و پس از طی دروس جدید و دیدن مقدمات و ادبیات سطح را نزد دائی معظم خود آیت الله حاج سید مرتضی فقیه بن العلامه حاج سید عباس فقیه قمی و آیت الله فاضل قفقازی دام ظلّه فرا گرفته و بعد از آن از دروس آیات عظامی چون آیت الله حجت و آیت الله خونساری و آیت الله فیض و آیت الله صدر و

آیت‌الله حاج سید احمد خونساری و بالاخص حدود ۱۸ سال از محضر آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده و علوم معقول و فلسفه را نزد حکماء معروف زمان میرزا مهدی آشتیانی و حاج شیخ مهدی مازندرانی و علامه طباطبائی خوانده و به تدریس فقه و اصول پرداخته و اکنون به گفتن درس خارج اشتغال دارد که عده‌ای از محصلین شرکت می‌کنند.

و مخفی نماند که علامه لا-جوردی از بیت مجد و شرف و فضیلت می‌باشد که در میان آنها رجال و نوابغی چون مرحوم حکیم شفائی و عالم جلیل سید حسین بن سید رضی‌الله محمد کاشانی الحسینی و والد ماجدش سید رضی‌الدین و جماعتی دیگر همه از علماء اعلام و آیات عظام ملک‌الاعلام بوده‌اند.

و معظم‌له از طرف مادر هم طباطبائی و ایشان سبط آیت‌الله العظمی آقای حاج آقا احمد طباطبائی قمی می‌باشد. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

لاری، عبدالحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۲ - ۱۲۶۴ ق)، فقیه و عالم دینی. نسبش با بیست واسطه به امام موسی کاظم (ع) می‌رسد. اصلش از دزفول است. در نجف به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات، از محضر میرزای بزرگ شیرازی و شیخ محمد حسین کاظمی و ملا لطف‌الله مازندرانی و ملا حسینقلی همدانی و ملا محمد فاضل ایروانی و دیگران استفاده نمود، تا در فقه و اصول برآمد و از تمام اساتیدش به دریافت اجازه نایل شد. وی از شاگردان برجسته‌ی میرزای بزرگ شیرازی بود. میرزا او را به شهرستان لار فرستاد و از آن زمان به لاری مشهور شد. سید عبدالحسین در لار به تدریس و انجام وظایف دینی مشغول شد و مدرسه‌ای تأسیس کرد و حوزه‌ی علمیه‌ای تشکیل داد. طلاب زیادی از شهرستان‌های داراب و سیرجان و جهرم و اصطهبانات و شیراز و غیره در حوزه‌ی درسش شرکت نمودند. وی مدت بیست و پنج سال مرجع مذهبی مردم فارس بود. او از علمای مبارز دوره‌ی مشروطه بود. در جنگ جهانی اول آن گاه که انگلیسی‌ها آهنگ تصرف لار کردند حکم جهاد داد. در اواخر عمر به جهرم نقل مکان کرد و در آنجا درگذشت. از آثارش: «الآیات النازله»، «در ذم ظلم و جور»؛ «اکسیر السعادة فی اسرار الشهادة»؛ «تشریح الخیره»، در استخارات؛ «تقریرات الاصول»؛ «تقریرات الفقه»؛ حواشی بر «الریاض»؛ حواشی بر «القوانین»؛ حواشی بر «فرائد الاصول»؛ حواشی بر «المکاسب»؛ «الخلاقیات»؛ حاشیه کتاب «القضاء» از «جوهر»؛ رساله‌ی «الاستصحاب»؛ رساله‌ی «عقوبه حب الدنیا»؛ رساله‌ی «المحکم و المتشابه»؛ «التزیل فی بعض المتشابهات»؛ «الوجیزه»، در کیفیت و کمیت علم امام؛ «المحکمات فی قطع المشاجرات»؛ «قانون ملی»، به فارسی؛ «معارف السلمانی بمراتب الخلفاء الرحمانی»، در علم امام و پیامبر (ص)؛ منظومه‌ای در مصائب اهل بیت (ع) و استغاثه به حضرت حجت (عج). [۱]

حاج سید عبدالحسین مجتهد لاری بن سید عبدالله بن سید عبدالرحیم بن سید آقا ابن سید محمد بن سید اسدالله بن سید نعمت‌الله بن سید اسدالله بن سید خلف مجتهد لاری موسوی که تقریباً با بیست واسطه به حضرت امام موسی بن جعفر علیه‌السلام می‌رسد. تولد آنجناب در شب جمعه سوم ماه صفر ۱۲۶۴ قمری در نجف اشرف واقع شده و پس از دوران مقدمات و سطوح، از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی میرزا محمدحسن شیرازی (مجدد) و مرحوم آیت‌الله آقا شیخ محمدحسین کاظمی و آیت‌الله شیخ لطف‌الله مازندرانی و آیت‌الله شیخ محمد ایروانی و عالم ربانی آقا شیخ حسنعلی، فقه و اصول و علم اخلاق را تحصیل نموده تا به درجه سامیه اجتهاد رسیده است.

آن مرحوم اصلاً دزفولی است ولی چون عده‌ای از اعیان و بازرگانان لار شیراز از مرحوم میرزای شیرازی عالمی خواستند به اشاره

مرحوم آیت‌الله ربانی آقا سید مرتضی کشمیری ایشان را تعیین و به لار اعزام نمودند و سالها آنجناب در آنجا اقامت داشتند به لاری معروف شدند ولی آخر کار که ایشان به مبارزه و جهاد علیه استبدادگران برخاستند و مدتی در شیراز و فیروزآباد و قریه (قیر) رفتند اهالی جهرم معظم له را به جهرم برده و مدت شش سال در آنجا به خدمات دینی اشتغال داشتند تا در چهارم شوال المکرم ۱۳۴۲ قمری در سن ۷۷ سالگی وفات نمودند.

تاریخ زندگانی آنجناب عجیب و سوانح و خاطراتش غریب. قسمتی از آن در کتاب (گلشن حسینی) و پاره‌ای از آن در کتاب دانشمندان فارس و غیره مسطور است.

تالیفات و آثار علمی آنجناب مطبوعاً و مخطوطاً از اینقرار است.

۱- آیات الظالمین (مطبوع)

۲- استخاره‌نامه (مطبوع)

۳- اکسیر السعاده (مطبوع)

۴- رساله‌ای در عقوبت حب دنیا (مطبوع)

۵- رساله‌ای در علم امام (مطبوع)

۶- معارف السلمانی

۷- حاشیه بر فرائد انصاری مخطوط ۲ جلد

۸- حاشیه بر مکاسب ۲ ج مخطوط

۹- حاشیه بر شرح کبیر مخطوط

۱۰- حاشیه بر قوانین مخطوط

۱۱- تقریرات فقه

۱۲- خلافتیات فقه

۱۳- رساله‌ای در شکوک مخطوط

۱۴- رساله‌ای در خلل صلوٰة مخطوط

۱۵- رساله در علم مناظره مخطوط

۱۶- رساله‌ای در محکم و متشابه مخطوط

۱۷- کتاب التنزیل الذی نزل به جبرائیل

۱۸- منظومه در مهمات رجال و ده‌ها ده‌ها رساله و کتاب دیگر در موضوعات مختلفه.

آن مرحوم دارای سه پسر مجتهد و دانشمند در شیراز و لار و جهرم بودند.

۱- مرحوم آیت‌الله سید عبدالمحمد مجتهد لاری

۲- مرحوم آیت‌الله آقا سید علی اکبر مجتهد سالف‌الذکر

۳- مرحوم آیت‌الله آقا سید علی اصغر آیه‌اللهی مقیم لار

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۸۵-۵۷۸/۳)، الذریعه (۱۹۲/۲۱، ۲۸/۱۷، ۱۸۹/۴، ۲۷۸/۲، ۴۹-۴۸/۱)،

طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۵۰-۱۰۴۸/۱۴)، شرح حال رجال (۲۵۸-۲۵۷/۲)، معجم رجال‌الفکر و الادب فی النجف (۱۱۱۹-)

۱۱۱۸/۳، معجم المؤلفین (۸۷/۵)، میرزای شیرازی (۱۵۳).

لاری، علی اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی اکبر آیه‌اللهی مجتهد لاری جهرمی بن آیت‌الله العظمی حاج سید عبدالحسین مجتهد لاری بن سید عبدالله ابن سید عبدالرحیم بن سید محمد از پیشوایان دینی و مجتهدین متقی معاصر است. وی پس از مرحوم والدش به جای او نشست و سالهای دراز به ترویج دین مبین و نشر معارف اسلامی و کمک به ضعیفان و فقراء و دستگیری از پادشاهان و سرپرستی یتیمان و معاشرت با تهیدستان و بینوایان گذراند. معظم‌له دانشمندی مرتاض و مستجاب الدعوه و زاهد و متقی و بی‌اعتنا به مال دنیا بود با سادگی تمام زندگی می‌کرد و چون همواره در ذکر و فکر بود لاجرم جز به هنگام ضرورت لب به سخن نمی‌گشود و بسیار کم حرف بود مگر بر فراز منبر که گاه وعظ دل از عارف و عامی می‌ربود و داد سخن می‌داد چند روز قبل از رحلتش از مرگ خود خبر داد و در ماه صفر ۱۳۷۱ ق در جهرم از دنیا رفت و فرزند ارجمندش حجه الاسلام آقا سید عبدالحسین آیه‌اللهی بجای او بر مسند ارشاد و خدمت نشست. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاری، فتح‌الله

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید کمال‌الدین شاه فتح‌الله به هبه‌الله بن عطاءالله حسنی حسینی جعفری شیرازی. از طایفه‌ی سادات شاهی شیراز، عالم فاضل، و ادیب منشی کامل، به دعوت شاه سلیمان از اردکان به اصفهان آمده، و سال‌ها قاضی اصفهان و شیراز و لار بوده. در سال ۱۰۹۸ در اصفهان وفات یافته [در حوالی مدفن آقا حسین خوانساری مدفون شد]. کتب زیر از تألیفات اوست:

- ۱- الامامه، آن را در موقع تشرف خود به مکه تألیف نموده، و مناظرات خود را با ملا عبدالرحیم مدرس مدینه‌ی طیبه بتمامه نقل نموده است.
- ۲- بدیع در علم بدیع، در اصفهان تألیف نموده
- ۳- تاریخ شاه فتح‌الله
- ۴- ریاض الابرار و غیره.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

لاری، محمدباقر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدباقر مجتهد لاری متوفی ۱۲۸۸ ق در منطقه لار ریاست دینی داشته و رتق و فتق امور به دست وی بوده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاری، محیی‌الدین

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۳۳ ق)، ادیب و شاعر. از شعرای عهد سلطان یعقوب میرزا آق‌قوینلو بود و اوایل عصر شاه طهماسب (۹۸۴-۹۳۰ ق) را نیز درک کرد. از شاگردان علامه جلال‌الدین دوانی بوده و گذشته از علوم متداول زمان در عروض و فنون شعر هم مهارت داشته است. وی غزل را نیکو می‌سرود و از سبک بابا فغانی پیروی می‌کرد. به زیارت بیت‌الله الحرام رفت و در مراجعت مثنوی «فتوح الحرمین» را، که مثنوی دینی در مورد بقاع متبرکه و بیان مناسک حج است، در مدینه به اسم سلطان مظفر بن محمود شاه گیلانی سرود. او این مثنوی را به قولی در ۹۱۱ ق و به قولی در ۹۵۰ ق به اتمام رساند. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر. در «فرهنگ سخنوران» محیی لاری و صاحب عنوان با هم یکی دانسته شده، ولی بیشتر تذکره‌ها آن دو را جدا ذکر کرده‌اند. همچنین صاحب «دانشمندان و سخن‌سرایان فارس» سال مرگ وی را ۹۵۱ ق می‌داند. «هدیه العارفین» وی را محیی‌الدین محمد لاری حنفی متخلص به محیی بیان کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۴/۱۸۷)، تاریخ نظم و نثر (۳۱۸)، تحفه سامی (۲۳۵-۲۳۴)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۷۸-۳۷۷/۴)، الذریعه (۱۲۰-۱۱۹/۱۶، ۱۰۱۷-۱۰۱۶، ۹/۹۷۱)، ریحانه (۵/۲۵۱)، صبح گلشن (۳۹۰)، فارسنامه‌ی ناصری (۲/۱۵۱۵)، فرهنگ سخنوران (۸۲۵-۸۲۴)، منظومه‌های فارسی (۵۲۲-۵۲۱)، هدیه العارفین (۲/۲۳۹)، هفت اقلیم (۱/۲۵۸).

لاری، مصلح‌الدین، محمد

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۷۹ ق)، فقیه شافعی، منطقی و منجم. در لار فارس به دنیا آمد. ادبیات و علوم مقدماتی را در زادگاهش از شاگردان ملا جلال‌الدین دوانی فراگرفت. او همچنین از میر غیاث‌الدین دشتکی شیرازی بهره برد. در عهد همایون شاه (۹۶۳-۹۳۷ ق) به هندوستان رفت. بعد از فوت وی در ۹۶۴ ق به حلب و از آنجا به حج رفت و سپس به حلب بازگشت. پس از آن سفری به آمد کرد و در شهرهای آناتولی شرقی شهرت بسیار یافت. سرانجام در دیار بکر معلم اسکندر پاشا و فرزندان او گشت و در همان جا وفات یافت. در «شذرات الذهب» سال وفات وی حدود ۹۶۷ ق ذکر شده است. از آثار وی: شرح «الشائل» ترمذی؛ شرح «الاربعین النوویه»، در حدیث؛ شرح «الفرائض السراجیه» سجاوندی؛ شرح «الارشاد»، در فروع فقه شافعی؛ حاشیه بر قسمتهایی از «مطول»؛ «اثبات المعاد الجسمانی»؛ حاشیه بر شرح دوانی بر «تهذیب المنطق و الکلام» تفتازانی؛ حاشیه بر «شرح طوابع» اصفهانی؛ حاشیه بر «شرح الکافیة» جامی؛ تعلیقه بر شرح «المواقف» عضدی؛ حاشیه بر «شرح الهدایة» میبیدی؛ شرح «هیئت فارسی» قوشچی؛ «مرآة الادوار و مرقاة الاخبار»، در تاریخ از اول تا ۹۷۴ ق، به فارسی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/۳۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۶۹-۱۶۶۳/۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۷۷۷-۷۷۵، ۷۷۵/۲)، تاریخ

نظم و نثر (۳۵۵)، الذریعه (۱/۱۰۰)، ریحانه (۱۱۹-۱۱۸/۵)، شذرات الذهب (۸/۳۵۰)، کشف الظنون (۱۸۹۳، ۱۶۴۶، ۱۳۷۲، ۱۲۴۷، ۱۱۱۶، ۱۰۶۰، ۱۰۳۹، ۵۱۶، ۴۷۵، ۱۹۱، ۶۹، ۶۰)، معجم المؤلفین (۲۹۳/۱۲، ۹۳/۱۰)، هدیة العارفين (۲/۲۵۱).

لاریجانی مازندرانی، لطف‌الله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۱۱ ق)، فقیه اصولی، عالم دینی و مدرس. اهل اسک لاریجان است، لذا به ملا لطف‌الله اسک لاریجانی نیز مشهور است. وی از شاگردان شیخ محمد حسن، صاحب «جواهر»، و شیخ مرتضی انصاری بود. در نجف مستقلاً به تدریس فقه و اصول پرداخت و بسیاری از افاضل به درسش حاضر شدند. او از مشایخ روایتی علامه سید ابوتراب خوانساری بود. وی در صحن غروی به اقامه‌ی جماعت می‌پرداخت. در نجف درگذشت و در صحن غروی به خاک سپرده شد. از آثارش: «ایضاح المضامین»، حاشیه بر «قوانین الاصول»، که به «ایضاح القوانین» نیز معروف است؛ «ذریعۃ الاعتماد»؛ حاشیه بر «فرائد الاصول» استادش علامه انصاری؛ رساله در «بطلان دلیل الانسداد»؛ شرح «قواعد الاحکام» علامه حلی، در چهار مجلد؛ حاشیه بر «حجیة الظن» علامه انصاری. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۲/۱۴، ۲۹/۱۰، ۱۶۰/۶، ۵۰۰/۴۹۷، ۲)، علماء معاصرین (۴۶-۴۵)، فوائد الرضویه (۳۶۸-۳۶۷)، المآثر و الآثار (۱۵۴)، معجم رجال الفكر و الادب فی النجف (۱۱۴۲/۳)، معجم المؤلفین (۱۵۵/۸).

لاریجانی، رضی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم حکیم و فیلسوف جلیل از اجله شاگردان آخوند ملا-علی نوری در اصفهان بوده و در این شهر حکمت متعالیه تدریس میفرموده به تهران منتقل شده و میرزا محمد تنکابنی مولف قصص العلماء از شاگردان وی بوده و در آن شهر در سال ۱۲۶۷ یا ۱۲۷۰ وفات یافته و هم در آنجا مدفون گردیده است در اعیان الشیعه ۳۱:۶۴ به نام سید رضا مذکور است. بر گرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

لاریجانی، صادق

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

صادق لاریجانی

محل تولد: نجف اشرف

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

بسم الله الرحمن الرحيم

اینجانب صادق لاریجانی (آملی) در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی در نجف اشرف دیده به جهان گشودم. پدرم مرحوم آیت الله العظمی حاج میرزا هاشم آملی «قدس سره» از اعظام فقهاء و مراجع نجف اشرف و قم بوده‌اند که شاگردان بسیاری در این دو شهر بزرگ علم و تقوا پرورانده‌اند. مادرم صبیّه مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محسن اشرفی «قدس سره» است که ایشان از بزرگان شهر اشرف (بهشهر) بود و در آن شهر سمت ریاست و مرجعیت داشت و از شاگردان مبرز مرحوم آخوند خراسانی «قدس سره» محسوب می‌شد که به علت انزوا طلبی، نام چندانی از خود باقی نگذاشته است. قریب یکسال و اندی داشتم که مرحوم والد از نجف اشرف به شهر قم نقل مکان نمودند و بساط تدریس در این شهر گشودند.

تحصیلات اولیه: از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۶ در مراحل دبستان و دبیرستان به درس جدید اشتغال داشته‌ام و بحمدالله در همه این سطوح، درسها را با موفقیت تمام به پایان برده‌ام و کمتر اتفاق می‌افتاد که رتبه اول را حائز نباشم. نیک به خاطر دارم که از سال اول دبیرستان مسیر تحقیق از درسهای معمولی دبیرستان، بسیار فراتر رفت و کتابهای متعدد دانشگاهی در رشته ریاضی را خود بدون کمک استاد فراگرفتم. مثل: *Precalculus* نوشته *Serge lang* و دو مجلد *Calculus* نوشته *Tom . Apostol* و *Mathematical Analysis* نوشته *Rudin* و *Measure Theor* نوشته *Monro* و همه اینها قبل از وارد شدن به سال چهارم دبیرستان بود. و با فراهم آمدن بورس تحصیلی از دانشگاه صنعتی شریف، عازم تحصیل در یکی از کشورهای غربی بودم که ناگهان زندگیم چرخش تمام پیدا کرد و اندیشه و شوق تحصیل در علوم و معارف اسلامی و دنبال کردن مسیر تحقیقات فقهاء و مجتهدان و فیلسوفان اسلامی، حرکتی دیگر را باعث شد. علل این شوق و اندیشه جدید خود داستان عجیبی دارد که این جا مجال بیان آن نیست.

تحصیلات علوم اسلامی: به هر حال با تغییر مسیر علمی و فی الواقع تغییر مسیر زندگی‌ام، از سال ۵۶ وارد عالم طلبگی شدم و با ولع و اشتیاق فراوان علوم رسمی حوزه را فرا می‌گرفتم، و در کنار آنها با مباحث فیلسوفان غربی هم آشنا می‌شدم. اکثر درسهای دوره مقدمات و سطح حوزه را با اساتیدی مبرز و عمدتاً به طور خصوصی طی کردم. بحثهای خارج اصول و فقه را از محضر مرحوم والد آیت الله العظمی میرزا هاشم آملی «قدس سره» و آیت الله العظمی حاج شیخ حسین وحیدی خراسانی دامت برکاته که افتخار دامادی ایشان را هم دارم، استفاده برده‌ام. فلسفه اسلامی را نیز مدتی در نزد آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن‌زاده آملی استفاده کردم. از حوالی سال ۱۳۶۸، پس از تدریس بسیاری از کتب سطح، به تدریس خارج اصول و پس از مدتی به تدریس خارج فقه پرداخته‌ام و بحمدالله تاکنون مشغول به این دو بحث هستم. در جریان انقلاب در کنار مرحوم والد، در پاره‌ای اقدامات شرکت جست‌هم و پس از چندی حس کردم تهاجم فرهنگی غرب، کمی از تهاجم نظامی آن ندارد و لذا در حد وسع خویش و با بضاعتی مزجاء هم خویش را در مقابله با این تهاجم فرهنگی قرار دادم. تهاجمی که ایمان مردم را هدف گرفته و قطعاً در راستای اهداف شوم استعماری است. چون نیک می‌دانند این کشور اسلامی با ایمان مردم زنده مانده است نه تجهیزات مادی و اقدامات نظامی.

مدتهاست که رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای «دام ظلّه» با بیانات مختلف به این خطر عظیم اشاره کرده‌اند و اخیراً هم با بیانی صریح و رسا به افشاء آن پرداخته‌اند. علاوه بر تدریس خارج فقه و اصول در حوزه علمیه قم و نگاشتن کتابها و مقالاتی در باب مباحث جدید کلامی، چند سال است که به عضویت هیئت علمی دانشگاه قم در آمده‌ام و به طور منظم در دانشگاه تربیت

مدرس قم در سطح کارشناسی ارشد و دکترا، کلام جدید و فلسفه تطبیقی تدریس می‌کنم. و در دانشگاه رضوی مشهد، هم پاره ای از پژوهشهای فقهی و فلسفی را سرپرستی می‌کنم.

آثار قلمی این جانب برخی به طبع رسیده است که عمده‌ترین آن‌ها عبارت است از:

۱. فلسفه اخلاق در قرن حاضر، نوشته وارنک این کتاب ترجمه‌ای است از *Contemporay moral philosophy* که با تعلیقات مبسوط این جانب به طبع رسیده است. انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۶۲.
۲. انسان از آغاز تا انجام، نوشته علامه سید محمد حسین طباطبایی، این کتاب ترجمه‌ای است از (کتاب الانسان) که با تعلیقات مبسوط این جانب همراه است. انتشارات الزهراء، تهران چاپ دوم، ۱۳۷۱.
۳. سرمایه ایمان، ملاعبدالرزاق لاهیجی تصحیح این کتاب توسط این جانب صورت گرفته است. انتشارات الزهراء، تهران، چاپ سوم ۱۳۷۲.

۴. معرفت دینی، نقد نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت، مرکز ترجمه و نشر کتاب تهران، ۱۳۷۰

۵. قبض و بسط در قبض و بسطی دیگر، مرکز ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۷۲

۶. واجب مشروط، انتشارات کنگره شیخ انصاری «قدس سره» ۱۳۷۴

۷. فلسفه تحلیلی، دلالت و ضرورت، انتشارات مرصاد، قم،

کتابهای زیر در حال تدوینند:

۱. مکتوباتی در حسن و قبح عقلی و قاعده ملازمه، انتشارات مرصاد

۲. دین و اخلاق، (ترجمه از انگلیسی) انتشارات مرصاد

۳. فلسفه تحلیلی، تئوری‌های معناداری

۴. فلسفه تحلیلی، فعل گفتاری

۵. زبان دین

۶. براهین اثبات واجب، برهان وجودی

۷. قلمرو دین

۸. مبانی کلامی فلسفی حکومت دینی

۹. فلسفه اخلاق

علاوه بر کتابهای فوق مجموعه متعددی از مقالات کلامی، فلسفی در مجلات مختلف، همچون نقد و نظر و کیهان فرهنگی و ماهنامه صبح و ... به طبع رسانده‌ام.

در فقه و اصول، تقریباً تمامی درس‌هایی را که شرکت جسته‌ام، تقریر کرده‌ام و به علاوه دو مجلد در علم اصول از ابتدا تا مبحث مشتق به عربی نگاشته‌ام و رساله‌ای مبسوط در «صلوة مسافر» به شکل شرحی بر عروه الوثقی تصنیف نمودم که تتمه‌ای از آن باقی مانده است. در سال ۱۳۷۷ به عنوان نماینده دوره سوم مجلس خبرگان از استان مازندران به مجلس خبرگان راه یافتیم، و در سال ۱۳۸۰ با حکم مقام معظم رهبری به عنوان عضوی از فقهای شورای نگهبان منصوب گشتم و حکایت همچنان باقی است ... ریاست قوه قضاییه:

آیت الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران وی را در تاریخ شنبه ۲۴ مرداد ماه سال ۱۳۸۸ به سمت ریاست قوه قضاییه منصوب کرد.

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اردشیر لاریجانی (۱۳۳۶ در نجف [۱])، استاد دانشگاه و سیاست‌مدار ایرانی است. وی هم‌اکنون، نماینده و رئیس هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی [۲] از حوزه انتخابیه قم است. [۳] زندگی خانوادگی علی لاریجانی فرزند حاج میرزا هاشم آملی است. پدر او متولد لاریجان بود. برادران او نیز هر کدام راهی جداگانه در پیش گرفتند. محمد جواد، با خواندن ریاضی رئیس کمیسیون سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی شد. او همچنین رئیس پژوهشگاه دانش‌های بنیادی است. یکی دیگر از برادران او، صادق، استاد حوزه علمیه قم و عضو شورای نگهبان و مجلس خبرگان شد. باقر لاریجانی هم پزشکی خواند، و رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران شد. فاضل لاریجانی نیز کارمند وزارت امور خارجه و از دیپلمات‌های جمهوری اسلامی است. خواهر علی لاریجانی همسر مصطفی محقق داماد است. پسرخاله وی احمد توکلی فعال سیاسی ایرانی است. [۴]

علی لاریجانی در سن ۲۰ سالگی با فریده دختر ۱۵ ساله مرتضی مطهری ازدواج کرد. [۱] وی چهار فرزند دارد؛ دو دختر با نام‌های فاطمه و سارا و دو پسر با نام‌های مرتضی و محمدرضا. [نیازمند منبع]

زندگی دانشگاهی

وی دانش‌آموخته دانشگاه صنعتی شریف در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته کاربرد کامپیوتر در ریاضی و دانش‌آموخته در مقطع دکتری در رشته فلسفه غرب است.

او در سال ۱۳۵۸ رتبه اول رشته ریاضیات و علوم کامپیوتر دانشگاه صنعتی شریف را کسب کرد. وی همچنین دو کتاب علمی با عناوین متافیزیک و علوم دقیقه در فلسفه کانت [۱] و روش ریاضی در فلسفه کانت [۵] و کتابی دیگر با عنوان دولت مدرن؛ پیمانی با مردم [۶] و همچنین پانزده مقاله پژوهشی در موضوعات مختلف علمی نگاشته است. [۷]

سابقه اجرایی

اولین سمت‌های اجرایی

اولین سمت اجرایی مدیریت کل برون مرزی و واحد مرکزی خبر صدا و سیما بود. بین سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۰ [۷]، وی معاون وزارتخانه‌های کار و امور اجتماعی و پست و تلگراف و تلفن (وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات فعلی) و همچنین سپاه را بر عهده گرفت و سپس جانشین ستاد کل سپاه بود وی همچنین از بنیانگذاران پایگاه مقاومت بسیج مسجدالمهدی مرداوید اصفهان می‌باشد. [۱]

در سال ۱۳۷۰ و در زمان ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی و پس از استعفای سید محمد خاتمی از سمت وزارت ارشاد، لاریجانی در این سمت قرار گرفت و تا بهمن ۱۳۷۲ به‌عنوان وزیر در این وزارتخانه حضور داشت. در سال ۱۳۷۳ وی با حکم رهبری، ریاست سازمان صدا و سیما را برعهده گرفت. [۱]

ریاست صدا و سیما

وی ده سال ریاست سازمان صدا و سیما را بعهده داشت و در این مدت تغییرات بارزی در این سازمان به‌وجود آورد. در طی این دوران تعداد شبکه‌های تلویزیونی این سازمان از سه شبکه به ۷ شبکه رسید. در پایان دوران ریاست او بر این سازمان، ۷ شبکه تلویزیونی، ۸ شبکه رادیویی ملی و سراسری، ۳۰ شبکه رادیویی استانی، ۴ شبکه تلویزیونی استانی، و هفت شبکه جهانی توسط صدا و سیما اداره می‌شد. علاوه بر این شبکه‌ها، روزنامه جام جم و شرکت تولید فیلم سیما فیلم هم در دوران مدیریت وی توسط سازمان

صدا و سیما تأسیس شدند. [۱]

نتقدان

منتقدان عملکرد لاریجانی در صدا و سیما معتقدند که دولت خاتمی و مجلس ششم در تمام دوران خود نه تنها از رسانه ملی محروم بودند بلکه آنرا در مقابل خود میدیدند. [۸]

عبدالله رمضان زاده سخنگوی دولت خاتمی می‌گوید: «روزی آقای محمود احمدی‌نژاد که شهردار تهران بودند پل عابر پیاده برقی میدان هفت تیر را افتتاح کردند که حدود ۴۰ میلیون تومان در یک مدت زمان طولانی صورت گرفت که البته همین هم نیازمند انجام تحقیق و تفحص است و همان روز آقای دکتر عارف کارخانه توریب سازی نیروگاه‌های ما را در کرج با هزینه‌ای بالغ بر ۲۰۰ میلیارد تومان افتتاح کردند و ایران به جمع ۱۰ کشور صاحب این فناوری دست یافت. ولی صدا و سیما از پل عابر پیاده ۴۰ میلیون تومانی شهردار احمدی نژاد ۱۵ دقیقه در ۵ بخش خبری پخش کرد و پروژه ۲۰۰ میلیارد تومانی را که معاون اول رئیس جمهوری افتتاح کرد در ۴۵ ثانیه و در ۴ بخش خبری پوشش داد... از این مصادیق بسیار است و به طور مثال در عسلویه ۲۰۰ میلیارد دلار هزینه شد که تمام آن در دولت آقای خاتمی اتفاق افتاد ولی چه کسی از آن اطلاع دارد.» [۹]

تحقیق و تفحص مجلس ششم

نمایندگان مجلس ششم که اکثریت آن را اصلاح طلبان تشکیل می‌دادند خواستار تحقیق و تفحص از صدا و سیما شدند اما شورای نگهبان با این تفسیر که رهبر فوق همه قواست مانع از تحقیق و تفحص مجلس گردید. با اصرار نمایندگان، علی خامنه‌ای نهایتاً تحقیق و تفحص را پذیرفت و مجلس توانست تنها در سه موضوع شامل: میزان ونحوه هزینه کردن درآمدهای آگهی‌ها، خریدهای خارج از کشور و اهدای هدایا تحقیق کند. گرچه به گفته نمایندگان طرح تحقیق با کارشکنی‌های متعدد سازمان مواجه گردید و بیش از یکسال بطول انجامید، صدا و سیما و قوه قضائیه نمایندگان را تهدید به محاکمه کرده و پرونده تخلفات صدا و سیما در مجلس هفتم بدون پیگیری بسته شد. گزارش تحقیق و تفحص مجلس تنها از ۵ حساب بانکی صدا و سیما (از مجموع ۲۰۰ حساب بانکی) حاکی از تخلفات مالی به ارزش ۵۲۵۰ میلیارد ریال در این سازمان بود. لاریجانی تحقیق و تفحص نمایندگان را به تمسخر گرفته و آنرا «کشکی» خواند. [۱۰] [۱۱]

نمایندگان در بیانیه‌ای که در آخرین روزهای عمر مجلس ششم منتشر گردید خواستار پیگیری و رسیدگی به گزارش تحقیق و تفحص توسط یک قاضی «خدا ترس، عادل و بی طرف» شدند. قوه قضائیه هیچگاه به این گزارش رسیدگی نکرد و مجلس اصولگرایی هفتم نیز علاقه‌ای به پیگیری آن نداشت. [۱۲]

قرائت گزارش تحقیق و تفحص مجلس از صدا و سیما همزمان با روزهای پایانی فعالیت مجلس ششم و برگزاری انتخابات مجلس هفتم بود. صدا و سیما در جریان انتخابات اخبار رد صلاحیت گسترده نامزدهای اصلاح طلب، اعتراضات احزاب و گروه‌ها به عملکرد شورای نگهبان، تحصن نمایندگان و نهایتاً تحریم انتخابات توسط اصلاح طلبان را با نگاهی جانبدارانه پوشش داد تا جایکه به سانسور بیانیه مشترک روسای دو قوه (خاتمی رییس جمهور و کروبی رییس مجلس) رسید. اصلاح طلبان ضمن آنکه لاریجانی را متهم می‌کردند که مغز متفکر جناح راست (اصولگرا) است و صدا و سیما را به دستگاه تبلیغاتی محافظه کاران تبدیل کرده‌است، ریشه بخشی از تلاشهای وی را در نگرانی از احتمال پیگیری گزارش تحقیق و تفحص مجلس و تخلفات ۵۲۵۰ میلیارد ریالی اش می‌جستند. خاتمی رییس جمهور و اکبر اعلمی (رییس هیات نظارت بر صدا و سیما) در بیانیه‌های جداگانه‌ای به این اقدام لاریجانی اعتراض کردند. [۱۳] [۱۴] [۱۵]

امزدی انتخابات ریاست جمهوری

او در انتخابات سال ۱۳۸۴ برای نهمین دوره ریاست جمهوری شرکت کرد. او در این انتخابات شکست خورد.

شورای عالی امنیت ملی

لاریجانی که پس از پایان دوران ریاستش در صدا و سیما، همچنان عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای عالی انقلاب فرهنگی بود، در ۵ خرداد ۱۳۸۳ با حکم سید علی خامنه‌ای به‌عنوان نماینده رهبر در شورای عالی امنیت ملی منصوب شد. سپس در ۲۴ مرداد ۱۳۸۴، به‌عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد. اما در سال ۱۳۸۶ پس از چندین بار درخواست او برای استعفا از ریاست شورای عالی امنیت ملی، در روز ۲۸ مهر ۱۳۸۶ درخواست استعفای او پذیرفته شد و مسئولیت ۲۶ ماهه او در این پست پایان یافت. [۱۶] در آن زمان که محمود احمدی‌نژاد پرونده هسته‌ای ایران را در شورای امنیت سازمان ملل پایان یافته دانسته بود، علی لاریجانی در میان راه مذاکرات خود با خاویر سولانا قرار داشت. ماجرای استعفای او پس از دیدار ولادیمیر پوتین از ایران و دیدار او با علی خامنه‌ای رخ داد.

استعفای وی بازتاب گسترده در رسانه‌های جهان داشت. [۱۷]

یاست مجلس

علی لاریجانی پس از کسب نمایندگی مردم قم در مجلس شورای اسلامی، در چهارمین جلسه علنی مجلس هشتم با کسب اکثریت آرا برای یک سال به‌عنوان رئیس هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی انتخاب شد. او که تنها نامزد ریاست مجلس بود موفق به کسب ۲۳۷ رأی از ۲۵۹ رأی مأخوذه شد. در این انتخابات از مجموع آرای ریخته شده به گلدان‌ها ۲۲ رأی سفید بود [۱۸]. او پیش از این از سوی اصولگرایان، جناح اکثریت مجلس، برای نامزدی ریاست مجلس برگزیده شده بود. او توانسته بود رقبش غلامعلی حداد عادل رئیس مجلس هفتم، را در انتخابات داخلی فراکسیون اصول‌گرایان مجلس با ۱۶۱ در مقابل ۵۰ رأی شکست دهد [۱۹].

لاکانی رشتی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۳۱ ق)، عالم دینی، فقیه، مجتهد و مدرس. در نجف به دنیا آمد. در ۱۳۴۱ ق به همراه پدرش به ایران آمد و در رشت سکنی گزید. پس از فراگیری مقدمات و نیز تحصیلات جدید، سطوح را نزد پدرش و شیخ حسن رشاد و شیخ ابوطالب شفتی و شیخ احمد طاهری فراگرفت. سپس به قم رفت و از محضر آیت‌الله سید احمد خوانساری و آیت‌الله شیخ مهدی مازندرانی و آیت‌الله سید محمد حجت و آیت‌الله سید صدرالدین صدر استفاده نمود. در ۱۳۶۳ ق به قصد زیارت به عراق رفت و در نجف از محضر آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله شیخ ضیاءالدین عراقی بهره برد و از آنها به دریافت اجازه‌ی اجتهاد نایل شد. سپس به قم بازگشت و به تدریس و تألیف پرداخت و خود از مباحث آیت‌الله بروجردی استفاده نمود. در ۱۳۷۰ ق به قصد زیارت به مکه و مدینه و عتبات رفت و در بازگشت از سفر به علت بیماری پدرش در رشت سکنی گزید و به اقامه‌ی جماعت، تدریس و انجام امور دینی اشتغال یافت. از آثار وی: شرح مباحث «الفاظ» و «برائت» از «کفایة الاصول» آخوند خراسانی؛ شرح «رسائل» شیخ انصاری؛ شرح «مکاسب» شیخ انصاری؛ رساله‌ای در «استصحاب»؛ رساله‌ای در «اعتقادات»؛ رساله‌ای در «علم اخلاق»؛ رساله‌ای در «علم درایه»؛ رساله‌ای در «نفس»؛ رساله‌ای در «قاعدہ‌ی لا- ضرر»؛ رساله‌ای در «قواعد فقهیه و اصولیه»؛ رساله‌ای در «اقتباسات آخوند خراسانی از دیگران»؛ رساله‌ای در «جمع بین الرأیین» (اصالة الماهیه و الوجود). [۱]

سید محمود ضیابری فرزند عالم جلیل آقا سید مهدی موسوی از علماء معاصر رشت است که در سال ۱۳۰۷ ق در قریه ضیاءبر که در چهل و هشت کیلومتری رشت قرار دارد تولد یافته و در تحت تربیت مرحوم والدش پرورش و در سال ۱۳۱۴ ق در سن ۷ سالگی

نزد ملا کاظم مکتب‌دار محل قرائت قرآن و خواندن را آموخته و در همان محل صرف میر و تصریف را از آخوند ملاعلی فرا گرفته و برای ادامه تحصیل به رشت و دو سالی در مدرسه حاج سمیع و پس از آن در مدرسه مستوفی ادبیات را نزد فضل‌الله در مدرسه خوانده و سطوح وسطی را در خدمت مرحوم حاج شیخ حسن کوچصفهانی و مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمد زاهد استفاده نموده و در سال ۱۳۳۸ قمری به نجف اشرف مهاجرت و سطوح عالی را از فضلاء گیلانی مقیم نجف تعلیم گرفته و از درس خارج مرحوم آیت‌الله شیخ‌الفقهاء آقای شریعت اصفهانی و آیت‌الله آقا ضیاء‌الدین عراقی و آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله نائینی قدس‌الله اسرارهم استفاده نموده و در سال ۱۳۱۳ شمسی برای زیارت حضرت ثامن‌الائمه علیهم‌السلام به ایران وارد و پس از تشریف به مشهد مقدس به رشت عزیمت نموده و چند ماهی در قریه ضیابر توقف و به تبلیغ پرداخته و بعد از آن مراجعت به نجف و به زیارت بیت‌الله‌الحرام مشرف و پس از بازگشت در مدرسه قزوینی‌های نجف به تدریس سطوح وسطی پرداخته و در سال ۱۳۲۰ شمسی برای گذراندن ایام تابستان به همدان آمده و چون مصادف با جنگ جهانی دوم بود ناگزیر به گیلان عزیمت و رحل اقامت به رشت انداخته و بدو در مسجد خمیران و مسجد چهل تن و مسجد مرحوم حاج محمدکریم به اقامه جماعت و ارشاد مردم اشتغال تا در سال ۱۳۲۸ شمسی پس از فوت مرحوم عالم ربانی آیت‌الله حاج سید مهدی رودباری برای اداره امور حوزه علمیه رشت و تربیت طلاب و محصلین به مسجد جامع کاسه‌فروشان و مدرسه مهدویه منتقل و به وظائف دینی و روحی از اقامه نماز جمعه و جماعت و تدریس و قضاء حوائج و رفع خصومات و حل و فصل قضایا و توجه و دستگیری از مساکین و عجزه و تأسیس مساجد و تعمیر مدارس و ایجاد کتابخانه و ابنیه خیریه و غیره اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] گنجینه دانشمندان (۱۹۱-۱۸۹/۵)، معجم رجال‌الفکر و الادب فی النجف (۳/۱۱۲۰).

لاکانی رشتی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی لاکانی رشتی متوفی سال ۱۳۷۰ قمری والد آیت‌الله لاکانی معاصر.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

لاکانی، حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین لاکانی از فقهاء بزرگ و ثقات علماء و شاگردان میرزای رشتی و در سال ۱۳۱۰ ق وفات نموده

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

لالکائی، ابوالقاسم هبه‌الله

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۱۸ق)، فقیه شافعی، محدث، مفتی و حافظ. اصل وی از طبرستان بود. به بغداد رفت و از شیخ ابوحامد اسفرائینی فقه آموخت. از ابوالقاسم عیسی بن علی وزیر و ابوطاهر مخلص و ابوالحسن بن جندی و جعفر بن عبدالله فناکی رازی و علی بن محمد قصار و علاء بن محمد رویانی و ابوحامد فرضی و عده‌ای دیگر حدیث شنید. ابوبکر خطیب و پسر او محمد بن هبئه الله و ابوبکر احمد بن علی طریثی و مکی کرجی سلار و دیگران از وی روایت کردند. در دینور درگذشت. از وی تصنیفاتی بر جای مانده است، از جمله: «السنن»، شرح اصول اعتقادی اهل تسنن بر اساس کتاب (قرآن)، سنت و اجماع صحابه؛ شرح «السنة» بغوی؛ «معرفة اسماء من فی الصحیحین» یا «رجال الصحیحین» یا «اسماء رجال الصحیحین» بخاری و مسلم؛ «المسائل المنثورة»، در نحو و تفسیر و غیره؛ «کرامات اولیاء الله».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۹/۵۷)، انساب سمعانی (۵/۶۶۹)، تاریخ بغداد (۷۱-۱۴/۷۰)، تذکره الحفاظ (۱۰۸۵-۳/۱۰۸۳)، سیر النبلاء (۴۲۰-۱۷/۴۱۹)، شذرات الذهب (۳/۲۱۱)، طبقات الحفاظ (۴۳۸)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۲/۱۹۱)، العبر (۲/۲۳۶)، الکامل (۷/۳۳۰)، کشف الظنون (۱۰۴۰، ۸۳۵، ۸۸)، معجم المؤلفین (۱۳/۱۳۶)، المنتظم (۹/۲۱۴)، هدیة العارفین (۲/۵۰۴).

لاله زاری تهرانی، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج سید محمدتقی تهرانی از علماء اعلام معاصر تهرانت. وی در حدود ۱۳۱۲ قمری در سامرا متولد شده و با مرحوم والدش آیت الله آقا سید ابراهیم به تهران آمده و پس از طی دوران صبا و خواندن مقدمات در سال اول تاسیس حوزه علمیه قم ۱۳۴۰ قمری به قم آمده و از محضر مرحوم آیت الله حایری و آیت الله یثربی و آیات دیگری استفاده نموده و هم از محضر مرحوم آیتین اصفهانی و نائینی در موقع توقفشان در قم بهره‌مند گردیده تا به درجه رفیعه علم و اجتهاد نائل آنگاه به تهران مراجعت و بیش از پنجاه سالست که بخدمات دینی اشتغال و چندین سالست که در مسجد (اباذر غفاری) در پل چوبی خیابان شاهرضا به اقامه جماعت و تبلیغ احکام موفق می‌باشد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

لاله زاری، محمدصادق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

السید محمدصادق بن العالم الجلیل السید ابراهیم بن السید علی اصغر الحسینی تهرانی عالمی فاضل و کاملی عامل و پدرش از علماء بزرگوار در که تهران بوده.

وی در سال ۱۳۰۰ قمری در سامره متولد و در تحت مراقبت و تربیت والدش پرورش یافته و مقدمات و قسمتی از سطوح را نزد وی

و بعضی از فضلاء سامره خوانده و در حدود سال ۱۳۲۰ قمری باتفاق مرحوم والدش مسافرت به تهران نموده و فقه و اصول و بعضی از معقول را نزد علماء تهران تکمیل نموده و چون والدش در سال ۱۳۳۲ قمری وفات نمود حمل به قم و در ایوان آئینه حضرت معصومه علیهاالسلام دفن و به تهران مراجعت و بجای والدش در مسجدی که در خیابان لاله‌زار تهران تأسیس نموده به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته و تحول عجیبی در کسبه و اصناف خیابان مزبور ایجاد کرده که اغلب آنان در مواقع نماز به مسجدش حاضر و از نماز و بیاناتش استفاده می‌کردند تا در ۱۶ صفر ۱۳۷۰ قمری وفات نموده و جنازه‌اش حمل به قم و در جوار حضرت معصومه علیهاالسلام بخاک سپرده شده است.

دارای فرزندان برومند و دانشمندی است که از علماء اعلام معاصر تهران و ری می‌باشند.

۱- جناب آیت‌الله حاج سید مهدی حسینی لاله‌زاری که ترجمه‌اش را بعد از این خواهد آمد.

۲- جناب حجة الاسلام و المسلمین حاج سید محمدحسین لاله‌زاری دومین فرزند آن جناب است که در تهران تولد یافته و پس از خواندن مقدمات به قم مسافرت و در مدرسه حجتیه اقامت و بتکمیل سطوح پرداخته و چند سالی از محضر مرحوم آیه الله العظمی بروجردی و آیات دیگر بهره‌مند شده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و چندین سال از محضر آیات عظام چون مرحوم آیت‌الله آقا میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله حاج سید محسن حکیم و آیت‌الله العظمی خوئی مد ظله و دیگران استفاده نموده تا بمدارج علم و کمال رسیده آنگاه مراجعت به تهران و در مسجد قائم واقع در خیابان سعدی به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و ضمناً تدریس و مباحثات اشتغال دارند.

۳- جناب حجة الاسلام آقای حاج سید عبدالصاحب لاله‌زاری از فضلاء و علماء معاصر می‌باشند که چندین سال در قم و سالها در نجف اشرف کسب علم و کمال کرده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

لاله‌زاری، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج سید مهدی لاله‌زاری ابن العالم النبیل و آیت‌الله الجلیل مرحوم حاج سید محمد صادق لاله‌زاری از علماء مبرز و معروف معاصر تهران مقیم در زاویه مقدسه شهر ری می‌باشند معظم له در سال ۱۳۲۴ قمری در تهران متولد شده و سطوح را خدمت مرحوم شیخ مهدی نوری و میرزا طاهر تنکابنی خوانده و در عصر آیت‌الله العظمی مرحوم میرزا محمدتقی شیرازی مهاجرت به نجف اشرف نموده و پس از چندی مراجعت به ایران و در سال ۱۳۴۲ ق دوباره معاودت به نجف نموده و اصول را از مرحوم آیت‌الله مشکینی تکمیل و مدت ۱۲ سال از درس و محضر مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله حاج شیخ کاظم شیرازی استفاده نموده و در سال ۱۳۶۰ ق مراجعت به ایران و در تهران رحل اقامت افکنده و بخدمات دینی و وظائف روحی پرداخته و در سال ۱۳۷۰ مشرف به نجف و دو سال توقف و در سال ۱۳۷۲ ق بوطن بازگشت نموده و مجاورت حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام را در شهر ری بر سکونت در تهران ترجیح و اختیار نموده و بانجام وظایف دینی و روحی مشغول گشته و از آن تاریخ تاکنون خدمات ارزنده و آثار خالده‌ای از خود گذارده است.

نگارنده گوید: آیت‌الله لاله‌زاری عالمی عامل و فاضلی کامل و فقیهی ناطق و در ایجاد و بناء مساجد و مدارس سنی بلیغ و همتی عالی و بلند دارد. بیانش بسیار جذاب و شیرین و منبرش بی‌اندازه مؤثر و نافذ است، اول عالم و روحانی متفرد شهر ری می‌باشد

- بسیاری از مردم ری و تهران دست ارادت به وی داده و دلباخته بیانات سودمند و مفید ویند.
- آثار خالده و باقیات و صالحات وی در ری و تهران از این قرار است:
- ۱- مدرسه آیت‌الله لاله‌زاری در شهر ری که با همت خود بنام مرحوم آیت‌الله بروجردی بنا ولی مردم بنام ایشان می‌خوانند.
 - ۲- حوزه علمیه شهر ری که بهمت عالی وی اداره میشود.
 - ۳- مسجد خاتم‌النبیین در خیابان مظفری شهر ری که از مساجد بسیار زیبای ری و تهران است.
 - ۴- مسجد لاله‌زاری جنب مدرسه علمیه‌اش.
 - ۵- مسجد لاله‌زاری در خیابان لاله‌زار.
 - ۶- مسجد قائم.
 - ۷- مسجد بی‌بی در سر سه راه سپهسالار.
 - ۸- مسجد سلمان در خیابان شهباز.
 - ۹- مسجد حاج محمدحسن قنبری. مسجد اباذر و مساجد دیگر در تهران و حومه آن.
- آثار علمی ایشان:

- ۱- تقریرات اصول مشکینی.
 - ۲- تقریرات اصول آقا ضیاء.
 - ۳- تقریرات نائینی مباحث الفاظ.
 - ۴- تقریرات فقه آیت‌الله اصفهانی.
 - ۵- رساله عملیه و تمام کتب مذکوره مخطوط میباشد.
- (تو ۱۳۲۴ ق)، عالم دینی، فقیه و نیکوکار. در تهران به دنیا آمد و سطوح را در خدمت شیخ مهدی نوری و میرزا طاهر تنکابنی فراگرفت. در عصر میرزا محمد تقی شیرازی به نجف رفت و پس از مدتی به ایران بازگشت. در ۱۳۴۲ ق برای بار دوم به نجف رفت و اصول را از محضر آیت‌الله مشکینی فراگرفت و مدت دوازده سال نیز از درس و بحث آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله شیخ کاظم شیرازی استفاده نمود. در ۱۳۶۰ ق به تهران آمد و در شهر ری ساکن گردید و به انجام وظایف دینی پرداخت. از آثارش: مدرسه‌ی آیت‌الله لاله‌زاری در شهر ری؛ حوزه‌ی علمیه و مسجد لاله‌زاری در شهر ری؛ مسجد خاتم‌النبیین (ص) در شهر ری؛ مسجد لاله‌زاری در خیابان لاله‌زار؛ مسجد بی‌بی در سپهسالار؛ مسجد سلمان در خیابان هفده شهریور؛ مسجد قائم، مسجد حاج محمد حسن قنبری، مسجد اباذر و مساجد دیگر در تهران و حومه. از آثار علمی: «تقریرات» اصول آیت‌الله مشکینی؛ «تقریرات» اصول آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی؛ «تقریرات» آیت‌الله نائینی، مباحث الفاظ؛ «تقریرات» فقه آیت‌الله اصفهانی؛ «رساله‌ی عملیه». [۱]
- برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
- منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۶۴۱-۶۴۰/۶۴۰).

لاهورتی کرمانشاهی، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۶ / ۱۳۳۵ - ۱۲۶۶ / ۱۲۶۴ س)، نویسنده، روزنامه‌نگار، مترجم و شاعر، متخلص به لاهوتی. در کرمانشاه به دنیا آمد. پس از فراگرفتن علوم مقدماتی در زادگاهش، جهت ادامه‌ی تحصیل به تهران آمد. در جریان انقلاب مشروطه شب‌نامه و اوراق سیاسی منتشر می‌کرد و در صف فداییان قرار داشت. او در جوانی به تحصیل علوم مذهبی پرداخت و به لباس روحانیون ملبس شد. پس از چندی به تصوف روی آورد و سپس از کسوت روحانیان خارج گردید و در ژاندارمری مشغول خدمت شد. وی در حدود ۱۲۹۰ ش به اتهام قتل یکی از زیردستانش به عثمانی (ترکیه) گریخت و در آنجا به تدریس در مدرسه‌ی ایرانیان پرداخت و پس از چندی به ایران بازگشت و در کرمانشاه اقدام و به انتشار روزنامه‌ی «بیستون» کرد. بعد از مدتی مجدداً به ترکیه رفت و مجله‌ی ادبی «پارس» را در دو قسمت، به فارسی و فرانسه، در استانبول تأسیس و منتشر کرد. در ۱۳۰۰ ش به ایران بازگشت و در ژاندارمری تبریز به خدمت مشغول شد. سپس زمینه‌ی کودتایی در آنجا ترتیب داد و پس از شکست خوردن کودتا به روسیه گریخت و تا پایان عمر در آنجا به فعالیت‌های هنری درباره‌ی زبان و ادبیات فارسی پرداخت. او از نظر مسلکی، شاعری مادی و معتقد به مارکسیسم بود و شعر خود را ابزاری در خدمت تحقق آرمانهای طبقه کارگر می‌دید. وی شاعری توانا بود و در غزلسرایي مهارت داشت. در عین حال او را می‌توان از پیشگامان شعر نو نیز به حساب آورد. سرانجام لاهوتی در روسیه از دنیا رفت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثارش: «ادبیات سرخ»؛ «ایران نامه»؛ «جنگ آدمیزاد با دیو»؛ «درافشان»؛ «لالی لاهوتی»؛ «چند اثر از پوشکین»، ترجمه، منظوم؛ ترجمه‌ی «شاهنامه» فردوسی به زبان روسی؛ «دیوان» شعر. [۱]

در ۱۲۶۹ در کرمانشاه متولد شد. پدرش الهامی شغل آزاد داشت و گاهی شعر می‌سرود. وی وارد مدرسه ژاندارمری شد و به درجه افسری رسید. خیلی شجاع و احساساتی و خوش بیان بود. وقتی به درجه سروانی رسید ریاست ژاندارمری قم و کاشان به او داده شد. وی در این شغل مأمور دستگیری نایب حسین کاشی و همدستان او بود. خیلی تند و شدید عمل کرد. نه نفر از یاران نایب حسین را اعدام نمود. لاهوتی در قم خیلی بد کار کرد، متهم به اخاذی شد. حتی گفته شد یک دزدی که در حرم حضرت معصومه متحصن شده بود او را به زور از صحن خارج نموده تیرباران کرده است. مردم به تهران شکایت بردند، هیئتی مرکب از یک افسر سوئدی و دو افسر ایرانی برای رسیدگی به قم رفتند ولی قبل از اینکه افسران مزبور به وظیفه خود عمل نمایند مورد حمله افراد مجهولی قرار گرفته دو تن از آنان مقتول و یکی مجروح گردید. مجروح را به رباط کریم منتقل و در آنجا خفه می‌نمایند. دولت تمام این عملیات را ناشی از تحریک لاهوتی دانسته او را بازداشت و در تهران زندانی می‌نماید. وی با کمک عده‌ای از زندانیان متواری شد. ابتدا به کرمانشاه، سپس به اسلامبول می‌رود و در غیاب وی دادگاه حکم اعدام او را صادر می‌کند. در جنگ بین‌المللی اولی که جمعی از ملیون و وطن پرستان قوایی بوجود آورده با روس‌ها می‌جنگیدند لاهوتی با آنها همکاری نموده فرماندهی یک گروهان را عهده‌دار می‌گردد. پس از شکست مجدداً به استانبول می‌رود و با کمک خان ملک ساسانی، به انتشار مجله پارس مبادرت می‌کند. چندی بعد وارد تبریز شد. به شیخ محمد خیابانی ملحق می‌گردد. پس از کشته شدن خیابانی عفو عمومی درباره افراد او صادر گردید. این عفو شامل لاهوتی نیز گردید و حاج مخبرالسلطنه هدایت والی وقت آذربایجان در شفاعت و کمک به او نقش بسیاری داشته است. و او را مجدداً با درجه مازوری (سرگردی) داخل ژاندارمری می‌نمایند و به معاونت ژاندارمری آذربایجان منصوب می‌گردد. در آن ایام اوضاع آذربایجان سخت مغشوش بود. سمیتقو در سطح وسیعی منطقه را زیر نظر داشت. چند بار قوای ژاندارم را از بین برده بود. از طرفی افسران ژاندارم در آن ایام به جهت انحلال و ضمیمه شدن به قزاقخانه ناراضی بودند و چند ماه بود که حقوقی دریافت نکرده در وضع ناگواری بسر برده و درصدد انتقام برآمده بودند. افسران ژاندارم مستقر در شرفخانه با تبانی یکدیگر و انتخاب لاهوتی به سرپرستی خود به قصد اشغال تبریز و سپس تهران دست به قیام مسلحانه زدند. ابتدا مازور پولادین فرمانده ژاندارمری را توقیف نموده، سیم تلفن و تلگراف را قطع می‌نمایند. همچنین حاج مخبرالسلطنه هدایت والی و سرهنگ شهاب را بازداشت می‌کنند. قسمت اعظم شهر تبریز به دست آنها افتاده عده‌ای از مردم به

ژاندارمها ملحق می‌گردند. قوای دولتی پس از اطلاع از قیام لاهوتی با قوایی که برای مقابله با سمیتقو آماده کرده بود متوجه شهر تبریز شد و زد و خورد بین دو قدرت درمی‌گیرد. پس از چند ساعت زد و خورد از طرفین عده زیادی کشته می‌شوند ولی به هیچوجه بیم شکست خوردن لاهوتی و همکارانش در بین نبود ولی یکمرتبه لاهوتی با چند تن از افسران از تاریکی شب استفاده کرده به روسیه فرار می‌نماید و مقادیری سلاح نیز با خود حمل می‌کند. شهر تبریز راحت به دست قوای قزاق فتح می‌شود. باقیمانده افسران همکار لاهوتی که عده آنها ده نفر بود بازداشت می‌شوند. در راس این عده سلطان تورج میرزا امین قرار داشت که فرمانده ستاد جنگ بود. به دستور سردار سپه دادگاه نظام به ریاست سرتیپ زاهدی که در آن هنگام مأمور حمله به قلعه چهریق بود تشکیل می‌یابد. سرهنگ متین‌الملک قریب دادستان دادگاه در کیفرخواست اعدام همه را تقاضا می‌نماید و محاکمه همدستان لاهوتی آغاز می‌گردد. دادگاه تمام عده را براساس کیفرخواست به اعدام محکوم می‌کند. پس از محاکمه و محکومیت این عده بعضی از صاحبان قدرت در مقام وساطت برآمده از جمله سید حسن مدرس در تهران شدیداً برای جلوگیری از اجرای حکم تلاش می‌کند. افسران محکوم به زندان تهران انتقال یافته پس از چندی مورد عفو قرار گرفته به شغل سابق خود باز می‌گردند.

لاهوتی سالها پس از فرار از ایران در شوروی می‌زیست. چندی در قفقاز وزیر فرهنگ تاجیکستان شد. در اواخر به بخش رادیو فارسی مسکو پیوست. وی طبع شعر داشت و قسمتی از اشعارش انتشار یافته است. وی در زمانی که در شوروی بسر می‌برد در برنامه فارسی رادیو مسکو نقشی داشت و حقوقی دریافت می‌کرد. تا اواخر عمر مردی ماجراجو، پرمدها و شلوغ بود. در ۱۳۴۰ در گذشت. لاهوتی در گیرودارهای سیاسی به خارج از ایران گریخت و سرانجام به تاجیکستان شوروی رفت و در آنجا به مقامات مهم از جمله وزارت معارف رسید. هم در آنجا ازدواج کرد، دیوانش بارها به چاپ رسید از جمله در مسکو (۱۹۴۶). لاهوتی در شعر فارسی معاصر مقامی ارجمند دارد. از نظر مضامین در به کار بردن کلمات تازگیهای بسیاری در شعرش دیده می‌شود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] ادبیات نوین (۳۴۲، ۱۰۸، ۴۴-۴۳، ۳۱)، از بهار تا شهریار (۲۵۸-۲۴۶ / ۱)، از صبا تا نیما (۳۸۳-۳۸۱، ۲۳۵، ۱۷۲-۱۶۸ / ۲)، از نیما تا روزگار ما (۵۰۲-۴۹۲)، تاریخ جراید (۴۷-۴۶، ۴۲ / ۲)، چون سبوی تشنه (۷۴-۷۲)، دویست سخنور (۳۵۷-۳۵۵)، الذریعه (۹ / ۹۴۰)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۵۵-۳۴۶ / ۵)، سخنوران نامی معاصر (۳۱۱۸-۳۱۱۳ / ۵)، فرهنگ سخنوران (۷۸۶)، فرهنگ شاعران زبان پارسی (۴۹۲-۴۹۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۵۴، ۲۷۹۳، ۲۱۲۱، ۱۹۸۲ / ۲، ۱۵۷، ۱۳۹۳، ۱۱۱۶-۱۱۱۵، ۱۱۰۶، ۱۰۵۷، ۴۱۷، ۲۳۳، ۱۴۴ / ۱)، کتاب گیلان (۵۶۴ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۸۸-۲۸۶ / ۱).

لاهوتی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن لاهوتی در سال ۱۳۲۳ در سبزوار متولد شد. وی از نخستین مترجمان و محققانی است که در بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی مشغول به کار شد. ایشان در جوار استاد سیدجلال الدین آشتیانی توانست آثار ارزشمندی چون «شکوه شمس» پروفیسور شیمیل را ترجمه کند. نامبرده مدرس دانشگاه پیام نور بوده و در حال حاضر نیز عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد می‌باشد. کتاب "شرح مثنوی معنوی" ترجمه حسن لاهوتی، در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: ترجمه

تحصیلات رسمی و حرفه ای: حسن لاهوتی تحصیلات ابتدایی، متوسطه و دانشگاهی را تا مقطع فوق لیسانس در مشهد طی کرد و پس از آن برای ادامه تحصیل به دانشگاه ایالتی میشیگان «MSU» رفت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: حسن لاهوتی از نخستین مترجمان و محققانی است که در بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی مشغول به کار شد و آثاری چون «جنبشهای اسلامی و گرایشهای قومی در مستعمره هند»، «هند بریتانیا»، «خدمات مسلمانان به جغرافیا» همراه با تعلیقات و تحقیقات دیگر حاصل سالها همکاری او با آن بنیاد است. مطالع «آثار کهن عرفانی و اسلامی و ادب فارسی که از او ان جوانی بدان پرداخته و بهر؟ وافر که در طول سالیان دراز از محضر استاد سیدجلال الدین آشتیانی برده است او را به ترجم «آثار ارزشمندی چون «شکوه شمس» پروفیسور شیمیل توانا ساخت

جوایز و نشانها: کتاب "شرح مثنوی معنوی" ترجمه، حسن لاهوتی، در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

آثار:

۱ جنبشهای اسلامی و گرایشهای قومی در مستعمره هند

ویژگی اثر: ترجمه

۲ خدمات مسلمانان به جغرافیا

ویژگی اثر: ترجمه

۳ شرح مثنوی معنوی

ویژگی اثر: ترجمه، این کتاب در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «شرح مثنوی معنوی»: شرح مثنوی معنوی مولوی (شش دفتر)، رینولد ا. نیکلسون، ترجمه و تعلیق حسن لاهوتی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴. درک سخنان عارفان؟ مولانا در مثنوی، بی نیاز از شرح نیست. در این کتاب با هم؟ سلاست بیان و شیوایی و سادگی، فراوان است مضامینی که فهم آن بدون اطلاع کافی از دقایق ادب فارسی و اصول معارف عالی؟ اسلام، دشوار، بلکه غیرممکن است. همین ضرورت، توجه دانشمندان نکته سنج را به نوشتن شروح گوناگون بر مثنوی معطوف داشته است، تا آنجا که دانشمندی به نام نیکلسون ۲۰ سال تمام از عمر خود را صرف تھی؟ نسخه ای کامل از مثنوی کرد. مترجم با دقت نظر در یافتن معادلهای درست و قانونی الفاظ و تعبیرات و اصطلاحات عرفانی و فلسفی، کوشیده است عین نقل قولهای مستقیم را بیابد و در متن فارسی بگنجانند. مترجم در برگردان این اثر تحقیقی - که هفت سال به طول انجامید - از راهنمایی و همکاری عالمانی چند برخوردار بوده است و با پیشگفتار محققانه و عالمان؟ سیدجلال الدین آشتیانی اثر خود را مزین نموده است

۴ هند بریتانیا

ویژگی اثر: ترجمه

منابع زندگینامه: www.ketabesal.ir

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالقاسم لاهیجانی صاحب (ریاض المؤمنین) عالمی جلیل و فاضلی فقیه از شاگردان صاحب ریاض بوده و در سال ۱۲۶۹ وفات نموده.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاهیجانی، خلیل

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

خلیل لاهیجانی از علماء وقت و فقهاء گیلان و مورد توجه عموم مردم بوده و در سال ۱۳۳۰ وفات نموده.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاهیجانی، عبدالرسول

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالرسول لاهیجانی فقیهی بارع و عالمی متقی از شاگردان میرزا حبیب الله رشتی بوده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاهیجانی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ علی بن شیخ مهدی لاهیجانی عالمی بارع و متکلمی فاضل صاحب کتاب (مخزن الفوائد فی اصول العقائد) بوده و در سال ۱۳۴۶ وفات نموده.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاهیجانی، محمد

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دوازدهم ق)، عالم دینی، فقیه و ادیب. وی از شاگردان علامه محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۰ ق) است. او در اثر معروف خود «نظم اللآلی» خود را شاگرد علامه مجلسی خوانده است. «نظم اللآلی» جواب سؤالات فقهی است که علامه مجلسی از او نموده و او آنها را جواب گفته سپس بر استادش عرضه داشته و آنها را به تأیید رسانده است. او این کتاب را به اسم شاه سلیمان صفوی تألیف کرده و در ۱۱۰۳ ق از تألیف آن فراغت یافته است. از دیگر آثارش: «فهرست الکتب المأخوذ منها البحار»، که در آن اسامی مأخذ «بحارالانوار» به ترتیب در بیست و هفت باب (غیر از حرف ظ) آمده و در ۱۱۲۷ ق به اتمام رسیده است؛ «صلاة الجمعة»؛ «حلیة النسوان»؛ «تحفة المصلین».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تلامذة العلامة المجلسی (۵۹-۵۸)، الذریعه (۲۲۷- ۲۶۶/۲۴، ۳۹۱/۱۶)، ریاض العلماء (۲۴/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۹۶/۱۲).

لاهیجانی، محمدجعفر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدجعفر بن ملا محمدصادق لاهیجانی از فلاسفه و حکماء عصر و مشاهیر مدرسین علوم عقلیه و دارای تالیفاتی از جمله حاشیه بر الهیات (شرح تجرید) و شرح (المشاعر) ملا صدرالدین شیرازی و غیره بوده و بعد از ۱۲۵۱ وفات نموده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاهیجی اصفهانی، محمد سعید

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن میرزا محمد، از علمای زمان زندیه در اصفهان است، که شیخ عبدالنبی قزوینی او را در سال ۱۱۷۵ ملاقات نموده، و از علم و دانش او تمجید و تحسین نموده است. وی مؤلف شرحی است بر شاطبیه در تجوید. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

لاهیجی قمی، عبدالرزاق

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند علی بن الحسین اللاهیجی قمی از بزرگان حکماء و متکلمین و ادباء محققین ملقب به فیاض لاهیجی است هم داماد (باجناق) مرحوم علامه ملا- محسن فیض کاشانیست که هر دو شاگرد و داماد صدرالمتألهین شیرازی بودند و لقب فیض و فیاض را از او

دریافته‌اند. صاحب روضات گوید در مدرسه معصومه قم (یعنی مدرسه فیضیه) تدریس می‌نمود تألیفات ارزنده دارد که از آنهاست «کتاب گوهر مراد» و رساله (سرمایه ایمان) و شرح تجرید الکلام موسوم «به مشارق الالهام» و «شوارق» کتاب «شرح هیاکل» و رساله‌ی در حدوث عالم، و غیر اینها از کتب و رسائل و حواشی. شاگردان بزرگوارى دارد که از آن جمله است فرزند ارجمندش جناب میرزا حسن صاحب کتاب «جمال الصالحین» در سنن و آداب «و کتاب شمع یقین» در اصول دین به فارسی و غیر آن که قبر شریفش در حاشیه خیابان ارم مقابل شیخان بزرگ سنگ بلندی بر آن نصب است.

(ملا) عبدالرزاق بن علی بن حسین گیلانی ملقب به فیض و فیاض، متکلم منطقی، ادیب و شاعر ایرانی (و.؟- ف. ۱۰۵۱ یا ۱۰۷۲ ه. و) وی شاگرد ملاصدرا و ملا محسن فیض بود و در قم تدریس کرده. تألیفات بسیاری دارد که حاکی از تبحر وی هستند از جمله‌ی آنهاست: ۱- «شوارق الالهام»، شرح بر «تجرید الکلام» خواجه نصیرالدین طوسی. ۲- «گوهر مراد» در حکمت و منطق به فارسی که برای شاه عباس ثانی نوشته. ۳- «حدوث العالم». ۴- «دیوان شعر» پارسی شامل حدود پنج هزار بیت. ۵- «کلمات الطیبه» در اصالت ماهیت وجود.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

لاهیجی، حسن

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۱۲۱- ۱۰۴۵ ق)، عالم دینی، حکیم و صوفی. اصلش از گیلان بود. در قم به دنیا آمد. در فراگیری علوم دینی از محضر پدرش، ملا عبدالرزاق لاهیجی معروف به فیاض، استفاده نمود. در قم در گذشت و در سمت شرقی قبرستان شیخان به خاک سپرده شد. از آثارش: «آئینه حکمت»، در اصول دین، به فارسی؛ «اثبات الرجعه»؛ «اصول الدین»، در پنج فصل، به فارسی؛ «الفه الفرقة»، در کلام؛ «تألیف المحبه» یا «ترکیه الصحبه»، در ترجمه و تلخیص «کشف الریبه» شهید ثانی؛ حاشیه بر «الوافی» فیض کاشانی؛ «التقیه»؛ «شمع یقین فی معرفه الحق و یقین»، در اصول دین و به ویژه امامت؛ «مصباح الدراییه»، در حکمت؛ «مصایح الهدی و مفاتیح المنی»، در حکمت؛ «روایع الکلم»، «بدایع الحکم»، «زواهر الحکم»، در حکمت؛ «جمال الصالحین فی اعمال السنه و الآداب المستحسنه»، به فارسی. [۱]

حسن بن حکیم متأله بن ملا- عبدالرزاق لاهیجی معروف (به فیاض) که قبرش در حاشیه خیابان ارم قم مقابل بازار شیخان واقع و سنگ بلندی بر آن نصب است.

وی فاضلی بوده صالح و در سال ۱۱۲۱ ق وفات نموده از تألیفات او کتب زیر است.

۱- آئینه حکمت ۲- اثبات رجعت ۳- اصول دین ۴- الفه الفرقة در کلام ۵- بدایع الحکم ۶- تألیف المحبه ۷- التقیه ۸- جمال الصالحین ۹- امامت ۱۰- روایع الکلم در حکمت ۱۱- زواهر الحکم ۱۲- شمع یقین ۱۳- مصباح الهدی و غیره.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۱۰۶، ۹۴- ۲۱ / ۹۳، ۱۴ / ۲۳۳، ۶۳- ۱۲ / ۶۲- ۲۶۰، ۲۵۹ / ۱۱، ۲۲۹ / ۶، ۱۳۰، ۱۲۹ / ۵، ۴ / ۴۰۴، ۳ / ۳۰۰، ۱۸۷ / ۱، ۵۲ / ۲، ۱ / ۵۲)، ریاض العلماء (۱ / ۲۰۸- ۲۰۷)، ریحانه (۴ / ۳۶۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۸۰- ۱۷۷ / ۱۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۷ / ۱۲).

لاهیجی، حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین لاهیجی علامه محقق و فقیهی متبحر و مدرس‌سی جلیل از شاگردان سید محمد مجاهد و صاحب جواهر و شیخنا الانصاری بود و در سال ۱۳۰۶ ق به رحمت حق پیوسته. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاهیجی، صفر علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، حکیم و فقیه. در لاهیجان متولد شد مدتی ساکن قزوین بود و علوم معقول را در حوزه‌ی آخوند ملا علی نوری و علوم منقول را در حوزه آقا سید محمد مجاهد آموخت و به دریافت اجازه از حجت‌الاسلام شفتی نائل شد. مدتی در اصفهان به تدریس متون فلسفی پرداخت. سپس مقیم قزوین شد و در آنجا به تدریس فقه و اصول پرداخت. یکی از شاگردان او میرزا محمد تنکابنی است. برخی از آثار او عبارت‌اند از: «شرح معالم»؛ «رساله در درایه». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۷۱/ ۱۴)، فوائد الرضویه (۲۱۹)، قصص العلماء (۹۴- ۹۳)، مصنفی المقال (۲۰۴).

لاهیجی، عبدالکریم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید عبدالکریم لاهیجی متوفی حدود ۱۳۲۳ قمری از اعظام علماء و بزرگان فقهاء و دانشمندان و از آیات باهرات و مدرسین محققین و عرفاء اخیار و اصحاب رأی و مبنی بلکه به گفته صاحب (الذریعه) قدوه ارباب التدقیق و قطب فلک التحقیق و جامع معقول و منقول و مسلط و متبحر در فروع و اصول و از شاگردان اول بزرگ شیخنا الانصاری و علامه آسید حسین کوه‌کمری و غیر آنها بوده و بعد از وصول به مقام عالی علم و اجتهاد و فقه و سداد بدون تودیع و خداحافظی با استادش شیخ انصاری به تهران آمده و به طور ناشناس درب حجره یکی از تجار خیر و پرهیزگار بازار به نام مرحوم حاج ملا حاجی والد مبرور آیت‌الله حاج شیخ عباس حایری تهرانی رفته و به عنوان شاگردی مشغول کار می‌شود.

رفقاء وی خدمت مرحوم علامه بزرگوار شیخ مرتضی انصاری رفته و از عزیمت او به تهران خبر می‌دهند مرحوم شیخ از اینکه او بدون ملاقات با وی به ایران آمده ناراحت فوراً نامه‌ای به علامه حاج ملاعلی کنی نوشته و از مقامات علمی و ورع ایشان خبر داده و توصیه و تأکید می‌کند که حتماً او را یافته و از وجودش تقدیر و استفاده کنند

بعد از وصول نامه به مرحوم علامه کنی در انتظار آمدن او شده و در صدد یافتن او می‌شود و عده‌ای از فضلاء و غیره را مأمور می‌کند که در مدارس و یا مسافرخانه‌ها و غیره ایشان را پیدا کنند حدود شش ماه می‌گذرد و از او خبری نمی‌رسد.

پس از شش ماه روزی مرحوم حاج ملا حاجی مذکور به آقا سید عبدالکریم می‌گوید به منزل حجه‌الاسلام حاج ملا علی کنی رفته و می‌گوئی چند استخاره نمایند و جواب آن را فوراً می‌آوری.

آقای لاهیجی به منزل مرحوم حاج ملاعلی آمده در موقعی که حاجی بالای منبر مشغول تدریس هستند و جمع کثیری از علماء و فضلاء تهران سر تا پا گوش به بیانات حاجی می‌دهند.

پس دم در نشسته و گوش به درس حاجی می‌دهد ناگاه اشکالی به نظرش رسیده ایراد می‌کند بعضی می‌گویند آقا سید ساکت شو اینجا جای حرف زدن نیست.

مرحوم حاج ملاعلی می‌بیند اشکال وارد است می‌فرماید آقا ایرادش به موقع ما باید جوابی درست کنیم مباحثه بین حاج ملاعلی و آقا سید عبدالکریم ادامه پیدا نموده ناچار درس را حاجی تعطیل و فکر می‌کند. این آقا باید شخص بزرگ و عالم جلیلی باشد.

پس می‌گوید: آقا اهل کجا هستی. می‌گوید: لاهیجان نام شما چیست. می‌گوید: سید عبدالکریم. مرحوم حاجی متوجه می‌شود که گم شده خود را یافته فوراً از جا برخاسته و او را در آغوش گرفته و معانقه می‌کند و به جای خود می‌نشانند. و می‌گوید: آقا جان نزدیک شش ماه است که در انتظار شمایم. و استفسار کامل از او می‌کند.

مرحوم حاج ملا حاجی می‌بیند که شاگردش آقا سید عبدالکریم نیامد تعجب می‌کند زیرا در این مدت سابقه نداشت که او کاری را زود انجام ندهد. بگمان اینکه شاید منزل حاج ملاعلی را پیدا نکرده یا اتفاق دیگر روی داده. خود به منزل مرحوم حاجی می‌آید و می‌بیند آقا سید عبدالکریم بالادست حاجی نشسته ناراحت می‌شود و با خود می‌گوید عجب سید بی ادبی است که بالادست حاجی نشسته است پس اشاره به او می‌کند که بیا پائین آنجا جای تو نیست.

حاجی ملاعلی مرحوم متوجه شده می‌گوید حاج ملا حاجی چی به آقا اشاره می‌کنی. می‌گوید. چون بالادست شما نشسته است آخر این شاگرد حجره من است.

مرحوم حاجی می‌فرمایند. حاج ملا حاجی این آقا مخدوم من و سید من و آقای منست. پس حاج ملا حاجی عذرخواهی نموده و دست آقا سید عبدالکریم و حاج ملاعلی را بوسیده و عقب کار خود می‌رود.

مرحوم حاج ملاعلی دختر خود را به او ترویج نموده و تدریس (مدرسه مروی) را که آن روز مرکز حوزه علمیه تهران بود با امامت مسجد آنها را به عهده معظم له می‌گذارد مرحوم آقا سید عبدالکریم بیش از بیست سال متصدی درس و امامت مسجد و مدرسه مروی بودند و صدها نفر از علماء بزرگ تهران مانند مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدرضا تنکابنی والد خطیب شهیر جناب آقای فلسفی و آیت‌الله حاج سید محمدتقی تهرانی و آیت‌الله آقا شیخ آقا بزرگ (هفت تنی) و آیت‌الله آقا شیخ بزرگ صاحب (الذریعه) و آیت‌الله حاج شیخ محمدباقر معزالدوله والد آیت‌الله حاج شیخ مهدی معزری معاصر و آیت‌الله حاج شیخ احمد خندق‌آبادی و آیت‌الله حاج شیخ مرتضی زاهد (حمام گلشنی) و غیرهم از محضر و دراسات استفاده و استضائه نموده‌اند.

آثار عدیده از جمله حواشی بسیاری بر متون فقهی درسی مانند (الروضه‌البهیه) شهید و ریاض و قوانین و فصول و غیرها دارد. وی در حدود سال ۱۳۲۳ قمری در تهران وفات و در قبرستان شیخان معروف به چهارده معصوم واقع در اوائل خیابان (رزم‌آراء) جاده شاه عبدالعظیم که امروز (کوی شاه) می‌گویند دفن نمودند و بواسطه کرامت و جلالت شأن و مقام او علماء بزرگ مانند آیت‌الله حاج شیخ باقر معزالدوله‌ای و آیت‌الله حاج شیخ احمد خندق‌آبادی (والد حجه‌الاسلام حاج شیخ جعفر خندق‌آبادی واعظ معاصر) و ده‌ها نفر دیگر را بنابر وصیتشان در جنب و جوار او دفن نمودند.

بعضی از علماء و ثقات آن بزرگوار را از متشریفین خدمت حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه الشریف می‌دانستند.

آمدن حضرت صاحب‌الزمان (عج) بر سر قبر او

جناب حجة الاسلام والمسلمین آیت الله حاج شیخ محمود یاسری تهرانی در روز چهارشنبه بیست و سوم محرم ۱۳۹۴ قمری حکایت کرد برای بنده (مؤلف) که مرحوم حجة الاسلام حاج شیخ مرتضی زاهد (حمام گلشنی) فرمود: آقای آسید کریم محمودی (والد حاج سید علی محمودی مداح معروف به جورابی معاصر) که از متشریفین خدمت حضرت ولی عصر عجل الله فرجه الشریف بود گفت شب جمعه‌ای در صحن شریف حضرت عبدالعظیم (ع) خدمت حضرت رسیدم فرمود سید کریم بیا برویم به زیارت جدم حضرت رضا علیه السلام.

پس چند قدم برداشته و خود را در صحن حضرت رضا (ع) دیدم پس به حرم مشرف و زیارت کرده و با همان کیفیت یعنی (بطی الارض) به تهران آمدم حضرت فرمود بیا برویم به زیارت قبر سید عبدالکریم پس تا به قبر سید رسیدیم دیدم آقا سید عبدالکریم از قبر بیرون آمده و به استقبال حضرت ولی عصر امام زمان روحی له الفداء شتافت و پس از عرض ارادت و اخلاص به من فرمود آسید کریم سلام مرا به حاج شیخ مرتضی زاهد رسانیده و بگو شرط رفاقت همین است که مرا یاد نکنی و به دیدن من نیائی پس حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه فرمود: آسید عبدالکریم حاج شیخ مرتضی را معذور دار چون گرفتار و مریض احوالست و نمی‌تواند بیاید من به جای او به دیدن تو خواهم آمد.

نگارنده گوید: تعجب نکنید عزیزان من از این حکایت و استبعاد و انکار ننمائید. اولاً مقام مؤمن حقیقی و متقی واقعی و عالم ربانی و سید صالح مانند آیت الله آقا سید عبدالکریم لاهیجی مزبور بالاتر از اینهاست امام صادق علیه السلام فرمود اگر به درختی که ریشه آن در اعماق زمین فرورفته است فرمان دهد اطاعت او می‌نماید.

و ثانیاً قدم مبارک همایونی حضرت ولی عصر حجة بن الحسن المهدی عجل الله فرجه الشریف این اثر و برکت را دارد که به تن مرده جان می‌دهد چنانکه گفته شده
همچون مسیح جان به تن مردگان دمد
گر بگذرد نسیم سحرگه ز کوی تو

(وف ح ۱۳۲۳ ق)، عالم دینی، فقیه، عارف، محقق و مدرس. در نجف از شاگردان برجسته‌ی شیخ مرتضی انصاری بود و از محضر علامه سید حسین کوه کمری نیز استفاده نمود. پس از اینکه در فقه و اجتهاد به مقامات عالی رسید به تهران آمد. حاج ملا علی کنی با توجه به مقام علمی ایشان، منصب تدریس مدرسه‌ی مروی و امامت مسجد آنجا را به وی تفویض نمود. او بیش از بیست سال متصدی درس و امامت مسجد و مدرسه مروی بود. آیت الله شیخ محمد رضا تنکابنی و آیت الله سید محمد تقی تهرانی و آیت الله شیخ آقا بزرگ هفت تنی و آیت الله شیخ آقا بزرگ تهرانی و آیت الله شیخ علی اصغر هزار جریبی و آیت الله شیخ محمد باقر معزالدوله‌ای و آیت الله شیخ محمد حسین قزوینی تهرانی و آیت الله سید صادق تنکابنی و آیت الله شیخ احمد خندق آبادی و آیت الله حاج شیخ مرتضی زاهد (حمام گلشنی) از شاگردان وی بودند. فرزند ارشدش سید مهدی لاهیجی نیز از شاگردان پدر بود و در حیات پدر درگذشت. همچنین شیخ ابراهیم رشتی و شیخ عباس لاهیجی در سطوح فقه و اصول شاگرد وی بودند. سید عبدالکریم لاهیجی مابین سالهای ۱۳۱۳ - ۱۳۱۰ ق به نجف رفت و از محضر آخوند ملا محمد کاظم خراسانی استفاده نمود. در تهران درگذشت و در قبرستان شیخان تهران، معروف به چهارده معصوم (ع)، دفن شد. از آثارش: حاشیه بر «الروضه البهیة»؛ حاشیه بر «الریاض»؛ حاشیه بر «القوانین»؛ حاشیه بر «الفصول فی علم الاصول» [۱].

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان الشیعه (۸/۴۳)، الذریعه (۶/۱۶۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۵۴ - ۱۴/۱۱۵۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۶۵ - ۶۲/۶).

لاهیجی، عبدالله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالله لاهیجی عالمی بارع و کاملی جلیل از شاگردان میرزا حبیب‌الله رشتی و مراجع امور دینی لاهیجان بوده و حدود ۱۳۳۰ وفات نموده.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاهیجی، علی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، مورخ. در لاهیجان به دنیا آمد. از آثار وی «تاریخ خانی» است که شامل وقایع تاریخ گیلان و طبرستان و سلسله‌ی کیایی گیلان می‌باشد که برای خان احمد خان حسینی (۱۰۰۴-۹۴۳ ق)، آخرین پادشاه این سلسله، نوشته است. در «الذریعه» تاریخ فراغت از تألیف کتاب «تاریخ خانی» ۸۹۹ ق و در «طبقات اعلام الشیعه» ۹۲۲ ق ذکر شده است که هیچ کدام با زمان سلطنت احمد خان تطابق ندارد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۳۸۳)، الذریعه (۲۵۱-۳/۲۵۰)، اعلام الشیعه (قرن ۱۶۲-۱۶۱/۱۰)، کتاب گیلان (۳/۴۳۳).

لاهیجی، محمد امین

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۰۲۵ ق)، طبیب و خطاط. وی مدتی در محضر اطبای گیلان تحصیل علم کرد. بعد به تبریز رفت و نزد حکیم ابوطالب و حکیم باقر و حکیم جبرئیل به امر طبابت پرداخت. در دوران تصرف تبریز به وسیله‌ی امپراطور عثمانی، سرداران ترک به وی اعتقاد زیادی داشتند. بعد از آن به عثمانی مسافرت کرد و با بزرگان آن دیار آشنا شد و دوباره به تبریز بازگشت و این زمانی بود که شاه عباس (۱۰۳۸-۹۹۶ ق) آذربایجان را از وجود ترکان خالی کرده بود و حکیم توانست به دربار شاه راه یابد. او پس از مدتی به گیلان بازگشت و از آنجا به هندوستان رفت و به گفته‌ی صاحب «مآثر رحیمی» به خدمت عبدالرحیم خان، خان خانان رسید و از جمله‌ی خاصان و محرمان وی گردید و تا ۱۰۲۵ ق در دربار خان به طبابت مشغول بود. لاهیجی گذشته از مراتب علمی، در خوشنویسی نیز دست داشت و خط نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۶۵۰-۳/۶۴۹)، مآثر رحیمی (۵۱-۳/۵۰).

لاهیجی، محمد جعفر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۱۲۵۱ ق)، حکیم و مدرس. وی از فلاسفه‌ی عهد محمد شاه قاجار (۱۲۶۴-۱۲۵۱ ق) و از مدرسان مشهور علوم عقلی بود. از آثارش: حاشیه بر «الهیات شرح التجرید» یا حاشیه بر «الحاشیه الخفیه»؛ شرح «المشاعر» ملاصدرا شیرازی که به خواهش حاج میرزا آقاسی وزیر تألیف نموده است؛ «مصباح الخزائن»، تفسیر عرفانی تأویلی. در «نامها و نامدارهای گیلان» صاحب عنوان با ملا محمد جعفر لنگرودی، شاگرد آخوند ملا علی نوری، یکی دانسته شده است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۰۶ / ۲۱، ۱۴ / ۶۵، ۶ / ۶۵)، ریحانه (۱۲۴ / ۵)، طبقات اعلم الشیعه (قرن ۱۳ / ۲۵۷)، گنجینه‌ی دانشمندان (۷ / ۱۲)، معجم المؤلفین (۹ / ۱۵۵)، نامها و نامدارهای گیلان (۵۰۹).

لاهیجی، محمدباقر

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدباقر بن محمد بن محمد لاهیجی مشهور به (نواب) از بزرگان حکمای قرن سیزدهم و معاصر با فتحعلیشاه قاجار بوده و در حکمت ید طولانی و در نجوم نیز مهارت بسزائی داشته و در تفسیر قرآن اوحد زمان خود بوده و از زاینجه طالع ولادت جعفرخان زند استخراج کرد که جعفرخان پس از فوت کریمخان زند به سلطنت خواهد رسید.

و پس از آنکه صدق قضیه به وقوع پیوست جعفرخان نیز نواب را به وزارت منصوب داشت و بعد از وفات جعفرخان در اصفهان مشغول تدریس معقول گردید و بسیار محترم زندگی کرد تا در تهران از دنیا رفت و در ری مدفون گردید.

از تالیفات اوست. ۱- تحفه الخاقان فی تفسیر القرآن که به خواهش فتحعلی شاه در پنج مجلد تألیف نموده است.

۲- شرح نهج البلاغه که باز به اشاره فتحعلی شاه تألیف نموده.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاهیجی، محمدعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدعلی لاهیجی فقیهی ورع و عالمی جلیل از شاگردان میرزا حبیب‌الله رشتی و غیر او از بزرگان بوده و در سال ۱۳۳۲ ق در تهران از دنیا رفته است.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لب خندقی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی بن میرزا محمدصادق بن میرزا محمد بن نصیرالدین الثالث بن صدرالدین الثاني بن نصیرالدین الثاني بن صدرالدین بن نصیرالدین بن میرصالح الحسینی الیزدی المدرسی معروف به (لب خندقی) عالمی کامل و مرجعی جلیل از بیت علم و فضل و تقوا و شرف از عصر جدش میرصالح مدرس بوده و لقب (مدرسی) برای او و کلیه سادات مدرسی یزد و قم و نجف به واسطه انتساب به اوست.

وی در سوم شعبان ۱۲۸۴ قمری شب ولادت حضرت سیدالشهداء (ع) به دنیا آمد و در شب دهم محرم (عاشورا) سال ۱۳۶۴ قمری شب شهادت جدش سالار شهیدان علیه الصلوٰه والسلام بدرود زندگی گفته و در امامزاده جعفر یزد مدفون شده است. این بزرگوار پس از پرورش در بیت علم چندی از محضر آیت‌الله آقامیرزا سیدعلی مدرس بزرگ و آقا سید مرتضی مدرس معروف به (شیخ) و حاج میرزا ابراهیم استفاده نموده آنگاه مهاجرت به سامرا و مدت شش سال از محضر میرزا بزرگ شیرازی و بعد چندی با معیت مرحوم آیت‌الله حایری یزدی در خدمت مرحوم سید استاد آقا سید محمد طباطبایی فشارکی و پس از وی در خدمت مرحوم علامه خراسانی و حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی تلمذ نموده سپس در عصر آخوند خراسانی به ایران و وطن خود شهر یزد مراجعت و به اقامه جماعت و تدریس در مدرسه مصلی پرداخته و از طریق مختصر زراعتی امرار معیشت نموده تا در سال ۱۳۶۴ وفات کرده است.

نگارنده گوید: درباره نبوغ و تبحر و مقام علمی او به یک واسطه از مرحوم آیت‌الله حایری شنیدم که می‌فرمود: اگر وی در نجف مانده بود نوبت ریاست به سید و دیگران نمی‌رسید.

مرحوم مبرور سید الفقهاء والمجتهدین آیت‌الله العظمی آقای حاج میرزا سید علی مدرس یزدی معروف به لب خندقی که در سفر مشهد به قم مشرف و مورد تجلیل و تکریم آیت‌الله حایری و حوزه علمیه واقع گردیده است. معظم له از اکابر مجتهدین و اعظام فقهاء و مجسمه تقوا و فضیلت و دیانت و از شاگردان طراز اول و تلامذه مبرز مرحوم آیت‌الله آقا سید محمد فشارکی اصفهانی و آخوند خراسانی و علامه یزدی بوده و در عظمت آن بزرگوار این بس که اگر در نجف مانده بود ریاست به دیگران نمی‌رسید زیرا که ایشان مقدم بر دیگران بودند.

مرحوم آیت‌الله یثربی کاشانی می‌فرمود وقتی خواستم از نجف به ایران بیایم استاد مرحوم آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی با جمله اصحاب و شاگردانش تا وادی السلام مرا بدرقه کرده و موقع تودیع فرمودند در درس استاد ما آخوند خراسانی یک میرزا سید علی یزدی بود که وقتی خواست به ایران برود استاد ما به اتفاق اصحاب تا همین جا بدرقه‌اش کرده و از فراق و رفتن ایشان ناراحت بود و می‌فرمود در میان شاگردان من کسی مانند او در فهم و دقت نظر و اطلاع و جامعیت نیست و من هم اکنون همین جمله را درباره تو می‌گویم و به من سفارش کرد که میرزا سید علی یزدی را ببین ولو به رفتن به یزد باشد و من پس از آمدن زیاد به فکر ایشان افتادم و دوست داشتم ایشان را ملاقات کنم و بینم کیست که آنقدر آقا ضیاء از او تجلیل می‌کند و گاهی به فکر رفتن یزد می‌افتادم ولی موانع و کثرت کار نمی‌گذاشت تا روزی یکی از دوستان و فضلاء کاشان به منزل آمده و گفت یک ماشین از یزد آمده و یک سید بزرگواری با عده‌ای از اهل علم و مریدان او در گاراژ منزل کرده‌اند فوراً از جا برخاسته و به گاراژ رفتیم دیدم عالمی با وقار و سیدی عالیمقدار است پس از سلام و تعارفات سؤال کردم از هویت آقا گفتند آیت‌الله میرزا سید علی مدرس یزدیست. مقصود خود را یافتیم خودم را معرفی کردم مرا شناخت و در آغوش گرفت پس فروعی عنوان کردم و وارد بحث شدم دیدم حقاً همانطور و

فوق آنست که آقای آقا ضیاء گفته‌اند ایشان را تا آماده شدن ماشین که خراب شده بود به منزل آورده و از بیانات علمی و تحقیقات و دقت نظر او استفاده کردم. ولادت این بزرگوار در شب سوم شعبان هزار و دویست و هشتاد و چهار (۱۲۸۴) وفاتش در شب دهم محرم هزار و سیصد و هشتاد و چهار (۱۳۶۴) واقع شد والسلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیا. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لبد اصفهانی، ابوالحسین علی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۶۰ ق)، مسند و محدث. از ابوبکر محمد بن احمد بن ماجه و رزق الله تمیمی و رجاء بن قولویه و رئیس ثقفی و ابونصر سمسار حدیث شنید. وی از ابوبکر بن خلف ادیب صاحب اجازه بود. محمد بن مکی و دیگران از وی حدیث شنیدند. ابن اللتی و کریمه و دیگران از وی اجازه روایت داشتند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۲۰ / ۳۵۱)، شذرات الذهب (۴ / ۱۸۹)، العبر (۳ / ۳۳)، النجوم الزاهرة (۵ / ۳۵۱).

لبد نیشابوری، ابومحمد زنجویه

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۱۸ ق)، محدث، زاهد و عابد. اهل نیشابور بود. از محمد بن رافع و محمد بن اسلم طوسی و اسحاق بن منصور و حسین بن عیسی بسطامی و حمید بن ربیع خزاز و احمد بن منصور رمادی حدیث شنید. ابوعلی حافظ و ابوالفضل بن ابراهیم و حسن بن احمد مخلدی و دیگران از وی حدیث شنیدند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵ / ۱۲۴-۱۲۵)، سیر النبلاء (۱۴ / ۵۲۲).

لسان، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مدرس.

تولد: ۱۳۰۴.

درگذشت: ۱۱ دی ۱۳۶۹.

حسین لسان دانشیار دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران بود که در سن نزدیک به شصت سالگی درگذشت. برگزیده‌ی اشعار مسعود

سعد سلمان را منتشر کرد و تصحیح دیوان عمادی شهریاری را به پایان برده و به چاپ نزدیک ساخته بود. سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران
برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

لسان‌الملک کاشی، هدایت‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، ادیب، شاعر، خطاط و نقاش. وی نواده‌ی دختری فتحعلی خان صبا ملک‌الشعراء بود. بعد از مرگ پدر، ملقب به لسان‌الملک شد. خط نستعلیق را خوش می‌نوشت و اشعار فارسی و عربی را نیکو می‌سرود. لسان‌الملک همچنین از ادبیات و انواع علوم بهره داشت و در فن ترسل ماهر بود و نقاشی نیز می‌کرد. او در جوانی منشی مجلس مصلحت‌خانه دولتی ناصرالدین شاه بود و در تألیف کتاب «ناسخ التواریخ» با پدر همکاری داشت و پس از مرگ او، تألیف بقیه‌ی مجلدات کتاب را به عهده گرفت. از دیگر آثار وی: تذکره‌ی «خوشنویسان»، مشتمل بر نام عموم خوشنویسان و سال درگذشت آنان؛ «منشآت»؛ «دیوان» شعر، به فارسی و عربی، حدود یازده هزار بیت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۹۶۳-۳/۹۶۲)، احوال و آثار نقاشان (۳/۱۴۱۷)، ریحانه (۵/۱۳۱)، شرح حال رجال (۳/۳۱۹).

لسانی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

لسانی، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

لشکری، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیرضا لشکری

محل تولد: بهبهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات حوزوی از سال ۱۳۶۱ پس از اخذ مدرک دیپلم مشغول به تحصیل در علوم حوزوی در حوزه علمیه امیریه خوزستان شدم. سال ۱۳۶۲ به قم مهاجرت کرده و تحصیل علوم دینی را در این حوزه مقدس دنبال کردم. تحصیل در دانشگاه: از سال ۱۳۶۹ در دانشگاه مفید قم آغاز به تحصیل در رشته اقتصاد نمودم و در سال ۱۳۷۳ در مقطع کارشناسی فارغ التحصیل شده و بلافاصله در همان رشته مقطع کارشناسی ارشد دنبال کرده و در سال ۱۳۷۷ فارغ التحصیل شدم. در سالهای ۷۷ و ۷۸ با پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی همکاری علمی داشتم و از سال ۱۳۷۸ به بعد همکاری خود را با پژوهشگاه حوزه و دانشگاه آغاز نمودم و هم اکنون این همکاری ادامه داشته و عضو هیئت علمی گروه اقتصاد این پژوهشگاه می باشم.

لشکری، محمد حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۰۰ ش)، پزشک و نویسنده. تحصیلات خود را در دبستان فرهنگ و دبیرستان علمیه و دانشکده پزشکی تهران به پایان رساند و در بیماری‌های چشم و آسیب‌شناسی از دانشگاه شیکاگو و والترید واشنگتن تخصص گرفت. او مبتکر روش جدید معالجه‌ی جراحی دکولمان رتین بود و گزارش آن را در ۱۹۶۲ م به انجمن چشم پزشکان پاریس ارائه داد. وی به زبان‌های فرانسه و انگلیسی آشنایی داشت. او جهت مطالعه به کشورهای مختلفی از جمله انگلستان، فرانسه، اسپانیا و ایتالیا سفر کرد. دکتر لشکری با همکاری عده‌ای از پزشکان دیگر بیمارستان البرز را تأسیس نمود. از مشاغل وی: دستیاری کرسی بیماری‌های چشم بیمارستان فارابی، ریاست بخش چشم پزشکی بیمارستان فارابی. از آثارش: «دکولمان رتین و عمل جراحی در درمان آن»، با همکاری دکتر شمسا؛ «کراتیت داندريتیک»؛ «استرایسم»؛ (انحراف چشم).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: چهره‌های آشنا (۵۱۲-۵۱۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/۱۴۴۶).

لشکری آهنگرانی، علی اصغر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اصغر لشگری آهنگرانی

محل تولد: اراک

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال تحصیلی ۶۴-۶۳ به حوزه علمیه قم مشرف شدم. بعد از تحصیل مقدمات و سطح در حوزه علمیه قم در سال ۱۳۷۱ در درس خارج آیات عظام شرکت کردم در فقه درس آیت الله مکارم به مدت ده سال، آیت الله کریمی جهرمی به مدت ۴ سال و آیت الله بهجت شرکت کردم. در اصول مدتی درس خارج آیت الله مظاهری در قم و مدتی کم درس آیت الله وحید خراسانی و یک دوره کامل اصول که تقریباً ۷ سال به طول انجامید را در خدمت آیت الله سبحانی بودم. که از اساتید محترم گواهی گرفته و تمام تقریرات را در فقه و اصول نوشتم. همزمان با تحصیل به تدریس در حوزه علمیه قم نیز اشتغال داشته و بحمد الله تا کنون نیز ادامه دارد در مدرسه علمیه رسالت ادبیات و همچنین در مدرسه آیت الله گلپایگانی به تدریس مکاسب مشغولم. اولین تالیف حقیر در سال ۱۳۷۱ بوده تا کنون ۵ مورد از تالیفات این حقیر به چاپ رسیده و اکنون نیز به توفیق الهی به تحقیق و تدریس و تالیف اشتغال دارم. از نظر اجازات نیز از حضرت آیت الله صافی گلپایگانی اجازه کامل در امور حسبه را دارم و از آیت الله مکارم نیز اجازه تدریس رسمی کتاب رسائل و مکاسب را دارم.

لطفی، بانو نصرت

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی بیماریهای کودکان از دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۵۴، فوق تخصص ژنتیک از دانشگاه جانزهاپکینز آمریکا در سال ۱۳۵۰، فوق تخصص نوزادان نارس از Hamersmith لندن در سال ۱۳۵۲.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مسائل گوناگون بیماریهای کودکان و تدریس دروس بیماریهای کودکان (ژنتیک)، رشد و تکامل در دانشگاه علوم پزشکی مشهد، استاد راهنمای بیش از ۲۰ پایان نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:

واکسیناسیون و پیشگیری در کودکان.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۴، تعداد مقالات به زبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:

تأخیر در بلوغ، اعتیاد در حاملگی و اثرات آن بر جنین.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

لطفی، عطاءالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۲، مرتبه علمی: استاد رشته: بیهوشی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۲۷، دکترای بیهوشی از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۳۱، دکترای تخصصی بیهوشی از دانشگاه بستون آمریکا در سال ۱۳۳۵.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۴۶، استاد دانشگاه شیراز از سال ۱۳۴۶ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بیهوشی در پیوند کلیه، دریافت لوح تقدیر و سپاس وزارت درمان و آموزش عالی، دریافت نشان همایون از دانشگاه پهلوی (سابق) به خاطر عضویت در اولین تیم پیوند کلیه در خاورمیانه و تقدیرنامه و جایزه دفتر نماینده ولی فقیه در استان فارس به خاطر خدمات زمان جنگ تحمیلی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

آماده کردن بیمار برای اتاق عمل، بخش بیهوشی دانشگاه پهلوی شیراز، بیهوشی در پیوند کلیه، بیهوشی با کتالار، موارد استعمال کتالار در سیکنامری، معرفی ۲۱۰۰ مورد بیهوشی با کتالار، بیهوشی با کتالار در جراحی رکتال، اثر مستقیم کتالار در

A.V.N.S.A.N و دسته His، روش قطره‌ای باهالوتان و اتر.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

لطفی، محمد حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدحسن لطفی تبریزی در سال ۱۲۹۸ شمسی در شهر تبریز متولد گردید. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به پایان رساند. او در سال ۱۳۱۷ وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و سپس برای تحصیل در دوره ی دکترا به دانشگاه «گوتینگن» آلمان رفت و پس از ارائه ی پایان نامه اش با عنوان «نمونه ی انسان بزهکار از نظر مقررات جزایی مربوط به نوجوانان» موفق به اخذ این درجه در رشته ی حقوق جزایی شد. لطفی مدت سه سال در آلمان به عنوان دستیار استاد زبان فارسی مشغول بود. سپس به ایران بازگشت و در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت به فعالیت های سیاسی پرداخت؛ اما با وقوع کودتای ۲۸ مرداد و دستگیری و محاکمه ی دکتر محمد مصدق از کار سیاسی دلسرد شد و به فعالیت های فرهنگی روی آورد. وی با استفاده از تسلطش به زبان های آلمانی، انگلیسی و فرانسه و نیز فهم دقیق متون فلسفی، آثار شاخص فلسفه یونان و غرب را ترجمه نمود. دکتر محمدحسن لطفی در سال ۱۳۷۸ دارفانی را وداع گفت. کتابهای "پایدا" و "مجموعه آثار ارسطو: مابعدالطبیعه (متافیزیک) سماع طبیعی، اخلاق نیکو ماخوس"، ترجمه، محمدحسن لطفی تبریزی به ترتیب در دوره های شانزدهم و هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، به عنوان کتاب برگزیده ی سال برگزیده شدند.

گروه: علوم انسانی

رشته: حقوق

گرایش: حقوق جزا

تحصیلات رسمی و حرفه ای: محمدحسن لطفی تبریزی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش تبریز به پایان رساند. در آن ایام دروس دبیرستان به دو دوره سیکل اول و دوم تقسیم می شد. برای دوره دوم دبیرستان در تمام تبریز - بلکه در سرتاسر آذربایجان - یک مدرسه بیشتر نبود و آن مدرسه فردوسی بود. دوره دوم دبیرستان به دو بخش علمی و ادبی تقسیم می شد که لطفی از محصلان بخش ادبی بود. در دوره ادبی گذشته از تاریخ و جغرافی، مختصری معانی بیان و عروض و قافیه و منطق و مقدمات فلسفه و تاریخ آن تدریس می شد. در دوره دبیرستان وی با نهج البلاغه و مقالات عروء الوثقی و نامه های عربی سید جمال الدین اسد آبادی نیز آشنا شد. او در سال ۱۳۱۷ وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران و در سال ۱۳۲۰ فارغ التحصیل شد. در سال ۱۳۲۲ با استفاده از بورس تحصیلی به استانبول رفت. پس از سه ماه اقامت در استانبول بطور غیر منتظره موفق به دریافت بورس از موسسه اوقاف هومبولدت آلمان شد و در اسل ۱۹۴۳ میلادی عازم آلمان شد و در دانشگاه گوتینگن تحصیل در دوره دکترا را شروع و پس از ارائه پایان نامه اش با عنوان «نمونه انسان بزهکار از نظر مقررات جزایی مربوط به نوجوانان» موفق به اخذ درجه دکترا در رشته حقوق جزایی شد.

خاطرات و وقایع تحصیل: محمدحسن لطفی تبریزی نه تنها دو سال آخر جنگ جهانی دوم، بلکه سه سال پس از آن را نیز در آلمان در عسرت و سختی گذرانید. و از آن ایام حکایت می کرد که در سالهای کمبود و ویرانی بعد از جنگ، روزی مرحوم دکتر شهید نورایی استاد فقید دانشگاه او را در آلمان دید و از وضعیتی که داشت متاثر شد. چون پول کافی نداشت، ساعت طلایش را بز

کرد و به لطفی داد و او توانست با فروش آن شش ماه زندگی خود را بچرخاند.

فعالیت‌های ضمن تحصیل: محمدحسن لطفی تبریزی در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت به فعالیت‌های سیاسی روی آورد، اما با وقوع کودتای ۲۸ مرداد و دستگیری و محاکمه‌ی دکتر محمد مصدق از کار سیاسی دلسرد شد و به فعالیت‌های فرهنگی روی آورد. وی همزمان با محاکمه‌ی دکتر مصدق در دادگاه نظامی تهران، به ترجمه‌ی رساله‌ی «آپولوژی» افلاطون اقدام نمود و آن را با عنوان «محاکمه سقراط» که در واقع اعتراضی به جریان دکتر مصدق بود، منتشر کرد.

استادان و مربیان: در دبیرستان فردوسی و در بخش ادبی، معلم ادبیات فارسی سید هدایت... شهاب فردوسی از شاگردان ادیب نیشابوری (ادیب اول) بود. معلم صرف و نحو عربی، آقا شیخ علی اکبر قاری از افاضل تبریز بود و معلم فرانسه «موسیو نبارش» و معلم شیمی موسیو میناسیان بود که به زبان فرانسه تدریس می‌کرد. همچنین معلمان دانشمندی چون مرحوم جلال همایی که ادبیات فارسی را عمیقاً به او آموخت، دیگری معلم یهودی گمنامی که لطفی همیشه از او به نیکی و سپاس یاد می‌کرد و می‌فت فرانسه را چنان خوب به من یاد که تا امروز هر چه از آن زمان می‌دانم و به یاری آن حتماً کتابهای فلسفی فرانسه را می‌خوانم از او دارم، سومی شخصی به نام سید هادی سینا معلم عربی و فلسفه که بعدها مانند مرحوم همایی استاد دانشگاه شد و بدیع الزمان فروزانفر از تسلط او به لغت عرب اعجاب می‌کرد.

هم دوره‌ای‌ها و همکاران: دکتر محمد علی موحد با سابقه دوستی بیش از شصت سال از دوستان دوره دبیرستان محمدحسن لطفی تبریزی بود. دوستی با دکتر رضا کاویانی نیز در زندگی لطفی تأثیری ماندگار گذاشت. کاویانی تحصیل کرده آلمان و از موسسین جبهه ملی بود و درستی او با لطفی به ایامی که او در دانشکده حقوق تهران در سمی خواند بر می‌گشت لطفی در زمان تحصیل، در وزارت دارایی هم کار می‌کرد و کاویانی از صاحب منصبان نامدار آن وزارتخانه بود. کاویانی فقدان برنامه و تشکیلات سیاسی را بزرگترین عامل در ماندیگ‌های ایران می‌دانست و در سال ۱۳۳۰ یعنی همان سال اول زمامداری دکتر مصدق، رساله‌ای زیر عنوان «مملکت بی نقشه و هدف» نوشت و سرخوردگی خود را از جبهه ملی فاش ساخت. کاویانی درصدد ایجاد تشکلی به نام «جمعیت مبارز» بر آمد اما در این کار موفق نبود و به زودی جمعیت به محفلی برای «مطالعه و تحقیق» تعلیل یافت که شمار اعضای آن از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی‌نمود و او این محفل را «مکتب فلسفی جمعیت مبارز» نام نهاد، دکتر موحد و لطفی در نشست‌های هفتگی آن محفل شرکت می‌کردند. در این محفل بود که لطفی ترجمه آپولوژی و رساله‌های کوچک افلاطون را بر عهده گرفت. ترجمه این آثار توسط کاویانی با اصل آلمانی تطبیق داده می‌شد و در جایی بخارایی که مردی ادیب و فاضل بود عبارات را اصلاح و پیرایه می‌نمود. بر این آثار مقدمه‌ای توسط کاویانی نوشته می‌شد. همکاری لطفی با کاویانی در کار ترجمه تا سال ۱۳۴۷ که کاویانی زنده بود ادامه داشت. آشنایی با افلاطون دولتی بود که برای لطفی به لطف کاویانی حاصل شد اما او صحبت افلاطون را مغتنم شمرد و دامن او را تا پایان عمر از دست نگذاشت.

همسر و فرزندان: محمدحسن لطفی تبریزی در زندگی مدیون همسر کم حرف و پروقار خود خانم زیگرید بود. این دوست همدل و مشفق ایام دانشجویی که روزها مدیر دفتر و کالت او بود و شبها برایش کتاب می‌خواند و نظم و ترتیب و دقت و ضابطه خاص آلمانی را بر زندگی او حاکم کرد. دکتر لطفی پرورش یافته دوفرنهنگ سخنگیر و انعطاف ناپذیر بود (فرهنگ آذری و آلمانی). چون در اواخر جنگ جهانی دوم در آلمان ازدواج کرده بود، با همسر آلمانی اش به توافق رسیده بودند که اگر سرنوشت بشریت آن چیزی است که آنها شخصاً شاهد آن بوده‌اند، پس همان بهتر که به نوبه خودشان، موجود دیگری به جمعیت جهان نیفزایند و نیفزوندند.

وقایع میانسالی: محمدحسن لطفی تبریزی در ترجمه آثار فلسفی، منظوری فرعی نیز برای خود تامل است که آن را چنین بازگو می‌کند: نخستین تماس بنده با فلسفه در مدرسه متوسطه روی داد. در برنامه کلاسهای پنجم و ششم متوسطه فلسفه مشرق قرار

داشت و فلسفه را از روی کتابی با عنوان «فلسفه شرق» تألیف مرحوم «ضیا الدین دری» می خواندیم و من در همان موقع سخت مجذوب فلسفه شدم و علت این امر استعداد خود من نبود بلکه آموزگاری بسیار دانشمند و دلسوز و مهربان داشتیم که همه کوشش او بر این بود که آنچه را خود می داند به شاگردان منتقل کند. ولی من در آن موقع با این که از مباحث فلسفی خوشم می آمد دچار حیرت بودم که چرا برای فهمیدن هر جمله کتاب فلسفی باید ریاضت کشید و چرا از صحت فهمیدن یک جمله فلسفی کمتر از زحمت حل یک مساله ریاضی نیست. بعد ها که با نوشته های فلسفی بیشتر آشنا شدم و ضمناً به کتابهای فلسفی اروپایی هم دسترسی یافتم متوجه شدم که در کشور ما برای فلسفه زبان خاصی ابداع شده است و مثل این است که نویسندگان این گونه نوشته ها کتابهای خود را فقط برای عده خاصی می نویسند نه برای همه درس خواندگان و حتی امروز هم گاهی به زبان عربی می نویسند. در حالی که فلسفه مهمترین دانشهاست در زبان فلسفی کشور ما بطور کلی انحرافی از راه اعتدال روی داده است. و مخصوصاً به اصطلاحات بفرنچ آن قدر اهمیت داده شده است که خود مطلب در زیر کوه اصطلاحات مدفون مانده است و از یک سو انبوه اصطلاحات و از سوی دیگر زبان نعلق نثر فلسفی سبب هراس و حتی انزجار جوانان و دانشجویان از فلسفه شده است. وقتی که خودم به ترجمه کتابهای فلسفی روی آوردم با توجه به این ملاحظات تصمیم گرفتم راهی دیگر در پیش گیرم و ترجمه را به زبان هر چه ساده تر و سلیس تر آوردم و بینم نتیجه چه می شود. «

زمان و علت فوت : محمدحسن لطفی تبریزی در سال ۱۳۷۸ دارفانی را وداع گفت. دکتر عزت ا... فولادوند تواضع، ادب و راستی و دوستی مرحوم لطفی را در خاطره ای چنین نقل می کند که در دیداری از خانه مرحوم لطفی و به پیشنهاد همسر آن مرحوم به اتاق کار ایشان رفتم، روی میز انبوهی از کتاب دیده می شد و در آن میان چند مجلدی که دوستان دکتر لطفی به وی هدیه داده بودند. در این میان مجموعه شعری از آقای دکتر شفیعی کدکنی بود که به رسم یادگاری نوشته بودند «به مظهر اعتدال، خرد ایرانی در عصر ما به حکیم راستین دکتر محمد حسن لطفی - فرویدن ۷۷» دکتر لطفی بی آن که حتی به همسر خود بگوید، یک برجسب کوک روی کلمات «حکیم راستین» چسبانده بود تا خوانده نشود.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمدحسن لطفی تبریزی پس از بازگشت از آلمان به ایران که مقارن با خاتمه جنگ جهانی دوم بود کار و کالت را آغاز نمود ولی رونقی نداشت و آن را رها نمود و به دانشگاه تبریز رفت و تاریخ تدریس نمود. دکتر لطفی از سال ۱۳۲۹ تا سال ۱۳۵۷ مجدداً در تهران به کار و کالت پرداخت و یکی از موفق ترین شاغلان این حرفه به شمار می رفت اما رونق کسب و کار و در آمد مطلوب او را ارضا نمی کرد و او در کنار فعالیت های و کالتی اشتغال ذهنی خود را با افلاطون و ترجمه آثار او ادامه می داد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی دفتر و کالت را بست و همه نیرو و حوصله خود را وقف کار ترجمه کرد و گذشته از ترجمه متون تازه به بازخوانی و اصلاح ترجمه های سابق خود نیز همت گماشت.

فعالتهای آموزشی : محمدحسن لطفی تبریزی مدت سه سال در آلمان به عنوان دستیار استاد زبان فارسی مشغول بود و مدتی نیز در دانشگاه تبریز به تدریس تاریخ اروپا پرداخت.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : برنامه کتابخوانی دکتر لطفی و همسرش با نظم و انضباط خاصی انجام می شد. هر روز، پس از پایان کار روزانه نوشتن و صرف شامی زود هنگام، حوالی شش بعد از ظهر، از ساعت هشت تا ده شب، همسرش برای او کتاب می خواند. این کتاب خوانی عموماً شامل ادبیات جهان می شد و به این ترتیب بود که آنها طی چهل سال ادامه منظم و بی وقفه این کار، موفق شده بودند تمام ادبیات جهان را بخوانند، ادبیات روس، انگلیس، فرانسه، آمریکا و آلمان و غیره. صبح روزی که شب آن بیمار شد و روز بعد به جهان باقی شتافت در برنامه پیاده روی خود به کتابفروشی زمینه سرزده مانند همیشه سرحال و قیراق به نظر می رسید. پس از تورق چند کتاب از وی در مورد ساعاتی که در روز به کار اختصاص داده است پرسیده شد و دکتر لطفی پاسخ داد: روزی چهار ساعت، دو ساعت صبح، دو ساعت بعد از ظهر، بیشتر هم نمی توانم. جالب است درست لحظه ای که

احساس می‌کنم نمی‌توانم به کار ادامه بدهم، به ساعت نگاه می‌کنم، می‌بینم راس دو ساعت است. بالاخره در هشتاد سالگی بیشتر از این نمی‌توان از ذهنی فرسوده کار کشید. اما خوشحالم از این که با تمام کردن کتاب تاریخ اومانیسیم در اروپا که مشغول ترجمه اش هستم، عملاً موفق شده‌ام تاریخ تحولات فرهنگ غرب را از زمان یونانیان تا رنسانس ترجمه کنم.

آرا و گرایشهای خاص: محمدحسن لطفی تبریزی فکر مستقل داشت و به بعضی عقاید پای بند بود و اعتقاداتش ره به صراحت و با شهامت بیان می‌کرد، اما همواره با ادب و ملایمت و بارعایت کامل حق طرف به پاسخگویی و مخالفت. معتقد بود این ملت برای جبران عقب ماندگیها و پیمودن راه ترقی و تعالی، چاره‌ای جز بهره‌مندی از دانش و دل سپردن به کار و کوشش ندارد. معتقد بود ما غرب را درست نمی‌شناسیم، برای این که نیرومند شویم و بتوانیم از هویتمان دفاع کنیم، باید به تمدن و فرهنگ غربی، شناخت واقعی پیدا کنیم و برای شناختن غرب باید به ریشه‌های فکری آن برسیم. باید ببینیم این تمدن چیره‌گر چگونه و از کی آغاز شد، چه اندیشه‌هایی آن را به حرکت در آورد و هنور هم جنبش و پویایی آن را حفظ می‌کند. او عقیده داشت که ریشه اینها همه به فکر یونانی و خصوصاً به افلاطون می‌رسد. عشق به افلاطون ممکن است کسی را عارف کند اما ضرورتاً فیلسوف نمی‌کند. دکتر لطفی به کمند عشق یا به تعبیر دیگر به افسون افلاطون گرفتار آمده بود. این عین کلمات اوست در گفت و گویی که چهار سال پیش از مرگش به زبان آورد «من هیچ وقت قصد این که همه نوشته‌های افلاطون را ترجمه کنم نداشتم، افلاطون خودش مرا به دنبال خود می‌کشاند، به طوری که ساعاتی که مشغول ترجمه نوشته‌های افلاطون بودم، لذت بخش‌ترین ساعات زندگی من بود. نوشته افلاطون خاصیت عجیبی دارد. نزدیک شدن به افلاطون آسان است از افلاطون جدا شدن و دور شدن مشکل است. کسی که یک دفعه دربند افلاطون افتاد، به این زودی نمی‌تواند خودش را خلاص کند. به این ترتیب افسون افلاطون واقعاً طوری بود که رها نمی‌کرد. ترجمه آثار ارسطو را به دو منظور انجام داد، اولاً هر سه کتاب را از مهمترین امهات کتاب‌های فلسفی می‌دانست و مخصوصاً «تابعه الطبیعه» و «همچنین» «سماح طبیعی» و هر دو کتاب پایه و مایه هر گونه فلسفه می‌دانست. و علاوه بر این کتابها را نخستین کتابهای درسی فلسفی می‌دانست که در دست است. ارسطو از یک وارث گنجینه‌ای پایان‌ناپذیر از اندیشه‌های فلسفی و علوم و معارفی است که تا زمان او پدید آمده بودند و از سوی دیگر رشته‌هایی را که تا زمان او دست کم به آن نظم و انسجام وجود نداشتند خودش پدید آورده است مانند منطق و جنین‌شناسی و جانورشناسی و غیره. در محور همه نوشته‌های ارسطو هنوز این سوال وجود دارد که آیا این کتابها نوشته‌های درسی است که ارسو برای تدریس خود آماده کرده بود یا یادداشتهایی که شاگردان حاضر در جلسات درس نوشته‌اند. ولی احتمال بیشتر بر این است که این نوشته‌ها، هم از طرحهای مقدماتی ارسطو برای استفاده در مجلس درس و هم از یادداشتهای و شنوندگان بوجود آمده باشد. این نیز ممکن است که بعضی را خود استاد با تکمیل طرح مقدماتی خود منضبط کرده و بعضی دیگر را پس از درگذشت او دیگران مرتب کرده باشند. وجود یک یا دو ترجمه از این نوع کتابها به هیچ وجه کافی نیست بلکه باید ترجمه‌های متعدد بوجود آید و چه بهتر که مترجمان بدون اطلاع از کم و کیف کار یکدیگر ترجمه را با سلیقه‌های مختلف خودشان انجام دهند و این نکته لازم به ذکر است که ترجمه‌های فارسی موجود به هیچ وجه حرف آخر در ترجمه آثار ارسطو نیست بلکه باید امیدوار بود که در آینده دیگران نیز بدین کار بپردازند و ترجمه‌های بیشتری پدید آید تا جویندگان دانش با مقایسه این ترجمه‌ها که حتماً باید با تحقیق و مراجعه به تفسیرها همراه باشد، محتوای فلسفی کتابها را چنانکه برآستی هست بشناسند. علت این که ترجمه‌های انجام پس از ده، دوازده سال منتشر گردید از آنجا که به کار ترجمه اعتماد کامل نبود و با توجه به دشواری‌های محتوای کتاب، ترجمه‌ها دوباره خوانی می‌شد زیر نویس‌ها اضافه می‌شد و در فرصتهای مناسب بخشهای مختلف کتاب را با ترجمه‌های اروپایی مقایسه و تطبیق داده می‌شد و در این مورد از نظر دوستان و سایر بستگان نیز استفاده می‌نمود. لطفی در مقدمه مابعد الطبیعه اثر خود را فقط «کوششی» برای ترجمه آن دانسته است. در محیط فرهنگی ما هر نویسنده و هر مترجمی خودش یگانه قاضی آثار خویش است و جز حیثیت انسانی خودش، بسته به این که تا چه

اندازه مقید به این حیثیت باشد، هیچ ناظری بر اعمال او وجود ندارد، و یکی از علل نازل بودن سطح فرهنگ ما همین است.» دکتر لطفی درباره آثار افلاطون معتقد است درباره چگونگی زندگی و اندیشه‌ها و شیوه فکر یک قوم، و حاصل اندیشه و شیوه فکر که فرهنگ قوم را تشکیل می‌دهد، از تاریخ چیز زیادی نمی‌آموزیم. بلکه به اشعار شاعران و آثار نثرنویسان و افسانه‌ها و داستانها و رومانها و فردشنامه‌های آن قوم- اگر رومان و نمایشنامه داشته باشد- رجوع کنیم. در میان آثار فلسفی که از فیلسوفان و متفکران ۲۵۰۰ تا ۲۶۰۰ سال پیش وجود دارد تنها یک نفر هست که در عین حال که بزرگترین فیلسوف دوران باستان و بزرگترین فیلسوف جهان به شمار می‌آید، نوشته‌های فلسفیش هم شعر است و هم افسانه و داستان و هم نمایشنامه و همه اینها چهارچوبی را تشکیل می‌دهد که هسته فلسفی نوشته را در بر می‌گیرد و این مزیت خارق العاده خاص افلاطون است.

جوایز و نشانها: کتابهای "پایدیا" و "مجموعه آثار ارسطو: مابعدالطبیعه (متافیزیک) سماع طبیعی، اخلاق نیکو ماخوس"، ترجمه محمدحسن لطفی تبریزی به ترتیب در دوره‌های شانزدهم و هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، به عنوان کتاب برگزیده ی سال برگزیده شدند.

چگونگی عرضه آثار: دکتر لطفی در طی مدت نزدیک به چهل سال، عمده ترین مشغل؟ خود را ترجم؟ آثار کلاسیک و متون اصلی فلسفه قرار داده و با ترجم؟ بیش از ده هزار صفحه، خدمت ارزشمندی به جامعه علمی ایران در دهه‌های گذشته انجام داده است. فهرست آثار ترجمه شده دکتر لطفی نشان می‌دهد که بیشترین حیط؟ کاری ایشان فلسفه افلاطون بوده و به تعبیر خودش متون تاریخی دیگر را عمدتاً برای روشنگری اندیشه‌های افلاطون ترجمه کرده است.

آثار:

۱ آغاز و انجام تاریخ

ویژگی اثر: ترجمه اثر کارل یا سپرس است که انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۶۳ آن را منتشر کرد.

۲ آگوستین

ویژگی اثر: ترجمه اثر کارل یاسپرس می باشد که انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۶۳ منتشر کرد.

۳ اسپینوزا

ویژگی اثر: ترجمه ای از اثر کارل یا سپرس که طرح نو آن را در سال ۱۳۷۹ منتشر کرد.

۴ افلاطون

ویژگی اثر: ترجمه اثر کارل بورمان است که طرح نو در سال ۱۳۷۵ منتشر شد.

۵ افلاطون

ویژگی اثر: ترجمه اثر کارل یاسپرس. این کتاب توسط انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۵۶ منتشر شد.

۶ ترجمه ی پایدیا

ویژگی اثر: ترجمه، این کتاب در دوره شانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. «پایدیا» نام کتاب بزرگ «ورنریگر» است. درصدد کتاب این جمله یونانی با ترجمه فارسی آن (ظاهراً به خط مترجم) قرار گرفته است «پایدیا، برای آدیمان فانی پناهگاه طبیعی است» دکتر لطفی در یادداشت خود بر ترجمه کتاب نوشته است: غرض اینجانب از ترجمه آن گذاشتن راهنمایی چنین گرانها در دسترس فارسی زبانانی بوده است که مشتاق آشنایی با فلاسفه یونانی خاصه افلاطونند. در ترجمه متفکران یونانی نوشته تئودور گمپرتس نیز غرض جز این در میان نبود. آشنایی با کتاب: «پایدیا»: پایدیا/ورنریگر؛ ترجم؟ محمد حسن لطفی - تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۶. - ج ۳. پایدیا، کتابی است

دربار؟ شکلی بخشی به سیرت انسان یونانی به عنوان پالوده ای برای بررسی تمام تاریخ یونان باستان که در مجلدات سه گان؟ آن، شالوده و رشد بحران فرهنگ یونانی دوران باستان و کلاسیک تا زمان فروپاشی امپراتوری آتن و تولد دوبار؟ روح و فکر یونانی در عصر افلاطون و نبرد آن برای بازسازی دولت و تربیت و تحول فرهنگ یونانی تشریح شده است. به عقیده؟ صاحب نظران تا کنون کتابی به اهمیت پایداری دربار؟ تحول دولت و جامعه و ادبیات و دین و فلسفه یونان و فرآیند تاریخی که به سیرت یونانیان شکل بخشیده است و فرآیند فرهنگی که یونانیان از طریق آن آرمان خود را از شخصیت انسانی پدید آورده اند، نوشته نشده است. مترجم توانا و سختکوش کتاب، جناب آقای دکتر محمد حسن لطفی که سالهاست به ترجمه آثار ارزشمند فلسفی به ویژه فلسف؟ یونان اشتغال دارند، با ترجمه؟ ممتاز و تحسین برانگیز این کتاب مهم و ارزشمند به زبان فارسی خدمتی شایان و درخور تقدیر را به دوستان حکمت و به ویژه پژوهندگان فرهنگ و تاریخ یونان به انجام رسانده اند.

۷ جنگ پلوپونزی

ویژگی اثر: ترجمه اثر توکوریدیس که توسط انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۷۷ منتشر شد.

۸ خاطرات سقراطی

ویژگی اثر: نوشته کسنوفون است که ترجمه آن را انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۷۴ منتشر کرد.

۹ دور؟ آثار افلاطون

ویژگی اثر: (۴ جلد) تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۷.

۱۰ دور؟ آثار فلوطین

ویژگی اثر: (تاسوعات) ۲ جلد، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۶

۱۱ رساله های منسوب به افلاطون

ویژگی اثر: ترجمه این آثار توسط انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۶۵ منتشر شد.

۱۲ زندگی افلاطون و آثار او

ویژگی اثر: نوشته ویلا موتیس مولندروف، بنگاه مطبوعاتی صفی علیشاه ۱۳۵۵

۱۳ زندگی و آثار افلاطون

ویژگی اثر: (جلد اول: دوره جوانی) تألیف مولندروف، تهران، انتشارات صفی علیشاه، ۱۳۳۲.

۱۴ سقراط

ویژگی اثر: ترجمه اثر کارل یا سپرس که توسط انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۵۷ منتشر شد.

۱۵ سیرا و مانیسیم در اروپا

ویژگی اثر: اثر ترجمه نیمه تمامی است که به پیدایش اندیشه اومانیسیم و تاریخ تحول آن از زمان رومیان قدیم تا قرن بیستم می پردازد. نویسنده کتاب آگوست بوک (۱۹۱۱-۱۹۹۸) استاد ادبیات دانشگاه ماربورگ آلمان با استناد به مدارک بر زمینه تاریخی اثر بخشی فرهنگ دورانی که اروپائیان آن را به دوران باستان (یونان و روم قدیم) می نامند، خواننده را با کوشش متفکران اروپایی برای تربیت انسان باختر زمینی از طریق ترویج گفت و گوی انتقادی با آثار فیلسوفان و نویسندگان و هنرمندان و شاعران «دوران باستان» آشنا می سازد و بدین سان تاریخ مفصل «فرهنگ غرب» را به خواننده عرض می کند.

۱۶ فرهنگ رنسانس در ایتالیا

ویژگی اثر: ترجمه اثر یاکوب بورکهارت است که طرح نو آن را در سال ۱۳۷۶ منتشر کرد.

۱۷ فلوطین

ویژگی اثر: ترجمه اثر کارل یاسپرس که توسط انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۶۳ منتشر شد.

۱۸ فن سخنوری گرگیاس

۱۹ کتب سه گانه ی اخلاق نیکوماخوس، سماع طبیعی و مابعدالطبیعه

ویژگی اثر: از آثار ارسطو که توسط طرح نو در سال ۱۳۷۷ منتشر شد.

۲۰ گفتارهای نیکولو ماکیاولی

ویژگی اثر: چاپ اول ۱۳۷۷ انتشارات خوارزمی گفتارها شامل اصول اندیش های ماکیاولی بوده و بعد از نزدیک به چهار قرن به همت استاد لطفی وارد ادبیات فارسی گردیده است. ترجمه کتاب گفتارها بر پایه ترجمه آلمانی به قلم Verly Radolf Zorn, Aifred Kroener در سال ۱۹۷۷ انجام گرفته است.

۲۱ متفکران یونانی

ویژگی اثر: این کتاب اثر گمپرتس در سه مجلد ترجمه و توسط انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۷۶ منتشر شد.

۲۲ مجموعه آثار ارسطو: مابعدالطبیعه (متافیزیک) سماع طبیعی، اخلاق نیکوماخوس

ویژگی اثر: ترجمه، این کتاب، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: «مجموعه آثار ارسطو: مابعدالطبیعه (متافیزیک) سماع طبیعی، اخلاق نیکوماخوس» [مجموعه آثار ارسطو: مابعدالطبیعه (متافیزیک) سماع طبیعی] ترجمه محمدحسن لطفی تبریزی. - تهران: طرح نو، ۱۳۷۸. - ۳ ج. اگر آثار کلاسیک را از حیث اهمیت، طبقه بندی و به ضرورت ترجمه؟ اهم آنها عطف توجه کنیم، بی شک آثار ارسطو در شمار چند اثر معدودی خواهد بود که از ضرورت و اهمیت بیشتری برخوردار است. ارسطو در مدرسه؟ خود در آتن برای هر یک از رشته ها مجالس درس ترتیب داد و همین درسها خاستگاه نوشته های تعلیمی او از قبیل فصلهای مختلف مابعدالطبیعه، سماع طبیعی و اخلاق نیکوماخوس گردید. استفاد؟ مترجم محترم از ترجمه های مختلف و دقیق به سه زبان مهم آلمانی، انگلیسی و فرانسوی تا حدود زیادی این اعتماد را در خواننده ایجاد می کند که هر چند این آثار از زبان یونانی ترجمه نشده ولی تا در حد قابل توجهی به متن اصلی نزدیک است و فاصل؟ چندانی با اصل ندارد. به ویژه اینکه مترجم برای توضیح متن و رفع دشواریها و ابهامها با افزودن تعلیقه های مفید و روشنگر که غالباً برگرفته از حواشی راس (مترجم معتبر انگلیسی آثار ارسطو)، تریکو (مترجم اصلی آثار ارسطو به زبان فرانسوی) و هرمان بونیتس (مترجم اصلی آلمانی آثار ارسطو) و یا افزود؟ خود مترجم است، بر فایده؟ ترجمه بسیار افزوده است.

۲۳ مجموعه آثار افلاطون

ویژگی اثر: این ترجمه در چهار جلد توسط انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۵۶ منتشر شد.

۲۴ مجموعه آثار فلوطین

ویژگی اثر: این ترجمه در دو جلد توسط انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۶۶ منتشر شد.

۲۵ محاکمه سقراط

ویژگی اثر: این ترجمه سرآغاز ترجمه ی آثار فلسفی دکتر لطفی بود.

۲۶ مرگ سقراط

ویژگی اثر: این کتاب ترجمه اثری از رمانو گرواردینی است و به تفسیر چهار رساله افلاطون می پردازد که توسط انتشارات طرح نو در اسل ۱۳۷۶ منتشر شد.

برگرفته از کتاب: بنیاد ایران شناسی

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۲۳۶، ۳۱۹۶، ۲۹۴۰، ۲۴۶۸، ۲۰۰۶ / ۲، ۱۴۸۹، ۱۴۸۸، ۱۴۷۷، ۱۳۷۱، ۱۳۴۴، ۹۴۱، ۱/۸۴۷)، کلک (س ۵، ش ۶۰، ص ۲۴۳-۱۹۴)، کیهان فرهنگی (س ۱۶، ش ۱۵۹، ص ۷۳-۷۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۵۵-۸۵۴/۲).

لطفی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: اورلوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

لطفی پور ساعدی، کاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: تبریز
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان انگلیسی از دانشگاه تبریز، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی کاربردی و دکترای زبان‌شناسی کاربردی از دانشگاه لانکستر انگلستان.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مهارت خواندن، اصول ترجمه، زبان‌شناسی، ترجمه‌شناسی و سخن‌کاوی و استاد راهنمای ۹ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

درآمدی بر اصول و روش ترجمه، اصول و روش ترجمه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۹، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

روش‌های تدریس، سخن‌کاوی، ترجمه‌شناسی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

لطفی زاده، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: پرودنتولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

لطفی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود لطفی

محل تولد: همدان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۳ سال ورود اینجانب به حوزه علمیه قم است. اوائل سال تحصیلی ۴۶-۴۷ به حوزه علمیه نجف اشرف منتقل شدم و ادامه تحصیل تا پایان سطح در محضر استاد بزگوارم مرحوم سید ابوالقاسم حساری ارومی بوده ام. هم چنین یک دوره تفسیر قرآن، تفسیر صافی، نیمی از نهج البلاغه، یک دوره ریاضیات، هیئت، خلاصه الحساب، شرح چفمینی، شرح منظومه منطق و نیمی از فلسفه در محضر ایشان بوده ام. سال تحصیلی ۵۱-۵۲ به خاطر برخی از مشکلات خانوادگی به ایران آمدم و در آن سال تنها به تکمیل باقی مانده کفایه در محضر آیه الله فاضل موفق شدم. از سال ۵۲-۵۳ نخست برای مدتی در درس آیه الله میرزا هاشم آملی و مکارم شیرازی رفته و سپس بصورت منظم در درس فقه و اصول آیه الله ملکوتی تا پیروزی انقلاب اسلامی بودم. پس از پیروزی انقلاب و مدتی ترک تحصیل در سال ۶۰-۶۱ در محضر آیه الله وحید خراسانی شرکت نموده و پس از آن با اشتغال درحوزه تبریز عملاً موفق به بهرمندی از اساتید نشدم. ضمناً ادامه حکمت منظومه را در محضر آیه الله انصاری شیرازی و مجلدات اسناد را از محضر شهید بزرگوار مطهری و حاج آقا رضا صدر و آیه الله یزدی و صالحی مازندرانی خوانده ام. تمهید القواعد را از محضر آیه الله جوادی و شرح فصوص قیصری را در محضر آیه الله حسن زاده بوده ام.

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۳۳-۴۶۷ ق)، محدث. نسبت وی به لفتوان از قرای اصفهان می‌رسد. از ابو عمرو عبدالوهاب بن منده عبدی و ابوالحسن سهل بن عبدالله غازی و ابوبکر ابن ماجه ابهری و ابوسعود سلیمان بن ابراهیم ثقفی و ابومنصور محمد بن احمد بن شکرویه قاضی و محمود کوسج و ابوالخیر بن ررا و رزق الله تمیمی و ابوحسین احمد بن عبدالرحمان ذکوانی و ابوالفوارس طراد بن محمد زینبی و ابن البطر و دیگران حدیث شنید. ابوموسی مدینی و ابن عساکر و ابوسعید سمعانی و فرزندش، عبید الله بن محمد سمعانی، و ابوالفتح عبدالوهاب صابونی و فرزندش، عبدالخالق، و ابوالمعمر انصاری و ابوالفضل بن ناصر و دیگران از وی حدیث شنیدند. سمعانی او را نیکو سیرت، عابد و نیکوکار و عارف به حدیث معرفی می‌کند. او کتاب‌هایی در حدیث تصنیف کرد. در «الکامل» سال ولادت وی ۴۹۶ ق ذکر شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵/۱۳۸)، سیر النبلاء (۷۵-۷۴/۲۰)، الکامل (۳۶۶-۳۶۵/۸)، معجم البلدان (۲۴-۲۳/۵)، معجم المؤلفین (۱۰/۶۴)، المنتظم (۳۱۷/۱۰)، الوافی بالوفیات (۳/۱۴۸).

لقای تفتی، فرخ لقا

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم و دوازدهم ق)، ادیب و شاعر. از اهالی تفت یزد بود که در اواخر سلسله‌ی صفویه زندگی می‌کرد. از اوست:

یوسف برفت و قلب زلیخا به تن نماند

یعنی چو رفت جان، رمقی در بدن نماند

باز آمد آن عزیز به دار السرور وصل

در مصر عشق، صحبت بیت‌ال‌حزن نماند

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی سخنوران یزد (۲۶۴-۲۶۳)، الذریعه (۹/۹۴۷)، فرهنگ سخنوران (۷۹۰)، زنان سخنور (۲/۱۳۷)، مشاهیر زنان (۲۰۴).

لک علی آبادی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد لک علی آبادی

محل تولد: درود

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

با عنایت حضرت حق و توجهات حضرت ولی عصر علیه السلام در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه قم شده و پس از گذراندن دوره مقدمات در مدرسه حقانی ادبیات عرب را گذراندم. سطح ۱ حوزه قم را در مدرسه امام محمد باقر علیه السلام با رتبه ممتاز طی کرده و وارد دروس سطح ۲ حوزه قم شدم و از محضر اساتید محترم اقایان علی دوست و حسینی خراسانی و حسینی بوشهری استفاده کردم. دروس خارج فقه و اصول را از حضرات آیات بهجت و مبشر کاشانی و علوی بروجردی کسب فیض کردم و همچنان خوشه چین محضر مبارک اساتید بزرگوارم هستم. از محضر ایت الله جوادی املی در علم تفسیر قرآن بهره مند شده و در زمینه اخلاق و عرفان افتخار استفاده از محضر استاد معظم شیخ عبد القائم شوشتری و مرحوم ایت الله لنگرودی را دارم. ۵ سال در امور فرهنگی مسجد مقدس جمکران در واحدهای مختلف انجام وظیفه کرده و ۲ سال در مسئولیت سازمان تبلیغات شهرستان دورود مشغول بوده ام. در کنار تحصیل همواره به امر تبلیغ و تدریس ارج نهاده و هم اکنون غیر از تکمیل دروس خارج فقه و اصول به تحقیق و تالیف و راه اندازی مرکز پژوهش انتشارات هنارس مبادرت کرده ام که از جمله فعالیت های این مرکز مجموعه ۲۰ جلدی مهارت های زندگی است که مزین به دو هزار روایت می باشد که در سال نوآوری و شکوفایی منتشر گردید. تحقیقات و تالیفات اینجانب بیشتر در زمینه سیره اهل البیت علیهم السلام و اخلاق و عرفان می باشد که از آن جمله است مجموعه هوای وصل در ۷ جلد و صاحب دلان در ۵ جلد

لکذه اصفهانی، ابوعلی حسن

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۱۰ / ۲۱۰ ق)، نحوی، لغوی و ادیب. معروف به لکذه یا لغذه یا لذکه. از پیشوایان نحو و لغت بود. در اصفهان به دنیا آمد. در کودکی کتاب های ابوزید و اصمعی و ابو عبیده را حفظ کرد و سپس محفوظات خود را تتبع نمود و آنها را به اعرابی که به اصفهان می آمدند عرضه کرد و یافته های خود را در کتابی که آن را «النوادر المفیده» نامید، نوشت. در نوجوانی به بغداد رفت. او در علم لغت و ادب شاگرد باهلی و کرمانی بود. وی با ابوحنیفه دینوری همطبقه بود و با وی معارضه و مناقضه داشت. او گرچه نزد ابواسحاق زجاج تلمذ نمود و گفته های استاد را املا کرد، ولی بعدها با او به مخالفت پرداخت و سخنان استادش را نقض کرد. به گفته ی حموی وی در فنون ادب ماهر و از پیشوایان نحو و لغت و در موارد قیاس خبیر بود و در پایان عمرش در عراق نظیری برای او نبود. سال وفات وی در ۳۱۰ ق، با توجه به سال وفات زجاج (ح ۳۱۰ ق) و سال وفات دینوری (ح ۲۹۰ ق)، صحیح تر به نظر می رسد. از دیگر آثارش: «التسمیه»؛ «خلق الانسان»؛ «خلق الفرس»؛ «الرد علی ابن قتیبه فی غریب الحدیث»؛ «مختصر فی النحو»؛ «علل النحو»؛ «نقض علل النحو»؛ «الهشاشه و البشاشه»؛ «الرد علی الشعراء»؛ شرح «معانی» باهلی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: روضات الجنات (۵۷-۵۶/۳)، ریحانه (۱۲۷/۵)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (۱۳۷)، کشف الظنون (۲۰۴۳، ۱۹۸۰، ۱۶۳۱، ۱۲۰۴، ۱۱۶۰)، لغت‌نامه (ذیل / حسن لگذه)، معجم الادباء (۱۴۵-۱۳۹/۸)، معجم المؤلفین (۲۳۸/۳)، هدیة العارفین (۲۶۹-۲۶۸/۱).

لکستانی، بتول

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: داروسازی، دانشکده: داروسازی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی داروسازی، دکترای داروسازی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۲۸.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اثرات چند آنتی‌بیوتیک در عفونت ادراری، اثرات چند دارو در درمان بروسلوز، داروهای ضد عفونی کننده و موارد استعمال آنها در بیمارستان، روش‌های توزیع دارو در بیمارستان‌ها، مسکن‌ها و عوارض و موارد استفاده آنها، تدریس دروس داروسازی در دانشگاه تهران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شناخت مواد اولیه داروهای شیمیایی، داروسازی بیمارستانی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

اثرات آنتی هیستامینیک‌ها، ناسازگاری شیمیایی داروها، مسمومیت با سرب.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

لنجانی، تاج‌الدین حسن

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تاج الدین حسن بن محمد لنجانی. عالم جلیل زاهد (پدر فاضل هندی) معروف به مولا تاجا، در ۱۰۹۸ یا ۱۰۸۵ وفات یافته، قبرش در مقبره جنب مسجد بازار غاز اصفهان.

وی مؤلف کتاب: - بحر موج، در تفسیر قرآن ۱- تزویج النبی زینب و رقیه من عثمان ۲- شرح شافیه ۳- شرح کافیه ۴- شرح صحیفه سجّادیه می‌باشد.

در ریحانه الادب (۵: ۳۸۱) نقل از مستدرک الوسائل گوید: تاج ارباب العمامه، فوتش در ۱۰۸۵ روی داده ظاهراً وی تاج الدین حسن مذکور در شرح حال ملا محمد تقی مجلسی می‌باشد.

فرزندش فاضل هندی از او روایت احادیث می‌کند، و خود از مجازین از مولی حسن علی بن مولی عبدالله تستری می‌باشد. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

لنجانی، عبدالعظیم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن علی رضا حسینی لنجانی، از شاگردان میرزای قمی، و سید محمد مجاهد کربلایی، و آقا سید علی طباطبائی صاحب ریاض بوده، و خود عالمی جلیل، و فقیهی بارع بوده. کتب زیر از اوست:

۱- تحفه الاصحاب، رساله‌ی عملیه به صورت سؤال و جواب، و در آن از فتاوی میرزای قمی و آقا سید علی استاد خود نقل نموده.
۲- ضیاء اللامع در شرح مختصر الشرایع.

پس از سال ۱۲۳۱ [در هندوستان] وفات یافته است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

لنکرانی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۱ - ۱۲۸۰ ق) فقیه اصولی، عالم دینی، مجتهد و مدرس. وی در نجف از بحث درس اساتید زمانش استفاده نمود و تقریرات آنها در فقه و اصول را نگاشت و خود از اساتید و پیشوایان تقلید و اجتهاد گشت. او از میرزا حسین خلیلی و سید محمد علی شاه عبدالعظیمی و سید حسن صدر روایت کرد. شیخ محمد علی اردوبادی از وی روایت کرده است. از آثارش: حاشیه بر رساله شرایبانی؛ حاشیه بر «طهاره» کتاب «الریاض» حاشیه بر «نجاه العباد»؛ «نتائج الافکار»، در فهم کلمات ائمه اطهار (ع)؛ «الملهمات الغرویه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۴۵/ ۲۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۶۵/ ۱۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۳۰ - ۱۱۲۹/ ۳)، معجم المؤلفین (۲۳۰/ ۳).

لنکرانی، شریف

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مترجم.

تولد: ۱۳۱۰، تهران.

درگذشت: ۳ بهمن ۱۳۶۶، لندن.

شریف لنکرانی از مترجمانی است که بیشتر به ترجمه‌ی نوشته‌های فلسفی و رمان‌ها و نمایشنامه‌های آلمانی می‌پردازد. علاقه خاصی به ترجمه‌ی آثار برشت داشت. از ترجمه‌های اوست: آبروی از دست رفته کاترینا بلوم (هاینریش بل، ۱۳۵۷)؛ آدم آدم است (از برتولت برشت، به همراه دو نمایشنامه‌ی دیگر، ۱۳۴۷)؛ اپرای سه پولی و صعود و سقوط شهر ماهاگونی (برتولت برشت، ۱۳۴۴)؛ سال دو هزار (کتابی در زمینه‌ی اقتصادی)؛ عقاید یک دلچک (هاینریش بل، ۱۳۴۹)؛ عکس دسته جمعی با خانم، ننه دلاور (برشت)؛ وقتی برای زندگی، وقتی برای مرگ (رمارک).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

لنکرانی، عبدالحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالحسین بن المرحوم ابراهیم لنکرانی از علماء معاصر مقیم شهرستان سمنانست.

آنجناب در سال ۱۳۲۷ قمری در یکی از قراء لنکران بنام بلاقاجی متولد شده و تا ده سالگی در زایشگاه خود مشغول کارهای خانگی و دام‌چرانی بوده است.

سپس قصد تحصیل نموده و در حضور جناب حجه‌الاسلام و ملاذالانام مرحوم شیخ علی لنکرانی دایمی محترم خود مشغول خواندن قرآن بوده و در مدت شش ماه از خواندن آن فارغ شده و به تحصیل علوم ادبی و فارسی پرداخته و در سال دوم از تحصیلش دایمی معظم خود را از دست داده پس مدتی دروس مقدمات عربی را نزد چند نفر از علماء لنکران آموخته و در سال ۱۳۴۰ قمری به اتفاق پسر عمه‌اش شیخ کامل کاملی در اثر فشار دولت شوروی و غدغن شدن علوم دینی عازم اردبیل شده.

و مدت ده سال تمام در اردبیل در مدرسه مرحوم میرزا ابراهیم سطوح اولیه را تا سطوح عالیّه نزد علماء بزرگ آنجا خوانده و ضمناً یک جلسه دینی برای یک عده از جوانان تشکیل داده و انجام وظیفه دینی نموده و از نظر معاشرت با مردم اردبیل بسیار مأنوس و مورد توجه آنان تا جائی که مورد غبطه دوستان و بعضی از اساتید بزرگ گردیده تا در اوائل ۱۳۵۵ قمری در ماه صفر ایام اربعین بدون جهت معلوم و مشخصی با یک عده‌ای از طلاب لنکران از اردبیل به سمنان تبعید شده و مدت سه سال در تبعیدگاه سمنان با هزاران رنج و ملال و ناراحتیهای روحی و جسمی بسر برده و در سال سوم قدری با مردم سمنان مأنوس و توسعه نسبی حاصل شده بود.

تا در سال ۱۳۵۷ قمری از سمنان به زنجان تبعید شده و مدت چهار سال در آنجا اقامت قهری داشته و رنجهای فراوان و شکنجه‌های

گونگون دیده و در اواخر در اثر محبت علماء زنجان و بالا-خص مرحوم آیت‌الله آقای حاج سید محمود امام جمعه جا باز کرده مخصوصاً اینکه آن مرحوم مسجد خویش را در ظهر و عصر به ایشان محول فرموده و در مواقع مساعد نبودن حال ایشان و یا در مسافرت بودنشان شبها هم نیز بجای ایشان امامت نموده و این موضوع وسیله رشد و نمو و تقویت اجتماعی ایشان گردید. و بالا-خره در سال ۱۳۲۰ شمسی بعد از بیستم شهریور از زنجان به قم مشرف شده و از محضر آیات ثلاثه حجت و خوانساری و صدر و نیز آیت‌الله العظمی حاج سید احمد خوانساری مدظله استفاده نموده.

ولی بیشتر از درس و بحث آیت‌الله العظمی حجت بهره‌مند گردید و مورد توجه مخصوص آن مرحوم قرار گرفته و در اکثر جلسات خصوصی معظم له شرکت می‌کرده و تا اواخر فوت آن مرحوم در درس فقه و اصول وی شرکت کرده و دوره کامل آن دو رشته را خدمت ایشان دیده و پس از ورود مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی به درسشان حاضر و مورد توجه مخصوص آن بزرگوار گردیده تا بعد از رحلت آن مرحوم که منتقل به شهرستان سمنان گردیده و اکنون در رأس روحانیت این شهر قرار دارد. دارای آثار قلمی چندیست که می‌نگارم.

۱- تقریرات فقه آیت‌الله حجت

۲- تقریرات اصول آن مرحوم

۳- مقداری از دراسات آیت‌الله العظمی بروجردی

۴- اندیشه ما

۵- خطب نماز جمعه و مقدمه و جواب بر نماز جمعه

۶- حاشیه بر توضیح المسائل آیت‌الله بروجردی

۷- ترجمه تفسیر صافی.

در شهرستان سمنان غیر از نامبردگان بعضی دیگر از دانشمندان متقی مانند حجة الاسلام حاج آقای نجات و جناب حجة الاسلام سبزواری که ترجمه‌اش در ذکر سبزواری گذشت هستند که در مساجد اقامه جماعت نموده و به تبلیغ دین و ارشاد مردم اشتغال دارند. (تو ۱۳۲۷ ق)، عالم دینی. در بلاقاجی از قرای لنکران به دنیا آمد. در ده سالگی قرآن را از دایی خود شیخ علی لنکرانی فراگرفت. مقدمات را نزد علمای لنکران آموخت. سپس بر اثر فشار دولت شوروی در ممنوعیت علوم دینی به همراه پسر عمه‌اش، شیخ کامل کاملی، در ۱۳۴۰ ق به اردبیل رفت. در مدرسه‌ی میرزا ابراهیم سطوح اولیه تا سطوح عالی را به مدت ده سال نزد علمای بزرگ آنجا فراگرفت. در ۱۳۵۵ ق به همراه عده‌ای از علما به سمنان تبعید شد. پس از سه سال در ۱۳۵۷ ق از آنجا به زنجان تبعید شد. در زنجان تحت حمایت آیت‌الله سید محمود امام جمعه به امامت جماعت پرداخت. وی در ۱۳۶۱ ق به قم رفت و از محضر آیت‌الله حجت و آیت‌الله خوانساری استفاده نمود. او بیشتر از درس و بحث آیت‌الله حجت بهره گرفت. پس از ورود آیت‌الله بروجردی به قم در درس ایشان حاضر شد و بعد از درگذشت آیت‌الله بروجردی به سمنان رفت و به وظائف دینی مشغول گردید. از آثارش: «تقریرات فقه» و «تقریرات اصول» آیت‌الله حجت؛ بخشی از «دراسات آیت‌الله بروجردی»؛ حاشیه بر «توضیح المسائل» آیت‌الله بروجردی؛ ترجمه‌ی «تفسیر صافی»؛ «اندیشه ما»؛ «نماز جمعه»، خطب و مقدمه و جواب. [۱]

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۳۴۱-۳۴۰/۵).

لنکرانی، عبدالعزیز

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالعزیز لنکرانی (عموی پدر آیت‌الله شیخ حسین لنکرانی معاصر) از شاگردان شیخ انصاری و علامه سید حسین کوه‌کمری و دارای تالیفات و آثار علمی بوده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لنکرانی، فاضل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت‌الله مرحوم فاضل موحدی لنکرانی از علماء اعلام و مجتهدین عظام حوزه علمیه قم و خواص اصحاب مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی بودند در سال ۱۳۱۴ قمری در لنکران متولد شده و پس از بلوغ به اردبیل آمده و مدت ۴ سال مقدمات و ادبیات را فرا گرفته و بعد از آن به زنجان آمده و مدت سه سال در آنجا اقامت نموده و پس از آن مهاجرت به مشهد مقدس نموده و مدت... سال از محضر مرحوم آیت‌الله آقازاده کفائی و مرحوم آیت‌الله آشتیانی و هم آیت‌الله العظمی قمی افتاده کرده و تدریس سال ۱۳۴۲ ق مهاجرت به بلده طیبه قم نموده و به درس مرحوم آیت‌الله العظمی حایری شرکت نموده و ضمناً تدریس متون فقه و اصول را کرده تا ورود مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی رحمه‌الله که به ایشان پیوسته و هم در مسجد تکیه سید حسن اقامه جماعت نموده تا در چهاردهم صفرالخیر ۱۳۹۲ ق که بدرود گفته و در جوار فاطمه معصومه علیهاسلام مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

لنکرانی، مجتبی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیه‌الله حاج شیخ مجتبی لنکرانی از مجتهدین و مبرز و ممتاز معاصر حوزه علمیه نجف است (در اصفهان)، وی در حدود سال ۱۳۲۰ ق متولد شده و در اوائل جوانی مهاجرت بنجف نموده و از محضر آیات عظام چون مرحوم آیه‌الله نائینی و آیه‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیه‌الله حاج شیخ محمد حسین غروی کمپانی و آیه‌الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم علامه حاج شیخ محمد جواد بلاغی و دیگران استفاده نموده و بمقام منیعی از علم در معقول و منقول و تفسیر و رجال و کلام رسیده و حوزه تدریس تشکیل داده و بسیاری از علماء و فضلاء معاصر از درس و محضرش کسب فیض نموده و به رتبه اجتهاد رسیده‌اند.

استاد لنکرانی مدتی هم در سامره اقامت داشته تا در ذی‌القعدة الحرام ۱۳۹۱ قمری که مانند هزاران نفر دیگر از علماء و غیره از طرف دولت بعثی عراق رانده به ایران و بواسطه دعوت و اصرار حوزه علمیه اصفهان و دانشمندان این سامان اصفهان را محل سکونت فعلی خود قرار داده و بتدریس فقه و اصول و غیره پرداخته‌اند.

نگارنده گوید: آقای لنکرانی عالمی محقق و فاضلی مدقق و فقیهی متبحر است یکی از شاگردان معظم‌له که از علماء مبرز خوزستانست در نامه‌ایکه برای حقیر نوشته از آنجناب تعبیر (با عجبوه لنکران) نموده است.

ایشان گذشته از مقام علم و فضل عالمی پارسا و موصوف بتقوا و دارای ملکات فاضله اخلاقی و محامد آداب و محاسن اخلاق و مبرا از تظاهرات و بسیار متواضع و خلیق میباید. و از امامت و تعینات روحی دوری مینماید، و در اصفهان هر چند علماء اعلام و متدینین اصرار برای نماز جماعت و اداره مسجدی نمودند نپذیرفتند و خود را با آن مقام شامخ علمی لایق این سمت ندانسته و بنماز دیگران شرکت مینمایند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

لنکرانی، محمد صادق

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۸۵ ق)، فقیه، مجتهد و عالم دینی. فقه و اصول را، چندین سال، در قزوین نزد عده‌ای از علمای آنجا خواند. در ۱۲۴۸ ق به عراق رفت و در کربلا- نزد سید ابراهیم قزوینی، صاحب «الضوابط»، و سید مهدی طباطبایی، فرزند سید علی طباطبایی صاحب «الریاض»، تلمذ نمود و از مجالس و بحث علمای کربلا و نجف استفاده نمود تا در فقه و اصول برآمد. سپس به قفقاز بازگشت و به انجام امور مذهبی پرداخت و در آنجا مورد احترام مردم قرار گرفت و مرجع دینی آنان گشت. وی در همان جا درگذشت. از آثارش: «ابتلاء الاولیاء»؛ «اتمام الحجۃ»، در اثبات وجود حضرت قائم (عج)؛ «افتخار الشیعۃ»، در احکام شریعت؛ «الحائریات»، در مسائل فقهی؛ «درر الغرر» یا «الدرر و الغرر» یا «الدرر و الدرر»؛ «الدرة الفاخرة فی زیارات العترۃ الطاهرة»؛ «المراسم الشرعیة».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۶۶/۹)، الذریعه (۲۹۸/۲۰، ۴۳/۱۶، ۱۴۱-۱۴۰، ۱۲۷، ۱۰۶/۸، ۳/۶، ۲۵۶/۲، ۸۴، ۸۸، ۸۳-۶۱/۱)، طبقات اعلام الشیعه (۶۴۶-۶۴۵/۱۳)، معجم رجال الفكر و الادب فی النجف (۱۱۳۱-۱۱۳۰/۳)، معجم المؤلفین (۱۰/۷۷).

لنکرانی، محمد علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ آغا بن محمد علی لنکرانی عالمی فقیه از شاگردان علامه سید حسین کوه‌کمری بوده و بعد از ۱۲۸۹ ق از دنیا رفته است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لنگرودی، حسین علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین علی لنگرودی عالمی جلیل و رئیسی مطاع از مراجع امور دینی لنگرود معروف به (آقا نجفی) بوده و در حدود ۱۲۹۸ وفات نموده و در حرم (امامزاده سید محمد) لنگرود مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لنگرودی، عبدالصاحب

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جناب آقای آقاسید محمد مهدی ملقب به عبدالصاحب مرتضوی لنگرودی از فضلاء بنام و نویسندگان کرام حوزه علمیه است که مانند دو برادر مذکورش در خاندان فضیلت به دنیا آمده و در حجر علم و کمال تربیت یافته و سطوح و دروس نهائی و عالی فقه و اصول را از اساتید و مدرسین و آیات عظام حوزه فراگرفته و به تالیف و تصنیف کتب مفیده که بعضی مطبوع و برخی مخطوط است پرداخته است و آثار مطبوع ایشان به قرار زیر است:

۱- بازار دانش دو مجلد که به طبع رسیده است.

۲- داستان پشیمان شدگان که به طبع رسیده است.

۳- امشی به حشرات بهائیت که به طبع رسیده است.

۴- پاسخ به کتاب شهید جاوید که به طبع رسیده است.

۵- گفتگوی عالم و صوفی

۶- اعجاز اسلام از نظر اخبار.

۷- مناجات مرتضوی - دوازده بند مرتضوی.

۸- پاسخ ما به گفته‌ها یا بررسی از بررسی دعاء ندبه.

۹- گوهرهای گران در علم معانی و بیان جزء اول.

۱۰- توحید مرتضوی.

اما ترجمه مفصل آن جناب که در علم و حلم و متانت و دیانت و تقوا مانند برادران دیگرش مرآت آن پدر بزرگوار است از این قرار است: در دهم ماه ذی‌الحجه ۱۳۵۲ ق در نجف اشرف به دنیا آمده و در دوران کودکی با معیت مرحوم والدش علامه مرتضوی لنگرودی به ایران آمده و در تهران رحل اقامت افکنده و پس از دروس جدید و مقدمات سطوح اولیه و وسطی را در مدرسه حاج ابوالفتح به اتمام رسانیده و در معیت مرحوم والد به قم مهاجرت نموده و بعد از مدت کوتاهی در درس آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت کرده و پس از آن مرحوم به درس آیتین گلپایگانی و امام خمینی حاضر شده و هم مدتی در درس آیت‌الله شریعتمداری و آیت‌الله آملی حاضر شده.

دروس معقول و فلسفه را هم از اساتید حکمت حوزه بالاخص علامه طباطبائی فراگرفته است و در حال حاضر به تدریس سطوح عالی و نهائی اشتغال دارد.

معظم‌له در امور دینی و خدمات روحانی بسیار ساعی و جدی و برای همین منظور ایجاد کانونهائی نموده‌اند در شبهای پنج‌شنبه و جمعه که بسیاری از جوانان و دبیران و آموزگاران شرکت می‌کنند آثار مخطوط ایشان به قرار زیر است.

۱- جزوات تقریر در صلوه و خمس از بحث آیت‌الله بروجردی.

۲- جزوات تقریرات آیت‌الله گلپایگانی در طهارت و حج.

۳- جزوات تقریرات آیت‌الله امام خمینی در طهارت و حج.

- ۴- جزوات تقریرات آیت‌الله آملی در طهارت و حج.
- ۵- قواعد العلم در علم صرف نحو منطق معانی بیان.
- ۶- لغات الوسائل ناتمام ۷- دو علم و یک فن در علم روح و بدن و فن تعبیر.
- ۸- صندوق حسنات ۹- محشر شعراء ۱۰- ارمغان رمضان ۱۱- معالجات روحی در اخلاق.
- ۱۲- قدمهای به آن سرا در قیامت ۱۳- عبرتی از شناسنامه ۱۴- سلاسل مرتضوی کشکول ۱۵- دیوان مرتضوی در چهار بخش.
- ۱۶- مسائل الاحکام ۱۷- سؤال و جواب درباره حجاب ۱۸- واعظان تکوینی ۱۹- کتابی در رد یهود ۲۰- کتابی در رد نصاری. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

لنگرودی، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۸۳ - ۱۳۰۶ ق)، فقیه اصولی، عالم دینی و مجتهد. در یکی از روستاهای لنگرود به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات در ۱۳۲۳ ق به رشت رفت. پس از چند سال به قزوین رفت و سطوح اولیه را در خدمت آقا شیخ یونس و ملا علی طارمی فراگرفت. بعد از چندی به تهران آمد و سطوح وسطی و نهایی را از آیت‌الله سید محمد تنکابنی و شیخ محمد رضا نوری و معقول را از شیخ علی نوری و میرزا هاشم اشکوری و میرزا حسن کرمانشاهی فراگرفت. در ۱۳۳۸ ق به نجف رفت و از محضر آیت‌الله اصفهانی و علامه میرزا حسین نائینی و آیت‌الله عراقی و آیت‌الله شیخ مهدی مازندرانی بهره برد و در تفسیر از محضر آیت‌الله شیخ جواد بلاغی استفاده نمود. در ۱۳۴۲ ق به ایران آمد و مجدداً در ۱۳۴۴ ق به نجف بازگشت و به تدریس و شرکت در بحث اساتید و آیات عظام آنجا مشغول شد. در ۱۳۶۱ ق به علت بیماری به ایران مراجعت نمود و تا ۱۳۷۲ ق در مسجد و مدرسه‌ی حاج ابوالفتح به اقامه‌ی جماعت و تدریس پرداخت. در ۱۳۷۲ ق به زیارت عتبات رفت. پس از بازگشت در قم اقامت گزید و به تدریس فقه و اصول پرداخت. وی در قم در گذشت و در یکی از ایوانهای شمالی صحن عتیق حضرت معصومه (ع) به خاک سپرده شد. از آثارش: «تقریرات» درس آیت‌الله نائینی، در اصول؛ «المتاجر» و «الصلوة» و «الطهاره» تقریرات درس آیت‌الله نائینی؛ «الخمسه»؛ «منجزات المریض»؛ شرح بر «طهارت عروه الوثقی»؛ «حدوث العالم»؛ رساله در «فضاء»؛ رساله در مبحث «اجتهاد»؛ حاشیه بر «المکاسب» شیخ انصاری؛ حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری؛ رساله در اثبات «اصول و عقاید»؛ رساله در تفکیک بین اراده استعمالی و جدی». [۱]

آیت‌الله فی العالمین حاج سید مرتضی بن سید حسین بن میرسعید قاضی محله‌ی مرتضوی لنگرودی از آیات عظام و علماء اعلام شهرستان قم و حوزه علمیه بوده‌اند.

در سال ۱۳۰۶ قمری در یکی از قراء لنگرود متولد شده و پس از نشو و نما و فراگرفتن فارسی به مدرسه جامع لنگرود رفته و پس از مدتی از آنجا در حدود سال ۱۳۲۳ قمری به رشت و پس از چند سالی به قزوین و در آنجا در خدمت آشیخ یونس و ملا علی طارمی سطوح اولیه را دیده و بعد از چندی به طهران آمده و سطوح وسطی و نهایی را نزد مرحوم آیت‌الله سید محمد تنکابنی و آقا شیخ محمدرضا نوری و معقول را خدمت مرحوم حاج شیخ علی نوری و مرحوم میرزا هاشم اشکوری و میرزا حسن کرمانشاهی خوانده و در سال ۱۳۳۸ قمری مهاجرت به نجف نموده و از محاضر آیات عظام اصفهانی و نائینی و عراقی و حاج شیخ مهدی مازندرانی و تفسیر را از مرحوم حاج شیخ جواد بلاغی استفاده کرده و در سال ۱۳۴۲ قمری مسافرت به ایران و در سال ۱۳۴۴ قمری

برای بار دوم به نجف مهاجرت و مدت ده سال توقف و به تدریس و شرکت در اباحت آیات عظام و مراجع بزرگ نجف اشتغال داشته تا در سال ۱۳۵۴ قمری مراجعت به ایران و مدت ۱۳ ماه در قم توقف و در سال ۱۳۵۵ ق بازمشرف و مدت شش سال دیگر به تدریس مشغول گشته و در سال ۱۳۶۱ به واسطه کسالت به ایران بازگشت نموده و بنابر تقدیر پروردگار تا سال ۱۳۷۲ قمری در تهران اقامت و در مسجد و مدرسه حاج ابوالفتح واقع در میدان شاه تهران به اقامه جماعت و تدریس و تربیت عده‌ای از محصلین پرداخته و در آن سال به زیارت اعتبار عالیات مشرف و در مراجعت رجل اقامت به قم انداخته و به تالیف و تدریس فقه و اصول مشغول گردیده تا در روز پنجشنبه ۱۹ صفر الخیر ۱۳۸۳ قمری دعوت حق را اجابت گفته و با تشییع کم نظیری در یکی از ایوانهای شمالی صحن عتین حضرت معصومه علیها سلام به خاک سپردند.

ترجمه مفصل و مبسوط آن عالم بزرگوار و مرجع عالیمقدار را یکی از افاضل شاگردان و تلامذه آن مرحوم به نام جناب آقای شیخ محمد واصف نوینده محترم که ترجمه‌اش خواهد آمد در یک رساله مستقلی به نام چهره‌ای از زندگانی آیت‌الله لنگرودی تالیف و منتشر نموده که این حقیر خلاصه آن را با آنچه که در ص ۷۴ ج ۲ کتاب آثارالحجه نگاشته‌ام در اینجا آوردم.

۱- تقریرات در اصول مرحوم آیت‌الله نائینی دوره کامل.

۲- کتاب المتاجر تقریر درس آیت‌الله نائینی.

۳- کتاب الصلوه تقریر درس آیت‌الله نائینی.

۴- کتاب الطهاره تقریر درس آیت‌الله نائینی.

۵- کتاب الخمس.

۶- رساله‌ای در منجزات مریض

۷- شرح مبسوطی بر طهارت عروه‌الوثقی

۸- رساله‌ای در توسط ارض غصیبه.

۹- رساله‌ای در حدوث عالم

۱۰- رساله‌ای در فضاء ناتمام

۱۱- رساله‌ای در اثبات اصول و عقاید.

۱۲- رساله‌ای در تفکیک بین اراده استعمالی و جدی

۱۳- کتاب الصوم تقریر درس، ناقص است.

۱۴- رساله‌ای در مبحث کر چاپ شده.

۱۵- رساله‌ای در مبحث اجتهاد چاپ شده.

۱۶- رساله‌ای در حرمان زوجه از بعضی ارث.

۱۷- حاشیه‌ای بر مکاسب شیخ، انصاری، ناتمام.

۱۸- حاشیه‌ای بر رسائل شیخ، ناتمام.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۲۵۰-۲/۲۴۸)، معجم رجال‌الفکر و الادب فی النجف (۳/۱۱۳۲).

لواسانی، ابوالقاسم

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید ابوالقاسم بن سید محمد بن سید ابراهیم حسینی لواسانی از علماء ابرار تهران بوده. وی در حدود ۱۲۷۶ قمری در تهران به دنیا آمده و در بیت علم و سیانت پرورش یافته و تحصیلات مقدمات و سطوح را از دانشمندان و علماء آن زمان فرا گرفته سپس به اعتبار عالیات و نجف اشرف مهاجرت و از محضر و اباحت آیات عظام حوزه علمیه نجف چون حاج میرزا حسین، حاج میرزا خلیل تهرانی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و آقا سید محمد کاظم یزدی استفاده نموده تا به درجه اجتهاد نائل و موفق به دریافت اجازه اجتهاد از آنان شده و ضمناً از دروس اخلاق و عرفان شاگردان مرحوم آخوند ملا حسینقلی همدانی چون حاج شیخ محمد بهاری و حاج سید احمد تهرانی کربلائی بهره‌ها برده و در این رشته نیز به مدارج عالییه اخلاقی ارتقا یافته و پس از آن به سوی ایران و وطن خود مراجعت ولی در همدان مورد توجه و استقبال مردم آن سامان شده و بنابر درخواست آنها رحل اقامت افکنده و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تدریس و وظائف دیگر روحی پرداخته و پس از چندی به تهران آمده و در آنجا هم قیام به وظائف دینی و روحی نموده تا در عصر جمعه بیست و هشت (۲۸) ماه رمضان المبارک سال ۱۳۶۳ قمری از دنیا رفته و پس از تشییع و تجلیل فراوان حمل به نجف اشرف شده و در جوار حضرت امیرالمؤمنین علی علیه الصلوه والسلام مدفون گردیده است. دارای فرزندان برومندی بوده‌اند که اغلب آنها از علماء و دانشمندان معاصرند و آنان از این قرارند:

۱- حاج سید احمد لواسانی که در مسجد بالاسر قم مدفون می‌باشند.

۲- حاج سید محمدصادق لواسانی متوفی ربیع‌الاول ۱۴۱۱ قمری مدفون در مسجد بالا سر قم.

۳- حاج سید علی لواسانی.

۴- حاج سید زین‌العابدین لواسانی.

۵- حاج سید محمود لواسانی.

۶- حاج سید رضا لواسانی.

۷- حاج سید یحیی لواسانی.

۸- حاج سید حسین لواسانی.

۹- حاج سید حسن لواسانی.

۱۰- حاج سید محسن لواسانی.

عمومی آن بزرگوار حاج سید عبدالکریم لواسانی از فضلاء و اعلامی بودند که حدود یکصد و ده سال زندگانی کرده و سرانجام در ۱۳۹۷ قمری از دنیا رفته و در جوار شیخ صدوق مدفون است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

لواسانی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۴۰۰-۱۳۰۸ ق)، عالم دینی، مجتهد و مورخ. نسبش به امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد. در نجف به دنیا آمد. مقدمات و ادبیات را نزد علمای نجف فراگرفت. وی از شاگردان آیت‌الله شیخ محمد کاظم خراسانی و آیت‌الله سید محمد کاظم یزدی و آیت‌الله شیخ

علی گنابادی و آیت‌الله شیخ علی قوچانی و آیت‌الله میرزا حسین نایینی و آیت‌الله شیخ علی قوچانی و آیت‌الله میرزا حسین نایینی و آیت‌الله میرزا محمد تقی شیرازی و آیت‌الله سید اسماعیل صدر بود و نزد آنان در نجف، سامرا و کربلا مراحل علمی را طی کرد. آن گاه مشغول به تدریس و تألیف شد. در ۱۳۳۳ ق به تهران آمد و به تدریس پرداخت، سپس به مشهد رفت و از محضر آیت‌الله آقا محمد آقازاده‌ی کفایی استفاده نمود. در ۱۳۴۴ ق به نجف بازگشت و از محضر اساتید وقت، آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله شیخ محمد حسین غروی، استفاده نمود تا به مراتب عالی‌ی اجتهاد رسید و به دریافت اجازه‌های اجتهاد نایل شد. در ۱۳۴۸ ق برای ارشاد و سرپرستی شیعیان به لبنان رفت و در ۱۳۷۰ ق به تهران بازگشت و به امور علمی و دینی پرداخت. وی در مسجد محمودیه سرچشمه به انجام امور مذهبی مشغول بود. لواسانی از دوستان نزدیک علامه امینی بود. در تهران درگذشت. از آثارش: «الدروس البهیة»، در مختصری از تاریخ پیامبر (ص) و ائمه (ع)؛ «مراقه جنان الزهر»؛ «نور الافهام» شرح منظومه‌ی «مصباح الظلام»، در علم کلام؛ «الشریعة السماحاء»، در اصول دین و احکام شرعی مطابق عمل به احتیاط؛ «تاریخ النبى احمد (ص)»، در دو مجلد؛ «تواریخ الانبیاء» از حضرات آدم تا حضرت خاتم؛ «نقض الهفوات و تکذیب المفتریات»، ردی بر دعاوی بهائیت و تکذیب علی محمد باب؛ «فضیحة الکذابین»، در رد قادیانی؛ «الکشکول». [۱]

حاج میرزا حسن بن السید العلامة آیت‌الله حاج سید محمد لواسانی از مشاهیر علماء معاصر تهران می‌باشد. وی در ماه رمضان سال ۱۳۰۸ قمری در نجف اشرف متولد شده و چون در سن نه سالگی اوان کودکی در سال ۱۳۱۷ قمری مرحوم والد را از دست داده با نهایت جدیت و اشتیاق در نجف اشرف در محضر طلاب علوم شرعی و فضلاء مقدمات و ادبیات را خوانده و سطوح نهائی را پایان رسانیده و در سن بیست سالگی بدرس خارج آیات عظام و مراجع تقلید چون مرحوم آیت‌الله العظمی آخوند خراسانی و علامه یزدی و پس از فوت آنان مرحومین آیتین حاج شیخ علی گنابادی و حاج شیخ علی قوچانی و بعد از فوت آن دو بزرگوار از درس و محضر آیت‌الله حاج میرزا حسین نایینی و آیت‌الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و در سامرا از مرحوم آیت‌الله آقا میرزا محمدتقی شیرازی و در کربلا آیت‌الله حاج سید اسمعیل صدر استفاده نموده تا در سال ۱۳۳۱ قمری که جنگ بین‌المللی پیش آمد و اوضاع دنیا در آن جنگ متشتت و در هم ریخته شد خصوصاً عراق عرب که از همه جا سخت گردید که هر کس به هر وسیله که برایش ممکن میشد فرار را برقرار اختیار نموده و باطرف بلاد منتشر میشد و همه روزه زندگی و ناامنی بدتر میشد ناچار معظم له باتفاق مرحومه علویه والدهاش و عیال و اولاد و والدین عیال با نهایت دست‌تنگی و قلت زاد از نجف اشرف در اواسط ۱۳۳۳ قمری بعزم هجرت به ایران حرکت نموده و در کاظمین متوقف و در مدت دو ماه هفت نفر از بستگانش چون مرحومه والده و عیال و سه نفر از اولادش و مرحوم آیت‌الله حاج شیخ علی قوچانی همسر خواهرش با فرزندش بمرض وبا و غیره از دنیا رفته و بالاخره خودش باتفاق خواهرش با نهایت صعوبت و سختی وارد تهران و باقارب و احارم خود ملحق و با ابتلاء بامراض عددیه و مراجعه بصفوف اطباء تا بفضل پروردگار بهبودی یافته و در ماه رمضان ۱۳۳۴ قمری همشیره همسر مرحومه سابقش را که صبیبه مرحوم آقا سید محمد واعظ لواسانی بود تزویج و مهاجرت به مشهد نموده و مدت شش سال اقامت و از محضر آیات و مدرسین آن عصر چون مرحوم آیت‌الله آقا محمد آقا زاده کفائی و دیگران استفاده و در سال ۱۳۴۰ قمری بحج مشرف و چند ماهی متوقف و موجب استبصار یکی از دانشمندان اهل سنت که رئیس بعضی از دوائر دولتی صعودی بوده گردیده و بیش از بیست مرتبه از لبنان و عراق و ایران بحج مشرف شده و باین فیض بزرگ رسیده است.

نگارنده گوید: علامه لواسانی در طول تاریخ عمر خود موفقیت‌های بزرگی پیدا کرده که موجب غبطه و حسرت می‌باشد از جمله اختلاف بین شیعیان مقیم مدینه و ارجاع بمراجع تقلید دادند بعد از آن که مدت‌ها آنها بر طریقه اخباریین بودند.

دیگر راه یافتن ایشان به کتابخانه مدینه منوره و استفاده از کتب حضرات تسنن در بطلان اجماع امت بر خلافت شیخین و دیگران. و خلاصه پس از مدت اقامت در مدینه منوره بمکه معظمه برای اداء حج تمتع مشرف و بعد از آن مراجعت به عراق و از آنجا به

ایران و قم آمده در هنگامی که مراجع بزرگ نجف چون آیت‌الله اصفهانی و نائینی و خالصی و دیگران تبعید از عراق بودند و در آنجا بفیض ملاقات و زیارات آنان رسیده و از آنجا به مشهد مشرف و موفق بوظائف دینی و شرعی خود از امامت در مسجد ترکها و تدریس فقه و اصول گردید تا در نیمه ماه رجب ۱۳۴۴ قمری باتفاق عیال و فرزندان مراجعت به نجف اشرف نموده و از محضر آیت‌الله اصفهانی و نائینی و آیت‌الله کمپانی و آیت‌الله عراقی استفاده نموده در مدت پنجسال آنگاه بامر بعضی از آیات مذکوره برای تبلیغات احکام شرعی به لبنان مسافرت کرده و خدمات زیادی در آن سامان انجام داده و مورد توجه و علاقه شدید مردم جبل عامل گردیده و تقاضای اقامت ایشان را نموده و به آیت‌الله اصفهانی متوسل تا بامر آن مرحوم بیش از بیست و دو سال در آن بلاد با نهایت عزت و عفت نفس اقامت نموده و مردم بی خبر آن حدود را ارشاد و هدایت نموده تا در سال ۱۳۷۰ قمری که جنگ اسرائیل با اعراب فلسطین شروع شد و مردم فلسطین مغلوب و آواره گردیدند ناچار به مهاجرت به ایران گردیده و در تهران مقیم و تا حال حاضر در مسجد محمودیه سرچشمه به اقامه جماعت و ترویجیات دینی و خدمات اشتغال دارند.

تألیفات و آثار عیدیه‌ای دارند که فهرست آنها را می‌نگارم.

۱- الدروس البهیه در مختصری از احوال النبی و الائمه ۲- نور الافهام شرح منظومه مصباح الظلام فی علم الکلام ۳- الشریعه السمحاء فی الاحکام الشرعیه الفرعیه علی طبق العمل بالاحتیاط. ۴- تاریخ النبی احمد صلی الله علیه و آله در دو مجلد از مبدء خلقت نور آن بزرگوار تا آخر عمر حضرتش ۵- تواریخ الانبیاء از حضرت آدم تا حضرت خاتم صلی الله علیه و آله در دو مجلد ۶- فضیحه الکونین رد بر قادیانی کذاب هندی. ۷- نقض الهفوات رد بر دعادی بهائیه و تکذیب علی محمد باب ۸- کشکول لطیف که تمام اینها بطبع رسیده و اما آثار مخطوط آن جناب عبارتست از فقه و اصول و تقریرات مباحث اساتید عظام و حواشی بعضی مسائل متفرقه و غیره.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: الذریعه (۳۵۸، ۲۹۲/۲۴، ۳۱۳/۲۰، ۲۷۵/۱۶، ۱۸۶/۱۴، ۱۴۴/۸، ۲۹۰/۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۴۹-۵۴۶/۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۳۵-۳/۱۱۳۳).

لواسانی، عیسی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۴-۱۲۷۷ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و مدرس. از محضر پدرش و میرزا محمد حسن آشتیانی استفاده نمود. سپس به نجف رفت و نزد شیخ محمد کاظم خراسانی و میرزا حسین خلیلی و شیخ الرشیعه اصفهانی تلمذ نمود و یکی از برجستگان علم و فقاہت شد و خود مستقلاً به تدریس و تألیف پرداخت. سپس به تهران بازگشت و به تدریس فقه و اصول و انجام وظایف دینی مشغول گردید. او در تهران درگذشت. از آثارش: «انیس العارفین»؛ «جلاء الابصار»؛ «تحفه الاحباب»؛ «میزان الاخوة»؛ «الشیخ و الشیخه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۵/۲۳، ۲۶۶/۱۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۴۳/۱۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۳۶/۳).

لواسانی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۷-۱۲۶۷ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی و مجتهد. در تهران به دنیا آمد. پدرش از علمای تهران بود که در مسجد سرپولک اقامه جماعت می‌کرد. پس از فراگیری مقدمات و تکمیل سطوح در خدمت پدرش و آشتیانی و میرزا عبدالرحیم نهاوندی به نجف رفت و در خدمت میرزا حبیب‌الله رشتی و شیخ میرزا حسین خلیلی شاگردی نمود. پس از رسیدن به مرتبه‌ی اجتهاد به بحث و تدریس پرداخت. در نجف درگذشت و در مقبره‌ی خودش در وادی السلام دفن شد. از آثارش: «اجتماع الامر و النهی»؛ «تقریرات» استادانش، در فقه و اصول؛ «الفقه الاستدلالی»، در سه مجلد، در «متاجر»؛ مجلدی در «اصول الفقه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۹/۵۹)، الذریعه (۱۶/۲۹۰، ۴/۳۸۴، ۱/۲۶۸)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۳/۱۱۳۳)، معجم المؤلفین (۸/۲۱۳).

لواسانی، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

لواسانی، محمدصادق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج سید محمدصادق بن العالم الجلیل آیت‌الله حاج سید ابوالقاسم بن العالم العلام حاج سید محمد لواسانی از علماء بزرگوار معاصر تهرانت.

وی در ماه صفر ۱۳۲۴ قمری در نجف اشرف متولد شده و در ربیع الاول ۱۳۳۹ قمری در خدمت مرحوم والدش به ایران و همدان آمده و در آنجا اقامت نموده وی با معیت مرحوم برادرش حجه‌الاسلام حاج سید احمد در ربیع‌الاول ۱۳۴۰ قمری به اراک آمده و شروع به مقدمات نموده و در ماه رمضان ۱۳۴۱ قمری مهاجرت به قم و پس از تکمیل مقدمات و مقداری از سطوح در سال ۱۳۴۸ قمری عزیمت به نجف نموده و سطوح را در خدمت مرحوم آیت‌الله حاج میرزا ابوالحسن مشکینی خوانده و هم از محضر مرحوم آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی استفاده کرده و در اثر کسالت و عدم رضایت والدش مراجعت به قم نموده و تا سال ۱۳۵۲ قمری از ابحاث مرحوم آیت‌الله العظمی حایری و آیت‌الله حجت بهره‌مند گردیده و در سال مذکوره با مرحوم برادرش به نجف مشرف و در ۱۳۵۳ قمری به ایران بازگشت و به مشهد مقدس رفته و چند ماهی از محضر آیت‌الله العظمی قمی و آیت‌الله آشتیانی و آیت‌الله آقازاده کفائی مستفیض ولی بواسطه حوادث ناگوار مسجد گوهرشاد و تعطیل حوزه مشهد به قم مراجعت و بدرس مرحوم آیت‌الله

حایری و آیت‌الله حجت حاضر شده و در سال ۱۳۵۶ قمری به تهران آمده و حدود یکسال توقف تا حسب الامر آیات ثلاثه قم بحوزه برگشته و بتولیت و اداره مدارس فیضیه و دارالشفاء از طرف مراجع حوزه علمیه منصوب تا سال ۱۳۶۴ قمری که در اثر کسالت و امریه والدش به تهران منتقل و تاکنون در مسجد و مدرسه میرزا ابوالحسن معمار واقع در محله امامزاده یحیی علیه‌السلام به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

برادران دانشمند و با تقوائی دارند که اجمالا آنها را مینگارم:

۱- مرحوم آیت‌الله حاج سید احمد لواسانی که قبلا یاد نمودم.

۲- حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج سید علی لواسانی که از علماء اعلام و افاضل دانشمندان تهران و سالها مقیم نجف بوده و چندین سال است که به ایران مراجعت و در تهران به وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

۳- حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج سید زین‌العابدین لواسانی که وی نیز از علماء ابرار معاصر تهرانست و ایشان هم سالها در اعتبار عالیات تحصیل علم و کمال نموده و بعد به ایران مراجعت و در تهران بخدمات روحی خود مشغول و مانند برادرانش وارسته و بعلم و تقوا آراسته است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

لوکری مروزی، ابوالعباس فضل

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س پنجم و ششم ق)، حکیم، فیلسوف ادیب و شاعر. اهل لوکر در کنار رود مرو بود. وی حکیمی کامل و در اجزاء علوم حکمت ماهر بود. لوکری شاگرد بهمنیار (م ۴۵۸ ق)، شاگرد ابوعلی سینا، بود و به وسیله او علم حکمت در خراسان انتشار یافت. از اقران وی در میدان حکمت می‌توان به خیام، ابن کوشک و واسطی اشاره کرد. او با خیام (م ۵۲۵ ق) و خازنی (م ۵۲۵ ق) در «زیج ملکشاهی» همکاری داشته است. از شاگردان وی می‌توان قطب‌الزمان محمد بن ابوطاهر طبسی مروزی (م ۵۳۹ ق)، مجد الافاضل قاضی عبدالرزاق ترکی، محمد بن یوسف الایلاقی (م ۵۳۶ ق)، فریدالدین عمر بن غیلان بلخی، عین‌الزمان حسن قطان مروزی و ابوالفتح اسعد بن محمد بن ابونصر المیهنی (م بعد از ۵۲۰ ق) را نام برد. لوکری در مرو درگذشت. از آثار وی: «بیان الحق بضممان الصدق»، که مهم‌ترین اثر وی است و از سخنان فارابی و ابوعلی سینا و حکیمان دیگر استفاده کرده است، شامل پنج بخش: ۱- منطق ۲- طبیعیات ۳- الهیات ۴- بخشی در ذکر مسائلی از علم ما بعد الطبیعه که در حکم اسرار است ۵- فصول منتخب از «رسالة الاخلاق»، در پنج باب؛ قصیده‌ای، با شرح فارسی آن؛ «دیوان» شعر. صاحب «روضات الجنات» ضمن شرح حال بهمنیار، او را شاگرد لوکری می‌داند که به گفته‌ی «ریحانة الادب» باید فرد دیگری باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۲۹۴- ۲۹۲/۲)، تاریخ نظم و نثر (۵۵-۵۴)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمه (۸۱-۸۰)، الذریعه (۹۴۹-۹۴۸/۹)، روضات الجنات (۲/۱۵۵)، ریحانه (۱۴۰-۱۳۹/۵).

لوی، حبیب

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۷۵ ش)، دندانپزشک و نویسنده. اجدادش اهل شیراز بودند و گویند از یهودیانی بودند که در زمان کوروش هخامنشی از بابل به فارس مهاجرت کردند. لوی در تهران به دنیا آمد. تحصیلات خود را در رشته‌ی دندان پزشکی در فرانسه به پایان رساند و در جراحی دندان پزشکی دیپلم گرفت وی به زبان‌های فرانسه و عبری مسلط بود. دکتر لوی برای مطالعه به کشورهای اروپا و آمریکا و آفریقا سفر کرد. او مدتی هم ریاست سرویس دندان پزشکی لشکر مرکز را به عهده داشت وی مبتکر تأسیس دبیرستان کوروش کبیر بود. از آثارش: «تاریخ یهود ایران»، در سه مجلد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: چهره‌های آشنا (۵۱۵-۵۱۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/۷۷۰)، مؤلفین کتب چاپی (۳/۴۷۴).

لؤلؤی بلخی، یحیی زکریا

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۳۲ / ۲۳۰ ق)، فقیه، محدث و حافظ. از ابومطیع حکم بن عبدالله بلخی، مفتی بلخ، و عبدالله بن نمیر و وکیع و حکم بن مبارک و ابواسامه و قاسم بن حکم عرنی و همطبقه‌ی آنها روایت کرد. بخاری و ترمذی و ابوسعید یحیی بن منصور هروی زاهد و جعفر فریابی و احمد بن سیار مروزی و اسماعیل بن محمد بن ابی‌کثیر قاضی و عبدالصمد بن سلیمان بلخی از وی روایت کردند. از آثارش کتاب «الایمان» است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۲/۲۷۷)، تذکره الحفظ (۵۱۸-۵۱۷/۲)، تهذیب التهذیب (۲۹۸-۲۹۷/۳)، تهذیب الکمال (۳۲۱-۳۲۰/۶)، الثقات (۸/۲۵۴)، معجم المؤلفین (۴/۱۸۴).

لؤلؤی سهمی بلخی، ابوعبدالله محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۲۳۰ ق)، حافظ، محدث و ادیب. معروف به ابن ابی‌یعقوب. اهل بلخ بود. در ۲۲۲ ق وارد بغداد شد و با حفظ نشست و برخاست نمود و با ایشان مذاکره‌ی حدیث کرد. او قبل از ۲۳۰ ق به کوفه رفت و با ابوبکر بن ابی‌شیبه مجلسی داشت. وی از مالک بن انس و خارجه بن مصعب و بشر بن سری و یحیی بن یمان و خالد بن عبدالرحمان مخزومی و جماعتی دیگر حدیث شنید. ابوبکر بن ابی‌دنیا و فضل بن محمد زیدی و ابوعبدالله حسین بن ابی‌احوص ثقفی و عبیدالله بن احمد بن منصور کسائی رازی و دیگران از وی روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۱۴۷-۱۴۶/۵)، تاریخ بغداد (۲۳۶-۲۳۴/۱)، تذکره الحفظ (۲/۴۲۶)، سیر النبلاء (۱۱/۴۴۹)،

لسان المیزان (۶۹۶-۶۹۵/۵)، المنتظم (۵۲۰/۶)، میزان الاعتدال (۴۵۹/۳)، الوافی بالوفیات (۱۹۰-۱۸۹/۲).

لیثی جیراخشئی بخاری، ابومسلم عمر

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۶۸/۴۶۶ ق)، محدث و حافظ. اصل وی از جیراخشث از قرای بخارا است. به دنبال حدیث در شهرهایی چون سمرقند و کش گرگان و بلخ و غزنه و هرات و بوشنج و مرو و نیشابور و همدان و اصفهان و عراق از بزرگانی چون ابوسهل عبدالکریم بن عبدالرحمان کلابادی و علی بن احمد بن خنجاج تمیمی و یوسف بن منصور سیاری حافظ و عبدالملک بن علی امام و محمد بن محمد بن حاضر هراس و مطهر بن محمد خاقانی و محمد بن جعفر طبسی و عبدالعزیز بن احمد حلوی فقیه و ابوعمر محمد بن احمد مستملی و مظفر بن حسین و علی بن محمد لبان دینوری و سعید عیار و عطاء بن احمد و منصور بن عباس تمیمی و ابوعمر و محمد بن عبدالعزیز قنطری و ابوغانم کراعی و ابوعثمان صابونی و ابوحفص بن مسرور و عبدالغافر فارسی و عبدالصمد بن مأمون و همطبقه‌ی ایشان حدیث شنید. مدتی در اصفهان سکنی گزید. ابوحسین بن طیوری و هبة الله بن مجلی و ابوغالب بن بناء و دیگران از وی حدیث شنیدند. ابوعبدالله حسین بن عبدالملک خلال و ابونصر مؤذن از وی روایت کرده‌اند. لیثی در خوزستان (اهواز) در گذشت. از آثارش: «مسند الصحیحین».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۱۵/۵)، انساب سمعانی (۱۵۱/۵)، تذکره الحفاظ (۱۲۳۶-۱۲۳۵/۴)، سیر النبلاء (۴۰۹-۴۰۷/۱۸)، طبقات الحفاظ (۴۷۲-۴۷۱)، لسان المیزان (۲۱۵-۲۱۴/۵)، معجم البلدان (۲۲۹/۲)، معجم المؤلفین (۲۹۷/۷)، هدیة العارفین (۱/۷۸۲).

لیثی خراسانی، ابوالنضر هاشم

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۰۷-۱۳۴ ق)، حافظ و محدث. ملقب به قیصر. اصلش خراسانی و از بنی لیث بن کنانه است. ساکن بغداد بود. او از شعبه بن حجاج (چهار هزار حدیث) و ابن ابی ذئب و شیبان بن عبدالرحمان نحوی و سلیمان بن مغیره و عبدالرحمان مسعودی و ابومالک نخعی و ابوجعفر رازی و لیث بن سعد و زهیر بن معاویه و عبید الله اشجعی و عکرمه بن عمار و مبارک بن فضاله و ورقاء بن عمر و عبدالعزیز بن ماجشون و عبدالرحمان بن عبدالله بن دینار و عبدالرحمان بن ثابت بن ثویان و ولید بن جمیل و عبدالصمد بن حبیب و بکر بن خنیس حدیث شنید. احمد بن حنبل و یحیی بن معین و ابوخیثمه و اسحاق بن راهویه و علی بن المدینی و ابومسعود رازی و محمد بن اسحاق صاغانی و عباس دوری و محمد بن عبید الله منادی و یعقوب بن شبیه و حسن بن مکرم و احمد بن خلیل برجلانی و حارث بن ابی اسامه و خلف بن سالم و فضل بن سهل و عبدبن حمید کشی و محمود بن غیلان و حامد بن یحیی بلخی از وی حدیث شنیدند. احمد حنبل و ابن معین و ابوحاتم رازی او را ستوده‌اند و عجلی گوید که او مایه مباهات اهل بغداد بود. در دوران خلافت مأمون در بغداد در گذشت و در مقابر عبدالله بن مالک به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۶۶-۱۴/۶۳)، التاریخ الکبیر (۲۳۵/۸)، تذکره الحافظ (۳۵۹/۱)، تهذیب التهذیب (۱۹-۱۸/۱۱)، تهذیب الکمال (۲۱۷-۱۹/۲۱۴)، الجرح و التعديل (۱۰۶-۹/۱۰۵)، سیر النبلاء (۵۴۹-۹/۵۴۵)، شذرات الذهب (۲/۱۹)، طبقات ابن سعد (۲۴۲-۷/۲۴۱)، طبقات الحفاظ (۱۷۱)، العبر (۱/۲۷۷)، میزان الاعتدال (۴/۲۶۵).

لیثی رازی، ابوحاتم احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۲۲ ق)، ادیب، لغوی و محدث اسماعیلی. در ناحیه‌ی پشاپویه در جنوب ری متولد شد. وی از دعوت کنندگان اسماعیلیه بود و احمد بن علی حاکم ری را به مذهب خود گروانند. پس از فتح ری، توسط سامانیان، ترک شهر کرد و به دیلم گریخت. پس از پیروی مرداویج بر اسفار، در حضور مرداویج با رازی فیلسوف مناظره کرد و آنگاه که نادرستی اظهاراتش معلوم شد، مغضوب و ناچار به فرار شد. در حین فرار، و یا در تبعید، در آذربایجان درگذشت. آثار وی: «اعلام النبوة»، «الجامع»، در فقه؛ «الزینة».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ و عقاید اسماعیلیه (۱۹۷-۱۹۳-۱۴۳-۱۴۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۰۲۱-۱۰۲۰/۸)، ری باستان (۲۸۰، ۵۸/۲)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۳۵۴)، لسان المیزان (۱/۲۴۷).

لیثی سمرقندی، ابوالقاسم بن بکر

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۸۸۸ ق)، فقیه حنفی. از علمای عامه قرن نهم قمری بود. از آثارش: «ریاضة الاخلاق»؛ حاشیه بر شرح «مفتاح العلوم» سکاکی؛ شرح «رساله وضعیه‌ی عضدیه»، که در ۸۸۸ ق تألیف نمود؛ «رساله‌ی سمرقندیه»؛ حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»، به نام «حاشیه سمرقندی»؛ شرح «کنز الدقائق» حافظ‌الدین نسفی؛ حاشیه بر «مطول»، که به نام امیر علیشیر نوایی در ۸۷۵ ق تألیف نمود؛ «بلوغ الارب من تحقیق استعارات العرب».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۱۹۴، ۱۴۰/۱)، ریحانه (۷۲-۳/۷۱)، کشف الظنون (۱۷۶۷، ۹۳۸، ۸۹۸)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالقاسم)، معجم المؤلفین (۸/۱۰۳).

ماتریدی سمرقندی، ابومنصور محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۳۳ ق)، فقیه حنفی، اصولی و متکلم. مشهور به امام المتکلمین. نسبتش به ماترید می‌رسد که به گفته‌ی سمعانی ماترید یا ماتریت از محلات سمرقند بوده است. ماتریدی از پیشگامان علم کلام بود. وی با سه واسطه از ابوحنیفه روایت کرده است. در سمرقند در گذشت. از آثارش: «تأویلات اهل السنه»؛ کتاب «التوحید و اثبات الصفات»؛ «اوهام المعتزله»؛ «الرد علی القرامطه»؛ «الدرر فی اصول الدین»؛ «مأخذ الشرائع»، در اصول فقه؛ «تأویلات القرآن»؛ شرح «الفقه الاکبر» ابوحنیفه؛ «کتاب الجدل»؛ ردی بر «تهذیب» کعبی، در «الجدل».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/۲۴۲)، انساب سمعانی (۵/۱۵۵)، ریحانه (۵/۱۴۲)، کشف الظنون (۱۷۸۲، ۱۵۷۳، ۱۴۰۸، ۱۴۰۶، ۷۵۱، ۵۱۸، ۳۳۶-۳۳۵، ۲۶۲)، لباب الالباب (۲۹۲، ۱۸/۱)، لغت‌نامه (ذیل / ماتریدی)، معجم المؤلفین (۱۱/۳۰۰)، هدیة العارفین (۳۷- ۲/۳۶).

ماجشون، ابو عبدالله، ابوالاصبغ عبدالعزیز

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۶۴ ق)، فقیه و محدث. ماجشون را معرب ماه‌گون دانسته‌اند. اصل وی از اصفهان و اهل مدینه‌ی نبوی و از فقهای آنجا بود و مدتی نیز در بغداد سکنی گزید. از زهری و محمد بن منکدر و عبدالله بن دینار و سلمه بن دینار و سعد بن ابراهیم و محمد بن ابی‌بکر ثقفی و حمید طویل و عمرو بن یحیی و صالح بن کیسان و وهب بن کیسان و هشام بن عروه و عبدالله بن فضل هاشمی و عبید الله بن عمر و عبدالرحمان بن قاسم حدیث شنید. فرزندش، عبدالملک بن عبدالعزیز، و لیث بن سعد و ابراهیم بن طهمان و زهیر بن معاویه و ابن مهدی و وکیع بن جراح و هاشم بن قاسم و حجین بن مثنی و عبدالعزیز اویسی و موسی بن داوود ضبی و عبدالرحمان بن مهدی و سربیع بن نعمان و ابوولید طیالسی و علی بن جعد و بشر بن ولید کنندی و حجاج بن منهال و صالح بن مالک خوارزمی و غسان بن ربیع و جماعتی دیگر از او روایت کرده‌اند. در بغداد در دوران خلافت مهدی عباسی در گذشت و در قبرستان قریش دفن شد. در «الثقات» سال وفات وی ۱۶۶ ق ذکر شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴/۱۴۵-۱۴۶)، الاعلام بوفیات الاعلام (۱/۱۰۴)، انساب سمعانی (۵/۱۵۷)، تاریخ بغداد (۴۳۹-۴۳۶/۱۰)، تاریخ الکبیر (۶/۱۳)، تذکره الحفاظ (۲۲۳-۲۲۲/۱)، تهذیب التهذیب (۳۰۲-۳۰۱/۶)، تهذیب الکمال (۵۰۷-۵۰۴/۱۱)، الثقات (۱۱۱-۱۱۰/۷)، الجرح و التعديل (ج ۲، ق ۳۸۶/۲)، ریحانه (۱۴۳-۱۴۲/۵)، سیر النبلاء (۳۱۲-۳۰۹/۷)، شذرات الذهب (۱/۲۵۹)، طبقات ابن سعد (۷/۲۳۴)، طبقات الحفاظ (۱۱۰-۱۰۹)، طبقات المحدثین باصبهان (۱/۴۱۲)، العبر (۱/۱۸۷)، معجم المؤلفین (۵/۲۵۱).

ماجیلویه قمی، ابو عبدالله محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سوم ق)، عالم امامی، فقیه و ادیب. از بزرگان علمای امامیه قم و عارف به ادب و شعر و جامع کمالات بود. وی از شاگردان و داماد احمد بن ابی‌عبدالله محمد برقی (م ح ۲۸۰ ق) است که علم و ادب را از او فراگرفت. در فنون شعر و ادب متبحر بود. شیخ صدوق با واسطه از وی روایت کرده است. از آثارش: تفسیر «حماسه‌ی ابی‌تمام»؛ «المشارب»؛ کتاب «الطب».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۹/۳۸۲)، الذریعه (۲۱/۳۰)، رجال النجاشی (۲/۲۵۱)، ریحانه (۱۴۴-۵/۱۴۳)، الکنی و الالقاب (۳/۱۳۰)، هدیة الاحباب (۲۲۸).

ماردوسپور، هاسمیک

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: پروتزه‌های ثابت، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مازندارانی، هادی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فاضل جامع، و محقق کامل بوده، و کتب و رسائل عدیده تألیف نموده، که از آن جمله است: ۱- ترجمه‌ی قرآن مجید، و شأن نزول و نیک و بد استخاره، و به مناسبت این ترجمه، او را آقا هادی مترجم گویند ۲- ترجمه‌ی صحیفه‌ی کامله‌ی سجاده ۳- ترجمه‌ی شافیه ۴- ترجمه‌ی کافیه‌ی ابن حاجب ۵- ترجمه و شرح معالم الاصول ۶- حاشیه‌ی عربی بر تفسیر بیضاوی ۷- حاشیه‌ی مواریث قواعد الاحکام علامه ۸- حدود و دیات، فارسی ۹- شرح بر فروع کافی ۱۰- شرح کافیه ۱۱- شرح تلخیص المفتاح، فارسی ۱۲- شرح شافیه که به نام نواب حسین علی خان تألیف شده ۱۳- شرح نظام، به فارسی ۱۴- شرح شمسیه ۱۵- شرح صحیفه‌ی سجاده، به فارسی ۱۶- شرح قواعد علامه، و ممکن است همان حاشیه باشد ۱۷- رساله رضاعیه، که در ۱۱۰۷ تألیف شده ۱۸- رساله‌ی رسم الخط ۱۹- انوار البلاغه، در معانی بیان [مطبوع] ۲۰- حاشیه‌ی فارسی بر تفسیر بیضاوی، ۲۱- العوائد، در کلام؛ و غیره.

در سال ۱۱۲۰ وفات یافته، در بقعه‌ی مجلسی در کنار ایوانچه مدفون گردید، و بر قبرش صندوق چوبی نصب گردید.

ماده تاریخ وفات او [که میر عبدالعال نجات گفته] این است:

از پی سال رحلتش گفت آه

هادی و رهنمای ایمان رفت

در قصص العلماء و رجال اصفهان شرحی راجع به سکنه کردن و به هوش آمدنش در قبر، و نذر او جهت ترجمه‌ی قرآن نوشته، و نظیر این قضیه را جهت فضل بن حسن طبرسی و ملا فتح‌الله کاشانی نیز نوشته‌اند.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مازندرانی، حسام‌الدین، ابوالفضایل محمد صالح

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۸۶ / ۱۰۸۱ / ۱۰۸۰ ق)، عالم دینی، عابد، زاهد و محقق. معروف به ملا صالح مازندرانی. وی از شاگردان ملا محمد تقی مجلسی و شوهر آمنه بیگم، دختر دانشمند و فاضل و مجتهد مجلسی اول، بود. ملا- صالح در محضر شیخ بهائی و ملا عبداللّه شوشتری و ملا حسنعلی شوشتری نیز تلمذ نمود. وی جامع معقول و منقول و در اصول و فروع متبحر و دارای اخلاق فاضله و صفات حمیده بود. در اصفهان درگذشت و در مقبره‌ی مجلسی دفن شد. از آثارش: شرح «اصول کافی»؛ شرح «روضه کافی»؛ شرح «روضه کافی»؛ شرح «من لا یحضره الفقیه»؛ حاشیه بر «شرح لمعه»؛ حاشیه بر «شرح مختصر الاصول» عضدی؛ حاشیه و شرح بر «معالم»؛ شرح «زبدۃ الاصول» شیخ بهائی؛ شرح «قصیده‌ی برده».[۱]

محمد صالح بن احمد ساروی مازندرانی داماد علامه ملا- محمد تقی مجلسی اول و صاحب شرح اصول کافی از مفاخر این شهرستانست تألیفات عدیده داشته و در سال ۱۰۸۰ ق هجری در اصفهان فوت نموده و ماده تاریخش این بیت است (صالح دین محمد شده فوت) قبرش در مقبره علامه مجلسی زیارتگاه عموم مردم اصفهانست.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

منابع زندگینامه [۱] اعیان الشیعه (۷/۳۶۹)، تذکره القبور (۳۸۵-۳۸۴)، الذریعه (۷۱، ۲۷، ۶، ۱۴ / ۳۰۰، ۹۸، ۱۳ / ۹۷-۲۰۷، ۶ / ۹۴)، روضات الجنات (۱۱۷- ۴ / ۱۱۵)، ریحانه (۱۴۷- ۵ / ۱۴۶)، فوائد الرضویه (۵۴۵- ۵۴۲)، لغت نامه (ذیل / مازندرانی)، مفاخر اسلام (۳۴۷- ۸ / ۳۴۳).

مازندرانی، زین‌الدین عبدالجبار

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۵۰۰ ق)، فقیه حنفی و مفتی. وی عهده‌دار منصب افتاء در مازندران بود و در همان جا درگذشت. از آثارش «الخلاصه فی الفرائض»، در مجلدی ضخیم می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: کشف الظنون (۷۲۰)، معجم المؤلفین (۵ / ۷۹)، هدیه العارفین (۱ / ۴۹۹).

مازندرانی، زین‌العابدین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

زین‌العابدین بن مسلم بارفروش مازندرانی حایری از اعظم علماء و اکابر فقهاء و مراجع تقلید عصر از شاگردان علامه سعید العلماء

مازندرانی و شیخ مرتضی انصاری و صاحب ضوابط و غیرهم بوده و در سال ۱۳۰۹ ق در کربلا از دنیا رفته و در مقبره شخصی در صحن شریف مدفون شده است.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مازندرانی، عبدالجواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ عبدالجواد بن ملا ابی الحسن بن شاه محمد بن عبدالهادی مازندرانی حایری فقیهی متقی و عالمی جلیل بوده و در سال ۱۳۶۱ به رحمت حق پیوسته.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مازندرانی، عبدالصمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالصمد بن ملا- علی بارفروش مازندرانی عالمی بارع از شاگردان میرزا حبیب‌الله رشتی و غیره بوده و در بابل (بارفروش) مرجعیت و ریاست داشته تا حدود ۱۳۳۷ وفات نموده.
از آثار اوست ۱- (زادالمتقین در احوال معصومین (ع) ۲- کتابی در اخلاق ۳- کتابی در مقتل.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مازندرانی، عبدالغفار

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقا سید عبدالغفار بن السید الجلیل السید یوسف از مشاهیر علماء اخلاق و اخیار نجف اشرف بوده‌اند. وی در قریه درزی کلای که در چهار کیلومتری جنوبی بابل واقع است متولد شده و در خاندان اصیل و نجیب پرورش یافته و تحصیلات مقدماتی را در همان شهرستان خوانده آنگاه با اجازه والد ماجده خود مهاجرت بنجف اشرف نموده و در نزد اساتید بزرگ تلمذ نموده تا بمقامات علم و کمال رسیده و در عداد دانشمندان و علماء برجسته نجف آمده حتی در علم اخلاق و سلوک الی الله مشار بالبنان گردیده و در مسجد هندی در مواقع مسافرت مرحوم علامه زاهد حاج شیخ علی قمی بجای ایشان امامت نموده و ضمناً حوزه تدریس داشته و بعضی از مراجع حاضر محضر مقدس او را درک نموده و از خرمن علم و تقوای او بهره‌ها برده‌اند.

معظم‌له عالمی بی هوا و زاهدی دور از ریا و بسیار متواضع و معرض از دنیا بوده و جدا یکی از مصادیق (من کان من الفقهاء حافظاً لدینه صائناً لنفسه مخالفا لهواه مطیعا لامر مولاه) بود تا آخر عمرش خانه شخصی نداشت و مستاجر بود با اینکه در هندوستان و

افریقا و غیره مقلدینی داشت حتی برای او منزل تهیه کردند قبول نکرد.

مکررا اهالی بابل و استان مازندران از ایشان تقاضا کردند و دعوت نمودند که برای اقامت در مازندران بایران آیند قبول نکردند تا پس از شصت سال در سال ۱۳۵۶ قمری رحلت نموده و در یکی از حجرات صحن مبارک علوی مدفون گردیدند. دارای چهار پسر و دو دختر بوده‌اند. یک دختر ایشان همسر حجه‌الاسلام والمسلمین عالم ربانی آقای حاج سید احمد مستنبط است که از علماء مشهور نجف و صبحها در حرم مطهر علوی اقامه جماعت مینمایند و دیگری همسر حجه‌الاسلام والمسلمین عالم متقی حاج سید احمد نخجوانی مقیم تهران است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مازندرانی، عبدالله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۰ - ۱۲۵۶ ق)، عالم دینی، مدرس و مرجع تقلید. در بارفروش مازندران به دنیا آمد. مقدمات را در زادگاهش فراگرفت. سپس به عراق مهاجرت کرد و در کربلا از محضر شیخ زین‌العابدین مازندرانی استفاده نمود. از آنجا به نجف رفت و نزد شیخ مهدی کاشف الغطاء و ملا-محمد فاضل ایروانی و شیخ حبیب‌الله رشتی و دیگران تلمذ نمود. شیخ شعبان رشتی و میرزا محمد رضا کرباسی از شاگردان او بودند و شیخ اسماعیل تبریزی و میرزا هادی خراسانی از وی روایت کرده‌اند. او مرجع تقلید مردم مازندران بود. شیخ عبدالله مازندرانی از علما و مدرسین بزرگ نجف و یکی از پیشگامانی بود که حرکت حوزه‌ی علمیه نجف را سرپرستی می‌کرد. وی از ارکان سه‌گانه‌ی نهضت ملی ایران (آخوند خراسانی و حاج میرزا حسین خلیلی و شیخ عبدالله مازندرانی) و طرفدار حکومت مشروطه بود. در نجف درگذشت و در مقبره‌ی شیخ جعفر شوشتری در صحن شریف به خاک سپرده شد. از آثارش: «اهب‌ة العباد فی یوم المعاد»، رساله‌ی عملیه؛ حاشیه بر «المکاسب»؛ رساله‌ی «الوقف»؛ شرح «الشرائع»؛ کتاب «التجارة»، «الرهن» و «الطلاق»؛ حاشیه بر «نجاه العباد»؛ حاشیه بر «النخبة» کرباسی؛ حاشیه بر «جامع عباسی».[۱]

شیخ عبدالله بن محمد نصیر مازندرانی از اکابر علماء از شاگردان میرزا حبیب‌الله رشتی و در ۱۳۳۰ وفات نموده.

وی یکی از ارکان سه‌گانه نهضت ملی ایران و مشروطه بوده است

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۲/۴۸۲)، ریحانه (۵/۱۴۶)، شرح حال رجال (۲/۲۷۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲۲۰ - ۱۲۱۹/۱۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۳۹ - ۱۱۳۸/۳)، مکارم الآثار (۱۵۳۱ - ۱۵۳۰/۵)، یادگار (س ۵، ش ۸ و ۹، ص ۷۱).

مازندرانی، محمد بن جهانبخش

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم فاضل محقق حکیم فیلسوف، از اجله‌ی علما و فقها بوده، و در ۱۳ شعبان سال ۱۱۲۰ وفات یافته، در قبرستان آب بخشان مدفون گردید.

وی ظاهراً سال‌ها در هندوستان ساکن بوده، و در سال ۱۰۸۰ در داجرم از قرای دکن کتاب «منهاج الصلاح» علامه‌ی حلی را استنساخ نموده، نسخه‌ی آن در کتابخانه‌ی مبارکه‌ی مدرسه‌ی فیضیه‌ی قم موجود است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مازندرانی، موسی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج سید موسی بن العالم الجلیل ثقة‌الاسلام آسید مهدی مازندرانی از علماء ابرار معاصر تهران مقیم خیابان آبشار می‌باشند. در سال ۱۳۲۴ قمری در کاظمین علیهماالسلام (هنگام بازگشت مرحوم والدش از نجف اشرف) متولد شده و در بابل مازندران پرورش یافته و بعد از فراغت از دروس مقدماتی نزد علماء آن سامان مانند مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمد صالح علامه و آیت‌الله مرحوم آسید محمد باقر حجتی و والد ماجد خود بتحصیل فقه و اصول و کلام پرداخته و پس از تکمیل سطوح در سال ۱۳۴۲ قمری به تهران مسافرت و چند سالی نزد مرحومین آیت‌الله شاه آبادی و آیت‌الله میرزا مهدی آشتیانی به حکمت و عرفان اشتغال داشته و سپس به قم مهاجرت و چند سالی از محضر مرحوم آیت‌الله یزدی و اعظام دیگر کسب فیض نموده و در اواخر ۱۳۵۰ قمری به نجف مشرف و از محضر آیت‌الله نائینی و آیت‌الله آقا ضیاء عراقی و آیت‌الله العظمی اصفهانی بهره‌ها برده و یکسال قبل از فوت آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله قمی حسب الامرشان برای تقاضای جمعی از بازرگانان تهران به ایران عزیمت و در تهران رحل اقامت افکنده و بتدریس علوم دینی و تبلیغ احکام شرعیه مشغول و در مسجد خیابان آبشار به اقامه جماعت و انجام وظائف دینی اشتغال دارند.

دارای آثار و تألیفات ارزنده‌ای می‌باشند که فهرست آن در پشت کتاب (العقد المنیر) ایشان چاپ شده:

۱- کتاب (العقد المنیر فی تحقیق ما يتعلق بالدرهم و الدنانیر) عربی و در نجف بطبع رسیده و در موضوع خود کم نظیر است بضمیمه رساله‌ای در اوزان و مکائیل ۲- رساله‌ای در طهاره ۳- رساله در معاطه و بعضی از مسائل بیع ۴- رساله‌ای در مواسعه و مضایقه و اعتبار ترتیب در قضاء فائمه و عدم آن ۵- رساله در صوم ۶- رساله‌ای در غضب ۷- رساله‌ای در رضاع ۸- رساله‌ای در جمله‌ای از احکام خلل و قواطع ۹- تقریرات در اصول دوره کامل ۱۰- بدیع الادب فی ودایع العرب در فنون ادبی و ترجمه عده‌ای از بزرگان ادب ۱۱- دیوان فارسی در مدایح و مراثی ۱۲- نامه ارشاد یا صحیفه اعتقاد دو جلد در بعضی از مذاهب باطله ۱۳- رساله ضیائیه در لزوم حجاب در تهران بطبع رسیده ۱۴- بیوگرافی رجال بزرگ اسلام که از محمد بن یعقوب کلینی قدس الله سره تا رجال قرن هشتم در نامه پرچم اسلام منتشر شده است.

حاج سید موسی مازندرانی عالمی بزرگوار و صاحب‌نظر از علماء معاصر تهران می‌باشند تألیفات گرانقدری دارند از جمله العقد المنیر فیما يتعلق (بالدرهم والدنانیر) در بیست مجلد که تاکنون چهار جلد آن به طبع رسیده است و در میان دانشمندان و علماء تهران مجهول‌القدر می‌باشند و مانند آنجناب باید در حوزه علمیه قم و نجف اشرف حوزه تدریس داشته باشند که فضلاء از بیانات و دراستشان استفاده کامل ببرند. حقیر در سال ۱۳۹۹ قمری و اول سال ۱۳۵۸ شمسی که در خدمتشان در عتبات عالیات بودم ناظر تجلیل حوزه علمیه نجف اشرف مخصوصاً زعیم اعظم آیت‌الله العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله‌العالی بودم که تا چه جد از معظم له احترام و اصرار به اینکه نجف بماند که این حوزه هزار ساله به وجود امثال شما نیازمند است و تقاضای عده‌ای از فضلاء دیگر هم اقامت ایشان بود.

(۱۳۹۹-۱۳۲۴ ق)، عالم دینی، متکلم، مجتهد، مدرس و شاعر. در کاظمین به دنیا آمد و در بابل مازندران نشو و نما یافت. مقدمات را در محضر پدرش و آیت‌الله شیخ محمد صالح علامه و آیت‌الله سید محمد باقر حجتی فراگرفت. آن گاه به تحصیل فقه و اصول و کلام و سطوح پرداخت. در ۱۳۴۲ ق به تهران آمد و چندین سال حکمت و عرفان را در محضر آیت‌الله شاه آبادی و آیت‌الله میرزا مهدی آشتیانی آموخت. سپس به قم رفت و از محضر آیت‌الله حایری یزدی و علمای دیگر کسب فیض نمود. در اواخر ۱۳۵۰ ق به نجف عزیمت کرد و از محضر آیت‌الله نایینی و آیت‌الله شیخ ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نمود. آن گاه به امر آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله حاج آقا حسین قمی و به تقاضای مردم تهران، به تهران آمد و به تدریس، اقامه جماعت و انجام امور دینی پرداخت. او در اواخر عمر به قصد زیارت به نجف مسافرت کرد و در همان جا درگذشت. از آثارش: «العقد المنیر فی تحقیق ما یتعلق بالدرهم و الدنانیر»؛ «نامه‌ی ارشاد» یا «صحیفه‌ی اعتقاد»، در دو مجلد؛ «بدیع الادب فی ودائع العرب»، در فنون ادبی و شرح حال عده‌ای از بزرگان ادب؛ «تقریرات» در فقه و اصول؛ رساله‌ای در «رضاع»؛ رساله‌ای در «غصب»؛ «رساله‌ی ضیائیه»؛ رساله‌ای در «طهاره»؛ رساله‌ای در «احکام خلل»؛ رساله‌ای در «صوم»؛ رساله‌ای در «معاطه و بیع»؛ «دیوان» شعر در مدایح و مراثی. [۱]

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۱۵/۲۹۹)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۵۴-۵۵۳/۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۳/۱۱۴۱).

مازندرانی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علامه محقق و حکیم موفق حاج شیخ مهدی مازندرانی از علماء اعلام و مدرسین عظام و مجتهدین بلا کلام حوزه علمیه بوده که در سال ۱۳۰۲ ق در یکی از مضافات بابل مازندران متولد شده و مقدمات را در بابل خوانده و آنگاه به تهران آمده و از محضر و ابحاث مرحوم آیت‌الله نوری حاج شیخ فضل‌الله شهید و آقا سید علی‌اکبر لاهیجی و آخوند ملا محمد صاحب حواشی بر شرح شمسیه سطحا و خارجا درس خوانده و مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر علامه طباطبائی یزدی و مرحوم آیت‌الله شریعت اصفهانی استفاده کرده و مراجعت به وطن خود نموده و در سال ۱۳۴۸ ق از مسقط الراس خود که امیر کلا بابل باشد مهاجرت به قم نموده و تا آخر عمر در این ارض اقدس به تدریس فقه و اصول و تفسیر و فلسفه اشتغال داشت و شاگردان برجسته‌ای در علوم مذکوره تربیت نمود.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مازیار، غلامرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد ۱۳۱۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی عمومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اهواز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشکده پزشکی جندی شاپور سابق اهواز در سال ۱۳۴۶، متخصص جراحی عمومی از دانشگاه جندی شاپور سابقه اهواز در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده پزشکی دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس به دانشجویان پزشکی، کارورزان و دستیاران جراحی به مدت ۱۷ سال، انجام پروژه‌های تحقیقاتی در زمینه‌های کانسر در گواترهای ندولر در خوزستان، انسداد روده در مرکز پزشکی گلستان اهواز، بررسی آسیب‌های نافذ و غیر نافذ شکم در جنگ تحمیلی، بررسی ترومای عروق در مجروحین جنگ، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۲۷ پایان‌نامه دکترای عمومی و تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اندیکاسیونهای اسپلنکتومی در هماتولوژی به منظور ارائه روشهای جراحی طحال در بیماریهای خونی و بهترین شیوه درمان آنها.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

کیست هیداتیک فقرات کمر و عوارض و راههای پیشگیری آن.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

ماسرجسی نیشابوری، ابوالحسن محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۸۴ق)، فقیه شافعی و محدث. دخترزاده‌ی محدث حسن بن عیسی بن ماسرجس بود. نزد ابواسحاق مروزی فقه آموخت و تا مصر مصاحب او بود. او در نیشابور درس می‌گفت. قاضی ابوالطیب طبری و جماعتی دیگر از وی فقه آموختند. او از دایی‌اش، مؤمل بن حسن، و ابوحامد بن شرقی و ابوسعید بن اعرابی و مکی بن عبدان و اسماعیل صفار و ابوطاهر مدینی و ابوالحسن بن حذلم و جماعتی دیگر حدیث نقل کرد. حاکم نیشابوری و ابونعیم و ابوطالب یحیی بن علی دسکری و ابوعثمان صابونی و ابوسعید کنجرودی و دیگران از وی روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۴۴۷-۱۶/۴۴۶)، شذرات الذهب (۱۱۱-۳/۱۱۰)، العبر (۲/۱۶۵)، الکنی و الالقاب (۳/۱۳۳)، الوافی بالوفیات (۴/۱۱۵-۱۱۶)، وفیات الاعیان (۴/۲۰۲).

ماسرجسی نیشابوری، ابوعلی حسین

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۶۵- ۲۹۸/۲۹۷ ق)، حافظ و محدث. نیای بزرگ او، ماسرجس، نصرانی بود که اسلام آورد. خاندان او خاندان علم و روایت و حفظ و درایت بودند. پدرش از اصحاب محمد بن یحیی ذهلی و خود از ارکان حدیث نیشابور بود. از جدش، احمد بن محمد ماسرجسی و پدرش، محمد بن احمد، و ابوبکر بن خزیمه و ابوالعباس سراج و ابوحامد بن شرقی و ابوبکر بن زیاد نیشابوری و فرزندان محاملی و عده‌ای دیگر در عراق حدیث شنید. در شام بر اصحاب هشام بن عمار و در مصر بر اصحاب یونس بن عبدالاعلی و مزنی ملحق شد. او در طول اقامتش در مصر کتبی در فقه و حدیث نگاشت. وی حدیث زهری را جمع‌آوری نمود. حاکم و سلمی از او روایت کردند. ابن جوزی گوید که از نزدیکان و فرزندان وی نوزده نفر محدث بودند. از آثارش: «المسند الکبیر»، در هزار و سیصد فصل، بزرگترین کتابی که در این موضوع تألیف شده است؛ «المغازی و القبائل»؛ استخراجی بر اساس «صحیح بخاری» و استخراجی بر اساس «صحیح مسلم».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲/۲۷۷)، تذکره الحفاظ (۳/۹۵۵-۹۵۶)، سیر النبلاء (۲۸۹-۲۸۷/۱۶)، شذرات الذهب (۳/۵۰)، طبقات الحفاظ (۴۰۱-۴۰۰)، العبر (۱۲۱-۱۲۰/۲)، معجم المؤلفین (۴/۴۵)، المنتظم (۸/۴۰۲)، النجوم الزاهرة (۱۱۵-۱۱۴/۴)، الوافی بالوفیات (۱۳/۳۱).

ماسویه

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دوم و سوم ق)، طبیب. مکنی به ابوزکریا. وی از اطبای سریانی و از تربیت‌یافتگان بیمارستان جندی شاپور بود که حدود سی سال به خدمت اشتغال داشت. وی به آورده‌ی «ریحانه‌الادب» با اینکه علم طب نیاموخته بود، ولی بر اثر تجربه و کثرت مواظبت عملی بصیرتی بسزا در معالجه داشت و عاقبت در سلک اطبای دربار هارون الرشید (۱۹۳-۱۴۹ ق) درآمد. فرزندانش، یوحنا (یحیی) و میکائیل، نیز در دربار خلفای وقت دارای مقامی عالی بودند. ماسویه معاصر جبرئیل بن بختیشوع (م ۲۱۲ ق) و دستیار وی بود. او علاوه بر تخصص در داروسازی در چشم پزشکی نیز تبحر داشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۹/۲۷۹)، تاریخ طب (۲/۶۳)، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی (۶۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۲۳/۶)، دایرة المعارف فارسی (۱/۲۲)، ریحانه (۸/۱۸۴)، عیون الانباء فی طبقات الاطباء (۲۲۰-۲۱۹)، لغت نامه (ذیل / ماسویه).

مالک، علی اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اکبر مالک، فرزند میرزا اسماعیل در سال ۱۲۹۰ در محله پامنار تهران پا به عرصه وجود گذاشت. وی پس از مدت تحصیل، دانشسرای عالی رفت و به تحقیق در متون نثر فارسی پرداخت، آنگاه وارد مدرسه حقوق شد. مالکی با مرگ پدر، ناچار وارد تشکیلات ارتش وارد شد، و در دانشگاه انگلیس دانشنامه انگلیسی را اخذ کرد. وی پس از به پایان بردن دوران تحصیل به شغل دبیری ادبیات فارسی و زبان انگلیسی، فرانسه و آلمانی مشغول شد. استاد مالکی همواره در انجمن‌های ادبی حضوری فعال داشت و تا واپسین روزهای زندگی خویش، جلسات قرآن کریم و آموزش اصول بدیع و قافیه را تشکیل می‌داد. او سرانجام در سال ۱۳۷۷ در تهران درگذشت.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: شعر

والدین و انساب: علی اکبر مالک فرزند اسماعیل مستوفی حضور و نوه میرزا کاظم مستشیر الملک تهرانی و از اعقاب مالک اشتر سردار بزرگ و شجاع حضرت علی (ع) بود.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: علی اکبر مالک پس از طی دوران دبستانی در دبستان ادب، وارد دارالفنون شد. سپس به دانشسرای عالی رفت و پس از تحقیق در متون نظم و نثر فارسی وارد مدرسه حقوق شد. با مرگ پدر در سال ۱۳۱۲ وارد تشکیلات ارتش شد و به فراگیری زبان انگلیسی پرداخت، او سرانجام دریافت دانشنامه زبان انگلیسی از دانشگاه انگلیس نائل آمد. خاطرات و وقایع تحصیل: از وقایع دوران تحصیل علی اکبر مالک، درگذشت پدرش بود، که وی را مجبور ساخت وارد تشکیلات ارتش شود.

استادان و مربیان: علی اکبر مالک از محضر استادانی همچون: استاد جلال الدین همایی، استاد عباس اقبال آشتیانی، استاد نصرالله فلسفی و استاد محمد حسین فاضل تونی بهره برد.

زمان و علت فوت: علی اکبر مالک در اثر کهولت سن و بیماری طولانی در اواسط رجب ۱۴۱۹ ق مطابق با آبان ۱۳۷۷ ش در تهران به فوت کرد.

فعالیت‌های آموزشی: علی اکبر مالک سال‌های متمادی به شغل دبیری ادبیات فارسی و زبان‌های انگلیسی، فرانسه و آلمانی اشتغال داشت و در سال ۱۳۳۹ ش بازنشسته گردید. شادروان مالک تا واپسین روزهای زندگی خویش، جلسات تفسیر قرآن کریم و آموزش اصول بدیع و قافیه را تشکیل می‌داد.

سایر فعالیت‌ها و برنامه‌های روزمره: از فعالیت‌های دوران زندگی علی اکبر مالک، حضور مستمر او در مجالس ادبی بوداولین فرصتی امکان‌ارائه آثار وی را فراهم نمود. او تا واپسین روزهای زندگی خویش، جلسات تفسیر قرآن کریم و آموزش اصول بدیع و قافیه را تشکیل می‌داد.

آثار:

۱ ابا عبدالله الحسین (ع)

۲ ترانه دل

ویژگی اثر: «ترانه دل» مجموعه اشعاری درباره حضرت علی (ع) می‌باشد.

- ۳ ترجمه منظوم چندسوره از قرآن مجید
- ۴ خاطرات اجتماعی و سیاسی
- ۵ دو نامه به امضای حضرت علی (ع)
- ۶ سفرنامه حج
- ۷ سلطان عشق
- ۸ سه راز می‌رس
- ۹ سیری در سه وادی
- ویژگی اثر: مجموعه اشعار
- ۱۰ کشکول عشق
- ویژگی اثر: مجموعه اشعار
- ۱۱ کشور مقتدر اسلامی
- ۱۲ مجموعه ای شامل صحیفه حضرت زهرا (ع)، حدیث کساء در ۲۴ بند، و فدک به صورت نثر
- ۱۳ هفت شهر یا هفت وادی عرفان
- ۱۴ وادی عشق
- ویژگی اثر: «وادی عشق» اشعاری درباره مناظره و مراحل عرفانی می باشد.
- ۱۵ وقایع کربلا
- منابع زندگینامه:
- ۱ آینه پژوهش، سال نهم، شماره پنجم، شماره پیاپی ۵۳، آذر و دی ۱۳۷۷

مالک، هاید

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

(ز ۱۳۴۵ ش)، نویسنده، مترجم و طبیب. پس از اتمام تحصیلات متوسطه و نیز اخذ لیسانس در رشته‌ی مامایی، وارد وزارت بهداشتی شد. وی در ضمن خدمت، به تحصیل ادامه داد و در دانشکده‌ی پزشکی پس از اتمام دوره، موفق به اخذ درجه‌ی دکترای طب شد. در ۱۳۴۵ ش به مقام استادی نایل گردید و پس از آن به فرانسه رفت. از آثارش: «تست‌های کلیوی»؛ «اختلال متابولیسم گلوکوسیدها»؛ «پاستور و میکروب‌شناسی»، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/۵۸۲)، کارنامه‌ی زنان (۲۳۶-۲۳۵).

مالک‌نژاد، پرویز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: میکروبی‌شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات عالی و دکترای تخصصی در رشته میکروبی‌شناسی پزشکی از دانشکده پزشکی دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۵، تخصص در علوم آزمایشگاهی از دانشگاه علوم پزشکی ایران در سال ۱۳۷۰. مرتبه علمی:

استادیار گروه آموزشی میکروبی‌شناسی دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه تهران. زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پزشکی، داروسازی، انفلوانزا، و تشخیص اپیدمی آن، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا. تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

میکروبی‌شناسی، ویروس‌شناسی بالینی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۶، تعداد مقالات به زبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

پزشکی، بالینی، و تشخیص.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مالکی رازی، ابوالحسن علی

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۹۱ ق)، حافظ و محدث. چون احادیث امام مالک را جمع‌آوری نمود، به مالکی معروف گردید. از ابوجعفر نفیلی و معافی بن سلیمان و صفوان بن صالح و هشام بن عمار و ابومصعب زهری و محمد بن عبدالله بن نمیر و قاسم بن عثمان جوعی و ولید بن عتبه و احمد بن صالح مصری و جماعتی دیگر حدیث شنید. ابن‌ابی‌حاتم رازی و ابوحامد بن شرقی و احمد بن اسحاق صبغی و احمد بن حسن بن ماجه و دعلج سجزی و ابواحمد عسال و ابوجعفر عقیلی و اسماعیل بن نجید و دیگران از وی روایت کردند. در ری درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره الحفاظ (۶۷۲-۶۷۱/۲)، الجرح والتعديل (ج ۳/۱۷۹)، ری باستان (۳۳۰-۳۲۹/۲)، سیر النبلاء (۱۷-۱۶/

۱۴)، شذرات الذهب (۲/۲۰۸)، طبقات الحفاظ (۳۱۴)، العبر (۱/۴۲۰)، معجم المؤلفین (۷/۷۲).

مالکی، توران دخت

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

توران دخت (تمدن) مالکی در سال ۱۳۱۹ به دنیا آمد . تحصیلاتش را در رشته ادبیات زبان انگلیسی دانشگاه تهران به پایان رسانید و از آن پس به کار ترجمه روی آورد . توران دخت (تمدن) مالکی تا کنون آثار متعددی به طبع و تالیف رسانده است . گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات انگلیسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : توران دخت مالکی پس از تحصیلات مقدماتی و متوسطه ، وارد دانشگاه تهران شد و در رشته زبان انگلیسی به تحصیلات خود ادامه داد. همسر و فرزندان : توران دخت تمدن مالکی با آقای مالکی ازدواج نمود و دارای سه فرزند می باشد. آثار : آوای ناقوس ها و ویژگی اثر : اثر دروتی سیزل ۲ با گرگها می رقصم ویژگی اثر : اثر مایکل بیکت ۳ بیا با هم شادی را جست و جو کنیم ویژگی اثر : اثر پنه لوپ راشیوف ۴ تب درمانی یا قدرت معجزه آفرین ویژگی اثر : اثر نورنی یمپل ۵ جنگ علیه زنان ویژگی اثر : اثر مارلین فریج ۶ زندگی با عشق چه زیباست ویژگی اثر : اثر لئو بوسکالیان ۷ عشق درمان و معجزه ویژگی اثر : اثر دکتر برنی اس سیکل ۸ قدرت زن و بچه های طلاق ویژگی اثر : اثر آن دیکینسون ۹ هنر مبارزه با ترس ویژگی اثر : اثر سوزان جفرسن

منابع زندگینامه : دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان (زن از کتیبه تا تاریخ) ، گردآورنده پوران فرخزاد ، ج ۲ ، ص ۱۶۷۶

مالی شیرازی، ابوحیان

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف قبل از ۱۰۸۳ ق) ، طیب و شاعر ، متخلص به مالی . معاصر نصرآبادی بود و در علم طب و سایر علوم تبحر داشت و شعر نیز می سرود . مالی همراه ملا محمد صوفی مازندرانی (م ۱۰۳۵ ق) و ملا حسنعلی یزدی به هند رفت و پس از چندی به ایران بازگشت . او در ۱۰۳۰ ق در شیراز بر « دیوان » نظام دستغیب شیرازی (م ۱۰۲۹ ق) دیباچه نوشت و قبل از تحریر « تذکره ی نصرآبادی » (تألیف شده در ۱۰۸۳ ق) در گذشت . اشعاری از وی در تذکره ها آمده است . از اوست :

بعد وصف آن میان ذکر دهانش مشکل است

در قلم چون مو بگیرد نقطه ای نتوان نهاد

بر گرفته از کتاب : اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه : تاریخ تذکره های فارسی (۱۷۴ - ۱۷۲ / ۱) ، تذکره ی نصرآبادی (۳۸۳) ، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳۰۱ - ۲۹۷ / ۴) ، الذریعه (۹ / ۹۵۲) ، صبح گلشن (۳۵۸) ، فرهنگ سخنوران (۷۹۴ ، ۷۹۳) ، کاروان هند (۱۲۱۱ - ۱۲۱۰ / ۲) ، مجمع الفصحا (۴ / ۷۷) .

مامایی اصفهانی، ابوحامد احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۳۷ / ۴۳۶ / ۴۳۵ ق)، حافظ و محدث. اصلش از اصفهان و تا پایان عمر ساکن بخارا بود. از ابو محمد عبدالرحمان بن ابی شریح هروی و ابوعلی اسماعیل بن محمد بن حاجب کشانی و ابونصر محمد بن احمد ملا حمی و ابو عبدالله حلیمی و ابو حامد احمد بن محمد مقری و ابوبکر عبده بن محمد بزاز هروی و ابونصر اسامه بن ولی هروی و ابوالفضل احمد بن علی سلیمانی و ابوالحسن محمد بن علی عامری و ابوبکر محمد بن ابی عیسی بغدادی و ابواسحاق ابراهیم بن ابوبکر رازی و جماعتی دیگر حدیث شنید. ابوبکر حسن بن حسین بخاری و جماعتی از وی روایت کردند. در بخارا در گذشت. در «الوفی بالوفیات» صاحب عنوان تحت نام مامای و در «معجم المؤلفین» تحت عنوان مامانی آمده است. از آثارش: ذیلی بر کتاب «تاریخ بخارا» غنجار؛ «المختلف و المؤلف فی الاسماء».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵ / ۱۸۱)، تذکره الحفاظ (۱۱۱۸- ۱۱۱۷ / ۳)، سیر النبلاء (۱۷ / ۵۸۰)، شذرات الذهب (۳ / ۲۵۹)، طبقات الحفاظ (۴۴۶)، معجم المؤلفین (۲ / ۷۹)، الوافی بالوفیات (۷ / ۳۶۱)، هدیة العارفين (۱ / ۷۴).

مامقانی، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۱- ۱۲۸۵ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. در نجف به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات، از حوزه‌ی درس پدرش و ملا محمد کاظم خراسانی و شیخ الشریعه اصفهانی بهره برد. سپس خود مستقلاً به بحث و تدریس پرداخت. او در اخلاق از محضر ملا اسماعیل قره باغی استفاده کرد. او در نجف در گذشت و در صحن شریف به خاک سپرده شد. از آثارش: «غایة المأمول فی علم الاصول»، از مباحث الفاظ تا آخر تعادل و تراجیح؛ شرح «دعای کمیل»؛ «مقباس الکرامة»، در شرح «التبصرة» علامه حلی، در فقه. این کتاب در «معجم رجال الفکر» تحت نام «مصباح الکرامة» ذکر شده است. [۱]

ابوالقاسم بن آیت‌الله العظمی آقا شیخ محمدحسن مامقانی نجفی متولد ۱۲۸۵ و متوفی ۱۳۵۱ ق عالمی موثق و مقدسی بزرگوار از شاگردان والد ماجدش و علامه خراسانی و مرحوم شریعت اصفهانی و در اخلاق ملا اسماعیل قره باغی بوده و دارای تألیفاتی در فقه بنام (مقباس الکرامة) در شرح تبصره بوده است.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۱۶ / ۲۲، ۱۶- ۱۵ / ۱۶، ۱۳ / ۲۵۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴ / ۶۵)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۴۴- ۱۱۴۳ / ۳)، معجم المؤلفین (۸ / ۱۱۷).

مامقانی، عبدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۱-۱۲۹۰ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، مرجع تقلید، رجالی، محدث و ادیب. معروف به علامه مامقانی و فاضل مامقانی. از بزرگان علمای امامیه و حاوی فروع و اصول بود. اصلش از مامقان آذربایجان است. در نجف به دنیا آمد. در پنج سالگی شروع به فراگیری قرآن کرد. صرف و نحو و مقدمات و سطوح فقه و اصول را در محضر پدرش و شیخ هاشم ارونقی ملکی و شیخ غلامحسین دربندی و شیخ حسن میرزا (م ۱۳۱۳ ق) فراگرفت تا در فقه و اصول سرآمد شد. در ۱۳۰۸ ق به حوزه‌ی درس اصول استدلالی و در ۱۳۰۹ ق به حوزه‌ی درس فقه استدلالی پدر بزرگوارش راه یافت و «تقریرات» هر دو درس خارج را نگاشت. قوه‌ی استنباط و اجتهاد وی بارها از طرف پدرش تأیید شد و او را به دریافت اجازه مفتخر کرد. آن گاه وی خود به تدریس و تحقیق و تألیف پرداخت و شاگردان بسیاری بر گردش جمع شدند. او از پدرش روایت کرده و شیخ محمد حرز نیز از وی روایت کرده است. او مرجع تقلید بسیاری از مردم آذربایجان بود. در نجف در گذشت و در کنار پدرش، در مقبره‌ی خانوادگی در منزلشان، دفن گردید. از آثارش: «اجابۀ السئوال»؛ «ارشاد المستبصرین»؛ «ازاحه‌ی الوسوسه»؛ «تحفه‌ی الصفوه»؛ «تحفه‌ی الخیره»؛ «تنقیح المقال فی علم الرجال»، در سه مجلد بزرگ، که مشهورترین و مهم‌ترین تألیف اوست؛ جوابات «المسائل البصریة»؛ جوابات «المسائل البغدادیة»؛ حاشیه بر «العروه الوثقی»؛ «الدر المنضود فی صیغ الايقاعات و العقود»؛ «مرآة الکمال فی الآداب و السنن» و ترجمه‌ی فارسی آن؛ «سراج الشیعة فی آداب الشریعة»؛ «الفوائد الطبیة»؛ «کشف الاستار فی تکلیف الکفار بالفروغ»؛ «هدایة الانام فی حکم مال الامام»؛ «مجمع الدرر» معروف به «اثنی عشریه»؛ «مناهج القیین»؛ «منتهی مقاصد الانام فی نکت شرایع الاسلام»؛ «مقباس الهدایة فی علم الدرایة»؛ «مطرح الافهام فی مبانی الاحکام». [۱]

عبدالله بن العلامة الکبری حاج شیخ محمدحسن از اکابر و فحول علماء امامیه و عالمی عامل و فقیهی کامل محدثی رجالی و ادیبی ارباب حاوی فروع و اصول و دارای کمالات نفسانی و اخلاق فاضله و مرجع تقلید جمعی وافر از شیعه بوده و گوی سبقت از افاضل وقت ربوده و در بعضی از علوم غریبه نیز حظی داشته است.

آن جناب در ربیع‌الاول ۱۲۹۰ قمری در نجف متولد و در ۱۶ شوال ۱۳۵۱ قمری در جوار علی (ع) به رحمت حق پیوسته در مقبره والدش که دارای گنبد و قبه عالی است مدفون گردیده است.

تالیفات و آثار علمی معظم‌له از اینقرار است.

۱- ارشاد المستبصرین ۲- تحفه‌ی الخیره ۳- تحفه‌ی الصفوه فی الحیوة ۴- تنقیح المقال فی احوال الرجال ۵- الدر المنضود فی صیغ الايقاعات و العقود ۶- سراج الشیعه ۷- السیف البتار ۸- مرآت الرشاد ۹- مرآت الکمال ۱۰- مطرح الافهام ۱۱- مقباس الهدایه ۱۲- مناهج المتقین ۱۳- منتهی مقاصد الانام ۱۴- نتایج التنقیح ۱۵- نهایه‌ی المقال و کتب دیگر.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۱۷۳/ ۲۵، ۱۵۹/ ۲۳، ۳۴۹/ ۱۸، ۲۲/ ۳۳۹، ۳۳۸، ۳۳۶، ۲۸۴- ۲۸۳، ۲۷۲، ۲۳۰، ۲۲۹، ۲۷/ ۲۰، ۳۶، ۱۲- ۱۱/ ۱۸، ۱۷/ ۱۶۱، ۳۴۶، ۲۲، ۱۳/ ۱۶، ۲۸۶، ۱۲/ ۱۵۷، ۱۳۷، ۷۸- ۷۷/ ۸، ۱۴۹/ ۶، ۲۱۶، ۵/ ۲۱۵، ۴۶۷، ۴/ ۴۶۶- ۴۴۷، ۳/ ۴۳۲، ۵۲۸، ۵۲۰، ۱۲۰، ۱۱۸/ ۱)، ریحانه (۱۵۹- ۱۵۷/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۹۹- ۱۱۹۶/ ۱۴)، علماء معاصرین (۱۵۹- ۱۵۸)، الکنی و الالقاب (۳/ ۱۳۴)، معجم رجال الفكر و الادب فی النجف (۱۱۴۶- ۱۱۴۵/ ۳)، معجم المؤلفین (۶/ ۱۱۶).

مامقانی، محمد حسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۳-۱۲۳۸ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، مرجع تقلید، لغوی و ادیب. در مامقان آذربایجان به دنیا آمد و در کربلا نشو و نما یافت و در نجف ساکن گردید. در محضر ملا علی خلیلی و شیخ مرتضی انصاری و سید حسین کوه کمری و شیخ راضی نجفی و شیخ مهدی کاشف الغطاء تلمذ نمود. پس از درگذشت سید حسین کوه کمری به تدریس و تصنیف پرداخت. وی در صحن حیدری به اقامه‌ی جماعت می‌پرداخت. پس از وفات میرزای شیرازی در ۱۳۱۲ ق مرجعیت مردم آذربایجان را در امور مذهبی عهده‌دار شد. مامقانی در نهایت پرهیزکاری زندگی می‌کرد و عملاً مروج دین بود. فرزندش، شیخ عبدالله، و شیخ ابراهیم سلیمانی و سید مصطفی نخجوانی و میرزا ابوالقاسم اردوبادی و شیخ محمد علی گنجی و سید علی نخجوانی و میرزا فرج‌الله تبریزی و سید میرزا ابوالحسن تبریزی از شاگردان وی بودند. در نجف درگذشت و در مقبره‌ی مخصوص خود به خاک سپرده شد. از آثارش: «بشری الوصول الی اسرار علم الاصول»، در هشت مجلد؛ «ذرائع الاحلام فی شرح شرایع الاسلام»؛ «غایه‌الامال»، در شرح «المکاسب» شیخ انصاری؛ «اصالة البرائة»؛ «الرسالة العملية» [۱].

محمدحسن بن ملا عبدالله بن محمدباقر مامقانی الاصل از متبحرین علماء امامیه و از اعظام فقهاء عصر و اکابر مراجع تقلید متولد ۱۲۳۸ و متوفی ۲۹ محرم ۱۳۲۳ قمری عالمی ربانی و فقیه کامل صمدانی از شاگردان بزرگ علامه شیخ مرتضی انصاری و علامه سید حسین کوه کمری و بعضی اکابر دیگر و صاحب تألیفات عدیده بنام ۱- بشری الوصول الی اسرار علم الاصول ۸ مجلد ۲- ذرائع الاحلام فی شرح شرایع الاسلام ۳- غایه‌الامال حاشیه بر مکاسب. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۶/۳۲۴)، اعیان الشیعه (۱۵۱-۵/۱۵۰)، الذریعه (۴۰۸/۲۴، ۱۶/۵، ۱۱/۲۱۴، ۱۰/۲۴، ۱۲۱، ۳/۱۲۰)، ریحانه (۱۶۰-۵/۱۵۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۱۱-۱۴/۴۰۹)، علماء معاصرین (۸۳-۸۰)، الکنی و الالقاب (۱۳۴-۳/۱۳۳)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۳/۱۱۴۴)، معجم المؤلفین (۱۹۸-۹/۱۹۷)، مکارم الآثار (۱۰۵۸-۴/۱۰۵۶).

ماه شرف

قرن: ۱۳

جنسیت: زن

ملیت: ایران

ز حدود ۱۲۳۴ ق، از زنان فاضل و ادیب. وی عمه شیخ محمدتقی برغانی (۱۲۶۴ ق) و شیخ محمدصالح برغانی (۱۲۷۵ / ۱۲۷۰ ق) بود که به ام‌کلثوم دختر شیخ محمدتقی برغانی فقه و اصول و ادبیات عرب آموخت. ماه شرف همچنین مورد تقرب تاج‌الدوله همسر فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۱۲ ق) قرار داشت و مراسلات او را تحریر و انشاء می‌کرد.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: اعیان‌الشیعه (مستدرکات). ۶۸ / ۲؛ خیرات حسان، ۱۴۲ / ۲.

ماه‌آبادی، افضل‌الدین حسن

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم ق)، عالم دینی، فقیه و ادیب. در ادب سرآمد بود و در فقه، صالحی مورد اعتماد و متبحر. وی از مشایخ شیخ منتجب‌الدین

بود و شیخ منتجب‌الدین تمام تألیفات و تصنیفات او را روایت می‌کند و بنا بر نقلی افضل‌الدین حسن بن قادر (وفادار) قمی واسطه‌ی این روایت است. از آثارش: «الاعراب»؛ «شرح النهج»، شرح «نهج البلاغه»؛ «شرح الشهاب»؛ کتابی در «رد التنجیم»؛ «شرح اللمع»؛ «دیوان النثر»؛ «دیوان شعر».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۵/۱۶۰)، الذریعه (۱۲۳، ۱۴/۴۷، ۱۳/۳۴۳، ۱۱۷۰، ۹/۲۳۹، ۲۳۴-۲۳۳/۲)، روضات الجنات (۲۶۱-۲۶۰/۲)، ریاض العلماء (۲۲۲-۲۲۱/۱)، ریحانه (۱۶۲-۱۶۱/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۲-۶۱/۶)، فهرست منتجب‌الدین (۵۰)، لغت‌نامه (ذیل / حسن ماهابادی).

ماهیار نوابی، یحیی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

خلاصه: یحیی ماهیار نوابی در دهم دی ماه سال ۱۲۹۱ شمسی در شیراز متولد شد. پس از گذراندن دوره‌ی ابتدایی، وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد و توانست تا مقطع دکترا تحصیل نماید. بعد از آن در سال ۱۳۲۷ با سمت دانشیاری در دانشگاه تبریز مشغول به کار شد. استاد پس از دو سال برای فراگرفتن زبان‌های کهن ایرانی به مدرسه زبان‌های شرقی دانشگاه لندن (SOAS) رفت و در سال‌های ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۱ نزد پرفسور «هنینگ» به فراگیری زبان‌های قدیمی ایران مانند: پهلوی، اوستایی و پارسی باستان پرداخت و یک سال نیز در دانشگاه گوتینگن آلمان، زبان‌های ترکی کهن را فراگرفت. وی پس از بازگشت به کشور، ریاست دانشکده ادبیات تبریز را به عهده گرفت و نیز به تدریس زبان‌های کهن ایران پرداخت. او مدتی نیز جهت تحقیق به آمریکا سفر نمود و پس از بازگشت در دانشگاه تهران به کار تدریس ادامه داد. استاد نوابی در سال ۱۳۵۲ به عنوان مشاور رئیس دانشگاه شیراز رهسپار زادگاه خود شد و همچنین ریاست مؤسسه‌ی آسیایی را تا سال ۱۳۵۸ به عهده گرفت. او پس از انقلاب به تهران بازگشت و فعالیت‌های فرهنگی و ادبی خود را پی گرفت. استاد ماهیار نوابی در ۱۱ مهر ماه سال ۱۳۷۹ در کشور سوئد بدرود زندگی گفت.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان‌شناسی

والدین و انساب: یحیی ماهیار نوابی در خانواده‌ای سرشناس در شیراز زاده شد. مادر وی از خاندان وصال شیرازی بود، و بدین سبب نسب به وقار شیرازی، ارشد اولاد وصال می‌رساند.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: یحیی ماهیار نوابی، دوران ابتدایی را در زادگاه خویش و دوره‌ی دبیرستان را در دارالفنون و کالج آمریکایی تهران گذراند. پس از اخذ درجه‌ی دوم لیسانس از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و گذراندن خدمت نظام، جهت تحصیل در مقطع دکترا به دانشگاه تهران رفت. استاد پس از دو سال برای فراگرفتن زبان‌های کهن ایرانی به مدرسه‌ی زبان‌های شرقی دانشگاه لندن (SOAS) رفت و در سال‌های ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۱ نزد پروفیسور «هنینگ» به فراگیری زبان‌های قدیمی ایران، مانند پهلوی، اوستایی و پارسی باستان پرداخت و یک سال نیز در دانشگاه گوتینگن آلمان، زبان‌های ترکی کهن را فراگرفت.

استادان و مربیان: یحیی ماهیار نوابی همواره نام پرفسور هنینگ را با احترام بر زبان می‌آورد و اولین تحقیقات و نوشته‌های خود را در زمینه‌ی زبان‌های باستانی ایران، به وی تقدیم داشته است.

وقایع میانسالی: در بیستم خرداد ماه سال ۱۳۴۱ به مناسبت عزیمت یحیی ماهیار نوابی از تبریز، مجلس وداعی تدارک دیده شد که به طور خودجوش از سوی دانشجویان و انجمن ادبی دانشکده و همکاران علمی ایشان شکل گرفت و با برنامه ریزی در روز بیست و هفتم خرداد ماه جمع دستداران و مشتاقان استاد و جمع کثیری از دانشجویان، مراسم باشکوهی در دانشکده ادبیات ترتیب دادند که در آن مجلس، معاریف و دانشمندان و شاعران آذربایجان چون نخجوانی‌ها، استاد شهریار، مفتون امینی، بی‌ریای گیلانی و بسیاری دیگر در آن حضور یافتند و هریک به زبانی و به طریقی از خدمات استاد یاد کرده و شاعران به یاد دوران خدمت وی و تأسف از عزیمت او، سروده‌ها و اشعار زیبایی قرائت کردند. همکاران علمی استاد و تعدادی از دانشجویان هم هر یک به فراخور، مطالبی بیان کردند و یا اشعاری خواندند که جریان این بزرگداشت به یادماندنی، در دفتر «وداع با استاد ماهیار» از سوی انجمن ادبی دانشکده چاپ و منتشر گردید. چکامه‌ای که استاد شهریار در آن روز و به مناسبت سفر استاد در ۱۲ بیت با عنوان «اشک وداع» سروده بود، سرشار از احساسات و تعلق خاطر آن شاعر بزرگ نسبت به استاد نوابی بود. چند بیت آغازین آن چنین بود:

طوطی، غمین نشسته که قناد می رود شیرین دلش گرفته که فرهاد می رود چرخد زمانه که یاد عزیزان مکن ولی عمر عزیز هم مگر از یاد می رود؟ استاد «ماهیار» ز تبریز بسته بار شاگرد دل شکسته که استاد می رود شاعر دیگری که در این باره سروده‌ی خود را در ۲۰ بیت خواند، آقای بی‌ریای گیلانی بود که مطلع شعر وی این است: بنگر ای دل حاصل مهر و وفای خویشتن تا نیندی رشته الفت به پای خویشتن شعر سروده شده‌ی آقای مفتون امینی در این مجلس بسیار شنیدنی است: دل می تپد به سینه که جانان وداع کرد خود راست گویی از تن ما جان وداع کرد... استاد ماهیار که فرزانه پیر ماست با مکتب جنون جوانان وداع کرد البته در روز دوشنبه بیست و یکم خرداد ماه نیز که روز عزیمت استاد از شیراز بود، مراسمی باشکوه در فرودگاه شهر شیراز از سوی انجمن ورزشی دانشکده که استاد به آن علاقه وافری داشت و همواره در تقویت روحیه‌ی ورزشکاران کوشش می نمود ترتیب یافت که در آنجا هم سخنرانی‌هایی ایراد شد و اشعاری خوانده شد. شعر بلند استاد دکتر امیرخانی در فرودگاه با این بیت آغاز شد: دردا که از دیار وطن «ماهیار» رفت آن شهسوار مهر و وفا زین دیار رفت...

زمان و علت فوت: یحیی ماهیار نوابی در یازدهم مهر ماه سال ۱۳۷۹، به دور از وطن و هنگامی که برای دیدار دخترش «میترا» به سوئد سفر کرده بود، در حالی که همراه فرزند عازم منزل بود، در اثر ایست قلبی بدرود زندگی گفت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: یحیی ماهیار نوابی جهت ادامه‌ی تحصیل مدتی به خارج از کشور رهسپار گردید. وی پس از بازگشت به کشور، ریاست دانشکده ادبیات تبریز را بر عهده گرفت و پس از بازگشت از آمریکا نیز تا سال ۱۹۶۰ همچنان ریاست دانشکده ادبیات تبریز را عهده دار بود. پس از آن، نوابی دو سال و نیم به عنوان رایزن فرهنگی در پاکستان به فعالیت پرداخت. و با پایان یافتن مأموریت استاد در پاکستان، کار تدریس را در گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران دانشگاه تهران آغاز کرد و پس از چندی به ریاست آن گروه انتخاب شد و به مدت چهار سال در این مقام بود. استاد سرانجام در سال ۱۳۵۲ خود را بازنشسته کرد و بعد از آن به عنوان مشاور رئیس دانشگاه شیراز رهسپار زادگاه خود شد و ریاست مؤسسه‌ی آسیایی را نیز تا سال ۱۳۵۸ عهده دار شد.

فعالیت‌های آموزشی: یحیی ماهیار نوابی پس از به پایان بردن تحصیلات دانشگاهی و اخذ مدرک دکترا، در سال ۱۳۲۷ با سمت دانشیاری در دانشگاه تبریز مشغول به کار شد، و به تدریس زبان‌های کهن ایران پرداخت. استاد در سال ۱۹۵۷ جهت برخی مطالعات به آمریکا سفر نمود، وی مدتی نیز به عنوان رایزن فرهنگی در کشور پاکستان سپری نمود و پس از بازگشت، با سمت استادی زبان‌های باستانی ایران در دانشگاه تهران به کار تدریس ادامه داد. تدریس در مؤسسه‌ی آسیایی از دیگر فعالیت‌های آموزشی ایشان بود.

مراکز که فرد از بانیان آن به شمار می آید: یحیی ماهیار نوابی در مؤسسه‌ی آسیایی، دوره‌ی کارشناسی ارشد زبان و تاریخ و

فرهنگ ایران را تأسیس کرد. وی با حمایت دکتر مهر، گروهی از فضلالی نامدار ایران را برای تدریس تمام وقت و نیمه وقت در مؤسسه ی آسیایی به شیراز دعوت کرد که برخی چون استاد احمد افشار شیرازی، دکتر محمود طاووسی، دکتر علی حضوری و ریچارد فرای به طور تمام وقت و برخی چون استاد تاجبخش، دکتر فره وش و بدرالزمان قریب به طور نیمه وقت با آن مؤسسه همکاری می کردند و از دانشگاه شیراز استادانی همچون دکتر نورانی وصال و دکتر جعفر مؤید شیرازی در آن مؤسسه به تدریس اشتغال داشتند.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: یحیی ماهیار نوابی در سال ۱۹۵۷ برای تحقیق در نحوه ی مدیریت دانشگاه های آمریکا به مدت یک سال به دانشگاه های کلمبیا و مینیاپولیس اعزام شد. وی افزون بر فعالیت های آموزشی و پژوهشی همواره حضوری فعال و درخور در مجامع علمی گوناگون داخلی و خارجی داشت و در مراکز و انجمن های متعددی از قبیل: انجمن فرهنگ ارتش، فرهنگستان زبان ایران (عضویت پیوسته تا انقلاب اسلامی)، انجمن مجموعه سنگ نبشته های ایرانی، انجمن پژوهش های مهری، کنگره تحقیقات ایرانی و انجمن پژوهش های درسی، مشارکتی فعال و ثمربخش داشت. از استاد علاوه بر دهها مقاله ی وزین و ارزشمند، کتاب های متعددی نیز به صورت تألیف و ترجمه به یادگار مانده است.

آثار:

۱ بند هش ایرانی

ویژگی اثر: پیش از چاپ گنجینه ی دستنویس های پهلوی و پژوهش های ایرانی، استاد نوابی، چاپی عکسی نیز از نسخه ی شماره ی یک تهمورس دینشاه از دستنویس «بند هش ایرانی» که در نزد ایران شناسان به TD ۱ شهرت دارد، با مقدمه ای مفصل درباره ی آن به چاپ رسانیده بود.

۲ دیوان وقار شیرازی

ویژگی اثر: استاد پس از نگارش مجموعه مقاله هایی درباره ی خاندان وصال شیرازی و نیز به سبب نسبتی که با وقار، ارشد فرزندان وصال شیرازی داشت و چون شعرهای وقار را بیش از دیگر اعضای شاعر آن خاندان می پسندید، از این رو به فکر تصحیح و چاپ دیوان وی برآمد و جلد اول از این دیوان را که دربردارنده ی ۲۱۵ قصیده (از «الف» تا «ر»)) از شاعر است، با دیباچه ای در معرفی خود شاعر و نسخه ی خطی دیوان او و توضیحاتی درباره ی اشعار وی در ۴۳۰ صفحه چاپ نمود.

۳ کتاب شناسی ایران

ویژگی اثر: فهرستی از مقالات و کتاب هایی که به زبان های اروپایی درباره ی ایران به چاپ رسیده است. استاد در مقدمه ی جلد اول از کتاب ده جلدی کتاب شناسی ایران نوشته اند: «... گردآوری این فهرست را در سال های ۱۳۲۸ - ۱۳۳۰، که در لندن و گتینگن بودم و به آموختن زبان های ایرانی میانه و کهن، و پژوهش در فرهنگ ایران پیش از اسلام می پرداختم، آغاز کردم ...» کتاب از ارزش ویژه ای برخوردار است، پیش از آن هیچ منبع مؤثقی برای دست یافتن به آنچه دیگران درباره ی ایران نوشته اند، به طور یک جا وجود نداشت. استاد نوابی تقریباً مدت پنجاه سال از عمر خود را بر سر این کار گذاشت که حاصل آن به صورت یک مجموعه ی ده جلدی درآمد. جلد اول این کتاب در بردارنده ی این موضوعات است: مطالعات در زمینه ی اوستا، مانی و مانویت، فارسی باستان، پهلوی (ساسانی و اشکانی)، پارسیان هند، زرتشت گرایی. جلد دوم کتاب شناسی ایران، شامل زبان، ادبیات، شعر و شاعران ایران است که دیگران درباره ی آن تحقیق و قلمفرسایی کرده اند. جلد سوم کتاب شناسی ایران، دربردارنده ی فهرست مقالات و کتاب های دیگران درباره ی: باستان شناسی، معماری، هنر (شامل فرش و قالی) و سکه است. جلد چهارم کتاب شناسی ایران، شامل سفرنامه هاست. جلد پنجم کتاب شناسی ایران، شامل: اساطیر و روابط خارجی (سیاسی نظامی) است. جلد ششم کتاب شناسی ایران، شامل: دین و فلسفه و دانش است. جلد هفتم کتاب شناسی ایران، شامل: زبان

شناسی زبان های ایران باستان : مادی ، اوستایی ، فارسی باستان ، زبان های ایرانی میانه ، زبان های غیرایرانی رایج در ایران ، زبان های ایرانی نو و گویشهای گوناگون ایرانی دیگر است. جلد هشتم کتاب شناسی ایران ، شامل : جغرافیا ، نقشه ها ، ایالات و شهرهای ایران ، زیست شناسی ، جانور شناسی ، تمدن ، ارتباطات ، اقتصاد ، فرهنگ ، سیاست و ... است. جلد نهم کتاب شناسی ایران ، شامل : کشاورزی ، تمدن ، ارتباطات ، اقتصاد ، فرهنگ ، سیاست و ... است.

۴ گنجینه ی دستنویس های پهلوی و پژوهش های ایرانی

ویژگی اثر : شامل ۵۷ جلد. این مجموعه به جز شماره های ۳۹ ، ۵۰ و ۵۱ که اولی و سومی (۳۹ و ۵۱) مجموعه مقالات پروفیسور فرای و شماره ی ۵۰ تعدادی از مقالات استاد نوابی است ، بقیه چاپ عکسی است از نسخ موجود در کتابخانه های هند و زبان اوستایی و پهلوی که اغلب آنها برای نخستین بار چاپ و به جامعه ی علمی جهان عرضه گردیده اند. این مجموعه که در قطع ها و اندازه های متفاوتی - به اندازه ی اصل نسخه ی خطی - عکسبرداری شده ، حدود پانزده هزار صفحه می باشد.

۵ متن های پهلوی

ویژگی اثر : در راستای چاپ عکسی نسخه های پهلوی ، کتاب متن های پهلوی گردآورده ی دستور جاماسب جی ، منوچهر جی جاماسب آسا با مقدمه ی « بهرام گور انکساریا » را استاد با کسب اجازه از انکساریا و نوشتن مقاله به زبان انگلیسی به چاپ رسانید.

۶ مجموعه مقالات پروفیسور بیلی

ویژگی اثر : استاد نوابی اعتقادی فراوان به پروفیسور « سرهارلد بیلی » زبان شناس و ایران شناس بزرگ معاصر انگلیسی داشت. در هر سفری که به اروپا می داشت ، دیداری از وی می نمود. با کسب اجازه از استاد بیلی ، قرار شد که همه ی کوتاه نوشته های ایشان را فراهم آورده و به چاپ برساند که دو جلد از آن مقالات ، مجموعاً شامل ۷۳ مقاله که نوشته های بیلی تا سال ۱۹۵۲ م. بود ، با مقدمه ای از استاد نوابی در سال ۱۹۸۱ م. در شیراز منتشر شد و قرار بود که مجلدات بعدی را نیز به همین ترتیب نشر دهد که مشکلات چاپ و کاغذ و موارد دیگر این فرصت را به استاد نداد.

۷ منظومه درخت آسوریک

ویژگی اثر : متن پهلوی ، آوانوشت ، ترجمه ی فارسی ، فهرست واژه ها و یادداشت ها. این کتاب دربردارنده ی موضوعات زیر می باشد: الف) مقدمه ی استاد ، درباره ی این متن پهلوی و تحقیقات و چاپ هایی که دیگران از این متن نموده اند ، با ارجاعات مربوط. ب) مقاله ی شعری به زبان پهلوی ، از پروفیسور و.ب. هنینگ ، به ترجمه ی استاد نوابی. ج) منظومه ی پهلوی درخت آسوریک از روی نسخه ی جاماسب آسانا. د) متن پهلوی ، آوانویسی لاتین و ترجمه ی فارسی آن ، همراه با زیرنویس های مفصل در توضیح متن و واژگان متن.

۸ یادگار زریران

ویژگی اثر : این کتاب که یکی از آثار کهن فارسی میانه است و به نظر دانشمندان ، اصلاً به زبان اشکانی بوده و سپس به فارسی میانه بازنویسی شده ، شاید اولین تعزیه و یا نمایشنامه ایرانی باشد که برای ما باقی مانده است. کتاب شامل پیشگفتاری است درباره ی متن ، پس ، متن پهلوی آن آمده و سپس ترجمه ی متن یادگار به زبان فارسی صورت پذیرفته و با آنچه در شاهنامه آمده مورد سنجش قرار گرفته و یادداشت های لازم برای آن تهیه و در پایان بخش منظوم آن آوانویسی و درج گردیده و واژه نامه کتاب به طور کامل فراهم و چاپ شده است.

منابع زندگینامه : <http://iranologyfo.com>

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عباس ماهیار در سال ۱۳۱۶ در شهر ستان عجب شیر در نزدیکی تبریز متولد گردید. وی تحصیلات عالی را در رشته زبان و ادبیات فارسی تا مقطع دکتری در دانشگاه تهران دنبال کرد. وی پیش از پیروزی انقلاب به عنوان پژوهشگر و مدیریت پژوهشگاه واژه‌های فارسی در فرهنگستان زبان و ادب فارسی مشغول به کار بود. و همچنین پس از پیروزی انقلاب نیز پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به عنوان مسئول پژوهش‌های اسلامی مربوط به حدیث و در سمت مدیر فرهنگستان زبان و ادب فارسی به فعالیت‌های علمی خود ادامه داد. دکتر عباس ماهیار در سال ۱۳۷۹ بدلیل بیماری شد و بازنشسته کرد. پس از آن به دعوت دانشگاه‌های تهران به تدریس پرداخت. وی حدود ۱۳ کتاب و بیش از ۳۰ مقاله که عمدتاً درباره خاقانی شاعر است، تالیف نموده است.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: عباس ماهیار دوران کودکی و تحصیل تا دیپلم خود را در تبریز گذراند.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: عباس ماهیار پس از گذراندن تحصیلات دوره ابتدایی و دبیرستان در تبریز در سال ۱۳۳۵ در رشته ادبیات فارسی وارد دانشگاه تبریز شد. وی در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری در رشته زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه تهران دنبال کرد.

خاطرات و وقایع تحصیل: عباس ماهیار در دوره کارشناسی در دانشگاه تبریز از میان رشته فلسفه و ادبیات، ادبیات را برگزید و بتدریج به افکار خاقانی نزدیک شد.

همسر و فرزندان: عباس ماهیار دو فرزند پسر دارد که یکی از آنها پزشک متخصص ارتوپد و دیگری مهندس مایکروسافت در شبکه می باشد.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: عباس ماهیار همچنین پس از دریافت دکترای ادبیات فارسی از دانشگاه تهران به تدریس در مدرسه عالی پرداخت. همچنین در سال ۱۳۵۳ به عنوان پژوهشگر در فرهنگستان زبان و ادب فارسی مشغول به کار شد و پس از چند سال مدیریت پژوهشگاه واژه‌های فارسی را بعهده گرفت. دکتر ماهیار چند سالی نیز در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، مسئول پژوهش‌های اسلامی مربوط به حدیث بود. بعد از انقلاب با شورایی شدن امور، اعضای هیات علمی و کارکنان فرهنگستان او را به عنوان مدیر فرهنگستان زبان و ادب فارسی انتخاب کردند.

فعالیت‌های آموزشی: عباس ماهیار پس از اخذ مدرک لیسانس به سبب علاقه بسیار به شغل معلمی به تدریس در مدارس مشغول شد. در سال ۱۳۶۲ با بازگشایی دانشگاه‌ها به عنوان استاد زبان و ادبیات فارسی وارد دانشگاه تربیت معلم شد. تا اینکه در سال ۱۳۷۹ بازنشسته شد. اما باز هم به دعوت دانشگاه تربیت معلم به تدریس پرداخت و علاوه بر آن دانشگاه در دانشگاه کرج و دانشگاه آزاد اسلامی به فعالیت مشغول است.

شاگردان: اکثر دانشجویان رشته ادبیات فارسی که بین سال‌های ۱۳۶۲-۱۳۷۹ در دانشگاه تربیت معلم و برخی از دانشجویان این رشته در سال‌های بعد از آن که در دانشگاه‌های کرج و دانشگاه آزاد اسلامی تحصیل می کردند از شاگردان عباس ماهیار به شمار می روند.

آرا و گرایش‌های خاص: عباس ماهیار علاقه بسیاری به خاقانی شروانی شاعر دارد و بیشتر پژوهش‌های وی درباره خاقانی می باشد.

آثار :

۱ بررسی دیوان اثیر الدین اخسیکتی

ویژگی اثر : این اثر پایان نامه دکترای عباس ماهیار بوده است.

۲ ثری تا ثریا

ویژگی اثر : کتاب هفت جلدی است که جلد اول آن منتشر شد . جلد سوم آن به نام نسیم صبح نام دارد.

۳ خار خار بند و زندان

۴ سیمای شیر یزدان در حدیقه الحقیقه

۵ عروض فارسی وقافیه

۶ گزیده خاقانی

۷ مرجع شناسی و روش تحقیق

برگرفته از کتاب : شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

منابع زندگینامه : دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان (زن از کتیبه تا تاریخ) ، گردآورنده پوران فرخزاد ، ج ۲ ، ص ۱۶۷۶۲ ماهیار

، طبقه پژوهشگر شرمنده خانواده است ، فرهنگ پژوهشی ، شماره ۱۱۲ ، سال ۱۳۸۲

مایلی، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدتقی مایلی در ۸ آذر ۱۳۰۵ متولد گردید. وی لیسانسیه زبان فرانسه از دانشگاه تهران و دارای فوق لیسانس در زبان انگلیسی از دانشگاه شیکاگو و گواهینامه تخصص در زبان ایتالیایی از دانشگاه فلورانس و نیز گواهینامه فراغت از تحصیل زبان روسی از خانه فرهنگ انجمن روابط فرهنگی ایران و اتحاد شوروی (و کس) بود. مایلی در رشته های زبان شناسی و کتابداری نیز سال ها در آمریکا تحصیل کرده بود. مایلی پس از پایان دادن به تحصیلات دانشگاهی به عنوان دبیر زبان در دبیرستان های گرگان شروع به تدریس نمود. وی بعدها کار تدریس را در دانشگاه دنبال نمود و به تدریس متون فلسفی انگلیسی پرداخت. محمدتقی مایلی پس از آنکه از گرگان به تهران رفت در ادارات مرکزی وزارت آموزش و پرورش مصدر خدماتی گردید که بیشتر ترجمه و آماده کردن مواد درسی برای کودکان و نوآموزان بود. از دیگر سمت های اداری مایلی که قابل ذکر است : معاونت کتابخانه دانشکده ادبیات ، مدیریت کل روابط فرهنگی در وزارت فرهنگ و هنر ، ترجمه دادخواست و لوایح حقوقی دولت ایران برای دادگاه لاهه به زبان های فرانسوی و انگلیسی و عضویت در دفتر خدمات حقوق بین الملل. وی با دایره المعارف بزرگ اسلامی و مدیران و دست اندرکاران آن نشریه نیز همکاری داشت. استاد محمدتقی مایلی در ۲۳ مرداد سال ۱۳۷۲ دار فانی را وداع گفت. گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات انگلیسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدتقی مایلی لیسانسیه زبان فرانسه از دانشگاه تهران و دارای فوق لیسانس در زبان انگلیسی از دانشگاه شیکاگو و گواهینامه تخصص در زبان ایتالیایی از دانشگاه فلورانس و نیز گواهینامه فراغت از تحصیل زبان روسی از خانه فرهنگ انجمن روابط فرهنگی ایران و اتحاد شوروی (و کس) بود. مایلی در رشته های زبان شناسی و کتابداری نیز سال ها در آمریکا تحصیل کرده بود. همسر و فرزندان : از محمدتقی مایلی یک دختر به نام هندو و یک پسر به نام مسیح باقی مانده که هر دو مشغول تحصیل اند. زمان و علت فوت : محمدتقی مایلی در ۲۳ مرداد سال ۱۳۷۲ دار فانی را وداع

گفت. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: محمدتقی مایلی پس از آنکه از گرگان به تهران رفت در ادارات مرکزی وزارت آموزش و پرورش مصدر خدماتی گردید که بیشتر ترجمه و آماده کردن مواد درسی برای کودکان و نوآموزان بود. از دیگر سمت های اداری مایلی که قابل ذکر است: معاونت کتابخانه دانشکده ادبیات، مدیریت کل روابط فرهنگی در وزارت فرهنگ و هنر، ترجمه دادخواست و لوایح حقوقی دولت ایران برای دادگاه لاهه به زبان های فرانسوی و انگلیسی و عضویت در دفتر خدمات حقوق بین الملل. وی با دایره المعارف بزرگ اسلامی و مدیران و دست اندرکاران آن نشریه نیز همکاری داشت. فعالیتهای آموزشی: محمدتقی مایلی پس از پایان دادن به تحصیلات دانشگاهی به عنوان دبیر زبان در دبیرستان های گرگان شروع به تدریس نمود. وی بعدها کار تدریس را در دانشگاه دنبال نمود و به تدریس متون فلسفی انگلیسی پرداخت. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: محمدتقی مایلی خط بسیار زیبایی داشت، او در ایام جوانی از استاد شریفی تعلیم خط گرفته بود. آثار: اصول تربیت مربی، بیابان های جهان، پزشکان بزرگ

مبلی، حمید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حمید مبلی

محل تولد: لرستان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۶۱ پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از طی دوره مقدمات و سطح که نام برخی از اساتید آنها در کادر وضعیت تحصیلات حوزوی آورده ام در سال ۶۹ به درس خارج فقه و اصول مشغول شدم. کتابهای مقدماتی را تدریس کرده ام. ۴ سال در مجمع تقریب به تحقیق دیدگاههای اصولی و فقهی مشغول بوده ام. دوره تخصصی کلام اسلامی را گذرانده ام ولی پایان نامه آنها تکمیل نکرده ام. بیش از ده سال در دانشگاهها به تدریس دروس اسلامی اشتغال داشته ام و اخیرا نیز در پژوهشگاه دفتر تبلیغات بنای همکاری دارم.

مبینی، محمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدعلی مبینی

محل تولد: مید

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱۱/۲

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه یزد شدم و بعد از گذراندن دوره مقدمات در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم. در قم در کنار تحصیلات حوزوی به تحصیل در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) پرداختم و مدارک کارشناسی در رشته معارف اسلامی و کارشناسی ارشد در رشته دین شناسی را از آنجا اخذ کردم. سپس در دوره دکترای کلام در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شده و اکنون در مرحله تدوین پایان نامه هستم. ضمناً عضو هیأت علمی پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم می‌باشم.

مترجم اصفهانی، محمد هادی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۲۰/ بعد از ۱۱۳۵ ق)، عالم دینی، فقیه و خطاط. به دلیل ترجمه‌ی قرآن و همچنین کثرت ترجمه‌هایش به فارسی، ملقب به مترجم و مشهور به آقا هادی مترجم شد. وی دخترزاده‌ی ملا محمد تقی مجلسی است. در دامن مادر دانشمندش، آمنه بیگم، تربیت یافت و در زمره‌ی علما و زهاد بنام زمان خود قرار گرفت. او از معاصران و در خطاطی، از پیروان شیوه‌ی آقا محمد ابراهیم قمی بود و در خط نسخ به خوشنویسی معروف. در اصفهان درگذشت و در کنار پدرش در بقعه مجلسی به خاک سپرده شد. بر سنگ قبرش تاریخ وفات وی ۱۱۲۰ ق ذکر شده اما از آنجایی که صاحب «روضات الجنات» او را تا زمان فتنه‌ی افغان زنده دانسته، وفات وی پس از ۱۱۳۵ ق صحیح‌تر به نظر می‌رسد. از آثارش: ترجمه‌ی قرآن مجید، به فارسی؛ حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ ترجمه و شرح «صحیفه‌ی سجاده»؛ «شرح القواعد» یا شرح «قواعد الاحکام» علامه حلی؛ شرح «فروع الکافی»؛ «الحدود و الدیات»، به فارسی؛ ترجمه و شرح «شافیه» و «کافی» ابن حجب، به فارسی؛ شرح بر «شرح شمسیه» سید شریف جرجانی، به فارسی؛ شرح «تلخیص المفتاح»، به فارسی؛ ترجمه و شرح «معالم الاصول»، به فارسی؛ «انوار البلاغه»، در معانی و بیان؛ «الرساله الرضاعیه»؛ رساله‌ی «رسم الخط». از دیگر آثارش: ترجمه و شرح «دعای صباح»، به قطع نیم ربعی، متن به خط نسخ و شرح، شکسته‌ی نستعلیق کتابت خفی متوسط، با رقم: «محمد هادی بن محمد صالح مازندرانی در قریه‌ی شریف آباد، سنه ۱۱۰۸».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۴/۱۲۰۲)، اطلس خط (۳۵۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۱۴- ۴۱۳/۵)، تذکره القبور (۳۸۵)، الذریعه (۳۱، ۲۸، ۲۳/۱۴، ۳۵۹، ۳۳۵، ۳۱۴، ۱۳/۱۵۲، ۲۳۱، ۱۱/۱۹۴، ۲۹۸، ۶/۴۴، ۱۳۷، ۱۲۹، ۱۲۸، ۱۲۷- ۱۰۸/۴، ۴۲۰/۲)، روضات الجنات (۱۱۷- ۱۱۶/۴)، ریحانه (۱۴۹- ۱۴۸/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۰۶- ۸۰۵/۱۲).

مترجم همایونی فره‌وشی، علی محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فاضل ادیب، از فرهنگیان قدیمی، سال‌ها در اصفهان و طهران مصدر خدمات بوده، به زبان عربی و فرانسه و انگلیسی تسلط داشته، کتب زیادی ترجمه نموده، و بسیاری از آنها را به طبع رسانیده است، و از آن جمله است: ۱- ایرانی که من شناختم، تألیف نیکیتین ۲- باستان نامه، مجموعه‌ی داستان‌های تاریخی و باستانی ۴- سفرنامه‌ی از خراسان تا بختیاری، فارسی ترجمه ۵- ترجمه‌ی سفرنامه‌ی مادام دیولافوا، مطبوع؛ و غیره.

در شعبان ۱۳۸۸ در طهران وفات یافت.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

متطبب اصفهانی، غیاث بن محمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مشهور به مجلدی، مؤلف کتاب مرآت الصحه در طب، به زبان فارسی که جهت بایزید خان عثمانی در سال ۸۹۶ هجری تألیف شده است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

متفکر، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین متفکر

محل تولد: مرند

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

حسین متفکر متولد ۱۳۴۱، در روستای کشکسرای مرند آبی در یک خانواده کاملاً مذهبی به دنیا آمد. دوران ابتدایی را در دبستان رازی و مقطع راهنمایی را در مدرسه راهنمایی شیخ هلال روستای کشکسرای با رتبه اول به پایان رساند. در کنار تحصیل به دامداری و کشاورزی نیز مشغول بود. در سال ۵۷-۵۶ وارد دبیرستان شد، سال اول را با رتبه اول به پایان رساند. علاوه بر شرکت در

تمامی راهپیماییها، اولین راهپیمایی کشکسرای را سازماندهی کرده و اقدام به سخنرانی علیه شاه نمود که با این فعالیتها تحت تعقیب ساواک قرار گرفت. در این دوران به آموزش نیروهای جوان و انقلابی پرداخته و حدود هزار نفر از افراد کشکسرای و حومه را تحت آموزش قرار داد. در اوایل سال ۵۸ به عضویت رسمی سپاه درآمد. در این زمان و بعد از پیروزی انقلاب در مبارزه با منافقین و حزب توده، چریکهای فدایی خلق، روشنفکر مآبان، متحجرین و مقدس مآبان، شرکت نمود. با شروع مبارزات حزب خلق مسلمان علیه انقلاب متفکر که در تبریز برای مقابله با آنها در اکثر صحنه ها از جمله باز پس گیری صدا و سیما، بخشهایی از دانشگاه تبریز و تصرف مقر حزب خلق مسلمان و برخوردهای خیابانی حضور فعال داشت. در سال ۶۱ عازم جبهه شد و به عنوان مسئول آموزش پیرانشهر مشغول فعالیت شد و به صورت غیر متوالی حدود ۴۵ ماه در جبهه ها حاضر شد.

متقی زاده، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد متقی زاده

محل تولد: سربند اراک

شهرت: متقی زاده

تابعیت: ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

احمد متقی زاده

متولد ۱۳۴۲ دیلم تجربی، تحصیلات حوزوی را تا سطح اول در حوزه علمیة بروجرد نزد آیت الله صاحب زمانی و آیت الله جوهری نوه هفتم صاحب جواهر گذراندم و سطح دو و سه را در حوزه علمیة قم نزد اساتید حوزه علمیة قم حضرت آیت الله سید علی محقق داماد، آیت الله اعتمادی، آیت الله سبحانی و ... تلمذ نموده ام، درس خارج فقه و اصول به مدت ۵ سال در محضر آیت الله سبحانی، مرحوم آیت الله میرزا جواد آقاتبریزی، آیت الله مکارم، آیت الله جوادی آملی و آیت الله محمد کریم مروجی شرکت و کسب فیض نموده ام و تحصیلات دانشگاهی کارشناسی در رشته علوم سیاسی و کارشناسی ارشد را نیز در رشته علوم سیاسی و در حال ادامه تحصیل دکتری و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور در حال حاضر هستم. بیش از ۱۵ سال سابقه تدریس در دانشگاههای تهران مثل علامه طباطبایی و شهید رجایی و امام علی دانشگاههای ازاد اسلامی واحد تهران شمال و تهران مرکزی و علوم تحقیقات و پیام نور و علوم اقتصادی و... هستم.

مسئولیتها در نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاهها: ۱- مسئول اداره نظارت و ارزیابی ۲- مسئول اداره جذب و گزینش نهاد ۳- مدیر ارتباطات و اطلاع رسانی مسئول و راه انداز دانشگاه پیام نور واحد چهاردانه فعالیتها پژوهشی: تالیف بیش از ۱۰ جلد کتب و بیش از ۲۰ مقالات علمی پژوهشی تالیفات: ۱- کتاب انقلاب اسلامی ایران و عوامل وقوع آن ۲- تجزیه و ترکیب قرآن کریم ۳- تاریخ تحول دولت در اسلام ۴- آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ۵- یکصد و چهل حدیث اخلاقی از رسول اعظم ۶- آشنایی با اندیشه سیاسی امام خمینی ره و...

متقی زاده، ایرج

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ایرج متقی زاده

محل تولد: لنگرود

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجناب از سال ۱۳۶۲ وار حوزه علمیه لنگرود شدم. پس از سه سال وارد حوزه علمیه قم شدم و در سال ۱۳۶۹ در رشته فلسفه دانشگاه شهید بهشتی قبول شدم. همزمان به تحصیل و تحقیق نیز ادامه دادم، بطوری که حدود ۲ سال در قسمت مخزن کتابهای مرجع آیت الله مرعشی نجفی (ره) مشغول تحقیق بودم. از سال ۱۳۶۸ همزمان با تحصیل با جناب آقای محمد دشتی مترجم نهج البلاغه آشنا شدم که این همکاری در موسسات تحقیقات امیرالمومنین (ع) به مدت ۸ سال مستمر ادامه داشت که حاصل تلاش آن چاپ کتابهای زیادی از جمله شعر و شاعری در نهج البلاغه در دو جلد فرهنگ لغات نهج البلاغه و ... فهرست موضوعی نهج البلاغه که اختصاصا مربوط به اینجناب می باشد. علاوه بر آن شرح و ترجمه کتاب از جرجی زیدان نیز در طول این سالها یکی از کارهای اینجناب بود.

متقی زاده، عبدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالله متقی زاده

محل تولد: سربند اراک

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

دوره فوق لیسانس جامعه شناسی را در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با گرایش پژوهشگری گذراندم، سابقه تدریس: از سال ۱۳۶۴ در حوزه علمیه قم ادبیات و اصول و منطق و کلام را به طور مستمر تدریس داشته ام و از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۴ در دانشگاههای مختلف چون علامه طباطبایی، امیرکبیر، دانشگاه آزاد پردیس تفرش و غیره تدریس داشته ام.

تألیفات: سه جلد کتاب در زمینه های ادبیات عرب، جامعه شناسی، بحث جامعه شناسی ارتباطات و جامعه شناسی تغییرات و حدود ۱۶ مقاله علمی، کلامی و اجتماعی نگاشته ام که بعضاً به چاپ رسیده و یک کتاب به عنوان آسیب شناسی محرم در دست چاپ است و در طول دفاع مقدس حدود ۱ سال تمام در جبهه ها شرکت داشته ام و عضو خانواده شهدا می باشم و حدود یک سال و نیم در سپاه پاسداران به عنوان تبلیغ و تدریس فعالیت داشته ام و بعد از جنگ در سنگر فرهنگی حدود ۱۲ سال تدریس و تبلیغ در دانشگاهها و مسئولیت دفتر نهاد رهبری در دانشگاه امیرکبیر واحد تفرش را حدود ۵ سال عهده دار بوده ام و حدود ۷ سال در صدا و سیما در مسئولیتهای گروه فلسفه و کلام و طرح و برنامه رادیو معارف و فعلاً به عنوان مدیریت پژوهشهای برنامه ای و فیلم نامه ای را در مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما عهده دار هستم.

متقی، تقی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تقی متقی

محل تولد: رشت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

«تقی متقی» هستم؛ یعنی «مختصر» آنچه در شناسنامه ام به طور «مطول» آمده: محمد تقی پور متقی آلمانی. اشتباه نکنید! این «آلمان»، سرزمین معروف ژرمنها نیست. بلکه نام روستای زادگاهم در بخش «خشکیجار» از توابع شهرستان «رشت» است. طبق روایات حسن - اسم برادر بزرگترم در بهار سال ۱۳۴۰ به دنیا آمدم. به جان شما من که اصلاً یادم نیست، اجازه بدهید از سر دبستان و راهنمایی و دبیرستان ببریم، بلکه پرش طول و عرضمان بهتر شود. پس از اخذ دیپلم متوسطه در رشته حسابداری، با همه بی حساب شدم، که چند و چونش بماند برای روز مبادا. از سال ۱۳۶۲ رسماً فراگیری دروس حوزوی را در قم آغاز کردم: مدرسه رسالت، خیابان صفاییه، کوچه ممتاز، درست در همین ساختمانی که هم اکنون دفتر حضرت آیت الله العظمی اردبیلی است؛ البته قدیمها این همه جدید نبود! تا یادم نرفته عرض کنم که در سالهای پایانی دبیرستان، فرشته شعر - و علی ما قیل: شیطان شعر به سراغم آمد؛ نه در دامن کوه و جنگل یا ساحل دریا بلکه در اوج امتحانات آخر سال، وسط درس و درس و درس و درست موقعی که رادیو را روشن کردم و مجری برنامه، شعری را زمزمه می کرد. همین زمینه شد تا من نیز جسارت سرودن از سر و کولم بالا

برود. و چنین، شعر رفیق گرمابه و گلستانم شد. به همین سادگی.

بازگردیم به اصل مطلب. «مقدمات» را در مدرسه رسالت، امام حسن عسکری (ع) فعلی خواندم و «مؤخرات» را «خارج» مدرسه، در محضر اساتید و آیات عظام: وجدانی فخر، رحمه الله علیه، موسوی تهرانی، استادی، موسوی تبریزی، محقق داماد، اعتمادی، سبحانی، مکارم شیرازی، جوادی آملی و... در کنار چهار یار همیشگی ام، شعر، نگارش، ترجمه و ویرایش، به عنوان پژوهشگر با «مرکز مطالعات و تحقیقات حوزه نمایندگی ولی فقیه در جهاد کشاورزی» همکاری و سردبیری فصلنامه «فرهنگ جهاد» را به عهده دارم. علاوه بر عضویت در «انجمن نویسندگان کودک» و «انجمن قلم حوزه» و سرگروهی بخش شعر «مرکز تربیت مربی»، مدیریت «کتابخانه تخصصی ادبیات» نیز بر دوش ناقابل بنده است. از این میان، البته با شعر، صمیمی تر و خودمانی ترم: شعر خردسال، کودک، نوجوان، بزرگسال؛ یعنی شعر در همه سائزهای آن. تا کنون افزون بر ۱۰ عنوان کتاب، تعداد زیادی مقاله از این رهین بی ناصر و معین به چاپ رسیده که در ادامه بر خواهم شمرد. صاحب این قلم اعنی خودکار محترم در بسیاری از کنگره های سراسری «شعر و ادب دانشجویان»، «شعر و قصه طلاب» و «شعر و قصه کودک مسلمان بلوچ (چوکان انقلاب)» حضور داشته و به ارائه اثر یا داوری آثار پرداخته است.

متکلم نیشابوری، تاج‌الدین حسن

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۴۱ ق)، ادیب، صوفی و شاعر. مشهور به حسن متکلم. منشأ او نیشابور و محل تربیتش هرات بود. علوم ادبی و شعر را در آن شهر نزد مولانا مظفر هروی فراگرفت. وی از شعرای معروف خاندان کورت و از شاعران مدیح‌سرای دربار ملک غیاث‌الدین (۷۲۹-۷۰۷ ق) به شمار می‌رفت. او معاصر فرزندان ملک غیاث‌الدین یعنی ملک شمس‌الدین، ملک حافظ و ملک معزالدین نیز بود. چندی هم نزد شیخ زین‌الدین تایبادی بر طریق تصوف تلاش و مجاهده کرد. شیخ زین‌الدین در مورد وی گفته که مولانا حسن، موضع تجلی و محل ظهور اسم متکلم است؛ و لذا حسن به متکلم شهرت یافت. او در صنایع و بدایع شعری مهارت داشت. در نیشابور در گذشت و قبرش در حوالی مزار شیخ فریدالدین عطار است. بنا به آورده‌ی «الذریعه»، در «شاهد صادق» مرگ وی ۷۷۱ ق ذکر شده است. از آثارش: رساله در «صنایع بدیع»، به اسم ملک غیاث‌الدین؛ «دیوان شعر»، در حدود چهار هزار بیت. در برخی تذکره‌ها قصایدی به وی نسبت داده شده که بیانگر انتساب او به آل سامان است، گرچه صاحب «تاریخ ادبیات در ایران» این انتساب را صحیح نمی‌داند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۸۵۱-۱۸۴۴/۳)، تذکره الشعراء (۳۰۲-۳۰۱)، الذریعه (۹۵۷، ۲۴۶/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۶۰)، مجمع الفصحا (۲۶-۲۵/۴).

متولی نیشابوری، ابوسعید عبدالرحمان

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۲۷-۴۷۸/۴۲۶ ق)، عالم اصولی، فقیه شافعی و متکلم. او شیخ شافعیان بود. در نیشابور به دنیا آمد و در خراسان علوم اسلامی را فراگرفت. وی فقه را در مرو از ابوالقاسم عبدالرحمان فورانی و در مرورود از قاضی حسین بن محمد مروزی و در بخارا از ابوسهل احمد بن علی ابیوردی فراگرفت و در فقه و اصول و خلاف برآمد و سرآمد اقران خود شد. او از ابوالقاسم قشیری و ابوعثمان صابونی و ابو حسین عبدالغافر بن محمد فارسی و ابو عبدالله طبری و ابو عمرو محمد بن عبدالعزیز قنطری و دیگران حدیث شنید. در نظامیه بغداد پس از درگذشت ابواسحاق شیرازی تدریس کرد تا اینکه در ۴۷۶ ق عزل گردید و ابن صباغ، صاحب «الشامل»، جای او را گرفت. در ۴۷۷ ق با عزل ابن صباغ مجدداً منصوب گردید و تا زمان وفات به تدریس در آنجا مشغول بود. در بغداد درگذشت و در مقبره‌ی باب ابرز دفن شد. از آثارش: «الغنیة فی الاصول»؛ «تممة الابانة»، در تکمیل «الابانة» استادش، ابوالقاسم فورانی؛ کتابی مختصر در فرائض، به نام «فرائض المتولی»؛ کتابی بزرگ در «خلاف»؛ کتابی مختصر در «اصول الدین».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴/۹۸)، ایضاح المکنون (۲/۱۵۰)، ریحانه (۵/۱۷۴-۱۷۵)، سیر النبلاء (۵۸۶-۵۸۵/۱۸)، شذرات الذهب (۳/۳۵۸)، طبقات الشافعیة سبکی (۵/۱۰۶-۱۰۸)، العبر (۲/۳۳۸)، الکامل (۸/۱۳۹)، کشف الظنون (۱، ۱۲۵۱)، الکنی و الالقاب (۳/۱۴۵)، معجم المؤلفین (۵/۱۶۶)، المنتظم (۹/۵۸۹)، الوافی بالوفیات (۱۸/۲۲۴-۲۲۵)، وفیات الاعیان (۱/۲۷۷)، هدیة العارفين (۱/۵۱۸).

متین دفتری، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۰-۱۲۷۵ ق)، حقوقدان، نویسنده و مترجم. نام پدرش در بعضی مآخذ محمودخان و در بعضی محمدحسین ذکر شده است، در حالی که محمدحسین نام جد وی می‌باشد. متین در تهران به دنیا آمد. در شش سالگی به لقب سابق پدرش، اعتضاد لشکر، و به گفته خویش اعتضاد خاقان، ملقب شد و شغل پدر را که همان لشکرنویسی بود اختیار نمود. او بعدها ملقب به متین الدوله گردید. وی پس از اتمام تحصیلات ابتدایی، تحصیلات متوسطه را در مدرسه‌ی آلمانی تهران به پایان برد و زبان‌های فرانسه و انگلیسی و آلمانی را آموخت. سپس به استخدام وزارت امور خارجه درآمد. متین دفتری، در ۱۳۰۵ ش، به وزارت دادگستری وارد شد و پس از چندی به اروپا رفت و موفق به دریافت درجه‌ی دکترای حقوق گردید. وی در ۱۳۱۸ ش نخست وزیر شد. او چند دوره سناتور و در دوره‌ی پانزدهم مجلس شورا نماینده‌ی مردم مشکین‌شهر بود. از آثارش: «آیین دادرسی مدنی و بازرگانی»، در سه مجلد؛ «روابط بین‌المللی از قدیم‌الایام تا سازمان ملل متحد»؛ «تاریخ مختصر حقوق بین‌الملل»، ترجمه؛ «سیاست جزایی»، فارسی و فرانسه؛ «احکام تفصیلی هیئتهای عمومی دیوان کشور»؛ «انجمن آثار ملی ایران»، ترجمه؛ «دخالت مستقیم دولت در اقتصاد کشور»؛ «رویه‌ی قضایی»، در چهار بخش؛ «کلید استقلال اقتصادی ایران».[۱]

استاد ممتاز دانشگاه، حقوقدان و محقق بین‌المللی، سیاستمدار، فرزند محمود دفتری (عین‌الممالک) فرزند میرزا حسین وزیر دفتر فرزند میرزا هدایت‌الله وزیر دفتر فرزند میرزا حسین آشتیانی فرزند میرزا کاظم مستوفی‌الممالک فرزند میرزا محسن آشتیانی است. میرزا محسن از رجال و معاریف اوایل زندیه می‌باشد اولاد و احفاد وی در یکصد و پنجاه سال اخیر از حکومتگران ایران بوده‌اند. خانواده‌های وثوق الدوله، قوام‌السلطنه، معتمدالسلطنه، مصدق‌السلطنه، متین دفتری، دفتری، معاون، فرهاد معتمد، شکوه، دادور و

میکده همگی از نسل همین میرزا محسن آشتیانی هستند.

متین دفتری در ۱۳۱۴ ه.ق در تهران تولد یافت. هنوز به شش سالگی نرسیده بود که توارثاً منصب لشکرنویسی فوجهای دماوند و فیروزکوه و پیاده سیستان و مظفر تبریز به او رسید. این شغل قبلاً شغل پدرش بوده و پس از آنکه مرحوم به مقام مستوفی ارتقاء یافت به فرمان مظفرالدین شاه با عنوان جناب و لقب اعتضاد لشکر و بعد متین‌الدوله به او واگذار گردید. او از همان اوقات تحصیلات خود را در مکتب خانه جدش وزیر دفتر شروع کرد. پس از یاد گرفتن مقدمات به آموزش زبان عربی و ادبیات فارسی و جغرافیا و حسن خط پرداخت و علوم آن روز را به حد کامل آموخت. سپس وارد مدرسه ایران و آلمان که به خرج دولت آلمان و ایران تأسیس شده بود گردید و مدت هشت سال در آنجا به تحصیل پرداخت و زبانهای فرانسه، انگلیسی و آلمانی را به حد کامل یاد گرفت و زبان عربی و معارف اسلامی را نزد شیخ محد عبده تکمیل نمود؛ ضمناً در آموزش بعضی از دروس مدرسه حقوق جدیت تام به خرج داد. در اوایل جنگ بین‌الملل اول وارد وزارت امور خارجه گردید و در اداره تحریرات روس مشغول کار گردید؛ همزمان همکاری خود را با مطبوعات آغاز کرد و در روزنامه عصر جدید اخبار روزنامه رویترا را ترجمه می‌کرد و ضمناً مقالات مستقل هم می‌نوشت. متین دفتری هنگامی که در وزارت خارجه اشتغال داشت تحصیلات خود را ادامه داد و یک دوره کامل فقه و اصول و ادبیات عرب را نزد آقا سید اسدالله خارقانی که ملای روشنفکری بود تحصیل نمود. پس از جنگ بین‌الملل اول با مشارکت مصدق السلطنه و نصرت‌الدوله و نظام‌السلطنه و ذکاء‌الدوله غفاری مجله‌ای به نام مجله علمی دائر کردند که چند سالی انتشار آن دوام داشت. پس از تعطیل مجله علمی به روزنامه ستاره ایران و زبان آزاد پیوست و در حزب دموکرات عضو فعال گردید. از ۱۲۹۸ نیز دوره مدرسه عالی حقوق را گذراند. به هنگام نخست‌وزیری و ثوق‌الدوله با کمک عبدالرحمن بیگ قنسول عثمانی در تهران که نزد متین دفتری زبان آلمانی فرا می‌گرفت طرح سجل احوال را در ایران تهیه و تسلیم رئیس دولت کرد. بر مبنای همان طرح از آن تاریخ شناسنامه در ایران بوجود آمد و بعدها جنبه‌ی قانونی پیدا کرد.

در ۱۳۰۱ ش با حفظ سمت در وزارت امور خارجه نماینده مصدق‌السلطنه والی آذربایجان در تهران شد. در آن هنگام هریک از ولاء یک نماینده در تهران تعیین می‌نمودند که کارهای ایالت را در دوایر دولتی مرکز تعقیب کند. چندی هم مستشار ایرانی و مترجم سفارت آلمان بود. آخرین سمتی که در وزارت امور خارجه بدست آورد ریاست اداره عهود و جامعه ملل بود که در سازمان جدید وزارت خارجه از ادغام چند اداره تشکیل یافته بود. کتابهای کلید اقتصادی ایران و کاپیتولاسیون از تحقیقات و مطالعات دوران وزارت خارجه اوست که همان موقع چاپ و انتشار یافت. در ۱۳۰۶ ش داور اختیارات اصلاح دادگستری را گرفت و در همان سال عدلیه با سازمان و افراد جدید فعالیت خود را آغاز کرد. متین دفتری و پدرش عین‌الممالک هر دو از افرادی بودند که به دعوت داور به خدمت قضا اشتغال ورزیدند و با رتبه قضائی اولی به دادیاری و بعد به مستشاری استیناف و دومی به مستشاری دیوان جزای عمال دولت برگزیده شدند.

متین دفتری قریب دو سال در امر قضا با داور همکاری نزدیک داشت و او را در برنامه‌های سنگینی که عهده‌دار شده بود یاری می‌نمود. در ۱۳۰۸ ش داور را برای مطالعه در سازمان قضائی فرانسه و ادامه تحصیل به اروپا فرستاد و او ضمن کارآموزی در دادگاههای پاریس و ژنو و برلن دوره دکترای حقوق را در سویس پایان برد. پس از مراجعت از اروپا مدتی مدیر کل و معاون اداری بود تا سرانجام در ۱۳۱۰ به معاونت کل وزارت دادگستری منصوب گردید و در تهیه و تدوین قوانین مهمی چون قانون مدنی، قانون تجارت، آئین دادرسی حقوقی و بازرگانی و اصول محاکمات جزا نقش اساسی داشت. در ۱۳۱۱ مدتی در غیاب داور که به اروپا سفر کرده بود عهده‌دار کفالت وزارت دادگستری شد. در همین سمت پرونده تیمورتاش بدست او آماده طرح در دادگاه گردید. در ۱۳۱۲ داور به وزارت دارائی انتقال یافت و قرار بود متین دفتری به وزارت دادگستری منصوب شود ولی رضاشاه ترجیح داد یکی از قضات قدیمی عهده‌دار این سمت گردد و لاجرم صدراالاشراف دادستان کل به وزارت دادگستری منصوب شد

ولی عملاً کارهای مهم وزارتخانه از قبیل تهیه لوایح و دفاع از آن در کمیسیونهای دادگستری با معاون کل بود.

متین دفتری در ۱۳۱۳ هنگام تأسیس دانشگاه تهران برای احدی تصدی استادی کرسی حقوق جزای خصوصی به دانشکده حقوق دعوت شد و قریب چهل سال بدون وقفه در آن دانشکده تدریس می‌نمود. در همان سال بدنبال تشکیل جمعیت طرفداران سازمان ملل به دبیر کلی آن جمعیت برگزیده شد.

داور برای تعقیب اصلاحات دادگستری و تکمیل خدمات خود تلاش می‌نمود تا متین دفتری که دست پرورده او بود به مقام وزارت برسد. سرانجام در ۱۳۱۵ صدراشراف از وزارت معزول و متین دفتری جای او را گرفت.

دکتر متین دفتری در خاطرات خود درباره انتصاب به وزارت دادگستری چنین می‌نویسد: «در تابستان ۱۳۱۵ به مناسبت این که مدتی بود جمعیت طرفدار جامعه ملل را هم من در دانشکده حقوق ضمن تدریس در آنجا به موازات کارهای معاون وزیر دادگستری اداره می‌کردم به دعوت مسیو آنول دبیر کل جامعه ملل به اتفاق همسر من از راه زمینی بغداد و بیروت عازم ژنو شدم و صبح روزی که کشتی مرکوب، پس از یک هفته مسافرت بسیار مطبوع در آبهای مدیترانه وارد بندر تریست می‌شد به من در رستوران کشتی خبر رسید که رئیس شهربانی بندر برای ملاقات من به سالن کشتی آمده است و در چند ثانیه با خیالات مشوش از پلکان رستوران به طرف سالن بالا می‌رفتم افسری با انیفورم پرزرق و برق دیدم که با بلند کردن دست و سلام فاشیستی استقبال کرد و پاکتی به دست من داد. آن را گشودم تلگرافی بود به امضای آقای محمد ساعد مراغه وزیر مختار ایران در رم در یک جمله کوتاه با این عبارت تکان‌دهنده «حساب‌الامر فوراً به تهران مراجعت فرمائید». بدون هیچ توضیحی که همین ابهام انسان را همیشه دچار توهمات و حدسیات بدی می‌کند مراجعت با کشتی که زودتر از یک هفته حرکت نمی‌کرد عملی نبود ناچار با راه‌آهن حرکت کردم که پس از عبور از سویس و آلمان از راه روسیه به ایران برگردم به ژنو که رسیدم نصرالله انتظام در هتل بدیدنم آمد و از منصورالسلطنه نماینده ایران در جامعه ملل پیغام آورد به موجب تلگرافی که از وزارت خارجه رسیده است من مجاز نیستم در ژنو با دبیر کل جامعه ملل تماس بگیرم و به اصطلاح در آنجا آفتابی شوم و اضافه می‌کرد منصورالسلطنه از وصول این تلگراف برای من نگران شده است اما من با اعتماد به نفس به سفر بازگشت ادامه دادم و روزهای طولانی این مسافرت را در آن اوان که هنوز هواپیمای کشوری و تجارتی بین‌المللی دائر نشده بود در راه‌آهن بطئی‌السیر روسیه طی می‌کردم و روزی که کشتی ما وارد بندر پهلوی شد و نمی‌دانستم چه سرنوشتی در انتظار من است دیدم اتومبیل وزارت دادگستری جلوی بندر حاضر است و در آنجا مطلع شدم شاه از محاکمه جزائی عده‌ای که در زمان تصدی آقای علی منصور در وزارت راه مشاغلی به عهده داشتند و متهم شده بودند ناراضی است و وزیر دادگستری از خدمت معاف شده است.»

متین دفتری مدت سه سال وزیر دادگستری بود و با همان شدت و حدت که در داور وجود داشت وضع قوانین جدید را ادامه داد. در ۱۳۱۷ به عضویت فرهنگستان برگزیده شد و در همان سال در رأس سازمان جدیدی به نام سازمان پرورش افکار قرار گرفت. سرانجام در آبان ماه ۱۳۱۸ به هنگام افتتاح مجلس دوازدهم از طرف رضاشاه نخست‌وزیر شد.

او درباره نخست‌وزیر شدن خود در خاطراتش چنین می‌نویسد: «یک شب در هیئت وزیران که من هنوز وزیر دادگستری بودم و تازه جنگ جهانی دوم شروع شده بود شاه یک مسئله مهم بین‌المللی را برای یک اقدامی که در نظر داشت مطرح کرد و عاقبت به همه امر فرمود مقاله‌ای بنویسند و بوسیله رئیس دفتر مخصوص هرچه زودتر به عرض برسانند، عیناً مثل یک امتحان کتبی که معلم به شاگردان خود می‌دهد. روزی که من مقاله خود را تسلیم کردم مرحوم شکوه اظهار داشت شاه فرموده‌اند برای بهترین مقاله جایزه در نظر گرفته‌اند. از جایزه خبری نشد و شاه هم راجع به آن موضوع دیگر چیزی نفرمودند ولی چندی نگذشت که روز افتتاح مجلس (دوره دوازدهم قانونگزاری) که علی‌الرسم دولت مستعفی و کابینه جدید معرفی می‌شود شاه من را مأمور تشکیل کابینه فرمودند. من چون خودم هیچ اقدامی برای احزاب این مقام نکرده بودم و اصلاً در آن زمان این گونه تشبث‌ها مجاز و معمول نبود

حدس زدم که مقاله من در این تصمیم شاهانه شاید بی‌تأثیر نبود یا لاقلاً یکی از عوامل آن بوده است».

نخست‌وزیری متین‌دفتری زیادی طولانی نشد. در تیرماه هزار و سیصد و نوزده یعنی پس از ۸ ماه زمامداری مغضوب و از کار برکنار و مدتی در بازداشت و تا شهریور بیست در منزل خود تحت‌نظر بود. در ۱۳۲۲ از طرف متفقین به جرم ژرمانوفیلی بازداشت شد. مدتی در اراک و مدتی در رشت در اسارت انگلیس و روس بسر برد تا سرانجام از این مخمصه جان سالم به در برد. در بهمن ۱۳۲۴ که وضع کشور در اثر وقایع آذربایجان رو به وخامت می‌رفت و تدابیر حکیمی بی‌ثمر ماند، مجلس چهاردهم در روزهای آخر عمر خود قوام‌السلطنه را با اکثریت بسیار ضعیفی به نخست‌وزیری انتخاب کرد. قوام برای استحکام کابینه خود دو تن از نخست‌وزیران سابق را به عضویت کابینه دعوت کرد؛ سهام‌السلطان بیات را برای وزارت دارائی و دکتر متین‌دفتری را برای وزارت مشاور. بعد با تعیین سایر وزیران قوام هیئت دولت را به شاه معرفی کرد ولی هنگام معرفی وزیران به مجلس از معرفی متین‌دفتری خودداری نمود. متین‌دفتری در این زمینه در یادداشت‌های خود چنین متذکر شده است. «در اواخر دوره چهاردهم مجلس شورای ملی در ایامی که اختلافات ایران و شوروی در آذربایجان برپا شده بود آقای قوام به نخست‌وزیری منصوب شد. ایشان قبل از تشکیل کابینه به این فکر افتادند که هیئت بزرگ و برجسته‌ای مرکب از بعضی رجال به مسکو اعزام دارند و آن موقع تصمیم نداشت شخصاً به این مسافرت برود لذا به اینجانب مراجعه و اظهار کرد میل دارم شما که در امور بین‌المللی وارد می‌باشید و تخصص در چنین مسائل دارید ریاست این هیئت را قبول و به اتحاد جماهیر شوروی مسافرت کنید و بعد برای اینکه این هیئت به دولت انتساب نزدیکتری داشته باشد تکلیف قبول وزارت مشاور را نمود و اینجانب هم نظر به اوضاع باریک‌آنروز که در منتهای وخامت و تیرگی بود با این نظر موافقت و مشغول مطالعه سوابق کارهای مربوط به مأموریت مسکو گردیدم. روز ۲۵ بهمن ۱۳۲۴ من و سایر اعضاء کابینه به اعلیحضرت همایونی معرفی شدیم و فرمانی صادر بر وزارت مشاور من صادر گردید. مظفر فیروز و بعضی اشخاص دیگر که نقشه‌هایی داشتند از شرکت من در کابینه نگران شده و یقین داشتند با بودن دکتر متین‌دفتری در کابینه عرصه بر آنها تنگ خواهد شد و نخواهند توانست قوام را هرطور بخواهند بگردانند. بدین جهت به قوام اینطور تلقین کردند که اگر دکتر متین‌دفتری چندی در دولت بماند کارها را قبضه خواهد کرد و جای شما را خواهد گرفت. اما حقیقت این بود که عمال نفت جنوب میل داشتند کسانی به مسکو بروند که مورد اعتماد خودشان باشند و با دکتر متین‌دفتری مخالف بودند، برای این که از او در زمان نخست‌وزیری اش صدمه خورده و برای انتقام هنگام اشتغال ایران به زندان متفقینش انداخته بودند و این نکته روزی به ثبوت رسید که در حبس متفقین از من استنطاق کرده بودند چرا در زمان نخست‌وزیری به کمپانی فشار می‌آوردی و می‌خواستی امتیاز ۱۹۳۳ را ملغی کنی. دست‌نشاندهاگان مصطفی‌فلاح به قوام فشار آوردند که دکتر متین‌دفتری را به مجلس معرفی نکند. قوام که از هر طرف گرفتار عمال اجنبی شده بود بودن ذره‌ای استقامت از آقای سید محمد صادق طباطبائی رئیس مجلس شورای ملی خواش کرد که دکتر متین‌دفتری را ملاقات و به ایشان اطلاع دهند که فراقسیون حزب توده در مجلس مخالف شرکت ایشان در کابینه است و در موقع معرفی به مجلس جنجال برپا خواهند کرد چه خوب است از وزارت استعفا دهید».

متین‌دفتری با وجودی که عده‌ای چون طباطبائی و سهام‌السلطان و مظفر فیروز به او تکلیف استعفا کردند پذیرفت و قوام نیز او را به مجلس معرفی نکرد.

در انتخابات دوره پانزدهم که کلاً به دست حزب دموکرات قوام‌السلطنه انجام گرفت متین‌دفتری یکی از نه کاندیدای دکتر مصدق برای مجلس بود. برای جلوگیری از رویه حزب و بی‌طرفی در انتخابات متین‌دفتری به اتفاق عده‌ای از رجال در دربار متحصن شدند ولی این تحصن نتیجه‌ای نداد و انتخابات تهران مطابق میل قوام‌السلطنه انجام گرفت. متین‌دفتری با وجودی که قوام‌السلطنه و حزب دموکرات از یکطرف و رزم‌آراء رئیس ستاد ارتش از طرف دیگر مخالف انتخاب وی به نمایندگی مجلس بودند در همان دوره از صندوق مشگین شهر سر درآورده و در زمرة وکلای دوره پانزدهم قرار گرفت. هنگام طرح اعتبارنامه او عباس نراقی و کیل

کاشان و عضو فراکسیون دموکارت ایران که یکی از پنجاه و سه نفر محکومین توده‌ای دوره وزارت دادگستری متین دفتری بود به مخالفت پرداخت و یکی از وکلای آذربایجان از او دفاع کرد. سرانجام اعتبار نامه او به تصویب رسید. متین دفتری برای ساقط کردن کابینه قوام‌السلطنه دست به اقدامات دامنه‌داری زد، نطق مفصلی راجع به جریان انتخابات تهران نمود. باید او را یکی از عوامل سقوط قوام به حساب آورد.

در ۱۳۲۸ شاه تصمیم به تشکیل مجلس مؤسسان و تغییر در قانون اساسی به نفع خود نمود. برای اینکه کار خود را موجه قلمداد کند عده زیادی از رجال صدر مشروطیت که در آن تاریخ حیات داشتند و همچنین تنی چند از رجال حقوقدان را به کاخ خود دعوت کرد و منظور و مقصود خود را برای تشکیل مجلس مؤسسان و تغییر مواد قانون اساسی مطرح کرد و سران قوم همه نظر شاه را تأیید کردند. تنها متین دفتری در آن جلسه به مخالفت پرداخت و شاه را از شبیخون زدن به قانون اساسی برحذر داشت و سرنوشت شاه را با عاقبت محمد علی شاه مقایسه نموده بود. سخنان متین دفتری در آن جلسه به اندازه‌ای تند و شدید بود که سرانجام شاه به او گفته بود «خفه شود فضولی نکن».

اولین انتخابات مجلس سنا که توسط طبقه باسواد و به طریق دو درجه‌ای انجام گرفت متین دفتری سناتور دوم تهران شد. در اوایل ۱۳۲۹ که شایعه نخست‌وزیری سپهبد رزم‌آرا در اذهان قوت گرفت او به مخالفت برخاست و روزی که شاه فرمان نخست‌وزیری او را توشیح کرد به ملاقات شاه رفت و از سوء تدبیر شاه در انتخاب رزم‌آرا و ظهور دیکتاتور جدید، شاه را مذمت و لعن و نفرین کرد. او به شاه گفته بود با این عمل جسد پدر خود را آتش زدی. در مجلس سنا در صف اول مخالفین رزم‌آرا قرار گرفت، با وجودی که دو برادرش از همکاران نزدیک رزم‌آرا بودند- سرتیب دفتری ریاست شهربانی و دکتر عبدالله دفتری وزیر اقتصاد را برعهده داشتند، متین دفتری با برنامه دولت به شدت مخالفت کرد و طی سخنان طولانی از سناتورها تقاضا نموده که به او رأی اعتماد ندهند و رزم‌آرا با تلاش فراوان و برخوردارگی کامل از حمایت شاه رأی اعتماد ضعیفی در مجلس سنا بدست آورد.

در ۱۳۳۰ متین دفتری از طرف مجلس سنا به اتفاق دو سناتور دیگر مأمور نظارت در اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت و خلع ید از شرکت غاصب انگلیسی شد. احاطه وی به مسائل بین‌المللی موجب شد قانون مزبور بدون درد سر به مرحله اجرا درآید. او در معیت دکتر مصدق به سازمان ملل رفت و نفوذ وی در بین نمایندگان سازمان ملل تأثیر شگرفی بر جای گذاشت. در ۱۳۳۱ وقتی لایحه مصادره اموال قوام‌السلطنه دشمن دیرین او را پس از تصویب مجلس شورای ملی به مجلس سنا بردند در کمیسیون دادگستری که ریاست آن با متین دفتری بود به سختی ایستادگی نمود و آن را مخالف قانون اساسی دانست. همان استقامت او موجب انحلال مجلس سنا در دوره مصدق گردید.

بعد از کودتای ۲۸ مرداد که حکومت کشور به دست سپهبد زاهدی به راه دیکتاتوری کشیده شد، متین دفتری در مقام مقابله با دولت برآمد و از انتخابات دوره هیجدهم مجلس شورای ملی و دوم سنا انتقاد کرد و نامه سرگشاده‌ای به انجمن نظار انتخابات دوره دوم مجلس سنا نوشت و سرانجام طی نامه‌ای که به جراید فرستاد انتخابات را تحریم نمود ولی پس از انجام انتخابات متین دفتری این بار به عنوان سناتور انتصابی به سنا رفت و از این تاریخ تا به هنگام مرگ دیگر آن شور و هیجان سابق را نداشتند، فقط در تنقیح لوایح دولت می‌کوشید، گاهی نیز در مخالفت با دولت‌ها برمی‌آمد. در حکومت منصور در ۱۳۴۳ که منجر به افزایش بهای نفت و بنزین شد او مردانه ایستاد ولی پس از آن سکوت اختیار کرد؛ به همین سبب تا آخر عمر شغل سناتور انتصابی را برای خود حفظ نمود. در اواخر عمر برای حفظ خویش، از مدیحه‌سرایی و تجلیل از مقام سلطنت خودداری نمی‌کرد و بیشتر دلخوش به ریاست کمیسیون دادگستری مجلس سنا و ریاست کمیسیون بین‌المجالس و ریاست جمعیت طرفداران سازمان ملل در ایران و مسافرت‌های متعدد مجانی بود.

دکتر احمد متین دفتری در تیرماه ۱۳۵۰ در تهران در گذشت و در باغچه علیجان حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد. متین دفتری

مردی به تمام معنی دانشمند و محقق بود، در مسائل حقوقی خاصه امور بین‌المللی تبحر داشت، به طوری که دانش او در این زمینه مورد تأیید خارجیان بود. با غالب رجال بزرگ هم عصر خود در دنیادوستی و مراوده داشت، دقیقه‌ای از مطالعه غافل نبود، به تدریس در دانشگاه عشق می‌ورزید، حتی در دوران نخست‌وزیری خود هم در کلاس درس حضور می‌یافت. سه مجلد آئین دادرسی مدنی و بازرگانی نشانگر تبحر و احاطه او به درس دانشگاهی می‌باشد. وقتی در ۱۳۴۹ او را بازنشسته و استاد ممتاز نمودند به اندازه‌ای متأثر و غمگین شد که مرتباً می‌گفت استاد ممتاز یعنی تشییع جنازه در زمان حیات.

متین دفتری از تمکن مالی برخوردار بود، ولی فوق‌العاده خسیس و صرفه‌جو بود و از این رو همه ساله به ثروت او اضافه می‌شد وقتی بین او و حائری‌زاده اختلاف نظر حاصل شد و از تریبون مجلس شورای ملی و از میز خطابه مجلس سنا به لجن مال کردن یکدیگر پرداختند حائری‌زاده به او نسبت سوء استفاده داد و حتی او را متهم کرد یکی از ساختمانهای او در خیابان لاله‌زار نو دستخوشی است که از کمپانی اشکودار برای ساختن کاخ دادگستری گرفته است. ولی چنین چیزی صحت ندارد، او ذاتاً مردی ممسک بود و از طریق توارث نیز مال زیادی برده بود ولی از جوانی به علت سخت بودن در معامله به ثروت خود افزود. خوب به خاطر دارم او کتابهای دانشگاهی خود را برای اینکه پورسانتی به کتاب فروش ندهد شخصا در دانشکده به دانشجویان عرضه می‌نمود و در پشت کتاب نیز امضاء می‌نمود اگر دانشجویی کتاب بدون امضای او را در دست داشت مواخذه می‌شد.

متین دفتری از زمره رجالی است که دشمنان پروپاقرصی داشت و تا آخر عمر از این دشمنیها بی‌بهره نبود، گرچه تولد و شکوفائی او در دوره دیکتاتوری رضاشاه بود ولی همیشه با دیکتاتوری و قانون‌شکنی مبارزه می‌کرد یا حداقل تظاهر به این موضوع می‌نمود. پس از شهریور ۲۰ که تب حمله انتقاد به رضاشاه بالا گرفت. متین دفتری هم که مدتی وزیر و نخست‌وزیر آن عصر بود از تهمت و افترا مصون نماند. مخصوصاً حزب توده برای انتقام‌گیری از بازداشت ۵۳ نفر که در دوره وزارت دادگستری او انجام یافته بود چه نسبتها که به او نداد. سازمان پرورش افکار و یا به قول متین دفتری افسانه دستبند زدن به قاضی زنجان را آنچنان بزرگ و مهیب نمودند که هیچ کانون و کلائی قادر به دفاع از آن نبود.

رویه‌مرفته دکتر احمد متین دفتری مردی باسواد و حقوقدان، باهوش، با پشتکار، و در عین حال جاه طلب، پول دوست، به اقتضای زمان مطیع، متظاهر و خودپسند بود. او تصور می‌کرد همه به او دین دارند و دامنه توقعات او از مردم بسیار زیاد بود. او به سه زبان دنیا یعنی فرانسه و انگلیسی و آلمانی تسلط داشت. زبان فارسی و عربی را بخوبی آموخته بود، بسیار شیرین و دلنشین چیز می‌نوشت، به همان میزان که در نوشتن مسلط بود در نطق و بیان عاجز و قاصر بود. او در جوانی با یکی از دختران مصدق‌السلطنه عمومی پدر خود عقد نکاح بست و صاحب دو پسر و یک دختر گردید. یکی از پسرانش علم حقوق خواند، دیگری زیست‌شناسی را تعقیب کرد، یگانه دخترش هم نقاش قابلی بود.

تألیفات متعددی دارد از جمله کلید استقلال اقتصادی ایران، کاپیتولاسیون، محاکمات فوری، دخالت مستقیم دولت در اقتصاد، آئین دادرسی مدنی و بازرگانی سه جلد، حقوق جزای خصوصی، روابط بین‌المللی از قدیم‌ترین ایام. ضمناً همه ساله قسمتی از خاطرات خود را نوشته با نثر خوب به عنوان پیام نوروزی تهیه و به دوستان هدیه می‌نمود. حین فوت ۷۳ سال داشت. دکتر متین دفتری سالها پروانه و کالت دادگستری داشت به همین دلیل پس از فوت مرحوم آسید هاشم و کیل، و کلاسی دادگستری او را به ریاست کانون انتخاب کردند، لیکن پرتو وزیر وقت دادگستری با او از در مخالفت درآمد و نگذاشت او در رأس کانون باقی بماند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ بیست ساله‌ی ایران (۴۳۸-۴۳۷/۶)، خاطرات یک نخست‌وزیر، الذریعه (۱۳۱/۱۸، ۲۷۱/۱۲، ۳۰۸/۱۱، ۵۰/۸)، روزشمار تاریخ (۲/۲۵۳، ۴۱۲، ۳۸۴، ۳۲۱، ۳۲۰، ۳۱۶-۳۱۵، ۳۱۱، ۳۰۴، ۲۷۶، ۲۶۹، ۲۶۲، ۲۱۵، ۱/۱۷۸)، شرح حال رجال (۳۳-۳۲/۶)، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی (۱/۸۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۰۵۰، ۲۰۶۰، ۲۶۷۰، ۱۷۹۶، ۱۷۵۲/۲)

۱۳۵۸، ۷۴۸، ۳۵۰، ۱۲۰، ۸۰ / ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۲۰)، مؤلفین کتب چاپی (۴۵۶-۴۵۴ / ۱)، نخبگان سیاسی ایران (۴ / ۵۴۸، ۱۷۸-۱۷۷ / ۳)، نخست‌وزیران (۲۲۹، ۵۸، ۵۵ / ۱).

متین، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۸، مرتبه علمی: استاد، رشته: زنان و مامائی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی پزشکی زنان و مامائی از دانشگاه نیویورک آمریکا در سال ۱۳۴۰.

مرتبه علمی:

تدریس در دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۵۵، استاد دانشکده پزشکی دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۶۰ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بهداشت و تنظیم خانواده، طرح بستن لوله‌های رحم به طریقه لاپاراسکوپی، مینی‌لاپاراتومی، مواد کاشتی و غیره، تدریس دروس

زنان و مامائی در دانشکده پزشکی شهید بهشتی، ریاست انجمن زنان و مامائی ایران، دبیر شورای تخصصی زنان وزارت علوم و

وزارت بهداشت و درمان، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۴۰ پایان‌نامه دکترای تخصصی زنان و بهداشت خانواده.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

روشهای پیشگیری از بارداری و زنان و مامائی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: متعدد، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

زنان و مامائی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مجاهد تبریزی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت‌الله حاج میرزا محمد مجاهد تبریزی فرزند حجه‌الاسلام والمسلمین آقای میرزا علی‌اکبر مجاهد تبریزی از علماء و مدرسین

حوزه و از تلامذه میرزا مرحوم آیت‌الله آقای حجت بودند بسیار متین و باتقوا و دارای مقام علم و عمل بودند سالها در حوزه تدریس کفایه و مکاسب می‌نمودند و در میان فضلاء و محصلین حوزه و مخصوصا مراجع و زعماء و جاهت تامی داشتند در زمان ریاست آیت‌الله العظمی بروجردی فوت نموده و در قم مدفون گشته‌اند
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مجاهد، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد مجاهد در سال ۱۳۱۴ در شهر قزوین متولد شد، دوره های دبستان و دبیرستان را در این شهر گذراند و برای ادامه تحصیل به تهران آمد تا در رشته ای که دوست می داشت و در خویش استعدادی از آن را یافته بود، یعنی ادبیات فارسی، ادامه تحصیل دهد. مجاهد لیسانس ادبیات را از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران گرفت و دوره فوق لیسانس را در دانشکده الهیات دانشگاه تهران گذراند و برای ادامه تحصیل در مقطع دکترا به لبنان رفت و دکترا را در دانشگاه فرانسوی بیروت گذراند. مجاهد بعد از بازگشت به ایران، آموزش آنچه آموخته بود را آغاز کرد. تدریسی که مدت ?? سال در مقاطع مختلف آموزشی ادامه یافت. مجاهد گرچه از اوایل تحصیل کنجکاوای هایی در متون کهن داشت، اما فراغت بعد از بازنشستگی بود که شرایطی را برای پرداخت جدی تر به حوزه علاقه اش فراهم کرد. او سالهاست که به تصحیح متون ادبیات مشغول است و تاکنون بیش از بیست جلد کتاب از گنجینه آثار کهن ادب فارسی را تصحیح کرده است.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: تصحیح

تحصیلات رسمی و حرفه ای: پایان تحصیلات متوسطه در زادگاه - ادامه تحصیل در دانشگاه تهران در رشته ادبیات - اخذ فوق لیسانس از دانشکده الهیات دانشگاه تهران - ادامه تحصیل در مقطع دکترا در دانشگاه فرانسوی بیروت
فعالیت‌های آموزشی: احمد مجاهد بیش از ?? سال سابقه تدریس در مقاطع مختلف آموزشی را در کارنامه خود دارد -----

آثار:

۱ التجرید فی کلمه التوحید

ویژگی اثر: تصحیح اثر احمد غزالی

۲ تصحیح جلد ? مثنوی که شرح مشکلات مثنوی است از محمد صالح قزوینی

۳ تصحیح دیوان حافظ فریدون میرزا

ویژگی اثر: تصحیحی از دیوان حافظ نیز ارائه کرده که در نوع خود قابل تأمل است. تصحیح او از این دیوان در همایش حامیان نسخ خطی در کنار دو اثر دیگر در حوزه ادبیات شایسته تقدیر شناخته شد. در اوایل قرن دهم هجری، یعنی چند دهه پیشتر از زمان کتابت دستنویس قونیه، فریدون میرزای بایقرا، جمعی از اهل فضل را در شهر هرات که مرکز فرهنگی ایران در آن زمان بود جمع آورد و مأمورشان کرد که نسخه منقحی از دیوان حافظ فراهم آورند. این گروه فاضل، همه نسخه های موجود تا آن زمان را گرد

آوردند و مقابله کردند و در سال ??? هجری دیوان جامعی از اشعار حافظ ترتیب دادند و بر آن عبدالله مروارید کرمانی دیباچه ای نگاشت. این نسخه را احمد مجاهد تصحیح و انتشارات دانشگاه تهران سه سال پیش چاپ کرد. این نسخه پر است از غزل‌های دیگران که نصیب حافظ شده است و مصحح ارجمند یکایک آنها را جسته و گوشزد کرده است. همچنین ترتیب و ضبط ابیات حافظ در این نسخه تفاوت‌های کلی با نسخه های معتبر دارد. ماجرای دقیق تر تدوین این دیوان بدین قرار است که فریدون میرزا پسر سلطان حسین بایقرا و نسل پنجم تیمور گورکانی که هم اهل رزم بود و دلاور، و هم اهل بزم و شاعر، «انجمنی» داشته است که در آن «انجمن که مجمع افاضل ایام» بود، اشعار شاعران بویژه شعر «شمس الدین محمد حافظ» را می خوانده اند و «غث و سمین» آن را از هم باز می کرده اند. در آن «انجمن» گاه بوده است که می دیده اند شعری از حافظ فقط در یک نسخه خطی از دیوان آمده و در سایر نسخه ها نیامده است، و گاه بوده است که می دیده اند شعری از حافظ فقط در یک جنگ و سفینه های آمده است و در نسخه های دیوان دیده نمی شود. از این رو، این شاهزاده تیموری «حکم» می کند که یک بار دیگر دیوان حافظ را گردآوری و تدوین کنند. برای این کار، «جمعی کثیر از فضلاء انیس و ندمای جلیس به جمع و تصحیح این کتاب» مأمور می شوند، و «قریب پانصد جلد دیوان حافظ به هم می رسانند، و بعضی سفاین و غزلیات که پیش از فوت خواجه نوشته شده بود با هم مقابله می کنند، و بسیاری از غزل‌های دل فریب و جان بخش که به واسطه کاهلی و تصرف کتاب ناقص ادراک از صفحه روزگار مهجور و نامشهور مانده بود، در سلک ربط در می آورند»، و هر شعر در هر جا که به نام حافظ می بینند در مجلدی جمع می کنند، که «درواقع اکنون رشک نگارخانه چین و غیرت فردوس برین است.» مجاهد درباره این نسخه می گوید: «این نسخه مفقودی از متن حافظ بود که آن را پیدا کردم و شامل حدود ??? غزل و همین مقدار قطعه، رباعی و مثنوی بیشتر از متون دیگر است. و این نسخه متعلق به «فریدون میرزا» پسر «سلطان حسین بایقرا» و به ریاست «عبدالله مروارید» متخلص به «بیانی کرمانی» نوشته شده است؟». (این کتاب نخستین بار توسط انتشارات دانشگاه تهران چاپ شد .

۴ تصحیح سماع و فنون

۵ تصحیح کتاب شیخ و شیوخ

ویژگی اثر: «شیخ و شوخ» نیز از جمله آثار تصحیح شده توسط مجاهد است و رساله ای است انتقادی با رویکرد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و حتی در بعضی بخشها نظامی و اقتصادی. سبک نگارش روایی و داستان گونه و متعلق به اواخر عصر قاجاریه است. شاید «شیخ و شوخ» جزو معدود آثاری باشد که این گونه عریان، به تقابل سنت و تحول دامن زده و سعی در پاسخگویی از موضع سنت دارد؛ نویسنده این رساله که به اعتقاد احمد مجاهد نخواست است رساله به نام او منتشر شود، نگاهی تک بعدی، ذهنی و مجرد به موضوع مورد بحث اش ندارد. در حقیقت، این رساله که بازگوکننده داستان مناظره بین یک شیخ و جمعی از معلمان و صاحب منصبان مدرسه دارالفنون است، قصد ندارد بدون نظر به واقعیات اجتماعی و فرهنگی جامعه زمان خود، به نقد بنشیند. شیخ که در حقیقت همان نویسنده است، در بعضی از فصول، اگر به فرنگی مآبی ایراد می کند، تنها از جهت تشبه به کفار نیست که معترض است و تسهیل زندگی خلق الله را در رفع آن می بیند. مجاهد، در مقدمه ای که در ابتدای این رساله به چاپ رسانده، اشاره ای هم به دیگر نوشته های این مؤلف نامعلوم دارد. مناظره شیخ و شوخ را می توان به دو بخش کلی تقسیم کرد؛ ایرادات شیخ به علوم جدید و دفاعیات او از علوم بومی و سنتی. و دوم، فصلی در نقد مفاصد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که از مدرسه دارالفنون آغاز شده و به دولت و صاحبان مناصب در صفوف مختلف ختم می شود. البته بخش دوم مفصل تر است و عمق و نکته سنجی آن بر بخش اول می چربد. حتی بخش ابتدایی انتقادات شیخ تحت آسیب شناسی بخش دوم طرح می شود، چنانکه اگر شیخ علوم می چون پولتیک، دیپلماسی و... را به سخره می گیرد، جابه جا مثالهای ملموس می آورد. با این حال اساس انتقادات بر وضعیت و تولیدات مدرسه دارالفنون - یا به قول مؤلف معلّم خانه - قرار گرفته است. محاجه شیخ و شوخ و آن مجلس میهمانی که

کل کتاب را تشکیل می دهد، با بیدار شدن راوی از خواب به پایان می رسد. در واقع، تمام این پرسش و پاسخها ساخته و پرداخته ذهن نویسنده است که با سبکی داستانی نوشته شده است. با این همه نوع نگاه، آسیب شناسی اجتماعی - سیاسی و نقد نظام علمی سالهای پایانی عصر قاجار، از امتیازاتی است که این رساله را ممتاز می کند. رساله «شیخ و شوخ» تا سالهای انتهایی دهه پنجاه - که نخستین بار به صورت مقاله به چاپ رسید مورد اعتنا قرار نگرفته بود. به نظر می رسد این رساله و آثاری از این دست می توانند در روشن شدن وضعیت فرهنگی و اجتماعی ایران در سالهای آغازین عصر حاضر، مفید باشد

۶ تصحیح کتاب کدو مطبخ قلندری

ویژگی اثر: تألیف ادهم خلخالی، اثر قابل توجه دیگر که توسط احمد مجاهد تصحیح شده، کتاب «کدو مطبخ قلندری» تألیف «ادهم خلخالی» متخلص به «عزلی» (د) و معاصر «شیخ بهایی» است که در زمان صفویه تألیف و برای نخستین بار تصحیح و چاپ شده است.

۷ تصحیح کتاب گلشن راز شبستری

۸ توارق العلماء فی رد علی من محیرم السماع

ویژگی اثر: همچنین توارق العلماء فی رد علی من یحرم السماع بالاجماع، تألیف احمد بن محمد طوسی از عارفان قرن هفتم هجری. این کتاب نخستین کتابی است به زبان فارسی که در اباحت و حلیت موسیقی در اسلام نوشته شده است.

۹ جوحی

ویژگی اثر: احمد مجاهد کتابی، نیز با عنوان جوحی تألیف کرده که در آن به شخصیت فکاهی متون کهن یعنی جوحی پرداخته است. متن حاضر که یک متن تحقیقی است و برای نخستین بار در زبان فارسی ارائه می شود، در زمینه: فرهنگ عامه، ادبیات داستانی بر اصل تطبیقی و ریشه یابی، تألیف شده است. در این کتاب سعی شده است تا حق به حق دار برسد، یعنی صاحبان اصلی و اولیه حکایات جرحی معلوم شود و سهم هریک از فرهنگ های ترک ترکیایی (عثمانی) و عرب و فارس روشن باشد.

۱۰ گلشن راز شبستری با کشف الایات و ارجاع

ویژگی اثر: تصحیح

۱۱ لغات مصطلحه عوام

ویژگی اثر: تصحیح

۱۲ لمعات

ویژگی اثر: مجاهد کتاب لمعات را نیز از فخرالدین عراقی تصحیح کرده است: «کتاب «لمعات» (به فتح لام و میم، جمع لمعه) نوشته شیخ فخرالدین عراقی، یکی از پر شورترین آثار منشور در زمینه ادبیات صوفیانه است. این کتاب که بر سنن کتاب «سوانح» از جناب شیخ احمد غزالی (از اقطاب بزرگوار) نگاشته شده، به موضوع عشق صوفیانه و اطوار و ادوار سلوک عاشقانه پرداخته است. «مجاهد درباره این کتاب می گوید: «به خواست یکی از مریدان که از حقایق کتاب «لمعات» چندان نصیبی نبرده بود، قطب الموحدین، حضرت شاه نعمت الله ولی کرمانی، شرحی بر کتاب «لمعات» می نویسد. این کتاب خوشبختانه قبل از انقلاب به سعی جواد نوربخش به زیور طبع آراسته گشت، ولی متأسفانه بعد از انقلاب دیگر چاپ نشد. فقیر حقیر با زحمت فراوان توانست چاپ سال ??? را در کتابخانه دانشگاه تهران بیابد و مست فیوضات شرح حضرت شاه شود.»

۱۳ مجالس غزالی

ویژگی اثر: تصحیح اثر احمد غزالی با عربی و فارسی انتشارات دانشگاه تهران

۱۴ مجموعه آثار فارسی احمد غزالی

ویژگی اثر: تصحیح و حواشی انتشارات دانشگاه تهران

۱۵ نوادر

ویژگی اثر: ترجمه کتاب محاضرات الادبا و محاورات الشعرا و البلاغ از راغب اصفهانی، ترجمه محمد صالح قزوینی. نوادر از متون ادب عرب بوده و شامل ?? هزار مطلب با موضوعات تاریخی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی و... مستند است. این کتاب ?? حد دارد که هر حد چند باب و هر باب شامل چند فصل بوده و برای نخستین بار به زبان فارسی ترجمه و تصحیح شده است.

مجاهد، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۱۸۰-۱۲۴۲ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی و متکلم. معروف به آقا سید محمد مجاهد (به جهت صادر کردن حکم جهاد در جنگ ایران و روس، در زمان فتحعلی شاه قاجار) و مشهور به صاحب «مناهل». او دخترزاده‌ی وحید بهبهانی است. در کربلا به دنیا آمد. وی از محضر پدرش، سید علی صاحب «ریاض»، و سید مهدی بحر العلوم استفاده نمود. او داماد سید بحر العلوم بود. در زمان حیات پدرش به اصفهان رفت و به تدریس فقه و اصول پرداخت. چون خبر وفات پدرش رسید عازم عراق شد و در کاظمین مقیم گشت و به انجام وظائف علمی پرداخت. در جنگ ایران و روس همراه با محقق نراقی به ایران آمد و مورد عنایت عام و خاص قرار گرفت. وی در قزوین به هنگام مراجعت از جنگ روس در گذشت و پیکرش به کربلا منتقل و در آنجا دفن شد. مؤلفات وی متجاوز از هفتصد هزار سطر است. از آثارش: «المناهل»، در فقه؛ «مفاتیح الاصول»؛ «الوسائل الی النجاة» یا «وسائل الاصول»، در اصول فقه؛ «المقلاذ»، رساله‌ای در «حجیه الظن المطلق»؛ «اصلاح العمل»، در فقه عبادات؛ «الجهادیة»؛ «المصاییح»، در فقه؛ «عمدة المقال فی تحقیق احوال الرجال»، در حدود یکصد شرح حال؛ «جامع العبائر»، در فقه؛ «جامع المسائل»، سؤال و جواب فقهی؛ کتاب بیان «اغلاط مشهوره».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴۴۳/۹)، الذریعه (۷۰-۶۹/۲۵، ۳۵۳-۳۵۲، ۱۱۹-۱۱۸/۲۲، ۳۰۰، ۸۰/۲۱، ۳۴۱-۳۴۰/۱۵، ۲۷۹، ۲۷۲، ۲۰۸/۶، ۲۹۷، ۷۰/۵، ۲۵۳، ۱۷۱-۱۷۰، ۲/۲۵)، روضات الجنات (۱۴۰-۱۳۸/۷)، ریحانه (۱۷۶/۵، ۴۰۲-۴۰۱/۳)، فوائد الرضویه (۵۸۲-۵۷۹)، معجم المؤلفین (۵۶/۱۱)، هدیة العارفین (۳۶۳/۲).

مجاهد، محمد تقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج میرزا محمد تقی فرزند محب علی فرزند محمد علی گلشن شیرازی، معروف به (میرزای مجاهد) از علما و مراجع بزرگ شیعه در قرن چهاردهم هجری است. میرزا دانشمندی جامع، فقیهی کامل، مجتهدی متبحر و مرجعی مجاهد و سیدی عظیم الشأن بود. میرزا پس از آنکه مقدمات علوم فقهی را در شیراز به پایان برد، سالها از کرسی درس فاضل اردکانی، سید استاد و میرزای قهرمان و دیگر آیات عراق به خوبی برخوردار بود، و خود در ردیف اکابر علما و اساتید فقها قرار گرفت و در آغاز زعامت علامه یزدی

برخی از معظم له تقلید می نمودند و پس از فوت میرزای بزرگ در رأس حوزه سامرا قرار گرفت. سید استاد که خود فقیهی اعظم اما اورعی محتاط بود، موقعی که تصدی حوزه و زعامت شیعیان را قبول نفرمود، علما و شیعیان را بوی ارجاع داد. معظم له سالها در جمله آیات از مراجع بزرگ عصر خویش بود و تصدی و تدریس اعلام سامرا بوی منتهی گردید.

میرزای مجاهد: رئیس نهضت مجاهدین انقلاب اسلامی عراق در جنگ جهانی بین الملل اول بود. معظم له علیه تجاوزگران قاعدی دلسوز، مجاهدی نستوه، مرجعی پرشور و رزمنده ای عازم بود که به صف اول مجاهدین پیوست و علیه معاندین کمر همت بست و تا مرز شهادت پیش رفت.

میرزای مجاهد: قصائد فاخره را در فضائل عتره طاهره و شرحی بر منظومه عاملی نوشت. او شرحی مبسوط بر مکاسب شیخ نیز به رشته تحریر برد و پس از فوت علامه یزدی مرجعیت تمام شیعیان جهان به معظم له منتهی شد، اما اجل مهلتش نداد، و در دهه اول ذیحجه سال ۱۳۳۸ (چند ماه پس از فوت علامه یزدی) وفات نمود و به کنار سالار شهیدان در کربلا مدفون شد.

منابع زندگینامه: <http://www.shaaer.com>

مجتبائی، فتح‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: عرفان و ادیان، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: تهران
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مجتبوی، جلال‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر سیدجلال الدین مجتبوی در سال ۱۳۰۷ در تهران به دنیا آمد. پس از طی دوره دبستان و دبیرستان، در رشته فلسفه، در دانشگاه تهران مشغول تحصیل شد و در سال ۱۳۴۶ دوره دکترای این رشته را به پایان رسانید. از سال ۱۳۴۹ رسماً با سمت استادیاری گروه فلسفه دانشگاه تهران مشغول تدریس شد. اکنون نیز با رتبه دانشیاری آن گروه به تدریس اشتغال دارد. قابل ذکر است ترجمه کتابهای «تاریخ فلسفه»، جلد اول، و «علم اخلاق اسلامی» سیدجلال الدین مجتبوی، به ترتیب در دوره دوم و چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شده است.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

تحصیلات رسمی و حرفه ای: سیدجلال الدین مجتبوی پس از طی دوره دبستان و دبیرستان، در رشته فلسفه، در دانشگاه تهران مشغول تحصیل شد و در سال ۱۳۴۶ دوره دکترای این رشته را به پایان رسانید.

استادان و مربیان: اساتید برجسته ایشان در دوران تحصیل عبارتند از: مرحوم فاضل تونی، مرحوم سید کاظم عصار، مرحوم دکتر رضازاده شفق.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سیدجلال الدین مجتبی از سال ۱۳۴۹ رسماً با سمت استادیاری گروه فلسفه دانشگاه تهران مشغول تدریس شد. پس از پیروزی انقلاب به مدت چهارسال سرپرست گروه فلسفه دانشگاه تهران گردید. و اکنون نیز با رتبه دانشیاری آن گروه به تدریس اشتغال دارد.

جوایز و نشانها: ترجمه کتابهای «تاریخ فلسفه»، جلد اول، و «علم اخلاق اسلامی» سیدجلال الدین مجتبی، به ترتیب در دوره دوم و دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شده است.

آثار:

۱ بنیاد حکمت سبزواری

ویژگی اثر: ترجمه از انگلیسی

۲ تاریخ فلسفه

ویژگی اثر: ترجمه از انگلیسی (برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره دوم کتاب سال) - آشنایی با کتاب: «تاریخ فلسفه»، جلد اول این کتاب، که اثر مشهوری از فردریک کاپلستون است، به بررسی تاریخ فلسفه از آغاز تا زمان معاصر می پردازد. تفکر فلسفی قدمتی برابر با قدمت فرهنگ بشری دارد. در طول قرنهای اندیشمندان گوناگون با کوشش بسیار به پی ریزی روشهای مختلف فلسفی پرداخته اند. در زمان حاضر آشنایی با تاریخ فلسفه برای آگاهی بر اندیشه های صحیح و پرهیز از انحرافات گذشتگان برای هر اندیشمندی و بویژه دانشجویان و پژوهندگان رشته فلسفه ضروری است. تاریخ فلسفه، گردآوری محض عقاید یا نقل و حکایت مطالب جدا و مجزای فکری که هیچ ارتباطی با یکدیگر نداشته باشند نیست، بلکه نمایش جستجوی حقیقت از سوی انسان از طریق استدلال و برهان است. کتاب حاضر یکی از مشهورترین کتابهای تاریخ فلسفه است که مؤلف آن را نه برای فضلا و متخصصان فن، بلکه برای دانشجویان این رشته نگاشته است. جلد اول ترجمه این کتاب شامل مباحث مربوط به فلسفه پیش از سقراط، دوره سقراطی، و افلاطون می باشد.

۳ علم اخلاق اسلامی (ترجمه جامع السعادات مرحوم محقق نراقی)

ویژگی اثر: ترجمه - برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره چهارم کتاب سال - آشنایی با کتب علم اخلاق اسلامی: کتاب مشتمل بر دو جنبه علوم عقلی و نظری و - دینی و عملی با سبک و اسلوبی ویژه است مؤلف محترم در آغاز درباره نفس انسان و قوا و غرایز او سخن می گوید و هر یک از فضایل اخلاقی را به یکی از قوای نفس اسناد داده و هر یک از رذایل اخلاقی را به غریزه ای متصل و مربوط می سازد و آنگاه به شناساندن یکایک آن قوا می پردازد. سپس مطالب خود را با آیات و روایات وارده و به طور کلی با تعالیم شروع مقدس اسلام مورد تقویت و تأیید قرار می دهد و در پایان راه معالجه و درمان هر رذیلتی را به شیوه ای حکیمانه بیان می کند. و علاوه بر اینها گاه به نصیحت و موعظه می پردازد و با کلامی مؤثر خواننده را به تهذیب اخلاق و تصحیح رفتار و کردار خویش دعوت می کند. مترجم محترم در ترجمه؟ این کتاب با تحمیل زحمات عدیده به اصل احادیث و روایات رجوع کرده و اغلاط فاحش در ضبط نسخه متن را برطرف ساخته و نسخه جامع و صحیح را به دست داده است. کتاب با قلمی شیوا و روان به فارسی برگردانده شده که در خور تقدیر و شایسته تحسین است.

۴ فلسفه یا پژوهش حقیقت

ویژگی اثر: ترجمه از انگلیسی

۵ کتاب درسی فلسفه و منطق دبیرستان

ویژگی اثر: سالهای ۶۰ و ۶۱

۶ کلیات فلسفه

ویژگی اثر: ترجمه و تألیف

مجتهد اصفهانی، محمد حسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند سید محمد تقی مستجاب الدعوة، عالم فاضل جلیل، و محقق کامل بی بدیل، مجتهد فقیه اصولی، جامع معقول و منقول بوده، در حدود سال ۱۲۰۷ متولد، و در جمادی الاولی سال ۱۲۶۳ وفات یافته، در تخت فولاد جنب پدر مدفون گردید. در اصفهان نزد: پدر خود، و آخوند ملا علی نوری، و میرزا ابوطالب صاحب حاشیه [برسیوطی]، و حاجی کلباسی، تحصیل نموده، و از جمعی از علما به اخذ اجازه روایت و اجتهاد مفتخر شده که از آن جمله است:

۱- آقا رضا بن سید مهدی بحر العلوم، تاریخ آن ۱۲۵۱. ۲- آقا محمد رضی اصفهانی ۳- آقا سید صدرالدین عاملی ۴- آقا سید محمد کاظم رشتی (احتمالا) ۵- ملا مهدی قمبوانی ۶- میرزا محمد مهدی نایب الصدر اصفهانی. تا به مقامات عالیه علم و اجتهاد رسیده، و حوزه درس و بحث تشکیل داده، و به مناسباتی به طهران مهاجرت کرده، و دو سال در آنجا ساکن بوده، و به تدریس اشتغال جسته.

کتاب زیادی نوشته از آن جمله است:

۱- حواشی غیر مدوّنه بر کتب زیر:

حاشیه میرزا ابی طالب بر سیوطی؛ و شرح لمعه؛ و شوارع الهدایه حاجی کلباسی؛ و شوارق لاهیجی؛ و قوانین میرزای قمی؛ و رساله عدم جواز تقلید میّت حاجی کلباسی؛ و رساله در حجّیت مظنه سید مجاهد؛ و صمدیه شیخ بهائی؛ و غیره.

۲- رساله جبتیه، در تطبیق جبت و طاغوت بر اولی و دوّمی ۳- رساله در اختلاف معانی الفاظ شرعیّه ۴- رساله در شیربها ۵- رساله در جنایت امّ ولد ۶- رساله در ردّ مظالم ۷- رساله در حکم زنی که خود را بلامانع معرفی کند ۸- رساله در احیای موات ۹- رساله در شرط ضمن العقد ۱۰- رساله در جواز تسامح در ادله سنن ۱۲- رساله در معرفت خدا و پیغمبر و امام علیهم السلام ۱۳- رساله در انفراد طلاق به عوض خلع ۱۴- رساله در اعجاز قرآن، مطبوع ۱۵- سؤال و جواب در ارث ۱۶- شرح مبحث شکوک کتاب منهاج استادش کلباسی ۱۷- شرح کتاب مراح الارواح، در صرف ۱۸- شرح تهذیب منطق تفتازاتی ۱۹- یک دوره فقه کامل در ۶ مجلد ۲۰- مهجّه الفؤاد در شرح ارشاد علامه در چهارده مجلد ۲۱- نصاب العلماء، در نصیحت خطاب به فرزندش حاج سید مهدی نحوی ۲۲- مناسک حج، ناتمام ۲۳- رساله در اصالت برائت، ناتمام ۲۴- شرح بر شرح رضی بر شافیه؛ و غیره.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مجتهد بروجردی، اسدالله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مآثر و آثار ص ۱۴۰ گوید: حاج مولی اسدالله مجتهد بروجردی مشهور بحجه الاسلام که در اواخر حیات دعوی علمیت و تقدم بر

عموم مجتهدین عصر میفرمود و باب علم را مفتوح میدانست و در فقاہت مشربی مکاشفانه داشت هنگام استدلال و احتجاج بدریای متلاطم موج شبیه میافتاد اشتہار علم وصیت فقاہت و انتشار بزرگ منشی او همه دیار شیعه را محیط بود بعهد این عالم عظیم‌الشأن شهر بروجرد مرکز تحصیل علوم شرعیہ و مجمع افاضل ایران گردید شیخ الطائفہ استاد الکل مرتضی الانصاری چندی در ایام تکمیل بمدرس این بزرگوار حاضر شده است و در مجالس عامه زمان ریاست خویشتن اقوال از وی نقل میکرده و اجماعات منقولہ از او را محصل می‌گرفته است.

علاوه بر جلالت شأن و عظمت مقدار این بزرگوار در ملک و ثروت و اموال مستقلات نیز از معاصرین ابناء سلسله کمتر با وی برابر بودند جماعتی در حق او بصدور خوارق عادات معتقدند.

عبادت و تقوا و ریاضیات شاقه مشروعه‌اش مشهور است از اولاد ذکورش بعضی بدرجه اجتهاد رسیدند از آنجمله اجازه مبسوطه که بخط خود برای سه فرزند دانشمندش ۱- فخرالدین محمد ۲- جمال‌الدین محمد ۳- نورالدین محمد رحمه الله علیهم، از بطن صبیہ محقق قمی صاحب قوانین رضی الله عنه بودند نوشته و باجتهاد هر سه تصریح نموده عینا در دارالخلافة زیارت شد.

نگارنده گوید: اولاد آن بزرگوار تاکنون در بروجرد و قم و تهران و نقاط دیگر در سلک روحانیت و بقوانینی شهرت دارند. ریحانه الادب ج ۱ ص ۳۱۴ گوید: حجه الاسلام حاج ملا اسدالله مجتهد بروجردی مشهور بحجه الاسلام فرزند حاج عبدالله از اکابر علماء امامیه تا آخر آنچه را که مآثر و آثار گفته و گوید وی در اواخر سال ۱۲۷۰ و یا اوائل سال ۱۲۷۱ وفات نموده و در آنجا مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مجتهد بروجردی، جمال‌الدین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مآثر و آثار گوید: وی خلف حاج مولی اسدالله مشهور بحجه الاسلام مقام فقاہت و تبحرش در حدیث و تفسیر و درجه فضل و تبعش در جمیع علوم شرعیہ و فنون اسلامیہ مسلم بود و در اواخر بمشهد رضوی مشرف شد و از آنجا بدارالخلافة آمد و چندین سال بترویج شریعت و ارشاد عباد اشتغال داشت نظیر لسان او را در منبر کمتر نشان داده‌اند و سرعت قبول عامه که برای او در تهران افتاد در حق کسی شنیده نشده است فوتش در سال ۱۳۱۲ ق بوقوع پیوست چنانکه در جریده ایران نگاشته‌ایم و تمام مناصب و مراتب وی حسب الارث والاستحقاق بفرزند دانشمندش شریعتمدار زین‌الائمہ نجم‌الدین آقا علی اکبر انتقال یافت و اختصاص یافت. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مجتهد تبریزی، احمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۶۵ ق)، فقیه اصولی، عالم دینی، مرجع تقلید و شاعر. چون پدرش در اواخر عهد زندیه از کار گزاران و نزدیکان دربار بود، وی در ابتدا کارمند دولت شد، سپس از مقام رسمی انصراف داد و برای تحصیل علوم دینی ابتدا به اصفهان و از آنجا به عتبات

رفت و در کربلا از محضر سید علی طباطبائی، صاحب «ریاض»، استفاده نمود. پس از رسیدن به درجه‌ی اجتهاد به تبریز بازگشت و به انجام امور دینی پرداخت و مرجع مذهبی مردم گشت و عهده‌دار حکومت شرعیه سراسر آذربایجان شد. میرزا احمد تبریزی از صاحب «ریاض» و ملا محمد سعید دینوری قراچه‌داغی روایت کرده است. او شاعر ماهری بود و به عربی شعر می‌گفت. فرزندانش: میرزا لطفعلی، میرزا محمدجعفر و میرزا محمدباقر همگی از علمای برجسته بودند و وی «اجازه‌ی» مبسوطی در ۱۲۵۳ ق به آنان داد. در تبریز درگذشت و پیکرش به نجف منتقل و در مقبره‌ی مخصوص خود، مقابل مرقد شیخ طوسی، دفن شد. از آثارش: کتاب «منهج الرشاد فی شرح الارشاد»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳/۶۹)، دانشمندان آذربایجان (۳۵)، الذریعه (۱۸۸-۱۸۷/۲۳، ۱/۱۴۲)، ریحانه (۱۷۷-۱۷۶/۵)، شهیدان راه فضیلت (۵۴۷-۵۴۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۳-۱۰۲/۱۳)، علماء معاصرین (۳۴۵)، المآثر و الآثار (۱۷۴-۱۷۳)، مکارم الآثار (۱۷۹۱-۱۷۹۰/۵)، معجم رجال الفكر و الادب فی النجف (۱/۲۹۲)، معجم المؤلفین (۲/۵۴).

مجتهد تبریزی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۸/۱۳۳۷-۱۲۶۸ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و ادیب. در خانواده‌ی علم و تقوا در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات به نجف رفت. گفته‌اند که او چون به نجف وارد شد محضر علامه شیخ انصاری را درک کرد. او همچنین از محضر میرزا حبیب‌الله رشتی و ملا محمد شرایبانی و ملا محمد ایروانی و سید حسین کوه کمری و میرزا محمدحسن شیرازی و ملا علی نهایندی استفاده نمود و به دریافت اجازه از آنان نایل آمد، اخذ اجازه از استادش ملا علی نهایندی نیز پس از پنج سال ملازمت حاصل شد. آن گاه به آذربایجان بازگشت و چندین سال در تبریز به تدریس پرداخت و منصب اجدادش را عهده‌دار گردید و مرجع دینی مردم آن دیار شد. او در همان جا درگذشت. پیکرش به نجف منتقل و در آنجا دفن شد. از آثارش: «تشریح الاصول»، که این نام برگرفته از نام کتاب استادش نهایندی است؛ رساله‌ای در «مقدمه الواجب»؛ کتاب «الطهاره»؛ «رساله‌ی عملیه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۵/۲۷)، الذریعه (۴/۱۸۵)، ریحانه (۱۷۸-۱۷۷/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۸۸-۳۸۷/۱۴)، لغت نامه (ذیل / حسن مجتهد)، معجم المؤلفین (۲۷۶، ۲۰۹-۲۰۸/۳).

مجتهد تبریزی، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۸۸-۱۳۲۰ ق)، عالم دینی و فقیه. در تبریز به دنیا آمد. مقدمات و سطح را نزد پدر، و دروس دینی، علمی، فقه و اصول و ادبیات را نزد میرزا یوسف آقا و حاج میرزا عبدالعلی فراگرفت. در قم درگذشت و همن جا دفن شد. از آثار وی: شرح «ایقان» حاج شیخ هادی علامه تهرانی؛ «محاکمات بین شیخ الانصاری و آقا شیخ هادی»؛ شرح «بیع» آقا شیخ هادی؛ شرح «خلاصه الحساب»؛

شرح «تشریح الافلاک» شیخ بهائی؛ حاشیه بر «صلاة» آقا شیخ هادی.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی رجال مشاهیر (۲/۲۵۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲/۱۰۷).

مجتهد تبریزی، صادق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۱ - ۱۲۷۴ / ۱۲۶۹ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مرجع تقلید و شاعر. در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات در نوزده سالگی به همراه برادرش، میرزا محسن مجتهد، به نجف رفت و از محضر ملا محمد فاضل ایروانی و شیخ محمدحسن مامقانی و ملا محمد فاضل شرایبانی و شیخ هادی تهرانی و در کربلا از محضر ملا حسین فاضل اردکانی استفاده نمود. تا در فقه و اصول برآمد. در ۱۳۱۱ ق به تبریز بازگشت و مرجعیت دینی مردم را عهده‌دار شد و به تدریس فقه و اصول پرداخت. در اواخر عمر پس از کوشش بسیار برای رهایی شیخ محمدتقی بافقی از زندان رضا شاه مسافرتی به سنج کرد و مورد تکریم بیش از حد عام و خاص اهل سنت قرار گرفت. بعد از اقامت کوتاهی در آنجا به قم رفت و چند سالی در آنجا ماند و در همان جا درگذشت. آیت‌الله کبیر بروی نماز خواند و در رواق حضرت معصومه (ع) دفن شد. از آثارش: «المقالات الغرویه» یا «المقالات الغریه»، در مباحث الفاظ، در اصول؛ «کتاب الصلاة»؛ شرح «تبصره» علامه حلی؛ «الفوائد»، در مسائل متفرقه فقه؛ «طریق النجاة»؛ «رساله فی المشتق»؛ رساله‌ای در «شرائط العوضین»؛ حاشیه بر «وسیلة النجاة»؛ حاشیه بر «منهج الرشاد»؛ «واجبات الاحکام»، رساله عملیه؛ «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۶۷ - ۳۶۶ / ۷)، الذریعه (۳۹۲، ۴۱، ۲۱ / ۳۲۰، ۱۶، ۱۳۵، ۱۳ / ۴۵)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۵۱ - ۲۵۰ / ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۷۴ - ۸۷۳ / ۱۴)، علماء معاصرین (۱۵۷، ۱۵۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۳۸ - ۲۳۶ / ۱)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱ / ۲۹۱)، مکارم الآثار (۶ / ۲۰۶۵)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۲ - ۴۸۱ / ۳).

مجتهد تبریزی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۴۰ ق)، عالم دینی، مجتهد، متکلم، حکیم، مدرس و شاعر. پس از فراگیری مقدمات از تبریز به نجف رفت و پس از استفاده از محضر اساتید و رسیدن به مرتبه‌ی اجتهاد و دریافت اجازه به تبریز بازگشت و مدتی در آنجا ساکن گردید. سپس به مشهد رفت و در آنجا به تدریس و انجام امور دینی مشغول گردید. وی در علم کلام و حکمت متبحر بود و در سرودن اشعار عربی و فارسی قریحه‌ی خوبی داشت. تخمیس‌هایی از او باقی است. وی در مشهد درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثارش «ذخیره‌ی المحشر فی شرح الباب الحادی عشر»، در علم کلام و حکمت است که تبحر مؤلف را در این دو علم می‌رساند.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۳ / ۱۲۲، ۱۰ / ۱۸، ۶ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۶۷ - ۱۵۶۶ / ۱۴)، علماء معاصرین (۱۲۷ - ۱۲۶)،

مستدرکات اعیان الشیعه (۳/۱۵۰).

مجتهد تبریزی، محسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۲ - ۱۲۶۷ ق)، عالم دینی، فقیه و مجتهد. وی برادر میرزا صادق آقا تبریزی بود. در تبریز به دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود به پایان رساند. سپس برای ادامه‌ی تحصیلات به نجف رفت. وی پس از اخذ اجازه‌ی اجتهاد به تبریز بازگشت و به انجام امور دینی پرداخت. در اواخر عمر به ضعف بینایی و شنوایی مبتلا شد. او در تبریز درگذشت و پیکرش به نجف منتقل و در وادی‌السلام در مقبره‌ی پدرش دفن شد. از آثار وی: «احادیث خمسہ فی فضائل الائمه (ع)»؛ «تبیین المحجۃ الی تعیین الحجۃ»، چهل حدیث؛ کتاب ایمان ابی‌طالب»، شرح حال و اشعار حضرت ابوطالب.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳/۳۳۴، ۲/۵۱۳)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲/۲۵۴)، علماء معاصرین (۱۶۱-۱۵۹)، مؤلفین کتب چاپی (۲۴۲-۲۴۱/۵).

مجتهد تبریزی، محمدعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۳۱۰ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد، متکلم، مفسر، عروضی و زاهد. اصلش از قره‌داغ تبریز (ارسباران فعلی) بود. به نجف رفت و در محضر شیخ مرتضی انصاری اصول و در محضر شیخ مهدی کاشف‌الغطاء فقه را تلمذ نمود و به درجه‌ای عالی در اجتهاد رسید و با اجازه از استادش شیخ مهدی کاشف‌الغطاء، روایت کرد. سپس به تبریز بازگشت و متصدی بحث و تألیف و تدریس و افتاء گردید. او در فقه و اصول و حدیث و رجال و علوم عربی و فنون ادبی متبحر بود و تألیفاتش گویای مراتب علمی اوست. از آثارش: «اللمعة البيضاء»، در شرح «خطبة الزهراء (ع)»، و این شرح گسترده‌ی اطلاعات و مهارت وی را در علوم عربی می‌رساند؛ «الاربعین»؛ «اسرار الحج»؛ «الاصول المهمة»، در اصول دین؛ «الامر بین الامرین»؛ «البداء»؛ تفسیر «سوره‌ی یس» یا «تفسیر قراچه‌داغی»؛ «تفسیر الکبیر»؛ «التنقیحات الاصولیة»؛ حاشیه بر «فرائد الاصول»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل»؛ حاشیه بر «الفصول»؛ حاشیه بر «قوانین الاصول»، به نام «حدیقة البساتین فی شرح القوانین»؛ حاشیه بر «الروضه البهیة»، به نام «حدیقة الروضة»، که حاشیه‌ی «شرح لمعه» است؛ شرح «اخبار الطینه»؛ «صیغ العقود و الايقاعات»؛ «الفتوحات الرضویة»، در احکام فقهی؛ رساله‌ای در علم «العروض و القافیة»؛ «التحفة المحمدیة»، در عربیت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۵/۱۰)، الذریعه (۱۸/۳۵۰، ۱۶/۲۷۳، ۲۵۹، ۱۹۷، ۱۵/۳۶، ۱۳/۳۶۳، ۳۸۲، ۱۷۷، ۱۶۶، ۱۵۹، ۱۰۱، ۹۵، ۶/۶۱، ۴۶۸، ۳۴۴، ۴/۳۰۱، ۲/۲۱۳، ۱/۴۲۲)، ریحانه (۴۳۹-۴۳۸/۴)، علماء معاصرین (۳۴۵-۳۴۳)، المآثر و الآثار (۱۷۶-۱۷۵)، معجم رجال‌الفکر و الادب فی النجف (۲۸۶/۱)، معجم المؤلفین (۳۵/۱۱).

مجتهد تبریزی، مصطفی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۷/۱۳۳۸ - ۱۲۹۷/۱۲۹۵ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، منجم، ریاضیدان، ادیب و شاعر. در تبریز به دنیا آمد. مقدمات و فقه و اصول را در تبریز در محضر پدرش و علماء دیگر فراگرفت. سپس برای ادامه‌ی تحصیلات به عتبات عالیات رفت و از حوزه‌ی درس آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و شیخ الشریعه اصفهانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و میرزا ابوالقاسم اردوبادی و محقق نهاوندی و دیگر علما استفاده نمود و چون عالمی برجسته شد به تبریز بازگشت. مراسلات و مکاتباتی منظوم و منثور بین او و شیخ آقا محمدرضا اصفهانی و شیخ جواد شبیبی وجود داشت. در اواخر عمر به بیماری فلج مبتلا شد. در تبریز درگذشت و پیکرش به نجف منتقل و در آنجا دفن شد. او رسائی گوناگون در فلکیات و ریاضیات و موضوعات مختلف فقهی نگاشت. از آثارش: «ارجوزه»، در عروض و قافیه، به عربی؛ حاشیه بر «کفایة الاصول» استادش ملا-محمد کاظم آخوند خراسانی؛ حاشیه بر «لسان الخواص» علامه رضی الدین قزوینی؛ «العروض»؛ «قاعده الخطائن»؛ «اللباس المشکوک».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۲۷- ۱۲۶/۱۰)، الذریعه (۴۸۶/۱)، ریحانه (۱۷۹- ۱۷۸/۵)، علماء معاصرین (۱۱۸- ۱۱۷)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۲۹۰/۱).

مجتهد تبریزی، یوسف

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۷ - ۱۲۷۹ ق)، عالم دینی، فقیه، عابد و شاعر. در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری علوم عربی و منطق و ادبیات و قسمتی از اصول، در ۱۲۹۹ ق به نجف رفت و از محضر ملا محمدفاضل ایروانی و شیخ محمدهادی تهرانی استفاده نمود. در ۱۳۱۱ ق به تبریز بازگشت و به نشر احکام اسلامی و تدریس و تألیف پرداخت. در پایان عمر، وی به قصد زیارت، به عتبات رفت و پس از ورود به کاظمین درگذشت و در رواق شریف کاظمی دفن شد. در «الذریعه» و به تبع آن در «فرهنگ سخنوران» نام پدر صاحب عنوان، میرزا زین العابدین ذکر شده است. از آثارش: «لسان الحق» یا «مظالم المسیحین»، در رد نصارا و تثلیث؛ «کشف بعض ما یعتقده الکرامخه»؛ کتابی در اینکه ترجمه‌ی واقعی قرآن مجید به زبان‌های دیگر مقدور نیست؛ کتابی در «ابتلاء الائمة»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۰۲/۱۸، ۱۳۱۸/۹)، علماء معاصرین (۱۱۶- ۱۱۴)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۸)، مستدرکات اعیان الشیعه (۳/۳۲۹).

مجتهد حسینی، محمدعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج میرزا محمدعلی حسینی مجتهد جهرمی از علماء بزرگ و بنام این شهرستانست وی در جهرم متولد و پس از فراگرفتن مقدمات به نجف اشرف رهسپار شده و از محضر علامه بزرگوار شیخ مرتضی انصاری استفاده نموده و در اندک مدتی مورد توجه خصوص استاد قرار گرفته و حسب الامر مرحوم شیخ به جهرم برگشته و به خدمات دینی پرداخته و در استان فارس شهرت بسزائی یافته و مورد علاقه مرحوم فرهاد میرزا معتمدالدوله واقع شده تا در ۱۳۰۷ قمری وفات نموده است. دارای چند فرزند عالم و مجتهد بوده است.

۱- حجة الاسلام آقا سید مرتضی محقق که در سال ۱۳۴۹ قمری از دنیا رفته است.

۲- حجة الاسلام مرحوم سید علی مجتهد جد خاندان حجتی جهرم است.

۳- حجة الاسلام مرحوم سید احمد که از علماء حوزه نجف اشرف بوده و در همانجا بدرود حیات گفته است.

۴- حجة الاسلام مرحوم سید حسین که از علماء حوزه نجف اشرف بوده و در همانجا بدرود حیات گفته است.

۵- حجة الاسلام مرحوم سید محمد که مقیم عراق و نجف اشرف بوده‌اند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

مجتهد زنجانی، عبدالرحیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالرحیم مجتهد متولد سال ۱۲۸۲ قمری اصلاً طارمی و در ماهان طارم سفلی متولد شده و مرحوم والدش ملا محمد از فضلاء آن حدود بوده است که رساله‌ای راجع به اختیارات و خواص ایام به قلم وی موجود است. مرحوم میرزا عبدالله دومین فرزند ایشان در اوائل بلوغ برای تکمیل ادبیات عربی و خط بهیدج که دهی در هشت فرسخی زنجانست و آن روز عده‌ای رجال علمی و مخصوصاً ادبی داشته مسافرت نموده و پیش مرحوم آقا میرزا علی اصغر که از فضلاء بوده تلمذ نموده و با تکمیل رشته ادبیات و خط و متون متوسطه در سن ۱۸ سالگی به نجف اشرف عزیمت نموده و مدتی در درس مرحوم آیت الله حاج شیخ حسن ممقانی و آیت الله حاج میرزا حبیب الله رشتی حاضر شده و سپس به سامره رفته و در مجلس درس مرحوم آیت الله العظمی میرزا محمدحسن شیرازی استفاده کرده‌اند و در واقعه توتون و تنباکو در سامرا حضور داشته.

و چون به واسطه ریاست عمومی و بی نظیر میرزای مرحوم حوزه درسشان نامنظم شده بود. و از طرفی آوازه و شهرت علمی مرحوم آخوند خراسانی در افواه افتاده دوباره به نجف مراجعت و تا پایان اقامتشان در نجف منحصراً به درس آن مرحوم حاضر شده و با مرحوم آیت الله اصفهانی و قمی و آیت الله حایری یزدی و عراقی هم دوره و رابطه نزدیک داشته و تقریرات درس اصول مرحوم آخوند خراسانی را پیش از تألیف کفایة الاصول نوشته و نظریات خود را نیز اضافه کرده بودند که هنگام عزیمت به طرف ایران مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی که از نظریات و افکار و منقح بودن مطالب آن اعیاب داشته گرفته و به نظر مرحوم خراسانی رسانده بود و استاد بزرگوار پس از مطالعه مباحث آن تحسین و توصیف اجازه اجتهاد بنام ایشان با خط خود نوشته و تاریخ آن که ۱۳۱۲ قمریست موجود می‌باشد.

معظم له در سال ۱۳۱۴ قمری به ایران مراجعت و در زنجان اقامت نموده و موقعیت محلی و درس و بحث و قضاوت اوقات ایشان را می‌گیرد

و پس از چندی که مشروطیت پیش بیاید و آیات بزرگ حوزه مقدسه نجف حکم به لزوم انعقاد مجلس شورای ملی و تشکیل حکومت مشروطه می‌کنند ایشان به خاطر تأیید فرمان مراجع بزرگ و جلوگیری از تعدیات و مفساد استبداد وارد مبارزه می‌شوند و جبهه طرفداران مشروطیت با ورود و موقعیت ایشان مستحکم می‌گردد.

و ایشان در عین حال اشتغال به درس و بحث فقه و اصول و اقامه جماعت و قضاوت شرعیه داشته و نسبت به قضاوت در زنجان تعیین داشتند.

و دارای حافظه قوی و تقریری جامع و کامل بودند که در سنین هفتاد سالگی تمام قواعد ادبی از نحو و صرف را که مقارن بلوغ به آنها اشتغال داشته و بعداً متارکه شده بود همه را در صفحه ذهن و ضمیر خود حاضر داشت و محاکماتی که در زمانهای قبل اتفاق افتاده بود از اظهارات متداعیین و حکم صادره از نظرشان محو نمی‌شد.

تقریر ایشان طوری بود که وقتی مطلبی را بیان می‌کردند واقعیت آن در نظر مستمع مجسم می‌گردید از این رو موعظه ایشان بسیار بلیغ و خطابه ایشان که هر سال در ماه مبارک رمضان منبر می‌رفتند بسیار رسا و گیرنده بود ایشان گاهی در نجف اشرف نیز هنگام تحصیل منبر می‌رفتند که میانه طلاب افصح فصحاء نامیده شده بودند و بالاخره مرحوم مامقانی بزرگ ایشان را از منبر فتن منع نموده و امر کرده بودند که چون امارات وصول به مراتب عالیه علم و فقاہت از شما نمایانست اشتغال شما به منبر فعلاً حرام می‌باشد.

مطالب منبرشان که مخصوص ماه رمضان بود نوعاً اصول اعتقادات به مبانی کلامی بوده که عده‌ای از فضلا یادداشت می‌کردند مباحثی را از مسائل توحید و نبوت و امامت استدلالی نوشته که قسمتی باقی و برخی مفقود شده است. آثار علمی ایشان در فقه از اینقرار است.

۱- کتاب قضا و شهادت.

۲- شرحی بر صلوٰۃ از منظومه مرحوم علامه بحر العلوم.

۳- تقریرات اصول مرحوم آخوند خراسانی که مشتمل بر مباحث الفاظ و ادله عقلیه.

۴- حواشی بر رساله عملیه مرحوم آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی تا باب خمس از آثار قلمی ایشان حاشیه مرحوم آخوند خراسانی بر رسائل که آن موقع چاپ نشده بود و تعادل و تراجیح آن را با خط خود از روی نسخه مؤلف استنساخ نموده‌اند.

آن مرحوم به واسطه تعینی که میانه فضلاء نجف داشتند عده‌ای از معاریف پیش ایشان تلمذ نموده‌اند از جمله مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالله مامقانی (صاحب رجال) و مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین برادر کوچک آیت‌الله حاج آقا نجفی اصفهانی و خواب عجیبی که مرحوم شیخ محمدحسین دیده بوسیله ایشان تعبیر و بعدها تحقق پیدا کرده است.

به طوری که ایشان نقل نمودند که مرحوم شیخ محمدحسین مزبور روزی سر درس حاضر شده و اظهار می‌دارند که دیشب من خواب عجیبی دیدم و می‌خواهم آن را تعبیر کنی.

من مدتی به مولای متقیان علی (ع) متوسل بودم که توجه فرمایند زودتر به رتبه اجتهاد به رسم دیشب آن حضرت را در خواب دیدم و باز حاجت خود را به حضورش عرضه داشتم به من فرمود (شیخ برو آدم شو) پس از بیدار شدن کلام امام (ع) مرا مأیوس ساخت و چنان پندارم که درس برایم فایده ندارد گفتم نه بلکه مطلب بعکس است اگر تو صلاحیت نداشتی امام تو را امر نمی‌فرمود به آدم شدن. معلوم می‌شود تو صلاحیت داری و حائز رتبه آدمیت خواهی شد.

حقیقت اینست اجتهاد که عبارت از تحقیق و استنباط احکام فرعیه از ادله است منهای معنویت تفاوتی با تحقیق در علوم طبیعی

ندارد و احکام استنباط شده جز به خاطر عمل و کسب تقوی و معنویت نیست و مایه انسانیت حقیقی همان معنویت می‌باشد پس مقصود امام (ع) این بوده که از من مطالبه مقدمه را نموده و از ذی‌المقدمه غفلت داری.

عجب اینست که این تعبیر موافق بواقع تحقق یافت و مرحوم شیخ به طوری که در ترجمه حالش ضبط کرده‌اند به مراتب کمالات معنوی و زهد و عرفان نائل آمده و حائز مقاماتی گردیده است.

باری آن مرحوم پنجاه و یکسال در زنجان به درس و بحث و افتا و مراجعات مردم و قضاوت اشتغال داشت و نسبت به عظمت جامعه اسلام و تشیع بسیار علاقه داشت و دو دفعه از ایشان درخواست شده که رساله عملیه به چاپ دهند که عده‌ای علاقمند به تقلید ایشان می‌باشند در جواب گفته بودند که من اگر چه در نجف با مراجع زمان خود در مرتبه علمی برابر بودم و استاد آنها را به من ترجیح نمی‌داد اما بعداً آنها در حوزه باقی ماندند و من به زنجان آمده و تا حدی متارکه نمودم اضافه بر این حوزه نجف را نباید از مرکزیت انداخت.

تاریخ وفات ایشان ماه صفر سال ۱۳۶۵ ق است که در آن وقت آذربایجان و زنجان تحت اشغال قوای شوروی بود و حکومت توده پیشه‌وری در تبریز برقرار شده بود و قوای روس و فدائیان توده زنجان را در تصرف داشتند و با وفات ایشان که قهراً انبوه جمعیت به سوی منزل ایشان در خیابان پهلوی زنجان هجوم نمود روسها گمان کرده بودند که اهالی قصد قیام و اغتشاش دارند و می‌خواهند بر علیه فدائیان حکومت پوшالی اقداماتی نمایند لذا دستور داده بودند ستونهای موجود از ارتش در اطراف شهر مستقر شده و شهر را در محاصره گرفته بودند بعداً به آنان فهمانیده بودند که سوء قصدی در کار نیست و ازدحام جمعیت برای تشیع یک روحانی بزرگ است که وفات نموده‌اند

الحاصل ایشان در سن هشتاد و سه سالگی داعی حق را لبیک گفتند. و آن مرحوم در بعضی از علوم غریبه از جمله جفر جامع اطلاع کامل داشتند و یکی دو مورد از اوضاع آینده استفسار و بجواب نائل که صورت عمل به طور مجمل موجود است. و نیز نسبت به امام غایب عجل‌الله‌فرجه اخلاص فوق‌العاده داشته و از دعاء ندبه در روزهای جمعه غفلت نمی‌کردند. در مرض موت ایشان اطرافیان که از ایشان پرستاری می‌کردند چندین دفعه حالت عجیبی مشاهده نمودند که ایشان با کبر سن و شدت بیماری که غالباً در حال بیهوشی بودند و قادر به حرکت نبودند گاهی به خود آمده و به پرستار خود دستور می‌داد که مرا بلند کنید با زحمت بلندش می‌کردند و به قبله ایستاده و لباسهای خود را مرتب می‌کرد و پس از یک دقیقه یا کمتر می‌گفتند بخوابانید و در حال قیام مثل اینکه در حضور شخص بزرگواری از اولیاء هستند.

و این حال از دو روز قبل از وفاتشان چندین دفعه تکرار شد و در سن هفتاد و سه سالگی که مبتلا به مرض تیفوئیده گردیده بودند درست ده سال پیش از وفات در حال میان خواب و بیداری شخصی را دیده بودند که از اطاق داخلی وارد اطاق ایشان گردید و نشست و خیار نوبری از جیب خود بیرون آورد و با چاقو خطی بخیار کشید و خط دوم را بر آن عمود کرد که قدری خط اولی را بریده و تجاوز نمود و گفت این عمر شماست و شما در سن ۸۳ سالگی فوت خواهید کرد و این مکاشفه تحقق پیدا کرد. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

مجتهد عراقی، محمود

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۰/۱۳۰۸ - ۱۲۴۰ ق)، عالم دینی و مجتهد. معروف به صاحب «قوامع». اصل وی از عراق عجم (اراک، آشتیان، فراهان و تفرش

امروزی) است. نسبش به میثم تمار، صحابی امیرالمؤمنین (ع)، می‌رسد. در نه سالگی ادبیات را فراگرفت و در ۱۲۵۵ ق به بروجرد رفت. وی فقه و اصول را از محضر ملا اسدالله بروجردی و سید محمد شفیع جاپلقی آموخت. آن‌گاه به مدت ده سال به سلطان‌آباد و تهران و خراسان و آذربایجان مسافرتها کرد. سرانجام به نجف رفت و سالها از محضر شیخ انصاری استفاده نمود و تقریرات فقه و اصول استادش را ضبط و تدوین کرد. پس از درگذشت استادش به ایران بازگشت و مدتی در همدان اقامت نمود، سپس در تهران ساکن گردید و از مجتهدان و مراجع بنام این شهر شد. وی در تهران درگذشت و پیکرش به نجف منتقل و در خانه‌ی کوچک خودش در نجف، نزدیک صحن علوی، دفن شد. از آثارش: «دارالسلام»، در احوال حضرت قائم (عج)، به فارسی که در ۱۳۰۵ ق تألیف نمود؛ «مشکاة النیرین»، در مناقب و مصائب معصومین (ع)، در بیست هزار سطر؛ «جوامع الشتات»، در اصول، تقریرات استادش شیخ انصاری؛ «لوامع النکات» یا «لوامع الاحکام»، در فقه، تقریرات استادش شیخ انصاری؛ «قوامع الفضول عن وجوه حقائق علم الاصول»؛ «کفایة الراشدین»، در رد جماعتی از مبدعین؛ «خزائن الکلام»، در شرح «قواعد الاحکام». بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: عیان الشیعه (۱۰/۱۰۳)، ایضاح المکنون (۱/۴۴۱)، الذریعه (۶۳/۲۱، ۳۷۱، ۳۵۸، ۹۲-۹۱/۱۸، ۱۷/۱۹۹، ۲۱-۲۰/۸، ۱۵۶-۱۵۵/۷، ۲۵۱، ۵/۲۴۸)، ریحانه (۳/۳۸۲)، علماء معاصرین (۳۳۲-۳۲۶)، المآثر و الآثار (۱۶۷-۱۶۶)، معجم المؤلفین (۱۲/۱۷۹)، مکارم الآثار (۱۱۱۷-۱۱۱۴/۴)، هدیة العارفین (۴۲۲-۴۲۱/۲).

مجتهد قوچانی، ذبیح‌الله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ ذبیح‌الله بن العالم الجلیل حاج شیخ محمدصادق بن حاج ملا مهدی بن ملا احمد (خبوشانی) مجتهد قوچانی از علماء بزرگ قوچان بوده است. وی حدود سال ۱۳۰۹ قمری پس از تکمیل تحصیلات عالی و رسیدن به مقام اجتهاد از نجف به قوچان وارد شده و پس از یکسال توقف به مشهد عزیمت نموده و در جوار سلطان سریر ارتضا حضرت ابوالحسن الرضا علیه الصلوٰة والسلام رحل اقامت افکنده و در مدرسه میرزا جعفر به تدریس فقه و اصول پرداخته و بعد از بیست و سه سال توقف و خدمات دینی و روحی اجتماعی در سال ۱۳۳۵ قمری وفات و در دارالسیاده مدفون شده است. وی از شاگردان میرزا حبیب‌الله رشتی و آخوند خراسانی و غیرهما از اعظم آن عصر بوده است. بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مجتهد کرکی، ابو عبدالله حسین

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۰۱ ق)، عالم امامی، فقیه و متکلم. معروف به امیر سید حسین مجتهد. دخترزاده‌ی محقق کرکی بود. در عصر شاه طهماسب صفوی از جبل عامل به ایران آمد و مدتی در قزوین سکونت داشت. به دستور شاه عباس اول به اردبیل رفت و شیخ الاسلام آنجا گردید. شیخ شمس‌الدین محمد بحرانی از شاگردان او می‌باشد. در اردبیل به بیماری طاعون درگذشت. پیکرش به عتبات حمل و

در آنجا دفن شد. از آثارش: «دفع المناوأة»؛ «ایمان ابی طالب»؛ «رفع البدعة»؛ «سیاده الاشراف» یا «السید و السیاده» یا «تحقیق معنی السیاده»؛ «تبصرة المؤمنین»؛ «تذکره الموقنین»، در اصول دین و عقاید؛ «تفسیر آیه احل لكم الطیبات»؛ حاشیه بر «صحیفه» و شرح آن؛ حاشیه بر «عیون اخبار الرضا»؛ «دعامة الخلاف»؛ شرح «روضه» کافی؛ «التوحید»؛ «النیة»؛ «النفحات القدسیة»؛ «النفحات الصمدیة»؛ «الرساله الطهماسبیة»، در امامت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲/۲۵۳)، اعیان الشیعه (۴۷۴-۴۷۳/۵)، الذریعه (۲۸۷، ۲۴۸/۲۴، ۲۷۶-۲۷۵، ۲۷۰-۲۶۹/۱۲، ۲۴۲/۱۱، ۲۳۲، ۱۹۹/۸، ۴/۴۹، ۳۲۵-۳۲۴، ۳/۳۱۵، ۱/۱۸۲)، روضات الجنات (۳۱۸-۳۱۲/۲)، ریاض العلماء (۱۲۱۷، ۷۵-۶۲/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۲-۷۱/۱۰)، عالم آرای عباسی (۱۴۵، ۱۲۴-۱۲۳/۱).

مجتهد همدانی، محمدتقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۶۳- شهادت ۱۳۱۴ ق)، فقیه، عالم دینی و مجتهد. در همدان به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات به اصفهان رفت و در محضر عالم بزرگ ملا حسینعلی تویسرکانی تلمذ نمود تا به مرتبه‌ی اجتهاد رسید. سپس به همدان بازگشت. پس از مدتی به قصد زیارت عتبات عالیات به نجف رفت و در مجلس شیخ انصاری شرکت کرد و مدت‌ها در محضر وی شاگردی نمود. او سومین استادی بود که بحثهای شیخ انصاری را برای طلاب تقریر می‌کرد. سرانجام به همدان بازگشت و به تدریس و بحث و تألیف و نشر احکام پرداخت. او بنا به دعوت عده‌ای از شیعیان ساکن کردستان، به آنجا رفت و به نشر مذهب جعفری پرداخت تا اینکه قاضی و شیخ الاسلام اهل تسنن فرمان قتلش را صادر کرد و او به طرز فجیعی کشته شد و خانه و تألیفات و کتابهایش به غارت رفت و از آثارش جز «رساله فی الرضاع» باقی نماند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: شرح حال رجال (۲۱۸-۲۱۶/۶)، شهیدان راه فضیلت (۵۰۳-۵۰۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۴۳-۲۴۲/۱۴)، معجم رجال الفكر و الادب فی النجف (۱۳۳۹-۱۳۳۸/۳).

مجتهد قمی، حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در مآثر و آثار گوید: آقا حسین مجتهد قمی به علم و عمل اشتهار دارد و مرحوم میرزای فیض گوید: ملا آقا حسین عالمی است قدس نهاد که زهد در نهاد او عجین است و قدس در ذات او دفین والدش از اعزّه و اتقیاء این بلد و از خدام آستان بضعه احمدی صلوات الله علیها است.

تحصیل مقدمات و سطوح را در خدمت حاج سید اسماعیل که از تلامذه مرحوم میرزای قمی بود تکمیل نموده به جانب عتبات عالیه رخت کشیدند. و در حوزه حجه الاسلام حاج شیخ مرتضی انصاری حاضر شده چهارده سال زمان توقفشان طول کشیده تا از

حیض تقلید به اوج اجتهاد ارتقاء جست و به وطن روی آورد و حکومت شرعی قم منوط به رأی رزین ایشان شد در سال ۱۳۲۷ هجری مرحوم و در صحن جدید مقابل مقبره شهید نوری مدفون و سنگ بزرگی بر روی قبرش منصوب است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

مجتهد قمی، محمدجواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ محمد جواد مجتهد قمی در سال ۱۲۹۵ ه.ق در شهر نجف اشرف به دنیا آمدند، وی از هفت سالگی وارد شهر قم شدند و تحصیلات مقدمات را آغاز و در حضور اساتید آن زمان مشغول فراگیری علم شدند. از وی آثار متعددی به جا مانده است. قمی در سال ۱۳۷۵ ه.ق در شهر قم دارفانی رو وداع گفتند. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب: محمد جواد مجتهد قمی فرزند ارشد ملا غلامرضا آخوند قمی می باشد. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: فرزند محمد جواد مجتهد قمی آقای حاج محمد حسن اعرابی - داماد امام خمینی ۱ می باشد. تحصیلات رسمی و حرفه ای: محمد جواد قمی که پس از تولد در نجف اشرف، در هفت سالگی به قم آمد و پس از تحصیل مقدمات، سطوح فقه و اصول را در محضر پدر بزرگوارش و آیت الله حاج آقا احمد قمی - برادر آیت الله العظمی حاج آقا حسین قمی - فرا گرفت و در ۲۰ سالگی به اشاره پدرش به تهران ره سپرد و نزد حضرات آیات: میرزا محمد حسن آشتیانی (فقه و اصول)، و حاج شیخ علی نوری، میرزا محمود حکمی و شیخ عبد الکریم سبزواری (حکمت و کلام) زانوی ادب به زمین زد و بهره‌های علمی بسیار برد و پس از سه سال توقف، به قم بازگشت و یک سال دیگر از پدرش بهره برد. در سال ۱۳۱۹ ق، به نجف رفت و در درس آیات عظام: محقق خراسانی و سید محمد کاظم یزدی حاضر شد و مبانی علمی خود را استوار ساختار استادان و مربیان: از اساتید حاج شیخ محمد جواد مجتهد قمی می توان به موارد زیر اشاره کرد: حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی آقای حجت سید محمد تقی خوانساری میرزا محمد حسن آشتیانی آیت الله بروجردی حاج شیخ علی نوری میرزا محمود حکمی شیخ عبدالکریم سبزواری محقق خراسانی سید محمد کاظم یزدی وقایع میانسالی: محمود جواد قمی مشغول نگارش کتاب «حادی عشر» - یازدهمین تألیفش - بود که ندای حق را لیک گفت. کتابخانه ایشان - به همراه کتابخانه پدرش که به سفارش مرحوم حاج آخوند به وی واگذار شده بود. - پس از وفاتش، به آیت الله العظمی بروجردی واگذار و به دستور ایشان به کتابخانه مدرسه فیضیه تحویل داده شد. زمان و علت فوت: محمدجواد قمی در سال ۱۳۷۵ ق (۱۳۳۳ ش) درگذشت و پس از یک تشییع با شکوه و نماز آیت الله العظمی بروجردی بر پیکرش، در مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت معصومه ۳ مدفون شد. و نخستین مجلس بزرگداشت او از سوی آیت الله بروجردی در مدرسه فیضیه برگزار شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: شیخ محمد جواد مجتهد قمی پس از ۱۴ سال، چند ماه پس از وفات پدر بزرگوارش در ربیع الاول سال ۱۳۳۳ ق به درخواست عموم مردم قم - که از ایشان بازگشت به قم را خواسته بودند. - در میان ابراز احساسات عموم اهالی که به مناسبت ورود ایشان شهر را تعطیل عمومی کرده و تا چند کیلومتری به استقبال رفته بودند، به زادگاه پدرانش بازگشت و به تدریس، تألیف، وعظ و ارشاد پرداخت و به جای پدرش، تصدی امامت مسجد امام حسن عسکری (ع) را بر عهده گرفت. آثار: آینه حق نما و ویژگی اثر: در اثبات ولایت عامه و خاصه ۲ تقریرات درس فقه آیت الله سید محمد کاظم یزدی. توحید قمی و ویژگی اثر: در دو جلد به چاپ رسیده است ۴ سعادت بشر و ویژگی اثر: در اثبات نبوت عامه و خاصه ۵ صراط المستقیم و ویژگی اثر: این کتاب چهار جلد می باشد: جلد اول - در اثبات صانع و توحید، جلد دوم - در فروع دین، جلد سوم - در معاملات، و جلد چهارم -

در عدم جواز تقلید میت. ۶ کتاب کیمیا و ویژگی اثر: در اثبات معاد جسمانی، که در سال ۱۳۶۴ ق به چاپ رسیده است. ۷. یاقوت و ویژگی اثر: ردّبر مادّیین و دهریون

منابع زندگینامه: سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما ۱۱ - www.hawzah.net/

مجتهدی تهرانی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ احمد مجتهدی تهرانی از علماء با تقوا و موصوف بفضل و اخلاق تهرانتست.

وی در سال نهم مهرماه سال ۱۳۰۲ شمسی برابر ۱۳۴۳ قمری هجری در تهران متولد شده و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح در سال ۱۳۶۳ قمری به قم مهاجرت نموده و متون فقه و اصول را از مدرسین بزرگ حوزه علمیه چون آیت‌الله صدوقی یزدی و آیت‌الله سلطانی و آیت‌الله حاج سید صادق شریعتمداری به پایان رسانیده و از محضر مرحوم زعیم اعظم آیت‌الله العظمی بروجردی طاب ثراه و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی و آیات دیگر استفاده نموده و پس از آن در سال ۱۳۷۰ قمری به تهران مراجعت و در مسجد حاج سید عزیزالله تهران بتدریس و تربیت عده‌ای از جوانان با ایمان و ضمناً استفاده از محضر آیت‌الله العظمی حاج سید احمد خونساری ادام الله ظله و مرحوم آیت‌الله تنکابنی نموده و کم‌کم مورد توجه معظم له و مردم متدین تهران و بالاخص تجار و اصناف بازار قرار گرفته و حوزه‌ای تشکیل داده و برای این خدمت دعوت به مسجد و مدرسه حاج ملا محمد جعفر معروف به مسجد (آقا) گردیده و در آنجا به اقامه نماز جماعت و پرورش محصلین و جوانان متقی و پرهیزگار نموده و عده بسیاری تربیت و بحوزه‌های علمی قم و مشهد اعزام نموده است.

آیت‌الله مجتهدی در سال ۱۳۶۲ قمری و در سن ۱۹ سالگی به کسوت روحانیت درآمد و قبل از آن در بازار تهران مشغول به کار بود و پدر ایشان یعنی مرحوم محمد باقر راضی نبود که فرزندش طلبه شود ولی بر اثر عشق و علاقه زیادی که جناب استاد به علم و دانش داشت به سوی طلبگی روی آورد. با توجه به مخالفت پدر، سال‌ها با عسرت و سختی زیادی، در لباس روحانیت به تحصیل علم پرداخت و بعد از سال‌ها نه تنها پدر راضی شد بلکه بر وجود چنین فرزندی در نزد خویشان و نزدیکان و در اجتماع افتخار می‌کرد. وی پنج سال بعد یعنی در سال ۱۳۶۷ قمری و در سن ۲۴ سالگی ازدواج کرد و در همین سال دروس رسائل و مکاسب را نزد آیات و حجج اسلام آقایان فاضل (پدر حضرت آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی) و سیدحسین قاضی و آقا شیخ قاسم نحوی امتحان داد و با موفقیت به اتمام رساند. بعد از قریب دو سال در سن ۲۶ سالگی و در سال ۱۳۶۹ قمری امتحان کفایه و قسمتی از درس خارج را با موفقیت گذراند. آیت‌الله مجتهدی در ضمن تحصیل، به تدریس کتب حوزوی هم می‌پرداخت و وقتی که از قم به تهران آمد شب‌ها در مسجد امین‌الدوله که مرحوم حاج شیخ محمد حسین زاهد در آنجا مشغول به تدریس و اقامه نماز بود، استاد هم، صبح و عصر به امر تدریس اشتغال داشت و چون مرحوم حاج شیخ محمدحسین زاهد در اواخر عمر و با وجود کهولت سن به سختی مشغول تعلیم و تربیت طلاب بود، لذا از آیت‌الله مجتهدی تقاضا کرد که علاوه بر تدریس، شب‌ها هم منبر برود و آیت‌الله مجتهدی در طول دو سال، شش جزء از اول قرآن را با استفاده از تفسیر برهان که مبنای تفسیری ایشان بود برای مستمعین آیات قرآن را تفسیر می‌کرد. آیت‌الله احمد مجتهدی تهرانی صبح‌ها در مسجد مرحوم حاج سید عزیزالله بازار جهت طلاب به تدریس کتب ادبیات و فقه مشغول بود و بعد از ظهرها هم برای کسانی که روزها شاغل بودند و بعد از ظهرها درس می‌خواندند به تدریس

کتب حوزوی از قبیل مطول، سیوطی، مغنی، منطق و غیره می‌پرداخت. دو سال بعد یعنی در ۲۱ محرم سال ۱۳۷۲ قمری، ثلمه‌ای در اسلام به وجود آمد و آن رحلت عارف زاهد و معلم اخلاق حاج شیخ محمدحسین زاهد رحمه‌الله علیه بود. آیت‌الله احمد مجتهدی تهرانی پس از گذشت سه سال از رحلت آن عالم بزرگوار، همچنان به امر تدریس در مسجد مرحوم حاج سید عزیزالله واقع در بازار تهران مشغول بود تا آنکه به درخواست عده‌ای از علماء و مردم متدین، از حضرت استاد تقاضا کردند که حوزه علمیه را به مسجد مرحوم حاج ملا جعفر منتقل کنند که در آن زمان مسجد، انبار خاک ذغال و خمره ترشی کسبه محل بود، و تجار و مردم متدین با علماء مشورت کردند و به این نتیجه رسیدند که آیه‌الله مجتهدی به دلایلی نسبت به علماء دیگر جهت ادامه راه مرحوم حاج شیخ محمد حسین زاهد ارجحیت دارد. بنابراین با همت تجار و مردم متدین، آیت‌الله مجتهدی توانست حوزه علمیه فعلی را که در تهران خیابان ۱۵ خرداد شرقی، کوچه شهید مرتضی کیانی، کوچه مسجد آقا واقع است تأسیس کند. نگارنده گوید: جناب آقای مجتهدی از دانشمندان و مریبان با حقیقت و معنویت معاصر است و از سی سال قبل که ایشان را شناختم با تقوا و ورع یافته و مکروهی از وی ندیده‌ام جدا از افرادیست که علم خود را مقرون بعمل و قدس خویش را توأم با اخلاص قرار داده است. آثار قلمی چندی دارد که از آنها چند رساله بطبع رسیده است.

۱- رساله‌ای در احکام‌الغیبه.

۲- رساله‌ای در گناهان کبیره.

از خدمات ارزنده ایشان تشکیل حوزه علمیه مدرسه و مسجد آقای مزبور است که در حال حاضر بیش از یکصد طلبه و محصل دارد که عموم آنان را شهریه (ماهانه) از سیصد ریال الی یکهزار و پانصد ریال می‌دهد. معظم له از عموم مراجع نجف اشرف و قم و تهران و غیره و کالت و اجازه دارد.

آیت‌الله مجتهدی تهرانی که در سالهای آخر عمر از مشکلات تنفسی و قلبی رنج می‌برد در ۲۳ دی ۱۳۸۶ در سن ۸۵ سالگی در بیمارستان بازرگانان تهران دار فانی را وداع گفت. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مجتهدی شبستری، محسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج میرزا محسن بن مرحوم آیت‌الله حاج میرزا کاظم شبستری از فضلاء و ائمه جماعت معاصر تهراند. وی در سال ۱۳۱۵ شمسی در شبستر که در هشت فرسخی تبریز است متولد شده و تحصیلات ابتدائی و متوسطه و مقدمات عربی را در شبستر و تبریز به پایان رسانیده و در سال ۱۳۳۱ قمری وارد حوزه علمیه قم گردیده و بتحصیل علوم دینی پرداخته و پس از تمام شدن سطوح از محضر اساتید بزرگ و عالیقدری مانند مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله محقق داماد و آیت‌الله شریعتمداری و آیت‌الله امام خمینی و آیت‌الله علامه طباطبائی ادام‌الله ظلهم علی رؤس الانام استفاده و ضمناً تدریس سطوح از مطول و شرح لمعه و رسائل و مکاسب نموده تا در سال ۱۳۹۲ قمری که بنابر تقاضا و اصرار عده‌ای از مؤمنین ساکنین شمال تهران منتقل به آن سامان گردیده و در مسجد طلاچیان واقع در خیابان فرح جنوبی به اقامه جماعت و ترویج دین و تفسیر کلام مبین و سایر خدمات از تدریس علوم دینی و غیره اشتغال دارند.

مرحوم والدش آیت‌الله حاج میرزا کاظم مجتهد شبستری از علماء و مراجع طراز اول و معروف آذربایجان بودند. وی در سال ۱۳۰۶

قمری در شبستر متولد و پس از بلوغ و خواندن اولیات و سطوح به نجف اشرف هجرت و بعد از مراجعت دوازده سال مقیم وطن (شبستر) بوده و سپس به شهرستان تبریز منتقل و ده سال در آنجا بخدمات مذهبی و مرجعیت دینی موفق و در سن شصت سالگی برحمت ایزدی پیوسته و از تبریز حمل به قم و در قبرستان مرحوم آیت‌الله حایری مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مجتهدی، جعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج شیخ جعفر مجتهدی در بیست و هفتم جمادی الثانی سال ۱۳۴۳ ه.ق مطابق با اول بهمن ماه ۱۳۰۳ ه.ش در خانواده ای بسیار متدین و مرفه در شهر تبریز دیده به جهان گشودند. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب: پدر شیخ جعفر مجتهدی جناب حاج میرزا یوسف از دلباختگان آستان ولایتمدار قبله العشاق و امام السعداء، حضرت سیدالشهداء ابا عبد...الحسین (ع) بودند، تا جایی که مکرر قافله سالاری زائرین کربلای معلی را از تبریز به عهده می گرفته و خروج زوار تهی دست دل شکسته را خود عهده دار می شدند و در طول مسیر حراست این قافله با دو شیر تربیت شده بود که در ابتدا و انتهای آن حرکت می کردند و زوار امام حسین (ع) را سلامت به مقصد می رساندند. ایشان بعد از فقدان پدرشان جناب حاج میرزا یوسف، تحت کفالت و سرپرستی مادر بزرگوارشان، آن بانوی علویه قرار گرفتند. خاطرات کودکی: شیخ جعفر مجتهدی در اوائل سن پنج سالگی، در عالم رویا مشاهده می کند از جانب آسمان منبری از نور تا کنارش بر پا شده و وجود مقدس بی بی دو عالم حضرت صدیقه طاهره (ع) تشریف می آورند و او را مورد نوازش و تفقد و مهربانی قرار داده و با دست مبارکشان به سر و صورت او می کشند. از همان دوران نوجوانی روح بلند و ناآرام این مرد الهی به دنبال کشف حقایق و اسرار بر می خیزد، ایشان نقل می فرمودند؛ من در همان آغاز نوجوانی شروع به تهذیب نفس و خودسازی و تقویت اراده نمودم چون بسیار دوست داشتم به بینوایان و مستمندان کمک کرده و زندگی آنها را از فقر و تنگدستی نجات بخشم، سعی و تلاش بسیاری می نمودم تا معمای لاینحل کیمیا به دست من حل گردد، لذا قسمتی از سرمایه پدری را در این راه صرف نمودم ولی به نتیجه ای نرسیدم، اما چون این کوشش من همراه با توسلات شدید بود، یک روز هنگامی که مشغول انجام ترکیبات شیمیایی بودم ناگهان سروشی آسمانی به من ندا در داد: جعفر؛ کیمیا، محبت ما اهل بیت است، اگر به دنبال آن هستی قدم بگذار و ثابت باش، آری؛ اراده ای آهنین و زهدی متین و توسلات پی در پی باعث می شود تا با آن ندای ملکوتی تلاشهای این مرد بزرگ جهت گیرد و مسیر سلوکی او برای همیشه روشن شود و قطره ای لایق در صدفی پر ارزش به مرواریدی درخشان تبدیل گردد. تحصیلات رسمی و حرفه ای: بعد از گذشت حدود یک سال اقامت حاج شیخ جعفر مجتهدی در نجف روزی نامه ای از طرف برادرم که در تبریز بود توسط شخصی به دستم رسید که در آن نوشته شده بود از زمانی که شما به نجف رفته اید اموال شما (که عبارت بود از چندین باب مغازه در بهترین نقطه شهر تبریز و مستغلات دیگری که از پدرم به ارث رسیده بود) در دست مستأجران می باشد و آنها از پرداخت حق الاجاره خودداری می نمایند و می گویند: باید از طرف شخص مالک و کالت داشته باشید تا حق الاجاره را به شما تحویل دهیم. با توجه به اینکه شما دور از وطن می باشید و نیاز به پول دارید و کالتی برای من بفرستید تا مال الاجاره ها را جمع نموده و برایتان بفرستم. در این هنگام متوجه شدم که مورد امتحان بزرگی قرار گرفته ام؛ متحیر ماندم که چه کنم؟ آیا با این اندک نانی که از پینه دوزی به دست می آورم ارتزاق کنم یا مجدداً به زندگی مرفه خود که از ارث مرحوم پدرم بود و از نظر شرعی هم بلامانع و حلال بود برگردم. با خود

در جنگ و ستیز بودم و شیطان مرا وسوسه می کرد، تا اینکه تصمیم خود را گرفته و در پشت همان نامه برای برادرم نوشتم: عنایات حضرت امیرالمومنین (ع) در نجف شامل حالم بوده و از سفره پرفیض ایشان بهره مند می باشم و ایشان هزینه زندگیم را کفایت کرده اند. کسانی که در تبریز مستاجر من می باشند، اگر توان مالی داشتند در محل استیجاری به سر نمی بردند. لذا به موجب همین دست خط و کالت دارید تمام املاک متعلق به من را به نام مستاجران و در تملک ایشان در آورید و خدای من هم بزرگ است. و بدین ترتیب در یک لحظه تمام ثروت و دارائی خود را بخشیدم. ایشان می گویند در زمان اقامت در نجف راهی مسجد سهله شده و مدت هشت سال به طور مداوم، در آنجا معتکف گردیدم و به جز تجدید وضو و تطهیر از مسجد خارج نمی شدم. و در این مدت از طرف حضرت امیر (ع) و آقا امام زمان (عج) عنایات زیادی به من شد. زمان و علت فوت: شیخ جعفر مجتهدی پس از حدود چهار سال اقامت در جوار حضرت ثامت الحج (ع) در تاریخ ششم ماه مبارک رمضان ۱۴۱۶ هـ ق مطابق با ۶/۱۱/۷۴ هنگام ظهر روز جمعه دار فانی را وداع و روح ملکوتیشان عروج می کند.

مجتهدی، عبدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالله بن علامه آیه الله حاج میرزا مصطفی مجتهدی تبریزی از علماء معاصر تبریز است. وی در هشتم ربیع الثانی ۱۳۲۰ در نجف اشرف متولد شده و مرحوم والدش که در سال ۱۳۱۷ ق مهاجرت به نجف نموده بود بعد از هشت سال توقف و استفاده از محضر علامه خراسانی و علامه طباطبائی یزدی و دیگران بواسطه کسالت در سال ۱۳۲۵ ق باتفاق عائله و برادر گرامش آیه الله حاج میرزا خلیل مجتهد به ایران مراجعت و در موقع ورود که مصادف با انقلاب مشروطه بود از رفتن به تبریز خودداری و در میانه و اطراف تبریز اقامت نموده و در سال ۱۳۲۶ ق برای معالجه در معشیت برادر بزرگش آیه الله حاج میرزا مسعود آقا و خانواده اش به تهران آمده و مدت دو سال توقف و در سال ۱۳۲۸ قمری به تبریز برگشته و به وظائف دینی پرداخته است.

وی در مهد پرورش آن والد بزرگوار تربیت یافته و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح را نزد والدش و دیگران خوانده و در سال ۱۳۳۷ ق که والدش فوت نموده نزد علماء تبریز مانند آیه الله حاج میرزا خلیل آقا مجتهد و آیه الله میرزا رضی تکمیل نموده و در سال ۱۳۴۴ ق مهاجرت به قم و از محضر آیت الله العظمی حایری و آیه الله یثربی کاشانی و آیه الله حاج شیخ محمد رضا اصفهانی استفاده نموده و در سال ۱۳۵۰ ق مراجعت به تبریز نموده و تا هم اکنون به اقامه جماعت و تدریس و تبلیغ احکام اشتغال دارند. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مجتهدی، کریم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کریم مجتهدی استاد گروه فلسفه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران است. وی آثار متعددی در زمینه فلسفه خلق کرده است که حائز اهمیت می باشند. او علاوه بر تدریس، اقدام به تهیه یک مجله کاملاً تخصصی در مورد فلسفه است که شش شماره از آن منتشر گردیده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

والدین و انساب : حاجی میرزا جواد مجتهدی تبریزی که از علمای مشهور تبریز بود ، پدر بزرگ کریم مجتهدی می باشند .
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : کریم مجتهدی متولد شهر تبریز است لیکن در دوران کودکی خانواده اش به تهران نقل مکان نموده اند .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : کریم مجتهدی تحصیلات خود را در تهران در دبیرستان فیروز بهرام و کالج سابق البرز به پایان رسانید . او بعد از دوره متوسطه ، جهت ادامه تحصیل راهی فرانسه شد و ابتدا مدرک لیسانس فلسفه و ادبیات را دریافت کرده و بعد ها نیز موفق به اخذ مدرک فوق لیسانس و دکترا گردید .

خاطرات و وقایع تحصیل : تحصیلات دانشگاهی کریم مجتهدی در دانشگاه سوربن پاریس بود . در آن زمان و در اوایل دوران تحصیل ، معلوماتی زبانی او چندان خوب و روان نبود و در فهم و شرح مفاهیم پیچیده فلسفی مشکلاتی رخ می داد و وی به لحاظ عدم هضم مفاهیم مشکل و ارتباز با محیط . در تنگنا بود .

استادان و مربیان : از مهمترین اساتید در دانشگاه سوربن پاریس می توان به گوریچ و ژان وال اشاره کرد .
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : کریم مجتهدی از سال ۱۳۴۳-۴۴ شمسی ، عنوان استاد در دانشگاه تهران مشغول به تدریس می باشد .

فعالیت‌های آموزشی : علاوه بر تدریس فلسفه یکی از فعالیت‌های آموزشی دکتر مجتهدی اقدام به تهیه یک مجله کاملاً تخصصی در مورد فلسفه است که شش شماره از آن منتشر گردید . این مجله به عنوان ضمیمه مجله دانشکده ادبیات به دست علاقمندان رسیده است .

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : برنامه روزمره کریم مجتهدی در انطباق با برنامه تدریس وی است . او بر این گمان است که بدین طریق می تواند در حیات و زندگی اجتماعی جامعه خود ، شریک و سهیم باشد .

همفکران فرد : یکی از همفکران کریم مجتهدی ، هانری کربن دانشمند فرانسوی بود که با معاشرت داشته است . در دانشگاه تهران نیز دکتر مهدوی ، دکتر خوانساری ، دکتر جلیلی از جمله همفکران وی بوده اند .

آرا و گرایشهای خاص : کریم مجتهدی معتقد است که راسیو نالیسم غربی (اصالت عقل) ریشه در سنت های فلسفه اسلامی دارد و چهره ای که از اواسط قرن سیزدهم میلادی به بعد در غرب ، نفوذ فوق العاده ای در میان اروپاییان پیدا می کند ، این رشد است که اغلب متفکران اروپایی از افکار وی الهام گرفته اند . در این سنت ، عقل یک داده اولیه و ابتدایی نیست بلکه خود عقل مراحل ارتقایی را طی کرده و پیشرفت می کند که بهترین نمونه از این طرز فکر در آثار دکارت و به نحو بارزتری در آثار اسپینوز را می توان یافت .

آثار :

۱ la chute dalamout

۲ آشنایی ایرانیان با فلسفه های جدید غرب

۳ پدیدار شناسی روح بر حسب نظر هگل

ویژگی اثر : این کتاب جنبه تخصصی صرف داشته و محتوای آن از آثار ژان هیپولیت (هگل شناس معروف فرانسوی) اقتباس شده است .

۴ ترجمه مقدمه کربن بو المشاعر ملاصدرا

۵ چند بحث کوتاه فلسفی

ویژگی اثر: در این کتاب راجع به مسائل فلسفی و آراد بزرگان این رشته و ارتباط روانشناسی با منطق صحبت شده است.

۶ درباره هگل و فلسفه او

۷ دونس اسکورتوس و کانت به روایت دیگر

۸ سید جمال الدین اسد آبادی و تفکر جدید

ویژگی اثر: در این کتاب نحوه آشنایی سید جمال الدین اسد آبادی با فرهنگ غربی شرح داده شده و موضوع سیاسی و اجتماعی وی تبیین گشته است.

۹ فلسفه تاریخ

۱۰ فلسفه در قرون وسطی

ویژگی اثر: در این اثر به آرای فلاسفه غرب پرداخته شده و افرادی همانند فارابی، کندی، ابن سینا و غزالی در غرب مطرح شده اند.

۱۱ فلسفه غرب

ویژگی اثر: این کتاب مجموعه مقالات است

۱۲ فلسفه نقادی کانت

ویژگی اثر: این اثر، کتابی در سطح مقدماتی است و مقالات تخصصی نزدی درباره کانت را شامل گردد.

۱۳ مدارس و دانشگاه های اسلامی و غرب در قرون وسطی

ویژگی اثر: این کتاب کارگروهی از اساتید از جمله دکتر مجتهدی است.

۱۴ منطق از نظر گاه هگل

۱۵ نگاهی به فلسفه های جدید و معاصر در جهان غرب

ویژگی اثر: این کتاب مجموعه مقالاتی است که درباره دکارت، اسپینوزا و لایب نیتس که سرد کارتی معروف قرن هجدهم میلادی محسوب می گردند.

بر گرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

منابع زندگینامه:

کریم مجتهدی، تهران: نشر روزگار، انتشارات جهان فرهنگ، ۱۳۸۱، ص ۱۱

مجد الادبا، اسماعیل

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، منشی و خطاط. در زمان تألیف «المآثر و الآثار» (۱۳۰۶ ق)، منشی باشی کل خراسان بود. وی از علوم ادبی و عربی و همچنین علم حساب بهره مند بود و در خط تحریر نیز مهارت داشت.

بر گرفته از کتاب: آثار آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۴/۱۲۵۲)، المآثر و الآثار (۲۲۴).

مجد الاشراف شیرازی، جلال‌الدین محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۰ / ۱۳۳۱ - ۱۲۴۹ / ۱۲۴۳ ق)، عالم دینی، حکیم، عارف، خطاط و شاعر، متخلص به قدسی شیرازی. ملقب به مجد الاشراف و جلال‌الدین. نسبش به سید شریف جرجانی می‌رسد. وی سر سلسله‌ی ذهبیه و متولی امامزاده شاه‌چراغ بود. مقدمات ادبیات عرب، اصول و کلام، حدیث و تفسیر، حکمت و فلسفه و ریاضی را در خدمت پدرش، میرزا ابوالقاسم راز مشهور به میرزا بابا، و میرزا حسن حکیم‌باشی فسایی، صاحب «فارسنامه‌ی ناصری»، و دیگر اساتید فراگرفت. او در برخی از دروس با صاحب تذکره‌ی «مرآت الفصاحه» همشاگردی بود. مجد الاشراف سپس به خراسان رفت و دروس خارج را در مشهد فراگرفت و به تکمیل فلسفه و حکمت در یزد پرداخت. وی همزمان با تحصیل علوم به سیر و سلوک و ریاضات نیز می‌پرداخت. او از خوشنویسانی بود که خطوط سه‌گانه (نسخ، نستعلیق و شکسته) را نیکو می‌نوشت. در شیراز درگذشت و در ایوان شاه‌چراغ به خاک سپرده شد. مریدان وی در مدحش اشعاری سرودند که در «رساله‌ی جلالیه» جمع‌آوری شده است. از آثارش: «تحفه الوجود»، در حکمت و عرفان؛ «تام الحکمه» که دیباچه‌ی «قوائم الانوار و طوابع الاسرار» پدرش، میرزا ابوالقاسم راز شیرازی، می‌باشد؛ «خلاصه‌ی الذهب»، تعریف سلسله‌ی ذهبیه رضویه؛ «فتوتیه»، فارسی و عربی؛ «تاریخ حیات قطب‌الدین شیرازی»؛ «مجلل الانوار» یا «کشکول سلسله‌ی الذهب»؛ «مرآت الکاملین»؛ «وصیت نامه»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار عجم (۴۴۸)، اعیان الشیعه (۴/۲۰۲)، حدیقه الشعراء (۱/۶۵۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۲۰-۳۱۳/۴)، الذریعه (۱۰۷/۲۵، ۲۸۲/۲۰، ۱۷۲/۱۷۳، ۱۷/۱۷۳، ۹۶۰/۳۴۶، ۹/۲۲۷، ۷/۴۸۰، ۳/۳۰۰)، ذهبیه (۴۰۲-۳۸۵)، ریحانه (۱۸۵-۱۸۴/۵)، شرح حال رجال (۶۹-۶۸، ۳۱-۳۰/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۹/۱۳)، طرائق الحقائق (۴۵۷-۴۵۶/۳)، فارسنامه ناصری (۹۴۸-۹۴۷/۲)، مرآت الفصاحه (۴۹۹-۴۹۷)، مؤلفین کتب چاپی (۲۷۷-۲۷۵/۵).

مجد خوافی خراسانی

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۷۳۷ ق)، واعظ، ادیب و شاعر. وی از بزرگان زمان بود که سفرهایی چند به خراسان و کرمان داشت. از جمله آثارش: دیوان «کنز الحکمه»؛ ترجمه‌ی منظومی از «جواهر اللغه» زمخشری؛ «روضه‌ی الخلد»، که تقلیدی از «گلستان» سعدی است، که آن را در ۷۳۳ ق به پایان رسانده و در ۷۳۷ ق در آن تجدیدنظر کرده و انتشار داده است. در «آتشکده‌ی آذر»، این کتاب به قاسمی خوافی نسبت داده شده است که صحیح به نظر می‌رسد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آتشکده‌ی آذر (۱/۳۹۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۳/۱۳۱۹)، تاریخ نظم و نثر (۷۵۸)، الذریعه (۲۹۳/۱۱)، فرهنگ سخنوران (۷۹۹)، لغت نامه (ذیل / مجد خوافی)، هفت اقلیم (۱۷۴-۱۷۳/۲).

مجد دزفولی، مجدالدین

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف قبل از ۱۱۶۵ ق)، عالم دینی، قاضی، ادیب و شاعر. چون دزفول، از توابع شوشتر است او را مجد شوشتری نیز نامیده‌اند. در دزفول نشو و نما یافت و مطالب علمی را نزد علمای حویزه و شوشتر فراگرفت. وی فقه و حدیث را از محضر سید نعمت‌الله جزایری فراگرفت تا به مرتبه کمال رسید. قاضی مجدالدین، قاضی دزفول بود. او بارها به اصفهان سفر کرده و حزین لاهیجی با او ملاقات داشته است. وی چند سال قبل از تألیف «ذکر المعاصرین» حزین لاهیجی (تألیف شده در ۱۱۶۵ ق) از دنیا رفت. از او اشعاری در تذکره‌ها نقل شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۹/۴۵)، تذکره المعاصرین (۲۶۱، ۱۳۸، ۱۳۷-۱۳۸)، الذریعه (۹/۹۶۰)، صبح گلشن (۳۶۲)، فرهنگ سخنوران (۷۹۹).

مجد سرخکتی، مجدالدین محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم ق)، طبیب و شاعر. اصل وی از سرخکت، نزدیک سمرقند، می‌باشد. محمد عوفی خواهرزاده‌ی او بود. مجدالدین از ۵۹۷ ق به دربار قلج طمغاج خان ابراهیم بن حسین، حاکم سمرقند، راه یافت و از اطبای خاص او و ملک‌الاطباء دربار شد. از آثار وی: «تاریخ ترکستان»، در تاریخ ملوک خانیه؛ کتابی در «خواص اشیاء»، که قسمتی از آن در «جوامع الحکایات» عوفی آمده است. در «صبح گلشن» صاحب عنوان تحت نام مجدالدین سرخسی آورده شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۲/۱۰۲۷)، الذریعه (۹/۹۶۱)، صبح گلشن (۳۶۲)، فرهنگ سخنوران (۷۹۹)، لباب الالباب (۳۳۸-۳۳۷، ۳۰۱، ۱۸۱-۱۷۹/۱).

مجد، سهیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی عمومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی و دکترای تخصصی جراحی عمومی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۴، فوق تخصص جراحی سرطان از دانشگاه لندن انگلستان در سال ۱۳۳۸، فوق تخصص جراحی سرطان از دانشگاه نیویورک آمریکا در سال ۱۳۵۱. مرتبه علمی:

دانشیار مؤسسه سرطان ایران از سال ۱۳۴۶، دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران. زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس عوارض جراحی، جراحی دستگاه گوارش و جراحی سرطان اعضاء مختلف در دانشگاه علوم پزشکی تهران، تحقیق در زمینه روشهای بهبود سرطان لب، استاد راهنمای ۴ پایان‌نامه تخصصی. تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۴، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

تقسیم بندی سرطان پستان برای اولین بار و جراحی تومورهای سرطانی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مجدالدین خوافی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم و یازدهم ق)، ادیب و شاعر. وی از ادیبان ساکن هندوستان بوده و به فرمان اکبرشاه (۱۰۱۴-۹۶۳ ق) به تقلید از «گلستان» کتابی به نام «خارستان» در ۱۶ باب نوشته است. عده‌ای از تذکره‌نویسان همچون صاحب «تاریخ نظم و نثر» به تبعیت از «عرفات العاشقین» گفته‌اند که او «روضه الخلد» مجد خوافی، را به نام خود کرده است و صاحب تذکره‌ی «روز روشن» به وضوح کتاب «روضه الخلد» را به مجدالدین نسبت داده است یعنی او را با مجد خوافی یکی دانسته است. در حاشیه «کاروان هند» آمده که کتاب «روضه الخلد» در هند با عنوان «خارستان» چندین بار به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۳۸۳)، تذکره‌ی روز روشن (۷۱۴)، فرهنگ سخنوران (۷۹۹)، کاروان هند (۱۲۱۴-۱۲۱۳/۲)، هفت اقلیم (۱۷۶-۱۷۵/۲).

مجدوب علیشاه همدانی، محمدجعفر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۳۹ ق)، عالم دینی، فقیه، عارف، صوفی و شاعر، متخلص به مجذوب. ملقب به مجذوب علیشاه و معروف به کبو در آهنگی. وی از طایفه‌ی قراگوزلو از طوایف همدان بود. در محضر ملا محمد مهدی نراقی و میرزای قمی تلمذ نمود و فقه و اصول را فراگرفت. او از میرزای قمی اجازه‌ی اجتهاد داشت گرچه هیچ‌گاه به اجتهاد نپرداخت. وی همزمان با تحصیل فقه و اصول به مطالعه‌ی آثار بزرگانی چون: ابن طاوس، خواجه نصیر، ابن فهد حلی، شیخ بهائی، ابن میثم، میرداماد، میرفندرسکی، فیض کاشانی و دیگران که روح عرفانی داشتند می‌پرداخت و اوقات خود را به عبادت و ریاضت می‌گذراند. فضلالی روزگارش او را سلمان زمان می‌خواندند و ملا حسنقلی همدانی، قطب عرفای روحانی او را بسیار می‌ستوده است. در تبریز در گذشت و در نزدیکی مقبره‌ی سید حمزه دفن شد. از آثارش: «اثبات النبوة الخاصة»، به فارسی؛ «مرآة الحق»، تحقیقی در تصوف، حلول، اتحاد و تناسخ؛ «مراحل السالکین»؛ شرح «دعاء الامیر (ع)»؛ «الاعتقادات»؛ حواشی بر «کفایة» محقق سبزواری و «مدارک» و «شرح لمعه»؛ «دیوان» شعر. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۹۵، ۲۷۰-۲۶۸ / ۲۰، ۲۴۷، ۱۳ / ۹۶۴، ۹ / ۱۰۱، ۱ / ۱)، ریاض العارفین (۳۰۴-۳۰۲)، ریحانه (۱۸۹-۱۸۸ / ۵)، سرآمدان فرهنگ (۲۷۷ / ۱)، شرح حال رجال (۳ / ۳۲۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۵۹-۲۵۸ / ۱۳)، فرهنگ سخنوران (۸۰۱)، لغت نامه (ذیل / مجذوب همدانی)، مجمع الفصحا (۹۴۴-۹۴۳ / ۵)، معجم المؤلفین (۱۵۲ / ۹)، مکارم الآثار (۱۰۶۰-۱۰۵۹ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۳۲۵-۳۲۴ / ۲).

مجلسی

قرن: ۱۱

جنسیت: زن

ملیت: ایران

قرن یازدهم و (احتمالاً) دوازدهم هجری، از زنان محدث و فقیه. وی نوه علامه مجلسی اول (ملا محمد تقی) و برادرزاده مجلسی دوم (ملا-محمدباقر) بوده است. این بانو در خاندان علم و فضیلت و تقوا پرورش یافت و فقه و حدیث را نیز فراگرفت. مولف ریحانة‌الادب، او را «از ارباب کمال بلکه در عداد علماء معدود و (صاحب) رساله‌های متعدد در مسائل فقهیه» دانسته و یک حاشیه بر کتاب من لا یحضره الفقیه به او نسبت داده است.

به نوشته آقا احمد بهبهانی، وی مانند خواهرش بلا ولد (بدون فرزند) از دنیا رفت. برخی مقبره‌ای را که در بقعه علامه مجلسی به آمنه بیگم منسوب است و اشعاری بر روی آن حکاکی شده بود متعلق به وی یا زینب بیگم، دختر مولی محمد سعید اشرف می‌دانند نه از آمنه بیگم.

بر گرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منابع: اعیان‌الشیعه، ۶۰۷ / ۳؛ تذکره‌القبور، ۲۹ دایرة‌المعارف تشیع، ۴۲۴ / ۳؛ دست نوشته‌های علی دوانی (پدر نگارنده) ریاحین‌الشریعه، ۲۲۵ / ۴؛ ریحانة‌الادب، ۲۶۲ / ۶؛ النساء‌المومنات، ۲۶۸؛ مرآت‌الاحوال جهان‌نما، ۷۱.

مجلسی، آمنه بیگم

قرن: ۱۲

جنسیت: زن

ملیت: ایران

(س یازدهم و دوازدهم ق)، عالم، محدث و فقیه. وی بزرگ‌ترین دختر از چهار دختر ملا محمد تقی مجلسی و خواهر ملا محمدباقر مجلسی بود. آمنه بیگم هم صاحب جمال بود و هم نمونه کمال. از آنجا که در خانواده‌ای عالم و فاضل پرورش یافته بود و مدارج ترقی را تا درجه‌ی اجتهاد به سرعت پیمود. با ملا محمد صالح مازندرانی وصلت کرد. میرزا عبدالله افندی در «ریاض العلماء» نقل می‌کند که شنیده‌ایم همسرش با همه‌ی فضل و دانشی که دارد از او استفسار می‌کند. «از آن جمله در حل مشکلات «قواعد الاحکام» علامه حلی با شوهرش همکاری داشت. در «ریاحین الشریعه» به استناد یک نسخه‌ی خطی «ریاض العلماء» دو اثر به آمنه بیگم نسبت می‌دهد: «شرح الفیه ابن مالک» و «شرح شواهد سیوطی» که در ریحانه نیز به این دو کتاب اشاره شده است. مؤلف «ریاض الجنه» نیز می‌نویسد که وی کتابی بسیار خوب در فقه، تا باب عبادت، تألیف کرده است؛ علاوه بر این در گردآوری اخبار بعضی از مجلدات «بحار الانوار» به برادرش نیز کمک می‌کرده است. وی مادر فرزندان عالمی است که از خاندان آنها تاکنون دهها مجتهد مرجع تقلید و دانشمند بلند آوازه‌ی دینی برخاسته است. تاریخ فوت آمنه بیگم مشخص نیست. به نوشته‌ی مؤلف «ریحانه» مرقد وی در تخت فولاد اصفهان است، ولی برخی احتمال می‌دهند که یکی از قبرهای واقع در بقعه‌ی علامه مجلسی که اشعاری هم بر روی آن نوشته شده متعلق به آمنه بیگم است. در برخی منابع نام او آمنه خاتون آمده.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۶۰۷/ ۳، ۹۵/ ۲)، تذکره القبور (۲۸- ۲۷)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۸۷- ۱۸۶/ ۱)، ریاحین الشریعه (۳/ ۳۲۹)، ریاض العلماء (۴۰۷/ ۵)، ریحانه (۳۶۶- ۳۶۵/ ۸، ۱۴۸/ ۵)، فوائد الرضویه (۵۴۴- ۵۴۳)، قصص العلماء (۲۲۸)، مرآت الاحوال جهان‌نما (۱۲۹- ۱۲۸/ ۱)، مستدرکات الاعیان (۴/ ۸)، مشاهیر زنان (۹- ۸).

مجلسی، محمدباقر

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۱۱۱ / ۱۱۱۰ - ۱۰۳۸ / ۱۰۳۷ ق)، عالم دینی، فقیه، محدث، متکلم و شاعر، متخلص به مشتاق. مشهور به علامه مجلسی. شیخ الاسلام اصفهان بود. وی از دانشمندان بزرگ و اخیر حکومت صفوی است که با پشتکار فوق‌العاده و تصنیف و تألیف کتب و تدریس علوم اسلامی و تربیت شاگردان بسیار، بزرگترین خدمات را به جامعه اسلامی عرضه نمود. ملا محمدباقر در آخرین سال سلطنت شاه عباس و در عصر مرجعیت میر داماد در اصفهان به دنیا آمد. او دروه‌ی چهار تن از سلاطین صفوی: شاه صفی، شاه عباس دوم، شاه سلیمان و شاه سلطان حسین را درک نموده است. نسبش از جانب پدر به حافظ ابونعیم اصفهانی می‌رسد و جد مادریش کمال‌الدین درویش محمد عاملی اصفهانی است. او بیشتر تحصیلاتش را در حوزه‌ی پدرش، علامه مجلسی اول، گذراند و بارها از وی اجازه گرفت و در علوم معقول و منقول از محضر استادانی چون ملا حسنعلی شوشتری و آقا حسین محقق خوانساری و میرزا رفیع‌الدین محمد طباطبایی نایینی و ملا محمد شریف رویدشتی اصفهانی و شیخ عبدالله بن جابر عاملی و شیخ علی بن شیخ محمد بن حسن بن شهید ثانی و میر محمد قاسم طباطبایی قهپایی و ملا محسن فیض کاشانی و ملا محمد صالح مازندرانی و میر شرف‌الدین علی شولستانی و سید محمد مشهور به سید میرزا جزایری و میر فیض‌الله طباطبایی قهپایی و میر محمد مؤمن استرآبادی و ملا محمد محسن استرآبادی و سید نورالدین علی عاملی و ملا محمد طاهر قمی و ملا خلیل قزوینی و سید علی خان شیرازی و شیخ حر عاملی استفاده نمود و از جانب آنها به دریافت اجازه نایل شد. او جامع معقول و منقول و در فقه و تفسیر و حدیث و درایه و رجال و اصول فقه و کلام و دیگر علوم دینی متبحر بود. میرزا عبدالله اصفهانی، صاحب «ریاض العلماء» و سید نعمت‌الله جزایری و

میر محمد صالح خاتون آبادی و ملا ابوالحسن شریف عاملی فتونی و ملا محمد بن علی اردبیلی و ملا محمد سراب تنکابنی و میر محمد حسین خاتون آبادی و ملا رفیعا گیلانی و سید ابوالقاسم خوانساری و میرزا علاءالدین محمد گلستانه و مولانا جمشید گسگری و ملا محمد قاسم بن محمدرضا هزار جریبی و سلطان محمود طبسی و میر ابوطالب فندرسکی و شیخ احمد بن محمد بن یوسف بحرانی و ملا ابراهیم گیلانی و ملا محمد فاضل مشهدی و بسیاری دیگر از بزرگان در محضرش تلمذ نمودند و از حوزه‌ی درسش بهره بردند. شاگردان مسلم او را متجاوز از دویست نفر می‌دانند. صاحب «ریاض العلماء» آنها را در حدود یکهزار نفر و سید نعمت‌الله جزایری آنان را بیش از هزار نفر می‌داند. او در اصفهان در گذشت و در جنب جامع عتیق، در بقعه‌ی پدرش، ملا محمد تقی مجلسی، به خاک سپرده شد. گفته شده که آثار او تنها به فارسی در حدود پنجاه تألیف و تصنیف است. از آثارش: «بحار الانوار»، جامع‌ترین کتاب حدیث، در یکصد و ده مجلد؛ «مرآة العقول»، در شرح اخبار آل رسول (ع)، شرح «اصول، فروع و روضه‌ی کافی»؛ «ملاذ الاخیار فی شرح التهذیب الاخبار»، حاشیه بر «تهذیب الاحکام» شیخ طوسی؛ «الفوائد الطریفه فی شرح الصحیفه»؛ «الوجیزه»، در رجال؛ «زاد المعاد»؛ «تحفه الزائر»؛ «حق یقین»؛ «عین الحیاة»، در شرح وصایا و مواعظ پیامبر (ص) به ابوذر و مختصر آن، در سه هزار سطر؛ «مشکاة الانوار»، در فضیلت قرائت قرآن؛ «اختیارات الایام و الساعات»؛ «مفاتیح الغیب فی الاستخاره»؛ «حیات القلوب»؛ رساله‌ی «الاعتقادات»؛ «آداب الحج»؛ «الاربعون حدیثا»؛ «الاجازات»؛ «جلاء العیون»؛ «تفسیر آیة النور»؛ «میزان المقادیر»؛ حاشیه بر «امل الامل»؛ «حلیة المتقین»؛ شرح «دعاء جوشن کبیر»؛ ترجمه‌ی «الزیارة الجامعة»؛ «صراط النجاة»؛ شرح «الاسماء الحسنی»؛ «مقیاس المصابیح» [۱].

ملا محمد باقر، فرزند ملا محمد تقی مجلسی (م.ه) از اجله‌ی علمای شیعه‌ی عهد صفویه است که به سال ۱۰۳۷ هجری قمری (یک سال قبل از مرگ شاه عباس کبیر) متولد و در روز بیست و هفت رمضان سال ۱۱۱۰ و یا ۱۱۱۱ هجری قمری وفات یافته است. و در جامع عتیق اصفهان مدفون است. تعداد تألیفات وی از شصت مجلد متجاوز است و بحار الانوار فی اخبار الائمه الاطهار از همه معروفتر است. این کتاب به زبان عربی نوشته شده و شامل ۲۶ جلد می‌باشد و متضمن اخبار و احادیث متنوع می‌باشد. عین الحیات (مشمول بر مواعظ راجع به ترک دنیا) - مشکوة الانوار - حلیة المتقین (در اخلاق و اعمال) - حیوة القلوب - تحفه الزائر - جلاء العیون - مقیاس المصابیح در تعقیبات نمازهای یومیه - ربیع الاسابع - زاد المعاد - حق یقین را به زبان فارسی تحریر کرد و به علاوه رسالات کوچک بسیار از او باقی است؛ مجلسی دوم، مجلسی پسر.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه [۱] الاعلام (۶/۲۷۳)، اعیان الشیعه (۱۸۴-۱۸۲/۹)، ایضاح المکنون (۵۲۱، ۴۶۰، ۲۸۴، ۲/۲۰۷، ۶۰۷، ۵۴۸، ۴۲۱، ۴۱۰، ۳۹۹، ۳۷۴، ۳۶۳، ۲۴۹، ۱/۱۶۳)، بحار الانوار (۶۷-۳۷/۰)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۶۳، ۲۵۸، ۴/۲۵۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۳/۵)، تذکره العلماء (۱۶۴-۱۵۹)، تذکره القبور (۱۶۴-۱۶۲)، تذکره المعاصرین (۳۲۱)، تلامذة العلامة المجلسی، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (۵۸، ۵۱، ۴۹/۲)، خدمات متقابل اسلام و ایران (۴۷۴، ۴۷۳)، الذریعه (۴۷/۲۵، ۳۲۰، ۳۱۸-۲۳/۱۹۲-۱۹۱/۲۲، ۳۰۴، ۵۴/۲۱، ۲۸۰، ۲۷۹-۲۰/۳۴۷، ۱۶/۱۷۶، ۳۷۰، ۹۵، ۳۸، ۳۷/۱۵، ۲۴۷، ۱۵۶، ۱۳/۹۰، ۱۲/۱۱، ۱۰/۷۵، ۸/۱۹۳)، ۱۲۲-۱۲۱، ۸۳، ۷/۴۰، ۱۸۱، ۵۱، ۶/۲۵، ۲۸۷، ۲۰۲، ۱۸۷، ۱۲۵-۱۲۴/۵، ۵۰۵، ۴۷۷، ۳۵۸، ۴/۸۳، ۴۳۸، ۲۷، ۱۶-۳/۴۸۰، ۴۷۹، ۲/۲۲۴، ۴۱۲، ۴۱۱، ۳۶۷، ۱۲۴، ۸۸، ۱۹، ۱۶، ۱۵/۱۴، ۱، روضات الجنات (۹۱-۷۶/۲)، ریاض العلماء (۴۵۰-۳۹/۵)، ریحانه (۱۹۷-۱۹۱/۵)، سبک شناسی (۳۰۴-۳۰۳/۳)، صحیح گلشن (۴۱۳-۴۱۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۵/۱۲)، فرهنگ سخنوران (۸۴۴، ۸۰۲، ۱۱۷)، فوائد الرضویه (۴۱۸-۴۱۰)، قصص العلماء (۲۲۸-۲۰۴)، الکنی و الالقاب (۱۵۰-۱۴۷/۳)، لغت نامه (ذیل / مجلسی)، معجم المؤلفین (۹۱/۹)، مفاخر اسلام (جلد هشتم)، منتخب التواریخ (۶۷۲-۶۷۰)، مؤلفین کتب چاپی (۴۲-۲۳/۲)، وقایع السنین و الاعوام (۵۵۱، ۵۰۸)، هدیة العارفین (۳۰۷-۳۰۶/۲).

مجلسی، محمدتقی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۰۷۰ - ۱۰۰۴/۱۰۰۳ ق)، عالم دینی، فقیه، محدث، رجالی، عابد و زاهد. نسبش به حافظ ابونعیم اصفهانی، صاحب «حلیه الاولیاء» می‌رسد. اصلش به آورده‌ی «روضه الصفا» از دارالمرز رشت، و به گفته‌ی معلم حبیب آبادی در «مکارم الآثار» از قریه مجلس از روستاهای جبل عامل است و از آنجا که تخلص شعری پدرش، مقصود علی، مجلسی بوده این سلسله به مجلسی معروف گشته‌اند. ملا محمدتقی در اصفهان به دنیا آمد. مادرش دختر درویش محمد نظری اصفهانی می‌باشد. وی در فقه و تفسیر و حدیث و رجال متبحر و در عبادات و عرفان پیرو استاد خود ملا عبدالله شوشتری بود. او نخستین کسی است که بعد از ظهور دولت صفویه به نشر احادیث شیعه پرداخت. در محضر شیخ بهائی و ملا عبدالله شوشتری و پسرش ملا حسنعلی شوشتری و میر شرف‌الدین علی شولستانی نجفی تلمذ نمود و به دریافت اجازه نایل شد. ملا محمدتقی از محقق کرکی، مشهور به محقق ثانی، و ملا عبدالله شوشتری و شیخ بهائی روایت کرده است. میر فندرسکی و قاضی معزالدین محمد اصفهانی و شیخ یونس جزایری و قاضی ابوالشرف و شیخ عبدالله بن شیخ ابوالبرکات و ملا محمدقاسم، دایی اش، به آورده‌ی «تذکره القبور»، از دیگر مشایخ وی می‌باشند. فرزندش، ملا محمدباقر مجلسی، و آقا حسین محقق خوانساری و میر عبدالحسین خاتون آبادی اصفهانی از شاگردان وی بودند. شیخ عبدالله بن جابر عاملی از او روایت می‌کند. در اصفهان درگذشت و در جنب جامع عتیق دفن شد. مقبره‌ی وی به سر قبر آخوند معروف است. از آثار وی: «روضه المتقین»، در شرح «من لا یحضره الفقیه»، که آن را به امر شاه عباس به فارسی شرح کرد و «اللوامع القدسیه» یا «لوامع صاحبقرانی» نامید؛ «حدیقه المتقین فی معرفه احکام الدین لارتقاء معارج الیقین»؛ «احیاء الاحادیث فی شرح تهذیب الحدیث»، که همان شرح «تهذیب» شیخ طوسی است؛ «تفسیر» فارسی؛ «مناسک الحج»؛ «الاربعون حدیثاً»، که در آن به ذکر مشایخ خود پرداخته است؛ شرح بر «صحیفه‌ی سجادیه»، به عربی و فارسی؛ حاشیه بر «نقد الرجال»؛ «طبقات الرواه»؛ شرح «خطبه همام»؛ حاشیه بر «اصول کافی» [۱].

ملا محمدتقی، فرزند مقصود علی اصفهانی (ف. ۱۰۷۰ ه. ق) از متبحران علمای شیعه‌ی اثنی عشری است که احادیث و اخبار شیعه‌ی امامیه را جمع‌آوری کرده است. وی از شاگردان شیخ بهائی (م. ه) است. و در جامع عتیق اصفهان مدفون است. ملا محمدتقی در زمان شاه عباس کبیر می‌زیسته و پدر ملا محمدباقر مجلسی (م. ه) می‌باشد. تعداد تألیفاتش متجاوز از ۱۰ مجلد، مجلسی اول، مجلسی پدر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان الشیعه (۱۹۳- ۱۹۲/۹)، تذکره العلماء (۱۶۷- ۱۶۴)، تذکره القبور (۲۲۱- ۲۱۹)، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (۲۱۷- ۲۱۲/۲)، الذریعه (۲۲/۲۵۸)، ۳۷۰- ۳۶۹، ۱۸/۳۶۸، ۱۴۹، ۱۵/۱۴۸- ۶۷، ۱۴/۶۶- ۶۷، ۳۰۵، ۳۰۴، ۱۳/۲۲۶، ۳۰۲- ۱۹۰، ۱۱/۲۲۷، ۶/۱۴۵، ۳۸۹، ۴۱۳، ۱/۳۰۷، ۱/۱۱۹- ۲/۱۱۴)، روضات الجنات (۱۱۹- ۲/۱۱۴)، روضه الصفا (۸/۵۸۵)، ریاض العلماء (۵/۴۷)، ریحانه (۲۰۱- ۱۹۸/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۲- ۱۰۱/۱۱)، فوائد الرضویه (۴۴۶- ۴۳۹)، قصص العلماء (۲۲۸- ۲۱۴)، الکنی و الالقاب (۱۵۲- ۳/۱۵۰)، مفاخر اسلام (۴۴- ۸/۲۸)، معجم رجال الفكر و الادب فی النجف (۱۱۵۳- ۳/۱۱۵۲)، معجم المؤلفین (۹/۱۳۷)، هدیه الاحباب (۲۳۳- ۲۳۲).

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی بن عباس مجوسی اهوازی بزرگترین طبیب عالم اسلامی بعد از رازی است. وی طبیب عضدالدوله‌ی دیلمی و شاگرد پزشک بزرگ ایرانی ابوماهر موسی بن سیار قمی بوده است. چون دین زرتشتی داشت وی را مجوسی گفته‌اند. کتاب مشهور او کامل الصناعه فی الطب معروف به الطب الملکی و کناش عضدی است که چند بار به چاپ رسیده است. این کتاب پیش از قانون ابوعلی سینا کاملترین کتاب در فن طب شمرده می‌شد. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

مجیدی فیاض، علی اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اکبر مجیدی فیاض فرزند سید عبدالمجید به سال ۱۲۷۷ ه. ش در مشهد متولد گردید. وی پس از طی نمودن مراحل مقدماتی تحصیل، در سال ۱۳۰۷ ه. ش به خدمات فرهنگی مشغول شد که از جمله همکاری در تاسیس دانشسرای مقدماتی مشهد، و به عهده گرفتن ریاست آن بود. دکتر مجیدی فیاض در سال ۱۳۲۲ درجه دکترای زبان و ادبیات فارسی را از دانشگاه تهران احراز کرد، و به استادی دانشکده‌ی علوم معقول و منقول برگزیده شد. او در دوره‌های دوازدهم و سیزدهم نمایندگی مردم مشهد را در مجلس شورای ملی برعهده داشت ولی پس از دوره اخیر، یکسره به مطالعه و تحقیق و تدریس پرداخت. در سال ۱۳۲۴ ه. ش از طرف وزارت فرهنگ ماموریت یافت تا دانشکده ادبیات مشهد را تاسیس کند. وی قریب نه سال ریاست این دانشکده را برعهده داشت. همچنین در پایه‌گذاری و تکمیل کتابخانه‌ی آن کوشید. چندسال نیز دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه مشهد را سرپرستی کرد. از سال ۱۳۴۳ ه. ش به دانشگاه تهران برگشت، و در سال ۱۳۴۶ ه. ش بازنشسته شد. در بهمن سال ۱۳۴۹ ه. ش دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد جهت تدریس در این دانشکده از وی دعوت به عمل آورد، اما دیری نگذشت که در روز پنجشنبه چهارم شهریور ماه ۱۳۵۰ ه. ش دار فانی را وداع گفت و به دیدار حق شتافت.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب: علی اکبر مجیدی فیاض در خانواده‌ای از سادات و روحانیون مشهد دنیا آمد پدرش سید عبدالمجید ثقه الاسلام از مجتهدان و فضیلتی روزگار خود بود و مردی محترم، تربیت خانوادگی در پرورش وی مؤثر افتاد. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: علی اکبر مجید فیاض از همان کودکی به آموختن قرآن و مقدمات زبان عربی پرداخت. و از تعالیم پدر بهره‌ها برد.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: علی اکبر مجیدی فیاض علوم قدیمه را در مدارس مشهد آموخت و در علوم معقول و منقول و ادبیات فارسی و عربی تبحر یافت. بجای پدر بعنوان خادم باشی کشیک اول در آستان قدس رضوی منصوب گردید. او به سال ۱۳۱۶ ه. ش به تهران آمد و با آن که مردی پخته و درس کمال بود و معلومات فراوان اندخته، دوره‌های ابتدایی و متوسطه را در مشهد و تهران امتحان داد و وارد دانشگاه تهران شد.

زمان و علت فوت : علی اکبر مجیدی فیاض روز پنجشنبه چهارم شهریور ماه ۱۳۵۰ ه.ش در مشهد در گذشت و در آستان قدس رضوی به خاک سپرده شد .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی اکبر مجیدی فیاض در ایجاد «دانشسرای مقدماتی» در مشهد ۱۳۱۴ ه.ش، تاثیر داشت و نخستین رئیس آن موسسه بود. در کتابخانه دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی چندی به کتابداری اشتغال داشت . در دوره های دوازدهم و سیزدهم نیز نمایندگی مردم مشهد را در مجلس شورای ملی برعهده داشت ولی پس از دوره اخیر یکسر به مطالعه و تحقیق و تدریس پرداخت . به مدت قریب نه سال ریاست دانشکده ادبیات مشهد را برعهده داشت در ضمن پایه گذاری و تکمیل کتابخانه آن دانشکده کوشید .

فعالیت‌های آموزشی : علی اکبر مجیدی فیاض در سال ۱۳۰۷ ه.ش به عنوان فیاض به خدمات فرهنگی مشغول شد . ریاست دبیرستان شاهرضای مشهد به وی تفویض شد . بعد ها به تدریس در دانشگاه پرداخت و استاد ملل و نحل در دانشکده علوم معقول و منقول برگزیده شد . در برخی این سالها ، در دانشکده ادبیات مشهد تاریخ ادبیات فارسی ، تاریخ تمدن، و تاریخ ایران بعد از اسلام را تدریس می کرد . چند سال نیز دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه مشهد را - که خود در تاسیس آن همکاری داشت - علاوه بر دانشکده ادبیات سرپرستی می نمود . از سال ۱۳۴۳ ه.ش به دانشگاه تهران برگشت و به مدیریت گروه ادیان و مذاهب در دانشکده الهیات و معارف اسلامی انتخاب شد تا این که در سال ۱۳۴۶ ه.ش به افتخار بازنشستگی رسید و در مشهد اقامت گزید ، از بهمن ۱۳۴۹ دعوت دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد را پذیرفت و در رشته فوق لیسانس زبان و ادبیات فارسی ، سیر عقاید و آراء . اسلامی متون نثر فارسی را تدریس فرمود ، با بعضی از دوستان خویش خاصه مرحوم دکتر قاسم غنی در تصحیح تاریخ بیهقی و تالیف تاریخ عصر حافظ مشارکت و همقدمی داشت .

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : علی اکبر مجیدی فیاض در سال ۱۳۳۴ ه.ش از طرف وزارت فرهنگ ماموریت یافت دانشکده ادبیات مشهد را تاسیس کند .

منابع زندگینامه : رحمت الله ابریشمی ، کار نامه بزرگداشت بزرگان علم و ادب ایران ، ص ۲۴۸

مجیدی، غلامحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غلامحسین مجیدی

محل تولد : خوانسار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۳/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب غلامحسین مجیدی در سال ۱۳۴۶ در شهرستان خوانسار متولد شدم. از سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه ولی عصر (ع) آن شهرستان گردیدم که دروس سطح را تا ابتدا درس خارج در آن شهرستان با استادانی همچون تقدیری و رفیعان گذرانده و در عرض تحصیل در آن حوزه مشغول به تدریس دروس مقدماتی گردیدم و از سال ۱۳۷۱ وارد حوزه علمیه شهر مقدس قم

گردیدم و در درس خارج حضرت آیه الله فاضل و مکارم شیرازی شرکت کرده و از سال ۱۳۷۵ ادامه تحصیل را با درس فقه میرزا جواد تبریزی (ره) و اصول حضرت آیه الله وحید ادامه دادم و در عرض تحصیل به تحقیق کتاب اشتغال یافتم که ابتدا در تاریخ ۱۳۷۳ کار تحقیق را با مؤسسه دار الحدیث شروع نمودم. که با همکاری گروهی چندین اثر به چاپ رسیده و نیز چندین اثر بطور مستقل از بنده به چاپ رسیده که یکی از آنها در سال ۱۳۸۲ کتاب سال ولایت شمرده شد. در ادامه همکاری با دار الحدیث اکنون مدیر گروه حکمتنامه ها و فرهنگنامه های این مؤسسه می باشم که تاکنون چندین حکمتنامه و فرهنگنامه از این گروه به چاپ رسیده است. مثل، حکمتنامه بسیج حکمتنامه، کودک حکمتنامه جوان- و غیره...

مجیدی، فربرز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فربرز مجیدی در تیر ماه ۱۳۱۹ در شهر مشهد متولد شد. وی پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی از دانشگاه ابوریحان بیرونی تهران، همه وقت خود را یکسره صرف تحقیق و ترجمه کرد. در کارنامه وی، ترجمه ۱۴ اثر به تنهایی و ۱۲ ترجمه مشترک نیز به چشم می خورد. از دیگر فعالیت های وی می توان به سرپرستی و همکاری بخش هایی از مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی و فرهنگستان هنر و ... اشاره کرد. کتاب "زیبایی شناسی و ذهنیت: از کانت تا نیچه" ترجمه فربرز مجیدی، در سال ۱۳۸۶ از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: ترجمه

تحصیلات رسمی و حرفه ای: فربرز مجیدی سه سال از دوره ابتدایی را در مشهد گذراند و در ۱۳۲۷ همراه خانواده به تهران مهاجرت کرد و بقیه تحصیلاتش را در تهران ادامه داد. او در سال ۱۳۳۶ دوره متوسطه را در دبیرستان علمیه در رشته ادبی به پایان رساند و در سال ۱۳۳۸ به دانشسرای عالی وارد و در رشته فلسفه و علوم تربیتی به تحصیل مشغول شد. او در سال ۱۳۵۶ با استفاده از بورس تحصیلی، دوره کارشناسی ارشد خود را در رشته مدیریت آموزشی در دانشگاه ابوریحان بیرونی تهران گذراند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: فربرز مجیدی در سال ۱۳۵۶ با استفاده از بورس تحصیلی، دوره کارشناسی ارشد خود را در رشته مدیریت آموزشی در دانشگاه ابوریحان بیرونی تهران گذراند و از آن پس همه وقت خود را یکسره صرف تحقیق و ترجمه کرد. در کارنامه وی، ترجمه ۱۴ اثر به تنهایی و ۱۲ ترجمه مشترک نیز به چشم می خورد. علاوه بر اینها، دهها کتاب و صدها مقاله را ویرایش کرده است و از سال ۱۳۶۴ تاکنون با مراکز فرهنگی متعددی همکاری داشته و در برخی از آنها سرپرستی بخش هایی برعهده وی بوده که عبارتند از؛ شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، شرکت دانش گستر، سازمان مطالعه و تدوین (سمت)، فرهنگستان هنر. مجیدید، همکاری خود را با تعدادی از این مراکز ادامه داده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: فربرز مجیدی در کنار کار تحریر و ترجمه به مطالعه کتابهایی همچون فلسفه هنر، رمان، شعر شاعرانی مثل نیما، شاملو، اخوان، فروغ و از شاعرای کهن هم حافظ، سعدی و... علاقه دارد.

آرا و گرایشهای خاص: فریبرز مجیدی در باره ارتباط هنر و زیبایی چنین اظهار نظر می کند: تولستوی در کتاب هنر چیست، هنر را خلق زیبایی تعریف می کند. زیبایی قائم به ذات نیست و برای هر جماعتی متفاوت و نسبی است. هنر هم قائم به ذات نیست و در هر دوره و عصری، معنای خاص خود را دارد. نقاشی درون غار در دوران اولیه یک هنر محسوب می شود اما اگر پیکاسو آن را انجام می داد، دیگر یک هنرمند نبود. هنر پیکاسو مثل زیبایی، وابسته به شرایط اجتماعی و محیطی در دوران تاریخی است

جوایز و نشانها: کتاب "زیبایی شناسی و ذهنیت: از کانت تا نیچه" ترجمه فریبرز مجیدی، در سال ۱۳۸۶ از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار: بیشتر آثاری را که مجیدی از زبان انگلیسی به فارسی برگردانده به فلسفه، مسایل مختلف اجتماعی و جامعه شناسی شناخت مربوط می شوند؛ البته در این میان آثاری در زمینه ادبیات (رمان، نمایشنامه و داستانهای کوتاه) نیز ترجمه کرده، اما این کارها بیشتر جنبه تفنن داشته اند. تعدادی از مهم ترین کارهایی که فریبرز مجیدی به صورت مشترک و با همکاری مترجمان دیگر انجام داده است بدین قرارند؛ فرهنگ اندیشه نو (۱۳۶۹)؛ زندگینامه علمی دانشوران (از ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۵)؛ آفرینندگان جهان نو (۱۳۷۲)؛ فرهنگ علوم اجتماعی (۱۳۷۶)؛ جهان پیش از تاریخ از دیدگاهی نو (۱۳۷۹)؛ دایره المعارف دانش بشر (۱۳۸۱)؛ برای قرن بیست و یکم: گفت و گوی دو فرزانه (۱۳۸۱)؛ ۳۲ هزار سال تاریخها (۱۳۸۲)؛ دایره المعارف دموکراسی (۳ جلد، ۱۳۸۱)؛ دایره المعارف ناسیونالیسم (۲ جلد، ۱۳۸۳)؛ فرهنگ ادیان جهان (۱۳۸۵).

آثار:

۱ ایدئولوژی و اوتوپیا

ویژگی اثر: ترجمه، (۱۳۵۵)؛ ویراست دوم، (۱۳۸۰)

۲ تکامل فرهنگ

ویژگی اثر: ترجمه، ۱۳۷۹

۳ دموکراسی

ویژگی اثر: ترجمه، ۱۳۷۴

۴ روح آیین پروتستان

ویژگی اثر: ترجمه، ۱۳۸۲

۵ زندگینامه استوارت میل

ویژگی اثر: ترجمه، ۱۳۸۰

۶ زیبایی شناسی و ذهنیت: از کانت تا نیچه

ویژگی اثر: ترجمه، ۱۳۸۵. این کتاب در سال ۱۳۸۶، از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شده است.

۷ ساخت اجتماعی واقعیت

ویژگی اثر: ترجمه، ۱۳۷۵

۸ طرحی کوتاه از تاریخ فلسفه

ویژگی اثر: ترجمه، ۱۳۴۹

۹ فرهنگ تلفظ نامهای خاص

ویژگی اثر: (حاوی ۶۰ هزار مدخل) کتابی است که برای راهنمایی پژوهشگران، مترجمان به منظور تلفظ و ثبت صحیح نام‌های خاص (با تلفظ ۳۰ ملیت) تالیف کرده که در سال ۱۳۸۱ به همت بنگاه انتشارات فرهنگ معاصر به چاپ رسیده است.

۱۰ فلسفه در عمل

ویژگی اثر: ترجمه، ۱۳۸۲ چاپ پنجم ۱۳۸۵

۱۱ مار و روباه: مقدمه‌ای بر منطق

ویژگی اثر: ترجمه، ۱۳۸۵

۱۲ مفهوم ایدئولوژی

ویژگی اثر: ترجمه، ۱۳۸۰

۱۳ مونا‌شناسی

ویژگی اثر: ترجمه، ۱۳۷۰

مجیدی آهی، هرمز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زنان و مامائی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی از دانشگاه فریدریک ویلهلم آلمان غربی (بن) در سال ۱۳۳۷، دکترای تخصصی امراض داخلی از دانشگاه برلن غربی در سال ۱۳۴۴، فوق تخصص آنزیم‌شناسی بیماریهای خون از دانشگاه وین اتریش در سال ۱۳۵۴.

مرتبه علمی:

استادیار بیمارستان دانشگاهی برلن غربی از سال ۱۳۳۴ تا سال ۱۳۴۵، استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۴۶ تا سال ۱۳۵۰، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۵۰ تا سال ۱۳۵۵، استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۵۵ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بهداشت زنان و کودکان قالی باف در استان خراسان، اثر قلب و عروقی داروهای روانگرا، ایزوآنزیم HDL در بیماریهای خونی و سرطانی، بلوغ در دختران ایرانی، شیوع کانسر ریه در زنان ایرانی، بررسی آمیلوئیدوز، استئومالاسی، در خانم‌های ایرانی، شیوع سل در مبتلایان به دیابت و درمان آن، ITP و جنس، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۲۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

استفاده از آنزیم‌ها در تشخیص بیماریها، بررسی سه هزار بیمار بیمارستانی در مجتمع بیمارستانی امام خمینی، ITP و جنس به صورت دفترچه به زبان فارسی و انگلیسی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۴، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

آنزیم‌شناسی در بیماریهای خونی و سرطانی، کیست هیداتیک، فسفولپیدها در انفارکتوس میوکارد، اثر قلب و عروق داروهای ضد افسردگی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

محبت، محمد جواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد جواد محبت متولد ۱۳۲۱ و در کرمانشاه است. وی از شاعران فعال پیش از ۵۷ محسوب می‌شود محمد جواد محبت، از فرهیختگان معاصر ایران است. او در زمینه زبان و ادبیات فارسی فعالیت می‌کند. وی یکی از چهار شاعری است که جایزه شعر فروغ به او اختصاص یافته است. از او آثار متعددی به چاپ رسیده است که حاوی نکات عمیق ادبی می‌باشند.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: شعر

فعالتهای ضمن تحصیل: مهمترین فعالیت ضمن تحصیل محمد جواد محبت، شعر و شاعری بود. طوری که او شعر سرودن را مهمترین فعالیت خود نموده بود. وی در این راستا غزل عاشقانه نیز سروده است. محبت به زبان کردی نیز شعر می‌سراید. وقایع میانسالی: مهمترین واقعه این دوران، این است که کارهای محمد جواد محبت، به ویژه غزل‌های دهه پنجاه ایشان در مجله روشنفکر به چاپ رسیده است.

فعالتهای آموزشی: مهمترین فعالیت آموزشی محود جواد محبت، شعر و شاعری است. طوریکه برای شاعران دهه چهل و پنجاه شعرهای اجتماعی و سیاسی او که بارگه‌های مشخص عاطفی زبانی خاص برای خود داشت، آشنا می‌باشد. مثلاً در مجله خوشه و دریچه تهران مصور نمونه‌هایی از کارهای وی به یادگار مانده است.

سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: محمد جواد محبت شعری در مورد پرسش مهربان که مورد توجه اهل فن قرار گرفته است.

همفکران فرد: یکی از همفکران محمد جواد محبت، جلال آل احمد بود. این دودر قصر شیرین باهم آشنا شدند.

آرا و گرایشهای خاص: محمد جواد محبت بنا به عقیده و آرایه‌ای که دارد مخالف جنگ و خونریزی است. بدان علت دریانیه‌ای که از سوی روشنفکران و آزادیخواهان ایران علیه جنگ آمریکا و متحدانش در عراق صادر گشته است. این بیانیه را امضاء کرده و تمایل خود را به صلح و دوستی ابراز داشت.

آثار:

۱ آن سوی چهره تو

۲ از آتش خیمه‌های عاشورا

۳ درباغسار شعر معلم

۴ گزیده ادبیات معاصر

محبوب، سلطانعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: تغذیه، دانشکده: بهداشت و تغذیه، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی شیمی از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۴، اخذ مدرک CES DEA و دکترای بیوشیمی از دانشگاه سوربن فرانسه در سال ۱۳۴۸.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تبریز در سال ۱۳۵۲، استاد دانشگاه علوم پزشکی تبریز در سال ۱۳۶۳.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اثرات سوء تغذیه پروتئینی مادر در دوران حاملگی، اثرات متقابل سوء تغذیه پروتئینی مادر در دوران حاملگی بر روی فعالیت آنزیمهای گوارشی و رشد و تکامل روده کوچک نوزاد، طرح‌های ارزیابی نسبت روی بر مس در اتیولوژی و شیوع بیماریهای قلبی-عروقی، بررسی وضع تغذیه کودکان زیر ۵ سال در بیمارستان کودکان تبریز، متابولیسم ترکیبات آلیسکلیک توسط نوکاردیا، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴۷ پایان‌نامه دکترای داروسازی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

بیوشیمی ساختمانی: گلووسیدها، اسیدهای نوکلئیک، ویتامین‌ها، کوآنزیمها، لیپیدها و مشتقات ایزوپرنی، پروتئین‌ها، متابولیسم مواد بیولوژیکی، مروری بر بیوشیمی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲۷، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۴

زمینه علمی مقالات:

بیوشیمی تغذیه، آنزیمهای گوارشی، ویتامین‌ها و املاح.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

محبوبعلی شاه

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مراغه‌ای، مشهدی محمدحسن آقا معروف به پیر مراغه، ابن حاج محمد (و. ۱۲۷۹ ه. ق. ف. تهران ۱۳۳۴ ه. ش.)، پیشوای فرقه‌ای از سلسله‌ی نعمه‌اللهمیه. سلسله‌ی فقری او از این قرار است: ۱- حاج معین‌العلماء مراغه‌ای. ۲- حاج کبیر آقا. ۳- حاج میرزا علی نقی جنت علی شاه. ۴- حاج ملارضا کوثر علی شاه. ۵- نورعلیشاه. ۶- معصوم علی شاه. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

محبوبی، مجید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مجید محبوبی

محل تولد: ملکان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

مجید محبوبی در دوازدهمین روز اسفند سال ۱۳۵۲ در روستای قره گل شهرستان ملکان به دنیا آمد. دوران کودکی و نوجوانی اش را در روستا گذراند. بعد از اتمام دوره راهنمایی و تحصیل یک ساله در دبیرستان بوعلی سینا شهرستان میاندوآب، سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه ولیعصر (عج) تبریز شد. در تبریز به کلاسهای قصه‌خوانی استاد عبدالمجید نجفی راه یافت و به آموزش اصول قصه‌نویسی پرداخت. آشنایی با شعرای موفق و مطرحی چون آقایان جلال محمدی، سید قاسم ناظمی، محمدرضا لوائی، اسحاق راهب و همچنین نویسندگان ادبیات مقاومت جناب داوود امیریان، اشتیاق او به نویسندگی را مضاعف کرد. محبوبی در کنار تحصیلات حوزوی، به طور چشمگیری به مطالعه آثار بزرگان داستان‌نویسی همت گمارد که در این میان انس و الفت او با کتابهای مرحوم جلال آل احمد بیشتر بود. آشنایی محبوبی با مجله «سوره نوجوانان»، علاقه او به ادبیات بزرگسال را کاهش داد. او در این مقطع همه هم و غمش را به این مجله معطوف کرد و اگرچه نوشته‌های او در آن زمان مناسب چاپ در آن مجله تشخیص داده نشد؛ ولی چندی بعد با چاپ اولین قصه‌اش در مجله «سلام بچه‌ها»، که تشویق‌های مداوم استاد مظفر سالاری را به همراه داشت، وارد وادی ادبیات کودک و نوجوان شد. محبوبی در مجلاتی مانند «سروش نوجوان»، «سلام بچه‌ها»، «پوپک»، «انتظار نوجوان»، «ملیکا»، «یاران امین» و «قاصدک» برای کودکان و نوجوانان و در مجلاتی چون «کتاب ماه کودک و نوجوان»، «کوثر»، «مبلغان»، «پگاه»، «پیشگامان»، «شمیم یاس» و «خشت اول» برای بزرگسالان قلم زده است. از این نویسندگان تاکنون این کتابها منتشر شده است: ۱. آن روز، آن مهمانی، ۲. یک روز بهاری، ۳. کبوتر سفید، ۴. هدیه، ۵. تربت و دریا، ۶. اولین برفی که زمین نشست، ۷. آفتاب حکمت، ۸. آینه اخلاص، ۹. روح اخلاص، ۱۰. گزیده‌ای از حکایات شیخ عباس قمی، ۱۱. ستارگان حرم (گروهی)، ۱۲. گلشن ابرار (گروهی)، ۱۳. مهربانترین، ۱۴. فرزند کعبه، ۱۵. خانه در آتش، ۱۶. ملاقات در شب مهتابی. همچنین کتابهای ۱. دیدار در خانه دوست، ۲. خورشید در نخلستان، ۳. دعای باران، ۴. فرشته‌ای در کویر، ۵. بارانی از مهر، ۶.

زیباترین شب، ۷. همسفر با فرشته، ۸. رؤیای شیرین، ۹. فرشته‌ای در قصر، ۱۰. آن شب، آن شعر، ۱۱. نوشته نامرئی، را در زیر چاپ دارد.

«نامزد دریافت جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی» در سال ۱۳۸۶ و «مؤلف برتر اولین جشنواره مرزبانی وحی و خرد» در سال ۱۳۸۷، تنها عناوینی است که تا به حال محبوبی در عرصه رقابتهای فرهنگی ادبی به دست آورده است.

مجیبی پروشی، صاحب علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

صاحب علی مجیبی پروشی

محل تولد: لنگرود

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۳/۲

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۳، در روستایی به نام: «پروش» از توابع شهرستان «لنگرود» استان «گیلان» در خانواده‌ای که در دوران خفقان، از خانواده‌های مذهبی محسوب می‌شد، به دنیا آمد. و از وجود دو نعمت پدر و مادر در دوران کودکی و دبستان تا چهارم ابتدائی در همان روستا بهره‌مند بود. در بین خانواده که همگی مذهبی و متدین بودند، یکی از دو برادرهای ایشان به نام مرحوم «قربان»، بسیار مشتاق آموختن مسایل دینی و مذهبی بود، ولی از این که به دلیل مشکلات زندگی، نتوانست به خواسته‌اش دست یابد، سخت ناراحت بود؛ از این رو با توجه به علاقه و زمینه بسیار مساعدی که در ایشان ملاحظه می‌کرد، به اهل خانواده، پیشنهاد کرد که حداقل، من که این توفیق را نیافتم، «صاحب» را برای آموختن دروس طلبگی، به حوزه بفرستیم، که در اصل آن (طلبگی)، جملگی، اعم از پدر، مادر و برادر بزرگ که اکنون نیز در قید حیات هستند، موافقت کردند، تنها یک نظر هم این بود که پس از اخذ دیپلم برای این رشته بروند که این نظر نیز از سوی همان برادر «قربان»، به این دلیل که چون محیط امروز بسیار نامساعد است و اگر ایشان تحصیلات جدید را تا سطح دیپلم ادامه دهد، ممکن است ذوق و علاقه فعلی مورد تهدید قرار گیرد، ردّ شد. در اینکه چه کسانی در تشویق ایشان یا خانواده برای روی آوردن ایشان به دروس علمی و مذهبی نقش داشتند، باید گفت که این بیت در آن روستا، پاتوق علماء، فضلا و روحانیون معزّزی بود که برای امر تبلیغ به آنجا می‌آمدند؛ لذا رفتار عملی و انس آنان با خانواده از نزدیک و نیز ارتباط ایشان با آنها، نه فقط این شوق را در ایشان، بلکه در مجموع خانواده، به ویژه در برادر بزرگتر از خودش (قربان) ایجاد کرد، تا جایی که بحمدالله این تشویقها و این انسها، منجر به یک تصمیم جدی شد که مایه خیر و برکت الهی در دنیا و آخرت شد. البته ناگفته نماند، از بین روحانیونی که به این بیت رفت و آمد داشتند، یکی از آنها به نام حاج آقای رضائی (که اکنون پدر عیال ایشان می‌باشند)، نقش فوق‌العاده‌ای داشت؛ زیرا ایشان نه تنها در ایام تبلیغ، بلکه به‌طور مستمر با خانواده، در ارتباط بودند، تا جایی که در آن زمان، ایشان هر هفته از راه دور، برای ذکر مصایب اهل بیت در شبهای جمعه، به آن بیت دعوت می‌شدند؛ از این رو این

ارتباط مستمر ایشان، و نیز تشویق‌های پی‌درپی ایشان نسبت به نماز و عبادت و روی آوردن به دروس علمی و حوزوی، در بین نقش سایر عزیزان برجسته‌تر و بهتر و بیشتر بوده است. آغاز دروس حوزوی

ایشان پس از اخذ مدرک چهارم ابتدایی، به حوزه علمیه صاحب الزمان (عج) لنگرود برای شروع دروس دینی در سال ۱۳۵۳، رفتند و تا چهار سال تمام در این مدرسه مشغول درس و هم‌زمان تدریس در سطحی که خوانده بودند مشغول بودند و در ۱۷ شهریور سال ۱۳۵۷، هم‌زمان با جنایت رژیم پهلوی در جمعه سیاه در میدان ژاله سابق تهران و میدان شهدای فعلی، با نهایت سختی، وارد «حوزه علمیه قم» شدند. اساتید

در لنگرود، نزد مرحوم آیت‌الله حاج شیخ علیرضا مومنجی، حدود چهار سال دروس پایه و بعداً پس از مراجعه به قم، در ایام تعطیلی و مأموریت‌های تبلیغی در آن دیار، دروس سطح را نزد ایشان خواندند؛ وی استاد برجسته و متبحری بودند و نسبت به ایشان نیز، با توجه به ویژگی‌هایی که ملاحظه کرده بودند، علاقه خاصی داشت. تلاش این استاد نیز، نسبت به ایشان، تلاش ویژه‌ای بود. که بعدها، در مورد این استاد، ایشان، مصاحبه‌ای با رادیو گیلان در سال‌های گذشته انجام دادند که اکنون در برخی از سایت‌ها، موجود است. همچنین در قم نزد آقایان: صلواتی، نیکونام، عالمی، شوشتری، استادی، جلال طاهر شمس، مرحوم آیت‌الله مشکینی، آیت‌الله جوادی آملی، آیت‌الله منتظری، مرحوم آیت‌الله ستوده، مرحوم آیت‌الله فاضل لنکرانی، آیت‌الله مکارم شیرازی، آیت‌الله شب‌زنده‌دار، آیت‌الله مصباح یزدی، آقای فیاض، آیت‌الله وحید خراسانی، آقای سیدی، مرحوم آیت‌الله تهرانی، مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله مظاهری، آیت‌الله شاهرودی (رئیس قوه قضائیه)، آیت‌الله مرحوم سید محمد شیرازی، مرحوم آیت‌الله وجدانی، آقای شمّاعی و... سالهاست که تلمّذ کرده‌اند و دروسی که نزد مجموع این بزرگواران طی شده عبارتند از: فقه و اصول سطح و خارج و تفسیر، اخلاق، فلسفه، اقتصاد، کلام، ادیان و... .

محبی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: داخلی قلب، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی ایران. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

محبیان، محمدابراهیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

محتشم نوری، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مختشمی، بهمن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: رادیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۰، دکترای تخصصی رادیولوژی از دانشگاه بستون آمریکا در سال ۱۳۴۶.
مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی از سال ۱۳۵۱ تا کنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس رادیولوژی و تکنیک رادیولوژی در دانشگاه‌های تبریز و علوم پزشکی شهید بهشتی، تحقیق در زمینه‌های پزشکی و رادیولوژی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر تعداد زیادی پایان‌نامه رادیولوژی و تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

اصول رادیوبیولوژی و دستور زبان فارسی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

ارائه یکک نوموگرام برای محاسبات درمانی با کبالت ۶۰، رادیولوژی در سل استخوانی و مفصلی، تشخیص مقدار کم هوای داخلی صفاتی و مسائل مربوط به تابش پرتویونساز به جنین.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

محبوب، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن محبوب در سال ۱۳۰۷ هـ.ش در یک خانواده فرهنگی متولد شد، و به مقتضای جو فرهنگی که در خانواده اش حاکم بود از همان ابتدا نسبت به کار کتاب و امور فرهنگی علاقمند شد. محبوب اگرچه همچون دیگر هم نوعان خود نتوانست دوران تحصیل خود را به پایان رساند و حتی پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و با اصرار خانواده تحصیلات خود را ناتمام نهاد، اما با علاقه به کار فنی و کسب وارد یک کارگاه صحافی شد. سپس این شغل را تغییر داد و در یک کتابفروشی کار خود را ادامه داد. همکاری او در این کتابفروشی باعث شد تا با شخصیت های مهم علمی و ادبی آشنا شود که از آن جمله تقی زاده می باشد. این آشنایی سرانجام به استخدام او در وزارت فرهنگ انجامید. پس از آن جهت همکاری با مرحوم عباس زریاب خویی به کتابخانه سنا منتقل شد و با حسن انجام کار به ارتقا رسید و معاون کتابخانه سنای سابق شد. علاوه بر اشتغال در کتابخانه، بخشی از اشتغالات وی در زمینه نشر است که هم اکنون در «شرکت انتشار» این کار را دنبال می نماید. گروه: علوم انسانی رشته: کتابداری خاطرات کودکی: روزنامه ملا- نصرالدین از روزنامه های مورد علاقه حسن محبوب در دوران کودکی، بود این روزنامه به زبان ترکی و در قفقاز به چاپ می رسید. حسن آن را ورق می زد و از تماشای کاریکاتورها و عکسهای لذت می برد. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: حسن محبوب در سال ۱۳۰۷ هـ.ش در یک خانواده فرهنگی متولد شد. وی به مقتضای جو فرهنگی که در خانواده حاکم بود از همان ابتدا نسبت به کار کتاب و امور فرهنگی علاقمند شد. تحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات حسن محبوب در یک مقطع کوتاه سپری شد، چرا که او نتوانست همچون دیگر هم نوعان خود نتوانست دوران تحصیل خود را به پایان رساند و حتی پس از اتمام تحصیلات ابتدایی علیرغم اصرار خانواده، تحصیلاتش را ناتمام نهاد، اما با علاقه به کار فنی و کسب وارد یک کارگاه صحافی شد. خاطرات و وقایع تحصیل: حسن محبوب از این دوران، محبوب با توجه به زمینه مطالعات اولیه در دوران کودکی، درس و مدرسه رها کرد و به کسب و کار پرداخت، او چنین یاد می کند: «روز اول مهرماه ۱۳۲۰ هـ.ش که اطفال آن موقع روانه دبستانها و دبیرستانها بودند، به همراه پدرم به یک کارگاه صحافی مراجعه نمودم و پدرم مرا به عنوان شاگرد به شخص صحاف معرفی نمود شخص صحاف هم خیلی استقبال کرد و اینجانب را به عنوان شاگرد پذیرفت. این شغلی که من برای خودم انتخاب کرده بودم، خواه ناخواه منجر به این شد که با مسائل کتاب که از قبل هم با آن بیگانه نبودم بیشتر آشنا و علاقمند شوم. اشخاصی که به صحافی مذکور مراجعه می کردند، اغلب افراد فاضلی بودند. با وجود این که من در سنین طفولیت بودم، شخصیت بزرگ آن بزرگواران به قدری برای من جالب توجه بود که هنوز خاطره آن زمان را فراموش نکرده ام.» هم دوره ای ها و همکاران: سعید نفیسی، عباس زریاب خویی، سید حسن تقی زاده، عبدالحسین زرین کوب، کیکاوس جهاننداری از جمله همدروه ایها و همکاران حسن محبوب بودند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: حسن محبوب در اوان کودکی به کار صحافی مشغول شد. سپس این شغل را تغییر داد و در یک کتابفروشی کار خود را ادامه داد. همکاری او در این کتابفروشی باعث شد تا با شخصیت های مهم علمی و ادبی آشنا شود نظیر تقی زاده این آشنایی سرانجام به استخدام او در وزارت فرهنگ انجامید. پس از آن جهت همکاری با مرحوم عباس زریاب خویی به کتابخانه سنا منتقل شد و با حسن انجام کار به ارتقا رسید و معاون کتابخانه سنای سابق شد. علاوه بر اشتغال در کتابخانه، بخشی از اشتغالات وی در زمینه نشر است که هم اکنون در «شرکت انتشار» این کار را دنبال می نماید.

محبوب، محمد جعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق، ادیب، نویسنده، مترجم.

تولد: ۱۳۰۳، محله سرچشمه تهران.

درگذشت: ۲۷ بهمن ۱۳۷۴، کالیفرنیا آمریکا.

محمدجعفر محجوب تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس تهران گذراند. سپس به دانشکده‌ی حقوق رفت و به تحصیل علوم سیاسی پرداخت. در سال ۱۳۲۶ به دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران راه یافت و دوره‌ی دکترای آن را به سال ۱۳۳۵ به پایان آورد. رساله‌ی دکترای محجوب با عنوان سبک خراسانی در شعر در سال ۱۳۴۵ در کتابی با همین عنوان منتشر شد. وی پس از تحصیل شروع به تدریس نمود.

محجوب خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۲۷ آغاز کرد و با مجله «سخن» و چند نشریه علمی و ادبی دیگر همکاری داشت.

از ترجمه‌های او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: خاطرات خانه‌ی مردگان (فتودر داستایوسکی، ۱۳۳۵)؛ داستان‌های دریای جنوب (جک لندن، ۱۳۳۰)؛ سگ سیرک؛ از خود گذشتگی زنان (جک لندن، ۱۳۳۵)؛ دخمه نشینان؛ انتقام مروارید (جان اشتاین، بک ۱۳۲۸)؛ مروارید (جان اشتاین بک، ۱۳۴۰)؛ جزیره وحشت (جک لندن، ترجمه با مشارکت جهانگیر بهروز، ۱۳۳۰)؛ پسر گرگ (جک لندن، ۱۳۳۰)؛ آتش (هانری باربوس، ۱۳۳۰).

از جمله تصحیحات و حاشیه‌نویسی‌های وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: دیوان حکیم قانعی شیرازی، ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی، دیوان سروش اصفهانی، طرائق الحقایق تألیف نایب‌الصدر شیرازی، فتوت‌نامه سلطانی تألیف واعظ کاشانی سبزواری، شاهنامه فردوسی، دیوان ایرج میرزا و...

آثار وی در پژوهش و نقد و نظریات ادبی به شرح زیر است: انتخاب و انطباق منابع فارسی برای تدوین کتاب‌های کودکان و نوجوانان، آفرین فردوسی، چند رساله درباره‌ی فتوت و جوانمردی در ایران و فرهنگ عامه، فن نگارش یا راهنمای انشاء (با همکاری دکتر علی‌اکبر فرزام‌پور، ۱۳۳۳)؛ درباره‌ی کلیله و دمنه.

دکتر محمدجعفر محجوب در ۲۷ بهمن ۱۳۷۴ در سن هفتاد و یک سالگی در پی ابتلا به سرطان درگذشت.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

محدث ارموی، جلال‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۴۰۰-۱۳۲۳ ق)، عالم دینی، مدرس، محقق، مصحح و ادیب. به علت شوق بسیار به مطالعه، در جوانی، از طرف آیت‌الله سید حسین عرب باغی، لقب محدث گرفت. او در ارومیه به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات و ادبیات فارسی، علوم اسلامی را در محضر شیخ علی ولدیانی آموخت. سپس به مشهد رفت و فقه و اصول و ادب و تاریخ و حدیث و رجال را در محضر علمای مشهد فراگرفت. پس از اتمام تحصیلات به تهران آمد و عازم نجف بود که به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و برای تدریس راهی تبریز شد. با ورود روسها به آذربایجان به تهران بازگشت و به تصنیف و تألیف پرداخت و عهده‌دار سمت ریاست بخش نسخ خطی کتابخانه‌ی ملی گردید. در ۱۳۲۲ ش داماد آیت‌الله سید احمد طالقانی شد. از ۱۳۳۵ ش به دانشکده‌ی معقول و منقول رفت و تا ۱۳۴۷ ش که بازنشسته شد به تدریس اشتغال داشت. او به اخذ درجه دکترای الهیات در رشته علوم منقول نایل آمده و از علما و

مراجع اجازات بسیاری کسب کرده بود که از جمله آنها اجازه‌ی شیخ آقا بزرگ تهرانی و شیخ محمدعلی معزی دزفولی بود. وی تا آخر عمر به تألیف و تحقیق و تصحیح کتاب مشغول بود. در تهران در گذشت و در جوار آرامگاه شیخ ابوالفتح رازی، در حرم حضرت عبدالعظیم، به خاک سپرده شد. از آثارش: «تشریح الزلازل بأحادیث الافاضل»؛ «عشق و محبت»؛ «ایمان و رجعت»، در چهار مجلد؛ «کشف الکربة»، در شرح «دعاء الندبة»، که حاصل تلاش شصت سال کار اوست؛ شرح بر «اصول الاصلیة» فیض کاشانی؛ تذییل «میزان الملل» علی بخش میرزا قاجار؛ تصحیح کتابهای: «الصوارم المهرقة فی نقد الصواعق المحرقة» قاضی نورالله شوشتری، «التفضیل» ابوالفتح کراچکی، «المحاسن» برقی، «النقض» عبدالجلیل قزوینی رازی، «الغارات» ابواسحاق ثقفی، «التعریف بوجوب حق الوالدین» ابوالفتح کراچکی، «زاد السالک» فیض کاشانی، «آثار الوزراء» عقیلی، «تفسیر گازر» موسوم به «جلاء الاذهان و جلاء الاحزان» ابوالمحاسن جرجانی، «التنبیهاث العلیة» ترجمه‌ی «اسرار الصلاة» شهید ثانی، «مفتاح التحقیق» معزی دزفولی، «نسائم الاسحار من لطائم الاخبار» ناصرالدین منشی کرمانی، «فهرست منتجب الدین»، «الاربعین من الاربعین عن الفضائل امیرالمؤمنین (ع)» و «دیوان» قوامی رازی. [۱]

محقق، مصحح.

تولد: ۲ آذر ۱۲۸۳ (۱۳ رمضان ۱۳۲۳ ق.)؛ ارومیه.

درگذشت: ۵ آبان ۱۳۵۸.

سید جلال‌الدین محدث ارمی، فرزند قاسم حسینی، پس از اتمام تحصیلات مقدماتی در زادگاه خود و فراگیری ادبیات فارسی، به تکمیل معلومات خود پرداخت و علوم اسلامی را در محضر اساتیدی همچون شیخ علی ولدیانی فراگرفت و با آنکه پزشکان او را از خواندن زیاد نهی می‌کردند ولی او به مطالعه ادامه می‌داد تا جایی که آیت‌الله سید حسین عرب‌باغی با این که در صنف روحانیت نبود لقب «محدث» را به وی اعطا نمود. سپس برای تکمیل معلومات خود، به جانب مشهد حرکت کرد و در بین راه به شبستر وارد شد و در این حال سرپرستی حوزه‌ی علمیه‌ی آنجا را که به وی پیشهاد شده بود رد کرد. پس از آن چهار سال در مشهد به تحصیل علم مشغول بود تا اینکه قتل عام مردم توسط حکومت رضاشاه پیش آمد و چند شبی را در زندان به سر برد و پس از آن عازم تهران شد تا از آنجا روانه حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف شود بعداً به استخدام وزارت فرهنگ درآمد. برای تدریس به تبریز رفت و در سال ۱۳۲۰ به هنگام ورود روس‌ها به آذربایجان، وی به تهران عزیمت کرد و با سمت رییس «بخش مخطوطات کتابخانه‌ی ملی ایران» به خدمت خود ادامه داد. در سال ۱۳۲۲ ازدواج کرد. وی به دعوت دانشکده‌ی معقول و منقول به آن دانشکده رفت تا در سال ۱۳۴۷ بازنشسته شد. لازم به ذکر است که وی همچنین کلاس‌های دوره‌ی دبیرستان و دانشگاه را گذرانده بود و دکترای الهیات در رشته‌ی علوم منقول را نیز گرفته بود. علامه ارموی بعد از بازنشستگی تا آخر عمر به تألیف کتاب مشغول بود.

فهرست آثار وی به این شرح است: تصحیحی میزان الملل (تألیف علی بخش میرزا قاجار)؛ تصحیح الصوارم المهرقة فی نقد الصواعق المحرقة (به زبان عربی، تألیف قاضی نورالله شوشتری)؛ تألیف فیض‌الاله فی ترجمه‌ی القاضی نورالله (در شرح احوال قاضی شوشتری و خاندانش)؛ تصحیح اسرار الصلوة ترجمه‌ی التنبیهاث العلیة علی وظائیف الصلوة القلیبة (تألیف زین‌الدین شهید ثانی، ترجمه محمد صالح بن محمدصادق واعظ، ۱۳۶۸ ق.)؛ تصحیح دیوان الحاج میرزا ابوالفضل الطهرانی (شعر عربی، با مقدمه‌ای در خدمات ایرانیان)؛ تصحیح التفضیل (تألیف ابوالفتح محمد بن علی بن عثمان کراچکی)؛ تصحیح المحاسن برقی (دو جلد، تألیف ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد برقی)؛ تصحیح النقض (تصنیف عبدالجلیل قزوینی رازی، ۱۳۳۱)؛ تصحیح زادالسالک (تألیف محمد بن مرتضی ملقب به فیض کاشانی، ۱۳۳۱)؛ استخراج فهرست کتاب التدوین فی ذکر اخبار قزوین (تألیف عبدالکریم بن محمد رافعی)؛ تصحیح دیوان قوامی رازی (۱۳۳۴)؛ تصحیح نجاتیه (تألیف شیخ ابومحمد بسطامی)؛ تصحیح دیوان سعد فضل‌الله راوندی کاشانی؛ تألیف مقدمه‌ی نقض و تعلیقات آن؛ تألیف کلید نقض یا فهرست بعضی مثالب النواصب؛ همراه با فهرست مقدمه نقض و تعلیقات

آن؛ تصحیح آثار الوزراء (تألیف سیف‌الدین حاجی بن نظام عقیلی)؛ تصحیح تفسیر گازر موسوم به جلاء الاذهان و جلاء الحزان (تألیف ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی)؛ تصحیح نسائم الاسحار من لطائم الخبار (در تاریخ وزراء تألیف ناصرالدین منشی کرمانی)؛ تصحیح مفتاح التحقيق (تألیف شیخ محمدعلی معزی دزفولی)؛ تصحیح نقاوه الاصابه فیمن أجمعت علیه العصابه (تصنیف حاج میرزا ابوالفضل تهرانی)؛ تصحیح شش رساله‌ی فارسی (تألیف مولی محمد طاهر قمی)؛ تصحیح شرح فارسی غرر الحکم و درر الکلم (تألیف عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، شرح از جمال‌الدین محمد خوانساری)؛ تصحیح تفسیر شریف لاهیجی (تألیف بهاء‌الدین محمد بن شیخ علی شریف لاهیجی)؛ تصحیح رساله‌ی طینت (از جمال‌الدین محمد خوانساری)؛ تصحیح شرح فارسی کلمات قصار پیغمبر خاتم (ص) (شرح شهاب‌الاجبار، تألیف قاضی قضاعی)؛ اهتمام و طبع رجال برقی (از احمد بن محمد بن خالد برقی)؛ شرح فارسی مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه (از عبدالرزاق گیلائی، در دو جلد)؛ تصحیح الرساله العلیه فی الاحادیث النبویه (تألیف کمال‌الدین حسین کاشفی)؛ اهتمام و طبع سه رساله در علم رجال (۱. توضیح الاشتباه و الاشکال؛ ۲. رساله فی معرفه الصحابه؛ ۳. رجال قاین؛ به تصحیح سید کاظم موسوی)؛ اهتمام و طبع الفصول الفخریه فی اصول البریه (تألیف نسابه معروف جمال‌الدین احمد بن عنبه مؤلف عمده‌المطالب به تصحیح سید کاظم موسوی)؛ تصحیح شرح المائه کلمه لامیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) (تألیف کمال‌الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی)؛ تصحیح شرح المائه کلمه لامیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) (تألیف عبدالوهاب)؛ تصحیح مطلوب کل طالب من کلام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) (تألیف رشیدالدین وطواط)؛ تصحیح الاصول الاصلیه (تألیف مولی محمد محسن فیض کاشانی)؛ تصحیح الحق المبین فی تحقیق کیفیه التفقه فی الدین (تألیف مولی محمد محسن فیض کاشانی)؛ تصحیح الايضاح (تصنیف علم‌الدین فضل بن شاذان نیشابوری)؛ تصحیح فردوس (در تاریخ شوستر و برخی از مشاهیر آن، تألیف علاء‌الملک مرعشی شوشتری)؛ تصحیح حکمت اسلام (تألیف محمد صالح بن محمد باقر قزوینی)؛ تصحیح الغارات (تألیف ابواسحاق ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی)؛ تصحیح الدلائل البرهانیه فی تصحیح الحضرة الغریه (تألیف علامه جمال‌الدین ابی منصور حسن بن مطهر حلی)؛ تألیف تعلیقات نقض (دو جلد)؛ تألیف کشف الکریه فی شرح دعاء الندبه؛ تصحیح فهرست شیخ منتجب‌الدین رازی؛ تصحیح الاربعین من الاربعین عن شیخ منتجب‌الدین رازی.

سید جلال‌الدین محدث ارموی ساعت دو بامداد شنبه پنجم آبان ۱۳۵۸ به علت سکنه قلبی درگذشت و پیکر وی در جوار آرامگاه شیخ ابوالفتح رازی در صحن امامزاده حمزه به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آینده (س ۵، ش ۱۲-۱۰، ص ۹۵۰-۹۴۹)، تعلیقات نقض (هفت-بیست)، الذریعه (۱۳۳-۱۳۲/۲۴، ۵۵-۵۴/۱۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۰۶/۱۴)، کیهان فرهنگی (س ۲، ش ۸، ص ۳۷-۳۶).

محدث حائری همدانی، عبدالرزاق

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند علی‌رضا بن عبدالحسین بن ابی‌طالب بن عبدالکریم بن یحیی بن محمد شفیع بن محمد رفیع بن فتح‌الله قزوینی حائری اصفهانی.

اجدادش عموماً اهل فضل و کمال بوده، به طوری که مولی عبدالکریم مؤلف «نظم الغرر»؛ و محمد یحیی مؤلف «ترجمان اللغه» در شرح قاموس مطبوع می‌باشد، در سال ۱۱۱۷ زنده بوده؛ و محمد شفیع نویسنده کتاب «متمم ابواب الجنان» متوفی در ۱۱۰۴؛ و محمد

رفیع مؤلف کتاب «ابواب الجنان» می‌باشد، و در سال ۱۰۸۹ وفات یافته است.

صاحب عهوان در ۱۲۹۱ در اصفهان متولد شده، و خدمت جمعی کثیر از فضلاء این شهر همچون: حاج میرزا بدیع درب امامی، و آخوند کاشی، و حاج آقا منیر بروجردی، و آخوند گزی، و آقا نجفی، و آقا سید محمد باقر درچه‌ای؛ و در همدان از سید عبدالمجید گروسی؛ و در نجف به درس جمعی از بزرگان حاضر شده؛ سپس به همدان مهاجرت نموده، و تا آخر عمر در آنجا به ترویج دین و نشر احکام از راه تألیف و تصنیف و منبر و محراب پرداخته، سرانجام در اوایل شوال ۱۳۸۳ در همدان وفات یافت. تألیفات او بالغ بر هفتاد مجلد کتاب و رساله است، از آن جمله است: ۱- ذریعۃ المعاد، در شرح نجات العباد ۲- رساله در غنا ۳- رساله در درایه ۴- رساله‌ی خلافیه بین شیخیه و امامیه ۵- رساله‌ی هدایه، در رد معتقدات صوفیه ۶- سلاسل الحديد فی عنق الفرید، در رد عبدالوهاب فرید، در موضوع رجعت ۷- قرآن و حجاب، مطبوع ۸- دلایل امامت از اسلام و خلافت، مطبوع ۹- الشهب الثاقبه.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

محدثی، جواد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جواد محدثی

محل تولد: سراب

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۱ در شهرستان سراب (آذربایجان شرقی) به دنیا آمد پدر و پدر بزرگش روحانی بودند و در مکتب مرحوم میرزا جلیل واعظ سرابی به درس و تدریس اشتغال داشتند. وی به لحاظ روحانی بودن پدرش از کودکی در قم می‌زیست. در این شهر بزرگ شد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در قم گذراند از سال ۱۳۴۴ ش وارد حوزه علمیه قم شد و در مدرسه علمیه منتظریه معروف به حقانی به تحصیل پرداخت در این مدرسه که با مدیریت شهید آیت الله قدوسی و همکاری شهید آیت الله بهشتی، آیت الله جنتی و آیت الله مصباح یزدی اداره می‌شد با استفاده از محضر اساتید برجسته، انقلابی و متقی که اغلب از شاگردان امام راحل «قدس سره» بودند درسهای حوزه را از مقدمات تا خارج فقه فرا گرفت از اساتید بسیار این دوره ۱۴ ساله می‌توان از شهید قدوسی، شهید مفتاح، شهید شاه آبادی و آیات عظام: مشکینی، وحید خراسانی، شیرازی، جنتی، احمدی میانجی، مصباح یزدی، گرامی، انصاری شیرازی، حسن زاده آملی، میر محمدی، آذری قمی، صانعی، مومن، محمدی گیلانی، حائری شیرازی، ابراهیم امینی، مقتدایی و بزرگان دیگر یاد کرد پس از انقلاب نیز در درسهای آیات عظام حضور می‌یافت. پیش از انقلاب به سبب مبارزات سیاسی و سخنرانی در شهرستانها دو بار دستگیر و زندانی شد یک بار در سال ۵۴ به مدت دو هفته و بار دیگر در سال ۵۶ به مدت ۹ ماه. با پیروزی انقلاب اسلامی در کنار فعالیتهای درسی به تلاشهای فرهنگی و تبلیغی در شهرستانهای مختلف پرداخت، با صدا و سیما امور تربیتی آموزش و پرورش، سازمان تبلیغات اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی، پژوهشکده باقر العلوم، سپاه پاسداران و بخش

فرهنگی بنیاد شهید و جهاد سازندگی همکاریهای فرهنگی و قلمی داشت، در عرصه مطبوعات دینی و مجلات انقلابی و مذهبی فعالانه همکاری داشت و با نگارش سلسله مقالاتی در زمینه های هنری، اخلاقی، اجتماعی، مباحث قرآنی و تربیتی، خانوادگی، در مجلاتی همچون: عروۀ الوثقی، پیام انقلاب، پیام زن، حوزه، مکتب جبهه، مکتب انقلاب، امید انقلاب، کمیته، پیام هلال، میقات حج، کوثر، فرهنگ جهاد، پاسدار انقلاب، پرسمان، حدیث زندگی، افق خانواده، مسجد دانشگاه همچنین با همکاری قلمی با روزنامه های جمهوری اسلامی و کیهان و هفته نامه «صبح صادق» و «ری» و نشریه «زائر» در ایام حج، در طول سالیان متمادی حضور ادبی و فرهنگی داشت. چند سال در اوایل انقلاب با حضور در دانشگاههای مختلف و تدریس تاریخ اسلام، تعلیم و تربیت اسلامی، منطق و موضوعات دیگر نیز حضور مکرر در مجامع دانشگاهی و جمعهای دانشجویی و اردوهای دانش آموزی و سمینارهای فرهنگی و تربیتی آموزشی و پرورش معلمان، در فضای فکری اجتماعی جوانان حضوری اثر گذار داشت. یک بار هم سفری دو ماهه به جنوب لبنان و ارتباط و همکاری با حزب الله داشت. نه سفر هم به حج رفته است. وی به دلیل بر خورداری از قریحه شعر و سابقه شاعری که به سالهای پیش از انقلاب بر می گردد در بسیاری از مجامع ادبی و محافل شعری و شبهای شعر بویژه در اوایل انقلاب به عنوان یک حوزوی شاعر و خوش ذوق حضور می یافت و آثار خویش را عرضه میکرد و این حضور نقش مثبت و بسزایی داشت. از ویژگیهای خاص او بعد ادبی و قلمی است و به همین جهت در راستای انتقال تجارب قلمی و نگارشی خویش به نسل جوان حوزه از پیش از انقلاب تا حال حاضر پیوسته در مدارس مختلف حوزه علمیه (چه جامعه الزهرا و چه مدارس برادران و چه مراکز تخصصی حوزه) آموزش ادبیات فارسی و روش نگارش و تحقیق داشته است و در این زمینه کتاب (روشهای) او به عنوان یک متن آموزشی فشرده به شمار می رود وی همچنین در مراکز مختلفی به عنوان عضو هیئت علمی، طرح و برنامه، بررسی و نظارت حضور و همکاری داشته است.

محرابی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد محرابی

محل تولد: کرمانشاه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۹/۱۹

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۱ پیش از اخذ دیپلم (دوم دبیرستان) وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از مدتی به صورت متفرقه سه سال دبیرستان را امتحان دادم و دیپلم گرفته شد. در بدو ورود به حوزه، وارد حوزه علمیه امام خمینی کرمانشاه شدم و پس از یک سال رهسپار حوزه علمیه قم گردیدم. در سال ۱۳۷۱ دروس سطح و امتحانات آن (کتبی و شفاهی) به پایان رسید و وارد درس خارج شدم. از دروس خارج آیه الله جوادی آملی، سید جعفر کریمی، سبحانی، خاتم یزدی، تبریزی، و دیگر استادهاى گرانقدر حوزه در فرصت های زمانی کوتاه و بلند استفاده و خوشه چینی شد.

در کنار درس خارج، از حدود سال ۱۳۷۴ در محضر استاد آیه الله جوادی آملی بوده و ضمن بهره مندی از گوهر وجود ایشان، در

موسسه اسراء، به تنظیم سه کتاب قرآن در قرآن، ولایت فقیه و عدالت اجتماعی در پرتو نهضت حسینی (ع) از ایشان توفیق یافته ام که دو کتاب اول چاپ شده و کتاب سوم در مرحله پیش از چاپ قرار دارد. از آنجا که بنده در زندگی علمی و حوزوی خود به دنبال پاسخ دهی به نیازها و پرسش‌های اساسی خود بودم، نخست به مطالعات فلسفی و عقلانی پرداختم که در کتاب‌های بدایه، نهاییه، بخشی از منظومه، مختصری از اسفار، شرح منظومه استاد مطهری، اصول فلسفه و روش رئالیسم صورت گرفت. دغدغه در مباحث معرفت‌شناسی نیز سبب شد تا در این زمینه مطالعات و تفکراتی صورت گیرد و مختصری هم نوآوری حاصل شد و در این زمینه بیشترین استفاده از مباحث معرفت‌شناسانه اصول فلسفه و روش رئالیسم برده شد.

علاوه بر عرصه عقلانی، عرصه فرهنگی و تربیتی نیز بخش از زندگی علمی بنده را به خود اختصاص داده است. اینجانب از سال اول طلبگی به برگزاری برنامه‌ها و کلاس‌های فرهنگی پرداختم و به تدریج از سطح دبستان و راهنمایی به دبیرستان و سپس به سطح دانشگاهی و جلسات گفتگو با برخی اساتید دانشگاه منتهی شد. حدوداً از ۱۰ سال پیش تا کنون ارتباط با فضای دانشگاهی به صورت فردی، گروهی، جلسات سخنرانی و پرسش و پاسخ وجود داشته است. چند سال ارتباط تبلیغی و دو سال نهاد رهبری دانشگاه ایلام و سه سال تدریس معارف در دانشگاه از جمله آنهاست.

عرصه سوم زندگی علمی بنده، عرصه اخلاقی و معنوی بوده که در دو سوی متفاوت اما مرتبط با یکدیگر صورت گرفته است، از سویی به مطالعه و تفکر در نظام اخلاقی و معنوی اسلام پرداخته و ضمن مطالعه کتب اخلاقی و معنوی عالمان دینی، به دنبال دستیابی به نظام اخلاقی اسلام بوده ام و از سوی دیگر، به مطالعه برخی کتب روانشناسی، روانکاو، هیپنوتیزم، ضمیر ناهشیار و نیمه هشیار، روانشناسی تصویر ذهنی، زندگی موفق، مدیریت زمان، کتب عرفانی شرقی و غربی و ... پرداخته ام. تاسیس ابتکاری مرکز مشاوره دینی و اداره و ارائه مشاوره در سه بخش اعتقادی، اخلاقی، و بهداشت روانی و خانواده یک سال و نیم در کرمانشاه و نیز تدریس مدیریت زمان، روش همسراری، روش تربیت برای طلاب و فضلاء حوزه، از دیگر خدمات اینجانب بوده است.

محرابی، ولی‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: جراحی عمومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

محرری، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۷، مرتبه علمی: استاد، رشته: روان پزشکی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی شیراز در سال ۱۳۳۵، دکترای تخصصی روان پزشکی.

مرتبه علمی:

مربی بالینی بخش اعصاب و روان دانشگاه علوم پزشکی شیراز از سال ۱۳۴۱ تا سال ۱۳۴۳، آسیستان بالینی روان پزشکی دانشگاه ادینبورگ اسکاتلند از سال ۱۳۴۳ تا سال ۱۳۴۶، استاد علوم پزشکی شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

روان پزشکی، تاریخ و بیوگرافی تحلیل شخصیت‌ها، مکانیسم دفاعی، روان پزشکی قانون، علم‌الاخلاق پزشکی، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۱۱۲ پایان‌نامه دکترای و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

روان پزشکی، تحقیق در متون پزشکی اسلامی، علم‌الاخلاق، فرهنگ در روان‌شناسی و روان پزشکی، برگزیده متون فارسی برای درس فارسی دانشجویان پزشکی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۴۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

روان پزشکی، اعتیاد، بررسی متون پزشکی ایران، علم‌الاخلاق پزشکی، عوارض روان پزشکی جنگ.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

محرم یزدی، عبدالوهاب

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۲۹۴ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به محرم. در یزد به دنیا آمد. در کودکی پدر خود را از دست داد و تخلص او را برای خود برگزید. وی پس از تکمیل علوم ادبی به عتبات سفر کرد و از آنجا به کرمانشاه رفت. سپس به تهران آمد و مداح محمد شاه گردید و شاه به او لقب ملک‌الشعرا عراقین داد. او همچنین میرزا آقا خان نوری را مدح کرده است. محرم به زبان فرانسه تسلط داشت و در مدرسه‌ی دارالفنون فرانسه تدریس می‌کرد. وی اشعاری نیز در مدح اهل بیت و مراثی سیدالشهداء (ع) دارد. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی سخنوران یزد (۳۰۱-۲۹۶)، حدیقه الشعراء (۱۵۵۴-۳/۱۵۵۱)، الذریعه (۹۷۴، ۹/۷۰۳)، طرائق الحقائق (۳/۴۰۱)، فرهنگ سخنوران (۸۰۸)، المآثر والآثار (۲۱۵-۲۱۴)، مجمع الفصحا (۹۶۳-۵/۹۵۵)، مصطبه‌ی خراب (۱۸۳-۱۸۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰-۴/۲۹)، یغما (س ۱۲، ش ۱۰، ص ۴۵۷-۴۵۵).

محرمی، غلامحسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غلامحسن محرمی

محل تولد: هشتروند

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجناب غلامحسن محرمی در یکی از روستاهای اطراف تبریز در سال ۱۳۴۷ متولد شده و از دوازده سالگی به شهر رشت مهاجرت کرده و بعد از دو سال به مراغه بر گشته ایم و سال ۶۳ وارد حوزه و در حوزه مراغه و تبریز به تحصیل پرداخته و سال ۶۵ وارد حوزه علمیه قم شده و تا شش سال بعد از آن مشغول تحصیل سطح حوزه بودم و بعد از آن تا ۱۳ سال در درس خارج شرکت کردم. اساتید اینجناب در دو سطح عبارتند از: آیه الله وجدانی فخر، استاد صالحی افغانی، آیه الله اشتهاوردی، استاد طالقانی، آیه الله شیخ کریم ملائی تبریزی، آیه الله اعتمادی، استاد محقق داماد، آیه الله دوزدوزانی، استاد صلواتی، همچنین فلسفه را از محضر استاد غلامرضا فیاضی، استاد میر سپاه و استاد غرویان استفاده کردم. عرفان نظری را از محضر استاد عسگری گیلانی بهره جستیم. همچنین به مدت چهار سال روزهای تعطیل از محضر علامه حسن زاده آملی، درس هیئت و نجوم فرا گرفته ام که استاد این درسها را در دو جلد کتاب به نام دروس هیئت به نگارش در آورده است. همچنین دو سال شبهای پنجشنبه از محضر آیه الله مکارم شیرازی اصول عقائد فرا گرفته ام در درس خارج نه سال درس فقه آیه الله العظمی شیخ جواد تبریزی بوده ام و نیز دو سال درس اصول ایشان و نیز سه سال درس خارج حضرت آیات سبحانی، وحید خراسانی، هاشمی شاهرودی، محمد حسن احمدی فقیه و جناتی شرکت داشته ام. و از دروس حوزه از صرف میر تا رسائل و مکاسب تدریس کرده ام که بعضی را یک نوبت و بعضی را چند نوبت در مدرسه های شهبایه (مرکز جهانی علوم اسلامی)، مدرسه شهیدین، مدرسه سفیران هدایت تدریس داشته ام. و از سال ۷۶ در دانشگاههای آزاد تهران پیام نور مراغه و علوم پزشکی تبریز تدریس داشته ام.

محسن بن عبدالصمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند ملا عبدالصمد، فاضل ادیب فوت شعبان ۱۲۷۰.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

محسن زاده، محسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: چشم پزشکی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

محسنی اردهالی، صدرالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: میکروبی‌شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

کارشناسی میکروبیولوژی (B.S) از دانشگاه ایالتی شهر سان‌دیگو کالیفرنیا در سال ۱۳۴۴، گذراندن دوره تکنولوژی پزشکی در بیمارستان Mercy و اخذ گواهینامه تکنولوژی پزشکی ایالت کالیفرنیا در سال ۱۳۴۵، کارشناسی ارشد میکروبیولوژی (S.M) از بخش میکروبی‌شناسی دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۰، دکترای میکروبیولوژی و ایمونولوژی از مدرسه بهداشت و طب گرمسیری لندن در سال ۱۳۵۳.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده شیراز در سال ۱۳۵۳، دانشیار میکروبی‌شناسی دانشکده پزشکی دانشگاه شیراز، استاد دانشکده پزشکی دانشگاه شیراز در سال ۱۳۷۰.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی وضعیت سیستم ایمنی در بیماران مبتلا به لیشمانیوز جلدی و احشائی، سعی در شناسائی انگل لیشمانیا در ایران، شناسائی انگل‌های لیشمانیائی که دارای علائم غیر معمول کلینیکی، راهنمائی مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

انگل لیشمانیا و لیشمانیوزها، آشنائی با ایمن‌شناسی برای دانشجویان پزشکی تفسیر آزمایشات سرولوژیکی در بیماریهای عفونی و انگل.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲۸

زمینه علمی مقالات:

عفونتهای انگلی از نظر ایمنی‌شناسی و ایمنی تشخیص در انسان و همین طور به صورت تجربی در حیوانات آزمایشگاهی، ایمنی‌شناسی در ارتباط با بیماری خود ایمنی Lupus در حیوانات آزمایشگاهی مستعد. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

محسنی ملایری، محمدباقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم دینی.

تولد: ۱۳۲۴ ق.، نجف اشرف.

درگذشت: ۲۲ مهر ۱۳۷۴، تهران.

آیت‌الله محمدباقر محسنی ملایری پس از گذراندن دوره مقدمات و سطح حوزه نزد اساتیدی همچون آیت‌الله خراسانی، حاج شیخ حسن قرسی، آیت‌الله آقازاده خراسانی، ابوالقاسم قمی، میرزا مهدی اصفهانی و حاج آقا بزرگ حکیم الهی در حکمت و فلسفه تلمذ نمود. با تأسیس حوزه علمی قم، به این شهر هجرت کرد و در محضر آیات عظام حائری یزدی و بروجردی به تحصیل پرداخت و به درجه‌ی اجتهاد نایل آمد. وی دارای چهارده اجازه‌ی اجتهاد از مراجع مسلم از جمله آیت‌الله اصفهانی بود.

آیت‌الله محسنی ملایری در رسیدگی به امور مردم اهتمام داشت و احداث حوزه علمیه باقریه، حسینیه و کتابخانه‌ای در ملایر از اموال شخصی خود و تعیین موقوفات برای آن را می‌توان از خدمات اجتماعی وی دانست.

از آثار قلمی ایشان گذشته از تقریر و تلخیص مطالب مستفاد از اساتید، رساله‌ای به نام تطبیق الادیان را می‌توان نام برد.

آیت‌الله محمدباقر محسنی ملایری در سن نود و دو سالگی پس از یک دوره بیماری و بر اثر سکته قلبی در بیمارستان ساسان درگذشت.

محمدباقر محسنی فرزند مرحوم آقا شیخ ابوالقاسم از علماء مبرز و بنام معاصر است در ملایر.

وی در حدود ۱۳۲۴ قمری در نجف اشرف متولد شده و در خدمت والدش که از اعظام و اجلاء حوزه درس مرحوم آیت‌الله آخوند خراسانی بوده است به ایران آمده و در ملایر اقامت نموده و دروس مقدماتی و سطوح را از محضر آن مرحوم و سایر اعلام مانند مرحوم آ میرزا هدایت‌الله مشهور به (آقانجفی) استفاده نموده سپس برای تکمیل تحصیل به ارض مقدسه خراسان مشرف و از محضر اساتید بزرگ مانند مرحوم آقا شیخ حسن برسی و مرحوم آیت‌الله حاج میرزا محمد آقازاده کفائی و مرحوم آیت‌الله قمی و عالم ربانی مرحوم آیت‌الله آقامیرزا مهدی اصفهانی (در فقه و اصول) و نیز حکیم المتاله آقابزرگ حکیم (در حکمت و فلسفه) استفاده نموده و در خلال آن تدریس سطوح داشته و پس از آن به قم آمده و برهه‌ای از زمان را از محضر مرحوم آیت‌العظمی حایری و مرحوم آیت‌الله آقا شیخ ابوالقاسم قمی استفاده نموده و هم در این اواخر چندی از محضر آیت‌العظمی بروجردی مستفیض و تا حال تحریر در ملایر به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و تدریس و غیره اشتغال دارد.

آثار علمی و خدمات اجتماعی معظم‌له از این قرار است ۱- تقریرات و تلخیص مطالب مستفاد از اساتیدشان ۲- تطبیق الادیان.

و اما آثار خالده و باقیات‌الصالحات ایشان به قرار ذیل است.

۱- احداث بناء مدرسه باقریه ملایر که به نام چهارده معصوم (ع) دارای چهارده اطاق و مدرس و کتابخانه از مال شخصی خودش.

- ۲- بناء مسجد در جنب همان مدرسه بنام مسجد سجاد که اکنون مفروش و معمور می‌باشد.
- ۳- ساختمان عمارتی با کتابخانه در جنب مدرسه و مسجد مزبور برای استفاده عموم و مدرس مدرسه و امام مسجد مزبور که دائماً در آن ساختمان سکونت داشته باشد به مخارج شخصی.
- ۴- ساختمان مسجدی بنام صفی بادوازه باب دکان کنار میدان پهلوی ملایر که واقف آن مرحوم حاج اصغر صفی و تولیت آن با ایشانست.
- ۵- تعمیرات مدرسه و مسجد شیخ‌الملوکی فرزندن مغفور فتحعلی شاه قاجار که بانی و مؤسس مدرسه و مسجد و تکیه و شانزده باب دکان و حمام و سرای بوده و نظارات و تولیت آن با اعلم علماء شهر ملایر معظم‌له می‌باشد.
- ۶- احیاء موقوفات مرحوم حاج عیسی خان بیگدلی که در تهران نیز موقوفاتی دارد و قریب یکصد و بیست سالست وقف نموده و تولیت آن را با اعلم علماء شهر قرار داده که اکنون دست ایشانست.
- ۷- احیاء موقوفات دیگر از قبیل موقوفات حاج شیخ محمدعلی افصحی و حاج رئیس‌التجار و حاج عبداللّه و احداث موسسات خیر در قراء و قصبات از محل موقوفات و آثار و خدمات دیگر ادام اللّه عمره و توفیقه.
- نگارنده گوید: جناب آیت‌اللّه محسنی مضافاً از مراتب علمی و خدمات دینی در موضوع استخاره ید طولائی دارند و از غالب شهرها مردم راجع به حوائج خود کتبا و یا شفاهاً به ایشان رجوع کرده و طلب استخاره می‌نمایند.
- برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

محسنی نیا، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدرضا محسنی نیا

محل تولد: یزد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ پس از اخذ دیپلم تجربی از مدرسه اسلامی زرگران در یزد از طریق مرکز مدیریت حوزه علمیه قم در مدرسه علمیه مبارکه رضویه مشغول به تحصیل شدم از سال ۱۳۶۸ در دروس خارج فقه و اصول اساتید بزرگوار آقایان وحید خراسانی، میرزا جواد آقا تبریزی، سید کاظم حائری، هاشمی شاهرودی، بهجت، شبیری زنجانی و ... شرکت کردم از سال ۱۳۷۱ با برخی از مراکز علمی از جمله مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، دانشگاه مفید، پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی همکاری علمی داشته ام و به مدت ۵ سال در مدرسه علمیه المهدی به تدریس اشتغال داشته ام .

محسنی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: داروسازی، دانشکده: داروسازی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

محموظ، حسین علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عنوان: نگاهی به زندگی پر بار استاد دکتر حسین علی محموظ

نویسنده: عبدالحسین طالعی(*)

چکیده: این گفتار به زندگی نامه و آثار علمی دکتر حسین علی محموظ، استاد فقیه عراقی (۱۳۴۴-۱۴۳۰) هجری قمری / ۱۹۲۶-۲۰۰۹ میلادی) می پردازد. برخی از بزرگان خاندان علمی او که هشت سده تاریخ درخشان دارند، شرح حال مختصر و برخی از تألیفات و تلاش های علمی او، کوشش پی گیر او در احیای سنت حسنه روایت حدیث، فهرستی از مشایخ روایتی او، در این گفتار آمده و در پایان، منابعی برای آشنایی با شخصیت او و دو سند منتشر نشده درباره ارتباط علمی ایشان با استاد سیدجلال الدین محدث ارموی آمده است.

کلید واژه: محموظ، حسین علی / دانشگاه بغداد / اجازه روایت حدیث / محدث ارموی، سیدجلال الدین / تاریخ عراق، قرن ۱۴ و ۱۵ هجری قمری.

علی ابن جعفر (علیه السلام): عالم ینتفع بعلمه افضل من سبعین الف عابد. (۱)

سرکشید از خاک، آن دانا که داشت در جهان فضل و بر ملک معانی سروری

پیشوای اهل تحقیق و خداوند ادب کعبه ی معنی شناسان قبله دانشوری (۲)

۲۳ محرم سال ۱۴۳۰ شاهد ضایعه ی فقدان یکی از دانشمندان کم نظیر بود که بیش از هشتاد سال عمر خود را به تعلم و تعلیم و فراگرفتن و آموختن و پژوهش و نگارش گذرانده بود.

استاد دکتر حسین علی محموظ، پژوهشگر میدان دانش های مختلف، که شهرها و دیارها را در پی جهاد علمی خود زیر پا نهاده و در هر جای، آثار و برکات حضورش نمایان بود.

خاندان

آل محموظ، خاندان علمی است، بس کهن وریشه دار از شهر فرهنگ خیز «حله»

که از قرن هفتم هجری تاکنون بزرگانی در خود پرورده و عالمانی به امت اسلام شناسانده است.

شیخ شمس الدین محموظ ابن وشاح بن محمد اسدی حلی، جدّ اعلای این خاندان - در قرن هفتم - یکی از افتخارات خود را انتساب به «بنی اسد» می دانست که روز عاشورا، چه با تقدیم شهیدی کهن سال به آستان مقدس ابی عبدالله (علیه السلام) جناب

حبيب بن مظاهر اسدی، و چه با خدماتی که پس از رویداد کربلا به خاندان و زائران حضرتش داشتند، نیکوترین نام را در تاریخ به جای نهادند.

آل محفوظ، از سوی دیگر، بنی عم «آل مطهر» به شمار می آیند، که علامه حلی و فرزندش فخرالمحققین، از این خاندان هستند. صاحب کتاب «غررالدلائل» - که در شرح قصاید علویه هفتگانه ابن ابی الحدید نگاشته - در آغاز کتاب خود تصریح می کند که این قصاید را در سال ۶۸۰ نزد استادش شیخ شمس الدین ابومحمد محفوظ بن وشاح در خانه اش در حله خوانده، و استاد، آن قصاید را از ناظم آن (ابن ابی الحدید) روایت می کرده است.

شیخ حسن بن شهید ثانی در اجازه کبیره، شیخ حر عاملی در امل الامل، شیخ محمد سماوی در کتاب الطلیعه و علامه امینی در الغدیر، مراتب علمی او را ستوده اند. و بزرگانی مانند ابن داوود حلی در رثای او اشعاری سروده اند.

فرزندش تاج الدین ابوعلی محمد بن محفوظ نیز از بزرگان علم و ادب بود. شیخ حر عاملی در امل الامل، ابن فوطی در تلخیص مجمع الآداب و صفی الدین حلی در دیوان خود، او را ستوده اند. و قصیده ی صفی الدین حلی در مدح و رثای او قصائدی سروده است. وی در سال ۶۸۵ جانشین عزالدین احمد زنجانی قاضی القضاة حله شد.

شیخ حسین محفوظ، از تبار او بود که در سال ۱۱۷۱ در هرمل (لبنان) زاده شد و در سال ۱۱۸۲ به عراق آمد و در کاظمیه سکنی گزید. او نزد سید عبدالله شبر،

مراتب علمی را پیموده و در سال ۱۲۶۲ درگذشت.

سید حسن صدر در تکمله ی امل الامل، با اشاره به زهد عملی و تلاش عملی وی، او را همراه با شیخ حسین نجف به عنوان «حسینین» نام می برد. شیخ مرتضی انصاری نیز او را «سلمان زمان و ابوذر روزگار خود» می خواند.

بیش از صد عالم در این خاندان شناخته شده اند که مجال بیان نام های آنها، خود رساله ای مفصل می طلبد که مرحوم دکتر محفوظ در دو کتاب خطی خود «تاریخ آل محفوظ» و «تاریخ الهرمل» به تفصیل آورده و در این اجمال نمی گنجد.

علاوه بر عراق، در جای جای لبنان و سوریه نیز، بزرگانی از این خاندان می توان یافت. از جمله نسب پطرس بستانی (متوفی ۱۸۸۳ میلادی)، سلیمان بستانی (م ۱۹۲۵)، و دیع بستانی (م ۱۹۵۴)، و فؤاد افرام بستانی در لبنان نیز به همین خاندان می رسد.

نسب

حسین بن الشیخ علی (م ۱۳۵۵ ق) ابن الشیخ محمد الجواد (۱۳۵۸ ق) ابن الشیخ موسی (۱۳۲۰ ق) ابن الشیخ حسین (۱۲۶۲ ق) ابن الشیخ علی (۱۲۲۲ ق) ابن الشیخ محمد ابن الشیخ علی ابن الشیخ محفوظ، مشهور به دکتر حسین علی محفوظ، در روز دوشنبه ۲۰ شوال ۱۳۴۴ قمری (۳ دسامبر ۱۹۲۶) در کاظمیه، محله الشیوخ، شارع قریش، در خانه ی قدیمی خانوادگی خود دیده به جهان گشود. مادرش سیده خدیجه (م ۱۴۱۰ ق) دخت سید هاشم صائغ (م ۱۳۷۴ ق)، از کتاب دودمان جناب زید بن علی بن الحسین (علیه السلام) بودند که ابن حزم اندلسی در کتاب «جمهره انساب العرب»، به ریاست این خاندان در کوفه و بغداد اشاره کرده است.

زندگی نامه علمی

دکتر محفوظ در مدارس کاظمیه و بغداد درس آموخت. در سال ۱۹۴۸ از

دارالمعلمین العالیه در بغداد لیسانس ادبیات (زبان عربی) و در ۱۹۵۵، در رشته ی ادبیات شرق (ادبیات تطبیقی) دکترا گرفت. در سال ۱۹۵۰ به دعوت دانشگاه تهران به تحصیل در مقطع دکترای زبان و ادبیات فارسی پرداخت و در سال ۱۹۵۷ از رساله دکترای خود تحت عنوان «المتنبی و سعدی» دفاع کرد. در همین زمان، در سال ۱۹۵۲ به عضویت فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی برگزیده شد.

دکتر محفوظ، در زمان کودکی پدر خود را از دست داد و تحت تربیت عمویش استاد محمد محفوظ در آمد. از عموی دانشمند و

مادر فاضل خود بسیار درس آموخت و از کتابخانه موروثی خانوادگی بهره فراوان برد. علاوه بر دروس رسمی دانشگاهی، دروس حوزی را نزد علمای روزگار خود فراگرفت. در کنار آن، دروسی همچون علم انساب، نجوم، ریاضیات، طب قدیم، منطق، فلسفه را نیز آموخت. در طول سالهای تهران، زبان فارسی باستان را از استاد ابراهیم پور داوود، زبان پهلوی را از دکتر صادق کیا، زبان اوستایی را از دکتر محمد مقدم و زبان سانسکریت را از پرفسور کنعا راجا آموخت. با استاد بدیع الزمان فروزانفر که استاد راهنمای رساله اش بود، و نیز استاد دکتر سید محمد مشکاه بسیار مأنوس بود. دکتر محفوظ می گفت: زمان عزیمت از بغداد به تهران، مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی - که در سال ۱۳۶۷ قمری به من اجازه روایت حدیث داده بود - طی نامه ای مرا به دکتر مشکاه معرفی کرد. و دکتر مشکاه، پس از آن، لطف و محبت خاص خود را از من دریغ نمی داشت. دکتر محفوظ، با وجود تبخیر در علوم مختلف - که بیش از ۱۵۰۰ اثر در موضوعات گوناگون نگاشت - خود را «خادم علوم القرآن و علوم الحدیث» و «سبط اهل البیت (علیه السلام)» می دانست.

سرودن شعر را از ۱۳ سالگی شروع کرد، در سال ۱۹۳۹ که چند بیت در وصف بهار سرود، که به این فن تا آخر عمر مداومت داشت.

دکتر محفوظ سه سال (۱۹۶۱-۱۹۶۳) در دانشکده علوم شرقی دانشگاه

لنینگراد سابق (سن پترزبورگ فعلی) در روسیه، برکرسی شیخ محمد عیاد طنطاوی نشست و به تدریس ادبیات عرب پرداخت، و به لقب «استاد المستشرقین» دست یافت. در سال ۱۹۶۹ بخش پژوهش های شرقی را در دانشکده ادبیات دانشگاه بغداد بنیان نهاد که تا سال ۱۹۷۳ در سمت ریاست آن باقی بود.

از سال ۱۹۷۵ به بعد، درباره ی نسخه های خطی پژوهش های مختلفی به سامان برد که آثاری همچون مصطلحات المخطوطات، مصطلحات المکتبه العربیه، مصطلحات المخطوطات، مصطلحات المکتبه العربیه، مصطلحات الخط، مصطلحات الرسم و النقش و التزیق، علاوه بر فهرست مخطوطات کتابخانه های مختلف در عراق، ایران، آذربایجان و روسیه در این زمینه، بر جای نهاد. از سال ۱۹۷۸ به بعد، چندین اثر ماندگار در علم تقویم از او به جای ماند، که برخی ابتکاری بود، مانند: دائرة الالهة (۱۹۷۸)، دائرة التقویم (۱۹۷۹)، تقویم القرآن الخامس عشر الهجری (۱۹۷۹)، جدول الأدوار و الکبائن سته آلاف سنه الهجریه (۱۹۷۹)، اوائل الشهود الاثنی عشر فی القرن الخامس عشر (۱۹۸۱).

به آمار در پژوهش های خود بسیار بها می داد. به عنوان نمونه، در پی یک پژوهش طولانی در مورد میزان اثرگذاری زبان عربی بر چند زبان دیگر، به این نتایج دست یافت:

زبان اردو ۴۱/۹۵٪، زبان تاجیکی ۴۶/۳۹٪، زبان ترکی ۴۹/۷۰٪، زبان فارسی ۶۰/۶۷٪.

نیز: از یک پژوهش در آثار ۱۳۴۰ شاعر و ۱۶۰ نویسنده ی شرقی (غیرعربی) به این نتیجه رسید که الفاظ عربی در آثار اینان، ۵۲٪ در شعر و ۷۰٪ در نثر به کار رفته است.

دکتر محفوظ در نوشتن فرهنگ های تخصصی ید طولایی داشت، از جمله: معجم الآلات و الأدوات، معجم العلامات و الرموز، معجم الاضداد، معجم الالوان،

مصطلحات النقود، معجم الصناع و البیاعین و المحترفین، معجم الموسیقی العربیه.

به تاریخ شهرهای اسلامی اهتمامی تمام داشت، به ویژه تاریخ عتبات عالیات، که تحقیقات او در این زمینه، در دوره «مرسوعه العتبات المقدسه» انتشار یافت.

در جهت برگزاری مجالس بزرگداشت بزرگان علم و ادب، بسیار می کوشید، مانند: هزاره ی کندی فیلسوف، هزاره سید رضی، هزاره ی شیخ صدوق، هزاره ی صاحب بن عباد، هزاره ی شیخ مفید، بزرگداشت صفی الدین ارموی و ابن رحمه حویزی و ابن

سینا و فارابی و فضولی بغدادی و...

در طول این سالها، استدراک بر کتابشناسی هایی مانند کشف الظنون و معجم المطبوعات نوشت.

عضویت در فرهنگستان زبان ایران (۱۹۵۲)، جمعیت سلطنتی آسیایی لندن مجمع (۱۹۵۴)، مجمع اللغة العربیه قاهره (۱۹۵۶)، مجمع علمی علیگره هند (۱۹۷۶)، علمی عربی دمشق (۱۹۹۳) و مجامع دیگر، در کارنامه ی اوست.

و این تلاش علمی ادامه داشت تا اواخر عمر پربار خود که همراه با دو تن از یاران همراه، به تصحیح و تحقیق کتاب پراج «تکلمه امل الآمل» نوشته علامه محقق سیدحسین صدر پرداخت و متن کامل آن را برای نخستین بار در شش جلد در لبنان منتشر کرد.

نگاه تقریبی او - در عین تصلب به مبانی شیعی - بسیار دیدنی بود. استاد بر اساس آماری که از احکام شرعی استخراج کرده بود، به این نتیجه رسیده بود که تنها ۸/۳٪ درصد از احکام فقهی مورد اختلاف میان مذاهب اهل قبله است که در آن میان فقط ۰/۵۶٪ از آن، حکم مختص شیعه امامیه است. (متن کامل این مقاله را دکتر محفوظ به نگارنده ی این سطور مرحمت فرمود که تلخیص آن در سفینه شماره ۱۵، ص ۱۸۲-۱۸۸ به چاپ رسید).

در تصلب او به مبانی شیعه و بزرگان آن، کافی است به یک نکته اشاره شود.

یکی از آثار جاودانه دکتر محفوظ، رساله ای درباره ثقه الاسلام کلینی و کتاب شریف کافی است که در سال ۱۳۷۴ قمری نوشته اند و در مقدمه کتاب کافی (با تحقیق استاد فقید علی اکبر غفاری) آمده است.

استاد علی اکبر غفاری درباره ی این رساله می نویسد: «هی معربه عن مکائنه الاستاذ فی الثقافه الاسلامیه و شموخه فی الادب و تضرعه و براعته فی الدرایه و الحدیث. فزینا الکتاب بهمقاله تقدیراً لسعیه و إکباراً لمقامه».

و آیت الله سید محمدرضا حسینی جلالی درباره ی آن می نویسد: «از شاهکارهای ایشان مقدمه بر چاپ کتاب الکافی مرحوم کلینی است که در تهران چاپ شده که با این کار، علاقه و عشق آقای دکتر محفوظ به حدیث و علوم آن نمایان شد».

این رساله با زبان انگلیسی ترجمه شده و در ابتدای نخستین مجلد ترجمه انگلیسی اصول کافی (ترجمه آیت الله شیخ محمدرضا جعفری نجفی تحت عنوان "Al-Kulayni and Al Kafi") درج شده است.

(چاپ تهران: سازمان جهانی خدمات اسلامی Wofis، ج ۱، ص ۲۷ تا ۴۶)

ایشان به نگارنده ی سطور می فرمود: «وصیت کرده ام نوشته هایی را که در مورد ثقه الاسلام کلینی نوشته ام، همراه با من دفن شود، باشد تا از شفاعت آن بزرگوار در روز قیامت بهره مند شوم».

روایت حدیث

از نقاط روشن و برجسته در زندگی دکتر محفوظ، تداوم راه استادش شیخ آقا بزرگ تهرانی در برپایی رایت اجازة حدیث است. وی، از زمانی که نخستین اجازة ی روایی خود را در سن بیست سالگی، از شیخ آقا بزرگ گرفت، تا آخر عمر پربار خود، نزدیک به صد اجازة ی روایتی، از محدثان شیعه امامی زیدی، اسماعیلی، حنفی، حنبلی، مالکی، شافعی در زمینه های حدیث، قرائت قرآن، اذکار و ادعیه، خط، استخاره، علوم غریبه گرفت. و خود به صدها تن اجازة ی روایتی داد.

این اجازات در شهرهای مختلف بود، از جمله: نجف، کاظمین، سامرا، صور (لبنان)، طنجه، فاس (مغرب)، تهران، قم، زنجان، بغداد، دمشق، اصفهان، سمنان، سبزوار، پطرزبورگ، مدینه، بعلبک، بصره، موصل، علیگره، اربیل (عراق)، لندن، صنعاء (یمن)، تلمسان (الجزایر)، بعقوبه (عراق)، هرمل (لبنان)

دکتر محفوظ، چه در خاطرات شفاهی خود و چه در نوشته های کتبی، همواره تواضع خود را نسبت به علما و مراجع تقلید شیعه نشان می داد و استجازة ی آنها از خود را، نشانه ی تواضع آنها می دانست. از جمله در جایی می نویسد: «مرجع اکبر اقدم سیدابوالقاسم خویی (قدس الله سره) از من خواست که به او اجازة روایت دهم، در زمانی که به زیارتش مشرف شدم، در حالی

که من سی سال داشتم و او پیرمردی سالخورده بود. این نه‌ایه تواضع و آخرین حدّ خفض جناح بود، که علوم حدیث، «روایه الأکابر عن الأصاغر» نام دارد. من به راستی حیا کردم، سکوت بر من غالب شد، در برابر هیبت چنان بزرگی...».

دکتر محفوظ در ارجوزه ای کوتاه، از همین مجلس چنین یاد می‌کند:

قال: «أجزنی أنت» ینهلّ سنامشعشعا ، لّما استجزته انا

قال : أجزنی ، فسکتّ ادباً

وهیبه و خجلاً و رهبا

أکاد من فرط الحیا أذوب

والقلب قد قطعہ الوجیب

و مالمتلی أن یجیز مثله

و کلّ و بل لایجاری طلّه

لکنه تواضع الکبار

إذا حنوا فضلاً علی الصغار

و هو تواضع الأعزّ الأجلل

ما یخفض الجناح إلّا أمثل

و أنّها روایه الأکابر

إذا روی الشیخ عن الأصاغر

و ذاک حقّاً شرف عظیم أرفع لا تناله النجوم

قد خصّنی بلطفه إحساناً

و من یضاهی ء الحیا تهتانا

پی نوشت ها:

*عضو هیئت علمی دانشگاه قم.

۱- کافی، کتاب فضل العلم؛ باب صفة العلم و فضله و فضل العلماء، حدیث ۸.

۲- بخشی از قصیده ی استاد بدیع الزمان فروزانفر در رثای میرزا محمد خان قزوینی.

منابع زندگینامه: فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه، شماره ۲۱.

محفوظی، عباس

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عباس محفوظی

محل تولد: رودسر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۰۷/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت‌الله عباس محفوظی در سال ۱۳۰۷ هجری شمس در یکی از روستاهای شهرستان رودسر و در میان خانواده‌ای مذهبی و دوستدار خاندان پاک پیامبر(ص) به دنیا آمد. تولد او با شب ولادت حضرت ابوالفضل العباس(ع) مصادف شده بود. پدرش پیشه کشاورزی داشت و گاه نیز به تجارت می‌پرداخت. آیت‌الله محفوظی دروس دوره ابتدایی را در رودسر به پایان برد و سپس به دبیرستان رفت. اما حدود یک سال بعد به سبب اشتیاق فراوان به تحصیل دروس دینی، به حوزه علمیه رودسر وارد شد. حوزه علمیه رودسر در آن روزگار رونق چندانی نداشت و استبداد رضا خانی باعث شده بود که مردم کمتر به تحصیل علوم دینی رو آورند. استاد محفوظی پس از حدود ۲ سال اقامت در حوزه علمیه رودسر به این نتیجه رسید که برای یافتن استادانی بهتر و شرایط تحصیلی مناسب‌تر به قم آید. این در حالی بود که دروس دوره مقدمات تا سیوطی را در حوزه رودسر به پایان رسانیده بود. با ورود به حوزه علمیه قم، به محضر استادان مبرز و صاحب نام آن دیار مشرف شد و در زمانی کوتاه دروس مقدمات و سطح را به پایان برد و به درس خارج علمای بنام آن روزگار همچون آیت‌الله العظمی بروجردی(ره) و امام خمینی(ره) راه یافت. او مدتی نیز برای تحصیل به نجف اشرف رفت. قصد او برای این سفر، آشنایی با سبک تدریس علمای آن دیار و سنجش شرایط تحصیل بود؛ اما پس از بازگشت با مخالفت خانواده رو به رو شد و از سفر به نجف منصرف شد. آیت‌الله عباس محفوظی در سالیان تحصیل خود، محضر استادان بسیار را درک کرد. تنها استاد او در حوزه علمیه رودسر آقا سید هادی روحانی بود که دروس مقدمات تا سیوطی را نزد او به پایان برد. با ورود به قم در سال ۱۳۲۴ به درس استادانی همچون آقامیرزا علی راسخی، آقا شیخ حسین زرنندی و آقا شیخ نعمت‌الله صالحی رفت و مطول را نزد آیت‌الله مشکینی و شرح لمعه را نزد آیت‌الله صدوقی، آقا سید محمد حسین درجه‌ای و شهید آیت‌الله بهشتی و آیه‌الله منتظری آموخت. برای فراگیری رسائل به نزد آقا شیخ عبدالجواد اصفهانی رفت و مکاسب را نزد مرحوم شیخ مرتضی حائری و مرحوم مجاهدی تبریزی فرا گرفت. استاد او در کفایه، مرحوم سلطانی طباطبایی بود. او با اتمام دوره سطح به درس خارج آیت‌الله العظمی بروجردی(ره)، آیت‌الله العظمی امام خمینی(ره)، آیت‌الله العظمی میرزا هاشم آملی(ره)، آیت‌الله العظمی محقق داماد(ره)، آیت‌الله العظمی گلپایگانی(ره)، آیت‌الله العظمی شیخ عباسعلی شاهرودی(ره) رفت و از محضر آن بزرگواران بهره‌های بسیار برد. امّا استاد اصلی او در فقه و اصول، امام خمینی(ره) بود. او در بخش حکمت نیز از محضر علامه طباطبایی(ره) بهره‌مند شد شرح منظومه حکمت را نیز از آیه‌الله منتظری آموخت. او در درسهای اخلاق استادان خود نیز حاضر می‌شد. آیت‌الله محفوظی در سالهای تحصیل خود با فضیلتی بسیاری رابطه دوستی داشت و درسهای آموخته را مباحثه می‌کرد که از آن میان می‌توان آیت‌الله محمدی گیلانی، شهید هاشمی‌نژاد و شهید شیخ عبدالحسین رضایی و شیخ محمدباقری طاهری شاهرودی را نام برد. آیت‌الله عباس محفوظی تا به امروز، تلاشهای فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است. او که از نخستین سالهای تحصیل به تدریس می‌پرداخته، بارها و بارها کتب دوره مقدمات و سطح را به طلاب مستعد و فضیلتی بسیاری درس داده است؛ و سالهاست که به تدریس خارج فقه می‌پردازد و طلاب بسیاری را از درس و اخلاق خود بهره‌مند می‌سازد. او در زمینه علوم عقلی نیز به تدریس کتب فلسفی، از جمله شرح منظومه سبزواری پرداخته است که این تدریس، تا هم اکنون نیز ادامه دارد. همچنین وی کتابی در زمینه ولایت فقیه نگاشته است و کتابهای بسیاری نیز در دست چاپ دارد. آیت‌الله محفوظی در کنار تحصیل و تدریس، همواره از مبارزه بر ضد رژیم پهلوی باز نمانده است و ضمن شرکت در جلسات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، زیر بسیاری از اعلامیه‌های افشاگرانه آن مرکز را امضا کرده است. او در رژیم گذشته بارها مورد تعقیب، بازجویی و تبعید قرار گرفته است و با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ نیز همواره مدافع و یار امام(ره) و رهبر معظم انقلاب بوده است. آیت‌الله محفوظی هم اکنون در قم به تدریس و تربیت طلاب اشتغال دارد.

محقق اصطهباناتی، ابوالحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۸-۱۲۵۵ ق)، عالم امامی، مفسر، ریاضیدان، متکلم و عارف. ملقب به محقق العلماء. نسبتش به اصطهبانات فارس می‌رسد. وی دخترزاده‌ی سید جعفر کشفی بود. در اصطهبانات به دنیا آمد. مدتی در یزد و مشهد و اصفهان در محضر آقا محمدجعفر کرمانی، شاگرد شیخ انصاری، و میرزا محمدرضا یزدی، شاگرد صاحب «جواهر»، و دیگران تلمذ نمود. او از حکمای زمان خود و عالم معقول و منقول بود که در ادب و ریاضی نیز دستی توانا داشت. در اصطهبانات درگذشت و در کنار قبر مغربی تبریزی، به خاک سپرده شد. از آثارش: حاشیه‌ی «تحریر اقلیدس» خواجه نصیر طوسی؛ شرح «تشریح الافلاک» شیخ بهائی؛ «السلسیل»، در عرفان؛ «دعاء کمیل»، که در حاشیه «زاد المعاد» به چاپ رسیده؛ «الحصن الحصین»، در شرح «البلد الامین»، در توحید؛ «مطالع الانوار»؛ «لمعات النور»، در تفسیر آیه‌ی نور؛ رساله‌ای در «هیئت»؛ رساله‌ای در «قبله»، که آن را به خواست میرزا ابراهیم مجتهد محلاتی در رد بر میرزا محمدباقر اصطهباناتی نگاشت. [۱]

الشیخ میرزا ابوالحسن بن اسماعیل اصطهباناتی لاری معروف بمحقق عالمی جلیل و فاضلی مصنف است.

وی از صبیّه فاضله آیه‌الله حاج سید جعفر کشفی متولد شده و جماعتی از بزرگان مانند میرزا محمد رضا یزدی و آقا محمد جعفر کرمانی از وی استفاده نموده‌اند. تألیفاتی دارد مانند (السلسیل) و شرح دعاء کمیل و زادالمعاد والحصن الحصین و مطالع الانوار و لمعات النور و شرح تشریح الافلاک و حاشیه تحریر اقلیدس در ماه ذی‌الحجه ۱۳۳۸ ق از دنیا رفته است. بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان الشیعه (۳۳۶، ۳۲۳/۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۹۱-۹۰/۱)، الذریعه (۲۵۸، ۱۳/۱۴۶، ۱۳/۱۴۲، ۲۱/۳۴۷، ۱۸/۲۱۴، ۱۲/۲۱۴، ۷/۳۳، ۶/۳۳)، ریحانه (۲۳۶/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۷۷، ۱۴/۳۵)، معجم المؤلفین (۲۰۶/۳)، مکارم الآثار (۱۵۰۱-۱۵۰۰/۵).

محقق اصفهانی حائری، محمد جواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم فقیه ادیب، و شاعر زاهد، از مدرّسین ادبیّات در کربلا- و ساکن مدرسه حسن خان بوده، و عمری به فقر و استغناء زندگی فرموده، و جمعی از فضلا و مستعدّین در خدمتش تحصیل نموده.

گاهی به مقتضای حال، اشعاری می‌سروده و در آنها «قدسی» و «محقق» تخلّص می‌نموده. قسمتی از اشعارش به طبع رسیده. در مقدمه دیوانش گوید: متبحّر در علوم عربیّت، و شاخص در ادبیّت، و استاد نحو و منطق و علم کلام، و میّرز در معقول و منقول، و با آن که فقیه فاضلی بود، جنبه شعر و ادبیّتش غالب بر سایر معلوماتش می‌نمود. در ۱۳۲۸ وفات یافته، در صحن مطهر حسینی علیه السلام مدفون گردید.

از اشعار اوست:

در بزم دهر عیش میسر نمی‌شود
 زین جام می گلوی کسی تر نمی‌شود
 هرگز کسی ز آینه جام در جهان
 دارای عصر خویش و سکندر نمی‌شود
 نفس اژدری است تا نشود کشته‌ای حکیم
 در دست گنج عقل میسر نمی‌شود
 برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

محقق بهشتی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیه‌الله حاج سید محمد محقق بهشتی از علماء معاصر بابل است، وی در بابل متولد شده و در مهد علم و تقوا پرورش یافته و تحصیلات اولیه و سطوح را در بابل خوانده و بنجف مهاجرت و از محضر آیات عظام و مراجع کرام آن سامان استفاده نموده تا بمدارج علم و کمال رسیده و بوطن مراجعت و بانجام وظائف دینی و روحی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ارشاد انام اشتغال دارد.

از باقیات الصالحات ایشانست فرزند برومند و فاضل آنجناب حجه‌الاسلام آقای آقا سید حسن آقا بهشتی که سالهای متمادی در مشهد مقدس تحصیل علوم اسلامی از فقه و اصول و غیره نموده آنگاه ببابل مراجعت و باقامه جماعت و ترویج دین و تدریس و سایر خدمات روحی و دینی مشغول می‌باشد.
 برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

محقق تهرانی، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج شیخ رضا محقق تهرانی از علماء و مجتهدین مبرز معاصر تهرانست.
 وی در حدود سال ۱۳۳۲ قمری در تهران متولد شده و پس از بلوغ و خواندن اولیات و سطوح در سال ۱۳۶۵ قمری عصر ریاست آیت‌الله العظمی بروجردی رضوان الله علیه به قم آمده و از محضر آن مرحوم و آیات دیگر استفاده نموده و پس از چند سال به تهران مراجعت و بتدریس سطح و خارج پرداخته و تا حال حاضر به اقامه جماعت در مسجد بازار آهنگرها و گفتن درس خارج برای عده‌ای از فضلاء تهران اشتغال دارند.

نگارنده گوید: آن جناب عالمی محقق و دانشمندی مدقق است دارای آثار علمی می‌باشند که از آنها شرح بر شرایع الاسلام بنام حقایق الفقه است که قسمتی از آن بطبع رسیده است.

و ایشان عدیل و باجناق حجة الاسلام و قدوه العلماء الاعلام آقای آقا شیخ جواد خندق آبادی تهرانی که از افاضل علماء و مدرسین بزرگوار حوزه علمیه قم و تهراند، می‌باشند.

آقای خندق آبادی مزبور از بیت علم و فضیلت و دارای مقام فضل و تقوا و ورع و موصوف بکمال و معنویت است. وی چندین سال در حوزه علمیه قم اشتغال بتدریس و کسب فیض از محضر مرحوم آیت الله العظمی بروجردی بودند و ضمناً تدریس کفایه و مکاسب و غیره می‌نمودند و بسیاری از فضلاء تهرانی معاصر از شاگردان او می‌باشند. در جمع و تربیت جامع الاحادیث آیت الله بروجردی سهم بسزائی دارند و از این جهت و جهات دیگر مورد توجه مخصوص آیت الله و محسود بعضی از اقران بودند که پس از فوت آن مرحوم قم را ترک نموده و از شرکت در مجامع عمومی و اجتماعات و معاشرت خودداری و مهر سکوت بر زبان و بحال مخصوصی ایام خود را می‌گذرانند و آیا مفاد فرمایش حضرت صادق علیه السلام که می‌فرماید:

(فسد الزمان و تعیرت الاخوان و تغلبت الاعیان فرایت الانفراد اسکن للفواد) را مطالعه نموده و تغییر رژیم و روش سابق خود داده و یا امری دیگر موجب این حالت او شده چه عرض کنم (العلم عند الله) ای حال مردی کم نظیر و از جهات اخلاقی و روحی و معنویت نادره زمانست.

محمدرضا محقق تهرانی فرزند مرحوم آقا حسین کرمانی یکی از دانشمندان به نام و مجتهدین معاصر تهران می‌باشد. ایشان در سال ۱۳۳۲ قمری در تهران متولد شده مقدمات و ادبیات را در قم خوانده و پس از آن به مشهد مشرف شده و دروس نهائی را از آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی و آیت الله حاج شیخ کاظم دامغانی و حاج شیخ حسن پائین خیابانی استفاده و تکمیل نموده در دروس خارج آقا محمد آقازاده کفائی و آیت الله العظمی حاج آقا حسین قمی شرکت نموده و دروس معارف را از مرحوم آیت الله میرزا محمد مهدی غروی اصفهانی استفاده کرده و پس از جریان مسجد گوهرشاد در سال ۱۳۱۴ شمسی و تبعید آیات عظام خراسان و تعطیلی حوزه علمیه مشهد ناچار به تهران برگشته و از محضر مرحوم آیت الله آقا میرزا محمد علی شاه آبادی بهره مند شده و سپس به قم آمده و از محضر آیات ثلاثه قم آیت الله حجت و آیت الله خونساری و آیت الله صدر استفاده نموده و به تهران آمده و مدتی اقامت و پس از ورود آیت الله العظمی بروجردی باز به قم برگشته و مدت نه سال تمام به اتفاق باجناقش مرحوم حجة الاسلام حاج شیخ محمد جواد خندق آبادی به درس خارج معظم له شرکت و استفاده نمود سپس به مشهد عزیمت و به مدت دو سال توقف و به تدریس پرداخته و پس از آن به تهران بازگشته و در مدرسه مروی به تدریس فقه و اصول مشغول شده تا در سال ۱۳۵۸ شمسی که به علتی دروس را تعطیل و به تألیف موسوعه حقایق الفقه در شرح شرایع الاسلام پرداخته و تاکنون حدود پنجاه جلد از آن چاپ و حدود بیست جلد دیگر در دست تألیف و طبع می‌باشد و ضمناً آن جناب در مسجد خندق آباد واقع در خیابان مولوی اقامه جماعت می‌نماید.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

محقق خوانساری، حسین

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۰۹۸ / ۱۰۹۹ - ۱۰۱۶ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، رجالی، محدث، متکلم، مدرس، محقق و شاعر. وی جامع معقول و منقول بود و به جهت تدریس در هر یک از این علوم به استاد الكل فی الكل معروف شد. چون پدر و پسرش هر دو جمال الدین نام داشتند ملقب به ذوالجمالین شد. اصلش از خوانسار است. در نوجوانی برای کسب علوم به اصفهان رفت و در مدرسه‌ی خواجه ملک

نزدیک مدرسه‌ی شیخ لطف‌الله مشغول تحصیل شد. او علوم معقول و منقول را از میرفندرسکی و ملا- محمدتقی مجلسی و خلیفه‌السلطان و محقق سبزواری و دیگر علما فراگرفت و به مقام علمی بالایی رسید. او به تیزهوشی و سرعت انتقال معروف بود و مشکلات علمی را با اندک تأملی حل می‌نمود. فرزندانش، آقا جمال خوانساری و آقا رضی خوانساری، و سید نعمت‌الله جزایری و شیخ جعفر قاضی و ملا میرزا شیروانی و ملا محمد سراب تنکابنی و عده‌ای دیگر از شاگردان او بودند. ریاست علمی و مذهبی زمانش بدو منتهی می‌شد و وی پناه‌گاه فقرا و مساکین بود. در شعر طبعی روان داشت و شعر و نثرش به عربی و فارسی مشهور است. در اصفهان درگذشت و در قبرستان تخت فولاد نزدیک مقبره‌ی بابا رکن‌الدین دفن شد. شاه سلیمان صفوی مقبره‌ای برایش بنا کرد که پس از دفن شدن فرزندانش در کنارش، به تکیه‌ی خوانساریها معروف گردید. از آثارش: ترجمه‌ی قرآن؛ فسیر «سوره الفاتحه»؛ ترجمه‌ی «صحیفه السجادیه»؛ «مشارق الشموس»، در شرح «الدروس» شهید اول؛ «تواریخ و فیات العلماء»؛ «الجبر و الاختیار»؛ حاشیه بر «شرح جدید التجرید» قوشچی؛ حاشیه بر «شرح الاشارات» خواجه نصیر طوسی؛ حاشیه بر «شرح لمعه»؛ حاشیه بر «محاكمات» قطب‌الدین رازی؛ حاشیه بر «معالم الاصول»؛ شرح «کافیه» ابن حاجب؛ شرح «هیئت» قوشچی؛ رساله در «مقدمه الواجب»؛ رساله‌هایی در شبهات متفرقه، از جمله: «شبهه الایمان و الکفر»، «شبهه الطفره» و «شبهه الاستلزام»؛ «دیوان» شعر. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۵۰- ۱۴۸/۶)، ایضاح المکنون (۲/۴۸۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۱۶- ۳۱۴/۵)، تذکره‌ی شعرای خوانسار (۲۶- ۲۳)، تذکره‌ی القبور (۲۹۸- ۲۹۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۵۳- ۱۵۲)، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (۱۷۳، ۵۱/۲)، الذریعه (۱۰۶/۲۲، ۳۶/۲۱، ۱۳۳- ۱۳۲/۲۰، ۲۴۴، ۹۱، ۲۵/۱۳، ۲۴۷، ۹/۱۹، ۷/۲۰۶، ۱۹۲، ۱۱۱، ۶/۶۸، ۵/۸۱، ۳۳۹، ۱۲۶، ۱۱۲/۴)، روضات الجنات (۳۴۷- ۳۳۹/۲)، ریاض العارفین (۱۸۷)، ریاض العلماء (۶۰- ۵۷/۲)، ریحانه (۲۴۲- ۲۳۹/۵)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۴۰۸- ۴۰۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۷- ۱۶۶/۱۱)، فقه‌ای نامدار شیعه (۲۳۸- ۲۳۴)، فوائد الرضویه (۱۵۵- ۱۵۳)، الکنی و الالقاب (۱۵۹- ۱۵۸/۳)، لغت نامه (ذیل / حسین خوانساری)، معجم المؤلفین (۴/۴۸)، مواد التواریخ (۱۷۴- ۱۷۳)، هدیه الاحباب (۲۳۵- ۲۳۴)، هدیه العارفین (۳۲۴/۱).

محقق سبزواری، محمدباقر

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۰۹۰- ۱۰۱۷ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، حکیم، متکلم، مدرس و شاعر. معروف به صاحب «ذخیره». اصل وی از سبزواری بود. در اصفهان سکونت گزید و نزد علمای آن شهر تلمذ نمود. معقول را از میرفندرسکی و قاضی معز و منقول را از ملا- حیدرعلی اصفهانی و ملا حسنعلی شوشتری فراگرفت. او از مجلسی اول و از نورالدین علی عاملی، برادر صاحب «مدارک»، و از شرف‌الدین علی شولستانی و از حسین مقری عاملی و حسین بن حیدر کرکی که از شاگردان شیخ بهائی بودند، روایت کرده است. در زمان شاه عباس ثانی امام جمعه و جماعت بود و منصب شیخ الاسلامی و تدریس در مدرسه ملا عبدالله شوشتری به وی تفویض شد. وی همچنین در مدرسه‌ی سمیعیه که بعدها به مدرسه‌ی سبزواری مشهور شد تدریس می‌کرد. از شاگردان بنام او ملا محمد سراب تنکابنی و محمد شفیع بن فرج و عبدالله اردبیلی می‌باشند. گفته‌اند که شوهر خواهرش، محقق خوانساری، نیز از جمله شاگردان اوست. بین او و فیض کاشانی دوستی و مودت و همفکری کامل برقرار بود. محقق طبع روانی داشت و به نیکویی شعر می‌سرود. در اصفهان درگذشت، پیکرش به مشهد منتقل و در صحن رضوی، در مدرسه‌ی میرزا جعفر، دفن شد. از آثارش: «ذخیره المعاد فی

شرح الارشاد»، در فقه شیعه؛ «کفایة الاحکام» یا «کفایة الفقه» یا «کفایة المعتقد» یا «کفایة المقتصد». این دو، کتابهای مبسوطی در فقه شیعه می‌باشند. از دیگر آثار وی: رساله‌ای در «سمت القبلة»؛ شرح «زبده الاصول» شیخ بهائی؛ «رسالة الخلافة»، در عبادات؛ «روضه الانوار عباسی»، در معرفت خدا و مواعظ و آداب سلوک رعایا و ملوک و «مفاتیح النجاة»، در ادعیه و اعمال سال و «جامع الزیارات عباسی» که هر سه برای شاه عباس صفوی تألیف شده است؛ حاشیه بر «شرح الاشارات»؛ حاشیه بر «الهیات الشفاء». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۶/۲۷۲)، ایضاح المکنون (۱/۵۴۲)، الذریعه (۲۲/۲۵۶، ۳۰۸/۲۱، ۲۱/۲۱، ۹۹، ۹۶، ۸۸/۱۸، ۲۹۰، ۲۸۹-۱۱/۱۱، ۱۹/۱۰، ۲۳۹، ۷/۱۴۱، ۶/۱۱۰، ۵/۵۷)، روضات الجنات (۷۶-۶۷/۲)، ریحانه (۵/۲۴۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۲-۷۱/۱۱)، فقه‌های نامدار شیعه (۲۳۲-۲۳۰)، فوائد الرضویه (۴۲۶-۴۲۵)، الکنی و الالقاب (۱۶۱-۱۵۹/۳)، لغت نامه (ذیل / سبزواری)، معجم المؤلفین (۹/۹۵)، مؤلفین کتب چاپی (۶۹-۶۷/۲)، هدیه العارفین (۲/۲۹۷).

محقق کرکی، زین‌الدین، نورالدین ابوالحسن علی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۹۴۰/۹۳۸/۹۳۷-۸۶۸ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، مجتهد و محقق. معروف به محقق کرکی و محقق ثانی و موصوف به شیخ علائی و مروج المذهب و مولای مروج و عالم ربانی. عده‌ای او را به جدش عبدالعالی منسوب کرده و علی بن عبدالعالی خوانده‌اند. وی از علمای بزرگ عهد شاه طهماسب صفوی (۹۸۴-۹۳۰ ق) بود، که او را مجدد مذهب شیعه نامیده‌اند. در جبل عامل شامات به دنیا آمد. سپس به مصر رفت و از علمای آنجا اخذ علم نمود. سفری هم به عراق نمود و بعدها در ایران مستقر گردید و نزد شاه تقرب یافت به حدی که شاه سلطنت را بدو تفویض کرد و خود را یکی از عمال شیخ خواند و محقق طی احکامی که به اطراف و ولایات نوشت، کیفیت سلوک عمال با رعایا را به آنان گوشزد کرد. محقق از شاگردان علی بن هلال جزایری (از شاگردان و راویان احمد بن فهد حلی) و محمد بن خاتون عاملی و دیگر بزرگان بود و از آنها روایت می‌نمود. او از علی بن هلال جزایری و ابن المؤذن دارای اجازه بود. علی بن عبدالعالی میسی (و از او شهید ثانی) و پسرش، ظهیرالدین ابراهیم میسی، و شیخ زین‌الدین فقعی و شیخ احمد ابن ابی‌جامع و شیخ عبدالنبی جزایری از وی روایت کرده‌اند. شیخ علی منشار و شیخ کمال‌الدین درویش و سید امیر محمد استرآبادی و سید شریف‌الدین علی استرآبادی از شاگردان محقق کرکی بودند. در نجف درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. پدر شیخ بهائی فرموده که محقق کرکی را به زهر شهید کردند. در «شهیدان راه فضیلت» تاریخ شهادت وی ۹۴۵ ق ذکر شده است. از آثارش: «اثبات الرجعة»؛ «احکام الارضین» یا «اقسام الارضین»؛ «جامع المقاصد»، در شرح «القواعد» علامه حلی، در شش مجلد؛ حاشیه بر «ارشاد الاذهان» علامه حلی؛ حاشیه بر «القیه» شهید اول؛ حاشیه بر «الدروس» و «الذکری» شهید اول؛ حاشیه بر «شرایع الاسلام»؛ «صیغ العقود و الایقات»؛ «قاطع اللجاج فی تحقیق حل الخراج»؛ «النجمیة»، در کلام؛ «نفحات اللاهوت» یا «اسرار اللاهوت»؛ رساله‌ی «الجعفریة»؛ رساله‌ی «العدالة»؛ رساله‌ی «الغیبة»؛ رساله‌ی «الرضاع»؛ ترجمه‌ی «الجزیره الخضراء» فضل بن یحیی طیبی، که در هند به چاپ رسیده است. [۱]

شیخ زین‌الدین ابوالحسن علی بن حسین معروف به محقق کرکی (ف. نجف. ۹۴۰ ه. ق) از علماء معروف، معاصر شاه طهماسب صفوی، سمت شیخ‌الاسلامی داشت و قاضی‌القضاة ایران بود. تألیفات بسیار دارد، از جمله‌ی آثارش جامع‌المقاصد فی شرح القواعد، حاشیه‌ی شرایع‌الاسلام، شرح‌القیه‌ی شهید اول. حاشیه‌ی تحریر علامه است.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۵/۹۱)، اعیان الشیعه (۲۱۳-۸/۲۰۸)، حبیب السیر (۶۱۰-۴/۶۰۹)، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (۱۷۸)، ۱۶۵، (۲/۱۶۰)، الذریعه (۲۵۱-۲۵۰، ۲۴/۷۲، ۱۷/۷، ۱۵/۱۱۰، ۱۰۷، ۲۴، ۱۶-۶/۱۵-۷۳، ۵/۷۲-۲۷۱، ۲/۵۵، ۲۹۳، ۱/۹۳)، روضات الجنات (۳۵۹-۴/۳۴۶)، ریاض العلماء (۴۶۰-۳/۴۴۱)، ریحانه (۲۴۹-۵/۲۴۴)، شهیدان راه فضیلت (۲۱۷-۱۹۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۱-۱۰/۱۶۰)، عالم آرای عباسی (۴۵۸، ۱۵۴، ۱۴۶، ۱/۱۴۴)، فقهای نامدار شیعه (۱۸۴-۱۷۶)، فوائد الرضویه (۳۰۶-۳۰۳)، قصص العلماء (۳۴۸-۳۴۶)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۸۷-۱۸۶)، الکنی و الالقاب (۱۶۲-۳/۱۶۱)، معجم المؤلفین (۷۴/۷)، وقایع السنین و الاعوام (۴۶۲)، هدیة الاحباب (۲۳۶)، هدیة العارفین (۱/۷۴۴).

محقق، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی محقق در سال ۱۳۰۸ شمسی در مشهد به دنیا آمد، و پس از تحصیلات مقدماتی، علوم حوزه‌ای را در مشهد و تهران تا حد اجتهاد طی کرد. پس از اخذ لیسانس از سال ۱۳۳۰ تا سال ۱۳۳۹ به دبیری دبیرستانها و اداره بخش نسخ خطی کتابخانه ملی فرهنگ پرداخت. در سال ۱۳۳۷ دکترای الهیات و معارف اسلامی را به پایان رسانید و در سال ۱۳۳۸ دکترای زبان و ادبیات فارسی اخذ نمود. در سال ۱۳۳۹ به دانشیاری دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برگزیده شد و در سال ۱۳۴۶ به درجه استادی ارتقا یافت. استاد از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۷ مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران و بعد از انقلاب نیز به مدت یک سال عهده دار ریاست دانشکده دماوند گردید. او به مدت دو سال به عنوان استاد مهمان در دانشگاه لندن و مدت هشت سال به تناوب در دانشگاه مک گیل کانادا به تدریس پرداخت و در سال ۱۳۴۷ شعبه موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل را در تهران تاسیس کرد. ایشان عضو و رئیس انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی و عضو هیات امنای انجمن فلسفه ایران بوده و اکنون رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و مشاور علمی و عضو هیات امنای بنیاد دائره المعارف اسلامی و عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. استاد همچنین عضو ایرانی فرهنگستان زبان و ادب مصر می باشد و در فرهنگستان های اردن، سوریه، هند و مجمع بین المللی فلسفه در قرون وسطی و مجمع بین المللی تاریخ پزشکی نیز عضویت دارد. استاد محقق در سال ۱۳۶۱ از سمت استادی دانشگاه تهران بازنشسته گردید و پس از آن در دانشگاه های مشهد، امام صادق (ع)، تربیت مدرس، الزهراء و شهید مطهری تدریس کرده است. ایشان برگزیده همایش طرح سپاس بهمن ۸۵ در فرهنگسرای ابن سینا می باشند.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب: مهدی محقق فرزند حاج شیخ عباسعلی محقق واعظ خراسانی و نوه مرحوم آخوند ملا بمانعلی دامغانی می باشد. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: مهمترین حادثه بوقوع پیوسته در دوران کودکی مهدی محقق، واقعه خونین مسجد گوهرشاد مشهد بود. استاد از این واقعه چنین تعریف می کند: «هنوز صدای صفیر گلوله هایی که در شب واقعه شلیک می شد در گوش من طنین انداز است خصوصاً که این واقعه مصادف شد با پنهان زیستن پدرم زیرا او از کسانی بود که در شب واقعه منبر رفته بود و در ضمن در سخنانش گفته بود: «گویی ما در زیر پرچم انگلیس هستیم که هرچه آنان بخواهند باید اطاعت شود.» سرانجام پدرم پس از مدتها زندگی مخفی خود را به شهربانی مشهد معرفی نمود و از آنجا به زندان قصر منتقل شد و بیش از سه سال را در آنجا

گذراند. در سال ۱۳۱۷ با آزادی پدر از زندان، به اتفاق خانواده به تهران رهسپار شده که این مهاجرت با ممنوع المنبر شدن پدر و اوضاع بد اقتصادی خانواده توأم گشت، ناچار پدر و دو برادر بزرگترش به حجره‌ای در مدرسه سپهسالار رفتند و بقیه خانواده نیز در اتاقی کوچک که در بازارچه نایب السلطنه قرار داشت مقیم شدند. اوضاع نابسامان مادی و بی‌اطلاعی پدر باعث به تعویق افتادن تحصیل دکتر محقق شد.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: تحصیلات مهدی محقق در دبستان فرهنگ آغاز گردید و در سال ۱۳۲۱ وارد دبیرستان گردید، اما به دلیل شرایط سخت مادی برای مدتی از تحصیل فاصله گرفت و جهت کسب درآمد وارد بازار شد، طولی نکشید استاد محقق وارد مدرسه خان مروی شد و تحصیلات خود را پی گرفت. در مدت ۴ ماه صرف میر و عوامل ملا محسن و انموذج و صمدیه را نزد حاج سید هادی ورامینی فراگرفت. محقق جهت فراگیری درس سیوطی و حاشیه وارد مدرسه سپهسالار قدیم شد. پس از گذراندن این دوران و استفاده از استادان مدارس تهران، به مشهد رفته و در حوزه علمیه این شهر به کسب علم نزد علمای بزرگ پرداخت، او از این دوران به دلیل بهره‌مند شدن از «استادان فاضل و دانشمند» به نیکی یاد می‌کند. استاد در شهریور سال ۱۳۲۷ در امتحان ورودی دانشکده علوم معقول و منقول به عنوان نفر سوم برگزیده شد؛ او در سال‌های ۱۳۲۷ و ۱۳۳۰ همزمان با تحصیل در این دانشکده در درس مدرسان بزرگ تهران شرکت می‌کرد. در سال ۱۳۳۰ برای اخذ لیسانس دوم که منتهی به دکترای هم شد وارد دانشکده ادبیات شده و در سال ۱۳۳۳ لیسانس زبان و ادبیات فارسی را اخذ نمود و بلافاصله در دوره دکتری شرکت نمود. در سال ۱۳۳۴ با افتتاح دوره دکتری علوم معقول و منقول، در دوره دکتری معقول ثبت نام کرد. او توانست در سال ۱۳۳۶ دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی را و در سال ۱۳۳۷ دوره دکتری علوم معقول و منقول را به پایان برد.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: مهدی محقق مدتی اداره‌ی بخش نسخ خطی کتابخانه ملی را عهده‌دار بود و با شروع فعالیت‌های آموزشی از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۷ مدیریت گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران را به عهده گرفت و پس از انقلاب به مدت یک سال ریاست دانشکده دماوند به وی سپرده شد. از دیگر مشاغل دکتر محقق، عضویت و ریاست انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی و عضویت هیئت امنای انجمن فلسفه ایران بوده و اکنون رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و مشاور علمی و عضو هیئت امنای بنیاد دائرة المعارف اسلامی و عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. وی همچنین عضو ایرانی فرهنگستان زبان و ادب مصر است و در فرهنگستان‌های اردن، سوریه، هند و مجمع بین‌المللی فلسفه در قرون وسطی و مجمع بین‌المللی تاریخ پزشکی نیز عضویت دارد.

فعالیت‌های آموزشی: شروع کار تدریس مهدی محقق به تشویق آیت‌الله کاشانی بود، استاد می‌گوید: «مرحوم آیت‌الله کاشانی معتقد بود که در من فصاحتی وجود دارد که در معلمی باید از آن استفاده کنم و وقتی تعلل مرا در امر استخدام دید گفت «شما بیسوادا خودتونو کنار می‌کشین که همه جاها را کافرا گرفتن» کلمه «بیسوادا» تکیه کلام آن مرحوم بود لذا نامه‌ای در صلاحیت من به وزارت فرهنگ نوشت و من به تشویق آن مرحوم از آن سال کار تدریس را شروع کردم.» پس از اخذ لیسانس از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۹ به دبیری دبیرستان‌ها برگزیده شد و از سال ۱۳۳۹ به دانشیاری دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، سپس به درجه‌ی استادی ارتقاء یافت. او در سال ۱۳۴۰ به مدت دو سال به عنوان استاد مهمان در دانشکده مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن و از سال ۱۳۴۴ به مدت هشت سال به تناوب در مؤسسه‌ی مطالعات اسلامی دانشگاه مک‌گیل کانادا به تدریس زبان و ادبیات فارسی، تاریخ تمدن ایران و فلسفه و کلام اسلامی پرداخت. در بازگشت، مدتی در حوزه علمیه قم عهده‌دار تدریس «روش تصحیح انتقادی و نشر متون اسلامی» بود. استاد محقق در سال ۱۳۶۱ از سمت استادی دانشگاه تهران بازنشسته گردید و پس از آن در دانشگاه‌های مشهد، امام صادق (ع)، تربیت مدرس، الزهرا و شهید مطهری تدریس کرده است.

مراکز که فرد از بانیان آن به شمار می‌آید: مهدی محقق در سال ۱۳۴۷ شعبه‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسلامی دانشگاه مک‌گیل

کانادا را در تهران تأسیس کرد. وی همچنین در بنیان‌گذاری «دائرة المعارف تشیع» و «دائرة المعارف اسلامی» هم سهمی داشته است. او در کانادا پیشنهاد تأسیس کرسی «فکر شیعه» را ارائه نمود و خود وی نیز عهده دار آن گردید و فلسفه و کلام و اصول فقه شیعه تدریس نمود.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: مهدی محقق در چندین کنگره بین‌المللی و ملی شرکت نموده و در همه ی آنها خطابه ایراد کرده است، که از آن جمله عبارتند از: کنگره مؤتمر اسلامی (قاهره - ۱۳۳۴)، انجمن شعر لندن (۱۳۴۰)، سمینار مقایسه ی گرامر زبان های سامی (دانشگاه لندن - ۱۳۴۱)، سمینار میراث مشترک فرهنگی ایران و پاکستان و ترکیه (تهران - ۱۳۴۳)، انجمن آمریکایی خاورشناسی (فیلادلفیا - ۱۳۴۵، نیوهاون - ۱۳۴۶ و دانشگاه برکلی کالیفرنیا - ۱۳۴۷)، کنگره بین‌المللی مستشرقین (میشیگان - ۱۳۴۶) و هفته ی فرهنگی ایران (دانشگاه مک گیل مونترال - ۱۳۴۶). وی علاوه بر تألیف چندین کتاب، مجموعه مقالاتی را نیز به زبان های فارسی، عربی و انگلیسی در ایران و کشورهای همچون لبنان، سوریه، هند، پاکستان، به رشته ی تحریر درآورده است که از آن جمله، انتشار مقالات متعدد در مجلات دانشکده ادبیات، یغما، راهنمای کتاب، فرهنگ ایران زمین، آستان قدس رضوی، وحید، مهر، الاخاء و نشریه ی کتابخانه ی مرکزی دانشگاه می باشد.

آرا و گرایشهای خاص: مهدی محقق ممیزه و مشخصه فرهنگ اسلامی نسبت به سایر فرهنگها را این می داند که هیچوقت دروازه های فرهنگ اسلامی بسته نبوده و همیشه از خاصیت تسامح برای پذیرفتن فکر تازه و جدید برخوردار بوده است. بدان علت آنچه از علوم و معارف و دانستی ها و دانش ها که مفید تشخیص داده شده بود، از ملت های مختلف گرفته شده است، این علوم و معارف را از یونانی، سریانی، سانسکریت ترجمه کردند و در حقیقت تکامل و ترقی فرهنگ اسلامی را در این دانستند که آن را به موضوع خاصی منحصر نکنند.

جوایز و نشانها: مهدی محقق برگزیده همایش طرح سپاس در سال ۸۵ در فرهنگسرای ابن سینا می باشند.

چگونگی عرضه آثار: مهدی محقق، درباره اولین کتاب خود وجوه قرآن این چنین میگوید: «اولین کتاب من «وجوه قرآن» از حبیب بن ابراهیم تفسیری، پزشک، لغت شناس و قرآن شناس در سال ؟؟؟؟ منتشر شد. من این کتاب را تصحیح کردم، مقدمه نوشتم و «وجوه قرآن» را توضیح دادم. در این کتاب لغات قرآن یک به یک ذکر می شود که به چه معنایی آمده و بعد آیه اش هم ذکر می شود. کسانی که در حوزه قرآن مطالعه می کنند و در زمینه تفسیر کاری کنند، این کتاب مورد نیازشان خواهد بود. «وجوه قرآن» از علوم است که همیشه مورد توجه مفسران و دانشمندان قرآن شناس بود. «وجوه قرآن» در قرن هفتم نوشته شده و از نسخه های خطی نادر و منحصر به فردی بود که مرحوم مجتبی مینوی، زمانی که ریزن فرهنگی ایران در ترکیه بود، میکروفیلم این کتاب و حدود پنج هزار کتاب دیگر را برای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران هدیه آورد. این اثر در همان دوره با سرمایه دکتر یحیی مهدوی چاپ شد که حقوق دانشگاهی اش را وقف چاپ آثار علمی و خطی کرده بود و تفسیر سوراآبادی و وجوه قرآن به این صورت چاپ شد. کتاب «تأثیر قرآن در اشعار ناصر خسرو» نیز از آثار وی است که درباره این اثر این چنین میگوید: «تأثیر قرآن در آثار ناصر خسرو خیلی بیشتر و آشکارتر است. هم ناصر خسرو و هم حافظ هر دو قرآن را از حفظ بودند. حافظ می سراید «قرآن زبر بخوانم با چهارده روایت» و یا «به قرآنی که اندر سینه داری» و... از آن طرف هم ناصر خسرو می گوید «کتابت زبردارم اندر ضمیر» و... تأثیر قرآن در آثار ناصر خسرو به شکل استفاده از مضامین قرآنی، استفاده از لغات قرآنی است. وی درباره کتاب شرح و تفسیر پانزده قصیده ناصر خسرو نیز میگوید: «این کتاب بعدها تبدیل به شرح و تفسیر سی قصیده شد و جزو کتاب های درسی دانشگاهی است. ناصر خسرو عالم به علوم زمان خودش بود. آثارش تجسمی از فرهنگ غنی اسلامی است و از قرآن، از حدیث، از اوستا و عهد عتیق استفاده کرده است. از فلسفه یونان هم بهره می گیرد. ناصر خسرو شاعر جامع الاطرافی بود که تربیت شده فرهنگ غنی اسلامی بود.

آثار :

- ۱ بستان الاطباء
 - ۲ بیست گفتار در مباحث فلسفی و کلامی
 - ۳ تأثیر قرآن در اشعار ناصر خسرو
 - ۴ تحلیل اشعار ناصر خسرو
 - ۵ ترجمه‌ی شرح منظومه‌ی غرالفرائد سبزواری
ویژگی اثر : به انضمام مقدمه‌ی فارسی و انگلیسی و اصطلاحات.
 - ۶ تصحیح کتاب « مفتاح الطب و منهاج الطلاب »
ویژگی اثر : با همکاری محمد تقی دانش پژوه (کتاب برگزیده سال)
 - ۷ تعلیقات ، مقدمه و تصحیح اشترنامه عطار
 - ۸ تعلیقات ، مقدمه و تصحیح وجوه قرآن تفسیری
 - ۹ شرح الهیات شفا ملا مهدی نراقی
 - ۱۰ شرح باب حادی عشر علامه حلی
 - ۱۱ شرح مشکلات و مقدمه بر پانزده قصیده از ناصر خسرو
 - ۱۲ شیعه در حدیث دیگران
 - ۱۳ فیلسوف ری
 - ۱۴ فیلسوف ری محمد بن زکریای رازی
 - ۱۵ مقدمه در شرح احوال و آثار و افکار السیره الفلسفیه رازی
 - ۱۶ مقدمه و فرهنگ لغات لسان التنزیل
 - ۱۷ وجوه قرآن
 - ۱۸ یادنامه ادیب نیشابوری
- بر گرفته از کتاب : شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)
- منابع زندگینامه : بانک رسانه‌ها- روزنامه ایران- ۲۵-۱۲-۱۳۸۱" امروز با دکتر مهدی محقق" ۲۱ برگزیدگان علمی و فرهنگی کشور ، دفتر شورای جذب نخبگان ، ۲۵۵- ۳ کیهان فرهنگی ، شماره ۳ ، خرداد ۱۳۶۶۴ مجله‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، سال شانزدهم ، شماره ۱ و ۲ ، آذر ۱۳۴۷۵ میزگرد / فرهنگ و تمدن اسلامی ، نامه فرهنگ . سال سوم ، شماره چهارم . شماره مسلسل ۱۲ ، زمستان ۱۳۷۲ ، ص ۱۳

محققان گورتانی، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا محققیان گورتانی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۴/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب شیخ رضا محققان گورتانی فرزند حاج اسماعیل در تاریخ ۱۰/۴/۱۳۴۸ در اصفهان متولد شده و پس از سپری کردن دوران دبستان و راهنمایی به سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه اصفهان شده و دروس مقدمات و مقداری از سطح را در حوزه علمیه اصفهان در مدرسه ذوالفقار فرا گرفته و در اصفهان در دروس حضرات آیات مرحوم سید احمد امامی و حاج سید حسن امامی و حاج آقا حجت ابطحی و شیخ علی اکبر فقیه و... شرکت نمودم.

در سال ۱۳۶۸ به حوزه علمیه قم هجرت نمودم و دروس خارج را در محضر آیات عظام آیت الله میرزا جواد آقای تبریزی و آیت الله وحید خراسانی و... فرا گرفتم و در این مدت رشته تخصصی تفسیر سطح چهار را سپری نموده و موفق به حفظ کامل قرآن کریم شدم و قریب به ۱۰ سال است که به تدریس علوم حوزوی و تدریس مکاسب و رسائل و... اشتغال دارم. هم اکنون در مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه مشغول به باز نویسی و باز نگری قانون مجازات اسلامی قصاص و دیات می باشم.

محلانی شیرازی، ابراهیم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۳۶ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد و مدرس. وی سالها از شاگردان برجسته‌ی میرزای شیرازی در نجف بود. سپس به همراه میرزا به سامراء رفت و «تقریرات» استادش را نگاشت. او سه سال بعد از وفات میرزای شیرازی در سامرا باقی ماند و در حدود ۱۳۱۵ ق به شیراز بازگشت و عهده‌دار تدریس و مرجعیت دینی مردم شد. آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم یزدی از شاگردان او بود و قسمتی از اصول را نزد وی فراگرفت. در شیراز درگذشت و در مقبره‌ی سید علی بن حمزه بن موسی الکاظم (ع) در خارج شهر به خاک سپرده شد. شعرا و ادبای عصرش مانند فرصت شیرازی و فصیح‌الزمان و شعاع الملک در سوگ او مرثیه گفتند و ماده تاریخ ساختند. از آثارش: «التقریرات» استادش، میرزای شیرازی، در فقه و اصول؛ حاشیه بر مبحث «الاستصحاب» از «فرائد الاصول» شیخ انصاری؛ «الخيارات»؛ «درر الافکار فی صلح حق الخیار»؛ رساله در «رد حاج محمدکریم خان کرمانی»، رد بر شیخیه. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲/۲۱۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۰-۴۹/۱)، الذریعه (۱۰/۲۲۰، ۱۱۹-۱۱۸/۸، ۶/۱۵۲)، ۴/۳۶۸، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۲/۱۴)، معجم رجال‌الفکر و الادب فی النجف (۱۱۶۱-۱۱۶۰/۳)، معجم المؤلفین (۱/۱۰۳)، میرزای شیرازی (۹۹-۹۸).

محلانی شیرازی، صدرالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۹ - ۱۲۸۳ ش)، عالم دینی، فقیه، مفسر، نویسنده، استاد و شاعر. در شیراز به دنیا آمد. پدرش آیت‌الله میرزا ابوالفضل محلاتی از علما و روحانیون بنام و دانشمند فارس بود. صدرالدین پس از تحصیل مقدمات به عتبات عالیات رفت و مدتی از محضر استادان آنجا بهره گرفت و به شیراز بازگشت. چندی در اصفهانی و قم تحصیلات علوم دینی خود را ادامه داد تا موفق به کسب درجه‌ی اجتهاد شد و سپس به شیراز بازگشت و در شیراز حوزه‌ی تدریس بنیان نهاد و حلقه‌ی تفسیر قرآنی ترتیب داد. از بدو تأسیس دانشکده‌ی ادبیات در شیراز به تدریس زبان عربی و ادبیات اشتغال ورزید. او علاوه بر تحقیق و نویسندگی، شعر هم می‌سرود و چون به طریقه‌ی ذهبیه مایل بود اشعارش مضامین عرفانی داشت. از ۱۳۳۴ ش صبحهای جمعه انجمن ادبی صدر را در خانه خود تشکیل داد. وی از اعضای مؤسس کانون دانش پارس نیز بود. این کانون مجالس دبی داشت و تألیفات گوناگون اعضای کانون را به چاپ می‌رساند و دارای نشریه بود. آثار علمی و ادبی محلاتی در این نشریه به چاپ می‌رسید. از آثار وی: تفسیر «سوره‌ی والعصر»؛ «شأن نزول آیات قرآن»؛ «مناسک حج»؛ «اسرار حج»؛ «دار العلم شیراز»؛ «ولایت فارس در زمان خلفاء»؛ «مکتب عرفان سعدی»؛ «مقدمه تاریخ ادب عرب».[۱]

مؤلف، محقق، شاعر.

تولد: ۱۲۸۴، شیراز.

درگذشت: ۷ اسفند ۱۳۵۹، شیراز.

صدرالدین محلاتی، متخلص به «صدر» فرزند آیت‌الله میرزا ابوالفضل محلاتی پس از تحصیل مقدمات، به عتبات رفت و مدتی در آنجا از محضر استادان استفاده نمود و به شیراز بازگشت. چندی در اصفهان و قم به ادامه‌ی تحصیلات علوم دینی پرداخت و موفق به کسب جواز اجتهاد شد. سپس به شیراز مراجعه کرد و سال‌ها رییس دفترخانه‌ی اسناد رسمی شماره‌ی یک بود. از بدو تأسیس دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه شیراز به دعوت دکتر لطفعلی صورتگر به تدریس زبان عربی و ادبیات اشتغال ورزید و تا اواخر عمر، استاد آن دانشکده بود. صدرالدین علاوه بر تحقیق و نویسندگی، شعر هم می‌گفت و چون اهل عرفان بود، اشعارش مضامین عرفانی داشت. طبع او بیشتر به غزل‌سرایی مایل بود.

از سال ۱۳۲۴ صبح‌های جمعه در خانه‌ی خود انجمن ادب تشکیل می‌داد و عده‌ای از شاعران و نویسندگان و شعر دوستان در آن شرکت می‌کردند. مباحث اعضای انجمن درباره‌ی مسائل ادبی، تفسیر، شعرخوانی و تصحیح اشعار بود. وی یکی از مؤسسان کانون دانش پارس است.

همیشه مقالات علمی و ادبی وی در جراید «پارس» منتشر می‌شد. از وی آثاری به چاپ رسید که از آن جمله است: دارالعلم شیراز (۱۳۳۳)؛ تفسیر سوره‌العصر (۱۳۳۸)؛ شأن نزول آیات قرآن (۱۳۳۴)؛ مناسک حج، اسرار حج، مکتب عرفان سعدی، مقدمه‌ی تاریخ ادب عرب، ولایت فارس در زمان خلفاء (۱۳۳۴). تألیفاتی که از او باقی مانده ولی به چاپ نرسیده‌اند به این شرح است: مبانی عرفان قرآن، تصوف و عرفان سعدی، تاریخ مکه، تاریخ اسلام یا محمد (در دو جلد)؛ تاریخ ادب (در دو جلد)؛ شأن نزول آیات قرآن (جلد دوم)؛ اثبات وجود خدا.

او در هفتم اسفند ۱۳۵۹ در سن هفتاد سالگی در شیراز درگذشت و در جوار آرامگاه حضرت علی بن حمزه در مقبره‌ی خانوادگی در کنار مزار پدرش، به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آینده (س ۶، ش ۱ و ۲، ص ۱۵۷-۱۵۶)، انجمن‌های ادبی شیراز (۴۷۸-۴۷۵، ۴۰۵)، الذریعه (۲۵/۱۴۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۷۴، ۲/۲۰۷۵، ۱۳۲۰، ۱/۹۲۹)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۲۳)، مؤلفین کتب چاپی (۳/۵۴۰).

محلّاتی، ابراهیم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابراهیم بن محمدعلی مجتهد محلّاتی شیرازی از فقهاء و مجتهدین جامع‌الشرایط و از شاگردان مجدد شیرازی بود که تقریرات استاد را در فقه و اصول به رشته تحریر آورده و در سال ۱۳۱۵ ق به شیراز آمده و اهالی از او استقبال شایانی کردند و سالهای طولانی در آن شهر ملجاء و مرجع مردم و منشأ زهد و تقوا و امور خیریه بود.

تألیفات معظم له عبارت است از حاشیه بر مبحث استصحاب از رسائل شیخ مرتضی انصاری و رساله‌ای در رد حاج محمد کریمخان کرمانی.

وفات آنجناب در ۲۴ ماه صفر ۱۳۳۶ ق واقع شده و شعراء و ادباء آن عصر مانند مرحوم فرصت و فصیح‌الزمان و شعاع‌الملک و دیگران برای او مرثیه گفتند من جمله مرحوم فرصت شیرازی در ماده تاریخ فوتش گفته.

دوباره سال وفاتش به فارسی گفتا

بهشت آمده الحق مقام ابراهیم

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

محلّاتی، اسماعیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۳-۱۲۶۹ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، متکلم، مدرس، محقق و شاعر. در محلات به دنیا آمد. در تهران و بروجرد از محضر پدرش و چند تن از علما استفاده نمود. سپس به عراق رفت و یک سال در سامرا ملازم بحث میرزای شیرازی شد. سپس به نجف رفت و نزد میرزا حبیب‌الله رشتی مدتی تلمذ نمود. او همچنین از میرزا ابوالقاسم کلانتری و سید حسین کوه کمری بهره برد تا به مراتب علمی عالی رسید. آنگاه خود مستقلاً به بحث و تدریس فقه و اصول و تصنیف پرداخت. او در نجف در گذشت و در صحن علوی به خاک سپرده شد. از وی تصانیف بسیاری در فقه و اصول و اشعار زیادی در مباحث و مراثی ائمه (ع) باقی مانده است. از آثارش: «تنقیح الابحاث»؛ «نفائس الفوائد»، در مهمات اصول فقه؛ «لباب الاصول»؛ حاشیه بر «الملل و النحل»؛ «اللالی المربوطه»؛ «انوار العلم و المعرفة»، در اصول دین که نخست نام آن «نور العلم و المعرفة»، بود؛ «الدرر اللوامع»، در فقه و اصول و رجال؛ «الکلمات الموجهة»، در کلام، سیاست و تاریخ؛ حاشیه بر «المکاسب»؛ حاشیه بر «الرسائل»؛ «دیوان» شعر. [۱]

اسماعیل بن محمدعلی بن زین‌العابدین محلّاتی نجفی عالمی کبیر و محقق دقیق متولد ۱۲۶۹ و متوفی ۱۳۴۳ قمری از شاگردان میرزا شیرازی بزرگ و میرزا حبیب‌الله رشتی دارای تالیفاتی عدیده مانند تنقیح الابحاث ۲- نفائس الفوائد ۳- لباب الاصول ۴- اللئالی المربوطه ۵- انوار العلم و المعرفة ۶- نور العلم و الايمان ۷- الدرر اللوامع ۸- الکلمات الموجهه بوده است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان الشیعه (۱۲۴/۹، ۴۰۵-۴۰۴/۳)، تاریخ بروجرد (۲/۵۲۳)، الذریعه (۲۷۶، ۲۶۳، ۱۸/۱۲۰، ۱۳۴/۸، ۲۲۱/۸)

۶، ۴۶۰-۴۵۹/۴، ۲/۴۴۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۴-۱۶۳/۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۷/۴۳)، معجم المؤلفین (۹/۶۱) ۲۹۳- ۲۹۲/۲)، مکارم الآثار (۶/۱۹۱۷)، میرزای شیرازی (۱۱۴).

محلاتی، بهاء‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۴۰۱-۱۳۱۴ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و مجتهد. در نجف به دنیا آمد. در هفت سالگی به همراه پدرش به شیراز رفت و پس از فراگیری مقدمات و ادبیات، فقه و اصول را در محضر پدرش و آیت‌الله میرزا محمدصادق مجتهد شیرازی فراگرفت. مدتی نیز حکمت الهی را در محضر سید علی حکیم کازرونی آموخت. سپس به نجف مهاجرت کرد و مدتی ده سال از محضر آقا شیخ ضیاء‌الدین عراقی و آخوند ملا-محمد کاظم خراسانی و علامه نائینی استفاده نمود تا به درجه‌ی اجتهاد نایل شد. در ۱۳۴۹ ق به شیراز بازگشت و عهده‌دار تدریس و مرجعیت امور دینی مردم گشت. وی تا پایان عمر خویش در ایجاد مؤسسات خیریه کوشا بود. از آثارش: تألیفاتی در فقه و اصول؛ «رهنمای حق»؛ «اصول العقائد»؛ «خطبات جانسوز» [۱].

بهاء‌الدین بن العلامة الورع حاج شیخ جعفر مجتهد محلاتی از مشاهیر دانشمندان و علماء بزرگ معاصر شیراز است.

وی در سال ۱۳۱۴ ق در نجف اشرف متولد شده و در هفت سالگی در خدمت مرحوم والدش به شیراز رفته و پس از فراگرفتن دروس مقدمات و ادبیات هشت سالی از محضر پدر بزرگوارش و مرحوم آیت‌الله آمیرزا محمدصادق مجتهد فقه و اصول را خوانده است.

آنگاه مدتی نیز حکمت الهی را در خدمت مرحوم حاج سید علی حکیم کازرونی تلمذ کرده و بعد از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و در مدت ده سال متوالی از محضر علمین آیتین آقا ضیاء‌الدین عراقی و آقا شیخ محمدکاظم شیرازی و آیت‌الله نائینی استفاده نموده تا به مقام رفیع اجتهاد رسیده.

و در سال ۱۳۴۹ ق به شیراز برگشته و به وظائف دینی پرداخته و بعد از فوت مرحوم والدش در مسجد مولی به اقامه نماز جماعت و تبلیغ و ترویج دین و تدریس علوم دینی اشتغال و تا هم‌اکنون اول عالم و مرجع دینی و علمی استان فارس و شیراز می‌باشد. تألیفاتی در اصول دین و فقه و اصول دارد و در زهد و تقوا و فضل و دانش به پدر بزرگوارش آیت‌الله حاج شیخ جعفر مرحوم اقتدا نموده و در حال حاضر که هشتاد سال از عمر شریفش می‌گذرد به خدمات دینی و روحی و اعانت به درماندگان اشتغال دارد. عالم دینی.

تولد: ۱۲۷۵ (۱۳۱۳ ق). نجف.

درگذشت: ۲۷ مرداد ۱۳۶۰، شیراز.

آیت‌الله بهاء‌الدین محلاتی، فرزند جعفر محلاتی، در همان کودکی مادر خود را از دست داد و در مدرسه‌ای به نام شریعت تحت نظارت آیت‌الله میرزا ابراهیم محلاتی و به سرپرستی آقا شیخ محمدحسین حیات، به مدت شش سال بسیاری از علوم مقدماتی را آموخت. پس از تحصیلات ابتدایی و دروس مقدماتی به مدت هشت سال نزد پدر خود و آیت‌الله میرزا محمدصادق مجتهد شیرازی سطوح رفته و اصول و در محضر علامه سید اسماعیل کازرونی حکمت و فلسفه را فراگرفت.

در بیست سالگی قصد عزیمت به حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف را داشت و چون در بحبوحه جنگ جهانی اول، عراق هم مانند ایران صحنه‌ی تاخت و تاز نیروهای انگلیسی قرار گرفت. مراجع نجف برای بیرون راندن متجاوزان حکم جهاد صادر کردند. در پی این

فتوا، پدرش و او نیز رهبری حرکت را بر عهده گرفته و لباس رزم بر تن کرد و همراه با ۷۰۰ مجاهد، به طرف برازجان حرکت کردند. این مبارزه ادامه داشت تا انگلیسی‌ها مجبور به عقب نشینی شدند. در سال ۱۳۴۲ ق. رهسپار نجف شد و مدت چند سال به تحصیل پرداخت. سپس از سوی محقق عراقی و محقق شیرازی برای وی اجازه اجتهاد صادر شد. برخی از استادان ایشان در حوزه علمی نجف، اشرف عبارتند از: آیات عظام محمد حسین نائینی، ضیاءالدین عراقی، سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ محمد کاظم شیرازی.

پس از رسیدن به مقام اجتهاد، در سال ۱۳۴۹ ق. به شیراز برگشت. در سال ۱۳۴۹ ق. به ساماندهی حوزه علمی شیراز، تدریس و دیگر مناصب روحانی خویش پرداخت. با درگذشت پدرش در ۱۳۵۸ ق. رسماً ریاست حوزه علمی شیراز را عهده‌دار شد. وی همچنین در مسجد مولا- نیز به وعظ و سخنرانی می‌پرداخت. از دیگر اقدامات آیت‌الله محلاتی تشکیل جلسات منظم بحث و بررسی اصول عقاید بود که در حدود سال‌های ۱۳۳۹-۱۳۳۸ و با شرکت دانشگاهیان و فرهنگیان، در شب‌های دوشنبه و پنجشنبه برگزار می‌شد. بعدها این گردهمایی نام «انجمن دین و دانش» به خود گرفت و آن درس‌ها به نام راهنمای حق، به عنوان یازدهمین نشریه انجمن منتشر شد.

تا قبل از وفات آیت‌الله سید حسین بروجردی، آیت‌الله محلاتی از چاپ و نشر رساله‌ی علمی خودداری می‌ورزید و مردم را به مراجع قم و نجف ارجاع می‌داد. اما پس از وفات آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله حکیم، توضیح المسائل خود را منتشر کرد. آیت‌الله محلاتی به غیر از تقریرات درس فقه و اصول استادان خود و رساله‌های فتوایی مانند رساله عملیه، مناسک حج، و حاشیه‌ی عروۃ الوثقی، نوشتارهای دیگری مانند اصول عقاید (شیراز، ۱۳۲۵)؛ راهنمای حق (تهران، جلد اول چاپ دوم، ۱۳۲۹)؛ و خطبات جانسوز (شیراز، ۱۳۳۸)؛ را تألیف کردند. آیت‌الله محلاتی به تأسیس بنیادهای عام‌المنفعه و مؤسسه‌های خیریه اهتمام می‌ورزید که مهم‌ترین آنها به شرح زیر است: درمانگاه خیریه حضرت ولی عصر (۱۳۴۶، شیراز)؛ مؤسسه خیریه قائمیه (۱۳۵۴)؛ کوی امام علی (شیراز).
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۱۱/۳۱۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۵۹-۴۵۸/۵)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۲/۷۸۳)، مؤلفین کتب چاپی (۱۲۷-۱۲۶/۲).

محلاتی، جعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جعفر بن شیخ محمد حسین مولی احمد محلاتی مجتهد شیرازی از فقهاء و مجتهدین بزرگ بود.

آنجناب در سال ۱۲۴۳ شمسی در شیراز متولد شده پس از تحصیل مقدمات و علوم ادبیه برای تکمیل تحصیل مهاجرت به سامره نموده و چند سالی از محضر آیت‌الله العظمی مجدد شیرازی بعد علامه خراسانی و آیت‌الله حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی استفاده نموده تا به مدارج عالی علم و اجتهاد رسیده و با دریافت اجازه اجتهاد به شیراز آمده و از همان بدو ورود به واسطه فضل و دانش و زهد و تقوا که داشت مورد توجه عامه مردم قرار گرفت.

وفضلا و دانشمندان محضرش را مغتنم دانسته و به درس وی شتافته و آنجناب هم عمر شریف خود را وقف تدریس و دستگیری از افتادگان قرار داده و در مسجد مولا- به اقامه جماعت و گفتن تفسیر مشغول گردیده تا در روز ۱۶ اردیبهشت ۱۳۱۸ شمسی که بدرود حیات گفته و با تشییع عجیبی در جوار جناب علی بن حمزه موسوی که مقبره خانوادگی ایشانست مدفون شده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

محلّاتی، ذبیح‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۴۰۶ - ۱۳۱۰ ق)، عالم دینی، متکلم، خطیب و محقق. در محلات به دنیا آمد. پس از نشو و نما و تحصیل مقدمات در زادگاهش، نزد شیخ عبدالحسین کبیر، به همراه مادر برای تکمیل علوم به نجف رفت. او در محضر علامه نائینی و آیت‌الله ضیاء‌الدین عراقی و آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله حاج سید حسن صدر و آیت‌الله جواد بلاغی تلمذ کرد و همچنین از اساتیدی چون آیت‌الله سید محمد فیروزآبادی و آیت‌الله میرزا آقا اصطهباناتی و آیت‌الله شیخ عبدالحسین رشتی و دیگران بهره برد تا به مراتب علمی نایل شد و از اساتید بزرگ نجف اجازه اجتهاد و روایت گرفت. سپس در سامراء ساکن گردید و به بحث و تألیف مشغول شد و در ضمن آن از بحثهای رجال و حدیث و درایه آیت‌الله میرزا محمد عسکری تهرانی بهره‌مند شد. در ۱۳۷۶ ق به ایران بازگشت و در تهران ساکن گردید و به تألیف و امامت جماعت پرداخت. از آثارش: «ریاحین الشریعه»، شرح حال زنان دانشمند شیعه، در شش مجلد؛ «اختران تابناک»؛ «مأثر الکبراء فی تاریخ سامراء»، به عربی؛ «الحق المبین»، در قضاوتهای امیرالمؤمنین (ع)؛ «شمس الضحی»؛ «قره‌العین»، در حقوق والدین؛ «کشف العثار»، در مفاصد خمر و قمار؛ «کشف الغرور»، در مفاصد بی‌حجابی؛ «کشف البنیان عن جنایات عثمان»؛ «کشف حقیقت»؛ «کشف الغاشیة»؛ «کشف الهاویة»، در جنایات معاویه؛ «لطائف الحکایات»؛ «کشف المغیبات»؛ «فرسان الهیجاء»؛ «وقایع الایام»، در هشت مجلد که سه مجلد آن «مجالس الواعظین» نام دارد؛ «الکلمة التامة»، در احوال اکابر عامه. [۱]

حاج شیخ ذبیح‌الله محلّاتی عسکری تهرانی از علماء اعلام و محدثین گرام و وعاظ والامقام و نویسندگان بنام معاصرند در تهران تولدش در محلات واقع شده و مهاجرت به عراق و نجف اشرف نموده و سطوح را از مدرسین عالی نجف فراگرفته و به درس خارج آیات عظامی چون مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله ضیاء‌الدین عراقی و آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله حاج شیخ جواد بلاغی و دیگران حاضر شده و در کاظمین از مرحوم آیت‌الله حاج سید حسن صدر هم استفاده نموده و در سامره از رجال و حدیث و درایه آیت‌الله میرزا محمد عسکری تهرانی بهره‌مند شده و به افتخار مصاهرت آن مرحوم نائل گردیده آنگاه مهاجرت به تهران نموده و به ترویج دین و تبلیغ و نشر آثار و اخبار اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله

پرداخته و در مسجد مشیرالدوله واقع در خیابان اهل علی خیابان مسکراآباد تهران نیز به اقامه جماعت اشتغال دارند.

تالیفات مفیده و ارزنده بسیاری دارد که اغلب آنها به طبع رسیده است و در حال حاضر در کثرت تالیف کم‌نظیر می‌باشند و آنها از این قرار است:

- ۱- ریاحین‌الشریعه در احوال بانوان شیعه در ۵ جلد مکرر به طبع رسیده است.
- ۲- تاریخ سامره در سه مجلد که دو مرتبه چاپ شده است.
- ۳- کشف الاشباه در کجرویهای اصحاب خانقاه به طبع رسیده است.
- ۴- کشف الهاویه در احوال و مطاعن معاویه به طبع رسیده است.
- ۵- الحق المبین در قضاوتهای امیرالمؤمنین علیه‌السلام که تاکنون شش مرتبه به طبع رسیده است.
- ۶- لطایف الحکایات به طبع رسیده است.
- ۷- اختران تابناک به طبع رسیده است.

- ۸- فرسان الهیجاه در دو مجلد مکرر به طبع رسیده است.
 - ۹- کشف حقیقت مشتمل بر فتاوی اهل سنت و قدح آنها به طبع رسیده است.
 - ۱۰- کشف الغرور در مفسد بی‌حجابی و زیان آن. به طبع رسیده است.
 - ۱۱- کشف المغیبات مشتمل بر اخبار غیبیه. به طبع رسیده است.
 - ۱۲- کشف الغاشیه در زندگانی عایشه. به طبع رسیده است.
 - ۱۳- کشف البیان در جنایات عثمان. به طبع رسیده است.
 - ۱۴- نارالله الموقده علی الکافرین متضمن حمله‌های حضرت علی علیه‌السلام.
 - ۱۵- قره‌العین - فی حقوق الوالدین.
 - ۱۶- کشف العمار یا کانون فساد الی ساحل نجات.
 - ۱۷- مطلوب الراغب در احکام ریش و شارب.
 - ۱۸- کشف التهمه.
 - ۱۹- السیوف البارقه.
 - ۲۰- وقایع الایام - یا مجالس الواعظین دو جلد.
 - ۲۱- شرافة الاسخياء و رذالة البخلاء.
- و حدود ۳۴ جلد کتاب دیگر در فنون مختلفه که مخطوط و آماده طبع است.
- فقیه، محقق.

تولد: ۱۲۷۱ (۱۳۱۰ ق.)، محلات.

درگذشت: اسفند ۱۳۶۴.

علامه حاج شیخ ذبیح‌الله محلاتی مقدمات تحصیل را نزد شیخ عبدالحسین کبیر در محلات به پایان رسانید. سپس همراه با مادرش عازم نجف اشرف شد و در آنجا از محضر رجال علم و حدیث و درایه سود برد و در درس خارج اساتیدی چون شیخ مرتضی طالقانی، عبدالرحمان قزوینی، آیت‌الله عبدالحسین رشتی، آیت‌الله اصطهباناتی، حجت‌الاسلام سید محمد فیروز آبادی، آیت‌الله سید ابوتراب خوانساری، شیخ محمد جواد بلاغی، فاضل نیشابوری، شیخ صادق بروجردی، آیت‌الله نائینی، آیت‌الله سید ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله سید حسن صدر شرکت کرد. وی با اتمام تحصیلات، پس از یازده سال اقامت در نجف اشرف به سامرا رفت. در آنجا نزد آیت‌الله میرزا محمد تهرانی و آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی باقی ماند و به تدریس در حوزه‌ی سامرا و مدرسه‌ی میرزای شیرازی پرداخت. در همین شهر است که به فعالیت تحقیقاتی نیز پرداخت که حاصل آن دو اثر است به نام‌های مآثر الکبراء فی تاریخ سامراء در دوازده جلد به زبان عربی (سه جلد آن در تهران به چاپ رسیده است) و الکلمة التامه فی تراجم اکابر العامه به فارسی در پنج جلد. دوره‌ی اقامت وی در شهر سامرا نزدیک به بیست و پنج سال به طول انجامید. وی در سال ۱۳۲۷ به تهران بازگشت.

از جمله آثار قلمی ایشان است: دایرة المعارف شش جلدی ریاحین الشریعه (به فارسی و حاوی شرح حال بانوان دانشمند شیعه در زمینه علم و ادب و مذهب در تاریخ اسلام)؛ الحق المبین (در قضاوت‌های امیرالمؤمنین)؛ این کتاب به کرات به چاپ رسیده است)؛ اختران تابناک (در دو جلد)؛ فرسان الهیجاه (در ترجمه سیدالشهداء به ترتیب حروف در دو جلد)؛ قره‌العین فی حقوق الوالدین؛ وقایع الایام (دو جلد)؛ لطایف الحکایات یا داستان‌های آموزنده (مشتمل بر ۳۰۳ حکایت در ۵۷۶ صفحه در دو جلد)؛ کشف الاشتباه (در کجروی‌های اصحاب خانقاه)؛ کشف الهاویه (در احوال و مظالم معاویه)؛ کشف حقیقت (مشتمل بر فتاوی اهل سنت و

در شرح حال بزرگان اهل سنت ابوحنیفه و مالک و شافعی و حنبلی؛ کشف الغرور (در مفاسد بی‌حجابی و زیان آن)؛ کشف المغیبات (مشمتمل بر اخبار غیبیه امیرالمؤمنین)؛ کشف الغاشیه (در زندگانی و هویت عایشه)؛ کشف البیان (در ترجمه عثمان بن عفان)؛ کشف العثار (در مفاسد شراب و قمار)؛ کشف الاکاذیب (در عجز خلیفه‌ی دوم از پاسخ به مسائل)، کشف الخفاء (در خصوص تذکره‌الاولیاء)، کشف المنافع (در منافع و خواص حیوانات، نباتات و جمادات)؛ کشف زردشتی از طریقه (زردشتی) کشف التهمه؛ مطلوب الراغب (در احکام ریش و شارب)؛ السیوف البارقه (در رد صوفیه)؛ نارالله الموقده علی الکافرین (یا جنگ‌های امیرالمؤمنین)؛ قلائد النحور (در حوادث ایام و شهور مشتمل بر وقایع دوازده ماه در هشت جلد)، مجالس الواعظین (در چهار جلد)، شمس الضحی (در نقل و تحویل سر مبارک سید الشهداء) شرافه السخیاء و رذاله البخلاء، ضرب شمشیر بر منکر خطبه غدیر؛ طعن سنان (در مناقشات احکام القرآن سید ابوالفضل برقی)، المعالی (در احیاء العلوم غزالی)؛ امثال القرآن؛ بیاض (در اشعار متفرقه)؛ خیر الکلام (دو جلد در خصوص سید احمد کسروی)؛ صندوق النفیس؛ کشکول؛ مجموعه کبیری (عربی و فارسی)؛ نعم النصیر (ترجمه‌ی بعضی از قسمت‌های کتاب الغدیر).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۱۲۸- ۱۲۷/۲۵، ۱۹/۶، ۱۲۲، ۴۴، ۱۸/۴۲، ۱۶۵، ۱۵۲- ۱۵۱، ۱۷/۷۲، ۱۶/۱۶۸، ۲۹۳، ۱۲/۹۹، ۳۱۴- ۳۱۳/۱۱، ۲۸۵، ۷/۳۸، ۳/۲۵۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۱۶- ۷۱۵/۱۴)، کیهان فرهنگی (س ۲، ش ۱۲، ص ۳۹)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۶۲/۳).

محلانی، عبدالحسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۳۲۳- ۱۲۷۴ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مدرس و شاعر. گفته‌اند که از فرزندزادگان آخوند شفیعا است. جد مادریش آقا ابراهیم خان از اعیان کرمان بود که به لطفعلی‌خان زند پناه داد، لذا آقا محمدخان پس از فتح کرمان او را کور و با خانواده روانه محلات کرد. شیخ عبدالحسین در محلات به دنیا آمد. او در قم و اصفهانی تحصیل و از محضر علما استفاده نمود. آنگاه برای ادامه‌ی تحصیل به نجف رفت و در محضر میرزا حبیب‌الله رشتی تلمذ نمود و پس از رسیدن به درجه اجتهاد و مراتب عالی به اصفهان بازگشت و به تدریس و بحث و تألیف پرداخت. او در مدرسه صدر درس خارج می‌گفت و شاگردان فاضل بسیاری به درس او حاضر می‌شدند. در اصفهانی درگذشت و در حوالی قبر فاضل هندی دفن شد. از آثارش: «مغتمم الدرر و منتخب الغرر»؛ حواشی «الرسائل»؛ شرح «کشف الغطاء»؛ حواشی «القوانین»؛ «تسلیت نامه»؛ رساله‌هایی در: «اللباس المشکوک»، «زیارت عاشورا»، «العدالة»، «صلاة الجماعة»، «قاعده‌ی بینه»، «اصل تعارض»، «اصل برائت»، «قاعده اشتغال» و «تعریف علم اصول»؛ «دیوان شعر»، به عربی و فارسی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره القبور (۴۰۹)، الذریعه (۲۱/۲۹۳، ۹/۶۸۴، ۱۰۳، ۷/۹۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۵۸- ۱۰۵۶/۱۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۶۴- ۱۱۶۳/۳)، معجم المؤلفین (۵/۸۸).

محلانی، کاظم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۱۳ ق)، شیمیدان، داروساز، استاد، مترجم و شاعر، متخلص به شیوا. معروف به شیمی. برادر نصیر الاطباء و پدر دکتر محمود شیمی و جد خاندان شیمی است. میرزا کاظم از شاگردان دوره‌ی اول دارالفنون و از نخستین گروه محصلین اعزامی به اروپا در زمان ناصرالدین شاه بود. وی در رشته‌ی طبیعی و داروسازی تحصیل کرد و از محصلین خوب بود به طوری که در گزارش سال اول مدرسه نام او و باقرخان بن هادی خان شیرازی در روزنامه‌ی «وقایع اتفاقیه» درج شد. پس از بازگشت از اروپا به سمت معلم شیمی در دارالفنون انتخاب شد و حدود چهل سال در آن مدرسه به جای معلم خود تدریس کرد. وی کتاب «چرا به این جهت»، در صحبت ساده‌ی طبیعی و هیئت، نوشته‌ی یکی از زنان دانشمند فرانسوی را ترجمه کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران (۲۸۶- ۲۸۵ / ۱)، شرح حال رجال (۳ / ۱۴۱)، فرهنگ سخنوران (۵۳۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۴- ۴۳ / ۵).

محلوجی، خدیجه

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: کودکان دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی ایران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی و دکترای تخصصی پزشکی اطفال از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۵، و فوق تخصص عفونی اطفال.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علوم پزشکی همدان از سال ۱۳۵۷، استادیار و دانشیار دانشگاه علوم پزشکی اهواز از سال ۱۳۶۲ تا سال ۱۳۶۶، و دانشیار دانشگاه علوم پزشکی ایران از سال ۱۳۶۶ تا کنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

عفونتهای ادراری در اطفال، علل یرقان در نوزادان و بررسی ۶۰ مورد، بررسی موارد بستری شدن گاستروانتریت، بررسی موارد بستری شده تیفوئید، سندرم کاوازاکی و گزارش موارد، مننژیت سلی و گزارش ۲۳ مورد، مننژیت و گزارش موارد، بروسلوزیس، بررسی سطح HDL در مایع نخاع در مننژیت، گزارش موارد ماقوم شیگلوزیس و معرفی درمان جدید، گزارش موادر آتیپیک سالمونلازیس، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۵ پایان‌نامه دکترای و تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

بیماریهای عفونی اطفال، تغذیه و بهداشت کودکان، بیماریهای گاستروآنتریت حاد، سالمونلازیس شامل تب تیفوئیدی و بیماریهای سل کودکان.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۷، تعداد مقالات به زبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

گزارش یک مورد تومور نادر تخمدان، گاستروآنتریت و بررسی ۳۰۰ مورد، تومور کولرژکونژنتیال، پنومونی کلامید یا پنومونیه پنومونی ویسرال لاروامیگرنس و پنومونی سالمونلائی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

محمد زین‌الدین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

از علما و فقها، در ۹ ربیع الاول سال ۱۲۰۲ وفات یافته، در تخت فولاد نزدیک بقعه‌ی آقا محمد بیدآبادی مدفون شده است.

ماده تاریخ وفاتش را ملا حسین رفیق گفته، این است:

بهر تاریخش به آیین دعا گفتا رفیق

گفت (دایم باد خلد آقا محمد را مکان)

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

محمد صادق (مینا)

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن محمد صالح اصفهانی در اواسط عهد صفویه به هندوستان مهاجرت نموده، فاضل و ادیب و نویسنده و شاعر بوده، کتب چندی در رجال و تاریخ نوشته که از آن جمله است: ۱- رجال ۲- شاهد صادق، فارسی کبیر، در انواع علوم ۳- الشمس البازغة در حکمت، رد بر میرداماد در مبحث حدوث دهری ۴- صبح صادق، در رجال، فارسی و بزرگ، در چندین مجلد ۵- القلائد؛ و غیره. نصرآبادی گوید که جد او بوده، و محمد صالح در هند در ۱۰۳۷ وفات یافته، و محمد صادق شاعر و ادیب و متخلص به «مینا» بوده، و در ۱۰۶۱ در هند از دنیا رفته است.

صاحب عنوان در رجال خود، خویشان را بدین گونه معرفی می‌کند:

کوچه گرد دیار نادانی

صادق صالح سپاهانی

در منتظم ناصری در وقایع سال ۸۸۸ گوید: وفات صدرالدین محمد طیب زبیری اصفهانی که نسب آقا محمد صادق مؤلف کتاب «شاهد صادق» به او می‌رسد.

در مقدمه‌ی تذکره‌ی نصرآبادی وی را صدرالدین علی می‌نویسد. در هر حال، از صاحب عنوان قبلاً مختصراً نام برده شده است. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

محمد، کاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۷، مرتبه علمی: استاد، رشته: آمار حیاتی، مرتبه علمی: بهداشت، دانشگاه: خلاصه شرح حال تخصصی
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته مهندسی شیمی و نفت از دانشگاه پلی‌تکنیک تهران در سال ۱۳۴۱، کارشناسی ارشد در رشته آمار زیستی از دانشگاه کالیفرنیا لوس آنجلس در سال ۱۳۴۹ و دکترا در رشته آمار زیستی از دانشگاه کالیفرنیا لوس آنجلس در سال ۱۳۵۲. مرتبه علمی:

طی مراحل استادیاری، دانشیاری و ارتقاء به درجه استادی دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران. زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آمار حیاتی، طرح بررسی سلامت و بیماری در ایران در زمینهای بهداشتی، اجتماعی و ژنتیک، استاد راهنمای بیش از ۲۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۱ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

آمار حیاتی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۴

زمینه علمی مقالات:

بهداشت، جمعیت، آمار، زنان و زایمان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

محمد بدیعی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد محمد بدیعی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد بدیعی متولد سال ۱۳۲۹ تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در تهران سپری کردم، و در سال ۱۳۵۰ برای تحصیل علوم دینی به قم هجرت نموده و در مدرسه علمیه آیت الله گلپایگانی مشغول به فراگیری ادبیات شدم. پس از یک سال در امتحان ورودی مدرسه حقانی که با مدیریت آیت الله شهید قدوسی اداره می شد شرکت کرده و پس از قبول مشغول به تحصیل شدم. یکی از افتخاراتم این است که علاوه بر تعلیم در چنین مدرسه ای که با برنامه ریزی شهید بهشتی اداره می گردید در کلاس هایی شرکت می کردم که استادش خود آن شهید بزرگوار بود. اگر چه زمان تحصیل بنده در آن مدرسه مبارکه خیلی به درازا نکشید، ولی از استاد های بزرگی بهره ها بردم و سرانجام به مدرسه فیضیه رفته و در آنجا ساکن شدم و به تحصیل ادامه دادم تا اینکه در ۱۵ خرداد ۱۳۵۴ که برای سالگرد شهدای ۱۵ خرداد مراسمی بر پا شده بود با حدود چهار صد طلبه دیگر پس از ضرب و شتم بسیار دستگیر و به زندان اوین در تهران منتقل شدیم. پس از یک ماه بازجویی با عده ای از طلاب برای گذراندن سربازی به شهر بیرجند اعزام شدیم و البته بعد از چهارماه از سربازی فرار کردم تا اینکه در سال ۱۳۵۶ مجدداً دستگیر و پس از محاکمه به دوسال زندان محکوم شدم و سرانجام با پیروزی انقلاب اسلامی آزاد و به صف مردم پیوستم و پس از مدتی به تحصیل در محضر آیات جوادى آملی و حسن زاده آملی و سعادت پرور و ... ادامه دادم. در کنار تحصیل به احیاء و نشر آثار اسلامی همت گماردم، و مؤسسه انتشارات تشیع را تأسیس نمودم و تاکنون آثار بسیاری را به چاپ رساندم و نیز مقالات بسیاری را تحریر و در نشریات گوناگون به چاپ رسانده‌ام و نیز ویرایش کتاب‌های بسیار زیادی را به عهده گرفته‌ام و تاکنون همواره به تحقیق و پژوهش اشتغال دارم. حدود ده سال مدیر داخلی و ویراستار مجله علمی کیهان اندیشه بودم. ضمناً در اوائل انقلاب و نیز قبل از انقلاب به امر تبلیغ مشغول بودم و از طرف دفتر تبلیغات اسلامی قم به شاه زند اراک اعزام شده و نزدیک یک سال در آنجا به تبلیغ اشتغال داشتم.

محمد رضایی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد محمد رضایی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد محمد رضایی در اول فرودین ۱۳۳۹ در یک خانواده مذهبی در شهر مقدس قم به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در قم گذراندم. در سال ۵۷-۱۳۵۶ در رشته علوم تجربی از دبیرستان حکیم نظامی قم، دیپلم گرفتم. در دانشگاه، جهت ادامه تحصیل، رشته شیمی را انتخاب کردم. حدود ۸۰ واحد درسی را در این رشته پاس نمودم. که به جهت علاقه و نیاز دانشگاهها به مسائل فکری و عقیدتی به رشته فلسفه غرب روی آورده و لیسانس و فوق لیسانس را در همین رشته در دانشگاه تهران به اتمام رساندم. بعد از اتمام فوق لیسانس، دکترای فلسفه و کلام را در سال ۱۳۷۸ از دانشگاه تربیت مدرس تهران اخذ نمودم. به جهت آشنایی با تفکر اسلامی از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۷۸ در حوزه علمیه قم به تحصیل در دوره سطح و خارج فقه و اصول و فلسفه اشتغال داشته ام

محمدزاده لاری، منوچهر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی از دانشکده پزشکی مشهد در سال ۱۳۴۴، دکترای تخصصی بیماریهای داخلی از آمریکا در سال ۱۳۵۰، فلوی بیماریهای خون و انکولوژی از M.D.Anderson هوستون آمریکا در سال ۱۳۵۲.

مرتبه علمی:

طی مراحل استادیاری، دانشیاری و ارتقاء به درجه استادی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی و تحقیق در مورد شیوع بیماری تالاسمی در استان خراسان، نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه دکترای.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: -

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲۴، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

بررسی موارد جالب، بررسی بیماریهای خونی محلی، بررسی بیماریهای انگلی شایع در استان خراسان، بررسی داروهای

شیمیوتراپی، بررسی تومورها.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

محمدشاه

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد میرزا، پسر عباس میرزا سومین پادشاه سلسله‌ی قاجار (جل. ۱۲۵۰ ف. ۱۲۶۴) اهم کارهای او کشتن قائم مقام (ه.م) و محاصره‌ی هرات است.

(۱۲۶۴-۱۲۲۲ ق). در تبریز به دنیا آمد. وی سومین پادشاه از سلسله‌ی سلاطین قاجاریه است. بعد از وفات پدر از جانب جدش، فتحعلی شاه، ولیعهد شد و چند ماه بعد، به محض اطلاع از وفات او، در تبریز تاجگذاری کرد. محمدشاه مدتی وزارت را به میرزا ابوالقاسم قائم مقام تفویض کرد و چندی بعد قائم مقام را معزول و مقتول کرد. وی سرانجام در قصر محمدیه‌ی تجریش وفات یافت و در قم دفن شد. محمدشاه در هنر خوشنویسی دست داشت و خطوط نستعلیق و شکسته نستعلیق را خوش می‌نوشت. از آثار او: یک مرقع مشتمل بر سی و سه رقع، به قلم سه دانگ و دو دانگ خوش، با رقم‌های: «در ۱۵ شعبان سنه‌ی ۱۲۶۰ برای حکیم در نیاوران نوشتم» و برای «انسان کامل، حکیم نوشتم، در محرم سنه‌ی ۱۲۵۴» و غیره، که تاریخ‌های آن بین ۱۲۵۲ تا ۱۲۶۱ ق است؛ یک قطعه سیاه مشق، به خط نستعلیق دو دانگ خوش و چندین مکتوب به خط شکسته نستعلیق خوش که هیچ کدام رقم ندارد، ولی در بالای هر قطعه نام محمدشاه قاجار نوشته و تذهیب شده است. [۱]

بر گرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه: [۱] احوال و آثار خوشنویسان (۷۵۲-۷۵۰/۳)، احوال و آثار نقاشان (۸۸۸/۲)، دایرةالمعارف فارسی (۲/۲۶۹۵)، شرح حال رجال (۲۶۲-۲۵۷/۳).

محمد کریم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۸۸-۱۲۲۵ ق)، فقیه، محدث و خطاط. وی علاوه بر تحصیل عربی و ادبی، هنر خطاطی را نیز نزد میرزا محمدعلی اصفهانی فراگرفت. در کار نقاشی نیز پیشرفتی تمام کرد. حاج محمد کریم همچنین در علوم دینی شاگرد آقا سید زین العابدین مجتهد بود و مراحل تکمیلی آن را در محضر حاج سید کاظم رشتی گذراند و موفق به کسب اجازه از وی شد. او سرانجام هنگام عزیمت به بصره در بین راه درگذشت و در کربلا دفن شد. آثار بسیاری به زبان فارسی و عربی در موضوعات: حکمت طبیعی، اخبار فقه، فلسفه، ریاضیات، صرف و نحو، ادبیات و علوم متفرقه، از او به جای مانده است، برخی از آنها: «حقایق الطب»، «دقایق العلاج»؛ «فصل الخطاب کبیر»؛ «فصل الخطاب صغیر»؛ «جامع الاحکام»؛ «مرآة الحکمه»؛ «اسرار النقاط».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۱۵۸۸-۱۵۷۹/۳)، الذریعه (۲۲۹/۱۶، ۲۳۵/۸، ۳۴/۷)، شرح حال رجال (۴-۱/۴)، طرائق الحقائق (۴۶۸-۴۶۷/۳)، المآثر والآثار (۲۰۱)، مکارم الآثار (۷۹۰-۷۸۹/۳)، یادگار (س ۵، ش ۴ و ۵، ص ۱۱۸-۱۰۶).

محمدی عراقی، محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن محمدی عراقی

محل تولد: نجف اشرف

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

اینجانب محسن محمدی عراقی حدود سال ۱۳۴۸ تحصیلات حوزوی خود را در حوزه مقدسه نجف اشرف زیر نظر مرحوم آیت الله والد آغاز کردم. مقدمات و قسمتی از سطوح را نزد مرحوم والد (مرحوم آیت الله العظمی میرزا حبیب الله اراکی) گذراندم. قسمتی دیگر از سطوح را نزد آیات: خاتم یزدی، سید کاظم حائری، سید محمود هاشمی شاهرودی، مرتضوی، روشنی، رضوانی، شیخ محمد تقی جواهری به پایان رساندم. در تفسیر از محضر آیات: سید محمد باقر حکیم، محمد هادی معرفت و حاج آقا مصطفی خمینی استفاده کردم. در فلسفه و عرفان از محضر آیت عظمی مرحوم آقای شیخ عباس قوچانی استفاده کردم. پس از پایان دوره سطح در خارج فقه از مرحوم آیت الله العظمی خویی و نیز از خارج فقه و اصول مرحوم آیت الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر استفاده کردم.

در آغاز سال ۱۳۵۴ پس از تحت تعقیب قرار گرفتن از سوی رژیم بعثی صدام به ایران آمدم و از همان آغاز در درس خارج فقه مرحوم آیت الله العظمی میرزا کاظم تبریزی شرکت کردم و حدود ۴ سال از فقه ایشان بهره بردم (کتاب الطهاره). قریب یک دوره خارج اصول از محضر آیت الله العظمی وحید خراسانی استفاده کردم و قریب یک دوره خارج اصول نیز از محضر آیت الله حائری استفاده کردم. در خارج فقه نیز صلاه، مکاسب محرمه، احیاء میراث را از محضر آیت الله وحید خراسانی، کتاب الاجاره، کتاب الخمس، فقه العقود، کتاب القضاء، اجتهاد و تقلید، حکومت اسلامی، را از محضر آیت الله سید کاظم حائری بهره بردم. در فلسفه بخشی از اسفار را از محضر آیت الله جوادی آملی و بخشی دیگر را از محضر آیت الله شهید مطهری بهره بردم. نهایتاً حکمه را خدمت استاد آیت الله مصباح یزدی گذراندم. و از محضر ایشان بهره های فراوان بردم. در فلسفه غرب از محضر آیت الله شهید بهشتی استفاده کردم. در مجموع از ۱۳۴۸ تا سال ۱۳۷۴ از محضر اساتید در فنون مختلف بهره بردم.

در تمام این مدت از آغاز آنچه می خواندم تدریس می کردم. از سال ۱۳۴۹ تدریس مقدمات را آغاز نمودم. از سال ۱۳۵۱ به تدریس لمعه و سپس رسائل و مکاسب و کفایه پرداختم و در کنار تدریس فقه و اصول سال ها به تدریس فلسفه و تفسیر نیز اشتغال داشتم. از ابتدای حضور در حوزه قم در مدارس: حقانی، آیت الله گلپایگانی، رضویه و سپس در مدارس شهیدین، باقرالعلوم (ع)، الهادی و غیر آنها تدریس کردم. سال ۱۳۵۸ حوزه علمیه ای در خرمشهر تاسیس کردم که با شروع جنگ متوقف شد. از سال ۱۳۶۰ در حوزه علمیه امام خمینی (ره) تدریس کردم. در سال ۱۳۶۵ که به دزفول رفتم در حوزه آنجا تدریس کردم و حوزه دزفول را راه اندازی نمودم.

در حوزه قم به طور آزاد موارد متعددی نظیر لمعه، رسائل، مکاسب، کفایه، اشارات شیخ، شرح منظومه، شرح تجرید، خارج

فقه و اصول، تفسیر و حدیث تدریس کرده ام و هم اکنون به تدریس خارج فقه و اصول و نیز تفسیر و حدیث اشتغال دارم. در سال ۱۳۶۶ مجمع الفکر الاسلامی را تاسیس کردم و در سال ۱۳۷۳ کنگره شیخ انصاری را برپا کردم و به عنوان دبیر کلی آن فعالیت می‌کردم، و از سال ۱۳۷۴ تا سال ۱۳۸۳ در لندن به سمت نمایندگی مقام معظم رهبری (مدظله) حضور داشتم که در آنجا موسسات زیادی تاسیس نمودم. از جمله: مرکز اسلامی انگلیس، کالج اسلامی لندن، اکسفورد و اکادمی که بعد به دانشگاه آزاد اسلامی واگذار شد و هم اکنون به عنوان **Azad univercity** فعالیت می‌کند، موسسه بوک اکسترا و ... در سال ۱۳۷۶ دانشکده اصول دین دزفول را تاسیس کردم که هم اکنون مشغول فعالیت است.

محمدی عراقی، محمدباقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدباقر محمدی عراقی مشهور (به حاج آقا بزرگ) ابن مرحوم حجة الاسلام آقا محمد عراقی (متوطن و متوفی و مدفون در کنگاور) ابن المحروم آیت الله الملك العلام آخوند ملا محمدباقر کوهرودی اراکی که از تلامذه مرحوم شیخنا الانصاری قدس ره و در کتابهای شخصیت شیخ انصاری و اعیان الشیعه والذریعه و نقباء البشر شرح حال و تصنیفات آن مرحوم اشاره شده است. مترجم گرامی ما در ماه رجب ۱۳۱۷ قمری در قریه کهرود اراک بدنیا آمده و در سال ۱۳۳۶ قمری در خدمت مرحوم پدرش به کنگاور (مدفن مرحوم جدش) آمده به تحصیل علوم دینی از مقدمات و سطوح متوسط فقه و اصول و تفسیر قرآن مجید و غیره پرداخته و علوم مذکوره را از مرحوم والدش فراگرفته.

و در سال ۱۳۵۸ قمری که مرحوم والدش در آنجا وفات نموده با داشتن اجازات از مجتهدین و مراجع تقلید قدس الله اسرارهم و کثر الله امثالهم تصدی امور شرعی آن سامان گردیده و تاکنون که سال ۱۳۹۵ قمریست در آن منطقه به خدمات دینی از اقامه جماعت و ترویج احکام و تفسیر قرآن و وظائف دیگر روحی اشتغال دارند.

از باقیات الصالحات آنجناب فرزند فاضل و برومند ایشانست جناب مستطاب حجة الاسلام و فخر الاماثل والاقران آقای حاج آقا بهاءالدین محمدی کنگاوری که سالهای متمادی مقیم حوزه علمیه قم بوده و از محضر آیات عظام و مدرسین کرام بالاخص مرحوم آیت الله العظمی بروجردی و آیت الله العظمی شریعتمداری و آیت الله العظمی موسوی مدظله استفاده فقه و اصول نموده تا در چند سال قبل که بنابر دعوت عده‌ای از اهالی کرمانشاه رحل اقامت به آن سامان افکنده و به اقامه جماعت و تبلیغ دین و خدمات روحی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

محمدی عراقی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود محمدی عراقی

محل تولد : کنگاور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

حجت‌الاسلام والمسلمین محمود محمدی عراقی در سال ۱۳۳۱ در خانواده‌ای روحانی، با تقوا و اهل علم در کرمانشاه دیده به جهان گشود؛ جد بزرگ وی مرحوم حاج آقا بزرگ محمدی عراقی که از حوزه علمیه اراک برخاسته و بدین لحاظ به محمدی عراقی شهرت پیدا کرده بود، از بزرگان علم و معرفت بود که به دستور مرجع تقلید بزرگ زمان، مرحوم شیخ مرتضی انصاری (ره) به کرمانشاه عزیمت کرد و وی، حجت‌الاسلام والمسلمین بهاء‌الدین محمدی عراقی نیز پس از سالها خدمت به ساحت علم و معرفت و مردم خطه کرمانشاه در سال ۱۳۶۰ به شهادت رسید. محمدی عراقی، پس از طی تحصیلات عمومی در کرمانشاه جهت تکمیل تحصیلات علوم دینی به شهر قم عزیمت کرد و همزمان با تحصیلات جدید، در به ثمر رسیدن پیروزی انقلاب تلاش‌های قابل توجهی کرد. وی در دوران تحصیل از محضر اندیشمندانی نظیر شهید آیت‌الله دکتر بهشتی، شهید آیت‌الله قدوسی و جمعی دیگر از بزرگان علم و ادب بهره‌ای وافر برد و علاوه بر علوم متداول در حوزه‌های علمیه، به صورت تخصصی در حوزه فلسفه و علوم قرآنی مدارج علمی را طی کرد. محمدی عراقی پس از پیروزی انقلاب و سازماندهی فعالیتهای اجتماعی و قبول مسئولیت‌های مختلف در نهادهای انقلاب اسلامی، به فعالیتهای علمی و پژوهشی روی آورد. وی در شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه مشارکت داشته و چندین سال مسئولیت این دفتر و سرپرستی گروه جامعه‌شناسی را بر عهده داشت. نمایندگی حضرت امام در سپاه پاسداران نمایندگی رهبری در دانشگاه تهران و عضویت در شورای نظارت بر صداوسیما از دیگر سوابق او است. محمدی عراقی همچنین برای سالها ریاست سازمان تبلیغات اسلامی را بر عهده داشت و پس از آن، برای دو دوره و به مدت شش سال رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی شد. او در حال حاضر با حکم مقام معظم رهبری عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و نیز، عضو شورای عالی نمایندگان ولی فقیه در دانشگاهها است.

محمدی فتیده، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا محمدی فتیده

محل تولد : لنگرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۷/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای رضا محمدی فتیده در سال ۱۳۰۷ هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در لنگرود دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه وافر خویش به فراگیری علوم اسلامی در سال ۱۳۲۲ وارد حوزه علمیه گردید. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۳۲ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل علوم حوزوی از محضر بزرگانی چون مرحوم امام خمینی (ره)، مرحوم آیت الله بروجردی (ره)، مرحوم آیت الله زاهدی (ره) و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه نجف اشرف و قم کسب فیض کرد. وی پس از سالها تلاش و علم اندوزی در حوزه علمیه نجف اشرف و قم، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت. و هم اکنون علاوه بر امامت جمعه موقت لنگرود به تدریس و پژوهش در دانشگاه سراسری و پزشکی رشت، مشغول تدریس می باشد. وی در طول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نمانده است و آثاری از قبیل "جاذبه هستی"، "گفتگوی مستقیم با ارواح"، "شناخت وجودی خدا" و "دیوان اشعار" را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

محمدی کرمانشاهی، اسماعیل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اسماعیل محمدی کرمانشاهی

محل تولد: صحنه کرمانشاه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب اسماعیل محمدی کرمانشاهی در سال ۱۳۵۰ هجری شمسی در کرمانشاه متولد شدم. در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه امام صادق (علیه السلام) کرمانشاه شدم. از سال ۱۳۶۸ به حوزه علمیه قم آمدم و در مدارس رسول اکرم (ص)، شهید صدوقی، امام صادق علیه السلام و رضویه (ع) تحصیل کردم. پس از آن در مدارس دار الشفاء و خان ساکن شده و در مدرسه مرحوم آیه الله گلپایگانی (ره) ادامه تحصیل دادم. از محضر اساتیدی چون: آقای صفائی بوشهری، حاج آقای علی محمدی خراسانی، حاج آقای حسینی بوشهری درسهایی را فرا گرفتم و نیز آیه الله طاهری خرم آبادی، حاج آقای احمد عابدی، آیه الله وحید خراسانی، آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم شیرازی، و آیه الله جوادی آملی از بزرگوارانی بوده اند که از محضر آنها استفاده علمی برده و توفیق حضور در مکتب درسی آنان را داشته ام. ابتدای شرکت در درس خارج فقه از سال ۱۳۷۴ و از محضر آیه الله طاهری خرم آبادی بود. از سال ۱۳۷۴ بطور غیر رسمی با پژوهشکده باقر العلوم (علیه السلام) همکاری علمی خود را آغاز کردم. شرکت در جلسات مجمع اهل قلم بطور مستمر در همان سال با همکاری جمعی از دوستان حدود ۶ ماه بطور متناوب به تهران رفته و فهارس نسخ خطی مجلس شورای اسلامی مجلدات ۲۵ و ۲۶ و ۳۵ توسط مجموعه ای از دوستان و زیر نظر استاد عبدالحسین حائری تهیه گردید. از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ به صورت ساعتی و متناوب با مرکز تحقیقات علمی دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری همکاری داشتم. کنترل پروژه رایانه ای ساختار درختی حکومت اسلامی و کتابشناسی عدالت اجتماعی و حکومت امام علی (ع) محصول آن سالها بود.

حداقل به مدت ۶ ماه از نیمه سال ۷۸ تا نیمه اول سال ۷۹ مدیریت اجرایی مجله مبلغان را به عهده داشتم. (از ابتدا تا شماره ۴) از خرداد سال ۷۹ تا تیر ۱۳۸۵ مدیریت داخلی مجله فرهنگ کوثر را به عهده داشتم. (از شماره ۳۹ تا ۶۴) در سال ۱۳۸۱ حدود ۶ ماه سردبیر نشریه پیام آستانه بودم. از ابتدای سال ۸۱ تا پاییز ۸۳ مدیریت داخلی مجلات حوزه و فقه را عهده دار بودم. در سال ۱۳۸۳ به عنوان خادم فرهنگی برگزیده آستانه مقدسه از سوی جشنواره رضوی معرفی و موفق به دریافت لوح تقدیر از رئیس جمهور شدم. در این سالها حدود ۵۰ کتاب و مقاله از اینجانب از سوی دفتر تبلیغات اسلامی، پژوهشکده باقر العلوم (ع) (انتشارات نور السجاد(ع))، انتشارات فقه، انتشارات پارسایان و انتشارات نبوغ و نیز در نشریات مبلغان، حضور، حکومت اسلامی، فرهنگ کوثر و برخی روزنامه ها و نشریات استانی مقالاتی منتشر شده است. در ضمن در سال ۱۳۸۲ با موافقت مدیر محترم فرهنگی آستانه مقدسه کتابخانه تخصصی چهارده معصوم(س) با پیشنهاد و پیگیری و مسئولیت اینجانب تأسیس شده که در حال حاضر به محققان و پژوهشگران پیرامون اهل بیت علیهم السلام سرویس میدهد.

محمدی گورگانی، یوسف

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: جراحی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی در رشته جراحی عمومی از دانشکده پزشکی دانشگاه تهران.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده پزشکی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آناتومی بالینی حنجره و مکانیسم تولید صوت، عوارض آپاندیست، سرطان پستان، تشخیص و درمان ضایعات تروماتیک طحال، تشخیص و درمان تومورهای تیروئید، درمان سرطان‌های مری، سابقه تدریس به مدت ۲۰ سال، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۸ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

آناتومی سینه، اطلس روش‌های تشخیص ساده بر بالین بیمار، آناتومی بالینی، استخوان‌های سر و صورت، تشریح سر و گردن.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

آناتومی، جراحی عمومی، موارد نادر و غیر عادی آناتومی اعضاء تشریح عناصر عصبی و احساسی بدن انسان. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

محمدی لائینی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم دینی.

تولد: ۱۳۰۳ (در حدود ۱۳۴۴ ق.)، روستای ملامحمد هزار جریب، از توابع بهشهر.

درگذشت: ۱۶ مهر ۱۳۷۲ (۲۱ ربیع‌الثانی ۱۴۱۴)، قم.

آیت‌الله حسین محمدی لائینی هشت ساله بود که پدرش را که در حوزه علمیه نجف اشرف تحصیل می‌کرد از دست داد و تحت سرپرستی مادرش دروس ابتدایی را فراگرفت. سپس به حوزه علمیه آیت‌الله کوهستانی رفت و در آنجا به یادگیری علوم اسلامی پرداخت، رسائل و مکاسب را نزد آن مرد بیاموخت. پس از آن برای تکمیل دانش خود به حوزه علمیه نجف اشرف شتافت و مدت دوازده سال از درس کفایه آیت‌الله حسن یزدی و حاج فقه آیت‌الله سید محمود شاهرودی و اصول آیت‌الله هاشم آملی (دو دوره) بهره گرفت و با اخذ اجازات متعدد اجتهاد از مراجع نجف به زادگاه خویش بازگشت و به دعوت آیت‌الله شیخ محمد کوهستانی مدت‌ها به تدریس در حوزه علمیه وی پرداخت. او در مبارزات مردم در انقلاب اسلامی شرکت داشت و پس از پیروزی انقلاب، دو بار از سوی مردم به نمایندگی استان مازندران در مجلس خبرگان انتخاب گردید و تا پایان عمر بر این سمت بود.

آیت‌الله حسین محمدی لائینی سرانجام پس از بیماری، در هفتاد سالگی در عصر جمعه شانزدهم مهر ۱۳۷۲ (بیست و یکم ربیع‌الثانی ۱۴۱۴ ق.) درگذشت و پس از تشییع در نکا و قم، در صحن حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

محمدی مظفر، محمدحسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسن محمدی مظفر

محل تولد: رشت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ به حوزه علمیه رشت وارد شدم و تا سال ۱۳۷۰ به تحصیل دروس مقدماتی و سطح در آنجا اشتغال داشتم و همزمان دروس مقدماتی را نیز تدریس می‌کردم (عمدتاً معانی و بیان) و از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۲ به مدت دو سال برای ادامه تحصیلات حوزوی، به حوزه علمیه مشهد رفتم و پس از آن از سال ۱۳۷۲ به حوزه علمیه قم آمدم و همزمان با تحصیلات حوزوی، به تحصیل در رشته فلسفه در دانشگاه مفید قم پرداختم و با پایان یافتن این دوره در سال ۱۳۷۶ به مرحله بعد یعنی کارشناسی ارشد در رشته فلسفه و کلام اسلامی در دانشگاه قم راه یافتم و این دوره را نیز با اتمام پایان نامه که موضوعش تصحیح الفرقه الناجیه شیخ ابراهیم قطنی بود، در سال ۱۳۷۹ به پایان رساندم و در سال ۱۳۸۴ در رشته علوم قرآن و حدیث مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شده و هم اکنون در این دوره به تحصیل اشتغال دارم. همچنین از ابتدای سال ۱۳۷۶ که مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب به طور رسمی و عمومی کار خود را آغاز کرد، در این مرکز به آموزش و پژوهش مجله هفت آسمان نیز به بنده سپرده شده است. علاوه بر اینها تاکنون سعی کرده ام که با دروس حوزوی قطع رابطه نکنم و تا حد امکان سعی می‌کنم در درس خارج حوزه شرکت کنم. همچنین از سال ۱۳۸۲ تا سال ۱۳۸۴ به مدت سه ترم در مدرسه امام خمینی (ره) برای رشته مذاهب به تدریس زبان تخصصی در رشته مذاهب اسلامی اشتغال دارم. در سالهای اخیر آثاری نیز اعم از کتاب یا مقاله در قالب تصحیح، تألیف و ترجمه داشته ام که برخی از آنها چاپ شده و برخی چاپ نشده است و فهرستی از آنها را در صفحه مربوط به آنها عرضه کرده ام.

محمدی ملایری، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد محمدی ملایری در سال ۱۳۰۶ ه.ش در ملایر متولد شد. وی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی زادگاه خویش و عزیمت به اراک و اخذ دیپلم ادبی در آن دیار، وارد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران شد. وی در سال ۱۳۶۶ و در سال ۱۳۴۹ و ۱۳۵۳ لیسانس و فوق لیسانس و دکتری ادبیات را از دانشگاه تهران دریافت کرد. وی مدتی را در دانشکده هنرهای دراماتیک و دانشگاه آمریکایی بیروت تدریس کرد. وی کتابهایی چون ترجمه کتاب عرفان مولوی، بررسی اندیشه های عرفانی عطار، اصول و مبانی تصوف و عرفان را منتشر کرده است. گروه: علوم انسانی رشته: ادیان خارجیگرایش: ادبیات عرفانیتحصیلات رسمی و حرفه ای: احمد محمدی ملایری پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی در زادگاه خود ملایر و عزیمت به اراک و اخذ دیپلم ادبی در آن دیار، وارد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران شد. وی در سالهای ۱۳۳۶، ۱۳۴۹ و ۱۳۵۳ ه.ش موفق به دریافت مدارک لیسانس، فوق لیسانس و دکتری خود در رشته ادبیات فارسی از دانشگاه تهران شد. خاطرات و وقایع تحصیل: احمد محمدی ملایری بین سالهای ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۳ که به تحصیل در رشته ادبیات فارسی در دانشگاه تهران مشغول بود، شاهد اواسط و اواخر سلطنت محمدرضا شاه پهلوی در ایران بوده است. در آن زمان جریانهای شعر نو و شعر سنتی نیز به جدال خود ادامه می دادند. فعالیتهای ضمن تحصیل: احمد محمدی ملایری در کنار تحصیل در رشته ادبیات فارسی در دانشگاه تهران به مطالعه وسیع آثار عرفانی ادبیات فارسی و نیز آثار دراماتیک (نمایشنامه های اروپایی) مشغول بوده است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: احمد محمدی ملایری پس از دریافت دکتری ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۳ به تدریس در دانشکده هنرهای دراماتیک تهران و نیز دانشگاه آمریکایی بیروت مشغول بود. فعالیتهای آموزشی: احمد محمدی ملایری پس از اخذ دکتری ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۳، به تدریس در دانشکده هنرهای دراماتیک تهران و نیز در دانشگاههای اروپایی بیروت پرداخت. سایر فعالیتها و

برنامه های روزمره : احمد محمدی ملایری در کنار تدریس ادبیات فارسی، به ترجمه و تالیف اثری درباره عرفان اسلامی ایران و ادبیات فارسی مشغول بوده است و وی به فعالیت های تحقیقاتی خود ادامه می دهد. آرا و گرایشهای خاص : احمد محمدی ملایری در رشته ادبیات فارسی بیشتر به عرفان اسلامی - ایرانی و آثار ادبی مربوط به آن (مولوی ، عطار) علاقمند است و در این زمینه تحقیقات و تالیفاتی دارد .

آثار : ۱ آیین نگارش و سخنوری ۲ اصول و مبانی تصوف و عرفان ۳ بررسی اندیشه های عرفانی عطار ۴ پایتخت های نامی ایران در دوران تاریخ ۵ ترجمه کتاب عرفان مولوی

محمدی نجف آبادی، عبدالکریم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالکریم محمدی نجف آبادی

محل تولد : نجف آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۴۱ هـ.م. در شهر نجف آباد اصفهان متولد شدم در سال ۱۳۶۰ در آن شهر دیپلم خود را در رشته علوم تجربی گرفتم، پس از آن وارد حوزه ی علمیه شدم و مستقیماً وارد قم شدم. سطوح را در مدرسه امام باقر علیه السلام گذراندم و از محضر استادانی مانند حضرات مهری، میری، فتوحی، سید احمد خاتمی، محمدی، بهره گرفتم و پس از آن فلسفه را شروع کردم و از محضر آقایان فیاضی (بدایه الحکمه)، انصاری شیرازی (منظومه)، حسن زاده آملی و جوادی (اسفار و اشارات) خوشه چینی کردم. در این میان کفایتین را پیش آقای گنجی فرا گرفتم و خارج اصول و فقه را نزد استادان بنام حوزه فرا گرفتم، سال ۷۲ وارد دانشگاه شدم و تا مرحله کارشناسی ارشد در رشته فلسفه ادامه تحصیل دادم و بورژ از آقایان پازوکی، عبدالکریم رشیدیان، دنیایی استفاده کردم. از آنجایی که علاقه اصلی ام پژوهش بوده است در این خصوص سعی وافر نمودم. شایان ذکر است هم اینک مشغول تحصیل در حوزه هستم و هفته ای یک روز به عنوان استاد معارف در دانشگاه آزاد اسلامی پرند تدریس می نمایم. گفتنی است به عنوان حق التدریس در این باره انجام وظیفه می نمایم.

محمدی نیا، اسدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اسد الله محمدی نیا

محل تولد : روانج دلیجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیقیر سال ۶۰ وارد حوزه مبارکه علمیه قم شدم اگر چه قبل از آن مشغول تحصیل درس‌های حوزوی بودم اما به طور مرتب و رسمی سال ۶۰ بود با توجه به اینکه ایام جنگ بود در ضمن تحصیل به مناطق جنگی و برای کمک به رزمندگان و کارهای تبلیغی ایام تابستان به ویژه از سال ۶۳ به مناطق ویژه کردند غرب می‌رفتم تا اینکه سال ۶۷ - ۶۶ به مدت یک‌سال و اندی مسئول عقیدتی سیاسی تیپ یک لشکر ۹۲ و جانشین عقیدتی لشکر بودم و مجدداً به قم برگشته و در سال ۷۰ به خاطر اصرار زیاد و احساس نیاز قرار بر این شد یک سال دیگر در دزفول مسئول عقیدتی سیاسی تیپ ۲ شدم که این یک سال تبدیل به سه سال و نیم شد و مجدداً با اصرار زیاد از جانب ارتش به خاطر علاقه‌ای که به تدریس و درس و تحصیل داشتم به قم برگشتم و در سال ۷۳ تا امروز سال ۸۶ در قم مشغول تحصیل و تدریس هستم و تا احساس نیاز شدید نکنم تدریس و تحصیل و تحقیق را بر همه چیز ترجیح می‌دهم و ناگفته نماند از ابتدای پیروزی انقلاب هم تا قبل از آن در کمیته‌ی جماران مشغول کار به ویژه کارهای فرهنگی بودم. و عذرخواهی می‌کنم چون حقیقیر حوصله پر کردن این فرم‌ها را ندارم.

محمدی، ابراهیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابراهیم محمدی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اخذ دیپلم در سال ۶۲ وارد حوزه علمیه نجف آباد شدم و پس از ۵/۱ سال به قم آمدم و دروس سطح را در سال ۶۹ به پایان رساندم و در درس خارج آیت الله العظمی منتظری، آیت الله العظمی تبریزی، آیت الله العظمی وحید خراسانی، آیت الله العظمی مکارم و آیت الله حسین شمس خراسانی، آیت الله محقق داماد شرکت کرده و در ضمن تحصیل بعضی از کتب را نیز تدریس

نموده ام و در ضمن آن به تحقیقات علمی روی کتاب شرح لمعه و همت گماشتم از سال ۷۲ با مرکز تحقیقات کامپیوتری نور همکاری کرده ام در این مدت با بیش از چند هزار جلد کتاب اعم از تصحیح مقابله ای عترت ، آیات ، برخورد داشته ام سفرهای تبلیغی زیادی داشته ام و از آن جمله چندین سفر بعنوان معین و روحانی کاروان به مکه مشرف شده ام. الان نیز ضمن شرکت در دروس خارج به حاشیه بر کتاب تحریر الوسیله و عروه نژد بعضی از اساتید مشغول می باشم. در ضمن به مدت ۲۸ ماه در ۱۶ نوبت در جبهه های جنگ شرکت کرده ام و ۳ بار نیز مجروح گردیده ام.

محمدی، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالقاسم بن مرحوم آیت الله محمدی از علماء محترم معاصر گلپایگانست.

وی در ربیع المولود ۱۳۲۵ ق در قریه اسفرنجان دیده بدنیا گشود و بعد از طی دوران کودکی و تحصیل مختصری از مقدمات رهسپار اصفهان شده و در خدمت اساتید آن محیط دانش مفدمات و سطح را فرا گرفت و در سال ۱۳۰۷ شمسی به نجف اشرف مشرف و در آن محیط نورانی در خدمت مرحوم آیت الله مشکینی و مرحوم آیت الله عراقی و آیت الله العظمی اصفهانی رضوان الله علیهم اشتغال به تحصیل داشت و بعد از هفت سال در سال ۱۳۱۴ شمسی با دریافت اجازه اجتهاد از محضر مبارک آیتین عراقی و اصفهانی طاب الله ثراهما به ایران مراجعت و چند سالی در خدمت پدر به انجام وظائف دینی و اجتماعی مشغول بود تا در سال ۱۳۲۰ شمسی نعمت وجود پدر را از دست داده و از آن تاریخ شخصاً با اتکال به لطف خدا او توسل به ذیل عنایت حضرت سیدالشهداء علیه السلام متصدی حفظ نظام امور دینی و خدمات اجتماعی این منطقه گردید.

و با اینکه از سال ۱۳۲۲ بر حسب دعوت که اهالی شهر گلپایگان از او نمودند موفق شد که در محیط به اقامه جمعه و جماعت بپردازد و نماز جمعه که سالها بود از آن محیط متروک و مهجور بود زنده نموده و بیای بدارد و توانست که مسجد جامع تاریخی و با عظمت این شهر را که متروک و مهجور و مخروبه بود افتتاح نماید و آن را معمور و مورد استفاده کامل قرار دهد.

مع ذلک محل سکونت خود را تغییر نداد و در موطن پدری خود زندگی می کرد تا عاقبت کثرت احتیاج مردم شهر بوجود او با عوامل دیگر ایجاب نمود که به شهر منتقل شود و در چند سال قبل این اقدام را نمود و به شهر منتقل شد و جمیع اوقات زندگی خود را در اختیار مردم شهر و دهات گلپایگان قرار داد و مسجد جامع را به صورت بسیار جالبی معمور و مجهز نمود و آن را پایگاه براننده اقامه جمعه و جماعت این محیط کرده و آیت الله حایری گلپایگانی در مورد این موفقیت این چند شعر ذیل سرودند.

مسجد مزبور از هر جهت مجهز و دارای کتابخانه نفیسی است که در ردیف مساجد معمور درجه اول ایران می باشد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

محمدی، اردشیر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اردشیر محمدی

محل تولد : دزفول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب اردشیر محمدی متولد ۱۳۵۱ در شهرستان دزفول به دنیا آمدم. دوران ابتدائی و راهنمایی و دبیرستان را در اهواز سپری کردم و بعد از اتمام دبیرستان وارد حوزه علمیه مسجد سلیمان شده و بعد از اتمام مقدمات عازم قم شدم و هم اکنون ۸ سال است مشغول به تحصیل در درس خارج می باشم. از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲ دوره تخصصی کلام اسلامی را گذراندم (سطح چهارم) و پایان نامه سطح چهار اینجانب با عنوان نقش دین در بهداشت روان از منظر قرآن می باشد. در ضمن حدود ۵ سال است که در دانشگاه‌های مختلف مشغول تبلیغ و تدریس بوده ام و هم اکنون جزء هیئت علمی دانشگاه پیام نور استان خوزستان می باشم و همچنین جزء هیئت منتخب گروه معارف اسلامی دانشگاه پیام نور می باشم.

محمدی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین محمدی

محل تولد : گرگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۷/۲

زندگینامه علمی

آقای حسین محمدی در سال ۱۳۴۳ هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهر گرگان دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه شهرستان بهشهر گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد. پس از مدتی تحصیل در حوزه علمیه گرگان به شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیها رهسپار حوزه علمیه قم گردید.

از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۹ به حلقه درس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله استادی، آیت الله خاتمی، استاد علی محمدی، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فلسفه و کلام در مقطع کارشناسی در سال ۱۳۷۶ از دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید.

وی پس از طی تحصیلات جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون در دانشگاه علوم کشاورزی گرگان، دانشگاه علوم پزشکی گرگان و حوزه علمیه گرگان به امر تدریس اشتغال دارد. وی در طول حیات علمی

خود به امر نگارش و پژوهش پرداخته است و آثاری از قبیل " بررسی نگرش دانشجویان نسبت به نماز " و " تجربه دینی و شهود عرفانی " را به رشته تحریر در آورده است.

محمدی، خلیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیه‌الله حاج سید خلیل بن آقا سید محمد بن آقا سید خلیل بن آقا میر اسدالله المعروف باقا سید بن آقا سید جعفر بن آقا سید قاسم بن آقا سید جعفر بزرگ صاحب العلوم المتفاوته والکراماته الباهره هزار جریبی بالارستاق بادامسری از علماء میرز معاصر بهشهر است.

وی در سال ۱۳۲۹ قمری متولد شده و در سن چهارده سالگی در سال ۱۳۳۳ قمری پدر را از دست داده و در سن دوازده سالگی سال ۱۳۴۲ قمری مرحومه والدهاش بنام بانو سیده فاطمه بدرود حیات گفته و درس قرآنی را نزد جده مادریش خوانده و بعد در اثر تراکم هموم و تهاجم سختی روزگار بعموم مردم و اوضاع اسف‌آور مرگ و میر در عشیره و اقوام ایشان بنا بر قضاء پروردگار یکی بعد از دیگری از اعمام و احوال و ذوی‌الارحام را از دست داده و همه برحمت ایزدی واصل گردیده و خلاصه با کمال صعوبت بواسطه نداشتن سرپرست و عدم مساعدت مادیات ادامه بتحصیل داده تا بدروس فقه و اصول رسیده ولی باز بسبب پاره ای از موانع، اوضاع درسی عمومی و بالاخص مترجم ما مختل و حدود ده سال تعطیل تا در سال ۱۳۶۱ قمری که ثانیاً موفق شده و برای ادامه تحصیل محضر سلمان عصر و فقیه دهر یگانه مرد مجاهد دینی مرحوم آیه‌الله آقا شیخ محمد کوهستانی عطرالله مرقد الشریف در کوهستان بهشهر شروع بتحصیل نموده و در اوقات تابستان در هزار جریب محل کلا از محضر آیه‌الله حاج شیخ عبدالجبار فقیهی کلائی استفاده نموده تا سال ۱۳۶۵ قمری که باتفاق عده‌ای از رفقا و دوستانش مهاجرت بعنایت عالیات و باقیمانده از متون فقه و اصول را از بعضی آیات عظام مثل مرحوم آیه‌الله حاج میرزا حسن یزدی و آیه‌الله آقا شیخ باقر تبریزی و دیگران در مدت شش ماه خوانده و پس از آن از محاضر حجج اعلام و آیات عظام مانند آیه‌الله العظمی آملی و آیه‌الله العظمی شاهرودی و مرحوم آیه‌الله العظمی حکیم و آیه‌الله اصطهباناتی و نیز آیه‌الله المعظم آقای حاج میرزا حسن بجنوردی فقها و اصولاً- استفاده نموده تا در سال ۱۳۶۹ قمری که بواسطه انحراف مزاج و کسالت دچار ضعف مفرط شده بود لذا حسب‌الامر آیات کرام از نجف بعنوان تغییر هوا بایران و وطن خود آمده و بعد از شش ماه مراجعت و ادامه بتحصیل داده تا سال ۱۳۷۶ قمری که مراجعت بهزار جریب نموده و در زادگاه خود و هم شهر بهشهر (اشرف سابق) توطن گزیده و شش ماه در محل و شش ماه در بهشهر اقامت و بخدمات دینی از اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و ایفاء وظائف دیگر اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

محمدی، ذکراالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ذکراالله محمدی

محل تولد : خداابنده

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ذکراالله محمدی در سال ۱۳۵۰ در یکی از روستاهای محروم استان زنجان و در یک خانواده اصیل مذهبی به این دنیای پر راز و رمز چشم گشودم و در ایام کودکی راهی مکتب خانه شده با قرآن و گلستان سعدی و چند کتاب دیگر آشنا گشتم . بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران هم زمان با ادامه تحصیل در مکتب خانه اول دبستان را شروع کردم . پس از اتمام دوره ابتدایی، اول راهنمایی رادر یکی از آبادیهای هم جوار گذراندم. دوم راهنمایی رادر روستای خودمان به صورت متفرقه فرا گرفته و در پایان سال تحصیلی در شهر خداابنده امتحان داده و قبول شدم . با توجه به اینکه علاقه ای فراوان به فراگیری علوم اسلامی از خود نشان می دادم لذا در مهرماه ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه زنجان شدم و سوم راهنمایی را هم به صورت شبانه پشت سر گذاشتم. هم زمان با ادامه تحصیل درحوزه علمیه اول متوسطه را در دبیرستان دکتر شریعتی زنجان فرا گرفته و در پایان سال تحصیلی بعنوان شاگرد ممتاز در شبکه رادیویی استان زنجان شرکت کردم. بعد از اتمام اول دبیرستان تحصیل در علوم جدید را به منظور تقویت بنیه علمی حوزوی را آغاز کرده و بیش از پیش در فراگیری علوم دینی کوشیدم . پس ازدوسال ترک تحصیل علوم جدید دوباره به تحصیل این علوم روی آورده و در مدت سه سال همزمان با ادامه تحصیل در حوزه علمیه زنجان دوره دبیرستان را تمام کردم. ضمناً پایه ی ششم حوزوی را نیز با امتیاز بالا به اتمام رسانیدم. با شرکت در کنکور سراسری در دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین در رشته تاریخ تمدن قبول شده و همچنین در موسسه آموزش عالی باقر العلوم علیه السلام قم نیز پذیرفته شدم و به خاطر ادامه تحصیل در علوم حوزوی در قم ازدانشگاه قزوین منصرف شده واز سال ۱۳۷۴ وارد حوزه مقدسه قم گشته و رشته تاریخ را هم در موسسه عالی باقر العلوم (ع) ادامه دادم در سال ۱۳۸۰ با تالیف پایان نامه در رابطه با آیت الله شیخ عبدالکریم حائری (ره) با اخذ مدرک کارشناسی تاریخ از این موسسه فارغ التحصیل گشتم و هم چنین در خلال تحصیل در موسسه مزبور در کلاسهای تاریخ اسلام دفتر تبلیغات نیز شرکت می کردم، دوره فشرده مهدویت را نیز در سالهای اخیر در پژوهشکده مهدویت پشت سر گذاشته و همکاری علمی با آن پژوهشکده را آغاز کرده ام. همچنین اخیراً با مرکز مطالعات و پژوهشهای حوزه علمیه قم همکاری فعالی دارم. حدود سه سال در درس خارج فقه آیت الله شبیری زنجان شرکت کرده ام و نیز توفیق تبلیغ دین مبین اسلام به مدت ۶ سال نصیب حقیر در ایام رمضان و محرم شده است.

خدایا چنان کن سرانجام کار تو خوشنود باشی مارستگار

محمدی، رحیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رحیم محمدی

محل تولد : دره شهر ایلام

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۱ در مرکز بخش بدره از توابع استان ایلام در خانواده‌ای متدین و کشاورز به دنیا آمدم و به دلیل مشکلات معیشتی در سن ۴ سالگی به همراه خانواده به خرمشهر مهاجرت نمودیم و تا سال ۱۳۵۸ در آنجا ماندیم. با شروع جنگ تحمیلی در حالی که تمام دارایی و خانه و کاشانه خود را از دست داده بودیم مجدداً به موطن اصلی خود یعنی ایلام بازگشتیم و در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه تازه تأسیس شهرستان دره شهر شدم و در کنار درس دبیرستان به تحصیل در آن حوزه مشغول بودم. اساتید اینجانب در آنجا امام جمعه محترم جناب آقای صالحی و مرحوم فقیهی افغانی بودند. در سال ۱۳۶۰ به حوزه علمیه المهدی اراک تحت نظر حضرت آیت الله شیخ ابوالفضل خوانساری امام جمعه وقت اراک وارد شدم و در آنجا ضمن تحصیل علوم روز حوزوی و حفظ قرآن و حفظ اشعار سیوطی و... به تدریس در سطوح پایینتر حوزه در همان حوزه مبارکه و در حوزه علمیه حاج محمد ابراهیم و حاج آقا ضیاء اراک مشغول بودم و در اواخر سال ۱۳۶۳ وارد حوزه مبارکه قم شدم و در طی تحصیل و تدریس هیچ وقت ارتباطی با جبهه و جنگ و وعظ و خطابه و منبر قطع نشد.

در جنگ تحمیلی مجروح شدم و تا مرز شهادت نیز پیش رفتم اما لیاقت آن برایم حاصل نشد در حوزه مبارکه قم ضمن تحصیل هیچ وقت از تدریس در سطوح مختلف غافل نبودم و سعی بر آن داشتم یا در مطالعه باشم یا مباحثه یا تحصیل یا تدریس و دل مشغولی‌ای جز این نداشتم. همیشه یک ساعت یا بیشتر قبل از طلوع فجر بیدار بودم و بسیار پابند به ادای واجبات و مستحبات و پرهیز از مکروهات داشتم، که متأسفانه هم اکنون آن حالات آنچنان که باید وجود ندارد و غبطه آن ایام را می‌خورم. در حوزه اراک سیوطی و مغنی و مختصر و قسمت عمده‌ای از مطول و معالم را نزد آقا شیخ مهدی عظیمی خواندم و تحریر الوسیله حضرت امام (ره) را نزد آقای رجایی و گلستان سعدی را نیز نزد آقای خوش گفتار و حفظ قرآن را نیز تحت نظارت آقای هجرتی و تاریخ اسلام و اعتقادات را نیز نزد مرحوم آقای شیخ محمدحسن خوانساری و حاشیه حاج ملا عبدالله و المنطق مرحوم مظفر را نیز نزد آقای فرجی و عظیمی تلمذ نمودم در حوزه مبارکه قم شرح لمعه را نزد حضرات آیات و حجج اسلام الهامی، وجدانی فخر، راستی کاشانی و نکونام و اصول فقه را نزد آقای حسینی بوشهری و رسائل را نزد آقای اعتمادی و مکاسب را نزد آقای ستوده و دوزدوزانی و پایانی و کفایه را نزد آقای اعتمادی و قسمتی را نزد آقای گنجی گذراندم. اساتید درس خارج فقه و اصول این حقیر حضرات آیات مکارم شیرازی، وحید خراسانی، تبریزی و فاضل لنکرانی (ره) بودند.

دوره چهار ساله تخصصی علم کلام اسلامی را در موسسه امام صادق (ع) در سال ۱۳۷۴ به پایان بردم در این دوره اسفار را نزد آیت الله دکتر بهشتی، سبحانی، گرامی و نه‌ایه‌الاصول را نزد آقای فیاضی و اشارات و تنیهاات ابن سینارا نزد استاد گرامی و ممدوحی و سبحانی و شناخت مکتب ماتریالیسم و نظریه‌المعرفه و کشف المراد را نزد آیت الله سبحانی و قسمتی را نزد آیت الله دکتر بهشتی و مسائل جدید کلامی را نزد استاد ملکیان و مباحث توحید و شرک در قرآن و نهج‌البلاغه و مباحث مربوط به امامت و اصالة الفطرة و... نزد استاد ربانی گلپایگانی تلمذ نمودم. در مدرسه حضرت بقیه‌الله حاجی آباد لک‌ها صبح‌ها به تدریس ادبیات عرب و منطق و لمعه و عصرها در مدرسه حضرت آیت الله گلپایگانی به تدریس مکاسب و کفایه مشغول بودم و در سال ۱۳۷۷ با شرکت در امتحان اجتهاد توسط شورای نگهبان و وارد شدن در مجلس خبرگان رهبری به عنوان نماینده استان ایلام به ایفای وظیفه مشغول شدم و همچنان تدریس در حوزه مبارکه قم در سطح کفایه و خارج فقه و اصول در یکی از مدارس‌های حرم مطهر و مدرسه خان را ادامه دادم و هیچوقت به خود اجازه ترک تدریس و تحصیل را نداده و نمی‌دهم و امیدوارم در این راه در حالی که

خداوند از این بنده حقیرش راضی باشد جهان را ترک نمایم. در طول مدت حضور در حوزه دست نوشته‌هایی فراهم شده که صلاح ندانسته‌ام چاپ شوند و یا هزینه آنها نبوده و امیدوارم آنچه خیر است همان اتفاق بیفتد به مدت چندین سال است که در دانشگاه مشغول تدریس هستم تا بدین وسیله ارتباطم با فرهیختگان غیرحوزوی و دانشجویان قطع نشود و در تأسیس بعضی ساختمان‌های دانشگاه آزاد اسلامشهر نیز کمک‌های فراوانی نمودم و در سال امام علی (ع) به اتفاق دو نفر از دوستان به نام‌های آقایان حجت الاسلام علی انصاری‌نیا و پیمان به تأسیس مجمع جهانی شیعه‌شناسی اقدام نمودیم که هم‌اکنون تحت مدیریت آقای انصاری به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهد. جزاه الله خیر الجزاء.

محمدی، رمضان

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رمضان محمدی

محل تولد: همدان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از گرفتن دیپلم در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم در طی هشت سال دروس حوزه را تا سطح به اتمام رساندم و در سال ۱۳۷۰ به تدریس دروس ادبیات (جامع المقدمات. سیوطی. مغنی) پرداختم و استاد رسمی یکی از حوزه‌های علمیه شهرستان شدم در کنار تدریس در حوزه به تدریس تاریخ اسلام، عقاید، دانش سیاسی، در سایر مراکز دولتی نیز مشغول بودم در سال ۱۳۷۲ دوره تحصیل فقه و کلام مقارن را در مرکز مذاهب اسلامی با موفقیت به پایان بردم و همزمان با تحصیل در مرکز مذاهب اسلامی به تحصیل در دوره کارشناسی ارشد مشغول شدم و بعد از چند سالی موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته تاریخ اسلام شدم مدت هفت سال در دروس خارج فقه و اصول مرحوم آیت الله تبریزی، آیت الله فاضل، جوادی آملی و سبحانی اشتغال داشتم و اکنون مشغول تحقیق در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه هستم. و هم زمان مدیر واحد پاسخ به شبهات قرآنی دفتر تبلیغات اسلامی قم هستم.

محمدی، صادق

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید صادق محمدی

محل تولد: خرمشهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سال ۱۳۶۲ تحصیلات حوزوی را آغاز نمودم، دروس مقدماتی و دوره سطح را در مدرسه علمیه ملامحمد جعفر مشهور به مدرسه علمیه مجتهدی تهرانی و سپس در مدرسه علمیه مروی تهران گذراندم و در طول این مدت نیز قسمتی از منظومه ملاحادی سبزواری را در محضر آیت الله سید رضی شیرازی تلمذ نمودم و پس از آن در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس خارج فقه و اصول را نزد آیت الله العظمی تبریزی و وحید خراسانی آغاز نمودم و حدود ده سال از نظرات فقهی و اصولی این دو فقیه عالی قدر استفاده نمودم و همچنین حدود شش سال در موسسه بقیه الله الاعظم دوره تخصصی فقه و اصول را گذراندم. اینجانب از همان اوایل طلبگی مشغول تدریس بوده و تاکنون در حدود ۲۰ سال مشغول تدریس کتب حوزوی بوده و هم اکنون مشغول تدریس دروس سطح می‌باشم.

محمدی، عبدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالله محمدی

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

وی در سال ۱۳۳۸ در یک خانواده روحانی فرهنگی در اصفهان چشم به جهان گشود. به دلیل ذوق سرشار و استعداد استثنایی دوران تحصیلات ابتدایی را در حالی به اتمام رساند که بخشی از دروس ابتدایی حوزوی را در محضر آیت الله والدش فرا گرفته بود. بلافاصله وارد حوزه علمیه اصفهان و پس از دو سال وارد حوزه علمیه قم شد و با جدیت و سرعت و پیشرفت چشمگیر دروس حوزوی را نزد اساتید برجسته حوزه علمیه قم و در فصل تابستان در اصفهان می‌آموخت. تحصیلات کلاسیک را همزمان و در عرض دروس حوزوی پی‌گیری کرد تا موفق به اخذ درجه دکتری تخصصی گردید. در سال ۱۳۶۹ بنا به تایید مراجع تقلید و اساتید دروس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم و شهادت مکتوب آنها در امتحان دروس خارج شرکت کرد و بنا به تایید هیئت ممتحنین موفق به اخذ مدرک رسمی اتمام دوره اول خارج فقه و اصول شد. ایشان از آن تاریخ تا کنون علیرغم پذیرش مسؤلیت

های فرهنگی اجرایی چندین سال دیگر از درس خارج اساتید برجسته حوزه قم و تهران استفاده می نموده است .
 دکتر محمدی اصفهانی در سال ۱۳۷۵ موفق به اخذ مدرک دکترای تخصصی از واحد علوم و تحقیقات تهران در رشته عرفان اسلامی گشت. عنوان رساله دکترای وی که با درجه عالی پذیرفته شده است ، ختم ولایت می باشد. در متون عرفانی با تکیه بر آراء شیخ اکبر محی الدین بن عربی و عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد ایشان سیر تکاملی نگارش منطق الطیر در اسلام از شیخ رئیس ابو علی سینا تا عطار نیشابوری است. ایشان علاوه بر طی دروس رایج حوزه علمیه از محضر اساتید بزرگ حوزه و دانشگاه ، در دروس فلسفه و حکمت ، اخلاق ، تفسیر ، عرفان نظری و عملی ، هیئت و نجوم ، دوره تخصصی مدیریت خلاق مکالمه زبان های انگلیسی و عربی طی سالیان متمادی بهره گرفت .

دکتر محمدی اصفهانی از سال ۱۳۵۰ تا کنون و حتی در دوره های مسؤولیت فرهنگی اجرایی به طور مستمر اشتغالات علمی ، تحصیلی ، تدریسی ، پژوهشی و تالیفی در حوزه های علمیه ، مراکز آموزش عالی تخصصی و دانشگاه های قم ، تهران و بعضی از شهرهای بزرگ کشور را داشته اند. اهم مواد تدریس توسط ایشان در دانشگاه ها و حوزه ها در طی ۲۵ سال گذشته به این شرح است: ادبیات ، منطق ، اصول فقه ، فقه (لمعتین و مکاسب محرمه) ، فلسفه (بدایه و نهایه علامه) ، عرفان (فتوحات مکیه ابن عربی و نمط نهم اشارات و تنبیهات ابو علی سینا در عرفان ، احکام (نبراس ملاهادی سبزواری) ، بررسی ادیان (ادیان شناسی) ، تعلیم و تربیت ، مشاوره خانواده ، تفسیر ، روان شناسی ، علم النفس ، قرائت و درک متون عرفانی سیر و سلوک اسلامی ، فلسفه اخلاق ، کلام تخصصی ، جغرافیایی سیاسی جهان اسلام و دکتر محمدی اصفهانی تا کنون حدود یک صد رساله دانشگاهی را در مقطع کارشناسی ارشد یا دکتری به عنوان استاد راهنما یا مشاور به عهده داشته است که در مراکز دانشگاهی یا مراکز آموزش تخصصی دفاع شده است. ایشان علاوه بر تدریس رسمی خود در دانشگاه ها و حوزه ها در طی ده سال گذشته در درس های خصوصی خود به تربیت شاگردان عرفانی خود همت گماشته است و جمع کثیری از جوانان دختر و پسر از محضر وی عرفان ناب اسلامی را شناخته و آن را از انحرافات صوفیه و مدعیان عرفان تمیز داده اند و به سیر و سلوک مشروع و منطبق با معارف شیعه پرداخته اند .

محمدی، عزت الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عزت الله محمدی

محل تولد : فیروزآباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱۰/۱

در شهرستان فیروزآباد فارس - پس از دوره راهنمایی در حوزه علمیه شهرستان مشغول به تحصیل شدم و در سال ۱۳۶۴ به حوزه علمیه قم آمدم در مدرسه آیت الله گلپایگانی ره مشغول به تحصیل مقدمات شدم پس از اتمام معالم و مختصر در حوزه (دروس آزاد بیرون از مدارس مقدماتی) در درسهای اصول فقه و لمعه و رسائل و کفایه. استادان محترم محمدی، سعیدی، خاتمی، علیدوست، استادی، اشتهاردی، وجدانی فخر ره، حسینی بوشهری، حسینی تهرانی، اعتمادی، پایانی ره، شرکت نموده و درسهای

الهیات، رجال، آیین واهبیت، تفسیر از استادها معظم آیت الله سبحانی، ربانی گلپایگانی، خرازی، استادی بهره مند شدم و درس خارج فقه و اصول اساتید معظم: آیت الله فاضل ره، آیت الله مکارم، آیت الله سبحانی، آیت الله تبریزی، و آیت الله وحید شرکت نموده و از محضر آنان فیض برده و همه را نوشتم و مکتوب نمودم. و با شرکت در تخصصی کلام دوره ۴ ساله را طی نموده و پایان نامه اخذ که هنوز موفق به نوشتن آن نشده ام و در دانشگاه کارشناسی مدیریت را تحصیل کردم. علاوه به تحقیقاتی که خودم داشته ام فقط یا پژوهشگاه حوزه مدتی همکاری نمودم.

محمدی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی محمدی جورکویه

محل تولد: رشت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی محمدی جورکویه در سال ۱۳۴۳ در روستای جورکویه از بخش خشکیجار از توابع شهرستان رشت در خانواده ای مذهبی متولد شدم. تحصیلات ابتدائی را در روستای جورکویه و دوره راهنمایی را در بخش خشکیجار گذراندم و تحصیلات دبیرستان را تا سال سوم دبیرستان در بخش خممام خواندم و آنگاه وارد حوزه علمیه بندر انزلی شدم. از سال ۱۳۶۱ دروس حوزوی را در مدرسه قائمیه بندر انزلی آغاز کردم. در سال ۱۳۶۳ به حوزه علمیه قم آمدم و در مدرسه علمیه امام باقر(ع) دروس حوزوی را پی گرفتم.

همزمان با تحصیل در حوزه علمیه قم، دوره دبیرستان را به اتمام رساندم و دیپلم گرفتم. از سال ۱۳۶۷ در مرکز آموزش عالی دفتر تبلیغات دوره معارف اسلامی گذراندم و در سال ۱۳۷۰ از آن مرکز مدرک معادل لیسانس گرفتم. در سال ۱۳۷۲ در کنکور سراسری در رشته حقوق پذیرفته شدم و در کنار دروس حوزه، به تحصیل در دانشگاه پرداختم. سال ۱۳۷۶ از دانشگاه مفید لیسانس حقوق گرفتم و همان سال در دوره فوق لیسانس دانشگاه تهران در رشته حقوق جزا پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۹ موفق به اخذ درجه فوق لیسانس گردیدم. از سال ۱۳۶۹ فعالیت تحقیقاتی خود را در مرکز تحقیقات سپاه شروع کردم و آنگاه فعالیت خود را در پژوهشکده باقرالعلوم سازمان تبلیغات دنبال کردم.

از سال ۱۳۷۸ همکاری خود را با مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه آغاز نمودم و مدتی در سمت معاون پژوهشی مرکز مذکور بوده ام. در کنار فعالیت در مرکز تحقیقات قوه قضائیه، به همکاری با دفتر پژوهشهای اسلامی سازمان زندانها پرداختم و مدتی به عنوان مدیر پژوهش این دفتر انجام وظیفه نمودم. از سال ۱۳۸۳ به عنوان عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی پذیرفته شدم که تا کنون ادامه دارد و به عنوان مدیر امور پژوهشی پژوهشگاه(دفتر قم) و عضو هیئت علمی آن به فعالیت مدیریتی و

پژوهشی اشتغال دارم. در کنار فعالیتهای مدیریتی و پژوهشی، فعالیت آموزشی نیز در برخی دانشگاهها در رشته حقوق داشته ام. پس از سالها حضور در دروس خارج فقه و اصول اساتید بزرگ حوزه همچون آیات عظام اردبیلی، مکارم شیرازی و سبحانی اکنون به نوشتن رساله سطح چهار حوزه اشتغال دارم.

محمدی، علی محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی محمد محمدی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از دوره دبیرستان در سال ۱۳۶۲ مشغول دروس حوزوی شدم و تا اتمام دوره لمعتین در یزد مشغول تحصیل بودم از سال ۶۹ وارد قم شده در درس بحث آقایان مرحوم وجدانی و مرحوم پایانی و آیت الله سید احمد خاتمی و آیت الله سبحانی و آیت الله عبدالله جوادی آملی و دیگر آقایان شرکت نمودم در کنار درس از سال ۱۳۷۲ وارد محیط ادبیات داستانی شدم در سال ۱۳۷۳ به بعد در مجلات کودکان داستان ارائه کردم. کم کم در مجلات نوجوان و جوان هم داستان و مقالات ادبی ارائه نمودم در همین سالها بود که با مجله کودک و نوجوان (سلام بچه ها پوپک) همکاری داشتم و در درسهای نادر ابراهیمی شرکت کردم.

محمدی، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیرضا محمدی

محل تولد: کرمان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اواخر سال ۱۳۶۹ تحصیل علوم حوزوی و معارف اسلامی را در مدرسه علمیه سلیمانیه مشهد مقدس آغاز نمودم و پس از اتمام دروس مقدماتی در سال ۱۳۷۲ به حوزه علمیه قم وارد شده و دروس سطح را در محضر اساتید بزرگوار آقایان حسینی بوشهری، محمدی خراسانی، حسینی خراسانی، سید احمد خاتمی اشتهاردی، ربانی گلپایگانی گذراندم و از سال ۱۳۷۶ تاکنون در دروس خارج فقه آیت الله مکارم شیرازی و خارج اصول آیت الله سبحانی بهره مند شده‌ام. به موازات دروس حوزه در سال ۱۳۷۵ وارد دانشگاه مفید قم شده و در رشته علوم سیاسی مقطع کارشناسی به تحصیل مشغول بوم و در سال ۱۳۷۱ در کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی تهران پذیرفته و این مقطع را گذراندم. علاوه بر تحصیل در حوزه و دانشگاه از سال ۱۳۸۰ تاکنون در مرکز مشاوره معاونت تبلیغ و آموزش نهاد رهبری در دانشگاهها، در حوزه های مختلف اندیشه سیاسی اسلام و غرب، فقه سیاسی، مسائل روز و تاریخ تحولات ایران و جهان، معضلات سیاسی اجتماعی و فرهنگی جامعه و موضوعات متعدد دیگر، به تحقیق و پژوهش مشغول می باشم.

محمدی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد محمدی

محل تولد: رودسر

شهرت: محمدی گیلانی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۰۷/۱/۱

زندگینامه علمی

آیةالله محمد محمدی دعوی سرایی مشهور به گیلانی در سال ۱۳۰۷ در روستای دعوی سرا از توابع شهرستان رودسر در استان گیلان در میان خانواده‌ای متدین و دوستدار خاندان پاک پیامبر به دنیا آمد. پدر او محمدجعفر نام داشت و در همان روستا زندگی می کرد و از راه کشاورزی روزگار می گذرانید. آیةالله محمدی گیلانی در شش سالگی به مکتب خانه رفت و قرآن مجید و کتابهای معمول در ادبیات فارسی را فرا گرفت. سپس با تأسیس نخستین دبستان دولتی در نزدیکی روستای دعوی سرا در سال ۱۳۱۵ به دبستان رفت و در کلاس سوم دبستان پذیرفته شد. با به پایان بردن دوره دبستان و شروع جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۲۰ مجبور به ترک مدرسه شده، به خدمت پدر رفت و چند سال به کشاورزی مشغول شد. در سال ۱۳۲۳ همزمان با تأسیس حوزه علمیه رودسر توسط مرحوم حجه الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمد هادی روحانی به حوزه علمیه رودسر رفت و جامع المقدمات را فرا گرفت. آنگاه در سال ۱۳۲۵ به حوزه علمیه قم مشرف شد و به تکمیل دروس ادبیات و فراگیری دروس دوره سطح پرداخت. با پایان یافتن دوره سطح، به درس خارج آیةالله العظمی بروجردی (ره) راه یافت و در مدت دوازده سال کتاب صلوة را در محضر ایشان به اتمام رساند. به موازات آن در دروس اصول فقه امام خمینی (ره) نیز حضور پیدا کرد و از آن بهره‌های بسیار برد. در طول این مدت در درس اسفار و شفای علامه سید محمدحسین طباطبایی نیز به مدت هفت سال شرکت نموده است. او در سالهای تحصیل خود با استادان و فضیای بسیاری رابطه دوستی داشته که برخی از اعضای جامعه مدرسین از آن جمله‌اند. آیةالله محمدی

گیلانی در سالهای عمر خود تا به امروز خدمات فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است. او بسیاری از کتب دوره سطح در فقه و اصول و حکمت و تفسیر را بارها تدریس کرده است و هم اکنون نیز در تهران به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارد. از این رهگذر شاگردان بسیاری تربیت و به عالم اسلام تقدیم شده‌اند. آیه‌الله محمدی گیلانی از فعالان سیاسی در پیش از انقلاب و پس از آن بوده است. او با حضور در جلسات جامعه مدرسین و امضای اعلامیه‌ها و نامه‌های آن و نیز سخنرانیها و افشاگریها سهم بسزایی در پیروزی انقلاب داشته است. پس از انقلاب نیز به دستور امام تشکیل دادگاه انقلاب را بر عهده گرفت و پس از تشکیل شورای عالی قضایی به عضویت این شورای در آمد.

محمدی، محمدحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسین محمدی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۶/۲

زندگینامه علمی

اینجانب در شهریور ماه سال ۱۳۳۹ در شهرستان مقدس قم در خانواده‌ای مذهبی و روحانی به دنیا آمدم و بعد از گذراندن دوره ابتدایی و دوران راهنمایی در سال ۱۳۵۷ با ذوق و علاقه شخصی و راهنمایی پدرم وارد حوزه علمیه شده و در مدرسه علمیه رسالت مشغول به تحصیل گردیدم. با توجه به شروع انقلاب اسلامی در راهپیمایی‌ها و تظاهراتی که برگزار می‌گردید به طور جدی شرکت نموده و اطلاعاتی‌های حضرت امام خمینی (ره) را در سطح شهر قم پخش کرده و به دست مردم و جوانان می‌رساندم تا این که در سال ۱۳۵۸ در شهر قم توسط عوامل مزدور شاه دستگیر شدم و مدتی را در زندان به سر بردم و به یاری خداوند بعد از مدتی آزاد گردیدم، سپس بعد از آزادی به ادامه تحصیل در شهر مقدس قم ادامه داده و درس مقدمات را نزد اساتیدی چون حسینی بوشهری و استاد مرحوم طالقانی و مرحوم مدرس افغانی و ... سپری کردم. دروس لمعه را نزد استاد وجدانی فخر و فقیه شیرازی و استاد ابوالفضل احمدی و استاد گنجی و ... تمام نمودم و سپس در سال ۱۳۶۱ به علت نیاز منطقه در شهر هرسین کرمانشاه در حوزه علمیه امام صادق (ع) مشغول تدریس ادبیات و منطق به مدت یک سال گردیدم. سپس بعد از مراجعت از هرسین دروس حوزه را ادامه دادم و درس مکاسب را نیز در محضر استاد احمدی و مرحوم استاد ستوده و مرحوم استاد پایانی تلمذ نمودم و در درس کفایه نیز در محضر استاد ستوده بودم و بعد از اتمام دروس سطح، در درس خارج آیت الله وحید خراسانی و مدتی محضر حضرت آیت الله ملکی تبریزی ولی اکثر درس خارج فقه و اصول را از محضر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی استفاده نمودم.

سپس بعد از اعلام شروع رشته‌های تخصصی توسط حوزه در سال ۱۳۷۷ وارد اولین دوره رشته تخصصی تفسیر شدم و به مدت چهار سال دوره آموزشی نزد آیات مکارم شیرازی، جوادی آملی، معرفت، شب زنده دار، خزعلی و محقق داماد و اساتید دیگر گذراندم و همزمان با دروس مرکز به درس خارج نیز ادامه دادم و در ضمن مشغول به تدریس مباحث تفسیری و علوم قرآنی در

مراکز دانشگاهی و حوزوی شدم که سوابق تدریس این جانب پیوست می باشد.

محمدی، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا محمدی

محل تولد: بیرجند

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

با سلام و درود به روح بلند امام راحل و شهدای گرانقدر اسلام که با نثار جان خویش زمینه ترویج فقه آل محمد (ص) را فراهم آوردند، یادشان گرامی و راهشان مستدام حقیر در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه عملیه بیرجند شدم. مقدمات را در آنجا فرا گرفتم و همزمان با اوج انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به قصد ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه قم شدم. (البته آن روزها، قم سخن از انقلاب و نهضت داشت نه تدریس و تدرس) از آغاز سال تحصیلی ۱۳۵۸ وارد مدرسه تحت برنامه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (قدس سره) شدم و تا سطح را از محضر اساتید ارجمندی همچون حضرات آقایان: طالقانی، عالمی، نکونام، مسعودی کاشانی، صلواتی، ابراهیم جناتی، و استادی (ادام الله بقائهم) حظ وافری بردم.

پس از آن وارد دروس آزاد حوزه شدم و از محضر اساتید گرانقدری همچون حضرات آقایان: اعتمادی، خرازی و مرحومان مغفوران پایانی و ستوده سطوح عالیه را فرا گرفتم.

پس از آن از دروس خارج فقه و اصول آیات عظام: وحید خراسانی، فاضل لنکرانی، ناصر مکارم، میرزا جواد آقای تبریزی، و غیرهم (ادام الله ظلهم) بقدر وسع خوشه چیده و اگر توفیق حاصل آید در صدد استفاده هستم. در بحث تفسیر از محضر آیات و اساتید ارجمند آقایان: مشکینی و جوادی آملی (ادام الله بقائهم) بی بهره نمانده ام. چند صباحی را هم افتخار تلمذ فیلسوف فرزانه حضرت آیت الله حسن زاده آملی را در بحث فلسفه داشته ام.

محمدی، محمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد علی محمدی

محل تولد: شاهرود

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدعلی محمدی آن گونه که در شناسنامه ام آمده در سال ۱۳۴۶ در روستای ابرسج از توابع شهرستان شاهرود به دنیا آمدم تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در روستا گذراندم و بعد از آن که یک سال در دبیرستان مشغول تحصیل بودم در سال ۱۳۶۲ راهی حوزه علمیه شدم سال ۱۳۶۲ را در حوزه علمیه بسطام (حوزه علمیه شاهرخیه یا باقر العلوم) گذراندم آن حوزه تحت زمامت حضرت حجة السلام و المسلمین حاج شیخ عبد الرسول حسنی (قدس سره) بود. ایشان به راستی اسوه اخلاق بود به گونه ای که به راستی هنوز نیز به شدن تحت تأثیر افطار آن مرد بزرگ قرار دارم و محاسن اخلاقی آن بزرگ را هیچ گاه فراموش نمی کنم و اگر توفیق دعا برای اساتیدم را داشته باشم آن بزرگوار از اولین افرادی است که برایش دعا می کنم. در سال ۱۳۶۳ و پس از شهادت برادر عزیزم راهی حوزه علمیه شاهرود (مدرسه بازار) شدم در آن حوزه مبارکه از محضر اتاتید زیادی بهره مند بودم که برخی از آن ها عبارتند از: حضرت آیت الله اشرفی (دام ظلّه)، حضرت حجة السلام و المسلمین شیخ احمد داوری (زید محب) حضرت حجة السلام و المسلمین سید ولی الله حسینی (زید توفیقه).

در سال ۱۳۶۵ برای اولین بار راهی جبهه های نبرد حق علیه باطل شدم و در سال ۱۳۶۷ پس از اتمام لمعتین و دو جلد اصول فقه مرحوم مظفر راهی حوزه علمیه مبارکه قم شدم حضرت حجة السلام و المسلمین حاج سید احمد خاتمی (زیدعزه) اولین استادم بودند که قسمت های زیادی از رسائل و مکاسب را خدمت ایشان تلمذ کردم چنان که در همین سال ها مدتی نیز از درسهای آیت الله خرم آبادی و حجة السلام و المسلمین علی محمدی نیز استفاده می کردم شاید اولین سالهایی که می خواستم در درس خارج شرکت کنم خدمت حاج آقا خاتمی می رسیدیم؛ جمع چند نفر (شاید ۶ الی ۸ نفر) بودیم. آن درس با درس خارج مصطلح نیز تفاوتی داشت. از محضر استاد خاتمی نیز استفاده های فراوانی برده ام خداوند بر توفیقاتش بیفزاید از دیگر اساتید که از درس خارج آنها استفاده کردم می توان به این عزیزان اشاره کرد: حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی، حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی حضرت آیت الله العظمی سبحانی، حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی وقتی مشغول تحصیل سطوح علیه بودم با مراکز تحقیقاتی نیز همکاریم شروع شد حاصل اولین همکاری ها کتاب های زندگی نامه آیت الله دستغیب و میرزا شیرازی دوم بود که چاپ هم نشد. اولین کتابی که نوشتم «آسمان عرفان و سپس «نگین قرآن» و آن گاه «شیخ شریعت» و اخیراً دو جلد سفره خدا و با بهار دلها است. چندین مقاله نیز نوشته ام که از جمله می توان به مقالات اسماء الحسنی. ادراک عالمی حیلۃ العدر، روشهای تبلیغی پیامبر اکرم و... اشاره کرد که دو مقاله اول را برای دانشنامه کلام نوشته ام. از اولین سالهای ورود به حوزه علمیه به تدریس نیز اشتغال داشته ام که هم اکنون نیز در حوزه علمیه سفیران هدایت به تدریس اشتغال دارم. چند سالی است که مسئولیت واحد و گروه پاسخ به سؤالات و شبهات را نیز به عهده دارم که حاصل این کار پاسخ دهی کتبی به بیش از پنجاه هزار سؤال است هزار پاسخ تلفنی و می باشد برای گروه فوق با کمک دیگر مسئولان مرکز فرهنگ و معارف قرآن چندین وبلاگ و دو و سه سایت نیز تحصیل کرده ایم.

محمدی، مسلم

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مسلم محمدی

محل تولد: اردل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از گذراندن دوران تحصیلی مدرسه در سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۷۰ سطوح مقدماتی را در حوزه های علمی استان چهار محال و بختیاری گذراندم. از سال ۱۳۷۰ تا کنون در حوزه علمی قم هستم و دروس سطح تا خارج را گذراندم. و در سال ۱۳۷۹ وارد رشته تخصصی کلام و فلسفه سطح ۴ شدم و اکنون در حال تدوین مراحل پایانی پایان نامه آن می باشم که با عنوان (نسبت گرائی اخلاق از دیدگاه مکاتب اخلاقی غرب و روشنفکران مسلمان) نوشته شده است. مدتی در مرکز مطالعات حوزه به پرسشهای ارسالی پاسخ می دادم و در مجله صباح وابسته به آن مجموعه نیز برخی مقالات از بنده چاپ شده، همچنین مقالاتی در حوزه مسائل اجتماعی و سیاسی در نشریات و روزنامه های کشور به چاپ رساندم. از سال ۱۳۸۱ تا سال ۱۳۸۳ مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی ایلام در حال خدمت بودم که در همان سال اول به عنوان مسئول نمونه کشوری معرفی گردیدم.

لازم به ذکر است از سال ۱۳۶۸ تا کنون فعالیتهای تبلیغی در مدارس، مناطق عشایری، روستاها، نیروهای نظامی و دانشگاههای سراسر کشور به انجام رسانده ام. الان نیز به عنوان مشاور سردبیر و دبیر تحریر مجله علمی پژوهشی نشریه اندیشه نوین دینی به فعالیت علمی مشغول هستم. لازم به ذکر است که سطح مجله از نظر علمی ویژه اساتید دانشگاه و محققین کشور می باشد. از نظر فعالیت های علمی از سالهای اول طلبگی تا الان به تدریس دروس حوزه از صرف و نحو، منطق و فلسفه تدریس داشته ام، هم در حوزه های شهرستان و هم قم. و علاوه بر اینها در مرکز جهانی علوم اسلامی مدتی تدریس کردم. همچنین مدتی در سال ۱۳۷۲ مدیر داخلی مدرسه علمیه شهر قصر شیرین بوده ام. از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳ تدریس در دانشگاههای علوم پزشکی و آزاد اسلامی ایلام را عهده دار بودم و سال ۱۳۸۴ تربیت معلم شهید رجائی تهران و ترم قبل والان دانشگاه قم، و همچنین در ترم گذشته و همچنین جهت ترم آینده دانشگاه تهران (میدان انقلاب) تدریس به عهده گرفته ام.

محمدیان شورچه، قربان

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: دندان پزشکی، دانشکده: دندان پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

گواهینامه تخصصی رادیولوژی دهان از دانشگاه دندان پزشکی اورگان آمریکا در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده دندان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۵۳، دانشیار رادیولوژی دندان، فک و صورت دانشکده دندان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۶۵.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مدرس رشته تخصصی رادیولوژی دندان، فک و صورت دانشکده‌های دندان پزشکی تهران، مشهد، اصفهان، عضویت در هیات ممتحنه رشته تخصصی رادیولوژی دندان، فک و صورت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۵۵ پایان نامه دندان پزشکی و رادیولوژی دهان.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تفسیر رادیولوژی ضایعات دهان، کرانپوگرافی، مبانی پرتونگاری دندان پزشکی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۴، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

دندانپزشکی، رادیولوژی دهان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

محمدیان، محمدتقی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد تقی محمدیان

محل تولد: نورآباد لرستان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد تقی محمدیان در سال ۱۳۵۱ در یک خانواده مذهبی در شهرستان نورآباد لرستان متولد شدم. دوران ابتدایی را در سال ۱۳۶۲ تمام کردم. سال اول و دوم و سوم راهنمایی را در دوران جنگ سپری کردم. حال و هوای جبهه و شهادت برادر بزرگم بر روحیه من تأثیر عمیقی گذاشت و باعث شد که این حقیر، سال سوم راهنمایی عازم جبهه شوم برای اولین بار. در پاییز ۱۳۶۶ به

حوزه علمیه سید مرتضی علم الهدی نورآباد رفته و ثبت نام کردم. اما آن سال را نیز با رفتن به جبهه گذراندم و اصولاً حال و هوای جبهه نمی گذاشت به درس فکر کنیم.

در طول سال ۱۳۶۶ فقط صرف میر را خواندیم. مجدداً در بهار سال ۱۳۶۷ به جبهه رفتیم که تا پایان جنگ تحمیلی ادامه داشت. سال ۶۷ و ۶۸ را در نورآباد با موفقیت تمام درس خواندیم هدایه و صمدیه را پیش استاد بزرگوار آقای رضوانی (از طلاب مهاجر افغانی) که مدرس حوزه علمیه بودند با موفقیت تمام کردیم. سیوطی و باب رابع مغنی، حاشیه ملاعبداللہ در منطق و ... یادم هست که در اکثر امتحانات نمره خیلی خوبی می گرفتیم. در امتحان باب رابع مغنی بیست گرفتم و همین باعث شد که یک تخته پتوی یک نفر به من جایزه دهند.

عطش زیادی به تحصیل در قم داشتم چندین بار اقدام می کردم اما میسر نمی شد. با دو نفر از دوستان همشهری تصمیم گرفتیم که به حوزه علمیه جعفریه پاکدشت (تهران) برویم. علت این تصمیم این بود که امام جمعه و مسئول حوزه این شهرستان حجة الاسلام و المسلمین کاظمی (آل کاظمی) از همشهریان ما بود. عالم فاضل و وارسته ای است. مخصوصاً خلف مرحوم آیت الله شیخ فرج الله مومندی است که ایشان از شاگردان آیه الله نائینی و آیت الله اصفهانی قدس سره هم بوده اند و در منطقه غرب دارای آوازه و نفوذ زیادی هستند و همین جاذبه معنوی آن مرحوم ما را به حوزه علمیه فرزندان نشان کشاند. یک سال در آنجا درس خواندم و البته ادبیات هم تدریس می کردم. ولی دوری راه و محیط این حوزه علمیه که محیط حوزه و نمی توانست ذهن و جان مرا که نام قم در گوشه گوشه ی قلبم نوشته شده بود سیراب کند لذا بعد از یک سال به بروجرد برگشتم. ریاست حوزه با مرحوم حجة الاسلام و المسلمین نواب بود، که خود ایشان و مرحوم حجة الاسلام و المسلمین حسین دوست هم استاد بودند و به این حقیر و به حجة الاسلام و المسلمین حقیان که اکنون امام جمعه شهر کرج است عنایت بسیار داشتند. شرح لمعه و اصول مظفر را در نزد این دو بزرگوار خواندیم. در عین حال بنده در بروجرد تدریس هم می کردم. ادبیات، جامع المقدمات، منطق و ... و حتی باعث تدریس حقوق می گرفتیم. بعد از اتمام لمعتین و اصول به فکر آمدن به قم افتادم. ثبت نام کردم و به طور متفرقه در امتحانات قم شرکت می کردم تا اینکه در سال ۱۳۷۳ با نمرات عالی قبول شدم و وارد حوزه علمیه قم (المقدسه) شدم. دو سال در خوابگاه جعفریه پشت بیمارستان آیه الله گلپایگانی ساکن بودم.

و در سال ۱۳۷۴ ازدواج کردم اما باز آن سال در خوابگاه بودم. از سال ۱۳۷۵ خانواده را به قم منتقل کردم تا با دقت و حدت بیشتری به تحصیل پردازم. دوران سختی را داشتیم با هفده هزار تومان شهریه که ده هزار تومان آن را به کرایه خانه می دادیم روزگار سپری می کردیم و البته فضل خدا همواره کمک و مدد بوده و هست.

به شدت به تحصیل مشغول بودم درسها را مباحثه می کردم می خواندم و می نوشتم گاهی مباحثه های ما ساعت ۹ و ۱۰ شب طول می کشید در این سالها تصمیم گرفتم که پرونده تحصیلات کلاسیک را از بروجرد (مدرسه ایثارگران) به مدرسه ایثارگران قم منتقل کنم.

و نم نمک دوره دبیرستان را هم می خواندم. در سال ۱۳۷۷ در آزمون ورودی دانشگاه مفید ثبت نام کردم و در رشته فلسفه قبول شدم. دانشگاه مفید در مقطع کارشناسی از نظر علمی، دانشگاه خوب است و اساتید قوی را دعوت می کند.

دوره کارشناسی را با رتبه الف در سال ۱۳۸۰ (بهمن ماه) تمام کردم. و همان سال در امتحانات کارشناسی ارشد سراسری شرکت کردم و با رتبه دو رقمی ۱۷ قبول شدم. رشته فلسفه را در دانشگاه علامه طباطبایی ادامه دادم.

در سال ۱۳۸۴ پایان نامه خود که در حوزه فلسفه دین (بررسی مسأله فناپذیری روح) که چندین مقاله از فیلسوفان غربی در باره جاودانگی روح و حیات پس از مرگ بود ترجمه کردم و بر اساس مبانی اسلامی و فلسفه صدرایی و مشایی نقد کردم. نمره پایان نامه من عالی شد. قصد داشتم همان سال دکترای فلسفه را هم ادامه دهم اما برخی مشکلات زندگی مانع شد. در همان سال

آخر دانشگاه به عنوان محقق با موسسه پژوهشی - آموزشی امام خمینی (ره) در قم همکاری می‌کردم و در بخش دائرة المعارف علوم عقلی به عنوان محقق در اصطلاح یابی فلسفی مشغول بودم دو سالی در آنجا همراه با تحصیل در حوزه به حیات علمی خود ادامه می‌دادم.

در اول سال ۱۳۸۵ تحصیلی تقاضای سطح چهار نمودم بعد از بررسی پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آن را پذیرفته و اجازه دادند که به دنبال موضوع برای سطح چهار حوزه علمیه قم باشم.

موضوع را انتخاب کردم «تعامل فلسفه و تفسیر» و موضوع تصویب شد و طرح آن را هم نوشتم و طرح نیز پس از نقضی و ابرامی تایید شده بالاخره هم اکنون مشغول نوشتن رساله سطح ۴ هستم و استاد راهنمای این طرح آقای دکتر محمد حسن زمانی است. و استاد مشاوره بنده هم دکتر احمد عابدی می‌باشد.

لازم به یادآوری است که مدت یک سال است که در دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان هم به عنوان هیئت علمی دانشگاه مشغول به تدریس هستم و هم اکنون هفته ای سه روز برای تدریس به دانشگاه رفسنجان می‌روم.

و از تاریخ ۱۵/۱۰/۱۳۸۶ هم در واحد ترجمه پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم مشغول به خدمت هستم. باشد تا خداوند سبحان عاقبت امر ما را ختم به خیر نماید. آمین. و صلی الله علی محمد و آل الطاهرین و الحمد لله رب العالمین.

محمود، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

یکی از دانشمندان و مورخان دوران مشروطیت است که در اواخر عمر اثری بسیار ارزنده و محققانه به نام روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم در هشت مجلد تنظیم و انتشار داد. تولد او در ۱۲۵۹ ش اتفاق افتاد. تحصیلات قدیم را نزد اساتید روز و تحصیلات جدید را در مدرسه امریکائی به پایان رسانید. در اوایل مشروطیت در سلک آزادیخواهان درآمد و عضو حزب دموکرات گردید و در آن هنگام مقالاتی به طرفداری از آزادی و مشروطه در جراید می‌نوشت. مدتی به کارهای دولتی اشتغال ورزید و در وزارت پست و تلگراف مقاماتی را طی نمود. در اوایل سلطنت رضاشاه مدتی سرپرست محصلین وزارت پست و تلگراف در اروپا بود. در ۱۳۲۴ پس از روی کار آمدن قوام السلطنه به استانداری تهران رسید و در دوره پانزدهم از نجف آباد و کیل شد. در تشکیل حزب دموکرات ایران با قوام السلطنه همکاری نزدیک داشت و یکی از عوامل مؤثر حزب به شمار می‌رفت. پس از پایان دوره پانزدهم از کارهای سیاسی کناره گرفت و به تحقیق و تتبع در تاریخ پرداخت چند کتاب نیز ترجمه نمود که از جمله جنگ نفت اثر موهر و شهیار ماکیاول می‌باشد. در اواخر عمر از نعمت بینائی محروم گردید و در ۱۳۴۴ ش در ۸۵ سالگی وفات یافت. وی خواهرزاده عسگر گاریچی تبریزی صاحب بزرگترین مؤسسه حمل و نقل در اوایل مشروطیت است. محمود در تنظیم و تألیف بعضی از کتب مورخین بعد از شهریور ۲۰ دست داشت. نام خانوادگی وی ابتدا پهلوی بود.

(۱۳۴۴ - ۱۲۶۱ ش)، نویسنده و مترجم. در تبریز به دنیا آمد. از آزادیخواهان صدر مشروطیت بود. نام اصلیش محمود پهلوی بود که بعدها به محمود محمود تغییر داد. خدمات دولتی او در وزارت پست و تلگراف و سپس در اداره رادیو بود و مدتی نیز سمت استانداری تهران را به عهده داشت. همچنین در دوره پانزدهم نماینده مجلس شورای ملی بود. وی مقالاتی در مجله‌ی «آینده» و روزنامه‌ی «ستاره‌ی ایران» و دیگر مجلات به چاپ می‌رساند. او کتابهای «تعلیم و تربیت در خانواده»، «تعلیم و تربیت در مدرسه»، «تربیت ایرانی برای جامعه‌ی ایرانی» را با نام مستعار رسول نخشی منتشر کرد. از دیگر آثار وی: «تاریخ روابط سیاسی ایران و

انگلیس در قرن نوزدهم میلادی»، در هشت مجلد؛ «شهریار»، ترجمه؛ «جنگ نفت»، ترجمه. [۱]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] دایره‌المعارف فارسی (۲/۲۷۰۱)، شرح حال رجال (۴۵-۴۴/۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/۲۱۸۴)، ۱۰۶۶، ۷۰۸/۱، کلک (س ۵، ش ۵۵ و ۵۶، ص ۳۸۸-۳۸۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶/۸۷).

محمودی اصل، حمید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حمید محمودی اصل

محل تولد: تبریز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

من در شهر تبریز مدرسه طالبیه از سال ۱۳۶۲ وارد حوزه شده ام. بعد از یک سال و نیم وارد حوزه علمیه قم شدم. سطح را تا سال ۱۳۶۸ تمام کردم. در کنار دروس معمول حوزه از اساتید برجسته اخلاق همچون آیت الله مشکینی، امینی و کربلانی و مظاهری بهره جستیم. درس خارج را از سال ۱۳۷۴ در خدمت استاد سبحانی (اصول) و استاد مکارم (فقه) بودم. فلسفه بدایه و نهاییه را با آقای ممدوحی و مقداری از منظومه را از استاد شیرازی تلمذ کرده ام. فلسفه غرب را از استاد خاتمی و ملکیان استفاده کرده ام. شرح تجرید و کلام جدید را به ترتیب در حوزه و دانشگاه قم (تربیت مدرس) خوانده ام. مطالعات زیادی (ده سال) در زمینه روانشناسی رفتاری شروع کرده ام و الان تحقیقات و تدریس و سمینارهای فراوان در تبریز برگزار می‌کنم. در حوزه هنر فیلم بینی و مطالعات سینمایی را از سال ۱۳۷۵ در حوزه هنری قم شروع کردم و الان نیز با کارگردانهای جهان همچون اسکوریزی و کوبریک ارتباط فکری دارم. الان در تبریز مورد مشاوره سازمانهای صنعتی و کارشناس کلینیک خانواده و مشاوره جمعیت هلال احمر در حوزه مهارتهای زندگی در خدمت جوانان هستم. عمده دغدغه من استخراج از منابع دینی در خصوص مهارتهای رفتاری می باشد.

محمودی مجدآبادی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جمعیت‌شناسی پزشکی، دانشکده: بهداشت، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ریاضی از دانشسرای عالی تهران، کارشناسی ارشد آمار حیاتی از دانشگاه تهران، فوق لیسانس جمعیت‌شناسی پزشکی از دانشگاه لندن، دکترا در رشته جمعیت‌شناسی (آمار پزشکی) از دانشگاه لندن.

مرتب علمی:

دانشیار دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

باروری، مرگ و میر، مدل سازی، سرطان، اپیدمیولوژی، رشد و نمو، نیروی انسانی پزشکی، ویروس (سرخچه، سرخک، هپاتیت) جمعیت، بهداشت حرفه‌ای، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

جمعیت‌شناسی، آمار و روش تحقیق.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۶

زمینه علمی مقالات:

جمعیت‌شناسی، ویروس هپاتیت، انگل، بهداشت حرفه‌ای، سرطان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

محمودی، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید احمد محمودی

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید احمد محمودی در سال ۱۳۳۶ در یک خانواده روحانی و اهل علم که پدر و اجداد همه روحانی و مبلغ دین بوده‌اند در محلی به نام جزه کوهپایه چشم به جهان گشودم و پس از گذراندن دوران تحصیلات کلاسیک در حوزه علمیه اصفهان مشغول

به تحصیلات حوزوی شدم و پس از گذراندن چهار سال تحصیلی در حوزه علمیه اصفهان، جهت ادامه تحصیلات در حوزه علمیه قم مشغول تحصیل شدم و ضمن تحصیلات به تدریس ادبیات، اصول، منطق، فقه پرداختم و از اساتید بزرگوار حوزه علمیه قم در رشته‌های فقه و اصول، فلسفه و کلام، عرفان و غیره بهره فراوانی گرفتم به ویژه از درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله فاضل لنکرانی حدود پانزده سال بهره علمی بردم و هم‌زمان نیز از سال ۱۳۶۵ تاکنون در دانشگاه اصفهان و علوم پزشکی مشغول تدریس معارف اسلامی می‌باشم. در سال ۱۳۸۱ موفق به مرتبه استادیاری مدرک (دکتر) در رشته معارف اسلامی از وزارت علوم و تحقیقات و فناوری شدم و دارای تألیفات و مقالات متعددی می‌باشم و اینک به عنوان مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه اصفهان و نیز امام جمعه شهرستان کوهپایه مشغول خدمت به اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران می‌باشم امید است مورد رضایت خداوند متعال و صاحب حوزه‌های علمیه حضرت بقیه الله اعظم بوده است.

محمودی، امیر ملک

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

امیر ملک محمودی

محل تولد: الیگودرز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب امیر ملک محمودی فرزند جواد شماره شناسنامه: ۱۳۴۷ متولد ۱۳۵۱ صادره از الیگودرز لرستان پس از تحصیلات دوره راهنمایی در روستای «مغانک سفلی» از توابع شهرستان الیگودرز در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه قم شدم و در کنار دروس حوزوی به درس‌های کلاسیک نیز ادامه دادم و نیز کلاسهای کامپیوتر، ورزش، نویسندگی، روش تحقیق و نگارش، دوره‌های تربیت مربی کودکان و نوجوانان، دوره تربیتی مربی قرآن و مهارت‌های تبلیغ و تخصصی تبلیغ را نیز با موفقیت طی نمودم. در کنار تحصیل با جدیت و در حدّ توان به تبلیغ علوم اسلامی در سطح شهرستانها مساجد، روستاها، مدارس، دبیرستانها، دانشگاهها، زندانهای مختلف در سراسر کشور پرداخته و سپس به عشق و علاقه‌ای که به نوشتن داشتم از سال ۱۳۶۰ تاکنون به کارهای مقاله نویسی و نوشتن ادامه داده که در سال ۱۳۷۴ با جدیت به کار چاپ و نشر روی آوردم که تاکنون به لطف الهی توفیق داشته‌ام بیش از پنجاه اثر در زمینه‌های مختلف: دینی، اجتماعی، خانوادگی، روان شناسی، جوانان تألیف نمایم. اکثر کتب اینجانب به بیش از بیست بار تجدید چاپ شده‌اند و بعضی از تألیفات اینجانب در سطح کشور در وزارت خانه های مختلف و سایر مراکز به صورت کتاب مسابقه انتخاب شده است و فعلاً نیز با عنایت باری تعالی و عشق و علاقه‌ای که به کار علمی، پژوهشی و تألیف دارم با تمام توان مشغول به کار نوشتن و تألیف هستم.

محمودی، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن محمودی

محل تولد: کرج

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسن محمودی متولد ۱۳۵۶ در محمدشهر کرج می باشم در سال ۱۳۷۶ بواسطه اشنایی باقای محسن عباسی راهی حوزه علمیه اصفهان شدم و درانجا از محضر اساتید بزرگوار چون ایت الله مظاهری و ایت الله ناصری دولت ابادی و ایت الله مهدوی و حجج اسلام آقایان عبودیت و کشکولی و معمار منتظرین و دیگر بزرگان بهره‌ها بردم

محمودی، محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محسن محمودی

محل تولد: محلات

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۰ توفیق تشرف به حوزه علمیه قم یافتم. در مدرسه مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی قدس سره مشغول تحصیل شدم، سپس در درس شرح لمعه مرحوم آیه الله وجدانی فخر (ره) حضور یافم، مکاسب را در محضر مرحوم آیه الله پایانی (ره) و بالاخره کفایه را در محضر آیه الله اعتمادی مدظله خواندم. خارج فقه و اصول را در محضر آیه الله العظمی مکارم شیرازی مدظله آغاز کردم. بالاخره فقه ایشان را بیش از ۱۰ سال ادامه داده و نظر به تعطیل شدن اصول ایشان، یک دوره اصول را در محضر حضرت آیه الله سبحانی مدظله خواندم در درس فقه حضرت آیات عظام فاضل لنکرانی، صافی گلپایگانی مدظله و تبریزی (ره) حضور یافتم. از محضر حضرت آیه الله جوادی آملی در تفسیر و حضرت آیه الله مظاهری در اخلاق بهره‌مند شدم. فلسفه را در محضر

آیه‌الله ممدوحی آموختم.

سپس در مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآنی دوره چهار ساله را گذراندم. هم اکنون نیز در دانشگاه آزاد اسلامی، حوزه علمیه و دانشگاه شهید محلاتی تدریس داشته و توفیق همکاری با رادیو معارف را به عنوان کارشناس داشته‌ام. بیش از ۱۰ سال است که با انتشار مقالات و مطالب در زمینه‌های گوناگون در دو هفته‌نامه فرهنگ اسلام در عرصه مطبوعات حضور دارم. آنچه که نوشتم امتثال امر بود و گرنه هرگز خود را لایق ندانسته و آنچه نصییم گردیده به برکت دعای خیر والدین و فضل الهی بود که امیدوارم توفیق شکرگذاری آن را داشته باشم.

محمودی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد محمودی

محل تولد: نجف اشرف

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه شیراز شدم و در مدرسه حکیم که زیر نظر شهید محراب آیه‌الله دستغیب قدس سره اداره می شد مشغول تحصیل شدم. ادبیات را نزد اساتید بزرگوار آقایان سید محمود آیه‌اللهی و سید هاشم دستغیب خواندم. منطق را نیز نزد مرحوم حجه الاسلام والمسلمین سید احمد آیه‌اللهی تلمذ نمودم. سال ۱۳۵۶ وارد حوزه علمیه قم شده و در مدرسه حجتیه ساکن شدم اصول فقه را نزد مرحوم حجه الاسلام والمسلمین سلطانی (امام جمعه اردستان) خواندم و شرح لمعه را از حجج اسلام آقایان باکوئی (زین العابدین) و وجدانی فخر قدس سره آموختم. رسائل را نزد جناب حجه الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی اصغر حجتی زاده خواندم. مکاسب محرمة را نزد حجه الاسلام والمسلمین سید علی محقق داماد خواندم و بیع را از مرحوم آیه‌الله شیخ نقی ستوده آموختم. خيارات مکاسب را نزد آیه‌الله علوی گرگانی خواندم. استاد کفایه مرحوم آیه‌الله ستوده می باشند که عمده آن را نزد وی خواندم و بخشی از آن را نزد آیه‌الله محسن دوزدوزانی و اندکی نیز نزد مرحوم آقای عبایی خراسانی خواندم. شرح منظومه سبزواری را نزد آیه‌الله ممدوحی خواندم و در درس بدایة الحکمه آقای جلیلی تبریزی شرکت کردم.

از سال ۱۳۶۳ پس از پایان سطح، نزد حضرات آیات عظام مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی، مرحوم میرزا جواد تبریزی قدس سره درس خارج فقه و اصول را خواندم که البته دوره کامل اصول را نزد آیه‌الله العظمی مکارم شیرازی دامت برکاته، همزمان در درس فقه معظم له نیز شرکت می کردم کتاب الحج و حدود و دیات را نزد آیه‌الله العظمی فاضل لنکرانی دامت برکاته تلمذ نمودم و کتاب الصلاة را نزد مرحوم میرزا جواد تبریزی قدس سره خواندم. در کنار دروس اصلی حوزه هم زمان در محضر عموی پدرم

مرحوم آیه الله علامه محمد باقر محمودی قدس سره به تحقیق و تصحیح در متون حدیث و تفسیر به ویژه مناقب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام پرداختم.

اولین اثری که منتشر شد فهرست جامع و کامل شواهد التنزیل حاکم حسکانی نیشابوری بود که به عنوان جلد سوم این کتاب ارزشمند در سال ۱۴۱۱ هجری قمری به چاپ رسید. اکنون در جاهای مختلف علمی و چند مرکز تحقیقاتی به پژوهش، تالیف و تصحیح متون حدیثی اشتغال دارم که بیشترین آنها در مجمع احیاء فرهنگ اسلامی قم می باشد که عضو هیئت علمی و هیئت امناء آن نیز می باشم، همچنین در بخش تحقیقات کتابخانه بزرگ آیه الله العظمی مرعشی نجفی قدس سره با جمعی از دوستان به تالیف مجموعه ارزشمند در موسوعه الامامه فی نصوص اهل السنه مشغولم که تا کنون پنج جلد آن منتشر شده است که در سال ۱۳۸۵ به عنوان ممتاز کتاب سال حوزه دست یافته است. با دار الحدیث نیز همکاری علمی دارم. همچنین با میراث قرآنی شیعه که زیر نظر کتابخانه تخصصی قرآن و وابسته به دفتر آیه الله العظمی سیستانی منتشر میشود همکاری دارم.

محمودی، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد رضا محمودی

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد رضا محمودی در سال ۱۳۴۱ هجری - شمسی مطابق با ربیع الاول ۱۳۸۲ هجری - قمری در خانواده روحانی در روستای جزء از بخش کوهپایه اصفهان دنیا آمده و تحت تربیت و نظر والد معظم مرحوم آیت الله حاج سید حسین محمودی (فقیه) دوره صباوت و کودکی را طی و دوره نوجوانی و تحصیلات مقطع ابتدایی و راهنمایی را در آن منطقه سپری و سپس مقطع دبیرستان را در اصفهان گذرانده و بعد وارد حوزه علمیه قم و در مدرسه علمیه حقانی با مدیریت مرحوم شهید آیت الله قدوسی مشغول به تحصیل علوم دینی شدم و با حادثه مهم (۱۹ دی ۱۳۵۶) و در پی آن تعطیلی دروس حوزه علمیه قم و در نهایت بعد از پیروزی انقلاب اسلامی طبق تقدیر و خواست الهی ادامه تحصیل را در حوزه علمیه اصفهان (مدرسه علمیه ذوالفقار) با مسولیت آیت الله حاج سید حسن امامی تا مقطع اتمام لمعتین (پایه ۶) گذراندم و در سال ۱۳۶۲ دوباره به قم مراجعت و دروس سطوح عالی (رسائل - مکاسب - کفایه - فلسفه - تفسیر) را نزد اساتید بزرگوارى همچون آیات آقایان (جوادی آملی - اعتمادی - ستوده (ره) - پایانی (ره) - بنی فضل - محقق داماد) گذرانده و سپس در درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله العظمی آقای فاضل لنکرانی (دامت برکاته) شرکت و مدت ده سال تلمذ نموده و همچنین در دروس فقه حضرات آیات عظام آقایان تبریزی (ره) و مکارم شیرازی و نوری همدانی دامته برکاتهم شرکت و استفاده لازم برده شد.

در این مدت (قریب ۳۰ سال) تحصیل در حوزه علمیه قم و اصفهان از همان ابتدا (بعد از اتمام کتاب جامع المقدمات و سیوطی) بنا به امر و سفارش اساتید محترم وقت تدریس را شروع و بحمدالله تا هم اکنون ادامه دارد. تدریس در حوزه‌های علمیه: حوزه علمیه اصفهان (۵ سال) تدریس ادبیات عرب (جامع المقدمات سیوطی، مغنی فقه مختصر النافع مرحوم محقق حلی) پایه‌های ۱ تا ۳.۲. حوزه علمیه القائم (عج) محلات: (۱۲ سال تدریس و مدیریت آن حوزه طبق حکم و مأموریت مدیر مرکز مدیریت حوزه علمیه قم) تدریس دروس فقه و اصول (لمعه - اصول الفقه - رسائل - مکاسب - کفایه). ۳. حوزه علمیه قم: ده سال تدریس دروس سطوح عالیة رسائل - مکاسب - کفایه الاصول پایه‌های ۷ تا ۱۰. لازم به ذکر است در زمان جنگ تحمیلی ۹ سفر تبلیغی به جبهه‌های جنگ داشته که حدود ۷ ماه می‌باشد. یادآور می‌شوم که رساله علمی (سطح ۴ - دکتری) با موضوع قمسه الخمین نگارش، دفاع و مورد تایید هیئت داوران قرار گرفت و اخذ شده است و هم‌اکنون با اشتغال به تدریس سطوح عالیة در حوزه علمیه قم قریب به سه سال است در دانشگاه امام علی (ع) (دانشکده عقیدتی - سیاسی) مشغول به تدریس دروس گروه الهیات و معارف اسلامی به ویژه دروس تخصصی (فقه - مبادی - معانی بیان) می‌باشم.

محمودی، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مهدی محمودی

محل تولد: محلات

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۸/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید مهدی محمودی در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه شدم و تا اتمام در حوزه علمیه امام صادق (ع) ورامین تحصیل کردم و سپس به قم هجرت نمودم. در سال ۱۳۷۲ دوره سطح حوزه را به اتمام رساندم و سپس به درس خارج فقه و اصول مراجع معظم تقلید شرکت نمودم به مدت ۳ سال و در سال ۱۳۷۶ جهت تدریس و مدیریت به حوزه علمیه امام صادق علیه‌السلام ورامین اعزام گردیدم و تاکنون در همین حوزه به تدریس و مدیریت اشتغال دارم. در زمینه هنری از سال ۱۳۵۹ امر خوشنویسی را شروع نمودم و در سال ۱۳۶۵ از انجمن خوشنویسان ایران در دوره ممتاز فارغ‌التعلیم شدم و در خطوط چهارگانه نستعلیق و نسخ و ثلث و شکسته خوشنویسی می‌کنم و آثار متنوعی را در همه خطوط ارائه نموده‌ام.

محمودیان نجم‌آبادی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

محمودیان، ژاله

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ارتدینسی، دانشکده: دندان پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

محمودیان، مسعود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: فارماکولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

محمودی‌نوبر، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مؤلف.

تولد: ۱۳۰۴، تبریز.

درگذشت: ۲۷ دی ۱۳۷۲.

محمود محمودی‌نوبر، فرزند ربیع محمودی‌نوبر، از فضلا و خوشنویسان تبریز، نوهی محمودخان مستوفی والی تبریز مشهور به عمادالکتاب بود. محمودی تصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر تبریز تمام کرد و سپس تحصیلات عالی خود را در رشته‌ی زبان و ادبیات فرانسه و انگلیسی در تهران ادامه داد. پس از دریافت مدرک لیسانس به تحصیل در رشته‌ی فلسفه و علوم تربیتی پرداخت و تا درجه‌ی فوق لیسانس پیش رفت. پس از فراغت از تحصیل با سمت‌های مختلف در وزارت فرهنگ به تعلیم و تربیت نسل‌های جوان پرداخت. پس از انتقال به تهران، علاوه بر تدریس و تعلیم و سایر فعالیت‌های فرهنگی، معاونت اداره‌ی کل نگارش وزارت فرهنگ را به عهده گرفت. در آن زمان ماهنامه «آموزش و پرورش» و مجله‌ی «دانش‌آموز»، همراه با کتاب‌های ساده‌ای چون خواندنی‌ها و سرگرمی‌ها انتشار یافت. پس از تأسیس مرکز انتشارات آموزشی در سال ۱۳۴۴، سردبیر مجله‌ی «پیک معلم» و عضو

شورای نویسندگان مجله‌های «پیک» شد و تا سال ۱۳۵۸ به کار خود ادامه داد. او در کار تهیه و تدوین دائرةالمعارف فارسی از همکاران دکتر غلامحسین مصاحب بود. کتاب درس معلم دانا که در سال ۱۳۴۴ انتشار یافت، نمونه‌ای از ترجمه‌های این دوران است. محمود محمودی از سال ۱۳۶۰ همراه ایرج جهانشاهی، هوشنگ شریف‌زاده و اسماعیل سعادت به طرح فرهنگنامه‌ی کودکان و نوجوانان که مقدمات آن را در شورای کتاب کودک فراهم آورده بود پیوست. او گام به گام در شکل دادن به کار تدوین این فرهنگنامه در شورای ویراستاران همکاری کرد. نوشتن مقاله‌های آزمایشی را به عهده گرفت و به عنوان یکی از مسئولان در ویرایش یکایک مقاله‌ها شرکت داشت. از سال ۱۳۷۰ محمود محمودی سر ویراستار فرهنگنامه بود. و همه جنبه‌های کار فرهنگنامه را زیر نظر گرفت و تا آخرین روز زندگی ادامه داد. او در همین مدت به چند کار اساسی دیگر نیز دست زد. همکاری در ترجمه و ویرایش مجموعه نگاهی به تاریخ علم برای نوجوانان (نوشته‌ی آیزاک آسیموف، بیش از بیست جلد) است. کتاب‌های الکتریسته، انرژی هسته‌ای، دینوزورها، قاره‌ی قطب جنوب، نفت و زغال سنگ ترجمه محمود محمودی است. کار دیگر او همکاری در ترجمه‌ی فرهنگ آثار بوده است، ویرایش چندین کتاب از جمله درون جهان سوم اثر پل هریسون، ترجمه‌ی کتاب بخار اثر ریچارد. ن. فرای، قاهره‌ی شهر هنر و تجارت، اثر گاستون بیت از او بوده است.

محمود محمودی نوبر به دنبال عارضه‌ی قلبی چشم از جهان فرو بست.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

محمی مزکی نیشابوری، ابوعمرو عثمان

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۸۱ ق)، مسند و محدث. نسبش به محم، خاندانی بزرگ در نیشابور می‌رسد. از ابونعیم اسفراینی و عبدالرحمان بن ابراهیم مزکی و ابو عبدالله حاکم نیشابوری و جماعتی دیگر حدیث شنید. محمد بن طاهر و عبدالغفار بن اسماعیل و عبدالله بن محمد فراوی و عبدالخالق بن زاهر و ابوالاسعد قشیری و محمد بن جامع صواف و عبدالکریم بن حسن کاتب و حسین بن علی شحامی و عبدالرحمان بن یحیی ناصحی و جماعتی از وی روایت کردند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۵۸۰-۵۷۹/۱۸)، شذرات الذهب (۳/۳۶۶)، العبر (۲/۳۴۳)، النجوم الزاهرة (۵/۱۲۶).

محیط

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، طراح و نقاش. هنرمند دوران فتحعلی‌شاه قاجار بود و در عاج تراشی مهارت داشت. از آثار وی تصویر یکی از رجال قاجاری بر روی چوب سیگاری از عاج و یا عقیق سفید است که به مهارت تمام عمل آورده و رقم نهاده: «قلم محیط».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۳/۱۱۳۹).

محیط طباطبایی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۱ - ۱۲۸۱ ش)، محقق، نویسنده، مورخ، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به محیط. در زواری اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی و علوم قدیمه را در زادگاهش فراگرفت. در ۱۳۰۰ ش به اصفهان رفت و به تحصیل مقدمات طب جدید که لازمه‌ی آن تحصیل زبان فرانسه بود پرداخت. ولی پس از مدتی منصرف شد و در ۱۳۰۲ ش به تهران آمد و دارالفنون را در سه سال و مدرسه‌ی عالی حقوق را در یک سال گذراند. سپس به شغل معلمی پرداخت. وی همچنین از ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۴ ش به عنوان مستشار فرهنگی در دهلی، بغداد، دمشق و بیروت به سر برد. در ۱۳۳۷ ش پس از بازنشستگی به مدت بیست و یکسال، در رادیو، عهده‌دار برنامه‌ی مرزهای دانش بود. محیط طباطبایی به زبانهای فارسی دری و عربی تسلط کامل و به زبان انگلیسی و فرانسه و زبانهای ایران قبل از اسلام آشنایی داشت. وی مقالاتی در زمینه‌ی تاریخ برای روزنامه‌های «ایران»، «شفق سرخ»، «اطلاعات» و مجله‌ی «گوهر» می‌نوشت. همچنین از ۱۳۱۶ تا ۱۳۱۸ ش اداره‌ی مجله‌ی «آموزش و پرورش» را عهده‌دار بود. از ۱۳۲۱ ش مجله‌ی «محیط» را تأسیس و منتشر کرد. وی سرانجام در تهران درگذشت و در محوطه‌ی برج طغرل، نزدیک قبرستان ابن بابویه، به خاک سپرده شد. از دیگر آثارش: «تاریخ اعزاز محصل به اروپا»؛ «زندگی محمد زکریای رازی»؛ «دوران نادر»؛ «تاریخ تحول نثر فارسی در قرن سیزدهم»؛ «تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران»؛ «نقش سید جمال‌الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین»؛ «جغرافیای نو»؛ «شرح حال فردوسی»؛ مقدمه‌ی «نگارستان عجایب و غرایب».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آئینه (س ۱۸، ش ۶-۱، ص ۲۵۶)، ادبستان (س ۳، ش ۳۳، ص ۹۴)، ادبیات نوین (۳۰۹)، تاریخ برگزیدگان (۳۹۸-۳۹۶)، الذریعه (۳۱۰/۲۴)، سخنوران نامی معاصر (۳۲۰۴-۳۱۹۸/۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۰۷، ۲/۲۱۱۴، ۱/۱۰۴۳)، کیهان فرهنگی (س ۱، ش ۱۰، ص ۹-۳)، مجله‌ی محیط (مقدمه/ یازده- بیست و یک)، مؤلفین کتب چاپی (۷۹۳-۷۹۲/۵).

محیط فراهانی، معصوم

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۳۵/۱۲۳۰ ق)، وقایع‌نگار و شاعر، متخلص به محیط. پدرش مشهور به قایم مقام اول و برادرش، میرزا ابوالقاسم، مشهور به قایم مقام ثانی بود. محیط در ملازمت عباس میرزا بوده و در نویسندگی مهارت داشته است، به همین دلیل از جانب عباس میرزا به منصب وقایع‌نگاری خاص رسیده بود. وی در زبان و ادبیات عرب و سرودن شعر نیز ماهر بود. او در جوانی از دنیا رفت. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۱۶۱۵-۱۶۱۴/۳)، الذریعه (۹/۱۰۱۵)، ریحانه (۵/۲۵۱)، طرائق الحقائق (۳/۲۷۷)، سفینه‌المحمود (۲۹۵-۲۹۴/۱)، فرهنگ سخنوران (۸۲۴)، مجمع الفصحا (۹۸۸-۹۸۷/۵)، مصطبه‌ی خراب (۱۶۹-۱۶۸)، نگارستان (۱۳۰-۱۲۹).

محیط قمی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۷ - ۱۲۵۰ ق)، مترجم و شاعر، متخلص به محیط. ملقب به شمس‌الفصحا. در قم به دنیا آمد. علوم ادبی و عربی را در زادگاهش و اصفهان فراگرفت و چون دارای طبع شعر و ذوق ادبی بود مورد توجه ادبا و فضلا قرار گرفت. محیط همچنین در ساختن ماده تاریخ مهارت داشت. دوستعلی خان معیرالممالک، وزیر خزانه‌ی ناصرالدین‌شاه، محیط را به تهران فراخواند تا عهده‌دار تعلیم و تربیت فرزندش، دوست محمدخان باشد. وی هنگام جلوس مظفرالدین‌شاه، به امر صدر اعظم، قطعه‌ای برای شاه به نظم درآورد که مقبول واقع گردید و ملقب به شمس‌الفصحا شد. وی در قم درگذشت و در قبرستان شیخان دفن گردید. از آثارش: «ترجمه الحقایق» یا ترجمه‌ی «الحقایق» ملا محسن فیض کاشانی؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۱۶۱۴ - ۱۶۱۳/۳)، الذریعه (۱۰۱۵/۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۱۹۷ - ۳۱۹۲/۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۵۷۹ - ۱۵۷۸، ۱۸۶۰/۱)، مواد التواریخ (۴۱۳، ۲۳۲ - ۲۳۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۹۵ - ۷۹۳/۵)، یغما (س ۱۲، ش ۲، ص ۷۵).

محیط، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روان پزشکی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی ایران. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

محیطی اردکانی، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد محیطی اردکانی

محل تولد: اردکان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در اردیبهشت ۱۳۳۵ هـ.ش در شهر اردکان در یک خانواده مذهبی و روحانی متولد شدم بعد از اتمام دوره سیکل به پیشنهاد پدر بزرگوارم و علاقه شدیدی که به علوم اسلامی داشتم به مدرسه علمیه اردکان وارد شدم در سال ۱۳۵۲ هـ.ش به قم آمدم و در مدرسه حقانی (منتظریه) که زیر نظر شهید دکتر بهشتی (ره) و سید قدوسی (زه) اداره می شد به تحصیل مشغول شدم. ادبیات و معانی بیان و مقداری از شرح لعمه و منطق مظفر را در آنجا زیر نظر اساتید مجرب چون حجت الاسلام امینی، و آیت الله احمد جنتی (عضو محترم شورای نگهبان) و حجت الاسلام حائری شیرازی «امام جمعه محترم شیراز» خواندم. در مدت چهار سال که در مدرسه حقانی بودم، درسهای اخلاق شهید قدوسی و درس های عقائد حجت الاسلام حائری شیرازی، بسی را راهگشا و سازنده بود. در سال ۱۳۵۷ و اوجگیری انقلاب اسلامی چند ماهی در شهر اردکان با پخش اعلامیه ها و کمک در برپایی راهپیمایی ها و پخش نوارهای سخنرانی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضور فعال داشتم. با پیروزی انقلاب شکوهمند ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ دوباره به حوزه علمیه قم آمده و مشغول تحصیل گردیدم. و از اساتید برجسته قم در اصول و فقه و تفسیر قرآن و فلسفه بهره بردم، بیش از سی سال است که در ایام تبلیغی (دهه محرم و صفر و ماه مبارک رمضان) در شهرها و روستاها و بخش های مختلف به امر مهم تبلیغ پرداخته و چند سالی در ایام تعطیل تابستان در مدرسه علمیه اردکان به تدریس مقدمات و معالم و باب رابع مغنی مشغول بوده در ضمن در سپاه پاسداران اردکان و یادگاه ولی عصر (عج) به امر آموزش معارف مشغول بودم. در طول هشت سال دفاع مقدس هر سال ۲۰ روز به جبهه ها حق علیه باطل اعزام و به امر تبلیغ پرداختم که پنج نوبت آن در دفتر تبلیغات ثبت شده است در مدت ده سال که در درس خارج فقه و اصول استاد آیت الله صالحی مازندرانی (رحمة الله علیه) شرکت داشتم. به پیشنهاد استاد روزی دو ساعت برای تدوین درسی های خارج ایشان در فقه و اصول با استاد همکاری نموده و نوشته های استاد را بازنویسی و منبع یابی نموده که به حمد الله ۳ جلد کتاب فقه به نام «مفتاح البصیره» و چند جلد اصول به نام «مفتاح الاصول» به زیور طبع آراسته شد. در این اواخر بیش از هفت سال است که در دانشکده شهید محلاتی به اقامه نماز جماعت مشغول می باشم و بین نماز مغرب و عشاء احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بیان گردید که در دو جزوه چهل حدیث به چاپ رسیده به لطف خداوند متعال در این سال های اخیر موفق شدم همراه تحصیل چند کتاب را به رشته تحریر در آورم که سه جلد از آن ها به نام های «دراره ابن اعین» و «سبز پوشان» و «نوروز در نگاه شریعت» به زیور طبع آراسته گردید. و دو کتاب دیگر آماده چاپ است به نام «سیمای اردکان» و «سیمای یزد» و بیش از چهل مقاله در موضوعات مختلف در روزنامه و مجله و ماهنامه و فصل نامه های مختلف به چاپ رسیده است.

محیطی اردکانی، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد محیطی اردکانی

محل تولد: اردکان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در اردیبهشت ۱۳۳۵ هـ ش در شهر اردکان در یک خانواده مذهبی و روحانی متولد شدم بعد از اتمام دوره سیکل به پیشنهاد پدر بزرگوارم و علاقه شدیدی که به علوم اسلامی داشتم به مدرسه علمیه اردکان وارد شدم در سال ۱۳۵۲ هـ ش به قم آمدم و در مدرسه حقانی (منتظریه) که زیر نظر شهید دکتر بهشتی (ره) و سید قدوسی (زه) اداره می شد به تحصیل مشغول شدم. ادبیات و معانی بیان و مقداری از شرح لعمه و منطق مظفر را در آنجا زیر نظر اساتید مجرب چون حجت الاسلام امینی، و آیت الله احمد جنتی (عضو محترم شورای نگهبان) و حجت الاسلام حائری شیرازی «امام جمعه محترم شیراز» خواندم. در مدت چهار سال که در مدرسه حقانی بودم، درسهای اخلاق شهید قدوسی و درس های عقائد حجت الاسلام حائری شیرازی، بسی را راهگشا و سازنده بود. در سال ۱۳۵۷ و اوجگیری انقلاب اسلامی چند ماهی در شهر اردکان با پخش اعلامیه ها و کمک در برپایی راهپیمایی ها و پخش نوارهای سخنرانی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضور فعال داشتم. با پیروزی انقلاب شکوهمند ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ دوباره به حوزه علمیه قم آمده و مشغول تحصیل گردیدم. و از اساتید برجسته قم در اصول و فقه و تفسیر قرآن و فلسفه بهره بردم، بیش از سی سال است که در ایام تبلیغی (دهه محرم و صفر و ماه مبارک رمضان) در شهرها و روستاها و بخش های مختلف به امر مهم تبلیغ پرداخته و چند سالی در ایام تعطیل تابستان در مدرسه علمیه اردکان به تدریس مقدمات و معالم و باب رابع مغنی مشغول بوده در ضمن در سپاه پاسداران اردکان و پادگاه ولی عصر (عج) به امر آموزش معارف مشغول بودم. در طول هشت سال دفاع مقدس هر سال ۲۰ روز به جبهه ها حق علیه باطل اعزام و به امر تبلیغ پرداختم که پنج نوبت آن در دفتر تبلیغات ثبت شده است در مدت ده سال که در درس خارج فقه و اصول استاد آیت الله صالحی مازندرانی (رحمة الله علیه) شرکت داشتم. به پیشنهاد استاد روزی دو ساعت برای تدوین درسی های خارج ایشان در فقه و اصول با استاد همکاری نموده و نوشته های استاد را بازنویسی و منبع یابی نموده که به حمد الله ۳ جلد کتاب فقه به نام «مفتاح البصیره» و چند جلد اصول به نام «مفتاح الاصول» به زیور طبع آراسته شد. در این اواخر بیش از هفت سال است که در دانشکده شهید محلاتی به اقامه نماز جماعت مشغول می باشم و بین نماز مغرب و عشاء احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بیان گردید که در دو جزوه چهل حدیث به چاپ رسیده لطف خداوند متعال در این سال های اخیر موفق شدم همراه تحصیل چند کتاب را به رشته تحریر در آورم که سه جلد از آن ها به نام های «دراره ابن اعین» و «سبز پوشان» و «نوروز در نگاه شریعت» به زیور طبع آراسته گردید. و دو کتاب دیگر آماده چاپ است به نام «سیمای اردکان» و «سیمای یزد» و بیش از چهل مقاله در موضوعات مختلف در روزنامه و مجله و ماهنامه و فصل نامه های مختلف به چاپ رسیده است.

مخبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: دامپزشکی آبزبان، دانشکده: دامپزشکی، دانشگاه: تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مخبرالسلطنه (حاج مخبرالسلطنه) مهدیقلی میرزا، از خاندان معروف هدایت و از بستگان رضاقلی خان هدایت است. وی از مطلعان تاریخ و فرهنگ ایران بود و در سیاست به مناصب عالی رسید. آثار بسیاری از خود بجا گذاشت که عبارتند از:

۱- فوائد الترجمان در تعلیم زبان فرانسه در دو جلد. ۲- تحفه‌الافاق در تاریخ و جغرافیا، سیاست و اقتصاد اروپا. ۳- گزارش ایران باستان یا تحقیقی در سلسله‌ی کیان. ۴- مجمع‌الادوار در علم موسیقی ۵- افکار امم در تحقیق مذاهب و تطبیق آن با حکمت. ۶- سفرنامه‌ی گرد کره از طریق چین و ژاپن به عزم زیارت بیت‌الله. ۷- خاطرات و خطرات. وی تا آخر عمرش که ۱۳۳۴ شمسی می‌باشد مشغول تألیف و تصنیف بوده است. حاج مخبرالسلطنه در سال ۱۳۰۵ شمسی وزیر فواید عامه گردید. در اردیبهشت ۱۳۰۶ به ریاست عالی دیوان تمیز منصوب شد و در خرداد ۱۳۰۶ برای اولین بار به نخست‌وزیری برگزیده شد و در دیماه ۱۳۰۹ مجدداً نخست‌وزیر گردید. وی در چهارشنبه ۲۲ شهریور ۱۳۳۴ شمسی درگذشت.

حاج مخبرالسلطنه هدایت، از رجال سیاسی بود که پیش از این که خود به سیاست و پرداختن به آن علاقه داشته باشد، به موسیقی تمایل داشت ولی جو نامساعد و حال و هوای دوران زندگی او، هدایت را به طرف سیاست سوق داد ولی هیچگاه این مرد از عشق و علاقه خویش که همان موسیقی بود، دست نکشید و در هر فرصتی که به دست می‌آورد به سوی آن می‌رفت.

حاج مخبرالسلطنه هدایت به خط‌نت‌آشنایی کامل داشت به همین سبب دو کتاب موسیقی از وی به رشته تحریر درآمده و از او به یادگار مانده است، هدایت بیشتر با سید مهدی دبیری و دکتر صلحی مأنوس بود.

برگرفته از کتاب: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد سوم)

مخبرالسلطنه، مهدی قلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۳۳۴ - ۱۲۴۰ ش)، نویسنده و مترجم. معروف به خان‌خانان و ملقب به مخبرالسلطنه. در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی در زادگاهش به همراه برادرش مرتضی قلی خان صنیع‌الدوله به آلمان رفت و به تکمیل معلومات پرداخت. وی به زبانهای آلمانی و فرانسه و انگلیسی آشنا بود و از علوم قدیمه نیز اطلاع داشت. او عهده‌دار مشاغل مختلفی از جمله: ریاست پستخانه و گمرک و تلگرافخانه آذربایجان، ریاست مدرسه‌ی نظامی، عضویت هیئت تنظیم و تدوین انتخابات مجلس شورای ملی، استانداری آذربایجان و فارس و همچنین ریاست دیوان عالی کشور و نیز وزارت عدلیه فرهنگ و نخست‌وزیری در ۱۳۱۲ ش بود. از آثار وی: «خاطرات و خطرات»، «افکار امم»، «فوائد الترجمان»، در تعلیم زبان فرانسه؛ «گزارش نامه‌ی ایران»؛ «راهنمای آموزگاران»؛ «مجمع‌الادوار»، ترجمه؛ «سفرنامه مکه»؛ «بر من چه گذشت»؛ «تحفه‌ی مخبری یا کار بیکاری».[۱]

مهدی‌قلی خان هدایت، فرزند علیقلی خان مخبرالدوله (ه.م) (و. ۱۲۸۰ ه.ق ف. ۱۳۳۴ ه.ش) وزیر علوم، رئیس‌الوزرا، از تألیفات اوست: افکار امم، خاطرات و خطرات، ترجمه‌ی مجمع‌الادوار، الفبا و کتب دیگر.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: روز شمار تاریخ (۱/۵۸، ۲/۱۰۶، ۴۷، ۴۵، ۴۳، ۳۵، ۲۱/۱)، سفرنامه‌ی مکه (پیشگفتار/ یازده- دوازده)، شرح

حال رجال (۱۸۷- ۱۸۴/۷)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۸۹۶، ۲۷۲۵، ۲۴۷۳، ۱۶۳۴/۲، ۱۲۳۸، ۸۰۸، ۴۹۱، ۲۹۹/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۶۰- ۴۵۸/۶)، وزرای معارف ایران (۳۸/۳۶)، وزیران علوم و معارف و فرهنگ (۶۷-۵۳)، یغما (س ۵، ش ۱۰، ص ۴۶۷).

مختاری امیرمجدی، نعمت‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد ۱۳۲۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: گوش و حلق و بینی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۴۸، متخصص گوش و حلق و بینی از دانشگاههای امریکا، فوق تخصص جراحی سر و گردن از آمریکا در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

عضویت در هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد از سال ۱۳۵۶، استاد دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بنیانگذار، راه‌اندازی و اداره < مجله گوش و حلق و بینی و حنجره ایران > از انتشارات دانشگاه مشهد، عضویت در جامعه جراحان گوش و گلو بینی آمریکا، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۵ پایان‌نامه دکترای عمومی، دندان پزشکی و تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

بیماریهای گوش، سر و گردن و جراحی آنها.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مختاری غزنوی، سراج‌الدین، ابوعمر عثمان

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۴۹/۵۴۴- ۴۷۴/۴۷۳ ق)، حکیم و شاعر، متخلص به مختاری. ملقب به ابوالمفاخر و ملک الکلام. وی ابتدا عثمان تخلص می‌کرد. او از شعرای دربار غزنویان و با ابراهیم بن مسعود غزنوی (۴۹۲-۴۵۰ ق) و مسعود بن ابراهیم (۵۰۸-۴۹۲ ق) و عضدالدوله شیرزاد بن مسعود بن ابراهیم و ابوالملوک ارسلان بن مسعود بن ابراهیم معاصر بود. علاوه بر غزنویان، او سلاجقه‌ی قاوردیان کرمان و سلاجقه‌ی عراق را نیز مدح کرده است. از شعرای معاصر مختاری می‌توان مسعود سعد سلمان، امیر معزی، سنایی غزنوی و

ابوالفرج رونی را نام برد. او مسعود سعد را مدح گفته و سنایی وی را مدح کرده است. در تذکره‌ها برای وفات وی تاریخ‌های متفاوتی از ۵۳۴ تا ۵۵۵ ق ذکر شده است. همچنین بعضی از تذکره‌ها او را ممتاز غزنوی، استاد سنایی غزنوی، می‌دانند که بعد از فوت سلطان ابراهیم بن مسعود به هندوستان رفته است. از آثارش: مثنوی «شهریارنامه»، در ذکر داستان شهریار پسر برزو، از نوادگان رستم زابلی، به درخواست سلطان مسعود بن ابراهیم که تقلیدی از «شاهنامه‌ی» فردوسی است؛ مثنوی «هنر نامه‌ی یمینی»، در پانصد بیت، در مدح یمین‌الدوله بهرامشاه؛ «دیوان» شعر، در حدود هشت هزار بیت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آتشکده‌ی آذر (۵۹۶-۵۸۰/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۰۷-۵۰۱/۲)، تاریخ نظم و نثر (۷۷)، حماسه‌سرایی در ایران (۳۱۶-۳۱۱)، دایرةالمعارف فارسی (۲/۲۷۰۷)، دیوان عثمان مختاری (مقدمه)، الذریعه (۳۴۳، ۲۲۹/۱۹، ۱۱۰۳، ۱۰۱۸-۱۰۱۷/۹)، رباعی و رباعی‌سرایان (۱۱۳)، ریحانه (۵/۶، ۲۶۱/۵)، صبح گلشن (۴۵۲-۴۵۱، ۳۹۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۵۶-۴۵۵)، فرهنگ سخنوران (۸۲۵)، لغت نامه (ذیل / مختاری غزنوی)، مجمع الفصحا (۱۳۵۸-۱۳۴۳/۳)، المعجم فی معاییر اشعار العجم (۴۷۳، ۴۱۱، ۳۶۰)، مؤلفین کتب چاپی (۴۲-۴۱/۱)، هفت اقلیم (۳۳۱-۳۲۴/۱).

مختاری، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی مختاری

محل تولد: تیران کرون اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۹/۲

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه قم، مدرسه المهدی زیر نظر آیت الله گلپایگانی شدم و از اساتید آنجا مثل حضرات آیات مرحوم آیت الله تقوی اشتهاردی، حسن امینیان، و... و اساتید حسین مظاهری، مرتضی مقتدایی، حسن تهرانی، رضا استادی، نجفی شهرضایی، عالمی، غلامرضا صلواتی، و... بهره بردم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی علاوه بر استفاده از اساتید نامبرده، از اساتیدی چون آیات مصباح یزدی، خزعلی، جوادی آملی، جعفر سبحانی، یحیی انصاری شیرازی، مرحوم سید رضا صدر، طاهرشمس، سید مصطفی محقق و سید علی محقق، آیت الله العظمی گلپایگانی و بسیاری از مراجع حاضر بهره برده، و درسهای رایج حوزه، نظیر، فقه، اصول، رجال، تفسیر، منطق، فلسفه و... را بسان سایر طلاب خواندم. در فصل تابستان و تعطیلی حوزه قم، اکثراً به حوزه‌های علمیه سایر شهرستانها می‌رفتم و به درس یا تدریس می‌پرداختم مثل حوزه علمیه فیروز آباد فارس حدود ۴ سال، خوانسار، حدود ۵ سال، و دو سال ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ فصل تابستان در مدرسه نیم آور اصفهان تحت نظر و اشراف آیت الله ناصر اصفهانی بودم. و از اساتید حوزه اصفهان از جمله آیت الله ناصر (درس لمعه) بهره می‌بردم. با شروع دوره‌های تخصصی تفسیر و علوم قرآن، کلام و... در حوزه علمیه قم، حقیر در اولین دوره تفسیر علوم قرآن شرکت کردم و تاکنون بخش عمده تلاش‌هایم در خدمت قرآن کریم و تفسیر است. در اولین دوره دانشگاه قم (آن زمان به نام مدرسه عالی قضایی و تربیتی طلاب) و نیز اولین دوره دانشگاه

تربیت مدرس شعبه قم مقطع فوق لیسانس که آن زمان در دارالشفاء تاسیس شد شرکت کردم و قبول شدم ولی حوزه علمیه را ترجیح دادم. ضمن تحصیل هرگاه موقعیتی مناسب بوده است به تدریس ادبیات، فقه، عقاید، علوم قرآن، علوم حدیث و تفسیر پرداخته‌ام. بیش از ده سال است از طرف چند مرکز علمی و فرهنگی به کتابشناسی و داوری و ارزیابی کتاب، مقاله و ... اشتغال دارم. و یکی از تخصصهای حقیر، همین داوری کتاب است. اکنون عمدتاً به تالیف و تصحیح و یا مسافرت‌های تبلیغی اشتغال دارم. موضوع مقالاتم به اقتضای زمان و نیاز، و یا سفارش دهندگان در تفسیر، ترجمه از عربی، اخلاق، مسائل فرهنگی و اجتماعی، فقه، تاریخ، حدیث، نقد و بررسی، کتابشناسی و ... بوده است.

مخدوم، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی مخدوم

محل تولد: دزفول

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۷۱ وارد حوزه شدم و تا سال ۱۳۷۶ و پس از پایان سطح (لمعتین) در حوزه علمیه دزفول از سال ۱۳۷۷ وارد حوزه علمیه قم شدم. مکاسب و کفایه را در محضر درس استاد نکونام گلپایگانی و رسائل را در درس آیه الله استادی شرکت کردم. نهایتاً الحکمه را از استاد معلمی بهره بردم. در کلاسهای پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی از درس های کلام جدید استاد خسروپناه، منطق فهم دین استاد رشاد، عرفان نظری دکتر شیرینی و فلسفه علم دکتر قوام صفوی شرکت کردم. از موسسه امام صادق (مرکز تخصصی کلام) در دوره ۲/۳ در مقطع سطح ۳ فارغ التحصیل شدم. از سال ۱۳۸۱ با گروه کلام و فلسفه مرکز مطالعات و پژوهشهای حوزه علمیه همکاری می کنم. در مجموع این سالها فعالیت در دانشگاه ها (بین دانشجویان) و طلاب جوانان اولویت های کاری ام بوده است. اکنون در مرکز پاسخگوئی تلفنی به سئوالات دینی دفتر تبلیغات به عنوان معاون مرکز مشغول به همکاری هستم و در موسسه امام صادق (ع) درس کلام جدید تدریس می کنم.

مخدومی نیشابوری، ابومحمد حسن

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۸۹ ق)، مسند و محدث. محدث عصر خود بود. از ابوالعباس سراج و مومل بن حسن و ابونعیم بن عدی و زنجویه لباد و موسی جوینی و احمد بن محمد ذهبی و ابوحامد اعمشی و محمد بن حمدون نیشابوری و عبدالله اسفراینی و ابن شرقی و مکی بن عبدان و جد مادری‌اش، محمد بن احمد بن محمد، و محمد بن اسماعیل مروزی و جماعتی دیگر حدیث شنید. ابوعبدالله حاکم نیشابوری و ابوعثمان سعید بحیری و یعقوب بن احمد صیرفی و ابوسعید خشاب و ابوحامد ازهری و دیگران از وی حدیث شنیدند. حاکم نیشابوری او را ستوده و گوید که کتاب حدیث او صحیح و روایات او متقن است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نیشابور (۱۵۸)، سیر النبلاء (۵۴۱-۵۳۹/۱۶)، شذرات الذهب (۳/۱۳۱)، العبر (۲/۱۷۶).

مدائنی

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ال...) ابوالحسن علی بن محمد (و. ۱۳۵ ه. ق- ف. ۲۲۵ ه. ق) از شاگردان معمر بن اشعث متکلم، ادیب و مورخ بود او را تألیفات بسیار است.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

مدبری، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر محمود مدبری در پانزدهم شهریور سال ۱۳۳۵ در تهران بدنیا آمد. ایشان دارای دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی گرایش ادب حماسی، فرهنگ نویسی، تصحیح متون و تاریخ ادبیات از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷ می باشد. دکتر مدبری هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه کرمان است.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: ادب حماسی، فرهنگ نویسی، تصحیح متون

والدین و انساب: پدر محمود مدبری، حسین مدبری استوار بازنشسته ارتش است و هم اکنون ۸۶ سال سن دارد و مادر محترمشان خانم فاطمه بختیار است که دار فانی را وداع گفتند. خانواده دکتر مدبر هفت نفر بود.

خاطرات کودکی: دوران کودکی محمود مدبری در محلات جنوب غربی تهران سپری شده است که آن دوران خاطرات خاص به خود را دارد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: محمود مدبری در خانواده ای متوسط بدنیا آمد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات رسمی محمود مدبری به ترتیب زیر است: - دیپلم ریاضی از دبیرستان ادیب تهران در سال ۱۳۵۳-۱۳۵۴ - کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه ملی ایران از سال ۱۳۵۴-۱۳۵۷ - کارشناسی ارشد زبان و ادبیات

فارسی از دانشگاه علامه طباطبائی از سال ۱۳۵۷-۱۳۶۴ - دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران از سال ۱۳۷۱-۱۳۷۵
خاطرات و وقایع تحصیل: از مهمترین واقعه رخ داده در دوران تحصیل محمود مدبری در دانشگاه، وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ می باشد. که وی از آن دوران خاطراتی بیاد دارد.

فعالیت‌های ضمن تحصیل: فعالیت‌های محمود مدبری در دوران تحصیل به شرح زیر است: - از سال ۱۳۶۴-۱۳۵۶ در سازمان لغتنامه دهخدا مشغول به کار پژوهشی بودند. - در طی سالهای ۱۳۶۲-۱۳۶۴ بصورت حق التدریس با دانشگاه‌های شهید بهشتی و دانشکده صدا و سیما در تهران همکاری داشتند. - از سال ۱۳۵۷-۱۳۵۶ در بنیاد فرهنگ ایران به کارهای پژوهشی مشغول بودند.
استادان و مربیان: دکتر سید جعفر شهیدی، دکتر سید محمود دبیر سیاقی، دکتر سید صادق گوهرین، دکتر حسین کریمان، دکتر فرزام پور، دکتر رعدی آذرخشی، دکتر علی فاضل، دکتر شفیع کدکنی، دکتر مهدی محقق، دکتر سادات ناصری، دکتر آذرتاش آذرنوش، دکتر فیروز حریرچی، دکتر پورنامداریان، دکتر سیروس شمیسا، دکتر خانلری، دکتر جعفر شعار و دکتر ابولقاسم از استادان محمود مدبری می باشند.

هم دوره ای ها و همکاران: دکتر مسعود قاسمی، خانم افسانه شیفته فر، دکتر صفاری، دکتر صرفی، دکتر فتوحی، دکتر عباسی و دکتر حسنی از هم کاران محمود مدبری می باشند.

همسر و فرزندان: محمود مدبری متاهل است. همسر وی بنام سرکار خانم زهرا حلاجی غلامرضا دارای مدرک کارشناسی زبان و ادبیات فارسی و خانه دار هستند. ایشان دارای دو فرزند پسر بنامهای میلاد مدبری (دارای مدرک کارشناسی رشته عمران از دانشگاه آزاد اسلامی کرمان) و علی مدبری (دانشجوی سال دوم رشته دندانپزشکی) می باشد.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: - رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان از سال ۱۳۷۶-۱۳۷۹ - معاون پژوهشی دانشکده ادبیات کرمان از سال ۱۳۷۶-۱۳۷۳ - مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی در طی سالهای ۱۳۶۶-۱۳۶۸ و ۱۳۶۹-۱۳۷۰ و ۱۳۷۴-۱۳۷۶ - دبیر کمیته تخصصی علوم انسانی هیئت ممیزه دانشگاه‌های جنوب شرقی از سال ۱۳۸۰-۱۳۸۳ و از سال ۱۳۸۵ تا کنون - عضو هیئت ممیزه دانشگاه‌های جنوب شرق از سال ۱۳۸۱-۱۳۸۳ - یک دوره ماموریت دوساله تدریس در کشور اوکراین از سال ۱۳۸۳-۱۳۸۵ - عضو گروه علمی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی کرمان از سال ۱۳۸۳ تا کنون - عضو هیئت تحریریه نشریه علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات دانشگاه کرمان از آغاز تا کنون - عضو هیئت تحریریه نشریات فرهنگ و ادب فرهنگ، مطالعات ایرانی، پژوهشگران فرهنگ در کرمان - عضو شورای انتشارات دانشگاه از سال ۱۳۶۶ تا کنون

فعالیت‌های آموزشی: سوابق تدریس محمود مدبری به شرح زیر است: تدریس در دانشگاه‌های باهنر کرمان، آزاد اسلامی کرمان و جیرفت، پیام نور کرمان، پیام نور رفسنجان، پیام نور بم و بفت، دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه صدا و سیما تهران. دکتر مدبر از سال ۱۳۷۳ تدریس در مقطع کارشناسی ارشد و از سال ۱۳۸۱ در مقطه دکتری را شروع کرده است.
سایر فعالیت‌ها و برنامه های روزمره: محمود مدبری در کنار تدریس به مطالعه، تحقیق، تالیف کتب و مقالات و همچنین شرکت در سمینارها و کنفرانسها می پردازد.

همفکران فرد: محمود مدبری با همکار قدیمی خود آقای مسعود قاسمی در زمینه های رشته تخصصی خود همفکر می باشد.
آرا و گرایشهای خاص: گرایش محمود مدبری بیشتر در زمینه های ادبیات حماسی و شاهنامه، تصحیح متون ادبی فارسی، فرهنگ نویسی فارسی، تاریخ ادبیات ایران، سبک شناسی و ترجمه و تفاسیر قرآنی باشد.

جوایز و نشانها: - استاد نمونه دانشگاه های کشور در سال ۱۳۸۳ - دریافت جایزه حامیان نسخ در سال ۱۳۸۴ - کتاب سال استان کرمان سه بار در سالهای ۱۳۷۷ و ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ - پژوهشگر نمونه دانشگاه در سال ۱۳۷۹ - پژوهشگر نمونه استان کرمان دو بار در سال ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹

چگونگی عرضه آثار: محمود مدبری دارای ۲۰ کتاب تالیفی و تصحیحی و ۶۰ مقاله (چاپ و منتشر شده) است. -----

آثار:

۱ ایران عمار فقیه کرمانی

۲ ترجمه قرآن ماهان

ویژگی اثر: از ترجمه های کهن قرآن است که در موزه آستان شاه نعمت الله ولی شهر ماهان محفوظ است و نیمه اول قرآن را در بر دارد. متن ترجمه مربوط به قرن پنجم یا ششم هجری است و کتاب نسخه قرن هشتم باز میگردد. - انتشارات دانشگاه شهید باهنر

کرمان در سال ۱۳۸۳

۳ حمله حیدری

۴ رباعیات جامی

۵ سرمه سلیمانی

ویژگی اثر: لغتنامه ای از قرن یازدهم دوره صفوی نوشته تقی الدین اوحدی بلیانی - چاپ مرکز نشر دانشگاهی - ۱۳۶۴

۶ شاعران بی دیوان

۷ غازان نامه منظوم

۸ فرهنگ لغات نژدهای فنی و مصنوعی

ویژگی اثر: کلیه لغات نادر و متشکل ۴۰ نثر فنی و مصنوعی معنی شده و ماخذ و منابع آن در متون مشخص گشته است. - انتشارات

خدمات فرهنگی در سال ۱۳۷۶

مدبری، مختار علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مختار علی مدبری

محل تولد: سکردو پاکستان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۶۱/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۹۸۳ در سکردو پاکستان متولد شدم و در یک خانواده مذهبی پرورش یافتم و در ۶ سالگی آموختن قرآن مجید نزد پدر بزرگم را شروع کردم، حدودا یک سال قرآن را تمام کردم و در هشت سالگی در مدرسه دولتی ثبت نام کردم و همراه درس دولتی باد حمد که مشتمل بر اشعار منظوم در بیان احکام و عقاید است در پیش آخوند محلی به نام آخوند احمد خواندم و در

مدرسه هم فعالیت می‌کردم و یک مسابقه سخنرانی در مدرسه به موضوع درخت کاری نفر دوم شدم این اولین گامی بود که باعث شد بنده به این فعالیت انگیزه بیشتری پیدا کنم. یک روز در مدرسه رهبر پاکستان ساجد علی نقوی برای دیدار با مردم آمده بود بنده در آن محفل که حدوداً صدها نفر آمده بود بنده از طرف مدرسه برای تلاوت قرآن مجید معرفی کردند و در این محفل بنده تلاوت کردم و این روز برای من یک روز مانگار بود و نیز بنده در امور مذهبی مثل شرکت در نماز جماعت و دعا و مراسم های مذهبی شرکت و فعالیت می‌کردم. مردم و هم خانواده درباره من خوب فکر می‌کردند و بنده نیز به این امر پائین بود تا که نظر مردم به اینجانب باقر اماند و انگیزه بنده نیز در بحث حوزوی بیشتر بود و ما در ابتدا مستقیماً حوزه علمیه قم آمدم و حدوداً سه سال بدون اقامه درس اصول و فقه و عقائد خواندم و بعد امتحان مرکز جهانی علوم اسلامی شرکت کردم و همان بار اول قبول شدم و الان در مدرسه تخصصی فقه و اصول مشغول هستم. غیر از این در علوم تجوید و قرائت فعالیت دارم و بنده در منطقه خودم به نوجوانان درس قرائت و تجوید مقدماتی درس داده‌ام. از طرف نوجوانهای خیلی خوشحال و انگیزه بیشتری وجود داشت تا این برنامه باقی بماند و علاوه بر این تبلیغ حمایت از ولایت فقیه مشغول بودم. در منطقه ما حدوداً ۷۵ درصد از جوانهای مرید رهبری انقلاب و جمهوری اسلامی ایران هستند و ما خواستاریم این سازمان برای منطقه ما یک برنامه ویژه و مخصوص باشد زیرا منطقه ما حدوداً ۹۷ درصد شیعه هستند و از طرف وهابی و آغاخان‌های در این منطقه همه وجود جودشان را صرف میکنند و گفتنی های زیادی داریم که در این محفل نمی‌گنجد. والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته.

مدرس اصفهانی، حسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۷۳ - ۱۲۱۰/۱۲۰۸ ق)، عالم دینی، فقیه، محقق و مدرس. نسبش به امام زین العابدین (ع) می‌رسد. در اصفهان به دنیا آمد. پس از نشو و نما از محضر علمای اصفهان و کربلا و نجف استفاده نمود. وی از شاگردان پدرش، میر سید علی، و آخوند ملا علی نوری و شریف العلمای مازندرانی و حاج محمدابراهیم کرباسی و شیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر»، و شیخ محمدحسین رازی، صاحب «فصول»، و شیخ محمدتقی رازی، صاحب «حاشیه المعالم»، و میرزا زین العابدین خوانساری بود. او از میرزا زین العابدین خوانساری و صاحب «جواهر» اجازه داشت. او در اصفهان حوزه درس و بحث در فقه و اصول داشت و به جهت حسن تقریر و کثرت مطالب به مدرس معروف گردید. شاگردان بسیاری از شهرهای اطراف به سویش شتافتند و تا او زنده بود هجرتی به عراق برای تحصیل صورت نگرفت. میرزا ابوالمعالی کرباسی و ملا محمدباقر فشارکی و میرزا محمدحسن نجفی اصفهانی و میرزای شیرازی و میرزا محمد هاشم خوانساری چهارسوقی و ملا حیدر اصفهانی و ملا شکرالله لواسانی و ملا علی اصغر خوسفی بیرجندی و آقا میرزا محمدباقر بن زین العابدین خوانساری از شاگردان وی بودند. او با صاحب «روضات الجنات» معاصر بود. در اصفهان درگذشت و در مقبره‌ی مخصوص خود، در دهلیز مسجد رحیم خان که بنیان آن توسط خود ایشان بوه، به خاک سپرده شد. از آثارش: «جوامع الاول» یا «جوامع الکلم»، در اصول فقه؛ «فقه استدلالی»؛ شرح «المختصر النافع» محقق؛ «مناسک الحج»؛ «اجوبه مسائل المختلفه»؛ رساله‌ی «اصالة البراءة»؛ «رسالة فی الاصول الجاریة فی الشک»؛ رساله‌ی «اصالة الصحة»؛ رساله‌ی «العدالة»؛ رساله‌ی «قاعدہ‌ی لاضرر»؛ «رساله‌ی عملیه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره القبور (۲۶۹-۲۶۸)، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (۲/۱۴۱)، الذریعه (۲۶۰/۲۲، ۱۷/۱۱، ۵۹، ۱۴/۵۸-۲۱۴، ۱۱/۸۵، ۲۴۸-۲۴۷/۵، ۴/۱۲۴، ۳/۱۱۴)، روضات الجنات (۳۰۰-۲۹۹/۲)، ریحانه (۵/۲۶۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۳۶-۳۳۴/۱۳)، فوائد الرضویه (۱۱۰)، المآثر و الآثار (۱۷۲)، معجم المؤلفین (۳/۲۶۰)، مکارم الآثار (۳۸۴-۳۷۶/۲)، هدیة العارفين (۳۰۳-۳۰۲/۱).

مدرس افغانی، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۲۸۴.

درگذشت: ۱۳۶۵.

از آثار اوست: تصحیح و تعلیق جامع المقدمات (قم، ۱۳۵۶)؛ الشواهد المنتخبه لکتاب السیوطی (با همکاری مهدی احدی امیر کلاهی، این کتاب شرح است بر البهجة المرضیه فی شرح الفیه؛ قم، ۱۳۵۶)؛ قواعد الادبیه فی توضیح شرح عوامل فی النحو (قم، ۱۳۶۸)؛ تقریر کتاب الزبده فی شرح الهدایة (تألیف مهدی احدی امیر کلاهی، دو جلد؛ قم، ۱۳۷۴)؛ الکلام المفید للمدرس و المستفید من شرح الصمدیه (شیخ بهایی) (قم؛ ۱۳۶۸)؛ متن مصحح جامع المقدمات همراه با فهرست تفصیلی مطالب (قم، ۱۳۷۰)؛ مکررات المدرس، شرح السیوطی (سه جلد؛ قم، ۱۳۶۹). یادنامه‌ای در خصوص محمدعلی مدرس افغانی تحت عنوان یادنامه استاد ادبیات عرب مدرس افغانی به همت سید جوادی در سال ۱۳۶۶ به چاپ رسید.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

مدرس بزرگ، علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی بن سید علیرضا بن سید زین العابدین معروف به مدرس بزرگ از مشاهیر فقهاء و معاریف علماء شهرستان یزد و معاصر با همانامش مرحوم آیت‌الله آقا میرزا سید علی حایری بوده و در فقاہت و پرهیزگاری از نوادر دانشمندان زمان خود و صاحب تالیفات عدیده که بعضی از آنها در الذریعه یاد شده است و از آنها کتاب مستطاب (الهام الحجة) در علم کلام که به سعی حاج سید علیرضا حایری در مشهد به طبع رسیده است.

مرحوم مدرس بزرگ در مراجعتش از ارض اقدس رضوی و زیارت حضرت علی بن موسی‌الرضا علیه آلاف التحية و الثناء در شهر طبرس از دنیا رفته و در مزار امامزاده طبرس مدفون و زیارتگاه عموم می‌باشد.

و ایشان برادر بزرگ مرحوم آیت‌الله آقاسید مرتضی معروف به شیخ مرتضی مدرس آتی‌الذکر می‌باشند.

برادر دیگر ایشان مرحوم آیت‌الله آقا میرزا ابوالحسن مجتهد مدرس یزدی بوده که در فتنه بایبه حکم جهاد بر علیه آنها داده و جماعتی از آن منحرفین را به دارالبوار فرستاده است.

و برادر چهارم ایشان مرحوم سید العارفين آقای آقا میرزا اسدالله یزدیست که در شهر کاشان بدرود حیات گفته و در همانجا مدفون

شده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدرس خاتون آبادی، ابوالقاسم

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۰۳ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، مفسر، فیلسوف و مدرس. نسبش به امام زین العابدین (ع) می‌رسد. او از مدرسین مشهور اصفهان و از خانواده‌ی میر محمدحسین خاتون آبادی، سبط مجلسی بود. فلسفه را از ملا-اسماعیل خواجه‌ی و شیخ آقا محمد بیدآبادی و فقه و اصول را از سید بحرالعلوم فراگرفت. پس از رسیدن به درجات علمی بالا در مدرسه‌ی شاه اصفهانی به تدریس حکمت نظری پرداخت. او تا پایان عمر در مدرسه‌ی چهار باغ مدرس معقول و منقول از فقه و اصول بود. سید ابوالقاسم جعفر بن حسین خوانساری، جد مؤلف «روضات الجنات»، و آقا میرعبدالباقی امام جمعه و آخوند ملا علی نوری از شاگردان او بودند. سید بحرالعلوم که خود از اساتید فقه و اصول او بود در حکمت و کلام از شاگردان وی به حساب می‌آید. در اصفهان درگذشت و پیکرش به نجف منتقل و نزدیک قبر امیرالمؤمنین (ع) دفن شد. از آثارش: «تفسیر قرآن»، به فارسی؛ شرح «نهج البلاغه»؛ حاشیه بر «تفسیر کاشی»؛ حاشیه بر «کافی»؛ حاشیه بر «من لا یحضر الفقیه»؛ حاشیه بر «التهذیب»؛ حاشیه بر «الاستبصار».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲/۴۰۵)، تذکره القبور (۹۰)، ریحانه (۲۶۷-۲۶۶/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۱-۵۰/۱۳)، معجم المؤلفین (۸/۱۱۴)، مکارم الآثار (۱۳۳-۱۲۹/۱).

مدرس خراسانی، عبدالجواد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

از علما و حکما و مدرسین حکمت در اصفهان، و از شاگردان آخوند ملا علی نوری بوده، و در شب غره ماه صفر سال ۱۲۸۱ وفات یافته است. تدریس کتب حکمت در عصر او بدو منتهی می‌شده است

در مآثر و الآثار (۱۸۳:) درباره گوید: از علمای مشهور اصفهان بود، در فقه و اصول و طب و ریاضیات و ادبیات جمله مهارت کلی، و تدریجی عظیم داشت.

صاحب عنوان: طبیبی فقیه، و فقیهی حکیم، و عالمی ادیب بود. در نزد پدر، و میرسید محمد شهبهانی، و ملا حسین علی تویسرکانی، و میر محمد صادق کتابفروش، و حاج سید اسدالله بیدآبادی و دیگران در طب و حکمت تحصیل نموده است.

در مداوای بیماران و علاج امراض، نفسی عیسوی داشته، و تدریس طب قدیم در زمان او بدون منحصر بوده است.

در ۶ جمادی الاولی سال ۱۳۲۷ قمری وفات یافته، در یکی از اطاقهای غربی تکیه مزبور مدفون شد.

از آثارش کتابی مختصر در وبا به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مدرس خیابانی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدعلی بن محمدطاهر بن نادر بن محمدطاهر تبریزی خیابانی معروف به مدرس خیابانی (و. ۱۲۹۶ ف. ۱۳۷۳ ه. ق.) مؤلف ریحانه‌الادب در تراجم و شرح حال اطبا و علما و عرفا و حکما و ادبا و فضلا با ذکر کنیه و لقب آنها. مدرس خیابانی غیر از ریحانه‌الادب تألیفات دیگری نیز دارد که برخی از آنها عبارتند از: «حیاض الزلائل فی ریاض المسائل» در شرح کتاب طهارت از ریاض که معروف به شرح کبیر است، دیگر «فرهنگ بهارستان» در مرادفات فارسی. دیگر «فرنگ نگارستان» در لغت فارسی. دیگر «فرهنگ نوبهار» در لغت فارسی، دیگر کتاب «غایه‌المنی فی تحقیق الکنی» در بیان کنیه‌های حیوانات در زبان عرب. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

مدرس رضوی خراسانی، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۵- ۱۲۷۴ ش)، محقق، دانشمند، مصحح و استاد دانشگاه. پدرش، میرزا محمدباقر، از علمای بزرگ خراسان و مدرس اول آستان قدس رضوی بود. در مشهد به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مدارس جدید زادگاهش فراگرفت. سپس به آموختن علوم قدیمه نزد اساتید آن زمان پرداخت. وی کتابهای «مغنی» و «مطول» تفتازانی و قسمتی از شرح «منظومه» حاج ملاهادی سبزواری را نزد میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری آموخت. «تحریر اقلیدس» و «مجسطی» و کتب ریاضی قدیم و «شرح لمعه»، در فقه و «قوانین»، در اصول را نزد پدر خواند. سپس از محضر آقا بزرگ حکیم استفاده نمود و «شرح هدایه» و «شرح اشارات» را نزد او خواند. آنگاه مدتی از درس خارج فقه و اصول آیت‌الله قمی و آیت‌الله آقا میرزا محمد آقازاده استفاده کرد. در ۱۲۹۸ ش به تهران آمد و از محضر آقا سید محمد تنکابنی و آقا میرزا محمدطاهر تنکابنی بهره برد و به تکمیل تحصیلات قدیم و جدید خود در مدارس سپهسالار و آلیانس پرداخت. او از ۱۳۱۰ ش به معلمی و ناظمی مدرسه‌ی سپهسالار (شهید مطهری فعلی) و تدریس در مدارس دارالفنون، علمیه، معرفت و شرافت پرداخت و بعد از ۱۳۱۷ ش به معلمی و بعدها به سمت استادی دانشکده‌ی علوم معقول و منقول منسوب گردید. وی نزدیک دو سال همکار علامه‌ی دهخدا در تکمیل «لغت نامه» بود. از آثار وی: «احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی»؛ «تاریخ رجال خراسان»؛ «تاریخ مشهد رضوی»؛ رساله‌ای در «علم عروض»؛ تعلیقات «حدیقه الحقیقه» سنایی؛ تصحیح «المعجم فی معاییر اشعار العجم»؛ تصحیح و اهتمام «اساس الاقتباس» خواجه نصیرالدین طوسی؛ تصحیح «تاریخ بخارا»؛ تصحیح «دیوان» سید حسن غزنوی؛ مقدمه و تعلیقات «ترجمه‌ی میزان الحکمه» خازنی؛ اهتمام در انتشار کتابهای: «شجره الحکمه» خازنی؛ اهتمام در انتشار کتابهای: «شجره‌ی طیبه»، در انساب سلسله‌ی سادات علویه رضویه، «دیوان» انوری و «دیوان» سنایی غزنوی. [۱]

پژوهشگر.

تولد: ۱۲۷۴ (۱۳۱۳ ق.)؛ مشهد.

در گذشت: ۲۸ تیر ۱۳۶۵.

سید محمدتقی مدرس رضوی خراسانی تحصیلات ابتدایی را در مدارس جدید مشهد فراگرفت و سپس به آموختن علوم قدیمه نزد اساتید آن زمان پرداخت. در سال ۱۳۳۸ ق. به تهران آمد به تکمیل تحصیلات قدیم و جدید در مدرسه عالی سپهسالار و مدرسه آلیانس پرداخت. وی پس از مدتی از فوت پدرش که مدرس آستان قدس رضوی بود، به مدرسی نایل آمد و بعدها به عضویت معارف درآمد و در مدارس مشهد و از سال ۱۳۱۰ در مدارس تهران به تدریس اشتغال یافت. پس از تأسیس دانشگاه به استادی در دانشکده‌ی معقول و منقول و دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی انتخاب گردید.

از آثار اوست: تصحیح آثار علوی یا کائنات جو (ابوحاتم مظفر اسفزاری، ۱۳۱۹)؛ احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی (۱۳۳۴)؛ احوال و آثار ملک‌الشعراى بهار (به اهتمام عبدالحمید عرفانی)؛ اساس الاقتباس (خواجه نصیر طوسی، ۱۳۲۶)؛ بیست باب در معرفت اسطرلاب (به اهتمام، ۱۳۳۵)؛ تاریخ بخارا (به اهتمام، ۱۳۱۷)؛ تعلیقات حدیقه الحقیقه (۱۳۴۴)؛ تنسوخ‌نامه‌ی ایلخانی (از خواجه نصیر طوسی، ۱۳۴۸)؛ حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه (حکیم سنایی، به اهتمام، دو جلد، ۱۳۳۰)، تصحیح دیوان حکیم سنایی (۱۳۲۰)؛ تصحیح دیوان سید حسن غزنوی (۱۳۲۸)؛ تصحیح دیوان انوری ابیوردی (دو جلد، ۱۳۴۰-۱۳۳۶)؛ شجره‌ی طیبه (تألیف محمدباقر رضوی، تکمله و تصحیح و تهیه‌ی مشجرات، ۱۳۴۸)؛ شرح مشکلات دیوان انوری (از ابوالحسن حسینی فراهانی، ۱۳۴۰)؛ مثنوی‌های حکیم سنایی (۱۳۴۸)؛ مجمل التواریخ (درباره‌ی تاریخ زندیه، از ابوالحسن گلستانه، ۱۳۱۹)؛ تصحیح مجموعه رسائل خواجه نصیر طوسی (شش رساله، ۱۳۳۵)؛ تصحیح المعجم فی معاییر اشعار العجم (اثر نظامی عروضی، از روی نسخه تصحیح محمد قزوینی، ۱۳۳۶)؛ ترجمه‌ی میزان الحکمه (اثر عبدالرحمن خازنی، متن قدیمی، ۱۳۴۶)؛ یادبود هفتصدمین سال خواجه نصیر طوسی (۱۳۳۵)، با مقدمه‌ی موسی عمید). تاریخ شهر مشهد نام کتاب دیگری است که در سال ۱۳۱۳ به مناسبت ساختمان آرامگاه فردوسی تألیف شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۴۷/۱۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۳۵، ۳۰۴۷، ۲، ۹۱۳، ۱۷۷، ۱/۱۲۵)، کیهان فرهنگی (س ۱، ش ۸، ص ۱۴-۳، س ۳، ش ۸، ص ۴۰)، مؤلفین کتب چاپی (۲۵۵-۲/۲۵۴).

مدرس رضوی، محمدتقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۸۰ ق)، فقیه، عالم دینی، نحوی و شاعر. پدرش خواهرزاده‌ی سید محمد رضوی سبزواری امام جمعه مشهد بود. سید میرزا محمدتقی یازده برادر داشت که با خود او همگی اهل فضل و کمال بودند. میرزا عبدعلی منجم باشی مشهدی فرزند او است. از آثارش: «المنظومه الفقهیه»؛ «المنظومه النحویه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۹/۱۹۴)، الذریعه (۱۴۰، ۲۳/۱۲۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۲۱/۱۳)، المآثر و الآثار (۱۷۲)، معجم المؤلفین (۹/۱۳۱).

مدرس رضوی، محمدعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۱-۱۲۳۹ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، مجتهد، رجالی، محدث، مدرس و عارف. در مشهد به دنیا آمد و مقدمات را در آنجا فراگرفت. در ۱۲۶۳ ق به نجف رفت و در مدت بیست سال در محضر شیخ مرتضی انصاری و شیخ مشکور حولاوی نجفی و شیخ راضی نجفی و دیگران تلمذ نمود و ملازم بحثهای آنان بود تا به درجه‌ی علمی بالایی رسید. او به افتخار دریافت اجازه از شیخ انصاری نایل شد. سپس به ایران بازگشت و در شهر خود به تدریس و تألیف پرداخت. در مشهد درگذشت و در حرم رضوی، در دارالضیافه، دفن شد. از آثارش: حاشیه بر «القوانین»؛ حاشیه بر «شرح لمعه»؛ «رسالة فی الدراية و الرجال»؛ «رسالة فی الهيئة»؛ شرح «الشرايع»؛ «نتایج الافکار»، تقریراتی در اصول فقه؛ «تقریرات الفقه»؛ رساله در «مقدمه الواجب»؛ رساله در «اقسام الولايات»؛ «احکام الغصب»؛ «منجزات المریض»؛ «اساس الفقه»؛ «مطالب الحکمه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۰/۱۶)، الذریعه (۲۵/۲۵۵، ۲۴/۴۴، ۱۳/۳۲۶، ۱۷۷، ۶/۹۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۵۴ - ۱۴۵۳/۱۴)، معجم رجال الفكر و الادب فی النجف (۶۰۴-۶۰۳/۲)، معجم المؤلفین (۱۱/۱۷)، مکارم الآثار (۱۰۷۹-۱۰۷۸/۴).

مدرس زاده، مجدالدین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مجدالدین مدرس زاده

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۲/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از دوران تحصیل مقطع متوسطه در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه مبارکه علمیه قم شده و از بدو ورود با تحصیل و آموزش در مدرسه المهدی (عج) که تحت اشراف و هدایت حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی اداره می شد مشغول به فراگیری علم و دانش و معارف الهی و آموزه های اسلامی شده ام.

برای شروع و تحصیل فقه نیم استدلالی که در آن زمان کتاب های لمعه (۲ و ۱) مرحوم شهید تلمذ می شد در دروس علمای نظیر آقایان وجدانی فخر- اشتهاوردی و راستی و خسرو شاهی حاضر می شدم اصول فقه را خدمت استاد حسینی بوشهری فراگرفته و به همین ترتیب سطوح و مراتب علمی حوزوی را یکی پس از دیگری و با موفقیت در آزمون های کتبی و شفاهی موفق به گذراندن سطوح عالیّه نزد آیات عظام صالحی مازندارانی، طاهری شمسی، محفوظی و هادوی تهرانی شدم در سال ۱۳۷۰ پا به عرصه درس

خارج حضرت آیت الله مکارم شیرازی (فقه و اصول) و تا سال ۱۳۷۲ همچنان ادامه داشت در همین سال ها بود که همراه با فراگیری فقه و اصول، به دوره های ویژه باقر العلوم (ع) که بعداً دانشگاه باقر العلوم (ع) شد و زیر نظر دفتر تبلیغات اسلامی اداره می شد شدم بدایه و نهاییه الحکمه و شرح تجرید و... را درباره فلسفه و کلام آنجا فرا گرفته و موفق به اخذ مدرک لیسانس شدم.

در سال ۱۳۷۰ وارد بنیاد فرهنگی باقر العلوم (ع) که بعداً تبدیل به موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) شد و تحت اشراف و هدایت حضرت آیت الله مصباح یزدی (دامت برکاته) اداره می شود شده و ثمره تحصیل در آن اخذ مدرک کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، در سال ۱۳۷۷ شد و با دفاع از پایان نامه (که تحت عنوان بررسی سیره مدیریتی امام خمینی - شناسائی ملاک و معیارهای ایشان در تصمیم گیری) و کسب امتیاز عالی و نمره هجده موفق به اتمام آن دوره نیز شدم در این مدت قسمتی از وقت آموزشی صرف فراگیری و مباحثه درس خارج می شد که از سال ۱۳۷۲ در درس خارج اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی و درس خارج فقه حضرت آیت الله تبریزی (ره) مشغول بودم. ناگفته نماند در طول همه این سالها، در کنار تحصیل، مباحثه، فعالیت تدریسی را همیشه مفتخر به انجامش بوده ام تدریس ادبیات (سیوطی جامع المقدمات و...) فقه و اصول و.. و از سال ۱۳۷۵ وارد دانشگاه شده و به عنوان مدرس دروس معارف اسلامی (معارف ۱ و ۲ - اخلاق اسلامی - تاریخ اسلام) که تاکنون نیز ادامه دارد مشغول می باشم

ناگفته نماند پس از فارغ التحصیلی در رشته مدیریت، زمینه تدریس در رشته مزبور نیز فراهم شد که بحمد اله تاکنون ادامه دارد و در مراکز دانشگاهی و آموزش عالی توفیق انتقال بخشی از آموخته ها و تجارب را به دیگران پیدا نموده ام.

آنچه که برای خود لطف بسیار حضرت حق می دانم تحصیل همزمان در فقه و اصول در حد دروس خارج و فراگیری و تدریس دروس مدیریت که از هم آمیختن این دو رشته تحصیلی و با رویکرد مدیریت اسلامی منشاء آثار و برکات برای حقیر را بیش از پیش فراهم نموده است.

و حاصل و برآیند آن را که در قالب جزوات و دسته نوشته ها و (بعضاً مقالات چاپ شده است) را امیدوارم هر چند زودتر در اختیار دیگران قرار گیرد.

مدرس زنوزی تهرانی، علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۰۷ - ۱۲۳۴ ق)، فیلسوف، فقیه، عالم دینی و مدرس. معروف به آقا علی مدرس و آقا علی حکیم. در تهران به دنیا آمد. نزد پدرش که از حکمای عصر خود بود درس خواند. سپس به قصد ادامه تحصیل به عتبات رفت و پس از فراگیری کامل فقه و اصول به اصفهان مسافرت کرد و در محضر درس میرزا حسن نوری و ملا محمدجعفر لاهیجی حکمت و فلسفه خواند. آنگاه به قزوین رفت و نزد آخوند ملا- آقای قزوینی علوم معقول را تکمیل کرد. سرانجام به تهران آمد و در مدرسه سپهسالار قدیم در محله عودلاجان مدرس فلسفه شد و سرآمد اقران گشت و شاگردان بسیار تربیت کرد. شیخ محمدباقر اصطهباناتی و میرزا طاهر تنکابنی و شیخ علی نوری و شوارق و شیخ عبدالنبی نوری و ملا محمد آملی و بسیاری دیگر از شاگردان او بودند. از آثارش: «بدایع الحکم»؛ «سبیل الرشاد» یا «الرساله المعادیه»، در اثبات معاد جسمانی؛ «تعلیقات علی مباحث الأسفار الاربعه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۷۴ - ۱۴۷۳ / ۱۴)، طرائق الحقائق (۵۰۷ - ۵۰۴ / ۳)، المآثر والآثار (۱۵۷).

مدرس زنوزی، عبدالله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۵۷ ق)، عالم دینی، حکیم و عارف. در زنوز آذربایجان به دنیا آمد. وی پدر آقا علی زنوزی است. در جوانی به خوی رفت و ادبیات و علوم عربی را در آنجا تکمیل نمود. به طوری که به ملا عبدالله نحوی شهرت یافت. آنگاه به عتبات رفت و در کربلا در محضر صاحب «ریاض» به تحصیل فقه و اصول مشغول گشت. به آورده‌ی «ریحانه‌الادب» در حوزه‌ی درس سید محمد مجاهد و حجة‌الاسلام شفتی فقه و اصول را تکمیل کرد. سپس به قم رفت و «قوانین» را نزد مؤلف این کتاب، میرزای قمی، خواند. پس از آن به اصفهان رفت و تحصیل حکمت نمود و از طرف استادش ملا علی نوری به مدرسی مدرسه مروی تعیین شد و مدت بیست سال به تدریس اشتغال داشت. او کتاب «الانوار الجلیه فی کشف اسرار الحقائق العلویه»، که شرح «حدیث کمیل» یا شرح «حدیث الحقیقه» است، را در ۱۲۴۷ ق، به فارسی، نگاشت. از دیگر آثار وی: «لمعات الهیه فی الحکمه الربوبیه»، در اثبات واجب الوجود و صفات او؛ حاشیه بر «اسفار» ملاصدرا؛ «رساله علیه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان آذربایجان (۱۱)، الذریعه (۲۰۵، ۱۳ / ۱۹۷، ۶ / ۲۰)، ریحانه (۳۹۱ - ۳۹۰ / ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳ / ۷۶۵)، طرائق الحقائق (۳ / ۵۰۶).

مدرس شیرازی، عبدالرحمان

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۸ - ۱۲۶۸ / ۱۲۶۶ ق)، عالم دینی، حکیم و مدرس. پدرش از علما و مدرسین آستانه‌ی قدس رضوی بود. عبدالرحمان در شیراز به دنیا آمد. در ۱۲۷۹ ق به همراه پدر به مشهد رفت. ادبیات را از محضر پدر و علوم دینی را از محضر ملا عبدالوهاب شیخ‌الاسلام و حکمت را از محضر میرزا محمد مدرس، از شاگردان حکیم سبزواری، فراگرفت. وی در فقه و اصول و معقول و منقول تبحر داشت. پس از درگذشت پدرش (م ح ۱۲۹۰ ق)، در سمت مدرس اول آستان قدس در مدرسه فاضلیه به تدریس مشغول گشت و شاگردان بسیاری که خود از برجستگان عالم علم بودند، از محضرش بهره بردند و تمام عمر او به تألیف و تدریس گذشت. از آثارش: «الرساله القمریه»، در علم حروف؛ «تاریخ علماء خراسان»؛ رساله در «زکاة الفطر»؛ شرح رساله‌ی «العروض» پدرش؛ حاشیه بر «تحریر اقلیدس»؛ حاشیه بر «شرح التذکره النصیری» خفزی؛ حاشیه بر «شوارق الالهام» لاهیجی؛ حاشیه بر «معالم الاصول»؛ حواشی و تعلیقات بر بسیاری از کتب «حکمت».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴۶۵، ۷ / ۴۶۴)، الذریعه (۱۲ / ۴۲، ۲۰۸، ۱۴۴، ۶ / ۳۴، ۳ / ۲۶۷)، شرح حال رجال (۱۳۹ - ۱۳۸ / ۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴ / ۱۰۹۷)، گنجینه‌ی دانشمندان (۷ / ۹۱)، المآثر و الآثار (۱۶۲).

مدرس قمیشه‌ای، حسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن سید اسماعیل بن میر عبدالباقی بن میر عابدین طباطبائی.

عالم مجاهد جلیل، و مجتهد سیاسی، جامع معقول و منقول، فقیه متکلم. اصل ایشان از سرایه از دهات کچویه بلوک اردستان می‌باشد، به شهرضا منتقل شده و میر عبدالباقی در آنجا از دنیا رفته و مدفون شده است.

مدرس در حدود سال ۱۲۸۷ در سرایه متولد گردیده، و در نزد پدرش که از افاضل خطبا و فضلا بوده مقدمات علوم را بیاموخته، در شش سالگی به اتفاق خاندانش به شهرضا منتقل گردید. در حدود ۱۳۰۸ پدرش وفات یافته است.

مشاریه مدت سیزده سال در اصفهان نزد فضلی این شهر مانند: میرزا عبدالعلی نحوی، و جهانگیر خان قشقائی، و آخوند کاشی، و آقا محمود مغنی و دیگران تحصیل نموده، و مدت هفت سال در نجف به درس آقا سید محمد کاظم یزدی، و آخوند خراسانی، و ملا علی نهانندی حاضر شده، سپس به اصفهان مهاجرت نموده و در مدرسه جدّه سکونت کرده، و در فقه و اصول به تدریس اشتغال جسته.

سپس در دوره دوم انتخابات مجلس شورای ملی، به عنوان مجتهد طراز اول از طرف علما انتخاب و شرکت نموده، و در دوره بعد، از طرف مردم طهران انتخاب گردیده، و جمعاً ۵ دوره در مجلس شرکت داشته، ضمناً در مدرسه سپهسالار نیز تدریس می‌نموده است.

در این ادوار به عنوان لیدر اقلیت شناخته شده، و دو مرتبه او را می‌خواستند ترور کنند که در هر دو دفعه جان بدر برده. سالها در شهرهای مختلف زندان بوده، سرانجام در شب ۲۸ رمضان المبارک سال ۱۳۵۷ در کاشمر شهید شده، در امام زاده آنجا مدفون گردید.

آقای ابراهیم خواجه نوری در کتاب: «بازیگران عصر طلایی»، و آقای حسین مکی در کتاب: «مدرس قهرمان آزادی»، و آقای عبدالحسین هوشمند راد شیرازی در کتاب «سرگذشت مرحوم سید حسن مدرس»، و مرحوم عبدالله مستوفی در «شرح زندگانی من» و دیگران شرح حال او را نوشته‌اند، طالبین مراجعه نمایند.

بر گرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مدرس کهنگی، محمد حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند سید محمد ابراهیم بن علی طباطبائی. از علمای اخیار، و صلحا و از کیا بوده، در اصفهان در خدمت: آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی، و آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی، و حاج شیخ محمد علی ثقه الاسلام، و حاج میرزا بدیع درب امامی، و آخوند کاشی، و جهانگیرخان و جمعی دیگر از فحول و دانشمندان تحصیل نموده تا به درجه‌ی اجتهاد نایل گردید؛ سپس در سال ۱۳۱۷ به نجف رفته، آنجا به درس آخوند خراسانی، و حاج آقا رضا همدانی، و آقا سید محمد کاظم یزدی حاضر شده، عالمی جلیل، و مجتهدی

بلا عدیل گشت.

در سال ۱۳۲۱ به اصفهان مراجعت نموده، به تدریس و تألیف اشتغال جسته، و کمتر با مردم مراوده می‌نموده. در ملکات نفسانی و فضای اخلاقی بی‌نظیر بود، ضمنا به کارهای زراعتی، روزگار می‌گذرانید. چندین رشته قنات، حفر و ایجاد نمود.

در حدود سال ۱۲۸۸ متولد، و در ۱۷ جمادی الثانیه سال ۱۳۷۶ وفات یافته، در تخت فولاد مدفون گردید. کتب زیر از تألیفات اوست:

۱ - تقریرات اصولی آخوند خراسانی ۲ - تقریرات فقهی آقا سید محمد کاظم یزدی ۳ - رساله در بداء به نام «هدایه الوری در شرح بدا» که به طبع رسیده.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مدرس مازندرانی، ولی‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیه‌الله فی‌العالمین مرحوم حاج شیخ ولی‌الله مدرس بابلی یکی از مشاهیر علماء آن سامان بلکه اعلم دانشمندان مقیم مازندران بوده بسیار متواضع و خلیق و بی‌هوا و جلیل‌القدر و عظیم‌المنزله بوده است در سفریکه نگارنده بمازندران و بابل رفتم وارد بر معظم له شده و از نزدیک سجایای کریمانه آن‌مرحوم را مشاهده کردم. وی در حدود ۱۲۹۴ قمری در یکی از مضافات بابل متولد شده و پس رشد و طی مقدمات و سطوح عالیّه عزیمت بنجف نموده و چندین سال از محضر مرحومین علمین علامتین خراسانی و طباطبائی یزدی و اساتید دیگر استفاده نموده و پس از آن مراجعت بایران و بابل کرده و باقامه جماعت و تدریس فقه و اصول پرداخته است و پس از فوت مرحوم شیخ کبیر فوق‌الذکر امامت مسجد جامع بابل و تولیت موقوفات مسجد قهاریه و همان مسجد جمعه که با اعلم علماء مازندران مقیم آن سامان بوده منطبق و محول بایشان گردیده و لکن دست تطاول و غضب ایشان را محروم و ممنوع و بشخص نالایق و غیر روحانی و اهلی واگذار نمود.

و ناگفته نماند که امامت مسجد جامع بابل و تولیت موقوفات آنجا و مسجد قهاریه از روز بناء مسجدین با اعلم علماء مازندران بوده در زمان مرحوم محمد شاه قاجار با مرحوم حاج ملا-محمد سعیدالعلماء و پس از ایشان در زمان ناصرالدین شاه با مرحوم حجه‌الاسلام حاج ملا محمد اشرفی و در زمان احمد شاه با شیخ محمد حسن معروف بشیخ کبیر و پس از ایشان شرعا با مرحوم مدرس مزبور بوده ولی متاسفانه به بعضی از نور چشمی‌ها واگذار و درآمد آن خرج نامشروع گردیده تا در سال ۱۳۷۳ قمری که محکمه دیوان عالی کشور حکم تولیت آن مرحوم را تصویب و تأیید و بایشان واگذار ولی هنوز تحصیل عوائد موقوفات را ننموده که بمصارف آن برساند که در شب پنجم ماه ربیع‌الثانی ۱۳۷۴ قمری از دنیا رفته و در خانه شخصی خود مقابل مقبره حجه‌الاسلام اشرفی در نزدیکی مسجد جامع مدفون گردید (رحمه‌الله علیه‌کان‌والله‌عالم‌افاضلا مجتهدا صابرا متواضعا لاهل‌الدین تقیا نقیا زکیا بارعا ذاکرا لله کثیرا مداوما لزیاره‌العاشورا و کان‌والله‌حسن‌الخلق کریم‌النفس منیع‌الطبع ساهر‌اللیل عاش اکثر من ثمانین سنه فی تلک‌الخصال اعلی‌الله‌مقامه‌الشریف).

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مدرس مشهدی، ابراهیم

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۴۸ ق)، فقیه، عالم دینی و مدرس. ملقب به نایب‌الصدر یا نایب‌الصدارة (در آستان قدس رضوی). مقام شیخ الاسلامی مشهد و نیز مدرس آستان قدس رضوی را در روزگار شاه سلطان حسین صفوی رضوی را در روزگار شاه سلطان حسین صفوی (۱۱۳۵-۱۱۰۵ ق) بر عهده داشت. وی در فقه و کلام و حکمت متبحر بود. شیخ عبدالنبی قزوینی از شاگردان اوست. از آثارش: «اصول العقائد الاسلامیه» و شرح آن موسوم به «فوائد العلیه»، که به احتمال زیاد همان «القواعد و الفوائد الحکمیة و الکلامیه» یا «الفوائد الکلامیه»، در چهل هزار سطر، که مؤلفش در نگارش آن به هیچ کتابی مراجعه نداشته و همه آن را از خود و محفوظاتش نوشته است؛ رساله‌ای در «حرمة صلاة الجمعة» یا «تحريم صلاة الجمعة»، در زمان غیبت. در «ریحانة الادب» و «اعیان الشیعه» کتاب «الفیروزجۀ الطوسیة فی شرح الدرۀ الغرویة» شیخ محمد مشهدی، به اشتباه به صاحب عنوان نسبت داده شده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲/۲۲۷)، الذریعه (۱۹۵-۱۷/۱۹۴، ۳۵۷-۳۵۶، ۱۶/۳۴۹، ۲/۱۹۷)، ریحانه (۱۲۷-۶/۱۲۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۳-۱۲/۲۲)، لغت نامه (ذیل / نایب‌الصدر)، معجم المؤلفین (۱/۱۱۲).

مدرس موسوی بهبهانی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر سید علی موسوی بهبهانی در ۱۳۰۵ در بهبهان زاده شد و پس از گذراندن تحصیلات مکتب خانه ای به قم رفت (۱۳۲۵) و پس از مدتی تحصیل در حوزه علمیه وارد دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه تهران شد. و در ۱۳۲۸ فارغ‌التحصیل شد. وی در سال ۱۳۳۲ تحصیلات خود در حقوق را نیز در دانشگاه تهران به پایان رساند در سال ۱۳۳۷ نیز دکتری فلسفه خود را از همان دانشگاه دریافت کرد وی علاوه بر همکاری با دکتر معین در لغت نامه دهخدا در دانشگاه تهران نیز تدریس می کرد. وی در سال ۱۳۵۰ به دانشگاه اوترخت هلند برای تدریس زبان فارسی و اسلامی شناسی رفت و پس از بازگشت تدریس را تا بازنشستگی در ۱۳۷۷ ادامه داد. گروه: علوم انسانیرشته: فلسفه‌گرایش: فلسفه اسلامیتحصیلات رسمی و حرفه ای: دکتر موسوی بهبهانی پس از گذراندن تحصیلات مکتب خانه ای در زادگاه خود بهبهان به قم رفت و پس از اندکی تحصیلات حوزوی، وارد دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه تهران شد. (۱۳۲۵ه.ش) پس از فارغ‌التحصیلی در ۱۳۲۸، به تحصیل حقوق در همان دانشگاه پرداخت و پس از فارغ‌التحصیلی در ۱۳۳۱، تحصیلات خود را در رشته فلسفه تا اخذ مدرک دکتری در سال ۱۳۳۷ ادامه داد. خاطرات و وقایع تحصیل: سفرهای استاد دکتر موسوی بهبهانی به هلند (تدریس زبان فارسی و اسلامی شناسی) و فنلاند (تدریس سیر عقاید و آرا کلامی) از وقایع مهم زندگی علمی وی بوده اند. فعالیت‌های ضمن تحصیل: استاد دکتر سید علی موسوی بهبهانی در حین تحصیل به تدریس در دبیرستانها و نیز مطالعه آثار گذشتگان در زمینه فلسفه و کلام می پرداخت. استادان و مربیان: نخستین معلم استاد دکتر موسوی بهبهانی پدر بزرگوارشان بود که دروس صرف، نحو، ادبیات عرب و مقدمات را به وی آموخت. وی در دانشگاه تهران در

دانشکده حقوق از دکتر عمید، شهابی و شایگان بهره‌ها برد و نیز دکتر غلامحسین صدیقی استاد راهنمای وی در پایان نامه دکتری بوده است. وقایع میان‌سالی: دکتر موسوی بهبهانی پس از اخذ مدرک دکتری مدتی به کار و کالت و تدریس در دبیرستانهای تهران و سپس دانشگاه تهران پرداخت و نیز به دکتر محمد معین در تدوین لغت نامه دهخدا یاری کرد. وی در سال ۱۳۴۷ با پروفیسور ایزتسو آشنا شد و همکاریهای علمی با وی داشت وی در ۱۳۵۰ مدتی در هلند و در سال ۱۳۷۷ در دانشگاههای فنلاند به تدریس مشغول بود. و در سال ۱۳۷۹ بازنشسته شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مشاغل استاد دکتر موسوی بهبهانی عبارتند از: تدریس در دبیرستانهای تهران پژوهشگر در لغت نامه دهخدا مدرس زبان فارسی و اسلامی شناسی در دانشگاه اترخت هلند ۱۳۵۰ استاد دانشگاه تهران در سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۷۹ مدرس سیر عقاید و آرای کلامی در دانشگاههای فنلاند در سال ۱۳۷۷ فعالیتهای آموزشی: استاد دکتر سید علی موسوی بهبهانی از جوانی به تدریس در دبیرستانهای تهران می پرداخت. وی در سال ۱۳۳۶ عضو هیئت علمی دانشگاه تهران گروه فلسفه شد و در سال ۱۳۷۹ بازنشسته گردید. وی در سال ۱۳۵۰ در دانشگاه اترخت هلند درسهای زبان فارسی و اسلامی شناسی و در سال ۱۳۷۷ در دانشگاههای فنلاند درس سیر عقاید اسلامی را تدریس نموده است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: استاد دکتر سید علی موسوی بهبهانی در کنار تدریس به تحقیق و شرح آثار کلامی و فلسفی گذشتگان از جمله میرداماد، ابن هزم اندلس، صاین الدین علی ترکه اصفهانی مشغول است. آرا و گرایشهای خاص: استاد دکتر سید علی موسوی بهبهانی به شیوه دانشمندان تهران گذشته به شرح کتب فلسفی و کلامی اسلامی از قبیل آثار میرداماد، ابن جزم و صاین الدین علی ترکه اصفهانی مشغول بوده است.

آثار: ۱ القبسات میرداماد ۲ تصحیح صاین الدین علی بن محمد ترکه اصفهانی ۳ حکیم استر آبادی میرداماد ۴ شرح الدرہ الفاخره ۵ عیار دانش مشتمل بر الهیات و طبیعیات ۶ عیون المسایل و سیر حکمت و عرفان اسلامی ۷ کلیات معارف اسلامی ۸ منطق ابن حزم ۹ نگارش بخشی از لغت نامه دهخدا برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مدرس نجف آباد، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی مدرس نجف آبادی که نسبش منتهی می شود به سید محمد مومن بن محمد زمان تنکابنی صاحب (تحفه حکیم مومن) از علماء اعلام و آیات عظام معاصر اصفهان بوده اند.

معظم له در سال ۱۲۸۷ قمری در نجف آباد متولد شده و پس از پرورش و خواندن مقدمات و سطوح در اصفهان مهاجرت به نجف اشرف نموده و در آنجا از محضر مرحوم علامه آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و سید استاد آیت الله آقا سید محمد اصفهانی (فشارکی) و علامه ملاعلی نهاوندی و علامه شیخ هادی تهرانی و علامه سید محمد کاظم یزدی و غیر آنها استفاده نموده تا به اعلی درجه علوم عقلی و نقلی رسیده و در میان شاگردان آخوند خراسانی مشار بالبنان و مقام نبوغ علمی او مورد اعتراف بزرگان گردیده است.

وی پس از فوت مرحوم آخوند به اصفهان مراجعت و مورد استقبال و تکریم و تعظیم و تجلیل مردم اصفهان و بالاخص حوزه علمیه آن قرار و به تدریس علوم اسلامی مخصوصا حکمت و کلام پرداخته و جمع کثیری از فضلاء آن عصر که اکنون از آیات عظام معاصرند مانند آیت الله العظمی حاج سید علی فانی اصفهانی و آیت الله حاج شیخ مرتضی اردکانی و عالمه فاضله کامله بانو

(هاشمیه) صاحب (مخزن العرفان) تفسیر و (اربعین هاشمیه) و دهها کتاب مطبوع دیگر از محضر استفاده نموده تا به مرتبه اجتهاد نائل و مجاز از وی گردیده‌اند.

آن بزرگوار ساکن مدرسه صدر اصفهان گردیده و به زندگانی بسیط و ساده و زهد و قناعت اکتفاء و تدریس علوم مختلفه از فقه و اصول کلام و تفسیر نموده تا در صبح جمعه سیزدهم صفر ۱۳۶۲ ق در سن ۶۷۵ سالگی از دنیا رفته و در قبرستان تخت فولاد مدفون گردیده است.

از آثار او حواشی بر مقالات آقاضیاء و حواشی بر کفایه‌الاصول آخوند خراسانی می‌باشد.

نگارنده گوید مرحوم مدرس نجف‌آبادی که تا آخر عمرش حلیف حجره و مدرسه صدر بود یکی از مفاخر بزرگ نجف‌آباد است حکایت کرد برای حقیر حجه‌الاسلام حاج سید اسماعیل هاشمی اصفهانی از یکی از فضلاء و صلحاء اصفهانی که گفت شب در عالم خواب دیدم که جنازه‌ای را تشییع می‌کنند و هزارها نفر از علماء و مردم اصفهان شرکت کرده‌اند.

من هم شرکت نموده و تعجب می‌کردم که جنازه کیست و شنیدم صدائی از جنازه بلند است که می‌گوید کم است کم است.

ناگاه دیدم آقای سید علی مدرس نجف‌آبادی را گفتم آقا شما از دنیا رفته‌اید گفتند آری گفتم شما می‌فرمودید کم است کم است گفتند آری گفتم یعنی چه فرمود مقرر شد که جمعی از مشیعیین جنازه مرا بیا مرزند من گفتم کم است همه باید آمرزیده شوند. پس از خواب برخاسته و آمدم به طرف حجره سید دیدم عده‌ای ایستاده و گریه می‌کنند گفتم چه خبر است گفتند الساعه از دنیا رفت.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدرس نجف‌آبادی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد (مدرس نجف‌آبادی) ابن میر سید حسین موسوی از علماء بزرگ و اساتید و مدرسین مشهور اصفهان و عالمی فاضل و زاهدی محقق و اصولی مجتهد بوده است.

وی در سال ۱۲۹۴ قمری در نجف‌آباد متولد گردید و مقدمات علوم را در اصفهان تحصیل کرد و در سن ۱۸ سالگی به نجف اشرف مهاجرت نموده و در آنجا از محضر فقهاء و مدرسین عالیقدر من جمله آخوند خراسانی و آیت‌الله آسید محمد کاظم یزدی و آقا سید محمد فشارکی و حاج آقارضا فقیه همدانی و حاج سید اسمعیل صدر و شریعت اصفهانی استفاده نموده و در سال ۱۳۲۷ ق پس از وصول به مقامات عالیه علمی و اجتهاد و کسب اجازه از اساتید مزبور به اصفهان مراجعت نموده و تشکیل جلسات تدریس گذارده و مورد استقبال و توجه علاقمندان قرار گرفت و مخصوصاً در فن اصول و تدریس کفایه مرحوم آخوند خراسانی مهارت و تبحر کم‌نظیری داشت و بسیاری از دانشمندان و فقهاء معاصر که در اصفهان و مناطق مجاور آن به مقام علمی شهرت دارند از محضر ایشان کسب علم و کمال کرده‌اند.

و جلسات درس و بحث ایشان تا اواخر عمرشان ادامه داشت تا در روز شنبه ۲۵ ذی‌قعدة سال ۱۳۵۸ در اصفهان وفات نموده و در بقعه (سید العراقرین) مدفون گردیدند.

از آثارشان حاشیه بر کفایه است که در دو جلد به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدرس نراقی، منوچهر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روان پزشکی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مدرس یزدی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۲۸۷، یزد.

درگذشت: ۱۸ شهریور ۱۳۷۱.

آیت‌الله مدرس یزدی تحصیلات مقدماتی را در یزد سپری کرد و در سیزده سالگی وارد حوزه‌ی علمیه‌ی قم شد. پس از تکمیل تحصیلات حوزوی راهی نجف اشرف گردید و چندین سال در عتبات عالیات به تعلیم و تربیت پرداخت. سپس مجدداً به قم مراجعت فرمود و در این شهر به تدریس خارج فقه و اصول و اقامه‌ی نماز جماعت مشغول شد. پس از چند سالی بنا به اصرار جمعی از مردم، به تهران آمد و در محله‌ی امامزاده یحیی رحل اقامت گزید. اقامتشان در این محله متجاوز از نیم قرن طول کشید که در این مدت علاوه بر اقامه جماعت در تعدادی از مساجد محل به تدریس خارج فقه و اصول در مدارس علمیه، سپهسالار (مروری قدیم)، حاج ابوالحسن و... پرداخت.

آیت‌الله مدرس یزدی از مراجع عظام آقا سید ابوالحسن اصفهانی، آقا سید ضیاءالدین عراقی، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، آقا حسین طباطبایی بروجردی، آقا سید محمدتقی خوانساری گواهی اجتهاد داشت.

از ایشان رسائل و تقریرات زیادی به جای مانده به استثنای دیوان شعر شامل مباحث علمی پیرامون فقه و اصول می‌باشد. حواشی بر کتب شریف عروه‌الوثقی رسائل و مکاسب نیز از دستاوردهای زندگانی حضرت علامه می‌باشد. آیت‌الله حاج شیخ مهدی مدرس یزدی پس از هشتاد و سه سال زندگی دارفانی را وداع گفت. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

مدرس، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در ۱۲۸۷ ه.ق در قریه سرابه کچو از توابع اردستان تولد یافت. پدرش اسماعیل و جدش میرعبدالباقی از طایفه میرعابدین بود. پدر و

اجدادش متدین و مبلغ احکام الهی بودند. در شش سالگی به قمشه هجرت داده شد و تا ۱۴ سالگی در آنجا به تحصیل علوم مختلف اشتغال داشت. در ۱۶ سالگی برای ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه اصفهان شد قریب سیزده سال در اصفهان در محضر سی استاد تلمذ نمود. استادان برجسته وی میرزا عبدالعلی هرنندی و میرزا جهانگیرخان قشقائی و آخوند ملا محمد کاشانی بودند.

مدرس سپس برای ادامه تحصیل عازم نجف اشرف شد و مدت هفت سال نیز در آنجا تحصیل نمود. محاضر آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و آیت الله سید کاظم یزدی را طی کرد و از چند مرجع تقلید درجه اجتهاد گرفت. سپس به اصفهان بازگشت و در مدرسه جده به تدریس فقه و اصول مشغول گردید. یکبار در آن مدرسه به وی سوء قصد شد و چهار گلوله به سمت او شلیک شد ولی آسیب به مدرس نرسید و موضوع را نیز تعقیب نکرد.

مدرس در دوره دوم مجلس شورای ملی که انتخابات آن بعد از استبداد صغیر به صورت دو درجه‌ای انجام گرفت از طرف علمای اعلام نجف به عنوان هیئت روحانیه نظار در اجرای اصل دوم قانون اساسی انتخاب گردید. مجموعاً منتخبین علماء نجف پنج نفر بودند، یکی مدرس و چهار نفر دیگر عبارت بودند از: حاج سید زین العابدین قمی، حاج میرزا یحیی امام جمعه خوئی، حاج سید ابوالحسن اصفهانی و حاج شیخ باقر همدانی. ناگفته نماند که دو نفر اخیر به مجلس وارد نشدند. مدرس پس از ورود به تهران و مشارکت در جلسات شورای ملی خیلی زود جای خود را باز کرد. وی در آن مجلس مسلک اعتدالی را انتخاب نمود ولی رسماً داخل تشکیلات آنها نشد. مرحوم ملک الشعراء بهار در جلد اول تاریخ احزاب سیاسی می‌نویسد: «دموکراتها که ۲۸ نفر بودند مخالفان خود یعنی اعتدالین را که ۳۶ تن می‌شدند ارتجاعی می‌نامیدند؛ زیرا آن حزب هوادار روش ملایمر و رعایت سیر تکامل بود و اعتقاد به کشتن و از میان بردن مستبدان و ارتجاعیون نداشت از این رو بیشتر اعیان بدان حزب پناه می‌بردند. سپهدار اعظم تنکابنی، سردار محیی، دولت‌آبادیها، سید عبدالله بزرگ بهبهانی، سید محمد بزرگ طباطبائی دو پیشوای مشروطه و غالب متنفذین و ناصرالملک نایب‌السلطنه و فرمانفرما و غالب اعیان و روحانیون و اکثریت مجلس دوم طرفدار یا عضو این حزب شدند...» مجلس دوم در طول دو سال عمر حوادث مهمی را پشت سر گذاشت و به ترتیب سپهدار تنکابنی، مستوفی‌الممالک، سپهدار تنکابنی و صمصام‌السلطنه را به روی کار آورد. دو نایب‌السلطنه در آن دوران معرفی و انتخاب شدند. محمد علی شاه و دو برادرش به خاک ایران تجاوز نمودند و سرانجام اولتیماتوم روسیه برای اخراج شوستر عمر آن مجلس را پایان بخشید. سید حسن مدرس در تمام مسائل مهم مطروحه در مجلس دوم دست اندر کار بود و با نطقهای طولانی و بحثهای مختلف در حل مشکلات دولت را یاری می‌داد و در مقابل خواستهای غیرقانونی امنای دولت سرسختانه مبارزه و از انجام آن جلوگیری می‌کرد.

وقتی مرحوم مشیرالدوله وزیر عدلیه وقت قانون اصول محاکمات را تهیه و به مجلس تقدیم کرد در کمیسیون عدلیه که ریاست آن با مدرس بود قانون را رد کردند و موجب قهر مشیرالدوله شد و در وزارتخانه حضور نیافت. عده‌ای از وکلای متنفذ مجلس باری اصلاح ذات‌البین به تلاش افتادند و از دیوانعالی کشور هم عده‌ای دست به کار شدند. سرانجام مدرس تصویب قانون اصول محاکمات را موکول بر آن نمود که هشت ماده‌ای که او پیشنهاد می‌کند در ابتدای قانون آورده شود. مشیرالدوله سرسختانه در مقابل هشت ماده پیشنهادی مدرس ایستادگی کرد ولی بالاخره چاره و پیشرفت قانون را منحصر در قبول کلیه مواد دید و ناچار تسلیم مدرس شد.

در اواخر دوره دوم مجلس که قسمتی از کشور تحت سلطه سربازان روسی بود بطور ناگهانی اولتیماتومی در سه اصل به دولت ایران داده شد که اصل اول آن اخراج موردگان شوستر امریکایی بود. دولت صمصام‌السلطنه اولتیماتوم را به مجلس برد و در اثر نطق تند و احساساتی شیخ محمد خیابانی مجلس به اتفاق آرا اولتیماتوم را رد کرد و روسها قوای نظامی خود را به سمت تهران حرکت دادند. جلسات مجلس شب و روز تشکیل می‌شد، در این جلسات مدرس نقش بسیار سازنده‌ای پیش گرفت تا موضوع به نفع ایران خاتمه یابد، چند نطقی که مدرس در این زمینه ایراد کرد بسیار سنجیده و پخته بود و راه‌لهایی ارائه نمود.

پس از تعطیل قهری مجلس دوم به شغل اصلی خود که تدریس فقه و اصول بود پرداخت و همه روز در مدرسه عالی سپهسالار حضور یافته برای شاگردان خود درس می‌گفت. ضمناً با محافل سیاسی تهران نیز در رفت و آمد بود و در حقیقت از شخصیت‌های برجسته سیاسی و روحانی تهران محسوب می‌شد. ناصرالملک نایب‌السلطنه وقت برای ادامه دیکتاتوریه‌های خود هرگز به فکر انتخابات دوره سوم نیفتاد تا بالاخره پس از سه سال فترت در دوره رئیس‌الوزرای علاء‌السلطنه فرمان انتخابات دوره سوم صادر شد و عین‌الدوله وزیر داخله وقت دستور اجرای آن را به حکام صادر نمود. در این دوره سید حسن مدرس به علت حسن شهرت از تهران کاندیدای نمایندگی مجلس شد و پس از اخذ آراء و شمارش آن وکیل دوم تهران گردید.

مجلس سوم مجموعاً قریب یکسال دوام کرد و در همان یکسال با مشکلات عظیمی مواجه بود. مدرس در رأس هیئت علمیه قرار داشت که تعداد نمایندگان آن در مجلس متجاوز از پانزده نفر بودند. در این دوره از مجلس وزیران مختار روس و انگلیس به زور فرمان رئیس‌الوزرائی سعدالدوله را از احمد شاه گرفتند ولی در اثر تلاش سفیر عثمانی و وزیر مختار آلمان فرمان باطل شد و آزادیخواهان مجلس عین‌الدوله را به ریاست وزرائی منصوب کردند. مدرس در این انتصاب نقشی مهم و عمده داشت. در کابینه عین‌الدوله که به اتفاق مورد تأیید مجلس قرار گرفته بود پس از دو ماه فرمانفرما وزیر داخله راجع به جریانات کرمانشاه مورد استیضاح دموکراتها قرار گرفت و عین‌الدوله نخست‌وزیر به موجب مسؤولیت مشترک وزیران استیضاح را متوجه هیئت وزیران کرد و در روز موعود به اتفاق وزیران به استیضاح پاسخ داد و در اثر گفتگوهای تندی که بین سلیمان محسن لیدر دموکراتها و عین‌الدوله رد و بدل شد تعرضاً مجلس را ترک و استعفا داد. مدرس به حمایت عین‌الدوله نطق مهم و مستدلی ایراد کرد و سخنان عین‌الدوله را تأیید نمود. در اثر سخنان مؤثر مدرس مجلس مجدداً به عین‌الدوله ابراز اعتماد کرد ولی عین‌الدوله زیر بار نرفت و نخست‌وزیری را نپذیرفت.

در نیمه‌های آبان ماه ۱۲۹۴ ش به دنبال حرکت قوای قزاق روس به سمت تهران احمد شاه تصمیم به ترک تهران و تغییر پایتخت گرفت و نیت و قصد خود را به کاخ‌نشینان لندن و پطروید گراد تلگرافی اطلاع داد. در آن موقع رجال ایران به دو دسته تقسیم می‌شدند: عده‌ای با تغییر پایتخت موافق بودند و عده‌ای مخالف این تصمیم بوده و پافشاری می‌نمودند که شاه تهران را ترک نکند. قبل از حرکت شاه از تهران عده زیادی از رجال و روحانیون و نمایندگان مجلس به سمت قم حرکت کردند، مدرس جزو لیبران مهاجرین بود. چندی در قم و کاشان و اصفهان توقف نمودند ولی چون قوای روس در تعقیب آنها بود به سمت کرمانشاه حرکت کردند. وزیران مختار روس و انگلیس احمدشاه را در تغییر پایتخت منصرف ساختند و به دستور احمدشاه مهاجرین تلگرافی به تهران احضار گردیدند ولی هیچکدام آنها دعوت شاه را نپذیرفته و درصدد دفاع از حیثیت کشور شدند. کمیسیونهای متعددی برای جمع‌آوری اعانه و خرید اسلحه تشکیل شد تا سرانجام رضا قلی‌خان نظام‌السلطنه حکمران بروجرد و لرستان و خوزستان با یک عده قوا وارد صحنه کرمانشاه شد. وی ریاست کل قوای ایران را برعهده گرفت و وزیرانی برای خود تعیین کرد که عبارت بودند از: سید حسن مدرس وزیر عدلیه و اوقاف، رضا قلی‌سالار نظام وزیر امور خارجه، میرزا حسین خان ادیب‌السلطنه وزیر داخله، میرزا قاسم خان صور اسرافیل وزیر پست و تلگراف، محمد علی خان کلوپ وزیر مالیه و حاج عزالممالک وزی فواید عامه.

مدرس ظاهراً وزارت عدلیه و اوقاف را توأمان عهده‌دار بود، ولی عملاً نظام‌السلطنه در تمام تصمیمات او را مشارکت می‌داد. این هیئت به روس و انگلیس اعلان جنگ داد. در چند منطقه بین قوای ژاندارم و نیروی ملی با قوای روسیه زد و خورد شدید شد و روسها قصد تسخیر کرمانشاه را نمودند. دولت موقتی و قوای او به سمت کزنند و قصر شیرین رفتند و از آنجا به بصره و بغداد رفته سرانجام وارد استانبول شدند. در تمام مدت جنگ مدرس در استانبول بسر می‌برد و چندین بار با سلطان عثمانی و رئیس‌الوزراء و مقامات درجه اول آن کشور ملاقات و مذاکره کرد.

در سال ۱۲۹۵ که میرزا حسن خان وثوق‌الدوله به رئیس‌الوزرائی انتخاب شد فرمان انتخابات دوره چهارم مجلس شورای ملی را

صادر کرد و انتخابات بعضی از نقاط در همان موقع انجام گرفت. انتخابات تهران در مهرماه ۱۲۹۶ پایان گرفت و مدرس وکیل تهران شد در حالی که در آن ایام مدرس در استانبول اقامت داشت ولی وجهه و شخصیت وی موجب گردید مردم تهران او را به وکالت خود انتخاب نمایند. پس از پایان جنگ جهانی اول، مدرس و عده‌ای از مهاجرین از استانبول به تهران بازگشتند. بعد از وثوق‌الدوله به ترتیب علاء‌السلطنه، عین‌الدوله، مستوفی‌الممالک و صمصام‌السلطنه هریک مدت کوتاهی به زمامداری رسیدند ولی دردی دوا نشد.

در اوایل ۱۲۹۷ که صمصام‌السلطنه زمام امور را در دست گرفت، دولت ایران با مشکلاتی بزرگ مواجه بود از جمله تخلیه ایران از قوای خارجی، تعیین و اخذ خسارات ناشی از جنگ که به ایران وارد شده بود، روابط جدید و عقد قرارداد با همسایه شمالی که در اثر انقلاب و سقوط حکومت تزار و تشکیل شوراهای دولتی لازم بود که شخصی اداره امور را در دست بگیرد که توانایی مشکلات کشور را داشته باشد. مدرس در این کار پیشقدم بود و با تشکیل جلسات متعدد و بیان مشکلات کشور و عدم توانایی صمصام‌السلطنه خواستار یک دولت قوی از احمدشاه شدند. احمدشاه که مردی ضعیف و کم اراده بود خواسته مردم را جدی نگرفت تا اینکه عده زیادی از روحانیون به ریاست سید حسن مدرس و حاج آقا جمال و سید محمد امام جمعه در حضرت عبدالعظیم تحصن اختیار کردند و با تشکیل جلسات و ایراد سخنرانی خواستار عزل صمصام‌السلطنه و رئیس‌الوزاری وثوق‌الدوله شدند. دامنه مخالفت با زمامداری صمصام‌السلطنه ابعاد گسترده‌تری پیدا کرد، بازار تهران تعطیل شد و اصناف ضمن تظاهراتی عزل او را خواستند. احمدشاه سرانجام تسلیم روحانیون شد و از آنها خواست که به شهر بازگردند و خواسته آنها را اجابت خواهد نمود. بالاخره تحصن شکسته شد و مدرس و همکاران او پس از ملاقات با احمدشاه خواستار تعیین رئیس‌الوزرای پرقدرتی شدند و قرعه فال به نام میرزا حسن خان وثوق‌الدوله افتاد. صمصام‌السلطنه عزل و وثوق‌الدوله روی کار آمد.

مدرس در سال اول زمامداری وثوق‌الدوله او را تقویت می‌کرد و در تمام کارها به او مشورت می‌داد ولی پس از اعلام انعقاد قرارداد ۱۹۱۹، مدرس در رأس مخالفین قرارداد و وثوق‌الدوله قرار گرفت و تمام تلاش خود را برای عدم اجرای قرارداد به کار برد. وثوق‌الدوله بعد از یأس از اجرای قرارداد از کار کناره‌گیری کرد و راه اروپا پیش گرفت. مشیرالدوله و سپهدار اعظم رشتی جانشینان بعدی نیز کاری از پیش نبردند تا کودتای سوم حوت ۱۲۹۹ انجام گرفت و سید حسن مدرس توسط کودتاجیان بازداشت و به زندان افتاد.

فکر کودتا از چندی پیش در تهران در مغز عده‌های فرو رفته بود، از جمله گفته می‌شد که سید حسن مدرس نیز قصد کودتا داشته است. ملک‌الشعراى بهار در کتاب تاریخ مختصر احزاب سیاسی اشاراتی در این مورد دارد، از جمله می‌نویسد:

روز پنجشنبه مطابق ۷ حوت از دفتر رئیس‌الوزراء به من تلفن شد و مرا به عمارت گالاری احضار کردند. رئیس‌الوزراء با کلاه پوست ترکی مانند و سرداری در آخرین اتاق جنوبی مرا پذیرفت، هنوز دولتی انتخاب نکرده بود. در ملاقات با ایشان دست خوش! گفته شد. رئیس دولت اظهار داشت اگر من کودتا نکرده بودم، مطمئن باشید که (مدرس) کودتا کرده همه ما را به دار می‌آویخت!

مدرس در تمام مدت زمامداری سید ضیاء‌الدین در زندان بسر برد تا اینکه میرزا احمد خان قوام‌السلطنه از زندان آزاد و به صدارت انتخاب گردید و روز نهم خرداد تمام زندانیان از جمله مدرس آزاد شده با شاه ملاقات کردند.

قوام‌السلطنه روز اول تیر ماه مجلس چهارم را که انتخابات آن در دوره وثوق‌الدوله آغاز شده بود افتتاح کرد.

مدرس در مجلس چهارم به اطراف خود نگرست تا عده‌ای را با خود همراه و همدل کند. چند نفری را برای خود انتخاب کرد مانند میرزا هاشم آشتیانی، سردار معظم خراسانی (تیمورتاش)، نصرت‌الدوله فیروز و نصیرالسلطنه اسفندیاری و نام اصلاح طلب برای خودشان انتخاب کردند. اولین کار مدرس در مجلس چهارم و همکاران نزدیک وی رد اعتبارنامه‌های طرفداران سید

ضیاءالدین بود. نقش اول این بازی بر عهده عبدالحسین تیمورتاش قرار گرفت و در نتیجه اعتبارنامه‌های عدل‌الملک دادگر، سلطان محمد عامری و مهدی خان معتصم‌السلطنه رد شد. کم‌کم این چند نفر نبض مجلس چهارم را در دست گرفتند و در انتخابات اولین هیئت رئیسه سردار معظم تیمورتاش و سید حسن مدرس به نیابت ریاست انتخاب شدند. مدرس در مجلس چهارم در حقیقت لیدر اکثریت بود و هیچکاری در دولت بدون نظر وی به انجام نمی‌رسید.

اولین حمله سید حسن مدرس به رضاخان سردار سپه وزیر جنگ در همین مجلس آغاز شد. در روز ۱۲ مهرماه سال ۱۳۰۱ معتمدالتجار نماینده مردم تبریز نطقی در پارلمان ایراد کرد و از ظهور ارتجاع در تبریز و رشت و خرابی اوضاع و نقض شدید قوانین شکایت نموده از جمله از کارهای حکومت‌های نظامی هم شکوه کرده و بالاخره متذکر شد که باید حکومت‌های نظامی ملغی شود. بر اثر این خطابه سید حسن مدرس نطقی در چگونگی مجلس چهارم و خدمات آن بیان نموده و قدرت مجلس را گوشزد کرد، قضایای تاریخی مجلس دوم را برشمرد و گفت اگر وزیر بد است باید او را تغییر داد و ضمناً اسمی از وزیر جنگ برده و گفت منافع و مضاری دارد که منافع او اساسی و مضار او فرعی است.

نطق مدرس در وزیر جنگ مطلب نیفتاد، لذا در مقام استعفا برآمد و ضمن ملاقات با محمد حسن میرزا ولیعهد استعفای خود را از وزارت جنگ و فرماندهی قوا اعلام نمود. قوای نظامی پس از رنجش سردار سپه که منجر به استعفای او شده بود به تکاپو افتاده با ایراد نطق و میتینگ و رژه در خیابانها در مقام تهدید مجلس برآمدند. به دنبال استعفای سردار سپه، حاکم نظامی هم کناره‌گیری نمود و امنیت تهران مختل شد و بالاخره با وساطت موتمن‌الملک، سردار سپه استعفای خود را پس گرفت و مشغول کار گردید و در مجلس وعده داد حکومت نظامی را ملغی کند و ادارات خالصجات و مالیات مستقیم را به مالیه واگذار کند.

مدرس لیدر اکثریت مجلس چهارم بود و قوام‌السلطنه را مرد میدان سیاست می‌دانست. وقتی دموکرات‌های مجلس به لیدری سلیمان محسن بر روی مخالفت با اختیارات وزیر دارایی کابینه در مقام مخالفت با قوم برآمدند - که منجر به کناره‌گیری رئیس دولت شد - مدرس رئیس‌الوزرای مشیرالدوله را پیش کشید. علت اساسی این تصمیم این بود که مشیرالدوله در سمت رئیس‌الوزرای ماندگار نبود چون به حیثیت خود و وجه‌الملمه بودن اهمیت زیادی می‌داد، لذا در اولین برخورد با نمایندگان صندلی صدارت را خالی می‌کرد، از این رو، مدرس مشیرالدوله را به جای قوام نشانید و پیش‌بینی او درست درآمد. بعد از چهار ماه مشیرالدوله از کار کنار رفت و با اصراری که احمدشاه از اروپا به وی نمود پذیرفت. مدرس قوام‌السلطنه را کاندیدای نخست‌وزیری کرد و سرانجام اکثریت مجلس به او رأی اعتماد دادند و احمدشاه نیز تلگرافی او را تأیید کرد. قوام در دوره دوم نخست‌وزیر خود دست به یک سلسله اقدامات اصلاحی زد. مهمترین کارش جلوگیری از تدریویهای سردار سپه وزیر جنگ بود. قانون استخدام کشوری و قانون محاکمه وزراء و قانون استخدام مستشاران امریکایی در این دوره از رئیس‌الوزرای قوام‌السلطنه به تصویب رسید، ولی باز هم سوسیالیستها به زعامت سلیمان محسن قوام را مورد حمله قرار دادند و به جای وی مستوفی‌الممالک را کاندیدا نمودند. مجلس با این تغییر موافقت نمود ولی مدرس با این انتخاب مخالف بود. مستوفی پس از ۱۵ روز کابینه نیم‌بندی به مجلس معرفی کرد و پروگرام خود را در مجلس خواند. روز سیزدهم اسفند سید حسن مدرس به عنوان مخالف پشت تریبون مجلس قرار گرفته نطق تاریخی خود را ایراد کرد.

مدرس گفت: البته همه آقایان می‌دانند که از بدو تأسیس دولت حاضر بنده و یک جماعتی از آقایان اظهار موافقت نکردیم و شاید بعضی از این مسأله ملول باشند ولی ما تا این ساعت به وظیفه و کالتی خود عمل کرده‌ایم و علت عدم موافقت این بوده است که موافقت با شخص رئیس دولت به ملاحظه سانس بودن شخص رئیس دولت است و الا هیچ شبهه نیست که آقای رئیس‌الوزرای حالیه آقای مستوفی‌الممالک از اشخاص خوب و صالح و خدمتگذار این مملکت هستند. خوبی شخص غیر از تصدیق به سانس بودن آنست، هر شخصی هر وکیلی نسبت به دولت، پارلمان نسبت به دولت، نه نسبت به دولت باید یک ماده اجتماعی داشته باشیم.

در سیاست وقتی که با یک دولتی ماده اجتماع سیاسی عملی داریم تکلیف ما است که با او موافقت کرده و از او نگهداری کنیم، موافقتی که تعبیر می‌شود به ورقه سفید و مکرر عرض کرده‌ام و از این عقیده هم منصرف نمی‌شوم که هر دولتی که بخواهد در مملکت کار بکند بایستی با ورقه سفید بیاید و با ورقه آبی برود. اگر کسی واقعا شخصی شد عادی در سیاست یا جاهل در سیاست یا غیرملفت در سیاست یا شکاک در سیاست ممکن است ممتنع باشد، مثل ما که نسبت به دولت جدید از اول ممتنع بوده‌ایم. علت هم این بوده که بنده و عده‌ای از آقایان قبل از معرفی آقای رئیس‌الوزراء اساس سیاستی نگذارده بودیم، به خلاف دولتهایی که قبل از اینکه داخل این عنوان بشوند اساس سیاستی گذارده بودیم. پس قصوری متوجه ما نیست و بایستی همین قسم کرده باشیم.

البته همه و کلا همین قسمند، همه خوب، همه چیز فهم هستند و علی‌الخصوص اشخاصی که تشریف دارند ولی بنده در این شهر شما و مملکت شما معتقد به سیاست هیچیک از رجال شما نیستم و هیچ رجلی را سراغ ندارم که از خودم بالاتر باشد. می‌شود جهل مرکب باشم، می‌شود مطابق با واقع باشد (یکی از نمایندگان: تصور می‌رود که قسمت اول باشد) و مقلد سیاست هیچیک از رجال نیستم و هیچ رجلی از رجال مملکت چه اروپا رفته چه نرفته را ندیده‌ام که دماغش از دماغ خودم باشد. می‌شود جهل مرکب باشم اما انشاءالله نیستم و چون بنده در فضای خودم جنبه موافقتی نداشتم لذا به امتناع خود باقی ماندیم تا امروز که پروگرام دولت مطرح است و از آقایان که رئیس‌الوزراء حالیه با سوابقی که دارند و با سوابق اینکه رشته سیاست در دستشان بوده است، بایستی شما را هدایت کرده باشند به اینکه موافقت ساکت و ممتنع نباشید. همان عرضی را می‌کنم که در اتاق تنفس کردم. در اول دوره‌ای که ما رجالی داریم همه‌شان خوب هستند برای موقعی مناسب هستند. بعضی شمشیر برنده هستند برای موقعی، بعضی هم شمشیر مرصع هستند برای موقعی. کلام بر سر توافق سیاست است...

مدرس پس از ایراد سخن مقدماتی به بحث و تشریح برنامه دولت پرداخته و ماده به ماده پروگرام دولت را مورد نقد قرار داده و نتیجه‌گیری کرد که تمام آنها خواب و خیالی بیش نیست. روز بعد جلسه خصوصی مجلس برای ادامه بحث پیرامون پروگرام دولت تشکیل شد. بین مدرس و موافقین دولت مذاکرات تنیدی صورت گرفت که منجر به منازعه بین عده‌ای از وکلاء شد و سرانجام دولت مستوفی‌الممالک با اکثریت ضعیفی رأی اعتقاد گرفت اما مدرس در کمین نشسته بود تا تیر خلاص را به مغز دولت بزند.

روز نوزدهم خرداد ۱۳۰۲ مدرس تیر خلاص خود را رها کرد و دولت را درباره سیاست خارجی استیضاح کرد. فروغی وزیر امور خارجه درباره سیاست خارجی توضیحاتی داد و مستوفی هم نطق تنیدی ایراد نموده، در پایان سخنان خود گفت: «وضعیات این مملکت یک اشخاصی را می‌خواهد که وقتی داخل در کار می‌شوند یک آجیلهایی بگیرند و یک آجیلهایی پخش کنند، بنده نه اهل گرفتن هستم و نه اهل دادن نه می‌گیرم و نه می‌توانم بدهم و اصراری هم به ماندن ندارم و این ایام غیبت مجلس را هم که شاید در پیش بعضی یکی از ایام بره‌کشی فرض شود برای اشخاصی که اشتها دارند می‌گذارم من که اشتها ندارم معده من خراب است از اینجا مرخص می‌شوم.»

مستوفی پس از ایراد نطق تند خود از ریاست دولت کناره‌گیری نمود و مجلس میرزا حسن خان مشیرالدوله را بر صندلی صدارت نشانید.

انتخابات دوره پنجم مجلس شورای ملی در دوره مشیرالدوله آغاز و در ریاست دولت سردار سپه پایان پذیرفت. نظامیان در این انتخابات دست‌اندر کار بودند. در تهران انتخابات به صورت آزاد انجام گرفت و در نتیجه مصدق‌السلطنه، سید حسن مدرس، سید حسن تقی‌زاده، مستوفی‌الممالک، مشیرالدوله، مؤتمن‌الملک، میرزا هاشم

آشتیانی، میرزا حسین علاء، سلیمان محسن، سید احمد بهبهانی، قوام‌السلطنه و شیخ علی مدرس به نمایندگی دوره پنجم انتخاب گردیدند. این مجلس در روز ۲۲ بهمن ماه ۱۳۰۲ با نطق افتتاحیه محمد حسن میرزا ولیعهد کار خود را آغاز کرد. ولی در پشت

قیافه ظاهری مجلس صدها مطلب مکتوم وجود داشت. این مجلس می‌بایستی در اولین جلسه رسمی خود طرح اکثریت مجلس را به تصویب برساند. طرح مزبور که به همت حزب تجدد به لیدری سید محمد تدین و سوسیالیست‌ها به زعامت سلیمان محسن اسکندری تنظیم شده بود، حاکی از تغییر رژیم بود، یعنی رژیم ایران می‌بایستی از مشروطه سلطنتی به جمهوری تبدیل شود البته به تقلید دولت همسایه ما یعنی ترکیه.

مدرس با این طرح مخالفت جدی داشت و یک تنه می‌خواست در مقابل آن ایستادگی کند و کرد. از این رو مدرس درصدد برآمد رسمیت مجلس را به عقب بیندازد و این عمل جز مخالفت با اعتبارنامه‌ها هیچ راهی نداشت. هر اعتبارنامه‌ای که مطرح می‌شد مدرس با مخالفت آن را به شعبه مربوطه باز می‌گردانید حتی با اعتبارنامه مؤتمن‌الملک هم به مخالفت برخاست. غیر از هیاهو و سروصدا در پارلمان تب‌جمهوریت سرتاسر کشور را فرا گرفته بود. دستجات مختلف با ارسال طومار تلگرام و میتینگ خواستار حکومت جمهوری برای سردار سپه بودند.

روز بیست و هفتم اسفند ماه در جلسه علنی بین طرفداران سردار سپه و مدرس مناقشات سختی در گرفت و هنگامیکه مدرس در پشت تریبون مشغول صحبت بود تدین و یاران وی به عنوان تعرض جلسه را ترک گفتند و چون مجلس از اکثریت افتاد نطق مدرس نیمه کار ماند. وی از جلسه خارج شد و در سراسر آن نمایندگان جمع بودند، به ایراد سخن پرداخت. در این هنگام دکتر حسین اعیان‌السلطنه که از طرفداران سردار سپه بود جلو رفته سلیبی محکمی به گوش مدرس نواخت به طوری که عمامه از سر وی به زمین افتاد.

ملک‌الشعراء بهار که خود ناظر صحنه بوده است در این باره می‌نویسد:

اما این سیلی به قدری پر سر و صدا بود که به ناگاه در تمام شهر مثل زنگ ناقوس در پیچید و احساسات خفته را بیدار کرد. دکانها بسته شد، انقلاب بزرگی نمودار گردید. جمعیتی که انبوه جمعیت جمهوریخواه نامبرده در برابر آن مثل قطره در برابر سیل خروشان می‌نمود، گرد آمد.

این سیلی موجب شد که فردای آن روز جمعیتی در مسجد شاه اجتماع نموده علیه جمهوری دست به تظاهرات بزنند. روز ۳۰ اسفند طرح قانونی تغییر رژیم مشروطه به جمهوری تقدیم مجلس شد و روز دوم فروردین جلسه علنی تشکیل گردید تا طرح مورد تصویب قرار بگیرد. در همان موقع که جلسه تشکیل شده بود جمعیت زیادی در میدان بهارستان اجتماع نموده تظاهرات شدید خود را نسبت به مخالفت با جمهوری ابراز می‌نمودند. به دستور سردار سپه نظامیان برای تفرقه مردم ابتدا شلیک هوایی نموده و سپس به ضرب و شتم مردم پرداختند. مؤتمن‌الملک پس از اطلاع از موضوع سردار سپه را احضار و شدیداً به وی اعتراض کرد که چرا دستور کتک زدن مردم را داده‌ای. مؤتمن‌الملک مجلس را می‌خواست تشکیل بدهد تا تکلیف سردار سپه را روشن کند که با وساطت مشیرالدوله بین آن دو تفاهم ایجاد شد.

سرانجام تلاش سید حسن مدرس برای برهم زدن جمهوری به ثمر نشست و مخالفت تمام دستجات علنی و عریان شد. سردار سپه ناچار به قم عزیمت نمود و از آنها کسب تکلیف کرد و چون آنها هم مخالف بودند پس از مراجعت به تهران اعلامیه‌ای صادر کرده و متذکر شد برای احترام مقام روحانیت از فکر جمهوری انصراف حاصل گردید.

مدرس بر خلاف دوره چهارم مجلس که لیدر اکثریت بود در این دوره لیدر اقلیت شد که تنها وظیفه این اقلیت مبارزه با سردار سپه و جلوگیری از اعمال خلاف قانون وی و نظامیان بود. به دنبال قتل میرزاده عشقی شاعر و مدیر روزنامه قرن بیستم و ماژور ایمیری ویس کنسول امریکا دولت سردار سپه اعلام حکومت نظامی نمود و عده‌ای از مخالفین خود را بازداشت کرد. تنها نماینده‌ای که با اعلام حکومت نظامی مخالفت کرد سید حسن مدرس بود در حالی که طرفداران سردار سپه در میان نطق مدرس (پارازیت) رها می‌کردند معذک مدرس سخنان دلنشین و کوبنده خود را ایراد نمود ولی چون نتیجه‌ای از آن حاصل نشد دولت سردار سپه را

استیضاح کرد. متن استیضاح به این شرح بود:

بسم الله الرحمن الرحيم

اینجانبان راجع به مواد ذیل از آقای رئیس‌الوزراء استیضاح می‌نماییم:

۱- سوء سیاست نسبت به داخله و خارجه.

۲- قیام و اقدام بر ضد قانون اساسی و حکومت مشروطه و توهین به مجلس شورای ملی.

۳- تحویل ندادن اموال مقصرین و غیره به خزانه دولت.

حائری زاده- عراقی- کازرونی- مدرس- اخگر- ملک‌الشعراء- سید حسن زعیم.

شوق سوم استیضاح مربوط به تصرف و غارت جواهرات و خزانه پربار اقبال‌السلطنه ماکوئی بود. به دستور سردار سپه امیرلشکر عبدالله خان طهماسبی فرمانده لشکر آذربایجان و حاکم نظامی آن منطقه که با اقبال‌السلطنه ماکوئی دوستی و نزدیکی داشت به ماکو رفته و پس از بازگشت اقبال‌السلطنه را با خود به تبریز آورده زندانی می‌نماید. اقبال‌السلطنه پس از ده روز تحمل زندان فوت می‌کند. در غیاب خان ماکو امیر طهماسبی کلیه جواهرات و خزائن گران قیمت او را که قریب شش قرن جمع‌آوری شده بود به وسیله ایادی مطمئن خود جمع‌آوری نموده بدون کوچکترین تصرفی آنها را نزد سردار سپه می‌فرستد و سردار نیز آنها را در خزانه شخصی خود ذخیره می‌نماید بدون اینکه چیزی از آن را به خزانه دولت واگذار کند.

منظور و مقصود مدرس بیان قتل اقبال‌السلطنه و تصرف و حیف و میل اموال او توسط سردار سپه بود. طبعاً سردار سپه از عنوان ساختن چنین مطالبی وحشت داشت. سردار سپه با تمام قدرت توسط طرفداران خود از استیضاح جلوگیری کرد گذشته از حملات شدید مطبوعات به اقلیت مخصوصاً مدرس معلوم شد که حوادث در شرف تکوین است. بامداد روز هفدهم مرداد که دولت برای استماع استیضاح در مجلس حاضر شده بود بین سردار سپه و مدرس گفتگوی لفظی تندی بوجود آمد ولی اکثریت حاضر به تشکیل جلسه نشدند، و قرار شد استیضاح بعد از ظهر صورت گیرد. هنگام مراجعت اقلیت به منازل خود، مدرس و کازرونی و حائری زاده به شدت مضروب شدند و لذا بعد از ظهر در مجلس حضور نیافتند. تنها ملک‌الشعراء از اقلیت در جلسه حضور یافته نطق کوتاهی ایراد کرد و سرانجام دول رأی اعتماد گرفت.

سردار سپه در پائیز ۱۳۰۳ به خوزستان رفت و پس از اتمام کار شیخ خزعل به تهران بازگشت و در صدد تحکیم وضع خود برآمد. عده‌ای از یاران نزدیک سردار سپه در صدد برآمدند که بین او و مدرس دوستی برقرار شود، سردار معظم تیمورتاش و نصرت‌الدوله فیروز و علی‌اکبر داور در پیاده کردن این فکر بیش از دیگران تلاش و دوندگی کردند. سرانجام در چندین جلسه بین سردار سپه و مدرس سخنه‌های رد و بدل شد و مدرس نصایحی کد و ظاهراً تمام نصایح مورد قبول واقع شد. پس از مذاکرات زیاد سردار سپه به مدرس گفت که من از این دو برادر (احمدشاه و محمد حسن میرزا) اطمینان ندارم ممکن است خدمات مرا ضایع سازند من میل دارم مجلس به من مقام و شغل بدهد تا من بتوانم با خیال راحت اصلاحات خود را ادامه دهم و از اینجا بود که فکر واگذاری فرماندهی کل قوا بوجود آمد و مدرس در این واگذاری نقشی سازنده و اساسی داشت و به اقلیت توصیه کرد که به آن رأی بدهند. تصویب قانون نظام اجباری که ابتدا با مخالفت مدرس در کمیسیون مدفون شده بود پس از توسل سردار سپه به او و حضور در منزل مدرس سرانجام با حمایت لیدر اقلیت به تصویب رسید. در اواسط مرداد ماه ۱۳۰۴ سردار سپه دو پست کابینه را در اختیار مدرس قرار داد تا هر کسی را که می‌خواهد به عنوان وزیر معرفی کند. در این توافق دو وزارتخانه داخله و مالیه در اختیار مدرس قرار گرفت و او نیز دو تن از دوستان خود را معرفی کرد. در اثر این معرفی شکرالله خان قوام‌الدوله به وزارت داخله و فیروز میرزا نصرت‌الدوله به وزارت مالیه تعیین شدند.

بالاخره در روز نهم آبان ماه ۱۳۰۴ طرح نمایندگان مجلس مبنی بر خلع قاجاریه و واگذاری حکومت موقتی به رضاخان سردار سپه

و تشکیل مجلس مؤسسان برای اصلاح بعضی از اصول متمم قانون اساسی مطرح شد. مخالفین که در رأس آنها سید حسن مدرس بود نتوانستند کاری از پیش ببرند و بالاخره سردار سپه به پادشاهی رسید.

پس از تاجگذاری رضاشاه انتخابات دوره ششم آغاز شد و مدرس و کیل چهارم تهران شد. مدرس در این مجلس با چندین اعتبارنامه به مخالفت برخاست و حرفهایی در مورد دخالت در انتخابات از طرف نظامیان ایراد کرد.

روز هفتم آبان ماه ۱۳۰۵ در تهران واقعه‌ای بوقوع پیوست که تمام مسائل سیاسی روز را تحت‌الشعاع قرار داد و برای عده‌ای که در گود سیاست بودند اولین زنگ خطر شد.

در آن ایام رضاشاه در املاک اختصاصی مازندران گردش می‌کرد. بامداد آن روز هنگامی که مدرس طبق معمول برای درس گفتن به مسجد سپهسالار می‌رود در کوچه سرداری غفلتا مورد حمله چند نفر قرار می‌گیرد و چندین تیر به سوی او شلیک می‌شود. در اثر شلیک گلوله بازوی چپ وی به شدت مجروح و یک گلوله هم به دست راست اصابت می‌کند. صابری پس از اجرای مأموریت فرار می‌کنند. مدرس ابتدا به مریضخانه نظمی انتقال می‌یابد، ولی پس از اطلاع جامعه روحانیت عده‌ای به زعامت حاج امام جمعه خویی در بیمارستان حضور یافته او را به بیمارستان احمدی انتقال دادند. سوءقصد به مدرس در تمام ایران منتشر شده و رضاشاه تلگرافی از او احوالپرسی کرد؛ ولی مدرس پاسخ داده بود (به کوری چشم دشمنان هنوز مدرس زنده است).

مجلس شورای ملی برای رسیدگی به حادثه ابتدا جلسه خصوصی تشکیل داد. بیش از هر کسی سید احمد بهبهانی داد سخن داد و دولت را مورد مؤاخذه قرار داد. وثوق‌الدوله وزیر عدلیه وعده تعقیب به مجلس داد، و علی‌اکبر داور نطق مهمی ایراد کرد، ولی تمام این سروصداها بی‌نتیجه ماند و همه می‌دانستند این سوءقصد توسط عوامل و مأمورین نظمی انجام گرفته است.

مدرس پس از چند ماه بهبودی حاصل کرده در مجلس حضور یافت و مانند گذشته نظریات خود را در تمام موارد ابراز می‌کرد. دوره ششم مجلس پایان یافت و در دوره هفتم مدرسه به مجلس راه نیافت. در آن ایام سمت وی نیابت تولیت مدرسه سپهسالار بود و همه روزه برای تدریس و اداره امور مدرسه حضور می‌یافت. روز ۱۶ مهر ماه ۱۳۰۷ سرشب سرتیپ محمد درگاهی رئیس نظمی به اتفاق سرهنگ رادسر رئیس پلیس و سرهنگ راسخ رئیس زندان و عده کثیر مأمور به خانه وی رفته او را دستگیر نمایند. ابتدا درگاهی در مقام توهین به وی برآمده ولی مدرس جوابهای دندان‌شکنی به او می‌دهد و سرانجام زد و خوردی بین آن دو به وقوع می‌پیوندد. درگاهی به کمک همراهان خود مدرس را دستگیر نموده کشاکشان به خارج خانه برده سوار اتومبیلی نموده از تهران خارج می‌سازند و پس از چند روز طی طریق در شهر خواف واقع در سرحد ایران و افغان او را در شرایط بسیار نامساعدی زندانی می‌نمایند. مدرس قریب ۹ سال در زندان خواف به سربرد تا اینکه در ۱۳۱۶ دستور قتل وی صادر شد. در ۲۲ آبان ماه او را از زندان خواف به زندان کاشمر انتقال دادند و در روز ۱۰ آبان ماه در زندان شهربانی کاشمر او را به وضع دلخراشی به قتل رسانیدند. ابتدا به او سم داده می‌شود و چون اثر سم سریع نبود مأمورین او را خفه می‌نمایند.

چگونگی قتل سید حسن مدرس بعد از شهریور ۱۳۲۰ در دادگستری مطرح گردید و کیفر خواست مشروح دادستان برای آگاهی خوانندگان در ذیل درج می‌گردد. رحمت‌الله علیه.

متن ادعای دادستان دیوان کیفر

ریاست دادگاههای دیوان کیفر: کارکنان دولت رسدبان ۳ محمود مستوفیان پسر مصطفی چهل و هفت ساله دارای عیال و اولاد مسلمان تبعه ایران، رئیس پیشین شهربانی کاشمر اهل و ساکن مشهد و حبیب‌الله خلجی پسر عزیزالله شصت و پنج ساله دارای زن و فرزند مسلمان تبعه ایران اهل تهران، ساکن ملایر سرپاسپان یک مأمور پیشین شهربانی کاشمر به معاونت یاور محمد کاظم جهانسوزی پسر محمد حسین پنجاه و نه ساله، دارای عیال و اولاد مسلمان تبعه ایران اهل و ساکن تهران بخش ۹ عودلاجان کوچه آبشار رئیس پیشین پلیس شهربانی مشهد و پاسپار منصور وقار پسر مصطفی چهل و پنج ساله، دارای عیال و اولاد مسلمان تبعه ایران

اهل و ساکن تهران ولی آباد و رکن‌الدین مختار فرزند کریم دارای زن و فرزند، تبعه ایران ساکن تهران خیابان بوعلی پنجاه ساله رئیس پیشین اداره کل شهربانی که همگی به دستور دادستان دیوان کیفر زندانی هستند در شب دهم آذر ماه ۱۳۱۶ در کاشمر مرتکب قتل مرحوم سید حسن مدرس شده‌اند.

شرح قضیه و دلایل آن طبق رسیدگی‌هایی که به عمل آمده این است که مرحوم سید حسن مدرس را که از ۱۳۰۷ تحت نظر شهربانی و لشکر شرق در شهر «خواف» تبعید بوده در آبان ماه ۱۳۱۶ شهربانی از لشکر تحویل و به کاشمر انتقال می‌دهد. بدین ترتیب که در ۴ آبان ماه ۱۳۱۶ پاسیار نوائی رئیس شهربانی خراسان طی شماره ۸۰۳۴ به اداره کل شهربانی تلگراف می‌کند.

«از ستاد لشکر شرق طی ۲۵۵۹ می‌نویسد:

حسب‌الامر جهان مطاع اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مقرر گردید سید حسن مدرس به کلی تحویل مأمورین شهربانی شود و مأمورین لشکر مراجعت نمایند.

لذا به شهربانی زود دستور داده شد دقیقاً در مراقبت مشارالیه دقت نمایند.

اداره کل شهربانی در جواب تلگراف نامبرده، دستور داده که کاملاً مدرس مراقبت شود که با خارج مکاتبه ننموده و هیچکس هم او را ملاقات نکند. پاسیار نوائی در پاسخ این دستور گزارش تلگرافی زیر را داده است.

چون خواف منطقه سرحد افغانستان و محل ساکنی نیست غالباً مورد تاخت و تاز اشرا می‌باشد با برداشتن ساخلو که بیست سرباز یکنفر گروهبان و استوار یک نفر مسؤول مراقبت زندان بوده‌اند و قتل مأمورین شهربانی که کلیه سیزده نفر و انتظامات شهر را هم عهده‌دار می‌باشند در عین حال که زندانی مزبور پیرمرد فرسوده و قابل فرار کردن نیست نگاهداری او را در آنجا مقتضی نمی‌دانم؛ زیرا ممکن است اشرا افغانی روی سیاست عقیده مذهبی وی را برابیند چنانچه اجازه فرمایند به طبرس یا کاشمر اعزام در آنجا نگاهداری شود و یا اینکه اقلاً ده نفر پاسبان و یک نفر سرپاسبان به مأمورین خواف اضافه گردد.

اداره کل شهربانی به شهربانی مشهد این طور جواب داده وقتی شهربانی آنجا نتواند یک نفر پیرمرد فرسوده را مراقبت کند کار دیگری از او ساخته نیست مشارالیه را تحت مراقبت یک نفر پایور لایق و دو سرپاسبان با اتومبیل در بست فعلاً به کاشمر انتقال داده و در شهربانی آنجا منفرداً تحت مواظبت کامل زندانی شود و به هیچ وجه نباید او را کسی ملاقات یا مکاتبه بنماید، رئیس شهربانی آنجا مسؤول نگاهداری او خواهد بود.

به موجب دستور بالا مرحوم مدرس به کاشمر منتقل شده و گزارش آن را نوائی طی ۱۶/۸/۲۹-۹۱۲۴ اینطور داده:

«به وسیله رئیس شهربانی کاشمر رسدبان ۲ اقتداری که به مشهد احضار و معاونت می‌نمود به کاشمر انتقال و طبق دستورات زندانی».

به طوری که نوائی در بازجویی اظهار داشته چون قبلاً دو مرتبه راجع به کشتن مدرس به او دستور داده‌اند و مشارالیه حاضر به انجام این قتل نبوده، وی را به تهران احضار و در ۳۰ آبان به تهران حرکت نموده و پاسیار منصور وقار به جای وی به ریاست شهربانی خراسان منصوب و در اوایل آذر به مشهد وارد می‌شود.

مطابق حکایت پرونده سرپاس مختار دستور قتل مدرس را به وقار داده، ولی وقار در بازجویی اظهار می‌داد که موقع حرکت به خراسان سرپاس مختار پاکت سربسته و لاک شده به او داده و اظهار داشته آن پاکت را در مشهد به یاور جهانسوزی بدهد که مأموریتی دارد باید انجام دهد و به او بگوید یا به این مأموریت و یا به تهران حرکت کند. مشارالیه نیز در مشهد آن پاکت را به یاور جهانسوزی داده و امر رئیس کل شهربانی را به او ابلاغ کرده و نامبرده پاکت را در اطاق وی باز کرده و خوانده و آن را پاره کرده و در بخاری ریخته و گفت باید به اتفاق حبیب خلج به مأموریت جنوب خراسان برای بازرسی برود او هم برای وی حاکم صادر نموده و عزیمت کرده است.

خلاصه وقار پس از ورود به مشهد جهانسوزی و حبیب‌الله خلیج معروف به شمر و میرغضب را ظاهراً به عنوان مأموریت بازرسی جنوب خراسان و باطنا برای قتل مدرس به کاشمر می‌فرستند و مشارالیه عصر ششم آذر وارد کاشمر می‌شوند و چون اقتداری رئیس شهربانی کاشمر حاضر به انجام قتل مدرس را از کاشمر خارج و تحویل محمود مستوفیان داده و مشارالیه به کفالت شهربانی کاشمر در ازاء انجام این مأموریت ابقاء می‌شود.

مستوفیان در هفتم آذر شرح پائین را به سرپاسبان یکم شجاعی نوشته:

«در این موقع جناب آقای یاور تشریف فرمای کاشمر گردیده‌اند دستور فرموده‌اند که شما به اضافه کارهای اداری که دارید بایستی لازمه مراقبت را در حفاظت از شخصی که آقای غلامرضا نخعی بازرس به شما معرفی نماید، بنمایید از اینکه احدی را و خودتان حق مراوده و ملاقات و مکاتبه با او ندارد و همچنین شخص مزبور با اشخاص حتی پاسبانهایی که برای مراقبت او گماشته می‌شود به هیچگونه حق مذاکره و ملاقات با او و پیغام او را با کسی ندارد به این معنی احدی نبایستی مستحضر شود، که چه شخصی در آن منزل و پاسبانها و شما با من برای چه امری در این جا هستید و همین طور بایستی فوق‌العاده دقت شود از ابنیه آنجا که کسی از روی بام و دیوار بالا نیابد که مستحضر شود چه کسی در اینجا است باز هم تأکید می‌شود که از هر جهت مراقبت را مرئی و اقلاً تا صبح مدت ۲۴ ساعت چندین مرتبه به طوریکه از ایاب و ذهاب شما مستحضر نشود محل و شخص مزبور را واری و عملیات پاسبانان هم بایستی تحت نظر که مخالف دستور فوق نباشد تذکر داده می‌شود که کوچکترین غفلتی با مسامحه در انجام دستور فوق بشود شخص شما مسؤول و به طوری که فرموده‌اند مجازات اعدام است فی‌الحال کاملاً شخص و محل مزبور را واری که مخالف مقررات زندانیان نباشد.

مستوفیان پس از قبول این مأموریت شروع به تهیه مقدمات نموده که وانمود کند مرحوم مدرس مریض است و طی (۱۶/۹/۵۱۱) ۶ بر خلاف واقع به شهربانی مشهد تلگراف نموده (سید حسن مدرس از موقع ورود مختصر کسالت، دو روز است مرض او شدت) در صورتیکه مدرس طبق گزارش شماره ۱۶/۸/۲۳ - ۴۷۴ اقتداری در ۲۲ آبان وارد کاشمر شده، کسالت نداشته و گزارش تحویل اقتداری بوده و چنانچه کسالتی داشته و کسالت او تشدید یافته بود، بایستی اقتداری چنین تلگرافی کرده باشد نه مستوفیان.

جهانسوزی پس از خارج نمودن اقتداری و غلامرضا نخعی از کاشمر در ۱۶/۹/۷ به ترتیب حرکت کرده و در ساعت یازده و نیم روز ۱۶/۹/۹ به کاشمر مراجعت نموده و ترتیب قتل مدرس را می‌دهد.

بدین شرح که علی ذوالفقاری پاسبان را که یکی از مأمورین مراقبت مرحوم مدرس بوده از منزل مسکونی مدرس به وسیله مستوفیان احضار و دستور می‌دهد که از آن منزل خارج شود و شب دهم آذر که موعد قتل مدرس بود، ابراهیم ابراهیمی پاسبان را نیز که مراقب دیگر مرحوم مدرس بود مستوفیان خواستند به عنوان اینکه جهانسوزی او را می‌خواهد مشارالیه می‌فرستند، در صورتی که طبق اظهارات ابراهیم جهانسوزی به او کاری نداشتند و می‌خواستند مشارالیه در منزل مسکونی مرحوم مدرس نباشد.

ابراهیم ابراهیمی جریان مذاکرات خود را با جهانسوزی و وضعیت منزل مرحوم مدرس را در صفحات ۶۶ به بعد چنین گفته:

یک شب موقع اذان مغرب من در خانه بوم و آقا هم بود محمد فراموش کار گفت می‌روم شام می‌خورم و برمی‌گردم او که رفت دیدم در می‌زنند رفتم در را باز کردم...

محمود خان پابرهنه... آمد تو و گفت امروز کسی اینجا آمده و کاغذی چیزی آورده، گفتم: خیر.

گفت: بیا برو به شهربانی یاور با تو کار دارد.

خودش آنجا ماند من آمدم اداره شهربانی یاور توی اطاق صاحب منصب کشیک بود به ایشان پیغام دادم که ابراهیم را که خواسته بودید حاضر است. گفته بودند باشد، بنده نشستم تقریباً دو ساعتی طول کشید من را خواست توی اطاق به من نگاه کرد و گفت اسمت چیست، اهل کجای و کجا می‌نشینی و چند سال است باغبان هستی به ایشان جواب دادم. فرمود برو بیرون باش آمدم. باز

مدتی نشستم پیغام دادم که اگر کاری چیزی ندارید من بروم، جواب داده بوده که بگویید برو و بنده آدم بیرون و رفتم منزل وقتی رفتم دیدم لای در باز است و رئیس شهربانی پشت در ایستاده و منتظر من است، من که وارد شدم آمد بیرون و گفت بروید توی اطاق خودتان و بسراغ آقا هم نروید.

محمد فراموش کار آمد، تفصیل را به او هم گفته بودم تا تقریباً نصف شب بود دیدم در می‌زنند در را باز کردم دیدم سید موسی خان شجاعی سرپاسبان شهربانی است آمد پرسید که آقا کجاست؟
گفتم توی اطاق خودش است...
گفت بیاید برویم جای آقا...

بنده و فراموش کار به اتفاق شجاعی رفتیم اطاق آقا صدا زد، آقا را دیدم جواب نمی‌دهد، شجاعی به من گفت برو بیدارش کن رفتم و صدا زد، دیدم جواب نمی‌دهد شجاعی گفت تکانش بده، تکانش دادم دیدم جواب نمی‌دهد، عبا روی صورتش بود، عبا را بلند کردم و دست گذاشتم به صورتش دیدم مرده است و شال و عمامه‌اش هم که همیشه سرش بود باز شده و پهلوی سرش افتاده بود، شجاعی رفت و ۲۰ دقیقه طول کشید دیدم رئیس شهربانی آمد و رفت توی اطاق آقا و نگاه کرد و گفت برو تابوت بیاور.

خلاصه از اظهارات ابراهیم و سایر محتویات پرونده معلوم می‌شود که مستوفیان ابراهیم را به بهانه اینکه یاور جهانسوزی با او کار دارد از خانه مرحوم مدرس خارج کرده و حبیب‌الله خلج نیز بعد به منزل مرحوم مدرس رفته و با مستوفیان مرحوم مدرس را کشته‌اند که اظهارات ذبیح‌الله مهاجرانی در صفحات ۱۰ و ۲۰ جهت توضیح و تکمیل جریان قتل عیان نقل می‌شود.
آقای یاور جهانسوزی که در زندان مرکزی با من در یک اطاق سکوت داشت... راجع به کشتن مرحوم مدرس که تفصیل را از او پرسیدم اظهار کرد که:

سرهنگ وقار رئیس شهربانی مشهد... او را مأمور کشتن مرحوم مدرس کرده‌اند، زیربار نرفته و گفته‌اند به کاشمر برود و در آنجا باشد ولی شخص دیگری را برای این کار خواهند فرستاد و حبیب‌الله خلج را با او فرستادند و شخص نامبرده با یکنفر دیگر (طبق اظهارات جهانسوزی در نزد پاسپار نوائی منظور مستوفیان بوده) سید را خفه کرده‌اند.
به دلایل پایین قتل مرحوم سید حسن به وسیله اشخاص نامبرده فوق ثابت و مسلم است:
۱- اظهارات عشرت خاتم اقتداری در صفحات ۳۳ به بعد که گفته است:

در سال ۱۳۱۶ مرحوم اقتداری شوهرم که رئیس شهربانی کاشمر بود به مشهد حرکت کرد بنده هم با او به مشهد رفتم:
سرهنگ نوائی ایشان را مأمور کرده که برود به خوف و مرحوم مدرس را از خوف به کاشمر بیاورد.
بنده از آنجا رفتم به کاشمر و مرحوم اقتداری... به خوف رفت.

تقریباً ساعت ده و یازده بود که مرحوم اقتداری آمدند، مرحوم مدرس هم با ایشان با یک نفر مأمور... وارد شد به منزل مرحوم مدرس... در منزل ما بود...

مرحوم اقتداری نزدیک شهربانی یک خانه اجاره کرده و مرحوم مدرس را بردند در آن خانه... دو روز بعد... مرحوم اقتداری آمد منزل دیدم اوقاتش خیلی تلخ است و گرفته است گفتم چه خبری است.

ابتدا چیزی نگفت چون خیلی اصرار کردم اظهار کرد که یک دستوراتی راجع به این سید بیچاره و از بین بردن او رسیده است که نمی‌دانم چه کنم من گفتم ممکن است استعفا بدهید و می‌گفت اگر من این کار را بکنم جواب خدا را چه بدهم و اگر نکنم از دست این شیرهای درنده چه کنم؟ که خودم را ممکن است از بین ببرند، من گفتم ممکن است استعفا بدهید گفت همین خیال را دارم و استعفا داد این استعفا در زمان سرهنگ وقار رئیس شهربانی خراسان بود استعفای او قبول شد و دستور دادند که شهربانی

تحويل محمود مستوفیان بدهد ایشان شهربانی را تحويل داد به مستوفیان و لی چون دستوری راجع به تحويل مدرس نرسیده بود از تحويل دادن او خودداری کرد و مستوفیان همه همیشه اصرار می کرد که مدرس را تحويل بگیرد. در این بین یاور جهانسوزی آمد به کاشمر به اتفاق حبیب‌الله خلیج پاسبان که مأمور مشهد بود و جهانسوزی آمد به منزل مرحوم اقتداری گفت که اقتداری چرا معطلی و چرا حرکت نمی کنی، مرحوم اقتداری گفت: معطلی من راجع به این حبسی است که او را چه کنم، گفت او را هم باید تحويل محمودخان مستوفیان بدهید و ایشان هم مدرس را تحويل مستوفیان داد و فردای آن روز حرکت کردیم مشهد و همان روزی که جهانسوزی آمد و این صحبت‌ها را با اقتداری کرد، گفت که من می‌روم یک روز مأموریتی دارم انجام می‌دهم و برمی‌گردم شما نباید اینجا باشید بعد از دو روز گویا روز سوم بود، یک روز اقتداری به من گفت دیدی خدا با ما بود که این کار را نکردیم، گفتم چه شده است، گفت: همان شب که ما حرکت کردیم جهانسوزی از مأموریت به کاشمر برمی‌گردد و با حبیب‌الله خلیج و محمود مستوفیان مشروب زیادی می‌خورند و می‌روند با مدرس، سماوری آتش می‌کنند و چای می‌خورند و در اول چای را مرحوم مدرس می‌ریزد برای آنها دفعه دوم محمود مستوفیان می‌گوید اجازه بدهید من چای بریزم اجازه می‌دهند چای می‌ریزد و دوی سمی را... در استکان مدرس می‌ریزد و چای را می‌خورند چون مدتی می‌گذرد و می‌بینند اثری نبخشید جهانسوزی برمی‌خیزد و اشاره به مستوفیان می‌کند و از اطاق بیرون می‌رود، مستوفیان هم عمامه سید را که سرش بوده برداشته و می‌کند توی دهانش تا خفه می‌شود و همان شبانه هم می‌برند دفن می‌کنند.

دستوری که برای از بین بردن مدرس از تهران آمده بود تلگراف رمز بوده... به امضای سرهنگ وقار... مرحوم اقتداری آن تلگراف را که رمز بود با کشف آن که در خارج کشف کرده بود به من نشان داد، نوشته بود باید به طوری که هیچکس حتی قراول درب اطاق مدرس هم نفهمد، با استر کنی او را از بین ببرید.

در جواب بازپرس که سؤال کرده است «مدرس را که از خوفا آوردند حالش چه طور بود» گفته است «سالم بود... مریض نبود» مرحوم اقتداری از مشهد به شهربانی همدان منتقل شدند و پس از بیست روز از ورود به همدان مریض شد... بر اثر دوی عوضی که داده بودند مرحوم شد.

۲- اظهارات علی ذوالفقاری پاسبان در صفحات ۵۰ به بعد که گفته:

همان روزی که شب آن، مدرس فوت کرد ابراهیم پاسبان... آمد آنجا من را صدا کرد، گفت رختخواب مرا بردار برو رئیس تو را می‌خواهد، گفتم چشم بنده هم رختخواب را برداشتم بردم.

رفتم پیش رئیس... محمودخان معروف به پابرهنه رئیس فرمود برو منزل راحت کن، من هم رفتم تا شب فرستادند عقب من و شب آن روز آقا شام را که درست کرد من را صدا، گفت: بیا بنشین شام بخور من رفتم نشستم شام خوردم آقا فرمود کربلایی علی فردا صبح ترا عوض می‌کنند ولی شب باز ترا می‌آورند، گفتم: آقا برای چه لابد بد آدمی هستم، فرمودند خوب آدمی هستی ولی عوضت می‌کنند...

شب تقریباً ساعت ۹ بود در منزل نشسته و شام می‌خوردیم، دیدم در زدند، گفتم کیست، دیدم ابراهیم است، می‌گوید بیا رئیس ترا می‌خواهد من رفتم اداره شهربانی دیدم محمود مستوفیان رئیس شهربانی دارد قدم می‌زنند، گفت بیا برو منزل کربلایی اسمعیل (مقصود همان منزل مدرس بود). بنده رفتم آنجا دیدم ابراهیم و محمود فراموش کار آنجا هستند رئیس هم آمد آنجا وقتی من وارد شدم دیدم آقا مرده است و رو به قبله است به محمد گفتم چه شده گفت سگته کرده است.

گفتم: صبح که من رفتم حالش خوب بود و با من صحبت می‌کرد، گفت دیگر می‌گویند سگته کرده است... فقط دیدم که لب زیرش را با دندان گرفته بود...

در جواب بازپرس که سؤال کرده (تا آنروزی که شما نزد مدرس بودید کسالت و مرضی نداشت) خیر ابداً مرضی نداشت، سلامت

بود ماه رمضان بود روزه می‌گرفت و حالش خوب بود.

اظهارات محمود فراموشکار در صفحات ۷۶ به بعد که قسمت‌های مؤثر آن عینا نقل می‌شود.

نزدیک افطار بود چون به رئیس گفته بودم که موقع افطار و سحر باید بروم و اجازه داده بود، رفتم منزل تقریباً ساعت چهار از شب گذشته بود، برگشتم آدمم آنجا از ابراهیم یا کربلایی علی پرسیدم که کسی اینجا نیامد گفت رئیس با حبیب‌الله خان شمر با سید موسی خان شجاعی آمدند اینجا و رفته‌اند توی اطاق آقای مدرس و من را هم گفته‌اند در خانه باش، رفته‌اند نیم ساعت هم معطل شده و برگشته و رفته‌اند...

تقریباً دو ساعت گذشت در زدند رفتیم در را باز کردیم دیدیم رئیس شهربانی تنها بود، آمد تو و گفت بیاید برویم اطاق آقا با آقا کار دارم بنده و رفیقم و رئیس رفتیم اطاق آقا، دیدیم آقا خوابیده روی تختخواب و لحاف رویش هست نمی‌دانم عبا هم روی خودش بود یا نه.

محمود خان مستوفیان گفت آقا را صدا بزنی هر چه صدا کردیم جواب نداد، بعد گفتم آقا که جواب نمی‌دهد مستوفیان گفت آقا سخته کرده است و نباید هیچکس بفهمد و اگر به کسی بگویند که آقای مدرس مرده، زبانتان را می‌برم. بعد به بنده گفت برو به جناب یاور رئیس پلیس که منزل من هستند بگو آقای مدرس سخته کرده است، چه دستوری می‌فرمایید، بنده هم آمدم خانه رئیس به جناب یاور که اسمش یادم نیست گفتم، رئیس شهربانی عرض کردند که آقای مدرس فوت کرده‌اند، چه دستور می‌فرمایید، فرمودند به مستوفیان بگو که شبانه به طوری که کسی نفهمد غسل بدهید و دفن بکنید، بنده برگشتم دیدم ابراهیم تابوت آورده کربلایی علی هم آنجا است...

محمود خان خودش چراغ انگلیسی را برداشت دست گرفت، حرکت کردیم، رفتم به غسلخانه...

به بنده گفت شما آقا را کشتید من عرض کردم شما که می‌دانید من آدم کش نیستم و من رفته بودم شام خوردن سفارش می‌کرد که به کسی نگویند که آقا مرده و نگویند که رئیس آمده آنجا نیم ساعت مانده و رفته است که اگر بگویند زبانتان را می‌برم... اقتدار نظام را مجبوراً فوری حرکت دادند از کاشمر وقتی که یاور آمد و یک نفر از پاسبانها را هم مأمور کرده بود که اقتدار نظام را فوراً حرکت بدهید... آن روز مرحوم مدرس... روزه داشت فرمودند می‌خواهم کته درست کنم.

۴- اظهارات ابراهیم پاسبان در صفحات ۶۶ به بعد که قسمتی از آن قبلاً- ضمن توضیح جریان قتل مذکور افتاد و قسمت‌های مؤثر دیگر آن هم ذیلاً نقل می‌شود.

در خانه دومی غیر از من و کربلایی علی و محمد فراموشکار و آقا دیگر کسی نبود...

رئیس شهربانی محمود خان پابره‌نه بود. در آن موقع یک یآوری از مشهد آمده بود با یک آجودان.. اسم آن آجودان حبیب‌الله بود آمدند کاشمر یک مأمور تأمینات با آقای مدرس از خوف آمده و در کاشمر بود... یاور که آمده غلامرضا مأمور تأمینات را خواسته و گفته بود باید بروی به کناپاد یا به خوف و او را حرکت داد از کاشمر رفت...

یک شب موقع اذان مغرب من در خانه بودم و آقا هم بود، محمد فراموشکار گفت من می‌روم شام می‌خورم و برمی‌گردم او که رفت دیدم در می‌زنند.

(جریان آمدن مستوفیان تا فوت مرحوم مدرس در صفحه ۵ ادعای نامه قبلاً مذکور افتاد.)

رئیس شهربانی آمد و رفت توی اطاق آقا و نگاه کرد و گفت برو تابوت بیاور...

وقتی رفتیم غسلخانه میرزا کریم آقا را شست و ما سه نفر هم ایستاده بودیم.

محمود خان قدم می‌زد و رو کرد به ما و خندید و گفت پدر سوخته‌ها آقا را کشتند...

موقع اذان پیش از این که رئیس شهربانی بیاید من پیش آقا بودم و موقع افطار بود که چای می‌خورد شامش هم سربار بود.

بعد از اینکه رئیس آمد دیگر من آقا را ندیدم حالش خوب بود چای می‌خورد... چای را خودش درست کرده بود... در آن روز روزه بود... کسالت نداشت بعد از این که غلامرضا خان از آنجا رفت غصه می‌خورد که غلامرضا خان خوب آدمی بود که از اینجا رفت.

... همان موقعی که یاور آمد اقتدار نظام آنجا بود... بعد فوری محمود خان آمد به اقتدار نظام گفت یاور گفته الان باید حرکت کنی هر چه خودش و خانمش گفتند که فردا حرکت کنیم گفت نمی‌شود باید الان حرکت کنید همان روز اسبابش را بستند...
۵- اظهارات محمد رفیع نوائی رئیس اسبق شهربانی مشهد در صفحات ۳ به بعد که قسمت‌های مؤثر آن عیناً نقل می‌شود:
درست در خاطر ندارم که در ۱۳۰۶ بوده است یا ۱۳۰۷ مأموری از تهران آمد به مشهد، ابلاغ کرد که بایستی مأمور بفرستید به خواب محرمانه مدرس را مسموم نماید به مأمور گفته شد مراجعت کن اقدام می‌کنم و نتیجه را به عرض می‌رسانم مأمور مراجعت کرد به مرکز جواب دادم چون بیست و پنج نفر نظامی هم در نگاهداری مشارالیه شرکت دارند این عمل به طوریکه کسی نفهمد غیرمقدور است.

مأمور محمد حسن خان سرداری... رئیس شهربانی هم سرتیپ محمد خان در گاهی بود.

در زمستان ۱۳۱۵ آدمم به مرکز پس از خاتمه مرخصی موقعی که می‌خواستم بروم مشهد رئیس شهربانی وقت را که مختار باشد ملاقات، اجازه حرکت خواستن فرمودند شاه مایل است که مدرس از بین برود. این مأموریت را به طور یکسره شما انجام بدهید، جواب دادم چون این امر برخلاف قانون است بهتر این است محرمانه کتبا مرقوم بفرمایید، جواب فرمودند: این نوع مسائل کتبی نمی‌شود شفاهی است، من هم از روی ادب عرض کردم من حرفی ندارم که فرمایشات تیمسار را اطاعت کنم ولی آن مأموری که بایستی این عمل را انجام بدهد قطعاً از من نوشته کتبی می‌خواهد دیگر ساکت شد چیزی نگفت و من هم خداحافظی کرده و رفتم خراسان.

در این بین شنیده شد که آن بیست و پنج نفر نظامی را از آنجا برداشته بنده از وحشت اینکه مبادا مجدداً امری برسد و من عذری نداشته باشم پیشنهاد کردم که مدرس را به کاشمر انتقال بدهند اول نسبت به بنده متغیر شدند که یک پیرمرد ضعیفی را چطور نمی‌توانید نگاهدارید و بعد اجازه دادند منتقل به کاشمر شود.

وقتی که حسن رادسر (سرداری) آمد به مشهد با همان ترتیبی که عرض کردم او را مراجعت دادم برای اینکه فورمالیته به عمل آمده باشد که بعداً خودم گیر نباشم اسدالله خان رئیس تأمینات خودم را که آن روز مورد اطمینان من بود با دستور اینکه برود به خواب و مراجعت کند و گزارش بدهد که با بودن نظامیها غیرمقدور است روانه کردم در مراجعت هم همانطور گزارش داد که به مرکز عرض شد اسدالله خان نام فامیلش سرداری است.

در صفحات ۱۲۲ جریان ملاقات خود را در بهداری شهربانی و در زندان با جهانسوزی اینطور بیان نموده.

رفتم بهداری جهانسوزی آمد پس از سلام و تعارف، اظهار کرد که من خواستم از شما مشورت کنم که تکلیف من چیست من جواب گفتم نمی‌دانم موضوع چیست و تو تا چه حدی مداخله داشتی تا به تو کمک فکری بکنم بنا کرد قسم خوردن که من نه مدرس را دیده‌ام و نه با او کاری کردم، فقط یک امری را از طرف رئیس شهربانی خراسان به رئیس شهربانی کاشمر ابلاغ کردم حرف ما که به اینجا رسید یک نفر صاحب منصب وارد اطاق شد و حرف ما قطع شد.

موقع خارج شدن جهانسوزی اظهار کرد که سرهنگ وقار (در آن موقع پاسیار وقار رئیس زندان مرکزی بوده) آمده بود اینجا من از او خواهش کردم که مرا به کریدور یک منتقل کند امروز به آنجا خواهم آمد و خدمت شما خواهم رسید...

گویا همان روز او را به کریدور یک منتقل نمودند دو روز بعد از ورودش آمد به اطاق من گفتم حالا خوب است تفصیل را

بگویید... تفصیل را این طور بیان کرد.

پس از اینکه شما از مشهد به تهران رفتید و سرهنگ وقار آمد به مشهد به من امر کرد بایستی بروی و این عمل را خاتمه بدهی من جواب گفتم که قلب من ضعیف است، من نمی‌توانم این کار را بکنم سرهنگ وقار گفت تو کار نداشته باش حبیب با تو می‌آید تو امر مرا به رئیس شهربانی ابلاغ کن او خودش انجام خواهد داد من هم بنام تفتیش شهرهای جنوبی خراسان رفتم امر سرهنگ رئیس شهربانی را ابلاغ کردم خودم هم منزل رئیس شهربانی منزل کردم شب به من راپورت دادند که مدرس را دفن کردیم.

اظهارات اسدالله سرداری مؤید قسمتی از اظهارات نوائی است؛ زیرا در صفحات ۱۹ مکرر به بعد گفته قضیه مربوط به دوازده سال قبل است جزئیات موضوع را در نظر ندارم ولی یک مذاکراتی آنچه به خاطر می‌آید بین بنده و سرهنگ محمد رفیع شده که ایشان از بنده قول شرف گرفته‌اند که مادام‌العمر اظهاری نشود.

روزی طرف عصر در ایام پاییز بود ایشان یعنی آقای سرهنگ رفیع نوائی، بنده را احضار فرمودند که به اتفاق برویم گردش چون چنین مطالبی و یا چنین اظهاری از آقایان سرهنگ‌ها نشنیده بودم.

به طور شوخی گفتم چه شده است که جناب سرهنگ به این خیال افتاده‌اید، فرمود: برویم حالا بعد مطلع می‌شوید، مقداری راه رفتیم تا رسیدیم به یک باغی ایشان اظهار کردند با یک حال گرفته و چهره سیا من یک مطلبی دارم خیلی محرمانه می‌خواهم به شما بگویم و دچار یک محذور فوق‌العاده خطرناکی شده‌ام...

پرسیدم چه پیش آمده شده، فرمودند به من یک مأموریت بدی داده شده است و من می‌خواهم آن مأموریت را به شما بدهم چون هر چه فکر می‌کنم از شما نزدیک‌تر و محرم‌تر در اداره شهربانی خراسان کسی را ندارم.

پرسیدم بفرمایید چیست، فرمودند این مهمانی که برای ما فرستاده شده است باید کلکش کنده شود، بنده سؤال کردم مهمان کیست و کلکش کنده شود چیست با صدای گرفته که خوب به خاطر می‌آید اظهار داشت، همین کسی که در خواب است بنده خندیدم گفتم چطور باید کلکش کنده شود، گفتم، باید کشته شود بر من خنده افزوده شد گفتم: مگر شما این کاره هستید، گفتم، من این کاره نیستم ولی چون این به من تکلیف شده است من هم ناگزیرم این تکلیف را به شما بکنم.

گفتم یعنی چه به من تکلیف بکنید که مرتکب جرمی بشوم، فرمودند: بلی. گفتم: که من کی و شغل من چیست. گفتم: شما رئیس تامینات من هستی.

گفتم حالا- من برای شما توضیح می‌دهم که رئیس تامینات یعنی چه رئیس تامینات یعنی کاشف جرایم نه اینکه خود مرتکب جرم شود حتی این است که اگر حقیقتاً شما این کاره بودید و هستید به نحو دیگری اقدام و به من که رئیس تامینات هستم امر می‌کردید که مرتکب را به دست بیاورم.

بنده چنین محرمیتی در این قبیل قضایا با شما نداشته و ندارم.

گفتم می‌دانید ترمرد برای شما چه عواقبی دارد گفتم بالاتر از این نیست که مرا اعدام خواهند کرد. گفتم: تکلیف من چیست. گفتم: من و شما را قانون معین کرده است اگر شما اینکاره هستید قانون به شما می‌گوید کتبا نوشته بگیرید.

اگر این کاره نیستید جواب می‌دهید بر فرض که عواقب بدی داشته باشد اعدام خواهید شد و اگر حقیقتاً تصور می‌کنید که من اینکاره هستم قدم اول من به شما می‌گویم که بنویسید آیا می‌نویسید به من بدهید ایشان اظهار داشتند تو چرا اینطور عصبانی شدی و چرا این قدر بچه‌ای در این مورد یکی نوشته می‌دهند چون دیدند من خیلی عصبانی شدم فرمودند نه تو آدم کش هستی و نه من، شوخی کردم با شما این اظهارات را کردم و حقیقت این است که شما فوری فردا صبح قبل از آفتاب حرکت کن برو به خواب وضعیت منزل این شخص را ببینید چون تهران از وضعیت محلی این آدم نگران است و برای من راپورت بیاور.

فردای آن روز با اتومبیل ایشان رفتم به خواب وضعیت منزل مدرس را دیدم و خود مدرس را هم ملاقات کردم و ایشان از من

خواهش کردند که به رئیس نظمی محمد رفیع خان بگویید اگر ممکن است شما بیاید من را ملاقات کنید بنده هم در مراجعت به ایشان عرض کردم که مدرس چنین تقاضایی دارد و وضعیت منزل را هم که چه جور است به ایشان گزارش دادم. یک روز بعد از آن روز که گزارش دادم به من فرمودند فلانی تصور می‌کنم شما پای مسافرتی هم در پیش داشته باشید من گفتم دیگر به جایی مسافرت نمی‌کنم فرمودند دست پاچه نشو تهران باید بروید، گفتم برای چه. گفتند: اگر اجازه آمد به تو خواهم گفت من مراجعت شما را به تهران تلگراف کرده‌ام که اگر اجازه بدهید برای عرض مطالبی شخصا به تهران آمده و یا اینکه رئیس تأمینات را بفرستم.

به ایشان گفتم حقیقت درجه دوستی را به طوری که خودتان اظهار می‌فرمایید تمام کرده‌اید...

به چه مناسبت مرا به تهران بفرستید فرمودند شما می‌دانید کسی که همواره صحبت کند و هم از قوانین مطلع باشد در اداره نداریم. اگر خودم را اجازه دادند که خودم می‌روم به تهران و هر کاری باید بکنم می‌کنم یا برمی‌گردم یا برنخواهم گشت و اگر مرا اجازه ندادند شما چون می‌توانید حرف بزنید دستوراتی به شما می‌دهم که آنجا بگویید.

اظهارات محمد علی وقار در صفحه ۸۹ به بعد که قسمتهای مؤثر آن عینا نقل می‌شود...

بنده با اقتدار رئیس شهربانی کاشمر که چند سال پیش در اینجا رئیس شهربانی بود سابقه دوستی و آشنایی داشتم چون که قبل از آن یک سفر دیگر هم به کاشمر آمده و رئیس شهربانی بوده ایشان در سفر آخر که کاشمر بودند به مرخصی مشهد رفتند... مستوفیات از مشهد به جای او آمد پس از چندی مراجعت کردند.

روز سوم ورودشان بود... رفتیم منزل خدمتشان...

بعد یکی دو روز توی خیابان ایشان را دیدم فرمودند از تو خداحافظی می‌کنم. و باید بروم مشهد گفتم علت تغییر شما چیست. گفت حقیقت این است که این مهمانی که گفتم آورده‌اند به کاشمر آقای مدرس است به من امر شده است او را بکشم حاضر نشده‌ام و حالا یاور جهانسوزی آمده است و امر کرده که باید فوری حرکت کنم.

۷- اظهارات حاجی علی اکبر عظیمان در صفحه ۹۲ به بعد که قسمتهای مؤثر آن عینا نقل می‌شود.

بنده با اقتدار نظام از سابق دوستی و آشنایی داشتم او رفت به مرخصی مشهد... اقتدار نظام از مشهد آمد شنیدم یک آقای را از خواب آورده و در منزل خودش نگهداشته چون با اقتدار نظام خیلی دوست بودم فردای آن روزی که وارد شده بودم رفتم منزل رفتم تو دیدم یک آقای با لباس سفید و ریش سفید نشسته و یک شال سفید هم به سرش پیچیده است در این بین آقا آب خوردن خواست، کلفت اقتدار نظام کاسه آب را خواست ببرد تو بنده دیدم که خود اقتدار نظام کاسه را گرفت و دو دستی برد جلوی آقا آب خورد و اقتدار نظام کاسه را گرفت و عقب عقب آمد از اطاق بیرون و به من اشاره کرد که حالا برو بنده هم رفتم.

روز بعد شنیدم که از مشهد مأمور آمده که یکی از آنها حبیب‌الله معروف به میرغضب بود که من خودم او را دیدم بعد فوری اقتدار نظام را حرکت دادند به مشهد موقع حرکت رفتم اقتدار نظام اظهار کرد که من می‌روم من را حلال کنید شاید دیگر من را نبینید.

گفتم چرا می‌روی. گفت: این آقای مدرس را که به من داده‌اند اینجا آوردم، مجبورم کرده‌اند که از بین ببرم من حاضر نشدم حالا من را مجبورا می‌فرستند به مشهد...

بین مردم می‌گفتند مستوفیان و حبیب‌الله شهر رفته‌اند نزدیک افطار منزل مرحوم درس و به ایشان گفته‌اند برای ما چای بریزید فرمودند خودتان بریزید گفتند شما هم باید بخورید فرمودند که حالا وقت افطار نیست و من نمی‌خورم بعد گفتند که خیر موقع افطار است. فرمودند پس بروم ببینم، آمده‌اند بیرون نگاه کردند و فرمودند: پس نماز مغرب را بخوانم. آن وقت بعد از نماز چای را می‌ریزند در قوری و توی آن زهر می‌ریزند و بخورد آقا می‌دهند و بعد از مدتی که می‌بینند زهر اثر نکرده است شال خود آقا را می‌اندازند به گردنش و خفه می‌کنند...

مشهدی اسمعیل مفتش که مدرس در خانه او بود... این اظهار را نمود...

۸- اظهارات اسمعیل را در صفحات ۹۹ به بعد که قسمت‌های مؤثر آن عیناً نقل می‌شود. نمی‌دانم بیست و ششم ماه رمضان یا بیست و هفتم ماه رمضان بود ظهری بود شنیدم که آقا را در منزل کربلایی اسمعیل کشته‌اند.

کربلایی اسمعیل... برای من قضیه کشتن مدرس را نقل کرد و گفت... مستوفیان با یک نفر دیگر که نشاخته بوده آمده‌اند و آقا را زهر داده‌اند و همچنین دیده‌اند شال آقا را که دور سرش می‌پیچیده باز کرده به دور گردنش انداخته و کارشان را خاتمه می‌دهند... شیخ هادی که حالا مرده است و متصدی دفن اموات بود... می‌گفت که آثار طناب یا شال در گردن آقا دیده است.

۹- اظهارات حسین مغانی در صفحات ۱۰۱ به بعد گفته:

یک روز در ماه رمضان بود... کربلایی اسمعیل مفتش که حالا مرحوم شده به من رسید و سر به گوش من گذاشت و گفت: فلانی خبرداری چه شده. گفتم: خیر. گفت: دیشب آقای مدرس را در باغچه من زهر داده و کشتند.

مستوفیان و یک نفر دیگر آمدند او را زهر دادند نمرود بعد شال به گردنش انداختند و خفه کردند و جنازه‌اش را توی تابوتی که پاسبانها محرمانه آورده بودند گذارده و بردند مخفیانه دفن کردند.

۱۰- اظهارات سید حسین ابراهیم زاده در صفحات ۱۰۴ به بعد که گفته:

بنده با اقتدار نظام رئیس شهربانی کاشمر که یک سفر دیگر هم آنجا رئیس شهربانی بود آشنایی و دوستی داشتم اقتدار نظام به مرخصی مشهد رفته بود. اقتدار نظام برگشت کاشمر، شب دوم ورودش بنده رفتم منزل ایشان به عنوان دیدن خودش آمد دم در و گفت:

حالا- نمی‌توانم از کسی پذیرایی کنم دو شب دیگر... بیایید، شب سوم یا چهارم بود که رفتم به منزل ایشان پس از صحبت اظهار کرد این آقای که من آورده‌ام آقای سید حسن مدرس و چون به من امری کرده‌اند و من زیر بار نرفته‌ام، امر کرده‌اند که به مشهد بروم و فوراً حرکت خواهم کرد. فردای آن روز ایشان رفتند تا شب بیست و ششم ماه رمضان که آقا را به قتل رسانیده‌اند و بنده شنیده‌ام که محمود خان مستوفیان رئیس شهربانی این کار را کرده و شبانه برده‌اند دفن کرده‌اند.

من از شیخ غسل شنیدم که گفت در موقع غسل دادن دیده بود که گردن آقا سیاه بوده و بدن هم نزدیک به تلاشی شدن بوده است.

بنده از امیرخان پاسبان شنیدم که آقا را کشته‌اند و علت این اظهار هم این بوده است که همان شبی که آقا را شهید کرده‌اند فردای آن روز زن امیرخان پاسبان تعزیه زنانه برای آقا در خانه خود گرفته بود. بنده از امیرخان پرسیدم تعزیه برای چه بود اظهار کرد که آقا سید حسن مدرس را کشته‌اند.

در آن روز یاور جهانسوزی با یک نیفر پاسبان قد بلند که اسمش را نمی‌دانم فقط معروف به میرغضب بود آمده بودند کاشمر.

۱۱- اظهارات حاجی سید عبدالمجید آله طه در صفحات ۱۱۱ به بعد گفته:

شب بیست و چهارم یا بیست و پنجم ماه رمضان بود که من رفتم خانه اقتدار نظام به من اظهار کرد که رئیس پلیس مشهد آمده و کار را بر من سخت گرفته‌اند که این سید بزرگوار را بکشم ولی من اقتدار نمی‌کنم و هر کاری ایشان می‌خواهند با من بکنند و فردا هم باید از این شهر بروم.

زن امیرخان پاسبان... به آقا اخلاص تامی داشت و برای او روضه می‌خواندم. گفت آقا را زهر داده‌اند و همان زن امیرخان بعد از کشتن آقا سه شب برای آقا تعزیه گرفت محرمانه.

۱۲- محتویات پرونده‌های شهربانی مربوطه به مرحوم سید حسن مدرس و مندرجات دفاتر نگهبانی شهربانی کاشمر به شرح پایین:

الف- تلگراف شماره ۱۶/۸/۱۶ - ۸۶۶۱ پاسیار نوائی به اداره کل شهربانی بدین عبارت «اینکه امر فرمودند زندانی شود مدرس در

خوف زندانی نبوده در حیاط جداگانه نگاهداری می‌شد حال در کاشمر زندانی شود یا منزل جداگانه.

اداره کل شهربانی طی ۱۶/۸/۱۸ - ۲۹۷۶۷ - ۲۸۱۰۷ جواب داده شهربانی مشهد ۸۶۶۱ به طوریکه دستور داده شده مشارالیه باید در شهربانی در محل مناسبی منفردا به طور زندانی دقیقا مراقبت شود.»

از این دستور معلوم می‌شود که وضعیت مرحوم مدرس بعد از انتقال به کاشمر سخت‌تر شده و در آنجا به زندان مجرد منتقل گردیده و وضعیت خاصی برای او در نظر گرفته شده که منظور از آن نمی‌تواند فقط تحت نظر گرفتن مرحوم مدرس دانست.

ب- گزارش شماره ۴۷۴ مورخ ۱۶/۷/۲۳ اقتداری به شهربانی مشهد بدین مضمون «ساعت ۱۷ یوم ۲۲ ماه جاری سید حسن مدرس را به اتفاق غلامرضا نخعی بازرس و پاسبان شماره ۵ زور وارد کاشمر گردیده.

گزارش شماره ۹۱۲۴ مورخ ۱۶/۸/۲۹ نوائی به اداره کل شهربانی به این عبارت «به وسیله رئیس شهربانی کاشمر رسدبان ۲ اقتداری که به مشهد احضار و معاودت می‌نمود به کاشمر انتقال و طبق مقررات زندانی و دستور شماره ۱۰۲ مورخ ۱۶/۹/۱ یاور جهانسوزی کفیل شهربانی شرق به شهربانی کاشمر بدین مضمون:

«پاسخ گزارش شماره ۴۷۴ به طوریکه دستور داده شده است، سید حسن مدرس باید در محل مناسبی منفردا زندانی و دقیقا مراقبت شود که با احدی ملاقات و مکاتبه ننماید و نیز تا موقعیکه اقتداری شهربانی را تحویل نگرفته حفاظت و مسؤولیت زندانی مزبور به عهده او خواهد بود و بعدا با شخص رئیس شهربانی است از این تلگراف‌ها و نامه‌ها استنباط می‌شود که اقتداری به عنوان ریاست شهربانی کاشمر مدرس را از خوف به کاشمر منتقل و مأموریت محافظت او را داشته و قرار بوده که شهربانی را هم از مستوفیان تحویل بگیرد و بعدا هم مسؤولیت حفاظت مدرس باز با شخص خود او باشد ولی بعد از ورود، جهانسوزی بطوریکه بعدا ذکر خواهد شد اقتداری را که حاضر به ارتکاب قتل نبوده از کاشمر اخراج و مستوفیان را به کفالت شهربانی کاشمر ابقاء نموده‌اند.

ج- در دفتر نگهبانی سال ۱۳۱۶ در صفحه ۱۵۸ به تاریخ ۶ آذرماه ۱۳۱۶ (۲۳ رمضان) در وقعه ۳ نوشته شده است: ساعت ۱۵ بعدازظهر جناب ریاست سر کلانتری مرکز ناحیه شرق به شهربانی وارد شدند مراتب استحضارا معروض داشت.

در همان صفحه در وقعه ۵ همان روز نوشته شده «حسبالامر جناب ریاست سرکلانتری رسدبان ۲ اقتداری را احضار و ابلاغ شده که فوراً حرکت و خود را به شهربانی مشهد معرفی نمایند و نیز از گاراژ ماشین تهیه که فردا اول صبح حرکت نماید مراتب را استحضارا معروض داشت.

در صفحه ۱۶۰ دفتر نامبرده به تاریخ ۱۶/۹/۷ در وقعه ۵ نوشته شده ساعت ۱۰ صبح تعقیب وقعه ۵ صفحه ۱۵۸ رسدبان ۱ اقتداری رئیس شهربانی سابق کاشمر به طرف مشهد حرکت نموده.»

از مندرجات دفتر نگهبانی که فوقا بدان اشاره شد واضح است که مأموریت جهانسوزی مستلزم اخراج اقتداری از کاشمر بوده که به مجرد ورود با فشار و سخت‌گیری زیاد مشارالیه را که حاضر به ارتکاب قتل مدرس نبوده از کاشمر به مشهد اعزام کرده.

د- تلگراف رمز شماره ۵۱۱ مورخ ۱۹/۶/۶ به امضای مستوفیان بدین عبارت:

«مشهد شهربانی سید حسن مدرس از موقع ورود مختصر کسالت، دو روز است مرض او شدت.»

این تلگراف بر خلاف واقع و برای ظاهرسازی بوده و مستوفیان می‌خواستند وانمود کنند که مدرس مریض است؛ زیرا اگر مدرس در موقع ورود به کاشمر مریض بود بایستی اقتداری گزارش کسالت او را بدهد نه مستوفیان و به علاوه مستوفیان در همان روز تحویل گرفتن مدرس گزارش داده که دو روز است مرض مدرس شدت یافته در صورتی که دو روز قبل از آن هم مدرس تحویل اقتداری بوده و چنانچه کسالت وی تشدید یافته بود بایستی اقتداری گزارش آن را بدهد.

نامه مورخ شنبه هفتم آذرماه ۱۳۱۶ مستوفیان نیز به عنوان «آقای سرپاسبان یکم شجاعی» که قبلا در صفحه ۳ ادعای عین آن نقل شد.

مؤید این است که مستوفیان تنها مأمور مراقب مدرس نبوده بلکه مأموریت دیگری داشته است که حتی می‌خواستند مردم مطلع نشوند که مدرس در آنجا است.

در صفحه ۱۶۱ بتاريخ ۱۶/۹/۷ در ورقه ۵ نوشته شده: «تعقیب وقعه ۴ صفحه ۱۶۰ جناب ریاست سرکلانتری ناحیه شرق ساعت ۱۴ عصر حرکت نموده با اتومبیل طرف تربت مراتب معروض» و در صفحه ۶۷ به تاریخ ۱۶/۹/۹ در وقعه ۵ نوشته شده است: ساعت ۳۰/۱۱ صبح جناب ریاست سرکلانتری ناحیه شرق به کاشمر وارد به شهربانی تشریف آورده، پس از نیم ساعت توقف تشریف بردند.

صورت مجلس مورخ شب ۱۶/۹/۱۰ بدین مضمون:

«خدمت جناب یاور ریاست اداره سرکلانتری مشهد محترما به عرض می‌رساند ساعت ۳۰/۲۲ عصر به معیت سرپاسبان ۱ شجاعی به محل زندانی به جهت واریسی آمده مشاهده شده زندانی مزبور فوت نموده، در صورتیکه سرپاسبان مزبور اظهار می‌دارد ساعت قبل که من آمده بودم مشارالیه حیات داشتند و پاسبانان ۶ و ۷ قراولان هم به همین نحو اظهار داشتند که ساعت قبل یعنی یک ساعت قبل از این ساعت، گزارش قبل از آمدن بنده و مراجعتم مومی‌الیه حیات داشته. مراتب گزارش معروض تا به آنچه امر فرمایند اطاعت شود به امضای مستوفیان و سرپاسبان ۱ شجاعی و پاسبان شماره ۷ محمد فراموشکار و مهر ابراهیم پاسبان شماره ۶ از مراتب مذکور معلوم می‌شود که جهانسوزی پس از ورود به کاشمر دستور داده که تلگراف بر خلاف واقع راجع به کسالت مرحوم مدرس مخبره شد و ترتیب نگاهداری مدرس را هم مشارالیه به مستوفیان داده؛ زیرا مستوفیان در دستوری که راجع به این موضع به سرپاسبان شجاعی داده اشعار داشته که حسب‌الامر جناب یاور گزارش فوت مرحوم مدرس را هم به عنوان جهانسوزی داده که این گزارش نیز طبق اظهارات محمد فراموشکار و ابراهیم ابراهیمی بر خلاف واقع است.

از مراتب فوق‌الذکر واضح است که مأموریت جهانسوزی بازرسی جنوب خراسان نبوده بلکه ارتباط با قتل مدرس داشته و حتی موقعی که از جهانسوزی سؤال شده چرا دکتر و پزشک برای معالجه مدرس و بعد از فوت او باری معاینه و دادن جواز دفن نبوده. اظهار داشته که جهانسوزی و شهربانی مشهد چنین اجازه به او نداده‌اند مضافاً بر اینکه اگر یاور جهانسوزی مأموریت بازرسی داشته لامحال باید حکمی حاکی از نوع مأموریت وی صادر شده باشد و گزارش نیز راجع به مأموریت خود پس از مراجعه به مشهد بدهد، در صورتیکه جهانسوزی گزارشی از نتیجه مأموریت خود نداده و وقار نیز در بازجویی اظهار داشته چون سرپاس مختار دستور داده بود که جهانسوزی باید به جنوب خراسان مسافرت کند، مشارالیه نتیجه بازرسی را از او نخواسته است.

مستوفیان پس از قتل مدرس و تنظیم گزارش بر خلاف واقع که راجع به ثبوت او به جهانسوزی داده برای اینکه وانمود کند مرحوم مدرس بر اثر کسالت فوت نموده، صورت مجلس دیگری به تاریخ لیله ۱۶/۹/۱۰ در دو صفحه بدین عبارت تنظیم نموده «ساعت ۳۰/۲۲ یوم جاری اینجانب رسدبان ۳ مستوفیان کفیل شهربانی کاشمر به معیت سرپاسبان یکم سید موسی شجاعی به منزل واقعه در محله نو که شخص سید حسن مدرس زندانی در آنجا بوده رفتیم مشاهده شد زندانی مزبور فوت در صورتی که سرپاسبان مزبور اظهار می‌دارد، یک ساعت قبل از من جهت بازدید او رفتم زندانی مزبور حیات داشته و پاسبان شماره ۶ ابراهیم ابراهیمی ترشیزی و شماره ۷ محمد فراموشکار پاسداران زندانی مزبور اظهار می‌دارند که متوفی فوق به مرض تنگ نفس سینه مبتلا بوده و تا یک ساعت قبل حیات داشته که بعداً فوت نموده است».

و بعداً باز احتیاط نموده گزارش شماره ۵۳۰ مورخ ۱۶/۹/۱۳ را به عنوان ریاست شهربانی ناحیه شرق بدین عبارت: «پیرو گزارشهای رمز ۱۶/۹/۶-۵۱۱ و ۱۶/۹/۱۰-۵۱۵ مربوط به مریضی و فوت سید حسین مدرس زندانی محترما به عرض می‌رساند ساعت ۳۰/۲۲ شب ۱۰ ماه جاری اینجانب به معیت سرپاسبان یکم شماره ۴۱ شجاعی که مسئول قراولان و حفاظت مشارالیه بوده به جهت سرکشی رفته، مشاهده گردیده سید حسن مزبور فوت و هیچگونه آثاری هم در بدن او نبود و سرپاسبان و قراولان او هم گزارش داده‌اند که

تا یک ساعت قبل حیات داشته ولیکن فوق‌العاده مریض و تنگ نفس داشته است.» که این مطلب به شرحی که قبلاً ضمن دلایل مذکور افتاد برخلاف واقع بوده است.

۱۳- مبلغ یکهزار و پانصد ریال به موجب چک شماره ۸۲۹۸ در ۲۳ آذرماه ۱۳۱۶ از محل اعتبار مخفی به شهربانی مشهد برات شده است که مختار و وقار نتوانسته‌اند محل مصرف آن را تعیین نمایند.

حسابدار مخارج مخفی نیز راجع به مصرف این مبلغ گزارش داده که مشارالیه اطلاعی ندارد که وجه مزبور برای چه مصرفی به شهربانی مشهد داده شده تا به حال هم اسناد هزینه آن نرسیده که محل مصرف آن معلوم شود که با ترتیب پرداخت انعام در مورد قتل نصرت‌الدوله و شیخ خزعل و توضیحاتی که حسابدار مخارج مخفی در آن پرونده‌ها داده و سایر قرائن و نشانیهای موجود حکایت دارند که مبلغ مزبور، به عنوان انعام به مأمورین قتل مدرس پرداخته شده است. بنا به مراتب فوق‌الذکر به نظر دادستان دیوان کیفر محمود مستوفیان و حبیب‌الله خلجی مدرس را به شرکت یکدیگر خفه کرده و جهانسوزی و وقار و رکن‌الدین مختار در این قتل معاونت نموده‌اند و رسیدگی و صدور حکم مجازات مستوفیان و حبیب‌الله خلجی طبق ماده ۱۷۰ قانون مجازات عمومی و جزء ماده ۲۷ همان قانون و نسبت به جهانسوزی و وقار و مختار در حدود مواد ۱۷۰ و ماده ۲۸ همان قانون مورد تقاضا است.

درباره سید حسن مدرس اعلی‌الله مقامه کتاب و رساله زیاد نوشته شده است. وی بدن شک یکی از روحانیون و سیاستمداران برجسته ایران در چند قرن اخیر است. عالمی روشنفکر و ناطقی برجسته و سیاستمداری باهوش و باذکاوت بود. در شجاعت نظیر نداشت، استغنا طبع داشت. به مال دنیا اعتنایی نداشت و در کمال سادگی زندگی می‌کرد. تلاش وی برای جلوگیری از خلع قاجاریه و زمامداری سردار سپه به همان روز نهم آبان ماه ۱۳۰۴ اختصاص نداشت بلکه از آغاز سفر سوم احمدشاه به اروپا و رئیس‌الوزرای سردار سپه آغاز شد. مدرس وقتی از آمدن احمدشاه به ایران مأیوس گردید درصدد برآمد محمد حسن میرزا را به پادشاهی برگزیند ولی در ضمن عمل متوجه شد که هیچکاری از وی ساخته نیست. به فکر یکی از افراد برجسته خاندان قاجار افتاد گویا این شخص ناصرالدین میرزا ناصری کوچکترین فرزند مظفرالدینشاه بود که هوش و درایتی خاص داشت چندی نیز با خزعل در این مورد مذاکره داشت ولی دست آشکار و پنهان دولت انگلیس برای آینده ایران طرحی نو ریخته بود که بالاخره آنهم به مرحله اجرا درآمد.

سید حسن بن اسماعیل بن میر عبدالباقی قمشه‌ای از طایفه‌ی میر عابدین از سادات طباطبایی و از رجال روحانی و سیاسی دوره‌ی مشروطیت و پهلوی (و. قریه‌ی سرابه کچو در اردستان به سال ۱۲۸۷ ه. ق. ف. کاشمر ۲۶ رمضان ۱۳۵۷ ه. ق. مطابق با ۲۳ آذرماه ۱۳۱۶ خورشیدی.) در سن ۱۶ سالگی به جهت تحصیل به اصفهان رفت، سیزده سال در اصفهان مشغول تحصیل بود، سپس به عتبات رفت و محضر علمای بزرگ نجف را درک نمود. آنگاه به اصفهان بازگشت و به تدریس پرداخت. در دوره‌ی دوم مجلس و ادوار بعد نماینده بود. با سلیمان میرزا و یاران وی از تهران مهاجرت کرد و سپس به تهران بازگشت. در ۱۳۰۵ ه. ش. در کوچی پشت مسجد سپهسالار به او سوءقصد شد ولی به سلامت رست.

(ح ۱۲۸۷- شهادت ۱۳۵۷ ق)، عالم دینی، فقیه و مدرس، متکلم، مجتهد سیاسی و نماینده‌ی مجلس. معروف به مدرس. جامع معقول و منقول بود. در روستای سرابه کچو از توابع اردستان به دنیا آمد. پدرش از خطیبان و واعظان بود. شش ساله بود که به همراه جد و خانواده‌اش به قمشه مهاجرت کرد. او مقدمات را از محضر پدر و جدش آموخت. برای تکمیل تحصیلات به اصفهان رفت و سیزده سال در فقه و اصول و علوم عربی و فلسفه از محضر میرزا عبدالعلی هرنندی نحوی و جهانگیرخان قشقایی و آخوند کاشی و آقا سید محمد مغنی و دیگران استفاده نمود. سپس به نجف رفت و هفت سال در محضر آقا سید محمد کاظم یزدی و شیخ محمد کاظم آخوند خراسانی و ملا علی نهانندی تلمذ نمود. سپس به اصفهان بازگشت و در مدرسه جده سکونت کرد و به تدریس فقه و اصول پرداخت. مدتی بعد به تهران آمد و در مدرسه‌ی سپهسالار (شهید مطهری فعلی) به تدریس فقه و اصول

مشغول شد و مدتی تولیت آنجا را عهده‌دار بود. وی در دوره‌ی دوم انتخابات مجلس شورای ملی با سمت مجتهد طراز اول، به عنوان ناظر بر جریان قانونگذاری، از جانب علمای نجف انتخاب شد و در دوره‌ی بعد از جانب مردم تهران منتخب گردید و جمعا پنج دوره در مجلس شرکت نمود و همزمان به تدریس در مدرسه‌ی سپهسالار می‌پرداخت. در جریان کشمکش‌های سیاسی بعد از کودتای ۱۲۹۹ ش و به قدرت رسیدن رضاخان نهایتا در ۱۳۰۷ ش دستگیر و به خراسان تبعید شد و سرانجام در زندان کاشمر توسط مأمورین شهربانی به شهادت رسید و در امامزاده‌ی آنجا دفن شد. [۱]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان الشیعه (۲۲- ۲۱/۵)، بازیگران عصر طلایی (۳۳۶- ۱۳۳)، تذکره القبور (۲۵۵- ۲۵۴)، شرح حال رجال (۳۴۵- ۳۴۳/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۸۳- ۳۸۱/۱۴)، مدرس قهرمان آزادی (۱ و ۲).

مدرس، محمد تقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند علامه میر سید حسن مدرس میر محمد صادقی.

عالم فاضل جلیل القدر عظیم المنزله، در ۱۳ صفر سال ۱۲۷۳ متولّد، در شب ۲ شنبه ۷ ربیع الثانی سال ۱۳۳۳ وفات یافته، در بقعه پدر خویش جنب مسجد رحیم خان مدفون گردیده.

عمده تحصیلات او در اصفهان نزد آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی بوده، سپس مدت ده سال در اعیان مقدّسه محضر علمای آن سامان کسب فیوضات نموده، و در آنجا خدمت میرزا محمد حسن شیرازی و جمعی دیگر درس خوانده، تا به مقامات عالیه اجتهاد نایل شده است.

در ۱۳۰۵ به امر استاد به اصفهان مراجعت نموده، حوزه درس تشکیل داده، و عده‌ای نیز از مجلس درس او مستفید می‌شدند.

مجموعه‌ای از چندین رساله از رسائل تألیفی او به نام «الرسائل التقویّه فی المسائل الفقهیّه» به طبع رسیده، و آنها عبارت است از: ۱- رساله در بیان وجه ممیّز بین حقّ و حکم ۲- رساله در صلاة مسافر ۳- رساله در منجزات مریض ۴- رساله در قاعده من ملک شیئاً ۵- رساله در ماهیت اجاره.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مدرس، مرتضی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مرتضی معروفه (به شیخ مرتضی) بن سید علی رضا بن سید زین‌العابدین بن سید محمد بن سید مرتضی بن سید محمد اخباری بن علامه میرزا صدرالدین محمد بن میرزا محمد نصیر بن میرزا محمد صالح مشهور به اردکانی حسنی طباطبائی که به نام وی بقعه اسحاقیه مدرسه مصلی یزد بنا شده و نسبش منتهی به ابی‌الحسن محمدالشاعر نسابه اصفهانی متوفی ۳۲۲ صاحب کتاب نقد الشعر و غیره و از وی به حضرت امام حسن مجتبی علیه‌السلام منتهی می‌شود.

وی مانند همانم‌اش علامه بزرگ شیخ مرتضی انصاری صاحب مبانی علمیه در فقه و اصول بوده و در عصر خویش ریاست علمی و قضا در شهر یزد داشته و در بیت و خاندان مدرسی یزد نابغه زمان و یگانه دوران بوده و سید استاد ما علامه متبحر و نسابه متتبع در کتاب تراجم و مشجرات خود از ایشان به عظمت یاد نموده.

خلاصه آن جناب از بزرگان فقهاء و مدرسین عصر خود و معاصر با آخوند خراسانی و علامه یزدی صاحب عروه‌الوثقی بود و با آنکه در فقه و اصول عالمی زبردست بوده دانشمندی عارف و هم حکیمی ریاضی‌دان به شمار می‌آمده و از عالم عشق و محبت بهره‌ی وافر داشته چنانچه می‌گوید.

مرا از عاشقی بیگانه شمار

که با روی تو دارم آشنائی

آن بزرگوار دارای تالیفات و تصنیفات عدیده در فقه و اصول و حکمت بوده که متاسفانه در اثر سهل‌انگاری خاندانش از بین رفته است.

وفات ایشان در شب دوم رجب سال ۱۳۳۳ قمری واقع شده و در مزار (جوی هرهر) یزد به خاک رفته. مرحوم مضطر شاعر مرثیه‌ای در فوت او سروده که مطلعش این است. تا رفته از جهان شیخ المدرسین
خون بارد آسمان از دیده بر زمین
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدرسی چهاردهی، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق.

تولد: ۱۲۹۰، نجف.

درگذشت: اسفند ۱۳۵۷، تهران.

مرتضی مدرسی چهاردهی فرزند شیخ محمد مشهور به آیت‌الله چهاردهی در رشته‌ی فلسفه از دانشکده‌ی ادبیات درجه‌ی لیسانس داشت و در علوم مذهبی نیز از حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف درجه‌ی اجتهاد گرفته بود. خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۱۵ آغاز کرد و با جراید و مجلات کشور از جمله «ارمغان»، «وحید»، «بررسی‌های تاریخی»، روزنامه‌ی «پارس» و «مهر ایران» همکاری داشت و مدت‌ها رییس اداره‌ی کل مطبوعات وزارت کشور و نیز از اساتید دانشگاه تهران بود. وی همچنین به دریافت نشان درجه‌ی پنجم تاج نایل آمد. نزدیک به بیست جلد کتاب تألیف دارد که چند جلد آن درباره‌ی سید جمال‌الدین اسدآبادی است. از جمله آثار وی است: آراء و معتقدات سید جمال‌الدین افغانی (۱۳۷۷)؛ تاریخ فلاسفه‌ی اسلام (دو جلد، ۱۳۳۷-۱۱۳۵)؛ خاطرات سید جمال‌الدین افغانی (محمد پاشا مخزومی، ۱۳۲۸)؛ دانشنامه؛ مجموعه‌ی مقالات و رسالات (شرح حال و آثار شیخ احمد احسائی به قلم مدرسی، قسمتی از شرح حال صاحب ابن عباد به قلم احمد بهمنیار)؛ زندگانی و فلسفه‌ی اجتماعی و سیاسی سید جمال‌الدین افغانی (۱۳۳۴)؛ زندگانی و فلسفه‌ی حاج ملاهادی سبزواری (۱۳۳۴)؛ سیاست‌نامه (از خواجه نظام‌الملک، از روی چاپ شفر، با یادداشت‌های محمد قزوینی، ۱۳۳۴)؛ سیمای بزرگان (شرح حال چهارده نفر، ۱۳۳۵)؛ شیخ احمد احسائی، شرح حال (۱۳۳۴)؛ شیخگیری و بابیگری از نظر فلسفه تاریخ و اجتماع (۱۳۴۵)؛ صغری و کبری (از میر سید شریف جرجانی)؛ مثنوی هفت اورنگ

جامی (۱۳۳۸)؛ ترجمه‌ی مصائب النواصب (از قاضی نورالله شوشتری)؛ تصحیح معالم الاوصل (ترجمه‌ی آقا هادی مازندرانی)؛ نقش ایران در جهان عرب و بین‌النهرین. آخرین اثر استاد مدرسی نوشته‌ای که به عنوان مقاله برتر هشتمین اجلاس وحدت اسلامی در سنندج برگزار شد.

استاد نورالدین مدرسی چهاردهی در سن هفتاد و پنج سالگی دار فانی را وداع گفت.
برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

مدرسی یزدی، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید عباس فرزند مرحوم آیت‌الله حاج سید یحیی مدرسی یزدی از فضلا مدرسین حوزه علمیه نجف اشرف و مقیم حوزه علمیه قم می‌باشند که به زیور علم و تقوی آراسته‌اند.

ایشان در ماه جمادی‌الثانی ۱۳۶۴ قمری در نجف اشرف متولد شده و در سن ده سالگی ملبس به لباس روحانیت گردیده و مشغول به تحصیل علوم عربیت و ادبیت شده و سطوح را نزد اساتید فن مانند آیت‌الله حاج سید محمدباقر محلاتی و آیت‌الله حاج سید مرتضی خلخالی و آیت‌الله حاج سید مرتضی فیروزآبادی قدس‌الله سره به پایان رسانیده و خارج فقه و اصول را از محضر آیات عظام و اساتید کرام چون آیت‌الله حاج میرزا باقر زنجانی و آیت‌الله حاج میرزا حسن بجنوردی و دیگران استفاده نموده و تقریرات دروس آیات و اساتید بزرگ را به نام نمودج فی الفقه الجعفری تألیف و تدوین کرده و به چاپ رسانیده‌اند و در حال حاضر در حوزه علمیه قم به تدریس سطوح عالی و خارج اصول و فقه اشتغال دارند مانند اوقاتی که در نجف اقامت داشتند.

آثار مطبوع و مخطوط معظم‌له

۱- نمودج فی الفقه الجعفری که به اهتمام آقای داوری به طبع رسیده است.

۲- شرح بر کفایه الاصول

۳- شرح بر اصول بعضی از محققین

خاطره‌ای از والد ماجدشان

مرحوم آیت‌الله حاج سید یحیی مدرسی یزدی از مشاهیر آیات عظام حوزه نجف اشرف و اعظم شاگردان مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی و آیت‌الله حاج میرزا حسین نائینی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی بودند.

آقای حاج سید محمدرضا میبیدی مقیم گرگان که از شاگردان میرزا ایشان و مشاهیر دانشمندان معاصرند در شمال ایران کرارا برای نگارنده گفتند که استاد ما مرحوم آیت‌الله حاج سید یحیی مدرسی یزدی فرمودند چون استاد ما مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی در ذی‌حجه ۱۳۶۱ قمری فوت نمود و دروس برای احترام ایشان کلاً تعطیل شد و سه روز برای او به سوگ و عزا نشستیم رفقا و شاگردان آن مرحوم از من خواستید که از حضرت آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی بخواهم که درس را شروع کنند.

پس من صبح روز سه‌شنبه به منزل آن مرحوم رفتم و درخواست آقایان را به ایشان گفتم مرحوم آیت‌الله غروی رحمه‌الله فرمودند آقای حاج سید یحیی خود من هم عازم بودم که درس را شروع کنم لکن امروز صبح مشغول تعقیب نماز بودم که دیدم آقای آقا ضیاء آمدند درب اطاق و به من گفتند شیخ محمدحسین آماده باش که شب جمعه این هفته پیش ما خواهی آمد. و من سه روز

دیگر بیشتر زنده نیستم و شب جمعه خواهم مرد. این جمله را در حالی فرمودند که هیچ کسالتی نداشتند.

پس شب جمعه همان هفته سکنه کرده‌اند و از دنیا رفتند و از جناب حاج سید رضی شیرازی نوه آیت‌الله العظمی میرزا محمدحسن شیرازی (مجدد) که از علماء بنام تهرانت شنیدم که فرمودند مرحوم آیت‌الله حاج سید جمال‌الدین گلپایگانی که از مراجع بزرگ نجف بودند نیز فرمودند شب جمعه مشغول تهجد بودم که دیدم آقای آقا ضیاء‌الدین عراقی به اتفاق حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی به منزل آیت‌الله حاج شیخ مهدی کفائی فرزند بزرگ مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی رفتند و از اجل و مرگ خود خبر می‌دهند زیرا ملهم هستند چنانچه در عصر این نویسنده مرحوم آیت‌الله آقای آقا سید محمد حجت کوهکمری قدس‌الله سره متوفی ۱۳۷۰ قمری و آیت‌الله حاج سید احمد خونساری رضوان‌الله تعالی علیه متوفی ۱۴۰۵ قمری و آیت‌الله مرعشی نجفی متوفی ۱۴۱۱ قمری از حادثه مرگ خویش خبر دادند.

و نگارنده در روز چهارشنبه هفتم ماه صفر ۱۴۱۱ روز شهادت حضرت امام حسن مجتبی علیه‌السلام که در منزل یکی از مدرسین عالی برای روضه رفته بودم یکی از فضلاء کنار من نشسته آهسته آهسته خبر از مرگ و رحلت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمه‌الله داد که مورد تعجب نگارنده شد و آن را خیلی عادی و حمل به بعضی از اغراض نمودم چون حال ایشان خوب بود و در حسینیه منزلشان مجلس سوگواری بود و شب پنجشنبه برای نماز مغرب و عشاء به صحن آمده و حقیر هم بودم و توفیق آخرین نماز را با ایشان رفتم.

پس ایشان بعد از پایان نماز به منزل رفتند و یک ساعت بعد هم به اجداد گرامیشان پیوستند طاب‌الله ثراه.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مدرسی یزدی، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدعلی مدرسی حسنی طباطبائی یزدی فرزند آیت‌الله العظمی حاج سید یحیی طباطبائی مدرسی یزدی (طاب‌الله ثراه) از علماء محترم و مدرسین بزرگ حوزه علمیه نجف اشرف در قم می‌باشند.

ایشان در شب جمعه اول جمادی‌الاول سال ۱۳۵۸ قمری هجری در نجف اشرف متولد شده و در سن هفت سالگی به مکتب خانه قدیم رفته و در مدت چهار سال خواندن و نوشتن را تکمیل نموده و به تحصیل مقدمات پرداخته و در خدمت والد ماجدش و نیز داماد بزرگشان حاج سید محمدباقر مدرسی ادبیات را به پایان رسانیده و سطوح متوسطه و نهائی را در خدمت حاج شیخ علی اصغر اراکی و آیت‌الله حاج سید مرتضی خلخالی خوانده و نیز خیارات مکاسب را در خدمت آیت‌الله حاج شیخ غلامرضای باقری نجف‌آبادی (مقیم مشهد مقدس) تلمذ نموده و جلدین کفایه را از محضر والدش استفاده نموده و به درس خارج اصول آیت‌الله العظمی حاج سید محمود شاهرودی شرکت و هم به خارج اصول و فقه والد خود حاضر شده و در سال ۱۳۸۳ قمری به دریافت اجازه اجتهاد مطلق از مرحوم آقای شاهرودی و والد بزرگوارش نائل گردیده و در شانزدهم ماه صفر ۱۳۸۳ قمری که والدش فوت کردند به درس خارج اصول آیت‌الله حاج میرزا حسن بجنوردی حاضر شده و یکدوره اصول را از ایشان استفاده نموده و هم از محضر آیت‌الله حاج میرزا باقر زنجانی بهره‌مند و چندی هم از ابحاث فقه مرحوم آیت‌الله العظمی حاج سید محسن حکیم استفاده کرده و عمده مبنا و آراء ایشان همان نظریات و مبانی والد بزرگوارش حاج سید یحیی مرحوم بوده و می‌باشد و حضور در دراسات آیات عظام مذکور مبدل و مغیر نظریات ایشان نشده بلکه بیشتر معتقد به صحت مبنا آن مرحوم گردیده و در سن بیست و پنج

سالگی مشغول به تدریس خارج فقه و اصول شده و پس از تسفیر به ایران هم که در حوزه علمیه قم اقامت نموده به گفتن درس خارج اشتغال دارند و عده‌ای از محضرشان استفاده می‌کنند.

آثار علمی ایشان

۱- حاشیه بر عروه الوثقی علامه یزدی از اول تا آخر.

۲- کتاب مضاربه در حدود هشت صد صفحه که آماده چاپ است.

والد ماجدشان آیت‌الله العظمی حاج سید یحیی طباطبائی مدرسی یزدی یکی از اکابر فقهاء و مجتهدین بیت جلیل مدرسی یزدی بوده‌اند. ایشان در یزد متولد شده و پس از طی مقدمات و سطوح نهائی در سال ۱۳۴۱ قمری راس دومین سال تأسیس حوزه علمیه قم از یزد به قم آمده و حدود ده سال اقامت و از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی حایری یزدی و آیات عظام دیگر استفاده نموده و در سال ۱۳۵۱ قمری مجتهدا مهاجرت به نجف اشرف نموده و مستقیماً به درس مرحوم آیت‌الله حاج میرزا حسین نائینی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی شرکت و استفاده نموده و خود مستقیماً به تدریس خارج فقه و اصول پرداخته و یکی از اساتید و مدرسین بزرگ حوزه علمیه گردیده تا در شانزدهم ماه صفر ۱۳۸۳ قمری که بدرود حیات گفته و در جوار جد گرامیش در یکی از حجرات صحن مطهر مدفون گردیده است.

دارای دو فرزند فاضل و دانشمند بوده است.

۱- جناب حاج سید محمدعلی یاد شده.

۲- حاج سید عباس مدرسی یزدی که ذکرش در گذشت.

سید محمدعلی متولد ۱۳۵۸ ق از فضلاء حوزه علمیه نجف و مانند والدش دارای ملکات فاضله و اخلاق حمیده و متواضع می‌باشد از آثار اوست تقریرات درس والدش در فقه و اصول و نیز تقریرات مرحوم آیت‌الله شاهرودی و آیت‌الله بجنوردی. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدرسی یزدی، یحیی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۸۳ - ۱۳۲۱ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد و مدرس. در یزد به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات، سطوح عالی را در خدمت سید حسین باغ گندمی و سید احمد مدرس و سید علی‌رضا حایری فراگرفت. در ۱۳۴۲ ق به قم رفت و چندین سال در محضر آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی و آیت‌الله آقا سید علی یثربی کاشانی تلمذ نمود. آنگاه به نجف مهاجرت کرد و از محضر شیخ آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله شیخ محمدحسین نائینی استفاده نمود. پس از رسیدن به درجه‌ی اجتهاد خود به بحث و تدریس پرداخت. وی در ۱۳۸۳ ق به قصد بازگشت به ایران، در کرد کرمانشاه درگذشت و پیکرش به قم منتقل و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد. از آثارش: «الاجتهاد و التقلید»؛ «قاعده‌لا- ضرر»؛ «منجزات المریض»؛ حاشیه بر «عروه الوثقی»؛ «تقریرات» اساتیدش علامه نائینی و شیخ عراقی، در فقه و اصول؛ «رساله‌ی عملیه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آینه‌ی دانشوران (۲۲۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۸۷- ۲۸۶/۷)، معجم رجال‌الفکر و الادب فی‌النجف (۱۳۶۲ - ۱۳۶۱/۳).

مدرسی، ابراهیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۷ ش)، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. در قاین به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات متوسطه در مشهد و دارالفنون تهران موفق به اخذ درجه‌ی دکترای ادبیات از دانشگاه ادبیات تهران شد. او همچنین در بدو تأسیس مجله‌ی «ترقی» عنوان سردبیری آن را داشت. از آثار وی: «پنجه‌ی خونین»، «عشق شوم»، «پیک اجل»، «عروس مدائن»، ترجمه [۱].

فرزند دکتر سید حسین مدرسی، در ۱۲۹۷ در قائن متولد شد. تحصیلات خود را در دبستان و دبیرستان شاهرضای مشهد انجام داد و از دبیرستان دارالفنون تهران دیپلم گرفت و وارد دانشکده ادبیات تهران شد و دوره‌ی سه ساله دانشکده‌ی مزبور را به پایان رسانید و لیسانس گرفت. چند سال بعد تحصیلات خود را در دانشکده‌ی ادبیات ادامه داد و سرانجام دکتر در ادبیات فارسی شناخته شد.

وی از نوجوانی سودای نویسندگی داشت و از اینرو بعد از شهریور ۱۳۲۰ نویسندگی را آغاز نمود و سرانجام سردبیر مجله‌ی ترقی شد. مجله‌ی ترقی در آن ایام از مطبوعات جنجالی و پرسروصدا و متنوع بود و طرفداران زیادی داشت. مدرسی در این مجله تلاش زیادی کرد و آنرا به اوج رسانید و بزرگترین تیراژ را در آن زمان بدست آورد. داستانهائی که توسط مدرسی در مجله نوشته می‌شد، خواهان زیادی داشت و بعضی از آنها بصورت کتاب چندین بار منتشر گردید، مانند عروس مدائن، پنجه خونین، عشق و انتقام، پیک اجل.

دکتر مدرسی همزمان با کار نویسندگی به استخدام در وزارت دارائی درآمد و مشاغل مهمی را در طول خدمت خود در وزارت دارائی بدست آورد. از مشاغل وی می‌توان بازرسی دولت در بنگاه داروئی، نماینده‌ی وزارت دارائی در شورای راه‌آهن، مدیر کل نظارت بر مؤسسات اقتصادی را نام برد. عضویت شورایعالی بانک رفاه کارگران و عضو هیئت مدیره و قائم مقامی بانک رهنی ایران از دیگر مشاغل وی می‌باشد.

دکتر مدرسی در حزب مردم فعالیت داشت و از اینرو در دوره‌ی بیست و دوم مجلس از طرف حزب مزبور کاندیدای نمایندگی از تربت حیدریه گردید و سرانجام به وکالت مجلس انتخاب شد. در مجلس یکی از سخنگویان حزب مردم بود مخصوصاً به هنگام طرح بودجه دولت ایراداتی به طرز حکومت هویدا می‌گرفت. در هر حال در ادوار بعد نتوانست رضایت دولت را جلب کند و پس از انقضای مجلس بیست و دوم، به وزارت دارائی بازگشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] چهره‌های آشنا (۵۳۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/۲۲۹۸، ۶۴۶، ۱/۶۲۱)، مؤلفین کتب چاپی (۹۱-۹۰/۱).

مدرسی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج سید حسن مدرسی سر یزدی بن السید العلام السید زین‌العابدین از علماء معروف معاصر کرج است.

وی در سال ۱۳۱۸ قمری هجری در قریه سر یزد از مضافات یزد بدنیا آمده و در سن ۱۷ سالگی در سال ۱۳۳۵ قمری برای تحصیل عزیمت یزد نموده و در آنجا در خدمت مرحوم حجة الاسلام آقا سید حسین باغ گندمی و آقا میرزا سید احمد مدرس و آخوند ملا حسن اردکانی و مرحوم آقا سید مهدی یزدی تهرانی تحصیل ادبیات و سطوح نموده و در سال ۱۳۴۲ قمری که آیات عظام حوزه نجف در قم بسر می بردند مهاجرت به قم نموده و از محضر مرحوم آیت الله آقا میرزا سید علی یثربی کاشانی و مرحوم آیت الله حاج سید محمد تقی خونساری و مرحوم آیت الله میرزا محمد همدانی و آیت الله العظمی حایری و مرحوم آیت الله حجت استفاده نموده و پس از ورود مرحوم آیت الله العظمی بروجردی نیز حدود ده سال بدرس آن مرحوم حاضر و بهره مند گردیده تا سال ۱۳۷۵ قمری که مرحوم حجة الاسلام آقا سید میرزا جندقی امام مسجد جامع کرج فوت نمودند بنا بر اصرار مردم کرج و امریه حضرت آیت الله العظمی بروجردی منتقل بکرج و تاکنون در مسجد جامع کرج واقع در خیابان چالوس به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: آقای مدرسی که داماد مرحوم حجة الاسلام آقا شیخ محمد توسرکانی حایری (داماد معظم مرحوم آیت الله العظمی حایری مؤسس حوزه علمیه می باشند عالمی متین و بزرگوار و دور از هرگونه تظاهرات و خودنمایی و موصوف بفضل و تقوا هستند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مدرسی، علیرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علیرضا مدرسی از علماء معروف معاصر یزد بوده است.

وی در حدود ۱۳۲۳ قمری در یزد متولد شده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات و ادبیات و سطوح را از مرحوم والدش و دیگران در یزد آموخته و پس از آن به قم مهاجرت نموده و از محضر مرحوم آیت الله العظمی حایری و مرحوم آیت الله حجت استفاده نموده است.

و پس از آن عزیمت به نجف اشرف و چندی از محاضر آیات عظام چون مرحوم آیت الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت الله العظمی اصفهانی بهره مند شده و با دریافت اجازات علمی و روایتی از آنان به یزد مراجعت و در مدرسه مصلی (اسحاقیه) به تدریس و اقامه جماعت پرداخته تا در اواخر که به واسطه کسالت قند و ضعف چشم و غیره از تدریس مانده و در ماه مبارک ۱۳۹۳ قمری وفات و جنازه اش با تجلیل حمل به قم و در قبرستان شیخان جنب مقبره جناب زکریا بن آدم اشعری مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدرسی، علینقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: گوش و حلق و بینی دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مدرسی، محمدحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام والمسلمین آقای سید محمدحسن بن العلامه سید محمد مدرسی یزدی از علماء اعلام و فقهاء عظام و دانشمندان کرام حوزه علمیه و ائمه جماعت شهرستان قم می‌باشند.

در حدود سال ۱۳۲۰ قمری در یزد متولد شده و پس از رشد و دیدن قسمتی از سطوح مهاجرت به قم نموده و سطوح را نزد مدرسین بزرگ قم تکمیل و به حوزه درس مرحوم آیت‌الله موسس حایری و آیت‌الله حجت رحمة‌الله حاضر شده و مدت ۱۸ سال هم از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی انارالله برهانه استفاده نموده و در پائین شهر قم به ترویجات دینی و روحی و اقامه جماعت پرداخته و تا هم‌اکنون به خدمات مذهبی اشتغال دارند.

والد ماجدش مرحوم علامه حاج سید محمد یزدی از شیوخ علماء و اکابر دانشمندان یزد بوده و در سال ۱۳۴۱ قمری در یزد از دنیا رفته و در قبرستان جوی هرمر به خاک رفته است.

برادر ارجمندش جناب عالم فاضل حاج سید محمدباقر میرصالحی مدرسی از ائمه جماعت یزد بوده‌اند.

فرزندان ارجمند روحانی دارد که در سلک روحانیت به تبلیغات مسائل احکام و ترویجات دینی از طریق منبر اشتغال دارند و آنها به اسامی زیر می‌باشند.

۱- حاج آقا محمد مدرسی که از وعاظ محترم قم و تهران می‌باشند.

۲- حاج آقا علی مدرسی یزدی که با مولف طریق صداقت را دارند.

۳- حاج آقا کاظم مدرسی.

۴- حاج آقا احمد مدرسی یزدی ۵- آقا محمود مدرسی

۶- آقا رضا مدرسی.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مدرسی، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران سید محمد رضا مدرسی

محل تولد: یزد

شهرت: مدرسی یزدی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

آیة الله سید محمدرضا مدرسی یزدی در سال ۱۳۳۴ هجری شمسی در یزد و در میان خانواده‌ای متدین و اهل علم و دوستدار خاندان گرامی پیامبر اکرم (ص) به دنیا آمد. پدرش آیة الله سید جواد مدرسی یزدی که هم اکنون نیز در قید حیات است، از علما و دانشمندان مشهور یزد به شمار می‌آید و سالهاست که به خدمت به جامعه اسلامی و مردمان نستوه و فداکار دیار خود می‌پردازد. آیة الله سید جواد مدرسی از استادان مشهور اخلاق است که سیره علمی و عملی او سر مشق جامعه اسلامی و مردمان و دین باوران بوده است. پدر آقا سید جواد، آیة الله سید احمد مدرسی - نیز از استادان مبرز حوزه علمیه به شمار می‌آمده است. خاندان مادری آیة الله محمد رضا مدرسی یزدی نیز از خانواده‌ای متدین و روحانی به شمار می‌آیند. که اینها خود در شکل‌گیری شخصیت استاد مدرسی سهم بسزایی داشته است. آیة الله مدرسی یزدی در حدود ۵ سالگی به مکتب رفت و تحصیلات خود را در همان جا آغاز کرد. پیش از ۷ سالگی به دبستان رفت و پس از آن به دبیرستان راه یافت، به گونه‌ای که در کنار دروس دبیرستان، برخی از دروس مقدمات حوزه را نیز فرا گرفته بود. پس از آن با اشتیاق فراوان درس حوزه را در مدرسه معروف به مصلی آغاز کرد و در مدت کمی دروس دوره مقدمات را فرا گرفت. با اتمام دروس دوره مقدمات، دروس سطح را شروع کرد و پس از مدتی به قم عزیمت کرد. در قم نیز به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد و سالها از خرمن علم و عمل آنان خوشه چید. او در این سالها به تحصیل دروس مرسوم حوزه بسنده نکرد و در کنار آن به دروس نجوم، هیئت، فلسفه غرب و اقتصاد و نیز فراگیری زبانهای خارجی پرداخت و در رشته‌های فلسفه و کلام و تفسیر و حدیث نیز کتب بسیاری را مطالعه کرد و در این دروس نیز شرکت می‌نمود. با پایان یافتن دروس دوره سطح، به درس خارج استادان برجسته حوزه علمیه قم راه یافت و سالهای متمادی در آن دروس شرکت می‌جست. به همراه آن، در درسهای فلسفه و کلام نیز حضور جدی داشت و هیچ‌گاه مطالعه دروس جنبی و دروس دانشگاهی را رها نکرد. او در سالهای تحصیل خود از محضر اساتید اخلاق نیز استفاده می‌برد تا علم خویش را به زیور عمل بیاراید. آیة الله مدرسی یزدی در سالهای تحصیل خود به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد. او که غالب دروس دوره مقدمات و بخشی از دروس سطح را در محضر پدر خود فرا گرفته بود. پس از سال ۱۳۵۱ که به قم آمد، مقداری از شرح لمعه را نزد آیة الله صلواتی و آیة الله سید ابوالفضل موسوی تبریزی آموخت و قسمتی از رسائل را نزد آیة الله میرمحمدی و مکاسب را عمدتاً نزد آیة الله ستوده و بیشتر کفایه را نزد آیة الله سبحانی فرا گرفت. او از اساتید متعدد دیگری نیز در این مقطع بهره برد. وی دروس هیئت و عرفان را نزد آیة الله حسن زاده آملی آموخت و در دروس فلسفه آیة الله شهید مطهری و نیز آیة الله جوادی آملی شرکت جست، در این زمینه نیز از اساتید دیگری بهره گرفت. برای فراگیری دروس خارج فقه و اصول ابتدا مدتی در درس مرحوم آیت الله شیخ کاظم تبریزی حضور یافت و سالهای متمادی به دروس آیات عظام وحید خراسانی و تبریزی رفت؛ به طوری که این دو عالم فرزانه را می‌توان استادان اساسی او دانست. البته او از اساتید دیگری همچون مرحوم آیت الله حائری، مرحوم آیت الله میرزا هاشم آملی و حضرت آیت الله بهجت مدظله العالی از جنبه‌های گوناگون استفاده کرد. استاد مدرسی در سالیان عمر خود تا کنون فعالیت‌های بسیاری را در عرصه علم و فرهنگ به انجام رسانده است. از جمله آنها تألیف کتب و مقالات فراوان در عرصه‌های گوناگون علمی است. ویژگی این آثار، روز آمد بودن و ژرف نگری تحسین برانگیز است. آیة الله مدرسی از سالهای نخستین تحصیل، به امر تدریس نیز اهتمام ویژه‌ای داشته است، او که بارها دروس دوره مقدمات و سطح را تدریس کرده، در مؤسسه در راه حق به تدریس فلسفه تطبیقی، فلسفه اخلاق و علم اقتصاد و نیز کتاب اقتصادنا (نوشته شهید صدر) اشتغال داشته است. در زمینه فلسفه نیز به تدریس کتاب‌های بدایة الحکمه و شرح منظومه و... پرداخته است. او مدتی نیز در دانشکده‌های مختلف تدریس کرده و روزگاری نیز به تدریس در مؤسسه باقر العلوم پرداخته است. وی از جمله همکاران و مؤلفین کتب دفتر همکاری حوزه و دانشگاه در سالهای اولیه تأسیس بوده است. آیة الله مدرسی از سال ۱۳۷۲ ابتدا تدریس خارج اصول و چندی بعد خارج فقه را آغاز کرده که تا کنون یک دوره اصول به پایان رسیده و هم اکنون دوره دوم آن آغاز شده است؛ در بخش فقه نیز این تدریس ادامه داشته و از این رهگذر، طلاب و فضایی

بسیاری تربیت شده‌اند. استاد مدرسی یزدی از روزگار جوانی برای فعالیتهای سیاسی اهمیت ویژه‌ای قائل می‌شده است. او در خانواده‌ای رشد یافته که پدری مبارز در آن حضور داشته است؛ آیه الله سید جواد مدرسی که با امام خمینی (ره) از طریق مرحوم آیه الله سید عباس خاتم یزدی (ره) ارتباط داشت در طول دوران مبارزه، همواره یار امام بود. او وکیل امام در یزد بود و در کمک به مبارزان نقش ویژه‌ای ایفا می‌کرد. فرزند این پدر نیز در راه مبارزه قدمهای استواری برداشت. از جمله اینکه در قم آیه الله العظمی گلپایگانی را از نقشه ساواک در سوء استفاده از مجلسی که برخی از علما و فضلا قرار بود در آن حضور یابند، آگاه ساخت. از فعالیتهای سیاسی او پس از انقلاب می‌توان به عضویت در کمیته امام (ره) برای رتق و فتق امور استان لرستان و نیز نظارت بر انتخابات خیرگان در یزد اشاره کرد. آیه الله مدرسی در سالهای دفاع مقدس، بارها در جبهه‌های جنگ حضور یافت. آیه الله مدرسی یزدی هم اکنون در قم حضور دارد و به تربیت طلاب می‌پردازد و همزمان از فقهای شورای نگهبان قانون اساسی است. همچنین وی از اعضای محترم جامعه مدرسین حوزه علمیه است.

مدرسی، یحیی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید یحیی بن سید علی اصغر مدرس متولد ۱۳۲۱ قمری از علماء و مدرسین بزرگ نجف اشرف بوده است.

وی در یزد در سال مذکور تولد یافته و پس از خواندن اولیات و سطوح به قم آمده و چندین سال از محضر مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی و مرحوم آیت الله آقا سید علی یشربی کاشانی استفاده نموده و در اواخر مرحوم آیت الله حایری مهاجرت به نجف اشرف و از محضر و دروس مرحوم آیت الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت الله العظمی اصفهانی و آیت الله نائینی استفاده نموده و خود به تدریس خارج فقه و اصول پرداخته و جماعتی از فضلاء نجف از محضرش کسب علم و کمال نموده تا در سال ۱۳۸۳ قمری که مسافرت به ایران نموده ولی در کرد کرمانشاه در هفدهم ماه صفر سال مذکور وفات و جنازه‌اش با تجلیل حمل به قم و در مقبره (شیخان) به خاک رفته است.

از آثار علمی او کتب زیر است.

- ۱- قاعده لاضرر ۲- منجزات مریض ۳- اجتهاد و تقلید ۴- تقریرات دراسات مرحوم نائینی و عراقی ۵- رسائل در جمیع ابواب فقه
- ۶- حاشیه توضیح المسائل ۷- رساله علمیه ۸- حاشیه بر عروه.
- از باقیات الصالحات آن مرحوم دو فرزند فاضل و برومند است.
- برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدرکی نهاوندی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به مدرکی. در «الذریعه» و تذکره‌ی «روز روشن» و «تاریخ نظم و نثر» صاحب عنوان تحت نام

درکی آورده شده است که با توجه به آورده‌ی عبدالباقی نهاوندی، فرزند او، که دوبار وی را تحت نام و تخلص مدرکی آورده، اشتباه می‌باشد. وی ساکن قریه جولک از توابع نهاوند و پدر آقا خضر و عبدالباقی نهاوندی، صاحب «مآثر رحیمی» بود. پدر او از طرف شاه اسماعیل صفوی (۹۳۰-۹۰۵ ق) به وزارت همدان رسید و خود او نیز از جمله اعیان آن ولایت بود که در زمان شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶ ق) وزیر و ناظر آنجا شد. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۶۷۵)، تذکره‌ی روز روشن (۲۵۸)، الذریعه (۹/۳۲۲)، فرهنگ سخنوران (۸۳۰)، مآثر رحیمی (۱۵۳۸-۱۵۳۷/۴)، مؤلفین کتب چاپی (۳/۷۰۷).

مدنی بجستانی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمود مدنی بجستانی

محل تولد: بجستان

شهرت: مدنی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۳ متولد شدم. پدرم مرحوم آیت الله مدنی از شاگردان آیت الله میلانی و آیت الله میرزا جواد تهرانی و آیت الله شیخ هاشم قزوینی و از ائمه جمعه بود. دوران تحصیلات ابتدائی را در بجستان به پایان رساندم و پس از پایان سال اول دوره راهنمایی وارد حوزه علمیه شدم و تا سال ۱۳۸۳ به صورت مستمر به تعلیم و تدریس و تالیف و تحقیق و تبلیغ مشغول بودم. سه سال در حوزه علمیه مشهد بودم و سپس در سال ۱۳۵۸ به قم هجرت کردم و از دروس حضرات آیات ستوده، پایانی، اعتمادی و بنی فضل استفاده کردم. در مقطع خارج از حضرات آیات عظام تبریزی «فقه ۱۲ سال اصول ۸ سال»، و وحید خراسانی «فقه یک سال و نیم و اصول هشت سال»، مکارم شیرازی «اصول یک سال»، منتظری «فقه ۴ سال» بهره مند شدم.

مدنی کاشانی، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۴۱۳-۱۳۲۱ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و مجتهد. جدش ملا محمد شیرازی در ۱۲۰۰ ق از شیراز به کاشان رفت. او در کاشان به دنیا آمد. وی نخست علوم قدیمه را در حوزه علمیه فراگرفت. سپس به فراگیری علوم جدید پرداخت. ادبیات را در محضر ادیب

فرزانه سید محمود علوی و فقه و اصول و صرف را در محضر پدرش، ملا- عبدالرسول، و جد مادری اش ملا- حبیب‌الله شریف کاشانی و سید محمد علوی و شیخ محمود نجفی فراگرفت. در زمان آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حایری به قم رفت و از درس عمومی و خصوصی فقه و اصول ایشان استفاده نمود. علمایی چون آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله سید احمد خوانساری و آخوند ملا علی همدانی و آقا میرزا محمد همدانی و حاج آقا روح‌الله کمالوند با وی هم مباحثه بودند. وی از آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حایری و آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی اجازه اجتهاد گرفت. سپس به امر پدر و خواست مردم به کاشان بازگشت و به تأسیس حوزه‌ی علمیه و تدریس پرداخت و مرجع امور دینی مردم گشت. از جمله آثار خیروی احداث مساجد و مدارس و حسینیه‌ها و حمام‌ها می‌باشد. از آثار علمی وی: «منتخب الاحکام»؛ «کشف الحقائق»؛ «توضیح التقریرات»، در بحث؛ «الخيارات» از «مکاسب»؛ حاشیه بر «الکفایه»؛ حاشیه بر «العروة الوثقی»؛ حاشیه بر «ذخیره العباد»؛ کتاب «الربا»، «عملیات بانکی»؛ رساله‌ی «الحجایه»؛ رساله‌ای در «الوانی»؛ «براهین الحج للفقهاء و الحجج»؛ «الخلافة»، در اثبات خلافت بلافضل امیرالمؤمنین (ع) بر طبق روایات اهل سنت؛ «القصاص للفقهاء و الخواص»؛ «کشف الاستار عن حکم المغرب و الاستتار»؛ رساله‌ای در «احکام حدود»؛ «من ولی السفهاء»؛ «اصول مذهب تشیع» [۱].

عالم دینی.

تولد: ۲۳ محرم ۱۳۲۱ ق.، کاشان.

درگذشت: ۶ تیر ۱۳۷۱.

آیت‌الله رضا مدنی کاشانی، فرزند عبدالرسول کاشانی، از همان اوان کودکی تا حدود بیست سالگی در زادگاه خود کاشان به تحصیل علوم دینی پرداخت و در این سال‌ها از محضر کسانی چون پدرش آیت‌الله محمدعبدالرسول مدنی و جدش آیت‌الله ملا حبیب‌الله شریف بهره برد. با آمدن آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی به قم، ایشان نیز به قم رفت و در حوزه‌ی درس آیت‌الله حائری یزدی راه یافت. طولی نکشید به مقام اجتهاد دست یافت. وی در سال ۱۳۵۹ ق. برحسب دستور پدر خود و درخواست برخی از اهالی کاشان به وطن خود بازگشت. از آثار اوست: توضیح التقریرات فی بحث الخيارات (عربی)، شرح بر خيارات متأجر شیخ مرتضی انصاری، تقریر آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، جزء اول؛ الدرّة المضيئة فی احکام انیة الذهب و الفضة، رساله در حجاب زنان؛ فرائض المقلدین (۱۳۷۶ ق.)؛ کتاب ریا؛ کشف الاستار عن حکم المغرب و الاستتار (۱۳۷۵ ق.)؛ کشف الحقایق عن الرد علی الزندق و المنافق (دو جلد، ۱۳۷۳-۱۳۷۱ ق.)؛ منتخب الرسائل؛ رساله‌ی عملیه.

رضا مدنی کاشانی بن العالم العابد والفقیه الزاهد حجة الاسلام والمسلمین آخوند ملا عبدالرسول مدنی از علماء بزرگ حوزه علمیه قم و مشاهیر فقهاء و مراجع معاصر شهرستان کاشانست.

وی در سحرگاه شب چهارشنبه محرم ۱۳۲۱ قمری هجری در کاشان به دنیا آمده و پس از رشد مقدمات و سطوح را از مرحوم والد و جدامی خود مرحوم آیت‌الله آخوند ملا حبیب‌الله و مرحوم آیت‌الله آسید محمد علوی کاشانی فراگرفته و در شوال ۱۳۴۰ قمری به قم آمده و مجلس درس عمومی و خصوصی مرحوم آیت‌الله المؤسس حایری فقهاً و اصولاً حاضر و استفاده نموده و هم خود تدریس و مباحثه گذارده تا اینکه در سال ۱۳۵۹ قمری هجری حسب الامر مرحوم والد و درخواست بعضی از اهل کاشان مراجعت به کاشان نموده و تا اکنون به تدریس و اقامه جماعت در مسجد میانچال و مرجعیت مردم کاشان اشتغال دارد.

آیت‌الله مدنی علاقه تامی به تألیف و تصنیف دارند و از غالب اجتماعات و رفت و آمدها منزوی و برکنار و به مطالعه کتب علمی و نوشتن پرداخته و آثار علمی ارزنده‌ای از خود به یادگار گذارده که فهرست آنها را می‌نگارم.

۱- کتاب براهین الحجج للفقهاء والحجج که تا به حال دو جلد آن به طبع رسیده و در حوزه‌های علمی قم و نجف و مشهد بین فضلاء اهل علم معروف و مشهور و از آن استفاده می‌نمایند.

۲- کتاب الخلافة که از بهترین کتابهای مربوط به اثبات خلافت بلافضلی حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام است بر طبق روایات علماء اهل سنت.

۳- کتاب کشف الحقایق فی الرد علی الزندق والمناق که بهترین رداست بر زنادقه این زمان.

۴- رساله حجابیه ۵- حاشیه بر کفایه ۶- حاشیه بر خیارات متاجر شیخ ۷- رساله در نکاح و رضاع استدلالی ۸- حاشیه بر عروة الوثقی و سایر رسائل ۹- الدرء المزیئه فی احکام آئیة الذهب والفضه ۱۰- رساله‌ای در احکام حدود ۱۱- کتاب الرباء در مسائل ربای قرضی و معاملات و سایر احکام متعلقه آن و بعض مسائل دیگر.

معظم له اکنون در کاشان حوزه درس خارج دارند و جمعی از دانشمندان و فضلاء از محضرشان استفاده می نمایند.

آثار خیر بسیاری مانند مساجد و مدارس و حسینیه‌ها و حمام‌ها در شهر و دهات بنا نموده و به بسیاری از مستمندان و بیچارگان مساعدت کرده و می نمایند.

مکرر بعضی از فضلاء حوزه علمیه قم و نجف و مشهد و غیره درخواست نمودند که معظم له را برای تدریس نگاه دارند روی بعضی از موانع شرعیه پذیرفتند.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۶۰-۷۵۹/۱۴)، کیهان فرهنگی (س ۴، ش ۴، ص ۱۵-۱۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۶۲-۲۶۰، ۲۵۹/۶)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹۹-۱۹۸/۳).

مدنی همدانی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۳۴۰-۱۲۵۸ ش)، طبیب، خطاط، نقاش، موسیقیدان و شاعر، متخلص به صفاءالحق. وی گاهی در شعر صفا نیز تخلص می کرد. نسبش از جانب پدر به امام زین العابدین (ع) می رسد و از طرف مادر منسوب به علاءالدوله سمنانی است. در کردستان به دنیا آمد و در پنج سالگی همراه خانواده اش به همدان منتقل شد و مقدمات علوم فنون را نزد استادان آنجا آموخت. وی طبیعیات و الهیات و فلکیات را نزد مشکاة الملک، محمدعلی میرزا پسر خسرو میرزا قاجار، و طب قدیم را نزد حاج میرزا حسین، نواده‌ی کوثر علیشاه، و نقاشی و تذهیب را نزد صنیع الملک و میرزا حسین، پسر سمیعای نقاش، و طب جدید را نزد میرزا محمد صحت بخش و دکتر نجفقلی خان عراقی و موسیقی را نزد میرزا حسینقلی و سید احمد خان ساوجی و عرفان را نزد حاج عبدالوهاب شوشتری فراگرفت. صفاءالحق در فاصله‌ی سالهای ۱۲۸۴-۱۲۷۵ ش به ایرانگردی و سپس جهانگردی پرداخت و از مصر و سودان و عراق دیدن کرد و چند سال در بمبئی سکنی گزید و معلومات و تجربیات طبی خود را تکمیل کرد و در آنجا به سبک هندی شعر سرود و بعد از ۱۵۰ سال، که پیروی از این سبک در ایران منسوخ شده بود، آن شیوه را به این کشور بازگرداند. در واقع صفا مجدد غزل سبک هندی در ایران است. وی در هندوستان از محضر بزرگان اهل عرفان نیز بهره‌ها برد. پس از بازگشت از هند، با معلوماتی که از طب قدیم داشت و تجاربی که در معالجات جدید آموخته بود مطبی در همدان گشود. در ح ۱۲۹۳ ق وزارت معارف به وی گواهینامه‌ی طبیب مجاز اعطا کرد و او را به عنوان نماینده‌ی دولت جهت آبله کوبی منطقه‌ی اسدآباد و سپس ریاست بهداری آن منطقه اعزام نمود. او در موسیقی نیز دست داشت و سه تار را نیکو می نواخت. وی همچنین خط خوبی داشت و به فن نقاشی و سوزن‌دوزی آشنا بود. او «سفرنامه» ای به خط خود نوشته و آن را به نقاشی‌هایی از هنر خود مزین ساخته است. وی را در کنار مرقد باباطاهر، در

همدان، به خاک سپردند. از دیگر آثارش: «رساله پدگجی» یا «پداگوژی»، در تربیت؛ رساله‌ی «نمکدان»، آمیزه‌ای از نظم و نثر و جد و هزل؛ مثنوی «پهلوی نامه»، در انتقاد بر حکومت رضاخان و مخالفت با کشف حجاب؛ رساله «بزرگان»، در دامپزشکی؛ «کلیه» در پاسخ به سؤالات ادبی و کلام و مذهبی، که ناتمام است؛ قصاید و مثنویات و قطعات، که از جهت مواد تاریخ و فولکلور همدان دارای فواید است؛ «دیوان» غزلیات، که در آن بیشتر به صائب و سبک هندی نظر دارد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۳۱۸-۳۱۵/۲)، کیهان فرهنگی (س ۵، ش ۱۰، ص ۴۰-۳۹).

مدنی، اسدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم دینی.

تولد: ۱۲۹۳، دهخوارقان (آذرشهر)، از توابع تبریز.

شهادت: ۲۰ شهریور ۱۳۶۰، تبریز.

آیت‌الله سید اسدالله مدنی، فرزند آقا میرعلی، در سن شانزده سالگی پدر خود را از دست داد و چون پیش از این مادرش را نیز از دست داده بود به ناچار سرپرستی سه کودک و نامادری‌اش را عهده‌دار شد. چندی بعد وارد حوزه‌ی علمیه‌ی قم شد و پس از گذراندن دوره سطح نزد آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی و آیت‌الله سید محمد رضا گلپایگانی، حدود چهار سال به تحصیل درس فلسفه در محضر امام خمینی (ره) پرداخت و همچنین در جلسات درس آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری شرکت کرد. استادان دیگر او آیت‌الله حکیم و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی بودند.

مبارزات سیاسی خود را نیز از همان دوران طلبگی علیه رژیم پهلوی آغاز کرد و به علت مخالفت با کاپیتولاسیون از قم به ممسنی نورآباد تبعید شد و پس از تبعید در سال ۱۳۶۳ ق. به زیارت خانه خدا رفت و پس از اتمام حج بی‌درنگ به نجف عزیمت و تحصیل و درس خود را در آنجا شروع کرد و در درسهای آیت‌الله خویی شرکت نمود و روزانه چندین جلسه درس از کفایه، رسائل، مکاسب و لمعه را برای طلاب تدریس می‌نمود. در نجف در فعالیت‌های عمرانی و مذهبی و نیز در راهپیمایی‌های و سایر مسائل ایران پیش قدم بود. در بیست و یکم بهمن ۱۳۷۵ که تعدادی از تانک‌های دشمن از کرمانشاه به تهران عازم بودند، وی به اتفاق سی هزار جمعیت با دست خالی کفن‌پوش به مقابله با آنها پرداختند و با دادن تعدادی شهید و مجروح موفق می‌شوند تانک‌ها را از حرکت بازداشته و سربازان را که تعدادشان ۵۰۰ نفر بود خلع سلاح نمایند و تمام آنها را در منزل خود تغییر لباس داده و پذیرایی می‌کند و به آنها می‌گوید که: بروید به امید خدا هر موقع انقلاب پیروز شد خودتان را معرفی کنید. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و پس از رحلت آخوند ملا-معصومی، آیت‌الله مدنی دوباره بعد از اقامت کوتاهی در قم راهی همدان شد. در انتخابات مجلس خبرگان شرکت نمود و از سوی مردم همدان به مجلس راه یافت و در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نقش داشت. وی همچنین امامت جمعه و نمایندگی امام خمینی (ره) را در همدان طبق حکم بیست و یکم مهر ۱۳۵۸ ایشان به عهده داشت. بعد از شهادت آیت‌الله محمدعلی قاضی طباطبایی به حکم رهبری، امام جماعت شهر تبریز شد. نقش آیت‌الله مدنی در اداره‌ی امور استان آذربایجان و جریان حزب خلق مسلمان که توانسته بود قدرتی در تبریز برای خود دست و پا کند، مهم بود. وی با

همیاری مردم آنها را از صحنه‌ی سیاست منطقه بیرون کرد. به همین سبب چندین بار به وی سوء قصد شد.

از جمله خدمات ایشان می‌توان به این موارد اشاره نمود: احداث مهدیه، صندوق قرض‌الحسنه و درمانگاه در مهدیه همدان، بنای حسینیه و احداث حمام و مسجد و مدرسه و کتابخانه و قرض‌الحسنه‌ای در دره مراد بیک، راه اندازی صندوق قرض‌الحسنه در قصر شیرین، اداره‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی کمالیه‌ی خرم‌آباد، احداث هجده دستگاه خانه در یکی از روستاهای بوئین زهرا، ساختن مسجد بزرگی در نورآباد ممسنی. او در جبهه‌های دفاع مقدس هم حضور داشت (همچنین در جریان شکست حصر سوسنگرد). آیت‌الله مدنی روز بیستم شهریور ۱۳۶۰ بعد از نماز جمعه تبریز به شهادت رسید و پیکرش را در جوار حرم معصومه (س) به خاک سپردند.

حاج سید اسدالله مدنی دهخوار قانی (آذر شهری) از علماء مبرز معاصر است در شهر خرم‌آباد. وی در سال ۱۳۳۱ قمری در آذرشهر متولد شده و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح اولی در محل خود به اتفاق برادر رضاعی خود جناب مستطاب حجة‌الاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا باقر حکمت‌نیا در سال ۱۳۵۶ قمری مهاجرت به قم نموده و سطوح وسطی و نهائی را از مدرسین بزرگ چون آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی و آیت‌الله العظمی گلپایگانی و بعضی دیگر به پایان رسانیده و به درس خارج مرحوم آیت‌الله العظمی آقای آسید محمد حجة کوه‌کمری و آیت‌الله العظمی حاج سید محمدتقی خوانساری طاب ثراهما حاضر شده و استفاده کامل نموده و خود به تدریس سطوح و اخلاق پرداخته آنگاه مهاجرت به نجف نموده و از محضر آیات بزرگ حوزه نجف بالاخص زعیم اعظم و مرجع عالیقدر جهان تشیع حضرت آیت‌الله العظمی خوئی مدظله فقها و اصولا استفاده نموده و خود در آن سامان به تدریس فقه و اصول و غیره پرداخته و در فصل تابستان به همدان آمده و مورد توجه مخصوص مردم باایمان همدان و بالخصوص دانشمندان آن شهرستان قرار گرفته تا در سال ۱۳۹۲ قمری که مردم عالم دوست شهرستان خرم‌آباد مرکز فرمانداری منطقه لرستان برای سرپرست حوزه علمیه آنجا و مرجعیت مردم آن ناحیه تقاضا و به اصرار آنجناب را به خرم‌آباد برده و تاکنون از وجود ذیچودش استفاده و استفاضه می‌نمایند.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

مدنی، بدرالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

مترجم.

درگذشت: ۱۳۶۷، تهران.

بدرالدین مدنی در سال‌های آخر عمر درباره‌ی زندگی و آثار سعدی کار و تحقیق می‌کرد. او به زبان فرانسوی آشنایی داشت و به نوشته‌های رومن رولان علاقه‌مند بود و چندین نمایشنامه از جمله روبسپیر (۱۳۶۰) را به فارسی برگرداند: از آن جمله است: آیرت (رومن رولان)؛ آن زمان فراخواهد رسید (رومن رولان، ۱۳۵۷)؛ پیروزی عقل (نمایشنامه‌ای اثر رومن رولان، ۱۳۶۰)؛ تراژدی‌های ایمان (مجموعه چند نمایشنامه از رومن رولان، ۱۳۶۴)؛ تردستی‌های اسکاپن (مولیر، ۱۳۶۵)؛ گرگ‌ها (رومن رولان، ۱۳۵۵ ۲۵۳۵)؛ تحقیقی مقدماتی درباره‌ی داستان‌های شاهنامه با عنوان دریچه‌ای بر کاخ بلند و گزندناپذیر شاهنامه. بدرالدین مدنی کتابی نیز درباره‌ی رومن رولان در سال ۱۳۶۳ تحت عنوان رومن رولان: زندگی و آثار منتشر نمود.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

مدنی، علی خان

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی خان کبیر در غروب جمعه، پانزدهم جمادی الاول ۱۰۵۲ ق. در مدینه پای به عرصه گیتی نهاد. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب: پدر سیدعلی خان، سید نظام الدین احمد از دانشوران شیرازی تبار حجاز بود و در شمار نوادگان علی بن الحسین علیه السلام جای داشت. مادر گرانقدرش دخت شیخ محمد بن احمد منوفی، مرجع وارسته شافعیان شمرده می شد. هنوز علی خردسال بود که پدرش دعوت قطب شاه هفتم، فرمانروای حیدرآباد را اجابت کرد و برای راهنمایی مومنان شبه قاره رهسپار هند شد. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: کودک شیرازی تبار حجاز زیر نظر مادر ارجمندش بالید. در این سالها دایی دانشورش، شاعر گرانمایه حضرت قاضی عبدالجواد منوفی، پیشوای مذهبی و امام جماعت شافعیان در مسجد الحرام از وی حمایت می کرد. و نهال نورسته مدینه را از عنایات خویش برخوردار می ساخت. سید علی در روزگار کودکی بزرگان بسیار دید و یاد و نام و سیمای علمی - اجتماعی آنها را به خاطر سپرد. شیخ عبدالله بن سعید باقشیر، سید نورالدین علی بن حسن حسینی شامی، سبط الشیخ زین بن شیخ محمد شامی عاملی، قاضی تاج الدین احمد بن ابراهیم مالکی مکی و مولا محمد باقر خراسانی جمعی از دانشورانی بودند که برای تدریس یا نماز به مسجد الحرام می آمدند. و خاطره سبزشان در اندیشه کوچک نوباوه هوشمند حجاز ثبت شد. سید علی در چنین قضایی رشد یافت و به حدود چهارده سالگی رسید. در این سن نامه پدر که وی را به هجرت فرا می خواند، به دستش رسید. پس بار سفر بست و در ششم شعبان ۱۰۶۶ ق. رهسپار شبه قاره شد. تحصیلات رسمی و حرفه ای: سفر نوجوان حجاز بیست ماه به درازا کشید. سرانجام در روزهای پایانی ربیع الاول ۱۰۶۸ ق. به حیدرآباد رسید. و برای نخستین بار یعقوب هند را در آغوش گرفت. او شرح تلاشهای مادر فداکارش را برای پدر باز گفت و از حوادث حجاز پرده برداشت. نظام الدین احمد مقدم فرزند را گرمی داشت و در فرصتهای گوناگون داستان شیخ الاسلامی و پذیرش دامادی سلطان را برای پور سپید بخت مدینه النبی بیان کرد. و برنامه درسی و تربیتی ویژه ای برایش در نظر گرفت. ناگفته پیداست که نظام الدین برای تربیت علمی فرزند فرصت کافی نداشت. بنابراین جوان برومند حجاز را فرمان داد که تنها به محفل علمی پدر بسنده نکند و برای دستیابی به آرمان بلند خویش از محضر دانشمندان بزرگی که به شوق بهره گیری از فضای مناسب حیدرآباد به سمت شبه قاره می شتافتند، سود برد. سید علی پند پدر شنید و از پژوهشگران بزرگی چون محمد بن علی شامی عاملی و شیخ جعفر بن کمال الدین بحرانی کامیاب شد. ناگفته پیداست که آموخته های اختر فروزان حیدرآباد به آموزشهای مدون بزرگان یاد شده محدود نبود. او در نشستهای رسمی و غیر رسمی پدر شرکت می جست و از گنجینه اندوخته های دانشگرانی که به دیدار سید نظام الدین می شتافتند. برخوردار می شد. منابع موجود نشان می دهد که محفل پدر جایگاه ادیبان، پزشکان و فقیهان بود. سرور جوانان حجاز در این نشستها با بزرگانی چون ادیب گرانمایه سید حسینعلی بن حسن شدم حسین و ادیب و پزشک نامور شیخ حسین بن شهاب الدین کرکی شامی آشنا شد و از تجربه های گرانبهایشان بهره برد و اندک اندک در شمار درختان پرثمر باغستان دانش حیدرآباد جای گرفت. خاطرات و وقایع تحصیل: سید وارستگان حجاز در دیباچه زرین ((سلافه العصر)) از آن سالها چنین یاد کرده است: ((پس پیوسته ناکامیها بر من فرو می بارید و مرا از نگارش باز می داشت. حوادث ناگواری که طومار شکیبایی را در هم می پیچید، گردش روزگاری که پیامدهای تلخ خردسالان را کهنسال و سپید موی می ساخت. رنج دوری از وطن، بستگان و آشنایان، انواع دشواریها و نامرادیها در کنار دشمنی پیوسته دربار چنان آتشی در زندگی ام افکند که اگر بر زبان قلم جاری شود

بی تردید آن را می‌سوزاند. هر چند آن سالها روزگار ناکامیها و نامرادیهای سید علی شمرده شده است، هرگز تلخ‌ترین روزهای زندگی اش نبود. در سالهای پایانی این دهه غمبار مرد پولادین عرصه دانش و ادب روی در نقاب خاک کشید. و صدر الدین را در برابر یورشهای مکرر سلطان ابوالحسن تنها نهاد. اینک قطب شاه هشتم برای همیشه از دغدغه نفوذ سید نظام الدین رهایی یافته بود. پس بی هیچ نگرانی سید علی را در خانه ای کوچک زندانی کرد و هر گونه دیدار با او را ممنوع ساخت. بدین ترتیب ناگوارترین روزهای زندگی سرور دانشوران حجاز با مرگ سید نظام الدین آغاز شد و تا سالها ادامه یافت. روزهایی که خود درباره آن چنین نگاشته است: ((... در این روزگار از همه آشنایان دورم و جز اندوه همنشینی ندارم ... ناگزیر باید در خانه ای تنگ تر از روزن سوزن زندگی کنم، خانه ای که هنگام ورود بدان شاه‌رگ قلب انسان پاره می‌شود. در این سرای، همنشینی جز کتاب و دفتر ندارم... خداوند از حوادثی که در آینده پدید می‌آید آگاه تر است. تا کنون بر این بحران گشایشی آشکار نشده است... این گزیده ای از حقایقی است که در این سرزمین بر من می‌گذرد، شرح روزهای زندگی ام که پیاپی می‌گذرند و من با حسرتی پایان‌ناپذیر به تماشایشان نشسته‌ام. استادان و مربیان: از استادان سیدعلی خان مدنی می‌توان به: سیدحسینعلی بن حسن شدمحسینی، شیخ حسین بن شهاب الدین کرکی شامی، شیخ جعفر بن کمال الدین بحرانی و محمدبن علی شامی عاملی اشاره کرد. وقایع میانسالی: دانشور نستوه در این برهه نیز پژوهش دست‌نکشید و در روزگاری که به سن شصت نزدیک می‌شد به نگارش رساله ای در شرح روایتهای پنجگانه ای که پدرانش سینه به سینه برایش بازگو کرده بودند، پرداخت و در ربیع الاول ۱۱۰۹ ق. آن را به پایان برد. سالها شتابان می‌گذشتند و ادیب فرزانه هند را به سمت کهنسالی پیش می‌بردند. سرور اندیشمندان سده یازدهم اینک آثار گذر عمر را بر پیکرش مشاهده می‌کرد. بنابراین در ۱۱۱۴ ق. نزد محیی الدین محمد اورنگ زیب شتافت و کناره‌گیری اش از پستهای دولتی را به آگاهی وی رسانده، اجازه خواست که راه حجاز پیش گیرد و در پایان عمر به زیارت بیت الله الحرام، آرامگاه مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و بستگانش در آن سامان توفیق یابد. اندکی بعد بار سفر بست و بی توجه به اندرز آشنایان، که او را به ماندن و بهره‌گیری از عنایتهای ملوکانه تشویق می‌کردند، در مسیر سپیدترین جاده جهان به حرکت درآمد و پس از ۴۶ سال زندگی پرفراز و فرود در شبه قاره، سوی وطن روان شد. زمان و علت فوت: دانشوری که در روزهای سخت حیدرآباد و لاهور از پژوهش باز نایستاد در روزهای آسودگی شیراز نمی‌توانست از این کردار پسندیده دست بردارد. او همچنان تحقیق می‌کرد و می‌نوشت تا گرانبهارترین مجموعه لغت عرب را پدید آورد و البته در این کار نیز چون همه اقداماتش به موفقیتی سترگ دست یافت. کتاب پراج ((الطراز الاول فیما علیه من لغه العرب المعمول)) نشانه روش پیروزی بزرگ آفتاب بی‌غروب شیراز در روزگار کهنسالی و ناتوانی است. ادیب گرانمایه مدرسه منصوریه در این اثر گران پایه استادی و چیرگی خیره‌کننده اش را هویدا ساخته، در ذیل هر لفظ همه مسائل مربوط به آن، حتی ترانه‌ها و داستانها را نیز به زیور نگارش آراسته است. بی‌تردید پایان این اثر شگرف می‌توانست پایان گسترده‌ترین پژوهشهای انسان در موضوع لغت عرب به شمار آید ولی دریغ چرخ چنین نمی‌پسندید. بیماری بر پیکرش پنجه افکند و سرانجام دیدگان پرفروغش در یکی از غمبارترین روزهای سال ۱۱۲۰ ق. برای همیشه بسته شد. استادان، دانشجویان و مومنان شهر پیکر گرانبهارترین گوهر دریای ادب و هنر را تا حرم حضرت احمد بن موسی علیه السلام شاهچراغ همراهی کردند و در آن حریم پاک کنار آرامگاه سید ماجد بحرانی به خاک سپردند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: تلاشهای سیدعلی خان بزرگ در تامین امنیت شهر و آسایش مردم، محمد اورنگ زیب را بر آن داشت که وی را به حکومت لاهور و مناطق مجاور منصوب کند. با این تدبیر سلطان نماینده ای شایسته یافت. لاهور فرمانداری دلسوز به دست آورد و ادیب بزرگ سده یازدهم پای در روزگاری سراسر تلاش نهاد. هر چند مسئولیت تازه سید دشوار و کمرشکن بود، هرگز او را از پژوهش و نگارش باز نداشت. آن بزرگمرد از فرصتهای اندک پدید آمده در نبردها و آماده باشها بهره برد و به تحقیق و نگارش پرداخت. دانشمندی چون صدر الدین سید علی همنشین با کتاب را از هر کاری زیباتر و دوست‌داشتنی تر می‌

داشت ولی سیاستمداری چون اورنگ زیب هرگز نمی توانست شخصیت ارجمند دانشور وارسته روزگار خویش را نادیده گرفته ، از او در اداره امور جامعه بهره نبرد. بنابراین ضمن فرمانی وی را به ریاست دیوان ((برهانپور)) منصوب کرد. دانشور برجسته جهان اسلام که این مقام را برای خدمت و انجام دادن وظیفه الهی اش مناسب می دید، راه برهانپور پیش گرفت و در آن دیار به نجات ستمدیدگان و کوتاه کردن دست تبهکاران و متجاوزان پرداخت . آن دانشمند گرانمایه پس از چند سال داوری ، از کار در دیوان برهانپور کناره گرفت و دیگر بار به ارتش پیوست و سالیانی چند در سپاه محمد اورنگ زیب ، که تشنه حضور فقیهی پارسا بود، به خدمت پرداخت . سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سرنوشت همچنان با دانشمند وارسته حیدر آباد نامهربان بود. توفان دیر پای شریعت ستیزی که با مرگ قطب شاه هفتم آغاز شده ، با عروج سید نظام الدین احمد اوج گرفته بود همچنان ادامه داشت و هستی گرانبهارترین گوهر دریای دانش و هنر را تهدید می کرد. نگاهبانانی که پیرامون خانه کوچک او می گشتند، جاسوسانی که به عنوان دانشجو و ادیب به دیدارش می شتافتند هر یک خبر از آینده ای دشوارتر و تاریک تر می داد. در چنین موقعیت ادیب برجسته حجازی تبار نقشه ای هوشمندانه طرح کرد، نقشه ای که در بهترین فرصت به اجرا درآمد. سید علی از زندان گریخت و مقامهای امنیتی قطب شاه هشتم را در شگفتی فرو برد. سلطان سواران بی شمار در پی اش روان ساخت . سوارانی که بسیار تلاش کردند ولی جز نومیدی و شکست بهره ای نبردند. دانشور گریخته از زندان قطب شاهیان ، خود را به برهانپور رساند و در نخستین فرصت به دیدار محمد اورنگ زیب ، پادشاه آن سامان شتافت . اورنگ زیب دشمن دیرپای حیدرآباد نشینان شمرده می شد و پیوسته در اندیشه جذب دانشمندان و سیاستمداران آن دیار بود. بنابراین مقدم سرور ادیبان جزیره العرب را گرامی داشته ، لقب خان به وی بخشید و هزار و سیصد سوار زیر فرمانش قرار داد. بدین ترتیب فرزند دانشمند سید نظام الدین به صدر الدین سید علی خان شهرت یافت . پیشنهادهای سازنده او در شیوه کشور داری و لشکر آرای سلطنت اورنگ را بسیار تحت تاثیر قرار داد، به گونه ای که وقتی رهسپار اورنگ آباد شد وی را نیز همراه خویش برد و چون از آنجا به سمت احمد نکر حرکت کرد او را فرمانده نگاهبانان اورنگ آباد ساخت . شاگردان : سیدعلی خان مدنی در سالهای تدریس شاگردان بسیار پرورید ولی بی دریغ که نام و یاد آن سپید بختان در گذر زمان به تاراج رخدادهای رفته ، در آور فراموشی مدفون شده است . آنچه می توان در این فرصت باز گفت نام سه تن از کامروایانی است که اجازه بازگویی شنیده ها و نگاشته های سید ادیبان حجاز را دریافت داشته اند: ۱. علامه گرانمایه حضرت شیخ محمد باقر مجلسی گردآورنده مجموعه نفیس بحار الانوار ۲. دانشور ارجمند حضرت شیخ باقر بن موسی محمد حسین مکی ، ۳. دانشمند وارسته حضرت سید محمد حسین خاتون آبادی اصفهانی . آثار : اسلافه العصر فی محاسن الشعراء بکل مصر ، التذکره فی الفوائد النادره ، الحدائق النديه فی شرح الصمدیه ، الزهره فی النحو ، الطراز الاول فیما علیه من لغه العرب المعمول ، الفوائد البهیه فی شرح الفوائد الصمدیه ، الکلم الطیب و الغیث الصیب ، المخلاصه ، انوار الربیع فی انواع البدیع و یژگی اثر : در سال ۱۰۹۳ ق . با نام کتاب نفیس انوار الربیع فی انواع البدیع در اختیار ادب دوستان قرار گرفت ۱۰ دیوان شعر ، رساله فی اغلاط الفیروز آبادی فی القاموس ، رساله فی المسلسله بالاباء ، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین علیه السلام ، سلوه الغریب و اسوه الادیب ، کتاب النفیس و یژگی اثر : را در جمادی الثانی ۱۰۷۹ ق . به جهان دانش و ادب عرضه کرد. آن بزرگمرد در سطور پایانی این اثر از دشواریهای زندگی اش پرده برداشته ۱۶ محک القریض ، ملحقه السلافه ، موضح الرشاد فی شرح الارشاد ، نعمه الاغان فی عشره الاخوان ، نفثه المصدور منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علماء ۱ - www.hawzah.net

مدنی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد مدنی

محل تولد: گیلان

شهرت: مدنی گیلانی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب «محمد» فرزند «حسین» فرزند «حاجی» با نام خانوادگی «مدنی»، ملقب به «عبد الزهراء» که از عطایای ملوکانه ملکه عالمین حضرت صدیقه اطهر سلام الله علیها در یک عالمی به این احقر بوده، در یکم تیر ماه سال ۱۳۴۷ شمسی مطابق با بیست و پنجم ربیع الاول ۱۳۸۸ هجری قمری در دهستان نوخاله اکبری از توابع شهرستان صومعه سرا از شهرهای غربی استان گیلان از مادری متدینه به نام «فرخنده رضانی پور» فرزند «محمدجان» فرزند «کربلایی طوفانعلی» که با پای پیاده از گیلان تا کربلای معلی مشرف شده بود، متولد شدم. دوران کودکی را تحت الطاف الهی و کنف محبت پدر و مادرم که به حلال و حرام الهی اهمیت خاصی می دادند گذراندم و تا آنجایی که به یاد دارم در یک خانواده شلوغ و پر جنب و جوش و زحمتکش و دین باور پرورش یافتم.

بر اساس فضای حاکم در روستا که معمولاً کارها به صورت دسته جمعی انجام می پذیرد. من نیز در کارهایی که محول می شد کوشا بودم. در عین حال به مدرسه می رفتم و دوره های ابتدایی و راهنمایی را به سختی گذراندم.

یادم می آید کلاس سوم ابتدایی را می گذراندم که انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری منادی و احیاگر اسلام ناب محمدی (ص) حضرت امام خمینی رضوان الله علیه آغاز شد و در جنب و جوش و فعالیت های دانش آموزی، راهپیمایی های محلی که به تهییج دلباختگان امام صورت می گرفت و در پخش بوسترها و اعلامیه ها با عده ای از دوستان هم سن و سال شرکت می نمودیم. اولین بار که عکس دلربای حضرت امام خمینی رضوان الله علیه را دیدم چنان مات آن چهره ملکوتی شدم، تو گویی از خود بی خود، اشک محبت از دیده ام جاری شده بود. آتش این اشتیاق روز به روز برافروخته تر می شد. هیبت و هیئت آن فرزانه مرد در آن سنین خردی چنان در دل نشست که بیرون کردنش مشکل می نمود (آنچنان جای گرفته است که مشکل برود) -لا- جرم روش و منطق او، در روحیه من تاثیر عمیق گذاشته و چراغ عشق راه روحانیت شیعی در دلم روشن گشت و خدا را شکر بدین طریق مایل شدم.

زندگینامه علمی:

پس از پایان دوره راهنمایی با همه مشکلاتی که سر راهم ایجاد شده بود، در اواخر ۱۳۶۳ رسماً طلبه شدم و به خیل سلسله طلاب علوم دینیه پیوستم.

جامع المقدمات و سیوطی (الفیه ابن مالک) و حاشیه ملا عبدالله و مغنی اللیب که کتب مقدماتی بودند را در شهرستان رشت، مدرسه علمیه «حاج حسن» معروف به صالح آباد (که بسیاری از بزرگان از جمله مجاهد فی سبیل الله میرزا کوچک جنگلی از ثمرات آن مدرسه اند) در نزد عالم ورع و اخلاقی کامل مرحوم حجت السلام و المسلمین الحاج شیخ محمد حسن مهدوی تولمی که از شاگردان مرحوم آیت الله العظمی سید حسن بحر العلوم و آیت الله سید محمود ضیابری رحمت الله علیهما بود و مدیریت حوزه علمیه صالح آباد را نیز بعهده داشت، تعلیم گرفتم و کتاب صمدیه را برای مرور در محضر حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ عبدالرحیم اخوان توکلی تولمی که جلیس آیت الله العظمی آقای حاج شیخ محمد تقی بهجت فومنی در نجف اشرف بوده، تلمذ نمودم. معالم الاصول و مختصر المعانی را در محضر پر فروغ عالم ربانی و فقیه صمدانی آیت الله مستقیم عربانی که اجازه

اجتهاد مطلق از آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاء الدین عراقی داشت، تلمذ نمودم.

اصول المظفر را از محضر عالم تقی و اخلاقی کامل سید العلماء الربانیین آیت الله حاج سید مجتبی رودباری دام ظلّه فرزند آیت الله حاج سید حسین رودباری که از شاگردان بنام حضرت آیت الله العظمی امام خمینی و آیت الله العظمی خوئی و بسیاری از بزرگان دیگر در نجف اشرف و قم بودند و همچنین حجت الاسلام و المسلمین یعسوبی آموختم.

لمعتین را از محضر نورانی حضرات آیات حاج شیخ مختار ظهیری رحمت الله علیه و حاج شیخ محمد علی احمدی اشکوری و حاج سید مجتبی رودباری فرا گرفتم.

رسائل و مکاسب شیخ انصاری و جلد اول کفایتین و منظومه سبزواری و شرح تجرید را در محضر نورانی فقیه صمدانی استاد الاعظام و شیخ الافاحم آیت الله العظمی علامه حاج شیخ محمد ازهدی لاکانی رضوان الله علیه که اجازه اجتهاد مطلق از آیات عظام آقا سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاء الدین عراقی، آقای حجت کوه کمره ای، حاج آقا حسین بروجردی و بسیاری دیگر از مراجع را داشت، که در متن اجازه آقای بروجردی آمده می خوانیم: «حری بان یجیز اجل شاننا ان یستجیز» به شاگردی نشستم و سپس به دار العلم قم وارد شدم و جلد دوم کفایتین را از محضر مرحوم آیت الله وجدانی و حجت الاسلام و المسلمین محمدی خراسانی تعلیم دیدم. تفسیر را از محضر علامه نحیر آیت الله جوادی آملی و اخلاق را از آیات عظام مشکینی و مظاهری بهره گرفتم. درس خارج را فقها و اصولا در محضر آیات عظام مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی، صانعی، خلخالی و جوادی آملی در قم و ازهدی لاکانی در رشت جمعا به مدت پنج سال تلمذ نمودم.

البته ناگفته نماند به طور مقطعی از عرفان علامه ذوالنون حسن زاده آملی بهره بردم و سپس به امر آیت الله العظمی بهجت و آیت الله لاکانی، در رشت رحل اقامت افکنده و به تدریس، تبلیغ، تالیف و تصنیف مشغول شدم و چند اثر را از آثار قلمی خویش به یادگار نهاده تا در صحیفه عملم برای «یوم لا ینفع مال و لا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم» ذخیره باشد.

مدنی مقدم، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مترجم، مؤلف.

تولد: ۱۳۲۲ (دی)، رشت.

درگذشت: اسفند ۱۳۶۵، آلمان.

دکتر رضا مدنی مقدم تحصیلات ابتدایی و متوسطه را تا سال پنجم در شهر رشت گذرانید. پس از اخذ دیپلم به سال ۱۳۴۲ در تهران، چهار سال به شغل آموزگاری در شهرداری و اطراف کرج پرداخت. در سال ۱۳۴۷ به آلمان سفر کرد و در دانشگاه اشتوتگارت به تحصیل پرداخت. در سال ۱۹۷۹ به اخذ درجه‌ی فوق لیسانس و مهندسی در رشته‌ی معماری نایل آمد و در ژوئیه ۱۹۸۵ موفق به گذراندن درجه‌ی دکترای معماری از دانشگاه مزبور گردانید و کمی بعد به عنوان استادیار دانشکده‌ی معماری آن دانشگاه برگزیده شد.

تخصص وی گرچه در رشته‌ی معماری و مهندسی ساختمان بود اما به سبب علاقه‌اش به ایران و گیلان اوقات فراغت را به پژوهش و ترجمه و نگارش در زمینه‌ی ایران‌شناسی مشغول بود. از جمله عنوان‌هایی که از وی به چاپ رسیده است می‌توان به موارد زیر

اشاره نمود: فرمانروایان گیلان (مجموعه چهار گفتار پیرامون تاریخ و جغرافیای گیلان، تألیف ه. ل. رابینو با همکاری م. پ. جکتاجی، رشت، ۱۳۶۴)؛ کتابی درباره‌ی معماری بومی گیلان به زبان آلمانی (این کتاب در واقع پایان‌نامه‌ی دکترای وی بوده است که در اشتوتگارت به سال ۱۹۸۶ منتشر شد)؛ مقاله‌هایی که در یادگارنامه‌ی ابراهیم فخرایی (تهران، ۱۳۶۳)؛ و مجله «آینده» به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

مدهوش گلپایگانی، محمدصادق

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۲۳۷ ق)، خطاط، ادیب و شاعر، متخلص به مدهوش. وی ملا باشی حیدرقلی میرزا، فرزند فتحعلی‌شاه و حاکم گلپایگان بود. در نظم و نثر تبحر داشت و عربی را خوب می‌دانست. مدهوش خط نستعلیق را خوش می‌نوشت و شعر نیز می‌سرود. از آثار وی: یک نسخه «دیوان» خاوری، به قلم نستعلیق و شکسته نیم دو دانگ خوش، با رقم: «کتابه العبد محمدصادق الکلپایگانی فی ۱۲۳۵» و «حرره العبد الاقل محمدصادق کلپایگانی، المتخلص به مدهوش... سنه ۱۲۳۷».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۷۶۷-۷۶۶/۳)، حدیقه الشعراء (۱۶۲۸، ۱۶۲۷/۳)، الذریعه (۱۰۲۴/۹)، سفینه‌المحمود (۳۱۴-۱/۳۱۱)، فرهنگ سخنوران (۸۳۰)، مجمع الفصحا (۱۰۰۶/۶)، مصطبه‌ی خراب (۱۷۴-۱۷۳)، نگارستان دارا (۲۵۱).

مدیر شانه‌چی، کاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: فقه و مبانی اسلامی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

گذراندن تحصیلات حوزوی نزد اساتید عظام مشهد حاج شیخ هاشم مدرس قزوینی، حاج میرزا احمد خراسانی، حاج سید محمدهادی میلانی و اخذ درجه اجتهاد در سال ۱۳۳۶.

مرتبه علمی:

استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد از سال ۱۳۳۷ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعات و پژوهشهای فقهی و مذهبی، تألیف کتاب «مسندالنبی» شامل هزاران حدیث نبویه فقهی در پاسخ به اهل سنت که احادیث امامیه را فتاوی شخصی ائمه تلقی می‌کنند. تألیف کتاب تاریخ فقه شیعه و فقهای بزرگ آن مذهب، عضویت در مجمع تقریب بین‌المذاهب و بنیاد نهج‌البلاغه، سفرهای تحقیقاتی به کشورهای اسلامی، حضور در بیش از ۲۰ سمینار و کنگره داخلی و

خارجی و ارائه مقالات در زمینه علوم اسلامی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی تألیفات:

علم‌الحديث، فقه و مبانی اسلامی، کتابشناسی، تاریخ اسلام.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

تاریخ مشاهیر اسلام، کتابخانه‌های اسلامی، کلام و اعتقادات، مزارات خراسان، مبانی حقوق اسلامی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مدینی اصفهانی، ابومحمد عبدالله

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۵۳ ق)، محدث. از اسید بن عاصم ثقفی و احمد بن مهدی و محمد بن اسماعیل صائغ حدیث شنید. عبدالله بن عمر سکری و علی بن عبد کویه و ابوبکر بن ابوعلی ذکوانی و ابونعیم و دیگران از وی حدیث شنیدند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۱۶/۴۴)، شذرات الذهب (۳/۱۳)، العبر (۲/۹۲)، النجوم الزاهرة (۳/۳۸۸).

مدینی اصفهانی، ابوموسی محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۸۱-۵۰۱ ق)، حافظ و محدث. چون نسبتش به مدینه اصفهان می‌رسد، مدینی نام گرفته است. در اصفهان به دنیا آمد و در همان جا برآمد. در طلب حدیث سفرها کرد و سپس به اصفهان بازگشت. او از ابوسعید محمد بن محمد مطرز و از ابومنصور محمد بن عبدالله بن مندویه و غانم بن ابونصر برجی و ابوعلی حداد و از ابوالفضل محمد بن طاهر مقدسی و هبه‌الله بن حسن ابرقوهی و یحیی بن منده و محمد بن ابراهیم صالحانی و ابوغالب احمد بن عباس و عبدالواحد بن محمد صباغ دشتی و ابوالمفتح اسماعیل بن فضل سراج و ابوالقاسم اسماعیل بن محمد تیمی و ابوطاهر اسحاق بن احمد راشتینانی و هبه‌الله بن حصین بغدادی و ابوطیب حبیب بن ابومسلم تهرانی و ابوبکر عبدالجبار ابن فورویه و ابوالمفتح رجاء بن ابراهیم خباز و ابوالقاسم طاهر بن احمد بزاز و ابوالمخیر عبدالله بن مرزوق هروی و خجسته، بنت علی بن ابوذر صالحانیه، و ام لیث دعجاء، بنت ابوسهل فضل بن محمد، و فاطمه، بنت عبدالله جوزدانیه، روایت کرد. او برای خود معجمی نوشت که در آن از بیش از سیصد استادش روایت کرده است. وی کتاب «علوم

الحديث» حاکم نیشابوری را حفظ نمود و آن را بر استادش حافظ ابوالقاسم اسماعیل تیمی عرضه کرد و صحت آن را به تأیید رساند. ابوسعید سمعانی و ابوبکر محمد بن موسی حازمی و ابومحمد عبدالغنی مقدسی و ابومحمد عبدالقادر رهاوی و محمد بن مکی اصفهانی و ابونجیح محمد بن معاویه و ناصح عبدالرحمان ابن حنبلی از او حدیث شنیدند. عبدالله بن برکات خشوعی و جماعتی از وی اجازه روایت داشته‌اند. در اصفهان در گذشت و در مصلا دفن شد. او در حدیث و علوم آن تألیفات سودمندی دارد. از آثارش: «المغیث» یا «تممة الغریبین»، در تتمه و تکمله «الغریبین» هروی؛ «الزیادات»، که ذیلی بر کتاب «انساب المحدثین» استادش ابوالفضل مقدسی است؛ «تضییع العمر فی اصطناع المعروف الی اللئام»؛ «القنوت»؛ «الطوالات»؛ «الوظائف» و «اللطف»؛ «عوالی التابعین»؛ تتمه «معرفة الصحابة» ابونعیم اصفهانی که بیانگر تبحر اوست. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره الحفاظ (۱۳۳۷- ۴/۱۳۳۴)، سیر النبلاء (۱۵۹- ۲۱/۱۵۲)، شذرات الذهب (۴/۲۷۳)، طبقات الحفاظ (۵۰۰)، طبقات الشافعیة سبکی (۲۴۱- ۲/۲۴۰)، طبقات الشافعیة سبکی (۱۶۳- ۶/۱۶۰)، العبر (۳/۸۴)، کشف الظنون (۲۰۱۵، ۱۷۳۹، ۱۲۰۹، ۱۱۷۸، ۱۱۱۶، ۴۱۵، ۱۸۰)، النجوم الزاهرة (۶/۹۲)، الوافی بالوفیات (۲۴۷- ۴/۲۴۶)، وفيات الاعیان (۴/۲۸۶).

مدینی، ابوموسی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حافظ ابوموسی محمد بن ابی‌بکر عمر بن احمد بن عمر اصفهانی.

در حافظه و معرفت حدیث، وحید زمان خود بوده، و تألیفات بسیاری در حدیث دارد، از آن جمله است:

۱- الانساب ۲- الزیادات ۳- المغیث، معروف‌ترین تألیفات او؛ و غیره.

جهت تحصیل علم و دانش به اطراف بلاد مهاجرت کرده، و پس از تکمیل به اصفهان مراجعت نموده.

در شب چهارشنبه ۹ جمادی‌الاولی سال ۵۸۱ به سن هشتاد سالگی وفات یافته است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مرادخانی، کاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۳۲۳.

درگذشت: ۱۳۶۳.

از آثار اوست: المعجم المفهرس لالفاظ ابواب البحار (۱۳۶۵)؛ بحار الانوار، فی تفسیر الماثور و القرآن (دو جلد).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

مرادی نسب، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین مرادی نسب

محل تولد: سمنان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسین مرادی نسب در سال ۵۷ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه حقانی که زیر نظر شهیدان قدوسی و بهشتی بود مشغول تحصیل شدم. دوره مقدماتی و دوره سطح و کفایه و مکاسب را در آنجا گذراندم که از محضر اساتیدی بزرگ همچون آقایان آیت الله استادی، مصلحی (قدس سره) و بحرینی بهره بردم. و در دروس خارج اصول و فقه آقایان حضرات آیات مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی، نوری همدانی، سبحانی و تبریزی شرکت کردم؛ در ضمن در دوره تربیت مربی کودکان که از طرف دفتر تبلیغات اسلامی برگزار می شد شرکت کردم و چون علاقه به تاریخ اسلام داشتم در این حوزه فعالیت خود را آغاز کردم و در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه دوره آموزشی و پژوهشی را گذراندم و در پایان نامه خود را تحت عنوان نقد و بررسی متن مغازی موسی بن عقبه (م ۱۴۱) دفاع کردم؛ این پایان نامه در سال ۸۰ رتبه برتر پژوهشی از طرف دبیرخانه ارشاد و فرهنگ اسلامی شناخته شد.

مرادی، فیض الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم دینی.

تولد: ۱۰ مهر ۱۲۹۰، قریه بیساران از قراء زاوود سندنجد.

درگذشت: ۲۸ تیر ۱۳۶۴، سندنجد.

ملا- فیض الله مرادی، فرزند ابوالمحمد، دوران کودکی را تا ده سالگی در کشاورزی به پدرش کمک می کرد و چون علاقه مند به تحصیل علم گردید قرآن را نزد ملا شریف بیسارانی ختم کرد و رساله ها و کتب کوچک مقدماتی فارسی را نیز تمام نمود. آنگاه عزم سفر کرد و ابتدا در محضر سید عنایت الله مدرس صرف و نحو را فراگرفت. پس از چندی به قریه اوپهنگ رفت و نزد ملا محمدصادق امامت تحصیل خود را دنبال کرد. بعد به قرای نژمار و بالک، از توابع مریوان، رفت و از محضر مدرسان آنجا نیز مدت ها کسب فیض نمود و به سطوح بالا رسید، سپس به قریه چنگیان واقع در منطقه شاربازیر سلیمانیه عراق رفت و در محضر ملا عارف تعلم نمود. بعد به شهر سلیمانیه وارد شد و در مجسد کاک احمد شیخ در حضور ملا عبدالله مشغول به فراگیری شد. پس

از گذشت هشت سال دوری از خانواده به ایران بازگشت و برای تکمیل علم خود نزد علامه‌ی ملا عبدالعظیم مجتهد به تحصیل پرداخت تا سرانجام اجازه وی توسط ملا محمد مدرس گرجی صادر شد. در این هنگام به زادگاهش بیساران مراجعت نمود و یک سال در بیساران و نه سال قریه کیلانه به تدریس مشغول بود. بعد از آن به قریه سراب قامیش نقل مکان کرد و قریب بیست سال نیز در این قریه به امامت و تدریس و امر کشاورزی مشغول بود. در سال ۱۳۵۰ به سنندج آمد و در آنجا رحل اقامت افکند و تا دم مرگ بیش از چهارده سال دیگر در مسجد سید مصطفی به تدریس و امامت مشغول بود. پیکر ملا فیض‌الله مرادی پس از فوتش در سال ۱۳۶۴ در آبادی سراب قامیش به خاک سپرده شد. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

مرادیان، خدامراد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات عربی، دانشکده: -، دانشگاه: آزاد اسلامی کرج
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته زبان و ادبیات عربی از دانشگاه بغداد، کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات عربی از دانشگاه بغداد، دکترا در رشته زبان و ادبیات عربی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۹.

مرتبه علمی:

تدریس و تحقیق در دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۹ تا سال ۱۳۶۰، استاد بازنشسته دانشگاه تهران، دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی کرج. زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تاریخ، ادبیات، زبان و ادبیات عربی، تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی به مدت ۱۲ سال، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

تاریخ، فرهنگ معارف اسلامی، فلسفه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

فرهنگ، معارف، علوم اسلامی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مراغه‌ای، محمدباقر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۲۷۴ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. نسبت وی به مراغه آذربایجان می‌رسد. در نجف به دنیا آمد. پس از استفاده از محضر علمای آنجا به بحث و تألیف و تدریس پرداخت. او برای خود کتابهایی از جمله «قوانین» را استنساخ کرد. از آثارش: «جوهر الاصول»، در اصول فقه، در دو مجلد، که در ۱۲۷۴ ق از تألیف آن فراغت یافت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۶۳/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۷۷-۱۷۶/۱۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۷/۶۸)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۳/۱۱۸۳)، معجم المؤلفین (۹/۸۵).

مراغی، احمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، نقاش و مجلد. از معاریف زمان خود و اهل مراغه بود و ساکن عثمانی. از آثار گراندرو وی: جلد روغنی استادانه‌ای است که در کتاب «الفواید الغیاثیه» (تاریخ ۱۴۶۸ میلادی) قرار گرفته و به طلا آرایش شده. داخل جلد به رنگ ارغوانی و نقوش آن تحسین‌انگیز است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱/۵۸).

مراغی، حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین مراغی عالمی بارع و دانشمندی فاضل بوده و تحصیلات خود را در نجف اشرف خدمت مرحوم آخوند خراسانی و علامه یزدی و غیرهم انجام داده و با دریافت اجازات از ایشان به وطن برگشته و با انجام وظائف پرداخته تا از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مراغی، علی‌اکبر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ملا احمد بن علی اکبر مراغی ساکن تبریز عالمی جلیل از شاگردان شیخ مرتضی انصاری بوده و تقریرات فقه او را نوشته است دارای تالیفاتی مانند حاشیه بر رسائل و تفسیر مشکلات القرآن و شرح نهج البلاغه و تحفه المظفریه در رد حاج کریم خان شیخی و حاشیه بر قوانین و حاشیه بر شرح الشمسیه و حاشیه صمدیه و حاشیه مطول و حاشیه تنقیدات المصایح نظام العلماء تبریزی و غیره بوده و در پنجم محرم ۱۳۱۰ قمری به مرض و یا از دنیا رفته و نعش او را به وادی السلام نجف حمل نمودند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مرآت، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیوشیمی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناس علوم طبیعی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۸، کارشناسی ارشد تغذیه و بیوشیمی از دانشگاه آمریکائی بیروت در سال ۱۳۴۴، دکترای تخصصی بیوشیمی از دانشگاه ساری انگلستان در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

استادیار بیوشیمی دانشگاه مشهد از سال ۱۳۵۰ تا سال ۱۳۵۴، استادیار بیوشیمی دانشکده پزشکی دانشگاه شیراز از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۵۸ و دانشیار بیوشیمی دانشکده پزشکی دانشگاه شیراز از سال ۱۳۵۸ تا کنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

گانگلیوزیدهای مغز خرگوش در دوران رشد، آنزیم آریل آمیداز در مغز موش، جداسازی زنجیرهای آلفا و بتا در هموگلوبین بیماران تالاسمی، بررسی برخی هموگلوبینهای غیر طبیعی در استان، تشخیص نسبی دو هموگلوبین غیر عادی در شیراز، بتا تالاسمی هتروزیگوت انترمدیت در شیراز، تدریس در دانشگاههای مختلف کشور، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۷ پایان نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: متعدد

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

بیوشیمی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: -، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۳

زمینه علمی مقالات:

بیوشیمی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مرضوی اصفهانی، محمد کاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

السید محمد کاظم الموسوی الاصفهانی نورالله مرقدہ در سنہی ۱۲۸۸ هجری قمری در قریہ اسفید واجان یکی از قراء بلوک کرون کہ فاصلہ این قریہ با شهرستان اصفهان قریب بہ ۹ فرسنگ است متولد شدہ و در سن ۱۴ سالگی بہ علت اشتغال بہ تحصیل و تعلیم علوم دینیہ با موافقت والد ماجدش مرحوم حجه الاسلام حاج سید حسین کہ از بزرگترین علماء آن قریہ بہ شمار می آمده بہ اصفهان کہ در آن تاریخ از بزرگترین حوزه های علمیه جهان تشیع محسوب می شده رفته و در مدرسہی جدہی کوچک بہ تحصیل و فراگرفتن علوم مشغول گردید.

اساتید آن مرحوم: مقدمات و ادبیات عالیہ را در نزد استاد الادباء مرحوم آقا سید محمود دہکردی (شہر کردفعلی) کہ در تدریس مغنی و مطول کم نظیر بودہ است آموختہ و در سطوح یکی از اساتید معظمہ مرحوم العلامة الفہامہ الفقیہ المدقق آقا میر محمد تقی مدرس ابن مرحوم حجه الاسلام والمسلمین علم الاعلام المیرسید حسن مدرس بودہ، دیگر شیخ الفقہاء و العماء مرحوم آقا شیخ عبدالکریم جزی (معروف بہ آخوند گزی) اعلی اللہ مقامہ و اما درس خارج فقہ و اصول، و قسمتی از این دو را از محضر مرحوم آسید محمد تقی مدرس فوق الذکر فراگرفتہ، ولی عمدہی درس خارج را از محضر سید العلماء العالمین و استاد الفقہاء و المجتہدین مرجع الخاص و العام آیت اللہ السید محمد باقر درچہای کہ از اعظام علماء العصر بودہ است استفادہ نمودہ و در فلسفہ و حکمت اساتید ایشان مرحوم جهانگیرخان قشقائی اعلی اللہ مقامہ و عارف ربانی مرحوم آقا ملا محمد کاشی (معروف بہ آخوند کاشی) بودہ اند کہ ہر دو از مفاخر عصر بہ شمار می آمدند و مرحوم ایشان معتقد بہ معنویت فوق العادہای برای مرحوم آخوند کاشی بودند و مکرر می فرمودند کہ بسیاری از لطائف عرفانی و رقائق اخلاقی را از محضر آخوند فراگرفتم.

معظمہ پس از طی مراحل تحصیلی و نیل بہ مدارج عالیہ علمی بہ تدریس و تعلیم پرداختند و در اصفهان صدها نفر از طلاب علوم دینیہ کہ بعضی آنها ہم اکنون از شخصیتہای علمی محسوب می شوند در مدرسہ جدہ کوچک و مسجد دارالشفاء و مسجد سرخی و مدرسہ چہارباغ و مراکز دیگر از محضر درس ایشان استفادہ می کردند و پس از ہجرت بہ تہران در سالہای اخیر در مسجد مرحوم حاج سید عزیزاللہ واقع در بازار نیز تدریس می کردند.

علاوہ بر تدریس نسبت بہ بیان معارف اسلام و حقائق دین و تفسیر قرآن مبین و امر بہ معروف و نہی از منکر اہتمام زیادی داشتند و در این راہ مجاہدتها نمودہ و رنجہای فراوان متحمل شدند و در زمان سابق و روزہائی در گوشہ زندان و پس از آن ماہہا بہ اجبار دو زاویہ خانہ بہ سر می بردند و پس از آن در سنوات اخیر تنها بہ تفسیر قرآن در محافل و مجالس صالحہ می پرداختند و عدہای از خواص از لطائف و دقائق تفسیری وی استفادہ می نمودند کہ هنوز برخی از آنان در قید حیانتند و بہ عقیدہ کثیری از دانشمندان در عصر خود نسبت بہ تفسیر آیات و تحقیق در معانی آنها کم نظیر بودہ است.

ضمناً یادآور می شود مرحوم معظمہ غیر از ادبیات و فقہ و اصول و حکمت و فلسفہ و تحقیقات در آیات قرآن و روایات صعبہ کثیری از علوم غریبہ و صنعت شیمی و طب قدیم و خواص ادویہ مفردہ و مرکبہ و کیفیت ترکیب آنها نیز اطلاعاتی وسیع داشتند بہ طوری کہ گاہی بعضی امراض صعب العلاج را با داروہای یونانی درمان می نمودند چنانکہ معالجات ایشان زیانزد عدہای از اہالی تہران و اصفهان می باشد.

اولاد معظم‌له شش نفرند، پنج پسر و یک دختر که دو نفر از فرزندان ذکور ایشان در لباس روحانیت و در تهران به انجام وظائف علمی و روحانی اشتغال دارند. ۱- حجه‌الاسلام آقای حاج سید ابوالحسن مرتضوی ۲- حجه‌الاسلام آقای حاج سید کمال مرتضوی. (نگارنده).

وفات مرحوم مغفور پس از تقریباً سی و پنج سال اقامت در تهران در ماه ذی‌القعدة الحرام سنه ۱۳۶۶ ه. در تهران اتفاق افتاد و جنازه معظم‌له پس از تشییع کم‌نظیر از طبقات مختلف به شهرستان قم حمل و در جوار حضرت معصومه سلام‌الله علیها در قسمت جنوبی مقبره بیات مدفون گردید. و همان شب از طرف مرحوم آیت‌الله العظمی آقای بروجردی در مدرسه فیضیه مجلس ترحیم باشکوهی منعقد گردید.

علاوه بر مجالس ترحیم متعدده که تا مدت‌ها در تهران و حومه ادامه داشت در نجف اشرف و اصفهان هم مجالس فاتحه برپا گردید. دو نفر از فرزندان ارجمند و دانشمند آن مرحوم که ذیلاً می‌نگارم: از علماء معاصر ما می‌باشند و آنها عبارتند از...

حجتی الاسلام والمسلمین و عمادی المله والدین آقای حاج سید ابوالحسن و حاج آقا کمال مرتضوی اصفهانی که هر دو در بیت فضل و دانش متولد و پرورش یافته و پس از خواندن درس جدید به مقدمات و ادبیات پرداخته و پس از تکمیل آن دروس نهائی فقه و اصول را از علماء بزرگ و آیات عظام قم و تهران و غیره فراگرفته و پس از نیل و وصول به مقام علم و دانش از طریق گفتن تفسیر و منبر و اقامه جماعت به وظائف دینی و روحی پرداخته بالاخص جناب آقای حاج آقا کمال مرتضوی در مسجد فاطمیه واقع در خیابان ناصری شهباز به امامت و خدمات دینی و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام اشتغال دارند. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مرتضوی خسروشاهی، مجید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی از دانشگاه کلن آلمان و دکترای تخصصی داخلی از دانشگاه بوخم آلمان.

مرتبه علمی:

مدرس و دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه تبریز از سال ۱۳۵۵ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی بیماران مبتلا به گلو مرونفریت اولیه، بررسی رنین- آنژیوتانسین در بیماران مبتلا به هیپرتانسیون ثانویه، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۲۳ پایان نامه دکترای تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

گلو مرونفریت بعد از عفونت شنت هیدروسفال با استافیلوکوک کوآگولانز.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مرتضوی کرونئی، کاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند سید محمد حسین بن سید عبدالله.

عالم جلیل، و محدث بی‌بدیل، فقیه ادیب مفسر متکلم، از مفاخر علمی عصر حاضر. در اصفهان و طهران و نجف اشرف تحصیل نموده، به اصفهان مهاجرت کرده، و پس از سال‌ها به طهران منتقل شده، و تا آخر عمر در آن شهر به وعظ و ارشاد و تفسیر پرداخته، جلسه‌ی تفسیر قرآن ایشان از هر حیث ممتاز بوده، و عده‌ای زیاد از فضلا از آن مستفید می‌شدند. در ذی قعدة‌ی سال ۱۳۶۷ به سن متجاوز از هفتاد و پنج سالگی در طهران وفات یافته، در قم مدفون شد. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مرتضوی لنگرودی، محمدحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدحسن مرتضوی فرزند برومند آیت‌الله حاج سید مرتضی لنگرودی قدس‌الله سره از فضلاء ابرار و مدرسین اخیار حوزه علمیه قم می‌باشند.

ایشان در بیست و نهم ماه صفر ۱۳۵۰ قمری در نجف اشرف به دنیا آمده و در بیت علم و فضیلت پرورش یافته و خواندن و نوشتن را در آن بلده طیبه فرا گرفته و در سال ۱۳۶۰ قمری در خدمت والد مغفورش به تهران آمده و مقدمات و سطوح وسطی و عالی را در مدرسه حاج ابوالفتح نزد جمله‌ای از فضلاء و علماء مرکز فرا گرفته و سطوح نهائی فقه و اصول را خدمت والد ماجدش و مرحوم حاج شیخ اسمعیل جابلقی و برخی از علماء بزرگ دیگر آموخته و منظومه حکیم سبزواری را از مرحوم عالم ربانی و حکیم متاله و متضلع حاج میرزا ابوالحسن شعرانی خوانده است.

در سال ۱۳۷۲ قمری فارغ از سطوح گردیده و در خدمت والد مکرمش به حوزه علمیه قم عزیمت نمود و به جلسات درس اساطین فقه و اصول و تفسیر و فلسفه حاضر و بخصوص در بحث صلوة آیت‌الله العظمی بروجردی تا در سال ۱۳۸۰ قمری که رحلت آن مرحوم واقع شد شرکت و استفاده نموده و تقریرات صلوة و خمس و قضاء و طهارت او را به رشته تحریر آورده و نیز به درس خارج اصول مرحوم والدش حاضر و قریب یک دوره از اصول ایشان استفاده نموده و نیز حدود یک‌دوره از درس اصول آقای خمینی بهره‌مند شده و تقریر مطالب اصولی معظم‌له را مبسوطا نوشته و برای چاپ آماده نموده‌اند و نیز دوره اول اسفار را از مرحوم استاد

علامه طباطبائی قدس‌الله سره و هم شفاء بوعلی را از آن مرحوم استفاده نموده و هم به درس تفسیر ایشان شرکت و تمهید القواعد ابن قولویه و مبحث معاد بحارالانوار را از محضرشان مستفیض شده و تا آخر عمرشان این جلسات ادامه داشته و بعد از فوت مرحوم آیت‌الله بروجردی در درس فقه والدش شرکت و پس از فوت ایشان در سال ۱۳۸۴ قمری و تبعید آقای خمینی به ترکیه و پس از آن به نجف اشرف به بحث فقه آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله محقق داماد و آیت‌الله آملی شرکت و جزوات تقریرات دروس معظم لهم را نوشته و از ۱۳۹۵ قمری به تدریس خارج عروه‌الوثقی پرداخته و شرح مبسوطی بر عروه‌الوثقی نوشته و به انظار و افکار مقدسه اساطین فقه اشاره نموده است.

معظم‌له از سال ۱۳۸۹ قمری بنا بر تقاضای اهل محل در مسجد سلماسی به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ایراد بحثهایی در اصول دین و معارف اسلامی داشته و دارند.

تألیفات و آثار علمی ایشان

۱- جواهر الاصول- تقریرات اصول آقای خمینی (ره)

۲- درالتقاط در تقلید و اجتهاد تقریر درس ایشان

۳- رساله در قاعده فراغ و تجاوز

۴- رساله در اصاله الصحه

۵- رساله در قرعه

۶- رساله در تعارض ادله

۷- الدر النضید در شرح فروع تقلید عروه‌الوثقی در ۲ جلد

۸- شرح مبسوطی در طهارت عروه‌الوثقی در چند جلد

۹- حاشیه مختصری بر کفایه الاصول

۱۰، ۱۱، ۱۲- تقریرات بحثهای مرحوم آقای بروجردی

۱۳- کتاب مبسوطی در دعا و زیارات و اعمال سنه

۱۴- اللتالی المنوره مانند کشکول شیخ بهائی

۱۵- اوراق یونان در مطالب متنوعه

۱۶- وفیات اعلام در تاریخ فوت علمائیکه از نیمه قرن چهاردهم از دنیا رفته‌اند.

۱۷- نوادر ابناء اعلام در قضایائی که از بزرگان جمع‌آوری شده.

۱۸- گیلان و دانش درباره حالات جمله‌ای از علماء گیلان

و آثار دیگر ادام‌الله عزه و توفیقه.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مرتضوی لنگرودی، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدحسین لنگرودی (مرتضوی) فرزند بزرگ حضرت آیت‌الله آقای حاج سید مرتضی لنگرودی «قدس سره»، در حدود سال

۱۳۴۵ هجری قمری، در نجف اشرف متولد گردید. پس از طی دروس مقدماتی و سطوح معقول و منقول و تکمیل سطوح عالیہ متعارفه و مقدار کاملی خارج فقه و اصول خدمت والد معظمشان حدود سال ۱۳۶۷ هجری قمری به حوزه علمیه قم عزیمت و مستقیماً به درس خارج فقه و اصول و فلسفه حضرات اساتید بزرگ آن زمان همچون آیت‌الله العظمی مرحوم حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی و آیت‌الله العظمی نایب الامام خمینی و علامه بزرگوار طباطبائی تبریزی قدس الله تعالی اسرارهم و پس از چندی که والد معظمشان از تهران به قم هجرت فرمودند به درس خارج فقه و اصول ایشان (که در مسجد عشقعلی قم با شرکت فضلاء بی‌شماری داشتند) شرکت نموده و به فراگیری مبانی تحلیلی فقه و اصول از آن اساتید بزرگ همت گماشته و در همه‌ی آن دروس به حدی کوشش مجدانه داشتند که در مدتی از به مراتب عالیہ و نهائیه، نائل و مخصوصاً حائز رتبه اجتهاد و دریافت اجازات کتبی و شفاهی و غیره از آیات عظام شدند.

تا اینکه در سال ۱۳۸۰ هجری قمری بنا به اصرار اهالی محترم میدان قیام تهران به امامت و سرپرستی مسجد و مدرسه‌ی حاج ابوالفتح مشغول و به وظایف شرعی مخصوصاً سرپرستی مدرسه و درس و بحث تاکنون که بیش از سی سال می‌گذرد این حوزه از نوع دروس اصلی و جنبی از مقدمات و سطح الی خارج فقه برخوردار است و شخص ایشان دروس عالیہ فقه و اصول را عهده دارند و همه ساله فضلاء و علمائی متعهد مستخرج شده و می‌شوند.

معظم‌له از دانشمندان باتقوا و پرکار و جدی و بسیار متواضع و مجتنب از تظاهرات و معرض از شئونات می‌باشند. تألیفات ایشان در علوم مختلفه، فقه و اصول و تفسیر و اصول عقائد و فلسفه و کلام و نظائر آن بسیار است، مخصوصاً بر بسیاری از کتب درسی و غیردرسی حواشی مفید دارند.

از باقیات الصالحات ایشان است فرزند برومند و صالح جناب حجت‌الاسلام آقای حاج سید محمدرضا لنگرودی که پس از طی دروس مقدماتی و سطوح عالی از محضر آیات عظام، گلپایگانی و آملی و غیرهما بهره‌مند شده و اکنون از فضلاء حوزه‌ی علمیه‌ی قم می‌باشند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مرتضوی لنگرودی، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدعلی فرزند حاج سید مرتضی لنگرودی از افاضل مدرسین و ائمه جماعت حوزه علمیه قم می‌باشند. معظم‌له با برادران بزرگوارش از آقازادگان موصوف به فضل و دانش می‌باشند.

ایشان بنا بر آنچه که والدشان در پشت قرآن خود ضبط کرده‌اند در ماه شوال ۱۳۵۴ قمری برابر ۱۳۱۶ شمسی متولد گردیده و پس از طی مراحل مقدماتی در تهران در مدرسه حاج ابوالفتوح و مدرسه فتحیه واقع در خیابان ری میدان قیام (میدان شاه سابق) که تحت نظارت و سرپرستی والدشان بود به تحصیل علوم دینی پرداخته و قسمتی از لمعه و قوانین را در مدرسه مزبور خوانده است.

در سال ۱۳۷۳ قمری در ملازمت والد ماجدش با عتاب عالیات مشرف و پس از مراجعت با اصرار فرزندان و تمایل قلبی خود رحل اقامت به قم افکنده و به تدریس خارج فقه و اصول مشغول و مترجم عزیز ما سطوح را نزد اساتید وقت به پایان رسانیده سپس در درس خارج زعیم شیعه آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت و مدت سه سال استفاده نموده و همزمان آن از دروس خارج والد گرامیش بهره‌مند شده و پس از رحلت آیت‌الله بروجردی منحصرراً از محضر والد خود مستفیض شده و نیز در بحث الهیات علامه

طباطبائی بهره‌مند گردیده تا سه سال بعد از رحلت آیت‌الله بروجردی در شب جمعه نوزدهم ماه صفر المظفر ۱۳۸۳ قمری در بحبوحه حکومت نظامی و مبارزات شدید مردم بر علیه دولت والد بزرگوارشان از دنیا رفته و در روز اربعین با تشییع کم سابقه‌ای در حجره شمالی صحن عتیق حضرت معصومه علیهاسلام مدفون گردید.

پس از فوت آن مغفور له به درس آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله حاج میرزا هاشم آملی شرکت حدود دوازده سال استفاده نموده و گاه‌گاهی هم از دروس آیات عظام خمینی و محقق داماد و شریعتمداری استفاده نموده و از بعضی از آیات به دریافت اجازه اجتهاد مفتخر شده‌اند و در حال حاضر در مدرسه‌ای که به نام والدشان می‌باشد و حدود شصت طلبه دارد به تدریس فقه و اصول و اداره آن مدرسه اشتغال دارند و نیز در مسجد عشقعلی خیابان چهار مردان اقامه جماعت می‌نمایند و در ماه مبارک رمضان و غیر آن برای مؤمنین تفسیر و درس اخلاق گفته و به ارشاد و تهذیب اخلاق خلق‌الله اشتغال دارند.

آثار علمی مترجم ما

- ۱- تقریرات درس آیت‌الله بروجردی - خمس و قسمتی از طهارت و قضاء
- ۲- تقریرات درس بعضی از آیات دیگر
- ۳- رساله‌ای در عدالت
- ۴- تعلیقه‌ای ناتمام بر رسائل
- ۵- شرح مکاسب شیخ به فارسی
- ۶- تاریخ را بررسی کنیم در امامت مناظره بدون تعصب
- ۷- تکیه‌های تاریخی
- ۸- مجموعه از آثار و روایات به صورت کَشکول
- ۹- شرح فارسی بر تجرید الاعتقاد
- ۱۰- ترجمه الطوائف ابن طاووس
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مرتضوی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج میرزا احمد مرتضوی بجنوردی اول عالم متنفذ عصر خود بود در بجنورد عالمی خلیق و دانشمندی کریم دارای محاسن اخلاق و ملکات فاضله بود درب خانه‌اش باز و دستانش گشاده و سفره‌اش گسترده بود.

معظم له در بجنورد متولد و پس از فرا گرفتن مقدمات و ادبیات بمشهد آمده و سطوح را خوانده و مهاجرت بنجف و از محضر آیات عظام نائینی و عراقی و اصفهانی استفاده کرده و بوطن مراجعت و باقامه و خدمات دینی و تدریس و تربیت طلاب بجنورد پرداخته تا چند سال قبل که دعوت حق را اجابت و بسرای جاوید شتافته است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مرتضوی، جواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد ۱۳۱۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: گوش و حلق و بینی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۳۸، دکترای تخصصی گوش و حلق و بینی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۱، فوق تخصص گوش و حلق و بینی از دانشگاه لندن در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران و دانشیار دانشگاه تهران جمعا به مدت ۲۹ سال، دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران. زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تومورهای خوش خیم حنجره، بیماریهای تیروئید، آنومالیهای باقی ماندن قوسها، خونریزیهای بینی، گوش داخلی تدریس دروس رشته گوش و حلق و بینی در دانشگاههای تهران و شهرستانها.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: متعدد، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

بررسی سرطان حنجره در ایران، گوش و حلق و بینی، بررسی جراحی گوش و دردهای صورتی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مرتضوی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید حسن مرتضوی ابرسجی شاهرودی از علماء ابرار و مدرسین اخیار و ائمه جماعت مشهد مقدس می‌باشد.

وی در سال ۱۳۱۴ شمسی برابر ۱۳۵۴ قمری در روستای ابرسج که در پنج فرسخی شاهرود واقع است به دنیا آمده و در بیت شریفی پرورش یافته و پس از خواندن دروس ابتدائی به مشهد مقدس آمده و به تحصیل علوم دینی پرداخته و ادبیات و سطوح اولیه را در خدمت مرحوم حاج آقا حسین موسوی شاهرودی و مدرسین دیگر فرا گرفته و پس از آن در حدود سال ۱۳۷۴ قمری مهاجرت به نجف اشرف کرده است.

سطوح عالیہ را نزد اساتید و آیات عظام نجف تکمیل و پس از آن اصول را در خدمت مرحوم آیت‌الله حاج شیخ حسین حلی و فقه را از محضر مرحوم آیت‌الله حاج سید محمود شاهرودی و دیگران استفاده نموده و پس از بیست سال اقامت در نجف اشرف در

سال ۱۳۹۴ قمری به ایران مراجعت و اقامت در مشهد مقدس را اختیار نموده و در این شهر مقدس به تدریس خارج فقه و اصول و اقامه جماعت و تربیت عده‌ای از محصلین و طلاب علوم دینی پرداخته و در حال حاضر یکی از آیات و مدرسین پر برکات حوزه مشهد می‌باشند.

کرارا ترجمه ایشان را خواستم اجابت نمودند به اینکه من قابل و لایق ذکر نیستم ولی چون از چهره‌های درخشان علم و عمل بودند این چند جمله را از برخی از افاضل مشهد به دست آوردم.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مرتضوی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد ۱۳۱۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: رادیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از انگلستان در سال ۱۳۴۵ و دکترای تخصصی رادیولوژی از دانشگاه لندن در سال ۱۳۴۸.
مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علوم پزشکی شیراز از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۰، دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

سرطان پستان، اثرات رادیولوژی تشعشعات، عوارض رادیولوژی روی قلب، عوارض رادیولوژی روی تیروئید، تدریس دروس رادیولوژی و انکولوژی در پزشکی هسته‌ای در دانشگاه شهید بهشتی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: -

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

رادیولوژی، انکولوژی، مسائل مربوطه به درمان سرطان پستان در مراحل ابتدائی، سرطان مری و درمان آن در ایران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مرتضوی، عبدالهادی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید عبدالهادی مرتضوی

محل تولد: نجف اشرف

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۹/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای سید عبدالهادی مرتضوی مشهور به حسینی شاهرودی در سال ۱۳۲۹ هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در نجف اشرف دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه وافر خویش به فراگیری علوم اسلامی وارد حوزه علمیه نجف گردید. پس از گذراندن سطوح عالی به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در نجف از محضر بزرگانی چون مرحوم آیت الله صدر، آیت الله سید محمد شاهرودی، مرحوم آیت الله خوئی و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه نجف اشرف کسب فیض کرد و پس از سالها تلاش به درجه اجتهاد نائل آمد.

پس از اتمام تحصیلات در نجف اشرف رهسپار قم و وارد حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت (ع) با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل و شاگرد پروری پرداخت. پس از سالها تلاش و علم اندوزی در نجف اشرف و قم، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون علاوه بر تدریس در دانشگاه علی آباد کتول، در حوزه علمیه علی آباد نیز مشغول تدریس می باشد. وی در طول حیات علمی خویش از امرنگارش و پژوهش غافل نمانده است و از سال ۱۳۷۰ تا کنون در دانشگاه علی آباد کتول به امر پژوهش مشغول می باشد و آثاری از قبیل "اخلاق اسلامی ۱، ۲، ۳" و "اخلاق اسلامی ۴" را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

مرتضوی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد مرتضوی

محل تولد: شاهرود

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ورود به حوزه علمیه جناب آقای سید محمد مرتضوی شاهرودی ۱۳۵۲ می‌باشد ایشان پس از سیر تحصیلات ابتدائی و راهنمایی شاهرود زمانی که خفقان شدید بر کشور حاکم بود و روحانیت از هر جهت در ترس صدمات رژیم منحوس پهلوی بود وارد حوزه علمیه مشهد گردید. تحصیلات مقدماتی را در همان بدو ورود به حوزه علمیه نزد آیت الله حجت هاشمی سپری کرد و شرح لمعه را از محضر آیت الله صالحی ۱۳۵۴ کسب فیض کرد. تحصیلات سطوح عالی را در محضر آیت الله رضازاده و فلسفی گذراند و در سال ۱۳۵۹ با ورود به درس خارج فقه و اصول در محضر آیت الله مرحوم فلسفی تلمذ کرد در کنار تحصیلات حوزوی، به تحصیل در دروس دانشگاهی هم سوی آورد و در مقطع دکترا رشته علوم قرآنی از دانشگاه قم فارغ التحصیل گشت و در مدتی که در قم بود سمت مدیر گروهی مرکز تحقیقات سپاه را بر عهده داشت. ایشان هیچ وقت از علم آموزی هم غافل نماند و در حوزه‌های مشهد و قم به تدریس علوم دینی برای طلاب جوان پرداخت.

مرتضوی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد مرتضوی

محل تولد: لبنان

شهرت: محمد حسین

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

سید محمد مرتضوی نام پدر حسین در ۲۰ شعبان سال ۱۳۸۳ هـ. ق در شهر تمین التحتا واقع در ۲۵ کیلومتری بعلبک دیده به جهان گشود و در سایه پدری و مادری مهربان تعلیم و تربیت یافت، تحصیلات ابتدایی، راهنمایی، و متوسطه را شهر ریاق سپری نمود پس از آن در شوال سال ۱۴۰۳ هـ. ق وارد مدرسه علمیه امام المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف بعلبک شد، دوران مقدمات را طی ۳ سال و آندی پشت سر گذاشت از محضر اساتیدی چون شهید سیدعباس موسوی شیخ محمد مقداد شیخ محمد یزبک شیخ علی عقی شیخ محمد خاتون و شیخ علی خاتون و بهره‌ها برد. در ماه صفر سال ۱۴۰۷ هـ. ق جهت تکمیل دروس دین کسب فیض اخلاقی وارد حوزه علمیه قم گردید و دروس سطح را نزد اساتید بزرگی بهره برد از جمله:

- شیخ حسین نجاتی (قسمتی از شرح لمعه)

- شیخ مصطفی قصیر (قسمتی از شرح لمعه)

- سید رضا حسینی نسب (اصول فقه، رسائل، و قسمتی از کفایه، هیئت، و قسمتی از اشارات)

- سید عادل علوی (باب حادی عشر علم کلام و شرح التجرید)

- سید کمال حیدری (فلسفه)

- سید احمد مددی (مکاسب)

- آیت الله جوادی آملی ۱۲ سال است که تقریباً درس تفسیر ایشان را شرکت می کند و هنوز هم ادامه دارد. پس از آن در درس خارج حضرات آیات عظام محمد فاضل لنکرانی سید محمود هاشمی شاهرودی جوادی آملی شرکت کرد. البته در کنار این دروس به تدریس بعضی از دروس مانند شرح اسفار و ... پرداخت و بر گنجینه علمی و معنوی خود افزود در خلال سالها تلاش علمی تحقیق مطالعه مباحثه وظیفه مهم تبلیغ و تدریس نیز غافل نشده است و به تدریس دروسی مانند: عقاید، نحو، بلاغت، فقه، کلام و فلسفه، تفسیر، اصول فقه مقارن، کتاب حکومت اسلامی تألیف امام راحل (ره) پرداخت. در حال حاضر نامبرده در شهر خودشان حوزه و کتابخانه برای مطالعه و تحقیق عموم مردم و طلاب آن شهرستان تأسیس نموده اند.

مردانشاهی، اسدالله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اسدالله مردانشاهی اهل رباط ابلولان گلپایگان عالمی بزرگ و دانشمندی سترک بوده و مورد توجه و احترام خاص و عام تحصیلاتش در اصفهان و فوتش شش ماه بعد از رحلت آخوند ملا محمد کریم اتفاق افتاده جنازه اش حمل به نجف اشرف و در وادی السلام مدفون گردیده.

این فقیه توانا دارای سه فرزند روحانی و دانشمند بوده به این اسامی:

۱- مرحوم آقا جمال الدین که مردی بصیر و دانشمندی کم نظیر بوده ۲- عالم عامل مرحوم آ میرزا محمد که صهر مرحوم علام فهام آقامیرزا مهدی معروف به آقازاده بوده ۳- ادیب ارباب آقا کمال الدین صهر مرحوم حجة الاسلام آقا شیخ محمد سعید. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مردانی و لندانی، محمد مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد مهدی مردانی و لندانی

محل تولد: شهرضا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اول ابتدایی ۱۳۴۵ و سال ۱۳۵۷-۱۳۵۶ دیپلم ادبی از دبیرستان ادب اصفهان گرفتیم. ۱۳۵۹ جامع المقدمات را شروع نمودم و ۱۳۷۱

در حوزه اصفهان مشغول بودم و با شروع جنگ تحمیلی و دفاع مقدس تا سال ۱۳۷۱ با سپاه به عنوان مربی عقیدتی همکاری کامل داشتم و ۱۳۷۱ شهریور ماه مشرف به شهر مقدس قم گردیدم و با تشکیل پرونده علوم حوزوی را ادامه دادم. در طول دفاع مقدس در سال ۱۳۷۱ موفق به اخذ لیسانس کارشناسی ارشد با گرایش علوم اجتماعی پژوهشگری شدم. از سال ۱۳۷۲ به استخدام رسمی آموزش و پرورش در آمدم و فعلاً ۱۳۸۷ فعالیت هایم با آموزش و پرورش ادامه دارد. سال ۱۳۸۵ مشغول کارشناسی ارشد در دارالحدیث قم با گرایش کلام - علوم قرآن و حدیث گردیدم - همواره تبلیغ و منبر در شهر مخصوصاً اصفهان داشته ام. و مدت سه سال در دانشگاه هنر تهران، خ ولی عصر، و شعبه کرج به تدریس معارف ۱ و معارف ۲ و اخلاق و متون و مدت یک سال در دانشکده سوره وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی تهران تدریس معارف داشته ام. همچنین از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷ در دانشگاه آزاد قم به تدریس معارف و اخلاق مشغول بوده ام.

مردانی، نصرالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نصرالله مردانی در سال ۱۳۲۶ هجری شمسی در شهر کازرون پا به عرصه ی حیات گذشت. وی پس از به پایان بردن تحصیلات، تا قبل از انقلاب در استخدام بانک ملی بود. پس از پیروزی انقلاب در بخش فرهنگی سپاه پاسداران و سازمان ارشاد اسلامی به کار پرداخت. مردانی در برگزاری شب های شعر و کنگره های فرهنگی و ادبی با نهاد های انقلابی همکاری می کرد و فعالیت او با سازمان پژوهش و برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش جهت تدوین ادبیات انقلاب اسلامی و همکاری با جهاد دانشگاهی برای برگزاری کنگره ی شعر دانشجویان سراسر کشور چشمگیر بود. کتاب "خون نام؟ خاک"، نصرالله مردانی، در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: شعر

والدین و انساب: نصرالله مردانی فرزندمردی به نام عوض، می باشد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود کازرون به پایان برد. از آن پس به مطالعه کتابهای شعر و نثر پرداخت. و از آفرینش مضامین کلامی و سخن شاعران متقدم سود جست و در کار شاعری از سرچشمه های فیاض آنان الهام گرفت. مطالعه و تتبع در دواوین شاعران قریحه و ذوق سرشار او را بارور کرد و به شعرش شکوفایی بخشید.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: نصرالله مردانی قبل از انقلاب در بانک ملی ایران مشغول به کار بوده و از اولین لحظات پیروزی انقلاب تا کنون در بخش فرهنگی سپاه پاسداران و ارشاد اسلامی مأمور به خدمت می باشد. وی با شروع جنگ تحمیلی گاهی کنار رزمندگان اسلام در جبهه ها حضور یافته و گاهی در شبهای شعر و کنگره های علمی و فرهنگی شرکت کرده است. از مهمترین فعالیتهای فرهنگی ایشان، همکاری با سازمان پژوهش و برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش جهت تدوین کتاب ادبیات انقلاب اسلامی و همچنین همکاری جهت برگزاری کنگره شعر دانشجویان سراسر کشور بوده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: نصرالله مردانی علاوه بر حضور در جبهه در برگزاری شبهای شعر و کنگره های فرهنگی و ادبی

با نهادهای انقلابی همکاری کرد. و فعالیت او با سازمان پژوهش و برنامه وزارت آموزش و پرورش جهت تدوین ادبیات انقلاب اسلامی و همکاری با جهاد دانشگاهی برای برگزاری کنگره شعر دانشجویان سراسر کشور چشمگیر بود. و همچنین کوشش وی در برگزاری یادواره علامه طباطبایی به مدت نه سال در کازرون از اقدامات قابل تحسین اوست.

آرا و گرایشهای خاص: نصرالله مردانی بدنبال تحولی تازه در شعر بود او می گوید: «... سال ها قبل از پیروزی انقلاب پیوند بین حماسه و تغزل، که شیوه ای کاملاً نو بود، را اساس کار خود قرار دادم...».

جوایز و نشانها: کتاب "خون نام؟ خاک"، نصرالله مردانی، در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

آثار:

۱ آتش نی (۱۳۷۰)

۲ خون نام پاک (۱۳۴۶)

ویژگی اثر: مجموع شعر - این کتاب (در سال ۶۵) در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شده است. - آشنایی با کتاب خون نام؟ خاک کتاب مجموعه ۱۳۲ قطعه شعر، سرود؟ نصر الله مردانی شاعر متعهد معاصر است که شامل سروده های پیش از انقلاب و بعد از انقلاب در قالب اوزان کلاسیک (مقفی - موزون - مردف) می باشد. اشعار این مجموعه اغلب مشتمل بر مضامین بکر و تشبیهاتی نوین است و در حقیقت مانند معدودی از شاعران معاصر افقی تازه در بیکران احساس و اندیشه را نمودار ساخته است. مردانی از آندسته شاعرانی است که نوبودن شعر را در تازگی مضمون می داند نه قالب، و همین خصیصه بسیاری از اشعار او را در زمره؟ مطرح ترین شعر زمان ما قرار داده است

۳ ستیغ سخن

ویژگی اثر: تذکره منظوم که نام بیش از دو هزار شاعر از ظهور شعر تا زمان نیما و از بیش از یکصد و پنجاه تذکره نام برده شد (۱۳۷۱)

۴ غزل در آینه انقلاب

۵ قیام نور (۱۳۶۰)

ویژگی اثر: مجموع شعر؟

۶ مجموعه های الماس آب

ویژگی اثر: مجموعه غزل - (برگزیده مهمترین غزلیات شاعران انقلاب) که در دست تهیه و تحریر است

منابع زندگینامه: www.ketabsal.ir ۱ سید محمد باقر برقی، سخنوران نامی معاصر ایران، ج ۶، ص ۳۶۵۶

مردای کرمانی، هوشنگ

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

هوشنگ مرادی کرمانی در سال ۱۳۲۳ در روستای سیرچ از توابع کرمان متولد شد. دیپلم متوسطه را از کرمان اخذ کرد و ضمن

ادامه فعالیت‌های هنری و فرهنگی در تهران به مدرسه عالی ترجمه راه یافت و به دریافت لیسانس ترجمه (سال ۱۳۵۳) نایل آمد. مردای کرمانی با بهره‌گیری از شیو؟ خاص نویسندگان معاصر به کار نوشتن پرداخت و از سال ۱۳۴۷ فعالیت‌های مطبوعاتی خود را با مجل؟ خوشه آغاز کرد و تا سال ۱۳۵۳ کار داستان نویسی در مجلات مختلف را ادامه داد. کتابهای "قصه‌های مجید" و "نه ترونه خشک" تالیف هوشنگ مرادی کرمانی، به ترتیب در دوره‌های چهارم و بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شدند.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: ادبیات کودکان

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: هوشنگ مرادی کرمانی تا کلاس پنجم ابتدایی در آن روستا درس خواند و سپس به کرمان آمده و در آن شهر به تحصیل خود ادامه داد و موفق به دریافت دیپلم دوره متوسطه گردید. وی ضمن ادامه فعالیت‌های هنری و فرهنگی در تهران به مدرسه عالی ترجمه راه یافت و به دریافت لیسانس ترجمه (سال ۱۳۵۳) نایل آمد. همسر و فرزندان: هوشنگ مرادی کرمانی متأهل و دارای سه فرزند می‌باشد.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: کارشناسی تهیه گزارش دفتر وزارتی بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از جمله مشاغل هوشنگ مرادی کرمانی به شمار می‌آید. مرادی کرمانی با بهره‌گیری از شیو؟ خاص نویسندگان معاصر به کار نوشتن پرداخت و از سال ۱۳۴۷ فعالیت‌های مطبوعاتی خود را با مجل؟ خوشه آغاز کرد و تا سال ۱۳۵۳ کار داستان نویسی در مجلات مختلف را ادامه داد. اما در این سال بکلی از کار مطبوعات دست کشید و وارد رادیو گردید و کار نوشتن در برنامه خانواده را آغاز کرد. در این زمان به فکر شخصیت‌سازی تیب مجید افتاد. حاصل این تلاش هنرمندانه مجموع؟ ۵ جلدی قصه‌های مجید است که چهارجلد آن تا کنون منتشر شده و جلد پنجم آن نیز آماد؟ چاپ است. از دیگر سمت‌های ایشان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: - عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی - عضو شورای مرکز کرمان‌شناسی

فعالیت‌های آموزشی: هوشنگ مرادی کرمانی به عنوان مدرس اکابر و مدرس داستان نویسی در موسسه فرزندانگان دختران و مجتمع شهید مهدوی و تدریس در ادبیات عامیانه و گزارش نویسی در موسسه عالی سوره از دیگر فعالیت‌های وی می‌باشد.

سایر فعالیت‌ها و برنامه‌های روزمره: هوشنگ مرادی کرمانی در همایش‌های متعددی نظیر ادبیات کودکان و نوجوانان در برلین و هند شرکت داشته است و علاوه بر آن در سال ۲۰۰۳ در جلسه‌های پرسش و پاسخ کشورهای برلین، هند و لندن و در مراسم اهدای جایزه وزارت فرهنگ و هنر اتریش حضور یافت. وی همچنین با شورای کتاب کودک و کانون پرورش کودکان و نوجوانان و جشنواره فیلم رشد و جشنواره فیلم کودکان فعالیت داشته است.

جوایز و نشانها: کتاب بچه‌های قالی باف خانه هوشنگ مرادی کرمانی، برنده جایزه شورای کتاب کودک - ibby در دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان، کتاب نخل برنده جایزه کتاب کودک برگزیده شورای کتاب کودک - IBBY، کتاب خمه برنده ۱۲ جایزه داخلی و بین‌المللی، کتاب مربای شیرین برگزیده کتابخانه بین‌المللی مونیخ و مقاله آینه قلب‌ها جایزه جهانی اندرسن نشان از ارزش و جایگاه قلم این نویسنده دارند. همچنین کتابهای "قصه‌های مجید" و "نه ترونه خشک" تالیف هوشنگ مرادی کرمانی، به ترتیب در دوره‌های چهارم و بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شدند. دیگر جوایز ایشان به قرار زیر است: نویسنده برگزیده هیات داوران جایزه جهانی اندرسن ۱۹۹۲ نویسنده برگزیده هیات داوران جایزه جهانی خوزه مارتی (کاستاریکا) برنده جایزه موسسه C.P.N.B کشور هلند برنده جایزه موسسه جوانان آلمان برنده جایزه از وزارت فرهنگ و هنر اتریش، برنده جایزه هیات داوران جایزه کبرای آبی کشور

سوئیس برنده جایزه از کتابخانه های بین المللی مونیخ (آلمان) و سوئد و یونیسف (صندوق کودکان سازمان ملل متحد) چگونگی عرضه آثار : داستان های مرادی کرمانی به ده زبان انگلیسی، فرانسه، هلندی، اسپانیایی، آلمانی ترجمه و انتشار یافته است و ۲۸ فیلم سینمایی و تلویزیونی از روی داستانهای او ساخته شده است. نویسنده فیلم : مورد - ? تک درختها - ? گوشواره - ? مهمان مامان - ? کیسه برنج - ? تیک تاک - ? کاکلی طرح اولیه داستان : مورد - ? مهمان مامان - ? برای شیرین - ? کیسه برنج - ? تیک تاک - ? صبح روز بعد - ? خمره

آثار :

۱ اقتباس سینمایی و تلویزیونی ۲۲ مورد

۲ بچه های قالی باف خانه

ویژگی اثر : ۲ قصه روستایی

۳ تجربه های من در نوشتن برای کودکان

ویژگی اثر : این مجموعه در فصلنامه پویش در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به چاپ رسیده است.

۴ تنور و داستانهای دیگر

ویژگی اثر : چند داستان به زبان آلمانی و انگلیسی ترجمه شده است .

۵ چکمه

۶ چهره بچه های روستایی در ادبیات کودکان و نوجوانان

ویژگی اثر : این کتاب ۱۷ مقاله دارد که در شورای کتاب کودک به چاپ رسیده است

۷ خمره

ویژگی اثر : این کتاب ترجمه به انگلیسی ، آلمانی ، هلندی ، اسپانیولی ، فرانسوی که برنده ۱۲ جایزه داخلی و بین المللی می باشد .

۸ قارقار کلاغ

ویژگی اثر : این مقاله پیامی به هیئت داوران و بچه های اتریشی -وزرات فرهنگ و هنر اتریش است

۹ قصه های مجید

ویژگی اثر : این کتاب ترجمه به زبان انگلیسی ، هلندی ، آلمانی است که کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ، شورای کتاب کودک ، کانون و بوده است -آشنایی با کتاب قصه های مجید قصه های مجید طنز تلخ یک نسل سرگردان است. نسلی که در یک طرفش سنتهای دیرپای زمانه و در طرف دیگرش جامعه ای دگرگون است که چهار فعل به سوی فرهنگ غربی به پیش می تازد، و مجید سمنبل این نسل گمگشته و نماینده این تیپ منقلب است. او کسی است که رویدادهای پیرامونش را از صافی ذهن خود عبور می دهد و با زبانی اغراق آمیز به توصیف آن می پردازد. قصه های مجید در چهارچوب طرحی استوار با نثری شیوا و ساده ولی طنز آلود نوشته شده که فرهنگ مبتذل رژیم گذشته را به باد انتقاد می گیرد.

۱۰ کبوتر توی کوزه

۱۱ لبخندانار

ویژگی اثر : این چند داستان ترجمه به انگلیسی - در ایران و هلند است

۱۲ مثل ماه شب چهارده

۱۳ مربای شیرین

ویژگی اثر: این کتاب برگزیده کتابخانه بین المللی مونیخ است

۱۴ مشت بر پوست

۱۵ مقاله آینه قلب ها

ویژگی اثر: این مقاله پیامی به هیئت داوران جایزه جهانی اندرسن است

۱۶ مهمان مامان

ویژگی اثر: این کتاب به ترجمه انگلیسی است

۱۷ نخل

ویژگی اثر: قصه بلند

۱۸ نه ترونه خشک

ویژگی اثر: تالیف، این کتاب، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: نه تر و نه خشک نه تر و نه خشک / نوشته هوشنگ مرادی کرمانی. - تهران: معین، ۱۳۸۲. پرنده‌ای کوچک به اندازه یک ملخ، عاشق دختر پادشاه می‌شود. این مسئله به غرور شاه برمی‌خورد و شاه از در مخالفت برمی‌آید؛ اما پرنده کوچک با آن جثه ضعیفش شکوه و عظمت شاه را به لرزه می‌اندازد... نه تر و نه خشک داستانی فانتزی است. برداشتی نو و امروزی از افسانه‌های قدیمی. فضا، شخصیت، و روابط آنها تخیل محض است؛ اما برگرفته از واقعیتی ملموس و همیشگی. و این تخیل است که فضای داستان را با دنیای زیبای نوجوانان پیوند می‌زند. در فضای فانتزی نه تر و نه خشک جدی‌ترین مسائل بشری با ساده‌ترین شیوه بیان شده است، گوشه‌ای از زندگی آدمها با همه زیباییها و خشونت‌هایش

۱۹ هند در کرمان

ویژگی اثر: این مقاله پیامی به کنگره ادبیات کودکان و نوجوانان - هلند است.

مردویه، ابوالعباس احمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۳۸ ق)، محدث. گاهی او را به جدش نسبت داده و احمد بن موسی خوانده‌اند. مردویه از ابن مبارک احادیث بسیاری نقل کرد. او همچنین از جریر بن عبدالحمید و اسحاق بن یوسف ازرق و گروهی دیگر حدیث شنید. بخاری و ترمذی و نسائی و محمد بن عمر ذهلی و عبدالله بن محمود مروزی از وی حدیث روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: التاريخ الكبير (۲/۶)، تهذيب التهذيب (۷۰-۶۹/۱)، الثقات (۸/۲۹)، سير النبلاء (۹-۸/۱۱)، الوافی بالوفیات (۸/۱۳۰).

مرزآبادی، غلامحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات عالی و دکترای ادبیات فارسی.

مرتبه علمی:

طی مرحله استادیاری و ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس در زمینه‌های تاریخ ادبیات ایران، ادبیات معاصر، نقد ادبی و روشی برای منابع ادبیات ایران به مدت ۲۷ سال.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

زبان و ادبیات فارسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

تاریخ ادبیات ایران، نقد ادبی، ادبیات معاصر.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مرزبان

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نجاشی گوید که او از حضرت رضا علیه‌السلام روایت می‌کند و صاحب کتاب می‌باشد علامه در خلاصه از شیخ کشی (ره) به

اسنادش از مرزبان بن عمران اشعری قمی روایت نموده که گفت به حضرت رضا علیه‌السلام عرضه داشتم از چیزی که اهم امور

است نزد من سؤال می‌کنم آیا من از شیعیان شمایم فرمود: بلی. عرض کردم: نام من نزد شما مضبوط و مکتوبست فرمود بلی.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

مرزبان راد، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۴.

مرتبه علمی:

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحقیقات ادبی و تلاش پیگیر به منظور راه‌یابی قرآن گرانقدر بعنوان درس رسمی به دانشگاهها. راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳

پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

خسرو انوشیروان در ادب فارسی، دستور سودمند، تألیفات درسی و دانشگاهی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۶: تعداد مقالات بزبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

غالباً دینی و ندرتاً ادبی و سیاسی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مرزبان، پرویز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

پرویز مرزبان در سال ۱۲۹۶ در تهران دیده به جهان گشود. پرویز مرزبان یک دایره المعارف متحرک از هنرهای تجسمی است.

حاصل ۵۰ سال تالیف و ترجمه او چاپ و انتشار کتاب‌هایی است که هر یک در حوزه خود کتابی مرجع به حساب می‌آیند. برای

اولین بار او بود که چشم ایرانیان را با گستره وسیع هنر جهان، از دوران آغازین تاریخ هنر تا مکاتب متاخر قرن بیستم روشن کرد.

کتاب "هنرهای ایران" ترجمه پرویز مرزبان، در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و

ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: ترجمه

والدین و انساب: پرویز مرزبان از پدر و مادر خود چنین یاد می‌کند: مادرم از اعیان ترک‌ها بود و پدرم امین‌الملک، در دربار

قاجار چشم پزشکی می‌کرد و در دوره پهلوی مورد غضب شاه قرار گرفت و خانه نشین شد. معروف بود که پدرم حق ویزیت از هیچ بیماری نمی‌گرفت.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: پرویز مرزبان در یک خانواده از اعیان قدیمی تهران به دنیا آمد.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: پرویز مرزبان تحصیلات متوسطه را در رشت؟ زبان و ادبیات فرانسه انجام داد و در سال ۱۳۱۹ از دانشسرای عالی در رشت؟ زبان انگلیسی موفق به اخذ لیسانس شد.

همسر و فرزندان: پرویز مرزبان در مهرماه سال ۱۳۲۳ ازدواج کرد. همسرش هم مثل خودش در کار ترجمه است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: پرویز مرزبان در سالهای ۱۳۴۰-۱۳۱۶ به طور مستمر در دبیرستانهای تهران به تدریس زبان و ادبیات فارسی، فرانسه و انگلیسی اشتغال داشت. همچنین در طول سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۳ به آموزش زبان و ادبیات انگلیسی و تاریخ و نقد هنر را در دانشگاهها پرداخته است.

جوایز و نشانها: کتاب "هنرهای ایران" ترجمه، پرویز مرزبان، در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

آثار:

۱ تاریخ هنر جانسن (۱۳۵۹)

۲ ترجمه و ویرایش سلسله مقالات هنری

ویژگی اثر: (از یک جلد از بریتانیکا برای دایرةالمعارف اسلامی)

۳ خلاصه تاریخ هنر (۱۳۶۷)

۴ دو مجلد از تاریخ تمدن ویل دورانت

۵ فرهنگ مصور هنرهای تجسمی (۱۳۶۵)

۶ مردانی که دنیا را عوض کرده اند

۷ معلم و شاگرد (۱۳۳۵)

۸ معنی زیبایی (۱۳۶۶)

۹ نظری به هنر نقاشی (۱۳۳۴)

۱۰ هنرهای ایران

ویژگی اثر: ترجمه، این کتاب در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «هنرهای ایران»: هنرهای ایران، ر.دبلیو. فریه، ترجمه؟ پرویز مرزبان، تهران: نشر پژوهش فرزاد روز، ۱۳۷۴. در این کتاب، هم؟ جلوه های شگفت انگیز هنرهای ایرانی از پیش از تاریخ و ایران باستان تا عصر اسلامی، برای نخستین بار در مجلدی واحد و در نوزده بخش، به طرز مرتب با هم و مکمل یکدیگر، مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است. مقالات کتاب به قلم بیست تن از کارشناسان سرشناس بین المللی نوشته شده است که هر یک در زمین؟ تخصصی خود از معماری و گچبری و پیکره سازی عهد باستان گرفته تا قالی بافی و نقاشی و نساجی و فلزکاری و سفالگری و هنرهای نسخه پردازی و شیشه گری دوران بعد، اثری مستند و آموزنده و معتبر و دلپذیر با بیش از ۱۷۰ لوح؟ رنگی، بر آثار «هنرهای زیبا» و «هنرهای کاربردی» جهان افزوده اند

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۸۴/۳۷۸/۳۷۱-۲۹۷/۲۹۶/۲۸۷ ق)، محدث، اخباری، مورخ و ادیب معتزلی. معروف به کاتب مرزبانی. اصلش از خراسان است و در بغداد به دنیا آمد. او را جاحظ زمانش خوانده‌اند. در حدیث ثقه بود و معتزلی، اما گفته‌اند که به تشیع نیز گرایش داشت و نیز گفته‌اند که او اولین کسی است که «دیوان» یزید بن معاویه بن ابی سفیان را جمع آوری و تدوین نمود. از ابوالقاسم عبدالله بن محمد بغوی و ابوحامد محمد بن هارون حضروی و احمد بن سلیمان طوسی و ابوبکر بن درید و ابوعبدالله نبطویه و ابوبکر محمد بن قاسم انباری و ابوبکر ابن ابی داوود سجستانی و از همطبقه آنها حدیث شنید. ابوعبدالله صیمری و ابوالقاسم تنوخی و علی بن ایوب قمی و ابومحمد حسن بن علی جوهری و محمد بن مظفر دقاق و عتیقی و دیگران از وی حدیث شنیدند. به گفته‌ی ابوعلی فارسی نحوی مرزبانی از محاسن دنیا بود و عضدالدوله با تمام عظمتش بر در خانه او می‌ایستاد تا او از منزل خارج شود. خانه او مجمع فضلا و ادیبان بود. گفته‌اند که او اولین واضع علم بیان بوده است و نیز گفته شده که او از مشایخ شیخ مفید است. در بغداد در گذشت. ابوبکر خوارزمی فقیه بر او نماز گزارد و در منزلش، در قسمت شرقی، در محله عمر رومی دفن شد. او در فنون مختلف علوم اسلامی تصنیفات و تألیفات بسیاری نگاشت. از آثارش: «اخبار الشعراء»، که عده‌ای آن را با «اخبار الشعراء المحدثین» یکی دانسته‌اند؛ «معجم الشعراء»، شامل پنج هزار اسم، در هزار برگ؛ «اخبار المعتزله»؛ «تلقیح العقول»؛ «الریاض»؛ «الازمنه»، در هزار برگ؛ «الاولئ»، در حدود هزار برگ؛ «الدعاء»؛ «المعلی فی فضائل القرآن»؛ «ذم الدنيا»؛ «الشباب و الشیب»؛ «کتاب الشعر»؛ «اشعار النساء»؛ «اشعار الخلفاء»؛ «الزهد و اخبار الزهاد»؛ «الفرج»؛ «العبادة»؛ «اخبار المحتضرن»؛ «المراثی»؛ «المغازی»؛ «الهدایا»؛ «نسخ العهود الی القضاء»؛ «المدیح فی الولائم و الدعوات»؛ «اخبار النحاة»؛ «اخبار المتکلمین»؛ «شعراء الشیعه»؛ کتاب «ما نزل من القرآن فی علی (ع)»؛ کتاب «المفصل»، در علم بیان.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/۲۱۰)، اعیان الشیعه (۱۰/۳۳)، انساب سمعانی (۲۵۷-۲۵۶/۵)، ایضاح الکمنون (۲/۸۰)، تاریخ الاسلام (حوادث ۸۷-۸۶/۴۰۰-۳۸۱)، تاریخ بغداد (۱۳۶-۱۳۵/۳)، تأسیس الشیعه (۹۵-۹۴)، الذریعه (۲۵/۱۶۲، ۲۴/۱۴۷، ۲۹۰، ۲۱۸-۲۱۷/۲۱۷، ۲۱/۲۵۰، ۲۰/۱۹۲، ۱۴/۲۳، ۱۳/۳۱۴، ۱۱/۴۲۹، ۴/۴۷۱-۴۷۲، ۲/۴۷۱-۵۳۱، ۳۳۶-۳۳۵/۱)، روضات الجنات (۷/۳۲۲-۳۲۳)، ریحانه (۲۸۳-۲۸۲/۵)، سیر النبلاء (۴۴۹-۴۴۷/۱۶)، شذرات الذهب (۱۱۲-۱۱۱/۳)، العبر (۱۶۶-۱۶۵/۲)، فوائد الرضویة (۵۸۸)، الفهرست لابن الندیم (۱۹۳-۱۹۰)، الکامل (۱۶۷-۱۶۶/۷)، کشف الظنون (۱۷۳۴، ۱۱۰۶)، الکنی و الالقاب (۱۷۷-۱۷۹/۳)، لسان المیزان (۴۲۷-۴۲۶/۶)، معجم الادباء (۲۷۲-۲۶۸/۱۸، ۴۷/۱)، معجم المؤلفین (۹۸-۹۷/۱۱)، المنتظم (۹/۲۶)، الاعتدال (۶۴۱-۶۴۰/۳)، النجوم الزاهرة (۴/۱۷۰)، الوافی بالوفیات (۲۳۷-۲۳۵/۴)، وفیات الاعیان (۳۵۶-۳۵۴/۴)، هدیة الاحیاب (۲۳۸)، هدیة العارفین (۲/۵۴).

مرزوقی اصفهانی، ابوعلی احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۲۱ق)، ادیب، نحوی و شاعر. معروف به امام مرزوقی و حائک. اهل اصفهان و یکی از پیشوایان زبان و نحو و از شعرا و مداحان اهل بیت (ع) بود. وی «کتاب سیبویه» را نزد ابوعلی فارسی خواند. در اصفهان معلم فرزندان آل بویه بود. او از عبدالله بن جعفر بن فارس حدیث روایت کرده است. سعید بقال از وی روایت کرده و در «معجم» خود به وی استناد کرده است. صاحب بن عباد برجستگی علمی اصفهان را به سه کس مربوط می‌داند که اول آنها مرزوقی است. تیزهوشی، زیرکی و تصانیف زیبا را حموی از ویژگی‌های وی می‌داند. وی غیر از ابن‌المرزوق نحوی معروف (م ۷۸۱ق)، است که از شاگردان خطیب دمشقی و ابوحيان بود. از آثارش: «الازمنه و الامکنه»؛ شرح اشعار هذیل؛ شرح «الحماسة» ابی تمام؛ شرح «الفصیح» ثعلب؛ شرح «المفضلیات»؛ شرح «الموجز»، در نحو؛ «شرح النحو»؛ «الامالی»؛ «الفاظ العموم و الشمول».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/۲۰۵)، اعیان الشیعه (۳/۹۴)، ایضاح المکنون (۱/۱۹۱)، الذریعه (۹۶، ۱۴/۸۲، ۳۸۶-۳۸۵، ۱۳/۹۲، ۱/۵۳۱)، روضات الجنات (۲۵۵-۲۵۴/۱)، ریحانه (۲۸۵-۲۸۴/۵)، سیر النبلاء (۴۷۶-۴۷۵/۱۷)، کشف الظنون (۱۲۷۳، ۶۹۲)، الکنی و الالقاب (۵۶-۵۵/۲)، معجم الادباء (۳۵-۳۴/۵)، معجم المؤلفین (۹۲-۹۱/۲)، الوافی بالوفیات (۸/۵)، هدیة الاحباب (۲۳۸)، هدیة العارفین (۷۴-۷۳/۱).

مرشد، علی‌اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۹، مرتبه علمی: استاد، رشته: جراحی اعصاب، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی و دکترای تخصصی جراحی اعصاب از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۵، فوق تخصص جراحی اعصاب از دانشکده پزشکی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۹.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران، مطالعه در زمینه جراحی اعصاب، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۲۰ پایان‌نامه دکترا و تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

خونریزهای داخل جمجمه و چندین فصل مسائل عصبی یا جراحی در کتاب‌های فارسی دیگر.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

پارگی آنوریسم داخلی مخچه، اعصاب و جراحی اعصاب.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مرشد، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۲۶، دکترای تخصصی بیماریهای داخلی از دانشگاه

سانفرانسیسکو آمریکا در سال ۱۳۳۰.

مرتبه علمی:

استاد دانشگاه لندن در بخش‌های گوناگون، دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۴، و ارتقاء به درجه

استادی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی و تحقیق درباره هموگولین C در بیماران دیابتی و پیشرفت و بهبودی نسبی آن، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه

دکترای تخصصی در هر سال.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

قسمتی از طب داخلی در سه جلد.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲۴، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

آزمایش بالینی دو داروی بازکننده عروق، بهبودی نسبی بیماری قند، بیماری خود ایمنی تیروئید، نوروپاتی در آرتروماتوئید،

بررسی کاردیومیوپاتی قلبی، خیز به علت هیپوپروئینمی اصلی، پیشرفت‌های جدید در بیماری نقرس، روشهای جدید در درمان

بیماری روماتیسم.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مرعشی خراسانی، ابوالفضل احمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۳۵ ق)، عالم دینی، متکلم، مفسر، محدث و حکیم. وی از شاگردان وحید بهبهانی بود و از او و شیخ یوسف بحرانی، صاحب «الحدائق الناظرة»، روایت کرده است. او در سفر و حضر با فتحعلی شاه قاجار بود. گفته‌اند وی را با خوراندن سم شهید کردند. بر پاره‌ای از آثار وی اجازات و تقاریضی از استادان و علمای معاصرش وجود دارد. از آثارش: «اغاثة اللهفان من ورطات النيران»، در مواعظ؛ «التهذيب»، در اخلاق؛ شرح «الفوائد الجديدة» بهبهانی؛ شرح «کفایه» سبزواری؛ «غنیة المصلى»، در تعقیبات؛ «منهج السداد»، در شرح «الارشاد».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳/۲۲۰)، ریحانه (۵/۲۸۸)، معجم المؤلفین (۲/۱۳۶).

مرعشی شوشتری، محمد حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران فقیه فرزانه، استاد حکمت و فلسفه سید محمد حسن مرعشی یکی از چهره های علمی و اساتید مدرسه عالی شهید مطهری در پی بیماری در ۷۳ سالگی به دیدار معبود شتافت.

سید محمد حسن فرزند حجة الاسلام سید سلطان محمد و نوه میرزا عبدالوهاب، فرزند میرزا سلطان محمد، فرزند میرزا تقی، فرزند میرزا اسدالله، فرزند میرزا اسحاق مرعشی شوشتری بود. پدرش از فضلا و ائمه جماعت شوشتر بود که تحصیلاتش را در همان شهر نزد ملاجعفر شرف الدین و سید بزرگ آل طیب به پایان برد و در صفر ۱۳۷۰ ق/آذرماه ۱۳۲۹ ش در شوشتر رحلت کرد و در بقعه صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به خاک سپرده شد. پدر بزرگش میرزا عبدالوهاب از اشراف و اعیان بود و مدت ها سمت نائب الحکومه شوشتر را بر عهده داشت.

سید محمد حسن در سال ۱۳۵۶ ق/۱۳۱۶ ش در شوشتر استان خوزستان پا به عرصه گیتی نهاد. مقدمات اولیه را نزد پدر خود و ملا شکر علی معنوی فرا گرفت و سطوح را نزد عالمانی چون محمد تقی حکیم، سید محمد موسی جزائری و سید محمد حسن آل طیب به پایان رساند و خارج فقه و اصول را از محضر استادش موسوی جزائری و شیخ محمد تقی شوشتری فرا گرفت. البته سفرهای کوتاهی به نجف اشرف داشت و همان جا در درس آیه الله سید ابوالقاسم خوئی شرکت می نمود. خدمات ایشان در خطه شوشتر بسیار است که می توان به تجدید بنای حوزه علمیه جزائریه و اداره و تدریس در این حوزه، تأسیس حوزه علمیه خواهران، تجدید بنای مقام صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و تجدید بنای مسجد شیخ علی که سال ها در آن جماعت اقامه می کرد، اشاره کرد، در ضمن به ایجاد حوزه ی علمیه ای در گتوند دست زد که تاکنون نیمه تمام مانده است.

مرعشی در سال ۱۳۶۱ ش وارد تشکیلات قضایی اهواز شد و ابتدا سمت حاکم شرع داشت و بعداً ریاست دادگاه را بر عهده گرفت. در سال ۱۳۶۳ ش به دیوان عالی کشور-تهران ملحق شد و ابتدا در شعبه ۱۹ دیوان عالی خدمت کرد، سپس در شعبه ۲۰ و سرانجام به عضویت شورای عالی قضایی منصوب شد و یکی از پایه گذاران اصلی دستگاه قضایی به شمار آمد.

نبوغ و استعداد، همت و تلاش بسیار از او فقیهی کم مانند ارائه نمود. تواضع، مناعت طبع، بی توجهی به امور دنیا، روشن بینی اجتماعی، آفرینش آثار علمی و پژوهشی از جمله ویژگی های بارز ایشان بود. وی علاوه بر عضویت در هیئت علمی مدرسه عالی شهید مطهری و تدریس در این مدرسه، منزل و مراکز دانشگاهی عضو چهارمین دوره مجلس خبرگان گردید.

مرعشی در پی بیماری کلیوی عاقبت در صبح روز دوشنبه ۱۶ شعبان ۱۴۲۹ق/ ۲۸ مرداد ۱۳۸۷ ش در سن ۷۳ سالگی در تهران بدرود حیات گفت. پیکرش صبح سه شنبه در تهران و صبح روز چهارشنبه در شوشتر تشییع و در بقعه صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به خاک سپرده شد. آثار علمی ایشان:

۱- شرح الفیة ابن مالک؛

۲- شرح تلخیص مختصر المعانی؛

۳- شرح بدایة الحکمة (اثر علامه طباطبائی)؛

۴- شرح نهاية الحکمة (اثر علامه طباطبائی)؛

۵- شرحی بر تهذیب المنطق (اثر تفتازانی - فارسی)؛

۶- حاشیه علی الرسائل؛

۷- حاشیه علی کفایة الاصول؛

۸- شرح منظومة التحفة القوامیة فی الفقه؛

۹- شرح منظومة تحفة الحکیم فی الحکمة (اثر شیخ محمد حسین غروی اصفهانی)؛

۱۰- تعلیقات علی تمهید القواعد فی الفلسفة (اثر ابن ترکه)؛

۱۱- شرح حلقات الاصول (المرحلة الثالثة - اثر شهید صدر)؛

۱۲- اصول الفقه؛

۱۳- شرح کتاب التعلیقات فی الفلسفة (اثر ابن سینا)؛

۱۴- شرحی بر قانون مجازات اسلامی، چاپ شده؛

۱۵- سبیل الرشاد الی شرح الارشاد (اثر علامه حلی)، چاپ شده؛

۱۶- ترجمه کتاب فلسفتنا (اثر شهید صدر)، چاپ شده؛

۱۷- دیدگاه های نو در حقوق کیفری اسلام، دو جلد، چاپ شده؛

۱۸- حاشیه التلخیص فی الاصول.

همچنین از این دانشمندان فقید ده ها مقاله در مجلات علمی و پژوهشی کشور چاپ شده است.

نویسنده: عبدالحسین جواهر الکلام

منابع زندگینامه: آینه پژوهش شماره ۱۱۲.

مرعشی شهرستانی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۶/۱۳۴۴ - ۱۲۸۰ ق)، عالم دینی، فقیه، مجتهد و مدرس. نسبش به امام حسین (ع) می رسد. از محضر پدرش و مدرسین کربلا

استفاده نمود. سپس به نجف رفت و در محضر میرزا حبیب‌الله رشتی و ملا محمد ایروانی و میرزای شیرازی تلمذ نمود و به مدارج عالی علمی رسید. پس از درگذشت پدرش در ۱۳۱۵ ق به کربلا بازگشت و به جای وی به امامت و مرجعیت امور دینی و تدریس فقه و اصول پرداخت. آیت‌الله آقا نجفی مرعشی از وی اجازه‌ی روایت داشت. او در کربلا درگذشت. در حدود پنجاه اثر از وی باقی ماند. از آثارش: «الدره الوجیزه»، در شرح «الوجیزه» شیخ بهائی؛ «نتیجه الفکر فی الولاية علی البکر»؛ «کنز الفوائد»؛ «کشف الحجاب»؛ «هدیه المؤمنین»؛ «هدایه المسترشدين»؛ «قبله البلدان»؛ «البيان المبرهن»؛ «التبيان فی تفسیر غریب القرآن»، در دو مجلد؛ «الصحیفه النبویه»؛ «التحفه الرضویه»؛ «التذکره فی شرح التبصره»؛ «انیس المصلین»؛ «الدر الفرید»؛ «الاعراضیه»، رساله‌ای در اعراض از مال؛ الارض المفتوحه عنوه؛ «محاسبه النفس».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲۱/۱۰)، الذریعه (۱۴۲، ۱۳۵/۲۵، ۱۲۲/۲۰، ۲۹۴، ۲۶/۱۸، ۴۴، ۲۴/۱۵، ۵/۱۰، ۶۹/۸، ۲۵/۴، ۴۵۵، ۴۳۵، ۳۳۱، ۱۸۳/۳، ۴۶۶/۲)، ریحانه (۲۷۴/۳)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۰۶/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۱۱-۱۴۱۰/۱۴)، لغت نامه (ذیل/علی مرعشی)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۷۶۱-۷۶۰/۲)، معجم المؤلفین (۴۹/۱۱، ۱۹۲/۷)، مکارم الآثار (۱۵۳۸/۵)، مؤلفین کتب چاپی (۲۱۲-۲۱۰/۴)، میرزای شیرازی (۱۶۷-۱۶۶).

مرعشی کرمانی، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۸۶- ح ۱۳۴۲ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد و مدرس. در رفسنجان به دنیا آمد. برای فراگیری علوم به یزد و از آنجا به نجف رفت. پس از فراگیری متون فقه و اصول، در محضر آیت‌الله سید محمد کاظم یزدی و آیت‌الله شیخ محمد کاظم خراسانی و آیت‌الله شریعت اصفهانی تلمذ نمود و به مقام اجتهاد نایل آمد. آنگاه به تدریس و تصنیف پرداخت. پس از درگذشت آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی، به مقام مرجعیت رسید و مدت دو سال متصدی منصب افتاء گردید. در نجف درگذشت و در جوار جد بزرگوارش دفن شد. از آثارش: رساله‌ی «الکریه فی تحقیق مسأله الکر»؛ «جوابات المسائل الاسلامیة»؛ «جوابات المسائل الامتحانیة»؛ «جوابات المسائل الکرمانیة»؛ «جوابات المسائل الیزدیة»؛ «تقریرات» اساتیدش در فقه و اصول. [۱]

مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدرضا بن سید محمدباقر بن سیدعلی بن سیدحسن بن سیدعلی‌المنتهی الی سلطان العلماء از احفاد ملوک طبرستان که سر سلسله آنان صاحب سیف و قلم علامه الکبری میر قوام‌الدین مرعشی (جد هیجدهمی آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی) می‌باشد که در سبزه میدان آمل قبر شریفش گنبد و بارگاه دارد. و تمام سلسله ابا و جدا از علماء برجسته و صاحب تالیف و تصنیف بوده‌اند مگر جناب سید حسین بن سیدعلی (جد دوم) وی که از اشراف بوده است.

وی مقدمات را در یزد نزد علماء آنجا خوانده آنگاه مسافرت با عتاب عالیات نموده و در کربلا سطوح را تکمیل و پس از آن به نجف اشرف مشرف و از محاضر دروس مرقومین علامه خراسانی و علامه یزدی و مرحوم شریعت اصفهانی استفاده نموده و در اثر جدیت و ذکاوت مخصوص حائز مقام فقاهاست و مرجعیت شده و پس از فوت مرحوم آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی گروهی از مردم به آن جناب رجوع نموده و مدت دو سال تقریباً متصدی مقام افتاء شده و لکن در سن ۵۶ سالگی در سال ۱۳۴۲ قمری بدرود حیات گفته و در آن ارض مقدس به خاک رفته‌اند. و مرحوم آیت‌الله میرزا سیدعلی یشری کاشانی پسر خاله متعلقه ایشان و والده ماجده اخوان مرعشی مذکور فرزندان آن مرحوم می‌باشند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۱۷/۲۹۳، ۲۴۰، ۲۳۱، ۲۱۴/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۴۳-۷۴۲/۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۰۴-۵/۲۰۳)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۸۷-۱۱۸۶/۳).

مرعشی نجفی، شهاب‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۴۱۱-۱۳۱۸/۱۳۱۵ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مرجع تقلید، محدث، نسابه، رجالی، مدرس، مورخ و ریاضیدان. نسبش به امام سجاد (ع) می‌رسد. در نجف به دنیا آمد. مقدمات و علوم ادبی را از پدرش و شیخ مرتضی طالقانی و علم تجوید را از شیخ نورالدین شافعی بکتاشی و علم انساب آل رسول را از پدرش و سید محمدرضا صائغ بحرانی و علم تفسیر را از پدرش و شیخ محمدحسین شیرازی عسکری و متون فقه و اصول را از شیخ محمدحسین شیرازی عسکری و میرزا محمدعلی چهاردهی رشتی و فقه و اصول استدلالی را از آقا ضیاءالدین عراقی و شیخ مهدی مازندرانی و سید حسن صدر و شیخ مهدی خالص و علم کلام را از شیخ محمدجواد بلاغی و شیخ محمداسماعیل محلاتی و ریاضیات را از شیخ یاسین علیشاه هندی و میرزا محمود اهری فراگرفت. در ۱۳۴۲ ق به تهران آمد و در عرفان و علوم عقلی از محضر میرزا مهدی آشتیانی و میرزا طاهر تنکابنی و در ریاضیات از محضر میرزا حیدرعلی نایینی استفاده نمود. سپس به قم رفت و در محضر آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی تلمذ نمود و از او و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی اجازه‌ی اجتهاد داشت. او از علمای عامه و علمای زیدیه و علمای اسماعیلیه و بسیاری از علمای امامیه اجازه روایت داشت. پس از درگذشت آیت‌الله حائری وی عهده‌دار اداره حوزه‌ی علمیه، تدریس، مرجعیت و امامت جماعت و ایجاد بناهای خیریه و انتشار کتب گردید. در قم درگذشت و در کتابخانه‌ی خود دفن شد. از آثارش: بنای مدارس: علمیه، مهدیه و مؤمنیه در قم؛ تأسیس حسینیه‌ی مرکز تبلیغی قم؛ کوی آیت‌الله مرعشی نجفی، بالغ بر یکصد و چهل خانه، برای سکونت طلاب و فضلاء؛ کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی نجفی در قم، که بیش از سی و پنج هزار کتاب آن از کتب شخصی ایشان و بقیه اهدایی مردم است و متجاوز از پانزده هزار کتاب خطی نفیس دارد و از این رو از کتابخانه‌های کم‌نظیر ایران به حساب می‌آید. از آثار علمی وی: «اجوبه المسائل»؛ «اعیان المرعشیین»، در شرح احوال خاندان مرعشی؛ «انس الوحید»؛ «التجوید»؛ «روض الریاحین»؛ «طبقات النسبیین»، از صدر اسلام تا عصر حاضر؛ «الفروق»؛ «القبله»، مشتمل بر مباحث هیئت؛ «المسلسلات الی مشایخ الاجازات»؛ «مشجرات آل الرسول (ص)»، در انساب آل محمد (ص)؛ «مصباح الهدایه فی شوارع الکفایه»، که حاشیه مختصر بر «کفایه الاصول» آخوند خراسانی است؛ «المعول فی امر المپول»؛ «مقدمه التفسیر»؛ «مناسک الحج»؛ «الهدایه»، در شرح «الکفایه»؛ «مسارح الافکار فی حل مطارح الانظار»؛ «مزارات علویین» در ایران و غیره؛ «الصناعات الفقهیة»، در شرح الفاظ مصطلح فقهاء؛ «جذب القلوب الی دیار المحبوب»؛ حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ حاشیه بر «معالم»؛ حاشیه بر «مکاسب» شیخ انصاری؛ «الرد علی مدعی التحریف».[۱]

یکی از مفاخر امروز عالم تشیع است که حق عظیمی بر حوزه علمیه قم و اسلام و مسلمین دارد و یکی از افتخارات بزرگ شیعه است و در میان عموم مسلمین شهرت بسزائی دارد و بسیار مورد تجلیل و تکریم علماء اهل سنت مصر و سوریا و یمن و حجاز و پاکستان و هندوستان و افغانستان و جاوه و سودان و اندونزی و غیره است و از وی به امام اعظم و علامه اکبر و نسابه بحاثه و مجاهد بزرگ تعبیر می‌کنند.

اسم شریفش سید شهاب‌الدین و کنیه‌اش ابوالمعالی و شهرتش مرعشی نجفی است.

در صبح روز پنجشنبه بیستم ماه صفر ۱۳۱۸ قمری در نجف اشرف متولد و جامع شرافت حسب و فضیلت نسب می‌باشد زیرا از طرف پدر به سید فقیه نبیه عارف عابد زاهد محدث علامه سید قوام‌الدین مرعشی مشهور به میربزرگ موصول می‌باشد که از بزرگترین خانواده‌های علویین و اشرف و اجمل و انبل ایشان بوده و در هر طبقه متحلی بحلیه مزایای دینی و دنیوی و نوعا عالم ربانی و یا متمکن به اریکه جهانبانی و یا طیب حاذق و یا نقیب بصیر و یا وزیر روشن ضمیر و مانند اینها بوده‌اند و جده پدری ایشان شریفه طباطبائی و جده مادری ششمی وی که مدفون در رواق مطهر حضرت رضا علیه‌السلام است دختر شاه‌عباس صفوی می‌باشد.

شرف تتابع کابر عن کابر

کالرمح انبوب علی انبوب

نسب شریفش چنانچه مشروحا ذکر شد بسی وسه واسطه به امام چهارم حضرت علی بن الحسین زین‌العابدین علیهماالسلام منتهی می‌شود و والده ماجده ایشان علویه صالحه فاضله بنت مرحوم آیت‌الله آقاسید ابوالقاسم خوئی فرزند مرحوم آقا سید مهدی خوئی است که از بنی اعمام مرحوم آیت‌الله العظمی آقای حاج سیدحسین کوه کمری عم بزرگوار مرحوم آیت‌الله آقای سیدمحمد حجت می‌باشد.

ترجمه این بزرگوار زینت کتب رجالی مانند اعیان الشیعه و ریحانه الادب جلد چهارم صفحه ۱۱ و علماء معاصرین صفحه ۲۱۷ و آثارالحجه جلد ۲ صفحه ۴۶ و معارف الرجال جلد دوم صفحه ۲۶۸ و مشاهیر دانشمندان اسلام جلد چهارم صفحه ۱۰۸ طبقات الشیعه جزء دوم از قسم اول صفحه ۸۴۷ و ده‌ها کتاب دیگر مانند زندگانی پیشوای اسلام عمادزاده اصفهانی و مقامات معنوی آقای معلم و غیره می‌باشد.

علماء معاصرین گوید: صاحب ترجمه از اکابر و اجلاء عصر حاضر ما که علامه فهامه نسابه فقیه اصولی محدث رجالی ادیب اریب فاضل کامل مورخ ریاضی حاوی الفروع و الاصول جامع المعقول و المنقول و بکثرت مشایخ نسبت به اهل عصر خود ممتاز و در اخلاق فاضله دارای امتیاز و مرجع سوالات متنوعه بسیاری از دیگر فرق مسلمین بلکه از علماء نصاری می‌باشد که پرسشهای گوناگون از بلاد دور و دراز به حضرتش فرستاده و به پاسخ متین و متقن نائل می‌گردند. که از آنهاست سوالات شیخ عبدالسلام کردی شافعی و سوالات فاضل متبحر عیسی اسکندر معروف لبنانی است که در عصر ما از مشاهیر نویسندگان علماء نصاری است و صاحب ترجمه علاوه بر مراتب علمی مساعی جمیله عملی در ترویج دین مقدس اسلامی و اعلاء کلمه حق به کار برده جمعی از یهود و نصاری در اثر تبلیغات حقایق سمات وی مشرف به اسلام شدند و نیز گروهی از باییه و صوفیه و دیگر منحرفین از اسلام و ایمان باذعان عقاید حقه جعفریه مستبصر گردیده‌اند و در ادوار زندگانی خود با فحول رجال و متخصصین هر فنی ملاقات و از هر باغی گلی چیده و از هر بلبللی نوائی شنیده و مرجع افاده و استفاده افاضل وقت خود بوده و می‌باشند.

و از کثرت زهد و ورع پیرامون زخارف دنیویه نگردیده و علاقه قلبی را بالمره از آنها قطع و فقط به جمع کتب متنوعه علمیه که آن هم محض آخرت و آخرت محض است و ربطی به زخارف دنیویه ندارد میل مفرطی داشته و دارند و کتابخانه ایشان مانند نگارخانه ارتنک حاوی گلکهای رنگارنگ می‌باشد که هر یک از فقیه و اصولی و حکیم و متکلم و منطقی و رجالی و ریاضی و ادیب و طیب و متخصصین علوم غریبه و صنایع عجیبه می‌توانند از آن گلزار محمدی و بوستان علوی موافق دلخواه خود گلی چیده و یا عطری مناسب مشام خود استشمام نماید.

در سخاوت و بذل و کرم و سعه صدر نادره زمان و وحید دورانست. مراجع و زعماء مبسوط الید بسیاری دیده‌ام ولی به این صفات و خصایص کمتر یافته‌ام.

انصاف می‌دهم که دلبران و دلبران

بسیار دیده‌ام ولی نه به این حسن دلبری

بالاخص در اعطاء کتب و انفاق انگشتر که اقتداء به جد کرام خود امیرالمومنین علیه‌السلام نموده و هزاران نفر از دانشمندان و علماء اعلام و خطباء عظام و اصناف دیگر انام را به بذل انگشتر عقیق و فیروزه و غیره مسرور و مفتخر نموده است.

اساتید و مشایخ اجازه معظم له

آن جناب مقدمات را از مرحوم شیخ زاهد عابد شیخ مرتضی طالقانی و والد معظم خود و دیگر مشایخ وقت اخذ نموده و علم تجوید را از شیخ نورالدین شافعی بکتاشی که در تلاوت قرآن عاصم زمان خود بوده اخذ و علم انساب آل رسول صلی الله علیه و آله را از والد معظم خود و از استاد عماد سید محمدرضا صائغ بحرانی و دیگر اساتید فن تلمذ نموده و علم تفسیر را از والد مکرم و عالم زاهد صاحب کرامات شیخ محمدحسین بن محمدخلیل شیرازی عسکری و متون فقه و اصول را از شیخ محمدحسین مذکور و هم میرزا محمدعلی رشتی صاحب کتاب شرح القبله و آقا میرزا محمود شیرازی و آقا شیخ محمدحسین قاجاری تهرانی نجفی و دیگر اجلاء وقت تلمذ نموده و در فقه و اصول استدلالی حاضر حوزه مرحوم آیت الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت الله شیخ مهدی نوائی مازندرانی و دیگر اجلاء و سه سال در سامره و کاظمین در فقه و حدیث و رجال و درایه حاضر حوزه مرحوم آیت الله آقا سید حسن صدر و در اصول از بحث مرحوم آیت الله شیخ مهدی خالصی استفاده کرده آنگاه به نجف مراجعت و علم کلام و تفسیر را از آیت الله شیخ مهدی خالصی استفاده کرده آنگاه به نجف مراجعت و علم کلام و تفسیر را از آیت الله شیخ محمدجواد بلاغی و آیت الله شیخ محمداسماعیل محلاتی فرا گرفته و در سال ۱۳۴۲ ق به تهران وارد و در آنجا حدود یکسال توقف نموده و عرفان و علوم عقلیه و ریاضیات و بعض فنون دیگر را از افاضل تهران مانند آیت الله آقا حسین نجم آبادی و آیت الله حاج شیخ عبدالنبی نوری و دیگران استفاده کرده تا آنکه حاوی مراتب علمیه و عملیه عقلیه و نقلیه گردیده و در سال ۱۳۴۳ قمری مهاجرت به قم نموده و تا این تاریخ که سال ۱۳۹۳ هجریست پنجاه سال در این بلده طیبه مشغول به تدریس و تالیف کتب متنوعه و اقامه جماعت و مرجعیت و سرپرستی حوزه مقدسه علمیه قم می‌باشند و با این همه مشاغل و گرفتاریهایی که شب و روز وی را مستغرق نموده است کمتر مستحب و نافله است که از وی فوت شود.

مشایخ اجازه آن جناب که تمامی از مراجع تقلید و علماء اعلام و فقهاء عظام فریقین امامیه و عامه و زیدیه و اسماعیلیه‌اند از دوستان نفر متجاوز است که برای تبرک چند نفر آنان را ذکر می‌نمایم.

۱- السید حسن صدر کاظمین ۲- السید نجم الحسن الهندی موسس مدرسه الواعظین در لکنه هندوستان ۳- السید ناصر حسین ابن آیت الله السید حامد حسین صاحب عباقات الانوار ۴- السید محسن الامین الشامی ۵- السید ابوالقاسم الدهکردی ۶- السید عبدالحسین بروجردی آل کمونه ۸- السید علی بن محمد الرضا آل کاشف الغطاء ۸- السید هادی آل کاشف الغطاء ۹- السید مرتضی آل کاشف الغطاء ۱۰- السید محمدجواد البلاغی ۱۱- السید محمداسماعیل محلاتی ۱۲- السید جعفر آل بحر العلوم ۱۳- السید شیخ فتح الله شریعت اصفهانی ۱۴- المیرزا محمد العسکری التهرانی ۱۵- آیت الله السید ابوالحسن اصفهانی ۱۶- آیت الله السید محمد فیروزآبادی ۱۷- آیت الله المیرزا حسین نائینی ۱۸- آیت الله الحاج شیخ عبدالکریم الحایری ۱۹- آیت الله الحاج آقا حسین قمی ۲۰- آیت الله حاج آقا حسین بروجردی و آیت الله آخوند ملا محمدحسین فشارکی و آیت الله آقاسید محمد نجف آبادی و آیت الله آقاسید علی نجف آبادی و آیت الله آقا شیخ عبدالنبی نوری و آقای امام جمعه خوئی و آقای شیخ مهدی حکمی قمی و آقای شیخ محمدعلی آیت الله شاه آبادی و آقا میرزا ابوالهدی کرباسی و آقای حاج شیخ علی اکبر نهاوندی مشهدی و آقا سید محسن اراکی و آقای حاج شیخ محمدباقر بیرجندی و آقای حاج شیخ عباس محدث قمی و آقای حاج شیخ محمدحسین اصفهانی کمپانی

و آقا میرزا ابوالحسن مشکینی صاحب حاشیه کفایه و آقا شیخ عبدالحسین رشتی صاحب حاشیه کفایه و آقا سید مهدی بحرانی نسابه نجفی و آقا میرزا محمدعلی اردوبادی و آقا سید محمدباقر کشمیری و آقا سید راحت حسین رضوی کوپال پوری و آقا سید عبدالباقی شیرازی ملاباشی و صدها نفر دیگر و اجازات اجتهاد ایشان از آقا ضیاءالدین عراقی و آقای فشارکی و آقای یثربی کاشانی و آقا شیخ محمدحسن اصفهانی و آقا شیخ عبدالکریم یزدی.

آثار علمی و قلمی معظم له که به طبع رسیده و یا مخلوط مانده است بسیار است از آن جمله:

۱- تعلیقات بر احقاق الحق قاضی نورالله شهید در بیست و شش مجلد که یازده مجلد آن به طبع رسیده و باقی آماده برای طبع می‌باشد و این تعلیقات خود شرح مبسوط و کتاب مستقلاً در ولایت امیرالمومنین علی علیه‌السلام و خاندان عصمت و طهارت و امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام و فضائل آن خاندان است از هزاران کتب اهل سنت انتخاب شده بنحو استدلال با رعایت اختصار.

۲- غایه القصوی لمن رام التمسک بالعروه الوثقی حواشی بر عروه الوثقی علامه یزدی در دو مجلد بزرگ.

۳- توضیح المسائل که بکرات به طبع رسیده ۴- حاشیه بر فصول المهمه شیخ حر عاملی ۵- کتاب الهدایه حاشیه بر کفایه.

۶- دفع الغاشیه عن وجه الحاشیه (حاشیه بر حاشیه ملاعبدالله یزدی در منطق) ۷- المعول فی امر المطول.

۸- جذب القلوب الی دیار المحبوب در سوانح و وقایع ایام عمر ۹- مسارح الافکار فی حل مطارح الانظار حاشیه بر تقریرات اصول شیخنا الانصاری.

۱۰- مشجرات آل الرسول که از بزرگترین تصنیفات شیعه و گرانباترین کتب در انساب است در چند مجلد.

۱۱- الرساله الافطسیه در نسب گروهی از سادات طفرد که در تهران چاپ شده.

۱۲- الرحله الشیرازیة که در مسافرت به شیراز نوشته‌اند ۱۳- الرحله الاصفهانیة در مسافرت به اصفهان تالیف نموده‌اند.

۱۴- مزارات علویین در ایران و خارج ایران.

۱۵- کتاب المسلسلات فی مشایخ الاجازات در سه مجلد به شرح زیر ۱- در اجازات علماء امامیه از اثنا عشریه که به معظم له داده‌اند

۲- اجازاتی که علماء عامه از حنفی‌ها و مالکیها و شافعیها و حنبلیها و زیدیه و غیر آنان که برای آن جناب نوشته‌اند ۳- اجازاتی که ایشان به دیگران داده‌اند.

مرجع تقلید، محقق، عالم دینی.

تولد: ۱۲۷۶ (۲۰ صفر ۱۳۱۵ ق.)، نجف اشرف.

درگذشت: ۷ شهریور ۱۳۶۹ (۷ صفر ۱۴۱۲ ق.) قم.

آیت‌الله العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، فرزند سید شمس‌الدین، آموزش‌های اولیه خود را نزد پدر و جدش آغاز کرد. پس از این در حوزه‌های درس اساتید شرکت کرد. در وس مقدماتی را نزد پدر، شیخ مرتضی طالقانی، شیخ محمدحسن سدهی اصفهانی نجفی، شیخ شمس‌الدین شکوئی قفقازی، سید محمدکاظم خرم‌آبادی نجفی، میرزا محمود معلم و نیز جد خود بی‌بی شمس شرف بیگم طباطبایی فراگرفت. وی تجوید و قرائت قرآن را از میرزا ابوالحسن مشکینی نجفی، پدرش سید شمس‌الدین مرعشی نجفی، سید آقا شوشتری، شیخ عبدالسلام کردستانی شافعی و شیخ نورالدین بکتاشی شافعی آموخت. علم انساب را از پدر خود از سید محمدرضا موسوی بحرانی و سید محمد مهدی غریقی صائغ و تفسیر قرآن را از پدر و از شیخ محمد حسین شیرازی، سید هبه‌الدین شهرستانی و سید ابراهیم رفاعی شافعی بغدادی و فقه و اصول را از پدر خود و از شیخ مرتضی طالقانی، سید محمدرضا مرعشی نجفی رفسنجانی شیخ غلامعلی قمی، ابوالحسن مشکینی نجفی، سید آقا شوشتری، میرزا حبیب‌الله اشتهااردی، میرزا محمد تهرانی، میرزا محمدعلی کاظمینی، شیخ عبدالحسین رشتی، میرزا آقا سید ابراهیم اصطهباناتی، شیخ موسی کرمانشاهی،

شیخ نعمت‌الله لاریجانی، سید علی طباطبائی یزدی، شیخ محمدحسین شیرازی، میرزا محمود شیرازی، سید جعفر بحرالعلوم، سید محمد کاظم خرم آبادی و عباس خلیلی و علوم ریاضی و هیئت را از شیخ عبدالکریم بوشهری، سید ابوالقاسم موسوی خوانساری، دکتر عنصلیب‌زاده، میرزا محمود اهری، محمد محلاتی، شیخ عبدالحمید رشتی، احمد منجم، سید محمد کاظم عصار، جمال‌الدین کرباسی و علم طب را از پدر و از محمدعلی خان مؤید الطباء و علم رجال و درایه و حدیث را از پدر و از سید ابوتراب خوانساری، شیخ عبدالله مامقانی، شیخ محمد حرزالدین نجفی، میرزا علی حسینی مرعشی شهرستانی و میرزا ابوالهدی کرباسی، فقه و اصول استدلالی را از آیت‌الله ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله سید احمد بهبهانی، شیخ احمد کاشف الغطاء، شیخ علی اصغر ختیبی تبریزی، شیخ محمدحسین کاشف الغطاء، شیخ علی بن باقر نجفی، شیخ محمداسماعیل محلاتی، شیخ عبدالنبی نوری، سید ابراهیم اصطهباناتی، حسین نجم آبادی، آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، سید علی یثربی کاشانی و محمدرضا مسجدشاهی فراگرفت. آنگاه در شهرهای سامرا و کاظمین مدت سه سال فقه و حدیث و رجال را از آیت‌الله سید حسن صدر و اصول را نزد آیت‌الله شیخ مهدی خالصی آموخت و بعد از مراجعت به نجف اشرف علم کلام را نزد آیت‌الله شیخ محمد جواد بلاغی، شیخ محمد اسماعیل محلاتی، سید هبه‌الدین شهرستانی، علی اکبر یزدی، پدر خود و دیگران آموخت.

آیت‌الله مرعشی موفق به دریافت بیش از چهارصد اجازه‌ی روایتی و تعدادی اجازات اجتهاد و اجازات نفسی از مشایخ دیگر گردید که اجازات کتبی وی در کتاب المسلسلات فی الاجازات آمده است.

آیت‌الله مرعشی نجفی در بیست و یکم محرم ۱۳۴۲ از نجف به ایران آمد و پس از سفری به مشهد و تهران و شهر ری، به قم سفر کرد و به سبب درخواست آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی در قم ساکن شد و مدتی هم در جلسات درس ایشان و حوزه‌های درس آیت‌الله حاج شیخ مهدی حکمی قمی، آیت‌الله سید علی یثربی کاشانی و علی اکبر مدرس یزدی، معروف به حکیم الهی و دیگر علما شرکت کرد.

آیت‌الله مرعشی نجفی از زمان ورود به قم، در کنار آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی به تحکیم پایه‌های حوزه‌ی نوپای قم پرداخت. ورود وی به ایران و قم مصادف بود با آغاز زمامداری رضاشاه بود که با مظاهر اسلام و تشیع به مبارزه برخاسته بود. او در مقابل فشارها و ضربات رضاشاه علیه حوزه و روحانیت مردانه ایستاد و جلسات درس او منظم بین شش تا هفت جلسه درس در مدرسه فیضیه، صحن و حرم حضرت معصومه (س) برقرار می‌شد. به این ترتیب وی را می‌توان یکی از مؤسسان حوزه‌ی علمیه‌ی قم به شمار آورد که تا هنگام رحلت آیت‌الله حائری یزدی، همگام با ایشان فعالیت کرد. پس از رحلت آیت‌الله حائری یزدی نیز در جهت حفظ و بقای حوزه کوشش کرد. در آن زمان حلقه‌های دروس خارج فقه و اصول خود را تشکیل داد.

آیت‌الله مرعشی پس از رحلت آیت‌الله بروجردی در ۱۳۸۰ ق. جزو معدود مجتهدانی بود که به عنوان مرجعیت شیعه انتخاب گردید و از آن پس به عنوان یکی از ارکان اصلی حوزه و جهان تشیع درآمد و به سهم خویش در اداره‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم شرکت نمود. وی بیشتر از هفتاد سال به تدریس در حوزه‌ی علمیه‌ی قم مشغول بود.

آثار و تألیفات وی به این شرح است: تعلیقات احقاق الحق قاضی نورالله مرعشی شوشتری شهید که بیست و هفت جلد آن منتشر شده و تا پنجاه جلد می‌رسد، مشجرات آل رسول‌الله الا-کرام (ص)، شرح و حاشیه بر عمده‌المطالب (در چند مجلد)، طبقات النسابین، الهدایه فی معاضل الکفایه، حواشی رسائل شیخ مرتضی انصاری، المسلسلات فی الاجازات، مسارح الافکار فی مطارح الانظار (حاشیه بر تقریرات شیخ انصاری)، المعول فی امر المطول، الوقت و القبلة الرد علی مدعی التحریف، مصطلحات فقهیه، الغایه القوی، سلوة الحزین و مونس الکتیب، المشاهد و المزارات، القصاص علی صوء القرآن و سنته (به قلم عادل علوی، ۱۳۷۴).

از خدمات فرهنگی آیت‌الله مرعشی نجفی می‌توان به این موارد اشاره کرد: ساختن مدارس علوم دینی و تعمیر آنها در قم مدارس مهدیه در خیابان باجک، مؤمنیه در خیابان چهارمردان، شهبایه در خیابان امام خمینی، مرعشیه در خیابان آیت‌الله مرعشی (ارم سابق

قم)، ساخت و تعمیر و بازسازی مساجد در ایران و جهان، ساخت و تعمیر بیمارستان‌ها از جمله بیمارستان کامکار در قم، درمانگاهی در بیمارستان نکویی قم، آسایشگاه معلولین در قم، ساختمان بخش قلب بیمارستان نکویی، مرکز توانبخشی بهزیستی واقع در میدان امام خمینی قم که دارالشفای آل محمد (ص) نیز نامیده می‌شود، تأسیس کتابخانه با خرید قطعه زمین به مساحت ۱۵۰۰ متر مربع مقابل مدرسه مرعشیه در خیابان آیت‌الله مرعشی (ارم سابق) کتابخانه‌ای با زیربنای ۳۵۰۰ متر در پنج طبقه ساخته شد که در نیمه‌ی شعبان ۱۳۴۹ با حدود ۱۶۰۰۰ جلد کتاب چاپی و خطی افتتاح گردید. بعدها طبق حکم حضرت امام (ره) دولت قطعه زمینی در کنار کتابخانه با مساحت ۲۴۰۰ متر مربع فراهم و در اختیار تولیت کتابخانه قرار داد. در توسعه‌ی جدید ۱۶۰۰۰ متر مربع زیربنا در هفت طبقه با ظرفیت سه میلیون جلد کتاب چاپی و بیش از ۱۲۰۰۰۰ جلد کتاب خطی ملحوظ شده است.

این کتابخانه (تا سال ۱۳۷۴) نزدیک به ۵۰۰۰۰۰ جلد کتاب چاپی، ۳۵۰۰۰ مجلد با ۵۰۰۰۰ عنوان نسخه خطی، بیش از ۲۰۰۰۰ جلد کتاب چاپی به زبان‌های لاتین، نزدیک به ۵۰۰۰ جلد نسخه عکسی، حدود ۸۰۰۰ میکروفیلم و بیش از هزار عنوان روزنامه و نشریه دارد. همچنین مجهز به دستگاه‌های مدرن آتش‌نشانی، مبارزه با آفات طبیعی، دستگاه‌های قرنطینه و آفت‌زدایی است.

آیت‌الله مرعشی نجفی پیش از فوت چند بار در بیمارستان‌های قم و تهران بستری شد و دوبار هم برای درمان به خارج از کشور یعنی اسپانیا و انگلستان مسافرت نمود. اما سرانجام در شامگاه روز چهارشنبه هفتم ماه صفر ۱۴۱۲ برابر با هفتم شهریور ماه ۱۳۶۹ در سن نود و شش سالگی، پس از اقامه‌ی آخرین نماز جماعت در صحن حضرت فاطمه معصومه (س) و بازگشت به منزل گرفتار حمله و سکت قلبی شد و درگذشت. پیکر وی در کتابخانه عمومی خود ایشان دفن گردید.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه: [۱] آینه‌ی دانشوران (۱۸۱-۱۷۷)، الذریعه (۲۰۴/۲۳، ۲۷۶/۲۱، ۳۷۶/۲۰، ۳۵۵، ۲۶۴/۱۸، ۱۸۶/۱۶، ۸۸/۱۵، ۲۱۵، ۱۴۰/۱۲، ۳۷۸/۶، ۲۶۰/۲)، ریحانه (۱۳۴-۱۲۹/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۴۸-۸۴۷/۱۴)، علماء معاصرین (۲۱۹-۲۱۷)، گلزار معانی (۷۰۲-۶۹۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۲-۳۷/۲، ۲۱۵-۲۱۱، ۵۶-۵۱/۱)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۹۰-۱۱۸۹/۳).

مرعشی نجفی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمود مرعشی نجفی برادر ارجمند زعیم الشیعه و مدار الشریعه فقیه اهل البیت فی عصره آیه الله العظمی آقای آقا سید شهاب الدین المرعشی النجفی مد ظلهم از علماء اعلام و دانشمندان بنام شهرستان تبریز دارای محاسن اخلاق و محامد آداب و ملکات فاضله و کمالات نفسانی می‌باشند.

در سال ۱۳۳۰ ق در نجف اشرف متولد شده و مقدمات و سطوح و حکمت و فنون مختلفه را از اساتید فنون مانند مرحوم آیه الله آقای سید حسین بادکوبه‌ای و آیت الله ایروانی و آیه الله حاج سید محمود شاهرودی فراگرفته.

آنگاه مسافرتی به ایران نموده و مدت یک سال و نیم در قم اقامت گزیده و بقیه سطوح را از برادر معظم مذکور خود استفاده نموده و مجدداً به نجف اشرف مراجعت کرده و درس خارج را از محضر مرحوم آیه الله العظمی اصفهانی و آیه الله نائینی و آیت الله آقای ضیاء الدین عرقی حداکثر استفاده را کرده تا به مدارج عالیه اجتهاد رسیده و به دریافت اجازه از آنان نائل گشته و سالها خود در نجف تدریس فقه و اصول داشته تا به عزم زیارت حضرت ثامن الحجج علیه الصلوه و السلام به ایران و برای صله رحم مسافرتی به

تبریز نموده و در اثر اصرار علماء و بزرگان تبریز در آن شهر اقامت و تاکنون به اقامه جماعت و خدمات دینی و روحی اشتغال دارند و یکی از دانشمندان و علماء طراز اول تبریز بشمار می‌روند.

دارای تألیفات و آثار علمی می‌باشند که از نظر تان می‌گذرانم:

۱- شمس الضحی فی مناقب ائمه الهدی علیهم السلام ۲- رضوه الاحباب ۳- کشکول ۴- ریاض الصالحین ۵- تقریرات مرحوم نائینی در خیارات.

از باقیات الصالحات آن جناب فرزندان صالح و برومندی است که به تحصیل و کسب اشتغال دارند و ارشد آنها جناب ثقه الاسلام سید الافاضل الکرام آقای آقا سید شمس الدین مرعشی نجفی می‌باشند که در قم اشتغال به تحصیل دارند و از شرکاء بحث عم گرام آیه الله العظمی مرعشی نجفی مد ظله می‌باشند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مرعشی نجفی، مرعشی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۳۰ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، مدرس و مجتهد. در نجف به دنیا آمد. مقدمات، سطوح و حکمت را از آیت‌الله آقا سید حسین بادکوبه‌ای و آیت‌الله ایروانی و آیت‌الله سید محمود شاهرودی فراگرفت. آنگاه به ایران آمد و در قم سطوح را در محضر برادرش آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی تکمیل نمود. سپس به نجف بازگشت و درس خارج را از آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله نائینی و آیت‌الله آقا ضیاء‌الدین عراقی فراگرفت تا به مدارج عالی‌ی اجتهاد رسید و از آنها به دریافت اجازه نایل آمد. او سالها در نجف به تدریس فقه و اصول پرداخت. در مسافرتی که به قصد زیارت حضرت امام رضا (ع) به ایران آمد، به اصرار علما و مردم تبریز در آن شهر سکنی گزید و به اقامه‌ی جماعت و انجام امور دینی پرداخت. از آثارش: «شمس الضحی»، در مناقب ائمه (ع)؛ «روضه الاحباب»؛ «کشکول»؛ «ریاض الصالحین»؛ «تقریرات» استادش آیت‌الله نائینی در «خیارات».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: گنجینه‌ی دانشمندان (۳۲۹- ۳۲۸/۳).

مرعشی، ابو محمد حسن

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۵۸ ق)، عالم امامی، فقیه، زاهد و ادیب. موصوف به طبری و معروف به مرعشی. از سادات مرعشی‌ی طبرستان بود که نسبشان به حسین الاصغر، فرزند امام سجاد (ع) می‌رسد و به علت جدش علی مرعش به مرعشی مشهور بود. او از فقهای بزرگ شیعه و از اکابر مشایخ امامیه می‌باشد. وی از محمد بن جعفر بن احمد بن بطه و محمد بن جعفر اسدی و احمد بن ادريس اشعری و محمد بن حسین بن درست و علی بن ابراهیم قمی و علی بن ابی‌عبدالله محمد بن ابی‌القاسم (از پدرش ملقب به ماجیلویه) و ابوالعباس احمد بن محمد ابن عقده روایت کرده است. شیخ مفید و حسین بن عبیدالله غضائری و احمد بن عبدون در ۳۵۴ ق از وی

حدیث شنیدند. ابو محمد هارون بن موسی تلعبیری در ۳۲۸ ق از وی روایت شنید و از او اجازه دریافت کرد. از آثارش: «الاشقیه»، در معانی غیبت؛ «تباشیر الشریعه»؛ «الجامع»؛ «الدر»؛ «الغیبه»؛ «المبسوط فی عمل یوم و لیله»؛ «المرشد»؛ «المفتخر». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲/۲۰۳)، اعیان الشیعه (۶۱-۵/۶۰)، ایضاح المکنون (۳۲۷، ۳۱۷، ۲۹۴، ۲/۲۶۸، ۲/۲۲۰، ۱)، الذریعه (۳۵۸-۳۵۷/۲۱، ۳۰۴/۲۰، ۵۳/۱۹، ۱۶/۷۶، ۳/۳۱۰، ۲/۱۱۱)، رجال طوسی (۴۶۵)، ریحانه (۵/۲۸۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۷-۸۶/۴)، لغت نامه (ذیل / حسن مرعش)، معجم المؤلفین (۳/۲۲۱).

مرعشی، اسماعیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام والمسلمین حاج سید اسمعیل بن العلامه العلام آیه الله فی الانام حاج سید احمد مرعشی نزیل سامری از علماء خدوم و مروجین اسلام و خدمتگزاران حقیقی معاصر است در شهرستان اهواز.

وی در ۱۶ ربیع الثانی ۱۳۴۰ قمری در سامری متولد شده و در سن ۷ سالگی قرآن و تجوید آن را نزد یک نفر از قراء جماعت اهل سنت سامری فرا گرفته و دروس فارسی را نزد آقای شیخ ابوالقاسم مروج یزدی آموخته آنگاه در کاظمین دروس ابتدائی و متوسطه را فرا گرفته و با مرحوم والدش بسامری مراجعت و بتحصیل علوم عربی پرداخته و ادبیات و سطوح را از مدرسین سامرا آقای شیخ حسنعلی شیرازی و آقا شیخ حسن ماکوئی و حاج میرزا علی یزدی و حاج شیخ موسی سودانی و حاج سید نصرالله گلستان اصفهانی و مرحوم آیه الله میرزا حبیب الله اشتهااردی و آیه الله حاج سید محمد رضا شوشتری و حکمت را از مرحوم آیه الله حاج میرزا محمود شیرازی فرا گرفته و در نجف اشرف بدرس خارج مرجع اعلی آیه الله العظمی خوئی و مرحوم آیه الله کاشف الغطاء و در اهواز مدت ده سال در درس آیه الله العظمی بهبهانی حاضر شده تا بدرجه رفیعه علم و اجتهاد نائل و از بعضی از اساتید مذکور مفتخر با اجازه اجتهاد گردیده است.

در ماه رمضان ۱۳۷۲ قمری بمشهد مقدس مشرف و چند ماهی توقف و در محضر علماء اعلام شهر حاضر و در کتابخانه آستانه قدس بمطالعات کتب متفرقه در علوم مختلفه مشغول و در همانجا شروع بتألیف شرح مبسوط اربعین حدیث گردیده و در سال ۱۳۷۳ قمری بنا بر دعوت اهالی شهرستان اهواز و بالاخص سادات مرعشی و امر عموی معظم آیه الله حاج سید محمود مرعشی مقیم قم باهواز مراجعت و در مسجد آیه الله مرعشی مزبور اقامه جماعت و نماز جمعه نموده و ضمناً بتدریس طلاب علوم دینی پرداخته و در سال ۱۳۸۱ قمری بکمک اهالی اهواز بناء مدرسه علمیه مرعشی را در خیابان کاوه اهواز گذارده و اکنون دارای چهل نفر طلبه میباشد که مشغول بتحصیل علوم دینی میباشند و در ایام تعطیل جهت تبلیغ اعزام بدهات اطراف میشوند.

جناب حجه الاسلام حاج سید جمال الدین صهری واعظ شهیر اصفهان در بناء و ماده تاریخ مدرسه مزبور گفته است.

دین و دانش خطه‌ی اهواز را آراست بزم

با جنود جهل و نادانی بسختی داشت رزم

رایت حق جعفر صادق نهاد این پایه را

بانی خیر و فقیه مرعشی با جد و حزم

بهر تاریخ بنایش خامه صهری سرود

آفتاب علم در اهواز طالع شد بعزم

۱۳۸۱ قمری

آثار و تألیفات آنجناب از این قرار است:

۱- شرح کتاب اربعین حدیث ۲- ترجمه استدراک فصل الخطاب حاجی نوری ۳- عنوان الطاعه فی اقامه الجمعہ والجماعه عربی استدلالی ۴- اجوبه المسائل التستریه. ۵- حاشیه بر لمعه و بر شرح آن ۶- کتابی از مبدء تا معاد سه جلد در معارف و اصول عقاید که جلد اول آن بچاپ رسیده است.

اجازات اجتهاد و روایتی معظم له از آیه الله مدرس شیرازی سامره و آیه الله کاشف الغطاء و آیت الله میلانی و آیت الله بروجردی خداوند بر توفیقات این مؤسس محترم علمیه مرعشی بیافزاید و وجود ذیجودش را برای مسلمین باقی بدارد.

(تو ۱۳۴۰ ق)، عالم دینی. در سامرا به دنیا آمد. قرآن و تجوید را نزد یکی از قراء اهل سنت و دروس فارسی را نزد شیخ ابوالقاسم مروج یزدی فراگرفت. آنگاه به کاظمین رفت و در آنجا دروس ابتدایی و متوسطه را تحصیل نمود. سپس به سامراء بازگشت و به تحصیل علوم عربی پرداخت. ادبیات و سطوح را در محضر آقا شیخ حسنعلی شیرازی و آقا شیخ حسن ماکویی و حاج میرزا علی یزدی و حاج شیخ موسی سودانی و حاج سید نصرالله گلستان اصفهانی و آیت الله میرزا حبیب الله اشتهاوردی و آیت الله سید محمدرضا شوشتری و حکمت را در محضر آیت الله حاج میرزا محمود شیرازی فراگرفت. آنگاه به نجف رفت و در درس خارج آیت الله خویی و آیت الله کاشف الغطاء شرکت نمود. او همچنین مدت ده سال نیز در اهواز در درس آیت الله بهبهانی شرکت کرد و به مقام اجتهاد نایل گشت و از آیت الله کاشف الغطاء و آیت الله میلانی و آیت الله بروجردی اجازه گرفت. در ۱۳۷۲ ق به مشهد رفت و در همان جا به تحقیق و نیز تألف «شرح اربعین حدیث» پرداخت. در ۱۳۷۳ ق به دعوت سادات مرعشی ساکن اهواز و مردم آن شهر و به امر عمومیش، آیت الله سید محمود مرعشی، به اهواز رفت و در مسجد آیت الله مرعشی به اقامه جماعت و به تدریس پرداخت. در ۱۳۸۱ ق مدرسه‌ی علمیه مرعشی را به کمک مردم در اهواز بنا نمود. از دیگر آثارش: «عنوان الطاعه فی اقامه الجمعۀ والجماعه»، استدلالی به عربی؛ «اجوبه المسائل التستریه»؛ حاشیه بر «لمعه» و بر شرح آن؛ «از مبدء تا معاد»، در معارف و اصول عقاید، در سه مجلد. [۱]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۵۶- ۱۵۴/۳).

مرعشی، داود

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن میرزا عبدالله بن محمد شفیع، از اکابر سادات عالی درجات، به جلالت شأن معروف، و به اقتضای فضایل و کمالات، موصوف. به منصب رفیع تولیت روضه‌ی رضویه، و مصاهرت دودمان صفویه ممتاز گردیده.

در ۱۰۶۵ در اصفهان تولد، و در سال ۱۱۳۳ در اصفهان وفات یافته، شاعر و ادیب و نویسنده است.

کتاب زیر از اوست:

۱- دیوان اشعار ۲- مثنوی زبور العاشقین ۳- سفرنامه ۴- سلطان الانساب ۵- مثنوی نمکدان؛ و غیره.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مرعشی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۸۰ - ۱۱۹۸ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، مفسر، ادیب و شاعر. از فرزندان گان علامه سید حسین سلطان العلماء (خلیفه سلطان) بود. او در اصفهان در گذشت و در تخت فولاد دفن شد. از آثارش: «تفسیر قرآن»؛ شرح «زبدۃ الاصول»؛ شرح «تشریح الافلاک»؛ «سفرنامه‌ی هندوستان»؛ کتاب «اجازات»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۹/۳۸۲)، تذکره القبور (۴۸۸)، معجم المؤلفین (۱۸۸/۱۰).

مرعشی، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدرضا بن السید محمدباقر بن علی بن الحسن بن علی بن ضیاءالدین محمد بن محمدصادق بن محمدطاهر بن علی بن علاءالدین حسین سلطان العلماء الحسینی المرعشی الرفسنجانی النجفی والد ماجد (اخوان مرعشی) که ترجمه آنان در ج ۲ ص ۵۹ گذشت عالمی جلیل و مصنفی بزرگوار و مجتهدی عالیمقدار بوده است.

وی در سال ۱۲۸۶ ق در رفسنجان متولد شده و برای تحصیل علم مهاجرت به یزد و از آنجا به نجف اشرف نموده و پس از فراغت از متون فقه و اصول به درس علمین آیت‌الله آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و آیت‌الله آقا سید محمدکاظم یزدی و مرحوم شریعت اصفهانی شرکت و استفاده نموده و در اثر جدیت به مقام اجتهاد و مرجعیت رسیده و پس از فوت مرحوم آیت‌الله آقا میرزا محمدتقی شیرازی گروهی از مردم به آنجناب رجوع نموده و مدت دو سال تقریباً متصدی مقام افتاء شده و لکن اجل محتوم مهلتش نداده و در سن ۵۶ سالگی در سال ۱۳۴۲ قمری از دنیا رفته و در جوار جد بزرگوارش مدفون گردیده است.

دارای آثار علمی زیر می‌باشد.

۱- الکریه فی تحقیق الکر

۲- (جوابات المسائل الاسلامیه) که به امر استاد یزدیش نوشته و علامه تهرانی در ج ۵ (الذریعه) ص ۲۱۴ ذکر نموده است.

۳- جوابات المسائل الامتحانیه

۴- جوابات المسائل الکرمانیه

۵- جوابات المسائل الیزدیه.

بزرگترین آثار و باقیات الصالحات آن مرحوم اخوان فاضلان عالمان مجتهدان حجتی‌الاسلام والمسلمین آیتین آقای حاج سید کاظم و آقای حاج سید مهدی مرعشی دامت برکاتهما می‌باشند و از این دو برادر جناب آقای حاج سید کاظم چند سالست که از نجف به قم رحل اقامت افکنده و به تدریس اشتغال دارند و جناب آقای حاج سید مهدی در نجف به وظائف روحی و علمی مشغول می‌باشد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

مرعشی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمود مرعشی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب تاکنون بیش از ۶۰ مقاله در زمینه کتابشناسی نسخه‌شناسی، کتاب پژوهی، رجال و تراجم و انساب نگاشته‌ام و تمامی آنها تاکنون چاپ و منتشر شده است همچنین نظریه اینکه از سنین نوجوانی در کنار پدر بزرگوارم کتابشناسی مخطوطات را فرا گرفته‌ام و با اشتیاق در کنار دروس حوزوی خود ادامه دادم اکنون بیش از نیم قرن است که تجربه اندوخته‌ام و اینجانب را در بیشتر مراکز علمی و کتابخانه‌ها و دانشگاه‌های جهان به عنوان یکی از بزرگترین کتابشناسان معاصر کتابهای اسلامی جهان می‌شناسند.

اینجانب چند جلد تالیف نیز دارم که بیشتر آنها چاپ و منتشر گردیده است. جز آن، دهها کتاب را تحقیق و تصحیح و چاپ کرده‌ام و بسیاری دیگر نیز زیر نظر اینجانب منتشر شده است. همچنین کتبا دارای چند اجازه اجتهاد و روایتی و امور حسبه از مراجع گذشته و حال می‌باشم از جمله حضرات آیات عظام: اراکی، مرحوم والد، مکارم شیرازی، بهجت، فاضل لنکرانی، سید محمد شیرازی، سیستانی و غیره و نیز از مرحوم آیه الله العظمی شیخ عبد‌النبی اراکی اجازه اجتهاد گرفتم و از مرحوم آیت الله سید محمد صادق بحر العلوم نجفی و مرحوم آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی و مرحوم آیت الله علیاری تبریزی و غیر آنان اجازه روایتی در یافت نموده‌ام. به منظور اطلاعات بیشتر به مجله کیهان فرهنگی شماره ۲۰۴ که ویژه اینجانب و نیز کتابخانه می‌باشد همچنین مقاله‌ای که محقق و پژوهشگر پر تلاش آقای علی رفیعی در مورد زندگینامه اینجانب نگاشته و در فصلنامه میراث شهاب کتابخانه چاپ شده و هر دو آنها ضمیمه این برگه‌ها می‌باشد مراجعه شود.

و نیز از مفتی بزرگ یمن محمد بن زبارة و مرحوم شیخ محمد غزالی بزرگترین متفکر جهان عرب و صاحب بیش از ۵۰۰ تالیف در موضوعات گوناگون اجازه کتبی اخذ نموده‌ام. اینجانب همچنین افزون بر ۵۰ سال است که شرعا و قانونا متولی و رئیس کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی می‌باشم و نیز متولی ۳ مدرسه علمی والدیم که در قم بنیاد کرده‌اند برای طلاب به عهده دارم نیز مسئول دفتر پدر بزرگوارم بوده‌ام و می‌باشم اینجانب چند پروژه تحقیقاتی با برخی از اسلام‌شناسان خارجی دارم که در حال انجام است و به زودی منتشر می‌شود همچنین کتاب عظیم: موسوعه الامامه فی نصوص اهل السنه در کلام و فضائل ائمه اطهار علیهم السلام که از تألیفات پدر عزیزم و به عربی می‌باشد زیر نظر و با اشراف اینجانب در حال انتشار است که ۵ جلد نخست آن منتشر شده و ۱۵ جلد دیگر تا اواخر سال جاری ۱۳۸۶ و ۲۵ جلد دیگر تا دو سال بعد منتشر خواهد شد و جمعا ۴۵ جلد خواهد بود این کتاب تاکنون ۳ بار جایزه بهترین کتاب سال در حوزه دین شناخته شده و دریافت نموده است.

مرعشی نژاد، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ارتوپدی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اهواز.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مرغینانی، برهان‌الدین، ابوالحسن علی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۷/۶۱۷ - ۵۹۳ - ۵۳۰ ق)، فقیه حنفی، محدث و مفسر. مشهور به شیخ‌الاسلام. نسبتش به مرغینان، از توابع فرغانه می‌رسد. او جامع تمام علوم متداول زمان خود و از مشاهیر علمای عامه بود. به آورده‌ی «ریحانه‌الادب»، به هنگام فتنه‌ی چنگیزی ساکن مرغینان بود و از طرف اهالی به عنوان سفیر صلح انتخاب و برای مذاکرات و عقد مصالحه به سوی چنگیزخان فرستاده شد. اما عاقبت چون با مفاد پیمان مخالفت کرد، شهر مورد تهاجم و قتل عام قرار گرفت و مرغینانی در آن غائله از میان رفت، در این صورت وفات وی در ۶۱۷ ق صحیح‌تر به نظر می‌رسد. از آثارش: «بدایه‌المبتدی»، در فقه حنفی؛ «الهدایه فی شرح البدایه»؛ «کفایه‌المنتهی»؛ «التجنیس و المزید»؛ «الفرائض»؛ «مختارات مجموع النوازل»؛ «نشر المذاهب»؛ شرح «الجامع الکبیر» شیبانی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷۳/۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/۲۶۳)، ریحانه (۵/۲۹۳، ۱/۲۵۶)، سیر النبلاء (۲۱/۲۳۲)، کشف الظنون (۲۰۳۲ - ۲۰۳۱، ۱۹۵۳، ۱۸۵۲، ۱۶۲۴، ۱۵۰۱، ۱۲۵۱ - ۱۲۵۰، ۵۶۹، ۳۵۳ - ۳۵۲، ۲۲۸ - ۲۲۷)، معجم المؤلفین (۴۶ - ۷/۴۵)، هدیه العارفین (۱/۷۰۲).

مرغینانی، برهان‌الدین، ابوالمعالی محمود

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۱۶ - ۵۵۱ ق)، فقیه حنفی. معروف به ابن مازه. در مرغینان از توابع فرغانه به دنیا آمد. وی از بزرگان فقهای حنفی و از خانواده‌ی علم و فضل در بلاد ماوراءالنهر بود. در بخارا درگذشت. از آثارش: «ذخیره‌الفتاوی» یا «ذخیره‌البرهانیه»؛ «المحیط البرهانی»؛ «تتمه‌الفتاوی»؛ «الواقعات»؛ «الطریقه‌البرهانیه»؛ شرح «الزیادات» شیبانی؛ شرح «الجامع الصغیر» شیبانی؛ شرح «ادب القضاء» حصاف؛ «التجرید»، در فروع؛ «الوجیز فی الفتاوی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۸/۳۶)، کشف الظنون (۲۰۰۲، ۱۶۱۹، ۸۲۴-۸۲۳، ۳۴۴-۳۴۳)، معجم المؤلفین (۱۴۷/۱۲)، هدیه العارفین (۲/۴۰۴).

مرغینانی، بهاء‌الدین

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۳۷/۵۲۷ ق)، منشی و شاعر. اصل وی از مرغینان، از نواحی فرغانه ترکستان، و از شعرا و منشیان معروف عصر خود بود. او مداحی سلطان قطب‌الدین انوشنگین خوارزمشاه (۵۲۲-۴۹۰ ق) می‌کرد. به آورده‌ی صاحب «تاریخ نظم و نثر»، بهاء‌الدین از سوی پدر از خاندان شیخ‌الاسلام فرغانه و از سوی مادر از فرزندان طغان خان، حکمران فرغانه بوده و تا زمان ارغون خان نیز می‌زیسته است. همچنین در این کتاب تاریخ فوت او ۶۴۹ ق ذکر شده است. از وی اشعاری در تذکره‌ها نقل شده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۱۷۴-۱۷۳)، الذریعه (۹/۱۰۳۱)، ریحانه (۱/۲۹۳)، فرهنگ سخنوران (۱۴۴-۱۴۳)، لغت نامه (ذیل / بهاء‌الدین)، مجمع الفصحا (۴۴۸-۴۴۷/۱).

مردی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۸، مرتبه علمی: دانشیار رشته: زنان و مامائی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

متخصص زنان و مامائی.

مرتبه علمی:

عضویت در هیأت علمی و دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس در دانشگاه علوم پزشکی مشهد به مدت ۱۸ سال آموزش رشته تخصصی بیماریهای زنان و زایمان در آموزشگاههای وابسته به بهداری استان خراسان به مدت ۸ سال، راهنمائی مشاوره و نظارت بر ۶۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

تحقیقات آماری و بررسی مسائل در زمینه بیماریهای زنان و زایمان و تنظیم خانواده.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مرندی، زین العابدین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

زین العابدین بن اسماعیل بن زین العابدین مرندی تبریزی از بزرگان علماء و افاضل فقهاء متولد ۱۲۶۶ و متوفی ۱۳۴۰ ق از شاگردان بزرگ شیخ انصاری و سید حسین کوهکمری و بیشتر میرزا حبیب‌الله رشتی و میرزا شیرازی بزرگ بوده و از مراجع تقلید عده زیادی از مردم آذربایجان بوده نادر ۱۲ ذی‌قعدة ۱۳۴۰ ق وفات و در وادی السلام مدفون شده است.
وی دارای سه فرزند روحانی به نام ۱- شیخ مهدی ۲- شیخ هادی ۳- شیخ هدایت‌الله بوده است.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مرندی، علی اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالمی دینی.

تولد: ۱۲۷۳، مرند.

درگذشت: ۱۳۷۳.

آیت‌الله علی اکبر مرندی مقدمات دروس را نزد پدر خود فراگرفت و در بیست و دو سالگی برای ادامه تحصیل به نجف اشرف رفت و پس از بیست و سه سال تحصیل در نجف و رسیدن به درجه اجتهاد به مرند مراجعت و ضمن اقامه نماز در مسجد قیام مرند، به تدریس علوم دینی نیز اشتغال ورزید. رسیدگی به مسائل دینی اهالی مرند نیز از اهم وظایف وی بود. وی در عرفان نیز مقام والایی داشته است.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

مرندی، علیرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دانشکده: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۳، دکترای تخصصی بیماریهای کودکان از دانشگاه ویرجینیای آمریکا در سال ۱۳۵۰ و فوق تخصص نوزادان از دانشگاه اوهایو آمریکا در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی از سال ۱۳۵۹ و ارتقاء به درجه استادی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس بیماریهای کودکان و نوزادان در دیتون آمریکا و دانشگاه شهید بهشتی، انجام طرح‌های تحقیقاتی در زمینه بیماریهای کودکان.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی:-، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مردیان، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مروارید، حسنعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسنعلی بن العالم الفاضل آقا شیخ محمدرضا مروارید از علماء مهذب معاصر مشهد مقدس می‌باشند.

وی در سال ۱۳۲۹ قمری در مشهد مقدس از صبیبه عالم جلیل و فقیه نبیل آیت‌الله العظمی مرحوم حاج شیخ حسنعلی مجتهد تهرانی که ترجمه‌اش گذشت متولد شده و در دامن چنین مادر مومنه صالحه پرورش یافته و مرحوم والدش که از افاضل دانشمندان مشهد بودند در سن جوانی وفات نمود و آن جناب در تحت تربیت و تشویق آن مادر عقیفه به تحصیل فارسی و ادبیات پرداخته و پس از تکمیل مقدمات سطوح را از مدرسین حوزه مشهد آموخته و بالاخص شرح لمعه را نزد عالم ربانی و سالک سبحانی مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی خوانده و از انفاس قدسیه آن بزرگوار بهره‌مند گردیده.

و بعد از تکمیل سطوح به درس خارج فقه و معارف مرحوم آیت‌الله العظمی حاج میرزا مهدی غروی اصفهانی تا آخر عمر آن

مرحوم حاضر شده تا به مدارج عالی علم و اخلاق و معارف رسیده و به تدریس فقه و اصول و معارف پرداخته و مورد توجه مردم مشهد و حوزه علمیه خراسان قرار گرفته و اکنون یکی از میرزترین دانشمندان استان خراسانست و نماز جماعت ایشان مورد توجه عموم و بالخصوص دانشمندان و اخیار مردم مشهد می‌باشد.
بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مروج جزائری، محمدجعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدجعفر معروف به حاج مروج جزائری بن سید محمدعلی بن سید محمود بن احمد بن سید محمدرضا بن علی اکبر بن سید عبدالله بن سید نورالدین بن علامه محدث سید نعمت‌الله جزائری شوشتری عالمی جلیل و مدرسی فاضل از علماء معاصر شوشتر مقیم در اهواز می‌باشد.

وی در ذی‌حجه ۱۳۲۸ ق در شوشتر متولد و مقدمات و اولیات و قسمتی از فقه و اصول را از والد علامه‌اش و سید علی اصغر ادیب جزائری متوفی ۱۳۴۸ ق فراگرفته.

آنگاه مهاجرت به نجف و در حوزه علامه عراقی آقای آقا ضیاء و آیت‌الله العظمی اصفهانی و غیر آنان شرکت کرده و تقریرات آنان را به رشته تحریر آورده تا در سال ۱۳۹۱ قمری که قهراً به ایران آمده و در اهواز رحل اقامت افکنده و به اقامه جماعت و ترویجات دینی پرداخته است.

تألیفاتی دارد که از آنهاست رساله‌ای در حرمت ریش تراشی و رساله‌ای در تحدید وطن شرعی و رساله‌ای در حدیث لا تعداد و حاشیه‌ای بر کفایه و کتاب (هدایة الانام) در فروع مختلفه فقهیه.
بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

مروج الاسلام، علی اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۲۷۱.

درگذشت: ۱۳۵۸.

از آثار اوست: نفاخ العلام فی سوانح الایام (۱۳۷۳).

بر گرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

مروجی طبسی، محمدجعفر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد جعفر مروجی طبسی

محل تولد: نجف اشرف

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

محمد جعفر مروجی طبسی فرزند مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد رضا طبسی نجفی در سال ۱۳۳۵ در نجف اشرف متولد شد، دروس مقدمات حوزه را در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی گذراند. و سطوح عالیہ را نزد آقایان: مرحوم حاج سید ابوالفضل موسوی تبریزی و مرحوم آقای وجدانی فخر و مرحوم حاج شیخ احمد پایانی و حاج شیخ علی پناه اشتیاردی و جناب محقق داماد و جناب شیخ محمد کلباسی و جناب آقای فیاضی به پایان رساند و حدود ۱۵ سال در درس خارج حضرات آیات عظام آقایان: حضرت آیت الله مکارم شیرازی، حضرت آیت الله سید ابوالقاسم کوکبی، حضرت آیت الله وحید خراسانی شرکت نمودند.

مروجی طبسی، محمدجواد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد جواد مروجی طبسی

محل تولد: نجف اشرف

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی بنده در نهم ماه ذی الحجه ۱۳۷۲ هجری قمری مطابق با ۲۸/۱۲/۱۳۳۱ هجری شمسی در نجف اشرف در یک خانواده روحانی متولد شدم. پدرم مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ محمد رضا طبسی است که ظاهراً در سال ۱۳۴۵ هجری قمری از قم به حوزه نجف اشرف هجرت فرمود تا از محضر پر فیض بزرگانی همچون مرحوم نائینی و آقا ضیاء عراقی و سید ابوالحسن اصفهانی (ره) بهره جوید. پس از گذشت دوران کودکی به تحصیل در مدارس دولتی تا کلاس ششم نظام قدیم پرداخته و پس از آن با تشویق جدی و پی گیر مرحوم والد تحصیلات علوم دینی خود را در حوزه علمیه نجف اشرف آغاز کردم چرا که مدتی از رحلت برادر بزرگم مرحوم شیخ محمد علی طبسی در تهران می گذشت و چون فرزند دیگری که جای او را پر کند نداشت، تلاش فراوان می کرد تا مرا به سلک روحانیت درآورد. بدین جهت از دوران کودکی و نوجوانی که همراه پدرم پیش از اذان صبح به حرم مولی امیرالمومنین می رفتم در بین راه او نمازهای مستحبی می خواند و من نیز احساس می کردم که این حالت معنوی و عرفانی که

اوداشت در من در حال شکل گرفتن است زیرا من نیز به توصیه وی وادار می شدم به برخی اذکار و اوراد در بین راه بپردازم. یادم هست که گاهی بر اثر کم خوابی سجاده پدرم را که می بایست برای نماز جماعت ایشان در رواق مطهر علی بن ابی طالب (علیه السلام) پهن می کردم و برای ایشان تکبیر می گفتم، زیر سر گذاشته و در کنار قبر علامه حلی در راهرو به خواب می رفتم. پدرم به مناسبتهای گوناگون از محاسن ورود به حوزه علمیه و قرار گرفتن در ردیف علماء و اینکه ملائکه و فرشتگان زیر پای جوینده علم و دانش بالهای خود را می گسترانند بنده را بسیار تشویق می فرمود. تا اینکه در اول سال ۴۶ هجری شمسی بدست مبارکشان در روز اول فروردین معمم شدم. چند سالی که در حوزه علمیه نجف اشرف بودم از استادان محترم و عالیقدری بهره جسته از جمله اولین استاد و مربی خودم یعنی مرحوم پدرم بود که وی را به حق استادی بزرگ و مربی شایسته و دلسوز یافتم که در تمام مقاطع سنی یار و پدری مهربان برایم بود. او با اینکه اشتغالات علمی و تالیفی و درسی و تدریسی و مراجعات مردم فراوان داشت اما هرگز فرصتها را از دست نداده و شبانه روز وقت خود را در اختیار من قرار داده بود. حتی آخرین لحظات عمر مبارکش زیر نظر او بوده و از خوان علم و معرفت و اخلاق و صفات حمیده اش پیوسته بهره می جستم. او بحق فقیهی بود بزرگوار و دائره المعارف بزرگی بود که نظیر و مانندش را در بین آیات عظام کم دیده بودم. چنانکه عرض کردم از دوران کوکی و نوجوانی تحت تربیت و مراقبت وی قرار گرفته و هر روز صبح پس از برگشتن از حرم مطهر امیرالمؤمنان از من می خواستند تا قرآن مجید رانزد او بخوانم و سپس به شرح و تفسیر برخی از آیات و کلمات آن که در خور فهم بود می پرداخت. و در اولین گام پس از فراگرفتن قرآن کریم مرا به احکام و مسائل آشنا ساخته و آنها را از حاشیه بر طریق النجاه که در حقیقت رساله عملیه پدرم بود از او تلقی کردم و سپس برخی کتابهای جامع المقدمات از قبیل امثله و شرح امثله و عوامل جرجانی و شرایع الاسلام و شرح باب حادی عشر را نزد او خواندم. و پس از مدتی که بدنبال یک استاد خصوصی برایم بود سرانجام با استاد دیگری به نام حجه الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسین کشمیری (ره) آشنا شده و بنا به توصیه و سفارش پدرم کتابهای دیگری از جامع المقدمات از قبیل کتاب المنطق و شرح النموذج و سپس مقداری از حاشیه ملا- عبد الله را در نزد او خواندم. و استاد سوم و چهارم اینجانب در مقدمات و ادبیات عرب مرحوم حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای حاجتی بروجردی بود که جلد اول شرح ابن عقیل را نزد او خوانده و همچنین مرحوم حجه الاسلام و المسلمین آقای شیخ محمد علی مدرس افغانی که بخشی از سیوطی را نزد او خواندم. پنجمین استادی که در نجف اشرف داشتم جناب حجه الاسلام و المسلمین آقای سید مرتضی قائی (سلمه الله) بود که با عده ای از دوستان مقداری از شرح لمعه را در نزدش تلمذ نمودم. پس از مدتی که از تحصیلاتم گذشت ملاحظه کردم که منزل مرحوم پدرم بسیار پر رفت و آمد است. اینجا بود که برای اولین بار به محیط مدارس علمی رفته و در مدرسه خلیلی با یکی از دوستان به نام شیخ ابوالقاسم نظربور هم حجره شدم. پس از مدتی به علت کوچک بودن حجره به توصیه پدرم و به سفارش مرحوم آیه الله زاده کفایی به مدرسه مرحوم آخوند بزرگ که در آن روز تازه تجدید بنا شده بود راه یافتم. اما دیری نگذشت که تصمیم جدی گرفته و با پدر و مادرم مسئله رفتن به حوزه علمیه قم را مطرح کردم تا با خیالی آسوده و دور از خویشان به تحصیل ادامه دهم. اما آنها صلاح دانستند که فعلا به تحصیلات ادامه داده و رفتن به قم را به سالهای بعد موکول کنم. اما دیری نگذشت که در اوایل ماه ذی القعدة سال ۱۳۵۰ توسط عوامل بعثی دستگیر شده و پیش از هجرت عمومی سال ۱۳۵۰ به همراه گروهی از علماء و روحانیون به ایران فرستاده شدیم. از سال ۱۳۵۰ هجری شمسی که وارد قم شدم به ادامه تحصیل پرداخته و از محضر اساتید بزرگوار در سطوح مختلف بهره برده که به شرح زیر می باشد:

۱. جناب آقای لطفی کاشانی در مقداری از حاشیه ملا عبد الله

۲. آقای شیخ عبد الله اصفهانی در مقداری از کتاب سیوطی

۳. آقای شیخ مهدی مجیدی کتاب مغنی

۴. آقای سید نور الدین شریعتمدار جزائری ، مقداری از شرح لمعه و جواهر البلاغه
۵. مرحوم آقای فخر وجدانی مقداری از شرح لمعه
۶. سید محمد رضا طباطبائی یزدی در مقداری از شرح لمعه و مقداری از باب حادی عشر
۷. حضرت آیت الله شیخ علی پناه اشتهاردی در مقداری از شرح لمعه و شرح تجرید
۸. سید نور الدین حسینی اشکوری، المنطق مرحوم مظفر
۹. سید احمد حسینی اشکوری، جلد دوم شرح ابن عقیل
۱۰. شیخ حسین کورانی، بخشی از المنطق مرحوم مظفر
۱۱. آقای جلیلی در بخشی از شرح لمعه
۱۲. مرحوم عرفانی خراسانی در مقداری از معالم
۱۳. آقای شیخ احمد امین بخشی از معالم
۱۴. استاد شیخ مصطفی اعتمادی در رسائل شیخ انصاری
۱۵. استاد میرزا محسن دوزدوزانی در قوانین و مکاسب محرمة و جلد دوم کفایه و تفسیر برخی از سور قرآن کریم
۱۶. مرحوم آیه الله حقی در بخشی از شرح تجرید و درس تفسیر قرآن
۱۷. استاد حاج شیخ عباس نائینی در بخشی از شرح تجرید
۱۸. مرحوم آیه الله شیخ محمد تقی ستوده در بخشی از بیع و خیارات مکاسب شیخ انصاری
۱۹. مرحوم آیه الله شیخ احمد پایانی در بخشی از خیارات مکاسب شیخ و کفایه جلد اول.
۲۰. مرحوم شیخ عبدالرحمن حیدری ایلامی در بخشی از شرح لمعه
۲۱. مرحوم آیه الله شیخ ابوالقاسم محمودی اشتهاردی در باب مفاهیم کفایه الاصول
۲۲. حضرت آیت الله حاج سید کاظم حائری در بخشی از بیع مکاسب
۲۳. سید محسن موسوی تبریزی در قسمتی از بدایه الحکمه
۲۴. حضرت آیه الله العظمی شیخ جواد تبریزی
۲۵. حضرت آیه الله العظمی شیخ هاشم آملی
۲۶. حضرت آیه الله العظمی شیخ محمد فاضل لنکرانی
۲۷. حضرت آیه الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی
۲۸. حضرت آیه الله العظمی سید ابوالقاسم کوکبی
۲۹. حضرت آیه الله العظمی شیخ ناصر مکارم شیرازی
۳۰. حضرت آیه الله جعفر سبحانی یک دوره اصول
۳۱. حضرت آیه الله العظمی وحید خراسانی یک دوره اصول

مروجی طبسی، محمد محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد محسن مروجی طبسی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۰/۱/۱

زندگینامه علمی

پدر اینجانب علاوه بر پدر بودن استاد اصلی من در پیشرفت های علمی این حقیر بوده است و نقش بسزایی در تربیت علمی من روا داشته اند و در دامان ایشان پرورش یافتم .

مدرسه علمیه شهیدین و مدیریت محترم این مدرسه که زمینه رشد علمی طلاب را در این مدرسه شریف فراهم ساخته اند ، که در قالب واحد تحقیقات مدرسه و اساتید مبرز آن و کتابخانه غنی و متین، این زمینه فراهم شد .

قبل از ورود به حوزه در ایام ماه مبارک رمضان در محله ، مکانی به نام مدرسه قرآن و عترت وجود داشت که در لیالی ماه مبارک رمضان به آنجا رفته و دروس معارف و تفسیر را فرا می گرفتیم و از آنجا نوشتن و تحقیق شروع شد که اولین کار خلاصه تفسیر سوره مدثر بر اساس تفسیر نمونه بود .

در سال ۱۳۷۶ اوائل دوران طلبگی با گروهی از دوستان طلبه قرار خلاصه برداری و مباحثه کتب شهید مطهری را شروع کردیم که در ادامه این مباحثات تبدیل به بررسی زندگی اهل بیت شد ولی به این صورت که ایام شهادت و ولادت اهل بیت (ع) را تحقیق می کردیم و به نوبت در ایام شهادت و ولادت هر معصوم بر اساس منتهی الآمال برای جمع کنفرانس می دادیم که محصول این جلسات نخستین مقاله این حقیر به نام " خدیجه مادر امت " شد که در مجله کوثر به چاپ رسید و کم کم به صورت فردی در مورد شخصیت های تاریخی قرآنی شروع به نگارش و قلم زدن کردم مانند " پیامبران ناشناخته " که در قرآن اسامی آنها آمده ولی اطلاعات دقیقی درباره آنان وجود ندارد (مانند حضرت ادریس ، الیاس ، الیسع و ذوالکفل علیهم السلام) که تمامی آنها در مجلات کوثر، سروش وحی و مبلغان و گلستان قرآن به چاپ رسیده است .

در سال ۱۳۸۱ ، مدرسه شهیدین به مناسبت سال امام علی علیه السلام همایشی تحت عنوان " علی امام قرنها " برگزار نمود که در آنجا مقاله ای به نام " علی نخستین مسلمان " ارائه شد و حائز رتبه ممتاز و اول شد .

در سال ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ نیز به مناسبت سال امام علی و امام حسین همایش هایی تحت عنوان " نهج البلاغه آشنای غریب " و " خورشید نیزه ها " برگزار شد که در آن مقاله ای به نام بازخوانی یک ریزش (سعد بن ابی وقاص) و عبدالله بن عباس و قیام حسینی ارائه شد که حائز رتبه ممتاز و اول شد که در مجله کوثر و تاریخ در آینه پژوهش به چاپ رسید .

در حال حاضر نیز مشغول نگارش امامان شیعه از دیدگاه اهل سنت هستم که چهار امام آن نوشته شده و در مجله کوثر به چاپ رسیده است و امیدوارم خداوند متعال و اهل بیت عصمت بویژه امام زمان (عج) توفیقاتشان را بر ما بیفزایند و زیر سایه توجهات آنان قلم فرسایی کنیم و اهل عمل به این علوم باشیم .

مروجی، محمد کریم

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد کریم مروجی

محل تولد: کوه‌دشت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد کریم مروجی بروجردی در سال ۱۳۲۷ در یک خانواده کشاورز متولد و بعد از مکتب و دبستان در سال ۴۲ رسماً وارد حوزه علمیه شدم و بعد از دو سال تحصیل در بروجرد و خرم‌آباد در سال ۴۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و در خدمت آقایان و آیات صلواتی و سید ابوالفضل موسوی تبریزی (ره) شرح لمعه و از آقای دوزدوزانی مختصر و آقای اعتمادی قوانین و آقایان اعتمادی و سبحانی رسائل و آقایان فاضل لنکرانی و مرحوم ستوده مکاسب و آقایان مرحوم سلطانی و ستوده کفایه را تلمذ کردم. و در سال ۴۷ وارد درس خارج شده و عمدتاً در فقه و اصول مرحوم آقای امیرزا هاشم آملی (ره) حدوداً ۱۲ سال شرکت کردم و در این مدت از فقه و اصول مرحوم آقای آشیخ مرتضی حائری تا اندازه‌ای بهره بردم و تا حدودی از آقایان دیگر نیز استفاده کردم. در خلال درس خواندن مشغول تدریس هم بودم و تقریباً کتابهای سطح را چند بار یا لا اقل یک بار تدریس کردم و از سال ۱۳۷۱ تا به حال یک بحث فقه دارم و چند سال قبل یک دور کلیات رجال را نیز تدریس کردم.

مرورودی، ابواحمد، ابویحیی هشتم

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۲۷ ق)، حافظ و محدث. اصلش از مرورود خراسان و ساکن بغداد بود. از مالک بن انس و لیث بن سعد و یعقوب قمی و حفص بن میسره و ابراهیم بن ادهم و جراح بن ملیح بهرانی و اسماعیل بن عیاش و معافی بن عمران و محمد بن ایوب بن میسره و یحیی بن حمزه و صدقه بن خالد و خالد بن یزید و جماعتی حدیث شنید. احمد بن حنبل و فرزندش، عبدالله بن احمد حنبل، و بخاری و ابوزرعه رازی و ابوبکر احمد بن علی مروزی و احمد بن حسن صوفی و محمد بن ابراهیم پوشنچی و ابوحاتم رازی و ابویعلی موصلی و ابوبکر صغانی و سعید بن سعد بخاری و عباس بن محمد دوری و موسی بن هارون حافظ و ابوزرعه دمشقی از وی حدیث شنیدند. گفته‌اند که احمد حنبل او را ستوده است. در بغداد درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۵۹-۵۸/۱۴)، التاریخ الکبیر (۸/۲۱۶)، تذکره الحفاظ (۴۷۰-۴۶۹/۲)، تهذیب التهذیب (۸۳-۸۲/۱۱)، تهذیب الکمال (۳۴۲-۳۴۰/۱۹)، الثقات (۹/۲۳۶)، الجرح و التعذیل (ج ۴، ق ۸۶/۲)، سیر النبلاء (۴۷۹-۴۷۷/۱۰)، طبقات ابن سعد (۷/۲۴۶)، طبقات الحفاظ (۲۲۷)، العبر (۱/۳۱۴).

مرورودی، ابوالحارث سریج

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۳۵ ق)، حافظ، محدث، مفسر، فقیه و عابد. او ساکن بغداد بود. از سفیان بن عیینه و هشیم بن بشیر و عباد بن عباد مهلبی و عبدالله بن ادريس و حميد بن عبدالرحمان رؤاسی و اسماعیل بن علیه و یوسف بن یعقوب ماجشون و اسماعیل بن مجالد و ابواسماعیل ابراهیم بن سلیمان مودب و یحیی بن زکریا بن ابی زائده و مروان بن شجاع و سلم بن سالم بلخی و خالد بن نافع اشعری و اسماعیل بن جعفر و ابراهیم بن خثیم بن عراق حدیث شنید. مسلم بن حجاج نیشابوری و بقی بن مخلد اندلسی و ابوزرعی رازی و موسی بن هارون و ابوالقاسم بغوی و احمد بن حسن صوفی و ابوحاتم محمد بن ادريس رازی و عبدالله بن احمد بن حنبل و ابوبکر احمد بن علی مروزی و حامد بن محمد بن شعيب بلخی و محمد بن عبدالله حضرمی و عبدالله بن محمد بن ابی دنیا از وی روایت کرده‌اند. بخاری و نسایی نیز به واسطه‌ی ابو یحیی محمد بن عبدالرحیم صاعقه از او روایت نموده‌اند. از آثارش: «التفسیر»؛ «التاریخ»؛ «الناسخ و المنسوخ»؛ «القرآت»؛ «السنن»، در فقه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۲۲۱-۲۱۹/۹)، التاریخ الکبیر (۲۰۵/۴)، تهذیب التهذیب (۴۰۰-۳۹۹/۳)، تهذیب الکمال (۶۲-۵۹/۷)، الثقات (۳۰۷/۸)، الجرح و التعديل (ج ۲، ق ۳۰۵/۱)، سیر النبلاء (۱۴۷-۱۴۶/۱۱)، شذرات الذهب (۸۵-۸۴/۲)، العبر (۳۳۱/۱)، الفهرست ابن‌الندیم، ترجمه (۴۲۰)، معجم المؤلفین (۲۰۹/۴)، النجوم الزاهرة (۳۳۸/۲).

مروزی، ابواسحاق ابراهیم

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۴۰ ق)، فقیه شافعی. نسبتش به مرو شاهجان می‌رسد. درب مروزی بغداد منسوب به اوست. وی شیخ شافعیان بغداد بود. فقه را از ابوالعباس بن سریج و ابوسعید حسن بن احمد اصطخری و عبدان مروزی فراگرفت و در این رشته متبحر شد. او پس از ابن سریج ریاست شافعیان بغداد را داشت و مدت‌ها عهده‌دار تدریس و منصب افتا بود. ابن خلکان گفته که ابوبکر بن حداد، صاحب «الفروع» در فقه، شاگرد ابواسحاق مروزی است، در صورتی که ذهبی از این گفته تعجب می‌کند و می‌گوید شاید همنشین و هم‌صحبت با وی بوده و الا ابن حداد مسن‌تر از اوست. به هر حال ابواسحاق مروزی از بزرگانی است که پیشگامان حدیث به وی استناد کرده‌اند. در اواخر عمر به مصر رفت و در همان جا درگذشت و در قبه‌ی امام شافعی به خاک سپرده شد. از آثارش: شرح «مختصر المزنی»؛ «الفصول فی معرفه الاصول»؛ «الشروط و الوثائق»؛ «الوصایا و حساب الدور»؛ «الخصوص و العموم».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۳-۲۲/۱)، تاریخ بغداد (۶/۱۱)، سیر النبلاء (۴۳۰-۴۲۹/۱۵)، شذرات الذهب (۳۵۶-۳۵۵/۲)، طبقات الشافعیه ابن‌قاضی شبهه (۱۰۶-۱۰۵/۱)، طبقات الشافعیه اسنوی (۱۹۸-۱۹۷/۲)، العبر (۵۹/۲)، الفهرست ابن‌الندیم، ترجمه (۳۹۱)، کشف الظنون (۱۶۳۵)، معجم المؤلفین (۴-۳/۱)، وفيات الاعیان (۲۷-۲۶/۱).

مروزی، ابوالخیر جعفر

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۴۷ ق)، فقیه شافعی. در ۴۱۸ ق وارد معرۀ النعمان شد و در آنجا به تدریس پرداخت. از آثارش «الذخیره»، در فروع فقه شافعی است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۴/۲۹۹)، کشف الظنون (۸۲۵)، معجم المؤلفین (۳/۱۴۸)، هدیه العارفین (۱/۲۵۳).

مروزی، ابوبکر ابراهیم

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۱۱/۲۱۰ ق)، فقیه حنفی و محدث. اهل کرمان و ساکن مرو بود. وی در حدیث ثقه بود. چندین بار به بغداد رفت و در آنجا حدیث روایت کرد. از محمد بن حسن شیبانی فقه آموخت. از منصور بن عبدالحمید و مالک بن انس و محمد بن عبدالرحمان بن ابی ذئب و سفیان ثوری و شعبه بن حجاج و لیث بن سعد و قیس بن ربیع و یعقوب قمی و حماد بن سلمه و ابو حمزه سکری و اسماعیل بن عیاش و نوح بن ابی مریم و خارجه بن مصعب و بقیه بن ولید حدیث شنید. سعید بن سلیمان سعدویه و احمد بن حنبل و زهیر بن حرب و ایوب بن حسن و علی بن حسن هلالی و حسین بن حسن مروزی و محمد بن عبدالرحمان سعدی از او حدیث شنیدند. مأمون او را به خویش نزدیک و به وی پیشنهاد منصب قضا کرد اما وی نپذیرفت. در نیشابور درگذشت و در باب معمر دفن شد. از آثارش: «نوادر»، در فروع.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ الاسلام (حوادث ۴۰-۳۹/۲۱۰-۲۰۱)، تاریخ بغداد (۷۴-۷۲/۶)، الثقات (۸/۷۰)، طبقات ابن سعد (۲۶۵/

۷)، کشف الظنون (۱۹۸۱)، لسان المیزان (۸۴-۸۲/۱)، معجم المؤلفین (۱/۳۱)، المنتظم (۶/۲۱۸)، میزان الاعتدال (۵۶-۵۵/۱).

مروزی، ابوبکر احمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۹۲ ق)، حافظ، محدث و قاضی. نسایی او را در حدیث ثقه می‌داند. اصلش از مرو و قاضی حمص و دمشق بود. از علی بن جعد و ابونصر تمار و کامل بن طلحه و ابراهیم بن حجاج سامی و یحیی بن معین و احمد بن حنبل و صالح بن مالک خوارزمی و زهیر بن حرب و ابوریع زهرانی و حکم بن موسی و عبیدالله قواریری و منصور بن ابی مزاحم و سوید بن سعید حدیث روایت کرد. ابوعبدالرحمان نسایی و ابوالقاسم طبرانی و ابوعبدالله بن مروان و ابواحمد بن ناصح و ابوعلی ابن معروف و محمد بن احمد

عسکری و احمد بن عیید حمصی و ابوعوانه و ابوجوصا از او روایت کردند. در دمشق درگذشت. از وی تصانیف سودمند و مسانید برجا ماند. از آثارش: کتاب «العلم»؛ کتاب «الجمعه»؛ «مسند عائشه»؛ «مسند ابی بکر الصدیق»؛ «مسند عثمان». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/۱۶۴)، تاریخ بغداد (۳۰۵-۳۰۴/۴)، تذکره الحفاظ (۶۶۴-۶۶۳/۲)، تهذیب التهذیب (۵۷-۵۶/۱)، سیر النبلاء (۵۲۸-۵۲۷/۱۳)، طبقات الحفاظ (۳۱۱)، معجم المؤلفین (۲/۸).

مروزی، ابوبکر محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۹۸ ق)، محدث. از عاصم بن علی و علی بن جعد و خلف بن هشام بزار و بشر بن ولید و عثمان بن ابی شیبه و ابوعبید قاسم بن سلام و سعید بن سلیمان واسطی حدیث شنید. احمد بن سلمان نجاد و ابوبکر شافعی و مخلد باقرحی دقاق و طبرانی و حسین بن محمد بن عیید عسکری و ابوبکر اسماعیلی و حیب بن حسن قزاز و محمد بن احمد بزاز و دیگران از وی روایت کردند. در بغداد درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۴۲۳-۴۲۲/۳)، سیر النبلاء (۴۹-۴۸/۱۴)، شذرات الذهب (۲/۲۳۱)، العبر (۱/۴۳۶).

مروزی، ابوزید محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۷۱-۳۰۱ ق)، فقیه شافعی و محدث. شیخ شافعیان بود. نسبت وی به فاشان، از قرای مرو می‌رسد. فقه را از ابواسحاق مروزی آموخت. از ابوبکر احمد بن محمد منکدری و ابوالعباس محمد بن عبدالرحمان دغولی و عمر بن علک و محمد بن عبدالله سعدی و جماعتی حدیث شنید. وی به بغداد رفت و در آنجا حدیث گفت. سپس در مکه مجاور گردید و در آنجا «صحیح بخاری» را از محمد بن یوسف فربری روایت کرد. ابوزید مروزی موثق‌ترین کسی است که این کتاب را از فربری روایت کرده است. ابوبکر قفال مروزی و دیگر فقهای مرو از او فقه آموختند. ابوعبدالله حاکم نیشابوری و ابوعبدالرحمان سلمی و ابوالحسن دارقطنی و عبدالوهاب میدانی و هیشم بن احمد دمشقی صباغ و ابوالحسن بن سمسار و ابوبکر برقانی و محمد بن احمد محاملی و ابومحمد عبدالله بن ابراهیم اصیلی و دیگران از او حدیث شنیدند. در مرو درگذشت. در «هدیه العارفين» و به تبع آن در «معجم المؤلفین» کتابهای «الاقناع»، در حدیث و «تفسیر المسعودی» به وی نسبت داده شده است. اما در «کشف الظنون»، «الاقناع» از آن قاضی ابوالفضل محمد بن احمد بن لیث مروزی و «تفسیر المسعودی» از آن ابوعبدالله محمد بن احمد مروزی (شاگرد قفال مروزی) دانسته شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۳۳۹-۳۳۸/۴)، تاریخ بغداد (۱/۳۱۴)، تاریخ نیشابور (۱۷۴)، سیر النبلاء (۳۱۵-۳۱۳/۱۶)،

شذرات الذهب (۳/۷۶)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۲۰۱- ۲۰۰/۲)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۷۷- ۷۱/۳)، العبر (۲/۱۳۸)، کشف الظنون (۴۵۸، ۱۴۰)، معجم البلدان (۴/۲۶۲)، معجم المؤلفین (۸/۲۸۳)، المنتظم (۸/۴۳۷)، الوافی بالوفیات (۲/۷۱- ۷۲)، وفيات الاعیان (۲۰۹- ۲۰۸/۴)، هدیة العارفين (۲/۵۰).

مروزی، ابوسهل عبدالله

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۱۵- ۱۶ ق)، حافظ، محدث و قاضی. شیخ و قاضی مرو بود. از پدرش و عمران بن حصین و عبدالله بن مغفل مزنی و ابوموسی اشعری و عایشه و ام‌سلیمه و سمره بن جندب و مغیره بن شعبه و عبدالله بن عباس و عبدالله بن مسعود و بشیر بن کعب و حمید بن عبدالرحمان حمیری و ابوالاسود دؤلی و حنظله بن علی اسلمی و انس بن مالک و سعید بن مسیب و عبدالله بن عمر و ابوهریره روایت کرد. فرزندان، سهل و صخر، و بشیر بن مهاجر و ثواب بن عتبه و حجیر بن عبدالله و حسین بن ذکوان معلم و حسین بن واقد مروزی و داوود بن ابی‌فرات و سعید جریری و عبدالله بن مسلم مروزی و عطاء خراسانی و عیدالله بن عبدالله عتکی و عثمان بن غیاث و کهمس بن حسن و مطر وراق و ابوریعه ایادی و دیگران از وی روایت کرده‌اند. در جاورسه در سه فرسنگی مرو در گذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ الکبیر (۵/۵۱)، تذکره الحفاظ (۱۰۷- ۱۰۲/۱)، تهذیب التهذیب (۱۴۱- ۱۴۰/۵)، تهذیب الکمال (۳۸- ۱۰/۳۶)، الجرح و التعديل (ج ۲، ق ۱۳/۲)، سیر النبلاء (۵۲- ۵۰/۵)، شذرات الذهب (۱/۱۵۱)، طبقات الحفاظ (۹۱)، العبر (۱۱۰/۱)، معجم البلدان (۲/۱۱۲).

مروزی، ابوصمصام سید عماد الدین ذوالفقار

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۳۶- ۴۵۵ ق)، متکلم، محدث و فقیه امامی. ملقب به حمیدان. وی علاوه بر کنیه‌ی ابوصمصام به ابوالوضّاح هم مکّنی بود. او همان ابن معبد حسنی است. زادگاه او شهر مرو بود، و سفرهای متعددی به سرزمینهای مختلف اسلامی داشت؛ زمانی را در بغداد سپری کرد و مدتی نیز در اصفهان بود و در آن شهر از نظام الملک طوسی، وزیر آلب ارسلان و ملکشاه سلجوقی، حدیث شنید. او از شیخ طوسی، سید مرتضی، شیخ نجاشی، شیخ محمد حلوانی و سلّار بن عبدالعزیز دیلمی روایت می‌کرد. شاگردان و راویان ابوصمصام را شخصیت‌هایی سرشناس مانند قطب الدین راوندی، سید فضل الله راوندی، ابن شهر آشوب، ابوسعید سمعانی، ابوالقاسم ابن عساکر تشکیل می‌دهند. او ظاهری نیکو و بیانی شیرین داشت. ابوصمصام از حلقه‌های مهم در سلسله‌ی اسانید امامیه به شمار می‌رود و می‌توان وی را به عنوان یکی از ناقلاّن عمده‌ی مصنّفات پیشینیان امامی به حساب آورد. سید عمادالدین همچنین، در انتقال مصنّفات و روایات غیر شیعی نیز دست داشت، مثلاً، او یکی از راویان اصلی «تفسیر ثعلبی» بود. روایات پراکنده‌ی او نیز در کتب محدثان فراوان یافت می‌شود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴۳۴-۴۳۲/۶)، ریاض العلماء (۲۸۰-۲۷۷/۲)، ریحانه (۱۶۳/۷)، فوائد الرضویه (۱۷۸)، فهرست منتجب الدین (۷۴-۷۳)، الکنی و الالقاب (۱۰۶-۱۰۳/۱)، لسان المیزان (۵۵/۳)، هدیة الاحباب (۲۴-۲۳).

مروزی، ابوطالب عزیزالدین اسماعیل

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۷۲- وف بعد از ۶۱۴ ق)، محدث، فقیه، اصولی، نحوی، لغوی، شاعر، منجم و نسب شناس. نسب او به محمد دیباج، فرزند امام صادق (ع)، می‌رسد. جد سوم وی از قم به مرو سفر کرد و در آنجا سکنی گزید. در مرو متولد شد و تحصیلات خود را در زادگاه خود مرو آغاز کرد و نزد کسانی چون قاضی محمد بن سلیمان فقیهی دانش آموخت. در جوانی به قصد زیارت خانه خدا از مرو خارج شد. در ۵۹۲ ق به بغداد که رسید از ادامه سفر منصرف شد و مدتی همان جا ماند. ابوطالب از شهرهای خوارزم، هرات، نیشابور، گرگان، ری، یزد، شیراز، رامهرمز و همدان نیز دیدن کرد و از مشایخ و دانشمندان این شهرها بهره جست. در میان مشایخ او باید از فخر رازی، عبدالسید خوارزمی، بلغاری، محمد دیباجی، محمد ماهروی، اسماعیل کاشانی و ابن سمعانی نام برد. تاریخ بازگشت وی به مرو روشن نیست. زمانی که در مرو بود با فخر رازی دیدار کرد و در همان زمان بود که کتاب «الفخری» را برای وی تألیف کرد. در مرو در منزل خود مجالس درس برگزار می‌کرد و در آن طالبان علوم حضور می‌یافتند. یاقوت حموی که از شاگردان وی می‌باشد پس از توصیف صفات زیبای استادش در «معجم الادباء» چند بیت از اشعار او را آورده است. تنها اثر بازمانده از وی «الفخری فی انساب الطالبین» است که در قم به چاپ رسیده؛ اثر دیگر وی «حظیره القدس»، در حدود ۶۰ مجلد، در خصوص انساب طالبان بود و تلخیص آن «بستان الشرف» در حدود ۲۰ مجلد؛ و کتابی نیز درباره‌ی نسب شافعی تألیف کرد. از آثار دیگر او: «زبدۃ الطالبیه»؛ «غنیة الطالب فی نسب آل ابی طالب»؛ «المثلث» و «الموجز» در نسب.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۰۸/۱)، اعیان الشیعه (۳۲۰-۳۱۹/۳)، الذریعه (۲۵۲/۲۳، ۱۹/۷۹، ۱۶/۶۷، ۱۲/۲۹، ۲۶/۷، ۱۰۷-۱۰۶/۳)، ریحانه (۱۱۲/۳)، لغت‌نامه (ذیل / اسماعیل)، معجم الادباء (۱۵۰-۱۴۲/۶)، معجم المؤلفین (۲/۲۶۶)، هدیة العارفین (۱/۲۱۱).

مروزی، ابوعبدالرحمان علی

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۱۵/۲۱۲/۲۱۱-۱۳۷ ق)، حافظ و محدث. محدث مرو بود که به بغداد رفت. از ابراهیم بن طهمان و ابوحمزه سکری و حسین بن واقد و حماد بن زید و شریک بن عبدالله و ابراهیم بن سعد و عبدالله بن مبارک و ابوبکر بن عیاش و عبدالوارث بن سعید حدیث شنید. احمد بن حنبل و بخاری و یحیی بن معین و محمود بن غیلان و عباس دوری و احمد بن یوسف سلمی و احمد بن منصور زاج و محمد بن عبدالله بن کهزاد مروزی و ابوبکر بن ابی شیبه و عبدالله بن منیر و عبدالله بن محمد ضعیف و احمد بن سیار مروزی از وی روایت کردند. گفته‌اند که مدتی مذهب ارجاء داشت، سپس توبه کرد و بازگشت. او با اهل کتاب مجادله می‌کرد و کتابهای

«تورات» و «انجیل» را نوشت و بیست و چهار کتاب از کتابهای ابن مبارک را کتابت کرد. در مرو درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ الاسلام (حوادث ۳۰۹-۳۰۷/۲۲۰-۲۱۱)، تاریخ بغداد (۳۷۲-۳۷۰/۱۱)، تاریخ الکبیر (۲۶۹-۲۶۸/۶)، تهذیب التهذیب (۲۵۵-۲۵۴/۷)، تهذیب الکمال (۲۳۳-۲۳۰/۱۳)، الجرح و التعديل (۱۸۰/۳)، سير النبلاء (۳۵۲-۳۴۹/۱۰)، شذرات الذهب (۲/۳۵)، طبقات ابن سعد (۷/۲۶۴)، طبقات الحفاظ (۱۷۸-۱۷۷)، العبر (۱/۲۹۰)، النجوم الزاهرة (۲/۲۶۲).

مروزی، ابو عبدالله نعیم

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۲۸/۲۲۹ ق)، فقیه، حافظ و محدث. در مرو شاهجان به دنیا آمد. ساکن مصر بود. بعدها به بغداد و از آنجا به سامرا رفت. وی حسین بن واقد مروزی را ملاقات کرد. از ابو حمزه سکری و هشیم و ابوبکر بن عیاش و ابراهیم بن طهمان و فضل بن موسی سینانی و فضیل بن عیاض و عبدالله بن مبارک و عیسی بن عبید و سفیان بن عیینه و حفص بن غیاث و عبدالعزیز درآوردی و معتمر بن سلیمان و ابوداود طیالسی و جریر بن عبدالحمید و ابراهیم بن سعد حدیث شنید. بخاری و یحیی بن معین و ابوحاتم رازی و احمد بن منصور رمادی و عبید بن شریک نزاز و ابواسماعیل ترمذی و یعقوب فسوی و احمد بن یوسف سلمی و اسماعیل بن سمویه و بکر بن سهل دمیاطی و حمزه بن محمد بن عیسی کاتب و جماعتی از وی روایت کردند. در سامرا در زندان معتصم درگذشت. او اول کسی است که «مسند» در حدیث را گردآوری کرده است. از آثارش «الفتن و الملاحم» است. در «هدیه العارفین» به نقل از صاحب «عیون التواریخ» از ابن حنبل آمده است که نعیم بن حماد سیزده کتاب در رد جهیمیه و کتابی در رد ابوحنیفه و محمد بن حسن شیبانی داشته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۹/۱۴)، تاریخ بغداد (۳۱۴-۳۰۶/۱۳)، تاریخ الکبیر (۸/۱۰۰)، تذکره الحفاظ (۴۲۰-۴۱۸/۲)، تهذیب التهذیب (۴۱۳-۴۰۹/۱۰)، تهذیب الکمال (۱۳۸-۱۲۹/۱۹)، الثقات (۹/۲۱۹)، الجرح و التعديل (ج ۴، ق ۴۶۴-۴۶۳/۱)، سير النبلاء (۶۱۲-۵۹۵/۱۰)، شذرات الذهب (۲/۶۷)، طبقات ابن سعد (۷/۳۵۹)، طبقات الحفاظ (۲/۲۰۳)، العبر (۱/۳۱۸)، كشف الظنون (۱۴۴۵)، معجم المؤلفین (۱۳/۱۱۳)، میزان الاعتدال (۲۴۸-۲۴۶/۴)، النجوم الزاهرة (۲/۳۰۸)، هدیة العارفین (۲/۴۹۷-۴۹۸).

مروزی، ابو عثمان سعید

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۲۷ ق)، حافظ، مفسر و محدث. به وی طالقانی نیز گفته‌اند. در جوزجان به دنیا آمد و در بلخ نشو و نما یافت و در مکه مجاور گردید. در خراسان و حجاز و عراق و مصر و شام و جزیره و سایر نقاط از مالک بن انس و حماد بن زید و ابی‌قدامه حارث بن عبید ایادی و داوود بن عبدالرحمان عطار و مهدی بن میمون و ابوعوانه وضاح بن عبدالله و حسان بن ابراهیم کرمانی و اسماعیل بن عیاش و لیث بن سعد و فضیل بن عیاض و جریر بن عبدالحمید و اسماعیل بن زکریا و دیگران حدیث شنید. احمد بن حنبل و

مسلم و ابوداود و احمد بن سهل اهوازی و احمد بن نجده هروی و اسماعیل بن عبدالله سمویه اصفهانی و حرب بن اسماعیل کرمانی و حسن بن محمد زعفرانی و حسین بن اسحاق شوشتری و ابوزرعیه رازی و عمرو بن منصور نسایی و ابوحاتم رازی و محمد بن ایوب رازی و یحیی بن موسی بلخی و یحیی بن یونس شیرازی و یعقوب بن سفیان فارسی و ابوالموجه محمد بن عمرو مروزی و جماعتی از وی روایت کردند. در مکه درگذشت. سال وفات وی به اختلاف از ۲۲۶ تا ۲۲۹ ق ذکر شده است. از آثارش: «السنن»، در حدیث، که در «طبقات الحفاظ» تحت عنوان «السنن و الزهد» آمده است؛ «تفسیر قرآن».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: التاریخ الکبیر (۳/۵۱۶)، تذکره الحفاظ (۴۱۷-۴۱۶/۲)، تهذیب التهذیب (۸۰-۷۹/۴)، تهذیب الکمال (۳۰۸-۳۰۵/۷)، الثقات (۲۶۹-۲۶۸/۸)، الجرح و التعديل (ج ۲، ق ۱/۶۸)، سیر النبلاء (۵۹۰-۵۸۶/۱۰)، شذرات الذهب (۲/۶۲)، کشف الظنون (۱۰۰۷-۴۴۹)، طبقات ابن سعد (۶/۴۴)، طبقات الحفاظ (۲۰۱)، العبر (۱/۳۱۴)، معجم المؤلفین (۴/۲۳۲)، میزان الاعتدال (۲/۱۲۷)، الوافی بالوفیات (۱۵/۲۶۳)، هدیة العارفین (۱/۳۸۸).

مروزی، ابوعلی حسین

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۴۳۰ ق)، فقیه شافعی. شیخ شافعیان و فقیه مرو بود. نسبتش به سنج، از قرای مرو می‌رسد. فقه را در خراسان از ابوبکر قفال مروزی فراگرفت. او با شیخ ابومحمد جوینی، پدر امام الحرمین، و قاضی حسین مروودی همدرس بود. ابوعلی همچنین در محضر شیخ‌العراقین شیخ ابوحامد فقه آموخت. او اولین کسی است که بین دو طریقه خراسانی و عراقی تقریبی به وجود آورد. در کنار استادش قفال مروزی در مرو به خاک سپرده شد. در «سیر اعلام النبلاء» نام وی ابوعلی حسن بن محمد بن شعیب آمده گرچه نام ذکر شده در عنوان نیز محتمل دانسته شده است. در «معجم البلدان» نام وی حسن بن شعیب ذکر شده است. از آثارش: شرح «الفروع» ابن حداد، که به گفته‌ی ابن خلکان بی‌نظیر بوده است؛ کتاب «المجموع»، که غزالی در «الوسیط» خود از این کتاب نقل کرده؛ شرح «التلخیص» ابوالعباس ابن قاص، که شرحی بزرگ است؛ شرح «مختصر المزنی»، که امام الحرمین آن را «المذهب الکبیر» نامیده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۵۲۷-۵۲۶/۱۷)، طبقات الشافعیة السنوی (۳۲۱-۳۲۰/۱)، طبقات الشافعیة سبکی (۳۴۸-۳۴۴/۴)، کشف الظنون (۱۶۳۵، ۱۶۰۶، ۱۲۵۷، ۴۷۹)، معجم البلدان (۳/۳۰۰)، معجم المؤلفین (۳/۲۸۳)، الوافی بالوفیات (۱۲/۳۷۸)، وفیات الاعیان (۱۳۶-۱۳۵/۲)، هدیة العارفین (۱/۳۰۹).

مروزی، ابوعلی هارون

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۳۱-۱۵۷ ق)، حافظ و محدث. معروف به ابوعلی خزاز. ساکن بغداد بود. از عبدالعزیز بن محمد درآوردی و حاتم بن اسماعیل بن

سفیان بن عیینه و معتمر بن سلیمان و هشیم بن بشیر و مخلد بن یزید حرانی و مروان بن شجاع جزری و عبدالله بن وهب مصری و یحیی بن زکریا بن ابی‌زائده و ولید بن مسلم و دیگران روایت کرد. احمد بن حنبل و عبدالله بن احمد بن حنبل و مسلم و ابوداؤد و ابوحاتم رازی و ابوزرعہی رازی و موسی بن هارون و ابوالقاسم بغوی و ابن ابی‌الدنیا و محمد بن یحیی ذہلی و محمد بن عبدالله مخرمی و احمد بن ابی‌خیثمہ و حنبل بن اسحاق و ادیس بن عبدالکریم حداد مقری و جماعتی از وی روایت کردند. او در پایان عمر نابینا گشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۱۵- ۱۴/۱۴)، التاریخ الکبیر (۸/۲۲۶)، تهذیب التهذیب (۱۱/۱۲)، تهذیب الکمال (۲۰۴- ۲۰۳/۱۹)، الجرح و التعديل (ج ۴، ق ۲/۹۶)، سیر النبلاء (۱۳۰- ۱۱/۱۲۹)، شذرات الذهب (۲/۷۱)، طبقات الحافظ (۲۳۸- ۲۳۷)، العبر (۳۲۳/۱)، معجم المؤلفین (۱۳/۱۳۰).

مروزی، ابومعاذ فضل

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۱۱ ق)، محدث، نحوی و مقری. از عبدالله بن مبارک و داؤد بن ابی‌هند و عبید بن سلیم/ سلیمان روایت کرد. اهل مرو و محمد بن علی بن حسن بن شقیق از وی روایت کرده‌اند. ابومنصور ازهری در کتاب «تهذیب اللغة» خود از وی بسیار روایت کرده است. از آثارش کتاب «القرآت»، در قرآن است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نیشابور (۷۷)، الثقات (۵/۹)، طبقات المفسرین داؤدی (۲۹- ۲/۲۸)، کشف الظنون (۱۴۴۹)، معجم الادباء (۱۶/۲۱۴)، معجم المؤلفین (۸/۶۷).

مروزی، شیخ‌الاسلام، ابوالفضل صدقہ

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۲۲۳/۲۲۶- ۱۵۰ ق)، حافظ و محدث. از ابوحزمه محمد بن میمون سکری و سفیان بن عیینه و عبدالله بن وهب و وکیع بن جراح و حفص بن غیاث و ابوهمام محمد بن زبرقان اهوازی و یزید بن هارون و یحیی بن سعید قطان و عبدالرحمان بن مهدی و عبدالله بن رجاء مکی و معاذ بن معاذ عنبری و ولید بن مسلم و معتمر بن سلیمان روایت کرد. بخاری و ابومحمد دارمی و یعقوب فسوی و احمد بن منصور زاج مروزی و عبیدالله بن واصل بخاری و محمد بن نصر مروزی و ابوالموجه محمد بن عمرو فزاری و عبدالرحیم بن منیب مروزی و عبیدالله بن سعید سرخسی و یحیی بن زکریا مروزی و محمود بن آدم مروزی از وی روایت کردند. جایگاه او در مرو چنان بود که امام احمد حنبل در بغداد. عباس عنبری گوید که او را چون احمد حنبل حجت بین خود و خدا قرار داد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: التاریخ الكبير (۴/۲۹۸)، تذکره الحفاظ (۲/۴۹۸)، تهذیب التهذیب (۴/۳۸۲)، تهذیب الکمال (۸۶-۹/۸۴)، الثقات (۸/۳۲۱)، الجرح و التعديل (ج ۲، ق ۴۳۴/۱)، سیر النبلاء (۴۹۰-۱۰/۴۸۹)، شذرات الذهب (۲/۵۱)، طبقات الحفاظ (۲۴۱)، العبر (۱/۳۰۴).

مروزی، شیخ الاسلام، ابو عبدالله محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۹۴-۲۰۲ ق)، فقیه شافعی، حافظ، محدث و عابد. اصلش مروزی بود. وی در بغداد به دنیا آمد و در نیشابور نشو و نما یافت و در سمرقند ساکن گردید. در مصر نزد اصحاب شافعی از جمله محمد بن عبدالله بن عبدالحکم مصری فقه آموخت. در طلب حدیث به نقاط مختلف سفر کرد و در خراسان، ری، بغداد، بصره، کوفه، مدینه و شام حدیث شنید. از عبدان بن عثمان مروزی و صدقه بن فضل مروزی و یحیی بن یحیی نیشابوری و اسحاق بن راهویه و هدیه بن خالد و محمد بن عبدالمملک بن ابی شوارب و ابوکامل جحدری و ابراهیم بن منذر حزامی روایت کرد. فرزندش، اسماعیل، و عبدالله بن محمد بلخی و محمد بن اسحاق رشادی سمرقندی و عثمان بن جعفر لبان و محمد بن یعقوب بن اخرم نیشابوری و ابوالعباس سراج و جماعتی از وی روایت کردند. حاکم نیشابوری گوید که پیشوایی او در حدیث در عصر خود برای همگان مسلم بود. به گفته‌ی خطیب بغدادی و ذهبی او داناترین فرد به اختلاف آرای علمای دین اعم از صحابه و تابعین بود. وی در سمرقند درگذشت. از آثارش: «القسامه»، «الایمان»، «تعظیم قدر الصلاة»، «رفع الیدین»، «الورع»، «قیام اللیل»، «الوتر»، «الصیام».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/۳۴۶)، ایضاح المکنون (۳۲۲، ۲/۳۱۰)، تاریخ بغداد (۳۱۸-۳/۳۱۵)، تاریخ نیشابور (۱۲۸)، تذکره الحفاظ (۶۵۳-۲/۶۵۰)، تهذیب التهذیب (۴۲۲-۹/۴۲۱)، سیر النبلاء (۴۰-۱۴/۳۳)، شذرات الذهب (۲۱۷-۲/۲۱۶)، طبقات الحفاظ (۳۰۷-۳۰۶)، طبقات الشافعیه ابن قاضی شبهه (۸۵-۱/۸۴)، طبقات الشافعیه اسنوی (۱۹۶-۲/۱۹۵)، طبقات الشافعیه سبکی (۲۵۵-۲/۲۴۶)، العبر (۴۲۷-۱/۴۲۶)، الکامل (۶/۱۱۷)، کشف الظنون (۱۴۶۹-۱۴۶۸، ۱۴۵۱، ۱۴۳۳، ۱۳۶۷)، معجم المؤلفین (۱۲/۷۸)، المنتظم (۳۷۸-۷/۳۷۶)، النجوم الزاهره (۳/۱۷۹)، الوافی بالوفیات (۵/۱۱۱)، هدیة العارفين (۲/۲۱).

مروزی، کریمه

قرن: ۵

جنسیت: زن

ملیت: ایران

۴۶۳ ق از زنان فاضل، آگاه هوشمند و محدث. وی دختر احمد بن محمد اهل کشمهرین مرو بود و از ابوهیثم محمد بن کلی کشمهرینی روایت کرده و ابن اهدل او را از حافظان حدیث شمرده است. ابوالحسن علی بن حسین بن عمر موصلی و محمد بن برکات نحوی از او نقل حدیث کرده‌اند. وی در سن نزدیک به یکصد سالگی در کله وفات یافت.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۴/۲۴۰.

مرویان حسینی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمود مرویان حسینی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۸/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۴ در مشهد در خانواده مؤمن و متعهد و دلسوز خداوند به آن خانواده فرزندی به نام «محمود» اهداء نمود. پس از گذراندن تحصیلات دوران ابتدائی و راهنمایی در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه مشهد گردید. تحصیلات مقدماتی و رتبه اول سطح را از محضر حجة الاسلام رضوانی و ناطقی فیض برد، سپس مکاسب و کفایه را از نزد اساتیدی بزرگ چون استاد امیری و استاد رضا زاده تلمذ کرد. ورود به درس خارج ایشان در سال ۱۳۷۳ بود که خارج فقه را نزد آیت الله فلسفی و خارج اصول را نزد آیت الله مرتضوی گذراند آغاز کار پژوهشی ایشان در سال ۱۳۷۶ بود که همکاری با مرکز پژوهش دانشگاه علوم اسلامی رضوی را شروع کرد. در کنار پژوهش به امر تدریس و تربیت در حوزه علمیه مشهد و دانشگاه های این شهر اشتغال دارد.

مزارعی، زهرا

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

زهرا مزارعی در نوزدهم آذر ۱۳۲۰ ه.ش در یکی از خانواده های فرهیخته ی شیراز چشم به جهان گشود . وی دیپلم خود را از دبیرستان مهر آیین شیراز با رتبه ی ممتاز به پایان رسانید ، و بعد از ازدواج نیز به تحصیل زبان انگلیسی پرداخت و سرانجام از دانشکده ی کمبریج انگلستان گواهی نامه گرفت . از آن پس آموختن زبان عربی و زبان آلمانی را پی گرفت. مزارعی در سالهای ۳۸ و ۳۹ در برنامه ی مشاعره ی رادیو ایران شرکت کرد و با رتبه اول برگزیده شد. همین امر باعث گردید با عنوان «خانم شعر ایران» در نشریات آن زمان به شهرت رسد. او که مدت ها در دانشگاه شیراز سرگرم کار بود اینک دوران بازنشستگی را به مطالعه و تحقیق می گذراند و همچنان به سرودن غزل ادامه می دهد و غزلیاتش را با تخلص (ذره) می سراید .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش: شعر

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: زهرا مزارعی دیپلم خود را از دبیرستان مهر آیین شیراز با رتبه‌ی ممتاز و اخذ مدال درجه دو علمی به پایان رسانید، او بعد از ازدواج به فراگیری زبان انگلیسی پرداخت و با اخذ گواهینامه از دانشکده‌ی کمبریج انگلستان این دوره را به پایان برد. از آن پس آموختن زبان عربی و زبان آلمانی را پی گرفت.

فعالیت‌های ضمن تحصیل: زهرا مزارعی از کودکی با شعر انس یافت و با آغاز بلوغ، به سرودن شعر پرداخت. وقایع میان‌سال: زهرا مزارعی در سال‌های ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ در برنامه‌ی مشاعره‌ی رادیو ایران شرکت کرد و با رتبه اول برگزیده شد. همین امر باعث گردید با عنوان «خانم شعر ایران» در نشریات آن زمان به شهرت رسد.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: زهرا مزارعی که سالها در دانشگاه شیراز اشتغال داشته است، اینک دوران بازنشستگی را سپری می‌کند. به مطالعه و تحقیق می‌گذراند و همچنان به سرودن غزل ادامه می‌دهد و غزلیاتش را با تخلص (ذره) می‌سراید.

سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: زهرا مزارعی دوران بازنشستگی را به تحقیق و سرودن شعر مشغول است، او آثاری نیز در این راستا به چاپ رسانده است.

جوایز و نشانها: زهرا مزارعی مقطع دیپلم را با رتبه ممتاز و کسب مدال درجه دو علمی به پایان رساند. او همچنین در سالها ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ در برنامه‌ی مشاعره رادیو ایران، با رتبه اول برگزیده شد.

آثار:

۱ امثال سائره و پندهای موزون

ویژگی اثر: پس از ده سال سکوت این کتاب انتشار یافت.

۲ سخن عشق

ویژگی اثر: پس از چهار ده سال به همت انتشارات نوید شیراز به چاپ رسید.

۳ قفس طلایی

ویژگی اثر: نخستین دفتر شعر او در سال ۱۳۵۰ به چاپ رسید.

۴ گلچین دعا

منابع زندگینامه: پوران فرخزاد، دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان، ج ۲، ص ۱۴۲۴

مزدک

قرن: ۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(په. Mazdak قس. مزدک) مردی از نسا و گویند از استخر فارس بود. دو قرن پیش از مزدک، مردی به نام «زردشت بونده (بوندس)» پسر خرگان از مردم پسا (فسا) که مانوی بود، آیینی به نام «دریست دین» Drfst-den پی افکند و مزدک که مرد عمل بود این آیین را رواج داد. راجع به شخص مزدک اطلاعات، بسیار مختصر است. وی پسر «بامداد» است. طبری که قطعاً مأخذ صحیحی در دست داشته او را از مردم «مدرنه» می‌داند و میتوان این نام را همان ماذرایا Madhraya دانست که در ساحل چپ دجله، در محلی که اکنون کوت‌العماره قرار دارد، یعنی درست در شهرستان عراق واقع بوده است. دریست دین یعنی آیین بوندس

زردشت و مزدک به منزله‌ی اصلاحی در دین مانی بود، و مانند آیین اصلی از بحث در رابطه‌ی بین دو اصل قدیم یعنی نور و ظلمت آغاز می‌کرد. فرق آن با آیین مانوی این بود که معتقد بود تاریکی مانند روشنایی از روی اراده و قصد عمل نمی‌کند بلکه رفتارش کورکورانه و از روی اتفاق است، بنابراین اختلاط نور و ظلمت که نتیجه‌ی آن این عالم مادی است - چنانکه مانی پنداشته است - از روی نقشه و اراده نبوده، بلکه من غیر اختیار صورت گرفته است. پس تفوق نور بر ظلمت در کیش مزدک بیشتر است تا در آیین مانی. یزدان (نور) بر اهریمن (ظلمت) چیره و غالب خواهد شد، اما پیروزی یزدان کامل نیست. زیرا جهان مادی که از اختلاط دو اصل اساسی تشکیل شده است بر جای مانده و مقصد نهائی از تحول و تطور عالم این است که ذرات نور را از ترکیب با تاریکی برهاند. در این نکته آیین مانی و مزدک مشترکند. مزدک خدا را فرض می‌کرد که در عالم برین بر تختی نشسته، مانند پادشاه ایران در این دنیا. در برابر یزدان چهار نیرو است که به منزله‌ی چهار شخص عالیقدر ایرانند، و آن چهار عبارتند از: دریافتن، هوش، حافظه و شادمانی. تحت امر این امر چهار نیرو، هفت وزیر و دوازده وجود روحانی است که «شهرستانی» نام آنها را یاد کرده است. همانطور که هفت سیاره‌ی آسمان در دایره‌ی علائم دوازده گانه‌ی منطقه‌البروج می‌گردند، وزرای هفتگانه نیز در میان دایره‌ی وجود روحانی گردش می‌کنند. چهار نیرو در وجود انسان مضمزند، و هفت و دوازده - کار جهان را زیر سلطه‌ی خود دارند. نور از ظلمت عاقبت رهایی خواهد یافت و انسان باید به وسیله‌ی اعمال خود یا امساک بدین رهایی یاری کند. در کیش مزدک مانند مانی از هر چه علاقه‌ی روان را به ماده زیاد کند خودداری باید کرد، به این جهت است که خوردن گوشت حیوانات نزد مزدکیان حرام بوده، در جامعه‌ی مانویان، مؤمنان درجه‌ی اول (برگزیدگان) مجبور بودند که سراسر زندگانی را بدون زن و مجرد باشند و فقط اجازه داشتند خوراک یک روز و لباس یک سال را مالک باشند، که مردمان عادی نمی‌توانند از لذتهای دنیوی - یعنی دارا بودن خواسته‌ی دنیوی یا بهره‌ور شدن از زنان - صرفنظر نمایند مگر وقتی که قادر باشند میل خود را عملی کنند. از این سنخ افکار نظریه‌ی اجتماعی آیین مزدک پدید آمد: خدا وسایل زندگی را به روی زمین آفریده تا همه برابر یکدیگر از آن برخوردار شوند. چون هر کس می‌خواهد بیش از برادرش بهره‌ور گردد در اثر خشونت و بدرفتاری و عدم مساوات پیش آمده است. هیچکس را در این دنیا، برخواسته وزن بیش از دیگری حقی نیست. معلوم نیست که مزدک چگونه با پادشاه مربوط شد، ولی به هر حال قباد شاهنشاه ساسانی در دوره‌ی اول سلطنت خود (۴۹۸-۴۸۸ م) طرفدار آیین مزدک شد و طبق آن رفتار کرد ولی بر اثر شورش نجبا، قباد مجبور به فرار گردید و به کشور هیتالان (هیاطله) پناه برد و در ۴۹۸ یا ۴۹۹ به یاری لکشریان خاقان بدون مزاحمت تاج و تخت خود را به دست آورد، ولی این بار مراوده‌ی او با مزدکیان از روی احتیاط بود. به هنگام طرح مسأله‌ی جانشینی قباد - که خسرو انوشروان و کاوس نامزد ولایتعهدی بودند - مجلس مباحثه‌ی مذهبی تشکیل دادند، و قابل‌ترین مباحثان را از میان موبدان انتخاب کردند و اسقف عیسویان نیز در مخالفت مزدکیان با زردشتیان همدستان بود. طبعاً مزدکیان مغلوب شدند و سربازان که مزدکیان را احاطه کرده بودند شمشیرکش هجوم بردند و آنان را از دم تیغ گذرانیدند، و ظاهراً تمام رؤساء و خود مزدک در این واقعه به قتل رسیدند، و بعدها حمایت قانون را از مزدکیان سلب کردند. رک: ۵۲۹۱ *Christensen Le Roi Kavadh et Le Communisme Mazdakite Kobenhavn* و ترجمه‌ی آن به نام «تاریخ سلطنت قباد و ظهور مزدک» ترجمه‌ی نصرالله فلسفی و احمد بیرشک. تهران ۱۳۰۹؛ کریستنسن. ساسان. ص ۳۳۵ به بعد، و ۳۶۴ به بعد، و ترجمه‌ی آن توسط یاسمی ص ۲۳۷ به بعد و ص ۲۶۱ به بعد.

(وف ۵۲۸/۵۲۹ م)، بانی دین. اصل وی ایرانی بود و منشأ او به قولی مذاریه یا مذارایا یا مذاریه، در کرانه‌ی دجله، و به قولی استخر پارس و به قول دیگر نسا، از توابع خراسان بود. وی در زمان قباد بن فیروز می‌زیست و تربیت یافته و شاگرد یک مانوی به نام بوندس، پسر خرگان بود که چندی در روم و ایران به نشر آیینی به نام درست دین پرداخت، به همین علت بعضی آیین او را به این آیین منسوب کرده‌اند. به هر صورت دین مزدک ظاهراً تفسیر تازه‌ای بود از آیین زرتشت و شاید از تأثیر آیین مانی نیز خالی نبود.

البته مخالفانش خواسته‌اند با انتساب او به مانویت خاطره‌ی وی را در اذهان زرتشتی مذهبان منفور بدارند. به طور کلی مزدک به تساوی و اشتراک املاک اعتقاد داشت که برای حصول به این مقصود می‌بایست افزونی مال اغنیاء را بگیرند و به فقرا دهند. قباد نیز برای شکستن قدرت نجبا و روحانیان با مزدک هم عقیده و هم رأی شد. ولی در نهایت کار بالا گرفت و مزدکیان بر علیه قباد شوریدند و او را خلع کردند و برادرش جاماسب را برگزیدند، ولی او با کمک هیاطله دوباره به حکومت رسید و پس از آن به مبارزه با مزدک پرداخت. عاقبت مزدک و عده‌ای از پیروانش در مجلس مناظره‌ای که قباد تشکیل داد مغلوب و به اعدام محکوم شدند. به روایتی انوشیروان بن قباد آنان را به اعدام محکوم کرد. بعضی از مورخین اسلامی کتابی را به مزدک نسبت می‌دهند که به وسیله‌ی ابن مقفع به عربی ترجمه شده، ولی ظاهراً از بین رفته است. [۱]

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آفرینش و تاریخ (۵۱۸)، تاریخ ادبیات ایران (۲۲۹-۲۲۷)، تاریخ ادبی ایران (۲۵۵-۲۵۰/۱)، تاریخ جنبش مزدکیان، تاریخچه‌ی مکتب مزدک، تاریخ مردم ایران قبل از اسلام (۴۸۵-۴۷۷/۱)، تمدن ساسانی (۲۷۶-۲۷۰/۱)، دایرةالمعارف فارسی (۲۷۵۷-۲۷۵۵/۲)، روزگاران ایران (۲۹۰-۲۸۹/۱)، لغت نامه (ذیل / مزدک).

مزکی نیشابوری، ابواسحاق ابراهیم

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۶۲-۲۹۵ ق)، محدث و عابد. در روزگار خود شیخ و محدث نیشابور بود. در نیشابور، سرخس، ری، بغداد و حجاز از ابن خزیمه و محمد بن اسحاق سراج و ابوالعباس ماسرجسی و محمد بن مسیب ارغیانی و ابوالعباس دغولی و ابوحامد محمد بن هارون حضرمی و موسی بن عباس جوینی و ابوحامد اعمشی و احمد ازهری و زنجویه لباد و عبدالرحمان بن ابی حاتم رازی و دیگران حدیث شنید. وی در بغداد مصنفات ابوالعباس سراج و «التاریخ الکبیر» بخاری و تعدادی از کتابهای مسلم بن حجاج نیشابوری را روایت کرد. حاکم نیشابوری و ابوالحسن بن رزقویه و ابوالفتح محمد بن ابوالفوارس و علی بن احمد رزاز و ابوعلی بن شاذان و مکی بن علی جریری و احمد بن عبدالله محاملی و ابوطالب بن غیلان و ابوبکر برقانی و ابونعیم اصفهانی و نیز دو فرزند مزکی، ابوزکریا یحیی بن ابراهیم مزکی و محمد بن ابراهیم مزکی، و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. حاکم نیشابوری گوید که او سالها املا‌ی حدیث می‌کرد و در مجلس او محدثینی چون ابوالعباس اصم و محمد بن یعقوب بن اخرم حاضر بودند. به آورده‌ی «تاریخ بغداد» در سوسنقین، مابین همدان و ساوه، در گذشت و پیکرش به نیشابور منتقل و در منزلش در باغک دفن شد. از آثارش: «الامالی»، در حدیث.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۲۷۶-۲۷۵/۵)، تاریخ بغداد (۱۶۹-۱۶۸/۶)، سیر النبلاء (۱۶۵-۱۶۳/۱۶)، شذرات الذهب (۴۱-۴۰/۳)، العبر (۲/۱۱۳)، معجم المؤلفین (۱/۱۱۰)، المنتظم (۸/۳۷۵)، النجوم الزاهرة (۴/۷۳)، الوافی بالوفیات (۶/۱۲۳).

مزکی نیشابوری، ابوالحسن مسدد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۳۰۱ ق)، محدث و عابد. از یحیی بن یحیی نیشابوری و جد مادری اش، بشر بن حکم، و اسحاق بن راهویه و داوود بن رشید و صلت بن مسعود جحدری و ابومصعب زهری و همطبقه آنها حدیث شنید. ابوحامد بن شرقی و محمد بن صالح بن هانی و عبدالله بن سعد و دعلج سجزی و علی بن عیسی و ابوولید حسان بن محمد فقیه و ابوالعباس سراج و دیگران از وی روایت کرده‌اند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۱۲۰- ۱۱۹/۱۴)، شذرات الذهب (۲۳۷- ۲۳۶/۲)، النجوم الزاهرة (۲۰۱/۳).

مزکی نیشابوری، ابوزکریا یحیی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۱۴ ق)، محدث و فقیه شافعی. مسند نیشابور بود و در فقه شافعی بصیرت داشت. او فقه را از ابوولید حسان بن محمد نیشابوری آموخت. از ابوالعباس اصم و ابو عبدالله بن اخرم و حسن بن یعقوب بخاری و احمد ابن عبدوس و ابوسهل بن زیاد و عبدالله بن اسحاق خراسانی و محمد بن علی بن دحیم و جماعتی از نیشابوریه حدیث شنید. فرزندش، ابوبکر محمد بن یحیی، و ابوبرک بیهقی و ابوصالح مؤذن و عثمان بن محمد محمی و هبة الله بن ابی الصهباء و قاسم بن فضل ثقفی و علی بن احمد بن اخرم و دیگران از وی روایت کردند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره الحفاظ (۱۰۵۸/۳)، سیر النبلاء (۲۹۶- ۲۹۵/۱۷)، شذرات الذهب (۲۰۲/۳)، طبقات الشافعیه اسنوی (۲۱۱/۲)، العبر (۲۲۸/۲)، معجم المؤلفین (۱۸۱/۱۳).

مزین الدوله نطنزی کاشانی، علی اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۱- ۱۲۲۲ ش)، مترجم، موسیقیدان و نقاش. ملقب به نقاش باشی. وی جزو اولین دانش آموزانی بود که در دوره ناصرالدین شاه و به سال ۱۲۷۵ ق برای فراگرفتن فن نقاشی به پاریس اعزام شده بود. مزین الدوله پس از مراجعت از اروپا، بیش از پنجاه سال، معلم فرانسه در دارالفنون و مدرسه علمیه و مدرس موسیقی و نقاشی بود که آنها را از روی اصول علمی آن تعلیم می‌داد و چندین کتاب نیز در مورد نقاشی به چاپ رسانده است. کمال الملک از شاگردان وی بود. مزین الدوله اولین کسی در ایران بود که با افتتاح تماشاخانه‌ی دارالفنون، دست به ترجمه هم زده و آن ترجمه‌ها را نیز در تماشاخانه به اجرا درآورده است. گذشته از آن، گفته می‌شود که «طیب اجباری» مولیر را نیز نخستین بار ترجمه و خود هم آن را در تماشاخانه دارالفنون اجرا کرده است. نخستین کتاب موسیقی نظری جدید به نام «تعریف علم موسیقی»- که از نوشته‌های موسیو لومر فرانسوی بوده- توسط مزین الدوله به فارسی برگردانده شده است. از دیگر آثار او: ترجمه‌ی «صرف افعال»؛ «مزین اللغه»، لغت نامه‌ای از فرانسه به فارسی. از آثار نقاشی وی: تصویر نیم تنه‌ی شعاع السلطنه به سیاه قلم که نقطه پردازی پرمایه‌ای دارد، با رقم: «خانه زاد علی اکبر».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۳۷۸-۳۷۷/۱)، ادبیات نمایشی (۳۴۱، ۳۳۸، ۳۱۲-۳۰۹/۱)، تاریخ تحول ضبط موسیقی (۱۳۸)، تاریخ موسیقی (۷۳۴، ۵۸۹، ۴۳۷/۲)، تاریخ هنرهای ملی (۶۱۶، ۵۸۴/۱)، شرح حال رجال (۴۲۶/۲)، گلستان هنر (پنجاه و سه)، مؤلفین کتب چاپی (۴/۵۵۰).

مزینانی، محمدصادق

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد صادق مزینانی

محل تولد: مزینان سبزوار

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی اینجانب محمد صادق مزینانی در سوم فروردین ۱۳۳۶ در مزینان بدنیا آمدم. پس از دوره ابتدایی بر اثر تشویق خانواده بویژه مرحوم پدرم به تحصیل علوم حوزوی روی آوردم. پس از چند ماه تحصیلی در حوزه علمیه مزینان در سال ۱۳۴۸ به حوزه علمیه مشهد مشرف شدم و در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی میلانی ثبت نام و از محضر اساتید بزرگوارى چون: حجت هاشمی، ناطقی، اختری، محقق و بنی هاشمی بهره گرفتم. برای ادامه تحصیل در سال ۱۳۵۶ به قم مهاجرت کردم و از اساتید محترم همچون: اعتمادی، فاضل هرنندی، ستوده، صانعی و فاضل لنکرانی در درس های رسائل، کفایه و مکاسب بهره بردم. درس خارج را از سال ۵۸ از محضر آیات عظام آیت الله فاضل لنکرانی، نوری همدانی، وحید خراسانی، تبریزی، هاشمی شاهرودی و ... بهره بردم. تفسیر، فلسفه و رجال را نیز از محضر حضرات آیات: مشکینی، جوادی آملی، انصاری شیرازی و آقا موسی زنجانی و... استفاده کردم. پس از انقلاب اسلامی مسافرت های تبلیغی بسیاری به استان های کشور داشتم. با توجه به خلاء فرهنگی و نیاز منطقه سیستان و بلوچستان به آن منطقه رفتم و در نیروهای سپاه پاسداران، جهاد سازندگی، رادیو و تلویزیون و حوزه علمیه کارهای گوناگون فرهنگی و تدریس داشتم. در سال ۱۳۵۹ به عنوان نماینده ولی فقیه و حاکم شرع هیات واگذاری زمین در استان سیستان و بلوچستان منصوب شدم. از سال ۱۳۶۱ به بعد ضمن کارهای فرهنگی و تبلیغی در استان یاد شده در ایام تعطیل حوزه، با عده ای از دوستان در مجله حوزه و سپس مجله فقه مشغول پژوهش و نگارش مقاله در زمینه های گوناگون به صورت جمعی و فردی شدم. محصول این همکاری حدود ۱۰۰ مقاله است. این همکاری به صورت عضویت در طرح و برنامه و هیات تحریریه و نگارش مقالات همچنان ادامه دارد. از سال ۱۳۷۰ به بعد، ضمن شرکت در همایش ها و کنفرانس های علمی و ارائه مقاله در چند کنفرانس به عنوان مقاله برگزیده به ارائه مقاله خود پرداختم. چندین لوح یاد بود و تقدیر از سوی جشنواره مطبوعات، جشنواره هنری، فرهنگی اشراق ویژه صدمین سال امام خمینی (ره) دریافت داشته ام. در سال ۷۹ به درخواست دبیرخانه مرکز علمی خبرگان طرحی را درباره اندیشه های سیاسی ملا احمد نراقی ارائه دادم که مورد پذیرش قرار گرفت و کار نگارش آن

در سال ۸۰ به پایان رسید و پس از چاپ به کنگره نراقیین ارائه شد. همین کتاب در پنجمین همایش کتاب سال حوزه به عنوان یکی از آثار برگزیده معرفی و جایزه ای نیز به آن تعلق گرفت و به همین مناسبت در کتابی که به منظور معرفی آثار برگزیده و پدید آورندگان از سوی دبیرخانه نگاشته شده در ص ۵۶ و ۵۷ معرفی اثر و شرح حال مختصری از مولف آمده است.

مژده شیرازی، علی محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ح ۱۲۹۹ ش)، شاعر، مترجم و نویسنده. در شیراز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را به همراه فراگیری کامل قرآن و بسیاری از متون فارسی سپری کرد و در دوره اول دبیرستان توانست عربی و قواعد صرف و نحو را بیاموزد. آنگاه به دانشسرای مقدماتی آباده رفت و دوره‌ی آموزگاری را گذراند و سپس به خدمت وزارت فرهنگ درآمد. پس از آن به تهران آمد و در ۱۳۲۸ ش موفق به اخذ لیسانس و در ۱۳۳۳ ش موفق به دریافت درجه‌ی دکترا در رشته‌ی ادبیات فارسی شد. او در تأسیس بخش زبان و ادبیات در شیراز سهمی به عهده داشت و از سال ۱۳۳۴ ش دانشیار دانشکده ادبیات شیراز بود و علاوه بر سمت استادی، ریاست بخش فارسی نیز به او واگذار گردید و در ضمن مسئولیت اداره انتشارات و روابط دانشگاهی را بر عهده داشت. مژده شیرازی در شکل دادن به تدریس دانشگاهی در شیراز نقش مهمی داشت و بسیاری از استادان فعلی دانشگاه‌ها از شاگردان وی می‌باشند. از آثارش: «تاریخ ایران بعد از اسلام»؛ «راز زندگی»؛ ترجمه‌های: «تاریخ علم و فلسفه در اسلام»، «تاریخ ملل اسلامی»، «نظریاتی بتاریخ جهان» نهر، «صد و پنجاه سال جوان بمانید» و «منازل السائرین» خواجه عبدالله انصاری.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سخنوران نامی معاصر (۳۳۵۶-۳۲۵۳/۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۲۰-۴۱۴/۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/۲۲۱۵)، کیهان فرهنگی (س ۵، ش ۱۲، ص ۷-۲)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۹-۵۹۸/۴).

مستشارالدوله تبریزی، یوسف

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۱۳ ق)، نویسنده و مترجم. ملقب به مستشارالدوله. در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگرفتن علوم عربی و فارسی به سمت منشی‌گری وارد کنسول‌گری انگلیس در تبریز شد. او پس از مدتی به خدمت وزارت امور خارجه درآمد و به عنوان کاردار به پاریس و لندن سفر کرد. میرزا حسین خان سپهسالار با وی دوست بود، اما به دلیل کدورتی که بین این دو پیش آمد، میرزا یوسف خان را به خراسان تبعید کرد. در ۱۲۹۹ ق به معاونت وزارت عدلیه (دادگستری) منصوب و ملقب به مستشارالدوله گردید. وی در ۱۳۰۶ ق به دلیل نوشتن نامه‌ای انتقادآمیز از حکومت وقت، از تبریز به قزوین تبعید و زندانی شد. از آثارش: «کتابچه‌ی بنفش»، درباره‌ی تأسیس راه‌آهن؛ «یک کلمه»، در منابع قانون اساسی فرانسه و تطبیق آن با قانون اسلام؛ «گنجینه‌ی دانش»؛ «منهج الحساب»؛ رساله‌ی «اصلاح خط اسلام»؛ رساله‌ی «برآورد مخارج راه‌آهن از مشهد به تهران و سایر شهرهای ایران»؛ «رمز یوسفی»، در تلگراف؛ «طبقات الارض»، در زمین‌شناسی و ژئولوژی، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: از صبا تا نیما (۲۸۶، ۲۸۰ / ۱)، از نیما تا روزگار ما (۴۲-۴۱)، شرح حال رجال (۴۹۳-۴۹۰ / ۴)، الذریعه (۲۵ / ۲۸۴) / ۱۴۶ / ۱۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۵۳، ۳۱۷۵، ۲۷۸۰، ۲۲۵۰، ۱۷۴۶ / ۲، ۴۷۴، ۲۴۳ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۹۰۰-۸۹۹ / ۶).

مستثنی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در سال ۱۳۱۷ در قریه‌ی حبیب‌آباد برخوار اصفهان متولد گردید، در اصفهان و طهران تحصیل نمود، از اطبای حاذق به شمار می‌رفت. در شب ۱۱ جمادی الاول سال ۱۳۷۳ در طهران وفات یافته.
کتب زیر از اوست:

۱- ازدواج و حفظ الصحه ۲- وبائیه، که آن را به اتفاق دکتر رضا بصیر فرزند حاج میرزا ابوالحسن طبیب اصفهان نوشته است.
برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مستعان، حسینقلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۲۸۳.

درگذشت: ۱۳۶۳.

از آثار اوست: ترجمه‌ی بینوایان (ویکتور هوگو، چاپ‌های متعدد)؛ رابعه، رمان تاریخی (دو جلد، تهران، ۱۳۶۹)؛ عشق مقدس (تهران، ۱۳۷۱).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

مستغفری نسفی، ابوالعباس جعفر

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(بعد از ۴۳۲-۳۵۰ ق)، فقیه، حافظ، محدث، خطیب و مصنف. محدث ماوراءالنهر در زمان خود بود. عده‌ای او را حنفی و بعضی شافعی و برخی شیعی دانسته‌اند و هر کدام برای اثبات نظر خویش دلایلی ذکر کرده‌اند. او از زاهر بن احمد سرخسی و ابراهیم بن لقمان و ابوسعید عبدالله بن محمد رازی و علی بن محمد سرخسی و جعفر بن محمد بخاری و ابوسهل هارون بن احمد استرآبادی و ابوعبدالله محمد بن احمد غنجار و دیگران حدیث شنید. ابوعلی حسن بن عبدالملک نسفی قاضی و ابونصر احمد بن جعفر کاسنی

و حسن بن احمد سمرقندی حافظ و اسماعیل بن محمد نوحی خطیب و ابومنصور سمعانی و جماعتی کثیر از وی حدیث شنیدند. در نسف در گذشت. از آثارش: «معرفة الصحابة»؛ «الدعوات»؛ «دلائل النبوة»؛ «فضائل القرآن»؛ «الشمائل» یا «شمایل النبی»؛ «خطیب النبی (ص)» یا «خطب النبویة»؛ «تاریخ نسف» و «تاریخ کش»؛ «الطب» یا «طب النبی» یا «طب النبوی»، که خواجه نصیر طوسی در «آداب المتعلمین» همگان را امر به آموختن این کتاب نموده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴/۱۸۳)، انساب سمعانی (۵/۲۸۶)، بحار الانوار (۱/۴۲)، تذکره الحفاظ (۱۱۰۳-۱۱۰۲/۳)، دمیة القصر (۱/۶۶۴)، الذریعه (۱۵/۱۴۴، ۸/۲۵۳، ۳/۲۹۱)، ریاض العلماء (۵/۴۷۲-۴۷۳)، سیر النبلاء (۱۷/۵۶۴-۵۶۵)، شذرات الذهب (۳/۲۴۹-۲۵۰)، طبقات الشافعیة اسنوی (۲/۲۱۵)، طبقات المفسرین داودی (۱/۱۲۵-۱۲۶)، العبر (۲/۲۶۶)، کشف الظنون (۱۷۳۹، ۱۲۷۷، ۱۰۹۵، ۷۶۰، ۷۱۵، ۳۰۸)، النجوم الزاهرة (۵/۳۵)، الوافی بالوفیات (۱۱/۱۴۹-۱۵۰)، هدیة العارفین (۲۵۳/۱).

مستقیم، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عباس بن مرحوم حاج حبیب الله تاجر (داماد معظم مرحوم آیت الله حاج میرزا محمد فیض قمی) از علماء اعلام و حجج اسلام و ائمه جماعت مسجد امام علیه السلام قم می باشند.

در سال ۱۳۳۳ قمری تقریباً در قم متولد شده و دروس مقدمات و ادبیات فارسی و عربی را خوانده مرحوم والدش که از تجار قم بودند می خواستند معظم له در سلك بازرگانان و تجار و رشته خودش را تعقیب کند ولی ایشان با شوق فراوان و تشویق آیت الله العظمی مرعشی مدظله به تحصیل علوم دینی پرداخته و سطوح را نزد آنجناب و بعضی از مدرسین دیگر استفاده کرده و هم از محضر مرحوم آیت الله فیض و آیت الله حاج شیخ محمد علی حایری قمی و آیت الله العظمی حایری موسس حوزه و آیت الله حجت و بالغ بر ۱۸ سال از دروس فقه و اصول زعیم اعظم آیت الله العظمی بروجردی استفاده نموده تا به مدارج عالی علم و فقاقت و نظر ارتقاء یافته و تدریس سطوح عالی را نموده و بعد از فوت مرحوم آیت الله بروجردی بیشتر روابط خود را با آیت الله العظمی مرعشی نجفی قرار داده و از رفقای خالص و صمیمی معظم له می باشند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مستملی بلخی، ابواسحاق ابراهیم

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۷۶ ق)، محدث. اصلش از بخارا و ساکن بلخ بود. سفرها کرد و احادیث بسیار شنید. لذا او را بنادر حدیث می خواندند. او راوی «صحیح» بخاری از ابوعبدالله فربری بود. ابوذر هروی و ابوعبدالله غنجار و احمد بن محمد بلخی حافظ و عبدالرحمان بن عبدالله همدانی، در اندلس، از وی روایت کردند. در بلخ در گذشت. از آثارش: «معجم الشیوخ». در «معجم المؤلفین» از «معجم

المصنفین» نقل شده که وی را کتابی است به نام «طبقات اهل بلخ».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/۲۳)، انساب سمعانی (۵/۲۸۷)، سیر النبلاء (۱۶/۴۹۲)، شذرات الذهب (۳/۸۶)، العبر (۲/۱۴۷)، لغت نامه (ذیل / مستملی)، معجم المؤلفین (۱/۳)، النجوم الزاهرة (۴/۱۵۳)، هدیة العارفين (۷-۶ / ۱).

مستملی نیشابوری، ابو عمرو و احمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۸۴ ق)، حافظ، محدث، عابد و زاهد. معروف به حکمویه. محدث نیشابور و مستجاب الدعوه بود. از قتیبه بن سعید و یزید بن صالح فراء و احمد بن حنبل و سهل بن عثمان عسکری و عبیدالله قواریری و اسحاق بن راهویه و ابومصعب و سریج بن یونس و همطبقه‌ی آنها حدیث شنید. ابو عمرو خفاف و جعفر بن محمد بن سوار و ابو عثمان حیری و ابوحامد ابن شرقی و زنجویه بن محمد و محمد بن صالح و محمد ابن ابراهیم و ابوالطیب بن مبارک و محمد بن داوود زاهد و دیگران از وی حدیث شنیدند. حاکم نیشابوری و دیگران وی را ستوده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره الحفاظ (۲/۶۴۴)، سیر النبلاء (۳۷۵-۳۷۳/۱۳)، شذرات الذهب (۲/۱۸۶)، طبقات الحفاظ (۳۰۴)، المنتظم (۷/۳۰۲)، الوافی بالوفیات (۷/۳۰۲).

مستنبط تبریزی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۹۹-۱۳۲۵ ق)، عالم دینی، فقیه، مجتهد و مدرس. در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات و سطوح و استفاده از محضر میرزا صادق تبریزی و دیگر علما در ۱۳۴۷ ق به نجف رفت و در محضر میرزا محمدحسین نایینی و شیخ ضیاءالدین عراقی و میرزا علی ایروانی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی تلمذ نمود و تقریرات اساتیدش را در فقه و اصول نگاشت و از آنها به دریافت اجازه نایل شد. وی همچنین در اخلاق از محضر آیت‌الله حاج سید علی قاضی و آیت‌الله سید عبدالغفار مازندرانی استفاده نمود. آنگاه به تألیف، تحقیق و اقامه‌ی جماعت در حرم امیرالمؤمنین (ع) پرداخت. او از حاج شیخ عباس قمی و شیخ آقا بزرگ تهرانی روایت نموده است. از آثارش: «القطرة من بحار مناقب النبی و العتره (ع)»، در دو مجلد؛ «دلائل الحق»، در اصول دین، در سه مجلد، «البشارة و الزیارة»؛ «الاسی و الحزن» یا «الاسی و الحسن»، در دو مجلد؛ «الرتاء و الاسی»؛ منتخب «خاتم الرسائل باحسن الوسائل»؛ «العقائد الحققة»، در اصول پنج گانه؛ «المناسک و المدارک» [۱].

احمد بن العالم الجلیل السید رضی بن احمد بن نصرالله بن حسین الموسوی ساوجی تبریزی متولد ۳۲۵ قمری از علماء ناسکین و مجتهدین عابدین و ائمه جماعت متقین معاصر نجف اشرف است.

وی پس از خواندن مقدمات و سطوح به نجف اشرف مهاجرت نموده و از محاضر اساتید نجف مانند آقا ضیاء و آیت‌الله اصفهانی

و دیگران استفاده و در رشته‌های اخلاق از امثال مرحوم آیت‌الله حاج سیدعلی آقای قاضی و آیت‌الله حاج سید عبدالغفار مازندرانی بهره‌مند شده و در صبحها در حرم مطهر حضرت علی امیرالمومنین (ع) اقامه جماعت نموده و به تدریس و تألیف و غیره پرداخته و آثاری که ذیلاً می‌نگارم به یادگار گذاشته است.

۱- القطره دو جلد به طبع رسیده ۲- دلائل الحق ۳- البشاره و الزیارة مطبوع ۴- الاسی و الحزن دو جلد مطبوع ۵- منتخب خاتم الرسائل ۶- العقاید الحقه فی الاصول الخمسه مطبوع.

والدشان آیت‌الله آقا سیدرضی از مجتهدین و مراجع تقلید آذربایجان بودند تولدشان در ۱۲۷۰ و وفاتشان در ۱۳۴۷ قمری واقع شد از آثار او حاشیه مکاسب و تقریرات بعضی از اساتید اوست.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۱ - ۱۴/۱۰۰)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۸۸ - ۷/۲۸۷)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۳/۱۱۹۸).

مستنبط تبریزی، نصرالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۴۰۶ - ۱۳۲۷ ق)، عالم دینی، فقیه، مجتهد و مدرس. در تبریز به دنیا آمد. سطوح و مقدمات فقه و اصول را در تبریز نزد پدرش فراگرفت. سپس به قم رفت و به تکمیل سطوح پرداخت و پس از آن در درس خارج آیت‌الله حجت و آیت‌الله حایری شرکت و استفاده نمود. آنگاه به نجف رفت و از محضر آیت‌الله غروی اصفهانی و آیت‌الله شیخ آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله میرزا محمدحسین نایینی استفاده نمود. وی همچنین در اخلاق از شاگردان آیت‌الله سید علی قاضی طباطبایی تبریزی بود. وی پس از رسیدن به درجه‌ی اجتهاد خود به تدریس فقه و اصول پرداخت. او داماد و ملازم و صاحب مجالس خاص و عام آیت‌الله خویی بود. از آثارش: «الاجتهاد و التقليد»، «التقیة»، «العدالة»، «قاعدة التجاوز و الفراغ»، «اللباس المشکوک»، «معارف الاسلام»، در اصول؛ مجموعه مقالات و بحثهای علمی منتشر شده در مجلات نجف. [۱]

عالم دینی.

تولد: ۱۳۲۷ ق.، تبریز.

درگذشت: اردیبهشت ۱۳۶۴.

آیت‌الله سید نصرالله مستنبط تا حدود بیست سالگی سطح را تماما و مقداری از خارج فقه را در تبریز خواند و در حدود ۱۳۴۷ ق. به قم رفت و مدت شش سال در آنجا دوره‌ی خارج صلوة آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی و خارج مکاسب و خارج اصول آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای را پست سر گذاشت و با اجازه اجتهاد از قم مراجعت و در حدود سال ۱۳۵۳ ق. در نجف اشرف ساکن شد و در بحث اصول و فقه آیت‌الله ضیاءالدین عراقی شرکت کرد، در بحث حج و کتاب طهارة نیز از درس آیت‌الله اصفهانی استفاده نمود و بعد از دو ماه از ورود به نجف از محضر آیات عظام آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی مفتخر با اخذ اجتهاد گردید و بعد از فوت این دو استاد تا سال ۱۳۴۷ ق. مشغول به تدریس خارج فقه و اصول و کلام بود. تألیفات و آثار وی به قرار ذیل است: معارف الاسلام در اصول عقاید؛ رساله در لباس مشکوک؛ رساله در تقیه؛ رساله در قاعده فراغ و تجاوز؛ رساله در فروع علم اجمالی؛ رساله لاضرر؛ رساله من ادرک؛ رساله در تعاقب ایدی بغیر.

سید نصرالله بن العلامه السید رضی موسوی از مدرسین بزرگ و علماء بنام معاصر نجف اشرف است.

معظم‌له در ۱۳۲۷ قمری متولد شده و پس از خواندن ادبیات و سطوح به قم آمده و از محضر اساتید بزرگ حوزه علمیه قم مرحوم آیت‌الله العظمی حایری و آیت‌الله حجت استفاده نموده و در اواخر مرحوم آیت‌الله حایری مهاجرت به نجف اشرف و از محضر مرحوم آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی و آیت‌الله العظمی آقا سید ابوالحسین اصفهانی استفاده نموده و از آن مرحوم اجازه اجتهاد که در آن تعبیر به (صفوه المجتهدین) است دریافت نموده و از همان زمان به تدریس فقه و اصول پرداخته و خود این نگارنده در سال ۱۳۶۳ قمری خیارات مکاسب را خدمت ایشان تلمذ نموده‌ام. اجمالا ایشان که داماد بزرگ آیت‌الله العظمی خوئی می‌باشند یکی از مفاخر و ثروتهای علمی و عملی معاصر حوزه نجف اشرفند دارای اخلاقی جمیل و بیانی ملیح و موصوف به فضل و کمال و از ائمه جماعت نجف می‌باشند.

از آثار ایشانست ۱- اجتهاد و تقلید ۲- قاعده تجاوز و فراغ ۳- لباس مشکوک ۴- التقیه ۵- العداله ۶- معارف الاسلام در اصول ۷- رساله در من ادرک.

داماد گرامی ایشانست. حجه الاسلام حاج آقا جواد گلپایگانی فرزند آیت‌الله العظمی حاج سید محمدرضا گلپایگانی مدظله.

سید نصرالله فرزند مستنبط تبریزی از علماء برجسته و فقهاء و مدرسین بحق و شایسته معاصر نجف اشرف بودند. معظم‌له در سال ۱۳۲۷ قمری در تبریز متولد شده و در بیت سیادت و سعادت پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح به قم آمده و تتمه سطوح را از مدرسین حوزه تکمیل و به درس خارج مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله العظمی حایری شرکت و استفاده نموده سپس مهاجرت به نجف اشرف کرده و به درس مرحوم آیت‌الله غروی اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی و بالخصوص آیت‌الله العظمی اصفهانی شرکت و استفاده کامل نموده تا به مدارج عالیه اجتهاد و استادی رسیده و خود تشکیل درس خارج فقه و اصول داده و جمع کثیری از افاضل محصلین به درسش شرکت و استفاده نموده و پس از فوت برادرش مرحوم آیت‌الله حاج سید احمد مستنبط در اول صبحها در قسمت بالا سر امیرالمؤمنین علی علیه‌الصلوه والسلام اقامه جماعت نموده تا ساعت ده روز یکشنبه هجدهم ربیع‌الاول ۱۴۰۶ قمری که در سن حدود هشتاد سالگی به مرگ مرموزی از دنیا رفته و به اجداد گرامش پیوسته است. دارای تألیفات علمی می‌باشند که ذیلا می‌نگارم:

۱- اجتهاد و تقلید

۲- قاعده تجاوز و فراغ

۳- لباس مشکوک

۴- التقیه

۵- العداله

۶- معارف الاسلام در اصول

۷- رساله در من ادرک

نگارنده گوید: مرحوم مستنبط گذشته از مقام علمی دارای مقامات معنوی بودند، زیرا در رشته معنویت از شاگردان برجسته مرحوم جمال‌السالکین و قدوه العارفین عالم ربانی مرحوم حاج سید علی آقا قاضی طباطبائی تبریزی استاد اخلاق و مربی نفوس مستعد حوزه علمیه نجف بودند. و در این رشته مرحوم مستنبط گذشته از جنبه‌های علمی کار کرده و ریاضت کشیده بودند. و حقیر دو قصه از ایشان که معرف و گویا معنویت و معرفت ایشانست را می‌نگارم:

۱- در سال ۱۳۶۱ قمری مشرف به نجف اشرف شدم از اول ورودم به قدری مورد عنایت و ضیافت مخصوص مولایم حضرت علی علیه‌السلام قرار گرفتم که اگر تمام ذرات وجودم زبان شود نمی‌تواند شکر و سپاس آن مراحم را بگذارد. زیرا در اولین روز تشریف

خدمتشان عرضه داشتم:

وفدت علیک بغیر زاد

پس وسائل ماندن و مخارج یک سال اقامتم را یک جا عنایت فرمود و چون این لطف و مرحمت را دیدم دیگر هر چه می‌خواستم و نیاز داشتم عرض می‌کردم و محبت می‌فرمودند. یک شب از حضرتش استاد علمی و اخلاقی تقاضا کردم. پس به حجره مدرسه آمدم و حجره من در سر راه نبود بلکه در گوشه و زاویه طبقه فوقانی قرار داشت و کسی از جلوی آن عبور نمی‌کرد مگر آنکه مرا می‌خواست.

پس در حجره خویش مشغول مطالعه مکاسب بودم، ناگاه دیدم سید بزرگواری در حجره پائین پای من نشسته است فوراً از جا برخاسته و با خودم گفتم بی‌ادب فقه اهل بیت علیهم‌السلام را مطالعه می‌کنی و در برابرشان پای خود را دراز می‌کنی پس خواستم از آقا عذرخواهی کنم دیدم نیستند بسیار وحشت زده شده و از حجره بیرون دویدم که این آقا چه شده است؟

من نه آمدن او را دیدم و نه رفتن او را ملتفت شدم چطور از نظرم ناپدید شد پس در حالیکه سراپا غرق عرق شده بودم و موی بدنم برخاسته بود به بام مدرسه که اشراف به حرم مولایم امیر مومنان علیه‌الصلوة والسلام داشت رفتم و به او متوسل شدم تا حال عادی شد و به حجره آمدم و خوابیدم و فردای آن شب که به درس مرحوم آیت‌الله اصفهانی حاضر می‌شدم رفتم و پس از پایان درس به یکی از افاضل گفتم من استادی می‌خواهم که از او استفاده علمی و عملی و اخلاقی کنم فوراً فرمود آن سیدی که می‌رود مناسب با خواسته تو است و به سیدی که به سوی صحن مطهر می‌رفت اشاره کرد. من به سوی او به سرعت رفتم و در مقابل مقبره شیخنا الانصاری قدس‌الله سره که ایستاده و فاتحه می‌خواند به او رسیدم و وقتی جلو رفتم دیدم آن سیدی است که دیشب در حجره من آمده بود می‌باشد سلام کردم و خواسته خود را به او گفتم فرمود ساعت هشت صبح فردا بیا مسجد هندی دو نفر دیگر هستند اگر بیان مرا پسندیدی ادامه بده پس ساعت موعود رفتم و آمدند و شروع به بحث و تحریر و تقریر درس مرحوم سید اصفهانی را کردند مسرور شدم و ادامه داده‌ام و ایشان همین بزرگواری آقای مستنبط مترجم عزیزم بودند و اما آن دو نفر از فضلاء و اوتاد حوزه نجف بودند.

۱- مرحوم حاج سید محمدرضا قاضی طباطبائی تبریزی از شاگردان اخلاق مرحوم آقا سید علی قاضی.

۲- حاج شیخ محمدجواد قدس بروجردی داماد مرحوم آیت‌الله العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی.

۳- مرحوم آقای مستنبط که داماد بزرگ آیت‌الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله و از مشاورین معظم‌له در اغلب کارها بودند.

روزی طرف صبح (بین الطلوعین) در سمت بالا سر محل نماز صبحشان که مشغول خواندن زیارت جامعه کبیره بودند می‌بیند آقای عربی در جلوی ایشان محاذی بالا سر مشغول نمازند و قرائتی می‌خوانند که تاکنون از هیچ کس چنین قرائتی نشنیده بوده مجذوب حال و قرائت و تجوید او می‌شود تا به قنوت می‌رسد می‌شنود که در قنوتش می‌خواند...

اللهم ان معویه بن ابی سفیان آذی علیا فالعن معویه لعنا ویلا و عذبه عذابا الیما (یا قریب به این مضمون) فرمود پس خواستم از او سوال کنم که این دعا و قنوت در جایی آمده یا از خود اوست و او انشاء فرموده پس با اینکه در دسترس من بود، بلند شدم که بعد از نماز او بپرسم دیدم نیست هر چند به این طرف و آن طرف نگریستم او را ندیدم. دانستم مولایم عجل‌الله فرجه الشریف بوده است.

آری از چنین سید بزرگواری و فقیه جامع و عالم عاملی بعید نیست که باره به فیض لقاء و زیارت مولایمان رسیده باشد منتهی مکنتم داشته. زیرا به گفته معروف:

هر که را اسرار حق آموختند

مهر کردند و دهانش دوختند

مگر مرحوم شیخ ما حاج شیخ محمدتقی شهید بافقی نبود که به کرات و مرات برایش تشریف حاصل شده بود ولی ابراز نمی کرد تا بعد از فوتش افراد مختلف داستانهائی از او نقل کردند. مانند این داستان که عالم جلیل آقای علوی فریدونی داماد بزرگ آیت‌الله العظمی گلپایگانی برایم حکایت کرد که یکی از اصناف بازار قم به نام آقای پاینده که ورشکسته شده بود چهل شب جمعه به مسجد جمکران قم می‌رود برای اصلاح کارش شب چهارم سیدی را در مسجد زیارت می‌کند که به او می‌فرماید در راه که به قم برمی‌گردد حاج شیخ محمدتقی بافقی را می‌بینی که مشغول جمع کردن سنگهای میان راه است به او سلام می‌رسانی و می‌گویی آقا گفت: قدری از آن پولها که پیش تو است به تو بدهد. آقای پاینده گوید آمدم، دیدم حاج شیخ مشغول جمع کردن سنگها از میان راه است سلام کردم و پیام را دادم فوراً گفت: آقا سلام به من فرستاد و شروع کرد به گریستن و زار زدن و اشک ریختن و آن وقت متوجه شدم که آن آقا که بود آقای عالم بود و من به فیض زیارتش رسیدم ولی غافل بودم و او را نشناختم پس دیدم آقای بافقی از گریه خلاص نمی‌شود گفتم پیامی هم به شما دادند فوراً توجه کرده فرمود چه فرمودند گفتم فرمودند از آن پولها که نزد تو است قدری به من بدهید، دیدم فوراً از جیب خود کیسه‌ای درآورد که در آن حدود سی یا چهل تومان پول نقره آن روز بود و از آن چند تومانی به من داد پس خداحافظی کرده آمدم و به برکت آن پول خسارت و ضرر و قروضی که به واسطه خشک شدن زراعتم به من رسیده بود جبران و ادا گردید و از ورشکستگی بیرون آمده و کارهایم اصلاح شد. آری ایمان نگارنده چنین است که شاعر گوید:

بذره گر نظر لطف آنجناب کند

به آسمان رود و کار آفتاب کند

سلام من الرحمن نحو جنابه

فان سلامی لا یلیق بیابه

آیت‌الله مستنبط رحمه‌الله فقط دارای یک دختر بودند که او را به آیت‌الله زاده گلپایگانی حاج سید جواد فرزند بزرگ آیت‌الله العظمی حاج سید محمدرضا گلپایگانی تزویج کردند و فرزند ذکور و پسر نداشتند و نسل و عقب آن مرحوم از این دختر می‌باشد. حاج سید جواد از آقازادگان محترم و فضلاء مکرم حوزه علمیه قم می‌باشند که در بیت علم و مرجعیت به دنیا آمده و پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید به فراگرفتن علوم دینی و خواندن ادبیات پرداخته و بعد از تکمیل صرف و نحو و منطق به خواندن سطوح فقه و اصول نزد اساتید و مدرسین حوزه علمیه مشغول شده و بعداً مهاجرت به نجف اشرف نموده و بقیه سطوح مکاسب و کفایه را در آنجا از مدرسین بزرگ فراگرفته سپس به درس خارج فقه و اصول آیت‌الله العظمی خوئی و پدر همسرش آیت‌الله مستنبط حاضر و استفاده نموده و بعد از رحلت ناگهانی برادرش مرحوم حاج سیدمهدی متوفی شوال ۱۳۵۷ شمسی برای رسیدگی به کارها و مسئولیتهای آن مرحوم در قم مستقر و تا حال به خدمات روحی و اجتماعی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آینه‌ی دانشوران (۳۱۸-۳۱۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۸۴/۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۳۲-۳۲۶/۹، ۲۸۹-۲۸۸/۷)، معجم رجال‌الفکر و الادب فی النجف (۱۱۹۹-۱۱۹۸/۳).

مستوفی خزانه، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند عبدالباقی نواب اصفهانی، از میرزاهای چهارسو شیرازیها.

فاضل و ادیب بوده، و در دستگاه ظل‌السلطان اهمیتی داشته، در شب ۱۷ جمادی‌الثانیه سال ۱۳۰۹ به شرحی که مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان و ری در وقایع سال مزبور می‌نویسد مسموما فوت شده است.

از آثارش کتاب «احسن التواریخ» در ترجمه‌ی تاریخ آل عثمان تألیف محمد فرید بیک؛ و هدیه‌ی رمضان، ترجمه از کتاب امیر ارسلان مصری به طبع رسیده است.

در شب فوت او سه نفر دیگر: ۱ - میرزا حبیب‌الله مشیر انصاری ۲ - حاج میرزا حسن شیخ الاسلام ۳ - میرزا محمد خان امین‌الدوله نیز مسموما وفات یافتند.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مستوفی شهشانی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند میرزا احمد، از ادبا و فضلا، وفاتش ۵ شنبه ۴ صفر سال ۱۳۱۱، قبرش در صحن مقبره.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مستوفی قزوینی، حمدالله

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۵۰ق)، مورخ و شاعر. وی از یک خاندان کهن مستوفیان در قزوین متولد شد. پدر حمدالله به عنوان مستوفی در دستگاه ایلخانان خدمت می‌کرد و به همین دلیل مستوفی لقب گرفتند. او از آغاز جوانی بنا بر سیرت آباء و اجداد به خدمت دیوانی اشتغال داشت، ابتدا به خدمد خواجه رشیدالدین فضل‌الله درآمد و به امر کتابت مشغول شد. حمدالله در سال ۷۱۱ق حاکم و مستوفی ابهر و زنجان و طارم شد و پس از قتل خواجه رشیدالدین فضل‌الله، در سلک ملازمان خواجه غیاث‌الدین محمد فرزند خلف وزیر مقتول، درآمد و تا سال ۷۳۶ق در خدمت وی باقی بود تا آن بزرگوار نیز به قتل رسید. سفرهایی به تبریز و بغداد و شیراز و اصفهان کرد و در قزوین در گذشت. از او سه اثر معتبر باقی است: «تاریخ گزیده»؛ «نزهة القلوب»؛ منظومه‌ی معروف «ظفر نامه» که مشتمل بر هفتاد و پنج هزار بیت است. [۱]

مستوفی مورخ و جغرافی‌دان معروف (ف. ۷۵۰ه.ق.). وی از نژاد عرب بود و سلسله نسب خود را به حر بن یزید ریاحی میرسانید، ولی افراد خاندان او سالیان دراز در قزوین سکونت داشتند. وی صحبت دانشمندان را درک می‌کرد و مخصوصا از مصاحبت رشیدالدین در مباحث علمی خاصه تاریخ بهره‌مند می‌شد. آثار او عبارتست از: تاریخ گزیده (۷۳۰)، ظفرنامه به سیاق شاهنامه (۷۳۵) و نزهة القلوب (۷۴۰)، آرامگاه وی در قزوین است.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] از سعدی تا جامی (۱۴۲-۱۲۵)، اعیان الشیعه (۲۲۵/۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۸۰-۱۲۷۶/۳)، تاریخ در ایران (۱۴۱-۱۳۹)، تاریخ گزیده (مقدمه)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۴)، حبیب السیر (۲۲۱/۳)، دایرةالمعارف فارسی (۸۶۵/۱)، الذریعه (۱۲۰/۲۴، ۱۹۹/۱۵، ۲۸۱/۳)، روضات الجنات (۱۵۴/۸)، ریحانه (۳۰۷-۳۰۶/۵)، سرآمدان فرهنگ (۳۱۹/۱)، شخصیت‌های نامی (۱۶۹-۱۶۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۸۶، ۶۴-۶۳/۸)، فرهنگ سخنوران (۲۷۷)، کارنامه‌ی بزرگان (۲۱۹-۲۱۸)، کشف الظنون (۱۹۴۵، ۱۴۷۴، ۱۱۲۰)، گنجینه‌ی آثار قم (۱۱۶، ۱۱۱، ۷۵، ۷۲/۱)، لغت نامه (ذیل / حمدالله)، مجله دانشکده مشهد (س ۳، ش ۱، ص ۹۳)، مولفین کتب چاپی (۹۵۸-۹۵۷/۲)، مینو در (۱۶۴-۱۶۰/۲)، هفت اقلیم (۱۶۱-۱۶۰/۳)، یادداشتهای قزوینی (۹۵۰/۴).

مستوفی، کاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماری‌های پوست و آمیزی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی بیماری‌های پوست از دانشگاه تهران، گذراندن دوره تکمیلی بیماری‌های پوست در کشور انگلستان و اخذ مدرک کلینیکال آسیستان.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

استفاده از قطره Sabin در درمان بیماری‌ها، کاربرد لوامیزول در ازدیاد ایمنی بدن، درمان بیماری سالک، بررسی تزریق گلوکانتیم در درمان بیماری سالک، بررسی تست توبرکولین در بیماران مبتلا به پورنابین، بررسی آنتی‌کورها در درمان بیماری‌ها، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

بررسی فعالیت NBT در بیماری‌ها، گزارش بیماری بلم. گزارش سالک در سر، بررسی آماری B.C.C در مشهد.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج میرزا محمدحسین بن العلم العلام و الحججه الاسلام المرحوم حاج میرزا محمود مسجد جامعی تهرانی از علماء مبرز و فضلاء برجسته حوزه علمیه قم است.

در سال ۱۳۳۶ قمری در تهران متولد شده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات به قم آمده و چند سالی توقف و سطوح متوسط و عالی را از مدرسین و علماء حوزه علمیه آموخته آنگاه مهاجرت به نجف اشرف و چندین سال از محضر آیات عظام و مراجع کرام نجف چون آیت‌الله العظمی حکیم و آیت‌الله العظمی خوئی مدظله استفاده نموده تا به مدارج عالی علم و کمال رسیده سپس در سال ۱۳۷۸ قمری مراجعت به ایران و در (قم حرم آل محمد علیهم السلام) رحل اقامت افکنده و از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی تا آخر عمر آن جناب استفاده نموده و پس از رحلت آن مرحوم منحصرأ به درس فقه و اصول حضرت آیت‌الله العظمی اراکی شرکت و ضمناً به تدریس سطوح عالی اشتغال دارند.

و از خصایص آنجنابست که متون علوم ادبیه و فقه و اصول و فلسفه و بالخصوص تمام کلام‌الله مجید رامن البدوالی الختم از حفظ دارند و این از نوادر روحانیت و افتخارات جامعه تشیع است.

نگارنده گوید علامه مسجد جامعی از دانشمندان بسیار آراسته و دارای ملکات فاضله اخلاقی و واجد محاسن آداب و مکارم اخلاق و معرض از شئون روحی از امامت و غیره می‌باشند و غالباً هم در منزل خود به مطالعات و مباحثات علمی اشتغال دارند و کمتر در اجتماعات شرکت می‌نمایند.

از آثار ایشانست تقریرات و در اسات دروس فقه و اصول استادش آیت‌الله العظمی اراکی که به رشته تحریر درآورده است. برادر ارجمند ایشان جناب حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا مصطفی مسجد جامعی از علماء فعال و خدمتگذار تهران است که در مسجد المصطفی (همت آباد سابق) اقامه جماعت نموده و تبلیغ دین و احکام مبین اسلامی را می‌نمایند.

و مخفی نماند که این دو برادر از بیوتات اصیل و ریشه‌دار روحانیت تهران است که از چند قرن قبل تاکنون ریاست علمی و روحانی مرکز را داشته و دارند. مرحوم آیت‌الله حاج میرزا عبدالله سعید تهرانی عموی معظم آنان و مرحوم آیت‌الله حاج میرزا عبدالعلی تهرانی دائی گرامی ایشان می‌باشد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مسجد شاهی اصفهانی، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند علامه شیخ محمدحسین بن حاج شیخ محمدباقر نجفی از اجله علماء و فقهاء و مدرسین اصفهان بوده در نجف اشرف در جمعه ۲۰ محرم ۱۲۸۷ قمری از دختر مرحوم علامه فقید سید صدرالدین عاملی متولد گردیده در خدمت پدر دانشمند خود و سید ابراهیم قزوینی و میرزا حبیب‌الله تهرانی معروف به ذوالقنون و آخوند خراسانی و آقا سید محمدکاظم یزدی و شیخ‌الشریعه اصفهانی و حاج آقا رضا همدانی و خصوصاً آقا سید محمد فشارکی تحصیل نموده تا در علوم فقه و اصول و ریاضی و نجوم و ادب سر آمد اقران گردیده و جامع معقول و منقول شده در تمام علوم اطلاعاتی فراوان یافت، در فقه و اصول مجتهدی بارع و در فلسفه و حکمت

و ریاضی از محققین بشمار می‌رفت در سال ۱۳۳۳ به ایران مهاجرت کرده و در اصفهان ساکن و به درس و مباحثه و اقامه جماعت و افتاء اشتغال جسته در معاشرت و حسن خلق بر بسیاری از معاصرین خود امتیاز داشت، شریک درس و بحث مرحوم آیت‌الله حایری بود در اوائل سال ۱۳۴۴ قمری وارد قم و مورد استقبال گرم و تکریم آیه‌الله و حوزه علمیه گردیده و در مدرسه فیضیه شروع به تدریس نموده و به منبر افاضه و افاده قرار گرفت و حدود یک سال فضلاء را از مبانی علمی و بیانات متقن خود مستفیض و همواره مرحوم آیت‌الله حایری فضلاء تلامذه خود را توصیه و تشویق به درس ایشان می‌نمود و آن مرحوم تا پس از فوت عمومی گرامش آیت‌الله حاج آقا نورالله اصفهانی به تدریس اشتغال داشت و پس از آن به اصفهان مراجعت و در آنجا به تدریس و مرجعیت پرداخت تا شب یکشنبه ۲۴ محرم سال ۱۳۶۲ وفات نموده و در بقعه جدش شیخ محمدتقی مدفون گردید. از اشعار اوست این دو بیت زیر:

الا ان شکل المال فی الدهر منبج

ولکن شکل العلم فیہ عقیم

فمن یشتی منی جمیع فضایی

فانی بانحاء العلوم علیم

حدود سی جلد کتاب و آثار در علوم و فنون مختلفه دارد که بعضی طبع و الباقی مخطوط مانده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

مسجدی، حیدر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حیدر مسجدی

محل تولد: کاظمین عراق

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حیدر مسجدی متولد ۱۳۴۶ در شهر کاظمین متولد شدم. و پس از تحصیلات ابتدائی و راهنمایی، توسط ساواک رژیم بعث همراه خانواده دستگیر شدیم و به زندان روانه شدیم. دو برادرم زیر شکنجه های وحشی شهید شدند و ما به سوی ایران روانه شدیم. از سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس مقدماتی را در مدرسه شهید صدر گذراندم. سپس دروس سطح و خارج راز محضر اساتید بزرگوار استفاده کردم از جمله آیه الله احمدی یزدی، آیه الله حسین نجاتی، آیه الله هادی آل راضی، آیه الله احمد مددی، که بخش مهمی از علوم حدیث و نکات بسیار ظریف فقهی و اصولی را از محضر استاد بزرگوار آیه الله احمد مددی استفاده کردم، که لازم می دانم از ایشان تشکر کنم و از او به نیکی یاد کنم. در سال ۱۳۷۱ تا سال ۱۳۷۴ در موسسه (دائرة المعارف فقه اسلامی) مشغول تحقیقات اسلامی شدم، و در تالیف کتاب (معجم فقه الجواهر) شرکت نمودم. در سال ۱۳۷۵ وارد موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث شدم و در رشته حدیث مشغول تحقیق شدم.

مسجدی، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای ریوی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۵۶، دکترای تخصصی بیماریهای داخلی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۲، فوق تخصص بیماریهای ریوی دستگاه تنفس از دانشگاه تهران و هاروارد آمریکا در سال ۱۳۶۷، دیپلم بیماریهای سل از انستیتوسل ژاپن در سال ۱۳۶۸.

مرتبه علمی:

عضویت در هیأت علمی و دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۶۲.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی سلامت و بیماری در ایران، آلودگی هوای شهر تهران، درمان سل، تشخیص سل، بیماریهای انترستیسیل ریوی، سرطان ریه و راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۴ پایان‌نامه دکترای آزمایشگاهی و داروسازی و ۹ پایان‌نامه پزشکی عمومی و ۳ پایان‌نامه دکترای تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

جراحی عروق محیطی و بیماریهای عروق کرونر (ترجمه)، مبانی سل شناسی، سل شناسی بالینی و کلیات پزشکی برای تکنسین‌های مبارزه با بیماریها و بهداشت خانواده (تألیف).

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۵

زمینه علمی مقالات:

دارو و درمان، نبض، خلاصه مقالات کنگره‌های داخلی و مقالاتی چند در زمینه سل و بیماریهای ریوی. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مسرور اصفهانی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۷-۱۲۶۹ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به مسرور. در قریه‌ی کوپای اصفهان به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات مقدماتی به فراگیری صرف، نحو، معانی، بیان، منطق، فقه، اصول و حکمت نزد اساتید عصر پرداخت. او سپس در مدارس جدید به تحصیل مشغول شد آنگاه به تهران آمد و به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و در دارالفنون و دبیرستان نظام به تدریس پرداخت. وی فنون شعر را از فرصت‌الدوله شیرازی و دهقان سامانی آموخت. او زبانهای عربی و فرانسه و انگلیسی را خوب می‌دانست و از زبان پهلوی اطلاعاتی داشت. در ۱۳۵۲ ق که از طرف انجمن ادبی ایران به نظم آوردن مضامین الواح تخت جمشید به مسابقه گذارده شده بود، مسرور از میان پنجاه شاعر برجسته‌ی شرکت کننده حائز رتبه‌ی اول گردید و نیز در موقع افتتاح آرامگاه حکیم فردوسی شعر او مقام اول را به دست آورد. وی گذشته از استادی در زمینه‌ی شعر در نثر نیز توانا بود و از هنر موسیقی و خوشنویسی نیز بهره داشت. مقالات ادبی و تاریخی او در مجلات «ارمغان» و «یغما» چاپ شده است. او مدتی مدیریت برنامه‌های ایران در آینه‌ی زمان و شهر سخن را، در رادیو ایران، به عهده داشت. سرانجام در تهران وفات یافت و در قبرستان ظهیرالدوله به خاک سپرده شد. از آثار وی: «امثال سائره»، «خواجو کرمانی»، «داستان تاریخی محمود افغان»، «ده نفر قزلباش»، «فرهنگ زبان»، «قران یا سرگذشت لطفعلی خان زند»، «نی‌زن بیابان»، «هنرنامه»، شعر. اثر دیگر او مجموعه اشعارش می‌باشد که نخست تحت نام «راز الهام» در ۱۳۳۸ ش و سپس تحت نام «یادگار سخنیار»، در ۱۳۴۷ ش، در سال وفات وی، منتشر شد. [۱]

حسین مسرور سخنیار اصفهانی، متخلص به مسرور، فرزند حاجی محمدجواد تاجر کوپایی به سال ۱۳۰۸ هجری قمری در کوپای اصفهان تولد یافته و از پایان تحصیلات به خدمت وزارت فرهنگ درآمد است.

حسین مسرور که شاعری توانا و استاد بود، در نثر نویسی نیز مهارتی فوق‌العاده داشت و داستان‌های تاریخی «ده نفر قزلباش» وی که تاریخ دوران صفویه را مطرح می‌سازد، به بهترین وجهی آن عصر را نمایان می‌سازد. این شاعر کتاب شعری دارد به نام «راز الهام» که در سال ۱۳۳۸ خورشیدی منتشر گردیده است.

«کرشمه‌ی پری»

بکرشمه‌ای پری - دل آشنا بری

من و یاد روی تو - تو بیاد دیگری

تو ای نسیم سحری - ببر بجانان خبری

پیک روز جدایی

باد خزان تو بودی - که گلم را ربودی

همه گلشن بدیدم - تو ز گل‌ها نبودی

تویی ای نگار من - گل من بهار من

به سپیده‌دم رسد - شب انتظار من

ز گریبان شب چو مه سر آرد بیرون

ز غم دوریت شود دلم غرق خون

خزان چو گردد سپری - شود بهار دگری

شکوفه آید به چمن - صبا کند جلوه‌گری

بکرشمه‌ای پری - دل آشنا بری

من و یاد روی تو - تو بیاد دیگری

«عشرت دنیا»

عشرت دنیا مصیبت مردم دانا نبود
یا که خود عشرت نصیب مردم دنیا نبود
عشق هر جایی، قلم بر عقل پا برجا کشید
خاصه ما را کز ازل، خود عقل پا برجا نبود...!
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] ادبیات معاصر (۸۷-۸۶)، ادبیات نوین (۱۴۴، ۸۴)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۴۵-۴۴۳)، دویت سخنور (۳۸۱-۳۷۹)، الذریعه (۲۵/۲۵۱، ۲۴/۴۳۶، ۱۷/۶۷، ۱۶/۲۰۱، ۱۰۳۵-۱۰۳۴/۹، ۸/۲۸۵، ۷/۲۶۸)، راهنمای کتاب (س ۱۱، ش ۷، ص ۴۲۲)، سرآمدان فرهنگ (۳۱۰-۳۰۹/۱)، سخنوران نامی (۴۳۴-۴۲۲/۲)، سخنوران نامی معاصر (۳۲۸۴-۳۲۷۷/۵)، سواد و بیاض (۵۷۰)، شرح حال رجال (۵/۷۹)، فرهنگ سخنوران (۸۳۷)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۲۳، ۳۳۳۹، ۲۵۲۹، ۲۴۲۸، ۲/۱۶۱۵، ۱۴۸۷، ۱۳۲۶، ۱۲۹۳، ۱/۳۳۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۸۱-۲/۸۷۹).

مسروق طوسی ابوالعباس، احمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۹۹ / ۲۸۹-۲۸۷ ق)، صوفی و محدث. از بزرگان و اقطاب بود. در شهر طوس متولد شد، و در بغداد زندگی می‌کرد، و در همان جا دار فانی را وداع گفت. وی از استادان ابوعلی رودباری و شاگرد حارث محاسبی، سری سقطی و محمد بن منصور، محمد بن الحسین البرجلانی بود. از خلف بزاز و ابن مدائنی حدیث شنید. از آثار وی: «جزء القناعه».
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۳۶۱)، تاریخ الاسلام (حوادث ۷۴ / ۳۰۰-۲۹۱)، تاریخ بغداد (۱۰۰/۵)، تاریخ نیشابور (۲۲۹)، تذکره‌الاولیاء (۲/ ۱۱۵)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (۶۴-۶۳)، حلیه‌الاولیاء (۱۰/ ۲۱۳)، ریحانه (۱۸۰، ۱۷۹/ ۷)، سیر النبلاء (۳۲۶/ ۱۱)، طبقات الصوفیه سلمی (۲۴۱-۲۳۷)، طبقات الصوفیه هروی (۲۴۵)، طرائق الحقائق (۲/ ۴۲۵)، کشف المحجوب (۱۸۵)، لسان المیزان (۱/ ۴۳۹)، لغت‌نامه (ذیل / ابوالعباس)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۲۹۰)، مروج الذهب، ترجمه (۲/ ۶۸۹)، معجم المؤلفین (۲/ ۱۷۵)، نامه‌ی دانشوران (۵/ ۲۷۶)، نفحات الانس (۸۹)، هفت اقلیم (۲/ ۱۹۳).

مسعود، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: ایمونولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی میکروبی‌شناسی و ایمونولوژی از دانشگاه کلودبرنارد فرانسه در سال ۱۳۵۲.

مرتبه علمی:

استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۵۲ تا کنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ارزش RAST در Ige تأثیر هورمون در تکامل معمولی، بررسی ایمونولوژیک توکسوپلاسموز در مادران حامله، بررسی ایمنی سلولی در توکسوپلاسم، تدریس درس ایمونولوژی در دانشگاه تهران، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

ایمونولوژی و مبانی ایمونولوژی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: -، تعداد مقالات به زبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

مقالات بسیار متعدد است از جمله: ارزش تشخیص سرولوژیک در لوپوس، روشهای تشخیص Ige در آلرژی، پذیرنده‌های

ایمونوکلونینی در PR, CLL. Diagnostisic de

بر گرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مسعود، جعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: بهداشت، دانشکده: بهداشت، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای دامپزشکی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۰، کارشناسی ارشد انگل‌شناسی از دانشکده بهداشت و بیماریهای گرمسیری

دانشگاه لندن در سال ۱۳۴۸، دکترای انگل‌شناسی از دانشکده بهداشت و بیماریهای گرمسیری در سال ۱۳۵۴، اتمام دوره تکمیلی

علوم آزمایشگاهی در دانشگاه علوم پزشکی ایران.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۳، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۵۳ تا سال ۱۳۶۳، و

استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۶۳.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح‌های کنترل و مبارزه با بیماریهای انگلی، کم‌خونی و عوارض ناشی از آلودگیهای گرمی، تهیه آنتی‌ژن خالص از کرمها جهت

تشخیص، بررسی بیولوژی انگل‌های منتقله به وسیله حلزونها، تعیین خون حلزونهای آبی ایران، نظارت بر ۷۰ پایان‌نامه دکترا و

کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

کرم‌شناسی و انگل‌شناسی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۵۰

زمینه علمی مقالات:

انگل‌شناسی (کرم‌شناسی) اکولوژی، بیولوژی، اپیدمیولوژی، پاتولوژی، حلزون‌شناسی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مسعودزاده، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدرضا مسعودزاده

محل تولد: باب انار - جهرم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۶/۵ زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا مسعود زاده متولد ۱۳۳۸ در قریه باب انار از توابع شهرستان جهرم (استان فارس) تحصیلات خود را بعد از اخذ دیپلم فنی رشته برق در سال ۱۳۵۵ کاردانی رشته مزبور الکتروتکنیک از انستیتو شیراز در سال ۱۳۵۸ پس از مدت کوتاهی در سپاه پاسداران (۶ماه) در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس حوزوی را شروع کردم در سال ۱۳۶۷ پس از اتمام سطح وارد دروس خارج گردیدم در سال ۱۳۷۴ وارد دروس تخصصی رشته تفسیر و علوم قرآنی گردیدم و هم اکنون مشغول تدوین پایان نامه آن می باشم.

مسعودی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالحسین علی بن حسین مورخ بزرگ اوایل قرن چهارم (ف. ۳۴۴ تا ۳۴۶ ه.ق) از آثار وی «مروج الذهب» و «التنبیه والاشراف» (ه.م) را باید نام برد وی در سال ۳۴۵ تا ۳۴۶ ه. در فسطاط مصروفات نمود.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

مسعودی پنج دهی مروزی، تاج‌الدین، ابوعبدالله محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۸۴ - ۵۲۲/۵۲۱ ق)، فقیه، محدث، لغوی و صوفی. نسبتش به پنج ده، از قرای مرورود، می‌رسد. چون نیای بزرگش مسعود بود به مسعودی مشهور شد. او ساکن خانقاه سمیسطیه دمشق بود. در مرو و هرات و سجستان و بلخ و سرخس و نیشابور و کرمان و اصفهان و همدان و تبریز و بغداد و موصل و مصر از پدرش و عبدالسلام بن احمد بکبره و مسعود بن محمد غانمی و ابونضر فامی و ابوالمظفر تریکی بغدادی و ابوالوقت عبدالاول و عبدالله بن عمر سجزی و عمر بن محمد بسطامی و ابوبکر محمد بن علی طوسی و ابوالمعالی مقری و عبدالرحمان بن احمد طوسی و ابن‌رفاعه سعدی و مسعود ثقفی و عبدالصبور بن عبدالسلام و سلفی حافظ و جماعتی دیگر حدیث شنید. در ۵۷۵ ق در مصر مجالس املائی حدیث برپا کرد. او معلم ملک افضل فرزند سلطان صلاح‌الدین بود. ابن‌مفضل و ابوالقاسم بن عساکر و ابواحمد بن تاجر و ابواحمد بن سکینه و دیگران از وی روایت کردند. او شرحی کامل بر «مقامات» حریری نگاشت که به گفته‌ی ابن‌خلکان نظیر نداشت و در پنج مجلد بزرگ بود و بدین علت به مسعودی شارح «مقامات» معروف شد. او در دمشق درگذشت و در دامنه‌ی کوه قاسیون دفن شد. از آثارش: «مغانی المقامات فی معانی المقامات»، که همان شرح «مقامات حریری»، است؛ «الایضاح فی جمع المغرب».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۶۵-۶۴/۷)، الاعلام بوفیات الاعلام (۳۹۵/۲)، سیر النبلاء (۱۷۵-۱۷۳/۲۱)، شذرات الذهب (۲۸۱-۲۸۰/۴)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۲۵۳/۲)، طبقات الشافعیه‌ی ابن قاضی شهبه (۳۷/۲)، العبر (۸۸/۳)، کشف الظنون (۱۷۹۰-۱۷۸۹)، لسان المیزان (۲۹۲-۲۹۱/۶)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۲۳-۲۱/۱۹)، معجم الادباء (۲۱۶-۲۱۵/۱۸)، معجم البلدان (۵۹۱/۱)، معجم المؤلفین (۱۵۵/۱۰)، میزان الاعتدال (۶۰۰/۳)، الوافی بالوفیات (۲۳۳/۳)، وفیات الاعیان (۳۹۲-۳۹۰/۴)، هدیه العارفین (۱۰۱/۲).

مسعودی کوهستانی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، مورخ. ساکن ماوراءالنهر بود و در دربار ابوالغازی سلطان عبداللطیف خان ازبک (۹۵۹-۹۴۷ ق) می‌زیست و به فرمان این پادشاه کتابی به نام بنیان‌گذار این سلسله، ابوالخیر خان، تألیف نمود و نام آن را «تاریخ ابوالخیر خانی» نهاد. در این کتاب تاریخ عمومی، از خلقت تا سده‌ی دهم، با نثری مزین و آمیخته به نظم بیان شده، ولی هدف اصلی از تألیف آن ظاهراً بیان تاریخ سلاطین ازبک بوده است. داستانهای این کتاب شامل خلقت عالم، تاریخ پیامبران، خلفای راشدین، ائمه‌ی اثنی عشر (ع)، بنی‌امیه، بنی‌عباس، شاهان و سلسله‌های ایران، از کیومرث تا یزدگرد، صفاریان، سامانیان، غزنویان، سلجوقیان، چنگیزخان و جانشینان، هلوکو خان و جانشینان، جلایریان و سرگذشت ابوالخیر خان و سلسله‌ی ازبکان می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۵۵۴/۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۵۵).

مسعودی مروزی، ابوالخیر، ابوعبدالله محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۴۳ ق)، فقیه شافعی، نحوی، لغوی و ادیب. مروزی در بین شافعیان به مسعودی معروف بود. نزد ابوبکر قفال مروزی فقه آموخت و برآمد و از اقران شیخ خود گشت. او از قفال و ابونصر محمودی حدیث شنید. مسعودی در نحو و لغت و ادب مشهور زمان خود بود. قاضی ابومنصور سمعانی از او روایت کرد. امام غزالی در کتاب خود، «الوسیط»، از او حکایت کرده است. به گفته‌ی سمعانی وی در ابتدا از اصحاب الرای بود که چون مصاحب قفال شد جزء اصحاب الحدیث گشت. وفات او را حدود ۴۲۰ ق نیز ذکر کرده‌اند. از آثارش: شرح «مختصر المزنی»، در فروع فقه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۱۷۴-۴/۱۷۱)، کشف الظنون (۱۶۳۵)، معجم الادباء (۲۱۴-۱۸/۲۱۳)، معجم المؤلفین (۲۵۹، ۲۴۸، ۲۲۵-۱۰/۲۲۴)، الوافی بالوفیات (۳۲۲-۳/۳۲۱)، وفیات الاعیان (۲۱۴-۴/۲۱۳).

مسعودی، اصغر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اصغر مسعودی

محل تولد: نی ریز فارس

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ بعد از اخذ دیپلم تجربی وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه امام صادق (ع) به تحصیل پرداختم و در تابستان همان سال حاشیه و سیوطی را خواندم و از سال دوم در مدرسه امام صادق شروع به تدریس درس‌هایی که خوانده ام جامع المقدمات و صرف ساده نمودم و تا پایان سطح، دروس را به صورت جهشی گذراندم.

متأسفانه مدتی از کار علمی صرف جدا به کار فرهنگی در معاونت سازمان تبلیغات اسلامی سنندج و مسئولیت سازمان تبلیغات اسلامی مریوان و مهاباد خدمت نمودم و در سال ۷۲ مسئول نمونه استان کردستان برگزیده شدم. سه کتاب سیمای سنندج، وضعیت

فرهنگی اجتماعی مریوان، وضعیت فرهنگی اجتماعی مهاباد را نوشتم و سپس سیری در مهاباد و جمهوری ۱۹۴۶ را به رشته تحریر در آوردم.

مدتی در قم در ستاد منطقه ۲ کشوری مسئول واحد آموزش و سر دبیر مجله پیک یاران بودم و کتاب پاسداری از حریم کتابت را نوشتم بیش از دو سال از محضر اساتید معظم خارج آیات عظام فاضل ره، مکارم حفظه الله و سبحانی حفظه الله کسب فیض نمودم. در سال ۱۳۸۲ در دانشگاه باقرالعلوم ع در رشته فلسفه و کلام در مقطع کارشناسی ارشد قبول و در سال ۱۳۸۴ از پایان نامه ام با موضوع سعادت از منظر فارابی و ابن سینا دفاع نمودم و در سال ۱۳۸۴ در جشنواره ممتازین بسیجی و شاهد کشور رتبه سوم کشوری را کسب نمودم. و اکنون با گروه فلسفه و کلام مدرسه حجتیه همکاری و درس فلسفه مقدماتی را تدریس می نمایم. مدتی نیز در دانشگاه پیام نور دروس معارف، اخلاق کاربردی و کلیات فلسفه را تدریس نمودم.

مسعودی، جهانگیر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جهانگیر مسعودی

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای جهانگیر مسعودی در سال ۱۳۴۴ در خانواده‌ای متدین در شهر مشهد به دنیا آمد، ایشان در سال ۱۳۶۰ به حوزه علمیه مشهد راه یافت، مقدمات و سطح را در هشت سال تمام و پس از آن به مرحله عالی راه یافت و در درس خارج آیات عظام، مرتضوی و زنجانی شرکت نمود. ایشان علاوه بر تحصیل علوم حوزوی از تحصیل دروس دانشگاهی غافل نماند و در سال ۱۳۸۲ در رشته فلسفه و کلام اسلامی در مقطع دکتر از دانشگاه تربیت مدرس تهران فارغ التحصیل شد، پس از به زادگاه خویش برگشت و بر کرسی تدریس در دانشگاهها نشست. در زمینه پژوهش نیز زحمات فراوانی را متحمل شده که به صورت مقاله و کتاب به جامعه اسلامی عرضه گشته‌اند.

مسعودی، عبدالهادی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالهادی مسعودی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۰ هجری شمسی به مدرسه رفتم و در ۱۳۶۲ هجری شمسی دیپلم ریاضی فیزیک گرفتم و پس از یکسال درس مهندسی صنایع در دانشگاه صنعتی شریف، کلیه درس های جدید را رها کرده و به درس حوزه که از دبیرستان آغاز کرده بودم به صورت تمام وقت پرداختم و از محضر اساتیدی همچون پدرم، مرحوم روشنی، آیت الله قدیری، مرحوم پایانی، آقای نیری همدانی و مرحوم آیت الله زاده اراکی سود بردم پس از اتمام تحصیلات سطح در سال ۱۳۶۹ هجری شمسی به درس خارج آیت الله شیخ جواد تبریزی حاضر شدم و دو سال اصول فقه و ۵ سال فقه طهارت و حدود را نزد ایشان تلمذ کردم و سپس به مدت ۸ سال درس اصول آیه الله وحید خراسانی و ۵ سال فقه استاد آیت الله شبیری زنجانی شرکت جستم. از سال ۱۳۶۹ هجری شمسی کار بر روی حدیث را به صورت جدی و رسمی آغاز کردم و تاکنون به صورت مطالعه و فیش برداری موضوعی کتب حدیث، تبویب و دسته بندی احادیث شیعه و اهل سنت، ترجمه، تلخیص و ... تدوین رساله ها، مقاله ها و کتاب های مربوط به حدیث، کارهایی ارائه داده ام. همچنین با مراکز مختلف علمی و پژوهشی ارتباط مشورتی داشته و سالهاست در دو حوزه فقه و حدیث، در حوزه و دانشگاه تدریس می کنم. اینجانب در کنار دروس اصلی فقه و اصول اندکی فلسفه و منطق نیز خوانده ام و با کلام نیز به گونه ای مختصر آشنا هستم. همچنین سالهاست که به دلیل ارتباط کاری از قرآن و تفاسیر آن نیز استفاده می برم و به همین دلیل مطالعه احادیث اخلاقی و نه عمل به آن، مطالبی را در رادیو معارف و رادیو قرآن و نیز سیمای جمهوری اسلامی ارائه داده ام. زندگی علمی من در مطالعه حدیث و علوم جانبی آن، نشر مقالات حدیثی و تدریس فقه و حدیث و سخنرانی و نیز ترجمه احادیث و تلخیص بوده و هم اکنون نیز ادامه دارد

مسعودی، علی اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اکبر مسعودی

محل تولد : خمین

شهرت : مسعودی خمینی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۰/۱/۱

زندگینامه علمی

آیه الله علی اکبر مسعودی خمینی در سال ۱۳۱۰ هجری شمسی در خمین متولد شد. پدرش - مرحوم غلامعلی مسعودی - به پیشه

قنّادی روزگار می‌گذراند. جدّ وی به دلیل اینکه گلپایگان دچار قحطی شده بود، به خمین هجرت کرده و در آنجا ازدواج نموده بود. در خلال این سالها، خداوند به وی فرزندی به نام غلامعلی اعطا می‌کند که در خمین به زندگی می‌پردازد. خانواده آیه الله مسعودی خانواده‌ای ساده و در حدّ متوسط مردم، بلکه پایین‌تر از آنها در زندگی و معیشت بود که در محلّه سبزی کارها می‌زیسته است. آیه الله مسعودی خمینی، در شش سالگی به امر پدر راهی مکتب خانه شد. در خمین مکتب داری زندگی می‌کرد که نام او، شیخ ابوالقاسم بود و حضرت امام خمینی (ره) نیز نزد ایشان درس خوانده بود. در مقطعی که آیه الله مسعودی به نزد ایشان می‌رفت، وی هشتاد ساله بود. حضور در مکتب خانه دو یا سه سال به طول انجامید و پس از آن، وی در مدرسه شش کلاسه‌ای در خمین نام نویسی کرد و چون، سال اول را در مکتب گذرانده بود، در پایه دوم به تحصیل پرداخت. از جمله کسانی که در آن دوره در آن مدرسه درس می‌خواندند، آیه الله رضوانی و آیه الله جلالی خمینی بودند که تا پایه پنجم با آیه الله مسعودی، همراه بودند. وضعیت نابسامان معیشتی خانواده، او را بر آن می‌داشت که در کنار درس، به کار نیز پردازد؛ اما این مسئله با مخالفت پدر و مادر وی همراه بود. ایشان با وجود کمبودهای مالی، علاقه داشتند که فرزندشان به تحصیل علوم دینی پردازد و به مسلک روحانیت درآید. علاقه خانواده ایشان به روحانیت به حدی بود، که با آن وضع اقتصادی، هر شب جمعه از مرحوم سید محمدتقی خوانساری پدر آیت الله حاج سید مهدی خوانساری غضنفری دعوت می‌کردند تا به منزل ایشان بیاید و آبگوشت و نان و پنیری با هم تناول کنند. وارستگی و زهد مرحوم خوانساری، در آیه الله مسعودی تأثیر به‌سزایی داشت و او را بیش از پیش، به در پیش گرفتن مسیر عالمان ربّانی تشویق می‌کرد. از دیگر کسانی که انگیزه ایشان را برای ورود به حوزه فزونی بخشید، مرحوم حاج شیخ احمد آل طاهر از شاگردان مرحوم عارف واصل آخوند کاشانی در اصفهان بود که برای اقامه نماز و پیشوایی مردم به خمین آمده بود. رفتار و سخنان دلنشین ایشان، کودک خردسال آن روز را شیفته و حیران خود کرده بود. وی، بعدها جامع المقدمات را نزد ایشان فرا گرفت. با پایان یافتن جامع المقدمات، در سن پانزده سالگی، به اراک رفت و به تحصیل سیوطی و حاشیه ملاعبدالله پرداخت. با پایان یافتن کتاب معالم، راهی قم شد تا از محضر عالمان آن دیار کسب فیض کند. در قم، مدرسه «دارالشفاء» ساکن شد و با جدّ و جهد دروس سطح را به پایان برد. سپس برای تحصیل درس خارج، از محضر علمای بزرگی همچون امام خمینی (ره) و آیه الله بهجت بهره برد. وی درباره اولین آشنایی با امام (ره) می‌گوید: «یک بار بنده از خیابان ارم قم عبور می‌کردم. وقتی از کنار مسجد محمدیه رد شدم، صدای غزّایی به گوش من رسید. نگاهی به داخل مسجد افکندم و دیدم که آقایی در حال تدریس است و شاگردان زیادی هم دارد. در کنار در ایستادم تا درس استاد تمام شد. بعد از یکی از شاگردان ایشان پرسیدم که ایشان کیست؟ گفت: حاج آقا روح الله خمینی است». آیه الله مسعودی، در کنار تحصیل فقه و اصول، دروس دیگر حوزوی از جمله فلسفه و تفسیر را در محضر عالمان وارسته‌ای همچون علامه طباطبایی می‌آموخت و در جلسات اخلاقی، استادان بزرگ حوزه همچون حاج آقا حسین فاطمی که شبهای پنج‌شنبه در منزل جلسه‌ای اخلاقی داشت با جدّیت شرکت می‌نمود تا علم را با عمل توأم سازد. آیه الله مسعودی خمینی در دوران تحصیل خود، به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد. ایشان در خمین، جامع المقدمات را نزد مرحوم شیخ احمد آل طاهر فرا گرفت و بخشی از «صمدیه» را که به دلیل برخورد با فصل تابستان باقی مانده بود، نزد آقای صدر که از اقوام امام (ره) بود، خواند. در اراک، حاشیه ملاعبدالله را نزد سید علی اراکی آموخت و مطول را نزد استاد ارجمند میرزا جعفر سبحانی آموخت و بخشی دیگر آن را نزد آقا شیخ حسین بادکوبه‌ای فرا گرفت. با آمدن به قم، معالم را که در اراک فرا گرفته بود، دیگر بار نزد میرزا جعفر سبحانی آموخت مقداری از شرح لمعه را نزد امام موسی صدر و بخشی را نزد آیت الله شیخ جواد تبریزی خواند و نیز رسائل و مکاسب را نزد آقایان مشکینی، شیخ اسدالله اصفهانی و شیخ عبدالجواد جبل عاملی اصفهانی فرا گرفت. قسمت عمده کفایه را نیز نزد شیخ عبدالجواد جبل عاملی اصفهانی آموخت. برای فراگیری منطق، به نزد آقای سید جلال آشتیانی رفت و منظومه را نزد آقای فکور و ملکوتی و نیز حاج آقا رضا صدر فرا گرفت. برای تحصیل اسفار و تفسیر نیز در درس علامه طباطبایی شرکت نمود. وی

برای تحصیل درس خارج از محضر عالمان بزرگی همچون امام خمینی (ره)، آیه الله گلپایگانی و آیه الله بهجت بهره برد. وی درباره درس امام (ره) می‌گوید: «یکی از خصوصیات حضرت امام این بود که شاگردان خود را وادار به مطالعه می‌کرد. دلیل آن هم این بود که حضرت امام در خلال درس از کلمات بزرگانی همچون آقایان نائینی، آقاضیاء عراقی و آقای کمپانی استفاده می‌کردند و لازم بود که شاگردان ایشان به منابع و مأخذ مربوطه رجوع کرده و خود، عین عبارت بزرگان یاد شده را ملاحظه کنند. از دیگر خصوصیات امام این بود که شاگردان را وادار به اظهار نظر می‌کرد و معتقد بود هر یک از آقایان در موردی از موارد که دیدگاهی دارد، باید زمینه را برای اظهار آن مهیا ببیند». درباره شیوه تدریس آیه الله بهجت نیز می‌گوید: «در خصوص شیوه تدریس آقای بهجت باید بگویم که ایشان بر خلاف سایر آقایان، این گونه نیست که در درس خارجشان، به نقل و نقد نظرات امثال مرحوم نائینی و آقاضیاء عراقی و مرحوم آخوند و مرحوم فشارکی و مانند آن پردازند. ایشان شیوه دیگری دارند و آن، این است که ایشان بحث را شروع می‌کنند و دیدگاه خود را مطرح می‌کنند و برای آن استدلال می‌کنند. در این حال خود شاگرد باید بررسی کند که دلایل استاد، ردّ نظریه کدام یک از علماست». آیه الله مسعودی خمینی، از محضر چند تن از علما برای امور حسبیّه، اجازه دریافت نمود. اولین اجازه ایشان، از حضرت امام (ره) بود. پس از ایشان نیز، از آقایان گلپایگانی و بهجت نیز اجازه دریافت کرد. وی در دوران تحصیل، با طلاب و فضیلاب بسیاری رابطه دوستانه داشت که از آن میان می‌توان آیه الله جلالی خمینی، آیه الله رضوانی و آیه الله مصباح یزدی را نام برد. آیه الله مسعودی خمینی در پیش و پس از انقلاب خدمات علمی و فرهنگی شایانی را به جامعه علمی و فرهنگی کشور ارزانی داشت. وی، در حین تحصیل در حوزه علمیه، کتابهایی را که از پیش فرا گرفته بود، تدریس می‌کرد. از جمله کتاب جامع المقدمات را به طلاب نوآموز یاد می‌داد و به تدریس کتاب حاشیه ملاعبداللّه در مسجد محمدیه قم می‌پرداخت که با استقبال فراوان طلاب روبه رو شد، به گونه‌ای که مسجد، مملوّ از جمعیت می‌شد. از دیگر کتابهایی که ایشان سالها به تدریس آن مشغول بودند، کتاب شرح لمعه و معالم بود که ثمره این تلاشها، تربیت طلاب فاضل و با تقوا در حوزه علمیه قم بود. همچنین ایشان در طول این سالها، تألیفات و یادداشتهای فراوانی نیز داشته که از جمله کتاب «خمس» را می‌توان نام برد که بخش عمده آن در حادثه‌ای از بین رفت و دیگر «تقریر مبحث دماء ثلاثه» امام خمینی (ره) است که به چاپ رسیده است. از خدمات مهم فرهنگی آیه الله مسعودی خمینی، تصدی تولیت آستانه مقدسه حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها و خدمات فراوان به آن است. بارگاه ملکوتی حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها که در روایات آشیانه آل محمد (ص) معرفی شده، یکی از مهم‌ترین پایگاههای شیعه است. عنایت کریمه اهل بیت و فیض حضور او در شهر قم، این شهر را به شهری عالم پرور و سرچشمه مبارزات برای تحقق جمهوری اسلامی ایران قرار داده است و خدمت به این مرکز مهم، خدمت به شیعه، حوزه علمیه، انقلاب اسلامی و پاسداشت خون شهیدان راه استقلال و آزادی است. آیه الله مسعودی خمینی، پس از تصدی تولیت آستانه حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها که با حکم مقام معظم رهبری همراه بود، به عمران و گسترش آن همت گماشتند و با بازسازی و مرمت بخشهایی از آن، میراث فرهنگی بزرگ شیعه را پاس داشتند. ایشان در طی این سالها، موقوفات آستانه را که بخشی از آن به دلیل اهمال از دست آستانه مقدسه خارج شده بود، به حرم مطهر باز گرداندند. همچنین با گسترش کتابخانه حرم، هم از نظر مساحت و هم از نظر تعداد کتب پرداختند، به گونه‌ای که کتابخانه را به مکان شایسته‌تر و تعداد کتب را از حدود بیست و دو هزار به شصت و پنج هزار جلد رساندند و حدود پانصد نسخه کتاب خطی نفیس برای آن تهیه کردند. با تلاش و پیگیری ایشان گنبد مطهر حرم پس از دو بیست و ده سال تعویض و با بهترین طلا-بازسازی گردید همچنین صحن و مسجد جدید در جوار حرم مطهر که از پروژه‌های معظم در توسعه حرم می‌باشد توسط ایشان بنا گردید. از دیگر خدمات ایشان در این عرصه، راه اندازی انتشارات حرم و چاپ کتب مذهبی متعدد و نیز چاپ نشریه‌ای به صاحب امتیازی آستانه مقدسه بود که زائران حرم مطهر، از آن بهره می‌برند. حرمی که آشیانه آل محمد (ص) می‌باشد، باید به پیروی از اهل بیت علیهم السلام، رسیدگی به حال محرومان و مستضعفان را سرلوحه کار خویش قرار

دهد و پناهگاه نیازمندان و درماندگان باشد. در این زمینه، حرم مطهر، طرحهای گسترده‌ای را به انجام رسانده است که همه حکایت از تلاش بی وقفه مسئولین آن، بویژه آیه الله مسعودی دارد. از تلاشهای دیگر ایشان در امور فرهنگی آستانه مقدسه، فراهم آوردن زمینه برای بهره مندی زائران از سخنان علماء و واعظان و مداحان برجسته و نیز برگزاری جلسات مختلف، از جمله دعای ندبه، کمیل و توسل بوده است. همچنین ایشان به نگهداری و بهینه سازی موزه حرم مطهر همت ویژه‌ای گماشته، آن را به مرکزی دیدنی و یادگار عشق مردم ایران به خاندان پیامبرگرامی اسلام (ص) تبدیل نموده است. او همچنین اشیاء گران قیمت که در رژیم سابق پراکنده شده بود را به موزه آستانه مقدسه عودت داد. آیه الله مسعودی خمینی، در پیش و پس از انقلاب خدمات سیاسی فراوانی را برای تحقق انقلاب اسلامی و تداوم آن انجام داده است که ذکر همه آنها در این مختصر نمی‌گنجد. او مانند بسیاری دیگر از عالمان و مجاهدان قرن اخیر، تفکر و خط مشی امام خمینی (ره) را در مبارزه سرلوحه خویش قرار داده و در مواقع حساس و مهم، تابعیت خود را از زعیم عالیقدر شیعه به اثبات رسانده است. شخصیت امام (ره) و شجاعت و صلابت او به حدی بود که اطرافیان و دیگر مبارزان را سخت تحت تأثیر خود قرار می‌داد. وی درباره شجاعت امام (ره) می‌گوید: «بنده در مدتی که خدمت ایشان بودم، هرگز مشاهده نکردم که بی دلیل و صرفاً از سرهوی نفس، عصبانی شوند. در عوض هر جا که پای دین و دیانت و حفظ ارزشهای انسانی و اسلامی به میان می‌آمد، رگهای گردنشان متورم می‌شد و فریاد می‌کشیدند. در سنوات مبارزه، شدیدترین اعتراضات را به شاه آمریکایی نمودند؛ امّا در قبال بی مهری دوستان صبور و حلیم بودند. اگر کسی ایشان را آن گونه که در خورشان بود، تعریف نمی‌کرد یا برای مثال به ایشان آیه الله العظمی نمی‌گفت، ایشان به اندازه سرسوزنی دلگیر نمی‌شد و تغییری در رویه شان مشاهده نمی‌گردید». همچنین درباره ساده زیستی امام (ره) می‌گوید: «به خاطر دارم که در سنه چهل، و چهل و یک، حضرت امام مَهْری در اختیار داشتند که در ذیل جواب به استفتائات و مانند آن، مورد استفاده قرار می‌دادند، منتها برای آغشته کردن قسمت برجسته مهر به جوهر، به علت نداشتن استامپ همواره مشکل داشتند و این مشکل را به نحوی تحمل می‌کردند تا اینکه یک بار بنده به ایشان عرض کردم که اگر اجازه بدهید، من کاری می‌کنم که زحمت شما کمتر شود. فرمودند: چه کار می‌کنی؟ عرض کردم، شما اجازه بدهید. مطمئناً راضی خواهید شد. ایشان هم اجازه دادند. بنده استامپی تهیه کردم و در اختیار ایشان گذاشتم. امام از قیمت استامپ سؤال کردند و نگران قیمت بالای آن بودند؛ ولی در نهایت مورد قبول واقع شد و ایشان از آن به بعد، مهرشان را که در سینه آویز کرده بودند، در می‌آوردند و به استامپ می‌زدند و استفاده می‌کردند». آیه الله مسعودی خمینی از سالهای اولیه مبارزه امام (ره) بر ضد رژیم شاه، با ایشان همراه بود و در سخنرانیهای خود همواره شاه و دار و دسته‌اش را منکوب می‌کرد. وی، پس از هجرت امام به نجف، با زحمت فراوان از مرز ایران خارج شد و با تحمل مشقات در نجف به دیدار امام (ره) شتافت سپس به بیان مشکلات موجود در راه و توسل به امام زمان (عج) برای رهایی از آن مشکلات و رسیدن به نجف پرداخت. امام نیز با شنیدن سخنان او، فرمودند: «هر کس را بخواهند، به مقصد می‌رسانند». پس از بازگشت از نجف، به دستور امام خمینی (ره) عازم سیرجان شد تا به حل مشکلات مردم و آماده‌سازی آنان برای انقلاب بپردازد که این اقامت، چهار سال به طول انجامید. از اقدامات مؤثر ایشان در سیرجان، تأسیس حوزه علمیه آن شهر و نیز دعوت از طلاب و مبلغین قم برای سخنرانی در سیرجان در ایام ماه رمضان، محرم و صفر بود. خدمات ایشان و نیز افشاگریها و سخنرانیهای حماسی، منجر به بازداشت، ممنوع‌المنبر شدن و حتی ممنوع‌الکلام شدن ایشان شد. از این رو وی را به کرمان برده با آرشام رئیس ساواک وقت روبرو شدند. چند روزی در زندان کرمان مانده لیکن با راهپیمائی مردم سیرجان آزاد شدند و تعهد گرفتند که در سیرجان نمانند. بخشی از فعالیت سیاسی آیه الله مسعودی در دهه پنجاه، به مبارزات با جریانات انحرافی و التقاطی معطوف بود. در این دوره آیه الله مسعودی با همراهی آیه الله مصباح یزدی، به افشای طرح دشمن برای تحریف جریان مبارزه و حمایت از تز اسلام منهای روحانیت می‌پرداخت و بر پیروی از خط مرجعیت و روحانیت و انقلاب صددرصد اسلامی پای می‌فشرد. از فعالیتهای مهم ایشان در آستانه پیروزی انقلاب، شرکت در

تحصن علما در دانشگاه تهران و نیز عضویت در کمیته استقبال از امام (ره) بود. همچنین آیه الله مسعودی، از افرادی است که در تشکیل جامعه مدرسین و سازماندهی مجدد آن نقش بسزائی داشته است. وی درباره چگونگی تشکیل جامعه مدرسین، می گوید: «تاریخچه جامعه مدرسین بسیار جالب است و باید در فرصت مقتضی بدان پرداخته شود. شاید پیش از این گفته باشم که هسته اصلی جامعه، قبل از نهضت امام خمینی نهاده شد. عده‌ای از دلسوزان دور هم جمع شدند و در این باره صحبت کردند که حوزه بایستی درب و دروازه داشته باشد و صاحب نظم و انتظامی شود. این هسته عبارت بودند از آقایان: مصباح، رشیدپور، سید ابراهیم خسروشاهی، امینی، مرحوم شیخ محمدعلی قمی و بنده. حدود ده جلسه در خصوص ضرورت تشکیل جامعه مدرسین بحث و تبادل نظر شد و تصمیم بر این شد که نزد بزرگان حوزه و مراجع برویم و به خصوص درباره سطح پایین اخلاق در حوزه گلایه کنیم و بخواهیم که برای رفع این مشکل اقدامی کنند از این رو چند نفر خدمت حضرت امام و سایر مراجع رسیدند که تنها از سوی حضرت امام جواب مثبت شنیدند... در روز اول که بنا شد جلسه جامعه تشکیل شود، به هزار تومان پول نیاز داشتیم و جمع ما که مرکب از حدود چهل تن از علمای بزرگ بود، این وجه را در اختیار نداشتند. آقای مؤمن ابراز کرد که خوب است از شهریه خود آقایان این وجه تهیه شود. هر کدام از اعضا مقداری از این وجه را تقبل کردند و کار را با هزار تومان شروع کردیم. بحث درباره کارهای مثبت جامعه مدرسین در طول سالهای قبل و بعد از انقلاب بسیار مفصل است». در آن سالها، جامعه مدرسین اقدامات مهمی را بر ضد رژیم شاه به انجام رساند که از جمله می توان به خلع ید شاه از حکومت اشاره کرد که موجبات شادی دل امام (ره) را فراهم نمود. پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، آیه الله مسعودی، در مدرسه رفاه، در خدمت امام بود و با تشریف فرمایی امام به قم، به همراه ایشان به قم آمد. آیه الله مسعودی در طول سالهای دفاع مقدس، بارها در کنار رزمندگان حضور یافت و همواره مدافع اسلام و انقلاب بود. ایشان هم اکنون تولیت آستانه مقدسه حضرت معصومه را بر عهده دارد و به خدمت به زائران کریمه اهل بیت می پردازد.

مسعودی، محمد مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد مهدی مسعودی

محل تولد: اقلید

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۷/۳/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب محمد مهدی مسعودی در سال ۱۳۵۷ در اقلید فارس متولد شدم. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان را در زادگاهم گذراندم. در سال ۱۳۷۶ در دوره کارشناسی رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد مقدس پذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۰ از این دانشگاه با احراز رتبه اول در میان فارغ التحصیلان سال مذکور فارغ التحصیل گردیدم. در همین سال در دوره

کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم پذیرفته و از این دانشگاه نیز در سال ۱۳۸۲ با احراز رتبه اول فارغ التحصیل شدم. سپس به خدمت سربازی رفته و بخشی از آن را در دانشگاه امام حسین (ع) با اشتغال به فعالیتهای پژوهشی و بخش دیگر را در پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه با اشتغال به فعالیتهای اجرایی و پژوهشی گروه الهیات پشت سر گذاشتم. پس از آن مدتی با موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث- دانشکده علوم حدیث قم همکاری نمودم و بالاخره در دوره دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم پذیرفته شدم و هم اکنون در این دانشگاه مشغول به تحصیل می باشم. اینجانب مدتی با دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم و هم اکنون نیز با دانشگاه آزاد واحد اقلید همکاری علمی دارم.

مسعودیان، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد مسعودیان

محل تولد: خمینی شهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه علمیه امام خمینی (ره) مشغول تحصیل جامع المقدمات شدم و تا پایان پایه سوم در آن مدرسه حضور داشتم. پس از پایان پایه سوم درس لمعه و اصول فقه را در درسهای استاد محمدی شرکت کردم و سپس رسائل را خدمت همان استاد و مقداری را خدمت استاد اعتمادی تمام نمودم. مکاسب را در درسهای استاد پایانی، استادی، محقق داماد و عراقی همدانی و نکونام شرکت کردم. همچنین درسهای لمعه را خدمت اساتید معظم طالقانی، سعیدی، خاتمی، درس کفایه را خدمت استاد موسوی تهرانی و اعتمادی تلمذ نمودم. سپس در سال ۷۱ یا ۷۲ در درس خارج آیت الله مکارم شیرازی (فقه و اصول) شرکت کردم. همچنین در درس اساتید محترمی همچون آیت الله وحید خراسانی و سبحانی نیز شرکت داشته ام. از سال ۱۳۷۶ کار خود را در واحد پاسخ به سوالات (نهاد رهبری در دانشگاه) آغاز نمودم و از سال ۱۳۷۹ (سال تاسیس) واحد پاسخ به سوالات ستاد اقامه نماز را تحت اشراف حاج آقای کلباسی راه اندازی نموده و تاکنون (۲۴/۱۰/۸۵) مشغول خدمت می باشیم.

مسگر نژاد، جلیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۹، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: علامه

طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۸، کارشناسی ارشد ادبیات فارسی از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۵۱ و دکترای ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه ابوریحان و علامه طباطبائی از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۹ و دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی از سال ۱۳۶۹ تاکنون. زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اخلاق در نهج البلاغه، معراج‌نامه‌ها در زبان فارسی، بررسی دستور زبان فارسی و مقایسه دستورها، زندگینامه سخنران جان‌باخته، دیوان مولانا لسانی شیرازی، انیس الشعراء، پژوهشی در عقاید اهل حق، تدریس دروس مختلف ادبی در دانشگاه‌های علامه طباطبائی تربیت معلم و تهران، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۸ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

مختصری در شناخت عروض و قافیه، شرح خصوص‌الحکم خواجه محمد پارسا و کنزالرموز امیر حسینی تاریخ تصوف و اصطلاحات، عرفان و تصوف.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

شرح خصوص‌الحکم و شروح معتبر آن، تأمل در صحت انتساب شروح خصوص‌الحکم، مقاله‌ای در اصطلاحات صوفیه - غزالی، معرفه‌النفس (خودشناسی) اقبال لاهوری، مقاله (هلال و خیال) در مثنوی مولوی، کلیت و مفهوم در غزل حافظ، رسالت بزرگ و روحی و سیر مفاهیم عرفانی در دیوان خواجه، عرفان و تصوف، اصطلاحات عرفانی، شناخت متون، تاریخ ادبیات و تحقیق در اندیشه‌شناسی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مسلم ملکوتی، عبدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالله مسلم ملکوتی

محل تولد: سراب

شهرت: ملکوتی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۰۳/۱/۱

زندگینامه علمی

حضرت آیه الله میرزا مسلم ملکوتی، در پانزدهم خرداد سال ۱۳۰۳ در حومه شهرستان سراب، واقع در ۱۳۰ کیلومتری تبریز به دنیا آمد. پدرش به شغل کشاورزی روزگار می گذراند و دارای تحصیلاتی نیز بود. اشتیاق خانواده آیه الله ملکوتی و نیز علاقه پدر، او را به تحصیل علوم دینی واداشت؛ به گونه ای که در پنج یا شش سالگی نزد عالم محل که خود از منسوبین او بود، توانست نوشتن و خواندن را فرا گیرد و با قرآن مجید و معارف آن آشنا شود و بخشی از قرآن را حفظ کند. آیه الله ملکوتی، با فرا گرفتن قرآن در زادگاه خود به سراب آمد و در آنجا به فراگیری کتابهای متداول ادبی حوزه علمیه، همانند جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، مطول، منطق و اصول فقه پرداخت و در هفده سالگی برای ادامه تحصیل، به تبریز رفت. در حوزه علمیه تبریز، به مدت چهار سال اقامت داشت و از محضر استادان گرانمایه آن دیار همچون مرحوم آیه الله سید مهدی انگجی، مرحوم آیه الله میرزا فتاح شهیدی و مرحوم آیه الله میرزا محمود دوزدوزانی. بهره برد و کتابهای شرح لمعه، رسائل، مکاسب و کفایه الاصول را به پایان رساند. ایشان در طی این سالها، کتابهایی را که پیش تر فرا گرفته بودند، به طلابی که تازه وارد حوزه شده بودند، تدریس می کردند. با اتمام دوره سطح، در سال ۱۳۲۱ به منظور ادامه تحصیل و بهره گیری از محضر عالمان و دانشمندان قم، بدانجا روانه شد. از نخستین روزهای سکونت در شهر قم، به جد و جهد، در درس بزرگان حوزه علمیه حاضر شد و در علوم معقول و منقول، از محضر بزرگانی چون امام خمینی (ره) و علامه طباطبایی بهره برد. سپس به حوزه علمیه مشهد عزیمت کرد و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا (ع) از درس بزرگان آن دیار، همچون آیه الله میرزا مهدی اصفهانی استفاده نمود. شوق فراگیری علوم دینی، آیه الله ملکوتی را در سال ۱۳۳۴ به سمت نجف اشرف کشاند. انوار علوی چنان بر سر ایشان سایه افکند که توانست در آن دیار، به درس بزرگانی چون آیه الله سید ابوالقاسم خویی، آیه الله سید محسن حکیم راه یابد و کسب فیض نماید؛ همچنین در این مدت از تربیت شاگردان ممتاز در فقه، اصول، فلسفه، کلام، ریاضی و ... غافل نماند و بدین ترتیب، دین خود را به حوزه علمیه آن دیار نیز ادا کرد. اقامت دوازده ساله ایشان در نجف، در سال ۱۳۴۶ به پایان رسید و ایشان برای سپری کردن اوقات فراغت در تابستان، به ایران آمد. با به پایان رسیدن تابستان، بار دیگر قصد نجف اشرف نمود؛ اما در گیریهای آن روز دولت ایران و عراق که به نا امن شدن مرزها انجامیده بود، او را از تصمیم خود بازداشت و دیگر باز، عازم شهر مقدس قم شد. آیه الله ملکوتی، با ورود به شهر قم، تدریس فقه و اصول را آغاز کرد که با استقبال فراوان طلاب مستعد روبرو شد و نیز ایشان در کنار آن به تدریس فلسفه می پرداخت که حاصل آن، ظهور طلابی فرهیخته در حوزه علمیه امروز ماست. دوران تحصیل آیه الله ملکوتی، در محضر بزرگانی سپری شده است که نام هر کدام، همچون ستاره ای در آسمان تشیع می درخشد. ایشان در تبریز، دروس سطح را نزد مرحوم آیه الله میرزا فتاح شهیدی، مرحوم آیه الله سید کاظم شریعتمداری، مرحوم آیه الله میرزا محمود دوزدوزانی و مرحوم آیه الله سید مهدی انگجی آموخت. با ورود به قم، در درس خارج فقه و اصول آقایان مرحوم حاج میرزا محمد فیض قمی و سید محمد حجت شرکت نمود. با ورود آیه الله بروجردی به قم از درس ایشان نیز بهره برد و در علوم عقلی به درس حضرت امام خمینی (ره) رفت. ایشان از امام (ره) به دقت، جدیت و همت بلند معظم له یاد می کند و از سجایای اخلاقی ایشان، حضور دائمی در نماز جماعت را بر می شمرد. همچنین ایشان در علوم عقلی از میرزا مهدی مازندرانی، شیخ ابوالقاسم اصفهانی، میرزا مهدی آشتیانی و علامه طباطبایی نیز بهره برده است. در مشهد نیز به درس فلسفه شیخ سیف الله ایسی میانجی و هیأت و ریاضیات شیخ محمد رضا کرباسی رفت و نیز از محضر آیه الله میرزا مهدی اصفهانی بهره های فراوان برد. استادان ایشان در نجف، میرزا عبدالهادی شیرازی، سید محسن حکیم، سید محمود شاهرودی و شیخ حسین حلی بودند که در دروسهای خارج فقه آنان شرکت می نموده است و نیز در درس خارج فقه و اصول آیه الله ابوالقاسم

خوبی حضور مداوم داشته است. ایشان از دوستان دوره طلبگی خود به شیخ اسدالله اصفهانی و آقا سعید اشراقی اشاره می‌کند که همواره با آنها به مباحثه دروس فرا گرفته شده، می‌پرداخته است. آیه الله مسلم ملکوتی طبق سنت حوزه‌های علمیه، هم زمان با تحصیل به تدریس دروس به طلاب بعد از خود می‌پرداخت و در فقه و اصول، فلسفه، کلام، هیأت، ریاضی و ... صاحب شاگردانی زبده بود و سه حوزه قم، نجف و مشهد خاطرۀ سالها تدریس ایشان را در ذهن دارد. زندگی آیه الله ملکوتی همچون بسیاری دیگر از علمای راستین، با مبارزات و فعالیتهای سیاسی بسیاری همراه بود. در زمان سلطه حکومت ستمشاهی، ایشان لحظه‌ای از مبارزه با آن رژیم سرباز نزد و حتی دیگران را به فعالیت و مبارزه بر ضد شاه تشویق می‌کرد. آیه الله مسلم ملکوتی با تأسیس کتابخانه و صندوق قرض الحسنه المهدی در شهر سراب، زادگاه خود، بر آن شد که با جذب جوانان متدین، آنها را برای مبارزه بر ضد رژیم شاه منسجم و متشکل سازد و در ضمن، مبانی اعتقادات آنها را نیز تقویت کند. از فعالیتهای دیگر ایشان در پیش از انقلاب، عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بود. در آن روزگار، جلسات جامعه مدرسین به صورت مخفی و در خانه افراد عضو، برگزار می‌شد. آیه الله ملکوتی با حضور مستمر در جلسات جامعه مدرسین، امضای نامه‌های آن مرکز در حمایت از نهضت امام خمینی (ره) و تبادل نظر با گروهها و جناحهای سیاسی برای وحدت هر چه بیشتر، نام خود را در شمار یاران باوفای انقلاب و امام (ره) رقم می‌زد. افشاگری‌های ایشان در آن سالها، باعث شده بود که ساواک بارها ایشان را در قم و آذربایجان تحت تعقیب قرار دهد. حضرت آیه الله ملکوتی، در سالهای مبارزه بر ضد رژیم با تبعیت و پیروی محض از فرمانهای حضرت امام خمینی (ره) در برابر گروهها و دسته‌های انحرافی و التقاطی ایستاد و بر اسلامی بودن حرکت، پافشاری نمود. فعالیتهای سیاسی ایشان به پیش از انقلاب محدود نشد. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷، حضور سبز و پر صلابت ایشان در عرصه‌های گوناگون انقلاب، به بسیاری از مبارزان، امید می‌بخشید. ایشان با شرکت مستمر در دفتر استفتائات امام (ره) به مستحکم کردن پیوند امام و امت و نیز به حل مشکلات فقهی مردم می‌پرداخت و نیز به نمایندگی از طرف امام (ره) برای حل مشکلات مردم آذربایجان و زنجان، به آن دیار شتافت. با شهادت آیه الله مدنی، امام جمعه تبریز، در سال ۱۳۶۰، امام خمینی (ره) آیه الله ملکوتی را به نمایندگی خود در آذربایجان و نیز به عنوان امام جمعه تبریز برگزید. تبریز در آن سالها دست خوش نزاعها و تحریک گروهکهای ضد نظام برای ایجاد یأس از انقلاب اسلامی بود. آیه الله ملکوتی با افشای این دسیسه‌ها و دعوت مردم و گروه‌های هوادار انقلاب به وحدت و یکپارچگی، دشمنان را از رسیدن به اهداف خود مأیوس نمود. ایشان بارها و بارها در خطبه‌های نماز جمعه و دیگر سخنرانیها، مردم را به حضور پر شور در جبهه‌های جنگ و کمک به رزمندگان دلیر اسلام فرا خواند و خود نیز از حمایت مادی و معنوی رزم آوران دفاع مقدس دریغ نورزید. همچنین آیه الله ملکوتی در دوره اول و دوم مجلس خبرگان رهبری، به نمایندگی از طرف مردم آذربایجان شرقی عضویت داشت و خدمات شایانی را در این عرصه نیز به انجام رساند. آیه الله ملکوتی در سال ۱۳۷۳، با دعوت برخی بزرگان حوزه علمیه قم و نیز موافقت مقام معظم رهبری از تبریز به قم آمد و با بر پا کردن درس خارج فقه و اصول، بسیاری از طلاب علوم دینی را شیفته درس خویش ساخت و بدین وسیله، سیره علما و دانشمندان این حوزه سترگ را پاس داشت.

مسلمی خوزانی، عبدالرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالرضا مسلمی خوزانی

محل تولد: آبادان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۰ در آبادان متولد شدم. پدر و مادرم مذهبی بودند در کنار دروس جدید در مکتبخانه‌های قدیمی به فراگیری کتاب آسمانی و قرائت صحیح آن پرداختم در دوران دبیرستان در ایجاد و ترویج مطالعات اسلامی در میان همکلاسی‌ها موثر بودم در مساجد و کانون‌های مذهبی حضور فعال داشتم تدریس قرآن، تفسیر ساده و عقاید از اشتغالات همیشگی‌ام بود. حضور در صحنه‌های انقلاب و بحث و مناظره با مارکسیست‌ها و گروهک منافقین در برنامه‌های کاری ما بود. در سال ۱۳۵۹ دیپلم اقتصاد گرفتم و سریعاً به حوزه علمیه قم وارد شدم دو ماه پس از درس خواندن، جنگ تحمیلی آغاز گردید و بنده به مناطق جنگی رفت و آمد داشتم و به بیان عقاید، تفسیر، اخلاق و احکام برای رزمندگان می‌پرداختم در پایان سال تحصیلی ۶۸-۶۷ دوره سطح حوزه را به پایان رساندم. در مدرسه حجتیه قم برای طلاب خارجی تدریس عقاید و کلام داشتم. از سال تحصیلی ۷۰-۶۹ در مدرسه رسول اکرم (ص) شاه ابراهیم و دیگر مدارس حوزه مانند معصومیه بلوار امین و الهادی خاکفرج و... به تدریس عقاید و کلام اسلامی اشتغال داشتم. در سال ۷۰-۶۹ دوره تخصصی کلام حوزه شرکت کردم و قبول شدم و دوره از ۷۱-۷۰ آغاز گردید این اولین دوره تخصصی حوزه بود و آن را با موفقیت کامل در سال ۷۴ به پایان رساندم در تاریخ ۲۵/۱۱/۷۴ رسماً به صورت حق التدریس با دانشگاه شهید چمران اهواز همکاری کردم که این حق التدریس تا الان ادامه دارد فیش‌ها و یادداشت‌های زیادی در مباحث کلامی و تفسیر و منبر دارم که هیچ‌کدام منتشر نشده‌اند. اکثر اوقات بنده به تدریس، سپری شده است و ایام تبلیغی هم به منبر و سخنرانی.

مسنده اصفهان، فاطمه

قرن: ۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

(ح ۵۲۴-۴۲۵ ق)، محدث و مسند. کنیه وی را ام‌ابراهیم، ام‌الغیث و ام‌الخیر گفته‌اند. او در قریه جوزدان اصفهان به دنیا آمد. بیشترین روایتش از استادش ابن‌ریذه بود که فاطمه در ۵۳۵ ق شاگردی وی را آغاز کرد و آخرین راوی ابن‌ریذه بود. فاطمه «معجم الکبیر» و «معجم الصغیر» طبرانی و کتاب «الفتن» نعیم نیشابوری را از ابن‌ریذه استماع کرد. او در اصفهان مقامی رفیع یافت تا حدی که ذهبی او را به صفت مسنده اصفهان وصف کرد. عالمان بسیاری از وی حدیث آموخته‌اند. ابوالعلاء عطار و ابوموسی مدینی و ابوجعفر صیدلانی و عفیفه بنت احمد و ابوسعید ارجانی و داوود بن نظام الملک و شعیب سمرقندی و بسیاری دیگر از او روایت کرده‌اند. در «الاعلام» سال ولادت مسنده ۴۳۴ ق ذکر شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۵/۳۲۸)، سیر النبلاء (۵۰۵-۱۹/۵۰۴)، شذرات الذهب (۷۰-۴/۶۹)، العبر (۲/۴۲۰).

مسندی بخاری، ابوجعفر عبدالله

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۲۹ ق)، حافظ و محدث. اصلش از بخارا است. چون به احادیث مسند توجهی بسیار داشت به مسندی معروف شد. در طلب حدیث سفرها کرد و از سفیان بن عیینه و اسحاق زرق و فضیل بن عیاض و عبدالرزاق بن همام و یحیی بن آدم و ولید بن مسلم و یحیی بن معین و وکیع بن جراح و ابوهمام اهوازی و حسین بن محمد مروزی و هشام بن یوسف و ابونضر هاشم بن قاسم و ابو عامر عقدی و عبدالله بن نمیر و ابو عاصم نیل حدیث شنید. بخاری در «صحیح»، خود و ابوزرعه رازی و ابوحاتم رازی و فقیه محمد بن نصر مروزی و محمد بن یحیی ذهلی و احمد بن سیار مروزی و عبیدالله بن واصل بخاری و حمدون بن عماره‌ی بزاز و جماعتی دیگر از وی روایت کردند. حاکم گوید که او یکی از پیشگامان حدیث در ماوراءالنهر بود. او به بغداد رفت و در آنجا حدیث گفت. سرانجام به بخارا بازگشت و در همان جا درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۶۵-۶۴/۱۰)، تاریخ الکبیر (۵/۱۸۹)، تذکره الحفاظ (۴۹۳-۴۹۲/۲)، تهذیب التهذیب (۶/۱۱)، تهذیب الکمال (۴۹۹-۴۹۷/۱۰)، الثقات (۸/۳۵۴)، الجرح والتعديل (ج ۲، ق ۱۶۲/۲)، سیر النبلاء (۶۶۰-۶۵۸/۱۰)، شذرات الذهب (۲/۶۷)، طبقات الحفاظ (۲۳۸)، العبر (۱/۳۱۸).

مسیب نژاد، ابوالحسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالحسن مسیب نژاد

محل تولد: لاهیجان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۷۰-۶۹ پس از اخذ دیپلم از شهرستان محل تولد خود لاهیجان برای شروع تحصیلات در علوم حوزوی وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدارس علمیه کرمانیها، حقانی، معصومیه، مدرسه آیت الله گلپایگانی دروس حوزوی را تحصیل نمودم. در مدرسه آیت الله گلپایگانی در دروس محمد جواد فاضل و آقای فقیهی مقداری از کفایه و مکاسب را تحصیل نمودم و در سال ۱۳۸۰ وارد درس خارج اصول آقای صادق لاریجانی شدم و هم اکنون هم در درس خارج صلاة آقای سید محمد خاتمی مشغول به تحصیل هستم همزمان با تحصیلات در بنیاد نهج البلاغه چند سالی به کارهای تحقیقی اجرائی مشغول بودم و در کنار آن با مرکز مطالعات و پژوهشهای حوزه در بخش تحقیقات مشغول به همکاری هستم مدتی هم با مرکز پژوهش های صدا و سیما در مجله ای در قسمت تحقیقات و نوشتن مقاله همکاری کردم. و در ضمن دروس حوزوی در سال ۸۰ وارد رشته تحصیلی کارشناسی فلسفه در

دانشگاه مفید شدم و در سال ۸۴ دوره کارشناسی را به پایان رساندم. با دفتر تبلیغات حوزه نیز در بخش انتشارات چند سال است که در قسمت نمونه خوانی و تصحیح مشغول به همکاری هستم.

مسیبی، رضوانعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضوانعلی مسیبی

محل تولد: بابلسر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب رضوانعلی مسیبی قبل از هفت سالگی شروع به تحصیل قرآن کریم نموده و بعد از ۷ سالگی وارد مدرسه ابتدایی در شهر بابلسر - مازندران شدم و تا مقطع دیپلم را در همان رشته علوم تجربی به پایان رساندم. سپس در تاریخ ۲۱/۱۰/۶۳ وارد حوزه علمیه قم (مدرسه حقانی) شدم و به مدت ۵ سال و نیم کل دروس مقدمات و سطح را تمام کردم و وارد درس خارج شدم تا الان. از همان اوایل تحصیل در حوزه علمیه قم مشغول تدریس ادبیات شده و سپس به فقه و اصول و ... تا الان که مکاسب، رسائل و کفایه را تدریس می‌کنم. و چون علاقه وافر به قرآن داشتم از همان اوائل تحصیل در حوزه در جلسه تفسیر قرآن حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت کرده و بهره‌ها بردم تا الان که مشغول تلمذ در این درس هستم. از طرفی علاقه به معقولات، اینجانب را به حضور در دروس فلسفه و عرفان کشانده و از این رهگذر حضرت آیت الله حسن زاده آملی بعضی از مجلدات اسفار و مصباح الانس در عرفان را تلمذ کرده و بعضی از مجلدات اسفار را هم نزد آیت الله جوادی آملی تلمذ کردم. بعد از سالها تدریس در فکر قلم زدن در وادی مسائل مبتلا به شدم تا اینکه در تالیف اول (بازگشت به خویشتن یا توبه نصوح) که جنبه تفسیری آن بر اخلاق برتری دارد را ارائه کردم. سپس در مقالات شخصی که بر متون اهل سنت در فقه و حدیث - تاریخ داشتم کتاب دوم را تالیف نمودم. در رهگذر این تدریس و تلمذ و تدریس، به حفظ قرآن پرداخته و سالها در کتاب شریف نهج البلاغه و صحیفه سجادیه سپری کردم و موضوعات زیادی را یادداشت و جمع‌آوری کردم که با اندک زحمتی هر کدام به تالیف تبدیل می‌شوند. تا اینکه پسر ارشدم را در سن ۷ سالگی حافظ کل قرآن - صحیفه - نهج البلاغه (نامه - کلمات قصار) شده است که از قبل دعوت ایشان به داخل و خارج کشور اجرای برنامه‌های قرآنی - اینجانب هم راهی تبلیغ در این وادی شده و اکثر اوقاتم در این مسیر سپری می‌شود.

مسیح شرفیان، ابوالقاسم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالقاسم مسیح شرقیان

محل تولد: سادات شهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۰۷/۴/۳

زندگینامه علمی

مادرم را در یک سالگی از دست دادم تا ده سالگی برایم به سختی گذشت در یازده سالگی قرآن آموختم و در دوازده سالگی به مدرسه جدید رفتم تا کلاس چهارم ابتدایی شاگرد ممتاز بودم ولی در سال پنجم پدرم مانع مدرسه رفتن من شد. هم کلاسی هایم به مدرسه می رفتند من شبی تا صبح به مدرسه می رفتم و به خانه برمی گشتم صبح دمید ماه رو به قبله بود من در وسط محل با خدا راز و نیاز کردم که توفیق تحصیل به من بدهد بعد به دینش خدمت کنم و ماه را شاهد گرفتم فردا پدرم ماجرا را به دوستش گفت او چند سال علوم دینی خوانده بود به من گفت من کتاب هایم را به تو می دهم تا پنج سال نیاز به خرید کتاب نداری. مرد نیکی بود تحصیلاتم را در علوم دینی نزد علمای محل شروع کردم تا سال بعد که سال ۱۳۲۴ شمسی بود پدرم مرا نزد جناب آیه الله حاج شیخ علی اکبر اللهیان قدس سره برد که در آن وقت در رامسر بود من و همدرم سید ابوالقاسم الهی نیا مقدمات علم نحو را شروع کردیم و بعد از ظهرها هم درس اخلاق از کتاب معراج السعادة ملا احمد نراقی را در نزد جناب حاج شیخ اللهیان می خواندیم و با چند نفر دیگر بودیم. تابستانها جناب شیخ به بیلاق جواهر ده رامسر می رفت ما هم با او به بیلاق می رفتیم و تا سال ۱۳۲۸ هجری در رامسر و در شیخ زاهد محله چابکسر کتابهای مقدمات و سیوطی با حاشیه منطق و شرح تصریف و قدری مطول و قدری هم معالم را در علم اصول فقه خواندیم. در ماه رمضان هر سال که معمولاً آن وقتها تابستان بود در بیلاق روزها درس معمولی تعطیل بود ولی شبها علوم قرآن می خواندیم و روزها همان علوم را با جناب شیخ با قرآن تطبیق می دادیم و در طول چهار سال در اثنای دروس کرامات زیادی از جناب شیخ بروز کرد و بنده مخصوصاً در روبروی شیخ می نشستم تا چیزی دریابم در تابستان ۱۳۲۸ به جای بیلاق جواهر ده حاج شیخ به طالقان رفت و من نزد برادر بزرگش جناب آیه الله حاج شیخ محمد باقر اللهیان درس خواندم و با مشورت او پاییز سال ۱۳۲۸ با دوست و هم مباحثه ام جناب سید محمد (آقانور) میرجعفری به قزوین رفتم. فردای آن روز در اثر غربت و آینده نامعلوم در گوشه ای از مدرسه التفاتیه قزوین نشسته و فکر می کردم که ناگهان جناب حاج شیخ علی اکبر اللهیان وارد مدرسه شد و با دیدنش شاد شدم و به نزدش رفتم او اول ناراحت شد که چرا از رامسر به قزوین رفتم بعد گفت: خوب شد که به قزوین آمدی و به تهران نرفتی! سپس گفت: توسط دوستانم از متولی مدرسه برایت اجازه سکونت می گیرم که بی اجازه بیش از ۳ روز در مدرسه وقفی سکونت جایز نیست و جناب شیخ همان روز اجازه سکونت را از متولی مدرسه مرحوم صدرالمعانی که مرد با شخصیتی بود گرفت و من از فردای آن روز درسهایم را به ترتیب نزد دانشمندان بزرگوار قزوین شروع کردم: ۱- معانی و بیان را نزد دانشمند مرحوم محمد حسین اویسی قزوینی ۲- معالم را نزد زاهد بزرگوار آقا شیخ حسین قدسی ۳- شرح لمعه جلد اول را نزد آقا شیخ محمود آقا شریعت مهدوی ۴- جلد دوم را نزد آقا سید بزرگ علوم ۵- قوانین جلد یک و جلد دو را نزد آیه الله آقا سید محمد تنکابنی ۶- مکاسب شیخ اعظم را هم نزد آقا سید محمد تنکابنی خواندم که مرد بسیار شریف و بزرگوار بود ۷- و رسائل شیخ را نزد آیه الله شیخ یحیی مفیدی خواندم ۸- جلدین کفایة الاصول آخوند ملا محمد کاظم خراسانی را نزد علامه بزرگوار و فیلسوف نامدار آیه الله العظمی سید ابوالحسن رفیعی قزوینی اعلا الله مقامه الشریف خواندم. ۹- درس دوره

عالی و خارج فقه را نیز نزد علامه آیه الله العظمی رفیعی قزوینی خواندم و تا سال ۱۳۳۸ شمسی که مدت ۱۰ سال گذشت (در این مدت در سال اول در شش ماه اول بسیار برایم سخت گذشت که در شبانه روز یک وعده غذا می خوردم و آن هم تمام شده بود و در شبی از شدت ضعف نماز خواندن بر من سخت شد از قضا شب نهم ربیع بود که عیدالزهره معروف است و علامه قزوینی طبق معمول آن شب به طلبه های مدرسه چلوکباب می داد و از من هم دعوت شد ولی من با این که دو روز بود چیزی نخورده بودم دعوت را نپذیرفتم چون جناب استاد حاج شیخ علی اکبر اللهیان تنکابنی به من سفارش کرده بود که هرگز غذای مفت نخورم زیرا علم نجیب است و با مفت خوری سازگاری ندارد!... در ضمن تحصیلات قدیم سال دوم ورودم به قزوین کلاس پنجم و ششم را یکدفعه تصدیق گرفتم و دوره تحصیلات متوسطه را نزد آقای احمد سرمدی که پیش من درس عربی می خواند گذراندم و من در نزد او زبان فرانسه و جبر و مثلثات و فیزیک و شیمی و هندسه فضائی و لگاریتم را آموختم سرانجام در سال ۱۳۳۸ با مشورت علامه قزوینی که چندان راضی نبود که از قزوین بروم ولی با دست خط توصیه مرحوم شیخ علی اکبر اللهیان که از دوستان مرحوم آقای بروجردی بود برای حضرت آیه الله العظمی بروجردی قدس سره در نامه ای نوشت که این طلبه مستعد است!! و همین عبارت جناب شیخ باعث شد که ۳ سال در قم جلو افتادم و بعد از چند ماه نزد آیه الله العظمی سلطانی طباطبایی بروجردی و آیه الله وحید گیلانی امتحان شفاهی از کتاب رسائل و مکاسب شیخ انصاری انجام شد و قبول شدم و امتحان کتبی من هم این بود که درس فقه خارج صلاه یک ماه اخیر آیه الله العظمی بروجردی را بنویسم آن هم با زبان عربی و لذا درس خارج فقه آقای بروجردی را به زبان عربی نوشتم و به نظر آقای بروجردی رسید و ایشان نوشتند: خوب است! و همین جمله باعث شد ماه اول بعد از امتحان برایم شهریه مبلغ یکصد و چهل تومان تعیین کردند و مبلغ یکصد و چهل تومان نیز تشویقی دادند. و سپس درسهایم را در قم ادامه دادم. فقه را در محضر آیه الله العظمی بروجردی (ره) و اصول را نزد آیه الله العظمی امام خمینی (ره) در مسجد سلماسی و فلسفه و حکمت را هم در مسجد سلماسی نزد علامه طباطبایی خواندم و پس از فوت آیه الله بروجردی فقه را نزد آیه الله العظمی گلپایگانی و آیه الله العظمی مرعشی نجفی و آیه الله العظمی اراکی ادامه دادم و پس از تبعید حضرت امام خمینی (ره) در درس اصول آیه الله العظمی میرزا هاشم آملی لاریجانی شرکت کردم و ضمناً در دروس آیه الله العظمی محقق داماد در درس خارج فقه نیز شرکت کردم. و مدتی نیز در درس آیه الله العظمی حاج شیخ مجتبی قزوینی که خواهرزاده استادم حاج شیخ علی اکبر اللهیان تنکابنی بود و نیز در درس حاج شیخ هاشم قزوینی در مشهد شرکت کردم. و در سال ۴۳ با استخاره در نزد علامه طباطبایی به دانشگاه تهران رفتم و در رشته فلسفه و حکمت اسلامی و وعظ و خطابه به همراه دوستانم آقایان ۱- دکتر مصطفی محقق داماد ۲- حجة الاسلام ناطق نوری ۳- حجة الاسلام مهدی کربوبی و جمعی دیگر موفق به کسب مدرک کارشناسی لیسانس معقول و منقول شدم که در سال ۱۳۴۸ فارغ تحصیل شدم و شاگرد ممتاز شدم و از ۲۰ واحد دروس دانشگاهی نمره الف گرفتم و بعنوان تشویق بورس مصر را به من دادند ولی رابطه دولت ایران و مصر در آن زمان تیره شد و بنده نیز به دلیل مشکلات منصرف شدم. و بعد از آن مدت ۳۰ سال و یک روز بعنوان دبیر دبیرستانهای رامسر در درسهای معارف اسلامی و فلسفه و منطق تدریس کردم و معلم نمونه شدم و ۲۰ سال در ضمن استاد معارف اسلامی و اخلاق اسلامی و تعلیم و تربیت اسلامی در دانشکده پرستاری بودم که ریشه های انقلاب اسلامی را نیز در ضمن تدریس بعنوان جزوه درسی تألیف کردم و مدت ۸ سال نماینده مقام معظم رهبری در دانشکده پرستاری بودم و در سال ۱۳۸۲ بازنشست شدم و همزمان ۵۲ سال در مساجد رامسر و حومه به تبلیغ دین مشغول بودم و منبر رفتم و ۴۵ سال امامت جماعت داشتم و ۱۴ سال بعنوان امام جمعه موقت بودم و مدت ۴ سال بعنوان استاد حوزه علمیه خواهران در شیرود تنکابن بودم و نیز ۴ سال بعنوان رئیس شورای حل و اختلاف مستقر در دادگستری تنکابن بودم و ۴ سال نیز است در دانشگاه پیام نور رامسر بودم و در دانشگاه شاهد رامسر تدریس کردم و این عهدی بود که در ۶۳ سال قبل در دوران کودکی با خدای خود بسته بودم و ان شاء الله وفا کردم و خداوند قبول فرماید و توفیق بیشتر هم لطف بفرماید برای بعدها بحق محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و

سلم - والسلام علیکم ورحمة الله.

مسیح کاشانی، رکن‌الدین مسعود

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۶۶/۱۰۵۷ ق)، طیب، خطاط و شاعر، متخلص به مسیح. معروف به حکیم رکنای کاشانی. وی مسیحا و مسیحی نیز تخلص می‌کرد. اصلش از شیراز بود و در کاشان به دنیا آمد. از مشاهیر شعرای عصر خود و در طب و فلسفه و حکمت ماهر بود. خاندانش از دیرباز پیشه‌ی پزشکی داشتند و پدرش در عهد شاه طهماسب سه سال طیب دیوان بود و مدتی نیز در دربار سلطان محمد خدابنده طبابت می‌کرد. مسیح کاشانی نیز از آغاز جوانی در طبابت و شاعری مشهور شد. وی از ملازمان و مقربان شاه عباس اول بود و در همین زمان به استقبال «خسرو و شیرین» حکیم نظامی، به نام شاه، منظومه‌ای سرود و نام آن را «مجموعه‌ی خیال» نهاد و در عین حال قصیده‌هایی نیز در مدح پیامبر و ائمه‌ی اطهار (ع) سرود. در «تذکره‌ی میخانه» آمده که شاه عباس سه روز در کاشان مهمان وی بوده و او در این ایام به امر شاه «دیوان» باباغانی را غزل به غزل جواب گفته است. وی در هنر خوشنویسی نیز دست داشته و نستعلیق را خوش می‌نوشته است. رکن‌الدین مسعود پس از مدتی به هندوستان رفت و ملازم اکبرشاه گشت و سپس به الله‌آباد سفر کرد و ملازم و مداح جهانگیر پادشاه شد. بعد از آن به چند شهر دیگر هند سفر نمود و در نهایت دوباره به دربار جهانگیر پادشاه بازگشت و در زمان جلوس شاه جهان در خدمت وی به سر برد. در ۱۰۴۱ ق از دربار شاه جهان به زیارت خانه خدا رفت و ضمناً به مشهد مقدس مشرف شد. بعد از مدتی اقامت در مشهد به کاشان و اصفهان رفت و چون شاه صفی به او توجه نمود به شیراز سفر کرد و آخرالامر به کاشان بازگشت و تا هنگام فوت در آنجا به سر برد. از شاگردان او می‌توان صائب تبریزی، شاعر معروف، را نام برد. از شاگردان او می‌توان صائب تبریزی، شاعر معروف، را نام برد. ملک‌شاه حسین سیستانی شاگرد دیگر مسیح است که بعد از ستایش استاد خود می‌گوید که وی در قصیده از خاقانی پیروی می‌کرده است. بطور کلی تذکره‌ها سروده‌های او را تا صد هزار بیت نوشته‌اند. از دیگر آثارش: مثنوی «قضا و قدر»، «ساقی نامه»؛ منظومه‌ای در برابر «مخزن الاسرار»؛ سه «دیوان» شعر، یکی در ایران و دو تا در هند، شامل قصیده و غزل و رباعی و قطعه. تقی‌الدین کاشی کتابی به نام «ضابطه‌العلاج» را در طب، که به زبان عربی است، به او نسبت می‌دهد. تعدادی از تذکره‌ها او را مسیح ثانی نامیده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۹۰۲-۳/۹۰۱)، ارمغان (س ۵، ش ۷ و ۸، ص ۴۳۸-۴۳۷)، ایضاح المکنون (۱/۵۳۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۰۳-۵/۱۱۹۳)، تذکره‌ی میخانه (۵۲۲-۴۹۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۱۷-۲۱۴)، الذریعه (۲۸۴، ۱۹/۲۶۴، ۱۴۶، ۱۷/۱۱۵، ۲۱/۱۰۴۳، ۱۰۴۱-۳۸۳، ۹/۳۸۲)، ریاض العارفین (۲۳۲-۲۳۱)، ریحانه (۳۱۳-۵/۳۱۲)، سرو آزاد (۹۰-۸۹)، صبح گلشن (۴۱۰-۴۰۸)، فرهنگ سخنوران (۸۴۳-۸۴۲)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۲۵۲۸-۳/۲۵۲۷)، کاروان هند (۱۳۰۵)، ۱۲۹۳، ۲/۱۰۸۹-۹۰، مجمع الخواص (۵۶-۵۳)، منظومه‌های فارسی (۵۳۳-۵۳۲)، نتایج الافکار (۶۴۳-۶۴۰)، هفت اقلیم (۴۶۶-۲/۴۶۴).

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۲۷ ق)، فقیه، ادیب و شاعر، متخلص به معنی. در فسا به دنیا آمد. در شیراز و اصفهان درس خواند. در سرودن شعر به دو زبان عربی و فارسی مهارت داشت. در اشعار عربی مسیح و در اشعار فارسی معنی تخلص می‌کرد. آخوند مسیحا از شاگردان آقا حسین محقق خوانساری بود که به درجه‌ی اجتهاد رسید و چندین سال منصب شیخ الاسلامی ایالت فارس را داشت. در اواخر عمر در سنین نود سالگی به فسا بازگشت و در قریه‌ی فدشکو در گذشت. در «تذکره‌ی نصرآبادی» سال مرگش ۱۱۱۵ ق ذکر شده است. وی به عربی قصیده‌ای در مدح حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) گفته است. از دیگر آثارش: «حواش علی الحواشی الخفیه علی شرح التجرید»؛ «اثبات الواجب تعالی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار عجم (۸۴-۸۳)، اعیان الشیعه (۵۶/۱۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۱۷-۳۱۶/۵)، تذکره‌ی المعاصرین (۱۱۱-۱۰۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۷۴)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۴-۳/۱)، الذریعه (۱۰۷۵-۱۰۷۴، ۱۰۶۵، ۹/۱۰۹، ۱/۱)، ریحانه (۳۸۵، ۳۱۴/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۲۵-۷۲۳/۱۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۳۹۲/۲)، فرهنگ سخنوران (۸۶۲)، فوائد الرضویه (۶۴۳)، لغت‌نامه (ذیل / معنی فسایی)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹۱-۱۹۰/۵)، مرآت الفصاحه (۵۸۷-۵۸۵)، معجم المؤلفین (۲۲/۱۲).

مسیحی جرجانی، ابوسهل عیسی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۰۱ ق)، پزشک، فیلسوف و ریاضیدانان. در گرگان متولد شد و سالهای نخست زندگی خود را در بغداد گذراند، در همان جا به فراگیری دانشهای زمان خود پرداخت، سپس به گرگانج رفت و به دربار ابوعلی مأمون بن محمد خوارزمشاه راه یافت و به زودی به مقامی بلند رسید. برخی از تاریخ نگاران که پزشکانی به نام نیز بودند ابوسهل را استاد ابن سینا در پزشکی می‌دانند، اما ابن سینا درباره‌ی فراگیری پزشکی از کسی نام نبرده و گفته است چون این دانش چندان دشوار نیست، من در اندک مدتی بر همه‌ی آن آگاه شدم. ابوسهل در پزشکی از پیروان جالینوس بود، و در فلسفه نیز جایگاهی ویژه داشت. برخی آثار وی عبارت است از: «المائة فی الطب»؛ «کتاب فی العلم الطبیعی»؛ «طب کلی»؛ «مقاله فی الجدی یا آبله»؛ «اختصار کتاب المجسطی»؛ «کتاب فی الوباء»؛ «تعبیر الرویا»؛ «منافع الاعضاء»؛ «فی اظهار کلمة الله تعالی فی خلق الانسان».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۹۸-۲۹۷/۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۶/۱)، تاریخ حکماء قفطی (۵۴۹)، تاریخ طب (۶۷۶/۲)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۲۵۰-۲۴۹)، چهارمقاله (۱۱۰)، دایرة المعارف فارسی (۳۲/۱)، ریحانه (۱۴۸/۷)، لغت‌نامه (ذیل / ابوسهل)، کشف الظنون (۱۵۷۶، ۱۴۹۸، ۴۱۶)، معجم المؤلفین (۳۵/۸)، الملل و النحل (۳۶۹)، نامه‌ی دانشوران (۶۱-۵۷/۱)، هدیه‌ی العارفین (۱/۸۰۶).

مسیحی، ابوالحسن سعید

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۹۵-۴۳۶ ق)، طیب و حکیم. وی از اطبای بیمارستان عضدی و طیب مخصوص رکن الدوله و معاصر المقتدی بامرالله و پسرش، المستظهر بالله، از خلفای عباسی، و حکیم‌باشی آنان بود. او از شاگردان ابوالعلاء بن تلمیذ، ابوالفضل کتیفات و عبدالله کاتب بود. در «عیون الانباء فی طبقات الاطباء» از «الشامل فی الطب» ابوالخطاب نقل شده که علم طب در آن عصر به ابوالحسن سعید بن هبه الله منتهی می‌شده است. وی در بیمارستان عضدی مسئول مداوای بیماران و بویژه بیماران صفراوی بود. از آثارش: «المغنی فی الطب»، که برای المقتدی بامرالله نگاشت؛ «مقاله‌ای در توصیف و کیفیت ترکیب داروها»؛ «کتاب خلق الانسان»؛ کتابی درباره‌ی «یرقان»؛ «مقاله‌ای در تحدید مبادی الفاظ در گفتارها و شماره‌ی آنها و جوابهایی که در مسائل طبی از او پرسیده‌اند»؛ «کتاب الاقتاع»، در طب؛ «التلخیص النظامی»؛ «مقاله در بیان حدود و فروق»؛ «مقاله در ترکیب داروها».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ طب (۷۰۲-۷۰۱/۲)، عیون الانباء فی طبقات الاطباء (۳۱۵-۳۱۴)، کشف الظنون (۱۷۵۰-۱۴۰).

مشار، خانابا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق.

تولد: ۱۲۷۹، تهران.

درگذشت: ۲۹ شهریور ۱۳۵۹.

خانابا مشار پس از اتمام تحصیلات مقدماتی و متوسطه به خدمت وزارت دارایی درآمد و در ضمن نزد استادان وقت به تحصیل علوم قدیمه پرداخت در وزارت دارایی در ادارات تحدید کل و کارگزینی و مالیات برآمد و کلاس مالی عهده‌دار خدمت بود. پس از بیست و یک سال خدمت دولتی به میل خود بازنشسته شد و به امور کشاورزی پرداخت.

اثر برجسته‌ی او مؤلفین کتب چاپی عربی و فارسی از آغاز چاپ تاکنون (شش جلد، ۱۳۴۴-۱۳۴۰) نام دارد. این کتاب در واقع ترکیبی است از دو کتاب فهرست کتابهای چاپی فارسی و فهرست کتابهای چاپی عربی ایران از آغاز چاپ تاکنون است. وی همچنین یک متن قدیمی دینی را هم تصحیح کرد که الفصول المختاره من العیون و المحاسن معروف بمجالس (مجالس در مناظرات) تألیف شیخ مفید و ترجمه‌ی آقا جمال خوانساری (تهران، ۱۳۳۹) است. این کتاب در سال ۱۳۶۳ به چاپ رسید.

(۱۳۵۹-۱۲۷۹ ش)، نویسنده. در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی و متوسطه به خدمت وزارت دارایی درآمد و در ضمن نزد استادان وقت به تحصیل علوم قدیمه پرداخت. پس از بازنشستگی به کشاورزی مشغول شد. از آثار او: «فهرست کتابهای چاپی فارسی»، از آغاز تا ۱۳۴۵ ش؛ «مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی»؛ اهتمام در انتشار کتاب «الفصول المختاره» شیخ مفید؛ «فهرست کتابهای چاپی فارسی و عربی»؛ اهتمام در انتشار کتاب «الفصول المختاره» شیخ مفید؛ «فهرست کتابهای چاپی عربی، در ایران» از آغاز چاپ تا ۱۳۴۴ ش و سایر کشورها از ۱۳۴۰ ق به بعد. [۱]

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه: [۱] آینده (س ۶، ش ۱۲-۹، ص ۹۱۵-۹۱۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۷۹، ۲۸۹۱، ۲۴۸۵/۲)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۳۳)، مؤلفین کتب چاپی (۱۱-۳/۱۰).

مشایخ فریدنی، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق.

تولد: ۱۲۹۱ (۱۳۳۳ ق.)؛ محله عودلاجان تهران.

درگذشت: ۱۳ آذر ۱۳۶۹، در نزدیکی بمبئی.

محمدحسین مشایخ فریدنی، فرزند محمدباقر (از علمای معقول و منقول و از مدرسان تهران)؛ در محضر پدر خود مقدمات علوم دینی را فراگرفت و در کنار آن به تحصیل علوم جدید در دبستان ترقی و سپس دبیرستان پهلوی نیز همت گماشت. در سال ۱۳۰۹ بعد از اتمام دوره‌ی اول متوسطه وارد دوره‌ی ادبی دارالفنون شد. از اساتید این دوره درس وی می‌توان به افرادی چون حبیب یغمایی، جلال‌الدین همایی، نصرالله فلسفی، شیخ محمدحسین فاضل تونی، احمد بهمنیار و علی‌اکبر سیاسی اشاره کرد. ایشان در همین دوره، تحصیلات حوزوی را تا پایان لمعتین نزد پدرشان تلمذ کرد. فریدنی در سال ۱۳۱۲ بعد از تأسیس دانشکده‌ی علوم معقول و منقول در امتحان ورودی آن دانشکده پذیرفته شد، در سال ۱۳۱۴ بعد از اتمام دوره گواهینامه مدرسی دریافت کرد. همزمان با تحصیل در دانشکده‌ی معقول و منقول در دانشکده‌ی ادبیات هم ثبت نام نمود و در سال ۱۳۱۴ به اخذ درجه لیسانس نایل آمد و در سال ۱۳۱۸ وارد دوره‌ی دکترای ادبیات شد. استادان وی در آن دوره ملک‌الشعراى بهار، فاضل تونی، سید محمد تدین، بدیع‌الزمان فروزانفر و علی‌اصغر حکمت بودند. در پاکستان کرسی زبان فارسی دانشگاه کراچی را تأسیس کرد و در دانشگاه‌های پنجاب، پیشاور و حیدرآباد و داکا به عنوان استاد میهمان تدریس می‌کرد. در دانشگاه لاهور پاکستان موفق به اخذ درجه‌ی دکترای افتخاری و کسب مقام استادی در رشته‌ی حقوق شد.

دکتر فریدنی در طول خدمات فرهنگی خود در سمت‌های مختلفی اشتغال داشت. نظیر: دبیر دبیرستان‌های تهران بازرس و سرپرست فرهنگ و اوقاف قم، کاشان، ساوه، محلات و گلپایگان، رایزن فرهنگی ایران در پاکستان، هند، عراق و عربستان سعودی، استاد دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، مأمور تأسیس دانشگاه کردستان و غیره. آثار وی علاوه بر تحریر مقالات در مجلات کشور، عبارتند از: تألیف نوای شاعر فردا (روایت تازه‌ای از اسرار خودی و رموز بی‌خودی اقبال لاهوری، وی از جمله کسانی بود که با اندیشه‌های این متفکر آشنا بود)؛ رساله‌ای در شرح نظرات سیاسی امیرالمؤمنین (ع)؛ گزیده‌ی آغانی (ترجمه‌ی الاغانی، در دو جلد، این کتاب برگزیده‌ی هشتمین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شد)؛ تألیف آفتاب در آئینه (سیره‌ی امیرالمؤمنین (ع) به روایت اهل سنت). وی همچنین در سال‌های آخر عمر با دایرةالمعارف تشیع و دانشنامه‌ی جهان اسلام همکاری داشت و مقاله‌هایی را برای این دو اثر تألیف کرده است. مقاله‌هایی نیز در «کیهان فرهنگی» و «نشر دانش» و «آینده» از او به چاپ رسیده است. دکتر مشایخ فریدنی به دریافت نشان‌های درجه‌ی دوم همایونی، درجه‌ی دوم سپاس، نشان ارانژناسو از هلند و نشان کوکب از اردن نایل آمده است. وی عضو آکادمی عرب نیز بود.

دکتر محمدحسین مشایخ فریدنی روز سیزدهم آذر سال ۱۳۶۹ در سن هفتاد و هشت سالگی بر اثر حمله قلبی درگذشت. این حادثه در حالی رخ داد که وی یک هیئت علمی بین‌المللی را در یک کشتی مطالعاتی برای بررسی راه آبی «جاده‌ی ابریشم» همراهی

می‌کرد. پیکر وی در بهشت زهرا در حجره‌ی ۹۵۳ به خاک سپرده شد.

در ۱۲۹۱ متولد شد. پس از انجام تحصیلات ابتدائی و متوسطه وارد دانشکده ادبیات تهران شد و در ۱۳۱۵ لیسانس گرفت و به شغل دبیری اشتغال ورزید. بعد از شهریور ۱۳۲۰ وارد دوره‌ی دکترای ادبیات فارسی شد و پس از طی دوره‌ی دکترای رساله‌ی خود را با درجه‌ی ممتاز گذرانید و تدریس خود را در دانشگاه آغاز کرد. در سال ۱۳۲۸ که علی‌اصغر حکمت به وزارت امور خارجه منصوب شد، چند تن از فرهنگستان باسواد را مأمور خدمت در آن وزارتخانه نمود از جمله دکتر مشایخ فریدنی بود که پس از انتقال موقت به وزارت امور خارجه، رایزن فرهنگی ایران در پاکستان شد و سپس رایزنی فرهنگی ایران را در هندوستان برعهده گرفت. پس از پایان مأموریت دهلی به تهران انتقال یافت و مشاور اداره اطلاعات و کتابخانه و مطبوعات و اداره فرهنگی و سرپرست امور نشریه‌ها در وزارت امور خارجه گردید. در اواخر سال ۱۳۳۶ به وزارت فرهنگ بازگشت و مدیر کل دفتر آن وزارتخانه شد. در سال ۱۳۳۷، علی‌اصغر حکمت برای بار دوم به وزارت امور خارجه منصوب شد و این بار دکتر محمد حسین مشایخ فریدنی را بطور قطعی به وزارت امور خارجه منتقل کرد و به وی مقام رایزنی و تصدی اداره روابط فرهنگی را سپرد. پس از چندی سرپرست اداره اطلاعات و مطبوعات شد و بعد ریاست اداره پنجم سیاسی وزارت خارجه را عهده‌دار شد. مشایخ فریدنی در مأموریت‌های فرهنگی خود در وزارت امور خارجه، جلب رضایت زعمای آن وزارتخانه را نمود و مورد توجه قرار گرفت و لذا به کادر سیاسی انتقال یافت و تدریجا سفیر کبیر ایران در پاکستان، سفیر کبیر ایران در عربستان سعودی و سفیر کبیر ایران در عراق شد. وی در این مأموریت‌ها چون فصیح و بلیغ سخن می‌گفت و اشعار بسیاری در حافظه داشت و در هر زمینه‌ی تاریخی و ادبی مجلس آرائی می‌کرد، در آن کشورها مخصوصا در محافل فرهنگی و ادبی منزلتی پیدا کرد و مورد احترام قرار گرفت.

پس از بازنشستگی و بازگشت به ایران دنباله کارهای علمی و ادبی خود را گرفت از جمله به ترجمه‌ی کتاب اغانی پرداخت و دو جلد از آن در بنیاد فرهنگ ایران چاپ شد. گزیده‌ای نیز از اغانی فراهم ساخت که آن هم انتشار پیدا کرد. هنگام مأموریت در هندوستان مقاله‌هایی در زمینه‌های ادبی در جراید فارسی زبان هند انتشار داد.

مشایخ فریدنی مردی ادیب و محقق و خطیب بود و به پنج زبان خارجی تسلط داشت. در ۱۳۶۹ در سن ۷۶ سالگی درگذشت. (۱۳۶۹-۱۲۹۳ ش)، نویسنده و مترجم. چون نسب خاندانش به محقق ثانی، شیخ علی بن عبدالعال کرکی، می‌رسد آنان را مشایخ فریدنی خوانده‌اند. پدرش از مدرسین مدرسه‌ی سپهسالار و مدرسه‌ی معمار باشی بود. وی در محله‌ی عودلاجان تهران به دنیا آمد. در کودکی نزد پدر «الفیه» ابن مالک و «نصاب» ابونصر فراهی را آموخت. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ی ترقی گذراند. سپس به دبیرستان رفت و دوره‌ی دوم را، در ۱۳۰۹ ش، در دارالفنون آغاز کرد و همزمان، «شرایع» و «معالم» و «شرح لمعه» و «قوانین» را نزد پدر خواند. در ۱۳۰۹ ش به دارالفنون رفت و با تأسیس دانشکده‌ی علوم معقول و منقول دانشگاه تهران در امتحان ورودی شرکت کرد و مقام نخست را از آن خود ساخت. در فرصت تحصیل در دانشگاه کتابهای «شرح هدایه» و «شرح منظومه» و «شرح تجرید» و «مکاسب» و «رسائل» و «جواهر» و «کفایه» را خواند و مدرک مدرسی گرفت. در ۱۳۱۴ ش، موفق به اخذ لیسانس از دانشکده‌ی علوم معقول و منقول در رشته‌ی ادبیات گردید. وی پایان‌نامه‌ی دکترای خود را در موضوع «تاریخ روابط سیاسی و فرهنگ ایران و هند، در عهد سلطنت شاه جهان گورکانی» نوشت. در ۱۳۲۴ ش با سمت بازرس و سرپرست فرهنگ و اوقاف به مدت یک سال به قم مأمور شد. پس از بازگشت به تهران علاوه بر مقام بازرسی، ماهنامه‌ی «دانش‌آموز» را منتشر کرد. وی حدود بیست و سه سال در وزارت امور خارجه و در کشورهای پاکستان، هند، عراق و عربستان خدمت نمود. از دیگر آثارش: مقدمه و حواشی بر دو مثنوی «اسرار خودی» و «رموز بی‌خودی» اقبال لاهوری، به نام «نوی شاعر فردا»؛ ترجمه و شرح و خلاصه‌ی «الآغانی» ابوالفرج اصفهانی؛ «آفتاب در آئینه»، سیره‌ی امیرالمؤمنین (ع) و مناقب آن حضرت به روایت ائمه‌ی اهل سنت؛ رساله‌ای در شرح نظرات سیاسی امیرالمؤمنین علی (ع)؛ «اقبال فیلسوف و شاعر شهیر اسلام». [۱]

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه: [۱] ادبستان (س ۱، ش ۱۲، ص ۸۶)، چهره‌های آشنا (۵۴۱-۵۴۰)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۳۰۳/۱)، کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۱۲، ص ۱۰-۳).

مشایخی، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مترجم.

تولد: ۱۲۸۴، تهران.

درگذشت: ۲۰ بهمن ۱۳۶۸، تهران.

رضا مشایخی (فرهاد) پس از اتمام تحصیلات در دارالفنون و گذراندن مسابقه علمی وزارت فوائد عامه در سال ۱۳۰۵ به منظور تحصیل در رشته مهندسی راه و ساختمان به بلژیک اعزام شد و دوره چهار ساله دانشگاه کان را با موفقیت گذراند. از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۵ در وزارت طرق و شوارع و از آن سال در وزارت راه و ترابری (نام جدید همان وزارتخانه) تا سال ۱۳۴۲ خدمت کرد و به معاونت اداری و فنی و پارلمانی وزارت راه و ریاست شورای عالی راه آهن رسید.

وی چندی در دانشکده فنی تدریس کرد و از سال ۱۳۲۶ که ساختمان خطوط آهن آذربایجان و خراسان شروع شد، به سمت رییس و مدیر کل اداره ساختمان وزارت راه منصوب شد و حدود نه سال سرمهندس این خطوط بود.

مهندس رضا مشایخی در اوقات فراغت به ترجمه آثار برگزیده بزرگان می پرداخت. ذوق و علاقه دیگری کشاورزی و عمران و آبادی بود. فهرست آثار وی به شرح زیر است: ماری آنتوانت (استفان زوایک، ۱۳۲۳)؛ ماری استوارت (استفان زوایک)؛ زیگموند فروید (استفان زوایک)؛ سه استاد سخن (درباره فتودر داستایوسکی، اونوه دو بالزاک و چارلز دیکنز، اثر استفان زوایک)؛ کلوپاترا (آرتور ویگال)؛ تاریخ اکتشافات جغرافیایی (اوریان اولسن، ۱۴۴۳)؛ تصویر دوریان گری (اسکار وایلد)؛ اعترافات (ژان ژاک روسو)؛ جمهوریت (افلاطون، با تفسیر و حواشی، ۱۳۳۴)؛ حیات مردانی نامی (پلوتارک، چهار جلد، ۱۳۴۳-۱۳۳۷)؛ جریان‌های بزرگ تاریخ معاصر (ژاک پیرن، شش جلد، ۱۳۵۷)؛ کوروش نامه (گزنفون، ۱۳۴۲)؛ اندیشه‌ها و رسالات (بلز پاسکال با تفسیر لئون برونسویک، ۱۳۵۱)؛ آخرین نبرد (نلیوس راین)؛ اسلام، دین و امت (لویی گارده، ۱۳۵۲)؛ اخلاق نیکوماک (ارسطو، با ملحقات درباره اخلاق و غرب)؛ علم و مذهب (برتراند راسل، ۱۳۵۵)؛ تقریرات ناپلئون (کنت دولاسکاز، ۱۳۶۳).

از ایشان ترجمه‌های دیگری نیز آماده چاپ بود، مانند: سفرنامه‌ی مارکوپولو، جهان سوم در بن بست از بروک، تحول از هانری برگسون، تاریخ و تمدن از مجموعه‌ی یونسکو، تمدن ایرانی به سرپرستی هانری ماسه.

فرزند مرحوم میرزا عبدالحسین خان، در ۱۲۸۴ ش در تهران متولد شد. تحصیلات مقدماتی و ابتدائی را در مدرسه‌ی علمیه و تحصیلات متوسطه را در دارالفنون پایان داد. در ۱۳۰۵ وزارت فوائد عامه و تجارت اعلانی منتشر نمود که برای تکمیل کادر فنی خود بیست و پنج محصل به اروپا اعزام خواهد کرد و کنکوری برای آن ترتیب دادند. مشایخی در این مسابقه شرکت نمود و موفق گردید در زمره سایرین برای ادامه تحصیل به اروپا اعزام شود. طبق برنامه‌ای که تنظیم شده بود، مشایخی به بلژیک اعزام شد و در دانشگاه کان دوره مهندسی راه و ساختمان را گذراند و به تهران بازگشت و در وزارت طرق و شوارع که از وزارت فوائد عامه منتزع شده بود اشتغال ورزید و به کار راهسازی پرداخت. وی مدتها مدیر کل ساختمان وزارت راه بود و راه آهن سراسری

آذربایجان و خراسان توسط او انجام و اتمام پذیرفت. قریب نه سال سر مهندس این راه بود. مشایخی به حق در ایجاد راههای شوسه و راه آهن در ایران سهم شایسته‌ای دارد. وی مدتی هم در دانشکده‌ی فنی استاد بود. چندی هم معاون فنی وزارت راه شد و بعد به معاونت پارلمانی رسید. سرانجام ریاست شورایی عالی راه آهن به او سپرده شد.

مهندس رضا مشایخی علاوه بر مشاغل اداری یکی از مترجمین پرکار ایران بود و سالیانی چند به ترجمه‌ی آثار برگزیدگان پرداخت و در کار ترجمه و سواس خاصی داشت. قریب بیست جلد از ترجمه‌های او به چاپ رسیده است از جمله: کلتوپاترا، اعترافات ژان ژاک روسو، جمهوریت افلاطون، حیات مردان نامی، تقریرات ناپلئون، سفرنامه مارکوپولو و ماری آنتوانت را می‌توان نام برد. رویهمرفته از ایران دوستان و خدمتگزاران به فرهنگ کشور بود. وی در ۱۳۶۸ در سن ۸۴ سالگی درگذشت. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

مشایخی، قدرت الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قدرت الله مشایخی

محل تولد: گلپایگان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب قدرت الله مشایخی در سال ۱۳۴۲ بعد از تحصیلات ابتدایی وارد مدرسه علمیه خوانسار شدم و کتاب جامع المقدمات را نزد مرحوم آیت الله حاج آقا حسن علوی فرا گرفتم و در سال ۱۳۴۴ وارد حوزه علمیه اراک و سیوطی و حاشیه را نزد آقای رفیعی در مدرسه آقا ضیاء الدین گذرانده و در سال ۱۳۴۵ وارد حوزه علمیه قم و کتاب مغنی را نزد حاج سید حسن درچه ای و آقای فشارکی و معالم الاصول را نزد آقای اشکوری و مطول را نزد آقای دوزدوزانی و شرح لمعه را نزد آقای ستوده و سید ابوالفضل موسوی و قوانین را نزد آقای اعتمادی مکاسب را نزد آیت الله سلطانی و آیت الله فاضل لنکرانی و رسائل را نزد آیت الله سبحانی گذرانده و کفایه را نیز نزد آیت الله سلطانی و آیت الله مشکینی. سپس درس خارج حوزه را مدتی در خدمت مرحوم آیت الله داماد و آیت الله حاج آقا مرتضی حائری گذرانده و مدتی نیز درس اصول آیت الله حاج شیخ هاشم آملی و آیت الله حاج میرزا جواد تبریزی و خارج فقه را سال های متمادی نزد حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی فرا گرفتم. در درس فلسفه مدت ۸ سال خدمت آقای حسن زاده آملی اسفار شرکت کردم. مدت کوتاهی در یک تابستان مسائل مستحدثه را نزد حضرت امام خمینی رحمه الله علیه آموختم.

در خلال این سنوات همیشه در ماه های تبلیغ محرم و صفر و رمضان را مشغول منبر و تبلیغ در شهرهای مختلف کشور و در حدود چند سالی اداره کلاسهای فن خطابه دفتر تبلیغات اسلامی را به عهده داشتم. بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و بازگشایی دانشگاه ها از سال ۱۳۶۲ بنا به دعوت شورای انقلاب فرهنگی وارد دانشگاه الزهراء شدم چند سالی را به تدریس دروس معارف اسلامی مشغول بودم و بنا به تقاضای دانشگاه از سال ۱۳۷۰ از طریق شرکت درخبرگان بی مدرک جزء هیئت علمی دانشگاه

الزهراء ، دانشکده الهیات در گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی قرار گرفتم و اکنون هم جزء هیئت علمی این دانشکده در دانشگاه الزهراء می باشم و تقریباً اوقات درسی نیمی از هفته را در آنجا و نیمی از هفته را نیز در حوزه علمیه قم اشتغال دارم . در دوران تحصیل درحوزه گذشته از اداره کردن کلاس های فن خطابه درس های اعتقادی مدرسه حقانی و همچنین درس لمعه و عروه الوثقی را در مدرسه آیت الله گلپایگانی تدریس داشتم و در مدرسه فاطمیه درس هائی از نهج البلاغه را تدریس می کردم که جزوه های آن را هر هفته بین طلاب تقسیم می کردند و در این بحث ها نامه امام به مالک اشتر و وصیتنامه آن حضرت به امام حسن مجتبی علیه السلام مورد بحث و تدریس قرار می گرفت .

در حال حاضر در دانشگاه قواعد فقه ، احادیث فقهی ، مبادی فقه ، مبادی اصول و فقه تطبیقی که عبارت از فقه مذاهب خمس می باشد را تدریس می کنم و در بسیاری از این درس ها مثل تاریخ اسلام ، معارف اسلامی و سوره های متعددی از تفسیر قرآن جزوه هایش موجود است . روزهایی را که در حوزه هستم در درس فقه آیت الله حاج شیخ میرزا جواد تبریزی شرکت می کنم و مشغول تکمیل جزوه های گذشته و بحث هائی در نهج البلاغه هستم .

مشائی، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر محمد رضا مشائی معروف به شهاب در سال ۱۳۱۰ در شهر یزد بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکتری رشته فلسفه اسلامی از دانشکده الهیات دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۵ است. وی در سال ۱۳۵۰ در دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد به عنوان مربی استخدام شد و پس از طی مراتب علمی به ترتیب استادیاری، دانشیاری به درجه استادی این دانشکده نائل آمد. و در سال ۱۳۸۲ به درجه بازنشستگی نائل گشت. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی گرایش: منطق و کلاموالدین و انساب: پدر دکتر مشائی مرحوم آقا شیخ مرتضی مشائی از دودمان صحابی معروف، حبیب بن مظاهر (رضی الله عنه) و از خاندان روحانی متوفی در سال ۱۳۲۱ در سن ۴۰ است. مادرش صبیبه مرحوم آیه الله حاج میرزا و از طرف مادری از دودمان پیامبر گرامی اسلام (ص) می باشد. دایی دکتر مشائی مرحوم آیه الله پویا می باشد. او روحانی بزرگ و دارای تالیفات متعدد به زبان انگلیسی و غیره و ساکن هند و اخیراً در پاکستان بود. او صاحب روزنامه مسلم است. خاطرات کودکی: محمد رضا مشائی از کلاس پنجم و ششم ابتدایی، داستانهای "موش و گربه عبید زاکانی" و داستان مربوط به "قاضی و مردی که دارای کیسه زر بود" را به یاد دارد او همچنین از بیمار شدن پدرش که پس از انتقال به اصفهان تحت معالجه قرار گرفت ولی معالجات کار ساز نبود و بالاخره در سن ۴۰ سالگی فوت کرد خاطره تلخی بیاد دارد. دکتر مشائی از دیگر خاطرات خود چنین می گوید: "در حدود ۱۱ سالگی در یک جوی آبی که حدود ۲۵ متر عمق داشت سقوط کردم که پس از نجات و در جریان معالجه تا چند سال عوارض آن روی من باقی مانده بود". اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: پدر محمد رضا مشائی روحانی بود و به تحصیل علوم دینی مشغول بود و ثروت زیادی هم را به ارث برده بود و از فروش آنها هزینه زندگی خود و خانواده و شش فرزند را تامین می کرد. تحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات محمد رضا مشائی به قرار زیر است: - تحصیلات علوم دینی از سال ۱۳۲۴: مقدمات (صرف، نحو، منطق و معانی بیان)، معالم الاصول، نزد مدرسان خصوصی - تحصیلات کلاسیک متوسطه در سال ۱۳۲۹ بصورت متفرقه، دیپلم پنجم علمی در سال ۱۳۳۱، ششم ادبی در اصفهان در سال ۱۳۳۲ - شرکت در کلاس درس آیه الله میلانی و اخذ مدرک کارشناسی علوم معقول در

سال ۱۳۳۹ - شرکت در دوره دکتری در سال ۱۳۴۲ و اخذ دکتری رشته الهیات در سال ۱۳۴۵ - کارشناسی ارشد رشته فلسفه در سال ۱۳۵۰. خاطرات و وقایع تحصیل: محمد رضا مشائی بخاطر اینکه زبان انگلیسی را در کلاس شهید دکتر بهشتی گذرانده بود بیشتر اساتید در دوره های کارشناسی و دکتری با ایشان در مورد مطالب درسی (بیشتر کتب بزبان انگلیسی بود) مشورت می کردند. دکتر مشائی در دوره های کارشناسی و دکتری بعنوان شاگرد و دانشجو ممتاز معرفی شد ولی بعلت مسائل سیاسی از معرفی او امتناع کردند. فعالیتهای ضمن تحصیل: محمد رضا مشائی در کنار تحصیل به یادگیری زبان انگلیسی و آموزش ماشین نویسی می پرداخت که در این راستا ۱۶ حرف را در یک دقیقه وارد می کرد و در نتیجه گواهی درجه یک را اخذ کرد. او همچنین به تدریس کتب دینی همچون صرف میر، هدایه و سیوطی و غیره بصورت آزاد برای طلاب و تدریس خصوصی عربی برای داوطلبان کنکور و غیره می پرداخت. استادان و مربیان: از اساتید محمد رضا مشائی می توان از مرحوم آقای بروجردی، مرحوم حاج آقای مرتضی حایری، مرحوم علامه طباطبائی و مرحوم حاج آقای یزدی (حوزوی) و مرحوم دکتر مجتهدزاده، آقای واعظ زاده، دکتر صدیقی و دکتر سکوت و غیره (اساتید دانشگاهی) نام برد. هم دوره ای ها و همکاران: مرحوم دکتر شفایی، آقای عطایی (کارشناسی) دکتر شیخ، مرحوم دکتر باهر (دکتری)، دکتر احمدی، ضیاء شهابی (کارشناسی ارشد) از هم دوره ایهای محمد رضا مشائی بوده اند. همسر و فرزندان: دکتر مشائی متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم فرهنگ (دارای سیکل متوسطه و خانه دار) و سه فرزند دختر می باشد که به ترتیب دارای تحصیلات و سمتهای زیر می باشند: - عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه فردوسی مشهد - جراح و پزشک متخصص زنان و ساکن کرمان - عضو هیئت علمی پژوهشی وزارت جهاد کشاورزی مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مشاغل و سمتهای اداری محمد رضا مشائی به قرار زیر است: - مدیر گروه کلام و فلسفه دانشگاه فردوسی مشهد بمدت ۳ سال - معاون دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد بمدت یک سال - معاون آموزشی دانشگاه فردوسی مشهد بمدت ۶ سال - سرپرستی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد بمدت شش سال - عضو هیئت ممیزه دانشگاه فردوسی مشهد بمدت شش سال - عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه فردوسی مشهد - منشی دفتر اسناد رسمی از سال ۱۳۲۳-۱۳۲۸ - دبیر و عضو کمیته منتخب الهیات - عضو کمیته تخصصی علوم انسانی هیئت ممیزه بمدت ۱۲ سال - سرپرستی حوزه علوم دینی یزد (با موافقت دانشگاه بصورت رفت و برگشت) - سرپرستی مدرسه علمیه آیه الله صدوقی در مشهد - عضو کمیته برنامه ریزی دانشکده های الهیات کشور - عضو موسس دانشگاه علوم اسلامی رضوی - عضو هیئت امنای و نیز تدوین کننده برنامه ریزی درسی دانشگاه علوم اسلامی رضوی - عضو شورای علمی امور فرهنگی آستان قدس رضوی (ع) - عضو هیئت تحریریه مجله مشکوه بمدت چندین سال. فعالیتهای آموزشی: محمد رضا مشائی از اسفند ۱۳۴۴ تا مهر ۱۳۵۰ در محلات دبیر بودند او در سال ۱۳۵۰ با عنوان مربی در دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد استخدام شد و پس از طی مراتب و مدارج علمی به ترتیب از استادیاری، دانشیاری به درجه استادی نائل آمد. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: دکتر مشائی آموزشگاه عالی خیام را در مشهد تاسیس کرده است. جوایز و نشانها: محمد رضا مشائی بخاطر شاگرد اولی در دوره کارشناسی مدال اول فرهنگ را دریافت کرده است. چگونگی عرضه آثار: محمد رضا مشائی دارای هفت مقاله چاپ شده و ده کتاب که یکی چاپ شده و یکی در شرف چاپ و بقیه نیمه تمام است. او استاد راهنمای بیش از ۳۱ پایان نامه کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری می باشد. آثار: ترجمه کتاب کافیه این حاجب در دو جلد که یک جلد آن تمام شده است. تصحیح و تزیین و نشر نسخه منظومه اعرجی (در منطق) و ویژگی اثر: منتشر شده در نشریه هشت دانشگاه مک گیل کانادا- ۳ تصحیح و ترجمه تذلیل کتاب جوهر النضید در منطق و ویژگی اثر: تالیف خواجه طوسی و علامه حلی - دارای دو جلد که جلد اول آن در شرف اتمام می باشد ۴ تصحیح و حواشی و ترجمه شرح باب حادی عشر، جمع غلطهای مستعل در محاورات، نوشته ها و علوم انسانی، حواشی بر منطق مظفر، سرگذشت مذهب دری از قدیم تا کنون که قرار بود از طرف دانشکده الهیات بچاپ برسد، شواهد النحویین و ویژگی اثر: ترجمه و شرح کلیه مثالهای کتاب معروف به سیوطی ۹ فرهنگ

و اصطلاحات و ضرب المثلهای یزد ویژگی اثر: این کتاب در ضمن حدود سی سال بتدریج ضبط شده و حدود دو جلد می باشد ۱۰ منطبق به زبان عربی و ویژگی اثر: برای دانشجویان دانشکده الهیات کشور و احتمال حوزه های علوم دینی که نیمی از آن تالیف شده است.

منابع زندگینامه: تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر محمد رضا مشائی بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی - زمستان ۱۳۸۶

مشتاقی نیا، حمید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید حمید مشتاقی نیا

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۷/۵/۵

زندگینامه علمی

اینجانب سید حمید مشتاقی نیا در سال ۱۳۷۶ وارد مدرسه علمیه روحیه شهرستان بابل گردیدم. این مدرسه تحت اشراف حضرت آیت الله محمدی از علمای گراسنگ و گمنام خطه مازندران اداره میشود. بنده ۶ سال دروس عقائد و منطق سال اول حوزه را تدریس می نمودم. یک سال نیز به عنوان طلبه ممتاز بسیجی انتخاب گردیدم. سال ۱۳۸۰ وارد قم شده و بعد از اتمام دروس سطح، خارج فقه و تفسیر را نزد اساتید بزرگواری هم چون آیت الله جوادی آملی و توکل آغاز نمودم. تا کنون بیشتر کتب منتشر شده این جانب در ارتباط با دفاع مقدس بوده و با برخی مؤسسات در این خصوص ارتباطات کوتاهی داشته ام. آرزوی بنده این است که بتوانم با حمایت مسئولین امر بیشتر توان خود را در راه حفظ و ترویج فرهنگ والای جهاد و شهادت مصروف دارم انشاءالله.

مشتاقی، علی اصغر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیوشیمی کلینیکی، دانشکده: داروسازی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی در رشته بیوشیمی کلینیکی از دانشگاه نیوکاسل انگلستان.

مرتبه علمی:

دانشیار و مدیر گروه بیوشیمی بالینی دانشکده داروسازی و علوم مخصوصا در بیماران دیالیزی، تحقیق بر روی ایزوآنزیمهای جدید الکالن فسفاتاز، اثرات هورمونهای استروئید بر روی آنزیمهای جدید الکالن فسفاتاز، اثرات حاد و مزمن مس بر متابولیسم کربوهیدرات، اثرات منتخبی از داروهای مؤثر بر غلظت الکترولیت‌های سرم، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: ۳

زمینه علمی تألیفات:

بیوشیمی خون و ادرار، بیوشیمی آزمایشگاهی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳۳

زمینه علمی مقالات:

بیوشیمی کلینیکی، متابولیسم عناصر، تداخل آلومینیم در برداشت آهن از روده، اثرات مس روی متابولیسم قندها در رات (Rat)، مطالعه مسمومیت با کادمیوم و پروتئینوری، مطالعه اثرات آهن و نیکل روی رشد باکتری با سیلوس، بررسی تغییرات بعضی از پارامترهای شیمیایی در ارتباط با بیماریهای کلیوی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مشتاقی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مشتری

قرن: ۱۳

جنسیت: زن

ملیت: ایران

قرن سیزدهم هجری، از زنان هنرمند و ادیب. وی از زنان فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۱۲ ق) و اهل شیراز بود و در آواز، موسیقی و شعر و بدیهه‌گویی استاد بود. به نوشته تاریخ عضدی، یک شب شاه با یکی از زنانش در طبقه اول برج جهان‌نما به سر می‌برد.

مشتری خانم که در طبقه دوم بود شعر زیر را با آواز بلند خواند:

بالای بام دوست چو نتوان نهاد پای

هم چاره آنکه سر بنهم زیر پای دوست

به دستور شاه، هرگاه که شاه عازم سفر می‌شد و چکمه و شلوار می‌پوشید مشتری خانم می‌بایست که مشغول خواندن آواز می‌شد. در سفر آخری که به اصفهان می‌کرد- و در همان سفر در اصفهان در گذشت- مشتری خانم به عادت همیشگی بیت زیر را خواند: تو سفر کردی و خوبان همه گیسو کردند از فراق تو عجب سلسله‌ها بر هم خورد شاه مضمون این بیت را به فال بد گرفت و آیه استرجاع خواند. مشتری خانم حدود صد سال عمر کرد. برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی منابع زندگینامه: منابع: پشت پرده‌های حرمسرا، ۳۵۸؛ تاریخ عضدی، ۴۱-۴۰؛ ریاحین‌الشریعه، ۷۵ / ۵.

مشحون، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

موسیقیدان.

تولد: اردیبهشت ۱۲۸۵، تهران.

درگذشت: ۲۸ خرداد ۱۳۵۹.

حسن مشحون پس از تحصیلات مقدماتی وارد مدرسه‌ی متوسطه شد و پس از اخذ لیسانس در تاریخ و جغرافیا به خدمت وزارت آموزش و پرورش درآمد. سپس برای ادامه‌ی تحصیل به اروپا اعزام شد و پس از بازگشت از فرانسه به تدریس در دانشگاه مشغول شد و آخرین مقام اداری ایشان ریاست اداره‌ی باستان‌شناسی بود. مشحون در موسیقی از شاگردان حسین هنگ‌آفرین و اساتید دیگر بود. حسن مشحون، سه‌تار و تار می‌نواخت و کتاب تاریخ موسیقی ایران را در دو جلد منتشر کرد. وی تحقیقی درباره‌ی تعزیه و تعزیه‌وانی در ایران نیز دارد. حسن مشحون در ۲۸ خرداد ۱۳۵۹ درگذشت.

(۱۳۵۹-۱۲۸۵ ش)، موسیقیدان، محقق و نویسنده. پدر و جدش از یاران نزدیک شیخ فضل‌الله نوری بودند. وی در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی به دارالفنون رفت و از آنجا فارغ‌التحصیل شد. در ۱۳۱۳ ش در رشته‌ی تاریخ و جغرافیا، از دانشسرای عالی لیسانس گرفت و سپس به خدمت وزارت آموزش و پرورش درآمد. وی در دبیرستانهای البرز و دارالفنون سالها تدریس کرد و بعد از آن، چند سال در سمت مدیر کلی فرهنگستان مازنداران، ریاست اداره‌ی محاکمات وزارت فرهنگ و مدیریت کل باستان‌شناسی بود، تا اینکه در ۱۳۴۷ ش از خدمت بازنشسته شد. مشحون دو سالی هم در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران به تدریس تاریخ موسیقی پرداخته بود. مشحون سه تار و تار را به خوبی می‌نواخت و گاهی شعر نیز می‌سرود. وی در تهران درگذشت. از آثار او: «تاریخ موسیقی ایران»، در دو جلد، که حاصل سی سال تحقیق و تلاش وی است؛ جزوه‌ای موسوم به «شرح حال و نمونه آثار شیخ محمود شبستری»؛ یک دوره کتاب درسی «تاریخ و جغرافیا»، برای دبیرستانها که به همراه دو تن از همکاران تألیف نمود؛ «تاریخ ایران و عرب تا دوره‌ی غزنویان»؛ «جغرافیای سیاسی ایران و آسیا و آفریقا»؛ «جغرافیای طبیعی ایران»، [۱].

حسن مشحون به سال ۱۲۸۵، در تهران متولد گردید، پس از تحصیلات مقدماتی وارد مدرسه متوسطه شد و پس از اخذ لیسانس در تاریخ و جغرافیا، به خدمت وزارت آموزش و پرورش درآمد. وی از نخستین نفراتی بود که به اروپا برای تحصیل فرستاده شد. حسن مشحون، پس از بازگشت از فرانسه به تدریس در دانشگاه مشغول شد و آخرین مقام اداری ایشان ریاست اداره‌ی

باستان‌شناسی بود. مشحون در موسیقی از شاگردان حسین هنگ‌آفرین بود و اساتید دیگری هم دیده بود. وی مردی بود محقق و موسیقی‌شناس و در چند سال اخیر، تنها کسی بود که تمام مشکلات اهل موسیقی را می‌دانست و حرف او سند بود، چنانچه اگر اختلافی بین موسیقی‌دانان در مورد گوشه‌ای از گوشه‌های متعدد و مهجور موسیقی ایرانی بروز می‌کرد، حرف حسن مشحون برای آنان حجت بود و هرچه راوی می‌گفت بدون هیچ بحث و سخنی می‌پذیرفتند.

شادروان حسن مشحون، سه‌تار و تار را به خوبی می‌نواختند و کتابی هم درباره‌ی تاریخ موسیقی نوشته که سی سال برای آن زحمت کشید و نیز تحقیقی درباره‌ی تعزیه و تعزیه‌خوانی در ایران. حسن مشحون در خرداد ماه سال ۱۳۵۹ دارفانی را بدرود گفت، روانش شاد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: تاریخ موسیقی ایران (۱/ یازده- پانزده)، مردان موسیقی (۱۷۵- ۱۷۴/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳۶۳- ۶۳۵/۲).

مشرقی شیرازی، حسن

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۰۳۸ ق)، حکیم، عارف و شاعر. از شعرای عهد صفوی بود و در اشعارش مکرر شاه عباس اول (۱۰۳۸- ۹۹۶ ق) و شاه صفی (۱۰۵۲- ۱۰۳۸ ق) و امراء و حکام آنان را مدح گفته است. وی با اینکه مردی عارف مشرب و وارسته بود ولی در اشعار او مضامین عارفانه بسیار کم دیده می‌شود. در اشعارش گاهی ابیات بسیار عالی، در ردیف اشعار استادان بزرگ، وجود دارد و گاهی اشعار مبتذل و بی‌معنی، به همین علت صاحب بعضی تذکره‌ها معتقدند که ممکن است وی اشعار شعرای پیش از خود، خصوصاً اشعار شاعر معاصرش ملک مشرقی مشهدی (م ۱۰۵۰ ق)، را به نام خود آورده باشد. ظاهراً او در ۱۰۳۸ ق زنده بوده و در اواخر قرن یازدهم در شیراز وفات یافته است. مقبره‌اش در شیراز به تکیه مشرقین مشهور است. از آثارش: «کلیات» شامل: ۱- مثنوی «شمس المشرقین»، در برابر «تحفة العراقین» خاقانی، سروده شده در ۱۰۱۰ ق، ۲- مثنوی «شبهستان انس»، در برابر «بوستان» سعدی، ۳- قصاید، هفت هزار و پانصد و پنجاه بیت، ۴- مراثی و ترجیعات و هفت بند، ششصد و پنجاه بیت، ۵- مقطعات در تاریخ و فیات و فتوح شاه عباس، چهارصد و پنجاه بیت، ۶- رباعیات، چهارصد بیت، ۷- غزلیات، نه هزار و پانصد بیت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۳۹- ۴۳۴/۴)، الذریعه (۲۲۶، ۲۲۳- ۲۲۲/۱۹، ۱۰۴۹- ۱۰۴۸/۹)، طرائق الحقائق (۴۹۴/۳)، منظومه‌های فارسی (۵۳۷- ۵۳۳).

مشفق شیرازی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۵۲ ق)، طیب و شاعر، متخلص به مشفق. معروف به شفیع‌طوس. اصلش از شیراز است و در آن شهر علوم و طب را فراگرفت. سپس مدتی در خدمت شاهزاده محمدتقی میرزا، حسام‌السلطنه پسر فتحعلی‌شاه، حکمران بروجرد، به طبابت مشغول بود.

در اواخر دولت فتحعلی‌شاه به شیراز بازگشت و ملازم نواب فیروز میرزا، که از جانب محمدشاه حاکم شیراز بود، شد و شهرت یافت. وی در سرون غزل و قصیده با استعداد بود. از آثارش «دیوان» شعری بالغ بر سه هزار بیت می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۱۶۵۶-۳/۱۶۵۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۴۰-۴/۴۳۹)، الذریعه (۹/۱۰۵۰)، سفینه‌المحمود (۵۴۱-۲/۵۳۸)، فارسنامه‌ی ناصری (۲/۱۱۷۹)، فرهنگ سخنوران (۸۴۷)، مجمع الفصحا (۵/۹۵۰)، مرآت الفصاحه (۵۹۰-۵۸۸)، مصطبه‌ی خراب (۱۷۵)، مکارم الآثار (۴/۱۴۱۵).

مشکان طبسی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ادیب، شاعر دانشمند و قاضی عالیرتبه در ۱۲۵۸ در طبس تولد یافت. پدرش سید مهدی از دانشمندان و مالکان طبس بود. تحصیلات مقدماتی را در طبس آغاز کرد و سپس در یزد و حوزه علمیه اصفهان آن را تکمیل نمود و مدتی در اصفهان نزد میرزا جهانگیرخان قشقائی فلسفه آموخت. علوم فقه و اصول و حساب و هندسه و جبر و اسطرلاب و طبیعیات را کامل کرد. سپس به خراسان بازگشت و در آنجا به آموختن زبان فرانسه و علوم طبیعی و ادبیات اروپائی اشتغال ورزید. بعد به قاهره سفر نمود و در دانشگاه الازهر چندی به تحصیل و تدریس اشتغال داشت. قریب سه سال نیز در پاریس علوم انسانی و حقوق یاد گرفت. پس از پایان جنگ بین‌الملل اول با سرمایه و بضاعت علمی کامل به ایران بازگشت. ابتدا در وزارت معارف مشغول شد و در چند مدرسه هم تدریس می‌کرد. در تشکیلات دادگستری داور به آن وزارتخانه دعوت شد و با رتبه هفت قضائی مستشار استیناف گردید. پس از چندی به دیوان عالی کشور رفت و در آنجا مستشار دادگاه انتظامی قضات شد. وی از مدرسین درجه اول مدرسه عالی سپهسالار بود و در دانشکده معقول و منقول تدریس می‌کرد. او شعر نیکو می‌سرود و اشعارش از سخن‌سرایان خراسان الهام گرفته است و در رونق انجمن‌های ادبی در تهران سهمی به سزا داشت و مدتها نایب رئیس انجمن ادبی فرهنگستان بود. وفات او در ۱۳۲۸ در هفتاد سالگی اتفاق افتاد. در ادبیات فرانسه نیز استادی داشت. مشکان طبسی مدتی در خراسان از ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۶ مجله ادبی دبستان را انتشار می‌داد پس از عضویت در دادگستری امتیاز آن را به شیخ احمد بهار واگذار کرد.

(۱۳۲۷/۱۳۲۸-۱۲۵۸ ش)، استاد دانشگاه، نویسنده، مترجم و شاعر. در طبس به دنیا آمد. حساب و هیئت و نجوم را نزد پدر و علوم عرب را نزد شیخ حسن ملا سلطان محمد آموخت. وی پس از فوت پدر جهت ادامه‌ی تحصیل به یزد و اصفهانی رفت و علوم عقلی و نقلی و ریاضیات و فنون و ادب و اسطرلاب را نزد استادان وقت فراگرفت. سپس به مشهد رفت و به فراگیری زبان فرانسه و علوم طبیعی و ادبی اروپایی پرداخت. وی مسافرت‌هایی به مصر و پاریس داشت و در اواخر جنگ جهانی اول به خراسان بازگشت و در مشهد به خدمت وزارت معارف درآمد. وی در ۱۳۰۱ ش، مجله‌ی «دبستان» را در مشهد تأسیس و منتشر کرد. مشکان بعدها به تهران منتقل و در سمت مستشار دیوان کشور مشغول خدمت شد. وی همچنین در دانشکده‌ی معقول و منقول فلسفه تدریس می‌کرد. مشکان سرانجام در تهران فوت نمود و در شهر ری در جوار بقعه‌ی حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد. از آثار وی:

«ببر هژیر یا کاپیتان کرکران»، ترجمه؛ «تدبیر منزل و سیاست مدن»؛ اهتمام در انتشار «ترجمه‌ی اشارات»، [۱]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ جراید (۲۸۰-۲/۲۷۷)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (۹۹۹-۹۹۸)، شرح حال رجال (۷۹-۷۸)

۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۸۵۲، ۸۲۲، ۴۵۲ / ۱)، گلزار معانی (۶۴۷-۶۲۷)، مؤلفین کتب چاپی (۶۵۶-۶۵۴ / ۲).

مشکوه، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی بن حاج زین‌العابدین خوزانی معروف به (مشکوه) از علماء محترم معاصر سده (همایونشهر) می‌باشند.

وی در سال ۱۳۱۹ ق در خوزان متولد شده و پس از خواندن فارسی مقدمات را در اصفهان خدمت آقای زفره‌ای و آقا سید آقا جان فرا گرفته و سطوح اولیه لمعه و قوانین را از مرحوم صدیقین حاج ملاحسینعلی و مرحوم آقا شیخ محمد حکیم آموخته و سطوح نهائی را از مرحوم آقا سید مهدی درچه‌ای و حاج سید مرتضی معروف بجارچی خراسانی و کفایه را از آیت‌الله مرحوم آقا سید محمد نجف آبادی استفاده نموده و پس از تکمیل آن به قم مسافرت و مدت هفت سال از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکرم حایری و آیت‌الله حجت و آیت‌الله آقا سید محمدتقی خونساری استفاده نموده و بعد از فوت مرحوم حایری مهاجرت به نجف اشرف و مدت هفت سال از درس و محضر مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله آقا ضیاء‌الدین عراقی و آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین کمپانی بهره‌مند شده و ضمناً در نجف تدریس سطوح فقه و اصول نموده و در اواخر عمر مرحوم آیت‌الله اصفهانی به علت کسالت خانوادگی و فقدان بعضی از فرزندان به اصفهان مراجعت و در مدرسه چهارباغ و مدرسه صدر تا حال تحریر اشتغال به تدریس سطوح عالی و نیز اقامه جماعت و بیان احکام و مواعظ دارند و هر هفته یکروز به خمینی شهر آمده و مردم آن سامان را از فیض علوم خود مستفیض می‌فرمایند.

از باقیات الصالحات و آثار خیر ایشانست مدرسه علمیه و غسلخانه‌ای در خمینی شهر تألیفات معظم‌له.

۱- حاشیه بر کفایه ۲- تقریرات درس آیت‌الله اصفهانی ۳- تقریرات درس آقا ضیاء ۴- تقریرات درس آیت‌الله حایری.

ایشان ۴ فرزند ذکور و ۴ فرزند اناث دارند که یکی از پسران به نام آقامحمود اشتغال به درس دارند.

دامادهای ارجمند ایشان از علماء بزرگ اصفهان به نام ۱- آیت‌الله آقا سید ابوالحسن شمس‌آبادی ۲- حجة الاسلام والمسلمین آسید محمد درچه‌ای ۳- حجة الاسلام حاج شیخ محمدعلی.

نگارنده: گوید جناب آقای مشکوه صاحب نفس زکیه و مقامات معنوی و دارای مکاشفات و منامات عجیبه و غریبه‌اند که برای اختصار از ذکر آن خودداری می‌نمائیم.

ادام‌الله توفیقه و جعله‌الله و ایانا من انصار ولیه عجل‌الله فرجه.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مشکوه، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نسخه‌شناس.

تولد: ۱۳۱۹، ق. بیرجند.

در گذشت: ۲ مهر ۱۳۵۹.

سید محمد مشکوه از مردم بیرجند و طلبه‌ی درس خوانده در بیرجند (مدرسه‌ی معصومیه) و قائن و مشهد بود. در اسفند ۱۲۹۹ به تهران آمد. وی توانست به استادی دانشگاه برسد و به تدریس فقه اسلامی پردازد. از این رشته، تقریراتی از وی به چاپ رسیده است که جنبه‌ی درسی داشت. مشکوه به جز تدریس در دانشگاه در مدرسه‌ی عالی سهپسالار نیز به تدریس فلسفه اشتغال داشت. مشکوه نزد عده‌ای از علمای زمان و اساتید حوزه‌های علمی مشهد و تهران درس خوانده و به اخذ درجه‌ی اجتهادی از آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای و آیت‌الله حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی نایل شد. اما شهرت علمی او در معرفت‌کتابشناسی اوست. وی در سال ۱۳۳۹ کتب خطی کتابخانه‌ی خود را به دانشگاه تهران بخشید و پایه‌ی کتابخانه‌ی مرکزی با این مجموعه گذاشته شد. فهرست کتابخانه‌ی مشکوه در هفت جلد انتشار یافت. (دو جلد توسط احمد منزوی و هفت جلد توسط محمدتقی دانش‌پژوه). از آثار اوست: کلمة التوحید لرفع التردید (۱۳۰۵)؛ مشکوه الاسرار فی حل عقد الاسفار (۱۳۰۵)؛ روان‌شناسی (ترجمه‌ی رساله‌ی عشق ابن سینا، ترجمه‌ی ضیاءالدین دری، تصحیح میرزا محمود شهابی، ۱۳۱۵)؛ الوجیزه (در درایه، از شیخ بهایی، ۱۳۱۶)؛ رگشناسی یا رساله در نبض (ابن سینا، ۱۳۱۷)؛ فوائد الدریه (شامل چند رساله از ابن سینا، ۱۳۱۸)؛ دره‌ الاخبار و لمعه‌ الانوار (ترجمه تتمه صوان الحکمه، ضمیمه «مهر» سال پنجم، ۱۳۱۸)؛ وصیت‌نامه‌ی محمدباقر مجلسی (ضمیمه‌ی سالنامه، ۱۳۳۲)؛ دره‌ التاج لغره‌الدباج (تألیف قطب‌الدین شیرازی، جلد اول، ۱۳۲۰)؛ دانشنامه‌ی (قسمت طبیعیات، از ابن سینا، ۱۳۳۰)؛ دانشنامه (قسمت منطق، از ابن سینا، ۱۳۳۱)؛ بیع (از کتاب شرایع، ۱۳۳۲)؛ نمونه‌ی مختصری از غزل و مثنوی و رباعی (گردآورنده اکرم مهین، به همت سید محمد مشکوه، ۱۳۳۶)؛ ارسطاطالیس حکیم، نسخین مقاله‌ی ما بعد الطبیعه موسوم به مقاله‌ الالف الصغری (ترجمه‌ی اسحق بن حنین با تفسیر یحیی بن عدی و تفسیر ابن رشد با تفسیر و تحقیق و مقدمه‌ی و ترجمه‌ی سید محمد مشکوه، ۱۳۴۶)؛ فعلیت و امکان در عقد وضع و آراء فارابی و ابن سینا (۱۳۵۶).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

مشکور، محمدجواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق، ادیب، زبان‌شناس.

تولد: ۱۲۹۷، محله سنگلج تهران.

در گذشت: ۲۵ فروردین ۱۳۷۴، تهران.

محمدجواد مشکور، فرزند حاج شیخ علاءالدین، تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ی دارالفنون گذراند. سپس وارد دانشسرای عالی و دانشکده‌ی معقول و منقول شد و در سال ۱۳۱۸ موفق به اخذ درجه‌ی کارشناسی در ادبیات فارسی و ادبیات عرب شد. مدتی به تدریس در دبیرستان‌ها پرداخت و چند سالی به خدمت در وزارت دارایی مشغول شد. مشکور چندی نیز نزد دایی‌های خود شریعت سنگلجی و محمد مهدی سنگلجی به تحصیل علم پرداخت. همچنین از محضر استادانی چون علامه سید محمدحسین طباطبایی، علامه محمد بن عبدالوهاب قزوینی، مهدی آشتیانی، بدیع‌الزمان فروزانفر، احمد بهمنیار، ملک‌الشعراى بهار و عباس اقبال بهره برد. همچنین به تحصیل و تحقیق در زبان‌های باستانی پرداخت و وی از سال ۱۳۲۷ تا سال ۱۳۳۸ به تدریس تاریخ ایران قدیم و زبان پهلوی در دانشگاه تبریز مشغول بود. در سال ۱۳۳۲ به پاریس عزیمت کرد و در سال ۱۳۳۶ به اخذ درجه دکتری در تاریخ

اسلام و فوق آن نایل آمد. مدت شش سال سردبیر مجله‌ی عربی «الآخاء» بود. در سال ۱۳۴۴ به خدمت تمام وقت دانشسرای عالی درآمد و در کنار آن در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی و دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران نیز به تدریس مشغول بود. در سال ۱۳۵۳ به عنوان رایزن فرهنگی ایران عازم سوریه شد و در ضمن به تدریس تاریخ فرق اسلامی به خصوص فرقه‌های شیعه و تاریخ زبان‌های سامی در دانشگاه دمشق پرداخت. دکتر مشکور در مهر سال ۱۳۵۸ پس از قریب چهل سال خدمت دانشگاهی بازنشسته شد ولی همچنان به کار تدریس و تحقیق مشغول بود. برخی از آثار ایشان به این شرح هستند: کلمات محمد (ص) (متن عربی و ترجمه، ۱۳۱۸)؛ تاریخ اوستا و ادبیات دینی پهلوی (۱۳۲۵)؛ تاریخ ایران باستان به روایت ابن عبری (یوسف بنیان، ترجمه، ۱۳۲۶)؛ تاریخ مذاهب اسلام یا ترجمه الفرق بین الفرق (ابومنصور عبدالقاهر بغدادی، ترجمه)؛ النکت الاعتقادیة (شیخ مفید محمد بن محمد النعمان، ترجمه، تبریز، ۱۳۳۳)؛ تاریخ مردم اورارتو (کشف یک سنگ، تهران، ۱۳۳۳)؛ تاریخ اورارتو سنگ نبشته‌های اورارتی در آذربایجان (۱۳۴۵)؛ تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان (۱۳۴۷)؛ تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری (۱۳۵۲)؛ نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت‌شناسی آن (۱۳۴۹)؛ ترجمه تاریخ طبری قسمت مربوط به ایران (ابوعلی محمد بن محمد بلعمی، ۱۳۳۷)؛ دستورنامه در صرف و نحو زبان فارسی (۱۳۳۸)؛ فرق الشیعه یا مقالات الامامیه و الفرق و اسماؤها و صنوفها (۱۳۲۵)؛ کارنامه اردشیر بابکان (۱۳۲۹)؛ مجوس در کتب مقدس سامی (۱۳۲۵)؛ هفتاد و سه ملت یا اعتقادات مذهب (۱۳۳۷)؛ گفتاری درباره دینکرد (۱۳۲۵)؛ ایران در عهد باستان (۱۳۴۳)؛ تصحیح منطق الطیر عطار، اخبار سلاجقه روم (۱۳۵۰)؛ سیر اندیشه‌های دینی در ایران (۱۳۵۵)؛ تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام تا قرن چهارم هجری (۱۳۵۷)؛ فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی (۱۳۵۷)؛ جغرافیای تاریخی ایران قدیم (۱۳۷۱)؛ دکتر جواد مشکور چهل و شش عنوان کتاب دارد و بیش از صد مقاله در زمینه ادبیات، تاریخ، ادیان و مذاهب، زبان‌شناسی به زبان‌های فارسی و عربی و فرانسوی نوشته است. برخی از مقاله‌های او در «معماری ایران»، «هنر و مردم»، «وحید»، «تاریخ و فرهنگ ایران»، «زمین و زمان»، «سخن»، «بررسی‌های تاریخی»، «معارف اسلامی»، «دانش» و «باستان‌شناسی و هنر ایران». وی همچنین در کتاب مجموعه خطابه‌های تحقیقی که در سال ۱۳۵۰ منتشر شد، دارای مقاله بود.

پیکر محمدجواد مشکور در بهشت زهرا در قطعه‌ی ۸۸ (ویژه‌ی هنرمندان و نویسندگان) به خاک سپرده شد.

(۱۳۷۴ - ۱۲۹۷ ش)، نویسنده، مترجم، مصحح، مورخ، فرهنگ‌نویس، محقق و استاد دانشگاه. ملقب به بهاء‌الدین. در تهران به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدارس تمدن، ثروت و دارالفنون وارد دانشکده‌ی معقول و منقول شد و سپس از دانشسرای عالی موفق به اخذ لیسانس در ادبیات فارسی و ادبیات عرب گردید. در ۱۳۱۸ ش در دبیرستانهای ملی تدریس کرد و به خدمت وزارت دارایی درآمد. وی به جهت علاقه به تحقیقات ادبی و معارف اسلامی از محضر دایه‌های خود، شریعت سنگلجی و دو برادرش، آقا محمد و آقا محمد مهدی سنگلجی، و استادانی چون: علامه طباطبایی، علامه قزوینی، میرزا مهدی آشتیانی، بدایع‌الزمان فروزانفر، میرزا یدالله نظر پاک، الهی قمشه‌ای و محمود شهابی استفاده‌ها برد. وی پس از آموختن مقدمات زبانهای سامی (عبری و سریانی) از طرف مدرسه‌ی عالی ایران‌شناسی به تدریس در آن مدرسه دعوت شد. مشکور یکی از همکاران علامه علی‌اکبر دهخدا در کار «لغت‌نامه» بود. در ۱۳۲۷ ش در دانشگاه تبریز تاریخ ایران باستان و زبان پهلوی را تدریس می‌کرد و در ضمن اقامت در تبریز از محضر استادانی چون حاج میرزا عبدالله مجتهدی و حاج محمد آقا نخجوانی و حاج حسین آقا نخجوانی و واعظ چرندانی و غیره بهره جست. در ۱۳۳۲ ش برای گذراندن دوره‌ی دکترای در دانشگاه سوربن پاریس رفت و درباره‌ی تاریخ و فرهنگ خاورمیانه، از قرن نهم پیش از میلاد تا قرن نهم میلادی، به تحقیق پرداخت و در ۱۳۳۶ ش موفق به اخذ مدرک دکترای در تاریخ اسلام و خاورمیانه شد. وی از ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۴ ش مدیریت مجله‌ی «الآخاء» را به عهده داشت. در این بین او در کنگره‌های بین‌المللی در انگلستان و فرانسه و آلمان و روسیه و ترکیه شرکت نمود و در ۱۳۵۲ ش با سمت رایزن فرهنگی به دمشق رفت. وی

ضمن تدریس تاریخ فرق اسلامی بویژه شیعه در دوره‌ی فوق لیسانس در دمشق، موفق به تأسیس دو کرسی زبان و ادبیات فارسی در دو دانشگاه دمشق و حلب شد و کتابخانه‌ای مربوط به کتب ایران و اسلام در مرکز رایزنی و کتابخانه‌ای مربوط به ایران‌شناسی در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه دمشق دایر کرد. یکی از مهم‌ترین موفقیت‌هایش در آنجا مشخص کردن قبر ابونصر فارابی در باب الصغیر و شیخ اشراق شهاب‌الدین ابوالفتح سهروردی در باب البرید بود. از دیگر آثار وی: «تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلامی تا قرن چهارم»؛ «نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت‌شناسی آن»؛ «روح القرآن»، در توحید و مکارم اخلاق انسان؛ «تاریخ اورارتی و سنگ نبشته‌های اورارتی در آذربایجان»؛ «خلاصه ادیان در تاریخ دینهای بزرگ»؛ «گفتاری درباره‌ی دینکرد»؛ «تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان»؛ «فرهنگ هزوارشهای پهلوی»؛ «اهتمام در انتشار کتاب «هفتاد و سه ملت»؛ تصحیح و اهتمام در انتشار کتابهای: «نصاب الصبیان» ابونصر فراهی و «منطق الطیر» عطار؛ «نسب‌نامه‌ی خلفاء و شهریاران» و سیر تاریخی حوادث اسلام، ترجمه؛ «اخبار سلاجقه‌ی روم»؛ «کلمات حضرت محمد (ص)»، ترجمه؛ «الفرق بین الفرق»، ترجمه؛ «فرهنگ تطبیقی عربی با زبانهای سامی و ایرانی»؛ «تاریخ ایران زمین»، از روزگار باستان تا عصر حاضر. [۱]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۷۳۱، ۲۶۵۴/۲)، کلک (س ۴، ش ۴۷ و ۴۸، ص ۲۸۸-۲۷۷، س ۵، ش ۶۰، ص ۳۷۶-۳۷۵)، کیهان فرهنگی (س ۵، ش ۲، ص ۶-۱، س ۵، ش ۶۰، ص ۳۷۶-۳۷۵)، مؤلفین کتب چاپی (۴۲۵-۴۲۳/۲)، نامه‌ی باستان (۱۸-۱۱).

مشکوه‌الدینی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد و دکتری زبان‌شناسی همگانی از دانشگاه تهران.

مرتبه علمی:

عضویت در هیأت علمی گروه زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد از سال ۱۳۵۵، تدریس زبان‌شناسی و اخذ درجه استادی در سال ۱۳۶۷.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحقیق و مطالعه در زمینه زبان‌آموزی کودک و نیز در دانشگاه واشنگتن در زمینه زبان‌شناسی نظری و همچنین یادگیری زبان دوم، شرکت در کنگره‌های داخلی و خارجی و ارائه مقالات گوناگون، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۲۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکتری.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

زبان‌شناسی نظری، دستور زبان فارسی، زبان‌آموزی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

زبان‌شناسی، دستور زبان فارسی، زبان‌آموزی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مشکی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد مشکی

محل تولد: تربت حیدریه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۳ وارد حوزه علمیه شدم و در حقیقت کارها علمی نوشتاری از سال ۱۳۷۲ شروع شد کتب و مقالات و تحقیقات زیادی دارم که بعضی چاپ و بعضی در دست اقدام می باشد. همراه با تحصیلات حوزوی موفق به اخذ دکتری در رشته حقوق خصوصی شدم و تحصیلات حوزوی هم اجتهاد می باشد. و فعلا به عنوان عضو هیئت علمی رسمی دانشگاه آزاد مشغول به تدریس هستم.

مشکی، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی مشکی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۷/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ در رشته اقتصاد مدرک دیپلم گرفتم و در همان سال در حوزه علمیه آیت الله مجتهدی تهرانی رحمه الله علیه مشغول به تحصیل شدم و مقدمات حوزوی را تا سال ۱۳۶۸ در مدرسه ایشان به پایان رساندم و در سال ۱۳۶۸ به قم مشرف شدم و همزمان با دروس حوزه (رسائل و مکاسب) در مؤسسه در راه حق که در آن زمان بخش آموزش آن زیر نظر حضرت آیت الله مصباح یزدی حفظه الله اداره می شد، مشغول به تحصیل شدم.

در سال ۱۳۷۳ پس از فراغت تحصیل در آنجا در رشته تخصصی فلسفه شرکت کردم و پس از قبولی در آن رشته و همزمان با تاسیس مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، رشته تخصصی فلسفه را در مؤسسه مذکور آغاز کردم و در سال ۱۳۷۸ با دفاع از پایان نامه خود که در شش ماه آن را نوشتم موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شدم.

پس از آن در سال ۱۳۷۹ با بخش پژوهشی مؤسسه همکاری نمودم و پژوهشی را درباره «مدرنیت» با دو نفر دیگر از دوستان آغاز کردم که بخش اول آن به نام اسلام و اومانيسم حدوداً در سال ۱۳۸۲ آماده شد و به پژوهش مؤسسه تحویل دادیم و سپس بخش دوم که «سکولاریسم» بود را به صورت فردی ادامه دادم و پس از پایان یافتن این بخش در سال ۱۳۸۴ این بخش تیر تحویل پژوهش گردید. در سال ۱۳۸۲ همراه با تحقیقات پژوهشی به عضویت هیئت علمی و پژوهشی مؤسسه در آمدم و پس از دو سال عضو هیئت علمی آموزشی شدم و از سال ۱۳۸۲ تا کنون مشغول تدریس در مؤسسه می باشم و عمده فعالیت‌های بنده در حوزه تدریس می باشد و در بخشی هم با واحد تربیت مربی اخلاق همکاری دارم.

مشکینی، ابوالحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالحسن بن عبدالحسین مشکینی اردبیلی نجفی عالمی فاضل و فقیهی تحریر و مدرسی بزرگ و خوش تقریر بوده است ولادت ایشان در سال ۱۳۰۵ قمری در یکی از دهات مشکین شهر اردبیل واقع شده و از آنجا برای تحصیل در سال ۱۳۲۰ به اردبیل آمده و در سال ۱۳۲۸ ق مهاجرت به نجف اشرف و مدت کوتاهی درک بحث آخوند خراسانی را نموده و پس از فوت وی خدمت مرحوم آقا شیخ علی مدرس قوچانی تلمذ کرده و در سال ۱۳۳۷ ق به کربلاء عزیمت و از محضر مرحوم آیت الله العظمی میرزا محمد تقی شیرازی استفاده نموده و پس از فوت ایشان به نجف مراجعت و به تدریس و تصنیف پرداخته و از مدرسین درجه یک اصول گردیده و جمع کثیری از فضلاء که امروز از آیات عظام قم و نجف و سایر بلاد و از مراجع تقلید عصر حاضرند از محضرش استفاده نموده‌اند.

مرحوم آیت الله مشکینی در اواخر مبتلا به کسالت گردیده و برای معالجه به بغداد آمده و در روز دوشنبه بیست و هفتم جمادی الثانی ۱۳۵۸ ق در سن پنجاه و سه سالگی وفات و جنازه‌اش حمل به نجف و در جنب مقبره مرحوم علامه یزدی آقاسید محمد کاظم در مقبره صحن شریف مدفون گردیدند.

آثار علمی ایشان از این قرار است.

۱- الفوائد الرجالیه ۲- المناسک ۳- حاشیه کفایه که مطبوع با کفایه می باشد ۴- حاشیه عروۃ الوثقی ۵- کتاب الصلوه ۶- کتاب

الزکوة ۷- کتاب الطهاره ۸- رساله در ترتب ۹- رساله‌ای در کر ۱۰- رساله در رضاع ۱۱- رساله در معنای حرفی و غیره (۱۳۵۸- ۱۳۰۵ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و مدرس. نسبتش به مشکین، از توابع اردبیل، می‌رسد. برای فراگیری علوم به اردبیل رفت و در ۱۳۲۸ ق به نجف مهاجرت کرد. او در محضر آخوند خراسانی و شیخ علی قوچانی و شریعت اصفهانی و آقا سید محمد کاظم یزدی تلمذ نمود. در ۱۳۳۷ ق به کربلا رفت و در حوزه‌ی درس و بحث میرزا محمدتقی شیرازی شرکت کرد. پس از درگذشت استادش، میرزای شیرازی ثانی، به نجف بازگشت و به تدریس اصول و تصنیف پرداخت. وی سرانجام در کاظمین درگذشت. پیکرش به نجف منتقل و در صحن شریف علوی به خاک سپرده شد. از آثارش: «الفوائد الرجالیة»؛ «المناسک»؛ حاشیه بر «کفایة الاصول» آخوند خراسانی؛ حاشیه بر «مکاسب» شیخ انصاری؛ حاشیه بر «العروة الوثقی»؛ کتاب «الصلاة»؛ کتاب «الزکاة»؛ کتاب «الطهاره»؛ حاشیه بر «شرح منظومه سبزواری»؛ رساله‌ی «الترتب»؛ رساله‌ی «الرضاع» [۱].

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه [۱] اعیان الشیعه (۳۳۶/۲)، الذریعه (۳۳۷- ۳۳۶/۱۶، ۱۸۶/۶)، ریحانه (۳۲۰- ۳۱۹/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۳۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۷۵- ۷۴/۷)، معجم المؤلفین (۲۹۵/۳).

مشکینی، علی اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیة الله علی اکبر فیض معروف به مشکینی در سال ۱۳۰۰ هجری شمسی در روستایی از توابع بلوک مشکین شهر و در میان خانواده‌ای متدین و اهل علم چشم به جهان گشود. پدرش مردی مومن و عالم بود و در روستای آلتی زندگی ساده‌ای داشت. او در کسوت روحانیت به تحصیل علم و رتق و فتق امور مردم می‌پرداخت. آیة الله مشکینی هنگامی که همراه با پدر در نجف اشرف مقیم بود، به مکتب خانه رفت. هنوز بیش از دو سال از اقامت خانواده آیة الله مشکینی در نجف نگذشته بود که مادرش چشم از جهان فروبست. آیة الله مشکینی به همراه پدر به وطن بازگشت و مقداری از مقدمات علوم دینی را نزد پدر فرا گرفت. وی پس از مدتی پدر را نیز از دست داد. خود می‌گوید: "پس از فوت پدرم ما یتیم بودیم و هیچ چیز نداشتیم". ایشان با وجود سختی و مرارت و فقر، عزم سفر کرد و راهی حوزه علمیه اردبیل شد و پس از اندکی به فکر مهاجرت افتاد. ایشان درباره سال‌های سخت دوران یتیمی خویش می‌گوید: "با وجود همه سختی‌ها و نبود امکانات، چیزی که ما را امیدوار کرده بود؛ توکل به خدا و ایمان به راهی بود که در آن پای نهاده بودیم. هر چند در این غربت و تنهایی سایه پدر و مادر نبوده لکن همواره خدا بود و باور این حضور، ما را از یاس و ناامیدی نجات می‌داد". وی برای تحصیل علوم دینی به شهرستان اردبیل سفر کرد و مقداری از صرف و نحو را در آنجا فرا گرفت. سپس در معیت عالم بزرگواری که از زخمیان حادثه مسجد گوهرشاد مشهد در زمان رضاخان بود، به شهر قم آمد و در آن دیار به تحصیل علوم دینی پرداخت. ایشان درباره سفارش پدرش برای تحصیل علم می‌گوید: "پدرم در آخرین لحظات عمرش تنها سفارشی که برای من کرد این بود که فرمود: پسر من! در روز قیامت به پیش من رو سیاه می‌آیی اگر احکام و عقاید و تفسیر را فرا نگرفته باشی". این بود که آیة الله مشکینی در کنار فقه و اصول، در عقاید و تفسیر نیز زحمات زیادی کشید و در این علوم نیز تبحر خاصی به دست آورد. او در حضور اساتید بزرگی چون امام خمینی را درک کرد و چندین سال نیز در محضر این مرد بزرگ، کمالات علمی را فراگرفت و به ژرفای اندیشه و عرفان و معنویت وی پی برد و شیفته اش گردید. ایشان در زمانی که سایه منحوس رژیم پهلوی بر کشور مستولی و تحصیل در حوزه‌های علمیه بسیار دشوار بود. دروس دوره سطح را به

خوبی به پایان رساند و در درس خارج فقه و اصول استادان مشهور دوره خود، حاضر شد. وی نزدیک به هفت ماه نیز در نجف اشرف حضور داشت و در درس‌های خارج استادان آن دیار، به ویژه امام خمینی (ره) شرکت می‌کرد اما به دلیل هوای گرم نجف و ضعف مزاجی مجبور به بازگشت به ایران شد. آیه الله علی اکبر مشکینی در سال‌های تحصیل خود، به محضر عالمان بسیاری شرفیاب شد. وی در درس خارج فقه و اصول آیه الله العظمی بروجردی (ره) و آیه الله العظمی محقق داماد (ره) شرکت می‌کرد. در نجف نیز به محضر عالمان و استادان آن دیار شرفیاب می‌شد و در درس خارج امام خمینی (ره) شرکت جدی داشت. آیه الله مشکینی در سال‌های تحصیل و پس از آن با فضلا و اساتید بسیار، رابطه دوستی داشت که از آن جمله می‌توان آیه الله جوادی آملی و آیه الله امینی را نام برد.

فعالیت‌های علمی و فرهنگی :

آیه الله مشکینی در سال‌های عمر با برکت خود منشأ خدمات، فعالیت‌های علمی و فرهنگی بسیاری بود. او طی سال‌ها تدریس مقدمات، سطح و دروس خارج فقه و اصول در حوزه، شاگردان بسیاری را تربیت کرد که از استادان و علمای امروز حوزه به شمار می‌آیند. وی کتب دوره مقدمات و سطح را بارها تدریس کرده و سال‌ها به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال داشته است. همچنین درس تفسیر آیه الله مشکینی از دروس مشهور حوزه علمیه قم بوده است. از فعالیت‌های مهم وی در این عرصه، تأسیس مؤسسه الهادی است که به چاپ کتب مفید و اسلامی برای سطوح گوناگون جامعه می‌پردازد و مردم را با حقایق و معارف اسلامی آشنا می‌سازد. آیت الله مشکینی همچنین کتاب‌های فراوانی در زمینه‌های گوناگون علوم اسلامی تألیف و منتشر ساخته است که برخی از مجموعه آثار ایشان به شرح زیر است: ۱- اصطلاح الاصول ۲- مصطلحات الفقه ۳- الفقه الماثور (دوره فقه به طرزی نوین) ۴- دروس فی الاخلاق (یک دوره اخلاق عربی) ۵- ازدواج در اسلام ۶- المنافع العامه (شرح کتاب احیاء الموات شرایع) ۷- مفتاح الجنان (کتاب دعا تکمیل مصباح المنیر) ۸- المواعظ العددیه ۹- واجب و حرام احکام الزامی (دوره فقه) ۱۰- قصار الجمل (احادیث کوتاه تحت عناوین لغوی دو جلد) ۱۱- ترجمه قرآن کریم به زبان فارسی ۱۲- الهدی الی موضوعات نهج البلاغه ۱۳- المبسوط (تفسیر سوره آل عمران) ۱۴- واجبات و محرمات (استقصاء آنچه در شرع واجب و حرام اعتقادی و عملی است) ۱۵- تفسیر سوره (ص) ۱۶- بحث تکامل از نظر قرآن ۱۷- مسلکنا فی العقائد و الاخلاق و العمل ۱۸- زمین و آنچه در آن است ۱۹- تقلید چیست؟ ۲۰- رساله خمس ۲۱- حاشیه توضیحی بر کتاب مضاربه، عروء الوثقی ۲۲- نهج البلاغه موضوعی ۲۳- تحریر المواعظ ۲۴- تحریر المعالم ۲۵- الرسائل الجدیده ۲۶- تلخیص المکاسب (در دست چاپ) ۲۷- تفسیر روان برای نسل جوان (در دست چاپ) ۲۸- ترجمه و شرح فارسی سه کتاب مضاربه، مزارعه و شرکت در عروء الوثقی (در دست چاپ) همچنین از وی مقالات بسیاری در نشریات نور علم، پاسدار اسلام و ... نیز در روزنامه جمهوری اسلامی و ... به چاپ رسیده است. فعالیت‌های سیاسی :

زندگی آیه الله مشکینی سرشار از مبارزات و تلاش‌های سیاسی برای تحقق حکومت اسلامی است. وی از نخستین افرادی بود که به نهضت امام خمینی (ره) پیوست. مشکینی در جلسات مخفی مبارزان شرکت می‌کرد از این رو حدود چهار ماه در تهران متواری شده بود و سپس ایران را به مقصد عراق ترک کرد. با بازگشت به قم در همان روز اول دستگیر شد و ساواک از او خواسته بود تا ۴۸ ساعت بعد از قم خارج شود. از این رو به مشهد رفت و ۱۵ ماه در آنجا مشغول تدریس شد و بار دیگر به حوزه علمیه قم آمد و مبارزات را پی گرفت؛ اما پس از مدتی به همراه ۲۷ نفر از اساتید و فضلاء حوزه تبعید شد. از این رو به زادگاه خود رفت ولی پس از سه ماه ساواک وی را دستگیر و به ماهان کرمان و گلپایگان تبعید کرد. وی پس از دو سال نیز به کاشمر تبعید شد و در طول دوره تبعید نیز دست از مبارزه برنمی‌داشت؛ این گونه بود که ساواک او را به مکان دیگری منتقل می‌کرد. وی از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بود. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، آیه الله مشکینی در مسئولیت‌های گوناگونی به ایفای نقش پرداخت از جمله عضویت در خبرگان تدوین قانون اساسی، مسئول گزینش و اعزام قضات با حکم امام (ره)، ریاست مجلس خبرگان رهبری

در هر سه دوره، امامت جمعه قم با حکم امام(ره) و رهبر انقلاب، عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و ریاست شورای بازنگری قانون اساسی. آیت الله مشکینی که به بیماری خونی مزمنی دچار بودند، در بیمارستان بقیه‌الله بستری شدند. سرانجام عصر روز دوشنبه ۸ مرداد ۱۳۸۶ ایشان به خلد آشیان رحلت نمودند.

مشهدی حایری، ابو عبدالله محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۵۹۴ - ۵۱۰ ق)، عالم امامی و محدث. معروف به محمد بن مشهدی و ابن المشهدی. سید حمزه ابن زهره و یحیی بن حسن بن بطریق و ورام بن ابی فراس و محمد بن هارون و شاذان بن جبرئیل قمی و هبه‌الله بن نما و شرفشاه بن محمد بن زیاد و جعفر بن فضل و شیخ ابی عبدالله حسین ابن رطبه و عبدالله بن جعفر دوریستی و شیخ ابوالفتح قیم جامع کوفه و ابن الاخت بزاز کوفی و عمادالدین طبری و ابن شهر آشوب مازندرانی از مشایخ وی بودند و او از ایشان روایت کرده است. وی «ازاحه العله» و «المقنعه» را از شاذان بن جبرئیل قمی روایت کرد. ابن مشهدی به دو طریق «المقنعه» را از مصنفش شیخ مفید نقل کرده که بدین ترتیب سندی عالی دارد. از پدرش، جعفر بن علی، و ابوالقاسم بن زکی و صالح بن قبادویه نیز روایت کرد. از آثارش: کتاب «مزار»، معروف به «مزار کبیر» یا «مزار محمد بن المشهدی»؛ «بغیة الطالب»؛ «ایضاح المناسک»؛ «المصباح».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۹/۲۰۲)، الذریعه (۳۲۵-۳۲۴/۲۰، ۱۳۵-۱۳۴/۳)، ریحانه (۲۰۹-۲۰۸/۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶/۲۵۲)، فوائد الرضویه (۴۴۹)، الکنی و الالقاب (۱/۴۰۹)، معجم المؤلفین (۹/۱۵۳).

مشهدی، ابوالبرکات ناصح‌الدین محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۵۳۲ ق)، فقیه و محدث. در محضر امام محیی‌الدین حسین بن مظفر حمدانی تلمذ نمود. او از مفید ابوالوفاء عبدالجبار، شاگرد شیخ طوسی، و جعفر بن محمد دوریستی و ابوالحسن علی بن عبدالصمد تمیمی و حسین بن مظفر حمدانی روایت کرد. شیخ منتجب‌الدین و علی بن محمد تمیمی، صاحب «منیة الداعی»، و طب راوندی از وی روایت کرده‌اند. امام ضیاء‌الدین فضل‌الله راوندی و فرزندانش، احمد بن فضل و علی بن فضل، در ۵۳۲ ق از او اجازه‌ی روایت گرفتند و فضل‌الله راوندی این نکته را در ظهر «امالی» صدوق نگاشته است. صاحب «مکارم الاخلاق»، حسن بن فضل طبرسی، کتاب «المسموعات» را به وی نسبت داده است و صاحب «مشکاة الانوار»، علی بن حسن بن فضل طبرسی، کتاب «المجموع» را نیز منتسب به وی می‌داند.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: بحار الانوار (۱/۳۵)، الذریعه (۲۱/۲۵، ۲۰/۵۳)، ریاض العلماء (۳۵-۳۴/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۵۱-۲۵۰، ۱۹۹، ۱۴-۱۳/۶)، فوائد الرضویه (۳۹۴، ۳۵۵، ۲۰۱)، فهرست منتجب‌الدین (۱۶۳)، معجم المؤلفین (۹/۵۹).

مشهدی، هدایه‌الله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۴۸-۱۱۷۸ ق)، عالم امامی، فقیه، مفسر و نحوی. در محضر پدرش تلمذ نمود. پس از رسیدن به درجات عالی علمی عهده‌دار ریاست دینی مردم گردید. زمانی که شاهزاده شجاع السلطنه از خراسان رفت و آن منطقه مورد تجاوز سید محمد خان کلاتی قرار گرفت، میرزا هدایت‌الله مشهدی شاگرد خویش، ملا قربان نیشابوری، را به همراه نامه‌ای به کلات فرستد و خان متجاوز را از ظلم و تعدی بر حذر داشت و خان مزبور فرمان او را اطاعت کرد. او در مشهد درگذشت و در صفه‌ی طهماسبی دفن شد. از آثارش: تفسیر قرآن مجید معروف به «تفسیر میرزا هدایه‌الله»، ده جزء اول قرآن و ده جزء آخر آن می‌باشد.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۹/۶۹)، اعیان الشیعه (۱۰/۲۶۳)، الذریعه (۴/۳۲۱)، هدیه‌العارفین (۲/۵۰۷).

مشیر سلیمی، علی اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اکبر مشیر سلیمی در سال ۱۲۷۹، در تهران متولد گردید. او در دو رشته ادبیات و اقتصاد تحصیلات خود را به پایان رسانید و با زبان های عربی و فرانسه و انگلیسی آشنایی پیدا کرد. سلیمی از سال ۱۲۹۹ شمسی وارد امور فرهنگی و مطبوعاتی گردید و امتیاز روزنامه اطلاعات را تحصیل کرد و به نشر آن پرداخت و در سال ۱۳۰۴ آن را به عباس مسعودی واگذار کرد. وی چندی نیز سردبیر روزنامه «اتحاد» و بعد از دو سال مدیر روزنامه «شفق سرخ» و چهار سال مدیر مجله «آموزش و پرورش» و چهار سال مدیر مجله «آموزش و پرورش» و مدیریت مجله یونسکو را به عهده داشت. وی سه سال مدیر بنگاه داستان نوین و هشت سال مدیر چاپخانه بانک ملی را عهده دار بود و در سال ۱۳۲۵ خدمات فرهنگی خود را در وزارت فرهنگ دنبال نمود. او چندی نیز دبیر سازمان فرهنگی یونسکو را به عهده داشت. علی اکبر مشیر سلیمی سرانجام در سال ۱۳۵۰ به درود زندگی گفت.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب: علی اکبر مشیر سلیمی فرزند علی اصغر (مشیر دربار)، نواده میرزا سلیم تهرانی شاعر معروف قرن یازدهم می باشد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: علی اکبر مشیر سلیمی در دو رشته ادبیات و اقتصاد تحصیلات خود را به پایان رسانید و با زبان های عربی و فرانسه و انگلیسی آشنایی پیدا کرد.

زمان و علت فوت: علی اکبر مشیر سلیمی در سال ۱۳۵۰ به درود زندگی گفت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: علی اکبر مشیر سلیمی سه سال مدیر بنگاه داستان نوین و هشت سال مدیر چاپخانه بانک ملی عهده دار بود و در سال ۱۳۲۵ خدمات فرهنگی خود را در وزارت فرهنگ دنبال نمود. او چندی نیز دبیر سازمان فرهنگی یونسکو را

به عهده داشت.

مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می آید: از جمله اقدامات مهم علی اکبر مشیر سلیمی پس از نشر روزنامه اطلاعات، تاسیس بنگاه مربی و تالیف و ترجمه و طبع و نشر کتاب در این بنگاه بود.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: علی اکبر مشیر سلیمیان سال ۱۲۹۹ شمسی وارد امور فرهنگی و مطبوعاتی گردید و امتیاز روزنامه اطلاعات را تحصیل کرد و به نشر آن پرداخت و در سال ۱۳۰۴ آن را به عباس مسعودی واگذار کرد. وی چندی نیز سردبیر روزنامه «اتحاد» و بعد از دو سال مدیر روزنامه «شفق سرخ» و چهار سال مدیر مجله «آموزش و پرورش» و چهار سال مدیر مجله «آموزش و پرورش» و مدیریت مجله یونسکو را به عهده داشت.

جوایز و نشانها: علی اکبر مشیر سلیمی به پاس خدمات فرهنگی به دریافت سه قطعه نشان علمی نایل آمد. -----

آثار:

۱ اسناد محرمانه سیاسی

۲ تذکره زنان سخنور

ویژگی اثر: سه جلد

۳ دسته گل ادبی

۴ راهنمای فرهنگ و اصلاح تعلیمات عمومی

۵ کلیات مصور عشقی

۶ گلهای رنگ

ویژگی اثر: ۷۹ جلد

۷ مهر جاوید

۸ مهر جاوید

ویژگی اثر: مجموعه شعر

۹ هفته نامه مربی

منابع زندگینامه: شاعران تهران از آغاز تا امروز، تالیف: مجید شفق، ج ۲، تهران: انتشارات سنایی، ص ۹۹۸

مشیر، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: پوست، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی ایران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی و دکترای تخصصی در رشته پوست از دانشگاه لندن.

مرتبه علمی:

درمان بیماریهای پوستی، درماتولوژی، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۳۶ پایان نامه کارشناسی ارشد و دکترا. زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

درمان بیماریهای پوستی، درماتولوژی، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۳۶ پایان نامه کارشناسی ارشد و دکترا. تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

بیماریهای پوست، بیماریهای پا.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

یافته‌های ایمنولوژیک در درماتولوژی طب اطفال.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مشیری شیرازی، قدرت‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۱ ش)، شاعر و مترجم. در شیراز به دنیا آمد. تحصیلاتش را در زادگاهش به پایان رساند. مقالاتی از وی در جراید شیراز به چاپ رسیده است. از آثارش: «دستور رستگاری»، ترجمه؛ «محمدعلی پاشا کبیر»، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۴۸-۴۴۳/۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/۲۹۴۸، ۱/۱۴۱۸)، مؤلفین کتب چاپی (۴/۹۱۴).

مصاحب تهرانی، شمس الملوک

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، شاعر، مترجم و روزنامه‌نگار. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه‌ی ناموس و تحصیلات عالی را در دانشسرای عالی و دانشگاه تهران، در رشته‌ی ادبیات فارسی، به پایان رساند. شمس‌الملوک به زبانهای فرانسه و انگلیسی و عربی آشنایی داشت و رساله‌ی دکترای خود را درباره‌ی «ادبیات غنایی» در ۱۳۲۲ ش نوشت. او مطالعات خود را رشته‌ی تعلیم و تربیت در دانشگاه‌های کانادا و آمریکا تکمیل نمود. وی مدتی سرپرستی ماهنامه‌ی «زندگی روستایی» را به عهده داشت. مصاحب در شعر توانا بوده و پنج هزار بیت شعر سروده ولی دیوانش چاپ نشده است. در تذکره‌ها قطعه‌هایی از او آمده

است از جمله: «هدیه‌ی مادر»، «چنگ گسسته» و «یار مهربان». برخی از مشاغلی که وی عهده‌دار آنها بود عبارتند از: ریاست چند دبیرستان دخترانه در تهران، مشاور وزیر آموزش و پرورش در امر مبارزه با بی‌سوادی و معاونت وزارت آموزش و پرورش. از آثار ترجمه‌ی وی: «افسانه‌های شیرین»، «باغ اسرار آمیز»، «بعد از باسوادی»، «در انتظار مادر شدن»، «ساده‌نویسی در زبان فارسی»، کلیاتی در فن سهولت کلام؛ «سرزمین و مردم اسپانیا»، «غرور و تعصب».[۱]

ادیب، دانشمند و سیاستمدار فرزند دکتر علی محمد مصاحب در ۱۲۹۲ در تهران تولد یافت. پس از انجام تحصیلات مقدماتی و متوسطه وارد دانشکده ادبیات تهران شد و در رشته ادبیات و زبان فارسی با احراز رتبه اول لیسانس گردید. در همان سال دوره دکترای ادبیات در دانشگاه تهران تأسیس شد و وی جزء معدود دانشجویانی بود که واجد شرایط برای ورود به دوره دکترا تشخیص داده شد و دوره دکترای ادبیات را در ۱۳۱۸ پایان داد و رساله دکترای او در ۱۳۲۲ با قید عالی به تصویب رسید. چندی نیز به امریکا و کانادا برای تکمیل تحصیلات مسافرت نمود. مصاحب خدمات اداری خود را از فرهنگ آغاز کرد، چندی دبیر بود بعد ریاست چند دبیرستان مهم تهران مانند دبیرستانهای «پروین»، «شاهدخت» و «نوربخش» به او سپرده شد. از دیگر مشاغل او در فرهنگ کشور ریاست اداره تعلیمات متوسطه و تربیت معلم و فرهنگ روستائی است. در ۱۳۴۲ در مغز او سوهای سیاست پیش آمد و کاندیدای نمایندگی مجلس شد، ولی توفیقی نیافت. سوراخ دعا را پیدا کرد و سراغ مقام بالاتری را گرفت و داوطلب نمایندگی مجلس سنا گردید. چون برای آن کار شرایط لازم را نداشت برای او شرط صوری درست کردند و به او ابلاغ معاون وزارت فرهنگ دادند. یک روز بعد فرمان سناتور انتصابی او صادر شد. وی مجموعاً ۱۷ سال مقام سناتوری داشت. علاوه بر آن ریاست قسمت فرهنگی بنیاد پهلوی هم با او بود و در این سمت اختیارات زیادی داشت. وی شاعر و نویسنده است و قسمتی از نوشته‌های خود را به چاپ رسانیده ولی ارزش ادبی زیادی ندارد. مصاحب چندی در وزارت فرهنگ مجله زندگی روستائی را انتشار می‌داد و در رادیوی ایران هم برنامه‌هایی تحت نظر او تهیه می‌شد. در ۱۳۷۶ در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] زنان سخنور (۲۰۳-۱۹۴/۲)، فرهنگ سخنوران (۸۵۰-۸۴۹)، کارنامه‌ی زنان (۲۱۱-۲۱۰)، مؤلفین کتب چاپی (۴۵۲-۴۵۱/۳).

مصاحب نایینی، غلامحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۸-۱۲۸۹ ش)، استاد دانشگاه، ریاضیدان، محقق و نویسنده. در نائین به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه در ۱۳۰۶ ش به خدمت وزارت معارف درآمد و تحصیلات خود را در فرانسه و انگلستان به پایان رساند و در ۱۳۲۷ ش موفق به اخذ درجه‌ی دکترا در ریاضیات، از دانشکده‌ی کمبریج، شد. وی در جوانی، در ۱۳۰۹ ش مجله‌ی «ریاضیات عالی و مقدماتی» را در تهران تأسیس و منتشر نمود. مصاحب در طول خدمت عهده‌دار مشاغلی از جمله: ریاست کل تعلیمات عالی و معاونت فنی وزارت آموزش و پرورش و ریاست دانشکده‌ی علوم دانشگاه ملی بود. وی نخستین کسی بود که منطق صورت به معنی جدید، یعنی منطق ریاضی را وارد فضای فکری ایران کرد. او به زبانهای عربی و فرانسوی و انگلیسی تسلط و با زبان آلمانی آشنایی کامل داشت. در علوم عربی و معقول و منقول تبحر و تحصیلات عمیق داشت به طوری که با دریافت درجه‌ی اجتهاد نیز مفتخر گردیده بود. مصاحب در رسم‌الخط فارسی و ضبط علائم و حروف صاحب رأی و نظر بود. از عمده‌ترین کارهای مصاحب تأسیس مؤسسه‌ای

برای تحقیق در ریاضیات و تربیت ریاضیدان بود که توسط دانشگاه تربیت معلم به وجود آمد. یکی از کارهای اساسی مصاحب اقدام به تهیه «دایرةالمعارف فارسی»، با همکاری عده‌ی بسیاری از دانشمندان در رشته‌های گوناگون بود که در ۱۳۳۴ ش سرپرستی آن را بر عهده گرفت. از دیگر آثار وی: «آنالیز ریاضی، تئوری اعداد حقیقی»، «مدخل منطق صورت»، «منطق ریاضی»، «علوم تفریحی»، «جبر و مقابله خیام»، «توابع مستدیره»، با مشارکت احمد احسنی «هندسه‌ی مسطحه»، «افراد و خانواده‌های نادرستکار»، «حکیم عمر خیام به عنوان عالم جبر» [۱].

ریاضی‌دان، محقق و فرهنگی، فرزند دکتر علی محمد مصاحب در ۱۲۸۹ در تهران تولد یافت. بعد از انجام تحصیلات مقدماتی وارد دارالمعلمین شد و دوره آن را پایان داد و سپس در دارالمعلمین عالی ثبت نام نمود و در رشته ریاضیات فارغ‌التحصیل شد و هم چنان تحصیلات خود را در رشته‌های گوناگون مانند فقه، اصول، الهیات و فلسفه ادامه داد و در هر کدام از رشته‌های یاد شده استاد مسلم شد. ریاضیات را مدتها نزد سرتیب بغایری تکمیل کرد و بعد به انگلستان رفت و از دانشگاه کمبریج درجه دکترا در ریاضیات دریافت نمود.

وی خدمات اداری خود را در وزارت فرهنگ آغاز کرد. چندی شغل دبیری و مدتی استادی دانشگاه داشت و مقامات مهمی را در وزارت فرهنگ پشت سر گذاشت، مانند ریاست تعلیمات عالی و معاون فنی وزارت فرهنگ. ولی دل‌بستگی به مقامات صوری نداشت و تمام هم او صرف تألیف و تصنیف کتاب بود. نخستین کوشش فرهنگی مصاحب نشر مجله‌ای بود به نام ریاضیات عالی و مقدماتی که در ۱۳۰۹ تأسیس کرد و یازده شماره منتشر شد. مصاحب عالم ریاضی بود و بحق پدر ریاضیات جدید در ایران نام گرفته بود. کتابهای او بیشتر در زمینه‌هایی مانند «جبر خیام»، «مثلثات»، «رسمی فنی» و «مدخل منطق صوری» است، که بعضی از آنها در مدارس متوسطه و عالی تدریس می‌شد. کتابهای مهم مدخل آنالیز ریاضی و دوره تئوری مقدماتی اعداد از تصنیفات خوب او می‌باشد. وی چندی در ۱۳۲۲ به انتشار روزنامه یومیه برق مبادرت نمود. از دیگر کارهای فرهنگی او سرپرستی دائره‌المعارفی است که به اسلوب علمی جهانی آن را تنظیم و انتشار داده است.

محقق، مؤلف.

تولد: ۱۲۸۹، تهران.

درگذشت: ۲۴ مهر، ۱۳۵۸.

غلااحسین مصاحب تحصیلات خود را در ایران، فرانسه و انگلستان انجام داد و در سال ۱۳۲۷ به اخذ درجه‌ی دکترا از دانشگاه کمبریج در رشته‌ی ریاضیات نایل شد و به عضویت انجمن ریاضی‌دان لندن و انجمن فلسفی کمبریج درآمد. پس از پایان تحصیلات عالی، ضمن مشاغل اداری از تألیف و تدریس نیز غافل نماند و در سال ۱۳۴۵ مؤسسه‌ی ریاضیات را در دانشگاه تربیت معلم تأسیس کرد و تا آخرین روز حیات خود به سمت استادی در آن مؤسسه اشتغال داشت.

تألیفات مصاحب این عنوان‌ها را در برمی‌گیرد: مجله «ریاضیات عالی و مقدماتی» (۱۳۱۰-۱۳۰۹)، وی مؤسس این مجله بود و مدیریت آن را به عهده داشت، اولین شماره‌ی این مجله در تهران در اول آبان ۱۳۰۹ منتشر شد) جبر و مقابله‌ی خیام (مشمول بر متن عربی و ترجمه‌ی فارسی رساله‌ی خیام در جبر و تاریخ ریاضیات، ۱۳۱۷)؛ یک رساله‌ی انگلیسی که در جلد چهارم و ششم (مورخ سال ۱۹۵۰) مجله‌ی انجمن فلسفی کمبریج به طبع رسیده است، منطق صورت (انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۴)؛ دایرةالمعارف فارسی (جلد اول، ۱۳۴۵، بخش اول از جلد دوم، ۱۳۵۶)؛ آنالیز ریاضی (دو جلد، ۱۳۴۸)؛ تئوری مقدماتی اعداد (جلد اول در دو قسمت، ۱۳۵۳)؛ مجلد دوم تئوری مقدماتی اعداد (در سه قسمت، ۱۳۵۸، کتاب برگزیده‌ی نخستین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در رشته‌ی ریاضیات)؛ حکیم عمر خیام به عنوان عالم جبر (انجمن آثار ملی، ۱۳۳۹)؛ علوم تفریحی (۱۳۰۸).

غلامحسین مصاحب در زمینه‌ی لغت و پهنه‌ی وسیع آن آزمایش‌ها کرد و مخصوصاً در مورد وضع واژه‌های جدید در قبال لغت‌ها و

اطلاح‌های خارجی فعالیت نمود، از آن جمله می‌توان فرهنگ اصطلاحات جغرافیایی را که با همکاری تعدادی از محققان و کارشناسان در سال ۱۳۳۸ به چاپ رسانید نام برد.

برگرفته از کتاب: شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه [۱]: آینده (س ۵، ش ۹-۷، ص ۷۰۱-۶۸۸)، تاریخ جراید (۳۳۹-۳۳۸/۲)، دایرةالمعارف فارسی (۲/۲۷۸۵)، الذریعه (۲۴۹/۲۵، ۳۲۶/۱۵)، روزشمار تاریخ (۲/۲۱۹)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۲۱، ۳۹۶۹، ۲/۲۳۴۳، ۱۳۵۵، ۱۲۰۵، ۹۶۱/۲۸۹، ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۳۶)، کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۷، ص ۶-۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۷، ۶۸۶/۴).

مصاحب نایینی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۹-۱۲۹۱ ش)، پژوهشگر، مترجم و استاد دانشگاه. وی برادر دکتر غلامحسین مصاحب بود. در ۱۳۱۶ ش دوره‌ی عالی ادبیات و زبانهای خارجی را در دانشکده‌ی ادبیات (دانشسرای عالی) به پایان رسانید. وی از پایه‌گذاران جامعه مترجمان رسمی ایران بود که تا پایان عمر، ریاست این جامعه را بر عهده داشت. مؤسسه‌ی انتشارات علمی فرهنگی به پاس خدمات پنجاه ساله‌اش، اقدام به ایجاد نخستین جایزه‌ی ویراستاری نمود و نه تنها لوح تقدیر و یادبودی به او اهدا شد، بلکه وی اولین جوایز را به برگزیدگان اعطا کرد. او به همراه برادرش، دکتر غلامحسین مصاحب، در تدوین و نشر «دایرةالمعارف فارسی» تلاشی پیگیر داشت. وی ترجمه‌های بسیاری از خود بجای گذاشت، از آن جمله: «تربیت دختران»، «روح تعلیم و تربیت»، «اساتید یونان و روم»، «زوربای یونانی»، «روبنسن کروزوئه»، «سرزمین و مردم پرتغال»، «سرزمین و مردم فرانسه»، «سرزمین و مردم آرژانتین»، «نسبیت برای همگان»، «دایرةالمعارف علم و صنعت»، «ساکنان کهکشان»، «دانشمندان بزرگ جهان علم». از تألیفات وی: «لقمان حکیم»، «کتاب و کتابخانه در ایران».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: کتاب ماه ادبیات و فلسفه (س ۳، ۴، ص ۷۹) مؤلفین کتب چاپی (۹۲-۹۱/۶).

مصباح زاده، اسدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اسدالله مصباح زاده

محل تولد: کرمانشاه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۷/۱۲/۵

زندگینامه علمی

اینجانب اسد الله مصباح زاده در سال ۱۳۴۲ در شهر کرمانشاه با تلاش و کوشش فراوان طلبه شده و مدت دو سال در مدرسه آیت الله العظمی بروجردی (ره) مشغول به تحصیل مقدمات و ادبیات بوده و پس از این مدت وارد حوزه علمیه قم شدم. مدتی در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی در خیابان امام خمینی (ره) و تهران آن روز در مدرسه علوی و بعد از آن با تلاش حقیر و دوستان وارد مدرسه حقانی شدم. و بعد دوباره به کرمانشاه برگشته پس از ازدواج و تشکیل خانواده خداوند یاری کرد دوباره به شهر اهلبیت (ع) قم برگشتم و از محضر مبارک اساتید معروف حوزه علمیه تلمذ نموده و اکنون نیز ادامه دارد.

مصباح یزدی، محمد تقی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

زندگینامه آیت الله محمد تقی مصباح یزدی

تولد و دوران کودکی

استاد، آیت الله محمد تقی مصباح یزدی، یازدهم بهمن ماه هزار و سیصد و سیزده، برابر با بیست پنجم شوال هزار و سیصد و پنجاه و سه هجری قمری، در دامان پرمهر خانواده ای بسیار متدین و مذهبی در شهر یزد به دنیا آمد.

زندگی پدر و مادر استاد در منزل میراثی مادریشان با سختی بسیار می گذشت. مادر با کمک خاله ها، در خانه جوراب می بافت تا پدر برای گذران زندگی جوراب ها را در مغازه بفروشد. این شغل بسیار کم درآمدی بود به طوری که پدر می بایست هر از چندی مبلغی قرض می کرد تا به کارش سامان دوباره دهد.

استاد درباره آن روزگار چنین می گوید:

یادم می آید بهترین غذایی که دوست داشتیم و هفته ای یک مرتبه می خوردیم این بود که با برادرم از مدرسه که می آمدیم، دو ریال و ده شاهی سرشیر می خریدیم، و مادر کمی آب قند درست می کرد و با این سرشیر قاطی می کرد، و این بهترین شام آخر هفته بود.

پیش از تولد محمد تقی، مادر خواب می بیند که «قرآن» به دنیا آورده است. با نگرانی خواب خود را نزد معبری به نام سید محمدرضا امامیه، که از علمای یزد بود، باز می گوید. سید در پاسخ می گوید: فرزندی که متولد می شود پسر است، و بشارت باد که او عالم و حامی قرآن خواهد بود.

این خواب، هر چند بعدها به فراموشی سپرده شد، ناخود آگاه موجب علاقه شدید والدین، و به خصوص مادر محمد تقی به وی و آینده اش گشت.

دوران مدرسه

روزگار کودکی محمد تقی در آغوش خانواده ای اینچنین پاکدل و باصفا، با اندوخته هایی ارزشمند از تربیت ناب دینی سپری شد، و او برای کسب دانش و معرفت بیشتر راهی دبستان گردید. محمد تقی چنان مشتاق دانستن بود که همه ساله در امتحانات پایانی، شاگرد ممتاز مدرسه شناخته می شد و همین امر موجب محبوبیت او نزد مدیر و معلمان مدرسه گشته بود، و آنان وی را تشویق می کردند که با ادامه این شیوه درس خواندن، از مخترعان و مکتشفان و دانشمندان برجسته میهن باشد. اما محمد تقی آرزویی دیگر

داشت. او تنها به تحصیل علوم دینی و کسب معارف الهی می‌اندیشید، و بر همین اساس بود که در انشای کلاس چهارم نوشت می‌خواهد به نجف برود و درس دینی بخواند. این انشا آموزگار و هم شاگردی‌های محمدتقی را شگفت زده کرد؛ چه هم کلاس‌ها که خود آرزو داشتند روزی خلبان، سرهنگ، وزیر، وکیل یا... شوند، می‌دیدند شاگرد ممتاز مدرسه عجب پیشه‌ای برای آینده‌اش در نظر گرفته است!

آغاز طلبگی

محمدتقی نوجوان در سال تحصیلی ۱۳۲۵-۲۶ دوره ابتدایی را به پایان برد. انتظار به سر آمده بود و شیفتگی به فراگیری علوم دین موجب شد که او به جای گذراندن تعطیلات و تفریحات، از همان ابتدای تابستان وارد حوزه علمیه یزد شود. محمدتقی در یکی از حجره‌های مدرسه شفیعیه - واقع در میدان خان - ساکن شد و بی‌اعتنا به وضع نابسامان حوزه، و مخروبه بودن مدارس و حجره‌ها، و نیز فقدان استاد و برنامه درسی منظم، چنان به درس و بحث و مطالعه اهتمام ورزید که در مدت چهار سال، تمام مقدمات و سطوح متوسطه را تا رسایل و مکاسب، با تحقیق و جدیت فوق‌العاده‌ای به پایان برد؛ حال آنکه گذراندن این مدارج، به طور معمول حدود هشت سال زمان می‌طلبید.

محمدتقی، همچنین در کنار دروس رسمی حوزه، با انگیزه علم دوستی و حقیقت‌جویی، برخی علوم روز از قبیل فیزیک، شیمی، فیزیولوژی و زبان فرانسه را نزد روحانی فرهیخته‌ای به نام «محقق رشتی» که بعدها از سوی مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی به آلمان اعزام شد، می‌آموخت.

هجرت به نجف

طلبه جوان، با ذوق و شوق فراوان گرم تحصیل بود که بار دیگر شیخ احمد آخوندی که اول بار انفاس قدسی‌اش او را دل‌باخته معارف قرآن و عترت (علیهم‌السلام) ساخته بود، به میهمانی‌شان آمد. شیخ با مشاهده آن همه علاقه و پیشرفت، وی را تشویق کرد که برای ادامه و تکمیل تحصیلات به نجف اشرف هجرت کند و خانواده را نیز ترغیب نمود تا برای حمایت از او به نجف مهاجرت کنند و مقیم آن دیار شوند.

به این ترتیب پدر و مادر که دل‌بسته فرزند بودند، تصمیم گرفتند خانه و وسایل کارشان را بفروشند و به نجف هجرت کنند. قرار بود طلبه جوان با خیال آسوده به درس و تحقیق پردازد و پدر و مادر کار بافندگی خود را در آنجا از سر گیرند؛ اما پس از شش ماه که به زحمت در آنجا ماندند، وضع کاری خانواده رونقی نگرفت و تلاش‌های فراوان پدر برای کسب درآمد کارگر نیفتاد، و در نهایت مجبور شدند به ایران مراجعت کنند.

اقامت در نجف، هرچند کوتاه بود، خاطرات بسیاری به یادگار گذاشت. گرمی بازار درس و بحث و حضور علمای بزرگی چون مرحوم حکیم، مرحوم شاهرودی، مرحوم سیدعبداله‌های شیرازی، مرحوم میرزا آقا استهباناتی که آن روزها از علمای تراز اول بودند و امثال مرحوم خوبی که در رتبه بعد قرار داشتند، شکوه و جلال خاصی به حوزه نجف بخشیده بود.

هجرت به قم

خانواده از نجف بازگشتند و قرار شد برای مدتی در تهران بمانند. اما محمدتقی تصمیم داشت برای تحصیل به قم عزیمت کند. مهدی، برادر کوچک‌تر محمدتقی بود، و در یک فروشگاه ظروف آلومینیوم شاگردی می‌کرد. او از پس انداز ناچیز خود در طول تابستان، یک چراغ فتیله‌ای، یک بشقاب، یک قابلمه، یک قاشق و یک قوری فلزی برای برادر خرید تا با خاطری آسوده‌تر در قم زندگی کند و درس بخواند.

البته محمدتقی نیز در تابستان بی‌کار نبود و با تدریس در کلاس‌های تابستانی توانست شصت تومان به دست آورد. با چهل تومان آن یک پتو خرید و بیست تومان باقی‌مانده را خرج راه ساخت. او حدود بیست روز مانده به آغاز درس‌ها راهی قم شد تا بلکه

بتواند حجره ای بگیرد و سامانی بیابد.

یافتن حجره کار آسانی نبود. آن روزها دو - سه مدرسه کوچک در گوشه و کنار قم، و دو مدرسه بزرگ در نزدیکی حرم مطهر وجود داشت: یکی مدرسه فیضیه و دیگری مدرسه حجتیه. احتمال اینکه در این دو مدرسه به کسی حجره بدهند، بیشتر بود؛ اما با وجود این، شرط ورود به مدرسه تازه ساز حجتیه آن بود که طلبه می بایست بیست سال تمام داشته باشد، و محمدتقی هنوز ۱۹ ساله بود. به این ترتیب تنها مدرسه فیضیه باقی می ماند. پیدا کردن متولی مدرسه بسیار مشکل بود. «می بایست هر روز ساعت ها کنار حسینیه ای که نزدیک منزلش بود می نشستی که اگر یک وقت از منزلش خارج شد، پیدایش کنی و دست به دامنش شوی و از او حجره بخواهی! او هم اگر سرحال بود و حوصله داشت، برخورد خوبش این بود که "حالا شما چند روز صبر کنید، شاید حجره خالی پیدا شود!" او از این جور جواب های سربالا».

یکی دو ماه به همین صورت گذشت و او موفق نشد حجره ای پیدا کند.

این گرفتاری ها عرصه را بر او تنگ کرده بود، تا اینکه سرانجام روزی متولی را در حیاط مدرسه دید و با ناراحتی به او گفت: «آقا! من دو ماه است اینجا سرگردانم و شما هم با اینکه حجره خالی دارید، مرتب وعده می دهید و عمل نمی کنید. شاهدش هم این است که شخصی که بعد از من آمده بود، به شما مراجعه کرد و به او حجره دادید، و با اینکه من قبل از او آمده بودم، به من حجره ندادید!..». متولی مدرسه نیز در پاسخ، جواب تندی داد و کاملاً مأیوسش کرد. بر اثر ناامیدی و احساس غربت، بغضش ترکیب و با گریه زمزمه کرد: «اگر به من حجره ندهید، از شما به حضرت معصومه (علیها السلام) شکایت می کنم!» اما متولی مدرسه هیچ متأثر نشد.

طلبه جوان با حالت گریان از او دور می شد که مشهدی ماشاءالله، خادم مدرسه فیضیه، صدایش کرد و گفت: «آقای یزدی! چرا گریه می کنی؟! و بعد آهسته گفت: ناراحت نباش، من به شما حجره می دهم!»

مشهدی این را گفت و از او دور شد. مدتی گذشت و او همچنان در انتظار آمدن مشهدی ماشاءالله بود. بالاخره خادم مدرسه با طلبه دیگری به نام سیدعلی محمد پیدا شد. او نیز جوانی یزدی بود و دنبال حجره می گشت، و به این ترتیب با هم به حجره مورد نظر رفتند. «حجره که چه عرض شود، یک فضای باریکه ای بود که در واقع انباری زیر پله های واقع در زاویه مدرسه به شمار می رفت و اسباب آبیاری و جارو و از این قبیل را آنجا نگهداری می کردند. تخت شکسته ای هم در یک گوشه آن افتاده بود. دیوارها تا سقف نم داشت و ابداً آفتاب به آنجا نمی تابید، و در آن هم شیشه نداشت!»

با وجود آنکه روزها بیشتر بیرون حجره به سر می بردند و شب ها نیز فقط برای چند ساعت استراحت به آنجا می آمدند، بعد از ده - دوازده روز هر دو، بر اثر رطوبت، دچار پادرد و کمردردی شدید شدند. مدتی با همین وضع گذشت تا اینکه روزی یکی از طلبه های یزدی نزد آنان آمد و گفت که رفیق هم حجره اش ازدواج کرده به منزل منتقل شده است، و وسایل حجره آنان را به حجره خودش برد، و به این ترتیب از آن به بعد ایشان حجره دار شدند؛ حجره ای که به اصطلاح آبرومند بود و می شد در آن زندگی کرد.

سال اول به این منوال در مدرسه فیضیه گذشت. محمدتقی روزانه در چهار درس شرکت می کرد: درس خیرات مکاسب مرحوم آقامرتضی حائری، که صبح ها در منزل ایشان برقرار می شد؛ جلد اول کفایه مرحوم آقاشیخ عبدالجواد جبل عاملی که اول طلوع آفتاب در مسجد عشقعلی برگزار می شد، و او با یکی از دوستانش پیش از طلوع آفتاب این درس را مباحثه می کردند؛ جلد دوم کفایه نزد مرحوم آقامرتضی حائری که عصرها در منزل ایشان برگزار می شد؛ و دیگری درس منظومه بود. آموختن و مطالعه و مباحثه این دروس، تمام وقت او را پر می کرد، و در شبانه روز پنج تا شش ساعت برای استراحت و دیگر امور باقی می ماند. اما وی با علاقه و شوقی وصف ناپذیر مشکلات و کاستی ها را به جان می خرید و دل مشغولی عمده اش پرداختن به درس و بحث بود.

او مشکلات خود را در آن دوران این گونه توصیف می کند:

...نهایت کمکی که خانواده ام می توانستند به من بکنند ماهیانه حدود بیست تومان بود، که آن هم مرتب نمی رسید، و گاه می شد که حتی یک لقمه نان برای شب نداشتیم. طوری برنامه ریزی کرده بودیم که روزی ۶ تا ۷ قران بیشتر خرجمان نشود، و این، تنها پول یک نان سنگک و یک سیر پنیر می شد. بعضی وقت ها هم نصف نان سنگک می خریدیم و برای شب هم بعد از نماز سی شاهی می دادیم و از خشکه پزی کنار درب فیضیه یک نان کسمه کوچک می گرفتیم و این شام ما بود... یک روز پولمان کاملاً تمام شده بود و من تصمیم گرفتم پولی قرض کنم. در خلوت با خدا نجوا کردم که «خدایا می خواهم برای رضای تو و برای اعتلای دین تو درس بخوانم! خودت می دانی که توقع زیادی هم ندارم! هرگونه که خودت صلاح می دانی وسیله ای فراهم کن که من مقداری پول از کسی قرض کنم یا بگیرم! می دانی که من آدمی نیستم که بتوانم پیش کسی بروم و تقاضای حاجت کنم. خودت برسان! اگر هم صلاح نمی دانی، توفیق بده تا بتوانم صبر کنم».

[گذشت] تا اینکه عصر یک روز، که ظهرش نهار حسابی نخورده بودم، داشتم در حیاط مدرسه فیضیه قدم می زدم که شنیدم پستیچی از طلبه ها سراغ محمدتقی یزدی را می گیرد. جلو رفتم و با ناباوری از اینکه کسی برایم نامه بفرستد، نامه را گرفتم. از یکی از علمای یزد بود که آن وقت ها ارتباطی با ایشان نداشتم. ایشان یک حواله بیست تومانی برای من فرستاده بودند، که بعد از چند ماه سفره مان رونق گرفت... .

آن زمان مرحوم آقای حجت به طلبه ها مَهر نان می داد. من هم به فکر افتادم از ایشان تقاضای مَهر نان کنم، اما نمی خواستم به دستگاه ایشان مراجعه کنم. بنابر این نامه ای به این مضمون نوشتم:

حضرت آیت الله حجت، من شخصی به این نام هستم و در قم درس می خوانم و در درس آقای حائری شرکت می کنم. شنیده ام که مَهر نانی به طلبه ها می دهید. اگر شامل من هم می شود، من هم طلبه هستم.

صبح که می خواستم نامه را ببرم فکر کردم نکند این کار، خلاف قاعده و برنامه حوزه باشد، و این نان به کس دیگری تعلق داشته باشد و به ملاحظه شاگردی آقای حائری بخواهند به من بدهند! این بود که نامه را پاره کردم... .

با وجود همه این دشواری ها شیخ محمدتقی در مدت یک سال، باقی مانده دروس سطح را به اتمام رساند، و از سال بعد در دروس خارج فقه مرحوم آیت الله بروجردی و خارج اصول امام خمینی (رحمه الله) حضور یافت. از سوی دیگر، بیست سالش تمام شده بود و با احراز شرایط اقامت در مدرسه حجتیه، در آنجا حجره گرفت. توفیق آشنایی با بزرگان و علمای وارسته ای همچون امام خمینی (رحمه الله)، علامه طباطبایی (رحمه الله) و آیت الله بهجت چنان لذت بخش بود که تازه می فهمید هجرت از نجف به قم از تقدیرات بسیار نیکوی خداوند در حق او بوده است.

آشنایی با امام خمینی (رحمه الله)

شیخ محمدتقی از همان سال اول ورود به قم، با امام خمینی (رحمه الله)، که از سال ها پیش استاد برجسته حوزه بود، آشنا شد و خدمت ایشان ارادت یافت. با اینکه هنوز کفایه و مکاسب می خواند، گاهگاهی برای کسب آمادگی در درس خارج ایشان شرکت می جست و از سال دوم به بعد به طور مرتب در آن درس حاضر می شد.

از جمله خصوصیات بارز امام (رحمه الله)، دقت نظر، نقادی آزادانه و آزادی اندیشه بود که در درس های دیگر اساتید کمتر دیده می شد. این ویژگی ها برای ذهن پویای طلبه ای چون او بسیار جذاب بود.

آشنایی با علامه طباطبایی (رحمه الله)

آن روزها که تازه به قم آمده بود، در مدرسه حجتیه، کنار ساعت آفتابی پهلوی حوض، سیدی نورانی توجه او را به خود جلب کرد. او مردی بسیار نحیف بود که عمامه ای کوچک بر سر داشت، و لباس های بی پیرایه اش از ساده زیستی او حکایت می کرد.

محمدتقی درباره او از دوستانش پرسید. گفتند: او قاضی کوچک است، و این ساعت آفتابی را نیز خودش ساخته و اینک برای تشخیص ساعت آمده است. تازه تنها این نیست. آشنایی با هیئت و ریاضیات نیز یکی از خصوصیات ایشان است. او امتیازات دیگری هم دارند: درس تفسیر می گویند، استاد فلسفه هستند، و ...

مدتی از این ماجرا گذشت تا اینکه یکی از دوستان به او پیشنهاد کرد در درس تفسیر استاد که روزهای پنجشنبه در مسجد سلماسی تشکیل می شد شرکت کند. او نیز پذیرفت، و پس از مشاهده حالات معنوی و روحانی علامه، و نیز روش تدریس بسیار عالی شان مجذوب و شیفته ایشان شد و آرزو کرد همواره در خدمت و مصاحبت ایشان باشد.

محمدتقی پس از آن در پی موقعیتی بود تا با علامه ارتباط بیشتری برقرار کند و ولی روحیه اش چنان بود که نمی توانست خود را نزد استاد مطرح سازد. از طرفی برخورد علامه نیز به گونه ای بود که به صورت افراد نگاه نمی کردند. به هر حال در درس ایشان شرکت می جست و گاه نکته هایی که به نظرش مبهم می رسید، پس از درس می پرسید و گاهی هم که سؤال کنندگان زیاد بودند دنبال ایشان به راه می افتاد و اگر فرصتی دست می داد سؤالش را مطرح می کرد.

سرانجام سؤال های هوشمندانه محمدتقی توجه علامه را جلب کرد و موجب عنایت خاص ایشان به وی گردید، و این زمینه ای شد که او به تدریج بتواند درخواست های دیگری مطرح سازد، و از ایشان بخواهد که در زمینه مسائل اخلاقی و معنوی او را راهنمایی کنند.

رابطه محمدتقی با علامه چنان قوت گرفت که گاه به طور خصوصی از ارشادات اخلاقی آن بزرگوار بهره مند می شد، و علامه نیز نسخه های دست نویس تفسیر خود را پیش از چاپ به وی می داد تا مرور کند و اگر نکته ای برای اصلاح به نظرش می رسید، تذکر دهد.

آشنایی با آیت الله بهجت (رحمه الله)

از جمله دیگر بزرگانی که محمدتقی در همان سال های اول با ایشان آشنا شد، حضرت آیت الله بهجت (رحمه الله) بود. منزل آیت الله کنار مدرسه حجتیه قرار داشت و معمولاً در رفت و آمدها، و به خصوص صبح ها که ایشان از حرم بازمی گشتند، در کوچه با ایشان برخورد می کرد. مدتی گذشت و از دوستان شنید که آیت الله بهجت از نظر علمی بسیار برجسته اند و سال های قبل، از شاگردان ممتاز آقای بروجردی بوده اند، همچنین از نظر اخلاقی و معنوی برگزیده و اهل مقامات اند، و در نجف از شاگردان عارف کامل، مرحوم سیدعلی آقای قاضی بوده اند، که دیگر شاگردان آن مرحوم، از مقامات عالی معنوی او خبر می داده اند.

این اوصاف، محمدتقی را که همیشه تشنه فضیلت و معنویت بود، ترغیب می کرد که از چنین شخصیتی بهره برد و ولی از آنجا که آیت الله بهجت به آسانی کسی را نمی پذیرفت، با عده ای از دوستان تصمیم گرفتند برای تقویت بنیه فقهی شان از ایشان بخواهند به طور خصوصی برای آنان فقه بگویند و به این طریق بتوانند از خصوصیات اخلاقی ایشان نیز بهره گیرند. آیت الله بهجت پذیرفتند و درس فقه پربراری همراه با دقت نظرهای کم نظیر و استقلال رأی تحسین برانگیز، ارائه فرمودند. شیخ محمدتقی که مدت پانزده سال در آن درس شرکت نمود، محضر درسی آن آیت حق را این گونه توصیف می کند:

درسی بسیار پرمحتوا، دقیق و خوب بود، و آنچه بر خوبی آن می افزود این بود که ایشان غالباً پیش از درس تشریف می آوردند و به مناسبتی - که گاهی در آن زمان آن مناسبت را درک نمی کردیم - حدیثی می خواندند، یا داستانی نقل می کردند، و ضمن آن، مطالب اخلاقی و دینی ای را که مورد نظرشان بود می فهماندند، و عجیب این بود که هم من و هم دوستان دیگر، تجربه کرده بودیم مطالبی که آنجا گفته می شد و ظاهراً بدون مناسبت به نظر می رسید، در واقع نکته هایی بود که برای افراد سازندگی داشت، و اشاره به مسائلی بود که به بعضی از افراد حاضر در جلسه مربوط می شد و خود آنها درک می کردند، و گاهی هم با خیره شدن در چشم شخص، گویا به او می فهماندند که «دارم به تو می گویم!...» و همین طور گاهی درباره یک مسئله سیاسی، جریانی را قبل

از وقوع آن پیش بینی می کردند. مخصوصاً آن زمان ها در کوران انقلاب و حملاتی که دژخیمان شاه به فیضیه می کردند، ایشان اصرار داشتند که باید این وقایع را نوشت و منتشر کرد. طرح این مسائل از طرف ایشان انگیزه ای شد که ما نیز بیشتر در فعالیت ها و مبارزات، مشارکت داشته باشیم.

این آشنایی پانزده ساله، زمینه ارتباط و علاقه هر چه بیشتر استاد و شاگرد را فراهم ساخت، و رفته رفته استاد نیز به استعداد و نبوغ علمی و اخلاقی شاگرد خود پی برد، و این امر سبب شد که آیت الله بهجت، او را در مقام مدرس اخلاق به مردم معرفی کند. حجة الاسلام والمسلمین، دکتر مرتضی آقانهانی در این باره می گوید:

قبل از پیروزی انقلاب، عده ای از بازاریان قم خدمت آیت الله بهجت آمده و از ایشان درخواست کرده بودند که خودشان یا یک نفر از روحانیون مورد تأییدشان یک درس اخلاق برگزار نمایند. آیت الله بهجت فرموده بودند که جناب آقای مصباح یزدی در این زمینه مورد تأیید من است. بروید از ایشان بخواهید و من هم از ایشان می خواهم که درس اخلاق را بیان کنند. این درس اخلاق تا مدت ها در منزل مرحوم اسلامی در قم که بعداً به حسینیه یا مسجد تبدیل شد، ادامه داشت.

ابعاد علمی

شخصیت استاد مصباح به لحاظ علمی ابعاد گوناگونی دارد. در این مقام به این ابعاد می پردازیم:

تحصیلات، مطالعات و تحقیقات

استاد در زمینه های مختلف علوم اسلامی از قبیل فقه و اصول، تفسیر و فلسفه، و نیز رشته های دانشگاهی علوم انسانی و زبان خارجی (انگلیسی و فرانسه)، تحصیل، مطالعه و تحقیقات جامعی داشته اند. اینک هریک از این زمینه ها را برمی رسمیم.

فقه و اصول

آیت الله مصباح در رشته فقه، از محضر اساتید بزرگی چون آیات عظام بروجردی (رحمه الله)، اراکی (رحمه الله)، امام خمینی (رحمه الله) و بهجت (رحمه الله) بهره برده اند. به گونه ای که موفق به اخذ جایزه از سوی مرحوم آیت الله العظمی بروجردی شدند، و در نهایت به درجه اجتهاد نایل آمدند. بر این اساس، ایشان طبعاً در رشته های مرتبط با فقهت، مانند اصول فقه، رجال و درایه نیز به قدر کافی مطالعه و پژوهش داشته اند.

به گفته حجة الاسلام محمود رجبی استاد تفسیر حوزه علمیه قم جناب استاد مصباح حدود هشت سال به طور فعال در درس فقه مرحوم آیت الله بروجردی شرکت کردند، و در اولین امتحان درس خارج که در زمان مرحوم آیت الله بروجردی برگزار شد و ممتحنان آن مرحوم آیت الله سلطانی و مرحوم حاج مقدس اصفهانی بودند، دانش پژوه ممتاز معرفی گردیدند. به طوری که برخی اساتید پیش بینی کردند اگر چهار سال دیگر، همین گونه به تحصیل ادامه دهد، مسلماً به مرتبه اجتهاد خواهد رسید.

چیزی نگذشت که این پیش بینی تحقق یافت و ایشان در سن ۲۷ سالگی به درجه اجتهاد نایل آمد. اما با این حال تا ۸ سال در درس فقه و اصول حضرت امام خمینی (رحمه الله) و تا ۱۵ سال در درس فقه آیت الله بهجت (دام ظلّه العالی) و تا ۲ سال در درس آیت الله اراکی شرکت می کردند.

حجة الاسلام دکتر علی مصباح، فرزند استاد، یکی دیگر از فعالیت های ایشان را در زمینه فقه چنین توصیف می کند:

بعد از تبعید امام خمینی (رحمه الله) و تعطیلی درس آن بزرگوار، چون به شاگردانشان توصیه فرموده بودند که درس را به صورت مباحثه های مشترک (کمپانی) ادامه دهند، استاد مصباح و چند نفر دیگر از افاضل، که عبارت بودند از: حضرت آیت الله محمد محمدی گیلانی، حضرت آیت الله محمد یزدی، حضرت آیت الله حسین مظاهری و حضرت آیت الله سیدعلی اکبر موسوی یزدیدر عمل به توصیه حضرت امام مباحثه مشترکی آغاز نمودند که این مباحثه تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت. موضوعات مورد بحث در این جلسات مهم و پر بار، عمدتاً مباحث اجتماعی اسلام، مانند بحث امر به معروف و نهی از منکر و بحث تقیه و امثال

آن بود.

آیت الله بهجتی، امام جمعه محترم اردکان، درباره مباحثه مزبور می گوید:

این جلسات، مباحثاتی جدی بود برای اثبات وجوب مبارزه در شرایط آن زمان. می خواستند از نظر فقهی ثابت کنند مبارزه ای که امام خمینی (رحمه الله) پرچم آن را برافراشته، چون اساس اسلام در خطر قرار گرفته، مبارزه ای است که از نظر شرعی واجب است. بنده نیز گاهی به ندرت در آن جلسات شرکت می کردم زولی جناب آقای مصباح بسیار پی گیر بودند که این مباحثه ادامه داشته باشد و ادامه هم داشت، و در آن روزگار آثار بسیار مطلوبی نیز بر طبقه تحصیل کرده حوزه داشت.

تفسیر

آشنایی با مرحوم علامه طباطبایی، و درک مقامات و کمالات روحانی و عرفانی آن اعجوبه علم و فضیلت و تقوا، سبب شد که استاد بیشتر اهتمام و مساعی خویش را صرف تعلیم علوم قرآن و تفسیر نماید. ابتدا با شرکت در جلسات درس تفسیر علامه، و سپس با استفاده از ارشادات و تعلیمات خصوصی ایشان توانست تعمق و تفکر در قرآن کریم و نکته سنجی های زیبا در آیات نورانی آن را بیاموزد، و خود در این باب صاحب نظر شود او به قدری در این وادی پیش رفت که علامه (رحمه الله) برای استفاده از نکته ها و دقت نظرهایش، کار بازخوانی تفسیر المیزان را، قبل از چاپ و نشر، به او سپرد.

البته استاد مصباح این عنایت علامه را حمل بر لطف و شاگردنوازی ایشان کرده، می گوید:

ایشان لطف می کردند، قبل از اینکه تفسیرشان را به چاپخانه بسپارند، به من می دادند و می گفتند: «تو هم نگاهی بکن» و من چون شائق فراگیری تفسیر ایشان بودم، این جزوات را می گرفتم و مرور می کردم و اگر چیزی به نظرم می رسید خدمت ایشان عرض می کردم. گاهی می فرمودند درست است، و گاه نیز اشتباه مرا رفع می کردند. از کمال لطفشان، یک بار پیشنهاد کرده بودم و ایشان جایی را تغییر داده، کموزیاد کرده بودند و بعد برای اینکه از من در جمع دوستان تفقدی کرده باشند، گفتند: «فلانی هم در تفسیر ما شریک شده است...».

استاد مطالعات تفسیری بسیار وسیعی در کتب مختلف تفسیریاعم از تفاسیر علمای شیعه و اهل سنت داشته است. نتایج این مطالعات، در سلسله دروس تفسیر موضوعی قرآن کریم نمایان گشته است، که اولین درس تفسیر موضوعی قرآن کریم در حوزه علمیه قم به شمار می آید. محتوای عالی این دروس نشان از ژرفکاوای و مطالعه فوق العاده ایشان در زمینه آیات نورانی قرآن دارد تا جایی که برخی از شاگردان محقق و اندیشمند استاد، ایشان را یکی از والاترین مفسران قرآن کریم، معرفی می کنند.

حجۀ الاسلام والمسلمین، استاد فیاضی، با سابقه سال ها مطالعه و تحقیق در آثار مفسران قرآن، چنین می گوید:

بنده هم اکنون نیز معتقدم ایشان در میان افرادی که من می شناسم، یکی از والاترین مفسران قرآن است یعنی کمتر کسی را در این زمینه می شناسم که مانند ایشان تفسیر را بر اساس اصول اجتهادی و مبانی صحیح استنباط بیان کند.

فلسفه

استاد مصباح بیشترین وقت و سرمایه علمی خویش را صرف این رشته کرده است. دلیل گرایش به فلسفه نیز شیفتگی و علاقه شدید به علامه طباطبایی (رحمه الله) بوده است. استاد مصباح اسفار و شفا را نزد حضرت علامه فرا گرفت، و با به کارگیری شیوه فلسفی آن بزرگوار، خود به برخی نوآوری ها و ابتکارات در این زمینه پرداخت و به مرتبه ای رسید که امروز یکی از برجسته ترین اساتید فلسفه اسلامی در حوزه علمیه قم به شمار می رود.

او همچون استادش معتقد است برای شناخت هرچه بهتر اسلام و معارف اسلامی و نیز کسب توانایی در پاسخگویی به شبهات و هجمه ها به معتقدات دینی، مطالعه و تحقیق فلسفی می باید در رأس مطالعات حوزوی قرار گیرد، تا طلاب، ضمن آشنایی با متون اسلامی و فقهی، شیوه دفاع از عقاید دینی را نیز فرا گیرند.

زمینه های مطالعات فلسفی استاد بسیار جامع و فراگیر است. ایشان کتب فلسفی ابن سینا، بهمنیار، شیخ اشراق، فخر رازی، خواجه نصیرالدین طوسی، ابوالبرکات بغدادی، میرداماد، صدرالمآلهین شیرازی و حاج ملاهادی سبزواری و حواشی و شرح های این کتاب ها را مطالعه و بررسی کرده اند، و پس از تحقیقات فراوان کتاب ارزشمند حاشیه بر نهاییه الحکمه را (به زبان عربی) به رشته تحریر در آورده اند، و حاصل نظریات ایشان نیز در کتاب پراج آموزش فلسفه، به زبان فارسی، گرد آمده است.

استاد علاوه بر تبحر در فلسفه اسلامی، از فلسفه غرب نیز اطلاع کافی دارند. اشاره ها و تطبیق های فراوان ایشان در زمینه مکاتب مختلف فلسفه غرب، گواه صدق این مدعاست.

حجة الاسلام والمسلمین فیاضی، که اکنون از صاحب نظران بنام فلسفه اسلامی به شمار می آید، می گوید:

آنچه برای ما بسیار آموزنده و سازنده بود، برخورد محققانه حضرت استاد با مسائل فلسفی بود. در مسائل فلسفی، روح نقد و ارزیابی و آزاداندیشی کاملی بر ایشان حاکم بود. به طوری که پس از تبیین کامل هر مسئله ای، آن را به دقت مورد ارزیابی قرار می دادند. یعنی در صدد نقد آرای فلاسفه برمی آمدند، و ما می دیدیم آن روحیه اجتهادی که در حوزه بر فقه و اصول حاکم است در شیوه فلسفی جناب استاد مصباح به صورت بسیار قوی مشهود است. به این معنا که یک فقیه صرفاً به تقریر نظر صاحب جواهر یا شیخ انصاری و دیگر فقهای عظام اکتفا نمی کند. بلکه بعد از تقریر در صدد نقد و ایراد برمی آید.

به یاد می آورم در زمان حیات حضرت علامه طباطبایی (رحمه الله)، یک وقت ایشان می فرمودند اگر مردم علامه طباطبایی و آقای بهجت را می شناختند، خاک کفش ایشان را سرمه چشم خود می کردند. اما با وجود چنین اعتقادی درباره شخصیت علامه طباطبایی، در مطالب علمی، بسیار محققانه و با تفکر آزاد با مسائل برخورد می کردند، و از برکات انفس ایشان و از برکات شاگردی در محضر ایشان، این روحیه در ما نیز پیدا شد که با مسائل فلسفی نیز مانند مسائل فقهی و اصولی، با اجتهاد برخورد کنیم. البته این اجتهاد در هر بابی به تناسب خود صورت می گیرد. در فقه، از طریق کتاب و سنت و استفاده از دلایل لفظی، و در فلسفه، با استفاده از عقل. به هر حال باید محققانه برخورد کرد. شیوه تدریس استاد سبب شد تا روحیه تعبد در برابر نظریات مختلف به طور کلی در ما از بین برود، و ما امروز احساس می کنیم که حالت تعبد در مقابل افکار ابن سینا، ملاصدرا و دیگران، هرگز در ما نیست، و این از برکات درس های محققانه استاد مصباح است که ایشان در این سال ها از آن روحیه نقد و تحلیل و تحقیق عالی شان در ما نیز دمیدند. چنین روحیه ای، در سطحی که ایشان دارند، منحصر به فرد است و منحصر در خود ایشان است.

استاد فیاضی همچنین در بیان ابتکارات و نوآوری های فلسفی استاد، می گویند:

ایشان در فلسفه، افکار بسیار بلندی دارند که با افکار حوزه فلسفی موجود، هم تراز نیست. حوزه فلسفی امروز مثلاً مسئله وجود هیولا را هنوز هم امری صحیح و درست ارزیابی می کند، در حالی که ایشان این مسئله را با ایرادها و اشکالات محققانه ای مردود شمردند و کنار گذاشتند، و کنار گذاشتن این مسئله، به معنای کنار نهادن تفکر و اندیشه هیولا از فلسفه است. البته بوده اند کسانی مثل شهید مطهری و مرحوم حاج آقا مصطفی خمینی که با این مسئله برخورد کرده اند و آنان نیز فرموده اند مسئله هیولا درست نیست و بی دلیل است، یا حتی دلیل برخلاف آن وجود دارد. زمانی نیز من خودم در محضر استاد جوادی آملی (دام عزه) ضمن بیان اشکالاتی که بر مسئله وارد است، صحبت هایی می کردم و ایشان لبخندی زدند و فرمودند: «استاد ما، مرحوم الهی قمشه ای نیز به هیولا قایل نبودند».

یکی دیگر از ابتکارات استاد در فلسفه برخورد ایشان با این نظر ملاصدراست که می گوید: «إِنَّ النَّفْسَ جِسْمَانِيَّةُ الْحُدُوثِ وَ رُوحَانِيَّةُ الْبَقَاءِ». با اینکه این مطلب، ایده ای نو در فلسفه اسلامی به شمار می رود و امروزه حوزه های فلسفی، با تعظیم و تجلیل بسیار از آن یاد می کنند، استاد مصباح اشکالات متعددی از این نظریه بر آورده اند، و آن را کنار گذاشته اند. این ابتکار منحصر به ایشان است و من سراغ ندارم قبل از استاد کسی در این مسئله مناقشه و اشکال کرده باشد.

اخلاق و عرفان

استاد مصباح یزدی از اساتیدی همچون علامه طباطبایی (رحمه الله) و آیت الله انصاری همدانی (رحمه الله) و آیت الله العظمی بهجت (رحمه الله) در مقام اساتید اخلاق و عرفان خود نام می برد. آیت الله بهجتی در زمینه استفاده ایشان از درس های اخلاقی و عرفانی علامه طباطبایی (رحمه الله) می گوید:

به گمان من، آیت الله مصباح بهره های معرفتی بسیار زیادی از علامه طباطبایی (رحمه الله) بردند زیرا ایشان با اشارات مرحوم علامه به سیر و سلوک و ریاضت های شرعی مشغول بودند به علاوه اینکه از نظر علمی هم کتاب های بزرگ اخلاقی و عرفانی را چه در زمینه عرفان نظری و چه در زمینه عرفان عملی، خدمت علامه طباطبایی (رحمه الله) آموختند.

حجة الاسلام والمسلمین دکتر علی مصباح، با تذکر این نکته که استاد همیشه از اینکه درباره فعالیت ها و مطالعات اخلاقی و عرفانی خود سخن بگویند اعراض دارند، این چند کلمه را از زبان ایشان نقل می کند:

در موضوع اخلاق، حدود سال های ۳۲ و ۳۳ بحثی هفتگی در خدمت مرحوم علامه طباطبایی داشتیم. ابتدا محور بحث ایشان، رساله منسوب به علامه بحر العلوم بود و بعد از اتمام آن رساله، حضرت علامه (رحمه الله) مجموعه ای از روایات اخلاقی و عرفانی را انتخاب می کردند و درباره آنها بحث می فرمودند. حدیث معراج از جمله آن روایات بود.

استاد، سفارشات عمومی مرحوم علامه طباطبایی را در سلسله دروس اخلاقی شان این گونه یادآور می شوند:

مجموعه ای از سفارشات عمومی بود که دیگران نیز دارند یعنی همان ترک محرمات و انجام واجبات، و قدم اول هم همین هاست، و از سفارشات خاصی که می توانم بگویم مورد تأکید ایشان بود و برای هرکسی که توجه پیدا کند مفید است، یکی توسل به سیدالشهدا (علیه السلام) بود، یکی قرائت قرآن و یکی هم نماز اول وقت. یادم هست که از قول استادشان می فرمودند که من هرچه دارم از قرائت قرآن و توسل به سیدالشهدا (علیه السلام) است. درباره نماز اول وقت هم از مرحوم آقای قاضی نقل می کردند (این را من از اساتید دیگر نیز شنیده ام) که ایشان فرموده اند اگر کسی به نماز اول وقت ملتزم شود و به مدارج عالی نرسد یک تعبیر این است که به من لعنت کند، تعبیر دیگر این بوده است که من حاضرم اهانت او را بپذیرم و او آب دهان به صورت من بیندازد...، که بعضی ها از ایشان سؤال کرده بودند آیا نماز اول وقت به همراه نوافل را می فرمایید؟ ایشان در جواب فرموده بودند: نه، فقط خود نماز واجب.

از سفارشات دیگر علامه که از استادشان نقل می فرمودند، اهتمام به زیارت عاشورا، مخصوصاً از روز عاشورا تا روز اربعین بود، و دیگر قرائت قرآن با وضو و رو به قبله و با توجه مخصوصاً شب، قبل از خواب.

علوم جدید

استاد مصباح از همان سال ورود به حوزه علمیه یزد، به مطالعه و تحصیل دروس حوزوی اکتفا نکردند و از روی علم دوستی و حقیقت جویی، در کلاس های فیزیک، شیمی و... و نیز زبان های خارجی فرانسوی و انگلیسی، که به همت روحانی دانشمندی به نام «محقق رشتی» تشکیل شده بود، شرکت جستند و با این دروس آشنا شدند.

پس از ورود به حوزه علمیه قم، رواج افکار و تبلیغات مارکسیستی سبب شد تا استاد به منظور پاسخگویی به شبهات و دفاع از حریم اندیشه دینی، آشنایی با فلسفه های غربی را در دستور کار خود قرار دهند. به این ترتیب ایشان باید برای یافتن زبانی مشترک در بحث و مناظره با تحصیل کردگان دانشگاهی، تئوری ها و اصطلاحات خاص علوم انسانی دانشگاهی را فرا می گرفتند. به این منظور با مشورت و همت آیت الله شهید دکتر بهشتی که در آن زمان مدیر دبیرستان دین و دانش قم بود قرار شد کلاسی در دبیرستان تشکیل شود تا عده ای از فضلا و طلاب حوزه در آن شرکت کنند.

در کلاس ها زبان خارجی و نیز معلومات دبیرستانی و دانشگاهی در رشته های فیزیک، شیمی، فلسفه علم، متدولوژی، ریاضیات و

جامعه‌شناسی تدریس می‌شد. شرکت کنندگان این کلاس‌ها نیز آقای مصباح، شهید دکتر مفتاح، آقای ناصر مکارم شیرازی، آقای شیخ جعفر سبحانی، آقای یزدی، آقای دکتر احمدی و مرحوم حیدری نهایندی بودند. شهید بهشتی مسئولیت برنامه ریزی و برگزاری کلاس‌ها و دعوت از اساتید را به عهده داشتند.

استاد از ثمرات ارزشمند آن کلاس‌ها، این گونه یاد می‌کند:

شرکت در آن کلاس باعث شد که با اصطلاحات روز بیشتر آشنا شویم و بیشتر بتوانیم با قشر دانشگاهی تفاهم داشته باشیم. و طبعاً چون پاسخ‌هایی که ما در مباحثات و گفتگوها می‌دادیم با اصطلاحات خودشان آمیخته بود، برایشان بیشتر قابل درک بود، و همین سرمایه‌ای شد که ما در دوره‌های بعد تا حدودی بتوانیم نقش وساطت میان حوزه و دانشگاه را ایفا کنیم و بعدها دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را تشکیل دهیم.

زبان خارجی

استاد با شرکت در کلاس‌های مرحوم محقق‌رشتی در یزد، تا حدودی با زبان فرانسه و انگلیسی آشنا شد. بعدها نیز در هر فرصت مناسبی به فراگیری زبان انگلیسی ادامه می‌داد، و بر این اساس در کلاس‌های دبیرستان دین و دانش در حد مطلوبی با زبان انگلیسی آشنا شد. از آن پس هر جا استاد لایقی می‌یافت به تکمیل آنچه آموخته بود می‌پرداخت. آیت الله مسعودی خمینی خاطره انگلیسی خواندن استاد را این گونه بیان می‌کند:

ظاهراً سال‌های ۴۶-۴۷ بود که به امر مبارک حضرت امام (رحمه الله) برای تبلیغ به سیرجان اعزام شدم. در خلال دوران مأموریت دو مرتبه آقای مصباح را برای سخنرانی دعوت کردیم و ایشان دوسه دهه در آنجا سخنرانی می‌کرد و همان‌جا نزد استادی به نام آقای «رئیی» انگلیسی هم می‌خواند...

ممارست و تلاش خستگی‌ناپذیر استاد، به انضمام هوش و استعداد سرشارشان ایشان را در مطالعه و درک متون انگلیسی و فرانسوی توانا ساخته است. آثار گران سنگ ایشان در زمینه فلسفه اخلاق، فلسفه حقوق، فلسفه سیاست، فلسفه علم، فلسفه تاریخ، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه غرب و... نشان دهنده عمق و گستره دانش ایشان است.

ابتکارات علمی

استاد مصباح در رشته‌های مختلف علوم انسانی، صاحب اندیشه‌ای مستقل و نوآوری‌ها و ابتکاراتی جالب است. در این مقام تنها به نقل برخی اظهارات در این زمینه می‌پردازیم.

پیش‌تر مطالبی از جناب استاد فیاضی درباره برخی ابتکارات فلسفی استاد مصباح نقل کردیم که در واقع اشاره‌ای بود به وسعت نظر استاد در این زمینه.

حجة اسلام والمسلمین دکتر عباسعلی شاملی از جمله شاگردان استاد است که دکترای خود را در رشته روان‌شناسی و علوم تربیتی، با امتیاز عالی، از دانشگاه مک‌گیل کانادا اخذ کرده است. ایشان درباره ابتکارات علمی استاد در رشته روان‌شناسی می‌گوید:

ابتکارات و نوآوری‌های استاد مصباح، به خصوص در حوزه روان‌شناسی و علوم تربیتی، در کتاب‌ها و جزواتی که دفتر همکاری حوزه و دانشگاه گردآورده، ثبت شده است. به نظر من ایشان هنوز حرف‌های تازه فراوانی در زمینه روان‌شناسی و علوم تربیتی دارند که مجال طرح آنها را پیدا نکرده‌اند. ایشان به مناسبت‌های مختلف، در مواقعی که دغدغه‌های خود را در باب اسلامی کردن علوم انسانی و اجتماعی ابراز می‌داشتند، کدهایی ارائه می‌کردند که برای پژوهش‌های حوزه روان‌شناسی و علوم تربیتی جهت دهنده اند. برای نمونه در تبیین سازمان روانی انسان، ایشان مدل هرمی خاصی مطرح می‌کنند که من تاکنون چنین مدلی را در نوشته دیگری ندیده‌ام.

همچنین در بحثی که به مناسبت یکی از دهه‌های محرم در تبیین قیام حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) داشتند، پیش‌درآمد

بحثشان، موضوع غم و شادی در فرهنگ و ادبیات اسلامی بود. در آنجا استاد درباره عوامل و موانع غم و شادی توضیحاتی دادند که می‌تواند زمینه تلاش‌های جدیدی در روان‌شناسی باشد.

رمضان همین امسال نیز در تبیین سیره تربیتی اهل بیت (علیهم السلام)، پیش‌درآمدی بر فرایند الگوگیری و مدل‌برداری از سیره معصومان (علیهم السلام) در حوزه تربیت فرزند ارائه کردند و در آن، ساحت‌های مختلف الگوپذیری و مدل‌برداری را مطرح ساختند. به اعتقاد ایشان چهار حوزه و چهار ساحت در فرایند الگوپذیری و مدل‌برداری از سیره معصومان (علیهم السلام) مطرح است که این ساحت‌ها باید بازشناسی و پردازش شود: حوزه باورها و اعتقادات، حوزه ارزش‌ها و باید و نبایدهای ارزشی، حوزه روش‌های رفتاری و حوزه ابزارهای ارتباطی. سه عرصه باورها، ارزش‌ها و روش‌های رفتاری نمی‌تواند از محدوده‌های احکام دینی خارج و دچار روزمرگی شود و با رویکردهای تساهلی و تسامحی ارزیابی گردد؛ اما در عرصه چهارم، لازم نیست ابزارهای ارتباطی مربی با مُتربّی دقیقاً با معیارهای درون‌دینی ارزیابی شوند و در محدوده احکام دینی پیش بروند. این عقیده نیز از نظریات ابتکاری استاد است.

بنده در گروه علوم تربیتی پیشنهاد کرده‌ام که برای پی‌گیری اندیشه‌های نوین استاد در عرصه روان‌شناسی و علوم تربیتی، یک سلسله نشست‌های کارشناسانه برگزار شود و با طرح سؤالات و چالش‌های جدید در این حوزه از استاد مصباح درخواست داوری کنند. یکی از بهترین راه‌هایی که می‌تواند اندیشه‌های استاد را برجسته سازد راه اندازی نشست‌های کارشناسی است؛ چون معلوم است وقتی استاد در مجامع عمومی و با مخاطبان عمومی سخن می‌گویند نمی‌توانند همه آن داشته‌های فکری‌شان را عرضه کنند و از این رو بسیاری از زوایای اندیشه ایشان در روان‌شناسی و علوم تربیتی هنوز مکتوم مانده است.

حجّه الاسلام والمسلمین دکتر محمدعلی شمالی با اشاره به اندیشه‌های ابتکاری استاد در باب فلسفه اخلاق می‌گوید:

بنده در واقع به پیشنهاد جناب استاد مصباح، رشته فلسفه اخلاق را انتخاب کردم و وقتی می‌خواستم موضوع پایان‌نامه دکتری‌ام را در دانشگاه منجستر انتخاب کنم، به نظرم رسید یکی از موضوعات بسیار مهم، بحث نسبت‌گرایی اخلاقی است؛ چون اگر ثبات و جهانی و جاودانی بودن ارزش‌های اخلاقی مورد خدشه قرار گیرد، دیگر چیزی از ارزش‌های اخلاقی، به‌ویژه ارزش‌های دینی، باقی نمی‌ماند. این بود که این موضوع را انتخاب کردم و در پایان، یک فصل را به بحث مبانی اخلاق اختصاص دادم؛ چون اگر بتوانیم مبانی اخلاق را مشخص کنیم و نشان دهیم که این مبانی عینی هستند، اشکال به‌طور ریشه‌ای حل می‌شود. در این قسمت، بنده از فلسفه اسلامی و مخصوصاً از نظرات آیت‌الله مصباح بسیار استفاده کردم. چرا که در زمینه فلسفه اخلاق، هرچند بحث‌های پراکنده بسیاری در کتاب‌های علما و فلاسفه اسلامی داریم، ولی کسانی که به‌طور خاص و با توجه به مسائل روز به فلسفه اخلاق پرداخته باشند کم‌اند، و آیت‌الله مصباح از معدود کسانی هستند که بحث ویژه و مستقلی را به فلسفه اخلاق اختصاص داده‌اند، که بعضی از آثارشان در این زمینه منتشر شده و بعضی دیگر نیز امیدواریم انشاءالله آماده و منتشر شود. به هر حال من از مباحث ایشان بسیار بهره‌بردم و بعد چون می‌خواستم هیچ اشکالی در پایان‌نامه باقی نماند، آن را به بعضی از متفکران دادم تا بخوانند و نظرشان را بگویند. یکی از این متفکران پروفیسور آرینگتون، رئیس دپارتمان فلسفه در دانشگاه جورجیای امریکا بود که از فلاسفه مطرح و از جمله کسانی است که خود در بحث نسبت‌گرایی چندین کتاب دارد. من از ایشان خواهش کردم که پایان‌نامه مرا قبل از دفاع ببیند؛ ایشان نیز پذیرفت و بعداً برای من ایمیل فرستاد و گفت: «جالب‌ترین قسمت پایان‌نامه همین فصل آخر بود که خیلی برایم جالب بود و تازگی داشت و نظریه جدید و مهمی بود؛ یعنی همین مباحثی که ما بر اساس نظرات استاد مصباح مطرح کرده بودیم، بسیار مورد استقبال ایشان قرار گرفت و گفتند بسیار خوب است که شما این بحث را تکمیل کنید و بسط دهید.

تدریس

استاد مصباح، تدریس به صورت منظم را از مدرسه حقانی (منتظریه) آغاز کرد. این کار با هدف تربیت نیروهای فکری و عقیدتی،

و پرورش افراد متعهد و کارآمد برای تشکیل کادر آینده نظام و حکومت اسلامی شروع شد. ایشان ابتدا مباحث قرآنی و تفسیر و مباحث فلسفی را در آن مدرسه تدریس کرد: درس تفسیر در سه سطح، و هم زمان با آن، مباحث اخلاقی و تربیتی تحت عنوان «خودشناسی برای خودسازی».

استاد مصباح، در باب فلسفه نیز کتاب فلسفتنا، تألیف شهید صدر، و کتاب بدایه الحکمه، اثر علامه طباطبایی (رحمه الله) را به مدت ده سال در آن مدرسه آموزش داد.

ایشان بعد از مدتی به پیشنهاد آیت الله سیدمحسن خرازی، همکاری با مؤسسه در راه حق را پذیرفت و با تأسیس بخش آموزش در آن مؤسسه، به تدریس کتاب های فلسفتنا، اقتصادنا و نهایه الحکمه، و نیز تفسیر موضوعی قرآن کریم پرداخت.

استاد مصباح در واقع اولین استادی بود که کتاب های مزبور را به منزله متن درسی در حوزه مطرح و تدریس کرد. پیش از این، متن درسی منسجمی که ناظر به افکار و مکاتب فلسفی جدید باشد در حوزه علمیه به چشم نمی خورد. البته کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم مرحوم علامه در دسترس بود، اما به دلیل فارسی بودن متن آن متأسفانه در حوزه به منزله کتاب درسی، مقبول نیفتاد.

خارج از برنامه های درسی منظم مدرسه حقانی و مؤسسه در راه حق، استاد کتاب های مفصل فلسفی مانند اسفار اربعه و شفا را برای علاقه مندان تدریس می کرد. این کلاس ها در واقع، سطح تخصصی فلسفه به شمار می رفت.

«هدف اسلام و ارتباط انقلاب اسلامی با آن» بحث دیگری بود که استاد به دعوت رسمی دانشگاه نیویورک، در امریکا القا کرد.

شاگردان برجسته

ثمره تعلیم و تدریس های دلسوزانه و پی گیر استاد، پرورش شاگردان ممتاز و طلاب نمونه ای است که امیدهای آینده اسلام و نظام اسلامی به شمار می روند. انسجام فکری، قوت بیان و استدلال، و آزادی رأی، به همراه تخلّق به اخلاق و آداب نیکوی اسلامی، و حسن سلیقه و تدبیر، از مایه های ارزشمندی است که درس استاد برای زندگی حال و آینده این شاگردان به ارمغان آورده است و جملگی آنان سرمایه و بضاعت علمیاخلاقی خویش را مرهون زحمات و تلاش های مشفقانه وی می دانند.

در این مقام، تنها به معرفی و ذکر نام شمار معدودی از تربیت یافتگان این استاد گران مایه، که هر کدام استادی سرآمد و متفکری صاحب نظر در علوم اسلامی به شمار می روند، می پردازیم:

حجة الاسلام والمسلمین غلامرضا فیاضی، از اساتید ممتاز حوزه علمیه قم، حجة الاسلام والمسلمین محمود رجبی، معاون پژوهشی و مدیر گروه علوم قرآنی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله)، حجة الاسلام والمسلمین اکبر میرسپاه، استاد موفق و ممتاز دروس معارف قرآن و اخلاق اسلامی، حجة الاسلام والمسلمین سید محمد غروی، مدیر گروه روان شناسی مؤسسه امام خمینی (رحمه الله)، حجة الاسلام والمسلمین دکتر مرتضی آقاهرانی، استاد اخلاق حوزه علمیه، حجة الاسلام والمسلمین محمود محمدی عراقی، رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، حجة الاسلام والمسلمین محسن غرویان، حجة الاسلام والمسلمین حسین ایرانی، حجة الاسلام والمسلمین حیدرعلی ایوبی، فاضل ارجمند جناب آقای عبدالرسول عبودیت، حجة الاسلام والمسلمین سید محمدرضا طباطبایی، مدیر جامعه الزهراء (علیها السلام)، حجة الاسلام والمسلمین نیری، حجة الاسلام والمسلمین صدیقی، حجة الاسلام والمسلمین مبشری، حجة الاسلام والمسلمین مؤیدی، مرحوم حجة الاسلام والمسلمین شاهرودی، نماینده دوره پنجم مجلس شورای اسلامی، حجة الاسلام والمسلمین داراب کلایی، حجة الاسلام والمسلمین ابراهیمی دامغانی، حجة الاسلام والمسلمین سیدابوالحسن نواب، حجة الاسلام والمسلمین دکتر زارغان، حجة الاسلام والمسلمین دکتر عباسعلی شاملی، حجة الاسلام والمسلمین دکتر احمد رهنمایی، حجة الاسلام والمسلمین دکتر محمد فنایی، حجة الاسلام والمسلمین نمازی، حجة الاسلام والمسلمین دکتر شمالی و بسیاری دیگر از حجج اسلام و مروجان قرآن، که جملگی، حیات علمی و فرهنگی خود را مرهون درس های پربار و ثمربخش استاد می دانند.

حجة الاسلام والمسلمین فیاضی می گوید:

درس های استاد، به خصوص دروس معارف و درس «خودشناسی برای خودسازی» به گونه ای بود که ما احساس می کردیم این مطالب را هیچ جای دیگر حوزه نمی شود پیدا کرد، والحمدلله آن درس ها برای ما بسیار سرنوشت ساز بود. معارف قرآن طوری که خود استاد درس می گفتند و از ایمان سرشار و اعتقادشان به معارف دینی و به حضرت ولی عصر(علیه السلام) سرچشمه می گرفتار خاصی داشت، و لازم بود چنین درس هایی در کل حوزه باشد تا طلبه ها دچار بعضی لغزش ها و تمایل به چپ و راست نشوند و در طریق مستقیم دین و اهل بیت(علیهم السلام) حرکت کنند.

حجة الاسلام والمسلمین، سیدمحمد غروی می گوید:

بحث های اخلاقی و قرآنی استاد و اساساً شخصیت فردی ایشان بدون کوچک ترین تعارف و مبالغه ایبه شدت تأثیر گذار بود؛ یعنی ایشان ساختار فکری و شخصیتی دوستان را به گونه ای ساخت که همه دوستان ما، اکنون هر کدام در هر جا که هستند، در واقع با همان مایه هایی که آن زمان از درس های استاد به دست آورده اند، زندگی می کنند... . یادم نمی رود بعضی از دوستان آن قدر شیفته درس اخلاق ایشان شده بودند که تمام هفته به امید آن بودند که پنج شنبه فرا برسد و درس اخلاق استاد را دریابند؛ بعضی ها در کلاس حالت معنوی خاصی داشتند. خود استاد نیز طبعاً درس هایی می گفتند که بسیار تأثیر گذار بود.

حجة الاسلام والمسلمین محمود رجبی نیز چنین تعریف می کند:

بعد از تأسیس دوره آموزشی مؤسسه در راه حق، مرحله جدیدی از آشنایی بنده با حضرت استاد شروع شد، و در امتحان ورودی آنجا شرکت کردم و پذیرفته شدم. در آن دوره بیش از همه اساتید و بیش از همه بحث هایی که مطرح می شد، از مباحث ایشان فایده بردم، و اگر یک جنبه مثبتی در بنده باشد می توانم بگویم مرهون آن مباحثی است که حضرت استاد در آنجا به ما آموزش می دادند، و این چیزی است که مورد اتفاق نظر همه برادرانی است که در آن دوره شرکت می کردند و همه معترف هستند که آن بحث های معارف قرآن و بحث خودشناسی و بحث های فلسفی ایشان، در واقع به مسیر زندگی و شخصیتشان شکل داده و برای آنان سرنوشت ساز بوده است. به تعبیر بعضی از دوستان، حضرت استاد مصباح حق حیات بر گردن ما دارند، و ما حیات معنوی و فکری و روحیمان را مرهون اندیشه های ناب اسلامی و متقن ایشان هستیم.

استاد رجبی در ادامه، مطالب مبسوطی در زمینه ابعاد علمی شخصیت استاد مصباح بیان می کنند که گزیده ای از بیانات ایشان را می آوریم:

درباره ابعاد علمی شخصیت جناب استاد، می توان در سه محور سخن گفت:

محور اول درباره ابتکاراتی است که ایشان در آموزش و پرورش نیروها داشتند؛

محور دوم درباره فعالیت های تحقیقی خودشان است؛

محور سوم در زمینه اندیشه ها و نظریات جدید ایشان است.

محور سوم را به کتاب های فلسفی و کلامی و تفسیری ایشان وامی گذارم که هر کس به آنها مراجعه کند، نوآوری های استاد را خواهد دید. در محور آموزش و پرورش نیروها، نکته بسیار مهم آن است که چه برنامه ریزی آموزشی و چه برنامه ریزی پژوهشی باید اولاً- بر اساس شناسایی نیروها و استعدادها باشد؛ ثانیاً در این امر باید نیازسنجی صورت گیرد. این دو امر، نکته هایی بسیار اساسی در برنامه ریزی آموزشی و پژوهشی هستند. اگر ما نیروهایی که می خواهیم به کار بگیریم، و نیز استعدادها و توانایی های آنان را شناسیم برنامه ریزی ما دقیق و متناسب با مخاطبانمان نخواهد بود، و طبعاً موفقیت آمیز هم نیست. همین طور اگر نیازهای جامعه را در نظر نگیریم و در بُعد اندیشه های دینی و نیز در بُعد معضلات فکری، سیاسی و اجتماعی اطلاعی از کاستی ها نداشته باشیم و بدون توجه به آنها نیروهایی را تربیت کنیم یا موضوعات تحقیقی را تصویب و اجرا نماییم، محصول کار ما محصول بی

فایده ای خواهد بود و نیروی پرورش یافته به درد نیازهای جامعه نمی خورد... به نظر من حضرت استاد در برنامه ریزی های آموزشی و پژوهشی، این دو نکته اساسی را دقیقاً در نظر گرفته بودند و با توجه به آنها و نیز تمهیداتی که برای نیل به این اهداف اندیشیده بودند، دوره های آموزشی و پژوهشی را برگزار می کردند. به همین دلیل نیز به نظر می رسد اگر نگوئیم موفق ترین، دست کم یکی از موفق ترین نهادهایی که توانسته است در راستای نیاز جامعه اسلامی به تبیین معارف الهی، نیروهایی تربیت کند، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله) است.

اولین دوره آموزش مؤسسه را که خود بنده در آن حضور داشتم، مثال می زنم. در آن مقطع که ایشان می خواستند اولین گروه آموزشی را با آن اهدافی که در نظر داشتند تشکیل دهند، شناسایی نیروها از طریق افرادی صورت گرفت که خود از مدرسان حوزه بودند، و به آنان گفته شده بود هر کسی را به عنوان طلبه ای فاضل می شناسید معرفی کنید. افرادی مثل جناب آقای دکتر احمدی و آیت الله خرازی و دیگران، افرادی را که می شناختند معرفی کردند. افراد معرفی شده کسانی بودند مانند آقای محمدی عراقی، آقای فیاضی، آقای غروی، آقای میرسپاه، آقای شب زنده دار، و آقای مؤمن. اینها کسانی بودند که چند سال درس خارج فقه و اصول شرکت کرده بودند و مورد تأیید افراد صاحب نظر بودند. در عین حال از این افراد امتحان کتبی گرفته شد، و به این امتحان کتبی نیز اکتفا نشد. با پذیرفته شدگان در امتحان کتبی، مصاحبه حضوری صورت گرفت؛ آن هم مصاحبه ای بسیار جدی که خود جناب استاد مصباح نیز از مصاحبه کننده ها بودند. آن وقت از این نیروهایی که با این کیفیت شناسایی شدند، خواسته شد که تقریرات درس خارج را نیز ارائه کنند. به این ترتیب نیرو را کاملاً از هر جنبه شناسایی کردند و همه استعدادها و توانمندی ها و سوابق کاری اش را شناختند و بعد او را پذیرفتند، و دوره آموزشی آغاز شد.

در زمینه نیازسنجی نیز با آن که خود استاد اطلاعات وسیعی داشتند، از طریق ارتباطاتی که با مرحوم شهید بهشتی و مرحوم شهید قدوسی و دیگران داشتند و همچنین از طریق ارتباطی که با امثال آقای دکتر احمدیه لحاظ این که در دانشگاه حضور داشتند برقرار می کردند و احیاناً به سبب مسافرت هایی که مسئولان آن دوره به کشورهای مختلف داشتند، نیاز ضروری را تشخیص می دادند و ما را توجیه می کردند که مثلاً الان فراگیری زبان انگلیسی یا زبان عربی اصیل ضرورت دارد، یا امروز فلان مباحث ضروری است، و جالب آنکه بعدها از افراد آموزش دیده بارها می شنیدیم که می گفتند زمانی که ما آن درس ها را می خواندیم فکر نمی کردیم این قدر این دوره و این اطلاعات به دردمان بخورد؛ ولی امروز درمی یابیم تنها چیزی که از درس های دوران طلبگی مان به درد ما می خورد و در تأمین نیاز فکری جامعه مؤثر است، همین درس های مؤسسه بوده است. این دلیل آن است که حضرت استاد نیاز جامعه را تشخیص داده بود، و به خوبی سنجیده بود که جامعه در آینده به چه چیزی نیاز دارد و متناسب با آن، دوره آموزشی را برنامه ریزی کرده بود.

نکته دیگر اینکه کار برنامه ریزی استاد بسیار روشمند و حساب شده بود. یعنی مانند برخی برنامه های آزمایشی نبود؛ بلکه ایشان بسیار حساب شده پیش بینی و طراحی کرده بودند و به اجرا در می آوردند. در دوره ما حجم فراوانی از مباحث را بحث های فلسفی، به خصوص فلسفه تطبیقی که ناظر به مسائل و دیدگاه های جدید روز بود، تشکیل می داد؛ مثلاً کتاب فلسفتنا را متن درسی ما تعیین کرده بودند، و همین طور اقتصادنا را، به این دلیل که به مکاتب فلسفی روز یا مسائل سرمایه داری و نظام مارکسیستی نگاهی تطبیقی داشتند برگزیده بودند، و این بحث ها به لحاظ عقلی مبنای کار محسوب می شدند. از یک سو بحث های معارف قرآن در برنامه گنجانده شده بود تا به لحاظ قرآنی، بنیان های فکری دانش پژوهان را شکل بدهد، و از سوی دیگر در کنار این برنامه آموزشی، روش ها نیز مطرح می شد، و به ما می آموختند که روش برخورد با مباحث عقلی یا روش برخورد با مباحث نقلی چگونه است. جایگاه عقل و نقل کجاست، و در ضمن این آموزش ها، استاد ما را به تحقیق می گماشتند.

در تدریس استاد ویژگی های ظریفی وجود داشت؛ مثلاً خود استاد هر جلسه دو یا سه نفر را به قید قرعه تعیین می کردند که برای

جلسه آینده چکیده درس را بگویند، و مشخص نبود که قرعه به نام چه کسی خواهد افتاد. این کار، بسیار مؤثر بود و موجب می شد افراد درس را جدی بگیرند و نیز مطالب را به دقت مطالعه کنند. استاد نیز بسیار جدی برخورد می کردند... همچنین به گونه های متنوعی از ما تحقیق می خواستند. گاهی ضمن درس، ما را موظف می کردند که تحقیق انجام دهیم و بعد نیز خودشان با دقت این تحقیق ها را ملاحظه می کردند و تذکرات لازم را در حاشیه آنها می نوشتند. برخورد تشویق آمیز هم داشتند، و سالی یک بار از همه، مقاله تحقیقی می خواستند و به بهترین مقاله جایزه می دادند. همچنین شیوه تحقیقی بسیار ثمربخش تری داشتند، و آن نوعی کارورزی تحقیق بود. این کار نسبتاً درازمدت بود و به صورت مرحله به مرحله، در بحث های فلسفی به یک شکل، و در بحث های معارف قرآن به شکلی دیگر انجام می شد. در بحث های فلسفی، و به خصوص مباحث فلسفی روز، استاد منابع متعددی معرفی می کردند و با محور قرار دادن روش رئالیسم، پس از بحث و مذاکره در جلسات، می فرمودند با توجه به منابع معرفی شده، تحقیق کنید و یک مقاله بنویسید. در بحث های معارف قرآن نیز استاد در مرحله اول، یک تفسیر موضوعی را در زمینه بحث هایی مثل خداشناسی، قرآن شناسی و انسان شناسی، برای ما می گفتند، و در مرحله بعد، آیاتی را درباره یک موضوع خاص معرفی می کردند و می فرمودند بروید آیات را مطالعه و دسته بندی کنید، و آن گاه از آنها نتیجه گیری نمایید. پس از انجام کار، استاد حاصل تحقیق را می دیدند و نکات مورد نظرشان را تذکر می دادند. مرحله سوم این بود که به ما موضوعی می دادند و می گفتند خودتان آیات ناظر به این موضوع را استخراج کنید و این موضوع را از آنها نتیجه بگیرید، و بعد که حاصل کار را خدمت ایشان ارائه می کردیم، تذکرات بسیار جالبی می دادند. برای نمونه می فرمودند این آیه به این دلیل چندان ربطی ندارد و آن آیه چندان ضرورت ندارد، یا فلاں آیه صراحت بیشتری در مطلب دارد و... خلاصه ما را با چگونگی بررسی و فهم آیات کاملاً آشنا می کردند.

نکته دیگر، تأکید ایشان بر کارهای جمعی بود. استاد مکرر می فرمود که کار فردی در حوزه، بسیار است، اما می خواهیم افراد روحیه کار گروهی پیدا کنند. به همین دلیل به شکل های متنوعی جلسات گروهی ترتیب می دادند. برای مثال وقتی دفتر همکاری حوزه و دانشگاه تأسیس شد، با تدبیر استاد، گروه های مختلف تشکیل شد و هر چند نفری با هم در یک گروه قرار گرفتند، که خود بنده با جناب حاج آقای عراقی و حاج آقای میرسپاه، بر اثر همین تأکید استاد، یک گروه شده بودیم و با هم کار می کردیم. ساختارمند کردن و نظم منطقی دادن به ذهن و فکر دانش پژوهان، یکی دیگر از ویژگی هایی بود که در دوره های درسی استاد صورت می گرفت. ذهن دانش پژوهان ساختاری منطقی می یافت و آنان از پراکنده گویی و بی نظمی در سخن، نجات می یافتند. این بدان سبب بود که اندیشه های خود استاد بسیار ساختارمند و دارای نظم منطقی بود، و مبانی و فروع افکار ایشان و نیز ارتباط اندیشه هایشان با هم، کاملاً مشخص بود و این خصوصیت به ما نیز منتقل می شد.

شیوه بیان بسیار زیبا نیز از دیگر ویژگی های تدریس استاد بود که جدای از غنای محتوای دروس، موجب می شد که ما شیفته درس های ایشان بشویم. استاد هر درسی را متناسب با خودش بیان می کردند، مثلاً در درس «خودشناسی برای خودسازی» در عین اینکه بحث، صبغه ای علمی داشت، به تناسب اینکه یک درس اخلاقی محسوب می شد، اقتضا می کرد که در ما یک حالت معنوی و اثر روحانی ایجاد شود. از این رو استاد به شیوه ای این درس را بیان می فرمودند که این حالت به ما منتقل شود. همین طور درس های فلسفی اقتضا می کرد که دقت و موشکافی در ما به وجود آید، و استاد نیز به نحوی بیان می کردند که دقت ها و توجه ها را برانگیزد، و این نشان قدرت بیان فوق العاده، توان علمی بالا و تشخیص خوب ایشان در چگونگی مطرح کردن مباحث است.

یکی دیگر از ویژگی های تدریس استاد که البته در سخنرانی هایشان نیز وجود دارد این است که مطالب را به گونه ای مطرح می کنند که با پاسخگویی به شبهات، ابهام جدیدی در ذهن مخاطب صورت نمی بندد. بسیاری افراد وقتی شبهه ای را پاسخ می دهند، چند شبهه دیگر در ذهن شنونده ایجاد می کنند و ولی خداوند به حضرت استاد لطف کرده است که مطالب را به گونه ای بیان می

کنند که مسئله به گونه ای بسیار شفاف و متقن و دل نشین حل می شود و در عین حال شبهات جدیدی ایجاد نمی کند. اما محور دومی که ناظر به ابعاد علمی شخصیت استاد است، به ویژگی های تحقیقی خود ایشان بازمی گردد. استاد مصباح در این محور نیز ویژگی های سودمندی دارند که از آن جمله دقت و وسواس علمی و حوصله و شکیبایی در تحقیق است. به هیچوجه بی حوصلگی و شتاب زدگی در کارهای تحقیقاتی ایشان وجود ندارد. گاهی که ما می خواستیم در زمینه موضوعات قرآنی تحقیق کنیم، ایشان می فرمودند برای هر موضوع ریزی باید یک دور قرآن به طور کامل دیده شود، مگر اینکه دو موضوعی باشند که بسیار به هم نزدیک بوده، تفاوت بسیار جزئی ای داشته باشند. به همین دلیل در آن دوره ای که برادران بزرگوار گروه تفسیر، درباره معجم کار می کردند شاید نزدیک به پنجاهصت بار و بلکه بیشتر، قرآن شریف را به طور کامل دوره کردند. با وجود این جناب استاد به این میزان هم اکتفا نمی کردند و می فرمودند هر بخشی که مطالب ریزش تهیه شد، با نگاهی کلی به مجموعه بحث باید قرآن را یک دور دیگر نیز ملاحظه کرد، و اینکه یک نفر به تنهایی مرور کند و نظر بدهد کافی نیست، بلکه باید سه یا پنج نفر با هم تمام مطلب را ببینند و بعد با هم بحث کنند و محصول بحثشان را ارائه نمایند، و البته ثمره چنین دقت ها و وسواس های در علم، آن اندیشه های متقن استاد خواهد بود.

نکته دیگر در این باره، استواری اندیشه های استاد است. ایشان می فرمودند ما باید از مسائل یقینی شروع کنیم و پیش برویم و هر مسأله دیگری را بر مبنای یقینات و مسلمات حل کنیم. چنین رویه ای سبب می شود مثلاً در بحث های قرآنی، متشابهاتی که در آنها احتمالات متعدد وجود دارد، بر مبنای یقینات، رفته رفته تشابهشان برطرف شود و مفاد واقعی شان روشن گردد. این رویه در تمام اندیشه های استاد به چشم می آید. برای نمونه ایشان در معارف قرآن هر مطلبی را ابتدا از بحث مبنایی شروع می کنند و پس از آن به مسائل می پردازند. این رویه کاملاً صحیحی است که موجب استواری فکر می شود.

ویژگی دیگر استاد، رعایت مرز دانش ها و روش هاست. ایشان در بحث های تفسیری می فرمودند اینکه قرآن مجید در آیه هفتم سوره آل عمران می فرماید: *وَالرَّسُولُ خَوَّنَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ ءَأَمَّنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا*، مراد از راسخون در علم کسانی هستند که مرز هر دانشی را می شناسند، می فهمند مرز ابزارهای معرفت انسانی تا کجاست و می فهمند بسیاری از مسائلی که خداوند در قرآن بیان می کند، فوق توان ابزارهای شناخت آنهاست، و در نتیجه می دانند که حق است، و اینکه ابزار شناخت آنها به درک این مطلب نرسیده است، دلیل آن نیست که نادرست باشد. مقتضای رسوخ در علم این است که من مرز دانشم را بشناسم. از این رو استاد می فرمودند ما باید روش خودمان را در فهم سخن به کار ببریم، اگر با این روش، نتیجه به دست آمد، که مطلوب حاصل شده است، اما اگر چنین نشد، نمی توان گفت چون این مطلب در فلسفه، مسلم است آیه نیز حتماً باید چنین بگوید. مطلب مسلم فلسفی در جای خود صحیح است اما شاید آیه شریفه در مقام تبیین مطلب دیگری باشد. بسیاری از مفسران معلومات تخصصی شان در یک رشته خاص، به تفسیرشان رنگ داده و آن را تحت تأثیر گرفته است، مثلاً اگر مفسری ادیب بوده، بیشتر بحث ادبی کرده و بیشتر برداشت هایش ادبی است، و اگر مفسر مثل ملاصدرا، فیلسوف بوده، بیشتر آیات را فلسفی تفسیر کرده و گاه از مراد واقعی آیه دور شده است. اما شیوه استاد مصباح این گونه نیست و با آنکه ایشان در بحث های فلسفی کاملاً مسلط و آگاه اند، در مقام تفسیر، تنها روش تفسیری را با دقت و موشکافی تمام به کار می گیرند و تفسیر را با همان روش فهم متن به پیش می برند.

ویژگی دیگری که در بحث های تحقیقی استاد وجود دارد، بی طرفی علمی، در عین اعتقاد به رشته ها و علوم دیگر است. ایشان در مقام تحقیق، آنچه مقتضای تحقیق است مطرح می کنند و علاقیشان در کارهای تحقیقی شان نقشی ندارد. بسیار روشن است که ایشان فیلسوف اند و به طور طبیعی به این رشته علاقه و دلبستگی دارند، ولی این علاقه را به هیچوجه در بحث های تفسیری دخالت نمی دهند. همچنین اگر ایشان دیدگاهی را نمی پذیرند یا مورد نقد قرار می دهند، این رد یا نقدشان با کمال بی طرفی علمی است و چنین است که می گویند این اندیشه درست هست یا درست نیست، حال گوینده و نویسنده هر کسی می خواهد باشد، به گونه

ای که بنده خود شاهد بوده ام که ایشان حاضر نیستند کمالات سرسخت ترین دشمنانشان را انکار کنند.

جرئت و جسارت علمی، در عین رعایت احترام و ادب، از دیگر ویژگی های استاد گران قدر است. ایشان به دلیل همین جرئت علمی، نوآوری های فکری فراوانی دارند. چه بسا نظریه هایی که سالیان درازی از سوی دیگران پذیرفته شده است، و استاد به نادرستی شان پی می برند، و آنها را رد می کنند و در عوض، رأی صحیح و جدیدی ارائه می دهند و از آن دفاع می کنند.

نکته دیگر در روش تحقیقاتی استاد، نظام منطقی داشتن و ساختارگرایی در اندیشه هاشان است. مجموعه مباحثی که ایشان ارائه می دهند، همواره در چارچوبه منطقی خاصی قرار می گیرد. در بحث های معارف قرآن، در آغاز بحث خداشناسی به صراحت فرموده اند که آنچه ما نیاز داریم این است که مجموعه معارف قرآن را به صورت نظام مند، ارائه کنیم. در بحث های فلسفی نیز همین طور. ایشان نظام فکری فلسفی خاصی دارند که بر مبنای آن به ارائه دیدگاه خود و نقد دیدگاه دیگران می پردازند. این چنین ساختارمندی ای را بنده در میان اندیشمندان دیگر، کمتر مشاهده کرده ام.

در محور سوم که ناظر به نوآوری ها و ابتکارات علمی استاد است به نظر بنده ایشان در سه زمینه نوآوری دارند:

نخست، کشف و ارائه دیدگاه های جدید: استاد مصباح هم در فلسفه، هم در معارف و هم در مباحث سیاسی اجتماعی دیدگاه هایی دارند که تاکنون مطرح نبوده، یا به این شفافیت و ظرافت و دقت ارائه نشده است. در بحث های قرآنی، مثلاً در بحث «سیر آیات تحدی» که بسیاری از اندیشمندان به آن پرداخته اند، نظریه استاد که در کتاب قرآن شناسی نیز طرح و بررسی شده استهم با آیات قرآن سازگاری بیشتری دارد و هم دیدگاهی نوین به شمار می رود و در مقایسه با دیدگاه های دیگر، خالی از اشکال است. دوم، نوآوری ها در زمینه سازمان دهی و تئوری پردازی و مدل سازی: پیوند بسیاری از ایده های اسلامی با یکدیگر روشن نیست. استاد این ایده ها را به یک مدل ویژه تبدیل کرده است و آنها را در یک چارچوب و نظریه کلان قرار داده و سازمان دهی نوینی ارائه کرده است.

سوم، نوآوری در باب نگارش: استاد مصباح در بخش نگارش نیز اهل ابتکارند. آن زمانی که بحث متن درسی، و ویژگی های آن در حوزه مطرح نبوده است، ایشان کتاب های آموزش عقاید و آموزش فلسفه را در قالب یک متن درسی تدوین می کنند. در این کتاب ها به لحاظ نگارشی، نوآوری صورت گرفته است. نوشته های استاد در عین حال، ویژگی متانت و دقت در تعبیر در عین خوش بیانی و رسایی را نیز در خود جمع کرده است. من خود در جلسه ای شاهد بودم از یکی از کسانی که رابطه خوبی هم با حضرت استاد ندارد و مخالف اندیشه های ایشان است، سؤال شد که به نظر شما به لحاظ نگارش و شیوه بیان، چگونه مطالب را ارائه نماییم؟ او بلافاصله گفت: «همان گونه که حاج آقای مصباح مطالب را بیان می کند. سبک بیان و نگارش ایشان بهترین سبک است».

استاد به تمام معنا

حجة الاسلام والمسلمین میرسپاه، به جنبه های دیگری از ویژگی های تدریس و شاگردپروری استاد مصباح اشاره کرده اند. در این مقام خلاصه ای از مشروح مصاحبه ایشان ارائه می شود:

آیت الله مصباح، به معنای واقعی و کامل کلمه، استاد بودند. این مبالغه نیست. اگر موارد بسیار زیادی رکه نمی توانم به همه آنها اشاره کنم مورد توجه قرار بدهیم، ثابت می شود که مبالغه نمی کنم. اما برای نمونه چند شاهد می آورم.

یادم هست یک بار اشکالی مطرح کردم، و استاد جواب دادند «ولی من قانع نشدم». پس از پایان درس دوباره خدمت ایشان رفتم و در اتافی که برای استراحت و صرف چای می نشستند، اشکالم را مطرح کردم. ایشان دوباره جواب دادند «ولی من باز هم قانع نشدم. مکثی کردم و عرض کردم: استاد! چرا جواب شما برای من قانع کننده نیست!؟

این سؤال می تواند بعضی از اساتید را ناراحت کند و موجب ملالت آنان شود. اما جناب استاد تأملی کردند و فرمودند: می دانید

چرا جواب من برای شما قانع کننده نیست؟ علت آن است که من از این واژه ای که به کار می برم یک معنا اراده می کنم و شما از آن معنای دیگری می فهمید. از این رو جواب من دقیقاً به اشکال و به پرسش شما نمی خورد. برای حل این مشکل بیاید تصورمان را در باره این واژه با هم هماهنگ کنیم.

مقداری فکر کردم، و دریافتم که ایشان درست می فرمایند و مشکل در واقع بر سر معنای آن واژه است.

باز یادم می آید که گاهی بعضی اشکالات و سؤال ها برایم پیش می آمد و با استاد مطرح می کردم، و ایشان با سعه صدر مخصوصی پاسخ می دادند. درست برخلاف آنچه بعضی مغرضان شایع می کنند که ایشان آدم بی تحملی است و در قبال دیگران سعه صدر ندارد. ایشان نه تنها با حوصله و سعه صدر کامل به اشکالات ما پاسخ می گفتند، بلکه دقت ما را نیز بیدار می کردند، و این حاکی از همان مطلبی است که عرض کردم؛ یعنی ایشان به معنای واقعی و کامل کلمه استاد هستند؛ مثلاً چندین بار پیش آمد که به من فرمودند: «به قید سخن توجه کن» و وقتی ما به قیود سخن توجه می کردیم متوجه می شدیم که دیگر سؤالی نداریم و مسئله حل می شد.

همچنین به یاد دارم در مجلسی که تقریباً همه شرکت کنندگان آن از شاگردان استاد بودند، به مناسبت یک بحث اجتماعی، درباره فردی خاص مطالبی عنوان شد و هر کسی نقدی و سخنی داشت. همه صحبت ها تمام شد؛ اما استاد مصباح ساکت بودند. در انتهای جلسه به استاد گفتند که نظر شما در این باره چیست؟ ایشان یک تذکر متدیك و روشی دادند که برای همه ما بسیار آموزنده بود. استاد به جای اینکه در آن زمینه خاص نظر بدهند، نقضی که در جلسه احساس کرده بودند، به صورتی ظریف تذکر دادند. ایشان فرمودند: «هر وقت می خواهید درباره کسی قضاوت کنید، اول خودتان را جای او بگذارید و در نظر بگیرید اگر خودتان جای او بودید چه می کردید و چه می توانستید بکنید، سپس انتقاد کنید».

تذکر استاد برای اینکه در همه حاضران در جلسه دقت نظری پدید آورد، بسیار مؤثر بود.

دیگر از نکاتی که به عنوان یکی از ابعاد کمال استادی ایشان باید عرض کنم، شرکت کردن منظم در کلاس ها بود. ایشان همیشه سر وقت در کلاس حاضر می شدند و از زمان کلاس، به طور کامل استفاده می کردند؛ یعنی نه از زمان شروع کلاس کم می کردند، نه از قسمت پایان آن. همین طور در تصحیح اوراق امتحانی و دیدن تحقیق ها بسیار منظم بودند. آن زمانی که ما در گروه ارشد مدرسه حقانی مشغول تحصیل بودیم، تعدادمان تقریباً به بیست نفر می رسید که به طور هم زمان تحقیق هایمان را تحویل استاد می دادیم. حال در نظر بگیرید اگر هر کسی پنجاه صفحه هم نوشته باشد، دیدن این حجم کار، چه فرصت و حوصله ای می طلبد. عجیب بود که ایشان به موقع جواب می دادند و می فرمودند تحقیقات شما را دیدم، و هم نمره تتبع داده بودند و هم نمره تحقیق، و عجیب تر این بود که برای تک تک تحقیقات، تذکرات لازم را نوشته بودند.

ویژگی دیگری که از یک استاد کامل توقع می رود، و ما آن را در ایشان آشکارا می دیدیم، این بود که استاد در راهنمایی و تذکر اشتباهات، اخلاص عجیبی داشتند. یعنی هرگز دیده نشد که بخواهند با کسی تسویه حساب کنند یا اینکه فرد را کوچک و خرد سازند، یا مسائل و رذایل اخلاقی از این قبیل در وجودشان باشد. ما هرگز این را در جناب استاد ندیده ایم.

مطلب دیگری که شاید شنیدنش برای کسانی که خودشان می خواهند تدریس کنند مفید باشد، این است که استاد شاگردانش را درک می کرد. درک شاگرد، نکته ای است که بنده بسیار از ایشان دیده ام. زمانی گمان می کردم شاید چون من زیاد در کلاس سؤال می پرسم و اشکال می گیرم و با استاد ارتباط برقرار می کنم، ایشان فقط مرا درک می کند؛ ولی بعد دریافتم که این طور نیست؛ بلکه استاد همه شاگردان را در نظر دارند و به تناسب روحیاتشان با آنان ارتباط برقرار می سازند. حالا نکته ای را که در مورد خودم اتفاق افتاد به عنوان خاطره عرض می کنم: یادم هست آن زمانی که ایشان امتحان می گرفتند، در پایان ترم دو یا سه سؤال مطرح می کردند. در یکی از این امتحان ها ایشان دو سؤال داده بودند. همه شاگردان می خواستند طوری امتحان بدهند که

هم خودشان را بیازمایند و هم استاد را دلگرم کرده باشند، و استاد احساس کند که زحماتش به هدر نرفته است و ما واقعاً مطلب را دریافته ایم.

من سؤال اول را هم درست فهمیده بودم و هم درست جواب دادم، اما سؤال دوم را درست نخواندم و آن را خوب نفهمیدم. ایشان سؤال ساده ای داده بودند ولی من بر اساس پیش داوری خود، خیال کردم که علی القاعده منظور استاد نمی تواند چنین مطلب ساده ای باشد و ایشان می خواهد آن سؤال مشکل را بپرسد. از این رو بسیار زحمت کشیدم و آن سؤال مشکل را در حدود دو صفحه به طور کامل پاسخ دادم. وقتی از جلسه بیرون آمدم دیدم رفقا حرف های دیگری می زنند، و متوجه شدم که در پاسخ دادن به سؤال دوم اشتباه کرده ام. مثل این بود که آب سردی روی من ریخته باشند. خیلی جا خوردم و ناراحت شدم. آخر مشکل من چند تا بود: اول اینکه فکر کردم استاد با دیدن این جواب نامناسب با خود خواهد گفت ما این قدر زحمت می کشیم و اینها چگونه درس می خوانند، و دیگر اینکه اگر بخوام ماجرا را به استاد بگویم حتماً گمان می کند که من از ایشان نمره می خواهم... سرانجام به خودم فشار آوردم و گفتم هر چه می خواهد بشود، دیگر گذشته است. اما وقتی خواستم در حجره استراحت کنم، دیدم آن قدر ناراحتم که نزدیک است دق کنم. بلند شدم و به منزل استاد رفتم. در زدم، و ایشان تشریف آوردند. گفتم: من با شما کاری دارم. ایشان هم با کمال خوشرویی مرا به درون منزل دعوت کردند و نشستیم. با ناراحتی بسیار گفتم: از همین اول به شما توضیح بدهم که آقا، من نیامده ام از شما نمره بگیرم.

فرمودند: حالا بفرمایید که قضیه چیست؟!

قضیه را برایشان گفتم، و ایشان با لبخندی شیرین تا آخر حرف مرا گوش کردند. بعد شروع کردند به سخن گفتن. ابتدا فرمودند: من حالا از شما یک گله دارم! گفتم: بفرمایید.

فرمودند: چرا شما باید فکر کنید که من تصور می کنم شما برای نمره گرفتن آمده اید؟! یعنی واقعاً شما فکر می کنید من این قدر آدم پرتی هستم که نسبت به افرادی که با آنان کار می کنم هیچ شناختی ندارم؟! اصلاً احتیاجی نبود این را توضیح بدهید. من یقین دارم و می دانم که شما برای نمره نیامده اید....

خلاصه ایشان به گونه ای صحبت کردند که آرامش عجیبی مرا فراگرفت و وقتی از منزلشان بیرون می آمدم، کاملاً سبک شده بودم.

بعدها با خود فکر می کردم که ایشان عجب انسانی است، چه خوب آدم را درک می کند! ایشان فهمیده بود که من قدری حساسم و راه درست برخورد را نیز همین دیده بود که از طریق گله وارد شود، یعنی طلبکارانه با من برخورد کند، همان طور که من طلبکارانه برخورد کرده بودم! این گونه وارد شد تا واقعاً مطلب را از ته دل من بیرون بکشد و من اصلاً ناراحت نباشم. رفتار ایشان با دیگر دوستان نیز مبتنی بر چنین درک عمیقی بود.

یکی دیگر از کارهای جالب استاد که بعداً در آموزش فلسفه انعکاس یافت این بود که ایشان ما را به وجود اصطلاحات مختلف، توجه می دادند. ایشان می فرمودند عدم توجه به گوناگونی معنایی یک اصطلاح، می تواند مایه خلط بحث های فراوانی بشود. خوب به یاد دارم که مثلاً ایشان درباره کلمه «جبر» چه زیبا تذکر می دادند. استاد می فرمود که یک جبری می گوئیم و یک جبری می شنویم! جبر روان شناختی، جبر کلامی، جبری که صرفاً به معنای ضرورت است (جبر علی)... کدام جبر را منظور داریم؟ یا مثلاً در زمینه کلمه «عقل» ایشان می فرمودند وقتی عقل در آیات و روایات یا در کلمات علمای اهل سیر و سلوک و اخلاق به کار می رود، از آن یک چیز اراده می شود، و وقتی در منطق یا فلسفه به کار می رود، مقصود چیز دیگری است. عقل در فلسفه چندین اصطلاح دارد.... البته اخیراً با رعایت یک سلسله متدهای تحقیقی، توجه به این مطلب، قدری رواج پیدا کرده است، ولی آن موقع

با آن غربتی که طلاب درس می خواندند و با آن استضعافی که ما در تحصیل داشتیم، این تذکرات بسیار مهم و قابل توجه بود. برگرفته از کتاب: پایگاه اطلاع رسانی آیت الله مصباح یزدی

مصباح، مجتبی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مجتبی مصباح

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱۲/۲۵

زندگینامه علمی

اینجانب پس از گذراندن دوره ابتدائی و راهنمائی در دبیرستان امام صادق (ع) قم مشغول تحصیل شدم در سال ۱۳۶۴ دیپلم خود را در رشته ریاضی فیزیک اخذ نمودم و از همان سال وارد حوزه علمیه قم شدم. دو سال در مدرسه منتظریه و دو سال در مدرسه رضویه به تحصیل علوم دینی پرداختم و از آن پس همزمان با دروس آزاد حوزوی در برنامه درسی موسسه در راه حق شرکت کردم و پس از گذراندن دوره کارشناسی الهیات و معارف اسلامی از سال ۱۳۷۳ به تحصیل در رشته فلسفه پرداختم و در سال ۱۳۷۹ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد فلسفه از موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) گردیدم. از سوی دیگر با اتمام دوره سطح حوزه در دروس خارج شرکت کردم در سال ۱۳۸۱ در دوره دکترای فلسفه موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) پذیرفته شدم و با اتمام دروس دوره به تدوین رساله دکتری با عنوان احتمال معرفت شناختی پرداختم. از سال ۱۳۷۶ به تدریس دروس فلسفه اسلامی، معرفت شناسی و فلسفه اخلاق اشتغال داشته ام و عضو هیئت علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) هستم.

مصباحی، عبدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالله مصباحی

محل تولد: سلماس

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال تحصیلی ۱۳۵۷-۱۳۵۶ اعزام حوزه علمیه قم و مشغول به تحصیل شدم پس از اتمام دوره مقدماتی به دوره متوسط وارد شدم و در این دوره کتاب لمعه در فقه را با آقایان حسینی بیگدلی مدرس افغانی و برخی از اساتید دیگر خواندم کتاب معالم قوانین و اصول فقه مظفر در اصول فقه را پیش آقایان مدرس افغانی فیض و برخی از اساتید دیگر که اسم شان را به خاطر نمی آورم تلمذ نمودم کتاب حاشیه ملا عبدالله جوهر النضید و منطق منظومه در منطق را به ترتیب در خدمت آقایان مدرس افغانی و مؤمنی اعرافی و انصاری شیرازی تلمذ کردم کتاب مکاسب شیخ انصاری را با آقایان پایانی ستوده و مجد ۱۳۶۵/۷ تا ۶۸/۱۰ رسائل شیخ انصاری را با آقای اعتمادی و کفایت الاصول آخوند خراسانی را با آقایان اعتمادی و فاضل لنکرانی خواندم

مصداقی‌نیا، علیرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بهداشت، دانشکده: بهداشت، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مصدرالامور، مرتضی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرتضی مصدرالامور

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مرتضی مصدرالامور در سال ۱۳۵۶ هجری شمسی وارد حوزه مقدسه‌ی علمیه‌ی قم شدم و دوره‌ی سطح را در مدت دوازده سال سپری کردم و در سال ۱۳۶۸ به درس خارج راه یافتم، مدت ۸ سال در درس خارج فقه حضرت آیه‌الله العظمی آقای مکارم شیرازی دامت برکاته العالیه در موضوعات صلوٰة المسافر، خمس و حدود و تعزیرات شرکت کردم و همزمان در درس خارج اصول ایشان حضور یافتم و در سال ۱۳۷۶ وارد درس خارج فقه و اصول حضرت آیه‌الله العظمی آقای وحید خراسانی شدم و همزمان در درس خارج فقه (صلاة) مرحوم آیه‌الله العظمی حاج میرزا جواد آقا تبریزی نیز شرکت می‌جستم و در مجموع ۱۸ سال

است که در دروس خارج حوزه شرکت می‌کنم که اگر ضمیمه شود به دوره‌ی سطح قریب به ۳۰ سال می‌شود. در سال ۱۳۷۴ وارد رشته‌ی تخصصی تفسیر قرآن کریم شدم و در سال ۱۳۷۸ فارغ‌التحصیل شدم. از سال ۱۳۶۰ تاکنون به مدت ۲۵ سال است که در سنگر منبر به تبلیغ معارف دینی و قرآنی می‌پردازم.

مصدق رشتی، علی اصغر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر علی اصغر مصدق رشتی در سال ۱۳۲۴ در شهر مقدس مشهد بدنیا آمد. تحصیلات خود را در رشته تاریخ پی گرفت و موفق به اخذ مدرک دکتری رشته مذکور از دانشگاه سوربن پاریس در سال ۱۳۵۹ شد. ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه شهید بهشتی می باشد.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: تحصیلات رسمی علی اصغر مصدق رشتی به قرار زیر است: دیپلم: ادبی / ۱۳۴۳ / مشهد کارشناسی: تاریخ / ۱۳۵۰ / مشهد / دانشگاه فردوسی مشهد کارشناسی ارشد: تاریخ / ۱۳۵۳ / کان (فرانسه) دکتری: تاریخ / ۱۳۵۹ / پاریس / دانشگاه سوربن

همسر و فرزندان: دکتر علی اصغر مصدق رشتی متأهل و دارای دو فرزند می باشد.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: علی اصغر مصدق رشتی عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه شهید بهشتی می باشد. وی همچنین مدیریت گروه تاریخ دانشگاه مذکور را برعهده دارد.

فعالیت‌های آموزشی: فعالیت‌های آموزشی علی اصغر مصدق رشتی به ترتیب زیر است: تدریس در دانشگاه شهید بهشتی تهران تدریس در دانشگاه تهران بمدت سه سال تدریس در دانشگاه تربیت معلم تهران بمدت سه سال تدریس در مرکز باقرالعلوم (حوزه قم)

آرا و گرایش‌های خاص: زمینه‌های تحقیقاتی فعلی علی اصغر مصدق رشتی به قرار زیر است: تاریخ ایران در قرن سیزدهم هجری تا آغاز مشروطیت روش تحقیق در تاریخ

چگونگی عرضه آثار: مقالات و کتابها: خاندان نجم یزدی در مجله *studies iranica* صادرات و واردات بوشهر نیمه اول قرن نوزدهم فرانسه مقدمه‌ای بر تثبیت حکومت قاجارها انگلستان - دانشگاه کمبریج (مطالعات ایرانشناسی)

مصدق زاده، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین مصدق زاده هنرمند کاشیکار و طراح معروف کاشی از هنرمندانی است که توانسته است با درک محضر بهترین و شایسته

ترین استاد این فن یعنی پدر مرحومش و نیز با اتکای به استعداد خدادادی و درسایه لیاقت و پشتکار، در طول بیش از شش دهه آثاری به وجود آورد که به حق، هر یک دنیایی زیبا و رمز و راز و ابتکار و خلاقیت را در خود نهفته دارند. وی را می توان آخرین بازمانده خاندانی دانست که از دوران صفویه در اصفهان آن روزگار کاشیکار بودند و باشیوه های مختلف این هنر بدیع، بناهای مذهبی و سایر آثار ایران و دیگر ممالک را زینت می بخشیدند.

گروه: هنر

رشته: هنرهای تجسمی

گرایش: کاشیکاری

والدین و انساب: پدر حسین، مرحوم استاد عبد الغفار مصدق زاده بود که او نیز فرزند مرحوم استاد محمد مصدق زاده، کاشیکار برجسته عصر قاجار بود. پدران استاد حسین از دوران صفویه از استادان بی بدیل هنر کاشیکاری بوده اند که هر یک در دوران خود از شهرت و آوازه چشمگیری برخوردار بوده اند و هم اینک نام اکثر آنان بر کتیبه های مساجد و بناهای اصفهان و دیگر شهرها مخلد است.

خاطرات کودکی: حسین مصدق زاده در دوران کودکی بود که کاشیکاری را فرا گرفت. طوری که دوران کودکی حسین در حالی می گذشت که پدرش کاشیهای معرق سردر مسجد امام (مسجد شاه آن زمان) را مرمت می کرد و در ضمن رموز و دقایق کار را نیز به او و فرزند دیگرش (مرحوم استاد محمد مصدق زاده) می آموخت.

استادان و مربیان: اولین حسین مصدق زاده، پدرش عبد الغفار بود. عبد الغفار به اندازه ای به این هنر علاقمند بود که وصیت کرد تا فرزندانش هنر کاشیکاری را فرا گیرند. حسین ۱۲ ساله بود که پدرش را از دست داد و حاج ید الله مغزی را که خویشاوندش بود به استادی برگزید.

همسر و فرزندان: حسین مصدق زاده نیز همچون پدر مرحومش، فرزند ان خود را به فراگیری هنر کاشیکاری تشویق و ترغیب کرده است. به طوری که دو پسران او که در سن ۴۰ تا ۴۲ سالگی هستند زیر نظر وی به کار مشغول می باشند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: خلاقیت و ابتکار حسین مصدق زاده و برادرش محمد مصدق زاده باعث شد تا از وجود آنان جهت تدریس در هنرستان هنرهای زیبا استفاده کنند. مصدق زاده از بدو تاسیس اداره باستان شناسی که بعداً فرهنگ و هنر شد و سپس به سازمان میراث فرهنگی تغییر نام داد، باین دستگاه همکاری داشته است.

چگونگی عرضه آثار: حسین مصدق زاده در طول بیش از شصت سال کار مداوم خدمات بسیاری به هنر کاشیکاری ایران کرده است. او در طول حیات پر، خویش، کاشیکاری ۶۲ محراب، ۳۳ سردر مسجد، ۱۸ منار، ۹ گنبد را طراحی و اجرا کرده است. —

آثار:

۱ تعمیر بارگاه امام کاظم (ع) و امام جواد (ع) در کاظمین

۲ تعمیر کاشی های مدرسه چهار باغ امام صادق اصفهان

۳ تعمیر مسجد حاج محمد جعفر آباده ای اصفهان

۴ سردر برخی ادارات در عمان

۵ سردر امامزاده اسماعیل اصفهان

۶ سردر خانه هنرمندان اصفهان

۷ سردر ورودی بانک خون تبریز

- ۸ طراحی بیمارستان هلال احمر دردویی
- ۹ طراحی سردر امامزاده گوگد گلپایگان
- ۱۰ طراحی سردر ورودی امامزاده زید اصفهان
- ۱۱ طراحی کاشیکاری ۴ سردربازار امام خمینی لار
- ۱۲ طراحی کاشیکاری آرامگاه رودکی در تاجیکستان
- ۱۳ طراحی کاشیکاری حسینه محله منصوریه کویت
- ۱۴ طراحی کاشیکاری سقاخانه حضرت ابوالفضل
- ۱۵ طراحی کاشیکاری محراب مسجد حاجی در گلپایگان
- ۱۶ طراحی کاشیکاری مسجد آقا مسیح گلپایگان
- ۱۷ طراحی کاشیکاری مسجد امیرالمومنین در لار
- ۱۸ طراحی کاشیکاری مسجد جامع خوانسار
- ۱۹ طراحی کاشیکاری مضاف خانه خوانسار
- ۲۰ طراحی محراب مسجد لار
- ۲۱ کاشیکاری آرامگاه خیام در نیشابور
- ۲۲ کاشیکاری حرم امام علی (ع) در نجف
- ۲۳ کاشیکاری صحن آستانه حضرت معصومه در قم
- ۲۴ کاشیکاری صحن امام خمینی حرم امام رضا (ع) در مشهد
- ۲۵ کاشیکاری گنبد شاهچراغ (احمد بن موسی) در شیراز
- ۲۶ کاشیکاری مسجد کبود ابروان
- ۲۷ مرمت حرم حضرت رقیه (س) در سوریه
- ۲۸ مرمت سردر امیر چخماق یزد
- ۲۹ مرمت صحن حرم امام حسین (ع) در کربلا
- ۳۰ مرمت کاشی های مسجد جامع کبیر یزد

منابع زندگینامه: حسین مصدق زاده، آخرین بازمانده این خاندان هنرمند، فصلنامه فرهنگ اصفهان، شماره ۲۰، تابستان ۱۳۸۰،

ص ۷۷

مصدق کهنمویی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد مصدق کهنمویی

محل تولد: تبریز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد مصدق مشهور به مهدوی در سال ۱۳۴۱ هجری شمسی در خانواده‌ای پاک و با صفا، متدین، مذهبی و دوستدار خاندان پاک عصمت و طهارت علیهم السلام در تبریز دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه وافر خویش به فراگیری علوم اسلامی در سال ۱۳۵۶ که سال‌های خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود و حوزه‌های علمیه از طرف رژیم منحوس پهلوی به شدت تحت فشار بودند وارد حوزه علمیه تبریز گردید. پس از مدتی تحصیل در حوزه علمیه تبریز به شوق زیارت حضرت معصومه سلام علیها و ادامه تحصیل رهسپار قم گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه قم ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت (ع) با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل و علم اندوزی پرداخت. وی در مدت تحصیل در قم از محضر بزرگانی همچون آیت الله جوادی، مرحوم آیت الله شیخ جواد تبریزی و مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی کسب فیض برد.

وی در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در مقطع کارشناسی ارشد در رشته مدرسی الهیات و معارف اسلامی از دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۷۲ فارغ التحصیل شد و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان "تحلیل و بررسی صلح امام حسن علی السلام" دفاع کرد و سالهای متمادی است که در قوه قضائیه به امر پژوهش، تحقیق و تدریس مشغول می‌باشد و آثاری متعددی از جمله "نگرش علمی کاربردی جرم کلاهبرداری"، "مسئولیت مرتکب به پرداخت هزینه‌های درمانی مازاد بر دیه" و... را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

مصدق، غلامحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۶۹ ش)، نویسنده، استاد دانشگاه و پزشک. در تهران به دنیا آمد. در سه سالگی، همراه پدرش دکتر محمد مصدق که برای ادامه‌ی تحصیلات به اروپا می‌رفت، عازم سوئیس شد و تا آغاز جنگ جهانی اول در آنجا ماند. پس از شروع جنگ به تهران آمد و در مدرسه‌ی سن لوئی مشغول تحصیل شد. در ۱۳۰۰ ش به همراه برادرش احمد به مدرسه‌ی علوم سیاسی، به ریاست علی‌اکبر دهخدا، رفت و سپس در ۱۳۰۱ ش به اتفاق برادرش و رضازاده شفق به اروپا رفت و دوره‌ی متوسطه را در پاریس به اتمام رساند. او بعد به سوئیس رفت و در ۱۳۱۰ ش موفق به اتمام دوره‌ی دانشکده پزشکی لوزان شد و در ۱۳۱۳ ش به اخذ دیپلم تخصصی جراحی زنان و مامایی از همان دانشکده نایل گردید. او در سوئیس با محمدرضا پهلوی، شاه سابق ایران، در زمان ولیعهدی، دوستی داشت که این آشنایی تا زمان پادشاهی او نیز ادامه داشت. وی در تهران با سمت استاد کرسی امراض زنان، در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران به تدریس پرداخت. در ۱۳۱۹ ش با یاری و کمک ابوالقاسم نفیسی و خانم صدیقه دولت‌آبادی و منصوره متین دفتری و دیگر دوستان اقدام به تأسیس سازمانی به نام انجمن حمایت مادران و نوزادان نمود. وی مدت چهارده سال عضو کمیته

اجرای فدراسیون بین‌المللی زنان و مامایی، که مرکز آن در ژنو است، بود و همچنین هشت سال عضویت در هیئت مؤسس انجمن باروری و نازایی بین‌المللی را به عهده داشت. از آثارش: «امراض زنان»، به فارسی؛ «علل نازایی زن»، به فرانسه؛ «در کنار پدرم، مصدق»، خاطرات دکتر غلامحسین مصدق. [۱]

استاد دانشگاه و پزشک حاذق و پرکار، فرزند دکتر محمد مصدق است. وی در ۱۲۸۴ در تهران تولد یافت. وقتی که دکتر مصدق برای ادامه تحصیلات عازم سویس شد فرزند خردسال خود غلامحسین را با خود برد. وی کلیه تحصیلات خود را اعم از ابتدایی و متوسطه و عالی در سویس گذرانید و درجه دکترای پزشکی در رشته زنان گرفت. در ۱۳۱۶ به ایران آمد به تدریس در دانشگاه پرداخت و سالها کرسی مامائی نظری در دانشکده پزشکی با او بود. علاوه بر آن جراح چندین بیمارستان شد و مدتها ریاست بیمارستان نجمیه موقوفه مادر مصدق السلطنه با او بود. دکتر غلامحسین مصدق سالها در تهران اشتهار زیادی داشت و در فن خود کم نظیر شد. بارها او را برای مقامات مختلف دعوت به کار کردند ولی مصدق السلطنه زیربار نمی‌رفت و ورود فرزندان خود را به سیاست منع می‌کرد. وی مردی دانشمند، درستکار، جدی و ملایم بود و به کار خود عشق می‌ورزید. در ۱۳۶۹ در تهران درگذشت. مدرس.

تولد: ۱۲۸۴، تهران.

درگذشت: مهر ۱۳۶۹.

غلامحسین مصدق، فرزند محمد مصدق نخست وزیر سابق بود. تحصیلات خود را در مدرسه‌ی سن‌لویی تهران و دورس متوسطه را در کشورهای فرانسه و سویس و دوره‌ی عالی را در دانشکده‌ی پزشکی لوزان و دوره‌ی تخصصی را در همین دانشکده به پایان رسانیده است. از سال ۱۳۱۳ وارد دانشگاه تهران شد و به مقام استادی کرسی نایل آمد. مدتی در شیر و خورشید سرخ و بنگاه حمایت مادران خدمت کرد و مدتی نیز رییس بخش جراحی زنان بیمارستان پلهوی بود. در دوران حکومت دو ساله‌ی پدرش، دائما مراقب احوال او بود و تمام خاطرات آن سال‌ها را تحت نام در کنار پدرم، مصدق تحریر کرد که به چاپ رسید. از وی مقاله‌هایی نیز در مجله‌ی «آینده» به چاپ رسیده است.

از تألیفات دیگر غلامحسین مصدق امراض زنان به فارسی و کتابی در علل نازایی زن به زبان فرانسوی است.

برگرفته از کتاب: شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه [۱]: چهره‌های آشنا (۵۴۴)، در کنار پدرم، مصدق (۴۴-۱۳).

مصری، صمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۸، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیهوشی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۳۵، دکترای تخصصی انستری از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۸، فوق تخصص

انستری در قلب باز از بیمارستان سن توماس انگلستان در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۳۷ تا سال ۱۳۳۹، دانشیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۳۹ تا سال ۱۳۵۴، استاد دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۴ تا سال ۱۳۶۹.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

استاد راهنمای بیش از صدها مورد پایان‌نامه تخصصی بیهوشی و دکترای پزشکی، تدریس درس انستری و رانیماسیون در دانشگاه تهران، دریافت لوح تقدیر و سپاس رسمی از وزیر محترم بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به خاطر تربیت بهترین متخصصین انستری.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

انستری در فوریت‌های جراحی، انستری در جراحی توراکس، فشار وریدی مرکزی، روش‌های بیهوشی بر اساس قواعد جدید.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۸، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

نکات برجسته در انستری جراحی قلب باز در ایران، انستری در جراحی قلب باز، اثرات نامطلوب در هیپروانتیلیسیون مادری بر روی جنین، بیهوشی همراه با قلب و ریه مصنوعی، آخرین پیشرفت‌ها در بیهوشی برای جراحی قلب باز، انواع هیپوکسی‌ها. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مصری پور، منوچهر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیوشیمی دانشکده: داروسازی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مصطفوی سبزواری، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا مصطفوی سبزواری به سال ۱۳۲۰ در سبزوار و در خانواده‌ای روحانی و فرهنگی دیده به جهان گشود. پدرش مرحوم حاج شیخ اسدالله از مدرسان حوزه علمیه سبزوار بود. این مدرس حوزه، همچنین در دبیرستان‌های سبزوار به تربیت و تعلیم جوانان آن شهر همت گماشته بود.

رضا مصطفوی سبزواری

- متولد ۱۳۲۰ سبزوار
- استاد دانشگاه، محقق و رایزن فرهنگی ایران و پاکستان
- اخذ مدرک ابتدایی و دبیرستان در مدارس سبزوار
- اخذ مدرک کارشناسی در سال ۱۳۴۱ در رشته زبان و ادبیات فارسی
- بهره بردن از مکتب پدرش مرحوم حاج شیخ اسدالله، آقا شیخ قربان، علی شریعتی مزینانی و ...
- اخذ دانشنامه دبیری از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۴۲
- استخدام در وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۴۲
- دفاع از پایان نامه دکترای در سال ۱۳۵۴
- تدریس در دانشگاه ابوریحان بیرونی
- عضویت در دانشگاه علامه طباطبایی در گروه زبان و ادبیات فارسی
- همکاری با مؤسسه لغت نامه دهخدا از سال ۱۳۴۰
- مدیریت بخش ادبیات در دانشنامه جهان اسلام در سال ۱۳۷۵
- رایزن فرهنگی ایران و پاکستان ۱۳۸۲-۱۳۷۸
- تدریس در دانشگاه های دهلی، جواهر لعل نهرو و جامعه ملیه اسلامیه
- تألیف فرهنگ بزرگ قدیمی - هندی
- مدیریت گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی
- ریاست دانشکده برون مرزی زبان و ادبیات فارسی
- عضویت در هیأت تحریریه مجله دانشکده و شورای آموزشی و تحصیلات تکمیلی
- راهنمایی و مشاوره بیش از ۱۰ پایان نامه فوق لیسانس و دکترای
- تأسیس دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه ملی زبان های نوین اسلام آباد (نمل)
- چاپ ده ها مقاله و سخنرانی از او در مطبوعات پاکستان
- استاد نمونه دانشگاه های ایران ۱۳۸۵ و تقدیر توسط ریاست جمهوری
- از تألیفات او:
- یادگار هندوستان
- همکاری در تألیف لغت نامه فارسی
- چاپ حدود ۱۹۰ مقاله علمی در مجله های معتبر دانشگاهی داخلی و خارجی
- چاپ ۱۴ کتاب علمی در زمینه زبان و ادب فارسی و فرهنگ و تمدن ایرانی مانند: یادگار هندوستان، مهر و مشتری، تاریخ بیقهی، پژوهش های علی (ع) شناسی در پاکستان و ...
- جست و جو در زبان و ادبیات و فرهنگ ملت ها و همچنین بررسی تأثیر گذاری و تأثیر پذیری ملت ها از یکدیگر یکی از رشته های مفید و جذاب است که به همت برخی از استادان دلسوز و علاقه مند به فرهنگ و زبان فارسی پی گرفته می شود. این جست و جوها دست یافتن به اطلاعاتی در زمینه تاریخ تمدن و فرهنگ، محل پیدایی زبان یا فرهنگی خاص، میزان تأثیر گذاری فرهنگ های مختلف بر یکدیگر و بالاخره در نقد و بررسی آثار فرهنگی - هنری را امکان پذیر می کند. یکی از استادانی که با عشق و پشتکار سال های عمر عزیز خود را در راه گرامیداشت و اعتلای فرهنگ و ادبیات سرزمین ایران صرف کرده و در این راه با چاپ مقاله

های معتبر علمی و کتاب‌های مهم و قابل تأمل کوشیده رضا مصطفوی سبزواری است.

رضا مصطفوی سبزواری به سال ۱۳۲۰ در سبزوار و در خانواده‌ای روحانی و فرهنگی دیده به جهان گشود. پدرش مرحوم حاج شیخ اسدالله از مدرسان حوزه علمیه سبزوار بود. این مدرس حوزه، همچنین در دبیرستان‌های سبزوار به تربیت و تعلیم جوانان آن شهر همت گماشته بود. مادرش بانو مرضیه، دختر آیت الله شیخ محمدحسن شریعتمداری تهرانی، مشهور به سبزواری، از علمای بنام حوزه‌های سبزوار و شاهرود بود.

این عالم حوزوی در هنر نیز دستی داشت و خط خوش می‌نوشت. در چنین خانواده‌ای که فضایی مملو از روح قرآن کریم و شعر و هنر بود رضا با آرامش پرورش یافت. تحصیلات ابتدایی را در دبستان پانزدهم بهمن آن زمان به سال ۱۳۳۲ و دوره متوسطه را در دبیرستان دکتر غنی سبزواری به سال ۱۳۳۸ به پایان رساند. پس از پایان دوره متوسطه، در محضر استادانی بنام، همچون شادروان دکتر علی اکبر فیاض، دکتر احمدعلی رجایی بخارایی، دکتر غلامحسین یوسفی و سیداحمد خراسانی به تحصیل در علوم دانشگاهی پرداخت و در سال ۱۳۴۱ به دریافت درجه لیسانس زبان و ادبیات فارسی نایل آمد. وی از تحصیلات حوزوی هم غافل نبود. علاوه بر تحصیلات کلاسی و مکتب‌خانه از محضر پدر نیز کسب علم می‌کرد. در مدرسه کهنه سبزوار، در محضر علمای حوزه همچون: آقا شیخ قربان علی شریعتی مزینانی (برادر آقا شیخ محمدتقی شریعتی مزینانی و عموی دکتر علی شریعتی)، حجت الاسلام سیادت‌تی و حاج میرزا اسدالله فاضلی از علوم عربی و دینی، خوشه‌ها چید. همچنین در مشهد نزد حجت الاسلام مظاهری و آیت الله علم الهدی در مدرسه سلیمان خان، از علوم حوزوی توشه‌ها برداشت. پس از دریافت دانشنامه دبیری از دانشسرای عالی تهران، سال ۱۳۴۲ در وزارت آموزش و پرورش استخدام شد و در دبیرستان‌ها و مراکز تربیت معلم سبزوار، به تعلیم و تربیت جویندگان دانش پرداخت. در سال ۱۳۴۸ تحصیلات دانشگاهی را ادامه داد و در سال ۱۳۵۴ از پایان نامه دکترای خود با عنوان «تصحیح انتقادی و شرح و تحلیل دیوان مولانا عبدالرحمن جامی» دفاع کرد. او پس از دریافت دکترا در دانشگاه ابوریحان بیرونی به تدریس پرداخت. پس از ادغام چند دانشگاه و مدرسه عالی، وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی و تأسیس دانشگاه علامه طباطبایی به عضویت گروه زبان و ادبیات فارسی این دانشگاه درآمد.

وی پس از گذراندن مراتب دانشگاهی هم اکنون با مرتبه استادی به تربیت و تعلیم دانشجویان در مقاطع مختلف دانشگاهی، اشتغال دارد. همزمان با تدریس در دانشگاه، از سال ۱۳۶۰ در مؤسسه لغت نامه دهخدا، به کار تحقیق و پژوهش پرداخت و در سال ۱۳۷۵ مدیریت بخش ادبیات در دانشنامه جهان اسلام، به او سپرده شد. در مأموریت سه ساله‌ای که او در هندوستان به انجام رسانید ضمن تدریس در سه دانشگاه بزرگ آن سامان؛ یعنی دانشگاه‌های دهلی، جواهر لعل نهرو و جامعه ملیه اسلامی به تألیف فرهنگ بزرگ فارسی - هندی پرداخت. براساس تفاهمنامه منعقد شده میان دانشگاه علامه طباطبایی با وزارت ارشاد اسلامی و رایزنی فرهنگی در دهلی و با همکاری ۷ تن از بلندآوازه‌ترین استادان زبان هندی دانشگاه‌های هند و پژوهشگران زبان هندی، سه مجلد آن را انتشار داد.

مدیریت گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه در دو نوبت و همچنین ریاست دانشکده برون مرزی زبان و ادبیات فارسی از جمله فعالیت‌های اجرایی مصطفوی در کار فعالیت‌های علمی و فرهنگی بوده است. همچنین راهنمایی و مشاوره بیش از ده پایان‌نامه فوق لیسانس و دکترا را برعهده داشته است. او همچنین در کمیته‌های تخصصی دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی و نیز کمیته تخصصی دانشگاه فعالیت و مشارکت دارد و عضویت در هیأت تحریریه مجله دانشکده و شورای آموزشی و تحصیلات تکمیلی و ممیزی دانشگاه از دیگر فعالیت‌های علمی و اجرایی اوست.

مصطفوی از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲ رایزن فرهنگی ایران و پاکستان بود. همزمان در دانشگاه‌های آن دیار نیز تحقیق و پژوهش می‌کرد و برای تأسیس دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه ملی زبان‌های نوین اسلام آباد (نمل) با آن دانشگاه همکاری

مؤثری داشت و در آن مدت نیز ده ها مقاله یا سخنرانی از او در مطبوعات پاکستان به چاپ رسید. کتاب «یادگار هندوستان» شامل سی و دو جستار درباره فرهنگ و تمدن شبه قاره هند و پاکستان که محصول سال های حضور ایشان در شبه قاره است به وسیله انتشارات الهدی در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسید و سپس به وسیله دانشگاه جواهر لعل نهرو (هند) مورد قدردانی و «رونمایی» قرار گرفت. سبزواری همچنین در سال جاری به عنوان استاد نمونه دانشگاه های ایران انتخاب شد و مورد تقدیر ریاست جمهوری قرار گرفت.

آثار رضا مصطفوی سبزواری در چند بخش به دوستداران زبان و ادبیات فارسی ارائه شده است. از او تاکنون حدود ۱۹۰ مقاله علمی در مجله های معتبر دانشگاهی داخلی و خارجی به چاپ رسیده است که موضوع آن ها در زمینه زبان و ادب فارسی و فرهنگ و تمدن ایرانی است. برای نمونه در یکی از این مقاله ها با عنوان «ایران در شبه قاره هند و پاکستان» می نویسد: «روابط بسیار دیرینه ایران زمین با شبه قاره هند و پاکستان به درازای تاریخ مکتوب می رسد. هم ریشه بودن زبان سانسکریت (زبان قدیمی هندیان) با زبان های اوستایی و فارسی باستان، زبان های کهن ایرانی و سهم زبان فارسی در شکل گیری و پیدایی زبان اردو خود زیربنای همه پیوندهای فرهنگی میان این دو ملت کهنسال است.

... مورخان براین باورند که پیوندهای استوار بازرگانی و فرهنگی از روزگاران گذشته میان مردمان ناحیه شوش در جنوب ایران و دره سند، موجود بوده زیرا آثار به دست آمده از خرابه های موهنجودار و تکسیلا و هارپا با آثاری که از فلات ایران و دره دجله و فرات کشف گردیده است، شباهت زیادی دارد...»

همچنین چهارده عنوان کتاب تخصصی و علمی به چاپ رسانده که در آن ها به زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ ایران پرداخته است.

«یادگار هندوستان» از مهم ترین کتاب های مصطفوی شامل سی و دو جستار درباره فرهنگ و تمدن شبه قاره هند و پاکستان مستند به منابع و مأخذ دست اول شبه قاره است. آن گونه که می دانیم فرهنگ ایران و بویژه زبان و ادب پارسی بر فرهنگ شبه قاره هند تأثیر زیادی گذاشته و زبان فارسی حدود ۱۰ قرن زبان رسمی این پهناور بوده است. تألیف صدها لغت نامه فارسی، تذکره و سایر کتاب های فارسی در آن دیار و همچنین وجود هزاران نسخه خطی موجود در کتابخانه های آن شواهد روشنی بر تأثیر گذاری زبان فارسی فراسوی مرزهای جغرافیایی خود و علاقه مندی مردم شبه قاره به این میراث جاودان است. اما در طول تاریخ، سرزمین هند هم به علت شگفتی های بی شمار خود مورد توجه ایرانیان بوده است و گروه های مختلف ایرانیان همواره شوق سفر به هند و شناخت آن را داشته اند. به همین دلیل مراودات و پیوستگی تعاملات و ارتباطات فرهنگی گسترده ای بین شبه قاره هند و ایران برقرار بوده است. این پیوستگی فرهنگی بدون شک نیازمند پژوهش های گسترده برای بررسی فرهنگ و تمدن شبه قاره هند است. رضا مصطفوی در کتاب «یادگار هندوستان» که مجموعه ای از مقالات و سخنرانی های وی درباره فرهنگ و تمدن شبه قاره هند است به آن پرداخته. او به دلیل آشنایی کامل با سرزمین هند و پاکستان، در مقالات مختلف این کتاب توفیق یافته است که تصویری روشن از فرهنگ و تمدن آن دیار و تأثیر زبان و ادبیات فارسی بر آن را ارائه دهد. سال های تدریس زبان فارسی به استادان دانشگاه های هند و حضور در سمت رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در پاکستان تجربه های گرانقدری بوده که در غنا بخشیدن به مقالات کتاب نویسنده را یاری کرده است.

از دیگر کتاب های ارزشمند مصطفوی می توان به «مهر و مشتری» اشاره کرد که در سال ۱۳۷۵ منتشر شده است. این کتاب تألیف مولانا شمس الدین محمد عطار تبریزی شاعر و ادیب توانای قرن هشتم هجری است که به وسیله مصطفوی برای نخستین بار تصحیح شده و توضیحات و تعلیقات سودمندی بر آن افزوده شده است. «مهر و مشتری» منظومه ای بسیار خواندنی و زیباست. نسخه اصلی این کتاب در دانشگاه کمبریج انگلستان نگهداری می شود و پنجاه و چهار نسخه کتاب در جهان به دست مصحح معرفی شده

است.

در زمینه تألیف یکی از مهم ترین فعالیت های مصطفوی این است که او جزو مؤلفان لغت نامه فارسی در مؤسسه لغت نامه دهخدا است. این لغت نامه که توسط جمعی از استادان برجسته با دقت و وسواس علمی تألیف می شود اشتباهات و کاستی های لغت نامه دهخدا را مرتفع می سازد. در حال حاضر حرف «آ» به پایان رسیده و همچنین حرف «الف» روبه اتمام است.

مصطفوی همچنین تاریخ بیهقی را که تألیف ابوالفضل بیهقی و از متون معتبر زبان فارسی و آینه حکومت غزنویان است برای دانشجویان به چاپ رسانده است که با استقبال وسیع و گسترده مواجه شده و چاپ چهاردهم آن در اردیبهشت سال ۱۳۷۸ به چاپ رسیده است. از کتاب های دیگر استاد می توان به کتاب های: پژوهش های علی (ع) شناسی در پاکستان، فرهنگ فارسی - هندی - نظامی (۲ مجلد) عطار نیشابوری، فردوسی، جامی (دو مجلد) حافظ پژوهی در پاکستان و ... اشاره کرد.

او همچنین در حال حاضر تصحیح و شرح و توضیحات یکی از متون معتبر فارسی به نام *راحة الصدور* و *آیه السرور* در تاریخ آل سلجوق را در دست انجام دارد و همچنین در بخش اجرایی هم مدیریت مرکز تحقیقات علامه اقبال لاهوری را در دانشگاه علامه طباطبایی برعهده دارد، ضمن این که با نخستین نشریه علمی - پژوهشی واحد رودهن با نام «فرهنگ و ادب» که زیر نظر دانشکده زبان و ادبیات فارسی رودهن منتشر می شود همکاری می کند.

مصطفوی سبزواری هم اینک در ۶۵ سالگی با انرژی و شور وصف ناشدنی به تعلیم و تربیت دانشجویان مشتاق زبان و ادبیات فارسی و بررسی متون مهم و معتبر زبان فارسی می پردازد گرد فراموشی را از فرهنگ و زبان فارسی دور می کند.

منابع زندگینامه: روزنامه ایران

مصطفوی کاشانی، لیلی

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

لیلی مصطفوی کاشانی، در سال ۱۳۲۲ متولد شد. وی دارای رتبه ی کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فرانسه از دانشگاه تهران می باشد. وی با وزارت اطلاعات و جهانگردی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کارشناس و مشاور، همکاری داشته، و موفق به ترجمه ی چندین کتاب ارزشمند شده است. لیلی مصطفوی کاشانی به خاطر فعالیت های موثر فرهنگی، موفق به دریافت لوح تقدیر از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گردیده است. او همچنین با ارائه ی مقاله ای درباره ی مسایل فرهنگی زنان،

تقدیر نامه ای از سوی کنگره ی دین و سیاست دانشگاه تسالونیک یونان دریافت نمود. گروه: علوم انسانی رسته: زبان و ادبیات فرانسه و ضاع اجتماعی و شرایط زندگی: کودکی لیلی مصطفوی کاشانی معاصر با نخستین سالهای سلطنت محمدرضا شاه پهلوی و بحرانهای ناشی از جنگ جهانی و اشغال ایران توسط نیروهای روسی و انگلیسی بود. تحصیلات رسمی و حرفه ای: لیلی مصطفوی کاشانی، دارای رتبه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فرانسه از دانشگاه تهران می باشد. فعالیتهای ضمن تحصیل: مطالعه درباره مسائل زنان و مسائل فرهنگی و ترجمه از زبان فرانسوی. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: همکاری با وزارت اطلاعات و جهانگردی و سپس وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کارشناس و مشاور. سایر فعالیتهای و برنامه های روزمره: از جمله فعالیت های فرهنگی لیلی مصطفوی کاشانی، ارایه چند مقاله به چند همایش و ایراد سخنرانی درباره ی مسایل فرهنگی زنان می باشد. جوایز و نشانها: لیلی مصطفوی کاشانی، به خاطر فعالیت های مفید فرهنگی خود چندین بار به تحسین و تمجید گرفته شد، و نه تنها از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی لوح تقدیر دریافت کرد، که به لیلی مصطفوی کاشانی به خاطر ارایه مقاله ای در باره مسایل فرهنگی زنان که از سوی کنگره دین و سیاست، دانشگاه تسالونیک یونان، بهترین شناخته شد و موفق به گرفتن تقدیر نامه گردید. چگونگی عرضه آثار: یکی از مقالات لیلی مصطفوی کاشانی در کنگره دین و سیاست در دانشگاه تسالونیک یونان ارائه شده است. دیگر اما کتابهای ترجمه وی توسط انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، انتشارات پگاه و انتشارات توس منتشر گردیده است. آثار: پایان صد سال تنهایی در اعتقادات مذهبی مردم آمریکای لاتین و ویژگی اثر: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۲ زندگی در چین و ویژگی اثر: ترجمه - انتشارات توس ۳ ماندلا و ویژگی اثر: انتشارات پگاه

منابع زندگینامه: پوران فرخزاد، دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان (زن از کتیبه تا تاریخ)، ج ۲، ص ۱۷۲۰

مصطفوی کاشانی، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۹ - ۱۲۸۴ ش)، باستان شناس، نویسنده، مترجم و روزنامه نگار. ابتدا در رشته ی حقوق تحصیل کرد ولی خدمت خود را در وزارت معارف در اداره ی تحقیقات آغاز نمود و به تدریج به رشته ی باستان شناسی علاقه مند شد و در این رشته تخصص یافت. وی حدود پنجاه سال از زندگی خود را در باستان شناسی ایران و در همراهی و همکاری با باستان شناسانی همچون کامرون، هرتسفلد، پوپ، گیرشمن گذراند و در حفریات و بازسازی تخت جمشید کوشش فراوان کرد. وی علاوه بر خدمت انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ریاست اداره ی باستان شناسی را بر عهده داشت. مصطفوی در دوره ی ریاستش در اداره ی باستان شناسی اقدام به تأسیس نشریه ای علمی و اختصاصی به نام «گزارشهای باستان شناسی» کرد. او همچنین در تهیه و تدوین مقالات مربوط به آثار و ابنیه ی تاریخی، هنری و باستانی ایران، در «دایرةالمعارف فارسی»، همکاری داشت. از دیگر آثار وی: «ترجمه ی الواح گلی تخت جمشید»؛ «تخت جمشید» یا مشارکت علی سامی؛ «شرح اجمالی آثار تخت جمشید»؛ «هگمتانه»، در آثار تاریخی همدان و فصلی درباره ی ابوعلی سینا؛ «امانتداری خاک»؛ «آستانه ی حضرت عبدالعظیم»؛ «استمرار هنر معماری در ایران»؛ «ایران باستان»، ترجمه؛ «آثار ایران»، ترجمه جلد دوم و سوم؛ «اقلیم پارس»؛ «انعکاس دیروز در آینه ی امروز»، در آثار باستانی. [۱]

باستان شناس، محقق.

تولد: ۱۲۸۴.

درگذشت: ۲۳ تیر ۱۳۵۹.

سید محمد تقی مصطفوی کاشانی، فرزند آقا سید محمود مصطفوی، تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان انتصاریه و متوسطه را در دبیرستان‌های ثروت و دارالفنون به پایان رسانید. سپس وارد دانشکده‌ی حقوق شد و موفق گردید در رشته‌ی حقوق به اخذ مدرک فوق لیسانس نایل آمد.

از سال ۱۳۰۴ الی ۱۳۰۸ آموزگار دبستان‌های سنایی و ناصر خسرو و سیروس بود. سپس از مهر ۱۳۱۰ تا آبان ۱۳۳۷ در اداره‌ی عتیقات سابق که بعدها عنوان آن به اداره‌ی کل باستان‌شناسی تغییر یافت، مشغول به کار شد و به ترتیب سمت‌های ذیل را عهده‌دار گردید: بازرس فنی باستان‌شناسی، مأمور کاوش‌های علمی شوش و تخت جمشید، نماینده‌ی باستان‌شناسی در اصفهان، مأموریت مأموریت‌های مختلف مربوط به تعمیرات آثار تاریخی، معاون باستان‌شناسی، رییس اداره‌ی کل باستان‌شناسی، مدیر کل باستان‌شناسی. وی همچنین برای شرکت در کنگره‌های بین‌المللی درباره‌ی باستان‌شناسی به برخی از کشورهای خارجی سفر کرد. وی چند شماره از مجموعه‌ی ایران باستان را از فرانسوی به فارسی ترجمه کرده است. از آثار اوست: آثار ایران (۱۳۱۸)؛ آستانه حضرت عبدالعظیم (۱۳۳۰)؛ الواح گلی تخت جمشید (۱۳۲۹)؛ امانت داری خاک (۱۳۵۶)؛ انعکاس دیروز در آئینه امروز، بقعه‌ی بی‌بی شهربانو (۱۳۳۴)؛ اقلیم پارس (این کتاب به انگلیسی هم ترجمه شده است، لندن، ۱۹۷۸)؛ تخت جمشید (با مشارکت علی سامی، ۱۳۳۰)؛ تخت جمشید (نوشته رایش اسمیت، ترجمه با همکاری با عبدالله فریار و دیگران، ۱۳۴۲)؛ سفارشنامه‌ی انجمن آثار ملی (۱۳۴۴)؛ شرح اجمالی آثار تخت جمشید (۱۳۳۰)؛ گزارش‌های باستان‌شناسی (سه جلد، ۱۳۳۵-۱۳۲۹)؛ فرش‌ها و پارچه‌های عهد هخامنشی ایران (۱۳۳۴)؛ نگاهی به هنر معماری ایران (۱۳۴۶)؛ هگمتانه، آثار تاریخی همدان (۱۳۳۲).

فرزند سید محمود، در حدود سال ۱۲۸۵ متولد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در تهران به پایان رسانید و از دانشکده‌ی حقوق تهران لیسانس گرفت و زبانهای فرانسه و انگلیسی و عربی را به خوبی آموخت. چندی دبیر زبان فرانسه در دبیرستان ثروت بود. بعد به اداره عتیقات وزارت معارف منتقل شد و مشاغل را بشرح زیر عهده‌دار گردید: بازرس فنی باستان‌شناسی، مأمور کاوش‌های علمی شوش و تخت جمشید، نماینده باستان‌شناسی در اصفهان، و بالاخره رئیس و مدیر کل باستان‌شناسی.

مصطفوی کاشانی یکی از خادمین پرکار باستان‌شناسی در ایران است که آثار زیادی از خود باقی گذاشته است که از جمله می‌توان کتاب بقاع متبرکه و زیارتگاههای خارج و داخل شهر تهران را نام برد که بسیار خواندنی و حاوی نکات جالبی است. از دیگر تحقیقات او اقلیم فارس است. این کتاب معرفی آثار تاریخی تمام فارس می‌باشد. آثار تاریخی همدان، آستانه حضرت عبدالعظیم (ع)، فرشها و پارچه‌های عهد هخامنشی، بقعه بی‌بی شهربانو از دیگر آثار باارزش مرحوم مصطفوی است. وی در طول اداری خود در غالب کنگره‌های باستان‌شناسی در سایر کشورها دعوت می‌شد و اکثر موزه‌های بزرگ کشورها را بازدید کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: آینده (س ۶، ش ۵ و ۶، ص ۴۷۹، ش ۷ و ۸، ص ۶۱۲-۶۰۹)، چهره‌های آشنا (۵۴۶-۵۴۵)، دایرةالمعارف فارسی (۲/۲۷۹۳)، الذریعه (۲۵/۲۳۸)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۰۹، ۲/۲۱۰۲، ۸۵۲، ۲/۲۱۰۲، ۳۷۶، ۳۰۹، ۳۸، ۱/۱۲)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۳۷، ۳۳۶)، مؤلفین کتب چاپی (۲۵۷-۲/۲۵۶).

مصطفوی، رحمت‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۹ ش)، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. وی در مدارس آمریکایی و دارالفنون تحصیل کرد و پس از اخذ لیسانس، از دانشگاه تهران، جهت ادامه تحصیل به پاریس رفت. پس از مراجعت با جراید تهران همکاری کرد. او همچنین مدیریت مجله‌ی «روشنفکر» را در تهران به عهده داشته است. از آثار وی: «رنگین کمان»؛ «تهران دمکرات»؛ «خطا»؛ «انگلستان چگونه اداره می‌شود»، ترجمه؛ «غریبه»، ترجمه؛ «لندن بزرگترین شهر دنیا»، ترجمه. [۱]

نویسنده، مترجم، روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۲۹۹.

درگذشت: اردیبهشت ۱۳۶۴.

رحمت‌الله مصطفوی، فرزند مصطفی، در کالج آمریکایی و سپس دارالفنون به تحصیل پرداخت. وی فارغ‌التحصیل رشته‌ی حقوق از دانشگاه تهران است و در رشته‌ی بین‌الملل و اقتصاد نیز از دانشگاه پاریس دکتری گرفته است. خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۲۲ با انتشار مجله‌ی «روشنفکر» آغاز کرده و مدت‌ها نیز معاون رادیو تهران، معاون خبرگذاری پارس و رییس اداره اطلاعات و مطبوعات وزارت امور خارجه بوده است. وی همچنین به دریافت نشان‌های همایون، تاجگذاری و جشن شاهنشاهی نایل آمده است: از آثار اوست: آذر (با مشارکت هاشمی)؛ انگلستان چگونه اداره می‌شود (ماک کالم)؛ رنگین کمان (۱۳۲۰)؛ خطا، تهران دمکرات (۱۳۲۱)؛ غریبه (آلبر کامو)؛ لندن بزرگترین شهر دنیا (اثر ف. ه. لی)؛ معشوقه و دوست. (۱۳۲۸).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۵۵، ۲۸۲۴، ۲۳۶۶، ۱۷۵۱/۲، ۱۲۶۹، ۹۷۴، ۳۸۲، ۲۸/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۱۰-۱۰۹/۳).

مصطفوی، شهاب

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شهاب بن آقا حسن مصطفوی همدانی از علماء محترم معاصر بودند در ملایر.

ایشان در قریه سوزن از قراء دره جزین همدان در نیمه ماه شعبان ۱۳۲۳ قمری متولد شده و از کودکی اشتغال به تحصیل نموده و پس از خواندن صرف و نحو به همدان آمده و تا یکسال در آنجا تحصیل نموده و بعد مدتی در دره جزین از محضر عالم زاهد حاج میرزا مقیم زنجانی استفاده کرده و در سال ۱۳۴۲ ق مهاجرت به قم نموده و فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌الله آقامیرزا سید علی یشربی کاشانی و مرحوم آیت‌الله خونساری و آیت‌الله فیض و آیت‌الله آقاشیخ محمدعلی حایری و آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری و بالاخص آیت‌الله فقیه سیدنا الاستاد آقا سید محمدحجت کوهکمری استفاده نموده و حکمت را از محضر مرحوم آیت‌الله آقا میرزا محمدعلی شاه‌آبادی بهره‌مند گردیده و چون آیت‌الله حجت رضوان‌الله علیه را از دیگران از جهانی شایسته تردید ملازمت ایشان را اختیار و در شمار اصحاب خاص و خواص حواریین ایشان درآمده و مورد توجه و اعتماد و وثوق معظم‌له گردیده و در سال ۱۳۶۴ قمری که خشک سالی شد و مردم را علماء دعاء باران خواستند و مرحوم آیت‌الله خونساری با تشریفات زیادی با استسقاء رفتند به ایشان هم با مرحوم آیت‌الله حجت با جماعتی به مسجد جمکران رفتند و حدود پنج ساعت دعاء و نماز خوانده و تضرع نمودند تا از الطاف الهی بارانی شدیدی باریده به طوری که با زحمت فراوان برگشته و مورد استقبال و تقدیر آیت‌الله شدند در خدمت آن بزرگوار بودند تا مردم ملایر از آن مرحوم تقاضای عالم و پیشوائی نمودند ایشان هم معظم‌له را

انتخاب و اعزام به ملایر نمودند و آن مرحوم تا اواخر عمر گرچه مواجه با کم‌لطفی‌های بعضی از مراجع عصر گردیدند به انجام وظائف دینی از قبیل اقامه جماعت و تأسیس مدرسه دینی در ملایر و تربیت طلاب و محصلین و تبلیغ دین و ترویج احکام داشتند تا در حدود ۱۳۷۸ با دلی پر از غصه از دنیا رفته و به موالیان خویش پیوستند.

آثار علمی ایشان از این قرار است ۱- رساله جامعی در تجارت از اول بیع تا آخر خیارات ۲- رساله‌ای در اصول دین ۳- رساله در قاعده لا ضرر ۴- حواشی بر مصباح الفقیه همدانی ۵- مقدمه‌ای در تفسیر قرآن و غیره

(۱۳۷۸ - ۱۳۲۳ / ۱۳۲۲ ق)، عالم دینی. در قریه‌ی سوزن از قرای دره جزین همدان به دنیا آمد. پس از فراگیری صرف و نحو به همدان رفت و مدت یک سال در آنجا تحصیل کرد. از محضر حاج شیخ هاشم همدانی استفاده نمود. او مدتی نیز در دره جزین از محضر میرزا مقیم زنجانی استفاده نمود. در ۱۳۴۲ ق به قم رفت و فقه و اصول را از محضر میرزا سید علی یثربی کاشانی و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله فیض و آیت‌الله شیخ محمدعلی حایری یزدی و آیت‌الله شیخ عبدالکریم حایری یزدی و آیت‌الله سید محمد حجت و حکمت را از محضر میرزا محمدعلی شاه آبادی فراگرفت. وی از شاگردان برجسته‌ی آیت‌الله حجت بود. در ملایر درگذشت. از آثارش: رساله‌ای در «تجارت»، از اول «بیع» تا آخر «خیارات»؛ رساله‌ای در «اصول دین»؛ رساله‌ای در «قاعده‌ی لا ضرر»؛ حواشی بر «مصباح الفقیه» همدانی؛ «مقدمه‌ای در تفسیر قرآن». [۱]

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه: [۱] آینه‌ی دانشوران (۲۴۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۱۷-۲۱۶/۷).

مصطفی پور، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدرضا مصطفی پور

محل تولد: آمل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا مصطفی پور فرزند ولی الله در سال ۱۳۳۰ در روستایی از دهستان امیری لاریجان از شهرستان آمل به نام آخا متولد شدم در سن هفت سالگی به مدرسه روستا رفته و تا کلاس ششم ابتدایی را در سال ۱۳۴۳ به پایان رساندم و در آبان ماه سال ۱۳۸۳ به راهنمایی یکی از روحانیون آشنا با خانواده، به حوزه علمیه آمل در مسجد جامع رفتم و چهار سال را در آن جا به تحصیل علوم حوزوی مشغول بودم و در سال ۱۳۴۷ به حوزه علمیه آمده و در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی امتحان داده و پس از قبول در مدرسه‌ای که تحت نظارت ایشان اداره می‌شد مشغول به تحصیل شدم و تا پایان لمعتین و اصول فقه را در آنجا گذراندم و.

در سال ۱۳۴۷ به مدرسه سعادت که تحت نظارت آیت الله جوادی آملی و حسن زاده آملی اداره می‌شد رفتم. در این دوران دروس مقدماتی را در آمل خدمت حجت الاسلام سعیدی خراسانی مشغول بودم. وقتی وارد حوزه علمیه قم شدم لمعه را در خدمت

مرحومین حاج حسن آقا تهرانی و سید ابوالفضل موسوی تبریزی و اصول فقه را خدمت آیت الله انسیان که اکنون امام جمعه آستانه اشرفیه هستند و خدمت آیت الله استادی و پیشاپیش معالم الاصول را خدمت حضرت آیت الله مقتدایی که اکنون عضو قوه قضائیه هستند تلمذ کردم. مکاسب را خدمت حجت الاسلام مرحوم آقای مصلحی اراکی و آیت الله جوادی آملی خواندم و رسائل را خدمت آیت الله موسوی تهرانی و مرحوم آیت الله شمس گلپایگانی استفاده بردم و کفایه الاصول را خدمت مرحوم آیت الله صالحی مازندرانی به پایان رساندم. ناگفته نماند در کنار دروس رسمی فقه و اصول کتاب‌های منطقی و کلامی و فلسفی و عرفانی را نیز از محضر اساتید استفاده کردم.

منطق شمسیه و حاشیه ملا عبدالله را خدمت آقای انسیان فوق الذکر و المنطق را خدمت آقای ابراهیمی بهشهری و تجرید الاعتقاد را خدمت آقای وافی یزدی و منظومه را از محضر آیت الله آقای محمدی گیلانی و منطق آن را از خدمت آقای گرامی تلمذ کردم. اشارات و شبهات را خدمت آیت الله حسن‌زاده آملی و اسفار الاربعه را خدمت آیت الله جوادی آملی بهره بردم. عرفان نیز کتاب تمهید القواعد و فصول الحکم محی الدین را خدمت آیت الله جوادی آملی و مصباح الانس را خدمت آقای حسن‌زاده آملی تلمذ کردم. دروس خارج اصول فقه را خدمت مرحوم آیت الله العظمی هاشمی آملی و آیت الله فاضل لنکرانی استفاده کردم و فقه را نیز خدمت آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله جوادی آملی و آیت الله منتظری حضور پیدا می‌کردم و از افاضات آنان بهره‌مند می‌شدم. از سال ۱۳۶۲ با ارشادات دوستان به دانشگاه راه پیدا کردم و در دانشگاه‌های تهران و شهید بهشتی و تربیت معلم تهران به تدریس مشغول شده و اکنون نیز عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم هستم. پایان‌نامه اینجانب در آمدی بر فلسفه اخلاق بود که با راهنمایی مرحوم دکتر سید جلال الدین مجتبی‌وی استاد دانشگاه تهران نوشتم و در سال ۶۹ از آن دفاع کردم. در کنار این فعالیت با مراکز پژوهشی قم به فعالیت پژوهشی پرداختم و اکنون در حال نوشتن رساله سطح چهار هستم.

مصفا، مظاهر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مظاهر مصفا در سال ۱۳۱۱، در اراک دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در قم و تعلیمات ششم ادبی را در تهران با پایان رسانید و بعد از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، به اخذ درجه دکترای ادبیات نایل آمد. دکتر مصفا در سال ۱۳۳۲ به خدمت وزارت آموزش و پرورش در آمد و چندی ریاست اداره آموزش و پرورش اراک را به عهده گرفت. او پس از آنکه به دانشگاه شیراز منتقل گردید، در اداره انتشارات این دانشگاه به فعالیت پرداخت. فعالیت آموزشی خود را در سال ۱۳۴۵ و به دعوت دانشگاه پهلوی (سابق) شیراز آغاز نمود. او در سال ۱۳۴۷ با سمت دانشیاری وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد و به کار تدریس پرداخت. دکتر مظاهر مصفا علاوه بر سرودن شعر و طبع آثار متعدد، فعالیت مطبوعاتی نیز داشته است که از جمله در سال ۱۳۴۳ اداره مجله آموزش و پرورش را به عهده گرفت. مظاهر مصفا یکی از قصیده‌سرایان ایرانی بعد از ملک الشعرای بهار (محمدتقی بهار) است.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب: مظاهر مصفا در خاندانی فرهنگی به دنیا آمد، برادر بزرگتر مظاهر مصفا، دکتر ابوالفضل مصفا و خواهر وی خانم

دکتر مصفا(مادر فواد حجازی آهنگساز معروف) از استادان زبان و ادبیات فارسی هستند.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: مظاهر مصفا تحصیلات ابتدایی را در مدرسه حکیم نظامی قم و تعلیمات ششم ادبی را در تهران با پایان رسانید و بعد از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، به اخذ درجه دکترای ادبیات نایل آمد. او پایان نامه اجتهادی خود را در موضوع: تحقیق در قصیده و تحول آن به رشته تحریر در آورد و با درجه ممتاز، از تصویب گذرانید.

همسر و فرزندان: مظاهر مصفا در سال ۱۳۳۲ با خانم امیری فیروزکوهی که او نیز دکترای ادبیات و دختر استاد امیری فیروزکوهی بود، ازدواج نمود. حاصل این پیوند زناشویی دو پسر و دو دختر می باشد. او در جوانی با دکتر امیربانو کریمی(استاد ادبیات دانشگاه تهران) دختر امیری فیروزکوهی(شاعر معروف معاصر) ازدواج کرد و از وی صاحب فرزندان شد که از آن جمله اند: علی مصفا (بازیگر سینما و تلویزیون و همسر لیلا-حاتمی)، کیمیا مصفا (عروس دکتر سید جعفر شهیدی، گلزار مصفا و اسماعیل مصفا.(امیر اسماعیل مصفا دارای مدرک دکترای فیزیک)

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مظاهر مصفا در سال ۱۳۳۲ به خدمت وزارت آموزش و پرورش در آمد و چندی ریاست اداره آموزش و پرورش اراک را به عهده گرفت. او پس از آنکه به دانشگاه شیراز منتقل گردید، در اداره انتشارات این دانشگاه به فعالیت پرداخت. وی سمت رییس مدرسه عالی قضایی قم، مدیر مجله آموزش و پرورش، رییس انتشارات تربیتی وزارت فرهنگ، معاون آموزشی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و مدیر گروه فارسی دانشگاه تهران به فعالیت مشغول بوده اند. دکتر مظاهر مصفا همچنین در عرصه تحقیقات ادبی از جمله در حوزه سعدی شناسی فعالیت می کند.

فعالتهای آموزشی: دکتر مصفا فعالیت آموزشی خود را در سال ۱۳۴۵ و به دعوت دانشگاه شیراز آغاز نمود. او در سال ۱۳۴۷ با سمت دانشیاری وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد و به کار تدریس پرداخت. وی ۵۳ سال تدریس در دانشگاههای ایران، بخش دیگری از فعالیتهای فرهنگی و علمی استاد است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: مظاهر مصفا علاوه بر سرودن شعر و طبع آثار متعدد، فعالیت مطبوعاتی نیز داشته است که از جمله در سال ۱۳۴۳ اداره مجله آموزش و پرورش را به عهده گرفت. از جمله فعالیت های دیگر وی ۱۳۰ سخنرانی در برنامه صدای شاعر از رادیو تهران و ۱۲ سخنرانی از رادیو ایران و سخنرانی های متعدد، در مجامع علمی و ادبی مانند انجمن قلم، تالار فردوسی دانشگاه تهران، کنگره جهانی سعدی و حافظ در شیراز، جشن صدمین سال دانشکده خاورشناسی پنجاب لاهور و سمینار دبیران ادبیات فارسی در بابل و مقالات و مصاحبه های متعدد می باشد.

آرا و گرایشهای خاص: مظاهر مصفا از شاعرانی است که در سرودن قصیده تبحر داشته و بیشتر اشعار خود را در این زمینه سروده است.

جوایز و نشانها: از مظاهر مصفا در خانه هنرمندان ایران به واسطه شب سعدی در روز پنجم اردیبهشت ماه در تهران، تقدیر و تجلیل شد.

چگونگی عرضه آثار: مظاهر مصفا در کشورهای افغانستان و هند و دیگر کشورهای فارسی زبان نیز دارای شهرت است. قصیده؟ هیچ او یکی از شعرهای اوست که دکتر غلامحسین یوسفی در کتاب "چشمه؟ روشن" به بررسی آن پرداخته و پروفیسور صلاح الصاوی (شاعر و سخن سنج مصری) در کتاب "العدمیه فی شعر" آن را ترجمه، نقد و بررسی کرده است.(ترجمه ی این کتاب مدتی است انجام شده ولی منتشر نگشته است). آرایه یک صد سخنرانی در کنگره های علمی در ایران، افغانستان و پاکستان، انگلستان، ایتالیا و تألیف بیش از چهل مقاله تحقیقی از دیگر کارهای او می باشد.

- ۱ با اوست حدیث من
- ویژگی اثر: چند مبحث در عرفان و ادب
- ۲ برگی از دیوان حکیم صفا
- ویژگی اثر: این کتاب با مقدمه ای در شرح حال و نقد سخن و کارهای دیگر.
- ۳ پاسداران سخن در نقد قصیده سرایان
- ۴ تصحیح جوامع الحکایات عوفی (در چندین جلد)
- ۵ تصحیح دیوان ابوتراب فرقتی کاشانی
- ۶ تصحیح دیوان نزاری قهستانی
- ۷ توفان خشم
- ۸ ده فریاد
- ۹ دیوان حکیم سنایی
- ۱۰ دیوان نظیری نیشابوری
- ۱۱ راهی از بن بست
- ویژگی اثر: در باره خط فارسی می باشد.
- ۱۲ سپید نامه
- ۱۳ سی پاره
- ۱۴ سی سخن
- ۱۵ شب های شیراز
- ۱۶ شرح حال و منتخب دیوان اشعار صفای اصفهانی
- ۱۷ قند پارسی
- ویژگی اثر: منتخبات نظم فارسی.
- ۱۸ کلیات شیخ اجل سعدی
- ۱۹ مجمع الفصحای هدایت
- ویژگی اثر: تحشیه، در یک دوره شش جلدی.
- ۲۰ نسیم

مقالة

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

از اصحاب حضرت امام علی النقی علیه السلام است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

مصنف مریوانی، ابوبکر

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۱۴ ق)، فقیه شافعی و مورخ. وی از فقهای شافعی کرد بود که به جهت کثرت تصانیف به مصنف معروف گردید. مدتی در مدینه ساکن بود. او در چور از قرای مریوان درگذشت. از آثارش: «طبقات الشافعیة»، معروف به «طبقات المصنف»، در فقه؛ شرح «المحرر» رافعی قزوینی، در فروع فقه شافعی، در سه جلد؛ «سراج الطریق»، به فارسی؛ «ریاض الخلود»، به فارسی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲/۴۶)، کشف الظنون (۱۶۱۳)، معجم المؤلفین (۳/۷۷).

مصنف بسطامی، علاءالدین علی

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۸۷۵-۸۰۳ ق)، فقیه حنفی. چون از کودکی به تصنیف و تألیف روی آورد به مصنفک ملقب شد. نسبتش به بسطان خراسان می‌رسد. از فرزندزادگان امام فخر رازی بود. در خراسان به دنیا آمد و در هرات نشو و نما یافت. او در محضر ملا جلال الدین یوسف اوبهی، شاگرد تفتازانی، و قطب‌الدین هروی تلمذ نمود. فقه شافعی را نزد امام عبدالعزیز ابهری و فقه حنفی را نزد امام فصیح‌الدین بن محمد فراگرفت. به قونیه رفت و در آنجا به تدریس پرداخت. مصنفک در قسطنطنیه در گذشت و در نزدیکی مزار ابویوب انصاری به خاک سپرده شد. از آثارش: شرح «ارشاد الهادی» تفتازانی، در نحو؛ «حدائق الایمان لاهل الیقین و العرفان»؛ حاشیه بر شرح «آداب البحث» مسعود شروانی؛ حاشیه بر «مطول» تفتازانی؛ حاشیه بر «مفتاح العلوم» سکاکی؛ شرح «قصیده الروحیه» ابن سینا؛ شرح «النقایة مختصر الوقایة» صدر الشریعه بخاری؛ شرح «الهدایة» مرغینانی، در فروع؛ «حدائق الایمان»؛ شرح «المصاییح السنه» بغوی؛ «الحدود و الاحکام»، در فقه حنفی؛ حاشیه بر «الکشاف» زمخشری؛ «مختصر المنتظم»، که مختصر «المنتظم» ابن جوزی است؛ حاشیه بر «تنقیح الاصول» صدر الشریعه بخاری؛ «حدود الاحکام»، در فقه؛ حاشیه بر «عقائد النسفی»؛ شرح «قصیده البرده» بوصیری؛ «ملتقى البحرين»، در تفسیر قرآن؛ شرح «مثنوی» مولوی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۶۲-۱۶۱/۵)، ایضاح المکنون (۲/۱۳۰، ۱/۳۷)، شذرات الذهب (۳۲۱-۳۱۹/۷)، کشف الظنون (۲۰۳۶، ۲۰۲۴، ۲۰۱۴، ۱۹۷۱، ۱۸۵۱، ۱۸۱۶، ۱۷۶۵، ۱۷۱۷، ۱۷۰۸، ۱۶۹۹، ۱۵۴۴، ۱۴۸۰، ۱۳۴۱، ۱۳۳۲، ۱۱۴۵، ۹۱۳، ۶۳۵، ۶۳۳، ۴۹۷، ۴۷۵، ۱۱۳، ۶۸-۶۷/۴۰)، معجم المؤلفین (۷/۲۴۰)، هدیه العارفین (۱/۷۳۵).

مطبعه چی، مصطفی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مصطفی مطبوعه چی

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سید مصطفی مطبوعه چی اصفهانی در سال ۱۳۴۱ در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. دروس ابتدایی و کلاسیک را در اصفهان گذراند و در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه شد. پس از مدتی به قم هجرت نمود و دوره سطح و خارج را در آنجا سپری کرد و از محضر اساتیدی چون اعتمادی، دوزدوزانی، تهرانی، مکارم شیرازی، تبریزی و ... استفاده نمود. وی در کنار دروس حوزوی به تحصیلات کلاسیک هم پرداخت. در سال ۱۳۷۵ لیسانس علوم سیاسی را از دانشگاه تهران اخذ نمود و فوق لیسانس شرق شناسی را در دانشگاه مقاصد بیروت در سال ۲۰۰۰ میلادی به اتمام رساند. وی هم اینک در قم مشغول تحقیق و پژوهش می باشد.

مطرز اصفهانی، ابوسعید محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۰۳ - ۴۱۱ ق)، مسند و محدث. معروف به ابن سنده مطرز. وی مسند اصفهان بود. از ابوعلی غلام محسن و علی بن عبدکویه و حسین بن ابراهیم جمال و محمد بن عبدالله عطار و ابونعیم حافظ و جماعتی دیگر حدیث شنید. او «مسند» طیالسی را از حسین بن ابراهیم جمال و ابونعیم و «مسند» حمیدی را از ابونعیم روایت کرده است. ابوطاهر محمد بن محمد سنجی و ابوطاهر سلفی و ابوموسی مدینی و دیگران از وی حدیث شنیدند. سلفی «مسند» حمیدی را از او شنیده است. ابن تغری بردی در «النجوم الزاهرة» ابوسعید را ابوسعید و جدش را به جای احمد، محمد ذکر کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۲۵۵ - ۱۹ / ۲۵۴)، شذرات الذهب (۴ / ۷)، العبر (۲ / ۳۸۵)، النجوم الزاهرة (۵ / ۱۹۶)، الوافی بالوفیات (۱ / ۱۲۱).

مطرزی خوارزمی، برهان‌الدین، ابوالفتح ناصر

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۱۰ / ۶۱۶ - ۵۳۶ / ۵۳۸ ق)، فقیه حنفی، نحوی، لغوی، ادیب و شاعر معتزلی. در جرجانیه‌ی خوارزم به دنیا آمد. چون در سال وفات

زمخشری در خوارزم به دنیا آمد به خلیفه‌الزمخشری معروف شد. در نحو و لغت و شعر و انواع علوم ادب متبحر بود. از محضر پدرش و ابوالمؤید موفق بن احمد، خطیب خوارزم، استفاده نمود و از ابوعبدالله محمد بن علی بن ابوسعید تاجر و جماعتی دیگر حدیث شنید. او پیشوای معتزلیان بود. در خوارزم در گذشت. متجاوز از سیصد قصیده در سوک او سروده شد. از آثارش: شرح «مقامات» حریری، که در «کشف الظنون» نام آن «الایضاح» ذکر شده است؛ «الاقناع»، در لغت، و «مختصر الاقناع»؛ مختصر «اصلاح المنطق» ابن سکیت؛ «المصباح»، در نحو؛ «المطرزیه» یا «المقدمه النحویه» یا «المقدمه المطرزیه»، در نحو؛ «المغرب»، در لغت، و شرح و ترتیب آن به نام «المغرب فی شرح المغرب» [۱].

ابوالفتح ناصر بن ابوالمکارم عبدالسید بن علی (و. ۵۳۸ ه.ق - ف. ۶۱۶) فقیه حنفی خوارزمی، نحوی، لغوی، ادیب معروف. کتاب مشهور او در لغت «المغرب فی لغة الفقه» (ه.م) و «المغرب» (ه.م) است. وی در اصول عقاید معتزلی بوده و او را جانشین زمخشری دانسته‌اند و از شاگردان جارالله زمخشری است. شرح مقامات حریری و کتاب مختصر الافلاح از آثار او است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۸/۳۱۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/۳۲۱)، روضات الجنات (۱۵۱-۱۵۰/۸)، ریحانه (۳۲۶-۳۲۵/۵)، سیر النبلاء (۲۸/۲۲)، کشف الظنون (۱۷۸۹، ۱۷۴۸، ۱۷۴۷-۱۷۰۸، ۱۳۹)، الکنی و الالقاب (۳/۱۸۸)، لغت نامه (ذیل/ ناصر مطرزی)، معجم الادباء (۲۱۳-۲۱۲/۹)، معجم المؤلفین (۷۲-۷۱/۱۳)، وفيات الاعیان (۳۷۱-۳۶۹/۵)، هدیة الاحباب (۲۴۱)، هدیة العارفین (۲/۴۸۸)، هفت اقلیم (۳/۳۲۸).

مطلبی، ابوالحسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید ابوالحسن مطلبی

محل تولد: اسفیدواجان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۲

زندگینامه علمی

این کمترین، سید ابوالحسن مطلبی، فرزند سید کاظم، دوم فروردین ۱۳۳۸ هجری شمسی طبق شناسنامه در یک خانواده روحانی و در روستای اسفیدواجان از منطقه تیران و کرون از توابع اصفهان به دنیا آمد. مرحوم پدرم که در پارسایی مقامی بس ارجمند و به حق رتبه ای بالا- و والا- داشت زبانزد خاص و عام بود. در آن منطقه اطلاق لفظ «آقا» به ایشان منصرف بود و هم اکنون نیز این خانواده به خانواده آقا معروفند. هیچ یک از معاصران مرحوم آقا نیست که ایشان را نستوده باشد و یا خاطره اخلاقی زیبایی را از او به یاد نداشته باشد. استاد اخلاق ایشان مرحوم آیت الله حاج آقارحیم ارباب بود. حضرت آیت الله حاج شیخ حسین مظاهری حفظه الله رئیس حوزه علمیه اصفهان از جمله بزرگانی است که با مرحوم پدرم نشست و برخاست داشته و همواره از او به نیکی و پارسایی یاد میکند حضرت استاد میفرمود: هیچ روزی نیست که برای مرحوم پدرت قرآن نخوانم. در ده سالگی ۲۷/۳/۴۷ با رحلت پدر این نعمت بزرگ الهی را از دست دادم. بنده تحصیلات ابتدایی را در روستایمان به پایان بردم و ناگزیر برای گذراندن دوره دبیرستان

چون در روستا دبیرستان نبود به اصفهان و تهران رفته روزها کار می‌کردم و شب‌ها در دبیرستان شبانه تحصیل تا به اخذ دیپلم نائل آمدم که آن روزها در حد خود قیمت و منزلتی داشت. در سال ۱۳۵۶ پس از دریافت دیپلم طبیعی بر حسب توصیه و علاقه مرحوم پدرم که بسیار مایل بود که فرزندانش به مسلک روحانیت در آیند، و علاقه ای که خود به معارف اسلامی داشتم به حوزه مقدسه علمیه قم رهسپار شدم و تا کنون در قم اقامت دارم و به تحصیل، تحقیق، تالیف و در مقاطعی تدریس و تبلیغ، نگارش مقالات، تصحیح متون کهن و احیا آثار سلف، ویرایش، ارزیابی کتب و مقالات و در موارد اندکی به ترجمه می‌پردازم. در تحصیلات حوزوی از محضر آیات عظام و حجج اسلام، اساتید گرانقدر آقایان اعتمادی، پایانی، تبریزی، جوادی آملی، حسینی بوشهری، ستوده، شب زنده دار، صلواتی، طالقانی، فاضل (ره)، فشارکی، وجدانی فخر، وحید خراسانی و هاشمی شاهرودی بهره جسته‌ام.

مطوعی، ابو حفص عمر

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۴۴۰ ق)، ادیب و شاعر. اهل نیشابور بود. در ایام جوانی در خدمت امیر ابوالفضل میکالی ادیب (م ۴۳۶ ق) بود. از آثارش: کتاب «درج الغرر و درج الدرر»، در محاسن نظم و نثر ابوالفضل میکالی؛ «اجناس التجنیس»؛ کتاب «حمد من اسمه احمد» که در معارضه با کتاب «فضل من اسمه الفضل» ثعالبی نگاشته است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: الاعلام (۵/۲۱۵)، معجم المؤلفین (۷/۳۰۲).

مطهری مازندرانی، ابواسحاق ابراهیم

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۴۵۸-۳۶۰ ق)، فقیه و محدث، قاضی و زاهد. شیخ شافعیان در زمان خود بود. نسبتش به مطهر از قرای ساری مازندران می‌رسد. در ساری به دنیا آمد. در شهر خود نزد ابومحمد بن ابی‌یحیی فقه آموخت. در حدود سی سالگی به بغداد رفت و از ابوحامد اسفراینی فقه و از ابوالحسن لبان فرائض آموخت. وی همچنین از ابوحفص کتانی و ابوطاهر مخلص در بغداد و از ابوالعباس نسوی در مکه و از ابونصر محمد بن ابی‌بکر اسماعیلی در جرجان حدیث شنید. آنگاه به ساری بازگشت و منصب تدریس و افتاء را عهده‌دار شد. او همچنین مدت هفده سال تا پایان عمر قضاوت آنجا را بر عهده گرفت. برای او تصانیف بسیاری در «اصول» و «فروع» و «خلاف» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵/۳۲۸)، سیر النبلاء (۱۴۸-۱۸/۱۴۷)، طبقات الشافعیه سبکی (۴/۲۶۳)، معجم البلدان (۱۷۶/۵)، الوافی بالوفیات (۶/۱۲۲).

مطهری، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم دینی.

تولد: ۱۳۱۷، ساوه.

درگذشت: ۱۳۶۹.

حجت‌الاسلام احمد مطهری پس از گذراندن دوره‌ی مقدماتی دروس حوزه در ساوه، روانه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم گردید و دوره‌ی سطح را در آنجا به پایان رسانید. سپس در درس خارج آیات عظام بروجردی، امام خمینی، خویی و شاهرودی در قم و نجف اشرف حضور به هم رسانید. ایشان سالها با مؤسسه راه حق در قم همکاری می‌کرد و در ساوه اقدام به تأسیس حوزه‌ی علمیه‌ی ولی عصر و کتابخانه و دیگر مؤسسات عام‌المنفعه نمود.

از آثار اوست: آداب همزیستی و معاشرت (قم، ۱۳۶۹)؛ احکام قضائی: مستندات ابواب قضا، قصاص، حدود و دیات تحریر الوسيله امام خمینی (ترجمه هاشم نوری؛ با مقدمه ناصر میبیدی، چهار جلد)؛ ترجمه فارسی مستند التحریر الوسيله حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی مد ظله‌العالی رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران (ترجمه هاشم نوری)؛ جهاد در راه خداوند و ابعاد گوناگون آن (قم، ۱۳۶۴)؛ رابطه دوستی و محبت (قم، ۱۳۶۷)؛ زمامداری امام مجتبی علیه‌السلام. (قم، ۱۳۶۳).
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۷۷ / ۲۴، ۱۱۲ / ۲۱، ۲۹۳ / ۱۵، ۱۹۷ / ۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۱ / ۶، ۱۹۶ - ۱۹۳ / ۲).

مطهری، حمید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید حمید مطهری

محل تولد: چالوس

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۵ در تهران متولد شد و پس از گذراندن دوره دبستان و راهنمایی و قبول در اول دبیرستان (رشته علوم تجربی) در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه شهید بهشتی نوشهر شد و پس از آن در سال ۱۳۶۴ برای ادامه تحصیل راهی شهر مقدس قم شد و دروس سطح را نزد اساتیدی از جمله محمدی قوچانی، حسینی بوشهری، اعتمادی، محقق داماد، پایانی، بیگدلی، عرفچی، کوهمره ای، صالحی مازندرانی، قدیری، موسوی تبریزی، و... گذراند و پس از آن توفیق شرکت در دروس خارج فقه و اصول آیات عظام از جمله مکارم

شیرازی، وحید خراسانی، سبحانی، سید جعفر کریمی گذاراندم ودر طی این مدت کارهای تحقیقی و پژوهشی را آغاز کردم ومقالا تی را تألیف نمودم وهمچنین به عنوان استاد دانشگاه به مدت ۳سال تدریس کردم ودر همین مدت هم درحوزه علمیه امام جعفر صادق (ع) چالوس مشغول تدریس بودم وپس از آن به مدت ۳ سال به عنوان استاد داور درجلسات دفاع پایان نامه های حوزه های علمیه خواهران شرکت نمودم وهمچنان بااین مرکز همکاری دارم.

مطهری، حمیدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حمید رضا مطهری

محل تولد : نهاوند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حمیدرضا مطهری فرزند علی محمد تحصیلات دوره ابتدایی و راهنمایی را در زادگاه خود (نهاوند) گذرانده و در سال ۱۳۶۷ برای تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه قم شدم. پس از به پایان بردن دروس سطح، خارج فقه و اصول را به مدت چندین سال از محضر اساتید بزرگوار حضرات آیات مکارم شیرازی، جعفر سبحانی و تبریزی فراگرفتم. همزمان با تحصیل علوم حوزوی به تحصیلات دانشگاهی نیز توجه داشته و از طریق آزمون سراسری دانشگاه‌ها در رشته تاریخ دانشگاه باقرالعلوم (ع) پذیرفته شدم. پس از اخذ مدرک کارشناسی بلافاصله در مقطع کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه تهران پذیرفته شده و فوق لیسانس را از این دانشگاه دریافت کردم وعلاوه بر تحصیل به تحقیق و پژوهش و تدریس نیز اشتغال داشته ام.

مطهری، زین العابدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فاضل بزرگوار، مؤلف کتاب «دنیة الدرر» در امام زاده‌های اصفهان، و متوفی در ۳ رمضان المبارک سال ۱۳۶۰ به سنّ متجاوز از ۸۵ سالگی و مدفون در اطاق پدر.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مطهری، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم دینی، محقق، استاد.

تولد: ۱۲۹۹، قریه فریمان (مشهد).

شهادت: ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸، تهران.

آیت‌الله مرتضی مطهری در سن سیزده سالگی به حوزه علمی مشهد رفت. اولین استاد وی در آنجا مهدی شهیدی رضوی مدرس فلسفه الهی بود. پس از چهار سال تحصیل در آن حوزه، به حوزه علمی قم رفت. وی تا سال‌های ۱۳۲۲ و ۱۳۲۳ به آموختن ادبیات، منطق، سطوح متوسط و عالی، فقه و اصول پرداخت، سطوح نهایی فرائد و مکاسب و کفایه از اساتیدی چون آیت‌الله محقق داماد و امام خمینی (ره) فراگرفت. دوازده سال در درس اخلاق امام شرکت کرد، منظومه حاجی ملاهادی سبزواری و اسفار ملا صدرای شیرازی و تفسیر را در محضر امام خمینی و مهدی آشتیانی و علامه طباطبایی خواند. خارج فقه و اصول را نزد آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله سید علی یشربی کاشانی و امام خمینی (ره) و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله سید حسن صدر فراگرفت. مرتضی مطهری بعد از پانزده سال تحصیل در حوزه علمی قم عازم تهران شد و پس از مدتی تدریس خصوصی به تدریس در دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی و نیز مدرسه‌ی علمیه‌ی مروی و حوزه‌ی علمیه‌ی قم پرداخت. ابتدا به تدریس ادبیات و در اواخر به تدریس شرح منظومه، منطق (شرح مطالع) کلام (شرح تجرید) و گاهی به تدریس مکاسب و کفایه مشغول بود.

در پانزده خرداد ۱۳۴۲ آیت‌الله مطهری به دلیل سخنرانی ضد شاه و سازماندهی نهضت در تهران، توسط ساواک بازداشت و حدود دو ماه در زندان شهربانی به سر برد. بنیانگذاری حسینیه‌ی ارشاد و فعالیت در این مؤسسه، سخنرانی در انجمن‌های اسلامی پزشکان و مهندسان و نیز سخنرانی در مساجد مختلف و همچنین اداره‌ی مسجدالجواد برای مدتی حدود سه سال، مهم‌ترین فعالیت‌های استاد را پس از ورود ایشان به تهران را تشکیل می‌دهد.

پس از اوج‌گیری نهضت اسلامی ایران، آیت‌الله مطهری در سال ۱۳۵۷ برای دیدار با امام خمینی (ره) عازم پاریس شد. در این دیدار نخستین هسته‌ی شورای انقلاب اسلامی شکل گرفت. سرانجام دو ماه و نیم پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آیت‌الله مطهری در حالی که ریاست شورای انقلاب اسلامی را به عهده داشت توسط گروه فرقان به شهادت رسید.

از آیت‌الله مطهری آثاری به یادگار مانده است که از آن جمله‌اند: مقدمه و شرح بر اصول و روش رئالیسم (پنج جلد)؛ خدمات متقابل اسلام و ایران؛ عدل الهی؛ نظام حقوق زن در اسلام؛ علل گرایش به مادگرایی؛ مسئله حجاب؛ نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر؛ مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی (شش جلد شامل انسان و ایمان؛ وحی و نبوت؛ انسان در قرآن؛ جامعه و تاریخ؛ انسان و سرنوشت؛ زندگی جاوید یا حیات اخروی)؛ پیرامون انقلاب اسلامی؛ سیری در نهج البلاغه؛ آشنایی با علوم اسلامی (چهار جلد شامل اصول فقه و فقه؛ کلام و عرفان؛ منطق و فلسفه؛ حکمت عملی)؛ شرح منظومه‌ی حاج ملاهادی سبزواری (این کتاب در اولین دوره‌ی کتاب سال به عنوان کتاب برگزیده‌ی رشته‌ی فلسفه و حکمت انتخاب شد)؛ جاذبه و دافعه حضرت علی (ع)؛ شرح مبسوط منظومه (این کتاب در نهمین دوره کتاب سال به عنوان کتاب برگزیده‌ی رشته‌ی فلسفه اسلامی انتخاب شد)؛ نقدی بر مارکسیسم؛ جهان بینی توحیدی؛ اسلام و مقتضیات زمان (دو جلد)؛ امامت و رهبری؛ جهاد؛ داستان راستان سیری در سیره نبوی؛ ختم نبوت؛ پیامبر امی؛ ولاءها و ولایت‌ها؛ جاذبه و دافعه علی (ع)؛ عرفان حافظ؛ آشنایی با قرآن (پنج جلد)؛ تعلیم و تربیت در اسلام؛ فلسفه اخلاق؛ ده گفتار؛ بیست گفتار؛ گفتارهای معنوی؛ پیرامون جمهوری اسلامی؛ اخلاق جنسی؛ پاسخ‌های استاد؛ امدادهای غیبی در

زندگی بشر؛ حق و باطل (به ضمیمه: احیای تفکر اسلامی)؛ تکامل اجتماعی انسان؛ مسأله ربا به ضمیمه بیمه، سیری در سیره ائمه اطهار علیهم السلام، مسئله شناخت؛ انسان کامل؛ نظری به نظام اقتصادی اسلام؛ فلسفه تاریخ (۱)؛ فطرت؛ خاتمیت؛ توحید؛ نبوت؛ معاد؛ حکمت‌ها و اندرزه‌ها؛ طرح‌های رسالت پیرامون خدمت و زمامداری.

آیت‌الله مطهری در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ در تهران به شهادت رسید و پیکر وی در حرم حضرت معصومه (ص) نزدیک آرامگاه آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی به خاک سپرده شد.

۱- حجة الاسلام و استاد عالی‌مقام جناب حاج شیخ مرتضی مطهری فریمانی از دانشمندان و افاضل مدرسین و گویندگان و نویسندگان معاصر تهرانست.

وی در حدود ۱۳۳۸ قمری در فریمان متولد شده و دروس ابتدائی را در آنجا خوانده انگاه به مشهد آمده و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح وسطی را در مشهد فرا گرفته و در سال ۱۳۵۶ ق مهاجر به قم نموده و سطوح نهائی فرائد و مکاسب و کفایه را از اساتید و مدرسین حوزه علمیه قم مانند مرحوم آیت‌الله محقق داماد و آیت‌الله العظمی موسوی و دیگران آموخته و منظومه و اسفار و تفسیر را از محضر آیت‌الله العظمی موسوی و مرحوم آ میرزا مهدی آشتیانی و علامه طباطبائی استفاده نموده و دروس خارج فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و مرحوم آیت‌الله العظمی آقای آ میرزا سید علی یثربی کاشانی و آیت‌الله موسوی مذکور مدظله و مرحوم آیت‌الله خونساری و آیت‌الله صدر بهره‌مند شده و به مدارج عالی علم ارتقا یافته و پس از فوت مرحوم آیت‌الله بروجردی به تهران منتقل و به تدریس و تألیف کتب مفیده و تبلیغ دین و نشر معارف تا حال حاضر اشتغال دارد. دارای بیانی رسا و منطقی شیوا و قلمی زیبا می‌باشد. از آثار مطبوع و ارزنده ایشان کتب زیر می‌باشد.

۱- اصول فلسفه و روش رئالیسم (مقدمه و توضیح و پاورقی)

۲- انسان و سرنوشت ۳- خدمات متقابل اسلام و ایران ۴- خورشید دین هرگز غروب نمی‌کند.

۵- داستان راستان ۶- عدل الهی ۷- علل گرایش به مادی‌گری ۸- مسئله حجاب ۹- نظام حقوق زن در اسلام ۱۰- سیری در نهج البلاغه

و تألیفات ارزنده دیگر که هنوز به طبع نرسیده است.

(ح ۱۲۹۸- شهادت ۱۳۵۸ ش)، عالم دینی، فقیه اصولی، فیلسوف، متکلم، واعظ، نویسنده و استاد دانشگاه. در فریمان خراسان در یک خانواده‌ی اصیل و روحانی به دنیا آمد. پدرش که مردی باایمان و باتقوا بود در تربیت وی نهایت کوشش را نمود و ویژگی‌های عقیدتی خود را به فرزندش سپرد. در دوازده سالگی به مشهد عزیمت نمود و به تحصیل مقدمات علوم اسلامی و قسمتی از سطوح پرداخت. در ۱۳۱۶ ش در هجده سالگی برای تکمیل تحصیلات به قم رفت و حدود پانزده سال در آنجا ماند و سطوح نهایی را از آیت‌الله محقق داماد و امام خمینی و منظومه و اسفار و تفسیر را از فیلسوف بزرگ آقا میرزا مهدی آشتیانی و علامه طباطبائی و امام خمینی و خارج فقه و اصول را از محضر آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله یثربی کاشانی و آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله صدر فرا گرفت. در ۱۳۲۰ ش در محضر آقای حاج میرزا علی شیرازی با نهج البلاغه آشنا شد. از ۱۳۲۵ ش با کتب ماتریالیستها آشنا شد و از آنجا که به فلسفه علاقه‌مند بود مطالعه کتب مادیین را پی‌گیر و بر این عقیده راسخ شد که فلسفه مادی فلسفه کسی است که فلسفه نمی‌داند. در ۱۳۲۹ ش در حوزه‌ی درس خصوصی علامه طباطبائی که برای بررسی فلسفه مادی تشکیل شده بود، زمینه‌ی تألیف کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» فراهم شد. او در سالهای آخر اقامت در قم و نیز سالهای اول مهاجرت به تهران به تحقیق بیشتر درباره‌ی این موضوع پرداخت و تا پایان عمر مبارزه با اندیشه‌های انحرافی را ادامه داد. از ۱۳۳۱ ش به موازات تدریس و تألیف، در تهران، سخنرانی‌های تحقیقی خویش را در دانشگاه‌ها، انجمن‌های اسلامی و مجالس خصوصی آغاز نمود. در ۱۳۳۴ ش تدریس در دانشکده الهیات و معارف اسلامی را شروع کرد و بیست و دو سال تدریس

و تحقیق را در آنجا ادامه داد. استاد مطهری متخصص فلسفه مشاء بود. او به کتب ابن سینا احاطه کامل داشت و متن «شفاء» و «نجات» و «اشارات» را در دوره‌ی دکترا تدریس می‌کرد. وی علاوه بر کتب شیخ، «شرح منظومه» سبزواری و «شواهد الربوبیه» ملا صدرا را نیز تدریس می‌نمود. در خرداد ۱۳۴۲ ش به همراه عده‌ای از علما و روحانیون مدتی به زندان افتاد و تا پیروزی انقلاب اسلامی از ارکان فکری نهضت به حساب می‌آمد. استاد مطهری کمتر از سه ماه پس از پیروزی انقلاب به دست گروه فرقان به شهادت رسید. از آثارش: «آشنایی با علوم اسلامی»؛ «آشنایی با قرآن»؛ «اسلام و مقتضیات زمان»؛ شرح و توضیح «اصول فلسفه و روش رئالیسم»؛ «امدادهای غیبی در زندگی بشر»؛ «انسان و سرنوشت»؛ «جاذبه و دافعه علی (ع)»؛ «حماسه‌ی حسینی»؛ «خدمات متقابل اسلام و ایران»؛ «خورشید دین هرگز غروب نمی‌کند»؛ «داستان راستان»؛ «درسهای اسفار»؛ «ربا، بانک، بیمه»؛ «سیری در سیره نبوی (ص)»؛ «سیره ائمه اطهار (ع)»؛ «سیری در امیرالمؤمنین»؛ شرح مبسوط «منظومه‌ی» سبزواری؛ «عدل الهی»؛ «علل گرایش به مادیگری»؛ «مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی»؛ «نظام حقوق زن در اسلام». [۱]

علامه محقق و استاد بزرگوار حاج شیخ مرتضی ابن حجه‌الاسلام حاج شیخ حسین مطهری فریمانی یکی از ستارگان درخشان حوزه علمیه قم و شاگردان برجسته آیت‌الله العظمی امام خمینی و آیت‌الله استاد علامه طباطبائی می‌باشند. وی در ماه جمادی الثانی ۱۳۳۸ ق برابر با ۱۲۹۹ هجری شمسی در خراسان دیده به جهان گشود.

این مجاهد بزرگ در سال ۱۳۵۶ هجری قمری برابر با ۱۳۱۶ ه شمسی از حوزه علمیه خراسان وارد حوزه علمی قم گردید و پانزده سال در دانشگاه بزرگ قم رحل اقامت افکند و از اساتید این حوزه مانند مرحوم آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله حجت و آیت‌الله داماد و علامه طباطبائی و بالاخص امام خمینی و دیگران بهره‌های کافی برد سپس در سال ۱۳۷۱ برابر با ۱۳۳۱ شمسی قم را به عزم تهران ترک گفت و در طول اقامت خود در تهران آنی از خدمات علمی و قلمی و تبلیغی غفلت نورزید علاوه بر تدریس در دانشکده الهیات و مدرسه علمیه مروی در منزل شخصی خود برای گروهی از دلباختگان فلسفه و تفسیر تدریس می‌کرد جلسات پر ارج دیگری نیز مانند جلسه انجمن اسلامی مهندسان و انجمن اسلامی پزشکان را اداره می‌کرد. موج حادثه شهادت مرحوم مطهری.

مرحوم حجه‌الاسلام مطهری که بیش از چهل سال با ایشان آشنائی داشتیم و در بسیاری از مباحث فقهی و اصولی و استفاده از محاضر آیات عظام مرحوم بروجردی و یثربی کاشانی و آیت‌الله حجت و دیگر آیات چون نایب‌الامام آیت‌الله العظمی خمینی با معظم‌له شرکت داشته و تا حدودی از نزدیک ایشانرا می‌شناختم دانشمندی محقق و فیلسوفی مدقق و حکیمی فرزانه و استادی آگاه و روشن بین و نویسنده‌ای مبارز و گوینده‌ای مجاهد بود از خود آثاری گرانقدر گذاشت که قسمتی از آنرا در ضمن ترجمه‌اش یاد نمودم.

حادثه شهادت و فاجعه ناگهانی شهید شدنش در ساعت ده و نیم بعد از ظهر دهم اردیبهشت برابر شب پنجم جمادی الثانی ۹۹ چنان موجی در سراسر ایران بی‌نظیر بوده و میلیونها نفر از مسلمین جهان و حتی اقلیتهای مذهبی چون مسیحیان و کلیمیان و زردتشتیان در سوک و ماتم او نشستند و صدها هزار نفر در تشییع جنازه او از دانشگاه تهران تا صحن مطهر حضرت معصومه (ع) قم و آرامگاه او شرکت و فریاد مطهری مطهری شهید انقلاب است به آسمان رسانیدند.

مرحوم مطهری شهید رئیس شورا انقلاب و دومین قربانی بزرگ و ذبح عظیم بعد از رأی جمهوری اسلامی است. مرحوم مطهری سالها از مدرسین حوزه علمیه قم بوده و پس از فوت مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی که به تهران منتقل نیز تا آخر عمرش در دانشکده الهیات و دانشگاه به تدریس علوم و فنون مختلفه اسلامی اشتغال داشته و شهادتش ضایعه جبران ناپذیری در جهان علم و معارف الهی ایجاد و رخنه‌ای به وجود آورد که به این زودی تدارک نشود.

آری مرگ این فیلسوف اسلامی شرق اثر عمیق درحوزه‌های علمی و سیاسی رهبران دینی و آیات عظام و اساتید والامقام و

بالاخص مرحع عالیقدر و قائد عظیم‌الشان آیت‌الله العظمی نایب‌الامام آقای خمینی مدظله گذارد و تمام مراجع بزرگ تقلید و زعماء حوزه‌های علمی تأثرات قلبی و درون خود را در این شرایط سخت از شهادت و فقدان جانکاه مرحوم مطهری در ضمن ایراد بیانیه‌ای اعلام که عموم مردم از طریق رادیو و تلویزیون استماع نمودند.

در میان آن اعلامیه و بیانیه‌ها از همه جالب‌تر و عمیق‌تر بیانات رهبر عالیقدر انقلاب نایب‌الامام است که دارای ویژگی‌های خاصی برای عموم مردم مبارز و رزمندگان و پاسداران انقلاب و نیز معرفی مقامات علمی و اجتماعی و سیاسی و معنوی مرحوم مطهری شهید است از زبان خالی از اغراق و مبالغه امام مدظله و گرچه تمام اقشار مردم از دور و نزدیک به وسیله فرستنده‌های روز شنیده‌اند اما چون شنیده‌ها فراموش شدنی است لازم دیدم که متن آن را در اینجا ثبت کنم که روشنگر آیندگان باشد که نهضت و انقلاب اسلامی چه قربانیهای ارجمندی داده و چه خونهای گرانبه‌ای برای برقراری جمهوری آن اهداء گردیده است. متن بیانات امام در ضایعه شهادت مطهری.

بسم الله الرحمن الرحيم.

انا لله و انا اليه راجعون.

این جانب به اسلام و اولیاء عظیم‌الشان آن و به ملت اسلام و خصوصاً ملت مبارز ایران ضایعه اسف‌انگیز شهید بزرگوار و متفکر و فیلسوف و فقیه عالی‌مقام آقای حاج شیخ مرتضی مطهری قدس سره را تسلیت و تبریک عرض می‌کنم. تسلیت در شهادت شخصی که عمر شریف و ارزنده خود را در راه اهداف مقدس اسلام صرف کرد و با کجرویه‌ها و انحرافات مبارزه سرسختانه کرد.

تسلیت در شهادت مردی که در اسلام شناسی و فنون مختلفه اسلام و قرآن کریم کم نظیر بود.

من فرزند بسیار عزیزی را از دست دادم و در سوک او نشستم که از شخصیت‌هایی بود که حاصل عمرم محسوب می‌شد.

در اسلام عزیز به شهادت این فرزند برومند و عالم جاودان ثلمه‌ای وارد شد که هیچ چیز جایگزین آن نیست.

و تبریک در داشتن این شخصیت‌های فداکار که در زندگی و پس از آن با جلوه خود نورافشانی کرده و می‌کنند من تربیت چنین فرزندان که با شعاع فروزان خود مردگان را حیات می‌بخشند و به ظلمت‌ها نور می‌افشانند به اسلام بزرگ و مربی انسانها و امت اسلامی تبریک می‌گویم.

من اگر چه فرزند عزیزی را که پاره تنم بود از دست دادم لکن مفتخرم که چنین فرزندان فداکاری در اسلام وجود داشت و دارد.

مطهری که در طهارت روح و قدرت ایمان و قدرت بیان کم نظیر بود رفت و به ملاء اعلاء پیوست لکن بدخواهان بدانند که با رفتن او شخصیت اسلامی و علمی و فلسفیش نمی‌رود ترورها نمی‌تواند شخصیت انسانی مردان اسلام را ترور کنند آنان نمی‌دانند که به خواست خدای توانا ملت ما با رفتن اشخاص بزرگ در مبارزه علیه فساد و استبداد و استعمار مصمم‌تر می‌شوند ملت ما راه خود را یافته و در قطع ریشه‌های گندیده رژیم سابق و طرفداران منحوس آن از پای نمی‌نشیند.

اسلام عزیز با فداکاری و فدائی دادن عزیزان رشد نموده برنامه اسلام از عصر وحی تاکنون بر شهادت توأم با شهامت بوده قتال در راه خدا و راه مستضعفین در رأی برنامه‌های اسلام است.

(و ما لكم لا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان) اینان که شکست و مرگ خود را لمس نموده و با این رفتار غیر انسانی می‌خواهند انتقام بگیرند یا به خیال خام خود مجاهدین در اسلام را بترسانند آنها گمان نکردند که از هر موی شهیدی از ما و از قطره خونی که به زمین می‌ریزد انسان‌های مصمم و مبارزی به وجود می‌آید.

شما مگر تمام افراد ملت شجاع را ترور کنید و الا ترور فرد هرچه بزرگ باشد برای اعاده چپاول‌گری سودی ندارد.

ملتی که با اعتماد به خدای بزرگ و برای احیای اسلام به پا خاسته با این تلاشهای مذبوحانه عقب‌گرد نمی‌کنند. ما برای فداکاری

حاضر و برای شهادت در راه خدا مها هستیم.

اینجانب روز پنجشنبه سیزدهم اردیبهشت ۵۸ را برای بزرگداشت شخصیتی فداکار و مجاهد در راه اسلام و ملت عزای عمومی اعلام میکنم و خودم در مدرسه فیضیه روز پنجشنبه، و جمعه به سوک می‌نشینم. از خداوند متعال برای آن فرزند عزیز اسلام رحمت و غفران و برای اسلام عزیز عظمت و عزت مسئلت می‌نمایم.

سلام بر شهدای راه حق و آزادی.

روح‌الله الموسوی الخمینی.

شهادت مطهری.

این بزرگوار سرانجام آفتاب عمر پر برکتش که قریب ۶۰ سال در خدمت اسلام و علم بود در شب چهارشنبه دوازدهم اردیبهشت (۵۸) برابر پنجم جمادی الثانی ۱۳۹۹ غروب کرد اتفاقاً در همان ماهی که دیده به جهان گشوده بود دیده از جهان فروبست. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه: [۱] پاره‌ای از خورشید (۴۳-۱۷)، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم استاد شهید مرتضی مطهری (۲۴-۱۹)، سرگذشت‌های ویژه از زندگی استاد مطهری (۵۱-۱۱)، گنجینه دانشمندان (۶/۱۱۸)، مصلح بیدار (۴۲-۲۳)، یادنامه (۲۶-۹).

مظاهری اصفهانی، علی اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اکبر مظاهری اصفهانی

محل تولد: تیران استان اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۴

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۷ ه.ش در تیران (استان اصفهان) زاده شدم. نامم را «علی» نهادند؛ اما «علی اکبرم» خواندند. اکنون نیز نامم در شناسنامه علی است، اما علی اکبر می‌خوانندم. خاندانم متدین بودند. کار پدر، نانوايي بود و کشاورزی. پدر و مادر هر دو از فامیل «مظاهری» ها هستند. منسوب به جناب حبیب ابن مظاهر - رضوان الله علیه - شجره نامه انتسابمان به آن جناب موجود است. نهال خدا دوستی و دین‌گرایی را که دست حکمت آفریدگار در وجودم نشانده بود، به دست والدین ام به خصوص مادرم، که از خاندان روحانی بود، آبیاری و باغبانی می‌شد و پرورش می‌یافت و آن فطرت الهی، که همه آدمیان بر مبنای آن آفریده می‌شوند، بالنده می‌گشت. صوت قرآن پدرم و زمزمه مناجات مادرم، جانم را می‌نوازاند.

پنج ساله بودم که مادرم دستاری بر سرم می‌بست و منبری از متکا برایم می‌ساخت و می‌فرمود که به گونه عالمان دین بر کرسی خطابه بنشینم و برایش سخن گویم و موعظه نمایم و احکام و معارف شریعت را بیان کنم! تمرین عالم شد نم می‌داد.

کلاس اول و دوم ابتدایی را در تیران گذراندم و در هر دو سال شاگرد اول بودم حتی معلممان را در تصحیح درس‌ها و برخی از

امور شاگردان یاری می کردم. ادامه زندگانی در تیران به خاطر تنگنای معیشتی بسیار سخت بود و یا ناممکن می نمود؛ از این رو همراه خانواده به شهر اصفهان مهاجرت کردیم.

اگر چه از دبستان تیران، گواهی درسی و مدارک لازم برای ادامه تحصیل در اصفهان را گرفتم اما ادامه تحصیل ممکن نشد زیرا مرا به کار نانوائی گماشتند و حتی فراغت ادامه تحصیل شبانه نیز برایم باقی نماند. همواره عطشناک درس خواندن و مطالعه کردن بودم و در فراغ آن می سوختم.

چند سال که بزرگتر شدم به مدرسه شبانه (اکابر) رفتم و هر شب حدود دو ساعت درس خواندم. کلاس سوم را دو ماهه خواندم و چهارم را نخوانده امتحان دادم و به کلاس پنجم رفتم و چند ماهی دوره باقی مانده ابتدایی را به پایان رساندم و باز از ادامه تحصیل بازماندم. هزینه زندگی بیشتر می شد و پدر پیرتر و مسئولیت من سنگین تر. نوجوان بودم و کار یک مرد را در نانوائی می کردم و بخشی از هزینه های زندگانی را تامین می نمودم. علاقه به مطالعه همواره همراهی ام می کرد. اگر چه نه کتاب مناسب و نه فراغت لازم را داشتم اما کتاب های گوناگون را به گونه های مختلف به دست می آوردم و می خواندم. مطالعه کتابم فراتر از سطح تحصیلات مدرسه ای ام بود. و نیز همیشه در صدد یافتن فرصت برای ادامه تحصیل بودم این شوق و انگیزه هرگز در وجودم خاموش و آرام نشد و هرگز خاموش و آرام مبادا انشاء الله.

پس از حدود یک سال که نزد برادرم نجاری می کردم او به ایران بازگشت و من مسوول کارگاه نجاری شدم اما دل و اندیشه ام به سوی مدرسه بود. کم کم اهداف و اندیشه هایم را با سرپرست حوزه عملیه آنجا (که در بیوگرافی تفصیلی، درباره او سخن خواهم گفت) در میان گذاشتم و از او یاری طلبیدم. وی راهنمایی و مساعدت کرد و من کارگاه نجاری را که حدود یک و دو سال و نیم اداره کرده بودم به کسانی واگذار کردم و به حوزه علمیه در آمدم و طلبه شدم! نانوا، نجار، طلبه! والحمد لله نانوائی، نجاری، طلبگی! والحمد لله.

سال ۱۳۵۶ بود نزد یک شهادت حاج آقا مصطفی خمینی، و من پس از حدود هشت سال نانوائی و دو سال و نیم نجاری، اکنون محصل علوم اسلامی شده بودم و به قلمرو آرمانی اهدافم وارد شده بودم. درسها و مطالعاتم گام هایی بودند به سوی کلمه کمال و رسیدن به وصال و وصول به مقصود عالم شدن، نویسنده شدن، سخنران شدن، و از همه بالاتر، تکامل اخلاقی و معرفتی و نیل به قرب الهی.

درس ها و نیز مدرسان آنجا هم عربی بودند و هم فارسی و من نیز هم فارسی می دانستم و هم عربی. آن مدت که در کویت کار می کردم مکالمه عربی را فرا گرفتم و کمی نیز خواندن و نوشتن عربی را. از این رو هم درس های عربی را می خواندم و هم درس های فارسی را. هم به درس استادان عرب می رفتم و هم به درس استادان فارسی. درس ها و کتاب هایی که به درس در آن حوزه خواندم برخی شان مطابق برنامه های درسی حوزه های علوم اسلامی در ایران بود و برخی دیگر شان متفاوت بود. مثلا کتاب ها و درس های «شرایع الاسلام»، «العروة الوثقی»، «المنهاج، فی قواعد و الاعراب»، «التدبر فی القرآن»، جزو دروس اصلی حوزه های علمیه ایران نبود و نیست اما از درس های اصلی حوزه علمیه کویت بود و ما می خواندیم و برخی از درس های حوزه های ایران نیز در حوزه کویت، تدریس و خوانده نمی شد. هم در مواد درسی و هم در شیوه های درسی، تفاوت هایی و اشتراک هایی میان حوزه کویت و ایران بود (که باید در مجالی دیگر بیان شود)

نهضت اسلامی خیز برداشت و بر اثر حوادث پس از شهادت حاج آقا مصطفی خمینی کوره انقلاب اسلامی داغ و داغتر شد. ما که کویت بودیم و به نجف نزدیکتر بودیم و نیز محدودیت های ایرانیان را کمتر داشتیم گاهی می شد که زودتر و آسانتر به نجف وصل می شدیم و سفیران امام خمینی راحت تر به ما می رسیدند و آقای سید عباس فهری که نماینده حضرت امام در کویت بود بی مشکل و یا با مشکل کمتر با امام ارتباط می گرفت و به ما می رساند. من وظیفه انقلابی خویش را در میان ایرانیان مقیم کویت،

ایفا می‌کردم در منازل کارگران می‌رفتم برای شان جلسه می‌گذاشتم. محصولات انقلابی (کتاب، بیانیه، اعلامیه، نوار...) به آنان می‌رساندم. کار آسانی نبود زیرا برخی از ایرانیان در کویت به خاطر ضعف فرهنگ و نیز تعصب به مملکت خویش و به هم آمیختن وطن دوستی با شاه دوستی به آسانی به نهضت اسلامی نمی‌پیوستند و از حکومت پهلوی نمی‌بریدند. گاه می‌شد که مرا طرد می‌کردند و از خود می‌رانند، و حتی تهدید به مرگم می‌کردند اما من که تکلیف خویشتن را می‌شناختم و علل قصور و تقصیر آنان را نیز می‌دانستم، به گونه‌های گوناگون ادامه طریق می‌دادم، تا آنکه خداوند، نصرت و فتح خویش را کرامت‌مان فرمود و طلیعه پیروزی نمایان گشت و سپاس خدای را که عکس منحوس شاه ملعون به دست من از سر در سفارت ایران در کویت کنده شد و تمثال مبارک امام خمینی - سلام الله علیه - به جای آن نصب گردید.

مظاهری، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم حاج میرزا حسن نیز از علما و مجتهدین، و از شاگردان میرزا محمد هاشم و از مجازین از ایشان بود. در حدود سال ۱۳۶۸ در تیران کرون اصفهان به سن متجاوز از نود سال وفات یافت. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مظاهری، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

یکی از این عالمان بزرگ و سالکان مسلک دوست، معلم اخلاق و مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی آقای حاج شیخ حسین مظاهری مد ظله العالی است که از محضر عالمانی بزرگوار بهره برده و از نفس گرم پیران طریقت، گرمای حیات بخش معنوی گرفته‌اند.

تولد جسمانی و روحانی:

آیه الله مظاهری در سال ۱۳۱۲ هجری شمسی در خانواده‌ای روحانی، وارسته و مذهبی پا به عرصه‌ی وجود می‌گذارند. معظم له پس از گذراندن تحصیلات غیر حوزوی در سال ۱۳۲۶ شمسی بمنظور تحصیل علوم دینی وارد حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان شده و پس از اتمام دروس مقدمات، مقداری از دروس سطح حوزوی در بخشهای فقه، اصول و فلسفه را در محضر حضرات آیات خادمی، فیاض، طیب، ادیب و مفید «رحمة الله علیهم» تلمذ می‌نمایند.

ورود به حوزه‌ی علمیه‌ی قم، محضر استادان علم و عمل:

در سال ۱۳۳۱ شمسی حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان را به قصد حوزه‌ی علمیه‌ی قم ترک گفته و در جوار مرقد کریمه‌ی اهل بیت حضرت فاطمه معصومه «سلام الله علیها» رحل اقامت می‌افکنند و باقیمانده‌ی دروس سطح را از محضر حضرت آیات مرعشی نجفی، حاج شیخ مرتضی حائری، و حاج شیخ عبد الجواد جبل عاملی «رحمة الله علیهم» استفاده کرده و سپس در دروس خارج فقه و

اصول حضرات آیات عظام: امام خمینی، بروجردی و محقق داماد «قدس سرهم» حاضر می‌شوند. استفاده‌ی بیش از هشت سال از محضر علمی و معنوی آیت الله العظمی بروجردی، مرجع علی الاطلاق شیعه در آن عصر و نیز بهره‌برداری از محفل دانش و تقوای حضرت امام خمینی در طول نزدیک به ده سال و همچنین خوشه‌چینی از خرمن علم و عمل مرحوم آیه الله العظمی سید محمد محقق داماد و نیز استفاده‌ی سالیان متمادی از دروس فلسفه و عرفان حجه الحق، حضرت استاد علامه‌ی طباطبایی «قدس سرهم»، همه و همه موجب استحکام و اتقان پایه‌های علمی و توان عملی و اخلاقی آیه الله العظمی مظاهری شده است. ثمرات این استفاده‌های ارجمند، صدها صفحه تقریرات فقهی و اصولی دروس و افادات و افاضات این اساتید عالی مقام است که در ۱۵ عنوان گرد آوری شده است.

ثمره‌ی دانش اندوزی، آثار و تألیفات:

افزون بر اینها، تألیفات معظم له می‌باشد که بویژه در زمینه‌های اخلاقی مورد استقبال گسترده علاقمندان به علم اخلاق و خصوصا نسل جوان واقع شده است.

فهرست کلی تألیفات منتشر شده‌ی ایشان عبارت است از:

۳ جلد در زمینه‌ی علم فقه، ۲۵ جلد در زمینه‌ی علم اخلاق، ۵ جلد در زمینه‌ی علم اقتصاد، ۳ جلد در زمینه‌ی اعتقادات، ۲ جلد در زمینه‌ی تاریخ و حدیث.

همچنین فهرست کلی آثار غیرمطبوع ایشان بدین شرح است:

۱۷ عنوان در زمینه‌ی فقه، ۳ عنوان در زمینه‌ی علم اصول، ۲۴ عنوان در زمینه‌ی علم اخلاق و عرفان، ۸ عنوان در زمینه‌ی علم کلام و اعتقادات، ۵ عنوان در زمینه‌ی تفسیر قرآن شریف، ۴ عنوان در زمینه‌ی علم اقتصاد، ۷ عنوان در زمینه‌ی تاریخ و متفرقات.

استاد در کرسی تدریس:

آیه الله العظمی مظاهری یکی از اساتید با سابقه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم می‌باشند که از سال ۱۳۵۶ شمسی حوزه‌ی درس خارج فقه و اصول داشته و دهها تن از شاگردان و تلامیذ ایشان اینک در مناصب مختلف حوزوی، دانشگاهی، فرهنگی، قضایی و سیاسی در خدمت نظام مقدس اسلامی قرار دارند.

هم اکنون نیز در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، دروس خارج فقه و اصول ایشان، بزرگترین حوزه‌ی درسی خارج و محفل تعلیم افاضل و روحانیون محترم است و به تعبیر مقام معظم رهبری و ولی امر مسلمین «از لحاظ شکوه و عظمت خود درس و اجتماع طلاب، در اصفهان سابقه ندارد».

افزون بر اینها، معظم له یکی از معلمان بزرگ اخلاق در عصر حاضر بوده و اینک متجاوز از سی سال است که بر بلندای منبر اخلاق، سالکان مسلک سلوک را با دروس شیوا و دلنشین اخلاقی خود، رهنمون می‌شوند. دروس اخلاق ایشان در حوزه‌ی علمیه‌ی قم، یکی از دروس باعظمت و شکوهمندی بود که در زمان حیات مبارک حضرت امام خمینی «رضوان الله علیه» مورد توجه و تقدیر ایشان واقع گردید و اینک نیز در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، مشتاقان معارف اخلاقی اسلام از دروس معظم له بهره‌ی معنوی و اخلاقی می‌گیرند.

پیش از پیروزی انقلاب، دو جبهه فرهنگی و سیاسی:

همچنین معظم له به همراهی حضرات آیت مصباح یزدی و سید محسن خرازی و حجه الاسلام و المسلمین دکتر احمد احمدی دام عزم، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی با تأسیس «مؤسسه‌ی در راه حق» گام نوینی را در ایجاد ارتباط علمی و فرهنگی بین حوزه و دانشگاه برداشته و صدها تن از مشتاقان معارف اسلامی در حوزه‌های علمیه را با یک سلسله از علوم جدید و معارف مورد نیاز جامعه اسلامی آشنا کرده که ثمرات بسیار عظیم آن نهاد علمی و دینی و کارنامه‌ی درخشان آن بر آگاهان پوشیده نیست.

آیه الله العظمی مظاهری یکی از اعضاء باسابقه و عالیرتبه‌ی جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم بودند و در زمان نهضت اسلامی و دوران مبارزات ملت عظیم‌الشأن ایران علیه رژیم ستم‌شاهی، بسیاری از اعلامیه‌های مهم اساتید و بزرگان حوزه‌ی علمیه‌ی قم به امضاء ایشان نیز رسیده است.

پس از پیروزی انقلاب، استمرار تلاش در هر دو جبهه:

پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی نیز، معظم له با استمرار مشاغل و فعالیت‌های علمی و حوزوی، در راستای تلاش برای ارتقاء سطح فرهنگی و فرهنگ دینی جامعه اسلامی، با ارائه‌ی سلسله دروس اخلاق برای نسل جوان و بویژه بسیجیان و رزم‌آوران هشت سال دفاع مقدس، به اداء مسئولیت سنگین حوزوی و دینی پرداخته و همیشه در صف مقدم یاران و پیروان قائد راحل عظیم‌الشأن حضرت امام خمینی «سلام الله علیه» بوده‌اند.

در سال‌های اول انقلاب، معظم له به همراه استاد اندیشمند و فرزانه حضرت آیت الله مصباح یزدی «دام ظلّه» براساس تفکرات نوینی که برای ساماندهی وضعیت تشکیلاتی حوزه‌های علمیه داشتند، پیگیری‌هایی را در این خصوص از محضر امام خمینی «قدس سره الشریف» و مرحوم حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی «رضوان الله علیه» انجام دادند که نتیجه‌ی آن پیگیری‌ها، تشکیل شورای مدیریت حوزه‌ی علمیه‌ی قم و ایجاد یک ساختار جدید تشکیلاتی برای این حوزه‌ی مقدسه بود.

هجرت، آغاز مرحله‌ای نوین و تحولی مبارک:

یکی از نقاط عطف تاریخ زندگی پربرکت آیه الله العظمی مظاهری، هجرت تاریخی و شکوهمند ایشان از حوزه‌ی مقدسه‌ی علمیه‌ی قم به حوزه‌ی مقدسه‌ی علمیه‌ی اصفهان بود که در اوایل زمستان سال ۱۳۷۴ شمسی مطابق با شعبان ۱۴۱۶ قمری واقع شد. این هجرت مبارک علاوه بر آن که در نوع خود در طی سال‌های پس از پیروزی انقلاب بزرگ اسلامی ایران بی‌نظیر بود، همچنین سرآغاز تحولی خجسته و مبارک در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان گردید و نمونه‌ای بارز از این فرمایش بلند حضرت امام خمینی «اعلی الله کلمته» در «منشور روحانیت» شد که فرمودند: «صدها سال است که روحانیت اسلام تکیه‌گاه محرومان بوده است. همیشه مستضعفان از کوثر زلال معرفت فقهاء بزرگوار سیراب شده‌اند. از مجاهدت علمی و فرهنگی آنان که بحق از جهاتی افضل از دماء شهیدان است که بگذاریم، آنان در هر عصری از اعصار برای دفاع از مقدسات دینی و میهنی خود مرارته‌ها و تلخی‌هایی را متحمل شده‌اند».

باری حوزه‌ی شکوهمند اصفهان با سابقه‌ای دیرینه و برابر با چندین قرن، همواره پشتوانه‌ای عظیم برای فقه و فقاہت و حراست از کیان معرفت دینی و معارف اسلامی بشمار می‌رفته است. عالمان بزرگ، فقیهان سترگ و فیلسوفان بلندپایه و عارفان روشن ضمیری که نامشان قرین اصفهان و تاریخ باعظمت این سامان است، خبر از این واقعیت بلند می‌دهند که حوزه‌ی این دیار در زمانی نه چندان دور، جایگاه رفیع علم و دانش و معرفت دین را در قبضه‌ی اختیار و اقتدار خود داشته و وجود فرزنانگانی چون شیخ بهایی، علامه‌ی مجلسی، میرداماد، سید شفتی، جهانگیرخان قشقایی و دهها و صدها تن دیگر از نام‌آوران تاریخ اسلامی ایران، در این حوزه‌ی باعظمت که آراء علمی و مقامات برجسته‌ی معنوی و فرهنگی و سیاسی‌اشان، آنان را شهره‌ی آفاق ساخته است، همه و همه نشان از شکوه دیرین این نهاد بلند مرتبه‌ی دینی و فرهنگی تشیع دارد و به تعبیر زیبای ولی امر مسلمین و مقام معظم رهبری «مد ظلّه العالی» این حوزه‌ی کهن و ریشه‌دار، سلف حوزه‌ی عظیم‌الشأن قم محسوب می‌گردد.

اما این حوزه‌ی باسابقه در دهه‌های اخیر به دلیل افول ستارگان درخشان آسمان علم و به دلایل متعدد دیگری که مجال بسط آن در این فرصت کوتاه نیست به تدریج دچار رکود گردیده بود. بر این اساس مدتها بود که علماء بزرگ و فضلاء و طلاب عزیز حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان به دنبال راهکاری برای جبران و اصلاح نظام تشکیلاتی و علمی این حوزه‌ی مقدسه بودند، اما این حرکت به یک «محوریت کارآمد» و یک «مرکزیت استوار» نیازمند بود تا این که با افزایش این احساس نیاز، از بین شخصیت‌های برجسته و مردان

الهی، نظرها به سوی فقیهی وارسته و مجاهدی تلاشگر و معلمی بزرگ معطوف شد. این شخصیت کسی نبود جز آیه الله العظمی مظاهری.

علماء بزرگ و فضلاء ارجمند حوزه علمیه اصفهان پیش از آن تاریخ، بارها از محضر آیه الله العظمی مظاهری خواسته بودند که ایشان از قم هجرت کرده و در اصفهان رحل اقامت افکنند اما آن بزرگوار به دلایل مختلف از پذیرش این درخواست امتناع می کردند تا آن که پس از رحلت مرحوم حضرت آیه الله آقای حاج شیخ حسن صافی اصفهانی «قدس سره»، اساطین و علماء بزرگ حوزه علمیه اصفهان، در آبان ماه سال ۱۳۷۴، طی نامه‌ی بسیار مهمی که یکی از اسناد افتخار تاریخ شکوهمند حوزه علمیه اصفهان است، به حضور ولی امر مسلمین و رهبر معظم انقلاب اسلامی «مد ظله العالی»، با اشاره به مشکلات روزافزون این حوزه مقدسه، چنین مرقوم داشتند: «... با توجه به استنباط از فحای کلام حضرت تعالی نسبت به فاضل معاصر، معلم اخلاق، فقیه متبحر و اصولی کارآمد، مجتهد عالم به زمان و مکان حضرت آیه الله مظاهری دامت برکاته که یکی از برجستگان درس مرحوم امام خمینی «رحمة الله علیه» بوده‌اند، حوزه علمیه اصفهان آمادگی خود را جهت استقبال شایان از ایشان اعلام می نماید...».

در فاصله‌ای که نامه‌ی اساتید و علماء حوزه علمیه اصفهان به محضر مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» تقدیم شد و پاسخ معظم له، تلاشهای گسترده‌ای برای جلب رضایت آیه الله العظمی مظاهری در جهت اجابت این درخواست از سوی حوزویان و دیگر اقشار مختلف صورت پذیرفت.

بالاخره، آیه الله العظمی مظاهری با توجه به اهمیت شایان عنایت درخواست علماء بزرگ حوزه علمیه اصفهان و نیز استقبال و علاقمندی بسیار زیاد همراه با تواضع و صفای باطن مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» در این زمینه، متقاعد شده و با نشان دادن مراتب تبعیت عملی خود از ولایت فقیه، و آماده شدن برای هجرت به حوزه علمیه اصفهان پس از متجاوز از چهل سال تحقیق و تتبع و دانش‌اندوزی و تدریس، یکی از زیباترین صحنه‌های تاریخی التزام عالمان دین به اعتقادات علمی خود را به منصفی ظهور و بروز درآوردند.

پس از آن رهبر معظم انقلاب اسلامی در تاریخ ۹ آذر ۱۳۷۴ طی پیام بسیار مهمی خطاب به آیه الله العظمی مظاهری، با یادآوری سابقه‌ی باعظمت حوزه علمیه اصفهان نقش علماء اعلام آن در انقلاب اسلامی که مظهر اطاعت از امام راحل عظیم‌الشأن بوده است، چنین فرمودند: «بحمدالله و المنة خود آن جناب نیز از حسنات اصفهان و هدیه‌ای ارزشمند از آن شهر فضیلت پرور به حوزه والامقام قم و به طلاب و جویندگان علم و معرفت و اخلاق می‌باشید، و سال‌های متمادی پس از آنکه حظ عظیمی از آن سرچشمه‌ی جوشان فقه و علم و معرفت به دست آورده‌اید، خود در مسند استادی فقه و اخلاق، جمع کثیری از فضلاء و مستعدان را از فیوضات بهره‌مند ساخته‌اید. اینک اصفهان، حوزه علمیه و مردم آن، جنابعالی را به اصفهان فرامی‌خوانند، قاطبه‌ی علمای محترم و عزیز اصفهان که در میان آنان شخصیت‌های برجسته‌ی علمی و دینی نیز حضور دارند و همواره مایه‌ی اعتلای حوزه علمیه اصفهان بوده‌اند، در نامه‌ای این را از اینجانب درخواست کرده و شوق خود و مردم را منعکس ساخته‌اند. لذا اینجانب مقتضی می‌دانم که جنابعالی به اصفهان نقل مکان فرموده و پایگاه رفیعی از درس و تعلیم و تحقیق بنا نهید و تربیت طلاب و فضلاء و ارشاد و هدایت عموم مردم و پاسخ‌گویی به مراجعات دینی و شرعی آنان را وجهی همت سازید. بی‌شک مردم مؤمن و فرهنگ دوست و هوشمند استان و شهر اصفهان که به روحانیت معظم عشق می‌ورزند، مقدم جنابعالی را گرامی می‌دارند، و با قدردانی از برکات وجود شریف بهره‌ای وافر از حضور علمی و اخلاقی و اجتماعی و فرهنگی آن جناب خواهند برد. ان شاء الله».

پیام عدیم‌الظنیر ولی امر مسلمین و مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» و تجلیل معظم له از مرتبت بلند مردم مجاهد و غیور و مؤمن اصفهان و نیز تمجید از مقام شامخ آیه الله العظمی مظاهری با آن عبارات زیبا و دلنشین، همگان را به تحسین و شگفتی واداشت. دو روز پس از صدور این پیام مهم، آیه الله العظمی مظاهری در روز یکشنبه ۷۴/۹/۱۲ مصادف با ۱۰ رجب ۱۴۱۶ میلاد پربرکت

حضرت جوادالائمه علیه السلام در میان استقبال عظیم علماء، طلاب و اقشار مختلف مردم بزرگوار اصفهان وارد این شهر شده و در این سامان رحل اقامت افکندند.

تبیین حوادث مبارک و باشکوهی که پس از ورود معظم له به اصفهان رخ داد مجالی واسع می‌طلبد. آنچه شایان گفتن است آن است که امروز پس از گذشت نزدیک به سه سال از آن هجرت مبارک، آرزوی بلند علماء و اساطین حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان در شکوفایی و بالندگی دوباره‌ی این حوزه‌ی مقدسه و همچنین آرمان ارجمند رهبر معظم انقلاب اسلامی و ولی امر مسلمین «مد ظله العالی» به مرحله‌ی بروز و ظهور رسیده است و امید است با استمرار برکات این هجرت شکوهمند، حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، سابقه‌ی عظیم الشان تاریخی خود را به دست آورد.

حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، برکات نعمت حضور:

حرکت عظیمی که با این هجرت تحت حمایت‌های مقام معظم رهبری آغاز شد، در ذات و ماهیت خود یک حرکت به تمام معنی فرهنگی بود گرچه برکات دیگری نیز از زوایای مختلف آن جاری شده است.

این حرکت شکوهمند از ابتدای آغاز در دو بعد مهم «حوزوی» و «فراحوزوی» جریان یافته و با عنایات الهی همچنان ادامه دارد: در «بعد حوزوی» سه محور اساسی «ایجاد نظم و تشکیلات منجسم مدیریتی»؛ «تقویت بنیه‌ی علمی و ارتقاء سطح آموزشی» و «ایجاد خدمات و تسهیلات رفاهی»، مورد توجه و امعان نظر ویژه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان قرار گرفته است. در این راستا به فهرستواره‌ای از برخی از اقدامات انجام شده اشاره می‌شود:

۱- تشکیل شورای طرح و برنامه حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان به منظور سیاستگذاری برنامه‌های کلان.

۲- تأسیس مرکز مدیریت حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان به منظور ایجاد نظام تشکیلاتی این حوزه.

۳- تأسیس مرکز خدمات حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان که دارای واحدهای بیمه درمانی طلاب، صندوق قرض الحسنه طلاب، دفتر پشتیبانی و رفاه مسکن طلاب، دفتر فنی و عمرانی می‌باشد.

۴- تأسیس مرکز آموزش و تحقیقات رایانه‌ای حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان.

۵- تصویب و ثبت رسمی اساسنامه‌های حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان و مرکز خدمات حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان.

۶- تأسیس مرکز آموزش‌های تخصصی حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان و ایجاد سه رشته‌ی تخصصی در گرایش‌های فقه و اصول، تفسیر، تبلیغ.

۷- پذیرش نزدیک به یک هزار نفر طلاب جدید الورد در سال‌های تحصیلی ۷۶-۷۷ و ۷۷-۷۸.

۸- استقلال امور مشمولیت طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان براساس اخذ فرمان فرماندهی معظم کل قوا.

۹- بناء درسی منظم و محققانه در بخش خارج فقه و اصول توسط شخص آیه الله العظمی مظاهری.

۱۰- برگزاری دروس جنبی حوزوی در زمینه‌های رجال، تفسیر، اعتقادات، فلسفه و...

۱۱- آغاز طرح بزرگ انبوه‌سازی مسکن سازمانی طلاب به استعداد نزدیک به ۴۰۰ واحد مسکونی.

هجرت در بعد فراحوزوی:

در «بعد فراحوزوی» نیز در سه محور «رسیدگی به امور مساجد»؛ «توجه به مراکز فرهنگی، اجتماعی، نظامی» و «ارتباط نزدیک با توده‌ی مردم و اقشار مؤمنین» فعالیت‌های مهمی صورت گرفته که گوشه‌هایی از آن بدین شرح است:

۱- تأسیس مرکز رسیدگی به امور مساجد استان اصفهان و تنظیم اساسنامه و ثبت رسمی این مرکز.

۲- ارتباط مستمر و برگزاری سلسله دروس اخلاقی توسط ریاست معظم حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان برای دانشگاہیان، قضات عالی‌رتبه و فرماندهان نیروهای نظامی و انتظامی و زنان و بانوان.

۳- برگزاری جلسات دروس اخلاق برای اقدار مؤمنین در مسجد حکیم اصفهان که پس از حضور آیه الله العظمی مظاهری در اصفهان، اینک به یک پایگاه رفیع برای اعتلاء معارف اسلام و انقلاب شکوهمند اسلامی تبدیل شده است. این همه از دولت لطف خداست:

بدون تردید وجود این همه برکات که بر این هجرت تاریخی مترتب شده است اثر عنایات لایزال الهی و الطاف حضرت ولی الله الاعظم «ارواحنا و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء» و توجهات ویژه‌ی ولی امر مسلمین و رهبر معظم انقلاب اسلامی «مدظله العالی» و همچنین مجاهدت و تلاش پیگیر زعیم عالقدر حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان «دامت برکاته» است و اگر نبود آن عنایات و الطاف و توجهات و این مجاهدتها، بدون تردید نیل به مقاصد عالی‌ای که گوشه‌هایی از آن بصورت فهرست گونه بیان شد، به هیچ روی ممکن نبود.

از خداوند منان و رحمان استمرار و استدامه‌ی این برکات را در سایه‌ی نظام بلند پایه‌ی جمهوری اسلامی طلب می‌کنیم. انه ولی النعم و التوفیق.

آذر ماه ۱۳۷۷

شعبان المعظم ۱۴۱۹

بسم الله الرحمن الرحيم

مصاحبه‌ی مجله‌ی حوزه با

مرجع عالیقدر

حضرت آیه الله العظمی مظاهری

«مد ظله العالی»

منتشر شده در:

مجله‌ی حوزه (ویژه‌ی حوزه‌های علوم دینی).

شماره‌ی ۶۸-۶۹ (خرداد، تیر، مرداد و شهریور ۷۴)

ما، مسافریم و روزهای عمر، به منزله‌ی منزلهای سفر.

در این منزلها، برای عاقبت‌اندیشان، بهره‌هاست. بهره برای فردا. فردایی که آنچه کشته شده باشد، درویده خواهد شد.

حال، برای فردا، چه کشت شود، تا به کار آید و خریدار داشته باشد، چگونه از آفات دورشان داشت، تا بمانند برای روز درو، مسأله‌ای است مهم که باید از راهیان راه معرفت و سالکان مسلک سعادت، جویا شد.

به فرمان آنان، گردن نهاد و دوره سخت اصلاح نفس و پیرایش و پرورش باطن خویش را آغاز کرد، تا به مرحله‌ای رسید که بتوان از منزلها بهره برد و آن بذر که افشاند می‌شود حاصلی نیکو دهد و در روز واپسین، درخور عرضه به پیشگاه حق باشد. برای این مهم، به محضر معلم اخلاق، فقیه بزرگوار، حضرت آیه الله حاج شیخ حسین مظاهری، که از محضر معلمان بزرگ اخلاق بهره برده و الگوهای نیک در این سیر روحانی داشته و خود در این راه ریاضتها کشیده، شرفیاب شدیم، تا برای گذر از این راه پرخطر راهنمایی بخواهیم و از نفس گرمش، گرما بگیریم.

امید آن که آنچه از این مجلس روحانی برگرفته‌ایم و اینک تقدیم می‌داریم، همگان، بویژه علاقه‌مندان به سیر سلوک را مفید افتد. حوزه: با تشکر از حضرت عالی که مصاحبه‌ی با مجله‌ی حوزه را پذیرفتید، لطفاً، در ابتدا، شمه‌ای از زندگی تحصیلی و علمی خود را بیان بفرمایید.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

رب اشرح لی صدری و یسرلی امری و احلل عقده من لسانی یفقهوا قولی.

خدا را شکر می‌کنم که توانستم خدمت شما عزیزان باشم. امیدوارم که آنچه می‌گویم، برای خود و شما و خوانندگان، مفید باشد. البته، تمایل قلبی من این است که در این مصاحبه، از مطالب کلی صحبت کنم؛ اما از باب «فاما بنعمه ربك فحدث» و به لحاظ انتقال تجربیات دیرینه به نسل حاضر و طلاب جوان و از باب این که یادی و ذکری از اساتید و بزرگان و حقداران خود کرده باشم و نیز در جهت اجابت درخواست مجله‌ی وزین حوزه، عرض می‌کنم:

در سال ۱۳۱۲ شمسی در خانواده‌ای وارسته و مذهبی متولد شده‌ام. پس از گذراندن تحصیلات غیر حوزوی، در سال ۱۳۲۶ شمسی، برای تحصیل علوم دینی، وارد حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان شدم.

حوزه‌ی اصفهان، چنان که می‌دانید، سابقه‌ی کهن و درخشانی دارد و حیف که آن سابقه‌ی ارجمند با این لاحقہ فعلی، هماهنگ نیست. در سال ۱۳۲۶، وضع حوزه‌ی علمیه اصفهان، گرچه همانند صد سال پیش نبود، ولی با وضع فعلی هم، تفاوت جدی داشت. تقریباً، از لحاظ درس و بحث، حوزه‌ی گرمی بود.

من، در مدرسه مسجد سید اصفهان، که مقبره مرحوم حجه الاسلام علی الاطلاق، یعنی سید شفتی هم در آن جاست و مسجد، منتسب به ایشان است، حجره گرفتم و مشغول تحصیل شدم.

ادبیات را خدمت دو ادیب بزرگوار، مرحوم حاج آقا جمال خوانساری و حاج آقا احمد مقدس، فرا گرفتم.

سطح را خدمت حضرات آیات: خادمی، فیاض، و طیب و ادیب خواندم.

منظومه‌ی حاجی سبزواری را در محضر مرحوم آیت الله مفید، خواندم.

این اساتید، مردان بزرگی بودند و حق بسیاری هم بر ذمه من دارند. خداوند، همه آنان را غریق رحمت خود فرماید.

در سال ۱۳۳۱ شمسی به قم آمدم. مقداری از کتاب شریف مکاسب و کتاب ارزشمند کفایه را نزد مرحوم آیت الله حاج شیخ عبد الجواد جبل عاملی، مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی و مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری تدریس کردم و بعد، بیش از هشت سال در خدمت حضرت آیت الله العظمی بروجردی و بیش از ده سال، در خدمت حضرت امام و بیش از دوازده سال در خدمت آیت الله العظمی مرحوم داماد، خارج فقه و اصول را استفاده کردم.

اسفار ملاصدرا و شفای بوعلی را هم از محضر استاد بزرگوار، علامه طباطبایی فرا گرفتم.

از آغاز تحصیل، مقید بودم، تدریس هم داشته باشم. به یاد دارم که سیوطی می‌خواندم، صمدیه را تدریس می‌کردم از این روی، در اصفهان که بودم، ادبیات تدریس می‌کردم. به حوزه‌ی علمیه‌ی قم که وارد شدم، تدریس سطح را شروع کردم اکنون هم، قریب به بیست سال است که به تدریس خارج فقه و اصول، مشغول هستم.

منظومه، نه‌ایه و قسمتهایی از اسفار را نیز، چندین مرتبه تدریس کرده‌ام.

و توصیه‌ام هم به طلاب این است که تا می‌توانند تدریس را فراموش نکنند. تدریس، افزون بر این که ادای زکات علم است، باعث تقویت پایه‌های علمی نیز هست.

حوزه: اگر خاطره‌ای از اساتید خود دارید، بفرمایید، بویژه از مرحوم آیه الله مفید که قدری ناشناخته‌اند.

-: دوران تحصیل، آن هم در محضر این بزرگان، همه‌اش خاطره است. ولی گفتید از مرحوم آیه الله مفید بگویم، چند جمله‌ای راجع به ایشان، عرض می‌کنم:

مرحوم آیت الله مفید، از فقها و فلاسفه‌ی اصفهان بود. انسان فوق‌العاده وارسته‌ای بود، شاگرد دوست و شاگرد پرور بود. افزون بر فلسفه، خارج فقه و اصول نیز، تدریس می‌کرد.

ایشان، در بیدآباد اصفهان منزل داشتند، ما نیز همسایه‌ی ایشان بودیم. از آن جا، تا مدرسه‌ی صدر اصفهان، مسافت زیادی، راه بود، هر روز در خدمت ایشان، پیاده می‌آمدیم تا مدرسه، این، توفیقی بود برای من که بیشتر از محضر آن بزرگوار، بهره ببرم. بارها از بی‌اعتباری دنیا برایم سخن می‌گفت. نسبت به اهتمام به درس، بسیار سفارش می‌فرمود.

می‌فرمود:

«طلبه، اگر نامش در دفتر امام زمان، ثبت شود، هم دنیا دارد و هم آخرت.

طلبه، نباید از مشکلات هراسی به دل راه بدهد. با مشکلات باید دست و پنجه نرم کند، تا به جایی برسد».

گاه، این روایت مشهور را برایم می‌خواند:

أوحى الله تعالى الى داود (ع) يا داود انى وضعت خمسة فى خمسة، و الناس يطلبونها فى خمسة غيرها فلا يجدونها: وضعت العلم فى الجوع و الجهد و هم يطلبونه فى الشبع و الراحة فلا يجدونه،...

بحار، ج ۴۵۳/۷۸

خداوند به داوود (ع) وحی کرد ای داوود من پنج چیز را در پنج چیز نهادم مردم آن را در غیر آن پنج چیز می‌جویند و نخواهند یافت: علم را در گرسنگی و تلاش نهادم آنان آن را در سیری و راحتی می‌جویند نخواهند یافت... می‌فرمود:

«من، در ایام تحصیل، مشکلات فراوان دیده‌ام. بسیاری از اوقات، لباس، به قدر نیاز نداشتم. بارها، با دست خالی به منزل رفته‌ام، ولی به لطف الهی همه را پشت سر گذاشتم و همسرم، با فداکاری این وضعیت را تحمل می‌کرد و مرا نگران نمی‌ساخت».

ایشان، مقید بود، از سهم مبارک امام، استفاده نبرد، از این روی، به همان اندازه‌ای که خویشان و بستگان وی، به ایشان هدیه می‌کردند اکتفا می‌کرد. دنیای ایشان، ختم به خیر شد و آخرت ایشان هم معلوم است. آن بزرگوار، در سال ۱۳۸۲ ه. ق رحلت کرد و در قبرستان شریف تخت فولاد اصفهان، در بقعه‌ی مرحوم آقا محمد بیدآبادی «قده» دفن شد.

چنین انسانهایی بی‌قین، مصداق این آیه شریفه‌اند:

«يا ايها النفس المطمئنة ارجعي الى ربك راضية مرضية فادخلي فى عبادى و ادخلي جنتي».

ای روح آرامش یافته، خشنود و پسندیده به سوی پروردگارت بازگرد و در زمره‌ی بندگان من داخل شو. و به بهشت من در آی. حوزه: هر یک از اساتید، شیوه‌ای خاص در تدریس دارند، لطفاً بفرمایید اساتید شما چه شیوه‌هایی داشتند و مزایای هر کدام، در چه بود.

عرض کردم از جمله اساتید ما، حضرت آیت الله العظمی بروجردی بود. شیوه‌ی ایشان، شیوه‌ی مجتهد پرور بود. ایشان در تدریس فقه، به چند نکته اهمیت می‌دادند:

۱. بیان تاریخ تشریحی یک مسأله و ذکر اجمالی تطورات آن، از آغاز، تا پایان، در ادوار فقه شیعی و سنی.

این مطلب، نگاه فقیه را به مسأله، باز می‌کند و می‌تواند تغییرات صورت گرفته در یک مسأله و علل آن را بفهمد.

۲. اهمیت به اقوال قدماء. ایشان، معتقد بودند که فقه ما، مسائل متفرقه‌ای دارد که فقها، به متون فقه، افزوده‌اند و مسائلی هم دارد که از معصومین اخذ شده و تعبیر خودشان: «اصول متلقاة» است. ایشان این دو دسته را در بحثها از هم، جدا می‌کرد و برای متون قدماء به لحاظ نزدیکی به زمان معصومین (که ویژگی مهمی بود)، اصالت خاصی قائل می‌شد خصوصاً به اقوال مرحوم شیخ الطائفه، اهمیت زیادی می‌داد و از آن فقیه بزرگوار، با احترام خاصی یاد می‌فرمود.

۳. در جمع بین روایات، بسیار محققانه عمل می‌کرد و بحق، فقیه ممتاز، زبردست و عالی قدری بود.

۴. اگر چه، همیشه در درس می‌فرمود: «احتیاط، در ترک احتیاط است»، اما در مقام فتوا، جرأت بی‌جهت و بی‌دلیل نداشت و به

لحاظ مقام عملی و تقدس خاصی که داشت جانب احتیاط را از دست نمی‌داد.

اما شیوه‌ی درس امام خمینی: امتیاز درسی ایشان در چند چیز بود که به عرض می‌رسانم:

۱. فهم عرفی. این امتیاز را از استاد بزرگوارش، مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری گرفته بود. اهمیت این امتیاز در استنباط و اجتهاد برای اهل فن روشن است، مخصوصاً در مورد کسی مثل حضرت امام که یک فیلسوف و حکیم متأله بودند.

۲. بیان شیوا و سلیس، روان و گویا، که در میان همه‌ی مدرسین آن زمان، بی‌نظیر و ممتاز بود.

۳. شاگرد پروری: آن بزرگوار، به شاگرد، میدان بحث و ارائه‌ی نظر می‌داد. شاگرد را تشویق می‌کرد.

این خصوصیت، خصوصیت کوچکی نیست. بزرگان ما، اگر در درسهایشان میدانی برای ارائه نظرات خود نمی‌داشتند، چگونه رشد می‌کردند؟

۴. ایشان، از سر تحقیق، تابع دلیل بود. از این روی، از بیان قولی که احتمالاً خلاف مشهور باشد، در صورتی که مستندش به نظر ایشان قوی باشد، باکی نداشت.

۵. به اقوال شیخ انصاری اهمیت بسیار می‌داد و برای نظرات آن فقیه عالی مقام، احترام خاصی قائل می‌شد.

خلاصه، چه درس فقه ایشان و چه درس اصول ایشان، درس ارزشمند و ممتعی بود. خداوند، درجات این مرد عالی مقدار را متعالی کند.

اما شیوه درس آیه الله العظمی داماد:

۱. مرحوم آقای داماد، حقیقتاً، محقق بود و برای تدریس، زحمت بسیاری می‌کشید، مکرر از ایشان شنیدم که فرمود: «من، دیشب برای این بحث، هفت ساعت، هشت ساعت، زحمت کشیدم».

۲. موشکافیهای عالمانه‌ای در بحث‌های ایشان وجود داشت. نظریات خود را با دقت‌های ظریفی از روایات، استخراج می‌کرد.

اگر چه درس ایشان، به شلوغی برخی از درسهای دیگر نبود، ولی حقا درس ارزشمند و قابل استفاده‌ای بود.

حق ایشان بر گردن من و حق دیگر اساتید، جز با لطف خداوند، ادا نمی‌شود.

حوزه: از فعالیتهای سیاسی و اجتماعی خود بفرماید.

-: از الطاف الهی نسبت به بنده این بود که از همان آغاز ورود به قم، در محضر حضرت امام بودم. ایشان، ما را به شاگردی پذیرفتند. بودن ما در خدمت حضرت امام، خواه ناخواه ما را در مسیر حرکت سیاسی-انقلابی امام قرار می‌داد.

بنده و جمعی از دوستان، از همان سال ۴۱، ۴۰ در خدمت این انقلاب بوده‌ایم و تاکنون هم، به لطف الهی توانسته‌ایم به اندازه وضع خود، از این انقلاب و نظام حمایت کنیم.

این را از امام عزیزمان آموخته‌ایم: «خدمت به این نظام، واجب عینی است».

تذکر این نکته را لازم می‌دانم: همان طوری که امام بزرگوار، فرمودند: حفظ این نعمت و امانت الهی از اصل به دست آوردن آن، بسیار مشکل تر است. از این روی، باید با نهایت دقت، و احتیاط، از این نظام ارزشمند حفاظت کرد هر کسی به اندازه‌ی وظیفه خود

و به اندازه‌ی وسع خود، باید در خدمت انقلاب و آرمانهای اسلامی آن قرار گیرد و سپاسگزار و قدردان این نعمت بزرگ باشد.

حوزه: شکر خدا حضرت عالی در کسب دانش دین موفق بوده‌اید، لطفا عوامل موفقیت خود را بیان کنید.

-: اگر لطف خداوند متعال و توجهات صاحب حوزه‌ی علمیه نبود، هیچ کس توفیقی نمی‌داشت. اگر ما هم توفیقی کسب کرده‌ایم، به لطف خدا بوده است.

در عین حال، من سعی کرده‌ام که اموری را در درس و تحصیل رعایت کنم که آن هم اگر انجام پذیرفته، به لطف خداوند متعال و عنایت اهل بیت، علیهم‌السلام، بوده است. از جمله آن امور:

۱. انتخاب اساتید خوب که نام آن بزرگان را بردم. استاد، نقش تعیین کننده‌ای در سرنوشت انسان دارد، مرحوم علامه طباطبایی، از استادشان مرحوم حضرت آقای قاضی، نقل می‌فرمودند که: «اگر نصف عمر در طلب استاد بگذرد جا دارد».

۲. انتخاب هم مباحثه‌ی خوب.

۳. سعی کرده‌ام که امور دنیوی، مانع تحصیل نشود. از این روی، به لطف خدا و اعتقادی که به این راه داشته‌ام، روزانه، بیش از ده دوازده ساعت، مشغول تحصیل بوده‌ام.

۴. نظم.

استاد بزرگوار ما، حضرت امام، افزون بر این که خود منظم بود، از این که شاگردی بی‌نظم به درس حاضر می‌شد، به شدت ناراحت می‌گردید و می‌فرمود:

«من نمی‌گویم به درس من بیایید، ولی اگر می‌خواهید بیایید، منظم بیایید.»

نظم، بسیار خوب است، به عمر انسان، برکت می‌دهد. یک طلبه بانظم، بازدهی‌اش، چند برابر طلبه بی‌نظم است.

۵. خوب خواندن. این که بعضی از طلبه‌ها ده سال، بیست سال درس خارج می‌روند، ولی به جایی نمی‌رسند، به خاطر این است که دروس پایه را خوب و دقیق، نخوانده‌اند، بویژه ادبیات. طلبه، باید ادیب باشد. به این معنی که وقتی عبارت عربی را می‌بیند، ناخودآگاه، آن را صحیح بخواند. همچنین سطح را باید خوب بخواند.

حوزه: آیا در مسائل اخلاقی، استاد خاصی داشته‌اید.

-: استاد خاص به معنای مصطلح، خیر موافق آن هم نیستم. زیرا،

اولاً استاد خصوصی، خیلی کم است، مخصوصاً در حوزه‌ی فعلی ما، که حدود سی هزار طلبه دارد، اگر بخواهیم به نسبت این تعداد، استاد خصوصی اخلاق داشته باشیم، باید تعداد زیادی استاد اخلاق داشته باشیم که چنین چیزی در حوزه‌ی فعلی ما، ممکن نیست.

این که حضرت امام، بارها نسبت به مرحوم شاه‌آبادی، اظهار ارادت می‌کرد و از ایشان، باعظمت یاد می‌کرد، بدین خاطر بود که امام، پس از تلاشهای بسیار، موفق شده بود، استادی در اخلاق، آن گونه که می‌خواهد، بیابد.

ثانیاً، استاد خصوصی به این معنی که انسان خود را در اختیار او بگذارد و فقه و اصول و دیگر مباحث را در حاشیه‌ی کار قرار دهد، این نیز، افراط است و نادرست. به عقیده‌ی من، نه تنها سودی نخواهد داشت، که ممکن است ضرر نیز داشته باشد. علم و تزکیه باید همراه هم باشند.

افراد را سراغ دارم که با ولع بسیار مسائل اخلاقی را این گونه دنبال می‌کردند، استاد خصوصی داشتند و... ولی در نهایت، راه به جایی نبردند و منحرف شدند و با حوزه‌ی علمیه و نظام مقدس جمهوری اسلامی به معارضه برخاستند.

بنابراین، با این گونه استاد خصوصی داشتن در اخلاق، موافق نیستم و خود نیز، استاد خصوصی نداشته‌ام.

البته، از محضر حضرت امام و علامه طباطبایی، استفاده‌های اخلاقی و معنوی فراوان برده‌ام و خدا را همواره، بر این جهت شاکرم که در زمانی وارد حوزه‌ی قم شدم که دو استاد برجسته مانند امام و علامه، در آن، حضور داشتند و من توانستم در فقه، اصول، فلسفه، عرفان و اخلاق از خدمت آن دو بزرگوار، بهره ببرم.

حوزه: لطفاً شمه‌ای از ویژگیهای اخلاقی امام خمینی را بیان فرمایید:

- حضرت امام مجسمه‌ی اخلاق اسلامی بود و حقیقتاً باید گفت که جنبه‌ی سیاسی ایشان بعد از نهضت، جنبه‌های دیگر آن مرد بزرگ، بویژه جنبه‌ی علمی و جنبه‌ی اخلاقی ایشان را تا قدری تحت‌الشعاع قرار داد.

۱. از امتیازهای بارز ایشان، احتراز از محرّمات بود. سالهای متمادی که در خدمت ایشان بودم، یک عمل مکروه از آن مرد ملاحظه

نشد، حتی اگر شبهه‌ی گناه پیش می‌آمد، حالت نگرانی از ایشان نمایان می‌شد و لذا در مقابل انجام محرمات مخصوصا از قشر طلبه عکس‌العمل شدید نشان می‌داد.

۲. ویژگی اخلاقی دیگر امام، احترام ایشان به علماء اسلام بود.

از وحید بهبهانی، آن محقق جلیل، نقل شده است:

«اگر به جایی رسیده‌ام مرهون احترامی است که برای فقهاء و علمای اسلام قائل شده‌ام».

و این خصلت در امام، همیشه جلوه‌گر بود، نه تنها به مثل شیخ طوسی و صاحب جواهر و شیخ انصاری احترام ویژه می‌نهاد و با تجلیل از آن یاد می‌کردند، بلکه درباره‌ی امثال آیه‌الله مؤسس یا آیه‌الله بروجردی نیز، بارها می‌فرمود: «در سر حد کرامت است که یک پیرمرد، به این خوبی حوزه علمیه و بلکه عالم تشیع را اداره می‌کند».

۳. از دیگر خصائص اخلاقی ایشان، تواضع بود و همان‌طور که مقام و ریاست در شخصیت رسول اکرم و ائمه طاهرین، علیهم‌السلام، نتوانست اثری بگذارد، در مورد این فرزند عالی‌مقدار آنان هم این‌گونه بود. همان تواضعی که در دوران پیش از مرجعیت داشتند، تا آخر عمر پربرکت خود حفظ فرمودند و ما می‌دیدیم که ایشان چگونه در مقابل مردم و یا جوانان بسیجی و یا خانواده‌ی معظم شهدا و فرزندان آنان و یا جانبازان، کوچکی و تواضع و خفص جناح می‌فرمودند.

۴. امتیاز اخلاقی دیگر امام، زهد آن مرد بزرگ بود. زهد، یعنی دل‌نستن به دنیا و همدل نشدن با مادیات. ساده‌زیستی امام همیشه زبانزد بود. از تشریفات و تجملات، حقیقت رنج می‌برد و همیشه دیگران و بالخصوص طلاب را به زهد و ساده‌زیستی و حفظ‌زی طلبگی نصیحت و توصیه می‌فرمود و شما دیدید که در همان دورانی که در رأس قدرت بودند، همان زندگی بی‌آلایش روحانی را حفظ فرمودند و اجازه ذره‌ای تجاوز از آن را به اطرافیان ندادند.

۵. خصیصه‌ی مهم دیگر شخصیت دادن به افراد بود. چنان‌که از رسول گرامی اسلام (ص) نقل شده است ایشان چنان با اصحاب خود رفتار می‌کردند که هر فردی گمان می‌کرد که اعز افراد نزد پیامبر اکرم (ص) است استاد بزرگوار ما در برخورد با شاگردان و بویژه در درسهای حوزوی خود، این‌گونه عمل می‌کردند و با این حرکت خود، استعداد شاگردان را شکوفا می‌کردند.

۶. ویژگی دیگر ایشان که برای خود من اعجاب‌انگیز و پند بزرگی بود، این مسأله است که در مجالس غیردرسی، وقتی فرعی از فروع علمی مطرح می‌شد و هر کس به فراخور خود مطلبی را ارائه می‌کرد، تنها اگر از ایشان اظهارنظری می‌خواستند، صحبت می‌فرمود، آن هم در حد اختصار. این روش از نظر اهل علم، جدا فضیلت بزرگی به شمار می‌آید. هینا لارباب النعیم نعیمهم.

۷. از ویژگیهای دیگر ایشان که به نظر من تناسب تام با خصائص اخلاقی ایشان دارد، درک ایشان از مقام امامت و ولایت بود؛ چرا که چنان درکی را جز به متخلقان اخلاق الهی نمی‌دهند. شما اگر به کتب عرفانی امام و شروحو که بر ادعیه و روایات مرقوم فرموده‌اند، مراجعه کنید، به خوبی درمی‌یابید که ایشان مقام امامت و ولایت کبری را یافته است، نظیر آدم تشنه‌ای که تشنگی را با سراسر وجود خود دریافته. هینا له و رزقنا الله و ایاکم. و متأسفانه حق این کتاب‌های ارزشمند و دیگر کتب ایشان در حوزه رعایت نشده است، این کتابها مورد تدریس و تدرس و مراجعه‌ی اهل تحقیق باشد.

به هر صورت مجموعه‌ی این خصائل و صفات بارز دیگر موجب شد که آن بزرگوار حاکمیت بر قلوب پیدا کند. این مطلب در قرآن شریف و روایات معصومین (ع) به صراحت وجود دارد که محبت افراد متقی در قلوب ریخته می‌شود و ابهت آنان نیز در دلها رسوخ می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید:

«ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا».

مریم، ۹۶

و امام حسن (ع) نیز در توصیه‌های پایان عمر شریف خود، به جناده بن ابی امیه می‌فرماید:

«و اذا اردت عزا بلا عشیره و هیبه بلا سلطان، فاخرج من ذل معصیه الله الی عز طاعة الله عزوجل».

بحار الانوار، ج ۱۳۹/۴۴

امام حقا مصداق این آیه و روایت بود.

حوزه: حضرت عالی از اساتید درس اخلاق در حوزه‌ی عملیه قم هستید، لطفا بفرمایید که چه عاملی سبب شد که به تدریس اخلاق پردازید.

- مسأله تهذیب نفس، موضوع مهمی است. قرآن شریف، به این مسأله، بسیار اهمیت داده است. تا آن جا که بعثت همه‌ی انبیاء و رسول گرامی اسلام و نزول قرآن را برای تحقق همین مهم می‌داند.

«هو الذی بعث فی الامیین رسولا من انفسهم یتلوا علیهم آیاته و یرزقهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین».

جمعه؛ ۲

اوست خدایی که به میان مردمی بی کتاب، پیامبری از خودشان مبعوث داشت، تا آیاتش بر آنان بخواند و کتاب و حکمتشان بیاموزد. اگر چه پیش از آن، در گمراهی آشکار بودند.

تهذیب نفس برای طلبه، از اهمیت بیشتری برخوردار است. طلبه، همان وقتی که می‌گوید:

«بدان ایدک الله تعالی فی الدارین»، باید بگوید: «هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یرزقهم...» دو بال علم و تهذیب، باید با هم باشند. اگر بال علم باشد، بدون تهذیب، افزون بر این که علم، برای شخص، حجاب اکبر می‌شود، وزر و بالش نیز، دامنگیر افراد جامعه می‌شود.

امام خمینی، رضوان الله علیه، به مسأله تهذیب نفس، بسیار اهمیت می‌داد. هم خود مرد عمل بود و هم دیگران را، بویژه طلاب علوم دینی را هشدار می‌داد. حتی در آخرین سخن به جای مانده از ایشان؛ یعنی در وصیت نامه سیاسی-الهی مرقوم فرموده است:

«از بالا-ترین و والا-ترین حوزه‌هایی که لازم است به طور همگانی مورد تعلیم و تعلم قرار گیرد. علوم معنوی اسلامی، از قبیل علم اخلاق و تهذیب نفس و سیر و سلوک الی الله، رزقنا الله و ایاکم، که جهاد اکبر می‌باشد».

امام، در عین این که به فراگیری فقه جواهری و تمسک به روش سنتی تاکید می‌ورزید، تهذیب اخلاق و تزکیه نفس را هم سفارش می‌فرمود.

بنده، پیش از آن که به حوزه بیایم، به مسائل اخلاقی و مجالس موعظه، علاقه‌مند بودم. یادم هست بچه بودم در ایام محرم، در مجالس روضه می‌نشستم و از منبرهای اخلاقی و مفید، بهره می‌بردم.

پس از طلبگی، این ذوق نسبت به مسائل اخلاقی، در من تشدید شد.

حضرت امام، روزهای شروع درس و پایان درس، مطالب اخلاقی می‌فرمود. این روزها، برای من، شادی آفرین بود. خیلی به وجد می‌آمدم.

اما این که چه شد درس اخلاق شروع کردم؟ پس از تبعید حضرت امام به ترکیه، گروهی از آقایان طلاب، به بنده اصرار کردند که درس اخلاق شروع کنم. من نپذیرفتم، زیرا خود را شایسته آن نمی‌دانستم.

تا این که یک روز، برای خواندن نماز ظهر به مدرسه فیضیه رفته بودم، آقای آمد استخاره‌ای خواست. استخاره گرفتم، خیلی خوب آمد. فردای آن روز، که روز پنج شنبه بود، تعدادی از طلاب آمدند که اعلامیه‌ای پخش شده که شما شب جمعه، درس اخلاق می‌گویید! معلوم شد، آن استخاره روز گذشته، برای همین بوده است. گفتند: ما هر چه اصرار کردیم، شما نپذیرفتید، استخاره کردیم، خوب آمد، اعلامیه را پخش کردیم.

دیدم، در مقابل عمل انجام شده قرار گرفته‌ام. ناچار شب آمدم فیضیه، در مدرس زیر کتابخانه، که محل درس اعلام کرده بودند، درس اخلاق را شروع کردم. مدتی درس ادامه یافت. جمعیت زیادی شرکت می‌کردند و استقبال، خیلی خوب بود. تا این که ساواک، ما را از مدرسه‌ی فیضیه بیرون کرد. به مدرسه‌ی حجتیه رفتیم، از آن جا هم ما را بیرون کردند. حسینیه اراک رفتیم. چون افراد شرکت کننده زیاد بودند، بسیاری از افراد، بیرون حسینیه، در کوچه می‌ایستادند و راه مردم مسدود می‌شد، تصمیم گرفتیم به جای وسیع‌تری درس را انتقال دهیم. تا این که پس از تلاش بسیار برخی از طلاب، توانستیم به مسجد اعظم برویم.

پس از انقلاب هم، این درس ادامه یافت و بحمد الله جمعیت خوبی شرکت می‌کرد. یک وقتی، یکی از علمای بزرگ می‌فرماید:

«به امام عرض کردم، فلانی درس اخلاق می‌گوید. جمعیت زیادی شرکت می‌کند.

امام، آن قدر خوشحال شد که سه مرتبه فرمود: الحمد لله رب العالمین».

این، نشان‌دهنده‌ی اهتمام ایشان، به علم اخلاق است و لزوم برگزاری جلسات درس اخلاق.

بنابراین، درس اخلاق من، خود به خود پیش آمد و تمایل ذاتی و ذوق اخلاقی من هم، کمک کار شد، که بتوانم آن را ادامه دهم. به لطف الهی، تلاش فراوان کرده‌ام که این درسها برای خود و شنوندگان، مفید باشد. البته درس اخلاق، درس انسان‌سازی است و کاری بسیار مشکل. به تعبیر حضرت امام که می‌فرمود:

«می‌گویند: ملا شدن چه آسان، آدم شدن، چه مشکل، اما شیخ ما می‌فرمود: ملا شدن چه مشکل، آدم شدن، محال است». واقعیت هم، همین است. کار بسیار طاقت‌فرسایی است.

حوزه: حضرت عالی وضع کنونی اخلاق و دیگر علوم را در حوزه‌ها، چگونه می‌بینید.

- در حال حاضر، حوزه را، نه تنها از نظر اخلاق، که از نظر توجه به فقه و اصول نیز آن چنان که شایسته است، در مخاطره می‌بینم. گر چه می‌دانم، با لطف خداوند و تلاش مدرسان و طلاب، آسیمی به آن نخواهد رسید.

فراموش نمی‌کنم راجع به تشکیل شورای مدیریت، با چند نفر از بزرگان، رفته بودیم خدمت حضرت امام.

بنده به ایشان عرض کردم: آقا! حوزه را از نظر علمی در مخاطره می‌بینیم.

ایشان، با خونسردی فرمود:

«غم این که حوزه در مخاطره است، نخورید. در زمان رضا شاه، وضع به قدری بد بود که طلبه‌ها، روزها می‌رفتند بیرون از حوزه و

به باغهای اطراف شهر پناه می‌بردند و شب به حوزه برمی‌گشتند. در عین حال، حوزه حفظ شد و از خطر، نجات یافت». بعد راجع به

تشکیلات مدیریت فرمود:

«فکر کنید که چه باید کرد. اگر چیزی به من مربوط شد، اقدام می‌کنم».

به بنده فرمود:

«برو خدمت آقای گلپایگانی، از ایشان نظر خواهی بکن».

شب، با آیه الله مصباح یزدی، خدمت آیه الله العظمی گلپایگانی رفتیم. در محضر ایشان هم، من از وضعیت علمی حوزه، اظهار

نگرانی کردم. از قضا، ایشان هم فرمود:

«نگران نباشید، حوزه صاحب دارد».

ایشان هم مانند امام، به سختی‌ها و رنج‌های دوران رضا شاه اشاره کرد.

این که بنده عرض می‌کنم، حوزه در مخاطره است، نه این که آسیب‌پذیر باشد. بنده، با توجه به انتظارات فراوانی که امروز هست،

عرض می‌کنم: توجه به اخلاق و فقه و اصول، کم رنگ شده است و گرنه کارهای جنبی که اکنون در حوزه برای حفظ نظام و

عالم تشیع می‌شود، بسیار است. امروز، در حوزه‌های علمیه، کارهای مفید فراوانی انجام می‌شود که جای تشکر آن باقی است. ولی توصیه حضرت امام، به تهذیب و اخلاق و تأکید ایشان بر فقه و اصول را نباید از یاد ببریم لذا توصیه می‌کنم به طلاب عزیز که به اخلاق، اهمیت بدهند. فقه و اصول را جدی بگیرند. فقه، فقه جواهری و اصول هم، اصول سنتی. مقصودم از اصول سنتی، اصول، به روش بزرگان و اساتید گذشته است، نه فرو رفتن در مسائل اصول و مطرح کردن نظریه‌ای و اقوال گوناگون را درباره‌ی آن نقل کردن و به نقد و بررسی گذاردن و آن گاه، نظریه‌ای را پذیرفتن و چندین روز برای آن استدلال آوردن و...

مقصودم از اهمیت دادن به اصول، این نیست، هر چند، کار علمی است. ولی بزرگان ما، مرحوم حضرات آیات: حکیم، بروجردی، حائری، داماد، امام و... یک دوره اصول را پنج - شش سال به پایان می‌رساندند، بدون این که مطلبی را کم بگذارند و به مباحث لازم و ضروری توجه کنند.

امام بزرگوار، از این جهت بسیار خوب عمل می‌کردند. بعضی از این مباحث، نظیر بحث طلب و اراده، بحث‌های مهم و ارزشمندی هستند، اما در جای خود. اینها به علم اصول ربطی ندارند.

به قول مرحوم آیه الله العظمی بروجردی:

«اصول ما، به واسطه‌ی همین زوائد، آماس شد و باید برای زوائد آن، فکر اساسی بشود.»

امام، در بحث خارج اصول خود، وقتی به بحث انسداد رسیدند، فرمودند:

«ما چون حجیت خبر واحد را اثبات کردیم، احتیاجی به این بحث نداریم.»

در تقریراتی که از اصول ایشان نوشته‌ام، در جمادی الاولی ۱۳۷۴، این مطلب را این گونه تقریر کرده‌ام:

«هذا، تمام الکلام فی حجیة الخبر الواحد و حیث اثبتناه فدلیل الانسداد باطل بداهة اذ فی مقدماته عدم الدلیل، و الخبر الواحد، دلیل واف بمعظم الفقه، بل بتمامه مع ضم الاجماع و المشهورات و حیث ان العمر قصیر و لکل شی آفات و البحث عن دلیل الانسداد تطویل بلا طائل، بل یمکن ان یقال، ان بحثه لا یخلو عن الاشکال، فالاعرض عنه أحسن، بل واجب.»

نظر همین مطلب را در حواشی بر کفایه، که اخیرا از ایشان منتشر شده، آورده‌اند.

(انوار الهدایة، ج ۳۱۷/۱).

بنابراین، به جای چندین سال معطل ماندن در اصول و طرح مباحث صرفا علمی، به قرآن و دیگر معارف اسلامی بالاخص علم اخلاق پردازیم. امروز، نیاز فراوان به این گونه بحثهاست. حوزه، چشم و چراغ تشیع و جهان اسلام است.

من دو سال پیش، در جواب درخواستی از مدیریت حوزه‌ی علمیه‌ی قم، چهل و پنج موضوع لازم به بحث را معرفی کردم و گفتم روی این موضوعات، که بعضی فقهی و بعضی اصولی و بعضی اقتصادی بود، کار تفصیلی که نیاز امروز مردم و حکومت اسلامی را برآورده کند، نشده و این، وظیفه‌ی حوزه‌هاست که به این امور لازم پردازند.

حوزه: اگر ممکن است، فهرست آن موضوعات را برای استفاده خوانندگان مجله بفرمایید.

- موضوعات، چنانکه گفتم، در سه بخش: فقهی، اصولی و اقتصادی بود، بدین شرح:

فقهی:

۱. بررسی تحلیلی «تغییرات» و اختیارات دولت اسلامی در این رابطه.

۲. نگرش فقهی به مسأله «حفظ و سلامت محیط زیست».

۳. بررسی فقهی مسأله «کنترل جمعیت و موالید» و حدود و اختیارات دولت اسلامی.

۴. حدود اختیارات ولی فقیه.

۵. بررسی تحلیلی «قوانین مدنی» - عام و خاص - در فقه اسلامی.

۶. بررسی مسائل مستحدثه حج.
 ۷. بررسی مسائل مستحدثه‌ی قضا.
 ۸. بررسی تحلیلی آراء و انظار امام خمینی و سیر تحولات این دیدگاهها. (به عنوان اولین ولی فقیه که موفق به تشکیل حکومت اسلامی شدند).
 ۹. هنرهای تجسمی: مجسمه‌سازی، معماری و...
 ۱۰. هنرهای تصویری: فیلم، عکس و...
 ۱۱. بررسی فقهی مسأله «حجاب». (با عنایت به ضرورت احیای چادر که از ارزشهای اسلامی و ملی در کشور ماست).
 ۱۲. بررسی فقهی معضلات و تنگناهای پزشکی: پیوند اعضاء خرید و فروش اعضاء و خون، تلقیح مصنوعی، جلوگیری از بارداری و...
 ۱۳. فقه سیاست و روابط خارجی دولت اسلامی.
 ۱۴. فقه دفاع و امور نظامی.
 ۱۵. بررسی تحلیلی «موسیقی و غنا». (با عنایت به آراء سهل‌انگارانه‌ایکه بعضا در این باب ارائه می‌شود).
موضوعات اقتصادی:
 ۱. بررسی معاملات ارزی.
 ۲. بررسی و تحلیل بورس اوراق بهادار.
 ۳. کنترل و نظارت بر قیمتها و حدود اختیارات نظام اسلامی.
 ۴. بررسی مالیات و خودیاری‌ها و اختیارات نظام اسلامی.
 ۵. تحلیل محدوده‌ی نظام مالکیت فردی و حل تعارضات آن با مالکیت دولت.
 ۶. بررسی معضلات و اشکالات وارده بر بانکداری اسلامی.
 ۷. نگرش فقهی به مسأله زمین.
 ۸. تجارت خارجی و جایگاه آن در فقه اسلامی.
 ۹. بررسی انفال و ثروت‌های عمومی ملی و شئون و اختیارات دولت اسلامی در رابطه با آن.
 ۱۰. بازننگری فقهی باب مزارعه.
 ۱۱. بازننگری فقهی باب مضاربه.
 ۱۲. بازننگری فقهی باب اجاره.
 ۱۳. بازننگری فقهی باب رهن.
 ۱۴. قواعد اصولی و کلی در باب معاملات.
 ۱۵. بررسی روابط کارگر و کارفرما.
- موضوعات اصولی:
۱. تکلیف مدرکات حقیقی و اعتباری «حقایق و اعتباریات» در علم اصول و تأثیرات بازشناسی این دو در شیوه استنباط فقهی.
 ۲. جایگاه «عرف» در علم اصول و ارزش آن در دستیابی به قوانین فقهی.
 ۳. تنقیح مناط و محدوده‌ی ارزشی آن در فقه.
 ۴. بررسی تحلیلی عناصر مکان و زمان در اجتهاد.

۵. کاربرد و تأثیرات فلسفه در علم اصول.
 ۶. کاربرد و تأثیرات منطقی در علم اصول.
 ۷. کاربرد و تأثیرات نحو در علم اصول.
 ۸. بررسی تحلیلی سیره‌ی مسلمانان و محدوده‌ی ارزشی آن در استنباط فقهی.
 ۹. تفکیک اوامر ولایی و تبلیغی معصومین و تأثیرات بازشناسی این دو در شیوه‌ی استنباط فقهی.
 ۱۰. نگرش روش‌شناسانه «حجیت ظهور» و بررسی شیوه‌های استظهار و ارزش این شیوه‌ها در استنباط.
 ۱۱. سیر تاریخی علم اصول و بررسی بالندگی و رکود آن در بستر تاریخ.
 ۱۲. بررسی و شناخت مذاق شریعت و روح فقه و محدوده‌ی ارزشی آن در استنباط فقهی. (روح فقه، عبارت است از نظریه‌های عملی و اصولی که ساختار زیربنایی قوانین فقهی را شکل می‌دهد و به تعبیر دیگر زیربناهای فقهی، که منشاء احکام فقهی می‌شود و فقیه در موارد سکوت ادله، یا تناقض و یا ابهام و تنافی آن، به آنها استناد می‌کند).
 ۱۳. جایگاه بنای عقلاء و ارزش آن، در دستیابی به قوانین فقهی.
 ۱۴. میزان کاربرد عملی علم اصول در فقه (این که در کتابهای فقهی، حقیقتاً، به چه میزان از علم اصول بهره‌برداری می‌شود).
 ۱۵. تفکیک و تعیین مباحث کم‌فایده و بی‌ثمر در علم اصول.
- حوزه: در جهت اصلاح وضعیت اخلاقی حوزه، چه پیشنهادی دارید.
- پیشنهادی به مدرسان و گردانندگان حوزه دارم و توصیه‌ای به طلاب عزیز.
- پیشنهادم این است که درس اخلاق را در حوزه زیاد کنند. یکی از بزرگان می‌گفت:
- «در زمان مرحوم آقا سید عبدالهادی شیرازی در حوزه‌ی نجف، سی درس اخلاق بود.» در حوزه ما، حداقل، اکنون باید سی درس اخلاق باشد. البته کسانی که می‌خواهند درس اخلاق بگویند، باید افراد مهذب باشند که بحمدالله چنین افرادی هستند در حوزه.
- مدرسانی که درس فقه و اصول و ادبیات می‌گویند، می‌توانند در ضمن بحث‌ها، نکات اخلاقی را یادآور شوند و حداقل، یک روز در هفته را به تذکرات اخلاقی اختصاص بدهند، چنانکه روش برخی از بزرگان ما بوده است.
- سفارشی هم به طلبه‌ها دارم. از اینان می‌خواهم که به اخلاق و تهذیب نفس، اهمیت بدهند. کتابهای اخلاقی را زیاد بخوانند. قرآن را، با این نگاه، زیاد بخوانند. اصول کافی، بخصوص جلد دوم آن، روایات مفیدی را مرحوم کلینی دسته‌بندی کرده است.
- این را بدانید که علم بدون تهذیب نفس، ضررش، بیش از نفعش است. حجابی می‌شود که خدای نکرده، انسان را به انحراف می‌کشاند.
- حوزه: از حضرت عالی، اخیراً اثری منتشر شده به نام «دراسات فی الاخلاق و شؤون الحکمة العملية» لطفاً بفرمایید به چه انگیزه‌ای دست به نگارش آن زدید و چه خلأی احساس می‌کردید.
- برخی از مباحث اخلاقی که پس از انقلاب اسلامی، در نهادها و ارگانها داشته‌ام، به صورت موضوعی و مجموعه‌ای چاپ شده است که به بیش از بیست جلد می‌رسد. با اینکه گفتار بوده و تبدیل گفتار به نوشتار، نواقصی را، خواه ناخواه، در پی دارد، ولی مورد استقبال واقع شده، به گونه‌ای که برخی از آنها، تیراژ بسیار بالایی دارد. از این روی احساس کردم، جامعه به این گونه آثار نیاز دارد. از سویی، آثار مکتوب در اخلاق، کم داریم و آنها هم، کمبودهایی دارند. مثلاً، «احیاء العلوم» نوشته غزالی، ام‌الکتب در اخلاق است. این اثر، با اینکه اثری است ارزشمند، ولی نواقصی دارد، هم در محتوا و هم در روش.
- مرحوم فیض، زحمت کشید و این کتاب را خلاصه کرد و روایات اهل بیت را بدان افزود، با این حال «محجۀ البیضاء» نیز، خالی از اشکال نیست. زیرا هر چه باشد، تهذیب و تصحیح همان «احیاء العلوم» است.

من، تعجب می‌کنم که چرا مرحوم فیض، با آن همه توانایی علمی، اثری مستقل در اخلاق، نگاشت.

بعدها مرحوم نراقی، جامع السعادات را نگاشت. این اثر هم، متأثر از احیاء العلوم غزالی است. از این روی، وقتی به بحثهای سنگین و ظریف اخلاقی می‌رسد، از آنچه در «احیاء العلوم» تجاوز نمی‌کند. و ضمناً متأثر از اخلاق ارسطویی و یونانی هم هست. معراج السعاده هم، تلخیص و ترجمه جامع السعادات است به اضافه‌ی برخی از اشعار فارسی.

دیدم کتاب اخلاقی متکی بر ثقلین (کتاب و عترت) که از متن دین استخراج شده باشد، کم است. به این نکته توجه اساسی کرده‌ام که علم اخلاق باید دلربا و دل‌انگیز باشد و اگر قرار شد علم اخلاق را با مصطلحات و انقسامات فلسفی مخطوط کنیم و همان شیوه‌ی یونانی و ارسطویی را در این علم دنبال کنیم، همان طوری که ابن مسکویه در «طهارة الاعراق» و خواجه نصیر در بعض کتابهایش و نراقی در «جامع السعادات» و دیگران کرده‌اند، کام هیچ خواننده‌ای شیرین نخواهد شد و اثر لازم را در دل سالکان نخواهد گذارد و به عکس اگر اخلاق از متن دین، یعنی از دل کتاب و سنت که سرشار از معارف عمیق اخلاقی هستند، استخراج شود، بی‌هیچ تردید آن طراوت و حلاوت لازم را پیدا خواهد کرد و عقیم نخواهد ماند. از خداوند متعال، خواستم توفیق دهد، تا بتوانم، اثری در اخلاق، با تکیه بر قرآن و عترت، بنویسم.

ابتدا تصمیم داشتم، گروهی تشکیل بدهم و چندین جلد اخلاق به زبان فارسی، با استفاده از دیگر علوم وابسته، بنویسم، ولی مقدر نشد. از این روی تصمیم گرفتم، به زبان عربی بنویسم، اگر مورد قبول افتاد، دیگران آن را ترجمه کنند، تعلیقه بزنند و اشکالاتش را برطرف سازند.

تاکنون، یک جلد آن چاپ شده، مجلدات دیگر نیز، در دست اقدام است. به نظر خودم، آن چه می‌خواستم، موفق شده‌ام، تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

حوزه: حضرت عالی تألیفات دیگری هم دارید، درباره‌ی آنها توضیح بفرمایید.

- در فقه و اصول، هم تألیف دارم و هم تقریر. از حضرت امام، آیه الله العظمی بروجردی و آیه الله العظمی داماد تقریرات بسیاری در فقه و اصول نوشته‌ام.

حوزه: در پایان، تقاضا داریم، توصیه‌ای برای ما و خوانندگان مجله بفرمایید.

- به جای این که خود توصیه کنم، در توصیه، از دو استاد بزرگوار خود، حضرت امام و علامه طباطبایی، برای شما نقل می‌کنم: اوایل پیروزی انقلاب، روزی خدمت امام بودیم. گروهی از شرکت نفت، برای ملاقات و بیعت با رهبری، خدمت امام آمده بودند. سخنگوی آنان، خیلی خوب، صحبت کرد. از جمله گفت:

«آقا! نیامده‌ایم بگوییم از انقلاب، چه می‌خواهیم آمده‌ایم بگوییم انقلاب، از ما چه می‌خواهد».

امام، از این سخن، بسیار خوشش آمد و برافروخته شد. آن گاه در پاسخ این عزیزان فرمود:

«انقلاب، از شما، دو چیز می‌خواهد:

یکی تهذیب نفس. چون اگر انسان، مهذب نباشد، نمی‌تواند برای انسانیت و جامعه‌اش، مفید باشد. خودگرا و خودمحور می‌شود آن گاه، هم خود بیچاره می‌شود و هم دیگران را بیچاره می‌کند. هر چه پست و مقام، بالاتر باشد، ضررش بیشتر خواهد شد. دومین چیزی که انقلاب از شما می‌خواهد، عمل به وظیفه است. هر کس، هر جا که هست آن چه را که وظیفه‌ی اوست، خوب انجام دهد.»

راستی اگر، همه‌ی ما، این دو توصیه حضرت امام را عمل می‌کردیم، خیلی پیشرفت ما بیشتر بود.

متأسفانه، این چند ساله، هر ضربه‌ای که خورده‌ایم، یا به خاطر این بوده است که خودساخته نبوده‌ایم، یا این که در عمل به وظیفه، کوتاهی کرده‌ایم.

من، این توصیه امام را تکرار می‌کنم که ما در این نظام مقدس و این نعمت بزرگ الهی، دو وظیفه داریم:

۱. تهذیب نفس.

۲. عمل به وظیفه.

اما توصیه‌ای از مرحوم علامه طباطبائی: آخرین جلسه‌ای بود که با گروهی از بزرگان، خدمت ایشان رفتیم. حال ایشان، خوب نبود. به احترام جمع، نشست، ولی حرف نمی‌زد. جلسه، طول کشید. بنده به ایشان عرض کردم، توصیه‌ای بفرمایید، تا مرخص شویم. ایشان فرمود: «چیزی یادم نیست» بعد، بلافاصله فرمود:

«این آیه، یادم آمد: اذکرونی، اذکرکم و اشکروالی و لا تکفرون».

بعد از آن جلسه، حال ایشان بد می‌شود و ایشان را به بیمارستان می‌برند. لحظات آخر عمر شریف بود که به ملاقات ایشان رفتیم. ما که از اتاق آمدیم بیرون، از قول خانم ایشان نقل کردند:

«لحظه‌ی مرگ، ایشان چشمها را باز کردند و به گوشه‌ای خیر شدند. آن گاه، سه مرتبه فرمودند: توجه! توجه! توجه و از دنیا رفتند.» این آخرین جمله ایشان، با آن آخرین، توصیه‌ی ایشان، هر دو، برای ما، یک پیام دارد که به یاد خدا باشید، همه ما، در محضر خداییم. توجه به نعمتهای خدا، توجه به این که ما در این دنیا، باید به کمال برسیم. توجه به این که قبری هست، برزخی هست، معادی هست.

مرحوم شهید، در دستورالعمل اخلاقی خود، توصیه می‌فرماید:

«انسان، در هر روز، حداقل، باید دو مرتبه به یاد مرگ باشد.»

توجه به این که ما ساخته شده‌ایم که در رفاه مطلق و لذت مطلق باشیم. هر کسی به اندازه‌ی سعه وجودی خود.

یکی لذت مطلقش، در «جنات تجری من تحت الانهار» است.

و یکی در صحبت کردن خدا با او «سلام قولاً من رب رحیم». مباد که این لذتها را از یاد ببریم و فرو رویم در لذت‌های زودگذر دنیا اگر لذت باشند و بشود اسم لذت روی آنها گذارد.

این جمله علامه، خیلی مهم است: توجه.

از خداوند می‌خواهم، این حال توجه را به همه‌ی ما عطا کند.

حوزه: از این که مزاحم وقت شریف حضرت عالی شدیم، پوزش می‌طلبیم و از حضرت عالی، به خاطر این لطف، سپاسگزاریم.

- من هم از شما تشکر می‌کنم و امیدوارم آنچه گفتم، مورد رضایت حضرت ولی عصر (عج) و مورد توجه شما واقع شود و اگر وقت شما را گرفتم، گفته‌هایم مفید باشند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

مظاهری، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۰ - ۱۲۹۳ ش)، دانشمند، پژوهشگر، مترجم و استاد. در تهران به دنیا آمد. در دوازده سالگی کتاب «تاریخ روم» را نوشت که خود نقاشی‌های آن را انجام داده بود. در سیزده سالگی در زمره دانش‌آموزان ممتاز دیپلمه برای تحصیلات عالی به فرانسه عزیمت کرد. وی از ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۱ ش در دانشگاه سن کلوشارتر و سپس در دانشگاه سوربن به تکمیل تحصیلات پرداخت و در ۱۳۱۲ ش

پایان‌نامه‌ی دکترای خود را تحت عنوان «خانواده‌ی ایرانی در ادوار پیش از اسلام» ارائه کرد. وی در طی جنگ جهانی دوم به کار تحقیق و کشاورزی پرداخت. بعد از پایان جنگ به عنوان کارشناس نسخ خطی فارسی وارد کتابخانه‌ی ملی پاریس شد. در ۱۳۲۷ ش به عضویت فرهنگستان بین‌المللی تاریخ علوم و در ۱۳۳۶ ش به عنوان مدرس مدرسه‌ی مطالعات عالی‌ی علوم اجتماعی برگزیده شد و بنا به دعوت یونسکو نگارش بخش موسوم به «تاریخ ملل مسلمان در قرن نوزدهم» را در جلد پنجم «تاریخ جهانی بشریت» به عهده گرفت. وی همچنین مقالات زیادی در مجله‌های داخلی و خارجی به چاپ رسانیده است که از آن جمله: «مقام ایران در هنر جهان»، «تأثیر هجوم قوم مغول به ایران و آثار آن»، «پاسخ در مورد همیشه»، «جمال اسدآبادی و جمالیسم»، «مان و عرفان»، «زردشت ناشناس»، «کمونیسم مزدک»، «حلاج واقعی»، «پایه‌گذاری فرهنگ و تمدن» در زمینه معارف اسلامی، «زن و عشق در ایران سنتی» و «مهرهای پادشاهان ایران» می‌باشد وی سرانجام در پاریس در گذشت. از دیگر آثار وی: «مبادی ایرانی علم حساب»، رساله دکترای دیگری از وی که به دانشگاه پاریس ارائه شد؛ «جاده‌ی ابریشم»؛ «گنجینه‌های ایران»؛ «مقدمه‌ای بر تاریخ ایران»؛ «استخراج آبهای پنهانی»، ترجمه‌ی «انباط المیاه الخفیه»؛ «زندگی روزمره‌ی مسلمانان در سده‌های میانه، از سده دهم تا سیزدهم میلادی»، که در آن اوضاع اجتماعی تمامی سرزمین‌های اسلامی به ویژه ایران و مصر را تحت بررسی قرار داده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: جاده‌ی ابریشم (۱/ پیشگفتار مترجم)، یغما (س ۴، ش ۴، ص ۱۷۵-۱۶۸، س ۵، ش ۴، ص ۱۶۲).

مظاهری، علی اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اکبر مظاهری

محل تولد: تربت حیدریه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۳/۷/۱

زندگینامه علمی

پس از تلمذ جامع المقدمات نزد عمویم با تشویق ایشان و رضایت پدرم در اطاق پسر عمویم واقع در مدرسه نواب مشهد مقدس ساکن شدم و از ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۳ تحصیلات و فعالیت علمی اینجانب به شرح زیر است:

۱. از ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۸ تمام کتاب سیوطی و مطول و باب اول و چهارم کتاب مغنی و حاشیه ملا عبد الله را نزد ادیب نیشابوری تلمذ نمودم و در ایام تعطیلات حوزه شرح قطر را نزد یکی از فضلا تلمذ نمودم.

۲. از ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۰ لمعتین را نزد مرحوم میرزا احمد حسینی، مدرس رسمی حوزه و معالم الاصول و بحث الفاظ قوانین میرزای قمی را نزد مرحوم میرزا محمد اشکذری، مدرس مدرسه نواب تلمذ نمودم.

۳. از ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۵ مکاسب و رسائل شیخ انصاری (ره) و کفایتین مرحوم آخوند خراسانی (ره) را نزد مرحوم آیت الله حاج شیخ کاظم دامغانی، در مشهد مقدس تلمذ نمودم.

۴. از ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۳ خارج فقه و اصول مرحوم آیت الله سید محمد هادی میلانی شامل کتاب زکات و خمس و بیع و خیارات و

- مکاسب محرمه کتاب مکاسب و شامل جلد دوم کفایه را تلمذ نمودم . به دستور معظم له از شاگردان جزوه درسی سالانه دریافت و نمره داده می شد .
۵. از ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ تفسیر قرآن کریم و درس معارف آن را نزد مرحوم آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی (ره) و شرح منظومه حاج ملاهادی سبزواری همراه با بیان معارف مکتب تفکیک را نزد مرحوم حاج شیخ عبد النبی کجوری (ره) تلمذ نمودم .
۶. از ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱ جلد اول اسفار اربعه و جلد اول و سوم شرح اشارات شیخ الرئیس را نزد شیخ علی تهرانی (که متاسفانه بعد از انقلاب به منافقین پیوست) تلمذ کرده ام .
۷. از ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ خارج فقه (کتاب طهارت و صلوه و حج) و خارج اصول (جلد اول کفایه الاصول) نزد آیت الله حاج میرزا علی فلسفی ، نزیل مشهد مقدس تلمذ نمودم .
۸. از ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۳ به حوزه علمیه قم انتقال یافتیم و مقیم قم شدم و خارج فقه و اصول را از محضر آیت الله حاج رجبعلی وحید خراسانی تلمذ نمودم هر چند در این دوران مشابه سایر طلاب و اقشار مختلف در تظاهرات و تبلیغ مسائل مربوط به انقلاب به شهرها اعزام می شدم .
۹. از ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۳ کتاب نفس و قسمتی از الهیات شفا را نزد آیت الله حسن زاده و جلد ششم و هشتم اسفار اربعه را نزد آیت الله جوادی آملی تلمذ نمودم .
۱۰. از ۱۳۶۲ پس از بازگشایی دانشگاهها با اصرار حجة الاسلام لاری ، دکتر احمد احمدی نماینده امام راحل و عضو شورای انقلاب فرهنگی در آن زمان و با هدف تدریس معارف اسلامی به دانشگاه کشیده شدم و از این تاریخ تا ۱۳۷۸ به ترتیب در دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه تربیت معلم تهران و دانشگاه صنعتی شریف و دانشگاه علوم اراک و دانشگاه علوم پزشکی این شهر و دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک به تدریس معارف برای دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد اشتغال داشته و دارم .
۱۱. در اوقات حضور در اراک با سپاه و با کارکنان استانداری و مرکز ماشین سازی اراک همکاری تدریسی و تبلیغی مستمر داشته ام .
۱۲. از ۱۳۷۸ پس از موفقیت در امتحانات کتبی و شفاهی خبرگان بی مدرک و دفاع از رساله دکتری تحت عنوان «حدوث و قدم جهان در آثار میرداماد» در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم استخدام شدم و اکنون در این واحد دانشگاهی استاد یار و عضو هیئت علمی تمام وقت می باشم . در خاتمه لازم به ذکر است که همکاری تدریس اینجانب با این واحد دانشگاهی از ۱۳۷۱ شروع و تا کنون ادامه دارد .

مظاهری، علی اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۲۹۳.

درگذشت: ۱۳۷۰.

از آثار اوست: خانواده ایرانی در روزگار پیش از اسلام (با مقدمه پل فوکونه و حامد فولادوند، ترجمه عبدالله توکل؛ تهران، ۱۳۷۳).
برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

مظاهری، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ مرتضی مظاهری نجفی از علماء معاصر اصفهان صاحب تألیفات عدیده میباشند، خلاصه ترجمه ایشان چنانچه در اول کتاب مقتبس الیاقوت اوست از این قرار است:

معظم‌له در شب دوشنبه دوم ماه جمادی‌الاولی ۱۳۱۶ ق از یک پدر و مادر اصیل و نجیب و ریشه‌دار متولد شده مرحوم والدش آقا محمد حسن مظاهری از اشراف و اخیار بودند و در کربلاء معلی وفات نموده و در وادی ایمن مدفون شدند در تاریخ ۲۵ محرم الحرام ۱۳۵۰ و والده ماجده‌اش از صالحات قانات و بیوت عالیه بوده‌اند وی در چنین بیتی و حجر چنین پدر و مادری تربیت یافته و مقدمات و سطوح را در اصفهان نزد جماعتی از علماء اعلام مانند حاج شیخ محمد حسین فشارکی و حاج سید ابوالقاسم دهکردی و آخوند ملا- عبدالکریم جزوی و آیه‌الله حاج میر محمد صادق احمدآبادی و غیرهم آموخته و در سال ۱۳۴۰ ق مهاجرت بنجف اشرف نموده و از مراجع عظام آن سامان چون آیه‌الله العظمی السید ابوالحسن اصفهان و آیه‌الله نائینی و آیه‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیه‌الله السید ابوتراب خونساری و حاج شیخ جواد بلاغی استفاده نموده تا بمدارج عالیه علم و کمال و مراتب اجتهاد ارتقاء یافته آنگاه باصفهان مراجعت و بانجام وظائف دینی و روحی پرداخته و در مسجد شیخ لطف‌الله که از مساجد معروف اصفهانست اقامه جماعت می نمود.

آثار و تألیفات ارزنده آنجناب از این قرار است:

۱- نهاییه‌الممول در شرح کفایه‌الاصول در ۲ جلد. ۲- رسائل استدلالیه در مسائل الفقهیه که ۱۴ رساله است بدین کیفیت: (۱- رساله در عدالت ۲- رساله در وضوء ۳- رساله در احکام صلح ۴- رساله در مکاسب محرمه ۵- رساله در خلل صلوه ۶- رساله در خیار بیع ۷- رساله در احکام بیع ۸- رساله در قضاء و شهادت ۹- رساله در حکم لباس مشکوک ۱۰- رساله در احکام غصب ۱۱- رساله در حکم کسیکه بمیرد و بر او دین باشد ۱۲- رساله در منجزات مریض ۱۳- رساله در احکام ستر و ساتر ۱۴- رساله در احکام شکوک در نماز ۱۵- رساله در حکم بیع صاع من صبره ۱۶- رساله در علم درایه و رجال)

۳- کتاب المعارف الرجالیه در مقدمات علم رجال.

۴- کتاب الفوائد الغریبه در متفرقات.

۵- کتاب مقتبس الیاقوت در فضل سکوت

۶- کتاب الحججه علی ذوی النهی فی حرمه حلق اللحی.

۷- نصیحت نامه

۸- کتاب آداب الدعا و منتخب الادعیه

۹- تقویم شرعی

۱۰- قلع الغیبه

۱۱- احسن اللغه.

سوانح و خاطرات عبرت‌آمیز علامه مظاهری

خاطرات زندگانی معظم‌له بسیار است و ما برای تنبه و تذکر بعضی از آنرا اشاره میکنیم:

۱- شفاء یافتن ایشان از مرض شدید العلاجی که همه مایوس از حیات ایشان بودند و خداوند بدون وسائل عادی شفا داد.
 ۲- خراب شدن سقف و دیوار بر روی ایشان که هرکس شنید یقین کرد بفوت ایشان و خداوند او را حفظ نمود از هلاکت و سلامت بیرون آوردند.

۳- غرق شدن در دریا سه مرتبه و نجات دادن خداوند او را از مرگ به لطف خودش.

۴- تشریف ایشان بمکه معظمه کرارا بدون وسائل عادی و لوازم ظاهری.

(۱۴۱۰-۱۳۱۶ ق)، عالم دینی و فقیه. در خانواده‌ی علم و تقوا به دنیا آمد. مقدمات و سطوح را در اصفهان از شیخ محمدحسین فشارکی و سید ابوالقاسم دهکردی و آخوند ملا عبدالکریم جزوی و آیت‌الله میر محمدصادق احمدآبادی و دیگر علما فراگرفت. در ۱۳۴۰ ق به نجف رفت و در محضر آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله نائینی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله سید ابوتراب خوانساری و آیت‌الله شیخ جواد بلاغی تلمذ نمود تا به درجه‌ی اجتهاد نایل شد. آنگاه به اصفهان بازگشت و عهده‌دار امور دینی گردید و در مسجد شیخ لطف‌الله به اقامه‌ی جماعت پرداخت. از آثارش: «نهایه المأمول»، در شرح «کفایه الاصول»؛ «رسائل استدلالیه»، در مسائل فقهی، در چهارده رساله، شامل: رساله‌ی «عدالت»، رساله‌ی «قضاء و شهادات»، رساله‌ی «احکام غضب» و...؛ «المعارف الرجالیه»، در مقدمات علم رجال؛ «الفوائد الغریبه»، در متفرقات؛ «مقتبس الیاقوت»، در فضیلت سکوت؛ «آداب الدعاء و منتخب الادعیه»؛ «قلع الغیبه»؛ «احسن اللغه»؛ «تقویم شرعی». [۱]

عالم دینی.

تولد: ۱۲۷۷ (۲ جمادی‌الاولی ۱۳۱۶ ق.)، اصفهان.

درگذشت: ۱۹ تیر ۱۳۶۸، اصفهان.

آیت‌الله مرتضی مظاهری نجفی، فرزند محمدحسن مظاهری، مقدمات و سطوح را در اصفهان نزد محمد حسین فشارکی و سید ابوالقاسم دهکردی و ملا عبدالکریم جزوی و آیت‌الله سید محمدصادق احمدآبادی و اساتید دیگر آموخت و در سال ۱۳۴۰ ق. به نجف مهاجرت نمود و از مراجع عظام آن حوزه چون آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله نائینی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله سید ابوتراب خوانساری و آیت‌الله محمدجواد بلاغی استفاده نمود تا به مرحله‌ی اجتهاد ارتقا یافت. آنگاه به اصفهان آمد و در مسجد شیخ لطف‌الله اقامه‌ی جماعت می‌نمود. آثار ایشان به این شرح هستند: نمایه المأمول در شرح کفایه الاصول در دو جلد؛ رسائل استدلالیه در مسائل الفقیه (رسائلی به این شرح: رساله عدالت، رساله در احکام صلح؛ رساله در مکاسب محرمه؛ رساله در خلل صلوة رساله در خیار بیع؛ رساله در احکام بیع؛ رساله در قضاء و شهادات؛ رساله در حکم لباس مشکوک؛ رساله در احکام غضب؛ رساله در حکم کسی که بمیرد و بر او دین باشد؛ رساله در منجزات مریض؛ رساله در احکام ستر و ساتر؛ رساله در احکام شکوک در نماز؛ رساله در حکم بیع صاع من صبره؛ رساله در علم درایه و رجال)؛ کتاب المعارف الرجالی در مقدمات علم رجال؛ کتاب الفوائد العزریه در متفرقات؛ کتاب مقتبس الیاقوت در فضل سکوت؛ کتاب الحجۃ علی ذوی النهی فی حرمة حلق اللحی؛ نصیحت‌نامه؛ تقویم شرعی؛ قلع الغیبه؛ احسن اللغه.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

منابع زندگینامه: [۱] کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۴، ص ۴۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۰۹-۱۰۷/۳).

مظفر، محمدتقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۱۵ ق)، حکیم، طیب، صوفی و شاعر، متخلص به مظفر. ملقب به مظفر عیشاه. برخی از تذکره‌ها تخلص وی را طریقتی ذکر کرده‌اند. در کرمان به دنیا آمد. در ابتدای جوانی تحصیل علوم عقلی و نقلی کرد. در کربلا نزد شریف العلماء فقه و اصول خواند. در حکمت الهی و طبیعی و علوم ادبی و عربی مرتبه‌ای عالی یافت. در نظم و نثر تحقیقات جامعی کرد. وی از مریدان و شیفتگان مشتاق عیشاه بود که پس از کشته شدن مراد، «دیوان» شعری به نام وی سرود، به همین دلیل مظفر عیشاه را مولوی ثانی یا مولوی کرمانی خوانده‌اند، چرا که همچون ملای رومی در فراق مراد خود دیوانی سروده است. به قول صاحب «عرفای کرمان» وی پس از مشتاق عیشاه به خدمت نورعیشاه و رونق عیشاه رسید و به دستور نور عیشاه از رونق عیشاه ارشاد و تلقین گرفت تا اجازه‌ی ارشاد یافت و از خلفای او شد. وی سرانجام در کرمانشاه درگذشت. در چگونگی مرگ او نیز اقوال متفاوتی وجود دارد. از آثار وی: «بحر الاسرار»، شعر؛ «مجمع البحار» یا «جامع البحار»، تفسیر «سوره‌ی فاتحه»، در شرح «بحر الاسرار»؛ «دیوان مشتاقیه»، شعر؛ «کبریت احمر»؛ «خلاصه العلوم». [۱]

محمدتقی بن محمد کاظم از عارفان بنام سلسله نعمه‌اللهیه (ف. کرمانشاه ۱۳۱۵ ه. ق). وی در علوم طبیعی، ریاضی و علوم نقلی از اصول و فروع بهره کافی داشت و گروهی از محضر درس او استفاده می‌کردند. در آغاز مجذوب مشتاق عیشاه کرمانی شد و به خدمت نور عیشاه رسید و از نور عیشاه تلقین ذکر یافت. پس از قتل مشتاق علی شاه، مظفر علی به انشاء غزلیات و قصاید و قطعات و ترجیعات و رباعیات دیوان مشتاقیه پرداخت. فتحعلی شاه به اصرار آقا محمدعلی کرمانشاهی او را به تهران احضار کرد و به صوابدید حاجی ابراهیم خان او را به کرمانشاه فرستاد و در همان شهر درگذشت. از اوست تفسیر منظوم به نام بحر الاسرار، تفسیر مشهور بنام مجمع البحار، رساله کبریت احمر (مشمول بر اوراد و اذکار طریقت نعمت‌اللهیه)، دیوان مشتاقیه. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (۲۳۳)، تذکره‌ی مشاعران کرمان (۴۷۷-۴۷۱)، حدیقه الشعراء (۱۶۸۱-۱۶۷۱/۳)، دنباله‌ی جستجو در تصوف (۳۲۲)، الذریعه (۲۱/۲۰، ۲۶۰/۱۷، ۱۰۶۱/۹، ۲۳۰/۷، ۲۹/۳)، ریاض العارفین (۳۰۲-۲۸۱)، ستارگان کرمان (۳۶۱-۳۵۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۲۵/۱۳)، طرائق الحقائق (۲۰۸-۲۰۷/۳)، عرفای کرمان (۱۰۸-۱۰۷)، فرهنگ سخنوران (۸۵۴)، لغت نامه (ذیل / مظفر کرمانی)، مجمع الفصحا (۹۴۳-۹۳۴/۵)، معجم المؤلفین (۸۱/۱۲)، مکارم الآثار (۵۶۰-۵۵۶/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳۹-۲۳۸/۲)، یادگار (س ۳، ش ۴، ص ۵۴).

مظفر، محمدحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسین مظفر

محل تولد: بصره عراق

شهرت

تابعیت: عراق

تاریخ تولد: ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسین مظفر فرزند یحیی در سال ۱۹۷۳ میلادی مقطع دبیرستان را به اتمام رساندم، سپس وارد دانشکده «اداره و اقتصاد» دانشگاه مستنصریه بغداد و پس از آن به دانشگاه بصره منتقل شدم، و در سال ۱۹۷۷ میلادی مدرک لیسانس مدیریت و حسابداری دریافت کردم و در همین سال در مرحله کارشناسی ارشد بیمه به عنوان نفر اول در دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه بغداد و در حدود سال ۱۹۸۰ میلادی کامل کردم مرحله کارشناسی ارشد. و ممانعت حزب بعث از معرفی اینجانب به عنوان فارغ التحصیل سپس وارد حوزه علمیه نجف به ارشاد مرحوم شهید صدر و پایان نامه بیمه نزد ایشان ماند. در مدرسه دارالحکمه مرحوم حکیم زیر نظر شهید محمد حسین حکیم مقدمات را خواندم و نیز درس اخلاق را نزد مرحوم شهید سید صاحب حکیم و بعد از شهادت مرحوم صدر به ایران پناهنده شدم و وارد حوزه علمیه قم و به خاطر شرایط منفی سال های سال ترک درس کردم و سپس به دروس حوزوی بازگشتم. در سال ۱۳۷۷ در کارشناسی ارشد علوم قرآنی دانشگاه رضوی قبول شدم و در سال ۱۳۸۲ ش فارغ التحصیل شدم و در این مدت مشغول به پژوهش و تحقیق در پژوهشگاه دانشگاه رضوی و قبل از اینکه فارغ التحصیل بشوم پیشنهاد به راه افتادن درس صحیفه سجادیه در مرحله کارشناسی را دادم و جواب از وزارت علوم مثبت آمد و صحیفه سجادیه را تدریس کردم. در همان دانشگاه به مدت چهار ترم همچنین تدریس اصول فقه و فقه اللغه و صرف ساده به حوزه علمیه قم سپس باز گشتم و وارد درس خارج شیخ وحید در اصول و فقه و در سال دوم ادامه درس اصول وحید و در فقه خدمت استاد مکارم شیرازی.

مظفر، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در جنوب شرقی نجف اشرف و در مجله براق، منزل آیة الله شیخ محمد رضا مظفر واقع بود، پنج ماه پس از درگذشت شیخ، در پنجم شعبان سال ۱۳۲۲ هجری آخرین یادگار آن مرد حق دیده به جهان گشود و ((محمد رضا)) نامیده شد. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب: مادر محمد رضا دختر علامه شیخ عبدالحسین طریحی (۱۲۳۵-۱۲۹۳ ق.) است و او در دامان آن زن با فضیلت و با سرپرستی برادر بزرگش شیخ عبدالنبی مظفر (۱۲۹۱-۱۳۳۷ ق.) رشد کرد. پس از درگذشت شیخ عبدالنبی برادر دیگرش شیخ محمد حسن (۱۳۰۱ - ۱۳۷۵ ق.) سرپرستی او را به عهده گرفت و راهنمایی زندگی اش گردید. محمد رضا از خاندان علمی و ادبی بنام و معروف شیعی موسوم به ((آل مظفر)) برخاسته است. این خاندان از نیمه سده دوازده قمری در حوزه نجف اشرف شناخته شد و چهره های نامدار و متکبر آن در عرصه های متعدد و رشته های متنوع علوم اسلامی درخشید و شعاع پرتو نورشان گسترده مراکز علمی - تحقیقی شیعه و غیر آن را در نور دید تحصیلات رسمی و حرفه ای: محمد رضا پس از فراگیری خواندن و نوشتن، در سیزده سالگی راهی مکتب علوم دینی شد و به آموختن مبانی و اصول ادبیات عرب پرداخت و در این مقطع از استاد شیخ محمد طه حویزی بسیار بهره برد. (۴۰۸) او سپس با عزمی راسخ دوره سطح فقه و اصول را سپری کرد و آنگاه در جلسات دروس عالی این دو علم و همچنین حکمت و فلسفه و عرفان که از سوی اساتید بنام تدریس می شد، حاضر گشت. سرانجام پس از تلاش پی گیر، حضور در محفل اساتید فن و امداد پروردگار، شیخ محمد رضا به مقام والای اجتهاد رسید و حضرات آیات شیخ محمد حسین اصفهانی، شیخ محمد حسن مظفر و سید عبدالهادی شیرازی اجتهاد او را گواهی کردند. مظفر در سیر کسب دانش، علاوه بر علوم دینی به فراگیری دانشهایی چون حساب، هندسه، جبر، هیئت و عروض روی آورد و در ۲۱ سالگی کتابی در علم عروض به رشته تحریر درآورد. خاطرات و وقایع تحصیل: استاد مظفر، خطابه و تبلیغ متداول در نجف را در

شاء آن حوزه کهن نمی دانست، زیرا امروزه هیچ خطیبی بدون آگاهی از افکار زمان و مسائل و موضوعات علوم جدید از یک طرف و احاطه کامل به تعالیم و معارف اسلامی از فقه تفسیر و حدیث و تاریخ از سوی دیگر نمی تواند رسالت اسلامی خود را در سطح عالی و وسیع انجام دهد. او خطابه حسینی را یکی از مهم ترین وسائل تبلیغ می شناخت و وضع موجود حوزه را رسا نمی دانست و افتتاح مؤسسه و مدرسه ای برای تربیت خطیب را یگانه راه نجات از آن نارسایی تلقی می کرد. گشودن دانشکده و عطا و ارشاد از آرزوهای شیخ بود. در سال ۱۳۶۳ ق. مجموعه ای به ریاست خطیب برجسته عراق ((شیخ محمد علی قسام)) و با نظارت آیه الله مظفر تشکیل شد و کار آزمایشی خویشی را - قبل از افتتاح رسمی دانشکده - با برپایی یک کلاس آغاز کرد و درسهایی چون فقه، علوم عربی، اصول دین و اصول حدیث (علم درایه) در آن تدریس می شد. مدت کوتاه از عمر آن نگذشته بود که حملات پیاپی بر آن وارد آمد و اتهامات ناروایی بر آن زده شد، در حالی که این مؤسسه با اهدافی عالی و انگیزه ای مخلصانه تاسیس شده بود هدفی جز زدودن پیرایه ها نداشت. اما افسوس که مصلحان همیشه در معرض اتهام اند و ناآگاهان سدی در مقابل اندیشه های والای ایشان فعالیت های ضمن تحصیل: شیخ محمد رضا مظفر در کنار تحصیل، مطالعه و تحقیق، به تدریس معارف حوزه علمیه اشتغال داشت و نخست به تدریس کتاب مکاسب (در فقه) و رسائل (در اصول) پرداخت و آنگاه به تدریس دوره خارج فقه و اصول اهتمام ورزید. او همچنین فلسفه اسلامی را به طالبان این فن آموخت و از آن جمله کتاب اسفار اثر ملاصدرا را در منزل خود تدریس می کرد. استادان و مریدان: ۱. شیخ محمد حسن مظفر، شیخ محمد رضا به همراه برادر دیگرش شیخ محمد حسین در درس بردار بزرگشان شرکت می کردند. ۲. میرزا محمد حسین نائینی (متوفای ۱۳۵۵ ق.). ۳. شیخ آقا ضیاء الدین عراقی (۱۲۷۸-۱۳۶۱ ق.). ۴. میرزا عبدالهادی شیرازی (۱۳۰۵-۱۳۸۲ ق.). ۵. سید علی قاضی طباطبایی (۱۳۸۵-۱۳۶۶ ق.). ۶. شیخ محمد حسین اصفهانی (۱۲۹۶-۱۳۶۱ ق.). این شخصیت را می توان معماران بزرگ علمی شیخ محمد رضا دانست که در شکل دهی شخصیت او تأثیر بسیاری داشت، بدان حد که خط مشی اصولی، فقهی و فلسفی او بیشتر متأثر از دیدگاه های این استاد است. احترام و تجلیل فراوان مظفر از مقام شیخ محمد حسین گواه ارتباط تنگاتنگ و علاقه بی حد اوست. زمان و علت فوت: آیه الله شیخ محمد رضا مظفر در شانزدهم ماه مبارک رمضان سال ۱۳۸۳، در سن ۶۲ سالگی مرگ را در آغوش کشید و پرستوی آسمان گردید و به سوی حق پرواز کرد و پیکر مطهر او با حضور مراجع بزرگ، علما و مردم تشیع شد و در مقبره خانوادگی واقع در جاده کوفه، در کنار مرقد برادرش شیخ محمد حسن مظفر به خاک سپرده شد. مشاغل و سمت های مورد تصدی: آیه الله مظفر زندگی اش را تنها به فعالیت های فرهنگی و علمی حوزه محدود نساخت، بلکه اندیشه نافذش، مسائل و موضوعات اجتماعی و سیاسی جامعه و امت اسلامی را درنوردید و هر پدیده مهم را به دقت دنبال می کرد. بحرانها و مشکلات تحمیل شده بر مسلمانان، او را بیشتر تحت تأثیر قرار می داد و استاد را به تلاش وامی داشت. فشارهای روزافزون فرانسویان بر مردم الجزیر و نامردمی های صهیونیستها نسبت به مردم فلسطین، حوادث ناگواری است که از دید نافذ او پنهان نبود و آن فقیه فرزانه را در رنج فرو می برد و گاهی در برخی از نشریات مقالات مفیدی می نگاشت. وی همچنین در جنگ بین مصر اسرائیل در سال ۱۹۵۶ م. تلگرافی خطاب به شیخ الازهر فرستاد و همدردی خود را با ملت مصر اعلام داشت. آن استاد صهیونیسم را خطر بزرگ برای جامعه اسلامی می دانست و اصولاً انحراف سردمداران کشورهای اسلامی از حق و مسامحه ایشان با دیوسیرتان غرب را عامل بدبختی مسلمانان و ریشه رشد صهیونیستها می دانست. آیه الله مظفر با همکاری گروهی از اندیشمندان مسؤل و لیت شناس، برای مقابله با افکار الحادی، ((جماعه العلماء)) را در نجف اشرف پی نهاد تا این نهاد برخاسته از حوزه مبارزه با بی دینی و تهاجم فرهنگی دشمنان را پی گیرد و جلوگیری از گسترش افکار کمونیسم را رهبری کند. بیانیه های منتشره این گروه، گواه بینش و بلند نظری مؤسسان آن است. در پی مخالفت امام خمینی (ره) و دیگر مراجع بزرگ ایران با فعالیت های ضد اسلامی شاه ایران، علمای نجف همچون آیه الله مظفر با ایشان همصدا شده، از حرکت انقلابی روحانیون حوزه علمیه قم حمایت و پشتیبانی کردند و ضمن صدور چندین اطلاعیه،

مخالفت خود را با تصویب لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی اظهار داشته و انزجار خود را از اقدام ظالمانه رژیم پهلوی در فاجعه خونبار مدرسه فیضیه اعلام کردند. فعالیتهای آموزشی: شیخ محمد رضا خود در دانشکده به تدریس فلسفه اسلامی می پرداخت و مجلات کتاب ((اصول الفقه)) را آماده میکرد تا در دانشکده فقه تدریس شود او همچنین به سرپرستی دانشکده و نظارت بر کارهای تالیفی آن می پرداخت. وی زندگی خود را بطور کامل در اختیار این مرکز علمی گذارد و به شجره جان و روان آن را مستحکم و پایدار کرد و همه تواناییها و امکاناتش را در این دانشکده بذل نمود. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: برنامه ها و فعالیت های اصلاحی استاد نام او را در زمره یکی از احیاگران عصر حاضر، در تاریخ کهن حوزه علمیه نجف اشرف جاودان ساخت، اقدامات اصلاحی آیه الله مظفر به قرار ذیل است: الف - جمعیت منتدی النشراين نهاد - که در سال ۱۳۵۳ هجری مجوز تاسیس را دریافت کرد - بهترین وسیله برای تحقق اهداف اصلاحی در پی نشر فرهنگ دینی و ایجاد روح اسلامی در مردم و استحکام اخلاق بود. ب - دانشکده منتدی آیه الله مظفر در سال ۱۳۵۵ ق. به دنبال تحقق اهداف جمعیت منتدی النشر، یک مدرسه عالی علوم دینی و به عبارتی ((دانشکده اجتهاد)) را تاسیس کرد و در دوره اول چهار ماده درسی همچون فقه استدلالی، تفسیر، علم اصول و فلسفه به دانش پژوهان ارائه می شد. علامه شیخ محمد جواد بلاغیت شیخ عبدالحسین دشتی و شیخ عبدالحسین حلی از اساتید این دانشکده بودند. ج - مدارس منتدی تاسیس مدارس منتدی النشر گام بعدی استاد مظفر بود که با استقبال بزرگان حوزه نجف و خاندانهای مشهور این شهر مواجه شد و این اقبال عمومی در توسعه اش کارگشا بود. د - دانشکده فقهای آیه الله مظفر در سال ۱۳۷۶ ق. دانشکده فقه را در نجف اشرف تاسیس کرد و وزارت فرهنگ عراق در سال ۱۳۷۷ آن را به رسمیت شناخت. مواد درسی این دانشکده عبارت بودند از: فقه امامیه، فقه تطبیقی، اصول فقه، تفسیر و اصول و مبانی تفسیر، حدیث و اصول حدیث (درایه)، علوم بیتی و روان شناسی، ادبیات و تاریخ ادبیات، جامعه شناسی، تاریخ اسلام، فلسفه اسلامی، فلسفه جدید، منطق، تاریخ جدید، اصول تدریس، نحو، صرف و یک زبان بیگانه. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: در قرن اخیر جمعی از اندیشوران حوزه، تغییر برخی متون درسی و کوتاه کردن طور مدت آموزش را به منظور دستیابی سریع به اهداف متعالی پیشنهاد کرده اند و برخی از مصلحان نیز تحدید بنای علمی و تدوین کتابهای روز آمد را - با توجه به حفظ عمق و اصالت مطالب آنها - وجهه نظر خود قرار داده اند که این تغییر و جایگزینی همواره با مقاومت برخی دیگر مواجه بوده است. آیه الله مظفر در میان دو دوره سطح و خارج، دوره نخست را به دلیل نقص در موارد درسی و سبک تحصیل و تدریس - نیازمند اصلاح می دانست و از این رو در پی تاسیس منتدی النشر و دانشکده فقه، تنظیم وضعیت آموزشی و افزودن متون آموزشی جدید را هدف کار خویش قرار داد. تدوین کتابهای ((المنطق))، ((اصول الفقه)) و ((عقاید الامامیه)) یک نوسازی در نگارش کتابهای درسی به شمار می آید که هم اکنون دو کتاب نخست از متون درسی حوزه های علمیه بخصوص حوزه مقدس قم می باشد. استاد مظفر از جوانی به شعر روی آورد و جرقه های آغازین آن نزد شیخ محمد طه حویزی افروخته شد و در پرتو راهنماییهای استاد به سرودن شعر پرداخت و بخوبی از عهده ظرافتها و نکات دقیق آن برآمد. هر کس به سروده های او نظر بنماید در آن فنون شعر لطیف و ظریفی می یابد و به افقهای ادبی نوی برخوردار می کند. شاگردان: استاد مظفر در دوره حیات علمی خود، دانش پژوهان بسیاری را در سایه تربیت و تدریس قرار داد و آنان را با معارف دین آشنا ساخت. اسامی برخی از شاگردان آن عزیز را - چه در داخل منتدی النشر و دانشکده فقه و چه بیرون از آن - مرور می کنیم: شیخ احمد قیسی، شیخ احمد وائلی، سید جواد شبر، شیخ جواد قسام، سید حسین خراسان، شیخ صالح آل شیخ راضی، سید عبدالکریم قزوینی، شیخ عبدالهادی فضلی، سید عبدالهادی محسن حکیم، شیخ غلامرضا عرفانیان، دکتر سید محمد بحر العلوم، سید محمد تقی طباطبایی تبریزی، سید محمد جمال هاشمی، شیخ محمد حسن طریحی، سید محمد حسن قاضی، سید محمد صدر، شیخ محمد علی ایروانی، شیخ محمد علی تسخیری، شیخ محمد مهدی آصفی، دکتر محمود بستانی، دکتر محمود مظفر، سید مرتضی حکمی، سید هادی فیاض، شیخ یونس مظفر و... چگونگی عرضه آثار: آیه الله محمد

رضا مظفر یکی از نویسندگان چیره دست و نامدار معاصر است که زیبایی تعبیر، رسایی متن، حسن انسجام و بیان جذاب همراه با استحکام مطالب و دقت نظر در نوشته هایش هویداست. این امتیاز مرهون تلاشهای دوران جوانی او در آشنا شدن با متون ادبی و ادبیات معاصر و ممارست بر روز آمد کردن تالیفاتش می باشد بدان حد که آثار هم آمیخته دانش و ادبیات وی، عقل را اشباع می سازد و عاطفه را آرامش می بخشد. ساده نویسی در مطالب علمی از هنرهای ادبی اوست و آن بر بال قلم نشسته، شیفتگان علم را به آسمانهای فلسفه و منطق و اصول و کلام پرواز می داد و دانشهای دقیق را به شیوه ای روان به ایشان عرضه می کرد و بر خلاف دیگران که به شیوه سنتی انس داشتند، او مرحله جدید تدوین آثار اسلامی، با بهره گیری از اسلوب نثر فنی جدید را به حوزه ارائه داد. استاد همچنین مقدمه هایی بر آثار مکتوب دیگران نوشته اند: از آیه الله مظفر مقالات متعددی - با نام صریح یا مستعار - در مجله هایی چون ((العرفان)) در صیدا، ((الدلیل))، ((الهاتف)) و ((النجف)) در نجف، ((الکحلاء)) در عماره، ((المرشد العربی)) در لاذقیه، ((الفکر)) در بغداد و ((الرساله)) در مصر به چاپ رسید. آثار: احلام الیقظه، اصول فقه و ویژگی اثر: این اثر زیبا به حقیقت نوعی نوسازی در نگارش کتابهای درسی دوره سطح محسوب می شود و مؤلف فرزانه، آن را به منظور تدریس در دانشکده فقه نجف نوشته است. نوآوری علمی، اتقان و عمق مطالب، اصول فقه را اثری جاودان و ماندنی ساخته و استاد به منظور رفع خلاء موجود بین دو کتاب ((معالم)) و ((کفایه)) و با تاسی از ابتکار استاد خویش شیخ محمد حسین اصفهانی - در دسته بندی مباحث - آن را تنظیم کرده است. ۳. الزعیم الموهوب السید ابوالحسن اصفهانی، السقیفه، الفلسفه الاسلامیه، المثل الافلاطونیة عند ابن سینا، المنطق و ویژگی اثر: این اثر مجموعه درسهای ارائه شده ایشان از سال ۱۳۵۷ ق. در دانشکده منتدی النشر می باشد و به عنوان متن مهم درسی جایگاهی ویژه را به خود اختصاص داده است. ۸. النجف بعد نصف قرن، تاریخ الاسلام، تتمه احکام الیقظه، حاشیه مکاسب، حریه الانسان و ارتباطها بقضاء الله، دیوان شعر، رساله عملیه فی ضوء المنهج الحدیث، شرح حال شیخ حسین اصفهانی، شرح حال شیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهر)، شرح حال صدرالدین شیرازی (ملاصدرا)، شرح حال مولا محمد مهدی نراقی، شیخ الطوسی مؤسس جامعه النجف، عقاید الامامیه و ویژگی اثر: این کتاب، مجموعه ای از عقاید اسلامی بر اساس روش اهل بیت علیه السلام می باشد که به صورتی فشرده و رسا تنظیم شده است، اثری که از هرگونه پیچیدگی های رایج کتب کلامی عاری بده و برای همگان در خور فهم است. استاد پیشتر این مطالب را در سال ۱۳۶۳ ق. در دانشکده دینی منتدی ارائه کرده بود و سپس آن را بدنی نام و همچنین به نام ((عقاید الشیعه)) به چاپ رساند و هدف عالی او از نگارش آن تقریب بین مذاهب اسلامی بود. ۲۱. علی هامش السقیفه، فلسفه ابن سینا، فلسفه الامام علی علیه السلام، فلسفه الکندی، مجموعه ای از رسائل در علم کلام، مجموعه ای اشعار (در کتاب شعراء الغری)، مذاکرات الشیخ

منابع زندگینامه: سایت حوزه علمیه قم / بخش زندگینامه علما ۱k - www.hawzah.net/

مظفری خوبی، حسام الدین حسن

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س هفتم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به حسام. ملقب به مظفری. از ادبا و سخنوران شهر خوی بود که در دربار چوپانیان روم می زیست. از تالیفات وی: «نصیب الفتیان»؛ «تشبیب البیان»؛ «تحفه حسام»، در لغت فارسی به ترکی؛ «ملتسمات»، مشتمل بر چهارصد رباعی؛ «نزه الکتاب و تحفه الاحباب»، در امثال؛ «قواعد الرسائل و فوائد الفضائل»، در انشاء به فارسی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۲۸۵/۳)، دانشمندان آذربایجان (۱۱۴-۱۱۳)، الذریعه (۲۳۶/۹)، سر آمدان فرهنگ (۳۰۲/۱)، فرهنگ سخنوران (۲۵۴)، کشف الظنون (۱۹۵۷، ۱۳۵۸)، لغت نامه (ذیل / حسام خویی).

مظفری قزوینی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد مظفری قزوینی در سال ۱۳۰۴ در شهر قزوین متولد گردید. پس از دوران کودکی در سن بیست سالگی وارد حوزه علمی قزوین شد و حدود شش سال به تحصیل در این حوزه پرداخت. سپس جهت تحصیل به قم رفته و در حوزه علمی این شهر وارد شد. پس از بهره بردن از محضر درس اساتید درس این حوزه به نجف اشرف رفته و محضر درس بزرگان آن سامان را درک نمود. آیت الله مظفری قزوینی پس از آنکه تحصیلات خود را به پایان برد به تدریس و تالیف و اقامه نماز جماعت و بیان مسائل و احکام دین را به عهده گرفت. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب: محمد مظفری قزوینی فرزند ملا ابراهیم آقا بابایی، در سال ۱۳۰۴ دیده به جهان گشود. تحصیلات رسمی و حرفه ای: محمد مظفری قزوینی پس از دوران کودکی در سن بیست سالگی وارد حوزه علمی قزوین شد و حدود شش سال به تحصیل در این حوزه پرداخت. سپس جهت تحصیل به قم رفته و در حوزه علمی این شهر وارد شد. پس از بهره بردن از محضر درس اساتید درس این حوزه به نجف اشرف رفته و محضر درس بزرگان آن سامان را درک نمود. خاطرات و وقایع تحصیل: محمد مظفری قزوینی هنگام تحصیل در نجف اشرف به سبب بروز برخی مشکلات، مجبور به بازگشت به ایران گردید. استادان و مربیان: محمد مظفری قزوینی مقدمات را نزد آخوند ملا علی مطهری، متوسطه را نزد شیخ مهدی قاضی و آنگاه سطوح عالی را نزد آیت الله العظمی حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی فراگرفت. استادان وی در حوزه علمی قم آیت الله حاج سید حسین بروجردی و آیت الله سید شهاب الدین الحسینی مرعشی بود. مظفری همچنین در حوزه علمی نجف نزد اساتیدی چون: آیت الله حاج سید محسن حکیم، آیت الله حاج سید محمود شاهرودی، امام خمینی (ره)، آیت الله حاج سید ابوالقاسم خویی تلمذ نمود. فعالیت‌های آموزشی: محمد مظفری قزوینی پس از آنکه مقام علمی خود را به مرتبه ای رساند که توانست، دانش خود را به دیگران منتقل نماید، در حوزه علمی قم به تدریس پرداخت. او سپس به نجف رفته و علاوه بر تحصیل به تدریس نیز پرداخت، سپس به زادگاه خود قزوین بازگشت و فعالیت های آموزشی خود را در این شهر دنبال نمود. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: محمد مظفری قزوینی پس از آنکه تحصیلات خود را به پایان برد به تدریس و تالیف و اقامه نماز جماعت و بیان مسائل و احکام دین را به عهده گرفت. آثار: اسلام و فلسفه احکام و ویژگی اثر: در دو جلد ۲ اسلام و قانون بردگی، اصطلاحات منطقی، البلغه فی بلوغ المرء، الشیعه و السنه و ویژگی اثر: این کتاب به زبان عربی می باشد ۶ الفوائد الرجالیه، القطره فی فضائل علی علیه السلام، ایضاح الحجه فی شرح العروه و ویژگی اثر: در ۸ جلد ۹ پرسش ها و پاسخ ها و ویژگی اثر: در دو جلد ۱۰ حرمت بازی شطرنج، خاتمت آخرین پیامبر، خلاصه البیان فی احوال شاه زمان، دانستنیهایی از قرآن و ویژگی اثر: این کتاب به زبان عربی می باشد ۱۴ رساله در اثبات صانع تعالی، رساله در خلقت بهشت و جهنم، شهادت ثالثه در اذان و اقامه، طبیات، قربانی در منی

منابع زندگینامه: فرزنانگان علم و سخن قزوین، تحقیق و گردآوری: رضا صمدی ها، قزوین: بحر العلوم

مظلومی، رجبعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رجبعلی مظلومی، فرزند استاد محمدحسین در سال ۱۳۰۶ شمسی در نیشابور پا به عرصه‌ی وجود گذاشت. دوران تحصیل خود را در نیشابور، مشهد و سپس در تهران طی کرد. در دوره‌ی ابتدایی و متوسطه پی به هنر نقاشی برد و کارهایی در زمینه‌ی هنرهای تصویری انجام داد. آنگاه به علت فقر مالی در دخانیات مشغول به کار شد و در کنار آن، در مقطع کارشناسی دانشگاه تهران مشغول به تحصیل شد. سپس به پیشنهاد دکتر معین، دوره‌ی کارشناسی ارشد و دکترا را پی گرفت و در رشته‌ی فلسفه محض، روان‌شناسی و ادبیات فارسی فارغ‌التحصیل شد. دکتر مظلومی در دوران فعالیت‌های دانشگاهی اش، دو مرکز تحقیقاتی تأسیس کرد. همچنین دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس، توسط ایشان تأسیس و بنیاد نهاده شد. او سمت استادی را در دانشگاه‌های تهران، شهیدبهشتی، صنعتی شریف تهران، صنعتی اصفهان، تربیت مدرس و مجتمع دانشگاه هنر عهده دار بود. دکتر رجبعلی مظلومی سرانجام پس از سه سال در ۲۱ مهر ۱۳۷۷ به لقای محبوب شتافت.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب: رجبعلی مظلومی، فرزند استاد محمدحسین می باشد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: رجبعلی مظلومی، در دو سالگی پدرش را از دست داد.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: رجبعلی مظلومی، دوران تحصیل خود را در نیشابور، مشهد و سپس در تهران طی کرد. در دوره‌ی ابتدایی و متوسطه پی به هنر نقاشی برد و کارهایی در زمینه‌ی هنرهای تصویری انجام داد. آنگاه به علت فقر مالی در دخانیات مشغول به کار شد و در کنار آن، در مقطع کارشناسی دانشگاه تهران مشغول به تحصیل شد. سپس به پیشنهاد دکتر معین، دوره‌ی کارشناسی ارشد و دکترا را پی گرفت و در رشته‌ی فلسفه محض، روان‌شناسی و ادبیات فارسی فارغ‌التحصیل شد. رساله‌ی دکترای ایشان، «تصحیح متن شرح فصوص الحکم بابارکن الدین شیرازی» بود که توسط مؤسسه‌ی مطالعات اسلامی چاپ شد و پروفیسور لندلت، همین کتاب را به عنوان متن درسی در دانشگاه مگ گیل کانادا تدریس می کرد.

استادان و مربیان: رجبعلی مظلومی از اولین سال تحصیل خود، معلم نقاشی داشت. او بعد ها به شاگردی استاد موید پردازی در آمد و از آنجایی که موید پردازی شاگرد کمال الملک بود بنابراین مظلومی را نیز می توان شاگرد باواسطه کمال الملک محسوب کرد

زمان و علت فوت: رجبعلی مظلومی، در ۲۱ اسفند ۱۳۷۴ در اثر سکته‌ی مغزی به بیمارستان منتقل و سرانجام پس از سه سال در ۲۱ مهر ۱۳۷۷ به لقای محبوب شتافت.

فعالیت‌های آموزشی: رجبعلی مظلومی، سمت استادی را در دانشگاه‌های تهران، شهیدبهشتی، صنعتی شریف تهران، صنعتی اصفهان، تربیت مدرس و مجتمع دانشگاه هنر عهده دار بود.

مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می آید: رجبعلی مظلومی در دوران فعالیت‌های دانشگاهی اش، دو مرکز تحقیقاتی تأسیس کرد. همچنین دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس، توسط ایشان تأسیس و بنیاد نهاده شد.

سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: رجبعلی مظلومی، به زبان‌های فرانسه و عربی آشنایی کامل دارد. مطالعات متنوع و گسترده‌ی او در زمینه‌ی قرآن‌شناسی، حدیث‌شناسی، حکمت و عرفان، تاریخ و هنر اسلامی و به ویژه امور تربیتی منجر به نگارش بیش

از یکصد جلد کتاب و پانصد مقاله در طول نزدیک به نیم قرن تلاش و پژوهش گردید.

آرا و گرایشهای خاص: رجبعلی مظلومی معتقد است که عاملی که بتواند آن مادیت را به معنویت بدل کند و با لطافت حتی با اقتصاد خیلی خوب، قسمت عمده ای از مسایل زندگانی ما را حل کند فقط هنر است. وی اعتقاد دارد که هنر فقط درزمینه آزاد و آزاده می تواند ابراز وجود کند چون اصلاً آب هنر از آزادی است. وی بر این باور است که کسانی که یکسره عینیت های را به وسیله ابزارهای هنری طرح می کنند، گرچه زحمت می کشند، اما کارشان را هنر صنعتی می دانیم و نه هنر هنر مندی. او معتقد است که هنر هنرمند آن است که تنها برای فرهنگ بهتر و ارتقای فهم فرهنگی یک جامعه و اصولاً برای مجموعیت لایق یک جامعه و برای قدرت والاتر همین مجموعیت کار کند. از این جهت او هنر مند را همیشه آینده بین می داند. -----

آثار:

۱ آموزش فن سخن گفتن

ویژگی اثر: برداشتی از کتاب «راه و رسم سخن گفتن».

۲ ارمان مور

۳ با تربیت مکتبی آشنا شویم

۴ بازنگری بر فعالیت های بدنی

۵ بیابید به حرف بچه هایمان گوش کنیم

۶ پژوهشی پیرامون آخرین کتاب الهی

۷ تربیت از دیدگاه معصومین (ع)

۸ تربیت معنایی انسان

۹ تفسیر شیعه

۱۰ جوان و دین

۱۱ چرا امام حسن (ع) صلح را پذیرفت؟

۱۲ چه کسی با چه نوع شخصیتی، کدام شغل را انتخاب می کند؟

۱۳ حاشیه بر هنر چیست؟

۱۴ در مسیر نور تا خورشید یا سیر رسالت با جوهره ی ولایت در بستر تشیع

۱۵ درس های رمضان (تفسیر قرآن)

۱۶ دولت عدل الهی؛ درباره ی دولت امام زمان (عج)

۱۷ راه و رسم سخن گفتن

۱۸ رهبر آزادگان؛ درباره ی امام حسین (ع)

۱۹ روابط شایسته در ورزش تربیتی

۲۰ روزنه ای به باغ بهشت یا هنر در راستای انقلاب اسلامی

ویژگی اثر: در دو مجلد.

۲۱ زنان بافضیلت

۲۲ سخنرانی را توانا شویم

- ۲۳ سرگذشت قرآن
 ۲۴ سیر تاریخی قرائت
 ۲۵ سینما ، اخلاق ، تجربه
 ۲۶ شورای اسلامی
 ۲۷ علوم قرآن
 ویژگی اثر : در پنج مجلد.
 ۲۸ علی (ع) معیار کمال
 ۲۹ فهم قرآن
 ویژگی اثر : در دو مجلد.
 ۳۰ کتابشناسی اسلامی
 ۳۱ کلیدهای تربیتی و تعلیمی برای اولیای تربیتی
 ۳۲ گامی در مسیر تربیت اسلامی (از کودکی تا بلوغ)
 ۳۳ گامی در مسیر تربیت اسلامی (مبانی تربیتی)
 ۳۴ مؤمن کیست و ایمان چیست ؟

منابع زندگینامه :

مجله ی آینه ی میراث ، سال اول ، شماره ی ۲ ، سال ۱۳۷۷ - مجله ی آینه ی پژوهش ، سال نهم ، شماره ی پنجم ، شماره ی پیاپی ۵۳ ، آذر و دی ۱۳۷۷

مظهر، علی اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۰۴ - ۱۲۳۲ ش)، شاعر و منشی. وی در همدان به دنیا آمد. پس از فراگرفتن تحصیلات مقدماتی، در رشته‌ی علوم ادبی و عربی به تحصیل پرداخت و در مدرسه‌ی زنگنه به تحصیل فقه، اصول، منطق، فلسفه و عروض اشتغال ورزید و تا جایی پیش رفت که از زمره‌ی اساتید زمان به شمار آمد. وی در تدریس «منظومه‌ی سبزواری» که در زمره‌ی کتابهای فلسفه به شمار می‌رود، تسلط داشت. مظهر بعد از اتمام تحصیلات، در دستگاه امیر افخم قراگوزلو همدانی به سمت منشی‌گری به کار پرداخت و تا آخر عمر در این سمت باقی بود. وی را در قم در صحن حضرت معصومه (س) به خاک سپردند. از آثارش: «خستوی»، که به طرز مثنوی سروده شده؛ «بضاعت مزجات»، به نثر، مشتمل بر دو قسمت یکی سؤال و جواب در موضوعات فلسفی و دیگری درباره‌ی عرفان و سیر سلوک؛ «دیوان» شعر، متجاوز از ده هزار بیت. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سخنوران نامی معاصر (۳۳۴۸-۳۳۴۲/۵).

مظهری، محمدحسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدحسن مظهری

محل تولد: دامغان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات کلاسیک از دبستان تا دبیرستان در رشته علوم تجربی تا سال ۱۳۶۵ را در شهرستان دامغان گذراندم. تحصیلات حوزوی را از سال ۱۳۶۵ در حوزه علمیه قم شروع کرده و پس از اتمام سطح هم اکنون حدود ۶ سال دروس خارج فقه و اصول شرکت نموده ام. در درس تفسیر حضرت آیه الله جوادی آملی حدود ۸ سال شرکت کردم. ۵ سال نیز در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در قم در رشته کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی تحصیل نموده و پس از تدوین پایان نامه به اخذ مدرک کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی موفق گردیدم. از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵ تاکنون در مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما ایران به ارزیابی، بررسی طرح و مشاوره پژوهش مشغول می باشم و تاکنون ده ها کتاب و جزوات پژوهشی با نظارت اینجانب به چاپ رسیده است.

معاذی، عبدالمجید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی ایران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه تهران و جندی شاپور سابق اهواز در سال ۱۳۴۸، دکترای تخصصی داخلی از دانشگاه تهران در

سال ۱۳۵۶، فوق تخصص هماتولوژی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۸.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بیماریهای داخلی، بررسی تومورهای ریه، بررسی ITP در حاملگی، نظارت بر ۷ پایان‌نامه دکترای عمومی و تخصصی. تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

فیزیولوژی بیماریهای خون، رابطه با عوامل شیمیائی که در جنگ تحمیلی توسط دولت بعثی آمریکا به کار برده شده با بیماریهای خونی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۶، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای داخلی و خون.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

معاون سعیدی نوقانی، کوبک

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

معتبری، منصور

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۷، مرتبه علمی: استاد، رشته: بهداشت، دانشکده: بهداشت، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۳۴، فوق تخصص انگل شناسی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال

۱۳۵۲ و از دانشگاه لندن در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۲۴ تا سال ۱۳۵۲، استاد دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۵۲ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

راهنمائی، مشاوره و نظارت بر بیش از ۱۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا، تدریس دروس اپیدمیولوژی بیماریهای، اصول اپیدمیولوژی، انگل‌شناسی و حشره‌شناسی در اکثر دانشگاهها، دریافت جایزه خوارزمی از سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی کشور.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی:-، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

بیش از ۸۰ مقاله به زبانهای انگلیسی و فارسی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

معتمد خراسانی، اسماعیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۹ - ۱۲۹۶ ش)، عالم دینی، فقیه اصولی، نویسنده و واعظ. در محله‌ی پایین خیابان مشهد به دنیا آمد. در کودکی پدر و مادر خود را از دست داد. ادبیات را از محضر محقق نوغانی و میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری و سطح فقه و اصول را از آیت‌الله شیخ کاظم دامغانی و آیت‌الله شیخ هاشم قزوینی و آیت‌الله شیخ مجتبی تنکابنی و آیت‌الله شیخ حسن طبرسی و آیت‌الله میرزا علی‌اکبر نوغانی و خارج اصول را در حوزه درس آیت‌الله میرزا محمد آقازاده‌ی کفای گذراند و در درس معارف از محضر آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی استفاده نمود و معقول را نزد آقا بزرگ حکیم و فرزندش میرزا مهدی فراگرفت. آنگاه به نجف رفت و از درس آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی استفاده نمود و از آنان به دریافت اجازه نایل آمد. سپس به تهران بازگشت و در مدرسه مروی سکنی گزید و از طرف آیت‌الله میرزا احمد آشتیانی عهده‌دار رسیدگی به امور کتابخانه‌ی مدرسه گردید. او از این زمان به تألیف رسالات پرداخت و همزمان به وعظ و خطابه نیز مشغول شد. وی در تهران در گذشت و در قم به خاک سپرده شد. از آثارش: «خورشید تابان در نبوت قرآن»، در علم و ادب و تاریخ و اجتماع؛ «اسلام شناسی»؛ «تاریخ ادوار اسلام»، شامل سه دوره: «از بعثت تا آخر تشریح قوانین»، «عهد خلفا و اجرای قوانین» و «عهد بنی‌امیه و انحراف از دین تا قیام امام حسین (ع)»؛ «حکومت عباسیان در پیشگاه تاریخ»؛ «فلسفه غیبت امام زمان (عج)»؛ «شرح دعای ابوحمزه ثمالی»؛ «مبدأ و معاد»؛ «اخلاق در مکتب اهل بیت (ع)».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/۱۳۰۷)، مبدأ و معاد (مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (۱/۶۱۴).

معتمدالدوله، عبدالوهاب

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله نشاط اصفهانی. ادیب، شاعر و نویسنده‌ای توانا بود. در غزل‌های خوب خود بیشتر نظر به سعدی داشته و در نهضت ادبی ایران هم سهم بسزائی دارد، وی معاصر فتحعلی‌شاه قاجار بود. اشعار و منشآت او به نام گنجینه معروف است. در سال ۱۲۴۴ ه. ق وفات کرد و تاریخ وفات او را (از قلب جهان نشاط رفته) گفته‌اند. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

معتمدالملک، یحیی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابی‌الفرج یحیی بن صاعد بن یحیی. حکیم طبیب نصرانی نسطوری، معروف به ابن‌التلمیذ، طبیب و حکیم حاذق در عصر دولت عباسیان بوده، و در اصفهان می‌زیسته، در ۵۵۶ وفات یافته است. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

معتمدی، فرشته

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی. خلاصه شرح حال تخصصی سوابق تحصیلی:

دکترای فیزیولوژی از دانشگاه کلمبیا- میسوری آمریکا.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

نوروترانسمیترها و درد، مکانیسم‌های یادگیری و حافظه، پتانسیل‌های کورتکس مغز و هیپوکامپ در رابطه با خوب و بیداری، اثرات داروها بر بافت‌های ایزوله (روده نای قلب) فیزیولوژی حرکات، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۵۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترای.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

فیزیولوژی کلیه، اعصاب، غدد، سلول، قلب و گردش خون، تنفس، گوارش، خون.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۴۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲۹

زمینه علمی مقالات:

اثر عقده‌های قاعده‌ای مغز بر اعمال حرکتی، نوروترانسمیترها و درد، مکانیسم‌های یادگیری و حافظه، مکانیسم اثر داروها بر بافت‌های ایزوله (روده ونای)، اثر نوروترانسمیترها بر خورانش و اشتها در حیوانات و فیزیولوژی حرکات (رفلکس‌های کششی عضلانی) در انسان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

معمدی، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: قلب و عروق، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

معمدی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ارتوپدی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

متخصص ارتوپد از دانشگاه تهران.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۲، دانشیار دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۸.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

استفاده کردن از پماد نیتروگلیسرین در بیماری **Bed Sore** راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۰ پایان‌نامه دکترای پزشکی عمومی و

۱۰ پایان‌نامه تخصصی ارتوپدی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

درمان جراحی سل ستون مهره‌ها، ترمیم دیسک بجای برداشتن آن.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۶، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

درمان جراحی سل ستون فقرات، درمان سیتوسنورلی‌های ناحیه ساعد، درمان ترمیم دیسک بجای برداشتن آن، درد زانو در ورزشکاران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

معمدی، ملوک

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ایمنی‌شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی بیولوژی از کالج وسترن اوهایوی آمریکا در سال ۱۳۲۱، کارشناسی ارشد Zoology از کالج Mt.Holyke آمریکا در سال ۱۳۲۳، دکترای میکروبیولوژی از دانشگاه جانزهاپکینز آمریکا در سال ۱۳۷۲، فوق تخصص ایمنونولوژی از لندن در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

مربی دانشگاه شیراز از سال ۱۳۴۱ تا سال ۱۳۴۸، استادیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۴۸ تا سال ۱۳۶۴، دانشیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۴۶ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس میکروبیولوژی و باکتریولوژی، ویروس و انگل و قارچ، ایمنونولوژی و سرولوژی در دانشگاه شیراز دریافت سه سکه طلا از وزارت فرهنگ و آموزش عالی در سال ۱۳۵۶ به خاطر تحقیقات روی سالک.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

ایمنی‌شناسی، قارچ‌شناسی، اصول و تفسیر آزمایش‌های سرولوژی و ایمنونولوژی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: -، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۹

زمینه علمی مقالات:

در زمینه‌های مختلف میکروبیولوژی، باکتریولوژی و ایمنونولوژی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

معدل، قاسم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قاسم معدل

محل تولد: نجف اشرف

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در شهر نجف اشرف در خانواده ای متعهد و فرهنگی چشم به دنیا گشودم. همراه با سایر افراد خانواده صبح ها در جلسات درسی فقه (رساله عملیه)، اخلاق، تفسیر و غیره که توسط پدر اینجانب تدریس می شد شرکت می کردم. تحصیلات ابتدایی (۱۳۴۷ - ۱۳۵۳) و راهنمایی (۱۳۵۳ - ۱۳۵۶) با موفقیت پشت سر گذراندم که همزمان با آن پاره ای از تحصیلات حوزوی نزد محقق عزیز جناب آقای سید محمد حسین رضوی کشمیری شروع کرده بودم. اما بعد از مدت کوتاهی به علت شرایط نامساعد حاکم بر کشور عراق مجبور به ترک آن شده ام.

در سال ۱۳۵۹ تحصیلات دبیرستانی خود را به اتمام رسانده ام و موفق به گرفتن مدرک دیپلم شده ام. با به دست آوردن مدرک دیپلم و پیروزی انقلاب اسلامی ایران اینجانب سعی بر این داشته ام که به تحصیلات حوزوی و کلاسیک (دانشگاهی) خود در ایران ادامه دهم اما با آغاز جنگ علیه ایران توسط رژیم سابق عراق (صدام)، دولت عراق اینجانب را از خروج به خارج عراق ممانعت کرد که با توجه به این امر و به جهت امتناع از مشارکت در جبهه های جنگ عراق علیه کشور مسلمان ایران وارد تحصیلات کاردانی در رشته تاسیسات شده ام که در سال ۱۳۶۱ ه.ش آن را به اتمام رسانیده و در اواخر سال ۱۳۶۲ با تلاش های بسیار موفق به ورود کشور جمهوری اسلامی ایران از راه غرب شده ام که بلافاصله ضمن اشتغال در تقویم متون کتاب های منتشر شده معاونت روابط بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی تحصیل حوزوی خود را در مرحله مقدمات با مطالعه کتاب هایی مانند المنطق، شرح ابن عقیل و سایر کتب درسی آغاز نموده ام و تا سال ۱۳۶۴ ادامه داشت.

در سال ۱۳۶۴ کتاب های معالم الدین و شرح لمعه را نزد استادان بزرگوار مقدس و رحیمی تلمذ نموده ام.

جهت ادامه تحصیلات خود در سطوح عالی در سال ۱۳۶۶ وارد دانشسرای علوم اسلامی که تحت نظر آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی (دام ظلّه) بود شده ام که درس های معارف القرآن و بحث های اقتصادی و نزد استاد حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی، فقه مقارن نزد حضرت آیت الله شیخ ابراهیم جناتی، مکاسب شیخ نزد اساتید بزرگوار آیت الله راضی، سید علیرضا حائری و شیخ حسن جواهری، اصول (کفایه و حلقه سوم) نزد آیت الله شیخ باقر ایروانی و فلسفه نزد آیت الله سید کمال حیدری خوانده ام. با اتمام سطوح عالی در سال ۱۳۷۱ در بحث خارج اصول حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی و بحث خارج فقه حضرت آیت الله سید کاظم حائری شرکت داشته ام.

همچنان در سال های ۱۳۷۲ - ۱۳۷۴ در حلقه مباحثه خصوصی بحث های فقهی تحت نظارت حضرت استاد بزرگوار جناب شیخ باقر ایروانی و در حلقه مباحث بحث های اصولی برای مدتی کوتاهی تحت نظارت استاد بزرگوار جناب شیخ محمد هادی آل راضی شرکت داشته ام. از اوایل تحصیل خود و همزمان با ادامه تحصیلات با موسساتی مانند سازمان تبلیغات اسلامی، دانشکده امام حسین (ع) قم، انتشارات دارالقلم، مجله التوحید، نمایندگی ولی فقیه همکاری علمی داشته ام.

در سال ۱۳۷۲ مسئولیت تدوین متون درسی مدارس خارج از کشور سازمان تبلیغات اسلامی بعهدده داشته ام و از سال ۱۳۷۴ با موسسه دائره المعارف فقه اسلامی تحت نظارت رهبر انقلاب آیت الله خامنه ای و به ریاست آیت الله هاشمی شاهرودی (دام ظلهم) شروع به همکاری نموده ام که تا بحال ادامه دارد و در این مدت مسوولیت هایی مانند سرگروهی جلد های ۳، ۸ موسوعه الفقه الاسلامی عضو شورای تحقیقات، و عضو هیات علمی موسسه دائره المعارف بعهدده داشته ام. همچنین اینجانب در سال ۱۳۷۶ به عضویت هیئت تحریریه فصلنامه فقه اهل بیت (ع) درآمده ام.

معراجی گوگدی، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدتقی گوگدی که ابناء و احفادش ملقب به معراجی می باشند از بزرگان دانشمندان گلپایگان بوده که پس از خاتمه تحصیلات و نیل به مرتبه شامخ اجتهاد سالها در گوگد گلپایگان بوده که مسقط الراس وی بوده مصدر امورات شرعیه بوده و سپس به اراک هجرت فرموده و با اینکه در اواخر عمر نابینا شده بود باز هم به تدریس ادامه می داد و تشنگان علم و فقاها را با بیان شیوا شاداب و سیراب می نموده و در موقعیکه آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری حوزه اراک را تشکیل و تأسیس فرمودند. این مرد بزرگ در اراک بوده و آیت الله حائری از ایشان کاملا- احترام می نموده و مباحثاتی با آیت الله حائری داشت که مشهور است.

پس از رحلت و وفات جنازه اش حمل به قم شده و در قبرستان نو در حجره که مرحوم آیت الله آقا شیخ محمد سعید مدفون است به خاک سپرده شده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

معرفت، محمدهادی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ محمدهادی معرفت در سال ۱۳۰۹ هـ ش در شهر کربلا- فرزند دییده به جهان گشود که نام وی را «محمدهادی» گذاشتند. گروه: علوم انسانیرشته: الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب: پدر محمدهادی شیخ علی، فرزند میرزا محمدعلی از نوادگان شیخ عبدالعالی میسی اصفهانی بود که به اتفاق والدین و دیگر اعضای خانواده در سال ۱۲۹۰ هـ ش از سده اصفهان به کربلای معلی مهاجرت کرد. شیخ علی دانشمند وخطیبی توانا و مورد احترام مردم کربلا بود که پدرانش تا سه قرن همگی از سلسله

جليله روحانيت بودند. مادر استاد «سيد زهرا» دختر سيد هاشم تاجر رشتي و متوطن در كربلا بود. تحصيلات رسمي و حرفه اي : «محمد هادي» از سن پنج سالگي براي كسب سواد به مكتب خانه شيخ باقر اصفهاني فرستاده شد. آنگاه مقدمات علوم اسلامي را نزد پدر فرزانه خود و تني چند از اساتيد معروف نظير حاج شيخ اكبر نائيني، سيد سعيد تنكابني، شيخ محمد حسين مازندراني، سيد مرتضى قزويني و سيد محمد شيرازي فرا گرفت. مبادي فلسفه و دوره‌هاي فقه و اصول تا سطوح عاليه را در كربلا و نزد پدر بزرگوار و برخي از اساتيد بزرگ بهره گرفت و خوشهچين معارف الهيه شد. استاد معرفت در آغاز سال ۱۳۴۰ هـ ش و پس از فوت پدر بزرگوارشان رحمه الله عليه به منظور تکميل تحصيلات و رفعت هر چه بيشتر بنای دانش خویش همراه با خانواده به نجف اشرف مهاجرت کردند. در اين سالها نجف اشرف منزلگاه اساتيد فرهيخته و آيات عظامي همچون سيد محسن حکيم، سيد ابوالقاسم خويي، ميرزا باقر زنجانى، شيخ حسين حلي، سيد علي فاني اصفهاني و اخيراً حضرت امام خميني - قدس سره - هم بود؛ استاد فرصت بهره‌گيري از اين گلستان معرفت را قدر دانسته از هر گلي شهدي نوشيد و مجمع فضائل خوبان شد. خاطرات و وقايع تحصيل : انگيزه حضرت استاد در رو آوردن به پژوهشهاي قرآني را از قلم معظمه استفاده ميکنيم: هنگام مراجعه و مطالعه براي آمادگي تدريس تفسير به حقيقت تلخي برخورد کردم و آن، فقدان بحث زنده پيرامون مسائل قرآني، در کتابخانه هاي فعلي تشيع بود. اين برخورد تلخ از آنجا بود که براي تهيه مقاله اي پيرامون مسأله «ترجمه قرآن»، به کتابخانه تخصصي قرآن مراجعه ميکردم و در اين زمينه کتابهاي زيادي که برخي در دو مجلد و نيز رساله ها و مقالات بسياري از مصر و غيره در اختيار بود که دانشمندان معاصر آن ديار نوشته بودند، ولي در حوزه نجف جز يك برگ اعلاميه حضرت آيت الله شيخ محمد حسين كاشف الغطاء چيز ديگري نيافتم. اين امر بر من گران آمد و مرا بر آن داشت که در زمينه مسائل قرآني به طور گسترده، ديدگاههاي دانشمندان گذشته و حال مكتب را روشن و عرضه کنم، نتيجه آن تلاش پيگير هفت مجلد «التمهيد» و دو مجلد «التفسير و المفسرون» گرديد. در نوشته اخير تکميل «مافات» نوشته «محمد حسين ذهبي» مصري را انجام دادم که به ناحق جا يگاه تشيع را در حيطه قرآني نادیده گرفته بودم. فعاليتهاي ضمن تحصيل : سال ۱۳۵۱ ش حکمت الهی اقتضا کرد تا عدو سبب خیر شود و استاد از عراق به ایران مهاجرت نماید حکومت بعث عراق دستور بازگرداندن ایرانیان مهاجر را از عراق صادر کرد و استاد فرزانه حاج شيخ محمد هادي معرفت با کولهباري از فضل و دانش به اتفاق خانواده رهسپار ايران و ساکن قم شد. اين فاضل جوان در بهار ۴۲ سالگي، فرصت حضور در درس اصول ميرزا هاشم آملی رحمه الله عليه - را که از شاگردان مبرز آغا ضياء عراقی بود، غنيمت شمرد و از خرمن دانش آن پير فرزانه خوشه هاي معرفت چيد. و به اين ترتيب شخصيت علمي محقق فرهيخته، استاد معرفت شکل گرفت و دوران طولاني بهره گيري علمي از اساتيد برجسته و ممتاز حوزه هاي علميه كربلا، نجف اشرف و قم، از او مجتهدی مسلط بر مباني فقهی، اصولی ساخت که روح دانشاندوزی را با جدیت، تلاش، نوآوری، شجاعت در ابراز عقیده، توجه به آرای سلف در کنار نقد و بررسی آنها، نخبه گویی و حذف زوائد و تأمل در مسائل مهم، همراه کرد و با اين سرمايه عظيم در سه حوزه تدريس، پژوهش و تأليف و به خصوص ورود به عرصه هاي نو و راه هاي طی نشده دست به کار شد. در عتفوان جوانی و همزمان با تحصيل دروس فقه و اصول، با همكاري جمعی از فضلاي مشهور كربلا از جمله سيد محمد شيرازي، سيد عبدالرضا شهرستاني، سيد محمد علي بحراني، شيخ محمد باقر بهبودی و ... دست به تأسيس و نشر ماهنامه‌هاي با نام «اجوبه المسائل الدينيه» زدند. اين گروه در اطلاعيه‌هاي آمادگي خود را براي پاسخگويي به سؤاليهاي ديني مردم اعلام کردند و در مدت ساليان متمادي با جديت تمام به پاسخ سؤاليهاي رسیده، پرداختند. اين ماهنامه با استقبال فراوان مردم از جمله دانشگاههاي عراق و حتی خارج از کشور روبرو شد. و حاصل پاسخها که گاه در شکل مقالات علمي - تحقيقي تحرير ميشد بعضاً صورت مستقل چاپ و منتشر گرديد. استادان و مربيان : از استادان محمد هادي معرفت می توان به موارد زیر اشاره کرد: شيخ محمد کلباسی شيخ محمد حسين مازندرانی شيخ محمد خطيب سيد حسن آغامير قزوینی حاج شيخ اکبر نائینی سيد سعيد تنكابني شيخ محمد حسين مازندرانی سيد مرتضى قزوینی سيد محمد شيرازي شيخ يوسف

بی ارجمندی خراسانیهم دوره ای ها و همکاران : محسن حکیم، سید ابوالقاسم خویی، میرزا باقر زنجانی، شیخ حسین حلی، سیدعلی فانی اصفهانی و اخیراً حضرت امام خمینی (قدس سره) ازهمدوره ایهای شیخ محمدهادی معرفت بوده اند. زمان و علت فوت : شیخ محمدهادی معرفت در سال ۱۳۸۵ دار فانی را وداع گفتند. فعالیت‌های آموزشی : حضرت آیت الله معرفت از آغازین سالهای تحصیل علوم اسلامی به امر تدریس و تحقیق پرداختند. علوم ادبی و علمی را متناسب با میزان رشد علمی تدریس کردند و در هفته یکبار برای جوانان کربلا، جلسات پرشور علمی اسلامی برپا کردند. با هجرت استاد معرفت به قم فعالیت‌های تدریسی، تحقیقی و تألیفی ایشان گسترش یافت. وی عمده وقت خود را به تدریس رسائل، مکاسب، کفایه و سپس خارج فقه و اصول اختصاص داد و از جمله در مدرسه عالی حقانی و به دعوت شهید قدوسی مدیر محترم مدرسه، به تدریس مسائل قرآنی و به ویژه علوم قرآن پرداختند. محصول تلاش استاد در سنگر تدریس تربیت صدها شاگرد در موضوعات فقهی، اصولی و قرآنی است و سپس برای جمعی از طلاب جوان و با علاقه، مباحث علوم قرآنی را در مؤسسه آموزشی - تحقیقاتی معارف اسلامی امام رضا(ع) تدریس میکردند. این محقق برجسته به دنبال سکونت در قم، تحقیقات انجام شده در نجف اشرف را به طور گسترده مورد بازبینی و تعمیق و توسعه قرار داد. مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می آید : از جمله کارهایی که شیخ معرفت انجام داده اند، تاسیس و نشر ماهنامه ای به نام اجوبه المسائل الدینیه بود. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : استاد معرفت در نجف اشرف بخش عمدهای از وقت خود را مصروف تدریس و تحقیق نمودند؛ صبحها علاوه بر تحصیل، به تدریس میپرداختند و عصرها را به امر تحقیق و تدوین اختصاص دادند. در این زمان بود که با گروهی از فضلاء مشهور نجف اشرف از جمله «سیدجمال خوئی فرزند برومند آیت الله العظمی خوئی سید محمد نوری، سید عبدالعزیز طباطبائی، شیخ محمد رضا جعفری اشکوری، دکتر محمد صادقی و در سالهای اخیر استاد عمید زنجانی جلسات هفتگی تشکیل و پیرامون مباحث و موضوعات مختلف به بحث و تحقیق همت گماردند. هر یک از این فضلاء رشتهای از علوم اسلامی را موضوع تحقیق خود قرار دادند. در اینجا بود که حضرت استاد معرفت پژوهشهای خود را در رشته «علوم قرآنی» پایه گذاری کردند. چگونگی عرضه آثار : از جمله مقاله های استاد معرفت که به زبان عربی تألیف و برخی از آنها به فارسی ترجمه و منتشر شد، میتوان به این موارد اشاره کرد: «حقوق زن در اسلام»، «ترجمه قرآن، امکان، ضرورت»، «دو فرقه شیخیه، اسکویی، کریمخانی»، «اهمیت نماز و تاثیر آن در صیانت فردی و اجتماعی». آثار : آموزش علوم قرآنی، احکام شرعی، التفسیر الاثری الجامع، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، التمهید فی علوم القرآن و ویژگی اثر : جزوات «التمهید» یکی پس از دیگری به زیور طبع آراسته شد و به دنبال پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی چاپ «التمهید» که به سه جلد رسیده بود، به همت انتشارات جامعه مدرسین تجدید چاپ و مابقی مجلدات آن تا شش مجلد انتشار یافت. ۶ تاریخ قرآن، تفسیر و مفسران و ویژگی اثر : جدید چاپ کتاب تفسیر و مفسران در دو جلد و ترجمه آن به زبان فارسی، جلوه‌های دیگر از مراحل کمال تحقیق و پژوهش استاد میباشد. ۸. تلخیص التمهید، تمهید القواعد، تناسخ الارواح (بازگشت روح)، جامعه مدنی (مجموعه مقالات)، حدیث لاتعاد، حدیث من زاد فی صلاته، شبهات وردود حول القرآن و ویژگی اثر : حضرت استاد در پاسخ شبهات وارده بر قرآن که بهطور عمده از سوی شرقشناسان و برخی روشنفکران دنیای عرب و ایران مطرح میشد دست به تألیف کتاب «شبهات وردود» زدند که در سال ۱۳۸۲ به زیور طبع آراسته شد. این حدیث‌شناس، مفسر و فقیه مکتب اهل بیت(ع) که معتقد به ضرورت استفاده از تراش سلف و نگران کوتاهی در نقادی روایات تفسیری هستند، از سال ۱۳۷۹ ش محصول تجارب ارزنده خود را به خدمت تألیف تفسیری جامع از آثار گذشتگان در آورد و به جمع‌آوری و تنسیق روایات تفسیری فریقین پرداخت. ایشان در این کار گروهی که با مساعدت دو گروه ده نفره از شاگردان و نخبگان حوزوی و تربیت یافتگان مدرسه قرآنی صورت گرفته است، روایات تفسیری را که جملگی به صورت خام در کتابها عرضه شده، به محک نقد و بررسی گذاشته و برای جدا سازی سلیم و سقیم این روایات و قیمتگذاری و تعیین ارزش هر یک از آنها اهتمام نموده‌اند. تاکنون یک مجلد از این اثر ارزنده با نام «التفسیر الاثری الجامع» به زیور طبع آراسته

شده است. ۱۴ صیانه القرآن من التحریف ویژگی اثر: ایشان با توجه به مهمترین سؤالها یا شبهه‌های مخالف با کرامت قرآن و یا مذهب تشیع دست به‌کار تألیف شدند، از جمله کتاب «صیانه القرآن من التحریف» را در دفاع از حریم قرآن و حراست از کرامت آن نوشتند. «احسان الهی ظهیر»، نویسنده متعصب پاکستانی، شیعیان را متهم ساخت که قائل به تحریف قرآن میباشند؛ استاد مجاهد و پاسدار ارزشهای اسلامی در مدت شش ماه کتاب «صیانه القرآن»... را در جواب وی به رشته تحریر درآورد و در تاریخ ۲/۸/۶۶ ش، به چاپ رساند. ۱۵ علوم قرآنی، مالکیه الارض، ولایت فقیه، ولایه الفقیه ابعادها و حدودها

منابع زندگینامه: سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما ۱k - www.hawzah.net/

معرفت، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۳۰۰.

درگذشت: ۱۳۶۶.

مرتضی معرفت کتابی در اصول فقه به نام انوار معرفت تعریف منابع فقه (اصفهان، ۱۳۷۴) منتشر کرد. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

معروف، حبیب

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۳۱۲.

درگذشت: ۱۳۷۳.

از آثار اوست: فرهنگ مصور هنرهای تجسمی (با همکاری پرویز مرزبان؛ تهران، ۱۳۷۱؛ این کتاب در سال ۱۳۶۵) با عنوان واژه‌نامه‌ی مصور هنرهای تجسمی به چاپ رسید؛ واژه‌نامه راه و ساختمان و معماری انگلیسی-فارسی و فهرست الفبایی و ترکیبات فارسی با تعریفات دقیق برخی واژه‌های مشکل و نو ساخته (تهران، ۱۳۶۹). کتاب نقش ماندگار: یادنامه‌ی مهندس حبیب معروف به کوشش امین و نازی معروف به یاد وی در تهران در سال ۱۳۷۴ منتشر شد. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

معزالدوله‌ای، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ مهدی بن العالم الکامل و الفقیه العامل آیت‌الله حاج شیخ باقر بن العالم الجلیل الشیخ محمد رفیع تهرانی از مشاهیر علماء

معاصر تهران است که بزور علم و عمل و تقوا و ورع آراسته و موصوف و متصف می‌باشد والد مرحومش آیت‌الله حاج شیخ باقر تهرانی عالمی جلیل و دانشمندی ادیب و مرجع امور در تهران و مورد وثوق عموم مردم بود و در مدرسه مروی تدریس می‌نمود و عده‌ای از بزرگان دانشمندان تهران چون علامه رجالی حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب (الذریعه الی تصانیف الشیعه) و آیت‌الله سعید تهرانی و صدها نفر دیگر از علماء بزرگ خدمت او تلمذ نموده‌اند. و او از شاگردان مرحوم علامه کبیر میرزا محمدحسن آشتیانی بوده و مسجدی در خیابان (نایب السلطنه) تهران برای او بنا نمودند و در آن اقامه جماعت نموده و در منزلش فصل دعاوی و خصومات می‌نمود. در تهران وفات نمود و جنازه او را در قبرستان (چهارده معصوم) که اکنون بنام کوی شاه معروف است در جنب قبر سید جلیل و فقه نبیل عالم ربانی آیت‌الله آقا سید عبدالکریم لاهیجی بنا بر وصیتش دفن نمودند.

مترجم معظم ما جدا از علماء وارسته و دارای ملکات فاضله و حسن اخلاق و غیور در دین و متعصب در ولایت و مروج معارف اهل بیت عصمت علیهم السلام و مربی اخلاق و مزکی نفوس است در مسجد مرحوم والدش اقامه جماعت و ترویج احکام دین نموده و مردم را بسوی آل محمد علیهم السلام ارشاد و هدایت نموده و با بدعت‌ها شدیداً مبارزه می‌کند و حال بسیار عجیبی در بکاء و ابکاء مردم دارد روزهای جمعه و کلیه ایام مذهبی از وفیات و اعیاد دینی در مسجد و منزلش مجلس تبلیغ دین دارد و غالباً خودش با بیانات نافذ و مؤثر خود حاضرین را منقلب نموده و تحت تأثیر قرار میدهد.

فرزندان فاضل و دانشمندی دارد که سالها در قم از محضر اساتید و آیات حوزه بهره‌مند شده و در شمار فضلاء معاصر گردیده‌اند و آنها از این قراراند:

- ۱- حجه الاسلام آقای آقا میرزا عبدالعلی معزالدوله تهرانی
 - ۲- حجه الاسلام آقای آقا شیخ هادی معزالدوله تهرانی
 - ۳- حجه الاسلام آقای آقا شیخ حسین معزالدوله تهرانی
 - ۴- حجه الاسلام آقای آقا شیخ حسن معزالدوله تهرانی
- برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

معزی، اسماعیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(معروف به پشمی) فرزند محمد حسن.

عالم فاضل، در نجف اشرف در خدمت آخوند خراسانی و آقا شیخ هادی طهرانی تلمذ فرموده، و پس از نیل به مقامات عالیه علم و اجتهاد به اصفهان مراجعت نموده، سالها در خدمت مرحوم آخوند فشارکی به فصل خصومات و افتا اشتغال داشته، و پس از فوت ایشان در مسجد سلام امامت، و در مدرسه ی نوریه تدریس می‌فرمود، و در شب جمعه ۲۳ ماه سال ۱۳۶۳ به سن ۷۵ سالگی وفات یافته، در تکیه کازرونی مدفون گردید.

کتب زیر از تألیفات اوست:

- ۱- اصول الایمان ۲- تقریرات اصولی استادش آخوند خراسانی ۳- شانزده رساله در مباحث مختلفه فقه و اصول ۴- شرح بر کفایه ی خراسانی ۵- قضایای غریبه و عجیبه ۶- مجالس الموحّدین؛ و غیره.
- برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

معزی، حسام‌الدوله، نجفقلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مورخ، مؤلف.

تولد: ۱۲۶۱، نجف.

درگذشت: اردیبهشت ۱۳۵۹.

نجفقلی حسام‌الدوله معزی، فرزند ابراهیم میرزا، تحصیلات خود را در انگلستان به پایان برد و در وزارت مالیه عضو بود. وی در دوره سوم مجلس شورای ملی از ملایر و محلات نماینده بود. از آثار اوست: تاریخ روابط سیاسی ایران با ممالک اروپایی. وی به زبان‌های عربی و انگلیسی و فرانسوی آشنایی پرداخت. تألیفات دیگر او عبارتند از تاریخ راه‌سازی در ایران، راز کامیابی ژاپن، عالم حیوانات یا کلید دام و دد، دره‌ی نجفی (مشمتمل بر سه فن عروض و قافیه و بدیع) وی کتاب‌های دیگری را از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه و نشر کرده است: تاریخ آمریکا، تاریخ انگلیس، تاریخ روسیه، زندگی پطر کبیر، زندگی فردریک، زندگی ژوزفین و ناپلئون.

وی در سال ۱۳۵۴ تعداد ۱۲۵۷ جلد کتاب چاپی به زبان‌های فارسی و انگلیسی و فرانسوی به دانشگاه شیراز اهداء کرد که بدین مناسبت فهرست‌نامه‌ای برای کتب اهدایی وی منتشر گردید.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

معزی، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدرضا بن العالم الجلیل الشیخ محمدجواد بن العالم الفقیه الشیخ محسن برادرزاده (صاحب مقایس) معزی دزفولی از اعظم علماء امامیه و فقهاء اثنی عشریه حاوی فروع و اصول و مدرسی عظیم‌الشأن و مقتدائی جلیل‌القدر و مرجع بسیاری از مردم خوزستان بوده است.

وی علاوه بر مراتب علمیه‌اش در اصول سیاست نیز یگانه عصر خویش بوده و در دزفول مدرسه علمیه بنا نهاده و مردانی باتقوا و فضیلت تحویل اجتماع داده است.

معظم له از محضر عموی گرامش آیت‌الله حاج شیخ محمدطاهر بن شیخ محسن و علامه خراسانی صاحب (کفایه) استفاده نموده و از آنان اجازه داشته و خود به جماعتی از علماء خوزستان اجازه داده است.

او در هفتم ماه رجب ۱۳۵۲ قمری در بروجرد از دنیا رفته و در جوار امامزاده ابوالحسن آن شهر مدفون گردید از تألیفات اوست حاشیه بر مکاسب بنام فیض الباری و حاشیه بر رسائل و غیر آن.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

معزی، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدعلی بن آیت‌الله شیخ عبدالحسین معزی از مجتهدین و مراجع معاصر دزفول می‌باشد و رساله عملیه ایشان در چند سال قبل به طبع رسیده است وی از بیت مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدرضا معزی سابق‌الذکر می‌باشد والد ماجدش مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالحسین بن آیت‌الله حاج شیخ محمدطاهر بن شیخ محسن بن شیخ اسماعیل نیز از علماء و مراجع دزفول بوده‌اند. مترجم معظم ما در مهد علم و کمال پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات قسمتی از متون فقه و اصول را از مرحوم والدش و علماء دیگر آموخته آنگاه مشرف به عتبات عالیات شده و سالها از محاضر آیات عظام نجف چون مرحوم آیت‌الله حاج میرزا حسین نائینی و آیت‌الله آقا ضیاء‌الدین عراقی و آیت‌الله العظمی اصفهانی و دیگران استفاده نموده و پس از آن به زادگاه مراجعت و به انجام وظائف دینی و روحی تاکنون اشتغال دارند مورد توجه مردم خوزستان و بالاخص دزفول و شوشتر می‌باشند ادام الله ظله و توفیقه

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

معزی، محمد کاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قرآن شناس معروف معاصر، استاد حاج سید علی کمالی دزفولی، صاحب آثار عدیده ی قرآنی، درباره ی مرحوم معزی که با ایشان خویشاوندی هم داشته چنین فرموده اند: شیخ محمد کاظم فرزند شیخ محمد و او فرزند حاج شیخ محمد رضا فقیه به نام، از اولاد معزالدین، عالم معروف دوران صفویه، در سال ۱۲۹۸ ش در دزفول به دنیا آمد و در سال ۱۳۴۸ ش در تهران وفات یافت و در مقبره ی شیخان قم مدفون گردید. تحصیلات بعد از مکتب خانه ی او در خدمت جدش حاج شیخ محمدرضا شروع شد و زیر توجه و علاقه ی خاص او مدارج علمی را به طور مضاعف طی کرد. استادانش در دزفول، جد مادری اش آقا شیخ محمد باقر و عموزاده اش آقا میرزا محمد علی، و چند سالی در قم، آیت الله بروجردی تا نیل به درجه ی اجتهاد بود. علاوه بر عربی، به زبان انگلیسی هم آشنا بود. چند سالی در دانشکده ی الهیات دانشگاه تهران تدریس کرد. معلومات او از محدوده ی تحصیلات متداول بسیار فراتر بود. اثر مهمش ترجمه ی قرآن مجید به فارسی است، که اشتباهاتی ناچیز و اندک از قبیل کاربرد ماضی و مضارع به جای همدیگر در آن یافت می شود و ترجمه اش هنوز در میان ترجمه های امروز می درخشد. نمونه ی اخلاق و فروتنی اسلامی بود. رحمه الله علیه. (برگرفته از بیانات استاد حاج سید علی کمالی دزفولی).

معصومی اصفهانی، ابو عبدالله محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۴۵۰ ق)، فقیه، طیب، فیلسوف و حکیم. وی در اصفهان به دنیا آمد. از شاگردان برجسته‌ی ابن سینا و در حکمت و فلسفه مشهور بود. ابن سینا وی را به تمامی شاگردانش ترجیح می‌داد و درباره‌ی او می‌گفت: نسبت معصومی به من به منزله‌ی نسبت ارسطو است به افلاطون، و رساله‌ی «العشق» خود را به نام معصومی و به خواهش او تألیف کرد و در آغاز کتاب او را ابو عبدالله الفقیه معصومی نامید. وی پس از درگذشت ابن سینا سالها به تدریس پرداخت. سال وفات وی را در حدود ۴۶۰ ق نیز ذکر کرده‌اند. از آثارش: کتاب «المفارقات و اعداد العقول و الافلاک و ترتیب المبدعات» یا «رساله فی اثبات المفارقات» که گفته‌اند این کتاب معشوق حکما بوده است؛ «حفظ الصحه»، در طب؛ شرح «کلمات متقدمین».[۱]

ابو عبدالله محمد بن احمد المعصومی یکی از شاگردان ابن سینا است. ابوعلی سینا رساله‌العشق خود را به اسم این شاگرد و به خواهش او نوشت. وفات او را بعضی در ری دانسته‌اند و گفته‌اند به حکم محمود کشته شد. از تألیفات مهم او یکی «کتاب المفارقات و اعداد العقول و الافلاک و ترتیب المبدعات» یا رساله‌ی «فی اثبات المفارقات» که در قرون پنجم و ششم هجری شهرت بسیار داشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۷/۱۰۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/۳۱۹)، تاریخ طب (۶۹۲-۶۹۱/۲)، ریحانه (۳۴۵-۳۴۴/۵)، لغت نامه (ذیل / ابو عبدالله)، نامه‌ی دانشوران (۲۲۶-۱۶۵/۶).

معصومی لاری، محمد مسعود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد مسعود معصومی لاری

محل تولد: کرمانشاه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده اگرچه در شناسنامه به خاطر مدرسه سال ۱۳۳۸ نوشته‌اند ولی سال ۱۳۳۹ در کرمانشاه و در یک خانواده‌ی که سابقاً در سلسله جلیله روحانیت بوده‌اند به دنیا آمده‌ام جد ما مرحوم آقای سید حسین معصومی لاری در همان منطقه کنگاور و کرمانشاه بوده‌اند البته از آن جهت به ما لاری می‌گویند که بخشی از خاندان ما در لار و گراش هستند ما از نوادگان مرحوم سید عباس معصومی لاری هستیم سلسله ما عموماً سلسله‌ی ای بوده‌اند که همه روحانی بوده‌اند عموهای بنده مرحوم حاج آقا حسن و حاج آقا جعفر معصومی لاری روحانی بوده‌اند ابوی بنده سید محمد صادق معصومی لاری در کرمانشاه از معتمدین و مسئول بازرگانی است و فعالیت‌های اجتماعی زیادی دارند در هر صورت در یک خانواده کاملاً مذهبی بزرگ شدیم و تا دیپلم خودمان را در کرمانشاه گذرانیدیم

دیپلم من مصادف شد با انقلاب اسلامی و از آن به بعد به مطالعات دروس حوزوی پرداختم اوایل انقلاب مدتی در مدرسه عالی شهید مطهری تحصیل کردم آن زمان آقای امامی کاشانی برنامه را در دست گرفته بودند اول کار بود در سال ۱۳۵۸ به هر حال تصمیم گرفتم برای تحصیل بروم خارج از کشور لذا ویزای تحصیل گرفتم و رفتم فرانسه مدت شش ماه آنجا زبان خواندم و زبان را

خیلی سریع یاد گرفتم آنجا از جهت فراگیری زبان محیط خیلی خوبی بود، فارسی زبان کم بود در کاستل نوداقی (جنوب فرانسه) یکی از آن کاخهایی که در زمان انقلاب فرانسه مصادره شده بود تبدیلش کرده بودند به یک مرکز یا پانسیونی برای خارجیها که هم زبان یاد بگیرند و هم آماده باشند برای ورود به دانشگاهها به همین جهت من زبان را در آنجا خیلی سریع یاد گرفتم خوب بعد از آن آمدم پاریس دانشگاه سوربن در رشته ادیان شناسی مشغول به تحصیل شدم و تا حدود دو سال آنجا درس خواندم در این میان به ایران هم سفر میکردم بورسیه نبودم و پدرم از ایران پول میفرستاد خوب پس از یک سال و اندی به ایران بازگشتم در جهاد سازندگی مرکز و بلافاصله بعد از آن در وزارت امور خارجه مشغول به کار شدم

اواخر سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم البته در فرانسه هم منطق، تفسیر، قرآن، فلسفه و روش رئالیسم می‌گفتم به درسهای علوم دینی زیاد علاقه داشتم و مطالعه میکردم بخصوص کتابهای مرحوم مطهری و علامه طباطبایی زیاد میخواندم قبل از رفتن به فرانسه (اصول فلسفه و روش رئالیسم) را از آقای امجد درس گرفتم. آقای امجد، حاج آقا ممدوحی و حاج آقا نجومی اینها همه شاگردان مرحوم حاج آقا حسین لاری یعنی جد ما هستند اینها همه بخشی از اساتید من در مدرسه شهید مطهری بودند. آقای امامی کاشانی تفسیر میفرمودند خدا رحمت کند مرحوم علامه محمد تقی جعفری را، شرح تفسیر نهج البلاغه را اول آنجا ارائه میکردند و قبل از آنکه بنویسند می آمدند آنجا میگفتند و بحث و گفتگو میکردند بزرگوار دیگری بود که اسمشان را فراموش کردم ایشان به ما منطق میگفتند وقتی به قم آمدم در مدرسه علمیه کرمانیها مشغول شدم خدمت آقای موحدی تبریزی ادبیات (جامع المقدمات) را شروع کردیم (مغنی) را خدمت آقای آدینه وند بودیم و یک کمی هم از آقای مدرس افغانی استفاده کردیم در مدرسه کرمانیها منطق را آقای پرنده غیبی و احکام را آقای شیخ محمد سروش درس میدادند (اصول الفقه) را از آقای میرباقری و یکی دیگر از آقایان که اسمش را یادم نیست درس گرفتیم آقای هادوی یک درس منطق (نمیگویم خارج منطق ولی چیزی شبیه آن) میگفتند لذا ما یک کار خیلی جدی را با همراهی ایشان روی منطق انجام دادیم فلسفه را از محضر استاد فیاضی استفاده کردیم به اضافه این که قبلا هم از آقای امجد درس گرفته بودم، رسائل را ابتدا از خدمت آقای راستی کاشانی استفاده کردیم ولی متأسفانه تا مقداری که جلو رفتیم ایشان بیماری پیدا کردند و نتوانستند بیایند دنبال آن از آقای موسوی تهرانی که بسیار بسیار در رسائل قوی هستند استفاده کردم مکاسب را خدمت آقای پایانی و لمعه را ادر محضر آقای اشتهاردی خواندم. آقای اعتمادی خیلی قوی بود ولی آقای قدیری واقعا ملاپرور بود مثل درس آقای راستی ایشان هم درسش همه پسند نبود سخت میگرفت و از طلبه کار میکشید

درس خارج را با آقای شیخ جواد تبریزی شروع کردم و در بخشی از خارج فقه آقای وحید شرکت داشته ام تفسیر را از محضر آقای جوادی استفاده کرده ام.

معصومی همدانی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر حسین معصومی همدانی (۱۳۲۷-همدان) دارای مدرک دکتری رشته فلسفه و تاریخ علم، از دانشگاه پاریس -۷ فرانسه در سال ۱۳۸۴ می باشد. نامبرده عضو هیئت علمی دانشکده دانشگاه صنعتی شریف است. وی همچنین عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی می باشد. گروه: علوم انسانی رشته: تاریخ و فلسفه تحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات رسمی دکتر حسین

معصومی همدانی به قرار زیر است: کارشناسی مهندسی برق از دانشگاه صنعتی شریف کارشناسی ارشد رشته فلسفه و تاریخ علم از دانشگاه پاریس - ۷ فرانسه دکتری رشته فلسفه و تاریخ علم، پاریس - ۷ فرانسه در سال ۱۳۸۴ مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: عضو هیئت‌علمی دانشگاه صنعتی شریف و مدرّس تاریخ و فلسفه علم، مشاور عالی مرکز نشر دانشگاهی، عضو شورای عالی ویرایش صدا و سیما و عضو مرکز تحقیق در تاریخ و فلسفه عربی - اسلامی قرون وسطا. عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، عضو کمیسیون تخصصی استخدام و ... فرهنگستان زبان و ادب فارسی، عضو شورای عالی علمی دایره المعارف بزرگ اسلامی، مدیر گروه زبان و رایانه در فرهنگستان زبان و ادب فارسی، عضو شورای واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، عضو گروه دانشنامه ادب فارسی، ویراستار و سردبیر مجله دانشجو فعالیت‌های آموزشی: دکتر معصومی همدانی در انشگاه‌های تهران، شیراز و تربیت مدرس در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری به امر تدریس می‌پردازد. جوایز و نشانها: دکتر حسین معصومی همدانی برنده کتاب سال جمهوری اسلامی برای ترجمه کتاب جزء و کل می‌باشد. چگونگی عرضه آثار: - تالیف و ترجمه ۵ عنوان کتاب - تالیف و ترجمه بیش از ۱۰۰ عنوان مقاله - شرکت در سمینارهای متعدد در داخل و خارج از کشور

آثار: ایرانیها چه رویایی در سر دارند؟ (تهران: ۱۳۵۷) ویژگی اثر: دیدآورنده: میشل فوکو، حسین معصومی همدانی (مترجم) ناشر: هرمس - ۰۳ مرداد، ۱۳۸۶ ۲ ترمودینامیک تعادل، ادکینز ویژگی اثر: (ترجمه)، ۱۳۷۵۳ جزء و کل، ورنر هایزنبرگ ویژگی اثر: (ترجمه)، ۱۳۶۸. پدیدآورنده: ورنر هایزنبرگ، حسین معصومی همدانی (مترجم) ناشر: مرکز نشر دانشگاهی - ۲۹ اردیبهشت، ۱۳۸۶۴ زندگی‌نام؟ علمی دانشمندان اسلامی ویژگی اثر: ترجمه - ۱۳۶۳۵ سرگذشت فیزیک نوین ویژگی اثر: پدیدآورنده: میشل بیزونسکی، لطیف کاشیگر (مترجم)، محمدرضا خواجه پور (زیرنظر)، حسین معصومی همدانی (زیرنظر) ناشر: فرهنگ معاصر - ۲۳ دی، ۱۳۸۵ ۶ فلسف؟ علوم طبیعی، کارل همپل، ویژگی اثر: (ترجمه)، ۱۳۶۹۷ فیزیک: اندیشه‌ها و یافته‌ها ویژگی اثر: پدیدآورنده: ویلیام لارنس براگ، محمدرضا خواجه پور (مترجم)، حسین معصومی همدانی (زیرنظر) ناشر: فرهنگ معاصر - ۲۳ دی، ۱۳۸۵۸ مردم‌شناسی و هنر، لوی استروس ویژگی اثر: (ترجمه)، ۱۳۷۳۹ نرم و نازک: ماده نرم، پژوهش، آموزش ویژگی اثر: پدیدآورنده: پی‌یر ژیل دو دوژن، ماندانا فرهادیان (مترجم)، محمدرضا خواجه پور (زیرنظر)، حسین معصومی همدانی (زیرنظر) ناشر: فرهنگ معاصر - ۰۳ بهمن، ۱۳۸۵۱۰ نسبیّت خاص و عام و کیهان‌شناختی، ولفگانگ ریندلر ویژگی اثر: (ترجمه)، ۱۳۷۵. پدیدآورنده: ولفگانگ ریندلر، رضا منصوری (مترجم)، حسین معصومی همدانی (مترجم) ناشر: مرکز نشر دانشگاهی - ۱۹ اردیبهشت، ۱۳۸۵۱۱ نووه چنتو (تک گویی) ویژگی اثر: پدیدآورنده: الساندرو باریکو، حسین معصومی همدانی (مترجم) ناشر: نیلوفر - ۱۳ اسفند، ۱۳۸۵ منابع زندگینامه: <http://www.iranologyfo.com>

معصومی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ محمد علی بن آیه‌الله آقا شیخ سلیمان معصومی بهبهانی سبط مرحوم آیه‌الله آخوند ملا حسن بهبهانی معاصر علامه بزرگوار شیخ مرتضی انصاری - ره - از آیات عظام و حجج اسلام بهبهان بوده است.

مرحوم والدش شیخ سلیمان که از شاگردان میرز شیخ انصاری بوده بقصد دیدار ارحام خود از نجف بایران آمده و وارد بندر دیلم میشود اهالی آنجا تقاضا میکنند که در دیلم توقف فرماید پس اجابت نموده و خانواده را از نجف طلبیده و در سال ۱۲۸۸ ق مرحوم

آیه‌الله معصومی متولد میگردند.

پس از چندی مرحوم آقا شیخ سلیمان از دیلم منتقل به بهبهان گردیده و به تربیت و پرورش فرزند برومند مذکور خود کوشیده تا سن ۱۴ سالگی شروع بتحصیل مقدمات نموده و خدمت والد خود و مرحوم آقا میرزا حسن و آخوند ملا محمد تقی بهبهانی سطوح را پایان رسانیده و در سن سی سالگی بدرجه اجتهاد نائل و در سال ۱۳۱۸ ق مهاجرت بنجف اشرف نموده و از مراجع وقت بالا-خص مرحوم علامه حاج شیخ هادی تهرانی و فاضل شریانی و علامه حاج شیخ محمد کاظم یزدی و علامه خراسانی صاحب کفایه و دیگران استفاده کامل نموده و عموماً مراتب اجتهاد وی را تصدیق فرموده تا سال ۱۳۲۲ قمری پس از فوت مرحوم آقا شیخ هادی تهرانی از نجف اشرف مراجعت به بهبهان نموده و بتدریس و ترویج دین پرداخته تا سال ۱۳۲۰ ق که والدش برحمت ایزدی پیوسته معظم‌له مستقیماً بجای ایشان بانجام وظائف میپردازد.

در سال ۱۳۳۲ ق که جنگ بین‌المللی اول بود و از طرف مرحوم آیه‌الله حاج سید محمد کاظم یزدی حکم دفاع از ممالک اسلامی بمسلمین داده شده بود آیه‌الله معصومی هم موافقت نموده و با یکعهده از مردم مسلمان که مقلد و تابع ایشان بودند از طریق رامهرمز بقصد بصره حرکت ولی در نزدیکی اهواز مطلع میشوند که مسلمین در بصره شکست خورده‌اند به بهبهان مراجعت و پس از چندی غائله بوشهر را می شنوند که آیه‌الله حاج شیخ جعفر محلاتی از شیراز عازم بوشهر شده‌اند آن مرحوم هم از بهبهان بطرف برازجان و کازرون حرکت مینماید که جریان وقایع آن مرحوم در کتاب فارس و جنگ بین‌المللی و غیره مسطور است.

آثار و تألیفات آن مرحوم از این قرار است: ۱- قواعد الامامیه که مشتمل بر غوامض مسائل است. ۲- مواعظ الجمععات در دو جلد ۳- کتاب متفرقات ۴- مناسک حج ۵- انیس المهموم ۶- حواشی زیادی بر شرح لمعه و جواهر و جامع عباسی و نجات العباد. خلاصه پس از مسافرت‌های عدیده بخراسان و اراک و اصفهان و شیراز و اعتبار عالیات که در مقدمه کتاب انیس المهموم مطبوع مذکور است در سال ۱۳۷۱ قمری مریض و بتهران حرکت و در بیمارستان فیروزآبادی شهر ری بستری و بعد از بهبودی مراجعت به بهبهان نموده و در پنجم ماه صفر ۱۳۷۲ ق در سن ۸۴ سالگی دعوت حق را اجابت و در جنب قبر مرحوم والدش آیه‌الله آقا شیخ سلیمان معصومی مدفون میشود.

خاطره نگارنده از آن مرحوم

در محرم سال مزبور بود که حقیر برای تبلیغ بخرمشهر رفتم و مدت یکماه در آنجا اقامت و اشتغال داشتم که مردم شرافتمند بهبهان مطلع شده و برای ماه صفر دعوت نمودند که به بهبهان بروم پس اول ماه صفر بآنجا رفته و یکی از سادات محترم و اشراف آنجا بملاقاتم آمده و اظهار کردند آیه‌الله معصومی مریض مقتضی است که از ایشان عیادت کنید پس باتفاق ایشان بمنزل معظم‌له رفتم و بعد از مدتی فرزند ارجمندشان گفتند آقا جان آقای رازی آمده‌اند پس تبسمی کرده و فرمودند آقای رازی که در موقع فوت مرحوم ناظم‌الشریعه بودند؟ گفت بلی پس ایشان گفتند الحمدلله و فرمودند بفرزندشان جنازه من باید در تحت نظر آقای رازی تجهیز گردد و همان شب رحلت نموده و حسب الوصیه ایشان امر تغسیل و تجهیز آن مرحوم به این نگارنده محول گردید.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

معصومی، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ محمد علی فرزند علامه شیخ سلیمان معصومی یکی از علمای بزرگ شیعه در قرن چهاردهم هجری است. در سال ۱۲۸۸

در بیت علم به جهان دیده گشود و از اوایل زندگی به تحصیلات علمی و دینی همت گماشت. آیت الله معصومی پس از خاتمه مقدمات علوم عازم نجف اشرف گردید و سالها از محضر آیات عظام: فاضل شرایبانی، شیخ هادی تهرانی، آخوند خراسانی و علامه یزدی استفاده نمود و خود به مقام اجتهاد و استادی نائل گردید.

آیت الله معصومی یکی از علما و مراجع بهبهان در رأس مجاهدین این استان بود که در زمان جنگ بین الملل بعد از آنکه علامه یزدی امر به جهاد و دفاع از مملکتهای اسلامی را صادر نمود. این آیت بزرگ شخصا لباس رزم پوشید و مدتها به اتفاق مردم از حریم اسلام و میهن خویش دفاع نمود. معظم له سالها در بهبهان ملجأ و پناه مردم بود و در ترویج مذهب و خدمات مردمی کوشا بود. آیت الله معصومی و آیت الله بهبهانی در عصر مرحوم آیت الله بروجردی در رأس علما و مراجع خوزستان بودند و از حوزه درس اینها فضیلتی به مقام علمی و استادی رسیدند.

آیت الله معصومی حاشیه ای بر جواهر و شرح لمعه و نجاه العباد نوشت، و قواعد مشکله، کتاب مواعظ، انیس المهموم و رسائلی در فروع نیز به رشته تحریر برد. آن جناب پس از عمری خدمت به اسلام و مسلمین سرانجام در پنجم صفر سال ۱۳۷۲ در بهبهان وفات نمود.

مرحوم آیت الله شیخ سلیمان والد آیت الله معصومی یکی از علما و مجتهدین بزرگ شیعه در اوایل قرن اخیر در استان خوزستان بود. شیخ سلیمان از شاگردان شیخ انصاری بود که خود به درجه اجتهاد رسید و سالها در دیلم به ترویج مذهب اشتغال داشت و سپس ساکن بهبهان شد. وفات او را در سال ۱۳۲۰ در بهبهان نوشته اند. مدفن آن دو در بهبهان مزار است.

منابع زندگینامه: <http://www.shaaer.com>

معلمی، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن معلمی

محل تولد: فریدن

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجناب حسن معلمی در سال ۱۳۳۸ در روستای دامنه از توابع فریدن اصفهان متولد شدم دوره دبستان را در همان روستا و دوره راهنمایی را در داران و سه سال هنرستان) رشته برق (را در تهران سپری کردم، در سال سوم هنرستان به دلیل مسافرتی که به قم داشتم به حوزه علمیه و طلبگی علاقه مند شدم و تابستان همان سال (۱۳۵۶) وارد قم شدم و تحصیل رسمی طلبگی را از مهرماه سال ۱۳۵۶ در مدرسه رضویه شروع کردم

معمار، خلیل

قرن: ۱۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴)، طراح، نقشه‌کش و رسمی‌ساز. وی بخشی از زیارتگاه حضرت معصومه (ع) در قم را طراحی و نقشه‌کشی کرده و به خط طلائی نستعلیق، به روی مرقد مطهر، چنین رقم گذاشته است: «کرده معماری این جنت سرا بیگ خلیل». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱۱۷۳/۳).

معین الاطباء اردستانی، عبدالوهاب

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

از پزشکان معروف، و به حذاقت مشهور بود. در ۱۳۵۶ وفات یافته، نزدیک فاضلان در تخت فولاد مدفون گردید. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

معین، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۰ - ۱۲۹۴/۱۲۹۳/۱۲۹۱ ش)، نویسنده، مصحح، مترجم، فرهنگ‌نویس و شاعر. در رشت به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی در زادگاهش، تحصیلات متوسطه را در دارالفنون به پایان رساند. سپس از دانشسرای عالی در رشته‌ی ادبیات فارسی و فلسفه و علوم تربیتی فارغ‌التحصیل شد. پس از آن مدتی ریاست دانشسرای شبانه‌روزی اهواز و سپس ریاست اداره‌ی دانشسراها را در وزارت فرهنگ داشت. وی اولین کسی بود که در ایران به اخذ درجه‌ی دکترا در ادبیات نایل آمد و رساله‌ی دکترای خود را با عنوان «مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات فارسی» ارائه نمود. او از ۱۳۱۸ ش به تدریس در دانشسرای عالی و دانشکده‌ی ادبیات مشغول بود. وی به جهت شرکت در کنگره‌ها و مجامع علمی و انجام امور تحقیقی و تدریس به کشورهای آمریکا، انگلیس، فرانسه، شوروی سابق و آلمان سفر کرد. معین همکار دهخدا بود و سرپرستی سازمان «لغت‌نامه» را بر عهده داشت. دکتر معین سرانجام پس از پنج سال بیماری و بیهوشی در رشت درگذشت و در آستانه‌ی اشرافی‌رشت به خاک سپرده شد. از دیگر آثار وی: «فرهنگ فارسی»، معروف به «فرهنگ معین»؛ «برگزیده‌ی شعر فارسی»، «قرنها چهار و پنج قمری»؛ «حافظ شیرین سخن»؛ «ستاره‌ی ناهید یا داستان خرداد و مرداد»، شعر؛ تحلیل «هفت پیکر» نظامی؛ «روانشناسی تربیتی»، ترجمه؛ «ایران از آغاز تا اسلام»، ترجمه؛ «کتیبه‌های پهلوی»، ترجمه؛ تصحیح و تحشیه «برهان قاطع»؛ تصحیح و تحشیه «چهار مقاله» احمد عروزی سمرقندی؛ تصحیح «جوامع الحکایات و لوامع الروایات».[۱]

محمد (و. هفدهم رجب ۱۳۳۶ هجری قمری مطابق ۹ اردیبهشت ۱۲۹۷ شمسی. ف. ۱۳ تیرماه ۱۳۵۰ ه. ش) فرزند مرحوم شیخ ابوالقاسم. در شهر رشت در خانواده‌ای روحانی متولد گردید. به هنگام طفولیت او نخست مادر و پس از ۵ روز پدرش در عنفوان شباب درگذشتند. جد پدری وی شیخ محمدتقی معین‌العلماء که در سلک علمای روحانی بود به تربیت وی همت گماشت. جد

مادری او شیخ محمدسعید نیز از علما و مدرسان علوم قدیمه بود.

محمد معین دوره‌ی ابتدائی را در دبستان اسلامی و دوره‌ی اول متوسطه را در دبیرستان نمره‌ی ۱ (که بعدها بنام دبیرستان شاهپور خوانده شد) طی کرد. در اوان تحصیل در متوسطه صرف و نحو عربی و بخشی از علوم قدیمه را نزد جد خوش و مرحوم سید مهدی رشت‌آبادی و دیگر استادان وقت آموخت و عشق به مطالعه در نهادش ریشه دوانید. دوره‌ی دوم متوسطه (ادبی) را در دارالفنون تهران به پایان رسانید و به سال ۱۳۱۰ در دانشکده‌ی ادبیات و دانشسرای عالی در رشته‌ی ادبیات و فلسفه و علوم تربیتی وارد گردید و در سال ۱۳۱۳ از این شعب لیسانسیه شد پس از طی دوره‌ی شش ماهه‌ی دانشکده‌ی افسری احتیاط، شش ماه اول سال ۱۳۱۴ را به خدمت افسری گذرانید و در مهرماه آن سال به دبیری دبیرستان شاهپور اهواز منصوب شد، و پس از سه ماه ریاست دانشسرای شبانه‌روزی اهواز را یافت و در عین حال عضویت تحقیق اوقاف و ریاست به عهده‌ی وی بود. در همین ایام به وسیله‌ی مکاتبه از آموزشگاه روانشناسی بروکسل (بلژیک) که تحت نظر Elmer Knowles روانشناس اداره می‌شد، روانشناسی عملی و دیگر شعب آن از قبیل خطشناسی، قیافه‌شناسی و مغزشناسی را فراگرفت.

در ۱۳۱۸ به تهران منتقل گردید در حین تصدی معاونت و سپس کفالت اداره‌ی دانشسراها در وزارت فرهنگ، وارد دوره‌ی دکتری زبان و ادبیات فارسی شد. پس از چندی با حفظ سمت به دبیری دانشکده‌ی ادبیات منصوب گردید. پس از به پایان رسانیدن دوره‌ی دکتری، جلسه‌ی دفاع از پایان‌نامه‌ی دکتری وی به عنوان «مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی» در روز سه‌شنبه‌ی ۱۷ شهریور ۱۳۲۱ تشکیل و پایان‌نامه‌ی او با قید «بسیار خوب» قبول گردید، و او نخستین دکتر ادبیات فارسی در ایران شناخته شد. از آن پس به سمت دانشیار و سپس به سمت استاد کرسی «تحقیق در متون ادبی» در دانشکده‌ی ادبیات به تدریس مشغول شد و سه سال نیز در دانشسرای عالی به تدریس پرداخت. از آغاز سال ۱۳۲۵ شمسی که طبع لغت‌نامه‌ی علامه‌ی مرحوم علی‌اکبر دهخدا طبق قانون، در مجلس شورای ملی شروع شد، دکتر معین به همکاری وی برگزیده شد. در دی ماه ۱۳۳۴ با موافقت علامه‌ی مزبور، سازمان لغت‌نامه از منزل شخصی آن مرحوم به مجلس شورای ملی منتقل شد و طبق وصیت‌نامه‌های معظم له دکتر معین به ریاست امور علمی آن سازمان منصوب گردید. در اسفند ۱۳۳۶ سازمان مذکور به دانشکده‌ی ادبیات (دانشگاه تهران) شورای دانشگاه، ریاست سازمان لغت‌نامه به عهده‌ی وی محول گردید. وی این سمت را تا آخرین روزی که دچار سکت گردید به عهده داشت. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] چهارصد شاعر برگزیده پارسی گوی (۹۷۷)، دایرة‌المعارف فارسی (۲/۲۸۱۱)، الذریعه (۱۶/۲۱۷، ۶/۲۳۳)، شرح حال رجال (۶/۲۰۳)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۵۲۳-۵۱۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۴۲، ۲۶۲۱، ۱۹۳۸، ۱۱۴۶، ۱۰۷۱، ۴۹۶، ۴۸۸، ۱/۴۱۰)، کتاب گیلان (۷۲۳-۷۲۱/۲)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۴۰)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۰-۵/۸۲۶).

معین‌الاسلام، محمد علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

معروف به دبیر مازندرانی، از شاگردان آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی و دیگران بوده، در ۱۲۹۰ متولد، و در شب جمعه ۱۰ شوال ۱۳۸۴ وفات یافته، در جنب لسان‌الارض مدفون گردید.

کتب چندی تألیف فرموده از آن جمله است: ۱- رساله در سبب ارتحال جدش سید محمد از مازندران به اصفهان، مطبوع ۲-

مفتاح الکنوز، در تعریف علم و عمل، مطبوع.

وی را باید از بنیان‌گزاران فرهنگ جدید در اصفهان دانست، سال‌ها نظامت دبیرستان علیه را داشته، و به همین مناسبت به ناظم مازندرانی شهرت یافته است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

معین‌الواعظین، عباس علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

معروف به معین‌الحسینی، فرزند ملا علی محمد گورتانی.

عالم فاضل محدث، و واعظ زاهد ادیب شاعر متخلص به «ذاکر». در اصفهان و نجف نزد فضلالی این دو شهر تحصیل نموده. جهت ارشاد و هدایت مردم منبر رفته، کتب چندی تألیف نموده که از آن جمله است:

۱ - تسلیة الفقراء ۲ - دیوان اشعار ۳ - زادالعاصین ۴ - علائم الظهور ۵ - فوائد الصلوات ۶ - مجازاة النسوان ۷ - وقایع الظهور، در دو مجلد، مطبوع ۸ - هدایة الوالدین، جلد دوم علائم الظهور؛ و غیره.

در ۱۲۸۷ متولد، و در شب سوم ربیع الثانی ۱۳۶۰ وفات یافته، در تخت فولاد [تکیه‌ی سید العراقین] مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مفتح، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام و زبده الفضلاء الاعلام آقای حاج شیخ محمد مفتح همدانی از افاضل گویندگان و نویسندگان و اساتید ممتاز حوزه علمیه قم است در تهران.

وی در همدان متولد شده و پس از دوران تحصیل جدید و خواندن مقدمات و ادبیات در همدان به قم مهاجرت نموده و سطح نهائی را از مدرسین بزرگ حوزه به پایان رسانیده و چندین سال از محضر و دراسات فقه و اصول مرحوم آیت‌الله العظمی حجت کوهکمری و آیت‌الله العظمی امام خمینی و آیت‌الله شریعتمداری و آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده و تقریرات آنان را به رشته تحریر درآورده و معقول و تفسیر را هم از علامه شهیر استاد طباطبائی آموخته و ضمناً به تدریس سطوح عالی فقه و اصول اشتغال داشته و در ماه مبارک رمضان و ماه محرم و صفر به تهران و مناطق دیگر برای تبلیغ طبق دعوت قبلی مسافرت و از راه منبر و سخنرانی خدمات شایانی نموده است.

و اکنون در تهران به تدریس در دانشگاه و تبلیغ و تألیف کتب مفیده و اقامه جماعت اشتغال و آثار مطبوعی دارند که مورد استفاده فضلاء و محصلین می‌باشد.

استاد، محقق، فیلسوف، فقیه.

تولد: ۱۳۰۷، همدان.

در گذشت: ۲۷ آذر ۱۳۵۸، تهران.

آیت‌الله دکتر محمد مفتاح، فرزند شیخ محمود از مدرسان فارسی و عربی در حوزه‌ی علمیه‌ی همدان، پس از آن که مقدمات علوم عربی و فقه و بخشی از منطق را نزد پدر و اساتید حوزه همدان و در محضر آخوند علی همدانی آموخت در سال ۱۳۲۲ به قم مهاجرت کرد و در حجره‌ای در مدرسه دارالشفاء اقامت گزید. در آنجا رسائل و مکاسب و کفایه را در طول سال‌های ۱۳۴۲ - ۱۳۲۲ نزد امام خمینی (ره)، آیت‌الله کوه کمره‌ای، آیت‌الله بروجردی، علامه طباطبائی آیت‌الله مجاهد تبریزی، آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله نجفی فراگرفت، عرفان و دروس خارج فقه و اصول را نیز در عالی‌ترین سطح نزد امام خمینی تلمذ نمود. در کنار فراگیری علوم دینی، در دانشگاه نیز به تحصیل مشغول شد و در حالی که در سطوح عالی‌ی فقه و اصول را می‌گذراند موفق شد در رشته‌ی فلسفه‌ی به اخذ درجه دکتری نایل آید. پایان نامه‌ی وی در مقطع دکتری تحقیقی درباره‌ی نهج‌البلاغه بود. آنگاه شروع به تدریس کتاب منظومه حاج ملاهادی سبزواری پرداخت.

آیت‌الله محمد مفتاح با همکاری آیت‌الله دکتر سید محمدحسین بهشتی و آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای اقدام به تأسیس کانون دانش‌آموزان و فرهنگیان در قم نمود که اولین مجمع اسلامی پر تحرک بود. آیت‌الله مفتاح در روزهایی که امام خمینی در تبعید بود برای حفظ و اداره‌ی حوزه‌ی عملیه بنیان جامعه مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم را نهاد. دکتر مفتاح هنگامی که امام خمینی در عراق به سر می‌برد و نیز وقتی که به پاریس رفت، با ایشان در ارتباط بود و مسائل و حوادث ایران را به نحوی به اطلاع ایشان می‌رسانید. یکی از مراکزی که آیت‌الله مفتاح در آن فعالیت داشت حسینیه‌ی ارشاد بود. بعد از بسته شدن حسینیه‌ی ارشاد توسط ساواک، امامت مسجد قبا را پذیرفت.

ورود آیت‌الله مفتاح به تهران در حقیقت ورود جدی به مبارزه بود و او در این دوره در کنار هم فکراش از تهدیدات رژیم پهلوی در امان نماند. در سال ۱۳۵۴ دستگیر، زندانی و سپس به زاهدان تبعید شد. در بازگشت از تبعید همچنان به مبارزه ادامه داد. در سال ۱۳۵۴ وقتی شنید رژیم اسرائیل حملاتی را علیه مردم لبنان آغاز کرده، کمک‌هایی را از اهالی تهران جمع کرد و خود به لبنان برد.

در سال ۱۳۴۹ ساواک برای مدتی وی را از رفتن به قم منع کرد و قصد داشت با دعوت ایشان به دانشگاه برای تدریس، وی را از حوزه دور کند. او نیز همکاری با استاد مطهری را که در آن موقع در دانشکده الهیات بود پذیرفت.

تأسیس مجمعی تحت عنوان «جلسات علمی اسلام‌شناسی» از جمله فعالیت‌های ایشان بود این مجمع کتاب‌هایی (تألیف و ترجمه سیزده جلد کتاب) را در زمینه‌های گوناگون اسلام‌شناسی با مقدمه‌ی دکتر مفتاح به چاپ رسانید. این مجمع پس از مدتی توسط ساواک تعطیل گردید.

وی در اولین ساعات حکومت نظامی روز هفدهم شهریور ۱۳۵۷ دستگیر و زندانی شد، وی با اوج‌گیری انقلاب اسلامی و به هنگام گشوده شدن درهای زندان با همت مردم از زندان آزاد گردید در نماز عید فطر سال ۱۳۵۷ سخنرانی پر شور نمود و بعد از آن مجدداً دستگیر و روانه زندان شد. اما دوباره آزاد شد و شاهد پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ بود.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی عمده فعالیت آیت‌الله مفتاح حول محور تدریس در حوزه و دانشگاه و ایجاد پیوند بین این دو قشر کشور متمرکز بود. از جمله مسئولیت‌های ایشان می‌توان به این موارد اشاره نمود: ریاست دانشکده الهیات و معارف اسلامی تهران؛ حضور در جامعه روحانیت تهران؛ عضو ستاد برگزاری استقبال از امام خمینی؛ سرپرست کمیته انقلاب اسلامی منطقه چهار تهران؛ عضو شورای گسترش آموزش عالی کشور؛ عهده‌دار برگزاری نماز جماعت در مسجد دانشگاه تهران. از جمله تألیفات وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود.

ترجمه بعضی از مجلدات مجمع البیان. (جلد اول و دوم به قلم آیت‌الله مفتاح و آیت‌الله حسین نوری و جلد سوم با ترجمه خود وی به

فارسی برگردانده شده است)؛ حاشیه بر اسفار ملا صدرا (چاپ نشده است)؛ روش اندیشه؛ شرح منظومه منطق و رساله تاریخ منطق (۱۳۳۶)، جلد اول. جلد دوم در فلسفه الهی تدوین نشد)؛ حکمت الهی و نهج البلاغه (پایان نامه تحصیلی دوره دکترای آیت الله مفتاح)؛ آیات اصول اعتقادی قرآن؛ نقش دانشمندان اسلام در پیشرفت علوم (۱۳۶۱)؛ ویژگی‌های زعامت و رهبری؛ مقالات (سلسله مقالات «نقش دانشمندان اسلام در پیشرفت علوم» در مجله «مکتب اسلام» سال چهارم؛ همچنین مقالاتی در «مکتب تشیع» و «معارف جعفری»)؛ مقدمه‌نویسی بر آثار دیگران (کتاب‌هایی نظیر مصاحبه‌ای درباره خرافه و نیرنگ؛ تألیف سید کاظم ارفع؛ زیارت خرافه است یا حقیقت؛ نوشته غلامحسین رحیمی؛ جهان بینی و جهان داری علی (ع)، تألیف سید ابراهیم سید علوی؛ به سوی اسلام یا آئین کلیسا؛ نوشته حجت الاسلام مصطفی زمانی؛ ره‌آورد‌های استعمار؛ مهدی طارمی؛ اسلام پیشرو نهضت‌ها؛ نوشته محمد مصطفوی کرمانی و غلامحسین حقانی تهرانی؛ دعا عامل پیشرفت یا رکود؟؛ نوشته محمد مصطفی کرمانی؛ اسلام و حقوق کارگردان بردگان استعمار؛ ترجمه و نگارش سید جعفر شیخ الاسلام)؛ مکتب اخلاقی و تربیتی امام صادق (ع).

آیت الله مفتاح صبح روز بیست و هفتم آذر ۱۳۵۸ توسط گروه فرقان به هنگام خروج از اتومبیل جلوی در ورودی دانشکده‌ی الهیات به همراه دو محافظش (پاسداران جواد بهمنی و اصغر نعمتی) به رگبار بسته شد و هر سه به شهادت رسیدند. بیکر ایشان به صحن حضرت معصومه (ع) در قم انتقال یافت و در حجره ۲۳ صحن به خاک سپرده شد. به حرمت تلاش‌های ایشان، روز شهادتش «روز وحدت حوزه و دانشگاه» نام نهاده شد.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

مفتاح، محمدهادی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدهادی مفتاح

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۲۰

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۲ تحصیلات ابتدایی را در دبستان نیکان تهران آغاز نموده و تمامی تحصیلات ابتدائی و راهنمایی و دبیرستان را در مدرسه دبستان راهنمایی و دبیرستان نیکان به اتمام رساندم. در سال ۱۳۶۴ مدرک دیپلم در رشته ریاضی فیزیک با معدل ۱۹.۵ اخذ کردم.

ورود من به دانشگاه در سال ۱۳۶۴ و در رشته مهندسی برق و الکترونیک دانشگاه تهران می باشد که با توجه به حضور در جبهه های نبرد حق علیه باطل و بروز مشکلاتی همچون تعطیل ترم دانشگاه ها بر اثر موشک باران در آبان ماه سال ۱۳۷۰ مدرک مهندسی برق و الکترونیک را از دانشکده فنی دانشگاه تهران اخذ نمودم.

در کنار تحصیل در دبیرستان و دانشگاه به طی مدارج علمی حوزوی و حضور در دروس حوزه های علمی تهران پرداختم به نحوی که در سال ۱۳۷۰ همزمان با اخذ مدرک دانشگاهی لیسانس، دروس حوزوی را نیز تا مکاسب محرمة و قطع و ظن رسائل به انتها

رسانده بودم.

پاره ای از اساتید دروس حوزوی اینجانب تا این مرحله عبارتند از: آیت الله سید علی هاشمی گلپایگانی اصول فقه (مظفر)؛ پاره ای از کتب شرح لمعه

آیت الله سید حسین مصطفوی عمده کتابهای شرح لمعه

آیت الله سید حسن مصطفوی شرح تجرید

دکتر ابوالقاسم گرجی مکاسب محرمة

آیت الله سید رضی شیرازی قطع و ظن (رسائل)؛ شرح منظومه سبزواری (حکمت)

پس از حضور در حوزه علمیه قم دروس سطح عالی را تکمیل نمودم که اساتید این دوره تخصصی عبارتند از: استاد علی محمدی: براءت (رسائل)

استاد اعتمادی: استصحاب (رسائل)

آیت الله رضا استادی: بیع (مکاسب)

آیت الله سید علی محقق داماد: خیارات (مکاسب)

آیت الله قدیری: کفایه

با اتمام دروس سطح عالی و بجهت گذراندن دوره خدمت سربازی به تهران بازگشته و با حکم مأموریت از سپاه پاسداران به عنوان کارشناس کامپیوتر در وزارت صنایع و شرکت شیشه قزوین مشغول گشتم. و نیز مسئولیت گروه معارف صدای جمهوری اسلامی را به مدت قریب دو سال عهده دار بودم. در این دو سال از دروس خارج فقه و اصول تهران استفاده می نمودم که اساتید این دروس عبارتند از:

آیت الله خامنه ای: خارج فقه (جهاد)

آیت الله مجتبی تهرانی: خارج اصول، خارج فقه (ولایت فقیه و مکاسب محرمة)

آیت الله محمدی گیلانی: خارج فقه (صلاه مسافر)

پس از بازگشت به قم در دروس خارج فقه و اصول و فلسفه شرکت نمودم که اساتید این دوره عبارتند از:

آیت الله فاضل لنکرانی: خارج اصول

آیت الله شبیری زنجانی: خارج فقه (خمس، نکاح)

آیت الله مومن: خارج اصول

آیت الله جوادی آملی: خارج اسفار (فلسفه تخصصی)

از سال ۱۳۷۵ و پس از شرکت در آزمون مقطع کارشناسی ارشد (فوق لیسانس) رشته علوم قرآن و حدیث به تحصیل در این رشته در دانشکده اصول الدین پرداختم که این دوره تحصیلی با ارائه پایان نامه و کسب نمره نهایی ۱۹ در سال ۱۳۷۸ پایان یافت.

سال ۱۳۸۳ پس از قبولی در کنکور سراسری مقطع دکتری در رشته علوم قرآن و حدیث در دانشکده اصول الدین به تحصیل اشتغال یافتم، که با دفاع از رساله دکتری در ۲۲ خردادماه ۱۳۸۷، و با کسب درجه عالی و نمره ۱۹ بابت این رساله، دوره تحصیل دکتری را به پایان رساندم.

در کنار ادامه تحصیلات حوزوی و دانشگاهی و اشتغال به مسئولیت های اجرائی و علمی مختلفی همچون تاسیس و راه اندازی شبکه سراسری رادیو معارف طراحی و ادامه تولید سیستم جامع مکانیزه مدیریت حوزه علمیه قم و ... به تدریس دروس حوزوی و دانشگاهی پرداختم، که در این زمینه تا کنون دروس بدایه الحکمه؛ اصول فقه (مظفر)، مکاسب (محرمة، بیع، خیارات) هر کدام

یک دوره، کفایه (اوامر، نواهی، اصول عملیه) دو دوره، و رسائل (قطع و ظن، برائت، استصحاب) سه دوره تدریس شده اند. و نیز دروس دانشگاهی تحریف قرآن، رابطه قرآن و سنت، تفسیر موضوعی، اعجاز قرآن، روش شناسی استنباط از متون دینی، تفسیر فقهی، تفسیر عقلی، تفسیر روایی، قرائت و درک متون عرفانی، منطق، علوم قرآنی ۱، علوم قرآنی ۲، علوم قرآنی ۳، و ... تدریس شده اند.

مفتون دنبلی آذربایجانی، عبدالرزاق

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۴۳-۱۱۷۶ ق)، ادیب، مورخ، عالم، مفسر، نویسنده، عارف و شاعر، متخصص به مفتون. در خوی آذربایجان به دنیا آمد. هنگامی که کریم خان زند برای اطمینان خاطر از جانب امرای آذربایجان، اولاد آنان را به گروگان گرفت، پدر مفتون، او را به جای برادرش، در ده سالگی، به شیراز فرستاد. وی چهارده سال در شیراز بود و در این مدت به تحصیل علم و معرفت و کسب فضل و دانش پرداخت. بعد از فوت کریم خان و تسخیر شیراز به دست علیمراد خان زند، گروگانها از آنجا به اصفهان برده شدند و پس از فوت علیمرادخان، در ۱۱۹۹ ق، آقا محمد خان، آنان را آزاد نمود و اجازه داد تا به آذربایجان بازگردند. وی به نظم و نثر فارسی و عربی مسلط بود و به هر دو زبان شعر می‌سرود. در انواع شعر نیز به قصیده و مثنوی بیشتر تمایل داشت. او در ۱۲۴۱ ق به زیارت عتبات عالیات و بیت‌الله الحرام رفت و پس از بازگشت در تبریز درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثارش: «مآثر خاقانی»، در تاریخ قاجاریه؛ «مآثر سلطانی» یا «مآثر سلطانی»، مبنی بر مآثر سلطنت فتحعلی‌شاه، از زمان جلوس تا ۱۲۴۱ ق؛ «حدائق الجنان»، در سرگذشت خودش در شیراز و شرح حال شعرا و فضیلت آن شهر، همراه شمه‌ای از احوالات کریم خان زند؛ «نگارستان دارا»، در شرح حال شعرای دوره‌ی فتحعلی‌شاه؛ «تجربه‌ الاحرار و تسلیه‌ الابرار»، در شرح حال عده‌ای از علما و معاریف و شعرای معاصر خود؛ شرح «مشاعر» ملا صدرا؛ ترجمه «عبرت نامه» (بصیرت نامه) از ترکی به فارسی؛ «حقایق الانوار»، در شرح حال شعرای عرب و عجم، به فارسی؛ «حدائق الادباء»، شامل منشآت و مطارحات شعرای عرب و عجم، به فارسی؛ «حدیقه»، در شرح حال شعرای عرب و معانی بعضی از اشعار آنها، به فارسی؛ مثنوی «ناز و نیاز»؛ مثنوی «همایون نامه»، در احوال مختار ثقفی؛ مثنوی دیگری در بحر رمل؛ «ریاض الجنه»، در تاریخ سلسله‌ی دنبله؛ «روضه‌ الآداب و جنه‌ الالباب»، در شرح حال شعرای عرب، به عربی؛ «دیوان» شعر. گویند مفتون در تألیف تاریخ «زینة التواریخ» با میرزا رضی، متخصص به بنده، مشارکت داشته است. [۱]

(شاعر) عبدالرزاق بیگ دنبلی متخصص به «مفتون» (و. ۱۱۷۶ ه. ق- ف. تبریز ۱۲۴۳ ه. ق) یکی از دانشمندان و سخنوران بزرگ آذربایجان در دوره‌ی قاجاریه بود. وی در سال ۱۲۷۶ ه. ق در شهر خوی متولد شد، از سن ده سالگی تا ۲۴ سالگی (چهارده سال) به عنوان گروگان در شیراز بازداشت بود و در این مدت به تحصیل علم و ادب پرداخت، در زمان آغا محمدخان قاجار مرخص شده و به آذربایجان برگشت. در زمان عباس میرزا نایب‌السلطنه به منصب استیفا و نویسندگی ارقام دیوانی نایل گردید. وی تألیفات گرانبهایی از خود به یادگار گذاشت از جمله: حدائق‌الجنان، روضه‌الآداب و جنه‌الالباب. حدائق‌الادباء، مآثر سلطانی، کلیات دیوان و غزلیات، مثنوی ناز و نیاز، منظومه‌ای بنام مختارنامه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه [۱]: اعیان الشیعه (۷/۴۷۰)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۴۰۱-۳۹۹/۲، ۶۹۰-۶۸۹/۱)، تجربه‌ الاحرار و تسلیه‌ الابرار (مقدمه، ۴۶۴-۴۵۵، ۱۳۷-۱۲۱)، حدیقه‌ الشعراء (۱۶۹۳-۱۶۹۰/۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۵۷-۳۵۳)، الذریعه (۳۴۳، ۳۱۷، ۲۸۸)

۵/، ۱۹، ۹۲-۹۱/۱۲، ۳۲۳، ۲۸۴/۱۱، ۱۰۸۳/۹، ریحانه (۳۵۶-۳۵۵/۵)، سبک شناسی (۳۳۱-۳۱۹/۳)، سفینه‌المحمود (۶۷۰-۶۶۹/۲)، شرح حال رجال (۲/۲۶۴)، فرهنگ سخنوران (۸۶۶-۸۶۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/۲۲۸۵)، لغت نامه (ذیل/مفتون دنبلی)، مجمع الفصحا (۱۰۰۸-۱۰۰۷/۶)، مکارم الآثار (۱۲۰۴-۱۲۰۳/۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۴۷-۸۴۶/۳)، نگارستان دارا (مقدمه/و-ی، ۲۹۷-۲۸۲).

مفتی زاده، محمد صدیق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۴۰۵-۱۳۳۴ ق)، نویسنده، شاعر، متخلص به محزون. در قریه‌ی دشه، از قرای اورامان، به دنیا آمد. پس از فراگرفتن مقدمات صرف و نحو به عراق رفت و در مدارس کردستان عراق به تکمیل علوم دینی و ادبیات عرب پرداخت. سپس به سنندج بازگشت و از محضر برادر بزرگترش، ملا محمود مفتی، استفاده نمود و به دریافت اجازه نایل گشت. بعد به تهران آمد و به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و با سمت دبیری به سنندج بازگشت. وی حدود ۱۳۳۱ ش به تهران منتقل شد و در ضمن خدمت موفق به اخذ لیسانس و دکترای الهیات شد. مفتی زاده چند سالی از نویسندگان برنامه‌ی رادیو کردی تهران بود. وی در شاعری توانا بود و شعر را به لهجه‌ی اورامی و سورانی می‌سرود. از آثار وی: تصحیح و شرح «دیوان» ملا عبدالرحیم معدومی مولوی، شاعر معروف کرد. [۱] استاد، محقق.

تولد: ۱۳۰۰ (۱۳۳۴ ق)، قریه دشه از توابع اورامان.

درگذشت: ۶ آذر ۱۳۶۳، تهران.

محمد صدیق مفتی زاده متخلص به «محزون» فرزند ملا عبدالله دشتی مفتی کردستان، در شش سالگی پدرش و در یازده سالگی مادرش را از دست می‌دهد. وی تحصیلاتش را در قریه‌ی دشه و خانگه و شهر سنندج شروع نمود، و در ۱۳۱۵ شروع به خواندن علوم اسلامی کرد و در محضر مدرسانی از مناطق مختلف عراق و نیز در مهاباد به درس خواندن مشغول شد. استادان وی عبارتند بودند از: برادرش حاج ملا خالد مفتی، ملا سید عارف، ملا صالح تریفه، سید بابا رسول اباعبیده (شهرزور عراق)، ملا باقر بالک، ملا محمود دره‌تفی، ملا علی حمامیان، ملا شیخ برهان (در مکریان)، ملا عراف بانه‌ای، ملا سید علی (در پنجوبین)، ملا مصطفای حاج رسول، ملا عبدالله بیژویی (در سلیمانیه)، ملا عزیز شلی خانه‌ای در کرکوک، ملا صالح دیبه گه‌یی، ملا ابوبکر افندی هه‌ولیر، ملا عبدالکریم افندی (در رواندوز)، ملا صدیق صدیقی، ملا حسین مجدی (در مهاباد) و برادر دیگرش ملا محمود مفتی کردستان در سنندج که سرانجام اجازه‌نامه‌ی خود را نیز از دست او گرفت. چندی بعد در سلیمانیه عراق استادان هیئت علمی و دینی اوقاف پس از امتحان اجازه‌نامه‌اش را مهر تأیید زدند. در تهران نیز شورای عالی وزارت آموزش و پرورش اجازه‌ی افتاء و تدریس را به وی دادند. در سال ۱۳۲۳ در وزارت فرهنگ به عنوان معلم استخدام شد، و در دبیرستان‌های شهرهای مهاباد و سنندج و خرم‌آباد و تهران هر یک مدتی انجام وظیفه کرد. در سال ۱۳۲۷ در دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران دوره‌ی لیسانس و دکتری را به اتمام رسانید و به دریافت دانشنامه‌ی دکتری نایل شد و در دانشکده‌ی ادبیات نیز مدتی به مطالعه‌ی علوم تربیتی و زبان‌شناسی پرداخت و به موازات آن در دبیرستان‌های تهران، ادبیات عربی و فارسی را تدریس می‌نمود. در سال ۱۳۴۹ در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران استاد زبان کردی شد، در طی این مدت سردبیری روزنامه «کردستان» را نیز به عهده داشت. وی سال‌ها از نویسندگان برنامه رادیو کردی تهران بود. در ۱۳۵۹ که دانشگاه تهران تعطیل گردید، در منزل به تحقیق مشغول گردید و

تألیفات خود را کامل نمود. فعالیت‌های او در دورانی که در مقام سردبیری روزنامه فعالیت داشته به این شرح است: استخراج و جمع آوری قریب ۲۵۰ قطعه از اشعار سید عبدالرحیم تاوگوزی (مولوی کردی) از بیاض‌های خطی و دست‌نویس قدیم و تحقیق و تعلیق مختصر در معانی آنها، جمع‌آوری و تصحیح بیشتر اشعار ولی دیوانه، مختصری تحقیق در دیوان ملا پریشان و چاپ بعضی از اشعار او، تصحیح و تحریر دیوان سید صالح کرمانشاهی، تصحیح شیرین و فریاد تألیف ملا ولدخان گوران، تصحیح بعضی از اشعار کنیزک و یازده رزم که قسمتی از شاهنامه تألیف سرهنگ الماس‌خان که نوله‌یی است، سلسله‌ی گفتاری در مورد دستور زبان کردی تحت عنوان چگونه بخوانیم و چگونه بنویسیم، چند گفتار در مورد زندگی اجتماعات مختلف کرد، و ایراد و انتقاد به بعضی از رسوم و عقاید خرافی کردی تحت عنوان: در اجتماع چگونه زندگی کنیم، تألیف و تصحیح دیوان ملا حامد آلیجانی، تصحیح منظومه‌ی جنگ سرد و جدال و مناظره‌ی بین آسمان و زمین سروده‌ی میرزا عبدالقادر پاره‌ای، جمع‌آوری و تصحیح آثار شعری بعضی از شعرای کرد تحت عنوان از هر گلزار گلی، چند قطعه شعر ملی و وطنی و عشقی و چند حکایت کوچک و متفرق که به شیوه‌ی ظنر به کردی سروده شده است، سلسله‌ی گفتاری در فلسفه‌ی آفرینش، تحت عنوان راه خداشناسی، تاریخچه‌ی حکومت‌های کرد، تصحیح و چاپ و انتشار مناجات خانای قبادی به نام هفت‌بند، تمام این آثار و مطالب و نوشته‌های زیر عنوان و امضای «م. ص. م.» که مختصر محمدصدیق مفتی‌زاده است. از کارهای دیگر او تصحیح و شرح دیوان ملا عبدالرحیم معدومی مولوی (چاپ نشده است) و دستور جامعی برای زبان کردی (چاپ نشده است) است.

محمدصدیق مفتی‌زاده به لهجه‌ی اورامی و سورانی شعر می‌گفت، اما به سرودن شهر فارسی کمتر علاقه نشان می‌داد، با این حال به فارسی نیز اشعاری سروده بود.

ایشان سرانجام در ششم آذر ۱۳۶۳ به سبب ابتلا به سرطان ریه در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ مشاهیر کرد (۴۷۸-۴۷۵/۲).

مفسر تهرانی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مفسر تهرانی از علماء ابرار و دانشمندان اخیار و مانند مرحوم حمام گلشنی سلمان زمان خود و در زهد و ورع ابی‌ذر اوان و دارای مقامات معنوی و صفاء باطنی بوده بسیاری از افاضل دانشمندان و اخیار بازرگانان و اصناف تهران در مسجد جامع از تفسیر او استفاده نموده‌اند. از علماء مرحوم حجة‌الاسلام حاج آقا حسین اثنی عشری شاه عبدالعظیمی صاحب تفسیر مطبوع اثنا عشری و مرحوم ثقة‌الاسلام آقای آشیخ محمد حسین زاهد و از تجار جناب عمده‌التجار و الاخیار حاج میرزا عبدالحسین محسنی از شاگردان وی بوده‌اند.

از آثار آن بزرگوار تفسیر شریف مقتنیات است در ده جلد که به سعی حاج میرزا عبدالحسین محسنی مذکور به طبع رسیده است. آن مرحوم در حدود ۱۳۶۲ قمری از دنیا رفته و در مقبره خصوصی واقع در قسمت شمالی صحن امام‌زاده عبدالله شهر ری مدفون گردید و در جلالت آن بزرگوار کافیت که بعضی از ثقات و مردم با معنویت حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه الشریف را در سر قبر او دیده‌اند چنانچه به آن اشاره گردید.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مفسر نیشابوری، ابونصر منصور

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۲۲-۳۳۷ ق)، مفسر و محدث. از خاندان علم و فضیلت بود. از ابوالعباس اصم و ابوالحسن فارسی و ابوعلی نیشابوری حافظ حدیث شنید. شیخ الاسلام ابواسماعیل خواجه عبدالله انصاری و عبدالواحد قشیری و گروهی دیگر از وی روایت کرده‌اند. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۴۴۲-۴۴۱/۱۷)، طبقات المفسرین داودی (۲/۳۳۸)، العبر (۲/۲۴۹).

مفلق تهرانی، محمدعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، منشی و شاعر، متخلص به مفلق. ملقب به صدرالشعراء و فخر الادباء. اصلش از ری بود و در تهران به دنیا آمد. وی در زمان فتحعلی شاه (۱۲۵۰-۱۲۱۲ ق) از منشیان دربار بود و در همین دوره به صدرالشعراء ملقب گشت. او در زمان محمد شاه از جانب وزیر او، حاج میرزا آقاسی، لقب فخرالادبا (و به آورده‌ی «الذریعه» فخرالشعراء) گرفت. مفلق در قصیده‌سرایی مهارت داشت و علاوه بر آن به اشعار هزل نیز می‌پرداخت. صاحب «حدیقه الشعراء»، به احتمالی وی را با ادیب تهرانی یکی دانسته و در جایی دیگر آورده که مفلق ظاهراً تا زمان حکومت ناصرالدین شاه زنده بوده است. از آثارش: «دیوان» شعر.
بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۱۷۰۱-۱۶۹۵/۳)، الذریعه (۹/۱۰۸۷)، سفینه المحمود (۳۰۰-۲۹۹/۱)، فرهنگ سخنوران (۸۶۸)، لغت نامه (ذیل / مفلق)، مجمع الفصحا (۱۰۰۶-۹۸۹/۶)، مصطبه‌ی خراب (۱۶۸-۱۶۷)، نگارستان دارا (۲۵۳-۲۵۲).

مفید رازی، ابوالوفاء عبدالجبار

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س پنجم و ششم ق)، عالم امامی، فقیه و قاری. اصل وی از نیشابور بود. سپس ساکن ری گردید. او از بزرگان علمای شیعه و فقیه ری و به قاری رازی یا مقری رازی مشهور بود. از شاگردان قاضی ابن البراج (م ۴۸۱ ق) و شیخ سلار بن عبدالعزیز دیلمی (م ۴۴۸ ق) و شیخ جعفر بن محمد دوریستی و ابوالجواز حسن باری کاتب و شیخ نجاشی، صاحب «رجال»، و شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) بود و تمامی تصنیفات و تألیفات شیخ طوسی را از خود شیخ روایت نموده است. علما و بزرگان در حوزه‌ی درسش حاضر می‌شدند. سید فضل‌الله راوندی و رشیدالدین علی بن زیرک قمی و ابوهاشم مجتبی بن حمزه از وی روایت کرده‌اند. صاحب تصنیفات و تألیفات بسیاری در فقه، به عربی و فارسی است که شیخ ابوالفتوح رازی تمامی آنها را از وی روایت کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴۳۴-۷/۴۳۳)، ریاض العلماء (۳/۷۱)، ریحانه (۵/۳۶۰، ۲/۲۸۵)، طبقات اعلام الشیعه (۱۵۳-۱۵۲/۶)، فهرست منتجب‌الدین (۱۰۸-۱۰۹)، الکنی و الالقاب (۳/۱۹۹)، لغت نامه (ذیل / رازی)، هدیه الاحباب (۲۴۴).

مفید نیشابوری، ابو محمد، عبدالرحمان

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۴۵/۵۱۰ ق)، حافظ، محدث امامی و واعظ. ملقب به مفید. اصل وی از نیشابور و ساکن ری بود. وی شیخ و مرجع علمای امامیه ری و عموی پدر شیخ ابوالفتوح رازی بود. از هناد نسفی و ابن مهتدی و ابن النقور حدیث شنید. او مسافرت‌های بسیاری نمود و احادیث بسیار شنید. او نزد سید مرتضی و سید رضی و شیخ طوسی و سلار یا سالار بن عبدالعزیز و ابن البراج و کراجکی تلمذ نمود. شیخ ابوالفتوح رازی و سید مرتضی و سید مجتبی، فرزندان داعی حسینی، و عمر بن ابراهیم زیدی و احمد بن عبدالوهاب صیرفی و دیگران از وی روایت نمودند. از آثارش: «سفینه النجاة فی مناقب اهل البيت (ع)» و «العلویات» و «الرضویات»؛ «الامالی»؛ «عیون الاخبار»؛ «مختصرات فی الزواجر و المواعظ»، که ابوالفتوح رازی از وی نقل کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۷/۴۶۴)، الذریعه (۳۲۸، ۳۷۵-۱۵/۳۲۷، ۱۲/۱۹۹، ۱۱/۲۴۰، ۲/۳۱۱)، ریحانه (۳۶۱-۵/۳۶۰)، طبقات اعلام الشیعه (۵/۱۰۴)، فهرست منتجب‌الدین (۱۰۸)، الکنی و الالقاب (۳/۱۹۹-۲۰۰)، لسان المیزان (۲۴۶-۴/۲۴۵)، لغت نامه (ذیل / مفید)، معجم المؤلفین (۵/۱۱۷)، هدیه الاحباب (۲۴۵-۲۴۴)، هدیه العارفین (۱/۵۱۸).

مفید، محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوعبدالله محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی معروف به شیخ مفید است در جلالت و کرامتش کافی است توفیق شریف از ناحیه مقدسه حضرت ولی عصر عجل الله فرجه الشریف برای او وراثتی که در مرگش فرمودند.

لاصوت الناعی لفقدک انه

یوم علی آل الرسول عظیم

ولادتش در سال ۳۳۶ قمری و وفاتش در ماه رمضان سال ۴۱۳ در سن ۷۶ سالگی در بغداد واقع شد و هشتاد نفر از شیعیان در تشیع او شرکت نموده و او را در کاظمین در پائین پای قبر حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام دفن نمودند و بیش از دویست تصنیف و تألیف برای او نوشته‌اند که از آنهاست ارشاد و اختصاص و المقنعه در فقه و مسار الشیعه و المجالس و العیون و المحاسن و...

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مفید، محمود

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند شیخ مفید، از سلسله‌ی مشایخ بیدآباد.

عالم فاضل فقیه زاهد حکیم فیلسوف ادیب.

از شاگردان: آخوند کاشی، و جهانگیرخان قشقائی، و آقا ضیاءالدین دری، و حاج ملا جواد آدینه‌ای، و سید حسن مشکان طبسی، و میرزا سید محمد حکیم باشی، و آخوند ملا حسین فشارکی، و حاج میر محمد صادق مدرس خاتون آبادی، و آقا میر محمد تقی مدرس، و آقا سید محمد باقر درچه‌ای.

و در طهران مدتی به درس حاج شیخ فضل‌الله مجتهد نوری شهید، و میرزا حسن حکیم کرمانشاهی؛ و در مشهد به درس حاج آقا بزرگ حکیم حاضر شده، و پس از آن که در کلیه‌ی فنون از طب و ریاضی و فقه و اصول و بالخصوص حکمت به مقام عالی رسید. در اصفهان ساکن، و حدود مدت چهل سال در مدرسه‌ی صدر به تدریس حکمت و فقه و اصول پرداخت، و جمعی کثیر از افاضل طلاب به درس او حاضر شده، مستفیض می‌شدند؛ و در این اواخر تدریس حکمت در اصفهان بلکه ایران به ایشان منحصر بود. مرحوم حاج شیخ محمود مفید بر عموم حکما از لحاظ فقاہت مقدم بود، یعنی حکیم و فقیه، و از مدرسین حکمت و فقه به شمار می‌رفت.

کتب ریاضی قدیم از خلاصه‌ الحساب و تشریح الافلاک و شرح هندسه‌ی اقلیدس و چغمینی و دیگر کتب را به خوبی تدریس می‌نمود، و از لحاظ فضایل اخلاقی و زهد و قناعت و اعراض از مردم و عدم توجه به اغنیا بی‌نظیر بود.

در حدود سال ۱۲۹۷ متولد، و در بعد از ظهر جمعه ۱۱ شوال سال ۱۳۸۲ وفات یافته، جنازه روز شنبه با تجلیلات و تشییع عظیم به تخت فولاد منتقل گردید، در بقعه‌ی آقا محمد بیدآبادی مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش را ادیب فرزانه آقای برنا گوید:

برنا پی رحلتش به شمس گفتا

لقمان زمان و عهد خود بود مفید

بر گرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مفیدی فر، محمدصادق

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد صادق مفیدی فر

محل تولد: یزد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه یزد شدم و تا سال ۱۳۵۸ مشغول تحصیل بودم که شامل مقدمات و ادبیات و فقه و اصول در مقطع سطح بود. مشوق اصلی من مرحوم والد بود که هم روحانی و هم معلوم دلسوز بود. ایشان با همت والا وقت جهت تدریس به طلاب می‌گذاشت و در فصل تابستان که حوزه تعطیل بود در شدت گرما به برخی از طلاب درس خصوصی می‌داد که من هم یکی از آنان بودم و امر تحصیل شتاب بیشتری می‌گرفت. مهر ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه قم شدم و فضای بیشتری از علم و معرفت گشوده شد و ادامه دروس رسائل و شروع مکاسب و کفایه بود و تا سال ۱۳۵۹ سطح تمام شد. از سال ۱۳۶۰ وارد دروس خارج شدم و یک سال اول نزد استاد آیت الله حاج شیخ جعفر سبحانی تلمذ کردم.

از سال ۱۳۶۲ تا پایان نزد دو استاد فقه و اصول آیات عظام وحید خراسانی و مرحوم تبریزی (ره) فقها و اصول حاضر می‌شدم که در مقاطع مختلف اتفاق می‌افتاد. فلسفه را ابتدا از شرح تجرید و منظومه شروع کردم که شرح تجرید را در یزد خواندم و منظومه را نزد استاد انصاری شیرازی، اسفار نزد علمین آیات حسن زاده آملی و جوادی آملی فرا گرفتم. دروس شیعه‌شناسی را روزهای پنج‌شنبه حاضر می‌شدم. از سال ۱۳۶۹ تا سال ۱۳۸۰ به یک مرکز تحقیقاتی به نام واحد تاریخ و سیره اهل بیت وابسته به مرکز تحقیقات دفتر راهنمایی شدم، این کار ادامه فیش‌برداری‌های جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای هاشمی‌رفسنجانی بود که کار قرآنی آن را گروه دیگری عهده‌دار شدند و به ثمر رسید. و حاصل این کار که هم‌چنان ادامه دارد در زمان حضور بنده یک نرم‌افزار نیمه‌کاره بوده که مسئولین وقت چندان دل‌نوسوزاندند. در طول تحقیق در کسوت معاونت هم انجام وظیفه می‌کردم و حدود ده ماه هم سرپرست آن مجموعه شدم و در نهایت سال‌های ۸۱ و ۸۰ تصمیم به بیرون آمدن گرفتم که هم‌زمان به دفتر آیت الله العظمی مکارم شیرازی دعوت شدم و تاکنون مشغول به خدمت‌گزاری هستم.

در کنار درس خواندن تدریس هم داشتم و دارم و بسیاری از کتاب‌های ادبیات و سطح را تدریس کرده‌ام. در حوزه یزد و بعد از آن در قم مقدسه این روند ادامه داشت و حتی در ماه‌های مبارک رمضان که به انار کرمان می‌رفتم در حوزه آنجا برای طلاب تدریس داشتم. فصل تابستان در منطقه ییلاقی طرزجان یزد که حوزه علمیه خوبی دارد و سابقه هفتاد ساله دارد. از سال ۱۳۶۶ تابستانها به آن دیار می‌رفتم و در حد توان به طلاب از جهت درس و تدریس خدمت‌گذاری می‌کردم. کتاب‌های مختصر و معالم و لمعه و رسائل و مکاسب دروس سیدصدر و اصول فقه و رجال از جمله کتبی است که در مقاطع مختلف برای طلاب خوانده‌ام. در حوزه علمیه خواهران دفتر تبلیغات به دلیل آشنایی با تاریخ ارشاد شیخ مفید را گفتم و در همین راستا جذب دانشگاه شدم و یک ترم در دانشگاه کرج تاریخ گفتم اما به دلیل نامساعد بودن فضای دانشگاه انصراف دادم و به عنوان تدریس نرفتم. مدرسه امام خمینی (ره) و دانشگاه باقرالعلوم (ع) دو فضای آموزشی است که برای دانشجویان آن تاریخ در عناوین مختلف گفته‌ام.

۱. یک مقاله مطبوع دارم که در کنفرانس وحدت به چاپ رسید.

۲. طلوع و غروب نور کار گروهی غیرمطبوع.

۳. راویان مشرک که همان مقاله اول است و به صورت کتاب توسط گروه درآمد.

۴. مقالات متفرقه که مثل جایگاه نور در روزنامه پرتو به چاپ رسید.

مفیدی، یحیی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ یحیی مفیدی قزوینی از اکابر دانشمندان و افاضل علماء طراز اول قزوین می‌باشد وی در قزوین متولد شده و مقدمات و سطوح فقه و اصول را از علماء بزرگ آنجا فرا گرفته و بعد به قم عزیمت و چند سالی از مرحوم آیت‌الله حایری استفاده سپس به نجف اشرف مهاجرت و از محضر مرحومین علمین نائینی و عراقی و آیت‌الله العظمی اصفهانی بهره‌مند گردیده و پس از آن مراجعت به قزوین و به خدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و تدریس و سایر وظائف دینی و روحی پرداخته تا در حدود سال ۱۳۸۴ ق وفات نموده است

نگارنده گوید: غیر از مذکورین عده دیگری از دانشمندان و فضلاء حوزه علمیه قم و نجف مانند حجة‌الاسلام حاج سید مهدی علوی و حجة‌الاسلام حاج سید محمد مهدی تقوی و حجة‌الاسلام حاج سد علی اصغر علوی و امثالهم در قزوین و حومه آن به خدمات دینی اشتغال دارند ادام الله توفیقاتهم و زاد الله فی برکات و جوههم و آثارهم و در حال حاضر از قزوین و حومه آن بیش از دویست نفر در حوزه علمیه قم به تحصیل و بعضی هم به تدریس سطوح و متون فقه و اصول و غیره اشتغال دارند که عده‌ای از آنان مانند آقای اویسی و آقای موسوی و آقای شهیدی و... مشار بالبنان و معروف همگان می‌باشند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مقتدایی، مرتضی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرتضی مقتدایی

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۴/۱/۱

زندگینامه علمی

آیة‌الله مرتضی مقتدایی در سیزدهم رجب - روز ولادت امام علی (ع) - سال ۱۳۱۴ هجری شمسی در محله مسجد حکیم اصفهان چشم به جهان گشود. پدرش مرحوم آیة‌الله حاج میرزا محمود مقتدایی از بزرگان و دانشمندان مشهور اصفهان بود که از مرحوم آقاسید محمد نجف آبادی اجازه اجتهاد داشت و مدت کوتاهی از محضر مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری - مؤسس حوزه علمیه قم - بهره برده بود و با امام (ره) و مرحوم آیة‌الله محقق داماد و مرحوم آیة‌الله سید احمد زنجانی جلسات مشترکی برپا نموده بود. جدش مرحوم ملامحمد باقر از زاهدان و عالمان عصر خود بود که در امامزاده اسحاق - برادر امام رضا (ع) - در پنج کیلومتری اصفهان مدفون است. هنگامی که برای تعمیر حرم امامزاده، قبر او خراب شد، جنازه او در حالی که کاملاً سالم و تازه بود، نمایان شد! مادر آیة‌الله مقتدایی نیز زنی پاکدامن و مؤمن و صبیته مرحوم آیة‌الله العظمی حاج میرزا جمال الدین کلباسی بود. خانواده آیة‌الله مقتدایی، زندگی ساده و بی‌آلایشی داشتند و از ویژگیهای پدرش این بود که هیچ‌گاه از وجوهات شرعی برای امرار معاش استفاده نمی‌کرد، با اینکه هر ماه مبالغ بسیاری از وجوهات را از مردم دریافت می‌کرد. کودکی آیة‌الله مقتدایی، با استبداد رضاخان و مسأله کشف حجاب و ممنوعیت پوشیدن لباس روحانی، همزمان بود. البته پدر او جزو کسانی بود که در امتحانات رسمی آن

دوره، شرکت کرده بود و اجازه تدریس و بر سر نهادن عمامه داشت؛ اما به دلیل ممنوع بودن حجاب برای زنان، با خانواده خود به روستای «خوراسگان محله پزوه» رفت تا ضمن آزادی بیشتر، به رتق و فتق امور مردم نیز بپردازد. آیه‌الله مقتدایی در همان جا تحصیلات ابتدایی را آغاز کرد و پس از به پایان رساندن دوره ابتدایی، نزد پدر، شرح نصاب، جامع المقدمات، سیوطی، منطق کبری و بخشی از شرح نظام را خواند. در سال ۱۳۳۱ وارد حوزه علمیه اصفهان شد و ادامه دروس مقدمات و دوره سطح را نزد بزرگان آن دیار فرا گرفت. دو سال هم در درس خارج شرکت کرد و در سال ۱۳۳۸ به حوزه علمیه قم عزیمت کرد. سبب عزیمت او به قم این بود که در تابستان، چند تن از طلاب فاضل حوزه علمیه قم به اصفهان آمده بودند و در حجره آیه‌الله مقتدایی در مدرسه صدر سکونت داشتند. آنها پس از آگاهی از وضعیت درس و بحث طلبه جوان، او را به حضور در قم تشویق کردند و ویژگی‌های درس امام (ره) را برای او برشمردند و بیان داشتند که دوره دوم خارج اصول و خارج مکاسب امام (ره) به تازگی آغاز شده است. این مؤده، شور و شوق او را برای حضور در قم دو چندان ساخت. در قم نیز در درس خارج امام (ره) و دیگر بزرگان شرکت نمود و در این میان، از تحصیل علوم عقلی نیز باز نماند. در سال ۱۳۴۰ نیز به کلاس‌هایی که شهید دکتر بهشتی برای آشنایی فضایی قم با علوم جدید، از جمله فیزیک، شیمی، زبان انگلیسی بود، راه یافت. این کلاسها در شبهای پنجشنبه و جمعه و عصرهای جمعه برگزار می‌شد. آیه‌الله مقتدایی در طی این سالها از شرکت در دروس اخلاق و تهذیب نفس غافل نمی‌ماند و همواره پندهای عالمان و استادان خود را به گوش جان می‌سپرد. آیه‌الله مرتضی مقتدایی در سالیان علم آموزی، با استادان بسیاری انس داشت. او که بخشی از مقدمات را نزد پدر خود آموخته بود، باقیمانده آن و بخشی از دروس سطح را نزد مرحوم حاج شیخ محمد حسن نجف آبادی، از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی و نیز مرحوم آقای فیاض و شهید شمس آبادی فرا گرفت. او منظومه را نزد مرحوم حاج میرزا رضا کلباسی و تفسیر، نهج البلاغه و اخلاق را نزد مرحوم حاج میرزا علی آقای شیرازی و خلاصه الحساب و تشریح الافلاک را نزد مجدالعلماء فرزند مرحوم حاج شیخ محمدرضا نجفی مسجد شاهی فرا گرفت. همچنین مکاسب را نزد مرحوم آیه‌الله خادمی آموخت و دو سال نیز در درس خارج آن مرحوم شرکت نمود. با ورود به حوزه علمیه قم، به درس خارج امام خمینی (ره) شرفیاب شد و همزمان در درس آیه‌الله العظمی بروجردی نیز شرکت می‌کرد. همچنین از درسهای خارج مرحوم محقق داماد و مرحوم گلپایگانی و مرحوم اراکی نیز بهره می‌برد. در بخش فلسفه نیز به درس اسفار مرحوم علامه طباطبایی می‌رفت. آیه‌الله مقتدایی در سالهای تحصیل خود با بسیاری از فضلا دوست بود و به مباحثه علمی در زمینه‌های گوناگون می‌پرداخت که از جمله آن در اصفهان می‌توان آقایان حسن امامی، شیخ صفرعلی شریعت فلاورجانی، عبودیت، کمال فقیه ایمانی و در قم آقایان فاضل هرنندی، مؤمن، طاهری خرم‌آبادی، مصلحی و الهی قمی را نام برد. آیه‌الله مرتضی مقتدایی، تاکنون فعالیت‌های علمی و فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است. او از سالهای آغازین اشتغال به تحصیل در حوزه علمیه اصفهان، به تدریس دروس آموخته، می‌پرداخت و کتب دوره سطح و نیز سطوح عالی را بارها تدریس نموده است و چند سال به تدریس خارج فقه در مدرسه مروی تهران و پس از آن در حوزه علمیه قم اشتغال داشته که این تدریس تاکنون ادامه دارد و از این رهگذر، طلاب و فضلاء بسیاری تربیت شده‌اند که وجودشان، تداوم بخش راه اجتهاد در حوزه‌های علمی و عملی خواهد بود. همچنین وی تقریرات درسهای آیات عظام بروجردی، امام خمینی، محقق داماد و گلپایگانی را نگاه داشته است که تاکنون به چاپ نرسیده است. آیه‌الله مقتدایی، پس از فوت پدر، هنگامی که با اصرار و استقبال اهالی «خوراسگان» مبنی بر حضور دائم در آن مکان مواجه شد، با صلاحدید امام (ره) در ایام تعطیلی به آنجا می‌رفت و به حل مشکلات دینی و دنیوی مردم می‌پرداخت. تأسیس صندوق قرض الحسنه حجة ابن الحسن العسکری (عج) با همت برخی دیگر، تأسیس مدرسه علمیه امام صادق (ع) و حوزه علمیه خواهران و ایجاد انجمن حمایت از ایتم از جمله خدمات وی در آنجا بود. آیه‌الله مقتدایی در سنگرهای سیاسی گوناگونی در سالهای پیش از انقلاب و نیز پس از آن شرکت فعال داشته است. او آشنایی و انسش با امام در زمان تحصیل آغاز شد، هر صبح و عصر در درس آن مرد بزرگ حاضر می‌شد و

نماز مغرب و عشاء را به امامت او می‌خواند. عشق و علاقه زائدالوصف او به امام(ره) و راه او باعث شد همواره اطاعت از او را بر خود واجب بشمارد و هیچ‌گاه از مسیر او که همانا مسیر واقعی اسلام است منحرف نشود. آیه‌الله مقتدایی در موقعیتهای گوناگون به نشر اعلامیه‌ها و رساله‌ عملیه امام(ره) و قدردانی و تجلیل از او در سخنرانیها می‌پرداخت و در داستان فرماندوم شاه که علما، از جمله امام(ره) آن را تحریم نمودند، پیام امام(ره) را به علمای اصفهان، از جمله آیه‌الله خادمی اصفهانی و آقای ارباب رسانید که در پی آن، بازار اصفهان تعطیل شد. از دیگر فعالیتهای مهم وی در پیش از انقلاب اسلامی، عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و شرکت در جلسات آن بود که حضور وی در آن زمان در این عرصه، شجاعت و اعتقاد راستینی را گواه است. امضای وی در زیر بسیاری از اعلامیه‌ها و بیانیه‌های مهم آن مرکز، به چشم می‌خورد. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در بهمن ماه ۱۳۵۷، حضور آیه‌الله مقتدایی در صحنه‌های سیاسی، کم‌رنگ نشد و وی با صلابت و شجاعت در عرصه‌های گوناگون، بویژه در قوه محترم قضائیه، به فعالیت پرداخت. در اسفند همان سال، یعنی کمتر از یک ماه پس از پیروزی انقلاب، با ابلاغ قضایی که برخی از اعضای جامعه مدرسین آن را صادر کرده بودند، معظم له بر قضاوت در دادگاههای انقلاب منصوب شد. در فروردین ۱۳۵۸ امام(ره) او را برای امر قضا به خرمشهر، آبادان و نیز ملایر و زنجان اعزام کرد. او همچنین در دادگاههای تهران و قم، به طور موقت، مشغول به کار شد. در کنار تمام این مسئولیتهای، ایشان به تدریس دروس سطح و خارج نیز می‌پرداختند بگونه‌ای که اشتغال در مسئولیتهای اجرائی هیچگاه وی را از تدریس باز نداشته است.

مقدادی، بهرام

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان انگلیسی از دانشسرای عالی تهران با احراز رتبه اول، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه کلمبیای آمریکا در سال ۱۳۴۵، ارائه دانشنامه تخصصی در سال ۱۳۴۶ و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه کلمبیای آمریکا در سال ۱۳۴۸.

مرتبه علمی:

استادیاری دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۸، استاد مرکز دانشگاهی واشنگتن در سال ۱۳۵۸ به مدت یکسال، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان و ادبیات انگلیسی، شعر، نمایشنامه، نقد داستان و راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۳۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

در زمینه رمان، نقد ادبی و تاریخ ادبیات.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰۰، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

نقد داستان، شعر، نمایشنامه.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مقدس اردبیلی، احمد

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۹۳ ق)، عالم امامی، فقیه، متکلم، محقق، عابد و زاهد. موصوف به عالم ربانی و معروف به مقدس، مقدس اردبیلی و محقق اردبیلی. در عصر صفویه در اردبیل به دنیا آمد. پس از تحصیلات ابتدایی برای تکمیل معلومات خود به نجف رفت. در معقول و منقول از محضر شاگردان شهید ثانی استفاده نمود. ملا جمال‌الدین محمود، شاگرد جلال‌الدین دوانی، نیز از مشایخ اوست. او از سید علی صائغ، شاگرد برجسته‌ی شهید ثانی، روایت کرده و پس از شهید ثانی مرجعیت شیعه را عهده‌دار بوده است. در ورع و تقوا و زهد به مرتبه‌ای رسید که ضرب‌المثل شد. وی با شیخ بهائی و میرزا محمد استرآبادی صاحب «رجال» معاصر بود. ملا عبدالله شوشتری و سید محمد صاحب «مدارک» و شیخ حسن صاحب «معالم» و امیر فیض‌الله تفرشی و امیر علام از شاگردان وی بودند. در نجف در گذشت و در ایوان طلای حضرت امیرالمؤمنین (ع) دفن شد. از آثارش: «زبدۀ البیان فی براهین آیات احکام القرآن» که به «آیات الاحکام» اردبیلی معروف است؛ «مجمع الفوائد و البرهان»، در شرح «ارشاد الاذهان» علامه حلی؛ «اثبات الواجب» یا «اصول الدین»؛ «استیناس المعنویة»، در علم کلام؛ حاشیه بر «شرح تجرید قوشچی»؛ حاشیه بر «شرح مختصر الاصول» عضدی؛ «حدیقه الشیعه»؛ «الخراجه»؛ «اثبات الامامة»؛ «النص الجلی فی امامة مولانا علی (ع)». [۱]

احمد بن محمد (ف. نجف. ۹۹۳ ه. ق) در اردبیل تولد یافت. وی از علماء و متکلمین بزرگ شیعه و معروف به مقدس یا مقدس اردبیلی و محقق اردبیلی است. وی صاحب تألیفات بسیاری است از جمله: آیات الاحکام یا زبدۀ البیان، اثبات الواجب (به فارسی)، استیناس المعنویه (به عربی) در کلام، الخراجه در خراج و مالیات که در سال ۱۳۱۸ ه. ق چاپ شده است و حدیقه الشیعه. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۲۲۴- ۲۲۳/۱)، اعیان الشیعه (۸۳- ۸۰/۳)، ایضاح المکنون (۶۰۹، ۳۹۸/۱)، بحار الانوار (۱/۴۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۴۹، ۲۱۹- ۲۱۸/۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۹۶)، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (۱۰۴- ۸۷/۲)، الذریعه (۳۶- ۳۵/۲۰، ۲۱/۱۲، ۱۴۴/۷، ۳۸۶- ۳۸۵، ۱۲۹، ۱۱۴- ۱۱۳/۶، ۱۸۳، ۳۷/۲، ۵۱۱، ۱۰۳، ۴۱/۱)، روضات الجنات (۹۴- ۸۸/۱)، ریاض العلماء (۵۷- ۵۶/۱)، ریحانه (۳۷۰- ۳۶۶- ۲۳۶/۵)، سفینه البحار (۳۰۵- ۳۰۴/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹- ۸/۱۰)، فقهای نامدار شیعه (۲۰۶- ۲۰۳)، فوائد الرضویه (۲۸- ۲۳)، قصص العلماء (۳۴۶- ۳۴۲)، کارنامه‌ی بزرگان (۲۶۲- ۲۶۱)، الکنی و الالقاب (۲۰۲- ۲۰۰/۳)، لغت نامه (ذیل / مقدس اردبیلی)، معجم رجال الحدیث (۲/۲۲۵)، معجم رجال الفكر و الادب فی النجف (۹۶- ۹۵/۱)، معجم المؤلفین (۸۰- ۷۹/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۶۴- ۴۶۱/۱)، هدیه الاحباب (۲۴۸- ۲۴۵).

مقدس تهرانی، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۸ - ۱۲۸۱ ق)، فقیه، اصولی، محدث و عالم دینی. به جهت تقوا و پرهیزکاری شدید به مقدس ملقب گردید. اصلش از همدان بود. در تهران به دنیا آمد و نشو و نما یافت و از محضر میرزا محمدحسن آشتیانی استفاده نمود. سپس به نجف رفت و در آنجا سکونت گزید. در محضر میرزا حسین خلیلی و ملا محمد کاظم خراسانی و شیخ آقا رضا همدانی تلمذ نمود. وی مصاحب شاگردان درس اخلاق ملا حسینقلی همدانی بود. او از شیخ علی اکبر نهاوندی و محدث قمی و شیخ مرتضی آشتیانی و عده‌ای دیگر از علما اجازه داشت. در حدود ۱۳۲۶ ق به درخواست شیعیان بمبئی به همراه سید محمدتقی جزایری به آنجا رفت و مدت سی سال اقامت گزید و در مسجد ایرانیان مقیم بمبئی به امامت جماعت و وعظ و ارشاد پرداخت. در ۱۳۵۵ ق سکتته‌ی ناقص کرد. سپس به نجف بازگشت و تا پایان عمر خانه‌نشین شد. او در نجف درگذشت و در صحن مرقد هود و صالح، در وادی السلام، دفن شد. از وی تصانیف بسیاری در فقه و اصول به صورت خطی باقی مانده است. از دیگر آثارش: «الاربعون حدیثاً».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱/۴۱۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۲۶۹)، معجم المؤلفین (۱۳۷/۹).

مقدس زنجانی، محمدباقر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدباقر بن مقدس زنجانی متوفی ۱۳۴۱ ق عالمی بزرگوار بوده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

مقدس، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند آقا سید عبدالحسین بن سید حسن بن حاج سید ابراهیم حسینی سبزواری ساوجی اصفهانی. عالم زاهد فقیه عابد مجتهد جامع. اجدادش از سبزواریان به ساوه، و آقا سید ابراهیم از ساوه به اصفهان آمده، در نزد سید حجة الاسلام مورد وثوق و احترام بوده، و سید جهت ایشان جنب منزل خود خانه‌ای تهیه نموده، و روزگار به زهد و عبادت گذرانیده، و خواهر آقا میر سید محمد شهبهانی را به زوجیت داشته.

پس از وفات در حدود سال ۱۲۵۰، در قبرستان قبله دعا مدفون شده، قبرش الی الان معلوم و معروف است، و مردم به زیارت او می‌روند، و به او اعتقاد دارند.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مقدسی رازی همدانی، ابوزرع طاهر

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۶۶-۴۸۱ ق)، محدث و مسند. در ری به دنیا آمد. از ابومنصور محمد مقومی در ری و عبدالرحمان دونی در دون دینور و محمد بن احمد کامخی در ساوه و عبدوس بن عبدالله بن عبدوس در همدان و ابوالقاسم بن بیان در بغداد حدیث شنید و همچنین «سنن» نسائی را از عبدالرحمان دونی روایت کرد. سمعانی و ابن جوزی و احمد بن صالح جیلی و عبدالغنی حافظ و احمد بن براج و ابو حفص سهروردی و انجب حمای و ابوبکر بن بهروز و عبداللطیف قیسی و ابوبکر محمد ابن خازن و دیگران از وی حدیث شنیدند. در همدان درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۵۰۴-۵۰۳/۲۰)، شذرات الذهب (۲۱۷/۴)، العبر (۴۷/۳).

مقدسی شیرازی، ابوالحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج میرزا ابوالحسن مقدسی معروف به شیرازی یکی از علماء محترم و ائمه جماعت معاصر مشهد مقدسند. تولد ایشان در حدود ۱۳۳۵ قمری واقع شده و پس از پرورش و خواندن اولیات و ادبیات مهاجرت به نجف اشرف نموده و بعد از تکمیل متون فقه و اصول از دراسات آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله العظمی میرزای نائینی و آیت‌الله عراقی پدر همسر خود مرحوم آیت‌الله العظمی آقای حاج شیخ علی محمد نجفی برخوردار بود که از اوتاد دانشمندان بودند و آیات دیگر استفاده نموده تا به درجه عالی علم و دانش رسیده و در رشته اخلاق و معارف هم از جمال الصالحین و قدوة الناسکین عالم ربانی مرحوم میرزا حاج سید علی آقای قاضی طباطبائی مستفیض و بهره‌مند شده و در سال ۱۳۸۲ قمری پس از رحلت آیت‌الله العظمی آقا سید عبدالهادی شیرازی به ایران مراجعت و در ارض مقدس مشهد رضوی در جوار حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحية و الثناء رحل اقامت افکنده و به اقامه جماعت در آستان ملک پاسبان آن حضرت اشتغال دارد.

نگارنده گوید: مترجم گرامی ما جناب آقای مقدسی شیرازی جداً دانشمندی پارسا و متقی و موصوف به ورع و فضل و به محاسن اخلاقی معروف و از صفات ذمیمه وارسته و به زیور صلاح و سداد آراسته می‌باشد.

از آثار و باقیات الصالحات ایشان فرزند برومندشان ثقة الاسلام والمحدثین آقای حاج میرزا محمدحسن مقدسی داماد ارجمند حجة الاسلام و المسلمین علامه متبوع و محقق مدقق آقای حاج میرزا حسن مصطفوی است که اکنون از گویندگان و خطباء نامی تهران و مدافعین جدی حریم ولایت و مبارزین سرسخت بر علیه امپریالیسم و رژیم کثیف منحوس و منفور طاغوت پهلوی است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

مقدسی شیرازی، ابوالفرج عبدالواحد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۸۶ ق)، فقیه حنبلی، اصولی، واعظ و مفسر. در عراق به مقدسی معروف بود. اصلش از شیراز است. در حران به دنیا آمد. وی به بغداد رفت و ملازم ابویعلی بن فراء قاضی شد و از او فقه آموخت و خود به تدریس و وعظ پرداخت. آنگاه به شام رفت و در بیت المقدس سکنی گزید و در همان جا به ترویج مذهب امام احمد حنبل پرداخت و تصانیفی در فقه و اصول نگاشت. از ابوالحسن بن سمسار و شیخ الاسلام ابوعثمان صابونی و عبدالرزاق بن فضل کلاعی و جماعتی دیگر در دمشق حدیث شنید. او شیخ شام و شیخ الاسلام زمان خویش بود. در دمشق درگذشت و در مقبره‌ی باب الصغیر دفن شد و قبرش مزاری مشهور گردید. از آثارش: «الجواهر»، در تفسیر قرآن؛ «المبہج» و «الایضاح»، در فروع فقه حنفی؛ «التبصره»، در اصول دین؛ «مختصر فی الحدود»؛ «مختصر فی اصول الفقه»؛ «مسائل الامتحان».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۴۲۵، ۲/۲۸۷، ۱/۱۵۵)، تذکره الحفاظ (۳/۱۱۹۹)، ذیل طبقات الحنابلہ ابن رجب (۷۳-۶۸/۳)، سیر النبلاء (۵۳-۵۱/۱۹)، شذرات الذهب (۳/۳۷۸)، طبقات الفقہاء الحنابلہ (۳۳۴-۳۳/۲)، طبقات المفسرین داودی (۳۶۲-۳۶۰/۱)، العبر (۲/۳۵۲)، الکامل (۸/۱۶۹)، معجم المؤلفین (۶/۲۱۲)، ہدیۃ العارفین (۱/۶۳۴).

مقدسی، یدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

یدالله مقدسی

محل تولد: نکا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب یدالله مقدسی، تحصیلات خواندن و نوشتن را در زادگاهم نزد پدر بزرگوارم آغاز نموده و برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه مرحوم آیت الله کوهستانی در روستای کوهستان رفته و با شکل گیری بنیاد روحی و تحصیلی در آن حوزه مقدسی و در حالی که مشغول تحصیل کتاب سیوطی بودم به سال ۱۳۴۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و نزد اساتید بزرگوار ادبیات تلمذ کرده و با شرکت در امتحان عمومی حوزه در رتبه ۱ آن دوران (پایان ادبیات) با معدل ۵/۱۹ پذیرفته شده و به تعلّم فقه و اصول پرداختم در

آغاز این دوره بود که به سال ۴-۱۳۵۲ به سربازی برده شدم و پس از بازگشت به حوزه به ادامه آن و تکمیل جلد ۲ شرح لمعه و رسائل شیخ اعظم پرداختم و نزد اساتید گرامی سطح عالی آن دوران بهره‌ها بردم و در امتحان نهایی شرکت جسته که البته بخشی از این دوران، زمان شکوفایی مبارزات امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی بوده که حدود ۲ سال، تحصیل و درس متوقف بوده و در این فرصت به مبارزات علیه رژیم شاه به فعالیت می‌پرداختم، پس از پیروزی مدتی را در ساماندهی گوشه‌ای از امور انقلاب و در حفاظت از امام خمینی عمر گذراندم، پس از آرامش سپس در کشور و آغاز درس‌های حوزه به مؤسسه راه حق - که در آن دوران زیر نظر استاد مصباح بوده - جهت گذراندن دوره فشرده معارف اسلامی رفته و در یکی از دوره‌ها بهره‌جستم و در دوران دفاع مقدس گاهی به یاری رزمندگان اسلام در جبهه‌های حق شناخته که خداوند قبول فرماید پس از دوران دفاع به پژوهش‌های حدیثی و تاریخی، در کنار درس‌های فقه و اصول و فلسفه و هیئت پرداخته که آشنایی کافی و تخصصی به زندگی و سیره معصومان (ع) برآیند این پژوهش است، در این میان از پژوهش‌های فقهی و تدریس نیز بیگانه نبوده و در صورت آزاد در حوزه و نیز در برنامه‌های تحت مدیریت در مدرسه‌ها، به تدریس قواعد فقه، اصول، تفسیر و گاهی اخلاق اشتغال داشته (بخشی در مرکز جهانی برای طلاب خارجی و بخشی برای طلاب ایرانی) و البته در کنار مطالب یاد شده از تبلیغ معارف دینی (در مناسبت‌های تبلیغی) نیز بدور نبودم. به امید آن که خدای بزرگ و مهربان همگان و این ناچیز را از لطف و رحمتش محروم نداشته و تمامی فعالیت‌ها را پذیرفته و حضرت ولی الله الأعظم (ع) ارواحنا فداه را یاورمان قرار داده و همه ما را در ردیف سهام داران مکتبش گزیند و نظام اسلامی به رهبری ولایت فقیه را تا ظهورش مستدام بدارد. انشاءالله

مقدسیان، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۳۲۴.

درگذشت: ۱۳۶۵.

از آثار اوست: قوانین بین‌المللی بستکبال (ترجمه با همکاری فرخ نصرتی، تولد ۱۳۶۴).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

مقدم، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۵ - ۱۲۸۷ ش)، زبان‌شناس، استاد دانشگاه، نویسنده، روزنامه‌نگار، مترجم و شاعر. در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت. ولی تحصیلات را ناتمام گذاشت و به ایران بازگشت. مجدداً در ۱۳۱۰ ش راهی آمریکا شد و در ۱۳۱۷ ش دکترای خود را در رشته‌ی زبان‌شناسی از دانشگاه پرینستون دریافت کرد. وی از ۱۳۱۸ ش در دانشگاه تهران به تدریس اوستا و فارسی باستان پرداخت. در ۱۳۴۳ ش گروه زبان‌شناسی همگانی و زبانهای باستانی را در

دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی بنیاد گذاشت و تا ۱۳۴۷ ش مدیریت آن را به عهده داشت. وی همزمان با تدریس در دانشگاه با همکاری چند تن از دانشمندان نشریه‌ی «ایران کوده» را منتشر کرد. از مهم‌ترین کوشش‌های او، ابداع و سامان بخشیدن به واژه‌های مورد نیاز پارسی به شیوه‌ی علمی زبان‌شناسی بود که این تلاش را از جزوه‌ی کوچک «راهنمای فارسی باستان» آغاز و طی چند دهه ادامه داد. درباره‌ی گویش شناسی، که این واژه را نخستین بار دکتر مقدم و همکارانش به کار بردند، اولین بار بود که به زبان فارسی بررسی‌هایی بر پایه علمی صورت می‌گرفت و چند گویش ایرانی با هم سنجیده و نتیجه‌گیری علمی از آنها می‌شد. وی معتقد بود که ریشه‌ی نامش از زبانهای ایرانی است و باید به صورت مغمم نوشته شود. وی در زمینه‌ی تاریخ و دین و آیین مهر مطالعات و پژوهش‌هایی داشت. وی سرانجام بر اثر سانحه‌ی تصادف اتومبیل درگذشت. از دیگر آثارش: در زمینه‌ی زبان و زبان‌شناسی: «چند نمونه از متن نوشته‌های فارسی باستان»، با شرح لغات، «داستان جم»، متن اوستا با شرح لغات و ترجمه، «راهنمای ریشه‌ی فعلهای ایرانی»، «یک سند تاریخی از گویش آذری تبریز»، «گویشهای وفس و آشتیان و تفرش»؛ در زمینه‌ی خط: «الفبای روسی»؛ در زمینه‌ی دین: «سرود بنیاد دین زرتشت»، «جستار درباره‌ی مهر و ناهید»؛ در زمینه‌ی تاریخ: «چهارشنبه سوری»، «تاریخ شاهنشاهی هخامنشی»، ترجمه، «تاریخ دریانوردی عرب در دریای هند»، ترجمه؛ در زمینه‌ی شعر و ادب: «بازگشت به الموت»، «بانگ خروس»، «راز نیمه شب» [۱].

مدرس، ایران‌شناس.

تولد: ۱۲۷۸، تهران.

درگذشت: ۹ مهر ۱۳۵۷.

محمد مقدم پس از پایان رساندن دوره‌ی دبیرستانی برای تحصیلات دانشگاهی به آمریکا رفت. در سال ۱۳۱۷ از دانشگاه پرینستون در رشته‌ی زبان‌شناسی دکترای خویش را دریافت کرد. از سال ۱۳۱۸ در دانشگاه تهران به تدریس اوستا و فارسی باستان پرداخت. در سال ۱۳۳۹ سفر دیگری به آمریکا کرد. دانشگاه یوتا وی را دعوت کرده بود تا کرسی تمدن ایران باستان را در عهده گیرد. یادگار این سفر ترجمه‌ی کتاب پرفسور اومستد تحت عنوان تاریخ شاهنشاهی هخامنشی (۱۳۴۰) است. در سال ۱۳۴۳ گروه زبان‌شناسی همگانی و زبان‌های باستانی را در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی بنیاد گذاشت و تا سال ۱۳۴۷ مدیریت آن را بر عهده داشت.

وی همزمان با تدریس در دانشکده‌ی ادبیات با همکاری ذبیح بهروز، دکتر صادق کیادست به انتشار نشریه‌ای به نام «ایران کوده» زد که مقاله‌های بسیاری در آن درج کرده است. علاوه بر این نشریه، مقاله‌هایی در مجله‌ی «دانشکده‌ی ادبیات» و مجله‌ی «اندیشه و هنر» از وی به چاپ رسیده است. وی همچنین مقاله‌هایی در باب شناسایی انواع خطوط و تاریخچه‌ی خط و خوشنویسی در مجله‌ی «فروهر» و «سالنامه‌ی کشور ایران» نوشته است.

از جمله فعالیت‌های دکتر محمد مقدم، ابداع و سامان بخشیدن به واژه‌های مورد نیاز پارسی به شیوه‌ی علمی زبان‌شناسی بود. وی این کوشش را از جزوه «راهنمای فارسی باستان» آغاز کرد. از آثار اوست: بازگشت به الموت (تهران، ۱۳۱۴)؛ بانگ خروس (تهران، ۱۳۱۳)؛ برای آینده‌ی زبان فارسی (۱۳۵۵)؛ جستار درباره‌ی مهر و ناهید (۱۳۵۶)؛ چند نمونه از متن نوشته‌های فارسی باستان (تهران، ۱۳۶۳)؛ در یادنامه‌ی جمشید (م. اونوالا، بمبئی ۱۳۶۴)؛ دریانوردی عرب در دریای هند (جوزف حورانی، تهران، ۱۳۳۸)؛ راز نیمه شب (تهران، ۱۳۱۳)؛ راهنمای ریشه فعل‌های ایرانی (تهران، ۱۳۱۳)؛ رستم و سهراب از شاهنامه (تهران، ۱۳۱۳)؛ فهرست توصیفی مجموعه گرت (انگلیسی، پرینستون، ۱۹۳۹ م.)؛ و رساله‌ی «سرود بنیاد دین زردشت» و دو اثر انگلیسی Organic

alphabet

(تهران، ۱۹۴۵ م.)؛ APersian – APrsina – Arabic Phonetic

h g (Equation)

دکتر محمد مقدم بر اثر سانحه‌ی تصادف جان خود را از دست داد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۵۲، ۳۴۴۰، ۳۳۴۵، ۳۳۴۴، ۲۷۸۸، ۱۹۸۰، ۱۸۰۵، ۱۷۲۹، ۱۶۴۸، ۱۶۱۸، ۲، ۱۴۰۶، ۱۱۱۹، ۷۱۷، ۴۵۰، ۴۳۷، ۴۱۷، ۴۱۵-۱/۷۶)، کلک (س ۷، ش ۷۹-۷۶، ص ۸۱۷-۸۰۸)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۵-۸۳۲/۵).

مقدم، محمدباقر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد باقر مقدم

محل تولد: خوی

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۴/۲۰

زندگینامه علمی

حجت الاسلام شیخ محمد باقر مقدم در سحرگاه بیستم تیرماه ۱۳۴۱ در شهر خوی دیده به جهان گشود. در خانواده‌ی ایبی مذهبی رشد کرد و به مدرسه رفت. ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش خواند. آنگاه برای تحصیل علوم دینی عازم قم و مستقیماً وارد حوزه علمی شد. در سال تحصیلی ۵۶، دوسر حوزوی را آغاز کرد. ادبیات را از استاد مدرس افغانی، منطق را از شیخ عبد الصمد خلیل زاده، لمعتین را از آیت الله وجدانی فخر، مکاسب را از آیت الله پایانی، رسائل و کفایه را از آیت الله اعتمادی فرا گرفت. سپس مدت دو سال در حلقه درس آیت الله گلپایگانی و آیت الله مرعشی نجفی زانوزد تا از برکات آن دو مجمع علمی سود جوید. در ادامه درس خارج، مدت ۱۰ سال پای درس اصول آیت الله وحید خراسانی و فقه آیت الله میرزا جواد تبریزی حاضر شد. دوران جنگ تحمیلی چند بار توفیق حضور در جبهه دست یافت و در چند عملیات شرکت کرد. با پایان دفاع مقدس، به سنگر پژوهش روی آورد و همزمان با تحصیل، تحقیقات غیر درسی خود را گسترش داد. نخستین کار گروهی را با سمت معاونت پژوهشی در سال ۶۹، برای معجم فقهی آیت الله گلپایگانی انجام داد. از آن تاریخ به آموزش و پژوهش در مراکز و موسسات متعددی همت گماشت. در حال حاضر به عنوان کارشناس و مشاور اطلاع رسانی، با چند مرکز پژوهشی همکاری دارد.

مقربی، مصطفی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مصطفی مقربی در سال ۱۲۹۳ در تهران به دنیا آمد. او دکترای زبان و ادبیات فارسی را در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به پایان برد و از سال ۱۳۲۳ تا بهمن ۱۳۳۸ در دانشسرای مقدماتی به تدریس متون پرداخت. همکاری با دکتر غلامحسین مصاحب برای تألیف و تدوین دوائر المعارف فارسی (سه جلدی) از جمله فعالیت‌های دیگر دکتر مقربی به شمار می‌آید. وی در دانشکده افسری، دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات دانشگاه تهران کار تدریس را ادامه داد. تألیفاتی که از استاد مقربی به یادگار مانده است شامل کتب و مقالات چاپ شده در مطبوعات کشوری باشد. دکتر مصطفی مقربی سرانجام در ۱۸ مهر سال ۱۳۷۷ در سن ۸۶ سالگی درگذشت.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: مصطفی مقربی دوره دبستانی را در دبستان اتحادیه و دوره دبیرستانی را در دبیرستان دارالفنون در سال ۱۳۱۲ ش به پایان رسانید. در سال ۱۳۱۵ ش از دانشسرای عالی، لیسانس زبان و ادب فارسی گرفت. و از سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۴ ش دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی را در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران را به پایان برد.

زمان و علت فوت: مصطفی مقربی در روز شنبه ۱۹ جمادی ثانی ۱۴۱۹ ق مطابق به ۱۸ مهر ۱۳۷۷ ش در سن ۸۶ سالگی درگذشت و پیکرش صبح روز یکشنبه تشییع و در بهشت زهرا-قطعه هنرمندان و فرهیختگان - به خاک سپرده شد.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: مصطفی مقربی با سازمان کتاب‌های درسی و در موسسه فرانکلین با دکتر پرویز ناتل خانلری و دکتر زهرا کیا (خانلری) و دکتر فتح‌الله مجتبائی همکاری داشت. وی در تألیف و تدوین دایره المعارف فارسی با دکتر غلامحسین مصاحب همکاری داشت.

فعالیت‌های آموزشی: مصطفی مقربی به مدت یکسال در دبیرستان شاهپور کرمانشاه به تدریس ادبیات پرداخت. مدتی هم در دبیرستان نظام شیراز به تدریس اشتغال داشت. از سال ۱۳۲۳ تا بهمن ۱۳۳۸ ش در دانشسرای مقدماتی به تدریس متون پرداخت. استادهمچنین در دانشکده افسری و دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات دانشگاه تهران نیز تدریس نموده و در سال ۱۳۴۸ ش رسماً بازنشسته شد. البته کار تدریس وی در مراکز مزبور تا سال ۱۳۵۸ ش ادامه داشت.

سایر فعالیت‌ها و برنامه‌های روزمره: از مصطفی مقربی مقالاتی زیادی در مطبوعات کشور به جای مانده که می‌توان به مقالاتی که در زمینه‌های: دستور زبان فارسی، زبان‌شناسی، حافظ پژوهی و نقد کتاب در ماهنامه‌های: سخن، راهنمای کتاب (که مدتی سر دبیر آن بود)، یغما، آینده و زبان‌شناسی، اشاره کرد. حدود یک هزار و پانصد مدخل در علوم ادبی، زبان فارسی، رجال و کتاب و ترجمه‌هایی از مقالات خارجی برای دایره المعارف مذکور تهیه کرد.

آثار:

۱ ترجمه تاریخ جهان برای خردسالان

۲ ترجمه سقوط قسطنطنیه

۳ ترجمه سه مقاله درباره ویس و رامین

۴ ترکیب در زبان فارسی

۵ تصحیح دیوان حافظ

ویژگی اثر: تصحیح این کتاب با همکاری استاد ابوالقاسم انجوی شیرازی صورت گرفته است.

۶ عقاید تربیتی فردوسی به موجب شاهنامه

۷ فرهنگ اصطلاحات جغرافیا

ویژگی اثر: این کتاب با همکاری دکتر مصاحب، استاد آرام، وصفی اصفیا و دکتر گل گلاب در سال ۱۳۳۸ به چاپ رسید.

۸ فرهنگی نامه فارسی

ویژگی اثر: تالیف جلد هیجدهم این کتاب مخصوص زبان و فرهنگ فارسی با همکاری احمد آرام، رضا اقصی، محمود بهزاد و نجف دریا بندری صورت گرفته است.

۹ مقایسه عقاید فلسفی رواقی با آراء فلسفه اپیکوری

۱۰ هژده گفتار

منابع زندگینامه:

آینه پژوهش، سال نهم، شماره پنجم، شماره پیاپی ۵۳، آذر و دی ۱۳۷۷

مقری مؤذن، اسماعیل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اسماعیل مقری مؤذن

محل تولد: نیشابور

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۳۳ سالی خوش یمن و مبارک برای خاندان مقدس مؤذن بود، در این سال خداوند به خانواده حسن مقری مؤذن کودکی هدیه داد که بعدها اسماعیل نام گرفت. حضرت آیت الله اسماعیل مقری مؤذن دوران کودکی و تحصیلات ابتدائی و راهنمایی را در زادگاه خویش نیشابور سپری کرد پس از آن با تشویق خانواده در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه نیشابور گردید. ادبیات را از محضر استاد برجسته ادبیات آن زمان ادیب نیشابوری فرا گرفت سپس برای ادامه تحصیلات حوزوی به دیار مشهد هجرت کرد، در آن دیار از محضر آیت الله هاشمی خراسانی معانی بیان، در نزد آیت الله صالحی شرح لمعه و مکاسب کفایه را از محضر برجسته گان حوزه علمیه مشهد آیات رضازاده و صالحی کسب فیض نمود و ایشان پس از طی تحصیلات عالی سطح حوزه در سال ۱۳۵۷ وارد حلقه درس خارج فقه و اصول آیات مرتضوی و میرزا علی آقا فلسفی گردید. پس از پیروزی انقلاب تاکنون در جهادسازندگی و... مشغول تدریس علوم معارف الهی به تشنگان این علوم می‌باشد.

مقصود علی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، طراح و نقاش. از هنرمندان اوایل دوره صفوی است. وی سازنده صندوق نفیس مقبره‌ی شاه اسماعیل صفوی (۹۳۰-۹۰۵ ق) در اردبیل است که از گل و بوته‌های برجسته‌ی عاج و خاتم کاری بسته شده و با مفتولهای نازک و فیروزه‌ای ریز تزیین یافته است، با رقم: «عمل استاد مقصود علی...».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۳/۱۱۹۹).

مقصود، کاشانی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مقصود بیك کاشانی. وی قالی معروف به اردبیلی را بافته و در کنار آن این بیت خواجه حافظ را نگاشته است:

جز آستان توام در جهان پناهی نیست
مرا بجز این در حواله گاهی نیست

این قالی را در سال ۹۴۶ ه. ق در زمان سلطنت شاه طهماسب صفوی بافته و اینک در موزه ویکتوریا و آلبرت نگهداری می‌شود.

(ز ۹۴۶ ق)، نقاش، طراح و رسام قالی. وی نقاش قالیه‌ها بود و در بافت و عمل آورد فرشهای بزرگتر نیز، استادی هنرمند به شمار می‌رفت. از بهترین آثار وی که شهرت بین‌المللی داشته، فرش معروف اردبیل است که در زمان شاه طهماسب صفوی به فرجام رسیده و نام بافنده‌ی آن چنین درج شده است: «عمل بنده درگاه مقصود کاشانی سنه ۹۴۶». [۱].

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] احوال و آثار نقاشان (۳/۱۲۰۰).

مقصودی، فریبا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فریبا مقصودی کرمانشاهی در سال ۱۳۴۰، در کرمانشاه متولد گردید. وی از دانش آموزان ممتاز در دوران ابتدایی و متوسطه بود که از دبیرستان وابسته به دانشگاه رازی کرمانشاه در رشته‌ی ریاضی با معدل برتر و احراز رتبه‌ی ممتاز فارغ التحصیل شد؛ همزمان با تعطیلی دانشگاه‌ها در ابتدای انقلاب به هنر خوشنویسی روی آورد و پس از استفاده از استادان صاحب نام، در سال ۱۳۶۴ به دریافت گواهینامه‌ی ممتاز از انجمن خوشنویسان ایران نائل گردید. مقصودی پس از آنکه هنر خوشنویسی را با درجه ممتاز به پایان رساند به تدریس و تعلیم هنر خوشنویسی در انجمن خوشنویسان ایران و دانشگاه تهران و مراکز هنری و علمی دیگر اشتغال یافت. گروه: هنررشته: خوشنویسیوالدین و انساب: فریبا مقصودی کرمانشاهی، فرزند کریم و طوبی از ایل گوران، در سوم اسفند

۱۳۴۰ در کرمانشاه دیده به جهان گشود. تحصیلات رسمی و حرفه ای: فریبا مقصودی کرمانشاهی از دانش آموزان ممتاز در دوران ابتدایی و متوسطه بود که از دبیرستان وابسته به دانشگاه رازی کرمانشاه در رشته ی ریاضی با معدل برتر و احراز رتبه ی ممتاز فارغ التحصیل شد؛ همزمان با تعطیلی دانشگاه ها در ابتدای انقلاب به هنر خوشنویسی روی آورد و پس از استفاده از استادان صاحب نام، در سال ۱۳۶۴ به دریافت گواهینامه ی ممتاز از انجمن خوشنویسان ایران نائل گردید. استادان و مربیان: فریبا مقصودی کرمانشاهی در زمینه ی خوشنویسی از استادانی چون ابوالفضل عطوفی کرمانشاهی، عبدالله جواری کرمانشاهی، رضا منوری یزدی، معین الکتب اصفهانی، یدالله کابلی خوانساری، کرملی شیرازی، غلامحسین امیرخانی و آیت الله حاج سیدمرتضی نجومی استفاده های فراوان برد. فعالیتهای آموزشی: فریبا مقصودی کرمانشاهی پس از آنکه هنر خوشنویسی را با درجه ممتاز به پایان رساند به تدریس و تعلیم هنر خوشنویسی در انجمن خوشنویسان ایران و دانشگاه تهران و مراکز هنری و علمی دیگر اشتغال یافت. آرا و گرایشهای خاص: از آنجا که تحصیل هنری فریبا مقصودی کرمانشاهی در خوشنویسی، در زمینه نستعلیق بوده و از آغاز کتابت، نستعلیق را رشته اصلی خود قرار داده است، زیرا معتقد می باشد که در طی قریب پانزده سال تلمذ و تعلیم به اعتلاء و جاودانگی و تاثیر فرهنگی و هنری کتابت، بیش از گونه های دیگر خوشنویسی پی برده است. جوایز و نشانها: خوشنویسی مصحف شریف به خط نستعلیق براساس نسخه عقمان طه از جمله کارهای برجسته ی هنری خانم مقصودی می باشد که بعد از تایید استادان و کارشناسان هنری و با نظارت مصححین دارالقرآن، به در مراسم اختتامیه مسابقات بین المللی حفظ و قرائت قرآن در پنجشنبه سیزدهم آذرماه ۱۳۷۶، به محضر مقام معظم رهبری اهداء و مورد تقدیر قرار گرفت. فریبا مقصودی کرمانشاهی در پنجمین نمایشگاه قرآن مجید - ۲۵ دی ماه ۱۳۷۶ - و مراسم تجلیل از خادمان قرآن معرفی و به دریافت لوح تقدیر از ریاست محترم جمهوری ایران، نایل شد.

آثار: تاریخ شعر وادبیان محلی کرمانشاهان و ویژگی اثر: این کتاب یک دوره ی پنج جلدی است. ۲ دیوان پروین اعتصامی دیوان سید یعقوب ماهیدشتی کرمانشاهی شرح زیارت عاشورا کنز العرفان و ویژگی اثر: دیوان میر محمد صالحی الحسنی نعمه اللهی ماهیدشتی، معروف به حیران کرمانشاهی. ۶ کوچه باغی ها مناسک حج یادنامه علامه طباطبایی یادنامه ی استاد شهید مرتضی مطهری

منابع زندگینامه: <http://www.iranologyfo.com>

مقیسه، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین مقیسه

محل تولد: سبزوار

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان تحصیلات ابتدائی، حدود سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه شدم، دو سال در حوزه مشهد و بقیه را در قم بوده ام. حدود چهار سال پس از شروع تحصیلات حوزوی، سفرهای حوزوی - تبلیغی و کلاسهای قرآن داشته ام، حدود سال ۱۳۶۵ مدتی در جامعه الزهرا (س) تدریس اعتقادات و در حوزه تدریس دروس حوزوی داشته ام. سال ۶۶ در آزمون تربیت مدرس دارالشفاء شرکت و پذیرفته شدم و پس از گذراندن دوره سه ساله آن در دانشگاه شهید بهشتی تهران و در گروه معارف اسلامی عضو هیئت علمی شدم و تدریس دروس معارف اسلامی را آغاز کردم که تاکنون ادامه دارد. علاوه بر دانشگاه شهید بهشتی در دانشگاههای تهران، علامه، بهزیستی، آزاد علمی کاربردی و علوم پزشکی شهید بهشتی و تهران هم تدریس و همکاری علمی داشته ام.

تاکنون بیش از ۱۱ مقاله در موضوعات مختلف معارفی و قرآنی در مجلات مختلف و مجموعه مقالات همایشها و نیز کتاب نظم هستی که پایان نامه دوره تربیت مدرس قم بود با اضافات و اصلاحاتی توسط بوستان کتاب چاپ و منتشر شده در تهیه و تنظیم کتاب مفتاح مجمع البیان نیز همراه و همکار نویسندگان آن بوده ام که به اهتمام پژوهشکده باقرالعلوم (ع) و انتشارات اسوه چاپ شد. حدود ده سال هم هست که توفیق همراهی با حجاج خانه خدا و تشریف به حرمین شریفین و عتبات عالیات را به عنوان روحانی کاروان دارم. نوشته های چاپ نشده متعددی هم دارم که احتمالاً در آینده اگر خدا بخواهد منتشر خواهد شد.

مقیسه، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین مقیسه

محل تولد: سبزوار

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان تحصیلات ابتدائی، حدود سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه شدم، دو سال در حوزه مشهد و بقیه را در قم بوده ام. حدود چهار سال پس از شروع تحصیلات حوزوی، سفرهای حوزوی - تبلیغی و کلاسهای قرآن داشته ام، حدود سال ۱۳۶۵ مدتی در جامعه الزهرا (س) تدریس اعتقادات و در حوزه تدریس دروس حوزوی داشته ام. سال ۶۶ در آزمون تربیت مدرس دارالشفاء شرکت و پذیرفته شدم و پس از گذراندن دوره سه ساله آن در دانشگاه شهید بهشتی تهران و در گروه معارف اسلامی عضو هیئت علمی شدم و تدریس دروس معارف اسلامی را آغاز کردم که تاکنون ادامه دارد. علاوه بر دانشگاه شهید بهشتی در دانشگاههای تهران، علامه، بهزیستی، آزاد علمی کاربردی و علوم پزشکی شهید بهشتی و تهران هم تدریس و همکاری علمی داشته ام.

تاکنون بیش از ۱۱ مقاله در موضوعات مختلف معارفی و قرآنی در مجلات مختلف و مجموعه مقالات همایشها و نیز کتاب نظم هستی که پایان نامه دوره تربیت مدرس قم بود با اضافات و اصلاحاتی توسط بوستان کتاب چاپ و منتشر شده در تهیه و تنظیم کتاب مفتاح مجمع البیان نیز همراه و همکار نویسندگان آن بوده ام که به اهتمام پژوهشکده باقرالعلوم (ع) و انتشارات اسوه چاپ شد. حدود ده سال هم هست که توفیق همراهی با حجاج خانه خدا و تشرف به حرمین شریفین و عتبات عالیات را به عنوان روحانی کاروان دارم. نوشته های چاپ نشده متعددی هم دارم که احتمالاً در آینده اگر خدا بخواهد منتشر خواهد شد.

مقیم اصفهانی، محمد

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن درویش محمد حامدی خزاعی اصفهانی غروی.

عالم فاضل، مؤلف کتاب «مشکوٰۃ البهیة فی الفرائد القرآنیة». نام او در اجازه‌ی کبیر سید عبدالله شوشتی برده شده، و او وی را ستوده است.

درویش محمد، عالم و فاضل و صالح، و از شاگردان شهید ثانی و محقق کرکی بوده، و در ۹۳۹ از استاد خود [محقق کرکی] اجازه گرفته است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مکارم شیرازی، ناصر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام والفاضل العلام آقای علامه ناصر مکارم، از اساتید بنام و مدرسین والامقام و علماء کرام و نویسندگان فخام و گویندگان عظام حوزه علمیه قم و افتخار استان فارس و بلکه ایران و جهان تشیع است در ۲۲ ماه شعبان ۱۳۴۷ قمری در شیراز در یک خانواده اصیل به دنیا آمده و تحصیلات جدید خود را در مدارس جدید شیراز خوانده و در مدت کوتاهی به واسطه استعداد و حافظه فوق العاده مقدمات و ادبیات را در مدرسه آقاباباخان فرا گرفته و سطوح نهائی فقه و اصول را از مدرسین شیراز خوانده و ضمناً از تدریس خود عده‌ای را بهره‌مند می نمود تا در سال ۱۳۲۴ شمسی که از وطن خود مهاجرت به قم و دانشگاه جعفری شیعه یعنی حوزه علمیه نموده و در درس مرحوم آیت الله العظمی حجت و آیت الله العظمی بروجردی طاب ثراهما حاضر شده و کاملاً با صحبت کردن در بحث آن آیات عظام جلب توجه آنها و کلیه شرکاء درس را می نمودند و خاطر این نویسنده است که در آن اوقات مترجم معظم ما سنین عمرش از بیست سال نگذشته بود که در درس علمین مذکورین اشکال می کرد و جواب می گرفت.

مسافرتی در سال ۱۳۶۹ قمری به نجف اشرف نموده و حدود یکسال توقف و از محضر آیات عظام و مدرسین بزرگ حوزه نجف استفاده کرده و مورد توجه مخصوص آنان قرار گرفته که نائل به دریافت اجازه اجتهاد از آنها گشته و در اثر گرمی هوا و نبودن وسائل آن روز در ماه شعبان ۱۳۷۰ قمری به قم مراجعت و از درس آیت الله العظمی بروجردی و سایر آیات بهره‌مند گردیده و

دروس معقول را از استاد علامه طباطبائی فرا گرفته و به تدریس دروس عالیه پرداخته است.

استاد مکارم حوزه درس تحلیل فقه و اصول دارند که عده کثیری از فضلاء و محصلین فهمیده و با استعداد از نظریاتشان استفاده می‌کنند و غالب آنها را یادداشت می‌نمایند که امید است روزی به عنوان یک اثر ارزنده در فقه و اصول به طبع برسد. جلسات درس عقاید و مذاهب وی نیز با سبک جدید و متد خاصی انجام می‌گیرد که صدها نفر را به طرز نوینی با این مسائل آشنا نموده و کتابهایی که حاوی فشرده آن جلسات علمی است تالیف نموده و در بررسی‌های خود از اصول علمی که مورد پذیرش محیطهای علمی امروز است کمک گرفته است.

آثار علمی ایشان که نتیجه همان جلسات درس و همچنین کتابهای ارزنده دیگر ایشان اشاره می‌کنم.

۱ و ۲ و ۳- کتاب القواعد الفقهیه که جلد اول آن در سال ۱۳۴۳ شمسی و دوم و سوم آن در سالهای بعد به طبع رسیده است.

۴- فیلسوف نماها که برنده جایزه بهترین کتاب سال گردید این کتاب درباره عقاید مادیها بحث می‌کند.

۵- آفریدگار جهان در اثبات صانع و پاسخ به شبهات مادیها.

۶- چگونه خدا را بشناسیم.

۷- رهبران بزرگ و مسئولیتهای بزرگتر در پیرامون نبوت عامه.

۸- قرآن و آخرین پیامبر در پیرامون نبوت خاصه.

۹- داروینیسیم یا آخرین فرضیه‌های تکامل. ۱۰- بحثی درباره ماتریالیسم و کومینسم. بحث در اصول فلسفه (مادیها) که مکرر چاپ شده است.

۱۱- و ۱۲- ترجمه جلد اول المیزان در دو جزء که چاپ شده است.

۱۳- شرح و ترجمه اصل الشیعه ۱۴- در جستجوی خدا ۱۵- همه می‌خواهند بدانند ۱۶- جلوه حق.

۱۷- اسرار عقب‌ماندگی ۱۸- مشکلات جنسی جوانان ۱۹- آنچه از اسلام باید بدانیم.

۲۰- مقدمه بر کتاب وحی ۲۱- این مسائل مطرح است

۲۲- سرکوبیهای خطرناک ۲۳- نماز مکتب عالی تربیت ۲۴- فرآورده‌های دینی.

۲۵- عود ارواح ۲۶- جوانان را دریابید ۲۷- تربیت و نمونه‌های آن

یکی از آثار و خدمات استاد علامه مکارم تاسیس مجله درسهای از مکتب اسلام است که از سال ۱۳۴۰ شمسی تاکنون با نشر این مجله که ارگان حوزه علمیه قم است خدمات ارزنده‌ای انجام داده است و این مجله از بهترین مجله‌ها و منشورات اسلامی شیعه است که به تمام کشور و خارج کشور منتشر و مقالات بسیار جالب و بحثهای ارزنده‌ای را به قلم اساتید و مدرسین بزرگ حوزه مطرح و پخش می‌نماید و این مجله که در زیر نظر هیئت تحریریه که همه از افاضل برجسته‌اند از ابتکارات فکر بکر ایشانست. مراتب ولاء و علاقه او به اهل بیت عصمت و طهارت و بالاخص به پیشوای بزرگ جهان حضرت امیر مومنان علیه‌السلام از اشعار و سرودهای نغز او در توحید و در مراثی و مدایح آن متجلی است.

(مکارم شیرازی) در حال حاضر از مراجع تقلید و مدرسین بزرگ و آیات عظام حوزه علمیه قم می‌باشند.

رساله علمیه و توضیح المسائل ایشان در سال ۱۳۶۹ شمسی و ۱۴۱۰ قمری به طبع رسیده و منتشر گردیده و اکنون درس خارج فقه و اصول ایشان یکی از پرجمعیت‌ترین دروس استدلالی قم می‌باشد. و چون آثار ایشان از تألیفات و مدارس علمیه و غیره بسیار شده لازم دیده در اینجا استدارک نمایم.

۱- تفسیر نمونه ۲۷ جلد، مطبوع.

۲- تعلیقات بر عروه‌الوثقی، مطبوع.

- ۳- قرآن و آخرین پیامبر، مطبوع.
- ۴- معاد در جهان پس از مرگ، مطبوع.
- ۵- مهدی علیه‌السلام انقلابی بزرگ، مطبوع.
- ۶- عقیده یک مسلمان، مطبوع.
- ۷- اقتصاد اسلامی، مطبوع.
- ۸- انگیزه پیدایش مذهب، مطبوع.
- ۹- روش تطبیقی در شناخت، مطبوع.
- ۱۰- پایان عمر مارکسیسم، مطبوع.
- ۱۱- ارزشهای فراموش شده، مطبوع.
- ۱۲- پرسشها و پاسخها، مطبوع.
- ۱۳- این است آئین ما، مطبوع.
- ۱۴- آخرین فرضیه‌های تکامل، مطبوع.
- ۱۵- همه می‌خواهند بدانند، مطبوع.
- ۱۶- ده درس خداشناسی، مطبوع.
- ۱۷- ده درس پیامبرشناسی، مطبوع.
- ۱۸- ده درس معادشناسی، مطبوع.
- ۱۹- ده درس عدل‌شناسی، مطبوع.
- ۲۰- جوانان را دریابید، مطبوع.
- ۲۱- زندگی در پرتو اخلاق، مطبوع.
- ۲۲- جلوه حق، مطبوع.
- ۲۳- معمای هستی، مطبوع.
- ۲۴- اسرار عقب ماندگی، مطبوع.
- ۲۵- در یک بررسی کوتاه، مطبوع.
- ۲۶- در جستجوی خدا، مطبوع.
- ۲۷- مشکلات جنسی جوانان، مطبوع.
- ۲۸- آنچه از اسلام باید بدانیم، مطبوع.
- ۲۹- بحثی درباره ماتریالیسم و کمونیسم، مطبوع.
- ۳۰- تقلید با تحقیق، مطبوع.
- ۳۱- خمس پشتوانه بیت‌المال، مطبوع.
- ۳۲- مساله انتظار، مطبوع.
- ۳۳- تفسیر به رای، مطبوع.
- ۳۴- تفسیر سپری برای مبارزه عمیقتر، مطبوع.
- ۳۵- این مسائل برای همه جوانان مطرح است، مطبوع.

۳۶- یکصد و پنجاه درس زندگی، مطبوع.

۳۷- طرح حکومت اسلامی، مطبوع.

۳۸- رساله مقدمه وحی، مطبوع.

۳۹- مکتبهای التقاطی، مطبوع.

۴۰- فلسفه روزه، مطبوع.

۴۱- فلسفه شهادت، مطبوع.

۴۲- با شخصیت‌ترین زن جهان، مطبوع.

۴۳- به یاد مهدی، مطبوع.

۴۴- مناظرات تاریخی امام رضا (ع)، مطبوع.

۴۵- تفسیر موضوعی پیام قرآن، مطبوع.

۴۶- مدیریت و فرماندهی در اسلام، مطبوع.

۴۷- آفریدگار جهان، مطبوع.

۴۸- توضیح المسائل - رساله علمیه، مطبوع.

۴۹- انوار الفقاهه، مطبوع.

سخنی کوتاه از:

مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع) و مدارس و موسسات وابسته به آن

قم - حوزه علمیه

مدرسه امام، امیرالمؤمنین (ع) (مرکز مطالعات اسلامی) در سال ۱۳۵۰ شمسی در زمینی به مساحت ششصد متر، به وسیله حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی با همکاری جمعی از نیکوکاران تأسیس گردید و تحت عنوان «جمعیت خیریه خدمات اسلامی» رسماً به ثبت رسید.

این مدرسه یکی از فعالترین مدارس حوزه علمیه قم می‌باشد و دارای چاپخانه که در طبقه زیرین قرار دارد و سه طبقه دیگر شامل هیجده حجره و یک سالن که گنجایش هزار نفر را دارد که جهت جلسات درس منظور گردیده و یک کتابخانه که حدود چهار هزار جلد کتاب خوب دارد، می‌باشد.

این مدرسه یک موسسه تحقیقاتی و تبلیغی است که تاکنون در زمینه عقائد، تفسیر و فقه و اصول و حدیث و اقتصاد اسلامی و احیاء تراث و تبلیغات اسلامی توسط مؤسس محترم آن و یا زیر نظر معظم‌له با همکاری جمعی از دانشمندان و فضیلاب حوزه علمیه فعالیتها و تحقیقات ارزنده‌ای به طلاب و فضیلاب محترم حوزه علمیه و جامعه مسلمان از راه تشکیل جلسات درس و نشر آثار سودمند و جزوات مختلف ارائه داده و می‌دهد.

و تاکنون فضیلاب بی‌شماری را تقدیم جامعه مسلمان کرده است که بعضاً بعد از انقلاب اسلامی ملت ایران در پستهای حساسی مشغول انجام وظیفه می‌باشند.

منابع مالی: آن عبارت است از سهم مبارک امام (ع) و کمک مردان خیر انتشارات نسل جوان که بخش دیگری از این موسسه است تاکنون متجاوز از ۵۴ کتاب برای قشر جوان از نویسندگان مختلف نشر داده است که بعضاً دهها بار به چاپ رسیده است.

دائرة پاسخ به سئوالات: نیز یکی از بخشهای مهم و فعال این موسسه می‌باشد و از طریق پاسخ به سئوالات دینی، اجتماعی، اخلاقی و ارسال کتب و جزوات برای کتابخانه‌ها و در پاسخ سئوالات، فعالیت چشمگیری داشته و دارد.

و به خاطر این ارتباط مستمر، مخصوصاً با قشر جوان و اطلاع از مشکلات آنها غالب انتشارات نسل جوان که بر این محور تنظیم گردیده، در میان قشر جوان مورد استقبال کم‌نظیری قرار گرفته و دهها بار به چاپ رسیده است. مطبوعاتی هدف:

این مطبوعاتی از راه نشر و طبع آثار ارزنده اسلامی خود تاکنون خدمات موثری به جامعه مسلمان ارائه داده و می‌دهد. مدارس وابسته به مدرسه امام امیرالمؤمنین (مرکز مطالعات اسلامی)

۱- مدرسه علمیه امام مجتبی (ع)- که در زمینی به مساحت هشتصد متر در سال ۱۳۶۱ نیز توسط حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی و با همت جمعی از مردان خیر و نیکوکار برای سکونت طلاب محترم تأسیس گردید.

این مدرسه از سه طبقه تشکیل گردیده و دارای ۴۱ حجره می‌باشد و هم‌اکنون تعداد ۸۰ طلبه از داخل و خارج در آن سکونت دارد.

امتیازات این مدرسه:

این مدرسه دارای یک سالن درس (مدرس) است که در طبقه زیرین آن قرار دارد و تمام اطاقها مجهز به دستگاه تهویه و شوفاژ می‌باشد و همچنین دارای تعداد پنج دستگاه یخچال بزرگ حمامهای مجهز و آبسرد کن و نیز برای طلایی که شهریه کمتری از حوزه می‌گیرند و کفاف مخارجشان را نمی‌کند شهریه‌ای مقرر می‌گردد.

۲- مدرسه امام حسین (ع)- که هم‌اکنون زمینی به مساحت پانصد و پنجاه و هفت متر برای آن توسط یکی از نیکوکاران تهیه گردیده و جمعی از مهندسیین معروف کشور هم‌اکنون به تهیه نقشه آن اشتغال دارند و امید است به خواست خداوند متعال در آینده نه چندان دور به صورت یک مدرسه مدرن و مجهز در اختیار طلاب عزیز قرار گیرد.

این مدرسه نیز توسط حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی و با مشارکت مالی جمعی از مردان خیر و نیکوکار ساخته می‌شود. آدرس مدارس فوق:

مدرسه الامام امیرالمؤمنین، حوزه علمیه قم، اول خیابان شهدا.

مدرسه امام مجتبی (ع)، حوزه علمیه قم، خیابان شهدا، کوچه آمار، پشت مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع).

مدرسه امام حسین (ع)، حوزه علمیه قم، اول خیابان شهدا، کوچه آمار، مقابل مدرسه امام مجتبی (ع).

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مکارم، محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن مکارم

محل تولد: شیراز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۶ دیپلم گرفتم و وارد دانشگاه اصفهان شدم اما با انقلاب فرهنگی، دانشگاه را رها کرده به حوزه قم آمدم. سال ۶۰ به اصفهان برگشتم و لیسانس ریاضی را تا ۱۳۶۴ گرفتم. بعد به حوزه شیراز رفتم و دنباله دروس حوزوی را تا رسائل و مکاسب خواندم و در سال ۶۶ به حوزه قم آمدم و در سال ۷۰ درس خارج را شروع کردم و در ضمن در سال ۷۵ به رشته تخصصی «کلام» رفتم تا سال ۷۹ و بعد از دو سال به فکر نوشتن پایان‌نامه افتادم و ظرف دو سال پایان‌نامه سطح سه را نوشتم و از سال گذشته مشغول پایان‌نامه سطح چهار شده‌ام که هنوز ادامه دارد. در این مدت در امتحان «مجوز تدریس معارف» شرکت کردم و پس از کسب مجوز تاکنون مشغول تدریس معارف اسلامی در دانشگاه می‌باشم.

ملا باشی تبریزی، عبدالکریم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۹۴ - ۱۲۲۰ ق)، فقیه، عالم دینی و مدرس. در ایروان به دنیا آمد. از علمای قزوین در عصر محمدشاه قاجار بود. ملا باشی از شاگردان برجسته‌ی سید علی طباطبائی، صاحب «ریاض»، بود و در فقه، «ریاض» تألیف استادش را تدریس می‌کرد. فرزندش، میرزا محمدعلی، و فاضل ایروانی و میرزا حبیب‌الله رشتی و میرزا محمد تنکابنی صاحب «قصص العلماء» از شاگردان او بودند. در تبریز درگذشت و در جایی که معروف به مقبره‌ی حاجی ملا باشی است دفن شد. از آثارش بنای مسجد، تکیه، آب انبار و بقعه‌ای بر روی قبر حاج محمدجعفر مجذوب علیشاه کبودر آهنگی در تبریز است. از آثار علمی‌اش: «اصالة البرائة»؛ حاشیه بر کتاب «الطهاره» از «ریاض» استادش؛ «مختصر العروض»، به فارسی که برای فرزندش میرزا محمدعلی تألیف نمود؛ رساله‌ی «قواعد النحو و الصرف فی لغة الفرس». او رساله‌ای نیز در «قافیه» دارد که طبع نشده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۸/۴۲)، دانشمندان آذربایجان (۳۵۸)، الذریعه (۲۰۱ - ۲۰۰ / ۲۰ - ۱۱۵، ۲ / ۱۱۴)، شرح حال رجال (۱۴۴ - ۱۴۳ / ۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۵۹ - ۷۵۸ / ۱۳)، فوائد الرضویه (۲۴۳ - ۲۳۹)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۹۵۶، ۲ / ۱۷۰۴)، قصص العلماء (۱۰۰ - ۹۴)، مکارم الآثار (۶۸۹ - ۶۸۷ / ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۳ / ۹۱۱)، یادگار (س ۳، ش ۶ و ۷، ص ۱۱۱).

ملا باشی سرابی تبریزی، محمدکریم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۲۵۱ ق)، مدرس، ادیب و نویسنده. از ادباء معروف آذربایجان و معلم محمد میرزای ولیعهد (محمد شاه قاجار) بوده و به نام وی کتابی در لغت پارسی با عنوان «برهان جامع اللسان»، در ۱۲۵۱ ق، تألیف کرده است که این کتاب به «فرهنگ محمد شاهی» نیز معروف می‌باشد. در ابتدای کتاب آمده است که شاهزاده بهمن میرزا در هنگام تألیف «تذکره‌ی شاهی» ملا باشی را به تألیف «فرهنگ محمد شاهی» رهنمون شده است. در «الذریعه» آمده که این کتاب به نام فتحعلی شاه قاجار نوشته شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان آذربایجان (۳۵۹-۳۵۸)، الذریعه (۶/۲۱۶، ۹۵، ۳/۹۴-۳)، شرح حال رجال (۴/۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/۴۹۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵/۷۴).

ملا باشی، احمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند محمد حسن بن محمد علی بن میزا عبدالله تفرشی حسینی.

عالم فاضل، و فقیه کامل پدرش از فحول علمای تنجیم بوده، و جدش میرزا محمد علی نیز از فضلا و منجمین، و همشیره ی میر محمد صادق خاتون آبادی منجم [را داشته] است. در المآثر و الآثار درباره او [میرمحمد صادق] گوید: در علم اختر شماری و ستاره‌شناسی از اعجاب وقت بود، و در غالب علوم از فقه و اصول و نجوم استاد بوده.

میرزا محمد علی منجم از شیراز به اصفهان آمده، و در روز ۴ جمادی الثانی ۱۲۸۲ وفات یافته، و در جلو تکیه ی مادر شاهزاده مدفون گردید.

بعد از او میرزا محمد حسن منصب منجم باشی گری مفتخر شده، و از آثارش رساله‌ای است در طالع و احکام میرزا یوسف آشتیانی مستوفی الممالک، و در سال ۱۲۹۸ وفات یافته، و منصب منجم باشی گری و ملا به فرزند او صاحب عنوان رسیده است.

وی فاضل و عالم و فقیه بوده، و در اصفهان مصدر امور شرعی و عرفی بوده، در روز ۵ شنبه ۱۱ ربیع الثانی سال ۱۳۳۱ وفات یافته، در بقعه ی تکیه ی میرزا ابوالمعالی مدفون شد.

از آثارش کتاب دفتر تقویم است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ملا عصام، عبدالملک

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۰۳۷-۹۷۸ ق)، ادیب و نحوی. در مکه به دنیا آمد. وی از علمای ادبیات عرب بود که در بلاغت، عروض، منطق و اصول مهارت داشت. او در مدینه در گذشت. گفته‌اند که وی دارای شصت اثر می‌باشد که اکثر آنها شرح و حواشی بر کتب علما است. از آثارش: «بلوغ الارب من کلام العرب»، در نحو؛ «الکافی الوافی»، در عروض و قافیه؛ رساله‌ی «تحریم الدخان»؛ شرح «قطر الندی»، در نحو؛ شرح «الارشاد»، در نحو؛ شرح «تفسیر ایساغوجی»، در منطق؛ «شفاء الصدور»، در شرح «الشذور الذهب» ابن هشام، در نحو؛ شرح بر «منظومه الشمنی»، در اصول حدیث.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴/۳۰۲)، ایضاح المکنون (۲۸۸، ۲/۲۵۶، ۱/۱۵۳)، کشف الظنون (۴۰۵-۴۰۴)، هدیة العارفين (۱/۶۲۸).

ملاباشی شیرازی، محمدباقر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۴۰ ق)، فقیه و اصولی. جامع معقول و منقول بود. چون معلم حسینعلی میرزا فرمانفرما، پسر فتحعلی شاه قاجار، بود به ملاباشی ملقب گردید و سلسله‌اش به این نام معروف شدند. در شیراز درگذشت و در تکیه‌ی خواجه حافظ دفن شد. از آثارش: «بحر الجواهر الخاقانی»؛ «انوار الحقائق»؛ «مقاصد الصالحین»؛ «لوامع الانوار»، در شرح «الصحیفه السجادیه»، شرحی عرفانی، در دو مجلد بزرگ؛ «انوار القلوب»، در اخبار و مواعظ و اخلاق، به فارسی. [۱]

(تو ۱۲۸۵ ش)، نویسنده. در ارومیه متولد شد. پس از فراغت از تحصیل دوره‌ی متوسطه به تهران آمد و در دانشسرای عالی در رشته‌ی ریاضی و علوم تربیتی لیسانس گرفت و بعد وارد خدمت وزارت فرهنگ گردید و عهده‌دار مشاغل ذیل شد: دبیر و بازرس فرهنگ اصفهان، رییس دانشسرای مقدماتی پسران تبریز، رییس فرهنگ ارومیه، مامور مطالعه به اروپا در سال ۱۳۲۶ ش به مدت یکسال، رییس دبیرستان قریب، رییس تعلیمات متوسطه، رییس فرهنگ آذربایجان و استاندار آذربایجان شرقی. از آثار وی: «تربیت معلم در کشورهای فرانسه و انگلستان و ایران»؛ «تعلیم و تربیت در فرانسه». [۲]

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان الشیعه (۱۸۹، ۱۸۵ / ۹)، الذریعه (۲۱ / ۳۸۱، ۳۶۳-۳۶۲ / ۱۸، ۳۵-۳۴ / ۳، ۴۳۸ / ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۹۱-۱۹۰ / ۱۳)، فوائد الرضویه (۴۲۵)، مجمع الفصحا (۲ / ۱۸۳)، معجم المؤلفین (۹ / ۹۵). [۲] مؤلفین کتب چاپی (۲۴۱-۲۴۰ / ۴).

ملاباشی، محمدباقر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید میرزا محمدباقر (ملقب به ملاباشی) بن سید محمد موسوی طیب شیرازی عالمی متبحر بوده و در حدود ۱۲۳۵ وفات نموده. بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ملاحسنی، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیرضا ملاحسنی

محل تولد: کرج- اشتهارد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۵۷ همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی وارد حوزه علمیه شدم. با علاقه ای که به امور فرهنگی داشتم ابتداء به کارهای فرهنگی خاصه جوانان در عرصه های فرهنگی فعالیت داشتم. پس از گذارانیدن مقدمات جزوه. در مدرسه علمیه امیر المؤمنین در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه قم شدم. و در سال ۱۳۶۹ جهت کار تفسیری با مرکز فرهنگ و معارف قرآن و دفتر تبلیغات همکاری را آغاز کردم. و از آن زمان تا کنون در گرایش تفسیر (علوم قرآنی، تا حدودی با روانشناسی و جامعه شناسی، حقوق به مقتضای نیاز کار آشنا شدم) و کار گروهی تفسیر که ۲۳ دفتر دست نوشته حضرت آیه هاشمی رفسنجانی بود جهت تصحیحات و ساماندهی اطلاعات آغاز کردم. در کنار این پروژه و کارهای دیگر تفسیر که نام فرهنگ موضوعی تفاسیر که ۲ دوره تفسیر از شیعه و اهل سنت بر این مورد مطالعه و در دستور کار گروه قرار گرفت. تفسیر راهنما در ۲۰ جلد به چاپ رسید و فاز اول فرهنگ موضوعی تفاسیر در سه جلد به چاپ رسید و هر دو به عنوان کتاب سال معرفی شدند. و فاز دوم فرهنگ موضوعی تفاسیر در ۱۴ دوره با ۱۷۸ جلد تفسیر مراحل چاپ را می گذراند. با فرصتی که در خدمت قرآن دارم. بسیار علاقمند مقاله و نوشتار شخصی خویش را بیشتر ادامه دهم و لی متاسفانه وقتی نیست و تاکنون قریب به دو مقاله ارائه شده که هر دو بر گزیده بودند امیدوارم خداوند توفیق دهد تا بتوانم بیشتر در این راستا قدم بردارم والسلام

ملاحمی بخاری، ابونصر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۹۵- ۳۱۲ ق)، محدث. اهل بخارا بود. در نیشابور و بغداد کتاب «رفع الیدین» و «القرائه خلف الامام» بخاری را از محمود بن اسحاق روایت کرد. او همچنین از سهل بن سری و هیشم بن کلیب شاشی و علی ابن قریش و عبدالله بن محمد بخاری و حاتم بن عقیل بخاری روایت کرد. ابوالحسن دارقطنی از وی حدیث شنید. ابوعبدالله حاکم نیشابوری و قاضی ابوالعلاء واسطی و محمد بن احمد نرسی و عبدالصمد ابن مأمون هاشمی و عبدالکریم ابن مأمون هاشمی از او روایت کرده‌اند. در بخارا درگذشت.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵/۴۲۲)، تاریخ نیشابور (۱۷۵)، سیر النبلاء (۸۷- ۸۶/۱۷)، شذرات الذهب (۳/۱۴۵)، العبر (۱۸۷/۲)، الکامل (۷/۲۲۷)، المنتظم (۹/۹۰).

ملاصدرا شیرازی، صدرالدین محمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۰۵۰- ۹۷۹ ق)، فیلسوف، حکیم، مفسر و مدرس. ملقب به صدرالدین و مشهور به صدرالمتالهین و ملا صدرا. در شیراز به دنیا آمد و پس از درگذشت پدرش برای تحصیل به اصفهان رفت. استاد او در علوم نقلی شیخ بهائی است. همچنین او در معقول نزد

میرداماد از اکابر فیلسوفان و عرفای عصر صفوی تحصیل حکمت و معرفت نمود. وی حکمت الهی را وارد مرحله جدیدی کرد. استاد مطهری در کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران» آورده است که فلسفه ملا صدرا از یک نظر به منزله‌ی چهار راهی است که در آن چهار جریان یعنی حکمت مشایی ارسطویی و سینایی و حکمت اشراقی سهروردی و عرفان نظری محیی‌الدینی، و معانی و مفاهیم کلامی با یکدیگر تلاقی کرده و مانند چهار نهر سر به هم برآورده، رودخانه‌ای خروشان به وجود آورده‌اند. از نظر دیگر به منزله‌ی صورتی است که بر چهار عنصر مختلف پس از یک سلسله فعل و انفعال‌ها اضافه شود و به آنها ماهیت و واقعیت نوین بخشد، که با ماهیت هر یک از مواد آن صورت متغایر است. فلسفه خاص ملا صدرا را اصطلاحاً حکمت متعالیه می‌گویند. حکمت متعالیه نوعی جهش است که پس از یک سلسله حرکتهای مداوم و تدریجی در معارف عقلی اسلامی رخ داده است. وی در برهه‌ای از سالهای زندگانی خویش در روستای کهک قم در حالت انزوا زیست و در این دوره به تصوف و عرفان اسلامی گرایش یافت. خود او در این زمینه می‌نویسد که نفس خویش را با طول مجاهده مشغول کردم و دل من با کثرت ریاضتهای سخت افروخته گشت، تا انوار ملکوت بر آن سرازیر شد... بلکه آنچه پیش از این به برهان فراگرفته بودم با فزونی‌های بیشتری از راه شهود و بالعیان دیدم. وی در اواخر عمر به خواهش الله وردی خان حاکم فارس به شیراز رفت و در مدرسه‌ی خان به تدریس پرداخت. ملا صدرا در راه هفتمین سفر حج خویش در بصره درگذشت و همان جا دفن گردید. از شاگردان معروف او، دو دامادش، ملا محسن فیض کاشانی و شیخ عبدالرزاق فیاض لاهیجی می‌باشند که از جانب استاد ملقب به فیض و فیاض گردیدند. از دیگر شاگردان او شیخ حسین تنکابنی، ملا محمد ایروانی، ابوالولی شیرازی و قوام‌الدین احمد پسر صدرا می‌باشند. از آثارش: «الحکمة المتعالیة» یا «الاسفار الاربعه»، که معروف به «اسفار» است؛ «الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة»؛ «الحکمة العرشیه»؛ «المشاعر»؛ «المبدأ و المعاد»، شرح «الهدایة الاثیریة»؛ حاشیه بر «الهیات شفا»؛ حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ شرح «اصول کافی»؛ «مفاتیح الغیب»؛ تفسیر «آیت الکرسی»؛ تفسیر «آیه‌ی نور»؛ تفسیر سوره‌های: «اعلی»، «حدید»، «جمعه»، «فاتحه»، «طلاق»، «ضحی»، «زلزال»، «واقع»، «یس»، «طارق» و قسمتی از سوره‌ی «بقره»؛ «الواردات القلییة»؛ «القواعد الملکوئیة»؛ «کسر اصنام الجاهلیة»؛ «جوابات المسائل العویصه»، در حکمت. [۱]

شیرازی محمد بن ابراهیم معروف به «ملا صدرا» و «صدر المتألهین» فیلسوف بزرگ ایرانی (و. شیراز اواخر ق. ۱۰ هـ. ف. بصره ۱۰۵۰ ه. ق.) وی در جوانی به اصفهان رفت و نزد میر محمد باقر مشهور به میرداماد حکمت آموخت و علوم شرعی را نزد شیخ بهاء‌الدین عاملی فراگرفت و در ریاضی نیز مهارت یافت. مدتی در قم به افاضه مشغول گردید و سپس به امر شاه عباس دوم به شیراز بازگشت و در موطن خود به تدریس و افاده مشغول شد. او هفت سفر به حج رفت و در آخرین سفر در بصره درگذشت و همانجا مدفون شد. او شاگردان بسیار داشت که از آن جمله باید ملا محسن فیض کاشانی و ملا عبدالرزاق لاهیجی را که به دامادی او مفتخر گشتند- نام برد. از آثار اوست در فلسفه: «اسفار اربعه» (اسفار)، شواهد الربوبیة، مبدأ و معاد، مشاعر، عرشیه، شرح «هدایة اثیریة» حاشیه بر «الهیات شفا»، تعلیقه بر «حکمة الاشراق»، شرح «کافی». صدرالدین حکمت اشراق و حکمت مشاء و فلسفه عرفانی محیی‌الدین بن عربی را درهم آمیخته و حقایق ذوقی را با براهین فلسفی مزج کرده است. خود گوید: «نحن قد جعلنا مکاشفاتهم الذوقیة مطابقة للقوانین البرهانیة» (اسفار ج ۳). صدرالدین بر «حکمة الاشراق» سهروردی تعلیقه‌ای سودمند نوشته که در حاشیه شرح حکمة الاشراق قطب‌الدین شیرازی چاپ شده (حکمت اشراق و فرهنگ ایران م. معین ۴۸) ملا صدرا با اینکه حکیم اشراقی است، طریقه مشائین را نیز می‌پسندد و ضمن بیان آراء حکمای سلف، هر جا که نظر انتقادی دارد به توضیح آن می‌پردازد، چنانکه برخلاف نظر مشائین که موجودات را حقایق متباین می‌پندارند، او وجود را که اصل و حقیقت هر چیز است هیئت واحد می‌داند و برای آن مراتب متعددی که از حیث ضعف و شدت و نقص و کمال با هم فرق دارند. قابل است. این نظر ملا صدرا با نظر شیخ اشراق هم متفاوت است، چه سهروردی، شدت و ضعف و نقص و کمال را در ماهیت قابل است نه در وجود. موضوع دیگری که

ملاصدرا در آن ابتکار نشان داده است، فرضیه مشهور به «حرکت جوهری» است. پیش از او اکثریت حکما از آن جمله ابن سینا حرکت را در اعراض جسم طبیعی میدانسته. ملاصدرا جوهر را نیز متحرک اعلام کرد، ولی تصریح نمود که تغییری که بر اثر این حرکت در جوهر پدید می‌آید، تغییر استنادی و استکمالی، و به حقیقت جوهر جسم خدشه وارد نمی‌سازد، و آن را دگرگون نمی‌کند. چنانکه تغییراتی که انسان را در ادوار مختلف زندگی عارض می‌گردد از حیث شدت و ضعف انسانیت است نه از حیث حقیقت انسان، یعنی جوهر جسم و هسته اصلی وجود او. ملاصدرا از فرضیه حرکت جوهری نتایجی چند می‌گیرد از آن جمله اثبات معاد جسمانی است. قبل از او حکما درباره بقای نفس و معاد روحانی به تفصیل بحث کرده و دلایلی آورده بودند، لیکن درباره معاد جسمانی معمولاً به سکوت برگزار می‌کردند یا منکر آن می‌شدند. بیان ملاصدرا در اثبات معاد جسمانی مفصل است و حاصل کلام او این است که در روز رستاخیز روح انسان به همان هسته اصلی و جوهر ثابت که ماده جسم است (نه به صورت جسم که محسوس است و در مدت حیات دستخوش تغییرات و تحولات) می‌پیوندد و آدمی به این کیفیت برای پس دادن حساب دوباره زنده می‌شود. صدرالدین برای اینکه از سب و شتم و تکفیر مصون ماند می‌کوشید تا مطالب فلسفی را با احادیث و اخبار وفق دهد و مدلل دارد که شرع و حکمت معارض یکدیگر نیستند و تألیف شرح کافی روی همین نظر بوده است (دکتر سیاسی. مبانی فلسفه. ۱۳۴۲ ص ۵۶۱-۵۵۹)

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۱۹۴-۱۹۳/۶)، اعیان الشیعه (۳۳۰-۳۲۱/۹)، ایضاح المکنون (۶۹۹، ۳۵۳، ۳۳۲، ۵۹/۲، ۵۵۸، ۴۱۴، ۳۰۲، ۱۱۵، ۷۹، ۷۴، ۱۴/۱)، بزرگان فلسفه (۳۸۵-۳۸۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۲۵-۳۱۹/۵)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۵۴۷-۵۲۴)، تذکره العلماء (۲۰۶-۲۰۵)، الذریعه (۲۵/۱۰، ۳۵۳۸، ۳۷/۲۱، ۵۲/۱۹، ۲۹۴-۲۹۳، ۱۷/۱۹۱، ۲۴۴/۱۵، ۲۴۳، ۱۴/۱۷۵، ۱۰۰-۱۳/۹۹، ۵۹، ۵۸/۷، ۱۴۳، ۴۳/۶، ۲۲۸/۵، ۳۴۴، ۳۴۳، ۳۴۰، ۳۳۸، ۳۳۷، ۳۳۶، ۳۳۴، ۳۳۱/۴، ۶۰/۲)، ریحانه (۴۲۰-۴۱۷/۳)، سیر فلسفه در ایران (۱۰۸-۱۰۷)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۳۸۶-۳۷۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۹۲-۲۹۱/۱۱)، فوائد الرضویه (۳۸۱-۳۷۸)، قصص العلماء (۳۳۳-۳۲۹)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۰۴)، الکنی و الالقاب (۴۱۱-۴۱۰/۲)، لغت نامه (ذیل / ملا صدرا)، لوامع العارفین فی احوال صدر المتألهین (۳۰-۱۵)، معجم المؤلفین (۲۰۴-۲۰۳/۸)، منتخبی از تاریخ فلاسفه جهان اسلام (۲۱۶-۲۰۳)، هدیه الاحباب (۱۸۶-۱۸۵)، هدیه العارفین (۲۷۹/۲).

ملا محمدی، مجید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مجدد ملا محمدی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مجید ملامحمدی در سال ۱۳۴۷ هجری شمسی در خانواده‌ای روحانی در قم به دنیا آمدم پدرم آقای حجه الاسلام والمسلمین محمد مهدی اشتهاردی از نویسندگان برجسته حوزه علمیه قم هستند و به همین خاطر با کتاب انس گرفتم در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شدم از سال ۱۳۶۹ به طور جدی کار شعر و داستان را در مطبوعات کودک و نوجوان شروع کردم و عضو تحریریه مجله‌های سلام بچه‌ها و پوپک شدم از آن سال تا کنون حدود پنجاه جلد کتاب در زمینه‌های داستان- شعر - تحقیق از من منتشر شده است حدود بیست کتابم در جشنواره‌های کتاب سال کشور برگزیده شده اند با مجلات دیگر کودک و نوجوان همچون باران، سروش، نوجوان، کیهان بچه‌ها، مجلات رشد، دوست و ... همکاری جدی دارم مسئول صفحه کودک و نوجوان ماهنامه (کتاب قم) هستم تا به حال چند دوره داور بعضی از جشنواره‌های کتاب سال کشور بوده ام جشنواره‌هایی که کتابهایم را برگزیده اند عبارتند از کتاب سال ولایت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، سلام بچه‌ها، پوپک، بنیاد دفاع مقدس، مهدویت، حوزه علمیه قم و اشراق

ملا محمدی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد ملامحمدی

محل تولد: اشتهارد کرج

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد ملا محمدی مشهور به محمد محمدی اشتهاردی در سال ۱۳۲۳ هجری شمسی در اشتهارد (واقع در ۵۹ کیلومتری غرب کرج) در یک خانواده متوسط مذهبی متولد شدم و پس از دوره ابتدائی، در حوزه علمیه اشتهارد - که در آن موقع از چند نفر محدود تشکیل می شد- به تحصیل علوم حوزوی و ادبیات پرداختم و پس از خواندن کتاب سیوطی، در سال ۱۳۳۸ شمسی برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم وارد شدم. درس سطح را بیشتر در محضر حجج اسلام و آیات بزرگوار آقایان: آیت الله حاج شیخ حسین شب زنده دار، آیت الله حاج شیخ غلامرضا صلواتی، آیت الله حاج شیخ علی پناه اشتهاردی، آیت الله علی مشکینی و آیت الله ناصر مکارم شیرازی خواندم و چند سال در درس خارج آیت الله حاج شیخ هاشم آملی، و آیت الله ناصر مکارم شیرازی و چندی در درس خارج آیت الله العظمی گلپایگانی شرکت نمودم.

و مقداری از منظومه سبزواری و فلسفه را در محضر استاد آیت الله جعفر سبحانی و استاد حاج آقا مهدی حائری آموختم. و بخشی از علوم روز را از محضر درس دانشمند گرانمایه، شیخ محمد محقق لاهیجی (نماینده آیت الله بروجردی در هامبورگ آلمان) یاد گرفتم. از خاطرات من در این دوره اینکه از نظر وضع معیشتی بسیار در سختی به سر می بردم. در مدرسه حجتیه قم در حجره ای با دو طلبه دیگر سکونت داشتیم، ظاهراً سال ۱۳۴۰ شمسی بود. یک شب در حجره را زدند، در را گشودم دیدم دو نفر از فضلا وارد حجره شدند، دفتری در دستشان بود، پرسیدند: در این حجره چند نفر هستید؟ گفتم: سه نفر. فرمودند: ما از جانب آیت الله العظمی

حاج آقا روح الله خمینی (ره) آمده ایم، ایشان مبلغی به عنوان فوق العاده (نه شهریه) به طلاب مرحمت فرموده اند. نام ما را نوشتند و به هر نفر پانزده تومان دادند و رفتند که در آن وقت مبلغ قابل ملاحظه‌ای بود و برکت و نورانیت خاصی داشت و این نخستین باری بود که از طرف حضرت امام (ره) به طلبه‌ها پول دادند

ملایری، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید ابوالقاسم موسوی (رئوف) ملایری فرزند آیت‌الله حاج سید عبدالله ملایری که شرحش در کتب تراجم مذکور است از علماء و ائمه جماعت مشهور مشهد بودند.

تولدشان در ۱۳۱۴ قمری در کربلا واقع شده و به اتفاق والدش به مشهد آمده و دوران تحصیلات خود را کنار قبر مطهر حضرت رضا (ع) در محضر مرحوم آیت‌الله آقا محمد (آقازاده) خراسانی و فیلسوف معروف آقا بزرگ حکیم و مشاهیر دیگر به پایان رسانیده و بعد از فوت مرحوم والدش در سال ۱۳۴۵ ق به نجف اشرف مسافرت و از محضر مرحوم آیت‌الله نائینی و اصفهانی و عراقی استفاده نموده و ابحاث اساتید مذکور را به رشته تحریر آورده و با دریافت اجازات اجتهاد کم‌نظیری در سال ۱۳۴۹ ق به ایران مراجعت و پس از گرفتاریهائی در تهران و انزواء قهری در منزلشان در مشهد و رفع موانع و محذورات قیام به وظائف روحی و دینی از قبیل اقامه جماعت در دارالسیاده و تبلیغ احکام و تدریس و غیره نموده تا در سال ۱۳۶۶ ق که بنابر دعوت مرحوم برادرش حاج شکوه الواعظین برای رفع کسالت به تهران آمده و در جمادی‌الاولی سال مزبور به رحمت حق پیوسته و در مدرسه امینه (باغ طوطی) واقع در جنب صحن شریف حضرت عبدالعظیم (ع) در مقبره حاج میرزا عبدالله ابوالصدق دفن گردیده است.

نگارنده گوید: آن جناب سالها در جوار حضرت رضا (ع) زیسته و در دارالسیاده آن حضرت اقامه جماعت نموده ولی به حکم و ما تدری نفس بای ارض تموت فوت و مدفنتش در ری گردیده ولی برادرش مرحوم حاج شکوه الواعظین که عمری در تهران به سر برد بعد از دو سال از مرگ برادرش در سال ۱۳۶۸ ق که به اتفاق جناب آقای فلسفی واعظ به قصد زیارت مشرف به ارض اقدس شد لکن بمفاد (و ما تدری نفس ماذا تکسب غدا دو روز بعد از ورودش به سکنه قلبی در آنجا در گذشت و در جوار حضرت ثامن‌الائمه علیهم‌السلام مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

ملایری، عبدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید عبدالله موسوی ملایری والد مرحوم آیت‌الله حاج سید ابوالقاسم ملایری و حاج شکوه الواعظین که از علماء محترم مشهد مقدس بودند و در دارالسیاده رضوی اقامه جماعت می‌نمودند تا در هفتم محرم ۱۳۴۴ ق از دنیا رفته در جوار حضرت رضا (ع) مدفون شده‌اند.

از حفید ایشان آیت‌الله حاج سید جمال‌الدین ملایری داماد آیت‌الله العظمی حاج آقا حسن طباطبائی قمی شنیدم که آن مرحوم در مدرسه باغ طوطی (امینیه) شهر ری مشرف به لقاء و زیارت حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه الشریف شدند. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

ملبوی، محمدباقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام و محدث خبیر آقای حاج شیخ محمدباقر بن العالم العلام حاج شیخ محمدتقی ملبویی متوفی ۱۳۲۴ شمسی از فضلاء دانشمندان و افاضل نویسندگان اراکی حوزه علمیه است که در تیرماه سال ۱۳۰۸ شمسی متولد شده و پس از خواندن دروس جدید دبستانی وارد رشته روحانیت گردیده و در مدرسه سپهدار و مدرسه حاج محمد ابراهیم و مدرسه آقاضیاء مقدمات و ادبیات را نزد آقا شیخ قنبر رفیعی و حاج سید اسمعیل و آقای محمدی آموخته و در سال ۱۳۲۶ شمسی مهاجرت به قم نموده و شروع به خواندن سطوح وسطی لمعه و قوانین و پس از آن سطوح عالی در خدمت اساتید حوزه چون آیت‌الله صدوقی و آقای بدلاء و آقای حاج شیخ اسدالله اصفهانی و مرحوم آقای نحوی و حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی و مرحوم مجاهدی و آیت‌الله کرمانی و آقا سید محمدصادق شریعتمداری و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی خوانده و پس از تکمیل سطوح به درس آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت کرده و با مناعت طبع و قناعت و تعفف تحصیل نموده و در سختی‌ها و فشارها و امتحانهای الهی استقامت ورزیده تا به مدارج علم و کمال رسیده و مورد توجه و تشویق مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی قرار گرفته است.

اما آثار علمی ایشان از این قرار است ۱- تقریرات و دراسات آیت‌الله العظمی بروجردی بدین شرح- مکان مصلی- لباس مصلی- قواطع صلوه- فروع علم اجمالی- صلوه جماعت- قضاء ۲- شرح دعاء کمیل ۳- الوقایع والحوادث ج ۱- صیام ج ۲ و ۳ و ۴- محرم الحرام ۵- دهه اول صفر.

۴- حقیقت جاودان شرح خطبه حضرت زهرا علیهاسلام ج ۱ مطبوع و ج ۳ در شرف طبع.

۵- زندگانی آیت‌الله بروجردی- و آثار دیگری که بدان اشتغال دارد.

تولد: ۱۳۰۸.

درگذشت: ۱۳۷۳.

از آثار اوست: الوقایع و الحوادث (قم، ۱۳۶۹)؛ حدیث حدیث، چهل حدیث (تهیه و تنظیم کامران ملبویی؛ قم، ۱۳۶۹).

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ملک الاطباء اصفهانی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، طبیب و شاعر. از اعیان اصفهان بود و به دلیل اینکه منزلش در محله‌ی احمدآباد اصفهان بوده، به احمدآبادی مشهور شده است. او مردی فاضل و عالم بود و در علم طب به درجه کمال رسید. وی به علت معالجات خوبی که انجام داد مشهور

شد و به همین دلیل فتحعلی شاه (۱۲۵۰-۱۲۱۲ ق) به او لقب ملک‌الاطباء داد. وی گاهی شعر نیز می‌گفت. از اوست:
 شیرین نشد از شهید وصال تو مرا جام
 ای نخل برومند کجا شد ثمر تو
 برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
 منابع زندگینامه: حقیقه الشعراء (۱۵۵۸-۱۵۵۷/۳)، فرهنگ سخنوران (۸۱۲)، مصطبه‌ی خراب (۱۶۵).

ملک‌الاطباء رشتی، کاظم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۸۶-۱۱۶۶ ش)، طیب. از اطباء معروف عهد محمدشاه و حکیم باشی ناصرالدین شاه (۱۳۱۳-۱۲۶۴ ق) بود. بعد از درگذشت حاج آقا باب ملک‌الاطباء رشتی، حکیم باشی و طیب مخصوص ناصرالدین شاه، او به این لقب ملقب شد. با این حال یکی دو بار لقب خود را تغییر داد و از ناصرالدین شاه خواست که لقب فیلسوف زمان را به او بدهد ولی این لقب چندان شهرتی پیدا نکرد و کم‌کم تبدیل به فیلسوف‌الدوله شد و او تا آخر عمر به فیلسوف‌الدوله معروف بود. از آثار خیریه‌ی میرزا کاظم بنای مدرسه‌ای است برای طلاب علوم قدیمه به نام مدرسه‌ی فیلسوف، در سید اسماعیل در محله چاله میدان تهران، که قسمتی از املاک خود را برای مخارج طلاب وقف مدرسه‌ی مزبور کرد. از آثار علمی وی: «حفظ الصحه ناصری»، به نام ناصرالدین شاه.
 برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
 منابع زندگینامه: الذریعه (۷/۲۷)، شرح حال رجال (۱۴۰-۱۳۸/۳)، کتاب گیلان (۳/۵۸۶)، المآثر و الآثار (۱۹۵).

ملک‌المورخین، عبدالحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۳۵۲-۱۲۸۹ ق)، مورخ، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به ادیب. ملقب به ملک‌المورخین. در تهران به دنیا آمد. نسبش از طرف پدر به میرزا مهدی خان، وزیر نادرشاه، و از طرف مادر به فتحعلی خان ملک‌الشعرا کاشانی می‌رسد. وی از چهارده سالگی به تدوین تاریخ انبیاء پرداخت و پس از فوت پدرش، ملقب به ملک‌المورخین شد و مأموریت نگارش و اتمام دوره‌ی کتاب «ناسخ‌التواریخ» را یافت. وی در ۱۲۹۷ ق وارد خدمت فرهنگ شد. میرزا عبدالحسین، در ۱۳۲۶ ق، روزنامه‌ی «آینه‌ی عیب‌نما» و، در ۱۳۲۷ ق، روزنامه‌ی «آزاد» و، در ۱۳۲۳ ق، روزنامه‌ی «شاهنشاهی» را در تهران منتشر کرد. او مدتی ریاست معارف و اوقاف کاشان را بر عهده داشت. از دیگر آثارش: «تاریخ یومی‌ی ایران»؛ «المعاریف»؛ «خلاصه‌العصار فی تاریخ بختیار».
 برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
 منابع زندگینامه: تاریخ جراید (۵۷-۵۶/۳، ۱۴۱، ۴۳-۴۱/۱)، الذریعه (۲۱/۱۹۵، ۲۹۸-۲۹۷، ۲۳۶/۳)، ریحانه (۵/۳۹۵)، مؤلفین کتب چاپی (۷۶۴-۷۶۳/۳)، یادگار (س ۵، ش ۱ و ۲، ص ۱۰۰-۹۹).

ملک پور، محمدجعفر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد جعفر ملک پور

محل تولد: آذر شهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۴ پس از اخذ دیپلم متوسطه در رشته تجربی از دبیرستان آذر شهر (تبریز) جهت ادامه تحصیل در مجتمع آموزشی عالی قم در رشته مدیریت به قم مقدس رفته و در دروس ادبیات عربی حوزه در مدرسه خان قم به موازات تحصیلات دانشگاهی را ادامه دادم و همزمان ضمن آشنایی با هیئت تحریریه تنها مجله اسلامی آن زمان (مکتب اسلام) از آموزشهای مختلف آنها استفاده کرده و در تنظیم و اجرای چاپ آن مجله همکاری داشتم.

در سال ۱۳۵۸ با فراغت از تحصیل دانشگاهی به جهت انقلاب اسلامی در ایران پس از گذراندن یک دوره کوتاه ۲ ماهه بعنوان موسس و سرپرست دایره عقیدتی و سیاسی پایگاه دریایی جزیره خارک مشغول تدریس و امور فرهنگی و اجرائی در منطقه شده و پس از سال ۱۳۶۱ به قم عزیمت نموده ضمن پیگیری ادامه تحصیلات حوزوی در محیطهای علمی حضور پیدا کرده از آن جمله از سال ۶۳ به همراه تعداد محدودی از طلاب در جلسه تفسیر قرآن استاد جوادی آملی در مسجد محمدیه سه راه موزه شرکت نموده و هنوز هم ادامه دارد.

در سال ۷۱ در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران قبول شده و در سال ۷۳ موفق به اتمام کارشناسی ارشد در رشته مذکور شدم و به موازات ادامه تحصیل در حوزه در دانشگاههای پیام نور و آزاد اسلامی قم و دانشگاه قم به تدریس پرداختم که هنوز هم ادامه دارد.

در سال ۸۲ به درخواست سازمان مدارس حوزه های علمیه خارج از کشور قم به کشور آذربایجان شوروی بعنوان مدیر و مدرس اعزام شدم که بجهت مشکلات سیاسی آنجا و تعطیلی فعالیت های علمی و آموزشی ایران در آنجا محل ماموریت به کشور گرجستان (تفلیس) عوض شد که پس از دو سال مدیریت و تدریس در مدارس علمیه گرجستان^۱ مرکز مطالعات اسلام و مسیحیت را در تفلیس تشکیل داده و به ایران مراجعت نمودم. در شرکت امتحان متون نهاد رهبری مقام معظم رهبری در دانشگاهها مجوز تدریس متون را علاوه بر دروس فقه و حقوق دریافت نمودم که واحدهایی از معارف و متون نیز در دانشگاهها تدریس نمودم که ادامه دارد. به مدت ۲ سال از سال ۸۰ تا ۸۲ با واحد برنامه و ساختار نویسی مرکز جهانی علوم اسلامی در زمان مدیریت حاج آقا مهدویان شرکت نموده و در تدوین اساسنامه مراکز مختلف مرکز جهانی فعالیت موثری داشتم.

ملک زاده، محمدحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسین ملک زاده

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۸/۶/۱۴

زندگینامه علمی

تولد و خانواده در سال ۱۳۵۸ در خانواده‌های اهل علم و روحانی در تهران به دنیا آمد. نامش را «محمد حسین» و لقبش را «امین الاسلام» نهادند. پدر وی عالم زاهد آیه‌الله حاج شیخ محمد رضا ملکزاده و مادر بزرگوارش علویه صالحه، دختر مرحوم آیه‌الله حاج سید محمد علمالهدی میباشند. گامهای نخستین وی در خردسالی و پیش از رفتن به مدرسه، خواندن و نوشتن را به خوبی آموخت و بخشهایی از قرآن را حفظ کرد. از همان سنین با فعالیتهای فرهنگی و مذهبی مساجد و همچنین دیگر مراکز و کانونهای فرهنگی و هنری همچون کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان انس گرفت و به طور مثال در همین مراکز بود که با برخی از هنرهای تجسمی، عکاسی و فیلمسازی آشنا شد و همزمان در جلسات قرآنی که در مساجد و دیگر اماکن مذهبی برپا میشد شرکتی فعال و مستمر داشت و به سرعت تعلیمات اولیه قرآنی را فرا گرفت. و البته در سالهای بعد به شکل کاملتری و زیر نظر برجستهترین اساتید کشور با علوم و فنون قرائت قرآن و اختلاف قراءات آشنا شد. آغاز تدریس از ۸ سالگی با گردهم آوردن جمعی از کودکان هم سن خود یا چند سالی بزرگتر، تدریس قرآن به آن جمع را به عهده گرفت و از ۱۰ سالگی به صورت رسمی (ابتدا زیر نظر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه و در سالهای بعد زیر نظر سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان تبلیغات اسلامی و...) تدریس قرآن و معارف اسلامی را آغاز کرد. حفظ قرآن در همین سنین با جدیت بیشتری به حفظ قرآن پرداخت و البته به دلیل وقفهایی که در مسیر حفظ قرآن برایش پیش آمد، حفظ کامل قرآن توسط وی چند سالی به طول انجامید. مطالعه جدی کتاب در کودکی عمدهترین سرگرمیاش در آن زمان یعنی در انتهای کودکی و آغاز نوجوانی، مطالعه کتابهایی درباره علوم و تاریخ قرآن، مفاهیم قرآنی و بعداً کتابهایی در زمینه مسائل فکری و فرهنگی، کتب اعتقادی و کتابهایی درباره مکاتب فکری مختلف دنیا و نقد آنها بود که به طور مثال سری جزوهای کوتاه «پاسداری از سنگرهای ایدئولوژیک»، کتابهایی در زمینه آموزش ساده فلسفه یا تاریخ فلسفه یا کتابهای اصول اعتقادی و همچنین بسیاری از کتابهای استاد شهید مرتضی مطهری - با صرف نظر از عنوان و موضوعشان - کتابهای محبوب و مورد علاقه این دوران او بود. شروع نگارش و ارتباط با مطبوعات همین پشتوانه کارهای قرآنی، حفظ قرآن و مطالعه آثار علمی و به صورت مطلق، انس با کتاب و نیز مشارکت در فعالیتهای فرهنگی و هنری و سرودن شعر، سبب شد تا بتواند به سرعت دست به قلم شده و از طریق مکاتبه، برای نشریات متناسب با سن خود، مطلب، (شعر، داستان و گزارش) بفرستد. تأسیس مراکز فرهنگی در کودکی پدر ایشان به شدت مقید بود که در تمامی ایام تبلیغی برای رساندن معارف اسلامی به آحاد مردم به نقاط گوناگون کشور - به ویژه شهرها و روستاهای دور افتاده - سفر نماید. و معمولاً در این سفرها خانوادهاش را هم با خود میبرد. جالب آنکه در این سفرها فقط پدر نبود که فعالیتهای اسلامی انجام میداد بلکه پسر کم سن و سال او نیز فعالانه وارد عرصه میشد و برای کودکان و نوجوانان آن منطقه برنامههای زیادی را ترتیب میداد که از جمله این فعالیتهای تأسیس چندین مرکز فرهنگی،

کتابخانه و نوارخانه مذهبی در شهرها و روستاهای مختلف کشور بود. علاوه بر اینها در محل زندگی خود نیز در هنگام تحصیل در کلاس چهارم ابتدایی، گروه فرهنگی الزهرا (ع) را راهاندازی کرد که عمده فعالیت این مرکز، انتشار گاهنامه‌هایی به مناسبت‌های مختلف و نیز برگزاری مسابقات کتبی با موضوعات مذهبی - سیاسی ویژه کودکان و نوجوانان بود. در ۱۲ سالگی و در زمانی که هنوز کار تواشیح و همخوانی عربی و قرآنی در ایران، بسیار نوپا بود گروه تواشیحی تأسیس کرد. در ۱۳ سالگی اقدام به تشکیل مرکزی به نام «نور القرآن» کرد که کارش برگزاری جلسات آموزشی و مسابقات قرائت و حفظ قرآن بود. تدریس در مراکز مختلف (تدریس در دانشگاه در ۱۴ سالگی) از این سن به بعد فعالیت علمی - تدریسی وی در زمینه قرآن در برخی ادارات، سازمانها، مراکز و نهادهای گوناگون و به ویژه پایگاههای فرهنگی مساجد، کانون قرآن دانشگاهها و دیگر کانونهای فرهنگی و تربیتی شکل گسترده‌تری به خود گرفت. تا آنجا که در سن ۱۴ سالگی (در هنگام تحصیل در کلاس اول دبیرستان) مدتی به طور غیر رسمی در دانشکده علوم قرآنی به تدریس پرداخت و بر این اساس شاید بتوان گفت وی جوانترین مدرّس علوم قرآنی در دانشگاه و یا به صورت مطلق، جوانترین مدرّسی بود که تا آن زمان به تدریس در دانشگاه پرداخته بود. جوانترین روزنامه‌نگار قرآنی کشور در زمینه فعالیت‌های مطبوعاتی افزون بر انتشار گاهنامه و نیز مکاتبه با برخی مجلات در دوره کودکی و نوجوانی، از سال ۱۳۷۲ (در سن ۱۴ سالگی) ضمن همکاری کوتاهی با نخستین مجله قرآنی به زبان فارسی به نام «پیام قرآن» (به صاحب امتیازی دارالقرآن الکریم آیة‌الله گلپایگانی) به عنوان جوانترین روزنامه‌نگار قرآنی به صورت فعال وارد عرصه مطبوعات شد و تا به حال صدها نوشتار مختلف از وی در نشریات معتبر و کثیرالانتشار به چاپ رسیده است. نخستین صفحه قرآن در روزنامه کیهان یکی از فعالیت‌های مطبوعاتی ایشان تأسیس صفحه قرآنی «بهار در بهار» در روزنامه کیهان بود. این صفحه که در زمستان ۱۳۷۵ و به مناسبت ماه مبارک رمضان، راهاندازی شد، نخستین صفحه قرآن در روزنامه کیهان به شمار می‌آید. آغاز تألیف کتاب حدود ۱۴-۱۵ سال سن داشت که موفق به نگارش جلد اول، دوم و بخش اندکی از جلد سوم و چهارم کتاب پنج جلدی «اصول فنی قرائت قرآن کریم» گردید. نخستین دارالقرآن در مدارس کشور آقای ملکزاده در سالهای آغازین دهه هفتاد شمسی (سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵) در چندین دبیرستان در تهران و قم، اقدام به تأسیس دارالقرآن الکریم نمود. این دارالقرآن‌ها اولین دارالقرآن‌های مدارس کشور بودند. نخستین مرکز آموزش تخصصی علوم و معارف قرآن ویژه جوانان و نوجوانان (تأسیس «مجمع قرآنی کعبه» و «جامعه الكعبه») در سال ۱۳۷۵ موفق به تأسیس «مجمع قرآنی کعبه» شد. این مرکز که نخستین مرکز آموزش تخصصی علوم و معارف قرآنی به جوانان و نوجوانان (طلّاب جوان، دانشجویان و دانش‌آموزان) بود تا سال ۱۳۸۱ به فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی خود در داخل و خارج از کشور (سوریه، هلند، لبنان، انگلستان و...) ادامه داد. از سال ۱۳۸۱ و با تبدیل مجمع قرآنی کعبه به مؤسسه آموزشی و پژوهشی «جامعه الكعبه» فعالیت‌های قرآنی این مجمع در قالب گروه علوم قرآنی که یکی از گروه‌های علمی جامعه الكعبه میباشد، ادامه یافته است. و اما جامعه الكعبه مرکزی است جهت آموزش و پژوهش در باب علوم انسانی و اجتماعی و مباحث فکری و فرهنگی از منظر اسلام. این مرکز از سال ۱۳۸۱ تاکنون مشغول به فعالیت میباشد. ورود به حوزه علمیه پس از اتمام دوره دبیرستان به صورت رسمی به تحصیل علوم و معارف اسلامی در حوزه علمیه پرداخت و از آنجا که برخی از مباحث مقدماتی حوزه را از چند سال قبل شخصاً مطالعه کرده بود، توانست با علاقه زیاد، انگیزه قوی و تلاشی مثال زدنی با استفاده از تمامی فرصتها و بدون کمترین وقفه و تعطیلی به صورتی که برنامه درسی وی به هیچ وجه تعطیل نمی شد و علاوه بر ایام عادی تحصیل، در تمامی روزهای تعطیل، جمعه‌ها، تابستان، نوروز و ... هم به درس و مطالعه مشغول بود، و همچنین با بهره بردن از نبوغ کم‌نظیر خدادادی، دروس مقدماتی و سطح حوزه را که معمولاً در طول ۱۰ سال خوانده میشود، به توفیق الهی در ظرف مدّت سه سال و نیم، به بهترین شکل و کیفیت به پایان رساند. دروس خارج و اساتید از زمستان سال ۱۳۷۹ با مشورت و توصیه یکی از اساتید محترم حوزه (حضرت آیة‌الله شیخ جعفر سبحانی) در دروس خارج حاضر شد. در آغاز به درس خارج اصول ایشان و سپس به دروس خارج فقه و اصول اساتیدی همچون

آیات عظام: مرحوم میرزا جواد تبریزی (کتاب الصلاة، سه سال و نیم) و سید کاظم حسینی حائری (کتاب الصلاة، حدود یک سال و اصول، از ابتدای حضور در درس خارج تاکنون) وارد شد. در ادامه نیز در دروس خارج فقه حضرت آیه الله شیخ حسن شریعتی نیاسر (کتاب های خمس، وقف، حبس و اخواته، صدقه، هبه، زکاة، اجاره، مضاربه، مزارعه و... از سال ۸۱ تاکنون. البته این درسها در تابستانها و دیگر ایام تعطیل هم برقرار بوده است.) و حضرت آیه الله شیخ محمد تقی بهجت (کتاب الحج، از فروردین ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶) شرکت کرد. البته مدت کوتاهی هم از درس فقه حضرات آیات سید محمد حسین فضل الله (در بیروت) و مرحوم شیخ علی فلسفی (در مشهد) و درس اصول آیه الله شیخ حسین وحید خراسانی (در قم) بهره برد. تفسیر قرآن پیش از ورود به درس خارج، حدود یک سال از درس تفسیر آیه الله شیخ عبدالله جوادی آملی نیز بهره مند شده بود. اگر چه بعداً در درس تفسیر بزرگانی همچون حضرات آیات شیخ ناصر مکارم شیرازی و مرحوم شیخ محمد هادی معرفت هم حاضر شده، بهره های فراوانی برد. فلسفه، اخلاق و عرفان همزمان با حضور در دروس خارج فقه و اصول، از دروس اسفار آیه الله شیخ یحیی انصاری شیرازی نیز استفاده نمود. مدت کوتاهی هم در درس اشارات شرکت کرد. علاوه بر اینها در برخی دوره ها و درس و بحث های فلسفی که به موضوعاتی خاص در فلسفه می پرداختند نیز مشارکت داشته است. همچنین در زمینه اخلاق نیز از پیش از ورود به حوزه تاکنون محضر پر فیض اساتید و فرهیختگان متعددی از جمله حضرات آیات شیخ محمد تقی مصباح یزدی، شیخ جواد کربلایی، مرحوم شیخ علی پناه اشتهاردی، مرحوم حاج آقای مجتهدی و برخی بزرگان دیگر را درک کرده است. البته استفاده وی از آیه الله مصباح یزدی منحصر به شرکت در درس های اخلاق ایشان نبوده بلکه طی سالیان متمادی از بسیاری از مباحث فلسفی و کلامی و سایر بحث های ایشان در زمینه اندیشه و معارف اسلامی - به صورت محض و یا به صورت تطبیقی با مکاتب دیگر - بهره های قابل توجهی برده است. از دیگر اساتید وی میتوان به پدر بزرگوار ایشان اشاره کرد که علاوه بر مراتب علمی، از نظر معنوی و روحانی نیز دارای مقام رفیعی میباشند و بدین جهت هم در زمینه فقه، اصول و فلسفه و هم در زمینه اخلاق و عرفان - از مقدمات تا خارج - به تدریس و راهنمایی فرزند خویش پرداخته اند. اجازات وی تا به حال موفق به اخذ چندین اجازه مختلف - از جمله اجازه اجتهاد - از علماء و مراجع عظام تقلید در قم و مشهد شده است. جوانترین طلبه نویسنده در این سالها کار نگارش کتاب را نیز ادامه داد و در اولین دوره انتخاب کتاب سال حوزه علمیه (سال ۱۳۷۷) به عنوان جوانترین طلبه نویسنده انتخاب شده، موفق به اخذ جایزه و لوح تقدیر گردید. زبانهای دیگر و فعالیت در خارج از کشور با تسلط بر زبانهای عربی و انگلیسی و اندکی آشنایی با زبان فرانسوی و چند زبان دیگر، توانست به کشورهای زیادی سفر کند و در سطح بینالمللی به فعالیتهای علمی، فرهنگی و اسلامی و تبلیغ دین مبین اسلام و معرفی مکتب اهلیت (ع) بپردازد. حضور در دانشگاهها طی این سالها به دانشگاههای بزرگ و معتبری در داخل و خارج از ایران دعوت شده و در این دانشگاهها به تدریس، سخنرانی، برگزاری جلسات پرسش و پاسخ و یا برگزاری کارگاههای علمی و آموزشی پرداخته است. مطالعات تاریخی افزون بر تحصیل و تدریس علوم مختلف اسلامی، از زمستان ۱۳۸۱ به مدت ۳ سال در رشته تخصصی تاریخ که برای اولین بار در حوزه علمیه قم تأسیس شده بود شرکت نمود و مطالعات زیادی را در زمینه تاریخ اسلام و فلسفه تاریخ از دیدگاه قرآن به انجام رساند. مسائل جدید به مدت یک سال در دوره «شبهشناسی و پاسخگویی به شبهات» که به وسیله مؤسسه «در راه حق» و با تدریس جمعی از صاحب نظران و اساتید برجسته، برگزار گردید شرکت کرد و با رتبه اول فارغالتحصیل شد. مسائل و شبهاتی که در این دوره مورد بحث قرار گرفتند در دو زمینه «کلام قدیم» (با توجه ویژه به عقاید و هابیت) و «کلام جدید، فلسفه دین و معرفتشناسی» بودند. البته آشنایی وی با بعضی از مکاتب فلسفی غرب، کلام جدید، معرفت شناسی، برخی از فلسفه های مضاف و مباحث و مسائلی که در دوران جدید در حوزه دین پژوهی مطرح شده است به سالهایی پیشتر از شرکت در این دوره بازمیگردد. و همچنان که قبلاً نیز اشاره شد از نوجوانی به مطالعاتی از این دست علاقه خاصی داشته و علاوه بر مطالعات منظمی که به صورت شخصی در این زمینهها داشته است، همایشها، جلسات بحث، سخنرانیها و یا

مناظره‌هایی درباره این مسائل را هم پیگیری کرده و در برخی از کلاسها یا دوره‌هایی که با موضوع علوم جدید از منظر اسلام - همچون دروس جامعه‌شناسی اسلامی - یا معرفت‌شناسی و کلام جدید برگزار می‌شده است نیز شرکت کرده است. و همین آشنایی با مباحث فکری و فرهنگی جدید یکی از مهمترین عوامل موفقیت وی در پاسخگویی به پرسشهای نسل جوان تحصیلکرده و دانشگاهی در داخل و خارج از کشور بوده است. تدریس مباحث حوزوی در زمینه تدریس دروس حوزوی برنامه وی بدین صورت بوده است که تا پیش از ورود به درس خارج به تدریس ادبیات و منطق و همچنین اصول (البته فقط حلقه اولی از حلقات اصول شهید صدر)، پرداخته و از هنگام ورود به درس خارج تاکنون به تدریس شرح لمعه، اصولاللفقه، حلقات اصول، رسائل، مکاسب و کفایة الاصول اشتغال داشته است. بحث خارج از مهر سال ۱۳۸۴ (شعبان ۱۴۲۶ق) ضمن ادامه حضور در دروس خارج فقه و اصول علمای اعلام، تدریس استدلالی اصول را با تبیین و نقد نظریه «حق الطاعة» و بدیل آن یعنی «قاعده قبح عقاب بلا بیان» برای جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم آغاز نموده است. همکاری تحقیقی با مؤسسات و نگارش دانشنامه از دیگر کارهای وی علاوه بر موارد گذشته و به جز تدریس مباحث مختلف قرآنی، کلامی و تاریخی (در مجمع قرآنی کعبه و سپس در جامعه الکعبه) میتوان به همکاری با مرکز فرهنگی حوزه علمیه قم در پاسخگویی به سؤالات و شبهات اشاره نمود. همچنین در نگارش «دانشنامه قرآن و قرآنپژوهی» و مدت کوتاهی در «دانشنامه مسجد» و «فرهنگنامه مسجد» به عنوان محقق و نویسنده همکاری کرده است. تدریس یک دور مباحث تفسیری (از ابتدا تا انتهای قرآن، طی سالهای ۷۵ تا ۸۳): از سال ۱۳۷۵ تا اوائل سال ۱۳۸۱ در جلسه مرکزی مجمع قرآنی کعبه که به صورت هفتگی در صبح روزهای جمعه برگزار میگردید و سپس در ادامه سال ۸۱ و همچنین سال ۸۲ و ۸۳ در جلسات «مطالعات اسلامی» (بررسی مباحث کلیدی و چارچوبهای اساسی در تفکر اسلامی) که به منظور استحکام پایههای معرفتی کادرهای اولیه جامعه الکعبه برگزار میشد، به تدریس مباحث تفسیری پرداخت و با تشریح اهم مفاهیم و معارف قرآنی، موفق به تدریس یک دور تفسیر قرآن کریم شد. آثار و تألیفات جناب آقای ملک زاده، کار نگارش کتاب را که با توفیق الهی از نوجوانی آغاز کرده بود، با توجه به زمینه‌های مطالعاتی و پژوهش‌هایی که داشت و در عرصه موضوعاتی که ضروری می‌انگاشت دنبال نمود تا آنجا که به جز مقالات منتشر شده در مطبوعات و یا ارائه شده به همایش‌های متعدد، تا سال ۱۳۸۷ شمسی یعنی تا پیش از ۳۰ سالگی، بیش از هفتاد جلد کتاب تألیف کرد که البته در این میان، یکی دو جلد هم ترجمه بود. علاوه بر آثار مکتوب، بخشی از سخنرانیها یا تدریسهای ایشان در موضوعات مختلف نیز در قالب CD ارائه شده و نرم‌افزارهایی هم بر اساس کتابهای ایشان و یا تحت اشراف علمی وی، طراحی و به بازار عرضه شده است.

ملک، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۱، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشکده پزشکی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۲، متخصص بیماریهای کودکان از دانشگاه تهران در سال

۱۳۴۱.

مرتبۀ علمی:

تدریس در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران به مدت ۳۳ سال، استاد گروه کودکان دانشکده پزشکی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مدیر آموزشی گروه کودکان دانشکده پزشکی بیمارستان بهرامی به مدت ۲۰ سال، تحقیقات علمی و پژوهشی در زمینه بیماریهای کودکان، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۷۵ پایان‌نامه دکترا و تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

طب کودکان.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲۸، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای کودکان، گزارش موارد حساسیت.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

ملک‌افشار، عزت

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۸، مرتبۀ علمی: دانشیار، رشته: جراحی عمومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی ارومیه.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی جراحی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی اهواز در سال ۱۳۵۰.

مرتبۀ علمی:

استادیار و دانشیار دانشگاه علوم پزشکی شهید چمران اهواز از سال ۱۳۵۰ تا سال ۱۳۶۳ و دانشیار دانشگاه علوم پزشکی ارومیه از سال ۱۳۶۳.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تومورهای پستان، بیماریهای جراحی کبد و مجاری صفراوی، ضربه‌های شکمی، جراحتهای ناشی از جنگ، سرطان مری، تدریس دروس جراحی عمومی در دانشگاههای علوم پزشکی اهواز و علوم پزشکی ارومیه.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

جراحی پانکراس.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۴، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

تومورهای مثانه، کیست هیداتیک ریه، کیست هیداتیک در ایران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

ملک‌افضلی اردکانی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: استاد، رشته: آمار حیاتی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۴، گذراندن یک دوره سه ساله رزیدنسی آمار حیاتی، (دوره یک ساله MPH،

دوره یکساله رزیدنسی بهداشت و دوره یکساله رزیدنسی دانشگاه Usla)، متخصص آمار حیاتی از دانشگاه UCLA.

مرتبه علمی:

استاد دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

گسترش شبکه‌های بهداشتی درمانی کشور، بررسی میزان مرگ و میر و تولد در جمهوری اسلامی ایران، بررسی دستاوردهای بسیج

سلامت کودکان، بررسی وضعیت تنظیم خانواده در ایران، بررسی نظام نوین آمارهای بهداشتی و درمانی کشور، راهنمایی، مشاوره

و نظارت بر ۲۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

اصول و کلیات خدمات بهداشتی، روشهای آماری و شاخصهای بهداشتی، عیارگیری زیستی، اصول اپیدمیولوژی، حداقل نیازهای

اساسی در مراقبتهای بهداشتی، تحقیق در نظام بهداشتی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۵۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

آمارهای حیاتی، تنظیم خانواده، تغذیه شیر مادر، مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، اندازه‌های بیوشیمیایی و فیزیکی بدن انسان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

ملک‌الاطباء شیرازی، محمدتقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۲۹۰ ق)، دانشمند، پزشک، حکیم و ریاضیدان. ملقب به ملک‌الاطباء شیرازی. اصلاً شیرازی و در تهران سکونت داشت. از طبیبان دوره‌ی فتحعلی‌شاه، محمدشاه و ناصرالدین شاه بود. در طبابت زبردست و با بکارگیری داروها و روشهای درمان فرنگی مخالف بود. مهارت او در تشخیص امراض را به بقراط تشبیه می‌کردند. وی از علوم دیگر بهره‌ور از حکمت و ریاضی باخبر بود. میرزاحممود، فرزند جالینوس الزمان، معروف به میرزاجان، شاگرد او است. در اواخر عمر به قصد مجاورت به عتبات رفت و در کربلا- درگذشت. از آثار وی: «البحرائیه»، مباحث بحران امراض، شامل معارضات بین او و میرزا محمد طیب تنکابنی؛ «تسهیل العلاج»؛ «الجوهريه»؛ در منع استفاده از داروها و روشهای درمان فرنگی؛ «حافظ الصحه» و «حفظ الصحه»؛ «مسکن الفؤاد»، فارسی، در علاج طاعون؛ «الرساله البوائیه» صغیر و کبیر؛ «شرح لغزالقانون» که آن را به درخواست شاگردش نوشته؛ «کلیات طب»، منظومه‌ی فارسی.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۹/ ۱۹۱)، الذریعه (۲۰/ ۲۱، ۴۶/ ۱۴، ۲۲۹/ ۱۱، ۲۶/ ۷، ۲۳۳/ ۶، ۲۹۴/ ۵، ۱۸۲/ ۴، ۵۰- ۴۹/ ۳)، ریحانه (۵/ ۳۹۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۰۴/ ۱۳)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۲۲۳)، معجم المؤلفین (۹/ ۱۳۰).

ملک‌الشعراء کاشانی، محمود

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۱- ۱۲۲۸ ق)، شاعر، ادیب، خطاط و نقاش. اصلاً کاشانی بود. پدر و جدش، فتحعلی خان صبا، هر دو از شعرای نامی بودند و در دربار فتحعلی‌شاه لقب ملک‌الشعرايي داشتند. محمود خان در تهران به دنیا آمد و علوم زمان خود را نزد عمویش، محمد قاسم خان فروغ آموخت. وی از اواخر عهد محمدشاه قاجار به کارهای دیوانی پرداخت و سپس در دربار ناصرالدین شاه عهده‌دار مشاغل مختلف دولتی بود و از نزدیکان و ستایشگران او شمرده می‌شد. محمود خان از فنون ادب و تاریخ و حکمت آگاهی داشت و در شعر تابع سخنوران قرن پنجم قمری بود و اغلب خطوط، بویژه نستعلیق و شکسته را استادانه می‌نوشت. او همچنین در تصویرسازی صاحب قلم و در چهره‌پردازی و شبیه‌سازی، نقاشی پر ابتکار بود و در مجسمه‌سازی و منبت‌کاری بر روی چوب و عاج و نیز قلمدان‌سازی مهارت داشت و تذهیب و تشعیر و روغن‌کاری را خود انجام می‌داد. محمود خان در تهران وفات یافت و در زاویه‌ی حضرت عبدالعظیم حسنی به خاک سپرده شد. از آثار قلمی وی: «منشآت»؛ «دیوان» شعر، حاوی پنجاه و هشت قصیده و قطعه و چند شعر پراکنده و ناتمام و چهارده بند مرثیه به سبک «دوازده بند» محتشم کاشانی. به آورده‌ی صاحب «المآثر و الآثار»، وی تاریخی نیز در تراجم ارباب القاب دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه نگاشته است. از آثار خطی وی: یک نسخه «گلشن راز» شبستری، به قلم کتابت خوش، با رقم: «... بقلم شکسته رقم اقل چاکران... محمود کاشانی... سنه‌ی یکهزار و دویست و هشتاد و یک اتمام پذیرفت»؛

یک مرقع مشتمل بر بیست و دو رقع، به اقلام مختلف، از جمله نستعلیق پنج دانگ و دو دانگ و کتابت و غبار خوش، با رقم: «مشقه العبد الاقل محمود کاشانی غفر له» و تاریخ‌های ۱۲۸۹، ۱۲۸۸، و ۱۲۹۰ ق؛ مرقعی مشتمل بر سی و دو رقع به اقلام مختلف، از جمله شکسته تعلیق، کتابت خفی خوش، با رقم: «مشقه العبد الاقل محمد کاشانی غفر له فی سنه ۱۲۸۹» و «العبد الاقل الاثم الجانی محمود الکاشانی سنه ۱۲۸۸» و قطعات مختلف دیگر. از آثار نقاشی وی: آبرنگ زیبا و استادانه‌ی شمس العماره، با رقم: «بنده درگاه محمود سنه ۱۲۸۵»؛ تصویر کاخ گلستان، در آبرنگ، با رقم: «بنده درگاه محمود سنه ۱۲۸۷»؛ قلمدان برازنده و شیوایی، با تصاویر مختلف، با رقم: «بنده درگاه محمود ۱۳۰۰»؛ تابلوی رنگ روغنی صحن مطهر حضرت امام رضا (ع)، با رقم: «بنده درگاه محمود ۱۳۰۳».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۴/۱۲۷۸-۸۸۸، ۳/۸۸۵-۳)، احوال و آثار نقاشان (۱۱۳۳-۳/۱۱۲۳-۳)، از صبا تا نیما (۱۳۰-۱/۱۲۷-۱)، تاریخ برگزیدگان (۴۹۲-۴۹۰)، هنرهای ملی (۹۶۱-۲/۹۶۰)، حدیقه الشعراء (۱۶۰۷-۳/۱۶۰۴)، دایرةالمعارف فارسی (۲/۲۷۰۲)، الذریعه (۹/۱۰۱۳، ۵/۳۱۲)، شرح حال رجال (۲۸۳-۵/۲۸۱)، فرهنگ سخنوران (۸۲۱)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۸۲-۳۸۰)، گلستان هنر (پنجاه و سه)، گنج سخن (۲۳۹-۳/۲۳۴)، المآثر و الآثار (۱۹۷-۱۹۶)، مجمع الفصحا (۹۱۹-۵/۹۰۷)، مکارم الآثار (۷۵۹-۳/۷۵۸)، مؤلفین کتب چاپی (۲۸-۶/۲۶)، هنر قلمدان (۱۳۳-۱۳۲).

ملک‌زاده، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۳۰، مرتبه علمی: استاد، رشته: گوارش و کبد، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی از دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۷، دکترای تخصصی داخلی از دانشگاه شیراز در سال ۱۳۶۱، فوق تخصص گوارش و کبد از دانشگاه لندن انگلستان در سال ۱۳۶۳.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده پزشکی دانشگاه شیراز از سال ۱۳۶۴، دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه شیراز در سال ۱۳۷۰، ارتقاء به درجه استادی دانشکده پزشکی دانشگاه شیراز در سال ۱۳۷۱.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بیماریهای گوارشی و کبد، نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه دکترای حرفه‌ای و ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۸ پایان‌نامه تخصصی پزشکی و ۳ پایان‌نامه فوق تخصصی پزشکی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

گزارش موارد آموزنده در بیماریهای گوارشی و کبد، فیزیوپاتولوژی گوارشی و کبد و یک هزار پرسش و پاسخ در بیماریهای گوارش و کبد.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۹

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای گوارشی و کبد و مقالات متعدد پزشکی به زبان انگلیسی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

ملک‌نیا، ناصر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

ملکوتی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی ملکوتی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۲۷ هشتم مرداد در قم به دنیا آمدم که (سال اول) ابتدائی را در قم و بقیه دوره دبستان و تا کلاس ۹ را در نجف اشرف خواندم. سال ۴۳ وارد حوزه علمیه نجف شدم (در جامعه الزالجف) دروس سطح را از ابتدا تا تقریباً آخر خواندم. سال ۴۹، ۵۰ به قم در خدمت والد منتقل شدم. درس خارج اصول فقه، فقه، فلسفه و عرفان را در محضر اساتید تحصیل کردم. طبق معمول حوزه های علمیه در کنار تحصیل، مشغول تدریس ادبیات، منطق، شرح لمعه، مختصر، معانی بیان و غیره در مدرسه فیضیه، حجتیه و مقابر صحن بودم.

از حوالی سال ۵۶ همراه با هرج و مرج مردم و انقلاب به رهبری حضرت امام (ره) در کنار مردم مشغول مسائل انقلاب شدم.

مسئولیت کمیته شهرستان سراب برای مدتی بعد از انقلاب به عهده این جانب بود و در دوره اول و دوم به عنوان نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی مشغول خدمت بوده (عضو بانین کمیسیون ارشاد بودم). بعد از دو دوره باز به قم برگشتم. مشغول تدریس و تحصیل شدم.

ضرورت اقتضاء کرد تا برای مدتی در تبریز در خدمت حضرت والد باشم. در آنجا مشغول تدریس رسائل، مکاسب و درس دیگر شدم. در ضمن مسئولیت احداث دوره دانشگاه در واحد سراب را هم به عهده داشتم. حدود ۱۲، ۱۳ سال مشغول آن واحد (البته به صورت کنترل از راه دور) به عهده داشتم. سال ۷۳ باز همراه والد به قم مراجعه و در قم مشغول به تدریس: فلسفه، فقه و اصول و در واحد قم هم به عنوان عضو هیئت علمی تدریس می‌کنم.

ملکی اصفهانی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود ملکی اصفهانی

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اگر چه این جانب نقطه قابل ذکر در زندگی خود مشاهده نمی‌کنم که لازم بدانم آن را به عنوان شرح حال مطرح کنم، چرا که آنچه ما انجام داده ایم قطره ای در مقابل دریاهایی است که بزرگان و گذشتگان از خود بجا گذاشته اند و با وجود عدم امکانات در آن زمان ها کارهای علمی شگفت آوری انجام داده اند. به هر حال، گویا به درخواست آن مرکز محترم ناگزیر از نوشتن جملاتی به عنوان زندگی نامه هستم.

در سال ۱۳۳۹ شمسی در یکی از روستاهای اصفهان در خانواده ای روحانی متولد شدم. پدرم مرحوم حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ کاظم ملکی از روحانیان باتقوا و با سابقه و سرشناس در منطقه و حوزه علمیه و مورد اعتماد مراجع بزرگوار تقلید بود. مهمترین نقش را در زمینه تربیت و پرورش علمی و اخلاقی این جانب ایشان داشته و در واقع زندگی خود را مرهون خدمات و هدایتهای راهنماییهای ایشان می‌دانم.

تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در زادگاه خود به پایان رساندم. اگر چه در همان زمانها علاقمند به علوم حوزوی بودم ولی مرحوم پدرم معتقد بود روحانی در این زمان باید از علوم جدید نیز آگاهی داشته باشد لذا به اصفهان آمده و تا مقطع دیپلم در رشته ریاضی فیزیک ادامه تحصیل دادم. همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در سال ۱۳۵۸ موفق به اخذ دیپلم شدم. از آن پس به حوزه علمیه اصفهان وارد شده حدود یکسال در آنجا تحصیل کردم.

سپس در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و به تحصیل ادامه دادم. دروس مقدمات تا سطح عالی را از اساتیدی چون: «مدرس افغانی (ره)»، «ذهنی تهرانی (ره)»، «وجدانی (ره)»، «پایانی (ره)»، «اشتهاردی (ره)» و اساتید دیگر استفاده کردم. سپس در درس

خارج «آیت الله مکارم شیرازی» شرکت کرده و چند سالی از دروس خارج «آیت الله فاضل لنکرانی» و «آیت الله تبریزی» استفاده کردم.

از اوایل شروع به تحصیل، به تدریس هم اشتغال داشته ام و تاکنون تدریس را ادامه داده ام. دروس مختلف حوزوی از مقدمات تا سطوح عالی را تدریس کردم و در حال حاضر نیز به تدریس فقه، اصول و تفسیر اشتغال دارم. از جمله دغدغه های اینجانب متون درسی حوزه بوده است، زیرا بازنگری در آنها و روز آمدن آنها را امری ضروری و اجتناب ناپذیر می دانستم، لذا درصدد تالیف کتابهایی به عنوان کتب درسی بر آمدم که اولین اثر این جانب در سال ۷۲ با عنوان: «نحو مقدماتی» به چاپ رسید. سپس کتابهای دیگری نیز با همکاری برخی دوستان تالیف نمودیم که در صفحه آثار پژوهشی مطرح می گردد.

ملکی اصل، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی ملکی اصل

محل تولد: تبریز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از تحصیلات دوم متوسطه وارد حوزه علمیه شدم و شروع به تحصیلات همزمان با پیروزی انقلاب بود و پس از تحصیلات مقدماتی، حدود دو سال نیز در حوزه های تهران ادامه تحصیل دادم و سپس وارد حوزه علمیه قم شدم. در ضمن ایام تحصیلی، توفیق شرکت در جبهه های جنگ تحمیلی داشتم و جنگ با تمامی نیکی هایش، سبب رکود و تعطیلات درسی و آموزشی در کشور می شد. و از مدتی که در قم هستم در دروس عمومی حوزه (فقه و اصول) و تخصصی کلام و تحقیقات علمی در مراکز مختلف علمی و فرهنگی مشغول بودم و در ضمن شرکت در دروس حوزه، تدریس در دانشگاه های کشور را امری لازم می دانستم و می دانم و اخیراً چند سالی است که درگیر پایان نامه سطح چهار حوزه هستم و بحمدالله به مرحله نهایی آن رسیده ام و انشاءالله از آن ینز فارغ می شوم.

لکن مطلبی که باید مورد توجه دست اندرکاران حوزه و دلسوزان به کشور و نظام قرار گیرد، و متأسفانه اهتمام لازم بدان نیست، مسأله مهم فارغ التحصیلی حوزویان و شیوه های خارجی طلاب محترم و اخذ مدرک و اشتغال در مراکز لازم فرهنگی کشور می باشد و این امر به استعانت از نیروهای فکری حوزوی و دانشگاهی و مراکز فرهنگی کشور نیاز دارد که هنوز استارت آن جدی نیست و اهمال کاری ها زیاد است و این امر موجب بدبینی تعداد کثیری از افراد پاک و مستعد حوزوی ها می شود ولی باید به حوزه و ساماندهی آن کمال اهتمام داشته شود چرا که پشتوانه نظام مقدس اسلامی در گروه پرورش نیروهای مستعد فکری و علمی می باشد که علاوه از بُعد علمی، باید دارای تهذیب نفس و تعهد قلبی نسبت به اسلام داشته باشد، و این امر فعلاً عمدتاً از نیروهای حوزوی بر می آید و البته تعدادی از افراد دانشگاهی نیز تعهد لازم را دارند.

ملکی تبریزی، جواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالمی عامل و عارفی کامل عابدی یگانه و سالکی فرزانه از شاگردان مرحوم جمال السالکین و قطب العارفین صاحب نفس قدسیه آخوند ملا حسینقلی همدانی رحمه الله علیهما بود. آن مرحوم دارای علوم و معارف و معنویات کامله بود و ولادتش در تبریز واقع شد و پس از دیدن مقدمات و سطوح به عتبات عالیات و نجف اشرف عزیمت نمود و فقه را از مرحوم حاج آقا رضای همدانی صاحب مصباح الفقیه در سامری فراگرفت و اصول را از مرحوم آخوند خراسانی و علم حدیث و درایه را از خاتم المحدثین مرحوم حاجی نوری و در همان اوقات ملازمت و مصاحبت مرحوم جمال الصالحین صاحب النفس الزکیه و الاخلاق الملكوتیه مولینا آخوند ملا حسین قلی همدانی را که شهرت و فضائلش نزد ارباب علم و دانش و عرفان و بینش بسیار و مستغنی از توصیف نالایق ماست و در رساله التقوا اشاره‌ای به مقام ایشان و شاگردانش نمودم اختیار کرده و نفس خود را مهذب و مکمل نموده و در حدود سال ۱۳۲۱ به ایران مراجعت و اولاً- در تبریز سکنی نمود و در قضیه انقلاب مشروطه سال ۱۳۲۹ هجری از آنها به حرم اهل بیت عصمت علیهم السلام شهرستان قم مهاجرت و مشغول به تدریس (فقه که عنوانش مفاتیح مرحوم فیض بود) و تربیت شاگردان مکتب جعفر بن محمد علیهما السلام شدند و سه ماه رجب و شعبان و رمضان را متوالیاً روزه گرفته و در مدرسه فیضیه درس اخلاق عمومی می‌گفتند و اکنون نزدیک پنجاه سال است از فوت آن عالم ربانی می‌گذرد در و دیوار مدارس و فضاء مدرسه صدای حزین و گریان و ناله‌های پرشوق و سوزان او را که می‌گوید اللهم ارزقنا التجافی عن دارالغرور والانابه الی دارالخلود والاستعداد للموت قبل حلول الفوت به گوش ارباب هوش می‌رساند فضائل و کرامات آن مرحوم بیشتر از آنست که در این کتاب توان آورد درباره اخلاق و زهد و تقوا و عشق و عرفان او شاگردان او که از علماء معروف حاضرند داستانهائی گفته و او را از بکائین این زمان آورده‌اند نماز جماعتش در مسجد بالاسر و گاهی در مدرسه فیضیه و درس گفتنش شاهد این مدعاست

ارتباط و مراوده‌اش با حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء بسیار ملازمتش به تقوا و ورع بی‌اندازه و مراقبتش به نوافل و حضور و توجه دائمی، آنی غافل نبود و لحظه‌ای از یاد خدا بیرون نمی‌رفت.

حکایت کرد برای این نگارنده جناب آیت‌الله حاج سید جعفر شاهرودی که از شاگردان خاص آن مرحوم و علماء مبرز فعلی تهرانست مکاشفه مفصلی را که مجمل آن اینست فرمود که شبی در شاهرود خواب دیدم که در صحرائی حضرت صاحب‌الامر عجل‌الله فرجه الشریف با جماعتی تشریف داشتند و گویا به نماز جماعت ایستاده‌اند نزدیک رفتم که جمالش را زیارت کنم و دست مبارکش را ببوسم شیخ بزرگواری را دیدم که متصل به آن حضرت و آثار جمال و وقار و بزرگواری از سیمایش پیداست چون بیدار شدم در اطراف آن شیخ فکر کردم که کیست که تا این حد نزدیک و مربوط به مولای ما امام زمان علیه‌السلام است از برای یافتن او به مشهد مشرف شدم وی را ندیدم در تهران آمدم نیافتم به قم مسافرت کردم او را در حجره‌ای از حجرات مدرسه فیضیه مشغول تدریس دیدم پرسیدم این آقا کیست گفتند آقای حاج میرزا جواد آقای تبریزی است.

خدمتش رسیدم تفقد زیادی کردند و فرمودند کی آمدی گویا مرا دیده و شناخته و از قضیه آگاهند پس ملازمتش را اختیار نموده و چنان یافتم که او را دیده بودم و می‌خواستم تا شب یازدهم ذی‌الحجه ۱۳۴۳ که نزدیک سحر در بین خواب و بیداری دیدم درهای آسمان به روی من گشوده و حجابها مرتفع گشته تا زیر عرش الهی را مشاهده کردم و دیدم که آن مرحوم را که ایستاده و

دست به قنوت گرفته و مشغول تضرع و مناجات و گریه است و من از مقام و قرب او به حق تعالی تعجب می‌کردم که صدای کوبه در خانه را شنیدم فوراً برخاستم و درب را باز کردم دیدم یکی از دوستان است گفت فلانی بیا منزل آقا گفتم چه خبر است؟ گفت تسلیت می‌گویم شما را آقا از دنیا رفت

پس تشییع عجیبی از آن مرحوم شد و در مقبره شیخان و در نزدیکی قبر مرحوم میرزا ابوالقاسم قمی صاحب قوانین مدفون گردید ماده تاریخ آن بر سنگ قبرش به عربی چنین است (رفع العلم و ذهب اللحم) و در قصیده‌ای که به فارسی در مرثیه ایشان گفته شده این بیت (از جهان جان رفت و از ملت پناه) ۱۳۴۳ قمری هجری.

تألیفات آن مرحوم متعدد است از جمله اسرار الصلوة که در سال ۱۳۲۸ به طبع رسیده و دیگر مراقبات السنه که در چند سال قبل در تهران منتشر شد و دیگر کتاب سیر و سلوک که نسخه خطی آن نزد مرحوم مغفور رسید الزاهدین و سندالسالکین آقای حاج آقا حسین فاطمی قمی که از خواص شاگردان و ملازمین دائمی ایشان بود و نیز حضرت آیت‌الله آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله و بعضی از تلامذه دیگر ایشان است.

شاگردان مبرزی در اخلاق سیر و سلوک و معارف الهی دارد که بعضی از دنیا رفته و بعضی در قید حیات و از مراجع بزرگ عصر حاضرند.

(وف ۱۳۴۴/۱۳۴۳ ق)، فقیه اصولی، عالم دینی و مدرس. به جهت انتساب به خانواده‌ی ملک‌التجار تبریزی به ملکی معروف شد. در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات علوم به نجف رفت و در محضر شیخ آقا رضا همدانی، صاحب «مصباح الفقیه»، فقه و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی اصول، و محدث نوری علم حدیث و درایه را فراگرفت و از آخوند ملا حسینقلی همدانی تهذیب نفس آموخت. پس از رسیدن به درجات علمی بالا در ۱۳۲۱ ق، به ایران بازگشت و در تبریز سکنی گزید و عهده‌دار تدریس فقه و اصول و اخلاق و تفسیر گردید. در جریان نهضت مشروطه از تبریز به قم مهاجرت نمود و در آنجا سالها به تدریس پرداخت و در مدرسه‌ی فیضیه درس اخلاق عمومی گفت. حاج آقا حسین فاطمی قمی، آیت‌الله خویی، امام خمینی و آیت‌الله مرعشی نجفی و آقا سید محمود یزدی از جمله شاگردان وی بودند. وی در قم درگذشت و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد. از آثارش: «اسرار الصلوة»؛ «المراقبات السنه»؛ رساله «لقاء الله» یا «رساله‌ی لقائیه»، در سیر و سلوک، به فارسی. [۱]

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

منابع زندگینامه: [۱] آینه‌ی دانشوران (۱۴۴-۱۴۱)، اعیان الشیعه (۲۵۴/۴)، تاریخ قم (۲۵۶)، الذریعه (۳۳۸-۳۳۷/۱۸، ۴۷/۲)، ریحانه (۳۹۷/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۳۰-۳۲۹/۱۴)، علماء معاصرین (۱۳۷)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۲۴۳-۱۲۴۲/۳)، معجم المؤلفین (۱۶۶/۳).

ملکی زنجانی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین ملکی زنجانی (ح.م زاوش) در سال ۱۳۰۱ چشم به جهان گشود. پس از پایان دوره دبیرستان به تهران آمد و به ادامه تحصیل پرداخت. از سال ۱۳۲۹ در اداره جنگل بانی وزارت کشاورزی به کار مشغول شد. زنجانی در فروردین سال ۱۳۵۶ از کار دولتی کناره گرفت و از آن پس تمام وقت خود را به تحقیق و نگارش پرداخت. او آن چنان در این مهم پیش رفت که در آغاز دهه ۷۰ به ناراحتی چشم گرفتار شد و پیش روی این بیماری تا حدی بود که او را از خواندن و نگارش بازماند. استاد ملکی

زنجان‌ی در ۱۸ خرداد ۱۳۷۷ در تهران چشم از جهان فرو بست .

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : حسین ملکی زنجان‌ی (ح . م . زاوش) در خانواده یک پیشه ور چشم به جهان گشود پدرش زین ساز بود در کودکی مادر را از دست داد و پدر که تا نوجوانی او زنده بود باعلاقه فراوان او را به تحصیل علم واداشت . دشواری های سخت زندگی را بدون پشتوانه خانوادگی از سر گذراند .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسین ملکی زنجان‌ی پس از پایان دبیرستان در ۱۳۲۰ به تهران آمد و به تحصیل پرداخت . استادان و مربیان : حسین ملکی زنجان‌ی آموخته های خود را در سایه ی تعلیمات علی کاظمیه زرینه و پروفیسور کامبوزیا به دست آورد.

وقایع میانسالی : حسین ملکی زنجان‌ی در آثار چاپ شده و چاپ نشده خود به افشای حرکات فراماسیونها و کارگزاران سر سپرده آنها می پردازد و بذرا امید و استواری و پایداری برای بهبود زندگی بشر را می افشاند . در فروردین ۱۳۵۶ از کار دولتی کناره گرفت و زان پس تمام وقت خود را به تحقیق و نگارش پرداخت . او آنچنان در این مهم پیش رفت که در آغاز دهه ۷۰ به تاراحتی چشم گرفتار شد . پیش روی این بیماری تا حدی بود که نور چشمانش چون رفیق نیمه راهی در نیمه پایانی راه تنهایش گذاشت و او از خواندن و نگارش باز ماند .

زمان و علت فوت : حسین ملکی زنجان‌ی در ۱۸ خرداد ۱۳۷۷ در تهران چشم از جهان فرو بست .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسین ملکی زنجان‌ی از سال ۱۳۲۹ در اداره جنگل بانی وزارت کشاورزی به کار مشغول شد . --

آثار :

۱ اطلاعات عمومی سپیده

ویژگی اثر : ۱۳۶۷ ، نشر سپیده

۲ تهران در گذر گاه تاریخ

ویژگی اثر : ۱۳۷۰ ، انتشارات اشاره

۳ جنگل ها و گسترش کویرها

ویژگی اثر : ۱۳۶۷ . نشر آینده .

۴ دولت مردان ایران و ساختار نهادها در عصر مشروطیت

ویژگی اثر : جلد دوم ، سال ۱۳۷۰ ، انتشارات اشاره .

۵ دولت های ایران در عصر مشروطیت

ویژگی اثر : جلد اول ، سال ۱۳۷۰ ، انتشارات اشاره .

۶ دیوان عطار

ویژگی اثر : سال ۱۳۶۱ ، انتشارات چکامه

۷ رابطه فراماسیونری با صهیونیسم و امپریالیسم

۸ نخستین کارگزاران استعمار در ایران

ویژگی اثر : ۱۳۶۱ انتشارات بهار

۹ نقش فراماسونها در تاریخ معاصر ایران

ویژگی اثر: ۱۳۶۱، انتشارات آینده

منابع زندگینامه:

۱ چپستا - سال شانزدهم - شماره ردیف ۱۵۲ و ۱۵۳ آبان و آذر ماه ۱۳۷۷ ص ۲۷۲

ملکی طسوجی، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید عباس موسوی ملکی طسوجی از اجله علماء اعلام عاملین متصف بملکات فاضله و اخلاق حمیده بوده‌اند که در سال ۱۲۸۰ هجری شمسی در بلده طسوج آذربایجان که در دو منزلی غرب تبریز و شمال دریاچه رضائیه قرار دارد متولد شده و در بیت سیادت و علم پرورش یافته و در خاندانی نشو و نما شده که سخاوت و کراماتشان زبانزد عام و خاص بوده و قبور آباء و اجدادشان مزار و مطاف مردم آن دیار است.

فقید سعید قدس سره دوران صباوت را تحت تکفل والد ماجدش سیدالعلماء العالمین آقای آقا سید حسین موسوی طسوجی ملکی بوده و علوم مقدماتی و متداول آن زمان را فرا گرفته و برای ادامه تحصیل به شهر خوی آمده است.

و در مدرسه علمیه نمازی سکنی گزیده و مدتی تحت نظارت دایی بزرگوارش آیت‌الله حاج سید هاشم مرقاتی مؤلف کتاب (مفتاح الکلام) فی شرح شرایع الاسلام که چند جلد از آن به طبع رسیده کسب فیض و علوم نموده سپس به حوزه علمیه مشهد مقدس عزیمت و پس از چند سال اقامت و استفاده از آیات عظام آنجا رهسپار نجف اشرف شده و از محضر اساتید و مراجع بزرگ تقلید در علوم فقه و اصول و فلسفه و حکمت و اخلاق تلمذ نموده تا به مقام شامخ اجتهاد نائل گردیده.

و آیات عظام و فقهاء کرامی چون آقا ضیاءالدین عراقی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و حاج شیخ محمد کاظم شیرازی رضوان‌الله تعالی علیهم اجازه اجتهاد برای ایشان مرقوم فرمودند. پس از آن به وطن مالوف خویش مراجعت نموده و در بلده طیبه قم نیز از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی حایری یزدی و آیت‌الله العظمی حجت کوهکمری فقها و اصولا- کسب فیض نموده و حدود سال ۱۳۷۳ قمری به تبریز آمده و چند سالی اقامت و به تدریس علوم دینی و اقامه نماز جماعت اشتغال داشته و پس از مدتی بنابر مصالح شخصی به شهر خوی آمده و در این شهر هم مرجع امور دینی مردم بوده و در مسجد ملا-حسن اقامه جماعت نموده تا در اواخر عمرشان مجدداً به قم برگشته و پس از چند سال در تاریخ ۱۳۶۱ شمسی از دنیا رفته و در باغ رضوان مدفون شده است حشره‌الله مع اجداده.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

ملکی متهور، حمید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حمید ملکی متهور

محل تولد: کیوتر آهنگ همدان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۱ موفق به اخذ دیپلم تجربی از دبیرستان امام خمینی (ره) همدان شدم. در همان سال وارد حوزه علمیه «آیت الله مجتهدی تهران» شدم. و پایه اول را در آنجا خواندم. سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس مقدمات و ادبیات عرب را از محضر اساتیدی چون: «طالقانی»، «موسوی گرگانی»، «فتوحی»، «مدرس افغانی» و ... بهره بردم.

دروس لمعه و اصول را از محضر اساتیدی چون: «آیت الله شب زنده دار»، «آیت الله استادی»، «آیت الله وجدانی فخر» و «صالحی افغانی» و ... استفاده کردم. دروس رسائل و مکاسب را نزد اساتیدی چون: «آیت الله پایانی»، «آیت الله طاهری خرم آبادی» و «آیت الله اعتمادی» زانو زدم. درس کفایتین را از محضر «آیت الله ستوده» خوشه چینی کردم. سال ۱۳۶۸ دروس سطح را به پایان رساندم و وارد مقطع خارج شدم.

قابل ذکر است که حقیر از سال دوم طلبگی مشغول تدریس به صورت آزاد نیز بودم که تا کنون نیز ادامه دارد. علاوه بر تدریس مشغول تبلیغ و سخنرانی در مناسبت های تبلیغی در جوامع مختلف می باشم. حدود ۱۰ سال در درس خارج آیات عظام: «تبریزی»، «مکارم»، «فاضل لنکرانی»، «وحید خراسانی» و «سبحانی» شرکت کردم. حدود ۷ سال است که در درس خارج خصوصی «آیت الله معرفت» شرکت می کنم. در کنار دورس فقه و اصول حوزه در رشته تخصصی تفسیر نیز شرکت کردم و بحمد الله با موفقیت آن را به اتمام رساندم که موضوع پایان نامه «عصمت انبیاء در قرآن» می باشد.

ملکی میانجی، محمدباقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدباقر ملکی میانجی فرزند عبدالعظیم فرزند حاج علیمرادی از علماء متقی معاصر در میانج آذربایجان می باشند، که در سال ۱۳۲۴ قمری در قصبه ترک (بفتح تاء و سکون راء و کاف) از محال گرمروود شهرستان میانه به دنیا آمده و بعد از تحصیلات فارسی ادبیات و قسمتی از قوانین و ریاض را در زادگاهش خدمت آقا سید واسع کاظمی ترکی (ره) که از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی بوده فرا گرفته است.

سپس در سال ۱۳۴۹ قمری به مشهد رضوی عزیمت نموده و در حوزه علمیه مشهد اشتغال به تحصیل رسائل و کفایه از مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی و فلسفه و کلام را در حضور مرحوم آیت الله حاج شیخ مجتبی قزوینی و قسمتی از خارج فقه را از مرحوم حاج میرزا محمد آقازاده خراسانی و همچنین قسمتی از خارج فقه و اصول و یک دوره کامل معارف اسلامی را از محضر عالم ربانی و علامه سبحانی آیت الله میرزا مهدی غروی اصفهانی فرا گرفته و در سال ۱۳۶۳ قمری از آن مرحوم دریافت اجازه اجتهاد و روایتی نموده و سپس به سوی آذربایجان و قصبه ترک زادگاهش که مرکز محال گرمروود میانه است عزیمت و در آنجا سکونت نموده و

به خدمات دینی از امامت و تفسیر قرآن و معارف اسلام و ترویج دین و درس اخلاق پرداخته و خدمات شایانی نموده و در اواخر ۱۳۷۸ قمری به قم آمده و در حوزه به تدریس خارج اصول و تفسیر و معارف اسلامی اشتغال یافته است.

آثار علمی ایشان از این قرار است

۱- تفسیر آیات الاحکام

۲- بدایع الکلام به طبع رسیده است.

۳- یکدوره معارف اسلامی تا آخر معاد (مخطوط).

۴- تفسیر قرآن از اول تا سوره نساء و از سوره مزمل تا آخر قرآن.

۵- یکدوره تقریرات درس میرزا مهدی اصفهانی (مخطوط).

(تو ح ۱۳۲۴ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و مفسر. در ترک از توابع میانه آذربایجان به دنیا آمد. در همان جا ادبیات عرب، منطق، اصول و فقه را در محضر سید واسع کاظمی ترکی، که از شاگردان برجسته‌ی آخوند خراسانی بود، فراگرفت. در ۱۳۴۹ ق به مشهد رفت و در سطوح عالی نزد آیت‌الله شیخ هاشم قزوینی و در فلسفه و کلام نزد آیت‌الله شیخ مجتبی قزوینی و در درس خارج نزد زعیم حوزه‌ی علمیه مشهد، آیت‌الله میرزا محمد آقازاده‌ی خراسانی، تلمذ کرد. او همچنین یک دوره اصول فقه و یک دوره‌ی کامل اصول عقاید و معارف اسلامی را از محضر آیت‌الله میرزا مهدی غروی اصفهانی استفاده نمود و از ایشان به دریافت اجازه اجتهاد و نقل حدیث نایل آمد، اجازه‌ای که آیت‌الله حجت کوه کمری نیز آن را تأیید کرد. او از معتقدان به مکتب تفکیک محسوب می‌شد. بعدها در قم مورد توجه آیت‌الله بروجردی قرار گرفت و پس از سکونت در آنجا عهده‌دار تدریس خارج اصول و تعلیم تفسیر و معارف اسلامی گردید. او در طول عمر خویش تلاش بسیاری برای کمک به محرومان و اقدامات زیادی در امور عام المنفعه نمود. از آثارش: «بدائع الکلام فی تفسیر آیات الاحکام»؛ تفسیر «فاتحه‌ الکتاب»؛ «مناهج البیان»، در تفسیر قرآن؛ «تفسیر القرآن الکریم»؛ «الرشاد»، در توحید و معاد؛ دوره‌ی کامل درس «اصول» آیت‌الله آقا میرزا مهدی اصفهانی؛ رساله در «حبط و تکفیر»؛ رساله در «خمس» [۱].

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

منابع زندگینامه [۱]: کیهان فرهنگی (س ۹، ش ۱۲، ص ۴۱-۴۰).

ملکی، باقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام والمسلمین حاج میرزا باقر ترکی ملکی میانجی عالمی عامل و فاضلی کامل و مفسری بصیر و محدثی خبیر و از اوتاد و اختیار علماء حوزه علمیه قم است تولدش در میانه واقع شده و به مشهد مقدس مهاجرت نموده و سالها در حوزه علمیه خراسان به تحصیل و تکمیل مبانی علوم پرداخته آنگاه در حیات مرحوم زعیم اعظم آیت‌الله العظمی بروجردی طاب ثراه به قم آمده و رحل اقامت افکنده و چندین سال از محضر آن علامه بزرگوار و بعد آیت‌الله العظمی شریعتمداری ایده‌الله استفاده نموده و به تدریس فقه و تفسیر پرداخته و عده‌ای از فضلاء و محصلین قم را از بیانات دقیقه و اخلاق حمیده بهره‌مند می‌سازد.

از باقیات الصالحات ایشان است فرزند برومندشان جناب ثقه الاسلام و مصباح الظلام آقای آقا میرزا صادق ملکی داماد آیت‌الله حاج شیخ راضی نجفی تبریزی از فضلاء آراسته موصوف به فضل و تقوا است سالها در مشهد و قم از محضر بزرگان و آیات عظام

استفاده کرده و برای تبلیغ به خارج کشور بحرین و قطر و غیره مسافرت و انجام وظیفه نموده و اکنون رحل اقامت به تهران افکنده و به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ملکیان، محمدباقر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد باقر ملکیان

محل تولد: شهرضا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۹/۲۴

زندگینامه علمی

اینجانب محمد باقر ملکیان متولد ۱۳۴۲ در شش سالگی ۱۳۴۸ وارد دبستان شده و پنج سال ابتدایی را در مدرسه ملی شهرمان با رتبه اول به اتمام رساندم. سه سال راهنمایی را هم در شهر محل تولد با رتبه اول تمام کردم. تابستان ۱۳۵۶ به قم آمده و در مدرسه حقانی سابق که زیر نظر «آیت الله شهید قدوسی» و «شهید بهشتی» اداره می شد؛ ثبت نام کردم. در امتحان ورودی ام که از متقاضیان گرفته شد؛ رتبه اول شدم و سال اول طلبگی را در آن مدرسه بودم.

از سال بعد از مدرسه خارج شدم و زیر نظر اخوی خویش که از طلاب فاضل شهر رضایی است به تحصیل ادامه دادم. ادبیات عرب را به صورت آزاد در نزد اخوی آقای طالقانی و بعضی دیگر خواندم. معالم الاصول را نزد اخوی خوانده و المنطق مرحوم مظفر را پیش استاد نجفی از فضلالی طلاب شهر رضایی که دو دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی هم شدند به اتمام رساندم. لمعه را نزد مدرسین مختلف از جمله: «آیت الله حاج شیخ علی پناه اشتهاردی»، «آقای بادکوبه ای» و «حجّه الاسلام فیاضی» و نیز بعضی کتابها را نزد اخوی ام خواندم. رسائل را به طور کامل در نزد حجّه الاسلام فیاضی خواندم. حلقهات شهید صدر را نزد اخوی (حلقه اولی و ثانیه) و نزد حجّه الاسلام اعرافی که امروز رئیس مرکز جهانی علوم اسلامی می باشد (حلقه ثالثه) را خواندم.

همزمان با خواندن دروس حوزوی در اواخر سال تحصیلی ۵۹ - ۱۳۵۸ برنامه ای فشرده در موسسه در راه حق زیر نظر استاد مصباح یزدی در مورد بررسی و نقد مارکسیسم را گذراندم. با توجه به شرایط زمانی آن سالها این درسها بسیار با اهمیت بود. بعداً امتحان گرفته شد و قبول شده های در آن امتحان در موسسه در راه حق گروه آموزشی جدیدی را تشکیل دادند.

از مهر ۱۳۵۹ به مدت پنج، شش سال دروس زیادی در برنامه موسسه در راه حق در کنار فقه و اصول حوزه می خواندیم از جمله: «اقتصادنا و فلسفتنا شهید صدر، چند واحد علوم سیاسی، چند واحد جامعه شناسی، ادبیات عرب، ادبیات فارسی، انگلیسی (به مقدار بسیار زیاد)، فلسفه مرسوم از جمله بدایه الحکمه، نهایت الحکمه، سلسله مباحث فلسفه شبیه درس خارج فلسفه (استاد مصباح)، دو واحد حقوق، چند واحد معرفت شناسی و ... این درسها تا چند سال در موسسه در راه حق و بعداً در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (علیه

السلام) زیر نظر استاد مصباح ادامه یافت. بعدها با ارائه واحدهای درسی و در سال حدود ۱۳۶۸ به بعد تدریس دروس مختلف را شروع کردم: ادبیات عرب، اصول الفقه، فقه، منطق، فلسفه، کلام، منطق، زبان انگلیسی و ... درس می‌دادم. در سال ۱۳۷۹ در دوره دکتری تربیت مدرس شرکت کردم و در کنکور آن رتبه اول شدم. حالا هم پایان نامه را نوشته‌ام و پیش دفاع هم کرده‌ام و به زودی باید دفاع کنم. از سال ۱۳۷۷ هم عضو هیات علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) بوده‌ام و در این موسسه درس اشارات، نهایی‌الحکمه و انگلیسی تخصصی و بعضی کتابهای دیگر را تدریس داشته‌ام. بعضی از رساله‌های طلاب را مشاوره و یا داوری کرده‌ام. در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) هم بعضی رساله‌ها را مشاوره و یا داوری کرده‌ام. تابستانها حدود ۸ سال برای دانشجویان برنامه‌ای با نام «طرح ولایت» اجرا می‌شد که من در آن برنامه درسهای: معرفت‌شناسی، فلسفه اخلاق، منطق و خداشناسی فلسفی را مکرراً تدریس کرده‌ام. در مدارس طلبگی هم گاهی این مواد را تدریس می‌کنم.

ملکیان، مصطفی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مصطفی ملکیان در سال ۱۳۳۵ شمسی در شهرضای اصفهان متولد شد. وی به علت علاقه‌ای که به مباحث عقلی و فلسفی داشت تحصیلات خود را در رشته مهندسی رها کرد و تامقطع کارشناسی ارشد در دانشکده الهیات دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد. در تعلیم مباحث فلسفی وی در کنار تحصیلات دانشگاهی تلاش مستمری در مطالعه و تحقیق در شاخه‌های مختلف علوم عقلی داشت. استاد ملکیان تالیفات و ترجمه‌هایی در زمینه فلسفه و تاریخ فلسفه عرضه داشته است.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

والدین و انساب: مصطفی ملکیان در سال ۱۳۳۵ شمسی در شهرضای اصفهان متولد شد.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: مصطفی ملکیان پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی و متوسطه در شهرضا به ادامه تحصیل در رشته مهندسی پرداخت. وی به دلیل علاقه به مباحث عقلی و فلسفی آن رشته را رها کرد و تحصیلات دانشگاهی خود را تا مقطع کارشناسی ارشد دانشکده الهیات دانشگاه تهران ادامه داد. ملکیان به تحصیلات رسمی و دانشگاهی قانع نشد و خود با تلاش پیوسته و خستگی‌ناپذیر به مطالعه و تحقیق در شاخه‌ها و شعب مختلف علوم به ویژه علوم عقلی پرداخته است.

استادان و مربیان: مصطفی ملکیان خود را پیرو سنت استادی- شاگردی نمی‌داند. و این مساله را ناشی از وسواسی می‌داند که در امور علمی و فکری در اعتماد نسبت به افراد داشته است. این تفکر باعث شده است که در حوزه و دانشگاه از استادان، مخصوصاً به صورت حضوری خیلی کم استفاده کند و در دانشگاه و اغلب در کلاس درس اکثر استادان حاضر نشود. و بالعکس هر گاه استادی را در حوزه مورد علاقه اش یعنی فلسفه، عرفان و ادبیات قوی و مسلط می‌یافت با شور و شوق بصورت مستمع آزاد در کلاس درس حاضر می‌شد. به این ترتیب وی از محضر درس استادانی چون مرتضی مطهری، مرحوم دکتر امیر حسین یزگردی، مرحوم دکتر عبدالحسین زرین کوب، مرحوم دکتر غلامحسین صدیقی، مرحوم دکتر مهرداد بهار (که او را از شریف‌ترین انسانهایی می‌داند که چشم روزگار به خود دیده است) بهره برده است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مصطفی ملکیان در دانشکده الهیات دانشگاه تهران تدریس می‌کند.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مصطفی ملکیان از آنجا که فکرش خاص در انتخاب استاد داشته است که خود از آن «مشکل پسندی و دیر پسندی» نام می برد. بیشتر به مطالعه متون مکتوب روی می آورد. البته در این مورد نیز در اختیاب نویسندگان، مترجمان کتابها، رسائل و مقالات هم حساسیتهای خاص در دنبال می می کند. استاد ملکیان خود حصال این وضع و حال را نوعی آموختگی ذکر می کند و محاسن و معایب آن را یاد می آورد.

آرا و گرایشهای خاص : - تاثیر شناخت تاریخ فلسفه در شناخت خود فلسفه مصطفی ملکیان معتقد است که بر تاثیر اطلاع بر تاریخ فلسفه در فهم فلسفه باید بصورت مضاعف تاکید نمود علت این تاکرد را از آن جهت مهم می داند که موضوعات مورد بحث فلسفه امور محسوس نبوده بلکه امور انتزاعی را شامل می شود و این امور انتزاعی چستی شان وابسته به مقصد کسی است که درباره آن سخن می گوید. مصطفی ملکیان این اهمیت را چنین تشریح می کند که اگر لفظ دال اییک امور انتزاعی در طول تاریخ وحدت داشته باشد و هیچگونه تغییری نکند، ولی مولفه های مفهومی آن امر آهسته آهسته در ذهن متفکران عوض بشود، در این صورت با هویتهای مختلفی سرو کار خواهیم داشت. لذا این مساله مهم است که اطلاع کسب شود که یک مفهوم اذهان متفکرانی که با لفظ متناظر آن مفهوم سرو کار داشته اند، چه تطوری پیدا کرده است. - ارائه تقسیم بندی کلی در تاریخ نگاری های فلسفه مصطفی ملکیان تاریخ نگاری های فلسفه را به چهار قسم تقسیم می کند: ۱- تاریخ نگاری فیلسوفان یا به تعبیری تاریخ نگاری فلسفه از حیث شخصیتهای فلسفی (با رعایت تقدم و تاخر تاریخی) ۲- تاریخ نگاری فلسفه بر حسب مکاتب فلسفی، که به دو صورت با لحاظ تقدم و تاخر زمان پیدایش مکاتب، دوم تاریخ نگاری مکاتب از حیث نظم و ترتیب منطقی بین مکاتب. ۳- تاریخ نگاری بر حسب سنتهای فلسفی (سنت در اینجا به معنای همه کسانی است که سلسله النسب فکریشان به شخص واحدی م ی رسد)، این نوع تاریخ نگاری کمتر متعارف است. ۴- تاریخ نگاری موضوعی - مساله ای فلسفی است (لفظ موضوعات به لحاظ تصورات فلسفی و لفظ «مسائل» را به لحاظ تصدیقات فلسفی بکار رفته است). در این شیوه که برخی دایره المعارفهای فلسفی نیز به این شیوه مدخل یابی کرده اند اگر آرا و نظریه های فیلسوفان زیر هر موضوع یا مساله با تیب تاریخی ذکر شود خود نوعی تاریخنگاری است. که هر چهار شیوه محاسن و معایب اص خود را دارند و مابقه المجمع هم نیستند. توصیه ملکیان در مطالعه تاریخ فلسفه از آن جهت که فهم فلسفی توقف گریز ناپذیری به اطلاع از تاریخ آن دارد، قسم چهارم تاریخ نگاری را به این منظور سودمند می داند. - معنای فلسفه اسلامی مصطفی ملکیان در خصوص فلسفه دینی معتقد است واقعا نمی توان مفاهیمی چون «فلسفه» را با مضاف الیه «مسیحیت» یا «اسلام» یا ... صفت «مسیحی» یا «اسلامی» یا ... ترکیب کرد. به دلیل این که در فلسفه هیچ نفی و اثباتی و رد و قبول و نقض و ارابی صورت نمی گیرد مگر به مقتضای برهان و دلیل عقلی. همچنین وی معتقد است در صورتی که فلسفه اسلامی را به این معنا که این فلسفه بیشتر موضوع و مسائل خود را از اسلام می گیرد تقلی می شود، با این فرض نیز دیده می شود که موضوعات و مسائل فلسفه به اصطلاح اسلامی چندان تابع میزان تاکید و اهمیتی که متون مقدس دینی برای موضوعات و مسائل قائلند نیست. در تقلی سومی که از فلسفه اسلامی به این معنا که فلسفه اسلامی، فلسفه ای است که مشتغلان و نویسندگان آن مسلمان بوده اند بر این عقیده است که در تاریخ فرهنگ اسلامی، صاحب تئولوژی و الهیات اسلامی هستیم و کسانی که به فیلسوف و در این عرصه محمد بن زکریای رازی یگانه فیلسوف (کسی که سیر فکری و عقلانی اش واقعا سیری آزاد باشد) بزرگ جهان اسلام است.

آثار :

۱ تاریخ فلسفه غرب

ویژگی اثر : این کتاب با نام مصطفی ملکیان به چاپ رسیده است و مجموعه دروس ایشان در خصوص فلسفه غرب از ابتدا تا دوره معاصر در قم است. منابع زندگینامه :

ارویکردهای متفاوت در تاریخ، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۵۲ و ۵۳، بهمن و اسفند ۱۳۸۰، فلسفه نگاری

ملماسی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

درگذشت: ۲ تیر ۱۳۷۰.

تخلص: «آزرم تبریزی».

آزرم تبریزی از اعقاب همام تبریزی شاعر آذربایجانی بود. وی خوشنویس بود. از آثارش می‌توان به این موارد اشاره کرد: گلستان سعدی به خط زیبا و آراسته به نقش و نگار به درازا و پهنای یک قوطی کبریت! دیوان خود شاعر که نمونه‌ای از ذوق و ظرافت است، قطعه شعری به نام «فلک» از دکتر مهدی روشن ضمیر به اندازه‌ی یک بند انگشت؛ نامه‌ی تبریک سال نو که کوچکی ابعاد و بزرگی ذوق در آن تماشایی است؛ دو بیت شعر بر روی یک چوب کبریت؛ سه اثر هندی بر روی پوسته‌ی داخلی سه تخم کدو و نظایر آن... نوع دیگر از خوشنویسی که گویا «سربی» نام دارد، و بس تماشایی است که نمونه‌هایی از آنها را در مجله‌ی «وارلیق» می‌توان دید (شماره‌ی ۷۱-۵)؛ ایشان به این قبیل ریزه‌کاری‌های هنری بسیار زده است.
برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

ملنجی اصفهانی، ابومسعود سلیمان

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۹۷- ح ۴۸۶ ق)، حافظ و محدث. نسبتش به ملنجه، از قرای اصفهان می‌رسد. پدرش از فضلالی حدیث و ادب بود. ابومسعود در طلب حدیث به فارس و بصره و جبال و بغداد سفر کرد و از محمد بن ابراهیم جرجانی و ابوبکر بن مردویه و ابن جوله بهری و ابوسعید مالینی و ابوسعید نقاش و ابونعیم حافظ و ابوعلی بن شاذان و ابوبکر برقانی و ابوالقاسم بن بشران و ابوالقاسم حرفی حدیث شنید. استادش، ابونعیم حافظ، و ابوبکر خطیب بغدادی و اسماعیل تیمی و احمد بن عمر غازی و محمد بن طاهر طوسی و ابوجعفر صیدلانی و مسعود بن حسن ثقفی و شرف بن عبدالمطلب حسینی و ابوسعید بغدادی و هبة‌الله بن طاووس مقری و ابوسهل اصفهانی و بسیاری دیگر در شام و عراق و خراسان از وی حدیث شنیدند. سمعانی گوید که او حدیث شناسی ماهر بود و توانست تصانیفی در زمینه‌ی شنیده‌هایش گرد آورد. وی همچنین بر اساس دو «صحیح» بخاری و مسلم استخراجاتی دارد. در اصفهان درگذشت.
برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام بوفیات الاعلام (۱/۳۲۱)، انساب سمعان (۵/۳۸۲)، تذکره الحفظ (۱۲۰۰- ۱۱۹۷/۳)، سیر النبلاء (۲۵- ۱۹/۲۱)، شذرات الذهب (۳۷۸- ۳۷۷/۳)، طبقات الحفظ (۴۶۳- ۴۶۲)، العبر (۳۵۲- ۳۵۱/۲)، لسان المیزان (۳۵۷- ۳۵۵/۳)، المنتظم (۹/۶۵۹)، میزان الاعتدال (۲/۱۵۴).

مولوی اصفهانی، اسدالله

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۶۹/۹۶۸/۹۶۶ ق)، عالم دینی، فقیه، محدث، متکلم، عابد، زاهد و شاعر، متخلص به ملولی. مشهور به شاهمیر. اصلش از سادات مازندران است که چند نسل در اصفهان زیسته‌اند. وی از علمای عهد شاه طهماسب صفوی (۹۸۴-۹۳۰ ق) و جد خلیفه سلطان است. او عهده‌دار تولیت آستان قدس رضوی بود. در مقبره‌ی سنی فاطمه‌ی اصفهان مدفون است. از آثارش: حاشیه بر «شرح تجرید»؛ حاشیه بر «شرایع»؛ حاشیه بر «شرح چغمینی»، در هیئت؛ حاشیه بر «کافی»؛ حاشیه بر «قواعد» علامه حلی. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آتشکده‌ی آذر (۱۰۰۹-۱۰۰۸/۳)، اعیان الشیعه (۳/۲۸۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۴۸، ۸۲۶-۴۴۷)، تذکره القبور (۱۲۷-۱۲۶)، الذریعه (۹/۱۱۰۱)، ریحانه (۲۸۹-۲۸۸/۵)، صبح گلشن (۴۴۸)، فرهنگ سخنوران (۸۷۶).

ملیحی هروی، ابو عمر عبدالواحد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۶۳ ق)، محدث، مسند و ادیب. مسند هرات بود. اصلش از ملیح از قرای هرات است. از ابو محمد مخلدی و ابو حسین خفاف و عبدالرحمان بن ابوشریح و محمد بن محمد بن سمعان نیشابوری و ابو حامد احمد بن عبدالله نعیمی و جماعتی دیگر حدیث شنید. او «صحیح» بخاری را از ابو حامد نعیمی روایت کرده‌اند. ابو محمد بغوی و خلف بن عطاء ماوردی و اسماعیل بن منصور مقری و محمد بن اسماعیل فضیلی و دیگران از وی روایت کرده‌اند. در «شذرات الذهب» نام او به اشتباه ملیحی، منتسب به ملیح مصر، ذکر شده است. از آثارش: «الرد علی ابی عبید فی غریب القرآن»؛ «الروضه»، شامل هزار حدیث صحیح، هزار حدیث غریب، هزار حکایت و هزار بیت شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴/۳۲۳)، انساب سمعانی (۵/۳۸۳)، تذکره الحفاظ (۳/۱۱۳۱)، روضات الجنات (۵/۱۶۱-۱۶۲)، ریحانه (۶/۳۶۲-۳۶۳)، سیر النبلاء (۱۸/۲۵۵-۲۵۶)، شذرات الذهب (۳/۳۱۴)، العبر (۲/۳۱۵)، کشف الظنون (۱۲۰۴، ۹۳۱)، معجم البلدان (۵/۲۲۷)، معجم المؤلفین (۶/۲۰۵)، هدیة العارفین (۱/۶۳۴).

مجد لنگرودی، علیرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ علیرضا مجد لنگرودی به سال ۱۲۹۳ شمسی در خاندان تقوا و فضیلت و فقاہت در شهرستان لنگرود دیده به جهان گشودند. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب: خاندان حضرت آیت الله مجد لنگرودی همگی در سلك روحانیت و فقاہت بوده‌اند. والد بزرگوارش مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالله لنگرودی یکی از عالمان برجسته

شهرستان لنگرود به شمار می‌رفتند. او که از شاگردان آخوند خراسانی، و شریعت اصفهانی، میرزای نائینی و... به شمار می‌رفت، بعد از اخذ حدود ۱۴ اجازه اجتهاد به قصد صله ارحام به لنگرود آمده و در این شهر مورد استقبال علما و مردم قرار گرفت و به اصرار مرحوم آیت الله حاج شیخ علی اکبر لنگرودی که اعلم علمای لنگرود به شمار می‌رفت، در لنگرود ماندگار شد و در این مدت علاوه بر تدریس، مشغول وعظ و خطابه و ارشاد و هدایت مردم گردید. آیت الله شیخ عبدالله لنگرودی دارای دو فرزند عالم و دانشمند بوده است. خاطرات کودکی: شیخ عبدالله از دوران کودکی خود اینطور می‌گوید که: «من کمتر از ده سال داشتم که عمامه می‌گذاشتم، این در روزگاری بود که مأموران رضاخان عمامه‌ها را برمی‌داشتند و من هم خیلی علاقه داشتم که عمامه داشته باشم. از این روی آن قدر نماز جعفر طیار خواندم که خداوند عنایتی بفرماید و مأموران عمامه مرا برندارند که برنداشتند. در آن روزگار سخت با همه مشکلات آنچه بیش از همه مرا رنج می‌داد و در ابتدای تحصیل، خوب نفهمیدن درس‌ها بود. چندین درس می‌رفتم و هر چه زحمت می‌کشیدم و به خود فشار می‌آوردم آن گونه که باید درس‌ها را نمی‌فهمیدم تا این که روزی از شدت ناراحتی به حرم حضرت معصومه (س) مشرف شدم و بسیار گریستم به گونه‌ای که چشم‌هایم می‌سوخت. برگشتم به حجره مدرسه خان و دراز کشیدم که یک مرتبه به قلبم الهام شد که این طوری نباید درس بخوانی، روزی دو درس، یکی صبح و یکی بعد از ظهر کافی است و با هر جان‌کندنی باید آن را یاد بگیرم. احساس کردم سوزش چشمم خوب شده با نشاط بلند شدم و همین شیوه را به کار بستم. شش ماه درس خواندم، کار به جایی رسید که پس از شش ماه، تدریس هم می‌کردم و از همان زمان به بعد این شیوه را به کار بستم، هم درس می‌گفتم و هم درس می‌خواندم و در همه امتحانات رایج حوزه با نمره عالی قبول می‌شدم.» اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: شهرستان لنگرود در ۶۰ کیلومتری رشت، در شرق استان گیلان واقع شده است. این شهرستان به علت مزایای فراوان (کوه و جلگه و دریا و جنگل و...) یکی از زیباترین و دلپذیرترین شهرهای شمال ایران است. از لحاظ جغرافیایی، منطقه آبادی است که امن و آرام و مطمئن بوده و روزیش به وفور از هر سو و مکانی فرا می‌رسد و از لحاظ فرهنگی، شخصیت‌های فراوانی را در دامن پُرمهر خود پرورش داده است که شرح بسیاری از آنان در کتب تراجم و رجال مفصل آمده است. مرحوم آیت الله ممجد در این باره می‌فرمود: «لنگرود در اوائل حکومت رضاخان، سه مدرسه علمیه داشت؛ یکی در کنار مسجد جامع، یکی در کنار بقعه آقا سید حسین کیا و سومی در کنار مسجد گلشن. در دوران رضاخان هر سه مدرسه را خراب کردند و به خانه روستا تبدیل کردند و همه موقوفات مدرسه‌ها هم از بین رفت. لنگرود با این که شهر کوچکی بود اما هفتاد، هشتاد عالم برجسته داشت که بیش‌تر آنان، مجتهد مسلم بودند. رضاخان بیش‌تر علمای بزرگ این شهر را به روستاها و اطراف تبعید کرد و بعضی هم به شهرهای بزرگ رفتند و بیش‌تر به لاهیجی و رشتی ملقب شدند و به این لقب شهرت یافتند. زیرا رشت و لاهیجان در آن زمان و هم اکنون نیز از شهرهای بزرگ گیلان هستند و حتی بسیاری از علمای رودسر، اشکور، املش و حتی تنکابن و رامسر، فامیلی آنان پسوند لاهیجی و رشتی داشت.» تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: شیخ عبدالله از سال ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۵ برای ادامه تحصیل راهی مشهد شد و طی این سالها تحصیلات خود را ادامه داد. در سال ۱۳۲۵ شمسی آیت الله ممجد دوباره راهی حوزه علمیه قم شد. در این دوران، تحول در حوزه قم نسبت به گذشته چشم‌گیرتر بود. وی پس از ورود به حوزه علمیه قم در امتحانات حوزه شرکت جسته و در نزد مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری امتحان داده و معظم‌له در ذیل ورقه امتحانی ایشان نوشته بود: «آقای ممجد از عهده امتحان خوب برآمده و شایستگی تدریس دارد.» خاطرات و وقایع تحصیل: به خاطر سخت‌گیری کارگزاران رضاخانی بر حوزه قم و آزار و اذیت‌ها، مرحوم والدش پیشنهاد کرد: اگر بخواهی، می‌توانی به حوزه مشهد بروی و در آن جا ادامه تحصیل بدهی. آیت الله ممجد در این باره می‌گوید: «به یاد دارم پیش از عزیمت به مشهد مقدس، در لنگرود خدمت مرحوم والد بودم و عده‌ای دیگر هم حضور داشتند. به ایشان گفتم: آقا! من مشهد رفتم چقدر برایم شهریه خواهید فرستاد. مرحوم والد از این سخن من خیلی عصبانی شد و گفت: من خیال می‌کردم در این مدت که در قم تحصیل می‌کردی، چیزی یاد گرفتی. معلوم شد چیزی نفهمیدی؟ گفتم: آقا! من

که چیز بدی نگفتم! گفت: چطور؟ تو داری می‌روی خدمت امام رضا (ع)، امام واسطه فیض خداوند به مخلوقات است؛ آن وقت تو چشم طمع به من داری که برای تو چقدر شهریه خواهم فرستاد! من چه کاره‌ام همه چیز آن جاست. آری ایشان درست می‌گفت و من اشتباه کرده بودم». وقایع میان‌سال: حجة الاسلام عباسی - مدیر حوزه علمیه لنگرود به نگارنده فرمود: در سالی آقا در ماه رمضان در بیمارستان بستری بودند. یک شب به عیادت ایشان رفتم و ایشان تازه عمل جراحی نموده بودند. دیدم خیلی ناراحت است و اشک از دیدگانش جاری است؛ شروع کردم ایشان را دل‌داری دادن که ان شاء الله عمل مهمی نیست، به زودی خوب می‌شوید و دوباره مشغول تدریس خواهید شد، ناراحت نباشید؟ یک نگاهی به من کرد و فرمودند: ناراحتی من برای عمل جراحی نیست بلکه فردا شب، ۱۹ ماه رمضان شب احیاء و شب ضربت خوردن مولایمان علی (ع) است و من می‌بایست در آن مراسم شرکت می‌کردم، در حالی که نمی‌دانم چه خطایی از من سرزده است که دارم این گونه تنبیه می‌شوم. امسال از گریه کردن در عزای آن حضرت محروم شده‌ام! و این جملات را وقتی می‌فرمود، اشک در صورتش جاری بود. زمان و علت فوت: آیت الله ممتجد لنگرودی در سال ۱۳۷۴ شمسی در حالی که مشغول تدریس بود، دچار سکت مغزی شد و بعد از قریب به سه سال از این بیماری در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۷۶ در شهرستان لنگرود دار فانی را وداع گفت و با شرکت انبوهی از مردم متدین لنگرود، علما ائمه جمعه و جماعات استان، تشییع و پیکر پاکش به قم انتقال یافت و بعد از نماز توسط حضرت آیت الله آقای بهجت - دامت برکاته - در قبرستان آیت الله حائری (قبرستان نو) در جوار قبر پدر بزرگوارش به خاک سپرده شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: آیت الله لنگرودی اشتغالات دیگری همچون حضور مستمر در شورای روحانیت شهر، اعزام نیروهای رزمنده به جبهه، سخنرانی‌ها و شرکت در محافل گوناگون مذهبی در سطح شهر و یا شهرهای دیگر استان، لحظه‌ای از طلاب غافل نبود. او به طلاب درس خوان عشق می‌ورزید و همواره آنان را نصیحت می‌کرد و از ضعف و سستی و از به هدر دادن عمر و نشاط جوانی و غفلت از این موقعیت استثنایی و خدادادی، آنان را بیم می‌داد. فعالیت‌های آموزشی: مرحوم آیت الله ممتجد لنگرودی از سال ۱۳۱۹ تا سال ۱۳۲۵ در این حوزه به تحصیل و تدریس اشتغال داشته است. خود وی در این باره می‌فرماید: «من حدود شش سال در حوزه مشهد ماندم؛ در این مدت، کار اصلی من، تدریس بود. عده‌ای از طلبه‌ها خدمت آقا شیخ مجتبی قزوینی رفته بودند که درس مکاسب برای آنان شروع کند. ایشان گفته بود: اگر آقای ممتجد هم در درس شرکت کند، من برای شما مکاسب می‌گویم. اینان پیش من آمدند و گفتند: آقا چنین گفته است. به این آقایان عرض کردم اگر آقا برای من شوارق بگویند در مکاسب ایشان شرکت می‌کنم. آقا پذیرفت که برای من شوارق بگویند و من هم در مکاسب ایشان شرکت کردم.» (۹) آیت الله ممتجد درس شوارق و قسمتی از مکاسب را در نزد آیت الله حاج شیخ مجتبی قزوینی، و مابقی مکاسب را در نزد آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی و جلد اول کفایه را در نزد آیت الله حاج شیخ علی اکبر نوقانی تلمذ کرده و خود نیز لمعه را برای عده‌ای تدریس می‌کردند. ورود معظم له به قم در سال ۱۳۲۵ شمسی بود که تا سال ۱۳۴۵ شمسی به مدت ۲۰ سال ادامه داشت. در این دوران باشهریه ماهی صد تومان تدریس می‌کرد. او در سال ۱۳۴۵ شمسی تا آخر عمر شریف‌شان در لنگرود ساکن و مشغول تدریس سطوح مختلف، تألیف، تربیت شاگرد، ارشاد و هدایت مردم و... بود. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می‌آید: ایت الله لنگرودی با کمک‌های متولیان مدرسه لنگرود حضرات آیات: فقیهی رشتی (ره) و سید محمدحسین لنگرودی (مدظله العالی) مدرسه را بازسازی و حجرات زیادی احداث کردند. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: آیت الله ممتجد لنگرودی از اول بنای سکونت در آن شهر را نداشتند و به علت مسائل پیش آمده و تأکید فراوان بزرگانی همانند آیات عظام: گلپایگانی، نجفی مرعشی و فقیهی رشتی که معظم له تا آخر عمر در شهرستان لنگرود ماندند. او درباره هجرتش به لنگرود فرمود: «مرحوم آیت الله آقا شیخ یحیی ذکی مدرسه‌ای را در لنگرود بنا کردند و بنده تابستان‌ها وقتی به لنگرود می‌رفتم در همین مدرسه برای طلاب درسی را شروع می‌کردم. یک سال دیدم طلبه‌ها خوب درس نمی‌خوانند و روش درستی در فراگیری ندارند تصمیم گرفتم چهار ماهی بمانم و اینان را وادارم که با روش درستی درس بخوانند؛

همین کار را کردم. شاگردان مدرسه را تا کتاب صمدیه رساندم خواستم به قم برگردم، رفتم با متولی مدرسه خداحافظی کنم. یکی از متدیتان در آن جا حضور داشت و ناراحت شد از این که من دارم مدرسه را با این وضع ترک می‌کنم و آن را به حال خود رها می‌سازم. رو به من کرد و گفت: «آقای ممجّد! من با هزینه خودم برای شما ماشین کرایه می‌کنم و شما را به قم می‌فرستم ولی شما جواب امام زمان (عج) را چه خواهی داد؟! چنان این سخن از سر سوز و اخلاص بود که مرا به شدت متقلب کرد و هنوز هم هر وقت یادم می‌آید، گریه‌ام می‌گیرد. از این روی قول دادم یک سال دیگر هم بمانم تا وضع مدرسه سر و سامان بیابد. آرا و گرایشهای خاص: حضرت آیت الله ممجّد (ره) یکی از استوانه‌های علمی استان به شمار می‌رفت که به برخی از ویژگی‌های آن استاد فرزانه اشاره می‌کنم. ۱- روش تدریس ایشان در زمان تصدی‌شان، زبانزد عام و خاص بوده است. ۲- شاگردان ایشان از جمله کسانی بوده‌اند که به ثمره و نتیجه خوبی رسیده‌اند. موفقیت‌هایی که اکنون خودم دارم، مرهون زحمات ایشان می‌دانم. ۳- ایشان هم مدرس بود و هم به منزله پدر و برادر طلبه. زیرا مسائل گوناگون یک طلبه را زیر نظر داشت؛ در واقع هم مدرّس، هم مربی و هم مشاور بود ایشان معتقد بود که برای به نتیجه رسیدن یک طلبه باید تا سطح به طور دقیق، روش خاصی را با استاد راهنما طی کرد. ۴- ایشان از نظر علمی مسلط بر تدریس بودند، گاهی کتابهایی چون مکاسب را بدون مطالعه قبلی تدریس می‌کردند... من مکاسب محرمه را در فصل تابستان که در سپاه لنگرود مشغول بوده‌ام، پیش ایشان خوانده‌ام و این نکته را در آن‌جا از ایشان دیدم. ۵- ایشان برای پذیرش طلبه یک دوران آموزشی داشتند که پس از آن دوران به او یا ولی او تذکر می‌دادند که ایشان استعداد این رشته تحصیلی را دارند یا نه؟ در صورت منفی بودن، رشته دیگری را که وی استعداد و زمینه آن را داشته به او متذکر می‌شد. ۶- ایشان تأکید داشتند هر طلبه‌ای که مثلاً مشغول پایه دوم هست پایه اول را به دیگران تدریس نماید. ۷- سفارش و تأکید فراوان به مباحثه کردن هر یک از دروس به صورت دو نفری یا سه نفری را داشتند. ۸- سعی می‌کرد شاگردان را ضمن آموزش قرآن و تجوید آن‌ها را با مباحث کلی مربوط به قرآن آشنا نمایند و هر روز اول صبح جلسه‌ای با همه طلاب در همه سطوح در زمینه قرآن داشتند؛ از آموخته‌های ادبی و نحوی طلاب در آن جلسه به صورت تجزیه و ترکیب امتحان عملی می‌گرفتند و آیاتی را در زمینه‌های گوناگون و مناسب و مورد نیاز روز طلاب، برای آنان توضیح و تفسیر می‌کردند. ۹- در ضمن تدریس دروس اصلی، درس اصلی‌تر از همه، یعنی اخلاق را نیز خود به عهده داشتند و آن را در ضمن دروس مختلف به مناسبت‌هایی که پیش می‌آمد، مطرح می‌کردند. ۱۰- یکی از روش‌های بسیار جالب ایشان که من در این حد از کسی سراغ ندارم، نظارت دقیق و مستمر بر دروس و اخلاق طلاب بود. گاهی از شب‌ها به مدرسه سرکشی می‌کرد که نکند طلاب مشکلاتی داشته باشند. ۱۱- نقش ایشان در جبهه و جنگ ارادت و عشق به خاندان پیامبر (ص): یکی از صفات برجسته و بارز آیت الله ممجّد، عشق و اخلاص آن مرد بزرگ به خاندان عصمت و طهارت بود. آثار: شرح بر رسائل، شرح بر مکاسب، شرح بر قوانین، شرح بر کفایه، شرحی بر لمعتین

منابع زندگینامه: سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما ۱k - /www.hawzah.net

ممدوحی، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن ممدوحی

محل تولد: کرمانشاه

شهرت: ممدوحی کرمانشاهی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۸/۱/۱

زندگینامه علمی

تولد و دوران کودکی: آیت‌الله ممدوحی در سال ۱۳۱۸ هجری شمسی در کرمانشاه در خانواده‌ای متدین و دانش دوست چشم به جهان گشود. پدرش به پیشه تجارت اشتغال داشت و خود، تا شرح لعمه را خوانده و بر آن مسلط بود. خانه ایشان در کرمانشاه محل رفت و آمد روحانیان و علماء شهر بود. دوران تحصیل: آیت‌الله ممدوحی در هفت سالگی به دبستان رفت و پس از اتمام تحصیلات کلاسیک به تحصیل علوم دینی روی آورد، امّا این مسأله ابتدا با مخالفت خانواده‌اش رو به رو بود. از این رو، وی چهل زیارت عاشورا در حالت ایستاده نذر کرد. عازم شدن او به قم در زمانی بود که بخشی از دروس دوره مقدمات را به پایان برده بود. در قم به تکمیل دروس دوره مقدمات پرداخت و سپس به درس شرح لمعتین رفت. حجره او در قم در مدرسه علمیه حجتیه قرار داشت و شرط ورود به آن، امتحان دادن شرح لعمه بود؛ امّا سفارش ویژه آیت‌الله العظمی سید احمد زنجانی (ره) باعث شد که وی را بدون امتحان به آن مدرسه بپذیرند. با پایان یافتن دوره سطح، به درس خارج استادان برجسته دوره خود رفت و در کنار آن از تحصیل علوم عقل و حکمت نیز باز نماند و از شاگردان دروس عمومی و خصوصی علامه طباطبایی (ره) به شمار می‌آمد و مدت زیادی از وقت خود را به مباحثه، دقت و ملازمه با استادان خود می‌پرداخت که باعث شد خاطرات بسیاری از آن بزرگواران در سینه داشته باشد. همچنین در دروس اخلاق آن روزگار شرکت ویژه داشت و از این رهگذر، به تهذیب نفس و کسب ملکات فاضله می‌پرداخت. او در این سالها، از تدریس آنچه آموخته بود، دریغ نکرد برخی از کتب را بارها تدریس فرمود. استادان و دوستان: آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصیل خود، محضر عالمان بسیاری را درک کرد. او که شرح لعمه را نزد «آیت‌الله ستوده» خوانده بود، برای خواندن کتاب مکاسب به درس «آیت‌الله مشکینی» رفت و رسائل را نزد «آیت‌الله نوری همدانی» و «مرحوم آیت‌الله آذری قمی» و کفایه را خدمت «آیت‌الله سلطانی» فرا گرفت. با اتمام دوره سطح و ورود به درس خارج، در درس فقه مرحوم «محقق داماد» شرکت کرد و مدت چهارده سال به درس آیت‌الله العظمی گلپایگانی (ره) رفت و تا دو سال پیش از رحلت آن مرجع بزرگ، در درس او حاضر می‌شد. در این سالها، برای تحصیل اصول فقه نیز به درس خارج «مرحوم میرزا هاشم آملی» رفت و سالها از محضر او کسب فیض کرد. آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصیل خود، علوم عقلی و حکمت را نیز به خوبی فرا گرفت و مدتها در درس اسفار علامه عظیم الشان سید محمد حسین طباطبایی (ره) حاضر می‌شد. علاوه بر آن در جلسات خصوصی علامه که در شبهای پنج‌شنبه و جمعه تشکیل می‌شد، شرکت داشت و نیز از شیوه اخلاقی و برنامه‌های سیر و سلوک او بهره‌های فراوان می‌برد.

با رحلت علامه طباطبایی، در درس اسفار و فصوص الحکم «آیت‌الله جوادی آملی» شرکت نمود و بعدها به درس «آیت‌الله حسن‌زاده آملی» نیز می‌رفت و از محضر این دو عالم بزرگوار نیز به بهترین وجه استفاده می‌نمود. آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصیل خود با طلاب و فضلا مباحثه، مرافقت و دوستی داشت که از جمله آنان به آیت‌الله سید محسن خرازی، آیت‌الله رضا استادی و آقای شیخ قدرت‌الله نجفی اشاره کرد. وی بسیاری از دروس آموخته را با این بزرگواران مباحثه می‌نمود.

فعالتهای علمی و فرهنگی: زندگی آیت‌الله ممدوحی سرشار از تلاشهای علمی و فرهنگی است. این عالم بزرگوار در سالهای عمر خود بارها کتب درسی فقهی و اصولی تا سطح کفایه الاصول را تدریس کرده است و از این رهگذر شاگردان بسیاری را تربیت نموده است؛ امّا با توجه به نیاز حوزه‌های علمیه به آشنایی با علوم عقلی و با توجه به ضرورتهای موجود در جهان اسلام و با سفارش آیت‌الله جوادی آملی، به تدریس علوم عقلی روی آورده است و پس از بارها تدریس کتب بدایه الحکمه و نهایه الحکمه علامه طباطبایی، شرح اشارات ابن سینا و شرح منظومه سبزواری، هم اکنون به تدریس کتاب اسفار می‌پردازد. او چندی است به تدریس کتاب شریف توحید صدوق با روش کارشناس و تحقیق در متن و انطباق با براهین فلسفی و کلامی اشتغال دارد. آیت‌الله ممدوحی

در طی این سالها کتب فراوانی را تألیف و به عالم اسلام ارزانی داشته است که از آن میان می‌توان به شرح صحیفه سجاده، شرح نهج البلاغه، شرح رساله‌الولایه علامه طباطبایی، رساله‌ای در علم امام، حقوق اساسی، انسان و جهان در شناخت مکتب اسلام، اجتهاد و تقلید، حکمت حکومت فقیه و شرح رساله‌الوجود کاشف الغطاء اشاره کرد. او بارها در مجامع عمومی و در شهرهای گوناگون به سخنرانی و تبلیغ مبانی اسلام و شیعه پرداخته است که همواره با استقبال اقبال گوناگون، به ویژه جوانان برومند رو به رو شده است. فعالیت‌های سیاسی: آیت‌الله ممدوحی با نخستین بارقه‌های مبارزه با رژیم طاغوت، به صف مبارزان پیوست و در طول سالیان حکومت خاندان پهلوی از هیچ تلاشی در راه مبارزه با آن حکومت خائن فروگذار نکرد که بر اثر آن، بارها مورد تعقیب و تهدید قرار گرفت. او همکاری خود با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم را از همان سالها آغاز کرد و در امور گوناگون به برنامه ریزی برای مبارزه منسجم می‌پرداخت. او در اماکن و شهرهای گوناگون سخنرانی‌های تندی علیه رژیم شاه انجام می‌داد که گاه به دستگیری و بازداشت او می‌انجامید. علاوه بر آن، آیت‌الله ممدوحی با شناخت هجمه‌های فرهنگی و ضرورت تلاش فرهنگی برای خنثی کردن شبهه‌های مارکسیسم و کمونیسم به تلاش برای آشنایی جوانان با مبانی اسلام و نقد دیدگاه‌های مکاتب التقاطی می‌پرداخت. آیت‌الله ممدوحی پس از انقلاب نیز به حمایت خود از امام (ره) و رهبر معظم انقلاب ادامه داد و در مسائل گوناگون همواره مدافع انقلاب بود. او هم اکنون در قم به تدریس و تربیت شاگردان مکتب امام صادق (ع) اشتغال دارد و چند سالی است که به عنوان نماینده خبرگان رهبری از شهر کرمانشاه در مجلس خبرگان رهبری اشتغال دارد.

ایشان شرح زندگی خود را به طور مختصر چنین می‌نگارد: اینجانب حسن ممدوحی پس از گذراندن ۱۴ الی ۱۵ سال درس خارج فقه و حدود ۷ سال خارج اصول روی به تدریس متون عالی از رسائل، کفایه و غیره آورده و چندین بار دوره‌های آن کتب علمی را در عرصه تدریس خود داشته‌ام. با اضافه تعلیقه و حواشی بر تمامی کتب مزبور همزمان به تحصیل علوم عقلی (کلام، فلسفه، عرفان نظری) پرداخته و تمامی دوره‌های فلسفه مشاء و متعالیه را با طی کتب مرسوم به پایان رسانیده و سپس به تدریس جملگی آنها پرداختم و با تدریس و شرح و حواشی و تعلیقه شاگردان توان مندی را بحمدالله به عرصه مسائل عقلی عرضه داشته‌ام که خود موجب گسترش فن عقلانی علوم حوزوی در نسل آتی حوزه علمیه خواهد بود.

در حین اشتغال به دروس فوق‌الذکر از تألیف و تصنیف خودداری نکرده و بیش از سی اثر علمی را به رشته تألیف و تحریر کشانده که بعضی مطبوع و اکثر آنها غیر مطبوع است و در طی دوران زندگی علمی خود به شغل دیگری هرگز مبادرت ننمودم و بلکه به خاطر پیشبرد دروس و استفاده بیشتر هم بحثان از مسافرت‌های بسیاری عبادی تفریحی که بحمدالله با دل و جان به تمام لوازم این تضلع ملتمز شدیم.

از اولین سالهای تحصیلی پیوسته به تدریس اشتغال داشته از ادبیات و منطق و علوم بلاغی تا عالی‌ترین سطوح و سپس تدریس خارج فقه را مدتی شروع کردیم که پس از مدتی روایات قیمه معجزه آسا که در رابطه با عقائد و معارف توحید صدوق بود با مراجعه شروح روایی موجود: شرح توحید قاضی سعید قمی، شرح بر اصول کافی آخوند ملاصدرا و مرآة العقول علامه مجلسی جملگی را به رشته بحث در آوردیم که همراه آن رسائل سبعة علامه طباطبایی: رساله‌الانسان قبل الدنيا و الانسان بعد الدنيا و الانسان فی الدنيا. رساله توحیدیه: اسماء، صفات، وسائط، افعال را نیز به ضمیمه آنها نمودیم که بحمدالله مجموعه‌ای بس عظیم فرآورده آن مباحث خواهد شد ان شاءالله. به امید آنکه در آینده تدریس این منابع عظیم علمی نیز در سلک دروس حوزوی در آمده و در پر بارتر شدن مکتب علمی حوزه اثر بسیار چشم‌گیری بگذارد.

حسن ممدوحی

محل تولد: کرمانشاه

شهرت: ممدوحی کرمانشاهی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۸/۱/۱

تصویر بزرگتر

آدرس اینترنتی

پست الکترونیکی: myname@site.com

بستن [X] زندگینامه علمی

تولد و دوران کودکی: آیت‌الله ممدوحی در سال ۱۳۱۸ هجری شمسی در کرمانشاه در خانواده‌ای متدین و دانش دوست چشم به جهان گشود. پدرش به پیشه تجارت اشتغال داشت و خود، تا شرح لعمه را خوانده و بر آن مسلط بود. خانه ایشان در کرمانشاه محل رفت و آمد روحانیان و علماء شهر بود. دوران تحصیل: آیت‌الله ممدوحی در هفت سالگی به دبستان رفت و پس از اتمام تحصیلات کلاسیک به تحصیل علوم دینی روی آورد، امّا این مسأله ابتدا با مخالفت خانواده‌اش رو به رو بود. از این رو، وی چهل زیارت عاشورا در حالت ایستاده نذر کرد. عازم شدن او به قم در زمانی بود که بخشی از دروس دوره مقدمات را به پایان برده بود. در قم به تکمیل دروس دوره مقدمات پرداخت و سپس به درس شرح لمعتین رفت. حجره او در قم در مدرسه علمیه حجتیه قرار داشت و شرط ورود به آن، امتحان دادن شرح لعمه بود؛ امّا سفارش ویژه آیت‌الله العظمی سید احمد زنجانی (ره) باعث شد که وی را بدون امتحان به آن مدرسه پذیرند. با پایان یافتن دوره سطح، به درس خارج استادان برجسته دوره خود رفت و در کنار آن از تحصیل علوم عقل و حکمت نیز باز نماند و از شاگردان دروس عمومی و خصوصی علامه طباطبایی (ره) به شمار می‌آمد و مدت زیادی از وقت خود را به مباحثه، دقت و ملازمه با استادان خود می‌پرداخت که باعث شد خاطرات بسیاری از آن بزرگواران در سینه داشته باشد. همچنین در دروس اخلاق آن روزگار شرکت ویژه داشت و از این رهگذر، به تهذیب نفس و کسب ملکات فاضله می‌پرداخت. او در این سالها، از تدریس آنچه آموخته بود، دریغ نکرد برخی از کتب را بارها تدریس فرمود. استادان و دوستان: آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصیل خود، محضر عالمان بسیاری را درک کرد. او که شرح لعمه را نزد «آیت‌الله ستوده» خوانده بود، برای خواندن کتاب مکاسب به درس «آیت‌الله مشکینی» رفت و رسائل را نزد «آیت‌الله نوری همدانی» و «مرحوم آیت‌الله آذری قمی» و کفایه را خدمت «آیت‌الله سلطانی» فرا گرفت. با اتمام دوره سطح و ورود به درس خارج، در درس فقه مرحوم «محقق داماد» شرکت کرد و مدت چهارده سال به درس آیت‌الله العظمی گلپایگانی (ره) رفت و تا دو سال پیش از رحلت آن مرجع بزرگ، در درس او حاضر می‌شد. در این سالها، برای تحصیل اصول فقه نیز به درس خارج «مرحوم میرزا هاشم آملی» رفت و سالها از محضر او کسب فیض کرد. آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصیل خود، علوم عقلی و حکمت را نیز به خوبی فرا گرفت و مدتها در درس اسفار علامه عظیم الشان سید محمد حسین طباطبایی (ره) حاضر می‌شد. علاوه بر آن در جلسات خصوصی علامه که در شبهای پنج‌شنبه و جمعه تشکیل می‌شد، شرکت داشت و نیز از شیوه اخلاقی و برنامه‌های سیر و سلوک او بهره‌های فراوان می‌برد.

با رحلت علامه طباطبایی، در درس اسفار و فصوص الحکم «آیت‌الله جوادی آملی» شرکت نمود و بعدها به درس «آیت‌الله حسن‌زاده آملی» نیز می‌رفت و از محضر این دو عالم بزرگوار نیز به بهترین وجه استفاده می‌نمود. آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصیل خود با طلاب و فضلا مباحثه، مرافقت و دوستی داشت که از جمله آنان به آیت‌الله سید محسن خرازی، آیت‌الله رضا استادی و آقای شیخ قدرت‌الله نجفی اشاره کرد. وی بسیاری از دروس آموخته را با این بزرگواران مباحثه می‌نمود.

فعالتهای علمی و فرهنگی: زندگی آیت‌الله ممدوحی سرشار از تلاشهای علمی و فرهنگی است. این عالم بزرگوار در سالهای عمر خود بارها کتب درسی فقهی و اصولی تا سطح کفایه الاصول را تدریس کرده است و از این رهگذر شاگردان بسیاری را تربیت

نموده است؛ اما با توجه به نیاز حوزه‌های علمیه به آشنایی با علوم عقلی و با توجه به ضرورت‌های موجود در جهان اسلام و با سفارش آیت‌الله جوادی آملی، به تدریس علوم عقلی روی آورده است و پس از بارها تدریس کتب بدایه الحکمه و نهایه الحکمه علامه طباطبایی، شرح اشارات ابن سینا و شرح منظومه سبزواری، هم اکنون به تدریس کتاب اسفار می‌پردازد. او چندی است به تدریس کتاب شریف توحید صدوق با روش کارشناس و تحقیق در متن و انطباق با براهین فلسفی و کلامی اشتغال دارد. آیت‌الله ممدوحی در طی این سالها کتب فراوانی را تألیف و به عالم اسلام ارزانی داشته است که از آن میان می‌توان به شرح صحیفه سجادیه، شرح نهج البلاغه، شرح رساله الولایه علامه طباطبایی، رساله‌ای در علم امام، حقوق اساسی، انسان و جهان در شناخت مکتب اسلام، اجتهاد و تقلید، حکمت حکومت فقیه و شرح رساله الوجود کاشف الغطاء اشاره کرد. او بارها در مجامع عمومی و در شهرهای گوناگون به سخنرانی و تبلیغ مبانی اسلام و شیعه پرداخته است که همواره با استقبال اقبال گوناگون، به ویژه جوانان برومند رو به رو شده است. فعالیت‌های سیاسی: آیت‌الله ممدوحی با نخستین بارقه‌های مبارزه با رژیم طاغوت، به صف مبارزان پیوست و در طول سالیان حکومت خاندان پهلوی از هیچ تلاشی در راه مبارزه با آن حکومت خائن فروگذار نکرد که بر اثر آن، بارها مورد تعقیب و تهدید قرار گرفت. او همکاری خود با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم را از همان سالها آغاز کرد و در امور گوناگون به برنامه ریزی برای مبارزه منسجم می‌پرداخت. او در اماکن و شهرهای گوناگون سخنرانی‌های تنیدی علیه رژیم شاه انجام می‌داد که گاه به دستگیری و بازداشت او می‌انجامید. علاوه بر آن، آیت‌الله ممدوحی با شناخت هجمه‌های فرهنگی و ضرورت تلاش فرهنگی برای خنثی کردن شبهه‌های مارکسیسم و کمونیسم به تلاش برای آشنایی جوانان با مبانی اسلام و نقد دیدگاه‌های مکاتب التقاطی می‌پرداخت. آیت‌الله ممدوحی پس از انقلاب نیز به حمایت خود از امام (ره) و رهبر معظم انقلاب ادامه داد و در مسائل گوناگون همواره مدافع انقلاب بود. او هم اکنون در قم به تدریس و تربیت شاگردان مکتب امام صادق (ع) اشتغال دارد و چند سالی است که به عنوان نماینده خبرگان رهبری از شهر کرمانشاه در مجلس خبرگان رهبری اشتغال دارد.

ایشان شرح زندگی خود را به طور مختصر چنین می‌نگارد: اینجانب حسن ممدوحی پس از گذراندن ۱۴ الی ۱۵ سال درس خارج فقه و حدود ۷ سال خارج اصول روی به تدریس متون عالیه از رسائل، کفایه و غیره آورده و چندین بار دوره های آن کتب علمی را در عرصه تدریس خود داشته‌ام. با اضافه تعلیقه و حواشی بر تمامی کتب مزبور همزمان به تحصیل علوم عقلی (کلام، فلسفه، عرفان نظری) پرداخته و تمامی دوره های فلسفه مشاء و متعالیه را با طی کتب مرسوم به پایان رسانیده و سپس به تدریس جملگی آنها پرداختم و با تدریس و شرح و حواشی و تعلیقه شاگردان توان مندی را بحمدالله به عرصه مسائل عقلی عرضه داشته ایم که خود موجب گسترش فن عقلانی علوم حوزوی در نسل آتی حوزه علمیه خواهد بود.

در حین اشتغال به دروس فوق الذکر از تالیف و تصنیف خودداری نکرده و بیش از سی اثر علمی را به رشته تالیف و تحریر کشانده که بعضی مطبوع و اکثر آنها غیر مطبوع است و در طی دوران زندگی علمی خود به شغل دیگری هرگز مبادرت ننمودم و بلکه به خاطر پیشبرد دروس و استفاده بیشتر هم بحثان از مسافرت های بسیاری عبادی تفریحی که بحمدالله با دل و جان به تمام لوازم این تضلع ملتزم شدیم.

از اولین سالهای تحصیلی پیوسته به تدریس اشتغال داشته از ادبیات و منطق و علوم بلاغی تا عالی ترین سطوح و سپس تدریس خارج فقه را مدتی شروع کردیم که پس از مدتی روایات قیمه معجزه آسا که در رابطه با عقائد و معارف توحید صدوق بود با مراجعه شروح روایی موجود: شرح توحید قاضی سعید قمی، شرح بر اصول کافی آخوند ملاصدرا و مرآة العقول علامه مجلسی جملگی را به رشته بحث در آوردیم که همراه آن رسائل سبعة علامه طباطبایی: رساله الانسان قبل الدنيا و الانسان بعد الدنيا و الانسان فی الدنيا. رساله توحیدیه: اسماء، صفات، وسائط، افعال را نیز به ضمیمه آنها نمودیم که بحمدالله مجموعه ای بس عظیم فرآورده آن مباحث خواهد شد ان شاءالله. به امید آنکه در آینده تدریس این منابع عظیم علمی نیز در سلک دروس حوزوی در

آمده و در پر بارتر شدن مکتب علمی حوزه اثر بسیار چشم گیری بگذارد.

ممیز، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرتضی ممیز متولد ۴/۶/۱۳۱۵ تهران، میدان مولوی و فرزند محمدعلی و خانم کوچک، سرانجام در شب ۴/۸/۱۳۸۴ چشم از جهان گرافیکی خود فرو بست. جهانی که خود ساخت و ساخت و به اتمام رساند. مرتضی ممیز در سال ۴۴ از دانشکده هنرهای زیبای تهران فارغ التحصیل شد و سه سال بعد گواهینامه ی طراحی غرفه و ویتترین و معماری خود را از مدرسه عالی هنرهای تزئینی پاریس دریافت نمود. گفتنی است دوره اخذ لیسانس ممیز ۱۱ سال به طول انجامید و ممیز در این دوره به کارهای مختلفی چون کار در آتلیه گرافیکی و... مشغول بود. سیمای کاریش در این دوره در آثار متعدد روی جلد و پوستر نمایان می نمود. آثارش در این زمان نگاهی نخبه گر و پیشرو داشت. همچنین در گیری های فکری ممیز با نسل قدیمی که گرافیک را در آثاری خرد و همه فهم لاله زار درک می کردند باعث گردید تا همواره با نظام گرافیکی کم توانی در جامعه مواجه گردد که در آن گرافیک، تکنیسین خوانده می شد و اعتبار وی تنها به پول درک می گردید. شاید همین نظام کم توان باعث شد تا در سال ۴۸ پیشنهاد ایجاد رشته گرافیک را به دانشکده ی هنرهای زیبا بدهد. بنیانگذاری این رشته برای دانشجویان هنر باعث گردید تا سیستم ناقص گرافیک که بدست ناتوان (و یا کم توان) نقاشان اداره می شد و می رفت به سمت انحطاط برود، جان بگیرد و تلاشی را برای پا گرفتن در خشکزار این سرزمین آغاز کند و در ادامه گرافیکهای نوجو پدید آیند و برگ تازه ای از آثار گرافیک را باز گشایی نمایند.

تا این زمان (۱۳۴۸) مرتضی ممیز به غیر از طراحی گرافیک برای کتابها و پوسترها، تلاشی را تحت عنوان مدیر هنری در مجلاتی چون ایران آباد (۳۹) کتاب و کیهان هفته (۴۰ و ۴۱)، فرهنگ (۴۰) کاوش (۴۲ و ۴۳)، نگین (۴۴) آغاز نمود. مجلاتی که نحوه و سبک کاری ممیز را در جامعه تثبیت و معرفی نموده است. آثار ممیز در این دوره در کتاب هفته به چنان پرکاری و دوره ی خلاق بدل می گردد که نام ممیز را به عنوان گرافیکستی مولف و کم نظیر بر سر زبانها می اندازد. همچنین ادامه کار ممیز در نشریات فرهنگ و نگین، راه را برای ورود گرافیکهای جوان و نوجوی دهه ی ۴۰ مانند فرشید مثقالی باز می نماید. آثار روی جلد ممیز برای نشریه کتاب هفته نمونه هایی از چاپ (سیلک و لیتوگرافی) موفق و خلاقانه ای است که ارزشهای گرافیکی بسیار مفیدی را با خود به همراه دارد. تصویرسازی های درون کتاب نگاه نوجو و بی قرار او را که کمی متأثر از آثار گرافیکی اروپای شرق به خصوص لهستان و شوری سابق می نمود را داراست. این نگاه چنان از فیلتر مرتضی ممیز گذشت که تاثیر آن را بر جریان گرافیک و آثار گرافیکها می توان مشاهده نمود. روی جلدها در نگین و فرهنگ و زندگی نمونه ی برخورد خلاق و گرافیکی با موضوعاتی چون مشاهیر و ادبا می باشد که اگر چاپ نا مرغوب آن زمان را در دست پر خمیر ممیز، جذاب و حتی شاهکار بدانیم، کم بیجا نگفته ایم. در این دوره، صنعت چاپی که جای چندانی برای مانور تونالیته ها و رنگها ندارد با طراحی و شگردهای ممیز به دوره ای از کارهای خلاق و متفاوت بدل گردیده است و راه را برای ورود آثار آوانگارد در گرافیک می گشاید. می بایست به یاد آوریم در این دوره گرافیکست از مرز برش کاغذ خود هم مطمئن نبودند و حاصل چاپ شده آثارشان معمولاً فرق زیادی با نمونه طراحی شده داشته است ولی ممیز با مصالحه، سعی در ایجاد فضای کاری خلاق و پویا به نفع خویش می نماید. ممیز در این آثار به هیچ وجه گرفتار تولید آثاری صرفاً تکنیکی نگردیده و همواره ابزار را در راه بیان ایده ها و افکارش به کار بست.

چندان مبالغه نخواهد بود اگر بگوییم واژگان گرافیک آکادمیک امروز، عمری به اندازه‌ی مرتضی ممیز دارد یا شاید بهتر بگوییم عمری وابسته‌ی به مرتضی ممیز دارد. همچنین او از سال ۴۸ تاکنون با تربیت خیل بسیاری از دانشجویان گرافیک تاثیر مثبتی بر ارتقاء و شناخت گرافیک در بین جامعه‌ی ایرانی داشت. ممیز علاوه بر دانشکده‌ی هنرهای زیبا در دانشکده‌ی هنرهای تزئینی و دانشگاه فارابی نیز تدریس نمود و رییس انتخابی کمیته هنرهای تجسمی یونسکو در تهران بوده است. عضو **International Advertising Association** نیویورک تا سال ۵۴ بوده است و از سال ۵۶ تاکنون نیز یکی از اعضای انجمن بین المللی طراحان گرافیک محسوب می‌گردد. علاوه بر اینها وی عضو موسس و رییس هیات مدیره انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران و مشاور هنری و داور چندین بینال و نمایشگاه در داخل و خارج از ایران محسوب می‌گردد.

در ادامه فعالیت مرتضی ممیز در دهه چهل، وی مدیر هنری نشریات فرهنگ و زندگی (۴۸ تا ۵۷)، رودکی (۵۰ تا ۵۷)، سینما (۵۳ و ۵۴)، معماری و هنر ایران (۶۶)، کلک (۶۹ تاکنون)، نگاه نو (۷۰ تا ۷۸)، شریف (۷۲ تا ۸۰)، تصویر (۷۱)، **Silk** (۷۳ تا ۷۴)، فصلنامه خاورمیانه (۷۳)، گفتگو (۷۳ تاکنون)، پیام امروز (۷۳ تا ۷۹)، زمان (۷۳ تا ۷۹) و جشنواره‌ی جهانی فیلم تهران (۵۲ تا ۵۶) نیز به شمار می‌آید.

در حوزه‌ی تئاتر نیز با آثار «دیگته و زاویه» نوشته غلامحسین ساعدی و کارگردانی رشیدی در سال ۴۷ آغاز به کار نمود و طراحی صحنه‌ی این کار را بر عهده داشت و در ادامه طراحی صحنه‌هایی چون پرواربندان (ساعدی)، لئوکادیا (ژان آنوی - سمندریان)، وای بر مغلوب (ساعدی - رشیدی)، بازرس (گوگل - انتظامی) و... همچنین طراح نور بازگشتی نیست (گلچهره سجادیه)، دندون طلا - (داود میرباقری) و... را خلق نموده است. او علاوه بر آثار پوستر فیلم مانند ستارخان (علی حاتمی)، طبیعت بی جان (سهراب شهید ثالث)، مادر (علی حاتمی)، هامون (داریوش مهرجویی) و... سه انیمیشن کوتاه با عنوانهای: آنکه عمل کرد و آنکه خیال بافت (۵۰)، یک نقطه‌ی سبز (۵۱) و سیاه پرنده (۵۲) را در پرونده خویش دارد. همچنین تصویرگر کتابهای بسیاری برای کودکان و نوجوانان محسوب می‌شود که مطرح‌ترین آنان مانند «اینک خورشید» نگاهی بسیار خلاق و جذاب در مقوله تصویر دارد، نگاهی پویا به پدیدآوری تصویرسازی کتاب کودک با مصالح تکرارشونده و درک مناسب از ویژگی‌های تصویر در خدمت متن. در تصاویر این کتاب با استفاده از فنون دستگاه کپی تصاویر طراحی شده توسط خود ممیز تکرار و کنار یکدیگر کلاژ گردیده است. آثار این کتاب نشان از هوش بالای طراح در گزینش و استفاده از تکنیک دارد. همچنین کتاب «قصه‌های قرآن» که یکی از معروفترین آثار وی با تکنیک «اسکراچ برد» به حساب می‌آید راهی تازه در تهیه‌ی تصویر سیاه و سفید کتابهای نوجوانان می‌باشد. اتفاقی که تاثیر آن را در آثار تصویرگران هم نسل و بعد از خود به صورتی جدی می‌توان پیدا نمود. تمام آثار چاپ شده و فعالیتهای گذشته وی در اعتلای گرافیک و گذر از «کم دانسته‌ها» موثر و توانا بوده است.

مرتضی ممیز علاوه بر دهها عنوان مقاله، نقد و گفتگو، آثاری را در هیئت کتاب به طبع رسانیده است که از جمله آنها می‌توان طراحی و نقاشی (وزارت آموزش و پرورش - ۵۱)، **Graphic art in iran** (شورای عالی فرهنگ و هنر - ۵۳)، طرح تزئینی و نقشه کشی (وزارت آموزش و پرورش - ۵۴)، نشانه‌ها (چهاررنگ - ۶۲)، طراحی اعلان (ویلهم - ۱۹۸۴ - آلمان)، تصویر و تصور (اسپرک - ۶۸)، طراحی روی جلد (ماه ریز - ۸۰)، طراحی اعلان جلد ۲ (مرکز - ۸۱)، طراحی نشانه جلد ۲ (ماه ریز - ۸۱) را ذکر نمود.

اگرچه در سالیان اخیر چندان کار گرافیک نمی‌کرد و شاید بهتر بگوییم آثار چندان خوبی نداشت (آنطور که مرتضی ممیز را می‌شناختیم) ولی در شکلی تازه (به قول قباد شیوا: دیپلمات فرهنگی شده بود و سعی بسیاری در تشکیل انجمن صنفی و ایجاد بستری برای حضور گرافیست‌ها از خود نشان داد که نتایج آن در شکل‌گیری نهادهای مختلف و گروههای هنری می‌توان جستجو کرد و فضای راکد گرافیک با تک عنوان نشریه گرافیکی و یک بینال دست و پا شکسته را (به همراه هم نسلان دیگر) تبدیل به جریانی از گروههای مختلف گرافیکی، بینالها و نمایشگاههای متعدد نمود که نیاز است تا از طرف نسل حاضر ادامه یابد. جریاناتی چون بینال

پوستر، نمایشگاه روی جلد کتاب، پوسترهای تجربی و نمایشگاه تایپوگرافی و... وی با برپایی و تشویق مجلات مختلف گرافیک و چاپ و معرفی هنرمندان و هنر گرافیک ایران به جهان راهی را به جوانمردی در زندگی طی نمود.

چندان مبالغه نخواهد بود اگر بگوییم واژگان گرافیک آکادمیک امروز، عمری به اندازه‌ی مرتضی ممیز دارد یا شاید بهتر بگوییم عمری وابسته‌ی به مرتضی ممیز دارد. همچنین او از سال ۴۸ تاکنون با تربیت خیل بسیاری از دانشجویان گرافیک تاثیر مثبتی بر ارتقاء و شناخت گرافیک در بین جامعه‌ی ایرانی داشت. ممیز علاوه بر دانشکده‌ی هنرهای زیبا در دانشکده‌ی هنرهای تزئینی و دانشگاه فارابی نیز تدریس نمود و رییس انتخابی کمیته هنرهای تجسمی یونسکو در تهران بوده است. عضو **International Advertising Association** نیویورک تا سال ۵۴ بوده است و از سال ۵۶ تاکنون نیز یکی از اعضای انجمن بین‌المللی طراحان گرافیک محسوب می‌گردد. علاوه بر اینها وی عضو موسس و رییس هیات مدیره انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران و مشاور هنری و داور چندین بینال و نمایشگاه در داخل و خارج از ایران محسوب می‌گردد.

در ادامه فعالیت مرتضی ممیز در دهه چهل، وی مدیر هنری نشریات فرهنگ و زندگی (۵۷ تا ۴۸)، رودکی (۵۰ تا ۵۷)، سینما (۵۳ و ۵۴)، معماری و هنر ایران (۶۶)، کلک (۶۹ تاکنون)، نگاه نو (۷۰ تا ۷۸)، شریف (۷۲ تا ۸۰)، تصویر (۷۱)، **Silk** (۷۳ و ۷۴)، فصلنامه خاورمیانه (۷۳)، گفتگو (۷۳ تاکنون)، پیام امروز (۷۳ تا ۷۹)، زمان (۷۳ تا ۷۹) و جشنواره‌ی جهانی فیلم تهران (۵۲ تا ۵۶) نیز به شمار می‌آید.

در حوزه‌ی تئاتر نیز با آثار «دیکته و زاویه» نوشته غلامحسین ساعدی و کارگردانی رشیدی در سال ۴۷ آغاز به کار نمود و طراحی صحنه‌ی این کار را بر عهده داشت و در ادامه طراحی صحنه‌هایی چون پرواربندان (سعدی)، لئو کادیا (ژان آنوی - سمندریان)، وای بر مغلوب (سعدی - رشیدی)، بازرس (گوگل - انتظامی) و... همچنین طراح نور بازگشتی نیست (گلچهره سجادیه)، دندون طلا - (داود میرباقری) و... را خلق نموده است. او علاوه بر آثار پوستر فیلم مانند ستارخان (علی حاتمی)، طبیعت بی‌جان (سهراب شهید ثالث)، مادر (علی حاتمی)، هامون (داریوش مهرجویی) و... سه انیمیشن کوتاه با عنوانهای: آنکه عمل کرد و آنکه خیال بافت (۵۰)، یک نقطه‌ی سبز (۵۱) و سیاه پرنده (۵۲) را در پرونده خویش دارد. همچنین تصویرگر کتابهای بسیاری برای کودکان و نوجوانان محسوب می‌شود که مطرح‌ترین آنان مانند «اینک خورشید» نگاهی بسیار خلاق و جذاب در مقوله تصویر دارد، نگاهی پویا به پدیدآوری تصویرسازی کتاب کودک با مصالح تکرار شونده و درک مناسب از ویژگی‌های تصویر در خدمت متن. در تصاویر این کتاب با استفاده از فنون دستگاه کپی تصاویر طراحی شده توسط خود ممیز تکرار و کنار یکدیگر کلاژ گردیده است. آثار این کتاب نشان از هوش بالای طراح در گزینش و استفاده از تکنیک دارد. همچنین کتاب «قصه‌های قرآن» که یکی از معروفترین آثار وی با تکنیک «اسکراچ برد» به حساب می‌آید راهی تازه در تهیه‌ی تصویر سیاه و سفید کتابهای نوجوانان می‌باشد. اتفاقی که تاثیر آن را در آثار تصویرگران هم نسل و بعد از خود به صورتی جدی می‌توان پیدا نمود. تمام آثار چاپ شده و فعالیت‌های گذشته وی در اعتلای گرافیک و گذر از «کم دانسته‌ها» موثر و توانا بوده است.

مرتضی ممیز علاوه بر دهها عنوان مقاله، نقد و گفتگو، آثاری را در هیئت کتاب به طبع رسانیده است که از جمله آنها می‌توان طراحی و نقاشی (وزارت آموزش و پرورش - ۵۱)، **Graphic art in iran** (شورای عالی فرهنگ و هنر - ۵۳)، طرح تزئینی و نقشه کشی (وزارت آموزش و پرورش - ۵۴)، نشانه‌ها (چهاررنگ - ۶۲)، طراحی اعلان (ویلهم - ۱۹۸۴ - آلمان)، تصویر و تصور (اسپرک - ۶۸)، طراحی روی جلد (ماه ریز - ۸۰)، طراحی اعلان جلد ۲ (مرکز - ۸۱)، طراحی نشانه جلد ۲ (ماه ریز - ۸۱) را ذکر نمود.

اگرچه در سالیان اخیر چندان کار گرافیک نمی‌کرد و شاید بهتر بگوییم آثار چندان خوبی نداشت (آنطور که مرتضی ممیز را می‌شناختیم) ولی در شکلی تازه (به قول قباد شیوا: دیپلمات فرهنگی شده بود و سعی بسیاری در تشکیل انجمن صنفی و ایجاد بستری برای حضور گرافیک‌ها از خود نشان داد که نتایج آن در شکل‌گیری نهادهای مختلف و گروه‌های هنری می‌توان جستجو کرد و

فضای راکد گرافیک با تک عنوان نشریه گرافیکی و یک بینال دست و پا شکسته را (به همراه هم نسلان دیگر) تبدیل به جریانی از گروه‌های مختلف گرافیکی، بینالها و نمایشگاه‌های متعدد نمود که نیاز است تا از طرف نسل حاضر ادامه یابد. جریاناتی چون بینال پوستر، نمایشگاه روی جلد کتاب، پوسترهای تجربی و نمایشگاه تایپوگرافی و... وی با برپایی و تشویق مجلات مختلف گرافیک و چاپ و معرفی هنرمندان و هنر گرافیک ایران به جهان راهی را به جوانمردی در زندگی طی نمود

ممیز در سال ۱۳۴۴ از دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا فارغ‌التحصیل شد و سه سال بعد گواهینامه طراحی غرفه و ویتترین و معماری خود را از مدرسه عالی هنرهای تزئینی پاریس دریافت کرد. دوره اخذ لیسانس ممیز ۱۱ سال به طول انجامید و ممیز در این دوره به کارهای مختلفی چون کار در آتلیه گرافیکی و... مشغول بود.

از دوستان بسیار صمیمی و هم‌رشته‌ی او می‌توان به آقای محمود جهان پناه اشاره کرد. در سال ۱۳۴۸ پیشنهاد ایجاد رشته گرافیک را به دانشکده هنرهای زیبا ارائه نمود. بنیانگذاری این رشته برای دانشجویان هنر باعث گردید تا سیستم ناقص گرافیک جان بگیرد و تلاشی را آغاز کند. تا این سال ممیز به‌غیر از طراحی گرافیک برای کتاب‌ها و پوسترها، تلاشی را تحت عنوان مدیر هنری در مجلاتی چون ایران آباد، کتاب هفته، کیهان هفته، فرهنگ، کاوش، نگین آغاز نمود. مجلاتی که نحوه و سبک کاری ممیز را در جامعه تثبیت و معرفی نموده‌است.

آثار ممیز در این دوره در کتاب هفته به چنان پرکاری و دوره خلاقیتی بدل می‌گردد که نام ممیز را به عنوان گرافیستی مولف و کم نظیر بر سر زبانها می‌اندازد. همچنین ادامه کار ممیز در نشریات فرهنگ و نگین، راه را برای ورود گرافیک‌های جوان و نوجوی دهه ۴۰ مانند فرشید مثقالی باز کرد.

آثار روی جلد ممیز برای نشریه کتاب هفته نمونه‌هایی از چاپ (سیلک و لیتوگرافی) موفق و خلاقانه‌ای است که ارزشهای گرافیکی بسیار مفیدی را با خود به همراه دارد. وی در همان سالها یکی از مهم‌ترین اثر مدرن تاریخ معاصر را با طراحی چاقوهای واژگون شکل داد. اثر چاقوهای او اجتماعیترین اثر است که از دهه ۴۰ به بعد پدید آمده‌است.

مرتضی ممیز در طول نیم قرن فعالیت هنری خود در ایران و عرصه هنر بین‌المللی، در احیا و ابداع هنر گرافیک در ایران و پیشبرد و گسترش فرهنگ ملی و سنت‌های هنری نقش بارزی داشت. وی آذرماه سال ۱۳۸۳ به‌عنوان استاد برجسته فرهنگستان هنر، در مراسمی، از سوی سیدمحمد خاتمی (رئیس جمهور وقت) تجلیل شد.

ممیز در سالهای پایانی عمر خویش با بیماری سرطان دست و پنجه نرم می‌کرد و از ۲۳ آبان‌ماه ۱۳۸۴ برای تازه‌ترین دور شیمی‌درمانی، در بیمارستان آبان تهران بستری شده بود که چند روز بعد حالش رو به وخامت نهاد و سرانجام در سن ۶۹ سالگی روز شنبه پنجم آذر ماه ۱۳۸۴ برابر ۲۶ نوامبر ۲۰۰۵ درگذشت. پیکر مرتضی ممیز، هفتم آذرماه، تشییع و در باغبان کلا، واقع در کردان کرج، به‌خاک سپرده شد. آیا مرتضی پدر گرافیک ایران است؟

«سال ۴۸ یا ۴۹ بود که با پیشنهاد مرتضی، تغییر رشته دادم و از یک دانشجوی نقاشی، تبدیل به دانشجو و استاد گرافیک رشته تازه‌تاسیس دانشکده هنر شدم»؛

این جمله را محمد احصایی با یادآوری خاطراتش از مرتضی ممیز در حالی بیان می‌کند که نم اشکی در چشمانش حلقه زده و گاهی میان حرف‌هایش در توصیف مرتضی خان سکوت می‌کند؛ سکوتی که در پس آن، یادآوری خاطره‌های شیرین و تلخ گذشته او و ارتباطش با مرتضی خان نهفته است. بیان دیدگاه احصایی در بیان زوایای شخصیتی مرتضی خان از منظر تکنیک گرافیک و شخصیتی، شاید یکی از شفاف‌ترین نقطه‌نظرها درباره او باشد. مرتضی خان را نه امروز و دیروز بلکه باید از خلال سال‌هایی به یاد آورد که با کشیدن تابلوی «عروسی ونوس» به عنوان پایان‌نامه نقاشی، پای به عرصه حرفه‌ای می‌گذارد؛ سال‌هایی که به عنوان یک هنرمند پیشرو، چاقوهای را در گلدان می‌کارد.

یکی از دلایل نامیدن مرتضی با چنین لقبی، فعالیت‌های بسیار زیاد او در تبیین راهکارهایی برای توضیح و توصیف گرافیک در نگاه فرهنگی مدیران دولتی بود.

تشکیل انجمن گرافیک و برگزاری دوسالانه‌ها و نمایشگاه‌های بین‌المللی گرافیک، بخشی از شکل‌گیری خود را مدیون حضور مرتضی خان هستند. چندی پیش از درگذشت او به دیدارش رفته بودیم. هر چند شیمی‌درمانی می‌کرد اما با روحیه‌ای خوب، با تکیه بر عصاهای آلومینیومی و پشتوانه عمری تلاش راسخ و استوار، خودش به استقبال ما آمد و پس از چند ساعت گفت‌وگو، تنها با یک جمله بدرقه‌مان کرد: «جوان یادت نرود اگر مصاحبه چاپ شد، چند نسخه از روزنامه را برایم بفرست...».

واسته‌ای که هیچ‌گاه به سبب سهل‌انگاری‌ام اجرا نشد. روز خاکسپاری‌اش در دامنه تپه قبرستان یکی از توابع کردان، ترجیح دادم میان آن سیل جمعیت سرگردان در نبود مرتضی‌خان، به جای خواندن فاتحه، از او و یادش طلب بخشش کنم برای حقی که به گردن من داشت. مرتضی‌خان رفت؛ یک سال است که رفته. خیلی‌هایی را که آن روز در کردان دیدم، شاید دیگر یادی از او نکنند اما خاطره‌اش حتی اگر در ذهن‌هایمان نباشد، در میان طرح‌های او که هر روز می‌بینیم، روبه‌روی‌مان قرار دارد. مرتضی ممیز به رود می ماند

بعضی آدمها به اخگر می‌مانند؛ بعضی به تندر و رگبار؛ بعضی به درخت می‌مانند یا کوه؛ مرتضی ممیز به رود می‌ماند.

حتی اگر پدر گرافیک ایران نامیده نشود، به رود می‌ماند. نمی‌دانم چرا بعضی را خوش نمی‌آید از اینکه این لقب را به مرتضی ممیز منسوب می‌کنند. درست است که محمد بهرامی و محمد جوادی پور قبل از ممیز به گرافیک نوین پرداختند؛ درست است که مدرسه هنرهای تزئینی قبل از دانشگاه تهران رشته گرافیک را در برنامه تدریس داشت و حتی اگر آیدین آغداشلو نخستین پوستر نو سینمای نوین ایران را کشیده باشد باز هم این لقب برازنده ممیز است، چرا که تداوم و جریان داشتن است که مهم است، و این خاصیت رود است. حرکت‌های تصادفی، منفرد و بگو حتی شاهکاری یکه، کافی نیست. نمی‌شود این لقب را به جای نیمای یوش به هوشنگ ایرانی نسبت داد، چرا که نوجویی و نوآوری پیاپی است که مهم است: نیاز حرفه را درک کردن، مسیری تازه جست و جو کردن و یافتن و باز جریان داشتن، از هر شیب راهی سرازیر شدن و رویاندن.

اگر تعداد کارهایی را که ممیز در هر رشته طراحی و اجرا کرده به شمار نیاوریم و فقط بعضی از آنها را ملاک بگیریم، طراحیهای متفکر و خلاق در هر یک از این گزیده انگشت شمار حتی کافی است که ذهن مدرن ممیز را آشکار کند. این شفافیت نمایان، خصلت رود است.

رشد کلاسهای درس، تعداد شاگردان حرفه‌ای، بنیان گذاشتن رفتارهای حرفه‌ای و صنفی و از همه مهم تر کسب اعتبار روز افزون برای حرفه گرافیک مدیون حرکت‌های آرام و گاه خروشان است. کدام خانواده است که امروز یکی از اعضای جوان آن به جای دکتر و مهندس شدن نمی‌خواهد گرافیک شود؟ این اعتبار قطعا از شائبه درآمد فراوان این حرفه نیست. بلکه به سبب جایگاه اجتماعی آبرومندی است که تلاش‌های ممیز در ساختن آن سهم به سزایی دارد. سنگها را آرام صیقل دادن، ریشه‌ها را آب دادن، نهالها را درخت تناور کردن؛ این خاصیت رود است. گرافیک بعد از ممیز: دعوا بر سر ارثیه‌ی.... پدری

اگر حتی عده‌ای مرتضی ممیز را به عنوان پدر گرافیک مدرن در ایران نپذیرند، بدون شک نمی‌توانند او را در رأس ساختارهای اجتماعی و فعالیت‌های مدنی طراحان گرافیک ایران نادیده بگیرند.

۱. اغلب چارچوب‌های مدنی در حوزه‌ی گرافیک در سه دهه‌ی گذشته به همت و هدایت مرتضی ممیز شکل گرفته‌اند، جریان‌های هنری با مدیریت یا حمایت او برگزار شده‌اند و سیاست‌های کلان‌کشوری (همان‌اندکی که سراغ داریم) با مشاوره‌ی او به سرانجام رسیده‌اند

۲. به تعبیر من و از منظری متفاوت «پدر گرافیک ایران» لقبی درخور شأن و مقام مرتضی ممیز در گرافیک ایران است. سال‌ها

حضور ممیز در رأس گرافیک ایران وجهه ای پدران به او داده بود. مرتضی ممیز گرافیک ایران را بر پایه ی نظام های پدرسالارانه هدایت می کرد. اما نمی توان به راحتی در این باره قضاوت کرد. شاید هدایت جامعه ای از این دست و با این کیفیت، به غیر از اعمال هدایت های پدرسالارانه غیرممکن می نمود. در واقع صحبت در این باره ما را به جامعه شناسی جوامع و توده ها در ایران می کشاند که هم از حوصله ی بحث ما خارج است و هم از حوزه ی تخصص من. به هر تقدیر فارغ از چرایی و چگونگی اش، فضای گرافیک ایران در سه دهه ی گذشته در سایه ی مناسبات پدرسالارانه قرار داشته است

۳. بدلیل نقش محوری پدر، بنیان نظام های پدرسالارانه با رفتن او به خطر می افتد. پس از او وارثان به سهم خواهی از میراث پدر روی خواهند آورد و نزاع ها و تفرقه ها شالوده ی جامعه را به خطر می اندازد. اکنون مرتضی ممیز پدر گرافیک ایران از میان ما رفته است. درست از لحظه ی درگذشت مرتضی ممیز، دندان تیز کردن ها برای تصاحب ارثیه پدری آشکار شد، اگرچه مدت ها پیش آغاز شده بود. آنها برای رسیدن به اهداف خود از جنازه ی ممیز هم نگذشتند. اکنون ما شاهد اجتماع از هم پاشیده ی طراحان گرافیک ۴ هستیم که دو راه در پیش رو دارد: یا فرد دیگری را در جایگاه ممیز قرار دهد و یا دست به تجربه ی ساختار جدیدی در مدیریت مدنی طراحان بزند.

مورد اول در موقعیت کنونی منتفی به نظر می رسد مگر آن که اهرم های نه چندان مدنی دست به کار این امر شوند چراکه شخصی که جامعیت و مقبولیت ممیز را برای قرار گرفتن در چنین جایگاهی داشته باشد، وجود ندارد. مورد دوم دست کم به عنوان تجربه های مقدماتی یک نظام دموکراتیک مبتنی بر همکاری های مدنی محتمل تر به نظر می رسد اگر چه نمی توان بر روی پا ایستادن اش را پیش بینی کرد.

اما بدون شک ادامه ی نزاع های جاه طلبانه در لایه های بالای مدیریت مدنی طراحان گرافیک و مدیریت فرهنگی کشور، بیشترین ضربه را به بدنه گرافیک ایران خواهد زد که نهمین بینال گرافیک تهران جدی ترین و مهم ترین قربانی این نزاع خواهد بود. نزاعی که در آن سهم خواهی ها و قدرت طلبی های شخصی و جاه طلبی های کور به قیمت از بین رفتن بزرگ ترین اتفاق گرافیک ایران، حیثیت و اعتبار بین المللی و مهم تر از همه از هم پاشیدگی اجتماع طراحان گرافیک ایران تمام خواهد شد.

اما نکته ی امیدوارکننده شکل گیری روزافزون خرده نظام ها در آتلیه ها و جمع های شخصی تر و کوچک تر است و همین طور گسترش رسانه ها و بسترهای فعالیت های تئوریک و آکادمیک که زیرساخت های گرافیک ایران را تقویت خواهند کرد. اگرچه نظام های پدرسالارانه هم چنان در ایران جواب می دهد، اما روز به روز با اقبال کمتری مواجه خواهند بود. اکنون شاهد شکل گیری گروه های متعددی در میان طراحان جوان تر هستیم که به شکل گیری نظام های مدنی بزرگ تر کمک خواهند کرد. اگرچه بعضی از همین جمع های کوچک هنوز در سایه ی رفتارهای پدرسالارانه هدایت می شوند اما بدون شک نمی توان یک شبه انتظار دگرگونی نظام های فکری و اجتماعی را داشت ولی می توان به تغییرات تدریجی امیدوار بود.

نسل جدید با فعالیت های جمعی و گروهی بیشتر خو گرفته اند و توانایی بیشتری در تبدیل فضای رقابت مبتنی بر قدرت خواهی به فضای همکاری و رشد جمعی دارند. سطح سواد عمومی بالا رفته است و دیگر نمی توان به اداره ی اجتماع جوانان با روش های سنتی و پدرسالارانه امیدوار بود. فضای مجازی اینترنت بستر مناسبی برای تجربه های گروهی و جمعی نسل جدید بوده است و توسعه و همگانی شدن نظام های اطلاع رسانی به گسترش ساختارهای دموکراتیک کمک کرده است. بدون شک آنهایی که به دنبال جاه طلبی ها و منفعت های شخصی به اهرم های سنتی حفظ قدرت روی می آورند به آینده خواهند باخت. آینده متعلق به کسانی است که دوستی های گسترده تر و همکاری های جدی تری داشته باشند و موفقیت خود را در گروهی رشد جمعی ببینند.

حرف آخر

۱- «پدر گرافیک» از آن جایی که عبارتی استعاری و مبهم است، به طبع محل تفسیرهای متعدد است، اما می توان با توجه به سندها

و ملاحظات تاریخی قضاوت دقیق تر و قابل استنادی از جایگاه ممیز در گرافیک ایران بدست آورد.

۲- برخی از فعالیت های اجتماعی مرتضی ممیز از این قرار است:

بانی رشته ی گرافیک در دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ۱۳۴۸/ بانی و دبیر اجرایی بینال هنری گرافیک آسیا، ۵۶-۵۸/ عضو انجمن بین المللی طراحان گرافیک، ۱۳۵۶-۱۳۸۴/ بانی بینال هنر گرافیک ایران، ۶۶/ رئیس هیأت مدیره ی انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران، ۷۶-۸۴ و ...

۳- در این جا تذکر دو نکته ضروری می رسد. اول این که منظور من از به کار بردن واژه ی نظام پدرسالارانه، ارزش گذاری یک منش فردی نیست بلکه تعریف یک مکانیزم کنترل اجتماعی است. و دوم اینکه اگر به شرح و بسط مناسبات پدرسالارانه در گرافیک ایران پرداختم از آن جهت است که بدلیل عرف کلاسیک حاکم بر مناسبات حرفه ای در ایران، کمتر در جایی به صورت مکتوب به موضوعاتی از این دست پرداخته شده است و استناد من بیشتر به نقل قول های شفاهی و بررسی جریان های سه دهه ی اخیر حوزه ی گرافیک است. جالب این که در میان این قحط الرجالی بهترین اسناد مکتوب همه خود به دست ممیز نگاشته شده اند، به همین دلیل مجموعه مقالات مرتضی ممیز، خود معتبرترین سند مکتوب برای نقد گرافیک ایران است.

منادی زاده، داوود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

منافی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۲۷۹.

درگذشت: ۱۳۶۹.

از احمد منافی کتابی در خصوص اخلاق اسلامی و عرفان بر جای مانده است: گنجینه‌ی معارف (از مذاکرات احمد منافی، تهیه و

تنظیم کاظم کاظم‌زاده ایرانشهر، تهران، ۱۳۶۴).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منتجب نیا، رسول

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رسول منتجب نیا

محل تولد: شیراز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۴/۴/۲۲

زندگینامه علمی

رسول منتجب نیا مشهور به «منتجب» متولد ۲۲ تیرماه ۱۳۲۴ شمسی در شیراز در خانواده ای مذهبی و از نظر اقتصادی در سطح متوسط رشد و نمو نمود. وی پس از پایان مقطع ابتدایی همزمان با خواندن دروس دبیرستانی وارد حوزه علمیه شیراز شد و حدود ۲/۵ سال در مدارس آقا بابخان مقیمه و امامزاده ابراهیم شیراز نزد اساتید و علماء معروف تا بخشی از شرح لمعه شهیدین، تلمذ کرد و در سال ۴۴ به حوزه علمیه قم عزیمت نمود و ما بقی دروس سطح را تا پایان مکاسب شیخ انصاری و کفایتین آخوند خراسانی نزد مدرسان بزرگ قم چون حضرات آیات آقایان: «خزعلی»، «نوری همدانی»، «فاضل لنکرانی»، «جعفر سبحانی» و «مکارم شیرازی» به اتمام رساند و جمعا طی ۴/۵ سال کلیه کتابها و دروس سطح را نزد اساتید تلمذ نمود و سرانجام در امتحان عمومی حوزه علمیه قم شرکت و موفقیت خوبی کسب کرد.

از سال ۴۶ وارد دوره درس خارج فقه و اصول گردید و حدود ۹ سال شرکت در درس اساتید بزرگی از قبیل آیات عظام: «نجفی مرعشی»، «مکارم شیرازی»، «آقا مرتضی حائری یزدی»، «محقق داماد»، «اراکی»، «هاشم آملی» و «وحید خراسانی» موفق به رسیدن به مرتبه اجتهاد شد و علاوه بر شرکت در امتحان خارج مدیریت حوزه و کسب موفقیت از سه تن از مراجع عظیم الشان اجازه اجتهاد دریافت نمود. او همزمان با تدریس و تلمذ در مکتب اساتید بزرگ همواره به تدریس طلاب اشتغال داشت.

فلسفه اسلامی «منظومه حاج ملاهادی سبزواری» و بخشی از اسفار اربعه «صدرالمتالهین» را نزد اساتید عالیقدر چون حضرات آیات: آقای یحیی انصاری شیرازی، آقای مفتاح و آقای مطهری تلمذ کرد. وی در سال ۷۰ با شرکت در امتحانات عمومی و تخصصی وزارت علوم تحقیقات و فن آوری «خبرگان بدون مدرک» و کسب موفقیت در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا، در سال ۸۲ پس از توفیق در امتحان دکترای تخصصی با موفقیت هیئت ممیزی مرکزی، نسبت به تهیه رساله دکتری تحت عنوان «خيار تبعضی صنفه در معاملات معاوضی» اقدام و در سال ۸۴ با طرح و دفاع آن نزد داوران هیئت ممیزی موفق به اخذ مدرک دکتری «استاد یاری» در فقه و اصول گردید. وی از سال ۷۴ به عضویت رسمی هیئت علمی دانشگاه شاهد در آمد و هم اکنون مدیریت گروه فقه و اصول آن دانشگاه را بر عهده دارد.

سوابق مبارزاتی:

او از سال ۴۰ با افکار و اندیشه های انقلابی امام خمینی (ره) آشنا شد و همواره در جلسات انقلابیون شیراز چون حضرات آیات: دستغیب و محلاتی شرکت می کرد و در راهپیمایی عظیم ۱۵ خرداد ۴۲ شیراز حضور فعال داشت. و پس از آن همچنان در جرگه طلاب انقلابی و مبارز قلمداد می شد و بدین جهت بارها به ساواک و شهربانی شیراز، فیروزآباد، داراب و قم احضار و مورد بازجویی و تهدید قرار گرفت.

از سال ۵۵ به دستور وکیل تام الاختیار امام خمینی (ره) مرحوم حاج پسندیده به شهر خمین زادگاه امام مهاجرت کرد و بلافاصله نماز جمعه را با شمشیر برهنه اقامه کرد و آن شهر را به صورت کانون انقلاب و تجمع و هدایت نیروهای انقلابی شهرستانها و استانهای مجاور در آورد. بارها او را دستگیر کرده و به زندان خمین و اراک انداختند و نیز او را ممنوع المنبر نموده و به تبعید به یکی از نقاط دور دست کشور محکوم کردند و سرانجام در اوائل سال ۵۷ یکی از ماموران ساواک را جهت ترور و انتقال او به

خمین اعزام کردند که در یک اقدام تروریستی یکی از روحانیون قم را به جای او هدف گلوله قرار داد.

با کشف این توطئه، حدود ۵ ماه متواری و مخفی بود و در عین حال با لباس مبدل و نام مستعار در تهران و شیراز به سخنرانی و اداره جلسات توجیهی و آموزشی نیروهای انقلاب می پرداخت و پس از قیام یکپارچه مردم خمین و تحصن چند شبانه روز جلوی فرمانداری، رژیم شاه ناچار به تسلیم در برابر مردم و موافقت با بازگشت او به خمین گردید. او تا پیروزی انقلاب در خمین به هدایت انقلابیون و مدیریت جریان انقلاب پرداخت.

در سال ۵۷ در کنار سایر علماء و انقلابیون در تحصن دانشگاه تهران شرکت داشت و در مراسم استقبال از حضرت امام (ره) با جمع عظیمی از مردم خمین حضور یافت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا اواخر سال ۵۸، مسئولیت عالی نهادها و جریانات انقلابی منطقه را عهده دار بود و نماز جمعه را همچنان اقامه می کرد، و با کسب اجازه از امام خمینی (ره) به قم مراجعت کرد. و پس از کمتر از یکماه اقامت به دستور امام به پایگاه وحدتی دزفول جهت اقامه نماز جمعه، مدیریت امور فرهنگی و قایب نیروهای مسلح منطقه عزیمت نمود. او از اواخر ۵۸ تا اوایل سال ۶۰ در آن منطقه انجام وظیفه کرد و در آغاز جنگ تحمیلی، حضوری فعال و مؤثر در امور مختلف جنگ داشت و پس از اختلاف شدید او با بنی صدر به تهران مراجعت نمود.

مسئولتهای او:

علاوه بر نمایندگی حضرت امام (ره) در خمین و دزفول، پس از واقعه دردناک ۷ تیر به دعوت مردم اندیمشک و شوش کاندیدای نمایندگی مردم آن منطقه در مجلس شد و بدین ترتیب دوره اول مجلس را به انجام وظیفه نمایندگی آن مردم جنگ زده و مظلوم پرداخت. برای دوره دوم نمایندگی به دعوت علماء، نخبگان و مردم شیراز کاندیدای زادگاه خود شد و دوره دوم و سوم را به انجام وظیفه نمایندگی مجلس پرداخت. او در دوران دفاع مقدس مسئولتهای مهمی از امور جنگ چون: ریاست کمیسیون امور دفاعی، مسئولیت دفتر مشاورت حضرت امام (ره) در منطقه خلیج فارس، قائم مقام ستاد قرارگاه خاتم و ستاد کل پدافند و ... را بر عهده داشت.

سال ۶۷ به حکم حضرت امام خمینی (ره) به نمایندگی ایشان در شهربانی کل کشور منصوب گردید که تا سال ۷۰ یعنی زمان ادغام نیروهای انتظامی این وظیفه را از سوی مقام معظم رهبری عهده دار بود و در سال ۶۸ به نمایندگی ولی فقیه در انجمن اسلامی معلمان ایران منصوب شد. و در دوران ریاست جمهوری حجت الاسلام والمسلمین آقای خاتمی، سمت مشاورت ریاست جمهوری را بر عهده داشت.

فعالیت سیاسی و تشکیلاتی:

او از آغاز حزب جمهوری اسلامی به عضویت آن تشکل در آمد و سپس در کنگره اول حزب به عنوان عضو ذخیره شورای مرکزی حزب انتخاب شد و علاوه بر آن مسئولیت واحد روحانیت حزب به او واگذار گردید. در سال ۶۶ و آغاز تشکیل مجمع روحانیون مبارز به عضویت هیئت مؤسس و شورای مرکزی آن تشکیلات در آمد. و از ابتدای تاسیس حزب اعتماد ملی، تاکنون به عنوان عضو هیئت مؤسس و شورای مرکزی و قائم مقام دبیر کل حزب، به وظایف تشکیلاتی خود می پردازد.

فعالیت های فرهنگی:

وی حدود ۴۰ سال سابقه تدریس در حوزه های علمیه و دانشگاههای کشور را دارد و طی دوران تحصیل، مبارزه، مسئولیت خود تا امروز همواره به فعالیت فرهنگی تبلیغی ادامه داده و به تربیت جوانان می پردازد، پایگاه فعالیت فرهنگی او عمدتاً در مسجد امام جعفر صادق (ع) و واحدهای مختلف تابعه آن و نیز در سطح جامعه و به ویژه دانشگاههای کشور متمرکز می باشد.

فعالیت های تحقیقی و پژوهشی منتجب نیا:

او تاکنون کتابهای: (اصول فقه و مبانی حقوق اسلام)، (جمال شریعت) و (خاطرات انقلاب) را تالیف و منتشر نموده است و

کتابهای: (خرافه ستیزی) و (آموزه های وحیانی) و رساله دکترای تخصصی او زیر چاپ می باشد و چند کتاب دیگر او در دست تالیف است. وی مقالات علمی پژوهشی متعددی را تهیه و تالیف و در مجلات علمی پژوهشی و یا اجتماعی منتشر کرده و بسیاری از مقالات او در کنگره بین المللی و یا سراسری کشور قرائت شده است و هم اکنون چند طرح پژوهشی کارساز و ارزشمند را در دست اجرا دارد.

منتجب‌الدین رازی، ابوالحسن علی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۰۴- بعد از ۵۸۵ ق)، عالم امامی، فقیه، حافظ و محدث. معروف به شیخ منتجب‌الدین. نسبش به علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی می‌رسد. لذا به ابن بابویه رازی نیز مشهور است. در خانواده‌ی علم و تقوا نشو و نما یافت. ابتدا در شهر ری نزد استادان آنجا و هر استادی که از ری می‌گذشت به طلب حدیث پرداخت. در مقدمه «الفهرست» برای او یکصد و چهل و شش استاد ذکر شده است. او از معاصران ابن شهر آشوب و ابن ادریس حلی می‌باشد. پدرش، شیخ ابوالقاسم عبیدالله، و شیخ ابوالفتح رازی و سید مرتضی رازی و سید فضل‌الله راوندی و شیخ ابوعلی طبرسی و سید ذوالفقار بن محمد حسینی مروزی از مشایخ روایت او بودند. وی به واسطه‌ی استادش، سید ذوالفقار حسینی مروزی، از شیخ طوسی و سید مرتضی علم‌الهدی و نیز به واسطه‌ی پدرش، از اجداد خود، از جد عالی خود علی ابن بابویه روایت نموده است. امام‌الدین عبدالکریم رافعی قزوینی، صاحب «التدوین»، از علمای بزرگ عامه، و شیخ برهان‌الدین محمد حمدانی قزوینی و مجدالدین ابوالمجد محمد بن حسین قزوینی و ابوموسی مدینی محمد بن عمر اصفهانی از شاگردان وی بودند و از وی روایت کرده‌اند. خواجه نصیر طوسی از طریق شیخ برهان‌الدین محمد حمدانی قزوینی و مجدالدین ابوالمجد محمد بن حسین قزوینی و ابوموسی مدینی محمد بن عمر اصفهانی از او روایت کرده است. رافعی سال وفات وی را پس از ۵۸۵ ق ذکر کرده است. از آثارش: «الفهرس» یا «فهرست اسماء علماء الشیعه و مصنفیهم»، که به «فهرست منتجب‌الدین» معروف است، و در ذکر علمای امامیه از زمان شیخ طوسی تا روزگار مؤلف می‌باشد؛ کتاب «الاربعین عن الاربعین من الاربعین فی فضائل امیرالمؤمنین (ع)»، که در «الذریعه» به صورت «الاربعون حدیثا من الاربعین عن الاربعین» آمده؛ «تاریخ الری»؛ رساله «العصره»، در احکام صلاه و قضا که نسبت این کتاب به وی محقق نیست.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۲۵/۵)، اعیان الشیعه (۲۸۷- ۲۸۶/۸)، التدوین (۲۲۴- ۲۱۹/۳)، الذریعه (۳۹۶- ۳۹۵/۱۶، ۳/۳۶۷، ۳/۴۳۴- ۱/۴۳۳)، روضات الجنات (۳۰۹- ۳۰۴/۴)، ریاض العلماء (۱۴۹- ۱۴۰/۴)، ریحانه (۱۱- ۹/۶، ۲/۳۹۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۹۶/۶)، فوائد الرضویه (۳۱۳- ۳۰۹)، فهرست منتجب‌الدین (۴۹- ۵)، الکنی و الالقاب (۲۱۰- ۲۰۹/۳)، لغت نامه (ذیل / علی قمی)، معجم رجال الحدیث (۱۲/۸۷)، معجم المؤلفین (۷/۱۴۴).

منتجب‌الدین علی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ حر عاملی در کتاب امل‌الآمل گوید: وی مردی فاضل و عالم و ثقة و صدوق و محدث و حافظ بوده و روایت بسیار نموده و علامه است کتاب فهرست که در مقدمه اجازة بحارالانوار بطبع رسیده و نگارنده هم تعلیقاتی بر آن نوشته‌ام از تألیفات ارزنده اوست و نیز در کتاب «فضائل امیرالمؤمنین» علیه‌السلام و غیر از این تألیفات. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

منتظر قائم، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی منتظر قائم

محل تولد: فردوس

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

الف) دوسر حوزوی

تابستان ۱۳۵۱ برای یادگیری عربی به سبک حوزوی وارد مدرسه مصلی (حوزه علمیه یزد) شدم و آبان همان سال به قم آمدم. در مدرسه علمیه منتظریه (حقانی) به تحصیل مشغول شدم. تحصیل را تا پایان سال تحصیلی ۵۷ - ۵۶ ادامه دادم و اوایل سال تحصیلی ۵۸ - ۵۷ با تعطیلی مدرسه حقانی به امور دیگر پرداختم. آبان سال ۱۳۶۱ به حوزه علمیه قم برگشتم و به تحصیل دروس سطح پرداختم.

از سال تحصیلی ۶۲ - ۱۳۶۱ تا پایان سال تحصیلی ۶۶ - ۱۳۶۵ به تحصیل شرح لمعه، رسائل، مکاسب و کفایه پرداختم. از سال تحصیلی ۶۶ - ۱۳۶۵ درس خارج فقه و اصول شرکت کردم و تا سال ۷۴ - ۱۳۷۳ ادامه دادم. از سال ۷۱ - ۱۳۷۰ تدریس در دانشگاه را شروع کردم و تاکنون ادامه دارد. چند سال نیز در «جامعه الزهراء» و «دانشکده هدی» تدریس کردم.

ب) دوسر کلاسیک

دوره شش ساله دبستان (نظام قدیم) را در یزد در مدرسه تعلیمات اسلامی رضانی (از سال تحصیلی ۴۴ - ۱۳۴۳ تا آخر سال تحصیلی ۴۹ - ۱۳۴۸) گذراندم. دو سال اول دبیرستان را در یزد در مدرسه تعلیمات اسلامی «مروج» از سال تحصیلی ۵۰ - ۱۳۴۹ تا آخر سال تحصیلی ۵۱ - ۱۳۵۰ بودم. سال سوم تا ششم دبیرستان (نظام قدیم) ۵۳ - ۱۳۵۲ تا آخر سال تحصیلی ۵۷ - ۱۳۵۶ در قم به صورت متفرقه در رشته ادبی خواندم.

در سال ۵۸ - ۱۳۵۷ در دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، رشته «فلسفه غرب» قبول شدم و بهمن ۱۳۶۴ با معدل ۳/۱۸ فارغ التحصیل شدم. در سال ۶۸ - ۱۳۶۷ در رشته «الهیات و معارف اسلامی» در مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته شدم و در شهریور ۱۳۷۱ با معدل ۶۵/۱۷ مدرک کارشناسی ارشد را از دانشگاه قم گرفتم. پایان‌نامه‌ام ترجمه بخشی از کتاب J.L.mak با عنوان:

«The miracle of theilm» بود که با نمره ۱۹ پذیرفته شد. زمستان سال ۱۳۸۴ در امتحان زبان عمومی و اردیبهشت سال بعد در بقیه امتحان‌های رشته «فقه و مبانی حقوق» دانشکده الهیات دانشگاه تهران در مقطع دکتری شرکت کردم و قبول شدم و از سال ۸۵ تاکنون به تحصیل مشغولم.

(ج) تدریس

تدریس در دانشگاه را از سال تحصیلی ۷۱ - ۱۳۷۰ در دانشگاه علامه شروع کردم. سال بعد در دانشگاه تربیت معلم درس گرفتم. از سال ۷۳ - ۱۳۷۲ تدریس در دانشکده «علوم قضایی و خدمات اداری» را شروع کردم. سال ۱۳۷۴ عضو هیأت علمی این دانشکده شدم و با رتبه مربی تاکنون مشغول تدریسم. در طول این مدت، چندین سال در جامعه الزهراء و دانشکده هدی دانشگاه قم نیز تدریس داشته‌ام.

منتظری مقدم، حامد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حامد منتظری مقدم

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حامد منتظری مقدم متولد شهر مقدس قم در سال ۱۳۴۹؛ تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در روستاهای عارفی و حایری و مدرسه راهنمایی قطب راوندی (شهرقم) گذراندم. عموماً دانش آموز ممتاز بودم و به خوبی آموختم که برای موفقیت در تحصیل باید بسیار زحمت کشید و درس خواند.

در سال ۱۳۶۵، پس از کسب قبولی در سال اول دبیرستان رشته علوم تجربی از دبیرستان انصراف دادم و وارد حوزه علمیه قم شدم. آمدنم به حوزه، هم متأثر از فضای مذهبی قم بود و هم بدین جهت بود که در اساس، خاندان و خویشان من اهل علم هستند و در کسوت روحانیت.

در تحصیلات حوزوی از محضر استادان بسیار ارجمندی بهره مند شدم؛ در مقطع ادبیات، استادان: زیبایی نژاد، عرفان و علیدوست. در مقطع سطح، استادان: قاضی زاده، اشتهاردی، پایانی، وجدانی، محامی، نکونام، حسینی بوشهری و محمدی. درس خارج، استاد علامه «جوادی آملی» (ذکر اساتید در اینجا، به ترتیب استفاده از محضرشان بوده است).

تحصیلات حوزوی را در مدرسه مبارکه رضویه آغاز کردم. در آن دوران، در آن مدرسه در اجرای مقررات سخت‌گیری نمی‌شد و طلاب در یک فضای پر نشاط رشد می‌کردند؛ چنان که به ابتکار و اهتمام برخی از دوستان در تابستان‌ها، اردوهای بسیار مفید علمی برگزار می‌شد که هم درس بود و هم ...

در همان مدرسه، دوستان بسیار عزیزی یافتیم؛ درس خوان و با تقوی و متعهد. بیشتر از همه، هم مباحثه عزیزم جناب آقای دکتر «محمد جواد توکلی» که تا پایان سطح با هم بودیم و بعداً رشته‌های تخصصی مان از هم جدا شد، من مسیر «تاریخ» را در پیش

گرفتم و او در «اقتصاد» به راه افتاد و اکنون در کشور هلند، مشغول به تدوین پایان نامه دکتری است.

مسیر زندگی تحصیلی ام چنین بود که در کنار فراگیری علوم حوزوی، به طور آزاد، مقطع دبیرستان را به اتمام رساندم و در سال ۱۳۷۰ در رشته «فرهنگ و ادب» دیپلم گرفتم. همچنین در سال ۱۳۶۹ وارد موسسه در راه حق شدم. بخش آموزش آن موسسه، بعداً در قالب موسسه ای جدید التاسیس به نام «موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)» به ریاست حضرت استاد علامه «مصباح یزدی» تداوم یافت و من از همین موسسه جدید در سال ۱۳۷۳ مدرک کارشناسی رشته «الهیات و معارف اسلامی» را اخذ کردم.

سپس در سال ۱۳۷۴ فصل مهمی در زندگی علمی من گشوده شد و در موسسه یاد شده به تحصیل در رشته تخصصی «تاریخ»، مقطع کارشناسی ارشد پرداختم. در سال ۱۳۷۹ از مقطع اخیر فارغ التحصیل و همان سال در موسسه مزبور، در مقطع دکتری رشته «تاریخ اسلام» مشغول به تحصیل شدم. اکنون پس از گذراندن واحدهای آموزشی به تدوین پایان نامه دکتری اشتغال دارم.

هم زمان با تحصیل در رشته تاریخ، توفیق به انجام تدریس، تحقیق و تالیف نیز یافتم. در همکاری با مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، مجموعه تلویزیونی «تنهاترین سردار» را نقد کردم. همچنین حدود ۲۰ مقاله علمی تالیف کردم. افزون بر این، پایان نامه کارشناسی ارشد خود را پس از تکمیل، با عنوان: «بررسی تاریخ صلح های پیامبر (ص)» در تابستان ۱۳۸۳ به چاپ رساندم که این کتاب، در جشنواره دانشجویی ۱۳۸۴ ممتاز شناخته شد.

افزون بر این، در همکاری با بخش آموزش موسسه امام خمینی (ره) و مرکز جهانی علوم اسلامی و نیز برخی از دانشگاه ها به تدریس در حوزه های «تاریخ اسلام»، «تاریخ تشیع» و «تاریخ ایران اسلامی» (بالغ بر شصت واحد تدریس) اشتغال داشته ام. اکنون عضو هیئت علمی موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) و عضو هیئت تحریره فصلنامه «تاریخ در آینه پژوهش» هستم.

منتظری مقدم، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود منتظری مقدم

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمود منتظری مقدم در چهاردهم فروردین ۱۳۴۵ از پدری فاضل و دانشمند حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای حاج شیخ محمد صادق منتظری زنجان (همشیره زاده مرحوم آیت الله آقای حاج سید احمد زنجان قدس سره) و مادری نیکوکار و زاهد (صبیه مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ عبدالحسین لنکرانی قدس سره) در شهر مقدس قم به دنیا آمد. وی در خانواده روحانی و ظلم ستیز تربیت یافت که افتخار تقدیم سه شهید را به آرمانهای انقلاب اسلامی با خود دارد: «جهادگر شهید رضا منتظری (برادر)، روحانی شهید حجة الاسلام و المسلمین کاظم منتظری (عمو)، انقلابی شهید محمد تقی منتظری (عمو). تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را در مدارس ممتاز قم (رزاقپور، دین و دانش، حکیم نظامی «امام صادق علیه السلام» سپری کرد.

در سال تحصیلی ۶۱-۶۲ وارد حوزه علمیه قم شد و در طول تقریباً ۷ سال تحصیلات مقدماتی، سطح و سطح عالی را سپری کرد و در آزمون پایانی سطح عالی موفق به کسب رتبه نخست شد. مهمترین استادان وی در دوره تحصیلات سطح عبارت اند از: حضرات آقایان «حجّه‌الاسلام و المسلمین حاج سید مهدی میرباقری»، «مرحوم آیت الله آقای حاج مصلحی» و «آیت الله آقای حاج سید علی محقق» می باشد. پس از اتمام سطح عالی در یک دوره ده ساله دروس اجتهادی خارج فقه و اصول را از محضر حضرات آیات عظام: «مرحوم آقای حاج میرزا جواد تبریزی قدس سره»، «حاج آقا موسی شبیری زنجانی مدظله العالی» و «آقای وحید خراسانی مدظله» استفاده نمود.

در سال ۶۹ با دعوت شورای مدیریت حوزه علمیه قم پس از موفقیت در آزمون مدرسی به عنوان استاد دروس سطح به مراکز آموزشی معرفی شد و از آن زمان تا به امروز یکی از استادان موفق حوزه علمیه قم به شمار می آید و ایشان در سال ۷۵ به عنوان استاد نمونه تدریس منطبق انتخاب و معرفی شدند. هم زمان با دروس حوزوی دروس آموزش عمومی موسسه در راه حق را زیر نظر استاد «آیت الله آقای مصباح یزدی» به مدت ۵ سال گذراند و سپس به تحصیل تخصصی در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (علیه السلام) در رشته های «حقوق و علوم سیاسی» (به مدت ۲ سال) و «فلسفه اسلامی» به مدت ۵ سال پرداخت.

لازم به ذکر است که این بنیاد بعدها به عنوان موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) به کار خود ادامه داد. مهمترین استادان وی در فلسفه اسلامی عبارتند از: «آیت الله جوادی آملی»، «آیت الله مصباح یزدی» و «حجّه‌الاسلام و المسلمین جناب فیاضی». با تاسیس مدرسه تخصصی فقهی از سوی «حضرت آیت الله العظمی شبیری زنجانی» به نام مدرسه فقهی باقرالعلوم (علیه السلام) از سوی معظم له به عنوان مدیر منصوب شدند. (به مدت ۴ سال) و اکنون به عنوان عضو شورای آموزشی به انجام وظیفه هستند.

پس از تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی و واگذاری مسئولیت کلاسهای معارف اسلامی در دانشگاههای کشور به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه از سوی این نهاد مقدس برای تدریس در دانشگاه ها دعوت به همکاری شدند و پس از موفقیت در آزمونهای مربوط در گرایشهای: (مبانی نظری اسلام، تاریخ اسلام، انقلاب اسلامی و ریشه های آن و اخلاق و متون اسلامی) مجوز تدریس دائم را در تمام رشته های مذکور دریافت کردند که پس از آن به مدت تقریباً ۱۴ سال با رتبه استاد یاری اشتغال به تدریس دروس معارف اسلامی در دانشگاه تهران دارند.

لازم به ذکر است مقارن با تحصیلات حوزوی دروس دانشگاهی را نیز تا پایان کارشناسی ارشد در رشته «فلسفه و کلام اسلامی» در دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام) ادامه دادند و با امتیاز عالی از رساله پایان نامه خود با عنوان: «طرحی نو در بهره وری منطق» دفاع کردند. مهمترین اشتغال فعلی ایشان به ترتیب عبارت است از: تدریس، تألیف و تبلیغ می باشد.

منتظری، حسینعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ حسینعلی منتظری نجف آبادی معظم له در حدود سال ۱۳۴۹ قمری در نجف آباد در یک خانواده نسبتاً متوسطی به دنیا آمده و پس از پرورش و خواندن اولیات و سطوح متوسط در اصفهان و زادگاه خود در سال ۱۳۵۸ قمری مهاجرت به قم و در یکی از حجرات فوقانی مدرسه فیضیه اقامت نموده و با مرحوم استاد شهید آیت الله مطهری آشنا و چون همفکر بودند مراد به برقرار و به اتفاق دوست فاضل و همشهری دانشمند خود حضرت حجت الاسلام حاج شیخ اسدالله نوراللهی به درس مرحوم آیت الله محقق

داماد و آیت‌الله العظمی امام خمینی و دیگر مراجع چون آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله العظمی بروجردی از اول ورودشان به قم تا آخر عمر آن مرحوم شرکت و حد اعلائی استفاده را نموده تا به مدارج عالیه اجتهاد رسیده و خود صاحب نظر و رای شده... و تقریرات دراسات خود را به رشته تحریر در آورده و بعد از مرحوم آیت‌الله بروجردی منحصرأ به رهبر ملت امام خمینی پیوسته و تقریرات ایشان را هم به طبع رسانیده و در علوم عقلی هم از علامه بزرگ آیت‌الله طباطبائی بهره‌های وافی برده است.

آیت‌الله منتظری که در نقش انقلاب اثر چشمگیری داشته و به جرم مبارزات و همکاری با استاد بزرگوار خود امام خمینی چندین بار گرفتار عوامل جنایتکار ساواک ضد مردمی شده و به زندان و تبعید مبتلا گردیده حتی در چند سال اخیر تحمل شکنجه‌های دژخیمان و عمال سازمان سیا و حکومت طاغوتی را نموده تا در سوم آبانماه ۱۳۵۷ شمسی در روز آزادی زندانیهای سیاسی به سبب جنبش ملت آزاد و به قم برگشته و به ادامه مبارزات خود بر علیه دولت غیر قانونی و سلطنت غاصبانه و ظالمانه سلسله پهلوی پرداخته تا درخت نهضت به ثمر رسیده و نخل انقلاب شکوفا گشته و پیروزی نصیب ملت و محمدرضا پهلوی فرار را برقرار اختیار و دولت بی‌اختیار بختیار برای همیشه ساقط و جمهوری اسلامی اعلام گردید.

آقای حاج شیخ حسینعلی منتظری نجف‌آبادی از علماء بنام و مدرسین حوزه علمیه قم است عالمی محقق و مدرسی مدقق است تولدش در نجف‌آباد اصفهان واقع شده و پس از طی مقدمات و خواندن ادبیات به قم مهاجرت نموده و سطوح عالی را از اساتید قم آموخته و از دروس و ابحاث آیات عظام حوزه چون مرحوم آیت‌الله العظمی حجت و دیگران و بالاخص بالغ بر ۱۸ سال از درس و بحث مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی رحمه‌الله استفاده کرده تا در حوزه علمیه مشاربا لبنان گردیده است.

از آثار ایشان تقریرات و دراسات آیت‌الله العظمی امام خمینی و بروجردی است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

منتظم الحکماء، مهدی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، موسیقیدان و پزشک. وی از شاگردان میرزا عبدالله بود و در نواختن سه تار مهارتی بسزا داشت و شاگردان میرزا عبدالله بعد از فوت استادشان، او را جانشین استاد خود می‌دانستند. منتظم الحکماء مدتی هم شاگرد محمدصادق خان سرورالملک بود و به همین جهت در ردیف نوازی او، آثاری از آن استاد دیده می‌شود. مهدی قلی خان هدایت، مخبر السلطنه (م ۱۳۳۴ ق)، سالها معاصر و معاشر وی بود. مخبر السلطنه تمام دستگاهها را طبق روایت او به خط موسیقی نگاشته و این کار در حدود هفت سال به طول انجامیده است و اکنون یکی از بهترین منابع موسیقی ایرانی و ردیف میرزا عبدالله می‌باشد. منتظم الحکماء در زمینه پزشکی نیز استاد بود و در مطب خود بیماران را معالجه می‌کرد و به دلیل علاقه به موسیقی، عصرها نیز کلاس موسیقی دایر کرده بود. حاجی آقا محمد ایرانی مجرد، اسماعیل قهرمانی، سید مهدی دبیری نخست و قوام السلطان از شاگردان وی بودند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: استادان موسیقی (۵۷-۵۶)، تاریخ موسیقی (۷۱۲، ۵۷۸، ۵۱۸، ۵۰۸، ۵۰۴/۲)، سرگذشت موسیقی (۱۲۱-۱/۱۲۰)، مردان موسیقی (۳/۱۸۲).

منجم باشی، عبدالوهاب

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۸۹ - ۱۲۵۰ ق)، ریاضیدان، منجم، استاد و ادیب. او منجم باشی مهد علیا، مادر ناصرالدین شاه، بود. از محضر پدرش، ملا علی محمد، که جامع معقول و منقول و ریاضیدانی مشهور بود، استفاده نمود و تحصیلات خود را در دارالفنون ادامه داد و سالها در آنجا به تدریس پرداخت. از آثارش: «نجوم القرآن فی اطراف الفرقان»، که ترجمه‌ای است به فارسی از «کشف الآیات» گوستاوفلوگل، مستشرق آلمانی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۸/۱۳۱)، تذکره القبور (۴۱۶)، الذریعه (۲۴/۸۲)، شرح حال رجال (۶/۱۵۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۰۹-۸۰۸/۱۳).

منجم یزدی، محمد

قرن: ۱۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جلال‌الدین محمد منجم یزدی صاحب تاریخ صفویه که نسخه خطی آن به شماره ۳۷۲۲ در کتابخانه ملک ثبت و این شعر بابا سلطانی قمی در آن کتابست.

هیچ میدانی چرا شفا ندهد

کور و شل در مدینه پیغمبر

تا نگویند سنیان بیقین

کین زاعجاز بوبکست و عمر

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مندری هروی، ابوالفضل محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۲۹ ق)، لغوی، نحوی، ادیب و مصنف. اهل هرات بود. از ثعلب و مبرد ادبیات عرب را فراگرفت. شیخ ابومنصور محمد بن احمد ازهری از شاگردان و راویان وی است. به گفته‌ی ازهری او سالها ملازم ابوهیثم رازی بود و نوشته‌های خود را بر او عرضه می‌داشت. حموی گوید که وی نحوی و لغوی بود و در این فن تصنیفات داشت. از آثارش: کتاب «نظم الجمان»؛ کتاب «الملتقط»؛ «الفاخر» یا «مفاخر المقال فی المصادر و الافعال»؛ «الشامل».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۶/۲۹۸)، ریحانه (۶/۱۴)، کشف الظنون (۱۹۶۱، ۱۸۱۲، ۱۷۵۸، ۱۰۲۵)، معجم الادباء (۱۰۱-۱۸/۹۹)،

معجم المؤلفین (۱۵۸- ۱۵۷/۹)، الوافی بالوفیات (۲/۲۹۷)، هدیة العارفین (۲/۳۵).

منزوی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد منزوی، فهرست نگار و کتاب شناس معاصر است. او در سال ۱۳۰۲ ش در سامره، و در یک خانواده مذهبی دیده به جهان گشود. وی تا ده - دوازده سالگی در آنجا بود و سپس به ایران بازگشته و تحصیلات خود را ادامه داد. منزوی پس از فارغ التحصیل شدن از دانشگاه به عنوان دبیر دبیرستان مشغول به فعالیت شده است. وی پس از بازنشستگی نیز به کارهای تحقیقاتی خود پرداخته است. فعالیت های وی در «مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان» به مدت ۱۵-۱۶ سال طول کشید. او سپس در «مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی» به فعالیت پرداخته است. منزوی از محققان پر تلاشی است که با قناعت و فروتنی، به امید شناساندن آثار علمی و فرهنگی ایران به بررسی فهرست ها و نسخه های گوناگون پرداخته است. کتاب "فهرست واره کتاب های فارسی" تالیف وی، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شده است.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: فهرست نگاری

والدین و انساب: نام پدر احمد منزوی، حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی، نگارنده دایره المعارف بزرگ کتاب شناسی «الذریعه الی تصانیف الشیعه» و «طبقات اعلام الشیعه» است. مادرش، مریم خانم، دختر آقا سید احمد دماوندی (از روحانیون روزگار) بود که فرزندان ایشان با نام خانوادگی «آریان» در تهران و ایران پراکنده هستند. پدر احمد منزوی، در کنار مشروطه خواهان بود، لیکن پس از آن که متوجه شد مشروطیت در مسیر دلخواه قرار نگرفته است، به کار نگارش ذریعه و طبقات پرداخت، و شهر سامره را (که دور از هر غوغایی بود) برگزیده، و به کار تحقیق پرداخت. احمد نقل می کند که برنامه کاری پدرش آن قدر دقیق بود، که بیشتر آشنایان قلم زن ایشان، خاطره ای از آن نوشته اند. او پی گیری کار پژوهش، اختصاص دادن تمام اوقات خود به آن، و حضور ذهن پدر نسبت به دانشمندان شیعه را شگفت آور می داند.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: شرایط اجتماعی خانواده احمد منزوی چندان که باید مناسب نبود. احمد منزوی، برادر دکتر علی نقی منزوی و دکتر محمد رضا منزوی است. بازداشت و سپس به شهادت رسیدن محمد رضا در سال ۱۳۳۲ ش باعث شد که علی نقی به کارهای سیاسی کشیده شود. این امر به نوبه خود باعث برهم خوردن اوضاع اجتماعی خانواده گردد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: احمد منزوی مقدمات علوم را نزد پدرش (مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی) فرا گرفت. او در دوازده سالگی به نجف اشرف سفر کرد. و کلاس ششم ابتدایی را در مدرسه علوی ایرانیان در شهر نجف گذرانید. وی در بیست سالگی، یعنی در سال ۱۳۲۲ ش، همراه پدر به ایران بازگشت و پس از اخذ دیپلم از مدرسه دارالفنون به دانشکده معقول و منقول راه یافت. منزوی در مورد تحصیلات دانشگاهی خود نقل می کند که «پدر دست مرا در دست شادروان استاد سید محمد مشکات نهاد و با معرفی و یاری ایشان به تحصیل در رشته معقول در دانشکده معقول و منقول پرداختم.» او در سال ۱۳۲۷ ش در رشته الهیات از آن دانشکده با مدرک لیسانس فارغ التحصیل شد.

فعالتهای ضمن تحصیل: احمد منزوی پس از کوچ خانواده از سامره به نجف در سال ۱۳۱۴ ش، در کنار تحصیلات خود، در کارگاه دوزندگی مشغول به کار شد. او پنج سال از عمرش را در مغازه میرزا محمد شیرازی به کارگری پرداخت و دوزنده شد. علاوه بر آن، کلاس ششم ابتدایی را نیز در دبستان علوی ایرانیان نجف به پایان رسانید.

استادان و مربیان: احمد منزوی در طول تحصیل خود در تهران از محضر استادانی همچون استاد محمد تقی دانش پژوه، استاد سید محمد باقر سبزواری، استاد احمد بهمنیار، استاد ایرج افشار، استاد سید محمد مشکات، استاد فاضل تونی، استاد بدیع الزمان فروزانفر، دکتر غلامحسین یوسفی، استاد محمد تقی مدرس رضوی، دکتر علی اکبر فیاض، استاد راشد، دکتر علی نقی منزوی (برادرش) و دیگران بهره برده است. همچنین دکتر محمد محمدی نیز از دیگر اساتید وی بود. او ادبیات فارسی را نزد عمویش، حاج محمد ابراهیم بهشتی پور، و جامع المقدمات را نزد شاگردان پدر آموخت. لیکن نخستین استاد وی در زمینه کتاب شناسی، پدرش بود.

هم دوره ای ها و همکاران: استاد دکتر محمد تقی دانش پژوه، استاد دکتر مهدی محقق، استاد سید کاظم موسوی بجنوردی، استاد ایرج افشار و دکتر محمد رضا نصیری از دوستان احمد منزوی می باشند. همچنین استاد دکتر فتح الله مجتبابی و عنایت الله مجیدی، نیز از دوستان دیگر منزوی هستند. منزوی به هنگام فعالیت در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران با حسین بنی آدم، عباس مافی و خانم هارتوریان همکار بوده است.

همسر و فرزندان: احمد منزوی در سال ۱۳۲۷ ش که در بندرانزلی به تدریس مشغول شده بود، با یکی از همکارانش به نام خدیجه جاویدی ازدواج کرد. حاصل این وصلت دو دختر است که هر دو مهندس بوده، و نسرين (زویا) و شورا نام دارند.

وقایع میانسالی: احمد منزوی برای فراهم کردن «فهرست مشترک از همه نسخه های فارسی» لازم دید که به شبه قاره هند سفر کند. بدان علت در پاییز ۱۳۵۶ به پاکستان، افغانستان و هند مسافرت کرد. او سفر خود را با هزینه شخصی و از راه زمین (از زاهدان به کوئته) آغاز کرد، و از آن جا نیز به دیگر شهرهای پاکستان رفت. شایان ذکر است که وی پیش از اقامت در پاکستان سفری ۴۵ روزه در افغانستان داشته است. در واقع، در این سال بود که او در «مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان» به کارهای تحقیقاتی پرداخته است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: احمد منزوی در سال ۱۳۴۵ ش با معرفی جلال آل احمد جذب «موسسه علوم اجتماعی» شد که ریاست آن را دکتر احسان نراقی بر عهده داشت. او در سال های ۱۳۳۵ با ایرج افشار به فهرست نویسی از نسخه های چاپ سنگی پرداخت، و در سالهای ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۹ ش با معرفی دکتر سید علی اکبر جعفری در «مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان» مشغول فعالیت شد. وی در سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵ ش مشاور علمی در نگارش «دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره» بود. از دی ماه ۱۳۶۹ تا به حال هم در «مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی» به عنوان کارشناس ارشد بخش فهرست نویسی مشغول فعالیت می باشد. منزوی در پاییز ۱۳۵۶ ش به شبه قاره هند سفر کرد. او طی آن سفر در «مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان» به کار گمارده شد، و تحقیق در مورد نسخه های خطی فارسی را آغاز کرد. وی تا پایان سال ۱۳۶۹ آنجا بود و سپس به علت بیماری های پیاپی به تهران بازگشت. او در تهران در «مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی» مشغول فعالیت شد. در زیر به برخی از فعالیت های استاد منزوی اشاره می شود: - فهرست نویسی در کتابخانه های مجلس و آستان قدس رضوی؛ - فهرست نویسی کتاب های چاپ سنگی برای مرکز استاد دانشگاه تهران؛ - تدوین فهرست نسخ خطی و عکسی در دایره المعارف بزرگ اسلامی.

فعالتهای آموزشی: احمد منزوی در سال ۱۳۲۷ ش به استخدام آموزش و پرورش بندرانزلی درآمد. وی در سال ۱۳۲۹ ش به تهران منتقل شده و به تدریس پرداخت. تا اینکه در سال ۱۳۵۶ ش بازنشسته شد. منزوی در بندر انزلی به عنوان دبیر دبیرستان پسرانه فردوسی و دبیرستان دخترانه شاهدخت به تدریس ادبیات فارسی و زبان عربی و دینی پرداخت. وی سپس از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۵۶ ش

با همان سمت دبیری در دبیرستان پانزده بهمن (بخش چهار فرهنگ تهران) مشغول شده است. منزوی از سال ۱۳۵۶ ش به مدت ۱۶-۱۵ سال در خدمت «مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان» بود. او از سال ۱۳۶۹ ش تا به حال به مدت ۱۲ سال در «مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی» مشغول به فعالیت می باشد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: احمد منزوی هرروز یک ساعت پیش از غروب آفتاب، تا نیم ساعت پس از آن، به راه پیمایی یا پیاده روی می پردازد. او که از مرداد ۱۳۶۹ ش به مدت ۱۲ سال در مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی مشغول به کار است، حتی یک روز هم از مرخصی کارمندی خود استفاده نکرده است. وی درباره برنامه روز جمعه خود چنین اظهار می دارد که «همه جمعه ها به خانه برادرم رفته و ساعت ۲ بعدظهر به خانه برمی گردم». منزوی راز بقا و طول عمر خویش را چنین بیان می کند: «... این راز درازی عمرم بود: برنامه یکسان و دقیق، برای انجام کار.»

شاگردان: احمد منزوی نقل می کند که «بد روزگاری است، احساس می کنم زمان مناسب پرورش شاگردان نیست. انگیزه برای جوانان نمانده است، نه انگیزه مادی و نه انگیزه روحی.» لیکن او سپاسگزار است که در میانه دهه پنجاه و شصت به موفقیت هایی دست یافته و موفق شده است که چند تن را به ایران شناسی و بخش فهرست نویسی علاقمند نماید. همانند دکتر سید عارف نوشاهی، که یکی از شخصیت های شناخته شده پاکستان در فهرست نگاری و کتاب شناسی است. دیگر، سید خضر عباس نوشاهی است که چندین مجلد «فهرست» از نسخه های خطی به زبان فارسی و زبان اردو در پاکستان منتشر کرده است. سومین شاگرد او، خانم دکتر انجم حمید است که «راهنمای فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی» را در یک مجلد نگاشته است.

آرا و گرایشهای خاص: احمد منزوی درباره استفاده از کامپیوتر در کارهای تحقیقاتی معتقد است که کشور ایران تا ۱۰-۱۵ سال دیگر به منابع کتابی (کاغذی) نیاز دارد. او عقیده دارد که پرش از فرهنگ و پژوهش کتابی، یعنی منابع و ماخذ کتابی، به مرتبه بهره مندی از رسانه ها و اطلاعات جهانی به گونه شتابزده، راه درستی نیست.

جوایز و نشانها: احمد منزوی در سالهای ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۸ سفرهای مطالعاتی و تحقیقاتی به کشورهای هند و پاکستان داشته است و از سوی بنیادها و مراکز مختلفی مانند انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، سرای اهل قلم و مجلس شورای اسلامی مورد قدردانی قرار گرفته است. همچنین در سال ۸۳ از طرف سازمان صدا و سیما به عنوان چهره ماندگار معرفی شد. از دیگر افتخاراتی که استاد منزوی کسب کرده است، انتخاب کتاب "فهرست واره کتابهای فارسی" تالیف وی، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال است. -----

آثار:

- ۱ تحریر و ویرایش ترجمه فارسی کتاب یو.ا.برگل
- ویژگی اثر: (ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری)
- ۲ سعدی بر مبنای نسخه های خطی پاکستان
- ۳ فهرست نسخه های خطی فارسی
- ویژگی اثر: ۶ جلد
- ۴ فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای ملی
- ویژگی اثر: (زیر نظر ایرج افشار و محمد تقی دانش پژوه)
- ۵ فهرست نسخه های خطی کتابخانه و موزه ملی ملک
- ویژگی اثر: ۹ جلد

۶ فهرست نسخه‌های خطی گنج بخش پاکستان

ویژگی اثر: ۴ جلد

۷ فهرست واره کتاب‌های فارسی

ویژگی اثر: تالیف، این کتاب، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: «فهرست واره کتاب‌های فارسی» فهرستواره کتاب‌های فارسی/ به کوشش احمد منزوی. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۲ ج [۸ ج تاکنون]، ج ۶، ۱۳۸۱. فهرستواره، در واقع، یک سرشماری است از کتاب‌های فارسی، یا به تعبیری «فهرست فهرست‌ها» که گام نخست برای تدوین کتابنامه کتاب‌های فارسی است. این سرشماری از هر آنچه بتوان بر آن یک اثر مکتوب نام نهاد صورت گرفته است: کتاب‌های مشخص و معنون، رساله‌های کوتاه، دیوان‌های مشخص و معنون، اجزای دیوان‌ها از درون مجموعه‌ها و جُنگ‌ها، مانند «ترجیع‌بند» و «رباعی» و چند «غزل» و یا «رباعی» و گنجاندن این اجزای پراکنده از یک دیوان و یا سروده‌های باقی‌مانده از یک سراینده را به زیر یک عنوان تا آسان‌تر در دسترس مراجعه‌کنندگان قرار گیرد. برای این سرشماری، شماری از منابع کتابشناسی و فهرست‌ها توزیع شده و آگاهی‌های لازم برای آن سرشماری از سطر به سطر بیرون کشیده شده و می‌شود. این آگاهی‌ها بر برگه‌هایی مناسب با ذکر منبع نوشته شده و می‌شود و برگه‌ها بر حسب الفبا در نام کتاب‌ها و قفسه‌ها جای گرفته و می‌گیرد. فهرستواره کتاب‌های فارسی حاصل ادغام این برگه‌هاست. گستره فهرستواره از آغاز پیدایش زبان فارسی دری تا پایان چاپ سنگی است؛ دوره‌ای که زبان فارسی جزو زبان‌هایی بوده که در بنای فرهنگ و تمدن امروز جهان بنیادی‌ترین سنگ‌ها را بر جای گذاشته است. کتاب‌ها و نگاه‌های این دوره است که از اصالت ایرانی بهره داشته است و بررسی دوره‌های پسین به دیگران واگذار شده است

۸ ویرایش الذریعه الی تصانیف الشیعه

ویژگی اثر: تألیف شیخ آقا بزرگ تهرانی

منابع زندگینامه: www.ketabesal.ir زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد احمد منزوی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۱، صص ۷-۲۶۳ کتاب هفته، شنبه ۳۰ آذر، ۱۳۸۱، ص ۴

منشار عاملی

قرن: ۱۱

جنسیت: زن

ملیت: ایران

قرن یازدهم هجری، از زنان فقیه و محدث شیعه. پدرش در زمان سلطنت شاه طهماسب اول صفوی (۹۸۴-۹۳۰ ق)، شیخ‌الاسلام اصفهان بود. وی تنها فرزند خانواده بود. نزد پدرش فقه و حدیث فراگرفت و با شیخ‌بهایی (۱۰۳۱ / ۱۰۳۰-۹۵۳ ق) ازدواج کرد روزی که به خانه همسرش رفت تعداد زیادی کتاب در علوم و فنون مختلف به همراه جهازش با خود برد. صاحب ریاض به نقل از علما و فضلالی سالخورده و معتمد که وی را درک کرده بودند می‌نویسد که او در کودکی فقه و حدیث و علوم دیگر تدریس می‌کرد و زنان نزد او درس می‌خواندند. به گفته برخی از فضلالی آن زمان، وی دانش فراوان و فضل زیادی داشت. زمانی که پدرش درگذشت همه اموال و املاک، از جمله کتابهای او که چهار هزار جلد می‌شد به دخترش به ارث رسید. بسیاری از این کتابها را منشار از هند با خود به همراه آورده بود. وی مدتی پس از مرگ همسرش زنده بوده است.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منابع: اعلام النساء، ۳۳۳-۳۳۲ / ۳؛ اعیان الشیعه، ۶۰۷، ۲۷۵ / ۲؛ تذکره القبور، ۳۰؛ تکمله امل الامل، ۴۴۸-۴۴۷؛ دایره المعارف تشیع، ۴۲۳ / ۳؛ ریاحین الشریعه، ۲۲۵ / ۴؛ ریاض العلماء، ۴۰۷ / ۵؛ ریحانه الادب، ۳۶۶ / ۸؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ۱۱۵؛ النساء المومنات، ۲۶۸.

منشی باشی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن علی محمد، فرزند میرزا هادی نائینی، فاضل ادیب، منشی امین السلطان میرزا علی اصغر خان بوده، و معروف به مستشار خاقان است.

در رمضان ۱۳۶۰ به سن ۷۵ سالگی در اصفهان وفات یافته است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

منشی، ابوالمعالی نصرالله

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(مقتول ۵۸۳-۵۵۵ ق)، ادیب و شاعر. ملقب به حمیدالدین. اهل شیراز یا از مردم غزنین بود که در زمان یمن الدوله بهرامشاه غزنوی می‌زیست و نزد این پادشاه تقرب داشت. در زمان خسروشاه (۵۵۹-۵۵۲ ق) به سمت دبیری رسید و در دربار همین سلسله تا وزارت پیش رفت. از جمله استادان وی می‌توان به قاضی محمد بن عبدالحمید اسحاق، برهان‌الدین عبدالرشید نصر، صاعد میمنی، ابوالحامد غزنوی، عبدالرحمان بستی و محمد سیفی اشاره کرد. ابوالمعالی علاوه بر مهارتی که در نثر و ترسل داشت، در نظم فارسی نیز سرآمد بود. وی به زبان عربی نیز اشعاری سروده است. از شعرای بزرگی که ابوالمعالی را در اشعار خود ستوده و مدح نموده‌اند، می‌توان به سید حسن غزنوی که از بزرگان شعرا و ادبای روزگار بهرامشاه غزنوی است، اشاره کرد. به آورده‌ی عوفی در «لباب الالباب» او در اثر سعایت بدخواهان در زمان خسروملک (۵۸۳-۵۵۹ ق) به زندان افتاد و سرانجام در آنجا به قتل رسید. در مورد نام وی بین تذکره‌ها اختلافاتی وجود دارد. از آثارش: «کلیله و دمنه بهرامشاهی» که ترجمه «کلیله و دمنه» عربی ابن مقفع است و به امر بهرامشاه غزنوی (۵۵۲-۵۱۱ ق) در حدود (۵۳۹-۵۳۶ ق) به فارسی برگردانده شده است؛ «دیوان» شعر. [۱]

نصرالله بن محمد بن عبدالحمید مکنی به ابی‌المعالی. وی در زمان بهرامشاه غزنوی می‌زیست و نزد این پادشاه تقرب تام داشت و به خاطر این اختصاص ابوالمعالی پس از اتمام ترجمه‌ی کلیله کتاب را به نام بهرامشاه مزین کرد و آن را کلیله و دمنه‌ی بهرامشاهی نامید. مرگ ابوالمعالی بین سالهای ۵۵۵ تا ۵۸۳ ه. ق اتفاق افتاده و تاریخ ترجمه‌ی کتاب کلیله و دمنه نیز باید در حدود سالهای ۵۳۶ تا ۵۳۹ ه. ق باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ ادبیات در ایران (۹۵۲-۹۴۸/۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۱۸-۱۱۷، ۷۸)، تذکره الشعراء (۸۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس ۶۶۷-۶۶۶/۵، دایره‌المعارف فارسی (۲/۳۰۳۱)، الذریعه (۱۸/۱۳۵، ۹/۱۱۹۴)، ریحانه (۲۷۱-۲۷۰/۷)،

سبک‌شناسی (۲۹۶- ۲۴۸ / ۲)، صبح گلشن (۵۲۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۱۳- ۴۱۲)، فرهنگ سخنوران (۹۳۳)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۲۹)، کشف‌الظنون (۱۵۰۹- ۱۵۰۸)، کلیه و دمنه (مقدمه)، لب‌الالباب (۹۳- ۹۲ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل / نصرالله)، مجمع‌الفصحا (۳ / ۱۴۴۷)، مرآت‌الفصاحه (۶۵۷- ۶۵۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۵- ۵۹۳ / ۶)، هفت اقلیم (۱۸۸- ۱۸۷ / ۱).

منشی، روح‌الله

قرن: ۱۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(؟)، مورخ و نویسنده. وی گزیده‌ای از «ظفرنامه‌ی» شرف‌الدین علی یزدی دارد به نام «تاریخ پسندیده».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: فهرست‌واره‌ی کتابهای فارسی (۸۵۵/۲).

منشی‌زاده، داوود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۸- ۱۲۹۳ ش)، نویسنده، مترجم و استاد دانشگاه. در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در ۱۳۱۰ ش با محصلین اعزامی رهسپار فرانسه شد و در ۱۳۱۶ ش از دانشگاه دیژن موفق به اخذ لیسانس ادبیات گردید. بعد به آلمان رفت و در ۱۳۲۲ ش دکترای فلسفه و ادبیات خود را از دانشگاه برلن دریافت کرد. پس از خاتمه‌ی جنگ جهانی دوم و افتتاح دانشگاه مونیخ، در ۱۳۲۶ ش، یک قسمت از تدریس ایران‌شناسی در آن دانشگاه به وی واگذار شد و در ۱۳۲۸ ش برای تدریس زبان فارسی به دانشگاه اسکندریه‌ی مصر رفت و در ۱۳۳۰ ش به ایران بازگشت. پس از مراجعت به ایران جمعیت سیاسی سومکا (مختصر شده‌ی حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران) را تشکیل داد. از آثار وی: «دری‌در پی بهشت»؛ «پیکار با اهریمن»؛ «کمونیسم و لیبرالیسم»؛ «خط سومکا»؛ «پسر گمشده»؛ ترجمه: «داریوش یکم»، پادشاه پارسها، ترجمه: «دوران‌دیشی در تکنیک»، ترجمه: «طغیان توده‌ها»، ترجمه: «آسیا در کشمکش با اروپا»، هون‌ها با ساسانیان، ترجمه: [۱].

محقق.

تولد: ۶ شهریور ۱۲۹۳، تهران.

درگذشت: ۲۹ تیر ۱۳۶۸، اوپسالا.

داود منشی‌زاده، فرزند ابراهیم (میرزا ابراهیم‌خان منشی‌زاده از فعالان انقلاب مشروطیت بود و چون یکی از مؤسسان کمیته مجازات بود، تیرباران شد)، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران به پایان رسانید و در سال ۱۳۱۰ با محصلین اعزامی رهسپار فرانسه شد و در سال ۱۳۱۶ از دانشگاه دیژن (فرانسه) به اخذ درجه‌ی لیسانس ادبیات (فلسفه) نایل شد و در اواخر همان سال به آلمان رفت و در سال ۱۳۲۲ دکترای فلسفه و ادبیات خود را از دانشگاه برلین گرفت و در آلمان متأهل شد. در موقع سقوط برلین هفت روز به خاتمه‌ی جنگ مانده مجروح شد و دو سال تمام در بیمارستان‌های پستدام و برلین و مونیخ به سر برد. در سال ۱۳۲۶ که دانشگاه مونیخ پس از جنگ افتتاح می‌شد، یک قسمت از تدریس ایران‌شناسی به وی واگذار شد. در سال ۱۳۲۸ برای یک سال و چند ماه

برای تدریس زبان فارسی با رتبه‌ی استاد میهمان به دانشگاه اسکندریه مصر رفت و در سال ۱۳۳۰ به ایران مراجعت نمود و بلافاصله جمعیت سیاسی «سومکا» را تشکیل داد که مختصر شده‌ی حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران بود. سپس از ایران خارج شد و در دانشگاه اوپسالا به مقام استادی دانشگاه رسید و تدریس فرهنگ ایران زمین باستان را بر عهده داشت. وی در سال ۱۳۵۹ بازنشسته شد.

از آثار اوست: آسیا در کشمکش با اروپا (هون‌ها، ساسانیان) (از فرانتس آلتهایم، ۱۳۴۳)؛ انتلکتول و دیگری (خوزه اتکای گاست، ۱۳۲۲)؛ پسر گمشده (آندره ژید، ۱۳۳۶)؛ پیکار با اهریمن (۱۳۳۰)؛ جهاننداری پارسها (نوشته ه. ه. شدر، ۱۳۳۵)؛ خط سومکا (۱۳۳۳)؛ داریوش یکم پادشاه پارسها (پتروبولیوس یونگه، ۱۳۳۴)؛ دربدر در پی بهشت (۱۳۳۲)؛ دوران‌دیشی در تکنیک (خوزه اتکای گاست، ۱۳۳۲)؛ طغیان توده‌ها (خوزه اتکای گاست، ۱۳۳۴)؛ کمونیسم و لیبرالیسم (۱۳۳۶)؛ گیل گمش کهنه‌ترین حماسه‌ی بشری (گئورگ بورکهارت، ۱۳۳۴)؛ مایا دختر گریز آن‌کندو (والدمایر نسلس، ترجمه با امضای د. م.، ۱۳۳۲)؛ وهرود و ارننگ (پژوهشی از ژوزف مارکوات، ۱۳۶۸). از دکتر منشی‌زاده، مقاله‌های ادبی در مجله‌ی «یادگار» و مجله‌ی «دانش» به طبع رسیده است. وی همچنین آثاری به زبان آلمانی دارد.

فرزند میرزا ابراهیم خان منشی‌زاده، در ۱۲۹۳ در تهران متولد شد. وقتی پنج ساله بود پدرش که از اعضای برجسته و مغز متفکر کمیته مجازات بود، به قتل رسید. داود در سن هفده سالگی دیپلم متوسطه دریافت نمود و در مسابقه اعزام محصل به خارج شرکت نمود و از طرف دولت برای انجام تحصیلات عالی به فرانسه اعزام شد. وی در پاریس درجه‌ی لیسانس در ادبیات فرانسه گرفت و بعد به آلمان عزیمت نمود و سرانجام در ۱۳۲۲ از دانشگاه برلن به دریافت درجه‌ی دکترای ادبیات و فلسفه نائل شد و از سال ۱۳۲۶ به تدریس ایران‌شناسی در دانشگاه مونیخ پرداخت و چندی هم استاد مدعو در دانشگاه اسکندریه مصر بود.

منشی‌زاده پس از بیست سال توقف در اروپا که قسمت اعظم آن در آلمان سپری شده بود با افکار فاشیستی به ایران بازگشت و لدی‌الورود به تشکیل حزب سومکا (حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران) پرداخت و عده‌ی زیادی از جوانان در این حزب عضویت یافتند و با لباس و آرم مخصوصی در تظاهرات مردمی شرکت می‌کردند. بعضی وقتها تندرویهای زیادی از آنها بروز می‌نمود که طبعاً پلیس از آن جلوگیری و احیاناً به زدوخورد منجر می‌شد. رهبر حزب هم روی همین اصل، چند بار از طرف حکومت نظامی بازداشت شد. در سال ۱۳۳۱ از شکم حزب سومکا، حزب دیگری به رهبری هادی سپهر بنام آریا با همان برنامه طرفداری از آلمان متولد شد. حزب سومکا روزنامه‌ای به همین نام منتشر می‌کرد. از جوانان تند و تیزی که در آن ایام در آن حزب فعالیت می‌کردند، یکی دکتر داریوش همایون و دیگری دکتر امیر شاپور زندنیا بودند. منشی‌زاده بعد از کودتای ۱۳۳۲ ایران را ترک کرد و در دانشگاه اوپسالا به استادی رسید و فرهنگ ایران زمین را تدریس می‌کرد. در ۱۳۶۸ در ۷۵ سالگی درگذشت. از وی آثار زیادی به زبان آلمانی و فرانسه و فارسی باقی مانده است که از بیست جلد متجاوز است. در سال ۱۳۴۲ که تیمور بختیار علیه شاه مشغول فعالیت شد، دکتر منشی‌زاده همکاری بختیار را پذیرفت و در زمره مخالفان شاه شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۷۹۲، ۲۶۸۰، ۲/۲۲۶۵، ۱۴۶۴، ۱۳۷۳، ۱۳۲۴، ۱۲۷۳، ۱۰۸۶، ۶۶۷، ۶۱۰، ۳۵۰، ۳۴۹-۱/۳۹)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱-۵۸/۳).

منصف، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: دندان پزشکی، دانشکده: دندان پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای دندان پزشکی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳، اخذ مدرک SM در رشته اندودنتیکس از دانشگاه لندن در سال ۱۳۴۹.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده دندان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام ۶ پروژه تحقیقاتی در زمینه معالجه ریشه دندان چند بر روی دندان‌های حیوانات به صورت آزمایشی که نتیجه آن به صورت یک گزارش در سال ۱۹۹۳ در آمریکا مطرح گردید، عضویت در جامعه دندان پزشکان ایران (F.D.I) و عضو اندودنتیستهای آمریکا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۷، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

تحقیقات دندان پزشکی به صورت مقاله که در کنفرانس‌های بین‌المللی ارائه گردید.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

منصوری رشتی، ذبیح‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۵-۱۲۸۸ ش)، نویسنده و مترجم. در رشت به دنیا آمد. نام اصلیش ذبیح‌الله حکیم الهی رشتی است. پس از گذراندن دوره‌ی ابتدایی به همراه پدر، برای ادامه‌ی تحصیل، به فرانسه رفت و زبان فرانسه را به طور کامل آموخت. پس از بازگشت به ایران، به کار تألیف و ترجمه پرداخت و آثار فراوانی از زبانهای انگلیسی و فرانسه و عربی ترجمه کرد. دامنه‌ی فعالیت وی در زمینه‌های رمان پلیسی، رمان تاریخی، زندگینامه و آثار تاریخی می‌باشد. منصوری نخستین کسی بود که آثار موریس مترلینگ، نویسنده و متفکر بلژیکی، را به فارسی ترجمه کرد. از دیگر ترجمه‌های وی: «محمد (ص) پیغمبری که باید از نو شناخت»؛ «مغز متفکر جهان شیعه»؛ «امام حسین (ع) و ایران»؛ «آوارگی من»؛ «اسرار هفت گانه»؛ «افکار کوچک و دنیای بزرگ»؛ «اندیشه‌های یک مغز بزرگ»؛ «اندیشه‌های یک مغز بزرگ»؛ «یکسالی در میان ایرانیان»؛ «ناپلئون و حمله به انگلستان»؛ «خداوند بزرگ و من»؛ «جلد دوم اندیشه‌های یک مغز بزرگ»؛ «دنیای دیگر» یا «صحنه‌ی ستارگان»؛ «زنبور عسل»؛ «سقوط پاریس»؛ «سقوط فرانسه»؛ «سه سال در ایران» یا «سیاحت نامه‌ی کنت دو گوینو»؛ «عجایب آمریکا»؛ «قلب پاک»؛ «قهرمان تمدن»؛ «کاشف مانیتسیم»؛ (مسمر). [۱]

دانشمند، محقق و مترجم چیره دست و پرکار اهل خراسان، متولد ۱۲۷۵ در مشهد است. پدرش تجارت پیشه بود و تجارتخانه‌ای در مشهد و قفقازیه داشت، از این لحاظ فرزند خود را در کودکی به قفقازیه برد و تحت تعلیم معارف جدید قرار داد. گذشته از معلومات زمان، به زبان‌های فرانسه و روسی مسلط شد و در جوانی به مشهد بازگشت. چون طبعی علم‌آموز و دانش‌پژوه داشت تحصیلات خود را در رشته‌های مختلف مانند ادبیات فارسی، ادبیات عربی، فلسفه و حکمت، علم کلام و منطق ادامه داد و از محضر دانشمندان آنروز مشهد که شهره آفاق بودند بهره‌ها گرفت و زبان انگلیسی را نیز به خوبی تحصیل کرد. مقارن با تغییر سلطنت قاجاریه به تهران آمد و کار مطبوعاتی را آغاز کرد و غالباً مقالات و تفسیرهای مطبوعات خارجی را ترجمه می‌کرد و در خیلی از جراید آنروز مانند شفق سرخ، اقدام، کوشش، و نوبهار ترجمه‌های محکم و پرمغز او به چشم می‌خورد. وی به طور کلی از استخدام در دستگاه‌های دولتی صرف‌نظر نمود و همچنین تا سنین کهولت به کار ترجمه و تألیف پرداخت.

از ۱۳۲۰ به بعد ترجمه‌های او که به صورت مسلسل در روزنامه‌ها چاپ شده بود شکل گرفت و به صورت کتابی منتشر شد. برای اولین بار آثار موريس مترلینگ را ادیبانه ترجمه کرد و بنگاه مطبوعاتی علمی آنرا انتشار داد. به قدری از این ترجمه‌ها استقبال شد که حدی نداشت. مترجم معتقد بود که منبع ثروت برادران علمی از همین ترجمه‌ها تأمین گردید. از ۱۳۳۰ به بعد بطور ثابت در چند مجله از جمله خواندنیها استخدام شد و ماهیانه مبلغی دریافت می‌کرد ولی بایستی چندین صفحه ترجمه حداقل در دو مطلب تهیه تا در مجله چاپ شود در حقیقت با این ترتیب چند مجله و نشریه او را استثمار کردند. ولی او نیز برای تأمین زندگانی خود با نام‌های مستعار و یا بدون نام مطالبی ترجمه و به سایر مطبوعات می‌داد.

مطالعات مداوم و حرص و ولع در دانش‌اندوزی روزبروز اطلاعات او را در رشته‌های مختلف وسیع‌تر کرد و واقعا دانشمندی کم‌نظیر شد و در هر علمی سررشته پیدا نمود، مخصوصا در مسائل مذهبی، تاریخی و فلسفی در مرحله عالی قرار گرفت. روش او در ترجمه بدین صورت بود که ابتدا کتاب مورد نظر را دقیقا مطالعه می‌کرد سپس به ترجمه می‌پرداخت ولی عین متن را ترجمه نمی‌کرد و اطلاعات و تحقیقات شخصی را ضمیمه می‌نمود. غالباً یک کتاب صد صفحه فرانسه وقتی به وسیله او ترجمه می‌شد حتما از پانصد صفحه تجاوز می‌نمود و گذشته از آن زیرنویس مترجم هم خود قابل ملاحظه و توجه بود. او در ترجمه‌های خود همیشه با اطلاعاتی که از طریق کتب دیگر کسب کرده بود به نوشته صاحب ترجمه رونق داده و شیرینی خاصی به نوشته‌اش می‌داد. او در نیم قرن دوم عمر خود مردی پرکار بود. حداقل در سال ۶ تا ۱۰ جلد کتاب ترجمه و تألیف می‌نمود و بعضی از ترجمه‌ها جنبه فلسفی و تاریخی داشت و مترجم با زیرنویس اشتباهات او را برطرف می‌نمود. منصوری آنچنان بی‌سروصدا و بدون تظاهر زندگی می‌کرد که اغلب تصور می‌کردند نامش مستعار است. با حداقل زندگی سازش داشت و با احدی رفت و آمد نداشت. اساسا کمتر کسی بود از حال و زندگی او باخبر باشد. صبر و حوصله زیادی داشت ولی در موقع عصبانیت که بندرت اتفاق می‌افتاد گوئی کوه آتشفشان است. انتقادات به جا را با جان و دل می‌پذیرفت و در شماره بعد مجله یا تجدید چاپ کتاب مؤدبانه اصلاح می‌کرد ولی از انتقادات بی‌جا و غیرمنطقی سخت به تلاش و استدلال متوسل می‌شد. به خاطر دارم زمانی استاد مجتبی مینوی به یکی از ترجمه‌های او خرده گرفت و او را جاعل قلمداد کرد. منصوری در مقام دفاع برآمد و چنان بحث علمی و ادبی بین آن دو کوبنده بود که دیگران میانجی‌گری کردند و حق را به منصوری دادند.

ذبیح‌الله منصوری به طور متوسط ۶۰ سال در مطبوعات ایران مقاله نوشته و ترجمه کرده است و با برخورداری از حافظه قوی خود تاریخ ۶۰ ساله‌ی مطبوعات ایران بود. داستان‌هایی از دوران ریاست شهربانی مختار و اداره راهنمای نامه‌نگاری که مدتی آقایان علی دشتی و عبدالرحمن فرامرزی آن را اداره می‌کردند در خاطر داشت.

وقتی سندیکای نویسندگان و مترجمین تشکیل شد به اتفاق آراء او را به ریاست انجمن برگماردند و به مناسبت هفتاد و پنجمین سال تولدش مجلس جشن و سرور شایسته‌ای که در خور مقام علمیش بود برپا ساختند. منصوری در آستانه هشتاد سالگی خود

معتقد بود که مجموعاً متجاوز از یک هزار و پانصد جلد کتاب ترجمه کرده است. ولی آنچه مسلم است این رقم اغراق به نظر می‌رسد و شاید تعداد ترجمه‌های او از چهارصد کتاب تجاوز کند ولی اگر مقالات و مطالب کوتاه را به آن اضافه کنیم خیلی بیشتر خواهد شد. بیشتر آثار او ترجمه از زبان‌های فرانسه و انگلیسی است و از زبان عربی و روسی ترجمه‌ای از او دیده نشده است. وی علاوه بر ترجمه‌هایی که به نام وی به صورت کتاب انتشار یافته است تعدادی ترجمه هم دارد که به نام اشخاص دیگر ثبت گردیده است که مهمترین آنها کتاب روح‌القوانین منتسکیو است که علی اکبر مهتدی نام خود را زینت‌بخش این ترجمه نموده و چندین بار تجدید چاپ شد. منصوری برای نگارنده حکایت کرد که از لحاظ مالی سخت در مضیقه بودم. شخصی به من مراجعه و ترجمه منتسکیو را از من درخواست نمود. چهارده هزار تومان حق‌الترجمه مطالبه کردم، فوراً قسط اول را پرداخت و من دست به کار ترجمه زدم و هشت ماه طول کشید. نظیر اینگونه ترجمه‌ها زیاد است اگر دیگران ندانند تنی چند از خواص از آن اطلاع دارند.

منصوری در حقیقت علم و دانش خود را برای ارتزاق در اختیار چند مدیر روزنامه و مجله قرار داد. شخصاً ترجمه‌ای انتشار نداده است که از فروش مجلات سهمی به او بدهند. بعضی از آثار او تا بیست بار تجدید چاپ شده و طبعاً در آینده نیز خواهد شد. از مهمترین آثار انتشار یافته او می‌توان ترجمه‌های زیر را نام برد: محمد پیغمبری که از نو باید شناخت، عایشه بعد از پیغمبر، مغز متفکر جهان شیعه، خواجه تاجدار، امام حسین و ایران، شاه جنگ ایرانیان در چالدران و یونان، سه سال در ایران، کنت دوگوبینو، ملاصدرا، امام محمد عزالی، خداوندالموت، منم تیمور جهانگشا. وی در ۱۳۶۷ درگذشت.

مترجم، روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۲۸۸، رشت.

درگذشت: ۱۸ خرداد ۱۳۶۵.

ذبیح‌الله حکیم الهی رشتی مشهور به ذبیح‌الله منصوری، فرزند انتخاب‌الدوله از رجال رشت، بود. پس از گذراندن دوره‌ی ابتدایی به همراه پدرش برای ادامه‌ی تحصیلات عازم فرانسه شد و زبان فرانسوی را در آنجا فراگرفت و پس از مراجعت به ایران به کار ترجمه پرداخت.

منصوری نویسنده و مترجمی فعال بود و بیش از صد و پنجاه کتاب و قریب به هزار مقاله - که اغلب آنها در مجله «خواندنیها» منتشر می‌شد - از خود به یادگار گذاشت. او در مدت شصت سال فعالیت قلمی خود آثار فراوانی از زبان‌های انگلیسی و فرانسوی و عربی ترجمه کرد. بعضی از آثار او نه ترجمه مستقیم بلکه اقتباس و تحریر تازه و مفصل تری از متن اصلی بود. وی در دوران روزنامه‌نویسی خویش با مجلاتی نظیر «کوشش»، «ایران ما»، «داد»، «ترقی»، «تهران مصور»، «روشنفکر»، «سپید و سیاه» همکاری داشت.

دامنه‌ی فعالیت منصوری گسترده بود و شامل زمینه‌های گوناگونی از جمله رمان پلیسی (بیشتر آثار آگاتا کریستی)، رمان تاریخی (بیشتر از آثار الکساندر دوما و موریس دو کبرا) و زندگینامه (خدواند علم و شمشیر، محمد (ص) پیغمبری که از نو باید شناخت، عایشه بعد از پیغمبر، مغز متفکر جهان شیعه، امام حسین (ع) و ایران، آثار و احوال ملاصدرا، ...) و آثار تاریخی (خداوند الموت: حسن صباح (نوشته‌ی پل آمیر)؛ خواجه‌ی تاجدار، سلیمان خانی قانونی و شاه طهماسب، عارف دیهیم‌دار، شاه جنگ ایرانیان در چالدران و ایران (اثر اشتن متر و جون باک، چاپ‌های متعدد: ۱۳۶۸، ۱۳۵۷، ۱۳۵۵) و مفصل‌تر از همه خاطرات چرچیل در هفت مجلد) می‌گردید.

از جمله آثار دیگر او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: آخرین گانگستر (دیوید لاین)؛ آقایان قضات! قاتل حقیقی را پیدا کنید (رالف گولدمن)؛ آوارگی من (موریس دو کبرا، ۱۳۲۰)؛ آواره‌ها (موریس دو کبرا)؛ ابن سینا، نابغه‌ای از شرق (اقتباس، ۱۳۷۴)؛ ابوشاکر، یک داستان علمی و تحقیقی، استالین تزار سرخ (ایزاک دوتشر)؛ اسرار هفت گانه (لسلی شارتریس)؛ امام حسین (ع) و

ایران (کورت فریشلر)؛ امشب نوع بشر محو می‌شود (کریستف پولنی)؛ انتقام گربه (آرتور شنیت زلر، ۱۳۲۸)؛ انسان (آرتور شنیت زلر)؛ ایران و بابر (ویلیام ارسکین)؛ بازرس دلباخته (جی درتیلر، ۱۳۳۶)؛ بازرسی من (رالف گولدمان)؛ بازی با آتش (لسلی شارتریس)؛ پلیس بیدار است (رالف گولدمان)؛ پلیس چه می‌کند (لسلی شارتریس)؛ پنج و ده دقیقه (آگاتا کریستی)؛ تاریخ و تحول نظم و نثر پارسی (۱۳۳۱)؛ تازه مسلمان، تولستوی (استفان زوایک، ۱۳۲۷)؛ توطئه در آسمان (شارل بروک)؛ جدال تبه‌کاران در پاریس به انضمام خانه‌ی مرموز (روبر دوما، ۱۳۷۳)؛ جراح دیوانه (ژارگن توروالد)؛ جنایتکاران لندن (آگاتا کریستی)؛ جنگ پنهانی سهمگین (سرد جینالد هالد، ۱۳۳۱)؛ چگونه یک تبهکار آمریکایی شدم (جیمز هادلی چیز، ۱۳۳۹)؛ خاطراتی از یک امپراتور، خدا در آسمان، دختر فقیر (واندر مرش ۱۳۳۴)؛ در پیشگاه امام صادق (ع) (محمد صفی)؛ در صحنه زندگی و تأثیر (موریس دو کبرا)؛ دزد جوانمرد (لسلی شارتریس)؛ دست‌های قاتل (چهار داستان پلیسی)؛ دلاوران گمنام ایران در جنگ با روسیه (ژان یونیر)؛ دوشیزه متهم (لیونگستن)؛ دون کیشوت (سروانتس، ۱۳۳۵)؛ ده تبهکار بهت‌آور (آگاتا کریستی)؛ رابین هود (الکساندر دوما)؛ زندگی و سرانجام ماری آنتوانت (پیر نزلف، ۱۳۳۷)؛ ژان والژان (ویکتور هوگو)؛ ژوزف بالامو (الکساندر دوما)؛ سارق نامرئی (ویلی فرانتز ۱۳۷۳)؛ سرانجام شوم یک امپراتور (پیر نزلف)؛ سرزمین جاوید (ماژیان موله، هرترفلد، گریشمن، چهار جلد)؛ سرنوشت یک امپراتور (پیر نزلف)؛ سقوط پاریس (ایلیا ارنبورک)؛ سقوط قسطنطنیه (میکا والتاری، دو جلد)؛ سه تفنگدار (الکساندر دوما)؛ سه سال در ایران، سیاحت‌نامه؛ کنت دو گوینو؛ سینوهه پزشک مخصوص فرعون (میکا والتاری)؛ شعاع زرد (هرمان لاندن)؛ شعاع وحشت (هرمان لاندن)؛ شهر وحشی (موریس دو کبرا)؛ صدرالدین شیرازی معروف به ملاصدرا (هانری کربن)؛ عبور قدغن است (بارینگتون)؛ عجایب آمریکا (موریس دو کبرا)؛ عجایب سرزمین طلا- و الماس (ژوزف لتر)؛ عشق بازی‌های کازانو (ژاک کازانووا دو سیالت، ۱۳۳۴)؛ عشق ننگین در نظر قضات (سوزان نرمان)؛ عشق یک جاسوسه (ژان بومار)؛ غرش طوفان (الکساندر دوما)؛ غزالی در بغداد (ادوارد توماس)؛ فراموشخانه یا فراماسونری در جهان (فراماسونری چیست و فراماسون کیست؟)؛ فرزند نیل (هاوارد فاوست، دو جلد)؛ فرمانده بعد از خدا (پیر لافون)؛ فتنه (رمان تاریخی اثر لانتیاک)؛ قبل از طوفان (الکساندر دوما)؛ قتل در باشگاه (دورتنی ساترس، ۱۳۲۳)؛ قتل در ساحل دجله (آگاتا کریستی)؛ قلب پاک (واندر مرش، ۱۳۳۷)؛ قهرمان هندوچین؛ قهرمان تمدن (ژوزف کاتلر (و) هیم جاف، ۱۳۳۴)؛ کاشف مانیتیسیم (استفان زوایک، ۱۳۲۷)؛ کشتی بالدار (آگاتا کریستی)؛ کفش‌های سربازی سنگین است (فونبور)؛ کنت مونت کریستو (الکساندر دوما)؛ کنیز ملکه‌ی مصر (میکل پیرامو، دو جلد)؛ گاز نو ظهور (فرانک کینگ)؛ گاو صندوق مرگ (فرانک کینگ، ۱۳۲۲)؛ گروه آهنین (الکساندر دوما)؛ گریز (لسلی شارتریس)؛ گلوله کوچک (دورتنی ساتریس ۱۳۳۱)؛ لب‌های ناشناس (هوچین سون)؛ مأموریت ضد جاسوسی من (پریستلی)؛ ما سه مرد بی‌بضاعتیم که خواهان ثروت می‌باشیم (الکساندر دوما)؛ ماری آنتوانت (پیرنزلف)؛ ماژلان (استفان زوایک)؛ ماشین خواندن افکار (آندره موروا)؛ ماکسیم گروکی (استفان زوایک، ۱۳۲۶)؛ محبوس سنت هلن، یا سرگذشت ناپلئون (اوکتاو اوبری)؛ مردی بالای دار مرگ آرام (جیمز هاردلی چیز)؛ مشاهداتی شنیدنی من در آمریکا (موریس دو کبرا، ۱۳۱۹)؛ ملکه باکره (لانتیاک، ۱۳۳۳)؛ منم تیمور جهانگشا (مارسل بریون)؛ مویگان دوپاری (الکساندر دوما)؛ ناپلئون و حمله به انگلستان (پل شاک، ۱۳۱۵)؛ نامه‌های روزولت به چرچیل، نخستین مردی که دور کره‌ی زمین گردش کرد (استفان زوایک، ۱۳۲۳)؛ نورنبورک (ایلیا ارنبورک)؛ نوستراداموس و اهرام مصر: جادوگر مرموز (میشل زواگو)؛ هفت خواهران تنی (آنتونی سسمون)؛ هنگامی که از حوادث آینده باخبر هستیم (ژاک اسپیتز)؛ یک خانم نجیب (موریس دو کبرا)؛ یک راز شگفت‌انگیز (شارل بروک)؛ یک سال در میان ایرانیان (ادوارد براون، دو جلد، ۱۳۳۰)؛ یوسف در آینه‌ی تاریخ (توماس مان) ذبیح‌الله منصوری نخستین کسی بود که آثار موریس مترلینک نویسنده و متفکر بلژیکی را به فارسی ترجمه کرد که ماحصل این فعالیت، کتابهای زیر بود، افکار مترلینک، افکار کوچک و دنیای بزرگ، اندیشه‌های یک مغز بزرگ، جهان بزرگ و انسان، خداوند بزرگ و من، دروازه بزرگ، دنیای دیگر، راز

بزرگ، موریانه، زندگانی مورچگان، زنبور عسل.
وی روز هیجدهم خردادماه ۱۳۶۵ بر اثر ناراحتی قلبی در سن هفتاد و هفت سالگی درگذشت.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۲۵/۲۸۳، ۲۴/۲، ۲۳۹، ۲۱۹، ۱۷/۱۶۵، ۱۵/۲۶۹، ۲۶۲، ۲۰۵، ۱۲/۴۹، ۸/۲۶۶، ۷/۱۴۱، ۱۴۲، ۱۲۵۰، ۱۲۵۲، ۱۴۵۹، ۲/۱۸۳۹، ۲۰۰۶، ۲۰۰۷، ۲۰۴۱، ۲۲۸۹، ۲۵۵۵، ۲۵۸۹، ۲۹۴۷، ۳۲۱۵، ۳۴۵۱) فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۵۹، ۳۰۱، ۲۱۲، ۶۸/۱)، کیهان فرهنگی (س ۳، ش ۳، ص ۳۷)، مؤلفین کتب چاپی (۹۵-۸۸/۳).

منصوری، پروین

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای پوست و آمیزشی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

منصوری، کریم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کریم منصوری

حافظ و قاری قرآن کریم

متولد ۱۳۴۷ _ آبادان

تحصیلات: دیپلم

شغل: کارمند وزارت امور خارجه

نام اساتید: سید صالح، گروسی، رکابی، منصوری، عبدالله زاده، موسوی، اربابی و خدام حسینی.

شروع فعالیت: وی از ۵۹ با شرکت در جلسات قرآنی آموزش قرآن کریم را به صورت فنی دنبال کرد و موفق شد در مدت زمان کوتاهی به فنون قرائت در حد مطلوبی تسلط یابد و با استفاده از نوار قرائت قاریان مشهور مصری سطح قرائت خود را ارتقا بخشد و توفیق یافت کل قرآن کریم را نیز حفظ کند.

مقام های داخلی:

نفر دوم مسابقات سراسری قرآن کریم سازمان اوقاف و امور خیریه (سالهای ۶۷ و ۷۲).

نفر اول مسابقات سراسری قرآن کریم سازمان اوقاف و امور خیریه (سال ۶۹ و ۷۶).

نفر اول مسابقات قرآن کریم اوقاف و امور خیریه استان تهران در رشته حفظ کل.

مقام های بین المللی:

نفر دوم مسابقات بین المللی قرآن کریم مالزی (سال ۶۹).

نفر دوم مسابقات بین المللی قرآن کریم عربستان سعودی (سال ۷۱).

نفر اول مسابقات بین المللی قرآن کریم جمهوری اسلامی ایران (سال ۷۶).

مأموریت های قرآنی در داخل کشور :

تلاوت قرآن کریم در محافل انس با قرآن و برنامه های متعدد قرآنی در سراسر کشور.

تلاوت قرآن کریم در مراسم افتتاحیه اجلاس سران کشورهای اسلامی در سال ۷۶.

مأموریت های قرآنی در خارج از کشور :

سفر به حدود بیست کشور جهان از جمله کشورهای مغرب ، سوریه و عمان .

سفر به عربستان سعودی جهت تلاوت قرآن کریم در مراسم سیاسی عبادی حج تمتع .

منصوری، مهدی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۲۳ ق)، عالم دینی و مفسر. در قریه‌ی منصورآباد جهرد قم به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات در ۱۳۴۳ ق به قم رفت و سطوح اولیه را از میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و «مکاسب» و «کفایه» را از آیت‌الله آخوند ملا علی همدانی و حجت‌الاسلام میرزا محمد همدانی و فلسفه و معقول را از آیت‌الله شاه آبادی و آیت‌الله میرزا خلیل کمره‌ای فراگرفت و همچنین از محضر آیت‌الله فیض و آیت‌الله مرعشی نجفی و آیت‌الله گلپایگانی بهره‌مند شد. او به مدت چهار سال در درس آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی شرکت کرد و پس از ایشان از محضر آیت‌الله حجت و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله بروجردی استفاده نمود. پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی، به امر آیت‌الله شریعتمداری به تهران آمد و به اقامه‌ی جماعت و انجام امور دینی پرداخت. از آثارش: «حیوة الست»؛ تفسیر «سوره‌ی انعام»؛ تفسیر «سوره‌ی عم یتسائلون»؛ رساله‌ای در «غناء»؛ رساله‌ی «چرا لازم است خدا را شناخته و معتقد به وجود او شد»؛ جزواتی در «تقریرات» فقه و اصول اساتید خود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آینه‌ی دانشوران (۳۷۲-۳۷۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۶۹-۶۸/۶)، مؤلفین کتب چاپی (۶/۴۴۹).

منطقی یزدی، کمال‌الدین حسین

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۱۱/۹۱۰/۹۰۴ ق)، عالم، صوفی، نحوی، دانشمند، ادیب و شاعر، متخلص به منطقی. ملقب به کمال‌الدین. در شهر میبد، از توابع یزد، به دنیا آمد. در شیراز نزد علامه جلال‌الدین دوانی به کسب علم پرداخت. در هر یک از رشته‌های منطق، حکمت، ریاضی، کلام، تصوف و احکام اسلامی تحقیقات بسیار نمود و در آن مراتب صاحب نظر گردید. او علاوه بر آنکه در نثر قدرت داشت و عربی و فارسی را خوب می‌نوشت به فارسی هم نیکو شعر می‌گفت و در معما و لغز دست داشت. علامه دوانی با قاضی میرحسین، شاگرد دانشمند خویش، به تبریز مسافرت کردند و در آنجا با شیخ ابواسحاق تبریزی مباحثه‌ای داشتند که در این مباحثه

قاضی میرحسین بر ابواسحاق تبریزی پیروز شد. به درخواست علامه دوانی از سلطان یعقوب آق قویونلو، حاکم آذربایجان، میرحسین به سمت قضاوت به یزد می‌رود، اما همواره، در مقام استعفا از شغل قضاوت و کار اوقاف یزد بوده است. حمام قاضی در یزد از بناهای قاضی کمال‌الدین بوده که اکنون از بین رفته است. بعضی از کتابها، وی را از اهل تسنن خوانده‌اند اما برخی نوشته‌اند که او بر اثر اختلاف عقیده‌ی مذهبی به دست شاه اسماعیل دوم صفوی (که به اهل تسنن گرایش پیدا کرده بود) کشته شده است، لذا می‌توان او را شیعه دانست و با توجه به آثارش شیعه بودنش محرز می‌شود. از تألیفات وی: شرح «الهدایة الاثیریة»؛ شرح «دیوان» امیرالمؤمنین (ع) که در ۸۹۰ ق پایان یافته؛ شرح «کافیه» ابن‌حاجب؛ حاشیه بر «طوالع»، در کلام؛ شرح بر «شمسیه»، در منطق؛ شرح بر «آداب بحث» شمس‌الدین محمد سمرقندی، به عربی؛ شرح «کلمة العین»؛ شرح «گلشن راز»؛ «جام گیتی نما»، در حکمت به فارسی، که در ۸۹۷ ق از تألیف آن فراغت یافت؛ حاشیه بر «تحریر اقلیدس»؛ «رساله»، در فن معما؛ «دیوان» شعر. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۸۷، ۱۷۴/۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۵، ۱۰۱-۱۰۰، ۹۹/۴)، تاریخ نظم و نثر (۷۷۹، ۳۶۷)، تحفه سامی (۷۶)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۲۸۸-۲۸۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۱۳-۵۱۲)، جامع مفیدی (۳۵۵-۳۵۳/۳)، حبیب السیر (۴/۶۰۷)، الذریعه (۴۰-۳۹/۲۳، ۲۹/۱۴، ۳۳۷، ۲۶۹/۱۳، ۸۷۲، ۲۵۴/۹، ۱۳۶/۶، ۲۵/۵)، روضات الجنات (۲۳۵-۲۲۴/۳)، ریاض العارفین (۱۸۵)، ریحانه (۵-۴۸/۶)، سبک‌شناسی (۳/۲۲۵)، طرائق الحقائق (۱۲۵-۱۲۴/۳)، فرهنگ سخنوران (۸۸۲)، الکنی و الالقاب (۲۱۶-۲۱۵/۳)، لغت‌نامه (ذیل/ حسین میبیدی)، معجم المؤلفین (۴/۶۳)، یغما (س ۱، ش ۵، ص ۲۲۲-۲۲۱).

منطقی، ابوسلیمان محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوسلیمان محمد بن طاهر بن بهرام بجزستانی از فلاسفه‌ی بزرگ قرن چهارم هجری است. وی معاصر عضدالدوله‌ی دیلمی بود و این پادشاه توجه زیادی به وی داشت. منطقی رساله‌هایی بنام عضدالدوله در فنون حکمت و شرح کتب ارسطو تألیف کرد. اشعاری نیز به عربی دارد. از جمله‌ی آثار او است: رساله فی المحرک‌الاول، مقاله‌ی طبیعت اجرام علوی، مقاله فی الکمال الخاص بنوع الانسان. وفات وی بعد از سال ۳۹۱ ه. ق واقع شده است.

بر گرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منظور الاجداد، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدحسین منظور الاجداد در ۱۳۳۴ در تهران متولد شد و تحصیلات خود را تا مدرک دیپلم رشته‌ی تجربی در این شهر گذراند. ایشان ابتدا در رشته دندانپزشکی دانشگاه تهران قبول شدند، اما به علت علاقه به تحقیقات تاریخی، انصراف، و پس از قبولی در این رشته، مدرک کارشناسی تاریخ خود را از دانشگاه فردوسی مشهد دریافت و مدارک کارشناسی ارشد و دکتری خود را در همین رشته از دانشگاه تربیت مدرس دریافت نمودند. استاد از محققین برجسته در حوزه اسناد بوده، و مطالعات وسیعی در زمینه اسناد

روحانیت، شهید مدرس، فداییان اسلام، واقعه گوهرشاد انجام داده اند.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه ای: محمدحسین منظورالاجداد تحصیلات خود را تا مدرک دیپلم رشته ی تجربی در این شهر گذراند. ایشان ابتدا در رشته دندانپزشکی دانشگاه تهران قبول شدند، اما به علت علاقه به تحقیقات تاریخی، انصراف، و پس از قبولی در این رشته، مدرک کارشناسی تاریخ خود را از دانشگاه فردوسی مشهد دریافت و مدارک کارشناسی ارشد و دکتری خود را در همین رشته از دانشگاه تربیت مدرس دریافت نمودند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: از مشاغل محمدحسین منظورالاجداد می توان به موارد زیر اشاره کرد: پژوهشگر سازمان اسناد ملی ایران عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس عضو هیات تحریریه مجله روابط خارجی مشاور علمی مدیریت اسناد مشاور علمی دفتر اسناد (مجموعه مقالات) مدیر گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس
چگونگی عرضه آثار: محمدحسین منظورالاجداد مقالات زیادی در زمینه اسناد و تاریخ در نشریات کتاب ماه تاریخ، گنجینه اسناد به یادگار گذاشته است.

آثار:

۱ سیاست و لباس

ویژگی اثر: (گزیده اسناد متحدالشکل شدن البسه ۱۳۰۷-۱۳۱۸)، به کوشش سید محمدحسین منظورالاجداد، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۸۰. دکتر سید محمدحسین منظورالاجداد از اساتید بنام سندشناسی در کتاب فوق بیش از سیصد سند تاریخی را که بخش مهمی از آن به تغییر لباس زنان و کشف حجاب و لباس روحانیت مربوط می شود، گردآوری و بازنویسی نموده اند. مؤلف محترم تصریح نموده است این تعداد حجم اندکی از اسناد این موضوع است که به علت عدم فهرست نویسی اسناد شهرستان ها به این میزان بسنده شده است.

۲ گزیده اسناد متحدالشکل شدن البسه

۳ مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست

ویژگی اثر: (اسناد و گزارش هایی از آیات عظام نائینی، اصفهانی، قمی، حائری و بروجردی ۱۳۳۹-۱۲۹۲ شمسی)، به کوشش سید محمدحسین منظورالاجداد، تهران، شیرازه، ۱۳۷۹. در این کتاب ارزشمند استاد منظورالاجداد ضمن نگارش زندگی نامه هایی از مراجع عظام تقلید اسناد فعالیت ها و اقدامات هر یک را بازنویسی و در ادامه آورده است. در پایان تصویر تعدادی از اسناد هم مندرج است. در اسناد مراجع به ویژه آیات قمی و حائری یزدی کشف حجاب از مسایل مهم به شمار می رود.

منفرد، نقی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نقی منفرد

محل تولد: محمود آباد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب نقی منفرد در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه شهرستان آمل شدم و پس از دو سال فراگیری علوم حوزوی برای ادامه تحصیل در سال ۱۳۵۲ به حوزه علمیه قم عزیمت و نزد اساتید برجسته حوزه به ادامه تحصیل پرداختم. در کنار تحصیل به تدریس در مدارس علمیه حوزه قم و تدریس سطوح عالی مشغول می باشم. نتیجه بیش از ۱۵ سال تدریس ادبیات عرب، تحقیق و اصلاح متن کتاب البهجة المرضیه (شرح سیوطی) و شرح فارسی آن در پنج جلد می باشد.

منوچهری نائینی، عبدالوهاب

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: انگل شناسی، دانشکده: بهداشت، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای دامپزشکی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۴، کارشناسی ارشد انگل شناسی از دانشگاه لیوپول انگلستان در سال ۱۳۵۱، دکترای تخصصی مالاریالوژی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۲، فوق تخصص حشره شناسی مالاریا از مرکز آموزشی سازمان بهداشت جهانی مانیل فیلیپین در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده بهداشت دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۸ تا سال ۱۳۵۴، استاد دانشکده بهداشت دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۴ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام ۳۰ طرح تحقیقاتی در زمینه‌های ارزشیابی حشره کش‌ها، لاروکش‌ها، پراکندگی آنوفل‌های ایران، بررسی بیولوژی و اکولوژی ناقلین مالاریا در جنوب ایران، شناسایی گونه آنوفل ماکولی پنینز در ایران ارزشیابی برنامه‌های مبارزه با مالاریا در ایران، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

درمان شیمیایی مالاریا، برنامه ریزی و مبارزه با مالاریا.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۶۵

زمینه علمی مقالات:

اپیدمیولوژی مالاریا، حشره‌شناسی مالاریا، درمان مالاریا، کاربرد داروهای ضد مالاریائی، مقاومت حشرات در برابر سموم، مقاومت انگل‌های مالاریا نسبت به دارو، بیولوژی و اکولوژی ناقلین مالاریا، شناسایی ناقلین مالاریا در ایران. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

منوچهری، حسینعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: جراحی عمومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

متخصص جراحی عمومی و شکسته بندی در سال ۱۳۳۵.

مرتبه علمی:

استاد دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام مطالعات روی غده تیروئید و چگونگی کار این غده درون ریز و جراحی آن در شهر وین (اتریش)، مسافرت علمی به کشور فرانسه با هزینه شخصی به منظور اطلاع از آخرین رخدادهای علمی و انجام عمل جراحی احشاء بدون شکافتن شکم و یا قفسه صدری در کشور فرانسه و در ایران با همکاری پروفیسور MELMS آلمانی، آشنائی کامل با پیوند کبد و چگونگی انجام آن با اطلاعات وسیع و نوآوریهای جدید.

ابداع:

بستن فیستولهای سرطان مری که برای اولین بار در دنیا انجام گرفت، ابداع نوعی عمل جراحی مخصوص در واریس بیضه‌ها.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: ۴

زمینه علمی تألیفات:

پزشکی، جراحی و تحقیقات پزشکی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

علوم پزشکی و تحقیقات پزشکی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

منور علیشاه

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج آقا محمد شیرازی ملقب به منور علیشاه (ف. - ۱۲۹۴ ه.ق) پس از مرگ رحمتعلی شاه جمعی از مریدان او حاج آقا محمد را جانشین او دانستند.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منه‌اج سراج

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوعمر منه‌اج‌الدین عثمان بن سراج‌الدین جوزجانی مشهور به «منه‌اج سراج» مؤلف تاریخ طبقات ناصری (و. ف. ۶۶۰ ه.ق) وی مردی فاضل و در علوم دین، حدیث، ادب متبحر بوده و در خدمت ملوک غور و غرجستان می‌زیسته. در سال ۶۲۴ ه.ق به سغد و مولتان رفت و به دربار ناصرالدین قباچه از التتمش به دربار التتمش پیوست و مدتها در خدمت او و پسرش ناصرالدین محمود شاه می‌زیست. مهمترین اثر او کتاب طبقات ناصری است در تاریخ عمومی که در ۲۳ بخش به نام «طبقه» تدوین یافته و از این رو به «طبقات» معروف است. این کتاب در ۶۵۸-۶۵۷ ه.ق نوشته شده است.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

موالی تونی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۴۹ ق)، شاعر و طیب. اهل تون است. وی طبیعی حاذق بود و در شعر گویی طبع خوبی داشت. در ابتدا به تحصیل کمالات پرداخت. در یزد مدتی با شاه نعمت‌الله ولی مصاحبت داشت. «فرهنگ سخنوران» او را استاد شاه نعمت‌الله می‌دانند. «لغت نامه» تاریخ فوت وی در ۱۲۵۷ ق نوشته است. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آتشکده‌ی آذر (۲۶۵-۲۶۴ / ۱)، تحفه سامی (۲۲۱)، الذریعه (۹ / ۱۱۱۶)، فرهنگ سخنوران (۸۹۲)، لغت نامه (ذیل / موالی)، نتایج الافکار (۶۱۸)، هفت اقلیم (۲ / ۳۱۹).

موتمنی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: هورمون‌شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

گذراندن یک دوره هورمون‌شناسی بالینی در دانشگاه میلان ایتالیا، طی یک دوره پیشرفته هورمون‌شناسی استورئید در بخش پاتولوژی دانشگاه لیدز انگلستان، کارشناسی ارشد تخصصی هورمون‌شناسی از دانشگاه لیدز انگلستان.

مرتبه علمی:

استاد هورمون‌شناسی دانشکده پزشکی دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی هورمونی و تغییرات هورمون‌ها و تعیین منشاء آنها در بیماری هیرسوتیسم، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

بیوشیمی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

بیوشیمی و متابولیسم هورمون‌های استروئیدی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

موحد، ضیاء

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر ضیاء موحد در سال ۱۳۲۱ ش در شهرستان اصفهان به دنیا آمد؛ و بعد از گذراندن تحصیلات ابتدائی و متوسطه وارد دانشگاه تهران شد و در رشته فیزیک به اخذ درجه فوق لیسانس موفق گردید؛ و از آن پس جهت ادامه تحصیل به کشور انگلستان سفر کرد و در رشته منطق و فلسفه به دریافت درجه دکترا نایل آمد. وی عضویت هیات علمی وزارت علوم می باشد. ایشان در حین انجام وظایف محوله، به تالیف و مطالعه می پرداخت که حاصل آن چندین مقاله و کتاب به زبان فارسی و انگلیسی است که مشهورترین آنها کتاب «درآمدی به منطق جدید» است که در سال ۱۳۶۹ (دوره هشتم) جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران را از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت کرد.

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

گرایش : منطق جدید

تحصیلات رسمی و حرفه ای : ضیا موحد پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه در رشته ریاضی در زادگاه خود اصفهان، در سال ۱۳۳۹ وارد دانشگاه تهران شد و دوران لیسانس و فوق لیسانس را به تحصیل در رشته فیزیک گذراند. و از آن پس (۱۳۴۸) جهت ادامه تحصیل به کشور انگلستان سفر کرد و در رشته منطق و فلسفه به تحصیل مشغول شد. وی دکترای خود را در سال ۱۳۶۱ از دانشگاه لندن دریافت نمود. شایان ذکر است که دکتر موحد جهت تحصیل در رشته کتابداری به انگلستان سفر نموده بعد اما به دلیل عدم علاقه، تغییر رشته داده و به فلسفه روی آورده بود.

فعالیت‌های ضمن تحصیل : ضیاء موحد در هنگام تحصیل در اصفهان سپردن شو کهنه و نو نیز مشغول بعد و گاهی عجیب به تخلص می نمود. وی در جلسات شعر انجمنی کمال در اصفهان که به ریاست جلال الدین همایی تشکیل می شد نیز حضور یافت. استادان و مربیان : ضیا موحد از محضر استادانی چون دکتر کمال جناب، دکتر محمود حسابی و دکتر روحانی نژاد در دانشگاه تهران و نیز هانس کمپ و یل هارت در انگلستان بهره برد.

وقایع میانسالی : ضیاء موحد پس از اخذ مدرک فوق لیسانس فیزیک از دانشگاه تهران، برای ادامه تحصیل به انگلستان رفت. اما در آنجا بدلیل علاقه به فلسفه تغییر رشته داد و دکترای منطق و فلسفه خود را دریافت نمود. و پس از بازگشت به ایران به عضویت در هیات علمی وزارت علوم در آمد.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی : سردبیری چکیده نامه مرکز اسناد و مدارک علمی، عضویت در هیات علمی وزارت علوم. عضویت در کمیته کنگره منطق، عضویت در کمیته علمی دوره بین المللی تابستانی منطق و نیز عضویت در انجمن حکمت و فلسفه ایران از مناسبی است که دکتر موحد در کارنامه خود دارد.

فعالیت‌های آموزشی : ضیاء موحد پس از اخذ مدرک دکترای منطق و فلسفه از انگلستان و بازگشت به ایران به عضویت در هیات علمی وزارت علوم در آمد.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : ضیاء موحد در هنگام تحصیل در اصفهان از موسسین جنگ اصفهان که انجمنی شو سنتی بود، به شمار رفت.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ضیاء موحد در کنار فعالیت علمی در هیئت علمی وزارت علوم و نیز اجرای نقش در مراکز علمی - تحقیقاتی دیگر، به مطالعه و تالیف در زمینه فلسفه و منطق (بویژه منطق جدید) می پردازد. از این گذشته مطالعات ادبی و سرودن شو و نگاشتن مقالات ادبی و نقد ادبی از مشغولیت های همیشگی استاد می باشد.

آرا و گرایشهای خاص : ضیاء موحد بدلیل علاقه بسیار به منطق جدید، به زبان و وجه منطقی و فلسفی آن توجه خاصی دارد. و می کوشد تا بوسیله فنون منطق به معنا شناسی زبان پردازد. وی اعتقاد دارد که یک سوی زبان، خود زبان است و سمت دیگر آن، جهان قرار دارد. از این گذشته خود در ادبیات و نقد ادبی به فعالیت هنری و علمی می پردازد. و بدلیل دیدگاه فلسفی خود اعتقاد دارد که برای اعتلای نقد ادبی باید تفکر فلسفی را جدی تر گرفت. .

جوایز و نشانها : دکتر ضیاء موحد دارای تالیفات و ترجمه های در زمینه رشته تخصصی خود می باشد. از آن جمله تعدادی در دوره های مختلف انتخاب کتاب سال به عنوان کتاب سال برگزیده شده اند. کتاب "درآمدی به منطق جدید" ضیاء موحد(در سال ۱۳۶۹)، در دوره هشتم، کتاب "نظریه ادبیات" ترجمه ایشان در دوره سیزدهم و کتاب "منطق موجهات" تالیف ضیاء موحد، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتابهای سال

برگزیده شدند.

چگونگی عرضه آثار: رمز کتابهای ادبی دکتر موحد از جمله کتاب «مشتی نور سرد» در انتشارات اکنون به چاپ رسیده است ---

آثار:

۱ برآبهای مرده مروارید

ویژگی اثر: ۱۳۵۴

۲ جادوی شو گذشتگان

۳ در آمدی به منطق جدید

ویژگی اثر: کتابی درسی است در روشن نمودن مبانی منطق جدید که به زبانی ساده مطالب دقیق را در اختیار خواننده قرار می دهد. تلاشی مولف از جهت اینکه مسائل کتاب را با مثالهایی برگرفته از فرهنگ ایرانی و مانوس برای خواننده فارسی زبان، ستودنی است. این کتاب در دوره هشتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «درآمدی به منطق جدید»: منطق جدید که از مبانی ریاضیات جدید و فلسفه تحلیلی است، سالهاست که در برنامه درسی بیشتر دانشکده‌ها بویژه دانشکده‌های ریاضی و فلسفه و زبانشناسی کشورها گنجانیده شده است. ولی در ایران که خود میراثی غنی در منطق سنتی دارد، هنوز کتابی درسی که مبانی این علم را بدقت، اما ساده و روشن بیان کند، نوشته نشده است. کتاب درآمدی به منطق جدید از این جهت خلاء مهمی را پر می کند و کتابی دقیق و در عین حال آسان‌یاب را در اختیار خواننده علاقه‌مند قرار می دهد. علاوه بر آن تلاش مؤلف در جهت تطبیق مسائل کتاب با مثالهایی که برگرفته از فرهنگ ایرانی و برای خواننده مانوس است؛ بر ارزش کتاب می افزاید

۴ روشنفکران و نقش آنان در جامعه

۵ سعدی

ویژگی اثر: تالیف

۶ سهم فلسفه معاصر در نقد ادبی

۷ شعر و شناخت و سعدی تالیفاتی فلسفی

۸ غراب دی سفید

۹ فلسفه منطق فرگه (۱۳۶۱)

ویژگی اثر: درباره نظریات فلسفی فرگه، بنیانگذاری منطق جدید می باشد که دکتر موحد آنرا به زبان انگلیسی در سال ۱۳۶۱ نگاشته است.

۱۰ مشتی نو در سرو

ویژگی اثر: آثار ادبی دکتر موحد نیز سراسر نوآوری است چنانکه در اشعار کتاب مشتی نور سرد، واژه سازی و ابداعاتی در زبان را به نام خود ثبت نموده است.

۱۱ مقالات متعدد فلسفی و منطقی

۱۲ منطق موجّهات

ویژگی اثر: تالیف، این کتاب، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: منطق موجّهات ضیاء موحد. تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۸۱.

این اثر نخستین کتاب در منطق موجّهات جدید به زبان فارسی است و هدف از آن آموزش گام به گام و روشمند این منطق است. منطق موجّهات با افزودن مفهوم‌ها و اصل‌ها و قاعده‌هایی به مبانی منطق جمله‌ها و محمول‌ها پایه‌گذاری می‌شود. از این رو، مؤلف در این کتاب به این مبانی هم در حد نیاز پرداخته است. در نوشتن کتاب تلاش بر این بوده است که خواننده علاقه‌مند بتواند مطالب آن را خودآموزی کند. لذا در بیان مطالب توان خواننده ناآشنا با موضوع در نظر گرفته شده و حلّ همه تمرین‌ها نیز در پایان کتاب آورده شده است. همچنین با طرح بحث‌های فلسفی و دلالت‌شناختی گوناگون کوشش شده است تا موضوع ملموس‌تر شود. میراث آثار منطق‌دانان ما، به ویژه ابن سینا، از راه ترجمه لاتینی به قرون وسطای اروپا رسید و نوآوری‌های ابن سینا در منطق موجّهات توجه منطق‌دانان آن دوره را به خود جلب کرد. با پایان گرفتن قرون وسطی (قرن پانزدهم میلادی)، در غرب نیز منطق موجّهات سرنوشتی بهتر از سرنوشت آن در دنیای اسلام نداشته است. توجه جدی به این منطق از اواسط قرن بیستم آغاز شد و با شتابی روزافزون رشد و گسترش یافت. آگاهی از منطق موجّهات جدید، گذشته از ارزش منطقی و فلسفی آن، ابزاری در اختیار ما می‌گذارد که بتوانیم با آن میراث دانشمندان خود را درک و ارزیابی کنیم.

۱۳ نظری؟ ادبیات

ویژگی اثر: ترجمه، این کتاب در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب «نظری؟ ادبیات»: نظری؟ ادبیات؛ رنه ولک، آوستن وارن؛ ترجمه ضیاء موحد، پرویز مهاجر؛ تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳. نظری؟ ادبیات کتابی است کلاسیک در نقد ادبی. این کتاب تاکنون به بیش از ۱۸ زبان ترجمه شده و بنا به گزارش‌های موجود در بسیاری از حوزه‌های فرهنگی در نظریه و روش‌شناسی پژوهش‌های ادبی دگرگونی‌ها و تجدید نظرهای گسترده‌ای پدید آورده است. این کتاب در هر موضوع عرصه؟ نقل و نقد عقیده‌ها و نظریه‌های اندیشمندان از یونان قدیم تا اوایل دهه؟ دوم قرن بیستم اروپا و آمریکا است. از این رو هیچ منتقد ادبی از آن بی‌نیاز نیست. کتاب حاضر چکیده؟ قرن‌ها تفکر و سنت ادبی است که با همکاری دو تن از محققان برجست؟ معاصر - رنه ولک و آوستن وارن - تدوین شده است و با آنکه نزدیک به سی سال از تألیف آن می‌گذرد، از هر لحاظ تازگی و اصالت دارد. نثر ترجمه از هر حیث شیوا و مفهوم است و دلیل آن تسلط مترجمان بر دو زبان مبدأ و مقصد و آشنایی با موضوع کتاب بوده و همین سبب شده است که ابهامی در آن نباشد و از ترجمه لفظ به لفظ دور بماند. این کتاب، کتابی پایه و مرجع محسوب می‌شود و به دلیل اهمیت، ترجمه؟ آن از سال‌ها پیش مورد انتظار بود منابع زندگینامه:

www.ketabesal.ir۱تهرانی زاده، برگزیدگان علمی و فرهنگی کشور، صص ۳-۲۴۲۳حمید رضا ابک، روایت فیلسوف از شاعر هستند، همشهری، ص ۱۶۴رضا انزابی نژاد، یکسینه سخن گرم، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، سال چهارم، شماره نهم، تیر ماه ۱۳۸۰، ص ۲۳۵ضیا موحد، سهم فلسفه معاصر در نقد ادبی، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، آذر و دی ۱۳۸۰، صص ۲۷-۲۰۶علی اصغر محمد خانی، گفتگو با دکتر ضیاء موحد به مناسبت انتشار کتاب شعر و شناخت، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، آذر ۱۳۷۷، ص ۲۲۷محمد خانی، فیلسوفانی مدیون بصیرت‌های شاعرانه هستند، در کتاب ماه ادبیات و فلسفه، ص ۶

موحد طاهر، محمد باقر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد باقر موحد طاهر

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۵۴ بعد از گذراندن کلاس ۴ متوسطه آن زمان به خاطر عدم پذیرش عضویت حزب رستاخیز وارد حوزه علمیه قم شدم و در سال اول ادبیات عرب را در مدرسه رضویه که می شود گفت از لحاظ برنامه درسی شعبه ای از مدرسه حقانی محسوب می شد؛ گذراندم و سال بعد یعنی سال ۱۳۵۵ وارد مدرسه حقانی که توسط مرحوم شهید قدوسی اداره می شد، شدم و با شروع نهضت فراگیر انقلاب اسلامی ضمن همراهی و شرکت در تظاهرات و سایر برنامه ها به عنوان یکی از طلاب جوان اداء دین نموده و در ضمن، دروس حوزه را به صورت خصوصی در زمانی که حوزه تعطیل بود خواندم.

با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) دروس مکاسب و کفایه را در سال ۱۳۵۸ خواندم و سال بعد در درس خارج آیات عظام: وحید خراسانی (مکاسب محرمه) و نوری همدانی (اقتصاد اسلامی) و منتظری (حدود) را خواندم و در سال ۱۳۶۰ در برنامه یکساله ای که در موسسه در راه حق تحت عنوان «گروه دال» به منظور آموزش اساتید معارف اسلامی دانشگاه در آن موسسه برگزار می شد؛ شرکت نمودم لکن بعد از پایان این دوره چون برنامه های آموزشی در حال ارائه موسسه در راه حق توسط استاد مصباح برایم جذاب بود، شرکت در آن برنامه ها را قطع نکردم و تا سال ۱۳۶۴ این کار ادامه پیدا کرد.

در کنار این برنامه ها دورس حوزه را با شرکت در درس خارج «آیت الله وحید» که شامل دو درس اصلی حوزه یعنی اصول و فقه می شد؛ برنامه ها را ادامه دادم و شرکت در درس خارج سایر آقایان که در یک مقطع یک ساله دیگر از «آیت الله مظاهری» و «آیت الله تبریزی» هم استفاده نمودم که بیش از یک سال طول نکشید ولی شرکت در درس فقه و اصول آیت الله وحید به مدت ۱۴ سال ادامه پیدا کرد. ضمن اینکه در این مدت، برنامه های دیگر حوزه مانند شرکت در دروس تفسیر و فلسفه «آیت الله جوادی» و «آیت الله مصباح» را تعقیب می نمودم. علاوه بر برنامه های حوزوی، تدریس معارف اسلامی دانشگاه را هم داشتم و همین طور به مدت یک سال برنامه تدریسی مبانی اعتقادی اسلام را برای برادران سپاه در شمال کشور را هم به عهده داشتم.

در سال ۱۳۶۴ که برنامه تحقیقاتی موسسه باقرالعلوم (ع) توسط «آیت الله مصباح یزدی» شکل گرفت؛ در گروه فلسفه شرکت نمودم که تا سال ۱۳۷۲ این کار ادامه داشت. در سال ۱۳۷۳ به مدت دو سال و اندی برای اداره راینی فرهنگی به پاکستان اعزام شدم و بعد از اتمام این دوره به قم باز گشتم. در خلال این مدت تا حال ضمن تدریس دروس اصلی حوزه فقه و اصول و فلسفه در سطح عالی و همینطور ارائه مقالات در زمینه های تاریخی، فقهی و فلسفی انجام وظیفه نمودم و در سال ۱۳۸۰ با ارائه پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته فلسفه با موضوع: «اصالت وجود» از موسسه امام خمینی (ره) مدرک کارشناسی ارشد را اخذ نمودم.

موحدی کرمانی، محمد علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اینجانب محمد علی موحدی (مشهور به موحدی کرمانی) متولد ۱۳۱۰ بشماره شناسنامه ۳۲۵ صادره کرمان فرزند عباس (واعظ معروف کرمان بود)

تحصیلات مقدماتی در حوزه کرمان سپس در حوزه علمیه قم و سپس در حوزه علمیه نجف.

اساتید در کرمان آیت الله صالحی و شیخ رئیس و در قم مرحوم آیت الله العظمی بروجردی و آیت الله العظمی داماد و آیت الله العظمی امام خمینی و در نجف مرحوم آیت الله العظمی خوئی و آیت الله العظمی سید محمود شاهرودی و آیت الله العظمی میرزا باقر زنجانی و چند ماهی در مشهد از محضر آیت الله میلانی استفاده کردم.

پس از مراجعت از نجف و قم سنواتی در کرمان بشئون روحانی پرداختم و سپس به تهران آمدم. در تهران در دوران انقلاب و مبارزه به تربیت جوانان در مسجد پرداختم و بهمین دلیل مسجد در شرق تهران یکی از پایگاه‌های مبارزه **❖** بود.

اینجانب در تشکیلات جامعه روحانیت مبارز تهران بعنوان یکی از اعضای شورای مرکزی و دبیر جامعه در شرق تهران فعالیت داشتم.

همچنین در حزب جمهوری اسلامی بعنوان عضو شورای مرکزی و عضو داوری حزب حضور داشتم. پنج دوره نمایندگی در مجلس شورای اسلامی داشتم که دوره اول از کرمان و بقیه ادوار از تهران بود. (البته دوره سوم میاندوره ای بود)

همچنین پس از شهادت شهید اشرفی اصفهانی در باختران «کرمانشاه» بامر امام رضوان الله تعالی علیه مسئولیت امامت جمعه را داشتم. همچنین مدت چهارده سال نماینده مقام معظم رهبری در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بودم. ایضا عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام هستم.

ایضا از طرف مردم کرمان سه دوره نمایندگی مجلس خبرگان را داشتم.

در مجلس رئیس کمیسیون امور داخلی مجلس و رئیس کمیسیون امور دفاعی بودم.

در مقطعی نایب رئیس مجلس بودم. ایضا رئیس هیات اجرائی بین المجالس بودم. از توفیقات دوران مبارزه و انقلاب تشریف بود که به عتبات عالیات در اول سال ۵۷ داشتم که دیدارهای متعددی در نجف و کربلا بطور خصوصی با حضرت امام داشتم که برنامه های جامعه روحانیت مبارز را خدمت امام عرض کردم و هم حامل دستورات مهمی برای جامعه مذکور و حزب جمهوری داشتم.

همچنین میتواند حضور در جبهه و انس با رزمندگان را در دوران امامت جمعه باختران از توفیقات دوران انقلاب باشد. شاهد مبارانها و موشک خوردنهای مردم و مقاومت آن دلیران بودم که در این زمینه خاطرات فراوان دارم.

مباحثات اینجانب در دروس قم با آیات: آقای هاشمی رفسنجانی، مرحوم آقای ربانی املشی، و آقای قربانی لاهیجانی بود و بیشتر با حضرات آیات: آقای مطهری، آقای بهشتی، آقای مومن، آقای جنتی، آقای طاهری خرم آبادی و آقای مهدوی کنی و آقای انواری مانوس بودم.

موحدی محب، عبدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالله موحدی محب

محل تولد: بیدگل کاشان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۰/۲/۳

زندگینامه علمی

ورود به حوزه علمیه قم ۱/۷/۱۳۴۷، شروع به تدریس متون حوزوی ۱۳۵۴: سیوطی، مغنی، معالم، مختصر، شرح لمعه، اصول فقه و ... بازگشت به کاشان پس از تعطیلات تحصیلی بر حوزه متعاقب شهادت شهید غفاری (ره) و شروع به تدریس و تبلیغ و امامت جماعت در کاشان ۱۳۵۵ (مواد تدریس در حوزه کاشان همان درسهای یاد شده)، نماینده ولی فقیه در اوقاف کاشان ۱۳۵۸، قاضی در دادگستری کاشان و عضو کمیسیون ۵ نفری حل اختلافات ۱۳۵۸، تدریس در دبیرستانهای کاشان در ۱۳۵۸، فعالیتهای سیاسی اجتماعی، عضویت در کمیسیونهای مختلف در فرمانداری کاشان ۱۳۵۸.

بازگشت به قم و شروع فعالیت تحصیلی و تدریس ۱۳۵۹ (مواد درسی همان درسهای یاد شده در بالا)، شروع به تدریس در دانشگاه کاشان (مدرسه عالی علوم) نیمسال اول تحصیلی ۱۳۶۲، هم زمان تدریس در دانشگاه علوم پزشکی کاشان ۶۷ - ۱۳۶۶ (مواد درسی دروس معارف اسلامی)، راهیابی به دوره فوق لیسانس «مدرسه عالی دارالشفای قم» ۱۳۶۷، دفاع از رساله کارشناسی ارشد ۱۳۷۱ فروردین با درجه عالی نمره ۲۰ و استاد راهنما جناب استاد دکتر غلامحسین ابراهیمی دنیانی - استاد مشاور جناب حجة الاسلام حسین توفیقی - استاد داور حضرت آیت الله انصاری شیرازی (دامت توفیقاتهم)، استخدام در دانشگاه کاشان ۱۳۷۱ اردیبهشت، تدریس در دانشگاه قم از سال ۷۱ تا ۷۵ (موارد درسی علوم بلاغت، عربی، بدیع فارسی، علم کلام اسلامی).

راهیابی به دوره دکترای «علوم قرآن و حدیث» بهمن ماه ۱۳۷۵، دفاع از رساله دکترای با درجه عالی و نمره ۲۰ (۱۳۸۱/۶/۱۳) استاد راهنما جناب حجة الاسلام دکتر سید محمد باقر حجتی - استاد مشاور حجة الاسلام دکتر احمد بهشتی و حجة الاسلام محمد علی مهدوی راد - اساتید داور حضرت آیت الله داوری اصفهانی و حضرت آیت الله فاضل گلپایگانی (دامت برکاتهم).

اساتید: صرف و نحو حجة الاسلام «حاج آقا رضا رضوی» در حوزه علمیه کاشان سال ۴۵ و ۴۶، معانی و بیان: استاد «احمد امین شیرازی» سال ۴۷ در قم، فقه: لمعه «آیت الله موسوی تبریزی»، مکاسب: «مرحوم آیت الله ستوده»، اصول قوانین: «حضرت آیت الله دوزدوستانی» رسائل: آیات بزرگوار «مرحوم حرم پناهی (ره)»، «استاد آیت الله اعتمادی»، آیت الله خزعلی (دامت برکاتهم) کفایه مرحوم آیت الله ستوده و حضرت آیت الله مظاهری درس خارج اصول: حضرت آیت الله مظاهری «تقریباً یک دوره کامل اصول» فقه: حضرت آیت الله فاضل لنکرانی، حضرت آیت الله مکارم شیرازی (دامت برکاتهم)، هم اکنون هم عضو هیأت علمی دانشگاه کاشان استادیار پایه ۱۵ و در قم: مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن، جامعه الزهرا، مرکز تخصصی نهج البلاغه قم، فی الجمله فعالیت آموزشی و ... دارد، مقالات چاپ نشده از قبیل تحقیقات دانشگاهی و تقریرات دروس حضرات آیات: «فاضل لنکرانی» و «مظاهری» (دامت برکاتهم) مقداری نوشته چاپ نشده.

موحدیان عطار، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی موحدیان عطار

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را تماماً در شهر اصفهان انجام دادم و از دبیرستان «هراتی» در سال ۱۳۵۹ دیپلم علوم تجربی اخذ کردم. این زمان مصادف شد با انقلاب فرهنگی و تعطیل دانشگاه ها و جنگ تحمیلی. بنابراین به خدمت سربازی رفتم اما هم در دوره دبیرستان و هم در طول خدمت سربازی با موضوع معارف اسلامی و مباحث کلامی و فلسفی مانوس بودم.

پس از پایان خدمت به قصد مطالعه در میراث معنوی و علمی اسلام و تشیع و به ویژه معارف امامان شیعه (علیهم السلام) به حوزه علمیه اصفهان و در سال ۱۳۶۲ به حوزه قم مهاجرت کرده و در مدرسه علمیه حقانی، که سپس با نام شهیدین ادامه کار داد، به تحصیل مشغول شدم. تحصیلات متعارف حوزوی را تا مرحله خارج فقه ادامه داده و چند سالی در دروس خارج آیات عظام، از جمله: «حضرت آیت الله العظمی بهجت (دام ظلّه)» شرکت کردم. در این بین به مطالعات فلسفی، عرفانی و کلامی نیز می پرداختم و چند سالی را با گروه فلسفه مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی در تدوین معجم موضوعی کتب فلسفی همکاری کردم. در کنار تحصیلات حوزوی در سال های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۳ در دانشگاه قم مرکز تربیت مدرس در مقطع کارشناسی ارشد رشته «الهیات» تحصیل کردم و پایان نامه خود را در موضوع: «آسیب شناسی ایمان دینی: (ثبات در اعتقادات)» تحت نظر حضرت آیت الله معرفت دفاع کردم. بعد از آن چند سالی در دانشگاه های مختلف، از جمله دانشگاه رازی کرمانشاه و علامه طباطبایی تهران به تدریس دروس معارف پرداختم.

در سال ۱۳۷۵ به مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب پیوستم و مطالعات خود را در این زمینه و به طور خاص درباره ادیان هند آغاز کردم که تاکنون ادامه دارد و ره آورد آن یک کتاب، چندین مقاله و تدریس موضوعات مربوطه بوده است. علاوه بر این چند سالی است که مطالعات و پژوهش هایی را در زمینه «موعود باوری: در ادیان ترتیب داده و به طور فردی و گروهی مقالاتی را فراهم آورده ام و حاصل آن را در برنامه های تلویزیونی و رادیویی متعددی ارائه کرده ام.

در همین سال ها در مقطع دکتری در رشته «کلام با گرایش فلسفه دین و مسائل جدید کلامی» در دانشگاه قم (مرکز تربیت مدرس) تحصیل کرده و پایان نامه خود را در موضوع: «ایضاح مفهومی عرفان و ویژگی های جوهری آن» تحت نظر و راهنمایی جناب آقای دکتر قاسم کاکائی، دکتر شهرام پازوکی و آیت الله علی عابدی شاهرودی دفاع کردم. این موضوع را از آن رو برگزیدم تا سنگ بنایی باشد برای پژوهش هایی در زمینه عرفان ادیان و به ویژه عرفان امامان شیعه (علیهم السلام)، از این رهگذر نیز مقالاتی فراهم آمده است که برخی از آنها را در مجلات علمی پژوهشی کشور به چاپ رسانده ام.

مودب، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید رضا مودب

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۴ به شهر مقدس قم برای تحصیل به حوزه علمیه مسافرت نمودم و تا دو سال در مدرسه علمیه «حضرت آیت الله گلپایگانی» به مقدمات پرداختم. در سال ۱۳۵۶ به مدرسه رسالت جهت تحصیل منتقل شدم و دروس سطح یک و دو حوزه را در آنجا سپری نمودم و از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۰ در حوزه علمیه به ادامه تحصیل پرداختم. درس مکاسب و کفایه را از محضر استادان گرانقدر: «حضرت آیه الله علوی گرگانی» و حضرات آیات: «وجدانی فخر»، «پایانی» و «ستوده» استفاده کردم و در درس خارج حضرات آیات: «فاضل لنکرانی»، «مکارم شیرازی» و «علوی گرگانی» شرکت نمودم و یک دوره فقه و اصول را سپری کردم.

از سال ۶۹ در مرکز تربیت مدرس قم مشغول به تحصیل شدم و همزمان در دانشگاه تهران تدریس دروس معارف را آغاز نمودم که تا سال ۱۳۷۸ در دانشکده های فنی و مهندسی، علوم، ادبیات، حقوق و ... ادامه داشته است و همزمان در دانشکده الهیات دانشگاه تهران از سال ۱۳۷۲ در مقطع دکتری ادامه تحصیل داده در سال ۱۳۷۶ فارغ التحصیل در گرایش «علوم قرآن و حدیث» شدم و از ۱۳۷۶ عضو هیئت علمی دانشگاه قم در آمدم و تاکنون عضو هیئت علمی رسمی دانشگاه هستم.

در دانشگاه اصفهان تدریس معارف و در دانشکده علوم قرآنی و حدیث و دانشکده شهید محلاتی سپاه تدریس داشته ام. در دانشگاه قم در موضوعات علوم قرآن و حدیث چندین جزوه علمی تهیه نموده ام. در دانشگاه و دیگر محافل علمی چندین کنفرانس علمی در موضوعات قرآنی ارائه کرده ام. در مرکز تفسیر برای طلاب حوزه و در مرکز جهانی علوم اسلامی برای طلاب خارجی تدریس داشته و دارم. پایان نامه های متعددی در دانشگاه قم و مؤسسه امام خمینی سرپرستی نموده ام. چندین کتاب و اثر پژوهشی فراهم آورده ام که در آثار پژوهشی آمده و اکنون نیز در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، عضو حلقه کارشناسی مقاله های آن مرکز هستم. در رادیو معارف و ... مباحثی علمی در موضوعات قرآنی داشته ام.

مؤذن زاده، رحیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رحیم مؤذن زاده :

پدرش، مرحوم شیخ عبدالکریم اردبیلی، مؤذن بود و زمانی که در مسجد امام تهران اذان می خواند، صدایش به طور زنده از رادیو پخش می شد. شیخ عبدالکریم اردبیلی، تا سال ۱۳۲۲ در منطقه اردبیل به وعظ و اذان گویی مشغول بود و نخستین بار به خاطر اذانی که در این سال در رادیو گفته بود، شهرت پیدا کرد و سپس تا سال ۱۳۲۶ برنامه سحری رادیو را به صورت زنده، از طریق مسجد امام (مسجد شاه سابق) اجرا می کرد و در سال ۱۳۲۹ از دنیا رفت. در خانواده مؤذن زاده که اغلب به فعالیت های مذهبی و اذان گویی پرداخته اند، رحیم مؤذن زاده، فرزند ارشد شیخ عبدالکریم است، راه پدر را با جدیت بیشتری گرفت و عملاً پس از درگذشت پدرش به جای او قرائت اذان را ادامه داد. اذان مشهور مؤذن زاده که در گوشه روح الارواح آواز بیات ترک (زند)

خوانده شده است، اذانی است که رحیم مؤذن زاده در سال ۱۳۳۴ در میدان ۱۵ خرداد در استودیوی ۶ خوانده است. به روایت خود مؤذن زاده، او در حالی که روزه‌دار بوده می‌خواست است اذانی بگوید تا برای فرهنگ ایران و اسلام یادگاری ارزنده باشد. مؤذن زاده برای ضبط این اذان گوشه‌های مختلفی را می‌آزماید، اما هیچ کدام مورد پسندش واقع نمی‌شود، تا این که مناسب ترین گوشه را برای قرائت اذان، روح‌الارواح می‌بیند. ایشان بارها گفته است: "از ضبط این اثر همیشه یک احساس غرور معنوی در طول سال‌های گذشته با من همراه بوده است و اگر تنها همین ثروت معنوی باقی بماند برای من کافی است."

استاد مؤذن زاده در روزهای پایانی حیات خود، زندگی‌اش را اینگونه توصیف کرده بود:

«من سال ۱۳۰۴ در اردبیل به دنبال آمدم، در آن دوران ما عوض دبیرستان مکتب می‌رفتیم. همه هم متدین بودند. خانواده‌ها در دوره‌ی ما در ابتدای امر بچه‌ها را با قرآن مانوس می‌کردند. ما هم پس از طی این مرحله به مدرسه حاج ابراهیم آمدم. طلبه بودیم به اصطلاح امروز، ولی در حین طلبگی، این اذان با ما همراه بود. صبح و ظهر و عصر و شب در مسجد و اماکن مذهبی هر روز اذان می‌خواندیم، تا اینکه یک شب که پدرم در خیابان ایران اردبیل ساکن شد. او عادت داشت هر کجا که میهمانی هم برود صبح پشت بام رفته و اذان بگوید، صبح آن روزی که پدرم اذان گفت: امام جمعه‌ی اردبیل گفته بود که من صدای ملکوتی می‌شنوم، ببینید این صدا از کجا می‌آید. آن‌ها همه خانه‌ها را گشته بودند تا اینکه صاحب خانه‌ی ما گفته بود شیخ عبدالکریم اردبیلی اینجا آمده و اوست که اذان گفته است. ما را خواستند و آوردند در مسجد و در داخل مسجد به ما ۲ تا اتاق دادند. مرحوم پدرم سال ۱۳۲۲ برای نخستین بار اذان را در رادیو گفت و همین طور تا ۱۳۲۶ که برنامه‌ی سحری را به صورت زنده اجرا می‌کرد. او در سال ۱۳۲۹ سخته کرد و من قبول کردم جای او اذان بگویم تا الآن که با این سن و سال هنوز مشغولم و افتخار دارم که با گفتن آن یک اذان، برای اسلام و مملکت کاری کرده‌ام. ما که نه ثروت داریم و نه مکتب و همین یک اذان برایمان بهترین خیر است. هر روز تلفن می‌زنند و می‌گویند که این اذان خیلی زیبا گفته شده است، می‌دانید چرا؟ من جوابتان را می‌دهم برای این که باطن - اشاره به قلب - خوشگل است، برای این که این اذان را با دهن روزه پر کردم تا قربه الی الله باشد. این یک کار مادی نبود بلکه معنوی بود نتیجه‌اش را هم می‌بینید. واعظ تهرانی درجایی گفته بود اذان همه قبول باشد اذان است اما این اذان مؤذن زاده آدم را وادار می‌کند که به مسجد بیاید.

البته این اذان گفتن در خانواده‌ی ما موروثی است. ۱۵۰ سال است که خانواده‌ی ما اذان می‌گویند. حتی زمانی که در اردبیل آن موقع‌ها شناسنامه می‌دادند به تناسب شغل و حرفه نام خانوادگی انتخاب می‌کردند. به بابایم هم گفته بودند تو چیکاره‌ای؟ گفته بود مؤذن. گفته بودند نام خانوادگی شما مؤذن است. زمانی که سال ۱۳۲۹ پدرم فوت کرد و من جای او رفتم. گوینده‌ها می‌گفتند اذان، اذانی که به وسیله استاد مؤذن "، زاده اردبیلی" گفته شده است. لذا این "زاده اردبیلی" از آن موقع به اسم ما اضافه شد. یک روزی هم تصمیم گرفتم تا یک اذان یادگاری را بگویم. در استودیوی ۶ صدا و سیما هر گوشه‌ای انداختم نشد تا اینکه آن را در روح‌الارواح آواز بیات ترک به این شکل که بیش از ۵۰ سال پخش می‌شود گفتم. ما ایرانی هستیم و اذان ما باید برخاسته از خودمان باشد. الان اذان خوان‌هایی هستند که تقلید می‌کنند از عربستان و این پسندیده نیست و خود ما باید ابتکار به خرج دهیم.

الآن ۵۰ سال است که کسی نتوانسته روی این اذان من اذان بگوید حتی برادرم سلیم که آن صدای گیرا و زیبا را دارد و این خواست خداست. همان خدایی که می‌گوید اگر با من یک صدایی کنید، محبت شما را به قلوب همه می‌اندازم. البته ۲۰ سال پیش می‌خواستم یک اذان دیگر به مدت ۱۵ دقیقه که در وسط آن دعا است را پر کنم اما نگذاشتند و گفتند که اذان ۶ دقیقه بیشتر نمی‌شود. ولی در کل می‌خواهم بگویم در هر کاری که خدا و اخلاص در نظر گرفته شود آن کار جواب مثبتی خواهد داشت.»

مؤذن زاده اردبیلی که زمانی در اردبیل زندگی می‌کرد، بعدها به مهر شهر کرج کوچید و در آنجا ساکن شد. این اذان گوی سرشناس ایرانی، در سن هشتاد سالگی بر اثر بیماری روز پنجشنبه ۵ خرداد ۸۴ در تهران دعوت حق را لبیک گفت.

روحش شاد...

مؤذن زاده، رحیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد مرحوم رحیم مؤذن زاده که به خاطر اذان مشهور و تاریخی اش در حافظه جمعی ایرانیان و بسیاری از مسلمین جای دارد، در سال ۱۳۰۴ در استان اردبیل در خانواده ای متولد شد که شاید بیش از یک قرن به فعالیت های مذهبی می پرداخته اند... پدرش، مرحوم شیخ عبدالکریم اردبیلی، مؤذن بود و زمانی که در مسجد امام تهران اذان می خواند، صدایش به طور زنده از رادیو پخش می شد. شیخ عبدالکریم اردبیلی، تا سال ۱۳۲۲ در منطقه اردبیل به وعظ و اذان گویی مشغول بود و نخستین بار به خاطر اذانی که در این سال در رادیو گفته بود، شهرت پیدا کرد و سپس تا سال ۱۳۲۶ برنامه سحری رادیو را به صورت زنده، از طریق مسجد امام (مسجد شاه سابق) اجرا می کرد و در سال ۱۳۲۹ از دنیا رفت.

در خانواده مؤذن زاده که اغلب به فعالیت های مذهبی و اذان گویی پرداخته اند، رحیم مؤذن زاده، فرزند ارشد شیخ عبدالکریم است، راه پدر را با جدیت بیشتر پی گرفت و عملاً پس از درگذشت پدرش به جای او قرائت اذان را ادامه داد. اذان مشهور مؤذن زاده که در گوشه روح الارواح آواز بیات ترک (زند) خوانده شده است، اذانی است که رحیم مؤذن زاده در سال ۱۳۳۴ در میدان ۱۵ خرداد در استودیوی ۶ خوانده است.

به روایت خود مؤذن زاده، او در حالی که روزه دار بوده می خواسته است اذانی بگوید تا برای فرهنگ ایران و اسلام یادگاری ارزنده باشد. مؤذن زاده برای ضبط این اذان گوشه های مختلفی را می آزماید، اما هیچ کدام مورد پسندش واقع نمی شود، تا این که مناسب ترین گوشه را برای قرائت اذان، روح الارواح می بیند. ایشان بارها گفته است: "از ضبط این اثر همیشه یک احساس غرور معنوی در طول سال های گذشته با من همراه بوده است و اگر تنها همین ثروت معنوی باقی بماند برای من کافی است."

استاد مؤذن زاده در روزهای پایانی حیات خود، زندگی اش را اینگونه توصیف کرده بود:

«من سال ۱۳۰۴ در اردبیل به دنبال آمدم، در آن دوران ما عوض دبیرستان مکتب می رفتیم. همه هم متدین بودند. خانواده ها در دوره ای ما در ابتدای امر بچه ها را با قرآن مانوس می کردند. ما هم پس از طی این مرحله به مدرسه حاج ابراهیم آمدم. طلبه بودیم به اصطلاح امروز، ولی در حین طلبگی، این اذان با ما همراه بود. صبح و ظهر و عصر و شب در مسجد و اماکن مذهبی هر روز اذان می خواندیم، تا اینکه یک شب که پدرم در خیابان ایران اردبیل ساکن شد. او عادت داشت هر کجا که میهمانی هم برود صبح پشت بام رفته و اذان بگوید، صبح آن روزی که پدرم اذان گفت: امام جمعه ای اردبیل گفته بود که من صدای ملکوتی می شنوم، ببینید این صدا از کجا می آید. آن ها همه خانه ها را گشته بودند تا اینکه صاحب خانه ای ما گفته بود شیخ عبدالکریم اردبیلی اینجا آمده و اوست که اذان گفته است. ما را خواستند و آوردند در مسجد و در داخل مسجد به ما ۲ تا اتاق دادند. مرحوم پدرم سال ۱۳۲۲ برای نخستین بار اذان را در رادیو گفت و همین طور تا ۱۳۲۶ که برنامه سحری را به صورت زنده اجرا می کرد. او در سال ۱۳۲۹ سکنه کرد و من قبول کردم جای او اذان بگویم تا الآن که با این سن و سال هنوز مشغولم و افتخار دارم که با گفتن آن یک اذان، برای اسلام و مملکت کاری کرده ام. ما که نه ثروت داریم و نه مکتب و همین یک اذان برایمان بهترین خیر است.

هر روز تلفن می زنند و می گویند که این اذان خیلی زیبا گفته شده است، می دانید چرا؟ من جوابتان را می دهم برای این که باطن -

اشاره به قلب- خوشگل است، برای این که این اذان را با دهن روزه پر کردم تا قرینه الی الله باشد. این یک کار مادی نبود بلکه معنوی بود نتیجه‌اش را هم می‌بینید. واعظ تهرانی درجایی گفته بود اذان همه قبول باشد اذان است اما این اذان مؤذن زاده آدم را وادار می‌کند که به مسجد بیاید.

البته این اذان گفتن در خانواده‌ی ما موروثی است. ۱۵۰ سال است که خانواده‌ی ما اذان می‌گویند. حتی زمانی که در اردبیل آن موقع‌ها شناسنامه می‌دادند به تناسب شغل و حرفه نام خانوادگی انتخاب می‌کردند. به بابایم هم گفته بودند تو چیکاره‌ای؟ گفته بود مؤذن. گفته بودند نام خانوادگی شما مؤذن است. زمانی که سال ۱۳۲۹ پدرم فوت کرد و من جای او رفتم. گوینده‌ها می‌گفتند اذان، اذانی که به وسیله استاد مؤذن "، زاده اردبیلی" گفته شده است. لذا این "زاده اردبیلی" از آن موقع به اسم ما اضافه شد. یک روزی هم تصمیم گرفتم تا یک اذان یادگاری را بگویم. در استودیوی ۶ صدا و سیما هر گوشه‌ای انداختم نشد تا اینکه آن را در روح‌الارواح آواز بیات ترک به این شکل که بیش از ۵۰ سال پخش می‌شود گفتم. ما ایرانی هستیم و اذان ما باید برخاسته از خودمان باشد. الان اذان خوان‌هایی هستند که تقلید می‌کنند از عربستان و این پسندیده نیست و خود ما باید ابتکار به خرج دهیم. الان ۵۰ سال است که کسی نتوانسته روی این اذان من اذان بگوید حتی برادرم سلیم که آن صدای گیرا و زیبا را دارد و این خواست خداست. همان خدایی که می‌گوید اگر با من یک صدایی کنید، محبت شما را به قلوب همه می‌اندازم. البته ۲۰ سال پیش می‌خواستم یک اذان دیگر به مدت ۱۵ دقیقه که در وسط آن دعا است را پر کنم اما نگذاشتند و گفتند که اذان ۶ دقیقه بیشتر نمی‌شود. ولی در کل می‌خواهم بگویم در هر کاری که خدا و اخلاص در نظر گرفته شود آن کار جواب مثبتی خواهد داشت.»

مؤذن زاده اردبیلی که زمانی در اردبیل زندگی می‌کرد، بعدها به مهر شهر کرج کوچید و در آنجا ساکن شد. این اذان گوی سرشناس ایرانی، در سن هشتاد سالگی بر اثر بیماری روز پنجشنبه ۵ خرداد ۸۴ در تهران دعوت حق را لبیک گفت. روحش شاد...

مؤذن زاده، رحیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رحیم مؤذن زاده اردبیلی :

پدرش، مرحوم شیخ عبدالکریم اردبیلی، مؤذن بود و زمانی که در مسجد امام تهران اذان می‌خواند، صدایش به طور زنده از رادیو پخش می‌شد. شیخ عبدالکریم اردبیلی، تا سال ۱۳۲۲ در منطقه اردبیل به وعظ و اذان‌گویی مشغول بود و نخستین بار به خاطر اذانی که در این سال در رادیو گفته بود، شهرت پیدا کرد و سپس تا سال ۱۳۲۶ برنامه سحری رادیو را به صورت زنده، از طریق مسجد امام (مسجد شاه سابق) اجرا می‌کرد و در سال ۱۳۲۹ از دنیا رفت. در خانواده مؤذن زاده که اغلب به فعالیت‌های مذهبی و اذان‌گویی پرداخته‌اند، رحیم مؤذن زاده، فرزند ارشد شیخ عبدالکریم است، راه پدر را با جدیت بیشتر پی گرفت و عملاً پس از درگذشت پدرش به جای او قرائت اذان را ادامه داد. اذان مشهور مؤذن زاده که در گوشه روح‌الارواح آواز بیات ترک (زند) خوانده شده است، اذانی است که رحیم مؤذن زاده در سال ۱۳۳۴ در میدان ۱۵ خرداد در استودیوی ۶ خوانده است. به روایت خود مؤذن زاده، او در حالی که روزه‌دار بوده می‌خواست است اذانی بگوید تا برای فرهنگ ایران و اسلام یادگاری ارزنده باشد. مؤذن زاده برای ضبط این اذان گوشه‌های مختلفی را می‌آزماید، اما هیچ کدام مورد پسندش واقع نمی‌شود، تا این که مناسب‌ترین گوشه را برای قرائت اذان، روح‌الارواح می‌بیند. ایشان بارها گفته است: "از ضبط این اثر همیشه یک احساس غرور معنوی در طول

سال‌های گذشته با من همراه بوده است و اگر تنها همین ثروت معنوی باقی بماند برای من کافی است."

استاد مؤذن زاده در روزهای پایانی حیات خود، زندگی‌اش را اینگونه توصیف کرده بود:

«من سال ۱۳۰۴ در اردبیل به دنبال آمدم، در آن دوران ما عوض دبیرستان مکتب می‌رفتیم. همه هم متدین بودند. خانواده‌ها در دوره‌ی ما در ابتدای امر بچه‌ها را با قرآن مانوس می‌کردند. ما هم پس از طی این مرحله به مدرسه حاج ابراهیم آمدم. طلبه بودیم به اصطلاح امروز، ولی در حین طلبگی، این اذان با ما همراه بود. صبح و ظهر و عصر و شب در مسجد و اماکن مذهبی هر روز اذان می‌خواندیم، تا اینکه یک شب که پدرم در خیابان ایران اردبیل ساکن شد. او عادت داشت هر کجا که میهمانی هم برود صبح پشت بام رفته و اذان بگوید، صبح آن روزی که پدرم اذان گفت: امام جمعه‌ی اردبیل گفته بود که من صدای ملکوتی می‌شنوم، ببینید این صدا از کجا می‌آید. آن‌ها همه خانه‌ها را گشته بودند تا اینکه صاحب خانه‌ی ما گفته بود شیخ عبدالکریم اردبیلی اینجا آمده و اوست که اذان گفته است. ما را خواستند و آوردند در مسجد و در داخل مسجد به ما ۲ تا اتاق دادند. مرحوم پدرم سال ۱۳۲۲ برای نخستین بار اذان را در رادیو گفت و همین طور تا ۱۳۲۶ که برنامه‌ی سحری را به صورت زنده اجرا می‌کرد. او در سال ۱۳۲۹ سگته کرد و من قبول کردم جای او اذان بگویم تا الآن که با این سن و سال هنوز مشغولم و افتخار دارم که با گفتن آن یک اذان، برای اسلام و مملکت کاری کرده‌ام. ما که نه ثروت داریم و نه مکتب و همین یک اذان برایمان بهترین خیر است. هر روز تلفن می‌زنند و می‌گویند که این اذان خیلی زیبا گفته شده است، می‌دانید چرا؟ من جوابتان را می‌دهم برای این که باطن - اشاره به قلب - خوشگل است، برای این که این اذان را با دهن روزه پر کردم تا قربه الی الله باشد. این یک کار مادی نبود بلکه معنوی بود نتیجه‌اش را هم می‌بینید. واعظ تهرانی درجایی گفته بود اذان همه قبول باشد اذان است اما این اذان مؤذن زاده آدم را وادار می‌کند که به مسجد بیاید.

البته این اذان گفتن در خانواده‌ی ما موروثی است. ۱۵۰ سال است که خانواده‌ی ما اذان می‌گویند. حتی زمانی که در اردبیل آن موقع‌ها شناسنامه می‌دادند به تناسب شغل و حرفه نام خانوادگی انتخاب می‌کردند. به بابایم هم گفته بودند تو چیکاره‌ای؟ گفته بود مؤذن. گفته بودند نام خانوادگی شما مؤذن است. زمانی که سال ۱۳۲۹ پدرم فوت کرد و من جای او رفتم. گوینده‌ها می‌گفتند اذان، اذانی که به وسیله استاد مؤذن "، زاده اردبیلی" گفته شده است. لذا این "زاده اردبیلی" از آن موقع به اسم ما اضافه شد. یک روزی هم تصمیم گرفتم تا یک اذان یادگیری را بگویم. در استودیوی ۶ صدا و سیما هر گوشه‌ای انداختم نشد تا اینکه آن را در روح‌الارواح آواز بیات ترک به این شکل که بیش از ۵۰ سال پخش می‌شود گفتم. ما ایرانی هستیم و اذان ما باید برخاسته از خودمان باشد. الان اذان خوان‌هایی هستند که تقلید می‌کنند از عربستان و این پسندیده نیست و خود ما باید ابتکار به خرج دهیم. الآن ۵۰ سال است که کسی نتوانسته روی این اذان من اذان بگوید حتی برادرم سلیم که آن صدای گیرا و زیبا را دارد و این خواست خداست. همان خدایی که می‌گوید اگر با من یک صدایی کنید، محبت شما را به قلوب همه می‌اندازم. البته ۲۰ سال پیش می‌خواستم یک اذان دیگر به مدت ۱۵ دقیقه که در وسط آن دعا است را پر کنم اما نگذاشتند و گفتند که اذان ۶ دقیقه بیشتر نمی‌شود. ولی در کل می‌خواهم بگویم در هر کاری که خدا و اخلاص در نظر گرفته شود آن کار جواب مثبتی خواهد داشت.»

مؤذن زاده اردبیلی که زمانی در اردبیل زندگی می‌کرد، بعدها به مهر شهر کرج کوچید و در آنجا ساکن شد. این اذان گوی سرشناس ایرانی، در سن هشتاد سالگی بر اثر بیماری روز پنجشنبه ۵ خرداد ۸۴ در تهران دعوت حق را لبیک گفت.

مورخ الاسلام، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند حاج میر سید علی بن میرزا محمد علی خان سابق الذکر.

ادیب فاضل مورخ، در شب یکشنبه ۶ صفر سال ۱۳۰۰ متولد، و در ذی حجه ۱۳۶۹ وفات یافته، در تکیه‌ی میر سید محمد شهشهرانی مدفون گردید. [مدفن او در تکیه‌ی ملک واقع است].

کتب چندی تألیف فرموده، از آن جمله است:

۱ - سفرنامه‌ی کربلا ۲ هفصائل العجم؛ و غیره.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

موزه، محمدباقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: پرودنتولوژی، دانشکده: دندان پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی از سال ۱۳۶۲ تا سال ۱۳۶۸ و دانشیار دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی از سال ۱۳۶۸ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی و مقایسه تأثیر خوف ناهنجاریهای دندان بر روی لثه دندان، بررسی مقدماتی اپیدمیولوژی بیماریهای پرودنتال در شهر تهران، تکنیک درمان ژنژیوکتون، قلبهای پرودنتال، کنترل مردمک میکروبی، تغییرات لثه در زمان بلوغ، حاملگی و یائسگی، رابط پرودنتیکی و پرگودنتیکی، قواعد و اصول کلی در جراحیهای پرودنتال، درمان ضایعات محل ریشه دندان، تدریس مربوطه به دانشجویان و رزیدنت‌های تخصصی دانشکده دندان پزشکی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

انساج پرودنشیوم در سلامت و بیماری، تشخیص و درمان بیاریهای پرودنتال.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

مروری بر ضایعات مشترک پرودنتال و اندودنتیکی، تغذیه و بیماریهای پرودنتال، ژنژیوزیس، علل پیدایش تحلیل لثه، پیوندهای آلوپلاست، اثرات سوء عادات دهانی، ازدیاد حجم لثه به علت مصرف دیلانسن، بررسی عوامل حرکت موضعی بر روی انساج پرودتیوم و علل از دست رفتن دندانها.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

موسوی احمد آبادی، مجتبی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مجتبی موسوی احمد آبادی

محل تولد: اردکان یزد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۳۸ در یکی از روستاهای استان یزد «احمد آباد» متولد شدم. دوران ابتدایی و راهنمایی را در آنجا به پایان رساندم. در سال ۱۳۵۶ جهت ادامه تحصیل به سفارش پدرم راهی قم شدم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی مشغول به تحصیل شدم. دروس مقدمات تا شرح لمعه را در آن مدرسه به پایان رساندم و سپس به صورت آزاد در درس های حوزه شرکت نمودم. شرح لمعه را نزد اساتید محترم: «مرحوم وجدانی فخر» و «آقای پاکویی»، اصول الفقه را نزد «آیت الله طهرانی» و «عرفانیان»، مکاسب را نزد «استاد پایانی» و مقداری از آن نزد «آقای دوزدوزانی» و «بنی فضل» و رسایل و کفایتین را نزد استاد محترم «آقای اعتمادی» به پایان رساندم. پس از اتمام دوره سطح، به مدت هفت سال در درس خارج فقه و اصول حضرت «آیت الله مکارم» شرکت نمودم و حدود سه سال در درس خارج فقه «آیت الله العظمی آقای تبریزی (ره)» کسب فیض نمودم. در سال ۱۳۷۳ در گروه تخصصی تفسیر پذیرفته شدم. دوره چهار ساله را در سال ۱۳۷۷ با موفقیت به پایان رساندم. بعد از اتمام دوره تخصصی تفسیر از سال ۱۳۷۷ تاکنون به مدت هشت سال در گروه فرهنگ و معارف قرآن بخش دایره المعارف قرآن در دفتر تبلیغات به عنوان محقق به تحقیقات و بررسی موضوعات قرآنی مشغول هستم.

موسوی اردبیلی، یونس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج سید یونس موسوی اردبیلی فرزند آیت الله میرزا فتح علی اردبیلی یکی از آیات و مراجع بزرگ مشهد در قرن اخیر است. معظم له مجتهدی محقق، فقهی اصولی و دانشمندی پارسا و مجاهد بود. در سال ۱۲۹۳ در شهر اردبیل متولد شد و بعد از پیمودن تحصیلات مقدماتی چند سالی از حضور علمای بزرگ زنجان ادبیات عرب و دروس فقه و اصول و حکمت و کلام و منطق را تکمیل نموده، رهسپار نجف اشرف گردید.

آیت الله اردبیلی متجاوز از سی و پنج سال در حوزه نجف و سایر شهرهای عتبات از محضر اساتید متعدد برخوردار بود. بیشتر

مراتب علمی و اجتهاد او از محضر پر فیض و پربرکت آخوند خراسانی و علامه یزدی نصیبت گردید. و خود به درجه استادی و اجتهاد رسید و در سلک مدرسین نجف قرار گرفت. مرحوم اردبیلی در سال ۱۳۴۶ از عراق وارد زادگاه خویش گردید ولی دیری نگذشت که رحل اقامت به قصد تربیت و تدریس علما در مشهد مقدس افکند و مردم آن شهر و فضلا مقدم او را گرامی داشتند و چند سال در رأس علما و مراجع و مدرسین حوزه مشهد کوشش می فرمود، تا آنکه در سال ۱۳۵۳ به علت اعتراض شدید به کشتار بی رحمانه مردم مشهد و حادثه مسجد گوهرشاد توسط رضا خان قلدر و ایادی او دستگیر شده و سرانجام او را به زادگاهش تبعید نمودند و حدود هشت ساله ناگزیر در شهر خود منشأ خدمات و آثار ارزنده گردیده و در پیشرفت مکتب جعفری به خوبی پیش رفت.

مرحوم اردبیلی بعد از سقوط رضاخان مجددا عازم مشهد مقدس گردید و تا پایان عمر در ردیف مراجع و آیات و مدرسین حوزه به تدریس علما و ترویج مذهب اشتغال داشت. عصر این سید بزرگوار مقارن زعامت آیت الله بروجردی در قم بود. معظم له کتاب معتقدات قاصر را در اصول عقاید و رسائلی در شرح و حاشیه عروه، قاعده لاضرر، صلوة مسافر، و رساله ای در عمل مقلدین خویش به رشته تحریر برد و سرانجام این مرجع بزرگ در سال ۱۳۷۷ در مشهد مقدس جهان فانی را وداع نمود و با مرگ او ثلمه ای بر پیکر اسلام و تشیع و شیعیان مشهد وارد شد.

منابع زندگینامه: <http://www.shaaer.com>

موسوی اصفهانی، فهیمه

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: دهان و دندان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

موسوی اصل، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مهدی موسوی اصل

محل تولد: تبریز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان تحصیلات کلاسیک در حد دوم راهنمایی شروع به تحصیلات حوزوی در حوزه علمیه تبریز کردم و مقدمات علوم اسلامی را تا حد لمعتین در آنجا به اتمام رساندم. پس از آن به مدت یک سال در تهران به تحصیل رسائل و مکاسب و نیز تدریس مقدمات مشغول بودم. در سال ۱۳۶۴ به قم آمدم. پس از پایان تحصیلات سطح در قم، در درس خارج فقه و اصول (عمدتاً در درس آقایان آیت الله مکارم و سبحانی) شرکت کردم. همزمان در دوره آشنایی با علوم جدید در موسسه در راه حق مشغول تحصیل شدم.

در سال ۱۳۷۰ پس از پایان دوره موسسه در راه حق، به عضویت دفتر همکاری حوزه و دانشگاه در آمدم و دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد «روانشناسی» را در آنجا گذراندم. ضمناً همزمان با تحصیل روانشناسی در دفتر همکاری در درس خارج نیز شرکت کردم. پس از پایان تحصیلات کارشناسی ارشد «روانشناسی» در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مشغول به تحقیق در مسائل مربوط به «علوم اسلامی و روانشناسی» شدم.

موسوی بالیگی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد موسوی بالیگی

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای سید محمد موسوی بالیگی در سال ۱۳۴۸ هجری شمسی در خانواده ای متدین و مذهبی در شهر مشهد مقدس دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه مشهد مقدس گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا (ع) نزد بزرگان آن دیار همچون: «آیت الله آشتیانی»، «آیت الله علم الهدی» و «مرحوم آیت الله فلسفی» تلمذ کرد.

ایشان ضمن پرداختن به وظیفه مهم دینی خویش: «تبلیغ»، به تدریس فلسفه و عرفان در دانشگاه های رضوی مشهد و دانشگاه تهران مشغول است. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس، درس، قلم، کتاب، تحقیق، نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که کتاب های «آیین و اندیشه» و تصحیح «اسرار الآیات» و ... از جمله آثار ایشان است.

موسوی بجنوردی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت الله دکتر سید محمد موسوی بجنوردی در سال ۱۳۲۲ در نجف اشرف متولد شد ولی در شناسنامه وی ۱۳۲۴ به عنوان سال تولد رقم خورده است. ایشان تحصیلات علوم حوزوی و دینی خود را در ایران و نجف اشرف به انجام رساندند. وی به مدت ۳۰ سال در محضر استادان درجه اول فقه و اصول و فلسفه از جمله مرحومان امام خمینی (س)، پدر معظم ایشان آیت الله العظمی میرزا سید حسن بجنوردی - صاحب کتاب القواعد الفقهیه و مرجع تقلید وقت - آیت الله خویی و آیت الله حکیم در حوزه نجف اشرف به فراگیری علوم دینی پرداخت. موسوی بجنوردی که دروس جدید و حوزوی را با هم می‌خواند در ۱۸ سالگی کفایتین (سطح ۳) را به پایان رساند. همزمان با حضور در درس خارج امام، موسوی بجنوردی به مدت ۱۲ سال در کلاسهای آیت الله العظمی خویی نیز حاضر می‌شدند. موسوی بجنوردی پس از پیروزی انقلاب به ایران آمدند و در دفتر استفتائات حضرت امام مشغول به کار شدند. در سال ۱۳۵۹ به دستور امام راحل، دادگاه عالی قضات را راه اندازی کرد. ایشان از سال ۱۳۶۰ به مدت دو دوره تا سال ۱۳۶۸ به عضویت شورای عالی قضایی درآمدند که تا ارتحال حضرت امام و تغییر در قانون اساسی (که منجر به حذف شورای عالی قضایی شد) ادامه داشت. همزمان با این فعالیتهای اجتماعی و امور اجرایی کار تدریس و تحقیق در دانشکده های حقوق دانشگاه های شهید بهشتی، تربیت مدرس و نیز دانشکده الهیات دانشگاه تهران را دنبال کردند. در سال ۱۳۶۸ به رتبه دانشیاری و در فروردین سال ۱۳۸۲ به رتبه استادی رسیدند. دکتر سید محمد موسوی بجنوردی از سال ۱۳۷۱ عضو هیأت علمی و ریاست گروه الهیات دانشگاه تربیت معلم (خوارزمی) بودند و در حال حاضر رئیس گروه الهیات و رشته حقوق و علوم سیاسی این دانشگاه می باشند.

گروه: علوم انسانی

رشته: حقوق

گرایش: فقه و اصول

والدین و انساب: پدر معظم سید محمد موسوی بجنوردی مرحوم آیت الله العظمی میرزا سید حسن بجنوردی، صاحب کتاب القواعد الفقهیه و مرجع تقلید وقت بود

تحصیلات رسمی و حرفه ای: سید محمد موسوی بجنوردی دارای اجتهاد در رشته فقه و اصول از نجف اشرف از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ است.

فعالیتهای ضمن تحصیل: سید محمد موسوی بجنوردی در حین شاگردی در کلاس درس امام و آیت الله العظمی خویی در مسجد جامع نجف اشرف (هندی) رسائل، مکاسب و کفایتین را به زبان عربی برای شیعیان کشورهای عرب زبان همچون عراق، لبنان، سوریه و مصر تدریس می کردند.

استادان و مربیان: از استادان سید محمد موسوی بجنوردی می توان به امام خمینی (ره)، پدر معظم ایشان آیت الله العظمی میرزا سید حسن بجنوردی، آیت الله خویی و آیت الله حکیم در حوزه نجف اشرف اشاره کرد.

وقایع میانسالی: سید محمد موسوی بجنوردی پس از پیروزی انقلاب به ایران آمدند و در دفتر استفتائات حضرت امام مشغول به کار شدند. در سال ۱۳۵۹ به دستور امام راحل، دادگاه عالی قضات را راه اندازی کرد. ایشان از سال ۱۳۶۰ به مدت دو دوره تا سال ۱۳۶۸ به عضویت شورای عالی قضایی درآمدند که تا ارتحال حضرت امام و تغییر در قانون اساسی (که منجر به حذف شورای عالی قضایی شد) ادامه داشت. در این شورا بخش مهمی از تدوین قوانین و اصلاحیه های مربوط به قانون مدنی، آیین دادرسی کیفری، قانون مجازات اسلامی و نظارت مستقیم بر احکام همه دادگاهها بر عهده ایشان بود. همزمان با این فعالیتهای اجتماعی و

امور اجرایی کار تدریس و تحقیق در دانشکده های حقوق دانشگاه های شهید بهشتی، تربیت مدرس و نیز دانشکده الهیات دانشگاه تهران را دنبال کردند. در سال ۱۳۶۸ به رتبه دانشیاری و در فروردین سال ۱۳۸۲ به رتبه استادی رسیدند

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سوابق شغلی (آموزشی - اجرایی) سید محمد موسوی بجنوردی به شرح زیر است: اجرایی :-

عضویت در شورای عالی قضایی (دو دوره بمدت ده سال) - رئیس دادگاه عالی انقلاب اسلامی - رئیس شعبه دیوان عالی کشور - عضو هیات عفو حضرت امام خمینی (ره) - عضو کمیته کشوری اخلاق پزشکی - عضو هیئت علمی موسسه عالی بانکداری - ریاست کمیسیون حقوق بشر اسلامی - عضویت در شورای عالی علمی دایره المعارف بزرگ اسلامی - عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم) - رئیس گروه حقوق و علوم سیاسی تربیت معلم - رئیس گروه دین و فلسفه - مدیر گروه فقه و حقوق پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی - عضو هیات امنای مرکز بین المللی گفتگوی فرهنگها و تمدنها - عضو کمیته کشوری اخلاق پزشکی - عضو کمیته علمی شورای پول و اعتبار - عضو هیئت امنای مرکز بین المللی گفتگوی تمدنها - عضو کمیته کشوری اخلاق پزشکی - عضو شورای دانشگاه تربیت معلم - عضو هیئت ممیزه دانشگاه تربیت معلم - مدیر گروههای حقوق و علوم سیاسی و فلسفه و دین و فقه و حقوق پژوهشکده امام خمینی (ره) - مدیر گروه دین و فلسفه دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم) - مدیر گروه حقوق و علوم سیاسی (تربیت معلم) - عضو هیئت تحریریه مجله علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم - عضو هیئت تحریریه متین پژوهشکده امام خمینی (ره) - عضو هیئت تحریریه مجله نامه الهیات دانشگاه آزاد اسلامی - عضو هیئت تحریریه مجله حقوق و علوم سیاسی آموزشی - آموزش از سال ۶۰ تا کنون: - دانشگاه شهید بهشتی - دانشگاه تربیت مدرس - دانشگاه تهران - دانشگاه آزاد اسلامی - مدرسه عالی شهید مطهری - موسسه عالی بانکداری ایران - دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم) - دانشگاه قم

فعالیتهای آموزشی: سید محمد موسوی بجنوردی تدریس در دانشگاههای خارج از کشور را از سال ؟؟؟؟ با تدریس در دانشگاه بریتیش کلمبیا کانادا آغاز کردند. ایشان در آن سال به دعوت دانشکده حقوق آن دانشگاه بمدت یک ترم حقوق اسلامی تدریس کردند و در پایان نیز یک رساله دکترا در موضوع «حقوق کودک در اسلام» را راهنمایی کرد. ایشان در همان سال از کانادا به آمریکا رفته در دانشگاه کالیفرنیا جلساتی را بمدت دو ماه برگزار کرد که مقارنه بین حقوق اسلام و حقوق غرب بود. این جلسات نهایتاً ترجمه و در آن دانشگاه به چاپ رسید. به دنبال همین جلسه مسؤولان دانشگاه از ایشان خواستند که بمدت چهار سال استادی آن دانشگاه را عهده دار شود که وی به علت ارجحیت دادن حضور در ایران این پیشنهاد را نپذیرفت. یکسال بعد مسؤولان دانشگاه جرج تاون واشنگتن دی سی به واسطه دکتر سید حسین نصر پیشنهاد تصدی گری مسؤولیت بخش علوم اسلامی آن دانشگاه را به ایشان دادند ولی موسوی بجنوردی این پیشنهاد را نیز نپذیرفت. در سال ؟؟؟؟ نیز آیت الله موسوی بجنوردی بمدت یک ترم در دانشکده حقوق دانشگاه آکسفورد تدریس داشتند که در انتها راهنمایی رساله دو دانشجوی در موضوعات «سیستم حکومت در اسلام» و «بررسی حقوق خصوصی در بعد مسائل مالکیت خصوصی» را عهده دار شد. آیت الله موسوی بجنوردی از اواسط دهه هفتاد ارتباطات علمی مستمری با دانشکده حقوق دانشگاه محمد الخامس مراکش داشته است. ایشان رفت و آمد و تدریس در مراکش را بسیار مفید دانسته و از این بابت بسیار اظهار خرسندی داشته اند. سال گذشته آیت الله موسوی بجنوردی به دانشگاه سن ژوزف (القدیس یوسف) لبنان دعوت شدند و جلسات علمی را در آن دانشگاه که شاخه ای از دانشگاه سوربن می باشد برگزار کردند. به دنبال آن جلسات دعوتنامه ای از دانشگاه سوربن برای تدریس در ترم پاییز به ایشان ارسال شد. در اردیبهشت ؟؟؟؟ آیت الله موسوی بجنوردی به دعوت طنطاوی شیخ الازهر به مصر رفت و ضمن ارائه جلساتی در خصوص «نقش عقل در شریعت» ارتباطات علمی را با دانشگاه الازهر و عین الشمس برقرار کردند. یکی از جلسات جالب علمی آیت الله موسوی بجنوردی در دانشگاه بریتیش کلمبیا تدریس خصوصی به موریس کاپیتورن کمیسر عالی حقوق بشر می باشد. پروفیسور کاپیتورن که استاد

دانشگاه بریتیش کلمبیا است در آن سال که هنوز نماینده سازمان حقوق بشر در ایران نبوده است جلساتی درباره «حقوق جزا در اسلام» را به صورت خصوصی نزد آیت الله موسوی بجنوردی گذراند. موسوی بجنوردی در حال حاضر اشتیاق چندانی برای تدریس در دانشگاه‌های خارج از کشور ندارد. چراکه به اعتقاد او داخل کشور بیشتر از خارج نیازمند اسلام راستین است. ایشان هم اکنون در داخل کشور در دانشگاه‌های: تهران، تربیت مدرس، شهید بهشتی، تربیت معلم (خوارزمی)، دانشگاه آزاد (واحد علوم و تحقیقات، الهیات قلهک)، موسسه عالی بانکداری و پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری تدریس میکنند.

شاگردان: سیدعباس موسوی و شیخ راغب حرب از شهدای برجسته حزب الله لبنان از شاگردان سید محمد موسوی بجنوردی در آن دوران از تحصیل وی در نجف اشرف بودند.

آرا و گرایشهای خاص: زمینه‌های تحقیقاتی مورد علاقه سید محمد موسوی بجنوردی به قرار زیر است: فقه - حقوق - اصول - فلسفه - عرفان - کلام

چگونگی عرضه آثار: از سید محمد موسوی بجنوردی در داخل کشور بیش از ۵۰ مقاله در مجلات علمی و ۱۵ جلد کتاب با عناوین زیر منتشر شده است که بعضاً عنوان کتب درسی رشته حقوق در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری مورد توجه استادان و دانشجویان قرار گرفته است. - عقد ضمان - علم اصول - فقه تطبیقی - فقه تطبیقی، بخش جزایی (جلد دوم) - قواعد فقهیه جلد ۱، ۲ - مجموعه مقالات فقهی، حقوقی، فلسفی و اجتماعی ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶ - مصادر التشریح عند الامامیه و السنه (به زبان عربی)؛ - مقالات اصولی. تعداد مقالات علمی چاپ شده در مجلات علمی و پژوهشی = ۴۸ مقاله تعداد مقاله‌های ارائه شده در نشست‌های علمی = ۲۳ مقاله تعداد پایان نامه‌های تحت راهنمایی دکتر موسوی بجنوردی: الف) کارشناسی ارشد: در حدود ۲۲۰ پایان نامه کارشناسی ارشد ب) دکتری: در حدود ۶۰ پایان نامه دکتری پایان نامه‌های تحت مشاوره دکتر موسوی بجنوردی: الف) کارشناسی ارشد: در حدود ۲۲۰ پایان نامه مشاوره و به همین تعداد استاد ناظر ب) دکتری: در حدود ۶۰ پایان نامه مشاوره و به همین تعداد استاد ناظر -

آثار:

۱ اندیشه‌های حقوقی حقوق خانواده

ویژگی اثر: انتشارات مجمع علمی فرهنگی مجد و در سال ۱۳۸۶ به چاپ رسیده است و در زمینه فقه، حقوق می باشد.

۲ عقد ضمان

ویژگی اثر: انتشارات پژوهشکده امام خمینی و در سال ۱۳۸۰ به چاپ رسیده است. این کتاب در زمینه حقوق است.

۳ علم اصول

ویژگی اثر: انتشارات پژوهشکده امام خمینی در سال ۱۳۸۰ چاپ شده است. این کتاب در زمینه اصول فقه می باشد.

۴ فقه تطبیقی

ویژگی اثر: انتشارات پژوهشکده امام خمینی و در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسیده است و در زمینه حقوق می باشد

۵ قواعد فقهیه (در دو جلد)

ویژگی اثر: انتشارات پژوهشکده امام خمینی در سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۳ چاپ شده است. این کتاب در زمینه فقه و حقوق است.

۶ مجموعه مقالات فقهی، حقوقی، اجتماعی فلسفی در ۶ جلد

ویژگی اثر: انتشارات پژوهشکده امام خمینی و در سالهای ۱۳۸۰-۱۳۸۱-۱۳۸۲-۱۳۸۳-۱۳۸۴-۱۳۸۵ منتشر شده است. این کتاب

در زمینه فقه حقوق فلسفه بحث می کند.

۷ مصادر التشریح عند الامامیه و السنه (ج ۱)

ویژگی اثر: انتشارات پژوهشکده امام خمینی و در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسید. این کتاب در زمینه مدخل در علم فقه و اصول نگاشته شده است

۸ مقالات اصولی

ویژگی اثر: انتشارات امیر کبیر و در سال ۱۳۷۶ به چاپ رسیده است. و در زمینه اصول است.

موسوی برزکی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد موسوی برزکی

محل تولد: کاشان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ در مدرسه رسالت قم مشغول به تحصیل علوم حوزوی و دینی شدم. پس از اتمام مقدمات در فیضیه و مسجد اعظم و ... تحصیلات خود را ادامه دادم. کتاب شرح لمعه را در محضر «آیت الله استادی» و «وجدانی فخر» و رسائل و کفایه را در محضر «آیت الله اعتمادی» و مکاسب را در محضر «آیت الله پایانی» بوده‌ام.

دروس خارج فقه و اصول را از خرمن علم آیات عظام: «وحید خراسانی»، «فاضل لنکرانی» و «شیخ جواد تبریزی» خوشه‌چینی نمودم و تفسیر و فلسفه را از محضر «آیت الله جوادی آملی» پس از ده سال حضور در دروس خارج و احساس با نیازی از حضور در سر کلاس آیات عظام به تدریس دروس حوزوی از مقدمات تا کفایه مشغول شدم.

همچنین در دانشگاه آزاد تدریس دروس عمومی را مثل معارف اخلاق وصیت نامه امام (ره) تفسیر به عهده گرفتم. همچنین در کنار تدریس، پژوهش و تحقیق در موضوعات مختلف را آغاز نمودم و هم‌اکنون امامت جمعه شهرستان اردستان را داشته و در کنار آن تدریس کفایة الاصول (حوزه) و دروس عمومی دانشگاه، تالیف مقالات، کتاب و اداره مدرسه علمیه زینبه را به عهده دارم.

موسوی پور، محمدحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد حسین موسوی پور

محل تولد : بهشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۳/۲

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد حسین موسوی پور فرزند حجت الاسلام حاج سید حبیب الله موسوی بهشهری در دوم خرداد سال ۱۳۴۴ در شهر بهشهر (از شهرهای مازندران) و در خانواده مذهبی و روحانی به دنیا آمدم. در همان سال به جهت ادامه تحصیل پدر در نجف اشرف، به همراه خانواده به کشور عراق عزیمت کرده و در زمان تسفیر ایرانیان مقیم عراق در سال ۵۰ - ۴۹ که مصادف با روی کار آمدن صدام بوده، به ایران و مستقیماً به شهر مقدس مشهد بازگشتیم.

دروس ابتدائی، راهنمایی و دوره متوسط (رشته علوم انسانی) را در مشهد در سال ۱۳۶۳ به اتمام رسانده و در همان سال وارد حوزه علمیه مدرسه علمیه «استاد موسوی نژاد» شدم. دروس مقدمات و ادبیات عرب را در تمام بخش‌ها در مدرسه این استاد عظیم الشان گذرانده و پس از اتمام اصول فقه نزد استاد رجائی به مدرسه «آیه الله خوئی (ره)» منتقل شدم. درس لمعه نزد استاد «آیه الله صالحی (مد ظله)»، رسائل نزد استاد «آیه الله اشرفی (مد ظله)»، بخشی از مکاسب نزد استاد «حاج شیخ جواد مروی (مد ظله)»، جلد اول کفایه نزد استاد «آیه الله رضازاده (مد ظله)» به اتمام رساندم.

در سال ۱۳۷۲ به دلیل ضرورت حضور طلاب در عرصه‌های نوین با شرکت در کنکور سراسری به دانشگاه مفید قم را یافته و به حول و قوه الهی در کنار دروس حوزوی مشغول مطالعات دانشگاهی در رشته فلسفه محض گردیدم. جلد دوم کفایه را در قم نزد استاد محترم «حاج شیخ علی محمدی (مد ظله)» و ادامه مکاسب را نزد مرحوم «آیه الله پایانی (رحمه الله علیه)» گذراندم. پس از پایان سطوح در سال ۷۵ - ۷۴ در درس «حضرت آیه الله وحید خراسانی (حفظه الله)» که از ابتدای بحث قطع شروع کرده بودند؛ حاضر شده و به مدت سه سال از محضر ایشان استفاده نمودم. در سال ۷۸ در درس استاد «لاریجانی» که روش و طرح جدیدی را در اصول آغاز کرده بودند؛ حاضر شدم و تاکنون (۸۵) مشغول استفاده هستم.

به لحاظ دروس دانشگاهی که از سال ۷۲ آغاز شده بود، در سال ۷۶ به اتمام رسید و در همان سال در رشته کارشناسی ارشد «فلسفه محض» دانشگاه تربیت مدرس تهران از طریق کنکور سراسری قبول شده و در سال ۷۹ آن را به اتمام رساندم. پایان نامه ارشد را با نام: «حسن و قبح از دیدگاه جرج ادوارد مور انگلیسی و خواجه نصرالدین طوسی» به صورت تطبیقی در همان سال ۷۹ دفاع کردم. و در حوزه دارای رتبه سوم می باشم.

به لحاظ فعالیت‌ها: جدای از فعالیت‌های سیاسی اجتماعی که لازمه دوران انقلاب اسلامی بوده است، در مشهد دو سال در یکی از مساجد مشهد مشغول اقامه جماعت و تبلیغات اسلامی بودم. در قم در سال ۷۶ در «دائرة المعارف علوم عقلی مؤسسه آیه الله مصباح (زیده عزه)» به عنوان محقق فلسفه مشغول به فعالیت از قبیل: کتابشناسی منابع فلسفی، توصیف منابع فلسفی، مدخل یابی و اصطلاح یابی منابع درجه اول فلسفی، مدیریت بخش پشتیبانی علمی و واحد علوم پرونده‌های علوم عقلی اسلامی شدم.

همچنین با مؤسسه طه در بخش نمایه سازی مجلات حوزه دین به مدت دو سال مشغول بودم. در سال ۱۳۸۱ با توجه به آشنائی با مباحث اطلاع رسانی و نیز انجام تحقیقات و پژوهش‌های حوزه علوم عقلی با مرکز قرآن آشنا شده و در بخش تدوین مقالات دائرة المعارف قرآن همکاری داشتیم. در همان سال به پیشنهاد مدیریت دائرة المعارف قرآن و نیاز کتابخانه تخصصی مرکز فرهنگ و

معارف قرآن به ساماندهی، مدیریت کتابخانه را به عهده گرفته و با توجه به موفقیت در این امر در سال ۸۳ مدیریت کتابخانه تخصصی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و پس از آن در سال ۸۴ مدیریت کتابخانه‌های حوزه معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی را پذیرفتم.

موسوی پور، محمدحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد حسین موسوی پور

محل تولد: بهشهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۳/۲

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد حسین موسوی پور فرزند حجت الاسلام حاج سید حبیب الله موسوی بهشهری در دوم خرداد سال ۱۳۴۴ در شهر بهشهر (از شهرهای مازندران) و در خانواده مذهبی و روحانی به دنیا آمدم. در همان سال به جهت ادامه تحصیل پدر در نجف اشرف، به همراه خانواده به کشور عراق عزیمت کرده و در زمان تسفیر ایرانیان مقیم عراق در سال ۵۰ - ۴۹ که مصادف با روی کار آمدن صدام بوده، به ایران و مستقیماً به شهر مقدس مشهد بازگشتیم.

دروس ابتدائی، راهنمائی و دوره متوسط (رشته علوم انسانی) را در مشهد در سال ۱۳۶۳ به اتمام رسانده و در همان سال وارد حوزه علمیه مدرسه علمیه «استاد موسوی نژاد» شدم. دروس مقدمات و ادبیات عرب را در تمام بخش‌ها در مدرسه این استاد عظیم الشان گذرانده و پس از اتمام اصول فقه نزد استاد رجائی به مدرسه «آیه الله خوئی (ره)» منتقل شدم. درس لمعه نزد استاد «آیه الله صالحی (مد ظله)»، رسائل نزد استاد «آیه الله اشرفی (مد ظله)»، بخشی از مکاسب نزد استاد «حاج شیخ جواد مروی (مد ظله)»، جلد اول کفایه نزد استاد «آیه الله رضازاده (مد ظله)» به اتمام رساندم.

در سال ۱۳۷۲ به دلیل ضرورت حضور طلاب در عرصه‌های نوین با شرکت در کنکور سراسری به دانشگاه مفید قم را یافته و به حول و قوه الهی در کنار دروس حوزوی مشغول مطالعات دانشگاهی در رشته فلسفه محض گردیدم. جلد دوم کفایه را در قم نزد استاد محترم «حاج شیخ علی محمدی (مد ظله)» و ادامه مکاسب را نزد مرحوم «آیه الله پایانی (رحمة الله علیه)» گذراندم. پس از پایان سطوح در سال ۷۵ - ۷۴ در درس «حضرت آیه الله وحید خراسانی (حفظه الله)» که از ابتدای بحث قطع شروع کرده بودند؛ حاضر شده و به مدت سه سال از محضر ایشان استفاده نمودم. در سال ۷۸ در درس استاد «لاریجانی» که روش و طرح جدیدی را در اصول آغاز کرده بودند؛ حاضر شدم و تاکنون (۸۵) مشغول استفاده هستم.

به لحاظ دروس دانشگاهی که از سال ۷۲ آغاز شده بود، در سال ۷۶ به اتمام رسید و در همان سال در رشته کارشناسی ارشد

«فلسفه محض» دانشگاه تربیت مدرس تهران از طریق کنکور سراسری قبول شده و در سال ۷۹ آن را به اتمام رساندم. پایان نامه ارشد را با نام: «حسن و قبح از دیدگاه جرج ادوارد مور انگلیسی و خواجه نصرالدین طوسی» به صورت تطبیقی در همان سال ۷۹ دفاع کردم. و در حوزه دارای رتبه سوم می باشم.

به لحاظ فعالیت ها: جدای از فعالیت های سیاسی اجتماعی که لازمه دوران انقلاب اسلامی بوده است، در مشهد دو سال در یکی از مساجد مشهد مشغول اقامه جماعت و تبلیغات اسلامی بودم. در قم در سال ۷۶ در «دائرة المعارف علوم عقلی مؤسسه آیه الله مصباح (زیده عزه)» به عنوان محقق فلسفه مشغول به فعالیت از قبیل: کتابشناسی منابع فلسفی، توصیف منابع فلسفی، مدخل یابی و اصطلاح یابی منابع درجه اول فلسفی، مدیریت بخش پشتیبانی علمی و واحد علوم پرونده های علوم عقلی اسلامی شدم. همچنین با مؤسسه طه در بخش نمایه سازی مجلات حوزه دین به مدت دو سال مشغول بودم. در سال ۱۳۸۱ با توجه به آشنائی با مباحث اطلاع رسانی و نیز انجام تحقیقات و پژوهش های حوزه علوم عقلی با مرکز قرآن آشنا شده و در بخش تدوین مقالات دائرة المعارف قرآن همکاری داشتم. در همان سال به پیشنهاد مدیریت دائرة المعارف قرآن و نیاز کتابخانه تخصصی مرکز فرهنگ و معارف قرآن به ساماندهی، مدیریت کتابخانه را به عهده گرفته و با توجه به موفقیت در این امر در سال ۸۳ مدیریت کتابخانه تخصصی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و پس از آن در سال ۸۴ مدیریت کتابخانه های حوزه معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی را پذیرفتم.

موسوی تبریزی، ابوالفضل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام و آقا سید ابوالفضل بن السید الاجله السید رضای موسوی از اساتید بزرگوار و مدرسین عالی مقدار حوزه علمیه قم است در سال ۱۳۱۴ شمسی در شهر تبریز متولد شده و پس از تحصیلات ابتدائی از سال ۱۳۲۸ شمسی در مدرسه حسن پادشاه تبریز مشغول تحصیل علوم دینی و مقدمات گردید و در سال ۱۳۳۱ ش مشرف به بلده طیبه قم گردیده و پس از اتمام سطوح عالی از اساتید مشهور حوزه علمیه قم در جلسه ی بحث فقه سید الفضلاء والمجتهدین آیت الله العظمی شریعتمداری مدظله حاضر شده و در ابواب مختلف فقه از معظم له استفاده کرده، از قبیل اجاره، خمس، بیع، خیارات، کفارات صوم و صلوه و تقریرات و دراسات آن بزرگوار را از اول افعال صلوه الی آخر ابواب الصلوه در حدود هشتصد صفحه آماده طبع می باشد و در خلال این مدت هم در جلسه بحث اصول آیت الله العظمی امام خمینی حاضر و تقریرات درس معظم له را از اول مباحث الفاظ تا اقل اکثر ارتباطی نوشته اند. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

موسوی تهرانی، علینقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علینقی الموسوی التهرانی از علماء بنام و دانشمندان عظام معاصر تهرانت.

تولد آنجناب در حدود سال ۱۳۲۵ قمری در تهران واقع شده و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح به قم مهاجرت نموده و از محضر اساتید بزرگ قم چون مرحوم آیت‌الله العظمی حاج سید محمدتقی خونساری و دیگران استفاده نموده و در سال ۱۳۵۳ قمری بر حسب تقاضای عده‌ای از اهالی تهران از مرحوم آیت‌الله العظمی حایری قدس‌الله سره به تهران آمده و تا حال حاضر که حدود چهل سال است، به اقامه جماعت و ترویجات دینی و خدمات مذهبی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: مترجم معظم ما از دانشمندان موصوف بتقوی و فضیلت و معروف بکمال و متانت و دارای محاسن اخلاق و محامد آداب و مورد توجه مردم تهران و وثوق تمام مراجع گذشته و معاصر می‌باشند و از آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله العظمی نائینی و آیت‌الله العظمی خوئی و آیت‌الله العظمی شریعتمداری و دیگران دارای اجازات جامع و مطلق می‌باشند و با این صفات از تظاهرات بر کنار و بوظائف دینی کوشا و ساعی می‌باشند.

دارای خاطرات عجیب و نوادر غریب می‌باشند از جمله صداقت تام و ارادت تمام به مرحوم عالم ربانی و آیه سبحانی حجه‌الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمدتقی بافقی یزدی رحمه‌الله علیه داشتند و حکایات شگفت‌انگیزی از آن مجاهد حقیقی بخاطر دارند. و دیگر با مرحوم ثقة‌الاسلام و المحدثین حاج شیخ ابراهیم ترک (صاحب الزمانی) رفاقت خالصی داشتند و قصه عنایت وصله حضرت رضا علیه‌السلام را که مشهور میان علماء صالحین است از ایشان بلا واسطه نقل می‌نمایند.

صله حضرت رضا علیه‌السلام بمرحوم شیخ ابراهیم ترک

فرمودند مرحوم شیخ ابراهیم مقیم قم (که قبل از تدریس مرحوم آیت‌الله حایری همه روزه منبر رفته و حدیث می‌خواندند و مرثیه) حکایت کرد برای ما که به مشهد مشرف شدم و مدتی اقامت کردم تا پولم تمام شد. قصیده‌ای در مدح حضرت رضا علیه‌السلام سرودم و خواستم بروم برای تولیت بخوانم وصله بگیرم با خود گفتم چرا برای خود حضرت نخوانم پس استغفار کرده و بحرم مطهر مشرف و مدیحه را خواندم و تقاضای صلّه نمودم و نزدیک ضریح مطهر رفتم دستی با من مضافه نمود و یک برگه ده تومانی در دست من گذارد فوراً عرض کردم آقا جان کم است ده تومان دیگر رسید باز گفتم کم است تا شش یا هفت مرتبه ده تومان در دست من گذارده شد دیگر خجالت کشیده و تشکر نمودم و از حرم شریف بیرون آمدم نزدیک کفشداری دیدم مرحوم آیت‌الله حاج شیخ حسنعلی تهرانی (جد آیت‌الله مروارید معاصر در مشهد) با عجله می‌آید تا بمن نزدیک شد فرمود شیخ ابراهیم خوب با آقایم حضرت رضا علیه‌السلام روهم ریخته برایش مدیحه خوانده و صلّه می‌گیری. بده بمن صلّه حضرت را، من فوراً آن پولها را تقدیم داشتم ایشان گرفت و پاکتی بمن داد و برگشت و من پاکت را گشودم دیدم دو برابر آن پولست که حضرت مرحمت فرمودند.

آری و الله عادتهم الاحسان و سجیتهم الکرّم. (کس بدین درگه نیامد باز گردد ناامید).

لم یخب الان من رجاه و من

حرک من دون بایه الحلقه

قضایای دیگری از آن مرحوم منقولست که برای اختصار از ذکر آن خودداری نمودم.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

موسوی حجازی، جمال

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جمال موسوی حجازی

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۸ شمسی پس از ورود به حوزه مشهد در کنار تحصیل دروس حوزوی، علاوه بر تدریس همان دروس به اشتغالات علمی در موضوع کلام، حدیث و تاریخ پرداخته و از این تحقیقات، تألیفاتی ارائه گردیده و چاپ شده است. ضمناً در محافل گوناگون مذهبی به سخنرانی پرداخته و در مناسبت‌های مذهبی در جوامع مختلف منبر رفته ام. علاوه بر آن، در مواقع مختلف، سفرهای متعدد تبلیغی به شهرهای خراسان و مازندران داشته ام.

همچنین در ایام ممنوعیت مرحوم شهید هاشمی نژاد از منبر، در کانون و بحث و انتقاد دینی شعبه قوچان به جای ایشان عهده دار پاسخ به سوالات مذهبی بوده ام. در سال ۱۳۵۵ به قم مهاجرت نمودم و تاکنون در این شهر مقدس سکونت دارم. در طی این سالها به تحصیل، تدریس، تحقیق، تألیف و تبلیغ پرداخته ام. تألیفات اولین کتابم در مشهد، تألیف و چاپ شد به نام: «عقده‌ها و مشکلات مذهبی» که نسخه‌های این از چاپخانه توسط ساواک جمع‌آوری شد و از بین رفت. سپس کتاب «مشکلات مذهبی جوانان» را نشر نمودم و پس از آن، تألیفات متعددی چاپ و بعضی از آنها مکرر طبع و نشر نمودم که فهرست آنها در قسمت تألیفات آمده است. غیر از کتب منتشره، تحقیقات و نوشته‌هایی شامل مباحث فقه، اصول، تفسیر، مباحث مهدویت، حدیث و کلام به صورت مخطوط و در دست تألیف دارم. تحصیل و تدریس: تحصیلات خود را در قم پی‌گرفتم و عمدتاً از محضر «حضرت آیت الله وحید خراسانی» استفاده نمودم. در کنار تحصیل به تدریس فقه و اصول و کلام در قم و تهران پرداختم. در بعضی از ایام هفته در موسسه اسلامی نارمک در تهران به تدریس لمعه و رسائل و در قم به تدریس سطوح عالی اصول پرداختم. تبلیغ: عمدتاً در تهران و بعضاً در شهرستانها به تبلیغ پرداخته و بعضی ایام هم در کشورهای عربی منبر رفته ام برای فارسی‌زبانان.

موسوی خراسانی، ذبیح‌الله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۲۴۸ ق)، عالم دینی و فقیه. وی از علمای بزرگ مشهد رضوی بود که در ۱۲۴۸ ق جانشین و عهده‌دار مقام پدر گشت. از آثارش: ترجمه‌ی «عیون اخبار الرضا (ع)»، به فارسی؛ شرح کتاب «الزکاه و الخمس»، از «الکفایة» سبزواری؛ رساله‌ی «المواسعه و المضایقه»؛ رساله‌ی «الطهارة الكبرى»؛ رساله‌ی «الطهارة الصغری».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۶/۴۳۰)، الذریعه (۲۳/۲۲۳، ۲۴/۱۲۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۲۴-۵۲۳/۱۳)، مطلع الشمس (۴۰۳-۴۰۲/۲)، معجم المؤلفین (۴/۱۴۷).

موسوی خواجه‌نوی، محمد نجم‌الواعظین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فاضل ادیب، و واعظ شاعر، امام جماعت مسجد تلواسکان، و از مؤلفین و مصنفین بوده.

از آثارش: ۱ - مرآت الاسرار، در مصائب، منظوم، به طبع رسیده، و در آنجا گوید: ۲ - مثنوی در تفسیر قرآن در سی مجلد دارد. در اوایل محرم ۱۳۴۷ وفات یافته، جنب خواجه‌ئی مدفون گردیده. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

موسوی خوانساری، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فقیه.

تولد: ۱۳۰۹، ق.، خوانسار.

درگذشت: ۲۹ دی ۱۳۶۳.

آیت‌الله سید احمد موسوی خوانساری، فرزند علامه سید میرزا یوسف موسوی، پس از طی مقدمات از محضر برادر خود، محمدحسن و آیت‌الله سید علی اکبر خوانساری به اصفهان مسافرت کرد و از محضر آیت‌الله محمدصادق اصفهانی و آیت‌الله عبدالکریم گزری و آیت‌الله محمدعلی تویسرکانی بهره‌مند شد. آنگاه به نجف اشرف مهاجرت نمود و یک سال از محضر آیت‌الله خراسانی و چندین سال از علامه طباطبایی یزدی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی استفاده نمود و در سال ۱۳۳۶ ق. به ایران مراجعت و به اراک آمد و از محضر آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی بهره‌مند شد. در سال ۱۳۴۲ ق. به قم رفت و تا سال ۱۳۶۹ ق. به تدریس پرداخت.

در سال ۱۳۶۹ ق.، با فوت حجت‌الاسلام یحیی سجادی تهرانی، به درخواست بازاریان تهران از آیت‌الله سید حسین بروجردی، وی به تهران آمد و در مسجد حاج سید عزیزالله بازار تهران اقامه‌ی جماعت و تدریس فقه نمود. آثار عملی وی به این شرح است: شرح مختصر النافع (در چند جلد که پنج جلد آن به طبع رسیده است)؛ حاشیه بر عروء‌الوثقی، توضیح المسائل؛ مناسک حج؛ العقائد الحقه (به زبان عربی، ۱۳۹۹ ق.). وی از صدقات جاریه به ساخت مساجد و تعمیر مدارس علمی و بنای حسینیه‌ها و درمانگاه‌ها و غیره پرداخت.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

موسوی دریاباری، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی موسوی دریاباری

محل تولد: آمل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

حضرت آیت الله سیدعلی موسوی دریاباری مشهور به دریاباری در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی در خانواده پاک و متدین، در شهرستان آمل از توابع استان مازندران دیده به جهان گشود. پس از گذراندن دوران تحصیلات ابتدائی، راهنمایی و متوسطه در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه آمل گردید. تحصیلات مقدماتی را در همان دیار و زیر نظر استاد ابراهیمی گذراند. برای تکمیل تحصیلات حوزوی و گذراندن دوره سطوح عالی حوزه علمیه در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه مشهد گردید و در درس «حضرت آیت الله صالحی» حاضر گردید. در سال ۱۳۷۴ وارد حوزه حلقه درس خارج فقه و اصول «آیت الله اشرفی شاهرودی» گردید و تا کسب رتبه اجتهاد دست از تلاش و کوشش جهت کسب و علم اندوزی دست بر نداشت. ایشان اکنون علاوه بر اینکه در حوزه علمیه مشهد مشغول تدریس و پرورش طلاب جوان می‌باشد؛ در حرم رضوی نیز پاسخگوی شبهات زائران حضرت امام رضا (ع) می‌باشد. در ضمن نامبرده دارای تألیفاتی در زمینه‌ای مختلف می‌باشد که در روزنامه قدس و ... به چاپ رسیده است.

موسوی دزفولی، محمدعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدعلی فرزند حاج سید عبدالله بن آقا سید عبدالکریم موسوی دزفولی یکی از معاریف سادات گوشه عالم جلیل‌القدر و فقیه کامل متبحر در رجال و حدیث و دارای ذهنی عجیب بوده تولدش در ماه صفر ۱۲۷۵ در دزفول اتفاق افتاده و از عم خود آقا سید حسین و آقا شیخ محمدحسن انصاری فقه و اصول را فراگرفت و از حاج شیخ فضل‌الله نوری در تهران نیز مستفید شده یکسال هم در نجف اشرف بر سید یزدی و در کربلا نیز بر سید اسماعیل صدر و سید محمدباقر حجت شاگردی کرده و در دهم رمضان ۱۳۳۳ در دزفول دنیا را ترک گفت و نوشتجاتی چون حاشیه بر رسائل و همچنین در بعضی از مباحث اصول از خود بجای گذاشت فرزندانش عبارتند از آقا سید اسدالله متوفی ۱۳۶۱ و آقا سید مهدی ضیائیان متوفی ۱۳۷۸ و حاج سید فخرالدین فیض که هم‌اکنون از اهل فضل تهران و آقا سید جلال‌الدین عرفانی. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

موسوی راد، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید حسین موسوی راد

محل تولد: نیشابور

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای سید حسین موسوی راد در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) در شهرستان نیشابور دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی وارد حوزه علمیه گردید تا از خرمین پر بار حوزه‌های علمیه خوشه چینی نماید.

پس از ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگانی همچون: «مرحوم آیت الله شیخ جواد تبریزی»، «آیت الله صالحی مازندرانی»، «آیت الله اعتمادی»، «آیت الله وحید» و ... کسب فیض کرد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته (فلسفه اسلامی) در مقطع کارشناسی در سال ۱۳۷۷ از دانشگاه فردوسی مشهد فارغ التحصیل گردید. ایشان ضمن تبلیغ در زندگی سراسر علمی خود جز به تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که مقالات «شیوه‌های مدیریتی حضرت علی (علیه السلام)» و «جنبش نرم افزاری» از جمله آثار ایشان است.

موسوی زنجانی، ابوالقاسم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید ابوالقاسم بن سید کاظم موسوی زنجانی متولد ۱۲۲۴ و متوفی ۱۲۹۲ ق عالمی بزرگ و مجتهدی بزرگوار و رئیسی مطاع در زنجان بوده و در کتاب (المآثر والاثار) او را یاد کرده و بسیار ستوده است دارای سه فرزند دانشمند جلیل‌القدر و عظیم‌المنزله به نامهای ۱- آیت‌الله آمیرزا ابوطالب ۲- آیت‌الله آمیرزا ابوعبدالله ۳- آیت‌الله آمیرزا ابوالمکارم بوده چنانچه به آنها اشاره نمودیم. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

موسوی زنجانی، ابوطالب

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید میرزا ابوطالب بن السید القاسم بن سید کاظم موسوی زنجانی متولد ۱۲۵۷ و متوفی ۱۳۲۲ ق عالمی جلیل و محقق بزرگ و مصنفی جامع و با دو برادرش آیت‌الله میرزا ابوالمکارم و آیت‌الله آمیرزا ابوعبدالله خدمت مرحوم علامه آسید حسین کوه‌کمری تلمذ نموده‌اند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

موسوی زنجانی، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا موسوی بن حاج سید محمد از علماء معاصر تهرانند.

وی در تاریخ ۱۳۲۲ قمری در شهر زنجان دیده به جهان گشوده و در بیت علم و عظمت پرورش یافته و در سال ۱۳۴۶ قمری مهاجرت به قم نموده و از محضر مرحوم آیت‌الله حایری استفاده نموده و از خواص اصحاب ایشان گردیده و ضمناً تدریس متون فقه و اصول نموده تا سال ۱۳۵۶ قمری یک سال بعد از فوت مرحوم آیت‌الله حایری به تهران عزیمت و رحل اقامت انداخته و تا حال تحریر در قید حیات از محترمین دانشمندان تهران بشمار می‌روند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

موسوی زنجانی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۵ - ۱۲۸۴ ق)، عالم دینی، فقیه و حکیم. در زنجان به دنیا آمد و در خانواده‌ی علم و دانش و سیادت پرورش یافت. پس از فراگیری ادبیات و قسمتی از سطوح به تهران آمد و در فلسفه و معقول از محضر حکیم میرزا ابوالحسن جلوه و علامه آقا علی حکیم نوری استفاده نمود. سپس به نجف رفت و در محضر علامه آخوند خراسانی و دیگر علما تلمذ نمود و پس از رسیدن به مقام اجتهاد به زنجان بازگشت و عهده‌دار مرجعیت امور دینی مردم و تدریس گردید و شاگردان از اطراف به گردش جمع شدند و او در آنجا تشکیل حوزه‌ی علمیه داد. در زنجان درگذشت. پیکرش به کربلا- منتقل و در رواق حضرت ابوالفضل (ع) دفن شد. از آثارش کتابی در «فقه» می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: گنجینه‌ی دانشمندان (۲۵۰/۵)، معجم المؤلفین (۱۱/۱۷۵).

موسوی زنجانی، محمدباقر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدباقر بن آقا سید فتح‌الله موسوی زنجانی متوفی ۱۳۱۷ ق از تلامذه علامه میرزا حبیب‌الله رشتی بوده است
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت‌الله سید عبدالاعلی موسوی سبزواری، فقیه، مفسر و قرآن‌پژوه بزرگ جهان تشیع و از مفاخر علمی و برجسته اسلام در دوره معاصر است که عمر شریف خویش را در نشر و گسترش معارف اسلام و قرآن مصروف داشت. وی در ۱۸ ذی‌الحجه ۱۳۲۸ هـ.ق، مصادف با عید غدیر خم، در سبزواری دیده به جهان گشود. دوران کودکی و نوجوانی را تحت سرپرستی پدر بزرگوارش طی کرد و مقدمات ادبیات عرب، فقه، اصول و ... را از پدر و عمویش، آیت‌الله «سید عبدالله برهان» (م ۱۳۸۴ هـ.ق) فراگرفت و تا سن چهارده سالگی در زادگاه خود به تحصیل مقدمات علوم اسلامی و عربی پرداخت. در سال ۱۳۴۲ هـ.ق به مشهد مقدس رفت و در آنجا از محضر بزرگانی چون علامه میرزا «عبدالجواد ادیب نیشابوری» (م ۱۳۴۴ هـ.ق)، میرزا عسکر شهیدی، معروف به آقا بزرگ حکیم (م ۱۳۵۴ هـ.ق)، آیت‌الله سید محمد عصار لواسانی (م ۱۳۵۶ هـ.ق) و شیخ علی‌اکبر نهاوندی (م ۱۳۶۹ هـ.ق) بهره برد. مرحوم آیت‌الله سبزواری پس از حدود هشت سال اقامت در مشهد، برای تکمیل دروس سطح فقه و اصول و نیز فلسفه و تفسیر و دیگر علوم اسلامی عزم سفر نجف اشرف کرد و در آن شهر در درس آیات عظام مرحوم نائینی (م ۱۳۵۵ هـ.ق)، آقا ضیاءالدین عراقی (م ۱۳۶۱ هـ.ق)، شیخ محمدحسین غروی اصفهانی (م ۱۳۶۱ هـ.ق)، سید ابوالحسن اصفهانی و سید حسین بادکوبه‌ای (م ۱۳۵۸ هـ.ق) شرکت و آموخته‌های فقهی و فلسفی خویش را تکمیل کرد. وی تفسیر قرآن و مناظره و کلام را با حضور در جلسات تفسیری علامه «محمدجواد بلاغی» فراگرفت. او هم‌چنین از علامه مامقانی (م ۱۳۵۱ هـ.ق) و شیخ عباس قمی (م ۱۳۵۹ هـ.ق) و دیگر مشایخ و استادان خود اجازات روایتی و اجتهادی کسب کرد و در حالی که ۳۶ سال داشت، در سال ۱۳۶۵ هـ.ق خود عهده‌دار تدریس خارج فقه و اصول شد و به تربیت شاگردان و دانشوران پرداخت. آیت‌الله سبزواری در کنار فقیه برجسته اهل بیت (ع)، آیت‌الله سید ابوالقاسم خوئی (م ۱۴۱۳ هـ.ق) خدمات شایانی به حوزه نجف اشرف کرد و چراغ فقاها را در آن حوزه نورانی نگه داشت و خود چیزی کمتر از یک سال - بعد از آیت‌الله خوئی - عهده‌دار ریاست آن حوزه علمی شد. سرانجام این فقیه فرزانه و مفسر عالی‌قدر تشیع و عالم وارسته، بعد از عمری تدریس و تحقیق و تألیف و مجاهدت در روز دوشنبه ۲۵ مرداد ۱۳۷۲ هـ.ش (۲۷ صفر ۱۴۱۴ هـ.ق)، مصادف با شب رحلت رسول خدا (ص) و شهادت امام حسن مجتبی (ع) در نجف اشرف در گذشت و به دیدار حق شتافت که البته برخی معتقدند که وی توسط رژیم بعث عراق مسموم و شهید شده است.

برگرفته از کتاب: راسخون

موسوی سدهی، حسن علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند سید محمد، از فضلا و مؤلفین، و از شاگردان آقا شیخ زین العابدین مازندرانی و شیخ ابوالقاسم (صاحب تقریرات درس شیخ

مرتضی انصاری) بوده، و در سال ۱۳۲۴ به سنّ قریب به هشتاد وفات یافته، در مقبره درب سید قریه فروشان سده مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

موسوی شاهرودی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم دینی.

تولد: ۱۲۷۲، یکی از روستاهای شاهرود.

درگذشت: آبان ۱۳۶۸، مشهد.

آیت‌الله حسین موسوی شاهرودی علوم مقدماتی را در شاهرود و حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد مقدس فراگرفت و سپس به نجف اشرف عزیمت نمود. پس از اقامت در این شهر و استفاده از محضر اساتیدی چون آیات عظام اصفهانی و ضیاءالدین عراقی و به ویژه آیت‌الله سید محمود شاهرودی به وطن بازگشت و در حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد به تدریس پرداخت. وی سال‌ها در مشهد به اقامه‌ی جماعت و ترویج دین و تدریس پرداخت. وی در زمانی که در نجف اشرف بود، تقریرات دروس اساتید خود را تألیف و به رشته تحریر درآورد. از ایشان تألیفاتی در فقه و اصول و تفسیر به یادگار مانده است.

آقای حاج آقا حسین موسوی شاهرودی از علماء مبارز و ائمه جماعت معاصر مشهد مقدس می‌باشند. تولد ایشان در شهرستان شاهرود بوده و در اینجا نیز اجمالاً- متذکر شدیم که معظم‌له در بالا- خیابان مشهد ساکن و در یکی از مساجد همان منطقه اقامه جماعت می‌نمایند.

فرزند برومند ایشان جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمد موسوی شاهرودی یکی از چهره‌های درخشان روحانیون مشهد و افاضل معاصر آن سامان است که سالهای متمادی در نجف اشرف اقامت و از محاضر آیات عظامی چون مرحوم آیت‌الله العظمی حاج سید محمود شاهرودی و آیت‌الله العظمی خوئی و دیگران استفاده نموده تا به مدارج عالیة فضل رسیده و به مشهد مقدس مراجعت و به تدریس فقه و اصول اشتغال و اکنون از مدرسین به نام مشهد می‌باشند.

آیت‌الله شاهرودی دارای دامادهای ارجمندی از فضلا و خطباء می‌باشند و یکی از آنها مرحوم ثقه‌الاسلام والمحدثین حاج شیخ احمد کافی واعظ خراسانی بود.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

موسوی شوشتری جزایری، عبدالصمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید عبدالصمد بن سید احمد بن سید محمد بن سید طیب بن سید محمد بن سید نورالدین بن سید نعمت‌الله موسوی شوشتری جزایری فقیهی بزرگوار و عالمی جلیل‌القدر و محققى دقیق بوده.

در ذی حجه ۱۲۴۳ در شوشتر متولد و مقدمات را در شوشتر خوانده و بعد مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر شیخ مرتضی انصاری و میرزای بزرگ مجدد شیرازی و اعلام دیگر استفاده نموده تا به مقام رفیع علم و فقاہت رسیده و به شوشتر برگشته و مرجع امور دینی گردیده.

و مردم اقبال به وی نمودند و به وظائف شرعی قیام نمود و به سبب افسردگی از مردم شوشتر مهاجرت به نجف نمود و مدت‌ها در آنجا به عبادت و تألیف پرداخت تا مردم شوشتر التماس فراوان نموده و مراجعت وی را خواستند که به شوشتر برگردد. و رهبر و ملجاء و مرجع آنها باشد پس قبول نمود و به شوشتر آمده و به وظائف شرعی پرداخت تا در دهم جمادی‌الثانیه سال ۱۳۳۷ ق وفات و حمل به نجف و در مقبره سید علی شوشتری مدفون شد.

تألیفات او از اینقرار است.

۱- (المحاکمات بین صاحب قوانین و صاحب فصول)

۲- رساله‌ای در (وجوب اخفات در اخیرتین)

۳- نظم الکافیہ

۴- حاشیه بر رسائل

۵- نقد البیان

۶- فصل الخطاب

۷- التحفۃ النظامیہ و چند کتاب دیگر.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

موسوی شیرازی، عبدالباقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید عبدالباقی بن سید محمدباقر بن سید محمد بن سید محمدباقر موسوی شیرازی فقیهی بارع و عالمی جلیل و مجتهدی بزرگوار از شاگردان آیت‌الله العظمی آشیخ محمدکاظم خراسانی و آیت‌الله حاج میرزا حسین خلیلی و آیت‌الله شریعت اصفهانی یکی از مراجع بزرگ استان فارس و شیراز و سرسلسله خاندان آیه‌اللهی شیراز بوده تولدش در حدود ۱۲۹۰ ق و وفاتش در سال ۱۳۵۴ ق در شیراز واقع است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

موسوی شیرازی، محمدطاهر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدطاهر بن سید محمدعلی موسوی شیرازی دانشمندی بارع و فاضلی متقی از شاگردان آیت‌الله العظمی میرزای بزرگ شیرازی و در شیراز مرجع از امور دینی مردم بوده و در سال ۱۳۴۵ وفات نموده است.

و ایشانست والد ماجد حجتی الاسلام والمسلمین آیت‌الله حاج سید عبدالله طاهری شیرازی یکی از مراجع علمی معاصر نجف و آیت‌الله حاج سید محمدجعفر طاهری شیرازی از علماء اعلام معاصر شیراز. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

موسوی طسوجی، محمدهاشم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند عالم زاهد میر عبدالله موسوی که نسبش با بیست و پنج واسطه به امام موسی بن جعفر علیه‌السلام منتهی می‌شود آن مرحوم از علماء فاضل و دانشمند و در علوم متنوعه صاحب نظر و مخصوصاً در فقه و اصول و حدیث دارای تحقیقات ارزنده و تتبعات کثیره می‌باشد و علاوه بر مراتب بالا دانشمند مزبور در ادب و موعظه و خطابه توانا و در هدایت ذهن وجودت حافظه فردی کم‌نظیر بوده است اشعار عربی و ترکی و فارسی که از ایشان به یادگار مانده نشانه قریحه سرشار و طبع لطیف و ذوق سلیم او می‌باشد. لایخفی آن مرحوم به نجف نرفته ولی از بعض مراجع نجف اجازه اجتهاد داشت آثار چندی از او به یادگار مانده است که هنوز چاپ نشده است تولدش در سال ۱۲۹۵ و فاتهش در سال ۱۳۵۸ قمری واقع شده از تألیفاتی که از آن مرحوم بطبع رسیده کتب زیر است:

۱- ذخیر المساکین در ادعیه

۲- رجوم الشیاطین در عقاید ۳- چند رساله در احکام اموات و طلاق زوجه غایب و رد نظریه فیلسوف مشهور داروین

۴- شرح الاربعین در شرح چهل حدیث

۵- شفاء الصدور در تفسیر سوره قدر

۶- مجالس الاصول

۷- مرقاة التقی در شرح قضاء غروه الوثقی.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

موسوی علوی خوانساری، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق، استاد، عالم دینی.

تولد: ۱۲۷۸، خوانسار.

درگذشت: ۱۳۶۸.

آیت‌الله سید حسین موسوی علوی خوانساری در اوآن کودکی پدرش را از دست داد و تحت سرپرستی جد بزرگوارش سید علی مجتهد پرورش یافت. دوران مقدماتی درس را در زادگاهش و سطوح وسطی را در اصفهان طی نمود و سپس برای تحصیلات به نجف اشرف رفت و از محضر علمایی همچون آیت‌الله نایینی، آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و اساتید دیگر بهره برد و پس از پایان

دوران تحصیل به زادگاهش بازگشت و به سرپرستی حوزه‌ی علمیه‌ی خوانسار همت گماشت. آثار ایشان عبارتند از: دوره‌ی تقریرات اصول نائینی، رساله‌ی تحقیقی در صلوة مسافر (تقریر آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، ۱۳۷۳)؛ خارج کفایه تقریرات آخوند خراسانی؛ فقه سید محمد کاظم یزدی.
برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

موسوی فراز، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدرضا موسوی فراز

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اتمام دوره راهنمایی وارد حوزه علمیه قم شدم. در ضمن درس‌های حوزه، دروس دبیرستان را در رشته ریاضی فیزیک ادامه دادم و همزمان با جنگ بحمدالله به اتمام رسید. حدود سال ۶۷ مقدمات را که در مدرسه رضویه مشغول بودم تمام شد. و برای درس‌های سطح در درسهای عمومی شرکت می‌کردم. در سال ۷۱ همزمان با درس رسائل و مکاسب، تحصیل در دروس «موسسه در راه حق» (نام سابق موسسه امام خمینی) را شروع کردم و مقطع کارشناسی در سال ۷۶ به اتمام رسید. سپس کارشناسی ارشد در رشته «دین شناسی» را آغاز کردم و در مهر ۱۳۸۲ پایان نامه را دفاع کردم. در سال ۱۳۸۵ از نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاهها مجوز تدریس در دروس «گرایش مبانی نظری اسلام» را دریافت کردم. از سال ۱۳۸۲ تاکنون در مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی (حجتیه) در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد به تدریس ادیان، کلام، آشنایی با عرفان، شبهات کلامی و ... مشغول هستم. و در این مدت راهنمایی، مشاوره و داوری چندین پایان نامه را به عهده گرفته ام. زمان تحصیل در مقطع سطح دروس حوزه به عللی از جمله تأمل روی دروس، طولانی شد و حدود سال ۱۳۷۹ در درس خارج «آیه الله مرحوم میرزا جواد تبریزی» به مدت یکی، دو سال شرکت کردم. ولی به علت اشتغال به پایان نامه و کارهای تحقیقی نتوانستم درس خارج را ادامه دهم. در سال ۱۳۸۶ در مقطع دکتری رشته «ادیان» موسسه امام خمینی پذیرفته شدم و مشغول تحصیل و تحقیق هستم.

موسوی قافله باشی، محمدهادی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد هادی موسوی قافله باشی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات حوزوی را از سال ۱۳۴۹ ابتداء در مدرسه آیت الله گلپایگانی و در ادامه مدرسه رضویه و حقانی ادامه دادم. دروس سطح را در محضر اساتید بزرگوار چون: «حضرت آیت الله شیخ علی پناه اشتهاردی»، «وجدانی»، «اعتمادی»، و ستوده و دروس خارج فقه، اصول، منظومه، حکمت و تفسیر در محضر اساتید بزرگوار حضرات آیات: «نوری همدانی»، «مکارم شیرازی»، «مشکینی»، «جوادی آملی»، «خزعلی» و مدتی در محضر «آیت الله تبریزی» و «وحید خراسانی» تلمذ نمودم و سفرهای تبلیغی فراوان قبل از انقلاب و در دوران مبارزات به نقاط مختلف کشور داشته ام. و چندین بار در خمین و دلیجان پس از منبر و خارج شدن از مسجد تحت تعقیب مأموران نظام شاهنشاهی قرار گرفتم که با کمک مردم فرار نمودم و یکبار در درگیری خیابانی مجروح و به بیمارستان منتقل و مدتی در بیمارستان، پس از عمل جراحی بستری بودم، تهیه و توزیع رساله، نامه ها، نوارهای سخنرانی و عکس امام (ره) که دو بار در همین رابطه دستگیر گردیدم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی حدود ۲ سال در جبهه های نبرد شرکت نمودم و چند سفر تبلیغی به خارج از کشور از جمله جمهوریهای شوروی سابق در زمان قبل از فرو پاشی داشته ام. تعدادی مقاله برای همایشهای مختلف ارسال داشته ام و از فعالیت های حوزوی بنده مدتی تدریس و تأسیس مدرسه علمیه امام هادی (ع) در اسفرورین قزوین برای برادران و مدرسه علمیه الزهراء (س) برای خواهران و مدیریت آن بوده است. حاصل مدرسه علمیه امام هادی (ع) طلابی بوده است که اینک به عنوان روحانی مستقر در نقاط مختلف در خدمت اسلام و انقلاب می باشند. از فعالیت های عمرانی و فرهنگی ساخت چندین مسجد، کتابخانه، سالن ورزشی، مصالای بزرگ امام خمینی (ره) اسفراین، مدرسه و ... بوده است. که امیدوارم مورد رضای خاطر شریف امام عصر(عج) واقع گردد و مایه نجات و عاقبت بخیری و عافیت دین و دنیای آخرت ما قرار بگیرد. انشاءالله.

موسوی قافله باشی، مرتضی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مرتضی موسوی قافله باشی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۶۳ پس از اخذ دیپلم علوم تجربی به تحصیل در حوزه علمیه قم مشغول شده و پس از طی دوره ادبیات در مدرسه «ابوالصدق» دوره سطح را در محضر اساتیدی چون آیات: «استادی»، «اشتهدادی»، «عراقچی» و «وجدانی فخر» کتاب شرح لمعه و «سید احمد خاتمی» اصول فقه و درس عقاید را نزد «حضرت آیت الله سبحانی» و «آیت الله خرازی» و ملل و نحل و رجال را نزد «آیت الله سبحانی» و دروس علوم قرآنی را نزد «آیت الله معرفت» تلمذ نمودم.

سپس مکاسب را نزد «آیت الله پایانی» و رسائل را نزد «آیت الله اعتمادی» تحصیل کردم. سپس دروس تفسیر «آیت الله جوادی آملی» و در درس خارج فقه «حضرت آیت الله تبریزی» و خارج اصول «آیت الله وحید خراسانی» (حفظه الله) شرکت می‌کنم. از سال ۶۸ به تدریس ادبیات و از سال ۷۱ به تدریس فقه و اصول و تفسیر در مدارس طلاب غیر ایرانی و در مدرسه علمیه «الهادی» علیه السلام مشغول هستم.

موسوی قزوینی، علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی موسوی قزوینی فرزند آقاسید اسماعیل قدس الله سرهما از اعظام آیات و اکابر فقها عصر خود در قزوین بوده است. در ماه ربیع‌الاول ۱۲۳۷ قمری هجری در شهرستان قزوین به دنیا آمده و در بیت رفیع علم و تقوا پرورش یافته و در سنین کودکی پدر را از دست داده و در تحت سرپرستی دائی عزیزش مرحوم علامه سید رضی قزوینی نشو و نما یافته و با ارشاد آن جناب تکمیل مقدمات علوم و تحصیل مبانی فقه پرداخت سپس در سال ۱۲۶۲ قمری به کربلا- معلی مهاجرت نمود و از آنجا به نجف اشرف مشرف شده و از محضر و دراسات آیات عظام و فقهاء کرام آن سامان استفاده نموده و تا به مقام رفیع علم و اجتهاد رسیده و پس از آن به قزوین و به تدریس و تألیف و تصنیف کتب مفیده علمی مشغول گردیده که متاسفانه تاکنون به زیور طبع آراسته نشده است. اساتید و مشایخ اجازه آن مرحوم

۱- علامه کبیر شیخ محمدحسن صاحب جواهر متوفی ۱۲۶۶ هجری قمری.

۲- خاتم الفقهاء و المجتهدین شیخ مرتضی انصاری متولد ۱۲۱۴ و متوفی ۱۲۸۱ قمری.

۳- فقیه بارع حاج سید رضی قزوینی (ره).

۴- سیدالفقهاء آقا سید ابراهیم قزوینی صاحب کتاب ضوابط.

۵- و بعضی دیگر از مفاخر از دانشمندان آن عصر.

شاگردان آن بزرگوار

بسیاری از علماء و دانشمندان آن زمان از محضر آن مرحوم کسب فیض و علم نموده‌اند که از مشاهیر آنان نامبردگان زیر است:

۱- حاج ملا محمدباقر هیدجی بن حاج معصوم علی

۲- حاج شیخ عبدالله مازندرانی متولد ۱۲۵۹ و متوفی ۱۳۳۱ قمری

۳- آخوند ملا فتح‌الله سبزواری

۴- سید حسین الله آبادی متوفی ۱۳۰۰ قمری

۵- سید حسین اشکوری متوفی ۱۳۴۹ قمری

۶- حاج شیخ شعبان گیلانی نجفی متولد ۱۲۷۵ و متوفی ۱۳۴۸ قمری

فرزند ارجمندش عالم جلیل حاج سید محمدباقر موسوی قزوینی از شاگردان میرزا حبیب‌الله رشتی و فاضل شریبانی و میرزا محمدحسن مجدد شیرازی بوده است.

مرحوم علامه فقیه و حکیم متاله حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی از اسباط ایشان بوده است که در ۱۳۱۵ قمری به دنیا آمده و در سال ۱۳۹۶ قمری از دنیا رفته و در مسجد بالاسر قم مدفون شده که نگارنده در جلد چهارم گنجینه دانشمندان و معجم القبور و وفیات الاعلام او را یاد نموده است.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

موسوی کاظمینی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا حسن موسوی کاظمینی فرزند سید هادی، مشهور به محدث کاظمینی یکی از علما و محدثین بزرگ قرن چهاردهم هجری است. کاظمینی مجتهدی اصولی و محقق مدقق در حدیث و رجال بود. وی در اواسط قرن دوازدهم در بیت علم و سیادت و شرف به جهان دیده گشود. خاندان محدث کاظمینی از پدر و اجداد همگان افضل و دانش و ساداتی پارسا و خدادوست بودند. محدث قمی با محدث کاظمینی معاصر بود، معظم له در جمله اساتید و مشایخ اجازه به خود متذکر اوست (محدث قمی در آثار خود به معظم له و پدرش سید هادی خیلی اظهار علاقه و صمیمیت می نماید. سید هادی نیز مجتهدی جلیل القدر، سیدی خوش قلب و پاک طینت، و از صفای باطن و نهایت پرهیزکاری برخوردار بوده است. محدث قمی ضمن یادنامه پسر، کراماتی را به این پدر بزرگوار منسوب می دارد که دال بر قلب معنوی او به ذات اقدس الهی و حضرت صاحب الامر و والیان خدا می باشد.

محدث کاظمینی بیشتر سنوات عمرش در زادگاه او شهر کاظمین سپری شد و افاضلی از علما از محضرش به مقامات علمی نایل آمدند. مراتب فقهی او از مجلدات شرح کبیر به کتاب کشف الغطای شیخ کبیر مشهود است. احاطه حدیثی او نیز از کتاب درایت و روایت معلوم می گردد. محدث کاظمینی صاحب کتاب تکمله امل الامل است. کتاب اخیر در تراجم علما و رجال بزرگ اسلام مکمل کتاب شیخ حر عاملی است. او همچنین شرحی بر وجیزه شیخ بهائی در درائت الحدیث به رشته تحریر برد. سرانجام در سال ۱۲۲۴ در کاظمین علیه السلام وفات نمود و آیت ربانی سید هادی و دودمان وی جانشین خاندان معظم خود گردیدند. روانشان شاد.

منابع زندگینامه: <http://www.shaaer.com>

موسوی گرگانی، محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محسن موسوی گرگانی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۶ وارد حوزه علمیه مشهد شدم و به گونه خستگی ناپذیر مشغول تحصیل علوم دینی گردیدم و از همه اساتید آن شهر استفاده کردم و به ویژه از مرحوم «ادیب نیشابوری» استفاده‌های فراوانی کردم و در این شهر ادبیات عرب، منطق و مقداری اصول و فقه را تحصیل کردم و کلاس ۶ دبستان را متفرقه امتحان دادم و به بهترین وجه قبول شدم و در سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و با اشتیاق فراوان از علماء و دانشمندان این شهر استفاده‌های فراوانی کردم و در مدت کوتاهی بقیه سطح را که عبارت بود از: رسائل، مکاسب و دو جلد کفایه به پایان بردم و دور اول و دوم امتحانات را در آن زمان امتحان دادم و شاگرد اول در حوزه شدم. سپس به فلسفه و خارج فقه و اصول پرداختم و از خرمن دانش فقیهان و فیلسوفان استفاده‌ها کردم به ویژه از علامه مطهری، جوادی آملی و حسن‌زاده آملی و تمام مجتهدین و مراجع این شهر، و دو سه دور خارج اصول را شرکت و تقریر کردم و بسیاری از کتابهای فقه را در درس خارج حاضر شدم و تمام اسفار و شرح منظومه و شفاء ابن سینا و شواهد ربوبیه و شرح اشارات را خواندم و در تمام این مدت به تدریس انواع علوم اسلامی در حوزه علمیه مشغول بودم و تا حدود دیپلم به طور متفرقه خواندم و امتحان دادم و صدها مقاله و کتاب را به ریشه تحریر درآوردم، و اکنون مدت ۱۰ سال است که خود را بی‌نیاز از تمام رشته‌های علوم انسانی به ویژه علوم حوزوی می‌دانم.

موسوی گرمارودی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر علی موسوی گرمارودی در سال ۱۳۲۰ در قم بدنیا آمد. پدرش از دانشمندان اهل

گرمارود الموت قزوین بود.

موسوی گرمارودی مدرک کارشناسی خود را در رشته علوم قضایی و کارشناسی ارشد

و دکترای خود را در رشته ادبیات فارسی از دانشگاه تهران گرفته است.

او در عرصه شعر و ادبیات کشور حضور موثر داشته است که راه اندازی و مدیریت گلچرخ

نمونه‌ای از تلاش‌های اوست.

کارنامه شعری گرمارودی مشتمل بر ۹ کتاب شعر با نامهای: عبور، در سایه سار نخل ولایت، سرود رگبار، چمن لاله، خط خون، دستچین، باران اخم، گزیده شعر نیستان، تا ناکجا آباد و گزینه شعر به انتخاب

بهاء‌الدین خرمشاهی است و همچنین ۴ اثر زیر چاپ او عبارتند از: صدای سبز زندگی و شعر ادیب الممالک

فراهانی، از صدر تا ساقه و ترجمه قرآن کریم.

والدین و انساب: خانواده های گرما رودی از نظر اصل و نسب و ارتباط خویشاوندی به چند طایفه تقسیم می شوند که شامل طایفه های قروچی بیگی، اورس بیگ و باقری و صادقی و اندجی و خانواد ده های غربال بند و موسوی و چند خانواده دیگر می باشند. خانوار موسوی از خانواده های مهاجر روستای میغ سازه کجوربه به مناطق «اوانک» و «گرمارود» می باشند. سید علی موسوی گرمارودی از پدری «الموتی» و مادر «تنکابنی» در محله «چهارمردان» قم به دنیا آمد. نام پدرش حجت الاسلام سید محمد موسوی گرمارودی

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: پدر سید علی موسوی گرمارودی وی ابتدا در مسجد جامع «گرمارود» مردم را راهنمایی می کرد، پس در دوران جوانی به قم و سپس نجف هجرت و آنگاه دوباره به قم بازگشت و در همانجا سکنی گزیدند. تحصیلات رسمی و حرفه ای: سید علی موسوی گرمارودی نخست نزد پدرش مقدمات را فراگرفت و پس از آن دبستان ملی «باقریه» رفت. او دوره دبیرستان را مدرسه شهید بهشتی (دین و دانش سابق) هم سپری نمود و پس از آن به مشهد عزیمت نمود و در نزد علمای آن سامان، به فراگیری علوم دینی پرداخت. در سال ۱۳۴۵ وارد دانشکده حقوق شد و کارشناسی آن رشته را در رشته علوم قضایی کسب کرد. او سرانجام پس از گرفتن مدرک کارشناسی زبان و ادب فارسی با اخذ درجه دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید.

خاطرات و وقایع تحصیل: سید علی موسوی گرمارودی تحصیلات ابتدایی را در دبستان «باقریه» طی نمود، او از این دوره چنین یاد می کند: «از آن دبستان ترکه های اناری که در حوض بزرگ مدرسه پیوسته در آن خیس خورد تا به کف دست شاگردان متخلف کوبیده شود، همیشه چون کابوسی، در ذهن من مانده است. گرچه دستهای کوچک من هرگز با آن چوبها تماس نیافت اما سالیانی دراز بعد از آن روزها، وقتی درزندان شاه ستمگر، زیر کابلهای سیمی ساواک، به خوداز درد می پیچیدم، چهره شکنجه گر خود را شبیه ناظم بی رحم آن دبستان می دیدم.»

استادان و مربیان: سید علی موسوی گرما رودی مقدمات رانزد پدر فرا گرفت و پس از عزیمت به مشهد نزد علمای بزرگی چون: فردوسی پور، واعظ طبسی و اب نیشابوری دوم نهنگ و به کسب علوم دینی پرداخت.

هم دوره ای ها و همکاران: سید علی موسوی گرمارودی با شاعر بزرگ معاصر اخوان ثالث نیز آشنایی و رفت و آمد داشت و اخوان شعری نیز به نام او سروده بود. شاید از سر این آشنایی بود که کتاب «درباره هنر و ادبیات» را ناصر حریری به گفت و شنودی با مهدی اخوان ثالث و علی موسوی گرمارودی اختصاص داد که به وسیله انتشارات کتابسرای بابل در سال قبل از وفات اخوان منتشر شد.

وقایع میانسالی: اولین رویداد سیاسی بوقوع پیوسته در زندگی سید علی موسوی گرمارودی، غائله درانجمنهای ایالتی و ولایتی بود که وی در مدرسه فیضیه حضور داشت. او تا آستانه دستگیری و زندانی شدن نیز رفت که با کوشش آیت الله ربانی شیرازی نجات یافت. با ورود به دانشگاه با برخی فعالان سیاسی آشنا شد و با شدت گرفتن مبارزان او بر چند رژیم پهلوی، در سال ۱۳۵۲ به وسیله ساواک دستگیر و نزدیک به چهار سال در زندانهای اوینو قصر حبس گردید.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: شورای انقلاب موسوی گرمارودی را به سرپرستی سازمان آموزشی نومرزم منصوب کرد. همان مؤسسه فرانکلین سابق که در اواخر دهه ?? با ادغام در تشکیلات «وزارت فرهنگ و آموزش عالی» از صورت یک مؤسسه خارج شد و از آغاز نیز با نام «شرکت انتشارات علمی و فرهنگی» با انتشارات علمی و فرهنگی (بنگاه ترجمه و نشر کتاب سابق) ادغام شد.

علاوه بر این گرامرودی مدتی رایزن فرهنگی ایران در تاجیکستان بود و مدتی نیز مسئولیت تالار وحدت تهران را بر عهده داشت. او در مدت اقامتش در تاجیکستان به جد جریان شعر معاصر آن کشور فارسی زبان را دنبال کرد و در این باره مقالات تحقیقی متعدد نوشت.

فعالتهای آموزشی: سید علی موسوی گرامرودی مدت یک سال درحوزه فردوس به امر تدریس مشغول گردید. وی پس از واقعه پانزده خرداد و دستگیری امام، در تهران مستقیم گردید. او ابتدا در دبستان و سپس در دبیرستان علوی مشغول کار شد. او پس از انقلاب به تدریس در دانشگاه پرداخت.

مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می آید: با پیروزی انقلاب اسلامی، موسوی گرامرودی به همراه خانم طاهره صفارزاده «کانون فرهنگی نهضت اسلامی» را بنیاد نهاد. موسوی گرامرودی راه اندازی، مدیریت و سردبیری نشریه گلچرخ و انتشار یک مجله ادبی در تاجیکستان را نیز برعهده داشته است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: سید علی موسوی گرامرودی علاوه بر سرودن شعر و شرکت در انجمنهای ادبی، انتشار دو دوره نشریه ادبی گلچرخ را به عهده گرفت. انتشار مجله ماهنامه «گلچرخ» را باید به دو دوره تقسیم کرد: دوره نخست بصورت ضمیمه ادبی روزنامه دراطلاعات از روز سه شنبه ۱۲ شهریور ۱۳۶۵ لغایت خرداد ماه همین ماه منتشر شد. دور دوم فعالیت های این ماهنامه افزودن بر فعالتهای روزنامه نگاری در قلمرو ادبیات داستانی و بازنویسی زندگانی معصومین، آثار چندی از وی منتشر شده است.

آرا و گرایشهای خاص: «من آنچه را بر زبان شاعر می آید و بر کاغذ نوشته می شود، درخت صاعقه زده ای می بینم که روی زمین افتاده است. اگر گفته اند: من گنگ خوابدیده و عالم تمام کر / من عاجزم ز گفتن و خلق از شنیدنش... می تواند در باره همان جلوه نا پیدای شعر گفته شده باشد. آنچه از یک شعر ناب بر کاغذ یا زبان می آید در واقع تنها صورت ناظم و مرحله هبوط آن اصل اعلاست. آنچه ما از یک شاعر می خوانیم و می بینیم آن درخت برپای ایستاده در جنگل سبز خاطر، او نیست. توسکایی است که آذرخش خلاقیت شاعر بر آن گرفته است و آن را پیش پای ما افکنده است. منتقد با آن عوالم چه می تواند بکند؟ او هر چه می کند با بخش بیرونی شعر می کند.» این جملات را شاعر نام آشنا و توانا علی موسوی گرامرودی در میهمانی انجمن شاعران ایران و در مراسم نکوداشت خویش بر زبان آورد. او میهمان نهمین برنامه میهمان ماه انجمن شاعران ایران و دفتر شعر جوان بود که در محل خانه شاعران برگزار شد. گرامرودی از آن دسته شاعرانی است که ضمن توجه به مسیر گذشته در شعر معاصر ره تازه می جوید. او درباره بسیاری از شاعران معاصر و هم عصر خویش هم تحقیقات فراوان کرده و هم نظرات دقیق و عمیقی ارائه کرده است. از آن جمله است نگاه او درباره شاعر بزرگ معاصر سهراب سپهری: «سپهری از کسانی است که راه نیما را شناخته بود، اما این را با خود با شخصیت یگانه خویش پیمود. او خود را با رنگ و کلمه بیان می کرد، مصالح خلاقیت او هم رنگ بود و هم کلمه و او با این هر دو نقاشی می کرد. یا با این هر دو مأموریت ادبی خود را انجام می داد. تعجب نفرمائید که برای نقاشی او نیز تأمل به مأموریت ادبی شده ام. می دانید که در نقاشی ایرانی از گذشته های دور به خاطر منعی که اسلام در مبارزه با آثار بت پرستی پیش آورده بود، پرسپکتیو ناگزیر حذف شده. یکی از منتقدان غربی می گوید نقاشی در آبستره به همانجایی رسیده است که نقاشی ایران اسلامی در طی قرون می پیمود یعنی در این نقاشی نیز مانند آبستره رنگ ها یکدیگر را فرا می خوانند. نقاشی مأموریت ادبی می یابد. اما شعر سپهری، شعر او در نخستین برخورد دارای چند ویژگی است، یکی این که سپهری نخستین کسی یا دست کم مهم ترین شاعری است که زبان شعر نو را با زبان محاوره پیوند زد. توضیح آن که در شعر نو شاعران در همان حال برخی دارای زبان خاص خویشند در یک چیز اشتراک دارند و آن زبان عام شاعرانه است در برابر زبان محاوره. در واقع می توان گفت که زبان شاعرانه هر شاعر و زبان خاص وی جنس و فصل شعر او را تشکیل می دهند. زبان شاعرانه در این تعبیر یعنی زبانی که علاوه بر حفظ ویژگی زبان خاص یک شاعر دارای ضخامت و اسلوب شعری است و حوزه لغات و تعبیرات و بیان در آن از نوعی است که

آن را از سویی از زبان نوشتار متمایز می کند و از سویی دیگر از زبان گفتار. این ضخامت و اسلوب و تمایز و تمایل به ارگانیکسم در کاربرد لغات به دست می آید. اما سپهری و البته اسماعیل شاهرودی و دیگرانی هم شاعرانی هستند که زبان شاعرانه را با زبان محاوره پیوند زده اند و به جای خود موفق هم بوده اند، اگر چه سپهری از این لحاظ موفق تر است. موسوی گرمارودی همچنان که در عرصه شعر امروز و غزل امروز حرف تازه برای گفتن داشته، از آثار دیگر شاعران زمانه خویش نیز غفلت نکرده و چه بسا خارج از باورهای اعتقادی یا نگره سیاسی و فردی، شعر آنان را ارجح بر شعر خویش، به مخاطب شعر امروز توصیه کرده است. او در مرگ نوذر پرننگ از غزلسرایان فقید معاصر این حساسیت و دقت و توجه را به خوبی به نمایش گذاشت: «از دست رفتن نوذر پرننگ برای غزل معاصر ما لطمه بزرگی خواهد بود. پرننگ بی گمان یکی از برجسته ترین شاعران غزل نو است و تأثیر او در نسل های بعد از خودش، بر کسی پوشیده نیست. من در جلسه نقد و بررسی شعر پرننگ که با حضور خود شاعر و مرحوم منوچهر آتشی برگزار شد هم به این موضوع اشاره کردم که اشیا هم ناطق اند و گویا، اما به زبان بی زبانی. اما این طور نیست که پدیدار های عالم با همه سخن بگویند؛ شاعران و بخصوص شاعرانی مانند پرننگ محرم رازهای پدیدار ها هستند و پدیدار ها با کسانی مانند او بیگانه و نامحرم نیستند. برخی از غزل های پرننگ در ادبیات ما جاودانه خواهند بود. پرننگ با توجه به مضمون این شعرش که می گوید: کجایی ای همه جای تو خوش رهایی، های! / دلم به سوی صدای تو رهسپار شده است، به سوی رهایی رفت. به جای دلش که در زندگی به سوی صدای رهایی رهسپار شد، حالا خودش به سوی رهایی رفته است. خاک بر او خوش باد!»

جوایز و نشانها: سید علی موسوی گرمارودی امسال (۱۳۸۵) به عنوان «چهره ماندگار بخش شعر» به وسیله بنیاد چهره های ماندگار انتخاب شد. او در مراسم این انتخاب ضمن قرائت بخشی از شعر پیامبر اعظم (ص) گفت من افتخار می کنم که با شعر علوی بزرگ شده ام و امروز به عنوان یک شاعر آئینی از من یاد می شود. در سالی که به نام پیامبر بزرگ اسلام نامگذاری شده است، باید در راستای اهداف نبوی و توسعه مفاهیم اسلامی گام برداریم و اندیشه های نبوی را در همه جامعه اسلامی خود جاری کنیم».

چگونگی عرضه آثار: بهاءالدین خرمشاهی در مقدمه گزینه اشعار گرمارودی نوشته است: کارنامه شعری گرمارودی هم پر بار است هم پربرگ، کارنامه ای است کلان و مشتمل بر کتاب که حاصل سلوک ساله شعری اوست. کتاب شعر او عبارتند از: عبور، در سایه سار نخل ولایت، سرود رگبار، چمن لاله، خط خون، دستچین، باران اخم، گزیده شعر نیستان، تاناکجا آباد. گزینه شعر گرمارودی را نیز بهاءالدین خرمشاهی انتخاب کرده است. سهیل محمودی درباره گرمارودی می گوید: موسوی گرمارودی یکی از کهن ترین قالب های شعر فارسی یعنی قصیده را در عرصه ای به نام شعر سپید تعریف کرده است. او از کسانی است که با تکیه بر گذشته شعر فارسی و با ارزش گذاری به گذشته که نه تقلید است و نه فقط تقدیس آن، برای امروز بهره گرفته است. چیزی که متأسفانه امروز در ادبیات ژورنالیست زده ما وجود ندارد و کسانی مانند اخوان یا سهراب در این راه موفق بوده اند و بخشی از این سنت را به شکل پویا در آورده اند. این بخشی از توجه گرمارودی به پیشینیان در قالب قصیده است. بخش دیگر نگاه معرفتی و دینی اوست که البته گاهی آنقدر به آن پرداخته شده که حجابی روی وجه شاعری او شده است. اما نگرش و منبع فکری است که به شعر عاشقانه ماهم معنی می دهد و گرمارودی در این وجه هم موفق بوده است. علی موسوی گرمارودی از پیشتازان شعر مذهبی امروز شناخته می شود. او تحصیلات مقدماتی خود را در قم و مشهد به پایان رساند و ادبیات عر آثار استاد گرمارودی به بخش کاملاً متفاوت تقسیم می شود. نخست شعر، در این زمینه؟ کتاب تا به حال از او منتشر شده است. «در سایه سار نخل ولایت» و «خط خون»، معروف ترین دفترهای شعر اوست. حوزه دیگر کارهای او، داستان نوجوانان است که در این زمینه هم «داستان پیامبران» معروف تر از بقیه استب را نزد ادیب پیشاوری فراگرفت. از ویژگی های شعری او تخیل گسترده و به دام آوردن اندیشه های نو در قالب کهن قصیده است گرمارودی در کار بازخوانی و خوانش ادبیات کهن نیز بوده و مجموعه ای از دیوان حافظ با صدای او منتشر شده و انجمن شاعران ایران نیز گویا روایت بوستان سعدی را با صدای او ضبط کرده است.

آثار :

۱؟؟ شعر ترجمه شده به زبان ایتالیایی (مجموعه شعر)،

۲ بابا تاریخ (داستان کوتاه)،

۳ پرتو انسان ها (داستان جلد اول و دوم)

۴ تا ناکجا آباد

ویژگی اثر : مجموعه شعر علی موسوی گرمارودی با نام «تا ناکجا» به چاپ رسید که عکس های زیبایی ریکاردو زیپولی از کوچه باغ های روستا های مناطق کویری، دشت ها، بیابان ها و... آن را همراهی می کرد. کاری که در زمانه خویش مجموعه شعری متفاوت را رقم زد. زیپولی استاد دانشگاه «ونیز» و رایزن سابق فرهنگی سفارت ایتالیا در تهران بود. او همان است که کتاب شعرهای عباس کیارستمی را به زبان ایتالیایی ترجمه کرد.

۵ ترجمه قرآن مجید

ویژگی اثر : گرمارودی ادبیات عرب را نزد ادیب پیشاوری فراگرفت. آشنایی او با ادبیات عرب البته این نتیجه را نیز به همراه داشته که گرمارودی را ترغیب به ترجمه قرآن کریم کند. ترجمه ای که به سرعت به چاپ دوم رسید و در چاپ دوم ترجمه اش را ویرایش دوباره نیز کرد. چاپ نخست این ترجمه در حجمی هزار و ??? صفحه ای انتشار یافت، چاپ دوم آن نیز از سوی انتشارات قدیانی منتشر شد.

۶ داستان پیامبران

ویژگی اثر : جلد اول آن در کتاب از آدم تا مسیح که به صورت داستانی می باشد. (جلد اول: از آدم (ع) تا عیسی (ع)). گرمارودی علاوه بر شعر، نثر روان و فاخری نیز دارد. او در کتاب، داستان پیامبران را از آدم ابوالبشر (ع) تا حضرت ختمی مرتبت (ص) با این نثر روایت کرده است

۷ داستان پیامبران

ویژگی اثر : از حضرت محمد در جلد دوم

۸ در مسلخ عشق

ویژگی اثر : مجموعه داستانی می باشد.

۹ درباره هنر و ادبیات امروز

ویژگی اثر : این کتاب مصاحبه ناصر حریری با گرمارودی

۱۰ در مسلخ عشق (مجموعه داستان کوتاه مذهبی)،

۱۱ دستچین (مجموعه شعر)

۱۲ زندگی شیخ محمد تقی بافقی (داستان کوتاه)،

۱۳ سرود آسمانی

ویژگی اثر : ترجمه ای «از صحیفه سجاده»

۱۴ صدای سبز

ویژگی اثر : آخرین مجموعه شعر منتشر شده این شاعر، «صدای سبز» (گزینه شعرها به اضافه بیش از شعر جدید) است.

۱۵ قلم انداز

- ویژگی اثر: مجموعه مقالات و سفرنامه‌ها از ۱۳۴۸
- ۱۶ گزیده شعر نیستان
- ۱۷ گزینه شعر گرمارودی
- ویژگی اثر: به گزینش مقدمه بهاء الدین خرمشاهی
- ۱۸ مجموعه تا کجا
- ۱۹ مجموعه شعر باران اخم
- ویژگی اثر: گزینه شعر جنگ دفتر ادبیات و شعر مقاومت در سال ۱۳۷۳ تهران منتشر شده است
- ۲۰ مجموعه شعر چمن لاله
- ۲۱ مجموعه شعر خط خون
- ویژگی اثر: از انتشارات زوار به سال ۱۳۶۳ می باشد
- ۲۲ مجموعه شعر در سایه سار نخل ولایت
- ویژگی اثر: این اثر چاپ دوم و دفتر نشر فرهنگ اسلامی به سال ۱۳۵۸ می باشد.
- ۲۳ مجموعه شعر در فصل مردن سرخ
- ویژگی اثر: این اثر از انتشارات راه امام به سال ۱۳۵۷ می باشد.
- ۲۴ مجموعه شعر سرود رگبار
- ویژگی اثر: این اثر در سال ۱۳۵۷ رواق و چاپ دوم می باشد.
- ۲۵ مجموعه شعر عبور
- ویژگی اثر: این اثر وی از آثار شعری اوست که در سال ۱۳۵۶ چاپ دوم می باشد.
- ۲۶ نهج البلاغه
- ویژگی اثر: ترجمه ای
- ۲۷ نوح پیامبر (داستان کوتاه)،
- ۲۸ یونس (داستان کوتاه)،

موسوی لاری، مجتبی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مجتبی موسوی لاری

محل تولد: لار

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۴/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای سید مجتبی موسوی لاری فرزند مرحوم آیت الله سید علی اصغر لاری، در سال ۱۳۱۴ در شهر لار متولد شد؛ تحصیلات ابتدایی و مقدمات علوم اسلامی را در لار فرا گرفت و در سال ۱۳۳۲ برای ادامه تحصیل علوم اسلامی راهی قم گشت و در آنجا دروس سطح را نزد اساتید و علماء حوزه علمیه قم آموخت و سپس دروس خارج خود را دنبال کرد و از محضر مراجع و بزرگان حوزه استفاده نمود.

از سال ۱۳۴۱ همکاری خود را با نوشتن یک سلسله مقالات اخلاق اسلامی با مجله دینی و علمی مکتب اسلام آغاز کرد که مجموعه مقالات یاد شده به صورت کتابی تحت عنوان «مشکلات اخلاقی و روانی» چاپ و منتشر گردید که تا به حال فارسی آن برای چهاردهمین بار تجدید چاپ شده است و نیز تاکنون به ۱۰ زبان ترجمه شده است.

در سال ۱۳۴۲ به علت ادامه بیماری، مسافرتی به آلمان کرد و پس از چند ماه معالجه به ایران بازگشت و به تالیف کتابی به نام «اسلام و سیمای تمدن غرب» پرداخت؛ در این کتاب به بحث پیرامون ابعاد تمدن غرب و اسلام پرداخته شده و در مقایسه ای جامع و مستدل و دقیق برتری تمدن جامع و چند بعدی اسلام بر تمدن غرب به اثبات رسیده است که چاپ فارسی آن ۸ بار تجدید چاپ شده است. کتاب یاد شده در سال ۱۳۴۹ توسط یکی از شرق شناسان انگلیسی به نام پروفیسور فرانسیس گلدین به زبان انگلیسی ترجمه شد و مورد استقبال فراوان اروپاییان قرار گرفت به طوری که تعدادی از مطبوعات غربی مقالاتی پیرامون انتشار این کتاب نوشتند.

راديو انگلستان نیز مصاحبه ای با مترجم ترتیب داد و درباره علت ترجمه و مسائل و مباحث کتاب با وی به گفتگو نشست. تا این زمان ترجمه انگلیسی کتاب سه بار در انگلستان، ۲۲ بار در ایران ۳ بار در آمریکا تجدید چاپ شده است. پروفیسور گلدین از ایشان جزوه ای نیز تحت عنوان (خداشناسی) ترجمه کرده که تا کنون به ۸ زبان ترجمه گردیده و ۱۱ بار تجدید چاپ شده است. تقریباً سه سال پس از انتشار ترجمه انگلیسی آن یکی از اساتید دانشگاه آلمان به نام «دکتر رولف سینگر» آن را به زبان آلمانی برگرداند که آن هم اثر عمیقی در میان آلمانی زبانان گذاشت حتی یکی از رهبران حزب سوسیال دموکرات آلمان طی نامه ای به مترجم نوشت: «مطالعه این کتاب تاثیر عمیقی در من بخشید و دیدگاه مرا نسبت به اسلام عوض کرد و من دوستانم را به مطالعه این کتاب دعوت خواهم کرد».

همزمان با انتشار ترجمه آلمانی کتاب یاد شده، یکی از دانشمندان مسلمان هندوستان به نام «مولانا روشن علی» آن را به اردو ترجمه کرد که پس از چاپ در هندوستان و پاکستان انتشار یافت و تاکنون پنج بار تجدید چاپ شده است. این کتاب تا کنون به این زبان ها ترجمه شده: انگلیسی، آلمانی، اردو، فرانسه، ژاپنی، عربی، اسپانیولی، تایلندی، روسی، مالایایی، کردی و بوسنیایی، تاجیکی، سیفهایلی، آذری، ترکی، ایتالیایی.

در سال ۱۳۴۳ دفتر خیریه ای در شهر لار تاسیس کرد و برای تبلیغات اسلامی و آشنا ساختن نوجوانان روستایی به مبانی اسلام و کمک به قشر مستمند خدماتی از سوی دفتر آغاز شد و تا سال ۱۳۴۷ کار خود را دنبال کرد. خلاصه کار این دفتر اعزام طلاب به روستاها برای تعلیم مسائل اسلامی به کودکان و نوجوانان روستایی و تشکیل کلاس های دینی و تامین لباس و لوازم التحریر هزاران دانش آموز مستمند و اقدام به برگزاری نماز جماعت در سطح مدارس لار بود؛ از جمله خدمات بنیادی این دفتر: احداث تعدادی ساختمان مسجد و حسینیه و مدرسه و درمانگاه در سطح روستاها بود و همچنین خدمات متنوع دیگری از ناحیه این دفتر خیریه صورت گرفت.

ایشان به تهیه و تنظیم مقالات اخلاق اسلامی در مجله مکتب اسلام ادامه داد و در سال ۱۳۵۳ مجموعه آن مقالات با تجدید نظر و اضافات به صورت کتابی تحت عنوان: «رسالت اخلاق در تکامل انسان» انتشار یافت؛ که شش بار در ایران تجدید چاپ شده است. در سال ۱۳۵۷ به دعوت یکی از سازمان های اسلامی آمریکا و همچنین ادامه معالجات سفری به آن دیار کرد و ضمناً با صاحب

نظران در زمینه ضرورت نشر مسائل اعتقادی اسلام به زبان های خارجی به مشاوره و گفتگو پرداخت و سپس به انگلستان و فرانسه رفت و پس از بازگشت به نوشتن یک سلسله مقالات ایدئولوژی اسلامی در مجله سروش پرداخت، این مجموعه مقالات که اصول عقاید اسلامی را در بر می گرفت، تحت عنوان: «مبانی اعتقادات در اسلام» در چهار جلد کتاب که شامل توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد بود؛ انتشار یافت. کتب یاد شده تاکنون به زبان های انگلیسی، روسی، فرانسه، اردو و اسپانیایی ترجمه شده و بعضی از مجلدات آن نیز به زبان های ژاپنی، بلغاری، رومانیایی، بنگالی و آلمانی ترجمه شده است.

ایشان در سال ۱۳۵۵ در قم دفتری به نام «دفتر گسترش فرهنگ اسلامی خارج از کشور» تاسیس کرد که بعداً به عنوان «مرکز نشر معارف اسلامی در جهان» تغییر نام یافت. این مرکز به نشر آثار اسلامی به خصوص آثار ترجمه شده ایشان پرداخت، اقدامی با هدف گسترش تعالیم اسلامی و مفاهیم قرآنی در اقصی نقاط دنیا. کتب منتشر شده از سوی این مرکز تبلیغاتی برای درخواست کنندگان مشتاق و تشنگان حقایق اسلامی اعم از افراد و یا هزاران موسسه و مدرسه و گروه ها و جمعیت های اسلامی از سراسر جهان به صورت اهدایی ارسال می شود که ثمرات و نتایج خدمات اسلامی و فرهنگی این مرکز در روشن ساختن اذهان انبوه عظیمی از مردم جهان نسبت به حقایق نورانی اسلام و جذب افراد بسیاری، از غیر مسلمانان به سوی اسلام ضمن هزاران نامه دریافتی از ملیت های مختلف مردم انعکاس یافته و میلیون ها نفر را تغذیه فکری و معنوی کرده است. و هم اکنون ده ها هزار نامه در بایگانی این مرکز نگهداری می شود و همچنان کار تبلیغات اسلامی در سطحی گسترده در مناطق مختلف جهان ادامه دارد. همچنین این مرکز اقدام به چاپ قرآن کریم با ترجمه انگلیسی و فرانسه و اسپانیایی و روسی نموده که به متقاضیان از کشورهای مختلف اهداء می شود. در سال ۱۳۷۲ به لحاظ تاثیری که نشر کتب روسی ایشان در جمهوری آذربایجان به جای گذاشت، آکادمی علوم جمهوری آذربایجان در باکو دکترای افتخاری به عنوان ایشان صادر کرد. و به همین مناسبت مراسمی در دانشگاه باکو برگزار نمود.

موسوی مطلق، عباس

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سیدعباس موسوی مطلق

محل تولد: لرستان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۵/۱۰/۳۰

زندگینامه علمی

به فضل خداوند متعال و عنایات خاصه حضرات ائمه معصومین (ص) پس از سپری شدن دوران راهنمایی در سال ۷۱ - ۷۰ وارد قم شدم و به طور آزاد در قم مشغول به تحصیل شدم. مدتی در منزل اجاره ای به سر می بردم و سپس در مدرسه مهدی موعود و بعد در مدرسه علوی، حجره و خوابگاه گرفتم. پس از گذراندن دوره ادبیات در دروس لمعه آیت الله اشتهاردی و دیگر اساتید حاضر شدم و سپس دروس بعدی رسائل و مکاسب را در درس «آیت الله اشتهاردی» و «آیت الله فقیهی» و کفایه را از «آیت الله موسوی تهرانی» و درس خارج فقه و اصول را نزد حضرات آقایان: «بهجت»، «وحید خراسانی»، «مبشر کاشانی» و «علوی بروجردی» در حال

تحصیل می‌باشم. تفسیر را در محضر حکیم متاله مفسر عالیقدر «حضرت آیت الله جوادی آملی» و اخلاق و عرفان را نزد استاد عزیز «آیت الله حاج شیخ عبدالقائم شوشتری» بوده ام و کار نوشتن را از سال ۷۶ آغاز کرده ام.

موسوی نژاد، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی موسوی نژاد

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در شهریور ماه ۱۳۴۷ در مشهد مقدس و در خانواده‌ای اهل علم به دنیا آمدم. پس از پایان دوره ابتدایی و هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ به تحصیل علوم حوزوی مشغول شدم و تا سال ۱۳۶۵ که برای ادامه تحصیل به قم آمدم؛ در مشهد در حوزه علمیه‌ای که توسط پدر بزرگوارم و به نام ایشان مشهور است؛ مقدمات و سطوح اولیه حوزوی را پشت سر گذاشتم. از سال ۱۳۶۳ و با امکان حضور در جبهه‌های نبرد و تا پایان جنگ تحمیلی به طور متناوب بیش از یک سال در جبهه‌های نبرد به صورت داوطلب حضور یافتم. پس از حضور در حوزه علمیه قم که بیشتر به دوران پس از پایان جنگ تحمیلی و شرکت در جبهه و به سال ۱۳۶۷ بر می‌گردد سطوح عالی حوزوی را ادامه داده و پس از آن به مدت هشت سال تا سال ۱۳۷۵ در دروس خارج فقه و اصول نیز شرکت کردم.

در کنار تحصیل، فعالیت‌های علمی دیگری نیز داشته‌ام. از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ در ۱۲ سفر پیاپی به حج در بعثه مقام رهبری و در بخش معاونت بین‌الملل به عنوان مبلغ و زبان‌دان به فعالیت‌های علمی و تبلیغی در قالب ملاقات‌ها و گفت‌وگوهای علمی با دیگر مسلمانان حاضر در موسم حج حضور داشتم و در همین راستا در این معاونت دارای مسئولیت‌هایی نیز بودم.

در سال ۱۳۷۳ تا پایان ۱۳۷۴ به عنوان عضو علمی کنگره نقش زمان و مکان در اجتهاد در گروه حدیث به مدت دو سال مشغول بودم و حاصل آن فعالیت‌های علمی در سه مجلد منتشر شده است. از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۶ به مدت دو سال به عنوان عضو پژوهشکده فقه و حقوق پژوهشگاه دفتر تبلیغات اسلامی مشغول بودم. و هم‌زمان با تأسیس مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب به این مرکز نیز پیوستم.

موسوی نسب، جعفر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید جعفر موسوی نسب

محل تولد: نیشابور

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه و در مشهد مقدس سطح را به پایان رساندم. در محضر اساتیدی همچون: «آیت الله صالحی»، «آیت الله مرحوم سبزواری»، «آیت الله رضا زاده»، «حضرت آیت الله وحید خراسانی»، «مکارم شیرازی»، «سبحانی» و «فاضل لنکرانی» تلمذ نموده ام.

گذراندن دوره مرکز ادیان و مذهب اسلامی و دوره مهدویت در مرکز تخصصی مهدویت و دارای تالیفات، تدریس، مقالات متعدد، تحقیق و تدوین در حوزه و دانشگاه از دیگر فعالیت‌های بنده بوده است. در حال حاضر نیز مسئول مرکز تخصصی امامت و مهدویت خراسان رضوی هستم.

موسوی وارقانی، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید احمد موسوی وارقانی

محل تولد: شهر ری

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۴ در خانواده ای مذهبی در روستای «قمصر» از توابع شهرستان ری متولد شد. دوران تحصیل خویش را با موفقیت گذرانید و در سال ۱۳۳۵ در محضر «آیت الله مجتهدی تهرانی» به تحصیل علوم حوزوی پرداخت. پس از معمم شدن به دست مبارک مرحوم «آیت الله خوانساری (ره)» به شهر قم هجرت نمود و از محضر اساتید بزرگ از جمله آیات عظام: «مکارم شیرازی»، «بهجت»، «وحید خراسانی»، «سبحانی»، «ستوده»، «اعتمادی» و ... کسب فیض نموده و در سال ۱۳۷۸ از سوی مقام معظم رهبری «حضرت آیت الله العظمی خامنه ای» به امامت جمعه باقر شهر منصوب گردید.

مدارج علمی:

۱. اجتهاد در علوم حوزوی.
۲. مدرس فقه و اصول.
۳. محقق در تاریخ اسلام و تشیع.
۴. مفسر قرآن و نهج البلاغه.
۵. مولف کتب و مقالات علمی، تاریخی و بین‌المللی.

موسوی ونکی سمیرمی، محمد شریف

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن محمد حسن بن حسین شیرازی اصفهانی. عالم جلیل، و مجتهد بارع، و فقیه جامع، در ۱۲۷۰ متولد، و در ۲۸ رمضان المبارک ۱۳۵۲ در طهران وفات یافته، در قم مدفون گردید.

مقدمات علوم را در مولد خویش آموخته، جهت تکمیل به اصفهان مهاجرت کرده، به درس حاج شیخ محمد باقر نجفی و حاج میرزا بدیع درب امامی و دیگران حاضر شده؛ سپس به نجف مهاجرت نموده، در محضر شیخ لطف الله مازندرانی و حاج شیخ زین العابدین مازندرانی سال‌ها حاضر شده، و به درس میرزای بزرگ شیرازی حاج میرزا محمد حسن، و میرزای رشتی حاج میرزا حبیب الله نیز حاضر شده تا به مقامات عالی‌ی علم وایقان رسید.

در موقع مشروطیت ایران جزو یاران آقا سید محمد کاظم یزدی بوده، و در نجف از طرف برخی از طلاب رنج‌ها دیده، به ایران مراجعت نموده، در شیراز ساکن شده، در ۱۳۴۲ به اصفهان آمده، مدت دو سال ساکن شده، و به درس و بحث و اقامه‌ی جماعت پرداخته؛ سپس به طهران رفته و در آنجا ساکن گردیده و به ترویج دین و نشر احکام از راه مسجد و منبر و تألیف کتب پرداخته، تا سرانجام در آنجا وفات یافت.

اولادش در شهرضا و طهران ساکن می‌باشند، و مرحوم حجة الاسلام حاج سید هدایت الله تقوی معروف به آیه الله تقوی فرزند ارشد ایشان در طهران ساکن، و در سال ۱۳۸۶ وفات یافت.

کتب زیر از تألیفات ایشان است:

- ۱- تبصره الناظرین [در رد بر مبلغ مسیحی] ۲- تذکره المسلمین، در امر به معروف و نهی از منکر ۳- رساله در رد وهابیه ۴- رساله‌ی عملیه ۵- رساله‌ی نفلیه، در نوافل ۶- فقه، یک دوره در چندین مجلد، که در شیراز و اصفهان و طهران به طبع رسیده ۷- قانون الهی، در شیراز چاپ شده ۸- کشف البیان فی تریب الانسان ۹- کشف المرام فی قانون الاسلام [در رد مشروطیت] ۱۰- مرآت الاصول، در اصول [دین] ۱۱- الناسخ و المنسوخ، در اصفهان به طبع رسیده ۱۲- نسیم سحر و هدایه المسترشدین؛ و غیره.

در نقباء البشر وی را از ونک طهران، و در دانشمندان فارس وی را از ونک سمیرم می‌نویسد.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

موسوی یزدی، کاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید یحیی بن العالم الجلیل آقاسید کاظم موسوی از علماء معروف و بنام شهرستان یزد بودند آن مرحوم در اوائل جوانی به امر تجارت اشتغال و هم قسمتی از وقت خود مصروف تحصیل می نمودند پس کار را تعطیل و از یزد به مشهد مقدس مسافرت و مدتی در آنجا تحصیل نمود و بعد از آنجا مهاجرت به نجف اشرف کرده و مدت ۹ سال از محاضر آیات عظام و مراجع بزرگ آن سامان استفاده نمود و پس از آن به یزد برگشته و سالها در یزد به ریاست علمی و روحی و امر تدریس برگزار نمود تا در جمادی الاولی ۱۳۴۶ ق وفات و در حرم امامزاده جعفر یزد مدفون گردیدند.

جماعتی از علماء یزد مانند آقا شیخ محمدتقی متخلص به (پیشان) و آقا سید سید احمد مدرس از شاگردان آن مرحوم می باشند. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

موسوی، ابراهیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید ابراهیم موسوی

محل تولد: قزوین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۴۵ تحصیلات دوره ابتدائی ام شروع شد و تا سال ۱۳۵۷ دیپلم دبیرستان را گرفتم، در این مدت با برخی گروههای مذهبی همکاری داشتم که گاهی به مطالعه و تلخیص کتابهای دینی یا بررسی برخی آیات و ارائه در جمع و گروه مربوطه می انجامید.

از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۰ به کشور کانادا جهت تحصیل در رشته فیزیک رفتم. در آنجا با عضویت در انجمن اسلامی آمریکا و کانادا به فعالیت های جنبی تبلیغی و گاهی علمی می پرداختم، مثل: «بررسی تفاسیر قرآن»، «تحقیق موضوعی در زمینه های مختلف» و ارائه به انجمن یا در میان دانشجویان ایرانی و عرب که هر هفته در مسجدی جمع می شدیم. از آنجایی که برگزاری تظاهرات در آن کشور به تبع انقلاب و حمایت از مظلومیت ایران در جنگ علیه عراق و گاهی هم برگزاری جلسات سخنرانی در دانشگاهها که در برخی موارد به درگیری با نیروهای ضد انقلاب منجر می شد، پرونده مطلوبی در ادامه مهاجرت به کانادا نداشتم و این دلیل باعث شد ادامه حضور را در آن کشور لغو کنند.

در سال ۱۳۶۱ به ایران برگشتم و مستقیم به تحصیلات حوزوی در قم پرداختم. البته چند ماهی به مدرسه عالی شهید مطهری در تهران رفتم ولی دوباره به قم برگشتم و از آن زمان تا به حال در قم هستم. در کنار دروس حوزوی، البته پس از دروس لمعه و

همراه با درس رسائل و مکاسب دوباره در دانشگاه از طریق کنکور شرکت کردم و در دانشگاه تهران به درس فلسفه پرداختم. در قم نیز هم در درس تخصصی کلام و هم در رشته دین شناسی (موسسه امام ره) شرکت کردم.

موسوی، جاسم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید جاسم موسوی

محل تولد: میسان

شهرت

تابعیت: عراق

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

ولدت و ترعرت في احد قرى الجنوب التابعة لمحافظة ميسان الواقعة في جنوب العراق و التي تقع على مسافة قريبة من قضاء الحويزه الايراني و هناك اكملت الدراسة الابتدائية و بعد اشتداد المعارك في الحرب الظالمه المفروضه على الجمهوريه الاسلاميه نزلت مع عائلتي الى مركز المحافظة «العمارة» و ذلك بسبب وصول الجيش الاسلامي الايراني الى بعض مناطق الجنوب في العام ۱۹۸۲ م. و قد كانت هذه السنه من اصعب المراحل التي مرت بها اذ اعتقل والدي من قبل الا- من البعثي بتهمة التجسس لصالح الجمهوريه الاسلاميه ليلتحق بجهات الحق.

و بعد انتقالنا الى مركز المحافظة اكملت هناك دراستي حيث حصلت على شهادة الاعداديه و ذلك في العام ۱۹۹۰ - ۱۹۸۹ و في نفس هذا العام انتفض شيعه العراق في الانتفاضة الشيعه المعروفة و التي كادت ان تقضي انذاك على ازمرة البعثيه ، و التي انتهت بفاجعه اليسمه حيث استشهد عشراه الالاف و هاجرت الالاف من الشيعه الى الجمهوريه الاسلاميه و قد كنت من الذين من الله تعالى عليهم بالهجرة الى ارض الاسلام مع والدي حيث التحق بمجرد وصولي الى ايران بمدرسه الامام الخميني (رض) التي يشرف عليها سماحه ولي الفقيه في خوزستان آيت الله السيد الجزائري، و ذلك في العام ۱۳۷۰.

و هناك اكملت المقدمات و السطح الاولى و الثاني من السطوح الحوزويه حيث تتلمذت على خيره الاساتذه هناك كسماحه الشيخ ماجد الكاظمي و السيد محسن الشفيعي و آخرون. و في سنه ۱۳۷۴ قبلت في المركز العالمي للعلوم الاسلاميه، حيث اكملت السطح الاولى و الثاني و الثالث و ذلك في العام ۱۳۷۷. و في السنه ۱۳۷۷ قبلت في مدرسه الامام الخميني للدراسات العليا في قسم الفلسفه و الكلام، و هناك تتلمذت على يد تله كبيره من خيره الاساتذه في قم المقدسه كالدكتور احمد البهشتي و الدكتور محمد مهدي گرجيان و الشيخ حسن معلمی و الدكتور على الشيرواني و آخرون. و في العام ۱۳۸۱ اكملت الدراسات التخصصيه حيث دافعت عن رسالتي التي كانت تحت عنوان بحث تطبيقي للجبر و الاختيار، و قد كان الاستاذ المرفا الدكتور گرجيان و الاستاذ المعاون الشيخ حسن المعلمی، و كان الحكم في جلسه الدفاع الشيخ كياشمشكي و قد حصلت على درجه ۱۹ في جلسه الدفاع.

و في سنه ۱۳۸۲ ابتدأت دراسة البحث الخارج على يد اصحاب السماحات من علماء الحوزه العلميه كالشيخ الهرندي و الشيخ محمد

باقر الایروانی و غیرهم. و قد احنغلت اثناء ذلك في عدة من المراكز العلمية كمؤسسة الكوثر للمعارف الاسلاميه و التي كان لها الفضل في نشر الكثير من المقالات التي كلفتنا بكتابتها و الى جانب التحصيل الدراسي مارستا مهمة التدريس فكان لنا الشرف في تدريس جامع المقدمات و معالم الدين و بعض كتب شرح اللمعة و الحلقة الاولى و الثانية. و الحمد لله رب العالمين.

موسوی، حجت‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج سید حجت‌الله بن ثقه‌المحدثین آقا سید ذبیح‌الله کاظمی موسوی مازندرانی از علماء اعلام معاصر است در شهر چالوس. وی در حدود سال ۱۳۳۰ قمری در چالوس متولد شده و در کودکی پدر را از دست داده و بعد از پرورش و خواندن اولیات به تهران آمده و حدود دو سال در مدرسه سپهسالار قدیم تحصیل نموده آنگاه در سال ۱۳۵۰ قمری مهاجرت به قم و سطوح را از محضر مرحوم آیت‌الله آقای میرزا محمد همدانی و آیت‌الله آخوند ملا علی و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی استفاده نموده و به درس خارج آیت‌الله العظمی حجت و آیت‌الله حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌الله صدر از موقع ورود آیت‌الله العظمی بروجردی حاضر و از مبانی فقهی و اصولی آنان بهره‌مند شده تا سال ۱۳۷۰ قمری که به امر آن زعیم اعظم بر حسب تقاضای اهالی چالوس مراجعت به وطن نموده و به اقامه جماعت و ترویجات دینی و تبلیغ احکام همت گماشته و تا حال حاضر به این سمت اشتغال دارند آثار ایشان از اینقرار است.

۱- بناء مسجد جامع چالوس

۲- مدرسه علمیه برای طلاب و اکنون بالغ بر سی و دو طلبه و مدرس دارد

۳- خانه برای عالم و امام جماعت مسجد چالوس.

۴- اعزام و هدایت مبلغین به اطراف و حومه چالوس و اکنون عده‌ای از طلاب و محصلین مدرسه معظم له در مشهد و تهران اشغال به تحصیل و خدمات دینی دارند و نیز حدود بیست طلبه از چالوس و حومه آن در حوزه علمیه مشغول می‌باشند.

مدرسین مدرسه ایشان جنابان ثقه‌الاسلام آقا شیخ علی اکبر ضیائی و آقا شیخ ابراهیم کیاپاشا می‌باشند.

فرزند برومند ایشان جناب سیدالفضلاء آقا سید جمال موسوی از فضلاء و شرکاء درس خارج آیت‌الله العظمی آملی در قم هستند. و عاظ و گویندگان مشهوری که بنابر دعوت معظم له برای تبلیغ به چالوس آمده‌اند بسیارند و از مشاهیر آنان نامبردگان زیرند.

۱- جناب خطیب توانا آقای فلسفی

۲- جناب حجة‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمود حلبی

۳- جناب آقای حاج سید محمدعلی صدرائی اشکوری.

۴- جناب واعظ و نویسنده برنا آقای هاشمی نژاد

۵- جناب استاد میرزا حسین نوری.

۶- جناب واعظ و دانشمند ارجمند آقای حاج شیخ ابوالقاسم خزعلی

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

موسوی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

وی فرزند مرحوم آقا سید هدایت مشرودی نیز از علماء و ائمه جماعت و خدمتگذاران شرع انور معاصر است در منطقه دربند شمیران تهران ایشان که از اولاد امامزاده عظیم‌الشأن ابراهیم المرتضی فرزند حضرت امام موسی بن جعفر علیهاالسلام است در قریه کلوجه هشتروند در سال ۱۳۳۰ متولد شده و از پنج سالگی شروع به آموختن قرآن و دروس فارسی نموده و در همان اوان پدر و در سن ۹ سالگی مادر را از دست داده و در تحت تربیت و سرپرستی مرحوم حاج ملا صالح معروف به حاج آخوند دائی خود که از اود و زهاد زمان خود بوده ادامه به تحصیل داده و پس از فوت آن مرحوم در سن ۱۸ سالگی مهاجرت به قم و در شب نیمه شعبان ۱۳۴۸ قمری وارد حوزه علمیه گردیده و در مدرسه دارالشفاء به دروس مقدمات و سطوح نموده و شرح لمعه را از محضر مرجع عالی‌قدر معاصر آیت‌الله العظمی آقای نجفی مرعشی مدظله و مطول را از محضر مرحوم حجه‌الاسلام ادیب تهرانی و رسائل و مکاسب را از مرحوم حاج سید محمد مولانا تبریزی و کفایه را از آیت‌الله حاج میرزا رضی تبریزی و مرحوم آیت‌الله آقا میرزا محمد همدانی خوانده و در سال ۱۳۵۴ در درس مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری شرکت نموده و بعد از فوت آن مرحوم در سال ۱۳۵۵ ق از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی حجت و آیت‌الله العظمی آقا میرزا محمد فیض قمی استفاده نموده و نیز چند سالی از دروس و محضر آیت‌الله العظمی بروجردی بهره‌مند شده تا بعد از فوت آن مرحوم که در خیابان دربند (باغ شاطر) ساکن و مسجد و کتابخانه مفصلی تاسیس و تا هم‌اکنون در آنجا به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و خدمات دینی اشتغال دارند. دارای اجازات عدیده اجتهادی و روایتی و غیره از آقایان آیت‌الله العظمی حایری یزدی و آیت‌الله حجت و آیت‌الله زنجانی و آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی مدظله می‌باشند. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

موسوی، رسول

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رسول موسوی

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از اخذ دیپلم در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم. دروس ادبیات را نزد اساتید: «مدرس افغانی»، «موسوی گرگانی»،

«طالقانی»، منطق و معالم را با استاد «خسروشاهی»، شرح لمعه را با استاد «شب زنده دار»، رسائل را با استاد «اعتمادی»، «مکاسب» را نزد آقای «مصلحی اراکی» و کفایه را با استاد گنجی خواندم.

در سال ۱۳۷۰ با دارالحدیث همکاری در حدیث را آغاز کردم و در تالیف کتابهایی مانند: «موسوعه میزان الحکمه» نقش داشتم و بعضی کارهای مستقل آنها مثل اهل البیت را با نظارت آقای محمدی ری شهری انجام دادم. در دوره آموزش فلسفه اخلاق دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان شرکت کردم و اکنون در حد مراجعه زبان تخصصی اخلاق آشنائی دارم.

در سال ۱۳۷۵ بعد از ورود «آیت الله مظاهری» به اصفهان به توصیه ایشان مسئولیت مرکز آموزشهای تخصصی حوزه علمیه اصفهان را به عهده گرفتم و تا سال ۱۳۸۳ ادامه داشت و همزمان به تدریس عقاید، فلسفه، اصول و فقه در دروس سطح حوزه اشتغال داشتم که اکنون نیز ادامه دارد.

موسوی، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید رضا موسوی

محل تولد: گرگان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۶/۱/۱

زندگینامه علمی

عالم بزرگوار، اندیشمند گرانقدر حضرت آیت الله سید رضا موسوی مشهور به استاد موسوی در روستای «کردکوی» از توابع گرگان در خانه‌ای کشاورز و در سال ۱۳۲۶ دیده به جهان گشود. شور و شوق زایدالوصف ایشان به تحصیل علوم دینی و تشویق خانواده ایشان از سوی دیگر سبب شد تا در سال ۱۳۲۶ وارد حوزه علمیه مشهد گردید و توسط «مرحوم آیت الله فشارکی» ادبیات عرب را فرا گرفت. آنگاه در سال ۱۳۴۴ به حوزه علمیه قم مشرف شد و به تکمیل دروس ادبیات و فراگیری دروس سطح پرداخت. با پایان یافتن دوره سطح به درس خارج «آیت الله گلپایگانی (ره)» و «مرحوم آیت الله میلانی (ره)» راه یافت و از محضر اساتید بزرگ خویش بهره‌ای فراوان برد. ایشان طی سالهای عمر خویش خدمت بسیاری انجام داده است. همچنین از وی کتب بسیاری با عناوینی چون: «آشنایی با مبادی فقه»، «آشنایی با آئین دادرسی و داوری اسلامی»، «آشنایی با نهضت حسینی» و ... به چاپ رسیده است. نامبرده پس از تحصیل دوره خارج، طاقت دوری از بارگاه ملکوتی امام هشتم (ع) را نتوانست تحمل کند و لذا دوباره برای پابوسی امام رضا (ع) و خدمت به مردم آن دیار به مشهد مقدس بازگشت.

موسوی، عبدالحمید

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جد ایشان مرحوم سید عبدالحمید از علمای ازکیا، و از شاگردان شیخ محمد حسن صاحب جواهر بوده، و پس از مراجعت از نجف اشرف در اصفهان و لنجان ساکن شده، و هم در این شهر وفات یافته.

وی را شرحی است بر کتاب شرایع الاسلام تألیف محقق حلّی علیه الرحمه.

پدر ایشان مرحوم آقا سید محمد نیز از علمای کاملین بوده و قبرش در خوانسار است.

صاحب عنوان از اکابر علما و مجتهدین، و اعظام فقها، و در اواخر زمان حیات خود مرجع وحید شیعه، و زعیم بزرگ دینی بود. از حیث قدرت و ریاست و نفوذ امر از جمیع مراجع تقلید گذرانید.

در سال ۱۲۸۴ قمری در اصفهان متولد گردیده و مقدمات علوم را نزد جمعی از بزرگان که از جمله آنهاست مرحوم حاج سید مهدی نحوی فرا گرفته، و در سال ۱۳۰۷ به نجف اشرف مهاجرت فرموده، و در آنجا خدمت اساتید بزرگ سالها درس خوانده، مدت دو سال در سامرا به درس میرزای بزرگ شیرازی مرحوم حاج میرزا محمد حسن (۱۳۱۲-۱۲۳۰) حاضر شده، سپس در نجف به درس آخوند ملا کاظم خراسانی (۱۳۲۹-۱۲۵۵) حاضر شده و از خواص ایشان، و مشهورترین شاگردان وی به شمار می‌رود، و از آخوند خراسانی و میرزا محمد تقی شیرازی و شیخ الشریعه اصفهانی و سید حسن صدر کاظمینی اجازه روایت احادیث یافته، و مرکز درس و بحث و فتوی قرار گرفت.

در احسن الودیعه (۲: ۱۰۹) درباره او گوید: صاحب الاخلاق النبویة و الغیره الهاشمیة، کریم الطبع، سخی النفس... حسن السلیقه فی المسائل العلمیة، فلتفتخر اصفهان بأنّ منها مثل هذا المولی العظیم الشأن.

در نقباء البشر (۱: ۱۴۳) شخصیت و بزرگواری او را ستوده، و از حفظ و اخلاق و صفات و ملکات او شطری بیان داشته.

در ریحانة الادب (۱: ۸۴) و دیگر کتب رجال همگی از او به بزرگی یاد نموده‌اند.

در آثار الحجّة (۱: ۱۳۴) درباره او فرماید: مرحوم اصفهانی - رضوان الله علیه - از مؤیدین فقهای عالم تشیع بود که از غیب به او کمک شده و تأیید می‌شدند، و اعلی حضرت ولی عصر - ارواحنا له الفداء - به او نظر مخصوص داشت، و از آن بزرگوار به وسیله ثقه الاسلام حاج شیخ محمد کوفی شوشتری که متجاوز از چهل سفر به مکه مشرف شده، توقیعی برای سید آمد.

در هر حال، عالمی است جلیل القدر، و منشرح الصدر، و عدیم النظر، در اخلاق و کمالات سرآمد علمای زمان، بلکه در کمتر زمانی عالمی بدین پایه و مقام رسیده است.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- انیس المقدین که آن را سید ابوالقاسم اصفهانی جمع کرده است ۱- حاشیه بر تبصره علامه ۳- حاشیه عروۀ الوثقی ۴- حاشیه نجاه العباد تألیف شیخ محمد حسن صاحب جواهر ۵- ذخیره الصالحین ۶- ذخیره العباد ۷- شرح کفایة الاصول استادش مرحوم خراسانی - صراط النجاة، و آن ترجمه وسیله النجاة است که مرحوم آقا سید ابوالقاسم اصفهانی ترجمه کرده و به نظر ایشان رسانیده. ۸- منتخب الرسائل ۹- مناسک حج ۱۰- وسیله النجاة، یکدوره فقه در دو مجلد ۱۱- وسیله النجاة صغری، رساله عملیه مختصر.

و این کتب، همگی چندین مرتبه بطبع رسیده و در تمام ممالک اسلامی و شیعه منتشر گردیده، که مثلاً رساله ذخیره العباد ایشان هفتاد و یک مرتبه به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

موسوی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی موسوی

محل تولد: خدا بنده

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید علی موسوی فرزند سید آقا در سال ۱۳۲۶ در شهرستان خدا بنده از شهرستانهای استان زنجان به دنیا آمدم. در سال ۱۳۴۱ وارد قم شده و در کلاس چهارم ابتدائی مشغول درس شدم. و کلاس پنجم دبستان را در تهران و ششم ابتدائی قدیم را در قم به پایان رسانیدم و کلاس هفتم و هشتم نظام قدیم را هم متفرقه خواندم و در سال ۱۳۴۴ احتمالاً وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح آن روز را در پیش اساتید آن زمان مانند: «مرحوم آقای سید ابوالفضل موسوی تبریزی»، «آقای میرزا محسن دوزدو زانی»، «آقای استادی»، «آقای ستوده»، «آقای پایانی»، «مرحوم آقای معرفت» و غیره شرکت نمودم.

در سال ظاهراً ۶۸ در امتحان ورودی مجتمع قضائی و فرهنگی طلاب شرکت نمودم و قبول شدم و موفق به اخذ مدرک معادل لیسانس آن روز شدم و دو سال بعد به استخدام آموزش و پرورش در آمدم به عنوان «استاد تربیت معلم» که بعداً منصرف شدم. و در سال ۷۱ ظاهراً به عنوان «مدرس» از طرف شورای عالی حوزه علمیه به لردگان یکی از شهرستانهای چهارمحال بختیاری اعزام شده و مشغول شدم و پس از یک سال به قم برگشته و حدود یک سال در جامعه مدرسین و دائره المعارف به تحقیقات مشغول شدم و از آن زمان تا به حال در این دو مؤسسه، مشغول تحقیق فقه می باشم، (گرچه بیش از یکسال در مجمع اندیشه مشغول روایات معاد و دسته بندی آن از کتاب بحار الانوار بودم) که فعلاً یکی دو ماه است کارم در مجمع اندیشه تعطیل شده است. و فعلاً در دائره المعارف مشغول تدریس و تألیف مقالات عربی می باشم.

موسوی، علی اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی اکبر موسوی

محل تولد: قزوین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

از کودکی با شرکت در جلسات مذهبی و کلاس‌های علمی تاریخی عادت به مطالعه کردم، به تدریج در هنگام انقلاب و بعد از انقلاب با مطالعات معتبر سیاسی، علمی و با شرکت در برنامه‌های حزب جمهوری و جلسات دیگر و کنجکاوی‌های فراوان برای پاسخ به بعضی پرسش‌های اساسی که نیاز زیادی را احساس می‌نمودم (هدف‌های خلقت، علل اختلالات در میزان نعمت‌ها و علل تفاوت‌ها و علل رنج‌های موجود در جامعه و انسان و اینکه خدا چه رابطه‌ای با انسان دارد) با مطالب علمی، کلامی و تفسیری آشنایی پیدا کردم و شاید علت مهمی که به حوزه علمیه آمدم پاسخ به همین مسائل بود از همان دوران دبیرستان سال ۵۸ - ۵۹ - ۶۰ با کتب استاد مطهری زیاد مأنوس بودم مثل کتاب‌های علل گرایش به مادیگری، جهان‌بینی، انسان و ایمان و عدل الهی و... گرچه بعضی کتب مثل عدل الهی مطالب دشواری داشت در آن سن، اما تلاش زیادی برای درک آن می‌کردم... در کلاس‌های کلامی، فلسفی، که از طرف انجمن اسلامی معلمان برای اتحادیه انجمن‌های اسلامی دبیرستان‌های قزوین برگزار می‌شد با علاقه شرکت می‌کردم، اثبات واجب الوجود و پاسخ به شبهات و... بعد از مدتی که به جبهه‌ها رفتم؛ به قم آمدم در قم نیز بعد از آشنایی با اساتید مختلف و سلیقه‌های مختلف، شاید احساس می‌کنم روشی را انتخاب کرده‌ام. هم برای پاسخ به سوالات خودم و هم برای ارائه مطلب به دیگران و تبلیغ مطالب. بعد از سطوح حوزوی از سال ۱۳۷۰ در دروس آیات عظام مکارم جوادی آملی میرزا جواد آقا تبریزی وحید خراسانی شرکت نمودم به امید اینکه بتوانیم مسئولیتها را بانجام برسانیم.

موسوی، فاضل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید فاضل موسوی

محل تولد: زنجان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۳۹ در یک خانواده مذهبی به دنیا آمدم. به دلیل فرهنگ مذهبی خانواده علاقه به قرآن کریم و اهل بیت (علیهم السلام) به خصوص پدر بزرگوارم و رفت و آمد روحانیون بزرگوار به منزل ما و پیشنهاد آنها به من در جهت تحصیلات حوزوی در من انگیزه و علاقمندی فراوانی در جهت کسب علوم دینی ایجاد نمود. پس از پایان دوره ابتدایی و راهنمایی جهت ادامه تحصیل به استان گیلان شهر رشت هجرت کردم. در دبیرستان علوی که بوسیله یک روحانی اداره می‌شد؛ درس را شروع کردم.

سال دوم دبیرستان مصادف با اوج گیری خیزش انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) بنده نیز همانند دیگر دانش آموزان در اولین راهپیماییها شرکت و در طول مبارزه ضد شاه به طور فعال اقدام کردم.

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی هنوز دانش آموز دبیرستان بودم. و در جهت دفاع از آرمان های دینی و ارزشهای اسلامی و انجام وظیفه شرعی، ابتدا کتابهای استاد مطهری، نوارهای جهان بینی و ... استاد مطهری را مطالعه و از آثار قلمی آیت الله سبحانی، حجت الاسلام قرائتی، آثار قلمی دکتر شهید بهشتی و ... که در کتابخانه های بزرگ رشت مثل کتابخانه ملی و کتابخانه اتحادیه انجمنهای اسلامی دانش آموزان که بنده معاون فرهنگی آن بودم؛ بهره های فراوانی بردم و در دفاع از آرمانها و ارزشهای انقلاب اسلامی مقالاتی را نوشته و در جمع دانش آموزان قرائت می کردم. و در مناسبت ها به صورت بیانیه انجمن های اسلامی دانش آموزان پخش می گردید. در دوره دبیرستان با حجت الاسلام مصطفوی نماینده دوره هایی از مجلس، امام جمعه انزلی آشنا شدم.

بلافاصله بعد از اخذ دیپلم (سال ۶۰ - ۵۹) با مشورت و تایید و تشویق حجة الاسلام مصطفوی که در دوره دبیرستان با بنده و فعالیت های علمی و مذهبی من آشنا بود؛ وارد حوزه علمیه رشت شدم. در همان سال های اولیه تحصیل حوزوی، جهت تدریس در دوره دبیرستان به صورت حق التدریس در دبیرستانها بعد از ظهری و شبانه به تدریس فرا خوانده شدم. در سال ۱۳۶۴ جهت رسیدن به مدارس بهتر و کسب بیشتر علم و دانش و تهذیب به شهر اراک هجرت کردم و در مدرسه خوب مهدیه زیر نظر «آیه الله خوانساری» به کسب علم مشغول گردیدم. در شهر اراک از محضر اساتیدی چون: «استاد فرجی»، «استاد آشتیانی» مفسر نمونه استفاده نمودم.

در همان یک سال که در اراک بودم؛ به قم رفت و آمد نموده در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شدم. از مظهر اساتیدی چون: استاد طباطبائی در صرف و نحو و از استاد ظهیری در معانی و بیان و بدیع و در فقه از اساتیدی چون: استاد ناصری، استاد مدنی، استاد اشتهدادی، احمدی فقیه یزدی، استاد دوزدوانی، و از اساتید مدرسه لبنانیها (در متدی البنائین) از کتابهای لمعه و مکاسب استفاده برده و سطح به پایان رسانده و خارج فقه را از محضر اساتیدی چون: استاد احمدی فقیه یزدی، استاد بمالی خراسانی، استاد «آیه الله مکارم شیرازی» و «آیه الله سبحانی» استفاده بردم. و در مباحث اصول از محضر اساتیدی چون: «آیت الله سید احمد خاتمی» و «علی محمدی خراسانی» کتابهایی چون: معالم، اصول مظفر، رسائل و کفایه الاصول را استفاده بردم و در خارج اصول از محضر «آیه الله سبحانی» بهره مند شدم.

بیش از پنج سال در مرکز تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی در جهت سامان بخشی به امر تحقیقات مثل نمایه سازی، سامان دهی به آرشیو مطبوعات، شناسایی مراکز تحقیقاتی، کتابخانه های مهم ایران و شخصیت شناسی و در پایان بخش اندیشه سیاسی به مدت ۷۰۰۰ ساعت مشغول کارهای علمی و تحقیقاتی بودم. از سال ۱۳۷۲ در آموزش و پرورش استخدام شدم و در مدارس و سپس در مراکز تربیت معلم مشغول به کار می باشم و اکنون از سال ۱۳۷۹ عضو هیئت علمی مرکز تربیت معلم آیه الله طالقانی می باشم و در برگزاری همایش های علمی که از طرف مرکز تربیت معلم از جمله: همایش سال امام علی (ع) به عنوان هیئت نظارت بر تحقیقات نقش مؤثری داشتم.

چندین سال است که به عنوان عضو فعال بسیجی در گروه های علمی (گروه علمی مطالعات فرهنگی و قرآن و ...) بسیج اساتید استان قم فعالیت دارم و در تمامی فعالیتهای علمی، تحقیقی محوله در حد توانم ایفای نقش می نمایم. از خداوند توفیق روز افزون در جهت خدمت بیشتر خواهانم.

موسوی، کاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد، محقق.

تولد: ۱۳۱۴، حسین آباد میامی از توابع شاهرود.

شهادت: ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران.

سید کاظم موسوی، فرزند میرزا موسی، از شش سالگی به مکتب رفت. در حالی که قرآن را می‌آموخت سعی می‌کرد سوره‌های کوچک را نیز حفظ نماید. در همان دوران خواندن و نوشتن و بخشی از مقدمات درس‌های حوزه‌ای را نیز فراگرفت. در سیزده سالگی برای ادامه‌ی تحصیل به مشهد رفت. جلدین شرح لمعه را نزد حاج میرزا محمود مدرس، رسائل و مطالب و کفایتین را نیز در خدمت آیت‌الله شیخ هاشم قزوینی خواند. درس خارج را ابتدا در محضر آیت‌الله شیخ آقا بزرگ جواد تهرانی فراگرفت. و بعد از آن آیت‌الله سید محمد ادی میلانی در حلقه‌ی درس خارج نیز شرکت نمود و سپس اجاره را در حضورشان خواند. خلاصه‌ی درس را پس از خروج از محضر استاد به عربی می‌نوشت و با توجه به شیوه کتابت به عنوان مقرر آیت‌الله میلانی پذیرفته شدند. در اوایل رمضان سال ۱۳۳۶ اولین فرصت شغلی برایش پیش آمد و از وی به منظور همکاری با انتشارات کتب اسلامی دعوت شد. متعاقباً به تصحیح مجلد اول تا چهاردهم، و تحشیه و تصحیح و تخریح و مجلدات ۳۵ تا ۴۲ کتاب بحارالانوار مشغول شد. در کنار این وظیفه، تصحیح کتب دیگری از جمله ارشاد شیخ مفید، تفسیر مقتنیات الدور، ادب النفس، شواهد و مجمع البیان را عهده‌دار شد.

در سال ۱۳۴۰ با استاد رضا روزبه آشنا شد و دو سال بعد از طرف دبیرستان علوی دعوت به همکاری شد. این سال آغاز همکاری فرهنگی وی با رضا روزبه که تا سال ۱۳۵۲ یعنی تاریخ وفات استاد ادامه داشت. یکی از نتایج این همکاری تألیف مجلدات اول و دوم عربی آسان بود. جلدهای سوم چهارم و پنجم بعدها تهیه شد. به موازات فعالیت‌های فرهنگی به تحصیلات دانشگاهی هم پرداخت و با طی مدارج لیسانس و فوق لیسانس در سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۰ در رشته‌ی زبان و ادبیات عرب فارغ‌التحصیل شد.

در سال ۱۳۴۹ مسئولیت اداره‌ی انجمن اسلام‌شناسی بانوان را که به وسیله‌ی سید حسن شاهچراغی بنیانگذاری شده بود از طرف روزبه پذیرفت. در سال ۱۳۵۰ مدرسه راهنمایی دخترانه‌ی روشنگر و پس از آن دبیرستان روشنگر را تأسیس کرد. علاوه بر فعالیت‌های یاد شده در سایر انجمن‌ها و کانون‌ها فعالیت علمی و اجتماعی داشته و دانشجویان را در بررسی و تتبع در بهره‌گیری از متون اسلامی و نیز در تهیه و تنظیم پایان‌نامه‌ها و رساله‌هایشان یاری می‌نمود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به عنوان نماینده‌ی امام در وزارت آموزش و پرورش منصوب شدند. در زمان وزارت آقای محمدعلی رجایی مشاور عالی وزارتخانه بودند و همزمان با کار مشاوره عضویت دادگاه تجدید نظر اداری، شورای انتخاب نشریه‌ی وزارت ارشاد اسلامی، شورای سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و شورای سازمان نوسازی توسعه و تجهیز مدارس را نیز دارا بودند. آخرین سمت اداری ایشان معاونت پژوهشی وزارت آموزش و پرورش بود.

سید کاظم موسوی در جریان بمب‌گذاری و انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی در تهران در سال ۱۳۶۰ به شهادت رسید.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

موسوی، محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محسن موسوی

محل تولد: آمل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۵/۳/۱۲

زندگینامه علمی

در دوازدهمین روز خرداد ماه ۱۳۵۵ مطابق با سوّم جمادی الثانی ۱۳۹۶ و مصادف با شهادت حضرت زهرا (س) دیده به جهان گشود. زادگاهش شهر علم و دین «آمل» است. او در خانواده ای متوسط از نظر مذهبی و مالی رشد یافت. دوران کودکی را در محله ای گذراند که فضای دینی مذهبی بر آن حاکم بود و بعدها به علت ۵۷ شهیدی که به انقلاب و نظام اسلامی هدیه کرد؛ «شهید محله» نامیده شد. دوران آموزش ابتدایی را در دبستان «جواد الائمه» طی کرد. او همواره از شاگردان ممتاز در این دبستان بود و بارها شاگرد اول کل شاگردهای یک پایه شد. قرائت قرآن را نیز از سال سوّم ابتدایی در این دبستان آغاز کرد و چند روز در هفته در صبحگاه مدرسه قرائت قرآن می کرد. با تشویق های خانواده به ویژه مادر بزرگ سعی زیادی برای انس با قرآن داشت. در دوران ابتدایی در فوق برنامه های سرود و تئاتر نیز شرکت فعال داشت.

تابستان سال ۱۳۶۶ یک دوره تجوید را نزد استاد سید عباس ساداتی گذراند. پایان همان دوره مسابقات قرائت قرآن منطقه لاریجان آمل در بین نوجوانان مقام اول را کسب کرد. دوره آموزش راهنمایی را در مدرسه «شهید سقا علیزاده» گذراند. در این مدرسه نیز به فعالیت های دینی مذهبی می پرداخت. یکی از قاریان ثابت برای مراسم صبحگاه مدرسه بود و در سال دوّم و سوّم راهنمایی نیز امام جماعت مدرسه بود و برای برگزاری نماز جماعت بسیار فعالیت می کرد. اجرای سرودهای مذهبی و بازیگری در تئاتر و کارگردانی بعضی تئاترها و ساماندهی کتابخانه مدرسه از دیگر فعالیت های او در مدرسه بود. در سه سال دوره راهنمایی نیز دو بار در مسابقات علمی و درسی مقام اول مدرسه را کسب کرد. دو بار نیز در مسابقات قرآن دارالقرآن الکریم و مسابقات قرآن بسیج مقام اول را در سطح سنی خود کسب کرد.

سال اول دبیرستان را در مدرسه طبری در رشته تجربی گذرانده و در کنار درس به فعالیت های مذهبی در انجمن اسلامی و بسیج مدرسه می پرداخت. آذر ماه ۱۳۶۹ بود که وارد هیئت درس قرآن علی بن موسی الرضا (ع) شهید محله شد. هدایت این جمع قرآنی را استاد «ماشاءالله شفیق» برعهده داشت که با درس ها و راهنمایی هایی خود مسیر تازه ای به زندگی او بخشید. در سال ۱۳۷۰ با تغییر رشته درسی به رشته ریاضی فیزیک به دبیرستان شهید باهنر رفت و تا پایان دوره دبیرستان در سال ۱۳۷۳ در این رشته تحصیل کرد. در سالهای دبیرستان او همواره سعی می کرد بر دانش دینی خود بیفزاید. علاوه بر حضور در جلسات مذهبی و هیئت های درس قرآن و ... به مطالعه جدی در مسایل دینی پرداخت. از سال ۱۳۷۰ تدریس تجوید و قرائت قرآن را در هیئت درس قرآن علی بن موسی الرضا (ع) آغاز کرد و از سال ۱۳۷۱ مسئولیت هیئت نوجوانان قاسم بن الحسن (ع) را برعهده گرفت و به آموزش قرآن و احکام و ... پرداخت.

در سال ۱۳۷۲ در مسابقات مفاهیم دانش آموزی قرآن مقام اول را در استان مازندران کسب کرد و در سال ۱۳۷۳ در مسابقات اذان در استان خود اول شد. در پی مطالعات مذهبی و دوستی با چند تن از طلاب علوم دینی به ادامه تحصیل در حوزه علمیه علاقه مند شد و در مهرماه سال ۱۳۷۳ پس از قبولی در آزمون وارد حوزه علمیه قم شد. سه سال اول را در مدرسه علمیه شهیدین و سه سال بعد (از پایه چهارم تا ششم) را در مدرسه علمیه معصومیه طی کرد. در کنار درسهای رسمی حوزه آموختن دروس فلسفی را آغاز

کرده و چند سالی در این رشته به مطالعه پرداخت.

در سال ۱۳۷۸ همکاری خود را با مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث را آغاز کرد که تا کنون این همکاری ادامه دارد. در کنار کارهای جاری محوله از سال ۱۳۸۰ همکاری خود را با گروه تدوین سالنامه حدیثی نور آغاز کرد که از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ در انتخاب حدیث و گلشن حدیث این مجموعه همکاری داشته است.

در سال ۱۳۸۱ اولین کتاب خود با نام: «آینه یادها» را با همکاری آقای هادی ربّانی منتشر ساخت. دیری نگذشت که این کتاب در ۴ چاپ پنج هزار جلدی به چاپ رسید. در سال ۱۳۸۲ دومین کتابش را به عنوان: «نام نمای نیکان» منتشر کرد و در مجموعه گزیده های متون حدیثی نیز به همکاری پرداخته و کارهای انتخاب حدیث، استخراج منابع، تدوین کتابنامه را در گزیده های مختلف به عهده داشت. گزیده های کتاب های «غررالحکم و الخصال» را نیز ترجمه کرد. در سال ۱۳۸۳ کتاب «ماه در آب»: مثل های فارسی در آینه حدیث را به چاپ رساند. نوشتن مقاله در مجله حدیث زندگی را نیز در سال ۱۳۸۲ آغاز کرد. در ادامه برای مجلات گلستان قرآن و بشارت نیز مقالاتی نوشت. تعداد مقالات چاپ شده او به بیش از ۲۵ مقاله می رسد. در سال ۱۳۸۳ پس از اتمام سطح دو حوزه، در آزمون کارشناسی ارشد رشته علوم حدیث گرایش کلام شرکت کرده و در این رشته پذیرفته شد.

موسوی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد موسوی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد موسوی در سال ۱۳۳۳ در شهر مقدس قم متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در این شهر گذرانده، سپس حدود سال ۴۷ جهت تحصیل علوم دینی وارد مدرسه مرحوم آیت الله گلپایگانی شدم. بخشی از دروس سطح را مثل ادبیات، منطق، معانی بیان و مقداری از اصول فقه تا شرح لمعه را در آنجا به پایان رسانده و بخش دیگر از سطح را مانند: رسائل و مکاسب به طور آزاد نزد بعضی از اساتید محترم خواندم.

پس از آن در درس خارج فقه یا اصول تعدادی از آیات اعظام مانند: «تبریزی (ره)» و «حضرت آیت الله وحید خراسانی» شرکت نمودم، تا اینکه جریان انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) رخ داد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی چند سالی (۷۰ - ۶۴) به عنوان امامت جمعه در استان کرمان اشتغال داشته و در سال ۱۳۷۰ شمسی مجدداً به قم آمدم و حدود دو سال اوراق امتحانات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم را تصحیح نموده و به کار تحقیق و تألیف در برخی از مراکز تحقیقاتی و پژوهشی پرداخته و تاکنون نیز اشتغال دارم.

موسوی، محمد خلیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند محمد حسین. عالم فاضل جلیل، و محدث خیر، آشنا به علوم حدیث و اخبار بوده، و در موقع چاپ «بحارالانوار» از طرف حاج محمد حسن امین الضرب اصفهانی متصدی تصحیح و مقابله‌ی آنها شده، و از این راه خدمتی شایان به علم و دین نموده. در سال ۱۳۱۴ وفات یافته است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

موسوی، محمد اسماعیل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد اسماعیل موسوی

محل تولد: کوه‌دشت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۵/۵/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۷۳ با یاری خداوند به حوزه علمیه قم رفتم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی (ره) مشغول به یادگیری درس‌های حوزه شدم. با یاری خداوند سطح یک را به پایان رساندم و وارد سطح دوم حوزه شدم. مشغول سطح دوم حوزه بودم که در آزمون پذیرش سطح دوم رشته تخصصی «تفسیر و علوم قرآن» شرکت کردم و به لطف خداوند پذیرش شدم و پس از سه سال در سطح سوم رشته تخصصی «تفسیر و علوم قرآن» پذیرش شدم و الحمدلله امسال به پایان رساندم و هم اکنون در حال ارائه موضوع هستم.

موسوی، محمد تقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت‌الله شهید سید محمد تقی موسوی اصفهانی

مرحوم آیت‌الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی معروف به «فقیه احمدآبادی» در سال ۱۳۰۱ ق. در اصفهان در خانواده‌ای اهل علم و فضیلت که نسل اندر نسل از عالمان دین بودند به دنیا آمد و در سال ۱۳۴۸ ق. در سن ۴۷ سالگی به توطئه یکی از سران فرقه ضالّه بهائیت با خوراندن زهر کین به شهادت رسید.

در دوران عمر کوتاه اما پربرکتش حدود هفده جلد کتاب و رساله نگاشت که از میان آنها چهار جلد پیرامون حضرت مهدی (ع) و غیبت و انتظار و وظایف منتظران می‌باشد.

فقیه احمدآبادی در ده سالگی بر نصاب الصبیان شرح نوشت و در پانزده سالگی کتاب ایضاح الشبهات را نگاشت و در بیست و پنج سالگی کتاب ابواب الجنات فی آداب الجمعات را تألیف کرد و سرانجام در سن سی سالگی به فرمان امام عصر (ع) اثر ارزشمند خود را درباره آن حضرت (ع) و وظایف منتظران و دعا برای آن وجود شریف آغاز کرد و تا پایان عمر به تحقیق و تألیف و تکمیل آن اهتمام و اشتغال داشت.

آثار ارزنده او در حد کمال و پختگی و ژرف نگری وریشه دار است، و این به خاطر خلوص نیت و پاکی قصد و نظر در تحصیل علم و پیمودن مراحل تعلیم می‌باشد که در عمل، تلاش خالصانه اش در توجه به سوی الله بوده، از غیر بریده بود.

اضافه بر آن ارادت شدیدی نسبت به خاندان رسالت و ائمه هدی علیه السلام داشت، و در تمام احوال به آنها توسل می‌جست و در همه افعال و اقوالش به آنها اقتدا می‌کرد و از آنها پیروی می‌نمود، و از تعالیم مقدسه آنها بهره می‌گرفت.

به خصوص به امام منتظر حجت بن الحسن عجل الله فرجه الشریف توجه ویژه ای داشت، در معرفت آن حضرت و انجام وظایفی که لازم است اهل ایمان در زمان غیبت انجام دهند به مراحل و منازل والا و شامخی نایل آمده بود، به طوری که چند کتاب و رساله مهم و سودمند در این باره تألیف کرده که مهمترین آنها کتاب مکیال المکارم است.

در زندگی این سید بزرگوار خصوصیات قابل تقدیری وجود دارد که لازم است به آن توجه شود و آن عبارت است از اینکه: او به شئون و زرق و برق دنیا توجه ای نداشت، و به اندکی از امور معیشت و کمی مادیت قناعت کرده بود.

در امور مادی جامعه قناعت پوشیده، از خلق اعراض نموده و به طلب علم و کمال پرداخته بود. نه در پی جاه و جلال می‌رفت و نه در جمع و مال و منال می‌کوشید؛ دنیا و آخرت خویش را با ولای خاندان رسول الله آباد ساخته بود.

از جمله دیگر فعالیت های مؤلف که در کنار کارهای ارزنده علمی خود انجام داده، نسخه برداشتن از روی کتابهای گرانبها که به مطالعه و درس آنها نیاز داشته است.

سید بزرگوار در ساعتهای فراغت قصاید و ابیاتی می‌سروده و اشعار خود را به خاندان عصمت بویژه امام مهدی (عجل الله فرجه) اختصاص دارد.

اشعار او در لابلای تألیفات و نوشته هایش پراکنده می‌باشد، و تخلص او (تقی) و احياناً شرعی زاده بوده است.

وی در مسجد مرقد مطهر سید اسماعیل نواده امام زین العابدین (ع) در جای پدرش اقامه جماعت می‌کرد، و در جمع کردن اخبار و آثار وارده درباره حضرت مهدی (ع) بسیار اهتمام داشت.

البته باید گفت از خط خوبی نیز برخوردار بوده است.

درباره کیفیت شهادت آن سید بزرگوار در کتاب نگاهی به زندگانی جهانگیرخان قشقایی به نقل از شهدای روحانیت در یکصد سال اخیر چنین آورده شده است:

سید شهید در ماه رمضان المبارک ۱۳۴۸ ق. به علت کسالت، در بیمارستان انگلیسی‌ها بستری شدند و در آن جا تحت عمل جراحی قرار گرفتند شب ۲۵ ماه مبارک، متصدی بیمارستان که از سران فرقه ضالّه بهائیت بود و «سر الله خان» نام داشت، همه بستگان و

اطرافیان آن مرحوم را از اتاق بیرون کرده و سمی را که در استکان داشته به ایشان می‌خوراند، اطرافیان و دامادهایشان در آن لحظه آخر از [پشت در اتاق] می‌شنوند که آن سید بزرگوار پیوسته صدا می‌زده: حبیبی یا حسین! از داماد ایشان «مرحوم حضرت آیت‌الله سید مرتضی موحد ابطحی» منقول است که «سید شهید در حالی که در بیمارستان بستری بودند، می‌فرمودند: «بناست حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) تشریف بیاورند.» ۴

همچنین فرزند ایشان سید محمد موسوی اصفهانی - در مقدمه کتاب نور الأبصار در این باره آورده‌اند:

او ستاره‌ای درخشان بود که با طلوع خود دل‌ها را مجذوب خویش نمود، ولی افسوس که زود غروب نمود و سرانجام با توطئه دشمنان دین و نوشیدن زهر کین به وسیله یکی از اعضای فرقه ضالّه [بهائیت] به شهادت رسید و در ماه مهمانی پروردگار به ضیافت الهی نائل گشت. ۵.

نگاهی کوتاه و گذرا بر زندگانی این دل‌باخته و شیفته حضرت بقیه‌الله و قضایای تشرفات ایشان آدمی را به خوبی به این نکته واقف می‌سازد که آن سید شهید و علامه فقید مورد عنایت و کرامت حضرات معصومین(ع) به ویژه حضرت مهدی(ع) بوده و آن بزرگوار توجهی مخصوص به آن مرحوم داشته و وی نیز ارتباطی وثیق و اتصالی عمیق با ساحت مقدس مهدوی(ع) داشته است. مکیال‌المکارم

مکیال‌المکارم فی فوائد الدعاء للقائم(ع) بنا بر آنچه که سید محمدعلی روضاتی در مقدمه کتاب درباره آن نگاشته‌اند: «کتابی است ارزنده، ابتکاری و مهم. مؤلف بسیاری از مطالب مربوط به عقیده مهدویت و موضوع حضرت حجت(ع) را تحت عنوان «دعا برای آن حضرت و تضرع به درگاه الهی برای حفظ وجود شریف امام عصر(ع) از ناملایمات و آفات» مورد بررسی قرار داده است». این کتاب مشتمل بر بحث‌های مختلف و بسیار با اهمیت در زمینه‌های فقه، حدیث، کلام، رجال، تفسیر و حتی فلسفه و ادبیات است که با اسلوبی بدیع و سبکی جالب و نتیجه‌گیری‌هایی درست همراه می‌باشد.

در این کتاب با دلایل عقلی و نقلی ثابت شده که دعا برای امام عصر(ع) از مهم‌ترین وسائل برای رسیدن به مراحل عالی کمال و نیل به درجات برجسته معنوی است و آثار دنیوی بسیاری را نیز در پی دارد.

این اثر به شهادت صاحب نظران، از نظر جامعیت و ژرف‌اندیشی و بهره‌گیری از علوم عقلی و نقلی و استنباطات دقیق و اجتهادات عمیق از آیات و روایات بی‌نظیر بوده و به خوبی می‌توان دست عنایت مولا که مؤلف را هدایت و دلالت می‌کند، دید.

آیت‌الله صافی گلپایگانی (از مراجع عظام تقلید) درباره این کتاب می‌نویسد:

این کتاب گویای حوصله فراوان مؤلف و گستردگی تحقیق و تفکر و تلاش اوست و در موضوع خود بی‌نظیر است و جز این کتاب، در موضوع مهدویت و آداب دعای بر حضرت مهدی(ع) و فواید آن، کتابی سراغ ندارم. ۶. داستان تألیف کتاب

مؤلف بنا به آنچه که در مقدمه کتاب آورده، انگیزه تألیف کتاب را چنین می‌نویسد:

ما نمی‌توانیم حقوق آن حضرت را ادا نماییم و شکر وجود و فیوضاتش را آن طور که شایسته است به جای آوریم. [پس] بر ما واجب است آن تعداد از ادای حقوق آن حضرت را که از دستمان ساخته است انجام دهیم، و بهترین امور در زمان غیبت، انتظار فرج آن بزرگوار و دعا کردن برای تعجیل فرج او، و اهتمام به آنچه مایه خشنودی آن جناب و مقرب شدن در آستان او است. و من در باب هشتم کتاب ابواب الجنّات فی آداب الجمع‌ات هشتاد و چند فایده، از فوائد دنیوی و اخروی دعا کردن برای فرج آن حضرت(ع) را ذکر کرده بودم اما بعد به فکر افتادم که کتاب جداگانه‌ای در این باره بنگارم که آن فواید را در برگیرد، و به سبک جالبی آن را به رشته تحریر در آوردم. اما حوادث زمان و رویدادهای دوران و ناراحتی‌های بی‌امان، مانع از انجام اینکار می‌شد، تا این که کسی را در خواب دیدم که با قلم و سخن نتوان او را توصیف نمود؛ یعنی مولا- و حبیب دل شکسته‌ام و امامی که در

انتظارش هستیم او را به خواب دیدم که با بیانی روح‌انگیز چنین فرمود: «این کتاب را بنویس و عربی هم بنویس و نام او را مکیال‌المکارم فی فوائد الدعاء للقائم (ع) بگذار!»

همچون تشنه‌ای از خواب بیدار، و در پی اطاعت فرمانش شدم ولی توفیق یاریم نکرد، تا این که در سال گذشته ۱۳۳۰ ق. به مکه معظمه سفر کردم و چون در آن جا بیماری وبا شیوع یافت، با خداوند عزوجل عهد بستم که هر گاه مرا از گرفتاری‌ها نجات دهد و بازگشتم را به وطن آسان گرداند تألیف کتاب را شروع نمایم. پس خداوند بر من منت نهاد و مرا به سلامت به وطن بازگرداند، پس به تألیف کتاب اقدام نمودم تا به عهدی که با خداوند بسته بودم، عمل کرده باشم...۷

پی‌نوشت‌ها:

۱. شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المومنین، ج ۱، ص ۴۵۳.

۲. موسوی اصفهانی، سید محمدتقی، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ترجمه منصور پهلوان، نشر دارالحدیث، ج ۲، باب ۴۵ ص ۲۷۰.

۳. موسوی اصفهانی، همان، ج ۱، ص ۴-۷.

۴. زندگانی جهانگیرخان قشقایی، ص ۱۸۳-۱۸۱، به نقل از: شهدای روحانیت در یکصد سال اخیر، ج ۲، ص ۶۴-۵۷.

۵. نورالابصار، ص ۱۰-۱۲.

۶. به نقل از زندگانی جهانگیرخان قشقایی، ص ۱۸۰.

۷. موسوی اصفهانی، همان، ج ۱، ص ۴۸-۵۰، ترجمه حائری قزوینی چاپ نگین.

۸. موسوی اصفهانی، همان، ج ۲، ص ۳۸۷، همچنین ج ۱، ص ۲۲۵.

۹. موسوی اصفهانی، همان، ج ۱، ص ۴۹۳-۴۹۴.

۱۰. موسوی اصفهانی، همان، ج ۲، ص ۳۲۲.

موسوی، محمد مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۳۰۵.

درگذشت: ۲۸ آذر ۱۳۶۴.

سید محمد مهدی موسوی از آگاهان تاریخ دوره قاجار بود. از آثارش تصحیح خاطرات محمودخان احتشام‌الدوله بود. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

موسوی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمود موسوی

محل تولد: میبد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

در سال ۵۶ - ۵۵ تحصیلات علوم دینی خود را در حوزه علمیه میبد آغاز کردم و بخشی از مقدمات (ادبیات عرب) را نزد اساتیدی همچون حجج الاسلام شیخ حسن هدایی، سید اسد الله امامی و مرحوم شیخ کمال فقیهی فرا گرفتم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به قم آمدم. ابتدا در مدرسه رضویه و سپس در مدرسه فیضیه دروس حوزوی خود را پی گرفتم. دروس سطح را نزد اساتید برجسته ای نظیر آیت الله اشتهاردی، آیت الله سید علی محقق داماد، مرحوم آیت الله موسوی تهرانی، مرحوم آیت الله پایانی و تنی چند از دیگر اساتید فرا گرفتم. پس از اتمام سطح در حوزه درس آیت الله وحید خراسانی حضور یافته و تقریباً یک دوره اصول را از محضر ایشان تلمذ کردم چند سال نیز از دروس خارج فقه و اصول آیت الله میرزا جواد آقا تبریزی نیز بهره مند بودم در کنار دروس فقه و اصول بحمد الله از مباحث فلسفی و تفسیری آیت الله جوادی آملی و آیت الله مصباح یزدی استفاده نموده و فراوان بهره بردم. آشنایی اندک این بنده با علم هیئت نیز مرهون حضور در درس آیت الله حسن زاده آملی است. بحمد الله سرچشمه های علم و معرفت و معنویت در حوزه فراوان بوده و هست که نمونه هایی چند از آن اشاره شد گرچه این بنده اذعان می کند که توفیق کامل در استفاده از این سرچشمه ها نداشته و صرفاً جرعه هایی از آن نوشیده است.

در کنار دروس رسمی و غیر رسمی حوزوی بنا به ضرورت هایی که همه می دانیم در سال ۶۹ در آزمون کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس (دار الشفاء) شرکت جسته و قبول شدم و در سال ۷۲ از آن مرکز فارغ التحصیل شدم. رساله ارشد را بنابر توصیه جناب آقای دکتر احمدی برای آشنایی هر چه بیشتر با زبان علمی روز دنیا ترجمه متن فلسفی کتاب ایتن ژیلسون را انتخاب کردم که بعدها آن را تکمیل و منتشر ساختم.

دوره عمومی و تخصصی زبان انگلیسی را نیز در دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم گذراندم و بعدها از طریق تدریس در مراکز مختلف از جمله مرکز تربیت مدرس، مرکز زبان دفتر، موسسه امام خمینی و دیگر مراکز حوزوی مهارت های زبانی خود را در بعد ترجمه، مکالمه بهبود بخشیدم. سفرهای علمی تبلیغی به خارج از کشور داشته ام که مهم ترین آن سفر به انگلستان جهت تبلیغ و اندونزی جهت تدریس هر کدام به مدت ۴۵ روز بوده است.

در سال ۷۷ در آزمون دکتری کلام دانشگاه قم پذیرفته شدم و رساله خود را به بررسی تطبیقی دیدگاه های مرحوم شهید مطهری و جی ال مکی در باب شرور اختصاص دادم و به اتمام رساندم از سال ۱۳۷۸ تا کنون عضو هیئت علمی گروه فلسفه و کلام موسسه آموزش عالی باقر العلوم بوده و همچنان هستم طی سال های اخیر به ترجمه، تصحیح و مقابله متون انگلیسی اشتغال داشته ام چند سالی نیز وقت زیادی صرف کار گروهی تدوین فرهنگ های اصطلاحات علوم اسلامی نمودم که حاصل آن انتشار فرهنگ اصطلاحات عرفان اسلامی - انگلیسی - فارسی؛ فارسی - انگلیسی و نیز فرهنگ اصطلاحات فلسفه و کلام اسلامی (زیر چاپ) است.

موسوی، مسعود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

خلاصه: سید مصطفی موسوی در سال ۱۳۲۵ در روستای صومعه بر بخش طارم علیای زنجان به دنیا آمد. وی یکی از مصححان کتاب «جامع التواریخ» می‌باشد. کتاب مذکور، در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان شناسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای: سید مصطفی موسوی در شش سالگی آموزش روخوانی و قرائت قرآن مجید را آغاز کرد و نزد روحانیون بومی مقدمات علوم قدیم را فراگرفت. پس از گذشت شش سال فراگیری دروس جدید را نیز آغاز کرد. دوره دبستان و دبیرستان را در شهر رشت گذراند. وی از هنگامی که همکاری اش را با آقای محمد روشن برای فراهم آوردن متن جامع التواریخ آغاز کرد، مقدماتی از زبان مغولی را نیز آموخت.

فعالیت‌های ضمن تحصیل: سید مصطفی موسوی در کنار تحصیل در دبیرستان به مطالعه در زمینه تاریخ و سپس زبان شناسی و ریشه شناسی واژگان فارسی علاقه مند شد و در سالهای بعد زبانهای ترکی غرب (ترکیه) و ترکی شرق را به طور شخصی آموخت و در همین دوران با کتیبه اورخون و متون کهن ترکی نیز آشنا شد.

فعالیت‌های آموزشی: سید مصطفی موسوی به غیر از تصحیح کتاب جامع التواریخ، مقالاتی هم در زمینه نقد کتاب، تاریخ، زبان شناسی در مجلات راهنمای کتاب، آینده، فرهنگ و زندگی، نشر دانش و جنگ ها و نشریات محلی نوشته است. همچنین آماده سازی جلد دوم جامع التواریخ (با همکاری آقای روشن) و فرهنگ سنگلاخ میرزا مهدی خان استرآبادی (منشی نادرشاه) را در دست اقدام دارد

جوایز و نشانها: کتاب "جامع التواریخ" تصحیح سید مصطفی موسوی (یکی از محصنین)، در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

آثار:

۱ جامع التواریخ

ویژگی اثر: تصحیح، این کتاب در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «جامع التواریخ»: جامع التواریخ (۴ جلد)؛ رشیدالدین فضل الله همدانی؛ تصحیح و تحشیه محمد روشن، مصطفی موسوی، تهران: نشر البرز، ۱۳۷۳. یکی از آثار گرانبها و ارجمند زبان فارسی در زمینه تاریخ که خوشبختانه از چنگال حوادث روزگار مصون مانده و به دست ما رسیده جامع التواریخ است. بخش بزرگی از این کار سترگ، بی مانند و بخشهای دیگری از آن نادر و کم نظیر به شمار می آید. مانند قسمتهایی از جلد اول که مؤلف به شرح وقایعی که خود در دوران اقامت در دربار مغولان شاهد آن بوده پرداخته. همچنین بخشهای مهمی از جلد دوم مانند تاریخ اغوزان، چین، هند و بودا، فرنگ و پایان، اسماعیلیان و نزاریان که در جای خود از نظر شیو؟ تاریخ نگاری در جهان اسلام بدیع و بی نظیر است. مجلد اول و دوم کتاب به اصل متن جامع التواریخ و تمامی مجلد سوم به انعکاس نسخه بدلها اختصاص یافته است. فهرست آیه های قرآن، عبارتها و اشعارعربی و فارسی، واژه ها و ترکیبات و نام کسان و مکانها نیز در مجلد چهارم منعکس شده است. از ویژگیهای این کتاب این است که مصححان، با اعراب گذاری روی نامها و واژه های ترکی، مغولی، عربی و فارسی تاریکیها و ابهامات را برای خوانندگان کتاب از میان برده اند. همچنین آرائی؟ تصاویری از نسخه های قدیمی «جامع التواریخ رشیدی» و نیز وجوه مختلف زندگی اجتماعی و هنری مغولان، بر اعتبار و گیرایی کتاب افزوده است.

منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com>

موسوی، مصطفی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مصطفی موسوی

محل تولد: اصفهان

شهرت: موسوی اصفهانی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

حجة الاسلام و المسلمین موسوی در سال ۱۳۲۳ در اصفهان و در میان خانواده‌ای متدین به دنیا آمد. پدرش مرحوم حاج سید اکبر هوایی از کسبه اصفهان بود و به پارچه فروشی روزگار می‌گذرانید. او به دلیل علاقه فراوان به روحانیت، فرزند خود را به رو آوردن به علوم دینی بسیار تشویق می‌کرد. حجة الاسلام و المسلمین موسوی پس از اینکه دبستان را به پایان رسانید، در چهارده سالگی، تحصیلات حوزوی خود را آغاز کرد. او که حدود سه سال درحوزه علمیه اصفهان درس می‌خواند، از مواهب معنوی «حاج آقا مصطفی بهشتی» بهره‌های بسیار می‌برد.

او در سال ۱۳۴۰ به حوزه علمیه قم آمد تا از محضر استادان آن دیار بهره ببرد و در مدت کوتاهی دروس دوره سطح را به پایان رسانید. سپس به درس خارج بزرگان آن روز حوزه علمیه قم رفت؛ البته در طی این سالها از علوم عقلی نیز غافل نماند و نیز در درس اخلاق استادان خود همواره حاضر بود. حجة الاسلام و المسلمین موسوی بخشی از دروس دوره مقدمات را در اصفهان نزد آقا شیخ عبدالعلی عرب و حاج آقا مصطفی بهشتی گذراند. در قم، حاشیه ملاعبده الله را نزد حجة الاسلام و المسلمین «فاضل هرنندی»، مختصر المعانی را نزد «آیت الله صالحی»، معالم را نزد «آیه الله اشکوری»، قوانین را نزد «آیه الله سید اسدالله خراسانی» و لمعتین را نزد «آیه الله صلواتی» و «مؤمن» به پایان برد. او رسائل را نزد «آیه الله اعتمادی» و مکاسب را نزد حضرات آیات: «ستوده، فاضل و مظاهری» فرا گرفت. کفایه را نیز در محضر «آیه الله سلطانی طباطبایی» آموخت.

با پایان یافتن دوره سطح، به درس خارج فقه و اصول «آیه الله العظمی شیخ مرتضی حائری»، «آیه الله العظمی مکارم شیرازی»، «آیه الله العظمی گلپایگانی»، «آیه الله العظمی وحید خراسانی» و «آیه الله العظمی شیخ جواد تبریزی» رفت و سالها از محضر آن بزرگواران بهره‌مند شد. از دوستان و هم مباحثه‌ای‌های او (حجة الاسلام و المسلمین شهید حسن بهشتی، حجة الاسلام و المسلمین سید محمد تقی دیباجی و حجة الاسلام و المسلمین قرائتی) را می‌توان نام برد.

حجة الاسلام و المسلمین موسوی از نخستین سالهای تحصیل به امر تدریس اشتغال داشت و سالها در حوزه علمیه خواهران قم و نیز حوزه علمیه برادران به تدریس دروس دوره سطح پرداخته و از این رهگذر، شاگردان بسیاری را تربیت کرده است. او تقریرات دروس خارج استادان خود را نگاشته است. حجة الاسلام و المسلمین موسوی، همگام با نهضت اسلامی امام (ره) خدمات سیاسی بسیاری بر جای نهاده است.

او در سالهای پیش از انقلاب به اطراف شهر بهبهان مسافرت کرده و مردم آن نواحی را از مسائل سیاسی و عقیدتی آگاه می‌ساخته است. همچنین در تحصنی که علماء و طلاب اصفهان در منزل «آیه‌الله خادمی اصفهانی» به راه انداخته بودند، شرکت جدی داشته است. او پس از انقلاب نیز مدتی به همراه «آیه‌الله محمد مؤمن» در قوه قضائیه به رتق و فتق امور دادگاهها اشتغال داشته است. حجة الاسلام و المسلمین موسوی از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و هم اکنون در همدان به تدریس و تربیت طلاب اشتغال دارد.

موسوی، میر محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میر محمود موسوی

محل تولد: زاویه سفلی

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب میر محمود موسوی فرزند میر علی اکبر به سال ۱۳۴۴ شمسی در روستای «زاویه سفلی» از توابع شهرستان «چالدارن آذربایجان غربی» به دنیا آمدم. تحصیلات دوره ابتدائی را در همان محل به پایان بردم. دوره راهنمایی را در شهرستان خوی و دبیرستان را در تهران به پایان رساندم. به سال ۱۳۶۱ در مدرسه «طالبیه تبریز» مشغول دروس حوزوی شدم و از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۵ در مدرسه «شیخ عبدالحسین» تهران مقدمات و بخشی از سطح یک حوزه را فرا گرفتم و از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰ در مدرسه «مروی تهران» سطح دو را به پایان رساندم.

سال ۱۳۷۰ شمسی وارد حوزه علمیه قم شدم و از محضر اساتید محترم: «مصطفی اعتمادی» و «محسن دوزدوستانی» رسائل، مکاسب و کفایه الاصول را استفاده کردم. سپس از دروس خارج فقه و اصول و تفسیر آیات عظام: «جعفر سبحانی»، «مرحوم میرزا جواد تبریزی»، «جوادی آملی»، «فاضل لنکرانی»، «مکارم شیرازی» و «محمد مؤمن» بهره بردم. در همین سالها از سال ۱۳۷۲ وارد کار پژوهشی شدم و از راهنمایی های آقای «علی رفیعی علامرودشتی» سود بردم و مشغول تهیه مقالاتی در خصوص معرفی کتابخانه های بزرگ جهان شدم، حاصل آن مقالات گوناگونی است که در فصلنامه کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) به چاپ رسیده است.

سپس از محضر حجة الاسلام آقای دکتر سید محمود مرعشی و آقای سید محمد اصفیائی در زمینه نسخه پژوهی و فهرست نگاری استفاده برده و مشغول فهرست نگاری نسخه های خطی شدم، حاصل آن تاکنون چندین جلد فهرست است که پنج جلد آن به صورت گروهی (۲۸ - ۳۲) و دو جلد آن (۳۳ - ۳۷) با همکاری حجة الاسلام آقای دکتر سید محمود مرعشی تدوین شده است. در کنار فهرست نگاری به تصحیح برخی رساله های خطی پرداخته و مقالاتی چند را نیز تالیف نموده ام که در منشورات کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله مرعشی نجفی (ره) به چاپ رسیده اند.

موسوی، ناصر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید ناصر موسوی

محل تولد: بیجار

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد سال ۱۳۵۴ در یکی از روستاهای بیجار کردستان هستم. در ۶ سالگی به جنوب تهران و پس از یک سال به شهریار مهاجرت کردیم. از سال اول ابتدائی تا پایان دوره راهنمائی در شهریار (شهرک امیریه) تحصیل کردم. از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۳ در هنرستان فنی شهریار دیپلم فنی رشته «راه و ساختمان» را اخذ کردم و سپس وارد حوزه شدم.

از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۷ در حوزه علمیه «امام صادق (ع)» شهریار تحصیل کردم و موفق شدم در مدت ۴ سال، ۶ پایه تحصیلی را گذرانده و به قم منتقل شوم. از ۱۳۷۷ تا ۱۳۷۹ در قم مشغول تحصیل شدم، یک سال در حوزه علمیه «امام صادق (ع) نیروگاه» و دو سال نیز در مدرسه «ولیعصر (عج): مدرسه علمیه میرزا هاشم املی» و پس از پایان پایه ۹ ضمن قبولی در مدرسی حوزه به حوزه علمیه تهران رفته و در مدرسه علمیه «حجت بن الحسن» به مدت دو سال رسماً مدرس آنجا بودم. البته دو سال دیگر هم به صورت پاره وقت با آنها همکاری داشتم.

ضمناً از سال ۷۹ در موسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع) هم قبول شدم و در سال ۸۴ با اخذ مدرک لیسانس فارغ التحصیل شدم. اکنون دانشجوی کارشناسی ارشد رشته «تاریخ تمدن اسلامی» در مدرسه عالی امام خمینی (ره) واقع در فلکه جهاد می باشم. دروس این دوره نیز پایان یافته و اکنون مشغول پایان نامه آن می باشم.

موسوی، نعیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۳۳۳، اهواز.

درگذشت: بهمن ۱۳۷۵، اهواز.

سید نعیم موسوی مترجم اشعار شاعران عرب زبان بود. در جلسات شب شعر با شاعران اهوازی شرکت می‌جست. ترجمه‌های او در مطبوعات به چاپ رسیده‌اند. از جمله آثارش می‌توان به کتاب فانوس رابطه اشاره کرد که اوایل انقلاب اسلامی به چاپ رسید. وی

چند سالی به کار کتابفروشی روزگار می‌گذرانید.

سید نعیم موسوی، با بیماری قند خون روبرو بود و در اواخر عمر ۹۰ درصد بینایی خود را از دست داده بود. پیکر وی در اهواز در منطقه‌ی شبیشه در بهشت شهدا به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

موسویان، ابوالفضل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید ابوالفضل موسویان

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید ابوالفضل موسویان فرزند حسن در سال ۱۳۳۴ در شهر مقدّس مشهد دیده به جهان گشودم. پس از دوران ابتدائی، وارد حوزه شده و مقدمات را از برخی از فضلاء مشهد و عمدتاً از مرحوم ابوی آموختم. مختصر المعانی را از استاد «حجت هاشمی»، معالم را از استاد «بنی هاشمی» و لمعتین را در محضر والد به پایان رساندم. سپس راهی قم شدم و رسائل را از محضر اساتید: «اعتمادی» و «دوزدوزانی»، مکاسب را از مرحوم استاد «ستوده» و کفایه را از استاد «سبحانی» استفاده کردم.

از اوائل سال ۱۳۵۲ درس خارج اصول و فقه را شروع کردم و از آیات عظام: «وحید خراسانی»، «شیخ جواد تبریزی»، و عمدتاً از «آیة الله منتظری» بهره بردم. در کنار فقه و اصول، به فراگیری فلسفه نیز مشغول شدم و از اساتید بزرگوار «انصاری» و «جوادی آملی» استفاده کردم. منظومه و برخی از جلدهای اسفار را خواندم. سپس التمهید قیصری و فصوص الحکم را با استفاده از آیة الله معرفت، اخلاق را از آیة الله حسن زاده آملی فرا گرفتم.

اینجانب بعد از چند سال تحصیل، همانند دیگر حوزویان، درسهای پائین تر را به دیگران می‌آموختم. لذا از حوزه علمیه مشهد تاکنون به تدریس اشتغال داشته‌ام. و دروس عمومی را در دانشگاه فردوسی مشهد و دانشگاه مفید تدریس کرده و می‌کنم. و اکنون عضو هیئت عملی دانشگاه مفید هستم. در کنار تدریس و تبلیغ، مکتوباتی نیز داشته‌ام و مقالاتی را در مجلات و روزنامه‌ها به چاپ رسانده‌ام.

موسویان، عباس

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید عباس موسویان

محل تولد: عجب شیر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۳/۲

زندگینامه علمی

اینجانب سید عباس موسویان فرزند سید علی در تاریخ دوم خرداد سال ۱۳۳۹ در یکی از بخشهای استان آذربایجان شرقی به نام «عجب شیر» متولد شدم و تا سال ۱۳۵۴ در آن شهر زندگی می‌کردم. از سال ۱۳۵۴ برای ادامه تحصیل به شهرستان تبریز آمده و در هنرستان صنعتی تبریز در رشته برق ثبت نام کردم. سال آخر دبیرستان که مواجه با انقلاب بود و مدرسه ما در جریان انقلاب نقش فعالی داشت؛ باعث شد گرایش زیادی به مسائل دینی و اسلامی پیدا کنم و همین امر موجب شد بعد از دوره دبیرستان در کنار درس دانشگاهی (که باز در رشته برق قبول شده بودم) به فعالیت در مراکز انقلابی و اسلامی چون جهاد سازندگی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روی آورم و با آغاز جنگ تحمیلی و تعطیلی دانشگاهها (به خاطر انقلاب فرهنگی) به صورت تمام وقت به سپاه تبریز رفته مشغول خدمت در سپاه شدم و از آن طریق چند مرتبه در جبهه شرکت کردم.

تابستان سال ۱۳۶۰ از طرف سپاه به خانه شهید آیت الله مدنی و به عنوان محافظ خدمت ایشان بادم، ایمان و اعتقاد خالص، صفا و صمیمیت ایشان موجب شد که علاقه زیادی به درس حوزوی و صنف روحانیت پیدا کنم و بر همین اساس چند روز قبل از شهادت ایشان به همراه چند نفر از دوستان از سپاه استعفا کرده و برای ثبت نام به حوزه علمیه قم آمدم. از مهرماه ۱۳۶۰ در مدرسه رسول اکرم (ص) مشغول به تحصیل شدم و در سال ۱۳۶۷ دوره سطح را به اتمام رساندم.

از آن سال در کنار درس خارج فقه و اصول در رشته اقتصاد دانشگاه مفید شرکت کردم و در سال ۱۳۷۳ در دوره کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی تهران در رشته اقتصاد قبول شدم و در سال ۱۳۷۵ فارغ التحصیل شدم. از سال ۱۳۷۳ در کنار تحصیل، در بخش تحقیقات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، کار پژوهش و تحقیق را شروع کردم و از سال ۱۳۷۵ به عنوان مدیر گروه اقتصاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و از سال ۱۳۷۷ به عنوان رئیس پژوهشکده نظامهای اسلامی، علاوه بر انجام تحقیقات شخصی به مدیریت امور پژوهشی نیز اشتغال دارم.

موسوی زاده، تقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیهوشی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

موسی زاده، حافظ

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید حافظ موسی زاده

محل تولد: خلخال

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۲۲ در شهرستان خلخال (کوثر فعلی) در بخش سنجد به دنیا آمدم. در آغوش خانواده، قرآن را فرا گرفتم. سپس تا سیکل اول دوره دبستان و دبیرستان را به پایان رساندم. تاریخ ۱۳۴۰ بود برای تحصیل علوم دینی به اردبیل رهسپار شدم و از آنجا سال ۱۳۴۳ شمسی به قم آمدم و مدت ۶ سال در دارالشفاء و فیضیه مشغول به فراگیری دروس حوزه گردیدم. در سال ۱۳۴۹ خارج مدرسه ساکن شدم. در این مدت علاوه بر تحصیلات حوزوی از اساتید بزرگوار همچون آیات: اعتمادی، صلواتی، گرامی، انصاری، فاضل، تبریزی، سبحانی، سلطانی، مشکینی و دیگران (ادم الله فضلهم) مشغول تبلیغات در شهرها و روستاها شدم و مدت ۱۵ سال دانشگاه تهران و اصفهان رفتم و در عین حال در مراکز تحقیقاتی در مکتب امیرالمومنین ۳ سال و تحقیقات قضائی ۲ سال و مجمع فتر اسلامی ۸ سال مشغول تحقیقات شدم. از جمله: در کتب شیخ انصاری از جمله مکارج الانظار و شرح لمعه شهید ثانی و مراجعه به مصادر موسوعه المیرة الوجهة از جلد ۴ الی ۷ (۴ جلد) شرکت داشتم و ...

موسووند، توفیق

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

پروفسور توفیق موسیوند، متولد سال ۱۳۱۵ در روستای ورکانه همدان، فارغ التحصیل رشته مهندسی کشاورزی از دانشگاه تهران و فوق لیسانس مهندسی مکانیک از کانادا و دکترای پزشکی و فوق تخصص جراحی قلب از کانادا می‌باشد. او صاحب اختراعاتی چون قلب مصنوعی، امکان تشخیص پزشکی از راه دور و تنظیم و معالجه قلب، تعیین DNA انسان توسط اثر انگشت و ۱۴ اختراع پزشکی دیگر، عالی‌ترین مقام علمی جهان از انجمن سلطنتی کانادا و انگلستان و نیز عضو انجمن دانشمندان نیویورک، بنیانگذار درمان پزشکی از راه دور، رئیس بخش قلب و عروق انستیتو تحقیقات قلب دانشگاه او تاوا (پایتخت کانادا) است. او بعد از ۳۷ سال، در سال ۱۳۸۱ و در همایش بین المللی بوعلی سینا به زادگاهش (همدان) بازگشت. کسی که آمادگی خود را برای تأسیس دانشگاه و بیمارستانی بزرگ در کیش اعلام کرده است؛ بیمارستانی که با بزرگترین دانشگاه و بیمارستان جهان قابل رقابت باشد، و کمترین و کوچک‌ترین هزینه‌ای برای دولت ایران در بر نداشته باشد و تمام منابع آن از اعتبارات شخصی او تأمین شود. او درباره زندگی خود می‌گوید: «خانواده شلوغی بودیم، ساده زندگی کردن را دوست داریم، گله چرانی و دعوا و آشتی و عید نوروز و ... من خیلی خوشبخت بودم که پدرم گذاشت درس بخوانم، فرصتی که نصیب خواهرانم نشد. بعد، از چوپانی‌هایش می‌گوید و شب‌هایی که

نتوانسته بود بخوابد و اینکه چرا پیامبران بیشتر چوپان و یا نجار بودند. او می‌گوید: «به یاد کودکی آرامش پیدا می‌کنم، آنجا (کانادا) هم، همیشه دنبال خاطراتی بوده‌ام که در دنیای مدرن و پیچیده به من آرامش بدهد. آنها را در چوپانی و همان شب‌های مهتابی می‌یافتم. یک چوپان به خدا نزدیکتر از دیگران است و همیشه به خلقت فکر می‌کند. آن وقت‌ها، من خدای گوسفندانم بودم. چوپانی، انسان را به اصل خود، خدا و طبیعت نزدیک می‌کند و به همین خاطر خدا دوستی و ذهن من مترادف با چوپانی است، وقتی برای کارهایم جوابی نمی‌یابم، به خدا بیشتر التماس می‌کنم. این حالت اغلب، وقتی پیش می‌آید که جواب مسأله‌ای را نمی‌دانم و از پس حل آن بر نمی‌آیم. من خیلی سجده شکر به جای می‌آورم و در جراحی‌هایم که انگار دخالت در کار خدا است. فکر می‌کنم که خداوند به همه آدم‌ها مغز داده که از آن استفاده کنند و برای کمک به خود و دیگران از آن بهره ببرند. با این حال عده‌ای قدرت وعده‌ای شهرت، وعده‌ای ثروت را دوست دارند. عده‌ای هم دلشان می‌خواهد به مردم خدمت کنند، حتی بیشتر از آنچه که مردم انتظار دارند، احساس وظیفه می‌کنند و بس. [چیزی شبیه سکوت میان خالق و مخلوق!]

قلب مصنوعی و دیگر اختراعات پروفیسور موسیوند جان هزارها تن را نجات داده است. او به کسانی که می‌خواهند از وی قدردانی کنند می‌گوید: اگر راستی می‌خواهید به من هدیه بدهید، آن موقع که به خدا نزدیک می‌شوید، برای من دعا کنید که چاقی‌ام کم شود و عمرم زیاد! (با اشاره طنزآمیز) زندگی پروفیسور فراز و فرودهای زیادی داشته است که مجال کوتاهی را از زبان خود ایشان می‌آوریم: «من اول برای تحصیل به دانش‌سرای معلمی همدان رفتم. همه انتظار داشتند، من معلم بشوم و خودم دوست داشتم نفر اول بشوم که نشدم و با خدا دعوا کردم که چرا اینطور نشد. بعد رفتم سراغ مهندسی مکانیک و بعد از آن، سراغ رشته کشاورزی و دست آخر از ایران خارج شدم و ۳۰ سال بعد بود که به حکمت خدا پی بردم و دیدم اگر در دانش‌سرای تربیت معلم نفر اول می‌شدم، این فرصت را نمی‌یافتم که این همه یاد بگیرم و به مردم خدمت کنم. بعدها فهمیدم که ما، چه عامی و چه دانشمند، حکمت خدا را نمی‌دانیم و نمی‌فهمیم و این یک واقعیت است. من فکر می‌کنم مذهب و علم با هم اختلاف ندارند. اینها دست به دست هم، پیش می‌روند. علم ابزاری است که خدا ایجاد کرده و مذهب دستوری است که باید انجامش بدهیم. سپس در پایان گفته‌هایش، رباعی معروف بوعلی سینا را می‌خواند که:

دل گرچه در این بادیه بسیار شتافت یک موی ندانست ولی موی شکافت
اندر دل من هزار خورشید بتافت آخر به کمال ذره‌ای راه نیافت

موفق، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیرضا موفق

محل تولد: رشت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۴/۱۲

زندگینامه علمی

۱. اخذ دیپلم در رشته علوم تجربی ۲. اتمام دوره سطح حوزه در حوزه علمیه مشهد مقدس ۳. اتمام دوره کارشناسی و اخذ مدرک

آن در دو رشته «فلسفه و کلام اسلامی» و «فقه و مبانی حقوق اسلامی» در دانشگاه علوم اسلامی رضوی ۴. فراگیری زبان انگلیسی (مکالمه و متن) ۵. فراگیری زبان عربی و متون جدید (مکالمه و متن) ۶. عضویت در پژوهشگاه دانشگاه رضوی به مدت یکسال و تدوین دو مقاله پژوهشی در زمینه «آزادی و دین» و انتشار آن در مجله‌ی پژوهشگاه ۷. ادامه دروس حوزه و شرکت در دروس خارج فقه و اصول اساتید حجت الاسلام صادق لاریجانی، آیت الله مکارم شیرازی، آیت الله جوادی آملی، حجت الاسلام دکتر عابدی به مدت پنج سال ۸. پایان دوره کارشناسی ارشد در رشته «فلسفه و کلام اسلامی» از دانشگاه قم زیر نظر آموزش عالی با رتبه عالی و ارایه پایان نامه با عنوان «بررسی تطبیقی افکار و نظرات سارتر و مطهری» با کمک استاد راهنما حجت الاسلام صادق لاریجانی با رتبه‌ی عالی ۹. عضویت در پژوهشگاه اسراء تحت اشراف آیت الله جوادی آملی از سال ۷۸ و انجام فعالیت‌های ذیل: **لنا تحقیق و تنظیم کتاب «نسبت دین و دنیا (نقد نظریه سکولاریزم)»** تألیف آیت الله جوادی آملی **لنا** مسئولیت پروژه کتاب «مهر استاد» (مشارکت در تدوین، تنظیم و ویرایش زندگی علمی آیت الله جوادی آملی و اساتید ایشان) **لنا** تنظیم و تحقیق کتاب «شمس الوحی تبریز» (نظرات علمی و محوری علامه طباطبایی در سه بخش قرآن، فلسفه و عرفان از منظر آیت الله جوادی آملی) **لنا** تنظیم بخشی از کتاب «شرح شواهد الربوبیه» از سری درسهای آیت الله جوادی آملی (در مرحله ارزیابی) **لنا** دیگر کارهای پژوهشی مانند بررسی شبهات جدید کلامی و همچنین برخی مقالات مانند «بررسی ارتباط عقل گرایی و دین» و «بررسی ارتباط دموکراسی و دین» برای تحویل به حضرت استاد و دیگر محققان تدوین شده است. ۱۰. تدریس در دروس حوزوی مانند ادبیات عرب، منطق، فلسفه (بدایه الحکمه) ۱۱. تدریس در دانشگاه در دروس معارف در دانشگاه قم ۱۲. تألیف کتاب «دین و معنای زندگی» به سفارش پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ۱۳. مسئولیت بخش معاونت نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه قم به مدت چهار سال ۱۴. عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور آران و بیدگل ۱۵. همکاری با پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

موفق‌الدین ابوالقاسم عبیدالله

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ساکن ری بوده منتجب‌الدین در فهرست گوید از ثقات اصحاب ما می‌باشد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

موگهی، عبدالرحیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبد الرحیم موگهی

محل تولد: اهواز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱۰/۱

زندگینامه علمی

عبدالرحیم موگهی در اول دی ماه ۱۳۳۸ هجری شمسی در اهواز به دنیا آمد. تحصیلات کلاسیک خود را تا سال سوم رشته «مهندسی طراحی» در دانشگاه صنعتی اصفهان ادامه داد. در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه قم شد و از محضر اساتید بزرگوارى همچون آیات عظام: «فاضل لنکرانی»، «مکارم»، «جوادی» و ... بهره برد. وی دارای تألیفات متعددی می باشد که تعدادی از مقالاتشان در نشریاتی همچون: یاس، فرهنگ جهاد، رشد، ره توشه، مبلغان، مبین، حجره، پیام حوزه، کوثر، مریبان، سلام بچه ها و ... به چاپ رسیده است.

مولانا تبریزی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۳ - ۱۲۹۴ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد و مدرس. معروف به مولانا. در تبریز به دنیا آمد. مقدمات و ادبیات را در همان جا فراگرفت. در ۱۳۱۲ ق به همراه پدرش برای ادامه تحصیلات علوم اسلامی به نجف مهاجرت نمود و در حوزه‌ی درس استدلالی فقهی و اصولی فاضل شرایبانی و شیخ الشریعه‌ی اصفهانی و شیخ هادی تهرانی و شیخ آقا رضا تبریزی حاضر گردید. او همچنین در محضر شیخ آقا شیرازی معقول را فراگرفت و پس از دریافت اجازه‌ی اجتهاد و روایت در ۱۳۲۱ ق به تبریز بازگشت و به تدریس فقه و «ارشاد الانام»، در نبوت؛ «براهین الحق» یا «براهین الفقه»، در مسائل فقهی؛ حاشیه بر «الفصول»؛ «طریق الهدایه فی علم الدرایه»؛ «مصباح السالکین و زاد المسافرین»؛ «مصباح الوسائل»، در شرح «الرسائل»؛ «مفتاح المطالب»، در شرح «المکاسب»؛ «مصباح الاعلام فی مدارک الاحکام»؛ رساله‌ی «الاجتهاد و التقليد»؛ رساله‌ی «فرق بین حق و حکم»؛ تفسیری کوتاه و مختصر از قرآن. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۴۹، ۱۲۲، ۱۰۹، ۲۱ / ۱۰۲، ۱۷۱، ۱۷۰ / ۱۵، ۸۳ / ۳)، ریحانه (۶ / ۲۸)، علماء معاصرین (۱۹۳ - ۱۹۱)، مستدرکات اعیان الشیعه (۳ / ۲۳۳)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۲۵۱ - ۳ / ۱۲۵۰)، معجم المؤلفین (۱۹۱ / ۱۰).

مولوی شیرازی، علی‌اکبر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۰۷ ق)، فقیه، عالم دینی، قاری، زاهد و شاعر، متخلص به مولوی. در علم تجوید و قرائت قرآن مجید متبحر بود. او در شیراز درگذشت و در تکیه‌ی حافظیه به خاک سپرده شد. از آثارش: «دیوان» شعر. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: آثار عجم (۴۳۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵ / ۵۶۳)، الذریعه (۹ / ۱۱۲۴)، ریحانه (۶ / ۲۹).

مولوی کتابفروش، محمد حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند ملا- محمد بن ملا علی خوانساری. از فضلالی اصفهان، و از شاگردان حاج میرزا یحیی مستوفی و آقا نجفی و جمعی دیگر بوده، و شغل کتابفروشی داشت، و از راه طبع کتب دینی خدمت شایسته‌ای به علم و دین فرموده.

تألیفاتی دارد، از آن جمله است: ۱- تفسیر مولوی، در حاشیه‌ی قرآن به طبع رسیده، و خلاصه‌ی چندین کتاب تفسیر است ۲- حواشی بر قرآن ۳- کشف الایات، که در آخر جنات الخلود به طبع رسیده است.

در سلخ شعبان سال ۱۳۶۶ وفات یافته، در تخت فولاد حوالی قبر فاضل هندی در بقعه‌ای مخصوص جنب پدر مدفون گردید. ماده تاریخ وفاتش این است:

از پی تاریخ او گفت خرد با یکی

جا بجان می‌کناد شیخ محمد حسین

پدرش: آقا ملا محمد نیز فاضل و دانشمند بوده، و شغل کتابفروشی داشته، و در ۱۰ ذی قعدة ۱۳۰۷ وفات یافته، در تخت فولاد مدفون شده است.

بر گرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مولوی، جلال‌الدین محمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۷۲- ۶۰۴ ق)، عارف، حکیم و شاعر. معروف به مولوی، مولوی معنوی، ملای رومی، مولای روم و مولانای رومی. ملقب به خداوندگار و جلال‌الدین. وی گاهی خاموش تخلص می‌کرد. او دارای مذهب اهل سنت و حنفی بود. در بلخ به دنیا آمد. از جانب پدر به ابوبکر، خلیفه اول، می‌رسد و به همین جهت به خاندانش بکری می‌گفتند. مادر پدرش دخترزاده‌ی سلطان علاءالدین محمد خوارزمشاه بود و پدرش به بهاء ولد معروف. بهاء ولد از تربیت یافتگان نجم‌الدین کبری و از علماء و خطبای بزرگ و متنفذ و از بزرگان مشایخ صوفیه بود. او به دلیل رنجشی که از محمد خوارزمشاه یافت همراه فرزندش، جلال‌الدین، که کودک پنج یا شش ساله بود، از بلخ خارج شد و از مشرق ایران به مغرب مهاجرت کرد و از راه نیشابور و بغداد و مکه به شام و از آنجا به ارزنجان رفت. گفته‌اند که پدر و پسر هنگام عبور از نیشابور به صحبت عطار رسیدند و عطار کتاب «اسرارنامه» را به ایشان داد و مولوی پیوسته آن را نزد خود داشت. مولوی به همراه پدر مدتی در شهرهای آسیای صغیر به سر برد و در شهر لارنده با گوهر خاتون، دختر شرف‌الدین لالا، ازدواج نمود. بعد از چهار سال با پدر و فرزندش، سلطان ولد، به درخواست سلطان علاءالدین کیقباد سلجوقی، به قونیه رفت و در آنجا سکونت گزید و به علت این اقامت طولانی در قونیه وی به رومی مشهور شد. سلطان العلماء، در ۶۲۸ ق، در همان دیار از دنیا رفت و مولوی بر مسند و عظم پدر نشست. یک سال بعد برهان‌الدین محقق ترمذی، شاگرد بهاء‌الدین ولد، به قونیه آمد و جلال‌الدین را تحت تربیت و ارشاد خود گرفت. سپس برای اینکه در علوم شرعی و ادبی کامل شود او را برای

تحصیل به دمشق و حلب فرستاد. در حلب وی در خدمت کمال‌الدین ابن‌عزیم، فقیه بزرگ حنفی، به سر برد و سپس در دمشق تحصیل در فقه حنفی را با «هدایه» مرغینانی ادامه داد و گویا در همین شهر به فیض صحبت محیی‌الدین ابن‌عربی نائل گشت. بعد از اتمام این سفر، که از ۶۳۰ تا ۶۳۷ ق طول کشید، به قونیه بازگشت و به ریاضت ادامه داد تا اینکه از محقق ترمذی دستور تعلیم و ارشاد گرفت و چون استادش در ۶۳۸ ق درگذشت مولوی به جای وی به تدریس پرداخت. وی مدت پنج سال بر این مسند بود تا به ملاقات صوفی وارسته، شمس‌الدین محمد بن علی بن ملک داد تبریزی، که ضمن سفرهای متعددش به قونیه رسیده بود، نایل شد. از این ملاقات و مصاحبت انقلابی روحانی در وجود مولانا پدید آمد که از اثر آن پشت پا به مقامات دنیوی زد، تا جایی که مریدانش او را سرزنش کردند و به سبب همین سرزنشها شمس تبریزی به دمشق رفت. پس از مدتی به خواهش مولانا بازگشت ولی این بار نیز با جهل و تعصب عوام روبرو گردید و چندی بعد به ناگاه از قونیه ناپدید گردید. گفته‌اند که شمس به دست گروهی از شاگردان متعصب مولوی، در ۶۴۵ ق، کشته شده است. پس از این مولوی زندگانی علمی گذشته را رها نمود و تا پایان عمر با عشقی خاص به تربیت و ارشاد سالکان و بیان حقایق عرفانی در قالب مثنوی و سرودن اشعار شورانگیز پرداخت. در این دوره شیخ صلاح‌الدین زرکوب و سپس حسام‌الدین چلبی مورد توجه مولانا قرار گرفتند و ارتباط و اتصال با ایشان مدتی او را مشغول داشت. او تعدادی از غزلیات «دیوان شمس» را به نام صلاح‌الدین زرکوب سرود و کتاب «مثنوی» را نیز با خواهش حسام‌الدین چلبی به وجود آورد. از عارفان و شاعران معاصر وی می‌توان صدرالدین قونوی و عراقی و نجم‌الدین دایه و قانع طوسی و علامه قطب‌الدین محمود بن مسعود شیرازی و قاضی سراج‌الدین ارموی را نام برد. از دیگر مریدان او معین‌الدین پروانه، حکمران کل بلاد روم از جانب مغولان، بود. وی غالباً برای استماع مجالس مولانا می‌رفته و به همین سبب قسمتی از «فیه ما فیه» که خلاصه‌ی مجالس مولوی است خطاب به او می‌باشد. عده‌ای از سالکانی که مولوی، بعد از تحول روحی خود و ناپدید شدن شمس، در خانقاه یا مدرسه‌ی خویش تربیت و ارشاد کرد به مولویه مشهور شدند. این سلسله بعد از او در آسیای صغیر و ایران و ممالک دیگر پراکنده گشتند. مولوی سرانجام در قونیه، بر اثر بیماری، درگذشت و صدرالدین قونوی بر وی نماز خواند. پیکر او در باغ سلطان یا ارم باغچه، مقبره‌ی خانوادگی‌شان، در کنار پدرش، به خاک سپرده شد و بعدها بنایی به نام قبه‌الخصراء، به نفقه‌ی بزرگان عصر و مریدان، بر تربت او ساخته شد که مدفن خانوادگی احفاد آنها گردید. از آثار منظوم وی: «مثنوی»، مشهور به «مثنوی مولوی» و «مثنوی معنوی»، در شش دفتر، در بیست و شش هزار بیت؛ «کلیات شمس» یا «شمس الحقایق»، معروف به «دیوان کبیر» که «دیوان» غزلیات اوست، حدوداً مشتمل بر سی و شش هزار بیت؛ «رباعیات»، شامل ۱۶۵۹ رباعی. از آثار مثنوی او: «مکاتیب»، مکتوبات او به معاصرینش؛ «فیه ما فیه»؛ «مجالس السبعه». [۱]

شهرت جلال‌الدین محمد فرزند سلطان‌العلماء محمد بن حسین خطیبی معروف به بهاء‌الدین (و. بلخ ششم ربیع‌الاول ۶۰۴ ه. ق - ف. قونیه یکشنبه ۵ جمادی‌الآخر ۶۷۲ ه. ق) پدر وی از علماء و صوفیان بزرگ زمان خود بود. بهاء‌الدین به سبب رنجش خاطر سلطان محمد خوارزمشاه در هنگامی که جلال‌الدین کودک بود، از بلخ بیرون آمد و پس از مدتی سیر و سیاحت سرانجام رخت به قونیه کشید. جلال‌الدین تحقیقات مقدماتی را نزد پدر به پایان رسانید و پس از فوت او تحت ارشاد برهان‌الدین محقق مولانا را مدتی برای تکمیل علوم و معلومات در حلب و دمشق که از بزرگترین مراکز علمی و ادبی آن زمان بود فرستاد. و مولانا پس از پایان کار به قونیه بازگشت و به تدریس و تعلیم و وعظ و تذکیر مشغول گشت. تا اینکه در سال ۶۴۲ با شمس‌الدین محمد بن علی بن ملک‌داد معروف به شمس تبریزی ملاقات کرد. این ملاقات انقلابی روحانی در مولانا پدید آورد که موجب ترک مسند تدریس و فتوی گشت و این امر سبب نارضایی مردم قونیه و اعتراض مریدان گشت. شمس تبریزی تحت فشار مریدان مولانا به دمشق رفت. هجران وی مولانا را مضطرب و مشوش کرد و بالا‌خره پسر خود سلطان ولد را همراه گروهی در طلب شمس به دمشق فرستاد؛ شمس باز آمد و با مولانا بود تا در سال ۶۴۵ به ناگاه ناپدید گردید. اینکه گفته‌اند وی را جماعتی از مردم قونیه کشته‌اند، نباید پایه

و اساسی داشته باشد. پس از فقدان شمس مولانا مسند تدریس و فتوی را ترک گفت و به مراقبت باطن و تهذیب نفس پرداخت. ارتباط او با صلاح‌الدین زرکوب و حسام‌الدین چلبی در این دوره از عمر یک چند او را مشغول داشت و به تشویق همین حسام‌الدین چلبی مولانا به سرودن مثنوی پرداخت. آثار مولانا از نظم و نثر عبارتند از: ۱- مثنوی: در ۶ جلد و شامل ۲۶ هزار بیت که در بحر رمل سروده شده است. محتویات مثنوی حکایات مسلسل منظومی است که از آنها نتایج دینی و عرفانی گرفته شده و حقایق معنوی به زبان ساده بیان گشته است. ۲- دیوان غزلیات معروف به دیوان کبیر یا کلیات شمس مشتمل بر ۵۰۰۰۰ بیت. ۳- رباعیات. ۴- مکتوبات مولانا. ۵- فیه ما فیه. ۶- مجالس سبعه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] آشنایی با مولوی، از سنایی تا سعدی (۲۰۹-۲۰۰/۲)، الاعلام (۲۵۹-۲۵۸/۷)، با کاروان حله (۲۴۲-۲۲۵)، به دنبال آفتاب از قونیه تا دمشق، پله پله تا ملاقات خدا، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۰۷-۱۲۰۵، ۴۸۶-۴۴۸/۳)، تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (۵۲۲-۵۰۱)، تاریخ گزیده (۶۷۲)، تاریخ مغول (۵۳۶-۵۳۴)، تاریخ نظم و نثر (۱۶۰-۱۵۸)، تذکره الشعراء (۲۲۲-۲۱۳)، التصفیه فی احوال المتصوفه (صفحات متعدد)، تصوف اسلامی و رابطه انسان با خدا (۱۲۰-۱۰۷)، جستجو در تصوف (۳۰۷-۲۷۳)، حبیب السیر (۱۱۶-۱۱۵/۳)، خدمات متقابل اسلام و ایران (۶۵۹-۶۵۸، ۶۵۵)، دایرةالمعارف فارسی (۷۴۴-۷۴۳/۱)، در قلمرو وجدان (۳۴۳-۳۴۰)، الذریعه (۳۶۰، ۳۰۳/۱۹، ۴۱۱/۱۶، ۲۲۱/۱۴، ۱۱۲۳-۱۱۲۲، ۵۳۹، ۲۸۵/۹، ۱۹۱/۶)، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات (۱۹۷)، ریاض العارفین (۶۵-۵۷)، ریحانه (۳۳-۲۹/۶)، زندگانی مولانا جلال‌الدین محمد، زندگینامه‌ی مولانا جلال‌الدین مولوی، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۲۸۰-۲۶۶)، صبح گلشن (۱۰۵-۱۰۲)، طرائق الحقائق (۳۳۷-۳۳۶، ۳۱۴-۳۱۳/۲)، غزلیات شمس تبریزی (مقدمه/۹۹-۵)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۹۲-۴۹۱)، فرهنگ سخنوران (۲۱۵-۲۱۳)، گنج سخن (۱۶۹-۱۴۷/۲)، گنج و گنجینه (۳۴۵-۳۴۱)، لغت نامه (ذیل / مولانای روم، مولانای رومی، مولوی)، مبانی عرفان و احوال عارفان (۶۰۴-۵۷۳)، مجالس العشاق (۱۶۸-۱۶۵)، مجالس المؤمنین (۱۱۵-۱۰۹/۲)، مجمع الفصحا (۷۸۰-۷۷۹)، مجمل فصیحی (ذیل / سالهای ۶۷۲، ۶۰۴)، مرآة الخیال (۴۳-۴۲)، مناقب العارفین (صفحات متعدد)، مؤلفین کتب چاپی (۷۵۳-۷۴۵/۵)، مولوی نامه، مولویه بعد از مولانا (صفحات متعدد)، نفحات الانس (۴۶۹-۴۶۱)، هدیة الاحباب (۲۵۰-۲۴۹)، هدیة العارفین (۲/۱۳۰)، هفت اقلیم (۵۴-۴۵/۲)، یادداشتهای قزوینی (۱۶۴-۱۶۳/۷).

مولوی، عباس

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(شکوفایی ۱۱۰۱-۱۰۸۴ ق)، عالم دینی، حکیم و فیلسوف. در فلسفه شاگرد رجبعلی تبریزی و همدرس قاضی سعید قمی بود. این دو با استادشان در اشتراک لفظی وجود همعقیده بودند اما مولوی در انکار وجود ذهنی مخالف نظریه استاد بود. از آثارش: «انوار سلیمانی» یا «الانوار السلیمانی»، که در ۱۱۰۱ ق به نام شاه سلیمان صفوی تألیف نموده است؛ نگارش اولیه «الانوار»، تحت نام «المنظرات»؛ «الفوائد الاصولیة السلیمانیة»، که در اثبات حقانیت فرقه اثنی عشری و فرقه‌ی ناجیه بودن شیعه‌ی امامیه، به نام پادشاه مذکور در ۱۰۸۴ ق تألیف کرده است؛ رساله «اصول الفوائد»، در اصول مسائل حکیمه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۷/۴۳۲)، الذریعه (۲۲/۲۸۰، ۳۲۵/۱۶، ۹۰/۱۱، ۴۲۹/۲)، ریحانه (۶/۲۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن

۴۱۲- (۴۱۱/۱۲).

مومن، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی مومن

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

حجة الاسلام و المسلمین علی مؤمن در سال ۱۳۳۲ در قم و در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پدرش کشاورز بود و برادرش (حضرت آیه الله محمد مؤمن) از استادان حوزه علمیه قم بود. حجة الاسلام و المسلمین علی مؤمن با به پایان رساندن دوره دبستان، در خرداد ماه ۱۳۴۵، به حوزه علمیه قم وارد شد.

او جامع المقدمات را نزد حجة الاسلام و المسلمین طباطبایی خواند. سیوطی را نزد حجة الاسلام و المسلمین شایسته گلپایگانی، مغنی را نزد آقای طالقانی، معالم را نزد «آیه الله مقتدایی» و مختصر المعانی را نزد «آیه الله تهرانی» فرا گرفت. منطق را نزد حجة الاسلام و المسلمین امینیان، شرح لمعه را نزد حضرات آیات: «تهرانی، شب زنده دار، صلواتی، تقوی اشتهاردی، فاضلی اشتهاردی و ...» آموخت. برای آموختن رسائل به نزد «آیه الله طاهری» و برادرش (آیه الله مؤمن) رفت. ضمن اینکه بخشهایی از مکاسب و کفایه را نزد برادر خود می آموخت به درس مکاسب آیه الله ستوده و درس کفایه آیه الله سلطانی طباطبایی نیز می رفت.

با پایان یافتن دوره سطح به درس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: «شیخ کاظم تبریزی»، «شیخ مرتضی حائری»، «سید محمد رضا گلپایگانی»، «حسینعلی منتظری»، «وحید خراسانی» و «محمد مؤمن» و ... رفت و از دروس ایشان بهره های بسیار اندوخت. او بخشی از اسفار را نزد «آیه الله امینی» آموخت و شرح تجرید را نزد «آیه الله حسینی کاشانی» فرا گرفت.

از دوستان و هم مباحثه های او می توان حجج اسلام رجبی، شب زنده دار و عندلیب را نام برد. حجة الاسلام و المسلمین علی مؤمن از نخستین سالهای تحصیل به امر تدریس همت گماشت و تا به امروز بیشتر کتب دوره سطح را تدریس کرده و از این رهگذر، شاگردانی را به عالم اسلام تقدیم داشته است. او به همراه برخی از استادان حوزه، به امر بررسی و تدوین میراث فقهی همت گماشته و در این زمینه، تحقیقات بسیاری را به انجام رسانده است. حجة الاسلام و المسلمین علی مؤمن از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و در آن مرکز مقدس، فعالیتهای بسیاری را به منصف ظهور نهاده است

مومن، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد مومن

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۶/۱۰/۲۳

زندگینامه علمی

آیة‌الله محمد مؤمن، در روز پنج شنبه، دهم ذی‌القعدة سال ۱۳۵۶ هجری قمری برابر با ۲۳ دی ۱۳۱۶ هجری شمسی در خانواده‌ای مذهبی و علاقه‌مند به خاندان مکرم پیامبر اسلام (ص) در شهر قم چشم به جهان گشود. پدرش مرحوم حاج عباس مؤمن که فردی سرشناس و مورد اعتماد مردم بود، با پیشه کشاورزی روزگار می‌گذراند و نزدیک به صد سال زیست و سرانجام در سال ۱۳۷۷ هجری شمسی دار فانی را وداع گفت. مادر او نیز زنی پاکدامن و وارسته بود که چهار سال پیش از پدرش یعنی در سال ۱۳۷۳ در گذشته بود. پدر و مادر ایشان نیز متولد قم بوده‌اند و تا آنجا که خود از آن اطلاع دارد، خاندانش حدود ۲۰۰ سال است در قم سکونت دارند.

کودکی آیة‌الله مومن با تنگی معیشت خانواده همراه بوده، به گونه‌ای که ایشان را برای آینده‌ای پر از جهاد و مبارزه آماده می‌ساخته است. تحصیلات خود را در هفت سالگی آغاز نمود و در مکتب خانه‌ای واقع در محله «باغ پنبه» قم، به فراگیری قرآن مشغول شد پس از آن به مکتب دیگری رفته در آنجا کتاب «نصاب الصبیان» و برخی از کتب دیگر را آموخت. پس از مدتی با سفارش برخی به پدر ایشان و موافقت پدر، تحصیلات خود را در مدارس اسلامی، ملی آن زمان، به تحصیل علوم دبستانی اشتغال پیدا کرد و در مدت دو سال تا کلاس ششم ابتدائی تحصیل کرد. بعد از آن سال اول دبیرستان را خواند اما به دلیل کم بودن سن قانونی نتوانست در آزمون پایان سال شرکت کند.

در سال ۱۳۳۲ به تحصیل علوم دینی روی آورد و طی دو سال، ادبیات عرب، بخش بسیاری از «مطول» و همه «معالم الاصول» را فرا گرفت و هم زمان، به دلیل تنگی معیشت خانواده، به آموزگاری نیز می‌پرداخت. پس از آن، با توسل به حضرت علی بن موسی الرضا (ع) و امام عصر (عج) توانست رضایت پدر خود را جلب نماید و صرفاً به تحصیل علوم دینی پردازد. «شرح لمعه» و «قوانین الاصول» را در طی یک سال فرا گرفت و «مکاسب» و «رسائل» شیخ انصاری را پس از دو سال به اتمام رساند و در ششمین سال تحصیل، جلد اول «کفایه» را آموخت و در درس خارج اصول و فقه شرکت جست. هم زمان با تحصیلات فقهی و اصولی، به تحصیل حکمت الهی و فلسفه نیز می‌پرداخت و «شرح منظومه» سبزواری و «الهیات شفا» و بخش عمده «اسفار» را فرا می‌گرفت.

در اواخر سال ۱۳۴۲ برای تحصیل، عازم نجف اشرف شد و به مدت شش ماه از محضر استادان حوزه علمیه بهره‌های فراوان برد و سپس به ایران بازگشت و تا سال ۱۳۵۳ به تحصیل خود ادامه داد. حضرت آیت‌الله مؤمن در دوران تحصیل خود از محضر استادان برجسته‌ای بهره برده است؛ از جمله شرح منطق حاجی سبزواری را نزد «حاج شیخ محمد واعظ زاده» و مکاسب شیخ انصاری را نزد «آیت الله مشکینی»، «آیت الله شاه آبادی»، «شیخ ابوالفضل خوانساری» و دیگر اساتید آن زمان فرا گرفت. همچنین رسائل شیخ انصاری را نزد «آیة‌الله حاج شیخ محمد شاه آبادی» و جلد اول کفایه الاصول را نزد مرحوم «آیة‌الله سلطانی» و مقداری از جلد دوم آن را نزد مرحوم «آیة‌الله حاج میرزا محمد مجاهدی تبریزی» فرا گرفت.

وی در درس اصول حضرت امام خمینی (ره) شرکت نمود و چند ماهی نیز در درس فقه «آیة‌الله بروجردی» حاضر شد و سپس به درس خارج فقه امام (ره) که درباره «مکاسب محرمة و بیع» بود، رفت و پایه‌های استنباط فقهی خود را نزد آن بزرگوار مستحکم

کرد. پس از تبعید امام (ره) در سال ۱۳۴۲، به درس فقه و اصول «آیه الله محقق داماد» رفت و پس از آن مرحوم، از درس خارج فقه «آیه الله حاج آقا مرتضی حائری» بهره برد. استاد او در «فلسفه» و «شرح منظومه» سبزواری، مرحوم حاج آقا مصطفی خمینی (ره) بود و بعد از آن برای تحصیل الهیات «شفا» و «اسفار» به درس «علامه سید محمد حسین طباطبایی» (ره) رفت و سالها به حضور در درس تفسیر ایشان نیز توفیق یافت.

ایشان عمده استادان خود را در حوزه: مرحوم امام، مرحوم محقق داماد و مرحوم شیخ مرتضی حائری می‌داند و در باره آنها می‌گوید: «این سه بزرگوار، صرف بازگو کردن در نظرشان نبود؛ بلکه تحقیقی بحث می‌کردند؛ مخصوصاً امام که وقتی مسأله‌ای را می‌خواست طرح بکند، مانند این بود که اصلاً خودش می‌خواهد این مسأله را عنوان کند. با کمال دقت مطرح می‌کردند و حرفهای علمای دیگر را مطرح می‌کردند و نقض و ابرام می‌کردند و طلبه را اجتهادی بار می‌آوردند».

از هم مباحثه‌ای های آیه الله مؤمن، می‌توان از «آیه الله حاج میرزا ابوالحسن مصلحی اراکی» (فرزند آیه الله اراکی)، «آیه الله طاهری خرم آبادی»، «آیه الله حاج سید محمد حسینی کاشانی»، «مرحوم ربانی املشی»، «شهید حیدری نهاوندی» و «استاد حاج شیخ حسن تهرانی» نام برد. همچنین شاگردان بسیاری از محضر ایشان، کسب فیض نموده‌اند که در بین آنها، می‌توان از «دکتر حسن روحانی»: دبیر شورای امنیت ملی، «حجة الاسلام و المسلمین فیاضی»، «حجة الاسلام و المسلمین ناظم زاده»، «حجة الاسلام و المسلمین برهانی» و «حجة الاسلام و المسلمین اختری»: سفیر ایران در سوریه نام برد. اینان برخی از شاگردان وی بوده که در مباحث سطح عالی از تدریس وی بهره بردند. همچنین در درس خارج اصول و فقه ایشان، فضلالی متعددی شرکت کرده‌اند که عده‌ای از آنها هم اکنون به تدریس خارج فقه و اصول و سطوح عالی حوزه اشتغال دارند.

زندگی آیه الله محمد مؤمن با تلاشهای علمی و فرهنگی فراوانی همراه است. ایشان در طی سالهای متمادی به تربیت طلاب جوان همت گماشته است و در این میان، شاگردان ممتازی را به جامعه علمی و سیاسی کشور تقدیم داشته است. ایشان پس از فراگیری یک دوره کامل اصول، به تدریس چند دوره «رسائل» شیخ انصاری، مقداری از «مکاسب» و «شرح تجرید الاعتقاد»، «بدایه الحکمه» و «نهایه الحکمه» و بخشی از «اسفار و عرشیه» نائل آمد. با پیروزی انقلاب اسلامی و کم شدن حجم مسؤولیتها، در سال ۱۳۶۲ به تدریس درس خارج اصول پرداخت که هم اکنون به تدریس دوره سوم آن اشتغال دارد. تدریس بحث معاملات «تحریر الوسیله» حضرت امام خمینی (ره)، کتاب قضا و شهادت و عمده حدود و مسائل مستحدثه در قالب درس خارج فقه از دیگر برنامه‌های درسی ایشان برای پرورش طلاب جوان و طالب اجتهاد بوده است ایشان هم اینک به تدریس مبحث حکومت اسلامی نیز مشغول است. از آیه الله مؤمن، آثار فراوانی در مطبوعات به چاپ رسیده است. همچنین ایشان در زمینه علوم اسلامی کتب شایان توجهی به جامعه علمی کشور تقدیم نموده است؛ از دیگر فعالیت‌های علمی و فرهنگی ایشان می‌توان از تدوین و تنظیم آیین نامه‌های داخلی شورای مدیریت حوزه علمیه قم یاد کرد که در دوره تصدی ایشان انجام گرفت و هم اکنون با همت مسؤولان آن مرکز سیر تکاملی خویش را می‌پیماید.

دفتر زندگانی آیه الله محمد مومن، پیش و پس از انقلاب، سرشار از مبارزه و هدایت‌های سیاسی است. در حدود سال ۱۳۴۳ در مجلس آن روز، لایحه کاپیتولاسیون مطرح شد. به دنبال این قضیه، امام خمینی (ره) در نطقهای آتشین خود، ضمن محکوم کردن این مسأله، همه مسلمانان و علمای اسلام را به مبارزه با آن دعوت کردند. رژیم شاه که از افشاگریهای امام خمینی (ره) می‌هراسید؛ ایشان را دستگیر و پس از دو ماه آن بزرگوار را در منزلی در قیطریه تهران محصور و ممنوع الملاقات می‌کند. در اواخر سال ۱۳۴۲ به قصد زیارت عتبات عالیات و حضور در درس خارج علماء نجف اشرف به عراق مشرف شد و نزدیک ۶ ماه این سفر به طول انجامید. پس از آن در مرداد ماه ۱۳۴۳ به ایران مراجعت می‌کردند.

به دنبال دستگیری مجدد حضرت امام (ره) و تبعید به ترکیه، آیت الله مؤمن به عنوان سفر زیارتی قصد تشرف به نجف اشرف را

داشت که مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری از ایشان خواست تا پیامی را به «آیه‌الله سید محسن حکیم» ابلاغ نماید. قرار بود آیه‌الله مؤمن این پیام را از طریق امام موسی صدر (ره) یا حاج شیخ نصرالله خلیلی (ره) به سمع آیت‌الله حکیم برساند. پیام این بود که هم اکنون، حاج آقا روح‌الله (حضرت امام خمینی) در صف مراجع تقلیدند و دستگیری و تبعید ایشان، در واقع، توهین به مرجعیت شیعه خواهد بود. از این رو، لازم است آیه‌الله سید محسن حکیم، نسبت به این مسأله واکنش نشان داده، خواستار بازگشت ایشان و رفع تبعید معظم له شوند.

از فعالیتهای دیگر که در کارنامه مبارزاتی آیه‌الله مؤمن می‌درخشد، رساندن مفاد نامه تعدادی از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، مبنی بر اعلام مرجعیت امام خمینی (ره) به دست امام خمینی (ره) بود. مفاد این نامه را آیه‌الله مؤمن، در نجف اشرف به محضر امام (ره) تقدیم نمود. امام خمینی (ره) که همیشه از قبول مرجعیت و عناوینی این گونه سرباز می‌زد، ابتدا بدان اعتراض می‌کند. آیه‌الله مؤمن با بیان وضعیت حساس آن دوره، جنبه‌های سیاسی و مبارزاتی این تصمیم را خدمت امام (ره) عرض می‌نماید و به ایشان عرض می‌کند: «علت تصمیم اعضاء جامعه مدرسین مبنی بر اعلام مرجعیت این است که آنها تنها حضرت‌تعالی را برای مقابله با رژیم فاسد شاه صالح می‌دانند؛ از این رو وظیفه خود دانستند تا حضرت‌تعالی را به عنوان مرجع تقلید معرفی کنند. بدین گونه امام (ره) در برابر این اعلام مرجعیت، سکوت می‌فرماید.

حضور ایشان در جلسات جامعه مدرسین، در پیش از انقلاب، و پی‌گیری مصوبات و بیانیه‌های آن از فعالیتهای درخشان ایشان است که سرانجام به دستگیری و تبعید ایشان در سال ۱۳۵۳ منجر شد. ایشان به سه سال اقامت اجباری در شهرداری کرمان محکوم شد که پس از گذراندن هفت یا هشت ماه اقامت در شهرداری، بقیه مدت را در تویسرکان به تبعید گذراند اما تبعید ایشان باعث نشد که افشاگریها و مبارزات سیاسی ایشان پایان یابد؛ بلکه در آنجا نیز با بیان احکام اسلامی و در لابلای آن، مسائل مهم انقلاب، ماهیت رژیم شاه را برای مردم آشکار می‌کردند و آنها را به تقلید و پیروی از مرجعیت شیعه، به ویژه امام خمینی (ره)، که در آن زمان پرچمدار مبارزه بود، دعوت می‌کردند. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، فعالیتهای آیه‌الله مؤمن در قالب مسؤلیتهای اجرایی و روشنگریهای درسی و اخلاقی ادامه یافت. آیه‌الله مؤمن هم اکنون به تدریس در حوزه علمیه قم اشتغال دارد و در مکتب اجتهاد و فقها، شاگردان مفیدی را به عالم اسلام تقدیم می‌دارد.

مومنی، ستار

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید ستار مومنی

محل تولد: مرند

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۸ وارد حوزه علمیه خوی شدم. در مدرسه ای به نام مدرسه نمازی مشغول تحصیل گردیدم. مدتی در محل فوق الذکر ادامه تحصیل دادم. مقدمات را در آن مدرسه به اتمام رساندم. پس از آن زمان کم به مدرسه «طالبیه» واقع در شهرستان تبریز هجرت نمودم و در مدرسه طالبیه مشغول شدم. باز به حوزه علمیه خوی برگشتم و کتابهای لمعتین، معالم و حاشیه را خواندم و در ضمن در همان مدرسه یکی از استادان حوزه خوی معرفی شدم و مشغول تدریس.

مونس علیشاه

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۶ - ۱۲۵۲ ش)، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به مونس. پس از فراگیری علوم مقدماتی به آموختن فقه و اصول و حکمت پرداخت. در سال ۱۳۱۷ ش به اتفاق پدر به مکه رفت و پس از فوت پدرش، تبلیغ و ارشاد مریدان او را به عهده گرفت و قطب سلسله‌ی نعمت‌اللهی گردید. در شروع نهضت مشروطه، به تاسیس انجمنهای اسلامی و انصار پرداخت. سپس به تاسیس مدرسه‌ی مسعودیه و چاپخانه‌ی پارس و انتشار روزنامه «احیا» اقدام کرد. در سال ۱۳۴۰ ق مجدداً به مکه رفت و سپس به تهران برگشت و تا پایان عمر در این شهر بود. مدفن او در خانقاه کرمانشاه است. از آثار او: «مونس السالکین»؛ «دلیل السالکین»؛ «برهان السالکین»؛ «جبر و تفویض»؛ «کفایه التجوید»؛ «نجات از شبهات»؛ «تاریخ حب الوطن»، در سه جلد؛ «رساله‌ی ادیسیه»؛ «انیس المهاجرین و مونس المسافرین»؛ «دیوان اشعار»، در شش جلد. [۱]

عبدالحسین (حاج میرزا) ملقب به مونس‌علی شاه و متخلص به مونس بن علی ذوالریاستین وفا علی شاه بن آقا محمد منور علی شاه، پیشوای فرقه‌ای از سلسله نعمه‌اللهی (و. ۱۲۹۰ ه. ق. / ۱۲۵۲ ه. ش. - ف. ۱۳۳۲ ه. ش.) وی در ۷ سالگی به مدرسه رفت و در ۹ سالگی نزد سید محمد نبی کرمانی به تحصیل پرداخت. مقدمات فارسی و عربی و صرف و نحو و فقه و اصول را از شخص اخیر فراگرفت، و بیان و منطق را از حکیم نصرالله در مدرسه منصوریه، حکمت ریاضی و بخشی از هیئت، حساب، فیزیک و شیمی و جبر را نزد میرزا عبدالله رحمت‌نواده وصال، و حکمت الهی را از میرزای آقای جهرمی و محمد هادی شاگرد حکیم مزبور و شرح فصوص‌الحکم و غیره را از حسین سبزواری شاگرد حاج ملاهادی سبزواری و شیخ المحققین اصطهباناتی و مکاسب و طهارت و ریاضی را از شیخ محمدباقر اصطهباناتی و حاج میرزا عبدالباقی و علم تجوید را از حاج شیخ عبدالنبی شیرازی و علم تفسیر و لمعه و بیشتر تعلیمات دینی را نزد علی وفا علی شاه و شیخ جعفر محلاتی آموخت. مدتی نزد پدر به مجاهده و سیر و سلوک پرداخت. وی در بدو نهضت مشروطه به تاسیس انجمنهای اسلامی و انصار پرداخت و سپس به تاسیس مدرسه مسعودیه (۱۳۲۵ ه. ق.) و ایجاد مطبعه پارس و انتشار روزنامه احیا (۱۳۳۰ ه. ق.) اقدام کرد. ذوالریاستین پس از فوت سید اسماعیل اجاق صادق علی شاه کرمانشاهی که جانشین پدرش بود به پیشوائی سلسله رسید. سلسله طریقت او از این قرار است: ۱- سید اسماعیل اجاق صادق علی شاه. ۲- حاج علی آقا ذوالریاستین وفا علی شاه. ۳- حاج آقا محمد منور علی شاه. ۴- حاج زین‌العابدین رحمت‌علی شاه. ۵- حاج زین‌العابدین شیروانی مستعلی شاه. ۶- حاج محمد جعفر همدانی مجذوب‌علی شاه. ۷- حسینعلی شاه اصفهانی. ۸- نورعلی شاه اصفهانی. ۹- معصوم‌علی شاه (معصوم‌علی شاه). در سال ۱۳۱۷ ه. ق. همراه پدر و بار دیگر به سال ۱۳۴۰ ه. ق. به تنهایی به مکه شد. حدود سال ۱۳۰۸ ه. ش. در تهران رحل اقامت افکند. تألیفات او از این قرار است: مونس السالکین، دلیل السالکین، برهان السالکین جبر و تفویض، کشفیه، نجات از شبهات، حواشی بر مثنوی ملای رومی، رساله اردیسیه، تاریخ حب الوطن منظومه در ۳ جلد، رساله

روحیه، رساله طول عمر، انیس المهاجرین. و مونس المسافرین، دیوان مونس در ۲ جلد. مدفن او در خانقاه کرمنشاه است. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ جراید (۵۹-۵۷/۱)، حدیقه الشعراء (۱۷۴۹-۱۷۴۸/۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۸۰-۵۷۴/۵)، الذریعه (۱۱۲۷، ۳۳۹/۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۴۶۷-۳۴۶۴/۵)، سرآمدان فرهنگ (۳۶۶-۳۶۴/۱)، شرح حال رجال (۱۳۷/۶)، شرح حال رجال (۱۳۷/۶)، فرهنگ سخنوران (۸۹۸-۸۹۷)، مؤلفین کتب چاپی (۷۳۰-۷۲۹/۳)، مرآت الفصاحه (۶۲۳-۶۲۲).

مونسه

قرن: ۸

جنسیت: زن

ملیت: ایران

(دختر امیر علی بن فارسی)، ۷۳۲ ق، از زنان محدث. وی از ابن علاق سماع حدیث کرد. برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۱۲۸ / ۵.

مویدی اصفهانی، بهجت‌السادات

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: پزشکی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مهابادی، افضل‌الدین حسن

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن علی بن احمد بن علی مهابادی.

فقیه صالح [ادیب] متبحر، از ثقات علمای امامیه قرن ششم هجری است. کتب زیر از اوست:

۱- الاعراب ۲- دیوان شعر ۳- ردّ تنجیم ۴- شرح شهاب ۵- شرح لمع ۶- شرح نهج البلاغه؛ و غیره. سال وفاتش معلوم نیست. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مهاجر سندی، عبدالقادر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۰۵-۱۲۱۱ ق)، عالم دینی، فقیه شافعی و مدرس. در سنندج به دنیا آمد. از محضر پدر و سایر علمای عصرش استفاده نمود و به دریافت اجازه نایل شد. وی پس از درگذشت پدرش در مدرسه‌ی دارالاحسان سنندج به تدریس پرداخت. او در کلام و فلسفه و حکمت تبحر داشت. در اواخر ۱۲۷۱ ق بر اثر اغتشاش اوضاع داخلی سنندج به سلیمانیه عراق مهاجرت کرد و با استقبال عمومی مردم روبرو گردید. وی در آنجا به تدریس و تألیف و تحقیق مشغول بود. در سلیمانیه درگذشت و در قبرستان گرده یوان به خاک سپرده شد. از آثارش: «تقریب المرام»، در شرح «تهذیب الکلام» علامه تفتازانی؛ حاشیه بر «شرح عقاید عضدیه»؛ شرح «رسالة الزوراء»؛ «کشف الغطاء»؛ حاشیه بر «تعلیقات لاری»؛ «رسالة العلم».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴/۱۶۹)، ایضاح المکنون (۱/۳۱۴)، تاریخ مشاهیر کرد (۲۲-۲۱/۲)، هدیة العارفين (۶۰۶-۶۰۵/۱).

مهاجر، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روان پزشکی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مهاجرانی، علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

وی در سال ۱۲۷۴ قمری در قریه رایگان از توابع همدان متولد و پس از تکمیل مقدمات در سال ۱۲۹۰ قمری در همدان مشغول به تحصیل علوم دینی بوده پس از آن به عراق (اراک) مهاجرت نموده و از محضر آیت‌الله حاج آقا محسن اراکی استفاده نمودند. سپس به نجف اشرف حرکت در بحث آیت‌الله العظمی میرزا حسن شیرازی «میرزای بزرگ» حاضر می‌شدند و بعداً از اصحاب خاص آیت‌الله آخوند خراسانی و آیت‌الله سید محمدکاظم طباطبایی یزدی محسوب می‌شدند و در سنه ۱۳۲۱ قمری از قریه دارالمؤمنین مهاجران جمعی به عتبات عالیات مشرف و با اصرار ایشان را به مهاجران وارد کردند و در آنجا به امورات دینی و اقامه حدود و جماعت مشغول بودند.

و در سال ۱۳۲۹ دارفانی را وداع گفت اما تألیفات آن بزرگوار:

۱- حاشیه بر رسائل ۲- حاشیه بر مکاسب مرحوم شیخ ۳- صلوات مسافر ۴- قضا و شهادت ۵- رساله در عدالت ۶- تمامی صلوات ۷- رساله عملیه.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مهاجرانی، محمدباقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ محمدباقر بن العالم الجلیل آیت‌الله آقا شیخ علی زاهد مهاجرانی از علماء اعلام معاصر است در شهر همدان. وی در سال ۱۳۲۵ قمری در مهاجران متولد شده و از هفت سالگی مقدمات را در همان قریه در حضور علماء محل فراگرفته بعداً به همدان حرکت کرده قریب پنج سال در همدان از حوزه اساتید استفاده نموده و شنیدند که حضرت آیت‌الله حایری طاب ثراه در قم تأسیس حوزه نموده‌اند در اواخر سال ۱۳۴۰ قمری مشرف به بلده طیبه قم شد و در حضور اساتید عظام جهت تکمیل سطوح حاضر و از حضور آیت‌الله آقا شیخ ابوالقاسم قمی استفاده نمودند.

سپس در سال ۱۳۴۷ به بحث آیت‌الله حایری حاضر شدند و در سال ۱۳۴۹ قمری در محضر آیت‌الله العظمی حجت قدس سره حاضر شده فقها و اصولاً استفاده نمود.

پس از آن در حوزه تدریس مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت نمودند. معظم‌له هم اکنون در شهرستان همدان به بحث و تبلیغ اشتغال دارند.

اجازات ایشان عبارتند از: اجازه اجتهاد از آیت‌الله العظمی حجت، مرحوم آیت‌الله حایری، مرحوم آیت‌الله صدر، مرحوم آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت‌الله حکیم طاب ثراه می‌باشند.

نوشتجات و تألیفات این دانشمند به قرار ذیل است:

- ۱- تقریرات دوره کامل اصول آیت‌الله حجت ۲- درس بیع ۳- رساله در صلوت ۴- رساله‌ای در صوم ۵- صلوت جمعه ۶- قاعده لاضرر و لباس مشکوک ۷- درایه که قریب به انتشار است.
- برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مهدوی اردبیلی، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۶-۱۲۸۸ ش)، استاد دانشگاه، نویسنده و مترجم. در تبریز به دنیا آمد. پس از خاتمه‌ی دوره‌ی ابتدایی و متوسطه به تهران آمد و وارد رشته ریاضی دارالمعلمین عالی شد. پس از اخذ لیسانس ریاضی، در ۱۳۱۲ ش، جزء آخرین کاروان دانشجویان اعزامی، به فرانسه و در ۱۳۱۳ ش به سوئیس رفت و دوره دکترا را در آنجا گذراند. وی در دوران جنگ بین‌الملل دوم در فرانسه ماند و تدریس کرد. پس از جنگ به ایران بازگشت و پس از مدتی به درخواست دکتر هشترودی داوطلب کرسی ریاضیات دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران شد و تا ۱۳۴۹ ش تدریس کرد. وی از ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۴ ش در آن دانشکده کفیل بود و تا ۱۳۴۲ ش سه مرتبه توسط شورا به ریاست دانشکده انتخاب شد که مرتبه‌ی سوم به طور اجبار استعفا داد و تا ۱۳۴۹ ش در کرج ماند. در آن سال به دانشگاه اهواز منتقل شد و به سمت معاونت آموزشی آن دانشگاه رسید. از آثار وی: «موارد استعمال احتمالات در انتگرالهای چندگانه»، به زبان فرانسه؛ «احتمالات و آمار ریاضی»، دو مجلد؛ «هیدرولژی»، چهار مجلد، ترجمه؛ «مکانیک استدلالی»؛ «معادلات

دیفرانسیل و مشتقات جزئی»؛ «حل المسائل معادلات دیفرانسیل و مشتقات جزئی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۳۰/۲، ۱/۱۱۶)، کلک (س ۸، ش ۸۸-۸۵، ص ۶۴۳-۶۴۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲/۸۹۰).

مهدوی اصفهانی، نورالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۴۶ ق)، عالم و مجتهد. برادر حاج شیخ محمد تقی معروف به آقا نجفی است. در اصفهان متولد شد و رد همان جا تحصیلات مقدماتی نمود و سپس به نجف نزد علمای بزرگ رفت. پس از مراجعت به ایران در شمار علمای سیاسی قرار گرفت. در مهاجرت ۱۳۴۶ ق علمای اصفهان به قم همراه آنان بود. در قم وفات یافت و جنازه اش به نجف منتقل شد. از آثارش: «خصال

الشیعه»، ترجمه فارسی پاره‌ای از احادیث در بیان خصلتها و اوصاف شیعیان؛ «دیوان» اشعار به عربی و فارسی. [۱]

یکی از وافدین به قم مرحوم مبرور آیت‌الله حاج آقا نورالله اصفهانی برادر مرحومین آیت‌الله حاج شیخ محمد تقی معروف به آقا نجفی و مرحوم آیت‌الله حاج آقا جمال اصفهانی فرزند مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدباقر بن حاج شیخ محمد تقی بن عبدالرحیم رازی اصفهانی است که در سال ۱۳۴۶ با جمعی از علمای آن عصر اصفهان و چند هزار نفر از طبقات دیگر مردم برای اعتراض بر بعضی قوانین حکومت آن زمان وارد قم شده و چندین ماه اقامت نموده و از غالب شهرستانها علماء و طبقات دیگر به ایشان ملحق که تفصیل آن در آثار الحججه و کتب دیگر مسطور است تا اینکه خواست عزیمت به تهران کند با آن جمعیت و کار را یکسره نماید که اجلس رسید و از دنیا رفت و آن نهضت و جنبش مبدل به سوگواری و تشییع از آن عالم مجاهد گردید و جنازه او را حمل به نجف کردند

صاحب تذکره القبور گوید حاج شیخ نورالله مسجد شاهی: حاج شیخ مهدی معروف به حاج آقا نورالله فرزند شیخ محمدباقر عالم سیاسی و مجتهد عالیقدر در اصفهان متولد شده و در اصفهان و نجف نزد علماء تحصیل نموده پس از مراجعت به ایران در عداد علماء سیاسی و متنفذ قرار گرفت در جنگ بین الملل اول در اثر سوء سیاست و اغوای جمعی به نفع آلمانها اقداماتی نمود... و در مجلس موسسان اول و خلع سلطنت از خاندان قاجار از اعضاء مؤثر بوده و در ۱۵ ربیع الاول سال ۱۳۴۶ قمری به پاره‌ای از جهات با جمعی از علماء اصفهان به قم مهاجرت نمود و سرانجام پس از مدتی توقف در آنجا و نتیجه نگرفتن از مهاجرت و تفرقه علما در شب غره رجب سال مزبور در قم وفات یافته و جنازه به نجف اشرف منتقل گردید. ماده تاریخش را انصاری اصفهانی چنین سروده است.

بدا فی وجهه نوراً و غاباً

لذا ارخت (غاب مهبط النور) ۱۳۴۶ ق

آثار ایشان از این قرار است ۱- خصال الشیعه ۲- دیوان اشعار عربی و فارسی ۳- شرح حال برادرش مرحوم شیخ محمدحسین.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۷/ ۱۶۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۳۵- ۲۳۴/ ۱).

مهدوی دامغانی، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدرضا بن العلامه المحقق آیت‌الله حاج شیخ محمد کاظم دامغانی از مدرسین مبرز و ممتاز و به افضل معاصر مشهد است. وی در آخر صفرالخير ۱۳۵۲ قمری در مشهد متولد شده و پس از خواندن دروس فارسی و فراغت آن در سال ۱۳۶۴ قمری به تحصیل علوم عربی پرداخته و تا سال ۱۳۶۸ ق ادبیات عربی (سیوطی مغنی مطول شرح نظام مقامات حریری) را خدمت استاد معروف آقای ادیب نیشابوری خوانده و منطق را از آقای حاج شیخ محمد عیدگاهی فرا گرفته و تا سال ۱۳۷۳ ق متون فقه و اصول را از مرحوم آیت‌الله حاج شیخ هاشم قزوینی و والد ماجد خود آموخته و از سال ۱۳۷۳ قمری که حضرت آیت‌الله العظمی میلانی به مشهد مقدس آمدند تا اواسط سال ۱۳۹۳ قمری که حضرت آیت‌الله العظمی میلانی به مشهد مقدس آمدند تا اواسط سال ۱۳۹۳ ق مدت بیست سال از بحث فقه و اصول آن جناب استفاده نموده و ضمناً به تدریس متون فقهی و اصول (لمعه و قوانین و رسائل و مکاسب و کفایه) در مسجد گوهرشاد و بعضی از مدارس بزرگ پرداخته. اکنون مدت ۶ سال است که به گفتن خارج فقه و اصول اشتغال دارد.

آثار علمی و اجتماعی آن جناب از این قرار است.

۱- تفسیر سوره هل اتی ۲- تفسیر سوره احزاب ۳- تقریرات اصول ۴- تأسیس کتابخانه عمومی در مسجد الحجه که بیش از چهار هزار جلد کتاب دارد و مورد مطالعه عموم می‌باشد.
در مسجد مزبور هم به اقامه جماعت و خدمات دیگر دینی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مهدوی دامغانی، محمد کاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد کاظم بن العالم الجلیل آخوند ملا علی‌اکبر (مهدوی) دامغانی دامت برکاته از علماء اعلام و محققین عظام و مدرسین والامقام استان خراسان و حوزه علمیه مشهد مقدس معاصر می‌باشد در جمادی‌الثانی ۱۳۱۶ قمری در قریه شمس‌آباد یک فرسنگی دامغان متولد گردیده و قبل از بلوغ پدر و مادر خود را از دست داده و قهراً سرپرست برادر و خواهر خود گردید و تا آن تاریخ مقداری از علوم ادبی فارسی و عربی و کتب متداول آن زمان را خوانده بود و برای تکمیل تحصیلات با تشویق بعضی از دوستان پدرش با پای پیاده و نیتی پاک به عزم عتبه‌بوسی و تحصیل به طرف مشهد مقدس حرکت کرده و در بدو ورودش و تشریف به آستان قدس با مرحوم آخوند ملا بمانعلی محقق و واعظ معروف آن زمان خراسان (پدر مرحوم حاج شیخ عباسعلی محقق دوم) که از بنی اعمام والدش بود برخورد کرده وی از قیافه او را شناخته و به منزل خود برده ولکن ایشان با کوچکی سن خود با صراحت لهجه می‌گوید من به قصد زیارت شما نیامده‌ام و جای طلبه مدرسه است.

از همان اول ورود سال ۱۳۳۱ قمری در مدرسه دودر ساکن و با جدیت فراوان به تکمیل ادبیات نزد مرحوم عبدالجواد ادیب

نیشابوری و فاضل بسطامی پرداخته و سپس قوانین را نزد مرحوم شهرستانی و سطوع عالیه را خدمت مرحوم آشیخ حسن برسی و شیخ محمد قوجانی و آشیخ محمد نهانندی صاحب (تفسیر) که هر سه از شاگردان برجسته مرحوم آخوند خراسانی بودند آموخته و سپس مدت چهارده سال تمام در محضر درس آیت‌الله حاج میرزا محمد خراسانی فرزند برومند مرحوم آخوند رحمة‌الله و ضمناً مدت ده سال متمادی در محضر مرحوم آیت‌الله آقای حاج میرزا مهدی اصفهانی و حدود سه سال در محضر مرحوم آیت‌الله حاج آقا حسین قمی و مدت یکسال خدمت مرحوم آیت‌الله آشیخ موسی (صاحب حاشیه مکاسب) به تکمیل خارج فقه و اصول پرداخته تا از اساتید خود و آیات عظام نجف مرحوم (آقازاده خراسانی و آیت‌الله نائینی و آیت‌الله آسید ابوالحسن اصفهانی) قدس‌الله اسرارهم نائل به تصدیق و اجازات اجتهاد مطلق گردید و از مرحوم آشیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب (الذریعه) و علامه سمنانی صاحب (حکمت بوعلی) و مرحوم آیت‌الله بروجردی مجاز به اجازه معموله روایتی گردیدند.

و ضمناً از سال ۱۳۳۶ قمری حوزه‌های تدریس مفصلی از قوانین و شرایع و ریاض و رسائل و مکاسب و کفایه تشکیل داده و از سال ۱۳۵۶ قمری در منزل خود منزوی و آنچه اصرار شد به هیچ شغلی داخل نگردیده در تأسیس حوزه علمیه جدید مشهد در سال ۱۳۲۰ شمسی سهم بسزائی دارد و تاکنون بیش از سه دوره خارج اصول را تدریس نموده و فعلاً مشغول بحث خارج صوم می‌باشد و در حال حاضر که سال ۱۳۹۵ قمریست متجاوز از ۵۸ سال است که در این حوزه مقدسه جلسه تدریس داشته و جمع کثیری از طلاب و فضلاء از اباحت مختلف ایشان که از آنها (نگارنده) این گنجینه است بهره‌مند گشته‌اند.

علامه دامغانی دارای سجایای اخلاقی و محامد آداب و محاسن اخلاق و صراحت لهجه و معرض از مقامات و هر گونه تظاهرات و حتی فتوا دادن می‌باشد.

در سال ۸۱ قمری مسجد جامع دامغان را که خراب شده بود تعمیر و شبستان بزرگی به مساحت هزار و دویست متر مربع ساخته و حتی تعیین امام نفرمودند: معتمدین و ائمه مسجد پنجسال متوالی اصرار کردند که اسم ایشان را بالای سر در مسجد منقوش نمایند ایشان نپذیرفته تا بالاخره به این چند کلمه راضی شدند (این عبد ذلیل را خدای توفیق داد (رب اجعلنی مقیم الصلوه و من ذریتی ربنا و تقبل دعاء)

این عالم ربانی گذشته از مراتب علمی بسیار با حال مخصوصاً در مشاهد مشرفه می‌باشد و اگر کسی حال او را در عرفات و یا حول البیت و یا اماکن مقدسه دیگر دیده باشد هرگز آن منظره‌ها را فراموش نمی‌کند.

در سال ۱۳۸۱ قمری که از سفر حج مراجعت کردند در ایام عاشورا به عراق آمده برای زیارت اعتبار مقدسه و شب عاشوراء مشرف به حرم مطهر حضرت حسین (ع) شده و بعد از اداء فریضه با پای برهنه از خیابان حضرت علی اکبر به طرف حرم مبارک حضرت ابی‌الفضل سلام‌الله علیه حرکت نمودند از دور مرحوم علامه مجاهد آقا شیخ عبدالحسین امینی صاحب‌الغدیر را دیدند سر برهنه بدون عبا گل‌آلود با حال مخصوص هنگامی که این دو مرد بزرگوار به یکدیگر رسیدند هر دو با صدای بلند مشغول گریه و دست در گردن هم انداخته و گریستند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مهدوی راد، محمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد علی مهدوی راد

محل تولد: نیشابور

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

«محمد علی مهدوی راد (غلامی اسخارزو گاران)» به سال ۱۳۳۴ در روستایی به نام (ینگجه) از بخش سر ولایت نیشابور دیده به جهان گشود. مدرسه ابتدایی را در همان دیار گذراند پس از آنکه با مقدماتی از ادب عربی نیز در همان دیار آشنا شد. آنگاه به سال ۱۳۴۸ وارد حوزه علمیه مشهد شد و در مدرسه «آیت الله العظمی میلانی» که به شیوه ای نو و با برنامه ای منظم اداره می شد؛ تحصیل علوم دینی را آغاز کرد.

وی در ۷ سال اقامت در حوزه علمیه مشهد، دروس: مقدمات، ادبیات عرب، و سطوح عالی حوزوی را در محضر استادان آن دیار بیاموخت. از استادان آن روز می توان: «حجت هاشمی خراسانی، امینی نیشابوری، صالحی نیشابوری و روانشاد سید علی اکبر بنی هاشمی و محقق ذاکری اختری (عباس علی)» را برشمرد. وی در جنب درس های حوزوی سه سال به درس تفسیر روانشاد «آیت الله حاج میرزا جواد تهرانی» و جلساتی بسیار نیز «حضرت آیت الله سید عزالدین زنجانی» و روشنگر و مهم مقام معظم رهبری «آیت الله خامنه ای» که پنجشنبه و جمعه تشکیل می شد و نیز دیگر بحثهای فکری و ایدئولوژی وی حاضر شد و این دروس اولین بذرهای علاقه و کشش به معارف قرآنی را در جان وی پاشید.

مهدوی راد پس از ۷ سال اقامت در مشهد به لحاظ تلاشهای سیاسی و تعقیب ساواک خراسان با صلاحدید خطیب بلند آوازه روزگار و مجاهد نستوه و شجاع «شهید هاشمی نژاد»، مشهد را ترک نمود و به قم هجرت کرد و در قم بود که برای ایمنی از جستجوی ساواک، نام خانوادگی اش را از غلامی به مهدوی راد تغییر داد. در قم درسهای حوزوی را پی گرفت. در قم: رسائل، مکاسب، کفایه و آنگاه دوره عالی اجتهادی فقه و اصول را از محضر استادان ارجمند آن حوزه ارجمند فرا گرفت. برخی از استادان وی در این حوزه عبارتند از حضرات آیات: «اعتمادی»، «موسوی»، «تبریزی (سید ابوالفضل)»، «پایانی»، «فاضل لنکرانی»، «ستوده»، «بهشتی»، «احمد فاضل هرنندی»، «صانعی»، «حاج شیخ جواد تبریزی»، «وحید خراسانی» و «منتظری» که بیشترین بهره را در فقه از محضر آیت الله منتظری برد که به طور مستمر بیش از ده سال در درس وی شرکت کرد و بیشتر این بهره در اصول از درس آیت الله فاضل لنکرانی که تقریباً تمام اصول دوره اول خارج وی را شرکت کرد. مهدوی راد فلسفه را در محضر حضرات آیات: «انصاری شیرازی»، «محمدی گیلانی» و «مصباح» فرا گرفت.

اولین اثر قلمی وی به سال ۱۳۵۵ با عنوان: «اسلام و شعر» در قالب مقاله ای بلند در مجله نسل نو نشر یافت. وی پس از انقلاب اسلامی ایران مدتی را در مسئولیتهای اجرایی گذراند از جمله: مسئولیت عقیدتی و سیاسی پایگاه نهم شکاری و آنگاه به حوزه بازگشت و به سال ۶۲ و پس از مقدماتی با جمعی از دوستان و همراهان، مجله حوزه را بنیاد نهاد و از شماره ۱۶ تا ۳۶ سردبیری آن را بر عهده داشت و مقالات بسیاری در نقد و معرفی کتابهای درسی حوزه، مسائل معرفتی دین و نقد و معرفی تفاسیر شیعه و سنی و تحلیل گرایشهای تفسیری در آن مجله نگاشت.

پس از آن با همکاری برخی از همراهانش مجله بینات را بنیاد نهادند که از آغازین شماره آن مدیر مسئولی مجله را به عهده گرفت. این مجله نخستین مجله قرآنی است که مهدوی راد تا شماره ۱۲ مدیر مسئول آن بوده است و پس از آن در جایگاه عضویت هیئت تحریریه آن ماند اما از مدیر مسئولی آن کناره گرفت. در راه اندازی مجله های میقات و علوم حدیث مورد مشورت بود که در هیئت تحریریه های آنها نیز حضور می یافت و مقالات بسیاری در هر دو مجله یاد شده رقم زد.

وی به سال ۱۳۶۹ پیشنهاد مجله ای را در نقد کتابهای حوزه دین به انگیزه بهسازی آثار مکتوب دینی به دفتر تبلیغات اسلامی داد و خود سردبیری آن را به عهده گرفت که اکنون ۱۷ سال است نشر می یابد و ادامه دارد و مهمترین مجله «نقد کتاب در حوزه دین» است که در این مجله نیز مقالات بسیاری نگاشته است.

مهدوی راد به سال ۱۳۶۹ وارد دانشگاه شد و از همان آغاز، تدریس مقاطع تحصیلات تکمیلی را در علوم قرآن و حدیث به عهده گرفت، اکنون بیش از ۱۵ سال حضور در دانشگاه تربیت مدرس حضور دارد و چهار سال مدیریت گروه علوم قرآن و حدیث را به عهده داشت.

مهدوی شاهرودی، عبدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم دینی.

تولد: ۱۳۲۱ ق. شاهرود.

درگذشت: ۱۳۵۸.

آیت الله عبدالله مهدوی شاهرودی پس از دوران تحصیلات مقدماتی خود در شاهرود عازم مشهد گردید و در محضر اساتید به سطوح اشتغال ورزید. در سال ۱۳۴۰ ق. به شاهرود مراجعت و در مدت یک سال توقف در شاهرود از محضر پدرش استفاده کرده و پس از آن به قم رفت و از محضر آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی و نایینی استفاده نمود. مدت دو سال نیز از محضر آیت الله عبدالکریم حائری یزدی بهره مند شد و سپس به نجف رفت و از درس آیت الله ضیاءالدین عراقی و آیت الله محقق نایینی بهره مند گردید. در سال ۱۳۵۰ بعد از فوت پدرش به شاهرود رفت و به تدریس فقه و اصول و انجام وظایف پرداخت. در سال ۱۳۳۷ ق. به علت کسالت و خستگی به تهران آمد و در مسجد مشیرالسلطنه در خیابان مولوی به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال ورزید. آثار ایشان در مقدمه‌ی کتاب راهنمای دین پدر گرامیشان آمده است.

حاج شیخ عبدالله بن آیت الله والعلامة الکبیر حاج شیخ احمد بن العلامة حاج شیخ محمدعلی بن العلامة الکبری حاج شیخ محمد کاظم (شهید خراسانی) شاهرودی از علماء مذهب و بارع معاصر تهرانست. وی در سال ۱۳۲۱ قمری در شاهرود تولد یافته و پس از دوران تحصیلات مقدماتی خود در شاهرود عازم مشهد گردیده و در محضر اساتید فن و مدرسین به سطوح اشتغال ورزیدند و در سال ۱۳۴۰ ق بشاهرود مراجعت و در مدت یکسال توقف خود در شاهرود از بحث والد عالی مقامش استفاده کرده و پس از آن به ارض طیبه قم مشرف و از محضر آیات بزرگ نجف اشرف بالاخص آیتین اصفهانی و نایینی (که در آن موقع تبعید به قم بودند) استفاده نموده و مدت دو سال هم از محضر آیت الله العظمی حائری یزدی بهره مند شده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و از دراسات و ابحاث مرحوم آیت الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت الله محقق نایینی بهره مند گردیده و در سال ۱۳۵۰ قمری بعد از ارتحال والدش بشاهرود مراجعت نموده و بتدریس فقه و اصول و انجام وظائف روحانیت اشتغال ورزیده و کم کم مرجعیت مهم روحانی و سیاسی و اجتماعی پیدا نموده تا در سال ۱۳۷۷ قمری که بواسطه ضعف و کسالت و خستگی هجرت به تهران نموده و اکنون در مسجد (مشیر السلطنه) خیابان مولوی به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: آیت الله مهدی شاهرودی از دانشمندان با صفا و معنویت و دارای محاسن اخلاق و خلیق و مهربان و در خانه بازو با

ارباب حوائج با خوشروئی برخورد نموده و حتی الامکان رفع حوائج آنان را مینماید و این نویسنده در محرم ۱۳۷۴ قمری که سفری بشاهرودی نمودم از نزدیک به سجایای اخلاقی و وارستگی ایشان آشنا شده‌ام. خدمات و آثار ارزنده ایشان بسیار است هر کس طالب باشد به مقدمه کتاب راهنمای دین مرحوم والدش مراجعه نماید. فرزندان ارجمندی دارد که از آنهاست فاضل دانشمند و ادیب خردمند جناب آقای دکتر محمد شریف مهدوی که در تهران به تدریس علوم جدید و قدیم و خدمات دینی اشتغال دارند. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مهدوی شهرضایی، محمد رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند حاج ملا محمد مهدی. عالم فاضل فقیه مجتهد، در حدود سال ۱۳۰۲ متولد، و در شب ۴ شنبه ۱۴ ربیع الثانی سال ۱۳۸۸ وفات یافته، در امام زاده شاهرضا مدفون گردید.

در اصفهان به درس: آخوند کاشی، و جهانگیر خان قشقائی، آقا سید ابوالقاسم دهکردی، و حاج میر محمد صادق خاتون آبادی، و در نجف از محضر: آقا شیخ مرتضی طالقانی، و آقا سید حسین بادکوبه‌ای، و آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نموده، به موطن خویش مراجعت کرده، و مقبولیت تامه یافته، در علم و عمل بی نظیر، و تا آخر عمر در انجام وظایف شرعی از نشر و تبلیغ احکام، و تدریس و اقامه جماعت و اغاثه ملهوفین و کمک به ضعفا دقیقه ای اهمال نفرموده.

از تألیفاتش: ۱- رساله ای در اخلاق ۲- رسائل متعددی در فقه و اصول و تفسیر می باشد که هیچ یک به طبع نرسیده است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مهدوی فرد، میرزا عباس

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا عباس مهدوی فرد

محل تولد: کوهدهشت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه «کوهدهشت» شدم. در سال ۱۳۶۶ برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه «خوانسار» رفتم و در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم. بعد از اتمام سطح، در سال ۱۳۷۳ در درس خارج شرکت نمودم و حدود ده سال در درس فقه حضرات آیات عظام: «فاضل لنکرانی»، «میرزا جواد تبریزی (ره)» و «مکارم شیرازی» شرکت و یک دوره خارج اصول را نزد «حضرت آیت

الله جعفر سبحانی» گذراندم.

مدت چهار سال ۸۰-۷۵ دوره تخصصی کلام اسلامی در موسسه تبلیغات تحقیقاتی امام صادق (ع) را گذرانده و در سال ۱۳۸۰ با معدل کل ۱۴/۱۹ فارغ التحصیل دوره هفتم این موسسه شدم. در تابستان ۸۵ موفق به دفاع از رساله علمی سطح چهار با موضوع «بهائیت» و با نمره ۵/۱۷ شدم. حدود هشت سال است که با مرکز پژوهش‌های حوزه به صورت متناوب در زمینه پاسخگویی به سوالات کلامی همکاری داشته و دو طرح را نیز برای این مرکز به پایان رسانده و در دست چاپ می‌باشند. کتابی با عنوان: «فلسفه انتظار» با همکاری دوستان و کتابی با عنوان: «بهائیت».

مدت چهار سال است که در دانشگاه‌های ملایر، در مجتمع آموزش عالی ملایر وابسته به «دانشگاه بوعلی سینای همدان»، «دانشگاه آزاد اسلامی اراک» و «دانشگاه اراک» به تدریس دروس (اندیشه اسلامی، تاریخ اسلام، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن) اشتغال دارم.

مهدوی قزوینی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود شریعت مهدوی فرزند عالم ربانی و سالک سبحانی مرحوم حجة الاسلام والمسلمین آیت الله حاج شیخ فضلعلی قزوینی قدس الله سره.

وی در حدود ۱۳۳۵ قمری هجری در قزوین متولد شده و مقدمات را در مدرسه الثفاتیة قزوین خوانده و سپس عزیمت به مشهد نموده و ادبیات را در خدمت مرحوم ادیب نیشابوری استفاده نموده و بعد به قم آمده و سطوح را در قم تکمیل نموده و در فتنه کشف حجاب به توفیقات الهی در معیت والد ماجدش هجرت به نجف اشرف نموده و از محضر و دراسات مرحوم آیت الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت الله حاج شیخ کاظم شیرازی بهره‌مند و موفق به دریافت اجازه اجتهاد از آن دو بزرگوار شده است.

دوره کامل اصول و معظم فقه استدلالی را از محضر حضرت آیت الله العظمی حاج سید ابوالحسن اصفهانی استفاده کرده و مورد عنایت مخصوص معظم له قرار گرفته و پس از چهارده سال اقامت در آستان باب مدینه علم حضرت علی علیه الصلوه والسلام در خدمت والد ماجدش برای تشریف به زیارت ارض اقدس به ایران آمده و پس از رحلت والدشان در قم باز به نجف اشرف مشرف ولی کمتر از دو سال اقامت و به واسطه جهاتی مراجعت به قزوین نموده و به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و تدریس و ترویج دین و تبلیغ اسلام و نشر معارف اسلامی پرداخته و بحمد الله تاکنون اشتغال دارند ادام الله عزه و توفیقه.

شرح احوال والد ماجدش را در جلد دوم معجم القبور و وفیات الاعلام مذکور می‌باشد. در چند صفحه قبل در بخش ق یادآور شدم.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مهدوی قمشاهی، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا محمدرضا مهدوی فرزند مرحوم آیت‌الله میرزا محمد مهدی که از فقهاء و حکماء نامدار بوده و در سال ۱۳۲۰ قمری در شهرضا (قمشه سابق) متولد و تحصیلات مقدماتی و فقه و اصول و فلسفه را در آغاز نزد پدر خود فرا گرفته و پس از آن به اصفهان مسافرت نموده برای ادامه و تکمیل معلومات در مدرسه صدر اصفهان از محضر مرحوم آخوند ملا-محمد کاشی و میرزا جهانگیرخان قشقائی که هر دو از فحول علماء و مدرسین نامدار حوزه علمیه اصفهان بوده‌اند استفاده نموده و پس از آن به نجف اشرف مهاجرت و از محضر مرحوم حاج شیخ مرتضی طالقانی و آقا سید حسین بادکوبه‌ای و حاج میرزا محمدصادق مدرس و آقا سید ابوالقاسم دهکردی بهره‌مند شده و به قصد دیدار والدین خود به شهرضا برگشته سپس مراجعت به نجف اشرف نموده فقه و اصول را نزد مرحوم آیت‌الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین غروی (معروف به کمپانی) به کمال رسانیده و در فقه و اصول و فلسفه و حکمت تبحر کامل یافته و برای خدمات دینی و روحی به زادگاه خود (قمشه) مراجعت و به راهنمایی و ارشاد و امامت و درس و بحث پرداخته و با آیات عظام بروجردی و شاهرودی و میلانی ارتباط و روابط نزدیک داشته است.

دارای اجازات جامعی از مراجع بزرگ معاصر خود چون مرحوم آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین فشارکی و غیره بوده و برای مردم شهرضا و حومه آن مخصوص طلاب علوم دینیہ ملجاء و پناهگاهی بوده تا در تیرماه ۱۳۴۷ شمسی به رحمت ایزدی پیوسته و در رواق آستانه شاهرضا به خاک رفته است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

مهدوی کنی، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدرضا مهدوی کنی از علماء معاصر جمهوری اسلامی می‌باشند. در سال ۱۳۱۰ در قصبه کن که اکنون منطقه غربی تهران را در جنب شهر زیبا تشکیل می‌دهد به دنیا آمده و پس از خواندن دروس ابتدائی عزیمت به قم نموده است.

مقدمات و سطوح وسطی و نهائی را در خدمت مدرسین حوزه به پایان رسانیده آنگاه به درس خارج فقه آیت‌الله العظمی بروجردی و فقه و اصول امام راحل آیت‌الله العظمی خمینی و نیز تفسیر مرحوم علامه طباطبائی شرکت و استفاده نموده و پس از فوت آیت‌الله العظمی بروجردی و تبعید امام به تهران آمده و در مسجد جلیلی به اقامه جماعت و تبلیغ پرداخته و مظالم و بدع رژیم طاغوتی را بازگو نموده و از طرف ساواک و رژیم ستمشاهی بازداشت و راهی زندان گردیده و چند سالی را در زندانهای طاغوتی گذراند و پس از بازگشت امام و آزادی و انقلاب و تشکیل حکومت جمهوری اسلامی از طرف امام سرپرستی و مدیریت مدرسه علمیه مروی را متعهد شده و نیز مدرسه امام جعفر صادق علیه‌السلام را با بعضی از همگان اداره و مدتی نیز مسئولیت وزارت کشور را داشته و در حال حاضر نیز در مدرسه مروی اشتغال به تدریس و تربیت طلاب و محصلین علوم دینیہ را دارند.

پدر همسر ایشان مرحوم آیت‌الله حاج شیخ زین‌العابدین سرخه‌ای که در جلد چهار گنجینه دانشمندان و اختران فروزان ری و طهران چاپ شده می‌باشند.

برادر بزرگوار ایشان آقای حاج شیخ مهدی حاج باقری از ائمه جماعت و علماء معاصر قصبه کن می‌باشند.

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: -، دانشکده: -، دانشگاه: امام صادق (ع)

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیل در حوزه علمیه قم در علوم دینی به مدت ۱۳ سال و ۲ سال در تهران، شاگرد اساتیدی چون آیت‌الله بروجردی، آیت‌الله العظمی امام خمینی قدس سره، آیت‌الله العظمی علامه طباطبائی و آیت‌الله العظمی گلپایگانی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه امام صادق.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

علوم دینی، اصول فقه، تفسیر قرآن کریم، فلسفه، کلام و استاد راهنمای یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

تفسیر، فقه، عقائد، اصول، اقتصاد اسلامی و اخلاق.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: -، تعداد مقالات بزبان خارجی: -.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مهدوی گلپایگانی، مهدی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

السید مهدی الموسوی المهدوی الگلپایگانی از اجله علمای وقت و زمان و جامع المعقول و المنقول بوده تحصیلاتش در اصفهان و پس از مراجعت مدتها مجلس درس داشته و فضلاء به درس او حاضر می‌شدند معظم له عالمی فحل و با شهامت و خوش محاوره بود قصص و حکایاتی از ایشان و رد زبان خاص و عام است در سال ۱۳۲۲ شمسی از دار دنیا رفت و در حجره جنب درب ورودی مسجد امام به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مهدوی لاهیجانی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم علوم دینی.

تولد: نیمه شعبان ۱۳۱۳، نجف اشرف.

درگذشت: ۲۹ مرداد ۱۳۷۱.

آیت‌الله مهدی مهدوی لاریجانی، پس از خواندن دروس مقدمات و سطوح، در محضر بزرگان حوزه‌ی نجف، چون حضرات آیات عظام میرزای نایینی، آقا ضیاء عراقی سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمدجواد بلاغی، شیخ شعبان گیلانی، شیخ عبدالحسین رشتی و دیگران فقه، اصول، کلام، حکمت، و هیئت و ریاضیات را بیاموخت. آنگاه پس از اخذ اجازات متعدد از بزرگان نامبرده، برای ترویج دین و بسط دانش به لاهیجان بازگشت و به تربیت فضلاء، اقامه‌ی جماعت، رهبری فکری مردم بنای مساجد و مدارس همت گماشت. یکی از خدمات ایشان تأسیس حوزه‌ی علمیه‌ی لاهیجان و بازسازی مدرسه دینی جامع لاهیجان بود.

آیت‌الله مهدوی به هنگام دستگیری، و زندانی شدن حضرت امام (ره) در سال ۱۳۴۲، در اعتراض به رژیم و حمایت از مرجعیت امام خمینی با همراهی آیت‌الله حاج سید بحرالعلوم به تهران مهاجرت نمود. ایشان با شروع حرکت توفنده‌ی مردم در جهت محور رژیم ستمشاهی از هر گونه پشتیبانی و همیاری ملت دریغ نورزید و حتی با کھولت سن در تظاهرات شرکت می‌کرد.

از اجازات ایشان علاوه بر اجازات اساتیدش، می‌توان از اجازات حضرت آیات عظام بروجردی، حکیم، شاهرودی، میرزا احمد آشتیانی، سید جمال‌الدین گلپایگانی، میرزا آقا اصطهباناتی و سید عبدالهادی شیرازی نام برد. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

مهدوی نیا، محمدتقی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد تقی مهدوی نیا

محل تولد: زرین شهر اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از گذراندن دوره ابتدائی و دبیرستان در «زرین شهر اصفهان» وارد حوزه علمیه زرین شهر شدم و تا سال ۱۳۵۰ بخشی از مقدمات را گذراندم. سپس برای ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه قم شدم و تا سال ۱۳۵۷ دروس سطح را گذراندم. سپس به خارج فقه و اصول مشغول شدم و به مدت ۱۵ سال دروس خارج فقه و اصول را نزد اساتید مختلفی مانند: «آقای فاضل لنکرانی»، «مرحوم آقای شیخ جواد تبریزی»، «آقای وحید خراسانی» و ... فرا گرفتم.

همزمان با تحصیل در حوزه، در موسسه امام خمینی (ره) از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۸ دوره عمومی و تخصصی را گذرانده و در رشته «علوم قرآنی» فارغ التحصیل شدم. ضمناً در این مدت به تحقیق و پژوهش در موضوعات گوناگون «تفسیری و علوم قرآنی» پرداختم و مقالات گوناگونی در زمینه «مصونیت قرآن از تحریف»، «مصاحف منسوب به اصحاب»، «روش تفسیر اهل بیت ع»، «معیارهای تمدن» و «وجوه اعجاز قرآن» به صورت فردی یا گروهی نوشتم. تدریس در حوزه‌های علمیه، ارگانها و نهادهای انقلاب اسلامی و

دانشگاه، همچنین مدیریت حوزه علمیه جزء برنامه‌هایی از این سنوات بوده است. از سال ۱۳۵۴ تاکنون در مناسبت‌های گوناگون در شهرهای مختلف و روستاها به تبلیغ دین اسلام نیز اشتغال داشتم.

مهدوی هرستانی، مصطفی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مصطفی مهدوی هرستانی فرزند مرحوم حجة الاسلام والمسلمین آقا سید مهدی معروف به بحرالعطاء فرزند مرحوم حجة الاسلام والمسلمین آقا سید محمد موسوی هرستانی از آیات عظام و علماء بنام و دانشمندان کرام معاصر اصفهان بوده که در سال ۱۳۲۹ قمری در یک خانواده اصیل و روحانی در قریه هرستان ماریین اصفهان به دنیا آمده است.

والد آن مرحوم آقا سید مهدی ملقب به بحرالعطاء از اعظم علمای آن منطقه بوده که با سی و سه واسطه به حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام می‌رسد. مرحوم حاج آقا مصطفی مهدوی تحصیلات مقدماتی و سطوح خود را در اصفهان در مدرسه جده بزرگ اصفهان نزد اساتید بزرگ نظیر مرحوم آقا شیخ محمدعلی دزفولی و مرحوم آقا شیخ محمدحسن نجف‌آبادی و مرحوم آقا سید مهدی درچه‌ای و حاج آقا رحیم ارباب و آقا سید محمد نجف‌آبادی فرا گرفته است.

یک دوره فقه و اصول و فلسفه را خدمت مرحوم آیت‌الله حاج سید علی نجف‌آبادی و مرحوم حاج شیخ محمدرضا ابوالمجد (مسجد شاهی) فرا گرفته سپس عزیمت به قم نموده و مدتی در درس حضرات آیات عظام حایری یزدی (مؤسس حوزه علمیه قم) و مرحوم آیت‌الله صدر و حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌الله حجت‌القدس‌الله اسرارهم شرکت نموده و در سال ۱۳۶۲ قمری هجری عزیمت به حج نموده و در مراجعت از حج به اعتاب عالیات مدت هشت سال در نجف اشرف اقامت نموده و مدت سه سال از محضر مرحوم آیت‌الله اصفهانی استفاده و در جلسات استفتائات آن مرحوم شرکت داشته و به مسائل مورد سؤال جواب می‌دادند و همینطور از محضر آیات عظام دیگر آنجا چون مرحوم حاج شیخ موسی خوانساری و مرحوم حاج شیخ محمدعلی کاظمینی و حاج شیخ محمد کاظم شیرازی و حاج سید جمال گلپایگانی و حاج میرزا عبدالهادی شیرازی و حاج سید محمود شاهرودی و آیت‌الله اصطهباناتی کسب فیض و علم نموده و به علت مبتلا شدن به کسالت شدید «آسم» به امر آیت‌الله میرزا عبدالهادی شیرازی در سال ۱۳۷۰ قمری به اصفهان مراجعت و مدت چهل سال در مدرسه جده بزرگ اصفهان و مدرسه ملا عبدالله به تدریس اشتغال داشتند و عده زیادی از فضلاء و طلاب حوزه علمیه اصفهان از محضر ایشان استفاده علمی می‌نمودند.

آن مرحوم مورد توجه و عنایت خاص حضرات آیات عظام و مراجع معاصر خود و حاضر حوزه نجف و قم چون مرحوم آیت‌الله میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله حاج سید محمود شیرازی و رهبر کبیر انقلاب آیت‌الله خمینی و گلپایگانی و مرعشی نجفی و مرحوم آیت‌الله حاج سید احمد خوانساری و آیت‌الله العظمی خوئی بودند.

مزایای اخلاقی آن مرحوم

آن مرحوم نسبت به علماء بزرگ گذشته و حاضر بسیار تجلیل و تکریم نموده و آنان را به خوبی و عظمت یاد کرده و در حفظ آثار آنان کوشا بوده و نسبت به آنها تواضع می‌کردند و همواره به طلاب و محصلین ابراز علاقه کرده و آنها را تشویق به تحصیل می‌فرمودند.

بسیار کریم و بخشنده و سخاوتمند بودند و به فقراء و مستمندان و خانواده‌های بی‌سرپرست کمکهای فراوانی کرده و به موسسات

خیریه خدمات و مساعدتهای بسیاری انجام داده مانند موسسه مهدیه و موسسه عسکریه و بیمارستان معلولین صادقیه و موسسه نابینایان و انجمن مددکاری امام زمان ارواحنا فداه و ایتم و کمک به ساختن مدارس قدیم و جدید هو تعمیر و تکمیل آنها را مخفیانه و دور از تظاهر و سر و صدا انجام می دادند.

مزایای علمی آن مرحوم

آن بزرگوار تبحر و تسلط و مهارت عجیبی در مسائل و مباحث فقهی داشتند و بسیار حاضر الذهن و حاضر جواب بودند. و تمام فتاوی مراجع گذشته و فعلی در نزدشان حاضر و نه تنها عوام از محضرشان استفاده می کردند بلکه علماء و دانشمندان بزرگ هم برای حل مشکل مردم را به ایشان رجوع می دادند و تسلط ایشان نه تنها در فقه و اصول بوده بلکه در فلسفه و عرفان و علم رجال نیز صاحب نظر بودند بخصوص در اطلاع به احوالات علماء کم نظیر بودند به طوری که بعضی از بزرگان و علماء از ایشان مصرانه خواسته بودند که کتابی در احوالات علماء و دانشمندان تألیف نمایند.

و همانگونه که متذکر شدم نسبت به تحصیل طلاب تشویق بسیار نموده و از خرید کتب درسی و اهداء به آنها و بذل و بخشش به آنان دریغ نمی کردند و قسمت عمده‌ای از شهریه طلاب اصفهان را به عهده داشتند.

اجازات آن مرحوم

مرحوم آیت‌الله مهدوی از بسیاری از آیات عظام چون مرحوم آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت‌الله حاج سید علی بهبهانی اجازه اجتهاد داشتند. و از مرحوم آیت‌الله حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی و آیت‌الله حاج شیخ محمدرضا ابوالمجد مسجد شاهی اجازه روایتی داشتند.

رحلت آن مرحوم

آن بزرگوار به دنبال یک بیماری طولانی صبح روز یکشنبه بیست و سوم ماه شوال ۱۴۰۹ هجری قمری رحلت نموده و بازار اصفهان و حوزه علمیه تعطیل و جنازه ایشان در روز دوشنبه با حضور کلیه طبقات و علماء و فضلاء و طلاب و بازاریان و سایر اقشار مردم اصفهان و خمینی شهر و هرستان و دیگر نقاط به طرز باشکوهی تشییع شده سپس بنا بر وصیتش حمل به قم شده و با تشییع بزرگی از طرف حوزه علمیه قم و طبقات دیگر در مقبره (۳۶) صحن مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها سلام مدفون گردید. آن مرحوم دارای فرزندان برومندی هستند که دو نفر آنها از فضلاء حوزه علمیه قم می باشند.

۱- آقا سید محسن مهدوی

۲- آقا سید محمدعلی مهدوی از افاضل محصلین اصفهانی حوزه علمیه قم می باشند که به زیور علم و عمل آراسته هستند. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مهدوی هرستانی، هدایت الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند سید محمد موسوی. فاضل صالح، از علمای سده‌ی اصفهان. در اصفهان تحصیل نموده، در روز ۵ شنبه ۸ ربیع الاول سال ۱۳۸۰ به سن متجاوز از شصت سال وفات یافته، در تکیه‌ی سید العراقرین مدفون گردید.

دانشمند محترم و ادیب کامل، آقا میرزا محمد راجی شاعر معاصر، در مرثیه و ماده تاریخ وفات او قطعه‌ای سرود بدین مطلع:

چون در جهان هستی قانون مرگ زد

نقاش، نقش حکمت در دفتر حکم زد
برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مهدوی، اصغر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

او فرزند حسین امین‌الضرب مهدوی بود. امین‌الضرب از بازرگانان متنفذ و از مروجین اصول مشروطیت بود. پدر امین‌الضرب موسوم به حاج محمد حسن و ملقب به امین‌الضرب در دو سوم از عصر ناصرالدین شاه تاجری معتبر و خیری به نام و یکی از رجال مهم مردم‌شناس در شمار بود. او مدتها مسؤول امور ضرابخانه و از یاران نزدیک اتابک امین‌السلطان بود. دکتر اصغر مهدوی پس از گذراندن دوران تحصیل در خانه و در دبستان وارد به دبیرستان دارالفنون شد و پس از آن تحصیلات خود را در دانشسرای عالی آغاز کرد. تا اینکه برای ادامه تحصیلات دانشگاهی به فرانسه رفت و در رشته اقتصاد درجه دکتری گرفت. موضوع رساله دکتریش دیوان محاسبات ایران بود. ایامی که در فرانسه درس می‌خواند مصادف با دوران جنگ جهانی دوم بود. ناچار چندی بعد از آن در فرانسه ماند تا راهها باز شد و توانست به ایران باز گردد (حدود سال ۱۳۲۷). جمعاً در روزگار جنگ سختی بسیار دیده بود.

پس از مدتی اقامت در وطن ناگزیر از سفر دیگری به فرانسه شد که منجر به سالی ماندن در آن کشور شد. در بازگشت چون دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصاد در جستجوی دانشیاران جدید برآمد او یکی از برگزیدگان برای رشته اقتصاد بود. پس به عضویت در هیأت علمی آنجا در آمد و چون شعبه اقتصاد به دانشکده اقتصاد تبدیل وضع پیدا کرد اصغر مهدوی در دانشکده جدید سمت استادی یافت و چندی گروه اقتصاد سیاسی آنجا را تصدی می‌کرد. البته به مؤسسه تحقیقات اقتصادی - که وابسته به آن دانشکده بود - هم پیوستگی علمی داشت. مهدوی هیچ گاه در پی دست یافتن به مقام و منصب سیاسی و دولتی نبود. او به مناسبت آنکه شخصیت متین و موقری داشت خود به خود ترتیب و آدابی را پیش گرفته بود که اصحاب منصب و قدرت نمی‌توانستند تصدی مقامی را به او پیشنهاد کنند. در دانشکده اقتصاد هم قبول تصدی گروه اقتصاد سیاسی، برای آن نبود که از «حق ریاست» بهره‌ور شود. او در طول مدت خدمت حقوق دانشگاهی خود را از زمان عضویت در دانشگاه به پیروی از برادر نامدارش (دکتر یحیی مهدوی) صرف چاپ مجموعه کتابهایی کرد از قبیل ترجمه قدیم فارسی از النهایه شیخ طوسی (شماره سوم در سه مجلد) به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه و رجال برقی به کوشش جلال الدین محدث و تحقیق عباس اقبال در سرگذشت میرزا تقی خان امیرکبیر و «مجموعه اسناد و مدارک چاپ نشده درباره سیدجمال مشهور به افغانی» (شماره ۲) که او و من با هم گردآوری کردیم.

به هر اندازه که از ورود در کارهای اداری و رسمی دوری می‌جست در مواردی که مربوط به قلمرو نشر کتابهای جدی و خرید نسخه‌های خطی بود و او می‌توانست همکاری داشته باشد از قبول خدمت خودداری نداشت. سالهای دراز عضو شورای کتابخانه مجلس بود و جز آن در گروه تشخیص و تقویم نسخه‌های خطی آن کتابخانه شرکت مؤثر داشت. همزمان، کتابخانه‌های مجلس سنا و مرکزی دانشگاه تهران در همین زمینه از اطلاعات بسیط و دانش تخصصی او بهره‌یاب می‌بودند. کتابخانه‌های ملی و ملک هم در موارد خاص نظر او را خواستار می‌شدند. او بهای نسخه را با عنایت و نگرش علمی و رعایت جوانب دیگر مشخص می‌کرد. گاهی که صورت مجلس برای امضا حاضر شده بود می‌گفت حق این است که فلان قدر بر مبلغی که نوشته شده است افزوده شود. مبدا

صاحب کتاب آن را نفروشد و کتاب از دست برود. یا اینکه ناراضی باشد و به اضطرار مجبور بشود که به تقویم ما تن بدهد. ضمناً باید بگویم که هیچ گاه از بابت ساعاتی که مصروف این خدمت می‌کرد دیناری نپذیرفت، یعنی به رایگانی خدمتگزار بود. در رشته شناخت نسخه‌های خطی از تیزبینان و نادره‌شناسان بود. خودش از دوره بازگشت به ایران به خریداری نسخه‌های خطی علاقه‌مندی پیدا کرده بود. چون درین زمینه ذوقی پخته‌داشت بسیار کارآمد در کهنه‌جویی عاشقانه در پی یافتن خطوط خوشنویسان بود و به تدریج برزیر و بم نسخه‌شناسی و ضوابط و قواعد خاص و پیچیده آن وقوف پیدا کرد و در همنشینی بانسخه‌شناسانی چون جعفر سلطان‌القرایی و دکتر مهدی بیانی توانست در آن رشته به خبرویت مسلّم برسد. نسخه را که باز می‌کرد به یک نگاه حکمی کارشناسانه درباره آن می‌کرد. اغلب درست و قاطع بود. در تقویم کردن نسخه‌ها مآل اندیش و دلسوز بود. قدر نسخه خطی رامی‌شناخت و همیشه نیتش بر آن بود که نسخه خریداری شود تا در کتابخانه‌های کشور بماند. ضمناً می‌گفت فروشنده نسخه خطی حتماً باید به حق خودش برسد زیرا خودش یا اسلافش آن‌را نگاه داری کرده‌اند و می‌گفت شک نداشته باشید اگر امروز فروشنده شده است اغلب به‌مناسبت آن است که نیازمند شده است.

فهرست نسخه‌های خطی از مجموعه گرانبهای او تا سال ۱۳۴۰ به کوشش دوست فقیدمان محمدتقی دانش پژوه تهیه و در نشریه نسخه‌های خطی (دفتر دوم - ۱۳۴۱) چاپ شد. پس از آن مهدوی باز نسخه‌هایی چند خریداری کرد و تعداد آنها از هزار در گذشت. درین چند سال اخیراً همکاری فاضل گرامی اشک شیرین به فهرست‌نویسی تازه‌ای از مجموعه خود پرداخته بود که به تدریج آماده چاپ می‌شد.

برای نشان دادن میزان علاقه‌مندی او به نسخه خطی می‌توانم یاد کنم از روزهای بسیاری را که شخصاً صرف وصالی اوراق پریشیده قرآن کهنه اوراق شده‌ای کرد. می‌گفت اگر به دست‌و‌صال بدهم با این دقت و دلسوزی نمی‌تواند نسخه را چنانکه شایسته است آماده تجلید کند. چون آماده شد آن را به دوستان مهندس محمدحسین اسلام پناه مقیم کرمان سپرد تا جلدی مناسب برای آن فراهم سازد.

بُخل و ضنّتی نداشت که از نسخه‌های پر ارزش او عکس برداری بشود. به همین ملاحظه اجازه داده بود تا عکاس کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران از نسخه‌هایی که کتابخانه علاقه‌مند به آنها می‌بود عکس تهیه کند. اخیراً هم دیدیم که دو مجموعه کهنه از کتابخانه او به نامهای «جنگ مهدوی» (مورخ ۷۵۳) و دیگری به نام «مجموعه فلسفی مراغه» (مورخ ۵۹۶) توسط مرکز نشر دانشگاهی به همت دکتر نصرالله پورجوادی و فهرست‌نگاری مهدی قمی‌نژاد به چاپ عکسی رسید و فایده مند رجات آنها عام شد. این دو مجموعه در برگرفته رساله‌های فلسفی و حکمی و عرفانی و از شمار نوادر مخطوطات است. اگر مهدوی به مانند اکثر مجموعه‌داران طمعکار یابخیل کردار، جسم نسخه را از آن خود می‌دانست هرگز رضایت نمی‌داد که چاپ نسخه برگردان از آنها به دسترس دانشی مردان برسد، به تصور موهوم آنکه ممکن است از بهای پولی آن کاسته شود.

او خود را نگاهبان نسخه می‌دانست ولی بمانند کتابداری رفتار می‌کرد که مسؤولیتش به اصطلاح امروز اطلاع‌رسانی و دست‌یاب کردن مراجع و منابع پژوهشی است. او عاشقانه ولی با این خصیصه به نسخه نگاه می‌کرد. البته به حق در حفاظت و ماندگاری آنها پای‌بندی داشت.

مهدوی از دوستان نزدیک مجتبی مینوی بود و مینوی او را یکی از چهار عضو هیئت امنای کتابخانه اهدایی خود بر بنیاد شاهنامه فردوسی قرار داده بود.

درین سی سال که از درگذشت مینوی گذشته است همواره با شور و شوق در جلسات هیأت‌امنا شرکت می‌کرد و چون کلید صندوق نسخه‌های خطی و اسناد و مدارک نوشته‌ای و عکسی آن کتابخانه به تقاضای دیگر اعضا به مهدوی سپرده شده بود ایشان، به دلخواهی و بی‌کراهتی این زحمت را پذیرفته بود که هر بار برای آنها که می‌خواستند نسخه خطی ببینند از خانه دورافتاده خود به

دلپذیری به کتابخانه می‌رفت و نسخه را برای دیدن مراجعه کننده در اختیار کتابدار می‌گذاشت. ایشان آقای دکتر مصطفی محقق داماد را به جای خود برگزیده است.

ایشان در شورای تولید موقوفات دکتر محمود اشراف هم عضویت داشت و قضیه چنین بود که چون استاد دانشمند آقای دکتر منوچهر مرتضوی (جانشین منصوب از جانب دکتر یحیی مهدوی) خود را از اجرای وظیفه تولید معاف داشتند شورا دکتر اصغر مهدوی را برگزید تا همسانی مرتبت که مورد نظر واقف بود رعایت شده و از نکته‌بینی و دقت نظر و امانت‌داری دکتر اصغر برخوردار باشد. باید دانست که ایشان دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی را به جانشینی منصوب خود انتخاب کرد. امانت‌داری و کردار دلسوزانه‌ای که ایشان در کارها بر خود واجب می‌دانست موجب شد که حسینعلی سودآور بنیادگذار مؤسسه فرهنگی غیرانتفاعی «دانش گستر» هم دکتر اصغر مهدوی را یکی از اعضای شورای امور خود قرار داده بود.

برای آنکه از علاقه‌ورزی مهدوی به گسترش کتابخانه مجتبی مینوی آگاهی بیشتری به دست‌افتد ناچارم قضیه‌ای را که در اولین سال درگذشت دکتر یحیی مهدوی پیش آمد بنویسم. دکتر اصغر و همسر بزرگوارشان شهین خانم مقدمات برگزاری مراسم سال را فراهم کرده و در صدد بودند که به دعوت دوستان پیردازند و در محلی شایسته و به شیوه مرسوم مجلسی آراسته را به یاد دکتر یحیی مهدوی ترتیب بدهند. من در سفر کوهستانها بودم. روزی که بازگشتم فرزند فقیدم بابک گفت غروبی اصغر آقا و سرکار خانم و مژده و جناب دکتر حسین صدیقی برای صحبت درباره نحوه برگزاری آن مجلس پیش ما خواهند آمد. تشریف آوردند و صحبت به آنجا کشید که سخنانی هم باید درباره دکتر یحیی خان گفته شود. نظر دکتر مهدوی و شهین خانم آن بود که من سخنگو باشم. طبعاً برای من وظیفه دوستی و افتخاری بایسته می‌بود ولی در یک لحظه به یاد آمد که دکتر یحیی خان مطلقاً به این گونه تشریفات پای بندی نداشت و کلیه درآمدهایی که از حق التالیف کتابهایش عاید می‌شد همه را صرف خرید کتاب برای اهدا کردن به کتابخانه مجتبی مینوی می‌کرد. بی‌ملاحظه‌ای گفتم تصور نمی‌کنم دکتر یحیی خان راضی باشد که به جای اجرای کاری فرهنگی مراسمی از آن گونه ترتیب یابد که پیش‌بینی شده است. پیشنهاد این است که مخارج برگزاری آن مجلس برای خریدن کتاب در اختیار هیأت امنای کتابخانه گذاشته شود. اصغر آقا فوراً و بی‌چون و چرا پذیرفت و گفت همین کار اصلح و موجب شادمانی برادرم خواهد بود. پس معادل دو میلیون تومان چک نوشت و با نامه‌ای به پژوهشگاه علوم انسانی فرستاد که کتابخانه مینوی بدان جا وابسته است. اگر اصغر مهدوی کتابدوست و دلبسته به کتابخانه مینوی نبود آن پیشنهاد را نمی‌پذیرفت و تن به مجلس آرای و پذیرایی دو سه ساعته می‌داد.

دکتر اصغر مهدوی به مراکز فرهنگی دیگر هم کمک می‌کرد. از جمله کمک مالی برای ساختن مدرسه در محله‌ای از اصفهان کرد که نیایش ایام جوانی خود در آنجا زیسته بود. یا اهدا کردن قالی قدیمی به موزه فرش و دستگاههای عکاسی عصر ناصری به «عکاسخانه شهر» وابسته به شهرداری.

بازگردیم به نسخه‌های خطی و علاقه‌های مهدوی بدین رشته. موقعی که در بهار ۱۳۵۷ پیش‌بینی شده بود که نمایشگاهی از هنر جلدسازی و صحافی سنتی در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران در مهر ماه ترتیب داده شود دکتر اصغر مهدوی با شور و حال خاصی به انتخاب جلدها و بازشناسی آنها یاری مؤثر کرد. در جلسه‌های مشورتی که از متخصصان مانند جعفر سلطان‌القرایی، محمدتقی دانش‌پژوه یحیی ذکاء و دیگران تشکیل می‌شد شرکت می‌کرد. همان‌طور که در این چهار سال اخیر از ارشاد و حمایت و دلسوزی در مورد «نامه بهارستان» (مجله مطالعات و تحقیقات نسخه‌های خطی) از انتشارات کتابخانه مجلس کوتاهی نداشت و یکی از مشاوران علمی آن نشریه بود و می‌دانم که آقای نادر مطلبی کاشانی (سرمدبیر مجله) گاه به‌گاه برای شور با ایشان به خدمتشان می‌رفت و مهدوی با حوصله و از سر دلسوزی آنچه باید گفت می‌گفت.

به شرکت در کنگره‌های تخصصی نسخه‌شناسی علاقه داشت. من سعادت داشتم که با هم به مجمع علمی مربوط به ضوابط و قواعد

نسخه‌شناسی یک بار به بولونیا (ایتالیا) و بار دیگر به استانبول (برگزار شده توسط مرکز باستانشناسی آلمان در ترکیه و لبنان) رفتیم و او در هر دو مجمع فیض‌رسان بود و متخصصان از او استفاده می‌کردند و از نفایس مجموعه‌اش پرسیان می‌شدند. نیز دعوت شده بود که در مجمع علمی مربوط به «سفینه تبریز» که در اواسط ماه خرداد امسال در لیدن (هلند) تشکیل می‌شود شرکت نماید ولی فرا رسیدن مرگ، شرکت کنندگان را از دریافت آگاهی‌هایی که او می‌توانست در آن مجمع ابراز کند محروم ساخت.

در زمینه معرفی نسخه‌های خطی، یکی از کارهای ارجمند او فهرست‌نگاری مندرجات جنگ اسکندر میرزای تیموری است که نسخه‌اش در کتابخانه بریتانیا نگاه داری می‌شود. این معرفی نامه در جلد بیست و ششم فرهنگ ایران زمین (۱۳۶۵) چاپ شده است. دیگر تنظیم جدول تطبیقی است از اختلاف ضبط در نسخه‌های خطی مهم دیوان حافظ (هجده نسخه) که در نامواره دکتر محمود افشار جلد نهم (۱۳۷۵) چاپ شده است. جدول‌هایی که برای نمایاندن تفاوتها ترتیب داده است حکایت می‌کند از این که با چه دقت و حوصله‌ای هر کلمه‌ای را در هجده نسخه دیده بود و یکی را با دیگری به مقایسه کشانیده است.

بخشی از دوران زندگی پژوهشی مهدوی به بازبینی و ترتیب اسناد و مدارک تجاری و مالی گذشت که از دستگاه حاج محمدحسن امین دارالضرب و حاج حسین آقا امین الضرب بر جای مانده است و صندوقهای مخزون بدانها سالهای دراز در زیرزمینهای خانه پدری گرد و خاک می‌خورد. دکتر اصغر پس از اینکه از اروپا بازگشت و متوطن در خانه پدری شد یک یک صندوقها (بخدان) را باز می‌کرد و اسناد اوراق گذشته را به دقت از یکدیگر جدا می‌ساخت و نوع به نوع در پاکتها و جزوه‌دانه‌ها قرار می‌داد و برای آنها فهرست و راهنما تهیه می‌کرد. درین کارمدتی دکتر حسین محبوبی اردکانی و مهدی قمی نژاد او را یاری می‌دادند. مخصوصاً قمی نژاد بامداومت این کار را به علاقه‌مندی پیش می‌برد.

همین جا به یاد افتاد که باید از همکاری مفید دکتر مهدوی با دکتر حسین محبوبی اردکانی در کار دیگری یاد کنم و آن تهیه فهرست و شناساندن اشخاص در عکسهای قدیمی بود که کتابخانه مرکزی توانسته بود اصل آنها را ازین گوشه و آن گوشه خریداری کند. آن قدر که یاد دارم مدت دو سالی این کار دوام داشت و هفته‌ای یک روز آن دو دانشمند تهیه آن فهرست را دنبال می‌کردند.

مجموعه آرشیوی پدری مهدوی اهمیت بیش بهایی دارد، ازین روی که دستگاه تجاری امین‌الضربها به مدت بیش از هفتاد سال بر جای بود و طرف مراجعه مملکتی بودند و اغلب رجال کشور مانند والیان، حاکمان با آن دستگاه خصوصی مطالبات و مرادات و معاملات و مکاتبات داشته‌اند. مهدوی مقاله‌ای مهم و اساسی در معرفی این مجموعه به دو زبان فارسی و فرانسه نوشته و از روی متن فرانسه ترجمه به انگلیسی شده و انتشار یافته است.

جمعی از دوستان و همکاران گرامی مهدوی مانند دکتر هوشنگ ساعدلو، دکتر منوچهر آگاه، دکتر ناصر پاکدامن، پرویز خزیمه علم در سالهای دهه پنجاه در صدد آن برآمدند تا مقداری از این اسناد را که برای روشن شدن تاریخ تجاری، مالی و وضع پولی و اقتصادی مملکت تا عصر پهلوی مفید است به صورت کتابهایی سندی منتشر کنند. از جمله مکتوب‌های مربوط به تجارت در سال قحطی ۱۲۸۸ مورد نظرشان قرار گرفت. ولی با پیش آمدن حوادث سال ۱۳۵۷ آن نیت بلند متوقف ماند. ولی بعدها دکتر اصغر مهدوی همت کرد و اجازت فرمود که آن مجموعه به نام «اسناد تجارت ایران در سال ۱۲۸۸» به چاپ برسد و رسید.

یکی دیگر از کارهای برجسته و نمونه که براساس اسناد موجود نزد خود انجام داد استخراج و جداسازی نامه‌های مربوط به تجارت یزد و ملک داری حاج محمدحسن در این شهر بود. مهدوی نخست گزارشی از این اسناد را به صورت مقاله نوشت و افتخار نشرش را به نامواره دکتر محمود افشار داد. سپس به استدعای من به استخراج مواد مهم مندرج در نامه‌ها پرداخت و چون آن کار پایان گرفت توانستیم مطالب را موضوع بندی کنیم. حاصل آن همکاری کتابی است که بانام «یزد در اسناد امین الضرب» نشر شده است و قطعاً یکی از اهم منابع برای آشنا شدن با خصائص تجارت یزد و منضمات بدان است. تردید نیست که نمونه خوبی است از آنچه

می‌توان درباره شهرهای دیگر، از جمله کرمان، مشهد، اصفهان و تبریز براساس آن مجموعه بیش بها انجام داد. مرحوم اصغر آقا درین سه چهار سال اخیر گاه به گاه به خواندن نامه‌های کرمانیان می‌پرداخت و یادداشت برداری از آنها را با کمک خانم نرگس نفر - با مجموعه اسناد آشنایی پیدا کرده است - آغاز کرده بود.

آن قدر که به یاد دارم در یکی از دوره‌های کنگره تحقیقات ایرانی هم توصیف شایسته‌ای از این مجموعه بی‌نظیر ارائه کرد. مهدوی به شرکت در این کنگره دلبستگی داشت و در اغلب مجامع آن حضور می‌یافت مگر آن مواقعی که در ایران نمی‌بود. ایرانشناسی از علاقه‌های دلپسند او بود و می‌کوشید که از دریافت اطلاعات مربوط بدان دور نماند.

یک بار هم که به کنفرانس اوضاع اقتصادی ایران در عصر قاجار برگزار شده در مؤسسه خاورمیانه دانشگاه آکسفورد رفته بودیم، به خواهش شرکت کنندگان درباره این مجموعه گزارش موشکافانه دیگری ارائه کرد.

دیگر از کنگره‌هایی که حضور او ارزشمند افتاد در مجمعی بود که مؤسسه «ایلیکس» وابسته به دانشگاه هاروارد در همان دانشگاه برقرار کرد و من می‌دیدم فضیلتی شرکت کننده با او چه گونه مباحثاتی و مفاوضاتی را دنبال می‌کنند. از آنجا خود را به لوس آنجلس کشیدیم و به خواستاری او سر زدیم به موزه هنرهای آن شهر که نمایشگاهی راجع به آثار هنری عصر تیمور به نمایش گذاشته شده بود و موزه داران جوان از اطلاعات مهدوی نسبت به نسخه‌های خطی کسب نظرمی کردند. ایشان در کنگره کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی (مشهد) هم شرکت کرد و چون روزی گذشت گفت وقت آن است که سری به کلات و سرخس بزنیم تا در کرانگی خاوران، شهرهای تاریخی را دیده باشیم.

سخن از مجموعه اسناد در میان بود. پس باید بنویسم که صندوقهایی حاوی کتابها و اسناد و مدارک سید جمال‌الدین اسدآبادی مشهور به افغانی در خانه امین دارالضرب بر جای مانده بود (در سال ۱۳۰۸ قمری که سید را از ایران باز گردانیدند).

مهدوی چون دریافت که کتابها و اسناد از آن سید جمال بوده است قاصد بر آن شد که آنها را به یکی از کتابخانه‌های مملکت بدهد و جزو کتابخانه خود نگاه‌داری نکند. اما پیش از این که چنان نیتی را عملی سازد به من پیشنهاد کرد که مشترکاً فهرستی از اسناد تهیه کنیم. این کار وقت گیر در مدت دو سالی انجام شد و به صورت کتابی از محل حقوق دانشیاری او در سلسله انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۲ به چاپ رسید با نام «مجموعه اسناد و مدارک چاپ نشده درباره سید جمال‌الدین مشهور به افغانی».

مهدوی تاریخ قاجاری را - مخصوصاً در عصر ناصری و مظفری به بعد - از حیث اجتماعی و رجالی و اقتصادی - خوب می‌شناخت. قسمتی از این آگاهی را از مطاوی اوراق و اسناد تجاری خاندان خود حاصل کرده بود. قسمتی هم دانستنی‌هایی بود که از پدرش و اقربان او - چه در ایران و چه اروپا - شنیده بود. مقاله «روزگار یک اهل قلم در دوره قاجار» مندرج در راهنمای کتاب (۱۳۵۴) ۱۸ راجع به بدایع نگار طهرانی که با همکاری دکتر هما ناطق به رشته نگارش درآمده و نیز «چند نامه مربوط به ایران» که در کتاب «هفتاد مقاله» جشن نامه دکتر غلامحسین صدیقی نشر شده (۱۳۷۱) یادگاری است از دلبستگی او به شناساندن منابع آن دوره و سرگذشت ایرانیان. تاریخ آن دوران در ذهن اصغر مهدوی مجسم و بی‌سایه بود. به خوبی می‌دانست که دوام و قوام جامعه در آن روزگاران متکی به چه نوع عوامل اقتصادی و مالی بوده و طبقات مختلف چگونه و با چه مؤونه‌ای روز خود را به شام می‌رسانیده‌اند. نیک می‌دانست که میزان فقر و مسکنت و بی‌درآمدی ناشی از چه بوده است. این نکته امتیازی است برای دانای علم اقتصاد سیاسی و همیشه بر من روشن بود که اقتصاد خوانها و اقتصاددانهای دیگر ایران از آن گونه سرچشمه بهره وافی نداشته‌اند.

حال که سخن از اقتصاد در میان است ضرورت دارد که نام سه تألیف او را بیاورم. نام یکی «تشکیل و تقویم محصول ملی» است (تهران، ۱۳۳۹). پیش آن کتابی به نام «قیمت» نوشت که در سلسله انتشارات اهدایی خود او به چاپ رسید (تهران، ۱۳۳۷) و تجدید چاپ هم شد. سومین کتابش «اقتصاد - کلیات» نام داشت (تهران، ۱۳۴۱).

یکی از پژوهشهای برجسته مهدوی تصحیح و چاپ انتقادی و نمونه‌وار ترجمه فارسی

سیرت رسول الله از عصر سعدی است. او آن را از روی پنج نسخه اساسی تر و سه نسخه دیگر باروش علمی و دقت اعجاب‌انگیز به انجام رسانیده است. سیره تنها کتاب جامع و مدوونی است از قرن دوم اثر محمد بن اسحق که به دست رفیع‌الدین اسحق بن محمد همدانی قاضی ابرقوه از روی روایت عبدالملک ابن هشام در نیمه دوم قرن هفتم به فارسی نقل شده است. مهدوی مقدمه‌ای متقن و محققانه در دو بیست و بیست صفحه دارد و آنچه را که در معرفی متن و نسخه‌ها و سوابق مربوط به سیره در بایست بوده به قلم استوار و گیرا منضم کرده است. پس از اینکه متن را در دو مجلد در سلسله انتشارات بنیاد فرهنگ ایران منتشر کرد (۱۳۶۰) تصحیح و انتشار «خلاصه سیرت رسول الله» را که تلخیص و انشای شرف‌الدین محمد بن عبدالله بن عمر از علمای قرن هفتم هجری است با همکاری مهدی قمی نژاد به سرانجام رسانید (۱۳۶۸). بر این متن هم مقدمه‌ای گویا و مبسوط در یکصد و بیست و هفت نوشت. مهدوی دارای صفات ممتاز انسانی بود. نیکوکار بود و نسبت به کسانی که حس می‌کرد نیازمند به نوعی توجهند کمک و مساعدت می‌کرد و به گونه‌ای که پنهان و پوشیده می‌ماند.

مهدوی ضنّت و بخل نداشت از این که دیگران از منابع و مدارکی که او به دشواری گردآوری کرده است بهره‌وری یابند. هر دانش‌پژوهی را به خوش‌رویی پذیرا می‌شد و آنچه را که مطلوب شخص بود بر می‌آورد.

مهدوی زندگی در باغ و خانه پدری را بر هر جای دیگر برتر می‌دانست و از آنجا دل بر نمی‌کند. در نگاهبانی آن میراث که برای او جنبه‌ای معنوی و تاریخی داشت کوشا بود. تصرفاتی که در آن ساختمان شد، از قبیل تبدیل کردن انبارها و آشپزخانه گنبدی شکل قدیم به سالن پذیرایی، بر زیبایی مجموعه بسیار افزود. مهندس پرویز کیهان - پسر دایی مهدوی - که مجری طرح بود نه تنها صدمه‌ای به آن بنای یادگار نزده است بلکه مهارتهایی را به کار برده است که هر بیننده‌ای را به اعجاب و تحسین وامی‌دارد. مهدوی ازین حال و شور لذت می‌برد و بیشتر مصرّب ماندن در آن خانه محله قدیمی می‌شد.

مهدوی نسبت به برادر بزرگتر خود - دکتر یحیی مهدوی - حسّ احترام زائد الوصف داشت و یحیی نیز نسبت به او. هر دو در همین باغ مورد سخن زندگی می‌کردند.

مهدوی نکته سنج و بدیعه‌پرداز ولی آرام و خوش برخورد بود. در مباحثات و مجادلات از کوره در نمی‌رفت. به تندی گرایش نداشت. در جمع بیشتر نپوشنده بود تا گوینده. سخنان مخالف را می‌شنید و اگر با گفته‌ای هماواری نداشت و خوشایندش نبود و نمی‌خواست که به صورت لفظ ابراز خلاف گویی کند دو کف دستش را با حرکتی ملایم به دو سو می‌کشاید تا بدین تمهید اظهار ابهام و اشکال نسبت به گفته معارض کرده باشد. یا این که می‌گفت چیزی در این مورد نمی‌دانم.

مهدوی سفر دوست بود. از سال ۱۳۴۰ به این سو چند ده هزار کیلومتر با هم در اکناف خاک وطن گردش و از گوشه و کناره‌های پرت و خرده پا دیدار کردیم. نخستین سفرمان به یزد بود. غروب از تهران حرکت کردیم و نیمه شب مجبور شدیم در بیابانی نزدیک به ارجنان (عقدا) اتراق کنیم. راه خاکی و پر شن بود و من خسته از رانندگی. بهرام و کوشیار که کوچک بودند همراهان بودند. جل و پلاسی را که به همراه داشتیم بر صحرا گسترده و به خواب خوشی رفتیم. مهدوی در بیابان قفر بی‌رفت و آمد و سکوت محض ناآرامی نشان نداد. می‌گفت به یاد ایامی افتاده است که با پدرش در سفر خراسان چنین شبی را گذرانیده بوده است. مرادم آن است که از رنج سفر نمی‌هراسید. پس از آن بارها در سفرها دشواریها می‌دید ولی خم به ابرو نمی‌آورد. در سفر به همه چیز می‌نگریست و درباره دیده‌ها می‌اندیشید و نکته‌ای را اگر فریاد می‌آورد می‌گفت. خرابه‌ها، قنات‌ها، کشت کاریها هر یک به نحوی و مناسبتی جلب نظرش را می‌کرد. چون به غریبه‌ای می‌رسیدیم می‌گفت از این مرد پرسشی بکنیم و از وضع و حال محل اطلاعی به دست بیاوریم. مردمان قدیمی و بومی برایش معنی خاص داشتند و برایش محترم بودند. گویی از گفتار با آنها به روزگاری نزدیک می‌شد که جدّش در آن عصر می‌زیست. به روزگاریهایی برمی‌گشت که هر روز ازین گونه مردم به خانه نیا یا پدرش سر می‌زدند و حوائج خود را رفع می‌کردند. گفتنی در این باره زیاد دارم. افسوس می‌خورم که خود هیچ گاه رو به آن نکرد

که خاطرات و مشاهداتش را ازین سفرها بر صفحه کاغذ بنگارد.

منابع زندگینامه: <http://www.yadegar.ir/>

مهدوی، رضاعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضاعلی مهدوی

محل تولد: دامنه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات مقطع ابتدایی و راهنمایی را در شهر «دامنه» گذراندم و در مقطع راهنمایی از محصلین ممتاز منطقه شناخته شدم. بعد از ورود به دبیرستان نگاهم به خویشتن خویش و جهان اطرافم دگرگون شد و گویا می شنیدم که هاتفی از درونم فریاد می زند که جهان طبیعت با تمام وسعتش حتی برای یک لحظه تو را اکتفا نمی کند و همچنین افکار مرا دنبال حقایق یا حقیقتی می کشاند که نتیجه اش هجرت به شهر مقدس قم شد.

اول سال تحصیلی ۱۳۵۷ - ۱۳۵۸ برای تحصیل علوم دینی وارد شهر مقدس قم شدم اما به جهت مسائل انقلاب و تعطیلی مدارس حوزه علمیه قم و عدم آشنایی با امکانات و نحوه های تحصیل در حوزه علمیه قم، حدود دو سه سال توفیق چندانی در تحصیل نداشتم و بعد از مدت کوتاهی که در مدرسه حقانی مشغول تحصیل بودم؛ درس هایم را به طور جدی به صورت آزاد شروع کردم. حدود پنج یا شش سال درس های سطح حوزه را در محضر اساتیدی چون آقایان: «جزائری»، «محمای»، «دوست محمدی خراسانی»، «موسوی»، «صلواتی»، «اعتمادی»، «ستوده»، «صفایی»، «شیخ علی مومن» و بیش از همه استاد معززم جناب آقای «علی رضا اسلامیان (ادام الله ظلهم)» به اتمام رساندم.

سپس درس خارج اصول را یکی دو سال در محضر «آیت الله العظمی فاضل لنکرانی» و بعد از آن درس اصول را در محضر «آیت الله العظمی وحید خراسانی» و درس فقه را در محضر «آیت الله العظمی حاج شیخ جواد تبریزی» تا الان بهره مند شده ام.

مهدوی، مجید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مجید مهدوی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مجید مهدوی فرزند حسن متولد ۱۳۴۸ صادره از تهران تحصیلات ابتدائی خود را از تهران شروع و دوران راهنمائی و دبیرستان را در اصفهان ادامه دادم. در سال دوم دبیرستان موفق به حضور در کردستان در بسیج دانش آموزی سنندج تحت گروه هجرت دانش آموزی شدم که در آنجا به کارهای فرهنگی و علمی در بین دانش آموزان سنی در سنندج می پرداختم که در حدود ۲ سال این برنامه ادامه داشت و بعد از آن توفیق حضور در جبهه های جنوب را در مدت کوتاهی پیدا کردم و در این اثناء موفق به دریافت دیپلم شدم.

پس از آن در سال ۶۸ به توفیق الهی و بدون آنکه آشنایی قبلی نسبت به حوزه علمیه داشته باشم و یا حتی کسی مشوق بنده باشد؛ به صورت بسیار غیر منتظره که البته معتقدم به واسطه عنایات ویژه بود؛ وارد حوزه علمیه اصفهان در مدرسه علمیه ذوالفقار شدم. مقدمات و سطح خود را نزد اساتید بزرگوارى همچون: «حاج آقا صادقی»، «بهرمن»، «کشکولی»، «مهدوی»، و استاد بسیار عزیز و بزرگوار و کم نظیر خویش جناب حجة الاسلام و المسلمین «آقای سید محمد فقیه ایمانی (دام عزه): که قریب هفت ۷ سال درس مختلفی از قبیل مطول، منطق، بخشهایی از لمعه، اصول فقه، رسائل و مکاسب را نزد وی تلمذ کرده و بهره فراوانی از حضور در محضر نورانی ایشان که حقیقتاً هم علم بود و هم اخلاقی» به صورت مستمر بردم که خداوند انشاء الله بر بقاء عمر باعزت و سلامتی وی بیافزاید و همچنین استاد عزیز و نورانی دیگری که انصافاً از اعجوبه های نهان است جناب «آیة الله محزونیه (دام عزه)» بخشهای مهم کفایه را به ضمیر کتاب اخلاقی تهذیب الاخلاق ابن مسکویه در طول بیش از ۲ سال تلمذ نمودم و بسیار زیننده است که از استاد دیگر خودم در لمعه «حضرت آیة الله عبودیت (زید عزه العالی)» نیز یادی کنم که هم مجسمه اخلاق بود و هم مملو از معارف و علوم که خداوند به همگی ایشان سلامتی روز افزون عنایت نماید.

در مدت زمان شروع به تحصیل یعنی از سال ۶۸ تا ۷۳ به مدت ۵ سال چنان مشغول به درس و مباحثه بودم که به هیچ چیز و هیچ کس فکر نمی کردم حتی از ضوابط و قوانین حوزه هم بی اطلاع بودم که مدتها بعد یکی از دوستان بسیار نزدیک به بنده گفتند که آیا معافیت از تحصیل را گرفته ای؟! که در پاسخ گفتم مگر معافیت تحصیلی هم وجود دارد. این در حالی بود که سه از حضور من در حوزه علمیه گذشته بود؛ به صورت شبانه روزی بدون وقفه مشغول به تحصیل در دروس حوزوی بودم و روزانه حداقل ۸ کلاس را شرکت می کردم به ضمیمه مباحثات، آن چنانکه در طول ۵ سال موفق به اتمام کفایه شدم و از سال ۷۴ وارد درس خارج شدم و در این مدت علاوه بر تحصیل از سال ۷۰ عملاً وارد عرصه تدریس نیز شدم که خوشبختانه به لطف خدای متعال و توجهات خاصه اولیاء دین خاصه بقیة الله الاعظم تا این زمان نیز ادامه دارد یعنی نزدیک به ۱۶ سال است و خودم در حال تدریس می باشم. لازم به ذکر است که در این مدت ۵ سال از مقدمات تا پایان سطح علاوه بر شرکت در کلاسهای رسمی حوزه و سپری کردن دروس متعارف در آن و مباحثه جدی آنها دروس دیگری که در حوزه از رونق افتاده همچون مطول و معالم الاصول و حاشیه ملاعبدالله و ... را نیز در محضر اساتید بزرگوارم از ابتدا تا انتها خواندم. حتی به یاد دارم که مطول را در طول ۴ سال در محضر «آیة الله فقیه ایمانی (دام عزه)» خواندم و بعد از آن دو دوره تدریس آن را داشتم و شرحی نیز بر آن نوشته ام.

از سال ۷۴ تا ۸۲ در درس خارج «حضرت آیة الله مظاهری (دام عزه)» اعم از فقه و اصول به صورت مدام شرکت کرده که محصول آن تقریرات درس معظم له است که به صورت مکتوب وجود دارد و همچنین در این زمانها در درس درایة «حضرت آیة الله

مجلسی (دام عزه) و درس جواهر «آیه‌الله سید حسن فقهی امانی (دام عزه)» و ... نیز شرکت کرده و بهره‌های علمی فراوانی بردم. از همان سال ۷۴ بود که رسماً در ادامه تدریس در سطوح پایین حوزه شروع به تدریس در دروس رسائل و مکاسب نمودم که تا این زمان نیز ادامه دارد: «منطق بیش از ۱۰ بار»، «لمعه بیش از ۶ بار»، «اصول فقه بیش از ۵ سال»، «بدایه‌المعارف بیش از ۷ بار»، «رسائل بیش از ۴ بار»، «مکاسب بیش از ۴ بار»، «کفایه بیش از ۳ بار».

از سال ۸۳ به پیشنهاد ریاست محترم حوزه و حکم معظم له «حضرت آیه‌الله مظاهری (دام عزه)» مدیریت «مدرسه علمیه جده بزرگ»: که از مدارس قدیمی این استان می‌باشد؛ به بنده واگذار شد که تا این زمان ادامه دارد. در سال ۸۶ مجدداً به حکم ریاست محترم حوزه و به پیشنهاد مدیر اجرائی حوزه علمیه اصفهان: «حضرت آیه‌الله طباطبایی (دام عزه)»، معاونت آموزشی مرکز مدیریت حوزه علمیه اصفهان نیز به مسئولیتها افزوده شد که مدت ۸ ماه در این بخش توفیق انجام وظیفه پیدا کردم. از سال ۸۴ نیز مدیر گروه کلام در رشته تخصصی حوزه علمیه اصفهان در سطح ۲ به اینجانب محول گردید و از سال ۸۵ علاوه بر مدیر گروه سطح ۲ کلام، مدیریت گروه سطح ۳ کلام نیز به آن افزوده شد که تا حال حاضر ادامه دارد.

مهدوی، مصلح‌الدین محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۴ - ۱۲۹۴ ش)، عالم، مورخ، ادیب و نویسنده. خاندانش در اصفهان به سادات خواجه‌بویی معروف می‌باشند. وی در اصفهان به دنیا آمد. ابتدا در مدرسه‌ی اقدسیه و سپس گلپهار و مدتی نیز در حوزه‌ی علمیه اصفهان تحصیل کرد و پس از آن به تهران آمد و در دانشسرای عالی معلومات خود را تکمیل نمود. نزد استادان بسیاری علوم مختلف را فراگرفت. از اساتید او می‌توان به میرزا محمدعلی معلم حبیب‌آبادی، صاحب «مکارم الآثار»، و آقا سید محمد کاظم عصار و ملا محمدباقر همامی و آقا میرزا محمدباقر امامی و آقا شیخ حسن قاضی عسکر داورپناه و آقا شیخ محمدحسین فاضل تونی و آقا سید حسن مدرس هاشمی و همچنین می‌توان به آیات عظام مرعشی نجفی، آقا بزرگ تهرانی، شیخ محمدباقر کمره‌ای، سید مصطفی صفایی خوانساری، سید محمد شیرازی، سید محمدعلی روضاتی، سید ضیاءالدین علامه، سید علی فانی و شیخ محمدعلی عراقی اشاره کرد که از بسیاری از ایشان اجازه روایت گرفت. وی از پانزده سالگی بر کتاب «تذکره القبور» آخوند ملا عبدالکریم گزی، مشتمل بر شرح حال یکصد تن از علماء و شعرا و عرفای اصفهان، حواشی نوشت و در ۱۳۶۹ ق آن را تحت نام «رجال اصفهان» مشتمل بر شرح حال هفتصد تن به چاپ رساند. سپس آن را کامل تر نمود مجدداً تحت نام «تذکره القبور» یا «دانشمندان و بزرگان اصفهان»، مشتمل بر شرح حال متجاوز از دو هزار تن منتشر کرد. گفته‌اند که تألیفات وی بالغ بر هشتاد عنوان است. از دیگر آثارش: «مزارات اصفهان یا تخت فولاد»؛ «زندگینامه‌ی علامه محمدباقر مجلسی»؛ «بیان المفآخر»، در باب احوال سید حجة الاسلام شفتی؛ تذکره‌ی «شعراي معاصر اصفهان»؛ «تاریخچه‌ی شهر سامرا»؛ «زندگینامه‌ی حضرتین عسکرین علیهما السلام»؛ «عطیة الجواد»، در زندگانی و کلمات قصار امام نهم (ع)؛ «اوضاع علمی، فرهنگی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر»، در سه مجلد.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره القبور (مقدمه)، الذریعه (۹۷-۹۶/۱۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۵۷-۵۵۶/۱۴)، کیهان فرهنگی (س ۱۲، ش ۱۲۶، ص ۶۵)، مؤلفین کتب چاپی (۶/۲۴۶).

مهدوی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ مهدی مهدوی لاهیجانی از آیات عظام و علماء اعلام گیلانست در شهرستان لاهیجان این بزرگوار در حدود سال ۱۳۱۵ قمری در آن سامان متولد شده و پس از پرورش و خواندن مقدمات و سطوح در رشت و غیره مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محاضر مراجع بزرگ چون آیت‌الله محقق میرزا حسین نائینی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله العظمی اصفهانی و دیگران استفاده کامل نموده و پس از آن مراجعت به لاهیجان و به وظائف دینی از قبیل اقامه جماعت و تدریس و تربیت و اداره طلاب و محصلین شهرستان لاهیجان پرداخته و تاکنون ده‌ها نفر روحانی شایسته که از علماء و ائمه جماعت گیلان و فضلاء حوزه علمیه قم می‌باشد تحویل به اجتماع داده است

نگارنده گوید: آیت‌الله مهدوی لاهیجانی از دانشمندان روشن و دارای محامد و محاسن آداب و آثار بزرگی در لاهیجان و آستانه و حومه آن می‌باشد

در ماه رمضان سال ۱۳۸۲ قمری با معیت آیت‌الله حاج سید حسن بحرالعلوم و آیت‌الله حاج سید محمود ضیابری مقیمین در رشت سفری قهراً و کراهاً به تهران نموده و یک ماهی با عده‌ای از علماء بزرگ مرکز در یکی از منازل شمالی تهران اقامت و نگارنده چند شبی در خدمتشان مفتخر و درک فیض نمودم
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مهدوی، یحیی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر یحیی مهدوی فرزند امین‌الضرب و متولد ۱۲۸۸ ش است. تحصیلات خود را در اروپا در رشته فلسفه پایان برد و درجه دکترا گرفت و بعد از مراجعت به ایران وارد دانشگاه شد و به استادی دانشکده ادبیات برگزیده گردید. قریب چهل سال کار او تدریس بود و به مشاغل اجرائی رغبتی نشان نمی‌داد و حقوق خود را هم صرف خیرات و مبرات می‌کرد. از پدرش امین‌الضرب ثروت زیادی به او رسید و او زیادتر کرد ولی به مردم کمک می‌نمود و به اصطلاح ناخن خشک نبود. تألیفاتی در رشته تخصصی خود دارد که بیشتر ترجمه است. از کارهای خوب او حفظ اشیاء و آثار و نوشتجات سید جمال‌الدین اسدآبادی است که سالها در حفظ و حراست آن کوشید و آن را در اختیار دانش پژوهان قرار داد.

(۱۳۷۹- ۱۲۸۷ ش)، استاد دانشگاه، نویسنده و مترجم. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در خانه گذراند. پس از مدتی به دارالفنون رفت و از محضر استادانی چون بدیع‌الزمان فروزانفر، میرزا عبدالعظیم خان قریب و گل گلاب بهره‌مند شد. وی تحصیلات خود را در رشته ادبیات و فلسفه در دارالمعلمین عالی ادامه داد و پس از اخذ لیسانس، در ۱۳۱۰ ش، برای ادامه‌ی تحصیلات عازم فرانسه شد. او با تلاش و کوشش فراوان موفق به دریافت گواهینامه‌های متعددی از مراجع علمی آنجا گردید. مهدوی رساله‌ی اصلی دکترای خود را با عنوان «شناسایی در نزد فلاسفه‌ی نخستین اسلام» و رساله‌ی دوم خود را با عنوان «فهرست

مصنفات ابن سینا» نوشت. وی رسماً از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۲ ش که بازنشسته شد، در دانشگاه تهران تدریس نمود. از خدمات او تأسیس دوره‌ی دکترای فلسفه در دانشگاه تهران می‌باشد. از شاگردان او در این دوره: دکتر احمد احمدی، دکتر غلامرضا اعوانی، دکتر غلامعلی حداد عادل، دکتر جلال‌الدین مجتبی، دکتر فاطمه مظاهر تهرانی و دکتر مهتاب مستعان را می‌توان نام برد. از دیگر آثارش: «جامعه‌شناسی یا علم الاجتماع»؛ «شناخت روش علوم یا فلسفه‌ی علمی»، ترجمه؛ «فهرست نسخه‌های مصنفات ابن سینا»؛ «قصص قرآن مجید»، برگرفته از تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری مشهور به سورآبادی؛ «فلسفه‌ی عمومی یا ما بعد الطبیعه»، ترجمه؛ «بحث در ما بعد الطبیعه»، ترجمه؛ «نگاهی به پدیدارشناسی و فلسفه‌های هست بودن»؛ «منادولوژی» لایب نیتس، ترجمه؛ «شکاکان یونان»؛ «تاریخ فلسفه‌ی قرون وسطی و دوره‌ی تجدد»، ترجمه و تلخیص؛ «هستی‌شناسی» پل فولکیه، ترجمه؛ تصحیح و اهتمام در چاپ «مصنفات» افضل‌الدین محمد مرقی کاشانی، به مشارکت مجتبی مینوی. [۱]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] آینه‌ی میراث (س ۳، ش ۹، ص ۸۳-۸۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۹، ۳۰، ۲۹۶۹، ۲۹۶۷، ۲۶۷۷-۲۶۷۶، ۲۴۹۰، ۲۴۵۵، ۲۲۹۴، ۲۱۷۱، ۱۷۹۷، ۱۶۹۶، ۲/۱۴۴۲، ۱۰۰۸، ۱۰۰۳، ۹۲۲، ۸۸۴، ۸۷۵/۱)، کیان (س ۱۰، ش ۵۳، ص ۷۹)، مؤلفین کتب چاپی (۸۵۸-۸۵۶/۶)، مهدوی نامه (۱۰-۳).

مهدویان، جلال

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: پروتزه‌های ثابت، رشته: دندان پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مهدی پور، علی اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اکبر مهدی پور

محل تولد: تبریز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی اکبر مهدی پور در روز سه شنبه ۱۳ رجب سال ۱۳۶۴ هجری قمری مصادف با ۱۳۲۴ هجری شمسی در محله «باغشیمه تبریز» زادگاه «آیت الله ابوالقاسم کوبی» از مراجع قم به دنیا آمدم. آغاز به تحصیل ۱۳۳۱ شمسی دبستان ممتاز تا کلاس چهارم ابتدایی، آغاز به تحصیلات حوزوی ۱۳۳۱ شمسی در نزد آموزگار خود «مرحوم حاج ابوالقاسم دهخدا»: گلستان، نصاب و خلاصه

الصرف. ترك تحصیل مدرسه دولتی و ادامه تحصیلات حوزوی ۱۳۳۵ هجری شمسی.

اساتید سطوح عالی در قم، «آیت الله حاج شیخ جعفر سبحانی»، «شهید مفتح»، «آیت الله میرزا یدالله دوزدوزانی»، «آیت الله شهید مطهری»، «مرحوم آیت الله پایانی»، «آیت الله حاج شیخ جعفر سبحانی»، «مرحوم آیت الله میبدی کرمانشاهی»، «مرحوم آیت الله سید جواد خطیبی تبریزی»، «آیت الله مکارم شیرازی»، «مرحوم آیت الله سید کاظم شریعتمداری»، «مرحوم آیت الله میرزا کاظم تبریزی»، «مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری»، «مرحوم آیت الله حاج سید محمد روحانی»، «آیت الله حاج سید موسی شبیری زنجانی»، «مرحوم آیت الله سید حسن الهی»: (برادر علامه طباطبایی)، «مرحوم آیت الله سید مرتضی شبستری»: (برادر مرحوم آیت الله وحیدی)، «مرحوم آیت الله سید صادق شریعتمداری»، «مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد باقر ملکی» و ...

بر اساس دعوت شیعیان استانبولی برای تصدی امور شیعیان آن زمان رمضان ۱۳۹۵ هجری قمری برابر با ۲۴ شهریور ۱۳۵۴ هجری شمسی از طرف حوزه علمیه قم راهی استانبول شده، به مدت ۵ سال تمام در آنجا اقامت نموده، به اقامه نماز جمعه و جماعت در مسجد ایرانیان مقیم استانبول واقع در محله «چاکما کچیلار» در سرای بیوک والده خان که بیش از ۲۰۰ سال سابقه دارد و همواره یک روحانی ایرانی با اطلاع دولتین از حوزه علمیه قم در آن جا انجام وظیفه می کرد؛ پرداختم.

با توجه آشنایی با قلم و ضرورت خدمات فرهنگی و آزادی بیش از حد مطبوعات در آن زمان، به تاسیس انتشارات زمان پرداخته و در حدود ۶۰ مجلد کتاب، جزوه، بروشور به زبان ترکی منتشر نمودم. در طول اقامت در استانبول با ۸۴ روزنامه و مجله مصاحبه مطبوعاتی انجام دادم. در این مصاحبه ها به معرفی نکات برجسته تفکر شیعی توجه می دادم و گروه بسیاری از روشنفکران اهل سنت را با معارف شیعی آشنا و جذب نمودم که هرگز در مسجد دیگری به جمعه و جماعت حاضر نمی شدند.

علاوه بر استانبول به دهها شهر دیگر برای سخنرانی و کنفرانس دعوت می شدم و منحصرآ روزهای یکشنبه به این دعوتها پاسخ مثبت می دادم که روز تعطیل رسمی و کثرت شرکت کنندگان در مساجد و مجالس بود که به تعدادی از این شهرها اشاره می شود: «اولو جامع»: در شهر بورسا که تعداد شرکت کننده ها را روزنامه ها ۴۰۰۰۰ نفر ذکر کردند. «مسجد امام جعفر صادق (علیه السلام)» در ازمیر که مکرر انجام شد. بزرگترین سینمای «تورگوتلو» که به جهت ازدحام بیش از حد و عدم گنجایش مساجد، بزرگترین سینمای شهر را اجاره کرده بودند. «مسجد بزرگ ازمیت»، «آق شهیر»، «ادرنه» و ...

مهدی پور، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود مهدی پور

محل تولد: طبس

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در یکی از روستاهای شهرستان طبس پا به عرصه عالم گذاشتم و شش کلاس ابتدایی را گذراندم. کودکی حدود چهارده ساله

بودم که ادبیات عرب را در مشهد مقدس حدود سال ۴۶ ش آغاز کردم، از محضر اساتیدی همچون: «استاد حجت هاشمی خراسانی»، «مهاجریان طبسی» و «مرحوم غضنفری» و سپس در مدرسه «مرحوم آیت الله میلانی» از استادان گوناگون: «بنی هاشمی»، «ایمانی» و «مدرس غروی» تا حدی فرا گرفتم.

در حدود مغنی و معالم بودم که به قم هجرت کردم و در مدرسه حقانی پذیرش شدم. دروس دبیرستان را همراه دروس حوزوی در قم ادامه دادم و از مدرسه حکیم نظامی (امام صادق کنونی) دیپلم ادبی گرفتم. در مدرسه حقانی از محضر آیات و بزرگان: «شهید قدوسی»، «آیت الله جنتی»، «سید حسن طاهری خرم آبادی»، «آیت الله محمد مؤمن قمی»، «شیخ یوسف صانعی» و «آیت الله مصباح یزدی» بهره مند شدم. برنامه درسی مدرسه را تا یک سال درس خارج در همان مدرسه ادامه دادم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی مدتی در بندر عباس مسئول دفتر شهید حقانی بودم. در تأسیس مدرسه مسجد سلیمان با جناب آقای سید حسن ربانی و مرحوم محمدی نجات همکاری داشتم. از سال ۶۱ در حوزه قم درس را ادامه دادم و تا سال ۶۵ یکسره به تحصیل مشغول بودم. در درس «آقای منتظری، آشیخ جواد تبریزی، آیت الله مؤمن قمی، اندکی درس آقای وحید خراسانی و آیت الله فاضل لنکرانی» شرکت کردم. همچنین مدتی در درس «آیت الله صانعی» حضور یافته و استفاده کردم. زندگی معنوی حقیر مدیون اخلاص و جهاد «حضرت آیت الله جنتی» است و در تفسیر قرآن از محضر «آیت الله مصباح یزدی» بهره مند شدم.

تاریخ اسلام، حکومت اسلامی، روشهای تدریس، تحقیق و تبلیغ را در مدارس گوناگون به ویژه مدارس مرکز جهانی علوم اسلامی تدریس کرده ام. معارف اسلامی ۱ و ۲، متون و ریشه های انقلاب اسلامی و تاریخ اسلام را هم در برخی مدارس دانشگاهی در سالهای ۶۲ الی ۶۴ درس گفته ام. علاقه ام بیشتر به تاریخ و سیره معصومین (علیهم السلام) است. در زمینه مباحث اخلاق و مدیریت هم آثار مختصری دارم.

حقیر بیش از پژوهش شخصی به مدیریت پژوهشی اشتغال داشتم که در سری «چهل حدیثهای سازمان تبلیغات اسلامی سری دیدار با ابرار، دیار ابرار، دولت ابرار، گلشن ابرار، ستارگان حرم و طلایه داران تقریب» هدایت و نظارت کار با بنده بوده است و امیدوارم خداوند به لطفش کار را بپذیرد و توفیق خدمت به همه عنایت فرماید و کمبودها را جبران و لغزش ها را غفو کند.

مهدی زاده، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین مهدی زاده

محل تولد: فارسیان گنبد کاووس

شهرت: مهدی زاده

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ (ه. ش) پس از اخذ دیپلم تجربی به دلیل علاقه فراوان به علوم دینی بدون اینکه منتظر شرکت در کنکور باشم وارد حوزه علمیه قم شدم و تحصیل در مرحله مقدمات دروس حوزوی را در مدرسه منتظریه (حقانی) آغاز نمودم و درس های مقدماتی حوزوی مثل: صرف، نحو، معانی، بیان، منطق و ... را فرا گرفتم.

تحصیل در مرحله سطح دروس حوزوی را در مدرسه شهیدین با مدیریت توانا و با تجربه جناب استاد سید محمد رضا طباطبایی (حفظه الله تعالی) ادامه داد. اسامی برخی از دروس مرحله سطح به همراه نام استادانی که این دروس را نزد آنان فرا گرفته ام عبارتند از: کتاب شرح لمعه استادان: «شب زنده دار»، «اشتهاردی»، «مؤمن» و «طباطبایی». اصول (برخی حلقات شهید صدر ره) استادان: «شب زنده دار» و «اسلامیان». رسائل شیخ انصاری استادان: «اعتمادی» و «استادی». کفایة الاصول استادان: «ستوده» و «گنجی». مکاسب شیخ انصاری استادان: «مرحوم آیت الله احمدی میانجی»، «طبسی» و «مروجی».

مجموعه تحصیلات بنده در دو مرحله مقدماتی و سطح تقریباً تا سال ۱۳۷۰ (ه. ش) طول کشید و از سال ۱۳۷۰ به بعد در دروس خارج فقه و اصول حوزه شرکت نمودم که اسامی برخی از دروس به همراه نام بعضی استادان این دروس عبارتند از:

- بخشی از درس خارج اصول فقه «آیت الله سید کاظم حسینی حائری».
- بخشی از درس خارج اصول فقه «آیت الله وحید خراسانی».
- بخشی از درس خارج اصول فقه «آیت الله خرازی».
- بخشی از درس خارج اصول فقه استاد «عندلیب همدانی».
- بخشی از درس خارج اصول فقه استاد «لاریجانی».
- بخشی از درس خارج فقه (خمس) «آیت الله سید کاظم حسینی حائری».
- بخشی از درس خارج فقه (بیع) «آیت الله وحید خراسانی».
- بخشی از درس خارج فقه (اجاره، صوم و مکاسب محرمه) «آیت الله جوادی آملی».
- بخشی از درس خارج فقه (اجتهاد و تقلید) استاد «صادق لاریجانی».
- بخشی از درس خارج فقه (قضاء) استاد «لاریجانی».

علاوه بر دروس رایج فقه و اصول، در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ در برنامه تحقیق فقهی مدرسه شهیدین که با نظارت و راهنمایی‌های «آیت الله خرازی» و «آیت الله استادی» برگزار می‌شد؛ شرکت کردم. در برنامه یاد شده که کمتر از دو سال طول کشید، بنده موفق به نگارش حدود ۱۰ مقاله علمی، فقهی در موضوعات مختلف شدم.

همچنین به دلیل گستردگی علوم دینی و به خاطر ضرورت آشنایی با برخی از علوم دیگر حوزوی (غیر از فقه و اصول) در دروس دیگر حوزه نیز شرکت کرده ام که اسامی برخی از آنها به همراه نام استادان آنها عبارتند از: درس اسفار «آیت الله جوادی آملی»، درس درایه و رجال «مرحوم آیت الله ابوطالب تجلیل»، درس اخلاق استادان «مرحوم آیت الله احمدی میانجی»، «مرحوم آیت الله بهاء الدینی»، «آیت الله شب زنده دار»، «آیت الله مصباح»، «آیت الله مظاهری» و «آیت الله محفوظی».

در کنار درسهای حوزوی به دلیل علاقه به مباحث اخلاقی و تربیتی، در مقطع کارشناسی ارشد رشته «علوم تربیتی» موسسه امام خمینی نیز تحصیل نمودم تا اینکه در آخر دوره در سال ۱۳۷۷ از پایان نامه خود با محوریت «روایت تربیتی هشام بن حکم از امام موسی کاظم (علیه السلام)» دفاع نمودم که در سال ۱۳۸۳ با عنوان «آیین عقل ورزی» چاپ شد.

مهدی زاده، مسلم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مسلم مهدی زاده چافی

محل تولد : لنگرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۵/۲

زندگینامه علمی

به تاریخ دوم تیرماه ۱۳۵۵ در روستای «چاف» بالاتر از شهرستان لنگرود، استان گیلان به دنیا آمده و دروس دوره ابتدائی را در همان روستا گذراندم. دوره راهنمایی را در روستای مجاور با فاصله دو کیلومتری در سرما و گرما با موفقیت طی نموده و بعد از آن در سال ۱۳۶۹ جهت کسب علوم دینی وارد حوزه علمیه قم شدم. به مدت دو سال در مدرسه علمیه «حقانی» و بعد از آن یک سال هم در مدرسه «الهادی (ع)» دوره مقدمات (ادبیات عرب) را پشت سر گذاشتم. در مدرسه «رضویه» از محضر اساتید بزرگوارى سود برده تا از لمعه و کتب مربوطه به پایه های چهارم، پنجم و ششم خوشه چینی نمایم.

اندوخته های علمی سالهای ۶۹ به بعد کمک کرد تا دوره سطح را با موفقیت از محضر اساتید بزرگوارى در مدرسه های علمیه «گلپایگانی» و «فیضیه» به پایان برسانم. در کنار مطالعه و درس، تحقیق علوم حدیث و تفسیر سبب شد تا در سال ۷۹ در گروه تفسیر در موسسه علوم حدیث مشغول به همکاری شدم. بعد از دو سال و اندی به گروه احیاء پیوسته و تاکنون در گروه احیاء، جهت کار بر کتاب شریف الکافی با گروه احیاء مشغول همکاری هستم.

مهدی زاده، میرستار

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرستار مهدی زاده

محل تولد : مرند - روستای النق

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۳ در آذربایجان شرقی، شهرستان مرند، روستای «النجق» به دنیا آمد. تحصیلات ابتدائی را در مدرسه یاسر و راهنمایی را در مدرسه شهید هاشمی نژاد همان روستا تحصیل کردم و در کنار تحصیل، به کشاورزی و دامپروری مشغول بودیم. بعد از اتمام راهنمایی به حوزه علمیه شهر مرند «صاحب الزمان (عج)» وارد شده و بعد از سه ماه به حوزه علمیه «ولی عصر (عج)» شهر تبریز رفتم و دوباره از اول شروع به تحصیل علوم دینی کردم و تا مقداری از سیوطی را در طول دو سال خواندم.

در سال ۷۱ - ۷۲ به قم آمده و در امتحانات ورودی حوزه شرکت کرده و در مدرسه «معصومیه (س)» پذیرش شدم و دوباره دروس را از ابتدا شروع کردم، چون مدارس به این شرط قبول می کردند و انتقالی نمی پذیرفتند. مدت سه سال در مدرسه معصومیه (س)

و یک سال در مدرسه امام صادق (ع) درس خواندم که در سال آخر تحصیل در مدرسه معصومیه (س) نامزد شده و در سال ۷۳ عروسی کردیم. در مدرسه امام صادق (ع) «۱ سال» و در مدرسه امام باقر (ع) «۴ سال» در درسها شرکت کردم و مقدمات را به پایان رسانده و در سطح مشغول شدیم.

در مدرسه «آیه الله گلپایگانی» مشغول به درس رسائل و در مدرسه فیضیه مشغول درس مکاسب شدم اما همزمان با این، در مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما (از سال ۷۸) به عنوان نقد و ارزیابی کننده و پژوهشگر مشغول فعالیت شدم و این کارهای پژوهشی به اضافه برخی کارهای پژوهشی مستقل مثل تالیف کتاب «سفرهای شگفت انگیز ائمه (ع)» و «چرا زلزله» باعث شد که از درس فاصله حدود ۵ - ۶ سال از تدریس در حوزه فاصله بگیرم اگرچه در این سال در همه امتحانات حوزه شرکت می کردم اما در هیچ کلاسی شرکت نمی کردم و تا پایه ۸ نیز درس را ادامه دادم.

در آکادمی فرهنگستان علوم اسلامی نیز برای آموزش در دوره آموزشی ۵ و در گروه ششم شرکت کردم و با این مرکز و اندیشه هایش تا حدودی آشنا شدم که برایم بسیار جالب و مطلوب بود چرا که به برخی از این نتایج فکری آنان دست یافته بودم و آنجا را به عنوان افقی دریائی از اندیشه های مطلوب خود می دیدم. برای کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه (س) نیز دو مقاله ارائه کردم که در کتاب مجموعه مقالات جلد اول مجموعاً در ۱۵۰ صفحه چاپ شد. در این مدت طرح ها، اشعار زیادی نوشتم که اثرأ موجود است.

مبانی تفسیر قرآن در ۳۷ مبنای طرحهای گوناگون در مورد ولایت اهل بیت (ع)، مسائل تربیتی و اخلاقی و عرفانی، مسائل هنری و فلسفه هنر از جمله موضوعاتی است در مورد آنها طرحهایی دارم که مضبوط است. طبع و قلمی روان، استعداد فهم در گرو بیان مطلوب معارف روانی و به روز نویسی مطالب از جمله الطاف و نعمت های الهی است که به این گنجهکار بی لیاقت ارزانی داشته است. امیدوارم با بازگشت به تحصیل عمیق و استدلال علوم حوزوی و ادامه کار پژوهش و تربیت عمر اخلاقی، خداوند نعمتهای خود را در حق ما به اتمام رساند، و ما را به هدف غایی که از خلقت ما داشته به لطف خود برساند.

مهدیزاده شهری، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ادیان و عرفان، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: تهران
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مهدب لیقوانی، علی نقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بهداشت عمومی، دانشکده: بهداشت و تغذیه، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.
خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز در سال ۴۳۳۱، DPH در رشته مدیریت بهداشت عمومی از دانشگاه آمریکائی بیروت AUB در سال ۱۳۴۰، طی یک دوره MSC بهداشت حرفه‌ای در دانشکده بهداشت دانشگاه لندن. مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده بهداشت و تغذیه دانشگاه علوم پزشکی تبریز از سال ۱۳۶۲، تاکنون. زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بهداشت عمومی و حرفه‌ای، بهداشت محیط، استاد راهنمای ۲ پایان‌نامه دکترای تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

بهداشت علمی تألیفات:

بهداشت عمومی و حرفه‌ای، بهداشت محیط.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۴، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

بهداشت عمومی، بهداشت حرفه‌ای، مبارزه با بیماریهای عفونی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مهدب، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج سید احمد مهدب، ملقب به مهدب‌الدوله، فرزند حاج میرزا حسن حسنی فسائی در ۱۲۶۲ ش در فسا تولد یافت. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در مدرسه منصوریه شیراز پایان برد، سپس فقه و اصول و ادبیات عرب و علوم جدید را فرا گرفت و در شیراز به کار تدریس پرداخت و متولی چند موقوفه شد. در دوره سوم از شیراز به نمایندگی مجلس انتخاب گردید پس از پایان دوره مزبور به شیراز بازگشت و در حوزه‌های عملیه آن شهر به تدریس پرداخت. در ۱۳۱۸ در دوره دوازدهم مجلس شورای ملی به وکالت انتخاب شد و ضمناً در دانشکده علوم معقول و منقول استاد شد. در دوره سیزدهم نیز کرسی نمایندگی را حفظ کرد. از ۱۳۲۲ در شیراز مجدداً به شغل اصلیش که زراعت و تدریس بود مشغول گردید.

صاحب تألیفات متعددی اعم از تألیف و ترجمه می‌باشد. وی در ۱۳۳۶ در ۷۶ سالگی در شیراز درگذشت. فرزندان وی تماماً رشد علمی یافتند و چهار تن از پسران او از دانشگاه‌های معروف دنیا درجه دکترای دریافت نمودند.

(۱۳۳۶ - ۱۲۶۲ ش)، نویسنده و مترجم. ملقب به مهدب‌الدوله. در شیراز به دنیا آمد و در مدرسه منصوریه، که از بناهای اجداد اوست، تحصیل نمود و سپس در آنجا به تدریس فقه و اصول مشغول شد و در ضمن در خارج از مدرسه به تحصیل علوم جدید

پرداخت. وی در برقراری مشروطه زحمات زیادی کشید. او در دوره‌های دوازدهم و سیزدهم نماینده‌ی مردم شیراز، در مجلس شورای ملی، شد و به تهران آمد. مذهب در دانشکده معقول و منقول تهران تدریس می‌کرد. از آثارش: «امروز مسلمین» و «عالم نو اسلام»، ترجمه؛ «زن جدید»، ترجمه؛ «زن و آزادی»، ترجمه. او همچنین تاریخی در ادامه گفتار اول «فارسنامه‌ی ناصری» گماشت و وقایع و اتفاقات ۱۳۰۴ ق به بعد را در رابطه با اوضاع فارس و ایران با مدارک و اسناد به رشته‌ی تحریر درآورد. [۱]

برگرفته از کتاب: شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه: [۱] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۸۴-۵۸۳/۵)، الذریعه (۱۲/۵۹)، فارسنامه‌ی ناصری (۱/۱۸)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۸۷۰/۲، ۳۳۵/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱/۴۷۱)، نخبگان سیاسی ایران (۴/۵۲۵).

مذهب، جعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بهداشت عمومی، دانشکده: بهداشت و تغذیه، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مهر نرسی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س پنجم م)، نیکوکار. ملقب به هزار بندگان، یکی از هفت خاندان ممتاز اشکانی، می‌رسد. در روستای ابروان، از بلوک دشت بارن، از توابع اردشیر خوره پارس، به دنیا آمد. وی از وزیران متنفذ سه پادشاه ساسانی، یزدگرد اول (۴۲۰-۳۹۹ م)، بهرام گور (۴۳۸-۴۲۰ م) و یزدگرد سوم (۴۵۷-۴۳۸ م)، بوده است. او از معاندان سرسخت مسیحیت بود. وی در نامه‌ی مفصلی که به نجبا و روحانیون ارمنستان نوشت خود را وزرگ فرمازار ایران و غیر ایران نامید و مسیحیان را به ترک دین خود توصیه نمود. او در داخل کشور نیز به عنوان یک نیکوکار بزرگ ستوده می‌شد. از آثار خیر او: ساختن پل تنگاب فیروزآباد، که در کتیبه‌ای در آن خود را وزرگ فرمازار می‌نامد؛ آتشگاه بزرگی به نام مهر نرسیان؛ چهار روستا با چهار آتشکده، در نزدیکی زادگاهش، برای خود و سه پسرش. [۱]

مهر نرسی از پشت سپندیار از اهل دیهی مسمی به آبروان از رستاق دشت بارین (دشت بر) از کوره اردشیر خره از ایالت فارس بود... این مرد در رستاق دشت بارین و رستاق جره ابنیه‌ی رفیعه پیا کرد و آتشکده‌ای در دیه آبروان ساخت که چند قرن پس از انقراض ساسانیان هنوز پیا بود و بنام بانیش مهر نرسیان نامیده می‌شد.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ مردم ایران، قبل از اسلام (۵۰۳، ۴۹۱، ۴۸۹، ۴۶۱، ۴۵۹/۱)، تمدن ساسانی (۲۳۱، ۴۹، ۴۶/۲، ۲۸۰، ۲۴۵، ۲۴۳-۶۹، ۶۸/۱)، دایرةالمعارف فارسی (۳۲۶۷، ۲۹۳۹/۲).

مهر، بوذرجمهر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: آسیب‌شناسی دهان و دندان، دانشکده: دندانپزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مهرابی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی آقای مهرابی فرزند مرحوم ناظم‌التجار از علماء مبرز استان کرمان بوده‌اند مرحوم والدش ناظم‌التجار از شخصیت‌های ناسی گذشته بوده و ما در ج ۲ ص ۳۳۶ کتاب آثارالحجه قسمتی از ترجمه و سوانح زندگی وی را یاد نمودیم بدانجا مراجعه شود.
وی در سال ۱۳۱۹ قمری به دنیا آمده و بعد از گذراندن دوره صبا و کودکی به تحصیل علم پرداخته و با معیت رفیق شفیق و دوست گرامیش آیت‌الله صالحی معاصر به مقدمات و ادبیات و سطوح اشتغال یافته و پس از تکمیل آن به اصفهان عزیمت و حدود سه سال از محاضر مرحوم آیت‌الله آقا میرزا محمدصادق و آیت‌الله آقا سید محمد مدرس نجف‌آبادی و دیگران استفاده و پس از آن به اتفاق آقای صالحی به قم مهاجرت و حدود شش سال از بحث فقه و اصول مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌الله یثربی کاشانی بهره‌مند شده و با اصرار دوست عزیزش آقای صالحی به کرمان مراجعت و به تدریس فقه و اصول سطحا و خارجاً و اقامه نماز جماعت و سایر خدمات دینی پرداخته تا حدود ۱۳۸۵ قمری که به رحمت حق واصل گردیده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مهراد، جعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: کتابداری، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد و علوم کتابداری از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۳، دکترای علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی از دانشگاه کیس وسترن (ریزرو) آمریکا در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

استادیار بخش علوم کتابداری دانشگاه شیراز از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۴، دانشیار علوم کتابداری دانشگاه شیراز از سال ۱۳۶۷. زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

استفاده از فرصت مطالعاتی در سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۶۹ پیرامون پایگاههای اطلاعاتی کتاب شناختی در دانشگاه لوس آنجلس، انجام طرح پژوهشی علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی و اتوماسیون، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۸

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، روش تحقیق.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، تکنولوژی اطلاعات.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مهرالنساء

قرن: ۱۳

جنسیت: زن

ملیت: ایران

ملقب به نور جهان و نور محل در سال ۹۸۴ قمری به دنیا آمد، از زنان کاردان، مدیر، هنرمند و شاعر بود، مه‌النساء ایرانی چندین سال ملکه هندوستان

منابع زندگینامه: مجله راه کمال شماره ۲۴.

مهران پور، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی ایران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مهرانی نیشابوری، ابوبکر احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۸۱- ۲۹۵ ق)، محدث، مقری، زاهد و عابد. معروف به ابن مهران. اصلش از اصفهان و ساکن نیشابور و شیخ الاسلام آنجا بود. ابو عبدالله حاکم نیشابوری گوید که وی امام عصرش در قرآت بود. در طلب اسانید قرآت به عراق و شام مسافرت نمود. در عراق قرآن را بر زید بن ابی بلال و ابو حسین بن بویان یا ثوبان و ابوبکر نقاش و ابو عیسی بکار و ابن مقسم و در دمشق بر ابوالحسن محمد بن نصر خرم تلاوت نمود. مهدی بن طراره و جماعتی بر او قرآن را تلاوت نمودند. در نیشابور از ابوبکر محمد بن اسحاق بن خزیمه و ابوالعباس سراج ثقفی و ابوالعباس ماسرجسی و مکی بن عبدان و جماعتی دیگر حدیث شنید. حاکم ابو عبدالله حافظ و ابن مسرور و ابوسعید کنجرودی و عبدالرحمان بن علیک و ابوسعید احمد بن ابراهیم مقری از وی روایت کرده‌اند. از آثارش: «الغایه فی القراءات»، «الشامل فی القراءات»، «سجود القرآن»، «غرائب القرآن»، «الاتفاق و الانفراد»، «اختلاف عدد السور»، «الوقف و الابتداء»، «وقوف القرآن»، «رؤوس الآیات»، «آیات القرآن».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/ ۱۱۲)، انساب سمعانی (۴۱۳- ۴۱۲/ ۵)، تذکره الحفاظ (۳/ ۹۷۵)، سیر النبلاء (۴۰۷- ۴۰۶/ ۱۶)، شذرات الذهب (۳/ ۹۸)، العبر (۱۵۸- ۱۵۷/ ۲)، کشف الظنون (۱۴۲۴، ۱۰۲۵)، معجم الادباء (۱۵- ۱۲/ ۳)، النجوم الزاهرة (۴/ ۱۶۳)، هدیة العارفين (۱/ ۶۷).

مهربان، داراب

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای کلیه، دانشکده: پزشکی دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی جراحی کلیه از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۶۰ و فوق تخصص پیوند کلیه از دانشگاه لندن در سال ۱۳۶۹.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۶۲ تا سال ۱۳۶۸ و دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۶۸۶.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تنگی مجرای خلفی پیچیده، درمان فیستول‌های پیچیده تناسلی ادراری، ترومای کلیه، تدریس جراحی کلیه و میز راه در دانشگاه علوم پزشکی تهران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

تکنیک جدید و درمان مثنه عصبی، بدرفتاری مثنه، ارزیابی ناباروری مرد.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مهربد، مسیح

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: گوش و حلق و بینی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اهواز.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مهرداد، کاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: دندان پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مهرگان مسعودی، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیرضا مهرگان مسعودی

محل تولد: رشت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب از سال ۱۳۶۱ پس از اخذ دیپلم به حوزه علمیه رشت وارد شدم و دروس پایه و سطح را در این شهرستان تحت اشراف استاد بزرگوار «آیت الله سید مجتبی رودباری» که خود از شاگردان حضرت امام خمینی (ره) و آیت الله خوئی (ره) بودند؛ با شاگردی در محضرشان به اتمام رساندم. در سال ۱۳۶۹ پس از قبولی در امتحانات ورودی حوزه علمیه قم، توفیق ورود به این حوزه مبارک و حضور در جوار حضرت معصومه (س) را پیدا کردم.

ادامه دروس سطح را در خدمت برخی از عزیزان دانشمند و روحانی این شهر مقدس بودیم و سپس از سال ۷۴ در درس‌های خارج فقه و اصول بزرگانی چون: «آیت الله ناصر مکارم شیرازی»، «آیت الله فاضل لنکرانی»، «آیت الله جعفر سبحانی» و «آیت الله میرزا محمد حسن فقیه یزدی» شرکت یافته و از محضر این عزیزان استفاده کردم. علمی چون فلسفه، کلام و عرفان نظری را نیز به طور پراکنده از محضر علمای قم بهره‌مند گردیدم. اشتیاق به آشنایی بیشتر با قرآن کریم و معارف مربوط به علوم قرآنی سبب گردید تا در حال حاضر بیشتر مطالعه‌ام در مسیر علوم قرآنی و حدیث باشد.

مهروانی همدانی، ابوالقاسم یوسف

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۶۸-۳۸۰ ق)، محدث، عابد و زاهد. از صوفیان رباط زوزنی بغداد بود. نسبتش به مهروان، از قرای همدان، می‌رسد. از ابواحمد فرضی و ابوالحسن بن صلت و ابو عمر بن مهدی و ابو محمد بن بیع و علی بن محمد بن بشران و همطبقه‌ی آنها حدیث شنید. یوسف بن ایوب همدانی و ابوالقاسم اسماعیل سمرقندی و ابوبکر قاضی مارستان (بیمارستان بغداد) و عبدالرحمان بن محمد قزار و ابوالمظفر عبدالمنعم قشیری و یحیی بن طراح و ابوالفضل اموی و ابومنصور طاهری و ابوبکر انصاری و دیگران از وی روایت کردند. ابوبکر خطیب بغدادی «مشیخه» ای در پنج جزء برای وی استخراج کرده است. در رباط زوزنی بغداد در گذشت و همان جا به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۴۱۶-۵/۴۱۵)، سیر النبلاء (۳۴۸-۱۸/۳۴۶)، شذرات الذهب (۳/۳۳۱)، العبر (۲/۳۲۵)، معجم البلدان (۵/۲۷۰)، المنتظم (۵/۵۳۴).

مهری، سید عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت الله سید عباس مهری در سال ۱۲۹۴ ش (۱۳۳۳ ق) در شهر مهر واقع در استان فارس به دنیا آمد و پس از طی دروس مقدمات در زادگاهش، راهی نجف اشرف شد. وی در نجف از محضر عالمانی همچون سید محمود شاهرودی، سید محمدباقر محلاتی و سید محمدتقی بحر العلوم استفاده کرد و بنا به اصرار جمعی از مؤمنان، برای تبلیغ دین و ارشاد مردم به کویت رفت. آیت الله مهری در طول سالیان اقامت در کویت و در جریان نهضت اسلامی مردم به رهبری امام خمینی، با برپایی مجالس سخنرانی به مناسبت‌های گوناگون و با ارسال نامه و تلگراف به محضر علما و مراجع و با پخش اعلامیه، پیام و نوار سخنان حضرت امام و دیگر بزرگان، لحظه‌ای از قیام و فعالیت باز نایستاد و علیه جور شورید. در این میان، سفارت ایران در کویت، فعالیت گسترده‌ای علیه ایشان شروع کرد و مردم را با تهدید و تطمیع و با پخش شایعه‌های گوناگون، وادار به دوری جستن از او و مسجد و مجلسش می‌نمود؛ این در حالی بود که بارها ایشان را تهدید به ترور می‌کردند. آیت الله مهری اولین مؤید امام از علمای خارج از کشور بود که پس از قیام

۱۵ خرداد ۴۲، تلگراف تند و آتشینی به محمدرضا پهلوی فرستاد که با این عمل، وی تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی، ممنوع‌الورود به ایران شد. منزل او در کویت علاوه بر این که به عنوان کانون تبادل نظر درباره شیوه‌های مبارزه با رژیم ستمشاهی بود، به عنوان واسطه‌ای بین امام در نجف اشرف و پیروان ایشان در ایران، اروپا و سایر نقاط عمل می‌کرد. وی از زمان آشنایی با امام تا واپسین دم حیات، دم از امام و راه او برنداشت و پیرو ایشان بود. حتی وقتی که امام قصد داشتند نجف را به مقصد کویت ترک نمایند، قرار بود که در منزل آیت‌الله مه‌ری اقامت کنند که با ممانعت دولت کویت مواجه گردید و این امر، عملی نشد. پس از پیروزی انقلاب، حضرت امام، آیت‌الله مه‌ری، را به امامت جمعه کویت منصوب کردند که با تبعید آیت‌الله مه‌ری، نماز جمعه برگزار نگردید. این عالم بزرگوار سرانجام پس از عمری مجاهده در راه اسلام، در ۲۶ بهمن ۱۳۶۶ ش برابر با ۲۶ جمادی‌الثانی ۱۴۰۸ ق در ۷۲ سالگی درگذشت و در حرم مطهر حضرت معصومه (س) مدفون شد.

برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

مه‌ری، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیة الله مه‌ری در سال ۱۳۳۳ هجری قمری در شهر مهر واقع در جنوب استان فارس، و در خانواده‌ای روحانی از سلاله رسول الله (ص) قدم به عرصه وجود گذاشت. او را عباس نامیدند شاید تقدیر الهی چنین بود زیرا که او در همان اوان کودکی روحیه ظلم ستیزی در نهادش نهفته بود و بعدها خود الگویی برای مبارزان طریق حقیقت و مراد پویندگان راه رفع ظلم و ستم شد.

دوران کودکی

هنوز دوازده سال از عمر مبارکش نگذشته بود که سایه پر مهر پدر از او گرفته شد و برای همیشه از پدر محرم گردید. پس از آن تحت تکفل برادر ارجمندش عالم عاضل حاج سید هاشم مه‌ری قرار گرفت و براستی چون پدری مهربان و دلسوز به تعلیم و تربیت او پرداخت با اینکه سالهای سخت تنگدستی را می‌گذراندند. هرگز نگذاشت برادر عزیزش احساس فقر سختی کند. از همین ور بود که ایشان همیشه از برادرش به خیر و خوبی یاد می‌کرد و می‌گفت: من نمی‌توانم آن همه محبت و مهربانی را پاسخگو باشم. (۱)

نسب شریف

نام مبارکش سید عباس حسینی و مشهور به مه‌ری فرزند سید حسن حسینی از سادات بزرگ و معروف مهر موسوم به سید هاشمی (منسوب به جد اعلای ایشان مرحوم سید هاشم) است. و از طریق مارد نسب وی به محدث و مفسر عالیقدر، علامه سید هاشم بحرانی (مؤف تفسیر برهان) می‌رسد. نام مارد دانشمندش خدیجه، دختر سید حسن علامه مه‌ری از سادات جلیل‌القدر مهر و از نوادگان علامه بزرگوار بحرانی می‌باشد. (۲)

یادکردی از مهر

مهر از شهرهای مرکزی و جنوبی استان فارس و دارای تاریخی عمیق و درخشان است. تاریخ مهر همواره با نام دانشمندان و سادات و الامقام آن دیار گره خورده است. این شهر با همه کوچکی آن زادگاه بسیاری از علما، نویسندگان، و صاحب‌منصبان سیاسی و اجتماعی بوده و هست. این شهر علاوه بر موقعیت علمی که همچون گوهر تابناک می‌درخشیده، به لحاظ حضور مبارک سادات که جمعیت غالب شهر را تشکیل می‌داده‌اند و نیز به داشتن مردمی خوب دارای موقعیت اجتماعی ویژه‌ای در منطقه بوده است که

ملجاً مهاجران زیادی شده که به این شهر پناهنده گردیده‌اند. اجداد آیه الله مهری از نخستین گروه سادات این ناحیه هستند که از منطقه احصاء به این محل هجرت نموده‌اند. (۳) نوشی از جام نور

ایشان پس از گذراندن دوره مقدمات در زادگاهش مهر برای تحصیل علوم و معارف دینی و استفاده از انوار قدسی بارگاه ملکوتی جد بزرگوارش با مشقتی فراوان و عشقی زایدالوصف راهی نجف اشرف گردید با جدیت به کسب معارف مشغول گردید، به گونه‌ای که خود می‌گوید: به قدری درسهایم فشرده بود که بعضی از روزها سه درس می‌گرفتم و دو درس می‌دادم و سه درس را نیز به مباحثه می‌گذراندم، غذایم معمولاً نان و ماست و هوانه بود. (۴) وی با آنکه مدت زیادی نتوانست در نجف اشرف بماند و به درخواست جمعی از مؤمنان برای امر تبلیغ به کویت عظیمت کرد منتهی در همین مدت کم توانست با جدیت تمام مدارج علمی را پشت سر بگذارد و از محضر اساتید بزرگوار هم چون آیه الله سید محمود شاهرودی (ره) و آیه الله سید باقر محلاتی (ره) و آیه الله سید محمد تقی بحرالعلوم (ره) بهره کافی ببرد. (۵)

هجرت به کویت

در نجف اشرف، پس از چند سال بحث و درس فشرده، مردم مسلمان کویت با اصرار و تقاضای فراوان از برخی عالمان آن زمان از ایشان می‌خواهند که برای راهنمایی و ارشاد آنها به کویت بروند. (۶) آقای مهری در آغاز رازی نمی‌شود، زیرا می‌خواسته است درس خود را ادامه دهد ولی، به درخواست بیش‌تر از حد مردم و اصرار برخی از علماء ناچار به آن دیار مهاجرت می‌نماید. او در این باره می‌گوید: وقتی به کویت آمدم مردم حتی نمی‌توانستند درست وضو یا تیمم کنند و از مسائل معمول شرعی خود بی‌خبر بودند. (۷) استاد عالیقدر حضرت آیه الله وحید خراسانی که بهترین گواه بر زحمات و فعالیت‌های آن مهری می‌باشد چنین تعبیر آورده‌اند: چ مرحوم آقای مهری احیای موات کردند. (۸) فعالیت‌های علمی و اجتماعی در کویت

در کویت ضمن هدایت و ارشاد و پرداختن به مسائل شرعی و حل مشکلات اجتماعی مردم، به مباحثه کتابی علمی با برخی از علما ادامه می‌دهد و هر چند یکبار که به نجف اشرف مشرف می‌شود در آنجا برای همان چند روز نیز دست از درس و بحث نمی‌کشد. آن بزرگوار افزون بر انجام تکلیف نسبت به اسلام و مسلمین که - به بهترین وجه ادا می‌شد - به تدریس علوم دینی می‌پرداخت و از همه اقشار مردم می‌خواست که اوقات فراغت خود را به درس و بحث پردازد و عمر خود بیهوده صرف نکند و خود مجالس درس را اداره می‌کرد. همه شب پس از اداء نماز جماعت در مسجد شعبان - که اکنون به صورت بارزترین پایگاه انقلاب اسلامی در کویت در آمده است - به منبر می‌رفت و پس از گفتن چند مسئله، به موعظه می‌پرداخت و مشکلات اجتماعی مردم را گوش زد می‌نمود و هر چند برای مردم آن زمان، باور کردنی نبود که فردی روحانی پیرامون مسائل سیاسی با مردم سخن گوید، او از گفتن آنها باکی نداشت و اوضاع جهان اسلام را تا آنجا که برایش ممکن بود بیان می‌کرد و مردم را از خطر استعمار و استعمار زدگی بر حذر می‌داشت. (۹) گفتار امام راحل (ره) خطاب به آن بزرگوار تا اندکی از این امر پرده بر میدارد. ایشان در ضمن نامه به آیه الله مهری می‌نویسد: مساعی جمیله جنابعالی در ترویج شریعت مقدس اسلام در آن حدود مورد کمال، تقدیر و تشکر و امید است ان شاء الله مورد توجه خاصه حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - واقع گردیده و مأجور باشید. دوام توفیقات آن جناب را در اعلاء کلمه طیبه الاسلام از خدای متعال خواستارم. (۱۰) مبارزات سیاسی

آنچه بیشتر از هر خصوصیت دیگر، آیه الله مهری را ممتاز کرده بود، روح ظلم ستیزی و مبارزه همیشگی او بر ضد ستم در شکل‌های گوناگونش بوده در این باره می‌فرمود: هنوز بالغ نبودم و عمرم از سیزده سال تجاوز نکرده بود ولی نسبت به شاه احساس دیگری - جدای از مردم آن زمان - داشتند. من او را ظالم و غاصب حق می‌دانستم و از اینکه برخی از روحانیون از او تجلیل می‌کردند سخت منزجر می‌شدم. من معتقد بودم باید قدرت در دست مرجع تقلید باشد و اگر کسی را او تعیین کند واجب الطاعه است و الا فلا. (۱۱) ناگفته نماند که همواره ظلم ستیزی وی مشکلات زیادی برایش به وجود می‌آورد. خود در این باره طی مصاحبه‌ای

می‌گوید بنده قبل از اینکه به نجف بروم و سپس در کویت اقامت گیریم در ایران حبس رفتم، شکنجه شدم، پای برهنه مرا در پشت اسبها می‌دواندند و برادرم نیز در این مصائب با من شریک بود. ما هرگز ساکت نبوده‌ایم و فکر کردیم وقتی به کویت می‌رویم آقایان مراجع پشتیبان ما خواهند بود و با حمایت آنان بنده می‌توانم علیه ظلم مبارزه کنم. ولی هیچ کس در آن زمان حاضر نشد علیه ظلم حرفی بزند تا اینکه آقای خمینی (ره)، این بزرگوار سر بلند کرده و از ابتدایی که امام شروع به مبارزه علیه ظلم نمود امیدی خاص در من ظاهر شد، زیرا یک راهنما و پیشوا پیدا شده بود، پس می‌توانستیم به احکام و نظریات این بزرگوار عمل کنیم. (۱۲) در راه مبارزه مستمر و بی‌امان با دستگاه طاغوت در آغاز نهضت حرکت همه جانبه را علیه دستگاه ظلم پهلوی شروع کرد و با برپایی مجالس سخنرانی به مناسبت‌های گوناگون و با ارسال تلگراف و نامه به محضر علماء و مراجع و با اجتماع با شخصیت‌های گوناگون مذهبی و سیاسی و با پخش اعلامیه‌ها و پیام‌ها و نوارهای حضرت امام و دیگر بزرگان، لحظه‌ای از قیام و فعالیت باز نایستاده و در مقابل، سفارت ایران در کویت، فعالیت گسترده‌ای علیه او شروع کرد و مردم را با تهدید و تخویف و تطمیع و با پخش شایعه‌های گوناگون وادار به دوری جستن از او و مسجد و مجلسش می‌نمود، از سوی دیگر کمتر روزی بود که تلفنهای تهدیدآمیز و اینکه اگر ساکت نشوی تو را می‌کشیم و در امشب پس از نماز در وسط سخنرانی تو را ترور می‌کنیم و خانه ات را آتش می‌زنیم و بچه هایت را از بین می‌بریم و ... به او زده نمی‌شد، ولی او همچنان پابرجا و استوار و بی‌اعتنا به آن همه تهدیدات، پیش می‌رفت و وظیفه خود را قاطعانه دنبال می‌کرد و هرگز اهمیت نمی‌داد که روزانه از عدد نمازگزاران مسجد یا ملاقات کنندگانش در منزل - بر اثر تهدیدهای دشمنان - کاسته می‌شود. (۱۳)

در خواست قیام علی طاقت

فرزند با اخلاص سرزمین مهر - همانگونه که اشاره شد - همواره با ارسال نامه و تلگراف از علماء و مراجع دعوت به مبارزه علیه طاغوت و پشتیبانی از حرکت امام می‌کرد، منتهی هیچ وقت منتظر پاسخ آقایان نمی‌نشست و فقط به وظیفه عمل می‌کرد. در آغاز نهضت تلگراف شدید لحنی به مراجع وقت در نجف اشرف و قم مخایره کرد و آنان را به قیام دعوت نمود. در آن تلگراف چنین آمده است: مصیبت‌هایی که این روزها بر سر مسلمین در ایران فرود می‌آید دل هر آزاده‌ای را آزرده ساخته است و سکوت شما در برابر این فجایع، بر این درد افزوده است ما منتظر اقدام سریع شما برای تسکین دردها و جلب رضایت حضرت ولی عصر (عج) می‌باشیم. سه نفر از مراجع وقت نجف آیه الله حکیم رحمه الله، آیه الله شاهرودی رحمه الله و آیه الله خویی رحمه الله پاسخ‌هایی دادند و ایشان دستور داد همان پاسخ‌ها را تکثیر و در دسترس عموم مردم قرار دادند و به همین پاسخ برای تأیید نهضت اکتفا می‌کرد و می‌فرمود! ما در حد توانمان به قیام دست زدیم. ما مردم را هدایت می‌کردیم تا کمک به ظلم و جور نکنند و با اشخاصی که علیه دین اسلام قدم بر می‌داشتند، هم قدم نشوند. در آن زمان حضرت امام به همه نماینده هایش دستور داده بودند که به این گونه مسائل توجه گردد و بنده یکی از نمایندگان ایشان بودم که به این امر عمل نمودم. حتی از دیگران نیز درخواست دعوت کردم تا همزمان با ما، در دیگر بلاد اسلامی، جلوی ظلم ظالمین را بگیرند و در این خصوص بعضی از آقایان متأسفانه با بنده هم زبان نشدند و بعضی‌ها نیز بنده را سرزنش و توبیخ می‌نمودند که چرا علیه حکومت شاه به پا خواسته‌ام. و بنده تمام جوانب را تحمل نمودم. و به اعمال و رفتار آن آقایان نیز اعتنا نکردم و مطالبمان را هرچه بود بر زبان آوردیم ... تلگرام آتشین

به جرأت می‌توان گفت که اولین مرید و مؤید امام از علماء خارج از کشور آقای مه‌ری بود. و اولین حرکتش تلگرام تند و آتشینی در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی پس از سخنرانی سرنوشت ساز امام به شخص محمد رضای خائن بود. و به این ترتیب او لب به سخنی گشود که می‌بایست در نهایت گفته می‌شد (زیرا که انقلاب اسلامی سخن آخرش را اول می‌گوید) (۱۴) و پس از این تلگرام، از ورود ایشان به ایران جلوگیری شد تا اینکه انقلاب اسلامی به پیروزی رسید. کانون اندیشه‌ها

منزل آیه الله مه‌ری در دوران نهضت همواره کانون اندیشه‌های انقلابیون و مبارزان مسلمان به ویژه روحانیون بود که در آنجا

جلسات زیادی پیرامون شیوه‌های مبارزه از سوی مبارزانی همچون شهید آیه الله سعیدی، آیه الله خزعلی و شهید حجة الاسلام محمد منتظری و سایر عزیزان پیرو امام از ابتدا شروع نهضت تا پیروزی انقلاب برپا می‌شد و برای پیش برد نهضت در داخل و خارج کشور، تبادل نظر صورت می‌گرفت و آن بزرگوار واسطه‌ای بین حضرت امام در نجف اشرف و پیروان و ادامه دهندگان راهشان در ایران، اروپا، آمریکا و سایر کشورها بود. او در این راه تنها از مال دنیا و جان خود و فرزندانش مایه می‌گذاشت که از عزت و آبروی خویش نیز می‌گذشت و در راه مرادش از هیچ کوششی فروگذاری نمی‌کرد به گونه‌ای که منزل ایشان خانه دوم امام شده بود و انقلابیون به طور دایم در آن خانه به نشر انقلاب اسلامی و فرامین امام، می‌پرداختند، به طور مثال همه کتابهای امام و اعلامیه‌ها و فتاوی ایشان در کویت با همت و نظارت مستقیم ایشان چاپ و نشر و به طور رایگان در اختیار مردم مسلمان مخصوصاً ملت ایران قرار می‌گرفت. (۱۵) یک خاطره

روزی یکی از مراجع می‌خواست به کویت بیاید تا از آنجا به مکه مشرف شود. چون در اتاق پذیرایی آقا فقط عکس حضرت امام بود، به او عرض کردیم یا موقتاً این عکس را برداریم یا اجازه دهید چند روزی عکس آن آقا را نیز در این جا نصب کنیم! ایشان با ناراحتی پاسخ داد مگر من عکس پرست هستم یا با عکس می‌خواهم خود شیرینی کنم؟ عکس امام برای من یک شعار است. من با نصب کردن این عکس، راه و روش خود را به مردم نشان می‌دهم، و می‌خواهم از راه امام تبلیغ کنم و گرنه خوب بود عکس دهها مرجع تقلید، که طی چندین سال همه با من ارتباط داشته‌اند و بدون درخواست من، مرا نماینده خویش در کویت قرار داده بودند، بر در و دیوار بیرونی من نصب شده باشد! (۱۶)

عشق مرید به مراد

آیه الله مهری با تمام اخلاص عاشق امام خمینی بود. از روزی که توسط آیه الله ابوالقاسم خزعلی و شهید آیه الله سید محمد رضا سعیدی با امام آشنا گشته و به هنگام سفر به ایران در قم به جلسه‌ای در درس ایشان مشرف شده بود (۱۷) تا پسین دم حیات دست از امام و راه او برنداشت. علاقه او به امام برای کسب شهرت و مقام نبود بلکه امام را واجد جمیع شرایط دیده و مرید او شده بود. هر وقت از او درخواست می‌کردم عکس از او با امام برای یادگاری بگیرم ممانعت می‌کرد و می‌گفت: من نیاز به عکس ندارم، من اگر با خمینی از روز اول پیمان بسته‌ام برای خدا بوده است نه برای کسب شخصیت. (۱۸) آری، او به خوبی از عهده این پیمان بر آمد و همه هستی اش را فدای امام کرد ولی دست از او برنداشت. مرید و مراد

همانگونه که مهری امام را خوب درک کرده و به او عشق می‌ورزید امام نیز در مقابل به او محبت و علاقه خاصی داشت. وقتی که امام از عراق به طرف کویت هجرت کرده و با همراهان قصد منزل ایشان را داشت، خفاشان زمان به محض شناخت امام وحشت زده از ورود امام به کویت ممانعت کردند، آقای مهری می‌خواست با رئیس آنها صحبت کند تا شاید در قلب سخت آنها اثری کند، امام فرمود: ابد! حیف نیست وجه خود را پیش این ناکس بفروشی؟! ما بر می‌گردیم، ما با خدا هستیم. (۱۹) امام که ناراحتی آقای مهری را می‌دانست بعد از برگشت به عراق و هجرت به فرانسه به محض رسیدن به آقای فردوسی پور امر کرده بود که: به فلانی تلفن بکنید که او خیلی ناراحت است. (۲۰) ایشان هم امثال امر کرده و برای رفع ناراحتی ایشان به کویت تلفن زده بودند. آری، امام نیز مرید خود را خوب شناخته بود. انتصاب به امامت جمعه

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و به بار نشستن آرزوی دیرینه امام و یاران باوفایش برای ارتقاء رشد فکری جامعه اسلامی و بیداری هرچه بیشتر مسلمانان جهان و صدور انقلاب و جامه عمل پوشاندن و به یکی از آرزوهای شیعیان کویت یعنی برپایی نماز دشمن‌شکن عبادی، سیاسی جمعه حضرت امام - رضوان الله تعالی علیه - حضرت آیه الله مهری را طی حکمی در مورخ ۵۸/۷/۲ به امامت جمعه در کشور کویت منصوب نمودند (۲۱) ولیکن با تبعید ایشان از طرف حکام کویت همراه با تمامی اعضای خانواده به ایران اسلامی نماز جمعه در این کشور برگزار نگردید. تبعید به ایران

با پیروزی انقلاب اسلامی و به ثمر رسیدن زحمات چندین ساله امام و یارانش آیه الله مهتری نه تنها از حرکت نایستاد بلکه برای استحکام بخشیدن به پایه‌های حکومت اسلامی بر شدت تلاشهایش افزود. و او سربلند و مفتخر از اینکه توانسته است، در راه حاکمیت الله قدمهای بردارد سر از پا نشناخته، لذا تمام وقت خود را صرف سامان بخشیدن به مسائل انقلاب و پاکسازی محیط جامعه اسلامی از تفاله‌های طاغوت نمود که از آن جمله پاکسازی سفارت ایران در کویت می‌باشد و باز به این حد بسنده ننمود و فعالیتهای زیادی متکفل شد، تا آنجایی که شیخ دستنشانده کویت به الهام از اربابان انگلیسی و آمریکایی اش تاب تحمل وجود او را ننمود و بر خلاف تمام موازین و مقررات بین المللی تابعیت مسلم درجه یک وی را از اعتبار ساقط و بی درنگ وی و تمام اعضاء خانواده‌اش را از خانه و کاشانه خود اخراج و به ایران تبعید نمود. (۲۲)

مبارزه بزرگ

آن بزرگوار نه تنها با طاغوتهای خارجی مبارزه‌ای بی امان داشت ولی بیش از هر چیز با طاغوت نفس مبارزه می‌کرد و برای کوبیدن طاغوت سرکش نفس آنقدر نسبت به مؤمنین تواضع و محبت ورزید که در کمتر کس چنین روحیه‌ای می‌توان یافت. او نه تنها خود را از همه علماء و خدمتگزاران دین کوچکتر می‌دانست که در برابر مردم عادی نیز متواضع بود. هر کس بر او وارد می‌شد، حتی اگر نوجوان کم سن و سالی بود، تمام قد از جا برمی‌خواست و به او احترام می‌گذاشت و احوالپرسی می‌کرد. یکی از روزهای بیماری، سائلی وارد شد، ما اعتنایی چندانی نکردیم ولی او با آن حال بد، از جا برخاست و مانند دیگران احترام کرد. پس از رفتن با ناراحتی به او عرض کردم: شما با این کار خودتان را اذیت می‌کنید. تازه او کسی نبود که برایش تا این حد احترام قائل شوید! با نگرانی به من پاسخ داد: تو از کجا علم داری که مقام من نزد خدا، از او بالاتر باشد؟! او در تواضع و تجلیل از مؤمنان به قدری افراط می‌کرد که ما ناراحت می‌شدیم و گاهی به او اعتراض می‌کردیم. در پاسخ می‌گفت: من هنوز نتوانسته‌ام به این فراز از آیه ... اذله علی المؤمنین (۲۳) عمل کرده باشم. (۲۴) آقا با رفتار خود به اطرافیان درس می‌داد که مؤمن واقعی به همان مقدار که در برابر دشمنان خدا و ظالمان ستمگر، با خشونت رفتار می‌کند و حاضر نیست کوچکترین نرمش از خود نشان بدهد، در برابر یاران خدا و مؤمنان متواضع و فروتن است اشداء علی الکفار رحماء بینهم (۲۵). برخی از ویژگی‌های اخلاقی

همیشه با وضو بود، به مستحبات با دقت عمل می‌کرد و از مکروهات مانند حرامها گریزان بود. نماز با طمأنینه کامل و مستحبات و تعقیبات انجام می‌داد و مقید بود که هرگز نوافل را ترک نکند. دو ساعت قبل از طلوع فجر از خواب بیدار و مشغول نماز شب و تهجد و دعا خواندن و استغفار می‌شد، و هیچ گاه نماز شبش ترک نمی‌شد. شبها قبل از خواب درست در همان لحظه‌ای که همه اهل منزل به خواب رفته بودند، زیر آسمان می‌رفت و دستها را به آسمان بلند می‌کرد و با گریه و زاری، استغفار می‌نمود. هرگز سؤال کننده را محروم نمی‌کرد، حتی اگر به مقداری غذا یا لباس باشد. اگر روزی لباس نو یا عمامه نویی می‌پوشید و کسی از آن لباس تعریف می‌کرد، فوری آن را به او می‌بخشید و خودش به لباس کهنه اکتفا می‌کرد. گاهی که همسرشان به ایشان اعتراض می‌کرد که چرا نمی‌توانی لباس نو را لااقل برای چند ماه نگهداری، بالبخند می‌گفت: مگر آن لباسها چه عیبی دارد؟ با اینکه خود سید بود نسبت به سادات احترام شدید و تجلیل کامل می‌نمود. بسیار مهمان نواز بود و حتی اگر بعضی روزها مهمان نداشت یک نفر از مسجدیان را با خود می‌آورد تا بی مهمان غذا نخورد. علاقه عجیبی به اهل بیت (ع) داشت. هرگاه نام مبارک امام حسین (ع) را می‌شنید بی اختیار اشکش جاری می‌شد و روزهای عاشورا مانند کسی که تازه پدرش را از دست داده، با صدای بلند گریه می‌کرد تا جایی که بی حال می‌شد از این رو همه ساله دو ماه محرم و سفر و هر شب دوشنبه جلسه روضه و عزاداری برگزار می‌شد و بعد از اینکه به ایران تبعید شدند در طول نه سال زندگی در ایران صبحهای جمعه همان مجلس، با شکوه تمام برگزار می‌شد. و در مراسم مولودی یا اعیاد اسلامی ضمن برقراری مجالس جشن و سرور، با شیرینی و شربت و گاهی هم با پول از حاضرین پذیرایی می‌کرد. کارهای منزل را تا حد توان خودش انجام میداد حتی بعضی از کارهای بنایی خانه. و با این کارش به فرزندانش می‌فهماند

که نباید در همه کارها به دیگران متکی بود. از اسراف و زیاده روی خیلی متنفر بود و اگر می‌دید چراغی بدون سبب در اطاقی روشن مانده است با عصبانیت بازخواست می‌کرد و این کار را نکوهش می‌نمود. با اینکه انواع کاغذ و دفترها در منزل یافت می‌شد از یک کاغذ پاره هم استفاده می‌کرد و کمتر روزی بود که در مذمت اسراف با افراد خانواده سخن نگوید. از افراد سخن چین بیش از همه کس متنفر بود. و کمتر سخنرانی ای داشت که در آن، نام را نکوهش نکند. در روحیه‌اش ذره‌ای خود خواهی یافت نمی‌شد و برای اینکه با این روحیه مبارزه کند ریاضتهای عجیبی داشت گاهی در گاری سه چرخ سوار می‌شد و به مسجد می‌رفت. محال بود هر کسی بگذرد و به او سلام نکند، حتی اگر بچه خردسالی بود در مجلسی که وارد می‌شد هر جا که خالی بود می‌نشست و هیچ گاه مقید نبود که در صدر مجلس یا اطراف آن بنشیند، اگر در بحث با بعضی از روحانیون، احساس می‌کرد طرف از ادامه بحث یا پاسخ به سؤال درمانده شده است، خود بحث را عوض می‌کرد و نمی‌گذاشت حاضران متوجه ضعف طرف مقابل شوند. همیشه در کارهای اساسی با دیگران مشورت می‌کرد و برای اینکه به فرزندانش احترام بگذارد چه در جمع و چه خصوصی با آنها به مشورت می‌پرداخت و اگر رأی آنها مورد قبول قرار نمی‌گرفت با استدلال آنها را قانع می‌نمود. همیشه در پی استدلال و برهان بود لذا به فرزندانش توصیه می‌فرمود: شما فکر نکنید که چون پدر و مادرتان شیعه‌اند، باید شیعه باشید. بروید کتاب بخوانید و خودتان با دلیل و برهان، حق را دریابید ... به مظاهر اسلامی خیلی اهمیت می‌داد، حتی در لباس، مسکن و غذا مسائل اسلامی را مراعات می‌نمود. فعالیت‌های اجتماعی

ایشان در امر بازسازی و تجدید بنای مدارس علمیه از جمله مدرسه قزوینی و مدرسه بخارایی در نجف اشرف سعی و تلاش فراوان کرد. برای شیعیان ساکن در منطقه خلیج فارس (از جمله کویت، بحرین، قطر و امارات عربی متحده) مساجدی را تأسیس کرد و تأسیس و تعمیر مساجد زیادی در گوشه و کنار ایران اسلامی را بر عهده گرفت. در کویت اولین مدرسه دخترانه به نام مدرسه جعفری برای دوران ابتدایی تا دبیرستان به همت عالی او تأسیس شد. جذب مبلغان از حوزه‌های علمیه نجف اشرف و قم و مشهد برای تبلیغ در مناطق کویت و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس از دیگر تلاشهای آیهٔ اخلاص آیهٔ الله مه‌ری بود که این امر تا قبل از رحلت ایشان ادامه داشت. چاپ و نشر و ترجمه کتب امام و غیر آن در سطح بسیار وسیع و توزیع رایگان در میان مردم. تشکیل جلسات شورای فقهی و سیاسی با روحانیان مقیم کویت به منظور حل معضلات و مشکلات، از فعالیت‌های ارزشمند او محسوب می‌شود. بسیج عده‌ای از اهالی منطقه فارس و شهرستان لامرد (۲۶)، برای توزیع مواد غذایی مورد نیاز مردم در زمان قحطی پس از جنگ جهانی دوم. تأسیس و راه اندازی اولین درمانگاه در شهرستان لامرد. تأسیس بیمارستان و زایشگاه مجهز و گسترده در شهر مهر. رهبری مدبرانه نهضت اسلامی ملت کویت پس از اخراج از کویت و حمایت حرکت‌های اسلامی و انقلابی جوانان مسلمان. کمک‌های مستمر به مراکز مذهبی، فرهنگی (مدارس، مساجد، حسینیه‌ها) در قم و سایر نقاط. بازسازی مراکز خدماتی (آب انبارها و راه‌ها و...) مناطقی از ایران. تأسیس بنیاد معارف اسلامی قم به منظور تحقیق و تدوین تاریخ جامعی برای تشیع از آغاز تاکنون، که این یکی از ارزنده‌ترین آثار جاودانه آن بزرگمرد است.

سفر به کوی دوست

سرانجام پس از عمری کوشش، مبارزه و تلاش همه جانبه، و نیل به اهداف عالیش که رفع ظلم ستم شاهی و استقرار نظام عدل الهی بود در جوار مشوق واقعی اش که همه دوران زندگی را بر آستانش چهره ساییده بود آرمید، آیهٔ الله حاج سید عباس مه‌ری پس از ۷۵ سال زندگی پرخیر در تاریخ ۱۳۶۶/۱۱/۲۶ هجری شمسی، در تهران، ستاره درخشان وجودش از آسمان علم و فضیلت برخاک فروغلتید و در جوار حضرت فاطمه معصومه (س) در خاک نماند. و تمام خویشان و دوستان و ارادتمندان را به سوگ نشاند. (۲۷)

در سنگر علم

مرحوم آیه الله مهری با همه اشتغالات سیاسی و اجتماعی در بیان معارف اسلامی و دفاع از کیان اسلام و تشیع نیز غافل نماند و در این زمینه آثاری به یاد ماندنی از خویش به جای گذاشت که برخی از آن آثار چاپ شده بدین قرار است:

۱- شعاع من التاريخ این کتاب ارزشمند در پاسخ به هتاک‌های ابراهیم جهان در مجله رأیه الاسلام چاپ ریاض به مذهب تشیع و ائمه اطهار(ع) در سال ۱۳۸۱ هجری / ۱۹۶۱ میلادی به رشته تحریر در آورده است. مرحوم مهری علاوه بر مبارزه با این فرد که منجر به تبعید شبانه وی از سوی دولت کویت به عربستان سعودی گردید به مبارزه علمی نیز با وی پرداخته و در ضمن کتابی به گفته‌های سراپا کذب وی پاسخ می‌گفت. این کتاب را به موجب نامساعد بودن جو سیاسی آن زمان کویت به نام برادر ارجمندشان عالم فاضل سید هاشم مهری به طبع رسانده‌اند و اکنون در کتابخانه عمومی مرحوم آیه الله نجفی به شماره ۷۵۳۰ ردیف ۵ و قفسه ۲۳ موجود می‌باشد. ۲- شعاع من سیرتنا سنتنا این کتاب اگر چه در بعضی نوشته‌ها از جمله آثار قلمی مرحوم آقای مهری شمرده شده است ولی از مقدمه کتاب چنین استفاده می‌گردد که شخصی از ایشان در موضوع صحت سجده بر خاک مطالبی طلب می‌کند و ایشان پس از پاسخ به خواسته ایشان به پیشنهاد یکی از مؤمنان اهل اطلاع به سخنرانی علامه امینی پیرامون موضوع سجده و آنچه سجده بر آن صحیح است که در سال ۱۳۸۴ هجری در سوریه ایراد فرموده‌اند دست می‌یابد و با تمام خلوص به جای چاپ مقاله خود به انتشار سخنرانی علامه امینی مبادرت می‌ورزند. این کتاب به شماره ۵۴۴۷۸ در کتابخانه عمومی مرحوم آیه الله نجفی مرعشی موجود می‌باشد. ۳- تفسیر سوره والعصر. ۴- اهل الکتاب. ۵- دروس فی الدین. ۶- رساله‌ای در بیان حرمت گوشت خوک. از دیگر آثار قلمی این دانشور پرتلاش است. یادش گرامی و راهش جاوید پاورقی:

۱- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان سید محمد جواد مهری. ۲- برای آشنایی بیشتر با حیات علامه بحرانی به کتابهای زیر مراجعه فرمایید: علامه بحرینی، سید محمد براتی، العلامة السید هاشم البحرانی، فارسی تبریزیان، علامه بحرانی آئینه ابرار، تألیف نگارنده. ۳- برای آشنایی بیشتر با این شهر و عالمان آن می‌تونید به کتاب سیمای مهر تألیف نگارنده مراجعه نمایید. ۴- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. ۵- خلاصه زندگی نامه آیت الله مهری، ص ۲. ۶- شایان ذکر است که در آن زمان هنوز نفت در کویت کشف نشده بود و مردم با سادگی، زندگی متواضعانه‌ای می‌گذراندند. ۷- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. ۸- کنایه از اینکه کویت مانند یک زمین مرده‌ای بود که وی با زحمات خویش آن را زنده و آباد کرد. ۹- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. ۱۰ - ۱۱- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. ۱۲- روزنامه ابرار ۱۳۶۶/۳/۳۱. ۱۳- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. ۱۴- خلاصه‌ای از زندگینامه آیت الله سید عباس مهری، ص ۳. ۱۵- با استفاده از خلاصه زندگی نامه آیت الله مهری، ص ۳ و ۴. ۱۶- از خاطرات فرزند ارجمندشان سید محمد جواد مهری. ۱۷- سرگذشتهای ویژه از زندگی حضرت امام، ج ۶، ص ۱۵۷ و ۱۵۸. ۱۸- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. ۱۹- سرگذشتهای ویژه از زندگی حضرت امام، ج ۶، ص ۱۶۴ و ۱۶۵. ۲۰- همان. ۲۱- صحیفه نور، ج ۹، ص ۱۹۷. ۲۲- خلاصه زندگینامه آیت الله مهری، ص ۴. ۲۳- مائده / آیه ۵۴. ۲۴- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. ۲۵- فتح / آیه ۲۹. ۲۶- از شهرهای جنوبی استان فارس می‌باشد. ۲۷- از آیت الله مهری ۱۱ فرزند (۷ پسر و ۴ دختر) به یادگار ماند. ۱- حجّه الاسلام و المسلمین حاج سید محمد مهری. ۲- حجّه الاسلام و المسلمین حاج سید مرتضی مهری، از محققان و اساتید حوزه علمیه قم. ۳- جناب آقای سید احمد مهری. ۴- جناب آقای سید علی اصغر مهری. ۵- دانشمند محترم جناب آقای سید محمد جواد مهری. ۶- سید محسن مهری. ۷- سید محمد رضا مهری.

مهری، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج سید محمد مه‌ری از اعظام علماء این منطقه و دارای نفوذ و موفقیت مخصوص بودند. وی اصلاً از اهل مهر فارس بودند که پس از پرورش و تحصیل مقدماتی به نجف اشرف و بعد از چند سال توقف و کسب فیض از محضر آیات عظام آنجا به خرمشهر رحل اقامت افکنده و به اقامه جماعت و ترویج دین و قضاء حوائج مسلمین پرداخته است.

نگارنده در محرم سال ۱۳۷۰ قمری که برای تبلیغ به آنجا رفتم از محضرشان استفاده و ناظر بودم که چگونه همه روزه مانند مرحوم آیت‌الله کاشانی سابق‌الذکر درب خانه‌اش برای خودی و بیگانه باز و ارباب حوائج به ایشان برای عبور از مرز و غیره مراجعه و با هدایت و مساعدت آن بزرگوار به مقاصدشان می‌رسیدند.

در اواخر عمرش شبی از بام منزلش سقوط و به شکستگی پایش مبتلا تا در سال ۱۳۸۴ قمری وفات نموده و به اسلاف خویش ملحق گردیده است.

دامادهای ارجمند و دانشمندی دارد که همه از علماء محترم خرمشهر و آبادان و کویت می‌باشند.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

مه‌ری، مه‌دی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مه‌دی مه‌ری

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

مه‌دی مه‌ری در سال ۱۳۴۱ در شهر مقدس مشهد متولد شد. پس از گذراندن دروس عمومی دوره ابتدایی و راهنمایی در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه مشهد شد. آنگاه پس از اتمام دروس مقدمات در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه قم شد و به مدت بیست سال در دروس فقه و اصول و فلسفه حضور یافت.

اساتید سطح ایشان حجج اسلام و حضرات آیات: «ستوده»، «پایانی»، «اعتمادی»، «موسوی تهرانی» و «سید علی محقق داماد». اساتید دروس خارج آیات عظام: «وحید خراسانی»، «تبریزی» و «فاضل لنکرانی». اساتید فلسفه حضرات آیات: «محمد علی گرامی»، «حسن زاده»، «جوادی آملی»، و «انصاری شیرازی».

وی همزمان با تحصیل، به تدریس دروس حوزه تار سائل و مکاسب اشتغال داشته است و از سال ۱۳۶۴ تاکنون در دانشگاه‌های مختلف به تدریس اشتغال دارد، همچنین نامبرده در همایش‌ها و کنفرانس‌های علمی بسیاری به ارائه مقاله و سخنرانی پرداخته است.

مه‌زاد، منصور

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: پاتولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پاتولوژی، متخصص پاتولوژی از رویال کالج پاتولوژیست‌های انگلستان.

مرتبه علمی:

دستیار پاتولوژی دانشکده پزشکی اصفهان در سال ۱۳۴۹، استادیار پاتولوژی در سال ۱۳۵۳، دانشیار پاتولوژی دانشگاه اصفهان در

سال ۱۳۵۷، استاد پاتولوژی دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۶۹ تا کنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پاتولوژی عمومی و اختصاصی، سیتوپاتولوژی، شرکت در کنگره‌های متعدد بین‌المللی، عضویت در آکادمی بین‌المللی سیتولوژی و

هیأت ممتحنه و ارزشیابی رشته تخصصی پاتولوژی در ایران، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۹

پایان‌نامه تخصصی پاتولوژی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

پاتولوژی، سیتوپاتولوژی دستگاه تناسلی زنان، مغز استخوان و تفسیر آن در بیماریها.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

پاتولوژی، سیتوپاتولوژی، زنان مامائی، اتوپسی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مهلبی نیشابوری، ابویعلی، حمزه

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۰۶ ق)، محدث و طبیب. شیخ‌الاطباء و مسند نیشابور بود. نسبش به امیر خراسان، مهلب بن ابی‌صفره ازدی، می‌رسد. از

محمد بن احمد بن دلویه و محمد بن حسین قطان نیشابوری و ابوحامد بن بلال و ابوجعفر محمد بن حسن اصفهانی و جماعتی دیگر

حدیث شنید. به گفته‌ی حاکم نیشابوری، او پس از فراگیری حدیث در طلب علم طب کوشید. ابوعبدالله حاکم و ابونصر عبیدالله

بن سعید سجزی و ابوالقاسم عبدالله بن علی طوسی و ابوبکر بیهقی و محمد بن اسماعیل تغلیسی و ابوبکر بن خلف و دیگران از وی

روایت کردند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره الحفاظ (۳/۱۰۶۴)، سیر النبلاء (۱۷/۲۶۴)، شذرات الذهب (۳/۱۸۱)، العبر (۲/۲۱۲).

مهندسی، محمد مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد مهدی مهندسی

محل تولد: آباد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در زمستان سال ۱۳۵۴ رسماً وارد حوزه علمیه قم در مدرسه حقانی شده، درس‌های از اول مهر ماه تا زمستان آن سال را در فرصت کوتاهی خوانده و به سطح طلاب کلاس که چند ماهی زودتر شروع کرده بودند رسیدم. احساس شد که فضای بازتر و با سرعت بیشتری باید پیش رفت. لذا از مدرسه بیرون آمده و به طور آزاد به خواندن ادبیات پرداختم. تا شروع تظاهرات علیه رژیم پهلوی که دروس حوزه تعطیل شد تا نیمه‌هایی از جلد اول و دوم شرح لمعه چاپ قدیم از محضر «آیت الله باکوئی» و همچنین دو جلد اصول فقه و منطق و کتب ابتدائی را خواندم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سال ۱۳۵۸، رسائل را در خدمت «آیت الله اعتمادی» و مکاسب محرمة را خدمت «آیت الله اشتهاوردی» و بیع و خیارت و کفایتین را در محضر مرحوم «آیت الله ستوده» و همزمان شرح تجرید الاعتقاد را خدمت «آیت الله انصاری شیرازی» و بدایة‌الحکمه را در محضر «آیت الله نجفی شهر رضائی» شروع و ادامه آن را از محضر «آیت الله ممدوحی» استفاده نمودم. خارج فقه و اصول را در درس «حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ جواد تبریزی» و نیز مدتی در درس خارج اصول «آیت الله سبحانی» گذرانده و نیز پس از بدایة‌الحکمه، شرح منظومه سبزواری قدس سره، در منطق و فلسفه و پس از آن اسفار را در محضر «آیت الله انصاری شیرازی» بودم.

در بحث تدریس از آغاز تحصیل سعی می‌شد که تدریس کتب خوانده شده انجام گیرد. لذا به توفیق الهی همه کتب مقدماتی و سطح عالی تا انتهای کفایة‌الاصول را یک یا برخی از آنها را چند بار تدریس داشته‌ام. در کلام و فلسفه، شرح باب حادی عشر را چند بار و شرح تجرید الاعتقاد را یک بار و بدایة‌الحکمه را چندین دوره و نیز نهایة‌الحکمه را یک دوره و شرح منظومه منطق سبزواری (ره) دو دوره و شرح منظومه حکمت را سه دوره و شرح اشارات را که هم اکنون به تدریس آن مشغولم سه دوره، تدریس داشته و در بخش تدریس علوم ریاضی، یکدوره دروس هیئت و ریاضی علامه حسن زاده آملی را تدریس نموده و در بخش عرفان، تمهید القواعد را دور سوم و نیز تدریس شرح فصوص الحکم قیصری را هم اکنون اشتغال دارم. همچنین مباحثه‌ای فقهی پیرامون مسائل عروه الوثقی داریم و چند سالی است که هفته‌ای یک بار جلسه تفسیر قرآن کریم (تا کنون به آیه ۴۸ سوره بقره) داریم.

فعلاً در رشته تخصصی کلام حوزه علمیه قم و نیز در مؤسسه نشر آثار امام خمینی (ره) هفته‌ای دو ساعت به تدریس عرفان اشتغال

داشته و در مؤسسه پژوهشی امام خمینی (ره)، آیت الله مصباح یزدی نیز به تدریس تمهید القواعد در مقطع کارشناسی ارشد مشغولم و همچنین به عنوان عضو هیئت علمی دائرةالمعارف عرفانی (در حال تدوین) همین مؤسسه در خدمت دوستان می‌باشم. در دانشگاه نیز متجاوز از ده سال است که به دروس عمومی (اخلاق و معارف) و دروس تخصصی رشته ادبیات عربی و الهیات از قبیل قرائت متون عرفانی، قرائت متون تفسیری، مقدمات تفسیر، علوم قرآنی، فقه الحدیث و درایه الحدیث اشتغال دارم. در بخش رسانه، از آغاز راه اندازی شبکه سراسری رادیو معارف، تحقیقی گسترده در موضوع «اسرار نماز» که حدود ۱۰۰ ساعت بوده و همچنین شرح زیارت جامعه کبیره که تا کنون ۴۰۰ (چهارصد) بحث رادیویی انجام گرفته (تاکنون قریب یک پنجم زیارت شرح شده) و ادامه دارد. همچنین در ۱۴۳ برنامه، شرح چهل حدیث حضرت امام خمینی (ره) بحث گردیده و پخش شده و نیز شرح دعای ندبه تاکنون ۱۵۰ بحث انجام گرفته که ادامه دارد. در بخش تبلیغات، در ایام تعطیلات دروس حوزوی - دانشگاهی به مناسبت‌های مختلف، مباحثی که عمدتاً اخلاقی، عرفانی، تفسیری، عقیدتی و ... بوده، انجام گرفته است.

مهیار دیلمی، ابو حسین

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۲۸ ق)، کاتب و شاعر. اصلاً ایرانی و اهل بغداد بود، لذا به او کاتب فارسی می‌گفتند. وی ابتدا دین زرتشتی داشت سپس به دست سید شریف رضی ابوالحسن محمد موسوی اسلام آورد و به تشیع گروید و در خدمت او به تحصیل فنون شعر و ادب پرداخت. در «ریحانة الادب» آمده که او به دست شریف مرتضی ایمان آورده ولی در خدمت شریف رضی به تحصیل علم و ادب پرداخته است. وی مدتی متصدی امر کتابت آل‌بویه بود و در بغداد برای ترجمه‌ی مطالب از فارسی به عربی استخدام شد. وی شاعری بزرگ بود و مقدم شاعران هم‌عصر خود به حساب می‌آمد. او را جامع فصاحت عرب و بیان ادب فارسی می‌دانند و در بسیاری از جهات شعری از استادش، شریف رضی، برتر بود. او اشعار بسیاری در مدح اهل بیت و مراثی امام حسین (ع) گفته است. از ممدوحان وی می‌توان به ابوطالب محمد بن ایوب، از وزیران خلفای عباسی، و ابونصر سابور و ابومنصور بن مزرع و غیره اشاره کرد. فرزندش حسن یا حسین بن مهیار دیلمی نیز از شاعران بزرگ بوده که «قصیده‌ی حائیه» اش معروف است. از آثارش: «دیوان» شعر، شامل چهار مجلد؛ «قصیده‌ی لامیه»، که ابن طاووس حلی شرحی به نام «الازهار» بر آن نگاشته است. [۱]

ابوالحسن یا ابوالحسین ابن مرزویه دیلمی (ف. ۴۲۶ یا ۴۲۸ ه. ق) از کاتبان و شاعران لطیف طبع ایرانی در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم. وی نخست زردشتی بود و بعد به دست سید رضی اسلام آورد و نزد او به تحصیل شعر و ادب پرداخت و به زودی بزرگترین شاعر عهد خود گردید. مهیار دارای احساسات شدید ایرانی و طرفدار عقاید ملی بود و اشعاری در هجو قوم عرب سرود. دیوان شعر او چهار مجلد است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۸/۲۶۴)، اعیان الشیعه (۱۷۲- ۱۷۰/۱۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۵- ۶۴۴/۱)، تاریخ بغداد (۲۷۶/۱۳)، دمیة القصر (۳۰۹- ۳۰۳/۱)، الذریعه (۱/۱۱۳۸، ۹/۵۳۲، ۱)، ریحانه (۴۷- ۴۶/۶)، سیر النبلاء (۱۷/۴۷۲)، شذرات الذهب (۲۴۳- ۲۴۲/۳)، فوائد الرضویه (۶۸۹- ۶۸۸)، الکامل (۸/۱۴)، کشف الظنون (۸۱۶)، الکنی و الالقاب (۲/۲۷۴)، لغت نامه (ذیل / مهیار)، معجم المؤلفین (۳۳- ۱۳/۳۲)، المنتظم (۲۸۵- ۲۸۴/۹)، النجوم الزاهرة (۵/۲۹)، وفيات الاعیان (۳۶۳- ۳۵۹/۵)، هدیة العارفين

(۴۸۶- ۴۸۵ / ۲).

مؤدب مروودی، ابواحمد، حسین

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۱۴/۲۱۳ ق)، حافظ و محدث. اصلش از مروود و ساکن بغداد بود. از شیبان بن عبدالرحمان نحوی و ابوغسان محمد بن مطرف مدنی و ابن ابی ذئب و اسرائیل بن یونس و یزید بن عطاء واسطی و مبارک بن فضاله و جریر بن حازم و ابوایس عبدالله مدنی و ایوب بن عتبہ یمامی و جماعتی حدیث روایت کرد. احمد بن حنبل و احمد بن منیع بغوی و یحیی بن معین و ابراهیم بن سعید جوهری و ابوخیثمه و محمد بن یحیی ذهلی و عباس دوری و حنبل بن اسحاق و اسحاق بن ابراهیم بغوی و اسحاق حربی و حسین بن منصور نیشابوری و محمد بن ابی شیبہ و محمد بن رافع نیشابوری و موسی بن هارون طوسی و دیگران از وی روایت کرده‌اند. در اواخر خلافت مأمون در بغداد درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۹۰- ۸۸/۸)، التاریخ الکبیر (۳۹۰/۲)، تهذیب التهذیب (۳۳۱- ۳۳۰/۲)، تهذیب الکمال (۵۲۲- ۵۲۱/۴)، الثقات (۱۸۵/۸)، الجرح والتعديل (ج ۱، ق ۶۴/۲)، سیر النبلاء (۲۱۷- ۲۱۶/۱۰)، طبقات ابن سعد (۲۴۳/۷)، طبقات الحفاظ (۱۸۱- ۱۸۰)، العبر (۲۸۸/۱)، میزان الاعتدال (۵۳۹/۱).

مؤذن نیشابوری، ابوصالح احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۷۰- ۳۸۸ ق)، فقیه، حافظ، محدث، مسند، زاهد و صوفی. چون سالها مؤذن مدرسه بیهقیه بود به مؤذن مشهور شد. او در روزگار خود محدث خراسان و رییس مدرسه‌ی بیهقیه و عهده‌دار موقوفات و مسئول رساندن صدقات به مستحقین بود. از ابونعیم عبدالملک اسفراینی و ابوالحسن علوی و ابوعلی حمزه مهلبی و ابوطاهر بن محمش و ابو عبدالله حاکم و عبدالله بن یوسف اصفهانی در نیشابور و از حمزه بن یوسف سهمی در جرجان و ابوالقاسم بن بشران و همطبقه‌ی او در بغداد و از ابونعیم حافظ و همردیفان او در اصفهان و ابوذر هروی در مکه حدیث شنید. او با ابوعلی دقاق و احمد بن نصر طالقانی مصاحب بود. او فراگرفته‌های خود را جمع‌آوری کرد و بر اساس آن تصنیفاتی به وجود آورد و یادداشتهایی درباره‌ی «تاریخ مرو» تنظیم کرد. فرزندش، اسماعیل بن احمد، و ابوالقاسم زاهر شحامی و ابوبکر وجیه شحامی و عبدالکریم بسطامی و ابو عبدالله فراوی و عبدالمنعم قشیری و جماعتی از وی روایت کردند. ابوالقاسم زاهر شحامی گوید: ابوصالح هزار حدیث از هزار استادش روایت کرده است، در «ایضاح المکنون»، «الف حدیث عن الف شیخ» از جمله آثار وی ذکر شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/۱۵۷)، ایضاح المکنون (۱/۱۱۹)، تاریخ بغداد (۲۶۸- ۲۶۷/۴)، تذکره الحفاظ (۱۱۶۵- ۱۱۶۲/۳)، سیر النبلاء (۴۲۳- ۴۱۹/۱۸)، شذرات الذهب (۳/۳۳۵)، طبقات الحفاظ (۴۵۸- ۴۵۷)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۲/۲۱۸)، العبر (۳۲۷/۲).

۲)، الکامل (۸/۱۲۵)، معجم الادباء (۲۲۶-۳/۲۲۴)، معجم المؤلفین (۱/۳۰۳)، المنتظم (۹/۵۴۸)، النجوم الزاهرة (۵/۱۰۶).

مؤذن هروی، ابوسهل محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۳۳-۳۷۲ ق)، عالم، ادیب، نحوی و لغوی. معروف به مؤذن. او رئیس المودنین در جامع عمرو بن عاص در مصر بود. نزد ابوعبید احمد بن محمد هروی مؤذن، صاحب کتاب «الغریبین»، تلمذ نمود و از وی و از ابویعقوب نجیرمی و ابواسامه جناده بن محمد نحوی روایت کرد. در مصر درگذشت. از آثار وی: «الاسفار»، در شرح «الفصیح» ثعلب نحوی و مختصر آن «التلویح فی شرح الفصیح»، در لغت؛ «اسماء الاسد»؛ «اسماء السیف».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۷/۱۶)، ایضاح المکنون (۱/۳۲۰)، روضات الجنات (۸/۲۹)، ریحانه (۶/۲۳)، کشف الظنون (۱۲۷۳، ۸۸، ۸۶)، معجم الادباء (۱۸/۲۶۳)، معجم المؤلفین (۶۱-۱۱/۶۰)، الوافی بالوفیات (۱۲۱-۴/۱۲۰)، هدیة العارفین (۲/۶۹).

مؤذی خوارزمی، نظام‌الدین، ابواسحاق ابراهیم

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۵۵۹ ق)، ادیب و شاعر. با یاقوت حموی (م ۶۲۶ ق) معاصر بود و در فقه، حدیث، تفسیر و اصول تبحر داشت. از آثار وی: «اساس نامه»، در مواعظ، به فارسی؛ «نمودارنامه»، در شرح ابیات عجیبه‌ی «کلیله و دمنه»؛ «الخطب»، در دعوات ختم قرآن، که «یتیمه الیتیمه» نام دارد؛ «دیوان الانبیاء»؛ «گفتار نامه»؛ «مرتع الوسائل و مربع الرسائل»؛ «الوسائل الی الرسائل»؛ «الطرفه فی التحفه»، به فارسی؛ «تعریف شواهد التصریف»؛ «دیوان» شعر، به فارسی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ریحانه (۶/۲۰۷)، لغت نامه (ذیل / نظام‌الدین مؤذی)، معجم الادباء (۱۶-۲/۱۵)، معجم المؤلفین (۱/۹۲).

مؤمن‌زاده خولنجانی، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد ۱۳۱۳، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماری‌های کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی و گذراندن دوره تخصصی در رشته اطفال با درجه ممتاز از پاریس فرانسه در سال ۱۳۴۶، تأیید فوق

تخصص عفونی اطفال فرانسه از سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ایران در سال ۱۳۷۱.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۵۴، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۱۳۵۵، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۱۳۵۶.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحقیق در زمینه بیماریهای کودکان، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۲۰ پایان نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

بیماریهای رایج اطفال، آموزش دانشجویان پزشکی و رزیدنتهای رشته اطفال.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲۴، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای رایج اطفال، طب اطفال و موارد نادر بیماری اطفال.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مؤمن زاده، هوشنگ

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مؤید، جعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ادبیات عربی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳، کارشناسی ارشد ادبیات عربی از دانشگاه تهران، دکترای ادبیات عربی از

دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷.

مرتبہ علمی:

استادیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۶، دانشیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۵۶ تا کنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس گوناگون ادبیات فارسی و عربی و انگلیسی در دانشگاه شیراز، برنده کتاب سال از وزارت ارشاد در سال ۱۳۶۴، دریافت جایزه کتاب آموزشی سال از رادیو تلویزیون در سال ۱۳۵۵.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی تألیفات:

فارسی امروز در زمینه زبان آموزی، شعر فارسی معاصر، شناختی از سعدی، اشعار عربی سعدی، قند و پند در زمینه ادبیات.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

تأثر سعدی از ادبیات عربی مثلثات سعدی، اقتراء در اسلام.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مؤید، محمدجعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۹، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای پوستی، دانشکده: پزشکی دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۵، دکترای تخصصی در بیماریهای پوست و آمیزشی از دانشگاه تهران در

سال ۱۳۵۱، فوق تخصص ایمونولوژی پوست از دانشگاه کلودبرنارد فرانسه در سال ۱۳۶۳.

مرتبہ علمی:

استادیار و دانشیار دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی از سال ۱۳۵۶.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه و تحقیق درباره بیماریهای پوستی و آمیزشی و تدریس دروس بیماریهای پوست و پاتولوژی بیماریهای پوست در دانشگاه

علوم پزشکی شهید بهشتی و راهنمایی بیش از ۱۰ پایان‌نامه دکترای و تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای پوستی و آمیزشی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

مبیدی

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

امیرحسین قاضی میر بن معین‌الدین حسینی مبیدی ادیب و ریاضی‌دان و حکیم قرن دهم هجری (ف. ۹۰۴ یا ۹۰۹ یا ۹۱۱ ه.ق) در شیراز از جلال‌الدین دوانی و دیگر استادان زمان، علم و ادب و حکمت و تصوف آموخت، و بخصوص در هیئت و منطق و فلسفه شهرت یافت. در شعر نیز مهارتی داشت و منطقی تخلص می‌کرد. از آثار اوست: ۱- جام گیتی نما به فارسی در حکمت قدیم. ۲- شرح دیوان منسوب به حضرت امیرالمؤمنین (ع). ۳- شرح الهدایة الاثیریة. ۴- شرح کافیه‌ی ابن حاجب در نحو. ۵- شرح شمسیه در منطق. ۶- شرح طالع. ۷- حاشیه‌ی تحریر اقلیدس خواجه نصیرالدین طوسی. ۸- دیوان معنیات و غیره. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

مبیدی یزدی، علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۱۳ ق)، عالم دینی، فقیه، لغوی و شاعر. او در کربلا- از محضر شیخ العراقین شیخ عبدالحسین تهرانی و فاضل اردکانی استفاده نمود و از استادش، فاضل اردکانی، به دریافت اجازه نایل شد. وی پس از رسیدن به مراتب علمی بالا در کرمانشاه ساکن گردید و مرجعیت دینی را عهده‌دار شد. از آثار وی: «عصمة الحجج»، در عصمت ائمه (ع)؛ «بدیع اللغه»، در لغات جدید؛ «کشکول»؛ «هدایة النصیریة»، که برای ارشاد اکراد نصیریة نگاشت؛ «مفتاح السلامة»، در حفظ سلامتی و اصول پیشگیری قبل از درمان؛ شرح «المنظومة البطحیة»؛ کتابی در «الاستخارات»؛ رساله «حلق اللحیة»؛ «رساله‌ی عملیه»؛ «السؤال و الجواب»، در عبادات، با ذکر دلیل.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۸/۳۰۷)، الذریعه (۲۵/۱۹۹)، ۲۹۵- ۲۴/۲۹۴، ۲۱/۳۳۳، ۱۸/۷۶، ۱۵/۲۷۴، ۱۴/۹۰، ۱۲/۲۴۷، ۷/۶۳، ۷۳/۳، ۲۰- ۲/۱۹، ریحانه (۶/۵۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۱۴۸۶)، گنجینه‌ی دانشمندان (۶/۳۵۵)، لغت نامه (ذیل / علی یزدی)، معجم المؤلفین (۷/۲۱۷)، مؤلفین کتب چاپی (۴/۳۲۵-۳۲۶).

مبیدی، رشیدالدین ابوالفضل

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۳۰ ق)، عالم، صوفی و مفسر. او یکی از صوفیان بنام قرن ششم قمری است. از آثار وی «کشف الاسرار و عده الابرار»، تفسیر عرفانی قرآن به فارسی است که در ۵۲۰ ق تألیف نموده است. وی در تألیف این تفسیر به «تفسیر» خواجه عبدالله انصاری نظر داشته و در واقع تفسیر خواجه را شرح و بسط نموده و از کلمات خواجه استشهاد نموده است، لذا «کشف الاسرار» به «تفسیر خواجه عبدالله انصاری» نیز معروف گردیده است. میدی در تفسیر خود به دو موضوع نظر داشته: نخست بیان همه‌ی اقوال مفسران عامه در وجوه قراآت و تفسیر آیات و احکام، و دوم تفسیر آیات بنابر نظر عرفا و تأویلات غریب. مؤلف «کشف الظنون» به اشتباه این تفسیر را به سعدالدین تفتازانی نسبت داده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: از سعدی تا جامی (۴۷۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۳۲- ۹۳۰، ۲/۲۵۷)، تاریخ نظم و نثر (۷۲۹- ۷۲۸)، دایرةالمعارف فارسی (۲۹۴۴، ۲/۲۲۲۴)، الذریعه (۱۸/۱۹)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۱۰- ۴۰۹)، کشف الاسرار و عده الابرار (۱/ مقدمه)، کشف الظنون (۱۴۸۷)، لغت نامه (ذیل / میدی)، مؤلفین کتب چاپی (۲۱۷- ۲۱۶ / ۱).

میددی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت الله حاج سید محمد بن علامه السید محمد جوادین علامه الکبری السید علی المیددی الیزدی الکرمانشاهی (صاحب کتاب بدایع اللغه) یکی از علماء اعلام و حجج اسلام فعلی شهرستان علمی و مذهبی قم است که در خیابان صفائیه سکونت دارند و در مسجد صفائیه هم اقامه جماعت نموده و خدمات دینی و روحی دارند.

تولد معظم له در ۱۸ شوال ۱۳۱۴ در کرمانشاه واقع شده و چون مرحوم والدش آقای سید محمدجواد در تاریخ ۱۳۲۲ ق فوت نموده و ایشان هشت ساله بودند در تحت سرپرستی مرحوم آیت الله آقا سید محمد رضای واحدی حسینی قمی که به امر مرحوم آیت الله العظمی آقا سید محمد کاظم یزدی به کرمانشاه آمده بودند قرار گرفته و بعد از رشد و خواندن مقدمات و سطوح مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر مرحوم آیت الله نائینی و آیت الله العظمی اصفهانی و آیت الله آقا ضیاءالدین عراقی استفاده کرده و پس از چند سال مراجعت به کرمانشاه و در مسجد والدش به اقامه جماعت و خدمات دینی و ترویج مذهب و هم تدریس متون فقه و اصول پرداخته تا در چند سال قبل مهاجرت به قم و اقامت در جواد حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها و حوزه علمیه را بر سکونت کرمانشاه ترجیح داده و رحل اقامت در این بلده طیبه انداخته و به وظائف روحی خود اشتغال دارد فرزند ارجمندش حاج آقا مجتبی میددی به جای این پدر بزرگوار در کرمانشاه به خدمات دینی مشغول است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

میددی، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدرضا میبیدی یزدی از علماء محترم و دانشمندان بزرگ شمال و شهرستان گرگان می‌باشند.

ایشان در سال ۱۳۳۸ قمری در میبد یزد به دنیا آمده و دروس فارسی را در آنجا خوانده و برای ادامه به تحصیل به قم مسافرت ولی چون اواخر عمر مرحوم آیت‌الله حایری اوضاع حوزه مشوش بود به شهر ری (زادگاه نگارنده) آمده و به خدمت مرحوم آیت‌الله عالم ربانی حاج شیخ محمدتقی بافقی رسیده و در حجره آن مرحوم در مدرسه امینیه اقامت و به تحصیل مقدمات پرداخته و بعد از چندی به تشویق و توصیه آن بزرگوار به قم آمده و مدتی هم حجره حقیر در مدرسه دارالشفاء بودند و با سعی بلیغ اشتغال داشتند تا در سال ۱۳۵۸ قمری که روی بعضی جهات مهاجرت به نجف اشرف نموده و در مدرسه بزرگ مرحوم آخوند سکونت و مدت ده سال با جدیت تمام به تحصیل پرداخته و از محضر آیت‌الله حاج میرزا حسن یزدی و مرحوم آیت‌الله حاج سید یحیی یزدی و مرحوم آیت‌الله حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت‌الله العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله العظمی حاج سید محمود شاهرودی و اصول آیت‌الله العظمی خوئی مدظله استفاده نموده و از خرمن علوم آنان فقها و اصولا-خوشه‌ها چیده و توشه‌ها برده تا در سال ۱۳۶۸ قمری که به ایران آمده و بنابر تقدیر و مشیت الهی در گرگان و استرآباد اقامت و بنابر دعوت مرحوم آیت‌الله حاج شیخ رضا مدرس در جای ایشان در مسجد جامع به اقامه جماعت و خدمات روحی و دینی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: آیت‌الله میبیدی که از دوستان چهل ساله حقیر است از دانشمندان متین و روشنفکر و منیع الطبع معاصر و دارای محاسن اخلاق و محامد آداب می‌باشد از آثار ایشانست تأسیس کتابخانه مسجد جامع گرگان و اداره و سرپرستی طلاب و محصلین مدرسه دارالشفاء گرگان

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

میبیدی، محمدعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی بن سید محمدعلی حسینی میبیدی یزدی کرمانشاهی فقیهی کامل و عالمی عارف از شاگردان علامه شیخ عبدالحسین شیخ العراقین و فاضل اردکانی در کربلا بوده و پس از وصول به مراتب عالیه علم و کمال به کرمانشاه عزیمت و رحل اقامت افکنده و در آنجا مرجع عوام و خواص گردیده و خدمات ارزنده‌ای نموده و در سال ۱۳۱۳ قمری وفات و فرزند ارجمندش حجة الاسلام والمسلمین آقا سید جواد بجای ایشان قرار گرفته ولی طولی نکشیده که بوالد گرامش ملحق و فرزند برومندی بنام آیت‌الله آقای حاج سید محمد میبیدی بجای گذارده که اکنون از علماء محترم شهرستان دینی و علمی قم می‌باشند و گاهی هم به کرمانشاه مسافرت می‌نمایند این بزرگوار دارای ۳ فرزند گرامی بنام ثقة الاسلام آقای آقا سید علی و آقای آسید حسین که اکنون از اهل منبر و دیگر حجة الاسلام آقای آقا مجتبی که فعلا در قم اشتغال به تحصیل و تکمیل مبانی علمی دارند

آثار و تألیفات آیت‌الله حاج سید علی میبیدی طاب الله ثراه از این قرار است

- ۱- نقل مجلس ۲- مفتاح السلامه ۳- رساله حلق اللحیه ۴- کشکول ۵- الهدایة النصریه ۶- شرح المنظومه ۷- کتاب فی الاستخاره
- ۸- بدیع اللغه ۹- عصمة الحجج ۱۰- سؤال و جواب و غیر اینها

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

میبدی، محمدفاکر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد فاکر میبدی

محل تولد: میبد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱۰/۲۰

زندگینامه علمی

محمد فاکر میبدی، فرزند علی اکبر در تاریخ ۱۳۳۸/۲۰/۱۰ خورشیدی، برابر با ۱۳ رجب ۱۳۷۹ قمری، در شهرستان میبد دیده به جهان گشود، در سه سالگی پدر خود را از دست داد و تحت سرپرستی مادر مؤمن و متدین خویش قرار گرفت. وی دوران کودکی خود را به دلیل محرومیت از نعمت پدر، با سختی و مشکلات پشت سر گذاشت. و دوران تحصیلات کلاسیک را با کار و فعالیت سپری نمود. سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ شمسی که مقارن بود با مبارزات ملت ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) و منتهی به پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران شد. وی در این زمان همراه با دیگر اقشار مختلف مردم میبد در راهپیماییها و تظاهرات علیه رژیم شاه شرکت داشت و به پخش عکس، اطلاعیه و قرائت آن مبادرت می کرد، به همین دلیل یک بار توسط عوامل رژیم احضار و مورد بازجویی قرار گرفت. به دلیل علاقه زیاد نامبرده به مسائل انقلاب نسخه ای از اعلامیه ها و بیانیه های انقلابیون کشور و به ویژه پیشگامان انقلاب در استان یزد و به خصوص شهید محراب حضرت آیت الله حاج شیخ محمد صدوقی، آیت الله حاج سید روح الله خاتمی، و آیت الله حاج شیخ محمد ابراهیم اعرافی، « قدس الله انفسهم الزکیه » که از ارکان انقلاب در منطقه بودند در کتابخانه وی نگه داری می شود. نامبرده تحصیلات کلاسیک خود را تا ششم در مدرسه امام میبد به انجام رسانید و در سال ۱۳۵۵ جهت تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه میبد شد و مقدمات، ادبیات، منطق و بخشی از دروس سطح را در آن حوزه فرا گرفت. لازم به یاد آوری است که در رشته فقه و اصول بیشترین بهره را از حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی و در دروس تخصصی تفسیر و علوم قرآن بیشترین استفاده را از حضرت آیت الله معرفت برده است.

میثمی، محمود

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیه الله حاج میرزا محمود میثمی اراکی مقیم و متوفی در تهران صاحب کتاب دارالسلام در حالات حضرت ولی عصر عجل الله فرجه الشریف و ده ها کتاب دیگر.

مآثر و آثار ص ۱۶۶ گوید: آقا شیخ محمود عراقی از مجتهدین مسلم دارالخلافة است در مسجد مرحوم آقا بهرام بامامت جماعت و ترویج احکام میپردازد، تقریرات مدرس شیخ الطائفه استاد الكل مرتضی الانصاری را فقها و اصولا بوجه اشباع ضبط کرده و تدوین

فرموده است علماء عظام و فقهاء فخام از این رهگذر بتألیفاتش محتاجند و در این سنوآت کتابی بنام دارالسلام در احوال حضرت حجه‌الله القائم علیه‌السلام بفارسی تألیف کرده و مطبوع افتاده.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

میدانی نیشابوری، ابوالفضل احمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۱۸ ق)، لغوی، نحوی، ادیب و شاعر. او را پیشگام ادبا نام نهاده‌اند. در نیشابور به دنیا آمد و در همان جا نشو و نما یافت. چون ساکن محله‌ی میدان زیاد نیشابور بود، به میدانی مشهور شد. او از شاگردان ابوالحسن علی بن احمد واحدی مفسر و یعقوب بن احمد نیشابوری بود. فرزندش، سعید بن احمد، و ابوجعفر احمد بن علی مقری بیهقی از شاگردان او بودند. در نیشابور درگذشت و در گورستان میدان زیاد دفن شد. از آثارش: «مجمع الامثال» یا «جامع الامثال»، که گفته‌اند در نوع خود بی‌نظیر بوده است؛ «السامی فی الاسامی»، در لغت؛ «الهادی للشادی»، در نحو فارسی؛ «نزهة الطرف»، در علم صرف؛ «شرح المفضلیات» یا «اسماء التفضیل»؛ «الانموذج»، در نحو؛ کتاب «النحو میدانی»؛ «المصادر»؛ «منیة الراضی فی رسائل القاضی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/۲۰۸)، انساب سمعانی (۵/۴۲۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/۳۱۸)، روضات الجنات (۳۰۲-۳۰۰/۱)، ریحانه (۵۳-۵۲/۶)، سیر النبلاء (۴۹۰-۴۸۹/۱۹)، شذرات الذهب (۴/۵۸)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۹۴)، کشف الظنون (۲۰۲۶)، ۱۹۴۳، ۱۷۰۳، ۱۵۷۶، ۱۰۴۳، ۹۷۴، ۱۸۵، الکنی و الالقاب (۲۲۰-۲۱۸/۳)، معجم الادباء (۵۱-۴۵/۵)، معجم البلدان (۵/۲۷۹)، معجم المؤلفین (۶۴-۶۳/۲)، الوافی بالوفیات (۳۲۸-۳۲۶/۷)، وفیات الاعیان (۱/۱۴۸)، هدیة الاحباب (۲۵۱)، هدیة العارفين (۸۲/۱).

میر خواند بلخی، محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۹۰۳-۸۳۷ ق)، مورخ، ادیب و شاعر. معروف به میر خواند و امیر خواند. وی در شمار بزرگترین مورخان عهد تیموری بود. خاندان وی از سادات حسینی است و سلسله‌ی آباء و اجدادش به زید بن علی بن حسین (ع) منتهی می‌شود. در بلخ به دنیا آمد و در جوانی به هرات رفت و در آنجا تحصیلات خود را در علوم معقول و منقول به پایان رساند. وی از همان آغاز مورد توجه سلطان حسین بایقرا و وزیرش امیرعلیشیر نوایی (۹۰۶-۸۴۴ ق) قرار گرفت و دوستی و الفت همواره بین میرخواند و امیرعلیشیر برقرار بود، به همین دلیل میرخواند کتاب «روضه‌الصفاء» را به نام او تألیف کرد. وی در فن تاریخ و صنعت انشاء و فنون ادب مهارت بسزایی داشت با این وجود به مشاغل دیوانی روی نیاورد تا در اواخر عمر، کارش به انقطاع و انزوا کشید و بیش از یک سال در گازرگاه هرات منزوی شد و به علت بیماری به هرات منتقل گردید و در آنجا نیز درگذشت و در مزار شیخ بهاء‌الدین که پیر و مراد پدرش بود، به خاک سپرده شد. صاحب «ریحانة الادب» او را معاصر جامی می‌داند و در «دائرةالمعارف فارسی» زندگی پدر میرخواند،

بهاء‌الدین خاوند شاه، با صاحب عنوان درآمیخته شده است. گروهی از منابع نیز در مورد محل تولد و تحصیلاتش اختلاف دارند. از آثار وی: «روضه الصفا فی سیره الانبیاء و الملوک و الخلفاء»، مشتمل بر وقایع عمومی عالم از بدو خلقت تا زمان خود مؤلف. تاریخ او قسمتی ترجمه از تاریخ‌های عربی و قسمتی اقتباس از تواریخ خاصه فارسی و حتی نقل به عبارت از «جامع التواریخ» رشیدی و «ظفرنامه» شرف‌الدین علی با اندکی اصلاح است. می‌خواند طرح این کتاب را در هفت جلد افکنده بود، با شروع جلد هفتم شدت بیماریش مانع پیشرفتش شد و از این رو نواده‌ی او غیاث‌الدین خواند میر، مؤلف «حیب السیر»، این کتاب را به اتمام رسانید و حوادث عهد تیموری را تا ۹۲۹ ق به آن افزود. رضاقلی خان هدایت ذیلی بر این کتاب در سه مجلد تا حوادث زمان خود نوشته و آن را، به اسم ناصرالدین شاه قاجار، «روضه الصفا ناصری» نامیده است. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: از سعدی تا جامی (۶۲۵-۶۲۱)، اعیان الشیعه (۹/۴۰۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۲۳-۵۱۹/۴)، تاریخ در ایران (۱۵۲-۱۵۱)، تاریخ مغول (۴۹۱)، تاریخ نظم و نثر (۲۴۰-۲۳۹)، تعلیقات مزارات هرات (۵۱)، حیب السیر (۳۴۲-۳۴۱/۴)، دایره‌المعارف فارسی (۲/۲۹۵۳)، الذریعه (۲۹۷-۲۹۶/۱۱، ۱۱۴۰، ۳۰۷/۹)، روضه الصفا (مقدمه/ک-ع)، ریحانه (۵۶-۵۴/۶)، سبک شناسی (۲۰۵-۲۰۴/۳)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۲۳۴-۲۳۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۹۵-۴۹۴)، فرهنگ سخنوران (۹۰۰-۸۹۹)، کشف الظنون (۹۲۷-۹۲۶)، الکنی و الالقاب (۳/۲۲۰)، لغت نامه (ذیل/ می‌خواند)، مجالس النفائس (۲۷۰/۹۴)، مزارات هرات (۱۱۸)، مؤلفین کتب چاپی (۴۵۸-۴۵۵/۵)، هدیه الاحباب (۲۵۲).

میر داماد نجف آبادی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی میر داماد نجف آبادی

محل تولد: نجف اشرف

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید علی میرداماد نجف آبادی در سال ۱۳۴۹ متولد شدم. دوره ابتدائی تا سوم ابتدائی را در اهواز گذراندم و سال چهارم و پنجم ابتدائی در مشهد. دوره راهنمائی و دبیرستان در قم. سال ۱۳۶۸ وارد حوزه شدم (همزمان دیپلم گرفتم سال ۱۳۶۸). شش سال در مدرسه «معصومیه» دوره مقدمات را گذراندم. اساتیدم در دوره مقدمات: آقایان نائینی، مسعودی کاشانی، ترابی، اسلامی، حیاتی.

دوره سطح را در مدرسه آیت الله گلپایگانی گذراندم. اساتید این دوره: موسوی تهرانی، اعتمادی، هادوی تهرانی. سه سال درس خارج فقه و اصول آیت الله هادوی تهرانی. یک سال درس خارج فقه «آیت الله جوادی آملی». از سال ۱۳۷۱ تدریس در مرکز

جهانی علوم اسلامی را آغاز کردم و تاکنون ادامه دارد. مدت ۵ الی ۶ سال هم در مدارس مرکز مدیریت حوزه تدریس داشتم.

میر سپاسی، عبدالحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۵ - ۱۲۸۶ ش)، روان پزشکی، استاد دانشگاه، نویسنده و مترجم. در تفرش به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در مشهد و دارالفنون گذراند و در ۱۳۱۵ ش تحصیلات پزشکی خود را در دانشکده پزشکی لیون فرانسه به پایان رساند. اما به علت علاقه شخصی، به تحصیل در رشته روان پزشکی و پزشکی قانونی و همکاری با پروفیسور باروک پرداخت. پس از بازگشت به ایران در بیمارستان روزبه تحت عنوان پزشک بیماری‌های روانی مشغول خدمت شد. او همچنین بیمارستان میمنت را تأسیس کرد و تا پایان عمر به مداوای بیماران پرداخت. از آثارش: «تاریخ تکامل مراکز دماغی»؛ «تاریخ تکامل هیستری یا بیماری حمله‌ای از دیرگاهان تا امروز»؛ «جنون جوانی»؛ «روانشناسی پزشکی»؛ «قانون و جنون»؛ «روانپزشکی اجتماعی»؛ ترجمه‌ی حواشی؛ «خلاصه روانپزشکی»، با همکاری حسن بطحائی و مسعود میربهاء.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: سالنامه‌ی تفرش (۵۰ - ۴۹، ۱۳۷۷)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۵۲۰، ۱۹۰۶، ۱۷۵۸، ۱۷۵۴/۲، ۱۰۶۸، ۶۸۵، ۴۷۸/۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۵۸)، مؤلفین کتب چاپی (۷۵۷ - ۷۵۶/۳).

میر سید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

از خدام والامقام بضعه احمدی و از علماء و مجتهدین و فقهاء و اصولیین بود از شاگردان مرحوم علامه ثانی ملا محمد کاظم خراسانی است. شرحی به کفایه استاد خود نوشته که یک جلد آن به طبع رسیده در اواخر عمر به تهران منزل گزید در آنجا مشغول تدریس فقه و اصول بود و هم آنجا مرحوم و در قم مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

میر عبداللهی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمود میر عبداللهی

محل تولد: چادگان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمود میرعبداللهی شهرت حسینی به شماره شناسنامه ۱۱ صادره از چادگان متولد ۱۳۲۵ از منطقه فریدن هستم. اینجانب در سال ۱۳۳۷ در سن ۱۲ سالگی در اصفهان مشغول تحصیل علوم دینی شدم و بعد از گذراندن دو سال در سال ۱۳۳۹ وارد حوزه علمیه قم شدم. مدت پنج سال در مدرسه «جانی خان» واقع در خیابان آذر میدان کهنه روبروی مسجد جامع قم، ادبیات را خدمت آقای نحوی و مختصر المعانی را خدمت آیت الله دوزدوزانی و معالم و قوانین الاصول را خدمت آقای اعتمادی و فرائد الاصول را خدمت آقای نوری و مکاسب را خدمت آیت الله فاضل لنکرانی و جلدین کفایه الاصول را خدمت آیت الله سلطانی خواندم.

مدت ۱۵ سال درس خارج فقه «حضرت آیت الله العظمی مرحوم آقای گلپایگانی» شرکت می‌کردم و مدت ۱۵ سال درس خارج فقه و اصول «حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ مرتضی حائری» شرکت داشتم و لمعتین را خدمت آقای ستوده خواندم و در سال ۱۳۶۰ از طرف دفتر حضرت امام خمینی (ره) به امامت جمعه شاهین شهر منصوب شدم و قبل از پیروزی انقلاب مدتی را در پیروزآباد شیراز تبعید بودم.

در سال ۱۳۶۲ در شاهین شهر به وسیله یک نفر منافق به نام «کریم» اهل شهرضا مورد ترور قرار گرفتم. نام برده دستگیر و اعدام شد. چون شخص نام برده در اصفهان شخص به نام آقای بهشتی نژاد را با فرزندش جلو درب خانه‌اش ترور کرده بود. در سال ۱۳۶۵ از شاهین شهر به شهرستان لردگان که از توابع شهر کرد است؛ منتقل شدم. بعد از سه سال آنجا به ابوان غرب از توابع ایلام است؛ منتقل شدم. بعد از سه سال از آنجا به میمه اصفهان منتقل شدم. در این مدت که امام جمعه بودم؛ تدریس هم داشتم. دروس حوزوی و هم در دانشگاه‌ها: معارف اخلاق و تفسیر تدریس می‌کردم و فعلاً هم در قم مشغول تدریس هستم.

این بود خلاصه از زندگی اینجانب و ضمناً کتاب‌های حقیر چاپ نشده. «تبیین منابع فلسفه»، «سعادت و شقاوت از دیدگاه فلاسفه»، «تلخیص اخلاق فرانکنا»، «سؤال و جواب از علوم قرآنی»، «سؤال و جواب درباره مهدویت و اسلام». ضمناً اضافه می‌کنم که در سال ۱۳۶۲ که مورد ترور منافق قرار گرفتم؛ چند روز که گذشت یک شب ساعت ۲ بعد از نصف شب منزل بنده را به رگبار بستند از طرفداران سید مهدی هاشمی. و همینطور قبل از اینکه مورد ترور قرار بگیرم در سال ۱۳۶۱ درب منزل اینجانب مواد منفجره گذاشته بودند که در این چند جا خداوند نجاتم داد. در تمام این جریانات حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای نمازی که در آن وقت فرمانده سپاه اصفهان بودند به من کمک کردند و آقای نمازی فعلاً امام جمعه کاشان می‌باشند.

میر کیانی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد میر کیانی نویسنده کودک و نوجوان در سال ۱۳۳۷ در شهر تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در این شهر به

پایان رسانید. او در کنار تحصیل به مطالعه آثار ادبی و هنری روی آورد و با بسیاری از آثار نویسندگان بزرگ آشنا شد. وی دارای مدرک دکتری هنر از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. ایشان در سال ۱۳۶۱ وارد گروه کودک صدای جمهوری اسلامی ایران شد و به نوشتن نمایشنامه‌های رادیویی و قصه‌های ظهر جمعه پرداخت. مجموعه قصه "روز تنهایی من" محمد میرکیانی، در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: ادبیات کودکان

تحصیلات رسمی و حرفه ای: محمد میرکیانی تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در تهران به پایان رسانید. او در کنار تحصیل به مطالعه آثار ادبی و هنری روی آورد و با بسیاری از آثار نویسندگان بزرگ آشنا شد. میرکیانی دارای مدرک دکتری هنر از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

فعالیت‌های ضمن تحصیل: محمد میرکیانی از همان دوران کودکی، همزمان با تحصیل به کار و کوشش پرداخت. در دوران جوانی، زمانی که کارگر حروفچین یکی از چاپخانه‌های تهران بود به مطالعه آثار ادبی و هنری روی آورد و با بسیاری از آثار نویسندگان بزرگ آشنا شد. روزی که اولین قصه‌اش را نوشت دقیقاً پانزده شغل مختلف را تجربه کرده، درس زیادی آموخته بود. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: محمد میرکیانی در سال ۱۳۶۱ وارد گروه کودک صدای جمهوری اسلامی ایران شد و به نوشتن نمایشنامه‌های رادیویی و قصه‌های ظهر جمعه پرداخت. بعضی از مسوولیت‌های اجرایی که میرکیانی برعهده داشته یا دارد: - سردبیری برنامه‌های از سرزمین نور و گفته‌ها و ناگفته‌ها (رادیو) - عضویت در طرح و برنامه مرکز فرهنگی صبا - عضویت در شورای کتاب کودک انتشارات سروش - عضویت در گروه مولفان کتب درسی آموزش و پرورش - در حال حاضر مدیر گروه کودک و نوجوان شبکه اول سیما

فعالیت‌های آموزشی: محمد میرکیانی در چند دوره مختلف آموزش ضمن خدمت، به تدریس ادبیات کودکان و قصه‌گویی در آموزش و پرورش و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان پرداخته است. آرا و گرایش‌های خاص: بیشتر مطالعات و گرایش‌های میرکیانی در زمینه ادبیات، به خصوص ادبیات کهن، تاریخ، روان‌شناسی و شعر می باشد.

جوایز و نشانها: مجموعه قصه "روز تنهایی من" محمد میرکیانی، در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. میرکیانی همچنین برنده کتاب سال نوجوان در ۱۳۶۵ و جشنواره‌های دیگر داخلی مانند کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و از نویسندگان برگزیده بیست سال ادبیات کودکان توسط انجمن نویسندگان کودک و نوجوان است. ترجمه مجموعه پنج جلدی «قصه ما همین بود» میرکیانی، در سال ۷۳ به زبان اردو و در پاکستان منتشر شد. در سال ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ میلادی مرکز بین‌المللی مونیخ آلمان کتاب‌های «پاپر» و «روزی بود و روزی نبود» ایشان را از در فهرست کتاب‌های مناسب خود قرار داد. کتاب "قصه ما مثل شد" تالیف وی، در سال ۱۳۸۶ از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار: محمد میرکیانی تاکنون حدود دو‌یست نمایشنامه کوتاه و بلند برای کودکان نوشته و یا تنظیم کرده است. آثار منتشر شده او بیش از ۶۰ کتاب برای کودکان و نوجوانان است و مجموع قصه‌های چاپ شده‌اش برای همه گروه‌های سنی در قالب‌های داستان کوتاه بلند و رمان، نزدیک به پانصد عنوان می‌رسد. میرکیانی بیش از بیست و پنج کتاب درباره ادبیات کهن و عامیانه برای گروه سنی کودک و نوجوان تالیف کرده است. آخرین کتاب او در این زمینه کتابی پژوهشی برای نوجوانان با

موضوع ادبیات عامیانه است با عنوان «راز مثل‌های ما». بعضی از آثار میرکیانی به تولیدات تصویری و تلویزیونی تبدیل شده‌اند، مثل فیلم (شاید فردا نباشد) برای گروه کودک شبکه دو و مجموعه‌های «قصه ما همین بود» با عنوان «افسانه‌های کهن» برای مرکز فرهنگی صبا و در حال حاضر مجموعه هشتاد قسمتی «قصه ما مثل شد» که این کتاب در قالب پویانمایی برای گروه کودک و نوجوان شبکه اول سیما در حال تولید و پخش است.

آثار:

۱ افسانه خوشبختی

ویژگی اثر: مجموعه قصه

۲ پنج سنگ

ویژگی اثر: مجموعه قصه

۳ پند و قند (چهار جلد)

۴ پهلوان حیدر

۵ روز تنهایی من

ویژگی اثر: مجموعه قصه- این کتاب در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزیده شد- آشنایی با کتاب: «روز تنهایی من» این کتاب مجموعه سه قصه به نامهای «روز تنهایی من»، «این کوچه و آن کوچه» و «آن روز پائیزی» است. قصه «روز تنهایی من»، سرگذشت نوجوانی کارگر و زحمتکش است که در چاپخانه کار می‌کند و دشمنانش سعی دارند با ایجاد موانع بسیار، شخصیت او را لگدکوب و غرور او را خرد کنند؛ اما او با ایمان و تلاش در مقابل آنان می‌ایستد و سرانجام موفق می‌شود. در قصه «این کوچه و آن کوچه»، بچه‌های محله، کسی را که مانع عزاداری آنان بود از میان برمی‌دارند و «آن روز پائیزی» حکایت پیروزی سربازان مصری در جنگ رمضان ۱۹۷۳ با اسرائیل غاصب است.

۶ روزی بود و روزگاری

ویژگی اثر: مجموعه قصه

۷ روزی بود و روزی نبود (سه جلد) قصه ما مثل شد (پنج جلد)

۸ شاید فردا نباشد.

۹ قصه خانه ما

ویژگی اثر: مجموعه قصه

۱۰ قصه شاه مال منه

ویژگی اثر: مجموعه قصه

۱۱ قصه ما مثل شد (پنج جلد)

ویژگی اثر: تالیف محمد میرکیانی با تصویرگری محمدحسین صلاتین- مشهد: شرکت به نشر، کتاب‌های پروانه‌ها این کتاب در سال ۱۳۸۶، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شده است.

۱۲ قصه ما همین بود (پنج جلد)

۱۳ قصه های شب چله (دو جلد)

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند آقا سید محمد باقر بن میر سید علی حسینی.

عالم فاضل زاهد، از علمای کاملین، و فقها و مجتهدین، از خاندان علم و روحانیت. پدرش در ۱۲۱۶ متولد، و در حدود ۱۲۸۰ وفات یافته، خود در اصفهان متولد، و در نزد جمعی کثیر از علما در اصفهان و نجف همچون: شیخ انصاری، و شیخ مشکور عرب، و شیخ راضی نجفی، و فاضل اردکانی، و حاج شیخ زین العابدین مازندرانی، و آقا میرزا علی نقی طباطبائی تحصیل نموده، در ۱۲۸۴ به اصفهان مراجعت کرده، مدتی به درس حاج شیخ محمد باقر نجفی حاضر شده، و سپس به درس و بحث و اقامه‌ی جماعت و ارشاد پرداخته.

سراجم در ۲ شنبه ۶ جمادی‌الاولی سال ۱۳۲۸ وفات یافته، در پائین پای فاضل هندی مدفون گردید.

کتب زیر از آثار قلمی اوست:

۱ - رساله در اصول دین ۲ - رساله در صیغ عقود ۳ - شرح دره‌ی بحر العلوم ۴ - تقریرات فقهی و اصولی اساتید خود.
برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

میر محمود

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، طراح کاشی. وی رسمی‌ساز و آرایشگر کاشی‌ها و استاد نگاره‌های بیرونی مسجد شفاوران اصفهان است که کاشی کاری سر در آن، در زمان شاه طهماسب صفوی (۹۸۴ - ۹۳۰ ق)، به دست این هنرمند انجام یافته و رقم نهاده: «داده این زیب را بعون علی - میرمحمد بن میرعلی».

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار ملی اصفهان (۸۳۰-۸۲۹)، احوال و آثار نقاشان (۳/۱۳۴۱)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (۸۶۰).

میراحمدی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: گوش و حلق و بینی، دانشکده: پزشکی دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی گوش و حلق و بینی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۳۹، گذراندن دوره تکمیلی از دانشگاه پاریس در

سال ۱۳۴۵.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۳۷ تا کنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۳۵ تز تخصصی دکترای در زمینه گوش و حلق و بینی، تدریس دروس رشته گوش و حلق و بینی در دانشگاه تهران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

درمان جراحی کریهای گوش.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۵، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

گوش و حلق و بینی.

بر گرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

میراحمدی، مریم

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: تاریخ، دانشکده: الهیات و ادبیات، دانشگاه: الزهرا (س)

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تاریخ و فرهنگ ایران (ایران‌شناسی).

مرتبه علمی:

استاد دانشکده الهیات و ادبیات دانشگاه الزهرا.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

احیاء متون قدیمی تاریخی به زبان فارسی، همکاری با مجلات و عضویت در هیأت تحریریه مجله تحقیقات تاریخی (تهران) و مجله دانشکده ادبیات (مشهد)، عضویت در انجمن اروپایی ایران‌شناسان (آلمان) و انجمن فرهنگ و زبانهای ایرانی (انگلستان). راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترای در زمینه‌های تاریخی و فرهنگ ایران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۰

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

تاریخ ایران در دوران اسلامی، فرهنگ و تمدن ایران و اسلام، تأثیر و تحلیل وقایع تاریخی و اجتماعی بر ادبیات معاصر ایران، روند تاریخی دیوان در ایران.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۱، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

تاریخ و فرهنگ ایران در دوران اسلامی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

میراحمدیان، ماهرو

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ایمونولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۴، دکترای تخصصی علوم عالی آزمایشگاه‌های بالینی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۹، متخصص ایمونولوژی عمومی از دانشگاه پزشکی تهران در سال ۱۳۵۱، فوق تخصص ایمونولوژی از دانشکده پزشکی وست میستر دانشگاه لندن در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

طی مرحله استادیاری و ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

لنفوم مدیترانه در ایران، سیستم ایمنی در بیماران تالاسمی، پروتئین‌های میلومی در ایران، تعیین میزان‌های آلفافتو پروتئین سرمی مادر جهت تشخیص نقائص جنینی، هموگلوبینوپاتیها در ایران، اندازه‌گیری تباد و میکروگلوبین در تشخیص رد پیوند، تأثیر روزه ماه رمضان بر سیستم ایمنی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ایمونولوژی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

گاموپاتیها، نقص ایمنی، لنفوم مدیترانه، تشخیص زودرس رد پیوند با اندازه‌گیری تباد و میکروگلوبین، آلفافتوپروتئین در تشخیص زودرس هپاتوم.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

میراشرفی، هادی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید هادی میر اشرفی

محل تولد: لنگرود

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

سید هادی میر اشرفی از استان گیلان شهر استان لنگرود روستای «دریا سر» در سن ۱۲ سالگی پس از اتمام دوره ابتدائی بر اثر علاقه شدید به علوم دینی و فراگیری آن، راهی حوزه علمیه فقیه (حاج ابوالفتح) در تهران به مدیریت «حضرت آیه الله مرتضوی لنگرودی» شده و در آن حوزه مقدسه در سال ۱۳۶۰ اشتغال به تحصیل پیدا نمود و دروس پایه تا اتمام لمعتین را در آن حوزه مقدسه به اتمام رسانیدم.

سپس راهی حوزه مقدسه قم کنار بارگاه مقدس حضرت فاطمه معصومه (علیها سلام) شدم و در دروس رسائل و مکاسب شرکت نمودم که رسائل را خدمت حجة الاسلام موسوی تهرانی در حوزه آیه الله العظمی گلپایگانی و بیع مکاسب حضرت حجة الاسلام جناب آقای نکونام در مسجد مقدس امام رضا (علیه السلام) در گذرخان حاضر شده و پس از آن دروس کفایه آیات عظام و حجج اسلام شرکت نمودم و به اتمام رسانیده و راهی دروس خارج مراجع بزرگوار که خارج فقه «حضرت آیه الله مکارم شیرازی» و اصول «حضرت آیه الله وحید خراسانی» را درک کرده و از آن اساتید بهره‌ها برده و به تحقیقات در حوزه دین ادامه داده تا انشاء الله تعالی صاحب دین امام زمان (علیه السلام و عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور بفرماید.

میربد، پروین

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: استاد، رشته: سرطان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۱، دکترای تخصصی آسیب‌شناسی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۷، فوق تخصص سیتولوژی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۸.

مرتبۀ علمی:

استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۴۶ تا سال ۱۳۵۳، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۹، استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۶۹ تا کنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آسیب‌شناسی، سلول‌شناسی و سرطان، تدریس درس آسیب‌شناسی در دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

تکنیک پاتولوژی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

پاتولوژی بالینی، رادیولوژی، بیماری‌های پاژه استخوان، رابدومیوسارکوم، گزارش یک مورد سندرم سزارین، لوسمی مزمن، گزارش دو مورد سارکوم اولیه قلب.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

میرجعفری، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۹، مرتبۀ علمی: دانشیار، رشته: تاریخ، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی تاریخ از دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز در سال ۱۳۴۴، دکترای تخصصی تاریخ از دانشکده هیات استانبول ترکیه در سال ۱۳۵۱.

مرتبۀ علمی:

استادیار دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۵۸، دانشیار دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۵۸.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس تشکیل دولت صفوی، فرهنگ و تمدن عصر صفوی، تاریخ ایران از مغول تا صفویه، تاریخ عثمان، تاریخ ادیان، قرائت متون تاریخی به فارسی، شناخت و نقد منابع تاریخ ایران بعد از اسلام در دانشگاه اصفهان و مطالعه و پژوهش در زمینه‌های تاریخی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

سیری در تاریخ فرهنگ ایران در زمینه تاریخ.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

پناهندگی شاهزاده بایزید به ایران، شاطری و شاطر روانی در عصر صفویه، تصوف و تجلی آن در دوره صفویه، ایل شاهسون در ایران، منازعات حیدری و نعمتی در ایران، زندگانی القاصی میرزای صفوی، سایر مقالات تاریخی. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

میر جلیلی، علی محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی محمد میر جلیلی

محل تولد: یزد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۳/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب علی محمد میر جلیلی فرزند حاج میرزا یدالله در تاریخ ۱۰/۳/۱۳۴۴ ه.ش در شهر یزد - شاهدیه متولد گشتم. پدرم از مؤمنین و عاشقان خاندان رسالت بود و همواره در مجالسی که به نام اهل بیت تشکیل می شد؛ شرکت می کرد. او در سنین نوجوانی به بیماری سختی مبتلا شده بود. و با توسل به اهل بیت (ع) شفا یافته بود. از این رو با شنیدن نام آن بزرگواران اشکش جاری می شد. و چون دو فرزند پسرش را از دست داده بود. نذر کرد چنانچه خداوند به او پسری دیگری عنایت کند او را به حوزه علمیه، برای فراگیری علوم اسلامی بفرستد. او به نذر خود عمل و مرا رهنسپار حوزه کرد. پدرم از نظر مالی در مضیقه بود و زندگی خود را از درآمد ناچیز کارگری تامین می کرد و بسیار قانع و زاهد بود.

مادرم مرحومه حاجیه بی بی مرضیه حاج امام از سادات و خاندان حاج امامی ابرند آباد بود که به تقوی معروف بودند. جد سوم

ایشان مرحوم امیر اکبر از سادات دارای کرامت بود. همچنین پدر بزرگ ایشان مرحوم حاج سید محمد باقر حاج امام از روحانیون دارای فضل و تقوی در یزد بود که به سال ۱۳۳۶ ه.ش از دنیا رحلت کرده است و آرامگاه این بزرگواران در یزد «شاهدیه» ابرند آباد زیارتگاه می باشد که بسیاری از مردم منطقه با توسل به ارواح پاکشان از خداوند طلب حاجت می کنند.

پدرم مرا در کودکی با خود به مجالس وعظ و خطابه می برد و دوست داشت من را ذاکر حضرت سید الشهداء (ع) تربیت نماید. در شش سالگی به دبستان عنصری در شاهدیه رفتم. در سال چهارم دبستان بر اثر تشویق استاد بزرگوارم جناب آقای سید علی بمان میرجلیلی تمام سعی خود را در راه تحصیل به کار گرفتم و از آن به بعد همواره از دانش آموزان ممتاز استان یزد شمرده شدم. در مقطع اول راهنمایی به عنوان ممتازترین دانش آموز استان یزد انتخاب شدم و مورد تشویق قرار گرفتم.

پس از گذراندن اول دبیرستان با توجه به علاقه شخصی خود و تشویق های مرحوم پدرم و حضرت آیت الله حاج سید جواد مدرسی و استاد دکتر عباس برهانی در مهرماه ۱۳۵۹ ه.ش وارد حوزه علمیه یزد شدم و از محضر اساتید بزرگوارم چون حجج اسلام آقایان: شیخ کمالی زارچی، شیخ محمد رضا فلاح تفتی و شیخ علی مفیدی فر به فراگیری ادبیات عرب پرداختم و با شرکت در کلاس منطلق آیت الله علاقه بند یزدی، خوشه چین کمالات علمی وی گشتم. از خاطرات جالب آن دوره حفظ اشعار الفیه بن مالک در حوزه یزد بود که از طرف حضرت آیت الله حاج محمود علمی مسئول حوزه خان یزد، مورد تشویق قرار گرفتم و مفتخر به اخذ دوره تفسیر منهج الصادقین از محضر مبارک ایشان شدم.

در سال ۱۳۶۱ ه.ش جهت استفاده از محضر اساتید حوزه علمیه قم به این شهر رفتم. شرط ورود به حوزه علمیه قم، اتمام لمعتین بود ولی من آن را نخوانده بودم. طی نامه ای به محضر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی از ایشان درخواست کردم مرا در مدرسه امام حسن مجتبی (ع) که تازه شروع به کار می کرد؛ بپذیرد. در آن نامه خود را حافظ الفیه بن مالک معرفی کردم. ایشان حقیر را به حضور طلبید و پس از امتحان و سؤال از سوابق خانوادگی و تحصیلم، با ورود اینجانب به حوزه قم موافقت کرد. برای تکمیل ادبیات عرب به درس استاد بزرگ ادب مرحوم مدرس افغانی که در نحو و سایر علوم ادبی تسلط داشت؛ رفتم. او دارای بیانی شیوا بود و سخت ترین مباحث علمی را با مثال هایی ساده تفهیم می کرد و دارای تالیفاتی از قبیل المدرس الافضل (شرح مطول تفتازانی) و مکررات (شرح کتاب سیوطی در نحو) بود. نزد ایشان مغنی اللیب از ابن هشام و مطول تفتازانی را فرا گرفتم.

همچنین کشف المراد علامه حلی را نزد آیت الله مکارم شیرازی، بخشی از تفسیر مجمع البیان را نزد آقای امامی از نویسندگان تفسیر نمونه؛ فرا گرفتم. آنگاه برای فراگیری فقه نزد استاد آیت الله وجدانی فخر (ره) شتافتم. ایشان دارای زبانی گویا، تسلط کامل بر مباحث فقهی و اخلاصی کم نظیر بود. فراموش نمی کنم که همواره قبل از نشستن بر کرسی تدریس، دعا می کرد. هم زمان اصول مظفر را نزد استاد صالحی افغانی فرا گرفتم. در این دوره بود که به جهت الطاف الهی و تلاش فراوان، رتبه اول حوزه قم را در پایه ششم بدست آوردم و به دریافت یک دوره کامل بحارالانوار از مرحوم آیت الله العظمی امام خمینی (ره) مفتخر گشتم.

آنگاه برای فراگیری بهتر اصول به نزد استاد بزرگ حوزه قم، حضرت آیت الله مصطفی اعتمادی شتافتم. زبان گویا و تسلط والای او در تبیین مباحث اصول، از او استاد زبردستی ساخته بود که حدود هزار نفر در کلاس درسش حاضر می شدند. رسائل شیخ انصاری را از ایشان فرا گرفتم. مکاسب را نزد استاد بزرگ مرحوم حاج شیخ احمد پایانی آموختم و باز برای آموزش بیشتر اصول، در درس کفایه استاد اعتمادی حاضر شدم.

همزمان با فراگیری مکاسب و کفایه به حفظ قرآن همت گماردم و نزدیک به نصف قرآن را حفظ کردم. از الطاف الهی بر اینجانب در این دوره توفیق حضور در کلاس تفسیر مفسر بزرگ، عارف ربانی و فقیه صمدانی حضرت آیت الله عبدالله جوادی آملی (روحی فداه) بود، استادی بی نظیر در قدرت کلام، جامع علوم مختلف و از همه مهمتر دارای منش اخلاقی بسیار والا. در طی حدود ده سال که از حضور پرفیض تفسیر ثلث اول قرآن را فرا گرفتم؛ هرگز ندیدم به شاگردی توهین نماید. سوال های طلاب را با

حوصله پاسخ می داد و همواره برای پاسخ دهی به اشکال های حاضرالذهن بود. اکنون پس از بازگشت به وطن از اینکه نمی توانم از محضر پرفیضش استفاده کنم؛ همواره تاسف می خورم.

از سال ۱۳۷۱ ه.ش همزمان با شرکت در کلاس تفسیر استاد جوادی، به فراگیری خارج فقه و اصول پرداختم و از محضر بزرگانی چون آیات عظام: فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، آمیرزا جواد تبریزی بهره بردم. در سال ۱۳۷۴ از دانشگاه قم، مرکز تربیت مدرس در رشته الهیات و معارف اسلامی (کارشناسی ارشد) فارغ التحصیل شدم و در سال بعد در آزمون دکتری علوم قرآن و حدیث شرکت کردم که سرانجام در سال ۱۳۸۱ ه.ش از دانشگاه فارغ التحصیل شدم. حضرت آیت الله هادی معرفت، آیت الله مسلم داوری، استاد محمّد علی مهدوی راد و دکتر غلامعلی حداد عادل و دکتر سیّد محمّد رضا حجتی از اساتید برجسته دوره دانشگاهیم می باشند.

میر جلیلی، کاظم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید کاظم میر جلیلی

محل تولد: یزد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای سید کاظم میر جلیلی در سال ۱۳۳۴ هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) در شهرستان یزد دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه یزد گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد.

از سوی دیگر شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه (سلام علیها) او را راهی حوزه علمیه قم گردانید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۳ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل حوزوی در قم از محضر بزرگانی چون: «مرحوم آیت الله فاضل»، «آیت الله مکارم»، «آیت الله خاتم یزدی»، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته «فلسفه و کلام» در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۷ از دانشگاه تربیت مدرس قم فارغ التحصیل گردید و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان: «مشکلات و موانع خلافت حضرت علی علیه السلام از دیدگاه تاریخ» دفاع کرد. استاد در ایام تحصیل در قم از امر تدریس در زادگاه خویش غافل نماند و در مراکزی چون دانشگاه یزد و ... به تدریس پرداخت، که حاصل زحمات ایشان پرورش دانشجویان فراوانی می باشد. وی در زندگی

سراسر علمی خود از امر تحقیق و نگارش و تألیف غافل نماند و آثاری از قبیل: «صداقت حضرت علی (علیه السلام) در سیاست و حکومت» و ... را به رشته تحریر در آورده است.

میر جهانی، محمدحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ذی القعدة ۱۳۱۹، روستای محمدآباد اصفهان.

درگذشت: ۲۵ آذر ۱۳۷۱ (۲۱ جمادی الثانی ۱۴۱۳)، اصفهان.

آیت الله سید محمدحسن میرجهانی طباطبایی اصفهانی پنج ساله بود که به مکتب رفت و تا هفت سالگی، قرآن، خواندن و نوشتن و برخی از کتابهای فارسی را فراگرفت و پس از آن به آموختن ادبیات عرب پرداخت و سپس برای ادامه تحصیل به اصفهان رفت و در مدرسه‌ی صدر نزد معلم حبیب آبادی (صاحب مکارم الاثار) و اساتید دیگر چون آیت الله سید ابوالقاسم دهکردی و آیت الله حاج شیخ محمدعلی فتحی دزفولی، به تکمیل معلومات خود پرداخت و با اتمام سطوح عالی به محضر حضرت آیت الله حاج شیخ محمد مسجدشاهی (صاحب نقد فلسفه داروین) و آخوند ملا محمدحسین شتافت و مبانی فقهی و اصولی را فراگرفت.

آیت الله میرجهانی طباطبایی در سال ۱۳۴۶ به نجف اشرف رفت. در آنجا به استفاده از محضر حضرات آیات عظام، آقا ضیاء عراقی سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ عبدالله مامقانی پرداخت و در سلک خاص اصحاب آیت الله اصفهانی درآمد. پس از سالی چند، برای ترویج دین به ایران بازگشت، به اصفهان و پس از فوت پدرش به مشهد رفت و چندی پس از آن به تهران آمد و به اقامه‌ی جماعت، تألیف و تصنیف و وعظ و ارشاد اشتغال ورزید.

برخی از آثارش عبارتند از: مصباح البلاغه (مستدرک نهج البلاغه؛ در دو جلد)؛ کنوز الحکم و فنون الکلم (خطبه‌ها و سخنان امام مجتبی (ع))؛ رویح النسلمات (شرح دعای سمات)؛ نوائب الدهور (در علایم ظهور در چهار جلد)؛ ولایت کلیه (در دو جلد)؛ الوامع الثور فی علایم الظهور (به عربی)؛ دیوان اشعار؛ گنجینه سرور؛ گنج رایگان (در علوم غریبه)؛ سعادت ابدی؛ الدر المکنون (در تاریخ ائمه اطهار به عربی)؛ احکام رضاع؛ رساله در نجوم و فلکیات؛ شهاب ثاقب؛ الجنة العاصمه (زندگانی حضرت فاطمه س)؛ مقامات الکبریة (زندگانی حضرت علی اکبر)؛ مقالات الجنان (ادعیه و زیارات)؛ ذخیره المعاد (ادعیه و آداب ساعات)؛ انساب سادات؛ تفسیر بعضی از سوره‌های قرآن؛ البکاء علی الحسین؛ سبکة الذهب.

آیت الله محمدحسن میرجهانی طباطبایی پس از نود و چهار سال زندگی سرانجام در روز چهارشنبه بیست و پنجم آذر ۱۳۷۱ (بیست و یکم جمادی الثانی ۱۴۱۳ ق.) بدرود حیات گفت و در مسجد جامع اصفهان، در جوار مقبره‌ی علامه‌ی مجلسی، به خاک خفت.

(۱۴۱۳ - ۱۳۱۹ ق.)، عالم دینی، مجتهد، محدث، خطیب و شاعر. در قریه‌ی محمدآباد جرقویه اصفهان به دنیا آمد. پس از فراگیری صرف و نحو و قسمتی از «سیوطی» به اصفهان رفت و در مدرسه‌ی صدر ساکن گردید. سطوح اولیه را در محضر شیخ محمدعلی معلم حبیب آبادی و شیخ علی یزدی و سطوح وسطی و عالی را در محضر سید محمد رضا رضوی خراسانی و میرزا احمد اصفهانی و شیخ محمدعلی فتحی دزفولی و سید ابوالقاسم دهکردی فراگرفت. وی در درس خارج از شاگردان میرزا محمدرضا مسجدشاهی اصفهانی بود و از درس ملا- حسین فشارکی نیز استفاده نمود. در ۱۳۴۶ ق به نجف رفت و از محضر شیخ عبدالله مامقانی و آقا

ضیاءالدین عراقی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ محمدحسین نائینی استفاده نمود. پس از رسیدن به درجات علمی بالا به اصرار پدرش به اصفهان بازگشت و به امور دینی پرداخت. پس از درگذشت پدرش به مشهد مهاجرت نمود و بعدها در تهران ساکن گردید و به تبلیغ و خطابه و تألیف کتب عربی و فارسی مشغول شد. وی در علوم غریبه اطلاعی عمیق داشت. طبع روانش او را قادر ساخته بود تا به عربی و فارسی در مدح معصومین (ع) به نیکویی شعر بسراید. او در ۱۴۰۲ ق به دلیل مسائل سیاسی به اصفهان رفت. در آنجا درگذشت و در جوار مقبره‌ی علامه مجلسی به خاک سپرده شد. از آثارش: «مقلاد الجنان»، در ادعیه و زیارات؛ «ذخیره المعاد»؛ «روائح النسمات»، در شرح دعای «سمات»؛ «مصباح البلاغه»، در مستدرک «نهج البلاغه»، در چهار جزء در دو مجلد؛ «نوائب الدهور»، در علائم ظهور؛ «الدر المکنون» یا «الدرر المکنون»، در امامت؛ «ولایت کلیه»؛ جزواتی در تفسیر قرآن؛ مختصر «ابصار المستبصرین»، در کلام؛ «الجنة العاصمه»، در تاریخ حضرت فاطمه زهرا (س)؛ «گنج رایگان»؛ «کنوز الحکم و فنون الکلم»، در خطب و کلمات امام حسن مجتبی (ع)؛ «دیوان» شعر. [۱]

سید الخطباء والمحدثین حجه الاسلام والمسلمین علامه الورع حاج میرزا محمدحسن میرجهانی طباطبائی ابن السید الجلیل و العالم النبیل میر سید علی محمدآبادی جرقویه‌ای اصفهانی از علماء و خطباء معاصر تهرانست. تولدش در روز دوشنبه ۲۲ ماه ذی‌القعده الحرام سال ۱۳۱۹ قمری در قریه محمدآباد جرقویه سفلی از توابع اصفهان واقع شده و در مهد علم و فضیلت پرورش یافته و در سن پنج‌سالگی به مکتب رفته و در هفت سالگی تمام قرآن و بعضی از کتب فارسی را تعلیم گرفته و به مقدمات عربی از صرف و نحو نزدیکی از اهل فضل ساکن محمدآباد مشغول شده و پس از تکمیل صرف و نحو تا قسمتی از سیوطی برای ادامه تحصیل به اصفهان آمده و در مدرسه صدر ساکن و بقیه سیوطی را نزدیکی از فضلاء مدرسه مزبور خوانده و بقیه سطوح اولیه را نزد عالم جلیل آقا شیخ محمدعلی حبیب‌آبادی و آقا شیخ علی یزدی فرا گرفته و سطوح وسطی و عالیه را در خدمت مرحوم حجه الاسلام حاج سید محمد رضای رضوی خونساری و مرحوم میرزا احمد اصفهانی و مرحوم آیت‌الله شیخ محمدعلی فتحی دزفولی و آیت‌الله زاهد ورع حاج سید ابوالقاسم دهکردی به پایان رسانیده و در درس خارج (نجاه العباد) آیت‌الله حاج میرزا محمدرضا مسجد شاهی اصفهانی حاضر شده و هم از محضر درس آیت‌الله الفقیه آخوند ملا حسین فشارکی در مدرسه صدر استفاده نموده تا سال ۱۳۴۶ قمری که به اجازه مرحوم والدش مهاجرت به نجف اشرف و چندی از محضر مرحوم آیت‌الله رجالی حاج شیخ عبدالله مامقانی صاحب رجال و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی بهره‌مند شده و از خواص اصحاب فقیه اهل‌البیت فی عصره و المرجع الاعلی آیت‌الله العظمی آقای آقاسید ابوالحسن اصفهانی گردیده و در مسجد شیخ طوسی از محضر آن بزرگوار استفاده کامل نموده و بعد به اصرار مرحوم والدش به اصفهان مراجعت و به نشر معارف اسلامی و فضائل اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام پرداخته و پس از فوت مرحوم والدش مدت هفت سال مجاورت ارض اقدس رضوی را اختیار و پس از آن به واسطه نامساعد بودن هوای مشهد با مزاج ایشان منتقل به تهران گردیده و تاکنون در مرکز و حومه آن به انجام وظائف دینی و روحی و بالاخص تبلیغ از طریق منبر و تألیف کتب اشتغال دارد.

نگارنده گوید: علامه میرجهانی از نوادر دانشمندانی است که با او برخورد کرده‌ام عالمی ادیب و فاضلی اریب و محدثی حسیب می‌باشد دارای ملکات فاضله و محاسن اخلاق و محامد آداب مجامع معقول و منقول حاوی فروع و اصول و صاحب علوم و فنون مخصوص در علوم غریبه و عجیبه (جفر و رمل و اسطرلاب و ریاضیات) ید طولی و اطلاعی عمیق دارد و در فن منبر و بیان احادیث و فضائل و ولایت حضرات ائمه علیهم‌السلام بصارت کامل و از اساتید منبر محسوب می‌گردد طبعی روان و ذوقی فراوان دارد در مدح حضرت رسول صلی الله علیه و آله و امامان معصوم و بالاخص حضرت بقیه‌الله فرجه‌الشریف اشعار بسیاری به عربی و فارسی سروده‌اند.

آثار علمی مطبوع ایشان از این قرار است:

- ۱- مقلاد الجنان که مشتمل است بر برخی از ادعیه و زیارات معتبره که در اصفهان به طبع رسیده است.
- ۲- ذخیره المعاد راجع به ادعیه و آداب ساعات که در تهران چاپ شده است.
- ۳- رساله سعادت ابدی در آداب تشکیل مجالس مذهبی نیز در اصفهان طبع شده است.
- ۴- روایح النسومات در شرح دعاء سمات در مشهد تالیف و طبع شده است.
- ۵- مستدرک نهج البلاغه موسوم به مصباح البلاغه چهار جزو در دو جلد در تهران به طبع رسیده.
- ۶- نوائب الدهور در علائم ظهور چهار جلد که یک جلد آن به طبع رسیده است.
- ۷- الدر المکنون دو هزار بیت عربی در امامت و صفات جامعه امام و تواریخ ائمه علیهم السلام که به طبع رسیده است.
- ۸- ولایت کلیه در دو جلد که جزو اول آن طبع شده است.
- ۹- رساله‌ای در احکام رضاع استدلالی فارسی بالغ بر یکهزار و کسری فرع.
- ۱۰- رساله‌ای در اخبار راجعه به نجوم و کواکب و فلکیات.
- ۱۱- گنج رایگان کشکول مانند مشتمل بر بعضی از علوم غریبه و اخبار و آثار ولایتی.
- ۱۲- جنه الفاطمه در تاریخ حالات حضرت فاطمه سلام الله علیها.
- ۱۳- کتاب مقامات اکبریه مربوط به تاریخ حضرت علی اکبر شهید علیه السلام.
- ۱۴- جزواتی در تفسیر قرآن.
- ۱۵- جزواتی در انساب سادات عالی درجات.
- ۱۶- جزواتی در اشعار فارسی از قصیده و غزل و مثنویات و مقطعات و رباعیات.
- ۱۷- مختصر ابصار المستبصرین در بیان محاجه شیعه و سنی در مشهد مقدس تالیف در تهران به طبع رسیده است.
- ۱۸- شهاب ثاقب در رد طایفه ضاله مضله و طریقه محاجه با آنها.
- ۱۹- لوامع النور در علائم الظهور عربی.
- ۲۰- گنجینه سرور نیز به عربی و فارسی ملفق.
- ۲۱- کنوز الحکم و فنون الکلم در خطب و کلمات حضرت مجتبی علیه السلام نظیر نهج البلاغه.

ناگفته نماند که علامه میرجهانی تا زمان حضرت آیت الله العظمی بروجردی قدس الله سره بزی غیر سادات بودند (عمامه سفید داشتند) با اینکه از سادات رفیع الدرجات طباطبائی و نسبش با مرحوم آیت الله العظمی بروجردی و آیت الله العظمی حاج سید محسن حکیم و آیت الله مرعشی نجفی مدظله نسابه عصر حکم فرمودند که معظم له بزی سادات و شرفاء در آیند و خود آیت الله بروجردی عمامه سفید را از سر ایشان برداشته و عمامه سیاه که امروز مظهر سیادت است در میان شیعه بر سر ایشان گذارده و جشن مفصلی در مدرسه فیضیه قم گرفتند.

آقای میرجهانی رساله‌ای در نسب خویش که تمام مراجع نجف و اران تأیید کردند نوشته و شرح کیفیت و علت اخفاء نسب سلسله میرجهانی را تا آن روز داده و به طبع رسانیدند.

خاطرات عجیب معظم له

علامه میرجهانی قضایا و نوادر غریب و خاطرات عجیب آموزنده و ارزنده دارند و ما دو قضیه آن را می‌نگاریم:

اول می‌فرمودند در عصر ریاست مرحوم آیت الله العظمی اصفهانی (ره) که بسیار مورد وثوق و توجه آن مرحوم بودم به امر ایشان پول زیادی به سامراء برده و بین طلاب سامراء و خدام عسکرین تقسیم کردم و خدام امامین هم‌امین عسکرین که دینشان پول است مرا زیاد احترام می‌نمودند مخصوص کلیددار که از وی خواستم اجازه دهد من شبها در حرم شریف بیتوته کنم پس موافقت نموده

ده شب تا به صبح در کنار قبر آن دو امام معصوم علیهماالسلام احیاء نموده و تضرع کردم روز دهم که جمعه بود اول فجر که درب حرم را گشودند با شوقی وافر به سرداب مقدس مشرف شدم وقتی از پله‌ها پائین رفتم با اینکه آن موقع هنوز برق نیامده بود دیدم فضاء سرداب روشن مانند مهتابست و سیدی نشسته و مشغول به ذکر و عبادتست.

از مقابل او گذشته و درب صفا ایستاده و زیارت حضرت ولی عصر عجل الله فرجه الشریف را خوانده و آمدم در جلوی آن آقا مشغول نماز شدم و بعد از نماز شروع کردم به خواندن دعاء ندبه و رسیدم به این جمله (و عرجت بروحه الی سمائك) آن آقا فرمودند این جمله از ما نرسیده (و عرجت به الی سمائك) و چرا رعایت وظیفه را نمی‌کنید و جلوتر از امام نماز می‌خوانید.

من غفلت از این دو آیت بزرگ نموده و دعاء را تمام و به سجده رفتم و در سجده متوجه شدم که آن آقا کیست که فرمود این جمله از ما نرسیده و چرا جلوی امام ایستادی بسیار مرعوب شده و سر از سجده برداشتم که دامن مطلوب را بگیرم دیدم سرداب تاریک و کسی نیست فهمیدم به چه دولتی رسیدم و به رایگان از دست دادم.

مولف گوید: آری.

باید که دمی غافل از آن شاه نباشی

شاید که نظر افکند آگاه نباشی

خاطره دوم

معظمه مبتلا به کسالت نقرس و سیاتیک که آن را (عرق النساء) هم گویند شده و چندین سال در اصفهان و تهران و خراسان معالجه قدیمی و جدید نموده و ابدا افاقه‌ای حاصل نشد تا اینکه فرمود بعضی از دوستان آمدند مرا به شیروان برده و در مراجعت در قوچان توقف و روزی به زیارت امامزاده‌ای که در خارج شهر قوچان فعلی و معروف به امامزاده ابراهیم است رفته و چون هوای لطیف و منظره جالبی داشت رفقا گفتند نهار را در اینجا بمانیم جای خوبیست گفتم عیبی ندارد پس آنها مشغول تهیه غذا شدند و من گفتم برای تطهیر به رودخانه می‌روم گفتند راه قدری دور است و برای درد پای شما مشکل گفتم آهسته آهسته می‌روم و رفتم تا برود خانه رسیده و تجدید وضو نمودم و در کنار رودخانه نشسته و نگاه به مناظر طبیعی می‌کردم که دیدم شخصی که لباس نمدی چوپانی در برداشت آمد و سلام کرد و گفت آقای میرجهانی شما با اینکه اهل دعا و دوا هستی هنوز پای خود را معالجه نکرده‌اید گفتم تاکنون که نشده گفت آیا دوست داری (یا مایل هستی) من درد پایت را علاج کنم گفتم البته پس آمد کنار من نشست و از جیب خود چاقوی کوچکی در آورد و اسم مادر مرا پرسید (یا برد) و سر چاقو را بر اول درد گذارد و به پائین کشید تا به پشت پا آورد و فشاری داد که بسیار متالم شده آخ گفتم پس چاقو را برداشت و گفت برخیز خوب شدی خواستم مانند همیشه با کمک عصا برخیزم عصا را از دست من گرفت و به آن طرف رودخانه انداخت. پس دیدم پایم سالم است برخاستم ایستادم و دیگر ابدا پایم درد نداشت.

پس به او گفتم شما کجا هستید. گفت من در همین قلعه‌ها هستم و دست خود را به اطراف گردانید.

گفتم پس من کجا خدمت شما برسم. فرمود تو آدرس مرا نخواهی دانست ولی من منزل شما را می‌دانم کجاست و آدرس مرا گفت: و فرمود هر وقت مقتضی باشد خودم نزد تو خواهم آمد و رفت و در همین موقع رفقا رسیدند و گفتند آقا عصا کو من گفتم آقای نمدی را دریابید پس هر چه تفحص کردند اثری از او نیافتند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] الذریعه (۲۲/۱۱۹، ۲۱/۱۰۴، ۱۱/۲۵۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۱۷-۲/۴۱۰)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۳/۱۲۵۵)، مؤلفین کتب چاپی (۶۰۹-۲/۶۰۸).

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تعلیم و تربیت، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تربیت مدرس

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۴۸، کارشناسی ارشد آموزش زبان (به عنوان زبان خارجی) از دانشگاه کلورادوی آمریکا در سال ۱۳۵۳، دکترای تعلیم و تربیت (با تأکید بر آموزش زبان) از دانشگاه کلورادوی آمریکا در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تهیه فرهنگ جامع آموزش زبان، تدریس در دانشگاه تربیت مدرس، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳۷ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

روانشناسی یادگیری، تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت، گرامر انگلیسی، ارتباط گفتاری و فرهنگ لغت.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۹، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

مشکلات آموزش زبان، نگارش، تعلیم و تربیت در اسلام، آموزش و پرورش و تغییر طبقات اجتماعی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

میر حسینی، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید احمد میر حسینی

محل تولد: یزد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۴۹ وارد حوزه علمیه یزد گردیدم. سه سال را در یزد و مابقی را در قم بودم. در این مدت به عنوان طلبه ای محضر بزرگانی را درک کردم که حتی حضور در محضر آنان بالاترین خیر و برکت را القاء می کرد.

میرخانی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم دینی.

تولد: ۱۲۹۰ (۱۳۳۵ ق.)، تهران.

درگذشت: ۲ آبان ۱۳۷۲ (۹ جمادی الاولی ۱۴۱۴ ق.).

آیت الله حاج سید احمد میرخانی پس از طی دوران کودکی و نوجوانی و فراگیری خواندن و نوشتن و قرآن به شوق تحصیل علوم دینی، به یادگیری ادبیات و سطح پرداخت. پس از آن به حوزه علمیه قم آمد و از محضر آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی مکاسب و کافیه را فراگرفت و سپس به درس خارج آیات عظام کوه کمره‌ای و خوانساری حاضر شد. با ورود آیت الله بروجردی به قم، تنها به درس ایشان رفت و تا پایان عمر آن استاد از بحث‌های فقهی و اصولی او استفاده نمود و پس از وفات وی، به تهران آمد و به خدمات دینی، از جمله اقامه جماعت در مسجد ولی عصر، اعزام مبلغ به اطراف تهران، تألیف و نشر کتب دینی (که زندگانی برخی امامان و ترجمه برخی از مجلات بحارالانوار از جمله آنهاست)، ساخت مساجد و حوزه علمیه، اقامه مجالس دینی در عصرهای جمعه و راهنمایی و ارشاد جوانان و تشکیل مجالس دعای ندبه در صحن مطهر حضرت عبدالعظیم (ع) اشتغال ورزید. از آثار قلمی ایشان یا کتابهایی که خوشنویسی کرده‌اند می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: آیات الاحکام (در دو جلد)؛ سیر حدیث در اسلام؛ شرح زیارت عاشورا (تألیف با خط فریبا مقصودی کرمانشاهی)؛ تاریخ اجتهاد و تقلید (تهران، ۱۳۷۲)؛ قرآن کریم با ترجمه فارسی (مهدی الهی قمشه‌ای، با خط احمد میرخانی، تهران، ۱۳۷۴)؛ کلیات مفاتیح الجنان (به خط احمد میرخانی)؛ سوره مبارکه انعام به انضمام: دعای شریفه توسل، کمیل، ندبه و گنج عرض (مترجم مهدی الهی قمشه‌ای با خط احمد میرخانی).

حاج میر سید احمد میرخانی از علماء میرز و مروج معاصر تهرانست.

وی در حدود سال ۱۳۳۵ قمری در تهران متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و متون فقه و اصول به قم مهاجرت نموده و سطح کفایه و مکاسب را از محضر آیت الله العظمی مرعشی نجفی مد ظله و آیات دیگر استفاده نموده و پس از آن از درس خارج مرحوم آیت الله حجت و آیت الله خوانساری و بالاخص آیت الله العظمی بروجردی قدس الله اسرارهم بهره‌مند گردیده آنگاه مراجعت به تهران و بخدمات دینی از اقامه جماعت و ترویج احکام و تعظیم شعائر مذهبی در مسجد (حضرت ولی عصر عجل الله فرجه) واقع در خیابان (حشمت الدوله) پرداخته است.

نگارنده گوید: آقای میرخانی از علماء خدوم و مروجین متین و مورد توجه مردم تهرانست. خدمات بسیاری در تهران و حومه آن

نموده که از آنها اعزام مبلغ بقرء و دهات اطراف تهران میباید.

چند سالی در شبهای جمعه در صحن مطهر حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام احیاء و دعاء کمیل و غیره داشتند و صدها نفر را بدین وسیله بسوی خدا و استغفار رهبری می نمودند. و اکنون در عصرهای جمعه در مسجد خود مجلس باشکوهی دارند و جمع کثیری از جوانان و غیره را بوسیله دعاء ندبه و سمات و غیره بخداوند متعال جلت عظمته و ولی الله اعظم حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء هدایت و ارشاد می نمایند.

از آثار و خدمات دینی و اجتماعی ایشان تعمیر و بناء مساجد و غیره در حومه تهران می باشد که بوسیله گویندگان و فضلاء و مبلغینی که به آنها فرستاده انجام داده است.

(ح ۱۴۱۴ - ۱۳۳۵ ق)، عالم دینی. در تهران به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات به قم رفت و سطوح «کفایه» و «مکاسب» را از محضر آیت الله مرعشی فراگرفت. سپس در درس خارج آیت الله حجت کوه کمری و آیت الله سید محمدتقی خوانساری حاضر شد و استفاده‌ها نمود. پس از ورود آیت الله بروجردی به قم، وی از درس و بحثهای فقهی و اصولی ایشان بهره برد. پس از درگذشت استادش، آیت الله بروجردی، به تهران آمد و به اقامه‌ی جماعت، تألیف و نشر کتب دینی، ترویج احکام، اقامه مجالس و عظ و ارشاد و سایر امور دینی پرداخت. در تهران درگذشت. از آثارش: «آیات الاحکام»، در دو مجلد؛ «سیر حدیث در اسلام». [۱]

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه: [۱] کلک (س ۴، ش ۴۵ و ۴۶، ص ۳۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۷۶-۵۷۵/۴).

میرخانی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۹ - ۱۲۹۱ ش)، خطاط، ادیب و شاعر، متخلص به بنده. ملقب به سراج‌الکتاب. در تهران به دنیا آمد. اصول خوشنویسی را نزد پدر خود آموخت و همه‌ی اقلام تداول، از قبیل نسخ و ثلث و تعلیق و شکسته و به ویژه نستعلیق، را از خفی و جلی نیکو می نوشت. استاد میرخانی از علوم ادبی بهره‌مند بود، شعر می سرود و مجموعه اشعارش موسوم به «دیوان بنده» منتشر شده است. او در تهران درگذشت. از آثار خطی وی: «کلیات سعدی»؛ «مثنوی» مولوی؛ «خمسه‌ی نظامی»؛ «دیوان حافظ»؛ «دیوان بنده»؛ «گزیده‌ی دیوان» شمس تبریزی؛ «ترانه‌های بابا طاهر»؛ «ترجیع‌بند» هاتف اصفهانی؛ «ترجمه‌ی نفس المهموم»؛ «داستان ملک جمشید»؛ «مجموعه هنر خط»؛ «نگارستان خط». [۱]

خوشنویس، ادیب، شاعر.

تولد: ۱۲۹۱، تهران.

درگذشت: ۵ آذر ۱۳۶۹، تهران.

سید حسن میرخانی ملقب به «سراج‌الکتاب»، فرزند سید مرتضی حسینی برغانی از خوشنویسان و از شاگردان میرزا رضا کلهر، در محضر پدر به فراگیری خط نستعلیق پرداخت. بیش از چهل کتاب و رساله که می توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: کلیات سعدی، مثنوی مولوی، خمس نظامی، دیوان حافظ، دیوان بنده و گزیده دیوان شمس تبریزی، ترانه‌های طاهر عریان، ترجیع‌بند هاتف اصفهانی، دوازده امام خواجه نصیر طوسی، خلاصه شرح حال مولانا، ترجمه‌ی نفس المهموم، زبده‌الاسرار، دیوان وحدت کرمانشاهی، دیوان موافق میرزا علی اکبر ملقب به موافق علیشاه نعمه‌اللهی چاپ سنگی، پندنامه سعدی، گزیده سعدی، گزیده

شمس تبریزی مثنوی چاه وصال، قصیده انصافیه صدر الافاضل، گلچین معرفت، داستان ملک جمشید، منتخب اللغه، مجموعه هنر خط، نگارستان خط.

سید حسن میرخانی روز ۵ آذر ۱۳۶۹ پس از یک بیماری طولانی و به سبب سکته‌ی قلبی درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اطلس خط (۵۹۶)، پیدایش و سیر تحول هنر خط (۲۴۱-۲۳۸)، تذکره‌ی خوشنویسان معاصر (۱۷۵-۱۷۴)، کیهان فرهنگی (س ۸، ش ۴، ص ۵۴).

میر خلیلی، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید احمد میر خلیلی

محل تولد: یزد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در مدارس تهران و دوره متوسطه را در مدرسه دهخدا شهرستان دهخدا گذرانده ام. در سالهای اولیه انقلاب دیپلم خود را گرفته و رهسپار حوزه علمیه قم شده ام و در مدرسه «حضرت آیت الله گلپایگانی» مشغول درس حوزه علمیه شده ام. صرف و نحو، معانی و بیان را نزد استادانی مانند: «صالحی اصفهانی»، «عالمی»، «طالقانی» و «شب زنده دار» خوانده ام. دروس سطح حوزه را نزد استادانی نظیر حضرات آیات: «صلواتی»، «خرازی»، «حیاتی»، «استادی»، «ستوده» و «نکونام» فرا گرفتم. در سال ۱۳۶۶ در درس خارج حوزه شرکت نمودم و درس اساتید بزرگوار: «آیت الله علوی گرگانی»، «شیخ جواد تبریزی»، «مکارم شیرازی» و «وحید خراسانی» شرکت کردم. در ضمن زبان های عربی و انگلیسی را به صورت تخصصی در مرکز زبان های خارجی دفتر تبلیغات اسلامی آموختم. در سال ۱۳۶۹ در دوره دوم تخصصی کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس حوزه علمیه قم به عنوان نفر اول برگزیده شدم و در سال ۱۳۷۲ با پایان نامه «مثل در قرآن کریم» فارغ التحصیل شدم. در سال ۷۳ در دوره دکتری دانشگاه تهران پذیرفته شدم.

در همین سال به عنوان عضو هیئت علمی - پژوهشی کنگره نقش زمان و مکان حضرت امام (ره)، ۳ جلد متون فقه پژوهشی با کمک سایر همکاران فراهم آوردیم. همچنین در این سال در مرکز تحقیقات اسلامی وابسته به دفتر در بخش اصطلاح نامه به فعالیت پژوهشی مشغول شدم که تاکنون اصطلاح نامه های علوم قرآن، اصول فقه، دانش نامه اصول فقه، منطق و کلام اسلامی منتشر شده که در هر یک به نحوی همکاری داشته ام. در سال ۱۳۷۸ در مرکز اندیشه اسلامی در گروه فقه به عنوان عضو هیئت علمی شرکت کردم و در نشست های علمی و ارزیابی های اندیشه سازان شرکت داشته ام و در ضمن مقالات: «فقه و حقوق خانواده»، «فقه و ملاکات احکام» و «اندیشه های فقهی امام خمینی (ره)» محصول این دوره است.

در ضمن کتاب: «فقه و قیاس» در این دوره تنظیم و تالیف شده است. در سال ۱۳۷۹ دوره دکتری را با دفاع از رساله: «جایگاه قیاس

و استحسان در منابع استنباط» به پایان رساندم و در مدرسه امام خمینی (ره) به تدریس فقه و اصول پرداختم و به مدت سه سال مدیریت گروه فقه و اصول را به عهده داشتم. در سال ۸۰ در دانشگاه تهران در دانشکده های مختلف به تدریس متون اسلامی و در سال ۱۳۸۱ در یزد به عنوان عضو هیئت علمی به تدریس دروس فقه و حقوق مشغول شده ام. در ضمن در مدرسه امام خمینی (ره) درس های فقه و اصول و فقه و اصول مقارن، با فقه و اصول سمیناری در درایه و رجال، نقد حدیث و منابع حدیثی مشغول تدریس بوده ام. تاکنون راهنمایی و مشاوره تعدادی از رساله های فوق لیسانس و دکتری در مراکز مختلف علمی بر عهده داشتم. ام نظیر مدرسه امام خمینی (ره)، حوزه علمیه خواهران، دانشگاه آزاد اسلامی. همچنین برای پیشبرد اهداف اطلاع رسانی در دانشگاه یزد و مرکز تحقیقات در میزگردهای علمی، نقد کتاب و کارگاه های پژوهشی کاربردی شرکت کرده ام.

میر خلیلی، جواد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید جواد میر خلیلی

محل تولد: یزد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۶/۱۰/۲

زندگینامه علمی

اینجانب سید جواد میر خلیلی، فرزند سید محمد علی میر خلیلی، متولد دوم دی ماه ۱۳۵۶ در روستای زردین از توابع استان یزد هستم. دوره ابتدایی خود را در مدرسه شهید مطهری زردین به پایان برده و بعد از آن وارد مدرسه شهید حسن زارع زردینی شدم و دو سال دوره راهنمایی خود را در آنجا سپری کردم. بعد از آن برای ادامه تحصیل در کلاس سوم راهنمایی وارد شهر یزد و مدرسه راهنمایی انبیاء شدم. بعد از اتمام دوره راهنمایی، برای ادامه تحصیل به همراه خانواده به تهران آمدم و مدرسه دولتی علمیه، محل تحصیلم در چهار سال تحصیل در آن جا بود.

بعد از پایان دبیرستان و اتمام دوره نظام قدیم رشته علوم تجربی، وارد حوزه علمیه امام حسین (ع) تهران شدم و سطح یک خود را در محضر اساتید بزرگوار چون: «مرحوم آیت الله حقی، مرحوم آیت الله سید عباس ابوترابی، مرحوم حجت الاسلام و المسلمین سید علی اکبر ابوترابی، مرحوم حجت الاسلام و المسلمین سید بهاء الدین موسوی زاده، حجج اسلام: موسوی، عالمی، شریفی، یوسفی، سید محمد حسن ابوترابی، علمداری، معراجی، وحیدی، گنجی، افضل نژاد، رضا بابا اکبری، خوش نما» و سایر اساتید گذراندم.

آن گاه در سال ۱۳۸۱ برای ادامه تحصیل در مقطع سطح دو حوزه وارد مدرسه قدیری قم شدم و از محضر اساتیدی چون حجج اسلام: «جلالی، ظهیری، قوامی، هاشمی، سرافراز، و...» بهره بردم. بعد از اتمام سطح دو، مقطع کارشناسی علوم سیاسی را با معدل ۴۵/۱۷ در دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم به پایان رساندم. سپس در کنار ادامه تحصیل در سطح سه حوزه و بعد از کسب مدرک علمی

سطح دو حوزه، رشته ادیان شرق را در دانشگاه ادیان و مذاهب قم ادامه داده و پایان نامه کارشناسی ارشدم را با موضوع: «رابطه دین و سیاست در ژاپن معاصر» تدوین کردم.

همچنین در سالیان اخیر به دلیل علاقه وافر به رسانه و ارتباطات و با توجه به این که سردبیری برخی از مجلات مختلف علمی را در سطح قم بر عهده داشته‌ام و حتی با فصلنامه ظهور وابسته به بسیج دانشجویی دانشگاه باقرالعلوم (ع) توانستم مقام دوم سردبیری و نشریات برتر استان را کسب کنم، به تحصیل در رشته ارتباطات دانشکده صدا و سیما قم در کنار پژوهش در مراکز مختلف علمی پرداختم و این دوره را نیز با موفقیت به پایان رساندم.

هم اکنون در کنار تحصیل در درس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم، به نویسندگی در نشریات و مجلات علمی مشغول هستم. ضمن این که سال‌ها تجربه و مطالعه، سیر مطالعاتیم را به سمت حوزه‌های اختصاصی پیش برده است؛ به گونه‌ای که هم اکنون تنها در حوزه اندیشه سیاسی در اسلام و شرق باستان می‌نویسم و ارتباطات و رسانه نیز دل مشغولی دیگرم است.

میر خندان، حمید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید حمید میر خندان

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده تحصیلات ابتدایی را در شهر تهران در دبستان عاصمی (مقابل دانشگاه صنعتی شریف) گذراندم. دوره راهنمایی را در مدرسه «مازیار» در همان محله خواندم و دوره دبیرستان را در دبیرستان خوارزمی شماره ۱ (مقابل دانشگاه تهران) تحصیل نمودم. در سال ۱۳۵۹ پس از اخذ دیپلم در همان سال به حوزه قم آمدم.

مقدمات را تا پایه سوم در مدرسه رضویه خواندم. اساتید بنده در ادبیات آقایان: گرگانی و طالقانی بودند و در معالم آقای خسرو شاهی. اصول فقه را خدمت آقای صالحی افغانی و لمعه را نزد آقایان علی پناه اشتهاوردی، جدانی فخر و ... خواندم. رسائل را خدمت آقای اعتمادی و مکاسب را خدمت آقایان: قدیری، طاهری خرم آبادی و ستوده تحصیل کردم و کفایه را خدمت آقای ستوده خواندم.

درس خارج اصول را نزد آقایان: «مکارم شیرازی (۲ سال)»، «وحید خراسانی (۴ سال)»، «شیری زنجانی (۱ سال)» تحصیل نمودم. و پس از آن در جلسه‌ای محدود با تعدادی محدود از دوستان به مباحثه خارج فقه تحت نظر دوست فاضل و ارجمند آقای امیر غنوی ادامه می‌دهم. در کنار درس‌های رسمی حوزه به مدت حدوداً چهار سال علوم قرآنی و سپس تفسیر (در جلسه‌ای خصوصی و با تعدادی محدود از دوستان) مطالعه و تامل داشته‌ام. همچنین به مدت سه سال در گروهی از دوستان به مباحث روانشناسی و تعلیم و تربیت اسلامی پرداختم. نیز به تحصیل فلسفه (بدایه، نهاییه و جلد اول اسفار) پرداختم و در کنار آن کتاب‌های فلسفی از فلاسفه

مسلمان و غرب را مطالعه نمودم.

حقیر دوره زبان انگلیسی را در تهران در موسسه ملی زبان تا اتمام دوره: (۱۲ ترم) گذراندم و در قم نیز در مرکز آموزش زبان های خارجی باقرالعلوم (ع)، دوره زبان انگلیسی را تا یک ترم به پایان مانده شرکت کردم. حدوداً چهار سال (۲ سال در جلسه حزب الله و ۲ سال در پژوهشکده باقرالعلوم (ع) سازمان تبلیغات قم) در زمینه تراجم و شرح حال علماء و اصحاب تحقیق و تالیف داشته ام. به مدت شش سال در زمینه فیلم و سینما (۲ سال در حوزه هنری تهران و ۴ سال در مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما) مطالعات نظری دارم. نتیجه فعالیت های پژوهشی حقیر درباره تراجم و هنر فیلم کتاب ها و مقالاتی است که در آثار از آنها یاد شده است. اکنون با مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، همکاری پژوهشی ام ادامه دارد. ضمن آن که مباحث خارج فقه و تفسیر کماکان برقرار است.

میرداماد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میر محمدباقر بن محمد استرآبادی مشهور به «میرداماد» (ف. ۱۰۴۰ یا ۱۰۴۱ ه.ق) از فلاسفه و دانشمندان معروف عصر صفویه که مورد توجه مخصوص شاه عباس بوده است. منشأش استرآباد و محل تحصیلش مشهد بود و بیشتر عمر خود را در اصفهان بسر برد. وی از تلامذهای شیخ حسین عاملی و شیخ عبدالعالی و بعضی از اکابر دیگر بود. ملاصدرای شیرازی از شاگردان وی بود. میرداماد در فقه و حکمت تألیفات متعدد دارد. و از آن جمله است: «الصرط المستقیم»، «قبسات»، «انمودج العلوم»، «التقدیسات» و غیره. میرداماد شاعر نیز بوده و در شعر «اشراق» تخلص می کرده است. یک مثنوی به نام «مشرق الانوار» سروده است.

(وف ۱۰۴۱ ق)، عالم دینی، فقیه، حکیم، عارف، ریاضیدان و شاعر، متخلص به اشراق. اصلش از استرآباد و ساکن اصفهان بود. پدرش داماد شیخ علی محقق ثانی است. میرداماد از دوستان بسیار نزدیک شیخ بهائی و از علما و فلاسفه بزرگ عصر صفوی و از مقربان درگاه شاه عباس اول و شاه صفی محسوب می شد. وی در علوم نقلی از شاگردان سید نورالدین علی بن ابی الحسن الموسوی و شیخ حسین عاملی، پدر شیخ بهائی، و دایی خود، شیخ عبدالعالی بن محقق ثانی، بود و از دایی خود به دریافت اجازه نایل آمد. او همچنین در علوم عقلی، مدتی در محضر امیر فخرالدین سماکی، شاگرد امیر غیاث الدین منصور شیرازی، به مباحثات فلسفی اشتغال ورزید. وی در جمیع علوم غریبه نیز دست داشت. از شاگردان مشهورش می توان به قطب الدین اشکوری عارف، صدرالدین شیرازی معروف به ملا صدرا، ملا محسن فیض کاشانی و ملا عبدالرزاق لاهیجی اشاره نمود. میر داماد حکیمی اشراقی است وی را نمودار کامل از یک فیلسوف شیعی دانسته اند علو مرتبه او در حکمت از لقب معلم ثالث که به او داده اند پیداست. وی فلسفه مشاء و آثار ابن سینا را به طور کامل مطالعه کرده و تعالیم اشراقی سهروردی و معارف صوفیه را نیز درک نموده و بر روی هم تأثیرات اشراقی و عرفانی در افکار فلسفی وی مجالی وسیع یافته است. میرداماد در سفری، به همراه شاه صفی، به عتبات عالیات، در بین راه کربلا- و نجف، در گذشت. از آثارش: «قبسات حق القین فی حدود العالم»، که به اختصار به «القبسات» معروف است؛ «حدوث العالم ذاتا و قدمه زمانا» یا «الجمع و التوفیق بین رأی الحکیمین فی حدود العالم»؛ «الافق المبین»، در حکمت الهی؛ «تأویل المقطعات»، در اوایل سوره های قرآن؛ تفسیر «سوره اخلاص»؛ «تقویم الایمان» و مقدمه آن و شرح مقدمه؛ «الایقاضات»، در خلق اعمال و افعال بندگان؛ «التقدیسات»، در حکمت الهی و رد شبهه ای ابن کمونه؛ «الرواشح السماویه فی شرح احادیث الامامیه»؛ «شارع

النجاه»، رساله فتوایه‌ی فارسی، در اصول و فروع دین؛ «نبراس الضیاء فی معنی البداء»؛ «انموذج العلوم»، حل بیست اشکال ریاضی و کلام و فقه؛ «السبع الشداد»؛ «الصرط المستقیم»، در حکمت؛ «نفی الجبر و التفویض»؛ حاشیه «شرح مختصر عضدی»؛ حاشیه «مختلف» علامه حلی؛ حاشیه «من لا یحضره الفقیه»؛ حاشیه «استبصار»؛ حاشیه «رجال» کشی؛ «مرآة الزمان»؛ «حبل المتین»، در حکمت؛ «دیوان» شعر. [۱]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۶/۲۷۲)، اعیان الشیعه (۹/۱۸۹)، بزرگان فلسفه (۴۰۱-۴۰۰)، صبح گلشن (۵/۳۰۶)، تاریخ فلسفه در ایران و جهان اسلامی (۴۶۷-۴۶۱)، تذکره العلماء (۱۷۹-۱۷۷)، الذریعه (۲۴/۳۸)، ۱۷/۳۲، ۱۵/۳۵، ۱۳/۴، ۱۱/۲۵۷، ۲۳۹، ۲۹۴، ۲۲۳، ۲/۵۶، سفینه البحار (۱/۴۶۲)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۳۶۸-۳۶۵)، طبقات اعلام الشیعه (۷۰-۶۷/۱۱)، فرهنگ سخنوران (۶۴)، فوائد الرضویه (۴۲۵-۴۱۸)، القبسات (مقدمه)، عالم آرای عباسی (۱۴۷-۱۴۶/۱)، کارنامه‌ی بزرگان (۲۹۷-۲۹۶)، لغت نامه (ذیل/ داماد)، معجم المؤلفین (۹/۹۳).

میردامادی سده‌ی، حیدر علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند میرزا محمد حسین. عالم جلیل، از شاگردان: آقا میرزا محمد باقر، و آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی، و حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی و جمعی دیگر از فحول بوده. مجتهدی بزرگ و رئیسی نافذالقول بوده، در ۱۳۲۶ وفات یافته، در مقبره‌ی خوزان مدفون شده، و پس از مدتی به نجف اشرف منتقل گردید.

از آثارش تصحیح و مقابله‌ی کتاب «ربیع الاسابیع» علامه‌ی مجلسی است که در سال ۱۳۱۳ به طبع رسیده است. کتاب به خط محمد رضا بن محمد مهدی خوزانی اصفهانی خطاط معروف است. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

میردامادی، بحر العلوم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۳۰۵.

درگذشت: ۱۳۶۹.

کتاب زیر درباره‌ی زندگی آیت‌الله بحر العلوم میردامادی به چاپ رسیده است: یادنامه فقیه اهل بیت عالم ربانی عارف الهی آیه‌الله سید بحر العلوم میرداماد، همراه با رساله سیر و سلوک معظم له (نوشته مصلح الدین مهدوی، به اهتمام محمود میردامادی، اصفهان، ۱۳۷۰).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

میر دامادی، مجتبی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مجتبی میر دامادی

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۲/۱۳

زندگینامه علمی

اینجانب متولد ۱۴/۲/۱۳۴۷ در مشهد مقدس در خانواده مذهبی و روحانی می باشم. پدرم و جدم (سید حسن، سید هاشم) میردامادی معروف به «نجف آبادی» از علماء مشهور مشهد بودند، در مسجد جامع گوهرشاد سالیان متمادی تفسیر قرآن داشتند و مردم مشهد و خصوصاً اقشار تحصیل کرده از جلسات تفسیر آن دو استفاده می نمودند. نسل اینجانب به میرداماد فیلسوف بزرگ اسلامی می رسد (به ۹ واسطه).

همراه اتمام دوره متوسطه در رشته علوم تجربی در سال ۱۳۶۶ و چندی قبل از آن، مقدمات ادبیات عرب را نیز شروع نمودم. ابتداء نزد برادر بزرگتر و گاهی نزد فضلاء حوزه و چندی بعد در حوزه درس ادبیات مشهد، ادیب نامور جناب آقای «حجت هاشمی خراسانی» (حفظه الله): سیوطی، مغنی، مطول، حاشیه ملاعبده و معالم را فرا گرفتم. در همان زمان در امتحانات حوزه علمیه مشهد با نمره خوب پذیرفته گردیدم.

اصول فقه و رسائل را نزد «آیت الله شیخ مصطفی شاهرودی» و لمعتین را نزد آیات عظام: «سزواری» و «صالحی» از اساتید به نام مشهد آموختم. مکاسب را نزد «آیت الله مرتضوی» و «سید محمد شاهرودی» فرا گرفتم. کفایتین را از استاد رضا زاده و بعد از ده سال، درس خارج (فقه و اصول) را نزد «آیت الله میرزا علی فلسفی» (حفظه الله) و «آیت الله شیخ مصطفی اشرفی شاهرودی» تلمذ نمودم و بعد از حدود ۵ سال در مهر ماه ۱۳۷۸ به قم مهاجرت کردم.

در ابتداء ورود دروس فقه «آیت الله سبحانی» و بعد فقه «آیت الله شیخ جواد تبریزی» به مدت ۲ سال (ایشان بحث اذان و اقامه و بعداً صلاة را شروع کردند). همزمان دروس فقه و اصول استاد «آیت الله وحید خراسانی» شرکت کردم. بحث برائت و استصحاب از اصول و بیع و خياراتشان تاکنون مورد استفاده اینجانب می باشد. در علوم عقلی در مشهد ابتداء بدایه را نزد یکی از اساتید و بعد منطق و بخشی از فلسفه منظومه و نهاییه را نزد استاد صالحی و مدتی هم در درس اسفار ج ۸ مرحوم علامه سید جلال الدین آشتیانی بهره بردم. شرح تجرید و مقداری از کلام به صورت محاضرات را نزد «آیت الله شیخ عبد النبی کجوری» بهره بردم.

تفسیر قرآن را که هنوز زمزمه دلنواز آن در گوش طنین انداز است را از نوجوانی شروع نمودم. مرحوم پدر همه شب سال در مسجد جامع گوهر شاد تفسیر قرآن بیان می نمود. تدریس کتب حوزوی از اوائل طلبگی شروع شد و تقریباً کتب سطح را از مقدمات تا سطوح عالی به یک دوره تدریس نموده ام و بعضی از آنها را چند دوره و فعلاً در مدرسه آیت الله گلپایگانی رسائل تدریس می نمایم.

میردامادی، هاشم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید هاشم میردامادی معروف به نجف آبادی ابن سید محمد بن سید علی بن سید مرتضی ابن سید محمد باقر نزیل نجف آباد اصفهان بن سید مرتضی کان من اعظم العلماء فی عصر الافغان و هاول من دخل قره خوران سده فی عهد الافاغته بن علامه التحریر میر محمد اشرف المتوفی سنه ۱۱۴۵ صاحب کتاب فضائل السادات بن علامه میر عبدالحبیب متوفی سنه ۱۱۲۱ بن علامه میر احمد عاملی (سبط محقق الکرکی) (وختن (داماد) سید فلاسفه الاسلام محقق الداماد (و ابن خاله و تلمیذه) و له تألیف کثیره نوفی به اصفهان و قبره فی تخت فولاد و هو ابن علامه میر سید زین العابدین (ختن محقق الکرکی) و تلمیذه ابن عبدالله المدفون بحلب ابن محمد بن صالح بن جعفر المدفون بحلب ابن احمد بن حمزه بن قاسم بن حسین بن ابی احمد عبدالله المشهدی ابن محمد بن علی بن الحسن (الحسین) ابن محمد الطبان بن الحسین بن ابی علی احمد الازورقانی الامام الزاهد الذی انتهى الیه علم النسب فی عصره و امه نقویه من ذریه جعفر بن الامام علی الهادی (ع) و بعبر عن احمد فی السنه النسابین بالشریف الازورقانی سکن مرو و هو ابن محمد العزیزی المدفون بقم قتل بخارج قم و حمل الیها و قبره بجنب مسجد الرضائیه و يعرف بعبد العزیز ایضا و محمد العزیزی ابن الحسن ابی جعفر ابن ابی جعفر محمد الاطروش المعروف مسکان و کان یسکن بلده قم المشرفه و هو ابن ابی الحسن علی نزیل قم و ولده نعباء قم ابن الحسین الطواف ابن ابی الحسن علی الخار ص خرج بالاهو از سنه ۲۰۰ علی العباسیه و توفی ببغداد و قبره بها اشتهر بالخارص لکونه مرجعا فی التقویات و هو ابن ابی الحسین محمد المامون الیدیاج لقب به لحسن وجهه یویع له بمکه و توفی بجرجان سنه ۲۰۳ و قبره بهامزار و امه حمیره الاندلسیه و کان من رواه حدیث یروی عنه جماعه منهم محمد بن ابی عمیر و موسی بن سلمه و اسحق بن موسی الانصاری و غیرهم و هو یروی عن ابيه الصادق علیه الصلوه والسلام و قد ذكرت ترجمته مفصله فی ص ۱۸۵ من مقاتل ابی الفرج و فی ص ۱۱۳ من مجلد الثانی من تاریخ بغداد و فی ص ۹۴ من حرف میم من منتهی المقال و فی تاریخ الیمن و هو ابن الامام الهمام سیدنا و مولانا ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق (ع) نسبت مرحوم سید هاشم میردامادی با ۳۰ واسطه نسب شریفش منتهی می شود به ابی الحسین محمد الیدیاج فرزند حضرت امام جعفر الصادق علیه الصلوه والسلام و بیشتر نیاکان وی اهل دانش و فضلند و نوابغ و رجال علمی بزرگی در میان آنان قرار دارند نظیر علامه میر محمد اشرف متوفی ۱۱۴۵ صاحب کتاب فضائل السادات فرزند علامه میر عبدالحبیب متوفی ۱۱۲۱ مدفون در تخت پولاد اصفهان فرزند علامه میر احمد عاملی صاحب تألیفات زیاد مثل کتاب مصقل الصفا فی الرد علی النصارى و نفحات اللاهوتیه و مفتاح الشفاء و غیر آن.

و داماد و پسر خاله و شاگرد بزرگ فلاسفه اسلام میرمحمد باقر داماد سر سلسله خاندان بزرگ میرداماد است از این ناحیه نسب مرحوم والد به مرحوم میر محمد باقر داماد دانشمند و فیلسوف معروف می رسد و نسب میرداماد با ۲۱ واسطه به امام حضرت علی بن الحسین زین العابدین (ع) منتهی می شود و در میان اجداد میرداماد امراء و رجال بزرگی نظیر سید کمال الدین و سید قوام الدین مدفون در آمل قرار دارند که از سادات مرعشی و مدتی در منطقه بزرگی حکومت می کردند که شرح حال آنان در کتب تاریخ است و شجره کبیره خاندان میرداماد در این اواخر مستقلا چاپ شده است.

تاریخ تولد و دوران کودکی

مرحوم سید هاشم میردامادی در تاریخ ۱۳۰۳ هجری در نجف اشرف در خاندان فضیلت از مادری فاضله و پاک سیرت چشم به جهان گشود و در سن دو سالگی پدر بزرگوار خود را از دست داد و در سایه حمایت و مهرمادر دوران کودکی را گذرانیده و بر اثر فراست و هوش ذاتی از همان اوائل رشد همت به تحصیل علم و کمال گماشت.

می‌فرمودند: من از سنین قبل از بلوغ علاقه سرشار به مجالس علماء و رجال علمی داشتم و بیشتر وقت من در محضر شخصیت‌های بزرگ و مراجع عالیقدر می‌گذشت و آمادگی فوق‌العاده برای کسب فضیلت و پذیرش هرگونه استفاده علمی داشتم و تنها آرزوی من رسیدن به مقامات عالیه علم و عمل بود.

و از طرفی مادرم به جهت سختی در امر معاش اصرار داشت که در پی کسب و کار بروم و ادامه تحصیل ندهم تا آنکه از یکی از اساتید خواستم نزد مادرم بیاید و وی را راضی به ادامه تحصیل کند و در نتیجه این مشکل از پیش پام برداشته شد.

اساتید وی: مقدمات و سطح را با جدیت کامل نزد مدرسین معروف گذرانیده و سپس در حوزه‌های بزرگ از محضر مرحوم آخوند ملامحمد کاظم خراسانی و محضر مرحوم آقامیرزا محمدتقی شیرازی و مرحوم آقامیرزا حسین نائینی اعلی‌الله مقامهم الشریف استفاده نموده و به درجه رفیعہ اجتهاد نائل و از اساتید اخلاق عرفان میرزا جواد آقای تبریزی رحمہ‌الله تعالی استفاده‌ها نموده و در نتیجه کوشش و پشت کار در سن جوانی مقام شامخی از علم و عمل پیدا کرد.

وی از دو استاد خود مرحوم آقامیرزا محمدتقی شیرازی و مرحوم حاج سید احمد کربلائی بسیار یاد می‌کرد و از یاد آنان لذت می‌برد و از سجایای اخلاقی آن دو داستانهائی نقل می‌فرمود که حاکی از عظمت روح و پاکی نفس آنان بود.

و می‌فرمود: بعد از آقامیرزا محمدتقی شیرازی دیگر کسی به آن مہذب و پاکی ندیدم و چه روزها و شبهای بسیاری که ملتزم وی در حضر و سفر بودم.

و راجع به مرحوم حاج سید احمد کربلائی می‌فرمود: که این مرد همواره حال انقطاع و توجه به خدا داشت و گاهی که با شاگردان مشغول صحبت بود و می‌خندید در بین صحبت و خنده توجهی به خدا پیدا می‌کرد و از گوشه‌های چشم وی اشک جاری می‌گشت و در آن حال به احدی توجه نداشت.

تقوی و زهدوی: الحق می‌توان گفت موفقیت وی در زهد و تقوی کم‌نظیر و مورد غبطه اقران خود بود.

نجابت و اصالت خانوادگی، تقید مادر وی به عبادات و سنن و ادعیه، شوق کامل از عنفوان جوانی به تکمیل نفس و تهذیب روح مراوده با متقین و مردان حق ریاضتهای مشروعه همگی دست به هم داده باعث شد که در راه پرهیزکاری و تهذیب نفس سرآمد مردان خدا شود و جز رضای الهی چیزی در نظرش جلوه ننماید.

حب و بغضش روی محور خدا گردد و در مدت عمر ذره‌ای آلودگی پیدا نکرد و در راه تقوی و فضیلت گامهای بلندی بردارد. افرادی که با وی مراوده داشته و مانوس بوده‌اند به خوبی گواهند.

از بعضی رفقائی که می‌خواستند از رفاقت سوءاستفاده نمایند برای رضای خدا قطع کرد از مشتبهات گریزان بود تا چه رسد به محرّمات در مالهای شبهه‌ناک تصرف نمی‌کرد و از حلال و بی‌شبهه هم به مقدار ضرورت برداشت می‌کرد پایه زندگی را روی قناعت گذارده بود خیلی ساده زندگی می‌کرد و مازاد را در راه خدا انفاق می‌کرد لذا هیچگاه محتاج به قرض نمی‌شد و در تمام مدت عمر دروغی از وی شنیده نشد و آزارش به کسی نرسید.

مادرم همیشه می‌گفت: پدر شما فرشته‌اشست پس انداز مالی نداشت اثاثیه ضروری منزل را با اکراه می‌خرید با تجملات و زیاده‌روی سخت مخالف بود توکلی عجیب و فوق‌العاده داشت. تا به صحت حدیث و یا قصه‌ای اطمینان پیدا نمی‌کرد جانی نقل نمی‌کرد بر اثر مراقبت زیاد دل و نفس را اسیر خود نموده بود.

اخلاق و عادات وی: افرادی که با مرحوم والد حشر و مراوده داشته‌اند کاملاً به ملکات اخلاقی وی واقف فریفته و دل‌باخته معظم‌له بودند سر سوزنی کبر و غرور نداشت. بسیار متواضع و فروتن بود. اخلاق و رفتارش در تمام مدت عمر به یک میزان بود شخصیت و مقام ظاهری در روحیه وی اثر نگذاشت چون دوران طلبگی تا آخر زندگی می‌کرد.

کسانی که علما و نسبا از وی پائین‌تر بودند بر خود مقدم می‌داشت و ذره‌ای ناراحتی در وجودش احساس نمی‌شد. برخوردش با

اشخاص بسیار خودمانی و یکرنگ بود. وفا و صفای فوق‌العاده دارای قلبی مهربان و عطوف، به گفته‌ها و درددل‌های افراد توجهی کامل می‌نمود و واقعا متأثر و اظهار همدردی می‌کرد.

مردی بود منورالفکر و آزاد تعصبات خشک را کنار گذارده به میزان عقل و شرع رفتار می‌نمود در کارها و قضایا بی‌دلیل و منطق قدم بر نمی‌داشت با خرافات که قمستی از آن صورت مذهب به خود گرفته شدیداً مخالف بود و در این قسمت کم‌نظیر بود از مردم غرق در قیود و رسوم سخت ناراحت می‌شد از آداب و رسوم بی‌معنی و غیرعقلانی که اکثر مردم را دامن گیر است بیزار بود می‌فرمود در کارها مقیاس عقل را باید در نظر داشت و نباید تابع مردم بود.

با هیاهو و جنجال و داد و فریاد مخالف بود از محیط آرام و ساکت لذت می‌برد شبستان ایشان محیط آرامی بود که هر بیننده‌ای را به شگفت وامی‌داشت حتی در فرستادن صلوات مصر بودند که بیش از اندازه بلند گفته نشود و شواهدی از آیات و روایات داشتند نظیر آیه ۶۳ از سوره انعام و آیه ۵۵ و آیه ۲۰۵ از سوره اعراف و این روایت که مرحوم علامه طبرسی ره در مجمع‌البیان نقل کرده که پیغمبر اکرم (ص) در یکی از غزوات به اصحاب خود که بلند تکبیر و تهلیل می‌گفتند فرمود: انکم لاتدعون اصما و لا غالباً انکم تدعون سمیعا قریباً انه معکم.

شما شخصی کر و دور را نمی‌خوانید بلکه شخصی را می‌خوانید که شنوا و به شما نزدیک است.

تألیفات وی: معتقد بودند که علمای سلف در هر رشته تألیفات گرانبھائی نموده و برای خلف مجالی باقی نگذارند خبر جمع و تفریق در عین حال آثاری از وی باقی مانده.

۱- رساله‌ای در رجعت که آیات و روایات مربوطه به طور استقصاء در آن جمع‌آوری شده و تمام و مهیا برای طبع است.

۲- ترجمه کتاب سیف‌الامه تراقی رحمه‌الله علیه به عربی و می‌فرمودند: کتابی به این سبک و خوبی در امر نبوت به زبان عربی نوشته نشده و بیشتر آن ترجمه شده و بقیه را حقیر ترجمه کردم و آماده برای چاپ است و خوبست فارسی آن هم پس از تصحیح به صورت پاکیزه‌ای چاپ ضود و چاپهای گذشته علاوه بر کمیابی پرغلط و بد چاپ است.

۳- جزواتی در علم اخلاق که تمامی از رشحات فکری وی الهام گرفته از آثار اهل بیت علیهم‌السلام است ولی متأسفانه پراکنده و محتاج به جمع‌آوری و تنظیم است.

۴- شرح حال علمای بزرگ و داستانهای با مدارک مربوط به افرادی که مشرف به حضور حضرت حجت (ع) شده‌اند ولی ناقص است.

۵- نوشته‌هایی از تقریرات مرحوم نائینی که به خط خود مرحوم که قسمتی از مباحث الفاظ را تشکیل می‌دهد.

۶- تفسیر قرآن به فارسی ساده به نام (خلاصه‌البیان) که دو جلد آن در تهران به طبع رسیده است.

معظم‌له در شب سه‌شنبه ۲۳ جمادی‌الثانیه ۱۳۸۰ قمری در سن ۷۷ سالگی وفات نموده و در جوار مرقده مطهر ثامن‌الحجج علی بن موسی‌الرضا (ع) در دارالسیاده دفن گردیده عاش سعید او مات سعید.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

میردهقان، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اهواز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی از دانشگاه مدرس هندوستان در سال ۱۳۴۵، طی دوره طب بهداشت اطفال در دانشگاه بمبئی، طی دوره دستیاری اطفال در دانشگاه پونا هندوستان، تکمیل دوره تخصصی اطفال در هندوستان در سال ۱۳۵۰، طی دوره طب بهداشت اطفال در دانشگاه لندن.

مرتب علمی:

استادیار طب اطفال و درمان کودکان دانشگاه علوم پزشکی اهواز از سال ۱۳۵۱، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی اهواز به مدت ۱۲ سال.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

شیر مادر و فواید آن، مطالعه و پژوهش در زمینه بیماریهای کودکان، بنیانگذاری مرکز طب کودکان در اهواز، تأسیس بخشهای ماتولوژی و آنکولوژی نوزادان، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

کمبود آنزیم گلوکز فسفات دهیدروژناز، نگارش و تصحیح نهج البلاغه ترجمه عسگری، راهنمایی، بیماران دیابتیک، آب و الکترولیتها.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

راشیتیس، نوردرومانی، سرخچه.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

میرزا اصفهانی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم فاضل ثقه‌ی صالح زاهد، متوفی در ۱۳۱۲ در سامرا. کتابخانه‌ی او در نجف از معتبرترین کتابخانه‌ها بوده، و مشارالیه حرص و ولعی غریب در جمع کتب و انتشار و ترویج آنها داشته، و کتاب‌های نفیس و نسخه‌های اصلی آن بر چندین صد مجلد بالغ می‌شده، مثلاً نسخه‌ی اصل ریاض العلماء و جامع الرواؤه و چندین کتاب دیگر را داشته، و از بسیاری از آنها نسخه نوشته است.

[تحت عنوان سید کاظم اصفهانی گذشت.]

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

میرزا آقاسی، محمدحسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم فیض در تاریخش گوید: میرزا حسن عالمی است عامل و فاضلی است کامل، شخصش به همه صنوف کمال آراسته است و خلقش از جمیع رذایل پیراسته: از بدو عمرش تاکنون به هیچ مکروهی آلوده نشده است. والدش را وطن در صفحه خلیجستان قم بود و عمل انشای محمدحسین خان سرهنگ فوج خلیج بعهد او موقوف بود.

چون پادشاه ماضی محمد شاه فوج خلیج را از او بگرفت و او بناچار در بست حضرت فاطمه علیهاالسلام پناهنده شد والد جناب میرزا حسن هم در قم وطن گزید و خانه بساخت و اسباب معاش فراهم آورد، جناب سامی در بدو سن مقدمات و علوم ادبیه را در قم تحصیل فرموده روی به نجف اشرف آورد و در خدمت حجة الاسلام شیخ محمدحسن صاحب جواهر الکلام و حاج شیخ مرتضی شوشتری انصاری قریب بیست سال تحصیل علم فرود و سپس روی به وطن آورده. اشتغال به فیصل امورات شرعیه داشت، طلاب علوم دینی از مدرس تحقیق ایشان بهره‌ها می‌بردند تا در سنه ۱۳۰۴ هـ مرحوم و در شیخان مدفون شد.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

میرزا حسابی، عبدالحمید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۹، مرتبه علمی: استاد، رشته: جراحی عمومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۵، و دکترای تخصصی جراحی عمومی از دانشکده پزشکی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۸.

مرتبه علمی:

استادیار رشته جراحی دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۰، دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۷ و ارتقاء به درجه استادی دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۶۳.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

جراحی عمومی و شکسته بندی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۰۰ پایان‌نامه دکترای و تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

شکستگی‌های استخوان‌های کوچک، سمیولوژی جراحی، شکستگی اطفال در زمینه جراحی و ارتوپدی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۰۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

جراحی عمومی و اخلاق پزشکی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

میرزاپور، محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن میرزاپور

محل تولد: دزفول

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۷۹ در حالی که مشغول به تحصیل در دبیرستان بودم از محضر عالم بزرگوار «حضرت شیخ محمد کاظم انصاری (ره)» بهره مند شدم و دروس ادبیات را آغاز کردم. پس از اخذ دیپلم حدود هفت ماه در مدرسه «بقیة الله» شهرستان خوانسار اشتغال به تحصیل کردم که در واقع شروع رسمی دوران طلبگی من از همان زمان آغاز شد که در سال ۱۳۷۱ بود. بعد به شهر خودمان دزفول مراجعت کردم و بعد از تمام کردن ادبیات و منطق، دروس فقه و اصول را در محضر حضرت شیخ محمد کاظم انصاری (ره)، حاج آقا سید حسن آقا میری و حاج آقا مقامی به اتمام رساندم

و در سال ۱۳۷۶ به قم آمدم. ابتدا درس حاج آقا عالی رفتم و مباحث قطع و ظن را تا حدودی گذراندم ولیکن به سبب مشکلاتی بعد از ۵ ماه دوباره به شهرستان دزفول مراجعت کردم و سال هفتم حوزه را به اتمام رسانده، در سال ۱۳۷۷ به قم مراجعت کردم و با جدیت بیشتری کتاب رسائل را با استفاده از محضر دو استاد عزیز و ارجمند حاج آقای کریمی و صادر به اتمام رساندم. پس از آن مکاسب را در محضر استاد نکونام (بخش شرائط العوضین) بودیم، و با تشکیل جلسات خصوصی که هر هفته برگزار می شد بهره های خوبی بردیم.

کفایه را در محضر استاد ارجمند حاج آقا تهرانی بودیم. و همچنین عمده کتاب کفایه را در محضر استاد عزیز حاج آقا صادر بهره های فراوانی بردیم. در طی این سالها نیمی از سال ۷۷ را کاملاً توفیق شرکت در درس تفسیر آیه الله جوادی آملی داشتم. سال ۱۳۸۰ به توصیه استاد خودم حاج آقا صادر به درس خارج اصول «آیه الله وحید خراسانی» شرکت کردم و درس فقه خود را با کتاب ریاض المسائل سید علی طباطبائی که از کتب بسیار مهم فقهی به شمار می رود؛ طی دو سال در محضر استاد عزیز و اخلاقی خودم حاج آقا هاشمی بهره بردم.

سال ۱۳۸۰ سال ورود ما به مؤسسه امام صادق (ع) متعلق به آیه الله سبحانی بود و آغاز دوره تخصصی ما در همان سال بود. سه سال

در خدمت استاد بسیار گرانقدری همچون: «حاج آقا ربانی گلپایگانی»، «حاج آقا مومنی»، «حاج آقا قدوسی»، «ملک حسینی» و «حاج آقا خسرو پناه» بودیم و استفاده‌های فراوانی در این چند سال بردیم و اکنون هم مشغول تمام کردن پایان نامه سطح ۳ خود هستیم که مربوط به بخشی از مباحث امامت است که با راهنمایی‌های اساتید حاج آقا اسدی و سلیمانی رو به اتمام می‌باشد.

میرزاجانی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج میرزاجانی (ف. ۱۲۶۸ ه.ق) از نویسندگان بانی و از پیروان قدیم باب. تاجری از مردم کاشان بود و پنهانی به نهضت بایه گروید. وقتی که باب را از اصفهان به قلعه‌ی چهریق در آذربایجان می‌بردند، مبلغ هزار تومان زر نقد به رئیس مستحفظین باب داد و باب را یک شب در منزل خویش مهمان کرد. کتاب نقطه‌الکاف در تاریخ بایه از تألیفات اوست. بعد از سوء قصد بایه به ناصرالدین شاه در نیاوران، حاج میرزاجانی با ۲۷ تن دیگر از بایه‌ها گرفتار شد و با شکنجه و عقوبت به قتل رسید. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

میرسپاسی، غلامرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روان پزشکی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

میر صالحی، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: گوش و حلق و بینی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

میرصانع، محمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد علی میرصانع

محل تولد: الیگودرز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد علی میرصانع در سال ۱۳۵۷ وارد حوزه علمیه شهرستان خوانسار شدم و تا سال ۱۳۶۳ در آنجا مشغول تحصیل و لمعتین را در آنجا به پایان رساندم. پس از آن وارد حوزه علمیه قم شدم و به ادامه تحصیل در این حوزه مقدسه پرداختم. فرائد الاصول مرحوم شیخ را در محضر استاد «آیت الله راستی کاشانی» و نیز قوانین الاصول میرزای قمی، و مکاسب مرحوم شیخ را در محضر اساتید «آیت الله سید علی محقق داماد» و «شیخ محسن دوزدوستانی» فرا گرفتم و دروس خارج فقه و اصول را از محضر اساتید معظم حضرات آیات: «فاضل لنکرانی»، «وحید خراسانی» و «میرزا جواد تبریزی» تلمذ نمودم و در ضمن این مدت در مراکز فقهی علمی حوزه به تناسب مشغول کار و تدریس و غیره بوده ام.

میرصدراپی، سعادت

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۴۲، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آسیب‌شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی آسیب‌شناسی از دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ایمونولوژی، هیستوپاتولوژی، آسیب‌شناسی، نظارت بر ۶ پایان‌نامه تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۹، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

دو قلوهای چسبیده به هم، سرطان پستان، پارگی خود بخود سرطان کبد، تومورهای تیروئید، سرطانهای معده.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

میرعلایی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مترجم.

تولد: ۱۳۲۱، اصفهان.

درگذشت: ۲ آبان ۱۳۷۴، اصفهان.

احمد میرعلائی، فرزند علی میرعلایی، در سال ۱۳۴۲ از دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه اصفهان در رشته‌ی زبان انگلیسی لیسانس و در سال ۱۳۴۶ از دانشگاه لیدر انگلستان فوق لیسانس گرفت. سپس به تدریس ادبیات انگلیسی و فارسی در دانشگاه‌های اصفهان، هنرهای دراماتیک، صنعتی اصفهان، هنر، آزاد و کراچی به صورت متناوب از ۱۳۴۶ پرداخت. از جمله مشاغل وی می‌توان به ویراستاری ادبیات انگلیسی در مؤسسه‌ی انتشارات فرانکلین (۱۳۵۱-۱۳۴۸)؛ سردبیری «کتاب امروز»، «فرهنگ و زندگی»، «آیندگان ادبی» و «جنگ اصفهان» (۱۳۵۵-۱۳۴۶) و سرپرستی خانه‌ی فرهنگ ایران در دهلی نو (۱۳۵۷-۱۳۵۵) و کراچی (۱۳۵۹-۱۳۵۷) اشاره نمود.

احمد میرعلایی آثاری را به زبان فارسی ترجمه کرد. از آن جمله است: شیاطین (نمایشنامه، اثر جان وایتینگ، ۱۳۴۸)؛ ویرانه‌های مدور (خورخه لوئیس بورخس، ۱۳۴۹)؛ سنگ آفتاب (شعر، اثر اکتاویوپاز، ۱۳۵۰)؛ چیتی چیتی بنگ بنگ (کودکان، یان فلمینگ، ۱۳۵۰)؛ فارستر (نقد آثار، اثر مور، ۱۳۵۰)؛ الف و داستان‌های دیگر (خورخه لوئیس بورخس، ۱۳۵۱)؛ عرفان مولوی (اثر عبدالحکیم خلیفه، ترجمه با همکاری دکتر احمد محمدی، ۱۳۵۲)؛ اسب عالی (اثر جین مریل، ۱۳۵۲)؛ درباره‌ی ادبیات (اکتاویوپاز و دیگران، ۱۳۵۳)؛ هزار توها (خورخه لوئیس بورخس، ۱۳۵۵)؛ خدای عقرب (ویلیام گلندینگ، ۱۳۵۵)؛ ژان پل سارتر (اثر هانری، ترجمه با همکاری ابوالحسن نجفی، ۱۳۵۵)؛ کنسول افتخاری (گراهام گرین، ۱۳۵۶)؛ طوق طلا- (مجموعه داستان، اثر فارستر، ۱۳۵۶)؛ کودکان آب و گل (نقد ادبی، اثر اکتاویوپاز، ۱۳۶۱)؛ تمدن مجروح (وی. اس. ناپول، ۱۳۶۲)؛ کلاه کلمنتیس (میلان کوندرا، ۱۳۶۲)؛ از چشم غربی (جوزف کنراد، ۱۳۶۳)؛ عامل انسانی (گراهام گرین، ۱۳۶۵)؛ باغ گذرگاه‌های هزار پیچ (خورخه لوئیس بورخس، ۱۳۶۸)؛ بیلی باد ملوان (هرمان ملویل، ۱۳۶۹). از وی همچنین ترجمه‌ی مقالات، داستان‌ها، اشعاری مجلات دیگری چون «سخن»، «نگین»، «الفبا»، «رودکی»، «کتاب جمعه»، «آدینه»، «دنیای سخن»، «گردون»، «کلک» و «لیتری ریویو» چاپ شده است. آثار منتشر نشده‌ی وی به این شرح هستند: ملکوت (بهرام صادقی، ترجمه به انگلیسی) پشت شیشه، پشت مه (علی خدایی، ترجمه به انگلیسی)؛ باران‌های عیش ما (رضا فرخفال، ترجمه به انگلیسی)؛ ژوستین، جی، (اثر دارل لارنس)؛ بالتازار (اثر دارل لارنس)؛ شور (جان وینترسون)؛ دیر راهبان (فررایرا دوکاسترو)؛ حضورهای واقعی (جرج استانیر).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

میرعمادی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: علامه طباطبائی
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان انگلیسی از دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۴۲، کارشناسی ارشد روش تدریس زبان انگلیسی از دانشگاه تربیت معلم در سال ۱۳۴۳، کارشناسی ارشد TEFL از دانشگاه UWIST انگلستان در سال ۱۳۵۱، کارشناسی ارشد روش تدریس زبان از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۴، دکترای زبان‌شناسی از دانشگاه میشیگان آمریکا در سال ۱۳۶۰.
مرتبه علمی:

مربی دانشگاه ابوریحان بیرونی از سال ۱۳۵۴ تا سال ۱۳۶۰، استادیار دانشگاه علامه طباطبائی از سال ۱۳۶۱ تا سال ۱۳۶۹، دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی از سال ۱۳۶۹.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
بررسی ترجمه کتاب جاذبه و دافعه علی (ع)

Competence in L and English . stress and Reading ۱ and L ۲

Coherence in Persia Comprehension wowel Changes

تدریس دروس زبان‌شناسی عمومی، تجزیه و تحلیل کلام، واژه‌شناسی، تاریخ زبان‌شناسی، دروس مربوط به ترجمه تخصصی و اصول و روشهای ترجمه (نظری و عملی) در دانشگاههای علامه طباطبائی و تربیت مدرس.
تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

تئوریهای ترجمه، ترجمه نظری و عملی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

علامات کلامی - ربطی در ارتباطات تلفنی، تفاوت ترجمه مکتوب و شفاهی، چهار ترجمه از یک غزل حافظ، Error Analysis، آشنایی با زبان‌شناسی لایه‌ای، مشکلات درک آگاهی زبانی، کتاب‌شناسی ترجمه. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

میرفخرایی، حمیده

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

خلاصه: دکتر حمیده (مهشید) میرفخرایی دارای مدرک دکتری رشته زبان‌شناسی می باشد. نامبرده عضو هیئت علمی و استاد پژوهشکده گروه زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی می باشد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان شناسی

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: حمیده (مهشید) میرفخرایی عضو هیئت علمی و استاد پژوهشکده گروه زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است.

چگونگی عرضه آثار: از دکتر حمیده (مهشید) میرفخرایی تا کنون ۸ کتاب و بیش از ۴۲ مقاله نشر یافته است. طرح‌های پژوهشی دکتر میرفخرایی به قرار زیر است: - فرهنگ فارسی میانه، فارسی نو، (کار گروهی) - اصل خلاء یا تهیگی بنابر آموزه ی بودا (۱۳۸۴)

آثار:

۱ آفرینش در ادیان

ویژگی اثر: ۱۳۶۶

۲ بررسی بغان یسن

ویژگی اثر: پدیدآورنده: مهشید میرفخرایی ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - ۱۳۸۲

۳ بررسی دخت نسک

ویژگی اثر: ۱۳۷۱

۴ بررسی هفت‌ها

ویژگی اثر: ۱۳۸۲ (انتشارات فروهر)

۵ در آمدی بر زبان ختنی

ویژگی اثر: پدیدآورنده: مهشید میرفخرایی ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - ۱۰ اردیبهشت، ۱۳۸۴

۶ روایت پهلوی

ویژگی اثر: ۱۳۶۷

۷ فرشته‌ی روشنی، مانی و آموزه‌های او

ویژگی اثر: ۱۳۸۳ (انتشارات ققنوس)

۸ فرهنگ کوچک زبان پهلوی

ویژگی اثر: پدیدآورنده: دیویدنیل مکنزی، مهشید میرفخرایی ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - ۱۳۸۳. چاپ اول،

۱۳۷۳، چاپ دوم، ۱۳۷۹، چاپ سوم ۱۳۸۳ منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com/>

میرفخرایی، مجدالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مجدالدین میرفخرایی، معروف به گلچین گیلانی، در سال ۱۲۸۹، در رشت به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش رشت و متوسطه را در تهران به پایان رسانید. پس از به پایان رساندن تحصیلات متوسطه در مدرسه دارالمعلمین (دانشسرای عالی)، در رشته فلسفه و علوم تربیتی به تحصیل ادامه داد و به دریافت لیسانس توفیق یافت. سپس در امتحانات اعزام دانشجویان به خارج شرکت

کرد و به انگلستان عزیمت نمود. او ابتدا در یکی از شهرهای انگلستان، در رشته پزشکی به تحصیل پرداخت، اما طولی نکشید وارد دانشگاه لندن شد و به دریافت درجه دکترا در رشته پزشکی نائل گردید. اقامت و تحصیل گلچین در انگلستان مقارن با جنگ جهانی دوم بود و او در این زمان از راه نویسندگی و سخنگویی در رادیو لندن امرار معاش می‌کرد. او در نوجوانی شعر گفتن را آغاز کرد اشعار گلچین گیلانی برای اولین بار در سال ۱۳۰۷ در مجله «ارمغان» و بعدها در مجله‌های «روزگار نو»، «فروغ» و «سخن» انتشار یافت. شعر باران او یکی از معروفترین شعرهایی است که قسمتی از آن در کتاب‌های ابتدایی کودکان به چاپ رسید. در واقع او اولین شاعر نوپرداز است که شعرش به کتاب‌های ابتدایی راه یافت. گلچین گیلانی، در آذرماه سال ۱۳۵۱ چشم از جهان فروبست.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: شعر

والدین و انساب: پدر مجدالدین، سیدمهدی میرفخرایی متولد تفرش بود.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: سیدمهدی میرفخرایی، پدر مجدالدین به روزگار جوانی در خدمت وزیر و مستوفی حاکم تبریز بود و از سوی صدراعظم وقت ملقب به «دبیر دفتر» گردید. چندی بعد با سمت معاونت مالیه گیلان در رشت مشغول کار شد. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: مجدالدین میرفخرایی تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش رشت و متوسطه را در تهران به پایان رسانید. پس از به پایان رساندن تحصیلات متوسطه در مدرسه دارالمعلمین (دانشسرای عالی)، در رشته فلسفه و علوم تربیتی به تحصیل ادامه داد و به دریافت لیسانس توفیق یافت. سپس در امتحانات اعزام دانشجو به خارج شرکت کرد و به انگلستان عزیمت نمود. او ابتدا در یکی از شهرهای انگلستان، در رشته پزشکی به تحصیل پرداخت، اما طولی نکشید وارد دانشگاه لندن شد و به دریافت درجه دکترا در رشته پزشکی نائل گردید.

خاطرات و وقایع تحصیل: دوران تحصیل پزشکی گلچین در انگلستان مقارن با جنگ جهانی دوم بود. اغلب دانشجویان ایرانی ناچار به وطن مراجعت کردند اما میرفخرایی با تحمل تمام مشکلات و مصائب دوران جنگ، را در این کشور سپری کرد. او برای امرار معاش به کارهای گوناگون تن و از هیچ کوششی در راه تحصیل علم را فرونگذاشت.

فعالیت‌های ضمن تحصیل: مجدالدین میرفخرایی در نوجوانی شعر گفتن را آغاز کرد؛ در آن زمان به شیوه کهن شعر می‌سرود. هنوز دبیرستان را به پایان نبرده بود که دو شعر از وی در مجله فروغ رشت به چاپ رسید. هنگام تحصیل در تهران به سرودن شعر و فعالیت‌های ادبی ادامه داد و در انجمن ادبی ایران که ریاست آن به عهده شیخ الرییس افسر بود، شرکت می‌کرد. او با آنکه دانشجوی پزشکی بود در لندن نیز اشعاری نغز و زیبا می‌سرود. مجدالدین میرفخرایی (گلچین) در طول تحصیل در انگلستان از راه نویسندگی و سخنگویی در رادیو لندن امرار معاش می‌کرد.

همسر و فرزندان: گلچین بیش از سیزده سال نداشت که با دختری از بستگان خود ازدواج کرد. هنگام اقامت و تحصیل در انگلستان همسر و خانواده او در ایران زندگی می‌کردند که سرانجام این فاصله منجر به جدایی گردید. وی بار دیگر با یک پرستار ایرانی در لندن ازدواج کرد که حاصل آن دختری به نام «ژیزل» بود، ولی این ازدواج نیز دوامی نیافت و به جدایی انجامید. او سومین بار نیز یک همسر ایرانی انتخاب کرد.

زمان و علت فوت: مجدالدین میرفخرایی در آذرماه سال ۱۳۵۱ چشم از جهان فروبست.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: مجدالدین میرفخرایی (گلچین) با وقوع جنگ جهانی دوم در انگلستان از راه نویسندگی و سخنگویی در رادیو لندن امرار معاش می‌کرد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : اشعار مجدالدین میرفخرایی برای اولین بار در سال ۱۳۰۷ در مجله « ارمغان » و بعدها در مجله های « روزگار نو » ، « فروغ » و « سخن » انتشار یافت. شعر باران او یکی از معروفترین شعرهایی است که قسمتی از آن در کتاب های ابتدایی کودکان به چاپ رسید. در واقع او اولین شاعر نوپردازی است که شعرش به کتاب های ابتدایی راه یافت.

آرا و گرایشهای خاص : نادر نادر پور شاعر معاصر ایران در تجزیه و تحلیل سبک و شیوه مجدالدین میرفخرایی می نویسد: « طبع گلچین گیلانی ، به رغم اقامت چهل ساله اش در مغرب زمین ، تاثیر مستقیم شعر اروپایی (خاصه انگلیسی) را نپذیرفت و همچنان ایرانی ماند ، اما از میراث سخن قدیم پارسی بهره ای نیافت و حسن و عیب شعرش نیز در همین است. کلام ساده او از لحن ادیبانه دور و به زبان محاوره امروزی نزدیک است و گاهی هم از لغزش های لفظی خالی نیست ؛ واژه هایش بی آن که همیشه خوش تراش و سنجیده باشد ، سرشار از رنگ و تصویر است و مجموعه سخنش همچون سرور جاوید کودکی و جوانی ، آهنگی شاد و سبکبار دارد... امام مگر من ، تاثیر مستقیم شعر فرنگی را در طبع گلچین انکار می کنم ، تاثیر نا مستقیم همان شعر را در شیوه بیان و شکل سخنش می پذیرم : گلچین گیلانی شاعری است که در کار نو آوری ، نه از بدعت نیمایی ، بلکه از تحولات شهر اروپایی الهام گرفته است. »

آثار :

۱ دیوان شعر

۲ گلی برای تو

۳ مهر و کین

ویژگی اثر : این دفتر شعر ، منظومه ای ضد جنگ است. مضمون شعر گویای آن است که در فاصله سال های ۱۳۲۰-۱۳۲۵ سروده شده است.

۴ نهفته (نهضت)

منابع زندگینامه : کتاب گیلان ، تالیف : گروه پژوهشگران ، به سرپرستی : ابراهیم اصلاح عربانی ، تهران : انتشارات گروه پژوهشگران ایران ، ص ۷۱۵- سخنوران نامی معاصر ایران ، تالیف سیدمحمد باقر برقی ، ج ۵ ، قم : انتشارات خرم ، ص ۳۰۴۹- اثر آفرینان ، زندگی نامه نام آوران فرهنگی ایران ،

میرفخرائی، علی محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی پلاستیک، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

میرفندرسکی، ابوالقاسم

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالقاسم فندرسکی، معروف به میرفندرسکی (ح ۹۷۰ - ۱۰۵۰ ق / ۱۵۶۳ - ۱۶۴۰ م)، حکیم و دانشمند دوره صفوی و از استادان بنام مکتب اصفهان. پدران او از بزرگان سادات استرآباد بودند و جدش میرصدرالدین در ناحیه فندرسک از قرای استرآباد صاحب املاکی بود و بعد از جلوس شاه عباس اول (۹۶۶ ق) به دربار او پیوست. پدرش میرزا بیگ نیز در دستگاه شاه عباس خدمت می کرد و مورد تکریم بود (افندی، ۵/۵۰۰، قمی، ۳/۳۵ - ۳۶).

ابوالقاسم در قصبه فندرسک زاده شد (نک: ارحدی، ۱۵۱، افندی، ۵/۵۰۱ - ۵۰۲) و ظاهراً مقدمات علوم را در همان نواحی فراگرفت، ولی بعداً برای ادامه تحصیل به اصفهان رفت و نزد علامه چلبی بیگ تبریزی (د ۱۰۴۱) که خود از شاگردان افضل الدین محمد ترکه اصفهانی بود، به تحصیل حکمت و علوم پرداخت (نک: اوحدی، ۱۵۱، ۱۶۸، ۲۸۲). وی سپس در همانجا به تدریس مشغول شد، ولی ظاهراً محیط فکری و علمی آن روزگار با روحیه آزادی طلب و تقید ناپذیر او سازگار نبود و او نیز چون استادش چلبی بیگ تبریزی و بسیاری دیگر از اهل علم و ادب و عرفان و هنر عازم هندوستان شد (نک: حمر، ۱۵۱، نصرآبادی، ۱۵۳). هندوستان در آن دوران به سبب روش و منش خاص اکبرشاه و سیاست «صلح کل» او، هم از لحاظ رونق اقتصادی و امنیت اجتماعی مردمان نقاط دیگر را به سوی خود می کشید و هم از لحاظ تنوع ادیان و آیینها و دوری از تعصبات مذهبی و فرقه ای برای مردمان آزاد اندیش جایگاهی امن و دلخواه بود. ظاهراً سفر اول میر به هند در ۱۰۱۵ ق و به همراهی اوحدی بلیانی (مؤلف تذکره عرفات العاشقین) بوده است (اوحدی، ۱۲، ۱۵۱)، به گفته اوحدی هنگامی که میر به هند رسید، به دستگاه میرزا جعفر آصف خان (ه م) که خود از شاعران و ادیبان ایرانی بود و به هند مهاجرت کرده و در آنجا به صدارت و وزارت رسیده بود، نزدیک شد. آصف خان با رعایت احوال او، وسایل بازگشت او را به ایران فراهم نمود، ولی دیری نگذشت که میر دوباره عازم سفر هند شد، نخست به گجرات و از آنجا به دکن رفت. اوحدی در هنگامی که مشغول نوشتن عرفات العاشقین بوده - یعنی در فاصله سالهای ۱۰۲۱ تا ۱۰۲۴ ق - می نویسد که میر مکرر به جانب هند سفر کرده و در این ازمنه نیز به هند آمده، باز به عراق مراجعت نموده و باز در هند است (ص ۱۵۰). میرفندرسکی بعد از این تاریخ نیز تا اواخر عمر همواره به هند سفر می کرده و ظاهراً یک بار در ۱۰۳۷ ق و بار دیگر در ۱۰۴۶ ق به معرفی ابوالحسن اصفهانی، وزیر شاه جهان ملاقات کرده است (ریو، II/۸۱۵). میرفندرسکی در دربار ایران نیز مورد تکریم بود و به گفته نصرآبادی هنگامی که از هند به اصفهان بازگشت، شاه صفی به دیدنش رفت (همانجا). وفات او در ۱۰۵۰ ق در اصفهان روی داد (خاتون آبادی، ۵۱۴) و در همانجا در مقبره بابا رکن الدین، در محلی که امروز به تخت فولاد و تکیه میر معروف است، به خاک سپرده شد. مزار او در فضای باز قرار دارد و بر روی خاک او سنگ یکپارچه بزرگی نهاده اند که بر جانب غربی آن کتیبه ای به خط ثلث برجسته مورخ به سال ۱۰۵۰ ق نوشته شده است، ولی در پایان نسخه رساله صناعیه (شم ۸۸۷) موجود در کتابخانه آستان قدس، تاریخ وفات میر ۱۰۴۹ قید شده و در مصراع آخر یک رباعی به صورت ماده تاریخ آمده است (نک: گلچین معانی، ۳۵، حاشیه). مقبره میر همیشه در اصفهان حرمت خاص داشته و زیارتگاه مردم بوده است. گفته اند که پس از مرگ وی طبق وصیتش کتابهای او به کتابخانه سلطنتی شاه صفی منتقل شد (قمی، ۳/۳۵، مدرس، ۴/۳۵۹).

تکیه میرفندرسکی در تخت فولاد اصفهان

از زندگانی شخصی او چیزی نمی دانیم و معلوم نیست که اعقاب او چه کسانی بوده اند. از نوادگان او تنها میرابوطالب بن میرزا بیگ معروف است که از شاگردان علامه مجلسی، و مردی فاضل و شاعر بوده است و آثار فراوان دارد (نک: افندی، ۵/۵۰۰ - ۵۰۱، قمی، ۳/۳۶، مدرس، ۴/۳۶۰) و بازماندگان این خاندان، تا همین اواخر از سادات محترم منطقه استرآباد بوده اند (نک:

هدایت، روضه، ۹/۱۱۲، ۴۸۹). میرفندرسکی از معاصران میرداماد و شیخ بهایی بوده و چندین تن از مدرسان علوم و حکمای معروف آن عصر، چون ملا صادق اردستانی، محمدباقر سبزواری، آقا حسین خوانساری، میرزا رفیع‌ای نائینی و شیخ رجبعلی تبریزی از شاگردان او بوده‌اند (نک: خوانساری، ۲/۳۵۴، خاتون آبادی، همانجا، هدایت، همان، ۸/۵۸۶، آشتیانی، ۸۵). بعضی از مولفان صدرالدین شیرازی، حکیم بزرگ عصر صفوی را نیز در شمار شاگردان او آورده‌اند (مدرس، ۳/۴۱۸، براون، IV/۴۳۵)، ولی صدرالدین در هیچ یک از آثار خود از او نامی نمی‌برد، در صورتی که در مقدمه شرح بر اصول کافی از دو استاد دیگر خود، میرداماد و شیخ بهایی با تجلیل و تکریم فراوان یاد می‌کند (نک: آشتیانی، ۸۳-۸۴، ۸۷-۸۸). با این همه، به هیچ روی دور از احتمال نیست که افکار میر و تاثیراتی که وی از محیط فکری و فرهنگی هند پذیرفته و دریافت‌هایی که از تامل در مسائل فلسفی هندی حاصل کرده بود، به نوعی از طریق مباحثات و مذاکرات علمی به مجامع فرهنگی ایران راه یافته و انگیزه برخی تاملات و تفکرات شده باشد. به گفته نویسنده کتاب دبستان مذاهب، میر با شاگردان آذرکیوان (ه م) مصاحبت داشت و ترک آزار جاندار از صحبت شاگردان کیوان پیش گرفته بود و چون از او پرسیدند که «با استطاعت چرا به حج نمی‌روی؟ جواب داد: برای آن نمی‌روم که آنجا گوسپندی به دست خود باید کشت» (۱/۴۷). در این کتاب چند تن از آذرکیوانیان نیز از دوستان و نزدیکان میرفندرسکی شمرده شده‌اند (۱/۳۳۷-۳۳۸). ارتباط میرفندرسکی با شاگردان آذرکیوان در هند دور از احتمال نیست، ولی این که وی از افکار و آرای آذرکیوانی تاثیر پذیرفته باشد درست به نظر نمی‌رسد، زیرا اولاً در آثاری که از وی در دست است، هیچ گونه تاثیری از افکار آذرکیوانی و از اصطلاحات و واژگان خاص آن گروه دیده نمی‌شود، ثانیاً در هیچ یک از آثار و تالیفات دیگر این گروه اشاره‌ای به نام میرفندرسکی نیامده است. هرچند که از میر آثار فراوانی در دست نیست، لیکن عبارات و القابی که بر کتیبه سنگ مزار او دیده می‌شود، حکایت از آن دارد که وی در دوران حیات در نظر خواص و عوام حرمت و عزت خاص داشته است و نه تنها در حکمت و علوم رسمی بلکه در معارف الهی و سیر و سلوک عرفانی نیز او را دارای مقامی بس بلند می‌دانسته‌اند. دلیل دیگر بر شهرت و منزلت او نزد مردم آن روزگار داستانهای غریب و کرامتهای گوناگونی است که به او نسبت داده‌اند (نک: زنوزی، ۴(۱)۵۲۱، نراقی، ۱۹۵-۲۰۲، تنکابنی، ۲۳۶-۲۳۷، معصوم علیشاه، ۳/۱۵۸، صبا، ۲۵) و این شهرت تا آنجا بوده است که داستان آمدن شیر به مجلس او و شیخ بهایی را نقاشان بر پرده و بر قلمدانها نقش می‌کرده‌اند (تنکابنی، همانجا، نفیسی، ۶۲-۶۶) و داستان رفتن او به معبد کفار موضوع منظومه‌ای دلکش در طاق‌دیس ملا احمد نراقی شده است (همانجا). حکایاتی که درباره تیزهوشی، عزت نفس، حاضر جوابی و بی‌پروایی او در پاسخ گفتن به خرده‌گیریهای امیران و شاهان نقل کرده‌اند، نیز حاکی از دقت نظر، قوت ذهن، شجاعت اخلاقی، وارستگی و آزادمنشی اوست (نک: افندی، ۵/۴۹۹، ۵۰۱، واله، گ ۳۵ ب، زنوزی، ۴(۱)۵۲۰-۵۲۱، دبستان مذاهب، ۱/۴۷، خوانساری، ۱/۲۴۶، تنکابنی، همانجا، هدایت، ریاض، ۲۶۷-۲۶۸، قمی، ۳/۳۵ مدرس، ۴/۳۵۷-۳۵۸). گفته‌اند که روزی در مجلس او مساله‌ای از علم هندسه بنا بر نظر خواجه نصیرالدین طوسی مطرح شد. میر برهانی در باب آن آورد و پرسید که آیا خواجه این برهان را ذکر کرده است؟ گفتند: نه. سپس چندین برهان دیگر در همان باب اقامه و در پی هر برهانی همان پرسش را تکرار کرد و جواب همان بود که اول بار شنیده بود (نک: افندی، ۵/۵۰۱، قمی، مدرس، همان جاها). از اشارات کوتاهی که در تذکره‌ها و کتب رجال به احوال او شده است، معلوم می‌شود که وی در عین آنکه از لحاظ کمالات علمی و عرفانی مورد تکریم بوده، در زندگانی شخصی بسیار ساده و بی‌تکلف می‌زیسته، از شهرت و مقامات صوری گریزان بوده، به ظواهر امور اعتنایی نداشته و از آمیزش با مردم کوچه و بازار، حتی اجامر و اوباش، پرهیز نمی‌کرده است (همان جاها). واله در بیان احوال او می‌گوید که وی «اکثر لباس نمد می‌پوشید و با اوباش و اجامره صحبت می‌داشت، در حلقه معرکه خروس بازان حاضر شده، خروسی در زیر بغل خود می‌گرفت» (همان جا). واله در پی این سخن، داستان معروف گفت و گوی میر با شاه عباس و جواب بی‌باکانه و صریح او را به اعتراض پوشیده و مودبانه شاه - که در کتابهای دیگر نیز آمده

است - نقل می کند (همانجا، نک: هدایت، مدرس، همانجاها). میر در علوم زمان خود خصوصاً در هندسه و ریاضیات و کیمیا صاحب نظر بوده و در پاره ای از این موضوعات آثاری به او منسوب است. از آثاری که از او در دست است و نیز از روش دیدگاههای فکری و فلسفی شاگردان او و تالیف آنان معلوم می شود که میر در کار تعلیم از استادان حکمت مشاء بوده و کتب ابن سینا را تدریس می کرده است (نک: آشتیانی، ۸۶ - ۸۸)، ولی ظاهراً گه گاه از اشارات طعن آمیز و تعریضات تلخ درباره ابن سینا و خواجه نصیرالدین طوسی - که هر دو از بزرگان این مکتب بوده اند - خودداری نمی کرده است (نک: افندی، همانجا، خوانساری، ۳/۱۸۵). او در بیتی از قصیده معروف خود فارابی و ابن سینا را به «فهم ظاهری» منسوب می کند (نک: مدرس، ۴/۳۵۹) و با آنکه در برخی از آثار فلسفی خود به شیوه مشائیان قول به مثل افلاطونی را باطل می داند (نک: «منتخباتی از رساله حرکت»، ۸۱، ۸۶ - ۸۷)، اما قصیده معروف خود را با تصورات مربوط به مثل افلاطونی و صعود به برزخ مثالی آغاز می کند: چرخ با این اختران خوب و خوش و زیبایستی صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی صورت زیرین اگر با نردبان معرفت بر رود بالا همان با اصل خود همتاستی

آثار: از میرفندرسکی چند رساله مختصر در موضوعات علمی و فلسفی، مقداری حواشی و توضیحات بر ترجمه جوگک بسشت هندویی و بعضی اشعار و قطعه های منظوم بر جای مانده است: ۱. مهم ترین اثر میر رساله فارسی معروف به صنایع است که به عنوان حقایق الصنایع نیز شهرت دارد. وی در این رساله صناعت را به مفهومی بسیار گسترده و به معنی هر چیز که از قوای عاقله و عامله آدمی به ظهور و حصول پیوندد، گرفته و در ۲۴ باب و یک خاتمه به بیان حد صناعت، انواع آن، ارتباط صناعات مختلف با هم، فایده و غایت هریک، درجات سودمندی و شرف و خست آنها و سهم و محل هریک از اهل حرف و صنایع در جامعه پرداخته و ترتیب و ترتب صنایع را بر حسب شرف و غایت تا صنعتی که خود غایت غائی است و برای آن غایتی نیست، تعیین نموده است. در این رساله قوای نفسانی و اندامهای پیکر انسانی (عالم صغیر) و وظیفه و عمل هریک از آنها از یک سو با اجزاء و عناصر عالم هستی و عوالم عقول و نفوس (انسان کبیر) برابر و موازی قرار داده شده، و از سوی دیگر با طبقات مختلف جامعه و افراد و اعضای آن و سهم و وظیفه هریک از آنها در هیات اجتماع همانند و همسان گرفته شده است. میر در این رساله مطالب علمی و فلسفی دقیق را با زبانی روشن و فصیح آمیخته با آیات و احادیث و اقوال بزرگان و حکما بیان داشته است (برای بحث و تحلیلی درباره این رساله، نک: کربن، ۴۴ - ۳۲، نیز نک: نصر، ۴۵۹ - ۴۶۰). رساله صنایع یک بار در هند (۱۲۶۷) با اخلاق ناصری در یک مجلد به چاپ سنگی طبع و نشر شد و بار دوم به کوشش علی اکبر شهابی در تهران (۱۳۱۷ ش) به طبع رسیده است. جلال الدین آشتیانی نیز گزیده هایی از آن را با حواشی سودمند در مجموعه منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران (۶۳ - ۸۱) درج کرده است. محمدتقی نصیری طوسی ترجمه عربی رساله صنایع را جزء کتاب ناموس اصغر قرار داده است (نک: حقوق، ۴۳۷). ۲. رساله فی الحرکه، نوشته مختصری است به زبان عربی در ۵ فصل در تعریف حرکت و اقسام آن و بیان آنکه هر حرکتی محتاج محرکی است و حرکات کلاً باید محرکی واحد آغاز شوند که محرک اول است و خود محرکی ندارد. میر این رساله را از دیدگاه طریقه مشاء نوشته و در آن به رد و انکار نظریه مثل افلاطونی پرداخته است. منتخباتی از این رساله با حواشی مفید به کوشش جلال الدین آشتیانی در منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران (۸۱ - ۹۰) طبع و نشر شده است. ۳. رساله در تشکیک، نامه ای است رساله مانند که میر در پاسخ به سئوالی اقا مظفر کاشانی درباره مساله تشکیک در ذاتیات از او کرده بود، نوشته است. میر در این نامه به شیوه مشائیان سخن می گوید و برخلاف اشراقیان که به تشکیک در ذاتیات قائلند، وی ذاتیات را مقول به تشکیک نمی داند. این نامه نیز با تعلیقات جلال الدین آشتیانی در همان منتخبات (۹۰ - ۹۷) انتشار یافته است. ۴. رساله در کیمیا، به فارسی. ظاهراً رساله هایی که به نامهای ارکان اربعه، رساله در زبیب و کبریت و باب الاصغر در کتابخانه ها موجود است باید نسخه ها یا تحریرهایی از همین رساله باشد. منظومه ای به زبان عربی نیز در کیمیا به او نسبت داده شده است (مرکزی، ۲/۹۶). ۵. حواشی بر جوگک بسشت. متنی

که میر بر آن حاشیه نوشته، کتابی است در عرفان و حکمت هندی که در زمان اکبرشاه به فارسی ترجمه شد. اصل کتاب به نام لگهویوگه واسیشتهه^۱، خلاصه ای است از منظومه بزرگتری و واسیشتهه راماینه^۲ نیز معروف است. این منظومه طولانی، در حقیقت گفت و گویی است میان واسیشتهه، حکیم باستانی و افسانه ای هند با شاهزاده معروف «راما» یا «راماچندره» - که حماسه دینی بزرگ هند، راماینه، شرح کارها و جنگهای اوست - و در سراسر آن، استادحکیم در ضمن بیان داستانهای پندآمیز تعلیمات اخلاقی و فلسفی خود را برای شاگرد خویش بیان می کند. فلسفه ای که در این کتاب مطرح است کلاً همان تفکر توحید وجودی مطلق^۳ است که از مکاتب مهم فلسفی و عرفانی هند به شمار می رود و نماینده برجسته آن شنکره^۴ است. ولی افکار و آراء پیچیده و دشوار این مکتب در این منظومه به صورتی ساده تر و روشن تر بیان شده و با استفاده از افسانه ها و تمثیلات شیرین و دل انگیز، به فهم و درک کسانی که اهل تخصص نیستند، نزدیک گردیده است. کتاب اصلی به فارسی ترجمه نشده است، اما خلاصه آن که در سده ۹ به زبان سنسکریت تدوین شده بود، چنانکه گفتیم، در دوران سلطنت اکبرشاه به قلم نظام الدین پانی پتی ترجمه شد و در دوره های بعد نیز ترجمه ها و تلخیصهای دیگری از آن به فارسی نگارش یافت (نک: مجتبائی، «روابط فرهنگی»، ۸۱ - ۸۴).

هنگامی که میرفندرسکی به هند رسید، با این کتاب آشنا شد و سخت مجذوب آن گردید. میر هنگام مطالعه این کتاب، نکات و توضیحات سودمندی در حاشیه آن نوشت که هنوز در برخی از نسخه های این کتاب دیده می شود (همو، «میرفندرسکی در هند»، ۶۵). ترجمه فارسی نظام الدین پانی پتی در ۱۳۶۰ ش به کوشش محمدرضا جلالی نائینی در تهران به طبع رسید، ولی این چاپ حواشی میرفندرسکی را ندارد. از حواشی میرفندرسکی بر این کتاب چنین برمی آید که وی به شناخت معارف هندوی اشتیاق وافر داشته و در این راه کوشش بسیار کرده است. وی با مقدمات زبان سنسکریت آشنایی یافته و از اشاراتی که به چگونگی این زبان و الفاظ و اصطلاحات آن می کند (نک: همو، ۲۸۳ - ۲۸۴، «میرفندرسکی در هند»، ۶۲ - ۶۳)، چنین برمی آید که به لزوم قرائت اینگونه کتابها به زبان اصلی پی برده بوده است. در این حواشی غالباً اشارات و ملاحظات تطبیقی و مقایسه با موضوعات فلسفی یونانی و عقاید اسلامی دیده می شود و از اشاراتی که به کتاب پاتنجل بیرونی در این حواشی می کند، معلوم می شود که با نوشته های ابوریحان درباره هند نیز آشنا بوده است (همانجا). میرفندرسکی برای کتاب جوگک بسشت فرهنگ نامه ای نیز به نام کشف اللغات جوگک ترتیب داده بود که نسخه هایی از آن، هم به ضمیمه آن کتاب و هم به طور جداگانه موجود است (نک: منزوی، خطی، ۳/۲۰۱۵). الفاظ و اصطلاحات هندی در این فرهنگ نامه به ترتیب حروف تهجی تنظیم شده و تعریفات آنها غالباً از متن کتاب گرفته شده و در مواردی توضیح گونه ای از میرفندرسکی نیز بر آنها افزوده گردیده است. علاوه بر این فرهنگ نامه، امروز نسخه هایی از کتابی به نام منتخب جوگک بسشت در کتابخانه ها هست، از جمله نسخه کتابخانه مجلس شورا (شم ۶۴۰) مورخ ۱۲۶۲ و نسخه متعلق به احمد افشار شیرازی، مورخ ۱۲۳۱ ق - که به کتابخانه دانشگاه شیراز منتقل شده است - که از آثار میرفندرسکی دانسته شده و در هر دو نسخه نام ابوالقاسم میرفندرسکی به عنوان مصنف آمده است (نک: مجتبائی، همان، ۸۶).

در این کتاب قطعه هایی کوتاه با مضامین عرفانی از کتاب جوگک بسشت ترجمه پانی پتی عیناً نقل شده و در پی هر قطعه یک بیت شعر فارسی با همان مفاد و مضمون از شاعرانی چون عطار، مولوی، شبستری، سیدحسینی، مغربی، حافظ و شاعران دیگر آمده است. روشن است که مقصود گردآورنده این گزیده ها ارائه یکسانی و یگانگی عوالم فکری عرفانی هندویی و اسلامی بوده است. نکته ای که درباره این منتخب قابل ذکر است، وجود ابیات فراوان از فانی اصفهانی، شاعر سده ۱۳ ق، در آن است. در نظر اول وجود ابیاتی از شاعری متاخر در این کتاب طبعاً انتساب آن را به میرفندرسکی ابطال می کند، ولی از سوی دیگر فراوانی این ابیات در سرتاسر کتاب و شمار بسیار بالای آنها نسبت به ابیاتی که از شاعران دیگر نقل شده است (بیش از نیمی از کل اشعار نقل شده در این کتاب از فانی است)، خود دلیل بر الحاقی بودن و افزوده شدن آنها به گزیده های اصلی در زمانهای بعد تواند بود (نک: همان، ۶۷ - ۶۸). این کتاب در ۱۳۴۸ ش به کوشش جلالی نائینی و تاراچند با عنوان ساختگی آداب طریقت و خدایابی و بدون نام

مؤلف یا گردآورنده، از روی نسخه‌هایی که از آن در هند به دست آورده بودند، در تهران طبع و نشر شده است. ۶. اشعار. در اغلب تذکره‌ها اشعاری از میرفندرسکی نقل کرده‌اند. آنچه از او برجای مانده، دو قصیده است و چند رباعی و چند قطعه. یکی از قصاید شکوائیه‌ای است از روزگار نامساعد و قدرناشناسی ایام و دیگری منظومه‌ای است در فلسفه و حکمت الهی که پیش از این بدان اشاره شد. این قصیده معروف را چند تن شرح کرده‌اند (نک: منزوی، خطی مشترک، ۹/۲۲۱۱ - ۲۲۱۲). شرح محمد صالح خلخالی، از دانشمندان سده ۱۲ ق، در ۱۳۱۲ ق، همراه با شرح دعای حضرت امیر (ع) و لوایح جامی در تهران به چاپ سنگی رسیده و شرح حکیم عباس شریف دارابی شیرازی به کوشش فضل‌الله لایق در تهران (۱۳۳۷ ق) طبع و نشر شده است. در بعضی از تذکره‌ها و کتب تراجم تالیفات دیگری چون تاریخ صفویه، تحقیق المزله و برخی رسالات و نوشته‌های دیگر (نک: مدرس، ۴/۳۵۸، امین، ۲/۴۰۳) به نام میر ذکر کرده‌اند که تاکنون اثری از آنها به دست نیامده است.

میرفندرسکی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۲، دکترای ادبیات تطبیقی از دانشگاه استراسبورگ در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

شعرای رومانسیک و توصیف طبیعت در اشعار آنها، دیدگاه انسانیت در آثار مونتین و سعید، انعکاس زیبایی‌ها و فرهنگ کشور ایتالیا در آثار استادان، تدریس درس مارسل پروست، نویسندگان قرن بیستم، نویسندگان بزرگ واقع‌نگر در قرن ۱۹ فرانسه در دانشگاه تهران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

شش مقاله ادبی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

خوشبختی واهی، زندگینامه یک کارمند و داستان یک جدایی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

میرک بخاری، شمس‌الدین محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۷۴۰ ق)، حکیم، فیلسوف و منجم. از مردم بخارا یا هرات بود. از آثارش: شرح «حکمة العین» نجم‌الدین دبیران، در الهیات و طبیعیات؛ شرح «تبصره فی الهیئة» محمد خرقی؛ شرح «هدایة الحکمة» اثیرالدین ابهری. او احتمالاً شرحی نیز بر کتاب «الادوار فی حل الاوتار» صفی‌الدین ارموی نوشته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۳/۲۵۵)، تاریخ نجوم اسلامی (۴۶)، دایرة‌المعارف فارسی (۲۹۵۵، ۱۴۹۴/۲)، الذریعه (۱۴/۱۷۵، ۱۳/۲۱۳)، کشف الظنون (۲۰۲۹، ۶۸۵).

میرکازرونی، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۴ / ۱۲۹۲ ش)، طبیب، نویسنده و شاعر، متخلص به میر. در کازرون به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به پایان برد و جهت ادامه‌ی تحصیل به تهران آمد و در رشته‌ی طب به تحصیل پرداخت. در ۱۳۱۷ ش موفق به اخذ درجه‌ی دکترا و در ۱۳۲۴ ش موفق به گرفتن تخصص در قسمت جراحی از دانشگاه تهران شد. سپس برای تکمیل فنون جراحی به اروپا و آمریکا رفت. پس از بازگشت به ایران سمت استادی کرسی جراحی دانشگاه شیراز را گرفت. از آثار وی: «پزشکی عملی»؛ «جراحی عمومی»؛ «قدیمترین یادداشت پزشکی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۹۰-۵۸۸/۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۰۲۰، ۱/۶۰۵)، مؤلفین کتب چاپی (۲۶۰-۲۵۹/۲).

میرلوحی فلاورجانی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات عربی، دانشکده: زبان و ادبیات خارجی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات عرب از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۵، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب از دانشگاه تهران در سال

۱۳۴۸، دکترای تخصصی زبان و ادبیات عرب از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۳.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه مشهد از سال ۱۳۵۲ تا سال ۱۳۵۶، دانشیار دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۵۶.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس صرف و نحو و متون عربی، تفسیر قرآن کریم و معانی بیان، متون علمی اسلامی در دانشگاه‌های مشهد، هیات، اصفهان، مطالعه و تحقیق در زمینه ادبیات عرب و استاد راهنمای ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ترجمه کتب عربی نظیر بدیع القرآن، ذکری استشهاد الامام الصدر، الحجان فی تشبیهات القرآن و تصحیح الدر یقه الی مکارم الشیعه راغب اصفهانی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

نگاهی به تاریخ تشیع در رشته شیعه‌شناسی، احوال و آثار شیخ کاظم ازری، احوال و آثار راغب اصفهانی، معرفی نسخه‌ای از احوال عودات، تکمله التحقیق بدیع القرآن.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

میرلوحی، مسیح‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای عفونی، دانشکده: بهداشت، دانشکده: علوم پزشکی اصفهان.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی بهداشت (بیماریهای عفونی) از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۶، اخذ درجه ماستر در اپیدمیولوژی (MPH) از دانشکده بهداشت دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۰، متخصص بهداشت از دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در سال ۱۳۵۱، متخصص طب کار (MSC) از دانشگاه لندن در سال ۱۳۵۲، دیپلم طب صنعتی (CIH) از کالج سلطنتی ۶ انگلستان در سال ۱۳۵۳، سم‌شناسی صنعتی از دانشگاه بلگراد در سال ۱۳۵۴، کنترل بیماری سل (T.L.R) از دانشگاه کیدسه ژاپن در سال ۱۳۶۳.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم پزشکی اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام طرح‌های مصوب شواری پژوهش دانشگاه اصفهان، شامل: بررسی حوادث، بررسی گواتر آندمیک، بررسی مصونیت نسبت به سرخچه.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

کلیات پزشکی، کتاب درسی برای دانشجویان رشته‌های بهداشت، اصول خدماتی بهداشتی، کتاب درسی برای دانشجویان رشته‌های پزشکی، بهداشت کار و بیماریهای شغلی، کتاب درسی برای دانشجویان رشته بهداشت حرفه‌ای.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

بررسی بیماری سل در شاغلین بیمارستها، بهداشت و اپیدمیولوژی بیماریهای عفونی، بررسی گواتر آندمیک در اصفهان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

میرم چلبی، محمود

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۳۱ ق)، منجم، ادیب و مورخ. مشهور به میرم. از علمای عثمانی بود و در تاریخ و ادبیات عرب و هیئت و ریاضی مهارت داشت. وی معلم سلطان بایزید خان ثانی عثمانی بود. مدتی نیز از جانب سلطان سلیم خان (۹۲۶-۹۱۸ ق) قاضی عسکر آناتولی شد. او سپس به زیارت بیت‌الله الحرام رفت و بعد از مراجعت درگذشت. از آثارش: «دستور العمل فی تصحیح الجدول»، شرح بر «زیج الغ بیگ»، به امر سلطان بایزید و در ۹۰۴ ق، که آن را به دربار هدیه کرد؛ شرح «رساله‌ی فتحیه» ملا علی قوشچی؛ «رساله فی معرفه سمت القبلة»، که آن را به سلطان بایزید هدیه کرد؛ «کتاب الضمائر»، «منیه الصیادین».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۱/۴۷۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۴/۱۰۳)، تاریخ نظم و نثر (۲۷۱)، ریحانه (۶/۷۸)، کشف الظنون (۱۸۸۶، ۱۴۳۴، ۱۲۳۶، ۹۶۶، ۸۷۲، ۸۶۶)، لغت نامه (ذیل/میرم)، معجم المؤلفین (۱۹۶-۱۲/۱۹۵).

میر محمد صادقی، مجتبی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مجتبی، نجل مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدباقر میر محمد صادقی از علماء و ائمه جماعت و مدرسین معاصر اصفهان است. وی از خاندان علم و فقاہت و از طرف مادر از احفاد و اسباط میرزای قمی و آخوند ملا علی نوری. مادر مکرمه ایشان صبیہ مرحوم

آیت‌الله حاج آقا منیرالدین فرزند آقا جمال‌الدین فرزند ملا علی بروجردی است. معظم له در حدود ۱۳۳۰ قمری در اصفهان متولد شده و در بیت علم و ورع پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و سطوح از محضر مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدرضا نجفی و آیت‌الله حاج میر سید علی مدرس نجف‌آبادی و آیت‌الله آقا سید محمد مدرس نجف‌آبادی تا درجه اجتهاد استفاده نموده و به خدمات دینی از اقامه جماعت در مسجدالنبی اصفهان و تدریس رسائل و مکاسب در مدرسه صدر اصفهان و تبلیغ و ترویج اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

میر محمدی، ابوالفضل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید ابوالفضل میر محمدی

محل تولد: ساوه

شهرت: میر محمدی زرنندی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۰۲/۱/۱

زندگینامه علمی

آیه‌الله سید ابوالفضل میر محمدی زرنندی در سال ۱۳۰۲ هجری شمسی در بخش «زاویه زرنند» از توابع شهرستان ساوه در خانواده‌ای مذهبی دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش به پایان رسانید. در سال ۱۳۲۰ ایامی که کیان حوزه‌های علمیه در خطر بود و کمتر کسی رغبت به تحصیل علوم حوزوی داشت، روحیه و علاقه وافرش به تحصیل علوم دینی او را به حوزه مقدس علمیه قم رهنمون ساخت.

وی پس از فراگیری علوم اولیه صرف، نحو، معانی بیان و منطق در سال ۱۳۲۵ جهت زیارت عتبات عالیات و ادامه تحصیل عازم عراق شده و توسط دایی مرحوم والدش «آیه‌الله آقای حاج میرزا یحیی زرنندی (ره)» که از مجتهدین مقیم آن دیار بود؛ در شهر کربلا حجره‌ای اختیار کرد ولی با اصرار پدر بازگشت، بواسطه وابستگی عاطفی که به ایشان داشت، به ناچار امر ادامه تحصیل را در قم پیگیری نمود.

از همان ابتدای تحصیل به حداقل امکانات معیشتی فراهم شده توسط پدرش که به امر کشاورزی و کسب اشتغال داشت؛ بسنده کرده و از دریافت شهریه و وجوه شرعی امتناع نمود و تا به حال نیز بدین امر مقید بوده است. ایشان داماد فقیه وارسته «آیه‌الله العظمی مرحوم آقای حاج سید احمد زنجانی (ره)» می‌باشند که همواره این وصلت را از جمله توفیقات خود می‌دانند.

پس از گذراندن دروس مقدماتی در سطوح عالیة حوزه، رسائل را از محضر مرحوم «آیه‌الله حاج شیخ موسی زنجانی (ره)»، مکاسب را از محضر مرحوم «آیه‌الله سید حسین قاضی (ره)»، کفایه را از محضر حضرات آیات: «سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی» و «علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره)» و شرح تجرید را از محضر مرحوم «آیه‌الله حاج میرزا اسحاق آستارایی (ره)» تلمذ نمود.

حدود سال ۱۳۲۸ از درس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: «حجت کوه کمره‌ای» و «بروجردی (رضوان الله علیهما)» حدود دو سال بهره برد. سپس حضرت «آیه‌الله العظمی آقای حاج سید محمد محقق داماد (ره)» را به عنوان استاد درس خارج به نحو

مستمر اختیار نموده و طی ۱۵ سال یک دوره کامل اصول و چندین کتاب فقهی را از محضرشان استفاده نمود. ایشان در مقاطع مختلف تحصیل حوزوی، تدریس مقطع پایین تر را به عهده گرفته و بیش از ۲۰ سال به تدریس دروس سطح عالی حوزه از قبیل رسائل، مکاسب و کفایتین پرداخته است. بیش از ۱۰ سال نیز در دانشگاه اقدام به تدریس فقه و علوم قرآنی در مقطع دکتری و کارشناسی ارشد نموده و پیوسته نیز استاد راهنمای رساله‌های مختلف دوره دکتری در دانشگاه و حوزه بوده است. شایان ذکر است رتبه دانشگاهی ایشان در بدو ورود به فعالیت‌های دانشگاهی دانشیار اعلام شده و سپس به جهت تألیف، تدریس، مدیریت و سایر خدمات دانشگاهی رتبه استادی که بالاترین رتبه علمی دانشگاهی است به وی اعطا شده است.

مباحثه تفسیر قرآن را از حدود سال ۱۳۲۶ در روزهای پنجشنبه و جمعه هر هفته با دوستان صمیمی و هم دوره‌ای خود همچون حضرات آیات: (مرحوم آقای حاج سید مهدی روحانی، مرحوم آقای حاج شیخ علی احمدی میانجی، مرحوم حاج شیخ احمد آذری قمی، حاج سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، حاج سید اسماعیل موسوی زنجانی، مرحوم حاج شیخ محمد حقی، حاج شیخ احمد پایانی، مرحوم حاج میرزا محمد امین رضوی و ...) آغاز نمود که به مرور مورد توجه واقع شده و بر اعضای آن افزوده گردید. این جلسه وزین که بیش از پنجاه سال سابقه دارد با نوساناتی در ترکیب اعضا کماکان به قوت خود باقی است.

ایشان از همان ایام حضور در درس خارج فقه و اصول در جلسه بحث فقهی که حضرات آیات: «آقای حاج سید موسی شبیری زنجانی، مرحوم آقای حاج سید مهدی روحانی، مرحوم آقای حاج شیخ علی احمدی میانجی، مرحوم حاج شیخ احمد آذری قمی، آقای حاج سید جلال‌الدین طاهری اصفهانی، آقای حاج شیخ عبدالرحیم جودی» داشتند، حضور پیدا می‌کرد. این جلسه نیز اکنون با تغییر برخی اعضای آن ادامه دارد.

آقای میر محمدی به همراه سایر فضلا و روحانیون از مدافعین نهضت اسلامی بوده و در امضاء برخی از اعلامیه‌ها علیه رژیم ستم شاهی و حمایت از حضرت امام نقش داشته است که از جمله آن می‌توان به ارسال نامه‌ای سرگشاده با عنوان «نامه جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم به هویدا نخست وزیر وقت در خصوص اعتراض به اقدامات خلاف قوانین اسلام و قانون اساسی، جو خفقان و سانسور، دستگیری حضرت امام خمینی و ...» اشاره نمود.

در سال ۱۳۶۴ با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی به ریاست دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران که پس از شهادت آیه‌الله دکتر مفتاح توسط سرپرست اداره می‌شد، منصوب گشت. وی در مدت یازده سال مسئولیت ضمن تلاش مؤثر جهت راه‌اندازی مجدد دوره دکتری و کارشناسی ارشد و نیز افزایش ظرفیت پذیرش دانشجویان مقاطع مذکور، از آنجایی که اهتمام جدی به وحدت حوزه و دانشگاه داشته و خود نیز با ورود به فعالیت‌های مستمر دانشگاهی از قبیل: (مدیریت، تدریس و تألیف) از مصادیق این وحدت به شمار می‌رفت از فضلاء شاخص حوزه با هدف ارتقاء کیفی سطح تحصیلات دانشجویان جهت تدریس دعوت می‌نمود.

شایان ذکر است این توسعه دانشکده که به همت ایشان و با عنایت بنیانگذار جمهوری اسلامی امام خمینی (ره)، رهبر معظم انقلاب حضرت آیه‌الله خامنه‌ای و مساعدت رئیس جمهور وقت جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای هاشمی رفسنجانی و ... در مساحتی حدود ۷۰۰۰ متر صورت گرفت، دانشکده را از تنگنای شدید فضای آموزشی و رفاهی خارج ساخت.

میر محمدی، کمال الدین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید کمال الدین میر محمدی

محل تولد: جلفا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید کمال الدین میر محمدی در سال ۵۱ در شهرستان جلفا متولد شدم. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه به خاطر علاقه وافر به علوم دینی وارد حوزه علمیه «هادی شهر» شدم. به مدت دو سال تحصیل در آن حوزه و کسب نمرات ممتاز جهت ادامه تحصیل به حوزه علمیه «حضرت عبدالعظیم شهر ری» رفتم و با جدیت تمام و نمرات عالی سطح یک را به پایان رساندم و برای ادامه تحصیل در سال ۷۵ وارد حوزه علمیه قم شدم و با گذراندن سطح عالی مشغول به درس خارج شدم که از سال ۷۹ به صورت مستمر در درس خارج فقه و اصول استاد «احمد عابدی» (دامت برکاته) شرکت کرده ام. در کنار تحصیل به کارهای پژوهشی رو آوردم که از سال ۷۹ در مرکز فرهنگ و معارف و قرآن با عنوان محقق ارزیاب مشغول به تحقیق و پژوهش هستم.

میر مسیب، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مهدی میر مسیب

محل تولد: شهرضا

شهرت: میر مسیب

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۲۵

زندگینامه علمی

بسم الله الرحمن الرحيم حضرت ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله و سلم) در بزرگداشت قلم فرموده است «...و القلم من الله نعمة عظيمة و لولا- القلم لم يستقم الملك و الدين و لم یکن عیش صالح» (محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۵۸، ح ۲، باب ۱۲ استحباب تعلم الکتابه).

سال ۱۳۴۳ در شهرضا به دنیا آمدم. پس از گذراندن دوره راهنمایی نزد معلمانی نوعاً ارزشمند چون سردار رشید سپاه اسلام شهید همت، جهت تحصیل علوم حوزوی به مدرسه علمیه صاحب الزمان (علیه السلام) شهرضا رفتم و پس از چهار سال تحصیل در این مدرسه به حوزه علمیه قم عزیمت نمودم و پس از یکسال استفاده آزاد از دروس حوزه علمیه قم، خدمت حجج اسلام و المسلمین سید هاشم حسینی بوشهری و سید عبدالعظیم حسینی به مدرسه مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی رفتم و به تحصیل ادامه دادم و پس از دو سال تلمذ در محضر مبارک اساتید آن مدرسه، محضر برخی از اساتید دوره سطح و عالی از جمله حجج اسلام و المسلمین:

«موسوی تهرانی»، «طاهری خرم آبادی» و آیات عظام: «صالحی مازندرانی»، «مظاهری»، و ... را درک نمودم که اکنون نیز ادامه دارد.

تقریباً از سال ۱۳۷۰ دست به قلم شده و تألیف و تحقیق را آغاز نمودم ولی بیشتر آنها به دلیلهای مختلفی به چاپ نرسیده است از جمله آنهاست:

۱. سعاده الطالبین (توضیحی بر آداب المتعلمین خواجه نصیرالدین طوسی)

۲. طریق العیش (نکاتی از زندگانی یکی از اصداق)

۳. الحجرات (گذری بر سوره مبارکه حجرات)

۴. تحقیق و تصحیح کتاب داستان فکاهی، علامه فقید آیه الله میرجهانی

۵. آیین عشق (جمع و توضیح اشعار حکیم اسدالله قمشه ای همراه مطالبی سودمند): در همان هنگام از کلیه شعرای شهرضا نمونه شعرهایی گرفتم و آماده سازی کردم ولی در ترتیب قرار دادن نام آنها با مشکل روبرو شدم لذا به چاپ نرسید البته چکیده ای از این اشعار را در کتاب آئین عشق به کار برده ام.

۶. تحقیق، تصحیح، آماده سازی و چاپ مطالبی دست نویس در موضوع عقیدتی، اخلاقی و سیر و سلوک از دانشمند متأله شهرمان «حضرت آیه الله نجفی قمشه ای» که با عنوان: «با سالکان وادی نور» به چاپ رسید. کتابهای دیگری نیز از معظم له آماده سازی نموده ام که از آن جمله است:

الف- اخلاق نظری (ویژه طلاب علوم دینی پایه های ۱ تا ۳).

ب- مرد فریاد و سکوت (زندگینامه معظم له).

ج- رهیافتهای ویژه (درسهایی از معظم له در سیر و سلوک).

د- قطره ای از دریای معارف که در حال آماده سازی است و امیدوارم به لطف الهی به زودی به زیور طبع آراسته گردد انشاء الله.

۷. تحقیق و تصحیح کتاب: «جذبه حقیقت یا ایدئولوژی ولایت» از دانشمند معظم و خطیب توانای شهرمان آقای حاج شیخ قدرت الله صالحپور که به نام: «خورشید امامت و ولایت» به چاپ رسیده است.

۸. مرغ باغ ملکوت (۱): یادنامه استاد فقید حجت الاسلام و المسلمین سید رضا محسنی همزمان با ارتحال آن مرحوم (خرداد ۱۳۷۲).

۹. مرغ باغ ملکوت (۲): گذری به زندگانی و وصیتنامه استاد معظم، خدوم و فقید، مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ مرتضی عظیمی به مناسبت ارتحال آن بزرگوار (خرداد ۱۳۸۷) و ...

کتابهای دیگری نیز تحقیق و تصحیح نموده ام که برخی از آنها آماده چاپ و برخی در دست آماده سازی است. ضمناً برخی از دوستان اهل قلم در تدوین کتابهای خویش از اینجانب کمک گرفته‌اند که در ابتدا یا انتهای کتابشان به این مسئله اشاره کرده‌اند مثل کتاب: «سیمای شهرضا» و کتاب: «مجالس توحید فطری». ویرایش و مقابله مطالب برخی از نشریات مثل نشریه اطلاع رسانی معارف ویژه اساتید دروس معارف اسلامی دانشگاههای کشور و ره توشه تبلیغ، ویژه ماه مبارک رمضان سال ۱۴۲۷ که توسط دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم منتشر گردیده است را عهده دار بوده‌ام.

در برخی مساجد شهرضا امامت جماعت و وعظ و سخنرانی داشته ام مثل مسجد امیرالمؤمنین (ع)، مسجد الرسول (ص)، مسجد نو و ... در سعادت آباد جرقویه و عباس آباد پاکدشت نیز فعالیت تبلیغی و در جبهه های جنگ به عنوان نیروی رزمی تبلیغی حضور داشته‌ام. امیدوارم خداوند رحمان و رحیم از همگی قبول بفرماید آمین رب العالمین. در پایان، موفقیت و سرفرازی همه عزیزان و بزرگواران علم و قلم را از خداوند قلم به داستان، همان خدائی که به قلم ارزش داده و به آن سوگند یاد کرده است

خواهان و خواستارم. و السلام

میرمعزی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید حسین میر معزی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۸ موفق به اخذ دیپلم در رشته ریاضی شدم و در کنکور دانشگاه شرکت کردم و در رشته مهندسی مکانیک دانشگاه پلی تکنیک قبول شدم پس از دو ترم با انقلاب فرهنگی دانشگاه ها تعطیل شد. در سال ۱۳۶۲ پس از انصراف از دانشگاه وارد حوزه علمیه مبارکه قم شدم سال ۶۸ دروس سطح را تمام کردم و از آن زمان تا کنون در درس خارج فقه و اصول اساتیدی چون آیت الله میرزا جواد تبریزی، آیت الله وحید خراسانی، آیت الله زنجانی، آیت الله موسوی اردبیلی شرکت نمودم. در سال ۶۸ همزمان با شروع درس خارج در رشته اقتصاد در دانشگاه مفید مشغول به تحصیل شدم و سال ۷۲ لیسانس و سال ۷۶ فوق لیسانس گرفتم. از سال ۷۲ تا ۷۵ در بخش فرهنگی جامعه مدرسین به عنوان محقق در اقتصاد اسلامی و به ویژه موضوع بانکداری اسلامی و موضوعات مرتبط با آن به تحقیق پرداختم، سال ۷۵ در گروه فقه و نظام اقتصادی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به تحقیق مشغول شدم و از سال ۷۷ عضو رسمی هیئت علمی و مدیر گروه اقتصاد و از اواخر سال ۸۳ ریئس پژوهشگاه نظام های اسلامی در این پژوهشگاه میباشم، از سال ۷۸ تدریس لمعه، اصول فقه و سپس مکاسب را شروع کردم و اکنون نیز در کنار کارهای دیگر به تدریس مکاسب می پردازم.

میرموسوی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید حسین میر موسوی

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای سید حسین میر موسوی در سال ۱۳۴۳ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین و کاملاً آگاه به مسائل مذهبی در شهر مشهد مقدس دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۲ وارد دانشگاه امام صادق (ع) تهران گردید تا در کنار دروس دانشگاهی به تحصیل در دروس حوزوی هم پردازد. از نخستین روزهای ورود به دانشگاه امام صادق (علیه السلام) با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از محضر درس اساتیدی همچون: «استاد آشتیانی»، «سید حسن مصطفوی» و «عابدی» بهره‌ها برد.

استاد پس از فارغ‌التحصیلی در مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در سال ۱۳۷۵ در مقطع دکترای فلسفه از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل گردید و از رساله دکترای خویش با عنوان: «تصحیح رساله شرح تلویحات ابن کمغولی» دفاع کرد. ایشان ضمن تبلیغ، سالهای متمادی است که به تدریس در دانشگاه فردوسی مشهد مشغول است. نامبرده در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس، درس، قلم، کتاب، تحقیق، نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که کتاب‌های «درآمدی بر عرفان عملی اسلام» و «ترجمه مقدمه شرح قیصری بر فصوص» و ... از جمله آثار ایشان است.

میر موسوی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی میر موسوی

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در شهر اصفهان انجام دادم و پس از اتمام سال دوم دبیرستان در رشته علوم تجربی در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه اصفهان مدرسه «ذوالفقار» شدم. کتابهای ادبیات حوزه را از مقدمات، سیوطی و مغنی را در یکسال خواندم و همچنین منطق، معانی و بیان و در همان سال سطح را آغاز کردم و بخش‌هایی از لمعتین و معالم را نیز در اصفهان خواندم.

در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و ابتدا در مدرسه بعثت که از مدارس آیه الله منتظری بود؛ ثبت نام و سپس به مدرسه فیضیه نقل مکان کردم. در آن هنگام، همزمان تحصیلات علوم اسلامی و دبیرستان را ادامه دادم و در جبهه نیز حضور می‌یافتم. در سال ۶۸

همزمان سطح را به پایان رسانیدم و وارد دانشگاه تهران در رشته «علوم سیاسی» شدم. از سال ۶۹ درس خارج را آغاز کردم و بیشتر در درس خارج فقه «حضرت آیه‌الله العظمی منتظری» و «آیه‌الله تبریزی» شرکت کردم. در سال ۷۲ تحصیلاتم در مقطع کارشناسی به پایان و مقطع کارشناسی ارشد را در رشته «روابط بین الملل» در همان دانشگاه ادامه دادم و پایان نامه ام را با عنوان: «عوامل موثر چالشهای حقوق بشر در ایران» نوشته و دفاع کردم. در سال ۷۴ در مقطع دکتری «علوم سیاسی» دانشگاه تهران پذیرفته شدم و در سال ۸۱ از پایان نامه ام با عنوان: «اسلام، سنت و دولت مدرن» با راهنمایی آقای دکتر بشریه و مشاوره دکتر فیرحی و آقای حمید زنجانی دفاع کردم. تاکنون آثار علمی زیادی اعم از مقاله و کتاب نگاشته ام که در بخش مربوطه ذکر شده. از سال ۷۹ به عنوان هیئت علمی در دانشگاه مفید حضور داشته ام و از سال ۷۵ تاکنون درسهای رشته علوم سیاسی را در این دانشگاه و در دانشگاه باقرالعلوم (ع) تدریس کرده ام. از فاصله سال ۸۰ تا ۸۴ مدیریت گروه علوم سیاسی دانشگاه مفید را نیز عهده دار بوده ام.

میری آشتیانی، جلال الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سیدجلال الدین میری آشتیانی، در سال ۱۳۰۴ شمسی در قصبه ی آشتیان - از مضافات سلطان آباد عراق (اراک) - دیده به جهان گشود. دوره ی ابتدایی را در دبستان خاقانی آشتیان به پایان رساند و در مکتبخانه ی قدیم، گلستان سعدی، نصاب الصبیان، تاریخ معجم، ریاضیات، جامع المقدمات در صرف و نحو و قسمتی از دره نادری و نیز قسمتی از کتاب شرح سیوطی را قرائت نمود. وی در سال ۱۳۲۳ به تشویق و راهنمایی و مساعدت یکی از علمای آشتیان، آیت الله آقامیرزا ابوالقاسم دانش آشتیانی به دارالعلم قم مسافرت کرد و تحصیلات خود را در این شهر پی گرفت آنگاه به تهران عزیمت نمود. پس از آن به قزوین رفت و نزد حاج میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی، سفر نفس اسفار خواند. استاد آشتیانی، در مهر سال ۱۳۳۸ تدریس خود را در دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه مشهد و مؤسسه ی وعظ و تبلیغ آغاز نمود. پس از آن، در بهمن سال ۱۳۳۸ با تألیف و عرضه ی «رساله ای در مبحث وجود» به استخدام دانشگاه مشهد درآمد. وی در خرداد سال ۱۳۴۰ به احراز رتبه ی دانشیاری و در آذر سال ۱۳۴۵ به احراز رتبه ی استادی نائل آمد. استاد در مهر سال ۱۳۴۶ طی مأموریت یک ساله، به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران منتقل شد. وی در آبان سال ۱۳۷۵ از خدمت در دانشگاه فردوسی مشهد بازنشسته شد و در شهریور سال ۱۳۷۷ به پیشنهاد دانشگاه مشهد و به استناد مجوز کمیسیون امور اجتماعی هیئت دولت، مجدداً به اشتغال مجدد در دانشکده الهیات مبادرت نمود.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

تحصیلات رسمی و حرفه ای: سیدجلال الدین آشتیانی، دوره ی ابتدایی را در دبستان خاقانی آشتیان به پایان رساند و در مکتبخانه ی قدیم، گلستان سعدی، نصاب الصبیان، تاریخ معجم، ریاضیات، جامع المقدمات در صرف و نحو و قسمتی از دره نادری و نیز قسمتی از کتاب شرح سیوطی را قرائت نمود. وی در سال ۱۳۲۳ به تشویق و راهنمایی و مساعدت یکی از علمای آشتیان، آیت الله آقامیرزا ابوالقاسم دانش آشتیانی به دارالعلم قم مسافرت کرد و آنجا کتاب مغنی و مطول و قسمت زیادی از شرح لمعه را نزد آیت الله صدوقی یزدی و چند نفر دیگر خواند. سپس جلد اول کفایه و چند سال قبل از آن، شرح شمسیه را نزد آیت الله حاج میرزا عبدالجواد جبل عاملی اصفهانی قرائت کرد. آنگاه به معرفی آقامیرزا مهدی آشتیانی، نزد حاج شیخ مهدی مازندرانی امیرکلاهی

شروع به قرائت شرح منظومه ی حکیم سبزواری و مکاسب شیخ اعظم انصاری نمود و تا اواخر الهیات منظومه و قسمت زیادی از شوارق و بعد قسمتی از امور عامه ی اسفار را نزد آن استاد فراگرفت. پس از آن ، مدت هشت سال در درس فقه و اصول آیت الله بروجردی و مدت یک سال در درس آقاسیدمحمدتقی خوانساری حاضر شد. آنگاه در مدت دو سال اقامت در نجف ، از دروس آقای حکیم و آقاسیدعبداله‌هادی شیرازی استفاده کرده و مرتب و بدون وقفه در درس آقامیرزا حسن بجنوردی خراسانی حاضر گردید. در حکمت و فلسفه ، حدود پنج سال در درس حاج میرزا محمدحسین طباطبایی تبریزی حاضر شد و از درس تفسیر و اصول فقه آن استاد بهره گرفت. وی حدود یک سال در درس اسفار آقامیرزا احمد آشتیانی حاضر شد و آنگاه بعد از قرائت الهیات و امور عامه ی اسفار و الهیات شفا ، به تهران عزیمت نمود. پس از آن به قزوین رفت و نزد حاج میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی ، سفر نفس اسفار خواند. استاد در تهران نیز مدتی در حوزهٔ درس مرحوم میرزا احمد آشتیانی و مدتی هم به طور متفرقه در محضر مرحوم آقامیرزا مهدی آشتیانی حضور یافت. همچنین در قم از محضر درسی آقایان سیدمحمدتقی خوانساری و سیدمحمد حجت کوه کمره ای و میرزا رضی تبریزی استفاده کرد. ایشان شرح منظومه حکمت و قسمتی از مکاسب و شوارق الالهام را خدمت مرحوم حاج شیخ مهدی امیر کلاهی خوانده است.

خاطرات و وقایع تحصیل : سیدجلال الدین آشتیانی با ذکر خاطراتی از استاد آقامیرزامهدی آشتیانی ، می گوید : « در اوایل طلبگی ، روزی خدمت مرحوم میرزا مهدی آشتیانی شرفیاب شدم. فرمودند ، به بازدید دوستی عزیز که زمانی به درس من حاضر می شد ، می روم. عرض کردم ، اگر مانعی نباشد ، بنده هم در خدمت شما باشم. فرمودند ، مانعی نیست. در آن زمان روی خوش به عرفانیات نشان داده نمی شد و تبلیغات ناجوانمردانه ی برخی علیه فلسفه و عرفان بسیار اغواکننده بود. به هر حال بنده در خدمت مرحوم آقامیرزا مهدی ، رفتیم به منزلی که در حیاط منزل جمعی نشسته بودند و مرحوم سیدجلال دوری ، مثنوی درس می داد. او به ملاحظه ی احترام ، از مرحوم میرزا رشته ی سخن را قطع کرد و از میرزا تقاضا کرد که موضوع سخن ما این شعر مثنوی است : پر و بال ما کمند عشق اوست موکشانش می کشد تا کوی دوست و از میرزا تمنا نمود که بیت مذکور را تعبیر نماید. مرحوم آقامیرزا مهدی با شور و حال خاص در معنای این بیت ، حدود یک ساعت و نیم صحبت کرد و جهت ارتباط بین این بیت و آیات قبل از این بیت را چنان عالی تقریر کرد که نفس ها در سینه حبس شد و حقیر برای اولین بار از عارف محقق و استاد مسلم کتاب « شرح فصوص » و « مصباح الانس » معنای بیتی از آیات « مثنوی » را شنید و فهمید که منکران عرفان ، کنه مطالب را در نمی یابند و مشکل کار آنها تعصب خام است ».

استادان و مربیان : از استادان و مربیان سیدجلال الدین آشتیانی می توان به این شخصیت ها اشاره نمود: آیت الله صدوقی یزدی ، آیت الله حاج میرزا عبدالجواد جبل عاملی اصفهانی ، حاج شیخ مهدی مازندرانی امیر کلاهی ، آیت الله بروجردی ، آقاسیدمحمدتقی خوانساری ، آقای حکیم ، آقاسیدعبداله‌هادی شیرازی ، آقا میرزا حسن بجنوردی خراسانی ، حاج میرزا محمدحسین طباطبایی تبریزی ، آقامیرزا مهدی آشتیانی ، آقا میرزا احمد آشتیانی ، حاج میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سیدجلال الدین آشتیانی ، در مهر سال ۱۳۴۹ ، آذر سال ۱۳۵۲ ، خرداد سال ۱۳۷۰ و خرداد سال ۱۳۷۵ به مدیریت گروه فلسفه و حکمت اسلامی در دانشکده الهیات و معارف اسلامی منصوب شد.

فعالیت‌های آموزشی : سیدجلال الدین آشتیانی ، در مهر سال ۱۳۳۸ تدریس خود را در دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه مشهد و مؤسسه ی وعظ و تبلیغ آغاز نمود. پس از آن ، در بهمن سال ۱۳۳۸ با تألیف و عرضه ی « رساله ای در مبحث وجود » به استخدام دانشگاه مشهد درآمد. وی در خرداد سال ۱۳۴۰ به احراز رتبه ی دانشیاری و در آذر سال ۱۳۴۵ به احراز رتبه ی استادی نائل آمد. استاد در مهر سال ۱۳۴۶ طی مأموریتی یک ساله ، به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران منتقل شد. در آبان سال ۱۳۷۵ از خدمت در دانشگاه فردوسی مشهد بازنشسته شد و در شهریور سال ۱۳۷۷ به پیشنهاد دانشگاه مشهد و به استناد مجوز کمیسیون

امور اجتماعی هیئت دولت، مجدداً به اشتغال مجدد در دانشکده الهیات مبادرت نمود.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: سیدجلال الدین آشتیانی، علاوه بر تألیف دهها مقاله و کتاب، سخنرانی های مختلفی نیز در محافل علمی و دانشگاهی ایراد نمودند که از جمله می توان به سخنرانی در آیین بزرگداشت حاج ملاهادی سبزواری در دانشگاه تهران و به دعوت مؤسسه ی مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا (شعبه تهران) با عنوان «سبزواری کیست؟» در بهمن سال ۱۳۴۸ و شرکت در نخستین کنگره ی ملی ایران شناسی در دانشگاه تهران در شهریور سال ۱۳۴۹ اشاره کرد. وی در بهمن سال ۱۳۳۹ به عضویت در انجمن تألیف و ترجمه ی دانشگاه مشهد به نمایندگی از دانشکده علوم معقول و منقول، در دی سال ۱۳۵۲ به عضویت در کمیته ی تألیف و ترجمه ی دانشکده الهیات و معارف اسلامی، در آبان سال ۱۳۵۵ به عضویت در شورای پژوهشی دانشگاه فردوسی برای مدت دو سال، در آبان سال ۱۳۵۵ به عضویت در کمیته ی انتصابات و ترفیعات دانشکده الهیات و معارف اسلامی و در اسفند سال ۱۳۷۴ به عضویت در هیئت تحریریه ی نشریه ی علمی - پژوهشی دانشکده الهیات نائل آمد.

شاگردان: از آغاز تدریس سید جلال آشتیانی در مشهد رابطه ای محکم بین او و شاگردانش ایجاد شده است و بسیاری از طالبان دانش از محضر ایشان استفاده کرده و برخی خود در زمره دانشمندان و فلاسفه درآمده اند، این حلقه ها نه فقط در دانشگاه بلکه در خانه ایشان نیز تشکیل می شد. آشتیانی رابطه ای انسانی و پدرانانه با شاگردان خود.

همفکران فرد: یکی از همفکران سید جلال آشتیانی دکتر سید حسین نصر است که آن دودرباره مسائل فلسفی به بحث و بررسی و پژوهش فلسفی می پرداختند. یکی دیگر از همفکران آشتیانی، هانری کربن بود که به اتفاق هم طرح چند جلد «منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران» را به نام رسانند. کربن به آشتیانی لقب «ملاصداری دوباره زنده شده» داده بود.

جوایز و نشانها: سیدجلال الدین آشتیانی، در سال ۱۳۵۵ به دریافت جایزه ی بنیاد فرهنگی البرز به خاطر آثار علمی و پژوهشی نائل آمد. وی در اسفند سال ۱۳۷۶ توسط فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران به عنوان «دانشمند برجسته» انتخاب گردید. استاد در بهمن سال ۱۳۷۷ به مناسبت انتشار کتاب «شرح قیصری بر فصوص الحکم» به دریافت جایزه ی شانزدهمین دوره ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران نائل آمد.

آثار:

۱ تصحیح اثولوجیا

ویژگی اثر: با تعلیقات قاضی سیدقمی.

۲ تصحیح المسائل القدسیه

ویژگی اثر: تألیف: صدرالدین شیرازی.

۳ تصحیح تحفه المراد (شرح قصیده ی میرفندرسکی)

ویژگی اثر: تألیف: عباس شریف دارابی، با شرح خلخالی و گیلانی.

۴ تصحیح تحفه در مباحث علم

ویژگی اثر: تألیف: ملا نظرعلی گیلانی.

۵ تصحیح رسائل فلسفی

ویژگی اثر: این کتاب شامل: رساله ی تحفه (ملا نظرعلی گیلانی)، رساله ی وحدت وجود (ملاعلی نوری) و رساله ی بسیط الحقیقه کل الاشیاء (ملاعلی نوری) می باشد.

۶ تصحیح رسائل فلسفی (متشابهات قرآن، المسائل القدسیه، اجوبه المسائل)

ویژگی اثر : تألیف : صدرالدین شیرازی.

۷ تصحیح رساله النصوص

ویژگی اثر : تألیف : صدرالدین قونوی ، با تعلیقات میرزاهاشم اشکوری.

۸ تصحیح شرح دعای المعرفه

ویژگی اثر : تألیف : ملامحمدعلی فاضل خراسانی.

۹ تصحیح شرح فصوص الحکم

ویژگی اثر : تألیف : مؤیدالدین جندی. (با همکاری دکتر ابراهیمی دینانی)

۱۰ تصحیح قره العیون

ویژگی اثر : تألیف : ملامهدی نراقی.

۱۱ تصحیح مشارق الدراری

ویژگی اثر : تألیف : سعیدالدین سعید فرغانی.

۱۲ تصحیح مکاتبات عرفانی

ویژگی اثر : تألیف : سیداحمد حائری و شیخ محمدحسین غروی.

۱۳ تصحیح هدایه الطالبین

ویژگی اثر : تألیف : حکیم سبزواری.

۱۴ تصحیح و گردآوری منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران

ویژگی اثر : این کتاب چهارجلدی ، با همکاری فیلسوف فرانسوی هانری کربن در طی نزدیک به ده سال شکل گرفت و دربردارنده ی منتخبی از آثار و تألیفات حکمای چهار قرن گذشته است. مطابق نوشته ی استاد آشتیانی ، قرار بود که این منتخبات در هفت جلد به پایان برسد و حکمت الهی در ایران را تا دوران معاصر معرفی کند که با مرگ نا به هنگام هانری کربن و دست تنهایی استاد ، این امر مهم تاکنون به تأخیر افتاده است.

۱۵ تفسیر سور ? توحید

ویژگی اثر : دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۶۶ قمری.

۱۶ شرح بر زادالمسافر

ویژگی اثر : تألیف : ملاصدران. انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۶۹ قمری

۱۷ شرح حال و آراء فلسفی ملاصدران

ویژگی اثر : انتشارات زوار، مشهد، ۱۳۴۰ شمسی.

۱۸ شرح فصوص الحکم

ویژگی اثر : تألیف : فارابی. این کتاب در دوره شانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ، از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «شرح فصوص الحکم»: شرح فصوص الحکم / محمد داود قیصری رومی؛ تصحیح سیدجلال الدین آشتیانی - تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶. یکی از مهمترین آثار شیخ اکبر محیی الدین بن عربی، فصوص الحکم است و معروفترین شرح آن، شرحی است که محمد داودبن محمود قیصری بر آن نگاشته است و به دلیل اهمیت متن و شرح و تسلط قیصری در توضیح و تفسیر مرادات محیی الدین در متن فصول، این کتاب به صورت یکی از رایجترین کتب درسی در علوم عرفان و تصوف در حوزه های علمیه در آمده است. استاد آشتیانی که خود سالهای متمادی از محضر حکیمان

و عارفان بزرگ و بنام بهره برده، سالهاست که خود نیز به تدریس و تحشیه و تعلیق آثار مهم عرفانی و فلسفی اشتغال دارد. استاد، شرح فصول الحکم را پس از مقابله با ۲ نسخ؟ خطی و یک نسخ؟ چاپ سنگی به صورتی محققانه تصحیح کرده، حواشی عارف متأله آقا محمدرضا قمشه^۱ ای و حضرت امام خمینی (ره) را نیز بر آن افزوده است، و خود هم جای جای بر کتاب، حواشی روشنگر و مفیدی نگاشته است

۱۹ شرح مقدمه ی قیصری بر فصوص الحکم
ویژگی اثر: ۱۳۴۳ شمسی.

۲۰ مقدمه، تعلیقات و تصحیح المبداء و المعاد
ویژگی اثر: تألیف: صدرالدین شیرازی.

۲۱ مقدمه، تعلیقات و تصحیح مجموعه ی رسائل سبزواری

۲۲ مقدمه شکوه شمس (سیری در آثار و افکار مولانا)

ویژگی اثر: تألیف: آن ماری شیمل، ترجمه ی حسن لاهوتی.

۲۳ مقدمه نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص

ویژگی اثر: تألیف: عبدالرحمن بن احمد جامی، تصحیح ویلیام چیتیک.

۲۴ مقدمه و تصحیح اصول المعارف

ویژگی اثر: تألیف: فیض کاشانی.

۲۵ مقدمه و تصحیح الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه

ویژگی اثر: تألیف: صدرالدین محمدابراهیم شیرازی.

۲۶ مقدمه و تصحیح اللغات الالهیه و الکلمات الوجیزه

ویژگی اثر: تألیف: ملااحمد نراقی.

۲۷ مقدمه و تصحیح المشاعر

ویژگی اثر: تألیف: صدرالدین شیرازی، با مقدمه های انگلیسی دکتر نصر، فرانسوی هانری کربن و فارسی استاد همایی.

۲۸ مقدمه و تصحیح المظاهر الالهیه فی اسرار العلوم الکمالیه

ویژگی اثر: تألیف: صدرالدین شیرازی.

۲۹ مقدمه و تصحیح انوار جلیه

ویژگی اثر: تألیف: ملاعبدالله زنوزی.

۳۰ مقدمه و تصحیح تفسیر فاتحه الکتاب

۳۱ مقدمه و تصحیح تمهید القواعد

ویژگی اثر: تألیف: صائن الدین علی بن محمدالترکه.

۳۲ مقدمه و تصحیح رسائل قیصری

ویژگی اثر: تألیف: داوودبن محمود قیصری، با تعلیقات حکیم محمدرضا قمشه ای.

۳۳ مقدمه و تصحیح رسائل وحدت وجود و بداء

ویژگی اثر: تألیف: سیدمحمد کاظم عصار.

۳۴ مقدمه و تصحیح رساله النصوص

ویژگی اثر : تألیف : صدرالدین قونوی.

۳۵ مقدمه و تصحیح رساله ی نوریه در عالم مثال

ویژگی اثر : تألیف : حکیم بهایی لاهیجی.

۳۶ مقدمه و تصحیح لمعات الهیه

ویژگی اثر : تألیف : ملاعبدالله زنوزی.

۳۷ مقدمه و تصحیح مصباح الهدایه

ویژگی اثر : تألیف : امام خمینی (ره).

۳۸ هستی از نظر فلسفه و عرفان

ویژگی اثر : این کتاب ، اولین اثر استاد آشتیانی است که در سال ۱۳۳۸ و در مدت بیست روز به رشته ی تحریر درآمده است.
منابع زندگینامه :

www.ketabesal.ir ۱ خاطراتی از فیلسوف شرق ، روزنامه اطلاعات ، ۲۵ مهر ۱۳۷۹۳ نشریه ی دانشکده الهیات دانشگاه
فردوسی مشهد (ویژه نامه ی نکوداشت استاد سیدجلال الدین آشتیانی) ، شماره ی ۴۱ و ۴۲ ، پاییز و زمستان ۱۳۷۷ ، صص ۱۹ -
۲۶۴ نصیر سید حسین ، مدخلی برنکو داشت مقام علمی و فرهنگی استاد سید جلال آشتیانی و استاد محمد حسن لطفی ، کتاب ماه و
ادبیات ، سال اول ، شماره ششم و هفتم ، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۷۷ ، ص ۴

میری آشتیانی، جمال‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: علوم عقلیه، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: فردوسی مشهد
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

میری، عباس

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید عباس میری

محل تولد : خضری قائنات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

سید عباس میری (محقق و نویسنده حوزه علمیه قم) در سال ۱۳۳۵ شمسی در خضری از توابع شهرستان قاین دیده به جهان گشود. دوران کودکی را در مکتب خانه قرآن مجید فرا گرفت. دوره دبستان را تا ششم نظام قدیم در موطن خود گذراند. در سال ۱۳۵۰ شمسی داوطلبانه وارد حوزه علمیه گناباد (جنوب خراسان) شد. ادبیات عرب تا سیوطی را در حوزه گناباد از محضر اساتید حوزه: «حاج شیخ حسین نصیری، سید ناصر خطیبی و دیگران» آموخت.

در سال ۱۳۵۲ شمسی عازم حوزه علمیه مشهد شد. در مدرسه نواب که از بهترین مدارس حوزه مشهد به شمار می آمد، ساکن شد. تحت برنامه های منظم و کلاسیک مدرسه «آیه الله سید محمد موسوی نژاد»، از محضر اساتید برجسته مدرسه مثل: (جناب آقای نصرتی، ناطقی، سید علی اصغر حسینی، سید محمد موسوی نژاد، سید مهدی موسوی نژاد، شهید ابوالقاسم قاسمی، آقای اسلامی و امیری)، دوره کامل مقدمات، اصول فقه، شرح لمعه و رسائل شیخ انصاری را فرا گرفت. خارج از برنامه های مدرسه فوق، از درس لمعه و رسائل آیه الله طبسی: (تولیت فعلی آستان مقدس رضوی)، آیه الله رضازاده، عباسپور، حائری طبسی، موسوی شاهرودی و شیخ علی تهرانی به طور آزاد بهره برد. بخش زیادی از مکاسب شیخ انصاری را از حوزه درس استاد بزرگ حوزه مشهد «آیه الله حاج شیخ علی آقای فلسفی» و کفایتین را از حوزه درس «آیه الله رضازاده» و مدتی از درس خارج «آیه الله اعلم» استفاده کرد.

به موازات درس معمول حوزوی، درسهای تفسیر، نهج البلاغه، معارف دینی، مباحث اخلاقی، سیاسی و اجتماعی را از جلسات پر رونق و بیدارگر «مقام معظم رهبری» و مبحث شناخت را از شیخ علی تهرانی و شهید عبدالکریم هاشمی نژاد و مدتی از حوزه درس تفسیر آیه الله میرزا جواد آقای تهرانی و محامی بهره مند شد و مباحث حدیث شناسی را از محضر استاد علی حکیمی استفاده کرد و در ضمن از سال ۱۳۵۴ شمسی تاکنون به امر تبلیغ در بسیاری از مناطق کشور اشتغال داشته است.

پس از انقلاب شکوهمند اسلامی در سال ۱۳۵۸ - ۱۳۵۹ برای ادامه و تکمیل تحصیلات، عازم حوزه علمیه قم شد. پس از چند ماهی که در مدرسه آیه الله غیوری به سر برد با بازگشائی مدرسه مبارکه فیضیه پس از انقلاب اسلامی در آنجا ساکن شد. با استفاده از دروس اساتید بزرگ حوزه به تکمیل آموخته های خود پرداخت. بخشهای کفایتین، یک دوره خارج اصول، بخشهایی از مباحث خارج فقه (کتاب حج) از حوزه درس «آیه الله فاضل لنکرانی» استفاده کرد.

مباحثی از کتاب حج را از حوزه درس «آیه الله جنتی» آموخت، در درس خارج فقه کتاب قضا «آیه الله نوری همدانی» و «آیه الله سید محمد هاشمی شاهرودی» شرکت جست. از درسهای خارج فقه آقای منتظری تا زمانی که درس وی رسمیت داشت کتابهای حدود و دیات، ولایت فقیه، زکات و ... را آموخت. سپس مباحث خارج صلاه، بیع، خیارات و بخشهایی از مباحث خارج اصول را از محضر استاد بزرگ حوزه «آیه الله وحید خراسانی» استفاده کرده و هم اکنون از محضر آن استاد بزرگ کسب فیض می نماید. مدتی از درسهای خارج اصول «آیه الله مکارم شیرازی»، «آیه الله میرزا جواد آقا تبریزی»، «آیه الله جعفر سبحانی»، «آیه الله فاطمی تویسرکانی» کسب فیض کرد.

دانش درایه، حدیث و رجال را از محضر رجالی بزرگ و برجسته «آیه الله سید موسی شبیری زنجانی»، «آیه الله نوری همدانی»، «منتظری» و ... فرا گرفت و از برخی درسهای مقطعی «آیه الله صانعی» و «صالحی نجف آبادی» بهره برده است. بدایه و نهاییه را از استاد فیاضی، دکتر احمد احمدی و «آیه الله مصباح یزدی»، و منظومه ملاحادی سبزواری را از آیه الله شیخ یحیی انصاری و نکونام و بخشهایی از اسفار را از «آیه الله جوادی آملی»، محمدی گیلانی و بخشهایی از اشارات را از حوزه درس «آیه الله حسن زاده آملی» فرا گرفت.

از درس تفسیر «آیه الله مشکینی» و مباحث خارج فقه (کتاب مضاربه) و مباحث اخلاقی وی استفاده کرد. در حوزه درس تفسیر «آیه الله ملکوتی» و «آیه الله جوادی آملی» چند سالی شرکت نمود، مباحث اخلاقی را از «آیه الله بهاء الدینی»، «آیه الله مظاهری» و «شب

زنده دار» آموخت. مباحث اقتصاد اسلامی را از محضر «آیة‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی»، «آیة‌الله سید محمد شیرازی» و «آیة‌الله مشکینی» آموخت و چند وقتی از کلاس درس نهج البلاغه «آیة‌الله صالحی نجف آبادی» بهره گرفت. در کنار حضور در درس اساتید بزرگ حوزه از سال ۱۳۶۱ با تأسیس مجله وزین حوزه و مجله فقه کاوش نو در بخش تحقیق، پژوهش و نگارش مقاله از آغاز تاکنون همکاری داشته و دارد. در این راستا برای آمادگی جهت حضور در عرصه قلم و نگارش پیش نیازی مثل زبان و ادبیات فارسی، انگلیسی، عربی، روان شناسی، جامعه شناسی و نقد فیلم را فرا گرفت. با معجم المفهرس بحارالانوار دفتر تبلیغات حدود یک سال همکاری نموده است. حدود ۳ سال با تفسیر راهنما در فرهنگ و معارف قرآن همکاری علمی داشته است. با رادیو معارف بخش همراه با فرزندگان مدتی همکاره نموده است. مقالاتی از وی به زبان عربی و انگلیسی ترجمه است.

گذشته از مجله حوزه، فقه کاوشی نو، با مجله نگاه حوزه مشهد، مجله کتاب ماه وزارت ارشاد، برخی روزنامه ها، همایشها و کنگره ها و سمینارهای علمی زیادی مثل: کنگره شیخ انصاری، مفید، خوانساریها، نراقیها، آقا مصطفی نائینی، میرزا حسن آشتیانی، میرزا سید عبدالحسن شرف الدین و ... همکاری نموده است. حدود ۲ سال است که تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی تهران را آغاز نموده و در دانشکده علوم پایه هم اکنون نیز تدریس می نماید. ضمناً از سال ۱۳۷۱ به عنوان روحانی کاروانهای حج و عمره به انجام وظیفه تعلیم مناسک و معارف حج اشتغال داشته و دارد.

میقانی، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا میقانی

محل تولد: شاهرود

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۵/۱

زندگینامه علمی

اینجانب رضا میقانی از سال ۱۳۵۰ وارد حوزه مقدسه قم شدم و در مدرسه مرحوم آیت الله گلپایگانی که در آن دوران اولین مدرسه به سبک روز و استاندارد بود مشغول تحصیل گردیدم و در سال ۵۶ به مدت شش ماه در درس مرحوم استاد مطهری ره شرکت کردم ایشان در حوزه امتحان از سطح برای طلاب گذاشتند و در آن موفق شدم و ممتاز گردیدم بنا داشتند گروه های تحقیق در حوزه ایجاد نمایند که انقلاب اسلامی شروع و دیگر به قم تشریف نیاوردند و در همان سال ها از محضر دکتر مفتاح در فلسفه و سید کاظم حائری که کتب شهید صدر را تدریس می کردند بهره ها بردم و از سال ۵۸ در درس خارج استاد وحید خراسانی و تبریزی و لنکرانی شرکت کردم و حدود ۲۰ سال از خرمین پر فیض فقهای بزرگ استفاده کردم و در ضمن تحصیل در سال ۵۴ به حوزه تبلیغ وارد شدم و تا کنون به اکثر استان های کشور برای ترویج مکتب اهل بیت سفر داشته ام و در سال ۵۹ وارد موسسه در راه حق وارد شدم و پس از سه سال آموزش به کارهای پژوهشی پرداختم و در خدمت استاد مصباح سالیان طولانی

استفاده کردم از جمله کارهای پژوهشی معجم موضوعی قرآن بود که چند صد هزار فیش برداری گردید. و از آن تحقیقات اکنون یکی دو جلد در زمینه اسماء و صفات و معاد و برزخ به زیور چاپ آراسته شده است و مقالات فراوان در زمینه قرآن پژوهی در اطراف کتاب فصل الخطاب حاجی نوری انجام دادیم.

و در همان سال ها چند سال در کنفرانس های دار القرآن مرحوم آیت الله گلپایگانی در محضر استاد سبحانی بوده و نتیجه آن کتاب روش اهل بیت در تفسیر قرآن است که دار القرآن چاپ کرده و در مدارس علمیه حجتیه و مومنیه و معصومیه تدریس داشته ام. حدود ۱۵ سال هم به زائران خانه معبود به عنوان روحانی کاروان اداء وظیفه می کنم. و در جهت خدمت به طلاب و وظیفه نمایندگی طلاب شهرستان شاهرود را به عهده داردم.

میگالی، ابوالعباس اسماعیل

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۶۲- ۲۷۰ ق)، محدث و ادیب. شیخ خراسان و مورد احترام همگان بود. نسبش به یزدگرد به بهرام گور می‌رسد. پدرش در روزگار مقتدر عباسی حکومت اهواز را داشت. او در نیشابور به دنیا آمد. وی کاتب بود و عهده‌دار مسئولیت کتابت‌های دیوانی. در نیشابور از ابن خزیمه و ابوالعباس سراج و ابوالعباس ماسرجسی و در اهواز از عبدان اهوازی و حسین بن بهار و علی بن سعید عسکری حدیث شنید. از عبدان اهوازی کتابی را روایت کرده و او تنها کسی است که این کتاب را روایت کرد. ابوعلی نیشابوری حافظ و ابو حنین حجاجی و ابو عبدالله حاکم و عبدالغافر فارسی از او حدیث شنیدند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۱۵- ۳۱۴ / ۱)، سیر النبلاء (۱۵۷- ۱۵۶ / ۱۶)، شذرات الذهب (۴۱ / ۳)، العبر (۱۱۴- ۱۱۳ / ۲)، معجم الادباء (۱۲- ۵ / ۷).

میگالی، ابوالفضل عبیدالله

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۳۶ ق)، ادیب، کاتب و شاعر. نسبش را به یزدگرد ساسانی می‌رسانند. وی اهل خراسان و از مشاهیر ادبای آن دیار بود. در خراسان از ابواحمد حافظ حاکم و ابی عمرو بن حمدان حدیث شنیده است. او در نظم و نثر عربی ماهر بود. از آثارش: «مخزون البلاغۃ» یا «مخزن البلاغۃ»، «المنتحل»، «ملح الخواطر و منح الجواهر»، «دیوان الرسائل»، «دیوان شعر».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۴۴ / ۴)، ریحانه (۸۱- ۸۰ / ۶)، فوات الوفيات (۴۳۳- ۴۲۸ / ۲)، کشف الظنون (۱۸۱۷، ۱۶۳۹)، لغت نامه (ذیل / عبدالرحمان)، معجم المؤلفین (۵ / ۱۲۰)، هدیة العارفين (۱ / ۶۴۸).

میکانیلیان، ماسیسی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دانشکده: ۱۳۱۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیهوشی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی بیهوشی از دانشگاه مونترال کانادا در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه علوم پزشکی مشهد از سال ۱۳۴۹ تا کنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

راهنمائی، مشاوره و نظارت بر حدود ۱۵ پایان‌نامه پزشکی بیهوشی، تدریس درس بیهوشی رانیماسیون در دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی:-، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

میلانی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی فرزند حجة الاسلام والمسلمین حاج سید نورالدین فرزند آیت الله العظمی حاج سید محمدهادی میلانی سبط آیت الله آقا سید حسین فرزند آیت الله العظمی آقا سید علی میری تبریزی معروف به داماد (مامقانی بزرگ) و سبط حجة الاسلام آقا شیخ محمدحسن فرزند آیت الله العظمی فاضل شریانی و نیز فرزند سبط مرحوم عالم رجالی آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالله مامقانی قدس الله اسرارهم که جمع کرده فضائل نسبی را با مکارم حسبی از چهره‌های درخشان بیت جلیل میلانی است.

وی در هشتم ماه مبارک رمضان ۱۳۶۷ قمری در نجف اشرف متولد شده و در معیت والدش به کربلاء معلى آمده و چندین سال اقامت و به تحصیل مقدمات و ادبیات پرداخته و پس از مهاجرت جد بزرگوارش آیت الله العظمی میلانی طاب الله ثراه به ایران آمده و در خدمت والدش در شهر ری اقامت و بعد از چندی عزیمت به حوزه علمیه قم نموده و اشتغال به تکمیل سطوح عالی فرموده است.

پس از فراغ از آن به درس خارج آیات عظام حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی و آیت‌الله وحید خراسانی و آیت‌الله میرزا کاظم تبریزی و مرحوم آیت‌الله حج شیخ مرتضی حایری شرکت و استفاده سرشار نموده و در ضمن به تألیف کتب زیر مبادرت و از خود به یادگار گذاشته است.

آثار علمی ایشان

- ۱- بلغه الطالب در تعلیق به بیع مکاسب تقریر درس آیت‌الله گلپایگانی که به طبع رسیده است.
 - ۲- کتاب القضاء ۲ جلد تقریرات درس آیت‌الله گلپایگانی چاپ شده.
 - ۳- کتاب الشهاده ۱ جلد تقریرات درس آیت‌الله گلپایگانی چاپ شده.
 - ۴- خلاصه عقبات الانوار در امامه ائمه اطهار ۲۵ جلد که ده جلد آن تاکنون به طبع رسیده است.
 - ۵- تحقیق الاصول یکدوره کامل در حدود ۱۰ جلد بحث آیت‌الله وحید خراسانی مخطوط.
 - ۶- بحوث فقهیه ۵ جلد مباحث کتاب (احیاء الموات) و مکاسب محرمه و طهاره و صلاه از دروس آقای وحید خراسانی مخطوط.
 - ۷- بحوث فقهیه ۳ جلد مباحث فقهی در کتاب طهاره از درس آیت‌الله میرزا محمد کاظم تبریزی- مخطوط.
 - ۹- رساله‌ای در حدیث اصحابی کالنجوم در قم چاپ شده.
 - ۱۰- رساله‌ای در حدیث (اقتدوا بالذین من بعدی) در مجلت تراثنا چاپ شده.
 - ۱۱- رساله‌ای در حدیث (خطبه ابنه ابی جهل) در مجله تراثنا چاپ شده.
 - ۱۲- اهل البیت فی نهج البلاغه در مجله تراثنا چاپ شده.
 - ۱۳- رساله‌ای در شرح عباره محقق حلی در شرایع در نقل اموات- مخطوط.
 - ۱۴- رساله درالمتقین در مجله تراثنا چاپ شده.
 - ۱۵- رساله در نماز ابی‌بکر در جای رسول‌الله (ص) در بیماری آن حضرت در مجله تراثنا چاپ شده.
 - ۱۶- رساله‌ای در حدیث علیکم بسنتی و سنه الخلفاء الراشدین در مجله تراثنا چاپ شده.
 - ۱۷- دراسات در عقبات چاپ شده.
 - ۱۸- النافع فی یوم القیامه در شرح منهاج الکرامه العلامه ۲ جلد.
 - ۱۹- شرح الکبری منطوق چاپ شده.
 - ۲۰- حواشی و مقدمه کتاب آفه اصحاب الحدیث تألیف ابن الجوزی.
 - ۲۱- حواشی و مقدمه کتاب الامام الثانی عشر تألیف محمد سعید عبقاتی چاپ شده.
 - ۲۲- مستدرکات عقبات الانوار (حدیث الغدیر و حدیث النور- حدیث السقیفه) چاپ شده.
- در آثار دیگران به مناسبت‌هایی در آثار دیگران یاد شده و مورد استفاده قرار گرفته از آن جمله در کتاب اهل البیت فی المکتبه العربیه تألیف علامه سید عبدالعزیز طباطبائی و در مقاله ایشان به عنوان الموفون فی الغدیر و در دائر المعارف تشیع به مناسبت آل میلانی و در فیض القدیر تألیف محدث قمی در موسسه راه حق چاپ شده.
- محقق میلانی دارای اجازات مبسوطی از آیت‌الله العظمی گلپایگانی و دیگران می‌باشند.
- برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

میلانی، محمدهادی

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد هادی حسینی میلانی بن العلامه الحجّه آیت‌الله آقا سید جعفر بن العلامه الورع آیت‌الله آقا سید احمد حسینی میلانی از مراجع تقلید بزرگ و آیات عظام معاصر است در مشهد مقدس؛ معظم‌له در شب هفتم ماه محرم هزار و سیصد و سیزده قمری در خاندان بزرگ علمی در نجف اشرف متولد شد و در مهد تربیت والد ماجدش که داماد گرامی علامه فقیه آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمدحسن مامقانی بوده پرورش یافته است والد ماجدش مرحوم آیت‌الله آقا سید جعفر حسینی از علماء جلیل‌القدر نجف اشرف و از شاگردان مرحوم آیت‌الله العظمی آقا شیخ حسن مامقانی به شمار می‌رفت و مردی بود که در زمان خود به علم و تقوا شهرتی داشت قبل از اینکه مردم از فضائل اخلاقی و مقامات علمی آن بزرگوار برخوردار گردند در سن جوانی از دنیا رحلت نمود و در رواق شمالی مرقد مطهر حضرت موسی بن جعفر و جواد الائمه علیه‌السلام دفن شد.

وی فرزند مرحوم آیت‌الله آقا سید احمد حسینی میلانی که از شاگردان آیت‌الله العظمی آقا شیخ محمدحسن صاحب کتاب جواهر و در آذربایجان مرجع تقلید و پناهگاه مسلمانان بود.

مرحوم آقا سید احمد فرزند حجّه‌الاسلام آقا سید مرتضی حسینی بن رکن‌الاسلام آقا سید علی اکبر که مورد علاقه مردم بودند بوده و او فرزند آقا سید اسدالله حسینی بود و این دو بزرگوار ساکن قصبه میلان بودند و پدران بزرگوار آنان از شرفاء سادات مدینه طیبه محسوب می‌شدند. پدر بزرگوار آقا سید اسدالله به حسب تقاضای اهالی آذربایجان متوجه به آن سامان شده و در آنجا از دنیا رفت مرقد او هم اکنون زیارتگاه عموم می‌باشند.

والده ماجده حضرت آیت‌الله میلانی صبه مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمدحسن مامقانی بودند و آن بزرگوار در سال ۱۳۲۳ قمری از دنیا رفت و کانون علم و تقوا و از مراجع بزرگ شیعه به شمار می‌رفت و آثار علمی وی هم اکنون در حوزه‌های علمی مورد استفاده عموم می‌باشند.

در زمان معظم‌له نام دوازده هزار نفر از طلاب علوم دینی در دفتر او مرقوم بود و حقوق آنان از ناحیه وی پرداخت می‌شد. و در هر سال بیش از پنجاه هزار تومان از باب وجوهات به ایشان می‌رسید و آنها را میان مستحقین و اهل علم تقسیم می‌کرد و درهمی برای خود و عیالات خود باقی نمی‌گذارد و اگر شب می‌رسید تا صبح نمی‌گذارد همان ساعت به اهلش می‌رسانید. دائی و پدر همسر کریمه ایشان مرحوم آیت‌الله عالم بزرگوار و شیخ العلماء حاج شیخ عبدالله مامقانی قدس‌الله سره صاحب تنقیح المقال در علم رجال و مراتب الکمال و مراتب الرشد و غیره از آیات عظام و مراجع انام عصر خود بوده است.

معظم‌له در سن کودکی پدر بزرگوار خود را از دست داده ولی در همان اوان دارای شوقی وافر به تحصیل علوم و مقدمات را تا سن دوازده سالگی نزد مرحوم آقا میرزا ابراهیم همدانی و آخوند ملامحسن تبریزی و دیگران خوانده و سطح را نزد مرحوم آیت‌الله آقا شیخ ابراهیم سالیانی و مرحوم حجّه‌الاسلام آقا سید جعفر اردبیلی و مرحوم آیت‌الله حاج میرزا علی ایروانی (صاحب حاشیه بر مکاسب و کفایه و تالیفات دیگر) و مرحوم حجّه‌الاسلام آقا شیخ غلامعلی قمی سامرائی و مرحوم حجّه‌الاسلام والمسلمین دائی بزرگوارشان آقا شیخ ابوالقاسم مامقانی که در زهد و تقوا مانند پدر معظم خود آیت‌الله مامقانی بودند تکمیل نموده آنگاه دروس خارج فقه و اصول را از علماء بزرگ و نوابغ عصر خود مانند مرحوم آیت‌الله شریعت اصفهانی و آیت‌الله میرزا محمدحسین نائینی و مرحوم آیت‌الله آقای حاج شیخ محمدحسین اصفهانی و مرحوم آیت‌الله آقا ضیاء عراقی استفاده نموده و فلسفه و کلام را از مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین اصفهانی و علم مناظره را از مرحوم حجّه‌الاسلام علامه مجاهد حاج شیخ جواد بلاغی صاحب کتاب الهدی الی دین المصطفی و الرحله المدرسیه و آلاء الرحمن در تفسیر و غیره فرا گرفته‌اند.

مشایخ اجازه روایتی ایشان

۱- مرحوم آیت‌الله حاج سید حسن صدر ۲- مرحوم آیت‌الله حاج سید عبدالحسین شرف‌الدین ۳- مرحوم ثقه‌المحدثین حاج شیخ عباس قمی ۴- مرحوم حجة‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ آغابزرگ تهرانی.

آیت‌الله میلانی در ادبیات فارسی و عربی حظ وافری دارند و با ادباء معاصر خود مانند مرحوم آقای شیخ محمد سماوی و آقای شیخ جعفر نقدی و حجة‌الاسلام آقا میرزا محمدعلی اردوآبادی مطارحات ادبیه داشتند و اشعاری که در جوانی به زبان عربی سروده‌اند شاهد زنده‌ی بر این مدعی است.

آیت‌الله میلانی بیش از پنجاه سال در نجف اشرف و کربلا و مشهد مقدس به تدریس فقه و اصول اشتغال داشته و تربیت‌شدگان علمی و اخلاقی ایشان در اکناف و اطراف ممالک و شهرهای اسلامی بسیارند که به وظائف دینی خود مشغول می‌باشند. و معظم‌له در تشویق و تکریم فضلاء و محصلین کوشا می‌باشند.

آثار علمی او عبارت است از نوشته‌های بسیار که درباره علم و فقه و اصول و تفسیر نگاشته‌اند و آنها را بعضی از فضلاء که در حوزه درس کربلای وی حضور داشته نوشته است.

معظم‌له درباره قسمتی از علوم اسلامی مطالعات دقیق و نظریه‌ای قوی دارد که از آن جمله علم حدیث است.

وی مدت هشت سال با مرحوم آیت‌الله حاج شیخ علی قمی درباره علم حدیث مذاکراتی داشته است.

او نسخه کتاب و سائل خود را به نسخه‌ای که به خط مرحوم شیخ‌المحدثین شیخ حر عاملی نوشته شده مقابله و به مدارک آن مراجعه نموده است.

بیشتر افرادی که زندگانی علماء و رجال معاصر را نگاشته و به صورت کتاب منتشر نموده‌اند از قبیل: صاحب کتاب معارف الرجال و صاحب کتاب معجم رجال‌الفکر و الادب و صاحب کتاب ماضی‌النجف و حاضرها شخصیت و زندگانی آقای میلانی را نوشته‌اند.

در بسیاری از مجله‌های کشورهای اسلامی به مناسبت‌هایی راجع به معظم‌له مقالاتی درج نموده‌اند که از جمله در مجله: العلوم بیروت در سنه ۱۱ عدد ۱۸ به مناسب تاریخ مشهد مقدس و مرقد حضرت علی بن موسی الرضا (ع) و خلیفه عباسی هارون الرشید مقاله‌ای نوشته تا آنجا که رسیده به مدرسه‌های قدیمه ارض اقدس می‌نگارد.

امروز چنانکه قبلاً یادآور شدیم تعداد طلایی که در مشهد مقدس مشغول تحصیل و تحقیق هستند قریب دو هزار و پانصد نفر (۲۵۰۰) می‌باشد که در حوزه‌های متعدده علمیه تقسیم شده‌اند و آنان درباره تحصیل هر موضوع و علمی از قبیل علم فقه و علم اصول و لغت و حکمت و امثال ذلک دارای اسنادهای متعددی هستند.

ولی ریاست و زعامت کلیه آن حوزه‌های علمیه به عالم ربانی و دانشمندان صمدانی علامه بزرگوار سید محمدهادی میلانی می‌باشند که بزرگ استاد‌های علم فقه و علم اصول به شمار می‌رود.

وی همان کسی است که قریب چهارصد نفر از افرادی که قریب‌الاجتهادند در مجلس درسش حاضر می‌شوند.

آیت‌الله میلانی در سال ۱۳۷۰ قمری به حج مشرف شده و یک سفر هم در سال ۱۳۵۹ ق به سوریه و لبنان نمودند و ایشان شش مرتبه هم به ایران مسافرت نمودند که سفر ششمین ایشان در روز عرفه ۱۳۷۳ ق بود که به قصد زیارت ارض اقدس و حضرت رضا علیه آلاف التحیه و الثناء بود.

وی در خانه مرحوم آیت‌الله حاج شیخ علی‌اکبر نوغانی وارد شده و از روز ورود ایشان حوزه علمیه مشهد و علماء اعلام و طبقات مختلف مردم تقاضا و اصرار نمودند که معظم‌له برای تدریس و تربیت محصلین علوم دینی در مشهد مقدس اقامت نمایند وی قبول ننمود تا اینکه ملزم به استخاره شد.

پس از استخاره این آیه شریفه آمد. واتبع ما یوحی الیک من ربک واصبر حتی یحکم الله و هو خیر الحاکمین.

پس از این استخاره قبول نمود که مدت سه ماه در خراسان توقف و شروع به تدریس نماید وقتی که فضلاء برجسته حوزه علمیه مشهد مقدس وضع تدریس و مطالب دقیق ایشان را دیدند و شنیدند علاقه بیشتری پیدا کردند لذا با عزمی راسخ و اصراری بیش از پیش خواستار توقف حضرتش گردیدند.

آن بزرگوار به ناچار تقاضای آنان را پذیرفت و عزم رحیلش بدل به اقامت گردید و در مسجد جامع گوهرشاد به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت و صدها نفر از فضلاء و علماء مشهد به محضرش حاضر و بهره‌مند می‌گردند. آثار و باقیات الصالحات آیت‌الله میلانی مدظله.

آن جناب در این مدتی که در مشهد مقدس اقامت دارند در اغلب موسسات خیریه بناهای دینی سهیم و شریک بوده و اشخاص شایسته‌ای از روحانیین را برای تبلیغ و ارشاد مردم به اطراف اعزام نموده و هم اکنون می‌نمایند.

ایشان همیشه در نظر داشته و دارند که حوزه‌ها باید دارای نظم و برنامه مخصوص باشد و لازم است که کلیه علوم اسلامی در آنها تدریس و خوانده شود و لازم است که محصلین علوم دینیه درباره سایر علوم نیز دارای مطالعاتی باشند. آیت‌الله میلانی در سال ۱۳۸۳ ق در شهرستان قم مدرسه‌ای به نام مدرسه منتظریه (حقانی) تأسیس و تعداد صد نفر دانشجو پذیرفته که تحت تعلیم و تربیت می‌باشند.

جناب ایشان در مشهد مقدس نیز مدرسه‌ای دو طبقه تأسیس کرده که دارای پانصد نفر محصل است (متأسفانه در این ایام آن مدرسه خراب و جزو فلکه آستانه گردید).

مدرسه مدرن و زیبای دیگری به نام امام جعفر صادق (ع) در جنب مسجد شاه مشهد و نزدیکی (مدرسه سلیمان‌خان) بنا نموده‌اند که از جهت معماری و زیبایی از مدارس نمونه علمی معاصر محسوب می‌گردد.

در این ایام که مشغول به تحریر این سطور می‌باشم معظم‌له مبتلا به کسالت شدیدی شده که برای معالجه به تهران آمده ولی موثر واقع نشده به مشهد مراجعت و در یکی از دهات اطراف مشهد بستری و دوران نقاهت و بیماری را می‌گذرانند. من‌الله‌علی المسلمین بشفاء وجوده انشاء‌الله.

آثار علمی آن جناب از این قرار است.

۱- شرح استدلالی به کتاب صلوه شرایع ۲- کتاب استدلالی در اجاره.

۳- کتاب استدلالی در مزارعه و مسافات ۴- کتاب در مبحث اوامر تا آخر استصحاب.

۵- کتاب در مضاربه استدلالی ۶- کتاب در تفسیر جزو عمه آخرین جزو از قرآن.

۷- رساله در بحث مشتق ۸- رساله در تحقیق صلوه جمعه.

۹- رساله در منجزات مریض ۱۰- رساله در تأمین والیا نصیب (قرعه‌کشی)

۱۱- رساله در احکام جلود و غیره ۱۲- حواشی بر کتاب الهدی الی دین المصطفی.

۱۳- حاشیه بر وسیله النجاه ۱۴- حاشیه بر عروء‌الوثقی و غیره.

آیت‌الله میلانی دارای دو برادر به نام حاج سید موسی و حاج سید کاظم و سه پسر به نام ۱- حجة‌الاسلام حاج سید نورالدین مقیم شهر ری ۲- حجة‌الاسلام حاج سید عباس مقیم نجف ۳- آقای حاج سید محمدعلی مقیم مشهد و یک دختر می‌باشند. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

میلانیان، ایرج

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فارماکولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی ایران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

میلانیا، هرمز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

خلاصه: هرمز میلانیا در سال ۱۳۱۶ در تهران متولد شد. وی تحصیلات عالی خود را در رشته زبان شناسی با گرایش های زبان شناسی ساختگرا و نقشگرا در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه پاریس ادامه داد و موفق به اخذ درجه دکترا شد. از فعالیت های تخصصی دکتر میلانیا می توان به تدریس در دانشگاه تهران و دانشگاه های خارج از کشور اشاره کرد. همچنین سرپرستی پژوهشهای زبان شناسی در داخل و خارج از کشور بر عهده داشته است. وی عضو انجمن زبان شناسی پاریس و انجمن جهانی زبان شناسی نقشگرا است و تالیفات متعددی منتشر کرده است.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان شناسی

گرایش: زبان شناسی عمومی

والدین و انساب: هرمز میلانیا، در سال ۱۳۱۶ شمسی در تهران متولد شد. پدر هرمز ناخدا حسن میلانیا فرمانده ناو «پلنگ» بود که در جمله متخلفین به ایران (روسها از شمال و انگلیسی ها از جنوب) هنگام دفاع از آبادان زخمی و پس از انتقال به تهران در ۳۸ سالگی به درجه شهادت نائل آمد. مادرش درخشنده شیمی مسئولیت بزرگ کردن و تربیت هرمز و برادر کوچکتر هومان را بر عهده گرفت.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: هرمز میلانیا تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران در دبیرستانهای شرف و دارالفنون سپری نمود. علاقه ای که به ادبیات به ویژه ادبیات فارسی داشت موجب گردید که پس از دریافت دیپلم متوسطه در رشته ادبی و موفقیت در امتحان ورودی دانشکده ادبیات تهران به سال ۱۳۳۴، در رشته ادبیات فارسی ادامه تحصیل دهد. در سال ۱۳۳۷ پس از اخذ درجه لیسانس در رشته ادبیات فارسی، علاقه ای که بهر زبان فارسی و آموختن زبانهای بیگانه داشت وی را مصمم کرد که به تحصیل در رشته «زبان شناسی» پردازد با این که تصویر چندان روشنی از این دانش کما بیش نوین نداشت. در شهریور ماه ۱۳۳۹ (۱۹۶۰) شرایط ادامه تحصیل در این رشته برای او پیش آمد و به پاریس رفت. در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه پاریس (سربن) نام نویسی کرد و با زبانشناسی ساختگرا و به ویژه نقش گرا آشنایی نزدیک پیدا کرد. در مدت پنج سالی که در پاریس اقامت داشت به اخذ دو «گواهینامه عالی» در «زبان شناسی عمومی» و «آوا شناسی» و درجه دکتری در «زبانشناسی عمومی» (با قید «بسیار مفتخر») نائل شد. [از زبان میلانیا، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شهریور ۱۳۷۹]

استادان و مربیان: هرمز میلانیا در دانشگاه تهران از استادانی چون استاد فروزانفر، استاد همایی، استاد مدرس رضوی، دکتر معین، دکتر خانلری، دکتر مقدم، دکتر صفا، دکتر کیا، دکتر خطیبی و بانو نفیسی بهره مند شود. در فرانسه به عنوان نخستین دانشجوی ایرانی «آندره مارتینه» زبان شناس برجسته فرانسوی با زبانشناسی ساختگرا و نقشگرا آشنا شد.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: هرمنز میلانیان، پس از مراجعت از فرانسه به ایران در سال ۱۳۴۴، در «بنیاد فرهنگ ایران» مسئولیت پژوهش در زمینه تاریخ زبان فارسی را زیر نظر دکتر پرویز خانلری، بر عهده گرفت. در نیمه دوم سال تحصیلی ۴۵-۱۳۴۴ پس از موفقیت در امتحان استاد یاری به عنوان استاد یار زبان شناسی در گروه «زبان شناسی همگانی و زبان‌های باستانی» دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران - که بنیانگذار آن مرحوم دکتر مقدم بود - به استخدام رسمی در آمد. در شهریور ماه ۱۳۴۹ به عنوان استادیار مهمان، به مدت یکسال تحصیلی به دانشگاه ایلینوی در شهر اوربانا برای تدریس زبان فارسی اعزام شد. پس از مراجعت به ایران در سال ۱۳۵۰، بار دیگر به تدریس در دانشگاه تهران ادامه داد و چند سال بعد به رتبه دانشیاری ارتقا یافت. در طول سالهای ۵۰ شمسی با «فرهنگستان زبان ایران» نیز همکاری داشت و در جلساتی از کمیسیون واژه‌گزینی آن شرکت داشت. دکتر میلانیان قبل از پیروزی انقلاب به مدت یک سال و نیم به عنوان مدیر گروه زبان‌شناسی و زبان‌های باستانی دانشگاه تهران انتخاب شد.

سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: هرمنز میلانیان سرپرستی پژوهشهایی را در زمینه دستور، تلفظ و املاهای فارسی بر اساس آزمونهای میان پاسخگویان فارسی زبان برخوردار از تحصیلات لااقل دبیرستانی را بر عهده داشت. همچنین وی در چندین کنگره و همایش تحقیقات ایرانی و نیز زبان‌شناسی عمومی در ایران و خارجه از کشور شرکت کرده است. استاد میلانیان شش ماه پس از انقلاب باری استفاده از فرصت مطالعاتی که پرونده دانشگاهی آن از مدتها پیش آماده شد، عازم فرانسه گردید و کمی بعد از سوی دانشگاه (سوربن) جدید (پاریس ۳) «به عنوان استاد مهمان» برای تدریس زبان، ادبیات و زبان‌شناسی فارسی در آن دانشگاه دعوت شد، این دوره فعالیت از سال ۱۹۷۹ تا سال ۱۹۸۵ بمدت شش سال به طول انجامید. و از سال دوم سرپرستی بخش فارسی آن دانشگاه به ایشان واگذار گردید. دکتر میلانیان در شهریور ماه ۱۳۷۸ (۱۹۹۶) پس از ۱۷ سال به ایران بازگشت و از آن زمان اشتغال عهده ایشان تالیف، ترجمه و تحقیق در زمینه زبان‌شناسی عمومی و فارسی می باشد و در این زمینه با «موسسه فرهنگی شهید رواقی» انتشارات «هرمس» و نیز انتشارات «فرهنگ معاصر» افتخار همکاری دارد. دکتر میلانیان عضو انجمن زبان‌شناسی پاریس و انجمن جهانی زبان‌شناسی نقشگرا است.

آرا و گرایشهای خاص: هرمنز میلانیان در تالیفات خود، اعمال معیارهایی از زبان‌شناسی نوین بر زبان فارسی را دنبال کرده است که آن را در کارایی و پیشبرد آگاهی در مورد نظام زبان‌شناسی و نیز خط فارسی موثری می‌داند. همچنین وی کوشیده است برای اصطلاحات زبان‌شناسی نوین معادلهای فارسی مناسبی را پیشنهاد دهد که بسیاری از آنها پذیرفته شده‌اند. دکتر میلانیان هدف خود را در فعالیتهای علمی، توجه به کار برد فرهنگی و اجتماعی زبان فارسی و تقویت و گسترش آن و کم کردن فاصله میان زبان گفتار و نوشتار و مخالفت با دستور العملهای تصنعی در زمینه تلفظ و املا -

آثار:

۱ les monemes et les procedes de passage en person :de la categorie verbale a la categorie nomiale et vice versa

ویژگی اثر: این مقاله به زبان فرانسه به عنوان «تکواژه‌ها و روندهای گذر در زبان فارسی، از مقوله فصل به مقوله اسم و بالعکس» در سال ۱۹۶۸ در نشریه نیویورک شماره ۲۵، منتشر شد.

۲ Peut- on dire qu'une langue est plus difficile qu'une autre

ویژگی اثر: عنوان این مقاله «آیا می‌توان گفت زبانی از زبان دیگر مشکلتر است؟» که در نشریه زیر با مشخصات آمده منتشر شده است. Actes du ۱۸^e Colloque de la societe internationale de la linguistique fonctionnelle, grece, ۱۹۷۸.

۳ آزادی و بند در زبان

ویژگی اثر: این مقاله در جشن نامه دکتر محمد مقدم، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۲۴ و در سال ۱۳۵۵ منتشر شد.

۴ چند نکته درباره کلمه های فارسی در گذشته و حال

ویژگی اثر: مجموعه خطابه های نخستین کنگره تحقیقات ایرانی، دانشگاه تهران که در سال ۱۳۵۰ منتشر شد.

۵ چند نکته درباره وابسته های ملکی و زبان فارسی

ویژگی اثر: این مقاله در مجله سخن، سال ۲۰، شماره ۳، سال ۱۳۴۹ منتشر شده است.

۶ خنثی شدن تقابلهای دستوری در گروه اسمی زبان فارسی

ویژگی اثر: این مقاله در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال ۱۷، شماره ۲، ۱۳۴۸ منتشر شده است.

۷ درست و غلط در زبان از دیدگاه زبان فارسی

ویژگی اثر: این مقاله در نشریه فرهنگ و زندگی، شماره ۲۲-۲۱ در سال ۱۳۵۵ منتشر شد.

۸ دستگاه عدد و زبان فارسی

ویژگی اثر: این مقاله در مجموعه خطابه های سومین کنگره تحقیقات ایرانی توسط بنیاد فرهنگ ایران در سال ۱۳۵۱ منتشر شد.

۹ زبان شناسی و تعریف زبان

ویژگی اثر: این مقاله در نشریه فرهنگ و زندگی، شماره ۲، سال ۱۳۴۹ منتشر شده است.

۱۰ کاربرد زبان فارسی در زمینه علوم و فنون

ویژگی اثر: این مقاله در مجموعه سخنرانی ها در نخستین سمینار آموزش زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی وزارت علوم و آموزش عالی در سال ۱۳۵۰ منتشر شده است.

۱۱ کلمه و رمزهای آن در زبان و خط فارسی

ویژگی اثر: این مقاله در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال ۱۸، شماره ۳، سال ۱۳۵۰ منتشر شده است.

۱۲ کهنه و نو در زبان فارسی

ویژگی اثر: این مقاله در نشریه کتاب امروز، شماره ۵ و در سال ۱۳۵۲ منتشر شد.

۱۳ کوتاه ترین جمله و ساختمان آن در زبان فارسی

ویژگی اثر: این مقاله در پژوهشنامه فرهنگستان زبان ایران، شماره ۱ در سال ۱۳۵۴ منتشر شد.

۱۴ گسترش و تقویت فرهنگی زبان فارسی

ویژگی اثر: این کتاب توسط انتشارات کاویان در سال ۱۳۵۱ منتشر شد. منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com/>

میناگر، غلامرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غلامرضا میناگر

محل تولد: بروجرد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

غلامرضا میناگر در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی در شهرستان بروجرد در میان خانواده‌ای مذهبی، فرهنگی به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی را در مدرسه گویای شهرستان دورود با مدیریت پدر خود به اتمام رساند. سپس دوره متوسطه را با بازگشت خانواده اش به بروجرد ادامه داد. و در این میان علاقه مفراط به علوم دینی و الهی پیدا نموده بود به طوری که قصد داشت تا قبل از انقلاب که دوران نوجوانی وی بود؛ به حوزه علمی قم مقدسه هجرت کند اما مواجه با ممانعت‌هایی می شد.

پس از انقلاب شکوهمند اسلامی و در اولین بهار تحصیلی به این درمان جامعه عمل پوشاند (سال ...) در مدرسه علمیه ولیعصر همان شهر به تحصیل دروس مقدماتی پرداخت که در سال بعد به قم به منظور درک بیشتر و بهتر اساتید مهاجرت نمود. او پس از اتمام مقدمات خود در مدرسه امام صادق (ع) سطح را از محضر اساتید برجسته حوزه علمیه قم از قبیل حضرات آیات: «وجدانی فخر (ره)»، «اعتمادی»، «پایانی (ره)» و... فرا گرفت و پس از آن بیش از ده سال از خارج فقه و اصول آیات عظام: «مکارم شیرازی» و اساتیدی چون «هادوی تهرانی» و ... بهره گرفت.

از سال ۷۲ تا ۷۶ جزء اولین دانشجویانی بود که در رشته فلسفه دانشگاه مفید وارد و مشغول به تحصیل شد. در سال ۸۲ به دفاع از پایان نامه سطح سه فلسفی خود تحت عنوان: «وحدت و کثرت از دیدگاه فیلسوفان مسلمان و غرب» پرداخت و پس از آن سه سال به فراگیری دروس تخصصی سطح سه در موسسه‌ی آموزشی و پژوهشی «فرق و مذاهب» همت گماشت و اکنون مشغول گذراندن رساله‌ی سطح چهار در حوزه علمیه قم می باشد.

ایشان از سال ۷۹ تا به کنون (۸۶)، ضمن تقبل مسئولیت دبیری گروه‌های فلسفه و کلام پژوهشگاه و نیز جلسات پاسخ به شبهات و ... از این فرصت استفاده نموده و مبادرت به نوشتن مقالات و کتاب‌هایی به منظور ارتقاء فکر فرهنگی، اعتقادی جامعه نموده است که برخی از آنها به زودی در آن موسسه به چاپ خواهد رسید. همچنین وی در خلال تحصیلات حوزه‌ای خود از توفیق تدریس دروس مقدمات و نیز فقه و اصول، منطق و فلسفه بی نصیب نبوده است.

مینوی، مجتبی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

از محققین و اندیشمندان و دانشمندان معاصر ایران در ۱۲۸۲ در سامره متولد شد. پدرش آقاشیخ عیسی شریعتمداری، در سامره از شاگردان ملا محمد تقی شیرازی بود. مینوی تا نه سالگی در سامره بسر برد و مقدمات فارسی و عربی را در همانجا فرا گرفت و چون به ایران بازگشت وارد مدارس جدید شد و در مدارس امانت و اسلام و سپهر دوره‌ی ابتدائی را فرا گرفت و سپس به دارالفنون وارد شد و در ۱۳۰۰ در دارالمعلمین مرکزی مشغول تحصیل گردید و ضمناً در مجلس شورای ملی تندنویس شد و بعد در وزارت معارف به استخدام درآمد و کتابخانه وزارت معارف را اداره می کرد. پس از فراغت از تحصیل در دارالمعلمین مرکزی در معیت اسمعیل مرات به فرانسه رفت و کار اداری به او سپردند. وقتی سید حسن تقی‌زاده وزیر مختار ایران در لندن شد او را

بعنوان سرپرست محصلین به انگلستان برد. این مأموریت بیش از نه ماه طول نکشید و به تهران احضار شد ولی ثمره‌ی این دو مأموریت یاد گرفتن زبان فرانسه و انگلیسی بود. وی قریب پنج سال در ایران بسر برد و حاصل کارش کتاب ویس و رامین و جلد اول شاهنامه فردوسی و ترجمه‌ی کتاب شاهنشاهی ساسانیان اثر کریستن سن بود. البته تنظیم شاهنامه با هدایت و سرپرستی ذکاءالملک فروغی انجام گرفت. مینوی مجدداً به انگلستان رفت و تحصیلات عالی خود را در دانشگاه گینگز کالج لندن و مدرسه مطالعات آسیائی و آفریقائی دانشگاه لندن به اتمام رسانید و در همانجا مشغول کار شد و چندی با رادیوی بی.بی.سی همکاری داشت. در سال ۱۳۲۵ بعد از پایان جنگ جهانی دوم سیدحسن تقی‌زاده سفیر کبیر ایران در انگلستان نامه‌ای به وزیر فرهنگ وقت نوشته و ضمن معرفی مراتب فضل و دانش او، درخواست کرده بود که از وی دعوت شد تا خدمات فرهنگی خود را در ایران عرضه بدارد. از این رو وزارت فرهنگ این پیشنهاد را پذیرفت و رسماً از او دعوت نمود که به خاک وطن برگردد.

مجتبی مینوی در ۱۳۲۸ به ایران بازگشت و طبق قانون خاصی به استادی دانشگاه برگزیده شد و در وزارت فرهنگ نیز به ریاست تعلیمات عالی منصوب گردید و بعد ریزن فرهنگی ایران در ترکیه شد. این مأموریت قریب چهار سال بطول انجامید. پس از بازگشت از ترکیه عضو پیوسته فرهنگستان ادب و هنر شد. آخرین سمت استاد مینوی مسؤلیت علمی بنیاد شاهنامه‌ی فردوسی بود و سرانجام در سن ۷۴ سالگی درگذشت.

مجتبی مینوی در زمان حیات کتابخانه‌ی غنی و پرربار خود را به وزارت فرهنگ و هنر اهدا کرد. تألیفات و تصنیفات و تصحیحات مینوی بسیار زیاد است، از جمله از تألیفات وی کتابهای پانزده گفتار، داستانها و قصه‌ها، فردوسی و شعرا و نقد حال، تاریخ و فرهنگ، مجموعه گفتارها و نوشته‌ها در سه مجلد. علاوه بر تألیفات فارسی، تألیفاتی اعم از کتاب و مقاله تحقیقی به زبان انگلیس دارد.

پس از درگذشت استاد مجتبی مینوی، گرانمایه مرد فرهنگ ایران آقای ایرج افشار در بزرگداشت این مرد بزرگ حق مطلب را ادا نموده و یک شماره از نشریه راهنمای کتاب را اختصاص به محامد و مناقب و شناخت واقعی ایشان اختصاص داد و خود نیز سرلوحه این کار را در دست گرفته آنچه در دل داشت بر روی کاغذ آورد. بهتر آن دیدم که از اظهارنظرهایی که درباره‌ی این مرد کم‌نظیر شده است تکه‌هایی را نقل نمایم. استاد ایرج افشار می‌نویسد:

مینوی در چندین زمینه از معارف و علوم مربوط به ایران و اسلام کار کرد و آثاری دست اول و ماندگار برجای گذاشت. شاید در مقام سنجش بتوان خدماتی را که در زمینه‌ی تصحیح متون مهم زبان فارسی انجام داده است در صف مقدم قرار داد. کلیله و دمنه، ویس و رامین، نامه تفسیر، دویان ناصر خسرو، سیرت جلال‌الدین، نوروزنامه، عیون‌الحکمه، السعاده والاسعاده، تحریمه القلم سنائی، نورالعلوم ابوالحسن خرقانی، نصایح‌الملوک سعدی، مصنفات بابا افضل مرقی کاشانی (با همکاری یحیی مهدوی)، اخلاق ناصری، و بالاخره شاهنامه‌ی فردوسی که داستان رستم و سهراب آن را بعنوان نمونه منتشر ساخت، از متونی است که هریک به جہتی و مناسبتی در درجه‌ی اول اهمیت و از امهات نوشته‌های ایرانی است. مینوی در تصحیح هریک از آنها سعی کاملی بکار برده است، هم از این حیث که نسخ معتبر را در تصحیح اختیار کرده و روش علمی و انتقادی مرسوم میان غربیان و نقدشناسان را در آنها بکار گرفته است، و هم از این حیث که تنظیم عبارات، صفحه‌بندی و نوع حروف و دقت در غلط‌گیری آنها پسندیده باشد ناگزیر همه‌ی آثارش نمونه است و از جهات متعدد شاخص شده است. از حق نباید گذشت که هنوز متنی به نفاست و صحت و آراستگی کلیله و دمنه مینوی در ایران نشر نشده است و تردید نباید داشت که روش علمی متخذ و مختار مینوی در تصحیح متون مایه آموزش دیگران نیز قرار خواهد گرفت...

شادروان دکتر عباس زریاب خوئی که خود در صف اول پاسداران زبان و ادبیات فارسی قرار داشت، درباره‌ی استاد مینوی می‌نویسد: ... مینوی عاشق زبان فارسی و ادب و فرهنگ ایران بود و این عشق با آب و گل او آمیخته بود. دوستی‌ها و دشمنی‌های با

اشخاص بر سر همین معشوق بود و من به یاد ندارم که مینوی با کسی بر سر اسباب دنیوی نزاعی داشته باشد. هدف حملات او کسانی بودند که بزعم او با نداشتن صلاحیت لغت‌سازی و اشتقاق بازی می‌کردند و یا متون قدیم را با بی‌دقتی بچاپ می‌رساندند و یا فلان کلمه را در جای خود بکار نمی‌بردند.

این امر شاید در نظر بسیاری از مردم جهان صنعتی عصر ما غریب و خنده‌آور جلوه کند اما او فارسی و ادب آن را تا حد عشق ستایش می‌کرد و کدام عاشقی است که ننگ حمله و بی‌احترامی به معشوق را تحمل کند؟ روانش شاد که عاشقی صادق و پاکباز بود و نقد عمر عزیز و جان گرامی را در راه معشوق معنوی خود نهاد.

سید محمدعلی جمال‌زاده محقق و نویسنده‌ی کهنسال چنین نوشته است:

وفات استاد مجتبی مینوی بلا- تردید برای ما و کشور ما ضایعه‌ی بزرگی است. مردی بود از خاندان فضل و تقوی و به تمام معنی کلمه اهل علم و تقوی و در این رشته کاملاً- به سبک و شیوه‌ی علمی و فنی شادروان علامه محمد قزوینی عمل می‌کرد و از مؤسسين دست اول این طریقه یا باصطلاح امروز (مکتب) بشمار می‌آمد. مینوی گذشته از دانش و بینش پهناور و عمیق دارای مکارم اخلاقی چنانی هم بود، الحق سزاوار است پیشوا و سرمشق و مربی و مرشد بسیاری از جوانان دانش‌پژوه که عشق و شور و تتبع دارند واقع گردد. مینوی حرفی را می‌زد که حرف راست بود و حرف راست را بی‌پیرایه و دلیرانه بر زبان و قلم جاری می‌ساخت و تا جایی که بر راقم این سطور معلوم است هیچگاه دیده نشد که در راه علم و حقیقت‌گوئی مدهانه و مجامله و خوش‌آمد گوئی و ملاحظه‌کاری را جایز شمارد، چنانکه گاهی بنظر می‌رسید که در رنجاندن جمع تعمدی دارد، اما می‌دانیم که بلااختیار همواره درصدد بود به ما بنماید که از گفتن حقیقت تلخ هم نباید رو تابد و آنچه به گفتن می‌ارزد همانا حقائق تلخ است. مجتبی مینوی وجود ذی‌جود و پرفیض و برکتی بود و بیم آن می‌رود که ما دیگر به این آسانی‌ها نظیر و عدیل او را بدست نیاوریم. اما در دیار ما باب فیض هیچگاه مسدود نبوده است و باید امیدوار بود که از برکت نفس گرم و دم مسیحا اثر استاد مینوی و در اثر زندگی و کار و کوشش و عمل مستدامی که نیم قرن تمام ادامه بلاانقطاع داشت و امروز می‌توان آنرا به «رسالت» تعبیر نمود در میان جوانان، پیروان با ایمان و حواریون با اعتقاد راسخ و استواری پیدا کند که راضی نشوند مشعلی که او روشن ساخته است به آسانی خاموشی پذیرد و با ایقان هرچه تمامتر مطمئن باشند که ترقی و پیشرفت اگر با روح و معرفت توأم نباشد ارزش واقعی نخواهد داشت.

سید حسن تقی‌زاده در مقام سفارت کبرای ایران در انگلستان، مرحوم مجتبی مینوی را به وزارت فرهنگ چنین معرفی می‌کند:

وزارت فرهنگ، البته اطلاع دارید که آقای مجتبی مینوی از فضلاء معروف مدتی است در لندن است... مشارالیه که مسلماً یکی از اشخاص فاضل و ادیب درجه اول ایران است و از حیث عمق معلومات اسلامی و احاطه بر تاریخ اسلام و ایران دوره اسلامی و زبان فارسی و عربی و ادبیات آنها، و مخصوصاً آشنائی خیلی وسیع و کامل به تحقیقات علمای مغرب در این رشته‌ها و طریقه انتقادی اروپائی و تبحر کامل در کتب اسلامی از عربی و فارسی و وقوف از کتب شرقی و غربی در این رشته مخصوصاً آشنائی به کتابخانه‌های بزرگ اروپا شاید بدون ادنی مبالغه پنج نفر نظیر در بین فضلاء ایران ندارد و فعلاً- تقریباً بیکار است و عایدی صحیحی برای معیشت ندارد. قبل از جنگ فرنگستان مشارالیه بواسطه‌ی بعضی نامالیقات به فرنگستان آمد و با زحمت شخصی خود از کمک به کارهای علمی به بعضی فرنگیها به عسرت زیاد و ضیق معیشت زندگی کرده و به زحمت سد رمق می‌توانست بکند. در موقع جنگ بکلی تنگدست شد و ناچار در اداره رادیوی انگلیس خدمتی برای نشر اخبار فارسی قبول نمود.

جای کمال تأسف است که چنین شخصی که منبع فیض و منشأ خدمت مفید به معارف ایران تواند شد بی‌استفاده (یا باصطلاح عربی غیرمستفاد) بماند و مجبور شود به کارهایی که مطابق ذوق و طبع او نیست و فایده‌ای هم برای ملتش ندارد مشغول شود. اگر از فضل و علم او قدردانی شده بود حتی در زمان جنگ هم به کار تبلیغات نمی‌پرداخت و راضی‌تر بود که نصف عایدی آن شغل

از ممر دیگر خدمت به علم به او برسد و از آن کار کناره گیرد.

تصور کردم که حالات معارف ایران نهضتی دارد و ارباب ذوق و شوق برای معارف ملی و تاریخی و زبان و ادبیات خودمان در تزیید است مخصوصاً وزیر معارف فعلی خودشان از اهل این رشته از معرفت و از فضیلت مملکت ما هستند، روا نیست که توجهی به آقای مینوی نشود و تذکر را مجاز شمردم و یقین دارم وقتی خاطر شریف جناب آقای وزیر متوجه این مطلب بشود بذل عنایتی که در خور آنست فرموده، دستور اقدامی برای استفاده از کمالات این شخص مغتنم خواهند داد و در ضمن کمکی به معیشت آقای مینوی خواهند فرمود که بسیار حیف است که چنین مرد فاضلی که باید تمام اوقات وی صرف تألیف و نشر و تصحیح و تلیق بر کتب نفیسه تاریخی بشود، مجبور گردد به کارهای غیرمتناسب، محض سد رمق، مشغول گردد و شب چو عقد نماز بندد در فکر خوراک بامداد فرزند باشد. بدیهی است که مقصود اینجانب فقط کمک مالی تیرعی مانند وظیفه مستمری نیست که نه برای خزانه دولت مناسب است و نه بالطبع خود مینوی چنین چیزی را البته قبول نخواهد کرد. بلکه منظور آنست که از این همه کارهای علمی و ادبی و معارفی که در حیطه فعالیت وزارت فرهنگ است و شاید به صد نوع از آنها وجوهی صرف می‌شود، چیزی هم به ایشان محول و خدمتی رجوع شود که در اینجا انجام بدهند و به تناسب خدمات انجام شده حقوقی مقرر فرمائید که به او برسد. مثلاً تصور می‌کنم اگر عکس گرفتن از نسخه‌های قدیم فارسی و عربی و مراقبت به تصحیح و طبع آنها، و جمع اسناد تاریخی و تدوین رساله‌هایی راجع به کتابخانه‌های فرنگستان و قسمت شرقی آنها و همچنین کتب و مقالات علمای مستشرق اروپا و شاید مخصوصاً تهیه مجموعه‌ی خیلی کاملی از فهرست کتبی شرقی که در اروپا موجود است و کتبی که فرنگیها در باب ایران نوشته‌اند، همچنین خرید و تهیه کتب مفیده در این رشته‌ها برای کتابخانه‌های دولتی و ملی ایران و کتابخانه مجلس و غیره شاید نوشته مقالات علمی در مجلات علمی ایران مانند مجله آموزش و پرورش و نیز راهنمایی به محصلین ایرانی که برای تکمیل موقت در رشته‌های زبان و تاریخ شرقی به فرنگستان می‌آیند و سعی منظم در ارسال کلیه اخبار علمی جدید و کتب و مقالات منتشره در اروپا و آمریکا در باب ایران و اسلام به وزارت فرهنگ و نظیر اینها به او رجوع شود، مناسب است و اگر خواسته شود ممکن است تألیف یا ترجمه‌ی بعضی از کتب مخصوصاً به ایشان رجوع شود و هکذا. و نیز مشارالیه می‌تواند اگر صلاح بدانند راپورتهای جامع و عمیقی از معارف این سامان و ترتیب مدارس و مخصوصاً دارالفنون‌ها مانند آکسفورد، کمبریج و پروگرام آنها و غیره به وزارت متبوعه منظمآ ارسال دارند. اینها که ذکر شد و کارهای بسیاری نظیر آنها از عهده آقای مینوی ساخته است و بنظر اینجانب بهترین خدمتی که می‌توان به ایشان رجوع کرد، بکار انداختن مایه خود اوست در رشته علوم اسلامی یعنی تاریخ و ادبیات و زبان فارسی و عربی و کتب قدیمه شرقی که رشته‌ی اختصاصی خود اوست و باصطلاح جدید وی متخصص در این رشته است...

سفیر کبیر- سیدحسن تقی‌زاده

(۱۳۵۵-۱۲۸۲ ش)، نویسنده، مترجم، محقق و استاد دانشگاه. در تهران به دنیا آمد و همراه پدر به سامرا رفت. تحصیلات ابتدایی را در سامرا و تهران و تحصیلات عالی را در دارالفنون و دارالمعلمین مرکزی تهران و کالج سلطنتی و مدرسه‌ی مطالعات آسیایی و آفریقایی لندن گذراند. در حدود ۱۳۰۵ ش در مجلس شورای ملی سمت تندنویسی داشت و پس از آن به ریاست کتابخانه‌ی ملی رسید. او ابتدا به پاریس و سپس همراه سید حسن تقی‌زاده به لندن رفت و در ۱۳۰۹ ش سرپرست محصلین آنجا شد. پس از بازگشت به ایران در تهران با صادق هدایت، بزرگ علوی، عبدالحسین نوشین، مسعود فرزاد و مین باشیان آشنا شد و اسم ربه را برای گروه خود برگزیدند. مینوی پس از مدتی به انگلستان رفت و به کار تألیف و تدریس و تعلیم پرداخت. او مدت ده سال برای بنگاه سخن پراکنی انگلستان (بی بی سی) گفتار فرهنگی تهیه می‌کرد. پس از بازگشت به ایران در دانشگاه ادبیات و الهیات تدریس می‌کرد. او بر اثر پافشاری برای عکس‌برداری از کتابهای کتابخانه‌های ترکیه به عنوان رایزن فرهنگی ایران در ترکیه منصوب شد. او بیشتر عمر خود را به تحقیق در متون قدیم ادبی و تاریخی زبان فارسی گذراند و در اواخر عمر سرپرستی بنیاد

شاهنامه، که وزرات فرهنگ و هنر برای نشر درست‌ترین متن «شاهنامه» تأسیس کرده بود، را به عهده داشت. از استاد مینوی نزدیک به چهل کتاب از تألیف و ترجمه و تصحیح و حدود یکصد و شصت مقاله‌ی ادبی و انتقادی در مجلات ایرانی و خارجی به قلم او منتشر شده است. او همچنین در تهیه‌ی «فهرستی از نسخه‌های فارسی و مینیاتورهای ایرانی» کتابخانه‌ی چستربیتی ایرلند همکاری داشته است. از آثار وی: «پانزده گفتار»، درباره‌ی چند تن از رجال ادب اروپا از او میروس تا برناردشاو؛ «شیر و خورشید»، «اطلال شهر پارسه تخت جمشید»، ترجمه؛ «داستان هزار داستان»، ترجمه؛ «شاهنشاهی ساسانیان»، ترجمه؛ «کشف دو لوح تاریخی در همدان»، ترجمه؛ تصحیح و توضیح «ترجمه‌ی کلیله و دمنه» نصرالله منشی؛ تصحیح «راحه‌الصدور و آیه‌السرور»، در تاریخ سلجوقیه ایران و عثمانی، نجم‌الدین ابوبکر محمد بن علی راوندی؛ تصحیح «داستان ویس و رامین» فخرالدین اسعد گرگانی؛ تصحیح دو سوم «سیاست نامه»، تصحیح «عیون الحکمه» ابن سینا؛ تصحیح «السعادة و الاسعاد» ابوالحسن العامری؛ تصحیح و تعلیقات «سیرت جلال‌الدین منکبرنی» شهاب‌الدین محمد خرندزی؛ تصحیح و توضیح «دیوان» ناصر خسرو، با همکاری دکتر مهدی محقق؛ تصحیح «نوروزنامه» خیام؛ مقدمه‌هایی بر کتب مختلف از جمله کتاب «مازیار» صادق هدایت و «تفسیر قرآن پاک»، [۱].

برگرفته از کتاب: شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه: [۱] ادبیات نوین (۱۳۲، ۸۸، ۷۷)، از نیما تا روزگار ما (۲۲۰-۱۷۹)، شخصیت‌های نامی (۴۶۶)، دایرة‌المعارف فارسی (۲/۲۹۷۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۵۸، ۳۳۷۷، ۳۳۶۶، ۳۲۳۳، ۳۰۲۹، ۲۸۵۴، ۲۶۷۶، ۲۶۳۸، ۲۲۹۴، ۲۱۸۹، ۲۰۸۷، ۲۰۵۸، ۱۷۹۷، ۱۶۹۴، ۱۶۱۲/۲، ۱۳۴۰، ۹۳۲، ۸۹۵، ۸۷۵، ۵۷۵، ۵۸۶، ۳۰۲، ۲۷۷، ۲۴۴، ۱/۳۴)، لغت نامه (ذیل / مینوی)، مؤلفین کتب چاپی (۱۸۲-۱۷۹/۵).

میهنی، مجدالدین، محیی‌الدین، ابوالفتح اسعد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۲۷/۵۲۳ ق)، فقیه شافعی و مدرس. شیخ شافعی در عصر خود و در فقه و خلاف متقدم و متبحر بود. نسبتش به میهنه، از قرای خاوران مابین سرخس و ابیورد می‌رسد، اما ذهبی میهنه را قریه‌ای نزدیک طوس می‌داند. در مرو فقه آموخت و از ابوالمظفر سمعانی و موفق هروی فقه و از ابو عبدالله فراوی اصول را فراگرفت. سپس به غزنه رفت و در آنجا شهرت یافت و بزرگان بسیاری در محضرش تلمذ کردند تا جایی که ابواسحاق غزی شاعر او را مدح نمود. وی سپس از آنجا به بغداد رفت و چندین سال در مدرسه نظامیه‌ی بغداد تدریس کرد. اما به گفته‌ی ذهبی او پس از شش سال تدریس عزل و چهار سال بعد دو مرتبه عهده‌دار تدریس نظامیه‌ی بغداد شد و شاگردانی تربیت نمود. او در سفر آخر خویش که به صورت پیکی از جانب سلطان محمود سلجوقی به سوی سلطان سنجر به مرو می‌رفت، در همدان درگذشت. ابوسعید سمعانی او را ستوده است. سبکی در «طبقات الشافعیه» او را اسعد بن محمد بن ابی نصر خوانده است. از آثارش: «التعلیقه»، در اختلاف آرای فقهی علما؛ «الطریقه فی الخلاف و الجدل».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ الحفاظ (۴/۱۲۸۸)، روضات الجنات (۲/۸)، ریحانه (۸۴-۸۳/۶)، سیر النبلاء (۶۳۴-۶۳۳/۱۹)، شذرات الذهب (۴/۸۰)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۲۳۰-۲۲۹/۲)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۴۳-۴۲/۷)، العبر (۲/۴۳۰)، الکامل (۳۳۰/۸)، کشف الظنون (۱۱۱۳)، معجم المؤلفین (۲/۲۵۰)، المنتظم (۱۰/۲۳۵)، النجوم الزاهره (۵/۲۴۵)، وفيات الاعیان (۲۰۸-۲۰۷/۱)، هدیة العارفین (۱/۲۰۴).

مثنای پارسی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س پنجم م)، فیلسوف، نویسنده و شاعر. در شیراز به دنیا آمد. در مدرسه رها در شمال غربی الجزیره به تحصیل پرداخت، که این مدرسه به علت اینکه بیشتر ایرانیان و به ویژه نسطوریان در آن تحصیل می‌کردند به دبستان ایرانیان شهرت یافته بود. در اواخر قرن پنجم میلادی که این مدرسه بسته شد شاگردان ایرانی آن، از جمله مثنای پارسی، به ایران بازگشتند. آنان پس از بازگشت به میهن چندین مدرسه تأسیس نمودند و در این مدارس همان روش دبستان ایرانیان (که به آثار ارسطو اهمیت بسیار می‌داد)، را دنبال می‌کردند. به همین علت کتاب‌های زیادی به سریانی تألیف شد و عده‌ای از کتب فلسفی و منطقی را هم به پهلوی ترجمه نمودند. مدرسه ریواردشیر یا بیت اردشیر در ناحیه‌ی ارجان یکی از این مدارس بود که مثنای ریاست آن را بر عهده داشت. مثنای پارسی، طبق همان روش، ترجمه‌هایی از سریانی به پهلوی داشته و اشعاری نیز برای اجرای مراسم دینی سروده است. تألیفات او در کشورهای دور دست، حتی هندوستان رواج داشت. به دلیل توجه صاحب عنوان به فلسفه ارسطو، همچون دیگر نسطوریان، و تعلیم علوم یونانی در حوزه‌ی دینی ریواردشیر این مکان دارای اهمیتی خاص شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی (۲۱-۲۰، ۱۹)، تمدن ساسانی (۱/۱۰۸).

نائل خانلری، پرویز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۹-۱۲۹۲ ش)، شاعر، روزنامه‌نگار، نویسنده، زبانشناس و محقق. در تهران متولد شد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه، به دانشکده‌ی ادبیات راه یافت و موفق به دریافت لیسانس ادبیات فارسی شد و در ضمن تدریس، در مدارس تهران، به ادامه‌ی تحصیل پرداخت. وی با نگارش رساله‌ی «تحقیق در عروض فارسی»، موفق به دریافت درجه‌ی دکتری شد و پس از آن سمتهای مختلفی چون: کارمند اداره‌ی آموزش وزارت فرهنگ، ریاست انتشارات و روابط عمومی داتنشگاه دانشیاری زبان فارسی را بر عهده گرفت. در سال ۱۳۲۷ ش برای تکمیل تحصیلات خود به اروپا رفت و دوره‌ی انستیتو دوفونتیک زبان‌شناسی پاریس را گذراند و دو سال بعد به ایران بازگشت و با سمت استادی به تدریس تاریخ زبان فارسی مشغول شد. وی از دوران تحصیل در دبیرستان، همکاری خود را با نشریه‌ی «مهر» شروع کرد و از سال ۱۳۲۲ ش خود به انتشار مجله‌ی «سخن» پرداخت. از دیگر اقدامات او طرح سپاه دانش، تاسیس بنیاد و فرهنگ، و تاسیس یازده موسسه‌ی مختلف فرهنگی از قبیل: فرهنگستان ادب و هنر، فرهنگستان زبان، بنیاد شاهنامه، انجمن فلسفه و حکمت، استاد فرهنگی آسیا، که پس از پیروزی انقلاب همه‌ی این موسسات درهم ادغام، و به نام موسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی درآمد. دکتر خانلری، شاعری توانا بود و انواع شعر را با مهارت و زیبایی می‌سرود. معروفترین شعر بلندی که سبب شهرت او شد، منظومه‌ی «عقاب» است. دکتر خانلری در بیمارستان آبان تهران درگذشت و در بهشت زهرا دفن شد. از آثار وی: ۱- تألیفات: «تاریخ زبان فارسی»، در سه مجلد؛ «وزن شعر فارسی»؛ «زبان‌شناسی»؛ «دستور زبان

فارسی؛ «شهر سمک»؛ ۲- تصحیح: «دیوان حافظ»؛ «سمک عیار»؛ «داستانهای بید پای»؛ ۳- ترجمه: «شاهکارهای هنر ایرانی»؛ «تریستان و ایزوت»؛ ۴- شعر: «ماه در مرداب».
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: از بهار تا شهریار (۴۶۹-۴۶۲)، چون سبوی تشنه (۱۰۳-۱۰۲)، سخنوران نامی معاصر (۱۲۶۲-۱۲۵۴/۲)، شخصیت‌های نامی (۱۷۵-۱۷۴)، صدف (۲۶۰-۲۴۷)، فرهنگ سخنوران (۲۹۹)، مولفین کتب چاپی (۱۷۰-۱۶۷/۲).

ناتلی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شهرت ابو عبدالله ابراهیم بن حسین الناتلی، از مشاهیر رجال قرن چهارم هجری قمری. وی شاگرد ابوالفرج بن الطیب و استاد ابوعلی سینا بود و در منطق و ادبیات دست داشت.
برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

نادر پور، نادر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نادر نادرپور، به روز شانزدهم خردادماه ۱۳۰۸ هجری خورشیدی در تهران زاده شد. وی پس از گرفتن لیسانس زبان فرانسه از دانشگاه سوربن، به تهران بازگشت و در طول سالیان متمادی، نخست در بخش خصوصی و سپس به عنوان کارشناس پیمانی در وزارت فرهنگ و هنر، به انتشار ماهنامه‌های "هنر و مردم" و "نقش و نگار" ادامه داد و مدتی مسئولیت سردبیری آنها را بر عهده داشت. سپس در سال ۱۳۴۳، برای تکمیل مطالعات خود در زبان و ادبیات ایتالیایی به آن سرزمین رفت و در شهرهای پروجو و رم به تحصیل پرداخت. پس از بازگشت به ایران، از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۷، سمت سرپرستی گروه ادب امروز را در رادیو تلویزیون ملی ایران عهده دار بود و برنامه‌هایی درباره زندگی و آثار نوآوران ادب معاصر ساخت. در مرداد ماه ۱۳۵۹ از تهران به پاریس رفت و تا اردیبهشت ماه ۱۳۶۵ در آن شهر اقامت داشت. در همانجا، به عضویت افتخاری اتحادیه نویسندگان فرانسه برگزیده شد و در مجامع و گردهمایی‌های گوناگون شرکت جست و سخن راند. در بهار سال ۱۳۶۵ به دعوت بنیاد فرهنگ ایران در بوستون، عازم آمریکا شد و از آن پس، به سخنرانی‌های متعدد در دانشگاه‌های هاروارد، جرج تاون، یو.سی.ال.ای، برکلی و اروین پرداخت و پاره‌ای از برنامه‌های ادبی و فرهنگی خود را، چه از طریق تدریس در کلاسها و چه از راه سخن گفتن در رادیو و تلویزیون، آغاز کرد. نادر پور در بهار سال ۱۳۷۹ در آمریکا از دنیا رفت. گروه: علوم انسانی‌رشته: زبان خارجی‌تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: نادر پور دوره‌های دبستان و دبیرستان را در تهران گذراند سپس برای تحصیل در رشته ادبیات فرانسه به دانشگاه سوربن پاریس رفت. او همچنین در سال ۱۳۴۳، برای تکمیل مطالعات خود در زبان و ادبیات ایتالیایی به آن سرزمین رفت و در شهرهای پروجو و رم به تحصیل پرداخت. زمان و علت فوت: نادر نادر پور در بهار سال ۱۳۷۹ در آمریکا از دنیا رفت. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: نادرپور پس از گرفتن لیسانس به تهران بازگشت و در طول سالیان متمادی، نخست در بخش خصوصی و سپس به عنوان کارشناس

پیمانی در وزارت فرهنگ و هنر، به انتشار ماهنامه های " هنر و مردم " و " نقش و نگار " ادامه داد و مدتی مسئولیت سردبیری آنها را بر عهده داشت. از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۷، سمت سرپرستی گروه ادب امروز را در رادیو تلویزیون ملی ایران عهده دار شد و برنامه هایی درباره زندگی و آثار نوآوران ادب معاصر ساخت. فعالیتهای آموزشی: نادر پور پاره ای از برنامه های ادبی و فرهنگی خود را، چه از طریق تدریس در کلاسها و چه از راه سخن گفتن در رادیو و تلویزیون، ارائه می کرد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: نادر پور در مرداد ۱۳۵۹ از تهران به پاریس رفت و تا اردیبهشت ۱۳۶۵ در آن شهر اقامت داشت. او در همانجا، به عضویت افتخاری اتحادیه نویسندگان فرانسه برگزیده شد و در مجامع و گردهمایی های گوناگون شرکت جست و سخن راند. در بهار سال ۱۳۶۵ به دعوت بنیاد فرهنگ ایران در بوستون، عازم آمریکا شد و از آن پس، به سخنرانی های متعدد در دانشگاه های هاروارد، جرج تاون، یو.سی.ال.ای، برکلی و اروین پرداخت. چگونگی عرضه آثار: ۱۳۶۷ هفت جلد از این مجموعه ها با چاپ های متعدد در تهران و هشتمین آن، نخست در پاریس و سپس همراه جلد نهم توسط شرکت کتاب در لوس آنجلس منتشر شده است. علاوه بر این مجموعه ها، دو جلد برگزیده اشعار نادر نادرپور نیز در تهران، بارها به طبع رسیده است. از این اشعار، ترجمه های گوناگون به زبانهای فرانسه، انگلیسی، روسی، آلمانی، و ایتالیایی انتشار یافته است. نادر پور، اشعار بسیاری از شاعران بزرگ فرانسوی و ایتالیایی را به فارسی ترجمه کرد و مجموعه ای از آثار گروه اخیر را زیر عنوان " هفت چهره از شاعران معاصر ایتالیایی " به همراهی " بیژن اوشیدری " انتشار داد.

نادری کازرونی، محمد ابراهیم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۶۰ / ۱۲۵۸ - ۱۱۷۵ ق)، طیب، عالم، صوفی و شاعر، متخلص به نادری. معروف به حاجی میرزا ابراهیم حکیمی. در کازرون به دنیا آمد. در جوانی برای ادامه تحصیل به شیراز رفت. حکمت طبیعی را نزد عمویش که در دوران زندیه حکیم باشی مشهوری بود، فراگرفت. وی بارها به همراه پدر خود برای تحصیل علوم متداوله به عتبات عالیات مسافرت کرد. در ۱۲۱۸ ق همراه محمدنبی خان شیرازی، نماینده سیاسی ایران در هندوستان، به آن کشور رفت و پس از چندی به ایران بازگشت. عاقبت در شیراز متوطن شد و به خدمت میرزا ابراهیم در علوم عقلی و نقلی، فنون طب، هیئت و حساب و هندسه مهارت و در زمینه شعر نیز طبعی خوش داشت و قصاید و غزلیات و ترجیعات بسیاری سرود. به آورده‌ی بعضی از تذکره‌ها وی با رضاقلی خان هدایت معاصر و معاشر بوده است. نادری در شیراز در گذشت. در سال مرگ وی اختلافاتی وجود دارد. از آثارش: مثنویات: «گلستان خلیل»، «مشرق‌الاشراق»، «انفس و آفاق»، «منهج‌العشاق»، «شایق و مشتاق» و «چهل صباح». در «حدیقه‌الشعراء» دو مثنوی اول تحت نامهای «گلستان خیال» و «شرق‌الاشراق» ذکر شده است. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: آثار عجم (۳۲۹ - ۳۲۸)، حدیقه‌الشعراء (۱۷۸۵ - ۱۷۸۳ / ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۱۰ - ۶۰۷ / ۵)، الذریعه (۲۹۵ / ۱۹، ۲۲۰ / ۱۸، ۲۳۰ / ۱۳، ۱۱۴۹ / ۹)، ریاض‌العارفین (۳۲۷ - ۳۲۰)، ریحانه (۹۲ / ۶)، شرح حال رجال (۳ / ۶)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۴۴۷ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۹۰۷)، گلزار جاویدان (۱۵۸۲ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / نادری کازرونی)، مجمع‌الفصحا (۱۰۳۴ - ۱۰۳۳ / ۶)، مرآت‌الفصاحه (۶۳۲ - ۶۳۱)، مصطبه‌ی خراب (۱۹۳)، مکارم‌الآثار (۱۶۲۲ / ۵)، هدیه‌العارفین (۴۴ / ۱).

نادری نرمیقی، علی اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرتبه علمی: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بهداشت عمومی، دانشکده: بهداشت، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات عالی و دکترای پزشکی و درجه M.P.H در زمینه مدیریت بهداشت عمومی از دانشکده بهداشت دانشگاه تهران و درجه ماستر در زمینه مشکلات بهداشتی از دانشگاه لئوپولد بلژیک.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بهداشت، تغذیه، اجتماع و فرهنگ در جوامع شهری و روستائی، آمار بیماریهای عفونی، بهداشت محیط، راهنمائی تعداد زیادی پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

اپیدمیولوژی عملی، بهداشت عمومی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: -، تعداد مقالات به زبان خارجی: -.

زمینه علمی مقالات:

اپیدمیولوژی، طب پیشگیری، تغذیه کودکان و زنان باردار، واکسیناسیون، تنظیم خانواده و کنترل جمعیت بهداشت محیط، بهداشت مادران و کودکان، کنترل بیماریهای شایع در ایران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

نادری، شاهرخ

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: زنان و مامائی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

نادری، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد نادری

محل تولد: شاهرود

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۰ در روستای «متیان شاهرود» متولد ابتدا در آنجا راهنمایی و دبیرستان را در علی آباد گرگان و دیپلم در آنجا اخذ نمودم. بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی عازم قم شده، سال ۱۳۵۹ علوم قم و تا سال ۱۳۶۸ سطح را به پایان رساندم و همزمان ۲ سال در جبهه بودم. سال ۱۳۷۲ وارد تخصصی حوزه شدم با دو تا گواهی درس خارج، سال ۷۶ فارغ التحصیل شدم. ۷۸ - ۷۷ پایان نامه را نوشتم. سال ۱۳۸۰ دفاع کردم. سال ۸۱ - ۸۰ سطح چهار حوزه را اخذ نموده در کنار آن از سال ۱۳۷۲ مشغول تدریس در دانشگاه علوم انتظامی بوده و تالیفاتی نیز داشتم.

سال ۱۳۸۳ عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی در آمدم و یک مقاله علمی در نشریه علمی و ترویجی فصل نامه دانشگاه علوم انتظامی چاپ شد. دو تا گرایش درسی معارف، تاریخ اسلام و اخلاق را اخذ نمودم و دو مقاله ارائه نمودم. اکنون نیز حدود ۳۰ - ۲۵ اثر چاپ شده دارم. فعلاً مشغول تدوین مقاله و کتاب جدید نیز می باشم. ضمناً به عنوان استاد راهنما در موضوعات معارفی نیز می باشم. اکنون نیز مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم انتظامی می باشم

نادعلیان، محمدقلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای دام کوچک، دانشکده: دامپزشکی، دانشگاه: تهران. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

نادم، محمدحسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسن نادم

محل تولد: شهرضا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجناب محمد حسن نادم پس از گذراندن دوران ابتدائی و ۲ سال از مقطع راهنمائی، در سال ۱۳۵۶ در سن ۱۴ سالگی جهت تحصیل علوم دینی به حوزه علمیه شهرستان شهرضا قدم نهادم. همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به قم عزیمت نمودم و با گذراندن دوران مقدمات، در مدرسه «آیه الله گلپایگانی (ره)»، در سال ۱۳۵۹ در دروسهای عمومی حوزه شرکت نمودم و از محضر اساتید بزرگواری همچون حضرات آقایان: «وجدانی فخر»، «باکوئی»، «اشتهاردی»، «محامی»، «اعتمادی»، «محقق داماد»، «پایانی» و «ستوده» دروس سطح را استفاده کردم و همزمان در دروس جنبی (رجال، درایه، اعتقادات، نهج البلاغه، فلسفه و تفسیر) از اساتید بزرگواری دیگر مانند: «آیه الله نوری همدانی»، «مکارم شیرازی»، «فاضل لنکرانی»، «مصباح یزدی»، «جوادی آملی»، «ممدوحی»، «فیاضی» و دیگر عزیزان بهره بردم.

در سال ۱۳۶۵ موفق به شرکت در درس خارج حضرات آقایان: «مکارم»، «فاضل»، «مومن»، «هاشمی شاهرودی»، «تبریزی» و «جوادی آملی» به مدت ۷ سال شدم و در ضمن این مدت در درس تفسیر «آیت الله جوادی» و فلسفه «آیه الله انصاری شیرازی» و استاد فیاضی شرکت جستم. در سال ۱۳۷۲ وارد گروه تخصصی کلام حوزه شدم و این دوره هم به پایان رساندم.

بر حسب وظیفه از طرف نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری، مسؤلیت دفتر نهاد را در دانشکده پزشکی شهرستان فسا و دفتر فرهنگ دانشگاه آزاد اسلامی همان شهر به عهده گرفتم و همزمان تدریس دروس معارف اسلامی: (منطق، تاریخ، اخلاق، فقه، مبانی اصول و...) را داشتم. در مدت حضور در دانشگاه به تدریس در حوزه علمیه خواهران و برادران آن شهرستان در دروس: (فقه، اصول، اعتقادات، اخلاق) نیز مشغول بودم. پس از بازگشت به حوزه علمیه و تکمیل دوره تخصصی کلام توفیق همکاری با نهاد محترم مقام معظم رهبری در دانشگاههای سراسری آزاد را در سمت «معاونت فرهنگی» به عهده داشتم و همزمان در دانشگاه الهیات و دانشگاه شهید عباسپور نیز تدریس داشتم.

با گذشت این دوراها در سال ۱۳۷۶ تصمیم به ماندن به طور دائم در قم گرفتم و با ادامه درس حوزه به همکاری با مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب در سمت مدیریت آموزش و پژوهش و عضویت در گروه مذاهب پرداختم. در این قسمت هم همکاری علمی اجرائی با مؤسسه فرهنگی انتظار نور داشتم و نیز همکاری با بنیاد نهج البلاغه تا اینکه سرانجام در سال ۱۳۸۱ به عضویت هیات علمی مرکز ادیان در آادم و تمام وقت به تحقیق و پژوهش پرداختم که آثار آن متعاقبا به اطلاع می رسد.

ناسی زاده، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی عمومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی شیراز در سال ۱۳۴۲، فوق تخصص جراحی عمومی از دانشگاه دترویت آمریکا در سال ۱۳۴۶، و فوق تخصص جراحی قلب از دانشگاه دترویت آمریکا در سال ۱۳۴۸.

مرتبہ علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آبسه ریه، یرقان بعد از اعمال جراحی قلب باز، درمانهای عمده و اصلی در مصدومین شدید، معاینه عروق خونی و لنفاوی، علائم و درمان زخمهای ناشی از گاز گرفتگی حیوانات و نیش حشرات، سوء تغذیه در مجروحین، سرطان و تکامل بیولوژیک انسان، تومورهای قلب، تومورهای مری، ناهنجاریهای مادرزادی مری، واریسهای اندام تحتانی و علل آن.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

تاریخچه جراحی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

ناشر الاسلام، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج سید محمدحسین ابن السید محمد بن السید نعمه‌الله بن السید محمدحسین بن السید حسن علی بن السید علی اکبر بن السید عبدالله بن السید نورالدین بن السید نعمت‌الله الجزایری بن السید عبدالله بن السید محمد بن السید حسین بن السید احمد بن السید محمود بن السید غیاث‌الدین بن السید مجدالدین بن السید نورالدین بن السید سعیدالدین ابن السید عیسی بن السید موسی بن السید عبدالله بن الامام الهمام موسی الکاظم علیه السلام.

مترجم محترم ما از علماء اعلام و آیات عظام و حجج اسلام معاصر ما می باشند که اکثر عمر خویش را در راه تبلیغ دین و ترویج مذهب گذرانیده و تحمل مشاق و شدایدی نموده و خدماتی بنانا و بیانا انجام داده و برای انجام وظائف دینی و روحی مسافرتهاى خطرناکی نموده است.

در سال ۱۳۰۵ قمری یعنی ۸۸ سال قبل در شهر شوشتر متولد شده و در مهد علم و شرافت و مجد و سیادت نشو و نما یافته و مقدمات و سطوح اولیه را نزد علماء آن سامان خوانده در سال ۱۳۷۷ قمری مهاجرت به عراق کرده و مدتی در سامرا اقامت و از آنجا به نجف اشرف عزیمت کرده و از محضر آیات عظام میرزا علی ایروانی و شیخ محمدتقی قمشه‌ای و آیت‌الله العظمی السید ابوالحسن اصفهانی استفاده کرده است و پس از آن سفری به هند نموده برای معالجه چشم و بعد از معالجه به آفریقای شرقی رفته و یکسال توقف آنگاه به نجف برگشته و بعد از مدتی باز مسافرت به آفریقا کرده و بعد از اطلاع آیت‌الله العظمی اصفهانی از سفر

ایشان به وسیله ارسال نامه‌ای امر به توقف در آن سامان نموده برای ارشاد و به سرپرستی شیعیان آفریقا در جزیره (ماداگاسکار) توقف نموده تا موقع جنگ جهانی که ۷ سال اقامت کرده و از آنجا به زنگبار رفته و یکسال توقف و در مسجد (قوه الاسلام) آنجا امامت نموده و از آنجا به مکه مشرف و پس از اداء مناسک به نجف اشرف مراجعت کرده و در عصر آیت‌الله العظمی بروجردی هم به امر معظم‌له مسافرت سوم به آفریقا نموده و دو سال تمام توقف و انجام وظائف کرده و در آنجا به تالیف کتب دینی در فقه و عقاید و اخلاق به زبان کجراتی کرده و چون آثار ضعف و انکسار در وی بارز گشته از آفریقا مراجعت به نجف اشرف نموده تا سال ۱۳۹۱ قمری که مانند ده‌ها هزار نفر ایرانی دیگر اخراج به ایران و رحل اقامت در قم افکنده است.

آثار علمی و تالیفات ارزنده و مفیده ایشان از این قرار است:

۱- بستان اسلام در اخلاق بلغت کجراتی که دو بار در سال ۱۳۶۴ و ۱۳۶۶ به طبع رسیده ۲- نورالهدایه در فقه بلغت کجراتی در سال ۱۳۶۶ طبع شده است.

۳- وسیله الناشریه در عقاید بلغت کجراتی در سال ۱۳۶۶ منتشر شده ۴- کشکول الناشریه در لغت فارسی.

۵- اسلام و دانش در اجتماع فارسی ۶- عشرات ناشریه در مواعظ ۷- ساختمان بشر در شرح حدیث نبوی (من عرف نفسه فقد عرف ربه) ۹- طلب الثار فی احوال المختار مع ذکر تاریخ میثم ۱۰- حدیقه عاطره در مطالب دینی اخلاقیه و حکمیه و غیرها.

و آثار مخطوط دیگری دارند که هنوز به طبع نرسیده است.

(۱۳۰۵- ز ۱۳۹۱ ق)، عالم دینی. نسبش به امام موسی کاظم (ع) می‌رسد. در شوشتر به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات و سطوح در ۱۳۳۷ ق به عراق رفت، مدتی در سامرا ماند، سپس به نجف رفت و از محضر آقا میرزا علی ایروانی و شیخ محمد تقی قمشه‌ای و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نمود. آن گاه در پی معالجه چشم به هند رفت و از آنجا به آفریقای شرقی مسافرت نمود و پس از یک سال به نجف بازگشت و مجدداً به آفریقا مسافرت نمود. وی به دستور آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی عهده‌دار زعامت شیعیان آفریقا گردید و در جزیره‌ی ماداگاسکار سکونت گزید. در جنگ جهانی دوم به زنگبار رفت و مدت یک سال در مسجد قوه‌الاسلام آنجا اقامه‌ی جماعت نمود. پس از سفری به مکه به نجف بازگشت و در زمان آیت‌الله بروجردی برای بار سوم به آفریقا رفت و مدت دو سال در آنجا به تبلیغ و تألیف کتب دینی پرداخت. آنگاه به نجف مراجعت نمود و در ۱۳۹۱ ق به همراه ایرانیان اخراجی از عراق در قم سکونت گزید. از آثارش: «بوستان اثنی عشری»؛ «بوستان اسلام»، در اخلاق، به زبان کجراتی؛ «نورالهدایه»، در فقه، به زبان کجراتی، «وسیله الناشریه»، در اصول، به زبان کجراتی، «کشکول الناشریه»، فارسی؛ «العشرات الناشریه»، در مواعظ؛ «ساختمان بشر»، در شرح حدیث «من عرف نفسه...»؛ «حدیقه عاطره»، در مطالب دینی، اخلاقی و حکمی، «طلب الثار»، در احوال مختار با ذکر تاریخ میثم. [۱]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آینه‌ی دانشوران (۴۸۵)، الذریعه (۲۵/۸۵، ۲۴/۳۸۵، ۱۵/۲۶۴)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۴/۶۵۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۸۱-۲۸۰/۲).

ناصح تهرانی، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۵- ۱۲۷۷ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر. در تهران به دنیا آمد. پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه به تحصیل علوم قدیمه

پرداخت و صرف، نحو، معانی، بیان، بدیع، منطق، فقه، اصول و دوره‌ای از حکمت را نزد اساتیدی چون وحید دستگردی، میرزا رضاخان نایینی، حبیب‌الله مظفری و میرزا ابوالحسن شعرانی آموخت. وی با دو زبان عربی و فرانسه نیز آشنایی یافت. او در ۱۳۰۰ ش به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و به عنوان دبیر دبیرستان‌ها به خدمت اشتغال ورزید و به علت خدمات فرهنگی به دریافت نشان درجه‌ی اول علمی نایل گردید. وی از اعضای انجمن ادبی ایران بود و تا پایان عمر ریاست آن را برعهده داشت. لازم به ذکر است که مصلح‌الدین مهدوی، صاحب تذکره‌ی «شعراى معاصر اصفهان»، مولد صاحب عنوان را اصفهان دانسته است. از آثار وی: «اندرز ابن سعید»، ترجمه؛ «سیره‌ی جلال‌الدین یا تاریخ جلالی»، ترجمه؛ «زندگانی صلاح‌الدین ایوبی»، ترجمه؛ تصحیح و تحشیه و مقدمه «دیوان» ابوالفرج رونی، شرح «بوستان» سعدی؛ رساله‌ای در «شرح حال خاقانی»؛ رساله‌ای در «شرح حال صاحب بن عباد اصفهانی»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی شعراى معاصر اصفهان (۴۹۶- ۴۹۴)، الذریعه (۱۱۵۳- ۱۱۵۲ / ۹)، سخنوران نامی (۴۴۵- ۴۳۷ / ۲)، سخنوران نامی معاصر (۳۵۶۴- ۳۵۵۹ / ۶)، فرهنگ سخنوران (۹۱۰- ۹۰۹)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۴۹۸، ۱۴۹۹، ۱۵۸۰)، کیهان فرهنگی (س ۳، ش ۶، ص ۵۸-۵۷)، گلزار جاویدان (۳/۱۲۸۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴۲۸- ۴۲۷ / ۴).

ناصر، محمد مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر محمد مهدی ناصر در آذر ماه ۱۳۱۸ در زهان قاینات پا به عرصه وجود نهاد. ایشان دارای دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۶۱ است. وی پس از طی مراتب و مدارج علمی استادیاری، دانشیاری از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۲ به درجه استادی دانشگاه فردوسی مشهد نائل آمد. دکتر ناصر پس از ۴۴ سال خدمت آموزشی به افتخار بازنشستگی نایل گشت.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: ادبیات فارسی

والدین و انساب: محمد مهدی ناصر فرزند شیخ محمد حسین چهکندوکی است که پدرش به شغل معلمی اشتغال داشت. همه نسل‌های گذشته دکتر ناصر (۱۰ الی ۱۲ نسل) همگی اهل علم بودند. اجداد قدیمی او از کرمانشاه بودند که در عهد صفوی به ناطق خراسان آمدند. خاندان ناصر در منطقه بیرجند، خاندان بزرگی بود که به تحصیل و علم آموزی معروف بودند.

خاطرات کودکی: محمد مهدی ناصر از مدت‌ها پیش برای نوشتن شرح حال خود به نظم و نثر اقدام کرده که بخشی از آن با عنوان «فرشته یاد» در کتاب پاژ ۱۵ به چاپ رسانیده است. دکتر ناصر این دوران را به بازی کودکانه و بازیگوشی گذراند و همین امر باعث می‌شد که از طرف پدر مورد تنبیه قرار گیرد. تحصیلات ابتدایی را در روستاهای مختلف بیرجند به تحصیل پرداخت. با گویشهای محلی آن مناطق آشنا شد او از اول دبیرستان یادداشتهایی در این زمینه دارد که بعد آنها را بصورت آثاری درآورده و به چاپ رسانید. در این آثار می‌توان دویستی‌های عامیانه مردم خراسان جنوبی و شعر غم شامل رباعیهای بیرجندی و پاره‌ای از امثال و حکم بود (که در حال تدوین است) اشاره کرد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: محمد مهدی ناصر در خانواده‌ای فرهنگی و مذهبی دنیا آمد. از لحاظ اقتصادی در شرایط

متوسطی بودند. ولی در سالهای ۱۳۲۴ که سالهای قحطی بود و مادر دکتر ناصح مجبور بود که غذای خانواده را جیره بندی کند. دکتر ناصح از آن دوران چنین به خاطر می آورد: "در عین کودکی به این امر واقف بودیم که راه زندگی قناعت است. به ما گفته بودند که هر کس بخواهد دارای عقل و هوش باشد باید به اندازه گوشش نان بخورد و من سعی می کردم در همین حد به نان ساده قناعت کنم".

تحصیلات رسمی و حرفه ای: محمد مهدی ناصح دوران مدرسه را از سال ۱۳۲۴ در یکی از روستای بیرجند آغاز کرد. پس از آن دوران تحصیل در دبستان را در روستای بورنگ و بعد ادامه داد و سرانجام در دبستان شوکتیه بیرجند به پایان برد. دوران دبیرستان را در بیرجند بین سالهای ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۵ ادامه داد. در این سال بود که در آزمون دانشسرای مقدماتی بیرجند پذیرفته شد و دو سال بعد از مهرماه ۱۳۳۷ به خدمت دراداره فرهنگ (آموزش و پرورش) بیرجند درآمد و دوران معلمی را آغاز کرد. وی در سال ۱۳۴۴ در دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مشهد پذیرفته شد و این دوره را در سال ۱۳۴۹ به پایان برد و همان سال بلافاصله در دوره کارشناسی ارشد همان دانشگاه که به تازگی آغاز شده بود، به تحصیل پرداخت و دو سال بعد به عنوان اولین فارغ التحصیل دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد این دوره را با رتبه ممتاز به پایان رسانید. در سال ۱۳۵۳ به پیشنهاد زنده یاد دکتر یوسفی به دانشگاه فردوسی مشهد منتقل شد و به عنوان مربی کار آموزشی خود را در دانشگاه آغاز کرد. در سال ۱۳۵۵ که دوره دکتری در این دانشگاه تأسیس شد به عنوان نخستین داوطلب برای تحصیل در این دوره پذیرفته شد. ۶ سال بعد که وی به سال ۱۳۶۱ از پایان نامه دکتری خود با رتبه ممتاز در این دانشگاه دفاع کرد، در واقع او نخستین فارغ التحصیل این دوره از دانشگاه فردوسی مشهد نیز به شمار می آمد.

خاطرات و وقایع تحصیل: محمد مهدی ناصح در دوران تحصیل به دروس بحث و کلام بیش از همه چیز اهمیت می داد. دکتر ناصح در این باره می گوید: "قلم و کاغذ در زمان ما کمتر بود و بیشتر نوشته هایم روی لوح انجام می گرفت، لوح چوبی که بعد آن را می شستیم و خشک می کردیم و بار دیگر از آن استفاده می کردیم".

فعالتهای ضمن تحصیل: محمد مهدی ناصح در حین تحصیل به جزء مطالعه کتاب و تهیه یادداشت و همچنین تهیه مقالات و رساله به کار دیگری اشتغال نداشتند.

استادان و مربیان: مرحوم احمد احمدی (از استادان در بیرجند)، مرحوم یوسفی، دکتر فاضل، دکتر مقینی، دکتر شهابی و غیره (از دوره دانشکده) از اساتید محمد مهدی ناصح بودند.

هم دوره ای ها و همکاران: دکتر محمد رضا راشد، دکتر محمد تقی راشد، مرتضی ناصح (برادرش)، دکتر سلیمی، دکتر رفیعی و آقای باقرپور و جمعی دیگر از هم دوره ایهای دکتر محمد مهدی ناصح بودند.

همسر و فرزندان: محمد مهدی ناصح متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم آیت الهی، دبیر بازنشسته آموزش و پرورش در رشته جغرافیا است. ایشان دارای یک فرزند پسر بنام علی ناصح و دو فرزند دختر بنام های الهه ناصح و دیگری هایده ناصح. خانم الهه ناصح دارای مدرک پزشکی بود که بر اثر یک بیماری ناشناخته ای درگذشت و دومی خانه دار است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: - ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۱ مربی دانشگاه فردوسی مشهد - ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۷ استاد یار دانشگاه فردوسی مشهد - ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۴ دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد - ۱۳۷۴ تا مهر ۱۳۸۲ استاد دانشگاه فردوسی مشهد

فعالتهای آموزشی: محمد مهدی ناصح در دوره های کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه فردوسی مشهد به امر تدریس می پرداختند.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: محمد مهدی ناصح بانی یک مدرسه و همچنین دوره تحصیلات تکمیلی چند دانشگاه بوده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد مهدی ناصح در کنار تدریس به کارهای تحقیقاتی و پژوهشی و همچنین به راهنمایی رساله های دانشجویی می پردازد
جوایز و نشانها : محمد مهدی ناصح یک جایزه مشترک با همکاری دیگر همکاران در باب تصحیح تفسیر ابوالفتح رازی دریافت کرده است.

چگونگی عرضه آثار : محمد مهدی ناصح بیشتر از ۷۰ مقاله در نشریات علمی کشور بچاپ رسانیده است. او همچنین در ۳۳ کنفرانس و نشست علمی در داخل و خارج از کشور با ارائه مقاله شرکت داشته است. ایشان همچنین بیش از ۱۰۰ رساله در دوره های کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری را راهنمایی کرده است.

آثار :

۱ راهنمای نگارش و ویرایش

ویژگی اثر : انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، سال ۱۳۶۳، با همکاری آقای دکتر محمدجعفر یاحقی. چاپ شانزدهم، بهنشر مشهد، سال ۱۳۷۹.

۲ روض الجنان و روح الجنان

ویژگی اثر : مشهور به تفسیر ابوالفتح رازی، انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، در ۲۰ جلد، ؟ آقای دکتر یاحقی جلد اول و دوم سال ۱۳۷۱، جلد سوم سال ۱۳۷۰، جلد چهارم و پنجم سال ۱۳۷۲، جلد ششم سال ۱۳۷۴، جلد هفتم سال ۱۳۷۵، جلد هشتم و نهم سال ۱۳۶۶، جلد دهم سال ۱۳۶۸، جلد یازدهم و دوازدهم سال ۱۳۶۷، جلد سیزدهم سال ۱۳۶۸، جلد چهاردهم و پانزدهم سال ۱۳۶۹، جلد شانزدهم سال ۱۳۶۵، جلد هفدهم سال ۱۳۶۶، جلد هیجدهم، نوزدهم و بیستم یال ۱۳۷۵.

۳ شعر دلبر، دوبیتی های عامیانه بیرجندی دفتر اول

ویژگی اثر : انتشارات محقق، مشهد، سال ۱۳۷۳.

۴ شعر دلدار

ویژگی اثر : در دست چاپ

۵ شعر غم

ویژگی اثر : انتشارات مرکز خراسان شناسی، مشهد سال ۱۳۷۹ شامل ۲۹۲ صفحه

۶ شعر نگار، دوبیتی های عامیانه بیرجندی

ویژگی اثر : دفتر دوم انتشارات محق، مشهد سال ۱۳۷۷.

۷ گزیده «مرصادالعباد»

ویژگی اثر : انتشارات جامی، تهران سال ۱۳۷۳

۸ گنج شایگانان

ویژگی اثر : انتشارات شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، تهران سال ۱۳۷۴.

ناصر، محمد مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد مهدی ناصح

محل تولد: قایات

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۸/۹/۱

زندگینامه علمی

محمد مهدی ناصح فرزند مرحوم شیخ محمد حسین ناصح چهکندوک است. وی در آذرماه سال ۱۳۱۸ خورشیدی در روستای زهان (از محلات معتبر و آباد قاین و بیرجند) پا به عرصه‌ی هستی نهاد. خانواده، اجداد و در گذشتگاه ناصح همه اهل علم و ادب و دیانت بوده‌اند. محمد مهدی ناصح دوران کودکی و نوجوانی را به دلایلی چند «از جمله: اشتغال پدرش به کار معلمی»، در بیرجند و توابع این شهرستان سپری کرده است. این دوره از زندگی ناصح مصادف است با دوران تحول فرهنگی در شهرستانها و افتتاح پیاپی مدارس جدید در روستاها و شهرها و رواج نسبی تحصیلات و تعلیمات عمومی به شیوه‌ی جدید.

نام برده به سال ۱۳۲۴ شمسی در کلاس اول دبستان «گزیک» پای به مدرسه نهاد و تا سال دوم دبستان در همان محل سپری کرد. پس از آن جا به «بورنگ»: (محلات بیرجند) آمد و کلاس سوم و چهارم دبستان را در آن جا گذراند. پس از آن به «قصبه‌ی بجد» در نزدیکی بیرجمند انتقال یافت و سال پنجم را در آن جا تحصیل کرد و پس از آن به بیرجند نقل مکان نمود و در کلاس ششم دبستان شوکی بیرجند، ادامه تحصیل داد.

ناصر در سال ۱۳۳۱ وارد دبیرستان شد و پس از گذراندن سه ساله‌ی اول دبیرستان (سیکل اول) در دبیرستان شوکی آن زمان از سال ۱۳۳۵ در کنکور مربوط به پذیرش محصل در دوره «دانش سرای مقدماتی» شرکت کرد و در این دوره قبول شد و پس از گذراندن دوران دو ساله‌ی دانش سرا، در مهر ماه سال ۱۳۳۷ در شهرستان «قاین» به خدمت اداره فرهنگ (سازمان آموزش و پرورش فعلی) درآمد و تا سال ۱۳۴۴ در مدارس این شهر به تدریس در دوره‌ی ابتدایی اشتغال داشت.

ناصر به سال ۱۳۴۴ در دانشکده‌ی «ادبیات و علوم انسانی» دانشگاه فردوسی مشهد، دوره‌ی لیسانس پذیرفته شد و پس از گذشت مدت ۴ سال، از این دوره فارغ التحصیل شد. در تمام این مدت نیز به خدمت فرهنگی در مدارس شهر مشهد اشتغال داشته است. نیز وی در سال ۱۳۵۰ شمسی در کنکور دوره‌ی فوق لیسانس «زبان و ادبیات فارسی» دانشکده‌ی ادبیات مشهد شرکت کرد و در سال ۱۳۵۲ این دوره را به عنوان اولین دانشجوی فارغ التحصیل دوره‌ی فوق لیسانس با درجه‌ی عالی به پایان رساند. همچنین وی به سال ۱۳۵۵ در دوره‌ی دکتری «زبان و ادبیات فارسی» در دانشگاه فردوسی مشهد شرکت کرد و پذیرفته شد و سرانجام در سال ۱۳۶۱ شمسی، به عنوان نخستین فارغ التحصیل دوره‌ی دکتری زبان و ادبیات فارسی این دوره را با درجه‌ی ممتاز گذراند.

ناصر الممالک بروجردی، اسماعیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۰-۱۲۴۸ ش)، مؤسس و شاعر، متخلص به حیرت. ملقب به ناصح الممالک. در بروجرد به دنیا آمد. در شانزده سالگی همراه پدر به مکه و پس از آن به گنجه رفت و چند سال در آنجا ماند. سپس به ایران بازگشت و به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و در ۱۲۸۲ ش کودکستانی تأسیس نمود. او سرانجام در تهران در گذشت و در امامزاده حمزه دفن گردید. از آثارش: «نصایح الاطفال»؛ «دیوان» شعر. [۱]

حاجی اسماعیل خان متخلص به ناصح (و. بروجرد ۱۲۴۸. ف. تهران ۱۳۱۰ ه. ش) وی در ۱۶ سالگی با پدر به مکه رفت و مدتی در باکو، تفلیس، گنجه سیاحت کرد و در آن نقاط ادبیات فارسی را تدریس می‌کرد، سپس در تهران در خدمت معارف داخل شد و عمر خود را در تربیت اطفال و اداره‌ی کودکستان می‌گذراند. شعر نیز به حد متوسط می‌سرود. در حیاط امامزاده حمزه، جنب زاویه‌ی مرقد مطهر حضرت عبدالعظیم مدفون است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (۱۱۲۶)، الذریعه (۱۶۸/۲۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۲۷۷/۲)، گلزار جاویدان (۳/۱۵۸۶)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۶-۶۱۵/۱).

ناصر نیشابوری، ابوبکر محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۸۴/۴۸۵ ق)، فقیه حنفی، محدث، متکلم و قاضی. وی قاضی القضاة ری بود و به اعتزال گرایش داشت. از قاشی ابوبکر حیری و ابوسعید صیرفی و ابوابراهیم اسماعیل نصرآبادی و جماعتی دیگر حدیث شنید. در بغداد و خراسان حدیث گفت. محمد بن عبدالواحد دقاق و عبدالوهاب انماطی و ابوالقاسم سمرقندی و ابوبکر بن زاغولی و دیگران از وی روایت کرده‌اند. عبدالغافر در «تاریخ» خود گوید که وی فرزند امام الاسلام ابومحمد ناصحی بود. او برترین حنفی زمان خود و سرآمد در مناظره و همچنین در طب، ادب و شعر متبحر بود. وی در زمان پدرش در مدرسه‌ی سلطان تدریس می‌کرد و در عهد آلب ارسلان سلجوقی عهده‌دار قضاوت نیشابور شد و مدت ده سال در آنجا باقی ماند. پیرامون مسائلی با امام الحرمین گفتگو کرد و مورد ستایش وی قرار گرفت. ناصحی مدتی عهده‌دار منصب قضاوت وی شد. او در بازگشت از حج، در نزدیکی اصفهان، در گذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/۱۰۳)، ری باستان (۳۷۱-۳۷۰/۲)، سیر النبلاء (۲۰-۱۹/۱۹)، شذرات الذهب (۳/۳۷۲)، العبر (۳۴۸/۲)، الکامل (۸/۱۶۰)، المنتظم (۹/۶۳۹)، الوافی بالوفیات (۳/۳۳۸).

ناصر حسین، حامد حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۱-۱۲۸۴ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، محدث، رجالی و شاعر. ملقب به شمس العلماء. تحصیلات خود را در نجف گذراند و از محضر پدرش و مفتی سید محمد عباس استفاده نمود. او از سید محمد عباس روایت کرده و جماعتی از وی روایت کرده‌اند.

آنگاه به لکنه‌ها رفت و در آنجا اقامت گزید. وی از علمای امامی بزرگ هندوستان و مفتی و مرجع تقلید مردم آنجا بود. زعیم بزرگ هند، ابوالکلام آزاد، از شاگردان او بود و دو سال «نهج البلاغه» را نزد وی قرائت کرد و از اینجا بود که آزاد با روح اصول تشیع آشنا گشت. در لکنه‌ها درگذشت. از آثارش: «اثبات رد الشمس لامیر المؤمنین (ع) و دفع ما آورد علیه من الشبهات»؛ تتمیم «عقبات الانوار» پدرش؛ «المواعظ»؛ «نفحات الازهار»، در فضایل ائمه اطهار (ع)؛ «نفحات الانس فی وجوب السوره»؛ «مسند فاطمه بنت الحسین (ع)»؛ «اسبغ النائل بتحقیق المسائل»، در نه مجلد؛ «کتاب الانشاء»؛ «دیوان الخطب»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان‌الشیعه (۲۰۱-۲۰۰ / ۱۰)، الذریعه (۲۴۶ / ۲۴، ۱۱۵۴ / ۹)، ریحانه (۹۸-۹۷ / ۶)، فوائدالرضویه (۹۲)، هدیه‌الاحباب (۱۷۷).

ناصر خسرو

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۸۱ / ۴۸۵-۳۹۴ ق)، فیلسوف، متکلم، نویسنده، واعظ و شاعر، متخلص و ملقب به حجت. از آن رو که اشعارش حاوی پند، اندرز و مطالب حکمت‌آمیز بود موصوف به حکیم، حکیم ناصر یا سیدالحکماء گشت. همچنین نسبت مروزی که شاعر در «سفرنامه‌ی» خویش به آن اشاره کرده است، به سبب اقامت وی در مرو بوده که گویا مدتی در آنجا شغل دیوانی داشته است. به آورده‌ی دکتر صفا در «تاریخ ادبیات در ایران»، شهرت علوی برای ناصر خسرو مأخذ درستی ندارد و گویا ناشی از سرگذشت مجعولی است که برای او نوشته‌اند و به او نسبت داده‌اند که به پنج واسطه به امام علی بن موسی الرضا (ع) می‌رسد، و یا شاید به سبب علاقه‌ی شدید او به آل علی (ع) و اظهار این علاقه در آثار خود، یک نسبت روحانی و معنوی برای او پیدا و مشهور شده باشد و یا اینکه او را با اشخاص دیگری از قبیل سید محمد ناصر علوی قرن ششم اشتباه کرده باشند. ناصر خسرو از خاندان اعیان و اشراف بلخ بود که ثروت و املاک زیادی داشتند. در قبادیان بلخ به دنیا آمد. از کودکی به کسب علوم و آداب اسلامی پرداخت. حافظ قرآن بود و در تمام علوم متداول زمان خود از معقول و منقول و به ویژه علوم اوایل و حکمت یونان تسلط داشت. علم کلام و حکمت الهی را به خوبی می‌دانست. او در ادیان مختلف تتبع می‌کرد و گفته شده که مشکلات تورات و انجیل را به فضلالی یهود و نصاری تفهیم می‌نمود. در جوانی به دربار سلاطین و امرایی چون سلطان محمود و سلطان مسعود غزنوی و سلاجقه راه یافت و به مرتبه‌ی دبیری رسید. او در اعمال و اموال سلطانی تصرف داشت و به کارهای دیوانی مشغول بود و عنوان ادیب و دبیر فاضل گرفت و شاه وی را خواجه خطیر خطاب می‌کرد. به آورده‌ی «ریحانه‌الادب» و «تذکره‌الشعراء»، ناصر خسرو با شیخ ابوالحسن خرقانی (من ۴۲۵ ق) معاصر و معاشر بود و فنون طریقت را نزد وی فراگرفت و به تهذیب باطن و سیر و سلوک پرداخت. ناصر خسرو بعد از تصرف بلخ به دست سلاجقه در ۴۳۲ ق به مرو که تحت حکومت ابوسلیمان جغری بیگ داوود بود، رفت. وی پس از طی مقامات، در اندیشه‌ی یافتن حقیقت و پس از خوابی که در ۴۳۷ ق دیده بود، به سفر پرداخت. در همین سال بار سفر حج بست و با برادر و غلام هندی خود روانه حجاز شد. این مسافرت هفت سال طول کشید. در این سفر چهار بار حج کرد و شمال شرقی و غربی و جنوب غربی و مرکز ایران و ممالک و بلاد ارمنستان، آسیای صغیر، حلب، طرابلس، شام، سوریه، فلسطین، جزیره‌العرب، مصر، قیروان، نوبه و سودان را سیاحت کرد. توقف وی در مصر به سال طول کشید و در این مدت با مبلغان مذهب فاطمی آشنا گشت و نفوذ سخن آنان بخصوص المؤید داعی الدعاة شیرازی و آمادگی روحی خود ناصر خسرو موجب گرویدن او به مذهب اسماعیلی شد. بعد به

خدمت مستنصر بالله ابوتمیم معد بن علی (۴۸۷-۴۲۷ ق) رسید و بعد از طی مراحل و مدارج، مرتبه‌ی حجت یافت و از طرف امام فاطمیان به مقام حجت جزیره‌ی خراسان انتخاب و مأمور نشر مذهب اسماعیلی و ریاست باطنیه‌ی آن سامان گردید. در شرح حال ناصر خسرو، در کتاب «شرح سی قصیده» که به اهتمام دکتر مهدی محقق انتشار یافته و همچنین در اولین پیوست «تحلیل اشعار ناصر خسرو» آمده است: در معرّه‌النعمان با شاعر و فیلسوف نابینای عرب، ابوالعلاء معری، که متهم به الحاد و زندقه بود ملاقات کرد و در سمنان در محضر درس علی نسائی حاضر شد. وی همچنین در تبریز با قطران تبریزی و در قاین با ابومنصور محمد بن دوست ملاقات کرد. عاقبت به تهمت بد دینی و الحاد و نیز قرمطی و رافضی بودن، مجبور به ترک وطن شد. بعد از سالها سرگردانی در مازندران و نیشابور و بلخ عاقبت در حدود شصت یا شصت و سه سالگی، بین ۴۵۳ تا ۴۵۶ ق و به گفته‌ی بعضی در ۴۶۱ ق به یمگان از اعمال بدخشان رفت و به نشر دعوت و ابلاغ رسالت خود پرداخت. او سرانجام در همان شهر در گذشت و به خاک سپرده شد. در مورد سال مرگ وی اختلافاتی وجود دارد. به آورده‌ی صاحب «سخن و سخنوران»، مؤلف کتاب «بیان الادیان»، ناصر خسرو را معاصر خود می‌داند که قبل از تألیف آن کتاب (۴۸۵ ق) وفات یافته است. ناصر خسرو از قصیده‌سرایان درجه اول زبان فارسی ایران بود و به زبان عربی نیز شعر می‌سرود. از خصوصیات برجسته‌ی شعر ناصر خسرو این است که هرگز «دیوان» خویش را به مدح شاهان و امیران معاصر خویش نیالوده و آنچه را ستوده و در شعر خود آورده، همه چیزهایی است که وی از نظر اجتماعی و مذهبی به آنها ایمان داشته است. آثار منسوب به وی: «سر اسرار»، در تسخیر کواکب؛ «اکسیر اعظم»، در منطق؛ «قانون اعظم»، در علوم غریبه؛ «سعادت‌نامه»، سیصد بیت، در پند و حکمت؛ «روشنایی‌نامه»، در وعظ و پند و حکمت؛ «کنز الحقایق»؛ «تفسیر قرآن»؛ «دستور اعظم». از آثار وی: «زادالمسافرین» یا «زادالمسافر»، در کلام؛ «وجه دین»؛ «جامع الحکمتین»؛ «خوان الاخوان»؛ «گشایش و رهایش»؛ «سفرنامه»؛ «بستان العقول»؛ «دلیل المتحیرین»؛ «لسان‌العالم»؛ «دیوان» شعر. [۱]

حکیم ابومعین ناصر بن خسرو قبادیانی بلخی (۳۹۴ ه.ق - ۴۸۱ ه.ق) ملقب به «حجت» از حکما و متکلمین اسلام. در قبادیان از حوالی بلخ تولد یافت. از اوان جوانی به تحصیل علوم و فضائل و تحقیق ادیان و عقاید و مطالعه‌ی اشعار شعرای ایران و عرب پرداخت. در دوره‌ی جوانی به دربار محمود و مسعود غزنوی راه یافت. بعد از غلبه‌ی سلاجقه بر بلخ به مرو به دربار چغری بیگ رفت و تقرب یافت و به خدمت دیوانی گماشته شد. در سال ۴۳۷ ه.ق. خوابی دید و به قول خود ناگهان از خواب گران چهل ساله بیدار شد، کارهای دیوانی و اداری را رها کرده و به جهانگردی و سیر آفاق و انفس پرداخت و در سفر هفت ساله‌ی خود حجاز، آسیای صغیر، سوریه و مصر را دید. وی در ابتدا مذهب حنفی داشت؛ در مصر با اسماعیلیان فاطمی روابطی پیدا کرد و پیرو مذهب آنان گردید و از دعاء سرسخت اسماعیلیه شد و «حجت» زمین خراسان گردید. ناصر خسرو در مراجعت از این سفر به بلخ رفت و آشکارا شروع به تبلیغ عقاید اسماعیلی کرد لیکن با مخالفت فقهای متعصب سنی مواجه گردید و امرای سلجوقی درصدد کشتن او برآمدند. وی بالاخره به یمکان بدخشان گریخت و در آنجا عزلت جست و پس از عمری طولانی و آوارگی و آزار و رنجی که در آخر عمر از متعصبین و سایر مردم روزگار خود دید در یمکان وفات یافت. از آثار وی یکی «سفرنامه» اوست که بعد از مراجعت از سفر هفت ساله‌ی خود در ۴۴۴ ه.ق تألیف کرد، و دیگر زادالمسافرین که یادگار دوره‌ی آوارگی او بعد از مراجعت از سفر در خراسان و مازندران و طبرستان است، آثار مهم دیگر او عبارتند از «وجه دین»، «خوان اخوان»، «دلیل المتحیرین»، «روشنایی‌نامه»، «دیوان اشعار». مقدار ابیات دیوان او را تا سی هزار بیت نوشته‌اند، ولی آنچه اکنون در دست است حدود یازده هزار بیت است.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آتشکده‌ی آذر (۱۰۳۲-۱۰۰۹/۳)، اعیان‌الشیعه (۲۰۴-۲۰۲/۱۰)، با کاروان حله (۱۰۱-۸۵)، بهشت سخن (۲۲۳-۱۹۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/ صفحات متعدد، ۸۹۸-۸۹۳، ۴۶۹-۴۴۳/۲)، تاریخ ادبی ایران (۵۸۱-۵۸۰، ۵۷۸، ۴۴۱، ۴۰۶، ۱/۱۳۳)، تاریخ گزیده (۷۵۳)، تاریخ نظم و نثر (۶۰-۵۸)، تاریخ و عقاید اسماعیلیه (۲۵۱-۲۴۸، ۱۶۹)، تحلیل اشعار ناصر

خسرو (پیشگفتار) تذکره الشعراء (۷۳-۶۹)، تقویم التواریخ (۹۳)، چشمه‌ی روشن (۹۰-۷۶)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (۱۰۵۴-۱۰۴۸)، حبسیه در ادب فارسی (صفحات متعدد)، حبیب‌السیر (۴۵۷-۴۵۶/۲)، دایرة‌المعارف فارسی (۲۹۹۳-۲۹۹۲/۲)، دویت سخنور (۴۲۰-۴۱۷) الذریعه (۱۸/۱۰۸، ۱۹۱-۱۹۰، ۱۸۱، ۱۱-۱۰/۱۲، ۱۱/۲۷۲، ۱۱/۱۱۵۴، ۹/۳۶۱، ۳۶۰-۲۷۴/۸، ۱۵۱/۷)، روضات الجنات (۱۵۰-۱۴۹/۸)، ریاض‌العارفین (۲۳۴-۲۳۲)، ریحانه (۱۰۳-۱۰۰/۶)، سبک‌شناسی (۱۵۸-۱۵۵، ۱۵۳-۱۵۱، ۵۲/۲، ۴۲۴، ۱/۴۰۱)، سخن و سخنوران (۱۹۸-۱۵۴)، شرح سی قصیده (۱۷-۸)، شعر فارسی از آغاز تا امروز (۸۷-۸۳)، صبح گلشن (۱۱۹-۱۱۸)، طرائق‌الحقائق (۵۵۷-۵۵۶/۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۹۹-۴۹۷)، فرهنگ سخنوران (۹۱۲-۹۱۱)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۲۸-۱۲۷)، کتابشناسی حکیم ناصر خسرو قبادیانی، کشف‌الظنون (۹۹۱، ۹۹۰، ۱۴۳)، گنج و گنجینه (۵۷۵-۵۶۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ناصر خسرو)، مجالس‌النفائس (۳۴۹-۳۴۸)، مجمع‌الفصحا (۱۴۰۵-۱۳۵۹/۳)، مرآة‌الخیال (۲۸-۲۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۰۸-۵۰۳/۶)، هدیه‌العارفین (۴۸۷/۱)، هزار سال شعر فارسی (۷۰-۶۴)، هفت اقلیم (۳۵۸-۳۴۸/۲)، هفت گنج کومش (۱۳۳-۱۳۰)، یغما (س ۱۱، ش ۱، ص ۲۳، ۱۹).

ناصر منشی، ناصرالدین

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۷۳۰ ق)، مورخ و نویسنده. معروف به ناصرالدین منشی کرمانی. وی بعد از فوت پدر تحت تربیت عموی خود، شهاب‌الدین ابوالحسن علی یزدی، قرار گرفت و پس از اینکه به سن رشد رسید، عموی دیگرش که شغل دیوانی داشت، او را در خدمت دیوانی دستگاه قراختایان وارد کرد تا به مدارج بالا رسید. ناصرالدین در ۶۹۳ ق صاحب دیوان رسائل شد و پس از برکناری صفوة‌الدین پادشاه خاتون (۶۹۴-۶۰۱ ق) از کار برکنار گردید و در ۷۰۳ ق در ایام پادشاهی ناصرالدین شاه محمد بن برهان، شغل دیوانی خود را از سر گرفت. در ۷۱۵ ق به خدمت ایسن قتلغ نویان، از امرای بزرگ اولجایتو و ابوسعید بهادر پیوست و از آن پس به خدمت وزرای ایلخانان درآمد. ناصرالدین را می‌توان پیشرو نویسندگانی دانست که به تصنع در سخن و به کار بردن انواع تزیینات در آن مشتاق بودند. از آثار وی: «سمط‌العلی للحضرة العلیا»، در تاریخ سلاطین قراختایی کرمان تألیف ۷۱۶-۷۱۵ ق، که در ۷۲۰ ق نیز تتمه‌ای بر آن افزوده شد، «نسائم‌الاسحار من لطائم‌الاجبار»، در تاریخ وزراء که از وزرای خلفای راشدین شروع شده و تا وزارت تاج‌الدین علیاه (م ۷۲۴ ق) ادامه یافته است که به آورده‌ی صاحب «تاریخ ادبیات در ایران» مؤلف این کتاب بروشنی معلوم نیست؛ «دره‌الاجبار و لمعة‌الانوار»، ترجمه «تتمه صوان‌الحکمة» ابوالحسن علی بن زید بیهقی که ناصر منشی آن را به نام خواجه غیاث‌الدین وزیر، در ۷۳۰-۷۲۹ ق از عربی به فارسی درآورد.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۴۰-۱۲۳۶/۳)، تاریخ مغول (۵۲۰-۵۱۹)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۹)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان‌الحکمة (مقدمه‌ی-ی-یب)، حبیب‌السیر (۲۶۹/۳)، کشف‌الظنون (۱۰۰۲)، نسائم‌الاسحار من لطائم‌الاجبار (مقدمه/الف-یز).

ناصرالدین، عبیدالله

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

لقب خواجه عیبدالله بن محمود بن شهاب‌الدین چاچی (ف. ۸۹۶ ه.ق) معروف به خواجه احرار از مشایخ سلسله‌ی نقشبندیه. از شیخ یعقوب چرخ‌ی و نظام‌الدین خامخوشی ارشاد یافت، و به زودی خود به مقام شیخی و ارشاد رسید. سلاطین ترکستان و خراسان، خاصه سلطان ابوسعید، او را بزرگ می‌داشتند. در سمرقند در ۸۹۶ ه.ق درگذشت.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

ناصر السلطنه تبریزی، نصرالله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۴۰- ح ۱۳۱۲ ق)، خطاط. ملقب به دبیر السلطنه و ناصر السلطنه. وی مدتها عهده‌دار امور خالصه‌ی تهران و آذربایجان بود و در اواخر عمر از خاصان دربار مظفرالدین شاه گردید. ناصر السلطنه از علوم ادبی بهره داشت و زبان فرانسه را نیک می‌دانست و نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۳/۹۴۰)، شرح حال رجال (۳۴۹-۳۴۸/۴).

ناصری دولت آبادی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حضرت آیت الله حاج شیخ محمد ناصری دولت آبادی، به سال هزار و سیصد و نه هجری شمسی، در شهر دولت آباد بر خوار واقع در ده کیلومتری شهر اصفهان، در خانواده‌ای که سهمی بسزا از زهد و تقوا و دانش دینی تحصیل کرده بود؛ به دنیا آمد. پدر ایشان، زاهد متقی حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد باقر ناصری نام داشت، که خود در شمار عالمان فرهیخته آن دوران بود؛ و محضر دانشیان گرانسنگی همچون علامه آخوند کاشی و نیز جهانگیرخان قشقائی را به خوبی دریافته بود، و در شمار یاران و تلامذ مورد عنایت خاص علامه مرحوم حاج آقارحیم ارباب نیز قرار داشت ایشان به هنگام بدنی آمدن این فرزند، او را «محمدعلی» خواند، و او بعدها به نام «محمد» شهره شد. محمد هنوز در دوران خردی به سر می‌برد، که پدر به اشاره مرحوم علامه ارباب راهی نجف اشرف شد؛ تا خدمت فقیهان و عارفان بزرگ آن دیار همچون آیت الله آقامیرزا عبدالهادی شیرازی و آیت الله سید محمود شاهرودی و آیه الله آقا سید جمال‌الدین گلپایگانی را دریابد. بعد از مهاجرت پدر به نجف اشرف، حضرت آیه الله ناصری تحصیل را در همان دوران خردی آغازید. این دوران با حضور در مکتب خانه‌ای در دولت آباد آغاز، و بعد از یکی دو سال با ورود به حوزه علمیه اصفهان و تحصیل علوم ادبی رائج در آن حوزه، ادامه یافت. در این دوران که ایشان هنوز در دوران نوجوانی به سر می‌بردند، لطف امیرمؤمنان شامل حالشان می‌شود، و استاد به همراه پدر و خانواده به نجف اشرف کوچ می‌کند. ایشان در این زمان چهارده سالی بیشتر نداشته‌اند. اگر چه در نجف اشرف مشکلات و فقر و کمبود امکانات اولیه این خانواده پنج نفره را در سختی بسیار قرار می‌دهد، اما خاطرات شیرین استاد از آن دوران، نشان دهنده روحیه علم و معرفت جوی ایشان در همان آغازین دوران ورود ایشان به

نجف اشرف می‌باشد. این دوران دوسالی بیشتر به طول نمی‌انجامد؛ چه در این هنگام مادر رخت از این دنیای گذران به دار دیگر می‌کشد؛ و سعادت او را، که علیرغم غربتی که در آن شهر مقدّس داشت، در قبری در صحن مطهر علوی که فاصله چندانی تا روضه منوره نداشت، برای همیشه آرام می‌گیرد. یک سالی پس از آن، خانواده پدر به ایران باز می‌گردد، و ایشان را در سن هفده سالگی برای ادامه تحصیل در نجف اشرف تنها می‌گذارد. این دوران، با رخت کشیدن ایشان به مدرسه صدر نجف آغاز؛ و فصلی جدید در زندگی ایشان آغاز می‌شود. پدر پیش از جدائی از فرزند، او را نخست به امیر مؤمنان و زان پس به مرحوم آیت‌الله شیخ محمد حسین دهاقانی که در شمار اعلام و اوتاد آن شهر مقدّس بود، می‌سپارد؛ والحق که آن فقیه عارف فرزانه نیز در تربیت این جوان از هیچ دقیقه‌ای فروگذار نمی‌کند. در این دوران، ایشان گذشته از شرکت در دروس علمی نجف اشرف، با شماری از اهل معانی این شهر مقدّس همچون مرحوم حضرت حاج شیخ محمد کوفی نیز آشنا، و در طریق معرفت ائمه هدی دست به دامن آنان می‌زند. ایشان در این دوران، بخشی از علوم ادبی، حاشیه ملا عبداللّه، معالم‌الأصول و قسمتی از شرح لمعه را، نزد مرحوم علامه آیت‌الله مدرس افغانی فرا می‌گیرد. ادامه شرح لمعه را از محضر آیت‌الله شیخ مجتبی لنگرانی، مکاسب را از محضر آیت‌الله حاج سید عبدالاعلی سبزواری، رسائل را از محضر مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم کرونی اصفهانی که بعدها به دامادی ایشان نیز سرافراز می‌شود، کفایه را از محضر آیت‌الله حاج شیخ محمد حسین دهاقانی، و برای دوّمین مرتبه باز در محضر آیت‌الله شیخ صدرا بادکوبه‌ای، خارج مکاسب محرّمه را از محضر آیت‌الله میرزا هاشم آملی، بحث خارج صلاة آیات را از محضر آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی، و خارج بیع و خیارات را از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی امام خمینی استفاده می‌کند. گذشته از این، در شماری دیگر از دروس همچون بحث خارج کتاب الحج آیت‌الله حاج سید محمود شاهرودی نیز شرکت، و یک دوره کامل اصول فقه را از محضر آیت‌الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی فرا می‌گیرد. در این دوران، با مرحوم آیت‌الله حاج سید جواد آل‌علی که در شمار علمای کشور کویت قرار داشتند، مجالس علمی مرتبی برقرار می‌نمودند، و بخش عمده این دروس را با هم مباحثه می‌کردند. ایشان در سراسر این دوران، محضر اخلاقی/عرفانی زاهد و عارف نامدار مرحوم آیت‌الله آقا سید محمد کشمیری فرزند عارف بزرگ آیت‌الله سید مرتضی کشمیری را سخت غنیمت شمردند، و بسیار از محضر او آموختند و به عمل درآوردند. گذشته از ایشان، با بزرگان دیگری همچون مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عباس قوچانی وصی مرحوم علامه قاضی نیز آشنا و به درک محضر آنان می‌پرداختند. در این شمار است مرحوم حضرت آقا سید هاشم حدّاد، که حضرت آیت‌الله ناصر گزیده از استفاده از تعالیم ایشان، با شماری از یاران ایشان همچون مرحوم علامه طباطبائی و حاج عبدالزهراء گرعاوی نیز بواسطه همین مجالس آشنا می‌شوند. در همین دوران با مرحوم عارف بزرگ جناب حاج آقا اسماعیل دولابی نیز آشنا می‌شوند، و این آشنائی تا پایان عمر آن فقید سعید ادامه داشت. ایشان، هر از چندی که به اصفهان می‌آمدند به دیدار این دوست قدیمی نیز می‌شتافتند و در منزل از ایشان دیدار می‌کردند. عارف گمنام مولوی قندهاری که الحق سراسر عمر را به توجه و مراقبه گذرانید نیز در شمار یاران ایشان قرار داشت. میان این دو بزرگمرد، عقد اخوتی بسته شده بود، و از همین رو تا پایان عمر جناب مولوی، این دو هرگز یکدیگر را فراموش نکردند. حضرت آیت‌الله حاج شیخ حسن صافی اصفهانی نیز در همین شمار قرار داشت، که دوستی دیرینی میان این دو در دوران اقامت در نجف اشرف برقرار بود. حضرت آیت‌الله ناصر پس از آنکه به امر استادشان مرحوم آیت‌الله کشمیری به اصفهان بازگشت، گذشته از مجالس تدریس فقه و اصول و تفسیری که سالیانی دراز در حوزه علمیه این شهر اقامه نمود و تا کنون نیز ادامه دارد، به تربیت نفوس مستعدّ و طالب معارف الهی نیز همت گماشت. گذشته از جلسات درس اخلاق ایشان که در شماری از مدارس علمیه این شهر برگزار می‌شود، نماز جماعت و مجالس وعظ و تذکیر ایشان که در مسجد کمرزین اصفهان برپاست، در میان عاشقان اهل بیت و طالبان معرفت الله از شهرتی بسزا برخوردار است. امید می‌بریم که خداوند وجود مبارک و شریف آن استاد فرزانه را پایدار دارد، و از تمامی مکروهات مصون نماید.

ناصری، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی ناصری

محل تولد: رشت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۷/۱

زندگینامه علمی

ایشان در سال ۱۳۴۴ هجری شمسی در روستای «مژده» از توابع شهر رشت در خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود. تحصیلات دبستان، راهنمایی و دبیرستان را در محل تولد گذراند و تحصیلات حوزوی را از سال ۱۳۶۱ از مدرسه علمیه امام صادق (ع) رشت آغاز و تا سال ۱۳۷۶ در حوزه علمیه مشهد دنبال نمود. در سال ۱۳۷۷ وارد حوزه علمیه قم شد و طی ده سال در حوزه علمیه مشهد و قم در درس خارج فقه و اصول از محضر اساتید معزز و آیات عظام: «مرتضوی»، «فلسفی»، «رضازاده»، «میزرا جواد تبریزی»، «معرفت» و «سبحانی» بهره جست.

وی تحصیلات دانشگاهی را تا مقطع کارشناسی در رشته «علوم قرآن و حدیث و ادیان و عرفان» در دانشگاه علوم اسلامی رضوی و دانشگاه فردوسی مشهد دنبال نمود. و در سال ۱۳۷۸ در دانشکده الهیات دانشگاه تهران از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی جایگاه هنر در کتاب و سنت» و در سال ۱۳۸۲ در همین دانشکده از رساله دکترای خود با عنوان «بررسی مکتب تفسیری صدرالمآلهین» دفاع نمود. وی در طی این سال‌ها در کنار تدریس، در زمینه‌های تحقیق، مدیریت پژوهش، ارائه طرح‌های آموزشی و پژوهشی فعالیت داشته است. در ادامه نمایه فعالیت‌های ایشان در زمینه‌های فوق منعکس شده است.

ناصری، کیومرث

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اپیدمیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

ناصری، مجتبی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران پروفیسور ناصرى اولین پزشک ایرانی است ، که پیوند دست انسان را در اروپا انجام داده اند.

بیوگرافی پروفیسور ناصرى و اعمال جراحى ویژه در برلین

پروفیسور دکتر مجتبی ناصرى در تاریخ ۱۳۰۷ (۱۳۲۸) در زنجان، متولد شده است ۱۳۱۳-۱۳۱۹ آموزش در دبستان سعادت زنجان. ۱۳۲۰ استخدام در شرکت پخش دخانیات ایران در زنجان و تهران برای تأمین زندگی . ۱۳۲۶-۱۳۳۰ آموزش در کلاسهای متفرقه و گرفتن دیپلم نهایی در تهران . ۱۳۳۰ شرکت در کنکور هنر سرای عالی دانشگاه تهران و شروع تحصیلات شیمی عالی در دانشگاه تهران . ۱۹۵۱ پس از غلبه به مشکلات خروج از کشور در دسامبر همان سال، ایران را ترک کرده و در شهر گوتینگن آلمان تحصیلات پزشکی را شروع کرد. ۱۹۵۷ پس از ۱۰ ترم (زمیستر) امتحانات نهایی را داده با ارایه تری در باره تغییرات خون پس از بکاربردن دستگاه قلب و ریه درجه دکترای خود را به دست آورد. ۱۹۵۷ شروع کارهای تحقیقاتی در انستیتوی ماگس پلانک گوتینگن با موضوعات اندازه گیری جریان گردش خون در عروق کرونر قلبی و متابولیسم قلب. ۱۹۵۸ اولین کرونوگرافی با درست کردن کاتتر مخصوص برای سرخرگهای قلبی، اندازه گیری جریان خون کرونر با کمک کاردیوگراف به متد همیلتون . ۱۹۵۹ درست کردن الکترودهای مخصوص برای اندازه گیری پی اچ خون، همراه با پروفیسور بارتل و شواب . ۱۹۶۰ ورود به تیم جراحی قلب در دانشگاه برلین تحت نظر پروفیسور لیندر . ۱۹۶۰ شروع تجربیات آزمایشی بوسیله پیوند ریه در حیوانات، به همراه پروفیسور بوشرل . ۱۹۶۱ شروع تجربیات آزمایشی با پیوند قلب که نتایج آن در کنگره های ملی و بین المللی به اطلاع عموم رسانده شد. ۱۹۶۱ جراحی قلب و آزمایشات با دستگاه قلب و ریه . ۱۹۶۴ پس از اقامت کوتاه در شهر کور / سویس در نزد پروفیسور آلگور متد استیو سینتر آموخته و در بیمارستان نوى کلن برلین بنیان گذارى شد. ۱۹۶۴ انتخاب به معاونت بیمارستان نوى کلن. ۱۹۶۷ نوشتن تز مخصوص راجع به هیپر اوکسیژناسیون در انواع حیوانات و گرفتن درجه استادی دانشگاه آزاد برلین. ۱۹۶۷/۶۸ به دست آوردن تخصصی جراحی عمومی (۱)، تخصصی جراحی قلب - ریه و عروق (۲) و تخصصی جراحی عروق محیطی (۳) ۱۹۶۸ پیوند اندام پایین برای اولین بار در آلمان فدرال در بیمارستان نوى کلن . ۱۹۶۸ اولین پیوند ریه روی جوانی که در اثر تصادف به هر دو ریه وی صدمه شدید خورده بود به همراه پروفیسور بوشرل . ۱۹۶۹ برگشت به بیمارستان دانشگاهی وست اند و انتخاب به معاونت و کارمند رسمی دولت . ۱۹۶۹ اولین پیوند بازوی قطع شده در آلمان فدرال . ۱۹۷۰ مسافرت به دانشگاه های مختلف آمریکا برای کار آموزی جراحی کرونر (کلوند، نیویورک، سانفرانسیسکو، یوستن تکراس) . ۱۹۷۱ شروع و بنیانگذاری جراحی کرونر در برلین . ۱۹۷۱ به دست آوردن رتبه پرفیسوری دانشگاه آزاد برلین. ۱۹۷۲ برای اولین بار پیوند آزمایشی قلب ثانوی به عنوان بایپاس قلب چپ و گزارش آن در کنگره بین المللی بارسلون (اسپانیا) . ۱۹۷۵ انتساب به ریاست بیمارستان آموزشی دانشگاهی شلوس پارک کلینیک برلین شروع جراحی عمومی، قفسه سینه و عروق در این بیمارستان و تدریس در دانشگاه . ۱۹۹۰ اهدای مدال شایستگی آلمان فدرال برای کارهای تحقیقاتی. ۱۹۹۳ بازنشستگی و ترک بیمارستان شلوس پارک کلینیک. ۱۹۹۵-۹۹ ریاست کانون پزشکان، دندانپزشکان و داروسازان ایرانی در برلین. ۱۹۹۹ دریافت مدال نور تدریس پس از بیست سال تدریس جراحی در دانشگاههای آلمان. تاحال بیش از ۳۰۰ سخنرانی، انتشارات در مجلات علمی ملی و بین المللی و مقالات در کتابهای مختلف و آخرین انتشار کتابی بنام دانشنامه جراحی به زبان فارسی که در تهران در نشریه علمی بچاپ رسیده است. از دو ازدواج دارای دو پسر و یک دختر است . از ۱۹۹۰ کمک به بیمارستان ولی العصر زنجان و سخنرانی برای پزشکان جوان . اهدای میکروسکوپ اطاق عمل برای اعمال جراحی چشم در زنجان

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مسلم ناصری

محل تولد: کاشمر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۱/۶/۱

زندگینامه علمی مسلم ناصری در تابستان سال ۱۳۵۱ در روستای بنده قرا از توابع شهرستان کاشمر خراسان رضوی به دنیا آمد دوران ابتدایی را تمام کرد و بعد پا به شهرستان گذاشت و با گرفتن مدرک سیکل، شوق قم وی را فرا گرفت. برای ادامه تحصیل به قم هجرت کرد. ابتدا در مدرسه معصومیه مشغول به تحصیل شد و در کنار علوم حوزوی در رشته ادبیات داستانی شروع به مطالعه کرد و پس از مدتی هم علوم روز را ادامه داد و مدرک دیپلم گرفت و همگام با علوم حوزوی در دانشگاه هم ادامه تحصیل داد+ اما چون علاقه وافری به ادبیات داشت در بخش ادبیات کودکان و نوجوانان با جدیت مطالعه می کرد و می نوشت که حاصل آن نزدیک به پنجاه کتاب است که برخی از آنها جوایز معتبری را کسب کرده اند. مثل کتاب سال جمهوری اسلامی برای مسافر شهرهای بی نشان. برگزیده نخست بیست سال داستان عاشورایی و برگزیده ویژه همایش برای کتابهای سردار تنها و سروها ایستاده می میرند و آن شب، آن سردار، برگزیده نخست جشنواره دوسالانه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برای کتاب آخرین بازمانده برگزیده کتاب سال حوزه و... اکنون وی با اتمام کارشناسی ارشد رشته تاریخ اسلام خود در دانشگاه شهید بهشتی قصد دارد برای مقاطع بعدی ادامه دهد. در کنار تحصیل مدت سه سال که سردبیر مجله ملیکا برای کودکان است که سراسری پخش شود و مدت بیش از ۱۰ سال است که دبیر داستان مجله پوپک است..

ناطق تبریزی، ناصح

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۳ - ۱۲۸۴/۱۲۸۰ ش)، مترجم، نویسنده و شاعر. در تبریز به دنیا آمد. پدرش از وکلای دادگستری و از مشروطه خواهان بود. ناطق پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در زادگاهش جهت ادامه‌ی تحصیل به اروپا رفت و موفق به اخذ درجه‌ی مهندسی در رشته‌ی راه و ساختمان شد. پس از بازگشت به ایران به استخدام وزارت راه و ترابری درآمد و مدت هشت سال مدیر کل سازمان راه آهن و نیز مدتی عضو شورای عالی سازمان برنامه و بودجه بود و در ضمن عضویت هیأت مدیره شرکت ساختمانی اتکو راه، که از کارهای مهم آن ساختمان سد کرج و سد سپیدرود بود، به عهده داشت. وی همچنین به زبان‌های آلمانی، انگلیسی، فرانسه و عربی مسلط بود. از تألیفات وی: «زندگی مانی و پیام او». از ترجمه‌های وی: «آدمک حصیری»، «جنایت سیلستر بونارد»،

«شاهزاده خانم»، «آنژلیکا»، «ژانو و کولن»، «سپید و سیاه»، «میکرو میگاس».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۶۳۸-۶۳۵/۳)، سخنوران نامی معاصر (۳۵۹۱-۳۵۸۹/۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۲۰۹، ۲۰۷۷، ۱۹۹۲، ۱۹۳۵، ۱۸۸۶/۲، ۱۳۶۴-۱۳۶۳، ۱۰۵۳، ۲۶/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۸-۴۹۷/۶).

ناطق، ناصح

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شاعر، محقق، مترجم.

تولد: ۱۲۸۴، تبریز.

درگذشت: ۲۵ مهر ۱۳۶۴، تهران.

ناصر ناطق فرزند جواد (از آزادیخواهان تبریز در دوره‌ی مشروطیت) تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تبریز به پایان رسانید. سپس به عزم ادامه‌ی تحصیل در خارج از کشور، در امتحانات اعزام دانشجو به اروپا شرکت کرد، پذیرفته شد و به فرانسه رفت و در آنجا به اخذ درجه‌ی مهندسی در رشته‌ی راه و ساختمان نایل آمد. پس از بازگشت به ایران مدتی در وزارت راه خدمت کرد و متجاوز از هشت سال مدیریت کل ساختمان راه آهن و یک چند نیز عضو شورای عالی سازمان برنامه و بودجه بود. وی از اعضای مؤسس شرکت مؤلفان و مترجمان ایران بود و از سال ۱۳۵۶ تا پایان عمر ریاست هیئت شرکت را بر عهده داشت. وی در زمینه‌ی زبان فارسی و معادل‌یابی برای واژه‌های فنی و علمی فعالیت بسیار داشت و در این راه با غلامحسین مصاحب و دیگران همکاری داشت. وی یکی از مؤسسين جمعیت آذربایجان بود.

ناصر ناطق پس از شهریور ۱۳۲۰ به همراه گروهی از ایرانی‌ها، به عنوان دوستدار آلمان‌ها به زندان متفقین گرفتار شد و مدت‌ها در اراک زندانی بود.

فهرست آثار وی به شرح زیر است: بحثی درباره‌ی زندگی مانی و پیام او (تهران، ۱۳۵۷)؛ ترجمه‌ی کتاب آدمک حصیری (اثر آناتول فرانس، ۱۳۵۱)؛ ترجمه‌ی بخش اول جلد چهارم تاریخ پیشرفت علمی و فرهنگی بشر (۱۳۵۳)؛ «درباره‌ی زبان آذربایجان» (بخشی از کتاب مجموعه سخنرانی‌های کانون فرهنگی ایران جوان، ۱۳۵۱)؛ ترجمه‌ی نمایشنامه‌ی آنژلیکا؛ ترجمه‌ی جنایت سیلوستر بونارد (آناتول فرانس، ۱۳۳۰)؛ شاهزاده خانم بابل (ولتر، ۱۳۳۹)؛ ایران از نگاه گوینو. مقالاتی از وی در مجلات و روزنامه‌های مختلف و از جمله در «راهنمای کتاب» و «یغما» به چاپ رسیده است.

فرزند جواد ناطق یکی از آزادیخواهان تبریز در دوره‌ی مشروطیت بود که خدمات وی در غالب کتبی که درباره‌ی نهضت مشروطیت منتشر گردیده بود بوضوح و روشنی درج شده است. علاوه بر آن یکی از شیفتگان زبان و ادب فارسی بود.

ناصر در ۱۲۸۴ در شهر تبریز پا به عرصه وجود گذاشت و در شش سالگی تحصیلات خود را آغاز کرد و در مدرسه‌ای درس خواند که اسمعیل امیرخیزی ادیب مشهور رئیس آن مدرسه بود. پس از اتمام تحصیلات دبیرستانی به اروپا رفت و در رشته‌ی مهندسی راه و ساختمان درجه‌ی علمی عالی گرفت و به ایران بازگشت و در وزارت راه اشتغال ورزید. پس از مدت کوتاهی رئیس اداره و مدیر کل شد و زمانی نیز رئیس راه آهن بود. مدتی هم عضویت شورای عالی سازمان برنامه را داشت. وی در راه‌سازی در ایران خدمات برجسته‌ای انجام داد و در احیاء ساختمانهای قدیمی و نوسازی آنها زحمات زیادی متحمل شد.

مهندس ناطق گذشته از رشته‌ی تخصصی خود یک مترجم عالیمقام و ادیب پرمایه و فرهنگی پرتوان بود. بنا به نوشته‌ی آقای ایرج افشار «ناطق به زبان فارسی با نگاهی علمی، فرهنگی و ملی می‌نگریست و بدان اهمیت بسیار می‌داد و کوششهای باارزشی در این راه کرد از آن جمله است همراهی و همکاری با مرحوم دکتر غلامحسین مصاحب و مهندس صفی اصفیا، احمد آرام، دکتر گل گلاب و مصطفی مقربی برای یافتن و گزینش معادلهای فارسی برای واژه‌ها علمی و فنی مورد نیاز دائره‌المعارف. حاصل کار آنها فرهنگ اصطلاحات جغرافیائی شامل حدود هفتصد و پنجاه واژه است.»

از ناطق آثار ادبی زیادی باقی مانده است. از ترجمه‌های او می‌توان جنایت سیلواستر بونارد، دختر کلمانتین و آدمک حصیری آنا تول فرانس را نام برد. پنج نمایشنامه ولتر را هم ترجمه کرد. کتاب ایران از نگاه گوینو از دیگر آثار اوست. وی در ۱۳۶۴ در تهران درگذشت.

ناصر مردی خیر بود. همه سال مبلغی اعتبار در نظر گرفته بود و صرف خرید کتاب برای کتابخانه‌ی ملی تبریز اختصاص می‌داد. همچنین مقدار زیادی کتاب برای محققین ایرانی فرانسه که مورد لزوم بود به مؤسسه‌ی مطالعات ایرانی دانشگاه پاریس می‌فرستاد. همچنین مبلغ قابل توجهی برای ساختن بیمارستانی در تبریز پرداخت. او یکی از پایه‌گذاران شرکت مؤلفان و مترجمان بود. مرحوم ناصر در سال ۱۳۲۲ به اتفاق عده‌ای از رجال و افسران ارتش و مدیران و مهندسين راه آهن از طرف متفقین به جرم ژرمانوفیلی بازداشت و در اراک زندانی شد. این دوره اسارت قریب یک سال بطول انجامید. برگرفته از کتاب: شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

ناطق، غلامحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غلام حسین ناطقی

محل تولد: بامیان

شهرت

تابعیت: افغانستان

تاریخ تولد: ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب غلام حسین ناطقی تبعه افغانستان در سال ۱۳۵۴ شمسی در خانواده مذهبی دیده به جهان گشودم و پس از دوران کودکی به دلیل تعطیل بودن مدارس دولتی به خاطر انقلاب به مکتب خانه رفتم و در مدت ۴ - ۵ ماه حضور در آن، افزون بر آموزش روخوانی قرآن کریم، بر خواندن متون فارسی نیز تسلط پیدا کردم به گونه‌ای که به راحتی می‌توانستم هر متن فارسی را بخوانم به همین دلیل مورد تشویق معلم و بستگان به ویژه خانواده ام قرار گرفتم و آنان تشویق نمودند که طلبه بشوم ولی به خاطر تعطیل بودن مدرسه علمیه‌ای که در محل سکونت ما بود و نیز کم بودن سنم که مانع رفتنم در جای دیگر می‌شد؛ چند سالی نتوانستم به مدرسه علمیه بروم.

در سال ۶۸ شمسی مدرسه علمیه «محمدیه» در نزدیک محل منطقه سکونت ما احیاء شد و من از فرصت استفاده نموده و به این مدرسه رفتم و به آموزش صرف و برخی از کتابهای جامع المقدمات مثل: (عوامل فی النحو و ملامحسن) مشغول شدم ولی به دلیل

نبود امکانات به ویژه در دسترس نبودن استاد، اکثر ایام این مدرسه تعطیل بود. لذا در سال ۱۳۶۹ تصمیم گرفتم که به مدرسه علمیه «بلخاب» بروم و در آنجا ادامه تحصیل بدهم. پس از مسافرت به این مدرسه و مدتی تحصیل دریافتم که متأسفانه وضعیت این مدرسه نیز بهتر از مدرسه محل سکونت من نیست لذا بر آن شدم که به جمهوری اسلامی ایران بروم و در حوزه علمیه قم به فراگیری علوم اسلامی پردازم.

به همین منظور در اواخر پاییز ۱۳۷۰ شمسی عازم جمهوری اسلامی ایران شده و پس از ورود به جمهوری اسلامی ایران و حضور در مرقد مطهر ثامن الائمه حضرت امام رضا به قم آمده و در حوزه علمیه مشغول تحصیل شدم. مدت دو سال به صورت آزاد درس خواندم و در سال ۱۳۷۳ در آزمون پذیرشی مرکز جهانی علوم اسلامی شرکت کرده و پذیرفته شدم. پس از قبولی در این مرکز، مدت دو سال به همان شیوه سنتی (یعنی تمرکز دوره فقه و اصول) تنها و غافل از سایر علوم مورد نیاز یک روحانی و مبلغ تعالیم عالیه اسلام، ادامه تحصیل دادم ولی به این نتیجه رسیدم که این شیوه کارآیی کمتری دارد و نمی تواند پاسخگوی تمام نیازهای جامعه امروزی مسلمانان بوده باشد.

لذا در سال ۱۳۷۵ با توجه به سامان یابی آموزشی مرکز جهانی علوم اسلامی و هدایت بخشی از طلاب به مدارس علمیه، به مدرسه علمیه مومنیه رفته و سطح دوم حوزه را تا سال ۱۳۷۸ به پایان رساندم. در همین سال آزمون کارشناسی ارشد در رشته «علوم قرآن و حدیث» از سوی مرکز جهانی برگزار شد و در آن شرکت کرده و پذیرفته شدم. پس از این، به مدرسه عالی امام خمینی انتقال یافتم و در آنجا ادامه تحصیل دادم و سطح سه را در این مدرسه به پایان رسانده و در سال ۱۳۸۴ از پایان نامه خود تحت عنوان: «بررسی آرای شرق شناسان پیرامون گزارشات تاریخی قرآن» با درجه عالی دفاع نمودم و اکنون در سطح چهار حوزه مشغول به تحصیل می باشم.

ضمن اشتغال در دروس حوزه، در امتحانات دروس کلاسیک شرکت و به صورت جهشی امتحان داده و دیپلم خود را در رشته معارف اسلامی گرفتم. مدتی است که دست به قلم نیز هستم و در برخی از همایش های علمی پژوهشی شرکت کرده ام از جمله: اولین همایش ملی پژوهش های قرآنی حوزه و دانشگاه که مقاله «واقع نمایی زبان قرآن در گزاره ها تاریخی» را ارائه دادم و از مقالات برتر شناخته شد و حق ارائه یافتم و آن را در کمیسیون تخصصی «قرآن و جامعه شناسی» ارائه و به سوالات اساتید پیرامون آن پاسخ دادم.

ناظری، ایرج

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: قلب و عروق، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۴، دکترای تخصصی قلب و عروق از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۶۷.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۶، و دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۶۶ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

داروهای آنتی آریتمیک جدید، تومورهای قلب، تدریس دروس تخصصی قلب در دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران. تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

بیماریهای مادرزادی قلب و عروق.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

پزشکی، کیست هیداتیک قلب.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

ناظم الاطباء، موسی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند میر سید عقیل حسینی، از اطبای معروف اصفهان است که علاوه بر اطلاعات وسیع علمی، دارای نفسی قدسی بوده، و در ۱۳۰۴ وفات یافته، جنب تکیه‌ی ملک مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش این است:

بهر تاریخ وفاتش خرد این مصرع گفت

بود عیسی نفس و معجزه موسی داشت

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ناظم الشریعه، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم حاج سید محمد شاه معروف بناظم الشریعه بهبهانی رضوان الله علیه ابن شاه محمد طاهر بن شاه محمد زمان بن شاه محمد امین بن شاه علیرضا بن شاه ابوطالب بن شاه نسیم بن شاه شجاع بن شاه ابوطالب بن شاه شمس الدین ابن سید الفاضل العالم العامل قطب الاقطاب و غوث الاغیاث السید عبدالوهاب الشهیر بشاه بابای ولی بن عبداللطیف بن حسید بن احمد ابن عبد الوهاب بن

صدرالدین بن علی القاضی بن مسعود بن سعید بن احمد بن کثیر بن رفاعی بن علی ابن یحیی بن ثابت بن الخادم بن علی بن حسین المهدی بن محمد بن الحسین الوصی بن احمد بن الموسی الثانی بن ابراهیم المرتضی بن الامام الهمام الکامل العالم ابوابراهیم موسی الکاظم علیه التحیه والسلام.

معظم له اعلم علماء بهبهان كهف العلماء ابوالأرامل والایتام عالمی ربانی و فاضلی صمدانی بود نزدیک یکصد سال از عمر مبارکش رفته بود که نگارنده (در سال ۱۳۷۰ قمری) بفیض زیارتش رسیدم و ده روز در منزلش منبر رفتم.

وی از شاگردان مبرز مرحوم حاج شیخ هادی تهرانی و آخوند خراسانی صاحب کفایه و علامه طباطبائی یزدی بود اجازه‌ای مرحوم آخوند برای ایشان نوشته بود که از حیث مضامین و القاب بی نظیر بود.

بسیار جلیل‌القدر و بزرگوار نقیب‌النقباء و شریف‌الشرفاء و سید‌السادات و الاجله بود. در شب تاسوعا سیدی از خاندان آن مرحوم خوابی عجیب دید و آمد برای من بگوید گفتم برویم خوابت را در حضور حضرت آیه‌الله ناظم‌الشریعه بگو خدمت ایشان رفته آن شخص گفت دیشب در خواب دیدم جنازه‌ای را میان زمین و آسمان تشییع میکنند و جن و انس و ملائکه در تشییع او شیون مینمایند. پرسیدم این جنازه از کیست؟ گفتند از حضرت جبرئیل علیه‌السلام من در خواب بنا کردم بسر زدن و گفتم مگر قیامت برپا شده که جبرئیل از دنیا رفته در این انقلاب بودم که از خواب بیدار شدم.

من گفتم تعبیرش ایست که یکی از علماء بزرگوار از دنیا میرود. مرحوم ناظم‌الشریعه فرمود منم همین تعبیر را کردم آنگاه گفت مرا باطاقم ببرید، زیر بغل ایشان را گرفته و باطاق مخصوصش بردند و کسی را دیگر نپذیرفت تا شب دوازدهم محرم که باجداد کرام محلق شد. پس عموم بهبهان و قنات تعطیل و دولت و ملت در مرگش عزادار و مراسم تشییع او را با سبک عجیب و طرز بی نظیری انجام و پس از نماز در مصلاهی بهبهان که می‌بینید در یکی از مزارات بهبهان امانت گذارده و تا چهل شبانه روز در تمام بهبهان عزا و مجالس فاتحه برقرار شبها زنان بهبهان بحالت جمعی در کوچه‌های شهر حرکت و شیون کنان بسر قبر او رفته ماتمسرائی میکردند و اغلب منابر و مجالس فاتحه او را نگارنده اداره کردم.

در مراسم نمازش که فرزند بزرگش آیه‌الله حاج سید محمد حسین (در زیر دائره) خواندند نگارنده در کنار فرزند دومش آیه‌الله آقا سید محمد هادی بعلامت ایکس دیده میشوم، و پس از چند سال جنازه او را بیرون آورده و حمل بنجف و در جوار حضرت علی علیه‌السلام بخاک سپردند.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

ناظم‌الشریعه، محمد حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج سید محمد حسین و حاج سید محمد هادی معروف به حاج سید آقا از علماء مبرز بهبهان بودند که پس از خواندن سطوح در نزد والد بنجف اشرف مهاجرت کرده و از محضر مرحوم آیه‌الله نائینی و آیه‌الله عراقی و آیه‌الله العظمی آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی (که اصلاً بهبهانی بودند و باصفهانی شهرت یافتند چنانچه آیه‌الله العظمی وحیدم اصلاً اصفهانی و از احفاد و خاندان علامه مجلسی رحمه‌الله علیه بودند و به بهبهانی معروف گشتند) استفاده نموده آنگاه بوطن مراجعت و باقامه جماعت و خدمات دینی پرداخته تا هر دو نیز از دنیا رفتند.

یکی از شاگردان مبرز مرحوم آیه‌الله ناظم‌الشریعه آیه‌الله العظمی حاج سید علی بهبهانی اهوازی بود که ترجمه‌اش در ذکر اهواز

گذشت.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

ناظم شیرازی، مهدی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، طیب و شاعر، متخلص به ناظم. ملقب به نقیب الممالک و ناظم الشعراء. میرزا مهدی معلومات اولیه را از پدرش آموخت و در حکمت و طبابت مهارت داشت. معتمدالدوله فرهاد میرزا لقب ناظم الشعراء به وی داد. داور (م ۱۳۲۵ ق)، صاحب «مرآت الفصاحه»، با وی ملاقات داشت. ناظم بعد از فوت پدرش به اصفهان رفت. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار عجم (۲۶۳)، حدیقه الشعراء (۱۸۲۸-۱۸۲۶ / ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۳۲-۶۲۹ / ۵)، الذریعه (۹ / ۱۱۶۲)، طرائق الحقائق (۳ / ۴۶۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۸۰، ۹۵۷ / ۲)، مرآت الفصاحه (۶۴۰-۶۳۸).

ناظم، حبیب الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

خلاصه: دکتر حبیب اله ناظم در سال ۱۳۳۱ در شهر رضا به دنیا آمد بعد از گذراندن دوره متوسطه وارد دانشگاه شد وی دارای مدرک دکترای تخصصی بیوشیمی بالین از دانشگاه تهران است و هم اکنون عضو هیئت علمی در دانشگاه علامه طباطبایی است.

گروه: علوم پایه

رشته: بیوشیمی

گرایش: بیوشیمی بالینی

والدین و انساب: پدر وی حاج میرزا حسن ناظم و مادر محترمشان سرکار خانم فاطمه الی قی است و برادران وی دکتر سعید ناظم و دکتر احمد ناظم و دکتر ناصر ناظم همگی دارای فوق تخصص جراحی قلب، دکتر فضل اله ناظم و دکتر منصور ناظم است. خاطرات کودکی: دکتر ناظم از آن دوران عدم وجود وسائل تفریحی و سرگرمیهای وقت گیر در شهر رضا را عنوان میکند که همین امر باعث شده بود که او و دیگر فرزندان توانستند دروس خود را بنحو احسن فرا بگیرند و جزء شاگردان ممتاز شوند. و در حین و ادامه تحصیل تشویق برادران بزرگتر که در رشته پزشکی تحصیل میکردند بی تاثیر نبود.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: دکتر ناظم در یک خانواده مذهبی که از درآمد مالی برخوردار نبودند پرورش یافت، پدر متدین و مادر مقید به اجرای مراسم مذهبی بودند و بطور مجموع محیط خوبی برای فراگیری علم فراهم می آمد. او می گوید: «مادرم سواد نداشت ولی علاقه زیادی به قرآن داشت و من هم مشغول خواندن آن در یکی دو روز از ایام هفته بودم وقتی گوش فرامیداد و با اینکه مفهوم آن را درک نمی کرد بسیار مشوق میشد»

تحصیلات رسمی و حرفه ای: مدرک دکترای تخصصی بیوشیمی (بیوشیمی پاتولوژی) از دانشگاه علوم پزشکی تهران

فعالیت‌های ضمن تحصیل: دکتر ناظم در دوران تحصیل به امور دارویی و داروشناسی مشغول بود و همواره مصر به آن که شیمی حیاتی را بنحو احسن یاد بگیرد.

استادان و مربیان: دکتر ناظم از محضر اساتید بزرگی مانند دکتر ناصر ملک، استاد ممتاز دانشگاه در تهران در رشته بیوشیمی استفاده کرده است

همسر و فرزندان: همسر دکتر ناظم سرکار خانم نوشین حقیقی دیپلم علوم تجربی و خانه دار میباشند و تنها فرزند وی مانیا ناظم است.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: - مشاور ریاست دانشگاه پیام نور کشور و رئیس منطقه ۳ دانشگاه پیام نور - ریاست دانشگاه پیام نور زرین شهر ۱۳۷۷ - ریاست دانشگاه پیام نور شاهین شهر - راه اندازی دانشگاه پیام نور دولت آباد - معاون آموزش دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد - مدیر گروه زیست شناسی دانشگاه پیام نور - سردبیر مجله علمی پژوهشی پیک ارز علوم - عضو کمیته برنامه ریزی شورای گسترش وزارت علوم - عضو هیئت تحریریه مجله پژوهشی پزشکی آزمایشگاه

فعالیت‌های آموزشی: دکتر ناظم عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی است وی تدریس در دانشکده پزشکی و پرستاری دانشگاه تهران، تدریس در دانشکده های پزشکی و داروسازی دانشگاه آزاد اسلامی، تدریس در دوره فوق لیسانس دانشکده علوم تغذیه دانشگاه شهید بهشتی، تدریس در دانشکده بهداشت دانشگاه اصفهان و دوره فوق لیسانس در دانشگاه تربیت مدرس در کارنامه دارد.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: - ساخت مرکز پیام نور شهر رضا که قبلا بنام دانشگاه آزاد واحد شهر رضا نامیده میشد به همت و کوشش دکتر ناظم و برادرانشان و مردم آن منطقه. - ساخت دانشگاه زرین در دوران جمهوری اسلامی که به همت ایشان و و فرد نیکوکار ایجاد شد و هم اکنون فعال میباشد. - همچنین دانشگاه پیام نور شاهین شهر و دولت آباد.

جوایز و نشانها: - مرد سال ۱۹۹۸ مرکز بیوسن المللی کمبریج انگلستان

آثار:

- ۱ بهداشت و کمک‌های اولیه
- ۲ بیماریهای دهان و دندان
- ۳ پیش گیری درمان فشار خون
- ۴ تشخیص سرطان سینه
- ۵ فارموکولوژی پزشکی
- ویژگی اثر: ۱۹۸۸ و ۱۹۸۴

ناظم، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: استاد، رشته: میکروبی‌شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

گذراندن دوره تکمیلی میکروبیولوژی، باکتریولوژی، سروایمونولوژی و ویروولوژی در انستیتو پاستور پاریس در سال ۱۳۵۰، گواهی تخصص میکروب‌شناسی در سال ۱۳۶۰.

مرتب‌ه علمی:

دستیار دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۴۴، استادیار در سال ۱۳۴۸، دانشیار در سال ۱۳۵۶، ارتقاء به درجه استادی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۶۶.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

میکولوژی، آنتی‌بیوتیک‌ها، باکتریولوژی، سابقه تدریس در دانشگاه، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۱ پایان‌نامه تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

باکتری‌شناسی، ایمنی‌شناسی، ویروس‌شناسی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳۲، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

باکتریولوژی، سروولوژی، ویروولوژی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۷ - ۱۲۸۰ ق)، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. ملقب به ناظم‌الاسلام. در کرمان به دنیا آمد. پس از تحصیل علوم ادبی و عربی، از محضر حاج شیخ ابوجعفر مجتهد، فقه و اصول و از محضر میرزا آقاخان کرمانی، منطق و شرح «اشارات» را آموخت. وی در بیست و هشت سالگی به تهران آمد و در درس میرزای جلوه و سید شهاب‌الدین شیرازی به تحصیل حکمت الهی پرداخت و در حوزه‌ی درس حاج میرزا حسن آشتیانی و حاج شیخ هادی نجم‌آبادی نیز حاضر بود. وی از مشروطه‌خواهان و با جمعی از روشنفکران از جمله سید محمد طباطبایی محشور بود. پس از تأسیس مدرسه‌ی اسلام، توسط سید محمد طباطبایی، میرزا محمد در آن مدرسه ناظم شد و به همین دلیل به ناظم‌الاسلام ملقب گردید. ناظم‌الاسلام در ۱۳۲۵ ق روزنامه‌ی «کوکب دری» یا «کوکب دری ناصری» را در تهران تأسیس و منتشر نمود. او سپس به کرمان بازگشت و در دادگستری به خدمت پرداخت و سرانجام در همان شهر درگذشت و در مقبره‌ی سید علویه به خاک سپرده شد. از دیگر آثار وی: «اصول عقاید»؛ «تاریخ بیداری ایرانیان»، در سه جلد؛ «خلاصه‌العوامل»؛ «شمس‌التصاریف»؛ «مقامات حریری»، ترجمه؛ «علائم‌الظهور المهدی الموعود».[۱]

محمد بن علی (و. ۱۲۸۰ ه. ق - ۱۳۳۷ ه. ق)، از فضلا و مؤلفین معروف کرمان و صاحب تاریخ بیداری ایرانیان. در کرمان متولد شد

و پس از فراگرفتن مقدمات علوم ادبی پارسی و عربی و فقه و اصول در بیست و هشت سالگی به تهران آمد و به تحصیل حکمت پرداخت و با واقعه‌ی «رژی» و انحصار تنباکو و برخاستن زمزمه‌ی آزادیخواهی در ردیف طلاب تجددخواه درآمد و تاریخ خود را تألیف کرد. بعد از استقرار مشروطیت در کرمان در عدلیه مشغول خدمت شد و در سال ۱۳۳۷ ه. ق در کرمان درگذشت. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] از صبا تا نیما (۱۱۹-۱۱۸/۲)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۹۵، ۲۶۶/۴)، تاریخ بیداری ایرانیان (مقدمه/ هفده- بیست و چهار، ۱۰-۹)، تاریخ جراید (۱۵۱-۱۵۰/۴)، الذریعه (۱۵/۳۰۸، ۱۴/۲۲۰، ۳/۲۴۲)، شرح حال رجال (۱۹۶-۱۹۵/۶، ۳/۲۷۸)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۳۲۸، ۲/۲۱۶۳، ۲/۱۲۸۱، ۱/۲۶۰، ۶۷۹، لغت‌نامه (ذیل/ ناظم‌الاسلام کرمانی)، مؤلفین کتب چاپی (۶۰۴-۶۰۲/۵).

ناظم‌العلوم، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۳۱۷ ق)، نویسنده و مترجم. ملقب به ناظم‌العلوم. وقتی در ۱۲۹۰ ق ناصرالدین شاه برای اولین بار به اروپا سفر کرد، وی همراه دایی خود، علیقلی خان مخبرالدوله، که از ملازمان شاه در آن سفر بود به پاریس رفت و در مدرسه نظامی سن سیر در رشته توپخانه به تحصیل مشغول شد. پس از بازگشت به ایران از معلمین نظام مسعود میرزا ظل‌السلطان، که برای خود ارتشی تشکیل داده بود، شد. او مدتی نیز به علت اختلاف سرحدی با روسها به خوی رفت و بعد از مرگ ناصرالدین شاه به تهران بازگشت و مدتی رئیس مدرسه‌ی علمیه و از معلمین دارالفنون شد. از آثار وی: «اصول جبر و مقابله»، «اصول علم حساب»، «انموذجی از جبر و مقابله»، «تاریخ عمومی»، «حکمت ریاضی»، در اصول علم حساب تا لگاریتم، «تلماک»، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: شرح حال رجال (۳۸۵-۳۸۴/۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۲۰۲، ۱۱۷۰، ۹۴۷، ۷۲۹، ۳۸۴، ۲۶۳، ۲۵۱/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۲۹/۴).

نامدار جویباری، عباس

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عباس نامدار جویباری

محل تولد: جویبار

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عباس نامدار جویباری در سال ۱۳۴۶ هجری شمسی وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از یک سال به حوزه علمیه مشهد مقدس عزیمت نمودم و در مدت پنج سال، سطح مقدماتی و متوسطه را در جوار حضرت ثامن الائمه با استفاده از اساتید به نام آن سامان به پایان رساندم و در سال ۱۳۵۰ هجری شمسی وارد حوزه علمیه قم گردیدم.

پس از اتمام سطح عالی نزد اساتید حوزه علمیه قم، در درس های خارج فقه و اصول اساتید و مراجع عالیقدر شرکت نموده ام و همزمان از محضر اساتید کلام و فلسفه نیز بهره برده ام. ضمن اینکه در تمام طول سنوات تحصیل قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب اسلامی از فعالیتهای مثبت سیاسی غافل نبوده ام.

از سال ۱۳۶۳ هجری شمسی عملاً و به صورت آزاد وارد حوزه تدریس در حوزه علمیه قم شدم و ابتدا از اولین کتابهای حوزوی: «جامع المقدمات» شروع به تدریس نموده و در طول سنوات در همه مراحل و پایه های درسی حوزه به تدریس پرداختم و هم اکنون چند سال است که به تدریس درس خارج مشغولم.

نامی اصفهانی، محمدصادق

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، مورخ و شاعر، متخلص به نامی. معروف به میرزا محمدصادق منشی. از سادات موسوی و برادرزادهی میرزا رحیم حکیم باشی بود. اجداد وی از شیراز به اصفهان آمده و از طبیبان خاص سلاطین صفوی بودند. او به فنون نظم و نثر آگاه بود و به سرودن مثنوی تمایل بیشتری داشت، نامی با مؤلف «نگارستان دارا» (م ۱۲۴۳ ق) معاصر و معاشر بود. بر سر سال فوت وی بین مؤلفان اختلاف است، «صبح گلشن» مرگ وی را در عهد نادر شاه می داند و صاحب «نگارستان دارا» در اوایل دورهی محمد شاه قاجار (۱۲۶۴ - ۱۲۵۰ ق) و «الذریعه» و «کتابشناسی نظامی گنجوی»، ۱۲۰۴ ق را ذکر کرده اند. در مورد نام برخی از آثارش نیز اختلاف وجود دارد. از آثار وی: «تاریخ گیتی گشا»، به فارسی در تاریخ زندیه که بعدها میرزا عبدالکریم شیرازی و میرزا محمد رضای شیرازی هر یک ذیلی بر آن نوشته اند، مثنوی «نامه‌ی نامی» یا «پنج گنج»، که به تقلید از «خمس» نظامی نوشته است، مرکب از پنج مثنوی به نام «درج گهر» «خسرو و شیرین»، «لیلی و مجنون»، «وامق و عذرا»، «یوسف و زلیخا». بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه: ۲۴/۲۵، ۱۹/۳۱۹، ۱۱۶۶- ۱۱۶۵/۹، ۲۶۳، ۷/۲۸۴، ۳/ سفینه‌المحمود (۳۴۰- ۳۳۹/۱)، شرح حال رجال (۵/۲۵۰)، صبح گلشن (۵۰۳- ۵۰۲)، فرهنگ سخنوران (۹۱۸- ۹۱۷)، کتابشناسی نظامی گنجوی (۴۲۰- ۴۱۹)، لغت‌نامه (ذیل/ نامی اصفهانی)، مجمع الفصحا (۱۰۸۳- ۱۰۸۲/۶)، منظومه‌های فارسی (۵۸۵- ۵۷۹)، مؤلفین کتب چاپی (۵۰۵- ۳/۵۰۴)، نگارستان دارا (۲۷۲- ۲۷۱).

ناهج قزوینی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ناهج قزوینی در سال ۱۲۹۵ خورشیدی در قزوین متولد گردید. پس از طی تحصیلات مقدماتی، به فراگیری علوم معقول و منقول پرداخت. پس از آن به تهران رفت و سردفتر اسناد رسمی شد. ناهج قزوینی شاعری توانا بوده و آثاری نیز از خود به جای گذاشته است. او سرانجام در دی ماه سال ۱۳۷۰ چشم از جهان فرو بست.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب: پدر ناهج قزوینی، شیخ عیسی مجتهد مناہجی و مادرش از سادات شیرخورشیدی قزوین بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: ناهج قزوینی پس از طی تحصیلات مقدماتی، به فراگیری علوم معقول و منقول پرداخت.

زمان و علت فوت: ناهج قزوینی در دی ماه سال ۱۳۷۰ چشم از جهان فرو بست و در ابن بابویه به خاک سپرده شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: ناهج قزوینی پس از تحصیل علوم معقول و منقول به تهران رفت و سردفتر اسناد رسمی شد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: ناهج قزوینی شاعری توانا بوده و آثاری نیز از خود به جای گذاشته است.

آرا و گرایشهای خاص: شعر ناهج قزوینی سراسر مدح ائمه، زهد و اندرز است و از چاشنی تصوف و عرفان بهره دارد. -----

آثار:

۱ دیوان ناهج

ویژگی اثر: مجموعه هیچ نام، عشق عریان، پیاله، منظومه فلسفی در دیوان وی به چاپ رسیده است.

منابع زندگینامه: ۱ استایش امیر المومنین (در سروده های سخنوران قزوین)، پژوهش: محمدعلی حضرتی، قزوین: بحر العلوم، ص

۳۷۷

ناهید شیرازی، مریم

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، دندان‌پزشک، رونامه‌نگار، نویسنده و شاعر، متخلص به ناهید. در شیراز به دنیا آمد. وی علوم ابتدایی و متوسطه را در تهران به انجام رساند و در ۱۳۱۰ ش برای تحصیل زبان و ادبیات فرانسه رهسپار پاریس گردید و در دانشگاه سوربن به تحصیل پرداخت و از آنجا فارغ‌التحصیل شد. پس از بازگشت به ایران در ۱۳۱۳ ش وارد دانشکده‌ی طب شد و تحصیلات خود را در آن دانشکده به پایان رساند و در ۱۳۲۰ ش رساله‌ی دکترای خود را درباره‌ی «سیفیلیس دهان» نوشت و با درجه‌ی عالی قبول شد. دکتر ناهید به زبانهای انگلیسی، فرانسه، عربی و ترکی تسلط داشت. وی از ۱۳۱۵ ش وارد خدمات فرهنگی - اجتماعی گردید و به نشر آثار نظمی و نثری خود در جراید و مجلات پرداخت و پس از چندی امتیاز روزنامه‌ای به نام «ندای زنان» را گرفت و مدتی آن را منتشر کرد. او همچنین انجمن ادبی ناهید را تأسیس نمود. در ۱۳۳۱ ش از طرف سندیکای دندان‌پزشکان ایران در یازدهمین کنگره جهانی دندان‌پزشکان در لندن شرکت کرد. در ۱۳۳۴ ش از طرف وزارت فرهنگ به دانشگاه پاریس اعزام شد و ضمناً در رشته‌ی بیماری‌های دهان و دندان از این دانشگاه و در رشته‌ی امراض کودکان از دانشگاه لندن تخصص گرفت. سپس به عضویت کنگره‌ی انجمن سلطنتی بهداشت لندن پذیرفته شد. از دیگر آثار وی: «تاریخ نویسندگان پاریس»؛ «خاطرات لندن» یا «مشاهدات

ناهدید؛ «زندگانی من»؛ «سرطان فک»؛ «آماس گوشت دندان» یا «التهاب لثه»؛ «دیوان» شعر. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۴۸-۶۴۵/۵)، الذریعه (۱۱۶۷/۹)، زنان روزنامه‌نگار و اندیشمند (۱۸۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۶۱۷-۳۶۱۳/۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۰۰۲، ۱۸۵۰/۲، ۱۲۳۷، ۷۶۳، ۱/۵۵)، مؤلفین کتب چاپی (۶/۱۶۴).

نایب‌الصدر، محمد حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند میر محمد صادق بن میرزا محمد رضا فرزند میرزا ابوالقاسم مدرس عالم بزرگوار، و فاضل ارجمند و ادیب بوده، از آثارش کتابی است در دو مجلد در شجره‌نامه‌ی سادات خاتون‌آبادی فامیل خود. از شاگردان شیخ انصاری و حاج ملا علی کنی بوده، در ربیع‌الآخر سال ۱۳۲۶ وفات یافته، قبرش در زیرزمین تکیه‌ی خاتون‌آبادی در تخت فولاد. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نایب‌الصدر، محمد مهدی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند محمد کاظم بن علی نقی بن علی رضا بن سید محمد باقر پیشنماز. عالم فاضل محقق جلیل، از علمای کاملین، و فقها و مجتهدین بزرگ در اصفهان بوده، از مشایخ اجازه است. خط ایشان وضع مخصوصی دارد، بر اغلب یا تمام کتب موجود در کتابخانه‌ی خود در تمام علوم حاشیه مرقوم داشته. در ۱۱۶۷ وفات یافته، در ایوانچه‌ی بقعه‌ی تکیه‌ی آقا رضی در تخت فولاد مدفون گردیده است. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

نایب‌الصداره

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

یا نایب‌الصدر، آقا ابراهیم (ف. ۱۱۴۸ ه.ق)، از مشاهیر علمای مشهد مقدس در اواسط قرن دوازدهم هجری است. وی دارای مقام شیخ‌الاسلامی، و در فقه و کلام و حکمت استاد بود. از تألیفات اوست: ۱- تحریم صلوة الجمعة فی زمان الغیبه. ۲- الفوائد الکلامیه. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

نایبی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: پاتولوژی پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی، شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای داروسازی دانشگاه تبریز در سال ۱۳۳۹، طی مدارج علمی، SM در میکروبیولوژی، S.M در اپیدمیولوژی و MPH در مدیریت بیمارستان، دکترای میکروبیولوژی از دانشگاه میشیگان آمریکا.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده پزشکی دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اپیدمیولوژی بیماری ایدز در کشورهای جهان سوم و تکنیکهای جدید جهت تشخیص آمیب هیستولیکا، در همین رابطه گزارشی در مورد نوع جدی آمیب هیستولیکا (باسم نوع شیرازی) از منطقه اطراف شیراز ارائه نموده‌اند، نظارت بر ۴ پایان نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۸

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

میکروبیولوژی، ویروولوژی، میکروولوژی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۷، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

تشخیص عوامل عفونی، سالمونلاها، ویروسهای انفلوآنزا، آمیب‌های بیماری‌زا.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

نائینی، حیدر علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

الأصل، اصفهانی المولد، طهرانی المسکن، از علمای معقول و منقول، و تارک دنیا بوده، و در بازارچه‌ی نایب السلطنه پاره‌دوزی می‌کرده، و به مشهدی حیدر معروف بوده. حاشیه بر شرح چغمینی در هیئت نوشته که به طبع رسیده است.

در ۱۳۴۴ به سن ۷۸ سالگی وفات یافته، نزدیک سر قبر آقا مدفون شده است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نبوی بیرجندی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج سید حسن بن العالم الجلیل السید عبدالرحیم الموسوی نبوی بیرجندی که به سی و سه واسطه به حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام منتهی می‌شود از فضلاء و علماء حوزه درس و اصحاب آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله العالی می‌باشد. در سال (۱۳۴۰) هزار و سیصد و چهل قمری در بیرجند واقع شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات در نزد آقای ادیب نیشابوری و قسمتی از سطوح در نزد آیت‌الله مرحوم حاج سید یونس اردبیلی در مشهد مقدس مهاجرت به قم نموده و تمام مباحثات و تحصیلاتش از سطح و خارج در خدمت آیت‌الله العظمی مرعشی بوده تا به مرتبه اجتهاد رسیده و بیش از سی سالست که از دراسات معظم‌له استفاده می‌کند و هم چند سالی هم از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله محقق داماد بهره‌مند شده ولی بعد از رحلت آقای بروجردی منحصرًا متصل به آیت‌الله مرعشی گشته و تا هم اکنون به درس فقه و اصول آنجناب حاضر گشته و در مقابل منبر استاد نشسته و توجه کاملی به بیانات معظم‌له نموده و گاهی هم اشکال نموده و استاد جواب گفته و رفع شبهه و اشکال وی می‌نمایند.

از نوشته‌های ایشانست دروس فقه و اصول آیت‌الله العظمی مرعشی و تلخیص الاصول و در علم اصول و قواعد الفقهیه در علم فقه. و ایشان از اصحاب استفتاء آیه‌اللهی که در تنظیم حواشی عروه و مناسک حج وی شرکت دارند و دارای اجازه اجتهاد از معظم‌له و آیت‌الله بیرجندی و دیگران می‌باشند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

نبوی، ابوالفضل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت‌الله آقای حاج سید ابوالفضل بن العالم الجلیل السید علی نبوی حسینی قمی از علماء اعلام و مجتهدین کرام و مصنفین عظام و ناطقین و گویندگان عالی مقام حوزه علمیه و شهرستان قم است که در ۲۴ رجب سال ۱۳۴۴ قمری هجری در قم متولد شده و در مهد علم و فضیلت پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید در شهریور ۱۳۲۰ شمسی وارد تحصیل علوم دینی گردیده و پس از طی دوره مقدمات به آموختن سطوح پرداخته و به ترتیب در محاضر اساتید معظم مرحوم آقا شیخ یوسف شاهرودی و آیت‌الله فاضل لنکرانی و مرحوم آیت‌الله شیخ عباسعلی شاهرودی و حاج شیخ محمدعلی کرمانی و آیت‌الله داماد به تحصیل فقه و اصول پرداخته هیئت و نجوم را در محضر مرحوم آقای شیخ علی حکمی و آیت‌الله معاصر علامه طباطبائی و علم درایه و رجال را در محضر علامه معاصر آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله آموخته آنگاه به تحصیل خارج پرداخته چندین سال به درس مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله صدر و آیت‌الله حاج سید محمدتقی خونساری حاضر گردیده و از ناحیه اخیر موفق به تصدیق اجتهاد شده

که همین تصدیق اجتهاد را بعداً که مدتی در نجف اشرف در محضر مرحوم آیت‌الله حاج سید عبدالهادی شیرازی بودند معظم‌له با حاشیه خود تایید و تصویب فرمودند.

پس از ورود مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی مرتباً بدون وقفه تمام مباحث فقهی و اصولی آن مرحوم را استفاده کرده و مجموع آنها را در هفت مجلد از فقه و اصول تقریر فرموده و آن مرحوم اکثر آنها را شخصاً مطالعه کرده و ایشان را با اعطاء جایزه مفتخر فرمودند.

ده سال مرتباً در محضر درس مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی اراکی حاضر شده و چهار جلد اصول ایشان را تقریر نموده و همه آماده طبع می‌باشد. در تمام این اوقات مباحث فقه و اصول و تفسیر قرآن مجید را تدریس می‌نمودند که برخی از همان مباحث را به طبع رسانیده‌اند.

تالیفات ایشان: فهرست مجموع تالیفات معظم‌له ۷۰ عدد می‌باشد که در آخر کتاب (غالیه الدرر فی مصب قاعده الضرر) مطبوع سنه ۱۳۸۵ قمری درج گردیده است.

و تالیفات مطبوعه ایشان از این قرار است:

۱- کمونیزم از نظر عقل و اسلام مطبوع ۱۳۳۲ شمسی.

۲- لالی منثور در تفسیر سوره طور مطبوع ۱۳۳۵ شمسی ۳- غالیه الدرر مطبوع سنه ۱۳۸۵ قمری.

۴- امراء هستی مطبوع ۱۳۴۵ شمسی ۵- درس سخنوری در ماه رمضان ۶- درس سخنوری در ماه محرم ۷- درس سخنوری در ماه صفر مجموعاً در سنه ۱۳۵۰ شمسی طبع شده ۸- کشف الارتیاب فی ادله الحجاب.

۹- اشعای از سوره نجم ۱۰- جلاء القران در رد کتاب اعجاز القرآن تالیف یدالله نیازمند شیرازی.

این سه کتاب اخیر مجموعه مقالاتی است که در مجلات و جرائد: آئین اسلام، مجله مسلمین، روح آزادی، ندای حق، قبلا به چاپ رسیده است.

و آنچه آماده طبع است به قرار زیر است:

۱- حواشی بر عروه از کتاب طهارت تا آخر صوم.

۲- حواشی بر مکاسب شیخ ۳- ۹ هفت مجلد در تقریر محاضرات علامه بروجردی ۱۰- ۱۳ چهار جلد در تقریر محاضرات آیت‌الله شیخ عبدالنبی اراکی ۱۴- حواشی بر منظومه سبزواری در حکمت ۱۵- حواشی بر رساله عسر و حرج آشتیانی ۱۶- حلیه الوسمه در حقیقت عصمت ۱۷- حقوق زن و مرد در اسلام ۱۸- بدرالدجی در شرایط الدعاء ۱۹- اضائه السراج در اثبات معراج. ۲۰- ارغام المبارز در اثبات المعاجز ۲۱- رساله در عدم توقف حجیه خبر الواحد بر حصول الظن ۲۲- نورالافاق در مباحث اخلاق ۲۳- شرع موبد در خاتمیه محمد صلی الله علیه و آله و سلم ۲۴- اسرار العوالم مصاحبه موسی علیه السلام مع العالم ۲۵- رساله در اعتراف اعداء بعظمه الاسلام ۲۶- رساله در اعتراف مخالفین بفضائل علی علیه السلام ۲۷- فیض الرحمن فی علوم المكتسبه من القرآن ۲۸- جامع الانوار اثبات توحید ۲۹- مقصد الابرار در اثبات الامامه ۳۰- مخزن الاسرار در اثبات النبوه ۳۱- مرتع الافکار در تفسیر انا انزلنا. ۳۲- معدن الآثار در ضبط حکم و الاخبار ۳۳- حواشی بر بعضی کتب سنگلجی ۳۴- حیاة الفواد در اثبات المعاد ۳۵- تفسیر سوره فجر ۳۶- تفسیر سوره والضحی ۳۷- تفسیر سوره لا اقسام بهذا البلد ۳۸- تفسیر سوره والعصر ۳۹- تفسیر سوره والتین ۴۰- تفسیر سوره یوسف ۴۱- ۴۷ در فلسفه احکام عبادات و معاملات ۴۸- دیوان اشعار عربی و فارسی ۴۹- صحو المعلوم در رد کتاب محو الموهوم سنگلجی ۵۰- کمال الایمان در اثبات وجود صاحب الزمان (عج) ۵۰- ۵۷ در ۷ جلد ضبط مجالس تبلیغی که در نقاط مختلف ایراد نموده‌اند.

۵۸- لب‌اللباب در حکم معاشره اهل کتاب ۵۹- مقالات النبویه در رد بعضی شبهات الدینیه ۶۰- معراج پیغمبر اسلام از جنبه عقل و

نقل که آماده طبع می‌باشد.

استاد نبوی اکنون در حوزه علمیه تدریس خارج فقه و اصول دارند و در ایام تعطیل محرم و صفر و ماه رمضان در مسجد حسین آباد شمیران تهران اقامه جماعت نموده و از بیانات خود در منبر افاضات تبلیغی و مواعظ سودمند و نکات جذاب، منابرشان همواره برای طلاب و سخنران درس سخنوری بوده و می‌باشد.

خداوند امثال ایشان را برای حوزه‌های علمی و مسلمین باقی داشته و موید بدارد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

نبوی، اسدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اسدالله نبوی دزفولی از علماء اعلام و مراجع عظام معاصر است. وی سبط حجه الاسلام آقا شیخ محمدحسن انصاری و فرزند ارشد آقا سید عبدالحسین بن سید محمدعلی بن آقا میر سید علی موسوی نبوی دزفولی بزرگ سادات گوشه دزفول و یکی از ستارگان علم و ادب فقهی اصولی و حکیمی متکلم و جلیل القدر و از حماه دین و مروجین آئین می‌باشد.

معظم له در ششم ماه صفر سال ۱۳۱۳ قمری در دزفول متولد گردیده و پس از تکمیل مبادی علوم از محضر خالوی خود آقا شیخ محمد استفاده نموده و پس از فوت وی از محضر آیت الله حاج شیخ محمدرضا دزفولی به پایان رسانیده و به درجه اجتهاد نائل گردیده است.

آیت الله نبوی در سال ۱۳۶۳ قمری مدرسه علمیه‌ای در دزفول بنا نهاده و به تعلیم و تربیت طلاب همت گماشت و در این راه زحمات بسیاری متحمل گشته تا حوزه آبرومندی تشکیل داده است.

نگارنده در ماه صفر ۱۳۷۲ قمری که مسافرتی به خوزستان نموده و از مناطق نفتی دیدن کردم در مراجعت برای ملاقات و زیارت معظم له به دارالمؤمنین دزفول مسقط الرأس شیخنا الانصاری رضوان الله علیه آمده و بیش از یک عشره در ضیافت آنجناب بودم و از سجایای کریمانه و محامد آداب و محاسن اخلاق آن بزرگوار استفاده نمودم.

آیت الله نبوی اکنون یکی از مراجع تقلید خوزستان و از زعماء نامدار و دارای همتی عالی و در راه نشر حقایق و پرورش محصلین وارسته اهتمامی بسزا دارد و مساعدت به فقراء و مستمندان را یکی از وظائف حتمیه خود می‌داند و خدمات اجتماعی ایشان در خوزستان معروف همگانست.

آثار علمی آنجناب از اینقرار است.

۱- تعلیقات بر بعضی از مباحث رسائل ۲- تعلیقه بر شرح شمسیه ۳- رساله در جواز بقاء بر تقلید ۴- جزواتی در مباحث الفاظ ۵- رساله عملیه بنام مناہج الحق مطبوع می‌باشد.

فرزندان برومند و فاضلی دارد بنامهای زیر:

۱- حجه الاسلام آقا سید محمد که از اهل فضل و ائمه جماعت دزفول می‌باشد

۲- آقا سید احمد

۳- آقا سید محمدعلی

۴- آقا سید عبدالحسین

۵- آقا سید عزیزالله.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

نبوی، محسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقا سید محسن نبوی اشرفی از مشاهیر علماء و دانشمندان بنام شمال و شهرستان صنعتی بهشهر بوده‌اند وی پس از خواندن مقدمات و سطوح در مازندران و ایران مهاجرت بعراق نموده و در نجف اشرف رحل اقامت افکنده و از محضر آیات عظام مرحوم علامه یزدی و شریعت اصفهانی و آیه‌الله میرزا محمد حسین نائینی و آیه‌الله العظمی اصفهانی و دیگران استفاده نموده و بمدارج علم و اجتهاد رسیده و در آنجا بتدریس فقه و اصول پرداخته تا باجل محتوم خود باسلاف و اجداد پاک خویش ملحق و در جوار جد گرام خویش مدفون گردیده است.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

نبئی، ابوالفضل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: تاریخ، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی تاریخ و جغرافیا و علوم تربیتی از دانشگاه تبریز کارشناسی ارشد تاریخ از دانشگاه تهران، دکترای تاریخ (تاریخ ترک و مغول) از دانشگاه آنکارا ترکیه.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تصحیح و تحشیه کتب خطی تاریخی، بررسی مسائل جغرافیا و نقش جغرافیا در رویدادهای تاریخی، احیای ابزار آلات نجومی قدیمی، نظارت بر ۶ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

تاریخهای محلی مثل تاریخ آل‌چوپان، نجومی و تقویمی، تقویم و تقویم‌نگاری در تاریخ، هدایت طلاب به دانش اسطرلاب،

تصحیح کتاب تحفه حاتمی و تحشیه آن، تصحیح و تحشیه مجمع‌الاسباب شبانکاره‌ای، و تاریخ ایران از انقراض ایلخانان تا روی کار آمدن تیمور.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

تاریخی، جغرافیایی و جغرافیای تاریخی، نجومی و تاریخهای محلی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

نجابت، حسن‌علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جناب ملجأ السالکین و شیخ العرفاء الشامخین، قدوة الاولیاء و زبده العرفاء، معدن العلم، محیی آثار الأنبیاء و الأوصیاء، شیخ المجاهدین، فقیه أهل بیت العصمة و شمس فلک المحبته و قمر سماء المعرفة، مخلص لله، فانی فی الله، باقی بالله، مجاهد فی سبیل الله و فی الله، عالم عامل و فقیه کامل حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ حسنعلی نجابت شیرازی - قدس سره الشریف - فرزند مرحوم حاج غلامحسین نجابت در سال ۱۲۹۶ هجری شمسی در خانواده‌ای کریم الاصل و نجیب النسل در شیراز متولد شدند. پس از گذراندن دوره مقدماتی در مدرسه علمیه خان شیراز که تحت نظر آیت الله العظمی سید عبدالله شیرازی اداره می‌شد به نجف اشرف مشرف شدند.

مقام علمی و اساتید ایشان: بیش از یک دهه از ورود ایشان به نجف نگذشته بود که بعنوان مجتهدی ورع و فقیهی صاحب‌نام آن هم در حوزه علمیه نجف اشرف مطرح می‌شوند و در کلیه علوم ظاهری (فقه و اصول، تفسیر، کلام...) در محضر مراجع بزرگ آن زمان زبانزد خاص و عام بوده تا جایی که در هیئت استفتائیه مراجع، زمانی را سپری می‌کنند و شهرت علمی ایشان در نجف به حدی بود که معروف بود که ایشان اگر نجف می‌ماندند از نظر همان علوم متعارف فقه و اصول و... در حدی بالاتر از مرحوم آقاضیاء عراقی (استاد مراجع آن زمان) بودند. استادان بنام ایشان در فقه و اصول و... آیت الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی، آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی، آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خوئی و آیت الله العظمی شیخ علی محمد بروجردی بودند. ایشان در سن ۲۸ سالگی به درجه اجتهاد نائل شدند و عمده اجازات ایشان از نامبردگان فوق می‌باشد.

اساتید عرفانی: چنانچه ذکر کردیم حضرت آیت الله نجابت (ره) با آن همه معلومات اگر می‌خواستند در همان نجف اشرف ادامه درس و بحث حوزوی داشته باشند یکی از نوادر عصر خود و یکی از استوانه‌های مرجع و ملجأ مردم و طلاب می‌بودند، اما چون طالب مطلوب واقعی بوده و علوم ظاهری را مقدمه برای ورود به علم واقعی می‌دانستند، جوای انسانانی کامل از اولیاء الهی بودند که از زلال معرفت و هدایت خاص وی برخوردار شوند، که در همین راستا خداوند تبارک و تعالی به اراده و مشیت خاصه خود شخص محترم و عزیز و کاملی را جهت ارائه طریق به مرحوم آیت الله نجابت معرفی می‌فرماید، یعنی ایشان به خدمت استاد کل و مرجع و ملجأ مراجع تقلید آن زمان از هر جهت -چه ظاهری و چه واقعی و معنوی- یعنی مرحوم حضرت آیت الله العظمی حاج سید علی قاضی طباطبائی -قدس سره الشریف- می‌رسند که سیر واقعی و حرکت متصل به سوی حضرت احدیت شروع می‌شود. اگر بخواهیم به زندگانی فیلسوف، حکیم الهی، مجاهد فی سبیل الله، عالم کامل و فقیه جامع مرحوم آیت الله العظمی حاج سید علی

قاضی پیردازیم، باید گفت: مثنوی هفتاد من کاغذ شود. بنابراین به فرموده مرحوم حضرت آیت‌الله نجابت که از شاگردان برجسته محضر عرفانی ایشان بودند اکتفا می‌کنیم: وقتی صحبت از استقامت و پایداری و صبر می‌شد، نام این بزرگوار را به عظمت و تکریم و وقار می‌آوردند بطوری که چهره‌شان تغییر می‌کرد، آنچنان با قدرت و از اعماق جان‌شان سخن می‌گفتند که سخن به جان انسان اثر می‌کرد و تغییر می‌داد وضع شخص را، یعنی به دنبال سخن یک اتصال معنوی با ربّ الارباب حاصل می‌شد. خود بیان نام و ذکر احوالات حضرت آیت‌الله قاضی آنچنان انسان را تحت تأثیر قرار می‌داد که حضور حضرت آیت‌الله قاضی را انسان درک می‌کرد، علتش فقط حضور آیت‌الله نجابت در مقام بیان حالات آیت‌الله قاضی گویا در حضور آیت‌الله قاضی است. آنچنان اتصال بین آیت‌الله نجابت و آیت‌الله قاضی بود که سخن آیت‌الله نجابت همان سخن آیت‌الله قاضی می‌شد و اثر همان اثر. شاگردان ایشان زیاد ملاحظه می‌کردند که در حقیقت سخن از حالات خود آیت‌الله نجابت بود، امّا هنر ایشان در این بود که این حالات را و کرامات را به مرحوم آیت‌الله قاضی نسبت می‌دادند. الحق هم باید شخصی مثل آیت‌الله نجابت معرف آیت‌الله قاضی باشد، کسی که در همان چند سال محضر آن بزرگوار کمال استفاده را بردند. ایشان می‌فرمودند: «اگر بخواهیم راجع به صبر آیت‌الله قاضی صحبت کنیم باید به این نکته توجه کامل داشته باشیم که ایشان از نظر علمیت بی‌نظیر بودند یعنی یکی از مدرّسین فقه و اصول حوزه نجف اشرف بودند و شاگردان بسیاری تربیت کردند، در تمام علوم احاطه کامل داشتند، تقوا و زهد ایشان انسان را به یاد جدّش امیرالمؤمنین (ع) می‌انداخت، از نظر مخارج منزل سخت تحمل می‌کردند ناملازمات را، فشار زندگی طاقت فرسا بود، با این همه فضیلت و تقوا و علم، امّا هرگز این مراتب را جهت استراحت خود قرار ندادند، راضی بودند به رضای خدا، یعنی اگر می‌خواستند جلب مال کنند عده زیادی بودند که آرزو داشتند مرحوم آیت‌الله قاضی تقاضایی کنند، امّا هرگز سخن راجع به این امور نفرمودند. در مرتبه خواب و مکاشفات که بعضی از بزرگان در طول زندگی از خواب خوب و مکاشفه تا اندازه‌ای برخوردار بودند، امّا این بزرگوار اسوه صبر و استقامت خودشان می‌فرمودند: چهل سال از عمرم گذشته بود، یک خواب، یک مکاشفه خوب نداشتم که لااقل دل خوش کنم به آن.

امّا از آنجایی که صبر ایشان صبر ایوب و جدّشان رسول اکرم (ص) بود هرگز نسبت به راه تزلزلی و سستی راه ندادند و اراده خداوند و رضای خداوند را بر تمام مطالب خود مقدّم داشتند، تا اینکه خداوند جلیل عنایت خود را به این محترم عطا نمود که در آن زمان عده زیادی بهره‌مند شدند و اکنون هم از برکات آن محترم طالبین معرفت خداوند منتعم هستند. حضرت آیت‌الله نجابت می‌فرمودند: روز اوّل که خدمت این بزرگوار (حضرت آیت‌الله قاضی) رسیدم فرمودند: فرزند چه کسی هستی؟ بدون هیچ‌گونه معطلی عرض کردم: فرزند شما. بسیار این مرد بزرگ از جواب من خوشحال شد. (۱)

همچنین می‌فرمودند: همین که نزدیک می‌شد ماه محرّم مرحوم آیت‌الله قاضی دیگر قرار نداشتند، همه می‌دانستند آن جذبه ربّ الارباب، آن عنایات حضرت ابا عبدالله الحسین (ع)، این آتش عشق به خداوند و ائمه این بزرگوار را از خود بی‌خود می‌کرد، لذا مقداری نان و خوراکی تهیه می‌کردند اهل منزل و این بزرگوار از منزل خارج می‌شدند و پیوسته محزون و گریان بودند. نقل است که چند ماهی پیش از شرفیابی آیت‌الله نجابت به خدمت مرحوم قاضی نگذشته بود که مرحوم قاضی می‌فرمود: شیخ حسنعلی نجابت اهل حرم است. بعد از فوت مرحوم آیت‌الله قاضی از آنجایی که خداوند هرگز انسان را رها نمی‌کند، طالب را رها نمی‌کند و عنایت عامّ و خاصّ خداوند به زمان و مکان بستگی ندارد، به خدمت سرسلسله عشاق، آن متصل به مبدأ اجلّ، آن سوخته بقا یافته، آن وارد در اسرار الهی یعنی مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمدجواد انصاری همدانی - قدّس سرّه الشریف - رسیدند، که الحق می‌باید گفت: نمی‌شود کسی در واقع خدمت این بزرگوار برسد و معرفت خداوند نصیب او نشود. و راجع به این مرد بزرگ هم باید گفت: معرفت ایشان باید آن شاگرد صددرصد تسلیم و مطیع آن بزرگوار یعنی حضرت آیت‌الله نجابت باشد، چون این وضع را ایشان از همه بیشتر متوجه بودند. ایشان می‌فرمودند: مرحوم آیت‌الله انصاری از نوادر و افراد انگشت شمار اهل معرفت

بودند، یعنی خداوند تبارک و تعالی متکفل تمام مراتب ایشان بود. استاد ایشان حسب نقل بزرگواران و آیت الله نجابت خود خداوند تبارک و تعالی بود که ایشان هم نقل قول می‌کردند از مرحوم آیت الله قاضی که می‌فرمودند: این مرد بزرگ (آیت الله انصاری) خدا را به یگانگی شناخته است. آیت الله نجابت می‌فرمودند: بعد از رحلت حضرت آیت الله قاضی همراه شهید محراب آیت الله دستغیب به خدمت حضرت آیت الله انصاری رسیدیم، مرحوم آیت الله انصاری فرمودند: چرا، و برای چه اینجا آمده‌اید؟ عرض کردیم: برای کسب معرفت خداوند آمده‌ایم. و اصرار ورزیدیم. بعد از مدتی مرحوم آیت الله انصاری فرمودند: بنده مدتهاست از خداوند تبارک و تعالی تقاضا داشتم که هیچ کس مرا نشناسد، اما چه کنم که امر و اراده خداوند غیر از این شد. به هر جهت بهره بسیار زیادی از این مرد کامل داشتند. مرحوم آیت الله نجابت می‌فرمودند: مرحوم آیت الله انصاری در عشق به خداوند بی‌نظیر بودند، و ایشان را هم ردیف حافظ شیرازی که زبانزد خاص و عام است از عشق به خداوند می‌دانستند. معروف است که آیت الله انصاری در باره آیت الله نجابت فرمودند: اگر دریایی از معارف الهی را به حاج شیخ حسنعلی بدهند سیر نمی‌شود.

نظری به ابعاد وجودی ایشان: وقتی به ابعاد و شخصیت این مرد خدا (حضرت آیت الله نجابت) مراجعه می‌شود در می‌یابیم که ایشان مجتهد در تمام امور است. یعنی نیاز یک جامعه را از هر جهت رفع می‌کند و در حقیقت هدایت می‌کند. حقیقتاً خداوند هادی است، اما چون این افراد به خداوند متصل و در سر خداوند وارد و آگاه از اسرار الهی هستند، مردم را به حقیقت آگاه می‌کنند. دیگر نمی‌توان گفت این شخص فقط مجتهد است در فقه و اصول و احکام شرع، خیر، ایشان به تمام امور زندگی آگاه است، یعنی امور همه به دست خداست و اینها هادیان طریقی الی الله هستند. اینگونه افراد فقط رضای خداوند را مد نظر دارند و هر لحظه از خداوند کمک می‌خواهند و مردم را به حق یعنی سنت رسول خدا (ص) دعوت می‌کنند، به کتاب خدا و اهل بیت عترت و طهارت دعوت می‌کنند نه به شخص خودشان، و از این جهت هیچ وقت نسبت به اعمال خودشان پشیمان نیستند چنانکه امام خمینی (قدس سره) می‌فرمودند: ما به وظیفه عمل می‌کنیم پیروزی ظاهری باشد یا نباشد. خداوند تبارک و تعالی چنین قرار داده که همچنان که قرآنش را تنزل داده، تمام اوصافش را هم تنزل داد تا همچون محترمی مثل آیت الله نجابت جلوه خدا باشند، پس جلوه در تمام اوصاف امکان دارد حاصل شود، چون اراده خداوند به چنین شخصی تعلق گرفت، خداوند حسب حال این محترم و گنجایش این محترم او را ذو جهات قرار می‌دهد که به نحو ایجاب جزئی می‌تواند احتیاجات اشخاص طالب معرفت خداوند را برطرف کند، چرا که در اثر بندگی خدا اگر خداوند اجازه دهد هر جنبه‌ای در اختیار این محترم به حرکت در می‌آید، آسمان و زمین و مافیها در اختیار این محترم است و به اذن خداوند می‌توانند در هر چیز و هر کس که بخواهند تصرف کنند. چنانکه دیده می‌شد امر و نهی ایشان بر شخص تسلیم امر خداوند، شخصی که صد در صد از تعلقات دنیوی دست کشیده بود آنچنان مؤثر واقع می‌شد که به اندک مدتی به نتیجه و مطلوب می‌رسید.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

نجاتی بافتی، محمدعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر و طبیب. در اوایل عمر از بافق که وطنش بود، به یزد آمد و مشغول تحصیل علم ابدان (علم پزشکی) و علم ادیان شد. چندی به مسافرت پرداخت تا به درجه‌ی طبابت رسید و دوباره به یزد بازگشت و در آنجا سکنی گزید. وامق یزدی بعضی از اشعارش را در تذکره‌ی خود آورده است. او در حیات وامق (م ۱۲۶۲ ق) از دنیا رفت. ضمناً قابل ذکر است که صاحب

«تذکره‌ی نصرآبادی» سخنی از یک نجاتی بافقی به میان آورده که بسیار معمر بوده و با این حال «شاهنامه» را به طرز خوش می‌خوانده شاید این نجاتی، پسر یا نوه‌ی آن نجاتی معمر باشد. از آثار وی: «نجاه‌الابدان». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی نصرآبادی (۳۰۷)، حدیقه‌الشعراء (۱۸۶۱-۱۸۶۰/۳).

نجاتی، صادق

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

صادق نجاتی

محل تولد: نجف

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۲/۱۰/۱

زندگینامه علمی

اینجانب صادق نجاتی در سال ۱۳۳۲ در شهر مقدس «نجف اشرف» متولد شدم و مرحوم پدرم نیز متولد نجف بوده است. پدر بزرگم از شهر کاشان جهت تحصیل به حوزه نجف رفته و آنجا زندگی تشکیل داده و مسکن وی آنجا بوده است و ما چون ایرانی بودیم و شناسنامه ایرانی داشتیم؛ در سال ۱۳۵۰ در برج ۱۰، توسط صدام خبیث اخراج شدیم که اینجانب از دبیرستان علاقه و آفری پیدا کردم به ورود به حوزه که کلاس دهم بودم و کلاس یازدهم و دوازدهم را متفرقه خواندم و دیپلم را در سال ۱۳۵۰ از دبیرستان شرافت بغداد گرفتم و همان سال اخراج شدیم و به حوزه علمیه قم آمدم که بیشتر لمعه را در قم خواندم. چون در نجف اشرف (معالم، شرح باب حادی عشر، منطق مظفر، شرح ابن عقیل، مقداری از سیوطی، بحث باب تراجیح رسائل و اصول مظفر) را خوانده بودم.

درس رسائل نزد چند نفر از اساتید که عمده بحثهای آن، نزد حجة الاسلام و المسلمین مرحوم آقای سید ابوالفضل موسوی تبریزی خوانده ام و کفایه نزد آیات: حائری، مرحوم پایانی، آیت الله محمدی گیلانی و آیت الله سبحانی خواندم و مکاسب را نزد مرحوم آیت الله موحدی حجتی نجفی و آیت الله معرفت خواندم و یک مقدار اسفار نزد آیت الله گرامی و آیت الله جوادی آملی و تفسیر نزد آیت الله خزعلی و درس خارج اصول و فقه نزد آیت الله العظمی وحید خراسانی و مقداری نزد آیت الله سید کاظم حائری، آیت الله سبحانی و آیت الله مظاهری خواندم. مدتی در مدرسه شهید صدر به تدریس اصول فقه و حلقه اولی شهید صدر و لمعه مشغول بودم.

از سال ۱۳۵۰ برای تبلیغ به مناطق مختلف، اعم از روستا و شهر کشور رفتم و چند سالی به لبنان و کشور سوئد و فنلاند جهت تبلیغ برای عراقیهای مقیم آن دو کشور اعزام شدم و در سال ۱۳۶۱ به قضاوت در اهواز تا سال ۱۳۶۵ مشغول بودم و با اصرار خودم استعفا نمودم و دوباره در سال ۱۳۸۱ به قضاوت برگشتم و فعلاً در قم مشغول هستم و چند سالی در انتشارات جامعه مدرسین قم در بخش عربی مشغول به کار شدم و کار تحقیق شروع کردم. مسئول بخش عربی شدم و چند سالی در مجمع الفکر اسلامی نیز

مشغول به تحقیق شدم و این توفیق را داشتم که مثل سایر برادران دیگر محقق در تحقیق کتابهای شیخ مرتضی انصاری از مکاسب و رسائل و صلاة و سایر کتب ایشان مشغول شدم.

نجاتی، محمدسعید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد سعید نجاتی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۷/۸/۱۳

زندگینامه علمی

با دیپلم تجربی با معدل ۵/۱۷ در سال ۱۳۷۴ فارغ التحصیل شدم و با رتبه ۱۳ وارد حوزه علمیه و مدرسه علمیه شهیدین گشتم. از سال اول تا آخر دوره سطح، در مدرسه شهیدین مشغول بوده ام و علاوه بر دروس متداول حوزه، دوره مکالمه عربی را تکمیل نموده و مکالمه انگلیسی را شروع نمودم. همچنین در برنامه تحقیق مدرسه شرکت نموده و تحقیقاتی را با موضوعات: «سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله)» و «مقارنه کتب صرفی»، «اصول»، «تاریخ امیر المؤمنین»، «تاریخچه و کتابنامه صحیفه سجادیه» نوشته ام که برخی چاپ و منتشر شده است. همچنین دوره مقدماتی فیلم نامه نویسی را در خانه هنر و اندیشه صدا و سیما قم گذرانده ام. الان در ترم ۶ رشته کلام اسلامی، دوره غیر حضوری مؤسسه امام خمینی (ره) و دوره عالی خارج فقه و اصول مدرسه شهیدین مشغول تحصیلم. در این دوران به صورت پراکنده و انفرادی کتابهای حلقه اولی شهید صدر، هدایه، صمدیه، مکالمه عربی، الموجز، لمعه و مغنی را تدریس کرده ام. همچنین در این مدت در کلاس های آموزش سخنرانی، مداحی و تبلیغ شرکت کرده و در مناطقی چون شهر یاسوج، شهرستان سی سخت، شهر بم، شهر بندرعباس، روستاهای منطقه هلیلان ایلام، شهر قزوین و روستاهای منطقه نوشان، تبلیغ برای عموم مردم و دانش آموزان در ایام تبلیغی مشغول بوده ام.

نجاتی، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مترجم، شاعر.

تولد: ۱۲۸۱.

درگذشت: ۶ آذر ۱۳۷۳.

محمدعلی نجاتی از اوان نوجوانی به عضویت انجمن های ادبی ایران و حکیم نظامی به سرپرستی وحید دستگردی درآمد. وی مدتی

مدیریت مجله‌ی ادبی «ارمغان» را به عهده داشت. بعدها که به خدمت ارتش درآمد، مدت ده سال سردبیری مجله‌ی «ژاندارمری» را بر عهده داشت. آثار ادبی نجاتی اعم از شعر و مقاله در اغلب مجلات ادبی از جمله «یغما»، «ارمغان» و «گوهر» منتشر شده است. نجاتی در طنز نیز آثار منظومی دارد و غیر از مقالات و تحقیقات ادبی، کتاب عجایب المقدور فی اخبار تیمور اثر شرفشاه توسط وی ترجمه شده است.

شایان ذکر است که این کتاب به عنوان بهترین کتاب سال نیز شناخته شده است.

(۱۳۷۳ - ۱۲۸۴ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر. در تهران به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آموزشگاه‌های اسلام و ثروت به پایان رساند. سپس به کسب علوم ادبی و عربی پرداخت و از محضر وحید دستگردی مایه‌های ادبی اخذ کرد و قریب ده سال به عنوان مدیر داخلی مجله‌ی «ارمغان» با وی همکاری نمود و در تصحیح متون ادبی همکار نزدیک او بود و چند سال نیز به عنوان معاون کتابخانه‌ی ملی مشغول خدمت گردید. از آثار وی: ترجمه‌ی «عجایب المقدور فی نوائب تیمور»، تألیف ابن عربشاه، به نام «زندگی شگفت آور تیمور»؛ «دیوان» شعر؛ اهتمام در انتشار «دیوان» شعر ملک الشعراء فتحعلی خان صبا. [۱] برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه [۱]: الذریعه (۹ / ۱۱۷۲)، سخنوران نامی معاصر (۳۶۲۳ - ۳۶۱۸ / ۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱ / ۱۵۰۲)، کشف الظنون (۱۱۲۸)، کلک (س ۵، ش ۵۵ و ۵۶، ص ۴۱۰)، گلزار جاویدان (۳ / ۱۶۰۷)، مؤلفین کتب چاپی (۴ / ۴۳۰).

نجار رازی، ابو عبدالله حسین

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۲۲۰ ق)، متکلم. اصلش از قم و ساکن ری بود. وی واضع مکتب کلامی خاصی است که پیروان این مکتب به مناسبت لقب او نجاریه خوانده می‌شوند. وی در برخی از مسائل مانند: قضا و قدر، اکتساب افعال و وعد و وعید جانب اهل حدیث را گرفت و در بعضی دیگر مثل نفی صفات، خلق قرآن و رؤیت خداوند در روز قیامت به موافقت معتزله برخاست، لذا نجاریه را در زمره‌ی فوق معتزله محسوب می‌نمایند. بیشتر معتزلیان ری و اطراف آن از پیروان او بوده‌اند. فرقه‌های برگوئیه، زعفرانیه و مستدر که از شاخه‌های فرقه‌ی نجاریه می‌باشند. مناظرات وی با نظام که از بزرگان معتزله است، مشهور می‌باشد. از آثارش: «البدل»، در کلام؛ «المخلوق»؛ «اثبات الرسل»؛ «الارجاء»؛ «القضاء والقدر»؛ «الثواب والعقاب»؛ «اللطف والتأیید»؛ «الارادة الموجبه»؛ «الارادة صفة فی الذات»؛ «الصفات والاسماء»؛ «التأویلات»؛ «الموجز»؛ «المطالبات».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲ / ۲۷۶)، انساب سمعانی (۵ / ۴۶۰)، تاریخ مذاهب اسلام (۱۵۲ - ۵۱۰)، سیر النبلاء (۱۰ / ۵۵۴)، فرقه‌های اسلامی (۵۸)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (۳۳۶ - ۳۳۵)، هدیة العارفین (۱ / ۳۰۳ - ۳۰۴).

نجار زادگان، فتح الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فتح الله نجار زادگان

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۷ در شهر اصفهان به دنیا آمد و در سال ۱۳۵۶ موفق به اخذ دیپلم در رشته ریاضی شد. در سال ۱۳۵۸ به حوزه علمیه اصفهان رفت و تا سال ۱۳۶۴ دروس مقدمات، اصول، شرح لمعه و متون دیگر عمومی را خواند. در این سال با ورود به حوزه علمیه قم و شروع رسائل و مکاسب از واحد آموزش عالی دفتر تبلیغات، لیسانس گرفت و سپس به تربیت مدرس دانشگاه قم راه یافت و همزمان با دروس حوزه در سال ۱۳۷۲ موفق به دریافت مدرک کارشناسی ارشد در رشته «الهیات و معارف اسلامی» شد.

در سال ۱۳۷۳ در دانشگاه تهران در رشته «علوم قرآن و حدیث»، مقطع دکتری و در دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در رشته «فقه و اصول» در همان مقطع، پذیرفته شد اما به دلیل علاقه به رشته علوم قرآن به دانشگاه تهران رفت و در سال ۱۳۷۸ رساله خود را دفاع کرد. در طی این مدت به دروس حوزوی نیز کم و بیش مشغول بود. آنگاه در سال ۱۳۷۹ در گروه معارف اسلامی دانشگاه تهران که هم اکنون یکی از گروه‌های دانشکده الهیات است، به عنوان عضو هیئت علمی مشغول به کار شد که هم اکنون نیز ادامه دارد.

تدریس در موضوعات: اصول، فلسفه، علوم قرآن، حدیث، تفسیر (به ویژه تفسیر تطبیقی) در حوزه و نیز تدریس علوم قرآنی، حدیث و تفسیر در دانشکده اصول الدین و مدارس مرکز جهانی علوم اسلامی و تدریس اخلاق، متون اسلامی، معارف در دانشگاهها بخشی از فعالیتهای علمی ایشان محسوب می شود که هم اکنون نیز ادامه دارد. مدتی با پژوهشکده حوزه و دانشگاه و نیز شورای برنامه ریزی مرکز جهانی همکاری داشته و هم اکنون نیز در رتبه دانشیاری با پایه ۱۲ عضو گروه معارف اسلامی دانشگاه تهران می باشد.

نجار شوشتری، محمد

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۴۱ / ۱۱۴۰ ق)، عالم دینی، محدث، مفسر، واعظ و خطیب. بنا به آورده‌ی شیخ آقا بزرگ تهرانی از «تذکره‌ی عبدالله جزایری» او از شاگردان جد صاحب تذکره، سید نعمه‌الله جزایری است و از وی روایت نموده است. نجار در طلب علم به اصفهان و مشهد مسافرت کرد و نزد ملا عبدالرحیم جامی و دیگران تلمذ نمود. و آثارش: «مجمع التفاسیر»، مشهور به «تفسیر ابن النجار» که از تفاسیر بزرگ قرآن است، رساله‌ای در «سیرالملوک»، به فارسی؛ جمع بین متن «الاستبصار» و شرح محدث جزایری بر آن به نام «کشف الاسرار»، و همچنین جمع بین متن «التهذیب» و شرح محدث جزایری بر آن به نام «غایه المرام»؛ تدوین «عقود المرجان فی حواشی القرآن» استادش، سید نعمت‌الله جزایری، در سه مجلد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان‌الشیعه (۱۰/۹)، الذریعه (۲۴/۲۰، ۱۷/۱۸، ۱۹-۱۸/۱۶، ۳۰۵/۱۵، ۲۴۹/۴)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۷۰۷-۷۰۶/۱۲)، معجم‌المؤلفین (۶۷-۶۶/۱۱).

نجار قمی، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ محمدحسین بن ملا حسن نجار قمی عالمی کبیر و فقیهی صالح بوده و در سال ۱۳۵۹ قمری در قم وفات نموده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

نجار لواسانی، حبیب

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۹۰۲ ق)، طراح و نقاش. وی در طراحی و ترسیم نقوش و آثار گوناگون بر روی چوب مهارت داشت و از نجاران بنام شهر لواسان به شمار می‌رفت. از آثار به جا مانده‌ی وی که با همکاری برادر خود احمد، به فرجام رسانده صندوق عتیقه و منبت امامزاده زید واقع در بازار شهر تهران است که آیاتی از کلام‌الله و حدیث نبوی را به خط ثلث و نسخه استادانه‌ای به روی چوب کنده‌کاری نموده و حواشی بر جوانب آن را نیز به تزیینات اسلیمی آرایش داده است، با رقم: «عمل زیدتی الصنائین استاد حبیب و استاد احمد نجار الباسانین... سنه ۹۰۲ ه ق».

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱۴۴۷/۳).

نجار، ابوالحسن

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س پنجم ق)، عارف. از عرفای بنام زمان خود بود و با خواجه عبدالله انصاری معاصر. در قهندوز که محلی میان هرات و بخارا بوده، درودگری می‌کرد. جامی از قول خواجه عبدالله سخنان بسیاری از او نقل کرده است. [۱]

اسکافی، فقیه و دانشمند مشهور معاصر ابوالفضل بیقهی و سلطان ابراهیم غزنوی (جل. ۴۵۱ ه ق). بوده و از او نیکویی و احسان دیده است. وی مسند تدریس نیز داشت و بی‌اجری و مشاخره درس ادب و علم می‌داد. اشعاری فارسی از او در کتب ادب آمده است.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] لغت‌نامه (ذیل / ابوالحسن نجار)، نامه‌ی دانشوران (۱۴۵-۱۳۷ / ۷)، نفحات الانس (۳۵۵-۳۵۰).

نجار، احمد

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(اوایل س یازدهم ق)، نجار، طراح و نگارگر. از آثار رقم‌دار این استاد، درب چوبی کم نظیر و پر مهارت یکی از بقاع متبرکه است که به نقوش اسلیمی و ترنجی مشبک پیراسته گشته است و در نوع خود زیبا و استادانه است. در بالا- و داخل مربعات کوچکتر، نقوشی از ترکیب چهار علی، به خط تزیینی کوفی و در دو مربع بزرگتر چپ و راست، تعاریف: «ناد علیا... الی آخر» به خط ثلث عالی کنده کاری شده است، در قرینه‌ی پایین‌تر، ادعیه دیگری کنده کاری شده و به خط رقاع چنین رقم دارد: «عمل احمد بن عبدالغنی نجار» و در مقابل آن، رقم کاتب چنین نوشته شده: «کتابه العبد میر علی بن محمد ۱۰۰۲».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱/ ۵۸).

نجار، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقا شیخ محمدحسین مشهور به نجار (چون پدرش پیشه نجاری داشته) از علماء و مجتهدین قم بود که در نجف اشرف سالها در خدمت فقیه اعظم آقا سید محمد کاظم طباطبائی تحصیل و تلمذ نموده بود ولی چون طبعی تند داشت ترقی ننمود و در اوایل مشروطیت صدماتی کشید و اعتضادالدوله حکمران قم او را به نجف تبعید نمود پس از استقرار مشروطیت مجدداً به قم مراجعت کرد ولی به علت تنیدی مزاج باز کارش پیشرفت نکرد. گاهی به تهران مسافرت می‌کرد و گاهی به قم مقیم می‌شد تا چندین سال قبل در قم مرحوم شد.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

نجاران لواسانی، احمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۹۰۲ ق)، طراح و نقاش. از اهالی لواسان بود. وی و برادرش، حبیب نجاران، از استادان نجاری بودند که در طراحی و ترمیم نقوش و خطوط گوناگون به روی چوب مهارت داشتند. از آثار به جا مانده از این دو برادر: صندوق عتیقه و منبت امامزاده زید، واقع در بازار شهر تهران است، که آیاتی از کلام الله و حدیث نبوی را به خط ثلث و نسخ استادانه‌ای بر روی چوب کنده کاری نموده و حواشی و جوانب آن را نیز به تزیینات اسلیمی آرایش داده‌اند و چنین رقم دارد: «عمل زیدتی الصنائین استاد حبیب و استاد احمد... سنه ۹۰۲ ه ق».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱۴۴۷/۳).

نجارزادگان، فتح الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجة الاسلام دکتر فتح الله نجار زادگان در سال ۱۳۳۷ ش. در شهر اصفهان به دنیا آمد. وی تحصیلات خود را در رشته علوم قرآن و حدیث مقطع تا مقطع دکتری ادامه داد و توأم با تحصیل در رشته مذکور تحصیلات حوزوی را نیز کم بیش ادامه داد. فتح الله نجار زادگان در سال ۱۳۷۹ در گروه معارف اسلامی دانشگاه تهران که هم اکنون یکی از گروه‌های دانشکده الهیات است به عنوان عضو هیئت علمی مشغول به کار شد که این همکاری هم اکنون نیز ادامه دارد. کتاب "سلامه القرآن من التحریف" تالیف فتح الله نجار زادگان، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه: علوم انسانی رشته: علوم قرآنی تحصیلات رسمی و حرفه ای: فتح الله نجار زادگان در سال ۱۳۵۶ موفق به اخذ دیپلم در رشته ریاضی شد. در سال ۱۳۵۸ به حوزه علمیه اصفهان رفت و تا سال ۱۳۶۴ دروس مقدمات و اصول و شرح لمعه و متون دیگر عمومی را خواند. در این سال با ورود به حوزه علمیه قم و شروع رسائل و مکاسب از واحد آموزش عالی دفتر تبلیغات، لیسانس گرفت و سپس به تربیت مدرس دانشگاه قم راه یافت و همزمان با دروس حوزه در سال ۱۳۷۲ موفق به دریافت مدرک کارشناسی ارشد در رشته الهیات و معارف اسلامی شد. در سال ۱۳۷۳ در دانشگاه تهران در رشته علوم قرآن و حدیث مقطع دکتری و در دانشگاه امام صادق (ع) در رشته فقه و اصول در همان مقطع پذیرفته شد اما به دلیل علاقه به رشته علوم قرآنی به دانشگاه تهران رفت و در سال ۱۳۷۸ رساله خود را دفاع کرد و در طی این مدت دروس حوزوی را نیز کم و بیش ادامه داد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: فتح الله نجار زادگان در سال ۱۳۷۹ در گروه معارف اسلامی دانشگاه تهران که هم اکنون یکی از گروه‌های دانشکده الهیات است به عنوان عضو هیئت علمی مشغول به کار شد که این همکاری هم اکنون نیز ادامه دارد. فعالیتهای آموزشی: فعالیت های آموزشی فتح الله نجار زادگان به قرار زیر است: تدریس در موضوعات اصول، فقه، فلسفه، و حدیث در حوزه علمیه و نیز تدریس علوم قرآنی، حدیث و تفسیر در دانشکده اصول الدین و مدارس مرکز جهانی علوم اسلامی بخشی از فعالیت های ایشان محسوب می شود. ۱. تدریس و پژوهش / مرکز جهانی علوم اسلامی / ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۳ ۲. عضو شورای علمی گروه علوم قرآن / پژوهشکده حوزه و دانشگاه / ۱۳۷۹ - ۱۳۸۲ ۳. تدریس و پژوهش / دانشگاه تهران / ۱۳۷۸ ادامه دارد ۴. عضو هیئت مدیره مجمع احیاء فرهنگ اسلامی / پژوهش و برنامه ریزی / ۱۳۸۰ ادامه دارد. جوایز و نشانها: کتاب "سلامه القرآن من التحریف" تالیف فتح الله نجار زادگان، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد. چگونگی عرضه آثار: فتح الله نجار زادگان بیش از ۲۱ مقاله در زمینه رشته تخصصی خود دارد.

آثار: ۱ التوسل و التبرک و الصلح مع العدو الصهيونی فی رسالتین بین واعظ زاده و بن باز ویژگی اثر: نشر مشعر / ۱۳۸۳ ۲ پژوهش نامه در س اخلاق و تربیت اسلامی دانشگاهها ویژگی اثر: مرکز برنامه ریزی و تدوین متون درسی / ۱۳۸۳ ۳ تحریف ناپذیری قرآن ویژگی اثر: مرکز تحقیقات حج با همکاری مرکز مطالعات فرهنگی حوزه علمیه قم / ۱۳۸۴ ۴ تراث الشیعه القرآن ج ۱ ویژگی اثر:

یکی از مدیران علمی طرح / ۱۳۸۴۵ تراث الشیعه القرآن ج ۲ و ویژگی اثر: یکی از مدیران علمی طرح / ۱۳۸۵۶ تفسیر تطبیقی (بررسی تطبیقی مبانی و معارفی از آیات در دیدگاه فریقین) و ویژگی اثر: مرکز جهانی علوم اسلامی / ۱۳۸۳ ۷ در سنامه متون اسلامی و ویژگی اثر: مجمع احیای فرهنگ اسلامی / ۱۳۸۳ ۸ سلامه القرآن من التحریف و ویژگی اثر: تهران، چاپ اول ۱۳۷۸، چاپ دوم با اضافات فراوان / ۱۳۸۲ / کتاب سال جمهوری اسلامی در سال ۱۳۸۳ و رتبه نخست دوازدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن ۱۳۸۳. آشنایی با کتاب: سلامه القرآن من التحریف و تفنید الافتراءات علی الشیعه الامامیه سلامه القرآن من التحریف و تفنید الافتراءات علی الشیعه الامامیه / فتح الله المحمدی (نجارزادگان). - تهران: مشعر، ۱۳۸۲. ۷۵۸ ص. کتابنامه ۱. قرآن - تحریف ۲. قرآن - دفاعیه‌ها و ردیه‌ها ۳. شیعه - دفاعیه‌ها و ردیه‌ها اهمیت قرآن کریم به عنوان یکی از دو ثقل اکبر بازمانده از آورنده عظیم الشأن آن و نقش بارز و محوری این کتاب کریم الهی در ایجاد و ابقا اتحاد امت مسلمان از مسائل بارز و قابل توجه در خصوص این متن و حیاتی الهی است. به اعتقاد عموم مسلمانان قرآن از هرگونه تحریف و تغییر مصون بوده، دست تحولات و تغییران زمان را به دامن مطهر آن راهی نیست و این تحقق وعده الهی است، چنان که به صراحت در متن قرآن کریم ذکر شده است. یکی از اتهاماتی که به ناروا بر شیعه وارد شده و گاه بر آن اصرار شده است، اتهام اعتقاد به تعریف قرآن است که این امر بویژه در کتابی با عنوان اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه تألیف ناصر علی قفاری بتفصیل مورد بحث قرار گرفته است. مؤلف با عنایت به این کتاب و برخی کتب دیگر که قبل از آن تألیف شده و در آنها این اتهام به شیعه مطرح گردیده است، اقدام به تألیف کتاب سلامه القرآن من التحریف نموده است. کتاب در دو بخش اصلی تنظیم شده است: بخش اول به مسأله سلامت قرآن از تحریف در نظر فریقین، با قطع نظر از آراء و افتراءات برخی افراد، پرداخته است. در بخش دوم به مسأله اتهاماتی که در خصوص تحریف قرآن بر شیعه وارد شده پرداخته شده است. بررسی ادله مصونیت قرآن از تحریف از نظر شیعه امامیه، بررسی روایات تحریف قرآن در کتب شیعه، بررسی کتاب فصل الخطاب محدث نوری، شهادت علمای امامیه به مصونیت قرآن از تحریف، بررسی احادیث تحریف قرآن در کتب اهل سنت، و پاسخگویی به شبهات دکتر ناصر بن علی قفاری در کتاب اصول مذهب الشیعه، احسان الهی ظهیر در کتاب الشیعه والقرآن و محمد مال الله در کتاب الشیعه و تحریف القرآن، از مهم ترین مباحث کتاب است. ۹ مصاف بی پایان با شیطان و ویژگی اثر: قم بوستان کتاب / چاپ اول ۷۹ - چاپ دوم ۱۳۸۲۱۰ معانی بیان الفاظ القرآن و ویژگی اثر: تحقیق نسخه خطی / ۱۳۸۴ ۱۱ ویژگی های امام علی ترجمه خصائص امام علی (ع) و ویژگی اثر: ترجمه / بوستان کتاب / ۱۳۸۲ / کتاب سال حوزه علمیه در سال ۱۳۸۳ در بخش ترجمه منابع زندگینامه: <http://www.iranologyfo.com>

نجف آبادی، عبدالرحیم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۱۲۸۶ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مدرس و مرجع تقلید. اهل نجف آباد اصفهان و از شاگردان شریف العلماء حایری بود. شیخ محمد نبی تویسرکانی، صاحب کتاب «الآلی الاخبار»، از شاگردان او بود که در ۱۲۷۹ ق از وی اجازه‌ی اجتهاد دریافت نمود. از آثارش: «حقائق الاصول» که در روزگار مؤلف، در ۱۲۸۶ ق به چاپ رسید.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۲۲ / ۴)، اعیان الشیعه (۴۶۹ / ۷)، الذریعه (۳۰ / ۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۲۷ - ۷۲۶ / ۱۳)، معجم المؤلفین (۲۰۸ / ۵).

نجف آبادی، غلام حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند محمد صادق نجفی روضه‌خوان. در کربلا متولد گردید، و در نجف ساکن، و در کتابخانه‌ی مولی علی محمد نجف آبادی بوده است.

کتب و رسائل عدیده تألیف نموده، از آن جمله است: ۱- سفن النجاة، در ۱۴ مجلد به عدد معصومین ۲- سفینه النجاة، در شرح حال حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام، در دو مجلد ۳- الشمس الطالعه فی ظهور صاحب الانوار الساطعه، در احوالات حضرت ولی عصر علیه‌السلام ۴- مختصر «روضات الجنات»؛ و غیره.

صاحب عنوان در ۲۲ محرم سال ۱۳۴۵ به سن تقریبی ۵۰ سال وفات یافته، در نجف مدفون گردید. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

نجف آبادی، محمد حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد حسین فرزند سید محمد نجف آبادی یکی از علما و اساتید بزرگ قرن چهاردهم در استان اصفهان بود. نجف آبادی فقهی اصولی و مجتهدی زاهد و مدرسی کامل بود. در جوانی مقدمات علوم و سطوح دروس خود را در اصفهان به پایان برد، و سپس در نجف و سامرا در سلك افاضل شاگردان میرزای بزرگ درآمد و متجاوز از ده سال در عتبات از کرسی درس آخوند خراسانی و میرزای شیرازی و دیگر آیات برخوردار بود و از اساتید عراق و اصفهان به درجه اجتهاد و استادی ارتقاء یافت. نجف آبادی رسائلی در منطق و صلوٰه به رشته تحریر برد. او سالها در رأس مراجع و مدرسین حوزه اصفهان و نجف آباد بود. مرحوم آقا نجفی اصفهانی خیلی به او علاقه داشت و در کارهای مختلف و رفع دعاوی مردم را به معظم له ارجاع می داد. آیت الله نجف آبادی از اساتید حجج اسلام آقایان فقیهی، سجادی و مرحوم شریف بود که در سال ۱۳۳۱ در نجف آباد وفات نمود.

۲- مرحوم آیت الله سید علی مدرس نجف آبادی نیز یکی از علما و مدرسین بزرگ استان اصفهان در قرن اخیر بود. مدرس نجف آبادی از شاگردان: سید استاد، آخوند خراسانی، آیت الله نهاوندی، آقا شیخ هادی تهرانی و علامه یزدی بود که خود به درجه استادی رسید. مدرس سالها در مدرسه صدر اصفهان در ردیف اساتید بزرگ این حوزه بود و آیات و اعلامی از محضرش به درجه اجتهاد رسیدند.

۳- مرحوم سید محمد مدرس فرزند امیر حسین نجف آبادی یکی از علما و مدرسین بزرگ اصفهان بود در قرن اخیر بود. سید محمد مدرس ابتدا در حوزه اصفهان بود و سپس سالها در عتبات از محضر سید استاد، آقا رضی همدانی، آخوند خراسانی، علامه یزدی، حاج سید اسماعیل صدر و آقا شریعت اصفهانی بهره مند بود و خود مجتهدی اصولی و فقیهی مدرس و آیتی زاهد بود. سید محمد از مدرسین علمای استان اصفهان بود که پس از عمری خدمت به اسلام و مسلمین در ذیقعد ۱۳۵۸ در اصفهان وفات نمود.

۴- مرحوم آیت الله سید هاشم میردامادی (نجف آبادی) نیز یکی از علمای بزرگ و زهاد کم نظیر عصر خویش بود. میردامادی از

شاگردان آخوند خراسانی، میرزای مجاهد، مرحوم نائینی و سید احمد کربلایی بود که خود مجتهدی بارع و فقیهی جامع بود. معظم له سالها در مشهد مقدس در جمله مدرسین حوزه آنجا قرار داشت و در جامع گوهرشاد اقامه جماعت می نمود. تفسیری به نام خلاصه بیان از خویش به یادگار گذاشت، و در سال ۱۳۸۰ در مشهد مقدس وفات نمود. پس از فوت آیات و مدرسین مذکور اولاد و احفاد آنها جانشین علوم پدر گردیدند. روان همگان شاد.

منابع زندگینامه: <http://www.shaaer.com/nikan.htm>

نجفی اسداللهی، سعید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای زبان و ادبیات فارسی.

مرتبه علمی:

مدرس در دارالعلوم العربیه، مدرسه عالی ترجمه، دانشگاه علامه طباطبائی و مرکز بین‌المللی گسترش زبان فارسی، دانشیار دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه علامه طباطبائی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

عضویت در هیأت مؤلفین لغت‌نامه فارسی، عضویت در هیأت علمی بخش زبان عربی دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، عضویت در کمیته برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی (عربی) وزارت آموزش و پرورش.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

لغت عربی و فارسی، زبان و ادبیات فارسی و عربی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

تدوین لغت و لغت‌نامه، رابطه زبان عربی و فارسی، نکات دستوری بین دو زبان فارسی و عربی، آموزش زبان عربی در ایران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

نجفی اصفهانی مجدالدین، محمد علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۲۸۶.

درگذشت: ۱۳۶۱.

از آثار اوست: الیواقیت الحسان فی تفسیر سوره الرحمن، المختار من القصائد و الأشعار (تفسیر سوره رحمان همراه با اشعار عربی؛ ۱۳۶۷).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

نجفی بروجردی، علی محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیه‌الله حاج شیخ علی محمد نجفی بروجردی مدظله از علماء و آیات عظام و مراجع الامقام معاصر است در بروجرد. تولدش در حدود ۱۳۱۲ در بروجرد اتفاق افتاده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و سطوح بنجف اشرف مشرف و در حوزه درس مرحوم آیه‌الله نائینی و آیه‌الله آقای ضیاءالدین عراقی بالاخص آیه‌الله حاج شیخ محمد حسین اصفهانی و غیرهما حاضر شده تا به اعلی درجه علم و کمال رسیده و مورد وثوق مرحوم آیه‌الله العظمی اصفهانی قرار گرفته و پس از فوت آن مرحوم سفری در سال ۱۳۶۸ قمری بایران نموده و بقم آمده و چندی توقف آنگاه معاودت و سفری هم در سال ۱۳۷۳ بقم آمده و بیش از یک ماه توقف و هر چند از طرف حضرت آیه‌الله العظمی بروجردی و عده‌ای از فضلاء پیش نهاد و درخواست توقف در قم و تشکیل حوزه درس بآنجناب شده نپذیرفتند و بجهت عدم موافقت استخاره و موانعی که داشتند بنجف اشرف مراجعت، ولی بعد از چندی توقف در آنجا هم حسب‌الاراده مرحوم آیه‌الله بروجردی و اصرار مردم بروجرد بوطن برگشته و در مسجد شاه باقامه جماعت و تدریس و ترویج دین و تبلیغ احکام اشتغال دارند.

نگارنده گوید در سال ۱۳۸۹ سفری به بروجرد برای زیارت معظم‌له رفتم و چند شبی در منزلشان توقف و از صفا و بی‌هوائی و بی‌آلایشی و معنویت و روحانیت و اخلاق حسنه‌اش استفاده نمودم. حقا عالمی و فقیهی کامل و مجتهدی بارع و دور از تظاهرات و مادیات است با اینکه اکنون مرجعیت تامه و ریاست عامه بروجرد را دارد هنوز منزلش اجاره‌ای و حاضر نمیشود برای او منزلی تهیه نمایند. اصلا توجهی باین دنیای دنی بی‌اعتبار ندارد راستی وی مصداق این شعر است:

نظر آنانکه نکردند بدین مشتی خاک

الحق انصاف توان داد که صاحب نظرند

اما آثار علمی معظم‌له:

۱- تقریرات فقه مرحوم آیه‌الله حاج شیخ محمد حسین اصفهانی ۲- رساله عملیه توضیح المسائل ۳- مناسک حج ۴ حاشیه بر عروه الوثقی.

و ناگفته نماند که معظم‌له در رشته اخلاق از تلامذهی برجسته مرحوم مبرور استاد اخلاق عالم ربانی صاحب نفس قدسیه آقای حاج میرزا علی آقای قاضی طباطبائی بوده‌اند.

و از باقیات الصالحات ایشان ۴ فرزند دانشمند و فاضل بنامهای زیر میباشند.

- ۱- جناب آقای حاج شیخ محمد ابراهیم بروجردی مقیم تهران.
 - ۲- جناب آقای حاج شیخ مرتضی بروجردی مقیم نجف اشرف.
 - ۳- جناب آقای حاج شیخ مجتبی بروجردی مقیم مشهد مقدس.
 - ۴- جناب آقای شیخ عبدالصاحب بروجردی مقیم تهران.
- برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

نجفی بندپی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقا شیخ محمد بن العلامه العلام والفقیه القمقام آیه الله الشیخ حسین النجفی البند پی از دانشمندان بزرگوار معاصر است که در آنسامان بخدمات دینی و روحی اشتغال دارد.

مرحوم والدش از علماء عاملین و فضلاء بارعین و زهاد عصر خود بوده مترجم معظم ماوی را چنین ستوده است: کان والدی تغمده الله تعالی فی بحار رحمته عالما عاملا و فاضلا بریعا و عابدا زاهدا تقیا نقیا محتاطا فی دینه غایه الاحتیاط و قائما لیالیه و مجتبا عن المکاره کلها سمی الامام الثالث... بیست و هفت سال در نجف اشرف توقف نموده و از محضر مرحوم آیه الله خراسانی کفائی استفاده کرده تا بدرجه سامیه اجتهاد ارتقاء یافته و از اعجوبه های زمان خود در حافظه گردیده بسیاری از احادیث را حافظ و کلیه قواعد فقهیه و اصولیه در دستش آماده گرچه مدتی از حوزه ها دور و متارکه بحث کرده بود تا این که از دنیا رفت حشره الله مع الائمة المعصومین.

آنجناب در چنین بیتی متولد و تربیت یافته در نجف اشرف و پس از طی دوران مقدمات و ادبیات سطوح را نزد والدش و مدرسین دیگر خوانده و از دروس خارج آیات عظام مرحوم نائینی و آیه الله العظمی اصفهانی و آیه الله عراقی استفاده کرده آنگاه بوطن مراجعت و بخدمات دینی پرداخته و در محل خود آثار گذارده که اشاره میشود:

- ۱- بنا مسجد جامع بانی کلاء بندپی ۲- مسجد امام زمان دیواند پی ۳- بناء حمام دیواند پی.
- از باقیات الصالحات ایشانست دو فرزند ارجمندش ثقه الاسلام آقای شیخ علی و ثقه الاسلام آقای شیخ حسن نجفی که از فضلاء و شرکاء درس آیه الله العظمی آقای نجفی مرعی میباشند.
- برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

نجفی راد، محمدحسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسن نجفی راد

محل تولد: تربت حیدریه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۲ شمسی پس از پایان تحصیلات ابتدایی برای تحصیل علوم دینی وارد حوزه مقدسه مشهد شدم و تا سال ۵۶ تا پایان سطوح عالی از محضر اساتید بزرگوار آن حوزه حضرات آیات و حجج اسلام آقایان: «موسوی نژاد»، «رضا زاده»، «فلسفی»، «مقام معظم رهبری» و ... استفاده کردم. از ابتدای سال ۵۷ برای ادامه تحصیل به حوزه مقدسه قم آمدم که با توجه به فضای انقلابی و درگیری های جاری، توفیق چندانی حاصل نشد و عملاً پس از پیروزی انقلاب و شروع درسهای حوزه، به درس خارج رفتم و از محضر اساتید بزرگوار حضرات آیات: «فاضل»، «وحید»، «منتظری»، «نوری» و ... بهره گرفتم.

از سال ۶۱ همزمان با تشکیل گروه های تحقیقی (مجله حوزه) به جمع دوستان پیوستم و در گروه معارف آن نشریه به عنوان مسئول گروه به فعالیت های پژوهشی و مطبوعاتی پرداختم که حاصل آن بیش از ۳۰ مقاله گروهی است. مدتی بعد مسئول گروه های پژوهشی مجله حوزه شدم و به عضویت هیئت تحریریه در آمدم. از سال ۷۶ به عنوان: «مسئول شورای سردبیری مجله حوزه و جانشین مدیر مسئول»، مسئولیت آن نشریه را عهده دار شدم.

از سال ۷۲ در کنار فعالیت در نشریه حوزه به همراه دیگر دوستان، نخستین نشریه نقد را با عنوان «کاوشی نو در فقه» راه انداختیم و سردبیری آن نشریه نیز به این جانب واگذار شد که نتیجه آن بیش از بیست مقاله و سرمقاله تخصصی بوده است. از سال ۷۸ به عنوان قائم مقام و معاونت پژوهشی مرکز تحقیقات اسلامی (پژوهشگاه) دفتر تبلیغاتی اسلامی مشغول به کار شدم و همچنان ادامه دارد.

نجفی عاملی، جواد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جواد فرزند آیت الله حاج شیخ علی معروف به (علیکم السلام) از شاگردان بنام آخوند خراسانی و آقا سید محمد کاظم یزدی و شریعت اصفهانی و دارای اجازات اجتهاد بوده‌اند. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

نجفی عاملی، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم دینی.

تولد: حدود ۱۳۲۱ ق.، نجف اشرف.

درگذشت: ۲۳ فروردین ۱۳۶۸ (۳ رمضان ۱۴۰۹ ق.).

آیت‌الله علامه شیخ محمدحسین نجفی عاملی دوران کودکی را در نجف همراه با پدر سپری کرد و سپس در معیت خانواده به ایران مراجعت و بعد از مدت کوتاهی در همان آغاز جوانی برای ادامه تحصیل به نجف عزیمت نمود. حدود سی سال در نجف اشرف در خدمت اساتید فقه و اجتهاد و علوم و معارف دین به تحصیل پرداخت.

آیت‌الله نجفی عاملی مدت بیست سال از محضر آیات عظام آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا میرزا حسین نائینی و آقا ضیاءالدین عراقی و آقا شیخ محمد حسین غروی استفاده برده است و به درجه‌ی اجتهاد مفتخر گردید.

ایشان در معقول از محضر آقا شیخ مرتضی طالقانی و آقا حسین بادکوبه‌ای و در علم رجال و حدیث از محضر آقا شیخ علی زاهد قمی بهره برد. سایر علوم دین و سطوح عالی را از محضر اساتیدی چون آیات آقا شیخ عبدالحسین رشتی، آقا میرزا علی ایروانی صاحب حاشیه، آقا میرزا ابوالحسن مشکینی، آقا شیخ محمدحسین تهرانی، آقا شیخ شعبان رشتی و سایر آیات نجف اشرف استفاده نمود. پیش از تشرف به نجف اشرف مقداری از سطوح عالی را از محضر پدر خود و نیز آیت‌الله سید حسن مدرس در تهران بهره‌مند شد.

آیت‌الله نجفی عاملی در طول اقامت خود در نجف به تدریس و تربیت طلاب علوم دینی مشغول بود. بعد از گذشت دو سال از رحلت استاد خود یعنی آیت‌الله العظمی اصفهانی به ایران عزیمت نمود و در تهران اقامت گزید.

از ایشان تألیفاتی در موضوعات مختلف به صورت مخطوط باقی مانده است.

ایشان در عصر روز سوم ماه رمضان سال ۱۴۰۹ مطابق با بیست و سوم فروردین سال ۱۳۸۶ با داشتن عمری قریب به نود سال دار فانی را وداع گفت. طبق وصیت او پیکر ایشان به مشهد منتقل شد و در جوار حضرت امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

آقای شیخ محمدحسین نجفی از مجتهدین و بزرگان علماء عصر حاضر و در بین سلسله روحانیت شخصیتی عالیقدر و واجد مقام و زهد و تقوا و از مجاهدین زمان و مبارزین با اباطیل بشمار می‌آیند.

معظم له در حدود سال ۱۳۲۳ قمری در نجف اشرف متولد شده و دوران تحصیلی خود را ابتداء در خدمت والد ماجد خود که از اکابر عصر خود بوده شروع و بعد هجرت به تهران و مختصر زمانی از خدمت آیت‌الله مجاهد مرحوم سید حسن مدرس استفاده نموده و آنگاه عزیمت بحوزه علمیه نجف اشرف و از محضر اعظام مراجع آن زمان مرحوم آیت‌الله محقق نائینی و مرحوم آیت‌الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمد حسین کمپانی بهره‌های علمی فراوانی برده و به مرتبه رفیعه اجتهاد نائل و چهار استاد بزرگ مذکورش اجازه اجتهاد معظم له را که در آن تجلیل از مقام علمی و تقوائی ایشان شده بود مرقوم فرمودند که اکنون نزد ایشان موجود میباشد.

و ایشان گذشته از رشته معقول و منقول در راه تهذیب نفس و تخلص روح و مقامات معنوی از محضر عالم ربانی و عارف سبحانی سید السالکین آیت‌الله آقا سید علی قاضی تبریزی و مرحوم حاج شیخ علی زاهد قمی تلمذ نموده و مقامی را از تقوا و فضیلت و معنویت حائز شده‌اند.

آنجناب اکنون مقیم تهران و بتدریس فقه و اصول اشتغال دارند و عده‌ای از فضلاء از مجلس درس ایشان استفاده مینمایند.

از آثار ایشان است جزوات دراسات و تقریرات اساتید بزرگ نجف که آماده برای طبع می‌باشد معظم له از خاندان علم و تقوا و از بیوتات اصیله و هر یک از پدران گرامش ستاره درخشانی از انجم الهی در عصر خود بوده و مرحوم آیت‌الله حاج سید محسن عاملی در کتاب اعیان الشیعه ج (۴۸) از آنان یاد نموده است.

والد ماجدش آیت‌الله حاج شیخ محمدجواد که تبحر فوق‌العاده‌ای در فقه و اصول داشته و تألیفاتی که از آنهاست شرح بر کفایه

آخوند از خود گذاشته از بزرگان شاگردان حوزه درس آخوند خراسانی و علامه یزدی (صاحب عروه) بوده است. جد بزرگوار ایشان مرحوم آیت‌الله آقا شیخ علی از تلامذه میرزا آیت‌الله العظمی مجدد شیرازی و جد دیگرش آیت‌الله فقیه مرحوم آقا شیخ مرتضی کاظمی نزیل کاظمین وحید عصر خود و از بزرگان شاگردان شیخ مرتضی انصاری بشمار می‌رفته و جد اعلایش مرحوم حاج ملاهادی عاملی معروف به شیخ‌الاسلام از اعظام صحابه صاحب جواهر و زادگاه وی جبل عامل بوده است. از باقیات‌الصالحات ایشانست فرزند صالح و دانشمندش جناب ثقة‌الاسلام والمسلمین آقای آقا شیخ ضیاء‌الدین نجفی که از محصلین بارع و بافضل حوزه علمیه قم می‌باشد. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

نجفی قمشه ای، قدرت الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قدرت الله نجفی قمشه ای

محل تولد: شهرضا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۹/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در شهرستان شهرضا (قمشه) در محله «فضل آباد» چشم به جهان گشودم. فرزند هفتم والدینم بودم. دوران کودکی را در دامن پر مهر مادری مؤمنه و سایه لطف پدری باتقوا و محب اهل بیت سپری کردم. در سن شش سالگی به مدرسه «خیام شهرضا» رفتم. شش کلاس ابتدایی را خدمت آموزگارانی دیندار و ارزشمند گذراندم. اولین انگیزه مهم و سرنوشت ساز طلبه شدنم؛ علاقه وافر پدرم به علماء و روحانیت بود. آن مرحوم هر ساله دهه آخر ماه صفر در منزلمان، عزاداری خامس آل عبا (علیهم السلام) را بر پا می‌کرد. آشنایی من با روحانیون اینگونه آغاز شد. همان وقت بعضی از آن عالمان راستین بنده را به آمدن در راه طلبگی تشویق می‌کردند. پدرم نیز نوع مواعظی را که از اهل متبر می‌شنید برای ما بازگو می‌کرد؛ بدین ترتیب بنده عاشق طلبگی شدم و به ویژه بسیار به عرفان و فهم قرآن علاقه مند شدم.

این انگیزه‌ها در جانم بود تا بعد از طی کلاس ششم. روزی مغازه پدرم نشسته بودم که امام جماعت محلمان مرحوم «حاج آقا میرزا نصرالله زارعان» به انجا آمد و به پدرم گفت چند پسر داری؟ پدرم گفت: پنج پسر. ایشان گفت: دوست داری خمسش را به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بدهی؟ پدرم گفت: حرفی ندارم. اگر همین «قدرت الله» تمایل داشته باشد او را ببرید. ایشان به بنده گفت: می‌آیی طلبه شوی؟ بنده که جانم منتظر جرقه ای بود فوراً گفتم: بلی. ایشان فرمود: فردا صبح هنگام بین الطلوعین برای درس عربی به منزل ما بیا. و این آغاز طلبگی من بود.

تحصیل در حوزه علمیه شهرضا: پس از درک حضور حاج آقا زارعان و تلمذ خدمت ایشان، محضر بزرگان دیگری چون: «حجت الاسلام حاج سید فضل الله حجازی» و دیگر علمای محلی، دروس مقدمات: (سیوطی، مغنی، معراج السعاده، منطق کبری و قانونچه طب ابن سینا) را به پایان بردم. تابستان‌ها که مفسر، شاعر و عارف نامی مرحوم «محمی الدین الهی قمشه ای» به شهرضا می‌آمد؛

بنده که از شعر و عرفان، تفسیر و حالات ایشان بسیار متأثر بودم؛ «فصوص فارابی» را محضرشان تلمذ کردم. از همان زمان بود که آتش عشق به عرفان، حکمت و اخلاق در جانم شعله ور شد.

حدود پنج سال در شهرضا و در حجره ای از مدرسه علمیه «حسینیه سادات» به سر بردم و در این میان گاهی به پدرم کمک می کردم تا آنکه اندک اندک عشق دارالعلم قم به دلم افتاد. اما کمی سن و تنگدستی مادی قدری مرددم کرده بود تا آنکه روزی به پیشگاه حکیم علی الاطلاق از قرآن مجید استخاره گرفتم که خوب آمد و عزمم جزم شد تا راهی دیار قم شوم. در همان اوان به محضر مقدس عارف واصل مرحوم «آیت الله حاج آقا رحیم ارباب» در اصفهان شرفیاب شدم و استشاره و استجازه کردم. ایشان دست الهی خود را بر سر بنده کشیده و دعا فرمود و مرا برای رفتن به قم و ادامه تحصیل علم و عمل به خدا سپرد. اما تحصیل در قم: در حدود هفده سالگی به مدرسه رضویه قم که به نورانیت و برکت مشهور بود؛ رفتم و حدود هفت سال در آنجا به سر بردم. بعد از خواندن کتاب: «مختصر و مطول»، کتب: (فقه، اصول، منطق و حکمت) را شروع کردم.

نجفی کاشانی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق، عالم دینی.

تولد: ۱۳۰۰ (۱۱ شعبان ۱۳۳۹ ق.)، محله محتشم کاشان.

درگذشت: ۲۳ مرداد ۲۳۵۶، کاشان.

آیت الله علی نجفی کاشانی، فرزند آیت الله مهدی نجفی از علمای کاشان، در بیست و دو سالگی برای کسب علم به نجف اشرف رفت. تمام دوره‌ی سطح و خارج خود را در مدت ده سال گذراند و به درجه‌ی اجتهاد نایل آمد. اندکی از ورودش به نجف نگذشته بود که در کنار کسب علم و تحصیل، به تدریس علوم حوزوی نیز مشغول شد. پس از آن که مکاسب و کفایه را نزد آیت الله حسن یزدی به پایان رسانید، و در درس خارج مراجع نجف به ویژه از محضر آیت الله حکیم و آیت الله سید عبدالهادی شیرازی و آیت الله خویی بهره‌ها گرفت، پس از ده سال اقامت در نجف عازم ایران شد. پس از توقف کوتاهی در کاشان و مسافرتی به مشهد و اصفهان و بازگشت به کاشان، بار دیگر دو سالی راهی نجف شد و سپس به واسطه‌ی کسالت مزاج و حوادث دیگر به ایران بازگشت. بعد از ورود به ایران سه سالی در قم مشغول تدریس شد. وی در قم از مدرسین بلندپایه‌ی سطوح عالی حوزه بود و در «مدرسه‌ی بزرگ آخوند» حجره داشت و همان جا تدریس می کرد. اما به دلایلی به شهر خود بازگشت و به اقامه جماعت و تدریس پرداخت. از همان آغاز ورودش به کاشان، علاوه بر تدریس خصوصی درس‌های حوزوی، تفسیر قرآن را به عنوان وظیفه اصلی خود قرار داد. در ابتدا، این جلسه‌ها به تفسیر موضوعی و بحث‌های پراکنده اخلاقی می گذشت اما بعد از چند مسافرت به مشهد مقدس، تصمیم گرفت که قرآن را از آغاز تا انجام تفسیر کند و در ضمن آن برای مردم به بحث‌های اخلاقی و اجتماعی و تفسیر موضوعی نیز بپردازد. این نوع تفسیر تا یک سال قبل از درگذشتن (یعنی تا سال ۱۳۶۴) ادامه داشت. در حدود این سی و چند سال دو مرتبه قرآن را از ابتدا تا انتها تفسیر کرد. دوره‌ی دوم تفسیری وی هیجده سال طول کشید. ایشان نه تنها در فقه، اصول، رجال، درایه، کلام، ادبیات، معانی بیان و تجرید و تفسیر متبحر بود، بلکه در علم هیئت و نجوم قدیم هم ید طولانی داشت و آنها را تدریس می کرد.

تألیفات و آثار آیت‌الله نجفی کاشانی به این شرح هستند: برداشتی از نماز؛ پیرامون شراب؛ لنگرهای زمین مولودی اندر خانه کعبه؛ بعثت محمد (ص) و قرآن در بحران جاهلیت؛ زمان چیست و چگونه می‌گذرد؛ صدق؛ بزرگترین فضیلت؛ سرانجام کافر؛ یک خرق عادت شگفت یا معجزه‌ای بزرگ؛ اشتباه عمدی؛ افسانه‌ها یا کرامت‌های خیالی (سه جلد). اما نوشته‌هایی که از ایشان به طبع نرسیده است: فضایل ثلثه (سه رساله آماده چاپ در مورد سلمان، ابوذر، مقداد)؛ ملتقطات (یادداشت‌های پراکنده ایشان در نحو، عروض، نجوم، فقه، اخلاق و عرفان و نیز نقد چند کتاب از نویسندگان معاصر و جواب سئوال‌هایی که از ایشان پیرامون مسائل مختلف مطرح می‌شده است)؛ رساله‌ای در فضیلت نماز؛ رساله‌ای در فضیلت علم؛ رساله‌ای در فضل قرآن (قرآن چه کتابی است)؛ رساله‌ای در مورد امام زمان (ع)؛ رساله‌ای تحت عنوان حق کاوی؛ رساله‌ای تحت عنوان اینجا و آنجا؛ رساله‌ای تحت عنوان دین راست؛ آسان؛ هموار؛ تفسیر سوره کهف (به عربی)؛ تفسیر سوره مریم (به عربی)؛ تفسیر سوره طه (به عربی)؛ تفسیر سوره انبیاء (به عربی)؛ تفسیر سوره حج (به عربی)؛ تفسیر سوره عم (ناقص است)؛ دفتری مفصل مشتمل بر مجموعه‌ای از احادیث موضوع‌بندی شده که به ترتیب الفبا تنظیم شده است؛ حواشی و تعلیقات ایشان بر کتب روایی، کلامی، تفسیر، فقه و اصول و... از استاد همچنین نوارهای بسیاری در تفسیر سوره‌های قرآن به جا مانده است.

آیت‌الله نجفی کاشانی عصر روز پنجشنبه بیست و سوم مرداد ۱۳۵۶ مصادف با شب عرفه در کاشان فوت کرد.

(۱۴۰۷-۱۳۳۹ ق)، عالم دینی، مدرس و مفسر. در کاشان به دنیا آمد و تحت نظر پدرش، که از علمای کاشان بود، نشو و نما یافت. در ۱۳۶۱ ق به نجف رفت. «مکاسب» و «کفایه» را در محضر آیت‌الله میرزا حسن یزدی و خارج فقه و اصول را در محضر آیت‌الله خوئی آموخت و نیز از درس فقه آیت‌الله حکیم و آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی بهره گرفت و به درجه‌ی اجتهاد نایل شد. سپس به ایران بازگشت و مدت سه سال در قم ساکن گردید و از محضر آیت‌الله بروجردی استفاده نمود و خود به تدریس پرداخت. سرانجام به خواهش مردم کاشان و به علت بیماری پدرش به کاشان رفت و در همان جا ساکن گردید و به تدریس و امامت جماعت و انجام امور دینی پرداخت و در آن شهر درگذشت. از آثارش: «لنگرهای زمین»؛ «برداشتی از نماز»؛ «مولودی اندر خانه‌ی کعبه»؛ «بعثت محمد (ص) و قرآن در بحران جاهلیت»؛ «صدق بزرگترین فضیلت»؛ «افسانه‌ها یا کرامت‌های خیالی»؛ «ملتقطات»؛ تفسیر سوره‌های «کهف»، «مریم»، «طه»، «انبیاء»، «حج» و «عم یتسألون»؛ رساله‌ای در «فضیلت قرآن». [۱]

شیخ مهدی نجفی کاشانی از افاضل دانشمندان معاصر کاشانست. وی در تاریخ یازدهم شعبان ۱۳۳۹ ق در دارالمؤمنین کاشان محله محتشم متولد شده و در دامن مادر عقیقه و صالحه خود که نمونه‌ای از عفت و تقوا بود و ظل توجهات والد ماجدشان که عالم ربانی و آیت سبحانی بود پرورش یافته و در سال ۱۳۶۱ قمری برای تحصیل علوم دینی به نجف اشرف عزیمت نموده و علوم مقدماتی را نزد عده‌ای از فضلاء نجف که همه از اوتاد و ابرار و اختیار حوزه علمیه نجف بودند خوانده و سطوح عالی مانند مکاسب مرحوم شیخ و کفایه مرحوم آخوند را پیش مرحوم آیت‌الله آقا میرزا حسن یزدی به پایان رسانیده و سپس به درس خارج آیت‌الله العظمی خوئی مدظله حاضر شده و مقداری از اصول و فقه معظم له استفاده نموده و نیز از محضر درس فقه مرحوم آیت‌الله حکیم و آیت‌الله حاج سید عبدالهادی شیرازی بهره‌مند شده و تا مدت ده سال با پشت کار فراوان و کوشش عجیب به درس و بحث و تدریس اشتغال داشته و به قول بعضی به اندازه سی سال در این ده سال زحمت کشیده و در تمام ایام حتی پنجشنبه و جمعه و روزهای تعطیلی دیگر مسامحه در کار درس و بحث نموده تا پس از این مدت بر اثر خستگی زیاد و کسالت مزاج مجبور به مراجعت به ایران شده و به کاشان آمده و سفری به مشهد مقدس و بعد به اصفهان و آنگاه در کاشان تأمل و باز به نجف اشرف مسافرت و مدت دو سال توقف و از محضر بزرگان مراجع استفاده نموده تا اینکه به واسطه کسالت مزاج و حوادث دیگری به ایران آمده و مدت سه سال در قم مانده و از محضر آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده و در آن هنگام بر اثر ضعف فراوان و بیحالی و کسالت والدش با اصرار مردم کاشان به وطن برگشته و تا حال حاضر که سال ۱۳۹۵ قمریست به وظائف شرعی از اقامه جماعت و

تدریس و جلسه‌های مختلف اشتغال دارند.

و ضمناً جزوه‌هایی در موضوعات متنوع نگاشته و به طبع رسانیده که ذیلاً می‌نگارم.

۱- پیروان شراب ۲- لنگرهای زمین ۳- علی بن ابیطالب در خانه خدا بدینا آمد.

۵- بعثت محمد و قرآن در بحران جاهلیت ۵- زمان چیست و چگونه می‌گذرد.

۶- اشتباه عمدی ۷- صدق بزرگترین فضیلت ۸- سرانجام کافر ۹ و ۱۰ و ۱۱- یک سلسله افسانه‌ها یا کرامتهای خیالی ۱۲- یک

خرق عادت شگفت یا فضیلت و منقبتی بزرگ و تألیفات دیگر که هنوز به طبع نرسیده است.

معظم له از همان اول ورود به کاشان شروع به بحث و تفسیر قرآن نموده که تاکنون ادامه دارد و هر شب گروهی از مؤمنین و

بالاخص عده‌ای از جوانان استفاده می‌کنند و نیز در جمعه‌ها جلسه تبلیغی وعظ و ارشاد منظم دارند.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه [۱]: کیهان فرهنگی (س ۳، ش ۶، ص ۵۶، س ۴، ش ۶، ص ۳۴-۳۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۷۶-۲۷۵/۶).

نجفی کاشانی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ مهدی نجفی کاشانی اعلی‌الله مقامه یکی از علماء بزرگ معاصر کاشان بودند.

وی در ماه رمضان ۱۲۹۳ قمری متولد شده و مقدمات و سطوح را در کاشان و اصفهان و مدتی هم در قزوین خوانده آنگاه

مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر درس بزرگان حوزه نجف مخصوصاً محضر درس مرحوم آیت‌الله آخوند خراسانی

صاحب کفایه استفاده و پس از چهار سال اقامت در نجف بر اثر عوارضی به کاشان آمده و مجدداً به نجف اشرف مراجعت نموده

و مدت هفت سال دیگر اقامت داشته و در محضر درس بزرگان مخصوصاً آیت‌الله شریعت اصفهانی حاضر و استفاده می‌نمود سپس

به خواهش و اصرار جمعی از مؤمنین به کاشان آمده و در محله محتشم اقامت نموده‌اند.

ایشان گذشته از اقامه نماز جماعت اشتغال به تدریس و ارشاد مردم داشته‌اند در زهد و تقوی و قناعت نفس و در عفت و ورع و

مناعت ضرب‌المثل بوده و در میان عام و خاص مشهور به نفسی مطمئن و دلی آرام با خضوع و خشوع و مهابتی عظیم داشت و

فوق‌العاده مقید به آداب و رسوم دینی بود و حتی‌الامکان مستحبات را ترک نمی‌کرد و از مکروهات اجتناب می‌نمود و در امور

دینی عجیب متعصب و متصلب بود.

در امر به معروف و نهی از منکر جدی و در مبارزه با خرافات و موهومات و روشن کردن مردم کوشا بود و ملامت لائین او را از

این کار باز نمی‌داشت (لا تأخذه فی‌الله لومة لائم) در وعظ و ارشاد مردم کمتر مسامحه نمی‌کرد شب و روز و در هر موقع مناسب و

در هر مجلس و محفل مردم را ارشاد می‌کرد و موعظه می‌فرمود و در این موضوع اصرار و پافشاری زیادی داشت به طوری که

امکان نداشت در مجلسی که ایشان بود سخنان بیهوده و حرفهای متفرقه مجلس بزرگوار شود وقت را غنیمت شمرده و از فرصت

حداکثر استفاده را می‌نمود.

در احیاء امر اهل بیت علیهم‌السلام جدیت و کوشش خاصی داشت و در احادیث اهل بیت علیهم‌السلام و تاریخ اسلام ید طولاً و

اطلاع وسیعی داشت زندگیش از هر جهت بسیط و ساده و در زهد و قناعت و ورع و تقوا و منااعت در زمان خود کم‌نظیر بود.

مرحوم آیت‌الله حاج سید محمود شاهرودی می‌فرمود هنگامی که آن مرحوم در نجف در مدرسه بزرگ مرحوم آخوند حجره

داشت و ما عده‌ای بودیم که کاملاً- مراقب و مواظب احوال ایشان بودیم و بالا-خره طوری ایشان را شناختیم که با وجود نماز جماعت‌های مهم در نجف با اصرار زیادی ایشان را می‌بردیم بالای بام مدرسه و وادار به نماز می‌کردیم و به ایشان اقتدا می‌نمودیم و گاهی در مواقع مناسب ما را با بیانی شافی و جذاب و مهیج موعظه می‌کرد.

و آن مرحوم در اثر تجربه و شناخت مزاج خویش از خصوصیات و عوارض مزاج خود کاملاً اطلاع داشت که در طول عمر خود به طیب و دکتر مراجعه نکرد و ابداً دوا و دارو نخورد به هیچوجه و این از عجایب احوال ایشان بود گاهی که عوارضی بر ایشان طاری می‌شد چون کاملاً- آشنای به مزاج و عوارض مزاج خود بود عوارض طاریه را به وسیله غذای مناسب و پرهیز از غذای نامناسب علاج می‌کرد تا در سن هشتاد و یک سالگی در سال ۱۳۷۴ قمری در ماه مبارک رمضان دعوت حق را لیک گفت و به جوار رحمت و اسعه خدای متعال رفت خدا او را رحمت فرماید.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

نجفی هزار جریبی، محمد حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

برادرش مرحوم شیخ محمد حسین از علمای کاملین بوده، و رساله‌ای در شرح حال پدر و جدّ خویش نوشته، و کتابی به نام «البوارق لکشف معضلات الحقایق» دارد.

در سال ۱۲۲۵ متولد شده، و مقدمات را نزد پدر خود آموخته، و چون پدرش مدت پانزده سال به مرض سل مبتلا بوده و نتوانسته بود کتاب‌های خود را پاکتویس کند، فرزندش پس از سال‌ها از مرگ پدر این مهم را انجام داده، و گرنه تمام تألیفات پدرش از بین می‌رفت.

سال وفاتش معلوم نیست.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نجفی یزدی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد نجفی یزدی

محل تولد: کربلا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در خانواده‌ای مؤمن و متوسط متولد شده و پدرم از روحانیون و علماء نجف اشرف بوده و خانواده‌ما (عموها، دو برادر و

(... از اهل علم می باشند. در همان سال های اولیه دوران دبیرستان برای مطالب دینی، عقاید و فقه بسیار حساس بودم و همواره به دنبال ادله تحقیقی مطالب بوده و کتاب های متعددی را مطالعه می کردم. همین نکته (به همراه عنایت و شوق الهی) مرا به حوزه علمیه و دروس دینی کشاند و در تهران مدرسه «آیت الله مجتهدی» (حفظه الله) مشغول شدم. حدود سه سال به فراگیری ادبیات و منطق پرداختم و سپس راهی حوزه علمیه قم شدم. دروس سطح را نزد اساتید بزرگوار آنجا خواندم از جمله: «آیت الله استادی»، «اشتهاردی»، «محقق»، «خرازی»، «موسوی» و ...

سپس در سال ۶۰ یا ۶۱ به درس خارج «آیت الله وحید» و «آیت الله تبریزی» رفتم؛ پس از مدتی به عللی منحصر در درس «آیت الله تبریزی» را برگزیدم و فقه و اصول را نزد ایشان بیش از ۱۲ سال گذراندم. از همان سالهای شروع بحث و درس در حوزه، به تدریس پرداختم و تا کنون نیز روزی چهار ساعت بحث دارم، حتی ایام تعطیل نیز برای عده ای از دوستان بحث های مختلفی دارم. عمده مباحث اینجانب در فقه و اصول است که عمده به بحث خارج فقه، مکاسب محرمه اختصاص دارد. البته چون اینجانب به عنوان هیئت علمی در مدرسه امام خمینی (قدس سره) به تدریس مشغول هستم و مقداری از وقت اینجانب آنجا صرف می شود.

نجفی، انورعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

انورعلی نجفی

محل تولد: نجف الاشرف

شهرت

تابعیت: پاکستان

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

حجۀ الاسلام و المسلمین انورعلی نجفی در سال ۱۳۷۰ میلادی در خانواده ای روحانی در شهر مقدس نجف اشرف دیده به جهان گشود. پس از تحصیلات اکادمی و اخذ مدرک دیپلم در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه «ولی عصر خوانسار» شد و در مدت سه سال دروس مقدمات و سطوح را به اتمام رسانید و در ظرف دو سال سطوح عالی را در حوزه علمیه قم به پایان رسانید.

از سال ۱۳۷۶ دروس خارج آیات عظام بالاخص: «مرحوم آیت الله العظمی شیخ وحید خراسانی (دام ظلّه)» و «مرحوم آیت الله العظمی شیخ میرزا جواد تبریزی (قدس سره)» شرکت نمود. در همین سالها در کنار درس و بحث و تدریس سطوح عالی و تبلیغ موفق است که دست و بازو توانا برای والد معظم شان حضرت حجۀ الاسلام و المسلمین «حاج شیخ محسن علی نجفی (دامت برکاته)» باشد و مدیریت و تلاش بی وقفه ایشان در ارائه خدماتی ارزشمندی به جامعه شیعیان پاکستان سهم به سزائی داشته است.

نجفی، حافظ

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حافظ نجفی

محل تولد: خدابنده

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای حافظ نجفی در ۸ / ۱۲ / ۱۳۴۳ در روستای «کبوترک» از توابع شهرستان خدابنده استان زنجان دیده به جهان گشوده است. به دلیل روحیه مذهبی خانواده به ویژه والد محترم، علاوه بر حضور در مدرسه دولتی در سال ۱۳۵۴ برای تحصیل علوم دینی به شهر «هیدج» فرستاده می شود. حدود دو سال در آن شهر نزد اساتید حوزه، دروس مقدماتی را گذرانیده و در پاییز سال ۵۶ به حوزه مقدسه قم آمده و ضمن ادامه دروس حوزوی با آوازه انقلاب و نام امام خمینی (قدس سره) آشنا می شود. در پاییز سال ۵۷ به اصفهان هجرت نموده و پس از یک سال و اندی برای ادامه تحصیل به قم مراجعت می نماید. با شروع جنگ تحمیلی ضمن ادامه تحصیل، طی هشت نوبت به جبهه های جنگ اعزام شده و دین خود را به اسلام و نظام اسلامی ادا می کند.

وی در سال ۶۷ کلیه دروس سطح حوزه را گذرانیده و در محضر درس خارج مراجع بزرگوار تقلید حضرات آیات عظام: «وحید خراسانی»، «شیخ جواد تبریزی»، «مکارم شیرازی» و «محمد فاضل»، مدت شش سال در درس خارج حضور می یابد. همزمان با درس خارج در موسسات پژوهشی همچون: (انتشارات جامعه مدرسین، مجمع فکر اسلامی، مرکز معجم فقهی، بنیاد نهج البلاغه) حضور یافته و در تحقیق آثاری همچون: (کتاب قضا، شهادت، بخشی از کتاب الصلاة، کتاب الطهارة مرحوم شیخ انصاری، بخشی از مجمع الفائده مقدس اردبیلی، مختلف الشیعه علامه حلی، تفسیر کنزالدقایق، کتاب نجاه العباد مرحوم صاحب جواهر، تعلیقه مرحوم آقا ضیاء بر کفایة الاصول و معارف نهج البلاغه در شعر شاعران)، نقش ایفا می کند. و همزمان با فعالیت های فوق، دروس مقدماتی حوزه را تدریس نموده و در بهار سال ۷۳ با پیشنهاد «شورای سیاست گذاری ائمه جمعه کشور» به عنوان امام جمعه شهرستان بوانات (استان فارس) به آن دیار اعزام شده و در پاییز سال ۷۷ از آنجا منتقل و به امامت جمعه فرخ شهر (استان چهارمحال و بختیاری) منصوب میشود.

وی در تابستان سال ۸۰، به پیشنهاد ریاست شورای سیاست گذاری ائمه جمعه به امامت جمعه شهر ساوه منصوب شده و در مدت بیش از چهار سال در آن شهر علاوه بر مدیریت حوزه علمیه ولی عصر (علیه السلام) ساختمان مدرسه علمیه امام صادق (علیه السلام) را با بیش از چهار هزار متر مربع و با ظرفیت اسکان و تحصیل چهار صد نفر، ساخته و مدرسه سفیران هدایت (طرح آموزش تخصصی کوتاه مدت) را در آن شهر دایر می نماید.

وی در طول مدتی که در بیرون از قم به فعالیتهای علمی و فرهنگی اشتغال داشته، حدود پنج سال در سه دانشگاه و بیش از پانزده سال در چندین حوزه علمیه تدریس نموده است. وی تا کنون بیش از ده جلد کتاب و دهها مقاله پیرامون موضوعات مختلف تالیف نموده و هم اکنون کتاب: «اصول کلاسرداری و راهنمای آن» را با سفارش معاونت تخصصی تبلیغ حوزه علمیه قم در دست تدوین داد.

نجفی، زین العابدین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

زین العابدین نجفی

محل تولد: ساری

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب زین العابدین نجفی دوران ابتدایی را در زادگاهم «کرسام» گذراندم و پس از آن در حدود سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه ساری شدم. دروس مقدمات را تا پایان «حاشیه ملاعبدالله» در ساری در مدرسه «حاج مصطفی خان» خواندم و در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه قم شدم که تا سال ۱۳۶۲ سطح را تمام کردم و همزمان دروس کلاسیک را به صورت شبانه یا متفرقه خواندم و در سال ۱۳۶۲ در رشته «اقتصاد» دیپلم گرفتم. ضمناً تحصیلاتم را در قم مجدداً از کتاب «حاشیه ملاعبدالله» شروع کردم.

از سال ۱۳۶۲ تا حدود سال ۱۳۷۰ در درس خارج فقه و اصول حوزه شرکت کردم و یک دوره خارج اصول به مدت شش سال را خدمت «آیه‌الله مکارم» طی کردم و نیز خارج فقه را در محضر «آیه‌الله فاضل» و «آیه‌الله وحید خراسانی» خواندم. بنده تدریس را به صورت رسمی در حوزه علمیه قم از سال ۱۳۶۰ آغاز کردم. در همان سال بود که در مدرسه «آیه‌الله گلپایگانی» در خیابان صفائیه به تدریس ادبیات پرداختم. سپس چندین سال در مدرسه های آیه‌الله حقانی و الهادی کتابهای: (مختصر، معالم، شرح لعمه و اصول فقه) را تدریس کردم.

از سال ۱۳۷۴ تدریس سطح عالی را در مدرسه آیه‌الله گلپایگانی واقع در اول چهار مردان شروع کردم و اکنون چند سال است که اشتغال به تدریس کفایه‌الاصول در همین مدرسه دارم. تدریس در دانشگاه را از سال ۱۳۶۲ شروع کردم و در موضوعات: (ادبیات عرب، فقه استدلالی، مباحث اصول، آیات الاحکام، فقه الحدیث و تاریخ حدیث تدریس نمودم، و اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه با رتبه استاد یاری هستم. لازم به ذکر است که پس از اخذ مدرک سطح چهارم حوزه، با توجه به سابقه تدریس که در دانشگاه داشتم و مقالاتی که در مجله های علمی پژوهشی تدوین کردم و نیز با توجه به مدرک سطح چهارم حوزه، در وزارت علوم، امتحان و مصاحبه دادم و حکم استادیاری برایم صادر شده است.

نجفی، مجدالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مجدالدین نجفی فرزند ارشد مرحوم آیت‌الله العظمی ابوالمجد آقا شیخ محمدرضا نجفی بن عالم ربانی شیخ محمدحسین بن علامه محقق حاج شیخ محمدباقر طاب ثراه معروف به (مجدالعلماء)

این بزرگوار در بیست و سوم جمادی‌الاولی ۱۳۲۶ هجری از والده ماجده‌اش سیده جلیله زهرا بیگم صبیبه مرحوم سیدالعلماء آقا سید

محمد امامی در نجف اشرف متولد شده.

و در کودکی موسوم به امجدالدین بوده و مرحوم والدش آیت‌الله آقا شیخ محمدرضا مسجدشاهی اصفهانی رساله امجدیه مطبوعه را بنام ایشان تصنیف کرده‌اند.

وی در بیت علم و کمال پرورش یافته و مقدمات و سطوح و علوم مختلفه معقول و منقول را از اساتید بزرگ هر فن و علمی فراگرفته و علوم ریاضی را از هیئت و هندسه از قبیل کتاب مجسطی و تحریر اقلیدس و هیئت قدیم و جدید را نزد والد ماجدش تحصیل و تکمیل نموده و بسیاری از افاضل علوم مزبوره را از آن جناب آموخته و درس خارج فقه و اصول را از مرحوم والد خود استفاده نموده و از آنجناب به دریافت اجازه اجتهاد نائل شده و به تدریس علوم مختلفه پرداخته و تاکنون بالغ بر سی و دو سالست که در مسجد نو واقع در بازار نیم‌آورد اصفهان به اقامه جماعت و تدریس اشتغال دارند.

و در حال حاضر در مدرسه ثقة‌الاسلام جنب امامزاده احمد واقع در ناحیه چهار اصفهان تدریس خارج فقه می‌نمایند و عده‌ای از فضلاء اصفهان از محضرشان کسب فیض می‌کنند.

در زهد و تقوا و پرهیزکاری و دستگیری از درماندگان و قضاء حوائج مؤمنین مشهور و زبانزد مردم اصفهانند دارای تألیفات و تصنیفات عدیده‌ای هستند که تاکنون بطبع نرسیده است.

نگارنده گوید: در ماه شوال ۱۳۹۴ ه که برای امری به اصفهان رفتم در مسجد نو موفق به زیارتشان شده و از سیمای ملکوتی آنجناب مستنیر گردیدم.

آثار و علائم ربانین را از چهره منیرش مشاهده کردم و باید همینطور باشند زیرا فرزند ارجمند آیت‌الله العظمی آقا رضا که مجسمه علم و کمال و حفید عالم ربانی و آیت سبحانی حاج شیخ محمدحسین نجفی هستند که دارای کرامات و مقامات معنوی بوده و مرحوم آیت‌الله حاج آقا نورالله اصفهانی کتابی در شرح زندگانی آن بزرگوار و حالاتش نوشته است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

نجفی، محمد حسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالمی بزرگ، و فقیهی نامور، و در غایت زهد و تقوی بوده، در دیانت و محکمی امر مرافعات، و امتناع از چیزی که بوی رشوه در او باشد، و عدم ملاحظه از اکابر و ارحام در این مقام، عندالخواص و العوام مسلم بود، و مرحوم میرزای شیرازی اعتماد تامی به او داشته، که اهل اصفهان هر وقت از ایشان سؤال کرده‌اند که به چه کسی رجوع کنند؟ می‌فرمودند: به میرزا محمد حسن نجفی. و جمعی از خواص از ایشان تقلید می‌کردند، و ایشان امام جماعت مسجد ذوالفقار بودند، و عمر گرامی را صرف تحصیل و تدریس و تألیف و تصنیف و جواب استفتاءات می‌فرمودند.

در حدود سال ۱۲۳۷ متولد، و در روز ۵ شنبه ۱۱ ربیع الاول سال ۱۳۱۷ در اصفهان وفات یافته، در لسان الارض مدفون گردید، سپس به نجف منتقل گردید.

کتب زیر از ایشان است:

۱- اجزایی در اصول ۲- اجزایی در فقه ۳- حاشیه بر فصول ۴- حاشیه بر قوانین ۵- رساله در زیارت عاشورا ۶- کتابی در طهارت ۷- کتابی در تقوی، ناتمام، و غیره.

مشارالیه در نجف از زمره شاگردان: آقا سید ابراهیم قزوینی صاحب ضوابط، و شیخ مرتضی انصاری، و میرزای شیرازی بوده، و در اصفهان عده زیادی در عداد شاگردانش محسوب می‌شوند. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نجفی، محمد طه

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۳ - ۱۲۴۱ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، رجالی، مجتهد، مدرس، زاهد، عابد و شاعر. نیای بزرگش حاج نجف از تبریز به نجف مهاجرت کرد. محمد طه در نجف به دنیا آمد و در همان جا نشو و نما یافت. مقدمات را از شیخ عبدالرضا طفیلی و دایی‌اش، شیخ جواد، فراگرفت. وی در محضر علامه شیخ محسن خنفر و شیخ مرتضی انصاری و سید حسین کوه کمری و سید حسین بحر العلوم تلمذ نمود و از شیخ ابوالحسن علی بن خلیل رازی اجازه‌ی روایت گرفت. سید محمد سعید حبوبی و علامه سید محسن امین و شیخ علی جواهری و شیخ حسن، فرزند شیخ محمد حسن صاحب «جواهر» و سید مهدی حکیم و سید محمد کاشی حایری و سید عدنان بحرانی از شاگردان وی هستند. او پس از درگذشت میرزای بزرگ شیرازی عهده‌دار مرجعیت گردید. او به خوبی شعر می‌سرود و قصایدی از وی در مدح پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) باقی است. در اواخر عمر بینایی‌اش را از دست داد. در نجف درگذشت و در حجره‌ای در نزدیکی صحن مطهر به خاک سپرده شد. از آثارش: «الانصاف فی تحقیق مسائل الخلاف»، حاشیه بر «الجواهر»، در فقه؛ «اتقان المقال فی احوال الرجال»، در شرح حال رجال حدیث که در ابتدا نام آن «احیاء الموات فی اسماء الروات» بود؛ «الفوائد السنیه» یا «القواعد النجفیه» که حاشیه بر «فرائد الاصول» یا «رسائل» شیخ انصاری است؛ «غناء المخلصین» حاشیه بر «المعالم»؛ شرح «منظومه» بحر العلوم؛ «کشف الحجاب فی استصحاب الکر و مطلق الاستصحاب»؛ «کشف الاستار عن حکم الخارج عن دار الاقامه فی الاسفار».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/۴۶)، اعیان‌الشیعه (۹/۳۷۵)، دانشمندان آذربایجان (۲۴۵)، الذریعه (۲۶-۲۵/۱۸، ۳۴۳/۱۶، ۲۱۶/۱۱، ۲۰۷/۶، ۳۹۷/۲، ۸۳/۱)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۹۶۷-۱۴/۹۶۱)، علماء معاصرین (۸۴-۸۳)، فوائد الرضویه (۵۴۷)، معجم رجال الفكر والادب فی النجف (۱۲۷۰-۳/۱۲۶۹)، معجم المؤلفین (۱۰/۱۰۷)، مکارم الآثار (۱۱۵۵-۴/۱۱۴۹).

نجفی، محمد حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسین نجفی از علماء معروف نیشابور بوده است.

وی در نیشابور متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات به مشهد مشرف و پس از چند سال مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی و اقران او استفاده و پس از وصول به مقام اجتهاد به وطن مراجعت و به خدمات دینی پرداخته تا از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نجفی، محمدصادق

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد صادق نجفی

محل تولد: شبستر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد صادق نجفی به سال ۱۳۱۵ شمسی در روستای هریس از توابع شبستر به دنیا آمدم. پدرم ثقة الاسلام حاج میرزا احمد آقا هریسی و چند تن از اجدادم از علما و روحانیون مورد اعتماد مردم بوده اند. مادرم از سادات کوه کمری است. پدر وی حاج میری آقا عموی آیت الله العظمی حجت (ره) می باشد. اینجانب تا حدود ۱۵ سالگی در همان روستا که دارای مردمی متدین می باشند رشد کرده ام. روستائی که در اثر فراوانی آب از طراوت و خرمی برخوردار است. مردم این روستا علاقه مند به مذهب و اهل بیت (ع) و پایبند به اصول اخلاقی می باشند و سابقه طولانی وجود خانواده های متعدد و بزرگی از سادات و روحانیون در این محل موجب شد تا آنان به دین علاقه مند شوند و از ایمان راسخ برخوردار گردند. مراجع و عالمان بزرگ و معروفی مانند آیت الله العظمی سید حسین کوه کمری (ره) و سید علی آقا پدر آیت الله العظمی حجت در این روستا متولد شدند و دوران کودکی خود را در این محل سپری کرده اند. دوران کودکی ام را در دامان چنین پدر و مادری و در چنین محیط مذهبی سپری کردم و شالوده فکری و اعتقادی من در چنین محیطی پی ریزی شد.

دوران تحصیل:

هشت نه ساله بودم که به مکتب خانه رفتم. تحصیل را با روخوانی قرآن شروع کردم و پس از آن با بخشی از ادبیات فارسی آشنا شدم. در آن روز در مکتب خانه های آذربایجان، گلستان سعدی، نصاب الصبیان، تاریخ و صاف، ابواب الجنان و تنبیه الغافلین و... آموزش داده می شد. در تدریس برخی از این کتابها علاوه بر فراگیری ادبیات فارسی، آموزش مسائل اخلاقی نیز مورد توجه بود. پس از این دوره، در نزد پدرم جامع المقدمات، سیوطی و شرح جامی را فرا گرفتم. تقریباً در پانزده سالگی پدرم مرا به مدرسه طالبیه تبریز برد و از آن زمان به بعد من هم به صف طالبان علوم دینی پیوستم. شوق فراوانی نسبت به تحصیل علوم دینی داشتم. پس از یک سال و چند ماه توقف در تبریز و تکمیل کردن درس هایی که نزد پدرم آغاز کرده بودم، سرانجام در اواخر تابستان سال ۱۳۳۲ شمسی - با این که از لحاظ تأمین معاش وضع مناسبی نداشتم - ره سپار حوزه علمیه قم شدم و با فضل خداوند در مدرسه فیضیه سکونت گزیدم. ورود اینجانب به قم، مصادف بود با ماه محرم سال ۱۳۷۲ قمری، چهار ماه پس از ورودم به قم، در ماه جمادی الاولی، حضرت آیت الله العظمی حجت رحلت کرد.

دوران تحصیل این جانب از این تاریخ تا سال ۱۳۵۹ شمسی، یعنی تقریباً سی سال ادامه داشت. در این مدت علاوه بر تحصیل و

تدریس دروس متداول حوزه علمیه به تألیف و ترجمه کتاب های متعددی موفق شدم و هذا من فضل ربی. بیش ترین تحصیل این جانب در حوزه علمیه قم و بخشی دیگر در حوزه علمیه مشهد بود؛ زیرا تقریباً نه ماه پس از ورودم به قم که هوا رو به گرمی می رفت، والدینم به قصد زیارت مشهد، وارد قم شدند و من نیز به همراه آنان به مشهد مقدس عزیمت نمودم. در این سفر، پدرم مقدمات توقّفم را در تعطیلات تابستانی در حوزه علمیه مشهد فراهم کرد و اجازه اقامت را در یکی از حجره های مدرسه خیرات خان از متولی این مدرسه آقای دربندی دریافت نمود. این برنامه که مصادف با اولین ماه های ورود آیت الله العظمی میلانی از عراق به مشهد مقدس برای تعطیلات تابستانی بود، در سال های بعد هم برایم الگو شد و اکثر تعطیلات تابستانی را در مشهد مقدس مشغول تحصیل و مطالعه می شدم. تألیف کتاب سیری در صحیحین از ثمرات این حوزه مقدس و از عنایات حضرت علی بن موسی الرضا(ع) می باشد.

در حوزه علمیه قم مدتی در مدرسه فیضیه و مدتی در مدرسه آیت الله العظمی آقای بروجردی (مدرسه خان) و مدتی نیز در مدرسه حجتیه اقامت داشتم. در مشهد مقدس نیز گاهی در مدرسه خیرات خان و گاهی در مدرسه میرزا جعفر- داخل صحن مطهر- اقامت داشتم. پس از انتشار جلد اول کتاب سیری در صحیحین چند ماه با اجازه آیت الله العظمی میلانی در مدرسه وی و در حجره مخصوص او اقامت داشتم. این در شرایطی بود که مطالعه و تألیف جلد دوم همین کتاب را پی گیری می کردم و عنایات خاص آن مرد بزرگ نیز تشویقی بر ادامه این تألیف بود و جلد اول همین کتاب را با تفسیر المیزان و المراجعات به عنوان جایزه به طلاب هدیه می داد.

تحصیلات من تنها در علوم حوزوی بود؛ اما با تلاش آیت الله شهید بهشتی یک کلاس آموزش زبان انگلیسی شبانه در دبیرستان دین و دانش قم تشکیل می شد و عده ای از طلاب که بنده هم جزء آنان بودم- با وجود محدودیت و عدم استقبال از این درس- در آن شرکت می نمودیم.

اساتید:

در دوران تحصیل از اساتید متعددی استفاده نمودم و از محضر بزرگانی بهره مند شدم که معروف ترین آنان به همراه دروسی که از آنان فرا گرفته ام، عبارتند از:

۱- قسمتی از مغنی را از شیخ علی اکبر اهری معروف به نحوی در تبریز فرا گرفته ام. وی در عین کهولت سن، دقایق و ظرایف مغنی را با تمام شوق و علاقه به شاگردان می فهماند.

۲- قسمتی از مطّول را از درس شیخ ابوالفضل علمایی سرابی در قم و بخش دیگر آن را از شیخ عبد الله نورانی در مشهد مقدس استفاده کرده ام. شرح شمسیه را به طور خصوصی و به همراه آقای عمید زنجانی از مرحوم آقای صائینی زنجانی و شرح منظومه سبزواری را از مرحوم استاد شهید مفتاح فرا گرفتم. از درس فلسفه مرحوم شهید مطهری که در ایام تعطیلی در قم تدریس داشتند، و همچنین از درس فلسفه مرحوم آقای الهی برادر علامه طباطبائی نیز بهره گرفته ام. بخش مهم جلدین لمعه را از سید جواد خطیبی که در تدریس لمعه معروف بود و سابقه ای طولانی داشت، و بخش دیگر را از آقای جاج شیخ محمد حقی سرابی فرا گرفتم و قسمتی از ابواب این کتاب را که آن روز تدریس آن ها رایج نبود، با یکی از دوستانم مباحثه می کردم.

۳- بخش مهم مکاسب را از آیت الله مشکینی و بعضی از ابواب آن را از استاتید دیگر مانند آیه الله سبحانی فرا گرفتم. قوانین را از آیه الله موسوی اردبیلی و بخشی از رسائل را از آیه الله مشکینی و قسمتی دیگر را از آقای سبحانی و باب تعادل و تراجیح را از آیه الله احمدی میانجی آموختم. بخشی مهم کفایه الاصول را از آیه الله سلطانی و بخش دیگرش را از آقای مجاهدی فرا گرفتم.

در تفسیر ابتدا از آیه الله حاج میرزا ابوالفضل زاهدی قمی و مدتی از تفسیر علامه طباطبائی، آیه الله مشکینی و آیه الله خزعلی بهره بردم. از حسن اتفاق استاد علامه حسن زاده آملی در بدو ورودشان به قم، مدتی در مدرسه حجتیه اقامت گزید. در این فرصت به

ایشان ارادت پیدا کردم و بخشی از هیئت قدیم را از ایشان استفاده کردم و این موجب شد که پس از تعطیلی این درس با مباحثه هیئت فلاماریون با هیئت جدید نیز تا حدی آشنا شوم. در درس خارج فقه و اصول از اساتید متعددی مانند میلانی، شیخ مرتضی حائری، گلپایگانی، داماد و سایر بزرگان و اساتید بهره بردم. مدت بهره بری از برخی آنان طولانی و از بعضی دیگر نسبتاً کوتاه بوده است. مدت استفاده ام از درس امام(ره) خیلی کوتاه بوده؛ زیرا درست در شرایطی که آماده استفاده از درس آن زعیم عالی قدر می شدم، رژیم طاغوتی حوزه را از وجود وی محروم نمود.

دوستان و معاشران:

در طی دوران طولانی تحصیل طبعاً دوستان و هم دوستان و هم درسان فراوانی داشتم که تعدادی را که با آنان معاشرت بیش تر و دوستی طولانی تری داشته ام، نام می برم:

برادران مجتهد شبستری، شیخ حسین حقانی زنجانی، ابوالفضل موسوی تبریزی، عمید زنجانی، سید هادی خسرو شاهی، آقای سید مجید ایروانی(ره) و آقای هاشم زاده هریسی نماینده فعلی تبریز در مجلس شورای اسلامی و... گفتنی است با آقای هریسی علاوه برهم بحث بودن در زمینه تألیف یا ترجمه کتاب نیز همکاری داشتم و تاکنون هفت اثر را به اتفاق ایشان تألیف یا ترجمه کردم.

عوامل موثر بر شخصیت علمی و اخلاقی: من خود را از لحاظ علم و اخلاق در سطحی قابل طرح نمی دانم؛ ولی از باب و أمّا بنعمه ربّك فحدث اشاره می کنم که در روی آوری اینجانب به تحصیل علم و دانش، دو عامل مؤثر بوده است.

۱- روحانی بودن پدرم؛ او عاشق کتاب و مشتاق مطالعه بود و هیچ گاه اطرافش از کتاب خالی نبود و این در حالی بود که در آن دوران دست رسی به نشریات مذهبی مشکل بود و به جز هفته نامه ندای حق و مجله مکتب اسلام نشریه مذهبی دیگری وجود نداشت. وی مدّتی طولانی جزء مشترکان این هفته نامه ها بود. وقتی به بهانه های مختلف از سوی رژیم طاغوت این مجلات توقیف می شد، پدرم بسیار ناراحت می شد و بی صبرانه منتظر رفع توقیف آن بود و چنین محیطی در جلب توجه و ایجاد علاقه من به مطالعه و درس بسیار مؤثر بود. همان گونه که در بینش اجتماعی و سیاسی این جانب نیز بی تأثیر نبود. جالب این که اولین مقاله حقیر تحت عنوان صبر از نظر اسلام هم در همان هفته نامه منتشر شد.

۲- تشویق و ترغیب پدر؛ علاوه بر شرایط محیط خانواده، پدرم با بیانات مختلف مرا به درس و بحث تشویق و ترغیب می نمود و از مزایای علم و دانش و تکامل معنوی با من سخن می گفت و گاهی با این جمله مورد خطابم قرار می داد که اگر بخواهی به مراتب عالی از نظر علم و عمل نایل گردی، باید اراده ات آن چنان قوی و همت آن چنان عالی باشد که خواهان رسیدن به مرتبه امام صادق(ع) باشی؛ زیرا اگر قصد کنی که به درجه علامه حلی برسی، به مرتبه یک عالم متوسط خواهی رسید. به توفیق الهی از اوایل ورودم به حوزه علمیه قم با جلسه درس اخلاق و دعای ندبه آیه الله حاج شیخ عباس تهرانی آشنا شدم. این درس در سالن کتاب خانه مدرسه حجّتیّه و به دستور آیه الله العظمی حجت تشکیل می شد. این برنامه سالیان متمادی و تا هنگام وفات آقای تهرانی ادامه داشت. در بعضی از شب های جمعه در جلسه درس اخلاق و دعای کمیل آقای حاج سید حسین (معروف به پیرمرد) شرکت می جستم. او مردی اخلاقی و ابوذر زمان بود و از نظر تربیتی و تأثیر معنوی. فوق العاده بود. در ایامی که هوا مساعد بود شب های جمعه را پیاده به مسجد جمکران مشرف می شدیم و از معنویت این مسجد بهره می گرفتیم.

عوامل موثر بر شخصیت سیاسی و اجتماعی: تقریباً در همان سال های اول ورودم به قم دو سید بزرگوار(شهید نواب صفوی و شهید واحدی) با قیافه های نورانی در نماز جماعت مدرسه فیضیه توجه مرا به خود جلب کردند. آنان با سخنرانیهای شور انگیز خود بر ضد طاغوت در گرایش من به مباحث سیاسی، تأثیری عمیق داشتند. حضور شهید نواب صفوی در نماز جماعت فیضیه با آن قیافه معنوی و با عمامه سبز که به صورت ساده و آخر صفوف عبای خویش را زیر اندز می کرد، برای همه کسانی که با مبارزه او با بی دینی و حرکتش در اعدام انقلابی کسروی، هژبر و رزم آرا آشنا بودند، جاذبه خاصی داشت. آزادی خلیل طهماسبی - عامل مستقیم

اعدام رزم آرا- از زندان و ورود وی به شهر قم و اجتماع مردم در خیابان های این شهر برای تقدیر از این سمبل شجاعت و از خود گذشتگی در راه ایمان و عقیده، خاطره ای جالب و فراموش نشدنی و برای من شور انگیز و حرکت آفرین بود.

این علاقه موجب شد تا جریان فدائیان اسلام و محاکمه آنان را که پس از تیراندازی ناموفق به حسین علاء نخست وزیر وقت به وقوع پیوست، تعقیب کنم. جریان شهادت شهید واحدی به دست تیمور بختیار، فرماندار نظامی تهران و شهادت و شجاعت شهید نواب و یارانش در جلسات محاکمه و به هنگام شهادتشان که تکبیر گویان به سوی میدان تیر حرکت کردند، نقل مجالس و درس عشق و فداکاری بود و بیش از پیش در روحیه این جانب اثر گذاشت. عکس شهید نواب صفوی را که با لباس شخصی و بدون عمامه در دادگاه نظامی حاضر شده بود، در همان تاریخ در پشت جلد کتاب عروه الوثقی چسبانده بودم. امروز هم برای من جالب و خاطره انگیز است. این جریانات موجب شد که به عالمان مبارزی چون آیت الله کاشانی اردات بیش تری پیدا کنم.

گرچه در زمان حیات آیت الله العظمی بروجردی، نسبت به امام امت به عنوان یکی از مراجع حوزه ارادت می ورزیدم و گاهی به زیارتش می شتافتم، ولی پس از ارتحال آیت الله بروجردی علاقه ام به او بیش تر شد، حرکت متواضعانه و مخلصانه امام (ره) در رد تقاضای انتشار رساله عملیه و دوری از حریم ریاست و مرجعیت با وجود شرایط مناسب و حضور جدی آن بزرگوار در صحنه مبارزه- در جریان انجمن های ایالتی و ولایتی و سخن رانی ها و اعلامیه های صریح وی- موجب ارادت و علاقه بیش تر این جانب به وی گردید و گویا گم شده خود را در وجود او پیدا کردم. این ارادت با تشدید مبارزات در سالهای بعد و با زندانی و تبعید شدن امام (ره) افزون تر شد تا این که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و ما خود را موظف دانستیم تا آن جا که در توان داریم، در خدمت انقلاب باشیم و در مسیری که امام ترسیم می کردند، حرکت کنیم.

فعالیت های علمی:

اینجانب به فضل پروردگار علاوه بر تحصیل علوم حوزوی بر بعضی از کتاب های درسی مانند رسائل، شرح نوشته ام و تقریرات دروس خارج را تدوین کرده ام. هم چنین به مطالعه و تحقیق در حدیث و تاریخ پرداختم که نتیجه آن تألیف و ترجمه بیش از سی جلد کتاب است که برخی را با همکاری آقای هریسی تألیف کرده ام، اینجانب بر اثر علاقه فراوانی که به مطالعه و دیدار از کتاب خانه دارم در سال ۱۳۵۴ شمسی به دمشق مسافرت کرده، ضمن دیدار از کتاب خانه ها به ویژه کتاب خانه ظاهریه- که قدیمی ترین و غنی ترین کتاب خانه موجود آن روز پیش از تأسیس کتاب خانه الاسد بود- بهره وافر بردم. در بهار سال ۱۳۵۶ شمسی نیز به همین منظور سفری به ترکیه نمودم و از شهرهای مختلف این کشور دیدن کردم و بیش ترین مدت اقامت من در استانبول بوده که در این مدت از کتاب خانه سلیمانیه که از جامع ترین و غنی ترین کتاب خانه ها در خاورمیانه است، استفاده نمودم. در زمستان سال ۱۳۶۰ شمسی به دعوت علمای شیعه هند به این کشور سفر کردم و در مدت اقامت بیش از یک ماه از شهرهای بمبئی، لکهنو، بناری، جانپور و... دیدار و از کتاب خانه مرحوم صاحب عبقات و مدرسه الواعظین در لکهنو بهره مند شدم.

فعالیت های و مبارزات سیاسی:

پس از پانزدهم خرداد و دستگیری امام (ره) تصور من از روحانیت آذربایجان این بود که اکثر آنان شناختی از امام و حرکت او ندارند و این تصور و برداشت موجب شد تا به شهرهای مختلف مسافرت کنم و روحانیون آذربایجان را از اوضاع روز آگاه نمایم. از این رو، به شهرهای مختلف، مانند سلماس، خوی و ماکو- از شهرهای آذربایجان غربی- مسافرت کرده، با بعضی از آنان تماس گرفتم که متأسفانه با بی مهری و عدم پذیرش بعضی از آنان روبه رو شدم که یکی از علل آن، جوانی و بی تجربگی بنده از نظر آنان بود.

در ۲۵ محرم در مسجد جامع ماکو پس از یک سخنرانی تند و بیان صریح مواضع امام، دستگیر شدم و به زندان ساواک شهرستان خوی منتقل گردیدم. پس از چند روز- طبق سیاست کلی طاغوت درباره آزادی روحانیون - به جای اعزام به تهران به ظاهر آزاد

شدم؛ اما تحت مراقبت و نظارت پاسگاه محل قرار گرفتیم. این مزاحمت‌ها و محدودیت‌ها به صورت مختلف در قم ادامه داشت. فعالیت‌های اجتماعی:

از فعالیت‌های اجتماعی اینجانب تکمیل و راه اندازی مدرسه نمازی خوی بود که پس از انقلاب به دستور امام(ره) تجدید بنا شد و پس از ورود این جانب به خوی، کار ساختمانی آن با کمک اهالی و روحانیت محترم ادامه یافت و مورد بهره برداری قرار گرفت. تاسیس دانشگاه آزاد اسلامی خوی در خرداد ماه ۱۳۶۴ از دیگر فعالیت‌های این جانب است. فعالیت این دانشگاه با چهار هزار دانش‌جو در دو بخش جداگانه پسرانه و دخترانه الگویی برای دانشگاه‌ها می‌باشد.

مسئولیت‌ها:

مسئولیت علمی انتشارات جامعه مدرسین، اولین مسئولیت اینجانب بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با تأسیس انتشارات جامعه مدرسین، مسئولیت علمی این مؤسسه به عهده این جانب گذاشته شد. از اواسط سال ۱۳۵۹ تا اواسط سال ۱۳۶۰ شمسی به طور موقت عهده دار امامت جمعه سلماس بودم و پس از آن برای تکمیل تألیفات و ادامه تحقیق و بررسی‌های قبلی به قم مراجعت نمودم. در تاریخ ۱۹/۱/۱۳۶۱ شمسی از سوی امام امت(ره) به سمت امامت جمعه خوی منصوب گردیدم. در سال ۱۳۶۹ شمسی از سوی جامعه مدرسین و جامعه روحانیت مبارز تهران برای نمایندگی دوره دوم مجلس خبرگان از آذربایجان غربی داوطلب شدم و از سوی مردم این استان به نمایندگی برگزیده شدم. در مدت اقامت در سلماس و خوی در دوران دفاع مقدس تا آنجا که امکانات اجازه می‌داد، در خدمت دفاع مقدس بودم. علاوه بر تشویق برای تأمین نیروی انسانی و کمک‌های مردمی، در مقاطع مختلف به ویژه در هنگام عملیات رزمندگان اسلام در جبهه غرب یا جنوب کشور توفیق حضور در کنار این عزیزان شامل حال ما می‌گردید و در داخل سنگرها و در زیر چادرها از معنویات این عزیزان و از روحیه والای آنان نیرو می‌گرفتم و درس‌ها می‌آموختم.

نجم الدوله، عبدالغفار

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند ملا علی محمدبن محمد حسین اصفهانی.

ادیب فاضل ریاضی دان معروف، از مفاخر علمی و ادبی ایران، و به خصوص در ریاضیات، شهرت و عنوان داشته، و سال‌ها در مدرسه‌ی دارالفنون تدریس می‌نموده.

در ذی قعدة سال ۱۲۵۹ متولد، و در ۱۴ جمادی‌الاولی سال ۱۳۲۶ وفات یافته، در طهران مدفون گردید.

کتب و رسائل زیادی نوشته و عموماً به طبع رسیده، از آن جمله است: ۱- آسمان، در هیئت [استدلالی جدید] ۲- اصول علم جغرافیا ۳- اصول هندسه ۴- بدایة الجبر ۵- بدایة الحساب ۶- بدایة النجوم ۷- بدایة الهندسه ۸- تطبیقه، در تطبیق سال‌های قمری و شمسی و میلادی ۹- الرحلة الخوزیة، در سفرنامه‌ی خوزستان ۱۰- کفایة الحساب ۱۱- کفایة الهندسه ۱۲- المثلثات البسیطة ۱۳- مثلثات مستقیمه الخطوط [۱۴- قانون ناصری در هیئت استدلالی]؛ و غیره.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

نجم‌الدین کبری، ابوالجناح احمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(مقتول ۶۱۹-۶۱۷ ق)، عارف، صوفی، محدث و شاعر. ملقب به کبری و شیخ ولی تراش. کنیه‌ی او را ابوالجناّب و ابوالخباّب نیز ذکر کرده‌اند. او مؤسس سلسله کبرویه بود. روایات مختلفی در زمینه لقب وی در بین مؤلفان وجود دارد. بعضی معتقدند به سبب زیرکی‌اش، او را طامه‌الکبری (بلای بزرگ) نامیده‌اند و بنا بر قولی دیگر چون در جوانی قدرت فوق‌العاده‌ای در بحث و احتجاج داشت، به این لقب معروف گشت. بعضی از پیروانش از باب تکریم، وی را آیه‌الکبری خوانده‌اند که کم‌کم با حذف کلمه اول او را کبری نامیدند. اما از آن جهت به او شیخ ولی تراش می‌گفتند که بسیاری از بزرگان مشایخ صوفیه از تربیت یافتگان وی بودند. نجم‌الدین در خوارزم در شهر خیوه به دنیا آمد. از جوانی برای کسب علم حدیث به مسافرت در بلاد پرداخت. از جمله در نیشابور از ابوالمعالی فراوی (م ۵۸۷ ق)، در همدان از حافظ ابوالعلاء عطار (م ۵۶۸ ق)، در تبریز از ابو منصور حفده (م ۵۷۱ ق)، در مکه از ابومحمد طباطبائی و در اسکندریه از ابوطاهر سلفی (م ۵۷۶) استماع حدیث کرد. درباره‌ی گرایش وی به تصوف و انصرافش از اشتغال به حدیث اختلاف بسیاری در روایات است و ملاقاتش با مشایخ صوفیه هرگز منجر به قطع علاقه‌ی وی از اشتغال به علم نشد. وی بعد از خروج از خوارزم مدتی در نیشابور، اصفهان و همدان به استماع حدیث نزد مشایخ وقت اشتغال داشت. در نیشابور با شیخ عطار ملاقات کرد و ظاهراً تبحر او در طب به خاطر توجه عطار به او بوده است. اصول طریقت و تصوف را در تبریز نزد بابا فرج تبریزی و سپس در دزفول نزد شیخ اسماعیل قصری و شیخ شطاح (روزبهان بقلی شیرازی) و دیگر مشایخ عصر فراگرفت و شیخ روزبهان دختر خود را به وی داد. دکتر زرین کوب در «دنباله‌ی جستجو در تصوف» آورده که سید محمدباقر خوانساری، مؤلف «روضات الجنات»، خط وی را بر پشت نسخه‌ای از «رساله‌ی قشیریه» دیده است که وی این رساله را در ۵۶۸ ق در همدان از ابوالفضل محمد ابن یوسف همدانی استماع نموده است. نجم‌الدین کبری در راه عزیمت به عراق و مصر از محضر عمار یاسر بدلیسی (م ۵۸۲ ق) کسب فیض کرد و مشهور است که نجم‌الدین از شیخ اسماعیل قصری و عمار یاسر خرقه پوشید. او به پیشنهاد عمار یاسر برای نشر طریقت و ارشاد طالبان به خوارزم رفت. قبل از عزیمت به خوارزم سفری به مکه کرد و مدتی در حلب به سر برد. به آورده‌ی «دنباله‌ی جستجو در تصوف» نجم‌الدین در «فوائیح» به اقامتش در شونیزیه‌ی بغداد و مسافرتش به کربلا نیز اشاره کرده است. وی حدود ۵۸۰ ق به خوارزم رفت و بنا بر بعضی از روایات بین او و امام فخر رازی (م ۶۰۶ ق) که در این زمان در خوارزم به سر می‌برد، ملاقاتی صورت گرفته است. مریدان وی در خوارزم تنها محدود به صوفیه و زهاد نمی‌شدند و در رجال دولت نیز معتقدان و دوستانی داشت. اهل سنت نجم‌الدین را با وجود علاقه‌ای که در آثار و اقوال خویش به آل علی (ع) نشان می‌دهد و با وجود مسافرت به کربلا، به تشیع منسوب نداشته‌اند و امثال یافعی، ذهبی و سبکی او را یک شیخ شافعی تلقی کرده‌اند. از شاگردان مشهور او شیخ مجدالدین بغدادی، شیخ سعدالدین حموی، شیخ رضی‌الدین لالا (م ۶۴۲ ق)، شیخ سیف‌الدین باخرزی (م ۶۵۹ ق) و دیگران بودند. برخی بهاء‌الدین ولد، پدر جلال‌الدین مولوی، و شیخ نجم‌الدین دایه رازی (م ۶۵۴ ق) را نیز از شاگردان وی دانسته‌اند. ناصر بن منصور عرضی و سیف‌الدین باخرزی از وی حدیث روایت کرده‌اند. درباره‌ی وفات وی روایات مختلفی وجود دارد، اما آنچه به حقیقت نزدیکتر است، این است که شیخ نجم‌الدین در فتنه‌ی مغول همراه با سایر مردم به دفاع از خوارزم پرداخت و توسط مغولان به قتل رسید. درباره‌ی مقبره‌ی شیخ، اختلاف وجود دارد. به آورده‌ی «دنباله‌ی جستجو در تصوف» ابن بطوطه مدتی بعد از تألیف «تاریخ گزیده»، در سفری که به خوارزم داشته به وجود قبر او در خارج از خوارزم اشاره کرده است. برخی منابع نام پدر وی را محمد نوشته‌اند. از آثارش: «عین الحیات»، تفسیر قرآن در دوازده مجلد؛ «فوائیح الجمال و فوائیح الجلال»، که این کتاب را به صورت «فوائیح الجمال» نیز ذکر کرده‌اند، «رساله فی الخلوة»؛ «رساله الی الهام الخایف من لومه

«اللائم»؛ «رسالة السائر الحائر الى السائر الواحد الماجد»، به فارسی؛ «رسالة الاصول العشرة»؛ «آداب المریدین»، به فارسی؛ «سکینه الصالحین»، به فارسی. اشعاری نیز بدو منسوب است. [۱]

احمد بن عمر بن محمد خوفی خوارزمی مکنی به ابوالجناب و ملقب به نجم‌الدین و طامه‌الکبری و معروف به شیخ نجم‌الدین کبری مؤسس سلسله‌ی کبرویه (مقت. ۶۱۸ ه.ق) از مشاهیر عرفا و اکابر صوفیان قرن ششم و هفتم است؛ نجم‌الدین رازی، مجدالدین بغدادی، سعدالدین حموی، سیف‌الدین باخزری و غیره از شاگردان او بودند و او را ولی تراش گفته‌اند زیرا در مدت عمر دوازده کس را به مریدی قبول کرد که تماماً از مشایخ و اولیا شدند و در حمله‌ی مغول در خوارزم به قتل رسید. مزارش ناپیدا است. از تألیفات او است: رسالة الخائف الهائم عن لومة اللائم. فوائح الجمال و فوائح الجلال به فارسی. رباعیاتی چند هم بدو منسوب است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۱۹، ۱۰۱۵، ۱۰۱۳-۱۰۱۰، ۸۶۰، ۸۵۶/۲) تاریخ تصوف در اسلام (۴۹۶-۴۹۵)، تاریخ گزیده (۶۶۹-۶۶۸)، تاریخ مغول (۵۳۱، ۵۱۴، ۴۲، ۱۳)، تذکره الشعراء (۲۴۵، ۱۵۱، ۱۴۹)، حبیب‌السیر (۳۷-۳۵/۳)، دایرةالمعارف فارسی (۲/۳۰۱۲)، دنباله‌ی جستجو در تصوف (۱۱۸-۸۱)، الذریعه (۹/۱۱۷۵)، ریاض‌العارفین (۱۴۴-۱۴۳)، ریحانه (۱۴۴-۱۴۳/۱)، سیر النبلاء (۱۱۴-۱۱۱/۲۲)، شذرات الذهب (۸۰-۷۹/۵)، صبح گلشن (۵۰۹-۵۰۷)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۲۶-۲۵/۸)، طرائق الحقائق (۳۳۶-۳۳۴/۲)، العبر (۳/۱۷۷)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۰۲-۵۰۱)، فرهنگ سخنوران (۹۲۴)، کشف‌الظنون (۱۲۹۳-۱۲۹۲)، لغت‌نامه (ذیل/نجم‌الدین کبری)، مبانی عرفان و احوال و آثار عارفان (۴۵۹-۴۵۵)، مجالس العشاق (۱۲۵-۱۲۰)، مجالس المؤمنین (۷۵-۷۲/۲)، مجالس النفائس (۳۲۰-۳۱۹)، مجمع‌الفصحا (۱۴۰۶/۳)، مجمل فصیحی (ذیل/سال ۶۱۷)، مرصادالعباد (مقدمه/۴۶-۴۵، ۳۷-۳۵)، معجم‌البلدان (۲/۴۷۴)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۰-۴۷۹/۱)، نفحات الانس (۴۲۷-۴۲۲)، هدیه‌الاحباب (۲۵۴-۲۵۳)، هدیه‌العارفین (۱/۹۰)، هفت اقلیم (۳۲۰-۳۱۶/۳)، یادگار (س ۴، ش ۱ و ۲، ص ۱۰۱-۹۶، ش ۹ و ۱۰، ص ۹۴-۹۳).

نجم‌آبادی، محمدباقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۷-۱۲۶۴ ق)، عالم دینی، فقیه، مجتهد و مدرس. اصلش از نجم‌آباد کرج است. در تهران به دنیا آمد و پس از گذراندن مقدمات به نجف رفت و چندین سال در نجف از محضر علما استفاده نمود. او در اخلاق از خواص شاگردان ملا حسینقلی همدانی بود. پس از رسیدن به درجات بالایی علمی به تهران آمد و جانشین پدر و برادرش، آقا شیخ هادی، در امر تدریس و امامت جماعت گردید. سید محسن عاملی صاحب «اعیان‌الشیعه» از شاگردان وی می‌باشد. در تهران درگذشت و در مقبره‌ی برادرش، آقا شیخ هادی، دفن شد. از آثارش: «رسالة المشتق»؛ حاشیه بر «مکاسب» شیخ انصاری.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان‌الشیعه (۹/۱۸۷)، الذریعه (۲۱۸-۲۱۷/۶)، زندگینامه آیت‌الله حاج شیخ هادی نجم‌آبادی (۵۴-۵۱)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۲۲۷/۱۴)، معجم‌المؤلفین (۹/۹۷)، مکارم‌الآثار (۱۷۸۲-۱۷۸۱/۵).

نجم‌آبادی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۲ ش)، طبیب، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. نسبش از طرف مادر به شیخ هادی نجم‌آبادی و از طرف پدر به حاج محمد نجم‌آبادی، اولین متولی مدرسه‌ی عالی شهید مطهری می‌رسد. در تهران به دنیا آمد. تحصیلاتش را در مدرسه‌ی شرکت گلستان و مدرسه‌ی قدیم ایران و آلمان و سپس در دارالفنون و دارالمعلمین به اتمام رساند و از آنجا به مدرسه‌ی طب رفت و تحصیلات خود را در آنجا تکمیل نمود. در ۱۳۰۹ ش در قوچان و در ۱۳۱۲ ش در سبزوار طبابت کرد و پس از آن به تهران آمد و در انستیتو پاستور مشغول کار شد. وی ریاست بیمارستان‌های نجات و لقمان‌الدوله (لقمان حکیم) را به عهده داشت. دکتر نجم‌آبادی در اکثر کنگره‌ها درباره ابن‌سینا و رازی سخنرانی داشت و سالها نایب رئیس انجمن بین‌المللی تاریخ طب در پاریس بود. وی به زبان‌های آلمانی، فرانسوی و عربی تسلط داشت و تحقیقاتی در زمینه‌ی تاریخ طب و طب سنتی انجام داد و آثاری در این زمینه نوشت. او همچنین ماهنامه‌ی «جهان پزشکی» را تأسیس و منتشر نمود. او دیگر آثار وی: «محمد زکریای رازی»، «اصول بهداشت»، «بلای عظیم نسل بشر، سیفیلیس و سوزاک»، «تاریخ طب ایران»، «تعالیم پزشکی صد ساله‌ی فرانسویان در ایران»، «راهنمای پزشکان»، «مختصری از طب اسلامی بخصوص خدمات ایرانیان»، «فهرست کتابهای چاپی فارسی طبی»، «آبله و سرخک»، ترجمه: «آیین پزشکی یا پندنامه‌ی اهوازی»، ترجمه: تصحیح «رساله‌ی جودیه»، مقدمه بر «طب اسلامی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی دکتر محمود نجم‌آبادی، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۹۵۹، ۲۴۸۶، ۲۱۱۶، ۱۶۹۱، ۱۶۳۹، ۹۱۰، ۸۱۱، ۷۲۰، ۶۲۵، ۵۱۳، ۴۰۸، ۲۴۸، ۷۸، ۴-۳ / ۱)، کیهان فرهنگی (س ۲، ش ۴، ص ۱۴-۳)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۲-۹۹/۶).

نجم‌آبادی، هادی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۱ / ۱۳۲۰ - ۱۲۵۰ ق)، عالم دینی، فقیه، محدث، متکلم، مجتهد، مدرس و نیکوکار. اصل وی از ساوجبلاغ تهران است. در تهران به دنیا آمد. در ۱۲۶۲ ق برای تحصیل علوم به نجف رفت و پس از فراگیری مقدمات در ۱۲۷۰ ق به تهران بازگشت و پس از مدتی برای ادامه‌ی تحصیل به نجف مراجعت نمود. وی از شاگردان پدرش، ملا مهدی، و پسر عمویش، شیخ حسن نجم‌آبادی، و شیخ راضی نجفی بود. در ۱۲۸۰ ق پس از درگذشت پدرش، به تهران آمد و عهده‌دار امور دینی گشت. او در فقه، اصول، حدیث، تفسیر و رجال متبحر بود و در زمان خود از مجتهدین بزرگ تهران و مرجع حل و فصل مشکلات مردم به شمار می‌آمد. او بعد از ظهر هر روز جلو در گاه‌خانه خویش می‌نشست و مردم را از هر گروه و آیین می‌پذیرفت و با همه‌ی آنها در کمال آزادی پیرامون مسائل گوناگون بحث می‌نمود. او عالمی آزادمنش و روشنفکر بود و خدمات بسیاری به جنبش آزادی ایران کرد و بسیاری از بزرگان مشروطه را از مریدان او به شمار آورده‌اند. فرزندانش، شیخ محمدتقی مجتهد نجم‌آبادی و حاج شیخ مهدی نجم‌آبادی، و علامه محمد قزوینی و علامه علی‌اکبر دهخدا و ناظم‌الاسلام کرمانی و میرزا جهانگیر خان شیرازی (صور اسرافیل) و رفیع بامداد و میرزا سید محمد طباطبایی از شاگردان او بودند. در تهران درگذشت و در مدرسه‌ی خود به خاک سپرده شد. از آثارش: بنای مریضخانه‌ی وزیر (میرزا عیسی وزیر) که به نام خود وی نیز مشهور است، به انضمام یک باب حمام در کنار مریضخانه، در

محلّه‌ی حسن آباد تهران، هدایت و تشویق میرزا عبدالکریم خان منتظم‌الدوله فیروزکوهی به بنای مدرسه‌ی خیریه دارالایتم حسن آباد، دایر کردن قنات در اشتهارد کرج و آباد کردن اراضی موات و احداث صحت‌آباد، در جهت پشتیبانی مالی بنای مریضخانه. از آثار علمی وی: «تحریر العقلاء»؛ رساله‌ی «رد فرقه‌ی بهاییه»؛ «جداول، طبقات وارث»، [۱].

سال تولد: ۱۲۵۰ ق.

فوت: ۱۳۲۰ ق.

آثار: تحریرالعقلا

رساله رد فرقه بهائیت (تهران، ۱۳۱۲ ق. سربی، رقعی، باهتمام شیخ مرتضی نجم‌آبادی)

جداول، طبقات وارث (تهران، ۱۳۰۸ ق. سنگی، خط میرزا حسن تهرانی)

هادی نجم‌آبادی تهرانی متولد سال ۱۲۵۰ ق. پسر حاج ملا-مهدی و از علمای معروف تهران بود که در روستای نجم‌آباد در خانواده‌ای صنعتگر به دنیا آمد. در دوازده سالگی به همراه مادرش به نجف اشرف رفت و به تحصیل علوم فقهی و مذهبی پرداخت در سال ۱۲۸۰ ق. به تهران آمد و امامت و حکومت شرعیه موقوفات خانوادگی را به عهده گرفت.

وی مطلقاً مردی فسادناپذیر بود و هیچ‌گاه دیناری از کسی قبول نمی‌نمود وی مردی آزاداندیش بود و یکی از زمینه‌سازان فکری جنبش مشروطه محسوب می‌گردد، اکثر روشنفکران دوره ناصری تربیت یافتگان دبستان این روحانی بودند. وی به تأسیس مدرسه، دارالایتم، بیمارستان، داروخانه و مسجد علاقه مفراطی داشت و از جمله ساخت مدرسه خیریه، مدرسه سادات، مدرسه رشدیّه و بیمارستان وزیری با حمایت و تشویق وی صورت پذیرفت. سرانجام وی در سال ۱۳۲۰ ق. جان به جان آفرین تسلیم نمود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان‌الشیعه (۲۳۶- ۲۳۵/۱۰)، تحریرالعقلاء (مقدمه)، الذریعه (۳/۳۸۷)، زندگینامه‌ی آیت‌الله حاج شیخ هادی نجم‌آبادی، شرح حال رجال (۴۱۰- ۴۰۸/۴)، علماء معاصرین (۳۳۷)، المآثر والآثار (۱۴۹)، مکارم‌الآثار (۱۳۷۷- ۴/۱۳۷۶)، مؤلفین کتب چاپی (۷۳۲- ۷۳۰/۶).

نجمی، محمدصادق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دانشمند معظم و نویسنده گرامی شیخ محمدصادق بن ثقه‌الاسلام شیخ احمد الواعظ از فضلاء و دانشمندان و نویسندگان توانای حوزه علمیه است که در ماه رجب ۱۳۵۶ ق در آذربایجان متولد گردیده و در خاندانی که تا چندین پشت همه از خدمتگزاران دین و علماء و گویندگان مذهبی بودند در دامان مادر علویه‌ای که از تیره و سلسله سادات حسینی آذربایجان که از آنها افرادی مانند علامه کبری سید حسین کوه کمری و آیت‌الله العظمی آقا سید محمدحجت رضوان‌الله تعالی علیهما می‌باشد تربیت یافته و مقدمات در خدمت والد ارجمندش قرار گرفته و در سال ۱۳۷۰ قمری مهاجرت به قم نموده و در مدت کوتاهی از سطوح عالی و متون فقهی فارغ شده و به دروس خارج مراجع عالیقدر شرکت نموده است.

و در ضمن ادامه تحصیل به موفقیت‌های دیگری از راه تبلیغی نائل گردیده که نمونه‌ای از آن ساختن چندین مسجد در اطراف کاشان و همدان و مباحثات طولانی با مبلغین فرقه ضاله که منجر به شکست آنان و مسلمان شدن چند تن از جوانانشان گردیده است.

تالیفات و آثار ارزنده‌ای در خلال تحصیل خود به رشته تحریر درآورده در قسمتهای مختلفی مانند تفسیر و تاریخ و حدیث

مخصوصاً مطالعاتی در کتب اهل سنت نموده و نتیجه مطالعات و تحقیقات خود را به صورت کتابهای زیر در آورده است:

۱- سیری در صحیحین این کتاب در ۳ مجلد می‌باشد در این کتاب صحیح بخاری و صحیح مسلم که مهمترین کتاب و مدرک اهل سنت است مورد بررسی قرار گرفته و جلد اول آن که توحید از نظر صحیحین است منتشر و مورد استقبال محافل علمی و دانشمندان قرار گرفته است.

۲- جلد دوم و سوم این کتاب که به ترتیب نبوت و خلافت از نظر صحیحین و مباحثات متفرقه به زودی به طبع خواهد رسید انشاءالله.

۳- مباحثی از قرآن، این کتاب نیز که در دو جلد و قسمتهای جالبی از آیات را مورد بررسی قرار داده است در موضوع خود ابتکاری است.

۴- شخصیت سیاسی عمرو بن عاص. این کتاب چهره واقعی عمرو بن عاص و فعالیتهای مخرب و ضد دینی او را به خوبی ظاهر می‌سازد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

نجمی، محمدصادق

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد صادق نجمی

محل تولد: براین - شبستر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد صادق نجمی به سال ۱۳۱۵ شمسی در روستای «هریس» از توابع شبستر به دنیا آمدم. پدرم ثقة الاسلام حاج میرزا احمد آقا هریسی و چند تن از اجدادم از علما و روحانیون مورد اعتماد مردم بوده اند. مادرم از سادات کوه کمری است. پدر وی «حاج میری آقا» عموی آیت الله العظمی حجت (ره) می باشد. اینجانب تا حدود ۱۵ سالگی در همان روستا که دارای مردمی متدین می باشند؛ رشد کرده ام. روستائی که در اثر فراوانی آب از طراوت و خرمی برخوردار است. مردم این روستا علاقه مند به مذهب و اهل بیت (ع) و پایبند به اصول اخلاقی می باشند و سابقه طولانی وجود خانواده های متعدد و بزرگی از سادات و روحانیون در این محل موجب شد تا آنان به دین علاقه مند شوند و از ایمان راسخ برخوردار گردند. مراجع و عالمان بزرگ و معروفی مانند: «آیت الله العظمی سید حسین کوه کمری (ره)» و «سید علی آقا»؛ پدر آیت الله العظمی حجت در این روستا متولد شدند و دوران کودکی خود را در این محل سپری کرده اند.

دوران کودکی ام را در دامان چنین پدر و مادری و در چنین محیط مذهبی سپری کردم و شالوده فکری و اعتقادی من در چنین محیطی پی ریزی شد. هشت یا نه ساله بودم که به مکتب خانه رفتم. تحصیل را با روخوانی قرآن شروع کردم و پس از آن با بخشی از ادبیات فارسی آشنا شدم. در آن روز در مکتب خانه های آذربایجان: «گلستان سعدی، نصاب الصبیان، تاریخ و صاف، ابواب

الجنان، تنبیه الغافلین و ...) آموزش داده می‌شد. در تدریس برخی از این کتابها، علاوه بر فراگیری ادبیات فارسی، آموزش مسائل اخلاقی نیز مورد توجه بود.

پس از این دوره، در نزد پدرم «جامع المقدمات، سیوطی و شرح جامی» را فرا گرفتم. تقریباً در پانزده سالگی پدرم مرا به مدرسه «طالبیه تبریز» برد و از آن زمان به بعد من هم به صف طالبان علوم دینی پیوستم. شوق فراوانی نسبت به تحصیل علوم دینی داشتم. پس از یک سال و چند ماه توقف در تبریز و تکمیل کردن درس‌هایی که نزد پدرم آغاز کرده بودم، سرانجام در اواخر تابستان سال ۱۳۳۲ شمسی (با این که از لحاظ تأمین معاش وضع مناسبی نداشتم) ره سپار حوزه علمیه قم شدم و با فضل خداوند در مدرسه فیضیه سکونت گزیدم. ورود این جانب به قم، مصادف بود با ماه محرم سال ۱۳۷۲ قمری، چهار ماه پس از ورودم به قم، در ماه جمادی الاولی، حضرت آیت الله العظمی حجت رحلت کرد.

دوران تحصیل اینجانب از این تاریخ تا سال ۱۳۵۹ شمسی، یعنی تقریباً سی سال ادامه داشت. در این مدت علاوه بر تحصیل و تدریس دروس متداول حوزه علمیه، به تألیف و ترجمه کتاب‌های متعددی موفق شدم و هذا من فضل ربی. بیش‌ترین تحصیل این جانب در حوزه علمیه قم و بخشی دیگر در حوزه علمیه مشهد بود؛ زیرا تقریباً نه ماه پس از ورودم به قم که هوا رو به گرمی می‌رفت، والدینم به قصد زیارت مشهد، وارد قم شدند و من نیز به همراه آنان به مشهد مقدس عزیمت نمودم. در این سفر، پدرم مقدمات توقفم را در تعطیلات تابستانی در حوزه علمیه مشهد؛ فراهم کرد و اجازه اقامتم را در یکی از حجره‌های مدرسه «خیرات خان» از متولی این مدرسه آقای دربندی دریافت نمود. این برنامه که مصادف با اولین ماه‌های ورود «آیت الله العظمی میلانی» از عراق به مشهد مقدس برای تعطیلات تابستانی بود، در سال‌های بعد هم برایم الگو شد و اکثر تعطیلات تابستانی را در مشهد مقدس مشغول تحصیل و مطالعه می‌شدم. تألیف کتاب: «سیری در صحیحین» از ثمرات این حوزه مقدس و از عنایات حضرت علی بن موسی الرضا (ع) می‌باشد.

در حوزه علمیه قم مدتی در مدرسه فیضیه و مدتی در مدرسه «آیت الله العظمی آقای بروجردی»: (مدرسه خان) و مدتی نیز در مدرسه حجتیه اقامت داشتم. در مشهد مقدس نیز گاهی در مدرسه «خیرات خان» و گاهی در مدرسه میرزا جعفر (داخل صحن مطهر) اقامت داشتم. پس از انتشار جلد اول کتاب: «سیری در صحیحین» چند ماه با اجازه «آیت الله العظمی میلانی» در مدرسه وی و در حجره مخصوص او اقامت داشتم. این در شرایطی بود که مطالعه و تألیف جلد دوم همین کتاب را پی‌گیری می‌کردم و عنایات خاص آن مرد بزرگ نیز تشویقی بر ادامه این تألیف بود و جلد اول همین کتاب را با تفسیر المیزان و المراجعات به عنوان جایزه به طلاب هدیه می‌داد. تحصیلات من تنها در علوم حوزوی بود؛ اما با تلاش آیت الله شهید بهشتی یک کلاس آموزش زبان انگلیسی شبانه در دبیرستان «دین و دانش قم» تشکیل می‌شد و عده‌ای از طلاب که بنده هم جزء آنان بودم (با وجود محدودیت و عدم استقبال از این درس) در آن شرکت می‌نمودیم.

در دوران تحصیل از اساتید متعددی استفاده نمودم و از محضر بزرگانی بهره‌مند شدم که معروف‌ترین آنان به همراه دروسی که از آنان فرا گرفته‌ام:

۱- قسمتی از مغنی را از «شیخ علی اکبر اهری معروف به نحوی» در تبریز فرا گرفته‌ام. وی در عین کهولت سن، دقایق و ظرایف مغنی را با تمام شوق و علاقه به شاگردان می‌فهماند.

۲- قسمتی از مطول را از درس «شیخ ابوالفضل علمایی سرابی» در قم و بخش دیگر آن را از «شیخ عبدالله نورانی» در مشهد مقدس استفاده کرده‌ام. شرح شمسیه را به طور خصوصی و به همراه آقای عمید زنجانی از مرحوم آقای «صائینی زنجانی» و شرح منظومه سبزواری را از مرحوم استاد «شهید مفتح» فرا گرفتم. از درس فلسفه مرحوم «شهید مطهری» که در ایام تعطیلی در قم تدریس داشتند، و هم چنین از درس فلسفه مرحوم آقای «الهی»: (برادر علامه طباطبائی)، نیز بهره گرفته‌ام. بخش مهم جلدین لمعه را از

«سید جواد خطیبی» که در تدریس لمعه معروف بود و سابقه ای طولانی داشت، و بخش دیگر را از آقای «جاج شیخ محمد حقی سرابی» فرا گرفتم و قسمتی از ابواب این کتاب را که آن روز تدریس آن ها رایج نبود، با یکی از دوستانم مباحثه می کردم.

۳- بخش مهم مکاسب را از «آیه الله مشکینی» و بعضی از ابواب آن را از اساتید دیگر مانند: «آیه الله سبحانی» فرا گرفتم. قوانین را از «آیه الله موسوی اردبیلی» و بخشی از رسائل را از «آیه الله مشکینی» و قسمتی دیگر را از آقای «سبحانی» و باب تعادل و تراجیح را از «آیه الله احمدی میانجی» آموختم. بخشی مهم کفایه الاصول را از «آیه الله سلطانی» و بخش دیگرش را از آقای «مجاهدی» فرا گرفتم. در تفسیر ابتدا از «آیه الله حاج میرزا ابوالفضل زاهدی قمی» و مدتی از تفسیر علامه طباطبائی «آیه الله مشکینی» و «آیه الله خزعلی» بهره بردم. از حسن اتفاق، استاد «علامه حسن زاده آملی» در بدو ورودشان به قم، مدتی در مدرسه حجتیه اقامت گزید. در این فرصت به ایشان ارادت پیدا کردم و بخشی از هیئت قدیم را از ایشان استفاده کردم و این موجب شد که پس از تعطیلی این درس، با مباحثه هیئت فلاماریون با هیئت جدید نیز تا حدی آشنا شوم.

در درس خارج فقه و اصول از اساتید متعددی مانند: «میلانی»، «شیخ مرتضی حائری»، «گلپایگانی»، «داماد» و سایر بزرگان و اساتید بهره بردم. مدت بهره بری از برخی آنان طولانی و از بعضی دیگر نسبتاً کوتاه بوده است. مدت استفاده ام از درس امام (ره)، خیلی کوتاه بوده؛ زیرا درست در شرایطی که آماده استفاده از درس آن زعیم عالی قدر می شدم، رژیم طاغوتی حوزه را از وجود وی محروم نمود. در طی دوران طولانی تحصیل طبعاً دوستان و هم درسان فراوانی داشتم که تعدادی را که با آنان معاشرت بیش تر و دوستی طولانی تری داشته ام، نام می برم: «برادران مجتهد شبستری، شیخ حسین حقانی زنجان، ابوالفضل موسوی تبریزی، عمید زنجان، سید هادی خسرو شاهی، آقای سید مجید ایروانی (ره) و آقای هاشم زاده هریسی نماینده فعلی تبریز در مجلس شورای اسلامی و...». گفتنی است با آقای هریسی علاوه بر هم بحث بودن در زمینه تألیف یا ترجمه کتاب نیز همکاری داشتم و تاکنون هفت اثر را به اتفاق ایشان تألیف یا ترجمه کردم.

من خود را از لحاظ علم و اخلاق در سطحی قابل طرح نمی دانم؛ ولی از باب «و أما بنعمه ربك فحدث» اشاره می کنم که در روی آوری این جانب به تحصیل علم و دانش، دو عامل مؤثر بوده است:

۱- روحانی بودن پدرم؛ او عاشق کتاب و مشتاق مطالعه بود و هیچ گاه اطرافش از کتاب خالی نبود و این در حالی بود که در آن دوران دست رسی به نشریات مذهبی مشکل بود و به جز هفته نامه «ندای حق» و مجله «مکتب اسلام»، نشریه مذهبی دیگری وجود نداشت. وی مدتی طولانی جزء مشترکان این هفته نامه ها بود. وقتی به بهانه های مختلف از سوی رژیم طاغوت این مجلات توقیف می شد، پدرم بسیار ناراحت می شد و بی صبرانه منتظر رفع توقیف آن بود و چنین محیطی در جلب توجه و ایجاد علاقه من به مطالعه و درس بسیار مؤثر بود. همان گونه که در بینش اجتماعی و سیاسی این جانب نیز بی تأثیر نبود. جالب این که اولین مقاله حقیر تحت عنوان: «صبر از نظر اسلام» هم در همان هفته نامه منتشر شد.

۲- تشویق و ترغیب پدر؛ علاوه بر شرایط محیط خانواده، پدرم با بیانات مختلف مرا به درس و بحث تشویق و ترغیب می نمود و از مزایای علم و دانش و تکامل معنوی با من سخن می گفت و گاهی با این جمله مورد خطابم قرار می داد که: (اگر بخواهی به مراتب عالی از نظر علم و عمل نایل گردی، باید اراده ات آن چنان قوی و همت آن چنان عالی باشد که خواهان رسیدن به مرتبه امام صادق (ع) باشی؛ زیرا اگر قصد کنی که به درجه علامه حلی برسی، به مرتبه یک عالم متوسط خواهی رسید).

به توفیق الهی از اوایل ورودم به حوزه علمیه قم با جلسه درس اخلاق و دعای ندبه «آیه الله حاج شیخ عباس تهرانی» آشنا شدم. این درس در سالن کتاب خانه مدرسه حجتیه و به دستور «آیه الله العظمی حجت» تشکیل می شد. این برنامه سالیان متمادی و تا هنگام وفات آقای تهرانی ادامه داشت. در بعضی از شب های جمعه در جلسه درس اخلاق و دعای کمیل آقای حاج سید حسین (معروف به پیرمرد) شرکت می جستیم. او مردی اخلاقی و ابوذر زمان بود و از نظر تربیتی و تأثیر معنوی، فوق العاده بود. در ایامی که هوا

مساعده بود؛ شب‌های جمعه را پیاده به مسجد جمکران مشرف می‌شدیم و از معنویت این مسجد بهره می‌گرفتیم. تقریباً در همان سال‌های اول ورودم به قم، دو سید بزرگوار (شهید نواب صفوی و شهید واحدی) با قیافه‌های نورانی در نماز جماعت مدرسه فیضیه توجه مرا به خود جلب کردند. آنان با سخنرانیهای شورانگیز خود بر ضد طاغوت در گرایش من به مباحث سیاسی، تأثیری عمیق داشتند.

حضور شهید نواب صفوی در نماز جماعت فیضیه با آن قیافه معنوی و با عمامه سبز که به صورت ساده و آخر صفوف عبای خویش را زیر اندز می‌کرد، برای همه کسانی که با مبارزه او با بی‌دینی و حرکتش در اعدام انقلابی (کسروی، هژبر و رزم آرا) آشنا بودند، جاذبه خاصی داشت. آزادی خلیل طهماسبی (عامل مستقیم اعدام رزم آرا) از زندان و ورود وی به شهر قم و اجتماع مردم در خیابان‌های این شهر برای تقدیر از این سمبل شجاعت و از خود گذشتگی در راه ایمان و عقیده، خاطره‌ای جالب، فراموش نشدنی، شورانگیز و حرکت‌آفرین برای من بود. این علاقه موجب شد تا جریان فدائیان اسلام و محاکمه آنان را که پس از تیراندازی ناموفق به حسین علاء نخست‌وزیر وقت به وقوع پیوست، تعقیب کنم. جریان شهادت شهید واحدی به دست تیمور بختیار، فرماندار نظامی تهران و شهامت و شجاعت شهید نواب و یارانش در جلسات محاکمه و به هنگام شهادتشان که تکبیر گویان به سوی میدان تیر حرکت کردند، نقل مجالس و درس عشق و فداکاری بود و بیش از پیش در روحیه این جانب اثر گذاشت. عکس شهید نواب صفوی را که با لباس شخصی و بدون عمامه در دادگاه نظامی حاضر شده بود، در همان تاریخ در پشت جلد کتاب عروه الوثقی چسبانده بودم. امروز هم برای من جالب و خاطره‌انگیز است.

این جریان‌ها موجب شد که به عالمان مبارزی چون آیت‌الله کاشانی ارادت بیش‌تری پیدا کنم. گرچه در زمان حیات آیت‌الله العظمی بروجردی، نسبت به امام امت به عنوان یکی از مراجع حوزه ارادت می‌ورزیدم و گاهی به زیارتش می‌شتافتم، ولی پس از ارتحال آیت‌الله بروجردی، علاقه‌ام به او بیش‌تر شد، حرکت متواضعانه و مخلصانه امام (ره) در رد تقاضای انتشار رساله عملیه و دوری از حریم ریاست و مرجعیت با وجود شرایط مناسب و حضور جدی آن بزرگوار در صحنه مبارزه (در جریان انجمن‌های ایالتی و ولایتی و سخنرانی‌ها و اعلامیه‌های صریح وی) موجب ارادت و علاقه بیش‌تر این جانب به وی گردید و گویا گم شده خود را در وجود او پیدا کردم. این ارادت با تشدید مبارزات در سالهای بعد و با زندانی و تبعید شدن امام (ره) افزون‌تر شد تا این که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و ما خود را موظف دانستیم تا آن‌جا که در توان داریم، در خدمت انقلاب باشیم و در مسیری که امام ترسیم می‌کردند، حرکت کنیم.

نجومیان، امیرعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر امیرعلی نجومیان پس از اتمام دوره متوسطه و اخذ دیپلم، تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه شهید بهشتی در رشته زبان و ادبیات انگلیسی آغاز کرد. او جهت تکمیل معلومات دانشگاهی عازم انگلستان شد و در رشته ادبیات انگلیسی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه لستر انگلستان به تحصیل پرداخت. نامبرده هم‌امنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی است. گروه: علوم انسانی رشته: زبان و ادبیات انگلیسی تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: سوابق تحصیلی: دیپلم: ریاضی و فیزیک / ۱۳۶۱ / مشهد کارشناسی: زبان و ادبیات انگلیسی / ۱۳۶۹

تهران / دانشگاه شهید بهشتی کارشناسی ارشد: ادبیات انگلیسی / ۱۳۷۳ / لستر / دانشگاه لستر دکتری: ادبیات انگلیسی / ۱۳۷۸ / لستر / دانشگاه لستر مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: سوابق کاری و مدیریتی امیرعلی نجومیان به ترتیب زیر است: مدیر گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه شهید بهشتی (آبان ماه ۱۳۸۱ - بهمن ماه ۱۳۸۵) معاون پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی (تیر ماه ۱۳۸۵ - تا حال حاضر). دبیر علمی «هم‌اندیشی ژاک دریدا: از فلسفه تا هنر»، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و فرهنگستان هنر (چهاردهم دی ماه ۱۳۸۳). مدیر گروه پژوهشی ادبیات انگلیسی، انتشارات سمت: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (۱۳۸۲ - تا حال حاضر) دبیر علمی «هم‌اندیشی ژاک دریدا: از فلسفه تا هنر»، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و فرهنگستان هنر (چهاردهم دی ماه ۱۳۸۳). عضو گروه تخصصی نشانه‌شناسی هنر، فرهنگستان هنر (۱۳۸۲ - تا حال حاضر). مدیر گروه پژوهشی ادبیات انگلیسی، انتشارات سمت: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (۱۳۸۲ - تا حال حاضر). معاون پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی (تیر ماه ۱۳۸۵ - تا حال حاضر). مدیر گروه پژوهشی ادبیات انگلیسی، انتشارات سمت: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها - ۱۳۸۲ تا حال حاضر داور بخش نقد و پژوهش ادبی، ششمین جشنواره دوسالانه ادبی دانشجویان کشور (۱۹ تا ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۸۵). برگزاری کلاسهای تخصصی شهر کتاب: «پاساخرگرای: نظریه و نقد» (تهران: ساختمان مرکزی شهر کتاب) (تیر تا شهریور ماه ۱۳۸۵). آرا و گرایشهای خاص: علائق پژوهشی ادبیات قرن بیستم / رابطه ادبیات و فلسفه / نقد ادبی معاصر / مطالعات بین رشته‌ای / روش‌های آموزش ادبیات تحقیقات و فعالیتها: نقد ادبی معاصر - ادبیات قرن بیستم رابطه ادبیات و فلسفه جوایز و نشانها: دانشنامه زیباشناسی (به همراه گروه مترجمان) (تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۴). (برگزیده کتاب سال ۱۳۸۵) چگونگی عرضه آثار: فعالیت‌های پژوهشی دکتر امیرعلی نجومیان به قرار زیر است: مصاحبه: ۷ مورد سخنرانی (به زبان فارسی): ۲۱ مورد مقالات ارائه شده: بیش از ۳۰ مورد آثار: ترجمه: زوال یا بقای متن اصلی؟، خیال پردازی زوال: مفهوم زوال در فرهنگ اروپا و ویژگی اثر: آلدرشات: اشکیت، ۱۳۷۸۲ دانشنامه زیباشناسی و ویژگی اثر: (به همراه گروه مترجمان) (تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۴). (برگزیده کتاب سال ۱۳۸۵) ۳ درآمدی بر پست مدرنیسم در ادبیات و ویژگی اثر: اهواز: انتشارات رسش، ۱۳۸۵۴ درآمدی بر مدرنیسم در ادبیات و ویژگی اثر: اهواز: انتشارات رسش، ۱۳۸۳۵ کتاب و کتاب خوانی در برنامه‌های تلویزیونی و ویژگی اثر: به کوشش دکتر بهمن نامور مطلق (همکاری در ترجمه) (تهران: اداره کل پژوهشهای سیما، ۱۳۸۱).

نحوی هروی، ابوالمظفر محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۱۴ ق)، ادیب، نحوی و عالم. از پیشوایان علوم ادبی و از شاگردان خوارزمی بود. از طبری، قاضی ابی‌الهیثم و ابوالعلاء صاعد فقه آموخت و در تفسیر و حدیث نیز دستی داشت. در اصول عقاید پیرو عدلیه بود. شرح «اصلاح المنطق» ابن‌السکیت و شرح «امثال» ابوعبید و شرح «حماسه» و شرح «دیوان» متنبی از تألیفات اوست.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۶/ ۱۸۰)، اعیان الشیعه (۹/ ۵۸)، الذریعه (۲۷۷، ۹۳/ ۱۳)، ریحانه (۷/ ۲۶۷)، کشف الظنون (۸۱۱، ۶۹۱، ۱۶۷)، لغت‌نامه (ذیل / محمد)، معجم الادباء (۱۱۷ - ۱۱۶/ ۱۷)، معجم المؤلفین (۹/ ۳۵)، الوافی بالوفیات (۱/ ۳۳۳).

نحوی، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام والمسلمین مرحوم مبرور شیخ ابوالقاسم نحوی از مدرسین نامی و علماء سامی حوزه علمیه و دانشمندان و ادباء معروف و عالیقدر قم که حق عظیمی بر هزاران نفر از طلاب دارد می‌باشد، تولدش در سال ۱۳۰۰ ق در قم واقع شده و پس از رشد و طی مقدمات از خدمت مرحوم آقا شیخ حسن فاضل و آیت‌الله آقا شیخ ابوالقاسم کبیر و آقا میرزا علی‌اکبر حکیم یزدی رضوان‌الله‌علیهم درس خوانده و با کمال متانت و سادگی و بی‌بضاعتی زندگانی نموده و وارد هیچ دسته و سر و صدائی نشده و سالها از مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله بروجردی استفاده نموده و صدها طلبه فاضل و عالم از ادبیات مطول و مغنی و کتب دیگر وی استفاده کرده و چند سالی هم به امر آیت‌الله العظمی بروجردی - ره - برای اداره حوزه علمیه شهرستان ساوه با آن سامان توقف نموده آنگاه به قم وطن مالوف خود برگشته و به خدمات دینی و روحی پرداخته تا در ماه رجب سال ۱۳۸۵ قمری که بدرود زندگی گفته و در صحن جدید اتابکی در محل نماز حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظلّه مدفون گردید.

مرحوم حجه الاسلام نحوی از رفقای بسیار نزدیک مرحوم آیت‌الله مجاهد بافقی بود و به حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی بسیار ابراز علاقه و ارادت می‌ورزید فرزند برومندش ثقه‌المحدثین شیخ تقی نحوی از افاضل اهل منبر و وعاظ قم می‌باشند که در این شهرستان و بلاد دیگر در راه منبر به ترویج و خدمت به دین و معارف اسلامی می‌نمایند.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

نحوی، شهاب الدین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد تقی معروف به شهاب الدین فرزند علامه‌ی فقیه سید محمد حسن. عالم فاضل زاهد. در شب غره‌ی ماه رجب سال ۱۲۶۳ متولد، و در نیمه شب چهارشنبه غره‌ی رجب سال ۱۳۴۰ وفات یافته، در تخت فولاد جنب پدر خویش مدفون گردید.
مقدمات و سطوح را نزد برادر خود: حاج سید مهدی نحوی، و برادر دیگرش: سید محمد (که در جوانی به سال ۱۲۷۵ وفات یافته است) فراگرفته؛ سپس جهت تکمیل در محضر مرحومین حجتین: ملا حسین علی تویسرکانی، و آقا میر سید محمد شهبهانی حاضر شده، سال‌ها از محضر آنان مستفید گشته، ضمناً به درس آخوند ملا عبدالجواد خراسانی حکیم، و میرزا محمد علی قاینی حاضر شد؛ سپس به مجلس حاج سید اسدالله بیدآبادی اختصاص یافته، و از خواص اصحاب ایشان گردید؛ ضمناً مدتی نیز از درس مرحوم میر محمد صادق کتابفروش استفاده برده، و مدت دو سال به درس حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی حاضر شده، تا در اغلب علوم از ریاضی و طبیعی و حکمت و فقه و اصول و ادب تبحری یافت.

سپس تا آخر عمر به خدمت خلق، و عبادت خالق پرداخته، مورد احترام خاص و عامه قرار گرفته، در نزد عموم طبقات، محترم و مقبول القول بود. از آثارش کتابی است جنگ مانند، در دو قسمت ۱- در فواید متفرقه، از نظم و نثر عربی و فارسی و فقه و حدیث

و تفسیر

۲- مجموعه‌ای از مراسلات استادش حاج سید اسدالله بید آبادی که به علما و غیره نوشته، و این قسمت شایسته‌ی کمال توجه می‌باشد.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

نحوی، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند میرزا عبدالجواد. ادیب و فاضل بوده، و از بنیان گزاران فرهنگ جدید در اصفهان به شمار می‌رود.

مدرسه دیانت به مدیریت او، از اولین مدارس جدید اصفهان است. سالها مدیر دبستان نظامی، و سپس دبیر ادبیات دبیرستان های اصفهان بوده، و جمعی کثیر از دانش آموزان از محضر او استفاده نمودند.

کتابی در صرف و نحو، و کتابی در شرعیات جهت محصلین مدارس تألیف نموده که به طبع رسیده و سال ها در اصفهان تدریس می‌شده.

در سال ۱۳۰۰ متولد، و در شب ۲ جمادی الثانیه سال ۱۳۷۱ وفات یافته، در تکیه مجاور تکیه ملک مدفون گردید.

دیگر از آثار او رساله مختصری است در شرح حال نحوهای هرنندی خانواده خود.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نحوی، محمد باقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم فاضل، و مجتهد زاهد، از شاگردان: حاج میرزا ابوالحسن بروجردی، و آخوند ملا محمد حسین فشارگی، و آقا شیخ محمد رضا نجفی، و مجاز از هر ۳ نفر، و همچنین از شاگردان آقا سید محمد باقر درچه‌ای و آخوند کاشانی بوده، عمری به زهد و قناعت گذرانیده.

در ۱۳۰۳ متولد، و در ظهر پنجشنبه ۵ جمادی الاولی سال ۱۳۵۰ به عارضه سکته وفات یافت، و در جنب آبای گرام خود مدفون شد.

ماده تاریخ وفاتش را مرحوم آقا کمال الدین خوانساری (پدر زن ایشان) فرماید:

آن سَمی حضرت باقر که بود

نحوی عصرش فصیح و هم بلیغ

سال فوتش را اگر پرسى ز من

گویمت ای حیف از او با ای دریغ

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نحوی، محمد حسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم فقیه، و مجتهد متکلم اصولی، از شاگردان: آقا میرزا محمد باقر [خوانساری]، و پدر خود، و آقا نجفی، و حاج میرزا بدیع درب امامی، و آقا سید محمد باقر درچه‌ای، و آخوند کاشی و جمعی دیگر از دانشمندان اصفهان بوده.

در ۱۲۷۸ متولد، و در شب جمعه ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۶۱ وفات یافته.

تاریخ وفاتش را آقای معلم ضمن قطعه‌ای فرماید:

کم کرد معلم دو و گفت از پی سالش

سید حسن نحوی عارف ز جهان رفت

قبرش در مجاورت قبر جدش سید حسن مجتهد قرار دارد.

وی داماد آقا میرزا محمد باقر چهار سوقی صاحب روضات است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نحوی، محمد حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

طیب فاضل متطبب، از شاگردان حاج میرزا محمد باقر حکیم باشی است. در ۱۲۸۲ متولد، و در ۱۳۴۰ وفات یافته، جنب آباء خویش مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نحوی، مهدی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم حاج سید مهدی، علامه فقیه، در شوال ۱۲۴۸ متولد، و در صبح روز دوشنبه ۱۵ ذی حجه الحرام سال ۱۳۰۷ وفات یافته، در جنب پدر مدفون شد.

مشارالیه از علما و فقها و اجلاً بوده، و در مدرسه شاهزاده‌ها تدریس می‌نموده، و در مسجد حمال‌ها در بازار کفّاش‌های اصفهان امامت می‌نموده، و در نزد پدر، و آقا میر سید حسن مدرس، و ملا اسماعیل واحد‌العین و آقا سید اسدالله بیدآبادی و جمعی دیگر تحصیل نموده، و جمعی از بزرگان در عداد شاگردان ایشان محسوب می‌شدند.

فقه و اصول و خصوصاً ادبیات تدریس می‌نموده، و چون تخصّص ایشان در تدریس علم نحو بوده به نحوی شهرت یافته، و گاهی

او را سید نحوی می‌گفته‌اند، جهت امتیاز ایشان از نحوی های هرندی که غیر سید بوده اند.

و از وی چهار پسر باقی ماند:

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نخبه الفقهاء لاری، محمدحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ محمدحسن بن العالم الجلیل آیت‌الله آقای حاج شیخ محمد حسین لاری از علماء بزرگ معاصر است. ایشان در حدود سال ۱۳۲۸ قمری هجری در لار به دنیا آمده و در بیت علم و فضیلت پرورش و دروس مقدمات و سطوح را در آنجا خوانده سپس به شیراز آمده و از محضر آقایان آنجا استفاده نموده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله میرزا محمد حسین نائینی و آیت‌الله حاج شیخ محمد کاظم شیرازی استفاده و با دریافت اجازات اجتهادی و غیره به زادگاه خود شهرستان لار مراجعت و به انجام وظائف دینی و اجتماعی پرداخته است دارای تالیفاتی چندی از جمله:

۱- تذکره الفضلاء.

۲- تذکره الصلحاء. و غیره می‌باشد.

نویسنده در حدود پنجاه سال قبل معظم له را در مشهد مقدس در مدرسه نواب ملاقات کردم او را دانشمندی جامع و متواضع دیدم. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

نخبه، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیرضا نخبه

محل تولد: تنکهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۶۰ تا ۶۱ پس از اخذ دیپلم در حوزه علمیه مدرسه «امام صادق» (علیه السلام) مشغول به تحصیل شدم و پس از پایان سطوح عالی سال ۱۳۶۸ به درس خارج مشغول شدم و در درس اساتیدی چون: «آیه الله وحید خراسانی»، «آشوخ جواد تبریزی (ره)»، «آیه الله زنجانی»، «آیه الله منتظری» و «آیه الله مدرس» شرکت نمودم البته بخاطر برخی اشتغالات متاسفانه به صورت مداوم

موفق به شرکت نشدم. و در ضمن در طی سالهای ۶۳ تا ۷۳ از دانشگاه مفید به «کارشناسی حقوق» مشغول بودم. از سال ۸۱ تا ۷۳ نیز در موسسه «تنظیم و نشر آثار امام»، روی کتابهای امام (ره) تحقیق کرده ام. از سال ۸۱ تا کنون نیز در معاونت آموزشی موسسه، در قسمت آموزش اندیشه های امام، اشتغال دارم.

نخجوانی، نجم‌الدین احمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۶۵۱ ق)، طیب. وی اهل نخجوان آذربایجان بود. از آثارش: شرح «اشارات» ابن سینا؛ «حل شکول القانون»، در شرح «قانون» ابن سینا، که در ۶۵۱ ق آن را نگاشت. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: ریحانه (۶/۱۳۷)، لغت‌نامه (ذیل / احمد)، معجم المؤلفین (۱/۱۷۸).

نخجوانی، هندوشاه

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۷۲۴ ق)، نویسنده، ادیب و شاعر. اصل وی از نخجوان بود و در همان جا نشو و نما یافت. تحصیلات خود را در مدرسه‌ی مستنصریه‌ی بغداد به پایان رساند و نیز نزد شمس‌الدین محمد کیشی درس خواند. هندوشاه مدتی به خدمت خاندان جوینی درآمد و در ۶۷۴ ق به نیابت از برادر خود، سیف‌الدوله، چندی بر کاشان حکمرانی نمود و در آنجا مدرسه‌ای ساخت و کتابهای بسیاری وقف نمود. وی مدتی نیز در دستگاه اتابک نصره‌الدین احمد بن یوسف شاه، از اتابکان لر به سر برد و کتاب «تجارب السلف» را به نام او تألیف کرد. این کتاب در ۷۲۴-۷۲۳ ق تألیف شده است و موضوع آن تاریخ خلفا و وزرای اسلام تا انقراض خلافت عباسی می‌باشد. هندوشاه در تألیف «تجارب السلف» از «منیة الفضلاء فی تواریخ الخلفاء و الوزراء» صفی‌الدین ابن طقطقی استفاده مستقیم نموده با این تفاوت که قسمت‌هایی از آن را حذف کرده و مطالبی از کتب معروف دیگر عربی و فارسی بر آن افزوده است. از دیگر آثار وی: «صحاح العجم» یا «صحاح الفرس»، در لغت؛ «موارد الادب»؛ «دیوان» شعر. در «ایضاح المکنون» تاریخ فوت او ۷۳۰ ق ذکر شده در صورتی که در «هدیه العارفین» ۷۳۰ ق تاریخ اتمام کتاب «موارد الادب» بیان گریده است. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۲/۵۹۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۴۴-۳/۱۲۴۳)، تاریخ مغول (۵۲۶)، تاریخ نظم و نثر (۱۸۴)، تجارب السلف (مقدمه)، دانشمندان آذربایجان (۳۹۹)، دایرة المعارف فارسی (۲/۳۲۹۸)، الذریعه (۲/۲۱۶، ۲۳/۱۲، ۱۱-۱۵/۱۳۰۲، ۹/۳۴۸، ۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/۷۸۴)، مؤلفین کتب چاپی (۶/۷۹۳-۷۹۴)، هدیه العارفین (۲/۵۱۱).

نخعی، زین‌العابدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

زین العابدین طاب ثراه در سال ۱۲۶۷ قمری در گلپایگان متولد و تحصیلات مقدمات را نزد علماء آن زمان انجام داده و بعد از تکمیل آن مسافرت به قم و اصفهان نموده و از محضر آیات عظام آنجا استفاده نموده تا به درجه اجتهاد و استغناء از علماء اصفهان مهاجرت به نجف اشرف نموده و مدتی از مجلس بحث مرحوم آیت‌الله حاج میرزا حبیب‌الله رشتی و فاضل ایروانی استفاده کرده آنگاه مسافرت به سامرا و مدتی طولانی از محضر و درس مرحوم آیت‌الله مجدد حاج میرزا محمدحسن شیرازی بهره‌مند شده به نحوی که در اصحاب خاص ایشان مورد توجه آن مرحوم گردیده و به مبرزین و کمترین اصحاب میرزا چون مرحوم حاج ملا فتحعلی اراکی و مرحوم سید محمد فشارکی و مرحوم آیت‌الله حاج سید اسماعیل صدر و مرحوم آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی و مرحوم آیت‌الله حاج میرزا حسین نوری اعلی‌الله مقامهم جلیس و هم‌بحث بوده و مقامات و معارف عالیه را با چنین اصحابی درک نموده پس به اصرار جمعی از علماء مراجعت به گلپایگان نموده و در آنجا مرجعیت تامه داشته تا در سنه ۱۳۴۷ قمری وفات و در همانجا مدفون گردیده است

از قضایای قابل توجه اینکه در حال احتضار که قوای ایشان به کلی از کار افتاده و قادر به حرکت نبودند و علماء گلپایگان در اطراف بستر ایشان نشسته بودند دفعه‌ای بغیر اختیار از بستر برخاسته و چشم به اهل مجلس گشوده و فرمودند نشسته‌اید در حالی که پیغمبر اکرم صلی‌الله علیه و آله وارد شد و مجدداً چشم بسته و در بستر آرمیده و به رحمت ایزدی پیوستند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

نخودکی اصفهانی، حسنعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسنعلی اصفهانی قدس سره فرزند ارشد مرحوم مبرور جنت مکان آخوند ملاعلی اکبر اصفهانی رضوان‌الله علیه می‌باشند. وی در نیمه ماه ذی‌القعدة سال ۱۲۷۹ قمری هجری در شهر اصفهان متولد شده و تا سن یازده سالگی از نظر تعلیمات ظاهریه خدمت مرحوم والدش و معلمین دیگری تحصیل مبادی نموده و از نظر معنویات و تکمیل مدارج سلوک زیر نظر استاد بزرگوارش مرحوم حاج میرزا محمدصادق که از اعظام مرتاضین متشرع آن زمان و مورد ارادت و اخلاص خاندان مرحوم آقاشیخ محمدتقی صاحب حاشیه بوده‌اند به تکمیل معنویات و ریاضیات مشروعه مشغول بوده‌اند و بعداً که به سن شباب رسیده‌اند علوم ادبیه و قسمتی از علوم ریاضیه مانند حساب و هیئت را نزد مرحوم آخوند کاشی و علوم عقلیه و فلسفه را نزد میرزا جهانگیرخان قشقائی تحصیل نموده سپس به عتبات عالیات مشرف شده و در نجف اشرف ادامه تکمیل معنویات و ریاضیات مشروعه را به اضافه تحصیلات علوم نقلیه نموده و معاشرت و مجالست ایشان اغلب با مرحوم آیت‌الله ربانی حاج سید مرتضی کشمیری که از اوتاد عصر خود و اعظام فقهاء و از اکابر سالکین آن تاریخ می‌باشند بوده و پس از آن مراجعت به اصفهان نموده و سفری به مشهد مقدس مشرف شده‌اند و در این سفر مکاشفه‌ای برای ایشان حاصل شده که مجاورت مادام‌العمر را در مشهد مقدس بر خود لازم و حتم دانسته لهذا به اصفهان مراجعت نموده و علایق و متعلقات آنجا را قطع و برای مجاورت دائمی به مشهد مقدس مشرف شده و توفیق مجاورت ارض اقدس را داشتند تا در صبح روز هجدهم شعبان ۱۳۶۱ هجری قمری پس از چهل روز کسالت در محله سعدآباد مشهد در سن هشتاد و دو

سالگی (۸۲) رحلت فرموده و با تشییع کم نظیری در صحن عتیق در جنب ایوان شاه عباسی جلوی غرفه‌ای که در غرب ایوانست و بر روی قبر او سنگ مرمر کوچکی که بر روی آن این عبارتست (اصفهانی شعبان ۱۳۶۱) منقوش می‌باشد.

مرحوم حاج شیخ حسنعلی دارای مقامات و کرامات کثیره است که شرح آن صحیفه مفصله خواهد بود که از عهده این مختصر خارج است.

آن بزرگوار از سن هفت سالگی تا آخر عمر تمامی لیالی شب جمعه را بدون تعطیل احیاء به عبادات از فرایض و نوافل می‌داشته و در تمام این مدت یعنی هفتاد و پنج سال ایام‌البیض همه ماهها را صائم بوده‌اند و بعضی از سنوات در ایام‌البیض ذی‌الحجه هر سه روز را با آب افطار و سحور نموده و اقتداء به امیرالمومنین و صدیقه طاهره و حضرت حسنین علیهم‌السلام و در بعض اوقات تا هیجده ساعت متوالی مشغول به نماز و ادعیه و اذکار و اوراد بودند بدون احساس کمترین خستگی در این عصر سال مرتاض متشرعی مانند ایشان دیده نشده.

اوقات شریفه این بزرگوار مقدار اندکی به تدریس فقه مانند شرح لمعه و درس تفسیر و گاهی هم هیئت و حساب مصروف می‌شد و باقی اوقاتشان به قضاء حوائج مومنین مراجعین از دعا و دوا برای رفع بیماریهای متنوعه و رفع گرفتاریهای مختلفه مشغول بوده. می‌توان ادعای قطعی نمود که در مدت اقامت ایشان به مشهد بیش از صد هزار مریضهای مختلفه که بعضی از آنها به معالجات طبی قدیم و جدید ممتنع‌العلاج بودند به دعاء معالجه قطعی فرموده‌اند و با این حال کوچکترین داعیه‌ای نداشتند و سلوک ایشان مانند یک عالم فقیه زاهدی بود که به علم و عمل هادی خلق به سوی خدا باشد و اگر این بزرگوار ادعای مقامی از مقامات سلوک مانند مرشدیت و یا قطبیت را می‌کرد به طور قطع و یقین نصف ایران را در سلسله ارادت خویش درمی‌آورد فرضوان‌الله علیه و قدس‌الله سره الشریف.

از بعضی از موثقین علماء و دانشمندان شنیدم که آن مرحوم در حال حیات خود بسیار می‌آمد و در این محلی که اکنون قبر اوست می‌ایستاد و یا می‌نشست دعاء و قرآن می‌خواند وقتی به او گفتند اینجا چه خصوصیت دارد می‌فرمود اینجا محل دفن منست و فرمود مرا در اینجا دفن نمائید.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

ندیم الملک، حیدر علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن میرزا مهدی بن ملا هاشم ندیم باشی، مصاحب محمد حسین میرزا ولی‌عهد بوده، و لقب ندیم الملک به وی داده بودند. مردی فاضل و ادیب و سخندان، و بلند طبع و کریم النفس بوده، خط تحریری را خوب می‌نوشته، و زبان فرانسه را نیز خوب می‌دانسته.

کتاب چندی تألف و از فرانسه ترجمه کرده است که نسخ آن در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.

۱- تاریخ اصفهان [مطبوع] ۲- ترجمه‌ی اقوام المسالک ۳- ترجمه‌ی مروج الذهب.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ندیم، ابوالحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۷، مرتبه علمی: استاد، رشته: بهداشت عمومی، دانشکده: بهداشت، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۲، دکترای حرفه‌ای بهداشت و بیماریهای گرمسیری از دانشگاه لندن در سال

۱۳۳۹، کارشناسی ارشد انگل‌شناسی پزشکی و حشره‌شناسی از دانشگاه لندن در سال ۱۳۴۰، دکترای تخصصی بهداشت عمومی از

دانشگاه کارولینای شمالی آمریکا در سال ۱۳۴۹ و دکترای اپیدمیولوژی از دانشگاه کارولینای شمالی آمریکا در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۴۱ تا سال ۱۳۴۳، دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران از

سال ۱۳۴۳، تا سال ۱۳۴۸ و استاد دانشکده پزشکی علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۴۸ تا کنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

لیشمانیوز احشانی، لیشمانیوز، جلدی شهری و طریقه کنترل آن به وسیله پشه‌بند و تور آغشته به حشره‌کش، اپیدمیولوژی بیماریهای

قلب و عروق، اپیدمیولوژی تصادفات در آذربایجان شرقی و راهنمایی، مشاوره و نظارت بر تعداد زیادی پایان‌نامه کارشناسی ارشد

و دکترای

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

لیشمانیا و لیشمانیوزها و بهسازی محیط در بلادهای طبیعی و در سنانه پزشکی آکسفورد، واکسیناسیون و بیماریهای اسهالی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۷۰، مقاله تعداد مقالات به زبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

فارسی و خارجی در زمینه‌های مختلف بهداشت به خصوص مسائل اپیدمیولوژی و بیماریهای گرمسیری و قلب و عروق، بهداشت

عمومی، لیشمانیوزها.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

ندیم، حسن

قرن: ۱۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(شیخ استاد) در تدریس علوم ادبیه مخصوصاً مطول یدطولائی داشته و چون ندیم و استاد مرحوم حاج سید حسین متولی باشی

بزرگ بوده معروف به استاد ندیم شده در علوم ریاضیه نیز دست داشته است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

ندیمی، محمود

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، رسام. وی مصور و ترسیم کننده نقش قالیها در دیار عثمانی بود. از آثار وی: قالیچه نفیس ابریشمی که کناره‌های آن به تزیینات و اشعار ترکی آراسته گردیده و در وسط قالیچه، نام نامی حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع) به خط طغرا نوشته شده و در کناره‌ها و بالای آن، نقش گل‌های متنوع و رنگین ترسیم یافته و در انتهای قالیچه به خط زیبای نستعلیق رقم نهاده است: «رسمه محمود ندیمی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۳/۱۱۳۶).

نراقی، احمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۴۵/۱۲۴۴ - ۱۱۸۶/۱۱۸۵ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، محدث، رجالی، منجم، ریاضیدان، مدرس، ادیب و شاعر، متخلص به صفایی. جامع معقول و منقول بود. در نراق، از توابع کاشان، به دنیا آمد. مقدمات را در نزد پدرش و شاگردان پدرش فراگرفت. سپس به همراه پدر به عراق رفت و در نجف از محضر سید مهدی بحر العلوم و شیخ جعفر کاشف الغطاء و در کربلا از محضر میرزا مهدی شهرستانی و آقا محمدباقر بهبهانی استفاده نمود تا به مرتبه‌ی اجتهاد رسید و خود به بحث و تدریس پرداخت. سپس به نراق کاشان بازگشت و عهده‌دار ریاست و مرجعیت دینی شد. وی از پدرش و سید بحر العلوم و شیخ جعفر کاشف الغطاء و به واسطه‌ی پدرش از ملا محمدباقر مجلسی روایت نموده است. شیخ مرتضی انصاری و سید محمد شفیع جابلقی و بسیاری دیگر از بزرگان از شاگردان وی بودند. در نراق به بیماری و با درگذشت، پیکرش به نجف منتقل و در صحن علوی به خاک سپرده شد. از آثارش: «مناهج الوصول الی علم الاصول» یا «مناهج الاحکام»، «مساند الشریعه فی احکام الشریعه»، در فقه؛ «وسیله النجاة»؛ «مفتاح الاصول و مصباح الوصول»؛ «معراج السعادة»، در اخلاق به فارسی، «مفتاح الاحکام»، در اصول فقه، «تنقیح الفصول»، در شرح «تجرید الاصول» پدرش، ملا مهدی نراقی؛ «اساس الاحکام»؛ «اسرار الحج»؛ «عوائد الايام»، در قواعد اصولی و فقهی، به فارسی؛ «الخرائن»، به سبک «کشکول»، در تتمیم کتاب «مشکلات العلوم» پدرش، به فارسی، «سیف الامه و برهان المله»، در رد پادری نصرانی، به فارسی، رساله‌ی «منجزات المریض»؛ مثنوی «طاقدیس»؛ «دیوان» شعر. [۱]

حاجی ملا احمد ابن حاج ملا مهدی معروف به نراقی (ف. ۱۲۴۵ ه. ق) از فقهای بزرگ قرن سیزدهم هجری است. علاوه بر مقام فقاقت اشعار عرفانی فراوان سروده است و در شعر صفاتی تخلص می کرد. او را تألیفات متعددی است از آن جمله: ۱- اجتماع الامر والنهی. ۲- اساس الاحکام در اصول فقه. ۳- اسرار الحج. ۴- حجة المظنة. ۵- خزائن. ۶- دیوان شعر فارسی. ۷- سیف الامه ۸- شرح

تجريد الاصول. ۹- طاقديس شامل مثنويات او. ۱۰- عين الاصول. ۱۱- معراج السعاده. ۱۲- مفتاح الاحكام. ۱۳- مناهج الوصول. وی در وبای عام در قریه‌ی نراق در گذشت.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۱/۲۴۵)، اعیان الشیعه (۱۸۴-۱۸۳/۳)، ایضاح المکنون (۵۶۳، ۵۲۳، ۴۷۸، ۱۳۰، ۲/۳۵، ۱/۳۳۱) حدیقه الشعراء (۱۰۳۱-۱۰۲۷/۲) الذریعه (۱۷۸-۱۷۷/۲۵، ۱۶/۲۳، ۳۵۰، ۳۴۱، ۳۴۰/۲۲، ۳۱۷، ۳۱۵، ۲۳۰، ۲۲۹-۱۵/۱۴، ۲۱، ۱۷/۱۴۰، ۳۶۷، ۳۵۴، ۱۵/۱۳۴، ۱۹۵، ۱۳/۱۳۸، ۱۲/۲۸۶، ۱۱/۱۲، ۱۱۸۱، ۹/۶۱۰، ۷/۱۵۲، ۴۳، ۲/۴، ۱/۲۶۷)، روضات الجنات (۱۰۷-۱/۱۰۳)، ریحانه (۱۶۳-۶/۱۶۰)، سفینه‌المحمود (۴۲۳-۲/۴۱۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۷-۱۳/۱۱۶)، فرهنگ سخنوران (۵۶۰)، فوائد الرضویه (۴۱)، قصص العلماء (۱۳۲-۱۲۹)، مجمع الفصحا (۷۰۵-۵/۷۰۰)، معجم رجال الفكر والادب فی النجف (۱۲۸۸-۳/۱۲۸۷)، معجم المؤلفین (۱۶۳-۲/۱۶۲)، مکارم الآثار (۱۲۴۲-۴/۱۲۳۵)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۴-۱/۴۸۱)، نگارستان دارا (۱۰۶-۱۰۴)، هدیة الاحباب (۱۸۰)، هدیة العارفين (۱۸۶-۱/۱۸۵).

نراقی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق، حقوقدان و وکیل دادگستری، از نواده‌های مرحوم حاج ملا احمد نراقی در ۱۲۷۳ در شهر کاشان تولد یافت. پس از انجام تحصیلات مقدماتی، فقه، اصول، حکمت و علم کلام را در نزد بزرگان کاشان فرا گرفت، مخصوصاً در حقوق اسلامی از سرآمد اقران شد و به تحقیق و تتبع پرداخت. از تألیفات ایشان تنظیم شجره‌ی خاندان غفاری و تاریخ اجتماعی کاشان و چند اثر دیگر است. شغل نراقی وکالت دادگستری بود. در ۱۳۶۸ در ۹۵ سالگی در گذشت. محقق.

تولد: ۲۴ دی ۱۲۷۳، کاشان.

در گذشت: ۲۴ دی ۱۳۶۸، تهران.

حسن نراقی پس از تحصیل در مدرسه‌ی علمیه‌ی کاشان به تهران آمد و امور فرهنگی و آموزشی را پیشه کرد. تألیفات او عبارتند از: تاریخ اجتماعی کاشان (۱۳۴۵)؛ آثار تاریخی شهرستان کاشان و نظنز (۱۳۴۸)؛ خاندان غفاری کاشان (۱۳۵۳)؛ کاشان در جنبش مشروطه ایران (۱۳۵۵)؛ ادبیات مشروطیت (حاوی زندگی‌نامه‌ی خاوری کاشانی، ۱۳۵۶)؛ تصحیح نسخه‌ی بیان (تألیفات محمد مهدی نراقی، ۱۳۵۷)؛ تصحیح و طبع طاقديس (مثنوی سروده‌ی احمد نراقی، ۱۳۶۲)؛ تصحیح و طبع مشکلات العلوم (تألیف محمد مهدی نراقی، ۱۳۶۷)؛ از وی مقاله‌هایی نیز در مجله‌ی «هنر و مردم» به طبع رسیده است.

حسن نراقی از پایه‌گذاران انجمن آثار ملی کاشان و از بنیادگذاران موزه‌ی آن انجمن در باغ شاه فین بود.

حسن نراقی در تهران در گذشت و در مسجد آقا بزرگ کاشان که مدرسه ملا احمد نراقی بود به خاک سپرده شد.

بر گرفته از کتاب: شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

نراقی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۹۷-۱۲۱۵ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی و متکلم. ملقب به عبدالصاحب و معروف به حجت‌الاسلام. در کاشان به دنیا آمد. مدارج علمی را نزد پدر خود، ملا احمد نراقی، طی نمود و از وی اجازه اجتهاد دریافت کرد. بنا به آورده‌ی صاحب «مکارم‌الآثار»، وی داماد میرزای قمی و از مشایخ شیخ جعفر شوشتری می‌باشد. او عهده‌دار تولیت مدرسه سلطانی در کاشان، از بناهای فتحعلی شاه قاجار، بود. وی در کاشان درگذشت. پیکرش به نجف منتقل و در نزدیکی پدرش و جدش به خاک سپرده شد. از آثار وی: «انوار التوحید»، در کلام؛ «المراصد ذات الفوائد»، در مسائل مهم علم اصول؛ «مشارق الاحکام»، در فقه. [۱]

حاج ملا محمد ابن حاج ملا احمد نراقی ملقب به عبدالصاحب و معروف به حجة‌الاسلام (ف. ۱۲۹۷ ه.ق) از علمای امامیه‌ی قرن سیزدهم هجری، از تألیفات اوست: ۱- انوار التوحید در علم کلام. ۲- المراصد در اصول. ۳- مشارق الاحکام در فقه. وی در سن ۸۰ سالگی در کاشان وفات یافت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۲۱/۳۲، ۲۰/۳۰۰، ۲/۴۲۲)، ریحانه ۱۶۴-۱۶۳/۶، المآثر والآثار (۱۴۴)، مکارم‌الآثار (۵۵۶-۵۵۵/۲)، هدیه‌الاحباب (۱۸۱).

نراقی، محمدصادق

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ محمدصادق نراقی بن میرزا ابوالقاسم بن ملا مهدی بن ابی‌ذر نراقی کاشانی از علماء بزرگ عصر و مراجع امور در کاشان بوده و بعد از ۱۳۰۰ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

نراقی، مهدی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۰۹-۱۱۲۸ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، محدث، متکلم، حکیم و ریاضیدان. موصوف به خاتم‌المجتهدین. جامع علوم معقول و منقول و در حساب، هندسه، ریاضی، هیئت و علوم ادبی متبحر بود. در نراق کاشان به دنیا آمد. سپس برای تحصیل به اصفهان رفت و از محضر ملا اسماعیل خواجه‌جویی و ملا محمد مهدی هرنندی و شیخ محمد کاشانی و میرزا نصیر استفاده نمود و آنگاه برای ادامه تحصیل رهسپار عتبات گشت و در کربلا و نجف نزد بزرگان فقه و اصول و علوم نقلی از قبیل: وحید بهبهانی و شیخ یوسف بحرانی و شیخ مهدی فتونی عاملی به تکمیل معلومات خویش پرداخت و از وحید بهبهانی و شیخ یوسف بحرانی و سید مهدی بحر العلوم و سید محمد مهدی شهرستانی و شیخ جعفر کاشف‌الغطاء و ملا محمد اسماعیل مازندرانی روایت نمود. پس از فراغت از تحصیل به ایران مراجعت کرد و در کاشان سکنی گزید. با حضور او در کاشان علم و دانش در این شهر رونقی تازه پیدا کرد.

فرزندش، ملا احمد نراقی، و حاج محمد ابراهیم کرباسی و محمد طاهر آبادی و سید محمد باقر حجت الاسلام شفتی اصفهانی و مجذوب علیشاه و میرزا بابا حبیب‌الله حسینی نطنزی از شاگردان او بودند. در اواخر عمر به نجف رفت و در آنجا به تدریس و بحث و تألیف مشغول شد و در همان جا در گذشت و در حرم مطهر به خاک سپرده شد. از آثارش: «کنزالموز»، «انیس الموحدین»؛ «انیس المجتهدین»؛ «توضیح الاشکال»، در شرح «تحریر اقلیدس»؛ «معتمد الشیعۀ فی احکام الشریعۀ»؛ «لوامع الاحکام فی فقه شریعۀ الاسلام»؛ «التحفة الرضویة فی المسائل الدینیة»؛ «التجريد» یا «تجريد الاصول»، در اصول فقه؛ «انيس التجار» یا «انيس التاجرین»، در مسائل تجارت؛ «نخبه البيان»، در استعاره و تشبیه؛ «مشکلات العلوم» یا «تفصیل مشکلات من العلوم» به سبک «کشکول»؛ «جامع السعادات فی موجبات النجاة»، در اخلاق؛ رساله‌ای در «عبادات»؛ «مناسک الحج»؛ «کتاب الحساب»؛ «جامع الافکار و ناقد الانظار»، در اثبات واجب الوجود و صفات سلبیه و ثبوتیه؛ «محرق القلوب»، در مصائب اهل بیت (ع).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۸/۲۵۷)، اعیان الشیعه (۱۶۷، ۱۴۳/۱۰)، ایضاح المکنون (۵۰۸، ۴۴۳، ۲/۴۱۳، ۳۵۳، ۳۱۱، ۲۴۹، ۲۲۷، ۱/۱۴۸)، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (۲/۱۰۶)، الذریعه (۹۴-۹۳/۲۴، ۲۲/۲۷۴، ۲۱۳، ۶۷-۶۶/۲۱، ۱۴۹/۲۰، ۳۵۸-۳۴۹، ۳۴۵، ۳۴۵، ۱۵۷، ۱۸/۱۲۱، ۷۵-۷۴/۱۷، ۳۰۲/۱۵، ۱۳/۳۳۵، ۱۰۳، ۱۱/۳۲، ۷/۷، ۴۳۶، ۳/۳۵۰، ۵۹-۵۸، ۴۲-۴۱/۵، ۴۶۷-۴۶۶، ۴۶۵، ۴۶۴-۴۵۳/۲)، روضات الجنات (۱۹۲-۱۸۹/۷)، ریحانه (۱۶۵-۱۶۴/۶)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۴۱۳-۴۰۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۶/۱۳)، طرائق الحقائق (۲۵۸، ۲۵۴/۳)، قصص العلماء (۱۳۳/۱۳۲)، المآثر والآثار (۱۶۶)، معجم رجال الفكر والادب فی النجف (۱۲۸۷-۱۲۸۶/۳)، معجم المؤلفین (۵۷/۱۲)، مکارم الآثار (۳۶۴-۳۶۰/۲)، مؤلفین کتاب چاپی (۳۶۳-۳۶۰/۶)، هدیه الاحباب (۱۸۱-۱۸۰)، هدیه العارفین (۳۵۲/۲).

نرشخی، ابوبکر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۴۸-۲۸۶ ق)، نویسنده و مورخ. در نسرخ، از روستاهای بخارا، به دنیا آمد. در زمان ابومحمد نوح بن نصر سامانی (۳۴۳-۳۳۱ ق) می‌زیست. از آثار وی «تاریخ بخارا» یا «مزارات بخارا»، به عربی است که در ۳۳۲ ق به نام نوح بن نصر سامانی نوشت. در ۵۲۲ ق ابونصر احمد بن محمد بن نصر القباوی آن را به فارسی ترجمه کرد و مطالبی هم از کتب دیگر بر آن افزود. بعد از آن در ۵۷۴ ق محمد بن زفر بن عمر آن را تلخیص نمود. گویا بعد از این تاریخ نیز دیگران در این کتاب دست بردند و بعضی حوادث را تا دوره مغول بر آن افزودند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۴۸۰/۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۷۸-۹۷۷/۲)، تاریخ بخارا (مقدمه/ سیزده- سی و یک)، دایرة المعارف فارسی (۳۰۱۷/۲)، لغت‌نامه (ذیل / نرشخی)، یادداشتهای قزوینی (۱۹۸/۷).

نریزی مراغی، ابوتراب عبدالباقی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۹۲ / ۴۹۱ - ۴۰۳ / ۴۰۱ ق)، فقیه شافعی، محدث، مدرس و زاهد. اصل وی از نریز از قرای آذربایجان بود. ساکن نیشابور و عهده‌دار تدریس و امامت جماعت در مسجد عقیل آنجا بود. در بغداد نزد قاضی ابوطیب طبری فقه آموخت و از ابوطیب طبری و ابوعلی بن شاذان ابوالقاسم عبدالملک بن بشران عبدی و ابوطاهر بن عبدالرحیم اصفهانی و ابو عبدالله محاملی و ابومحمد جوهری و ابوبکر بن بشران و جماعتی دیگر حدیث شنید. عمر بن علی دامغانی و ابوالبرکات ابن فراوی و ابو عثمان عصایدی و زاهر بن طاهر شحامی و فرزندش، عبدالخالق بن زاهر، و دیگران از وی روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۴۸۱ - ۴۸۰ / ۵)، سیر النبلاء (۱۷۱ - ۱۷۰ / ۱۹)، شذرات الذهب (۳ / ۳۹۸)، طبقات الشافعیه اسنوی (۲ / ۲۲۳)، الشافعیه سبکی (۵ / ۹۶) العبر (۲ / ۳۶۶)، الکامل (۸ / ۱۹۲)، المنتظم (۴۲ - ۴۱ / ۱۰)، النجوم الزاهره (۵ / ۱۶۲).

نسائی، ابوالعباس احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۹۶ ق)، محدث و صوفی. اصل وی از نساء خراسان و دارای مذهب شافعی بود. در راه سفر به مصر با شیخ عباس فقیر هروی و در مسافرت به مکه با شیخ عمو، معروف به عمو سالار، ملاقات داشت. افرادی چون ابن عدی، احمد بن عطاء رودباری و ابوبکر ربعی از او حدیث شنیدند. وی در بین مصر و مکه در گذشت. از آثار وی «تاریخ الصوفیه» است که در بعضی از کتابها به نام «تاریخ الصوفیه و سیر الصالحین والزهاد» آمده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۵ / ۹) طبقات الشافعیه سبکی (۴۳ - ۴۲ / ۳)، طبقات الصوفیه هروی (۳۶۹)، نفحات الانس (۱۵۱).

نسائی، ابو عبدالرحمان احمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۰۳ - ۲۱۵ / ۲۱۴ ق)، رجالی، حافظ، محدث، فقیه و قاضی. ملقب به شیخ الاسلام و معروف به حافظ نسائی. در نسای خراسان به دنیا آمد. در «وفیات الاعیان» نام پدر وی علی و نام جدش شعیب ذکر شده است. در طلب علم به خراسان، حجاز، عراق، جزیره، شام و مصر سفر کرد و سرانجام در مصر ساکن گردید. وی نزد یونس بن عبدالاعلی، دوست و مصاحب شافعی، تلمذ نمود. او قرائت را از احمد بن نصر نیشابوری مقری و ابوشعیب صالح بن زیاد سوسی فراگرفت. از قتیبه بن سعید و اسحاق بن راهویه و هشام بن عمار و سوید بن نصر و احمد بن منیع و بشر بن معاذ عقدی و حسین بن منصور سلمی نیشابوری و بشر صواف و زیاد بن ایوب و سوار بن عبدالله عنبری و عباس بن عبدالعظیم عنبری و عبدالجبار عطار و عتبه مروزی و عمران بن موسی قزاز و عمرو بن زراره کلابی و عیسی بن محمد رملی و محمد بن ابان بلخی و محمد بن بشار و محمد بن نصر مروزی و محمد مخرمی و محمد بن عبید محارمی و محمد بن هاشم بعلبکی و محمود بن غیلان و هیشم بن ایوب طالقانی و یوسف بن عیسی زهری و یوسف بن واضح

مودب و جماعتی دیگر حدیث شنید. فرزندش، عبدالکریم نسائی، و حسن بن رشیق عسکری و ابویشر دولابی و ابوجعفر طحاوی و ابوعلی نیشابوری و حمزه‌ی کنانی و ابوجعفر احمد نحوی و ابوبکر شافعی و محمد بن قاسم اندلسی و ابوالقاسم طبرانی و محمد بن عبدالله نیشابوری و محمد بن موسی مأمونی و ابن السنی و ابیض بن محمد بن ابیض و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. در رمله‌ی فلسطین در گذشت و پیکرش به مکه منتقل و ما بین صفا و مروه به خاک سپرده شد و به روایتی در مکه در گذشت. از آثارش: «السنن الکبیر»، در حدیث، «المجتبی» یا «السنن الصغیر»؛ «الضعفاء والمتروکین»، در رجال حدیث؛ «الخصائص» یا «خصائص امیرالمؤمنین (ع)»، در فضیلت حضرت علی (ع)؛ «مسند علی (ع)»؛ «مسند مالک»؛ «اغراب شعبه علی سفیان و سفیان علی شعبه»؛ «مناسک النسائی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/۱۶۴)، اعیان الشیعه (۶۰۳-۶۰۱/۲)، انساب سمعانی (۵/۴۸۴)، تاریخ نیشابور (۱۱۰)، تذکره الحفاظ (۷۰۱-۶۹۸/۲)، تهذیب التهذیب (۱۷۰، ۱/۱۶۳)، روضات الجنات (۲۲۰-۲۱۹/۱)، ریحانه (۱۶۸-۱۶۷/۶)، سیر النبلاء (۱۳۵-۱۲۵/۱۴)، شذرات الذهب (۲۴۱-۲۳۹/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۵-۳۴/۴)، طبقات الشافعیه ابن قاضی شبهه (۱/۸۸)، طبقات الشافعیه اسنوی (۲۶۹-۲۶۸/۲)، طبقات الشافعیه سبکی (۱۶-۱۴/۳)، العبر (۱/۴۴۴)، الکامل (۶/۱۵۲)، کشف الظنون (۱۸۳۳، ۱۶۸۵، ۱۶۸۴، ۱۰۸۷، ۱۰۰۶، ۷۰۶، ۱۳۰)، الکنی واللقاب (۲۴۹-۲۴۷/۳)، معجم المؤلفین (۲۴۵-۲۴۴/۱)، المنتظم (۷/۴۵۰)، النجوم الزاهره (۲۱۰-۲۰۹/۳)، الوافی بالوفیات (۴۱۷-۴۱۶/۶)، وفیات الاعیان (۷۸-۷۷/۱)، هدیة العارفین (۱/۵۶).

نسفی بخاری، ابومحمد عبدالعزیز

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۳۳/۵۳۲ ق)، فقیه حنفی و قاضی. معروف به نسفی و قاضی نسفی. اهل کوفه بود. در بخارا فقه آموخت و عهده‌دار قضاوت خراسان گردید. وی پیشوای حنفیان بخارا و از معاصرین زمخشری بود. از آثارش: «تعلیق الخلاف» یا «التعلیق فی الخلاف»، در چهار مجلد؛ «فصول الفتاوی» یا «الفصول»، در فتاوا، «کفایه الفحول»، در علم اصول؛ «المنقذ من الزلل فی مسائل الجدل»؛ «روضه الناصحین»، در شرح «خطب الاربعین»؛ «السلم لدار السلام فی بیان احکام ارکان الاسلام»؛ «مدارج الافهام والافواج»، در تفسیر «آیه ثمانیه ازواج»، به فارسی؛ «مدارج البطون عن ازاله الشکوک والظنون»، به فارسی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۴۷-۱۴۶/۴)، ایضاح المکنون (۴۵۳/۲)، ریحانه (۱۷۱-۱۷۰/۶)، کشف الظنون (۱۸۶۹، ۱۴۹۷، ۹۳۳، ۴۲۴)، لغت‌نامه (ذیل / عبدالعزیز) معجم المؤلفین (۲۵۲/۵)، هدیة العارفین (۵۷۹-۵۷۸/۱).

نسفی، ابومطیع مکحول

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۰۸ ق)، فقیه، حافظ و محدث. از داوود ظاهری و ابو عیسی ترمذی و عبدالله بن احمد بن حنبل و محمد بن ایوب بن ضریس

و مطین و جماعتی دیگر روایت کرد. ابوبکر احمد بن محمد بن اسماعیل که استاد جعفر مستغفری است، از وی روایت نموده است. به آورده‌ی ذهبی مستغفری در «تاریخ نسف» نام وی را محمد بن فضل و لقبش را مکحول ذکر کرده است. ذهبی گوید که او نیکو شعر می‌سرود. از آثارش: «اللؤلئیات»، در زهد و آداب؛ «کتاب الشعاع».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۳۳/۱۵)، کشف الظنون (۱۵۷۱، ۱۴۳۰)، معجم المؤلفین (۳۱۹/۱۲).

نسفی، ابومعین میمون

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۰۸-۴۱۸ ق)، فقیه حنفی، اصولی و متکلم. وی از افاضل علمای حنفی قرن ششم قمری بود. اصلش از سمرقند و ساکن بخارا بود. از آثارش: «بحر الکلام»، در توحید؛ «تبصره الأدله»، در کلام؛ «التمهید لقواعد التوحید»؛ «العمده»، در اصول دین؛ «العالم والمتعلم»؛ «ایضاح المحجّه لكون العقل حجة»؛ شرح «الجامع الكبير» ابو عبدالله شیبانی، در فروع؛ «مناهی الاثمه»، در فروع.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۰۱/۸)، ایضاح المکنون (۵۶۳/۲، ۱۵۶/۱)، ریحانه (۱۷۴/۶)، کشف الظنون (۱۸۴۵، ۵۷۰، ۴۸۴، ۳۳۷، ۲۲۵)، معجم المؤلفین (۶۶/۱۳)، هدیة العارفين (۴۸۷/۲).

نسفی، برهان‌الدین، ابوالفضایل

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۶۰۰- وف ۶۸۸-۶۸۴/۶۷۹ ق)، فقیه حنفی، مفسر، اصولی، محدث، متکلم، حکیم و شاعر. معروف به برهان. وی از علمای بزرگ حنفی بود. در علم تفسیر و اصول فقه و علم کلام صاحب تألیف می‌باشد. ساکن بغداد بود. در همان جا درگذشت و جنب مقبره‌ی ابوحنیفه دفن شد. «العقائد النسفیة» که ملا سعد تفتازانی آن را شرح کرده، به وی نسبت داده شده است. در «کشف الظنون» فقط یک عنوان کتاب تحت نام «عقائد النسفی» مربوط به نجم‌الدین عمر بن حمد نسفی ذکر شده است. از دیگر آثارش: «المقدمة فی علم الخلاف» یا «المقدمة البرهانیة» یا «فصول النسفی فی علم الجدل» یا «مقدمة فی الجدل والخلاف والنظر»؛ «منشأ النظر»، در علم خلاف و شرح آن؛ «الواضح»، که مختصر «تفسیر کبیر» فخر رازی است؛ رساله‌ای در «دور و تسلسل»؛ شرح «الاسماء الحسنی»؛ شرح «الاشارات والتنبیها» ابن سینا؛ شرح «الرسالة القدسیة» غزالی؛ «مطلع السعادة».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۱۹۴/۲)، ریحانه (۱۷۴-۱۷۳/۶)، شذرات الذهب (۳۸۵/۵)، کشف الظنون (۱۸۶۱، ۱۸۰۳، ۱۷۹۹-۱۷۹۸، ۱۷۵۶، ۱۷۲۰، ۱۲۹۶، ۱۲۷۲، ۱۰۳۲، ۸۸۲، ۸۶۵، ۹۵)، معجم المؤلفین (۲۹۷/۱۱)، هدیة العارفين (۱۳۶-۱۳۵/۲).

نسفی، حافظ‌الدین، ابوالبرکات عبدالله

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۱۰/۷۰۱ ق)، فقیه حنفی، محدث، اصولی، مفسر و متکلم. اصل وی از نسف و اهل ایذه‌ی اصفهان بود. او از مشاهیر فقها و اصولیین و محدثین حنفی و در علم کلام متبحر و بر معاصرین خود مقدم بود. به آورده‌ی بعضی از مآخذ وی در ایذه در گذشت. اما در «ریحان‌الادب» مکان وفات وی بغداد ذکر شده است. از آثارش: «الوافی»، در فقه و شرح آن به نام «الکافی»؛ «کنزالدقائق»، در تلخیص «الوافی»؛ «عمده‌العقائد» یا «عمده‌عقیده‌ اهل السنه والجماعه»، در کلام و شرح آن به نام «اعتماد الاعتقاد»؛ «منار الانوار» و شرح آن به نام «کشف الاسرار»؛ «مدارک التنزیل و حقائق التأویل»، در تفسیر که به «تفسیر نسفی» معروف می‌باشد؛ «المستصفی»، در شرح کتاب «نافع» شیخ ابوالقاسم محمد حسینی (م ۶۵۶ ق).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴/۱۹۲)، ایضاح المکنون (۱/۹۸)، ریحانه (۶/۱۷۱)، کشف الظنون (۲۰۳۴، ۱۹۹۷، ۱۹۲۲، ۱۸۶۷، ۱۸۴۹، ۱۸۲۳، ۱۶۷۵، ۱۶۴۱-۱۶۴۰، ۱۵۱۵، ۱۲۷۴، ۱۱۶۸، ۱۱۹)، معجم المؤلفین (۶/۳۲)، هدیه‌العارفین

نسفی، نجم‌الدین، ابو حفص عمر

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۵۳۷-۴۶۱ ق)، فقیه حنفی، اصولی، حافظ، محدث، مفسر، متکلم، ادیب و شاعر. معروف به مفتی‌الثقلین، به جهت اینکه گویند جن و انس از محضرش تعلیم می‌گرفته‌اند. اهل سمرقند بود و در نسف به دنیا آمد. او در زمینه‌ی فقه، حدیث، تفسیر، تاریخ و فنون شعری متبحر بود. در بغداد از ابوالقاسم بن بیان حدیث شنید و از اسماعیل بن محمد نوحی و حسن بن عبدالملک قاضی و مهدی بن محمد علوی و عبدالله بن علی نسفی و ابوالیسر محمد نسفی و حسین کاشغری و ابومحمد حسن بن احمد سمرقندی و علی بن حسن ماتریدی روایت کرد. فرزندش، ابواللیث احمد بن عمر، و محمد بن ابراهیم تورپشتی از وی روایت کرده‌اند. حدود صد اثر را به وی نسبت می‌دهند. کتاب «العقائد» یا «عقاید النسفی» که بر آن شروح بسیاری، از جمله شرح سعدالدین تفتازانی نگاشته شده، به وی منسوب است. البته در صحت انتساب این کتاب به وی تردید می‌باشد، چنان که بعضی آن را به برهان‌الدین محمد بن محمد نسفی منسوب کرده‌اند. در سمرقند در گذشت. از دیگر آثارش: «الاکمل الاطول»، در تفسیر؛ «التیسیر فی التفسیر»؛ «قید الاوابد»؛ «تاریخ بخارا»؛ «القند فی تاریخ علماء سمرقند»؛ «یواقیت المواقیت»؛ «طلبة الطلبة»؛ «تطویل الاسفار لتحصیل الاخبار»؛ «مشارع الشارح»؛ «منهاج الدراییه»، در فروع؛ «النجاح فی شرح اخبار کتاب الصحاح»؛ «الخصائل فی الفروع»؛ «دعوات المستغفرین»؛ «الاشعار بالمختار من الاشعار» یا «المختار من الاشعار»، در بیست مجلد؛ «منظومه‌ الخلافات» یا «منظومه‌ فی الخلاف»؛ نظم «الجامع الصغیر» امام محمد شبیانی، در فروع. [۱]

عمر بن محمد ابن احمد نسفی سمرقندی حنفی (۴۶۱ ه. ق- ف. ۵۳۷ ه. ق) ملقب به نجم‌الدین و مکنی به ابی حفص عالمی متکلم، اصولی، فقیه، مفسر و محدث بود. قریب یکصد رساله در مباحث فقهی و جز آن تصنیف کرده است. از اوست: «اکمل الاطول» (ه. م) «والتیسیر فی التفسیر» و «العقائد النسفی» و «طلبة الطلبة» و «تاریخ سمرقند» و جز آن.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۵/۲۲۲)، ایضاح المکنون (۱۱۷، ۲۵/۱)، ریحانه (۱۷۳-۱۷۲/۶)، سیر النبلاء (۱۲۷-۱۲۶/۲۰)، شذرات الذهب (۴/۱۱۵)، طبقات المفسرین داودی (۷-۵/۲)، العبر (۴۵۳-۴۵۲/۲)، کشف الظنون (۲۰۵۴، ۲۰۴۸، ۱۹۲۹، ۱۸۷۱، ۱۸۶۷، ۱۷۳۱، ۱۶۸۶، ۱۶۰۲، ۱۳۵۶، ۱۲۳۰، ۱۱۴۵، ۱۱۲۵، ۱۱۱۴، ۷۵۶، ۷۰۶، ۶۶۸، ۶۰۲، ۵۶۴، ۵۵۳، ۵۱۹، ۴۱۸، ۴۱۵، ۲۹۶، ۲۴۷)، لسان المیزان (۲۳۰-۲۲۹/۵)، معجم الادباء (۷۱-۷۰/۱۶)، معجم المؤلفین (۳۰۶-۳۰۵/۷)، هدیة الاحباب (۲۵۵)، هدیة العارفین (۱/۷۸۳).

نسوی

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد بن احمد بن علی بن محمد ملقب به نورالدین. منشی مخصوص جلال‌الدین منکبرنی و مصنف کتاب سیره جلال‌الدین و نفثه‌المصدر. تاریخ تولد و مرگ او به درستی معلوم نیست ولی در قرن ششم و هفتم از هجرت می‌زیسته است. به سال ۶۲۱ از جانب والی نسا (۱- نسا) به دربار سلطان جلال‌الدین رفت و تا سال ۶۲۸ که سال مرگ جلال‌الدین است در خدمت او بود. در سال ۶۲۹ در میافارقین اقامت کرد، و نفثه‌المصدر را در آنجا نوشت. در سال ۶۳۹ کتاب سیره جلال‌الدین را تألیف کرد. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

نسوی مروزی، ابوسعید احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۵۷ ق)، حافظ و محدث. اصلش از نساء خراسان بود و در شرمقان اسفراین به دنیا آمد. در مرو نشو و نما یافت. در خراسان و دیگر بلاد علم آموخت. در طلب علم و حدیث مسافرت‌های طولانی نمود و در شهر صعده، از بلاد یمن، مدت زیادی اقامت گزید، سپس در حدود ۳۵۰ ق به بغداد وارد شد. از محمد بن اسحاق بن خزیمه و عبدالله بن محمد بن شیرویه نیشابوری و ابوخلیفه جمحی و عمر بن ابی غیلان و ابن زیدان بجلی و عبدالله بن محمود مروزی و ابوالعباس سراج و محمد بن حسن بن قتیبه و محمد بن فضل سمرقندی و عمر بن محمد همدانی و ابراهیم بن یوسف هسنجانی و محمد بن عقیل بلخی و عبدان اهوازی و احمد بن جعفر عقیلی و ابونصر احمد بن محمد صعده و از محمد بن یعقوب عسکری و عبدالعزیز بن اسحاق و عبدالعزیز بن یحیی تیمی و احمد بن ابراهیم عجلی و هم‌مطبقه‌ی آنها حدیث شنید. ابوالحسن دارقطنی و ابوحنفص بن شاهین و ابوالحسن رزقویه و عبدالرحمان بن محمد سراج نیشابوری و ابو عبدالرحمان سلمی و حاکم نیشابوری و ابوعلی بن دوما و ابوحنسین محمد بن ابراهیم فارسی عزائمی، از مشایخ صدوق، و دیگران از وی روایت کرده‌اند. سپس به نیشابور رفت و پس از سه سال توقف در آنجا مجدداً به بغداد بازگشت و مدت مدیدی در این شهر بود. وی پس از سفر به مکه و انجام فریضه حج، در جحفه در گذشت و همان جا به خاک سپرده شد. او را صاحب تألیفاتی در علم حدیث ذکر کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/۲۰۱)، تاریخ بغداد (۸-۶/۵)، تاریخ نیشابور (۱۵۳)، تذکره الحفاظ (۹۳۱-۹۳۰/۳)، سیر النبلاء (۱۷۱)

۱۶ / ۱۶۹-، شذرات الذهب (۳ / ۲۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۶ - ۴ / ۴۵)، طبقات الحفاظ (۳۹۴)، العبر (۲ / ۱۰۰)، لسان المیزان (۳۹۶ - ۱ / ۳۹۵)، معجم المؤلفین (۲ / ۱۰۲)، میزان الاعتدال (۱ / ۱۶۳)، النجوم الزاهرة (۴ / ۲۱)، الوافی بالوفیات (۷ / ۴۰۰)، هدیة العارفين (۱ / ۶۵).

نشأت، صادق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۷ / ۱۳۴۶ - ۱۲۷۵ ش)، نویسنده، مترجم و مدرس. وی ابتدا منطق، فلسفه، اصول، حدیث، تفسیر و زبان و ادبیات فارسی و عربی را آموخت و پس از آن زبان‌های ترکی عثمانی و انگلیسی را فراگرفت. در بیست و چهار سالگی وارد وزارت فرهنگ شد و چندین سال از طرف این وزارت سرپرستی مدارس ایران را در عراق به عهده داشت. وی پس از بازگشت به ایران در آموزشگاه‌های تهران، دانشکده‌ی معقول و منقول و مدرسه‌ی عالی سپهسالار به تدریس زبان عربی و تاریخ و جغرافیای ایران و کشورهای اسلامی پرداخت. او همچنین مدت پانزده سال در دانشگاه قاهره به تدریس زبان و ادبیات فارسی، تاریخ و جغرافیای ایران مشغول بود. نشأت در مدت سرپرستی و تدریس خود، چندین کتاب از فارسی به عربی و از عربی به فارسی ترجمه کرد. او همچنین مدتی استاد دانشگاه تهران بود و در دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی تدریس می‌نمود. وی در تهران درگذشت. از آثارش: «آموزگار عربی»؛ «سلسله فلاسفه‌ی ایران در اسلام»، شرح حال غزالی؛ «تاریخ سیاسی خلیج فارس»؛ «توحید اهل توحید»، ترجمه؛ «دستور کامیابی»، ترجمه؛ «شرح وقایع زندگانی محمد علی پاشا مؤسس سلسله‌ی خدیویه‌ی مصر»، ترجمه؛ «فن معاشرت»، ترجمه؛ «المعلم الجدید»، به فارسی و عربی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۲ / ۲۱۶، ۸ / ۱۶۵)، سواد و بیاض (۵۵۲ - ۵۵۱)، شرح حال رجال (۵ / ۱۲۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۵۶، ۲۴۷۱، ۲ / ۲۰۱۶، ۱۴۲۹، ۹۶۴، ۷۱۵، ۱ / ۶۱).

نصر المظفر، نصر

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۵۳۴ ق)، طبیب و شاعر. معروف به مظفر. مشهور به بلمظفر. از پزشکان معروف روزگار خود و از مشایخ حکمای اسلام بود که در طب و نجوم و کیمیا مهارت داشت. از آثار وی: «مختارات»، در طب؛ کتابی در «نجوم»؛ متفرقاتی در «کیمیا». ابن ابی‌اصیبه در «عیون الانباء فی طبقات الاطباء» آورده که: خط بلمظفر طبیب را در آخر تفسیر اسکندر افرویدی در باب کتاب «کون و فساد» ارسطو دیدم که نوشته بود که نزد علی بن العین رزبی درس خوانده‌ام و تاریخ آن کتاب در ۵۳۴ ق بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ طب (۲ / ۷۰۳)، ریحانه (۱ / ۲۸۱)، عیون الانباء فی طبقات الاطباء (۵۲۷)، معجم المؤلفین (۱۳ / ۹۲)، هدیة العارفين (۲ / ۴۹۱).

نصر، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۰ - ۱۲۷۰ ش)، نمایشنامه‌نویس، نویسنده، مترجم و مؤسس. از سادات کاشان بود و در تهران به دنیا آمد. تحصیلات خود را در مدارس شرف، علمیه و آلیانس فرانسه به پایان رساند و بعد به سمت معلمی زبان فرانسه و ریاضیات همان مدرسه رسید. او همچنین در مدارس نظامی، علوم سیاسی، اسلام و اقدسیه نیز مشغول به کار شد و سپس به وزارت مالیه رفت. نصر سالها مشاغل مختلف دیگری را نیز بر عهده داشت از جمله، معاونت وزارت پیشه و هنر، وزیر پست و تلگراف، سفیر کبیر ایران در چین و هندوستان و نماینده‌ی ایران در سازمان ملل متحد. وی در آغاز مشروطیت به کار نمایش و تئاتر روی آورد و اقدام به تأسیس تئاتر ملی کرد. نصر برای آموختن فن تئاتر به اروپا رفت و پس از بازگشت، کمدهی ایران را به سبک تئاتر اروپایی تأسیس کرد. او ریاست کمیسیون نمایش را در سازمان پرورش افکار (تأسیس ۱۳۱۸ ش) برعهده داشت. همچنین وی هنرستان هنر پیشگی را بنا نهاد و خود به تدریس تاریخ هنر پرداخت. وی را پدر تئاتر ایران می‌دانند. سید علی نصر در تهران درگذشت و در امامزاده عبدالله دفن شد. از آثار وی: الف - تألیفات: «تاریخ ایران و دنیا»؛ «فیزیک گاز»؛ «حفظ الصحه»؛ «علم الاشیاء»، در شش مجلد؛ «هنر آموز دوشیزگان»، در شش مجلد؛ «تاریخ عمومی»، مصور؛ «تاریخ مختصر ایران». ب - نمایشنامه‌ها: «سیروس»؛ «اشتباه لپی»؛ «نتیجه تعدد زوجات»؛ «زن بی‌وفا»؛ «قمارخانه» و غیره. ج - ترجمه‌ها: «عوامفریب سالوس»؛ «سه عروسی در یک شب»؛ «تاریخ یونان»؛ «انقلاب فرانسه». [۱]

فرزند نصرالطباء کاشانی، در ۱۲۷۴ در تهران تولد یافت. پس از انجام تحصیلات مقدماتی وارد مدارس علمیه و آلیانس فرانسه شد و دوره مدارس مزبور را طی کرد، آنگاه به شغل معلمی پرداخت و چندی در مدارس علمیه، اقدسیه، قاجار و مدرسه سیاسی تدریس می‌کرد. سپس وارد وزارت دارایی شد و قریب بیست سال در آن وزارتخانه بود. اهم مشاغل وی در وزارت مالیه عبارتند از: ریاست کل خالصجات، رئیس انحصار تریاک، ریاست اداره دخانیات، پیشکار مالیه اصفهان، رئیس دارایی خراسان و ریاست اداره برق تهران.

نصر در ۱۳۱۵ به حکمرانی مازندران منصوب شد و قریب سه سال استاندار آنجا بود. در ۱۳۱۸ علی منصور وزیر پیشه و هنر او را به معاونت خود برگزید و وقتی منصور به نخست‌وزیری رسید کفالت وزارت پیشه و هنر با علی نصر شد. پس از شهریور ۱۳۲۰ مدتی هم معاونت وزارت کشور را عهده‌دار گردید و در ۱۳۲۵ در یکی از کابینه‌های احمد قوام به وزارت پست و تلگراف معرفی شد، ولی دوران وزارتش طولانی نشد و از آنجا با سمت سفیر کبیر عازم پاکستان گردید و بعد سفیر کبیر ایران در چین ملی شد و سرانجام در ۱۳۴۰ درگذشت.

سید علی نصر مردی دانشمند و صاحب تألیفات متعدد بود و در حقیقت بنیانگذار هنر تئاتر در ایران می‌باشد. تعداد زیادی نمایشنامه به وسیله او تحریر و اجرا گردید و کتبی نیز در تئاتر دارد. از دیگر کارهای او تأسیس هنرستان هنرپیشگی است. چند تأثر هم در ایران تأسیس نمود.

بر گرفته از کتاب: شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه: [۱] از صبا تا نیما (۲/۲۹۱، ۳۴۲، ۳۲۷/۱)، بنیاد نمایش در ایران (۲۵۶ - ۲۳۱، ۸۱)، سیمای هنرمندان (۲۹۸ - ۲۹۶/۱)، شخصیت‌های نامی (۴۸۰ - ۴۷۹)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۴۹۷، ۳۴۲۲، ۲/۲۳۳۳، ۱۱۶۷، ۱۱۷۷، ۷۶۹، ۷۴۷، ۷۳۰، ۶۴۲/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۱ - ۴۳۰/۴).

نصر، ولی‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

یکی از دانشمندان و اساتید مسلم قرن اخیر است. وی فرزند نصرالاطباء کاشی و متولد ۱۲۵۷ ش در کاشان است در ۱۲ سالگی پس از آموختن زبان فارسی و مقدمات عربی برای ادامه تحصیل به تهران آمد و وارد مدرسه دارالفنون شد رشته پزشکی را انتخاب نمود و پس از سالها تحصیل به درجه پزشکی رسید، ضمناً برای تکمیل معلومات خود علم حقوق و فلسفه و حکمت و ادبیات عربی و معارف اسلامی را نیز فرا گرفت، بطوری که در دوران جوانی گذشته از اینکه طبیب حاذقی بود دانشمندی والامقام نیز بود. وی خدمات خود را از معلمی دارالفنون آغاز کرد و همچنین به خدمت دادگستری وارد شد. پس از صدور فرمان مشروطیت و تشکیل مجلس شورای ملی از طرف اصناف تهران به وکالت مجلس اول برگزیده شد. بعد از اتمام مجلس خدمات خود را در دادگستری ادامه داد. مدتی ریاست کل محاکمات وزارت دارایی با او بود تا سرانجام به معاونت وزارت دادگستری منصوب گردید. علاقه وی به تدریس و کار علمی موجب شد مدتی ریاست مدرسه عالی علوم سیاسی را برعهده بگیرد و زمانی نیز ریاست مدرسه طب با او بود. از ۱۳۰۰ به وزارت معارف رفت و یکی از ارکان اساسی و درجه اول آن وزارتخانه گردید و در بنیانگذاری فرهنگ جدید ایران زحمات زیادی متحمل شد. ظاهراً شغل وی مدیر کل وزارت معارف و بعداً فرهنگ بود ولی عملاً تمام کارهای آن وزارتخانه با صلاحدید او انجام می‌گرفت و در تعمیم فرهنگ در سطح کشور و تألیف کتب مفیده تلاش زیادی کرد. چندی نیز کفالت آن وزارتخانه را برعهده داشت.

در ۱۳۱۳ که دانشگاه تهران بنیاد گرفت و وزیر فرهنگ بر آن ریاست داشت دکتر نصر معاونت دانشگاه را تصدی می‌نمود و سالها در مسند معاونت دانشگاه منشاء خدماتی گردید. پس از تشکیل فرهنگستان به عضویت آنجا انتخاب شد و در وضع لغات جدید، نظریات مفید و سودمند او مورد استفاده قرار گرفت.

دکتر ولی‌الله خان نصر در تمام مدت زندگی خود دقیقه‌ای از تدریس غافل نبود. او سالها استادی مدرسه طب دارالفنون و مدرسه علوم سیاسی و دانشکده‌های طب و حقوق و معقول و منقول را برعهده داشت. وفات او در ۱۳۲۴ ش اتفاق افتاد و با مرگ وی یکی از دانشمندان بزرگ ایران که در رشته‌های مختلف سرآمد دوران بود از دست رفت. شادروان نصر به تلفظ صحیح کلمات علاقه خاصی نشان می‌داد و اگر ارباب رجوعی در مطلبی با وی سخن می‌گفت وی ابتدا سخن او را از نظر دستوری اصلاح می‌کرد و سپس به کار او رسیدگی می‌نمود. دکتر سید حسین نصر استاد دانشگاه که تحصیلات خود را در دانشگاه هاروارد در رشته فلسفه پایان داده و مدتی رئیس دانشکده ادبیات و زمانی معاون دانشگاه تهران و چندی رئیس دانشگاه صنعتی بود فرزند شادروان دکتر ولی‌الله نصر می‌باشد.

دکتر ولی‌الله خان نصر به زبانهای عربی و فرانسه تسلط داشت و تألیفات زیادی دارد که از جمله می‌توان جغرافیای اقتصادی عالم، جغرافیای طبیعی و سیاسی کامل ایران، حیوان‌شناسی، و مجموعه مقالات دانش و اخلاق را نام برد. او مدتی هم ریاست دانشکده ادبیات و علوم دانشگاه تهران را تصدی می‌کرد و در تنظیم قانون اساسی و متمم آن نیز دست داشت.

دکتر سید ولی‌الله، فرزند سید احمد، نصرالاطباء (و. ۲۹ رجب ۱۲۹۳ ه. ق. - ف. ۲۹ بهمن ۱۳۲۴ ه. ش) مولد وی شهر کاشان است. دوازده سالگی به تهران آمد و به تحصیل علم طبابت و علوم اسلامی پرداخت. از دارالفنون درجه‌ی دکتری در پزشکی یافت و به طبابت پرداخت. در دوره‌ی اول مجلس از تهران انتخاب شد. مدتی ریاست مدرسه‌ی علوم سیاسی و دانشکده‌ی پزشکی و دانشکده‌ی ادبیات و محاکمات مالیه و ثبت اسناد را عهده‌دار بود و به کفالت وزارت دادگستری نایل گردید. در دانشکده‌های

حقوق، طب، معقول و منقول به تدریس پرداخت. به مدیریت کل وزارت فرهنگ منصوب شد و تا پایان عمر این سمت را عهده‌دار بود. وی علاوه بر طب در علوم اسلامی و مقدمات آن تبحر کامل داشت. از آثار او که به چاپ رسیده است: رساله‌ی دانش و اخلاق می‌باشد.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

نصراللهی، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا نصراللهی

محل تولد: دهقان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۳/۱۴

زندگینامه علمی

بعد از اتمام دوره دبیرستان با ورود به حوزه علمیه قم؛ «مدرسه حقانی» و افتخار شاگردی نزد شهید قدوسی و شهید بهشتی و اساتید آن مدرسه، با آشنایی با علوم حوزوی، کار تحقیقاتی، علمی خود را با مطالعه کتب استاد مطهری و برخی بزرگان دیگر از قبیل: دکتر شریعتی، سروش، بازرگان و افرادی که داعیه روشنفکری داشتند و ضمن انتقاداتی که به اینها به ذهنم می‌رسید و حاشیه نویسی را در کتابهام نوشتم تا کم کم خورشید انقلاب اسلامی توسط حضرت امام خمینی (روحی فدا) و یاران باوفایش در عصر الکترونیکی و کفر مادیت و نظام‌های امپریالیستی، سوسیالیستی و مکاتب دیگر طلوع کرد و با جهانی شدن انقلاب عصر آگاهی و بیداری در همه ابعاد، زمینه طوفان به وجود آورد که هر جا را به حرکت واداشت.

با این جرقه‌ها کم کم احساس نیاز هر انسان به آشنایی با زندگی اسلامی، زندگی اخلاقی و زندگی معنوی همراه با بینش علمی، سیاسی، حقوقی و احساس مسئولیت به عنوان یک طلبه واقعی و سرباز اسلام و انقلاب، مسئولیت‌های ما را دو چندان کرد تا خود را مسلح به انواع سلاحات مدرن روز کرده و اسلام یک بعدی دیروز را در همه ابعاد به جهان عرضه کنیم. امروز که مسیحیت ۳۰ هزار کانال تبلیغ مسیحیت می‌کنند با همه وجود، آیا سهم ما جایگاه ما کجاست؟ ما برای اسلام با آن همه تمدن تفکر پیشرفت چه کرده ایم؟ حوزه‌های ما حوزویان ما و اساتید ما بزرگان ما چه کرده اند؟ اگر ما هزار نفر امثال امام خمینی (سلام الله علیها)، امثال شهید مطهری‌ها، شهید بهشتی‌ها و امثال مقام رهبری (حفظه الله تعالی) داشته باشیم؛ چه اشکالی دارد. دانشگاه‌های ما در قبال مطالب فوق چه کرده اند؟ متاسفانه باید سربزه زیر انداخت.

سال ۵۷ به حوزه علمیه قم آمدم تا سال ۱۳۵۹. بعد برای تکمیل دوره علمی سطح به مشهد هجرت نموده و از محضر اساتید معروف آنجا کسب علم نموده تا سال ۱۳۷۳ باز به قم مراجعت نموده و تا ۱۳۸۷ افتخار طلبگی در این حوزه را دارم. از سال ۵۹ با شروع جنگ تحمیلی خود را به لشکر ۷۷ خراسان و تیپ قمر بنی هاشم معرفی و از همان آغاز، برای انجام رسالت تبلیغی دوشادوش

رزمندگان به جبهه شتافتیم. بعد به لشکر ۵ نصر و همچنین لشکرهای ۲۷ رسول الله و لشکر ۸ نجف اشرف و ... خلاصه زندگی ما سراسر علم و تلاش است و زندگی ما بخشی از حوزه و دانشگاه و باید دائماً یا کار استادی کنیم یا کار طلبگی و دانشجویی. از خداوند موفقیت همه را خواستاریم.

نصر آبادی نیشابوری، ابوالقاسم ابراهیم

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۷۶ / ۳۷۲ ق)، محدث، واعظ، صوفی و زاهد. اهل نیشابور بود و نسبتش به نصرآباد، محله‌ای در نیشابور می‌رسد. از بزرگان تصوف و عرفان و در انواع علوم متبحر بود. وی مرید شبلی و شاگرد ابوعلی رودباری و ابراهیم شیبیان بود و با مرتعش و بوبکر طاهر ابهری و شبلی مصاحبت داشته است. از ابوالعباس سراج و ابن خزیمه و احمد بن عبدالوارث عسال و یحیی بن صاعد و محمد بن عبدالله مکحول بیروتی و ابن جوزاء و جماعتی دیگر در خراسان و شام و عراق و حجاز و مصر حدیث شنید. حاکم نیشابوری و ابو عبدالرحمان سلمی و ابو حازم عبدوی و ابوالعلاء محمد بن علی واسطی و ابوعلی دقاق و جماعتی از وی روایت نموده‌اند. در ۳۶۶ ق به مکه رفت و مجاور شد و همان جا در گذشت و در جوار فضیل بن عیاض به خاک سپرده شد. به آورده‌ی «ریحان‌الادب» وی در قریه‌ی نصرآباد اصفهان، خانقاهی داشته که به تکیه‌ی میان ده نصرآباد معروف است و ظاهراً مدفنش نیز در همان جا می‌باشد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۱۷۰- ۱۶۹ / ۶)، تذکره‌الاولیاء (۳۱۹- ۳۱۱ / ۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (مقدمه / ه)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (صفحات متعدد)، ریحانه (۱۷۷ / ۶)، سیر النبلاء (۲۶۷- ۲۶۳ / ۱۶)، شذرات الذهب (۵۹- ۵۸ / ۳)، طبقات الصوفیه سلمی (۴۸۸- ۴۸۴)، طبقات الصوفیه هروی (۵۲۵- ۵۲۴)، طرائق الحقائق (۵۴۱ / ۲)، العبر (۱۲۵ / ۲)، کشف المحجوب (۲۰۰)، لغت‌نامه (ذیل / نصرآبادی)، المنتظم (۴۱۲ / ۸)، النجوم الزاهرة (۱۳۳ / ۴)، نفحات الانس (۲۳۵- ۲۳۴)، الوافی الوفیات (۱۱۸- ۱۱۷ / ۶).

نصر آبادی، ابوالقاسم

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عارف. در تذکره‌الاولیاء (۲:۲۶۱) گوید: محمد نصر آبادی... در عهد خود مشارالیه بود در انواع علوم، خاصه در روایات عالی و علم احادیث... استاد جمیع اهل خراسان بود بعد از شبلی، و او خود مرید شبلی بود، و رودباری و مرتعش را یافته بود، و بسی مشایخ کبار را دیده بود. (شیخ عطار در تذکره‌الاولیاء تقریباً هفت صفحه درباره‌ی او مطالبی نقل می‌کند طالبین مراجعه کنند). در طرائق الحقائق (۲:۲۱۰) گوید: شیخ ابوالقاسم ابراهیم بن محمد بن محمودیه نصرآبادی از نصرآباد خراسان است، در نیشابور بوده و در مکه مجاور شده، و در ۳۷۲ در همان جا (یا شهر مدینه) از دنیا رفته است. با در نظر گرفتن مطالب فوق چنین به نظر می‌رسد که مدفون در نصرآباد اصفهان عارفی است غیر از صاحب عنوان، و ظاهراً مؤلف ریحان‌الادب (۶: ۱۷۷) که خانقاه او را در نصرآباد می‌نویسد نظر به شهرت داشته است.

در قریه ی نصر آباد ماریین اصفهان، مدرسه و خانقاهی است منسوب به شیخ ابوالقاسم نصر آبادی عارف که در سال ۸۵۴ خواجه صدر الدین علی طیب (جدّ اعلاّی میرزا طاهر نصرآبادی) آن را بنا نموده، که قسمتی از کتیبه سر در آن هنوز باقی است. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نصرآبادی، بدیع الزمان

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند میرزا طاهر نصرآبادی، شاعر و ادیب، در تاریخ گویی و معنّا مهارت داشته است، منصب ملک الشعرا بی شاه سلطان حسین صفوی را داشته، و در ۱۱۲۰ و اندی به سنّ بیشتر از هفتاد سال در اصفهان وفات یافته ست. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نصرآبادی، محمد طاهر

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۰۲۷- ز ۱۰۸۳ ق)، تذکره نویس، ادیب و شاعر. وی در نصرآباد که دهی است از دهستان ماریین، واقع در نیم فرسنگی اصفهان، به دنیا آمد. نسب او از طرف پدر به میرزا صالح اصفهانی می‌رسد. در هفده سالگی پدر خود را از دست داد و دیگر نتوانست به تحصیل ادامه دهد. بیشتر اوقات خود را در اصفهان در قهوه‌خانه‌ای که مجمع شعرا و ادبا بود، می‌گذراند و در پرتو معاشرت با آنان با فنون نظم و نثر آشنایی پیدا کرد. وی از محضر آقا حسین خوانساری (م ۱۰۹۹/۱۰۹۸ ق) بهره‌مند شد. شهرت نصرآبادی به دلیل مهارت در ساختن ماده تاریخ است. تاریخ ساختن عمارت هشت‌بهشت و تاریخ فوت کاشفای شاعر از ماده تاریخ‌هایی است که او سروده است. وی دارای ذوق سرشار و طبع روانی بود و به سبک عصر صفوی و پیروی از بزرگانی همچون صائب تبریزی و کلیم کاشانی شعر می‌سرود. گویند وی در پی منصب و مقام نبود و از راه کشاورزی امرار معاش می‌کرد و به همین سبب مورد احترام صاحبان مقام و منصب و بخصوص شاه سلیمان صفوی (۱۱۰۵- ۱۰۷۷ ق) بود. وی به مشهد و عتبات عالیات مسافرت کرد و پس از بازگشت به اصفهان، سالها محل تجمع او و دوستانش قهوه‌خانه و سپس مسجد لنبان بود. او در اصفهان درگذشت و قبرش در مقبره میرزاها می‌باشد. مهم‌ترین اثر وی «تذکره نصرآبادی»، در احوال شعرای عهد صفوی است که به نام شاه سلیمان صفوی نوشته شده و در ۱۰۸۳ ق تألیف آن آغاز گردیده و به آورده‌ی تذکره‌ها در ۱۰۹۰ یا ۱۰۹۱ یا ۱۱۱۵ به پایان رسیده است. از دیگر آثارش: «گلشن خیالات»؛ مکتوبی که نصرآبادی به میرزا قاسم خلوت‌نشین، از رجال متعین عهد شاه سلیمان، نوشته است. گفته می‌شود «دیوان» شعری نیز داشته، ولی در حال حاضر تنها از اشعار او آنچه در تذکره‌اش نوشته است، در دسترس می‌باشد. [۱]

محمدطاهر (و. ۱۰۲۷ ه.ق) از ادبا و شاعران قرن یازدهم هجری است و در زمان شاه سلیمان صفوی می‌زیسته و پیرو سبک صائب تبریزی بود. از آثار منظوم او قطعه شعری است که به مناسبت ساختن توپ در سال ۱۰۸۲ هجری سروده و تمام مصرعهای آن به حروف ابجد با عدد ۱۰۸۲ تطبیق می‌کند. سال وفاتش درست معلوم نیست و محتمل است که اوایل قرن دوازدهم هجری را نیز دیده است. قبر او در نصرآباد در مقبره‌ی کوچکی که مقبره‌ی میرزاهاست قرار دارد. وی صاحب تذکره‌ای است از شاعران که به

تذکره‌ی نصرآبادی مشهور است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۸۷- ۱۷۸۴/۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۴۰۶- ۳۹۷/۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (مقدمه، ۴۹۱- ۴۸۷، ۴۶۸- ۴۵۷)، الذریعه (۲۲۶/۱۸، ۱۱۹۱، ۶۴۳/۹، ۳۷- ۳۶/۴)، ریحانه (۱۸۳- ۱۷۶/۶)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۰۶)، لغت‌نامه (ذیل / نصرآبادی)، معجم‌المؤلفین (۱۰/۱۰۲)، یادگار (س ۲ ش ۴، ص ۵۰- ۴۷).

نصرتی، علی اصغر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اصغر نصرتی

محل تولد: شاهرود

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۳۹ در روستای «حسین‌آباد پشت بسطام» از توابع شاهرود و در خانواده‌ای مذهبی، کشاورز و دامدار. قبل از آغاز تحصیلات کلاسیک در ۵ سالگی به مکتب‌خانه رفتن و قرآن را فرا گرفتم و با خواندن آشنا شدم. تحصیلات ابتدایی را تا پنجم در روستا با موفقیت و شاگرد اولی در کلاس‌ها گذراندم. از کودکی علاقه وافری به روحانیت و مباحث دینی داشتم. دوره تحصیلی راهنمایی را در «علی‌آباد کتول» گذراندم و هر ساله در رده دانش‌آموزان ممتاز مدرسه قرار داشتم.

در جلسات مذهبی شرکت می‌نمودم با اندیشه‌های حضرت امام، جزوه ولایت فقیه و آثار دکتر شریعتی آشنا شدم. در این زمان به مطالعه کتاب به ویژه کتاب‌های مذهبی پرداختم. جهت ادامه تحصیل به شهر شاهرود عزیمت نمودم و در رشته ریاضی فیزیک در دبیرستان ادامه تحصیل دادم. در کنار دروس دبیرستان، فعالیت مذهبی با جمع‌های دانش‌آموزی را آغاز کردم و با اندیشه‌های انقلابی و آشنا، همراه گردیدم. به کمک دوستان روزنامه‌های دیواری با رویکرد مذهبی انقلابی تنظیم می‌کردیم و در سالهای ۵۶ و ۵۷ در پخش اعلامیه و شب‌نامه شرکت می‌کردم و با جریان‌های هوادار انقلاب همراهی و همگامی داشتم.

در سال ۵۷ در کنکور علوم انسانی شرکت نمودم و در رشته «علوم سیاسی» دانشگاه تهران قبول شدم. ولی در عمل تا پیروزی انقلاب درس‌ها تعطیل گردید، بلافاصله پس از پیروزی انقلاب با آغاز به کار دانشگاه‌ها به دانشگاه وارد شدم و در جمع‌های مذهبی، همگام با انقلاب اسلامی علیه جریان‌های نفاق، چپ و لیبرال قرار گرفتم. در ایام انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه در آموزش و پرورش «بسطام» به عنوان معلم دوره راهنمایی به تدریس در روستا پرداختم. (به مدت دو سال)

در سال ۱۳۶۱ به قم عزیمت کردم و دروس علوم اسلامی را به صورت آزاد آغاز کردم. پس از بازگشایی دانشگاه با مشورت حضرت «آیت الله راستی» همزمان دانشگاه و حوزه را ادامه دادم و در سال ۱۳۶۳ به حوزه درس مرحوم «سید منیرالدین حسینی شیرازی» پیوستم. دروس خارج فقه و اصول را نزد حضرات آیات: «راستی کاشانی»، «جوادی آملی»، «فاضل لنکرانی» و «میرزا جواد آقای تبریزی» به مدت ۱۲ سال گذراندم و در سال ۱۳۸۳ در جهت تحقق فرمایش مقام معظم رهبری؛ مبنی بر لزوم ایجاد نهضت

نرم‌افزاری، در مجموعه دفتر تبلیغات اسلامی اقدام به تأسیس دفتر جنبش نرم‌افزاری نمودم و مدیریت آن را برعهده گرفتم که به نوبه خود در ایجاد فضای باز فکری و گسترش آزاداندیشی و روحیه نقد و نظریه‌پردازی تأثیر قابل‌ذکری گذاشته است.

نصیب قزوینی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، شاعر و مورخ. وی از احفاد و بازماندگان دولت‌شاه سمرقندی، مؤلف «تذکره الشعراء»، و از امرای دربار اکبر شاه (۱۰۱۴-۹۶۳ ق) بود. وی در تاریخ دست داشت. برخی نام او را نقیب‌خان نوشته‌اند. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۶۶۲)، الذریعه (۹/۱۱۹۶)، صبح گلشن (۵۲۰)، فرهنگ سخنوران (۹۳۵)، لغت‌نامه (ذیل / نصیب قزوینی).

نصیر تنکابنی، محمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم ق)، طیب و شاعر. اهل تنکابن و داماد علامه شیخ حسین تنکابنی بود. در زمان تألیف «تذکره‌ی نصرآبادی» (۱۰۸۳ ق) به اصفهان رفت و در مسجد لنبان با میرزا طاهر نصرآبادی ملاقات کرد. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

دل منبع حصول جمیع مطالب است

ای راهرو چرا نفتادی به پای دل

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی نصرآبادی (۲۰۲-۲۰۱)، الذریعه (۹/۱۱۹۸)، فرهنگ سخنوران (۹۳۶)، گلزار جاویدان (۳/۱۶۳۴).

نصیرالدوله بدر، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۳۰۹-۱۲۴۸ ش)، نویسنده و مترجم. ملقب به نصیرالدوله. در رشت به دنیا آمد. وی برای ادامه‌ی تحصیل به تهران آمد و پس از فراگرفتن ادبیات فارسی به تحصیل فقه، اصول، حکمت الهی و همچنین زبان فرانسه و علوم ریاضی پرداخت. در زمان ناصرالدین شاه به عنوان منشی دربار برگزیده شد و پس از قتل شاه به خدمت وزارت امور خارجه درآمد و چندی به سفیری ایران در بلژیک انتخاب گردید. وی در ۱۲۹۷ ش در کابینه‌ی دوم حسن وثوق‌الدوله وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه را به عهده گرفت.

در زمان وزارت وی مدارس دولتی رایگان و همچنین دانشسرای مقدماتی پسران و دختران تأسیس گردید. او همچنین مدرسه موزیک را که تا آن زمان وجود نداشت تأسیس کرد. وی سرانجام در تهران وفات یافت و در صحن حضرت عبدالعظیم (ع) به خاک سپرده شد. از دیگر آثارش: رساله در «خواص اعداد»؛ رساله در «هندسه»؛ «شرح حال حسین بن منصور حلاج»؛ «تاریخ نادر شاه افشار»، ترجمه؛ «زمین یا معرفت الارض»، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۷۱-۶۶۹/۵)، وزرای معارف ایران (۷۱-۷۰)، وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران (۱۸۷-۱۷۶).

نصیرپور، باقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: جراحی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

نصیرزاده، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای عفونی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

نصیری سمنانی، نصرت‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۶-۱۲۸۳ ش)، پزشک و نویسنده. در سمنان به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش و تحصیلات متوسطه را در تهران و در مدرسه‌ی علمیه و دارالفنون به پایان رساند و وارد دانشکده پزشکی شد. وی علاوه بر شغل طبابت در طی دوران خدمت خود مشاغل دیگری از جمله: ریاست کارگزینی و ریاست بازرسی و معاونت وزارت فرهنگ و همچنین رایزنی فرهنگی و سرپرستی محصلین در سوئیس را بر عهده داشت. وی بر اثر سکته قلبی در سوئیس درگذشت. از آثارش: «دوره‌ی الکتريسته»؛ «بهداشت دبیرستانها»، با مشارکت دکتر عباس مودب نفیسی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ قومس (۴۴۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۴۶۶، ۱۵۳۸/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۱/۶).

نصیری، پروین

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک مواد، دانشکده: بهداشت، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

نصیری، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی نصیری

محل تولد: رشت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

ایشان در سال ۱۳۴۴ هجری شمسی در روستای «مژده» از توابع شهر رشت در خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود. تحصیلات دبستان، راهنمایی و دبیرستان را در محل تولد گذراند و تحصیلات حوزوی را از سال ۱۳۶۱ از مدرسه علمیه «امام صادق (ع) رشت» آغاز و تا سال ۱۳۷۶ در حوزه علمیه مشهد مقدس دنبال نمود. در سال ۱۳۷۷ وارد حوزه علمیه قم شد و طی ده سال در حوزه علمیه مشهد و قم در دروس خارج فقه و اصول از محضر اساتید معزز و آیات عظام: «مرتضوی»، «فلسفی»، «رضازاده»، «میزراجواد تبریزی»، «معرفت» و «سبحانی» بهره جست.

وی تحصیلات دانشگاهی را تا مقطع کارشناسی در رشته «علوم قرآن و حدیث» و «ادیان و عرفان» در دانشگاه علوم اسلامی رضوی و دانشگاه فردوسی مشهد دنبال نمود. و در سال ۱۳۷۸ در دانشکده الهیات دانشگاه تهران از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان: «بررسی جایگاه هنر در کتاب و سنت» و در سال ۱۳۸۲ در همین دانشکده از رساله دکترای خود با عنوان: «بررسی مکتب تفسیری صدرالمآلهین» دفاع نمود. وی در طی این سال‌ها در کنار تدریس، در زمینه‌های تحقیق، مدیریت پژوهش و ارائه طرح‌های آموزشی و پژوهشی فعالیت داشته است.

نصیری، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا نصیری متولد ۱۳۲۴ در شهر دامغان است. وی دارای مدرک دکتری تاریخ از دانشگاه استامبول ترکیه می باشد. نامبرده عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه پیام نور می باشد. دکتر نصیری از بهمن ۱۳۷۰ تا آذرماه ۱۳۷۵ اولین دبیر فرهنگستان زبان و ادب فارسی بوده است

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات رسمی دکتر محمد رضا نصیری به قرار زیر است: کارشناسی رشته تاریخ از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۸ دکترای رشته تاریخ از دانشگاه اسانبول در سال ۱۳۵۷

همسر و فرزندان: دکتر محمد رضا نصیری متاهل است و دو فرزند دارد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: محمد رضا نصیری از بهمن ۱۳۷۰ تا آذرماه ۱۳۷۵ اولین دبیر فرهنگستان زبان و ادب فارسی بوده است ضمن آنکه از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸ رئیس دانشکده ادبیات دانشگاه گیلان، از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۷ به عنوان معاون اداری مالی دانشگاه پیام نور، از سال ۱۳۷۶ تا کنون مدیر گروه تاریخ دانشگاه پیام نور، از سال ۱۳۷۸ تا کنون قائم مقام انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و نیز مشاور علمی بنیاد ایران شناسی بوده است. وی همچنین مدیر مسئول نشریه انجمن، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و همچنین سردبیر نشریه پیک نو، دانشگاه گیلان می باشد.

فعالتهای آموزشی: دکتر نصیری عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه پیام نور می باشد. ایشان در دانشگاه های گیلان، پیام نور و آزاد اسلامی رشت به تدریس تاریخ مبادرت داشته است.

جوایز و نشانها: محمد رضا نصیری در سال ۱۳۸۳ به عنوان پژوهشگر برجسته دانشگاه پیام نور (نفر اول) برگزیده شده است.

چگونگی عرضه آثار: - شرکت در سمینارها و کنفرانسهای داخل و خارج از کشور، ژاپن، هند، تاجیکستان و غیره - چاپ بیش از ۵۰ کتاب و مقاله در زمینه های تاریخ و فرهنگ و تمدن ایران

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

نطنزی، معین الدین

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۸۱۷ ق)، مورخ و شاعر. وی را پدر قاضی میرحسین میدی، متخلص به منطقی (م ۹۱۱ / ۹۰۴ ق)، می دانند. در ابتدای کار خود از مصاحبان میرزا اسکندر بن عمر شیخ بن تیمور بود و در همین ایام تاریخ معروف خود را به نام «منتخب التواریخ» به اسم او نگاشت و در ۸۱۶ ق آن را به پایان برد. این کتاب شامل وقایع عمومی عالم، از زمان هبوط آدم تا وفات تیمور در ۸۰۷ ق، است به اضافه بعضی از وقایعی که تا ۸۱۶ ق اتفاق افتاده بود. یک سال بعد، یعنی در ۸۱۷ ق، وی در این کتاب تجدید نظر کرد و آن را به نام شاهرخ درآورد و تا وقایع ۸۱۷ ق را در آن ذکر نمود. به همین علت از «منتخب التواریخ» معینی دو گونه تحریر، یکی به نام میرزا اسکندر و دیگری به نام شاهرخ، وجود دارد. برخی تذکره‌ها، صاحب عنوان را با معین الدین یزدی (م ۷۸۹ ق)، صاحب «مواهب الهی»، در آمیخته و او را از وزیران و عالمان آل مظفر دانسته‌اند، در حالی که معین الدین نطنزی در عهد تیموریان می زیسته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۴۸۲-۴۸۱/۴)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۲۸۶)، جامع مفیدی (۳۳۱-۳۲۹/۳)، الذریعه (۱۰۷۹-۱۰۷۸/۹)، صبح گلشن (۴۳۳)، فرهنگ سخنوران (۸۶۴-۸۶۳)، منتخب التواریخ معینی (مقدمه).

نظام الدوله، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مادرش دختر فتحعلیشاه قاجار بوده، در نجف می‌زیسته، و در نزد عموم طبقات، معزز و محترم بوده. تألیفاتی دارد: ۱- کتابی در نحو ۲- مجموعه‌ای کشکول مانند.

سرانجام در سال ۱۳۳۰ در نجف وفات یافته، در مقبره خانوادگی خود مدفون شد. در کتاب الذریعه (جلد ۱۱ صفحه ۹۰) وفاتش را حدود ۱۳۱۹ می‌نویسد

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نظام الدوله، علی محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در ۱۲۲۲ در ایران متولد، و در اصفهان و طهران تحصیل علوم نموده، در سال ۱۲۴۷ به اتفاق پدر به نجف اشرف مهاجرت نموده، و به تکمیل علوم و تهذیب نفس و تألیف و تصنیف پرداخته، در فقه و اصول و حدیث و رجال و علوم ادبی و ریاضیات مهارت داشته، قریب ۱۸ مجلد کتاب تألیف نموده که از آن جمله است: ۱- البرهان ۲- تقریرات ۳- دیوان شعر، به عربی و فارسی ۴- رسال در اصول فقه ۵- رسال در شبهه محصوره و آب مضاف، به طبع رسیده ۶- رساله در امامت ۷- سلافه الوزراء، در معنی ولایت به طریق اهل تصوف و عرفان، به نظم و نثر، مطبوع ضمن فوائد البهائیه ۸- شهاب الثاقب، در ردّ صواعق ابن حجر ۹- کشف الابهام، در فقه. ۱۰ و ۱۱ - دو کتاب در رجال ۱۲- کتابی در نحو و صرف ۱۳- کتابی در ترجمه ۱۹ نفر از بزرگان اهل سنت، و ردّ بر آنها از کتب اهل سنت ۱۴- معارج القدس، در حکمت و کلام و توحید و عدل ۱۵- نور الابصار؛ و غیره.

مشارالیه نزد صاحب جواهر، و ملا مقصود علی غروی، و میرزا حسن بن ملا علی نوری و جمعی دیگر از بزرگان تحصیل علوم و دانش نموده، و از حاج ملا احمد نراقی اجازه روایت و اجتهاد داشته است

(تاریخ اجازه مربوط به زمانی است که حاکم کاشان بوده است)

سرانجام در ۸ ذی حجه سال ۱۲۷۶ در نجف وفات یافته، در مدرسه صدر مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نظام الدوله، مرتضی قلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فاضل و ادیب، در نزد علما و فضلا تحصیل نموده، تألیفاتی دارد، از آن جمله است: ۱- اشعه‌القدسیه، فارسی ۲- تتمه طراز اللغه تألیف علی خان مدنی که به دستور میرزا سلیمان خان نایب الحکومه اصفهان تألیف نموده ۳- جمرات ۴- دیوان اشعار عربی و فارسی ۵- مکاتبات او با اعیان زمان خود ۶- نامه‌ای در جواب اعتراضات آخوندزاده و غیره. وفاتش در ۱۵ ذی قعدة سال ۱۳۰۶ در طهران اتفاق افتاده، و در حضرت عبدالعظیم مدفون گردید. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نظام العلماء بحرانی، محمد اسماعیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد اسماعیل بحرانی نجفی الاصل و فسائی شیرازی مولدا و منشا و موطن. عالمی بزرگوار و آیتی عالیمقدار از آیات عظام و حجج اسلام فارس- فساء و شیراز مدفون در لار از احفاد و نوادگان فقیه نامی شیخ حسین آل عصفور متوفای ۱۲۱۶ قمری برادرزاده فقیه محقق و محدث مدقق آشیخ یوسف بحرینی صاحب (حدائق الناظره فی احکام العتره الطاهره) است. مرحوم نظام العلماء از علماء نامی فارس بودند که گاهی در شیراز در مساجد ۱- طهران بیک ۲- مسجد آقا احمد ۳- مسجد سپهسالار قدیم (امام خمینی) اقامه جماعت نموده به نشر احکام و معارف اهل بیت رسالت اشتغال داشت. و زمانی در فساء که از شهرهای فارس است می‌زیسته و به خدمات دینی و وظائف روحانی پرداخته و به حوائج مردم می‌رسیدند. معظم له از شاگردان مرحوم آیت‌الله میرزا ابراهیم محلاتی بوده و از آیات عظام آقا سید محمد کاظم یزدی آقا میرزا محمد تقی شیرازی و شریعت اصفهانی دارای اجازات جامع بوده‌اند. آن مرحوم انس و علاقه زیادی با مرحوم آیت‌الله حاج سید عبدالحسین نجفی لاری داشته و پس از فوت آن مرحوم با فرزند بزرگ ایشان مرحوم آیت‌الله حاج سید عبدالمحمد آیه‌اللهی مراوده داشته است و در سفری که برای دیدار آن مرحوم به شهر لار مسافرت می‌کنند به عارضه سکنه قلبی مبتلا گشته و در ماه رمضان ۱۳۴۵ قمری به رحمت حق پیوسته و با تجلیل عظیمی در قبرستان آنجا به خاک می‌روند. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

نظام العلمای تبریزی، محمود

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۷۲ / ۱۲۷۰ ق)، نویسنده و ادیب. ملقب به نظام العلماء. وی معلم ناصرالدین میرزا ولیعهد (ناصرالدین شاه) و از علمای شیخیه آذربایجان بود. او در مجلسی که در ۱۲۶۳ ق در حضور ولیعهد برای مناظره و مباحثه و محاکمه‌ی سید علی محمد باب در تبریز

انعقاد یافت شرکت داشت و بعدها صورت محاکمات این مجلس را به ضمیمه‌ی مطالبی دیگر در رساله‌ای مرتب و منتشر کرد. از دیگر آثارش: «الشهاب الثاقب»، در رد نواصب؛ «اخلاق نظام‌العلماء».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان آذربایجان (۳۸۱)، الذریعه (۱۴/۲۵۳، ۱/۳۸۱)، ریحانه (۲۰۹-۲۰۸/۶)، شرح حال رجال (۶۰-۵۹/۴)، مؤلفین کتب چاپی (۶/۸۴).

نظام شامی، نظام‌الدین عبدالواسع

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س هشتم و نهم ق)، مورخ، نویسنده و شاعر. معروف به نظام شب غازانی. از محله‌ی شب غازان یا شام غازان تبریز بود. در جوانی به بغداد رفت. مدتی در ملازمت سلطان اویس جلایر (۷۷۶-۷۵۷ ق) و سلطان احمد بن شیخ اویس (۸۱۳-۷۸۴ ق) به سر برد و زمانی که امیر تیمور سلطان جلایر را شکست داد و بغداد را گشود، نظام‌الدین اولین شخصی بود که به خدمت تیمور رسید و مورد التفات او قرار گرفت. تیمور در ۸۰۴ ق از او خواست که کتابی در تاریخ سلطنت وی بنویسد و نظام کتاب «ظفرنامه» یا «ظفرنامه شامی» را که شامل شرح حال تیمور تا وقایع ۸۰۶ ق بود، نگاشت. او در ۸۰۶ ق به اجازه تیمور به تبریز بازگشت. از دیگر آثار وی: تلخیصی از ترجمه‌ی فارسی کتاب «بلوهر و بوداسف» یا «بلوهر و بوداسف» که به نام سلطان احمد جلایر نوشته یا چنان که در «دایرة‌المعارف فارسی» آمده، این کتاب را ترجمه کرده است، «ریاض‌الملوک فی ریاضات السلوک»، ترجمه‌ی فارسی کتاب «سلوان المطاع فی عدوان الاتباع» یا «سلوان المطاع فی عدوان الاطباع» ابن الظفر الصقلی الملکی در ۷۶۸ ق، مشتمل بر یک دیباچه و یک مقدمه و پنج باب و یک خاتمه، به نام سلطان اویس جلایر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: از سعدی تا جامی (۴۹۸-۴۹۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۸۰-۴۷۶/۴)، تاریخ نظم و نثر (۷۵۷، ۵۰)، حبیب‌السیر (۵۴۸-۵۴۷/۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۸۰-۳۷۹)، دایرة‌المعارف فارسی (۳۰۳۶/۲)، الذریعه (۲۰۰/۱۵، ۳۳۸/۱۱، ۱۲۰۲/۹)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۱۰-۵۰۹)، فرهنگ سخنوران (۹۴۰)، لغت‌نامه (ذیل / نظام‌الدین شامی).

نظام شیرازی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود نظام شیرازی قدس‌الله سره در سال ۱۳۲۳ هجری قمری در شیراز در بیت علم و دانش دیده به جهان گشوده و در حجر والد ماجدش آیت‌الله حاج میرزا محمد اسمعیل نظام‌العلماء که از علماء بنام و احفاد محقق بزرگ شیخ حسین آل عصفور (بحرانی برادرزاده مرحوم محدث بزرگ شیخ یوسف بحرانی صاحب کتاب الحدائق الناظره فی احکام العتره الطاهره).

معظم‌له تحصیلات مقدماتی و سطح را در شیراز نزد اساتید فن فرا گرفته و در سال ۱۳۱۴ هجری شمسی عزیمت به نجف اشرف نموده و به درس خارج آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله حج شیخ محمد کاظم شیرازی حاضر و استفاده نموده و در سال ۱۳۱۹

شمسی به سامرا رفته و به درس مرحوم آیت‌الله آقا میرزا محمود شیرازی رفته و پس از مدتی مورد اعتماد و مشورت ایشان قرار گرفته و سپس به افتخار دامادی معظم‌له نائل شده و در سال ۱۳۲۸ شمسی جزو اصحاب استفتاء آیت‌الله العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و میرزا آقای اصطهباناتی درآمده و در سال ۱۳۳۰ شمسی به شیراز و فسا سفری نموده و مورد استقبال کم‌نظیر علماء و بزرگان و عموم طبقات قرار گرفته و در سال ۱۳۳۸ شمسی بنا به درخواست مردم فسا که شهر آباء و اجدادی ایشان بوده از طرف مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی رحل اقامت در شهر فسا افکنده و به خدمات دینی و انجام وظائف روحی و اجتماعی از اقامت جماعت و تبلیغ احکام و تدریس فقه و اصول پرداخته و منشاء آثار خیری گردیده است.

آن مرحوم مورد توجه مراجع عظام بوده و از آنها دارای اجازات عدیده اجتهاد و روائی و غیره بوده و در سال ۱۳۶۴ شمسی به سکنه قلبی از دنیا رفته و در حرم امامزاده حسن فسا به خاک رفته است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

نظام هروی، نظام‌الدین محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۰۰ ق)، فقیه، مدرس، قاضی و شاعر. پدرش ملا شرف‌الدین، از اعظم فقهای زمان میرزا ابوالقاسم بابر بود. وی معصار با امیر علیشر نوایی بود و لذا در «مجالس النفایس» شرح حال وی آمده است. مدتی در مدرسه‌ی غیاثیه و مدرسه‌ی اخلاصیه به تدریس پرداخت. سپس از جانب سلطان حسین بایقرا به قضاوت هرات منصوب شد. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حیب السیر (۳۴۰-۳۳۹ / ۴)، الذریعه (۱۲۰۶ / ۹)، ریحانه (۲۰۷ / ۶، ۳۵۰ / ۵)، صبح گلشن (۵۳۰)، فرهنگ سخنوران (۹۴۲)، لغت‌نامه (ذیل / قاضی نظام‌الدین)، مجالس النفائس (۱۴۱).

نظام‌الدوله اصفهانی، علی محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط و ادیب. از معاریف دربار فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۱۲ ق) بود. وی در نظم و نثر و ادبیات فارسی و عربی دست داشت و از علوم ریاضی و دینی نیز بهره‌مند بود. او همچنین خط نستعلیق و نسخ را خوش می‌نوشت. در ۱۲۵۰ ق، پس از فوت فتحعلی شاه و سلطنت محمدشاه، چون نظام‌الدوله از مخالفین سلطنت محمدشاه بود، از ترس او به بین‌النهرین مهاجرت کرد و در عتبات مجاور شد. وی در نجف به حلقه‌ی درس شیخ مرتضی انصاری پیوست و تا پایان عمر در همان جا به سر برد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۴۸۵-۴۸۴ / ۲)، تاریخ عضدی (۶۶-۶۰)، شرح حال رجال (۴۸۴-۴۸۳ / ۲).

نظام‌العلمای تبریزی، محمد رفیع

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۷/۱۳۲۶ - ۱۲۵۰ ق)، عالم دینی، ادیب و شاعر. نسبش به ابراهیم طباطبا می‌رسد. در تبریز به دنیا آمد. در قریه‌ی باسمنج تبریز درگذشت و در صحن حضرت معصومه (س) در قم دفن شد. از آثارش: «انیس الادباء و سمر السعداء»، کشکول فارسی؛ «تحفه الامثال»، در سه قسمت: آیات، کلمات منثوره و امثال منظومه؛ «التحقیقات العلویة»؛ «آداب الملوک»، در شرح «عهدنامه‌ی امیرالمؤمنین (ع) به مالک اشتر»؛ «تشریح التقیوم»؛ «حقیقه الامر»، در جبر و تفویض و امر بین الامرین؛ «جواهر الاخبار»؛ «مصایح الانوار»؛ «مجمع الفضائل»، «دستور الحکمة»؛ «مقالات النظامیة»؛ «مجالس النظامیة»؛ «فتوحات نظامیه»، به فارسی؛ «وسیلة الزائرین»؛ «کافیة العروض»؛ «دیوان شعر»، در مدایح و مراثی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان‌الشیعه (۷/۳۳)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۵-۱/۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۹۰-۳۸۰)، الذریعه (۷۸/۲۵، ۳۹۳، ۸۰/۲۱، ۳۹/۲۰، ۳۷۲/۱۹، ۱۲۰۳-۱۲۰۲/۹، ۴۸، ۴۷-۴۶/۷، ۲۵۹/۵، ۱۸۷/۴، ۴۸۶، ۳/۴۲۱، ۴۵۲-۴۵۱/۴۶، ۲/۳۰، ۲۹-۱/۱)، ریحانه (۲۰۸-۲۰۷/۶)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۷۸۸-۷۸۷/۱۴)، علماء معاصرین (۹۳-۹۲)، الماثر والآثار (۱۸۳)، معجم المؤلفین (۴/۱۶۹)، مؤلفین کتب چاپی (۲۲۷-۲۲۴/۳).

نظام‌الملک طوسی، قوام‌الدین، ابوعلی حسن

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۱۰/۴۰۸ - مقتول ۴۸۵ ق)، نویسنده و شاعر. ملقب به نظام‌الملک و رضی امیرالمؤمنین. مشهور به خواجه نظام‌الملک طوسی. در نوغان، از دهات رادکان طوس، به دنیا آمد و دوران کودکی و تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش گذراند. در یازده سالگی قرآن آموخت و سپس در طوس، نیشابور و مرو فقه شافعی و حدیث را فراگرفت. او با ابوسعید ابوالخیر (م ۴۴۰ ق) معاصر بود. چندی نیز در شهر بلخ به خدمت ابوعلی بن شاذان درآمد و به دبیری وی منصوب شد. ابوعلی بعد از اینکه در زمان سلجوقیان به وزارت رسید، نظام‌الملک را به دبیری البارسلان گماشت و نظام‌الملک در ۴۵۱ ق به وزارت البارسلان رسید. مجموع وزارت نظام‌الملک در دربار البارسلان و ملک‌شاه بیش از سی سال بود. وی در ۴۸۵ ق بر اثر اختلاف با ترکان خاتون بر سر جانشینی ملک‌شاه و ترجیح بر کیارق بر محمود و دشمنی مخالفان، به قولی از وزارت برکنار شد. خواجه نظام‌الملک دارای مذهب شافعی بود و از باب ارادتی که به فقها و متصوفه داشت، مدارس معتبری به نام نظامیه و همچنین خانقاه‌های بسیاری بنا نهاد. او عاقبت در راه بغداد در نزدیکی‌های نهاوند یا بروجرد به دست یکی از فداییان و پیروان حسن صباح به نام ابوطاهر اران به قتل رسید. قبر وی در اصفهان می‌باشد. در مورد همدرس بودن او با حکیم عمر خیام و حسن صباح نیز نقل قول‌هایی وجود دارد که به تصریح دکتر صفا، نمی‌تواند درست باشد. وی گاهی نیز شعر می‌سرود. از آثار وی: «سیاست‌نامه» یا «سیر الملوک» یا «پنجاه فصل»، که به درخواست سلطان ملک‌شاه نوشته شد؛ «وصایای نظام‌الملک» یا «دستور الوزاره»؛ «قانون الملک» که به آورده‌ی «تاریخ ادبیات در ایران» به وی نسبت داده‌اند و ظاهراً قسمتی از «سیاست‌نامه» می‌تواند باشد. [۱]

قوام‌الدین، ابوعلی حسن بن ابی‌الحسن علی بن اسحاق بن عباس طوسی، ملقب به رضی امیرالمؤمنین (و. ۴۰۸ یا ۴۱۰ - مقت. ۴۸۵

ه.ق)، وزیر و دانشمند دوره‌ی سلجوقیان. در نوغان طوس ولادت یافت. در طوس و نیشابور و مرو فقه و حدیث آموخت، آنگاه در بلخ به خدمت ابوعلی بن شاذان درآمد و به دبیری وی اشتغال جست و چون ابوعلی بعد از استیلا‌ی سلجوقیان بر بلخ به وزارت چغری‌بیک رسید، نظام‌الملک را به دبیری البارسلان گماشت. چون البارسلان به جای پدر حکومت خراسان یافت، نظام‌الملک را به وزارت برگزید (ه.ق. ۴۵۱). چون چهار سال بعد، پس از مرگ عم خود طغرل (۴۵۵) به سلطنت رسید، عمیدالملک کندی را خلع کرد و نظام‌الملک را به جای او وزارت ممالک سلجوقی داد و از این پس وی در وزارت باقی بود تا در ۴۸۵ به سبب اختلاف با ترکان خاتون بر سر جانشینی ملک‌شاه و ترجیح برکیارق بر محمود و سعایت مخالفان، به قولی از وزارت برکنار شد و بنا به بعضی اقوال دست او را از کارها کوتاه کردند، و اندکی بعد در راه بغداد، در صحنه، به دست یکی از فدائیان حسن صباح به قتل رسید (رمضان ۴۸۵ ه.ق). مجموع مدت وزارت نظام‌الملک سی سال بود، و در این مدت وی در حل و عقد امور مملکت دخالت کامل داشت و بسیاری از فتوحات سلجوقیان و پیشرفتهای آنان در امور داخلی مملکت مدیون کاردانی و کفایت او بود. نظام‌الملک به سبب ارادتی که به فقیهان داشت، مدارس بسیار بنا نهاد که پس از وی به مدارس نظامیه معروف شد. خواجه از نویسندگان چیره‌دست نثر فارسی به شمار می‌رود و کتاب سیاستنامه‌ی (ه.م) او از جمله‌ی کتب فصیح زبان فارسی است. علاوه بر آن مکتوبی از وی به پسرش در دست است که به نام وصایای نظام‌الملک یا دستورالوزراء معروف است.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آتشکده‌ی آذر (۵۰۹-۲/۵۰۴)، اسرار التوحید، تعلیقات (۷۲۸-۷۲۷)، اعیان‌الشیعه (۱۶۹-۵/۱۶۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۰۹-۹۰۴، ۵۲۷-۵۲۶، ۲۴۱-۲۳۴، ۲/۱۱۹)، تاریخ گزیده (۴۴۳)، تاریخ نظم و نثر (۶۶)، تجارب‌السلف (۲۸۱-۲۶۶)، تذکره‌الشعراء (صفحات متعدد)، حبیب‌السیر (۵۰۰-۲/۴۹۴)، دایره‌المعارف فارسی (۲/۳۰۳۶)، دستورالوزراء (صفحات متعدد)، الذریعه (۲۷۴-۲۷۳/۲۵، ۲۷۴-۲۷۳/۱۲)، راحة‌الصدور (صفحات متعدد)، روضات‌الجنت (۸۵-۳/۸۲)، ریحانه (۲۱۰-۲۰۹/۶)، سبک‌شناسی (۱۸۶، ۱۱۳-۱۱۲/۹۵، ۲/۱۶۸)، سه حکیم مسلمان، شاعران بی‌دیوان (۵۸۳-۵۸۱)، شخصیت‌های نامی (۴۸۵-۴۸۴)، شذرات الذهب (۳۷۵-۳/۳۷۴)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۲۵۶-۲۴۸)، صبح گلشن (۵۲۶-۵۲۵)، طبقات الشافعیه سبکی (۳۲۸-۴/۳۰۹)، العبر (۳/۳۴۹)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۱۱-۵۱۰)، فرهنگ سخنوران (۹۴۱)، الکامل (۸/۱۶۱)، کشف‌الظنون (۱۶۶)، الکنی واللقاب (۲۵۹-۳/۲۵۷)، لباب‌الالباب (۶۷-۱/۶۵)، لغت‌نامه (ذیل / نظام‌الملک طوسی)، مدارس نظامیه (مقدمه، ۹۱-۲۴)، معجم‌المؤلفین (۳/۲۴۹)، مؤلفین کتب چاپی (۶۰۶-۲/۶۰۴)، النجوم الزاهره (۱۳۴-۵/۱۳۳)، وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی (۵۳-۴۶)، وفيات الاعیان (۱۳۱-۲/۱۲۸)، هدیة الاحباب (۲۵۷)، هفت اقلیم (۱۹۸-۲/۱۹۶).

نظامی عروضی سمرقندی، نجم‌الدین، ابوالحسن احمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۵۶۰ ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به نظامی. وی به دلیل اینکه در علم عروض تبحر داشت، به عروضی شهرت یافت. صاحب «مجمع‌الفصحا» او را اهل نسا می‌داند. نظامی در سمرقند به دنیا آمد و مدتی از جوانی خود را در آن شهر به کسب علوم گذراند. در ۵۰۶/۵۰۴ ق به خراسان رفت و گویند در بلخ با عمر خیام ملاقات کرده و پس از آن به هرات رفته و در ۵۱۰ ق از هرات به اردوی سلطان سنجر پیوسته و در آنجا به خدمت امیر معزی رسیده و شعر خود را به او عرضه داشته است. او با نظامی گنجوی نیز ملاقات نموده است. همچنین به خدمت ملوک غوری آل شنسب رسیده و سالها به مدح آنها پرداخته است. نظامی در

طب و نجوم و هیئت متبحر بود و در نثر، اعم از مصنوع و نثر مرسل، نیز استادی بزرگ بود، اما شعرش چندان به دل نمی‌نشست. به آورده‌ی برخی از تذکره‌نویسان چند مثنوی داشته که از میان رفته است. از مهم‌ترین آثار وی «چهار مقاله» یا «مجمع‌النوادر» می‌باشد که در حدود ۵۵۲-۵۵۱ ق به نام حسام‌الدین علی بن مسعود نوشته است. در «ریحانه‌الادب» منظومه‌ی «ویس و رامین» که از داستان‌های اشکانیان است و فخرالدین اسعد گرگانی آن را به نظم آورده، به نظامی عروضی نیز نسبت داده شده است. [۱]

ابوالحسن نظام‌الدین یا نجم‌الدین احمد بن عمر بن علی سمرقندی مشهور به نظامی عروضی. نویسنده و شاعر قرن ششم هجری. در اواخر قرن پنجم در سمرقند ولادت یافت، و پس از تحصیلات مقدماتی به خراسان رفت. و به دیدار خیام و معزی نایل شد. نظامی عروضی به دربار ملوک آل شنسب وابسته بود، و سالها مداحی شاهان آن سلسله می‌کرد و کتاب مجمع‌النوادر مشهور به چهار مقاله را به نام فخرالدوله مسعود برادرزاده‌ی ملک شمس‌الدین محمد غوری تألیف کرد. این کتاب بین سالهای ۵۵۱ تا ۵۵۲ هجری تألیف شده و مطالب آن بیان شرایطی است که در چهار طبقه از مردم- که به زعم مصنف پادشاهان محتاج بدیشان می‌باشند، یعنی- دبیر، شاعر، منجم، طبیب- باید مجتمع باشد. در عین حال بسیاری از مطالب تاریخی و تراجم مشاهیر اعلام را که در کتب ادبی و تاریخی دیگر یافت نمی‌شود نیز شامل است.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ ادبیات در ایران (۹۶۳-۹۶۱/۲)، تاریخ‌گزیده (۷۵۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۲۰-۱۱۹، ۹۰)، تذکره‌ی روز روشن (۵۳۸)، تذکره الشعراء (۶۹-۶۸)، چهار مقاله (مقدمه/ شش- بیست)، دایرة‌المعارف فارسی (۲/۳۰۳۶)، الذریعه (۹/۱۲۰۷)، ۳/۳۱۴، ۵/۳۱۴، ریحانه (۲۱۱-۲۱۰/۶)، سبک‌شناسی (۳۱۸-۲۹۷/۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۱۴-۵۱۳)، فرهنگ سخنوران (۹۴۳)، کشف‌الظنون (۱۶۰۴)، لب‌الب‌الباب (۲۰۸-۲۰۷/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، مجمع‌الفصحا (۱۴۱۰-۱۴۰۹/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۸-۴۸۷/۱)، هفت اقلیم (۳۵۴-۳۵۲/۳).

نظامی گنجوی، جمال‌الدین، ابومحمد الیاس

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۱۴/۶۰۴-۶۰۲ /۵۳۵ /۵۳۰ /۵۲۰ ق)، حکیم و شاعر، متخلص به نظامی. وی از مادری کرد نژاد در گنجه به دنیا آمد. بعضی از مؤلفین تذکره‌ها او را از قهستان یا فراهان یا تفرش و قم دانسته‌اند. در زمینه‌ی اسم، لقب کنیه و نسبش نیز در بین تذکره‌ها اختلاف است. نظامی همه‌ی عمر را در گنجه بوده مگر سفر کوتاهی که به دعوت اتابک قزل ارسلان به یکی از شهرهای نزدیک گنجه داشته است. نظامی با خاقانی و عوفی معاصر بود و گویند در مرگ خاقانی نیز مرثیه‌ای سروده است. بنابر بعضی از اقوال در طریقت و سیر و سلوک از مریدان اخی فرج زنجانی شمرده می‌شد. سلاطین معاصر وی همان کسانی هستند که نظامی آثار خود را به نام آنها کرده و یا در مثنویاتش آنها را ستوده است. گویند جامع علوم عقلی و نقلی بود. داستانسرایی در زبان فارسی با نظامی شروع نشد، لیکن نظامی توانست منظومه‌های تمثیلی را در زبان فارسی به حد اعلای تکامل برساند. از جمله شاعرانی که از آثار نظامی تقلید کردند عبارتند از: امیر خسرو دهلوی، جامی، هاتفی، قاسمی، وحشی، عرفی، مکتبی، فیضی فیاضی، اشرف مراغی و آذر بیگدلی، ولی هیچ کدام نتوانستند خود را به پای او برسانند. در زمینه‌ی تاریخ ولادت و مرگ وی نیز اختلاف وجود دارد، ولی برخی تذکره‌نویسان با اشاراتی که در ابیات مثنوی‌های نظامی بوده، تا حدودی توانسته‌اند به آن سالها پی ببرند. نظامی در گنجه درگذشت و مدفن وی تا اواسط عهد قاجاری باقی بود، بعد از آن رو به ویرانی نهاد تا باز به وسیله‌ی دولت محلی آذربایجان

شوروی مرمت شد. از آثار وی: پنج مثنوی مشهور به «پنج گنج» یا «خمسه» شامل: مثنوی «مخزن الاسرار»، مشتمل بر حدود دو هزار و دو بیست و شصت بیت، به نام فخرالدین بهرامشاه بن داوود در ۵۷۰ ق، مثنوی «خسرو و شیرین»، در شش هزار و پانصد بیت، به نام شمس‌الدین محمد جهان پهلوان بن ایلدگز در ۵۷۶ ق، مثنوی «لیلی و مجنون»، در چهار هزار و هفتصد بیت، به نام شروانشاه ابوالمظفر اخستان بن منوچهر در ۵۸۸ ق؛ مثنوی «بهرامنامه» یا «هفت پیکر» یا «هفت گنبد»، در پنج هزار و صد و سی و شش بیت، به نام علاء‌الدین کرپ ارسلان در ۵۹۳ ق؛ مثنوی «اسکندرنامه»، در ده هزار و پانصد بیت مشتمل بر دو قسمت «شرفنامه»، به نام نصره‌الدین ابوبکر بن محمد جهان پهلوان و «اقبالنامه»، به نام دو سه تن از امرا. بنا به گفته‌ی «تاریخ نظم و نثر»، «شرفنامه» یا «مقبل‌نامه» در هندوستان به نام «اسکندرنامه‌ی بری» معروف شده است. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر، شامل قصاید و غزلیات. بعضی از تذکره‌ها مثنوی به نام «ویسه و رامین» را با احتمالی به وی نسبت داده و گفته‌اند که در جوانی آن را به نام سلطان محمود بن ملک‌شاه به نظم در آورده است. [۱]

نظامی گنجینه‌ئی: گنج‌های حکیم ابومحمد الیاس بن یوسف بن زکی ابن مؤید نظامی (و. ۶۱۴ - ۵۳۰ ه. ق) شاعر معروف ایرانی در قرن ششم ه. ق؛ متولد گنجه. از زندگی او به طور مشروح چیزی دانسته نیست. ظاهراً هنوز چندان از سنش نگذشته بود که پدر و مادرش را از دست داد. نظامی چنانکه از اشعارش برمی‌آید، در آغاز جوانی به تحصیل ادب و تاریخ و قصص همت گماشت و بیشتر عمر خود را در گنجه گذراند؛ و کمتر از موطن مألوف خویش دوری کرد. وی با اصول عرفان آگاه بود و عملاً نیز طریق زهد و تصوف می‌سپرد و پادشاهان رعایت مقام او می‌نمودند، و در حضور وی از می و مطرب پرهیز می‌کردند. مهمترین اثر نظامی پنج گنج یا خمسه‌ی نظامی (ه. م) است، و دیگر دیوان اوست شامل قصاید، غزلیات، قطعات، رباعیات که بطبع رسیده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آتشکده‌ی آذر (۱۳۴۳ - ۱۳۲۷/۳)، احوال و آثار و شرح مخزن الاسرار نظامی گنجوی (مقدمه/ ۱۵۳ - ۱)، ارمغان (س ۵، ش ۲، ص ۲۷۳، ۲۶۲، ۱۷۷، ۱۵۵ - ۷۷، ۶۷)، از سعدی تا جامی (۷۸۵ - ۷۸۰)، از سنایی تا سعدی (۱۰۲ - ۹۱/۲)، با کاروان حله (۲۰۳ - ۱۹۵)، پیر گنجه در جستجوی، ناکجاآباد، تاریخ ادبیات ایران، براون (۴/۱۵۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۸۲۴ - ۷۹۸/۲)، تاریخ گزیده (۷۵۳ - ۷۵۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۰۶ - ۱۰۴)، تذکره‌الشعراء (۱۴۶ - ۱۴۲)، تذکره‌ی میخانه (۲۶ - ۱۱)، حماسه‌سرایی در ایران (۳۵۱ - ۳۴۱)، دانشمندان آذربایجان (۳۸۵ - ۳۸۱)، دایره‌المعارف فارسی (۳۰۳۷ - ۳۰۳۶/۲)، الذریعه (۲۳۳ - ۲۳۲/۲۵، ۳۹۸/۱۸، ۱۲۰۸ - ۱۲۰۷/۹)، ریاض‌العارفین (۱۵۴ - ۱۴۹)، ریحانه (۲۱۵ - ۲۱۱/۶)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۳۰۲ - ۲۹۴)، طرائق‌الحقائق (۶۲۵ - ۶۲۴/۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۱۳ - ۵۱۲)، فرهنگ سخنوران (۹۴۴ - ۹۴۳)، کتابشناسی نظامی گنجوی، گنج سخن (۱۹ - ۱/۲)، لب‌الالباب (۳۹۷ - ۳۹۶/۲)، لغت‌نامه (ذیل / نظامی گنجوی)، مجمع‌الفصحا (۱۴۴۷ - ۱۴۱۲/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۷۰۶ - ۶۹۹/۶)، نتایج‌الافکار (۷۰۵ - ۷۰۴)، نفحات‌الانس (۶۰۷ - ۶۰۶)، هفت اقلیم (۵۰۱ - ۴۹۳/۲)، یادگار (س ۴، ش ۹ و ۱۰، ص ۹۳ - ۹۲)، یغما (س ۷، ش ۱۰، ص ۴۷۶ - ۴۷۴).

نظراتی، امیر

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۰۲۲ ق)، طراح کاشی. سازنده‌ی کاشی‌های معرق بسیار عالی و تزیینات گوناگون بود. از آثار وی رواق گنبد الله‌وردی خان از امرای شاه‌عباس اول است که به وسیله‌ی آن امیر ساخته شد و طراحی و نقش و سایر لزومات فنی آن، توسط این استاد فرجام یافته و

پس از جملات فراوان و درج ماقع ترتیب رواق، چنین رقم نهاده است: «عمل امیر بن حاج محمود نظرانی ۱۰۲۲ هـ.ق». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱۴۴۳/۳).

نظرپور، محمدنقی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد نقی نظرپور

محل تولد: آمل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ پس از اخذ دیپلم ریاضی فیزیک از دبیرستان «طبری آمل»، وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از حدود ۵/۱ سال به حوزه علمیه «حضرت ولی عصر (عج) خوانسار» رفته و محضر اساتیدی نظیر: «مرحوم آیت الله تقدیری»، «آیت الله ابن الرضا»، «حجة الاسلام رفیعان»، «مرحوم حجة الاسلام روحانی» و «حجة الاسلام شریعتی» و سپس به قم مراجعت کردم. دروس سطح را در محضر اساتید معروف حوزه نظیر آیات: «وجدانی فخر»، «اشتهاردی» و «صالحی مازندرانی» تلمذ کردم. در فلسفه از محضر «آیت الله جوادی» و «آیت الله حسن زاده آملی» بهره مند شدم. برخی از مباحث نجومی را از محضر «آیت الله حسن زاده» فرا گرفتم. از سال ۱۳۶۷ در دروس خارج فقه «آیت الله تبریزی» و دروس اصول «آیت الله وحید خراسانی» و «فاضل لنکرانی» حدود ۱۰ سال شرکت کردم و سپس در درس «آیت الله سبحانی» به مدت دو سال و «آیت الله کریمی» به مدت ۴ سال شرکت نمودم.

همزمان با تحصیل دروس حوزوی در سال ۱۳۶۸ پس از موفقیت در آزمون دانشگاه مفید در رشته «اقتصاد نظری»، تحصیلات دانشگاهی را آغاز کردم. در سال ۱۳۷۳ از دوره کارشناسی، فارغ التحصیل شدم و در همان سال با شرکت در کنکور سراسری کارشناسی ارشد در رشته «توسعه اقتصادی و برنامه ریزی» دانشگاه علامه طباطبایی پذیرفته شدم و همزمان در سال ۱۳۷۶ با دفاع از پایان نامه خود تحت عنوان: «ارزشها و توسعه بررسی موردی قانون اساسی جمهوری اسلامی» از مقطع کارشناسی ارشد فارغ التحصیل شدم و از شهریور سال ۱۳۷۶ به عنوان عضو هیئت علمی گروه اقتصاد فعالیت پژوهشی و آموزشی خود را آغاز کردم.

نظری منفرد، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی نظری منفرد

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۶/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۲۶ در شهر قم در خانواده‌ای روحانی متولد شدم و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی در سال هزار و سیصد و چهل، وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از گذراندن (ادبیات، دروس مقدماتی، فقه و اصول) به نجف اشرف در سال ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ رفتم و سپس به ایران و شهر قم بازگشتم و سطح را به پایان بردم. سپس در آزمون دارالفنون تهران در رشته (معقول و منقول) شرکت نمودم و قبول شدم و پس از اتمام دروس سطح، در درس خارج اساتید مثل: «مرحوم آیت الله محقق داماد»، «مرحوم آیت الله میرزا هاشم آملی»، و «مرحوم آیت الله اراکی» شرکت کردم و فلسفه و حکمت را از محضر «شهید مفتح»، «شهید مطهری» و دیگر اساتید حوزه بهره بردم.

در همان وقت به کار تبلیغ نیز مشغول بودم و در منزل، جلسات بحث و گفتگو پیرامون مسائل کلامی و اعتقادی هر هفته برقرار بود که تحت تعقیب ساواک قرار گرفته و منجر به تعطیل آن مجالس گردید تا پیروزی انقلاب و در همان اوائل پیروزی و انتخابات دوره اول و دوم مجلس از طرف مردم (آباده فارس) به نمایندگی مجلس شورای اسلامی انتخاب گردیدم و پس از اتمام دوره نمایندگی به قم و حوزه علمیه بازگشتم و به تدریس و تالیف پرداختم و اکنون به تدریس درس خارج فقه و اصول مشغول هستم.

نظری، خلیل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

خلیل نظری

محل تولد: کهگیلویه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۶/۱۶

زندگینامه علمی

از سال ۵۷ وارد مدرسه ابتدایی در روستای «آتشگاه» بخش لنده از استان کهگیلویه و بویر احمد شدم. دوره راهنمایی را در شهرستان «دهدشت» گذرانده و در سال ۶۵ - ۶۴ وارد حوزه علمیه حضرت ولی عصر (عج) شهرستان دهدشت شدم و بعد از یک سال یعنی سال تحصیلی ۶۶ - ۶۵ وارد حوزه علمیه قم در مدرسه رسالت شدم و در مدارس: «صدوق، امام صادق (ع) و دارالشفاء» سطح عالی را گذراندم.

در سال ۷۳ شروع به درس خارج فقه و اصول نموده ام و از محضر اساتیدی چون: «آیت الله العظمی مکارم شیرازی»، «وحید خراسانی»، «سبحانی»، «مرحوم وجدانی» و «میانجی» استفاده و کسب فیض نمودم. در سال ۱۳۷۹ به عنوان استاد و هیئت علمی

دانشگاه آزاد «ماهشهر» همکاری داشته و از آن تاریخ تا به حال در حوزه علمیه قم و دانشگاه پیام نور به عنوان استاد انجام وظیفه می‌نمایم.

نظمی تهرانی، ناصر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۸۴ - ۱۳۴۰ ق)، شاعر، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. پدرش از مأمورین دولت بود و پیوسته از شهری به شهر دیگری مأموریت می‌یافت، از این رو نظمی تحصیلات مقدماتی را در شهرهای مختلف به پایان رساند و تحصیلات متوسطه را در رشته‌ی ادبی در دبیرستان دارالفنون و سن لوئی گذراند. وی با مطبوعات همکاری نزدیک داشت و سردبیری چند روزنامه را به عهده گرفت و مجله‌ی هنری و سیاسی «عقیده» را در ۱۳۶۵ ق منتشر کرد. او از سنین جوانی به نظم شعر پرداخت. از دیگر آثار وی: «طاق کبود»؛ «شب مهتابی»؛ «معشوقه‌ی بی‌گناه»؛ «یادبودهای جوانی»؛ «تاتیانا»؛ «اسرار بغداد»؛ «گره‌ی سیاه»؛ «طلا- در کوه»؛ «این تو بودی»؛ «شبهای هند»؛ «پدری که پسر خود را می‌کشد»؛ «روح گمشده»، ترجمه؛ «طوفان زندگی»، ترجمه؛ «نگاه»، مجموعه‌ی شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۸ / ۲۰۵، ۱۲۱۲، ۱۱۵۷ / ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۶۶۶ - ۳۶۶۲ / ۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۳۵، ۳۳۰۸، ۳۰۵۴، ۲۹۱۷، ۲۷۱۳، ۲۴۴۵، ۲۳۹۸، ۲۲۷۰، ۲۲۶۵، ۲۰۹۴، ۱۷۶۷، ۱۷۴۹ / ۲، ۱۴۹۰، ۱۱۳۲، ۱۰۶۴، ۱۰۵۰، ۶۵۲، ۵۸۹، ۴۲۶، ۱ / ۱۹۶)، مؤلفین کتب چاپی (۵۲۳ - ۵۲۱ / ۶).

نظیف

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

القس، نظیف بن یمین. از پزشکان معاصر عضدالدوله‌ی دیلمی و از جمله‌ی بیست و چهار طبیبی بود که آن پادشاه آنان را در بیمارستان خود در بغداد به کار معالجه‌ی مریضان گماشته بود. کتابهای اقلیدسی را به عربی ترجمه کرد. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

نعمت پور، ناصر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ناصر نعمت پور

محل تولد: هشتروند

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱۰/۱

زندگینامه علمی

حقیر خود را لایق نوشتن یک زندگی نامه علمی نمی‌دانم زیرا که به فرموده آن استاد عزیز که درباره خودشان فرموده‌اند: «این کمترین درباره خود چه بنگارد که نه تألیفی شایان تعریف دارد و نه تضمینی سزاوار تعیین، نه عقده‌ای را به بنان خود گشوده است، نه مشکلی را به بیان خود حل کرده است. نه اهل حل و عقد است و نه مرد رتق و فتق، نه به مقامی واصل شده است و نه بهره‌ای از او حاصل - گویی درباره وی گفته‌اند: «نه شکوفه و نه برگی، نه ثمر، نه سایه دارم همه حیرتم که دهقان، به چه کاری کشت ما را» البته صدور این سخنان از آن عزیز، نشان دهنده معرفت و تواضع ایشان است. ولی اینجانب خود را به حقیقت فقیر می‌دانم ولی از آنجایی که جواب تحیت لازم و نوع ادب است؛ چند جمله‌ای در این موضوع می‌نگارم:

در حدود سال ۱۳۵۳ ه. ش بود که به طور دسته جمعی از منطقه «هشترود» از توابع آذربایجان شرقی به شهر مقدس قم هجرت کردیم و در اولین سال ورود به این شهر مقدس، تا سال ۱۳۵۹ شمسی مشغول گذراندن تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه بودیم و در سال ۱۳۶۰ ه. ش با توفیق ربانی و با مشورت با یکی از دوستان شهیدم، به طور رسمی وارد حوزه علمیه قم شدم، البته لازم به ذکر است که همه تحصیلات حوزوی حقیر، در شهر مقدس قم و در حوزه علمیه قم بوده است.

دروس ابتدایی حوزوی را در مدرسه علمیه «ابوالصدق» قم گذرانیدیم و در دروس مقدماتی از محضر اساتید گرانقدری همانند: (مرحوم حجة الاسلام دکتر ضیائی، حجة الاسلام نظری، مهدی‌زاده و دیگران) بهره بردیم. و دروس سطح مقدماتی از قبیل: لمعه، معالم، صرف، نحو، معانی بیان را در محضر اساتید بزرگوار از قبیل: استاد «آیت الله رضا استادی»، «سید احمد خاتمی»، «مرحوم حجة الاسلام وجدانی فخر»، «حجة الاسلام مدرس افغانی» و «استاد محمدی» بهره‌مند شدیم. تا آنجایی که یادم هست، کتاب ارث و بعضی کتب دیگر لمعه را پیش مرحوم «حجة الاسلام وجدانی فخر» تلمذ کردیم؛ در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی و کتاب حج را پیش استاد محترم «آیت الله رضا استادی» در مسجد امام رضا (ع) تلمذ نمودیم. و کتاب نکاح را پیش استاد «حجة الاسلام سید احمد خاتمی» و معالم الاصول را پیش استاد محترم «حجة الاسلام علی محمدی» بهره‌مند شدیم.

دروس سطح عالی حوزه را عمدتاً از محضر اساتید گرانقدرم حضرات آیات: «محموظی»، «محقق داماد»، «محسن دوزدوستانی»، «صلواتی»، «سید محمد حجت» و ... تلمذ نمودیم. و درس تفسیر قرآن را از محضر اساتید گرانقدر: مرحوم «طاهر شمس»، «مرحوم آیت الله معرفت» و «آیت الله شب زنده‌دار» فراگرفتیم. و درس اخلاق نظری را از محضر اساتید گرانقدر: «آیت الله مظاهری»، «آیت الله شب زنده‌دار» و «حجة الاسلام کربلائی» و درس اخلاق عملی را از محضر مقدس «آیت الله العظمی بهجت» بهره‌مند شدیم.

به هر حال در سال ۱۳۷۰ ه. ش دروس سطح حوزه را تمام کردیم و بعد وارد دروس خارج فقه و اصول که در آن زمان متداول بود؛ شدیم و از آن زمان تاکنون به فضل الهی در دروس خارج فقه و اصول بزرگان شرکت می‌کنیم و بهره ما از این خرمن با برکت چیده‌ایم. نزدیک چهارده سال است که در دروس خارج فقه و اصول حوزه شرکت می‌کنیم. به عنوان مثال: سه سال درس خارج فقه «آیت الله العظمی مکارم شیرازی» کتاب حدود و تعزیرات شرکت کردیم. و از سال ۱۳۷۵ الی سال ۱۳۸۵ ه. ش در درس خارج فقه مرحوم مغفور «آیت الله العظمی حاج شیخ جواد تبریزی» شرکت نمودیم، از کتاب تیمم تا کتاب الصلاة احکام الظل الواقع فی الصلوات و نزدیک یک دوره هم درس خارج اصول «آیت الله سبحانی» و بیش از ۵ سال است که در درس خارج اصول «آیت الله وحید خراسانی» شرکت می‌کنیم.

در طول این مدت، نزدیک دو سال، (تاریخ اسلام) را از محضر استاد «رسول جعفریان» و (آشنایی با کلام یهود، نصاری و ادیان زنده جهان) را نزد استاد «حسین توفیقی» و درس (اسفار) را نزد «استاد دکتر بهشتی، آیت الله سبحانی، آیت الله گرامی» و (کلام جدید) را از محضر استاد «دکتر مصطفی ملکیان» و (کلام قدیم) را از محضر «استاد سبحانی» و (منطق و برخی از معارف دینی) را از محضر «استاد ربانی» و (بدایه و نهاییه) را از محضر «استاد ممدوحی» و «رحمانی سبزواری» و (جغرافیای سیاسی) را از محضر «استاد کریم‌پور» بهره‌مند شدیم.

در این مدت با موفقیت، دوره تخصصی کلام را در موسسه امام صادق (ع) با معدل ۱۷ پایان بردیم و در تاریخ ۱۳۸۳/۴/۲۰ ه. ش از پایان‌نامه دکترای کلام خود دفاع کردیم و در بین سالهای ۱۳۷۸ الی ۱۳۸۰ در حدود چهار سال، معارف دینی و تاریخ اسلام را در دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تبریز تدریس کردیم و بیش از ۷ سال در برنامه طرح تابستانی دفتر تبلیغات شرکت کردیم و بیش از ۱۵ سال است که سابقه تبلیغ در شهرهای مختلف داریم. و فعلاً در حوزه مشغول تحصیل هستیم و به طور آزاد، برخی از کتب کلامی را تدریس می‌کنم و روحانی عمره هستم و توفیق خدمتگزاری در یکی از مساجد قم را نیز داریم. در این مدت، نوشته‌هایی را هم داریم از جمله:

۱. تقریرات درس خارج فقه مرحوم آیت الله تبریزی.
۲. تقریرات دروس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی.
۳. برهان نظم.
۴. توحید در عبادت از دیدگاه قرآن.
۵. پایان نامه سطح چهار حوزه - نقد و بررسی منابع اجتهاد اهل سنت و...

نعیمی جرجانی، ابومنصور، احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۱۵ ق)، حافظ، محدث و مورخ. اهل جرجان بود. از ابوبکر اسماعیلی و ابواحمد غطریفی و ابواحمد بن عدی و ابواحمد نیشابوری حافظ و ابوعمرو حیری و نصر بن عبدالملک اندلسی و دیگران روایت کرد. از آثارش «اخبار الجبل» است. این کتاب در «الانساب» سمعانی تحت نام «اخبار الجبل» و در «الاعلام» زرکلی به نام «اخبار الحیل» آمده است. از دیگر آثارش: «المجتبی»، در حدیث.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/۱۸۶)، انساب سمعانی (۵/۵۱۲)، سیر النبلاء (۱۷/۳۴۰)، معجم المؤلفین (۲/۴۶).

نفیس کرمانی، برهان‌الدین نفیس

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۸۵۳ ق)، طبیب. معروف به طبیب نفیس. وی در کرمان می‌زیست و از اطباء مشهور عهد خود بود که به سبب همین شهرت،

میرزا الغ بیگ بن شاهرخ تیموری او را به سمرقند احضار نمود. نفیس مدتی در این دیار در خدمت الغ بیگ به سر برد و شرح عربی کتاب «الاسباب والعلامات» نجیب‌الدین محمد بن علی سمرقندی را که از مهم‌ترین کتابهای طبی بود، به نام الغ بیگ در ۸۲۷ ق به پایان رسانید. پس از کشته شدن الغ بیگ (۸۵۳ ق)، وی به کرمان بازگشت و تا پایان عمر در آنجا ماند. از دیگر آثارش: رساله‌ای در «سمومات»، شرح «موجز القانون» علی بن ابی‌الحزم قرشی، که از بهترین شروح این کتاب است و برهان‌الدین آن را در ۸۴۱ ق در سمرقند به پایان رسانده است. این کتاب به «شرح نفیسی» نیز مشهور می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۹/۱۶)، اعیان‌الشیعه (۱۰/۲۲۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۴/۱۰۹)، حبیب‌السیر (۴/۳۵) الذریعه (۱۱۰، ۹۶-۹۵/۱۴، ۱۳/۸۲)، ریحانه (۱۲۷-۱۲۲/۶)، سرآمدان فرهنگ (۱/۲۲۲)، کشف‌الظنون (۱۹۰۰، ۷۷)، لغت‌نامه (ذیل / نفیس)، معجم‌المؤلفین (۱۳/۱۱۴).

نفیسی، سعید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۴-۱۲۷۴ ش)، نویسنده، مترجم، مورخ، مصحح، فرهنگ‌نویس، استاد دانشگاه، روزنامه‌نگار و شاعر. در تهران به دنیا آمد. خانواده‌ی پدری وی تا یازده پشت پزشک بودند و خود نواده‌ی حکیم برهان‌الدین نفیس، فرزند عوض کرمانی، صاحب «شرح اسباب». او تألیفات عدیده‌ای در طب داشت که برخی از آنها تا روزی که طب قدیم در ایران تدریس می‌شد، جزو کتب درسی بود. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس شرف و علمیه به پایان رساند و سپس برای ادامه‌ی تحصیل به اروپا رفت و تحصیلات خود را در سوئیس و پاریس ادامه داد. در ۱۲۹۷ ش به ایران بازگشت و به تدریس زبان فرانسه در دبیرستان‌های اقدسیه و سن‌لویی پرداخت و نیز در مدارس علوم سیاسی، دارالفنون، مدرسه‌ی عالی تجارت، مدرسه‌ی صنعتی (هنرستان دولتی)، دارالمعلمین عالی و پس از تأسیس دانشگاه تهران، در دانشکده‌ی حقوق و سپس ادبیات به تدریس اشتغال ورزید. همچنین در وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه مشغول خدمت شد و به مشاغل چندی دست یافت. او مدتی مدیریت مجله‌ی «فلاح و تجارت» و در ۱۳۰۱ ش سردبیری مجله‌ی ادبی «پرتو» با مدیریت میرزا محمدعلی خان واله خراسانی و مدتی مدیریت و نویسندگی مجله‌ی «شرق» و نیز ریاست اداره‌ی امتیازات (اداره‌ای که برای ایجاد مراکز صنعتی و فعالیت‌های معدنی و انتشار روزنامه‌ها و غیره مجوز صادر می‌کرد) را به عهده داشت. نفیسی همچنین برای تدریس در دانشگاه‌های کابل، قاهره و سن‌ژوزف به کشورهای افغانستان، مصر و لبنان سفر کرد. او در ۱۳۴۰ ش در رادیو برنامه‌ی یادداشتهای یک استاد را که راجع به شرح حال چند تن از بزرگان علم و ادب بود، به مدت دو سال اجرا کرد. نفیسی سرانجام در بیمارستان شوروی (میرزا کوچک خان جنگلی فعلی) درگذشت. از آثار وی: «آخرین یادگار نادرشاه»، نمایشنامه؛ «احوال و اشعار رودکی»؛ «ایران در صد و هفتاد سال اخیر»؛ «بابک خرم دین، دلاور آذربایجان»؛ «بحرین و حقوق هزار و هفتصد ساله ایران»؛ «پورسینا و زندگی و کار و اندیشه و روزگار او»؛ «تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره‌ی معاصر»؛ «تاریخ ادبیات روسی»؛ «تاریخ تمدن ایران ساسانی»؛ «تاریخچه‌ی ادبیات ایران»؛ «ستارگان سیاه»؛ «تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی»؛ «فرهنگ فرانسه به فارسی»؛ «فرهنگ نامه‌ی پارسی»؛ «ماه نخشب»؛ «فرنگیس»؛ «نیمه راه بهشت»؛ «آرزوهای بر باد رفته»؛ «ترجمه؛ «ایلیاد»، ترجمه؛ «تاریخ عمومی قرون معاصر»، ترجمه؛ «افسانه‌های گریلف»، ترجمه؛ «دیوان» شعر. [۱]

سعید فرزند علی اکبر ناظم‌الاطباء (و. ۱۲۷۴ ه.ش - ف. ۲۳ آبان ۱۳۴۵) از استادان و نویسندگان مشهور ایران. سالها در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران تاریخ تصوف و ملل و نحل و دروس دیگر را تدریس می‌کرد و در دانشگاه‌های خارج از کشور نیز مدتها به تدریس پرداخت. مقاله‌ها و کتابهای متعدد از او باقی است و از آثار مفید او باید احوال و اشعار رودکی را نام برد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آئینه‌ی میراث (س ۳، ش ۲ و ۳، ص ۶۹-۶۴)، از نیما تا روزگار ما (۲۷۱-۲۵۸)، تاریخ جراید (۷۱-۶۶/۳، ۵۰-۴۹/۲)، چهره‌های آشنا (۶۲۴-۶۲۳)، الذریه (۱۹/۳۲، ۲۱۸، ۲۱۲، ۱۶/۱۸۴، ۱۲/۱۴۱، ۹/۱۲۱۸)، ستارگان کرمان (۴۰۸-۳۹۶)، سخنوران نامی معاصر (۳۶۷۲-۳۶۶۷/۶)، سواد و بیاض (۵۳۳-۵۱۸)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۴۴۱، ۲۸۶۴، ۳۳۴۱)، ۲۴۳۴، ۲۴۰۹، ۲/۱۹۳۶، ۷۶۲، ۷۲۹، ۶۹۵، ۶۸۸، ۶۶۴، ۶۵۹، ۶۲۹، ۴۶۱، ۴۳۱، ۴۲۴، ۴۱۴، ۲۹۵، ۱۲۶، ۳۱، ۱/۹۱)، کلک (س ۱، ش ۹، ص ۱۰۷-۱۰۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳۳۸-۳۳۲/۳)، یغما (س ۱۹، ش ۹، ص ۴۹۵-۴۹۳).

نفیسی، علی اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ناظم‌الاطباء میرزا علی اکبرخان (و. کرمان ۱۲۶۳ ه.ق - ف. ۱۳۴۲ ه.ق) فرزند محمدحسن بن علی اکبر بن محمد بن محمد کاظم بن ابی‌القاسم بن محمد کاظم بن سعید شریف نفیسی. پزشک، ادیب و لغوی، تحصیلات مقدماتی را در کرمان فراگرفت، سپس به سال ۱۲۸۲ ه.ق به تهران آمد و به مدرسه‌ی دارالفنون رفت و در سال ۱۲۸۹ ه.ق فارغ‌التحصیل شد. سپس به ریاست مریضخانه‌ی دولتی منصوب شد و تا سال ۱۲۹۸ در این سمت باقی بود. در سال ۱۳۰۳ ه.ق به دعوت ظل‌السلطان به اصفهان رفت و دو سال بدانجا بود. در سال ۱۳۱۰ جزو اطبای حضور ناصرالدین شاه در آمد. او را تألیفات متعددی در طب و تشریح و لغت است. اثر معروف او فرنودسار (فرهنگ نفیسی) است.

لقب میرزا علی اکبرخان نفیسی (۱۲۶۳ ه.ق - ۱۳۴۲)، از اطبای معروف و دانشمند قرن چهاردهم و مؤلف فرهنگ نفیسی یا «فرنودسار». در کرمان تولد یافت. تحصیلات مقدماتی را در همان شهر به پایان رساند سپس به فراگرفتن حکمت الهی و فلسفه پرداخت و در دارالفنون تهران که تازه تأسیس شده بود به تحصیل طب پرداخت. در سال ۱۲۸۹ از آن مدرسه فارغ‌التحصیل شد و به تأسیس بیمارستان دولتی به سبک بیمارستانهای اروپا از طرف ناصرالدین شاه مأمور شد. تألیفات وی در طب شامل یک سلسله کتابهای سودمند است که یا خود مستقیماً نوشته و یا از کتب فرانسه ترجمه کرده است بدین قرار: ۱- کتابی در پاتولوژی و کلینیک جراحی. ۲- رساله‌ای در فیزیکی. ۳- رساله‌ای در جراحی، ۴- رساله‌ای در تراپوتیک. ۵- دو رساله در سوء هضم. ۶- کتابی بنام مذاکرات. علی اکبر نفیسی در نهضت‌های فرهنگی نیز پیشقدم بود. به «عضویت انجمن معارف» در آمد و مدرسه‌ی شرف را به روش مدارس اروپائی تأسیس کرد. مهمترین تألیف او کتاب فرهنگ نفیسی یا فرنودسار می‌باشد که بیست و پنج سال عمر خود را صرف آن کرد. نسخه‌ی اصلی این کتاب شامل چهار مجلد بزرگ است در ۳۳۱۷ صفحه و شامل ۹۹۵۵۲ لغت تازی و ۵۸۸۷۹ لغت فارسی است.

(۱۳۴۳/۱۳۴۲-۱۲۶۳ ق)، پزشک، نویسنده و مؤسس. ملقب به ناظم‌الاطباء. در کرمان به دنیا آمد. پس از تحصیلات مقدماتی در زادگاهش با مساعدت و کیل‌الملک، حاکم کرمان، جهت ادامه‌ی تحصیل به تهران آمد و در دارالفنون به تحصیل طب پرداخت. در ۱۲۸۵ ق قبل از اتمام دوره‌ی طب، طبابت هنگ مهندسی در تهران به او سپرده شد. وی بعد از فراغت از تحصیل به پیشنهاد میرزا

حسین خان مشیرالدوله، نخستین بیمارستان جدید را به روش اروپایی در ایران که همان مریضخانه‌ی دولتی (بیمارستان سینا) است، تأسیس کرد و خود ریاست آن را به عهده گرفت. وی رد مجلس حفظ الصحه (متشکل از پزشکان نامی شهر) که نخستین بار در تهران تشکیل شد، حضور داشت. او پس از کناره‌گیری از ریاست بیمارستان دولتی در ۱۲۹۸ ق با میرزا حسین خان مشیرالدوله به مشهد رفت و در آنجا بیمارستان رضوی را، از موقوفات آستان قدس رضوی، بنیان نهاد و آن دومین بیمارستان به روش اروپایی در ایران بود. از ۱۳۱۰ ق جزو اطبای ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه شد و به طبابت در دربار اشتغال ورزید. وی کتاب‌هایی در «پاتولوژی و کلینیک جراحی»، «فیزیکی»، «جراحی»، «تراپوتیک»، «تشریح» و دو رساله در «سوء هضم» تألیف کرده است. از دیگر آثارش: «پزشکی نامه»، نامه داروهای طب قدیم در برابر نامهای اروپایی؛ «تعلیمات ابتدایی»؛ «فرهنگ نفیسی»، در لغت، «نامه‌ی زبان آموز». [۱].

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ بیداری ایرانیان (مقدمه/ ۲۱۹- ۲۱۵)، دایرةالمعارف فارسی (۲/ ۲۹۹۴)، روز شمار تاریخ (۱/ ۱۳۳)، ریحانه (۱۲۳- ۱۲۱/ ۶)، شرح حال رجال (۲/ ۴۳۵)، فرهنگ نفیسی (۱/ مقدمه)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/ ۲۴۴۲)، لغت نامه (ذیل/ ناظم الاطباء)، مکارم الآثار (۱۷۰۲- ۱۷۰۱/ ۵) مؤلفین کتب چاپی (۵۴۹- ۵۴۷/ ۴)، یادگار (س ۳، ش ۴، ص ۶۵- ۵۲).

نفیسی، محسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

نقاش اصفهانی، ابوسعید محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۱۴ ق)، حافظ، محدث و فقیه حنبلی. در طلب حدیث به جاهای مختلف سفر کرد و در اصفهان از جد مادرش اش، احمد بن حسن بن ایوب تمیمی، و عبدالله بن عیسی خشاب و عبدالله بن جعفر بن فارس اصفهانی و احمد سمسار اصفهانی و ابواحمد عسال اصفهانی و همطبقه‌ی آنها و در بغداد از ابوبکر شافعی و ابن مقسم و ابوعلی بن صواف و در بصره از ابواسحاق هجیمی و فاروق خطایی و حبیب قزاز و در کوفه از قاضی نذیر محاربی و صباح بن محمد نهدی و در مرو از حاضر بن محمد فقیه و در جرجان از ابوبکر اسماعیلی و در هرات از ابوحامد حسویه و ابومنصور ازهری و در دینور از ابن السنی و از جماعتی دیگر در حریم و نیشابور و همدان و نهاوند حدیث شنید و شنیده‌های خود را جمع‌آوری کرد و تصنیفاتی به وجود آورد. او همچنین املائی حدیث نمود. فضل بن علی حنفی و ابوالعباس ابن اشته و ابومطیع صحاف و سلیمان حافظ و ابوالفتح سوزرجانی اصفهانی از وی روایت کرده‌اند. از آثارش: کتاب «القضاء» یا «القضاء والشهود»؛ کتاب «طبقات الصوفیة»؛ «مالی»، در حدیث.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۶۱ - ۷/۱۶۰)، تذکره الحفاظ (۱۰۶۱ - ۳/۱۰۵۹)، سیرالنبلاء (۳۰۸ - ۱۷/۳۰۷)، شذرات الذهب (۲۰۱/۳)، طبقات الحفاظ (۴۳۱)، العبر (۲/۲۲۸)، کشف الظنون (۱۱۰۴)، الوافی بالوفیات (۴/۱۱۹)، هدیة العارفين (۲/۶۲).

نقاش تبریزی، عبدالمومن

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س هفتم ق)، نقاش و طراح. نگارگری بامهارت بود که در گچ‌بری و طراحی نقوش هندسی و شیوه‌های اسلیمی مهارت فوق‌العاده‌ای داشت. از آثار به جا مانده‌ی این استاد، طراحی و گچ‌بری محراب مسجد جامع رضائیه است که در زمان ایلخانی آباقاخان مغول ساخته شده و به خطوط و ادعیه‌ی کوفی آرایش یافته و زمینه‌ی خطوط سوزن‌کاری شده و رقم نقاش به خط ثلث رقاعی چنین است: «عمل عبدالمؤمن بن شرفشاه النقاش التبریزی فی شهر ربیع الاخر سنه ست و سبعین ستمائه».

برگرفته از کتاب: آثار آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱/۳۴۶)، تاریخ هنرهای ملی (۱/۴۰۰)، فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی (۱۰).

نقاشباشی مزین الدوله، علی‌اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا علی‌اکبرخان نقاشباشی (مزین الدوله) در بیستم ربیع‌الثانی ۱۲۶۳ ق. در نطنز کاشان به دنیا آمد. به سن دوازده سالگی، در زمان ناصرالدین شاه، جزو نخستین دسته‌ی محصلین اعزامی، به پاریس رفت و از مدرسه‌ی هنرهای زیبا موفق به اخذ دیپلم شد. پس از پایان تحصیلات، مدتی نزد «انگر» به تکمیل هنر نقاشی پرداخت.

مزین الدوله پس از بازگشت به ایران، از طرف ناصرالدین شاه قاجار مأمور تدریس زبان فرانسه، موسیقی با نت و نقاشی در دارالفنون شد. کمال‌الملک غفاری و مصورالملک از جمله شاگردان وی در این زمان بودند.

مزین الدوله بنا به دستور ناصرالدین شاه مأموریت یافت تا برای نخستین بار تئاتری به شیوه‌ی اروپایی در ایران دایر کند. او برای این منظور تالار دارالفنون را انتخاب کرد. در همین دوره «مزین الدوله» نمایشنامه‌ی «مردم گریز» از مولیر را به روی صحنه آورد. ناصرالدین شاه در شب‌های نمایش برای تماشا به تالار نمایش می‌آمد.

مزین الدوله به ادبیات فرانسه آشنایی کامل داشت و در آکادمی فرانسه عضو بود. وی به دستور ناصرالدین شاه مأمور به ترجمه‌ی کتاب لغت فرانسه موسوم به «دیامان» به فارسی شد. این فرهنگ دارای پنجاه هزار لغت بود و پس از سی سال زحمت، در زمان سلطنت احمدشاه قاجار به پایان رسید، ولی به سبب فقر مالی ایران، موفق به چاپ آن نشدند. سفیر فرانسه در ایران تقاضا کرد تا فرهنگ را برای چاپ و استفاده در مدرسه‌ی زبان‌های شرقی، به فرانسه فرستند. این کتاب لغت به «مزین اللغه» موسوم است.

مزین الدوله به سال ۱۳۱۲ شمسی در سن ۸۹ سالگی در تهران درگذشت. از آثار نقاشی مرحوم مزین الدوله در موزه‌ی کاخ گلستان نگهداری می‌شود. بعضی از نشان‌های وی که از کشورهای خارج دریافت کرده، در زیر می‌آید: نشان درجه یک لژیون دونور، نشان بزرگ زیتون فرانسه از ناپلئون سوم، صلیب آبی از ویلهلم پادشاه آلمان، «سنت استانیلاس» از تزار روسیه، نشان ویکتوریا از

پادشاه انگلستان، نشان درجه یک علمی از فرانسوا ژوزف پادشاه اتریش.

مزمین الدوله را باید نخستین معلم زبان فرانسه، موسیقی با نت و نقاشی با اصول اروپایی و بنیانگذار تئاتر به شیوه‌ی غربی در ایران دانست.

میرزا علی اکبرخان مزمین الدوله، تعداد دو جلد کتاب مربوط به هارمونی و تئوری موسیقی که نوشته‌ی لومر فرانسوی است به فارسی ترجمه کرد که در چاپخانه دارالفنون به چاپ رسید، و این نخستین کتاب تئوری موسیقی است که به فارسی برگردانده شده است. برگرفته از کتاب: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد دوم)

نقدعلی فروشانی، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیرضا نقدعلی فروشانی

محل تولد: خمینی شهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۴۹ در «خمینی شهر» اصفهان متولد شدم. و دوران ابتدایی و راهنمایی را در این شهر سپری کردم. به علت علاقه‌ای که مادرم به علوم دینی داشت؛ همزمان با آغاز دوران دبیرستان مرا نزد مرحوم «آیت الله امامی» که از اساتید برجسته بود؛ بردند و با ایشان علوم حوزوی را آغاز کردم. پس از اینکه در کنکور رشته ریاضی امتیاز عالی (رتبه زیر ۱۰۰) آوردم؛ برادر بزرگترم اصرار داشت که در رشته «مهندسی برق» در دانشگاه، ادامه تحصیل دهم و مادرم اصرار داشت که بنده یک مجتهد و عالم دینی شوم. با مشاوره‌ای که با مرحوم «امامی» انجام شد، بنا شد با پایان دوره لیسانس «مهندسی برق در دانشگاه صنعتی اصفهان»، دروس سطح حوزه نیز به اتمام برسد. و بنده به علت علاقه‌ای که به علوم دینی پیدا کردم؛ دروس فنی را در مقطع فوق لیسانس ادامه ندادم و به قم آمدم.

از سال ۷۱ تا ۷۶ در دروس خارج فقه مرحوم «حضرت آیت الله جواد تبریزی»، و اصول «حضرت آیت الله وحید» شرکت کردم. همزمان به علت علاقه‌ای که به فلسفه داشتم؛ به درس اسفار و نیز واحدالربوبیه (استادحشمت پور) می‌رفتم. همچنین در سال ۷۵ به علت علاقه‌ای که در مطالعات ادیان داشتم و قبلاً از طریق دکتر «محمود بینا» در دانشگاه صنعتی با ادیان هند و مسیحیت آشنائی پیدا کرده بودم؛ جذب مرکز ادیان و مذاهب شدم و فعلاً به عنوان مدرس و عضو هیئت علمی این مرکز مشغولم. هم اکنون تدریس فلسفه برای دانشجویان مقطع فوق لیسانس رشته «دین پژوهی» را مشغولم. در ضمن، کتاب: «فلسفه یهودی در قرون وسطی» توسط بنده ترجمه شده و نیز کتاب: «گرایشهای اصلی عرفان یهود» نیز آماده چاپ است. تعدادی مقالات در زمینه (عرفان اسلامی)، (فلسفه اسلامی)، (عرفان یهودی) و (ادیان ابراهیم و هند) نوشته‌ام.

نقره کار نیشابوری، جمال‌الدین عبدالله

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۷۷۶-۷۰۶ ق)، فقیه، اصولی و نحوی. موصوف به شریف. وی در علوم عربی و اصول فقه تبحر داشت. مدتی در دمشق و قاهره ساکن و عهده‌دار مشیخت بعضی از خانقاه‌ها بود. او به تدریس در مدرسه‌ی اسدی‌ی حلب از بزرگترین مدارس شافعیان پرداخت. بعضی این مدرسه را به اسدی‌ه خارج دمشق که اختصاص به حنفیان داشت حمل کرده‌اند، لذا برخی مذهب او را شافعی و برخی حنفی دانسته‌اند. لیکن به آورده‌ی «ریحانة‌الادب»، قرائن حنفی بودنش ارجح می‌باشد و اما چون گاهی اظهار تشیع می‌کرد، محقق کرکی او را از دانشمندان امامی دانسته است. از آثارش: شرح «منارالانوار» ابوالبرکات نسفی، در اصول، شرح «التسهیل»، در نحو، شرح «الشافیة» ابن حاجب، در صرف، «العباب»، در شرح «اللباب» تاج‌الدین محمد اسفراینی، در نحو، شرح «تلخیص‌المفتاح»، در بلاغت؛ شرح «تنقیح‌الاصول»، در اصول فقه، شرح «قصیده‌ی بانث سعاد»، شرح «الفوائد الغیائیة» عضدالدین ایجی، در معانی و بیان؛ شرح «حرز‌الامانی» شاطبی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۷۲-۲۷۱/۴)، ریحانه (۲۳۰-۲۲۹/۶)، شذرات الذهب (۲۴۲/۶)، کشف‌الظنون (۱۵۴۴، ۱۳۳۰، ۱۳۰۰، ۱۰۲۱، ۶۴۹، ۴۹۹، ۴۷۷)، معجم‌المؤلفین (۱۰۸/۶)، هدیه‌العارفین (۴۶۷/۱).

نقشینه، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: آسیب‌شناسی دامپزشکی، دانشکده: دامپزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

نقوی، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدتقی فرزند حاج سید باقر نقوی از افاضل دانشمندان و گویندگان معاصر تهران است. وی در سال ۱۳۴۸ قمری در شهر قائن به دنیا آمده و در بیت سیادت پرورش یافته و مقدمات را در قائن خوانده، سپس در سن ۱۶ سالگی در سال ۱۳۶۴ قمری به مشهد عزیمت نموده و در مدرسه ابدال خان اقامت و ادبیات را نزد مرحوم ادیب نیشابوری با تمام رسانیده و سطوح وسطی و نهائی را در خدمت مرحوم حاج سید احمد مدرس یزدی و کفایه و مکاسب را از مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی و حاج میرزا حسین فقیه سبزواری آموخته و رسائل را از مرحوم حاج شیخ کاظم دامغانی فراگرفته و پس از آن به قم آمده و مدت یکسال اقامت و از محضر

آیات استفاده نموده و در سال ۱۳۶۸ قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و مدت هشت سال اقامت و از محضر آیات عظام مرحوم حاج سید محمود شاهرودی و حاج میرزا باقر زنجانی استفاده نموده و عمده فقه را از مرحوم آیت‌الله العظمی حکیم استفاده نموده و عمده اصول را از آیت‌الله العظمی خوئی مدظله آموخته و در سال ۱۳۷۶ قمری به ایران مراجعت و به زادگان خود قائنات رفته و مدت دوازده سال در آن سامان به خدمات دینی اشتغال داشته و در سال ۱۳۸۸ قمری مهاجرت به تهران نموده و به خدمات دینی و تبلیغ اسلام و ترویج مذهب و نشر معارف اسلامی از طریق منبر و جلسات مذهبی پرداخته است دارای تألیفات و آثار ارزشمندی هستند که از نظر عزیزان می‌گذرانم.

۱- شرح نهج البلاغه در ۲۵ جلد که هفت جلد آن مطبوع و بقیه مخطوط می‌باشد.

۲- شرح دعاء کمیل فارسی مطبوع.

۳- شرح خطبه فدک مخطوط.

۴- شرح دعاء عرفه فارسی.

۵- شرح خطبه غدیریه فارسی مخطوط.

۶- تفسیر قرآن که در دست تألیف دارند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

نقیب‌الممالک

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا محمدعلی نقیب‌الممالک، نقال ناصرالدین شاه، که داستان امیرارسلان ساخته‌ی فکر او است و دو داستان دیگر به نام ملک جمشید و زرین‌ملک دارد.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

نقیب‌زاده، عبدالحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فلسفه، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تربیت معلم تهران
خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای فلسفه از دانشگاه تربیت معلم تهران.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آموزش فلسفه، فلسفه تربیتی افلاطون، روسو و دیوئی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

فلسفه و آموزش و پرورش.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

فلسفه.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

نقیبی، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید حسن نقیبی

محل تولد: همدان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۵/۴/۱۹

زندگینامه علمی

اینجانب سید حسن نقیبی فرزند سید یوسف در روستای «کاج» از توابع شهرستان «رزن همدان» در تاریخ ۱۹ تیر سال ۱۳۱۵ به دنیا آمده‌ام. در نوجوانی قرآن و کلاس اول را خدمت برادر بزرگ و بزرگوارم آقا سید علی اصغر حوائجی (باب الحوائجی) خواندم. سال ۱۳۲۸ در «وتبان بوسعید کاج» (همان زادگاهم) کلاس دوم، سوم و چهارم را خواندم. سپس برای ادامه تحصیل، کلاس پنجم و ششم را در «وتبان بدرقروه» پایان بردم. پس از وقفه‌ای چند ماهه، به همدان مدرسه «مرحوم شیخ محمد علی دامغانی» رفته، دروس حوزوی را شروع نمودم.

از اواخر سال ۱۳۳۳ ش تا ۱۳۳۷ در همدان «جامع المقدمات، سیوطی و حاشیه ملا عبدالله» را به پایان رساندم، در سال مزبور به نجف اشرف هجرت نمودم و دروس تکمیلی سطح را در آن حوزه مقدس ادامه دادم. سپس به درس خارج آیات عظام: «خوئی»، «صدر»، «بروجردی» و «سیستانی» راه یافتیم و از همه این بزرگان در خور استعداد خود بهره‌مند شدم. سال ۱۳۵۰ که به ایرانیان ۷ روز مهلت دادند که خاک عراق را ترک گویند؛ به ناچار در همان زمستان از نجف اشرف به قم مهاجرت نمودم و از آن تاریخ در قم هستم. به طور فشرده عرض کنم که در تمام طول عمر در حد قرآن فعال بودم. چه در زمینه تدریس، چه در زمینه تبلیغ، چه در صحنه

تحقیق و چه در کارهای اجرائی به مدت دو سال در حوزه «فارسان شهر کرد» مشغول تدریس دروس حوزوی بودم و شش سال در حوزه شهر «نطنز» تنهای تنها دروس آن حوزه را حداقل روزی ۶ درس اداره می کردم. از سال ۷۲ در بخش فرهنگی آستان مقدس حضرت معصومه (س) به عنوان محقق، فهرست نویسی کتب خطی مشغول به کارم. به زبان نیز تا حدی تسلط دارم: «فارسی»، «ترکی» و «عربی». اکنون که در سنین بالا هفتاد هستم تا حد توان از تبلیغ رفتن و تلاش علمی ... دست نکشیده‌ام.

نکبونی، ابوزکریا یحیی

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۴۳ ق)، حافظ، محدث و مفسر. اصلش از بیند ماوراءالنهر و ساکن قریه نکبون، از قرای بخارا بود. در طلب حدیث به عراق و حجاز سفر کرد. از فرزندش، حسین بن یحیی بیکندی، و اسحاق بن سلیمان رازی و عبدالرزاق بن همام و محمد بن عبدالله انصاری و مروان بن معاویه فزاری و معاذ بن هشام دستوایی و یزید بن هارون و سفیان بن عیینه و محمد بن فضیل بن غزوان و وکیع بن جراح و ابو معاویه محمد بن حازم ضریر و همطبقه‌ی آنها حدیث شنید. فرزندش، حسین بن یحیی بیکندی، و محمد بن اسماعیل بخاری و عبیدالله بن واصل و خلف بن عامر و ابوجعفر احمد بن یونس بن جنید و ابومعشر حمدویه مستملی بخاری و سربج بن موسی مؤذن و سهل بن بشر کنندی و سهیل بن سهل مؤذن و عبدالله شیبانی و عبیدالله بن واصل بیکندی و علی بن حسن نجاد و ابوجعفر بن ابی حاتم وراق بخاری و محمد بن عبدالله سعدی از وی روایت کرده‌اند. از آثارش: «تفسیر القرآن». سمعانی در «الانساب» تصنیفاتی، در «صوم» و «صلاة»، و «مناسک» و «معاملات»، برای وی ذکر کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵/۵۲۲)، تذکره الحفاظ (۲/۴۸۷)، تهذیب التهذیب (۱۱/۱۷۰)، تهذیب الکمال (۴۹-۴۸/۲۰)، الثقات (۹/۲۶۸)، سیر النبلاء (۱۰۱-۱۰۲/۱۲)، طبقات الحفاظ (۲۳۵)، هدیة العارفین (۲/۵۱۵).

نکوگویان خیاط، رجبعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ رجبعلی نکوگویان خیاط (شیخ رجبعلی خیاط) در ۱۳۶۲ ه. ق در خانواده ای فقیر تهران متولد شد. پدرش که کارگری ساده بود، در ۱۲ سالگی درگذشت و رجبعلی از همان زمان تا زمان وفات به خیاطی پرداخت تا امرار معاش نماید. شیخ رجبعلی خیاط به جز سواد خواندن و نوشتنکه برای مطالعه دواین شعرای عارفی چون حافظ شیرازی و ملا احمد نراقی، تحصیلاتی رسمی نداشته است. یا حداقل از آن اطلاعی در دست نیست. بلکه عرفان را به طور عملی و تجربی آموخته است. چنانکه در سن ۲۲ سالگی در ماجرای، با مقاومت در برابر گناه و هوای نفس، به مقامات و کراماتی نائل گردید که بعدها شاگردان بسیاری چون دکتر علی مدرسی، دکتر حمید فرزام و علی رافعی رابه گردوی جمع کرد. وی در سال ۱۳۴۰ ه. ق درگذشت و در جوار مزار ابن بابویه درری مدفون گردید. گروه: علوم انسانیرشته: الهیات و معارف اسلامیکرایش: عرفان عملیوالدین و انساب: پدر رجبعلی نکوگویان

خیاط، کارگر ساده ای بود که به هنگام دوازده سالگی دارفانی را وداع گفت. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: پدر شیخ رجبعلی نکوگویان خیاط کارگر ساده ای بود که دوازده سالگی رجبعلی را تنها گذاشت. تحصیلات رسمی و حرفه ای: رجبعلی نکوگویان خیاط هیچ گونه، تحصیلات رسمی برخوردار نبود بلکه تنها به کمک سواد خواندن و نوشتن خود به مطالعه آثار شعرای عارف بو یزه حافظ شیرازی و نیز کتاب طاق‌دیس ملاحمد نراقی می پرداخت. خاطرات و وقایع تحصیل: رجبعلی نکوگویان خیاط در سن ۱۲ سالگی پدر خود را از دست داد و برای گذراندن شغل خیاطی را پیشه خود کرد و تا آخر عمر به این کار اشتغال داشت. استادان و مربیان: رجبعلی نکوگویان خیاط مربی خاصی در مسیر عرفان نداشت بلکه به تعبیر شاگردانش به اطاعت محض از رهنمودهای اهل بیت لغایت می نمود و نیز در مسائل شرعی از آیت الله حجت تقلید می کرد. هم دوره ای ها و همکاران: عبد الکریم روشن از شاگردان و همقدمان رجبعلی نکوگویان خیاط بوده است. همسر و فرزندان: حاج محمود آقا، فرزند رجبعلی نکوگویان خیاط است که نقل می کند: شیخ گاهی به من می گفت: می روی مثلا ۳ ریال پلوی حزی و ۲ ریال دیگرش را از جگرکی آب جگر می گیری و این غذای شیخ بود. شیخ بد لقمه حلال و بی شبهه بسیار اهمیت می داد. وقایع میانسالی: رجبعلی نکوگویان خیاط در حدود ۲۳ سالگی در ماجرای یوسف گونه، با مقاومت در برابر گناه و هوای نفس، از سوی خداوند بصیرت و بینایی یافت و دیده برزخی اش روشن شد و برخی اسرار برای او کشف شد. زمان و علت فوت: رجبعلی نکوگویان خیاط پس از عمری ۷۸ ساله، در بیست و دوم شهریور سال ۱۳۴۰ شمسی کالبد خالی را وا گذاشت و به دیدار معشوق شتافت. مزار او در ابن بابویه است. فعالیتهای آموزشی: رجبعلی نکوگویان خیاط بیشتر دعا‌های صحیفه را می خواندند و تکرار می کردند. در طول هفته به مناسبت‌هایی دعا را تغییر می دادند. دعاها را با یک حال می خواندند که همه از منقلب می کرد. بیشتر دعای خمسسه عشر را می خواندند. گاهی روی بعضی از فرازها تکیه می کردند و آن جمله‌ها را به تکرار می گفتند. جمله‌هایی مثل: الهی و ربی، یامن اسمه دواو ذکره شفا. و از این قبیل بیشتر وقت‌ها این دعا را می خواندند: پروردگارا: ما را برای لقای خودت آماده کن و تعلیم بده. می فرمودند: رفقا! اگر من این دعاها را تکرار می کنم برای این است که قدر خودتان را بدانید تا هوای نفس شمارا از راه نبرد. سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: رجبعلی نکوگویان خیاط در زمانی که جوانتر بود صدای عجیب و گیرایی داشت که همه را منقلب می کرد. دعاها و ولحن شیخ کشش خاصی داشت. او به سوز و حالی دعا می کرد که حتی درود یوار نیز به لرزه در آمد. شیخ که حالات عرفانی خاصی داشت به اطرافیان سفارش می کرد که نماز را به عشق بهشت و از ترس جهنم نخوانند و به که نماز را به عشق خود خدا بخوانید. او می گفت: گراز دوست، چشم بر احسان اوست، تو در بند خویش نه در بند دوست، شاگردان: یکی از معروفترین شاگرد رجبعلی نکوگویان خیاط، دکتر مرحوم فرزام، استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه اصفهان و دانشگاه تهران است. دکتر ابوالحسن شیخ، مدیر گروه شیمی دانشگاه تهران و پدر شیمی ایرن نیز از جمله شاگردان نکوگویان بودند. صنوبری نیز از شاگردان مهم شیخ هستند. شاگردان شیخ، دکتر گویا. دکتر مدرسی، دکتر میرمطهری، مهندس فروغی زاده و دکتر خوانساری هستند. همفکران فرد: جناب رنجی یکی از همفکران و دوستان نکوگویان بود. رنجی شاعر خوش صدایی بود و غزلیات عرفانی بسیار خوبی می گفت. وقتی رنجی مرثیه می خواند، نکوگویان بغض کرد و گریه می کرد. یکی دیگر از همفکران خیاط. استاد عبد الکریم روشن بود. این دو نسبت به هم ارادت داشته و در جلسه درس یکدیگر حاضر می شدند. به طوری که شیخ رجبعلی از استاد روشن خواسته است که بعد از فوتشان، جلساتی برای شاگردانشان داشته باشد که مقبول روشن نیز قرار گرفت. آرا و گرایشهای خاص: رجبعلی نکوگویان خیاط به حافظ ارادت فراوانی داشت و در میان همه گویندگان و همه عرفانی زمان، حافظ را سرآمد می دانست و به هر مناسبتی شعر زیبایی از او می خواندند و به تعبیرات عرفانی خودشان متوسل می شدند. شیخ احضار ارواح می دانست و طی الارض داشتند و شیخ با اینکه خود اهل کشف و شهود و کرامات متعدد می بود، سیرو سلوکش، تعبد محض از رهنمودهای اهل بیت بود و در مسائل شرعی از آیت الله حجت تقلید می کرد. وی بسیار مهربان، متین،

بی اعتنا به دنیا و دارای کمالات معنوی بود .

منابع زندگینامه: مقام شیخ و عرفان، یادنامه شیخ رجبعلی خیاط نکوگویان در گفت و گو با دکتر علی رافعی . ماهنامه کیهان فرهنگی . سال بیستم شهریور ۱۳۸۲ ، پیاپی ۲۰۳ ، ص ۶

نکونام، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی نکونام

محل تولد : گلپایگان

شهرت : نکونام گلپایگانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

حجۀ الاسلام و المسلمین علی نکونام گلپایگانی در سال ۱۳۲۳ هجری شمسی در «سعید آباد گلپایگان» چشم به جهان گشود. پدرش کشاورز بود و انس بسیاری با قرآن و نماز شب داشت؛ بطوری که بر قرآن تسلط بسیاری داشت و هر آیه‌ای که می‌خواندند، سوره آن را می‌دانست. مادرش خانمی مجتهد و از خانواده‌ای روحانی بود. استاد نکونام در چنین خانواده‌ای بزرگ شد و پدر مادرش در شکل‌گیری شخصیت او سهم بسزایی داشته‌اند. ایشان تحصیلات خود را از مکتب خانه آغاز کرد و پس از فراگیری روخوانی قرآن مجید به دبستان رفت. او دروس دوره دبستان را به پایان برد و سپس دروس دینی را آغاز کرد. ابتدا به حوزه علمیه اراک رفت و پس از سه سال (یعنی در سال ۱۳۴۰) به قم عزیمت کرد. هدف او از استقرار در قم بهره‌مندی بیشتر و بهتر از استادان و فرزندان آن دیار عالم خیز بود.

او به سرعت دروس مقدمات و دروس دوره سطح را به پایان برد و در درس خارج فقه و اصول استادان مشهور دوره خود حضور پیدا کرد. در طی این سالها در درس اخلاق استادانی چون: «آقا سید حسین فاطمی» و «آقای حاج شیخ عباس تهرانی» شرکت جدی داشت تا علم خود را با عمل توأمان سازد. استاد نکونام در طول دوران تحصیل به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد. او که دروس ادبیات را در اراک در محضر استاد «رفیعی» و نیز منطق را در محضر استادان «رفیعی» و «احمدی» فرا گرفته بود. در قم در درس شرح لمعه استادان حضرات آیات و حجج اسلام: «صلواتی»، «حرم پناهی»، «سید ابوالفضل موسوی تبریزی» و «علم الهدی مشهدی» حاضر شد و قوانین را نزد «آیه الله اعتمادی» و کفایه را نزد آیات عظام: «فاضل لنکرانی» و «نوری همدانی» و نیز مکاسب را نزد «آیت الله خزعلی» آموخت. در بخش دروس خارج نیز سالها در درس فقه «آیت الله العظمی گلپایگانی (ره)» و درس اصول «آیت الله العظمی وحید خراسانی» شرکت کرد. در بخش علوم عقلی نیز در درس شرح منظومه استاد «انصاری شیرازی» و درس اسفار «آیت الله جوادی آملی» حضور داشت.

ایشان در طی سالیان تحصیل با فضیلتی بسیاری دوست بود و دروس خود را مباحثه کرد که از جمله آنان می‌توان به آقایان: محمدی گلپایگانی (مسئول دفتر مقام معظم رهبری)، حسینی، رهبر و محمدی اشاره کرد. استاد نکونام در عرصه علم و فرهنگ،

خدمات بسیار دارد. او سالها برای تبلیغ به شهرها و روستاهای مختلف کشور سفر کرده و مردمان بسیاری را با احکام اسلام آشنا ساخته است. او بیش از سی و پنج سال است که به تدریس دوره سطح می‌پردازد و از این راه طلاب بسیاری را تربیت کرده که بسیاری از آنها خود، از مدرسان حوزه علمیه قم به شمار می‌آیند.

وی از سال ۱۳۶۷ تاکنون در دانشگاه قم نیز به تدریس پرداخته است. همچنین وی سالها استاد راهنمای مدارج علمی شورای مدیریت برای پایان نامه نویسی بوده است و هم اکنون بیش از بیست سال است به تدریس مکاسب و کفایه اشتغال دارد. استاد نکنونام در انقلاب همواره از سیل خروشان ملت ایران در برقراری نظام اسلامی و تحکیم پایه‌های آن جدا نبوده و در مواقع نیاز انجام وظیفه نموده است. ایشان هم اکنون از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و به تدریس و تربیت طلاب اشتغال دارد.

نگارش، حمید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حمید نگارش

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

حجة الاسلام و المسلمین دکتر حمید نگارش عضو هیئت علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی با رتبه استاد یاری و استاد دانشگاه صنعتی شریف می‌باشند. فعالیت‌های نامبرده اجماًلاً به شرح ذیل می‌باشد: فعالیت‌های آموزشی: مدت ۲۲ سال تدریس دوس؛ «معارف اسلامی»، «اخلاق اسلامی»، «انقلاب اسلامی و ریشه‌ها»، «تاریخ اسلام»، «کلام اسلامی»، «انسان‌شناسی»، «متون اسلامی» و ... را در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی همچون: «دانشگاه شهید بهشتی»، «دانشگاه هوایی»، «دانشگاه امام حسین علیه السلام»، «دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن»، «مرکز مدیریت حوزه علمیه قم (طرح هجرت)»، «دانشگاه پیام نور»، «مرکز عالی رسته ای نیروی هوایی ارتش»، «دانشگاه صنعتی شریف» و ... داشته‌اند (از سال ۶۲ تا به حال). همچنین نامبرده دروس حوزوی سطح یک، دو و سه را در مدارس علمیه تهران و قم تدریس داشته‌اند.

نمازی اصفهانی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود نمازی اصفهانی

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمود نمازی اصفهانی فروردین ماه سال ۱۳۴۱ شمسی در خانواده ای مذهبی در شهر اصفهان متولد و دوره ابتدائی، متوسطه و دبیرستان را در همان شهر گذراندم. شهریورماه ۱۳۵۶ با معرفی حضرت «آیه الله فاضل اصفهانی»؛ استاد حوزه علمیه اصفهان و امام جماعت مسجد محله تلاوژگان اصفهان، به مرحوم «آیه الله قدوسی» (رحمهما الله)، وارد حوزه علمیه قم شده، مقدمات و سطح را تا سال ۱۳۶۴ نزد اساتید بزرگ و حضرات حجج اسلام: «مدرس افغانی»، «مسعودی»، «اعتمادی»، «پایانی»، «ستوده»، «شب زنده دار»، «فیاضی» و آیات عظام: «خرازی»، «اشتهاردی» و «فاضل لنکرانی» به پایان بردم.

دروس سطح عالی حوزه، خارج فقه و اصول را نیز به مدت ۷ سال تا سال ۱۳۷۱ از محضر اساتید و آیات عظام: «بهجت»، «مکارم شیرازی»، «سید محمود هاشمی شاهرودی»، «سید کاظم حائری»، «میرزا جواد تبریزی» و «استادی» بهره بردم. در طول تمام این سالها و سالهای بعد، این افتخار را داشتم که پیوسته از محضر پر برکت دروس اخلاق «حضرت آیه الله مصباح»، «آیه الله بهجت» و «آیه الله مظاهری اصفهانی» کسب فیض کنم.

همزمان با دروس حوزه از سال ۱۳۵۸ در برنامه ی آموزشی موسسه در راه حق که با نظارت اساتید و حضرات آیات عظام: «مصباح یزدی، خرازی و مظاهری» اداره می شد؛ دروس مطالعات موضوعی قرآن کریم، فلسفه: (بدایه الحکمه، نهایه الحکمه، شفا و دروس فلسفه) را نزد «آیه الله مصباح» و دروس عمومی: (جامعه شناسی، روانشناسی، حقوق، علوم تربیتی و اقتصاد اسلامی) را نزد اساتید آن دوره تلمذ نمودم. در این دوره موفق به اخذ دو معادل لیسانس از موسسه در راه حق در زمینه «مطالعات اسلامی» و در سالهای بعد معادل لیسانس «فقه و حقوق اسلامی» از مرکز مدیریت حوزه شدم.

از سال ۱۳۶۲ تا سال ۱۳۶۸ دوره کارشناسی ارشد پیوسته اقتصاد را در بنیاد عالی فرهنگی باقرالعلوم (ع) با موفقیت به پایان بردم و مدرک معادل فوق لیسانس پیوسته رشته اقتصاد را (که معادل ۱۴۶ واحد درسی دانشگاهی بود) از این موسسه دریافت کردم. سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۱ را به پژوهش در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه مشغول بودم که حاصل این دوره؛ کتاب چاپ نشده: «پول و بانک در اقتصاد اسلامی» و مقاله: «سیاستهای باز سازی در کلام امام» است که موفق به دریافت جایزه وزیر علوم و فن آوری وقت: آقای معین شد که با همکاری همکاران بود. مقاله در همان زمان در مجموعه مقالات سمینار باز سازی اقتصاد اسلامی به چاپ رسید. بخشهایی از کتاب نیز در سالهای بعد به چاپ رسید.

سال ۱۳۷۱ همراه با تعدادی از دوستان با نظارت استاد بزرگوار «حضرت آیه الله مصباح یزدی» تحت اشراف بنیاد عالی فرهنگی باقرالعلوم (ع) که در سال ۱۳۷۵ به موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) تغییر یافت؛ موفق به اخذ پذیرش از دانشگاه «مک گیل شهر مونترال» در کشور کانادا شدم، دوره کارشناسی ارشد و دکتری را در رشته «فلسفه و فلسفه عرفان» در این دانشگاه تا سال ۱۳۷۹ با نمره ممتاز به پایان بردم. سالهای ۷۳ تا ۷۸ هر سال در کنفرانس های سالانه فلسفه شهر «بینگهمن آمریکا» شرکت فعال همراه با ارائه مقاله داشته ام، در این کنفرانس ها، ضمن آشنایی با اساتید و پروفیسورهای فلسفه، عرفان، دین شناسی و کلام اروپا و آمریکا، بحثهای علمی تطبیقی فلسفه و کلام اسلامی طرح و پی گیری می شد که ضمن استقبال آنها موجب نشر تفکر فلسفی کلامی شیعه نیز می شد.

سالهای اقامت در کشور کانادا به فعالیتهای مذهبی هم به جد اشتغال داشته و سخنرانی های متعددی را در ابعاد مختلف معارف اسلامی برای عموم مردم و دانشجویان دانشگاه های مهم شهرهای: «کبک» (دانشگاه لاوال)، اتاوا (دانشگاه اتاوا)، تورنتو (دانشگاه تورنتو)، کانادا» و شهرهای: «واشنگتن، نیویورک و یوستن (تکزاس) آمریکا» داشته ام. در این راستا پیوسته مشمول عنایات مولی و سرور کائنات امام مهدی علیه السلام بوده و از توجهات آن عزیز گمگشته خوشه ها چیده ام.

در دوران تحصیل در کانادا «کارشناسی ارشد و دکتری»، موفق به نوشتن بیش از بیست مقاله درسی و کنفراسی انگلیسی به غیر از رساله کارشناسی ارشد و رساله دکتری (که به اختصار مطالب آنها را به فارسی و انگلیسی و فرانسه در ضمیمه خواهم آورد) شده ام و از زمان برگشت به ایران در سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۸۶ مدت ۷ سال به عنوان عضو هیئت علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، مشغول تدریس و تحقیق می باشم. کتاب «مدخلی بر فلسفه عرفان: علیت و وحدت وجود از دیدگاه ملا صدرا» و مقاله «مفهوم و خاستگاه تجربه دینی و ویژگیهای تجربه دینی» و مقاله انگلیسی «رابطه عقل و وحی از دیدگاه سید حیدر آملی» حاصل تحقیقات این دوره و تدریس تاریخ فلسفه معاصر، کلام جدید و مبانی نظری علم اخلاق اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد، کارشناسی و دکتری و استاد راهنما، مشاور و یا داور رساله های کارشناسی ارشد رشته های «دین شناسی، کلام، فلسفه» و راهنمایی و نظارت بر ده ها رساله کوچک و بزرگ کلاس های ارشد و کارشناسی و نیز نظارت بر تهیه و ارائه ده ها گزارش فنی از کتب رشته های یاد شده؛ بخشی از کارهایم در بخش آموزش بوده است. در پنج سال اخیر، طرحهای متعددی را نیز نظارت، راهنمایی و اجرا کرده ام که و طرح (شیما) شناخت و معرفی اسلام، یکی از آنها است که در حال اجرا است. در زمینه آشنائی با زبانهای رایج با زبان عربی و انگلیسی آشنائی کامل و با زبان فرانسه در حد ترجمه متون فلسفی آشنا هستم.

نمازی اصفهانی، ملا فتح الله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ملافتح الله اصفهانی

در زمستان سال ۱۲۲۸ ش . (۱۲ ربیع الاول ۱۲۶۶ ق) (۱۴۲۷) باز شدن غنچه ای در خانه محمد جواد نمازی اصفهانی ، بهار را نوید داد. آن غنچه خوشبو را فتح الله نامیدند.

فتح الله در دامان پر مهر مادری مومن که هیچ گاه او را بدون وضو شیر نمی داد و پدری دلسوز که لحظه ای از تربیت فرزندش غافل نمی شد، رشد کرد و پس از سپری کردن دوران بازیهای کودکانه راهی کلاس قرآن و دیگر کتابهای مذهبی شد. در حوزه های نور

او ابتدا در حوزه علمیه اصفهان به تحصیل مشغول شد. استعداد و پشتکار فتح الله موجب شد که بتواند با سرعت ، مقدمات علوم اسلامی را فرا گرفته ، در درس فقه و اصول بزرگان مدارس علمیه زانوی ادب به زمین بزند. با این حال حضور در درس بهترین اساتید حوزه علمیه اصفهان نتوانست تشنگی دانش اندوزی او را فرو نشاند. از این رو راهی حوزه علمیه مشهد مقدس شد.

در آن شهر از محضر اساتید برجسته ای چون آیه الله حاج میرزا نصرالله مدرس ، آیه الله محمد ابراهیم بروجردی و سید مرتضی حائری بهره فراوان جست تا در ردیف اساتید آن دیار شناخته شد. سپس به سوی اصفهان مراجعت کرد. تا آن زمان نظریات شیخ مرتضی انصاری در اصفهان شهرتی نداشت ولی شیخ شریعت به بیان مسلک شیخ مرتضی انصاری همت گماشت . (۱۴۲۸)

او در سال ۱۲۹۵ ق . راهی نجف اشرف شد و در محضر مراجع تقلید آن زمان (آیات بزرگوار شیخ محمد حسین کاظمی و میرزا

حبيب الله رشتی) حاضر شد و خود نیز مجلس درس مهمی تشکیل داد که بسیاری از دانشمندان حوزه علمیه نجف در آن شرکت می کردند.

شیخ الشریعه در سال ۱۳۱۳ ق. به شوق معشوق رو به خانه معبود نهاد. او در مکه به مباحثه و گفتگو با علمای اهل سنت پرداخت به گونه ای که آنها از احاطه کامل وی به کتابهای اهل سنت در شگفت شدند. (۱۴۲۹)

پس از بازگشت از حج پروانه های فضیلت پیرامون آن شمع شریعت گرد آمدند. در این زمان درس او از مهم ترین درسهای نجف به شمار می رفت که صدها نفر در آن شرکت می کردند. این درسه عبارت بودند از:

۱. دروس عالی فقه و اصول

۲. رجال و درآیه

۳. تفسیر و علوم قرآن

۴. فلسفه و کلام

۵. درس خلافیات که در این درس علت اختلاف نظریات و فتوای فقیه بررسی می شد. او بعلاوه خطیبی توانا بود که جمعه ها منبر می رفت و به موعظه پرداخت. از دیگر امتیازات ایشان اینکه وی به تحصیل طب و ریاضیات همت گماشته و علاوه بر فرمولها و معادلات ریاضی مطالب زیادی درباره علم پزشکی آموخته بود.

گویند روزی ایشان بیمار شد و وقتی پزشک برای معالجه بر بالین او آمد شیخ الشریعه در مورد بیماری اش از کتاب قانون بوعلی سینا مطلبی گفت. پزشک تصور کرد چون شیخ نوع بیماری خود را می دانسته تنها همان قسمت کتاب را به خاطر سپرده است ولی در گفتگوهای بعدی مشخص شد او بیشتر مطالب قانون را آماده در ذهن دارد.

اساتید

شیخ الشریعه در محضر شریعتمداران زیادی درس شریعت آموخت تا شیخ شریعت شد به پاس احترامشان نام آنان در ذیل می آید:

۱. ملا حیدر علی اصفهانی

۲. آیه الله نصر الله مدرس

۳. شیخ محمد صادق تنکابنی

۴. ملا احمد سبزواری

۵. شیخ عبدالجواد خراسانی

۶. آیه الله ملا محمد باقر اصفهانی

۷. شیخ حسین علی تویسرکانی ملایری

۸. آیه الله شیخ محمد تقی هروی

۹. آیه الله شیخ محمد رحیم بروجردی

۱۰. آیه الله شیخ محمد حسین کاظمینی

۱۱. آیه الله میرزا حبيب الله رشتی

شاگردان

صدها نفر از طلاب علوم دینی در جلسات درس ایشان شرکت می کردند که بسیاری از آنان بعدها در زمره مراجع تقلید در آمدند و نامی ترین آنان عبارتند از:

آیات عظام: ۱. شیخ عبدالکریم حائری

۲. سید محمد حسین بروجردی
۳. سید ضیاء الدین عراقی
۴. سید ضیاء الدین عراقی
۵. سید شهاب الدین مرعشی نجفی
۶. سید عبدالهادی حسینی شیرازی
۷. سید محسن طباطبایی حکیم
۸. سید محمد کوه کمره ای (حجت)
۹. سید محمد تقی خوانساری
۱۰. محمد علی شاه آبادی .

قلم نور

از آنجا که شریعت در علوم گوناگون اسلامی مهارت داشت در بسیاری از رشته ها نوشته هایی پر بها از خود به یادگار گذاشت که هر یک در علوم مختلف حاکی از فزونی دانش اوست . از آن همه ، پاره ای رساله در موضوعات فقهی و اصولی است . در علم تفسیر، فلسفه ، کلام و ادبیات عرب نیز دارای آثاری نیکوست .

مرجعیت

پس از وفات آیه الله میرزا حبیب الله رشتی و آیه الله شیخ محمد حسین کاظمینی شماری از مردم از شیخ الشریعه تقلید می کردند ولی پس از رحلت میرزا محمد تقی شیرازی ، شیخ الشریعه یگانه مرجع جهان تشیع شد. با این حال وی رهبری دینی را چون باری سنگین بر دوش خود احساس می کرد. او در خلوت دیده شده بود که اشک ریزان با خدای خود چنین مناجات می کرد:
 ((خدایا، در آخرین روزها زندگیم در دنیا به ریاست مبتلا(!) شده ام و باید سنگینی این بار امانت را به دوش کشم ! بار اله، من طاقت تحمل این امر بزرگ را ندارم ... و حال آنکه تو فردای قیامت از من سوال خواهی کرد...))

شیخون

شیخ الشریعه در پی مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمن کتابخانه مهمی ایجاد کرد که دانش پژوهان از آن استفاده می کردند و از دیگر اقدامات ایشان صدور اعلامیه های فراوان بود که پرده از چهره استعمار می زدود در قسمتهائی از یکی از این اعلامیه ها آمده است .
 ((خدمت علمای بزرگ ... و عموم مردم روستاها و شهرها و کوچ نشینان ...

بر آقایان و هوشیاران ... پوشیده نیست که بیگانگان از سده های پیشین و مدتها قبل کوشیده اند دارایی مسلمانان را برزدند و شهر و کشورشان را تصاحب کنند... قرآن سراسر حکمت را از میان آنان بردارند و آنچه از وسایل مادی و معنوی نزد آنان است نابود سازند، بیگانگان همواره برای دستیابی به این هدفها نقشه هایی ترتیب داده اند، آنگاه آیه الله شریعت چندین نمونه از نقشه ها و هدفهای دشمن را در ۱۰ مورد بازگو کرده ، در پایان دردمندانه از مسلمانان و ایرانیان می خواهد که در صف واحد در برابر دشمن متجاوز بایستند.(۱۴۳۰)

دزدان فرهنگ

در زمانی که عراق تحت سلطه انگلستان بود حکومت استعمارگر به مزدوران خود دستور داده بود هر جا کتاب نفیس و قدیمی یافتند آن را تصاحب کرده ، به کتابخانه لندن بفرستند!

در این میان روحانیون آگاهی که نمی خواستند فرهنگ اسلامی به دست کفار غارت شود در مقابل آنان می ایستادند و استعمارگران با به زندان افکندن ایشان سعی می کردند به اهداف شوم خود جامه عمل بپوشانند. ولی شیخ شریعت به کمک طلاب

آمده، آنها را از بند نجات می داد. برای نمونه می توان به زندان افتادن آیه الله مرعشی نجفی برای خریدن یک کتاب و سپس آزادی او به همت شیخ الشریعه اشاره کرد.

تقسیم ایران

یک سال پس از انقلاب مشروطه (در سال ۱۹۰۷ م) دو کشور استعمارگر روسیه و انگلستان در یک توافق سری ایران را به ۳ منطقه تقسیم کردند؛ مناطق جنوبی سهمیه انگلستان و شمال ایران از آن روسیه شد و برای آنکه با هم اختلافی پیدا نکنند قسمتهای مرکزی را به عنوان منطقه بی طرف سهم ایران قرار دادند. در این هنگام که تمامیت ارضی و استقلال ایران در معرض خطر جدی قرار داشت، شیخ الشریعه و دیگر علما درسهای حوزه علمیه را تعطیل و خود را برای جهاد آماده کردند؛ چنانکه در تلگرافی که بدین مناسبت انتشار دادند می خوانیم:

((اخبار موحشه مداخله اجانب در بلاد اسلامیه خصوصا به اشتهار معاهده میثومه جدیده با دولتین موجب وحشت عموم علمای اعلام... (شده است). قاطبه علمای این مشاهد مشرفه وظایف مقامیه را تعطیل و در حفظ اسلام به ادای آخرین تکلیف (جهاد) حاضر...))

ایران در آتش

در سال ۱۳۳۰ ق با حمله روسیه به ایران شهرهای تبریز، گیلان، رشت، مشهد مقدس و چندین شهر و روستای ایران اشغال شد. در این زمان که ایران در سرایشی سقوط قرار گرفته بود مراجع تقلید شیعه که در آن ایام در عراق بودند تصمیم گرفتند با مقاومتی قهرمانانه جلو متجاوزان را بگیرند.

در یازدهم محرم ۱۳۳۰ هیات علمیه نجف به همراه صدها نفر از طلاب حوزه علمیه و دوست هزار تن از عشایر مسلح به طرف ایران حرکت کردند. آنان تصمیم گرفتند در سر راه خود به ایران چند روزی در کاظمین توقف کرده، پس از آماده کردن مقدمات لازم به طرف ایران حرکت کنند. از جمله اقدامات آنان در کاظمین می توان به ارسال هیات هایی به کشورهای مختلف برای مذاکره با سران آن کشورها و ارسال اطلاعیه های فراوان به مسلمانان جهان اشاره کرد.

و دیگر آماده کردن عشایر ایران برای جهاد بود که با ارسال تلگرافهای متعدد آنان را به جهاد دعوت کردند. در یکی از این برگهای زرین چنین می خوانیم:

به عموم حجج اسلام، سرداران عظام و روسای عشایر... از قدیم زمان الی کنون به واسطه مردانگی عشایر... هرگز به خیال اجانب نمی رسید که دست اندازی به خاک ایران نمایند چه رسد به سوق عساکر و جسارت... در ممالک اسلامیه. مگر در این عصر مردانگی ایرانیان محو و نابود و عقاید اسلام پشت گوشها افتاده.. یاللمسلمین یک مشهد مقدس... در مملکت شماس، آیا رواست که با وجود امثال شماها به تصرف کفار درآید و ننگ تاریخی برای شما، باقی بماند!...)) (۱۴۳۱)

وقتی مردم مسلمان و عشایر غیور ایران خود را برای دفاعی جانانه آماده کردند وثوق الدوله که در آن زمان ریاست هیات وزرا را به عهده داشت با نیرنگ اولاً از حرکت علما به طرف ایران ممانعت کرد. وانگهی از عشایر و دیگر امت مسلمان ایران خواست از هر گونه اقدامی که مخالف سیاستهای روسیه و انگلستان باشد خودداری کنند و به آنها هشدار داد که اگر با نیروهای در حال پیشروی انگلستان مقابله کنند دولت آنها را مواخذه خواهد کرد. و از طرف دیگر مصرانه از علما خواست که از کاظمین متفرق شوند.

عقب نشینی نیروهای روسیه و اقدامات وثوق الدوله کارگر افتاد و تندری که می رفت خصم را بسوزد توسط دولت ایران خاموش شد و علما که نمی خواستند جنگ داخلی مشکلات ایران را دو چندان کنند از حرکت به طرف ایران منصرف شدند.

نبرد اقتصادی

شیخ شریعت در کنار دیگر علما در برابر هجوم اقتصادی دشمن دو اقدام مهم انجام داد.

۱- تشویق مردم به ایجاد شرکت های تعاونی

۲. تحریم خرید و فروش اجناس و وسایل روسیه و انگلستان .

البته در این جبهه نیز زمانی که می رفت این مبارزه منفی شکوفه دهد سفارت انگلیس با یک نامه فدایت شوم به وثوق الدوله نوشت که از علما بخواهد فتوای خود را ملغی اعلام کنند و وثوق هم همین کار را کرد.

مجتهد مجاهد

عراق در جنگ جهانی اول به تصرف انگلستان درآمد و شیخ الشریعه ضمن صدور فتوای جهاد خود به جبهه شتافت و فرماندهی جبهه قرنه را به عهده گرفت .

یکبار که مجتهد مجاهد با کشتی کوچکی به طرف یکی از جبهه ها در حرکت بود. کشتی آنها شکست و نزدیک بود ایشان غرق شود که دیگر مجاهدان وی را نجات دادند.

نیروهای مردمی به فرماندهی علما به مدت هیجده ماه در برابر نیروهای عظیم انگلستان مقاومت کردند و اگر پیروزی نهایی متفقین و ضعف شکست عثمانی و دیگر متحدانش نبود اشغالگران هیچ گاه موفق به اشغال عراق نمی شدند.(۱۴۳۲)

در بستر انقلاب

نیروهای انگلستان و همدستانش در جنگ جهانی اول با طرح این شعار که هدف ما رهایی کامل ملتهاست توانستند عراق و دیگر کشورهای عربی را تصرف کنند اما پس از اشغال عراق نه تنها به آنها استقلال ندادند که سعی کردند با برگزاری فراندن فرمایشی به اشغال خود حالت قانونی دهند و آنگاه که عده ای از آزادیخواهان درخواست استقلال کردند آنها را تبعید و زندانی کردند و متعاقب این اوضاع شیخ الشریعه با ارسال تلگرافهایی به حاکمان انگلیسی و فرماندهان ارشد نظامی آنان از این درخواست سرباز زدند و سعی کردند با سرکوب جلو انقلاب را بگیرند.

در این هنگام آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی با صدور فتوایی به عراقیان اجازه داد که اگر انگلیسیان از دادن حقوق آنها سرباز زدند آنان دست به اسلحه برند و حق خود را باز پس گیرند. و این گونه بود که آتش انقلاب در عراق زبانه کشید.

در هنگامی که تمامی شهرهای عراق در آتش انقلاب می سوخت ناگهان آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی که در این زمان رهبری انقلاب را به عهده داشت به طور مرموزانه ای در گذشت ولی در آن لحظات حساس آیه الله شریعت اصفهانی علم بر زمین افتاده میرزای شیرازی را برداشت و با صدور بیانیه ای از مردم عراق خواست به انقلاب ادامه دهند و سپس در اجتماعی که در صحن حضرت علی علیه السلام برگزار شده بود حاضر شد و در حالی که به علت کهولت و ناتوانی نمی توانست به تنهایی راه برود با کمک چند نفر از اطرافیان بر فراز منبر قرار گرفت و پس از تسلیت از دست دادن میرزا، مجاهدان را به استقامت فراخواند و آنگاه آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی را به عنوان نماینده خود انتخاب کرد و پرچم جهاد را به دست او سپرد.

در همین ایام ویلسون، نماینده انگلستان در عراق تصمیم گرفت با فرستادن پیام تسلیتی باب گفتگو با شیخ را باز کند، او را به پندار خود بفریید اما نتوانست و انقلاب همچنان ادامه یافت. (۱۴۳۳)

متعاقب این اوضاع نیروهای انگلیسی که در ایران و هند مستقر بودند به طرف عراق روانه شدند تا اینکه تعداد آنها به یکصد و پنجاه هزار نفر رسید که به انواع سلاحهای پیشرفته و هواپیماهای جنگی مجهز بودند. قدرت روز افزون نیروهای انگلستان، تمام شدن منابع مالی مجاهدان و قرار گرفتن آنان در محاصره اقتصادی و نظامی، نیز تغییر سیاست انگلستان و پیشنهاد تشکیل حکومت ملی در عراق از طرف دیگر موجب شد که بین رهبران جهاد اختلاف افتد و انقلاب متوقف شود. دولت انگلستان به طور رسمی تغییر سیاست خود را اعلام کرد و بدین سان استقلال خود را هر چند ناقص به دست آورد. اگر انقلاب به پیروزی نظامی می رسید

علما می توانستند با تشکیل حکومت اسلامی عراقی آباد و آزاد بسازند عوامل فوق در کنار سستی که به مناسبت شروع فصل کشاورزی در مردم عراق پدید آورده بود باعث شد که نیروهای انگلستان بتوانند به طرف شهرهای مقدس پیشروی و کربلا، کوفه و آنگاه نجف را اشغال کنند.

پس از اشغال نجف ۱۷ تن از علما و از جمله حسن فرزند شیخ الشریعه دستگیر و برای تبعید روانه بصره شدند.

خاندان

آیه الله شریعت با یکی از نوادگان آیه الله شیخ محمد حسین اصفهانی مولف کتاب فصول ازدواج کرده بود و حاصل این ازدواج ۳ فرزند پسر بود:

۱. شیخ حسن: وی فرزند بزرگ شیخ الشریعه بود و در انقلاب نقش بسزایی داشت.

۲. شیخ مهدی، او تقریرات درس پدرش را به رشته تحریر کشید و کتاب ((اعلام الاعلام بمولد خیر الانام)) از اوست.

۳. شیخ محمد شریعت (۱۲۸۳ - ۱۳۵۷ ق.): وی در نجف به تکمیل علوم خود پرداخت. در سال ۱۳۳۱ ش. آیه الله بروجردی او را به عنوان نماینده خود راهی اصفهان کرد. شیخ محمد پس از رحلت آیه الله بروجردی امام امت (ره) را به عنوان مرجع اعلم معرفی کرد که عده ای از علمای پاکستان هم به پیروی از ایشان امام را مرجع تقلید اعلم به مردم معرفی کردند. (۱۴۳۴)

صبح تیره

سرانجام روح پر فتوح آیه الله شریعت اصفهانی پس از عمری تلاش در راه اسلام و قرآن در شب یکشنبه هشتم ربیع الثانی سال ۱۳۳۹ ق. قفس تن را درید و آن نفس مطمئنه به سوی پروردگارش پر کشید و پیکر مطهرش در جوار قبر امیر مؤمنان علیه السلام به خاک سپرده شد.

در سال ۱۳۶۶ ق. که آیه الله حاج آقا حسین قمی دار فانی را وداع کرد و می خواستند او را کنار شیخ الشریعه دفن کنند در هنگام حفر قبر مقداری از قبر شیخ شریعت خراب شد و حاضران با تعجب دیدند جسد آن فقیه فرزانه هنوز کاملاً تازه است چنانکه گویا روز پیش به خاک سپرده شده است.

نمازی زادگان، سعید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سعید نمازی زادگان

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سعید نمازی زادگان به سال ۱۳۴۱ هجری شمسی در تهران و در میان خانواده ای متوسط و مذهبی متولد شدم. تنها چهار

برادر دارم و پدرم نیز کار بنایی و معماری ساختمان انجام می دادند. در سال ۱۳۵۰، خانواده ام به دلیل گرایش‌های مذهبی به مشهد که محیطی سالم بود، مهاجرت کردند. از آن جا که پدر و به ویژه پدر بزرگ مادری ام، عنایت فوق العاده ای در تربیت صحیح و اسلامی ما داشتند؛ مدارس ملی و مذهبی آن زمانها را برای تحصیل ما انتخاب کرده بودند. بعدها در کنار تحصیل، مدتی را به کار در صنعت آلومینیوم سازی نیز اشتغال داشتم.

در ایام جنگ و دفاع مقدس، چندین بار همراه با رزمندگان تیپ ویژه شهدا، تیپ ۲۱ امام رضا، لشکر ۵ نصر و قرارگاه کربلا در جبهه های نبرد حضور یافتم. به سال ۱۳۶۷ با خانواده شهید بزرگوار «هاشمی نژاد» آشنا شده و با صبیبه کوچک ایشان ازدواج کردم که حاصل آن دو پسر به نامهای محمد رضا و محمد ایمان است. در سال ۱۳۸۰ در دانشگاه «علوم پزشکی مشهد» استخدام شدم و هم اکنون به عنوان عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی در خدمت عزیزان دانشجو هستم.

مختصری از زندگینامه علمی: دوره ابتدایی را در مدارس ملی و مذهبی سعیدی تهران و جعفری مشهد گذراندم. پس از آن جذب حوزه علمیه مشهد شده و در مدرسه حاج آقای «موسوی نژاد» به تحصیل علوم اسلامی پرداختم. پس از مدتی در کنار حوزه، دوره های شبانه راهنمایی و دبیرستان در رشته تجربی را گذراندم و همزمان در دو دانشگاه «علوم اسلامی رضوی» و «دانشگاه اصفهان» در سال ۶۳ پذیرفته شدم. با ثبت نام در دانشگاه رضوی در کنار دروس الهیات، دروس حوزی را نیز ادامه دادم و دوره های سطح و نیز بخشی از دوره خارج فقه و اصول را شرکت کردم. در خلال تحصیل در دانشگاه رضوی، موفق به گرفتن دیپلم دوم در رشته فرهنگ و ادب و نیز مدرک کارشناسی فقه از دانشگاه فردوسی مشهد شدم. در سال ۷۳ به دوره کارشناسی ارشد رشته ادیان و عرفان دانشگاه تهران راه یافتم.

نمازی شادمان، فرنگیس

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

مترجم.

در گذشت: شهریور ۱۳۶۲.

فرنگیس نمازی همسر دکتر فخرالدین شادمان، خواندن و نوشتن را در شیراز و هندوستان از معلم خانگی آموخت. تحصیلات متوسطه را در دبیرستان مهرآیین شیراز و دبیرستان بهشت آیین اصفهان به پایان آورد و در امتحانات نهایی متوسطه به دریافت نشان درجه‌ی دوم علمی از وزارت فرهنگ نایل شد.

پس از آن به انگلستان رفت و یک سال در مدرسه‌ی متوسطه سنت مارتین این ذفیلد و سه سال در وستفیلد کالج آکسفورد به تحصیل زبان و ادبیات انگلیسی و فرانسه پرداخت و پس از ده سال به ایران بازگشت از آثار اوست: تحقیقات و مطالعات انگلیسی‌ها در باب فارسی (دکتر آرتور ج. آربری، لندن، ۱۹۴۳، م. رساله‌ی ایشان) تراژدی قیصر (ویلیام شکسپیر، ۱۳۳۴)؛ تراژدی مکبث (ویلیام شکسپیر ۱۳۴۰)؛ انحطاط و سقوط امپراتوری روم (نوشته‌ی ادوارد گیبون، ۱۳۵۴، سه جلد)؛ از وی داستان «مادر» اثر سامرست موآم نیز در مجله‌ی «سخن» به چاپ رسید. وی همچنین مقاله‌ها و ترجمه‌هایی را در مجله‌ی «روزگار نو»- طبع انگلستان- انتشار می‌داد.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

نمازی شاهرودی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی نمازی شاهرودی فرزند عالم ربانی و زاهد سبحانی حاج شیخ محمد نمازی شاهرودی از علماء میرز و متقی و دانشمندان متبع و نویسندگان متبحر حوزه علمیه مشهد مقدس بوده‌اند.

در سال ۱۳۳۲ قمری در شهرستان شاهرود متولد شده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات و سطوح را در زادگاه خود نزد والدشان و سایر اساتید فراگرفته و آنگاه برای تکمیل مبانی فقه و اصول مهاجرت به مشهد مقدس نموده و از محضر آیات عظام و فقهاء کرام آن سامان به ویژه مرحوم آیت‌الله حاج میرزا مهدی غروی اصفهانی که در معارف اهل بیت عصمت و طهارت نادره زمان واغلوپه او ان بوده و شاگردان مکتبش چون حاج شیخ مجتبی و حاج شیخ هاشم قزوینی و حاج شیخ کاظم دامغانی و میرزا جواد آقای تهرانی و صدها نفر دیگر امثالهم از آیات بزرگ و دانشمندان بنام معاصر بودند استفاده فقه و معارف الهی نموده و به نجف اشرف مشرف و چندی هم در آنجا اقامت و از مبانی مدرسین و مجتهدین حوزه نجف مطلع و استفاده نموده و به مشهد مراجعت و به تألیف کتب مفیده و تدریس پرداخته و مهارتی عجیب در مناظره با پیروان ادیان دیگر و مذاهب باطله داشت و نیز در احتجاج و مباحثه با اهل سنت و جماعتی و در سفرهای عدیده‌اش به حجاز و کشور سعودی مباحثاتی با حضرات داشته که موجب استبصار عده‌ای از مردم پاکستان و هندوستان شده است.

آن مرحوم در علوم غریبه و علم طلب قدیم و گیاه‌شناسی و ریاضی هم اطلاع عمیق داشته و با زبان فرانسه هم آشنائی داشته حدود سه دوره بحارالانوار را از اول تا آخر مطالعه و در اثر این مطالعات موفق به تألیف مستدرک البحار در ده مجلد شده که پنج جلد آن در زمان حیات خودش به طبع رسیده و پنج مجلد آن پس از رحلتش فرزند یاد شده‌اش اقدام به طبع و نشر آن نموده و حافظ تمام قرآن و یا اکثر آن بوده زیرا از هر آیه که می‌پرسیدند فوراً آدرس درس آن را می‌داد و به گفته برخی از مرحوم آیت‌الله مرعشی نجفی قدس‌الله سره از ایشان پرسیده بودند فرموده بود که آقای نمازی مجلسی زمان ما بوده است.

نگارنده این کتاب چون مدتی در مدرسه نواب مشهد با ایشان همسایه و مرواده داشتم ایشان را از جهاتی کم‌نظیر یافتم. تألیفات بسیاری دارد که از دیدگان عزیزان می‌گذرانم.

۱- اثبات ولایت که ۶ مرتبه به چاپ رسیده.

۲- ابواب رحمت ۲ مرتبه چاپ شده.

۳- تاریخ فلسفه و تصوف ۲ مرتبه چاپ شده.

۴- مقام قرآن و عترت ۳ مرتبه چاپ شده.

۵- ارکان دین ۲ مرتبه چاپ شده در خداشناسی و پیغمبر و امام‌شناسی و فروع دین و نماز و زکوه و روزه و حج و ولایت. و زیارت پیغمبر و ائمه هدی و شرح قیامت صغری و رجعت و قیامت کبری تدوین شده است.

۶- الهدی الی صراط مستقیم.

۷- دوره مستدرک سفینه‌البحار در ده جلد به طبع رسیده.

۸- رساله تفویض

۹- تاریخ مجالس روضه‌خوانی

۱۰- زندگانی حبیب بن مظاهر

۱۱- اصول دین

۱۲- الاسلام الهادیه فی الاعتبار الکتب الاربعه

۱۳- رساله نور الابصار

۱۴- مناسک حج- مشتمل بر وجوب حج و مذمت تارک آن و خلقت کعبه و حجرالاسود و حرم و قضایای آن.

تالیفات طبع نشده علامه نمازی

۱- روضات النظرات، دوره فقه استدلالی ده جلد.

۲- مستدرکات علم رجال، ده جلد.

۳- مستطرفات المعالی در احوال راویان احادیث.

۴- دوره معارف القرآن مشتمل بر چهل و سه جزو.

۵- رساله‌ای در طب.

۶- معرفه الاشیاء- گیاه‌ها- درختها حیوانات و جمادات.

۷- مباحث اصول.

متأسفانه این دانشمند متبع و محدث متبحر و مؤلف مکرر در شب دوشنبه دوم ماه ذیحجه سال ۱۴۰۵ هجری قمری برابر ۲۸ مرداد ماه ۱۳۶۴ شمسی از دنیا رفته و در جوار سلطان سریر ارتضا حضرت علی بن موسی الرضا علیه الصلوه والسلام مدفون گردید عاش سعیدا و مات سعیدا حشره الله مع الشهداء والسعداء آمین یاالله.

محقق، عالم دینی.

تولد: ۱۲۹۴ ق.، شاهرود.

درگذشت: ۲۸ مرداد ۱۳۶۴، (دوم ذیحجه سال ۱۴۰۵ ق.).

آیت‌الله علی نمازی شاهرودی، فرزند آیت‌الله محمد نمازی شاهرودی، مقدمات و سطوح عالی را در شاهرود نزد پدر و دیگر اساتید فراگرفت. سپس رهپسار مشهد شد. در آنجا مدارج عالی فقه و اصول را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشت به گونه‌ای که در بیست و دو سالگی شروع به تقریر فقه استدلالی نمود.

مدتی نیز به حوزه‌ی نجف اشرف رفت و در آنجا به تحصیل فقه و مبانی اصول پرداخت. سپس به ایران بازگشت و در مشهد مقیم شد. ایشان همچنین به علم ریاضی و تاریخ و نیز خطاطی آشنایی داشت و به ویژه کتاب‌هایش را به خط خودش می‌نوشت. آیت‌الله نمازی به زبان عربی مسلط بود و با زبان فرانسوی هم آشنایی داشت. وی طب سنتی و گیاه‌شناسی و علوم غریبه را خوب می‌دانست، ضمناً به روش‌های مباحثه و مناظره نیز مسلط بود. فعالیت عمده و اساسی ایشان پیرامون احادیث و رجال حدیث بحارالانوار اختصاص داشت.

آثار ایشان عبارتند از: مستدرک سفینه البحار (در ده جلد)؛ الاحتجاج بالتاج علی اصحاب اللجاج (الهادی)؛ الاعلام الهادیه فی اعتبار الکتب الاربعه؛ ابواب رحمت (جلد اول، مشهد، ۱۳۳۷، ق.، قم، ۱۳۶۲)؛ تاریخ فلسفه و تصوف (یا مناظره دکتر با سیاح پیاده، جلد اول، ۱۳۷۷ ق.)؛ مناسک حج؛ رساله تفویض؛ رساله علم غیب (ع)؛ اصول دین؛ رساله نورالانوار؛ ارکان دین؛ زندگانی حبیب بن مظاهر اسدی؛ تاریخچه‌ی مجالس روضه‌خوانی و عزاداری سید مظلومان (ع) قرآن و عترت در اسلام.

آثار علمی خطی چاپ نشده وی به این شرح هستند: مستطرفات المعالی؛ مستدرکات علم رجال (پانزده جلد)؛ روضات النظرات؛ مجموعه نفیسه در طب؛ معرفه الاشیاء (گیاه‌شناسی)؛ مطرف الهیه؛ حواشی بر بعضی کتب مانند: حاشیه بر تفسیر برهان، حاشیه بر

رجال ممقانی، حاشیه بر رجال آیت‌الله خویی؛ حاشیه بر رجال شیخ طوسی و تصحیح آن، حاشیه بر کتاب جواهر در فقه تألیف محمدحسن نجفی، حاشیه بر کتاب وقایع المشهور، حاشیه بر کتاب بحارالانوار آیت‌الله غروری، حاشیه بر رساله‌ی شریف رجبیه محدث بیرجندی و حواشی دیگر.

(توح ۱۳۳۲ ق)، عالم دینی، فقیه، محدث و متکلم. در شاهرود به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات و استفاده از محضر پدرش، به مشهد مهاجرت نمود و سطوح را نزد مدرسین بزرگ حوزه مشهد به پایان رسانید. آنگاه از بحثهای معارف و اخلاق آیت‌الله آقا میرزا مهدی غروی اصفهانی بهره‌مند گشت. او علاوه بر امامت جماعت یکی از مساجد مشهد به کار تألیف و تصنیف کتب دینی و تحقیقات در این زمینه اشتغال داشت و تألیفات بسیاری از خود باقی گذاشت. از آثارش: «مستدرک سفینه البحار»؛ «ابواب رحمت»؛ «تاریخ فلسفه و تصوف»؛ «ارکان دین»؛ «مقام قرآن و عترت در اسلام»؛ فهرست «منتقی الجمان»؛ کتاب «اثبات ولایت»؛ تذییلات کتاب «مجموعه الاخبار»؛ «شرح زندگانی حبیب بن مظاهر»؛ «تاریخچه مجالس روضه خوانی»؛ «مناسک حج و وجوب و فضیلت آن»؛ «نورالانوار»، به فارسی و عربی؛ رساله‌ای در «علم غیب امام (ع)» [۱].

علی ابن العالم الکامل و العابد الزاهد آیت‌الله حاج شیخ محمد معروف به (نمازی) شاهرودی از علماء و ائمه جماعت معاصر مشهد مقدسند.

وی در حدود سال ۱۳۳۲ قمری متولد شده و در بیت علم و ورع و تحت تربیت پدر دانشمند و زاهدش پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح را از مدرسین بزرگ حوزه مشهد به پایان رسانیده سپس از محضر مرحوم عالم ربانی و آیت‌الله سبحانی مربی نفوس و مذهب اخلاق آیت‌الله الملک‌العلام آقا میرزا مهدی غروی اصفهانی سالهای متمادی استفاده نموده و با هم از محضر آیات دیگر مشهد بهره‌مند گردیده و در مسجدی از مساجد بالا-خیابان به اقامه جماعت و تبلیغ احکام تا حال تحریر اشتغال دارند.

نگارنده گوید از سال ۱۳۶۴ ق که در مشهد اقامت داشتم و در مدرسه نواب از محضر مرحوم آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی خارج مبحث حج را استفاده مینمودم با معظم‌له آشنا شده و بعد از درس مذاکره بحث را می نمودیم وی را دانشمندی متقی و پارسا و مشغول به مطالعه و تألیف شناخته‌ام خداوند امثال ایشان را همواره موفق بدارد.

تألیفات مطبوع ایشان از اینقرار است.

۱- ابواب رحمت دو مرتبه به طبع رسیده ۲- تاریخ فلسفه تصوف ۳- متدرسک سفینه البحار ج ۱ و ۲ بطبع رسیده ۴- کتاب ارکان دین در آن شرح اصول دین (خداشناسی و فروع دین نماز و زکوه و روزه و حج و ولایت و زیارت پیغمبر و ائمه هدی و شرح قیامت صغری (رجعت) و قیامت کبری) ۵- مقام قرآن و عترت در اسلام ۶- فهرست منتقی الجمان ۷- تذییلات کتاب مجموعه الاخبار ۸- شرح زندگانی حبیب ابن مظاهر ۹- تاریخچه مجالس روضه خوانی ۱۰- مناسک حج و وجوب و فضیلت آن ۱۱- کتاب اثبات ولایت ۱۳- ۱۲- نورالانوار فارسی و عربی ۱۴- رساله‌ای در علم غیب امام (ع)

تألیفات مخلوط ایشان

۱- تتمه مستدرک سفینه البحار ده جلد ۱۱- مستدرکات علم رجال شیخ ۵ جلد ۱۶- کتاب اصول دین ۱۷- کتاب مستطرفات المعالی در احوال رجال و راویان اخبار ۱۸- روضات النضرات در فقه استدلالی ده مجلد ۱۹- معارف الهیه ۲۰- مجموعه نفیسه در طب ۲۱- معرفه الاشیاء و غیره

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

منابع زندگینامه [۱]: گنجینه‌ی دانشمندان (۱۸۴- ۱۸۳/۷، ۳۷۴/۵)، مؤلفین کتب چاپی (۴/۴۳۷).

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن نمازی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

بعضی از دروس حوزوی را به طور غیر رسمی در سال ۱۳۶۶ شمسی شروع کردم و سپس به طور رسمی در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم و مدرسه علمیه شهیدین (ره) شدم. اما از آنجائی که در آن زمان شرایط برای رفتن به کلاس های بالاتر مهیا نبود و توصیه ها نیز این بود که همگام با مجموعه باشم؛ پنج سال در مدرسه شهیدین بودم و پس از آن کتب مکاسب، رسائل و کفایه را با سرعت بیشتری به اتمام رساندم و در سال ۱۳۷۶ در درس خارج فقه و اصول شرکت کردم. همزمان در دروس: اسفار، فصوص و منازل السائرین بعضی از اساتید معظم نیز شرکت می کردم. چند سال نیز از تفسیر قرآن «حضرت آقای جوادی آملی» بهره جستیم.

سال ۱۳۷۷ به مؤسسه آموزشی تحقیقاتی بقیه الله (عج) وارد شدم و در کلاسهای «فقه، اصول و تفسیر» شرکت کردم و در سال تحصیلی ۱۳۸۳ - ۱۳۸۲، دوره فوق را به اتمام رساندم. از محضر حضرات آیات: «سید کاظم حائری»، «تبریزی»، «سید محمود هاشمی شاهرودی»، «فاضل لنکرانی»، «سبحانی»، «سید احمد مددی»، «محمد مهدی شب زنده دار»، «جوادی آملی»، «نکو نام» و «شاه آبادی» استفاده کرده ام. و طرحی را با عنوان مجموعه «ولی فیها مأرب آخری» ارائه داده ام که جلد اول آن نیز چاپ شده و چاپ مجدد آن نیز با ویرایش جدید آماده چاپ است، اما این طرح با مشکلات بسیار زیادی مواجه شده و عملاً متوقف گردیده است. هدف این طرح جلوگیری از پیدایش و یا گسترده‌گی افراط و تفریط های موجود در حوزه عمل به احکام شرعی است. تفصیل مطلب در مقدمه کتاب مورد اشاره چاپ شده است.

ذکر نام اساتید اصلی در حوزه، حضرت آیات عظام:

۱. سید کاظم حائری / خارج اصول
۲. سید محمود هاشمی شاهرودی / خارج اصول
۳. تبریزی / فقه و اصول
۴. فاضل لنکرانی / خارج فقه
۵. سید احمد موسوی مددی / خارج فقه
۶. مرحوم حضرت آیت الله احمدی میانجی / فقه / مکاسب
۷. حضرت آیت موسوی تهرانی / اصول / رسائل و کفایه
۸. حضرت آقای علی محمدی / فقه و اصول / کفایه و بیع

نمازی، عبدالنبی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالنبی نمازی

محل تولد: بوشهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

آیة‌الله عبدالنبی نمازی در سال ۱۳۲۴ در شهر بوشهر به دنیا آمد. پدرش مرحوم حجّة‌الاسلام حاج شیخ احمد نمازی فرزند آیة‌الله حاج شیخ حسین نمازی دشتی بود. مادرش نیز دختر مرحوم شیخ عباس از روحانیان استان بوشهر بود. پدر آیة‌الله نمازی، برای تبلیغ به آبادان هجرت کرد و خانواده را نیز به همراه برد. آیة‌الله نمازی پس از طی دوره دبستان، به حوزه رو آورد و پس از طی دروس ادبیات عرب در آبادان در سال ۱۳۴۱ به نجف اشرف عزیمت کرد و در مدرسه علمیه «بادکوبه» سکونت گزید. حال و هوای نجف و انوار تابناک مرقد امیر مؤمنان (ع) آثار شگرفی در روحیه او بر جا نهاد و او را بیش از گذشته شیفته علم و دانش کرد.

آیة‌الله نمازی پس از چند سال بهره‌مندی از آن شهر مبارک و از استادان وارسته آن دیار، به قم مراجعت نمود تا از محضر عالمان آن دیار نیز بهره‌مند شود. در قم نیز به درس خارج بسیاری از بزرگان راه یافت و در این میان از شرکت در دروس فلسفه و اخلاق نیز باز نماند. آیة‌الله نمازی در سالهای تحصیل خود به محضر علمای بسیاری شرفیاب شد. ایشان در نجف اشرف به درس علمایی چون: «آیة‌الله حاج شیخ محمد حسین موحد نجف آبادی (ره)»، «آیة‌الله حاج شیخ کاظم تبریزی (ره)»، «آیة‌الله حاج شیخ صدرا بادکوبه‌ای (ره)»، «آیة‌الله العظمی سید عبدالاعلی سبزواری (ره)» و «آیة‌الله حاج شیخ علی آزاد قزوینی» رفت. در حوزه علمیه قم نیز در درس خارج فقه و اصول: «آیة‌الله العظمی حاج شیخ محمد علی اراکی (ره)»، «آیة‌الله العظمی حاج میرزا هاشم آملی (ره)»، «آیة‌الله العظمی حاج سید علی علامه فانی اصفهانی (ره)» و «آیة‌الله العظمی حاج سید محمد رضا گلپایگانی (ره)» رفت و در دروس فلسفه: «آیة‌الله حاج آقا رضا صدر (ره)» و «آیة‌الله حاج شیخ محمد محمدی گیلانی» حاضر شد.

آیة‌الله نمازی در سالیان متمادی، خدمات علمی و فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است. او در مدت اقامت خود در نجف اشرف و پس از آن، همواره بر امر تدریس اشتغال داشته، کتب دروس مقدماتی و ادبیات عرب، لمعتین، معالم، را در نجف اشرف تدریس کرده و پس از مراجعت به قم نیز بارها کتب دوره سطح شامل: رسائل، مکاسب، کفایتین را برای طلاب مستعد تدریس نموده و از این رهگذر، شاگردان بسیاری به مکتب امام صادق (ع) تقدیم کرده است. ایشان همچنین با تشکیل جلسات تفسیر، به مباحثه و مذاقه آیات قرآن پرداخت که این جلسات حدود پنج سال به طول انجامید. او در طی آن سالها، تألیفات بسیاری نگاشته و در زمینه‌های گوناگون به پژوهش پرداخته است.

در کارنامه زندگانی آیة‌الله نمازی، فعالیت‌های سیاسی وی بیش از همه می‌درخشد. او از نخستین سالهای نهضت امام خمینی (ره)، همواره پشتیبان آن بوده و از هیچ کوششی در آن راه دریغ نورزیده است. او در زمان دستگیری امام (ره)، از شمار اجتماع کنندگان در مقابل بیوت مراجع بود که خواستار اقدام جدی علماء، برای آزادی امام (ره) بوده‌اند. در دوره تبعید امام (ره) به عراق، جزء استقبال کنندگان از ایشان در کربلا بود و همواره مقید بود در نجف نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشاء را به امامت آن مرجع

عظیم‌الشان اقامه کند. در ایران نیز در طی سالهای پیش از انقلاب، بارها به نقاط گوناگون کشور سفر کرد و به افشاگری دربارهٔ مفاسد رژیم پهلوی پرداخت که این مسأله موجب چندین بار احضار و بازجویی وی شد و گاه به زندان شدن وی می‌انجامید. او از کسانی بود که در آن سالها به این مسأله می‌اندیشید که اسناد تاریخی نهضت را نگهداری کند تا در بعدها، مورد استفاده نسل جوان قرار گیرد. از این رو با مرحوم «ربانی شیرازی» به گردآوری اسناد نهضت پرداخت.

آیه‌الله نمازی در جریان پیروزی انقلاب اسلامی، نیز برای استقبال از امام خمینی (ره)، از قم به تهران آمد و در بهشت زهرا استقرار یافت. سپس برای همکاری با اعضای ستاد انقلاب به ساختمان مدرسه رفاه رفت و از طرف آن ستاد، به پادگان نیروی هوایی قلعه مرغی رفت. پس از آن نیز به یکی از سازمانهای ارتش رفت و سپس به جمع‌آوری و تحویل سلاح‌ها از مردم مأمور شد و از آنها در دانشگاه تهران بازدید کرد. بخشی از فعالیتهای سیاسی آیت‌الله نمازی پس از انقلاب اسلامی به قوه قضائیه مربوط است. وی کار خود را در دستگاه قضایی با قبول سمت «حاکم شرع» در منطقه سرپل ذهاب و قصر شیرین آغاز کرد و در آن منطقه سرچشمه خدمات بسیاری شد. آیه‌الله نمازی بارها در جبهه‌های دفاع مقدس حاضر شد و در یکی از عملیات جبهه جنوب، بر اثر بمباران سنگین شیمیایی، از ناحیه چشم و سینه مجروح شد. چندی بعد نیز در عملیات مرصاد بر اثر اصابت ترکش به سختی مجروح می‌گردد. او پس از آن نیز در جبهه‌های دفاع مقدس حاضر می‌شد و همواره باعث شادمانی رزمندگان اسلام بود.

نواب اصفهانی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۲۴۰ ق)، عالم دینی، مفسر، حکیم و منجم. مشهور به نواب و میرزا باقر نواب. اصلش از لاهیجان و ساکن اصفهان بود. وی از حکما و علمای عهد فتحعلی شاه قاجار است. در حکمت، فلسفه، منطق و نجوم متبحر و چندی نیز عهده‌دار سمت وزارت جعفرخان زند بود. با مرگ جعفرخان، میرزا باقر به کار تألیف و تدریس در اصفهان مشغول شد و از عالم سیاست کناره گرفت. وی در تهران درگذشت و در شهر ری به خاک سپرده شد. از آثارش «تحفه الخاقان»، در تفسیر قرآن به اسلوبی جدید، در چهار مجلد: اولی در «قصص»، دومی در «ذکری»، سومی در «احکام» و چهارمی در «وقایع یوم‌القیام». در «الذریعه» و «طبقات اعلام الشیعه» این کتاب در پنج بخش شامل: «آیات القصص»، «آیات الاحکام»، «آیات المعارف»، «آیات المواعظ» و «آیات الوعید» معرفی شده که آن را به خواهش فتحعلی شاه قاجار تألیف نموده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان‌الشیعه (۹/۴۰۷)، تذکره القبور (۱۸۹-۱۸۸)، الذریعه (۱۴۵-۱۴۴/۴، ۴۳۲-۴۳۱/۳)، روضات الجنات (۱۴۷-۱۴۶/۷)، ریحانه (۵/۱۲۳)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۸۹-۱۸۸/۱۳)، فوائد الرضویه (۶۲۱)، کتاب گیلان (۶۷۶-۶۷۵/۲)، مکارم‌الآثار (۱۲۳۴-۱۲۲۹/۴)، نامها و نامدارهای گیلان (۵۰۸).

نواب سید محمد واجد علی خان

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن حکم سید جعفر علی خان بن غلام حسین خان بن قاسم علی خان اصفهانی. طبیب حاذق و حکیم، مؤلف مجموعه‌ای در پزشکی به زبان فارسی، از فضلالی قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری است. تاریخ نسخه ۱۳۱۶ هجری می‌باشد. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

نواب شیخ‌الاسلامی، عیسی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۴۲، دکترای تخصصی جراحی عمومی از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۴۸، و فوق تخصص ارتوپدی از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۵۲ تا سال ۱۳۶۰ و دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۶۰ تا کنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس جراحی و ارتوپدی در دانشگاه‌های پاریس و علوم پزشکی تهران، نظارت بر چندین پایان‌نامه تخصصی جراحی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

ارتوپدی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

نواب، ابراهیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن میرزا محمد باقر بن محمد بن محمد باقر نواب. عالم فاضل، امام جماعت مسجد ذوالفقار، از شاگردان آقا میرزا احمد مدرس، و

آخوند گزی، و آقا سید محمد باقر درچه‌ای، و آقا شیخ محمد رضا نجفی و جمعی دیگر بوده، در اول صفر ۱۳۶۶ وفات یافته، در لسان الارض مدفون گردید.
برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نواب، ابوالحسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید ابوالحسن نواب

محل تولد: شهرضا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

حجة الاسلام و المسلمین سید ابوالحسن نواب، در سال ۱۳۳۷ در شهرضا (استان اصفهان) متولد شد. ایشان از دانش آموختگان مدرسه حقانی (شهیدین فعلی) است که علاوه بر گذراندن دوره تخصصی مؤسسه در راه حق، دروس خارج فقه و اصول را در محضر آیات عظام: «مرحوم شیخ مرتضی حائری یزدی»، «شیرازی زنجانی»، «مظاهری اصفهانی» و «شیخ جواد تبریزی» فرا گرفته است. و در مواد درسی: (مذاهب اسلامی، فقه، اصول فقه، علوم قرآنی و ادبیات عرب) در مدرسه حقانی، جامعه الزهراء، دانشگاه مذاهب اسلامی و برخی دیگر از دانشگاه‌های تهران تدریس داشته و دارد.

ایشان در دوران دفاع مقدس مسئولیت و خدمات فراوانی را عهده‌دار بوده و در دوران سازندگی و اصلاحات، عمدتاً در دو نوع مسئولیت خطیر فعالیت های فرهنگی در خارج از کشور و فعالیت‌های خدماتی در داخل کشور مشغول به خدمت بوده است: «معاونت بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی»، «معاونت ارتباطات سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی»، «قائم مقامی مجمع جهانی اهل بیت (ع)»، «بنیانگذاری و مدیریت مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب» و «مدیر مسئولی فصلنامه هفت آسمان» از جمله خدمات فرهنگی ایشان است. در بخش خدماتی، اقدام ماندگار ایشان «راه‌اندازی و مدیریت مرکز خدمات حوزه‌های علمیه» می‌باشد.

جناب آقای نواب در مرکز «مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب» که دل مشغولی اصلی ایشان است، در پی رواج ادیان پژوهی و مطالعات مذهبی به شیوه علمی و بی‌طرفانه در کشور عموماً و در حوزه‌های علمیه خصوصاً و زمینه‌سازی برای مطالعات تطبیقی و تعامل مثبت و سازنده ی ادیان و مذاهب گوناگون می‌باشد. «تربیت ده‌ها طلبه فاضل آشنا با دیگر ادیان و مذاهب با مدارک دانشگاهی کارشناسی ارشد و دکتری»، «راه‌اندازی تنها کتابخانه‌ی تخصصی در زمینه ادیان و مذاهب در ایران با بیش از ۲۱ هزار عنوان کتاب تخصصی به زبان‌های گوناگون»، «انتشار ۲۷ شماره از فصلنامه هفت آسمان» و «راه‌اندازی دوره‌های رسمی کارشناسی ارشد در گرایش مختلف ادیان و مذاهب با مجوز وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری» از مهم‌ترین دستاوردهای ایشان در یک دهه گذشته در مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب می‌باشد. ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی گروه مذاهب اسلامی در مرکز ادیان می‌باشد.

نواب پور، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: مشهد.

درگذشت: دی ۱۳۷۴، دورهام انگلستان.

رضا نواب پور دارای دکترای زبان‌شناسی از دانشگاه دورهام و استاد دانشگاه منچستر بود. در مزمزه‌ی خاطرات (مجموعه‌ی داستان، ۱۳۴۰) به انتقاد از خرافه‌پرستی پرداخت. از همکاران مجتبی مینوی در بنیاد شاهنامه بود، بیشتر آثار مکتوب وی به زبان انگلیسی است.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

نوازی، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی عمومی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

نوایی جغتایی، نظام‌الدین امیر

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۹۰۶ - ۸۴۴ / ۸۴۱ ق)، حکیم، نویسنده و شاعر. معروف به امیر کبیر. او به دو زبان ترکی و فارسی شعر می‌گفت و به ذواللسانین مشهور بود. در شعر ترکی، نوایی و در شعر فارسی، فنایی یا فانی تخلص می‌نمود. اصل او از ترکان جغتایی بود و در هرات به دنیا آمد. پدرش از امرا و رجال عهد تیموریان است که در خدمت بعضی از سلاطین آن سلسله مانند میرزا ابوالقاسم بابر، فرزند بایسنقر میرزا، و سلطان ابوسعید میرزا به سر بدر. نوایی نیز همراه پدر مدتی ملازم با برگورکانی در مشهد بود. از کودکی با سلطان حسین بایقرا در مکتب مصاحب و همدرس بود. پس از مرگ بابر، همراه سلطان حسین میرزا به مرو رفت و چندی در هرات در ملازمت سلطان ابوسعید به سر برد و سپس به ماوراءالنهر رفت و به تکمیل دانش پرداخت. پس از مدتی به خراسان سفر نمود و در اوایل قدرت سلطان حسین، به خدمت او درآمد و همراه سلطان به سمرقند و سپس به هرات رفت. او از امرای معروف عهد سلطان حسین و ندیم و مقرب خاص وی بود که از مشوقین بزرگ ادیبان و شاعران به حساب می‌آمد. نوایی از معاصران عبدالرحمان جامی است که به او ارادتی خاص داشت. در ۸۶۲ ق منصب امارت دیوان اعلی به او تفویض گشت. امیر علیشیر یک سال نیز حاکم مازندران

بود و در استرآباد به سر می‌برد. پس از آن به هرات بازگشت و در خدمت سلطان زیست. وی در شکوفایی و رونق ادب و هنر در دوران سلطان حسین بایقرا تأثیر فراوان داشت و هرات در این عصر یکی از بزرگترین مراکز ادب و هنر به شمار می‌آمد. وی در هرات در گذشت و در محله‌ی عیدگاه این شهر، زیر گنبدی در شمال مسجد جامع دفن گردید. لازم به ذکر است که صاحب «مجمع الفصحا» تاریخ فوت وی را ۹۰۷ ق ذکر کرده است. از آثار خیر او: ایوان جنوبی صحن عتیق آستان رضوی، نهر آب بالا خیابان، در مشهد؛ رباط سنگ بست؛ رباط دیز آباد؛ بند آجری قریه‌ی تروق در نزدیکی طوس؛ مقبره‌ی قاسم انوار، در قریه‌ی لنگر نزدیک تربت جام؛ تعمیر قسمتی از مزار عطار نیشابوری. از تألیفات او: «تذکره‌ی مجالس النفائس»، در شرح حال شاعران عهد خود، به ترکی جغتایی؛ «لسان الطیر»، به تقلید از «منطق الطیر» عطار؛ «قصه‌ی شیخ صنعان»؛ «خمسه‌ی المتحیرین»، رساله‌ای در شرح حال جامی، در یک مقدمه و یک خاتمه و سه مقاله، به ترکی؛ «منشآت ترکی»؛ «منشآت فارسی»؛ «خمسه‌ای به تقلید از «پنج گنج» نظامی، به ترکی شامل: «فرهاد و شیرین» و «لیلی و مجنون» و «سد سکندری» و «حیرت الابرار» یا «حیات الابرار»، در برابر «مخزن الاسرار» و «سبعه‌ی سیاره»، در برابر «هفت گنبد»؛ «محاكمه اللغتين»؛ چهار «دیوان»، به ترکی شامل: «غرایب الصغر»، «نوادر الشباب»، «بدایع الوسط» و «فوائد الکبر»؛ «دیوان» شعر، به فارسی، در حدود پنج هزار بیت.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آتشکده‌ی آذر (۸۲- / ۸۰)، از سعدی تا جامی (۷۴۴- ۷۳۸- ۶۳۷- ۶۳۴- ۵۴۶، ۵۲۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۸۶- ۳۸۲ / ۴)، تاریخ برگزیدگان (۱۷۲)، تاریخ نظم و نثر (۲۹۱- ۲۸۹)، تحفه سامی (۳۳۸- ۳۳۴)، تذکره‌ی روز روشن (۸۵۱- ۸۵۰)، تذکره‌ی الشعراء (۵۷۴- ۵۵۹)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۰۰)، حبیب‌السیر (۲۵۷، ۱۸۴- ۱۸۳، ۱۷۹، ۱۷۰، ۱۵۹، ۱۴۵، ۱۳۷، ۷۱ / ۴)، دایرة‌المعارف فارسی (۲ / ۱۷۶۵)، الذریعه (۲۴ / ۳۴۷، ۲۱ / ۳۶۴، ۲۰ / ۱۳۷، ۲۵۸، ۲۸۴- ۲۸۵، ۲۰۳، ۲۰۲، ۱۹ / ۱۶۳، ۱۸ / ۳۰۶، ۱۷ / ۹۵، ۱۶ / ۳۰- ۳۱، ۱۸۹، ۳۵۶، ۱۷ / ۹۵، ۳ / ۶۶، ۶۲- ۶۱ / ۲)، روضه‌الصفاء (۷ / صفحات متعدد)، ریحانه (۲۴۲- ۲۳۸ / ۶)، سرآمدان فرهنگ (۲۰۰- ۱۹۸ / ۱)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۵۵- ۱۵۴ / ۱۰)، طرائق‌الحقائق (۱۱۰- ۱۰۹ / ۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۵۰- ۳۴۹)، فرهنگ سخنوران (۹۵۳- ۹۵۲)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۲۸- ۳۲۷)، کتابشناسی نظامی گنجوی (۴۲۴- ۴۲۳)، کشف‌الظنون (۱۹۷۹، ۱۶۱۱، ۱۵۹۱، ۱۵۷۲، ۱۳۰۱، ۱۲۵۸، ۱۱۹۵، ۹۷۷، ۹۸۲، ۶۴۵، ۲۳۰)، لغت‌نامه (ذیل / علیشیر نوایی و نظام‌الدین)، مجالس‌العشاق (۳۳۸- ۳۳۵)، مجالس‌النفائس (مقدمه / د- لو، ۳۵۸- ۳۵۷، ۱۳۶- ۱۳۳)، مجمع‌الفصحا (۸۴- ۸۲ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۷۸- ۶۷۷ / ۱)، هدیه‌العارفین (۷۴۰- ۱ / ۷۳۹).

نوایی، عبدالحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالحسین نوایی در سال ۱۳۰۲ ه.ش تهران متولد گردید. وی بعد از گذراندن دوره‌ی دانشسرا، در رشته حقوق ادامه تحصیل داده و از دانشگاه سوربن فرانسه فارغ‌التحصیل گردید. نوایی پس از آن به کار تدریس در مدارس و دانشگاه‌های کشور پرداخت. او کار تحقیق و پژوهش را با دومیطلب آغاز نمود، اول مسائل مربوط به مشروطیت و دیگری در رابطه با بایبگری. نوایی آثار بسیار با ارزشمندی از خود بجای نهاده است که مورد استفاده بسیاری از محققان و پژوهشگران می‌باشد. وی هم اکنون به دلیل کهولت سن از کار تدریس در دانشگاه دست کشیده اما منزل ایشان همواره پذیرای دانشجویان می‌باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

گرایش : ایران دوره اسلامی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : عبدالحسین نوایی تحصیلات خود را در مدارس ابتدایی (تمدن) و (ابن سینا) آغاز نمود. وی در دوره متوسطه در به مدرسه شرف تحصیل کرد و پس از گذراندن این دوره، علیرغم میل باطنی خود به دانشسرای عالی رفت، دکتر نوایی در این مورد می نویسد: برخلاف میل به دانشسرا رفتم چون علاقه به این حرفه نداشتم و تمایل داشتم که دیپلمات شوم. دکتر نوایی پس از دوره دانشسرای عالی، تحصیلات خود را در دانشکده حقوق پی گرفت اما به دلایلی از ادامه تحصیل در رشته حقوق باز ماند. البته وی یک سال بعد دوباره در رشته حقوق شرکت نمود و توانست شاگرد دوم شود. نوایی به لحاظ اینکه ناگزیر بود یکی از دورشته را انتخاب نماید و با توجه به اینکه یکسال از دوره دانشسرا را نیز گذرانده بود، لذا در همین رشته ادامه تحصیل داد، او سپس به فرانسه رفته و توانست دوره دکترا را از دانشگاه سوربن اخذ نماید.

خاطرات و وقایع تحصیل : عبدالحسین نوایی بعد از دوره دانشسرای عالی به دانشکده حقوق رفت، اما وی نتوانست از این دانشکده فارغ التحصیل شود و به نحوی از ادامه تحصیل باز ماند، علت این امر را نوایی چنین بیان می کند: ماجرا از این قرار بود که در امتحانات دیپلم یک نفر از روی برگه امتحانی من رونویسی کرده بود و در آن زمان تصحیح اوراق امتحانات نهایی به عهده استادان دانشگاه بود و مرحوم دکتر شفق دیده بود که دو برگه کاملاً شبیه یکدیگر است، لذا هر دو نفر به جرم تقلب از ادامه تحصیل محروم کردند، مدتی طول کشید تا توانستم ثابت کنم که ورقه اصلی متعلق به من است و همین تاخیر باعث شد تا من از ادامه تحصیل محروم شوم.

فعالیت‌های ضمن تحصیل : عبدالحسین نوایی در کنار تحصیلات تکمیلی خود در فرانسه به کار معلمی نیز پرداخت و، چون این مسئولیت را پذیرفته بود با جدیت مطالعه می نمود، اینکار دو دلیل داشت اول آنکه تحصیلات خود را دانشگاه کافی نمی دانست و آنرا مقدمه ای می دانست برای ادامه تحصیل دوم نمی خواست به مانند بعضی از معلمین از کم سواد و بی توجهی گله نماید: او می گوید: در هر صورت چشم را بر بسیاری از لذات مادی زندگی بستم و تمام وقتم را صرف آموختن کردم مثلاً موقعی که در پاریس بودم، با توجه به اینکه در آنجا هوادیر روشن می شود ساعت نه صبح غذای مختصری می خوردم که هم صبحانه بود و هم نهار و از ساعت ده در کتابخانه ملی پاریس مطالعه می کردم تا ساعت پنج بعد از ظهر که آنجا تعطیل می شد. هر چند در آن وقت خیلی ها به این کار من می خندیدند، اما من به هیچ وجه احساس غبن نمی کردم چون آثاری که الان شما ملاحظه می فرمایید، غالباً حاصل مطالعات و تلاشهای همان دوران است.

استادان و مربیان : از استادانی که عبدالحسین نوایی به عنوان یک الگو یاد می کند، عباس اقبال بود باز می گردد نوایی وی را از جمله کسانی می داند که در او انگیزه تاریخنگاری را بوجود آورد و این مسئله به زمانی که نوایی در مجله یادگار با وی همکاری شد. از استادان نوایی شخصیت‌های برجسته ای همچون: بدیع الزمان فروزانفر، بهار، بهمینار و میرزا عبدالعظیم خان قریب می توان نام برد.

وقایع میانسالی : در سال ۱۳۴۶ عبدالحسین نوایی مطالبی در مورد دانشگاهها و عدم پذیرش افراد جوان به عنوان استاد منتشر کرد، این مسئله باعث شد دانشجویان دست به شکایات متعددی بزنند با اعتراض دانشجویان مدیریت دانشگاههای تهران و شهرستانها تغییراتی نمود و از آن جمله دانشگاه تبریز که هوشنگ منتصری به سمت ریاست آنجا رسید وی روسای دانشکده ها را که عملاً از ورود هرگونه استاد جدیدی سرباز زده بودند، اخراج کرد و دانشکده ادبیات را به دکتر نوایی سپرد. در سال ۱۳۵۱ در هنگام خدمت در سازمان کتابهای درسی یعنی به دلیل رعایت نکردن دستورات شاه در مورد مبارزه با گرانی، متهم و از کار برکنار شد. اما پس از

مدتی به بابلسر رفته و سمت معاونت مدرسه عالی بابلسر را قبول کرد نوایی پس از مدتی خدمت در این مدرسه به دلیل روش میان دو رییس مدرسه یعنی دکتر فاروقی پیش آمد، از سمت خود استعفا داد، اما دیری نگذشت به سبب بوجود آمدن حوادثی به سمت ریاست این مدرسه منصوب شد. او علت این امر را چنین بیان می کند: دانشجویان، رییس مدرسه با بلسر را به علت رفتار ناشایست کتک زدند و حتی خواستند از پنجره طبقه سوم به پایین پرت کنند، که مدتی در بیمارستان بستری شد. پس از برکناری وی وزارت علوم را به ریاست مدرسه گماشت. انتصاب دکتر نوایی به سمت ریاست مدرسه عالی با بلسر مصارف بود با تحرکات مردم و دانشجویان بر علیه رژیم شاه نوایی می گوید: تا آنجا که من متوجه شدم سخن از انقلاب و تحولی عظیم در میان است و نه یک اعتراض و شکایت، دانشکده ها به هم ریخته بود و کلاسهای تعطیل شده بود و من که هرگز نمی خواستم با دانشجویان مقابله بکنم بلکه آنان را محق می دانستم از خدمت استعفا کردم و به تهران بازگشتم. در سال ۱۳۴۹ ش، دکتر نوایی جایزه بهترین کتاب سال به جهت تصحیح و تعلیق کتاب احسن و التواریخ را دریافت داشت و در سال ۱۳۶۴ ش، موفق به دریافت جایزه بهترین کتاب سال جهت تصحیح و تعلیق کتاب احسن التواریخ را دریافت داشت و در سال ۱۳۶۴ ش. موفق به دریافت جایزه بهترین کتاب سال به خاطر تالیف کتاب اسنادتاریخی ایران از ۱۰۳۸ تا ۱۱۰۵ ه.ق شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: در سال ۱۳۴۶ ه.ش با تغییر مدیریت دانشگاهها، دکتر هوشنگ ریاست دانشگاه تبریز را به عهده گرفت و مسئولیت دانشکده ادبیات را به دکتر نوایی سپرد. نوایی یکی دوسال پس از بازگشت از تبریز مدیر کل تشکیلات و روشهای آموزش و پرورش شد: از فعالیتهای او در این سمت، بررسی سازمان کل وزارت آموزش و پرورش و تقسیم تهران به ۱۷ ناحیه بود. در سال ۱۳۵۱ ه.ش به سازمان کتابهای درسی منتقل گردید و تا مرداد سال ۱۳۵۴ ه.ش در این سمت باقی ماند، اما به دستور شاه از کار برکنار شد و بعد از چند ماه بیکار ماندن به وزارت علوم رفته با دعوت دکتر فاروقی رییس مدرسه عالی بابلسر، در منصب معاونت این مدرسه شروع به کار کرد، اما طولی نکشید به سبب اختلاف عقیده با دکتر فاروقی استعفا داد. نوایی پس از استعفا از مدرسه عالی بابلسر از وزارت آموزش و پرورش درخواست شغل و یا باز نشستگی او موافقت شد. هنوز مدتی از باز نشستگی دکتر نوایی نگذشته بود که وی به سمت ریاست مدرسه عالی منصوب گشت اما وی در طی تحولات کشور در سال ۱۳۵۷ ه.ش از شغل خود استعفا کرده که با باز نشستگی به تهران بازگشت.

فعالتهای آموزشی: عبدالحسین نوایی علاوه بر تالیف و خلق آثار متعدد، در دانشگاهها و موسسات علمی مختلف به تدریس پرداخته است که از آن جمله اند: دانشگاه تهران و مرکز اسناد در سطح لیسانس، دانشگاههای تربیت مدرس، شهید بهشتی، الزهرا، و پژوهشگاه فرهنگ و مرکز اسناد رسمی، دانشگاههای آزاد واحد شهر ری و ابهر در سطح فوق لیسانس و دکتری در سال ۶۴-۱۳۶۳ بخش دکتری تاریخ در دانشگاه آزاد اسلامی ایجاد گردید و دکتر نوایی از همان سال تا سال ۱۳۷۶ عضو ثابت و هیات علمی آن بوده و همانطور که خود می گوید، اولین دانشجوی فارغ التحصیل رشته تاریخ شاگرد وی بوده است. نوایی همچنین در محدوده همکاری حوزه و دانشگاه یک دوره درسی با هفت تن از طلاب در رشته که در سطح فوق لیسانس بودند. از دیگر فعالتهای آموزشی دکتر نوایی نظارت بر رساله های تحصیلی فوق لیسانس و دکترا بود، او در دانشکده های ادبیات شهید بهشتی، تربیت مدرس و الزهرا به عنوان استاد راهنما، مشاور و ممتحن شرکت می نمود. نوایی تا پایان سال ۱۳۷۸ ه.ش به کار تدریس پرداخت، اما پس از بیماری ممتد از رفتن به کلاس خودداری نمود به همین خاطر دانشجویان به منزل وی می روند و از دانش فراوان او بهره می برند.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: عبدالحسین نوایی در کنار کار تدریس و تالیف و پژوهشهای علمی، در مجامع علمی، سمینارها و سخنرانی های متعدد شرکت نمود که بعضی از آنها در خارج از کشور بوده است، از این تعداد می توان، مهمترین آن را به شرح زیر بیان داشت: ۱- سال ۱۳۵۳ ش، سفر به پاکستان برای ایراد چند سخنرانی در سمت ریاست کتابهای درسی. ۲- سال ۱۳۵۳

ش. سفر به ترکیه، سوئد، انگلستان و فرانسه در سمت ریاست کتابهای درسی و بازدید از مراکز فرهنگی. ۳- سال ۱۳۷۴ ش، سفر به ترکیه و سخنرانی درباره جنگ اوزون حسن با سلطان محمد فاتح در سمینار مربوط به فتح قسطنطنیه ۴- سال ۱۳۷۵ ش، شرکت در سمینار تیمور در مشهد و ارائه مجموعه مقالاتی تحت عناوینی چون کثرت منابع تاریخ تیموری «ورد» کتابهایی چون منم تیمور «جهانگشا و توزوک». ۵- سال ۱۳۷۵ ش، سفر به ازبکستان و سخنرانی در سمینار بزرگداشت تیمور.

آرا و گرایشهای خاص: عبدالحسین نوایی در زمینه اتکا خود به تاریخنگاری، بخش اعظم فعالیت خود را در دوره قاجاریه متمرکز نمود: او تحقیقات و پژوهشهای خود را در دو زمینه آغاز نمود، اول مطالب مربوط به مسایل مشروطیت و دیگری در رابطه با بیگری است. چنانکه خود می گوید: «من قاجاریه را به آن بدی نمی بینم که دیگران می بینند. افراد را در زمان خودشان و با معیارهای زمان خودشان باید مورد قضاوت قرار داد. والا با مسائل یک قرن یا دو قرن بعد نمی شود افرادی را که دو قرن - سه قرن پیش از ما بوده اند، داوری کرد. من قاجاریه را بدون اینکه بخواهم ادعا کنم مردان بزرگ و یا نام آوری بوده اند، افراد و خائن و نادرستی نمی دانم، اما می توانم ادعا کنم که در این دوره غیر از دو یا سه نفر، واقعا خائن یعنی کسی که آمده و به کشورش خیانت کرده، بیشتر نداریم، بقیه، کسانی هستند که خواسته اند این مملکت را حفظ کنند، اما ممکن است به علت جهل و بی اطلاعی و عقب ماندگی از دانش اروپا، مسائل سیاسی اروپا و روابط بین دول، اشتباهاتی کرده باشند. اما آنان هرگز قصد خیانت نداشتند. شاید در آن زمان به درستی به نقش استعمار و مطامع قدرتهای اروپایی پی نبرده بودند، و شاید به اندازه لازم آگاهی نداشتند چون شناخت استعمار منوط است به دانستن مفاهیم و اصطلاحات علوم سیاسی، شناخت روابط بین الملل، شناخت مسائل اقتصادی، شناخت اینکه کارخانه اروپا بیان باید با مواد خام ارزان بگردد، این مسائل را نمی دانستند، کجا در س خوانده بودند که بدانند؟ اطلاعی نداشتند.»

چگونگی عرضه آثار: عبدالحسین نوایی تالیفات خود را با همکاری مراکز فرهنگی و موسسات انتشارات گوناگونی به چاپ رسانده است. او دعوت موسسات و واحد های فرهنگی که مولود انقلاب اسلامی بودند را سواره با شوق و رغبت پذیرفت. از موسساتی که او با آنها همکاری نمود عبارتند از: کتابخانه ملی: همکاری در کمیته علمی احیا میراث مکتوب دکتر نوایی: از سال ۱۳۷۳ بنا به دعوت رییس وقت آقای جواهری همکاری خود را با موسسه تاریخ معاصر آغاز کرد. دکتر نوایی: در مهرماه سال ۱۳۷۳ بنا به دعوت رییس وقت انجمن آثار و مفاخر فرهنگی شروع به کار کرد. او در این دو طرح را اجرا نمود، ۱- مجموعه شرح حال بزرگان علم و ادب ۲- تدوین مجموعه اعلام تاریخی. سازمان سمت: ست در واقع حروف اول سازمان مطالعه و تدوین کتب است، و وظیفه آن تهیه کتاب های درسی برای سطح لیسانس می باشد. دکتر نوایی سه چهار سال به عنوان رییس گروه تاریخ در این سازمان خدمت کرد. اداره اسناد نهاد ریاست جمهوری دکتر نوایی: در این واحد بر کار محققان جوان نظارت دارند و آنان را در خواندن اسنادی که نوعا با خط شکسته یا قلم سیاق است یاری می نمایند. سازمان اسناد ملی: همکاری دکتر نوایی با این نهاد تنها در سطح تالیف کتاب بوده است.

آثار:

۱ آیین

۲ اسطوره اهل حق

۳ اسناد عبدالوهاب خان آصف الدوله در خراسان

۴ اسناد مربوط به نایب حسین کاشی

۵ اسناد و مکاتبات سیاسی ایران از ۱۳۰۸ تا ۱۱۰۵ ه ق

- ۶ اسناد و مکاتبات تاریخی از تیمور تا شاه اسماعیل
- ۷ اطلاعات ماهیانه
- ۸ ایران و جهان
- ۹ با ستا نشناسی و تاریخ
- ۱۰ بررسی های تاریخی
- ۱۱ پست تهران
- ۱۲ تاریخ آل مظفر
- ۱۳ تاریخ روابط فرهنگی ایران
- ۱۴ تاریخ عضدی
- ۱۵ تاریخ گزیده
- ۱۶ تالیف محمد تقی
- ۱۷ تکمله الاخبار
- ۱۸ جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان و باختران
- ۱۹ حدیقه الشعرا
- ۲۰ حکیم و به اهتمام جمشید کیانفر و محمد علی صوتی
- ۲۱ خاطرات عباس میرزا ملک آرا
- ۲۲ خبرنامه سمینار بین المللی نهضت مشروطیت
- ۲۳ دولتهای ایران از مشروطیت تا او لTIMATOM
- ۲۴ دیوان محتشم کاشانی
- ۲۵ روزنامه باختر
- ۲۶ روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه
- ۲۷ روزنامه آژنگ
- ۲۸ روزنامه اصفهان
- ۲۹ روزنامه امید
- ۳۰ روزنامه بهرام
- ۳۱ زیور آل داود
- ۳۲ سیرو سیاحت
- ۳۳ شاه اسماعیل صفوی
- ۳۴ شاه تهماسب
- ۳۵ شاه عباس
- ۳۶ شرح حال رجال حبیب السیر
- ۳۷ صدف
- ۳۸ فتح تهران

۳۹ فتنه باب

۴۰ فصل نامه تاریخ معاصر ایران

۴۱ فصل نامه تحقیقات تاریخی گنجینه اسناد

۴۲ فهرس التواریخ

۴۳ کریم خان زند

۴۴ گزیده فرمانهای موجود در کتابخانه ملی

۴۵ گوهر

۴۶ ماهنامه فرهنگ

۴۷ ماهنامه ادبستان

۴۸ متون تاریخی به زبان فارسی

۴۹ مجله توشه

۵۰ مجله فردوسی

۵۱ مجله کیهان فرهنگی

۵۲ مجله یارگار

۵۳ مجله یغما

۵۴ مجموعه اسناد نابینایان کاشان

۵۵ همراه البلدان

۵۶ همراه الوقایع مظفری و یادداشت‌های ملک المورخین سپهر

۵۷ مطلع سعدین

۵۸ مطلع سعدین و مجمع بحرین

۵۹ مظفرالدین شاه

۶۰ مقاله دوره مجله یادگار

۶۱ مقدمه بر جغرافیای تاریخی شهرهای ایران

۶۲ مقدمه بر کتائبهای چون گنج دانش

۶۳ مهد علیا

۶۴ مهر

۶۵ نادر و جانشینانش همراه با نامه‌های سلطنتی و اسناد سیاسی و اداری

۶۶ نامه‌های خان احمد خان گیلانی

۶۷ نشریه وزارت امور خارجه

۶۸ وجه تسمیه شهرهای ایران

نوایی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مترجم.

درگذشت: ۱۳۶۲.

محمود نوایی دارای درجه‌ی تحصیلی مهندسی و مترجم زبان فرانسوی و نخستین مترجم آثار زیگموند فروید بود. از آثار اوست: آینده‌ی یک توهم (زیگموند فروید)؛ ارزش علمی و عملی نظریات فروید، بیگانگان در خانه (اثر ژرژ سیمنون)؛ بیولوژی و فلسفه‌ی زندگی؛ پنج درس پسیک آنالیز (زیگموند فروید، ۱۳۲۴)؛ خندان و گشاده‌رو باشید (پروفسور پل بنینسن فرانسوی، ۱۳۲۸)؛ روانکاوی و زندگی من (زیگموند فروید، ۱۳۲۴)؛ روش علمی تلقین بنفس (پل ب. ژاگو، ۱۳۲۵)؛ کاپیتال (تلخیص از کتاب ارل مارکس، ۱۳۲۳)؛ گرادیا (اثر یوهانس ویلهلم ینسن که هذیان و رؤیا اثر زیگموند فروید به ضمیمه‌ی آن آمده است، ۱۳۴۰، ظاهراً هذیان و رؤیا به صورت مجزا هم به چاپ رسیده است)؛ مزد ترس (ژرژ آرنو، ۱۳۳۴ نظریات فروید. وی مشغول به تألیف کتابی به فرانسه درباره‌ی خیام بود که نیمه کاره ماند. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

نوبخت حقیقی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: داخلی نفرولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی بیماریهای داخلی در سال ۱۳۶۱ و فوق تخصصی نفرولوژی در سال ۱۳۶۷.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی علوم پزشکی شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پژوهش‌های متعدد در زمینه نفرولوژی و دستگاه ادراری، استاد راهنمای ۲ پایان نامه دکترای پزشکی و داخلی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

نفرولوژی، دستگاه ادراری و تناسلی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۴، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

نفرو لوزی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

نوبخت شیرازی، حبیب‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۷۴/۱۲۷۳ ش)، نویسنده، مترجم، روزنامه‌نگار و شاعر. در شیراز به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش به پایان برد، سپس برای تحصیل علوم دینی به نجف و کربلا رفت و ادبیات عرب را آموخت. او علم کلام را از محضر سید محمد مفتی هندی آموخت و ادبیات عرب را نزد شیخ عبدالرحمان کویتی تکمیل کرد و در حوزه‌ی درس صدر اصفهانی، که مرجع تقلید بود، درس خارج خواند. وی پس از مراجعت به شیراز مدتی در مدرسه شریعت، و پس از تأسیس دارالمعلمین شیراز مدت سه سال در آنجا تدریس کرد. او در ۱۲۹۸ ش در شیراز مجله‌های «دنیای ایران»، «فکر آزاد» و روزنامه‌ی «بهارستان» در ۱۲۹۹ ش مجله‌ی «گل آشتی» را در شیراز تأسیس و منتشر نمود. نوبخت از طرفداران رضا شاه بود به همین علت شاه او را به مدیریت مجله‌ی نظامی «قشون» که در ۱۳۴۰ ق تأسیس شده بود، برگزید. او در دوره‌های ششم و هفتم از طرف مردم بهبهان به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. وی مدتی نیز ریاست کتابخانه‌ی سلطنتی را بر عهده داشت. از دیگر آثارش: «شاهنامه پهلوی»، «علم تربیت یا پداگوژی»، «علم روح علم طبایع»، «ماوراء مدرسه»، «فلسفه فازیسم»، «قانون فکر»، در علم منطق؛ «تاج جاحظ»، ترجمه؛ «کارنامه»، ترجمه؛ رساله‌ی «سفرای محمد»، «پندنامه»، شعر؛ «دیوان» شعر. [۱]

فرزند میرزا محمد حسن شیرازی، در ۱۲۷۲ ش در شیراز تولد یافت. تحصیلات مقدماتی و ابتدائی را در موطن خود فراگرفت و در ۱۲ سالگی برای ادامه تحصیل به عتبات رفت و علاوه بر ادبیات عرب، حکمت الهی و فلسفه و فنون و صناعات ادبی را به خوبی فرا گرفته و به زبان عربی تسلط کامل یافت و از همان هنگام تحصیل، همکاری با مطبوعات را شروع کرد و غالباً در روزنامه‌های مصر مقالاتی به زبان عربی می‌نوشت و یا قصائدی به صورت انتقاد از اوضاع جهان سروده به مطبوعات می‌داد. مسافرت نوبخت برای ادامه تحصیل در نجف و کشورهای عربی قریب دوازده سال طول کشید و پس از پایان جنگ اول به ایران برگشت. چندی در دارالمعلمین فارس معلم طبیعیات بود، بعد به فکر روزنامه‌نگاری افتاد. ابتدا مجله‌ای به نام زندگانی تأسیس نموده، آنرا انتشار داد و پس از آن مجله‌ی فکر آزاد را تأسیس کرد ولی دوام زیادی نداشت تا اینکه در ۱۲۹۸ در شیراز روزنامه بهارستان را انتشار داد. بهارستان در جهت کودتا و ضرورت آن مقالات متعددی می‌نوشت و هر قدمی که کودتاگران برمی‌داشتند تحسین و تمجید می‌نمود. در حقیقت این روزنامه ارگان کودتا بود. پس از عزل سید ضیاءالدین از رئیس‌الوزرائی نوبخت مورد حمله شدید مخالفین واقع شد که ناچار روزنامه را تعطیل و شیراز را ترک نمود.

در ۱۳۰۱ در تهران روزنامه بهارستان مجدداً دایر شد و هفته‌ای سه شماره انتشار پیدا می‌کرد و ضمن تجلیل و تأیید سردار سپه بقیه رجال را مورد انتقاد قرار می‌داد. پس از چندی روزنامه بهارستان در حقیقت مدافع رضاخان سردار سپه شد ولی به عللی در ۱۳۰۳ تعطیل گردید و نوبخت سردبیر و رئیس هیئت تحریریه مجله قشون شد و در همان موقع کتابی تحت عنوان سردار پهلوی نوشت. این کتاب شامل وقایع از سوم حوت ۱۲۹۹ تا جلوس رضاشاه به سلطنت می‌باشد که دارای تصاویر و گراورهای زیادی است. نوبخت به علت نزدیکی به رضاخان سردار سپه، داوطلب و کالت مجلس شورای ملی شد و در دوره ششم از بهبهان به وکالت رسید و در دوره هفتم هم وکیل همانجا بود. از دوره هشتم حوزه انتخابیه او عوض شد و در هر دوره از فسا انتخاب می‌گردید که مجموعاً هفت

دوره نماینده مجلس شورای ملی بود. نوبخت در دوره رضاشاه از وکلای مورد علاقه دستگاه بود و به همین علت نمایندگی مجلس را در تمام دوره رضاشاه حفظ کرد. در دوره سیزدهم که انتخابات آن در تابستان ۱۳۲۰ انجام یافته بود پس از استعفا و خروج رضاشاه شروع به کار کرد و در این مجلس نوبخت و کیلی حراف و جنجالی شد و با دولتها به جنگ پرداخت. به هنگام طرح لایحه اتحاد سه جانبه بین ایران و انگلیس و شوروی در زمره مخالفان بود و چندین نطق طولانی ایراد نمود و سرانجام رأی کبود داد. نوبخت در آن ایام از طرفداران جدی آلمان و هیتلر بود و حزبی نیز به نام حزب کبود تأسیس کرد. در اواسط ۱۳۲۲ نیروهای بیگانه در ایران عده‌ای را به جرم ژرمانوفیلی بازداشت کردند که از جمله حبیب‌الله نوبخت و کیلی مجلس بازداشت گردید. سایر بازداشتیها در اراک توقیف بودند ولی نوبخت به خارج از ایران انتقال یافت و تا پایان جنگ در اسارت بیگانگان بود. در ۱۳۲۴ از زندان رهایی یافت، کار سیاست را رها کرد و به تألیفات و ترجمه پرداخت تا در ۱۳۵۲ درگذشت. در طول زندگانی خود آثار زیادی نوشته و انتشار داد از جمله شاهنامه نوبخت است. فرزند ارشد وی دانش نوبخت سالها روزنامه سیاست ما را انتشار می‌داد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ جراید ۱۵۶-۱۵۵، ۴/۸۲، ۱۱۱، ۴/۱۱۰-۲۹۸، ۲۹۷-۳۶، ۲/۳۲، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۳۴-۷۲۷/۵)، الذریعه (۱۹/۳۱، ۲۳۰-۲۲۹، ۱۷/۲۴، ۱۵/۳۲۱، ۱۳/۲۱، ۹/۱۲۲۷)، فرهنگ سخنوران (۹۵۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۹۸، ۲۸۶۳، ۲۸۶۲، ۲۵۸۴، ۲۵۱۸، ۲۴۶۱، ۲۳۳۷، ۲۳۳۵، ۲/۲۰۸۷، ۱۵۲۸، ۱۵۴، ۱/۶۲۸)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۲-۲/۴۸۰).

نوبختی، ابواسحاق ابراهیم بن اسحاق

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، عالم دینی، حکیم و متکلم امامی. از جمله آثارش کتاب «الیاقوت» یا «فص الیاقوت» است که از قدیم‌ترین کتابهای کلامیه شیعه می‌باشد و بسیاری از علما به آن توجه داشته‌اند و علامه حلی «انوار الملکوت» خود را در شرح بر این کتاب نگاشته است و از مؤلف آن، ابواسحاق ابراهیم بن نوبخت، تعبیر به شیخ اقدم و امام اعظم شیعه می‌کند. به تبع علامه حلی، محدث قمی و سید محسن امین و دیگران این کتاب را به ابواسحاق ابراهیم بن اسحاق نسبت داده‌اند. اما در «ریاض العلماء» و «الشیعه و فنون الاسلام» و «الذریعه»، ابن نوبخت اطلاق بر برادر ابراهیم، شیخ اسماعیل بن اسحاق بن ابی سهل بن نوبخت شده و کتاب «الیاقوت» به وی منتسب شده است. از دیگر آثار وی: «الابتهاج فی اثبات اللذة العقلية لله تعالی». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان‌الشیعه (۱۱۱-۲/۱۱۰)، بحارالانوار (۱/۱۷)، خاندان نوبختی (۱۸۰-۱۶۶)، الذریعه (۲۷۲-۲۷۱/۲۵، ۱/۶۲)، ریحانه (۲۴۷-۶/۲۴۶)، الکنی واللقاب (۱/۹۴).

نوبختی، ابوالعباس فضل

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۸۵ ق)، حکیم، فیلسوف، متکلم، منجم و مترجم. گروهی او را به جدش منسوب کرده و فضل بن نوبخت خوانده‌اند. وی از مشاهیر و پیشوایان متکلمان امامیه به شمار می‌آید. ابونواس از شاعران معاصر او بود که در مدح خاندان نوبختی شعر می‌سرود. فضل از منجمان و فیلسوفان عهد هارون الرشید و خزانه‌دار کتابهای حکمی به حساب می‌آمد که بسیاری از کتب حکمت اشراقی قبل از اسلام را، از زبان پهلوی به عربی، ترجمه نمود. همچنین در حکمت کتابهایی تألیف کرد و در نجوم نیز آثاری دارد. سید جمال‌الدین ابن طاووس، در کتاب خود «فرج المهموم» آورده که تصانیف نجومی او را دیده و تبحر او را در این فن تصدیق می‌نماید.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان‌الشیعه (۴۱۲-۸/۴۱۰)، خاندان نوبختی (۲۰، ۱۴، ۳)، دایرة‌المعارف فارسی (۲/۳۰۶۰)، ریحانه (۶/۲۵۰)، الفهرست ابن‌الندیم، ترجمه (۲۷۷، ۲۳۶، ۲۰۰، ۱۴)، لغت‌نامه (ذیل / نوبختی).

نوبختی، ابوالقاسم حسین

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۲۶ ق) عالم امامی و محدث. نایب سوم از نواب خاص حضرت امام زمان (عج) می‌باشد. وی از بستگان نزدیک ابوعبدالله حسین بن علی نوبختی، وزیر ابن رائق بود. اصل وی از نوبخت از توابع فارس است. در ابتدا وکیل ابی‌جعفر محمد بن عثمان عمری، دومین نایب آن حضرت، بود. در کتاب «غیبت» شیخ طوسی آمده است که محمد بن عثمان قبل از وفاتش شیوخ و بزرگان شیعه را نزد خود فراخواند و به ایشان گفت: چنانچه مرگ برای من مقدر شد، این امر به حسین بن روح واگذار خواهد بود و من از جانب امام زمان (عج) مأمور هستم که او را به جانشینی خود معرفی نمایم، پس در امورتان به وی مراجعه و در کارهای خود به او اعتماد نمائید. حسین بن روح نوبختی حتی در ایام امامت امام یازدهم، حضرت عسکری (ع)، از صحابه‌ی خاص به شمار می‌رفت و نماینده آن حضرت بود. او را به امانتداری و بزرگ‌منشی ستوده‌اند. وی از ۳۰۵ ق به مدت بیست و یک سال منصب نیابت خاص حضرت امام زمان (عج) را عهده‌دار بود. همچنین مدت پنج سال (۳۱۷-۳۱۲ ق) در زندان مقتدر عباسی محبوس بود و در این مدت ابوجعفر محمد بن علی شلمغانی ادعای باییت نمود که از ناحیه‌ی امام زمان (عج)، به واسطه‌ی حسین بن روح توقیعی در لعن وی صادر گردید. حسین بن روح در بغداد در گذشت و همان جا به خاک سپرده شد. مدفن او زیارتگاه و مورد توجه می‌باشد. از آثارش: «التأدیب».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان‌الشیعه (۲۲-۶/۲۱)، تاریخ الغیبة الصغری (۴۱۲-۴۰۶)، تحفه قدسی در علائم ظهور مهدی موعود (۲۹۵-۲۸۹)، خاندان نوبختی (۲۳۸-۲۱۲)، الذریعه (۳/۲۱۰)، سیر النبلاء (۲۲۴-۱۵/۲۲۲)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۱۳/۴)، کلمة الامام المهدی (۱۴۳-۱/۱۴۱)، لسان‌المیزان (۲/۵۲۳)، معجم رجال‌الحديث (۵/۲۳۶)، معجم المؤلفین (۴/۸)، نواب‌الدهور (۱/۸)، الوافی بالوفیات (۳۶۷-۱۲/۳۶۶).

نوبختی، ابوسهل اسماعیل

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۱۱- ۲۳۷ ق)، متکلم، دانشمند و پیشوای امامیه. از خانواده‌ی ایرانی الاصل بنونوبخت بود. جدش ابوسهل و دیگر افراد خاندان نوبخت از معروفان علم و ادب بودند و از زمان حکومت منصور خلیفه عباسی به بعد در بغداد به عنوان مترجم کتب پهلوی و منجم و حامی دانش و ریاست شیعه آنجا حائز اهمیت بودند. علاقه ابوسهل نوبختی به فلسفه وی را به سوی ثابت بن قره کشاند و مباحثات خود را با او تحت عنوان «مجالس ثابت بن قره» نوشت. ابوسهل طرفدار شاعر شیعی ابن رومی، از ستایشگران خاندان نوبختی بود. ولی این پیوند گهگاه از هم می‌گسیخت. ابوسهل با بختی نیز دوستی داشت. بختی درباره‌ی شعر ابوسهل چندان نظر خوشی نداشت. ظاهراً ابوسهل در بیشتر عمر خود مقامات عالی دیری داشته است. کدورت وی با ابن ثوابه کاتب فقط است. ابوسهل در زمان وزارت قاسم (۳۸۸- ۲۹۱ ق) مدتی به زندان افتاد و این بدان دلیل بود که می‌کوشید تا شیعیان را وارد دستگاه حکومتی کند. از آن پس نفوذ او در زمان بنو فرات شیعی مذهب بالا- گرفت و پیشوای امامیه‌ی بغداد شد. وی از سفیران امام دوازدهم (عج) حمایت می‌کرد. با حلاج مخالف بود و از حمایت وی رویگردان. آشکارا از بی‌بنیادی کرامات حلاج پرده برداشت. وی در اهواز با متکلم معتزلی ابوعلی جبائی مناظره داشت. او شاعری بلیغ به حساب می‌آمد. خواهرزاده‌اش، حسن بن موسی نوبختی، و برادرش، ابوجعفر محمد، نیز از متکلمان و بزرگان مکتب بنو نوبختند. ابوبکر محمد بن یحیی صولی و ابوعلی کوبی و فرزندش، ابوالحسن علی بن اسماعیل، از شاگردان وی بودند. ابوسهل در بغداد درگذشت و در حرم کاظمین (ع) به خاک سپرده شد. وی یکی از شیعیان معتقد بود و با امام حسن عسکری (ع) و امام زمان (عج) ملاقات کرد. ابن بابویه درباره‌ی غیبت و امامت امام مهدی (عج) از او روایت کرده است. ابوسهل ردیه‌هایی بر چند کتاب ابن راوندی نوشت. از تألیفات وی: «الاستیفاء فی الامامة»؛ «التنبیه فی الامامة»؛ «نقض رساله الشافعی»؛ «الخواطر»؛ «المجالس»؛ «الرد علی اصحاب الصفات»؛ «الرد علی من قال بالمخلوق»؛ «الکلام فی الانسان»؛ «ابطال القیاس»؛ «نقض»؛ «نقض التاج علی الراوندی»، مشهور به «کتاب السبک»؛ «نقض اجتهاد الراوی علی ابن الراوندی»؛ «الصفات»؛ «تثبیت الرسالة»؛ «حدوث العالم»؛ «کتاب الرد علی اليهود»؛ «کتاب الانوار فی تاریخ الائمة الاطهار (ع)».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۸۸- ۳۸۳ / ۳)، ایضاح المکنون (۶۷۵، ۳۴۴، ۳۰۸، ۲۹۸، ۲۹۲، ۲۹۱، ۲۸۴، ۲۷۵، ۲۷۴، ۲۶۷، ۲۶۳، ۲/)، تاریخ بغداد (۱۲۵- ۱۲۴ / ۸)، تاریخ نجوم اسلامی (۱۸۳)، خاندان نوبختی (۱۲۳- ۹۶)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹۰۱- ۸۹۹ / ۷)، الذریعه (۲۸۸، ۲۸۶، ۲۸۵ / ۲۴، ۳۵۲ / ۱۹، ۴۳ / ۱۵، ۲۲۸، ۲۱۲، ۲۱۰ / ۲۱۰، ۱۰ / ۲۹۳، ۶ / ۴۳۸، ۴ / ۳۴۵، ۳ / ۳۶، ۲ / ۶۹، ۱ /)، رجال النجاشی (۱۲۲- ۱۲۱ / ۱)، روضات الجنات (۱۲۲- ۱۲۰ / ۱)، ریحانه (۱۴۷- ۱۴۳ / ۷)، سیر النبلاء (۳۲۹- ۳۲۸ / ۱۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۴- ۶۳ / ۴)، الفهرست لابن الندیم (۲۵۱)، الفهرست للطوسی (۵۸- ۵۷)، الکنی و الالقاب (۹۵- ۹۳ / ۱)، لسان المیزان (۶۵۵- ۶۵۴ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل / ابوسهل)، معجم رجال الحدیث (۱۵۶- ۱۵۴ / ۳)، معجم المؤلفین (۲۸۰- ۲۷۹ / ۲)، الملل و النحل (۱۵۱)، الوافی بالوفیات (۱۷۳- ۱۷۱ / ۹)، هدیه العارفین (۲۰۸ / ۱).

نوبختی، ابومحمد حسن

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۰۲ - ۳۲۰ ق)، محدث امامی و کاتب. ساکن بغداد بود. وی از قاضی محاملی و علی بن عبدالله واسطی روایت نموده است. ابوبکر احمد بن محمد برقانی و ابوالقاسم عبدالله بن احمد ازهری و ابوالقاسم تنوخی و ابوالفرج طنجیری و ابوالقاسم بن خلل از وی روایت کرده‌اند. محدثین و علمای عامه او را در حدیث صدوق و راستگو دانسته‌اند. در «میزان الاعتدال» ذهبی وفات وی ۴۵۲ ق ذکر شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان‌الشیعه (۵/۵۶)، انساب‌سمعی (۵/۵۲۹-۵۳۰)، تاریخ بغداد (۷/۲۹۹)، ریحانه (۶/۲۴۷-۲۴۸)، لسان‌المیزان (۲/۳۷۷)، میزان الاعتدال (۱/۴۸۱)، الوافی بالوفیات (۱۱/۴۲۷).

نوبری، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد جعفر نوبری از علماء معاصر تبریز و فضلاء حوزه مرحوم آیه الله العظمی و العلامه الکبری سیدنا الاستاد آقای آقا سید محمد حجت کوه کمری رحمه الله می‌باشد.

وی در محله نوبر تبریز در روز ۱۷ ربیع‌المولود ۱۳۳۴ ق که مصادف با روز میلاد رسول صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام است تولد یافته و بدین مناسبت موسوم به (محمد جعفر) گردیده و پس از تکمیل مقدمات در تبریز در آخر جمادی الاول ۱۳۵۳ ق به قم مهاجرت نموده و از محضر اعلام قم چون آیه الله العظمی گلپایگانی و مرحوم علامه ادیب تهرانی سطوح را استفاده و به پایان رسانیده و در درس خارج آیت الله العظمی حجت قدس الله سره و آیت الله محقق خونساری و مدت کوتاهی مرحوم آیت الله صدر و آیت الله آقا میرزا رضی مجتهد تبریزی بهره‌مند شده و به مراتب عالی‌تر رسیده است. آقای نوبری تا سال ۱۳۷۵ ق در قم به تدریس و تکمیل مبانی علمی اشتغال داشتند و پس از آن مراجعت به تبریز نموده و تاکنون به اقامه جماعت و ایفاء وظایف و خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

نوجابادی بخاری، ظهیرالدین، ابوالمظفر محمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۶۸ - ۶۱۶ ق)، فقیه حنفی و اصولی. در نوجاباد، از قرای بخارا، به دنیا آمد. به دمشق رفت و سرانجام در بغداد مقیم گشت و به امامت مستنصریه رسید. از آثار او: «کشف‌الابهام لرفع‌الاهام» که در «کشف‌الظنون» تحت عنوان «کشف‌الابهام لدفع‌الاهام» ذکر شده است؛ «تلخیص‌القدوری» یا «الملخص فی مختصر‌القدوری»، در فروع فقه حنفی؛ «کشف‌الاسرار»، در اصول فقه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/۲۰۴)، ایضاح‌المکنون (۲/۳۵۵)، کشف‌الظنون، (۱۶۳۴، ۱۴۸۵-۱۴۸۴)، لغت‌نامه (ذیل / نوجابادی)، معجم‌المؤلفین (۱۱/۹۱)، هدیه‌العارفین (۲/۱۲۹).

نوحی، فریدون

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای قلب، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی ایران. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

نوذری، عزت الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر عزت اله نوذری در سال ۱۳۲۳ در رودسر بدنیا آمد. وی پس از اخذ دیپلم در ایران تحصیلات دانشگاهی خود را از مقطع کارشناسی تا دکتری در دانشگاههای گرانس و وین بانجام رساند. در سال ۱۳۵۷ به ایران بازگشت و در سال ۱۳۵۸ به استخدام دانشگاه تربیت معلم در آمد، و از سال ۱۳۶۴ به دانشگاه شیراز منتقل شد و هم اکنون با درجه علمی دانشیاری در آنجا مشغول به تدریس و تحقیق است.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

گرایش: تاریخ اجتماعی

خاطرات کودکی: بهترین و به یاد ماندنی ترین خاطره عزت اله نوذری رفتن به کلاس اول ابتدایی بود که همواره در شادی وصف ناپذیری بسر می برد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: عزت اله نوذری در خانواده مذهبی به دنیا آمد و بزرگ شد. پدرش کارمند عالیرتبه وزارت دارایی در تهران بود و اهل هنر و شعر و تاریخ است. پدر بزرگ دکتر نوذری نیز با شعر شاعران و تاریخ مانوس بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: عزت اله نوذری پس از دریافت دیپلم از ایران تحصیلات دانشگاهی خود را از مقطع کارشناسی تا دکتری در رشته تاریخ گرایش اجتماعی در دانشگاههای گرانس و وین بانجام رساند.

فعالتهای ضمن تحصیل: عزت اله نوذری در حین تحصیل در خارج از کشور بطور مستقل در فعالیت های علیه رژیم شرکت می کرد.

همسر و فرزندان: عزت اله نوذری متاهل و دارای دو فرزند پسر است. فرزند ارشد، روزبه نوذری دارای مدرک کارشناسی عمران و متاهل است. دیگر فرزندش، آرش نوذری که دارای کارشناسی حسابداری و متاهل می باشد.

وقایع میانسالی: عزت اله نوذری پس از دریافت دکتری رشته تاریخ اجتماعی ایران در سال ۱۳۵۷ به ایران بازگشت و در سال ۱۳۵۸ به استخدام دانشگاه تربیت معلم در آمد. در سال ۱۳۶۴ به دانشگاه شیراز منتقل شد. وی هم اکنون با رتبه علمی دانشیاری در همین دانشگاه به تدریس و تحقیق مشغول است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: عزت اله نوذری عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه شیراز است. وی بغیر از شرکت در کمیته های

متعدد آموزشی، پژوهشی و تکمیلی پست اجرایی دیگری نداشته است.

فعالیت‌های آموزشی: عزت اله نوذری در طول ۲۸ سال تدریس بطور متوسط در هر ترم میانگین ۱۲ ساعت مشغول به تدریس بوده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: عزت اله نوذری در کنار تدریس در دانشگاه شیراز به تحقیق و پژوهش می پردازد.

جوایز و نشانها: عزت اله نوذری تعداد ۲۷ لوح تقدیر از دست روسای دانشگاهها در سمینارها و غیره دریافت کرده است. به عنوان مثال محقق نمونه در دانشگاه شیراز در سال ۱۳۷۹ است.

چگونگی عرضه آثار: عزت اله نوذری دارای ۱۲ کتاب تخصصی در رشته تاریخ و ۳۸ مقاله منتشر شده در ژورنالهای داخلی و خارجی است.

آثار:

۱ اروپا در قرون وسطی

ویژگی اثر: تالیف

۲ انقلاب فرانسه

ویژگی اثر: تالیف-در دست تهیه است

۳ ایران و تاریخ

ویژگی اثر: تالیف

۴ پژوهش پیرامون ایلات و کولیهای استان مرکزی

ویژگی اثر: تالیف

۵ تاریخ اجتماعی ایران در دو جلد

ویژگی اثر: تالیف-جلد اول: از آغاز تا مشروطیت-جلد دوم: از مشروطیت تا انقلاب اسلامی

۶ تاریخ احزاب سیاسی در ایران

ویژگی اثر: تالیف

۷ تاریخ معاصر جهان

ویژگی اثر: تالیف

۸ جنبش در تاریخ معاصر ایران

ویژگی اثر: تالیف

۹ روش شناخت در تاریخ

ویژگی اثر: تالیف

۱۰ سالشمار تاریخ ایران

ویژگی اثر: تالیف

۱۱ شخصیت از آغاز تا عصر روشنگری

ویژگی اثر: تالیف

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد نوراللهی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد نوراللهی متولد ۱۳۴۰ تحصیلاتم را تا دیپلم در شهر مذهبی قم در سال ۵۹ به اتمام رساندم و تقریباً سال ۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و مقدمات را در مدرسه امام خمینی (ره) گذراندم و از اساتیدی در ادبیات چون: «آقای طالقانی»، «مرحوم مدرس افغانی» و «آقای ضیائی» استفاده کردم و فقه را در نزد «آقای استادی» و اصول فقه را در نزد «آقای حسینی بوشهری» به اتمام رساندم و رسائل و مکاسب را نزد «آقای محمدی خراسانی» گذراندم. و همزمان با دروس حوزه علمیه از سال ۷۰ - ۶۳ در دانشگاه آزاد اسلامی تهران به تحصیل پرداختم و مدت ۱۳ سال است که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه مشغول تدریس و پژوهش و مشاوره می باشم ضمناً دروس اخلاق و تهذیب را نزد «آیة الله مظاهری» و «آیة الله مشکینی» گذراندم.

نورانی وصال، عبدالوهاب

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالوهاب نورانی وصال، در سال ۱۳۰۲ شمسی در شیراز به دنیا آمد. دوره های دبستان و دبیرستان را در شیراز گذراند. آنگاه در سال ۱۳۲۱ به تهران آمد و در رشته ی ادبیات فارسی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به ادامه ی تحصیل پرداخت و در خردادماه ۱۳۲۴ به اخذ دانشنامه ی لیسانس نائل آمد. او پس از انجام خدمت وظیفه ی عمومی، به ادامه ی تحصیل در دوره ی دکترای زبان و ادبیات فارسی و تحقیق و تکمیل پایان نامه ی دکترای خود تحت عنوان « طرز شعر در نیمه ی اول قرن دهم » به راهنمایی استاد بدیع الزمان فروزانفر پرداخت و در خردادماه ۱۳۲۴ به اخذ درجه ی دکترا توفیق یافت.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب: پدر عبدالوهاب، میرزا علی متخلص به روحانی و فرزند میرزا عبدالوهاب متخلص به یزدانی، و او نیز فرزند میرزا محمدشفیع معروف به میرزا کوچک متخلص به وصال شیرازی شاعر بزرگ عصر قاجاری بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: عبدالوهاب نورانی وصال، دوره های دبستان و دبیرستان را در شیراز سپری کرد. آنگاه در سال ۱۳۲۱ به تهران آمد و در رشته ی ادبیات فارسی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به ادامه ی تحصیل پرداخت و در خردادماه

۱۳۲۴ به اخذ دانشنامه‌ی لیسانس نائل آمد. او پس از انجام خدمت وظیفه‌ی عمومی، به ادامه‌ی تحصیل در دوره‌ی دکترای زبان و ادبیات فارسی و تحقیق و تکمیل پایان‌نامه‌ی دکترای خود تحت عنوان «طرز شعر در نیمه‌ی اول قرن دهم» به راهنمایی استاد بدیع الزمان فروزانفر پرداخت و در خردادماه ۱۳۲۴ به اخذ درجه‌ی دکترای توفیق یافت.

استادان و مربیان: عبدالوهاب نورانی وصال، سالها مدیریت گروه ادبیات فارسی دانشگاه شیرازی را برعهده داشت.

همسر و فرزندان: خانم دکتر طاهره صفارزاده، نویسنده و شاعر توانمند معاصر، همسر عبدالوهاب نورانی وصال می‌باشد.

زمان و علت فوت: دکتر عبدالوهاب نورانی وصال، در دی ماه ۱۳۷۳ چشم از جهان فروبست.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: عبدالوهاب نورانی وصال، چندین سال، مدیریت گروه ادبیات فارسی دانشگاه شیراز را برعهده داشت.

فعالیت‌های آموزشی: عبدالوهاب نورانی وصال، پس از اخذ درجه‌ی لیسانس به تدریس در دبیرستان‌های تهران پرداخت. آنگاه در سال ۱۳۲۴ پس از دریافت مدرک دکترای، به دانشجویی دانشکده ادبیات دانشگاه شیراز برگزیده شد و اندکی بعد به مقام استادی رسید.

سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: عبدالوهاب نورانی وصال، مدت‌ها سلسله برنامه‌هایی را با عنوان «سوگنامه سرایی در ادبیات فارسی» در مرکز رادیو تلویزیون شیراز اجرا کرد که از یک طرف نمودار تسلط کم نظیر او بر ادوار شعر فارسی بود و از طرف دیگر، شور و ایمان پاک مذهبی او را که موروثی‌خاندان او بود، نشان می‌داد. او در انجمن‌ها و مجامع ادبی و کنگره‌های علمی با ایراد سخنرانی و خواندن شعر حضوری فعال داشت. ضمن انجام این فعالیتها او به نشر کتاب و مقالات و تحقیقات علمی خود پرداخت.

آرا و گرایشهای خاص: عبدالوهاب نورانی وصال، از آخرین شاعران بزرگی بود که شعرش استواری سخن استادان گذشته را داشت و در عین حال، سرشار از مضامین و اندیشه‌های لطیف نو بود.

آثار:

۱ تحقیق و تصحیح دیوان حافظ

ویژگی اثر: با همکاری دکتر محمدرضا جلال نائینی.

۲ تصحیح و چاپ دیوان داوری شیرازی

ویژگی اثر: با کمک مؤسسه‌ی اطلاعات.

۳ نقد و تصحیح فرائدالساوک

ویژگی اثر: متن منثور اخلاقی از شمس‌الدین سجاسی، با همکاری دکتر غلامرضا افراسیابی.

۴ نقد و تصحیح مصیبت‌نامه‌ی عطار

۵ هزارمزار در ترجمه‌ی شدالازار (در شرح مشاهد شیراز)

ویژگی اثر: تألیف: عیسی بن جنید شیرازی. منابع زندگینامه: مجله‌ی نامه‌ی فرهنگ، شماره‌ی ۱۶، زمستان ۱۳۷۳

نورانی، عبدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فلسفه و کلام اسلامی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: تهران
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

نوربخش

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدحسین نوربخش فرزند میر قوام‌الدین معروف به «بهاء‌الدوله» از پزشکان مهم قرن نهم هجری است. بهاء‌الدوله طب را نخست در ری و سپس در هرات نزد استادان هندی بیاموخت و مدتی در خدمت سلطان حسین میرزا بود و عاقبت به ری بازگشت و در همانجا درگذشت. تنها کتابی که از او باقی است «خلاصه‌التجارب» است که در حقیقت خلاصه‌ی تجربه‌های خود او است.
برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

نوربخش، خسرو

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای عمومی از دانشکده پزشکی دانشگاه مشهد در سال ۱۳۴۷، دکترای تخصصی بیماریهای داخلی در سال ۱۳۵۴، طی یک دوره یک ساله بیماریهای گوارش در بیمارستان‌های جرج تاون و جرج واشنگتن آمریکا، طی یک دور دو ساله گاستروآنترولوژی در دانشگاه منچستر انگلستان و اخذ مدرک فوق تخصص بیماریهای گوارشی.

مرتبه علمی:

عضویت در هیأت علمی دانشگاه مشهد، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه مشهد در سال ۱۳۶۶.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پژوهش در زمینه بیماریهای گوارشی و روشهای درمان آنها، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه تخصصی دستگاه گوارش.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

فیزیوپاتولوژی کبد و مجاری صفراوی، داخلی و دندان پزشکی، بیماریهای داخلی برای دانشجویان داروسازی، بخشی از بیماریهای کبدی، فیزیوپاتولوژی بیماریهای معده و اثنی عشر، داروهای گوارشی، فیزیولوژی لوله گوارش.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۹ تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

درمان طبی سنگهای صفرای، درمان طبی سندرم سوء جذب، عوارض گوارشی بیماریهای دیابت، عوارض درمانی داروهای خوارکی، استفاده از همودیالیز در سندرم هیپاتورنال، تغییرات SEL در بیماریهای مری، شناسائی ناقلین و بیماران با سابقه هپاتیت ویرال در مطب.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

نوربخش، محمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۸۶۹-۷۹۵ ق)، متکلم، صوفی، عارف و شاعر. معروف به سید محمد نوربخش. از مشاهیر عرفا و صوفیه است و نسبش به هفده واسطه به امام موسی کاظم (ع) می‌رسد و سلسله‌ی نوربخشیه به او منسوب است. پدرش در قطیف به دنیا آمد و مولد جدش لحسا بود به همین دلیل نوربخش گاهی در شعر لحسوی تخلص می‌کرد. پدر او به خراسان رفت، در قاین سکنی گزید و سید محمد در آنجا به دنیا آمد. نوربخش از شاگردان احمد بن فهد حلی بود. در تصوف از خواجه اسحاق ختلانی تربیت یافت و از دست خواجه خرقة پوشید و عهده‌دار مسند ارشاد و پیر خانقاه و ملقب به نوربخش شد. سپس به ختلان رفت و به دعوی مهدویت و خلافت برخاست، اما به زودی دستگیر شد و طرفدارانش به دستور شاهرخ میرزای تیموری به قتل رسیدند. خود او نیز مدتی در زندان به سر برد و سپس به خراسان و فارس فرستاده شد. در شیراز ابراهیم سلطان، پسر شاهرخ، وی را آزاد کرد. چندی بعد او به کردستان رفت و دوباره شروع به دعوت مردم نمود و باز گرفتار گماشتگان شاهرخ گردید و به حکم شاهرخ، در هرات، به منبر رفت و از دعوی خویش تبری کرد. پس از مرگ شاهرخ مجدداً در پی نشر عقاید خود به آذربایجان و شروان و گیلان سفر کرد و نهایتاً در قریه‌ی سولقان، از توابع ری، سکنی گزید و آنجا مزرعه و آبادی احداث کرد و در همان دیار از دنیا رفت و مدفون گردید. بعضی از تذکره‌ها فوت او را در قریه‌ی نفیس، از توابع قاین، می‌دانند. بعد از مرگ وی پسرش، شاه قاسم فیض‌بخش، خلیفه و جانشین او شد و نوربخشیه تا اوایل عصر صفویه فعالیت داشتند. از آثارش: «انسان‌نامه»؛ «رساله الاعتقادیه»؛ رساله «الفقه الاحوط»؛ «شجره»، در ذکر مشایخ عرفان؛ منظومه‌ی تفسیر «سوره الحشر»؛ «دیوان» شعر. [۱]

سید محمد ابن محمد بن عبدالله موسوی خراسانی (۱۸۶۹-۷۹۵ ه.ق)، از اکابر عرفای قرن نهم هجری قمری و مؤسس سلسله‌ی نوربخشیه. وی از شاگردان ابن فهدحلی (متوفی ۸۴۱ ه.ق) بوده و در تمامی عمر خود لباس سیاه که سنت مشایخ او بوده می‌پوشید. مولد جدش «لحسا» بوده و گاهی در غزلیات خود به «لحسوی» تخلص می‌نمود ولی بیشتر به «نوربخش» تخلص می‌کرد. در طریقت مرید علاءالدوله‌ی سمنانی و خواجه اسحاق ختلانی بوده و همان خواجه اسحاق او را لقب نوربخش داده و خرقة به او پوشانیده است. در خراسان بساط ارشاد گسترده بود اما مفسدان، شاهرخ میرزای تیموری را به قتل وی برانگیختند ولی سید فرار کرد و به ولایت وی رفت و در آنجا اقامت گزید تا آنکه در چهاردهم ربیع‌الاول ۸۶۹ ه. در قریه‌ی «سولقان» وفات یافت. دو کتاب «انسان‌نامه» و «شجره‌ی مشایخ» از تألیفات او است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] بهارستان آیتی (۱۹۰-۱۸۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۰-۵۸/۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۱۹-۳۱۸)، دایرةالمعارف فارسی (۲/۳۰۷۲)، دنباله‌ی جستجو در تصوف (۱۸۷-۱۸۳)، الذریعه (۲۳/۹۷، ۱۵/۳۰۶، ۱۲۲۹-۱۲۲۸/۹، ۲/۳۹۰)، ریاض العارفین (۱۵۵-۱۵۴)، ریحانه (۲۵۲-۲۵۱/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳۴/۹)، طرائق الحقائق (۳/۶۱، ۷۱، ۳۲۲-۳۱۹/۲)، فرهنگ سخنوران (۶۵۹)، لغت‌نامه (ذیل/نوربخش)، مجالس المؤمنین (۱۴۸-۱۴۳/۲)، معجم المؤلفین (۱۱/۲۴۱).

نوروزی، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن نوروزی

محل تولد: قم

شهرت: نوروزی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۷/۶/۳۰

زندگینامه علمی

این جانب حسن نوروزی در سال ۱۳۵۷ در شهر مقدس قم متولد شدم. مقاطع ابتدایی و راهنمایی را در قم گذراندم و به جهت علاقه فراوان به فراگیری علوم اسلامی تحصیلات دبیرستان را نیمه‌تمام گذاشته و در سال ۱۳۷۴ به حوزه مقدسه قم وارد شدم. شش سال نخست حوزه را در مدرسه علمیه شهیدین و حقانی طی کردم و هم‌زمان با اتمام دوره سطح در مدرسه فیضیه و مدرسه گلپایگانی، پا به درس خارج گذاشتم. بخشی از اساتیدی که از محضر آنها بهره‌های فراوان برده‌ام عبارتند از: حجت‌الاسلام والمسلمین عالی (ادبیات)، حجت‌الاسلام والمسلمین صفایی بوشهری (فقه)، حجت‌الاسلام والمسلمین صادقی (فقه)، حجت‌الاسلام والمسلمین ربانی (کلام)، حجت‌الاسلام والمسلمین حیدری (اصول)، حجت‌الاسلام والمسلمین مختاری (اصول)، حجت‌الاسلام والمسلمین عباسی (فلسفه)، حجت‌الاسلام والمسلمین علم‌الهدی (اصول)، حجت‌الاسلام والمسلمین میرباقری (کلام) و ... اکنون در کنار تحصیلات حوزوی به پژوهش زیربنایی و روبنایی در خصوص مبانی فلسفی و تئوریک تمدن نوین اسلامی، مهندسی فرهنگی کشور، مدیریت تحول در حوزه‌های علمیه، و روش تحقیق مشغولیت دارم

نورمحمدی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج میرزا علی نورمحمدی تهرانی از علماء میرز معاصر تهرانت که در مسجد انصار واقع در خیابان هدایت به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

ایشان در شب بیست و هشتم ماه مبارک رمضان سال ۱۳۲۸ ق در قریه حصار بوعلی نیاوران شمیران دنیا آمده و پس از پرورش و گذراندن دوران کودکی مدتی در مدرسه نیاوران بتحصیل پرداخته و بعد مدتی در مدارس تهران دروس جدید را خوانده آنگاه در

سال ۱۳۴۴ ق به قم مشرف و شروع بتحصیل علوم دینیّه نموده در عصر مرحوم آیت‌الله العظمی حایری و بعد از یکسال سطوح مکاسب و کفایه را از محضر آیت‌الله آخوند ملا علی همدانی و مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و نیز مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدتقی خونساری و مرحوم آیت‌الله میرزا محمد همدانی و مرحوم آیت‌الله فیض استفاده نموده و بعد از ورود مرحوم آیت‌الله العظمی حجت دو دوره و نیم از خارج اصول را در خدمت آن مرحوم باضافه خارج مکاسب و خارج صلوه تلمذ نموده و هم نصفی از دررالاصول را از محضر مرحوم آیت‌الله حایری بهره‌مند شده و در سال ۱۳۶۲ ق از قم به تهران برگشته و مدت سه سال در قریه حصار بوعلی شمیران اشتغال بنشر احکام و امامت داشته و بعد از آن مدتی در سه راه سپهسالار مسجدی مسجد بی‌بی اشتغال داشته و بعد از مدتی مقداری توسعه به آن مسجد داده و هم اقدام بساختن مسجد دیگری در خیابان هدایت چهارراه صفی علیشاه بنام مسجد انصار با همت و مساعدت بعضی از اهل محل نموده و آن مسجد بی‌بی را بجناب حجه‌الاسلام آقای حاج سید ابراهیم علوی خوئی نموده و خود در مسجد مزبور (انصار) به خدمات دینی و ترویج‌ات مذهبی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

نور محمدی، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدرضا نورمحمدی نجف آبادی

محل تولد: نجف آباد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۱/۱۸

زندگینامه علمی

در هیجدهم فروردین سال ۱۳۳۳ در شهرستان «نجف آباد» در یک خانواده مذهبی متولد شدم. پس از طی دوره دبستان وارد حوزه علمیه «الحجه نجف آباد» شدم و همراه با ادامه تحصیل دوره دبیرستان به صورت شبانه، چهار سال ادبیات عرب و مقدمات فقه و اصول را در آن شهر گذراندم و در سال ۱۳۴۸ جهت ادامه تحصیل به حوزه مقدسه علمیه قم راه یافتم و دوره سطح و دروس: (تفسیر، فلسفه، هیئت، رجال و حدود شش سال خارج فقه و اصول) را نزد اساتید بزرگوار و فرزانه و آیات عظام: «مشکینی»، «خزعلی»، «انصاری شیرازی»، «ممدوحی»، «ستوده»، «دوزدوزانی»، «صانعی»، «عندلیب»، «ربانی املشی»، «شب زنده دار»، «حقی»، «جوادی آملی»، «حسن زاده آملی»، «نوری همدانی»، «سبحانی»، «مکارم شیرازی» و «فاضل لنکرانی» سپری نمودم و در سال ۱۳۷۲ موفق به دریافت مدرک سطح چهار معادل دکتری و دفاع از آن تحت نظر استاد راهنما «حضرت آیت الله سبحانی» با درجه خوب مفتخر گردیدم.

تاکنون بیش از پانزده جلد تالیف و تحقیق در قالب رساله علمی، کتاب، مقاله و طرح درس در موضوعات:

۱- خلفاء اثنی عشر در منابع اهل سنت.

۲- علل مخالفت کفار قریش با پیامبر (ص) در مکه و عوامل نفوذ اسلام در یثرب.

- ۳- آداب سلوک و شیوه علم ورزی.
- ۴- نقاط برجسته اخلاق دانشجوی پزشکی.
- ۵- منزلت اهل بیت در قرآن و سنت به بیان برجستگان اهل سنت.
- ۶- عدالت در قرآن و روایات.
- ۷- جایگاه عترت در قرآن و روایات.
- ۸- توکل در قرآن و روایات.
- ۹- تنها راه وحدت عملی مسلمین.
- ۱۰- علل ممنوعیت مقاربت با زنان در زمان قاعدگی از نظر اسلام و علم پزشکی.
- ۱۱- ولادت امام علی (ع) در کعبه بر اساس مدارک شیعه و اهل سنت.
- ۱۲- بررسی نظام دفاعی اسلام در قرآن.
- ۱۳- هدایت در قرآن.
- ۱۴- موضوع بندی ۱۸ جلد از تفسیر نمونه تحت نظر استاد بزرگوار حضرت آیت الله مکارم شیرازی.
- ۱۵- هفت جلد طرح درس در موضوعات معارف اسلامی، اخلاق اسلامی، اخلاق پزشکی، تاریخ اسلام، متون اسلامی و ریشه های انقلاب اسلامی.
- ۱۶- قائده امکانات در فقه. را به رشته تحریر در آوردم.
در زمینه علمی و پژوهشی به موفقیت هایی همچون:
- ۱- دریافت مجوز تدریس در گرایشهای شانزده گانه از معاونت محترم اساتید و دروس معارف اسلامی دانشگاه های کشور دست یافتم.
- ۲- تاسیس هسته پژوهشی با بیش از هشت هزار نسخه پژوهش که تحت نظر اینجانب توسط دانشجویان انجام گرفته و این هسته در نوع خود به عنوان طرح ابتکاری و نمونه در دانشگاههای کشور قلمداد گردیده.
- ۳- احراز مدرس نمونه در دو دوره در دانشگاه علوم پزشکی کردستان.
- ۴- احراز محقق نمونه در دو دوره در بین دوازده دانشگاه از دانشگاه های دولتی منطقه ۲ کشور مفتخر گردیدم.
- اما سوابق مسئولیتی: قبل از انقلاب در فواصل تعطیلی حوزه علمیه به تبلیغ و نشر معارف اسلامی و بیان دستورالعملهای حضرت امام خمینی (ره) و اطلاع رسانی به مردم که در این راستا چندین بار توسط ساواک دستگیر و مورد ضرب و شتم مأموران شهربانی قرار گرفتم و توسط مامورین ساواک راهی زندان شهربانی شدم. اما سوابق مسئولیتی اینجانب در طول سالهای پس از رخداد انقلاب شکوهمند اسلامی پرشمار بوده که به برخی از آنها اشاره می شود:
- ۱- مسئولیت حوزه علمیه شهرستان نجف آباد.
- ۲- حاکم شرع امور صنفی شهرستان نجف آباد.
- ۳- حاکم شرع مبارزه با مفسد اجتماعی و بزهکاری در پلاژهای سد زاینده رود و چادگان و مهاباد.
- ۴- نماینده حضرت امام در منطقه عربستان.
- ۵- حدود هیجده سال قائم مقام نماینده حضرت امام و مقام معظم رهبری در منطقه کردستان.
- ۶- مسئولیت گزینش دانشگاه علوم پزشکی کردستان.
- ۷- مدیر گروه معارف دانشگاه علوم پزشکی کردستان.

۸- مدیر شورای گروه های معارف اسلامی دانشگاه های منطقه دو کشور.

۹- عضو انجمن معارف اسلامی کشور.

۱۰- عضو انجمن مدرسان دانشگاه های کشور.

۱۱- مدرس حوزه های علمیه سنندج و اکنون به عنوان استاد دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد و استاد حوزه علمیه امامیه شهرکرد و امام جمعه شهر «کیان» از توابع استان چهارمحال بختیاری مشغول انجام وظیفه می باشم. (ربنا تقبل منا انک انت السميع العليم و تب علینا انک انت التواب الرحيم و السلام)

نوروزیگی، یحیی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: استاد، رشته: گوش و حلق و بینی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی در سال ۱۳۴۵، دکترای تخصصی گوش و حلق و بینی و طی دوره های تخصصی در لندن.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده پزشکی دانشگاه مشهد در سال ۱۳۴۹، دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه مشهد در سال ۱۳۵۶ و ارتقاء به درجه

استادی دانشکده پزشکی دانشگاه مشهد در سال ۱۳۶۳.

زمینه های علمی و تحقیقاتی:

بررسی ضایعات گوش و حلق و بینی و حنجره در ۴۱۲ مجذوم آسایشگاه محراب خان مشهد در سال ۱۳۵۱، راهنمایی مشاوره و

نظارت بر ۱۲ پایان نامه دکترای پزشکی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲۳، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

گوش و حلق و بینی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

نوروزی، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا نوروزی

محل تولد: خمینی شهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از گذراندن مقاطع ابتدائی، راهنمائی و دبیرستان (رشته علوم تجربی)، در سال ۱۳۷۴ وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و تا سال ۱۳۷۷ در این حوزه به تحصیل پرداختم. در سه سال حضور در حوزه اصفهان، ۶ پایه اول دروس حوزوی را پشت سر گذاشتم. در کنار آن به تحصیل دروس دیگری مثل «فلسفه غرب» و «فلسفه اسلامی» (تاریخ فلسفه غرب کاپلستونو بدایة الحکمه) نزد اساتید خصوصی پرداختم. در سال ۱۳۷۷ وارد حوزه علمیه قم شدم و تا سال ۱۳۸۰ پایه های دیگر را پشت سر گذاشته و سطح را تمام کردم. همچنین در دانشگاه تربیت مدرس قم «مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم» در رشته مدرسی معارف اسلامی گرایش فلسفه و کلام، کارشناسی ارشد خود را دریافت نمودم. از سال ۱۳۸۰ به دروس خارج فقه و اصول مشغول شدم که همچنان نیز مشغول می باشم.

از سال ۱۳۸۳ دوره سه ساله تربیت محقق عرفان اسلامی در مؤسسه امام خمینی (ره) را شروع کردم که هم اکنون مشغول پایان نامه آن می باشم و محقق دائرةالمعارف علوم عقلی در مؤسسه امام خمینی (ره) می باشم. در سال ۱۳۸۵ در آزمون دکترای رشته مدرسی معارف اسلامی گرایش اخلاق در دانشگاه تهران پذیرفته شدم که اکنون پس از گذراندن دوره آموزشی مشغول به پایان نامه می باشم. در کنار تحصیل، به عنوان مبلغ از طرف نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه به دانشگاههای مختلف اعزام شده ام. همچنین در «دانشگاه تهران» و «دانشگاه تربیت معلم تهران» مشغول به تدریس دروس معارف می باشم.

نوروزی، ضیاءالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زیست‌شناسی از دانشکده علوم پزشکی تهران، کارشناسی ارشد زیست‌شناسی از دانشکده علوم پزشکی تهران، دکترای پزشکی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۶، دکترای تخصصی کودکان در بیمارستان بهرامی وابسته به دانشکده پزشکی تهران.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده پزشکی تهران از سال ۱۳۵۳، ارتقاء به درجه دانشیاری در سال ۱۳۶۹.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح روشهای نوین درمان خوراکی اسهال و استفراغ و مقایسه روشهای تزریقی و خوراکی و نتیجه‌گیری، راهنمائی مشاوره و نظارت بر ۳۰ پایان‌نامه تخصصی و دکترای عمومی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای اسهال و استفراغ، انواع ذرهدراتاسیون با اختلالات الکترولیتی، مقایسه سرم‌های تزریقی و خوراکی و سایر بیماریهای اطفال.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

نوروزی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد نوروزی

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

جناب آقای محمد نوروزی در سال ۱۳۴۹ در شهر مقدس مشهد و در میان خانواده‌ای متدین و دوستدار خاندان پاک عصمت و طهارت «علیه‌السلام» به دنیا آمد، پدر او علی نام داشت. ایشان در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه مشهد گردید، مقدمات را از محضر «آقای ملکی» فرا گرفت. سپس دروس سطح را از محضر بزرگانی چون: «آیت الله رضازاده»، «آیت الله مهدی مروارید» و «فیاض صابری» به پایان رساند.

با پایان یافتن دوره سطح به درس خارج فقه حضرت «آیت الله مرتضوی» و خارج اصول «حضرت آیت الله فلسفی» راه یافت و از محضر علماء بهره‌ای فراوان برد، ایشان علاوه بر تدریس، به تدریس خود آموخته‌ای خویش پرداخت تا در این زمینه نیز دین خویش را نسبت به علوم فرا گرفته ادا نماید. البته ایشان از امر پژوهش نیز غافل نبود و در این راستا نیز زحمات فراوانی کشیده

است.

نوری طبرسی، اسماعیل

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۲۱ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، محدث، متکلم، مدرس و زاهد. از علمای مقیم نجف بود. در محضر شیخ مرتضی انصاری و میرزا حبیب‌الله رشتی و میرزای شیرازی تلمذ نمود. پس از رسیدن به مقامات علمی به بحث و تدریس فقه و اصول پرداخت. او در کاظمین درگذشت. پیکرش به نجف منتقل و در صحن شریف علوی به خاک سپرده شد. از آثار او: «کفایة الموحدين»، در سه مجلد به فارسی که یک مجلد آن تحت نام «عصمة الولاية»، در مبحث امامت است، «وسيلة المعاد فی شرح نجاه العباد»؛ کتاب «اصول الفقه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان‌الشیعه (۳/۳۱۲)، الذریعه (۲۵/۸۴، ۱۸/۱۰۰، ۱۵/۲۷۵، ۲/۲۰۳)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۴/۱۵۱)، فوائد الرضویه (۴۴)، المآثر والآثار (۱۵۸)، معجم رجال‌الفکر والادب فی النجف (۳/۱۳۰۷)، معجم المؤلفین (۲/۲۶۰)، میرزای شیرازی (۱۱۴).

نوری طبرسی، محمدتقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۶۳-۱۲۰۱ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی و شاعر. وی پدر میرزا حسین نوری، صاحب «مستدرک الوسائل» است. در نور مازندران به دنیا آمد و برخلاف پدرش که شغل دیوانی داشت، به تحصیل علم روی آورد و به اصفهان مهاجرت نمود. پس از فراگیری مقدمات علوم، در محضر عده‌ای از علما از جمله حکیم ملا علی نوری تلمذ نمود. سپس به عراق رفت و در محضر سید محمد مجاهد و دیگران به تکمیل معلومات خویش پرداخت. آنگاه به ایران بازگشت و به تحقیق و انجام امور دینی مبادرت نمود. او در سعادت‌آباد، از قرای نور درگذشت، پیکرش به نجف منتقل و در وادی‌السلام دفن گردید. از آثارش: «دلایل‌العباد»، در شرح «الارشاد»؛ «المدارج»، در اصول فقه، در دو مجلد؛ «کشف‌الحقائق»؛ «هدایة الانام»، در دو مجلد؛ «مخزن الصلاة»؛ «النارجيلة»؛ «کشف الاوهام»؛ رساله‌ای در «اشتقاق»، به فارسی؛ رساله‌ای در «امامت»؛ رساله‌ی «الصومیة»؛ رساله‌ی «الرضاعیة»؛ منظومه‌ی «تهذیب المنطق»؛ «ماتمکده»، در مقتل، به فارسی، منظوم و منثور؛ «تشویق العارفين»، در مواعظ، منظوم به فارسی؛ مجموعه‌ی قصائد در مدح ائمه (ع)؛ مجموعه‌ی قصائد در مرثی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان‌الشیعه (۹/۱۹۸)، الذریعه (۲۵/۱۷۴، ۲۳۶، ۲۰/۲۲۶، ۱۹/۱۶، ۲۹، ۱۸/۲۲، ۲۰۵، ۱۱/۱۹۰، ۲/۱۹۲، ۸/۲۵۱)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۲۲۴-۲۲۲/۱۳)، فوائد الرضویه (۴۳۶-۴۳۵)، معجم المؤلفین (۹/۱۳۲).

نوری فرد، نورعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نورعلی نوری فرد

محل تولد: روستای طرزم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب نورعلی نوری فرزند لطف‌الله در سال ۱۳۱۱ در یکی از روستاهای اهر متولد شدم. سال ۱۳۲۸ وارد حوزه تبریز شده ام و از شهریور ۳۳ وارد حوزه علمیه قم شده و شروع به ادامه تحصیل نموده ام و هم اکنون نیز در حال تالیفات کتاب هستم و در همه مواردی که موسسه علوم آل محمد در زمینه های مختلف داشته است؛ فعالیت موثر داشته ام.

نوری مازندرانی، فضل‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۴۵ ق)، عالم دینی و فقیه. معروف به علامه‌ی مازندرانی. اصل وی از نور مازندران است. در کربلا مجاور گشت و بدین سبب به حایری مشهور شد. صاحب «ریحانة‌الادب» مراتب علم و فضل و اجتهاد او را ستوده و تصنیفاتش را حاکی از بلندی مقام علمی وی دانسته است. او در کربلا درگذشت. از آثارش کتاب «فضیلة العباد لذخیره المعاد» است که در «ریحانة‌الادب» به صورت «فضیلة العباد و ذخیره المعاد» آمده است. از دیگر آثارش: «الطهاره»؛ «الوجیزه»، رساله‌ای در «مناسک الحج»، به فارسی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۵/۳۶۰)، الذریعه (۲۲/۲۷۰، ۲۵/۵۱)، ریحانه (۶/۲۶۴)، لغت‌نامه (ذیل/نوری حایری)، معجم‌المؤلفین (۷۷-۷۶/۸).

نوری مازندرانی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۲۵ ق)، عالم دینی، فقیه، مجتهد و مدرس. وی بعد از تحصیل مقدمات راهی عتبات شد. در نجف از محضر حاج میرزا حبیب‌الله رشتی و میرزا حسین خلیلی استفاده نمود. آنگاه خود به تدریس و بحث و امامت جماعت پرداخت. وی سپس به سامرا رفت و از درس میرازی شیرازی بهره‌مند گشت. آنگاه به ایران آمد و در نور مازندران سکنی گزید و در همان جا در منطقه تلک‌سر مازندران مدرسه‌ی علمیه بنا کرد. در اواخر عمر به تهران آمد و سرانجام نیز در تهران درگذشت و در شهر ری در صحن حضرت عبدالعظیم (ع)، در مقبره‌ی ملا عبدالرسول فیروزکوهی، به خاک سپرده شد. از آثار علمی او: رساله‌ی «التعادل والتراجیح»؛ رساله‌ی «لباس المصلی»؛ «اجتماع الامر والنهی»؛ «الاستصحاب»؛ «الاوامر والنواهی»؛ «شکوک الصلاة»؛ رساله‌ی «القسمه». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان‌الشیعه (۲۷/ ۱۰)، الذریعه (۲۸۶/ ۲۵، ۲۹۵/ ۱۸، ۸۱/ ۱۷، ۲۱۷/ ۱۴، ۱۸۳/ ۱۱، ۲۰۴/ ۴، ۴۷۰، ۲/ ۲۵، ۲۶۹ - ۲۶۸/ ۱)، معجم رجال‌الفکر والادب فی النجف (۱۳۰۴ - ۱۳۰۳/ ۳)، معجم‌المؤلفین (۶۲/ ۱۱)، میرزای شیرازی (۱۹۲).

نوری همدانی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

زندگینامه

حضرت آیت ا... العظمی نوری همدانی دامت برکاته:

ولادت:

ایشان در سال ۱۳۰۴ شمسی در یک خانواده مذهبی در شهر همدان دیده به جهان گشودند. پدر ایشان مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ ابراهیم نوری همدانی از علمای وارسته همدان، معاصر با حضرت آیت ا... العظمی آخوند ملاعلی همدانی و هم حجره ایشان بود. تحصیلات:

معظم له در سن هفت سالگی آموختن را آغاز نموده، ادبیات فارسی، گلستان سعدی، انشاء، ترسل نصاب و... تا معالم الاصول را پیش والد مکرم خویش فرا گرفتند. سپس در سال ۱۳۲۱ شمسی وارد مدرسه مرحوم آخوند همدانی شده و حدود یک سال و نیم در آنجا به فراگیری علوم پرداختند. ولی اشتیاق و عطش ایشان به آموختن و استعداد مثال زدنی فراگیری در وجود معظم له، وادارشان ساخت تا بعد از اقامت مدت کوتاهی در همدان، به شهر مقدس قم عزیمت نموده و در آشیانه اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) اقامت افکنده، با به جان خریدن همه مشقتهای جان فرسای آن روز، به بهره‌گیری از دروس اساتید برجسته حوزه علمیه قم پردازند. اساتید:

همانگونه که بیان شد ایشان دروس ابتدایی را در خدمت پدر بزرگوارشان آموخته، سپس در محضر بزرگان حوزه علمیه همدان به ویژه مرحوم آیت ا... العظمی آخوند ملاعلی همدانی زانوی شاگردی زدند. بعد از ورود به حوزه علمیه قم، بیشترین استفاده علمی را از خدمت آیات عظام: داماد، حجت کوهکمره ای، علامه طباطبایی، بروجردی و حضرت امام خمینی (علیهم الرحمه) داشته‌اند که این قسمت را از زبان خود حضرت آیت ا... العظمی نوری همدانی می‌خوانیم: یکی دیگر از اساتید مهم ما مرحوم آیت الله العظمی سید محمد داماد می‌باشد که حدود ۱۲ سال در درس فقه و اصول معظم له شرکت نمودم. چند نفر بودیم در حوزه که به شاگردان داماد معروف بودیم. ایشان مرد بسیار دقیقی بود و دقت نظر ایشان انصافاً خیلی خوب بود. در تربیت شاگرد و عنایت به

شاگرد هم ممتاز بود. نوشته‌هایی از درس آن مرحوم را بنده دارم. من درسهای ایشان را می‌نوشتم و بعداً خدمت ایشان میدادم. مطالعه می‌کردند و با دقت در حاشیه‌اش چیزهایی می‌نوشتند که اکنون وقتی نگاه میکنم برای من یک یادگار آموزنده و مهمی است. در تواضع، اخلاص و ساده‌زیستی کم‌نظیر بود. این را فراموش نمی‌کنم یک روز درس میگفتند، در مسئله وضو به اینجا رسیدند که در موقع گرفتن وضو باید انسان خودش آب بریزد و خودش وضو بگیرد و کسی کمک نکند. البته کمک هم مراتب دارد. بعضی مراتب باطل میکند و بعضی مراتبش مکروه است. روایتی خواندند از «وسائل» که حضرت امام رضا (ع) زمانی که به مجلس مأمون وارد شدند و مأمون در حال وضو گرفتن بود، بدین نحو که یک نفر آب میریخت در مشت او و او وضو میگرفت. حضرت امام رضا (ع) به مأمون فرمودند: «لا تشرک بالله یا امیرالمؤمنین». این کلمه را که ایشان خواندند، که حضرت رضا به مأمون، امیرالمؤمنین گفته باشد. در اثنای بحث این کلمه (امیرالمؤمنین) ایشان را منقلب کرد به طوری که به شدت گریه کرد و نتوانست آنروز درس بگوید. متأسف شد که وضع طوری باشد که امام رضا (ع) به مأمون بگوید امیرالمؤمنین! اخلاصش را دارم، میگویم که آنروز با گریه‌اش همه را منقلب کرد و نتوانست درس بگوید. عبایش را بر سرش گرفت و جلسه را ترک کرد. از جمله کسانی که باز پیش آنها درس خواندم آیت الله علامه طباطبایی بود که پنج سال بنده به درس اسفار ایشان رفتم. البته عظمت و بزرگواری آیت الله علامه طباطبایی از لحاظ اخلاق، کمال و معلومات و تربیت شاگرد، معلوم است و نیاز به توضیح ندارد. یکی دیگر از اساتید بزرگ ما حضرت آیت الله العظمی آقای سید محمد حجت کوهکمری بود. من در درس ایشان مدتی شرکت می‌کردم. درس معظم له، در آن زمان در قم ممتاز بود. استادی بسیار بزرگ و خیلی خوش بیان بودند. در درس گفتن سلیقه خوبی داشتند. مطالب را دسته‌بندی می‌کردند. دسته‌بندی مطالب بگونه‌ای بود که نوشتنش خیلی راحت بود. روش آن مرحوم باید برای ما درس باشد که مطالب را تنظیم کنیم. مثلاً بیع فضولی که می‌گفت، در بیع فضولی چند تا مبنای مبنای مرحوم شیخ انصاری، مبنای مرحوم آخوند خراسانی که از حاشیه آخوند بر مکاسب استفاده می‌شود. مبنای مرحوم سید محمد کاظم یزدی، مبنای مرحوم شیخ محمد حسین کمپانی اصفهانی و مبنای خودش، پنج شش تا مبنای بود. از اول بیع فضولی تا آخر، هر روز مطلب هر کس را روی مبنای خودش، بطوری تنظیم می‌کرد که انسان از این بیان و دسته‌بندی تعجب می‌کرد. درس را به این ترتیب می‌گفت و مقتضای مبنای هر کس را در مسأله، بیان می‌کرد، یا در صحت و نفوذ بیع فضولی و در بحث اجازه مثلاً در نقل و اقسام کشف و ... تقسیم‌بندی بسیار جالبی داشت. نکته دیگری که در رابطه با ایشان بنظم رسید، آن است که روزی که در آستانه احتضار قرار گرفته بود رفتم منزل ایشان، نزدیک مدرسه حجتیه. من توی حیاط بودم و اشخاص دیگری هم بودند. همه ناراحت و متأثر بودیم. یک نفر آمد و گفت: برای ایشان، مقداری تربت سید الشهداء (ع) آوردند، تربت را با آب قاطی کردند. تا ایشان بخورند. ایشان هم برداشت و نزدیک لبش آورد و گفت: (آخر زادی من الدنيا تربة الحسين). و آنگاه نوشید و اشهد ان لا اله الا الله را گفت و روبه قبله، به جوار حق پیوست. یکی دیگر از اساتید بنده حضرت آیت الله العظمی بروجردی بودند، بنده از روزی که ایشان به قم تشریف آوردند تا روزی که از دنیا رحلت کردند، یعنی: در حدود ۱۵ سال در تمام درسهای ایشان افتخار شرکت کردن را داشتم و مقدار زیادی از درسهای فقه و اصول آن استاد بزرگ (اعلی الله مقامه) را نوشته‌ام و در ضمن شرکت در درس گاهی مطالبی در رابطه با درس می‌نوشتم و در درس به محضر مبارکشان تقدیم می‌کردم، معظم له آن را می‌خواندند و گاهی هم با بزرگواری خاصی که داشتند مودر تشویق قرار می‌دادند. آیت الله بروجردی، از لحاظ سخاوت و کرم‌داری امتیاز خاصی بودند. برای نمونه، یک وقت ایشان در بیرونی نشسته بودند، زنی وارد شد و آقا آن زن را دید. به پیش خدمت خود فرمودند: ببینید این زن چه میخواهد. پیشخدمت گفت: این زن علویه است، پول یک چادری می‌خواست، پنجاه تومان به ایشان داده شد. آقا تا اسم علویه را شنیدند، فرمودند: علویه و پنجاه تومان؟ گویی ایشان، پنجاه تومان را برای علویه توهین دانستند. در حالی که در آن زمان، پنجاه تومان کم پولی نبود. فرمودند: اقلاً چهارصد - پانصد تومان به آن زن بدهید. به

طور کلی، همیشه اشخاصی که نزد ایشان می‌آمدند، ایشان بیش از آن مقداری که اشخاص توقع داشتند به آنان عنایت می‌کردند. یکی از اساتید بزرگ ما، حضرت امام خمینی (رحمه الله) بودند. راجع به حضرت امام، باید عرض کنم، اولین وسیله آشنایی من با ایشان، در ابتدای ورودم به قم، سال هزار و سیصد و شصت و دو قمری، در درس اخلاق ایشان بود، که روزهای جمعه عصرها تقریباً یک ساعت به مغرب مانده در مدرسه فیضیه، زیر کتابخانه درس اخلاق می‌فرمودند. بعد توسط حضرت آیت الله العظمی خوانساری، نماز جماعت اقامه می‌شد. بنده هم در درس اخلاقی، عرفانی و علمی ایشان، شرکت می‌کردم. این درس، بسیار سازنده و کامل بود. آیات و احادیث آمیخته با برداشت علمی، اخلاقی با بیان بسیار رسا و کافی از دل برمیخاست و بر دل می‌نشست. تحولی عمیق در شنونده ایجاد می‌کرد. مدرس مملو از جمعیت میشد. صفا و معنویت اعضای مجلس را فرا میگرفت. در همان موقع هم ایشان یکی از علمای بزرگ و مشهور بودند و در تیز بینی و ژرف اندیشی و واقع نگری و وسعت نظر ممتاز بودند. یکی از چیزهایی که در معرفی فکر ایشان، خیلی مؤثر بود کتاب (کشف الاسرار) ایشان بود. که آن موقع این کتاب چاپ شده بود و در دسترس بود. البته هنوز هم این کتاب بسیار ارزشمند و عالی است. شخصیت ایشان، دارای ابعاد مختلفی است. یکی از جهت بعد فلسفی که شاید الآن مثل ایشان، کسی را سراغ نداریم. اگر چه در آن زمان در تهران مرحوم آشتیانی را داشتیم، علامه طباطبائی آن موقع در نجف بودند. همچنین، استاد معقول حضرت امام، مرحوم آیه الله العظمی آقا سید ابو الحسن قزوینی، معروف به علامه رفیعی بودند که چند ماهی قم تشریف آوردند و درس معقول می‌فرمودند و بنده هم درس ایشان می‌رفتم. درباره شخصیت ایشان از جهات مختلفی می‌شود صحبت کرد، که از نظر بنده، آنچه مهم است، مسأله شناخت زمان است. در متون دینی ما هست که عالم، باید عارف به زمان باشد. ایشان، از لحاظ شناخت جریانات و مقتضیات زمان، دارای امتیاز خاصی بودند و در میان علماء بزرگ، هر یک از آنان که فکر و فعالیتشان، با زمان هماهنگ بوده است، توانسته است تحولی ایجاد کند. تکریم از اساتید:

معظم له با الهام از آیات قرآنی و روایات اسلامی و با تأسی بر سلف صالح خویش در مورد تعظیم و تکریم اساتید خود از هیچ کوششی فروگذار نکرده، پیوسته یکی از توصیه های ایشان به شاگردان و مخاطبان خود تکریم و تجلیل از اساتید خود می‌باشد تا جایی که بارها فرموده اند: «من اسامی همه اساتید خود را یاد داشت نموده، در نماز شب خود برای آنان دعا می‌کنم، چرا که این عمل دارای برکات فراوانی بوده، باعث توفیق روز افزون انسان می‌گردد». تدریس:

حضرت آیت الله نوری از بدو ورود به حوزه علمیه قم همزمان با تحصیل، تدریس را نیز آغاز نموده و در موضوعات مختلف فقهی، اصولی، کلامی، اخلاقی و... حوزه درسی شلوغی داشته و شاگردان زیادی از محضر پرفیض ایشان بهره می‌گرفتند. تا جایی که درس نهج البلاغه معظم له در مسجد اعظم در زمان طاغوت از درسهای پر محتوای حوزه علمیه آن روز به حساب آمده، مباحث مطروحه در آن از حیث منطق و استدلال چنان عرصه را بر کارگزاران رژیم طاغوت تنگ کرد که چاره ای جز تعطیلی آن ندیده و با تعطیل کردن آن صدها تن از فضلاء حوزه علمیه را - که اینک هریک از بزرگان حوزه و خدمت گزاران نظام مقدس جمهوری اسلامی محسوب می‌شوند - از آن نعمت محروم کردند. و اینک نیز قریب به سی سال است که به تدریس درس خارج مشغولند که حدود یکهزار نفر از فضلاء و علمای برجسته از محضر ایشان کسب فیض می‌نمایند. تألیفات:

حضرت آیت ا... العظمی نوری همدانی از حیث نوشتن مطالب علمی تقید خاصی دارند و یکی از سفارشات جدی ایشان به طلاب این است که باید اهل قلم باشند و در زمینه های گوناگون بتوانند قلم فرسایی کنند. روی این اصل معظم له نوشته های فراوانی در زمینه موضوعات مختلف دارند که بالغ بر ۵۰ جلد می‌شود. برخی از آن نوشته ها چاپ شده و بعضی دیگر در آستانه چاپ قرار دارد و برخی از آنها در حال آماده سازی جهت چاپ می‌باشد. کتابهایی که تاکنون به زیور چاپ آراسته شده اند، عبارت است از: ۱_ الخمس ۲_ مسائل من اجتهاد و تقلید ۳_ امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه اسلام - عربی ۴_ امر به معروف و نهی از

منکر از دیدگاه اسلام - فارسی ۵ - اسلام مجسم - شرح حال علمای بزرگ اسلام ۶ - جایگاه بانوان در اسلام ۷ - جهاد - فارسی ۸ - ربا ۹ - دانش عصر فضا ۱۰ - شگفتی‌های آفرینش ۱۱ - جهان آفرینش ۱۲ - انسان و جهان ۱۳ - خوارج از دیدگاه نهج البلاغه ۱۴ - یک حرکت انقلابی در مصر ۱۵ - داستان باستان ۱۶ - ما و مسائل روز ۱۷ - بیت المال از دیدگاه نهج البلاغه ۱۸ - اقتصاد اسلامی ۱۹ - منطق خدا شناسی ۲۰ - جمهوری اسلامی ۲۱ - رساله توضیح المسائل ۲۲ - آمادگی رزمی و مرزداری در اسلام ۲۳ - هزار و یک مسئله فقهی - استفتائات ج ۱ و ۲۴۲ - مناسک حج - عربی ۲۵ - مناسک حج - فارسی ۲۶ - منتخب المسائل - عربی که هریک از نوشته‌های فوق مخاطبان خاصی داشته و مورد استفاده اقشار مختلف قرار می‌گیرد. فعالیتهای سیاسی و اجتماعی: ایشان به لحاظ اینک شاگرد حضرت امام خمینی (ره) بوده و در حد عشق به ایشان دلبسته بودند، از هر حیث به ویژه از جهت سیاسی به شدت تحت تأثیر آموزه‌های بنیانگذار جمهوری اسلامی قرار داشتند، لذا در کنار فعالیتهای علمی عمیق، از ورود در عرصه سیاسی و اجتماعی غفلت نورزیده، پیوسته در صفوف مقدم مبارزه علیه رژیم ستم شاهی حرکت می‌کردند و در این راه از زندان و تبعید و... نهراسیده و همه خطرهای را به جان خرید و با توکل بر خدا در مسیر انجام رسالت انقلابی با تمام وجود تلاش فرمودند که بخشی از این فعالیتها را از زبان معظم له می‌شنویم: من از جمله کسانی هستم که توفیق داشتم چند سالی در مکتب پرفیض حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، درس بخوانم و علاوه بر مطالب علمی، از سجایای اخلاقی ایشان نیز، بهره ببرم. در طول این سالیان با توجه به متون و موازین اسلامی در یافته بودم که مسئولیت روحانیت، خلاصه در درس خواندن و درس گفتن نمی‌شود. به این جهت از آن روز که حضرت ایشان انقلاب و تحول را آغاز کردند. من سعی کردم که پشت سر ایشان بقدر توانم گام بردارم. در آن زمان، جلسات مرتبی با رفقای همفکر خود داشتیم که در آن نسبت به مسائل جاری گفتگو میشد و برای پیشبرد امور تصمیماتی اتخاذ می‌گردید. گاهی اعلامیه‌هایی علیه رژیم و شاه امضاء می‌کردیم. البته متن بعضی از آن اعلامیه‌ها را نیز گاهی من تنظیم می‌کردم. در نشر و توزیع آنها نیز، همکاری نزدیک داشتم. افرادی را به این منظور به نقاط مختلف کشور می‌فرستادیم.

زندان قزل قلعه: بعد از این که حضرت امام را به ترکیه تبعید کردند؛ اعلامیه‌هایی که علیه رژیم از قم صادر می‌شد امضای من را نیز داشت. به همین جهت در آن زمان چند نفر مأمور از طرف ساواک به منزل ما ریختند بطور دقیق همه جا را گشتند. حتی یادم هست که کتابها را نیز، ورق می‌زدند. مقدای از کتابها را برداشتند بردند و مرا نیز، دستگیر کردند و به ساواک قم، که در خیابان راه آهن بود، بردند. شبی را آنجا بسر بردیم؛ بعد منتقل شدم به تهران، زندان قزل قلعه. قزل قلعه یکی از زندانهای رژیم شاه بود که افراد را در آن زمان به آنجا می‌بردند، در زندان، متوجه شدم که آقایان دیگری نیز آنجا هستند؛ البته همگی ما در سلولهای انفرادی بودیم و فقط روزی سه مرتبه صبح، ظهر و شام درب سلول را باز می‌کردند و ما حق داشتیم برای تجدید وضو از آن خارج بشویم. هنگامی که مرا برای دستشویی می‌بردند از دور این آقایان را دیدم و فهمیدم که این آقایان هم آنجا هستند. داخل سلول لامپ نبود؛ تنها از روزنه کوچکی که بالای درها وجود داشت شعاع کم و سوئی از روشنائی داخل سالن به درون سلول می‌تابید. این سلولها به اندازه‌ای کوچک بود که اگر دست‌هایمان را باز می‌کردیم به دیوارهای دو طرف می‌رسید. کف سلولها را با آجرهای ناهموار فرش کرده بودند به گونه‌ای که موقع خوابیدن پشت و کمر انسان را به سختی می‌آزرد. حدود سه ماه بدون محاکمه و ممنوع الملاقات با این وضع، در این سلولها بودم و بجز هنگام تجدید وضو از آن نمی‌توانستم خارج شوم. بعد از محاکمه، روزی فقط ده دقیقه ما را به عنوان هواخوری داخل حیاط زندان می‌بردند که قدم بزنیم. هنگامی که مرا برای بازجویی بردند، مهم‌ترین حرف آنان این بود که شما طرفدار حضرت امام هستید و به پشتیبانی از ایشان اعلامیه می‌نویسید و امضاء می‌کنید. نزدیک دو ماه که از تاریخ محاکمه گذشت من آزاد شدم. چند ماه از آزادی من نگذشته بود که مسافرتی به همدان داشتم. در همدان علماء و غیرعلماء به دیدن بنده آمدند. تابستان بود، من در مدرسه همدان، درسی شروع کردم که مورد استقبال واقع شد.

ساواک همدان از این موضع که جوانهای شهر و مردم با من رابطه داشتند و به درس و بحث می‌آمدند نگران بود؛ به این جهت مرا به بهانه‌ای گرفتند و به تهران فرستادند. دوباره روانه زندان قزل قلعه شدم و چندین ماه دیگر در آنجا زندانی گشتم. بعد از آزادی از زندان، مدت زیادی به اصطلاح ممنوع المنبر بودم و حق نداشتم به وعظ و خطابه بپردازم به رفسنجان رفتم. بعد از دو سه منبر، ساواک کرمان مطلع شد و از ادامه جلسات سخنانی، جلوگیری کرد. روز تاریخی ۱۹ دی ۵۶: از آن تاریخ به قم برگشتم و مشغول درس بحث شدم و در فرصت‌های مناسب و موقعیت‌های گوناگون هدف خود را تعقیب می‌کردم تا این که جریان ۱۹ دی ۵۶ بوجود آمد، و آن به این شرح است: در روزنامه اطلاعات ۱۷ دی ۵۶ مقاله توهین آمیز و تند علیه حضرت امام، که آن زمان در نجف تشریف داشتند، چاپ شد. انتشار این مقاله، خشم آقایان اساتید و فضلالی حوزه قم را برانگیخت. به همین مناسبت جلسه‌ای در منزل این جانب برگزار شد که در آن آقایان: مشکینی، وحید خراسانی نیز حضور یافتند. در آن جلسه تصمیم گرفته شد که به عنوان اعتراض به انتشار چنین مقاله‌ای در اولین گام حوزه و بازار قم تعطیل شود. حوزه قم و بازار تعطیل شد. فضلالی حوزه و آقایان بازاریها به منزل مراجع و اساتید بزرگ می‌رفتند که در آنجا جلسات سخنرانی در اعتراض به رژیم برگزار می‌شد. روز ۱۹ دی، که قبل از ظهر آقایان به منزل بعضی از اساتید رفته بودند، قرار گذاشته بودند که بعد از ظهر در منزل ما اجتماع کنند. این قرار در نماز جماعات هم اعلام گردیده بود. از حدود ساعت یک بعد از ظهر عده‌ای آمدند و چندین بلندگو داخل منزل و کوچه نصب کردند. رفته رفته جمعیت می‌آمد داخل حیاط و پشت بامها؛ و کوچه از جمعیت متراکم شده بود به گونه‌ای که جمعیت به خیابان رسیده بود. نخست داماد اینجانب آقای سید حسین موسوی تبریزی سخنرانی کردند، سپس بنده وظیفه خود دانستم که صحبت کنم و جنایات رژیم ستمشاهی را به صراحت بیان کنم، لذا سخنرانی جامع و تندی علیه جنایتهای رژیم شاه، انجام دادم. در آن سخنرانی من لازم دانستم که انگشت روی مرکز و منبع اصلی جنایتها بگذارم؛ از این رو مرکزیت را هدف قرار داده و در مقایسه حرکت نجات بخش حضرت امام که از اسلام و قرآن و روش اهل بیت عصمت نشأت می‌گرفت با عکس العملی که از استکبار جهانی و دست نشاندهگان آن صادر شد این اشعار را خواندم: مه فشانند نور و سگ عو عو کند هر کسی بر طینت خود می‌تند چون تو خفاشان بسی بینند خواب کاین جهان ماند یتیم از آفتاب کی شود دریا زپوز سگ نجس کی شود خورشید از پف منظمس در شب مهتاب مه را بر سماک از سگان و عوعو ایشان چه باک کارک خود می‌گذارد هر کسی آب نگدارد صفا بهر خسی ای بریده آن لب و حلق و دهان که کند تف سوی ماه آسمان خس، خسانه می‌رود بر روی آب آب صافی می‌رود بی‌اضطراب مصطفی مه می‌شکافد نیمه شب ژاژ میخاید ز کینه بو لهب آن مسیحا مرده زنده می‌کند آن جهود از خشم سببت می‌کند مردم از این صحبت جامع و منطقی و کوبنده شارژ شدند و با شعارهای تند از منزل حرکت کردند. من خود نیز، لازم دانستم که با مردم حرت کنم. آمدم بیرون، از کوچه که گذشتیم وارد خیابان شدیم. ابتدای جمعیت به چهارراه مقابل کالانتری رسیده بود. در اینجامزدوران رژیم، مردم را به گلوله بستند و با سلاح گرم به مردمی که هیچگونه وسیله دفاعی نداشتند حمله کردند. عده‌ای از مردم شهید شدند؛ عده‌ای مجروح و زخمی و عده‌ای هم توانستند جان سالم بدر برند. همین جریان، موجب حرکت و قیام مردم در دیگر شهرهای مختلف ایران شد. به مناسبت بزرگداشت شهدای این روز، قیام فراگیر ملت ایران از تبریز آغاز و رفته رفته تمام ایران را فرار گرفت. به همین مناسبت کوچه ما کوچه قیام نام گذاری شد. و وقتی حضرت امام (رحمه الله) به قم مشرف شدند به منزل ما نیز تشریف آوردند، و به محضر ایشان عرض شد که انقلاب اسلامی از این خانه آغاز شده است. بعد از جریان این سخنرانی در روز ۱۹ دی، در انتظار این بودم که ساواک دنبالم بیاید و دستگیرم کند؛ به این جهت در تهران کاری داشتم رفتم که آن را انجام دهم. وقتی به تهران رفته بودم. شبانه به منزل ما ریخته و همه جا را گشته بودند. وقتی از تهران برگشتم و جریان را به من گفتند. خودم را بیشتر آماده کردم و بعد از خداحافظی و آماده شدن، به ساواک تلفن زدم و گفتم: اگر با من کاری دارید از تهران برگشته‌ام. حدود نیم ساعت بعد آمدند و مرا به شهربانی قم بردند، و از آنجا مرا به خلخال تبعید کردند.

تبعیدی من در خلخال چندین ماه به طول انجامید. در این مدت نسبت به من سخت‌گیری فراوان میشد. هر روز لازم بود به شهربانی رفته و دفتری را امضا کنم. منزل ما را شدیداً کنترل می‌کردند؛ حتی رفت و آمدهای عادی را زیر نظر داشتند. تهیه ارزاق عمومی را برای ما مشکل کرده بودند و به کسبه سفارش می‌کردند که از فروش اجناس مورد لزوم به ما خودداری کنند. یک روز صبح که برای امضا دفتر رفته بودم؛ به من گفته شد که دیگر به منزل برنگردم؛ چون می‌خواستند مرا به سقز ببرند. هر چه اصرار کردم که بروم و حداقل خبر بدهم پذیرفته نشد. مرا به همراه چند مأمور به سقز منتقل کردند. در سقز چند نفر دیگر از آقایان نیز تبعید بودند. دوران تبعید را با مشکلات فراوان سپری می‌کردیم. دولت شریف امامی که روی کار آمد برای کسب و جاهت - به اصطلاح - زندانی‌های سیاسی را آزاد می‌کرد و تبعیدیها را برمی‌گرداند. در این زمان نیز من از تبعید گاه آزاد شدم. از آخرین تبعیدگاه خود یعنی سقز کردستان که آزاد شدم امام خمینی «رضوان الله علیه» در پاریس «نوفل لوشاتو» بودند، پس از چند روز در قم به پاریس رفته، در نوفل لوشاتو به محضر مقدس امام «رضوان الله علیه» شرفیاب و چند روز در جلساتی که در محضر آن پرچمدار نهضت اسلامی و استاد بزرگ تشکیل می‌شد شرکت می‌نمودم و چند دفعه با معظم له ملاقات خصوصی داشتم. و در هنگام محرت برای ایران به بنده ورقه‌ای که با خط مبارک خود نوشته و مطالبی که درباره حکومت اسلامی بعد از سقوط رژیم ستم شاهی در آن مرقوم داشته بودند دادند که بنده آنرا با آقایان دکتر بهشتی و استاد مطهری مورد مذاکره قرار بدهم و نتیجه را به نوفل لوشاتو گزارش بدهم که انجام دادم. تلاش برای اعلام مرجعیت حضرت امام خمینی (رحمه الله):

از جمله جریانهایی که در آن دوران پیش آمد، جریان در گذشت آیه الله العظمی حکیم (ره) بود. ما به لحاظ خصوصیات علمی و دیگر خصائص روشن و بارزی که در حضرت امام، سراغ داشتیم، تصمیم گرفتیم کاری کنیم که چهره ایشان، خارج از حوزه‌های علمیه نیز برای مردم بهتر و کاملتر شناخته شود. از این جهت تصمیم گرفتیم اعلامیه‌ای بدهیم که: بعد از مرحوم آقای حکیم، مردم به حضرت امام مراجعه کنند. دوازده نفر از مدرسین حوزه علمیه قم، که اینجانب نیز جزء ایشان بودم این اعلامیه را در تأیید مرجعیت حضرت امام بعد از مرحوم آقای حکیم امضاء کرده و پخش کردیم. علمای شهرستانها از این اعلامیه استقبال خوبی کردند و در بعضی از مراکز، آقایان اعلامیه را روی منبر برای مردم خوانده بودند که تأثیری گذاشته بود. بعد از صدور این اعلامیه، منتظر بودم که دنبالم بیایند؛ چرا که می‌دانستم صدور چنین اعلامیه‌ای بی‌عاقبت نیست. همین طور هم شد، یک روز ظهر مأمورین ساواک به منزل ما ریختند، و ما در این جریانات نیز به وظیفه خود عمل کردیم. مسافرت‌های علمی - فرهنگی:

آیت ا... العظمی نوری همدانی با الهام از توصیه قرآنی مبنی بر «سیروافی الارض» سفرهای زیادی به اقصا نقاط جهان داشته و در این سفرها ضمن انجام مباحثات علمی با برخورد با افکار و فرهنگهای گوناگون بر تجارب خویش می‌افزودند. ایشان در مورد مسافرت‌های خارج از ایران خود چنین می‌فرمایند: من در سال ۵۸ و ۵۹ که نماینده حضرت امام در اروپا بودم و به آن دیار رفت و آمد داشتم در ظرف این دو سال در موقع تحصیل در قم اشتغال به تدریس داشتم ولی در موقع تعطیلی حوزه به کشورهای اروپا از قبیل: انگلستان، فرانسه، آلمان، اتریش، ایتالیا، سوئد، بلژیک، هلند، دانمارک، سوئیس، نروژ، فنلاند، اسپانیا، یونان، و ترکیه مسافرت می‌کردم، و در طی ملاقاتها و مصاحبه و تشکیل مجالس حقایق اسلام و عظمت انقلاب اسلامی را بیان می‌کردم، و به سؤالات علمی و مذهبی با توفیق خداوند پاسخ می‌دادم، و سفرهایی به پاکستان و یک سفر هم به تایلند، پاکستان، بنگلادش و هندوستان رفته‌ام و در این سفرها علاوه بر معاشرت با فرقه‌های گوناگون و بیان معارف و مبانی اسلام، توجه بیشتر به بیان مزایای انقلاب اسلامی ایران و نشان دادن چهره استکبار جهانی بود.

نوری، ابوالقاسم

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج میرزا ابوالقاسم نوری (و. ۱۲۳۶ ه.ق - ف. ۱۲۹۲ ه.ق)، صاحب کتاب «مطراح الانظار». مدفن او مقبره‌ی شیخ ابوالفتوح رازی در حضرت عبدالعظیم است.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

نوری، اسماعیل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اسماعیل نوری

محل تولد: کهریز زنجان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۹/۱/۱

زندگینامه علمی

حضرت آیت الله حاج شیخ محمد اسماعیل نوری در سال ۱۳۲۹ هجری شمسی در خانواده مذهبی در یکی از روستاهای زنجان به دنیا آمد. دروس مقدمات را در زادگاهش یاد گرفت و در سال ۱۳۴۴ وارد حوزه علمیه زنجان شد. دروس ادبیات عرب و کتابهای «شرح لمعه، اصول فقه و غیره» را در آن حوزه آموخت. در سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه قم شد و شروع به آموختن کتابهای «رسائل، مکاسب، کفایه الاصول و...» مشغول گردید.

در سال ۱۳۵۴ پس از قبولی در امتحانات پایانی سطح حوزه شروع به آموختن دروس خارج (آشنائی با کیفیت استنباط احکام فقهی) نمود. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در مدرسه عالی تربیتی و قضایی طلاب قم (که امروزه عنوان دانشگاه قم معروف شده است) مشغول تحصیل گردید و پس از گذراندن دوره آن در پاییز سال ۶۰ به زنجان بازگشت و در مراکز تربیت معلم و دانشگاه آنجا به تدریس مشغول شد.

استاد نوری در سال ۱۳۷۱ جهت استفاده مجدد از دروس فقه و اصول حوزه به شهر مقدس قم بازگشت. ضمن تحصیل در حوزه علمیه قم، در مرکز تربیت معلم آیت الله طالقانی قم تدریس می کرد و هم اکنون نیز در آن مرکز و دیگر مراکز آموزش عالی قم به تدریس مشغول است. این روحانی فعال در سال ۱۳۷۷ موفق به اخذ مدرک سطح ۴ (دکتری) از حوزه علمیه قم شد و در سال ۱۳۷۷ پس از اعلام آمادگی برای نمایندگی مجلس خبرگان رهبری و موفقیت در امتحانات مربوطه و تأیید اجتهاد وی از طرف شورای نگهبان قانون اساسی به عنوان نامزد نمایندگی مجلس خبرگان رهبری از استان زنجان معرفی شد و با توجه به این که ایشان به رقیب خود (حضرت آیت الله حاج سید اسماعیل موسوی زنجان‌ی ره) احترام فوق العاده قائل بود در دو سخنرانی تبلیغاتی انتخاباتی تلویزیونی از ایشان تعریف و تمجید کرد.

استاد نوری در اثر لیاقت هایی که از خود نشان داده بارها از طرف مسئولین به عنوان مدرس نمونه استانی مورد تقدیر قرار گرفته و در سال ۷۹ نیز به عنوان مدرس نمونه کشوری شناخته شده و از طرف وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران لوح تقدیر

دریافت نموده و در حال حاضر به عنوان مدیر گروه آموزشی و پژوهشی معارف اسلامی و عربی مراکز تربیت معلم استان قم انجام وظیفه می‌کند.

نوری، بهاء‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۴۳ ق)، عالم دینی، ادیب و شاعر، متخلص به فاضل. معروف به فاضل نوری. جامع معقول و منقول بود. در محضر علمای اصفهان تلمذ نمود و پس از فراغت از تحصیل در مسجد محله‌ی دروازه‌ی نو اصفهان به اقامه‌ی جماعت پرداخت. وی را اهل تصفیة‌ی باطن و سیر و سلوک دانسته‌اند. در اصفهان درگذشت و در تکیه بابا رکن‌الدین تخت فولاد مدفون گردید. از آثارش «دیوان» شعری است که آن را فرزندش نصیرالدین نوری، معروف به خواجوی، گردآوری و تدوین نموده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌القبور (۲۰۶-۲۰۵)، الذریعه (۹/۸۰۲)، ریحانه (۲۶۱-۲۵۹/۶).

نوری، جواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم فاضل محقق، و عارف و زاهد کامل، از شاگردان آقا میر محمد شهشهانی، و خود داماد حاجی کلباسی بوده، در شب بیستم شوال سال ۱۳۲۳ به سنّ قریب به یکصد سال وفات یافته، در داخل بقعه تکیه بابا رکن‌الدین در ایوان قرینه قبر بابا مدفون گردید.

کتب و رسائلی تألیف نموده که از آن جمله است: ۱- رساله در فقه استدلالی ۲- رساله در نمازهای مستحبی ۳- رساله عملیه ۴- رساله در نماز شب، مطبوع ۵- رساله در صلوات ۶- رساله در نکاح ۷- رساله در تجارت ۹- کتابی در اصول؛ و غیره.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نوری، حمیدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حمیدرضا نوری

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای حمیدرضا نوری در سال ۱۳۴۳ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت «علیهم السلام» در تهران دیده به جهان گشود. نامبرده پس از فراغت از تحصیل در دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در زادگاه خویش، در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه تهران گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره‌های علمی اخلاقی فراوان برد. وی پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۳ به حلقه دروس خارج راه یافت. و از درس ستارگان درخشان حوزه‌های علمیه عالم شیعه همچون: «آیت الله وحید»، «آیت الله تبریزی»، «آیت الله جوادی آملی»، «آیت الله مصباح» و ... بهره‌های فراوان علمی و اخلاقی برد. وی علاوه بر مدیریت نهاد رهبری در دانشگاه «خواجه نصیر الدین طوسی» به تدریس در این دانشگاه مشغول است که حاصل زحمات ایشان؛ پرورش دانشجویان فراوانی می‌باشد. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به امر تبلیغ، تحقیق، نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که آثار متعددی از جمله «حقوق اجتماعی و سیاسی»، «پنجره‌ای به تنهایی خدا» و ... را به رشته تحریر و زیور طبع آراسته است.

نوری، عبدالنبی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ عبدالنبی نوری - ره - عالمی بزرگوار و مجتهدی عالی مقدار و نابغه‌ی در فقه و اصول و محقق‌ی در معقول و منقول و متبحری در فنون مختلف و از مراجع بزرگ زمان خود گردیده است.

وی در نور که از مضافات آمل است دیده به جهان گشوده و بعد از بلوغ به تهران مهاجرت و اولیات و سطوح را معقولا و منقولا تکمیل نموده و مهاجرت بعبتات عالیات کرده و از محضر علماء و بزرگان آن سامان استفاده نموده آنگاه بسامرا مشرف و ملازم ابی‌الحسن آیت‌الله العظمی میرزا محمدحسن شیرازی مدت پنج سال گردیده و پس از آن به تهران مراجعت و در محله‌ی (عودلاجان) رحل اقامت افکنده و به مراسم ارشاد و تدریس و اقامه جماعت در مسجد (پیره زن) اشتغال یافته و پس از آن منتقل بسرچشمه شده و مومنین مسجدی در اواسط خیابان سیروس نزدیک سرچشمه برای او بنا نموده (که اکنون بنام آن مرحوم معروف است) و در آنجا به اقامه جماعت و تدریس خارج فقه و اصول برای فضلاء و علماء تهران و موعظه مردم پرداخته تا در بیستم محرم الحرام ۱۳۴۴ قمری که برحمت حق واصل و جنازه‌اش از نیاوران شمیران که در دو فرسخی تهرانست بر دوش مردم بشهر ری و در مقبره ناصرالدین شاه در مجاورت حرم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام محازات قبر مرحوم علامه کنی مدفون گردید.

از مراجع بزرگوارانی که بدرس ایشان شرکت نموده است سید استاد ما حضرت آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی مد ظله‌العالی میباشند که حدود یکسال بدرس فقه و اصول ایشان شرکت و از جامعیت و مقام علمی و تبحر در فقه و اصولشان فوق‌العاده تمجید و تعریف می‌نمایند.

پس از فوت آن مرحوم فرزند ارجمندش جناب حجة الاسلام والمسلمین آیت‌الله آقای حاج شیخ بهاء‌الدین نوری بجای ایشان قرار گرفته و در مسجد آن مرحوم اقامه جماعت نموده و بخدمات دینی اشتغال دارند و ایشان داماد مرحوم آیت‌الله حاج سید محد

بهبهانی سابق‌الذکر و یکی از مشاهیر و محترمین علماء معاصر تهران و محترمین دانشمندان مرکز، غالب تحصیلات ایشان در تهران در خدمت مرحوم والدشان و مدرسین بزرگ دیگر بوده و خود سالها بتدریس فقه و اصول و اصلاح امور مردم و قضاء حوائج آنان اشتغال داشته است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

نوری، علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۴۶ ق)، حکیم و از اعظام فلاسفه‌ی پیرو مکتب ملاصدرا. پس از تحصیلات مقدماتی در مازندران و قزوین، در فقه و اصول، به اصفهان رفت و در محضر استادانی چون محمد بیدآبادی و میرزا ابوالقاسم مدرس به تکمیل تحصیل پرداخت. آنگاه به تدریس معقول آغاز و حوزه‌ی فلسفی عظیمی تأسیس کرد. وی تدریس ۴۰۰ نفر از دو هزار شاغل به تحصیل معقول را شخصاً عهده‌دار بود. برخی از شاگردان او عبارت‌اند از: میرزا ابوالقاسم راز شیرازی، میرزا حسن نوری (فرزندش)، آخوند ملا آقا حکمی قزوینی، آخوند ملا- عبدالله زنوزی، آقا سید رضی لاریجانی و حاجی ملاهادی سبزواری. اکثر قریب به اتفاق استادان متأخر از آخوند نوری مع الواسطه شاگردان وی بوده‌اند، چه سلسله‌ی اساتید آنان به حاجی سبزواری، آقا محمدرضا قمشه‌ای، آقا علی مدرس و میرزای جلوه که به حکمای اربعه مشهوراند منتهی می‌شود. آخوند نوری تمام عمر را به تدریس فلسفه‌ی ملاصدرا مشغول بود. او دارای طبع شعر و غزل‌سرا و رباعی‌گوی بود و در اشعار خویش نوری تخلص می‌کرد. آخوند ملا علی نوری در خط شکسته سرآمد زمان خویش بود. پس از مرگ، پیکرش را به نجف بردند و براساس وصیتنامه‌اش در کفش کن روضه‌ی امیرالمومنین (ع) مدفون ساختند. برخی از آثار آخوند نوری عبارت‌اند از: «حجت‌الاسلام»، در رد پادری (کشیش مسیحی) که مطالب نادرستی درباره‌ی اسلام نوشته بود؛ «حواشی اسفار»؛ «حواشی مشاعر»؛ «حواشی شوارق»؛ «حواشی اسرار الآیات»؛ «حواشی شرح اصول کافی»؛ «حواشی تفسیر کبیر»؛ «تفسیر سوره‌ی توحید»، متجاوز از سه هزار سطر؛ «رساله در وحدت وجود»؛ «مجموعه‌ی سوال و جواب»، به فارسی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: خدمات متقابل اسلام و ایران (۵۹۷-۵۹۶)، الذریعه (۴/ ۳۳۵)، روضات الجنات (۳۹۳-۳۹۱/ ۴)، ریاض العارفین (۲۳۹-۳۲۸)، ریحانه (۲۶۲-۲۶۱/ ۶)، سفینه‌ی المحمود (۶۳۳-۶۳۲/ ۲)، شرح حال رجال (۱۵۵-۱۵۴/ ۶)، فرهنگ سخنوران (۹۵۸)، فوائد الرضویه (۳۴۰-۳۳۹)، قصص العلماء (۱۵۳-۱۵۰، ۱۳۴، ۶۶)، مستدرکات اعیان (۱/ ۱۱۸)، مصطبه‌ی خراب (۲۰۰-۱۹۹).

نوری، فضل‌الله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

از اکابر علماء مجتهدین و اجلای فقهاء و محدثین امامیه در ۱۲۵۹ ق متولد شد. پدرش مرحوم آخوند ملاعباس معروف به پیشنماز از علمای متقی و معروف بود. شیخ فضل‌الله پس از انجام تحصیلات مقدماتی و سطح عازم بین‌النهرین شد و قریب ده سال در عراق

توطن نمود وی از شاگردان برجسته میرزا محمد حسن شیرازی بود و غیر از فقه و اصول و حدیث و کلام و فلسفه و ریاضیات، علوم غریبه مانند جفر و غیره را آموخت و شاعر هم بود و تخلص نوری داشت.

شیخ فضل‌الله پس از مراجعت از عتبات از معاریف علماء گردید و کار و بارش خیلی رونق گرفت و مرجعیت تام پیدا کرد و مورد توجه شاه و امناء دولت قرار گرفت. در واقعه تحریم تنباکو و بلوای آن شیخ در کنار حاج میرزا حسن آشتیانی قرار داشت و جزو چند مجتهد مجاهد بود. اعتمادالسلطنه برای رفع بحران تنباکو چندین بار به او مراجعه و از طرف شاه درخواست کرد به نحوی که ممکن است به غائله خاتمه دهد ولی شیخ جز بطلان قرارداد و جمع کردن بساط انگلیسها راهی را ارائه نداد. در مجلسی که در دربار از علماء و بزرگان برای مسأله تنباکو تشکیل شد شیخ فضل‌الله جدا در لغو قرارداد پافشاری کرد و ناصرالدینشاه ناچار در اجرای فتوای میرزای شیرازی و خواسته علمای تهران قرارداد را لغو و مبلغ پانصد هزار تومان غرامت پرداخت. شیخ فضل‌الله پس از فسخ قرارداد چند تلگراف به آیت‌الله شیرازی مخابره و ضمن اعلام فسخ قرارداد درخواست نمود فتوای حلیت دخانیات را توسط او صادر نماید. شهرت و آوازه شیخ از احراز سلطنت ناصرالدینشاه به اوج رسید. اتابک برای حفظ خویش خود را به او نزدیک کرده، بیشتر دعاوی دولتی را به محضر او احاطه می‌کرد.

مرحوم ناظم‌الاسلام کرمانی در این باره چنین نوشته است: باری عین‌الدوله صندوق مالیه را ترتیب داد و خرابی دربار را خواست اصلاح کند لکن جهالت و استبداد و تکبر این شاهزاده کار را خرابتر کرد. با حاج شیخ فضل‌الله متحد گردید امورات شرعی و عرفی بلکه مملکتی را راجع به محکمه شیخ نوری نمود تا آنکه کار شیخ بالا گرفت و کارهای عمده را صورت و انجام می‌داد.

شیخ فضل‌الله که در دوران صدرات عین‌الدوله فعال مایشاء و همه کاره بود از این موقعیت مغرور شد و از دوستان قدیم مانند سیدعبدالله بهبهانی و سیدمحمد طباطبائی خود را کنار کشید و طبعاً عین‌الدوله هم با داشتن شیخ فضل‌الله توجه زیادی به آن دو نداشت. این مسأله باعث شد که طباطبائی و بهبهانی طریق دیگری انتخاب کنند و آن مخالفت با عین‌الدوله و تأسیس عدالتخانه بود. جبهه‌گیری روحانیت در دو جناح از همان موقع آغاز شد. شیخ فضل‌الله با همکاری شیخ علی‌اکبر بروجردی، شیخ محمد آملی از یک طرف و سیدعبدالله بهبهانی و سیدمحمد طباطبائی از طرف دیگر مبارزه شدید و علنی خود را آغاز کردند. شیخ فضل‌الله توانست سید ابوالقاسم امام‌جمعه را نیز با خود همراه سازد.

اولین ضربتی که به گروه شیخ فضل‌الله وارد شد تخریب ساختمان بانک استقراضی روس بود که با فتوای سید محمد طباطبائی انجام گرفت.

توضیح آنکه در ۱۳۰۸ ه.ق ناصرالدینشاه امتیاز مؤسسه رهنی که بعد به بانک استقراضی تبدیل گردید به دو نفر از اتباع روسیه واگذار نمود. روسها تصمیم گرفتند که اداره مرکزی بانک را در بازار احداث نمایند از این رو پس از تفحص، محلی را در نظر گرفتند که در اراضی موقوفه سید ولی که در آخر بازار کفاشها واقع و مدرسه مخروبه و قبرستان متروکه بود، برای ساختمان در نظر گرفتند. برای اجازه آن به چند نفر از روحانیون مراجعه کردند، ولی هیچکدام زیربار اجازه نرفتند، سرانجام به حاج شیخ فضل‌الله رجوع کردند و او حاضر شد اراضی مزبور را جهت ساختمان بانک به مبلغ هفتصد و پنجاه تومان به ملاحظه تبدیل به احسن به روسها بفروشد و روسها عمارت بزرگ و مجللی در آن زمین موقوفه برپا کردند. در ۱۳۲۳ ه.ق که مبارزه در جناح روحانی آغاز شد از طرف سید محمد طباطبائی موضوع در چند مجلس مطرح و بعضی از وعاظ به آتش دامن زدند تا اینکه در یک روز جمعیتی حدود بیست هزار نفر به محل بانک رفته و ساختمان مزبور را در یک طرفه‌العین محو و نابود کردند.

بعد از مراجعت مظفرالدینشاه از سفر سوم اروپا، عین‌الدوله در مظان اتهامات زیادی قرار گرفت و جناحهای مختلف علیه او شروع به فعالیت نموده شبنامه‌ها منتشر شد و روزنامه‌ها تهمت‌های فراوان به او زدند. بازار سیاست از هر طرف آشفته‌تر شد و موضوع چوب زدن تجار قند و تبعید سعدالدوله وزیر تجارت به مناسبت حمایت از تجار، دسته دیگری از اصناف و تجار را در صف مخالفین

عین‌الدوله جا داد. موضوع تأسیس عدالتخانه که نخستین خواسته روحانیت و تجار و اصناف بود ظاهراً مورد موافقت شاه قرار گرفت؛ ولی عین‌الدوله با وعده و وعید در انجام آن تعلل می‌کرد. شیخ فضل‌الله با هوش و فطانت خاصی که داشت سقوط عین‌الدوله را نزدیک دید و برای اینکه در آینده جایی برای خود داشته باشد با سید عبدالله و سید محمد مجدداً نزدیک شد ولی این بار سیدین او را به بازی نمی‌گرفتند و رفت و آمد آنها ظاهری بود. شیخ فضل‌الله از لحاظ مراتب علمی و فقاہت اعلم بر سایرین بود ولی در این برهه از زمان حاضر بود در کنار پیشوایان دیگر قرار بگیرد. از این رو در قیامی که منجر به صدور فرمان مشروطیت گردید خدمات زیادی انجام داد ولی سید عبدالله بهبهانی که رقابت شدیدی با او داشت بین شیخ فضل‌الله و سایرین افتراق ایجاد کرد. شیخ فضل‌الله حاضر بود همه گونه با آنها همراهی و همکاری کند ولی مخالفین او را به حریم خود راه ندادند و او ناگزیر از صف آنان اعراض نموده خود را به دامان محمد علی‌شاه انداخت و مشروطه مشروع را برای خود عنوان نمود و در آن زمینه که عاقبتی ناگوار برایش داشت گام برداشت. تا زمانی که مظفرالدین‌شاه حیات داشت اختلاف بین مشروطه خواهان و مستبدین زیاد به چشم نمی‌خورد و جبهه‌های مخالف و موافق در مقابل یکدیگر قرار نگرفته بودند ولی پس از مرگ او و اعلام پادشاهی محمد علی‌شاه وضع تغییر کرد. سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبائی با قبول نمایندگی اقلیتهای مذهبی در گردش کار مجلس سرپرستی داشتند. دولت‌ها برای پیشبرد اهداف و مقاصد خود بد آنها توسل می‌جستند و هر کاری با مداخله آنها انجام می‌گرفت. منزل آندو، محل رفت و آمدهای سیاسی بود، همه چیز در اختیار آنها قرار گرفته بود و شیخ فضل‌الله در عوض تمام قدرت خود را از دست داده بود.

در یکسال اول سلطنت، محمد علی شاه آنچنان که منعکس شده است با مشروطه مخالف نبود ولی دستجات تندرو، مانند بعضی از نمایندگان، انجمن‌های مختلف و مطبوعات موجبات جدایی شاه را از مشروطه و مجلس فراهم کردند. قتل اتابک، سوء قصد به محمد علی شاه و فشار به شاه برای اخراج درباریان از موجباتی بود که شاه را نسبت به مشروطیت منزجر نمود و خواه و ناخواه به دامن استبداد پناه برد. شیخ فضل‌الله هم که از نشستن روی قالیچه محروم شده بود برای بدست آوردن قدرت در تشویق و کمک به برنامه‌های استبدادی شاه تأثیر بسزایی داشت.

شیخ فضل‌الله در مقابل روحانیون مشروطه خواه جناح مستبدرا پی‌ریزی کرده خود در رأس آن قرار گرفته و عنوان مشروطه مشروع به آن داد؛ زیرا وی معتقد بود مشروطه را چون شاه مرحوم به ملت اعطاء کرده چیز بدی نیست ولی منظور آن شاه مشروطه مشروع است که با موازین شرعی تطابق دارد.

اقدامات شیخ فضل‌الله علیه مشروطه و مشروطه‌خواهان از اوایل ۱۲۸۶ ش آغاز شد و در روز سوم تیر ماه همانسال در رأس عده‌ای از روحانیون و طلاب و اصناف که بالغ بر پانصد نفر می‌شدند به حضرت عبدالعظیم رفته و در آنجا تحصن اختیار نمودند. وعاظ حاضر در آن تحصن همه روزه ضمن ایراد سخنانی حکومت مشروطه را خلاف شرع دانسته و تقاضای جدی از شاه به عمل آورده که باید مشروطه مشروع شود. در همان ایام همه روزه تلگراف‌هایی در این زمینه با امضای شیخ فضل‌الله و سایر روحانیون و مجتهدین به علمای نجف مخابره می‌گردید و همچنین تلگراف‌هایی به تمام شهرهای ایران مخابره می‌شدند. مهمترین واقعه‌ای که علیه مشروطیت با سرپرستی و ارشاد شیخ فضل‌الله صورت گرفت واقعه توپخانه بود. ابتدا عده‌ای از اجامر و اوباش و مخالفین مشروطه به سرکردگی مقتدر نظام و صنیع حضرت به مجلس شورای ملی حمله برده بین آنها و مخالفین مجلس کار به تیراندازی رسید و سپس دامنه زد و خورد به توپخانه کشیده شد. در توپخانه شیخ فضل‌الله و شیخ علی‌اکبر بروجردی و شیخ محمد آملی و حاج میرزا ابوطالب زنجانی در مسند فرماندهی نشسته و وعاظی مانند سید محمد یزدی و سیداکبر شاه و سید علی آقا یزدی حاضر بودند و هر کدام به نوبت بالای منبر قرار گرفته، مطالبی در ذم مشروطیت و مجلس ایراد می‌نمودند. سرانجام شیخ فضل‌الله به منبر رفته و مشروطه‌خواهان را تکفیر نمود و آنان را به عنوان مرتد و بابی نام برد. در میان مستبدین عده‌ای مشروطه خواه هم داخل شده

بودند و گاهی با فرستادن صلوات سخنان ناطقین را قطع می‌کردند و یا شعارهایی می‌دادند. برای آرامش مجلس مستبدین شخصی را به نام میرزا عنایت زنجانی که بیش از همه شعار می‌داد گرفته و او را کشتند و نعش او را به درختی آویزان کردند. واقعه توپخانه دو سه روزی به طول انجامید.

سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبائی هم در مقابل اقدامات شیخ فضل‌الله و اعوان و انصارش ساکت ننشسته، علمای نجف را نسبت به او بدبین ساختند و در نتیجه عده‌ای از علمای نجف مانند محمد حسین میرزا خلیل، آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی طی تلگرافی شیخ فضل‌الله نوری را به علت مخالفت با مشروطه تکفیر کردند و متذکر شدند مخالفین را به ارض اقدس تبعید نمایند. متن تلگراف علمای نجف چنین بود:

حجج اسلام بهبهانی، طباطبائی؛ چون نوری مخل آسایش و مفسد است تصرفش در کلیه امور حرام است.

کشمکش بین مشروطه خواهان و مستبدین سرانجام به خون کشیده شد و لیاخف به دستور محمد علی شاه مجلس را به توپ بست و صدای مجاهدین و مشروطه خواهان موقتا خاموش شد. جمع کثیری از مجاهدین و مشروطه خواهان به زندان باغشاه افتادند و عده‌ای نیز به وضع فجیع اعدام گردیدند، بهبهانی و طباطبائی هم به تبعید رفتند. شاه در باغشاه به تخت نشست و شیخ فضل‌الله نیز مجدداً به قدرت رسید و مقام و موقعیتش از سال‌های قبل بیشتر شد و آنچه او می‌گفت شاه به انجامش می‌کوشید.

در آبان ماه ۱۲۸۷ به دستور شیخ فضل‌الله نوری اجتماع بزرگی در باغشاه مقر محمد علی شاه با شرکت روحانیون، رجال، معاریف، بازرگانان، اصناف و مالکین تشکیل شد و مذاکراتی پیرامون نوع حکومت در ایران آغاز شد. شیخ فضل‌الله فریاد برآورد مشروطه با شریعت سازگار نیست و تلگراف‌هایی را که از طرف بعضی از روحانیون شهرها و مردم در مخالفت با مشروطه رسیده بود قرائت نمود. سرانجام عریضه‌ای به شاه نوشته و استدعا کردند از مشروطه صرفنظر نمایند. عده زیادی از علماء این عریضه را امضاء کردند، امضاء اول مربوط به شیخ فضل‌الله بود.

یک هفته بعد مجدداً جلسه‌ای در باغشاه با حضور علماء و بزرگان و معاریف تشکیل گردید و شاه نیز در آن جلسه مشارکت کرد و مصرأ از وی خواستند که مشروطه را فراموش کند.

محمد علی شاه اعلامیه‌ای انتشار داد و متذکر شد چون پیرو احکام مقدس اسلام می‌باشم و چون علماء اعلام نموده‌اند مشروطیت خلاف شریعت است لذا انصراف خود را از مشروطه اعلام می‌داریم. اعلامیه محمد علی شاه در اذهان مشروطه خواهان تأثیر بسیار بدی گذاشت. همه می‌دانستند تصمیم شاه ناشی از تلقین شیخ فضل‌الله است، از این رو عده‌ای کمر به قتل او بستند و برای اجرای قتل کریم دواتگر را انتخاب نمودند. ساعت ۸ بعد از ظهر روز ۹ دی ماه ۱۲۸۷ هنگامی که شیخ با چند نفر از خادمین خود عازم منزل بود مورد سوء قصد قرار گرفت و شیخ و سه نفر از خادمین مجروح شدند. ضارب وقتی دستگیر شد تیری در دهان خود خالی کرد و مجروح شد. شیخ فضل‌الله پس از مدتی ضارب خود را بخشید و قریب یک ماه بستری بود تا سرانجام بهبود یافت (کریم دواتگر سرانجام به تیر غیب گرفتار و کشته شد).

فتح تهران توسط قوای بختیاری و مجاهدین گیلان به جنگ مستبدین و مشروطه خواهان پایان داد. محمد علی میرزا از سلطنت خلع و احمد میرزا ولیعهد به جانشینی او به تخت نشست و عضدالملک نایب‌السلطنه شد. مستبدین و طرفداران محمد علی شاه دو دسته شدند، عده‌ای همراه او به سفارت روس رفتند و عده‌ای هم در دیگر سفارت‌خانه‌ها بست نشستند. قبل از گرفتاری شیخ فضل‌الله از سفارت روس به او مراجعه شد و به او تأمین جانی و مالی پیشنهاد کردند، ولی شیخ نپذیرفت و شهادت را بر توسل بر اجنبی ترجیح داد.

جریان دستگیری و محاکمه و اعدام شیخ فضل‌الله در چند کتاب منقوش است. مرحوم مهدی ملکزاده در کتاب تاریخ مشروطه خود مشروحاً به این موضوع اشاره کرده است که ما عین نوشته ایشان را نقل می‌نماییم:

توقیف و حبس حاجی شیخ فضل‌الله

به خلاف محمد علی شاه و صدر اعظمش سعدالدوله و جمعی از وزرا و درباریان و رجال مستبد که نامردانه پس از آنهمه جنایت و آدم‌کشی راه فرار را پیش گرفتند و به سفارت اجنبی که بزرگترین دشمن استقلال ایران بود پناه بردند. حاجی شیخ فضل‌الله استقامت و شخصیت خودش را حفظ کرد و در خانه ماند و منتظر پیش آمد و تقدیرات شد. می‌گویند همانروز که محمد علی شاه به سفارت رفت سعدالدوله برای حاجی شیخ فضل‌الله پیغام فرستاد که جان شما در خطر است و خوب است به یکی از سفارتخانه پناه ببرید ولی حاج شیخ فضل‌الله از این پیشنهاد سرباز زد و زیر بار این ننگ نرفت و جواب داد مقام روحانیت من اجازه‌ی اقدام به این عمل را نمی‌دهد.

در همانروز کسانی که از طرف حاجی شیخ فضل‌الله به وسیله پنجاه عدد تفنگ سه تیر که از دولت گرفته بود مسلح شده بودند و در اطراف خانه‌اش سنگربندی کرده و تا ساعت آخر با مشروطه‌خواهان جنگیدند متفرق شدند و از صدها نفر پیروان و مریدان که همه روز گردش جمع می‌شدند و در مجمعش حضور پیدا می‌کردند کسی دیده نمی‌شد و جز چند نفر مستخدم شخصی و افراد خانواده‌ای کسی در خانه و اطراف او نبود روز ۱۲ رجب جمعی از مجاهدین به خانه شیخ رفتند و او را دستگیر نمودند و به وسیله درشکه به میدان توپخانه‌اش آوردند و در یکی از اطاق‌های طبقه فوقانی محبوس نمودند آری شیخ در همان میدان توپخانه که در یک سال و نیم پیش در پوش سلطنتی که برای او برپا کرده بودند و در صدر آن جای داشت و هزارها نفر را بر ضد مشروطه و حکومت ملی قیام داده بود محبوس گردید.

ناگفته نگذاریم به خلاف رفتار عمال استبداد با محبوسین باغشاه مجاهدینی که شیخ را دستگیر و محبوس نمودند کوچکترین بی‌احترامی در حق او روا نداشتند و کاری که موجب رنج و شکنجه‌ی بدنی و یا روحی او بشود ننمودند و می‌توان گفت تا حدی با احترام به او عمل کردند.

شیخ از زمانیکه حبس شد تا موقعیکه اعدام گشت تمام ساعات را با بردباری و خونسردی و متانت گذراند و ضعف نفس از خود نشان نداد و راه عجز و ناله و توسل به این و آن را در پیش گرفت و شخصیت خود را حفظ کرد.

محاكمه و اعدام

محققین و کسانی که به تاریخ نهضت‌های ملل و انقلابات امم آگاهند به خوبی می‌دانند که در انقلابات ملی همینکه کسی جلب به محکمه انقلابی شد مخصوصا اشخاص مهم که گذشته‌ی آنها برای همه روشن است و به خوبی و بدی آنها همه آگاهی دارند و عهده‌دار و رهبری دسته مخالف را داشته‌اند قبلا محکوم به اعدام بوده و تشکیل محکمه جز صورت سازی چیز دیگری نیست. حاجی شیخ فضل‌الله هم از این قاعده عمومی مستثنی نبود و می‌توان گفت که پیش از محاکمه محکوم به اعدام شده بود و همینکه دستگیر و جلب به محکمه انقلابی شد محکومیت او غیرقابل اجتناب بود.

محکمه انقلابی در عمارت توپخانه که در قسمت جنوبی میدان توپخانه بود با عضویت رؤسای مجاهدین تشکیل گردید و به همان نحویکه صنیع حضرت و آجودان‌باشی را محاکمه نمودند شیخ را احضار به محاکمه او پرداختند.

ناگفته نگذاریم که اعضای محکمه انقلاب اکثرشان سران مجاهدین تندرو و بقول معروف دو آتشه بودند و رؤسای معتدل و سرداران از عضویت محکمه سرباز زدند و خود را به آنچه می‌گذشت نمی‌خواستند آشنا کنند و حتی به روبرو شدن با جلب شدگان خودداری کردند.

ادعانا

شیخ ابراهیم زنجانی ادعانا می‌مفصلی که حاکی بر

مجرمیت شیخ بود قرائت نمود و اعدام مجرم را از محکمه تقاضا کرد. چون ادعانا می‌مذکور دارای مقدمه طولانی است و درج آن

در این تاریخ چیزی بر معلومات خوانندگان نمی‌افزاید از نگارش آن صرف‌نظر نموده و اصل ادعای نام را از نظر خوانندگان می‌گذرانیم.

وقتی که شدت و ظلم جور مقتدرین و عالم نمایان به احکام ناسخ و منسوخ و ناحق ایشان و تعطیل احکام اسلام و هرج و مرج امور خواص و عام در ایران به نهایت شدت رسید عموم خلق علاج را به مشروطیت دولت دیدند که اساس آن این است که تصرفات امرا و عالم نمایان و پادشاه در نفوس و اعراض و اموال خلایق به طور دلخواه مطلق نبود، حدی در تصرف پادشاه و حکام و دیگران بود و احکام الهیه چنانچه در اسلام مقرر است در حق همه جاری شود نه اینکه وقتی مقتدرین مرتکب فساد بشوند منعی نباشد و ضعفا صد مقابل مجازات ببینند و جمعی همیشه در کمال راحت و معبودیت دسترنج دیگران را گرفته به صرف عیش رسانیده و ایشان را در ذلت و بدبختی نگاهدارند.

جمعی از عقلا- از طرف مردم جمع شده و مشاوره در اصلاح امور مملکت و معیشت و حفظ آب و خاک و رفع تعدی متعديان نموده و نگران باشند که آنچه مردم بعنوان مالیه برای حفظ امنیت می‌دهند به مصرف عیاشی غارتگران نرود.

مظفرالدین شاه قبل از محمد علی میرزا مخلوع این استدعای ملت را قبول کرده قانون و عهدنامه اساسی را امضا کردند و جنابعالی هم با چند نفر از معروفین علما در استحکام این اساس دخالت داشته زیاده از هشت ماه اغلب خودت حاضر مجلس شوری بود و با حضور شما و جمعی دیگر مواد قانون اساسی نوشته شده و تصحیح شد، چه شد ناگهان شق عصای امت کرده ایجاد خلاف میان مردم نموده و علم مخالفت بلند کرده و جمعی از اشرار را بدور خود جمع نموده و ماده‌ی مفسده عظیم و علت اولیه‌ی خونریزی پنجاه هزار نفر نفوس ایرانی بی‌گناه و هتک اعراض و رعب قلوب و سلب بیشتر از صد کرور اموال و تخریب آبادیها گردیدید، اگر این عنوان حرام بود چرا خود هشت ماه در استحکام آن کوشیدی و اگر حلال و واجب بود چرا با آن شدت مخالفت نمودی و مردم را به ضدیت با یکدیگر دعوت فرمودی چرا بعد از اینکه اظهار مخالفت کردی مکرر به تو نصیحت کردند یک شب بنده خوده هم بودم در خانه آقای میرزا سید محمد طباطبائی، آقا سید عبدالله بهبهانی هم بود و بیست و پنج نفر از معتبرین و کلا هم حاضر بودند قسم غلیظ و شدید در حضور کلام‌الله مجید یاد کردی که خیانت به ملت نکرده، همیشه موافقت با مشروطیت نمایی مجددا بعد از چند روز قسم را شکسته ندای فساد دادی و چادر مخالفت زدی بعد جماعتی را گرد آورده و گفتی خلاف من فقط در سر آن یک ماده قانون اساسی است، باز جمعی همان ماده را برداشته در خانه خودت آورده، بنده هم بودم و به اتفاق بیست نفر از وکلا مدلل کردیم که همان ماده همانطور که هست باید نوشته شود باز قرآن حاضر کرده قسم مؤکد یاد کردی که دیگر ابد مخالفت نکنی و فردا به مجلس بیایی به ناگاه قسم و عهد را شکسته به حضرت عبدالعظیم رفتی در حضرت عبدالعظیم کتبا و نطقا چه افترا که به و کلا- نزدی چه فساد بود که نکردی به چه دلیل و کلا- را بایی و دهری خواندی آیا تصور نکردی که در قانون انتخابات بعموم اهل ایران دستورالعمل داده شده که هر کس را متدین و امین دانند انتخاب کنند.

آیا همه مردم بایی بودند که بایی انتخاب کردند یا سایرین غیربایی بودند و در میان خود امین را غیربایی نیافتند یا آنکه خاصیت دیوارهای بهارستان بود که کسانی که آنجا آمده‌اند بعد از چند ماه بواسطه پولهای که شما گرفتید آنها بایی شدند.

در حضرت عبدالعظیم هر مجمع فساد که شما رئیس آن بودید جمعی از اوباش مفتخوار را از چند هزار تومان تا چند دینار خرج می‌دادید. آیا این پولها را که به شما داده بود که فساد کنید، آیا از خود می‌دادید، جنابعالی هم مثل من از عتبات در حال فلاکت عودت کردید این پول را از کدام تجارت یا صنعت یا کسب گرد آوردید، این یا رشوه احکام و یا مال فقرا و ایتم بود البته این پول را در مدتی جمع کرده بودید به چه دلیل در پیش چشم خودت فقرا و ضعفا و ایتم با کمال عسرت معیشت می‌کردند و تو این اموال فقرا را ضبط کرده زیاده از عیش با وسعت در چنین مقام افساد و اشرار می‌دادی، اگر شما مشروطیت را حرام دانستید دیدید که عموم علماء مرجع تقلید عتبات و سایر بلاد ایران جز چند نفر ریاست طلب و دنیاپرست همه آن را واجب دانستند و اقلا نه عشر

مردم ایران در طلب آن جان می‌دادند آیا ممکن است حرمت چنین چیزی مضر دین باشد تا منکر آن کافر و مرتد و مستحق قتل گردد، نهایت اینکه بی‌انصافی کرده می‌گفتید مسئله خلافی است رأی من این است که باید تأیید مقتدرین و ظلام کرد در چنین مسئله خلافی مخالف آن عاصی نیست تا چه رسد با آنکه کافر باشد.

پس به چه دلیل اشرار را اغوا می‌کردید که مشروطه‌طلبان را از قتل و ضرب به هر اذیت معاف ندارند.

بعد از آنکه مقدار پولها که گرفتید در حضرت عبدالعظیم به مصرف افساد رسانیدید و نمی‌دانیم چه قدر ذخیره کردید.

و بالاخره از آنجا مایوس شدید این حرام که می‌گفتید کم کم حلال شد و سکوت جایز گردید؛ زیرا رأی شما تابع اشارات بود و در واقعه‌ی میدان توپخانه نمی‌دانم وجه مأخوذی به چه کثرت بود که به آن شدت اقدامات وحشیانه و متجاهرانه را نمودید خود را رئیس‌الاسلام نامیده با مهتر و قاطرچی و ساربان و کلاه‌نمدیهای محلات و اشرار همدست شده چادر در میدان زده در حضور مبارک شما آن اشرار مستانه فریاد ما چای و پلو خواهیم مشروطه نمی‌خواهیم، بلند کرده و همه قسم رذالت و فحاشی کردند. چند نفر بی‌گناه را کشتند و به اشاره و سکوت شما از درخت آویخته چشم مقتولین را با خنجر در حضور عالی در آوردند بفرمایند آن مقدار مصارف که با آن جمعیت و شرارت صرف می‌شد و جنابعالی شرکت داشتید از چه محل حلال بود تلگرافات افساد شما به شهرها در تلگرافخانه‌ها موجود است کدام فساد و شرارت را در آن چند روز محض میل محمد علی میرزا فروگذار کردید. آیا می‌توان گفت این است حمایت اسلام، شما را به هرچه اعتقاد دارید قسم می‌دهم اگر حضرت پیغمبر یا امام علیه‌السلام حاضر بودند آن مجمع شما را به چه نام می‌نامیدند.

بعد از اینکه از فساد میدان توپخانه نتیجه مطلوبه حاصل نکردید با دست‌های مخفی که هشیاران می‌دیدند در همه قسم فساد و هرج و مرج در اجتماعات و انجمن‌ها و اغتشاش بلاد و مغشوش کردن ذهن محمد علی میرزا و تقویت او به مخالفت ملت اقدام کافی کردید در بیرون رفتن محمد علی میرزا از شهر به باغشاه و ترتیب مقدمات تخریب مجلس شورا و محل امید ملت ایران سرسلسله شاپشال و امیر بهادر و مفاخرالملک و صنیع حضرت و مجلل و مجدالدوله و حاجی محمد اسماعیل مغازه و امثال ایشان شما بودید. و اکثر دستورات عملها را می‌دادید آیا شکستن عهد و قسم و توپ بستن به خانه خدا و قتل نفوس و هتک قرآن و زدن افترا و بهتان به وکلای پارلمان این اعمال را حلال می‌دانستید یا خیر آیا در حبس و زجر سادات و محترمین و به حلق آویختن مظلومین و حبس و زنجیر مردمان بی‌تقصیر و کشتن آن جمع کثیر محمد علی میرزا را مصاب می‌دانستید یا مخطی، اگر مخطی می‌دانستید چرا نهی نکردید اگر قدرت نداشتید چرا مثل ملت علم اعتراض و تحصن به حضرت عبدالعظیم و جمع نمودن مردم و جلوگیری از منکر و رفع فساد نکردید بلکه با کمال خرمی و انبساط به تبریک رفته و اظهار شادمانی کردید و تأیید شدت‌هایی که کردند نمودید.

آیا آن قتل نفوس و گرفتاری و تبعید محترمین و تصرفات در اموال ملت که ذخیره‌ی چند ساله‌ی ایران بود و اخذ تقدیمات بر حکومتها و اعطاء مناصب و تصرفات در خزانه و مالیه مملکت از مالیات و گمرک و تلگرافخانه و غیرها و اتلاف اشیاء ذخیره و پامال کردن اسلحه قورخانه و تقویت در فرستادن لشکر به یک شهر معتبر ایران مثل تبریز که چندین هزار ضعفا و عجزه و نسوان و اطفال دارد و در خانه خود نشسته هجوم بر کسی نمی‌کردند، بلکه در مقابل زورگویی آنها دفاع از خود می‌کردند این فرستادن توپها و افواج و امثال رحیم‌خان و بستن راه آذوقه بر مردم یک شهر و تخریب و غارت دهات آذربایجان و هتک نسوان و تصرف در تمام امور و اموال مردم و هوای نفس که از محمد علی میرزا و مشیرالسلطنه و قوام‌الدوله و مجدالدوله و امیربهادر و سایر شرکاء شما بودند که سلطنت غیرمشروطه عبارت از اینگونه کارها است اینها را شرعی و صحیح می‌دانستید:

اگر شرعی نمی‌دانستید به خط خود نوشته بدهید اگر شرعی می‌دانستید به چه جهت تأیید می‌کردید و شب و روز با مشیرالسلطنه و امیربهادر ترتیبات می‌دادید. لامحاله مشروطیت از این حرام‌تر نبود، پس چرا برای منع این کارها اقداماتی نکردید به حضرت عبدالعظیم نرفتید و به میدان توپخانه جمع نشدید و فریاد نکردید.

در این استبداد صغیر: چه پولها از مردم برای احکام و توسط و نصب حکام و اعطای مناصب گرفتید و چه پولها از مال ملت از دست محمد علی میرزا گرفتید، اگر راست بگوئید باید بیش از صد هزار تومان از این میان برده باشید، آخر این چه بی‌رحمی است این مال رعیت بیچاره است بگوئید کجا ذخیره شده بدهید به هزار قسم مورد حاجت خرج کنند.

این وسط چه تحریکات شما و امام جمعه به میرزا حسن تبریزی و ملا باقر زنجانی و سایر عالم نمایان و اشقیاء کردید. تلگرافات و مکتوبات شما همه را در دست دارند که القاء فساد کرده به شرکت ایشان خونها ریخته و خانه‌ها بر باد دادید و آتش بدودمانها زدید که هنوز دود آن فضا را تیره کرده مگر این مردم به شما چه کرده‌اند مگر از برکت مال و خدمات ایشان محترم و مکرم و صدرنشین و معبود و مسجود و نافذالکلمه و صاحب مال و عیش و پارک و قصر و جلال نشدید، آیا جزای خدمات این مردم بیچاره این بود.

آیا به قدر سعی در کشتن ملک‌المتکلمین و میرزا جهانگیرخان و قاضی قزوینی اقدامی کردید، بر فرض عدم اصلاح حکم خداوند این است که هر یک از این دو دسته را یاغی بدانید و با او جنگ کنید، شما آیا تبریزیها را که در خانه‌ی خود نشسته بودند و سرداران ملت را که می‌خواستند به این شهر آمده مطالب خود را بگویند، جلو راه ایشان را گرفته مانع شدند اینها را یاغی می‌دانید پس چرا مخلوط با سرباز و قزاق و الواط صنیع حضرت شده با آنها جنگ کردید.

و اگر لشکریان امیربهداد را یاغی می‌دانستید چرا با ملت موافقت نکرده با آنها جنگ نکردید.

نگوئید که چون عمامه داریم و زحمت و مشقت و سینه بگلوله دادن و در مقابل آفتاب در خاک خوابیدن را به سرباز داده‌ایم و خود باید از لذایذ متنعم باشیم، مگر حضرت پیغمبر و علی علیه‌السلام عالم نبودند یا عمامه نداشتند که اسلحه برداشته جهاد کردند. بعد از توپ بستن مجلس و مسجد و هتک قرآن و قتل نفوس چه محبوبیت در دربار محمد علی میرزا پیدا شد که شما شب و روز و اکثر اوقات را با محمد علی میرزا و امیربهداد و غالب اوقات در کالسکه مشیرالسلطنه تشریف برده خلوتها کرده و نقشه‌ها برای تخریب بلاد و تعدیب عباد کشیدید با آن همه قدس و مسجد و عمامه علنا بر عدوات حجج‌الاسلام و آیات الله فی‌الانام که مرجع خواص و عام در عتبات مقدسه هستند اظهار عناد کردید بلکه تفسیق نمودید، آیا امیربهداد و ارشدالدوله و مجدالدوله را بهتر از مرحوم حاجی میرزا حسین و آقای خراسانی و آقای مازندرانی تصور می‌کردید؛ چرا خود و امثال خودتان از ملاهای رشوه‌گیر اجتماع کرده کنکاشها برای سختگیری به مردم و اذیت عدالت‌طلبان می‌نمودید، آزاد حرف می‌زدید و هر کجا می‌رفتید اما بندگان خدا را از اجتماع و مراوده با یکدیگر و گفتن حرف حق منع می‌کردید در این سیزده ماه چقدر سرباز و قزاق مسلح در هر معبر گماشته هر نوع اهانت و خواری به مردم کردید اگر آزادی در حرکات خوب است، چرا مردم را منع کردید، بد است چرا داشتید.

وقتی که محمد علی میرزا اعلان کرده بود که در ۱۹ شوال انتخاب و افتتاح مجلس شود، شما و امثال خودتان که برای یک فلوس از دین و مذهب دست می‌کشند جمع کرده بر ضد عموم ملت ایران و تمام مسلمانان عالم و علمای عتبات و علمای بی‌غرض احکام نوشته و مهر زده و گفتید باید مشروطه داده نشود مشروطه حرام است و از طرف ملت هم گفتید مردم نمی‌خواهند با اینکه از آفتاب روشن‌تر است که اینها همه عمدا از روی کنکاش محض دریافته‌اند جزئی وجه رذالت بود مسلما شما حرام دانسته رد کردید.

شما که خود را رؤسای اسلام نامیده و می‌گویید نهی از منکر می‌کردید، آیا چرا سایر منکرات را ردع نکردید، آیا این حبس و زجرها و گوش بریدن و دهان توپ گذاردن و مهار کردن و جریمه‌ها و رشوه‌ها و غارتها و تعرض به عرض مسلمانان و چوب بستن و شلاق زدن و بلکه آویختن و شکنجه کردن و داغ نمودن و تعطیل حدود و احکام و مساجد و احکام و رشوه و شهادت ناحق و ناسخ و منسوخ و خوردن اوقاف و وصیت‌های اجباری و جمع مال فقرا و صرف تجملات و سایر فسقها و معصیت‌های واضح، تعطیل مساجد، منکرات نیستند، چرا به نهی و ردع اقدام نکردید و مضبطه نوشتید و فریاد نمی‌خواهم بلند نکردید همه را بر سر عدالت و حقانیت نیاوردید آیا مشروطه طلب بودن چه گناهی بود که قاتل و قاطع‌الطریق و دزد و راهزن و زانی و شارب خمر و

مرتکب هر معصیت بلکه هر کافر مرتد در امان بود و مشروطه خواه در امان نبود حتی اینکه مردم برای خلاصی از شرور شما به زیر بیرق فرنگیان و کفار پناه بردند و به بلاد خارجه گریختند و در پناه خارجه درآمدند، مع ذلک امان نیافتند مثل دوستان اهل بیت در زمان بنی امیه شما گفتید مشروطه طلب واجب القتل است و کافر است آیا تمام رعایای عثمانی و نه عشر ایرانی و تمام مسلمانان هند، قفقاز، مصر و افریقا، تونس، الجزیره ترکستان و سایر بلاد شب و روز برای آزادی از قید عبودیت نشر عدالت را می طلبند همه کفار و واجب القتل هستند جز شما اشرار حامیان ظلم و استبداد و معاونان شر و فساد نعوذ بالله من شر انفسنا آیا شما چرا در همه اقدامات محمد علی میرزا و امیربهادر و مشیرالسلطنه و مجدالدوله از همه پیش قدمتر و نقشه کش بودید در اهلا-ک و تخریب آذربایجان و فشار به اهل طهران و جعل اکاذیب بی پایان موضعه با بدخواهان ایران از اتباع خارجه و فروختن این مشت خاک و تنگ گیری به متحصنین سفارت عثمانیه و مانع شدن مردم از تحصن و منع آذوقه از ایشان مدتی بلکه کنکاش در قتل ایشان به ارسال مارها و عقاریب و همه قسم تهدید و تعرض آیا شما چرا امر کردید به شکستن نمره های درهای عمارات مردم که مبعلی برای آنها صرف شده بود. آیا آن را غیر از اینکه سبب هدایت جوینده می شد ضرری داشت. شما که اینقدر دقت داشته اید چرا از اجتماعات بر استماع نقالی دروغ و بازی ها بلکه بیع مسکرات و سیر معاصی را منع نکردید و چرا از تخریب در و دیوار و سقف مجلس شورا مانع نشدید.

اگر مال محمد علی میرزا بود تضييع مال بود، اگر مال دیگری بود ظلم و عدوان به چه جهت توپ بستن به خانه ظل السلطان و ظهیرالدوله و سایر خانها و غارت اموال آنها و میرزا صالح خان حلال شده و از جانب شما اقدامی در منع دیده نشد بلکه ترغیب و تحریک نمودید به چه دلیل به گوش لشکر و سرباز که روانه تخریب آذربایجان و قتل مسلمانان می شدند دعا خوانده ایشان را ترغیب کردید و می گفتید شما برای حفظ اسلام می روید خدا کمک تا اینکه ایشان موفق شده مسلمانان را بکشند چه تو را واداشته بود که با آنکه خود را حجة الاسلام می خواندی شب و روز با امیربهادر و مشیرالسلطنه و مفاخرالملک و صنیع حضرت و مجلل و امثال ایشان در دربار و خانه خود خلوت و کنکاش کنی با اینکه خودتان معاشرت با جباران را ممنوع و خلاف شئون علمای دین بلکه از جمله اعانت به عدوان می شمردید چگونه اینان حامی اسلام و علمای عتبات مخرب اسلام شدند چگونه کلاه نمدها فریاد می کردند ما دین می خواهیم و مشروطه نمی خواهیم با ایشان بودید اما جمعی از ولایات که هریک را اقلا ده هزار نفر منتخب و متدین دانسته ایشان را بابی، دهری و مخرب شرع می نامیدید، چرا محمد علی میرزا را گول زده و مانع شدید که وفای به عهد نکرده و سبب این قدر خونریزی بزرگ در ایران و ویرانی هزارها دودمان، بلکه دخول خارجه به خاک ایران و توحش مردمان شدید و حرث و نسل را ضایع کردید اینها به یک طرف بدترین جنایات اینکه نقشه قتل و دستگیری مقام محترم حضرت عبدالعظیم خصوصا آقای سید علی آقای یزدی کشیدید و مفاخرالملک و صنیع حضرت را با اشرار نابکار سید کمال و سید جمال واداشتید شبانه ریخته، بیچاره مرحوم میرزا مصطفی و میرزا غلامحسین و رفیقان ایشان را با موحش ترین وضعی به قتل رسانیدند چرا با همه این که دیدید تمام ولایات ایران بهم خورده و هیجان ملت از قتل جوانان امت به نهایت رسیده اعلام عمل به قانون اساسی را می طلبند و محمد علی میرزا جز قبول عاجی نداشته و اعلان کرد باز تو از خون مردم ایران سیر نشده اصرار داشتی که حرام است و هم مسلکان خود را جمع و کنکاش داشتی که بازیها در آورده فریاد پول و پلو خواهیم مشروطه نمی خواهیم بلند کنید حتی اینکه تمام مردم دانسته به دستور شما صد توپ تنزیب از بازار گرفته از قاطرچی و مهتر بنا کردید عمامه گذاردن و ملا ساخته مخلوط مفتخواران کرده و قشونی از جنس ملا تشکیل داده که مردم فهمیده باطل السحر این نقشه را به کار بردند.

چرا بعد از اعلان قانون اساسی در ماه ربیع الثانی با آن همه زحمات ملت و تشکرات که از این اعلان کردند شروع شد که شورش بلاد تمام شود باز شماها که عمده خود شما بودید نگذاردید محمد علی میرزا که همه بلاد از دستش رفته و طهران مانده بود، آن وقت جلب قلوب ملت کرده و بلاد را امنیت داده به طور حقیقت اقدام به معیت کرده و فساد را خاتمه دهند، بلکه محض حفظ منافع

خودتان سلطنت او را فدا ساخته و داشتید به همان تنها کتابت قناعت کرد ابتدا تغییری به وضع استبداد و سختگیری نداد و قدم به طرف قبول مستدعیات ملت برداشت تا بالاخره ملت مجدداً میوس شدند و چاره را منحصر به علاج قطعی دیدند چرا بالاتر همه‌ی خیانتها طرح و نقشه ریختند که بلاد اسلام را به دست خارجه بدهید و دیگران را بر ایرانیان حکم روا سازید تمام سعی شما و تهدید ملت را منحصر بفروش مملکت و التجا به دیگران قرار دادید در باطن اجانب را دعوت به مملکت نمودید و با کمال بشاشت و خرمی این را اظهار و اشتها کردید که سالدات چنین و قزاق چنان مثل اینکه برادران عزیز خود را به مهمانی خوانده‌اید البته به نقشه تو و شرکاء تو بود که محمد علی میرزا اقدام به جنگ اخیر با ملت کرد و تو بزرگوار دویست تفنگ گرفته به دست اشرار سپرده و دور خانه‌ی خودت جمع و سنگر نمودی که ملتیان را بکشی و از هر نوع اقدام مضر کوتاهی نکردی به چه دلیل اسلحه ملت را به تصرف اشرار داده و آنها را تحریص به قتل ملت کردی، چرا تو با آن همه معیت با محمد علی میرزا اقلاً در آخر وقت او را دعوت نکردی که لامحاله شرف یک دودمان سلطنت را نبرده پناه به دولت دیگر نبرد لامحاله با ملت معیت کند و یا تسلیم ملت شود آیا این ملت نجیب گمان داشتی با او محترمانه معامله نکند یا آنکه یک مرده به نام به که صد زنده به ننگ.

سؤالات

اتهام‌نامه در یک محیط بهت و سکوت قرائت شد. حاجی شیخ فضل‌الله به دقت به مندرجات آن گوش می‌دادید. پس از خاتمه‌ی قرائت لایحه‌ی مذکور چند دقیقه صحبتی به میان نیامد و همه منتظر بودند که شیخ در مقابل اتهامات مندرجه در لایحه چه عکس‌العملی از خود نشان خواهد داد و چگونه از خود دفاع خواهد کرد. ولی شیخ صحبتی نکرد و زبان به گفتگو ننگشود. مستعان رئیس کمیته جهانگیر که از طلوع مشروطیت خود شاهد و ناظر کلیه وقایع و حوادث بود به شیخ گفت در مقابل اتهامات وارده که قرائت شد چه جواب می‌دهید.

پیش از اینکه وارد سؤال و جوابهایی که میان شیخ و قضات محکمه‌ی انقلابی رد و بدل شد بپردازم، متذکر می‌شوم که در این چند ساله که نگارنده‌ی این تاریخ برای جمع‌آوری مدارک صرف وقت بلکه مجاهدت کردم، نتوانستم صورت قطعی و گزارش کتبی یا صورت مجلس آن محکمه‌ی تاریخی را که به طور قطع می‌توان گفت در تاریخ چندین هزار ساله‌ی ایران نظیر نداشته به دست بیاورم، ظنّ قوی این است که صورت جلسه‌ای تهیه و تنظیم نشده است و یا اگر شده در همان روزها از میان رفته است. بنابراین آنچه در این موضوع می‌نویسم مطالبی است که از بعضی او اعضاء محکمه و یا رؤسای مجاهدین که در آن جلسه حضور داشته‌اند شنیده‌ایم و از طرف آنها نقل قول می‌کنم.

سؤالاتی که از حاجی شیخ فضل‌الله شد و مطالبی که در اتهام‌نامه قید شده بود بر دو نوع بود. بعضی‌ها به درجه‌ای مسلم و غیرقابل انکار بود که شیخ جوابی بر رد آنها نداشت، مثلاً واقعه‌ی میدان توپخانه و منبر رفتن شیخ و تکفیر کردن مشروطه‌خواهان و بابی خواندن و کلاء و تشویق کردن الواط و اوباش را بر ضد مجلس و یا رساله در تحریم مشروطیت که به خط خود نوشته و در همه جا منتشر شده بود و همچنین تلگرافاتی که به روحانیون و سرجنبانان شهرستانها کرده بود و آنها را به مخالفت با مشروطیت تحریک نموده بود و در موقع تصرف تلگرافخانه به دست مجاهدین افتاد و فتوایی که به امضاء خود و جمعی از علمای مستبد طهران نوشته و در باغشاه تسلیم محمد علی شاه نموده بود و اعلامیه‌هایی که به امضاء خود در حضرت عبدالعظیم و مدرسه مروی منتشر نموده بود و از این قبیل.

بعضی دیگر سؤالات قابل دفاع بود و شیخ می‌توانست رد و یا انکار کند.

قسمت اول را چون نمی‌توانست تکذیب کند، جواب داد من مجتهد هستم بر طبق الهامات قوه‌ی اجتهاد و شمس فقاقت راهی را که مطابق شرع تشخیص دادم پیروی نمودم.

عمیدالسلطان در جواب می‌گوید شما از بدو طلوع مشروطیت با این اساس موافق بودید و قانون اساسی هم که اصول و مقررات

مشروطه در روی آن استوار است با موافقت خود شما تهیه و به تصویب رسید پس از آن هم در قانون اساسی تغییری داده نشد که موجب مخالفت شما بشود در اینجا شیخ قافیه را باخت و در ضمن آنکه از قانون اساسی و مشروطه مشروعیت صحبت کرد گفت: چند نفر از دشمنان من مشروطه را منحصر خودشان کرده بودند و می‌خواستند من در آن راهی نداشته باشم و کنار بروم آنها از مشروطه و مزایای آن بهره‌مند بشوند.

سؤالات دیگری از شیخ شد که به هریک جواب داد- ابوالفتح زاده سؤال کرد که بر طبق اقرار صحیح صنیع حضرت در محکمه قتل میرزا مصطفی آشتیانی به دستور شما انجام یافته- شیخ این اتهام را رد کرد و گفت: مفاخرالملک و مجلل‌السلطان عامل آن قتل بوده‌اند و من کوچکترین اطلاعی از آن نداشتم.

میرزا علی خان دیوسالار سؤال کرد شما با سفیر روس سر و سرّ جلسات محرمانه داشته‌اید و سعدالدوله هم در جلسات سرّی شما شرکت داشته است.

شیخ جواب داد، اغلب سفرای خارجه بدیدن من می‌آمدند شاید در یکی از ملاقات‌ها سعدالدوله هم حضور داشته ولی ملاقات من با سفرا مخفی نبوده و علنی بوده و جنبه سیاسی و مشورتی و کنکاش نداشته است.

منتصرالدوله پیشکار سپهسالار سؤال می‌کند در نامه‌یی که شما به خط خودتان به شیخ‌الاسلام قزوینی نوشته بودید و در میان نوشتجات آن به دست مجاهدین افتاد شما به او دستور داده بودید که قوایی تهیه کند و با میلیون جنگ کند- شیخ جواب می‌دهد، شیخ‌الاسلام بدرجه‌یی با مشروطه مخالف و دشمن بود که احتیاج به تشویق و تحریک من نبود.

میرزا علی محمد خان سؤال می‌کند- شما جمعی از اوباش را با تفنگ‌هایی که از محمد علی شاه به وسیله کامران میرزا نایب‌السلطنه گرفتید مسلح نمودید و تا آخر با ملت جنگ کردید و محارب هستید- شیخ جواب می‌دهد هر مسلمانی بر طبق اصول دین مکلف است از خود دفاع کند و من برای دفاع از خود و بستگانم اقدام کردم.

نظام‌السلطان سؤال می‌کند: بنا به تقاضای شما محمد علی شاه اسماعیل خان سرابی را بدار آویخت. شیخ جواب می‌دهد من کشتن اسماعیل خان را پس از واقعه مسبوق شدم.

یکی از اعضاء محکمه می‌پرسد شما عین‌الدوله و حاجی میرزا حسن آقا مجتهد و سید هاشم را به وسیله مکاتیب متعدد که در دست است به قتل و غارت و قلع و قمع مردم تبریز تشویق نمودید و مردم بی‌گناه تبریز را که جز حق مشروع و ملی خود که اجرای قانون اساسی بود و شاه و خود شما به حفظ آن قسم خورده بودید محارب خوانده و آنها را واجب‌القتل دانسته‌اید شیخ جواب صریحی به این سؤال نمی‌دهد و فقط می‌گوید مکاتبات من با عین‌الدوله دوستانه و برای احوال‌پرسی بود.

اعضاء محکمه هریک به نوبه خود سؤالاتی می‌نمایند که چون از مضمون و مفهوم آن مدرکی در دست نیست به سکوت می‌گذرانم.

در خاتمه جلسه آقا شیخ ابراهیم زنجانی به پا می‌ایستد و به طور صریح چنین می‌گوید، جناب حاجی شیخ فضل‌الله بر طبق فتوا و حکم حجج‌الاسلام نجف اشرف که سواد آن در همه‌ی ایران منتشر شده مفسد فی‌الارض است و باید بر طبق قوانین اسلام با او همان معامله‌یی را که خداوند راجع به مفسد فی‌الارض دستور داده رفتار نمود.

شیخ را به اطاقی که در آن محبوس بود می‌برند و اعضاء محکمه انقلابی به کنکاش می‌پردازند و پس از یک ساعت مشاوره به اتفاق رأی می‌دهند که چون حاجی شیخ فضل‌الله نوری قیام بر ضد حکومت ملی نموده و سبب قتل هزارها هزار نفوس و خرابی بلاد و غارت و فساد گردیده و حجج اسلام نجف اشرف هم او را مفسد فی‌الارض تشخیص داده‌اند محکوم به اعدام است.

اعدام

وسایل اعدام از چند روز پیش فراهم شده بود و داری که صنیع حضرت و آجودان باشی را به آن آویختند در میان میدان توپخانه

سرپا بود مأمورین اجرا حکم محکمه انقلاب را به حاجی شیخ فضل‌الله ابلاغ کردند و بلادرنگ او را در میان گرفته و از پله‌های طبقه فوقانی عمارت توپخانه سرازیر شده وارد میدان شدند سطح میدان، پشت‌بام‌ها، ایوان‌ها از هزارها نفر مردم طهران پوشیده شده بود عده‌ی زیادی مجاهد مسلح دو طرف راهی که محکوم را به طرف دار هدایت می‌کرد صف کشیده بودند هیاهو و جنجالی برپا بود که گوش را کر می‌کرد و صدای زنده‌باد مشروطه و مرگ بر مستبدین فضای میدان و خیابان‌های اطراف را فرا گرفته و برق تفنگ و سرنیزه‌ها در زیر آفتاب گرم تابستان چشم را خیره می‌کرد، محکوم فاصله میان محبس و محل اعدام را با خونسردی و متانت پیمود و با کبر سن و پیری، ضعف و ناتوانی از خود نشان داد و در دقایق آخر عمر ثبات و استقامت خود را به ظهور رسانید. می‌گویند یا از روی عمد یا اتفاق دار را در محلی برپا کرده بودند که در واقع میدان توپخانه منبر را در آن محل گذارده بودند و حاجی شیخ فضل‌الله در همان محل از روی منبر مردم را به مخالفت با مشروطیت و آزادی دعوت می‌کرد و قانون اساسی را مخالف شرع و دین اعلام می‌داشت و مشروطه‌خواهان را بی‌دین و بایی می‌نامید.

به محض رسیدن به پای چوبه‌دار دو نفر از مجاهدین طناب را به گردان محکوم انداختند و او را بالا کشیدند و آن مرد روحانی پس از یک دوره مبارزه تاریخی به دنیای دیگر شتافت و داستان شگفتی از دوره عمر پر سر و صدا و پر آشوب خود در صفحات تاریخ به یادگار گذارد.

ناظرین که نزدیک به محل اعدام بودند، نقل می‌کنند که جان‌کندن شیخ بیش از نیم دقیقه طول نکشید و پس از آنکه او را به دار کشیدند تشنجی در اعضایش ظاهر شد و سپس چراغ عمرش خاموش شد.

در آن روز شهرت یافت که شیخ مهدی پسر حاجی شیخ فضل‌الله که از مشروطه‌خواهان بود در موقع اعدام پدرش حضور داشته و کف می‌زده و اظهار بشاشت می‌کرده. گرچه شیخ مهدی با مسلک پدر همراه نبود با او مراد نداشت ولی شهرت بالا بکلی خالی از حقیقت و راستی است میرزا محمد نجات برای نگارنده نقل کرد که همان موقعی که شیخ را اعدام کردند من به عمارت تخت مرمر رفتم و شیخ مهدی را دیدم زیر درخت چناری نشسته و گریه می‌کند.

مرحوم شیخ فضل‌الله نوری از اجله علماء معقول و منقول بود و اعلم بر علمای آن روز شمرده می‌شد. وی صاحب تألیفات عدیده‌ای است، از جمله تذکره الغافل و ارشاد الجاهل به زبان فارسی است که یکسال قبل از وفات خود آن را تألیف نموده و پیش از قتل خود نشر داده و در آنجا مرام خود را مبین داشته و بعضی از حوادث را که بعد از او وقوع یافته خبر داده است.

به غیر از صحیفه مهدویه که ادعیه حضرت ولی عصر (ع) را در آن جمع کرده است چند اثر دیگر نیز دارد.

شیخ فضل‌الله دو همسر اختیار کرد، همسر اولش دختر دایی او بود که سه فرزند پسر و پنج دختر از وی داشته است. از همسر دیگرش یک پسر و سه دختر باقی گذاشت.

در قتل ناجوانمردانه شیخ فضل‌الله مرثیه‌هایی زیادی سروده شد.

(۱۲۵۹ / ۱۲۵۸ - شهادت ۱۳۲۷ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد، مرجع تقلید، مدرس و شاعر، متخلص به نوری. از علمای بزرگ شیعه در اوایل قرن چهاردهم هجری و خواهرزاده و داماد حاج میرزا حسین نوری، صاحب «مستدرک الوسائل» می‌باشد. در قریه‌ی لاشک، از توابع شهرستان نور، به دنیا آمد و در بلده نشو و نما یافت. تحصیلات مقدماتی را در همان جا شروع و در تهران به پایان رسانید و سپس برای تکمیل مراتب علمی راهی عتبات گردید و از محضر شیخ مهدی آل کاشف‌الغطاء و شیخ راضی نجفی و میرزا حبیب‌الله رشتی و میرزای شیرازی استفاده نمود و پس از تکمیل تحصیلات به ایران مراجعت کرد. وی از دایی خود، محدث نوری، اجازه روایت گرفت. از صاحب عنوان سید اسماعیل شریف‌الاسلام و از وی برادر زاده‌اش، آقا نجفی تبریزی، روایت کرده است. وی سالها در تهران مرجع امور دینی و مصدر خدمات بسیاری بود. در آغاز جریان مشروطیت با مشروطه‌خواهان حتی در مهاجرت به حضرت عبدالعظیم (ع)، همراهی کرد. ولی چون روش مشروطه‌خواهان را مخالف با دیانت تشخیص داد به مخالفت با

ایشان پرداخت و خواستار حضور پنج تن از مجتهدان طراز اول در مجلس شد تا مصوبات مجلس را با احکام دینی تطبیق نمایند و همین امر موجب دشمنی مشروطه‌خواهان با وی گردید. چنانکه پس از فتح تهران شیخ فضل‌الله محکوم به اعدام و در میدان توپخانه تهران به دار آویخته شد. پیکر او، پس از تحویل به خویشانش، به قم حمل و در صحن بزرگ حضرت معصومه (ع) دفن گردید. از آثارش: «تقریرات» اساتیدش در فقه و اصول، مانند «رساله‌ی مشتق» که تقریر بحث شیرازی است؛ «تذکره الغافل و ارشاد الجاهل»؛ «الصحیفه المهدویه» یا «الصحیفه القائمیة» که ادعیه‌ی حضرت ولی عصر (عج) را در آن جمع نموده است؛ «سؤال و جواب» یا «شصت مقاله» از فتاوی‌ای میرزای شیرازی که شیخ فضل‌الله نوری آن را جمع‌آوری کرده است؛ «تحریم مشروطیت»، حاوی علت موافقت اولیه و مخالفت ثانویه وی با مشروطیت و دلایل شرعی او؛ «دیوان» شعر. [۱]

برگرفته از کتاب: شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان‌الشیعه (۸/۴۰۷)، پایداری تا پای دار، الذریعه (۲۱/۴۱، ۱۴/۱۸۹، ۱۲/۲۴۸، ۱۵/۲۳، ۴/۴۲)، ریحانه (۲۶۴- ۲۶۲/۶)، شرح حال رجال (۱۰۶- ۳/۹۶)، شهیدان راه فضیلت (۵۲۰- ۵۱۵)، شیخ فضل‌الله نوری و مشروطیت، فاجعه قرن، فوائد الرضویه (۳۵۳- ۳۵۲)، لغت‌نامه ذیل/نوری، المآثر والآثار (۱۵۱)، مستدرکات اعیان‌الشیعه (۱۵۴- ۴/۱۳۸)، معجم رجال الفكر والادب فی النجف (۱۳۰۹- ۳/۱۳۰۸)، معجم المؤلفین (۸/۷۴)، مکارم‌الآثار (۱۶۱۰- ۵/۱۶۰۵)، میرزای شیرازی (۱۸۲- ۱۸۱)، یادداشت‌های قزوینی (۱۱۹- ۶/۱۱۳).

نوریمف محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج میرزا حسین نوری (طبرسی) فرزند حاج شیخ محمد تقی مشهور به علامه نوری، محدث نوری، حاجی نوری، و صاحب مستدرک یکی از آیات معروف و محدثین بزرگ شیعه در قرن چهاردهم هجری است. علامه دانشمندی جامع، فقیهی محقق و محدثی ثقه و مورد اطمینان بود. در زهد و ورع و پارسائی کم نظیر بود. معظم له عشق و علاقه مفرطی به پیامبر بزرگ اسلام و ائمه معصومین و اولیای خدا داشت.

علامه در فقه و اصول و تفسیر مخصوصا در علم رجال و احادیث مهارتی به سزا یافت. سالهای متمادی در عتبات عالیات به سر می برد. او از شاگردان پدر بزرگوارش، شیخ العراقین، سید مهدی قزوینی، ملا فتحعلی سلطان آبادی، ملا خلیل تهرانی و شیخ مرتضی انصاری رحمه الله علیهم اجمعین بود، و افاضلی از علمای بعدی، مانند مرحوم محدث قمی از کرسی درس او به مقام استادی رسیدند.

محدث مذکور به وصف استادش در القاب چنین می نویسد: شیخ الاسلام والمسلمین، مروج علوم انبیا و مرسلین، ثقه جلیل، عالم کامل نبیل، متبحر خبیر، محدث ناقد بصیر، ناشر آثار و جامع شمل اخبار، مؤلف تألیفات بسیار. او مشهورتر از آن است که ذکر شود و برتر از آن که به گفته در آید. استاد من بود، که در آغاز حال از او فرا گرفتم و بر خوان فواید او بار فرود آوردم، و از فضل خود که ضایع نشده به من بخشید، و چون دایه مهربانی بر شیرخوار به من مهر ورزید، و برکات انفاسش بر من فرو بارید، و پرتو چراغش بر من تابید، هر چه از خامه ام تراود از فیض دریای اوست. من دیر زمانی در خدمتش زیستم، و در سفر و حضر با او بودم، تا آنکه بانگ مرگ ما را از هم جدا کرد و روزگار دفتر او را بست، این روزگار بر هیچ کس وفادار نیست.....

تألیفات سودمند او در جهان اسلام مخصوصا در بین شیعیان شهرت دارد. کتاب مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل او در چند

جلد شامل احادیث معصومین است. همچنین نجم الثاقب در احوال امام غائب، دار السلام، فصل الخطاب، معالم العبر، جنه المأوی، میزان السماء، مواقع النجوم، کشف الاستار، کلمه طیبه، فیض قدسی، بدر مشعشع، تحفه زائر، نفس الرحمن، لوء لوء و مرجان، ظلمات هاویه، شرح منتهی المقال در علم رجال و... که اکثراً حاوی مطالب اخلاقی و مناقب و فضائل معصومین و شرحی از زندگی آنها و صحابه بزرگ آنها و در مورد شرح حالات حضرت حجت علیه السلام افرادی که به ملاقات آن سرور انس و جان موفق شده اند می باشد. محدث قمی گذشته از کتاب القاب در فواید الرضویه، شرح مفصلی از ترجمه استادش محدث نوری متذکر است. در خاتمه علامه نوری در سال ۱۲۵۴ به جهان دیده گشود و سرانجام در روز جمعه اواخر ماه جمادی الثانی ۱۳۲۰ دیده از جهان فرو بست.

قبر او در نجف اشرف مشهود، و بعدها شاگردش به کنار او مدفون شد. روان این دوست داران اهل بیت علیهم السلام در کنار معشوقان آنها برای ابد شادتر باد

منابع زندگینامه: <http://www.shaaer.com/nikan.htm>

نوظهور، یوسف

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر یوسف نوظهور در سال ۱۳۴۵ در شهرستان مراغه بدنیا آمد. ایشان دارای دکترای فلسفه از دانشگاه تهران (در سال ۱۳۷۴) می باشد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه آموزشی فلسفه دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه تبریز است.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

تحصیلات رسمی و حرفه ای: یوسف نوظهور، تحصیلات ابتدایی را در دبستان عدل به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال ۱۳۶۳ از دبیرستان امام خمینی اخذ کرده‌اند. ایشان مدرک کارشناسی در رشته فلسفه را از دانشگاه تبریز و کارشناسی ارشد فلسفه را در سال ۱۳۶۹ از دانشگاه تهران دریافت نموده‌اند و در سال ۱۳۷۴ مدرک دکتری در رشته فلسفه را از دانشگاه تهران با موفقیت اخذ کرده‌اند. عنوان پایاننامه: الف - کارشناسی ارشد: تقسیم بندی قضایا در فلسفه کانت و اهمیت آن در فلسفه غرب ب- دکتری: عقل و وحی و دین و دولت در فلسفه اسپینوزا

وقایع میانسالی: یوسف نوظهور در سال ۱۳۷۴ مدرک دکتری در رشته فلسفه را از دانشگاه تهران با موفقیت اخذ کرده‌اند و از سال ۱۳۷۵ بعنوان عضو هیات علمی در گروه فلسفه دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی مشغول خدمت شده‌اند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سمتهای اجرایی یوسف نوظهور به قرار زیر است: قبلی: معاون دانشکده ادبیات - مدیر امور فرهنگی دانشگاه - ریاست دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی - دبیر کمیته فلسفه سازمان سمت - معاون دانشجویی و فرهنگی دانشگاه فعلی: عضو هیئت علمی و دانشیار گروه آموزشی فلسفه دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه تبریز
فعالتهای آموزشی: فعالتهای آموزشی یوسف نوظهور: تدریس: ۱- دوره کارشناسی: تاریخ فلسفه از بیکن تا هیوم - تاریخ فلسفه از کانت تا نیمه دوم قرن ۱۹ - فلسفه معاصر - متون فلسفی به زبان خارجی، زبان خارجی تخصصی ۲- تحصیلات تکمیلی: متون فلسفی به زبان خارجی - فلسفه معاصر - فلسفه کانت

چگونگی عرضه آثار: فعالیت‌های پژوهشی: تعداد مقاله‌های منتشر شده: ۴ مورد تعداد مقاله‌های ارائه شده در کنفرانسها: ۸ مورد
تعداد کتابهای تالیف شده: ۱ مورد تعداد کتابهای ترجمه شده: ۱ مورد تعداد پایاننامه‌های کارشناسی ارشد: ۳ مورد

نوغانی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم دینی.

تولد: ۱۳۰۵، مشهد.

درگذشت: ۱۵ آبان ۱۳۷۱، مشهد.

آیت‌الله مهدی نوغانی، فرزند میرزا علی‌اکبر نوغانی مؤلف «سه مقاله‌ی نوغانی» و «دو مقاله‌ی نوغانی»، پس از تحصیل دوره‌ی ابتدایی، به حوزه‌ی علمیه‌ی خراسان پیوست و در مدرسه نواب به تحصیل اشتغال یافت. استادان آیت‌الله نوغانی به شرح زیر بودند: آیت‌الله علی‌اکبر نوغانی، آیت‌الله عبدالجواد ادیب نیشابوری (ادیب اول)، آیت‌الله محمدتقی ادیب ثانی، آیت‌الله احمد مدرس، آیت‌الله هاشم قزوینی، آیت‌الله مهدی اصفهانی خراسانی، آیت‌الله سید محمدهادی میلانی.

در تابستان سال ۱۳۳۳ آیت‌الله میلانی به مشهد رفت و ابتدا حدود یک سال در منزل آیت‌الله مهدی نوغانی اقامت گزید و از ایشان مدت چهارده سال از دروس آیت‌الله میلانی بهره برد و مراتب علمی‌اش مورد تأیید آیت‌الله میلانی قرار گرفت. همچنین به دستور وی امامت جماعت مسجد فاضل را پذیرفت. آیت‌الله نوغانی خود نیز به تدریس و تربیت طلاب اشغال ورزید و کتاب‌های المعالم الاصول و مکاسب شیخ مرتضی انصاری را درس می‌داد و در کار تدریس جدیت داشت. وی مدت بیست و دو سال تفسیر تدریس می‌کرد و در این مدت یک بار تفسیر تمام قرآن تدریس شد و بار دوم تا آیه‌ی دهم از سوره «انبیاء» تفسیر شد، از جمله فعالیت‌های دیگر ایشان تدریس نهج‌البلاغه، اقامه‌ی مجالس عزاداری و ذکر مصیبت و قرائت دعای کمیل، تصدی مدیریت چند مدرسه علمیه و از جمله مدرسه‌ی باقریه، ایجاد صندوق قرض‌الحسنه «جاوید» و مشارکت در تأسیس مؤسسه‌ی خیریه‌ی حضرت ولی‌عصر (ع) (انصار الحجّه) بود. آیت‌الله نوغانی در مبارزات علیه نظام پهلوی نیز مشارکت فعال داشت و اعلامیه‌هایی که صادر می‌شد، امضاء می‌کرد. از نهضت پانزده خرداد ۱۳۴۲ وارد این مبارزات شد و در حرکت انقلاب خراسان سهم مؤثری داشت. وی همچنین سفرهایی به کشورهای خارجی (و از جمله کویت) برای تبلیغ اسلام داشت.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

نوقاتی سجستانی، ابو عمر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۸۲ ق)، حافظ، محدث، ادیب و شاعر. اصل وی از نوقات، از توابع سیستان است. در طلب حدیث به خراسان مسافرت کرد و در هرات، مرو، بلخ و ماوراءالنهر حدیث شنید. وی از ابو عبد الله محمد بن اسحاق قرشی و حاکم ابو عبد الله نیشابوری و ابوحاتم ابن حبان بستی و ابو یعلیٰ عبد المؤمن بن خلف نسفی و محمد بن خیو بن حامد ترمذی و ابی حامد احمد بن محمد بن حسین بوشنجی و

عبدالرحمان بن محمد بن علویه ابهری و ابوسلیمان خطابی و دیگران حدیث شنید. دو فرزندش، عمر و عثمان، و نیز علی بن بشری لثی و علی بن طاهر شروطی و حسین بن محمد کرایسی و قاسم بن عباس صلحی و احمد بن سعید تونی و جماعتی دیگر از وی روایت نموده‌اند. از آثارش: «آداب المسافرین»؛ «العتاب» یا «العتاب و الاعتاب»؛ کتاب «التعظ»؛ کتاب «الشیب»؛ کتاب «صون المشیب»؛ «الریاحین» یا «فضل الریاحین»؛ کتاب «العلم» یا «العلم والعلماء»؛ «محنة الظراف فی اخبار العشاق»؛ «معاشره الاهلین»؛ المسلسلات».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۱۴۵- ۱۴۴/ ۱۷)، لغت‌نامه (ذیل / نوقاتی)، معجم‌الادباء (۲۰۸- ۱۷/ ۲۰۵)، معجم‌البلدان (۵/ ۳۶۰)، معجم‌المؤلفین (۷/ ۹، ۲۶۶- ۲۶۵/ ۸)، الوافی بالوفیات (۹۱- ۲/ ۹۰)، هدیة‌العارفین (۲/ ۵۳).

نوقانی نیشابوری، ابوالقاسم اسماعیل

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۹۷- ۴۷۹ ق)، فقیه شافعی، مسند و محدث. اصلش از نوقان نیشابور است. وی فقه را در نزد ابوبکر طوسی آموخت. از ابوالحسن علوی و ابوطیب صعلوکی و عبدالله بن یوسف بن بامویه و ابوطاهر بن محمش و عده‌ای در نیشابور و از ابوحسین بن بشران و همطبقه‌اش در بغداد و از جناح بن نذیر محاربی در کوفه و ابوعبدالله بن نظیف در مکه حدیث شنید. زاهر به طاهر و ابونصر غازی و اسماعیل بن عبدالرحمان قاری و عبدالکریم دامغانی و سعید بن علی شجاعی و عایشه بنت احمد صفار و ابوالفتوح خرگوشی و عبدالکریم علوی و عبدالملک بن عبدالواحد و محمد بن جامع خیاط از وی روایت کرده‌اند. کتاب «تاریخ» یعقوب فسوی را، از ابن فضل قطان، از ابن درستویه، از فسوی، استماع کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: توضیح‌المشبه (۱/ ۴۵۹)، سیر النبلاء (۴۴۷- ۴۴۶/ ۱۸)، شذرات‌الذهب (۳/ ۳۶۳)، طبقات‌الشافعیه‌ی سبکی (۲۷۱- ۲۷۰/ ۴)، العبر (۲/ ۳۴۱)، المنتظم (۹/ ۶۰۴).

نوقانی، علی‌اکبر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۰- ۱۳۰۰ ق)، عالم دینی، فقیه، متکلم، واعظ و شاعر، متخلص به فقیر. در محله‌ی نوقان مشهد به دنیا آمد و پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی، ادبیات را در محضر میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری و فقه و اصول را در محضر شیخ حسنعلی تهرانی و آیت‌الله سید عباس شاهرودی فراگرفت. در ۱۳۲۷ ق عازم نجف شد و از محضر اساتید بزرگی چون آخوند خراسانی و آیت‌الله سید محمد کاظم یزدی و آیت‌الله شیخ‌الشریعه‌ی اصفهانی استفاده نمود. پس از درگذشت آخوند خراسانی، به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از آیت‌الله میرزا عبدالله مازندرانی و آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی نایل گشت. در ۱۳۳۰ ق به مشهد بازگشت و به تدریس و انجام امور دینی پرداخت. وی از جانب آیت‌الله حاج آقا حسین قمی عهده‌دار تولیت مدرسه‌ی نواب گردید. او خطوط نسخ و نستعلیق را

خوش می‌نوشت. در خط نسخ از شاگردان میرزا ابوالقاسم خراسانی و در نستعلیق از شاگردان میرزا ابراهیم خان، متخلص به گمنام بود. نوقانی در اثر عارضه‌ی سکنه قلبی در مشهد درگذشت و در حرم امام رضا (ع) دفن شد. از آثارش تعمیر مدرسه‌ی نواب مشهد و تنظیم موقوفات آن است که از مدارس مهم آن شهر می‌باشد. از آثار علمی او: «سه مقاله‌ی نوقانی»؛ «دو مقاله‌ی نوقانی»، در اصول عقاید و رد عقاید مادیون؛ تعلیقاتی بر «شرح نهج البلاغه» ابن ابی‌الحدید معتزلی. [۱]

علی‌اکبر نوقانی رضوان‌الله علیه اصلاً از ایل جلابر و از احقادیان مرحومه گوهرشاد صاحب مسجد معروف مشهد می‌باشد اجداد ایشان سالها در کلات نادری ساکن بوده‌اند. پدر ایشان مرحوم حاج میرزا موسی از بزرگان اخبار و صلحاء مشهد مقدس رضویت و مرحوم حاج میرزا موسی فرزند حاج میرزا حسن بن کلبعلی خان بن محمدزمان خان بن کلیعلی خان جلابر طاب ثراهم بوده‌اند. غالب افراد خاندان جلیل نوغانی مخصوصاً اجداد فقیه سعید به زیور فضل و کمال آراسته و حاج محمد زمان خان بن کلبعلی خان جلابر طبیبی حاذق و فاضلی کامل بوده است و طبع شعری شیوا داشته و اشعار عرفانی میسروده است.

مرحوم میرزا نوقانی در سال ۱۳۰۰ قمری در مشهد مقدس رضوی متولد شده و تا سن بیست سالگی در مشهد مقدس به تحصیل علوم پرداخته و ادبیات را از مرحوم میرزا عبدالجواد ادیب بزرگ نیشابوری فراگرفته و فقه و اصول را در محضر مرحوم میرزا آیت‌الله حاج شیخ حسنعلی تهرانی با معیت مرحوم حجه‌السلام میرزا علی آقا فرزند آن مرحوم خوانده و پس از فوت آن مرحوم قسمتی از دروس فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌الله حاج سید عباس شاهرودی که از بزرگان علماء مشهد بودند آموخته آنگاه در سال ۱۳۲۷ قمری با اجازه مرحوم والدش به نجف اشرف مهاجرت نموده و از محضر و درس خارج دو نابغه علمی آیت‌الله العظمی سید کاظم یزدی و مرحوم آیت‌الله شریعت اصفهانی استفاده کامل نموده و پس از فوت مرحوم آخوند با دریافت اجازه از مرحوم آیه الله میرزا محمدتقی شیرازی و آیت‌الله حاج شیخ عبدالله مازندرانی در سال ۱۳۳۰ قمری به وطن مالوف خود مراجعت کرده و به ارشاد مردم و تعلیم طلاب علوم دینیه مشغول شده و تا پایان عمر که بالغ بر چهل سال بوده و در مشهد سکونت و همواره به تدریس اشتغال ورزیده و بسیاری از فضلاء طلاب مشهد مقدس رضوی از محضر درس آن مرحوم تعلیم گرفته و استفاده نموده‌اند.

مرحوم آیت‌الله نوقانی یکی از علماء عاملین و روشندان و بسیار خوش‌قریحه و در مناظرات دستی توانا داشته و مکرر به انصاری و یهود و گمراه‌شدگان مسالک جدید مناظره فرموده و بر تمام آنها فائق آمده و عده زیادی که به واسطه شبهات منحرفین در پرتگاه لغزش افتاده و راه حق را گم کرده بودند با ادله متقنه و بیان شیوای خود آنها را از انحراف نجات و سعادت‌مند نموده است.

مرحوم میرزا نوغانی عالمی ناطق و خطیبی بلیغ بود منابر و عظم و ارشاد آن مرحوم علاوه بر بیان اصول عقاید و ترویج دین مقدس اسلام و رسانیدن احکام شریعت مطهر به مردم مشحون به اطلاعات عمیق تاریخی و اخبار اسلاف و شامل نکات ادبی و امثال و حکم و مواعظ و پند و اندرز بود و بطور کلی قاطبه و مردم را با بیانی از هر جهت جامع بطریق حق ارشاد می‌فرمود و در واقع منبر ایشان یک حوزه درس قابل فهم عموم بیشتر شبیه بود تا به یک سخنرانی عادی لذا هر کس از بیانات ایشان به قدر استعداد و فهم خود بهره‌مند می‌شد.

آثار قلمی ارزنده و آموزنده عدیده دارد که به آن اشاره می‌شود.

۱- تعلیمات برجلدین شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید ۲- سه مقاله نوغانی ۳- دو مقاله نوغانی رد مایون ۴- اشعار بسیاری از قصاید و غزلیات و مدایح و مراثی که برای نمونه بعضی از آن را می‌نگارم تخلص آن مرحوم فقیر بود.

دیگر از آثار آن مرحوم تعمیر و تنظیم مدرسه نواب مشهد و موقوفات آن که از مدارس مهمه آن سامانست و نگارنده هم حدود یک سال در آنجا اقامت و اشتغال بتحصیل داشته‌ام.

مرحوم میرزای نوقانی در شب دهم جمادی‌الاول ۱۳۷۰ قمری به عارضه سکنه از دنیا رفته و در پایین پای مبارک حضرت سلطان

سریر ارتضی علی بن موسی الرضا ارواحنا فداه در دارالسعاده آستان قدس سر به خاک فرو برده و یک جهان علم و ادب را در زیر زمین پنهان نموده و به آرزوی خود نائل آمد.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۱۲/۲۶۴)، سخنوران نامی معاصر (۳۵۵۳-۳۵۴۳/۶)، کیهان فرهنگی (س ۹، ش ۱۲، ص ۳۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۸۸-۱۸۴/۷).

نهاوندی اصفهانی، جهانبخش

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نامش محمّد جواد، و معروف به میرزا جهانبخش است.

عالم و ادیب و منجم بوده، و در اصفهان سکونت داشته، رساله در استخراج خطّ نصف النهار جهت شاگردش سید عباس بن سید علی موسوی شاهرودی متوفی در سال ۱۳۴۵ در مشهد تألیف نموده است.
صاحب عنوان در سال ۱۳۳۴ وفات یافته است.
برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نهاوندی، ابوالقاسم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید میرزا ابوالقاسم نهاوندی از علماء فقهاء عصر ناصری بوده و مراغی در (المآثر والاثار) در ضمن ترجمه فرزندش سید میرزا محمد وی را یاد و از مجتهدین بزرگ دانسته است.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نهاوندی، اکبر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اکبر بن آقاجان نهاوندی عالمی فقیه از شاگردان شیخ محمدباقر اصفهانی و بعد میرزا بزرگ شیرازی بود و در سال ۱۳۰۷ به نهاوند برگشت و به انجام وظائف دینی و روحی پرداخت تا سال ۱۳۱۰ ق که وفات نمود.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نهاوندی، جعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ جعفر نهاوندی از علماء معاصر گذشته تهران بوده که مدت بیست و سه سال در نجف اشرف اقامت داشته و از محضر علامه خراسانی صاحب کفایه و علامه‌ی یزدی صاحب عروۃ‌الوثقی و دیگران استفاده نموده تا بدرجه‌ی علم و اجتهاد رسیده و پس از آن به تهران منتقل و اول در مسجد فاضل خلخالی و بعد در مسجد سپهسالار ناصری امامت نموده و ضمناً تدریس فقه و اصول داشته تا در سال ۱۳۶۵ ق که در تهران وفات و حمل به قم و در قبرستان حاج شیخ در مقبره دربندی مدفون شده‌اند.

از آثار ایشانست: ۱- اضاعه الشبهه فی صلوه الجمعة. ۲- شرح بر رساله نجات العباد در دو جلد. ۳- اشعاری در مرثی آل عصمت علیهم‌السلام که از آنست ابیات زیر:

زبان حال حضرت زینب (ع)

آفتابا بر زمین جای تو نیست

خار و خاشاک است مأوای تو نیست

از چه سر بر نیزه و تن بر زمین

ای عزیز من چه کرده این چنین

دست تو بوسم روم سوی سفر

من بیا این راه پویم تو بسر

خواست تا دستش بوسد آن پری

دید نه انگشت و نه انگشتی

گفت عزیز من بمیرت خواهرت

ای سلیمانم چه شد انگشترت

از ثمرات اوست فرزند فاضل و برومندش آقای حاج شیخ باقر واعظ نهاوندی که در تهران تولد و در مهد تربیت چنین پدری پرورش یافته و دروس جدید را تا سیکل اول خوانده و به دروس قدیم اشتغال و در سال ۱۳۲۵ شمسی با درجه‌ی لیسانسیه در رشته‌ی منقول موفق و فعلاً در رشته‌ی تدریس و تبلیغ اشتغال دارند.

تألیفات عدیده‌ی دارد که از آنها است:

۱- بزرگترین مدرک شیعه (مکالمات مامون با علماء سنت).

۲- فرستاده خدا در نبوت پیغمبر آخر زمان.

۳- قائم بحق بقیه‌الله در حالات امام زمان عجل‌الله فرجه.

برادران ارجمندی دارد که از اعظام علماء اکابر و مدرسین بوده‌اند به اسامی زیر:

۱- مرحوم مبرور حجة‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدتقی مدرس نهاوندی

۲- مرحوم مبرور حجة‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی مدرس نهاوندی معروف بچین ری.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

نهاوندی، عباس

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عباس نهاوندی تهرانی فقیهی کامل و عالمی جلیل و پرهیزکاری ورع بوده است پدرش آقا شیخ عباس از افاضل علماء عصر خود و بزرگان شاگردان شیخ مرتضی انصاری و از مراجع امور دینی در تهران بوده و فرزند مذکورش در نجف متولد و پس از پایان تحصیل به تهران مراجعت و در مسجد پامناز به وظائف دینی اشتغال داشته و مرحوم والدش در حدود ۱۳۱۱ وفات نموده.

شیخ عباس نهاوندی عالمی پرهیزکار و فقیهی جلیل از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و غیره و از اهل فضل و فقاہت و زهد و تقوا و معرض از دنیا بود با اینکه همه گونه امکانات در اختیارش بود و در مسجد (دانکی) تهران اقامه جماعت داشت و در ماه رمضانها منبر رفته و مردم را موعظه می کرد و در خلال وعظ و بیاناتش مکرر این بیت را می سرود:

ای خر تو چه مظهري که در کل وجود

چون نیک نظر کنم تو را می بینم

وی در سال ۱۳۱۱ ق وفات نموده و جنازه اش حمل به نجف و در وادی السلام مدفون نمودند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نهاوندی، عبدالرحیم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۰۴ - ۱۲۳۷ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، مدرس، ادیب و شاعر. در نهاوند به دنیا آمد. در ابتدا به فراگیری خط پرداخت. سپس برای تحصیل مقدمات علوم به بروجرد رفت. آنگاه جهت تکمیل معلومات عازم نجف گشت و در آنجا از محضر شیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر»، استفاده نمود و پس از درگذشت صاحب «جواهر» در درس شیخ مرتضی انصاری شرکت کرد و از خواص شاگردان وی گردید. او در حیات استادش، شیخ انصاری، در نجف عهده دار تدریس گردید. سید محمد طباطبایی و میرزا مهدی گلستانه از شاگردان وی بودند. در ۱۲۸۹ ق به قصد زیارت امام رضا (ع) به ایران آمد و در بازگشت در تهران ساکن شد و حدود دوازده سال در مدرسه مروی (فخریه سابق) مشغول تدریس گردید. در تهران درگذشت. پیکرش به قم منتقل و در صحن جدید حضرت معصومه (س) دفن شد. به آورده‌ی شیخ آقا بزرگ تهرانی در «طبقات اعلام الشیعه» پیکر وی به نجف منتقل گردید. از آثارش:

«اصل البرائة»؛ حاشیه بر «قوانین»؛ حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری؛ «الوقف» و «العق»؛ در فقه؛ «دیوان» شعر. [۱]

میرزا عبدالرحیم بن میرزا نجف مستوفی بن میرزا محمدعلی شیرازی نهاوندی عالمی متبحر و فقیهی جامع از بزرگان شاگردان شیخ مرتضی انصاری و ملازمین وی و فقهاء بزرگ و مدرسین نجف اشرف بوده چند سال بعد از فوت استادش شیخ به ایران آمده و چندی در مشهد رضوی توقف آنگاه به تهران آمده و در مدرسه مروی به تدریس پرداخته تا در ماه ربیع الثانی ۱۳۰۴ در سن ۶۷ وفات نموده و جنازه اش را حمل به نجف اشرف نمودند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان الشیعه (۷/۴۷۰)، الذریعه (۹/۶۸۷، ۶/۱۵۷)، ریحانه (۲۶۸-۲۶۶/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۰۹ -

۱۴/۱۱۰۸)، فوائد الرضویه (۲۲۹-۲۲۸)، المآثر والآثار (۱۴۳)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۳/۱۳۱۲).

نهادندی، علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۲۲ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، رجالی، مدرس، ادیب، نحوی و لغوی. پس از فراگرفتن مقدمات، جهت تکمیل آموخته‌های خویش رهسپار نجف گشت و در درس شیخ مرتضی انصاری شرکت نمود و از خواص شاگردان شیخ گردید. او همچنین از محضر میرزا ابوالقاسم کلانتری نیز استفاده نمود. وی پس از درگذشت شیخ انصاری عهده‌دار تدریس و بحث و تألیف شد. نهادندی از علمای بزرگ امامیه در اوایل قرن چهاردهم قمری است. او را به کثرت دانش دینی و فقهی ستوده‌اند و در اصول وی را مؤسس و در پاره‌ای از مواضع و مباحث این فن یگانه دانسته‌اند. وی در نجف در اثر بیماری وبا درگذشت و در وادی السلام دفن گردید. از آثار او: «تشریح الاصول الصغیر»؛ «تشریح الاصول الکبیر»؛ «مقدمه الواجب»؛ کتاب «الطهاره»؛ «الدماء الثلاثه»؛ «مشارق الاصول».[۱]

علی بن ملا فتح‌الله نهادندی نجفی عالمی بزرگ و محقق جلیل از شاگردان علامه شیخ مرتضی انصاری و اعلام مدرسین نجف و مجتهدین مسلم و اساتید بزرگ آن سامان بوده و با این کمالات معنوی حظی از این دنیای دنی نداشته و در نهایت فقر و عسرت و در اواخر عمر مبتلا به کسالت‌های گوناگون شده تا در اول ماه ربیع‌الثانی ۱۳۲۲ در سن هشتادسالگی وفات نمود و در وادی السلام در مقبره مخصوص مدفون گردید از آثار اوست (تشریح اصول الصغیر) و (تشریح اصول الکبیر) و نیز کتابی (در طهارت) و کتابی در (دماء الثلاثه).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان‌الشیعه (۸/۳۰۱)، الذریعه (۱۵/۱۸۶، ۴/۱۸۵)، ریحانه (۲۶۹-۶/۲۶۸)، معجم رجال‌الفکر والادب فی النجف (۱۳۱۳-۳/۱۳۱۲)، معجم‌المؤلفین (۷/۱۶۵).

نهادندی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی نهادندی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱/۲

زندگینامه علمی

در یکی از روزهای سال ۱۳۴۸ هجری شمسی در تهران، در خانواده‌ای مذهبی کودک‌کی دیده به دنیا گشود که نام او را علی نهادند.

ایشان دوران نوجوانی را در دامان پر نور خانواده گذراند. به سبب علاقه وافر به تحصیل دروس علوم دینی در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه شد. مقدمات را در محضر اساتیدی چون: «حجت هاشمی خراسانی» گذراند. پس از آن سطوح فقه را از محضر بزرگانی چون: «فقیه سبزواری»، «آیت الله صالحی» و «مروارید» کسب فیض کرد.

در سال ۱۳۷۰ چونان پرنده‌ای که در پی آشیانه خود بوده است؛ به قم، عش آل محمد وارد شد و به تکمیل دروس حوزوی پرداخت و درس خارج را در محضر آیات عظام: «شیخ جواد تبریزی»، «هادوی تهرانی» و «سید کاظم حائری» گذراند. در کنار تحصیل از امر تربیت طلاب علوم دینی غافل نماند و در مدارس حوزه علمیه قم و مشهد، بر کرسی استادی نشست. از سوی دیگر نامبرده جهت تبلیغ دین خویش، سفرهای متعدد تبلیغی به خارج از کشور داشته است که از آن جمله می‌توان: (هند، مالزی و اوکراین) را نام برد.

نهاوندی، علی‌اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۹ - ۱۲۸۰/۱۲۷۸ ق)، عالم دینی، فقیه، متکلم، محدث، مدرس و مرجع تقلید. اصلش از نهاوند بود، مقدمات را در بروجرد فراگرفت و نزد شیخ جعفر بروجردی و آقا حسین شیخ‌الاسلام تلمذ کرد. سپس مدتی در تهران در درس میرزا حسن آشتیانی و میرزا عبدالرحیم نهاوندی و میرزا ابوالحسن جلوه و میرزا محمد رضا قمشه‌ای شرکت نمود. آنگاه برای تکمیل تحصیلات به عراق رفت و در محضر میرزای شیرازی و حاج میرزا حبیب‌الله رشتی و شیخ‌الشریعه اصفهانی و سید محمد کاظم یزدی و شیخ محمد کاظم خراسانی و شیخ محمد طه نجف تلمذ نمود. وی از حاج میرزا حبیب‌الله رشتی و شیخ‌الشریعه اصفهانی و حاج میرزا حسین نوری اجازه‌ی روایت داشت. میرزا محمد علی اردوبادی از وی روایت نموده است. در ۱۳۱۹ ق به ایران بازگشت و در ۱۳۲۸ ق عازم مشهد شد و در آنجا اقامت گزید و عهده‌دار مرجعیت گردید. در مشهد درگذشت. از آثارش: «لمعات الانوار»، در شرح مشکلات آیات و اخبار؛ «البنیان الرفیع فی احوال خواجه ربیع»؛ «جنتان مدهامتان»؛ «الجنة العالیة والجبعة الغالیة» یا «الجبعة الغالیة والجنة العالیة»؛ «جواهر الکلمات فی النوادر والمترقات»؛ «خزینة الجواهر فی زینة المنابر»، در اصول و فروع و اخلاق؛ «راحة الروح»، در شرح حدیث «مثل اهل بیتی کمثل سفینه نوح»؛ «طور سینا»، در شرح «حدیث کساء»؛ «عناوین الجمععات»، در شرح «دعاء سمات»؛ «النفحات العنبریة»؛ «العبری الحسان»؛ رساله‌ای در «صلاة المسافر»؛ «الیاقوت الاحمر فی من رای الحجة المنتظر (عج)»؛ «الکوکب الدری»؛ «لمعات الانوار»؛ «الید الیضاء»، در مناقب حضرت امیر و زهرا (ع)؛ حاشیه بر «فرائد الاصول». [۱]

علی‌اکبر بن شیخ حسین نهاوندی متولد ۱۲۷۸ و متوفی ۱۳۶۹ ق عالمی محدث و فقیهی پارسا صاحب تألیفات و تصنیفات از علماء معاصرین مشهد بوده و آثار و تألیفات ایشان از این قرار است:

- ۱- البنیان الرفیع فی احوال الخواجه ربیع ۲- الیاقوت الاحمر فی من رای الحجة المنتظر ۳- وسیله النجاه فی شرح دعاء سمات ۴- خزینة الجواهر فی زینة المنابر ۵- رسائل العیدالی مراحل التوحید ۶- الفوائد الکوفیه فی رد الصوفیه ۷- لمعات الانوار فی حل مشکلات الایات و الاخبار ۸- انوار المواهب فی اسرار المناقب ۹- انهار النوائب فی اسرار المصائب ۱۰- طور سینا فی شرح حدیث الکساء ۱۱- راحة الروح فی شرح حدیث اهل بیتی کمثل سفینه نوح ۱۲- حاشیه بر اصل برائت از رسائل شیخ ۱۳- صلوه المسافر ۱۴- الموارث از تقریرات سید یزدی ۱۵- الجنة العالیة (کشکول) ۱۶- جنتان مدهامتان ۱۷- الکوکب الدری فی مناقب النبی (ص)

۱۸- الید البیضاء فی مناقب الامیر و الزهراء ۱۹- العبقری الحسان ۲۰- رساله فی الحقیقه و المجاز.

در همین سال بود که مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی اکبر نهاوندی مشهدی که از مشایخ اجازه عصر ما و از علماء بزرگوار و عالیقدر اسلام و صاحب تصانیف کثیره بودند به قم مشرف شده و مورد تجلیل واقع گردیدند.

وی از شاگردان مولی لطف الله مازندرانی و میرزای رشتی و شریعت اصفهانی و مرحوم مامقانی و مرحوم حاجی نوری صاحب مستدرک بوده‌اند به کثرت قدس و تقوا معروف و به زهد و ورع موصوف و از نوادر عصر بودند و بسیاری از علماء و مبلغین کنونی از آن جناب اجازه روایتی دارند و برای این نگارنده هم در سال ۱۳۶۴ قمری مرقوم نموده و ارسال فرمودند. در مسافرت مرحوم آیت الله بروجردی به مشهد جای نماز خودش را به معظم له واگذار و در شبستان بزرگ مسجد گوهرشاد خود با هزارها نفر مردم متدین و دانشمندان به آن مرحوم اقتدا می کردند.

نمازش با اینکه از همه نمازها طولانی تر بود جمعیتش از جماعات دیگر بیشتر بود و جدا از حیث کم و کیف اول نماز جماعت خراسان بود حالات عبادی و خضوع و خشوع مخصوصی داشت در سال ۱۳۶۸ رحلت نموده و در پائین پای حضرت رضا علیه السلام درب حرم مدفون گردید.

از آثار و باقیات الصالحات آن مرحوم فرزند زاده‌ی ایشان مرحوم دانشمند برومند آقای حاج شیخ محمد فرید نهاوندی صاحب کتاب رموز نماز مطبوع بود و دارای فضل و صاحب ذوق و طبع سرشار و تألیفات دیگر و از شاگردان درس مرحوم آیت الله بروجردی بودند که در سال ۱۳۸۹ در تهران وفات نموده و جنازه اش را حمل به مشهد و در جوار حضرت رضا علیه السلام به خاک سپردند تألیفات مرحوم نهاوندی که اغلب مطبوع می باشد به قرار زیر است: ۱- خزینة الجواهر ۲- گلزار اکبری ۳- وسائل العیید ۴- راحة الروح ۵- جواهر الکلمات ۶- انوار المواهب ۷- انهار النوائب ۸- الفوائد الکوفیه ۹- رشحه الندی ۱۰- الیاقوت الاحمر ۱۱- طور سیناء ۱۲- عناوین اللمعات ۱۳- لمعات الانوار ۱۴- مفرح القلوب ۱۵- البیان الرفیع ۱۶- الجنة العالیه ۱۷- جنتان مدهامتان- و تألیفات دیگر.

علی اکبر نهاوندی متولد ۱۲۸۰ و متوفی ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۶۹ ق از علماء ممتاز و معروف معاصر مشهد بودند.

وی در معقول از شاگردان میرزا ابوالحسن جلوه و در فقه و اصول از شاگردان مرحوم آشتیانی بزرگ و میرزای حبیب الله رشتی و سایر اعلام نجف بوده است آقای مروج در تاریخ رحلتش سروده‌اند.

آمده‌اند و سرافکنده و پی تاریخ گفت

(شد نهاوندی مقیم اندر سلطان طوس)

در ربیع الاول ۱۳۶۶ ق که مرحوم آیت الله العظمی حاج آقا حسین قمی از دنیا رفتند در قم و تهران و سایر شهرستانها برای ایشان اقامه شد و در قم در خدمت آیت الله العظمی مرعشی نجفی مدظله برای شرکت در مراسم شب هفت مرحوم آیت الله العظمی قمی می رفتم که دیدم هیئت‌های مذهبی آمده و می خواندند.

هفته آقای قمی شد عیان

شد نهاوندی سوی جنت روان

پس تلگرافات تسلیت برای علماء بزرگ مشهد و خاندان آن مرحوم مخابره و حال آنکه ایشان در کمال صحت و سلامتی در مجالس فواتح مرحوم قمی شرکت می نمودند و بعد از سه سال دیگر به رحمت حق پیوستند.

فرزندزاده ایشان مرحوم حجه السلام حاج شیخ محمد (فرید) نهاوندی از فضلاء معاصر خراسان بودند که تحصیلات خود را در مشهد و قم به پایان رسانیده و سالها از محضر مرحوم آیت الله العظمی بروجردی و دیگران استفاده نموده آنگاه به مشهد مراجعت و به خدمات دینی از اقامه جماعت و درس تفسیر و تألیف پرداخته تا در حدود ۱۳۸۸ قمری که در تهران به سکنه مغزی از دنیا رفته و

جنازه‌اش حمل به مشهد مقدس و در آستانه مدفون شده است از آثار مطبوع ایشان کتابی بنام اسرار نماز می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۲۵/۲۷۲- ۲۴/۲۴۸، ۲۱/۳۶۰، ۲۴۴، ۲۱۶۲۱۵، ۱۸/۱۸۶، ۳۵۱، ۲۶۳، ۲۱۶- ۲۱۵، ۱۵/۱۸۱، ۱۲/۱۳۰، ۱۰/۵۶، ۷/۱۵۸، ۶/۱۵۹، ۲۷۹، ۱۶۴، ۱۵۹، ۵/۱۰۹، ۳/۱۵۲)، ریحانه (۲۷۰- ۲۶۹/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۰۰- ۱۴/۱۵۹۹)، علماء معاصرین (۲۲۱- ۲۱۹)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۹۰- ۱۸۹/۷)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۱۳۱۴- ۳/۱۳۱۳)، مکارم الآثار (۲۲۰۹- ۲۲۰۷/۶)، میرزای شیرازی (۱۷۲).

نهاوندی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد نهاوندی متخلص به (تجلی) از علماء و مفسرین و مدرسین آستان قدس رضوی و مورد احترام و توجه عموم و بالخصوص دانشمندان و با مرحوم آیت‌الله مجاهد حاج سید ابوالقاسم کاشانی رفاقت و صداقت تام داشتند و هر وقت تهران مسافرت می‌کردند به منزل معظم‌له وارد می‌شدند.

نگارنده کرارا ایشان را در منزل آن مرحوم دیدم و از محضرشان استفاده نمودم ایشان در بیستم ربیع‌الثانی ۱۳۷۱ ق در مشهد مقدس رضوی از دنیا رفته و در آستان مقدس مدفون شدند و آقای مروج در ماده تاریخش سرود.

رفت وی کم نما (وی) و برگو

(از جهان رفت صاحب نفحات)

از آثار اوست تفسیر ملمعی بنام ۱- (نفحات الرحمن) در ۴ مجلد بطبع رسیده ۲- ضیاء الابصار در مباحث الخیار مطبوع میباشد ۳- دیوانی بنام (زبد المصائب) ۴- سراج‌النهج در مسائل عمره و حج ۵- حاشیه بر کتاب صلاه مرحوم حایری ۶- خلل صلاه برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نهاوندی، محمدجواد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۳/۱۳۳۴- ۱۲۷۶ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، ریاضیدان و منجم. ملقب به جهان‌بخش. در نهاوند به دنیا آمد و در این شهر نشو و نما یافت. ریاضیات را نزد ملا عبدالرحیم نهاوندی فراگرفت. در ۱۲۹۶ ق به تهران آمد و در فقه و اصول از محضر میرزا محمدحسن آشتیانی و دیگر علما استفاده نمود. وی در استخراج تقویم و تعیین مواقع اذان و غروب ایام طبق محاسبات نجومی متبحر بود. از وی تصانیفی در علم اعداد، جفر، نجوم و زیج و دیگر علوم به جای مانده است. از آثار او: «قله البلدان لاهداء الاخوان» در شناخت قبله؛ مقاله‌ای در «خط نصف النهار».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۷/۴۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۳۱۸)، معجم المؤلفین (۹/۱۶۶).

نهایی، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۳۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: میکروبی‌شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی علوم آزمایشگاهی از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۵۶ و دکترای تخصصی میکروبی‌شناسی پزشکی از دانشکده پزشکی دانشگاه نیوکاسل انگلستان در سال ۱۳۶۲.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علوم پزشکی تبریز از سال ۱۳۶۲ تا سال ۱۳۶۹ و دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تبریز از سال ۱۳۶۹.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی نقش آنزیم بتالاکتاماز در باکتری‌های گروه انتر و باکتریاسه مقاوم در مقابل آمپی‌سیلین، کنترل میکروبی چند فرآورده دارویی، بررسی میکروبی برخی از فرآورده‌های داورئی، مطالعه باکتری‌های بیماری‌زای روده‌ای در نوزادان و تهیه دیسک آنتی‌بیوتیک‌ها و بررسی ارزش کاربردی آن در میکروبی‌شناسی بالینی، مطالعه تولد بتاکتاماز در باکتری‌های شایع ایزوله شده از نمونه‌های بالینی و رابطه آن با MIC، بررسی اثرات باکتری‌سیدی و باکتریواستاتیکی تری سایکلین B بر روی تعدادی از باکتری‌ها و بررسی ظهور مقاومت احتمالی، مطالعه عفونت‌های شایع در بیماران مبتلا به لوسمی حاد، مطالعه عفونت‌های ادراری ناشی از دستکاری و سوند گذاری در بیماران بستری در بخش جراحی مرکز پزشکی امام خمینی تبریز، مطالعه سودومونا‌های جدا شده از نمونه‌های بالینی و الگوی مقاومت آنها در برابر آنتی‌بیوتیک‌ها، مطالعه عفونت‌های روده‌ای، مطالعه الگوی حساسیت باکتری‌های ایزوله شده از عفونت‌های ادراری، بررسی کمپلوباکترپیلوری در بیوپسی‌های معده، مقایسه کشت ادرار مثانه با کشت.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

روشهای آزمایشگاهی میکروبی‌شناسی پزشکی و اصول بیولوژیک و بالینی بیماری‌های عفونی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی:-، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۵

زمینه علمی مقالات:

علوم آزمایشگاهی، میکروبی‌شناسی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

نیاز شیرازی، علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۶۳-۱۱۹۷ ق)، خطاط، طبیب و شاعر، متخلص به نیاز. مشهور به خوشنویس. از سادات شیراز بود. طب و حکمت و سایر علوم را در محضر پدر آموخت و نزد دایی خود، حاج میرزا ابراهیم مجتهد، فقه و اصول را فراگرفت. وی در خط شکسته نیز ماهر بود و این فن را نزد خواجه ابوالحسن خوشنویس فسایی، شاگرد بلا-واسطه‌ی درویش عبدالمجید طالقانی آموخت. او به سه شیوه می‌نوشت. یکی به شیوه‌ی خواجه ابوالحسن، دیگر به شیوه‌ی درویش عبدالمجید و سوم به شیوه‌ی خاصی که از ترکیب این دو به دست آمده بود. وی برای سیاحت به هندوستان رفت و دو سال در آنجا ماند. سپس به شیراز بازگشت و به علت اختلال در امرار معاش، مدتی خانه‌نشین شد و بعد به فسا رفت. پس از مدتی به شیراز مراجعت نمود و در آن شهر انزوا گزید. نیاز در زمان حیات خویش به شاعری معروف نبود، ولی بعد از فوت، اشعارش به دست آمد. از آثارش: حاشیه بر شرح قطب‌الدین شیرازی بر «کلیات قانون»؛ حاشیه بر شرح قرشی بر «تشریح قانون»؛ مثنوی «فیروز و نسرین»، مشتمل بر نکات حکمی، موعظه و نصیحت که در «مکارم‌الآثار» نام این مثنوی، «راز و نیاز» بر وزن «گلشن راز» ذکر شده است؛ «دیوان» شعر، در حدود پنج هزار بیت به همراه «ساقی‌نامه». از آثار خطی وی کتابت چند نسخه «دیوان» حافظ و «خسرو و شیرین» وحشی و «خمسه» نظامی و «شاهنامه» فردوسی را می‌توان نام برد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار عجم (۵۴۵)، حدیقه الشعراء (۱۹۴۷-۱۹۴۳/۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۵۶-۷۵۲/۵)، الذریعه (۱۲۴۰-۱۲۳۹/۹)، ریحانه (۲۷۳/۶)، طرائق الحقائق (۳۳۳-۳۲۲/۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۰۸-۱۱۰۴/۲)، فرهنگ سخنوران (۹۶۱)، مرآت الفصاحه (۶۷۵-۶۷۳)، مصطبه‌ی خراب (۱۹۴)، مکارم‌الآثار (۱۷۲۲/۵، ۶۰-۵۷/۱).

نیازی حجازی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، ادیب، لغوی و شاعر. وی صاحب منظومه‌ی «جامع اللغات»، در لغت فارسی است. او پیش از قرن یازدهم قمری می‌زیسته، زیرا در «فرهنگ سروری»، تألیف شده در ۱۰۰۸ ق، و «فرهنگ جهانگیری» تألیف شده در ۱۰۰۵ تا ۱۰۱۷ ق، از «جامع اللغات» شواهدی نقل گردیده است. همچنین در این کتاب از سال درگذشت میر علی هروی (۹۵۱ ق) نیز نشانی است که در این صورت تاریخ تألیف کتاب بین ۹۵۱ ق و ۱۰۰۸ ق بوده است. در «الذریعه» برای نیازی «دیوان» شعری ذکر شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۰۰/۲۳، ۱۲۴۰/۹، ۶۹/۵)، ریحانه (۲۷۵/۶)، فرهنگ‌های فارسی (۱۲۴-۱۱۷، ۱۱۰-۱۰۶)، لغت‌نامه (ذیل / حجازی).

نیازی، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۶۹ ش)، مترجم، روزنامه‌نگار، نویسنده و شاعر، متخلص به نیازی. در تبریز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به پایان برد و برای تحصیل در طب، به سوئیس رفت. او ادبیات فرانسه را به خوبی آموخت و اشعاری به زبان فرانسه سرود که مورد توجه ادبای آنجا قرار گرفت. وی در حدود ۱۳۰۰ ش در اداره تجارتنی سفارت ایران در سوئیس با سمت منشی‌گری مشغول خدمت شد. بعد از بازگشت به ایران به معلمی مدرسه دارالفنون منصوب گردید. او همچنین در دبیرستان‌های دولتی ادبیات فرانسه تدریس می‌کرد. پس از فوت میرزا حسین خان صبا، صاحب امتیاز و مدیر مسئول روزنامه‌ی «ستاره‌ی ایران»، امتیاز آن روزنامه به وی واگذار شد و او در ۱۳۰۳ ش آن را تحت عنوان قبلی خود یعنی «ستاره‌ی ایران» منتشر کرد. سپس در ۱۳۰۷ ش این روزنامه را تحت عنوان «ستاره‌ی جهان» به دو زبان فارسی و فرانسه انتشار داد. وی قطعه‌ای به زبان فرانسه به عنوان «زندگانی» سرود و از آکادمی ژفلور و فرانسه دیپلم افتخار دریافت کرد و در ۱۳۱۱ ش به مناسبت ترجمه «رباعیات» حکیم عمر خیام از طرف آکادمی فرانسه به وی جایزه‌ای اهدا شد. از دیگر آثارش: «هزار و یک خنده»، از آثار ترجمه‌ی وی: «تاریخ بیزانس»؛ «تاریخ پلیس»؛ «کشمیر یا باغ نشاط»؛ «یک دروغ چه کرد».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ جراید (۲۲-۳/۲۰)، الذریعه (۲۸۳، ۲۵/۲۲۰، ۱۸/۸۳)، سخنوران نامی (۴۷۷-۲/۴۷۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۵۰، ۳۳۹۸، ۳۳۹۷، ۲۶۴۳، ۱۶۷۶، ۲/۱۶۷۲، ۶۸۲، ۱/۶۷۹)، مؤلفین کتب چاپی (۲۲۸-۱/۲۲۷).

نیای، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: ارتوپدی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

نیتی، جمال

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: بهداشت، دانشکده: بهداشت، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی بهداشت از دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد بهداشت از دانشگاه الکساندریا آمریکا و دکترای تخصصی بهداشت از دانشگاه پیتسبورگ آمریکا.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی. زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

توسعه بهداشت و آموزش پزشکی، بهداشت عمومی، طب پیشگیری، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی تألیفات:

بهداشت عمومی، اپیدمیولوژی، آموزش بهداشت، طب پیشگیری، بهداشت محیط.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

بهداشت عمومی، توسعه آموزش پزشکی و بهداشت.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

نیر تبریزی، محمدتقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۲- ۱۲۴۸- ۱۲۴۷ ق)، عالم دینی، فقیه، خطاط و شاعر، متخلص به نیر. مشهور به حجت‌الاسلام تبریزی. وی از مشاهیر فرقه‌ی شیخیه در آذربایجان بود. او و پدرش از اولین کسانی هستند که بر مسلک علی محمد باب رده نگاشتند. در تبریز به دنیا آمد و در همان جا نشو و نما یافت و مقدمات را فراگرفت. سپس به نجف رفت. پس از فراگیری فقه و اصول و حکمت و کسب فیض از محضر علما به تبریز بازگشت. او به واسطه‌ی پدرش از شیخ احمد احسائی و نیز از شاگردان سید کاظم رشتی روایت کرده است. در خوشنویسی متبحر بود و با شعرای زمان خود از جمله: ادیب‌الممالک فراهانی، حاج فضلعلی مولوی متخلص به صفا، میرزا محمد ملا- باشی طسوجی، حاج میرزا کاظم طباطبایی معروف به حاج وکیل، میرزا علی منجم باشی و شریف‌العلمای اصفهانی مصاحبت داشت. در تبریز درگذشت و پیکرش به نجف منتقل و در وادی‌السلام دفن شد. از آثارش: «مفاتیح الغیب فی علم الائمه (ع)»؛ رساله‌ی «علم‌الساعة»، در کیفیت علم ائمه (ع)؛ تفسیر آیه (و ما خلقت الجن والانس)؛ رساله‌ی «نصرة الحق»؛ رساله‌ی «لمح البصر»؛ «صحيفة الابرار فی مناقب العتره الاطهار (ع)»؛ «لالی منثور»؛ «لالی منظومه» یا «لالی المنظومه»؛ مثنوی «در خوشاب فی جواب قاردوشاب» که رساله «توحیدیه» آقا میرزا محمود خویی، معروف به اصولی، را نقد کرده و تخلص خود را در این منظومه عمیدا قرار داده است؛ «آتشکده»، در مرثی؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۲۶- ۱۷/۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۹۰- ۳۸۹)، الذریعه (۱۷۵/۲۴، ۳۰۵/۲۱، ۱۷۶- ۱۷۵/۱۹، ۳۴۱، ۲۶۵، ۲۶۴/۱۸، ۳۲۱، ۱۶- ۱۵/۱۵- ۱۲۴۲، ۱۲۴۱- ۱۲۴۲، ۴/۳۳۲، ۹/۱۲۴۱- ۱۲۴۲، ۱۵/۱۵، ۱/۵)، ریحانه (۲۹- ۲۸/۲)، سخنوران نامی معاصر

(۳۷۶۷ - ۳۷۶۰ / ۶)، شرح حال رجال (۳ / ۳۲۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴ / ۲۶۶)، فرهنگ سخنوران (۹۶۲)، گلزار جاویدان (۱۶۷۴ - ۱۶۷۳ / ۳)، المآثر والآثار (۱۷۵)، معجم رجال الفكر والادب فی النجف (۳۹۷ - ۳۹۶ / ۱)، مکارم الآثار (۱۳۳۸ - ۱۳۳۷ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۲۴۷ - ۲۴۶ / ۲).

نیری کمان، گیتی دخت

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی فیزیولوژی از دانشکده پزشکی دانشگاه بریستول انگلستان در سال ۱۳۵۳.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

lesions on the food behaviour of diabettes by aioxan in young dogs EffectsRat of
hypothalamic ventromfast and
slow twith muscle Blood chare cterstic of the donkey Induction the plasma and
cardiovascular state in hypo
and hyperthyroid rats

تدریس دروس فیزیولوژی پیشرفته و پزشکی و دامپزشکی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

فیزیولوژی دستگاه گوارش.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی:-، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

Communication between nerves and Structure Features of muscle fibers

froma a fast and a slow twitch in the kitten during posnatal development

ماهیه‌ها.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

نیری، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی نیری

محل تولد: همدان

شهرت: نیری همدانی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۰۹/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت الله علی نیری همدانی در سال ۱۳۰۹ هجری شمسی در منطقه‌ای در ۱۲ فرسخی همدان به دنیا آمد. پدرش که مردی با فضیلت بود، به کشاورزی اشتغال داشت. او از بزرگان به شمار می‌آمد و در زهد و ورع زبانزد خاص و عام بود و نقش بسزایی در تربیت فرزند خود و تشویق او به تحصیل علوم دینی ایفا کرد. ایشان تحصیلات خود را از مکتب خانه آغاز کرد و در آن مرحله ضمن فراگیری قرآن مجید، از کتبی چون «کلیله و دمنه و گلستان سعدی» بهره برد و «زبان و ادبیات» خویش را انسجام بخشید. سپس برای فراگیری دروس حوزوی، به همدان رفت و در مدتی کم، دروس مقدمات و بخشی از دروس دوره سطح را به پایان برد. پس از آن برای بهره مندی از محضر استادان فرهیخته، به شهر قم مهاجرت کرد و در مدرسه علمیه دارالشفاء مستقر شد. او در آن زمان بخشی از «معالم» را خوانده بود. از این رو به تکمیل باقی مانده آن و اتمام دروس دوره سطح در زمان اندک رو آورد.

با پایان یافتن دروس دوره سطح، به دروس خارج فقه و اصول استادان مشهور حوزه علمیه قم، از جمله آیات عظام: «بروجردی (ره)، امام خمینی (ره) و محقق داماد (ره)» راه یافت و سالها از محضر آنان بهره‌مند شد و در ضمن آن از فراگیری علوم عقلی نیز غافل نماند. او در طی این سالها همواره درسهای اخلاق استادان خود شرکت می‌جست تا علم خویش را به زیور عمل بیاراید و خود را برای نهضتی عظیم که بر عهده عالمان و اندیشمندان اسلامی است؛ آماده سازد.

آیت الله نیری در سالهای تحصیل خود از محضر استادان بسیاری بهره‌مند شد. او بسیاری از دروس مقدمات را در همدان در محضر برادر خود «آقا میرزا عبدالغنی نیری» و آقای «رازینی» فرا گرفت و در درس لمعه آقایان: «حاج سید مصطفی هاشمی» و «سید جمال الدین افتخاری» شرکت جست. با ورود به قم به درس مطول «آیت الله مشکینی» و درس شرح لمعه «آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)» و «آیت الله شهید صدوقی (ره)» رفت و پس از آن به درس رسائل «آیت الله مشکینی» و درس کفایه «آیه الله آقا شیخ عبدالجواد سده‌ای اصفهانی (ره)» و «آیت الله شیخ مرتضی حائری (ره)» و مکاسب حضرات آیات: «حائری (ره) و مشکینی» راه یافت.

با پایان یافتن دروس دوره سطح به درس خارج فقه و اصول آیات عظام: «بروجردی (ره)، امام خمینی (ره)، اراکی (ره)، محقق داماد (ره)، گلپایگانی (ره) و شیخ عباسعلی شاهرودی» رفت و عمده مبانی اجتهادی خویش را در محضر آنان فرا گرفت، هر چند در درس خارج دیگر استادان نیز شرکت می‌کرد. در بخش علوم عقلی نیز ابتدا به درس منظومه «آیت الله منتظری» و سپس به درس اسفار «آیت الله علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره)» راه یافت.

او در سالهای تحصیل خود با علماء و فضلالی بسیاری رابطه دوستی داشت که از جمله آنان می‌توان به آقایان: «ثابتی، عراقچی و

موسوی همدانی» اشاره کرد. او بسیاری از دروس پیش آموخته را با آنان مباحثه می‌کرد. آیت الله تیری در عرصه فرهنگی حضور مؤثر و مستمری داشته است. او سالها در حوزه علمیه قم به تدریس دروس دوره مقدمات و سطح پرداخته، شاگردان بسیاری را به مکتب اسلام تقدیم نموده است.

از جمله فعالیت‌های او در این عرصه، تدوین دوره پنج جلدی «مجمع المسائل؛ حاوی استفتائات از مرجع عالی قدر آیت الله العظمی گلپایگانی (ره)» است که از آثار شگفت و در خور تحسین است، این کتاب با همت وی و برخی دیگر از استادان حوزه علمیه قم تهیه شده است، او پس از رحلت آن عالم ربّانی، به دفتر «آیت الله العظمی صافی گلپایگانی» راه یافت و سالهاست که به پرسش‌های شرعی مردم پاسخ می‌گوید. آیت الله تیری که از شاگردان امام (ره) محسوب می‌شود، سالها در راه نهضت پیر مراد خود «امام خمینی (ره)» به مبارزه پرداخت که از جمله آنها می‌توان به سخنرانی‌های او در اطراف رفسنجان اشاره کرد. این سخنرانیها خشم ساواک را برانگیخته بود. او به همراه استاد «ثابتی» و با دستور آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) به دیدار تبعیدشدگان در رژیم طاغوت شتافت که از جمله آن دیدارها: دیدار با مقام معظم رهبری که در آن زمان در ایرانشهر در تبعید بودند می‌باشد. آیت الله تیری هم اکنون از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است.

نیریزی، ارشدالدین، ابوالحسن علی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۰۴ ق)، عالم دینی، فقیه، محدث، مفسر و ادیب. در «مجمّل فصیحی» و «فارسنامه‌ی ناصری» نام وی محمد بن علی ذکر شده است. او جامع علوم شرعیه و در علم تفسیر و حدیث متبحر بود. مدتها در مسجد جامع عتیق شیراز امامت نمود و نوشته‌اند که به مدت هفتاد سال عهده‌دار منصب افتاء بود. او را عالمی خیرخواه و دارای اخلاق نیکو و اوصاف مرضیه دانسته‌اند. در طلب علم به حجاز و عراق مسافرت نمود و مشایخ و علمای بزرگی چون: شیخ توران کبیر، زاهد ابومنصور، ابوالوفا احمد بن ابراهیم فیروزآبادی، ابومقاتل مناور بن فرکوه دیلمی را درک نمود. شیخ روزبهان بقلی شیرازی و سراج‌الدین مکرم قاضی القضاة فارس و عارف معروف عزالدین مودود زرکوب و فرزندش، عمادالدین ابوالفضل محمد بن مودود زرکوب، و ملک معین‌الدین ابوذر کتکی مفتی از شاگردان او بودند. در شیراز درگذشت و در رباطی که خود در نزدیکی مصلاهی شیراز بنا کرده بود، دفن شد. از آثارش: «مجمع البحرین»، در تفسیر و تأویل، در ده مجلد؛ «تنویر المصابیح»، در شرح «المصابیح»، در حدیث؛ «باکوره الطلب لاهل الادب». برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: شد الازار (۳۷۶-۳۷۲)، شیرازنامه (۱۷۰-۱۶۹)، فارسنامه ناصری (۱۵۶۷/۲)، مجمّل فصیحی (ذیل / سال ۶۰۴)، معجم‌المؤلفین (۷/۲۲۴).

نیساری، سلیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سلیم نیساری در ۲۱ آذر ماه ۱۲۹۹ در تبریز متولد شد. وی داری دکترای فلسفه از دانشگاه ایندیانا ای آمریکا است. دکتر نیساری پس از بازگشت به ایران به تدریس در دانشکده علوم تربیتی ادامه داد و در سال ۱۳۵۹ پس از ۳۸ سال خدمت به تقاضای خود بازنشسته شد. گروه: علوم انسانی رشته: علوم تربیتی والدین و انساب: سلیم نیساری فرزند عبد الله که وی نیز فرزند میرزا سلیم، حاکم محال قره داغ آذربایجان بود، در ۲۱ آذر ماه ۱۲۹۹ در تبریز متولد شد. تحصیلات رسمی و حرفه ای: سلیم نیساری پس از گذراندن دوره تحصیلات ابتدایی و متوسطه و توفیق در امتحان نهایی دانشسرای تبریز با رتبه اول برای ادامه تحصیل به تهران آمد و موفق به اخذ درجه لیسانس در سال ۱۳۲۱ در رشته ادبیات فارسی و علوم تربیتی شد. ضمناً به تحصیل در دوره دکتری ادبیات فارسی ادامه داد. در سال ۱۳۲۹ برای ادامه تحصیل به اروپا و سپس به آمریکا رفت. وی موفق به دریافت درجه فوق لیسانس از دانشگاه لندن و نیز درجه دکتری در رشته علوم تربیتی و زبان شناسی از دانشگاه ایندیانا آمریکا شد. همسر و فرزندان: سلیم نیساری با ایران میر تقوی ازدواج کرد و ثمره این ازدواج سه فرزند به نامهای نیلوفر، سیروس و نادر می باشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مشاغل سلیم نیساری در وزارت فرهنگ عبارتند از: منشی مخصوص وزیر فرهنگ، رئیس اداره دفتر وزارتی در دوره وزارت نفت وزیر فرهنگ و بازرگانی و مشاور وزارت فرهنگ. در سال ۱۳۳۴ به عنوان دانشیار عالی برگزیده شد. در سال ۱۳۳۶ به استخدام دبیرخانه مرکزی یونسکو در پاریس درآمد و به سمت رئیس اداره کمکهای فنی یونسکو منصوب شد. در این سمت از طرف مدیر کل یونسکو برای سرکشی به نحوه پیشرفت برنامه کمکهای علمی و فرهنگی یونسکو به کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه و کشورهای جنوب غربی آسیا سفر کرد. پس از پایان ماموریت و مراجعت به ایران به سمت مدیر کل روابط فرهنگی در وزارت آموزش و پرورش منصوب گردید. ضمناً در هیات مدیره موسسه فرهنگی منطقه ای نیز عضویت داشت و سردبیری یک مجله انگلیسی در موسسه فرهنگی منطقه ای را نیز به عهده داشت. در سال ۱۳۵۶ با ماموریت از طرف دانشگاه تهران و وزارت فرهنگ و هنر با سمت رایزن فرهنگی به کشور ترکیه رفت. پس از پایان ماموریت در سال ۱۳۵۸ به ایران مراجعت کرد. فعالیتهای آموزشی: سلیم نیساری در سال ۱۳۲۱ به استخدام وزارت فرهنگ درآمد. در سال ۱۳۳۳ ضمن تدریس، معاونت دانشکده ادبیات دانشگاه شیراز را به عهده گرفت. تاریخ فرهنگ ایران، کلیات روش تدریس و روش آموزش زبان فارسی در دبستان از جمله عناوینی بود که تدریس آنها را به عهده داشت. دکتر نیساری به غیر از تدریس در رشته ها و مقاطع مختلف، در سال ۱۳۳۴ به عنوان دانشیار عالی برگزیده شد. در سال ۱۳۴۴ به مرتبه استادی ارتقا یافت و به دانشگاه تهران منتقل شد. در دانشکده علوم تربیتی تدریس چند درس از جمله فلسفه، آموزش و پرورش، مبانی آموزش، پرورش، کلیات روش تدریس، آموزش مقدمات خواندن و نوشتن، آئین بررسی و گزارش نویسی و روش تحقیق را عهده دار بود. پس از بازگشت به ایران به تدریس در دانشکده علوم تربیتی ادامه داد و در سال ۱۳۵۹ پس از ۳۸ سال خدمت به تقاضای خود بازنشسته شد. مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می آید: سلیم نیساری در اسفند ۱۳۳۳ مامور تاسیس دانشکده ادبیات شیراز گردید. جوایز و نشانها: از دکتر سلیم نیساری به خاطر کتاب «نسخه های خطی حافظ» (قرن نهم) در کتابخانه مجلس شورای اسلامی تقدیر شده است. چگونگی عرضه آثار: سلیم نیساری چندین مقاله به فارسی و انگلیسی و فرانسه و ترکی در مجلات ایران و خارج از ایران منتشر ساخته و از ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲ مدیریت مجله بنیاد فرهنگ را به عهده داشته است. عنوان یکی از نوشته های او در این مجله «دستور خط فارسی» می باشد. از میان مقالاتی که در روزنامه ها انتشار یافته است تنها به یک سری شامل ۱۷ مقاله از شماره ۷۳۷۱ تا ۷۳۹۲ از ۲ اسفند ماه تا ۲۸ همان ماه در روزنامه کیهان زیر عنوان «خط فارسی باید اصلاح شود» اشاره می شود. آثار: ۱ Le but humain de l' Education و ویژگی اثر: سخنرانی در ششمین کنگره بین المللی علوم تربیتی، دانشگاه دوفین پاریس، در سال ۱۹۷۳۲ Mevlana nin Mesnevi sinde Pragmatic Egitimle I Igili Bir ornek و ویژگی اثر: این سخنرانی در کنگره بین المللی بزرگداشت مولانا در شهر قونیه در نوامبر ۱۹۷۸ به زبان ترکی ایراد شده است و عنوان آن به فارسی «تمثیلی در مثنوی مولانا در ارتباط با فلسفه پراگماتیسم در آموزش» است. متن

سخنرانی در کتاب: Mevli[ann ve yasama Sevinic نشریه اداره جهانگردی قونیه چاپ شده است. ۳. Persian An Element Of The Regional Common Culture ویژگی اثر: این مقاله در سمینار منطقه ای میراث فرهنگی (ایران، پاکستان، ترکیه) ۱۹۶۵ Seminar on common cultural Heritage march در مجموعه [چاپ شده است ۴. The Campaign Against Illiteracy in Iran and the Role of Radio and Television In this campaign ویژگی اثر: این سخنرانی در سمینار بین المللی نقش رادیو و تلویزیون در پیکار با بیسوادی در شهر آنکارا ایراد شده و متن آن در نشریه زیر به چاپ رسیده است. ۵. Conference of Executives From Radio and TV Organizations، Ankara ۱۹۷۸ The Emergence of a New Nation with an old culture ویژگی اثر: در نشریه بین المللی بزرگداشت محمد علی جناح قائد اعظم پاکستان، اسلام آباد در نشریه Journal of the Regional cultural institute volume به چاپ رسیده است. ۶. آموزش زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه ویژگی اثر: متن این سخنرانی در مجموعه سخنرانیها و مقالات اولین مجلس علمی استادان زبان و ادبیات فارسی وزارت علوم. آذرماه ۱۳۵۰ ص ۲۴۰ تا ۲۳۵ منتشر شده است ۷. آموزش شعر فارسی ویژگی اثر: متن این سخنرانی از گزارش کنگره دبیران زبان و ادبیات فارسی و همچنین در نشریه دانشکده علوم تربیتی دوره اول، شماره ۲۳۸ استفاده از شاهنامه فردوسی در پژوهشهای زبان شناسی ویژگی اثر: کنگره بزرگداشت جهانی فردوسی، دانشگاه تهران آذرماه ۱۳۶۹۹ بررسی پنجاهای فردوسی از دید فرهنگ ایرانی ویژگی اثر: متن این خطابه در مجموعه سخنرانیهای نخستین دوره جلسات سخنرانی و بحث درباره شاهنامه فردوسی، همچنین در مجله هنر مردم شماره ۱۰۲ و ۱۰۳ فروردین و اردیبهشت ۱۳۵۱ به چاپ رسیده است ۱۰. پیوستگی هدف، برنامه و روش آموزش زبان و ادبیات فارسی ویژگی اثر: این متن در نشریه دومین کنگره انجمن دبیران زبان و ادبیات فارسی در مرداد ماه ۱۳۴۷، ص ۹۰-۸۴ به چاپ رسیده است ۱۱. تدریس زبان فارسی در دبستان یا آموزش هنرهای زبان (۱۳۴۴) می باشد. توضیحی در باب خط کتاب اول دبستان ویژگی اثر: در مجموعه مقالات همایش بررسی و تبیین علل بدخطی دانش آموزان زیر عنوان خط خوش، نشریه سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، اسفند ۱۳۷۸۱۳ خاطراتی از کلاس درس استاد ملک الشعرا بهار ویژگی اثر: در رابطه با همایش یاد بود پنجاهمین سال در گذشت ملک الشعرا بهار در آوریل ۲۰۰۱ در دانشگاه سوربن پاریس ایراد شده است. ۱۴. دستور خط فارسی ویژگی اثر: پژوهشی درباره پیوستگی با زبان فارسی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴۱۵ دفتر دیگر سانیها در غزلهای حافظ ویژگی اثر: جلد اول، تهران، سروش ۱۳۷۳۱۶ دیوان حافظ ویژگی اثر: مستند بر نسخه های خطی سده نهم، به خط استاد امیر احمد فلسفی، همراه بامیناتورهایی از استاد فرشچیان، تهران، انتشارات یساولی، ۱۳۸۲۱۷ دیوان حافظ ویژگی اثر: بر اساس ۴۸ نسخه خطی سده نهم، تهران. انتشارات سینا نگار. و اسرار دانش، ۱۳۷۷-۱۳۷۷-۱۳۷۷ دکتر نیساری در خصوص این اثر می گوید: | اول بار پیش علامه قزوینی عنوان کرد، برای تصحیح دیوان حافظ باید متونی را که به زمان حافظ نزدیک تر است، یافته و بر اساس چنین نسخه ای دیوان حافظ را تنظیم و تصحیح کرد. قزوینی یک نسخه خطی بیشتر به دست نیاورد. من این جست و جوها را در حد توان ادامه دادم و مرحوم خانلری و مرحوم مجتبی مینوی که باهم کار می کردند، توانستند نسخه خطی پیدا کنند. روی جلد نوشتم بر اساس نسخه خطی دیوان حافظ. ۱۸. غزلهای حافظ ویژگی اثر: بر اساس نسخه خطی سده نهم، به خط استاد محمد سلحشور، چاپ اول اردیبهشت ۱۳۷۱، چاپ دوم الهدی آذرماه ۱۳۷۱۱۹ غزلهای حافظ ویژگی اثر: نشریه موسسه فرهنگی منطقه ای ۱۳۵۳۲۰ کلیات روش تدریس ویژگی اثر: چاپ اول این اثر در سال ۱۳۴۴ و چاپ دوم این اثر ۱۳۵۵۲۱ گروه بندی افعال فارسی ویژگی اثر: متن این سخنرانی در جلد دوم سومین کنگره تحقیقات ایرانی، بنیاد فرهنگ ایران، شهریور ۱۳۵۱ درج شده است ۲۲. مقدمه ای بر تدوین غزلهای حافظ (۱۳۶۷)، ملاحظاتی در باب نسخه خطی مشتمل بر ۱۵۲ غزل حافظ و چاپ تک نسخه ای آن ویژگی اثر: در نخستین همایش ایران شناسی، ۱۳۸۱۲۴ نسخه های خطی حافظ ویژگی اثر: شیراز سده نهم، مرکز حافظ شناسی، ۱۳۸۰۲۵ نقش

معلم در برابر ارزشهای اخلاقی و ویژگی اثر: متن این سخنرانی در نشریه دانشکده علوم تربیتی، دوره پنجم شماره ۱۰۲ در سال ۱۳۵۴ به چاپ رسیده است ۲۶ نمونه‌هایی از آثار جاویدان شعر فارسی (۱۳۵۰)، نوآوری در ترکیبات واژگان فارسی در خمسه نظامی گنجوی و ویژگی اثر: مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی نهمین سده تولد حکیم نظامی گنجوی، دانشگاه تبریز، جلد سوم ۱۳۷۲، ص ۴۴۰-۴۲۸۲۸ یکسان کردن املاهای فارسی و ویژگی اثر: در مجموعه خطابه‌های نخستین کنگره تحقیقات ایرانی، دانشگاه تهران: شهریورماه ۱۳۴۹، جلد اول ص ۳۱۲-۲۹۹

نیشابوری اسفراینی، ابوعوانه، یعقوب

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۱۶/۳۱۳ ق)، حافظ و محدث شافعی. در اصل نیشابوری است. پس از ۲۳۰ ق در اسفراین متولد شد.

در طلب حدیث به شام، مصر، بصره، کوفه، واسط، حجاز، جزیره، یمن، اصفهان، فارس، ری و خراسان سفر کرد و از یونس بن عبدالاعلی و محمد بن یحیی ذهلی و زکریای مروزی و عیسی بلخی و محمد بن عقیل نیشابوری و احمد دارمی و بسیاری دیگر حدیث شنید. پسرش محمد و ابوعلی نیشابوری و احمد بن علی رازی و سلیمان طبرانی و ابواحمد بن عدی و گروه بسیاری از وی روایت کرده‌اند. در پایان عمر در زادگاهش مسکن گزید و به ترویج مذهب شافعی پرداخت. گفته‌اند که او اول کسی است که مذهب شافعی را به اسفراین آورده است. در اسفراین درگذشت و در نزدیکی قبر ابواسحاق اسفراینی دفن شد. از آثار وی: «المسند الصحیح المخرج علی صحیح مسلم»، در حدیث، که به نام «مسند ابی‌عوانه» و یا «صحیح ابی‌عوانه» نیز معروف است و یکی از مسانید معروفه اهل سنت می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۵۶/۹)، ریحانه (۲۱۷/۷)، سیر النبلاء (۴۲۲-۴۱۷/۱۴)، کشف الظنون (۱۶۸۵، ۱۶۷۹، ۱۶۷۱، ۱۰۷۵، ۵۵۶)، الکنی و الالقب (۱۲۸/۱)، لغت‌نامه (ذیل / ابوعوانه)، معجم المؤلفین (۲۴۲/۱۳)، وفيات الاعیان (۳۹۴-۳۹۳/۶).

نیشابوری، ابوابراهیم جعفر

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۴۸-۳۸۶ ق)، محدث امامی. نسبش به امام علی بن ابی‌طالب (ع) می‌رسد. او را از اکابر فضلاء نیشابور دانسته‌اند. در ۴۴۰ ق به بغداد رفت و در آنجا به نقل حدیث از جدش، مظفر بن محمد علوی، و احمد بن محمد بن عمر خفاف و یحیی بن اسماعیل حربی و محمد بن احمد بن عبدوس مزکی و عبدالله بن احمد ابن رومی و حاکم ابو عبدالله بن بیع و ابوعبدالرحمان سلمی نیشابوری و دیگر مشایخ وقت پرداخت. خطیب بغدادی از وی روایت کرده است. محدثین شیعه او را در حدیث ثقه می‌دانند. وی در نیشابور درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان‌الشیعه (۱۸۲-۱۸۱/۴)، تاریخ بغداد (۲۳۶/۷)، ریحانه (۲۷۸/۶)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۴۴/۵)، فهرست

منتجب‌الدین (۴۰-۳۹)، لسان‌المیزان (۲/۲۲۳).

نیشابوری، ابوالحسن علی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۹۱ق)، مفسر، عالم دینی و زاهد. اهل نیشابور بود. مراتب علم و فضل، همچنین زهد و اخلاق او را ستوده‌اند و وی را دانای به تفسیر و عالم در این فن دانسته‌اند. وی از شاگردان ابوالحسن واحدی مفسر بود. از ابوعثمان صابونی و ابوعثمان بحیری و ابوالقاسم قشیری و ابوصالح مؤذن و عبدالغفار فارسی و جمعی دیگر حدیث شنید. از آثارش: کتاب «التفسیر»؛ «زاد الحاضر والبادی»؛ کتاب «مکارم الاخلاق».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۲/۲۲۳)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۲۵۹-۲۵۸/۵)، معجم المؤلفین (۷/۱۰۶)، الوافی بالوفیات (۲۱/۱۵۰).

نیشابوری، ابوالحسن محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۵۵ق)، حافظ و محدث. از محمد بن ایوب بجللی رازی و محمد بن ابراهیم بوشنجی و یوسف بن یعقوب قاضی و ابو عمر قتات و محمد بن عمرو قشمری و همطبقه‌ی آنها در خراسان و جبال و عراق حدیث شنید. عبدالله بن سعد حافظ گوید بیش از هزار حدیث از ابوالحسن نیشابوری نوشتم. پدرش و عمویش، عبدوس بن حسین، از وی روایت کرده‌اند. در اواخر عمر بینایی خود را از دست داد و در نیشابور در گذشت. از آثارش: کتاب «الحديث»، که آن را به شیوه‌ی ابن خزیمه تألیف نموده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره الحفاظ (۳/۸۸۵-۸۸۶)، سیر النبلاء (۶۷-۶۶/۱۶)، شذرات الذهب (۳/۱۷)، طبقات الحفاظ (۳۷۹)، معجم المؤلفین (۹/۱۸۸)، هدیة العارفین (۲/۴۶).

نیشابوری، ابوالفتح ناصر

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۵۲-۴۸۹ق)، فقیه شافعی، محدث و متکلم. در نیشابور به دنیا آمد. از پدرش و ابوالحسن مدینی مؤذن و فضل بن عبدالواحد تاجر و دیگران حدیث شنید. ابوسعید بن سمعانی و فرزندش، عبدالرحیم بن ابی‌سعد، از وی روایت کرده‌اند. او را از بزرگان علم کلام دانسته و در این علم او را برتر از اقراش شمرده‌اند. وی صاحب کتابی در این زمینه می‌باشد. در مرو در گذشت.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۸/۳۱۱)، طبقات الشافعیه ی اسنوی (۱/۴۳)، طبقات الشافعیه ی سبکی (۷/۳۱۷)، هدیة العارفین (۲/۴۸۸).

نیشابوری، ابوالفضل احمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۲۸۰ ق)، حافظ و محدث. حاکم نیشابوری گوید که وی یکی از ارکان حدیث بود. از هدبه بن خالد و شیبان بن فروخ و سهل بن عثمان عسکری و ابامصعب زهری و اسحاق بن راهویه و عبیدالله بن معاذ عنبری و عمرو بن زراره نیشابوری و احمد بن یحیی بلخی و حسن بن عمر بلخی و سلیمان بن داوود زهرانی و محمد بن رافع قشیری و محمد بن مهران رازی و جماعتی دیگر حدیث شنید. بخاری در «صحیح» خود و ابو حامد بن شرقی و ابن اخرم ابو عبدالله شیبانی و احمد بن اسحاق صیدلانی و محمد بن صالح بن هانی و ابوالفضل محمد بن ابراهیم هاشمی و علی بن عیسی حیری و ابوزکریا یحیی بن محمد عنبری از وی روایت کرده‌اند.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نیشابور (۱۱۲)، تذکره الحفاظ (۶۴۶-۶۴۵/۲)، تهذیب التهذیب (۸۰-۷۹/۱)، تهذیب الکمال (۲۸۸-۲۸۷/۱)، سیر النبلاء (۵۶۵-۵۶۴/۱۳)، شذرات الذهب (۲/۲۰۵)، طبقات الحفاظ (۳۰۴)، معجم المؤلفین (۲/۱۹۶).

نیشابوری، ابوالقاسم زاهر

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۳۳-۴۴۶ ق)، مسند و محدث. مسند و مستملی خراسان بود. در نیشابور به دنیا آمد. پنج ساله بود که از پدرش حدیث شنید و ابتدا از او اجازه‌ی روایت گرفت. سپس ابو حسین عبدالغافر فارسی و ابو حفص بن مسرور و ابو محمد جوهری، مسند بغداد، به وی اجازه‌ی روایت دادند. او نزدیک به هزار مجلس حدیث در جامع نیشابور برپا کرد. از ابو عثمان سعید بن محمد نجیری و ابوسعید کنجرودی و ابویعلی بن صابونی و محمد بن علی خشاب و سعید بن منصور قشیری و ابوبکر محمد بن حسن مقری و ابوولید حسن دربندی و احمد بن منصور مغربی و سعید عیار و ابوالقاسم عبدالکریم قشیری و ابوبکر بیهقی و جماعت دیگری حدیث شنید. ابو موسی مدینی و سمعانی و ابن عساکر و صاعد بن رجاء و منصور بن ابوالحسن طبری و علی بن قاسم ثقفی و ابوالمجد زاهر ثقفی و عبداللطیف خوارزمی و مودود بن محمد هروی و عبدالعز هروی و عبدالباقی بن عثمان همدانی و مؤید بن محمد طوسی و دیگران از وی روایت کرده‌اند. در سنین کهولت به حجاز، بغداد، اصفهان، همدان، ری، هرات و نیشابور سفر کرد و احادیث بسیاری را روایت نمود و از میان آنها «السباعیات» را برای خودش تنقیح کرد و «التاریخ» را تخریج نمود. وی در نیشابور درگذشت و در مقبره‌ی یحیی بن یحیی دفن شد. از دیگر آثارش: «السداسیات والخماسیات»؛ «تحفة عید الفطر» که در «سیر اعلام النبلاء» تحت عنوان «تحفتی العیدین» ذکر شده است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷۱-۷۰/۳)، سیر النبلاء (۱۳-۹-۲۰/۲)، شذرات الذهب (۴/۱۰۲)، العبر (۲/۴۴۵)، الکامل (۸/۳۶۵)،

کشف‌الظنون (۳۷۰)، لسان‌المیزان (۱۲۲- ۳/۱۲۱)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۱۲۰- ۱۹/۱۱۸)، معجم‌المؤلفین (۴/۱۷۹)، المنتظم (۱۰/۳۱۲)، میزان الاعتدال (۲/۵۲)، هدیة‌العارفین (۱/۳۷۲).

نیشابوری، ابوالقاسم سلمان

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۱۲/۵۱۱ق)، فقیه شافعی، مفسر، متکلم، زاهد و صوفی. ملقب به امام‌المتکلمین. اصل وی از ارغیان، از قرای نیشابور بود. در نیشابور به دنیا آمد. علم حدیث و تصوف را در نزد ابوالقاسم قشیری تحصیل کرد. سپس به حجاز و بغداد و شام مسافرت کرد و مشایخ آن روزگار را درک نمود. آنگاه به نیشابور بازگشت و ملازم امام‌الحرمین جوینی گردید. وی در فقه از شاگردان امام‌الحرمین و در علم طریقت و فن تصوف صاحب قدم و اهل عمل بود. از فضل‌الله میهنی و ابو‌حسین عبدالغافر فارسی و ابو‌حسین بن مکی و کریمه مروزیه و ابو‌صالح مؤذن و ابوالقاسم قشیری و جماعتی دیگر روایت کرد. ابن‌سمعانی از وی اجازه روایت داشت. در نیشابور درگذشت. از آثارش: شرح «الارشاد» امام‌الحرمین جوینی، در علم کلام؛ «الغنیة»، در فقه شافعی. برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۷۱- ۳/۱۷۰)، سیرالنبلاء (۱۹/۴۱۲)، شذرات‌الذهب (۴/۳۴)، طبقات الشافعیه‌ی ابن قاضی شبهه (۲۸۴- ۱/۲۸۳)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۴۳- ۱/۴۲)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۹۹- ۷/۹۶)، طبقات المفسرین داودی (۱۹۴- ۱/۱۹۳)، کشف‌الظنون (۱۴۳۴، ۱۲۱۲، ۶۸)، معجم‌المؤلفین (۴/۲۴۰)، الوافی بالوفیات (۱۵/۳۱۴).

نیشابوری، ابوالقاسم فضل

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۷۳ق)، مسند، محدث و واعظ. از ابو‌حسین خفاف و ابو‌حسین علوی و عبدالله بن یوسف اصفهانی و ابن‌محمش و جماعتی دیگر حدیث شنید. ابن‌ظاهر و زاهر شحامی و محمد بن اسماعیل شاماتی و ابوطالب محمد بن عبدالرحمان کنجرودی و سعید بن حسین جوهری و حسین بن علی شحامی و محمد بن اسماعیل بن احمد مقری و ابواسعد بن قشیری و ملیکه بنت ابی‌الحسن فندورجی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. ذهبی گوید وی صاحب کتابی در وعظ می‌باشد. برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیرالنبلاء (۳۸۰- ۱۸/۳۷۸)، شذرات‌الذهب (۳/۳۴۳)، العبر (۲۳۳- ۲/۳۳۱)، معجم‌المؤلفین (۸/۷۰).

نیشابوری، ابوبکر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۱۸/۳۱۹ - ۲۴۲ ق)، فقیه شافعی، محدث، حافظ، مجتهد و مفسر. اصلش از نیشابور و ساکن مکه و شیخ الحرم و شیخ الاسلام شافعیه بود. از محمد بن عبدالله بن عبدالحکم مصری و ربیع بن سلیمان مرادی و محمد بن اسماعیل صائغ و محمد بن میمون و علی بن عبدالعزیز روایت کرد. ابوبکر بن مقری و محمد بن یحیی بن عمار دمیاطی و حسن بن علی بن شعبان و برادرش، حسین بن علی بن شعبان و ابوطاهر محمد بن ابراهیم اصفهانی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. وی در علم خلاف متبحر بود. در مکه درگذشت. در بعضی از مآخذ سال وفات وی ۳۰۹ یا ۳۱۰ ق ذکر شده است. اما ذهبی گوید که این تاریخ درست نیست چرا که ابن عمار دمیاطی در ۳۱۶ ق او را ملاقات کرده است. از آثار او: «المبسوط»، در اختلاف آرای فقهی علمای مذاهب؛ «الاشراف فی معرفه الخلاف» یا «الاشراف فی اختلاف العلماء»؛ «الاوسط» که در واقع اصل کتاب «الاشراف» است؛ «التفسیر» یا «تفسیر القرآن»، در چندین مجلد؛ «جامع الاذکار»؛ کتاب «الاجماع»؛ «الاقناع»؛ کتاب «السنن والاجماع والاختلاف».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۶/۱۸۴)، ایضاح المکنون (۳۵۰-۳۴۹/۱)، تذکره الحفاظ (۷۸۳-۷۸۲/۳)، سیر النبلاء (۴۹۲-۴۹۰/۱۴)، شذرات الذهب (۲/۲۸۰)، طبقات الحفاظ (۳۴۷)، طبقات الشافعیه ابن قاضی شهبه (۹۹-۹۸/۱)، طبقات الشافعیه سبکی (۱۰۸-۱۰۲/۳)، طبقات المفسرین داودی (۵۱-۵۰/۲)، کشف الظنون (۱۳۸۵، ۴۶۰، ۴۴۰، ۲۰۲-۲۰۱، ۱۰۳)، لسان المیزان (۶۲۸-۶۲۶/۵)، معجم المؤلفین (۸/۲۲۰، ۱/۱۱۵)، میزان الاعتدال (۳/۴۳۶)، الوافی بالوفیات (۱/۳۳۶)، وفیات الاعیان (۴/۲۰۷)، هدیة العارفین (۳۱/۲).

نیشابوری، ابورشید سعید

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو پیش از ۳۴۵- وف پس از ۴۱۵ ق)، متکلم و دانشمند معتزلی. نام وی نخستین بار به عنوان متکلم آمده که در مشاجره‌ی ادبی میان بدیع الزمان همدانی و ابوبکر خوارزمی در ملفا باذ نزدیک نیشابور حضور داشت. ابورشید نخست به مکتب معتزلی بغداد پیوست، که در خراسان و ماوراءالنهر رایج بود. ابورشید حلقه‌ی درسی در نیشابور داشت. پس از اینکه به تألیف کتابهایی پرداخت به ری سفر کرد تا از مکتب معتزلیان بصره که رییس آنها قاضی القضاة عبدالجبار بود استفاده کند. ابورشید مذهب اعتزال عبدالجبار را پذیرفت و به خواهش وی کتاب «دیوان الاصول» را به عنوان کتاب درسی علم کلام تألیف کرد، سپس به نیشابور بازگشت و در میانه‌ی راه مدتی نیز در گرگان اقامت گزید. دوباره به ری مراجعت کرد و به عنوان نایب ابوالجبار شناخته شد و بعد از مرگ وی به جانشینی او، ریاست معتزلیان پیرو مکتب بصره را به عهده گرفت. ابورشید راوی حدیث نیز بود. ابوسعید سمان رازی محدث مشهور، احادیثی از او نقل کرده است. از جمله‌ی تألیفات وی: «المسائل فی الخلاف بین البصریین والبغدادیین»؛ «الجزء»؛ «النقص علی اصحاب الطباع»؛ «التذکره»؛ «مسائل الخلاف بیننا و بین المشبهه والمجبره والخارج والمرجئه»؛ «زیادات الشرح».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۰۳۹-۱۰۴۰/۸)، لسان المیزان (۲۹۲/۳)، معجم الادباء (۱۷۴/۱)، معجم المؤلفین (۲۳۰/۴).

نیشابوری، ابوزکریا یحیی

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۲۶- ۱۴۲ ق)، فقیه، حافظ و محدث. شیخ الاسلام و عالم خراسان بود. اصل وی از مرو است. محدثین اهل سنت مراتب فضل و کمال زهد و ورع او را ستوده‌اند و از قول احمد بن حنبل نقل شده که از خراسان، پس از ابن مبارک، کسی همانند یحیی بن یحیی برنخاسته است. در خراسان، حجاز، عراق، شام و مصر به طلب حدیث پرداخت. او از تابعین، کثیر بن سلیم را ملاقات کرد و از او حدیث آموخت. همچنین از عبدالله بن جعفر مخرمی و یزید بن مقدم و مالک و سلیمان بن بلال و شریک قاضی و لیث بن سعد و ابراهیم بن سعد و داوود بن عبدالرحمان عطار و مسلم بن خالد و اسماعیل بن علی و جعفر بن سلیمان ضبعی و حماد بن سلمه و حمید بن عبدالرحمان رواسی و ابن الاحوص و ابوقدومه حارث بن عبید ایادی و جریر بن عبدالحمید و اسماعیل بن جعفر مدنی و اسماعیل بن عیاش و حفص بن غیاث نخعی و معاویه بن عمار دهنی و معاویه بن سلام حبشی و محمد بن مسلم طائفی و یوسف بن یعقوب ماجشون و عبدالرحمان بن ابی الزناد و ابن فضیل و سفیان بن عیینه و عبدالله بن مبارک و عبدالعزیز بن محمد درآوردی و محمد بن ثابت عابدی و معتمر بن سلیمان و مغیره بن عبدالرحمان حزامی و هیشم بن بشیر و وکیع بن جراح و یزید بن هارون و ابوبکر بن عیاش و جماعتی دیگر روایت کرد. مسلم و بخاری و ترمذی و نسایی و حمید بن زنجویه و محمد بن نصر مروزی و محمد بن یحیی ذهلی و فرزندش، یحیی بن محمد بن یحیی ذهلی، و ابواذر احمد بن ازهر و اسحاق بن راهویه و عبدالله بن عبدالرحمان دارمی و احمد بن یوسف سلمی و احمد بن سلمه نیشابوری و فضل بن یعقوب رخامی و محمد بن اسلم طوسی و ابواحمد فراء و یعقوب بن سفیان فارسی و احمد بن سیار و عثمان بن سعید دارمی و زکریا بن داوود خفاف و ابراهیم بن علی ذهلی و داوود بن حسین بیهقی و علی بن حسین صفار و محمد بن عبدالسلام بن بشار وراق و حسین بن منصور سلمی و عبیدالله بن فضاله نسائی و عصمه بن ابراهیم نیشابوری و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. او در نیشابور درگذشت و در این شهر به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۲۳/ ۹)، التاریخ الکبیر (۳۰۱/ ۸)، تذکره الحفاظ (۴۱۶- ۴۱۶/ ۲)، تهذیب التهذیب (۲۶۰- ۲۵۷/ ۱۱)، تهذیب الکمال (۲۵۷- ۲۵۳/ ۲۰)، الجرح والتعديل (ج ۴، ق ۱۹۷/ ۲)، سیر النبلاء (۵۱۹- ۵۱۲/ ۱۰)، شذرات الذهب (۵۹/ ۲)، طبقات الحفاظ (۲۰۱- ۲۰۰)، العبر (۳۱۲/ ۱)، الکامل (۲۶۴/ ۵)، المنتظم (۳۵۰- ۳۴۸/ ۶)، النجوم الزاهرة (۳۰۲/ ۲).

نیشابوری، ابوسعید، ابوسعید عبدالملک

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۰۷/ ۴۰۶ ق)، فقیه شافعی، محدث، مفسر، وعظ و زاهد. معروف به ابوسعید یا ابوسعید خرگوشی. نزد ابوالحسن ماسرجسی فقه آموخت. در طلب حدیث به عراق سفر کرد. پس از آن به سوی حجاز رهسپار گشت. و در مکه مجاور شد. سپس به خراسان مراجعت نمود و طریق زهد و خدمت به خلق پیشه کرد. وی از حامد بن محمد رفاء و یحیی بن منصور قاضی و اسماعیل بن نجید و محمد بن حسن سراج و ابواحمد شیبانی نیشابوری و محمد بن عبدالملک نسوی و بشر بن احمد اسفراینی و علی بن بندار صوفی و ابواسحاق مزکی و ابو عمرو بن مطر و ابوسهل صعلوکی روایت کرد. حاکم نیشابوری و حسن بن محمد خلال و ابوالقاسم تنوخی و

علی بن محمد حنایی و ابوعلی اهوازی و حافظ ابوبکر بیهقی و عبدالعزیز ازجی و ابوالقاسم قشیری و ابوصالح مؤذن و ابوبکر ابن خلف شیرازی و ابوالقاسم ازهری و جمعی دیگر از وی روایت نموده‌اند. مرتبه‌ی وی را در فقاہت و زهد ستوده‌اند. و او را از دانشمندی دانسته‌اند که علاوه بر مقام علمی و زهد به حوائج عامه مردم و فقرا رسیدگی می‌کرده و ابنیه‌ی خیریه‌ای تأسیس می‌نموده است. از جمله بنای بیمارستانی را به وی نسبت می‌دهند. او در نیشابور درگذشت و در خرکوش نیشابور دفن شد. از آثارش: «تهذیب الاسرار فی طبقات الاخیار»؛ «شرف المصطفی (ص)»، در هشت مجلد؛ اللوامع؛ «سیر العباد والزهاد»؛ «شعائر الصالحین» یا «شعار الصالحین»؛ «دلائل النبوة»؛ کتاب «التفسیر»؛ کتاب «الزهد»؛ «البشارة والندارة».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۳۵۱-۳۵۰/۲)، تاریخ بغداد (۴۳۲/۱۰)، تاریخ نیشابور (۱۶۹)، تذکره الحفاظ (۱۰۶۷-۱۰۶۶/۳)، سیر النبلاء (۲۵۷-۱۷/۲۵۶)، طبقات الشافعیه اسنوی (۲۲۹-۱/۲۲۸)، طبقات الشافعیه سبکی (۲۲۳-۵/۲۲۲)، العبر (۲/۲۱۴)، کشف الظنون (۱۵۶۹، ۱۰۴۷، ۱۰۴۵، ۲۴۵)، لب اللباب (۱/۲۸۱)، معجم البلدان (۴۱۳-۲/۴۱۲)، معجم المؤلفین (۱۸۹-۱۸۸، ۱۰۸/۶)، المنتظم (۹/۱۴۶)، هدیة العارفین (۱/۶۲۵).

نیشابوری، ابوسعید احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۳۵۳-۲۸۸ ق)، حافظ و محدث. وی از مرزداران بلاد اسلامی در سرحدات روم بود. در خراسان، عراق و جبال از ابوعمرو خفاف و عبدالله بن شیرویه و حسن بن سفیان و هیثم بن خلف دوری و حامد بن شعیب و قاسم بن فضل رازی و همطبقه‌ی آنها حدیث شنید. حاکم نیشابوری از او روایت کرده است. وی در طرسوس به شهادت رسید. از آثارش: «التفسیر الکبیر» یا «تفسیر النیشابوری القدیم»؛ «الصحیح المخرج علی کتاب مسلم»؛ «الابواب» یا «الابواب والشیوخ».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره الحفاظ (۳/۹۲۰)، سیر النبلاء (۱۵/۲۵۸)، شذرات الذهب (۳/۱۲)، طبقات الشافعیه اسنوی (۲۷۱-۲۷۰/۲)، طبقات الشافعیه سبکی (۳/۴۳)، کشف الظنون (۴۶۰)، معجم المؤلفین (۲/۱۰۵)، هدیة العارفین (۱/۶۴).

نیشابوری، ابوسعید حسن

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۴۸ ق)، محدث، فقیه حنفی، اصولی و قاضی. اصل وی از نیشابور بود، در طلب حدیث به مصر و حلب و ری و کوفه مسافرت کرد و در مصر از نسائی و طحاوی حدیث شنید. او چهل سال منصب قضاوت معرّة النعمان را عهده‌دار بود. از آثارش: «الرد علی الشافعی فیما یخالف فیہ القرآن».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: کشف الظنون (۱۴۲۰)، معجم المؤلفین (۲۰۶-۳/۲۰۵)، هدیة العارفین (۱/۲۶۹).

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۴۵ ق)، حافظ، محدث و زاهد. اهل نیشابور بود. حاکم نیشابوری او را شیخ عصر خویش در خراسان می‌داند وی از ابن عیینه و سلیمان بن داوود طیالسی و حسین بن علی جعفی و عبدالله بن ابراهیم صنعانی و ابراهیم بن عمر صنعانی و اسماعیل بن عبدالکریم صنعانی و سریج بن نعمان و هشام بن سعید طالقانی و اسحاق بن سلیمان رازی و حسین بن محمد مروزی و حفص بن عبدالرحمان بلخی و ابوقتیبه و شبابه بن سوار و عبدالله بن نمیر و عبدالرزاق بن همام و علی بن حسین مروزی و محمد بن بشر عبدی و معن بن عیسی قزاز و وکیع بن جراح و یونس بن بکیر شیبانی و ولید بن عقبه شیبانی و یحیی بن یحیی نیشابوری و وهب بن جریر و یحیی بن اسحاق و عبدالله بن ادريس و دیگران حدیث شنید. بخاری و مسلم و ابوداود و نسائی و ترمذی در «صحاح» خود و نیز ابوزرعه رازی و ابوحاتم رازی و ابراهیم بن ابی‌طالب و محمد بن یحیی ذهلی و ابن خزیمه و ابوالعباس سراج و حاجب بن احمد طوسی و احمد بن سلمه و اسحاق بن ابراهیم نیشابوری و تمیم بن محمد طوسی و جعفر بن محمد بن سوار و زنجویه بن محمد و ابن شاذان و محمد بن عقیل خزاعی و محمد بن نعیم نیشابوری و ابواللیث انصاری و یحیی بن زکریا نیشابوری و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۶/۳۵۹)، التاريخ الكبير (۸۲- ۱/۸۱)، تاریخ نیشابور (۹۷)، تذکره الحفاظ (۵۱۰- ۲/۵۰۹)، تهذیب التهذیب (۱۳۸- ۹/۱۳۶)، تهذیب الکمال (۲۷۰- ۱۶/۲۶۷)، الثقات (۹/۱۰۲)، الجرح والتعديل (ج ۳، ق ۲/۲۵۴)، سیر النبلاء (۲۱۸- ۱۲/۲۱۴)، شذرات الذهب (۲/۱۰۹)، طبقات الحفاظ (۲۴۶- ۲۴۵)، العبر (۱/۳۵۰)، النجوم الزاهرة (۲/۳۸۵)، الوافی بالوفیات (۶۸/۳).

نیشابوری، ابوعلی حسین

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۴۹- ۲۷۷ ق)، حافظ، محدث و فقیه. در نیشابور به دنیا آمد. او از مشایخ حاکم نیشابوری است. در نیشابور از ابراهیم بن ابی‌طالب و علی بن حسن صفار و عبدالله بن شیرویه و ابن خزیمه و احمد بن محمد ماسرجسی و جعفر بن احمد حافظ و در هرات از حسین بن ادريس و محمد بن عبدالرحمان سامی و در نسا از حسن بن سفیان و در جرجان از عمران بن موسی بن مجاشع و در مرو از عبدالله بن محمود و در ری از ابراهیم بن یوسف هسنجانی و در بغداد از عبدالله بن ناجیه و محمد بن حبان و قاسم مطرز و در کوفه از محمد بن جعفر قتات و در بصره از ابوخلیفه جمحی و زکریا ساجی و در واسط از جعفر بن احمد بن سنان و در اهواز از عبدان اهوازی و در اصفهان از محمد بن نصیر و در موصل از ابویعلی بن مثنی و در مصر از ابوعبدالرحمان نسائی و در غزه از حسن بن فرج عزی و در مکه از مفضل جندی و در شام از اصحاب ابراهیم بن علا و معافی بن سلیمان حدیث شنید. ابوبکر احمد بن اسحاق صبغی و ابوولید فقیه و ابن منده و حاکم و ابوعبدالرحمان سلمی و ابوطاهر بن محمش و دیگران از وی روایت کرده‌اند. صاحب عنوان را به قوت حافظه و کثرت احادیثی که از حفظ داشته است ستوده‌اند. به ویژه شاگردش حاکم نیشابوری او را یگانه عصر خود در حفظ حدیث، زهد و ورع می‌داند. او در نیشابور در گذشت و در مقبره‌ی باب معمر دفن شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲/۲۶۶)، تاریخ بغداد (۷۲-۸/۷۱)، تاریخ نیشابور (۲۲۴، ۱۶۰)، تذکره الحفاظ (۹۰۵-۳/۹۰۲)، سیرالنبلاء (۵۹-۱۶/۵۱)، شذرات الذهب (۲/۳۸۰)، طبقات الحفاظ (۳۸۵-۳۸۴)، طبقات الشافعیه ابن قاضی شبهه (۱/۱۲۸)، طبقات الشافعیه اسنوی (۲/۲۷۰)، طبقات الشافعیه سبکی (۲۸۰-۳/۲۷۶)، العبر (۲/۸۱)، معجم البلدان (۳۸۴-۵/۳۸۳)، المنتظم (۸/۳۰۰)، النجوم الزاهره (۳/۳۷۰).

نیشابوری، ابو عمرو محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۹۶ ق)، حافظ و محدث. او را از حفاظ حدیث و ثقه دانسته‌اند. در طلب علم به عراق و حجاز سفر کرد. از پدرش و یحیی بن منصور قاضی و عبدالله بن محمد کعبی و محمد بن مومل بن حسن و ابابکر قطیعی و همطبقه‌ی آنها حدیث شنید. فرزندش، ابو عثمان سعید بن محمد بحیری، و ابو عبدالله حاکم نیشابوری و ابوالعلاء واسطی و محمد بن شعیب رویانی از وی روایت کرده‌اند. در نیشابور در گذشت و در مقبره‌ی ملقباد دفن گردید. از آثارش: «الاربعون المرویه» یا «اربعون حدیثاً». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۱/۲۹۱)، ایضاح المکنون (۱/۵۳)، تاریخ نیشابور (۱۷۵)، تذکره الحفاظ (۱۰۸۳-۳/۱۰۸۲)، سیرالنبلاء (۱۷/۹۰)، شذرات الذهب (۳/۱۴۸)، طبقات الحفاظ (۴۳۸)، معجم المؤلفین (۹/۳)، المنتظم (۹/۹۲)، هدیة العارفین (۵۷/۲).

نیشابوری، ابو منصور محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۶۷ ق)، فقیه شافعی. او را از فقهای بزرگ زمان خود به شمار آورده‌اند. حاکم گوید که وی از افقه اصحاب پدرش، ابولید حسان بن محمد، بود. از ابوالعباس محمد بن اسحاق و ابوالعباس و ماسرجسی و مؤمل بن حسن و جماعتی دیگر حدیث شنید. وی در نیشابور در گذشت و در کنار پدرش به خاک سپرده شد. از آثارش: الرد علی کتاب الرياضه والادب» ابونعیم اصفهانی. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: طبقات الشافعیه اسنوی (۲/۲۶۴)، طبقات الشافعیه سبکی (۱۳۶-۳/۱۳۵)، معجم المؤلفین (۹/۱۷۹).

نیشابوری، ابویوسف یعقوب

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۷۴ ق)، ادیب، لغوی و شاعر. اهل نیشابور بود و در علم لغت تبحر داشت و بنابر آورده‌ی «کشف الظنون» صاحب تألیفاتی در این

فن می‌باشد. او شعر نیز می‌سرود. از آثار او: «البلغة فی اللغة».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: کشف‌الظنون (۲۵۳)، معجم‌المؤلفین (۱۳/۲۴۱)، هدیه‌العارفین (۲/۵۴۴).

نیشابوری، جمال‌الدین محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۸۴ ق)، محدث، فقیه شافعی و خطیب. اصل وی از نیشابور است. در ۷۲۱ ق وارد مصر شد و از حجار حدیث شنید. او در نزد قطب سنباطی و ابن القماح و ابن عدلان و دیگران فقه آموخت. وی در مصر منصب تدریس و فتوا داشت. صاحب «شذرات‌الذهب» او را به سلامت نفس و رعایت جانب حق می‌ستاید. در سنین کهولت شنوایی خود را از دست داد و به همین علت به او اطروش می‌گفتند. از آثارش: شرح «التعجیز» یا «تصحیح التعجیز»، در فقه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: شذرات‌الذهب (۶/۲۸۵)، کشف‌الظنون (۴۱۸)، معجم‌المؤلفین (۱۱/۲۵۳).

نیشابوری، جوهرناز

قرن: ۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

قرن ششم هجری، از زنان محدث. وی دختر زاهد بن طاهر شحامی و از اهالی نیشابور بود و از ابوالحسن علی بن احمد المدینی مؤذن و ابوالعباس فضل بن عبدالواحد و ابوعلی نصرالله بن احمد خوشنماهی حدیث شنید. سمعانی نیز از او استماع حدیث کرده است.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: اعلام‌النساء، ۲۲۶ / ۱.

نیشابوری، رضی‌الدین، ابوجعفر محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۹۸ ق)، فقیه و شاعر. معروف به استاد الاثمه. آغاز عمر را در بلخ به کسب دانش گذرانید ولی بیشتر در ماوراءالنهر می‌زیست و رضی‌الدین از شاگردان حسین بن احمد خطیبی و شرف‌الدین محمد بن مسعود مروزی و از مریدان شیخ معین‌الدین حموی بود. ابوجعفر در علم فقه و خلاف صاحب نظر و اثر بود و در شاعری توانا. وی بیشتر مدح قلیج طمغاج خان ابراهیم بن حسین و قلیج ارسلان می‌گفته و چند نوبت به زیارت خانه خدا تشریف یافته است. در پایان عمر به گوشه‌نشینی و زهد مشغول شد بیشتر

اشعار وی بن مایه‌ی موعظه و اندرز دارد در «ریاض العارفين» وی را تحت دو نام آورده است. وی را مداح ارسلان بن طغرل بیک سلجوقی نیز دانسته‌اند که ظاهراً ناصواب است. به زبان عربی نیز شعر می‌سروده است. از آثار وی: «مکارم الاخلاق»؛ «دیوان» اشعار. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آتشکده‌ی آذر (۶۹۱-۶۸۶/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۸۵۲-۸۴۹/۲)، تاریخ نظم و نثر (۹۹)، دایرةالمعارف فارسی (۱۰۸۹/۱)، الذریعه (۱۴۶/۲۲، ۳۷۳/۹)، ریاض العارفين (۷۸)، ریحانه (۳۲۱-۳۲۰/۲)، سرآمدان فرهنگ (۳۹۵-۳۹۴/۱)، کشف الظنون (۱۸۱۱-۱۸۱۰)، لباب الالباب (۲۲۸-۲۱۹/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۷۵-۸۷۴/۵)، مجمع الفصحا (۶۷۵-۶۷۲/۲)، هفت اقلیم (۲۵۰-۲۴۳/۲).

نیشابوری، سعیده

قرن: ۱۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

از زنان محدث، پارسا و نیکوکار. وی دختر زاهد بن طاهر بود و در نیشابور تولد یافت و از جدش ابو عبدالرحمن طاهر و ابوبکر شیرازی حدیث فراگرفت و به نقل احادیث صحیح شناخته می‌شد. سمعانی در نیشابور از او حدیث‌هایی نوشت. برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۱۹۹ / ۲.

نیشابوری، شریفه

قرن: ۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

۵۳۶-۴۷۰ ق، از زنان نیکوکار و پارسا و محدث. وی از ابوسعید عبدالرحمن بن منصور بن رامش و ابوبکر احمد شیرازی حدیث فراگرفت و سمعانی از او حدیث نوشته است. برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۲۹۶ / ۲.

نیشابوری، شیخ میرزا جواد، عبدالجواد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی و متکلم. ساکن نجف بود. وی را از فقها و اصولیین بزرگ عصر خود و از طبقه‌ی شاگردان شیخ جعفر کاشف‌الغطاء می‌دانند. در فقه، اصول و کلام متبحر بود. شیخ آقا بزرگ تهرانی در «طبقات اعلام‌الشیعه» او را با توجه به تألیفاتش از فحول علمای عصر خود به شمار آورده است. از آثارش: «شرح الشرایع»، در فقیه؛ رساله‌ای در «حدوث

العالم»؛ کتاب «اصول الفقه» [۱].

جواد (عبدالجواد) نیشابوری بن حاج سلیمان نجفی از بزرگان علماء عصر خود و اجلاء مصنفین بوده و تصنیفی در فقه بنام (شرح الشرایع) به عنوان قوله قوله در وقوف و صدقات غصب و مکاسب و بیع و خیارات و اجاره دارد و نیز رساله در حدوث عالم دارد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۱۳/۳۲۵، ۶/۲۹۴، ۲/۲۰۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/۲۸۴)، معجم المؤلفین (۳/۱۶۶).

نیشابوری، قطب‌الدین، ابوجعفر محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم ق)، محدث، مقری و نحوی. از علمای امامیه در قرن ششم قمری است. او از شیخ ابوعلی بن شیخ طوسی روایت کرده است. کتاب «المجالس»، در حدیث از اوست و ابن شهر آشوب در «مناقب» خود از آن بسیار نقل کرده است. وی از مشایخ روایی سید ضیاء‌الدین ابوالرضا فضل‌الله بن علی راوندی و امام قطب‌الدین راوندی (م ۵۷۳ ق) بود. قطب‌الدین نیشابوری «الندبه» امام زین‌العابدین (ع) را از حاکم حسکانی از صدوق ابن بابویه روایت کرده و علامه حلی در «اجازه‌ی» کبیره خود به این مطلب اشاره کرده است. از دیگر آثارش: «التعلیق»؛ «الحدود»؛ «الموجز فی النحو» [۱].

محمد بن علی بن حسن مقری نیشابوری ملقب به (قطب‌الدین) مکنی به ابوجعفر عالمی موثق و استاد سید ابی‌الرضا فضل‌الله راوندی و شیخ ابی‌الحسن قطب راوندی و صاحب تعلیق الحدود الموجز در نحو بوده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۲۳/۲۵۱، ۱۹/۳۵۶، ۴/۲۲۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶/۲۷۲)، فهرست منتجب‌الدین (۱۵۷-۱۵۸)، فوائد الرضویه (۵۵۹)، معجم المؤلفین (۳۱۸-۳۱۷/۱۰).

نیشابوری، لطف‌الله

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجة الاسلام آقا شیخ لطف‌الله نیشابوری معاصر (امیر تیمور گورکانی) و متوفی سنه ۸۱۰ قمری دارای تالیفی به نام غایه‌المطلوب در واجب و مندوب بوده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نیشابوری، محمدصادق

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجة الاسلام آقا شیخ محمدصادق نیشابوری فقیهی کامل و عالمی بزرگ بوده و بسطامی و برادر (فردوس التواریخ) از شاگردان میرزا سید حسن رضوی مشهدی متوفی (۱۳۷۸) یاد نموده و درباره‌اش گفته: العالمه الفهم و مقتدی الانام و کفیل الارامل و الایتام). برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نیشابوری، محیی‌الدین، ابوسعید، ابوسعید محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۴۸-۴۷۶ ق)، فقیه شافعی، عالم و محدث. شیخ‌الشافعیه نیشابور بود. در طریث نیشابور به دنیا آمد و نزد امام محمد غزالی و ابی‌المظفر خواری فقه آموخت. او را در فقه و خلاف از سرآمدان شافعیه به شمار آورده‌اند. از ابی‌حامد احمد بن علی بن عبدوس و اسماعیل بحیری و ابوالفتیان رواسی و نصرالله خشنامی و عبدالغفار شیروی و جماعتی دیگر حدیث شنید. سمعانی و منصور بن ابوالحسن طبری و یحیی بن ربیع واسطی فقیه و دیگران از وی روایت کرده‌اند. او در نظامیه‌ی نیشابور و نظامیه‌ی هرات تدریس می‌کرد. ابومنصور هروی که یکی از بزرگان فقه‌های شافعیه است، از شاگردان وی می‌باشد. عمده شهرت وی بواسطه تألیف کتاب «المحیط» در شرح کتاب «الوسیط» استادش، امام محمد غزالی، است. وی در جریان فتنه‌ی غزان و سقوط نیشابور به قتل رسید. از دیگر آثارش: «الانتصاف فی مسائل الخلاف»، در «طبقات الشافعیه» سبکی این کتاب با عنوان «الانصاف فی مسائل الخلاف» ذکر شده است؛ «تعلیقه فی الخلائیات» [۱].

ابوسعید محمد بن یحیی ملقب به محیی‌الدین، از فضلا و فقه‌های معروف ایران (و. ۴۷۶ ه. ق. مفت. ۵۵۰ ه. ق) «المحیط فی شرح الوسیط» و کتاب «الانتصاف فی مسائل الخلاف». هنگامی که غزان نیشابور را گرفتند چون امام جنگ آنان را واجب دانسته بود دهان او را پر خاک کردند تا بمرد. خاقانی را در رثای او دو قصیده است یکی با ردیف خاک است. برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] روضات الجنات (۸/۲۲)، ریحانه (۵/۲۶۰)، سیرالنبلاء (۳۱۵-۳۱۲/۲۰)، شذرات الذهب (۴/۱۵۱)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۲/۳۱۶)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۷/۲۵-۲۸)، العبر (۸-۷/۳)، کشف‌الظنون (۲۰۰۸، ۱۷۴)، النجوم الزاهره (۵/۲۹۳)، الوافی بالوفیات (۵/۱۹۷)، وفیات الاعیان (۴/۲۲۳-۲۲۴)، هدیة الاحباب (۲۳۸-۲۳۷)، هدیة العارفین (۲/۹۱).

نیشابوری، ملیله

قرن: ۱۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

از زنان محدث. وی دختر ابوالحسن بود که از فضل بن محب روایت کرده و عبدالرحمان بن السمعانی از او روایت کرده است. برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه: منبع: اعلام‌النساء، ۱۰۹ / ۵.

نیشابوری، نجم‌الدین، ابوالقاسم محمود

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۵۵۰ق)، فقیه، مفسر، ادیب، لغوی و شاعر. ملقب به بیان الحق. مؤلف «معجم‌الادباء» وی را عالمی بارع و مفسری دانشمند توصیف کرده است. او در علم لغت و فقه متبحر بود. همچنین وی را متفنن در علوم و تصانیف او را کم‌نظیر دانسته‌اند. از آثارش: «ایجاز البیان فی معانی القرآن»؛ «خلق الانسان»؛ «جمل الغرائب»، در تفسیر حدیث؛ «التذکره والتبصره». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴۳ / ۸)، کشف‌الظنون (۱۲۰۵، ۷۲۲، ۶۰۲، ۶۰۱-۶۰۲، ۳۹۳، ۲۰۵)، معجم‌الادباء (۱۲۵- ۱۲۴ / ۱۹)، معجم‌المؤلفین (۱۵۸- ۱۲ / ۱۵۷).

نیک‌بین، بهروز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ایمنونولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

نیک‌پور، بهمن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۲، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بهداشت، دانشکده: بهداشت، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی از دانشکده اصفهان در سال ۹۴۳۱، M.P.H در رشته بهداشت از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۳، تخصص مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی طولی مسائل بهداشتی درمانی در استان چهارمحال و بختیاری، بررسی تست سل دریچه‌های کمتر از یک سال در استان چهارمحال و بختیاری، بررسی طول مسائل جمعیتی در روستاهای مبارکه اصفهان و بررسی نحوه تغییر نظام آموزش پزشکی براساس نیازمندیهای جامعه، استفاده از فرصت مطالعاتی در کشور هندوستان، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۲۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترای.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

مدیریت و برنامه‌ریزی خدمات بهداشتی درمانی، سیمای بهداشت و درمان در ایران، بهداشت و درمان در روستاهای چهارمحال و بختیاری، بررسی نحوه تغییرات نظام آموزشی و ارائه خدمات بهداشتی درمان براساس نیازمندیهای جامعه.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۴، تعداد مقالات به زبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

بررسی کم‌خونی در روستاهای مبارکه اصفهان، وضعیت بیماری‌دهی در استان اصفهان، نقش بستری در منزل در خدمات بهداشتی درمانی، پزشکی اجتماعی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

نیکخواه، خیرالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

خیرالله نیک خواه

محل تولد: رودسر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب خیرالله نیک خواه متولد سال ۵۲ شهرستان رودسر در سال ۵۹ وارد دبستان شدم تا سیکل را ادامه دادم بعد وارد حوزه علمیه شهرستان لنگرود شدم. بعد از یک سال (۶۸ - ۶۷) به عنوان مبتدی در امتحان ورودی شرکت و قبول شدم. در حین تحصیل حوزه، دروس کلاسیک را به صورت متفرقه خواندم و دیپلم را اخذ نمودم. بعد از گذراندن دوره سطح، در دانشگاه «تربیت مدرس قم» قبول شدم اما به خاطر مشکلات و مریضی نتوانستم در مصاحبه شرکت کنم و لذا ادامه ندادم و موفق به ورود در دانشگاه نشدم. در حین تحصیل و شرکت در درس خارج، در سال ۸۳ - ۸۲ در رشته تخصصی «مذاهب اسلامی» شرکت کردم و دوره سطح ۳ را به پایان رساندم.

در حین تحصیل در دروس تخصصی در امتحان و مصاحبه گزینش و مجوز تدریس دروس معارف (گرایش تاریخ اسلام و امامت) در امور اساتید و معارف اسلامی در دانشگاه‌ها شرکت کردم و موفق به اخذ مجوز شدم و اکنون ۲ سال است که به صورت پاره وقت و حق التدریس در بعضی مراکز دانشگاهی که در برگه‌های قبل ذکر شده مشغول تدریس می‌باشم. و هم اکنون نیز مشغول

نوشتن پایان نامه سطح ۳ حوزه می باشم. در برنامه های گفتمان های دینی با موضوعات مختلف که از طرف سازمان تبلیغات اسلامی اجرا شده شرکت می نمایم. در مراکز دانشگاهی و پیش دانشگاهی، جلسات پرسش و پاسخ در مسائل دینی انجام وظیفه می نمایم.

نیکزاد تهرانی، علی اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اکبر نیکزاد تهرانی

محل تولد: بهشهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب تحصیلات حوزوی را در سال ۱۳۵۲ در زادگاهم «رستم کلا» از توابع شهرستان بهشهر آغاز نمودم. مقدمات را در آنجا به پایان رسانده و اوایل سال ۵۶ توفیق حضور در حوزه علمیه قم را به دست آوردم. دروس سطح را نزد اساتیدی من جمله حضرات حجج الاسلام و آیات عظام: «شجاعی»، «وجدانی»، «دوزدوزانی»، «ستوده» و «صالحی مازندرانی» تلمذ نمودم. سپس از محضر حضرات آیات: «فاضل لنکرانی»، «صانعی» و «صالحی مازندرانی»، سنواتی چند، دروس خارج فقه و اصول را بهره گرفتم. در سال ۵۷ مدتی را به علت فعالیتهای سیاسی، دستگیر و در زندان رژیم ستم شاهی به سر بردم. و در دهه ۷۰، چند سالی را به عنوان: «مدیر سازمان تبلیغات اسلامی استان کردستان»، توفیق خدمت گذاری در عرصه تبلیغ و نشر معارف و فرهنگ دینی و اهل بیت (ع) پیدا نمودم.

از سال ۷۶ در ستاد منطقه دو سازمان تبلیغات اسلامی (گروه مناطق ویژه) به پشتیبانی فرهنگی، تبلیغی مناطق سنی نشین کشور مشغول بودم. فعلا در پژوهشکده علمی کاربردی «باقرالعلوم» به تحقیق و مطالعه می پردازم. بعضی از آثار و دست نوشته های حقیر به شرح زیر می باشد:

۱. کنکاشی در مبانی فکری مقنی زاده، تحلیلی است از گرایشات مذهبی اقشاری از اهل سنت موجود در کردستان همراه با بررسی چالشهایی که نظام جمهوری اسلامی در این ارتباط می تواند در پیش رو داشته باشد و بایسته هائی که باید صورت پذیرد.
۲. امام و بایسته های تبلیغ، تنظیم بیانات رهبر فقید و بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی (ره) در بایدها و نبایدهای تبلیغات دینی که برای دستگاههای تبلیغی و مبلغین می تواند کاربرد داشته باشد.
۳. رهبری و بایسته های تبلیغ، بیانات مقام معظم رهبری حول محور اولویتهای تبلیغ.
۴. خاطرات و خطرات: تنظیم خاطرات و تجربیات تلخ و شیرین خطیب توانا و شهیر کشور، مرحوم حجة الاسلام و المسلمین آقای فلسفی (ره).

۵. تفاوتهای قومی و مذهبی در ایران: تحلیلی است از بافت قومی و مذهبی کشور همراه با بررسی تهدیدات و فرصتهای موجود و ضرورتها و بایسته های همبستگی و وحدت ملی در کشور.

۶. مقاله: مناسبات فرهنگی بین ایران و اسلام: تحلیلی است از بحث هویت ملی و فرهنگی ما ایرانیان و تعاملی که بین فرهنگ ایران و دین مبین اسلام در عرصه های مختلف به ویژه شکل گیری اندیشه سیاسی ایرانی، اسلامی که توسط دبیر خانه دین پژوهان در مجموعه مقالات به چاپ رسیده است.

۷. مقاله (نسل جدید و بایسته های تبلیغ دینی) که در سه شماره نشریه بشیر ویژه مبلغین مناطق سنی نشین کشور به چاپ رسیده است.

۸. دانشنامه پیامبر اعظم (ص) که طرح آن به تصویب پژوهشکده باقر العلوم رسیده و شیوه نامه و تهیه مدخل های آن انجام گرفته است و مراحل بعدی انجام کار در دست اقدام است که انشاء الله مفید واقع گردد.

نیکنام، مهرداد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهرداد نیکنام در سال ۱۳۲۶ ش در شهر تهران به دنیا آمد. ایشان پس از اخذ مدرک کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی، در سال ۱۳۵۵ ش رشته کتابداری را از دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران اخذ کرد. وی در حال حاضر عضو هیأت علمی و کتابخانه ملی ایران است. کتاب "کتابشناسی حافظ" تالیف مهرداد نیکنام، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه: علوم انسانی رشته: کتابداری تحصیلات رسمی و حرفه ای: مهرداد نیکنام دوره دبیرستان را در سال ۱۳۴۵ ش به پایان رسانید. سپس در دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی به تحصیل پرداخت و لیسانس مترجمی زبان انگلیسی را در سال ۱۳۵۰ ش از آن دانشکده دریافت کرد و در سال ۱۳۵۵ ش از دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران در رشته کتابداری موفق به اخذ درجه فوق لیسانس شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مهرداد نیکنام در حال حاضر عضو هیأت علمی و کتابخانه ملی ایران است. جوایز و نشانها: کتاب "کتابشناسی حافظ" تالیف مهرداد نیک نام، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. آثار: آفتها و آسیبهای کتاب، احیای نسخه خطی کتاب «تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه» ویژگی اثر: با همکاری آقای عین الله کیانفر ۳ کتابشناسی حافظ ویژگی اثر: این کتاب در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است - آشنایی با کتاب: «کتابشناسی حافظ» این کتاب الگوی مناسبی برای تدوین «کتابشناسی مشاهیر» یا «کتابشناسی پدیدآورنده» است و نیز منبع سودمندی برای آگاهی حافظ شناسان و حافظ دوستان. کتاب در دو بخش اصلی سامان یافته است. بخش اول، آثار فارسی، عربی، ترکی قدیم، اردو، پنجابی و سندی را در بر دارد و بخش دوم شامل آثار به بیست و پنج زبان دیگر است. چابهای مختلف دیوان حافظ و نیز برگزیده های آن، شرحها، کتابهای مستقل و نیز بخشی از یک کتاب درباره حافظ، مقاله ها، پایان نامه های دکترا، نسخ خطی (تا پایان قرن دهم)، تنظیم شعرهای حافظ برای آواز و حافظ در ادبیات کودکان دامنه گسترده تبع گردآورنده را می نمایاند. گردآورنده در تنظیم مشخصات آثار، اصول کتابشناسی را رعایت کرده و فهرستهای پایان کتاب دستیابی به مدخلها را بخوبی فراهم می کند. ۴ ویرایش فنی و مقابله کامل کتاب «حفاظت و نگهداری اسناد و کتب». ویژگی اثر: ویرایش

نیک نفس، پدram

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی کرمان.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی بیماریهای کودکان از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علوم پزشکی کرمان از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۸ و دانشیار دانشگاه علوم پزشکی کرمان از سال ۱۳۶۹ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی علل زردی در نوزادان، بررسی نوزادان مادران دیابتی، مایع درمانی خوراکی با پودر پیشنهادی سازمان بهداشت جهانی،

بررسی تأثیر پیشگیری گاماگلوبین عضلانی در اطرافیان بیمار مبتلا به هپاتیت عفونی، تدریس دروس بیماریهای کودکان و نوزادان

در دانشگاه علوم پزشکی کرمان.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

دارو در دوران بارداری و شیردهی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

بررسی نوزادان مادران دیابتی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

نیلچی، رحمت الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رحمت الله نیلچی

محل تولد: روستای حصار خنداب

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۴/۱/۱

زندگینامه علمی

پیر کاهم در مصاف تند باد خود ندانم در کجا خواهم فتاد

پیش چوگان های حکم کن فکان میدویم اندر مکان و لا مکان

آن طور که به یاد دارم در روستائی که متولّد شدم یک سال به مکتب رفتم جزء آخر قرآن را که معروف به «عمّ جزء» بود فرا گرفتم و بعد از آن، وارد مدرسه دولتی که دوره ابتدائی آن شش کلاس بود شدم. در کلاس دوم نام نویسی نمودم. در فراگیری دروس، استعداد نسبتاً خوبی داشتم و در زمره شاگردان ممتاز مدرسه محسوب می شدم. پدرم کشاورز بود و چند رأس گوسفند نیز داشت، طبق معمول وقت و بی وقت در حدّ توانائی خود پدر را کمک می کردم.

از وقتی که خود را شناختم به نماز و روزه اهمّیت می دادم و با مسجد و عالم روحانی مسجد در ارتباط بودم. تمایل به ادامه تحصیل در این جانب زیاد بود. دبیرستان رفتن مستلزم رفتن به شهر و پرداخت اجاره خانه و تأمین این هزینه برای پدرم مقدور نبود. عاقبت با تشویق عالم محلّ و مرحوم والده و علاقه به مطلق تحصیل در خودم در سال ۱۳۴۰ همراه پدر به شهر اراک آمده و در مدرسه مرحوم «حاج محمّد ابراهیم» که یکی از ۳ مدرسه علمی دینی شهرستان بود؛ پذیرفته شده و در ظرف دو سه سال دوره مقدّماتی صرف و نحو و منطق را گذراندم.

خیلی دوست داشتم در قم ادامه تحصیل دهم. نظر به این که به مجرد ورود به قم، به من شهریه نمی دادند مشکل معیشتی داشتم تا اینکه به تشویق و راهنمایی یکی از دوستان روحانی عازم حضرت عبد العظیم (علیه السلام) شده و در مدرسه مرحوم «سید مهدی لاله زاری» در حدود یک سال و اندی حجره گرفته و با شهریه ماهانه هفتاد تومان و چندین کتاب از شرح لعمه را نزد اساتید آن جا تلمّذ نموده، با مقداری تحول و بحران فکری دوباره به اراک مراجعت نمودم و در کل با اینکه انگیزه من به مراجعت چه بود؟ (درست نمی دانم) به صلاح من بود.

در سال ۴۵ به قم آمدم. در مدرسه فیضیه حجره گرفتم، اتفاقاً مصادف با امتحانات حوزه بود با اینکه بعضی از دوستان طلبه می گفتند آقایان مراجع فرموده اند شرط شرکت در سطح ۳ سابقه اقامت مثلاً چند ماه در قم است. برای اوّلین بار به خود جرأت دادم این فرمان را اگر چه صادر شده باشد نادیده بگیرم و احساس گناه نکنم، دلیل این بود که نبودن من در قم به جهت فقر مالی بوده، اگر پول و امکانات داشتم از اول تحصیل به قم می آمدم، در امتحان شرکت کرده و اتفاقاً قبول شدم.

بعد از تأمین شهریه، مکاسب و رسائل و مقداری از شرح منظومه و کفایه الاصول را نزد اساتید معروف سطح آن روزگار در حال و هوای غیر جدی و سهل انگاری گذراندم. وارد جرگه خارج خوانان شدم. درس فقه مرحوم «آیه الله گلپایگانی»، و اصول مرحوم «حاج میرزا هاشم آملی»، چندین سال حضور داشته و گاه و بیگاه طبق معمول فریاد اشکال می زدم. همین امر انگیزه مطالعه را در من بیشتر می نمود. کم کم تصمیم گرفتم قلم به دست گرفته و پای درس، مطالب استاد را بنویسم. قلمم سریع نبود و نوشته ام به دلم نمی نشست. بعد به این فکر افتادم برای چه بنویسم؟ درس اساتید که نو آوری خاصی ندارد، اگر هم داشته باشد؛ خیلی کم است، اگر بخواهم این مطالب را دوباره بخوانم خود کتابهایی از قبیل: «مکاسب، رسائل، جواهرات، تقریر مرحوم نائینی و مرحوم آقا ضیاء از نوشته خودم بهتر است، و از خوف این که مبادا فرزند عالمی خلف من شود و نوشته هایم اضحوکه و مایه بی اعتباری من گردد، همه را همراه آب رودخانه روانه باتلاق قم نمودم. بعد از ورود آیت الله وحید خراسانی به قم، ادامه تحصیل فقه و اصول را

مختص حوزه درس ایشان نمودم، البته در این مرحله نیز جدی در مطالعه نبودم، اگر اشکالی می‌کردم؛ بیشتر خلق الساعه و مولود استعداد ذهنیم بود و استاد بزرگوار به جریان واقف بود؛ گاهی عنایت می‌فرمود، گاهی هم با بی‌توجهی خاصی می‌گذشت. در حدود سال ۱۳۶۰ یکی از دوستان پیشنهاد کرد در انتشارات اسلامی مربوط به جامعه مدرسان حوزه علمیه قم که خود در آنجا اشتغال داشت روزانه چند ساعت همکاری نمایم، برای اولین بار جلد اول و دوم فواید اصول تقریرات درس مرحوم نائینی به قلم مرحوم کاظمینی، جهت تحقیق و بررسی و نشانه‌گذاری واگذار شد، این کار را انجام داده و فهرست مفصلی برای آن تنظیم نمودم که بیانگر نظریه‌های مؤلف (یا استاد ایشان) بود، و بعد از آن جلد ۳ و ۴ به انضمام حواشی مرحوم آقا ضیاء، با مهارت و تجربه‌ای بیشتر، و بعد از آن دوره قاموس الرجال مرحوم شیخ شوشتری، و عناوین مرحوم مراغی، و فواید‌المدینه محدث استرآبادی به انضمام شواهد‌المکیه از سید عاملی (برادر مرحوم صاحب مدارک) در نقد فواید‌المدینه تحقیق و تنظیم نمودم. این دو کتاب برای من خیلی مفید بود و تحول بزرگی در بینش و نگرش من در رابطه با فهم شریعت به وجود آورد.

کم‌کم درس و بحث حوزوی را رها کرده؛ متمحض در کار تحقیق متون و تقوم نصوص شدم، حتی تدریس مختصری که داشتم رها کردم، چون این کار علاوه بر این که از جهت مادی کمک هزینه بود، تشخیص دادم از هر محضر درس و تدریس مفید تر است، زیرا مجبور بودم چند بار یک کتاب را با دقت تمام مطالعه کنم و جایگاه علائم را از قبیل ویرگول، نقطه، علائم، سؤال، ابتدا و انتهای مطالب و غیره را تعیین نمایم. مخصوصاً در مرحله سر صفحه نویسی و تنظیم فهرست، و استخراج منابع. در این مرحله متوجه شدم بسیاری از کتب و متون دینی که تجدید چاپ می‌شوند فنی نیستند، به شوخی می‌گفتم: بعضی گمان می‌کنند «ویرگول» مانند کنجد است که شاطرها به روی سنگک می‌پاشند؛ آن هم نوعاً ناشیانه یکجا زیاد، یکجا کم، و تقطیع‌هایی صورت می‌گیرد که باعث انحراف فهم خواننده می‌شود، هنوز خبر مبتداء نیامده، فقره‌ای را تمام شده پنداشته نقطه گذاشته و از سر سطر شروع نموده و همچنین هنوز جواب و جزاء شرط نیامده، پراگراف بسته شده است و این نظریه را با تاکید ابراز می‌داشتم: که اگر فردی مسلط بر محتوای کتابی نباشد مثلاً نتواند آن کتاب را به خوبی تدریس نماید؛ حق ندارد کتابی را تصحیح یا تحقیق نماید، صرف اینکه می‌داند نقطه باید در کجا باشد، ویرگول در کجا و علائم دیگر ... کافی نیست. تا مطلب را خوب نفهمد هرگز نمی‌تواند موضع از علائم را دقیق مشخص نماید.

در مؤسسه مزبور، مسئولیت کتابهای ذکر شده و تعدادی دیگر را شخصاً عهده دار بوده، و بسیاری دیگر را اشراف و نظارت داشته‌ام، آن هم در سطح مقدر، نه در سطح مطلوب و فعلاً وسائل الشیعه و مستدرک آن را جهت تسهیل در مراجعه به احادیث مربوط به هر باب و عنوان تنظیم می‌نمایم، که شرح روش تحقیق و تنظیم و تصحیح و پاروقی نویسی آن به طول می‌انجامد.

«همکاری با مدارج علمی مدیریت حوزه»

چندین سال است که به عنوان داور، مشاور و راهنما در سطح ۳ و ۴ با این واحد علمی نیز همکاری دارم. یکی دو سال هم عضو هیئت علمی بوده‌ام، و در این محور نیز تجربه‌های دارم.

در خاتمه: از کار به اصطلاح تحقیقاتی خود راضی هستم، از این حیث که برای شخص خودم در مسیر کسب معارف دینی و فهم متون و تجزیه و تحلیل مسائل فقهی، اصولی، رجالی، کلامی و تفسیری بسیار راه گشا بوده است، اما متأسفم برای جامعه‌ای که نیازهای مادی من و عائله را اداره می‌کنند هیچ نفعی نداشته است، و در موازنه گرفته‌ها داده‌هایم صفر است.

در دلم آید که گنه کرده‌ام چون ورقی چند سیه کرده‌ام

دولت اگر همه مئی ساختی کار به این نیز نپرداختی

باقی این گفته آید بی بیان درد آن کس که دار فهم جان

(والسلام)

نیلی نیشابوری، ابوسهل سعید

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۲۰-۳۵۳ ق)، فقیه، طیب، ادیب، نحوی و شاعر. اهل نیشابور بود. او در علم طب استاد بود و از مشاهیر اطبا به شمار می‌آمد و تصانیفی در این زمینه دارد. وی همچنین در فقه و فنون شعر و ادب نیز متبحر بود. از آثار او: اختصار کتاب «المسائل» حنین بن اسحاق؛ تلخیص «شرح فصول بقراط» جالینوس همراه با نکاتی از «شرح ابوبکر رازی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳/۱۵۰)، تاریخ طب (۶۷۹-۲/۶۷۸)، عیون الانباء فی طبقات الاطباء (۳۱۴)، کشف الظنون (۱۶۶۸)، معجم الادباء (۱۱/۲۱۸)، معجم المؤلفین (۴/۲۲۵)، الوافی بالوفیات (۱۵/۲۴۰).

نیلی پور، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: علوم انسانی، دانشگاه: پیام نور

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۴۴، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۶، کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی از دانشگاه ایلینویز در سال ۱۳۵۱، دکترای تخصصی زبان‌شناسی همگانی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۵، فوق تخصص عصب‌شناسی زبان و اختلالات زبان از دانشگاه برکلی و ایلینویز آمریکا در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

استادیار و دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۶۲، دانشیار دانشکده علوم توانبخشی از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۶۷، دانشیار و استاد دانشگاه پیام نور از سال ۱۳۶۷.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی‌های زبانی کودکان عقب‌مانده ذهنی، زبان پرسشی و ارزیابی دوزبانگی، نقش زایمانی فرآیندهای فولوژیک، آفازی بزرگسالان، ارزیابی و درمان، تأثیر دوزبانگی همپایه در یادگیری زبان دیگر، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۶ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

توانایی‌های دوزبانه شدن در کودکان و بزرگسالان، فیلم آموزش صداها و الفبای فارسی به خارجیان، فیلم آموزش زبان انگلیسی از تلویزیون، زبان‌شناسی نوین، اثرات انقلاب چامکی، در زمینه‌های زبان‌شناسی و آموزش زبان انگلیسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۸
زمینه علمی مقالات:

توصیف ساختمان فعل لهجه‌داران، سنجش معنی در روان‌شناسی زبان، دو زبانگی و زبان پرسشی، سازمان‌بندی دو زبان در قشر مخ، دستور پرسشی و نمود آن در زبان‌شناسی، خودآموزی و آماده‌سازی دو اصل آموزشی در رشته‌های زبان‌شناسی، روان‌شناسی زبان، عصب‌شناسی زبان و آموزش از راه دور.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

وائقی نیا، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین وائقی نیا

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۳۶ شمسی در قم متولد شدم. پیش از هفت سالگی، قرائت قرآن و نوشتن و خواندن را در مکتب خانه آموختم و در تابستان سالهای بعد تکمیل کردم. هنگامی که به هفت سالگی رسیدم به دبستان دولتی رفتم و پس از گذراندن دوره شش ساله دبستان، به دبیرستان رفتم. در نیمه سال چهارم دبیرستان بود که آن را رها کردم و به حوزه پیوستم. (سال ۱۳۵۲ ش)

مقدمات را نزد اساتید متعدد از جمله: «مرحوم حاج شیخ محمد علی»، معروف به مدرس افغانی فرا گرفتم. بیشتر شرح لمعه را نزد مرحوم «آیت الله حاج شیخ قدرت الله وجدانی فخر»، و بقیه را نزد چند نفر دیگر فرا گرفتم. بخش عمده رسائل را نزد «آیت الله حاج شیخ مصطفی اعتمادی تبریزی» و بقیه را نزد «آیت الله حاج شیخ حسین کریمی قمی» آموختم. مکاسب و قسمت عمده کفایه را نزد مرحوم «آیت الله حاج شیخ محمد تقی ستوده اراکی» گذراندم و بخشی از کفایه را نزد «آیت الله حاج سید محمد حسینی کاشانی» خواندم که در حقیقت خارج آن را برای ما می گفت و شیوه نقد آرائی بزرگان را به ما می آموخت.

خارج فقه و اصول فقه از دروس اساتید گرامی همچون آیات عظام: «فاضل لنکرانی، وحید خراسانی و میرزا جواد تبریزی»، به مدت بیست سال بهره بردم و بسیاری از تقریرات دروس آن بزرگان را نوشتم و اگر چیزی بر خلاف نظر استاد به ذهنم آمد؛ در پاورقی به عنوان «يقول التلميذ» یادداشت کردم که همه به صورت مسوده باقی است و چون خود آن اساتید عزیز یا برخی از شاگردانشان در صدد چاپ آن دروس برآمدند من به پاکنویس و چاپ آنها دست نزددم. فلسفه و عرفان را نزد اساتید مختلف به ویژه «آیت الله معظم حسن زاده آملی» حاضر شدم.

در سالهای ۵۴ تا ۵۷ همگام با مردم مسلمان ایران و علمای اسلام در مبارزات با رژیم پهلوی شرکت جستیم و با ایراد سخنرانیهای انقلابی و پخش و تکثیر اعلامیه‌ها و نوارهای کاست انقلابی، به راه حضرت امام خمینی (رحمه الله) پیوستیم. دو بار دستگیر شدم؛ «یک بار در قم و یک بار در بوشهر» که برای تبلیغ دهه محرم رفته بودم و مدتی را در زندان همراه با شکنجه بسیار گذراندم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی شغل دولتی نگرفتم. در سالهای ۵۸ تا ۶۰ دو سال در دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم همراه با دوستان به تبلیغات مکتوب دست زدیم. در دوره جنگ تحمیلی به تفاریق، بیش از دو سال را در میان رزمندگان گرامی برای تبلیغات اسلامی سپری کردم. هفت سال تمام از آغاز تاسیس (۱۳۷۶) تا اول تابستان ۱۳۸۳ «مدیریت مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام» را که حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی تاسیس کردند به عهده داشتم و موفق به خدماتی شدم مانند: (تاسیس کتابخانه تخصصی فقهی، سایت اینترنتی فعال، بخش آموزش، بخش تحقیقات، و چاپ بیش از بیست جلد کتاب) که امیدوارم دوستان، آن فعالیتها را بنگارند.

واحد تبریزی، ربعلی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۸۰ ق)، حکیم، عارف و شاعر، متخلص به واحد. اهل تبریز بود. تمام مدت عمر، دست از مطالعه برنداشت تا در حکمت، منطق، طبیعیات و الهیات مهارت یافت. وی مدتی در مدرسه‌ی شیخ لطف‌الله تدریس می‌کرد. صاحب «ریاض العلماء»، محمد تنکابنی (م ۱۱۲۴ ق) و حکیم محمد سعید، معروف به حکیم کوچک و ملا عباس مولوی، صاحب «اصول الفوائد» و محمد شفیق اصفهانی را از شاگردان او می‌داند. واحد به عباس آباد اصفهان رفت و ساکن شد. شاه عباس دوم (۱۰۷۷-۱۰۵۲ ق) بنا به ارادتی که به وی داشت خانه‌ای در شمس‌آباد، خارج از اصفهان، برایش خریداری کرد. گویند واحد در اواخر عمر به دلیل ضعف و پیری، درس و بحث را کنار گذاشت. او در اصفهان درگذشت. بعضی از تذکرها تاریخ وفات وی را ۱۰۰۸ و بعضی ۱۰۶۵ ق نوشته‌اند. اشعاری از او در تذکرها آمده است. از آثارش: «وجودیة» یا «اثبات واجب»، به فارسی. عده‌ای از مؤلفان کتاب «کلید بهشت» را نیز از او می‌دانند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۲-۳۴۰/۵)، تذکره‌ی روز روشن (۸۶۳-۸۶۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۵۴)، دانشمندان آذربایجان (۳۹۰)، الذریعه (۱۲۴۷/۹، ۱۰۵-۱۰۴/۱)، ریاض‌العارفین (۲۳۷)، ریاض‌العلماء (۲۸۴-۲۸۳/۲)، ریحانه (۲۸۵/۶)، طرائق‌الحقائق (۱۶۲/۳)، فرهنگ سخنوران (۹۶۶)، لغت‌نامه (ذیل/ واحد تبریزی).

واحدالعین، اسماعیل

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۷۷-۱۲۷۱ ق)، عالم و فیلسوف. معروف به واحدالعین. از شاگردان آخوند ملا علی نوری بود و در زمان حیات او، تدریس حکمت و فلسفه در اصفهان به او اختصاص داشت. آثار وی: حاشیه‌ی «اسفار» ملاصدرا؛ حاشیه‌ی «شوارق» ملا عبدالرزاق لاهیجی؛

حاشیه‌ی «مشاعر» ملاصدرا؛ شرح «عرشیه‌ی» ملاصدرا.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره القبور (۱۳۸)، الذریعه (۲۰/۶)، ریحانه (۲۸۵/۶)، مکارم الآثار (۲۱۵۳-۲۱۵۲/۶).

واحدی اعظ، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد واحدی اعظ

محل تولد: رشت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۶۲ - ۶۱ پس از گذراندن دوره راهنمایی در مدرسه علمیه «جامع رشت» شروع به تحصیل حوزوی نمودم. سال بعد به حوزه مشهد مقدس مشرف شدم. از محضر استاد: «حجت هاشمی خراسانی» هدایه، صمدیه، سیوطی، مغنی، مطول و معالم را فرا گرفته و از درس مختصر و حاشیه استاد «واعظی» استفاده نمودم. درس اصول فقه را از استاد «عاملی» و لمعتین از استاد «صالحی» و مقداری از مرحوم استاد «سعیدی» فرا گرفتم. مکاسب را از محضر «آیت الله اشرفی» و «آیت الله مرتضوی» در مشهد و «آیت الله شب زنده دار» و «آیت الله پایانی» در قم استفاده نمودم. رسائل را از محضر «آیت الله اشرفی» در مشهد و «آیت الله اعتمادی» در قم بهره بردم. کفایه را از محضر «آیت الله ستوده» و «آیت الله طاهری خرم آبادی» استفاده کردم. درس خارج اصول: حدود ده سال «آیت الله وحید خراسانی» و به صورت مختصر حضرات آیات: «تبریزی، طاهری خرم آبادی، مکارم، سبحانی، شبیری زنجانی». درس خارج فقه: چهار سال «آیت الله وحید خراسانی» و به صورت مختصر: «آیت الله بهجت (صلوه)، آیت الله فاضل (حج)، آیت الله شبیری (قاعده فراغ)، آیت الله تبریزی (طهاره).

واحدی نیشابوری، ابوالحسن علی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۶۸ ق)، فقیه شافعی، مفسر، محدث، نحوی، لغوی و مدرس. اصل وی از ساوه بود. در نیشابور به دنیا آمد و برخلاف پیشه‌ی اجدادش که تجارت بود، او و برادرش عبدالرحمان، به کسب علم پرداختند و در سلک محدثین و علما درآمدند. وی را از نویسندگان بزرگ و امام و استاد بی نظیر عصر خود در ادبیات، تفسیر، حدیث، فقه و نحو دانسته‌اند. او نزد خواجه نظام الملک، وزیر مقتدر سلجوقیان، تقریبی تمام داشت. ادبیات و لغت را نزد ابوالفضل عروسی ادیب و نحو را نزد ابوالحسن ضریر قهندزی و ابوعمران مغربی مالکی فراگرفت و برای تکمیل معلومات خویش به مسافرت پرداخت. وی در علم تفسیر از محضر ابواسحاق احمد بن محمد

بن ابراهیم ثعلبی استفاده نمود. از ابوطاهر بن محمش و قاضی ابوبکر حیری و ابوابراهیم اسماعیل بن ابراهیم واعظ و محمد بن ابراهیم مزکی و عبدالرحمان بن حمدان نصروری و احمد بن ابراهیم نجار و دیگران حدیث شنید. احمد بن عمر ارغیانی و عبدالجبار بن محمد خواری و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. در نیشابور درگذشت. در «النجوم الزاهرة» سال وفات وی ۴۶۹ ق ذکر شده است. از آثارش: تفاسیر سه گانه: «البسیط»، «الوسیط» و «الوجیز» که به «الحاوی لجمع المعانی» موسوم و به «تفسیر واحدی» معروف است؛ «اسباب النزول» یا «اسباب التنزیل»؛ «الدعوات والمحصل»؛ «المغازی»؛ شرح «دیوان» متنبی؛ «الاعراب فی الاعراب» یا «الاعراب فی علم الاعراب»، در نحو؛ «تفسیر النبی (ص)»؛ «نفی التحریف عن القرآن الشریف»؛ «التحییر فی شرح الاسماء الحسنی» یا «التنجیز فی شرح اسماء الله الحسنی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۶۰-۵۹/۵)، ایضاح المکنون (۶۷۴-۶۷۳/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/۲۶۰)، دمیة القصر (۱۰۲۰-۱۰۱۷/۲)، الذریعه (۲۵/۴۲، ۲۰/۱۸۸، ۴/۳۱۹)، روضات الجنات (۲۳۶-۲۳۴/۵)، ریحانه (۲۸۶-۲۸۵/۶)، سیر النبلاء (۳۴۲-۳۳۹/۱۸)، شذرات الذهب (۳/۳۳۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۸/۵)، طبقات الشافعیه ابن قاضی شهبه (۲۵۸-۲۵۶/۱)، طبقات الشافعیه سبکی (۲۴۳-۲۴۰/۵)، طبقات المفسرین داودی (۳۹۰-۳۸۷/۱)، العبر (۲/۳۲۴)، الکامل (۸/۱۲۳)، کشف الظنون (۲۰۰۲، ۱۷۴۷، ۱۴۶۰، ۱۴۱۷، ۱۲۷۷، ۸۰۹، ۳۵۵، ۲۴۵، ۱۲۵، ۷۶)، الکنی واللقاب (۳/۲۷۷)، معجم الادباء (۲۷۰-۲۵۷/۱۲)، معجم المؤلفین (۲۷-۲۶/۷)، النجوم الزاهرة (۵/۱۰۵)، وفیات الاعیان (۳۰۴-۳۰۳/۳)، هدیة الاحباب (۲۶۰)، هدیة العارفین (۶۹۲/۱).

واردی، تقی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید تقی واردی

محل تولد: ساری

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱۲/۴

زندگینامه علمی

سید تقی واردی کولایی در چهارم اسفند ۱۳۳۸ شمسی، در روستای پایین کولا، واقع در پنج کیلومتری ساری (مرکز استان مازندران) دیده به جهان گشود. نام پدر: سید علی فرزند آیت الله حاج سید جمال واردی کولایی (مرحوم حاج سید جمال واردی کولایی، از عالمان و روحانیون معروف شهرستان ساری و به زهد، تقوی، مردم دوستی و انجام کارهای عام المنفعه معروف بود و در نهم اردیبهشت سال ۱۳۳۱ شمسی، مطابق با چهارم شعبان المعظم سال ۱۳۷۱ هجری قمری، در تهران بدرود حیات گفت و پس از تشییع جنازه با شکوه در شهر مقدس قم و اقامه نماز به امامت حضرت آیت الله العظمی بروجردی (ره)، در «قبرستان نو» دفن گردید).

سابقه تحصیلی:

۱- در شش سالگی وارد مکتب خانه روستای پایین کولا- شده و علاوه بر قرآن کریم برخی از کتاب های فارسی و ادبی را نزد مرحوم شیخ عباس قاسمی کولایی آموخت.

۲- در ده سالگی وارد حوزه علمیه مصطفی خان ساری شد و علاوه بر تکمیل کتاب های فارسی، دروس مقدمات حوزه را نیز آغاز کرد و کتاب های جامع المقدمات (بخش های امثله، شرح امثله، صرف میر، تصریف، النموذج، صمدیه)، سیوطی (شرح الفیه ابن مالک)، مطول، حاشیه، معالم و مختصر را نزد حجت الاسلام والمسلمین حاج سید رضی شفیعی (رئیس جامعه روحانیت ساری) و عالمان دیگری چون شیخ عبدالله دارابی و شهید اکبری (از شهدای هفتم تیر) تلمذ نمود و در یازدهم ذی قعدة سال ۱۳۹۵ قمری، مطابق با بیست و چهارم آبان ۱۳۵۴ شمسی مزین به لباس روحانیت شد و به همراه ده تن از طلاب هم دوره ای خود، رسماً معمم گردید.

۳- در پنجم مهر ۱۳۵۵ شمسی وارد حوزه علمیه قم شد و پس از سه ماه اجاره نشینی، به مدرسه علمیه مومنیه (زیر نظر آیت الله العظمی نجفی مرعشی) واقع در خیابان چهارمردان قم، نقل مکان کرد و تا سال ۱۳۶۰ در همانجا اقامت داشت. در این مدت دروس مقدماتی را تکمیل و وارد دروس سطح حوزه شد و از محضر اساتید بزرگوارى چون: «مدرس افغانی»، «شماعی»، «وحید خراسانی» (فرزند آیت الله العظمی وحید خراسانی)، «صالحی افغانی» و ... بهره مند گردید و در کنار دروس حوزه به کلاس شبانه و متفرقه جدید نیز اقدام و دوره راهنمایی را طی کرد.

دوره جوانی وی مصادف بود با وقوع انقلاب بزرگ اسلامی ایران به رهبری ابر مرد عصر حاضر، یعنی امام خمینی (ره) بر ضد نظام ستم شاهی و او نیز بسان ملت رشید و متدین ایران، در آن واقعه سترگ بسیار کوشا و جدی بود و در بیشتر تظاهرات و راهپیمایی های شهر مقدس قم و در برخی از راهپیمایی های شهر ساری حضور فعال داشت و تا چند سال در گیر این ماجرا بود و رنج ها و سختی های فراوانی متحمل گردید. به ویژه در روستای بزرگ «پایین کولا» که زادگاه و وطن او بود، نام مبارک امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی را نهادینه کرد.

در چند سال اوایل انقلاب، کارهای گوناگونی در راستای انقلاب اسلامی انجام داد، که برخی از آن ها عبارتند از:

۱- فعالیت های تبلیغی در ساری و بسیاری از روستاهای اطراف آن (مانند: پایین کولا، آبندانش، معلم کلا، دراز محله، دینک، تاکام، سمندک، کوه خیل و ...) و هم چنین سفرهای تبلیغی به شهر های (شیروان، بهبهان، دامغان، کردستان، آبدانان، قصر شیرین، بابل، رودبار، اسد آباد همدان، الیگودرز، اصفهان، لردگان و ...) جهت سخنرانی های مذهبی و انقلابی، مراسم های عبادی، کلاس های آموزشی قرآن و احکام و عقاید اسلامی.

۲- طی کردن آموزش رزمی و دفاعی در قم و تهران و اعزام به جبهه های جنگ تحمیلی در مناطق اهواز، هفت تپه، شلمچه، دهلران، قصر شیرین، میوان و ... (در هشت نوبت) و تشویق جوانان برای پیوستن به رزمندگان اسلام.

۳- تشکیل چند انجمن اسلامی و همکاری در ایجاد اتحادیه انجمن های اسلامی هشت روستا، مسئولیت پایگاه بسیج، مسئولیت آموزشی و عقیدتی بسیج شهرستان، نشر جزوه های آموزشی و انقلابی، تشکیل صندوق های قرض الحسنه، همکاری در ساختن کتابخانه و ساختمان مخابرات در روستا

۴. از ابتدای پیروزی انقلاب، کلاس هایی در شهر مقدس قم دایر و بزرگانی چون: آیت الله خامنه ای (مقام معظم رهبری فعلی)، شهید بهشتی، شهید دکتر باهنر، آیت الله هاشمی رفسنجانی، آیت الله خزعلی، آیت الله جوادی آملی، آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله یزدی، عسکراولادی و تعدادی دیگر از اساتید در آن ها به تدریس در رشته های مختلف پرداختند و او نیز توفیق حضور در آن ها را به دست آورد.

پس از تشکیل دفتر تبلیغات اسلامی در قم، واحدی به نام «آموزش عالی» در آن راه اندازی و ایشان در دومین دوره آن که از سال

۱۳۶۴ شروع شده بود؛ شرکت کرد و به مدت چهار سال، دوره های مختلف علوم اسلامی، فلسفه، منطق، زبان عربی، علوم سیاسی و مدیریتی را پشت سر گذاشت و در سال ۱۳۶۸ از آن فارغ التحصیل گردید.

علاوه بر دروس آموزش عالی، در دروس اصلی و جنبی حوزه نیز به طور مستمر شرکت داشت و دوره های سطح مقدماتی، سطح متوسطه و سطح عالی را در نزد بزرگانی چون: «محقق کلاته ای»، «اعتمادی»، «بنی فضل»، «محقق داماد»، «صالحی مازندرانی»، «معرف» و «محامی خراسانی» طی کرد. سپس وارد دروس خارج شد و یک دوره کامل اصول فقه را در نزد استاد محبوب و به یادماندنی اش مرحوم «آیت الله العظمی صالحی مازندرانی (ره)» و دو سال در درس خارج فقه «آیت الله العظمی نوری همدانی» و ده سال در درس خارج فقه «آیت الله جوادی آملی» (حفظه الله تعالی) شرکت نمود.

واسطی، عبدالحمید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالحمید واسطی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای عبدالحمید واسطی در سال ۱۳۴۷ هجری شمسی، در خانواده‌ای مؤمن و متعهد چشم به جهان گشود. پس از اتمام تحصیلات متوسطه در سال ۱۳۶۵ در رشته «مهندسی عمران دانشگاه فردوسی مشهد» پذیرفته شد که در همان سال، انصراف داد و وارد حوزه علمیه مشهد گردید و به تکمیل دروس ادبیات و فراگیری دروس سطح پرداخت و در این دوره تحصیلی از اساتیدی چون: «آیت الله حجت هاشمی»، «حاج شیخ جواد مروارید»، «حاج شیخ مهدی مروارید» و «سید مهدی نقیبی» بهره‌های علمی فراوان برد.

پس از آن در درس خارج آیات عظام: «حاج میرزا علی فلسفی»، «شربانی» و «علامه حسینی طهرانی» شرکت جست. علاوه بر «خارج فقه و اصول»، دروسی مانند: (بدایه، منظومه و اسفار) را از محضر بزرگانی چون: «علامه محمد تقی جعفری»، «شیخ عبدالمجید سالم» و «شیخ علی رضایی تهرانی» تلمذ کرد. در کنار تحصیل از تدریس آموخته‌ای خویش، از هیچ کوششی دریغ نفرمود و به تدریس دروس مقدماتی سطح، فلسفه اخلاق، حقوق، فلسفه سیاست، معرفت شناسی، هستی شناسی و ... پرداخت.

واسعی، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علیرضا واسعی

محل تولد: ساری

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

دوران کودکی را در شهر «ساری» پشت سر نهاده و برای تحصیل علوم دینی، به مشهد مقدس رفتم و از سال ۶۰ تا ۷۷، دروس حوزوی را از محضر اساتید بزرگوار آموختم و چند سالی پای درس علمای بزرگ، حضرات آیات: «فلسفی، زنجانی و سعیدی» خارج فقه و اصول را فرا گرفتم و سپس به شهر قم آمده و کم و بیش درس‌هایی را شرکت کردم و هم چنان به عنوان یک طلبه به آموزش مشغولم. با تحصیل در حوزه علمیه، دروس جدید را پی گرفتم و با اخذ مدرک کارشناسی در دانشگاه فردوسی مشهد، برای دوره کارشناسی ارشد به دانشگاه تهران، «دانشکده الهیات» رفتم و با گرفتن مدرک فوق لیسانس، به تحصیل در دوره دکتری در واحد علوم و تحقیقات تهران در رشته «تاریخ و تمدن ملل اسلامی» مشغول شدم و در سال ۸۴ موفق به اخذ مدرک (PH.D) گردیدم. تقارن تحصیلات حوزوی و دانشگاهی، مانع از فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی نشد.

از سال ۶۳ به همراه آموختن، به تعلیم برخی دروس حوزه‌ای پرداختم. «ادبیات، منطق، اصول فقه و فقه» از جمله درس‌هایی بود که با آن درگیر بوده‌ام. از سال ۶۸ تحصیلی، با دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد ارتباط برقرار کرده و برخی از دروس اختصاصی را واگویه کردم. تدریس در دیگر مراکز آموزشی و موسسات پژوهشی آموزشی، از دیگر کارهای این جانب بوده که هم چنان ادامه دارد.

پژوهشگری، دغدغه دیگر این جانب بوده است. از سال ۷۰ رسماً وارد فعالیت پژوهشی شدم و با همکاری با مجله «اندیشه حوزه مشهد»، کار خود را آغاز کردم و علاوه بر تصدی مدیریت گروه تاریخ آن موسسه پژوهشی، مقالاتی را منتشر ساختم و پس از آن در ارتباط با سازمان پژوهش‌های اسلامی تبلیغات اسلامی تهران، و سپس دفتر تبلیغات اسلامی مشهد، و دیگر مراکز، به پژوهشگری پرداختم و با آمدن به قم، در مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی به صورت تمام وقت با پژوهش پیوند یافتم.

محصول زمان‌های از دست رفته، مقالاتی در حوزه: «تاریخ، فلسفه تاریخ، جامعه‌شناسی و سیاست» بوده است که مهم‌ترین آنها عبارت است از: «جستجویی در قیام توابین»، «روابط خارجی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) جریان‌شناسی دشمنی با امام علی علیه السلام»، «بررسی جامعه‌شناختی عصر امام حسین (علیه السلام) سنت عزاداری»، «سیاست و حکومت امام خمینی (ره) تاریخ نگاری و تاریخ پردازی» و ... بوده است.

واصف، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم علوم دینی.

در گذشت: ۲ آبان ۱۳۷۵.

محمد بن ابی القاسم الجیلانی، معروف به شیخ محمد واصف لاهیجی - در فقه، اصول، فلسفه، منطق کلام، درایه، ریاضی و فیزیک استاد بود لذا اکثر علوم را به نظم کشید. وی بیش از هفتصد اثر از خود به جای گذاشت که بالغ بر دویست اثر از آنها به طبع رسیده از جمله: دیوان اشعار؛ حضرت رقیه (س) (در حالات حضرت)؛ بیت الاحزان عاشقان (در موضوع حسن و عشق و غصه...); راهنمای میراث؛ رساله الانسان (بهداشت صورت)، ارجوزه القیامه (بحث معاد)، دروس العقائد؛ دلیل البقاء (خواص بقاء از نظر اسلام؛ طب النب (ص)؛ اسرار الشهاده؛ باب الولایه؛ مناجات نامه؛ چهارده معصوم (ص)، تراخی الاثمه (ع)؛ زکاة در اسلام و... کتاب احراق لانه‌های فساد (۱۳۳۱). باقی آنها به صورت خطی مضبوط است. واصف لاهیجی مسایل ریاضی ارث را در کتاب میراث خود حل نمود و مبتکر میراث شجری است. وی کتابی در رضاع دارد و رضاع و حج شجری است را مطابق با مذاهب پنجگانه تدوین نماید. او علم و هنر را درهم آمیخت. علامه واصف لاهیجی در سرودن اشعار علمی به زبان عربی تسلط داشت و برخی از علما او را عرب زبان می‌پنداشتند زیرا در نظم کشیدن مسائل علمی به زبان عربی مهارت فوق‌العاده‌ای داشت؛ کتابهای شواهد العقاید؛ دلیل البقاء الحب؛ شواهد الاولایه و... نموداری از گفتار فوق است. کتاب الفیة علی هامش علم الامام (ع) را در اثبات علم حضوری امام به زبان عربی به رشته تحریر درآورد.

آیت‌الله واصف لاهیجی تدر زمان آیت‌الله بروجردی به اذن آن بزرگوار با همکاری روحانیت محترم منطقه، بیمارستان ولی عصر (ع) را بنا نمود.

حجه الاسلام و محقق عالیمقام آقای حاج شیخ محمد بن میرزا ابی القاسم آستانی مشهور به واصف در سال ۱۳۲۵ شمسی متولد شده و بعد از تحصیلات دوره متوسطه در سال ۱۳۳۳ شمسی به عزم فراگرفتن علوم عالی اسلامی وارد حوزه مقدسه علمیه قم گردیده و پس از دیدن مقدمات و سطوح در مدت چهار سال به درس خارج مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی حاضر شده و مدت ۸ سال از آن نابغه فقاقت استفاده کرده و ضمناً به تدریس بعضی از کتب سطحیه از قبیل رسائل و مکاسب پرداخته و بعد از فوت مرحوم بروجردی از آیات دیگر نیز استفاده نموده و بیشتر اوقات خود را به تالیف کتب علمیه و به مقالات دینی می‌گذراند.

مؤلف گوید. علامه واصف گیلانی از دانشمندان وارسته و فضلاء برجسته عالمی فاضل و نویسنده‌ای کامل و دارای مقام علم و تقوا و ملکات فاضله و اخلاق حسنه است.

و آثاری که تاکنون از ایشان منتشر شده از این قرار است:

۱- پیرامون زندگانی امیرالمومنین علیه‌السلام ۲- راهنمای میراث لمعه ۳- زکوه در اسلام ۴- هامش الحاشیه ۵- حسن و حسین علیهما‌السلام ۶- انقلاب مقدس حسین علیه‌السلام ۷- از چه شخصی باید تقلید کنیم ۸- احراق لانه‌های فساد ۹- شراب ننگین منظوم ۱۰- فاطمه زهرا از نظر آیات قرآن ۱۱- فاطمه زهراء از نظر روایات اهل سنت ۱۲- توضیح المراح ۱۳- راهنمای شرح نظام ۱۴- چهارده معصوم منظوم ۱۵- افیونیه در مذمت تریاک کشیدن ۱۶- بشر و آزادی ۱۷- حقایق گفتنی ۱۸- یگانه دختر رسول خدا علیه‌السلام ۱۹- رساله در توضیح معنای جعل ۲۰- فضیلت علم و عالم در اسلام ۲۱- الانسان واللحیه با ترجمه‌های متعدد ۲۲- راهنمای علم اعلال ۲۳- راهنمای تصریف ۲۴- در اعلال بی‌نقطه ۲۵- طب النبی ۲۶- یادی از گذشته منظوم ۲۷- تجدد و عوام فریبی ۲۸- المناجات المنظوم ۲۹- تاثیر دعا از نظر ابن‌سینا ۳۰- حاشیه بر رسائل مبحث قطع ۳۱- کفایه المیزان در منطق ۳۲- به مناسبت زمین خواری ۳۳- اسرار دخترکشی عرب در جاهلیت ۳۴- عود کثیری از جزوات و مقالات و مقدمات و الشجریات.

مؤلف محترم کتب و رسائل بسیار دیگری نوشته و آماده برای طبع دارد که از آنها الفلک المستبد بسیار نفیس و ارزنده است که به نظر این بنده قاصر رسیده است و تاکنون مثل آن را ندیده‌ام.

۲- ترجمه لمعه شهید اول ۳- بضعه النبی صلی الله علیه و آله در سه مجلد ۴- احراق لانه‌های فساد جلد دوم ۵- راز فداکاری سالار

شهبان علیه‌السلام ۶- فی حوله الدم المتوسط ۷- ترجمه علل الشرایع در دو جلد ۸- الفیه در اخلاق و آداب النفس ۹- الفیه در اصول الفقه ۱۰- شرح مبحث البرائه فارسی ۱۱- شرح مبحث استصحاب ۱۲- رساله در تحقیق ماوضع له الكل ۱۳- فی هامش علم الامام ۱۴- دیوان اشعار بیش از ده هزار بیت ۵۱ رساله فی العقود ۱۶- شمع الجمع فی نعت الائمة الاطهار ۱۷- دروس الاعتقاد ۱۸- تعبیر الرویا منسوب به امام صادق علیه‌السلام ۱۹- رساله فی المقادیر ۲۰- پیام قرآن ۲۱- راهنمای علم الکتابه ۲۲- چگونه به جهان دیگر راه توان یافت ۲۳- ثقات الرجال مشجرات ۲۴- منظومه فی الکلام ۲۵- منظومه فی الصرف ۲۶- محرمات النکاح ۲۷- اندیشه‌های نوایغ ۲۸- رساله‌ای در لبس خز ۲۹- تاریخ کشفیات و اختراعات ۲ جلد ۳۰- منظومه در منطق فارسی ۳۱- اصطلاحات العلوم الشرعیه ۳۲- تقریرات اساتیدش در فقه و اصول.

مترجم گرامی ما در امور اجتماعی نیز فعالیت‌هایی نموده و مساجد و درمانگاه و انجمن‌های دینی و کتابخانه و چاپخانه و غیره تاسیس نموده‌اند ادام‌الله توفیقه.

بر گرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

واعظ اصفهانی حائری، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند محمد، متوفی حدود سال ۱۳۲۰، مولف کتاب «طریق الجنه» مقتل فارسی.

بر گرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

واعظ اصفهانی، ابو عبدالله محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۷۹ ق)، ادیب، واعظ و محدث. او واعظ و ادیبی فاضل، از دانشمندان و بزرگان حنابله در عصر خود بود. از ابوسعید احمد بن محمد بغدادی و ابوالقاسم اسماعیل بن علی حمّامی و ابورشید احمد بن محمد بن احمد خرقی و ابوالقاسم ابراهیم بن محمد دواتی و جمع کثیری حدیث شنید. به بغداد رفت و در آنجا نقل حدیث کرد. محمد بن حامد بن عبدالواحد بقال از او روایت کرده است. از آثارش گردآوری کتابی به نام «معجم» از مشایخ خود بوده است.

بر گرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیرالنبلاء (۲۲/۱۶۹)، معجم المؤلفین (۱۱/۳۱۵)، الوافی بالوفیات (۳۹۳-۳۹۲/۴).

واعظ جوادی آملی، اسماعیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فلسفه و معارف اسلامی، دانشکده: -، دانشگاه: آزاد اسلامی بابل

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات عالی فلسفه نزد حکیم آیت‌الله مطهری و دکترای فلسفه (معقول) از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳ و فوق دکترای فلسفه.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری گروه علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی بابل.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فلسفه، تربیتی اسلامی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: -

زمینه علمی تألیفات:

فلسفه، روانشناسی تربیتی اسلامی، جغرافیای تاریخی، تاریخ عرفا، کتاب‌شناسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

فلسفه، عرفان، روانشناسی، تاریخ فلسفه، کتاب‌شناسی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

واعظ شیرازی، عبدالله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالله واعظ شیرازی خطیبی معروف و ادیبی بارع و اهل فضل و کمال بوده و در حدود ۱۳۰۸ ق وفات نموده فاضل مراغه‌ای در (المآثر والاثار) او را یاد نموده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

واعظ شیرازی، علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند حاج علی اکبر بن حاج قاسم. عالم فاضل زاهد عابد، ادیب کامل، و طیب ماهر، از نوادر زمان، و مفاخر علمی و عملی

اصفهان به شمار می‌رفت. در زد و تقوا وحید و یگانه بود.

در شعبان ۱۲۹۴ متولد، و در نزد جمعی کثیر از فضلاء تحصیل نمود که از آن جمله است: شیخ عبدالحسین محلاتی، و حاج آقا حسین بروجردی (در موقع تحصیل در اصفهان) و آقا سید محمد باقر درچه‌ای، و آخوند کاشی، و حاج میرزا محمدباقر حکیم‌باشی؛ و در نجف از محضر: شیخ الشریعه‌ی اصفهانی، و آقا سید محمد کاظم یزدی، و آخوند خراسانی و غیره استفاده برده، پس از مراجعت به اصفهان سال‌ها به شغل تجارت مشغول بوده، سپس مدتی طبابت می‌فرموده، پس از آن ترک تجارت و طب گفته، جهت ارشاد و هدایت مردم منبر رفته، به مداوای روحی مردم پرداخته.

واعظی بود شیرین بیان، و متکلمی فصیح اللسان، منابرش شام مواعظ شافیه، و نصایح کافیه، از حدیث و اخبار و تفسیر و تاریخ بود. در مدرسه‌ی صدر ادبیات و نهج‌البلاغه و تفسیر می‌فرمود، و عده‌ای از طلاب از محضرش مستفید می‌شدند. در شب ۲۴ جمادی‌الاولی سال ۱۳۵۷ وفات یافته، جنازه با احترامات لازم به قم منتقل گردیده، و در مقبره‌ی شیخان مدفون گردید. از آثارش تصحیح و مقابله‌ی قسمتی از تفسیر «تبیان» شیخ طوسی است که به طبع رسیده است. پدرش از تجار و فضلا بوده، و در نجف نزد مولی محمد حسین کاظمینی تحصیل نموده، و کتابی در شرح چهل حدیث در فضیلت صلوات بر پیغمبر و آل او علیهم‌السلام نوشته، و در سال ۱۳۵ در آنجا وفات یافته است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

واعظ قاینی، علی

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم و دهم ق)، عالم دینی، واعظ، ادیب و شاعر. از فضلا و فصحای بزرگ امامیه در خراسان در سده‌ی نهم قمری می‌باشد. در وعظ و خطابه او را از اقران و امثال ممتاز دانسته‌اند. او معاصر با سلطان حسین میرزای بایقرا است و مشهور است که چون سلطان، در ۸۷۳ ق، در ابتدای دولت خود خواست در خطبه اسامی ائمه معصومین (ع) را ذکر کند، به امیر سید علی که شیعه‌ی امامی مذهب بود فرمان داد که خطبه بخواند، اما هجوم اهل تسنن و عوام هرات به مرتبه‌ای رسید که او را از منبر به پایین کشیدند. وی را صاحب حافظه‌ای قوی دانسته‌اند تا آنجا که می‌گویند با یک مرتبه شنیدن قصیده‌ای همه آن را به خاطر می‌سپرد. او همچنین شاعری خوش قریحه بود و در مدح ائمه معصومین (ع) قصایدی دارد. وی در نیشابور درگذشت و در همانجا به خاک سپرده شد و به روایتی در روستای آفریز بیرجند مدفون است. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان قائن (۲۴۴-۲۴۶)، بهارستان (۲۱۱-۲۰۸)، تاریخ نظم و نثر (۳۲۹)، الذریعه (۹/۱۲۵۱)، مجالس المؤمنین (۵۲۶-۵۲۳/۱).

واعظ قزوینی، رفیع‌الدین محمد

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۸۹ ق)، عالم امامی، واعظ، ادیب و شاعر، متخلص به واعظ. معروف به میرزا رفیعا. موصوف به ملا رفیع‌الدین یا ملا رفیع. از علمای امامیه و از ادبا و شعرا و فضیله‌ی قرن یازدهم قمری است. در وعظ و خطابه سرآمد بود و مدتها در مسجد جامع قزوین وعظ می‌گفت. او از شاگردان ملا خلیل قزوینی بود. از علم معقول حظی وافر داشت و در این علم کتابی به نام «ابواب الجنان»، در هشت باب شروع کرد که بیش از یک یا دو باب آن را نتوانست بنویسد، پس از مرگ او فرزندش، ملا محمد شفیع، آن را به اتمام رسانید. در بعضی از مآخذ وی نواده‌ی ملا فتح‌الله ذکر شده است. از دیگر آثارش: «الموعظه»، در دو مجلد؛ «الحمله الحیدریه»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آتشکده‌ی آذر (۱۲۱۰-۱۲۰۴/۳)، ایضاح‌المکنون (۴۲۲، ۱/۱۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۰۶-۱۳۰۱/۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۷۲-۱۷۱)، الذریعه (۹/۱۲۵۲)، ۷۷-۷۶/۱، ریاض‌العارفین (۲۳۷)، ریحانه (۲۹۴-۲۹۳/۶)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۲۲۸/۱۱)، فرهنگ سخنوران (۹۷۰-۹۶۹)، الکنی واللقاب (۲/۲۷۹)، لغت‌نامه (ذیل/واعظ قزوینی)، معجم‌المؤلفین (۱۱/۱۱۷)، هدیه‌الاحباب (۲۶۰)، هدیه‌العارفین (۲/۲۹۶).

واعظ یزدی، غلامرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غلامرضا بن حاج ابراهیم یزدی خراسانی عالمی کامل و فاضلی بارع از مفاخر دانشمندان و گویندگان و معاصر شهرستان یزد بوده‌اند.

تولد آن جناب در سال ۱۲۹۵ قمری در خراسان واقع شده و بعد از آموختن اولیات در سال ۱۳۱۴ مهاجرت به اصفهان نموده و مقدمات علوم را از بعضی از افاضل آنجا آموخته و در سال ۱۳۱۹ به نجف اشرف عزیمت نموده و از محضر مرحوم حاج میرزا حسین خلیلی و مرحوم آخوند خراسانی و علامه یزدی صاحب عروه و حاج شیخ هادی تهرانی و بعد به علامه میرزا محمدباقر اصطهباناتی پیوسته و در معیت آن مرحوم به شیراز مسافرت و در سال ۱۳۲۵ قمری به یزد برگشته و به وظائف شرعی از اقامه جماعت و ارشاد مردم از طریق منبر و غیره پرداخته و مسافرت‌های عدیده‌ای به طبرس و مشهد مقدس نموده و در همه جا مردم را از مواعظ حسنه خود بهره‌مند ساخته تا در روز ۲۶ ذی‌الحجه سال ۱۳۷۸ قمری در قریه طزرجان یزد بدرود حیات گفته و مردم علاقمند یزد و حومه آن جنازه وی را از طزرجان که در پنجاه کیلومتری یزد است با دوش خود به شهر یزد آورده و در امامزاده جعفر در مقبره شخصی دفن نمودند.

دارای آثار خالده‌ای مانند کتاب (مفتاح علوم القرآن) که در سال ۱۳۶۱ شروع و در سال ۱۳۶۵ ق تکمیل نموده و در آن تاریخ ولادت و بعضی حالات و اسفار خود را ذکر کرده است می‌باشد.

نگارنده گوید: به خاطر دارم که آن مرحوم در اوائل سال ۱۳۶۳ قمری با فرزند فاضل و برومندش از مکه مراجعت و در قم مورد استقبال گرم و توجه مخصوص مراجع بزرگ و فضلا عالیقدر فراگرفته.

و بنابر اصرار آیات عظام و دانشمندان حوزه چند ماهی اقامت و در مدرسه فیضیه اقامه جماعت و درس تفسیر گذارده و اکابر وقت مانند مرحوم آیت‌الله محقق داماد و غیره شرکت می‌نمودند.

و در همان سال فرزند مذکورش مریض و بدرود حیات گفتند و آقایان دروس را با احترام آن پدر تعطیل و برای تشییع حاضر ولی

آن مرحوم درس خود را تعطیل نکرد و فرمود ما برای مرگ فرزندان درس را تعطیل نمی‌کنیم و بعد از اتمام درس تشییع باشکوهی نمودند و خود آن مرحوم با دلی قرص و بدون اضطراب بر جنازه فرزندش نماز خوانده و پیوسته شکر و ذکر خدا بر زبانش جاری بود و تمام بزرگان از صبر و طاقت او تعجب می‌کردند رحمه‌الله علیه.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

واعظه بکرآبادی، ام‌کلثوم

قرن: ۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

پیش از ۴۲۷ ق، از زنان محدث. وی دختر ابراهیم بن محمد بن بکرآبادی بود و از ابونعیم استرآبادی، جعفر بن حیان و غیره روایت کرده است.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: تاریخ جرجان، ۵۰۶-۵۰۵.

واعظی نیا، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین واعظی نیا

محل تولد: تربت حیدریه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۲/۱۲

زندگینامه علمی

اینجانب حسین واعظی نیا فرزند اکبر در شهرستان تربت حیدریه به دنیا آمدم. پدرم برای تحصیلات فرزندان خود به مشهد مهاجرت کرد. بنده بعد از پایان دوره ابتدایی سال ۵۶ در مدرسه علمیّه جناب آقای موسوی نژاد که از مدارس موفق حوزه علمیّه مشهد بوده و هست؛ آغاز به تحصیلات حوزوی کردم و مقدمات و سطح تا لمعه در آنجا طی کردم. شروع طلبگی همزمان بود با شروع انقلاب اسلامی و به دلیل تعلق خاطر و فعالیت هایی که در خانواده ما نسبت به امام و شاگردان ایشان علی الخصوص «آیت الله خامنه ای» در مشهد بود؛ حضور پر رنگی در انقلاب و جریانات انقلاب داشتم.

دروس رسائل، مکاسب و کفایه را در محضر اساتید بزرگوار حوزه حضرات: مرتضوی، رضا زاده و گنجی استفاده کردم. و از سال ۶۳ به مدت ۱۵ سال دروس خارج فقه و اصول را از محضر اساتید بزرگوار: مرحوم آیت الله فلسفی، مرحوم آیت الله علم الهدی و

آیت الله مرتضوی استفاده کردم. تحصیلات غیر حوزوی را در حاشیه دروس حوزه مشغول بودم و پس از اخذ دیپلم در سال ۷۰ در دانشگاه فردوسی تا سال ۷۴ رشته «پژوهشگری علوم اجتماعی» خواندم.

واعظی، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد واعظی

محل تولد: شهر ری

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

دیپلم ریاضی را در سال ۱۳۵۹ اخذ کردم، شروع تحصیلات حوزویم تابستان سال ۱۳۵۹ بود. البته از دو سال قبل در تابستانها نزد یکی از طلابی که دانشجوی رشته فیزیک بود؛ ادبیات عرب می خواندم. سال ورود به حوزه علمیه قم ۱۳۶۱ و اتمام سطح در سال ۱۳۶۵ می باشد. درس خارج فقه و اصول را در محضر اساتیدی نظیر حضرات آیات عظام: وحید خراسانی (۶۹ - ۶۵)، شیخ جواد تبریزی (۷۲ - ۶۵)، سید کاظم حائری به مدت ۶ سال استفاده کردم. به مدت ۶ سال بحث اصول فقه را در خدمت جناب حجة الاسلام والمسلمین «صادق لاریجانی» بودم که محفلی خصوصی بود و تقریر مباحث شهید سید محمد باقر صدر (بحوث فی علم الاصول) محور بررسی بود.

فلسفه (بدایه و نهاییه الحکمه) را از محضر «حجت الاسلام و المسلمین فیاضی» و «حضرت آیت الله مصباح یزدی» بهره بردم (هر دو به صورت نوار) و یکسال در محضر «حسن زاده آملی» بخش هایی از اشارات بوعلی و جلد ۱ اسفار را استفاده کردم. عمده تحصیل فلسفه ام در محضر «آیت الله جوادی آملی» (حفظه الله تعالی) بود که به مدت قریب هفت سال چند مجلد از اسفار (۱ و ۲ و ۹) را آموختم که عمده مباحث در محفل خصوصی با حضور چند تن از فضلاء حوزه بود. از سال ۱۳۶۷ به طور جدی مباحث کلام جدید و فلسفه غرب و زبان تخصصی را آغاز کردم.

از سال ۱۳۶۶ تدریس در دانشگاه را شروع کردم که عمده آن تدریس دروس تخصصی نظیر کلام، فلسفه، فقه، فلسفه اخلاق و کلام جدید بود. تدریس در حوزه را از سالهای اول تحصیل داشته ام. از سال ۱۳۸۰ که جهت تدریس به مدت ۳ سال به انگلیس دعوت شدم؛ دو سال در دانشگاه «کمبریج دپارتمان شرق شناسی» به تدریس اشتغال داشتم. در ضمن آن در «کالج اسلامی لندن» در مقطع فوق لیسانس و نیز در حوزه علمیه لندن به تدریس اشتغال داشتم. تمام این تدریس ها به زبان انگلیسی القاء می شد. علاقه پژوهشی من ابتدا معطوف به «فلسفه عمومی غرب و مباحث کلام جدید» بود. از سال ۱۳۷۵ به طور همزمان در دو محور (هرمنوتیک و اندیشه سیاسی) به پژوهش پرداختم. ثمره این تحقیقات تألیفاتی در هر دو حوزه است. و هم اکنون نیز پژوهش جانبی من در کنار تدریس و تحقیق معمول حوزوی معطوف به هر دو حوزه است.

وافی، ابوالقاسم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالقاسم وافی

محل تولد: یزد

شهرت: وافی یزدی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حجۀ الاسلام و المسلمین ابوالقاسم وافی یزدی در مهرماه ۱۳۱۴ در روستای حسین آباد، (حد فاصل یزد و رفسنجان) به دنیا آمد. پدرش مرحوم حاج محمود وافی از کشاورزان با تقوا و مؤمن یزد بود که به روستای حسین آباد آمده بود و در آنجا به زراعت، روزگار می‌گذراند. او که خود بخشی از دروس مقدمات حوزه‌های علمیه را فرا گرفته بود، به مقام مرجعیت شیعه احترام بسیار می‌نهاد و همواره آرزو داشت فرزندانش به سلک روحانیت تشیع در آیند. مادر حجۀ الاسلام و المسلمین وافی نیز دختر مرحوم ملا محمد ابراهیم لاری معروف به «طرزجانی» از علمای بزرگ حوزه یزد بود.

حجۀ الاسلام و المسلمین وافی در پنج سالگی آموختن قرآن را آغاز کرد و سپس به دبستان و پس از آن به دبیرستان رفت. با اتمام آن به حوزه علمیه یزد رفت و دروس مقدمات و بخشی از دروس دوره سطح را در آن حوزه عظیم علمی فرا گرفت. او در سال ۱۳۳۶ برای تکمیل تحصیلات خود به قم آمد و در دروس دوره سطح استادان برجسته دوره خود شرکت کرد. پس از آن به درس خارج استادان بزرگ حوزه علمیه قم رفت و از محضر بسیاری، کسب فیض نمود. حجۀ الاسلام و المسلمین وافی، در سالهای تحصیل خود به محضر استادان و بزرگان بسیاری شرفیاب شد. او که تا «قوانین» را در حوزه علمیه یزد فرا گرفته بود، با ورود به قم به درس شرح لمعه حضرات آیات: «شیخ علی پناه اشتهاردی»، «ستوده» و «صلواتی» رفت و سپس در درس رسائل «آیة الله مکارم شیرازی» و «آیة الله نوری همدانی» شرکت کرد. مکاسب را نیز در محضر «آیة الله مشکینی» و «آیة الله شهید بهشتی» آموخت و برای فراگیری کفایه به درس آقایان: سلطانی طباطبایی (ره)، حاج آقا رضا صدر (ره) و منتظری رفت.

با به اتمام رساندن دروس دوره سطح، چند ماه در درس خارج فقه (کتاب القضاء) حضرت آیت الله العظمی بروجردی شرکت کرد که متأسفانه عمر با برکت ایشان به پایان رسید و از درک فیض بیشتر محروم گردید، وی سپس به درس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: شیخ مرتضی حائری، گلپایگانی، امام خمینی و محقق داماد «رحمة الله علیهم» رفت که بیشتر آن (حدود پانزده سال) در محضر آیة الله العظمی شیخ مرتضی حائری (ره) بود. او همچنین بخش‌هایی از مکاسب را از محضر حضرات آیات: اراکی و بهجت فرا گرفت. در بخش فلسفه و تفسیر نیز از محضر علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره) بهره برد. او بخشی از اسفار را در خدمت حضرت آیة الله جوادی آملی، شرح منظومه سبزواری را از محضر شهید مفتح و بخش منطق منظومه را از محضر حضرت آیة الله حاج شیخ یحیی انصاری شیرازی فرا گرفت.

حجۀ الاسلام و المسلمین وافی در سالهای تحصیل و پس از آن با طلاب فرهیخته و فاضل بسیاری رابطه دوستی داشت که از جمله

آنها می‌توان از شیخ محمد حسین امراللهی نام برد. حجة الاسلام و المسلمین وافی در دوره اول و دوم مجلس شورای اسلامی با پیشنهاد و مشورت علمای بزرگ یزد و قم نمایندگی مردم یزد را عهده‌دار شد. وی هم اکنون نماینده مردم یزد در مجلس خبرگان و نیز تولیت مسجد مقدس جمکران را با حکم مقام معظم رهبری برعهده دارد.

واله اصفهانی، یوسف

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم ق)، مورخ و شاعر، متخلص به واله. برادر میرزا محمد طاهر وحید و با نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) معاصر بود. در اواخر عهد شاه صفی (۱۰۵۲- ۱۰۳۸ ق) به امور دفتری و دیوانی روزگار می‌گذرانند و در زمان شاه عباس دوم (۱۰۷۷- ۱۰۵۲ ق) به نوشتن ارقام و منشور اشتغال داشت. گویند در ۱۰۶۶ ق به وزارت توپخانه منصوب شد که تا زمان شاه سلیمان (۱۱۰۵- ۱۰۷۷ ق) در این منصب بود. واله در نظم و نثر تبحر داشت و خط را نیکو می‌نوشت. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از آثار او: «خلد برین»، که در ۱۰۷۸ ق تألیف شده و تاریخی است که از زمان خلقت آدم تا پادشاهی شاه سلیمان صفوی را شامل می‌شود. برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آتشکده‌ی آذر (۳/۱۲۲۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۷۶- ۱۷۷۴/۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۶۲۰- ۶۱۶/۲)، تذکره‌ی روز روشن (۸۸۸)، تذکره‌ی نصرآبادی (۸۲)، الذریعه (۱۳۲۰، ۱۲۵۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۹، ۹۷۲)، لغت‌نامه (ذیل / واله).

واله، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۳۴۶، مشهد.

درگذشت: ۱۳۷۰.

حسن واله پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه، راهی حوزه‌های علمیه مشهد و قم شد تا به آموختن علوم قدیمه بپردازد. پس از آن به تهران آمد و با گشایش فضای موسیقی در سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ به آموختن این هنر پرداخت. به همراه فراگیری موسیقی، به خواندن فلسفه و تحقیق در متون کهن و بررسی موسیقی مقامی مناطق مختلف ایران مشغول شد و به کار نسخه‌شناسی و مقابله‌ی آنها می‌پرداخت.

حسن واله در بخش موسیقی حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی به کار مشغول شد. از او کار مستقلی به طبع نرسیده است، اما مقاله‌هایی برای «کيهان فرهنگی» نوشته است. وی قرار بود از مشهد به تهران بیاید و ناگهان مفقود گردید تا این که پیکر درهم شکسته‌اش را در ارتفاعات شمال تهران یافتند.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

والی پور، سیامک

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: شهریور ۱۳۲۴.

درگذشت: بهمن ۱۳۷۵.

سیامک والی پور هنرمند و طراح گرافیک بود. پیکر وی در بهشت زهرا در قطعه‌ی ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) مدفون است. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

والیزاده، علیرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۲۹۶، خرم آباد.

درگذشت: ۱۱ مهر ۱۳۶۰، خرم آباد.

محمدرضا والیزاده معروف به معجزی مدت سی و پنج سال به جمع‌آوری اسناد و خاطرات معمرین و عکس‌ها و مدارک معتبر درباره تاریخ پرداخت. خطی خوش داشت و آنچه جمع‌آوری کرده بود، در دو مجلد نزدیک به ۱۸۰۰ صفحه مدون کرده بود. مایل بود که این اثر را چاپ نماید، اما نتوانست. بخش کوچکی از این اسناد تحت عنوان سفرهای... به لرستان چاپ و نشر شد که در آن وقایع این دوره و جنگ‌های لرستان و ستم‌هایی که بر لرها رفته بود، آمده است. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

وثوقی، افضل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فرانسه از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۳۴ و دکترای زبان‌شناسی از دانشگاه پاریس ۷ در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان‌شناسی و ادبیات کشورهای مختلف، تدریس درس ادبیات و زبان فرانسه و زبان‌شناسی در دانشگاه فردوسی مشهد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۹

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تأثر و اضطراب بشر، ادبیات نو آفریقائی، ادبیات ژاپن، ادبیات چین، گسترش انقلاب اسلامی در ایالات متحده آمریکا.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

نظام آوایی در زبان کردی لهجه سقز، ساختمان فعل در زبان کردی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

وثوقی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان در سال ۱۴۳۱، Diploma Postgraduate

زبان‌شناسی تطبیقی فارسی واژه از دانشگاه کراچی در سال ۱۳۴۸، کارشناسی ارشد پیوسته TESL از دانشگاه ایلینویز آمریکا در

سال ۱۳۵۱، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۵، دکترای زبان‌شناسی همگانی از دانشگاه تهران

در سال ۱۳۵۴، تحقیق بعد از دوره دکترا در روان‌شناسی زبان دانشگاه کالیفرنیا در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تربیت معلم از سال ۱۳۵۴ تا سال ۱۳۶۶ و دانشیار دانشگاه تربیت معلم از سال ۱۳۶۶

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس ساخت زبان فارسی ۱ و ۲، ساخت زبان انگلیسی، زبان تخصصی، زبان‌شناسی در دانشگاههای تربیت مدرس، تربیت

معلم و ایلینویز آمریکا، تحقیق در زمینه زبان‌شناسی و راهنمایی، مشاوره و نظارت بر چند پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۸

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

دستور و سنجش، عوامل مؤثر در یادگیری زبان دیگر، ساخت زبان فارسی به شیوه گفتاری Vocabulary Enrich You، نظریه

ترجمه از دیدگاه زبان‌شناسی، زبان‌شناسی همگانی، طرح پرسشهای چند گزینه‌ای و فرهنگ اصطلاحات و کاربرد آنها.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

نقش قوم موازنه زبان، جمله‌های مرکب و حذف معادله‌ها، چگونگی تحقیق دانشگاهی، زبان آذری

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

وجدانی فخر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۳۱۰.

درگذشت: ۲۸ مرداد ۱۳۷۵، تهران.

آیت‌الله وجدانی فخر از شاگردان علامه طباطبایی و حضرت امام (ره) بود و حدود چهل و هشت سال به تدریس سطوح مختلف علوم حوزوی در قم اشتغال داشت. از جمله خدمات وی تدریس بیست و دو دوره شرح لمعه بود که مورد استقبال طلاب قرار می‌گرفت.

از آثار فقهی ایشان می‌توان به کتاب جواهر الفخریه (در شرح لمعه) اشاره نمود که در پانزده جلد به چاپ رسیده است. اثر دیگر ایشان الايضاح فی الطلاق و النکاح: مباحث تحقیقی درباره صیغه‌های نکاح و طلاق (قم، ۱۳۷۰) نام دارد.

آیت‌الله وجدانی فخر در شصت سالگی در تهران در بیمارستان خاتم الانبیاء دار فانی را وداع گفت و پیکر ایشان در حرم مطهر حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

قدرت‌الله وجدانی فخر سرابی یکی از فضلاء برجسته و مدرسین شایسته و به نام حوزه علمیه قم می‌باشند. ایشان در حدود ۱۳۴۷ قمری در سراب متولد شده و پس از پرورش و خواندن اولیات و مقدمات در زادگاه خود و شهر تبریز و استفاده از دانشمندان آن دو شهر در سال ۱۳۶۵ قمری مهاجرت به قم نموده و سطوح متوسط و عالی را از محاضر مدرسین بزرگ آن روز که از آیات عظام و مراجع تقلید امروز شیعیانند استفاده نموده و در اواخر عمر مرحوم آیت‌الله العظمی آقای آقا سید محمدحجت صاحب مدرسه و مسجد (حجیه) شرکت در جلسات درس آن مرحوم نموده و بعد از فوت آن مرحوم در سال ۱۳۷۰ قمری از محضر و درس اصول و فقه مرحوم آیت‌الله العظمی آقای بروجردی و مرحوم آیت‌الله العظمی آقا شیخ عبدالنبی عراقی که افتخار دامادی معظم له را نیز داشته) و حضرات آیات عظام شریعتمداری و نایب‌الامام آقای خمینی و آقای آقا نجفی مرعشی مدظله‌م استفاده و بهره‌های کافی و وافیه و ضمن خود به تدریس متون فقه و اصول و منطق پرداخته و تاکنون چندین دوره شرح لمعه و رسائل و مکاسب و مطول و مغنی سبزواری را تدریس نموده و حد حدود دویست تا سیصد نفر طلاب و محصلین حوزه علمیه قم از دروسش استفاده می‌نمایند.

در مباحثه و تدریس بیانی شیرین و جامع و قاطع دارند و شاگردانش به خوبی درک مطالب را می‌نمایند.

آثار و تألیفات چندی دارد که دو جلد آن به نامهای زیر به طبع رسیده است.

- ۱- آداب معاشرت که ۱۶ سال قبل چاپ شده.
 - ۲- اجتهاد که هشت سال پیش به طبع رسیده است.
- برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

وجیه‌اللهی، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مترجم.

تولد: ۱۲۹۸، تهران.

درگذشت: ۲۸ دی ۱۳۶۶.

ابوالقاسم وجیه‌اللهی پس از اتمام تحصیلات خود در وزارت راه مشغول به کار شد. وجیه‌اللهی یکی از بنیانگذاران جامعه‌ی تعلیمات اسلامی است، جامعه‌ای که تعلیم و تربیت نسل جوان را سرلوحه‌ی کار خود قرار داده بود. تأسیس و توسعه‌ی مدارس اسلامی، به ویژه مدارس اسلامی دخترانه - در تهران و شهرستان‌ها، تشکیل سمینارهای مختلف در مدارس اسلامی سراسر کشور، دعوت از کسانی چون استاد شهید مرتضی مطهری، دکتر سید محمدحسین بهشتی، آیت‌الله محمد مفتح و آیت‌الله محمدجواد باهنر برای تدریس و سخنرانی، تأسیس دوره‌ی فوق دیپلم، و تربیت معلم برای مدارس اسلامی، چاپ و نشر کتب اسلامی و ترجمه و نشر کتاب الغدیر و غیره... از جمله خدمات وجیه‌اللهی است.

وجیه‌اللهی در غروب روز دوشنبه ۲۸ دی ۱۳۶۶ بر اثر سکته‌ی قلبی درگذشت.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

وحدت رشتی، حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۶۰ - ۱۲۵۰ ق)، طبیب و شاعر. اصلش از رشت است. وی غیر از تحصیلات متداول زمان، در علم طب مهارت داشت و در اطراف رشت و گیلان به طبابت مشغول بود. ظاهراً وی در هنگام مرگ بیش از سی و پنج سال نداشته است. از اوست:

خونین جگر نمود خط مشک تاب را

خالت ستاره سوخته کرد آفتاب را

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۱۹۸۳ - ۱۹۸۲ / ۳)، فرهنگ سخنوران (۹۷۷)، مصطبه‌ی خراب (۲۱۳ - ۲۱۲).

وحدت، اختر

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

تولد: ۱۳۰۱، بجنورد.

درگذشت: ۱۳۶۰.

اختر وحدت فرزند محمد، در خانواده‌ی اهل ادب تربیت یافت و همچون پدرش طبع روانی داشت. وی در زمره‌ی اولین زنانی بود که به استخدام اداره‌ی فرهنگ بجنورد درآمد. در سال ۱۳۳۹ به مشهد منتقل گردید. اهل شعر و شاعری بود. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

وحدتی شبیری، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید حسن وحدتی شبیری

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

سید حسن وحدتی شبیری، پژوهشگر و مدرس حوزه و دانشگاه، در سال ۱۳۴۴ ه.ش در خانواده‌ای مذهبی در مشهد به دنیا آمد. در کنار تحصیلات ابتدایی و متوسطه، ادبیات و صرف و نحو را نزد پدرش حجت الاسلام و المسلمین حاج سید محمد شبیری از خطباء و وعاظ بنام در مشهد مقدس فرا گرفت. پس از اتمام دوره‌ی راهنمایی تحصیلی در سال ۵۸ وارد حوزه‌ی علمیة مشهد شد و در کنار تحصیلات حوزوی دوره‌ی دبیرستان را در رشته‌ی علوم تجربی در سال ۱۳۶۳ به پایان برد. بعد از گذراندن دوره‌ی سطح به حوزه‌ی علمیة قم مهاجرت و همزمان با تحصیل در دوره‌ی خارج حوزه‌ی علمیة، دوره‌ی کارشناسی حقوق را در مجتمع آموزش عالی، وابسته به دانشگاه تهران (سالهای ۶۷ تا ۷۱)، دوره‌ی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی را در دانشگاه شهید بهشتی (سالهای ۷۱ تا ۷۴) و دوره‌ی دکتری PH.D حقوق خصوصی را در دانشگاه تربیت مدرس تهران (سالهای ۷۶ تا ۸۱) به پایان رسانید.

علاوه بر گذراندن ۱۵ سال تحصیل در دوره‌ی خارج حوزه‌ی علمیة دوره‌ی عالی زبان انگلیسی را نیز در دانشگاه باقرالعلوم (ع) به اتمام رسانیده است. از جمله اساتید حوزوی او در مشهد مقدس «آیت الله حاج مهدی مروارید»، «آیت الله مرتضوی» و «آیت الله فلسفی» و از جمله اساتید حوزوی در قم: «آیت الله ستوده اراکی»، «آیت الله میرزا جواد تبریزی» و حجت الاسلام و المسلمین «حاج شیخ محمد تقی شهیدی» می‌باشند. از جمله اساتید وی در دانشگاه نیز می‌توان از «دکتر مهدی شهیدی»، «دکتر ناصر کاتوزیان»، «دکتر سید حسین صفائی» و «دکتر مصطفی محقق داماد» نام برد.

وحید خراسانی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج شیخ حسین خراسانی معروف به وحید عالمی محقق و فقیهی مدقق و مدرسی علامه و استادی فرزانه مجتهدی کامل و مصنفی فاضل جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول می‌باشد. تولدش در سال ۱۳۰۰ شمسی در مشهد واقع شده و پس از گذراندن دوران صباوت و خواندن ادبیات و سطوح اولی و نهائی را از مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمد نهاوندی صاحب تفسیر فراگرفته و به درس خارج مرحوم آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی و آیت‌الله آشتیانی حاضر شده و استفاده‌ها نموده و به واسطه داشتن استعداد و نبوغ فکری به مدارج عالی

علم و اجتهاد ارتقا یافته و علوم عقلیه فلسفه و حکمت را از مرحوم به میرزا ابوالقاسم الهی و میرزا مهدی آشتیانی فراگرفته و در سال ۱۳۲۷ خورشیدی در شهر ری به دیدن مرحوم سیدنا الاستاد آیت‌الله العظمی حجت کوهکمری رضوان‌الله علیه شرفیاب شده و پس از مذاکرات علمی مفتخر به دریافت اجازه اجتهاد مطلق گردیده و به قصد تکمیل مبانی و دیدن نظریات آیات و مراجع عظام عراق مجتهدا در سن ۲۷ سالگی مهاجرت به نجف اشرف نموده و در درس مرحوم آیت‌الله العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله حکیم و بالاخص آیت‌الله العظمی خوئی شرکت کرده و از سال ۱۳۷۸ قمری شروع به گفتن درس خارج فقه و اصول نموده است. معظم‌له حدود دوازده سال در نجف تدریس خارج داشت تا در سال ۱۳۹۰ که به ایران برگشته و بنا بر اسرار فضلاء محصلین مشهد و علماء خراسان و امر بعضی از مراجع یکسالگی در مشهد توقف و به تدریس پرداخته و بعد از آن مهاجرت به قم نموده و اکنون در حوزه علمیه اشتغال به تدریس خارج فقه و اصول دارد و حوزه درسش بسیار جالب و بیش از صد نفر از فضلا و محصلین خوش فهم شرکت دارند که اغلب آنها دراسات و تقریرات معظم‌له را به رشته تحریر آورده و بعضی برای طبع آماده نموده‌اند. علامه وحید بیانی جامع و زیبا دارد و از فکر شاگرد و تلمیذ خود رفع هر گونه ابهام و اشتباه می‌کند. جزوات در فقه و اصول از دراسات و تقریرات آیت‌الله خوئی و دیگران دارد و آثار علمی دیگر او که دیدم از این قرار است ۱- شرح بر شرایع الاسلام ۲- حاشیه‌ای بر کفایه ۳- حاشیه‌ای بر مکاسب. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

وحید دستگردی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۳۲۱ - ۱۲۵۸ ش)، ادیب، مصحح، نویسنده و شاعر، متخلص به وحید. در قریه‌ی دستگرد، از توابع اصفهان، به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش فراگرفت و در پانزده سالگی به اصفهان رفت و در مدرسه میرزا حسن علوم ادبی را نزد میرزا یحیی مدرس بیدآبادی، معروف به کاشی پز، و علوم دینی را نزد عبدالکریم گزی و سید محمدباقر درچه‌ای آموخت و از محضر جهانگیرخان قشقایی و آخوند ملا محمد کاشی استفاده نمود. وی از طرفداران مشروطیت بود و اشعار و مقالاتی در این زمینه در روزنامه‌های اصفهان منتشر می‌کرد. دستگردی در آغاز جنگ بین‌الملل اول، روزنامه‌ی «درفش کاویان» را در اصفهان منتشر نمود.

او همچنین با روزنامه‌های «پروانه»، «زاینده رود» و «مفتش ایران» نیز همکاری می‌کرد. وی در ۱۳۳۸ ق به تهران آمد و انجمن ادبی ایران و انجمن ادبی حکیم نظامی را تأسیس کرد و همچنین در ۱۳۳۸ ق مجله‌ی ادبی «ارمغان» را طی دوره‌ای بیست و دو ساله در تهران تأسیس و منتشر نمود. وحید در اوایل ورود خود به تهران در حلقه‌ی مریدان صفی‌علیشاه درآمد. وی مدتی در اداره‌ی انطباعات وزارت معارف مشغول کار گشت. او در شعر ابتدا لمعه تخلص می‌کرد، ولی بعدها به دستور میرزا یحیی بیدآبادی تغییر تخلص داد. وی در تهران درگذشت و در امامزاده عبدالله شهر ری دفن شد. از دیگر آثارش: «انقلاب ادبی»؛ «ره‌آورد وحید»، سفرنامه چهار محال و تاریخچه‌ی وقایع اصفهان و جنوب ایران؛ «سرگذشت اردشیر»، به شعر؛ تصحیح و تحشیه‌ی «سبعه» حکیم نظامی گنجوی شامل: ۱- «مخزن‌الاسرار» ۲- «خسرو و شیرین» ۳- «لیلی و مجنون» ۴- «هفت پیکر» ۵- و ۶- «شرف‌نامه» و «اقبال‌نامه» که این دو همان «اسکندرنامه» است ۷- «گنجینه‌ی گنجوی» یا «دیوان» شعر نظامی؛ تصحیح کتابهای: «تذکره‌ی نصرآبادی» میرزا محمد طاهر نصرآبادی و «جلایرنامه» قائم‌مقام فراهانی؛ اهتمام در انتشار کتابهای: «تحفه‌ی سامی» سام میرزای صفوی، «جام جم» یا «جام جهان‌نما» اوحدی مراغی، «دیوان» امیر فراهانی و «دیوان» بابا طاهر عریان. [۱]

حسن فرزند محمدقاسم متخلص به وحید و مشهور به وحید دستگردی از مردم اصفهان (و- ۱۲۹۸ ه. ق- ف. دی ماه ۱۳۲۱). وی تا سال ۱۳۱۲ ه. ق در دستگرد و سپس در شهر اصفهان به تحصیل ادبیات فارسی، عربی، حکمت، فقه و اصول پرداخت. ادبیات را از میرزا یحیی مدرس و فلسفه را از جهانگیرخان حکیم قشقایی و آخوند ملا محمد کاشی فراگرفت. در آغاز مشروطه و انقلابات اصفهان به خاک بختیاری مهاجرت کرد و در این شهر مجله‌ی ارمغان را منتشر کرد. دو کتاب منظوم هم دارد یکی بنام «سرگذشت اردشیر» و دیگر «ره‌آورد وحید» که بطبع رسیده است. وحید در انواع شعر صاحب قدرت بود و به نظامی گنجوی علاقه‌ی مخصوصی داشت و بیشتر سبک نظامی را پیروی می‌کرد. بر اثر این علاقه انجمن ادبی را که خود تأسیس کرده بود «انجمن حکیم نظامی» نام داد و به تصحیح و مقابله‌ی خمسه‌ی نظامی پرداخت و پس از قریب پانزده سال تحقیق و مطالعه آن را با اصلاحات و تعلیقات مفید به چاپ رساند. دیوان جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی و دیوان ادیب‌الممالک فراهانی را نیز تصحیح کرده است.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه: [۱] ادبیات نوین (۳۴۷، ۳۴۰، ۷۶، ۵۱، ۴۵، ۴۳)، از صبا تا نیما (۳۲۵- ۳۲۲/۲)، تاریخ جراید (۲۸۴، ۵۲، ۵۱/۲)، ۱۳۶- (۱۲۱/۱)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۵۲۹- ۵۲۶)، تذکره‌القبور (۲۷۳)، چهار صد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (۱۱۴۳)، دایره‌المعارف فارسی (۳۱۴۹/۲)، الذریعه (۳۰۹/۱۱، ۱۲۶۶- ۱۲۶۵/۹)، سخنوران نامی (۵۱۴- ۴۹۸/۲)، سخنوران نامی معاصر (۳۸۴۷- ۳۸۴۲/۶)، شخصیت‌های نامی (۵۰۶)، شرح حال رجال (۶۶/۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۰۵، ۳۳۹۶، ۳۱۷۰، ۲۹۶۱، ۲۸۳۳، ۲۷۸۱، ۲۶۶۸، ۲۱۴۳، ۱۹۶۵، ۱۷۹۶، ۱۶۶۹، ۱۶۶۸، ۱۶۶۷/۲، ۱۵۹۵، ۱۵۸۹، ۱۵۶۵، ۱۵۶۲، ۱۵۱۲، ۱۵۰۵، ۱۵۰۴، ۱۲۸۹، ۱۲۸۸- ۱۲۶۶، ۱۰۴۶، ۹۸۶، ۸۳۸، ۸۰۱، ۳۷۷، ۳۰۳، ۲۱۳/۱)، گلزار معانی (۷۳۷- ۷۲۹)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲۴- ۲/۶۲۳).

وحید قزوینی، عمادالدوله طاهر

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم و دوازدهم ق)، مورخ، ادیب، خطاط و شاعر، متخلص به وحید. در قزوین به دنیا آمد. در عهد صفویه می‌زیست و از شاعران و منشیان عصر خود بود. وی پس از کسب دانش و مهارت در ادب و خوشنویسی و ترسل و سیاق، وارد خدمات دیوانی و

از دفترنویسان دیوان شد. در زمان شاه عباس دوم (۱۰۷۷-۱۰۵۲ ق) به منصب واقعه‌نویسی انتخاب شد و در زمان شاه سلیمان منصب وزارت یافت. در حاشیه‌ی «آتشکده‌ی آذر» آمده که وحید با صائب تبریزی مصاحبت و دوستی داشت. در اوایل عهد شاه سلطان حسین (۱۱۳۵-۱۱۰۵ ق) از کار کناره گرفت و چندی بعد درگذشت. در مورد تاریخ وفاتش در بین مؤلفان اختلاف است و به تفاوت ۱۱۲۰، ۱۱۱۲، ۱۱۱۰، ۱۱۰۷، ۱۱۰۵ ق نوشته‌اند. از آثار وی: «خلوت راز»، در دو هزار و دویست بیت؛ «راز و نیاز» یا «ناز و نیاز»، در دو هزار و دویست بیت؛ «عاشق و معشوق»، به وزن «لیلی و مجنون»، در یک هزار و سیصد بیت؛ «فتح نامه قندهار»، در چهار صد و شصت بیت؛ «آلات جنگ»، در هشتصد بیت؛ «گلزار عباسی»، در ششصد و شصت بیت؛ «ساقی‌نامه»؛ «عباس‌نامه» یا «تاریخ شاه عباس ثانی» یا «تاریخ طاهر وحید»، در تاریخ دوران شاه عباس دوم؛ «منشآت»؛ مثنوی «شهر آشوب»؛ «دیوان» شعر. [۱]

عمادالدین میرزا طاهر بن میرزا حسین خان قزوینی، متخلص به وحید و برادر محمد یوسف مؤلف «تاریخ خلد برین». حزین در تذکره او را وحیدالزمان خوانده است و گوید از غایت اشتها بی‌نیاز از تعریف است و هدایت گوید: دیوانی مشتمل بر نود هزار بیت ارد. وحید ابتدا منشی میرزا تقی وزیر شاه صفی و شاه عباس ثانی بود. تاریخی که نوشته عباس‌نامه یا تاریخ طاهر وحید یا تاریخ شاه عباس ثانی نام دارد. میرزا محمد وحید در عهد سلطنت شاه سلیمان از (۱۱۰۵-۱۰۷۸ ه.ق) با لقب عمادالدوله وزیر اعظم شد زندگانی گفت. از وی مجموعه‌ی منشاتی هم باقی مانده که اگر چه از لحاظ تاریخی حاوی مطالب مهمی است لیکن انشاء آن بسیار متکلفانه است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آتشکده‌ی آذر (۱۲۲۰-۳/۱۲۱۱)، احوال و آثار خوشنویسان (۳/۷۸۴)، ایضاح‌المکنون (۱/۵۳۷)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۴/۱۷۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۵۱-۵/۱۳۴۶)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۶۵۵-۱/۶۵۴)، تذکره‌ی روز روشن (۹۰۵-۹۰۱)، تذکره‌ی المعاصرین (۲۷۴-۲۶۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۰-۱۷)، دانشمندان آذربایجان (۸۰)، دایرة‌المعارف فارسی (۲/۳۱۴۹)، الذریعه (۱۹/۱۸۵، ۱۲۶۷-۹/۱۲۶۶، ۱/۲۰)، ریحانه (۳۱۱-۶/۳۱۰)، سبک‌شناسی (۲۷۶، ۳/۲۵۹)، سرو آزاد (۱۳۵-۱۳۲)، فرهنگ سخنوران (۹۸۰-۹۷۹)، کتابشناسی نظامی گنجوی (۴۱۶)، کلمات الشعراء (۱۹۰-۱۷۸)، لغت‌نامه (ذیل/ وحید قزوینی)، مجمع‌الفصحا (۴/۱۰۵)، منظومه‌های فارسی (۶۱۶-۶۰۸)، مؤلفین کتب چاپی (۳/۵۹۱)، مینودر (۲/۸۷۲-۸۷۴)، نتایج‌الافکار (۷۴۳-۷۴۰)، یادگار (س ۵، ش ۱ و ۲، ص ۱۲۰-۱۱۸).

وحید گلپایگانی، هدایت‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۹۵/۱۳۱۸-۱۳۰۸ ق)، عالم دینی، فقیه و مدرس. وی در قریه گوگد گلپایگان به دنیا آمد. مقدمات و سطوح را در زادگاه خویش نزد پدر فراگرفت. آنگاه در ۱۳۲۶ ق به اراک رفت و از محضر درس آیت‌الله آقا نور اراکی و حجت‌الاسلام حاج میرزا محمد علی خان استفاده نمود. سپس ملازمت آیت‌الله حایری را اختیار کرد و در ۱۳۴۰ ق همراه با آیت‌الله حایری به قم مهاجرت نمود و تا ۱۳۵۰ ق از مباحث فقه و اصول ایشان استفاده برد و نیز در موقع تبعید آیات عظام نجف از عراق به ایران، از بحث قاعده‌ی (علی الید) آیت‌الله اصفهانی بهره‌مند گردید. پس از درگذشت پدرش به گلپایگان بازگشت و به امر و تشویق آیت‌الله حایری حوزه‌ی علمیه‌ای در آنجا تأسیس نمود و خود به تدریس پرداخت. در ۱۳۶۴ ق مجدداً به قم بازگشت و از محضر آیت‌الله بروجردی استفاده نمود. آنگاه در ۱۳۶۷ ق به تهران آمد و تا پایان عمر در این شهر به انجام وظایف دینی و تدریس در

مدرسه عالی سپهسالار پرداخت. او در تهران درگذشت. پیکرش به قم منتقل و در مقبره شیخان در کنار قبر زکریا بن آدم دفن گردید. [۱]

حاج میرزا هدایت‌الله بن حجة الاسلام والمسلمین مرحوم آخوند ملا محمدجواد نخعی گلپایگانی از علماء معاصر تهران بودند وی بنا بر تتبع و گفته جناب حجة الاسلام آقای آقا ریحان‌الله نخعی که با ایشان قرابت و خویشاوندی دارند منتسب بجناب مالک اشتر نخعی تابعی صاحب و وزیر و مشیر و دبیر حضرت امیرالمومنین علیه السلام می باشد.

آن مرحوم در ۱۳ رجب المرجب ۱۳۰۸ ق در قریه گوگه (محل تولد حضرت آیت‌الله گلپایگانی) از قراء گلپایگان متولد شده و مقدمات و سطوح اولیه را در محل خدمت والد خود خوانده و در سال ۱۳۲۶ ق به اراک آمده و ابتداء از محضر و درس مرحوم آیت‌الله آقا نور اراکی و حجة الاسلام حاج میرزا محمدعلی خان استفاده نموده و بعد ملازمت مرحوم آیت‌الله حایری را اختیار و در سال ۱۳۴۰ ق پس از انتقال و مهاجرت مرحوم آقای حایری به قم ایشان هم هجرت به آنجا نموده و تا سال ۱۳۵۰ ق از مباحث فقه و اصول آیت‌الله حایری استفاده کامل نموده و هم در موقع تبعید آیات عظام نجف از بحث قاعده (علی الید) مرحوم آیت‌الله اصفهانی بهره‌مند گردیده و در سال مذکور بواسطه فوت والدش مراجعت بمحل خود و در آنجا بامر و تشویق و موافقت آیت‌الله حایری تاسیس مدرسه علمیه نموده و افاضلی را تربیت و علمائی را تحویل اجتماع داده تا در سال ۱۳۶۴ ق که به قم آمده و از محضر آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده تا با اصرار اهالی محل مراجعت بزادگاه خود و در سال ۱۳۶۷ ق مهاجرت به تهران نموده و تا سال ۱۳۹۴ ق در آنجا اقامت و بوظائف دینی و تدریس در مدرسه عالی سپهسالار اشتغال جز یک دو سال اخیر بواسطه ی کسالت از خدمات مزبور محروم تا در شب ۱۷ ماه صفر المظفر سال مذکور در سن ۸۶ سالگی رحلت و با تشییع مجللی حمل به قم و در مقبره شیخان در جنب قبر جناب زکریا بن آدم اشعری مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آینه‌ی دانشوران (۴۲۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۹۲-۵۹۱/۴، ۴۳۸/۶).

وحید مازندرانی، غلامعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مترجم، مورخ.

تولد: ۱۲۹۱، ساری.

درگذشت: ۱۵ فروردین ۱۳۶۹.

غلامعلی وحید، فرزند مصطفی، در اوایل کودکی پدرش را از دست داد و پس از پایان دوره‌ی شش ساله‌ی ابتدایی در ساری به تهران رفت و متوسطه را در دارالنون خواند و پس از فراغت از تحصیل دانشگاهی در وزارت امور خارجه وارد خدمت شد. شش سال در لندن در سفارت ایران کار می‌کرد. پس از آن در تهران نخست به معاونت و پس از آن به کفالت اداره‌ی عهود و امور حقوقی وزارت امور خارجه دست اندر کار شد. آنگاه در کشورهای آمریکا و هندوستان و انگلستان ریاست اداره‌ی پنجم سیاسی و سرکنسولی ایران در بمبئی و وزیر مختار ایران در لندن را عهده داشت و سپس در هندوستان و بعد از آن، اندونزی به سفارت ایران مشغول شد.

تألیفات عهده وی به این شرح است: اقتصاد ملی (۱۳۱۶)؛ ایران و قضیه ایران (لرد کرزن)؛ بحثی چند درباره‌ی انقلابیون این عصر

(اثر هرولد ج. لسکی، ۱۳۳۱)؛ تاریخ اروپا از انقلاب کبیر فرانسه تا هیتلر (هربرت فیشر، ۱۳۲۴-۱۳۱۹)؛ تاریخ ایران از ابتدای قرن ۱۹ تا سال ۱۸۵۸ م. (رابرت کرنس والس، ۱۳۴۱)؛ تاریخ هردوت (۱۳۲۴)؛ تمدن غرب در شرق نزدیک (هانس کن، ۱۳۱۶)؛ خواستن توانستن است (امیل پش، ۱۳۱۳)؛ دیپلمات (ژول کامبون، ۱۳۲۴)؛ راهنمای عهد و عهدنامه‌های تاریخی ایران (۱۳۴۱)؛ رستاخیز (لئون تولستوی، ۱۳۱۲)؛ قرارداد ۱۹۰۷ م. بین روس و انگلیس (۱۳۲۸)؛ مازندران و استرآباد (ه. ل. رابینو، ۱۳۲۷)؛ ممالک متحده آمریکا (۱۳۲۴)؛ موسولینی (۱۳۱۷)؛ هند یا سرزمین اشراق (۱۳۳۵)؛ هیتلر (۱۳۱۶).

از فضلا و دانشمندان و محققین تاریخ، در ۱۲۹۰ ش متولد شد. تحصیلات ابتدائی متوسطه و عالی را در تهران باتمام رسانید و درجه‌ی لیسانس در علم حقوق و علوم سیاسی گرفت و در ۱۳۱۵ در وزارت امور خارجه استخدام شد.

پس از طی مقدمات اداری دبیر سوم سفارت ایران در لندن گردید و سپس به معاونت اداره عهد و حقوقی منصوب شد. چندی هم کفالت و ریاست اداره ششم وزارت امور خارجه را عهده‌دار بود تا به رایزنی سفارت ایران در امریکا برگزیده شد. سایر مشاغل وی به ترتیب عبارتند از: رئیس اداره پنجم سیاسی، رئیس اداره تابعیت، سرکنسول در بمبئی، رئیس اداره چهارم سیاسی، وزیر مختار در لندن، عضو شورای عالی سیاسی، ریاست اداره عهد و حقوقی. آنگاه به سفیر کبیری ایران در اندونزی منصوب شد و مدتی هم سفارت ایران را در هندوستان عهده‌دار بود. پس از بازگشت از هندوستان بازنشسته شد و به کار نویسندگی و ترجمه پرداخت. قسمتی از آثار چاپ شده‌ی ایشان بشرح زیر است: اقتصاد ملی و سیاست اقتصادی ایران، قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس راجع به ایران، هند یا سرزمین اشراق، نامه‌های تاریخی ایران.

از ترجمه‌های ایشان می‌توان کتب زیر را نام برد: تاریخ ایران در قرن نوزدهم تألیف ه. ل. فیشر، تاریخ هردوت، کتاب مازندران و استرآباد رابینو، تاریخ ایران در قرن نوزدهم تألیف واتسن.

دکتر غلامعلی وحید مازندرانی در ۱۳۶۶ درگذشت.

(۱۳۶۹-۱۲۹۱ ش)، نویسنده و مترجم. در ساری به دنیا آمد. پس از پایان دوره ابتدایی به تهران آمد و تحصیلات متوسطه را در دارالفنون به پایان رساند و در ۱۳۱۴ ش از دانشکده حقوق تهران فارغ‌التحصیل شد و سپس به خدمت وزارت امور خارجه درآمد. وی به زبان‌های فرانسه و انگلیسی آشنایی داشت. او در تهران ابتدا به معاونت و بعد به کفالت اداره‌ی عهد و امور حقوقی وزارت امور خارجه مشغول شد و پس از آن در واشنگتن، بمبئی، لندن، هندوستان و اندونزی عهده‌دار مشاغلی گردید. از آثار وی: «اقتصاد ملی»؛ «راهنمای عهد و عهدنامه‌های تاریخی ایران»؛ «ممالک متحده‌ی آمریکا»؛ «موسولینی»؛ «هند یا سرزمین اشراق». از آثار ترجمه‌ی وی: «بحثی چند درباره‌ی انقلابیون این عصر»؛ «تاریخ هردوت»؛ «تاریخ اروپا از انقلاب کبیر فرانسه تا ظهور هیتلر»؛ «تاریخ ایران در قرن نوزدهم»؛ «تمدن غرب در شرق نزدیک»؛ «خواستن توانستن است». [۱]

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] چهره‌های آشنا (۶۴۷-۶۴۶)، الذریعه (۲۵/۲۵۰)، شرح حال رجال معاصر مازندران (۱۵۸-۱۵۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۸۵۴، ۲۵۱۳، ۱۹۹۷، ۱۶۵۳/۲، ۱۲۹۳، ۹۵۰، ۵۲۰، ۳۰۸/۱)، کتاب گیلان (۵۴۵، ۳۶۰، ۱۴۳/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۷۳۰-۷۲۸/۴).

وحیدی امین، محمدحسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدحسن وحیدی امین

محل تولد: آمل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۸/۱۰

زندگینامه علمی

پس از اتمام مقدمات و سطح حوزه که همزمان با جریان جنگ تحمیلی میان ایران و عراق بود اولین کار نوشتنی خود را در زمینه جنگ شروع کردم و مدتی بعد در حدود سه جلد کتاب در این زمینه نوشتم ولی به دلیل رعایت مصالحی از چاپ آن صرف نظر کرده و به کار تخصصی مربوط به خودم که حوزوی بود روی آوردم چونکه اقبال سید بن طاووس از کتابهای منبع معتبر شیعی بود آن را اولین هدفم قرار دادم و خوشبختانه در سال ۱۳۷۷ به چاپ رسید ترجمه ای که اولین کار و نیز اولین ترجمه از اقبال سید بن طاووس ره بود که به زبان فارسی برگردانده شد، کار بعدی ام تالیف کتاب فضایل و آداب ماه های رجب و شعبان بود که کمبود آن در میان مولفات شیعه محسوس بود و یک سال بعد آن را نیز منتشر کردم. همزمان با سفرهای متعددی که به حج و عمره داشتم متوجه شدم که حاجیان و نیز کارگزاران و روحانیون از نبود کتاب جامعی در زمینه اسرار، اماکن و زیارات آن سرزمین رنج می برند. تصمیم گرفتم که با استفاده از تجربیات تحقیقی حوزوی و نیز میدانی، کتاب بسیار ارزشمند اسرار الحرمین را تالیف کنم که در حقیقت یک دائرة المعارف سفری حج و عمره است و کسانی که از آن استفاده کردند بارها و بارها با تماس های خود این حقیر را مورد لطف خود قرار دادند. شبیه همین کار را با ابعاد محدودتری در زمینه عتبات و عالیات انجام دادم، تفسیر امام حسن عسکری (ع) هم که تنها تفسیر باقیمانده از معصومین (ع) بود و سابقه هیچ ترجمه فارسی نداشت مورد توجه ام قرار گرفت و آن را به فارسی برگرداندم. به دنبال ترجمه این تفسیر اکنون به فکر ترجمه تمام احادیثی افتادم که در زمینه تفسیر آیات قرآن در کتاب های قدما چون نور الثقلین، برهان و مجمع آمده است که کار سنگین و بزرگی است و به لطف خدا گام به گام این احادیث را ترجمه می کنم تا به زودی در اختیار علاقه مندان قرار گیرد. در زمینه ولی نعمت و سرورمان حضرت بقیه الله الاعظم عج الله تعالی فرجه الشریف هم کاری را حدود دو سال است که شروع کردم به نام «شهر گمشده» که امیدوارم بتوانم به مانند نوع کارهایی که به عهده می گیرم جامع و کامل باشد و تکراری نباشد به طوری که از نوشته های دیگران در آن به هیچ وجه استفاده نشده باشد. با هیچ موسسه ای کار نمی کنم. و نظر شخصی ام این است که در زمینه علوم اسلامی نبوغ شخصی می تواند مخاطبان زیادی را زیر چتر خود بگیرد و کارهایی با هدایت بالا و جهت داده شده مثمر ثمر نباشد و الله اعلم.

وحیدی تبریزی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۴۲ق)، ادیب و شاعر. اهل تبریز بود، ولی چون مدتی در قم سکونت داشت، برخی از مؤلفان او را قمی نوشته‌اند و همچنین صاحب «ریحانة الادب» او را اهل تبریز یا هرات می‌داند. در شناخت اشعار و علم عروض و قافیه مهارت داشت. وی با مولانا حیرتی معاصر و معاشر بود که به سببی یکدیگر را هجو کردند. وحیدی اواخر عمر به گیلان مسافرت کرد و در آنجا درگذشت. مؤلف

«الذریعه» وحید تبریزی و وحیدی قمی را دو نفر دانسته است. از آثار وی: «مفتاح البدایع»، در لغت فارسی؛ «الجمع المختصر» یا «مختصر وحیدی»، در عروض و قافیه؛ «شهرانگیز»، برای مردم تبریز؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۶۲۹، ۴۰۲/۵)، تاریخ نظم و نثر (۷۰۷)، تحفه سامی (۲۲۸-۲۲۷)، دانشمندان آذربایجان (۳۹۴-۳۹۳)، الذریعه (۳۲۰/۲۱، ۱۲۶۵/۹، ۱۳۹/۵)، ریحانه (۳۱۰/۶)، صبح گلشن (۵۸۹)، فرهنگ سخنوران (۹۸۰)، مجالس النفائس (۱۶۱)، هفت اقلیم (۵۰۵-۵۰۴/۲).

وحیدی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید العلماء العالمین آیت الله آقای حاج سید محمد بن العالم الجلیل السید رضی الدین بن العلم العلام حاج سید محمد بن العلامه الکبری آیت الله حاج سید اسماعیل (شبستری معاصر شیخنا الانصاری) عالمی جلیل و دانشمندی بزرگوار حاوی فروع و اصول جامع معقول و منقول از علماء مبرز و مراجع عالیقدر و مدرسین گرامی حوزه علمیه است.

در سال ۱۳۳۶ قمری متولد شده و در خاندان فضل و سیادت تربیت یافته و مقدمات و سطوح را در شبستر و تبریز فرا گرفته و در سال ۱۳۵۵ قمری به قم مهاجرت نموده و به درس سیدنا الاستاد آیت الله العظمی حجت حاضر شده و مدت ۸ سال از دراسات فقه و اصول معظم له استفاده کرده تا به مدارج عالی علم ارتقا یافته و در سال ۱۳۶۳ قمری بنا بر دعوت مردم آذربایجان غربی و امر آن مرحوم برای هدایت و رهبری آن مرحوم به آن سامان عزیمت نموده و نزدیک ده سال در آنجا خدمات شایانی انجام داده و در دل‌های مردم آذربایجان محبوبیت بخصوصی پیدا کرده است تا در سال ۱۳۷۲ قمری که مراجعت به قم نموده و به تدریس خارج فقه و اصول در مسجد اعظم قم پرداخته و تاکنون با داشتن کسالت‌های روحی و جسمی اشتغال دارند و عده‌ای از فضلاء از محضرش استفاده می‌نمایند.

مؤلف گوید... آیت الله وحیدی عالمی خدمتگذار و دانشمندی فداکار است که به سهم خود خدماتی در قم و آذربایجان و نقاط دیگر نموده و می‌نماید.

دارای آثار علمی و اجتماعی می‌باشد.

اما آثار اجتماعی مساجدی که در بعضی از نقاط به امر و اجازه ایشان بنا شده و مدرسه آیت الله وحیدی که در جلد اول ضمن مدارس قم شرح آن داده شده است.

و اما آثار علمی از این قرار است:

۱- مستمسکات الاحکام عربی ۲- شرح زیارت جامعه فارسی ۳- اجوبه المسائل ۴- حاشیه بر عروه الوثقی ۵- توضیح المسائل ۶- رساله منتخب التوضیح

۷- تقریرات فقه آیت الله حجت ۸- تقریرات اصول معظم له.

وی دارای اجازات اجتهاد و روایتی از آیات عظام مرحوم آیت الله اصفهانی و آیت الله حجت رضوان الله علیهم اجمعین و دیگران می‌باشد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

وحیدیان کامیار، تقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه مشهد در سال ۱۳۳۹، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی از دانشگاه تهران، دکترای

زبان‌شناسی همگانی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۱.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی منشاء وزن شعر فارسی، گردآوری واژگان قافیه شعر فارسی، گردآوری و تدوین وزنهای شعر فارسی و استاد راهنمای ۳

پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

وزن و قافیه شعر فارسی، وزن شعر فارسی (عروضی فارسی) نوای گفتار در فارسی، دستور زبان عامیانه فارسی، بررسی وزن شعر

عامیانه فارسی، دستور فارسی، فرهنگ نام آوایی، موسیقی حرف، کلمه و کلام (مربوط به نام آواها).

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

نقشهای تکیه در زبان فارسی، تکیه و وزن شعر فارسی، قافیه در شعر فارسی، افسانه چیست؟- فارسی مؤدبانه، اسمهای خاص و

نظریه اطلاع، فعل مرکب در فارسی نیست، نقدی بر تاریخ زبان دکتر خانلری، وزن فلهویات عروضی است نه هجایی، اوزان ایقاعی،

اندیشیدن در قافیه، نقد عروض، عروض فارسی، مدارس قدیم مشهد، و مقالاتی دیگر در زمینه‌های دستور زبان، عروض، شعر و

شاعری و زبان‌شناسی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

وخشی بلخی، ابوعلی حسن

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۷۱-۳۸۵ ق)، حافظ، محدث، زاهد و ادیب. اصل وی از وحش، قریه‌ای در حوالی بلخ است. در طلب حدیث به عراق، جبال، شام و مصر سفرهای طولانی نمود و در بلخ، نساپور، بغداد، اصفهان، دمشق، بصره، مصر، عسقلان، تنیس، رمله، قدس، عکا، حلب و همدان از ابوالقاسم خزاعی و ابوسعید صیرفی و یحیی بن ابراهیم مزکی و ابو عمر بن مهدی فارسی و ابونعیم حافظ و ابوحسین بن بشران و ابومحمد نحاس و تمام بن محمد رازی و محمد بن احمد بن محمد بن مزدین و ابوسعید بن حسنویه و ابوالحسن علی بن قاسم نجاد و عقیل بن عبدان و قاضی ابوبکر حیری و عبدالواحد بن محمد بن مهدی و محمد بن حسین بن فضل قطان و محمد بن احمد بن ابوالفوارس و از جماعتی دیگر حدیث شنید. خطیب بغدادی و عمر بن محمد سرخسی و عمر بن علی محمودی و جماعتی دیگر از او روایت کرده‌اند. خواجه نظام الملک در بلخ از وی حدیث شنید. در بغداد خلیفه عباسی به اتهام قدری بودن دستور به غرق کردن او داد. پس به مصر گریخت و بعد از چندی دوباره مخفیانه به بغداد آمد و از آنجا به بلخ بازگشت، در بلخ به امر خواجه نظام الملک برای وی مدرسه‌ای بنا نمودند تا در آن حدیث گوید. او در بلخ در گذشت. وی برگزیده‌ای از احادیثی را که از ابونعیم حافظ شنیده بود، در پنج جزء تحت نام «وخشیات» نگاشت. در «کشف الظنون» و به تبع آن در «هدیه العارفين»، «الامالی»، در حدیث و کتاب «التوقیر» از آثار وی شمرده شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام بوفیات الاعلام (۱/۳۱۲)، انساب سمعانی (۵/۵۷۹)، ایضاح المکنون (۱/۳۴۰)، تذکره الحفاظ (۱۱۷۴- ۱۱۷۱/۳)، توضیح المشتبه (۹/۱۷۶)، سیر النبلاء (۳۶۷-۳۶۵/۱۸)، شذرات الذهب (۳/۳۳۹)، طبقات الحفاظ (۴۵۹)، العبر (۲/۳۲۹)، کشف الظنون (۵۰۸، ۱۶۳)، لسان المیزان (۴۴۶-۴۴۵/۲)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۱۰۳-۱۰۲/۱۹)، معجم البلدان (۵/۴۱۹)، معجم المؤلفین (۳/۲۶۰)، الوافی بالوفیات (۱۲/۱۶۳)، هدیه العارفين (۱/۲۷۷).

وراق کرمانی، ابو عبدالله محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۲۹ ق)، ادیب، نحوی، لغوی و منجم. از علمای نحو و لغت و از شاگردان ثعلب نحوی بود. به حسن خط شهرت داشت و از طریق وراقی و کاغذسازی امرار معاش می‌نمود. او صاحب تألیفاتی در زمینه‌ی علم لغت و علم نحو می‌باشد. از آثارش: «الموجز»، در نحو؛ «الجامع فی اللغه»، لغاتی که خلیل فراهیدی در کتاب «العین» آن را فراموش کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/۹۶)، روضات الجنات (۳/۲۸۱)، ریحانه (۶/۳۱۳)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (۱۳۴)، کشف الظنون (۱۸۹۹، ۵۷۶)، لغت‌نامه (ذیل / ابو عبدالله)، معجم الادباء (۱۸/۲۱۳)، معجم المؤلفین (۲۴۷-۲۴۶/۱۰)، الوافی بالوفیات (۳/۳۲۹)، هدیه العارفين (۲/۲۴، ۳۵).

ورثینی نسفی، ابوالحارث اسد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۱۵ ق)، عالم و محدث. اصل وی از ورثین از قرای NSF و دانشمندی متفنن در علوم مختلف بود. از طفیل بن زید تمیمی و مثنی بن ابراهیم غوبدینی و ابو عیسی ترمذی و ابو یعقوب اسحاق بن ابراهیم دبری و ابوالعباس محمد بن یونس کدیمی و حسن بن عبدالاعلی بوسی و عبیدالله بن محمد کشوری و ابو یحیی مکی و جماعتی دیگر حدیث شنید. از آثارش: «البستان»، در اخبار NSF؛ «العجائب»؛ «اخبار الحسن والحسین (ع)»؛ «المقتل»؛ کتاب «مفاخره اهل کش و NSF».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵/۵۸۸)، معجم البلدان (۴۲۷-۴۲۶/۵)، معجم المؤلفین (۲/۲۴۰)، هدیة العارفین (۱/۲۰۳).

ورزگر، مینو

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دیپلم از دبیرستان هالیوود شمالی لوس آنجلس آمریکا، کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران (در طی دو سال)، کارشناسی ارشد در آموزش زبان انگلیسی دانشگاه تربیت معلم (در طی یک سال)، کارشناسی ارشد روانشناسی از دانشگاه تهران (در طی دو سال)، M.A در آموزش زبان انگلیسی TESL از دانشگاه ایلینویز آمریکا (در طی دو سال)، دکترا در آموزش زبان انگلیسی TESL از دانشگاه ایلینویز آمریکا (در طی دو سال).

مرتبه علمی:

مدیر گروه و دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۵ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

واژه‌نامه آموزش زبان، زبانشناسی و آزمون‌سازی، اثر عوامل روانی بر روی خواندن، عضویت در انجمن‌های بین‌المللی و چندین کمیته و مرکز آموزشی و تحقیقی داخلی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱۷

زمینه علمی تألیفات:

آموزش خواندن از طریق خواندن، آموزش و سنجش زبان انگلیسی، انگلیسی برای دانشجویان پزشکی، انگلیسی برای دانشجویان مامائی، انگلیسی برای دانشجویان بهداشت، مسائل آموزش زبان انگلیسی در ایران، گرامر کامل زبان انگلیسی، انگلیسی برای کودکان، واژه‌نامه انگلیسی به فارسی و فارسی به انگلیسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۲

زمینه علمی مقالات:

فراگیری زبان در کودکان، آموزش خواندن، جنبه‌های روانی زبان خواندن، خواندن و تفکر، مراحل ادراکی خواندن، فرآیندهای شناختی خواندن، ابعاد مهارت‌های شنیداری، گفتاری، جنبه‌های عصبی روانی مرحله بحرانی در زبان آموزی، مراحل ادراکی خواندن.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ورزی، ابوالحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۸- ۱۲۹۳ ش)، شاعر، مترجم و نوازنده. در تهران به دنیا آمد. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در ۱۳۱۵ ش به اخذ لیسانس از دانشکده حقوق نایل شد و در همین سال بود که به انجمن‌های ادبی تهران راه یافت و با شعرای هم‌عصر خود آشنا گردید. وی هنگام تحصیل در دانشکده حقوق، در دانشکده معقول و منقول (الهیات و معارف اسلامی) هم به تحصیل پرداخت و زمانی که از طرف وزارت دادگستری در شیراز به سر می‌برد، «جامع المقدمات» و «مغنی» و «مطول» تفتازانی و «شرح منظومه» ملا هادی سبزواری و مقداری از «اسفار اربعه» را نزد میرزا علی حکیم آموخت. ورزی در ۱۳۲۰ ش در کابینه اول قوام‌السلطنه به سمت بازرس مخصوص نخست‌وزیر انتخاب شد و از آن پس عهده‌دار مشاغل مختلفی چون رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت فلاحی خراسان، مدیرکل مالی شهرداری تهران، رئیس هیئت مدیره شرکت چای گیلان، عضو هیئت اعزامی برای خلع ید تأسیسات نفت در زمان دکتر محمد مصدق و غیره بود. او از همان دوران کودکی با شعر و ادب و موسیقی آشنا شد و در محضر اساتیدی مانند موسی نی داوود، نواختن تار و ویولن و سه تار را آموخت و با ابوالحسن صبا، حسین تهرانی، روح‌الله خالقی، علینقی وزیری، غلامحسین بنان، قمرالملوک وزیری، تاج اصفهانی و بسیاری از هنرمندان دیگر مصاحب و معاشر بود. ورزی شاعری غزلسراست، اما در انواع شعر فارسی نیز طبع آزمایی کرده است. وی زبان فرانسه را خوب می‌دانست و اشعاری نیز به این زبان سروده و آثاری را ترجمه کرده است. از آثار منظوم او: «سخن عشق»؛ «رهاورد عمر»؛ «دیوان» شعر. از ترجمه‌های وی: «بررسی‌های ادبی» و «هفت صورت عشق» از آندره موروا؛ «نغمه پرداز نامرد» که نام داستانی از داستایوفسکی است به نام «نیه توچکانبتروانف».[۱]

شاعر.

تولد: دی ۱۲۹۳، تهران.

درگذشت: مهر ۱۳۶۸، تهران.

ابوالحسن ورزی، فرزند حسین فلاح‌زاده تا پنجم ابتدایی در دبستان‌های شرف مظفری و ادب درس خواند ولی سال ششم ابتدایی را در گرگان و دوره‌ی اول دبیرستان را در شهرستان ساری و دوره‌ی دوم دبیرستان را در مدرسه‌ی امیرکبیر (دارالفنون) به پایان رساند. وی فارغ‌التحصیل رشته‌ی حقوق قضایی از دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۵ بود. پس از گذراندن دوره‌ی افسری وظیفه که محل مأموریتش در شیراز بود، مجدداً از طرف وزارت دادگستری با سمت دادیاری دادرسی شهرستان شیراز به آن شهر بازگشت. از زمانی که مشغول تحصیل در دارالفنون بود، گذشته از برنامه‌ی روزانه، مقدمات زبان عربی و صرف و نحو و منطق و فلسفه را در خارج نزد یکی از اساتید زمان یعنی شیخ ضیاءالدین دری اصفهانی و مدرسان دیگر فراگرفت. هنگام تحصیل در دانشکده‌ی حقوق به منظور فراگرفتن ادبیات عرب و حکمت شرق در دانشکده‌ی معقول و منقول

(الهیات و معارف اسلامی) هم نام‌نویسی کرد و در خارج از محیط دانشکده هم به تحصیل پرداخت. در شیراز هم جامع المقدمات و مغنی و مطول تفتازانی و شرح منظومه‌ی سبزواری و مقداری از اسفار اربعه را نزد میرزا علی حکیم ادامه داد. اشتغال در دادگستری با روحیه‌اش سازگار نبود و به همین دلیل از این شغل استعفا نمود و به تهران بازگشت در تهران وی را دعوت به همکاری در نخست وزیری کردند که در آنجا مشغول به کار شد (در سمت بازرس نخست وزیر) و پس از چندی مشاغل زیر را عهده‌دار گردید. رییس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت فلاحتی خراسان، مدیر کل مالی شهرداری تهران، رییس هیئت مدیره شرکت چای گیلان، عضو هیئت اعزامی برای خلع ید تأسیسات نفت در زمان دکتر محمد مصدق، عضو هیئت مدیره شرکت فرش ایران، بازرس سازمان بازرسی کل کشور در وزارت دادگستری، از آن پس بنا به تقاضای خودش بازنشسته شد.

از کودکی با تار و ویولن و سه‌تار آشنا شد و اساتیدی چون موسی و مرتضی نی‌داود به وی تعلیم دادند. گفتن شعر را از سن یازده سالگی شروع کرد و هدایت و تشویق پدرش موجب پیشرفت وی در شعر شد. از سال ۱۳۱۵ در انجمن‌های ادبی رفت و آمد می‌کرد. در یکی از جلسات ادبی با فصیح‌الزمان رضوانی، شاعر شیرازی، آشنا شد و او را تخلص «طالع» را برایش انتخاب نمود ولی او هیچ وقت خود را مقید به قید تخلص نکرد. نخستین مجموعه‌ی غزلیات او در سال ۱۳۵۸ به نام سخن عشق منتشر گردید. گذشته از غزل در انواع شعر فارسی از قبیل قصیده، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، مخمس، مسدس، مثنوی، رباعی و دو بیتی طبع آزمایی نمود. از وی منظومه‌های عشقی و عرفانی و اجتماعی و حماسی و وطنی و مذهبی (در مدح و رثای) ائمه اطهار (ع) به جا مانده است. صدای آشنا و ترانه‌های درد دو نمونه از منظومه‌های یاد شده است (این دو منظومه در یک کتاب در سال ۱۳۶۸ منتشر شد). کتاب دیگر او پرتو راز نام دارد که در مورد زندگانی پیامبر اسلام است که به اتفاق غلامحسین جواهری وجدی سروده شده است.

آثاری که از وی ترجمه شده است از این قرار است: دو کتاب از آندره موروا به نام‌های: بررسی‌های ادبی و هفت صورت عشق و کتاب دیگری به نام نغمه‌پرداز نامرد (اثر فتودر داستایوسکی) که در روزنامه «ایران ما» به چاپ رسید.

ابوالحسن ورزی، شاعر بلند آوازه معاصر، فرزند مرحوم حسین ورزی است که سالها مصدر مشاغل بزرگ علمی، هنری و دولتی بوده که با اکثر رجال علم و هنر و سیاست حشر و نشر داشت است. ابوالحسن ورزی، از اوایل تأسیس رادیو، کم و بیش اشعارش وسیله هنرمندان در رادیو اجرا می‌شد، ولی در سال ۱۳۳۸ رسماً به رادیو رفت و اولین شعری که وی در این سال ساخت توسط مرحوم غلامحسین بنان در «بیات اصفهان» که آهنگ آن را مهندس همایون خرم ساخته بود، خوانده شد چنین بود: «آمد اما در نگاهش آن نوازش‌ها نبود» که بعدها چند خواننده دیگر، این شعر را در رادیو اجرا کردند.

ابوالحسن ورزی، از دوستان صمیمی و نزدیک شادروان داود پیرنیا بود و سال‌ها در بازرسی نخست وزیری، همکار یکدیگر بوده‌اند. این صمیمیت به حدی بود که روزی به عیادت داود پیرنیا که به واسطه بیماری قلبی چند روزی در منزل بستری بود به بالین پیرنیا حاضر می‌شود بلافاصله این دو بیت را برای وی می‌سازد:

گویند برنج تن فزوده است دلت

آرام و قرار ز نور بوده است دلت

ابوالحسن ورزی را باید به حق یکی از شعرای باارزش دوران اخیر به حساب آورد و این ادعا نیست بکله اشعار وی نمایانگر این مدعا است، به طوری که روزی در رادیو با مرحوم علی دشتی درباره شادروان رهی معیری مصاحبه بود، وقتی مصاحبه‌گر رادیو از ایشان پرسید «آقای دشتی شما بهترین غزل‌سرای امروز را چه کسی می‌دانید؟»

پاسخ داد: «ابوالحسن ورزی را کنار بگذارید، راجع به بقیه بفرمایید.»

وقتی از وی سؤال شد که: چرا ورزی را کنار بگذاریم؟

پاسخ داد: «اگر تکفیرم نکنند، ابوالحسن ورزی سعدی و حافظ و مولانای زمان است.»

نگارنده وقتی در نشستی که با این شاعر گرانمایه داشتم و درباره زندگی نامه ایشان جويا گردیدم؟

از روی نوشته‌ای که قبلاً آماده کرده بودند چنین بیان داشتند:

«من در سال ۱۲۹۳ خورشیدی در تهران به دنیا آمدم. پدرم مرحوم حسین ورزی که صدای خوشی داشت، در روز اول دی ماه ۱۳۲۵ در تهران در گذشت و چند سال بعد از مرگ پدرم، مادرم شادروان بتول ورزی نیز برحمت ایزدی پیوست. دوران تحصیلی من، تا کلاس پنجم ابتدایی در دبستان‌های شرف مظفری و ادب بود، ولی سال ششم ابتدایی را در گرگان و دوره اول دبیرستان را در شهر ساری و دور دوم دبیرستان را در مدرسه امیرکبیر (دارالفنون) به پایان رساندم. در آن زمان در دارالفنون دانشمندان برجسته‌ای مانند شادروانان فاضل تونی، بهمینار، همایی، نصرالله فلسفی، دکتر سیاسی، حبیب یغمایی به تدریس اشتغال داشتند. در سال ۱۳۱۵ خورشیدی از دانشکده حقوق دانشگاه تهران با رتبه شاگرد اولی موفق به اخذ درجه لیسانس در رشته قضایی شدم و تا آنجا که حافظه‌ام یاری می‌کند اساتیدی نظیر شادروانان: بروجردی (محمد عبده) رئیس محکمه انتظامی وزارت دادگستری، دکتر سیدعلی شایگان، دکتر زنگنه، آقا محمد شریعت سنگلجی، دکتر امامی، دکتر کریم سنجابی تدریس می‌کردند. اساتید خارجی من عبارت بودند از: موسیو فونتانا معلم حقوق رم و حقوق مدنی فرانسه و موسیو لافن معلم ادبیات.

پس از گذراندن دوره افسری وظیفه که خوشبختانه محل مأموریتم در شهر شیراز بود، مجدداً از طرف وزارت دادگستری با سمت دادیاری دادسرای شهرستان شیراز به آن شهر بازگشتم. از زمانی که مشغول تحصیل در دارالفنون بودم، گذشته از برنامه روزانه مقدمات زبان عربی و صرف و نحو و منطق و فلسفه را در خارج نزد یکی از اساتید زمان یعنی مرحوم ضیاءالدین دری و مدرس دیگر فراگرفتم. هنگام تحصیل در دانشکده حقوق به منظور فراگرفتن ادبیات عرب و حکمت شرق در دانشکده معقول و منقول (الهیات و معارف اسلامی) هم نام‌نویسی کردم و در خارج از محیط دانشکده هم نزد استادان این فنون به تحصیل پرداختم. در شیراز هم جامع‌المقدمات و مغنی و مطول تفتازانی و شرح منظومه سبزواری و مقداری از اسفار اربعه را نزد حکیم محقق و دانشمندی چون میرزا علی حکیم ادامه دادم. از استاد حکیم تا آن زمان خیر داشتم که در دانشکده معقول و منقول مشغول تدریس بودند و بعد گویا به شیراز سفر می‌نمایند، که بازگشتی نداشته است و هنوز خبری از ایشان ندارم که آیا در قید حیات هستند یا نه، به هر صورت اگر زنده هستند خداوند به ایشان سعادت و سلامت عطا فرماید و اگر رحلت کرده‌اند برای ایشان آمرزش می‌طلبم.

اشتغال در دادگستری و شاهد گرفتاریهای مردم بودن و احکام شدید صادر کردن مغایر با روحیه من بود به همین دلیل از این شغل استعفا نموده و به تهران بازگشتم. در تهران مرا دعوت به همکاری در نخست‌وزیری کردند، که در آنجا مشغول به کار شدم و پس از چندی مشاغل زیر را عهده‌دار گردیدم:

رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت فلاحی خراسان، مدیر کل مالی شهرداری تهران، رئیس هیئت مدیره شرکت چای گیلان، عضو هیئت اعزامی برای خلع ید تأسیسات نفت در زمان شادروان دکتر محمد مصدق، عضو هیئت مدیره شرکت فرش ایران، بازرسی بازرسی کل کشور و از آن پس بنا به تقاضای خود بازنشسته شدم.

آشنایی من با شعر و ادب و موسیقی:

همان‌طوری که در مقدمه کتاب، (سخن عشق) نوشته‌ام، این آشنایی برای من از دوران کودکی آغاز شد. پدر بزرگم مرحوم کاظم کمپانی مردی بسیار هوشمند و روشنفکر و آزاده بود و از مجتهد آزاداندیشی به نام مرحوم شیخ هادی نجم‌آبادی تقلید می‌کرد و در زمان قحطی از ثروت شخصی و محصولات املاکش کمک مؤثری به بینوایان می‌نمود، و ای کاش تمام افراد متمکن و ثروتمند از این شیوه پیروی می‌کردند و بنا به فرموده شیخ اجل سعدی بزرگوار:

تو کز محنت دیگران بی‌غمی

نشاید که نامت نهند آدمی

با وجود آنکه پدر بزرگم مردی متدین بود هرگز مانع معاشرت پدر من با استادان موسیقی نظیر شادروان درویش خان و جناب دماوندی، حاج قربان خان و قراب نگردید. من از زمان کودکی با تار و ویولن و سه تار آشنایی داشتم، اساتیدی چون موسی نی داود و مرتضی نی داود به من تعلیم می دادند. از دوران جوانی با چهره‌های شاخص موسیقی ایرانی نظیر شادروانان: ابوالحسن صبا، حسین تهرانی، ارسلان درگاهی، هرمزی، روح‌الله خالقی، کنل علینقی وزیری، زاهدی، حاج علی اکبر خان شهنازی، حسین یاحقی، مشیر همایون شهردار، مرتضی محجوبی، غلامحسین بنان، لطف‌الله مجد، پروانه، قمرالملوک وزیری، روح‌انگیز، رضاقلی میرزا ظلی، رضا ورزنده، محمود کریمی، تاج اصفهانی، ادیب خوانساری و محمودی خوانساری آشنایی و دوستی نزدیک داشتم، که بدبختانه همه آنها چهره در نقاب خاک کشیده‌اند، روحشان شاد باد!

شعر و شاعری:

همان طوری که قبلاً متذکر شدم مرحوم پدرم صدای بسیار دلنشینی داشت و در انتخاب و شناخت شعر بسیار با ذوق بود، پیوسته کوشش می کرد که بهترین غزلیات شعرای برجسته میهن مان نظیر: سعدی، حافظ، مولانا، جامی، عطار، سنائی و صائب را یادداشت نماید و به همین دلیل من از آغاز طفولیت که قلم به دست گرفتم و خواندن و نوشتن را آموختم با این غزلیات زیبا آشنا شدم و هر زمان که تنها بودم با خود زمزمه می کرد، تا هنگامی که تعطیلات تابستانی مدارس فرا رسید و من که سال پنجم دبستان ادب را تمام کرده بودم، با پدرم که مأموریت گرگان را داشت به مسافرت رفتم. این نخستین بار بود که دور از محیط گرم خانواده به جایی ناشناس و بیگانه می رفتم. با اینکه دیدن دریا و طبیعت و کوهستانهای سرسبز و جنگلهای با عظمت برایم بسیار جالب بود ولی غم غربت و تنهایی و دوری از خانواده و دوستان به خصوص اوقاتی که پدرم به مأموریت می رفت مرا بسیار ملول و افسرده می ساخت تا آنجا که به کنجی می نشستم و به یاد دوستان به خصوص مادرم که به حد پرستش او را دوست داشتم اشک می ریختم. این افسردگی و غم و درد مرا بر آن که احساسات خود را بوسیله شعر بیان کنم، در کتاب (سخن عشق) داستان برخورد پدرم را مفصلاً بیان کرده‌ام، من گفتن شعر را از سن پانزده سالگی شروع کرده‌ام و هدایت و تشویق پدرم موجب پیشرفت من در شعر شد. خوب به یاد دارم شبی یکی از دوستان پدرم شعری از فرخی سیستانی را خواند که چنین بود:

خواستم از دلبری دو بوسه و گفتم

تربیتی کن ز آب لطف خسی را

گفت یکی بس بود اگر دو ستانی

خیره شوی کازموده‌ایم بسی را

عمر دوباره است بوسه من و هرگز

عمر دوباره نداده‌اند کسی را

و من در جواب چنین گفتم:

ای که ندادی به من دو بوسه و گفتمی

«عمر دوباره نداده‌اند کسی را»

غافل از آنی که عیسی مریم

داد پس از مرگ جان تازه بسی را

بوسه تو کرده کار معجز عیسی

مرده عشقیم تازه کن نفسی را

یکی از محفل نشینان که از مالکان ثروتمند شمال بود وعده کرده بود که در مقابل این حاضر جوابی به من یک ساعت با زنجیر طلا

بدهد که خوشبختانه به عهد خود وفا نکرد و مرا از زیر بار منت خود خلاص نمود، روانش شاد باد. در حقیقت چه کار نیکویی کرد و گرنه ممکن بود مرا به گرفتن هدیه از دیگران عادت دهد و به وارستگی و بی‌نیازی که مایه سرافرازی من است خلی وارد کند.

میدمد نور صفا از خانه‌ام

عشق چون شمعی است در کاشانه‌ام

فخر من این بس که با صدها نیاز

خم نشد از بار منت شانه‌ام...

بنابراین بهترین مشوق و نخستین آموزگار شعر من پدرم بود و از اینکه فرزندی شاعر به جامعه ادب ایران تحویل داده است به خود می‌بالید و شاید اگر من به عالیترین مقامات اداری و اجتماعی رسیده بودم آنقدرها مسرت و سرافرازی احساس نمی‌کردم.

تصور می‌کنم که در سال ۱۳۱۵ خورشیدی پای من به انجمن‌های ادبی باز شد در آن زمان تهران دارای سه یا چهار انجمن ادبی بیشتر نبود که یکی را شاهزاده محمدهاشم میرزا افسر و دومی را مرحوم ترجمان‌الممالک فرهنگ و سومی را وحید دستگردی اداره می‌کردند و بر اثر شرکت در مجالس فوق با ارکستر شعرای هم عصر خود آشنا و دوست شدم که مرگ آنها برایم بسیار دردناک و جانگداز بوده و هست، در یکی از جلسات ادبی با مرحوم فصیح‌الزمان رضوانی شاعر و واعظ و ادیب شیرازی گوینده غزل:

همه هست آرزویم که بینم از تو رویی

چه زیان ترا که من هم برسم به آرزویی

آشنا شدم و او تخلص (طالع) را برایم انتخاب نمود ولی من که هیچوقت خود را مقید به قید تخلص نکرده‌ام که مجبور شدم برای آوردن تخلص یک بیت اضافی و با تکلف بسازم، غزلهای خود را مانند گذشته بدون ذکر تخلص ساخته و می‌سازم. من از دوران جوانی شروع به خواندن و تتبع در آثار شعرا و ادبای برجسته وطن نمودم و به دقت آثار اساتید بزرگ را با بررسی، مطالعه و کسب فیض و معرفت کرده نهال ضعیف شعر خود را بارور ساختم.

در مورد شعرای معاصر خود:

با همه آنها دوستی نزدیک داشته‌ام و در حقیقت باید متذکر شوم که زمان ما یکی از ادوار بسیار درخشان و پر بار ادب فارسی است و پس از مشروطه شعرا و ادبا و سخن‌شناسان بزرگی ظهور کرده‌اند که بدون تردید از مفاخر این سرزمین مقدس می‌باشند. چون تعداد شعرای معاصر که همه از دوستان نزدیک من هستند بسیار زیاد می‌باشند و به خاطر آنکه مبادا نام یکی از آنان از قلم شکسته این ضعیف بیافتند با عرض معذرت و پوزش نامی ذکر نمی‌کنم تنها از خدای یگانه طول عمر و عزت و کامرانی همه آنها را آرزو می‌نمایم و اظهار نظر در مورد شعرای معاصر را به آیندگان می‌سپارم و خود را در صلاحیت این امر نمی‌دانم.

نخستین مجموعه غزلیات من در سال ۱۳۵۸ به نام (سخن عشق) توسط انتشارات امیرکبیر منتشر گردید و پس از مدتی به کلی نایاب شد. مابقی غزلهای من امروز از نظر کمیت به ۵ برابر مجموعه فوق می‌رسد. گذشته از غزل در انواع شعر فارسی از قبیل قصیده، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، مخمس، مسدس، مثنوی، رباعی، دو بیتی، پیوسته طبع آزمایی کرده‌ام.

منظومه‌های عشقی و عرفانی و اجتماعی و حماسی و وطنی و مذهبی (در مدح و رثای) ائمه اطهار علیهم‌السلام دارم. صدای آشنا و ترانه‌های درد دو نمونه از منظومه‌های یاد شده است.

در مورد شعر و شاعری و قواعد و اصول و اساس و مبانی و مبادی آن من هم به همان تعریفی که از زمان ارسطاطالیس و بعد به وسیله حکمای بزرگ ایران چون: حکیم ابونصر فارابی، شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا، خواجه نصیرالدین طوسی، علامه قطب‌الدین شیرازی و حکیم صدرالمطالین شیرازی شده است اعتقاد دارم. در هنگام نوشتن این مقدمه خوشبختانه اثری منظوم بنام «پرتو راز» که در مورد زندگانی پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد بن عبدالله صلی‌الله‌علیه و آله که به اتفاق دوست نازنین و شاعر شیرین

سخن آقای غلامحسین جواهری وجدی سروده بودیم منتشر گردید که لطف این کتاب در دو تقریظ زیبا و پرمغزی است که وسیله دو تن از شعرای توانا و فحل زمان جناب آقای ابوتراب جلی استاد سخن شناس بزرگ و جناب آقای سعید نیاز کرمانی شاعر خوش قریحه زمان سروده شده است.

آشنایی با زبانهای بیگانه:

از زبانهای خارجی انگلیسی را باندازه رفع احتیاجات می‌دانم ولی زبان فرانسه را در زمان کودکی نزد معلمین فرانسوی آموختم. زیرا در سال ۱۳۵۹ که پدرم مأمور در استان مازندران بود و من در کلاس دوم دبیرستان به تحصیل اشتغال داشتم. یک روز به مادرم اطلاع دادند که یک خانم فرانسوی به نام مادام ژاکولت که وسیله فرمانفرما برای آموختن زبان فرانسه به فرزندانش به ایران آمده بود و دیگر نیازی به او نداشتند با فقر و پریشانی در ساری زندگی می‌کند. مادرم که بانویی مهربان و پر از رحم و شفقت بود آن خانم را به خانه ما آورد و برای اینکه احساس غربت و تنهایی نکند همانند یک عضو خانواده غذای روزانه را با ما صرف می‌کرد و در عوض زبان فرانسه را به من آموخت و در نتیجه پیشرفت زیادی در این زبان کردم و پس از اینکه به تهران آمدم زبان فرانسه را در خارج از مدرسه نزد یک بانوی فرانسوی دیگر به نام مادام توماسن و بعد نزد معلم دیگری که یک مرد فرانسوی بود ادامه دادم و بعدها بر اثر خواندن متون داستاهای ادبی و تاریخی از نویسندگان برجسته فرانسه به این زبان تسلط کامل پیدا کردم و به ترجمه آثاری از این زبان پرداختم:

دو کتاب از نویسنده نامدار فرانسه آندره موروا بنامهای: «بررسی‌های ادبی» و «هفت صورت عشق» ترجمه کردم که عشقهای مختلف را در ادبیات فرانسه نشان می‌داد. نظیر: «عشق افلاطونی»، «عشقهای شوالیه‌ها» و عشقهای هوس‌انگیز مانند: «ژولی ژان ژاک روسو» و انواع دیگر عشقها که از مادام لافایت نویسنده معروف بود و عشقی را که شرح می‌داد اول بیوگرافی کوتاهی از نویسنده داستان می‌نوشت و سپس خلاصه داستانی را که منظور نظر او بود با قلم سحر خود شرح می‌داد.

کتاب دیگری نیز از نویسنده برجسته و نامدار روس یعنی فئودور داستایوسکی که به زبان فرانسه برگردانده شده بود به نام «نیه‌تو چکانبتروانف» که نام قهرمان داستان است. به نام «نغمه‌پرداز نامرد» ترجمه کردم که در روزنامه ایران ما به چاپ رسیده است.

تعدادی شعر هم به زبان فرانسه سروده‌ام و بیشتر شاهکارهای ادبی شعرای بزرگ فرانسه را نیز خوانده‌ام. از نویسندگان و شعرای فرانسه به آثار ویکتور هوگو، بالزاک، آلفرد دووینی، آلفرد دوموسه، لامارتین، پل ورن، رمبو، بودلر، مارسل پروست، راسین، مولیر ژرژسان، کرنی، آندره موروا، آندره ژید، آندره مالرو و آنتول فرانس و برخی دیگر بسیار علاقمندم و از مطالعه آنها لذتی عمیق در خود احساس می‌کنم:

سیر و سیاحت:

از دوارن جوانی علاقه فراوان به سیر و سیاحت داشتم که به منظور دیدن آثار تاریخی و باستانی جهان سفری به دور دنیا کردم که بسیار جالب توجه بود. ضمناً چندین بار به آمریکا و یکبار به روسیه و سوئد و سوئیس و بارها به لندن سفر کرده‌ام ولی هر بار عاشق بازگشت به وطن بودم. یکی از آرزوهای بزرگم سفر به کربلا و نجف اشرف است که امیدوارم خدای بزرگ نصیب نماید. در خاتمه از دوست هنرمند و موسیقی‌دان و هنرشناسم آقای رضاقلی میرزای سالور قاجار متخلص به شهرام و دوست شاعرم آقای رضا تفقرداد که در جمع‌آوری اشعار با من یاریهای فراوان کرده‌اند نهایت تشکر و سپاسگذاری را دارم.

از جهان هرکس رود از خود گذارد یادگاری

از من این اوراق رنگین است تنها یادگارم

ابوالحسن ورزی، دارای همسر و دو پسر به نام‌های مهدی و حمید ورزی و یک دختر به نام فریناز ورزی می‌باشد که هر سه نفر ازدواج کرده‌اند و آقای ابوالحسن ورزی و خانم فرح ورزی همسر ایشان صاحب هفت نوه می‌باشند که خداوند این خانواده باتقوا و

فرهنگ را حفظ فرماید. ابوالحسن ورزی به شعر «با پیرهن سبز» خود که از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد بسیار علاقمند می‌باشد.
«با پیرهن سبز»

زیبا چمنی بود پر از لاله و نسرين
با پیرهن سبز که آن روز به تن داشت
صد خرمن گل ریخت بدامان خیالم
آن غنچه خاموش که آهنگ سخن داشت
آغوش گشودم که چو جان در برم آید
بگریخت چو مرغی که گریزنده ز دام است
چون دید تب‌آلوده نگاه هوسم را
دانست ز پا تا سر من تشنه کام است
میراند مرا از خود و می‌گفت که حیف است
آلوده شود عشق من و تو بگناهی
گفتم ز تو ای چشمه جوشان هوس‌ها!
قانع نتوان بود به اشکی و نگاهی
هرچند که می‌راند مرا با سخن سرد
خود سوخته از آتش سودا چو شرر بود
می‌گفت اگر طالب عشقی مطلب کام
اما بزبان نگهش حرف دگر بود
پرخاش بلب داشت ولی عشق و تمنا
می‌تافت چو برق از نگه گاه بگاهش
می‌خواست بپوشد ز من این راز ولیکن
لبریز هوس بود گریزنده نگاهش
یک بوسه به من داد ولیکن بدو صد ناز
یک بوسه که می‌سوخت دهانرا و نفس را
در وسوسه افتاد و شنیدم ز نگاهش
فریاد پشیمانی و غوغای هوس را
زان شربت نوشین که از آن بوسه چشیدم
افروخته تر گشت شرار هوس ما
پرهیز ز من داشت ولی گرمی آغوش
چو شعله سوزنده عیان از نفسش بود
هنگامه پیا کرد در آن چشم هوسنامک
جنگی که میان دل او با هوسش بود
پیروزی از آن دل من شد که در این جنگ

مغلوب هوس گشت و باغوش من افتاد
 زد حلقه به پشتم چو یکی مار غضبناک
 آن بازوی بی‌تاب که بر دوش من افتاد
 چهارشنبه ۲۵ آذرماه ۱۳۳۶
 «مستی رؤیا»

آمد اما در نگاهش آن نوازشها نبود
 چشم خواب آلوده‌اش را مستی رویا نبود
 نقش عشق و آرزو از چهره دل شسته بود
 عکس شیدایی در آن آئینه سیما نبود
 لب همان لب بود اما بوسه‌اش گرمی نداشت
 دل همان دل بود اما مست و بی‌پروا نبود
 در دل بیزار من جز بیم رسوایی نداشت
 گرچه روزی هم‌نشین جز با من رسوا نبود
 دیدم آن چشم درخشان را ولی در آن صدف
 گوهر اشکی که من می‌خواستم پیدا نبود
 در نگاه سرد او غوغای دل خاموش بود
 برق چشمش را نشان از آتش سودا نبود
 هر لب لرزان من فریاد دل خاموش شد
 آخر تنها امید جان من تنها نبود
 جز من و او دیگری هم بود اما ای دریغ
 آگه از حال دلم زان درد جانفرسا نبود
 ای نداده خوشه‌ای زان خرمن زیباییم
 تا نبودی در کنارم زندگی زیبا نبود
 برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] از بهار تا شهریار (۴۹۵-۴۹۲/۲)، تاریخ موسیقی (۵۸۶/۲)، چشمه‌ی روشن (۷۰۱-۶۹۰)، سخنوران نامی معاصر (۳۸۵۸-۳۸۵۲/۶)، سیمای هنرمندان (۲۳۵، ۲۳۴، ۱۵۹، ۱/۱۳۰)، فرهنگ سخنوران (۹۸۰)، مردان موسیقی (۵۵۷-۵۴۷/۳).

ورعی، جواد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید جواد ورعی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۲ در تهران متولد شدم. به تشویق مرحوم پدرم با علوم و معارف اسلامی آشنا شده و پس از دروس متوسطه در سال ۱۳۶۱ رسماً وارد حوزه علمیه شرق تهران شدم. همزمان در دانشکده الهیات دانشگاه تهران دوره کارشناسی الهیات و معارف اسلامی را گذراندم. در سال ۱۳۶۵ برای ادامه تحصیل راهی حوزه علمیه قم شدم و سطوح عالی را در حضور حضرات آیات استادی، اعتمادی، ستوده، طاهری خرم آبادی، قدیری و محقق داماد گذراندم و در سال ۱۳۶۹ وارد مقطع درس خارج شدم. خارج فقه و اصول را از محضر حضرات آیات فاضل لنکرانی، وحید خراسانی، موسوی اردبیلی، سید کاظم حائری، و صانعی و بیش از همه به طور پیوسته شبیری زنجانی کسب فیض نمودم. در دروس تفسیر، فلسفه و عرفان نظری اساتید معظم حضرات آیات جوادی آملی، حسن زاده آملی و انصاری شیرازی نیز شرکت جست. در ده سال اخیر برای فعالیت علمی و پژوهشی خود رشته فقه را با گرایش اجتماعی سیاسی، انتخاب نموده و در کنار تدریس سطوح عالی رشته فقه و اصول، به تحقیق و تالیف پرداختم. اینک بیشترین فعالیت در تدریس، تحقیق و تالیف متمرکز شده است. تبیین و تدریس اندیشه های فقهی و سیاسی رهبر فقید انقلاب حضرت امام خمینی در دوره های آموزشی موسسه تنظیم نشر و آثار امام خمینی از دیگر فعالیت های اینجانب است.

ورنوسفادرانی سدهی، محمد حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند محمد کاظم ورنوسفادرانی. عالم فاضل متبحر، مؤلف تفسیر مختصری است بر قرآن کریم، و در اول آن گوید: تفسیر بعضی از کلمات قرآن است و قرائت و صیغه و عدد آیات و حروف آن، تاریخ فراغت: سلخ ذی قعدة ۱۲۴۱. فرزندش محمد مهدی نام داشته، و او این تفسیر را وقف نموده است در سال ۱۲۶۳. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ورهرام، غلامرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۱، مرتبه علمی: استاد، رشته: تاریخ، دانشکده: الهیات و ادبیات، دانشگاه: الزهرا (س)
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترای تاریخ از ایران.

مرتبہ علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه الزهراء.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح تصحیح و احیاء نسخه‌های خطی تاریخی، نظارت بر ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا. تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

کتاب‌شناسی آسیای مرکزی در دوران اسلامی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در دوران اسلامی، تاریخ فرهنگ و تمدن آسیای مرکزی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

وزان، ابو عبدالله محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابو عبدالله محمد بن ابی سعد عبدالکریم بن ابی العباس احمد بن ابی سعد طاهر بن ابی العباس احمد الوزان (ف. ربیع‌الآخر ۵۹۸ ه.ق) از رؤسای معروف شافعیه در ری.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

وزان، فاطمه

قرن: ۵

جنسیت: زن

ملیت: ایران

پیش از ۴۲۷ ق، از زنان محدث. وی دختر احمد بن محمد بن عبدالکریم وزان بود و از پدرش احمد روایت کرده است.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: تاریخ جرجان، ۵۰۵.

وزدولی عمار جرجانی، ابویعقوب اسحاق

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۵۹ ق)، حافظ و محدث. وی از عبیدالله بن موسی و آدم بن ابی‌ایاس و مسلم بن ابراهیم و همطبقه‌ی آنها حدیث شنید. عبدالرحمان بن عبدالؤمن جرجانی و ابراهیم بن موسی جرجانی و محمد بن جعفر بصری و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. او در زندان نیشابور درگذشت. در «تذکره الحفاظ» و «هدیه العارفین» وفات وی ۲۹۵ ق ذکر شده است. او آثاری در «سیر» و «سنن» تصنیف نمود. در کتب رجالی از «مسند» وی در حدیث به وضوح یاد شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵/۵۹۸)، تذکره الحفاظ (۲/۵۶۲)، سیر النبلاء (۵۰۸-۵۰۷/۱۲)، شذرات الذهب (۲/۱۴۰)، طبقات الحفاظ (۲۶۶)، معجم المؤلفین (۲/۲۲۹)، هدیه العارفین (۱/۱۹۸).

وزیرنیا، سیما

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

خلاصه: سیما وزیرنیا در حیطه زبان آموزی و زبان شناسی فعالیت می‌کند. او آثار متعددی در آن موارد دارد که حائز اهمیت می‌باشند. وی در آثار خود از دیدگاه روان شناسی به ادبیات می‌نگرد، بدان علت آثار او در میان اصحاب قلم و دانشمندان مورد توجه قرار گرفته است.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان شناسی

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: سیما وزیرنیا در رشته روانشناسی و ادبیات فارسی تحصیل کرده است.

فعالیت‌های آموزشی: فعالیت آموزشی سیما وزیرنیا را می‌توان در حیطه زبان شناسی خلاصه کرد. و صراحت در اصطلاح یابی نیست. وی در حوزه نگاه به ذهن انسان بوده است. وزیرنیا در حیطه‌ی فعالیت دارد که معتقد است اگر رابطه نماینده و نموده نوعی مشابهت باشد، نماد است. اگر تنها قرار داد باشد، نشانه است. پس از نظر وی نماد در واقع نوعی نشانه است. وزیرنیا درباره آموزش زبان کتاب‌های فارسی دوره راهنمایی را تالیف کرده است که در آنها از اطلاعات نظری مربوط به زبان آموزی که مبتنی بر اصول زبان شناسی و روان شناسی آموزش می‌باشد استفاده کرده است. او در زمینه آموزش مهارت‌های زبان نیز فعالیت‌هایی انجام داده است. وی در مورد آموزش زبان دستگامی ارائه داده که دارای نظم و اصول علمی است. این شیوه آموزش مبتنی است بر رویکرد کل‌نگر، که در آن باید آموزش زبان در بافت آموزش مواد دیگری همانند هنر، مطالعات اجتماعی دیده می‌شود و از سوی دیگر آغاز آموزش با کلمه و جمله باشد و سپس به صداهای زبان برسد. در این شیوه پیش از آموزش صداها بر تامین مواد خواندنی و پرورش مهارت خواندنی تاکید می‌شود. ویژگی دیگر این روش ادغام روش کارکردی یا روش مهارتی است.

سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: سیما وزیرنیا ابتدا زبان شناسی را به عنوان پدیده‌ای جذاب و نیز وسیله‌ای برای نوشتن می‌دانست و بدین گونه فعالیت روزمره اش شکل می‌گرفت، اما بعد از مدتی که به عنوان پژوهشگر وارد عرصه زبان شناسی گردید به مباحث مختلف مربوط به رشد زبان پرداخت و به نقش کودکان در آن موارد اشاره مفیدی داشته است.

آرا و گرایشهای خاص: سیما وزیرنیا درباره زبان شناسی معتقد است که در زبان شناخت، زبان در بافت آن یعنی مباحث مرتبط با

آن مطالعه شده و از این رو بخشی از پیچیدگی موضوع نمایانده شده است اما خیلی به کنه مسئله خود زبان توجه نشده است. او بر این نظر است که ادبیات همچون زبان کار کرد ارتباطی دارد، چون برای مخاطب یا مخاطبانی نوشته می شود، این درحالی است که بعضی اشکال زبان مانند زبان خود محور زبانی کار کرد ارتباطی ندارند. از سوی دیگر، یکسره فاقد عناصر زیبایی نیست. عناصری از نوع کنایات و استعاره های زبانی مانند: درد دل، دردهن، سر کوه و پاشنه در در زبان فراوان اند. ادبیات تنها این عناصر را پر رنگ تر و هنری تر می کند. اصولاً جدا کردن این دو مقوله، یعنی ادبیات و زبان از هم با استفاده از نشانه های ویژه، محصول ساده گری و نوعی کاهش گرایی است. چون ساده گری همیشه عناصری عمده از موضوع را نادیده می گیرد و با حذف می کند.

چگونگی عرضه آثار: بیش از هجده عنوان کتاب در سه حوزه ادبیات و آموزش، روانشناسی، زبانشناسی و نقد ادبی از سیما وزیر نیا چاپ و منتشر شده است. وی در خصوص کتاب زیبا شناخت می گوید: در کتاب «زبان شناخت» زبان از ابعاد گوناگون مورد بررسی واقع شده و اساساً سبک کار این نیست که از نظریه خاصی در زبانشناسی پیروی بکند. این کتاب زبانشناسی تخصصی صرف نیست، بلکه ارتباط زبان را با مسائل گوناگونی (مثل روانشناسی، ارتباط و رویکردهای متفاوت در آموزش زبان و رشد زبان از جنبه های مختلف) مورد بررسی قرار داده است. در زمینه کتاب روانشناسی تحلیلی یونگ نیز اینگونه میگوید: * عنوان دقیق کتاب «کیمیاگر برج بولینگن» است. این نام از برجی که یونگ در محله سکونت اش ساخت، گرفته شده است. این برج، یک برج سنگی بود که هر بخش آن نمادی از ناخود آگاه جمعی بود و سال های آخر عمرش را یونگ در آن برج با شیوه ای ابتدایی و خاص خودش گذراند. یونگ روانکاو بزرگی است و دیدگاههایش علاوه بر این که در زمینه روانشناسی و روانکاوی مورد توجه بود، در حوزه نقد ادبی و هنری و نماد شناسی هم تأثیر گذار بود. بطوری که در سالهای خاص، شاخه ای از نقد ادبی که متأثر از دیدگاه او بود، پدید آمد. زبان یونگ بسیار دشوار و تفکرش بسیار سخت است چون در حوزه های متعددی مثل اسطوره شناسی، ادبیات دینی، کیمیاگری و... تأثیر گذار بوده، ترجمه آثارش نیز بسیار دشوار است، هر چند ترجمه های خوبی هم از برخی آثارش عرضه شده است. اما هدف من از تألیف این کتاب این بود که یونگ را برای خواننده ای که شاید نخواهد همه آثار او را چندبار مطالعه کند تا پی به افکار و دیدگاههایش ببرد، معرفی کنم. وی مورد «تاریخ بیهقی» نیز کتابی نوشته اند که درباره آن اینچنین توضیح میدهند: * عنوان اصلی این کتاب در واقع این است، «اوضاع اجتماعی عصر غزنوی در آینه تاریخ بیهقی». اما با توجه به بحث هایی که در این کتاب شده، اوضاع اجتماعی دوران بیهقی بررسی می شود و مسائل حاشیه ای اثر، مثل ویژگی های زبانی، لحن طنز آمیز بیهقی و جنبه های دیگر آن مورد کالبد شکافی قرار می گیرد. کتاب «داستان یک سفر عجیب» کتاب داستان بلندی برای نوجوانان است که به شیوه علمی - تخیلی است و در پس زمینه کتاب به شیوه ای خاص اطلاعات نجومی در اختیار خواننده قرار می گیرد. این کتاب، داستان نوجوانی است که در عالم خیال دست به سفر به سیارات گوناگون می زند. آثار:

۱ خود آموز هدفدار فارسی

ویژگی اثر: این کتاب در سه جلد و توسط وزیر نیا و همکارانش تهیه و تدوین یافت است.

۲ خود باوری بر اساس مکتب عقلی - عاطفی

ویژگی اثر: وزیر نیا این کتاب را با همکاری همکاران و توسط انتشارات سهند به چاپ رسانده است.

۳ داستان یک سفر عجیب

ویژگی اثر: این کتاب داستانی برای نوجوانان می باشد و به همت نشر معیار به چاپ رسیده است

۴ داستان یک سفر عجیب

ویژگی اثر: در دست چاپ

۵ در آینه تاریخ بیهقی

ویژگی اثر: این کتاب وزیر نیا توسط نشر سهند به چاپ رسیده است

۶ دیداری دیگر با شازده کوچولو

ویژگی اثر: این کتاب داستانی برای نوجوانان می باشد و توسط نشر شورا به چاپ رسیده است .

۷ روان شناسی اعماق (تحلیلی)

ویژگی اثر: این کتاب به بررسی روان شناسی یونگ بسیار پیچیده و دشوار است . بیان تمثیلی و ادیبانه همراه با مباحث اسطوره شناسی ، کیمیا گری و صبغه فلسفی دشواری آن را دو چندان کرده است . به علاوه تکرار و اطناب که محصول اضافه شدن شیوه های مشهودی برنظام تجربی یونگ است بر این دشواریها می افزاید . انگیزه وزیر نیا درتالیف این کتاب آن بوده که برای علاقمندان به نظام اندیشه یونگ که امروزه دنیای روان شناسی متوجه آن است دستیابی به آن افکار را ممکن می سازد .

۸ روانشناسی تحلیلی یونگ

ویژگی اثر: در دست چاپ

۹ روانشناسی خود باوری (در مکتب عقلی و عاطفی)

۱۰ زبان شناخت

ویژگی اثر: این کتاب شناختی است چندوجهی از زبان ، که به مباحث مربوط به روان شناسی تربیتی و تجربی، روان شناسی آموزش ، روان شناسی بالینی، زیست شناسی ، ارتباط شناسی و مواردی از این دست می پردازد .

۱۱ زیر سپهر آب سهراب

ویژگی اثر: در این کتاب فصلی مربوط به تحلیل روانکاوانه شعر سهراب از دید و روان شناختی تحلیلی بوده است . وزیر نیا در این کتاب نشانه های فرآیند کمال شخصیت را با توجه به الگوی «فردانیت» یونگ را در شعر سهراب سپهری پی گرفته است .

۱۲ فارسی اول تا سوم راهنمایی

ویژگی اثر: وزیر نیا این کتاب را با همکاری همکارانش و توسط سازمان کتابهای درسی منتشر ساخته است .

۱۳ نقاشی کودک

ویژگی اثر: مخاطبان این کتاب اولیا و مربیان هستند. نقاشی کودک بیشتر از این جهت که یک نوع شیوه بیان است و درضمن از جهاتی با زبان سنخیت دارد و در مراحل رشد شناخت و همراه با رشد کارکردهای نمادین ظاهری می شود ، قابل توجه است . وزیر نیا بیان می دارد که نقاشی زبان کودک است . گاه موازی با آن است و گاه امتداد آن رشد زبان کودک از شیرین ترین و شگفت ترین پدیده ها می باشد .

۱۴ نوشتن و سخن گفتن

ویژگی اثر: این کتاب ترجمه و تالیف وزیر نیا بوده و توسط انتشارات مدرسه به چاپ رسیده است . منابع زندگینامه

<http://iranologyfo.com>:

وزیری، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا وزیری

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا وزیری پس از گذراندن دوره تحصیلات در مقطع ابتدایی، در سال ۱۳۵۲ ه.ش وارد حوزه علمیه قم شده و در مدرسه تحت برنامه و اشراف مرجع فقیه عالم تشیع حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی و زیر نظر اساتید محترم و بزرگوار حضرات آقایان: فیاض یزدی، اسماعیل یزدی، حججی اصفهانی، معصومی شاهرودی، صالحی نجف آبادی، مرحوم سلیمی، علی فاضل همدانی، گنجی و ... تحصیلات علوم دینی خود را در دوره مقدمات به پایان رساندم، و نیز عمده دروس سطح متوسط را در همان مدرسه فرا گرفته و از محضر اساتید بزرگوار از قبیل حضرات آقایان: امینیان، مرحوم مدرس افغانی، کریمی جهرمی، استادی، احمدی یزدی، عالمی، صلواتی، شوشتری، طالقانی، اعلمی، نکونام، طیبی، بیگدلی قمی و ... استفاده‌ها بردم. حضور اینجانب در مدارس آن بزرگوار تا اوائل پیروزی انقلاب اسلامی ملت شهید پرور مسلمان ایران به رهبری امام امت ادامه داشت و تا پایان جلدین لمعتین و بخشی از کتاب مکاسب مرحوم شیخ را در آنجا خواندم، و ضمن تحصیل در این مدارس با بعضی از دوستان طلبه که در مدرسه حقانی سابق مشغول به تحصیل بودند ارتباط برقرار کرده و کم و بیش با برنامه‌های درسی آنجا نیز آشنایی پیدا کرده و استفاده می‌بردم.

و در خلال این سالها، همزمان با اشتغال به دروس حوزوی، به فراگیری دروس جدید دولتی تا گرفتن دیپلم به صورت شبانه و متفرقه ادامه دادم و تتمه درسهای حوزوی: (اعم از سطح عالی و خارج) را پس از پیروزی انقلاب و به صورت آزاد در محضر اساتید بزرگوار همچون حضرات آیات آقایان: مرحوم شیخ محمد تقی ستوده (مکاسب و کفایه)، شیخ محسن دوزدوزانی (بخشهایی از مکاسب)، حاج شیخ مصطفی اعتمادی (رسائل)، شیخ یحیی انصاری شیرازی (منطق، فلسفه منظومه حاجی سبزواری)، قدرت الله وجدانی فخر و شیخ علی پناه اشتهدادی (لمعه و بخشی از مکاسب)، موسوی تهرانی (بخشی از رسائل)، سید مصطفی محقق (اصول فقه) و محمد فاضل لنکرانی، یوسف صانعی، شیخ جواد تبریزی و وحید خراسانی (خارج فقه و اصول)، جوادی آملی (تفسیر و خارج فقه و بخش از افسار)، حسن حسن‌زاده آملی (اشارات و هیأت و نجوم)، فیاض قمی و محمد تقی مصباح یزدی (بدایه و نهایه و سلسله مباحث پاسداری از سنگرهای ایدئولوژیک در سال ۵۹) و بعضی بزرگان دیگر حوزه تلمذ کرده و بهره‌ها بردم.

در بخش دروس جنبی (تفسیر، حکومت اسلامی، اخلاق، جامعه‌شناسی، اقتصاد و ...) از محضر بزرگانی از قبیل حضرات آیات آقایان: مرحوم شهید بهشتی، محمد یزدی، شهید باهنر، رفسنجانی، مظاهری، سبحانی و ناصر مکارم شیرازی و ... کسب فیض نمودم. بحمدالله این توفیق کم و بیش شامل حالم شده است که در خلال تحصیلاتم، به تدریس بعضی از رشته‌های علوم حوزوی از قبیل (فقه و اصول، تاریخ، عقاید و ...) در مدارس حوزه علمیه قم و مرکز جهانی و یا به صورت آزاد پردازم و امیدوارم همچنان به این امر مهم نیز ادامه دهم. و از حدود سال ۷۳ نیز از طریق دفتر نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها به عنوان استاد، به دانشگاههای اصفهان و تهران (دولتی و آزاد) اعزام شده و در رشته‌های: «تاریخ اسلام، معارف اسلامی، اخلاق اسلامی، ادبیات عرب و ...» به تدریس پرداختم. گفتمی است که اینجانب از همان سالهای اولیه ورود به حوزه مبارکه علمیه قم در استانها و شهرستانهای: «قم، خمینی شهر، ملایر، خمین، تربت حیدریه، بندرعباس، کازرون، بوشهر، نیکشهر بلوچستان، تهران و شمیرانات، خراسان، بندر انزلی،

سقز و کردستان، قزوین، و استانهای غرب و جنوب کشور» به تدریس و تبلیغ و ترویج احکام نورانی اسلام و نشر و اشاعه معارف دینی و قرآنی اشتغال داشتم.

اینجانب گرچه خوش ندارم در خصوص زندگی سیاسی و گرایشهای فکری چیزی به قلم بیاورم، و با وجود آنکه کار چندانی در مقایسه با کارهای چشمگیر و بزرگی که گروهی از عزیزان و دوستان هم‌رزم و هم‌سنگر شهید و غیر شهید، برای اسلام عزیز و انقلاب شکوهمند اسلامی انجام دادند و لحظه‌ای آرام نشستند صورت نداده‌ام. لکن از باب «و اما بنعمه ربك فحدث» شمه‌ای از آن بضاعت مزجاء را بیان می‌کنم. الحمدلله و له الشکر که از همان دوران نوجوانی و حتی در زمان شاه ملعون با روحیه ظلم ستیزی و تنفر و مبارزه با ظالم و طاغوت، بزرگ شده‌ام و در همین راستا به بحثهای کوبنده و روشنگرانه با طرفداران رژیم پرداخته و فعالیتهای در زمینه توزیع رساله و کتب دیگر و اعلامیه‌های رهبر کبیر انقلاب و دیگر مراجع معظم تقلید داشتم و در تظاهراتهای قم و دیگر شهرستانها بر علیه رژیم سابق شرکت داشته و در منبرهایم مظالم و فجایع دستگاه وقت را برای مردم برملا می‌کردم و بارها تا مرز دستگیری و قتل و جرح با توکل به خدا پیش رفتم، از جمله در محاصره مدرسه فیضیه در زمان شاه و در سال ۵۴ حضور داشته با عنایت الهی از چنگ آنها خود را نجات دادم، و در تظاهرات مردم در شهرستان خمین به همراه دیگر علما و مردم شرکت نموده و در همین تظاهرات تیر خوردم و روانه آغوش محبت آمیز و گرم آن خطه شده و پس از بهبودی و درمان به قم باز گشتم، و در تظاهرات ۱۹ دی سال ۵۶ قم نیز به همراه طلاب و فضلاء حوزه و اقشار مختلف مردم شرکت کرده و به بیوتات مراجع بزرگوار فقه و در درگیری بعد از مراجعه از بیت آقای نوری همدانی حضور داشتم و در رمضان المبارک سال ۵۶ به ملایر رفته و پس از سخنرانیهای کوبنده بر علیه رژیم تحت تعقیب مأموریت قرار گرفتم.

پس از پیروزی انقلاب و با تشکیل حزب جمهوری اسلامی به دست شخصیتهای صدر انقلاب فقط در این حزب ثبت نام کردم و با شروع جنگ تحمیلی این افتخار را پیدا کردم که از همان بدو شروع جنگ (که در آن زمان در حال گذراندن چندمین دوره آموزش نظامی بودم) به جبهه‌های جنگ به صورت رزمی تبلیغی و تبلیغی اعزم شدم و خوشبختانه این اعزامها ولو به صورت متناوب همچنان تا زمان پذیرش قطعنامه و حتی پس از آن ادامه داشت و در همین رابطه چندین بار مجروح شدم، و در همان شرایط نیز از ادامه تحصیل در حوزه بر حسب وظیفه غافل نبودم، و در موضوع حوادث انقلاب و فراز و نشیبهای آن از قبیل برگزاری انتخابات، غائله کردستان و فتح لانه جاسوسی و برکناری لیبرالها و بنی صدر و شکست مفتضحانه منافقین و غیر ذلک به فضل خداوند متعال در خط رهبری به راه خود ادامه دادم، و در تشکیلات جلسات مجمع طلاب و فضلاء قمی حوزه علمیه قم نیز همراه با جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ رحیمیان قمی و بعضی حضرات دیگر فعالیتهایی داشته‌ام.

از توفیقات و برکات عظیم الهی که در زندگی علمی اینجانب نصیب شد اینکه توانستم از همان سالهای اولیه ورود به حوزه و مدرسه مرحوم آیت الله گلپایگانی و به همت و راهنمایی دارالقرآن آن بزرگوار، حفظ قرآن کریم را شروع نمایم و بحمدالله بعد از چندین سال توانستم کل قرآن را حفظ نموده و در زمره حافظین کل قرآن قرار بگیریم و بنا دارم انشاء الله و به زودی کل نهج البلاغه و صحیفه سجاده را نیز حفظ کنم و در سایه حفظ قرآن موفقیتهای بیشتری در زمینه تدریس در حوزه و دانشگاه و ارائه مباحث در مناظر داشته‌ام و هم اکنون با گروهی از دوستان هم‌فکر به تحقیقات میدانی و عمیق در زمینه بحثهای حوزوی فقه و اصول و مخصوصاً فقه مشغول هستیم، و در علم الحدیث و شرح و توضیح و تعلیقات بر کتاب ارزشمند و پرفایده سفینه البحار مرحوم محدث قمی با بعضی دوستان دیگر گامهایی برداشته‌ایم. و امیدوارم در باقیمانده عمر نیز در ظل توجهات و عنایات خاصه مولانا و صاحبنا حضرت ولیعصر (عج) توفیق شناخت وظیفه و انجام آن را پیدا کرده و در صراط مستقیم حق به راه خود ادامه دهم.

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ادیب.

تولد: ۱۱ فروردین ۱۳۰۵.

درگذشت: ۲۶ خرداد ۱۳۷۵.

نادر وزین‌پور در جوانی با چاپ مقاله‌های ادبی ادر نشریان آن زمان به عرصه فرهنگ وارد شد. نخستین کتاب وی سایه امید مجموعه‌ای از داستان است که در سال ۱۳۳۲ منتشر شد. پس از اخذ لیسانس برای شرکت در دوره‌ی آموزش زبان انگلیسی به آمریکا سفر کرد و گواهی تدریس زبان انگلیسی را از مراجع علمی آمریکا دریافت کرد. وی موفق شد که در سال ۱۳۴۵ دکترای خود را از دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران اخذ نماید. پایان‌نامه دکترای وی «بررسی صرف افعال در زبان ترکی» و مقایسه با افعال فارسی نام داشت.

ترجمه‌ی کتاب انفجار جمعیت از جمله آثاری است که ایشان به فارسی برگردانده‌اند. دکتر وزین‌پور مدتی در مدیریت گروه ادبی دانشگاه تربیت مدرس به خدمت مشغول بود. دو کتاب برگزیده‌ی قصاید حکیم ناصر خسرو قبادیانی و شرح یوسف و زلیخای هفت اورنگ جامی را در مجموعه شاهکارهای ادبی فارسی منتشر کرد. در سال ۱۳۵۶ کتاب دستور زبان فارسی را برای دانشجویان تألیف نمود. از آثار دیگر ایشان می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد: آفتاب معنوی (گزیده‌ی چهل داستان از مثنوی)؛ بر سمند سخن؛ مدح؛ داغ ننگ بر سیمای ادب فارسی؛ برگزیده و شرح ناصر خسرو؛ سفرنامه‌ی ناصر خسرو (۱۳۵۰)؛ عشق‌های نافرجام (توضیح و تفسیر منظومه‌های عاشقانه کهن ادب فارسی مانند لیلی و مجنون، شیرین و فرهاد،... که ناتمام مانده است)، ساختمان فعل در زبان ترکی از دیدگاه زبان‌شناسی (۱۳۴۸)؛ مقاله‌هایی نیز از وی در مجله‌های ادبی در سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۶۰ منتشر شده است.

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: -، دانشگاه: آزاد اسلامی تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای زبان و ادبیات فارسی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شمال تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

دستور زبان فارسی، سفرنامه ناصر خسرو، ادبی، تحقیقی، تدریس در دانشگاه‌های ایران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

ادبی، تحقیقی، آفتاب معنوی، بر سمند سخن، سفرنامه ناصر خسرو، دستور زبان فارسی، یوسف و زلیخا، ۱۶ قصیده از ناصر خسرو،

دستور زبان ترکی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

دستور زبان فارسی، ادبی، تحقیقی.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

وشمگیر دیلمی، شمس‌المعالی، ابوالحسن قابوس

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۰۳-۳۶۶ ق)، ادیب، دانشمند، خطاط و شاعر. از سلسله‌ی آل زیار و از پادشاهان ادب‌پرور زمان خود بود که بسیاری از شاعران فارسی و عربی زبان، حکما و دانشمندان تحت حمایت او به سر می‌بردند. پایتخت او از مراکز علم و ادب آن روزگار به حساب می‌آمد و شعری چون: خسروی سرخسی و قمری گرگانی و دانشمندانی چون: ابوریحان بیرونی و ابوعلی سینا به دربارش رفت و آمد داشتند. ابوریحان بیرونی کتاب معروف خود «آثار الباقیه» را در ۳۹۰ ق به نام قابوس تألیف کرد. قابوس به عربی و فارسی شعر می‌سرود و در فن انشاء نثر عربی مهارت داشت. در زمینه‌ی خط نیز ماهر بود و خط ثلث و نسخ او در نهایت خوبی بود. گویند صاحب بن عباد هرگاه خط او را می‌دید به بال و پر طاوس تشبیه می‌کرد و می‌گفت: «هذا خط قابوس ام‌جناح طاوس». قابوس به نثر عربی رسائلی دارد که ابوالحسن علی بن محمد یزدادی آن را جمع‌آوری کرده و نام آن را «کمال البلاغه» گذاشته است. ابن‌اسفندیار در «تاریخ طبرستان» خود قطعاتی از آن را آورده است. وی عاقبت بر اثر شورش لشکریان خود به زندان افتاد و چندی بعد به قتل رسید. از شعر فارسی او تنها ابیاتی شامل: قطعه و رباعی در تذکرها باقی است. در «ریحانه» کتاب «قابوس‌نامه»، که از آثار عنصرالمعالی کیکاوس بن اسکندر بن قابوس برای فرزندش گیلان‌شاه می‌باشد، به نام قابوس ذکر شده است. [۱]

(مقتول ۴۰۳ ق)، نویسنده، شاعر و خطاط. چهارمین امیر گرگان و طبرستان و گیلان و دیلمان و مردی ادیب و ادیب‌پرور بود. بزرگانی چون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی و ابن‌هندو به دربار او راه یافتند، و ابوریحان کتاب «آثار الباقیه» را به نام او نوشت. گروه بسیاری از شعرا و سخنوران نیز او را ستوده‌اند. وی پس از پناه دادن به فخرالدوله دیلمی که از خویشان نزدیکش بود، مورد تهاجم برادران فخرالدوله، عضدالدوله و مؤیدالدوله قرار گرفت و شکست خورد و از سال ۳۷۱ تا سال ۳۸۸ ق به خراسان پناه برد، و با وجود مساعدت نوح بن منصور سامانی موفقیتی به دست نیاورد. در سال ۳۸۸ ق مجدداً بر گرگان و طبرستان و گیلان مسلط گشت و در سال ۴۰۳ ق به توطئه‌ی بعضی از سردارانش اسیر و مقتول شد و در اطراف گرگان به خاک سپرده شد. بعد از او پسرش، فلک‌المعالی منوچهر، جای او را گرفت. امیر قابوس از نویسندگان بزرگ عهد خود بود و رسائلی از او به عربی و اشعاری به عربی و فارسی باقی مانده است. مجموعه‌ی رسائل او را ابوالحسن علی بن محمد یزدادی گردآوری کرده است که به «کمال البلاغه» موسوم است و به چاپ رسیده است. خط نسخ را نیکو می‌نوشت و می‌گویند هرگاه صاحب بن عباد خط او را می‌دید می‌گفت: «هذا خط قابوس ام‌جناح طاوس». [۲]

(معمّر. کاوس (ه.م)) ابن وشمگیر بن زیار مکنی به ابوالحسن و ملقب به شمس‌المعالی، از پادشاهان آل‌زیار (جل. ۳۶۶ ه.ق- عزل ۳۷۱ ه.ق. جل. مجدد ۳۸۸ ه.ق- مقت. ۴۳۳ ه.ق). وی پس از برادر خود بیستون ابن وشمگیر بر تخت جلوس کرد. در همین سال

رکن‌الدوله درگذشت و قلمرو او میان سه پسرش: عضدالدوله، مؤیدالدوله و فخرالدوله تقسیم شد. عضدالدوله و مؤیدالدوله در ملک فخرالدوله طمع کردند و جنگی در گرفت و سرانجام فخرالدوله به طبرستان گریخت و به قابوس - که شوهرخاله‌ی او بود - پناه برد. عضدالدوله و مؤیدالدوله به قابوس پیغام دادند که فخرالدوله را به ایشان تحویل دهد، ولی او نپذیرفت، در نتیجه بهانه‌ای برای لشکرکشی عضدالدوله به طبرستان و گرگان فراهم آمد، و چون قابوس تاب مقاومت نداشت، پس از مختصر جنگی در نزدیکی استرآباد منهزم شد و با فخرالدوله به خراسان گریخت (سال ۳۷۱ ه.ق). حکومت خراسان از طرف سامانیان در این تاریخ به حسام‌الدوله تاش بود. وی از جانب نوح بن منصور سامانی مأموریت یافت که قابوس و فخرالدوله را مدد کند. حسام‌الدوله و امیر فائق گرگان را محاصره کردند، ولی مؤیدالدوله با دادن رشوه‌ی بسیار به فائق او را بفریفت تا در اثنای جنگ فرار کرد، و دیگران نیز تاب پایداری نیاورده شکست خوردند و لشکریان سامانی کاری از پیش نبردند. قابوس پس از چهار سال سلطنت، در حدود ۱۸ سال (۳۸۸ - ۳۷۱ ه.ق) از امارت محروم بود و در این مدت در خراسان در پناه سامانیان می‌زیست. اما فخرالدوله چون برادرش عضدالدوله به سال ۳۷۱ ه.ق و برادر دیگرش مؤیدالدوله به سال ۳۷۳ مردند، به دعوت صاحب بن عباد وزیر مؤیدالدوله از خراسان به ری آمد و به جای برادر نشست، ولی گرگان را به جای آنکه به قابوس واگذار کند، به ابوالعباس حسام‌الدوله تاش وا گذاشت، و آن ولایت همچنان تا سال ۳۸۸ در دست عمال آل‌بویه بماند. پس از مرگ صاحب بن عباد (۳۸۵) و وفات فخرالدوله (۳۸۷) در احوال دیلمیان عراق ضعف و ناتوانی ظهور کرد و جانشینی فخرالدوله به پسر خردسالش رسید. قابوس از فرصت استفاده کرد، و چون دیگر از یاری سامانیان - که خود گرفتار هرج و مرج بودند - مأیوس شد، درصدد برآمد که به یاران دیلمی و طبری خود متوسل شود و مستقیماً گرگان را از عمال آل‌بویه باز گیرد. نخستین کسی که به یاری او برخاست، اسپهبد شهریار بن شروین از اسپهبدان طبرستان بود، و او به سهولت بر برادران فخرالدوله پیروز شد و در قسمتی از طبرستان که تحت فرمان او بود بنام شمس‌المعالی خطبه خواند. آمل را هم دو تن دیگر از طرفداران قابوس تسخیر کردند و بر استرآباد دست یافتند و سرانجام گرگان را هم تسخیر نمودند. قابوس در شعبان ۳۸۸ به پایتخت خود برگشت و در دوره‌ی دوم سلطنت از طرف مغرب دامنه‌ی متصرفات خود را وسعت داد. وی مردی درشت‌خو، بیرحم، پرخشم و غضب بود و به آسانی حکم به کشتن می‌داد و به اندک سوءظنی دست به قتل بیگناهان می‌زد. به همین سبب جمعی بسیار به دست او کشته شدند و کینه‌ی او در سینه‌ی غالب سران لشکری جا گرفت، تا وقتی که حاجب مخصوص خویش را که مردی بی‌آزار و محبوب لشکر بود کشت، لشکریان شورش کردند و او را به زندان انداختند و پسرش فلک‌المعالی منوچهر به جای او جلوس کرد، و سپس قابوس را کشتند. قابوس مشهورترین فرد از خاندان آل‌زیار است. مردی فاضل و ادیب و فضل‌دوست و خوش‌خط بود. گویند صاحب بن عباد هرگاه خط او را می‌دید می‌گفت: «اهذا خط قابوس او جناح طاوس». وی در نثر عربی با بهترین بلیغان زمان دم‌برابری می‌زد و در شعر پارسی و تازی دست داشت. بیرونی کتاب آثارالباقیه را به نام او تألیف کرده. ترسالات وی را ابوالحسن علی ابن محمد یزدادی جمع کرده و «کمال‌البلاغه» نامیده است. برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه [۱] آتشکده‌ی آذر (۸۳ - ۸۲ / ۱)، الاعلام (۴ - ۳ / ۶)، از سعدی تا جامی (۳۰۱ - ۳۰۰)، اعیان‌الشیعه (۴۳۴ - ۴۳۲ / ۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۱ - ۶۴۰ / ۱)، تاریخ برگزیدگان (۷۱ - ۷۰)، تاریخ گزیده (۴۲۰، ۴۱۵ - ۴۱۴)، تذکره‌ی روز روشن (۶۴۳)، تذکره الشعراء (۵۷ - ۵۵)، حیب‌السیر (۴۴۲ - ۴۴۰ / ۲)، الذریعه (۸۵۹ / ۹)، ریحانه (۲۵۲ - ۲۵۱ / ۳)، شاعران بی‌دیوان (۳۸۰ - ۳۷۸)، شخصیت‌های نامی (۳۸۷ - ۳۸۶)، فرهنگ سخنوران (۷۲۸)، الکامل (۲۶۷ - ۲۶۶ / ۷)، کشف‌الظنون (۱۵۰۹)، لباب‌الالباب (۳۰ - ۲۹ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل / قابوس)، مجمع‌الفصحا (۱۰۸ - ۱۰۷ / ۱)، معجم‌الادباء (۳۳۳ - ۲۱۹ / ۱۶)، معجم‌المؤلفین (۹۱ / ۸)، النجوم الزاهره (۲۳۳ / ۴)، وفيات‌الاعیان (۸۲ - ۷۹ / ۴)، هدیة العارفین (۸۲۵ / ۱)، هفت اقلیم (۹۷ - ۹۶ / ۳).

[۲] آتشکده‌ی آذر (۸۳ - ۸۲ / ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۱ - ۶۴۰، ۳۰۲، ۲۱۲ / ۱)، تاریخ گزیده (۴۲۰، ۴۱۵ - ۴۱۴، ۳۸۸،

تذکره الشعراء (۵۷-۵۵)، حبیب السیر (۴۴۳-۴۴۰/۲)، الکنی واللقاب (۳۶۹-۳۶۸/۲)، لباب الالباب (۳۱-۳۰/۱)، لغت‌نامه (ذیل/ قابوس).

وشنوه ای قمی، قوام الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۲۹ ق)، عالم امامی، فقیه، خطیب و مدرس. در روستای وشنوه قم به دنیا آمد، و دوران کودکی را در آنجا گذراند. در ۱۳۴۵ ق به قم سفر کرد و پس از طی مقدمات و ادبیات، از اول سطوح تا دروس نهایی، خارج فقه و اصول، را از محضر آیت‌الله مرعشی نجفی به مدت چهار سال استفاده نمود. وی با همکاری دیگر از عملا، در منزل آیت‌الله مرعشی، تعلیقات و ملحقات «احقاق الحق» قاضی نورالله شوشتری شهید را تنظیم نمود. از آثارش: «حدیث الثقلین»؛ «رساله الحجاب»؛ «رساله»، در لباس خز و سنجاب و سمور؛ کتاب «هزار کلمه از کلمات قصار امیرالمؤمنین علی (ع)»، با ترجمه فارسی «اربعین»، در احادیث صادره از اهل بیت (ع)؛ «مکارم الاخلاق»؛ «مباهله»؛ کتاب «تاریخ اسلام»، در سه جلد؛ کتابی در «مقتل»؛ کتاب «احادیث نبویه (ص)». [۱]

حجه‌المسلمین والاسلام و زبده المحدثین الکرام آقای حاج شیخ محمد مشهور بقوام‌الدین و شنوه‌ای قمی از علماء ابرار و فضلاء اخیار و اتقیاء کبار و مولفین عالی مقدار و گویندگان پرهیزکار حوزه علمیه و شهرستان مذهبی قم است.

در سال ۱۳۲۹ ق در قریه وشنوه که در هفت فرسخی شهر قم واقع و از بیلاقات شهر قم و محل اقامت تابستانی مرحوم آیه‌العظمی بروجردی و سایر مراجع عظام قم است تولد یافته و دوران صباوت را در آنجا گذرانیده و در سال ۱۳۴۵ ق مهاجرت به قم نموده و پس از طی مقدمات و ادبیات از اول سطوح تا دروس نهائی خارج فقه و اصول را از علامه متبوع و فقیه متبحر و رجالی بصیر و متکلم خبیر آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله در مدت چهار سال استفاده نموده و هم‌اکنون نیز از شرکاء درس فقه و اصول آنجنابست اعتقاد و ایمان و اخلاص فوق‌العاده‌ای به معظم‌له دارد و ایشان هم کمال و ثوق و اطمینان را به وی دارند و حقا هم شایسته‌اند زیرا در میان حوزه کم‌نظیر و در روحانیت از معدودین می‌باشد، در مواقع کسالت و یا مسافرت آیت‌الله مرعشی از طرف آن جناب به جای ایشان اقامه جماعت می‌نمایند، بیشتر خطب نهج‌البلاغه را حافظ است اطلاعات زیادی به اخبار و احادیث دارد منبرش تمام یا کلمات و خطب علی‌السلام و یا اخبار اهل‌بیت علیهم‌السلام است بسیار متواضع و خلیق است و دارای ملکات فاضله اخلاقی است مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و زعماء دیگر هم به ایشان نهایت و ثوق و اعتماد را دارند با اینکه در منازل آنها یا اصلا نمی‌رود و یا بسیار کم می‌رود ولی همه روز صبح و عصر در منزل آیت‌الله العظمی مرعشی آمده و با شرکاء دیگر تعلیقات و ملحقات احقاق‌الحق را تنظیم می‌نماید.

آثار و تالیفات ارزنده‌ای دارد که از نظر دانشمندان می‌گذرانم:

۱- حدیث‌الثقلین که دو بار در جامع‌الازهر و دارالتقریب مصر به طبع رسیده است.

۲- رساله الحجاب در پیرامون حجاب اسلام که در ایران چاپ شده است.

۳- رساله در لباس خز و سنجاب و سمور.

۴- رساله در حجاب فارسی با اشاره به اقوال عامه و خاصه.

۵- کتاب هزار کلمه از کلمات قصار امیرالمؤمنین علی‌السلام با ترجمه فارسی.

۸- اربعین در احادیث صادره از اهل‌بیت علیهم‌السلام.

- ۷- کتابی به عنوان مکارم الاخلاق.
 ۸- کتاب مباحله.
 ۹- کتاب تاریخ اسلام در ۳ جلد.
 ۱۰- کتابی در مقتل.
 ۱۱- کتاب احادیث نبویه
 برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
 منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۲۳۴- ۲۳۳ / ۲).

وشنوی، قوام‌الدین محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۳۲۵ ق.، روستای «وشنوه»، نزدیک قم.

درگذشت: ۱۷ خرداد ۱۳۷۶، قم.

آیت‌الله حاج شیخ قوام‌الدین محمد وشنوی قمی پس از پشت سر نهادن دوران کودکی و نوجوانی و فراگیری مقدمات و ادبیات فارسی، رهسپار حوزه‌ی علمیه‌ی قم شد و به تحصیل علوم دینی پرداخت. سپس در سال ۱۳۴۷ ق. به نجف اشرف رفت و به تکمیل ادبیات و فراگیری مطول نزد آیت‌الله شیخ مرتضی طالقانی و شرح لمعه نزد آیت‌الله سید ابوالقاسم روحانی قمی اشتغال جست و در سال ۱۳۴۸ ق. به قم بازگشت و سطوح فقه و اصول (رسائل، مکاسب و کفایه) را نزد آیت‌الله العظمی عبدالکریم حائری یزدی و همزمان با آن در درس خارج اصول آیت‌الله محمدعلی حائری قمی حاضر شد و پس از وفات آیت‌الله حائری در دروسهای حضرات آیات سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای و سید محمدتقی خوانساری شرکت کرد.

با ورود آیت‌الله العظمی بروجردی به قم در سال ۱۳۲۴ یک سره به درس فقه و اصول آن فقیه بزرگ حاضر شد. پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی، به حلقه درس آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی پیوست و بیش از سی سال در کنار ایشان بود.

آیت‌الله وشنوی قمی در کنار سالیان فراوان تحصیل، به تألیف کتابهای بسیاری روی آورد و در علوم مختلف چون حدیث، تاریخ تراجم و رجال اهل سنت و فقه مهارت کسب نمود. بیش از سی سال به اقامه‌ی جماعت در یکی از مساجد قم پرداخت. برخی از تألیفات وی که به چاپ رسیده‌اند، عبارتند از:

حیة النبى و سیرته (سه جلد)؛ حدیث الثقلین؛ اهل البیت و آیه المباحله؛ النور الساطع فی احوال مولانا الامام الصادق (ع) (این کتاب به نام نور درخشان به فارسی ترجمه شده است)؛ الحدیث المتواتر فی غزوة خبیر؛ اصحاب رسول الثقلین فی حرب الصفین؛ فضایل امیرالمؤمنین علی (ع) من کتاب المسند (احمد بن حنبل)؛ الحجاب فی الاسلام (به فارسی ترجمه شده است). کتابهای دیگری نیز با راهنمایی و نظارت ایشان به رشته تحریر درآمده است، نظیر تحلیلی از زندگی امام جواد (ع)؛ تحلیلی از زندگی امام علی النقی (ع)؛ تحلیلی از زندگی امام حسن عسگری (ع)؛ وظیفه مردم در عصر غیبت امام زمان (ع)؛ شناخت هلاک کنندگان و نجات دهنده‌ها از قرآن؛ رساله فی لباس المصلی؛ رساله پیرامون حجاب؛ کلمات امیرالمؤمنین (ع) (هزار کلمه همراه با ترجمه فارسی)، مصباح المسند لمسند احمد بن حنبل؛ مصباح الغیة الکتاب اسد الغابة (عزالدين ابوالحسن علی بن محمد جزری)؛ مصباح الاستیعاب

والاصابة؛ نخبه المقال في تهذيب كتاب الاموال (ابی عبید)؛ تلخیص ریاض النضره (محب‌الدین طبری)؛ تلخیص کنوز الحقایق؛ تهذیب کتاب الخراج (ابویوسف قاضی)، الفضایل المستخرجه من المعجم الصغیر (حافظ طبرانی)؛ مکارم الاخلاق (به املا ایشان و نگارش آقای عباس اخلاقی)؛ الاربعین حدیثا من الائمه الاطهار (ع)؛ مقتل الحسین (ع) (ناتمام)؛ تفسیر القرآن الکریم (ناتمام)؛ رساله فی ذکر ابن آدم الاشعری، رساله فی حدیث طلب العلم فریضه علی کل مسلم، رساله فی اثبات استحبات القنوت فی الصلاه عند العامه؛ حاشیه بر احقاق الحق؛ الاحادیث النبویه (ص)؛ کتب النبی (ص) الی الملوک؛ یازده فهرست برای کتابهای مخلوط.

آیت‌الله وشنوی قمی روز هفدهم خرداد ۱۳۷۶ چشم از جهان فرو بست. پیکرش در صحن حرم حضرت فاطمه معصومه (س) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

وصاف، شرف‌الدین عبدالله

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شرف‌الدین عبدالله بن فضل‌الله بن عبدالله شیرازی ملقب به «وصاف‌الضره» از ادباء بزرگ قرن هشتم هجری و مورد عنایت سلطان غیاث‌الدین هشتمین حکمران مغول بود. اثر معروف وی کتاب تجزیه‌الامصار و تجزیه‌الاعصار است که به تاریخ و صاف موصوف است و ذیلی است بر جهانگشای جوینی. قبر وصاف در قبرستان کم‌وسعتی که میان حافظیه و هفت‌تنان در شیراز می‌باشد واقع شده است.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

وصاف‌الضره، شرف‌الدین عبدالله

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۷۱۹/۷۳۰-۶۶۳ ق)، ادیب، مورخ و شاعر، متخلص به شرف. ملقب به وصاف‌الضره. در شیراز به دنیا آمد و همان‌جا نشو و نما یافت. او مانند پدرش در شمار عمال دیوانی دولت ایلخانیان در فارس درآمد و از خواص خواجه صدرالدین احمد خالدی زنجانی، نایب امیر طغاجار حاکم فارس گردید. مدتی نیز مورد لطف خواجه رشیدالدین فضل‌الله و غازان خان و سلطان الجایتو قرار گرفت. وی علاوه بر مقام بلند خود در نثر متکلف مصنوع، در شعر عربی و فارسی نیز دست داشته که بسیاری از ابیات و قطعات و قصاید خود را در کتاب خویش ذکر شده است. قبر وی ما بین تکیه چهل‌تنان و حافظیه است. از جمله آثارش: «تجزیه‌الامصار و تجزیه‌الاعصار»، معروف به «تاریخ و صاف»، در ذکر وقایع تاریخی ایلخانیان، در پنج مجلد؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: از سعدی تا جامی (۹۴-۹۲)، الاعلام (۴/۲۵۲)، اعیان‌الشیعه (۸/۶۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۶۲-۱۲۵۹/۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۴-۱۴۳) حبیب‌السیر (۳/۱۹۷)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۰۳-۷۹۹/۵)، دایرة‌المعارف فارسی (۳۱۷۰-۳۱۶۹/۲)، الذریعه (۹/۱۲۶۸، ۳/۳۵۸)، ریحانه (۳۲۰-۳۱۸/۶)، سبک‌شناسی (۱۰۳-۹۹/۳)، صبح گلشن (۵۹۱)، فارسنامه‌ی

ناصری (۲/۱۱۴۵)، فرهنگ سخنوران (۴۹۹)، لغت‌نامه (ذیل / وصاف‌الحرثه)، مجمع‌الفصحا (۳/۱۴۴۸)، مرآت‌الفصاحه (۶۸۷) - (۶۸۵)، معجم‌المؤلفین (۶/۱۰۲)، مؤلفین کتب چاپی (۹۸۲-۳/۹۸۱)، هدیه‌العارفین (۱/۴۶۴).

وصال شیرازی، محمد شفیع

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۶۲ - ۱۱۹۷ ق)، عالم، ادیب، شاعر، عارف و خطاط. مکنی به ابوالاحمد. مشهور به میرزا کوچک. وی از هنرمندان ذوفنون بود که در شیراز به دنیا آمد. خاندانش در دوره‌ی صفویان و افشاریان و زندیان دارای مناصب دیوانی بودند و خود نیز از بزرگان دانش و ادب و هنر در دوره‌ی فتحعلی شاه و محمد شاه قاجار بود. او در آغاز جوانی به تحصیل دانش پرداخت و از علوم و فنون عصر خویش بهره‌ی کافی یافت و چون دارای ذوق و مشرب عرفانی بود، دل در صحبت مشایخ صوفیه بست و به میرزا ابوالقاسم سکوت سر سپرد. میرزا محمد شفیع در نوشتن خطوط سبعة استاد بوده و به ویژه، در نسخ و نستعلیق مهارت به سزایی داشته است. از شاگردان وی در خط نستعلیق، میرزا فتحعلی حجاب شیرازی است. در شعر، عمده‌ی شهرت او به واسطه‌ی غزلیات عارفانه و مراثی شورانگیزی است که به پیروی از محتشم کاشانی سروده است. همچنین قصایدی نیز در مدح شاهان قاجار و بزرگان شیراز دارد. وی در نخستین اشعار خود مهجور تخلص می‌کرد، اما پس از آشنایی با میرزا ابوالقاسم سکوت تخلص وصال را برگزید. وصال علاوه بر این فضایل، صدایی خوش داشت و مشهور است که سه تار نیز می‌نواخته است. وی گویا در نقاشی و تذهیب و صحافی متبحر بوده و آورده‌اند هنگامی که فتحعلی شاه برای بازدید خطه‌ی فارس به شیراز رفته بود، وصال قرآنی را که با هفت نوع خط نوشته و در تذهیب و تجلید آن هنرمندی بسیار به کار برده بود، به شاه تقدیم کرد و فتحعلی شاه نیز کمالات وی را ستود. از مصاحبان و معاشران او قآنی شیرازی است. وصال در طول حیاتش، یک بار به عزم سفر هندوستان، از زادگاه خود به بوشهر رفت، لیکن در آنجا از سفر خود منصرف شد و دوباره به شیراز بازگشت. وی در اواخر عمر نابینا شد و سپس در شیراز درگذشت و در بقعه‌ی شاهچراغ به خاک سپرده شد. از آثار او: مثنوی «بزم وصال»، در هفت هزار بیت؛ تکمیل «فرهاد و شیرین» وحشی بافقی؛ ترجمه‌ی «اطواق الذهب» زمخشری، به فارسی؛ «سفینه»، در تفسیر احادیث قدسیه؛ «صبح وصال»، به سبک «گلستان» سعدی؛ «دیوان» شعر. از خطوط او: یک نسخه «اوصاف الاشراف» خواجه نصیر، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «حرره العبد الاقل محمد شفیع المشهور بمیرزا کوچک، المتخلص بوصال سنه ۱۲۳۹»؛ ادعیه‌ی نیم ربعی، نسخ کتابت و نستعلیق کتابت خفی خوش، با رقم: «اقل... میرزا کوچک مسمی بمحمد شفیع متخلص بالوصال... ۱۲۴۳»؛ یک نسخه «کلیات» سعدی، به قلم نستعلیق کتابت خفی خوش، با رقم: «حرره العبد... میرزا کوچک ابن المرحوم میرزا محمد اسماعیل الشیرازی... سنه ۱۲۴۵»؛ یک نسخه دفتر اول «مثنوی» مولانا، به قلم کتابت خفی عالی، با رقم: «... محمد شفیع المشتهر به میرزا کوچک المتخلص بوصال فی دارالعلم شیراز ۱۲۴۶»؛ یک نسخه «حدیقه‌الحقیقه» سنایی، به قلم کتابت جلی خوش، با رقم: «کتبه العبد العاصی محمد شفیع متخلص بوصال الشیرازی... سنه ۱۲۴۵»؛ دویست و پنجاه و پنج؛ چند نسخه از کلام‌الله مجید، به خط نسخ و رقاع عالی و خوش، با تاریخ‌های ۱۲۵۵، ۱۲۵۴، ۱۲۳۶ و ۱۲۵۹ ق و قطعات مختلف دیگر. [۱]

میرزا محمد شفیع بن محمد اسماعیل شیرازی معروف به میرزا کوچک شاعر اوایل دوره‌ی قاجاریه (و. ۱۱۹۷ ه. ق- ۱۷۸۲ م- ف. ۱۲۶۲ ه. ق- ۱۸۴۵ م) خاندانش در دوره‌ی صفویان، افشاریان، زندیان به اعمال دیوانی مشغول بودند. وصال در دوره‌ی جوانی مدتی سرگرم تحصیل ادب، خط و هنرهای زیبا، موسیقی و سیر در مقامات عرفانی بود. دیوان اشعارش شامل قصاید، غزلیات و

مثنویهای «بزم وصال» و تکمله‌ی فرهاد و شیرین وحشی بافقی است و نیز کتابی در ترجمه و شرح و نظم «اطواق الذهب» زمخشری دارد. پسران وصال یعنی وقار، حکیم، داوری، فرهنگ، توحید، یزدانی، همه از شاعران و هنرمندان عهد خود بودند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار عجم (۳۵۸)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۷۷-۱۱۷۵/۴، ۷۶۲-۷۵۵/۳)، از صبا تا نیما (۴۴-۴۰/۱)، اطلس خط (۳۵۹-۳۵۸)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۰۵-۲۰۳/۴)، تاریخ موسیقی (۴۲۱، ۴۲۰، ۳۸۳-۳۸۲/۱)، تاریخ هنرهای ملی (۹۵۹-۹۵۸/۲)، حدیقه الشعراء (۲۰۰۰-۱۹۸۷/۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۱۳-۸۰۳/۵)، دایرةالمعارف فارسی (۳۱۷۰/۲)، الذریعه (۱۹۰/۱۶، ۱۲۶۸/۹)، روضة الصفا (۱۳۲/۱۰)، ریاض‌العارفین (۳۵۰-۳۳۷)، ریحانه (۳۳۰-۳۲۱/۶)، سفینه‌المحمود (۵۲۱-۵۱۴/۲)، شرح حال رجال (۲۳۹-۲۳۸/۶)، صبح گلشن (۵۹۲-۵۹۱)، طرائق‌الحقائق (۳۷۰-۳۶۵/۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۹۹۷-۹۹۰/۲)، فرهنگ سخنوران (۹۸۱)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۵۳-۳۵۲)، گنج سخن (۲۰۰-۱۹۷/۳)، مجمع‌الفصحا (۱۱۳۱-۱۰۹۱/۶)، مرآت‌الفصاحه (۶۹۱-۶۸۷)، مصطبه‌ی خراب (۲۰۶-۲۰۲)، مکارم‌الآثار (۱۶۶۹/۵، ۶۶-۶۱/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۴-۴۳۳/۳)، نگارستان دارا (۲۷۵-۲۷۳)، یادگار (س ۱، ش ۳، ص ۷۱-۶۷).

وصال، عبدالکریم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: رادیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیل پزشکی در دانشگاه مونیخ، برلین غربی و لندن، گذراندن دوران رزیدنسی، جراحی رزیدنسی رادیولوژی در بیمارستانهای راندولف ویرشو و نیوکلن در برلین غربی و دکترای تخصصی رادیولوژی از برلین غربی.

مرتبه علمی:

طی مراحل استادیاری، دانشیاری و ارتقاء به درجه استادی دانشگاه علوم پزشکی شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

رادیولوژی، نظارت و راهنمایی ۱۰ پایان‌نامه تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

اصول پزشکی هسته‌ای.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۳۴

زمینه علمی مقالات:

پزشکی رادیولوژی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

وصال، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۹، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیوشیمی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی کشاورزی از دانشگاه آمریکائی بیروت در سال ۱۳۴۳، کارشناسی ارشد بیوشیمی و تغذیه و صنایع غذایی از دانشگاه آمریکائی بیروت در سال ۱۳۴۵، دکترای تخصصی بیوشیمی و تغذیه از دانشگاه ایالتی و انستیتو پلی تکنیک ویرجینا آمریکا در سال ۱۳۴۸، فوق تخصص بیوشیمی از دانشگاه‌های برکلی آمریکا، سانفرانسیسکو، ویرجینیا و استرالیا.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۴۶ تا سال ۱۳۴۹، استاد مدعو و محقق دانشگاه سانفرانسیسکو از سال ۱۳۵۶ تا سال ۱۳۵۷، استاد مدعو و محقق دانشگاه ایالتی و انستیتو پلی تکنیک ویرجینا آمریکا از سال ۱۳۶۹ تا سال ۱۳۷۰، استاد مدعو و محقق در دانشگاه گوئیرلند استرالیا در سال ۱۳۶۷، استاد بیوشیمی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بیوشیمی کیست هیداتیک، لیشمانیا، و داروهای گیاهی حاوی مواد ضد استروژنی و ضد بارداری، استفاده از ۴ فرصت مطالعاتی در دانشگاه‌های برکلی، سانفرانسیسکو، ویرجینیا، و استرالیا، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۱ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و بیوشیمی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

تغذیه و سوء تغذیه.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: -، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۵

زمینه علمی مقالات:

بیوشیمی اکینو کوکوس، لیشمانیا و اثرات ضد استروژنی گیاه *physalis alkebeugi* تأثیر کمبود روی بر رسپتورهای هورمونهای استروئیدی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

وصلی تهرانی، محمد طاهر

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به وصلی. برادر میرزا غیاث بیگ و عموی نورجهان بیگم، همسر جهانگیر شاه بود. وی به همراه پسر خود، میرزا محمد صادق که در زمان جهانگیر شاه (۱۰۳۷-۱۰۱۴ ق) و شاه جهان (۱۰۶۹-۱۰۳۷ ق) منصب دیوان داشت، به لاهور رفت و به کار دیوانی مشغول شد. مؤلف «عرفات العاشقین» در ۱۰۲۴ ق در آگره او را دیده است. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. مؤلف «الذریعه» وصلی طهرانی را با وصلی سارانی یکی می‌داند، در صورتی که مؤلف «فرهنگ سخنوران» آنها را جدا کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۸۸، ۱۰۹۸، ۴۷۹/۵)، الذریعه (۱۲۷۰/۹)، صبح گلشن (۵۹۳)، فرهنگ سخنوران (۹۸۳-۹۸۲)، کاروان هند (۱۵۲۴-۱۵۲۲/۲)، هفت اقلیم (۷۱-۳/۷۰).

وصلی شیرازی، نعمت‌الله

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۰۲۸ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به وصلی. از سادات طباطبایی شیراز بود. پدرش در شیراز به میر پنبه‌زن شهرت داشت. وی شاگرد و پسر خوانده‌ی مرشد بروجردی بود و هنگامی که مرشد در هند می‌زیست به دیدار او رفت و در سند به او پیوست و در جرگه‌ی ملازمان و مداحان میرزا غازی ترخان در آمد و مدتی نیز با فخرالزمانی قزوینی، معاشر بود. بعد از فوت میرزا غازی (م ۱۰۲۱ ق) به اجمیر، پنجاب و لاهور مسافرت کرد. وی به همراه محمود بیگ ترکمان به بنگش، نزد الله دادخان افغان رفت و پس از چندی به حضور جهانگیر شاه رسید، ولی دوباره بازگشت و در بنگش ساکن شد. فخرالزمانی در تذکره‌ی «میخانه» آورده که از ۱۰۲۸ ق دیگر از او خبری ندارم و قریب چهار هزار بیت از قصیده و غزل و رباعی و مثنوی داشت و هنوز دیوانی ترتیب نداده بود. از آثار وی: «ساقی‌نامه»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی میخانه (۶۷۳-۶۶۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۱۵-۸۱۴/۵)، الذریعه (۱۲۷۰/۹)، کاروان هند (۱۵۲۵-۱۵۲۴/۲).

وطن‌پرست، اسماعیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مورخ، شاعر.

تولد: ۱۳۰۱، روستای آشناخور در الیگودرز.

در گذشت: بمهمن ۱۳۶۴.

اسماعیل وطن پرست، فرزند علی محمدخان، پس از فراگیری دروس مقدماتی به همراه خانواده‌ی خویش در شهر تهران اقامت گزید. وطن پرست در علوم تاریخ، تاریخ ادبیات، نقد و تصحیح متون تاریخی، تاریخ هنر و تاریخ فلسفه، دارای آثار و مقالاتی است. وی با اسناد و مدارک قاجار آشنایی داشت و در این زمینه کتاب‌های سیمای تاریک و روشن امیر کبیر، پشتوانه‌های معنوی مردم در طول تاریخ، ترجمه‌ی احوال و بیان آثار وزیران قاجاریه، اسناد و مدارک اجتماعی سیاسی دوران قاجار، تاریخ چهارده ساله‌ی محمدشاه قاجار و خلاصه‌ای از علم عروض را به یادگار گذاشته است. وی در انواع شعر طبع خویش آزمود و در غالب غزل و رباعی آثار بسیاری از خویش به جای گذاشته است.

از سال ۱۳۲۹ به کارهای مطبوعاتی پرداخت و مقاله‌های خود را به نام‌های مستعار «پرستو» و «هالو» در روزنامه‌های تهران منتشر کرد.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

وطن خواه، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۱، مرتبه علمی: استاد، رشته: روانپزشکی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی روانشناسی از دانشگاه آلبرت لوردویگ آلمان در سال ۱۳۳۴، کارشناسی ارشد پیوسته انترنی پزشکی از دانشگاه آلبرت لوردویگ آلمان در سال ۱۳۳۷، کارشناسی ارشد روانشناسی از دانشگاه آلبرت لوردوگ آلمان در سال ۱۳۳۸، دکترای روان پزشکی از دانشگاه ویلهلم وستفالن آلمان در سال ۱۳۴۵، دکترای بیماریهای اعصاب از دانشگاه ویلهلم وستفالن آلمان در سال ۱۳۴۵ و فوق تخصص روشهای جدید روان درمانی یومانیستیک پيسکولوژی از دانشگاه نورتن ایستون ایلینویز (فورست هوسپیتال) آمریکا در سالهای ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی اختلالات روانی در مصدومین جنگی، عوامل آشکارکننده حالات عصبی در طبقه خاصی از مردم ایران، برداشت‌های تازه درباره پاراپسیکوپاتولوژی، عامل آشکارکننده بیماریها و اختلالات روانی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر بیش از ۵ پایان‌نامه دکترا و تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

کاربرد روان‌درمانی با نگرش اسلامی در کودکان و نوجوانان، کارآیی روان‌درمانی با نگرش اسلامی در اختلالات عصبی پوست، تشخیص و درمان افسردگی در سنین بالا، روانشناسی - روان پزشکی، روان پزشکی عملی و روان پزشکی برای سال ششم پزشکی و رزیدنت‌ها، نگرش روان‌درمانی، روان پزشکی و روانشناسی در زمینه جراحی ترمیمی پستان و روان‌درمانی چند بعدی گسترده.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

استفاده از روشهای متفاوت روان‌درمانی در اختلالات مختلف روانی، روان‌درمانی و خودکشی، روان‌درمانی معتادان، علل ایجاد اختلالات زناشویی، پیشگیری و درمان اختلالات زناشویی.

struktur psychische stoemingen bei frauen in bezug Nervoese stoerungen und soziale

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

وطن‌دوست، غلامرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

وطواط، رشیدالدین

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۷۳/۵۷۸ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به وطواط. در بلخ ولادت یافت و عمری او را از آن جهت گفتند که وی از اعقاب عمر بن خطاب است. در مدرسه نظامیه زادگاه خود قسمتی از تحصیلات خود را نزد امام ابوسعید هروی به انجام رسانید و بعد از اتمام تحصیلات خود و کسب مهارت در فاسی و عربی به خوارزم رفت و در اوائل عهد ابوالمظفر علاءالدوله اتسز خوارزمشاه به خدمت او پیوست و تا آخر عمر در دستگاه خوارزمشاهیان روزگار گذرانید و سمت صاحب دیوانی رسائل داشت. بر اثر رشک حاسدان و تهمت مبنی بر اینکه وی با کمال‌الدین محمود بن ارسلان، خواهرزاده سنجر، ارتباط دارد، به سال ۵۴۷ ق از خدمت شاه رانده شد ولی به خاطر قصایدسرایبی که در رد تهمت خود سرود، دوباره مورد لطف شاه قرار گرفت. میان رشید و جارالله زمخشری ادیب و متکلم بزرگ قرن ششم نیز دوستی و مباحث و مکاتبه بود. بعد از وفات اتسز چندی در خدمت پسر اتسز، ایل ارسلان، بود و به خاطر کهولت از خدمت کناره گرفت. از دیگر سلاطین و امرای معاصر رشید می‌توان به تکش بن ارسلان، سنجر بن ملکشاه، سپهد غازی نصره‌الدوله اشاره کرد و از شاعران معاصر وی انوری، معزی، سنائی، ادیب صابر، سوزنی سمرقندی، خاقانی، مختاری و سید حسن غزنوی را باید نام برد. آثار وطواط: «دیوان اشعار پارسی»، «رسائل عربی»، «حدائق السحر فی دقائق الشعر»، «منشآت فارسی»، «فصل الخطاب من کلام عمر بن الخطاب»، «تحفه الصدیق من کلام ابی بکر الصدیق»، «انس اللهفان من کلام عثمان بن عفان»، «نثر

اللالی من کلام امیرالمومنین علی (ع)؛ «منظومه» ای در عروض؛ «غرائب الکلم فی رغایب الحکم»؛ «منیه المتکلمین و غنیه المتعلمین»؛ «غرر الاقوال و درر الامثال»؛ «مفاتیح الکلم و مصابیح الظلم»؛ «جواهر القلاید و زواهر الفراید»؛ «الفوائد العمائیه»؛ «ابکار الافکار فی الرسائل و الاشعار»؛ «مطلوب کل طالب» [۱].

(بخش ۱) و طواط، امیر امام رشیدالدین سعدالملک محمد بن محمد بن عبدالجلیل عمری کاتب و شاعر ایرانی از اعقاب عبدالله بن عمر بن خطاب (ف. ۵۷۳ ه.ق.). وی در بلخ متولد شد و در مدرسه نظامیه آن شهر قسمتی از تحصیلات خود را نزد امام ابوسعید هروی انجام داد و سپس برای ادامه تحصیل به خوارزم رفت و در اوایل عهد اتسز بن محمد خوارزمشاه به خدمت او پیوست و تا آخر عمر در دستگاه خوارزمشاهیان روزگار گذرانیده و سمت صاحب دیوانی رسایل داشته. تخلص وی به و طواط از بابت کوچکی جثه او بود (بخش ۱: و طواط). در سال ۵۴۲ سنجر برای سرکوب کردن اتسز قصد خوارزم کرد و قصبه هزارسف را دو ماه در حصار گرفت. در این سفر انوری ملازم خدمت سنجر بود، دو بیتی که مبتنی بر فتح هزارسف و خوارزم به دست سنجر بود، سرود و آن را بر تیری نوشته به هزارسف انداختند. رشید در جواب این رباعی بر تیر نوشت و بینداخت:

گر خصم تو ای شاه بود رستم گرد

یک خر ز هزارسف تو نتواند برد

سنجر که به سبب این بیت و اشعار دیگر وی، از او آزاده بود، سوگند خورد که او را هفت پاره کند. پس از فتح هزارسف به دست سنجر و طواط متواری می‌زیست تا عاقبت به شفاعت منتخب‌الدین که گفت و طواط مرغکی ضعیف است و طاقت آن ندارد که به هفت پاره کنند، اگر فرمان شود او را بدو پاره کنند، سلطان او را ببخشید. از آن پس رشید همچنان در دربار اتسز به سر می‌برد تا در ۵۴۷ حاسدان وی را به داشتن روابط با کمال‌الدین حاکم جند متهم کردند. اتسز بر وی خشم گرفت و او را براند. رشید قصاید بسیار در برائت ساحت خود ساخت تا استر بر سر لطف آمد و شغل او را به وی باز گردانید. پس از وفات اتسز گویا رشید چندی در خدمت ایل ارسلان بسر می‌برد، ولی از این پس به سبب کثرت سن از خدمت تقاعد ورزید. رشید علاوه بر دیوان شعر که به طبع رسیده آثاری منشور داشته: منشآت فارسی شامل رسائل سلطانی و اخوانی که قسمتی از آنها به طبع رسیده، حدائق السحر (ه. م.)، فصل الخطاب من کلام عمر بن الخطاب، تحفه الصدیق الی الصدیق من کلام ابی بکر الصدیق، انس اللهفان من کلام عثمان بن عفان، نثر اللالی (م.ه.) مجموعه رسائل عربی که در مصر به طبع رسیده، منظومه‌ای در عروض فارسی شامل ۱۶ بحر عروضی که معمول شاعران پارسی‌گوی است. وی در نظم و نثر فارسی سرآمد زمان بود. شعر پارسی او استادانه و در کمال انسجام است. وی در انتخاب کلمات و قوت ترکیب و ایراد صنایع مختلف لفظی مهارت داشته.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۲۵۲-۲۵۱/۷)، ایضاح المکنون (۱۲۰، ۹۷/۲، ۳۷۸/۱)، بهارستان (۱۰۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۳۶-۶۲۸/۲)، تاریخ برگزیدگان (۲۹۵-۲۹۴)، تاریخ گزیده (۷۵۷-۷۵۶)، تاریخ نظم و نثر (۹۳-۹۲)، تذکره‌ی روز روشن (۲۹۷-۲۹۵)، تذکره الشعراء (۱۰۳-۹۸)، دایره‌المعارف فارسی (۱۵۸۶/۱)، الذریعه (۱۶۰-۱۵۹/۲۱، ۱۲۷۱-۱۲۷۰/۹، ۲۸۷-۲۸۶/۶)، ریحانه (۳۱۲-۳۱۰/۲)، سخن و سخنوران (۳۳۲-۳۲۲) سرآمدان فرهنگ (۳۷۹-۳۷۸/۱)، سیری در شعر فارسی (۶۹)، طرائق الحقائق (۵۹۷-۵۹۶/۲)، فرهنگ سخنوران (۳۷۸-۳۷۷)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۸۴-۱۸۳)، کشف الظنون (۱۲۴۳، ۱۲۰۰، ۳۶۸، ۱۷۸، ۱۷۷، ۴)، الکنی و الالقاب (۲۷۲-۲۷۱/۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۳۲-۲۳۱)، لباب الالباب (۸۶-۸۰/۱)، لغت نامه (ذیل/ و طواط)، مؤلفین کتب چاپی (۷۵۷-۷۵۶/۵)، مجمع الفصحا (۶۷۱-۶۵۵/۲)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۵۳۵ و ۵۷۴)، معجم الادباء (۳۶-۲۹/۱۹)، معجم المؤلفین (۲۲۹/۱۱)، هفت اقلیم (۷۶-۶۸/۲).

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جعفر وفا

محل تولد: زنجان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۴/۹

زندگینامه علمی

جعفر وفا در سال ۱۳۳۴ در زنجان در یک خانواده مذهبی تولد یافت و پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه با اشتیاق تمام و با تشویق والدین خود، به سال ۱۳۴۸ در حوزه علمیه این شهر به فرا گرفتن علوم دینی پرداخت و در سال ۱۳۵۲ راهی حوزه علمیه قم گردید و در ادبیات عرب، فلسفه، تفسیر و علم کلام، طرفی برگرفت و در سطوح عالی فقه و اصول به مراتب لازم، نائل آمد. در طی این مراحل در دو حوزه زنجان و قم به ترتیب از محضر اساتید برجسته ای همانند حجج اسلام استاد علوی، قائمی، خاتمی و آیات عظامی همانند آیت الله جوادی آملی، پایانی، اعتمادی، حیدری زنجان، ناصر مکارم شیرازی، میرزا جواد تبریزی، وحید خراسانی، نوری همدانی و ... استفاده نمود.

او از سال ۱۳۶۲ با درک ضرورت زمان، کارهای قلمی، سخنوری و آموزشی خود را آغاز کرد و وارد عرصه پژوهش گردید و در علوم قرآن، تاریخ اسلام، و تعلیم و تربیت به تتبع و تحقیق پرداخت که ارائه ده ها مقاله علمی و قرآنی، در نشریه های آموزشی و تربیتی و انتشار بیش از بیست جلد کتاب از محصولات این پژوهش است که برخی از آنها، از کتاب های درسی دانشگاه امام حسین (ع) می باشد؛ همانند: ثروت از دیدگاه قرآن (چاپ سوم)، تاریخ از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه (چاپ سوم)، تفسیر موضوعی تولی و تبری (چاپ سوم)

ایشان در سال ۱۳۸۳ از سوی نخستین همایش پاسداران اهل قلم، نویسنده برتر شناخته شد و از سوی شخصیت های بلند پایه سپاه پاسداران و وزارت ارشاد، تشویق و موفق به دریافت جوایز و لوح تقدیر گردید. وی هم اکنون صاحب کرسی تدریس در دانشکده های دانشگاه امام حسین (ع) است و همگام با تدوین و انجام پژوهش های قلمی، در رشته های علوم قرآنی و تاریخ اسلام تدریس می کند. وی در سال ۱۳۶۰ با همفکری برخی از جوانان در تهران کانون هجرت را بینان نهاد و در پرتو آن به تشکیل کلاس های نهج البلاغه، عقاید و انتشار نشریه «هجرت» پرداخت. کتاب «وظایف اخلاقی معلم و شاگرد» از این نویسنده از سوی آموزش و پرورش کتاب برگزیده اعلام و برنده جایزه شد. او از سال ۶۹ تا سال ۸۲ عضو کادر علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی و هیئت تحریریه فصلنامه مریان بوده است.

وفای شیرازی، حسنعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۷۶-۱۲۲۴ ق)، طیب، خطاط و شاعر، متخلص به وفا. مشهور به میرزا بزرگ طیب. در شیراز به دنیا آمد. در خدمت پدر کسب کمال کرد و در علم طب مهارت یافت. وی خط نستعلیق را خوب می‌نوشت و در زمینه‌ی شاعری نیز تبحر داشت. در ۱۲۵۴ ق به هندوستان مسافرت کرد و از آنجا به سفر حج رفت. وفا در مدح محمد علی پاشا، خدیو مصر، که در مکه او را ملاقات کرد، قصیده‌ای سرود. از طریق مصر و اسکندریه برای تکمیل علم طب به اروپا رفت و مدتی در شهرهای پاریس و لندن مشغول تحصیل بود، سپس به هندوستان برگشت و چند سال در کلکته به تدریس طب اشتغال داشت. وی در راه بازگشت به ایران به منظور زیارت مشهد رضوی، از کلکته به بمبئی رفت و در آنجا درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر، شامل کلیات، قصاید، غزلیات، قطعات و رباعیات، قریب پانزده هزار بیت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۰-۱/۹۹)، حدیقه الشعراء (۲۰۰۹-۳/۲۰۰۷)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۲۰-۵/۸۱۵)، الذریعه (۱۲۷۲/۹)، صبح گلشن (۵۹۵)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۱۲-۲/۱۱۰۸)، فرهنگ سخنوران (۹۸۴)، مرآت الفصاحه (۶۹۴-۶۹۳)، مصطبه‌ی خراب (۲۰۸-۲۰۷).

وفای فراهانی، محمدحسین

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دوازدهم و سیزدهم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به وفا. وی عمومی قائم مقام اول و از سادات فراهان بود. او بعد از کسب علوم متداوله به شیراز رفت. در عهد لطفعلی خان زند می‌زیست و عهده‌دار منصب وزارت بود. وی با عبدالرزاق دنبلی، مؤلف «نگارستان دارا»، معاصر و معاشر بود. در نظم و نثر و فن سیاق تبحر داشت و در زمینه‌ی نظم بیشتر به غزلسرایی متمایل بود. وفا در نظم از شیوه‌ی میرزا صادق نامی و مشتاق اصفهانی پیروی می‌کرد. بعضی از مؤلفان معتقدند در زمان لطفعلی خان زند (۱۲۰۹-۱۲۰۳ ق) به زیارت خانه‌ی خدا مشرف شد و در قزوین درگذشت. در «شرح حال رجال ایران» آمده که وی در زمان آقامحمد خان قاجار با برادر خود به عتبات عالیات رفت و تا آخر عمر در آنجا ساکن شد و تا ۱۲۱۲ ق زنده بوده است. از آثار وی: «مثنوی» بر وزن «هفت بیکر» نظامی؛ «دیوان» شعر، قریب به چهار یا پنج هزار بیت. مؤلف «طرائق الحقائق» کتاب «تاریخ زندیه» را به او نسبت می‌دهد و وی را برادر میرزا عیسی قائم مقام ذکر می‌کند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۲۰۱۵-۲/۲۰۱۳)، الذریعه (۱۲۷۲/۹)، ریحانه (۳۳۳-۶/۳۳۲)، سفینه‌المحمود (۲۲۹-۱/۲۲۸)، شرح حال رجال (۲۲۸-۶/۲۲۷)، صبح گلشن (۵۹۶-۵۹۵)، طرائق الحقائق (۲۵۱-۳/۲۵۰)، فرهنگ سخنوران (۹۸۴)، گلزار جاویدان (۳/۱۷۱۲)، مجمع الفصحا (۱۰۹۰-۶/۱۰۸۹)، نگارستان دارا (۱۴۷-۱۴۵).

وفایی خوافی اکبرآبادی، زین‌الدین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۴۴ / ۹۴۰ ق)، مورخ و شاعر، متخلص به وفایی. وی نبیره‌ی شیخ زین‌الدین خوافی و از شعرا و دانشمندان خراسان بود. در عهد ظهیرالدین محمد بابر شاه (۹۳۷-۹۳۲ ق) در هندوستان منصب صدارت داشت و در زمان همایون شاه (۹۶۳-۹۳۷ ق)، نیز به امارت رسید. وفایی در نظم و نثر، تاریخ و معما تبحر داشت. در هند، مسجد و مدرسه‌ای ساخت. وی در هند درگذشت و در مدرسه‌ی خود به خاک سپرده شد. از آثار وی: کتابی تاریخی در فتوحات هند؛ «دیوان» شعر. به آورده‌ی مؤلف «کاروان هند» او کتاب «بابرنامه یا واقعات بابری» بابر شاه را که به زبان جغتایی بوده، ترجمه کرده و مشهودات خود را نیز به آن افزوده و نام آن را «طبقات بابری» نامیده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۵/۶۲۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۱۱، ۶۳۴)، الذریعه (۹/۱۲۷۳)، ریحانه (۶/۳۳۴)، صبح گلشن (۵۹۷-۵۹۶)، فرهنگ سخنوران (۹۸۵)، کاروان هند (۱۵۲۸-۱۵۲۷/۲).

وفایی شوشتری، محمد مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد مهدی وفایی شوشتری مولف عالم و بزرگواری بود. او پیشوای با فضیلت و دارای مکارم اخلاقی بود. نام وی محمد مهدی، مشهور به شرف الدین فرزند شیخ محمد شرف الدین است. او مقدمات و علوم ادبی را از صرف و نحو، منطق، معانی بیان، حساب و هندسه، فقه و اصول، علم کلام و تفسیر را آموخته بود. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب: محمد مهدی وفایی شوشتری از خاندانی علمی و روحانی به نام خاندان شرف الدین می باشد. خاندانی که همواره یا در میان آن افرادی ممتاز و برجسته به پا خاسته و رهبری مذهبی مردم را بعهده داشته اند. همین امر احترام و توجه قاطبه اهالی خوزستان به ویژه شوشتر را در پی آورده است. تحصیلات رسمی و حرفه ای: محمد مهدی وفایی شوشتری مقدمات و علوم ادبی را از صرف و نحو، منطق، معانی و بیان و سپس حساب هندسه، هئیت، فقه و اصول، علم کلام و تفسیر را نزد فضلا و بزرگان مردم زادگاه خود شوشتر فرا گرفت پس از آن در سال ۱۳۰۴ شمسی برای ادامه تحصیل به نجف اشرف مهاجرت نموده و از حوزه درس اساتید بزرگ آن سامان بهره مند شد. استادان و مربیان: مهمترین اساتید محمد مهدی وفایی شوشتری در دوران تحصیل در نجف و اماکن دیگر عبارتند از: آیت الله حاج میرزا حسین نائینی، آیت الله آقا ضیاءالدین عراقی، آیت الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی، آیت الله سید میرزا ابراهیم خراسانی، آقا سید هبه الدین شهرستانی، آیت الله حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی، آیت الله آقا میرزا محمد سامرایی، آیت الله میرزا محمود شیرازی، آقا سید امام شوشتری، شیخ شعبان گیلانی، آیت الله آقا سید هادی میلانی، آقا شیخ محمد علی غروی اردوبادی، مرحوم حاج شیخ عباس قمی، سید مهدی کاظمی اصفهانی، سید ابراهیم راوی شافعی، سید خلیل راوی شافعی و سید محمد راوی شافعی. فعالیت‌های آموزشی: محمد مهدی وفایی شوشتری در میان مردم محبوبیتی به سزا داشت و با خوشرویی و محبتی خاص مراجعین رامی پذیرفت. آورده اند که مواعظ وی که مهمترین فعالیتش بود، مانند مواعظ جد والا- و تبارش علامه حاج ملا- جعفر شرف الدین تاثیر بی‌شمارش در قلوب مردم می نهاد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: محمد مهدی وفایی شوشتری بطور کلی اوقات خود را صرف امور مذهبی و هدایت مردم از تدریس اقامه نماز جماعت، تالیف و نگارش و موعظه و سخنرانی مذهبی می کرد. آرا و گرایشهای خاص: محمد وفایی وفایی شوشتری علاقه وافری به

تحقیقات تاریخی و آثار باستانی داشت و در مطالب تاریخی صاحب‌نظر و بیان‌کننده نکات جالبی است و بر همین اصل و مدتی را صرف مطالعه آثار مشکوفه سومرو بابل درموزه بغداد نموده و از کتابخانه مشهور بغداد مطالعات ارزشمندی داشته است. آثار: تاریخ شوشتری و ویژگی اثر: این کتاب چاپ نشده است ولی درباره احوال دانشمندان شوشتری می‌باشد. ۲. ترجمه جلد اول تفسیر فخر رازی، ترجمه کتاب «فضائل» شاذان ۴ رساله شرفیات و ویژگی اثر: این کتاب سوالاتی است که شوشتری از علامه آقا سید هبت الدین شهرستانی نموده و ایشان جواب داده‌اند. ۵. عقاید اسلامی و ویژگی اثر: این کتاب ترجمه کتاب نکت الاعتقاد تالیف شیخ مفید است. ۶. مطالعات و مشاهدات

منابع زندگینامه: شرف الدین شوشتری، شرح حال علامه ادیب فقید وفایی شوشتری، تهران: انتشارات کتابخانه صدر، بی تا، ص

۱

وفایی، عباسعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عباسعلی وفایی به سال ۱۳۴۴ در شهر ساوه به دنیا آمد. تحصیلات خود را تا پایان دبیرستان در آن منطقه به اتمام رساند سپس وارد دانشگاه تربیت معلم گردید و در رشته زبان و ادبیات فارسی تا مقطع کارشناسی ارشد در آن دانشگاه گذراند. وی در سال ۱۳۷۶ موق به اخذ دکتری با موضوع تصحیح انتقادی دیوان مسلمان ساوجی از دانشگاه تهران گردید و هم اکنون عضو هیئت علمی دانشگاه تهران می‌باشد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

خاطرات کودکی: دکتر وفایی از آن دوران می‌گوید: «کلاس اول ابتدایی در روستای مجاور به مدرسه میرفتیم و مسافتی یک کیلومتری را پیاده طی می‌کردیم روزهای برفی زمستان محبت کلاس بالاتر ها را به همراه داشتیم به طوریکه در یک روز برفی که آمد و رفت به جهت کثرت برف سخت بود بر دوش آنها مسیر را طی می‌کردیم.»

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: دکتر وفایی در یک خانواده کشاورز و متعهد و متقی بطوریکه پدر و مادر آنها را به تحصیل و طی درجات بالا- در کنار کمک در امور کشاورزی رهنمود میکرد و مشوق آنان بود. تا جایی که همه فرزندان خانواده تحصیلات عالی داشتند و دبیر و استاد دانشگاه شدند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تربیت معلم تهران در سال ۱۳۷۱، و اخذ دکترای زبان و ادبیات فارسی با موضوع پایاننامه صحیح انتقادی دیوان مسلمان ساوجی در سال ۱۳۷۶ از دانشگاه تهران

خاطرات و وقایع تحصیل: وقع انقلاب اسلامی در دوره راهنمایی و شرکت در راهپیمایی ها، شروع جنگ تحمیلی و شرکت هفت دوره ای در جنگ از خاطرات دوران تحصیل دکتر وفایی است.

فعالتهای ضمن تحصیل: کار کشاورزی، مطالعه دروس غیر درسی و کار در کوره های آجر پزی از فعالتهای دوره تحصیل وی است.

استادان و مربیان: دکتر جلیل تجلیل، دکتر اسماعیل حاکمی، دکتر شفیع کدکنی، دکتر عباس ماهیاد، دکتر محمود عابدی، دکتر

حین ابخوری، مرحوم دکتر سادات ناصری، دکتر عباس زریاب خوبی، مرحود دکتر ضیاء الدین سجادی، دکتر علی شیخ الاسلامی و ... از استادان دکتر وفایی هستند.

هم دوره ای ها و همکاران : دکتر حسن ذوالفقاری، دکتر محمود فتوحی، خانم دکتر شیخ مونسی، دکتر تاجبخش، دکتر اسپرهم، دمتر حبیب ارباسی و .. از همدوره ایهای دکتر عباسعلی وفایی است و از همکاران ایشان در گروه ادبیات میتوان به دکتر شیما، دکتر کزازی، دکتر ترابی، دکتر مسگر نژاد، دکتر حائری، دکتر حسن زاده و بیات اشاره کرد.

همسر و فرزندان : دکتر وفایی دارای همسر و دو فرزند دختر میباشند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : معاون اداری و مالی و دانشجویی دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی دانشگاه علامه طباطبائی ۷۹-۱۳۷۵، معاون اداری و مالی و قائم مقام دانشگاه الزهرا (س) تهران ۸۲-۱۳۷۹، راین فرهنگ ایران در ازبکستان ۸۵-۱۳۸۲، رئیس شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی ۱۳۸۵ تا کنون.

فعالیتهای آموزشی : دبیر آموزش و پرورش به مدت هفت سال و تدریس درد دانشگاه های پیام نور - آزاد و دانشگاه های دولتی تهران از فعالیت های آموزشی دکتر وفایی هستند.

شاگردان : دکتر مهدی صفری، دکتر بهمن نزهت، دکتر شعبانلو، دکتر برجساز، دکتر طاهر، مهندس آزاد، مهندس خدادادی و ... از شاگردان استاد وفایی هستند.

آثار :

۱ تاثیر زبان فارسی بر زبان ازبکی

ویژگی اثر : انتشارات الهدی

۲ تصحیح دیوان مسلمان ساوجی

ویژگی اثر : انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

۳ تصحیح شرح سه دفتر نخست مثنوی مولوی

ویژگی اثر : تالیف شیخ محمد آدینه خوارزمی، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

۴ تصحیح کتاب مرادالعارفین

ویژگی اثر : شیخ صوفی

۵ دانشنامه زبان و ادبیات فارسی قرن ۲۰ ازبکستان

ویژگی اثر : انتشارات الهدی

۶ سیمای فرهنگی ازبکستان

ویژگی اثر : انتشارات الهدی

۷ فرهنگ لغت نامه واژگان مخفف در زبان فارسی

ویژگی اثر : در دست چاپ

۸ قصاید مضوع در زبان و ادبیات فارسی

ویژگی اثر : انتشارات روزنه

۹ واژه های فارسی در زبان ازبکی

ویژگی اثر : انتشارات ماورائ النهر تاشکند

منابع زندگینامه: تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر وفائی بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی - اسفند ۱۳۸۵

وفایی، عبدالوحید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالوحید وفائی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عبدالوحید وفایی دوران کودکی را در خانواده پدری از تعالیم قرآن کریم بهره مند گشتم (در قم) و مقطع تحصیلی ابتدائی را در مدرسه آزادی گذرانده و مقطع راهنمائی را در مدرسه راهنمائی شهید بهشتی قم طی نمودم. و حدود یک سال در هنرستان فنی و مهندسی قم تحصیل کردم. سپس به علت علاقه به حوزه علمیه قم جهت ادامه تحصیلات روی آورده و حدود دو سال در مدرسه علمیه رسالت قم به تحصیل مشغول شدم و سال سوم را در مدرسه علمیه رضویه قم تحصیل کردم. سپس دوران فقه و اصول را از اساتید مطرح زمان استفاده کردم و حدود سه سال از درس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: «مرحوم میرزا جواد تبریزی»، حضرت آیت الله «وحید خراسانی» و «فاضل لنکرانی» بهره بردم.

جهت تدریس در دانشگاهها از طریق گزینش علمی خیرگان وزارت علوم به استخدام هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی تهران جنوب در آمدم و هم اکنون در مقطع دکترا معارف اسلامی جهت شرکت در آزمون مهندسی ثبت نام نموده ام. حدود ۱۰ سال است به استخدام عضویت هیئت علمی گروه معارف اسلامی در آمده ام. همزمان با تدریس در دانشگاه و درس خارج فقه و اصول، با موسسه باقرالعلوم (ع) وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی قم جهت تالیف مجموعه کتب «دیدار با ابرار و دیار ابرار» همکاری نمودم. یک مقاله با نام «برهان صدیقین» برای مجله علمی پژوهشی (خردنامه صدرا) ارسال کرده ام که برای شماره اخیر آماده چاپ است. با همین عنوان مقاله برای جشنواره حکمت مطهر ارسال نمودم که به عنوان مقاله برگزیده در مجموعه مقالات برگزیده خلاصه آن به چاپ رسید.

وقار شیرازی، احمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۹۸-۱۲۳۲ ق)، شاعر، ادیب و خطاط. وی فرزند بزرگ وصال شیرازی بود که در شیراز به دنیا آمد. بعد از فراگیری مقدمات به تحصیل فقه و اصول و حکمت الهی پرداخت و پس از اتمام تحصیل به تألیف و تصنیف همت گماشت. وی در اصناف شعر متبحر و در فن انشاء مهارت داشت. وقار در ۱۲۶۶ ق با برادر خود میرزا محمود حکیم به هندوستان رفت و در مدت توقفش در بمبئی، کتاب «مثنوی» مولوی را در مدت چهار ماه با خط خوش نوشت و به چاپ رسانید و سپس به زادگاه خود بازگشت. در ۱۲۹۰ ق به زیارت عتبات رفت و در راه بازگشت، به تهران آمد و مورد عنایت ناصرالدین شاه واقع شد. وقار علاوه بر نستعلیق، خطوط نسخ و رقاع و شکسته نستعلیق را استادانه می‌نوشت و به ویژه در خط نسخ کمتر نظیر داشت. وی در شیراز درگذشت و در جوار پدر خود به خاک سپرده شد. از آثار او: «انجمن دانش»، به سبک «گلستان» سعدی؛ «رموز الاماره»، ترجمه و شرح نامه‌ی حضرت علی (ع) به مالک اشتر؛ مثنوی «بهرام و بهروز»؛ «روزنامه‌ی خسروان پارسی»، که فرهنگ شیرازی آن را «تاریخ ملوک عجم» خوانده است؛ مثنوی «خضر و موسی»؛ «قانون الصدارة»؛ «مرغزار»، که نثری مسجع به روش «کلیله و دمنه» دارد؛ کتاب «مجالس السنه و محافل الازمنه»، به سبک «کشکول» شیخ بهائی؛ «عشره کامله»، در ذکر مصایب امام حسین (ع) و اصحاب و اولادش؛ رساله‌ای در تفسیر آیه‌ی «لیغفر لک الله ما تقدم من ذنبک و ما تأخر»؛ «شرح شش رباعی محتشم»، در دوازده فصل؛ «تاریخ چهارده معصوم»، که توسط فرزندش، همت شیرازی، تکمیل شده است؛ «دیوان» شعر و چند رساله‌ی کوچک و ناتمام دیگر. از خطوط او: قرآن نیم ورقی، جلد روغنی کار علی اشرف، متن نسخ کتابت خوش و ترجمه نستعلیق کتابت خفی متوسط و پایان رقاع کتابت خوش، با رقم: «حرره... خادم الفقراء احمد المتخلص بوقار... ۱۲۸۱»؛ قرآن وزیری، نسخ کتابت خفی خوش و حواشی نستعلیق و شکسته خفی خوش، سر سوره‌ها و آخر رقاع کتابت خوش، با رقم: «کته و حرره... احمد الشیرازی المتخلص بالوقار... ۱۲۷۸»؛ یک نسخه «صحیفه‌ی سجاده»؛ نسخ کتابت خفی خوش، با رقم: «... احمد الوقار فی سنه ۱۲۸۵»؛ یک نسخه «شرح اسماء قدسیه»، نسخ کتابت جلی و خفی و رقاع خوش، با رقم: «کته العبد... احمد الوقار ابن المرحوم الوصال الشیرازی فی سنه ۱۲۷۴»؛ یک نسخه «دعای کمیل»، نسخ کتابت و رقاع خوش، با رقم: «... و انا العبد احمد الشیرازی المتخلص بالوقار... سنه ۱۲۸۱». [۱]

نامش میرزا احمد، تخلصش وقار و نخستین پسر وصال شیرازی است (و. ۱۲۳۲ ه. ق- ف. شیرتزر ۱۲۹۸ ه. ق). پدرش از هشت سالگی تربیت و تعلیم و ارشاد او را به عهده گرفت تا در فن خوشنویسی، شعر، معانی، بیان و فلسفه استاد گشت. پس از مرگ پدر در سال ۱۲۶۵ ه. ق به هندوستان سفر کرد و در آنجا به نوشتن و تصحیح کتاب مثنوی مولانا جلال‌الدین بلخی همت گماشت و آن کتاب را به خط نسخ در ۱۱۶ صفحه نوشت و تحشیه کرد و به چاپ رساند و هم در این سفر مثنوی «بهرام و بهروز» را سرایید و آن را در ربیع‌الثانی ۱۲۶۶ به پایان رساند. پس از بازگشت از هند مدت ۸ سال در شیراز ماند و پس از آن به تهران آمد. در سال ۱۲۷۴ گویا به وسیله‌ی صدراعظم به ناصرالدین شاه معرفی شد و پس از چند مسافرت به شیراز و تهران و کرمانشاه در سال ۱۲۹۸ پس از ۶۶ سال زندگی جهان را بدرود گفت. وقار از خاندان وصال دانشمندی بنام است و تألیفات فراوان دارد و از آن جمله است: اطواق‌الذهب که از نثر و نظم مرکب است- انجمن دانش در آداب و اخلاق. کتاب «شرح و ترجمه نامه‌ی علی (ع) به مالک اشتر» و «مثنوی بهرام و بهروز» و «مثنوی خضر و موسی» و «قانون الصدارة» و «مرغزار» و «کتاب مجالس السنه و محافل الازمنه» و «عشره کامله» و «ترجمه‌ی منظومه‌ی عربی حاجی ملا- هادی سبزواری» و «سیاحت‌نامه از شیراز تا بندر ابوشهر» و «اهبه‌الادیب» و «ریحانه‌الادب» و «تاریخ چهارده معصوم» و «رساله در علم بدیع» و غیره.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه [۱]: آثار عجم (۳۵۸-۳۵۶)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۴۳-۱۰۴۱/۴، ۵۶-۵۵/۱)، اطلس خط (۵۶۴)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۴/۲۰۵)، تاریخ هنرهای ملی (۹۸۶-۹۸۵/۲)، حدیقه‌الشعراء (۲۰۴۰-۲۰۲۸/۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۳۳-۸۲۱/۵)، الذریعه (۳۱۱-۳۱۰/۲۰، ۱۲۷۷-۱۲۷۶/۹، ۳/۱۶۵-۲/۳۶۵)، ریحانه (۳۳۸-۳۳۶/۶)، شرح حال رجال

(۲۶-۲۵/۶)، صبح گلشن (۵۹۹)، طرائق الحقائق (۳۷۴-۳۷۲/۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۰۰۵-۹۹۷/۲)، فرهنگ سخنوران (۹۸۶)، الماثر والآثار (۲۱۵)، مجمع‌الفصحا (۱۱۵۳-۱۱۳۲/۶)، مرآت‌الفصاحه (۷۰۱-۶۹۷)، مکارم‌الآثار (۹۵۰-۹۴۹/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۴-۴۹۳/۱)، هدیه‌العارفین (۱/۱۸۹).

ویلی طالقانی، ارسلان

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: پزشکی هسته‌ای، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۳، دکترای تخصصی داخلی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۴۹، دکترای تخصصی پزشکی هسته‌ای در آفریقای جنوبی در سالهای ۱۳۴۹ تا سال ۱۳۵۱، دکترای تخصصی پزشکی هسته‌ای در آمریکا از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۵۹.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پزشکی هسته‌ای، غدد داخلی، انکولوژی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۷ پایان نامه دکترا و دکترای تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: -

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

پزشکی هسته‌ای و غدد داخلی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

ولایتی، علی‌اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۴، مرتبه علمی: استاد، رشته: عفونی اطفال، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۵۰، دوره تخصصی طب اطفال از مرکز طبی کودکان دانشکده پزشکی تهران در سال ۱۳۵۳، فوق تخصص بیماریهای عفونی اطفال از دانشگاه جان‌هاپکینز آمریکا در سال ۱۳۵۵، دکترای افتخاری از دانشگاه دولتی الفارابی قزاقستان در سال ۱۳۷۱، دکترای افتخاری از دانشگاه علوم پزشکی تفلیس گرجستان در سال ۱۳۷۲.

مرتب علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران. زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی مایکوباکتریومهای ماهیان پرورشی شمال ایران، شیوع آنمی در نوزادان ایرانی و ارتباط آن با هموگلوبین مادران، اثر واکسیناسیون BCG در پیشگیری از بیماریهای سل در کودکان، بررسی حوادث در کودکان، لیشمانیوز و تلاش برای یافتن واکسن مؤثر، آموزش بیماریهای عفونی و گرمسیری، آموزش استئومیلیت، آموزش سپتی سمی و منتزیت نوزادان، آموزش سل، آموزش بالینی عفونی اطفال بیماریهای ریوی و سل، آموزش منتزیت‌های باکتریال، مقایسه هیدراتهای کربن سرم خون افراد مسلول، مشکوک و سالم با استفاده از گاز لیوکند کروماتوگرافی گامی در جهت تشخیص سریع سل، بررسی علائم تکنیکی و پاراکلینیکی در ۵۰ بیمار مبتلا به هپاتیت B، عفونت‌های ادراری در بالغین، مطالعه کلینیکی و ایمونولوژیکی کودکان شیر مادرخوار و شیر گاوخوار در ایران، شوک سپتیک، عضویت در مجامع بین‌المللی و ارائه مقالات بسیار در کنفرانس‌های پزشکی، راهنمایی و مشاوره و نظارت بر ۲۵ پایان‌نامه دکترای عمومی و تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

بیماریهای سل (بهترین کتاب سال ۱۳۷۶۷)، بیماریهای تنفسی کودکان، طب کودکان، نظری اجمالی به بیماری جذام، مجموعه مقالات صاحب نظران اخلاق پزشکی، تاریخچه پزشکی در ایران و اسلام، بیماریهای عفونی کودکان، مقدمه فکری نهضت‌های مشروطیت، آشنائی با مجلس شورای اسلامی، تاریخ روابط خارجی ایران.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۷۸، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۲۴

زمینه علمی مقالات:

مقدمه‌ای بر تاریخ پزشکی اسلام و ایران، سل کودکان، واکسیناسیون، عفونت ادراری در کودکان، عفونت مایکوباکتریومهای غیر سلی، منتزیت باکتریائی در کودکان، پیشگیری از منتزیت هموفیلوس انفلونزا نوع B در کودکان، تغذیه و سرطان، ایمنی در سل، جذام، نظری به طب رازی، اپیدمیولوژی بروسلوز، اثر ختنه در کودکان و اثر آن در پیشگیری عفونت و بدخیمی، درمان آنتی‌بیوتیکی عفونت‌های مهلک گرم منفی، پیشگیری به وسیله عوامل ضد میکروبی، نقش طحال در سیستم ایمنی، ایمونولوژی و واکنش مالاریا، ایدز در کودکان منتزیت سلی، تهیه واکسن سل و جذام در ایران. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۶۷- پس از ۵۴۰ ق) فقیه حنفی. در ولوالج، از توابع بدخشان به دنیا آمد. در بلخ فقه آموخت. مدتی در کش ساکن بود و سپس به سمرقند رفت و در آنجا سکنی گزید. او در بلخ از ابوالقاسم احمد بن محمد خلیلی و ابوجعفر محمد بن حسین سنجانی و در بخارا از ابوبکر محمد بن منصور نسفی و احمد بن سهل عتابی حدیث شنید. سمعانی از وی روایت کرده است. در ولوالج در گذشت. او «الامالی» را در زمینه‌ی فقه تصنیف کرد. «الفتاوی‌الولوالجیه» اثر مشهور اوست.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴/۱۲۶)، معجم البلدان (۵/۴۴۱)، معجم المؤلفین (۵/۲۲۰)، هدیه‌العارفین (۱/۵۶۸).

ولی، شاه نعمت الله

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید نورالدین نعمت الله کهستانی (یا کوه بنانی یا کرمانی) مشهور به شاه نعمت... ولی، در سال ۷۳۱ و قصبه کهسان یا کوهستان در نزدیکی هرات متولد شد. و با توجه به احترام و رفاهی که پدرش، که از مردم با نفوذ روزگار بود، داشت، به‌علم روی آورده و در محضر شیخ رکن (شیرازی، شمسی‌الدین حکمی، سید جلال‌الدین خوارزمی و قاضی عضد‌الدین ایجی) ادبیات و کلام و حکمت و فقه آموخت سپس: به صوفیان قانده پیوست. و سپس از آن سفرهای بسیاری به مصر، مغرب، مدینه، مکه، بلخ ماورالنهر کرد و به کوه بستان در کرمان رفت و در آنجا مسکن گزید و در ماهان خانقاهی ساخت. سپس در سفری به شیراز با اسکندرین عمر شیخ نواده امیر تیمور گورکانی دیدار کرد. و سرانجام در ۸۳۴ یا ۸۲۷ در گذشت. وی بعنوان مؤسس سلسله نعمت‌اللهیه یکی از مشهورترین عارفان جهان اسلام به شمار می‌رفت که مریدانی در ایران و هند از جمله شاهزادگان هندی و تیموری داشت. کتابها و رسالات بسیار زیادی را تالیف کرد که مشهورترین آنها دیوان اشعار وی می‌باشد. گروه: علوم انسانیرشته: الهیات و معارف اسلامیگرایش: عرفان اسلامیوالدین و انساب: سلسله نسبت سید نورالدین نعمت الله کهستانی به ترتیب زیر به امام محمد باقر می‌رسید: نورالدین نعمت الله بن عبدالله بن محمد بن عبدالله بن موسی بن یحیی بن هاشم بن موسی بن جعفر بن صالح بن محمد الباقر بن علی بن حسین بن علی (ع). اجداد وی از شهر حلب به گنج و مکران آمده بودند. پدر شاه نعمت الله با ملوک شبانکاره فارسی نیز از طریق سببی خویشاوند گردیده بود. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: پدر سید نورالدین نعمت الله کهستانی ولی از سادات حلب بود که در کوه بنان کرمان متوطن شده و نیز با ملوک شبانکاره روابط خویشاوندی سببی برقرار نموده بود. از این رو او و خانواده اش از رفاه و احترام خاصی در آن منطقه برخوردار بوده‌اند. تحصیلات رسمی و حرفه ای: سید نورالدین نعمت الله کهستانی در سال ۷۳۱ آموختن علوم ظاهری را از رکن‌الدین شیرازی، شمس‌الدین مکی، سید جلال‌الدین خوارزمی و قاضی عضد‌الدین فرا گرفت و بدر بیست و چهارسالگی در مکه به خدمت شیخ عبدا... یافعی (صاحب کتاب روضه الریاحین و قطب‌الدین رازی) درآمد. و خرقة خود را از شیخ عبدا... یافعی گرفت. گفته‌اند که وی مقدمات علوم، علم بلاغت، کلام، حکمت‌اللهی، اصول، فقه و اصول عرفان را در جوانی فرا گرفت و در همان هنگام فصوص‌الحکم ابن عربی را از برداشت. نعمت... چنان در

عرفان به مقامات عالی دست یافت که در بسیاری منابع با عنوان «شاه» (که از القاب عالی رتبه تصوف است، یاد شده است. شاه نعمت... ولی پیش از این مدتی را در طریقت قادری به آموختن مشغول بود. خاطرات و وقایع تحصیل: سید نورالدین نعمت الله کهستانی هدایا و اموالی که مردم نزدش می آوردند را همگی می پذیرفت و در ظاهر چندان به حلال و حرام بودن آن توجهی نداشت. روزی سلطان شاهخ تیموری برای امتحان وی گوسفندی را که از کسی غضب گرفته شده بود را بریان نموده و نعمت... را دعوت نمود. هنگامی که نعمت... به تناول گوشت گوسفند مشغول بود، سلطان شاهرخ به وی خبر داد که گوسفند غضبی بوده است. اما نعمت... گفت که وی هرگز نان حرام نمی خورد. شاهرخ برای اثبات سخن خود صاحب گوسفند را آورد تا به غضبی بودن آن شهادت دهد. اما صاحب گوسفند گفت که وی این گوسفند را برای شیخ نعمت... به عنوان نذری آورده است که مامورین سلطان شاهرخ آن را به زور از وی گرفتند. [سمرقندی، تذکره الشعراء، صص ۳-۲۵۲] فعالیت‌های ضمن تحصیل: سید نورالدین نعمت الله کهستانی بیشتر اوقات زندگانی خود را در سفر می گذراند. سفرهای وی بیشتر جنبه عارفانه و تحصیلی داشته است. استادان و مربیان: سید نورالدین نعمت الله کهستانی، رکن الدین شیرازی، شمس الدین مکی، سید جلال الدین خوارزمی و قاضی عضدالدین و مهمترین آنها شیخ عبدا... یافعی بودند. سلسله استادان شاه نعمت... ولی به احمد غزالی، جنید بغدادی و شیخ حسن بصری می رسد. همسر و فرزندان: سید برهان الدین اولین فرزند سید نورالدین نعمت الله کهستانی بود که در طی سفر وی به کوهستان کرمان به دنیا آمد. امیر خلیل... از دیگر فرزندان او بوده است. فرزندان و نوادگان وی در زمان امیر دولت‌شاه سمرقندی (عصر شاهرخ) در کرمان و هند و فارس از بزرگان به شمار می رفتند شاه نعیم الدین نعمه... ثانی نواده شاه نعمت... ولی و داماد شاه طهماسب بوده است. سید قطب الدین میرحاج گنابادی متخلص به انسی (معاصر سلطان حسین بایقرا) نیز از نوادگان شاه نعمت... بود. وقایع میانسالی: اکثر عمر سید نورالدین نعمت الله کهستانی به عبادت و سفر گذشت وی در مکه سالها به تحصیل نزد بزرگان صوفیه، بویژه شیخ عبدا... یافعی پرداخت. و با سلطان حسین افلاطی بصری، دیدار کرد. و مدتی در هرات و خراسان و سپس در کوهستان کرمان، تفت یزد، به دعوت اسکندر بن عمر شیخ شیراز، سمرقند، کوه صاف (در نواحی بلخ) مقیم بوده است. شرح احوال و مقامات شاه نعمت... را عبدالرزاق بن عبدالکریم کرمانی در کتابی در سال ۹۱۱ هـ ق تالیف نموده است. و نیز کتابهایی توسط عبدالعزیز بن شیرملک بن محمد واعظی که برای علاءالدین احمد شاه دوم بهمنی (۸۳۸-۸۶۲ هـ ق) در هند نوشته شده است. و نیز کتاب سویدالدین نصرا... بن برهان الدین خلیل... طاوسی ابرقوهی تالیف ۹۰۶ به دستور نعمت الله ثانی نواده شاه نعمت... ولی و کتاب سوانح الایام فی مشاهدات العوام (سلسله العارفین) اثر صنع... نعمت اللهی (تالیف ۱۰۶۶) و نیز شرح مفصلی در کتاب جامع مفیدی در تاریخ یزد اثر محمد مفیدی مستوفی یزدی. زمان و علت فوت: سید نورالدین نعمت الله کهستانی در سال ۸۲۷ هـ ق در هفتاد و پنج سالگی یا در سال ۸۳۴ در سن ۱۰۳ سالگی در زمان حکومت سلطان شاهرخ تیموری وفات یافت و در قریه ماهان در نزدیکی کرمان مدفون گشت و لنگرو خانقاه وی تا کنون زیارتگاه اهل دل است. مدتی پس از وفات وی به امر سلطان احمد بهمنی پادشاه رکن بقعه ای بر مزار وی بنا گردید (۸۴۰ هـ ق) و در زمان شاه عباس دوم ابنیه ای بر آن افزوده شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سید نورالدین نعمت... بن عبدا... کهستانی ولی با درجه صوفیانه‌ی «شاه» ریاست سلسله صوفیانه نعمت اللهیه را که خود بنیان گذاشته بود، بعهده داشته است. فعالیت‌های آموزشی: سید قاسم انوار در سراب تبریز، مولانا شرف الدین علی یزدی و خواجه صائن الدین علی ترکه در اصفهانی در قفت یزد به خدمت شیخ نعمت... درآمدند. و از سوی وی به مصر و شام اعزام شدند. در شیراز سید ابوالوفا سید محمود (شاه داعی الی الله)، حافظ شیرازی، پدر علامه جلال الدین دوانی، شیخ ابواسحاق بهرامی، علامیر شریف جرجانی شرف خدمت وی را یافتند اما بیش از هر کس شاه قاسم انوار شاه داعی الله شیرازی، شیخ آذری طوسی (که در خرقة وی را از دست نعمت... گرفت) و مولانا فضل... سید نظام الدین احمد شیرازی شاگردان بلافصل و رسمی شیخ نعمت... به شمار می روند. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: سید نورالدین نعمت... بن عبدا... کهستانی

ولی، بنیانگذار سلسله صوفیانه نعمت‌اللهیه است. طریق الحقایق حاج معصوم‌علی شاه - حبیب‌السیر، مراه‌الخیال، امیر‌علینسیر خان لودی، نتایج‌الافکار محمد قادات‌الله گویا مدی، بهارستان سخن، ریحانه‌الآوب درباره نعمت... ولی مطلب دارند. سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: سید نورالدین نعمت... بن‌عبدا... کهستانی ولی اشعاری می‌سرود که در آنها به «سید» یا نعمت... تخلص می‌نمود. شاگردان: شاه‌قاسم انوار، شاه‌داعی‌الی‌الله شیرازی، شیخ‌آذری طوسی که خرقة خود را از دست سید نورالدین نعمت‌الله کهستانی گرفت و مولانا فضل‌الله سید نظام‌الدین احمد شیرازی از شاگردان مهم شیخ نعمت‌الله کهستانی بشمار می‌روند. شاگردان وی بنام استاد خود شاه‌نعمت... به نام فرقه نعمت‌اللهیه مشهورند. پس از وفات شاه‌نعمت‌الله ولی، پسرش سید خلیل‌الله ارشاد مریدان را بعهدہ گرفت آوازه کرامات و مقامات شاه‌نعمت‌الله در ایران و هند چنان منتشر بود که در این دو سرزمین ارادتمندان و شاگردان بسیاری یافت که برخی از آنان امر او شاهزادگان و شاهان بودند. هر چه به دوران صفوی نزدیک تر شویم، نفوذ و قدرت این سلسله افزایش می‌یابد. همفکران فرد: سید نورالدین نعمت‌الله کهستانی ولی همانند سید محمود نوربخش و نیز مانند صوفیان بزرگ صفوی شیعه مذهب و بنیان‌گذار فرقه صوفیانه‌ی شیعی می‌باشد. آرا و گرایشهای خاص: سید نورالدین نعمت‌الله کهستانی شیعه مذهب بوده است و در شرح و توضیح اصول و مبانی تصوف و عرفان بویژه با گرایش شیعی از مردان پرکار زمانه خود به شمار می‌رفت. چگونگی عرضه آثار: سید نورالدین نعمت‌الله کهستانی ولی برخی رسالات خود را به اسکندر بن عمر شیخ نواده تیمور و حاکم فارس، احمد شاه بهمنی و دیگر شاهان بهمنی در اکن عرضه نموده است. شایان ذکر است که اینان از مریدان وی به شمار می‌رفتند.

آثار: ویژگی اثر: این رساله‌های نظم و نثر و درباره طریقه تصوف، سیرو سلوک، اخلاق، معارف و حکیم می‌باشد. [نفسی، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ج ۱، ص ۱۸۸] ۲ آ... خلوت، آفاق و انفس، اسما کونی، اصطلاحات صوفیه، الرساله الشریفه النوریه، الله هو الاول و الاخر بعربی، الهامات، برزخ حروب مقطعات قرآنی، بیان خوش، تحقیق‌الایمان، تحقیق‌المراتب الهیه، تحقیقات موسوم با لطایف‌النصوف، تصیحت‌نامه دیگر، تفسیر سوره‌ی اخلاص، خلوت، خلیفه، ذوقیات، رساله موزات، رساله احدیه، رساله اشرف‌الاسماء، رساله اصطلاحات، رساله البیان، رساله الحقایق، رساله انظام، رساله برازخ، رساله بشارت‌نامه، رساله بلوغات، رساله بیان اقطاب، رساله بیان حروف، رساله بیان کلمه طیبه، رساله بیان مذاهب در خلق افعال، رساله تجلیات، رساله تحقیقات، رساله تفسیر الله و السموات، رساله تفصیل اوایل سور، رساله توکل، رساله جامع اللطایف، رساله جنانیه، رساله جواب سوال از اسم اعظم و غیره، رساله حبیبیه، رساله حروف اصلیه، رساله حروف و روح، رساله حورائیه ابو سعید ابوالخیر، رساله در آن عدد حروف، رساله در بودن حقیقت انسان مظهر‌اللهی، رساله در بیان اسرار کلمه و صلوه و حج غیره، رساله در بیان تجلی به عربی، رساله در بیان حقیقت، رساله در بیان حقیقت مثال و خیال مقیده و کیفیت در اعتبار و یا درجات خلق در ادراک علوم و معانی، رساله در بیان قلوب انسان [نفسی، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ج ۱، صص ۹-۱۸۸، تا ۳۴۱ و نیز ج ۲، ص ۷۴۲]، رساله در بیان نفس، رساله در توکل و بعضی تحقیقات، رساله در کلمه سبحان... در نکات عشر، رساله در معنی هستی و نیستی، رساله دیگر از ذوق، رساله ذوق، رساله سند خرقة و سوال و جواب سلطان اسکندر، رساله سوال جوال، رساله سوال و جواب اما علی حکیم ترمزی، رساله عیون، رساله فی کدام الحق للخلق و الفرق بین الوحی و الالهام و الحدیث القدسی، رساله قل هو الله احد، رساله کشف الاسرار، رساله کمیلیه، رساله مراتب، رساله مراتب رندیه، رساله مراتب فقر، رساله معرفت، رساله معرفت روح، رساله معنی الفقر فخری و کاد الفقر ان یکون کفرا، رساله مکاشفه، رساله منابت به عربی، رساله منشآت، رساله نسبت خرقة خود معنی اعیان، رساله نصیحت خلیفه و پادشاه عصر، رساله نصیحت سید نور... (پسر سید خلیل...)، رساله نفع روح آدم، رساله نکات، رساله نکات، رساله نور و مراتب آن، رساله ها، رساله واردات، رساله‌ی اسلامیة

رساله‌ی اشارات عجیب الحروف ، رساله‌ی بیان علم توحید ، رساله‌ی حورائیه ، رساله‌ی حورائیه دیگر ، رساله‌ی روح ، رساله‌ی مراتب دیگر ، رساله‌ی نصیحت سید برهان الدین خلیل ... (پسر خود) ، رساله‌ی نفس و نکات ، رساله‌ی نفیسه ، سراسماء غیر متناهی و حروف متناهی ، سلب اوصاف ، سلوک ، شرح اسما الله الحسنی به عربی ، شرح اصطلاحات محیط کمال المله و الدین بطریق ابجاد ، شرح سوال کمال از حقیقت ، شرح قصوص ، شرح گلشن راز ویژگی اثر : رساله‌ی خطاب به حکیمی ترمندی (از اصحاب شاه نعمت ...) (تالیف ۸۳۶) غیر از دیوان اشعار وی که حاوی یازده هزار بیت است. ۱۰۲ شرح لمعات ، عینیه رساله وجود فیوضات ، مجمع الاسرار ، مجمع اللطایف ، مجموع اللطایف ، محبت نامه ، مراتب ، مراتب وجود ، مفتاح الابواب ، مکاشفات تعریفات ، نسبت خرقة‌ی احمد شاه بهمنی ، نصیحت نامه

منابع زندگینامه: نفیسی تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ج ۱، ص ۱۸۸۲ امیردولت‌شاه سمرقندی، تذکره الشعراء، به همت محمد رمضانی، تهران: پدیده خاور، ۱۳۶۶، ص ۲۵۲۳ ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، چاپ دوم، تهران: فردوسی، ۱۳۶۶، ص ۲۲۹۴ لطفعلی بیگ آذر بیگدلی، آتشکده‌ی آذر، به اهتمام سید جعفر شهیدی، تهران: موسسه نشر کتاب، ۱۳۳۷، ص ۱۲۳۵ هدایت، تذکره ریاض العارفین، صص ۳-۲۳۲

ولیان، فاطمه

قرن: ۱۵

جنسیت: زن

ملیت: ایران

فاطمه ولیانی نویسنده و مترجم معاصر، در سال ۱۳۳۸ در تهران متولد شد. ایشان تاکنون با مراکز مختلفی از جمله بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، نشریه تحقیقات اسلامی و دفتر پژوهش‌های فرهنگی همکاری داشته است. کتاب "تاریخ جنون" ترجمه فاطمه ولیانی، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: ترجمه

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: فاطمه ولیانی تحصیلات متوسطه را در تهران گذراند. در سال ۱۳۵۸ در رشته علوم سیاسی از دانشگاه تهران و در سال ۱۳۷۰ در همان رشته از دانشگاه سوربن فارغ‌التحصیل شد.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: فاطمه ولیانی تاکنون با مراکز مختلفی از جمله بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، نشریه تحقیقات اسلامی و دفتر پژوهش‌های فرهنگی همکاری داشته است.

جوایز و نشانها: کتاب "تاریخ جنون" ترجمه فاطمه ولیانی، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار: مقالات زیر از آثار ترجمه شده فاطمه ولیانی می‌باشد: - مردم‌شناسی و انتشار (دیدیه گز نیدو) - درهم شکستن زمان، فضا و جامعه (دانیل بل) - مفهوم فرهنگ در نظریه‌های روابط بین‌الملل (آر.بی. جی واکر) - معنای نور در حکمت معنوی سهروردی (هانری کربن) - خرد، حکمت و جنون در تصوف شبلی (پی یرلوری) -----

آثار:

۱ افسون زدگی جدید

ویژگی اثر: ترجمه

۲ تاریخ جنون

ویژگی اثر: ترجمه، این کتاب، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: تاریخ جنون میشل فوکو، ترجمه فاطمه ولیانی. تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۸۱. این کتاب، کوتاه شده نسخه جامع تاریخ جنون (انتشارات پلون، ۱۹۶۱) است که مؤلف آن را در سال ۱۹۶۴ برای انتشارات پلون تنظیم کرد. این نسخه، در عین حفظ ساختمان کلی کتاب، عمدتاً شامل بخش‌هایی از آن است که به جنبه‌های جامعه‌شناختی و تاریخی موضوع می‌پردازد. درباره فوکو و آرای او تاکنون بسیار گفته‌اند و نوشته‌اند، اما، به استثنای دو متن کوتاه، کتابی از خود او هنوز به فارسی درنیامده است و این کتاب اولین اثر از آثار اصلی فوکو است که به فارسی ترجمه شده است. تاریخ جنون پایان نامه دکتری فوکو بوده است و استادش پس از مطالعه آن گفته بود که این پایان نامه فقط یک اثر فلسفی یا تاریخی نیست، شعر است. مترجم ترجمه‌ای استوار و بسیار دقیق و خواندنی از این کتاب عرضه کرده است. با به کارگیری اصطلاحات و لغات جا افتاده و تعبیّرات متداول فارسی، منویات نویسنده را به خوبی و روشنی منتقل کرده است. یکدستی شیوه نگارش در سراسر ترجمه رعایت شده است. مؤلف کتاب نویسنده‌ای آسان‌نویس نیست؛ سبکی خاص خود دارد و اساساً فهم آثار او دشوار است. کوشش مترجم در ترجمه روشن افکار مؤلف به فارسی حکایت از اشراف او به شیوه نگارش ویژه نویسنده است. از نکات درخور توجه در این ترجمه توضیح‌آعلام و اشارات تاریخی است. این توضیح، به هیچ وجه، ترجمه مطالبی نیست که در دایره‌المعارف‌ها می‌آید، بلکه مترجم کوشیده طوری توضیح دهد که مطلب مورد اشاره متن روشن‌تر شود. پیداست که این کار با جستجوی وسیع در منابع صورت گرفته است.

۳ هویت چهل تکه و تفکر سیار

ویژگی اثر: ترجمه

ولیکانی، مهین

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای پوست و آمیزشی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی بیماریهای پوست و آمیزشی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۱.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

ولی‌زاده باکوچی، غلامرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای کودکان، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

ولی زاده، یوسف

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

وهاب زاده، عظیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق، مؤلف.

تولد: ۱۳۰۹، اردبیل.

درگذشت: ۲۳ مرداد ۱۳۶۵.

عظیم وهاب زاده دوره‌ی تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در زادگاه خویش به پایان رساند. وی در سال ۱۳۳۰ به دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه تهران راه یافت و در سال ۱۳۴۲ موفق به دریافت دانشنامه‌ی دکتری از دانشگاه مذکور گردید. وهاب زاده ابتدا در بیمارستان از گل و سپس در بیمارستان روزبه به آموختن علم روان پزشکی پرداخت و با اندوخته‌های علمی خود، طی سال‌ها کار مداوم در بیمارستان ونک در بخش‌های روان پزشکی و اعتیاد به مداوای بیماران روانی شتافت. همزمان در دانشگاه آزاد اسلامی ویراستاری کتاب‌های پزشکی را به عهده گرفت. وی در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی به کار علمی اشتغال داشت و نام او با چند پژوهش بین‌المللی در زمینه‌ی اعتیاد همراه است. وی پس از انقلاب به کار تدریس و تحقیق در انستیتو روان پزشکی تهران پرداخت و همزمان در مرکز نشر دانشگاهی به ویراستاری کتاب‌های پزشکی اهتمام ورزید که ویراستاری ترجمه‌ی کتاب مختصر روان پزشکی (برگزیده‌ی چهارمین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران) که با تلاش گروهی از مترجمان فراهم گردید، یکی از یادگارهای اوست. از فعالیت‌های علمی و پژوهشی دیگر نامبرده عبارت است از: درج مقالاتی در زمینه‌های علوم رفتاری در مجله «بازتاب»، برنامه‌ریزی در طرح و تنظیم و انتشار ویژه‌نامه‌ی «اعتیاد» بنیانگذار نخستین کنگره‌ی نوروسیکولوژی در ایران در اردیبهشت ۱۳۶۵.

دکتر وهاب زاده در تاریخ ۲۳ مرداد سال ۱۳۶۵ بر اثر ابتلاء به بیماری سرطان درگذشت.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

وهابی املش، امید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

امید وهابی املش یکی از نویسندگان معاصر است که در زمینه نجوم و فلسفه مقالاتی را چاپ کرده است. او همچنین برای مخاطبان جوان کتابهایی نگاشته است که از میان آنها ماجراهای حسابی نخستین انتشار وی بوده است. کتاب "ماجراهای حسابی" تألیف امید وهابی املش، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: ادبیات کودکان

تحصیلات رسمی و حرفه ای: امید وهابی املش در تابستان سال ۱۳۵۲ ش در رشت، همزمان با آغاز تحصیلات ابتدایی مقدمات علوم حوزوی را در مدرسه حاج ابوالفتح شروع کرد. از دبیرستان باهنر منطقه ۱۲ تهران دیپلم ریاضی گرفت. در مدارس علمیه تهران مشغول گذراندن دوره سطح شد و همزمان تحصیل در رشته کارشناسی حقوق مدرسه عالی شهید مطهری را آغاز کرد. از اساتید هبه‌الله ذوالفنون در نجوم و آیت‌الله محمود امجد در عرفان و علوم اسلامی را نباید از نظر دور داشت.

استادان و مربیان: هبه‌الله ذوالفنون در نجوم و آیت‌الله محمود امجد در عرفان و علوم اسلامی از اساتید امید وهابی املش بوده اند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: در سوابق علمی پژوهشی و آموزشی امید وهابی املش موارد زیر به چشم می‌آید: ۱. تدریس در دبیرستانهای تهران ۲. انتشار مقالات متعدد نجومی در مجلات تخصصی و عمومی حاصل دو دهه فعالیت ۳. انتشار مقالات فلسفی و مذهبی برای نوجوانان ۴. نقد کتابهای علمی کودک و نوجوان او برای مخاطبان جوان کتابهایی نگاشته است که از میان آنها ماجراهای حسابی نخستین انتشار بوده است.

جوایز و نشانها: کتاب "ماجراهای حسابی" تألیف امید وهابی املش، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

آثار:

۱ ماجراهای حسابی

ویژگی اثر: تألیف، این کتاب، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب ماجراهای حسابی ماجراهای حسابی (سرگذشت پیدایش اعداد) / تألیف امید وهابی املش؛ تصویرگر فرهاد پورمحمدخان. - تهران: نشر کتاب مرجع، کتاب طاووس، ۱۳۸۳، ۱۰۴ ص، مصور، نمودار. یکی از مهم‌ترین راه‌های رسیدن به تجربه‌های جدید در علوم مختلف، واکاوی تاریخ آنهاست. تاریخ علوم از یک سو فراز و نشیب‌های مسیر طی شده را یادآوری می‌کند و از سوی دیگر ذهن مخاطب را برای رسیدن به تجربه‌های نو و جدید آماده می‌کند. ماجراهای حسابی داستان پیدایش و پیشرفت ریاضیات است. نویسنده در این اثر سعی و همت خود را بر آن گذاشته که با بررسی تاریخ ریاضیات مخاطب نوجوان را از رموز شیرین اعداد و ارتباط آنها با یکدیگر آگاه کند. نویسنده مخاطب خود را از مخاطب منفعل به سطح مخاطب فعال کشانده و به جای تشویق و ترغیب او به حفظ داده‌های اولیه، داستان شکل‌گیری این داده‌ها

را بازگو کرده است. او مخاطب را به سویی کشانده است که به جای استفاده از ماحصل تربیت دیگران به عنوان یک محصول در فرآیند تولید و بازتولید نقش و جایگاه داشته و در تحصیل آن شرکت کند. نویسنده در این اثر به تجربه‌ای نو دست زده و به جای استفاده از زوایه‌ای فراتر از زاویه دید مخاطب، در کنار او نشسته و یادآوری کرده است که اگر چه این بحث‌ها لذت بخش نیستند و مخاطب حق دارد که به آنها بی‌علاقه باشد اما لازم است که یک بار آنها را دوره کند تا از مشقت ندانستن آنها رهایی یابد.

وهب

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۴- مقول ۱۱۶/۱۱۴/۱۱۳/۱۱۰ ق)، حافظ، محدث، مورخ، اخباری، زاهد و عابد. اصل او از هرات بود. پدرش، منبه، در دوره‌ی پادشاهی کسری انوشیروان از هرات خارج شد و به جزیره‌العرب رفت، سپس در زمان پیامبر (ص) اسلام آورد و در یمن سکنی گزید. وهب در زمان خلافت عثمان در یمن به دنیا آمد. اصحاب تراجم مراتب علم، زهد و جهد او را در عبادت ستوده‌اند. در زمان عمر بن عبدالعزیز وی عهده‌دار منصب قضاوت صنعا در یمن بود. روایات سنددار (مسند) کمی را نقل کرده، عمده‌ی دانش وی درباره‌ی اسرائیلیات و صحائف اهل کتاب بوده است. به آورده‌ی صاحب «کشف‌الظنون» وی اولین کسی است که در موضوع قصص انبیاء کتاب نوشته است. احمد بن حنبل گوید که او قدری بود، سپس از این عقیده بازگشت. از برادرش، همام بن منبه، و ابن عباس و ابوهریره و ابوسعید و نعمان بن بشیر و جابر بن عبدالله و عمرو بن عاص و عبدالله بن عمر خطاب و طاووس بن کیسان و انس بن مالک و عمرو بن شعیب و فنج یمانی حدیث شنید. فرزندانش، عبدالله و عبدالرحمان، و برادرزاده‌هایش عقیل بن معقل و عبدالصمد بن معقل، و نواده‌اش، ادريس بن سنان، و عمرو بن دینار و سماک بن فضل و عوف اعرابی و عاصم بن رجاء و یزید بن مسلم و یزید بن یزید بن جابر و عبدالله بن عثمان بن خثیم و اسرائیل ابوموسی و همام بن نافع و عیسی بن سنان و مغیره بن حکیم و منذر بن نعمان و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. او در پایان عمر توسط یوسف بن عمر ثقفی حاکم یمن محبوس و توسط عمال وی به قتل رسید. از آثار او: «تفسیر القرآن»؛ کتابی در «ذکر الملوک المتوجه من حمیر و اخبارهم و قصصهم و قبورهم و اشعارهم»؛ «قصص الانبیاء»؛ «قصص الاخیار»؛ «فتوح البلاد»؛ «الاسرائیلیات»؛ کتاب «القدر».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۵۰ / ۹)، تاریخ الاسلام (حوادث ۵۰۰ - ۴۹۷ / ۱۲۰ - ۱۰۱)، تذکره الحفاظ (۱۰۱ - ۱۰۰ / ۱)، تهذیب‌التهذیب (۱۴۸ - ۱۴۷ / ۱۱)، تهذیب‌الکمال (۵۰۲ - ۴۸۷ / ۱۹)، الثقات (۴۸۸ - ۴۸۷ / ۵)، الجرح والتعديل (ج ۴، ق ۲/۲۴)، حلیة‌الاولیاء (۸۱ - ۲۳ / ۴)، سیرالنبلاء (۵۵۷ - ۵۴۴ / ۴)، شذرات‌الذهب (۱ / ۱۵۰)، طبقات ابن سعد (۷۱ - ۷۰ / ۶)، طبقات الحفاظ (۵۲)، العبر (۱ / ۱۰۹)، کشف‌الظنون (۱۳۲۸)، معجم‌الادباء (۲۶۰ - ۲۵۹ / ۱۹)، معجم‌المؤلفین (۱۳ / ۱۷۴)، میزان الاعتدال (۳۲۴ - ۳۲۳ / ۴)، وفيات الاعیان (۳۶ - ۳۵ / ۶)، هدیة‌العارفین (۲ / ۵۰۱).

هاتف اصفهانی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۹۸ ق)، طیب و شاعر. اصل وی از اردوباد آذربایجان بود و اجدادش در زمان سلاطین صفویه به اصفهان مهاجرت کردند و در آن شهر سکنی گزیدند. هاتف در اصفهان به دنیا آمد و در همان جا به کسب دانش پرداخت و ریاضی، حکمت، طب و علوم عربی را آموخت. او در طب و حکمت از محضر میرزا محمد نصیر طیب اصفهانی، صاحب «مرآت الحقیقه»، بهره برد و به کمک و ارشاد و اشراف او، در این علوم تبحر یافت و از اطبای نامدار عهد کریم خان زند شد. در شاعری نیز مشتاق را به عنوان استاد خود اختیار نمود. وی با انجمن مشتاق، که محل تجمع طالبان تجدد در شعر بود، ارتباط پیدا کرد و در حلقه‌ی درس و بحث میرزا نصیر و مشتاق، با لطفعلی بیگ آذر و سلیمان صباحی بیدگلی کاشی، دوستی و رفاقت یافت. او مدتی ملازم و مورد توجه میر عبدالوهاب موسوی، حاکم اصفهان بود که پس از عزل حاکم، در آنجا نماند و به همراه لطفعلی بیگ آذر به قم و پس از مدتی به کاشان رفتند و از مصاحبان صباحی شدند. بعضی از تذکره‌ها می‌گویند که این سه شاعر چندین بار به شهرهای کاشان، اصفهان و قم سفر کرده‌اند. هاتف سرانجام در قم در گذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. بعضی از تذکره‌ها فوتش را در کاشان و مدفنش را در قم می‌دانند. هاتف در نظم عربی و فارسی ماهر بود و اشعار بسیاری در مدح ائمه اطهار (ع) و خصوصاً حضرت علی (ع) سروده است. وی در غزل شیوه‌ی سعدی و خواجه‌ی کرمانی را، که در آن عصر متروک بود، احیا کرد و در قصیده شیوه‌ی انوری و کمال‌الدین اصفهانی را دنبال می‌کرد. ترجیع بند او که ظاهراً بلندترین شعر دوره‌ی بازگشت است، به ترجیعات شیخ فخرالدین عراقی شبیه می‌باشد. این ترجیع بند دارای پنج بند و در موضوع وحدت وجود است که هاتف به واسطه‌ی آن مشهور و معتبر گردید. از آثارش: «دیوان» شعر، مشتمل بر قصاید، غزلیات، مقطعات، ترجیعات و رباعیات. [۱]

سید احمد هاتف اصفهانی شاعر معروف قرن دوازدهم هجری (ف. ۱۱۹۸- ۱۲۰۵ ق. ۱۷۸۳- م). که به خاطر منظومه‌ی عرفانش با مطلع زیر:

«ای فدای تو هم دل و هم جان

وی نثار رهنم این و هم آن»

و با ترجیع بند:

«که یکی هست و هیچ نیست جز او

وحده لا اله الا هو»

شهرتی فراوان دارد. وی شاعر دوره‌ی افشاریان و زندیان است. خاندان او از قصبه‌ی اردوباد آذربایجان بودند ولی هاتف در اصفهان متولد شد و در آنجا و در قم و کاشان زندگی کرد. هاتف در عربیت توانا بود و به عربی شعر می‌سرود. دیوان او مرکب از قصاید و غزلیات و مقطعات و رباعیات است. در غزل از سعدی و حافظ پیروی نمود. وفاتش در قم مقارن تشکیل دولت قاجاریه است و پسرش سید محمد سخاب (م.ه) است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: [۱] با کاروان حله (۳۲۷- ۳۱۵)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۹۱- ۱۸۷/۴)، تاریخ ادبیات ایران، در دوره‌ی بازگشت (۳۱۳- ۳۱۰/۲)، تذکره‌ی روز روشن (۹۱۷- ۹۱۵)، دانشمندان آذربایجان (۳۹۶)، دایرةالمعارف فارسی (۲/۳۲۲۶)، دیوان هاتف اصفهانی (۱۴- ۷)، الذریعه (۲۳۲/۱۹، ۱۲۸۳/۹)، ریحانه (۳۴۵- ۳۴۴/۶)، سفینه‌المحمود (۲۰۹- ۲۰۰/۱)، صبح گلشن (۶۰۳- ۶۰۲)، طرائق الحقائق (۳/۲۲۰)، فرهنگ سخنوران (۹۹۱)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۰۱)، الکنی واللقاب (۳/۲۸۹)، گنج سخن (۱۶۰- ۱۵۰/۳)، لغت‌نامه (ذیل/ هاتف)، مجمع‌الفصحا (۱۱۸۴- ۱۱۷۵/۶)، مکارم‌الآثار (۷۵- ۷۴/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۶- ۴۹۴/۱)، نتایج‌الافکار (۷۸۶)، نگارستان دارا (۲۷۸- ۲۷۷).

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۶ - ۱۲۷۷ ق)، عالم دینی، فقیه، مجتهد و شاعر، متخلص به هادی. اصلش از اصفهان بود. خاندانش به هنگام فتنه‌ی افغانه به بیرجند مهاجرت کردند و او در آنجا به دنیا آمد. مقدمات و سطوح اولیه را نزد پسر عمویش در مدرسه‌ی معصومیه‌ی بیرجند فراگرفت. آنگاه به قصد اقامت به مشهد رفت. او در محضر پدرش و آقا سید محمدباقر گلپایگانی و ملا-محمد رضا بروغنی سبزواری، استاد حکمت، تلمذ نمود و از محضر حاج میرزا حبیب خراسانی و شیخ محمدحسن کرمانی نیز استفاده نمود. در ۱۲۹۹ ق به عراق رفت و در سامرا از محضر میرزای بزرگ شیرازی و در نجف از محضر آخوند خراسانی و آیت‌الله رشتی کسب مراتب عالیہ علمی نمود. وی از میرزا حسین محدث نوری به دریافت اجازه‌ی روایت و از آخوند خراسانی به دریافت اجازه‌ی اجتهاد نایل گشت. سپس به ایران بازگشت. بنا به خواهش بزرگانی چون حاج میرزا حبیب خراسانی و حاج شیخ حسنعلی اصفهانی مدتی در مشهد ماند، سپس به بیرجند رفت و تا آخر عمر به تربیت و ارشاد معنوی مردم مشغول بود. وی در دوره‌ی اول مجلس شورای ملی از طرف آخوند خراسانی به عنوان مجتهد طراز اول معرفی گردید، ولی نپذیرفت و عهده‌دار ریاست انجمن ولایتی گردید، او در بیرجند درگذشت. از آثارش: «بستان الناظر» یا «بستان الناظرین» به سبک «کشکول» شیخ‌بهایبی؛ «آئین سخنوری»؛ ترجمه‌ی «ادب الکبیر» یا «دره‌ الیتیمه» ابن مقفع؛ ترجمه‌ی «نامه‌ی حضرت امیر (ع)، به مالک اشتر» یا «عهدنامه‌ی مالک اشتر»؛ «دیوان» شعر؛ «مائده‌ی محمدیه»، شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بهارستان آیتی (۱۲۳)، الذریعه (۱۹/۱۰، ۹/۱۲۸۵، ۱۲۰، ۱۱۹-۱۲۰، ۴/۷۶، ۳/۱۰۸)، صد سال شعر خراسان (۶۰۵-۵۹۸)، مؤلفین کتب چاپی (۷۴۰-۷۳۹/۶)، میرزای شیرازی (۲۰۶-۲۰۵)، یغما (س ۷، ش ۱۱، ص ۵۰۸-۵۰۴).

هادوی تهرانی، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی هادوی تهرانی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

استاد مهدی هادوی در سال ۱۳۴۰ در تهران زاده شد. وی پس از طی دوره دبستان و راهنمایی، به عنوان شاگرد ممتاز از دبیرستان خوارزمی که از دبیرستانهای بسیار معتبر روزگار خود بود، در رشته ریاضی و فیزیک دیپلم گرفت و به عنوان یکی از پذیرفته شدگان ممتاز کنکور، در رشته مهندسی برق و الکترونیک دانشگاه صنعتی شریف مشغول به تحصیل شد. وی پس از مدتی

تحصیل غیر رسمی، تحصیلات رسمی حوزوی خود را از سال ۱۳۵۹ در قم آغاز کرد و در ادامه تحصیل، ادبیات و منطق را نزد آیت الله خوش وقت در تهران، فراگرفت. سپس بار دیگر به قم بازگشت و دوره سطح را در مدت پنج سال به پایان رساند و در امتحانات حوزه بارها به عنوان فرد ممتاز معرفی شد. پس از آن به تحصیل خارج فقه و اصول پرداخت و از اساتید بزرگی همچون آیات عظام شیخ جواد تبریزی، وحید خراسانی، بهجت فومنی، مکارم شیرازی، میرزا هاشم آملی و شیخ جعفر سبحانی استفاده کرد و بیش از همه در محضر درس آیت الله سید کاظم حائری به تحصیل پرداخت. استاد هادوی در فلسفه از محضر بزرگانی همچون آیت الله انصاری شیرازی، حسن زاده آملی، و مصباح یزدی بهره جسته و سالها به خوشه‌چینی از خرمن حکمت حکیم متأله آیت الله جواد آملی مشغول بوده است. افزون بر این، وی از ابتدای حضور خود در قم، با سالک واصل حضرت آیت الله بهاء‌الدینی، مراد و ارتباط مستمر و وثیق داشت و این ارتباط تا هنگام رحلت آن عارف فقیه برقرار بود. وی در نزد آن بزرگوار علاوه بر اخلاق و عرفان به تحصیل فقه و تفسیر قرآن و حدیث پرداخت. استاد هادوی این توفیق را داشته است که تقریباً تمام دروس مقدمات و سطح حوزه علمیه را تدریس نماید و از سال ۱۳۶۹ به تدریس خارج فقه و اصول (عالترین دوره آموزشی حوزه علمیه) اشتغال پیدا کند. در درس فقه روش ابتکاری وی که بر مقایسه بحث های فقهی اسلامی با حقوق جدید بر اساس متون اصلی، استوار است، نظر محققین را به خود جلب کرده است. افزون بر این، استاد به تدریس مباحث منطقی، فلسفی و کلامی اشتغال داشته و دارند و برخی آثار قلمی وی حاصل همین تحقیقات است. استاد هادوی علاوه بر تدریس در حوزه علمیه، با دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور همکاری علمی دارد. وی عضو شورای بررسی متون علوم انسانی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و رئیس گروه فقه و حقوق این شورا و عضو شورای علمی کارشناسی ارشد فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف است. استاد هادوی همچنین در برخی از علوم جدید مانند اقتصاد، کلام جدید، فلسفه علم و فلسفه هنر، مطالعات و تحقیقات گسترده ای دارد که بعضی از آنها در قالب کتب و مقالات عرضه شده است. وی به دو زبان انگلیسی و عربی تسلط کامل دارد و تا حد زیادی با زبان فرانسه و آلمانی نیز آشناست. مهارت در زبان انگلیسی و کاربرد کامپیوتر، این امکان را برای وی فراهم کرد که اولین پاسخگوی مسائل اسلامی در ایران روی شبکه جهانی کامپیوتری (اینترنت) باشد. استاد هادوی ضمن ارتباط و حضور در مراکز دینی و علمی کشورهای مختلف اروپایی، آسیایی و آفریقایی در تأسیس مراکز فرهنگی اسلامی از جمله انجمن اهل بیت علیهم السلام در سوئیس، انجمن محمدیه در تایلند، مرکز اسلامی هلند و شورای جهانی رهبران دینی (World Council of Religious Leaders WCRL) مشارکت داشته است.

هادوی نیا، علی اصغر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اصغر هادوی نیا

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی اصغر هادوی‌نیا متولد سال ۱۳۴۱ هجری شمسی در تهران می‌باشم. پس از اخذ دیپلم از دبیرستان خوارزمی در رشته ریاضی فیزیک در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه ملا-محمد جعفر (آقای مجتهدی) شدم. در سال ۱۳۶۲ پس از موفقیت در امتحانات ورودی حوزه علمیه قم به این شهر مقدس هجرت نمودم. در سال ۱۳۶۷ پس از اتمام دروس سطح و آغاز درس خارج با شرکت در کنکور سراسری موفق به قبولی در کارشناسی «اقتصاد نظری» دانشگاه تهران شده و تحصیل در این رشته را همراه با درس‌های حوزوی تا سال ۱۳۷۲ ادامه دادم. در سال ۱۳۷۲ موفق به قبولی در کارشناسی ارشد رشته «اقتصاد نظری» در دانشگاه مفید قم شده و همزمان در امتحان ورودی رشته تخصصی «فلسفه و کلام» حوزه علمیه قم شرکت نموده و با قبولی در آن، این رشته را نیز آغاز نمودم.

در سال ۱۳۷۶ موفق به دفاع از پایان‌نامه خود در کارشناسی اقتصاد با عنوان «درآمدی بر جایگاه قرض‌الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن» به راهنمایی آقای دکتر اکبر کمیجانی و مشاوره آقای دکتر فرزین وش و دکتر ابراهیم گرجی شدم. در سال ۱۳۸۲ نیز پایان‌نامه خود را در رشته فلسفه و کلام، با عنوان «مبانی فلسفی اقتصاد اسلامی در گستره خداشناسی و انسان‌شناسی با نگرش تطبیقی با اقتصاد سرمایه‌داری» با راهنمایی حجت الاسلام و المسلمین آقای هادوی تهرانی و داوری حجت الاسلام و المسلمین آقای غلامرضا مصباحی دفاع نمودم. در سوابق آموزشی اینجانب شرکت در برخی کلاس‌های زبان انگلیسی در تهران و اتمام دوره آموزش زبان انگلیسی دفتر تبلیغات اسلامی قم و نیز شرکت در برخی کارگاه‌های آموزشی می‌باشد که فهرست آن خواهد آمد.

هادوی، اصغر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اصغر هادوی

محل تولد: کاشان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

جناب آقای اصغر هادوی در سال ۱۳۳۹ در شهر کاشان در خانواده‌ای متدین و مذهبی متولد شد. ایشان پس از پایان موفقیت آمیز تحصیلات دوران متوسطه و به دنبال شور و علاقه فراوان به معارف ناب اسلامی، وارد حوزه علمیه کاشان گردید که پس از طی دوره مقدماتی و برای ادامه تحصیلات عالی، وارد حوزه علمیه قم گردید و در حلقه درس خارج «آیت الله العظمی وحید» و «مرحوم شیخ جواد تبریزی» حاضر و به تحصیل خارج فقه و اصول پرداخت.

در کنار دروس حوزوی، به تحصیل در دانشگاه هم روی آورد و در مقطع ارشد رشته «اقتصاد» از دانشگاه صنعتی اصفهان فارغ التحصیل گردید. ایشان که پژوهشگری تواناست علاوه بر تدریس در دانشگاه‌های مختلف، مقالات فراوانی به کنگره های علمی کشور ارائه داده است که از جمله می توان به «مراتب انس با قرآن»، «عبادت در قرآن» و «جامعیت قرآن از نگاه حدیث» اشاره کرد.

هادوی، محمدحسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدحسن هادوی

محل تولد: کاشمر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمّد حسن هادوی در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی در شهر «کاشمر» از توابع استان خراسان در خانواده ای مذهبی چشم به جهان گشودم. پدرم کشاورز و مادرم معلّم قرآن بود. تحصیلات ابتدائی را در کاشمر گذرانده و در بهار سال ۱۳۵۳ وارد حوزه علمیه شدم. دروس مقدماتی حوزه مانند: «نصاب الصبیان گلستان سعدی»، «جامع المقدمات»، «شمسیه»، «سیوطی» و «مغنی» را در مدرسه حاج سلطان کاشمر نزد اساتیدی مانند: (حجج اسلام برهانی، فرقانی، و پیش نمازی) با مدیریت آیه الله سعیدی گذراندم. سپس در تابستان ۱۳۵۵ به شهر یزد رفته و ادامه دروس حوزوی را به مدّت دو سال، در مدرسه خان با مدیریت «آیه الله علمی» گذراندم. در حوزه علمیه یزد، (حاشیه، معالم و مختصر) را نزد اساتیدی مانند: (حجج اسلام علمی، مظفری، انوری، براتی، عجمین، و میرزایی) خواندم.

در تابستان ۱۳۵۷ وارد حوزه علمیه قم شدم. ابتدا در منزلی که «آیه الله مشکینی» در کوچه آبشار نزدیک حرم مطهر اجاره نموده بودند، ساکن شده و پس از مدتی به مدرسه مؤمنیه و سپس به مدرسه خان و نهایتاً به مدرسه ولی عصر (عج) رفتم. در حوزه علمیه قم، کتبی مانند: (شرح لمعه، رسائل، مکاسب و کفایه) را نزد اساتیدی مانند آیات عظام: (اعتمادی، ستوده، پایانی و محقق) در طول حدود ۶ سال گذراندم.

سپس دروس خارج فقه و اصول را نزد آیات عظام حوزه: «فاضل لنکرانی»، «هاشمی شاهرودی»، «وحید خراسانی»، «مکارم شیرازی»، «شیخ جواد تبریزی»، «بهجت» و «مددی» گذراندم. همزمان با تحصیل علوم حوزوی در قم، در سال ۱۳۶۲ جهت تحصیل علوم جنبی حوزه، به مؤسسه در راه حق با مدیریت استاد مصباح یزدی وارد شده و مدت ۶ سال به تحصیل علوم انسانی طبق برنامه های رسمی آن پرداختم. برخی از اساتید دوره عبارت بودند از: (مصباح، مظاهری، مصباحی، برهان، میر سپاه، دکتر محمدی، دکتر ماهر، دکتر صدیقی و دکتر قدیری).

در سال ۱۳۶۸ پس از فارغ التحصیلی از مؤسسه در راه حق، جهت گذراندن دوره تحصیلات تخصصی در رشته فلسفه، وارد بنیاد باقرالعلوم، با مدیریت استاد مصباح شده و دروس تخصصی این دوره را به مدت ۷ سال گذراندم. در این دوره از اساتیدی مانند

استاد: (مصباح، جوادی، فیاضی، دکتر حداد عادل، دکتر نادری، دکتر سجادی، دکتر سمیعی و دکتر لکنهاوزن) استفاده نمودم. پس از اتمام دروس تخصصی بنیاد باقرالعلوم، برنامه چکیده نویسی و نمایه نویسی مجموعه آثار صدر المتألهین را که استاد مصباح به توصیه مقام معظم رهبری در نظر گرفته بودند؛ همراه با سایر اعضای گروه فلسفه ۱ و ۲ بنیاد باقرالعلوم انجام داده و سپس به نگارش پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان: «معرفت شناسی نفس از دیدگاه حکمت متعالیه» پرداختم. استاد راهنمای این پایان نامه: دکتر احمدی و استاد مشاور استاد فیاضی بودند. نمره این رساله ۱۹ است.

از ابتدای سال ۱۳۷۷ به عنوان عضو هیأت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) به تحقیق در مرکز پژوهشی دائرة المعارف علوم عقلی اسلامی و همزمان تدریس در دوره های طرح ولایت و دوره های خود مؤسسه، مشغول شدم و اینک بخشی از وقت خود را به تدریس آموزش فلسفه و بخشی دیگر را به تحقیقات کتاب شناسی، مقاله نویسی، برنامه ریزی علمی و سایر فعالیت های سیاسی و فعالیت های این مرکز اختصاص داده ام. نسبت به فعالیت های سیاسی و اجتماعی در دوران انقلاب در تظاهرات و برخی فعالیت های فرهنگی و انقلابی شرکت داشتم.

در دوران دفاع مقدس نیز پس از چند دوره آموزش نظامی چند مأموریت از طرف دفتر تبلیغات و بسیج به جبهه داشته و مدتی در جمع رزمندگان اسلام گذراندم. از جهت تبلیغی نیز بیش از ۱۰۰۰ منبر در شهرهای مختلف ایران داشته ام. دو سفر تبلیغی نیز از طرف سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به هندوستان داشتم. اکنون نیز جزء روحانیون سازمان حج و زیارت بوده و چند سفر حج و عمره در خدمت زائران بیت الله الحرام بوده ام. و الله هو الموفق و المعین.

هادی، محمدحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسین هادی

محل تولد: اشتهارد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۴/۲

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسین هادی فرزند علی اکبر در سال ۱۳۴۳ تیرماه در شهر «اشتهارد» از توابع شهرستان کرج در خانواده ای مذهبی به دنیا آمدم با مبادی اعتقادی، اخلاقی و دینی که ریشه در اصالت خانوادگی محیط، اجتماع و شهر مذهبی اشتهارد دارد. دوران تحصیل ابتدایی و راهنمایی را در محل و زادگاه خود گذراندم. به لحاظ علاقه شدیدی که به تحصیل علوم دینی داشتم؛ تحصیل را در کلاس سوم راهنمایی رها و در سال ۱۳۵۷ و بجزو پیروزی انقلاب اسلامی، در حوزه علمیه «امیرالمومنین» اشتهارد به تحصیل مشغول و دروس مقدمات و ادبیات عرب را به پایان رساندم.

در سال ۶۱ برای ادامه تحصیل و جهت اینکه از نظر پیشرفت درسی در اشتهارد ادامه تحصیل موجود نبود؛ به قم عزیمت و دروس لمعه و اصول فقه را در محضر اساتیدی چون: مرحوم مغفور حجة الاسلام «وجدانی فخر» و «نکونام» گذراندم. با امتحان ورودی به

مدرسه علمیه «امام حسن مجتبی» زیر نظر حضرت آیه الله مکارم شیرازی وارد و به مدت یکسال به تحصیل ادامه دادم و با ازدواج در سال ۶۲ به دروس آزاد اساتید همچون: «آیه الله وجدانی فخر»، «استاد اعتمادی» و «استاد پایانی» شرکت جستم. در سال ۱۳۶۵ جهت تدریس به مدت یک سال به شهر آشتیان عزیمت و دروس ادبیات عرب را تدریس کردم. جهت ادامه تحصیل در سال ۶۶ به قم مراجعه و تا ابتدای سال ۶۸ به تحصیل مشغول و سال ۶۸ تا ۷۱ به مدت سه سال در شهر «فارسان» از توابع شهر کرد، مدیریت حوزه علمیه فارسان، تدریس و امور مربوط به مراجعات مردمی را در حد مقدور عهده دار بود و از سال ۱۳۷۴ تا کنون؛ ۱۳۸۵، مشغول تحقیق در مرکز پژوهشگاه دفتر تبلیغات اسلامی هستیم و این همکاری همچنان ادامه دارد.

هاشم پور سبحانی، توفیق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر توفیق سبحانی از فرهیختگان معاصر در زمینه زبان و ادبیات فارسی در سال ۱۳۱۷ شمسی در تبریز به دنیا آمد. ایشان پس از اخذ فوق لیسانس دبیری از دانشگاه تهران به ترکیه سفر کرد و با شرکت در امتحان ورودی دور؟ دکتری دانشگاه استانبول در رشت؟ عربی - فارسی آن دانشگاه پذیرفته شد و در سال ۱۹۷۴ به دریافت درجه دکترا نایل آمد. او نایب رییس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی بوده و در دانشگاه ها نیز تدریس زبان و ادبیات فارسی مشغول می باشد. کتاب "مولانا جلال الدین، زندگانی، فلسفه، آثار گزیده ای از آنها" ترجمه توفیق سبحانی، در دوره سوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای: توفیق سبحانی دور؟ ابتدایی را در دبستان رودکی، متوسطه را در دبیرستانهای رشديه و لقمان تبریز و رشت؟ زبان و ادبیات فارسی را متوسطه را در دانشکده؟ ادبیات تبریز و دور؟ فوق لیسانس دبیری را در تهران به پایان رسانید. عنوان رساله دوره لیسانس وی "تأثیر حافظ از سعدی و عراقی بود. ایشان در سال ۱۳۴۸ - ۱۹۶۹ - به استانبول رفت و از کتب خطی کابخانه های بسیار غنی استانبول استفاده کرد. با شرکت در امتحان ورودی دور؟ دکتری دانشگاه استانبول در رشت؟ عربی - فارسی آن دانشگاه پذیرفته شد و در سال ۱۹۷۴ به دریافت درجه دکترا نایل آمد

استادان و مربیان: توفیق سبحانی در دور؟ دبستان و دبیرستان از تعلیمات و راهنماییهای مرحوم میرزا محمد ترقی، آقای عبدالله واعظ، مرحوم علی اکبر صبا و آقای عبدالامیر سلیم بهره مند شد و در دوران دانشگاه از محضر استادانی چون مرحوم احمد ترجمانی زاده، مرحوم سید حسن قاضی طباطبایی، دکتر منوچهر و دکتر محمد جعفر محبوب و مرحوم دکتر محمود صناعی بهره گرفت. وی در ترکیه در دانشگاه استانبول از وجود استادانی چون دکتر تحسین یازجی و مرحوم عبدالباقی گولپینارلی بهره برد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: توفیق سبحانی در دانشگاه ها، تدریس می نماید. او در دانشگاههای خارج از کشور نیز به تدریس مشغول بوده است. به عنوان نمونه وی از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۶ شمسی در دانشگاه دهلی به تدریس زبان و ادبیات فارسی اشتغال داشته است. دکتر سبحانی در دانشگاه پیام نور نیز به تدریس مشغول می باشند.

همفکران فرد: دکتر مهدی خواجه پیری، استاد دانشگاه اسلامی علیگره، یکی از همفکران توفیق سبحانی است. این دو در تهیه

فهرست نسخ دانشگاه علیگره با هم همکاری داشتند .

جوائز و نشانها : کتاب " مولانا جلال الدین، زندگانی، فلسفه، آثار گزیده ای از آنها" ترجمه توفیق سبحانی ، در دوره سوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. -----

آثار :

۱ الهائم الخائف من لومه اللائم، شیخ نجم الدین کبری، تصحیح متن عربی و فارسی
ویژگی اثر : تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۴.

۲ تدوین فهرستهای تجارب السلف هندو شاه نججوانی

ویژگی اثر : کتابفروشی طهوری، تهران، ۱۳۵۰

۳ ترجمه شرح مثنوی شریف

ویژگی اثر : این تالیف عبدالباقی گولینارلی است و درشش جلد به همت دکتر سبحانی به فارسی ترجمه شده است .

۴ ترجمه عبد القادر دریدل دهلوی

ویژگی اثر : این کتاب نوشته پروفیسور بنی هادی است و توسط دکتر سبحانی و دیگران ترجمه شده است

۵ ترجمه ملامتیه و ملامتیان

ویژگی اثر : این کتاب تالیف عبد الباقی گولینارلی است که توسط سبحانی ترجمه شده است

۶ حاجی بککاش ولی وطریقت بککاشیه

ویژگی اثر : نشری ؟ دانشکد ؟ ادبیات تبریز، ۱۳۵۶.

۷ دربار ؟ قلندرنامه خطیب فارسی

ویژگی اثر : مقال ؟ کوچک، در یکی از شماره های نشر دانش

۸ ره آورد های سفر

ویژگی اثر : این کتاب سفر دوساله سبحانی به دهلی راشامل می شود که در آن به توضیح مسائل مختلفی پرداخته است .

۹ فهرست آرشیو ملی هند

۱۰ فهرست کتابخانه بمبئی

۱۱ فهرست کتابهای فارسی انستیتو غالب

۱۲ فهرست کتب خطی فارسی دانشگاه دهلی

۱۳ فهرست میکرو فیلم های نسخ خطی دانشگاه اسلامی علیگره

۱۴ فهرست میکرو فیلم های نسخ خطی درگاه پیرمحمد شاه احمد آباد گجراتی

۱۵ فهرست نسخ خطی مرکز میکرو فیلم خانه فرهنگ دهلی نو

۱۶ مختصری دربار ؟ زندگانی و آثار استاد عبدالباقی

ویژگی اثر : نشریه دانشکد ؟ ادبیات تبریز، سال ۳۱، شماره ۱۲۹ - ۱۲۸.

۱۷ مولانا جلال الدین

ویژگی اثر : ترجمه، تألیف عبدالباقی گولینارلی، موسس ؟ مطالعات، تهران، ۱۳۶۳. این کتاب در دوره سوم کتاب سال جمهوری

اسلامی ایران، از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «مولانا جلال الدین،

زندگانی، فلسفه، آثار گزیده ای از آنها: این کتاب ضمن بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی و علمی آناتولی در قرن هفتم هجری (سیزدهم میلادی) و ذکر اطلاعاتی مختصر و مفید درباره؟ مآخذ عمده ای که برای تحقیق در زندگانی مادی و معنوی شاعر و عارف بزرگ خاور زمین مورد استفاده قرار گرفته، به زندگانی مولانا و دوره های مختلف حیات وی توجه داشته، در نهایت به فلسفه، دیدگاهها، آثار مولانا نیز گزیده ای از آنها می پردازد.

۱۸ نگاهی به تاریخ ادب فارسی درهند

منابع:

www.ketabesal.ir۲ ازین قند پارسی / گفتگو با دکتر توفیق سبحانی، کتاب ماه و ادبیات، سال اول، شماره چهارم و پنجم،

۲۰ اسفند ۱۳۷۶، ص ۱۸

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

هاشمی راد، منصور

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

هاشمی رفسنجانی، اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد

به سال ۳۱۳ هجری شمسی، در جلگه‌ی نوق - از جلگه‌های رفسنجان - در خانواده‌ای متدین، پسری چشم بر جهان گشود؛ با نام اکبر هاشمی، فرزند حاج میرزا علی و ماه بی‌بی.

روزگار کودکی

کسی نمی‌دانست که نوزاد امروز شخصیت سیاسی - فرهنگی پر آوازه‌ی فردای کشور خواهد بود، تا همه‌ی جزئیات زندگی‌اش را ثبت کند. از بایگانی خاطره‌ها نیز چندان نکته‌ای نمی‌توان برکشید؛ جز این که او در کودکی نیز - در مقایسه با هم سالانش - ویژگی‌های برجسته داشت، چنان که مدرسه را از پنج سالگی همراه برادری که از او دو سال بزرگ‌تر بود آغاز کرد.

دو راهی مکتب و مدرسه

در دو راهی مکتب و مدرسه، دست سرنوشت او را به مکتب خانه سپرد. پدر مکتب خانه را انتخاب کرد؛ چرا که مدرسه از روستا چندان دور بود که دشواری‌های آن را کمتر خانواده‌ای پذیرا می‌شد. گذشته از این برای خانواده‌های مذهبی - به دلایلی که شرح

آن در این فرصت نمی‌گنجد - مدرسه چندان جاذبه‌ای نداشت.

شکل‌گیری شخصیت

شرایط دشوار زندگی، از هفت تا چهارده سالگی تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر شکل‌گیری شخصیت مقاوم، صبور و چند بعدی او داشت. مشارکت و کمک به خانواده در امور باغ و دام و طیور و کوشش در حفظ دستمایه‌ی معیشت روستایی، معاشرت و تفریح و ورزش‌های سالم و تحمل مشقات زندگی در روستای دورافتاده‌ی نیم قرن پیش برای او زمینه‌ی آشنایی با واقعیت‌های زندگی بود و از این همه تلاش و تقلا تجربه‌های گران‌اندوخت. از پدری متدین و آگاه، اخلاق و معرفت آموخت، و در چند مکتب خانه از چند معلم مقدمات علم را فراگرفت.

وسوسه‌ی هجرت و دل‌کندن از زادگاه

روستای بهرمان روح پرتکاپوی نوجوانی مانند او را گنجا نبود. ناگزیر باید فضایی دیگر و میدانی پنهاور او را آغوش می‌گشود. آن روزها، آوازه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم را در خانواده‌های مذهبی طینی پرجاذبه بود که رفته‌رفته چنان او و پسرعمویش را اثرپذیر ساخت که هجرت به شهر مقدس قم آن هر دو را وسوسه‌ای روزافزون شد. از سویی، دل‌کندن از خاک زادگاه هم چندان آسان نبود، چنان که یک بار گفت و گو با پدر برای گرفتن رضایت و رخصت هجرت، با انفجار غم در گلو و فروغلتیدن دانه‌های اشک بر گونه‌ها، همراه بود. با این همه، سرانجام پدر رضایت داد و زمینه‌ی سفر فراهم شد.

با کاروان عشق

هر چند اکنون نیز، چون همیشه، عشق زیارت کربلا-عشقی است زنده و چنگ انداخته بر دل‌های بی‌شمار، اما زیارت قدیم را حکایت دیگری است. از همان روز که مشتاقان برای ماه‌ها بعد تدارک سفر می‌دیدند، خدا می‌داند که چند و چندین بار با زمزمه و یاد سفر، چشمان‌شان در اشک شوق غوطه می‌خورد. تا فرا رسیدن روز موعود و حرکت کاروان، که طنین صدای چاووشی خوان آه از نهاد همه برمی‌آورد؛ گریه‌ی شوق بدرقه شوندگان و اشک حسرت بدرقه کنندگان، خاطره‌ای بر جای می‌نهاد که با یاد آن بارها و بارها دل‌ها می‌شکست و دیده‌ها تر می‌شد.

این بار سخن از کاروانیانی است که بر آن شده‌اند تا دو فرزند دل‌بندشان را در میان راه به شهر قم بسپارند؛ شهری که خود زیارتگاه است و هم در آن روزگار، گذرگاهی بر سر راه زائرانی بسیار که مشهد رضوی، یا کربلای حسینی را آهنگ زیارت داشتند، با ویژگی و امتیازی که تأسیس حوزه‌ی علمیه در آن روزها به این شهر داده بود.

تجربه‌های تلخ و شیرین

از همان روز که سفر آغاز شد، تجربه‌هایی تلخ و شیرین به بار آورد که هر یک را به نوبه‌ی خود در سازندگی و زمینه‌سازی بالندگی‌اش، بیش یا کم، نقش و اثری بود که در این فرصت باید از آن یاد کرد:

تجربه‌ی سفر

بی‌تردید، سفر برای نوجوانی که برای نخستین بار پا از روستا بیرون می‌گذارد تجربه‌ای است یگانه، شیرین و به یاد ماندنی. در این تجربه‌ی تاریخی، به فراوانی فرصت تجربه‌ی پدیده‌هایی نو فراهم می‌شود که همه از مقوله‌ی اولین‌هاست: دیدن و سوار شدن اتوبوس، برای اولین بار؛ حضور در شهر و رویارویی با همه‌ی آنچه ویژگی شهر است، برای اولین بار...؛

بی‌شک دشواری و رنج در سفرهای دور آن روزگار نیز بسیار بوده است؛ هر چند لذتی که از آن همه مشاهدات نو به نو، نوجوانی رسته از قفس روستا را پیش می‌آید، تلخی‌ها و سختی‌ها را نیز شیرین می‌کند.

تجربه‌ی غربت

با این همه، رنج غربت چنان تلخ و جانکاه است که به هر حال فرصتی برای خودنمایی می‌یابد؛ هر چند که از نخستین روز شرایط

بهتری - در مقایسه با همگنانی که در حجره‌ی مدرسه‌ها زندگی می‌کردند - برای او فراهم است و حضرات اخوان مرعشی، که آن روز از فضلالی حوزه به شمار بوده‌اند، بر حسب پیوند خویشاوندی و با قراردادی مسؤولیتی را در این زمینه می‌پذیرند؛ مسؤولیتی که بی‌اجر هم نبوده است. بدین سان زندگی در قم از خانه‌ی اخوان مرعشی آغاز می‌شود؛ در سوز سرمای زمستان. هر چند سرمای کویر کرمان نیز بی‌سوز نبوده است، اما سوز سرمای قم را در آن ایام حکایتی دیگر است!

تجربه‌ی آشنایی

از دست آورده‌های ارزشمند روزگار طلبگی، آشنایی‌هاست. بهانه‌ی این آشنایی‌ها، پیش از هر چیز، نیاز طلبه به کسی است که درس را با او مباحثه کند. رفته رفته، دامنه‌ی این آشنایی گسترده و گسترده‌تر می‌شود: بحث مشترک، گرایش مشترک، اندیشه و آرمان مشترک.... آشنایی‌هایی از این دست احساس غربت را چندان مجال نمی‌دهد که طلبه‌ای مصمم را از پا در آورد. چنین است که پدر و مادرش در بازگشت از زیارت - حدود سه ماه بعد از مهاجرت فرزند - جای نگرانی نمی‌بینند؛ پس از چند روز، آسوده خاطر، آهنگ دیار می‌کنند و او آموختن را پی می‌گیرد، با اندوخته‌ای ناشناخته و عزیز: نیایش مادری دل سوخته در حایر حسینی!

تجربه‌ی ارادت

در حوزه‌های علوم اسلامی، تحصیل، تهذیب، تعلم و تزکیه را پیوندی تنگانگ بوده است. نقش تعیین کننده در سیر و سلوک معنوی، دل بستن است و دل سپردن به مرادی که چونان اسوه‌ای، در تسخیر قله‌ی کمال معنوی، در باور و دل ارادتمند، جایگاهی بیابد؛ در این نگاه، بسا میان امروز و دیروز تفاوتی باشد. به هر حال، در آن روز، حضور آیت‌الله العظمی بروجردی در قم نه تنها برای او، که برای خیل طلاب، چنین نقشی داشت؛ چنان، که دیدنش برای‌شان راستی را که آرزو بود. هر روز می‌کوشیدند یک یا چند بار زیارتش کنند. او نیز چونان پدری مهربان طلبه‌ها را دوست می‌داشت و برای تشویق افرادی که بتوانند استواری و درخشندگی را به نمایش بگذارند بخشی از وقت خویش را آزاد می‌گذاشت: طلبه‌ای که شعرهای الفیه‌ی ابن مالک را - که یک دوره‌ی کامل نحو است - و متن منطق تفتازانی یا بخشی از قرآن را حفظ می‌کرد با دریافت جایزه‌ای از دست مرجع تقلید شیعیان نواخته می‌شد و برایش دلگرمی و امتیازی بود. برای او چنین فرصتی دست داد و خاطره‌ای شیرین به یادگار گذاشت؛ هر چند شیرینی‌های این زندگی فروردین همیشه با تلخی‌هایی آمیخته است و در این مورد نیز چنین بود.

تجربه‌ی تبلیغ

آمیختگی تحصیل و تبلیغ، ویژگی مهمی است و تفاوتی عمده و اساسی میان حوزه‌ی قم و نجف. ریشه‌یابی این تفاوت در فرصت کنونی نمی‌گنجد؛ تنها به اشاره‌ای بسنده می‌شود: در حالی که حوزه‌ی نجف وعظ و خطابه را برای کسی که جایگاهی معتبر و مقامی عالی در فقاقت را آهنگ کند کاستی می‌شمرده است، در حوزه‌ی قم، آشایی با فن خطابه را چونان هنری ارزشمند - برای هر کس و در هر مقام - ارج می‌نهادند. فرزندان این حوزه بر آن بوده‌اند که از همه‌ی فرصت‌ها و مناسبت‌های دینی برای تبلیغ سود برند. افزون بر این، سفر تبلیغی برای طلاب قم راه گذران معاش هم بوده است. چنین بود که او نیز در فاصله‌ای کوتاه سفر تبلیغی را بال گشود، نخست به زادگاه و سپس به دیگر جاها، در سرتاسر ایران.

تجربه‌ی شکست

اگر نیازهای زندگی نبود، بسا زندگی از فراز و فرود خالی بود. نیاز را با انگیزه‌ی جدی پیوندی است تنگاتنگ، چنان که بی‌آن مشکل بتوان از انگیزه تصور روشنی داشت. بی‌تردید انگیزه‌هایی که ما می‌شناسیم بی‌پیوند با نیازی نیستند. در این میان، نیازهای مادی را نقشی است بسیار مهم و سودمند.

چنین است که تن دادن به سفرهای تبلیغی سخت از آن زمان آغاز می‌شود که زندگی مستقل، دشواری‌هایی را - که بهای آزادی و

استقلال است - در نگاه می‌نشانند، یا از آن نیز فراتر می‌رود! به ویژه که رفته‌رفته دیگر برادرها را نیز وسوسه‌ی هجرت برانگیخته است و در منزل برادر اطراق کرده‌اند. در آمدی در کار نیست، جز آنچه پدر حواله می‌کند که نسبت به هزینه‌ی زندگی ناچیز است. ناگزیر باید چون دیگران سفرهای تبلیغی را - در تعطیلی‌های حوزه - باربرست، هم فال است و هم تماشا، هم انجام وظیفه است و هم ادای مسؤولیت تبلیغ، و هم امداد غیر غیبی زندگی. اما نخستین تجربه در این راه شکستی است تلخ که غرور این فرزند کویر را جریحه‌دار می‌کند. از این پس، هر چند مسؤولیت تبلیغ فراموش نمی‌شود، ولی این اندیشه قوت می‌گیرد که باید حساب تبلیغ و امرار معاش را از یکدیگر جدا کرد. در این راه نیز تجربه‌های نخست موفقیت‌آمیز نیست، هر چند سرانجام تلاش و همت به بار می‌نشیند. در راه همین تلاش، از حجره‌ای در مدرسه‌ی حاج ملاصادق، پایگاهی پدید می‌آید که چون یک مرکز تجمع، جمعی هم‌اندیش، هم دل و هم باور را در عرصه‌ی تلاش فرهنگی فراهم می‌آورد و رفته‌رفته مکتب تشیع با هم کاری شهید دکتر باهنر پایه‌گذاری می‌شود، با پی‌آمدهایی ارزشمند و زمینه‌ساز آشنایی گسترده و گسترده‌تر با افراد و جمعیت‌های تلاشگر و خواستار گسترش اندیشه‌ی اسلامی و هواداران آرمان‌های مترقی، در سراسر کشور. به تعبیری دیگر می‌توان گفت: انتشار مکتب تشیع سرمایه‌ی ارتباطی گسترده در اختیار او گذاشت تا ببینیم که در حفظ و بهره‌برداری از این ارتباط ارزشمند چه خواهد کرد. در این میان، زمینه‌ی ازدواج و پایه‌گذاری زندگی مشترک فراهم می‌شود که در آن روزها خالی از دشواری‌هایی نبوده است، به ویژه فراهم کردن هزینه‌ها؛ به هر حال، گردنه‌ای است در روند زندگی که باید آن را پشت سر گذاشت. در این میان، آنچه ماندگار است خاطراتی است روشنگر چگونگی برخورد با سختی‌ها که در آن تجربه‌هایی آموزنده و سازنده موج می‌زند.

آشنایی با حضرت امام قدس سره

در بازی سرنوشت، او را از نخستین روزهای هجرت به قم فرصت طلایی فراهم شد که زمینه‌ساز آشنایی با شخصیتی بود که در شکوفایی استعدادهايش بهترین و بیشترین نقش را داشت. منزل اخوان مرعشی در نزدیکی بیت حضرت امام بود، چنان که او را هر روز فرصت چشم دوختن به چهره‌ی جذاب و پرابهت او دست می‌داد؛ چهره‌ای که با نخستین نگاه دل او را با عشقی روزافزون تسخیر کرد. گاه می‌کوشید که بهانه‌ی پرسشی، مسافتی را با امام هم گام شود، بی‌خبر که در سرنوشتش هم گامی دیگری رقم خورده است تاریخی و تاریخ ساز....

تجربه‌های سیاسی

از منظری دیگر، حوزه‌ی قم در آن روزها دستخوش التهاب‌های سیاسی تکان دهنده‌ای بود. هر چند موضع مرجع تقلید وقت، کناره‌گیری از سیاست - از موضع تقیه - بود؛ با این همه پی‌آمدهای آزادی‌های پس از شهریور ۲۰ افراد و گروه‌هایی را فرصت تحرک فراهم کرد و پیدایش حرکت‌هایی را زمینه‌ساز شد. جبهه‌ی ملی، حزب توده و از همه نزدیک‌تر به حوزه، جمعیت فداییان اسلام و هواداران آیت‌الله کاشانی، که در قم نیز بی‌پایگاه نبودند و از پشتیبانی یکی از علمای برجسته‌ی قم که زهد و تقوای او نیز زبانزد همگان بود، آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری، برخوردار بودند. چنین بود که پیش از اختلاف دکتر مصدق با آیت‌الله کاشانی، نهضت ملی نیز - به خصوص در جریان مبارزه با استعمار انگلیس - از حمایت جدی آیت‌الله خوانساری برخوردار بود. اگر موضع‌گیری الحادی حزب توده، تنش میان دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی و پاره‌ای حرکت‌های تند و ناپخته نبود، به عوامل دربار کمتر فرصت جوسازی و بهره‌برداری داده می‌شد و در نتیجه، حرکت‌های ملی - مذهبی از حمایت آیت‌الله العظمی بروجردی نیز نصیب می‌بردند.

به هر حال، در آن روزگار، در آماده‌سازی و رشد سیاسی نسل جوان حوزه موج این حرکت‌ها بی‌تردید اثرگذار بود؛ به ویژه که در مواردی مانند آوردن جنازه‌ی رضاشاه به قم و تظاهرات در مخالفت با آن، ماجرای سید علی‌اکبر برقی، سفر آیت‌الله کاشانی به قم و جلوس در بیت آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری، این نسل به صحنه می‌آمد و به رغم تبعیدی که در برابر مرجع تقلید خود

داشت، در عمل نسبت به حرکت سیاسی احساسی مثبت نشان می‌داد.

برآیند این همه، محبوبیت ممتاز حضرت امام بود در دل نسل جوان و بالنده‌ی حوزه، که رفته‌رفته او، در شمار یکی از نمایندگان برجسته‌اش، جایگاه معتبری یافت او با شماری از هم‌فکران، بیت ایشان را - پیش از آغاز نهضت - پایگاه خود ساختند؛ گویی در جهان آرمان‌ها، جانشین آیت‌الله العظمی بروجردی را در مقام مرجعیت شیعه انتخاب کرده بودند. هر چند در ارزیابی‌های ظاهری - با توجه به مشی حضرت امام و پرهیز جدی از شائبه هرگونه حضور در میدان رقابت‌ها - چنین آرزویی را زمینه‌ی تحقق نبود.

رحلت آیت‌الله العظمی بروجردی

ناگهان انتشار خبر درگذشت مرجع تقلید شیعیان جهان مانند زلزله سهمگین، ایران را به لرزه در افکند و انبوه مردم را فرصت حضوری پرهیجان فراهم کرد. حضور گسترده‌ی مردم در جریان تشییع جنازه و مراسم بی‌شمار یادبود در سراسر کشور، نمایشی بود از قدرت مردمی روحانیت و مرجعیت. هر چند که دربار نیز خود را مصیبت‌زده وانمود کرد و فراتر از آن، در گرفتن ژست صاحب عزا بازی‌ها در آورد. هر چند ساده‌اندیشانی در هر کسوت بودند که به ریاکاری‌های دربار فریفته می‌شدند. اما واقعیت این بود که چنین نمایشی با شکوه، دربار و درباریان را سخت نگران می‌کرد؛ بگذریم که برای شخص شاه این نمایش مفهومی دیگر داشت، اگر فراموش نکرده باشیم که چندی پیش با جنازه‌ی پدرش در همین شهر قم چگونه برخورد شد!

چنین بود که در بطون سیاست دربار پیش‌گیری از تمرکز مرجعیت اصلی بود خدشه‌ناپذیر؛ با اندکی ژرف‌بینی می‌توان نتیجه‌گیری کرد که تلگراف تسلیت به نجف ترفندی بود برای تجزیه‌ی مرجعیت و انتقال آن به نجف. نگاهی گذرا به مطبوعات آن روزها روشن‌گر دوگانگی کامل سیاست دربار است که به ظاهر در جهت انتقال مرجعیت به نجف تلاش کرد، در حالی که مطبوعات می‌کوشند تا هر شخصیتی که بیش یا کم هوادارانی دارد، مطرح شود. در چنین فضایی بود که او و دیگر شاگردان ارادتمند حضرت امام فرصت یافتند که از یک سو نامزد مورد قبول خود برای مقام مرجعیت را در مطبوعات مطرح کنند و از سوی دیگر، از فرصت مراسم یادبود آیت‌الله بروجردی در روشن‌گری و در میان گذاشتن آرمان‌ها و ایده‌های خود با توده‌ی مردم و روحانیت بهره‌برداری کنند. سخنرانی او در مسجد اعظم مانند سخنرانی شماری از هم‌فکرانش نموداری است از چنان تکاپویی؛ با این همه، همه‌ی شواهد بیانگر ناکامی آنان در این تلاش بود، چنان که پس از فرونشستن موج سوگواری در نگاه سطحی، همه با افسوس باور کردند که حضرت امام همچنان منزوی خواهند ماند.

طنین فریادی در سکوت

ناگهان با طنین فریادی در سکوت، خطای دوست و دشمن در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری افشا شد: در میان تلگراف‌هایی که به نخست‌وزیر وقت - در اعتراض به تصویب‌نامه‌ی دولت - در نگاه‌ها نشست، تلگراف حضرت امام را آهنگی دیگر بود؛ آهنگی که دل دوستان را با خیزآبی از شادی نواخت، و دربار و درباریان را با موجی از وحشت هراسان ساخت. شاید بیش و پیش از همه، شخص شاه پریشان شد. هر چند حجاب قدرت مانع ژرف‌بینی بود و ساده‌اندیشانه چنین پنداشتند که با بی‌پاسخ گذاشتن تلگراف حضرت امام، او حذف خواهد شد؛ بی‌خبر که پیام این سکوت برای نسل جوان و هوشیار حوزه از هر روشن‌گری روشنی بخش‌تر بود. نسل بالنده، و هوشیار حوزه پیش از همه دریافت که در انتخاب خود به خطا نرفته است، و او نماینده‌ی همین نسل بود.

چنین بود که او و همه‌ی هم‌باورانش در این باور بیش از پیش هم داستان شدند که اگر مرجعیت دچار تجزیه شد، رهبری را دریابند، با آن که باید در مورد مرجعیت حضرت امام نیز تلاش کنند. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

با آن که در نهضت ده ماهه‌ی روحانیت و درگیری با دولت علم به بهانه‌ی تصویب‌نامه‌ای در مورد انجمن‌های ایالتی و ولایتی، همه‌ی مراجع قم - بهره‌مندی از حمایت مراجع نجف - هم گام بودند، ولی رهبری حرکت با حضرت امام بود و با همین رهبری مبارزه در گام نخست به پیروزی رسید؛ پیروزی امیدآفرینی که می‌توان آن را از جهاتی با پیروزی مسلمانان در بدر مقایسه کرد:

روحانیت، مراجع و مردم به رهبری حضرت امام بی‌هیچ تلفاتی به پیروزی بزرگی دست یافتند؛ دولت علم رسماً عقب‌نشینی کرد و با فشار و اصرار حضرت امام مطبوعات لغو تصویب‌نامه را اعلام کردند. شرح این بخش از داستان مبارزه و انقلاب را فرصتی دیگر باید؛ پس به اشاره‌ای باید بسنده کرد که حضور او و هم کوشان و هم باورانش در این عرصه‌ی تاریخی چنان بود که گویی ماهیانی تشنه‌اند که اینک خود را به برکه‌ای لبریز از آب زلال رسانده‌اند.

شکستی پس از پیروزی

با آن که حماسه‌ی ۱۵ خرداد را، با پی‌آمدهای سیاسی و فرهنگی آن، نباید شکست ارزیابی کرد، چرا که رمز و راز پیروزی انقلاب در همین حماسه‌ی تاریخی نهفته است؛ با این همه، بر حسب مفهوم متعارف پیروزی و شکست - در فراز و فرود راه مبارزه - می‌توان چنان شکستی از آن یاد کرد، شکستی بس همانند با شکست مسلمانان در احد! دشمن در پی شکستی که ناگزیر بدان تن داده بود نیروهای خود را بسیج کرد و این بار شخص شاه به میدان آمد، با شعار انقلاب سفید و با حربه‌ی رفراندم؛ شعاری دنیاسپند و حربه‌ای کارآمد که مخالفان را - که در مبارزه‌ی گذشته با استناد به اصولی از متمم قانون اساسی پایگاهی قانونی داشتند - در نخستین برخورد خلع سلاح کند. در برابر، دلگرمی پیروزی گذشته - که هیچ کامی شیرینی آن را از یاد نبرده بود - مراجع، علماء، روحانیت و انبوهی از مردم را به صحنه آورد و بدین سان صف‌آرایی جدی‌تری از گذشته شکل گرفت. اگر پاره‌ای خواص چنان نسل جوان و بالنده‌ی حوزه و انبوه مردم رهبری حضرت امام را گردن می‌نهادند، بسا درگیری این دو صف به گونه‌ای دیگر رخ می‌داد. به هر حال، درگیری خیلی زود پیش آمد، در آستانه‌ی رفراندم ۶ بهمن ۴۱، یک روز پیش از آمدن شاه به قم؛ در قم با بهانه‌ای و در تهران با بهانه‌ای دیگر. بدین سان نهضت زمستان سرد و سوزانی را پشت سر گذاشت؛ زمستانی که در آن، اختناق رژیم بر همه‌ی پایگاه‌های روحانیت و مردم سایه‌ای سنگین گسترده بود، چنان که در رمضان نیز فریادها در گلو - مگر در پاره‌ای موارد استثنایی - حبس می‌نمود.

در طلیعه‌ی بهار طبیعت، با پیام تحریم مراجع، جنبش جان گرفت. به ویژه پیام امام در تحریم عید و نیز پاسخ به درخواست حضرت آیت‌الله سید محسن حکیم مبنی بر مهاجرت مراجع به نجف، جهت اتخاذ تصمیمی مشترک، و از همه اثر گذارتر، سخنانی امام در عصر چهارشنبه‌ی پایان سال ۴۱، که روح قیام را در قم دمید. زایرانی که از جای جای ایران - برای حضور در حرم حضرت معصومه (ع) در لحظات تحویل سال نو - همه ساله به قم مشرف می‌شدند، در نوروز ۴۲، قم را دگرگون یافتند و از نهضت روحانیت در برابر رژیم آگاه شدند و از نزدیک یورش نیروهای سرکوبگر شاه به فیضیه را یا تماشاگر بودند یا آثار آن را همان روز و روزهای بعد به چشم دیدند. موج این خبر سراسر ایران را فراگرفت و زمینه را برای آنچه حضرت امام و یاران آگاهش سال‌ها آرزو داشتند فراهم کرد.

هر چند حضرت امام، یورش عمال رژیم به فیضیه را بی‌پاسخ نگذاشت و از همان روز رویداد هرازگاه به بهانه‌ای سوگ فیضیه را فریاد زد؛ اما در واقع فریاد را در گلو بیش از هفتاد روز حبس کرد، تا به هنگام، در واپسین ساعت عاشورا، در حضور ده‌ها هزار عزادار آماده‌ی شهادت آن را بر سر شخص شاه فرود آورد و شکوه دروغینش را در هم بشکند. گویی فریاد عصر عاشورای حضرت امام فریاد مظلومان تاریخ اسلام و ایران است که قرن‌ها در گلوی زمان زندانی زورگویی و اختناق بوده است و اینک به هنگام، با زمینه‌سازی بسیار خردپذیر و سنجیده، آزاد می‌شود و موج می‌افکند و مردمی قرن‌ها چشم به راه، هم اکنون عزیز زندانی خویش را پذیرا می‌شوند و به گرمی آغوش می‌کشایند.

محرم و عاشورای ۴۲، محرم و عاشورایی بود پرشور، که در زمینه‌سازی آن کمتر شهری یافت می‌شد که پیک و پیام حضرت امام را دریافت نکرده باشد. پیامی که دستور زنده کردن عاشورا و تجدید عهد با پیام عاشورا بود. پی‌آمد آن فریاد تاریخی و پرتنین، دستگیری فریادگر بود، با فاصله‌ای اندک، و در پی آن، حماسه‌ی ۱۵ خرداد، با قربانیان بسیار.

خورشید روز دوازدهم محرم سال ۱۳۴۲، بر انبوه پیکرهای به خون خفته تأیید و غروب آن، نه تنها سیاهی شب را در پی داشت که گویی حاکمیت ظلم و ظلمت را در برهه‌ای دیگر از زمان، همراه خشونت و خفقان، مهر تأیید می‌نهاد.

هر چند با دستگیری حضرت امام و تنی چند از عالمان و سخنوران، دیگر مراجع، علما و به ویژه نسل بالنده و جوان حوزه‌ها از پای نشستند، ولی به هر حال چندی آهنگ نهضت شتاب گذشته را از دست داد.

حضور نهضت در پادگان‌های نظامی!

گویی سرنوشت در حماسه‌ی ۱۵ خرداد سهم او را انجام مأموریتی در فضایی دیگر رقم زده بود: فضای پادگان‌های نظامی که در حصار دژی آهنین با مردم بیگانه بود. داستان سربازگیری از حوزه‌ی قم - در پی یورش به فیضیه - را در تاریخ انقلاب جایگاهی است با اهمیت که در این فرصت، ناگزیر باید به اشاره‌ای بسنده کرد و از آن گذشت، با یادآوری این نکته که حضور او را در جمع طلبه‌هایی که در فروردین سال ۴۲ - از حوزه‌ی قم - به سربازخانه اعزام شدند، در مجموع می‌توان بسیار مثبت ارزیابی کرد، با آثاری از این دست: تقویت روحیه‌ی جمع، رسیدن پیام نهضت به اختناق زده‌ترین قشر جامعه؛ چنان که در عاشورای سال ۴۲ شعار مبارزه در جای جای پادگان نظامی عشرت‌آباد نیز در نگاه می‌نشست از این همه ارزشمندتر، اندوخته شدن یکی از نیروهای فعال نهضت برای روزگار غربت انقلاب که در نخستین غیبت رهبری بتواند اثرگذار باشد. نمی‌دانیم، شاید اگر او در نیمه‌ی فروردین تا نیمه‌ی خرداد سال ۴۲ در در سربازخانه نبود، از دستگیرشدگان آن روزها بود و در این صورت، بسا مسائل که دستخوش تغییراتی می‌شد که پس گویی آن بسیار دشوار است. به هر حال، تا نیمه‌ی خرداد در پادگان حضور داشت و بیم آن می‌رفت که برایش پرونده‌سازی سنگینی شود که به هنگام، از سربازخانه گریخت و به جمع علمای مهاجر در تهران پیوست و با شماری از هم‌اندیشان به بهره‌برداری هر چه بیشتر از آن هجرت تاریخی پرداخت. در همین احوال حساس و در حالی که همراه و هم‌گام به شهید دکتر محمدجواد باهنر می‌کوشید تا از حضور و نفوذ مهاجرین بیشترین بهره‌برداری - در جهت اهداف نهضت شود، ناگهان گام در دامی نهاد که در راهش گسترده شده بود و می‌رفت که با عنوان سرباز فراری، متهم به فعالیت‌هایی در بیرون و درون پادگان، به مراجع قضایی نیروهای مسلح سپرده شود و در آن فضای آکنده از خشونت، احیاناً محکومیت سنگینی پیدا کند، که با چابکی و هوشیاری از این دام نیز گریخت و از این پس، چندی به صورت سربازی فراری روزگار را کرانه کرد.

بدین سان فرصتی پیش آمد که کار ترجمه‌ی کتاب سرگذشت فلسطین یا کارنامه‌ی سیاه استعمار را به انجام رساند، کاری کارستان و کارساز و اثرگذار بر بینش سیاسی حوزه از یک سو، و بر برداشت دیگران از فرزندان فیضیه از سویی دیگر. پرونده‌ی او با انتشار این کتاب - پس از چندی که از روزگار تألیف می‌گذشت - شکل گرفت و نخستین احضار و بازجویی به آن راجع است.

(سندهای شماره ۰۰۰۱ تا ۱۵/۲)

به هر حال، در اختناق سال ۴۲، او به عنوان سربازی گریخته از پادگان که دارای پرونده‌ی سیاسی نیز بود، فرصت خوبی برای اندیشه‌ی بیشتر یافت و اوقات فراغت را با تلاش فرهنگی و سیاسی ثمربخشی پر کرد.

حضور دوباره در قم

رفته‌رفته، جو اختناق شکسته شد و رژیم - که اعدام حضرت امام را در مقام مرجعی مقتدر، محبوب و بهره‌مند از پشتیبانی بی‌دریغ اقشار میلیونی مردم، با مصالح سیاسی خود ناسازگار ارزیابی کرده بود - پی‌آمدهای زندانی نگه داشتن، محاکمه و محکومیت وی را نیز ناصواب شناخت و بر آن شد که در جست و جوی راهی برای تحمل و کنار آمدن بکوشد. از آنجا که آزادی ناگهانی نیز چنان موجی از احساسات مردم را می‌توانست برانگیزد که مهار آن بیرون از توان نیروهای رژیم ارزیابی می‌شد، ناگزیر برنامه‌ریزی به گونه‌ای انجام شد که نخست حضرت امام از حبس به حصر منتقل شدند و پس از چندی، شهر قم دیگر بار حضورش را آغوش گشود. در این میان، کابینه‌ی علم نیز سقوط کرد و حسنعلی منصور تشکیل کابینه را مأموریت یافت. در نرمشی که در سیاست رژیم

ضمن اجرای این برنامه پیش آمد، فضای سیاسی دیگری پدید آمد که او با احساس امنیت، در قم حضور یافت و در چنین فضایی مقدمات انتشار سرگذشت فلسطین یا کارنامه‌ی سیاه استعمار فراهم شد. در همین فضای جدید، هم‌اندیشان را فرصتی پیش آمد تا به بحث‌های جدی‌تری پردازند. چنین بود که زمینه‌ای برای شکل‌گیری تشکلی با نام «جمعیت اصلاح حوزه» فراهم شد که هدف اصلی آن بررسی اصلاح جامعه از طریق ایجاد حکومت اسلامی بود.

جشن‌های آزادی امام

ناگهان موج خبر آزادی حضرت امام همه را غافلگیر و هیجان‌زده کرد. رهبری فرزندان فیضیه را در ابراز عواطف و برگزاری جشن‌های آزادی در راستای هدف‌های نهضت، جمعی از بهترین یاران و شاگردان حضرت امام عهده‌دار بودند که او، چونان شمع جمع، روشنی می‌بخشید، هر چند که در آن جمع کوچک، شخصیت‌های برجسته‌ی بزرگ‌تری نیز حضور داشتند. می‌توان گفت که در پی آزادی حضرت امام، در شیفتگان و هواداران برگزیده‌اش، دو گرایش و دو خط سیاسی و فکری پدید آمد:

۱- گروهی به شخص حضرت امام می‌اندیشیدند و استقرارش را در مقام مرجعیت شیعه هدف اصلی می‌پنداشتند، تا آنجا که ناخودآگاه گرایشی به سازش داشتند.

۲. گروهی دیگر، که نهضت اسلامی را اصالت می‌دادند و مسائلی چونان مرجعیت را در جنب آن ارجی - قیاس‌پذیر با نهضت - نمی‌شناختند. در جشن فیضیه، نمودی از این دوگانگی نمودار شد، هر چند که جز شماری اندک از خواص کمتر توجهی به آن داشتند. ابتکار عمل در برگزاری جشن‌ها، به ویژه جشن فیضیه - که از آن به مثابه تمرین تلاش جمعی طلاب و فعالیت تشکیلاتی آنان می‌توان یاد کرد - با گروه دوم بود.

در این میان، ساواک او و شماری از عناصر فعال را شناسایی کرده بود و می‌کوشید اطلاعات خود را درباره‌ی آنان کامل و کامل‌تر کند. (سند شماره ۰۰۰۷)

شور و هیجان و نشاط تاریخی حوزه‌ی قم

سال ۴۳، در تاریخ حوزه‌ی قم، سالی استثنایی است. در فروردین این سال، حوزه با شوری وصف‌ناپذیر حضرت امام را آغوش گشود و جشن‌هایی پرشکوه را در سرتاسر شاهد بود. با فاصله‌ای بسیار کوتاه، درس آغاز شد، با سخنرانی تاریخی و طولانی پر نکته‌ای که در آن، ضمن جمع‌بندی مسائل مبارزه، خط مشی آینده نیز ترسیم گردید. هر چند آن درس پرشکوه را در نگاه دل‌باختگان حضرت امام ارجی فراوان بود، اما هر نهضت، انقلابی در ارزش‌هاست و با نهضت اسلامی نیز ارزش‌هایی نمایش یافت که در برابر آن ارزش‌های گذشته رنگ می‌باخت؛ چنین بود که برای عناصری چونان او ارزش‌های نوین را جاذبه‌ای دیگر بود: نشست‌های خصوصی و ضمن آن، آشنایی‌ها، پیوندها و شناخت‌هایی کارساز برای آینده‌ی نهضت، در هشت ماه اول سال ۴۳ و در نشست‌های خصوصی بیت حضرت امام، چنین پیوندها و آشنایی‌ها را ارزشی کارساز بود، به ویژه پیوند قم با تهران و شناخت‌های بیشتر و بیشتر یاران از همدیگر.

با فرا رسیدن تابستان، درس تعطیل شد، امام حضرت امام که گویی احساس می‌کرد اقامتش در قم چندان نمی‌یابد، از فرصت تابستان نیز بهره‌ای دیگر گرفت و درسی را در منزل عهده‌دار شد، با عنوان «مسائل مستحده» که هر چند محتوای آن را با درس‌های متعارف حوزه فاصله‌ی چندان زیادی نبود. اما عنوان آن را پیامی دیگر بود. در این میان تاریخ انقلاب اسلامی، رمضان‌خاطر‌انگیز در گذرگاه خود داشت؛ بگذریم که در سراسر ایامی که حضرت امام در قم اقامت داشتند، مسجد امام به صورت پایگاه تبلیغی نهضت، همه شب آکنده از انبوه شنوندگانی بود که گویی نمادی بودند از نیازهای نو جامعه و تحول در تبلیغ. سالگرد ۱۵ خرداد نیز فرصتی پیش آورد برای تلاش و تکاپویی دیگر.

مبارزه با آهنگی دیگر

ناگهان موج خبری تازه همه چیز را دگرگون کرد؛ خبر سخنرانی حضرت امام بر ضد لایحه‌ای که موضوع آن را اعطای امتیازی بود به مستشاران آمریکا در ایران. پیش از هرگونه موضع‌گیری، تحقیقات در این زمینه به او واگذار شده بود که در انجام این مهم بعضی از شخصیت‌های سیاسی روز هم‌کاری‌هایی کردند.

پی‌آمد این سخنرانی که هم‌زمان با آن مفصل‌ترین اعلامیه‌ی حضرت امام در گسترده‌ترین سطح در همه‌جا کشور پخش شد، دستگیری بود و تبعید به ترکیه و استقرار حکومت نظامی و فرورفتن کشور در اختناقی بسیار سنگین.

عملکرد رژیم این بار چنان بود که هیچ واکنش فراگیری را فرصت نداد. خشم مردم امکان بروز نیافت و هر فریاد اعتراضی در سینه‌ها حبس شد. از سویی دیگر، در مدت اقامت حضرت امام در قم، برای پاره‌ای بیوت، رنجش‌هایی پیش‌آمد که پی‌آمد آن عدم حضور متحد آنان در صحنه‌ی مبارزه بود. در نتیجه، مسؤولیت رهبری حرکت بر دوش جمعی از عالمان جوان‌تر و فضلالی حوزه سنگینی می‌کرد که او را در میان جمع آنان درخششی چشمگیر بود. چنین بود که کانون‌های مقاومت در قم، تهران و شماری شهرهای دیگر - به گونه‌ای متفاوت با گذشته - شکل گرفت. در قم، شماری از فضلالی برجسته و مدرسان سطح عالی گرد می‌آمدند و نیروهای جوان و بالنده‌ی هوادار و شیفته‌ی حضرت امام را رهبری می‌کردند. نمودی از این جنبش هدایت شده به صورت سخنرانی‌های پی‌درپی، درس‌ها، تشکیل جلسه‌ی دعای توسل در مسجد بالاسر - در حرم حضرت معصومه (ع) - و سر دادن شعار صلوات در مجالس پرجمعیتی که به هر بهانه تشکیل می‌شد، در خاطره‌ها ثبت است. در نیمه‌ی شعبان سال ۴۳ هجری شمسی نیز مجلسی با شکوه در مسجد اعظم قم برگزار شد که نمایشی از حضور نسل جوان و انقلابی حوزه‌ی قم در صحنه‌ی مبارزه بود. از این همه با اهمیت‌تر، بهره‌برداری گسترده‌ی تبلیغاتی از نخستین ماه رمضان پس از تبعید حضرت امام را باید به شمار آورد، به ویژه در تهران و مسجد جامع بازار که به وضوح از فعالیت متشکل گروهی حکایت داشت که با برخورداری از پایگاه مردمی رهبری نهضت را در غیبت رهبر تبعیدی خود توانا بودند. او به رغم نقشی که در پشت پرده عهده‌دار آن بود، در جلساتی نیز حضور آشکار داشت و در سخنرانی‌های نه‌چندان عمومی به روشنگری می‌پرداخت. (سند‌های شماره‌ی ۰۰۱۷ تا ۰۰۲۶/۲)

صفیر گلوله‌ی بخارایی

در این میان، موج خبر قتل نخست‌وزیر رژیم، حسنعلی منصور، فضای سیاسی کشور را دگرگون ساخت و جوی تازه پدید آورد که گویی آمیزه‌ای بود از شادی، غرور، بهت، نگرانی، ابهام و نیز خشم و خشونت جنون‌آسا؛ در همین فضای نوین، بر حسب تصادفی، نیروهای وفادار نهضت را فرصت نمایشی باشکوه فراهم شد، با بهانه‌ی تجلیل از عالمی کهن سال و شیفته‌ی نهضت و حضرت امام. خیل عظیم هواداران نهضت در تهران، در حالی که به مراسم تشییع جنازه‌ی آیت‌الله فومنی شتافتند که زخم نخست‌وزیر تیرخورده‌ی رژیم، دل‌های جریحه‌دارشان را مرهمی شده بود و در جرقه‌ای آشنا روزنه‌ای را چشم دوخته بودند که آینده‌ای روشن را در نگاه می‌نشانند.

پی‌آمد قتل منصور، تهاجمی گسترده بود به نیروهای نهضت و موجی فزاینده از دستگیری؛ در همین شرایط او که خطرهایی تهدیدش می‌کرد - با همکاری شماری از هم‌زمان - در تدارک فراهم کردن نامه‌ای سرگشاده به هویدا (نخست‌وزیر جدید که از سوی رژیم هدایت کشور در بحران به او سپرده شده بود) بودند و برگزارای سالگرد یورش به مدرسه‌ی فیضیه، با چنان شور و هیجانی که حساسیت مأموران اطلاعاتی رژیم را بیش از پیش جلب می‌کرد (سند‌های شماره‌ی ۰۰۲۷/۱ تا ۰۰۳۷) و هر روز برگی به پرونده‌اش می‌افزود.

دستگیری نگران‌کننده!

خبر دستگیری او - به تاریخ ۴۳/۱۲/۱۱ - موجی از نگرانی هواداران نهضت را در شعاعی گسترده در پی داشت. هیچ کس باور

نداشت که به فرض رهیدن او از خطر اعدام، به این زودی‌ها، حضورش در صحنه مبارزه و بیرون از زندان تجدید شود. همه بر این باور بودند که - در خوشبینانه‌ترین فرض - سالیانی دراز، جای هاشمی رفسنجانی را در محافل خود خالی بینند. پی‌آمد دستگیری او، آمیزه‌ای بود از نگرانی، اندوه و نیایش، همراه با هرگونه تلاش که از آن امید نتیجه‌ای می‌رفت. در همین حال، بازجویی با سخت‌ترین شکنجه‌های رایج آن روزگار آغاز شده بود و جلسات آن پی‌درپی ادامه داشت.

هر چند تلاشی گسترده برای فشار بر رژیم - با بهره‌گیری از اهرم‌هایی که هواداران نهضت در اختیار داشتند - برای رهایی او انجام می‌شد، اما اگر دو عامل اساسی نبود، اثرگذاری این تلاش‌ها بسیار اندک بود:

۱. هوشیاری او در همه‌ی مراحل بازجویی.

۲. فشار شخصیت‌های ذی نفوذ بر رژیم.

این دو عامل بیش از هر چیز در رهایی او نقش داشتند. (سند‌های شماره‌ی ۰۰۳۸ تا ۰۰۷۷) به ویژه شادروان آیت‌الله حکیم را نباید در تسریع آزادی او بدون محکومیت نادیده گرفت. با این همه، دو عامل پیش گفته نقش اصلی و درجه‌ی اول داشتند. (سند‌های شماره‌ی ۰۰۶۹/۱ و ۰۰۶۹/۲)

آزادی از زندان

خبر آزادی او از زندان - به تاریخ ۴۴/۴/۱۴ موعی از شادی برای هواداران نهضت، به ویژه در قم و تهران، به ارمغان آورد و حضور مجددش در صحنه مبارزه - در مقطعی بسیار حساس چنان نشاط‌آور و دلگرم کننده بود که قلم از تصویر آن ناتوان است.

پس از آزادی

گزارش‌های گزارشگران ساواک، به وضوح بیانگر واقعیت است که دستگیری، شکنجه و زندان، او را جز تجربه، هوشیاری و پایداری نیفزود. از همان دم که گام از زندان بیرون نهاد، چونان پولادی آبدیده، با عزمی استوارتر از گذشته، راه مبارزه را پی گرفت. (سند‌های شماره‌ی ۰۰۷۷ تا ۰۰۸۶) نه تنها در محافل خصوصی، که در مجامع عمومی نیز - در سخت‌ترین شرایط اختناق - با گفتار و رفتار، ضربه‌هایی بس کوبنده بر هیولای بیم فرود می‌آورد و به هواداران نهضت روحیه و نشاط می‌داد. (سند شماره‌ی ۰۰۸۴)

نگاهی به فضای جامعه در سال ۴۵

اینک فرصتی است مناسب برای بررسی فضای سیاسی ایران، در سال ۴۵. رژیم در سیاست خارجی، بیش و کم از مشکلاتی رنج می‌برد، هر چند که چندان انعکاسی نداشت:

از یک سو، به نظر می‌رسید که هویدا در برقراری موازنه و جلب رضایت شوروی - با خریدهای تسلیحاتی - اندکی زیاده‌روی کرده است. از سوی دیگر، در جریان جنگ اعراب و اسرائیل، موضع آمریکا پسند رژیم عواطف مذهبی مردم را سخت جریحه‌دار کرده بود. در همین حال، تشنج در روابط سیاسی ایران و عراق به اوج رسیده بود، که نمودی روشن از امداهای غیبی برای نهضت ارزیابی می‌شد. چه، با نبودن چنین تشنجی فشارهای بیشتری بر حضرت امام و حواریونش در نجف سنگینی می‌کرد. کودتاها و ضد کودتاها عراق را نیز اگر با چنین دیدگاهی بررسی کنیم، خالی از لطف نیست.

در همین حال، سرکوبی نهضت آهنگ بسیار تندی داشت و در همان روزهای اول سال، قم شاهد یورش سخت و دستگیری‌هایی گسترده بود که پی‌آمد پاره‌ای واکنش‌ها تشکیل کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی بود، در ساعت ۹ صبح روز ۴۵/۲/۳ و امضای حکم تبعید

شماری از عناصر پی‌گیر و فعال، و دستور مراقبت بیشتر، بر اعمال شماری دیگر. (سند ۰۰۸۹/۱ و ۰۰۸۹/۲)

کشف جمعیت سری اصلاح حوزه

در چنین فضایی اساسنامه‌ی جمعیتی در قم به دست رژیم افتاد که حساسیت دستگاه اطلاعاتی و امنیتی را بیش از پیش برانگیخت و متواری شدن او را در پی داشت.

(برای آشنایی با جزئیات بیشتری در این زمینه، ر.ک به نشریه‌ی یاد، شماره‌ی ۲۰، صفحات ۱۰ تا ۱۹) شگفتا که در همان شرایط نیز از هر فرصتی برای روشننگری به سود نهضت بهره‌برداری می‌کرده است. (سند شماره ۰۰۹۸)

به هر حال، بخش عمده‌ای از سال ۴۵ را به دلیل کشف اساسنامه‌ی جمعیت سری - که از پایگاه‌های مهم نهضت به شمار می‌رفت - متواری بود، که سرانجام بر آن شد رحل اقامت از قم به تهران افکند. (سند‌های شماره‌ی ۰۰۸۷ تا ۰۱۰۳). تألیف کتاب امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار ثمره‌ی درخشانی است از نخستین ماه‌های اقامت در تهران با یک زندگی نیمه مخفی.

ارزشمندترین دست‌آورد این زمان تحکیم بیش از پیش دوستی و صمیمیت اوست با مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای؛ هرچند که این دوستی بر سابقه‌ای دور استوار بود، با این همه زندگی مشترک چند ماهه، به صورت نیمه مخفی، در تحکیم پایه‌هایش نقشی ماندگار داشت.

نیمه‌ی اول سال ۴۶

رفته‌رفته، تداوم زندگی نیمه مخفی در تهران کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر و تبدیل به زندگی عادی می‌شد. چنان که از ۴۶/۴/۱۰، سخنرانی‌های هفتگی او در مسجد موسی بن جعفر - که از پایگاه‌های پرآوازه و مهم نهضت در جنوب تهران بود - موجی گسترده پدید آورد و آن پایگاه را بیش از پیش رونق بخشید. مکتب حسین نیز از نخستین محافلی است که سخنرانی‌هایش را - در این احوال - آغوش گشود. (سند شماره‌ی ۱۰۶/۱ تا ۱۱۷). گویی ساواک نیز در دستگیری مجدد او در آن روزها از شتاب‌زدگی پرهیز داشت؛ نمی‌دانیم، چه بسا ساواک امید داشت که با تعقیب و مراقب به سر نخ‌هایی دست یابد. این در شرایطی بود که نهضت به حضور او در تهران سخت نیازمند بود، هم از نظر فرهنگی و هم فراتر از آن، از نظر سیاسی. چنان که می‌توان پیدایش کانون‌ها و پایگاه‌هایی مانند مدرسه‌ی رفاه و جلسات متشکل روحانیت مبارز را از ثمرات آن برشمرد. ساواک نیز با حساسیت در تعقیب و مراقبت از او فعال بود و هرازگاه برگی به پرونده‌اش افزوده می‌شد. (سند شماره‌ی ۰۱۱۸ تا ۰۱۲۸) بگذریم که در شرایط پنهان کاری گامجای تلاش‌ها بیشتر گم می‌شود و کمتر سرنخی از آن به دست رژیم می‌افتاد.

جشن‌های تاجگذاری

در نیمه‌ی دوم سال ۴۶، برگزاری جشن‌ها تاجگذاری بهانه‌ی دیگری شد برای سرکوبی و خشونت بیشتر، هم در واکنش نسبت به تحرکات تازه‌ی نهضت و موضع‌گیری‌های حضرت امام در نجف، و هم به عنوان پیش‌یری از فعالیت‌های قابل پیش‌بینی. چنین بود که نمایندگان حضرت امام در قم تبعید شدند و کتابخانه‌ی معظم له نیز غارت شد.

در چنین فضایی، اعلامیه‌ای با عنوان عزایی به نام جشن منتشر شد که در پی‌گیری آن گامجایی از او کشف شد و به دستگیری مجددش به تاریخ ۴۶/۸/۲۰ انجامید و بار دیگر بازجویی‌ها آغاز شد، هر چند نه به خشونت بازجویی‌های گذشته. این بار نیز پایداری و هوشیاری او کارسازی بسیار داشت، گرچه محکومیتی نه چندان زیاد پی‌آمد این دستگیری بود. (سند شماره‌ی ۰۱۲۹ تا ۰۱۶۳).

اینک فرصتی است مناسب تا از نقش شخصیتی چون شادروان آیت‌الله سید احمد خوانساری در چنین رویدادهایی یاد شود. (سند شماره ۰۱۳۹) تا فراموش نکنیم که هر چند خط مشی سیاسی چهره‌هایی چون او با مشی سیاسی روحانیت مبارز متفاوت بوده است، اما پیوندی مشترک و مستحکم را در این میان، باید مانع گسستگی این مجموعه ارزیابی کرد.

سال ۱۳۴۷، در یک نگاه

فشار روزافزون رژیم، هر چند نیروهای مبارز را در تنگنایی سخت قرار می‌داد، با این همه، در همین تنگنا نیروها پالایش می‌شدند.

در این پالایش طبیعی، همچنان تنها عناصری به نهضت وفادار می‌ماندند که شخصیتی استوار داشتند. چه جای تردید که باید یک مبارز را با چنین ویژگی، از هزاران تماشاچی متزلزل ارزشمندتر داشت. چنین بود که در سخت‌ترین شرایط اختناق که نمایندگان حضرت امام در قم، چونان دیگر استوانه‌های نهضت، تبعید و زندانی بودند و مدارس علوم دینی - از جمله مدرسه‌ی حاج ابوالفتح تهران - با دسیسه‌ی سازمان اوقاف آلت دست ساواک به حال تعطیل در آمده بود، آری در فضایی چنین، عناصر وفادار به نهضت، هیچ فرصتی را در تعقیب هدف‌های مبارزه نادیده نمی‌گرفتند. از درج آگهی تسلیت و برگزاری مراسم یادبود، تا مجالس سوگ و سرور اهل بیت (سند‌های شماره‌ی ۱۸۰، ۰۱۷۵، ۰۱۶۵، و نیز سند ۰۱۶۴) از ورزشگاه امجدیه (دو سال بعد مسابقه‌ی فوتبال بین ایران و اسرائیل بهانه‌ای برای ابراز احساسات شدید بر ضد اسرائیل شد.)، تا مراسم مذهبی باشکوه و جهان شمول حج (همه سال پیام حضرت امام در حج پخش می‌شد. سال ۴۷ با توجه به سفر شاه و حضورش در مراسم حج، این اقدام مفهوم دیگری داشت.)، از کمک به زلزله‌زدگان خراسان، تا امداد مبارزان فلسطین - که بدین منظور حسابی با امضای حضرات آیات علامه‌ی طباطبایی، شهید مطهری و سید ابوالفضل موسوی زنجانی افتتاح و رسماً اعلام شده بود. در همین زمان، کودتای حزب بعث را در عراق که طی آن حسن البکر رییس جمهور شد، در مجموع باید - در آن شرایط - به سود نهضت ارزیابی کرد.

تبدیل جلسات مذهبی به پایگاه مبارزه

هر چند که سیاسی شدن مساجد و حسینیه‌ها را از پی آمده‌های حماسه‌ی ۱۵ خرداد - در همه جای کشور - باید به حساب آورد، اما حضور او در تهران فصل دیگری است از این داستان:

از مسجد قائمیه در پل سیمان و جلسه‌ی قرائت قرآن در حسین آباد بی‌بی زبیده - جنوبی‌ترین نقطه‌ی تهران - تا جلسات پی‌درپی و پرشور هیئت انصار الحسین (سند‌های شماره ۰۱۶۷ تا ۰۲۶۰/۱، ۰۲۵۵/۲ تا ۰۳۵۳/۰) و مسجد هدایت (سند ۰۳۰۵/۱ تا ۰۳۱۷/۰) - در مرکز شهر - تا حسینیه‌ی ارشاد در شمال تهران، (سند‌های شماره‌ی ۰۲۵۷/۱ تا ۰۲۵۸/۰ و ۰۲۹۵/۱ تا ۰۲۹۵/۲، ۰۳۳۱/۱ تا ۰۳۳۱/۲)، همه جا مردم با عشق و عطش از سخنرانی‌هایش استقبال می‌کردند و امید می‌گرفتند. این جلسات لبریز از شور و نشاط تا چندی، به رغم ممنوع المنبر بودن او پی‌گیری‌های ساواک (سند شماره ۰۳۳۳-۰۳۳۸)، ادامه داشت. گفتنی است این سخنرانی‌ها از دو نظر - در آن سال - مهم و ارزشمند بود:

۱. از نظر سیاسی، که نقش آن در فروزان داشتن آتش مبارزه، بی‌نیاز از هر توضیح است.

۲. از نظر فرهنگی، با توجه به حضور جدی‌تر سازمان‌های مخفی و متشکل وابسته به مارکسیست‌ها و جریان کمونیستی در صحنه، و ترویج ایدئولوژی الحادی در میان نسل جوان.

پیوند با دانشجویان مبارز خارج کشور

تلاش در تحکیم و تعمیق پیوند با نهادها و نیروهای مبارز در فراسوی مرزها - که فراهم شدن زمینه‌ی آن از ارزشمندترین دست‌آوردهای حماسه‌ی ۱۵ خرداد است - فصلی دیگر از کارنامه‌ی اوست، هر چند انعکاس آن در گزارش‌های ساواک بسیار کم‌رنگ است (سند‌های شماره‌ی ۰۳۲۰ تا ۰۳۲۱/۵ و نیز ۰۳۴۳ تا ۰۳۴۴)، و از آن کم‌رنگ‌تر - که بسا ردیابی آن جز در بایگانی‌های خاطره‌ها امکان‌پذیر نباشد - پیوند اوست با نهادها و سازمان‌هایی که در آن روزگار پرچمدار مبارزه با اسرائیل بودند.

جمع‌بندی مسائل عمده‌ی نهضت در سال ۴۸

با هوشیاری و متانت حضرت امام از یک سو، و روند تحولات ایران و عراق از دیگر سو، پیش‌بینی‌های کارشناسان ساواک تحقق نیافت و سرنوشت، رهبر نهضت اسلامی را بر بلندای مرجعیت جای داد. آنچه در این سال بر ابهت و شکوه حضرت امام می‌افزود، موضع‌گیری‌های بهت‌آورش در دفاع از آیت‌الله حکیم و ایرانیان مقیم عراق بود که از سوی حزب بعث مورد اهانت و آزار بودند. آتش‌سوزی مسجدالاقصی در این سال احساسات هواداران نهضت اسلامی را شعله‌ور ساخت. در همین حال، جدایی روحانیت

سنتی از نهضت و راه امام، که هر روز نمایان و نمایان تر می‌شد، به جریاناتی دیگر فرصت حضور بیشتر و بیشتر در صحنه مبارزه می‌داد؛ جریاناتی که در براندازی رژیم با نهضت اسلامی هم سویی داشتند، در حالی که برای آینده‌ی کشور خواب و خیال‌هایی دیگر می‌پروراندند. در این میان، عالم‌نمایی که ترس خود را از رژیم با توجیهاتی چونان دفاع از ولایت سرپوش می‌نهادند، روحانیت مبارز را تخطئه و تضعیف می‌کردند؛ این همه در حالی بود که نشانه‌های ظاهری بیانگر استواری رژیم بود، با موقعیت بسیار مطلوبی از نظر سیاست خارجی و روابط بین‌الملل.

طرح شعار حکومت اسلامی

در جمع‌بندی آنچه اشارتی رفت، تصویری از مسائل سال ۴۸ در نگاه می‌نشیند که مواضع و عملکرد حضرت امام را جلوه و درخششی ویژه می‌دهد:

حضرت امام از یک سو با فرود آوردن نهیب فریاد بر سر عالم نمایان مخالف مبارزه - با عنوان روحانیون درباری - به تقویت روحانیت مبارز می‌پردازند، از سوی دیگر، با طرح شعار حکومت اسلامی - با عنوان ولایت فقیه - بر سینه‌ی خیل نامحرمانی که بیم آن می‌رفت که در صفوف مبارزان رخنه کنند دست رد می‌زنند و همچنان با طرح بحث‌های اخلاقی، معنویت مبارزه را مورد تأکید قرار می‌دهند و در تضعیف گرایش به مادیگری - که در آن روزها آفت نهضت بود - می‌کوشند. و او سخت می‌کوشید که با آنچه در آن روزها بر ایران می‌گذشت، کاستی‌ها را جبران کند، جای خالی رفیق‌های نیمه راه را پر کند، نسل جوان را یاری دهد و آتش مبارزه را با کمک در پخش پیام‌های رهبر، فروزان نگه دارد. این همه، در شرایطی بود که عوامل اطلاعاتی رژیم با همه‌ی امکانات، او را در منظر خود داشتند و می‌کوشیدند هر گام‌جایش را با صد نگاه پی گیرند. (سند شماره‌ی ۰۳۵۳ تا ۰۳۷۷).

او نیز از یک سو در هدایت نیروها و پیش‌گیری از سوءاستفاده‌ها، به هر بهانه و با هر شعار، می‌کوشید (سند شماره ۰۳۷۸/۱ تا ۰۳۸۱/۲)، و از سوی دیگر با حضور در جلسه‌های تشکل یافته‌ی روحانیت مبارز در جهت گسترش و تقویت جبهه‌ی هوادار نهضت و امام تلاش می‌کرد. (سند شماره‌ی ۰۳۸۲ تا ۰۴۲۶/۲) هم زمان با سخنرانی‌های پی‌درپی در مسجد هدایت، هیئت انصارالحسین، جلسه‌های خصوصی و مسجد همت تجریش - که رفته‌رفته، به صورت پایگاه دیگری برای نهضت در آمده بود - حضور نسلی نو و بالنده را در فرازی حساس از تاریخ پاسداری می‌کرد. (سند‌های شماره‌ی ۰۴۲۸/۱ تا ۰۴۹۰) به این همه، باید تلاش‌های ظریف‌تری را افزود که نیازهای نو به نو مبارزه زمینه‌سازشان بود و می‌بایست چنان انجام شود که نه تنها از چشم و گوش دشمن و عناصر مشکوک، که حتی از چشم و گوش بسیاری از دوستان، پنهان باشند؛ در این مورد به نمونه‌ای بسنده می‌شود که از آن انعکاسی کم‌رنگ در اسناد به جای مانده است، و بیش از این را تنها باید از بایگانی خاطره‌ها فرا کشید:

در پی طرح بحث ولایت فقیه در نجف، نخستین گامی که برای تکثیر جزوه‌های آن برداشته شد، با اطلاع و حمایت بی‌دریغ او بود. با این همه، واکنش او در جلسه‌ی دوستان صمیمی چنان بود که گویی کمترین اطلاعی در این زمینه ندارد. (سند‌های ۰۴۷۲/۱ و ۰۴۷۲/۲).

نگاهی به فضای سیاسی کشور در سال ۴۹

سال ۱۳۴۹ هجری شمسی، شاهد رویدادهایی است که هر یک بیش یا کم، بر روند و سرنوشت نهضت اسلامی در کشورمان اثر گذاشته‌اند. اهم این رویدادها را می‌توان چنین برشمرد:

۱. درگذشت جمال عبدالناصر و انتخاب انور سادات به ریاست جمهوری مصر.

۲. برقراری مجدد روابط سیاسی مصر با ایران، اندکی پیش از درگذشت ناصر.

۳. زمامداری حافظ اسد در سوریه، در پی کودتای بی‌خونریزی.

۴. حضور گسترده‌ی سرمایه‌گذاران آمریکایی در ایران که شهادت آیت‌الله سعیدی را به دنبال داشت.

۵. رحلت آیت‌الله العظمی حکیم در عراق که هواداران حضرت امام را بر آن داشت تا بی‌پروا تر از گذشته، در جهت ترویج مرجعیت حضرت امام تلاش کنند و واکنش رژیم و تبعید تنی چند از مدرسین قم را در پی داشت و حساسیت بیشتر نسبت به پایگاه‌های نهضت در تهران و تبعید و دستگیری شماری از چهره‌های برجسته‌ی روحانیت مبارز.

نقش مهم جلسه‌ی روحانیت مبارز

از اولین سال‌های حضور او در تهران تشکلی در میان شماری از روحانیون هوادار نهضت شکل گرفت که کانون مقاومتی بود در بدترین روزهای اختناق، با جلسه‌های هفتگی. می‌توان گفت که نقش این جلسه‌ها در بهره‌برداری از مجالس یادبود آیت‌الله العظمی حکیم و رودرویی با جبهه‌ای از روحانیت سنتی که خواهان انزوای حضرت امام بودند، بر روند و سرنوشت نهضت بسیار مهم و اثرگذار بوده است. (سندهای شماره‌ی ۱/۴۹۸ تا ۲/۵۰۴) از این پس رژیم با حساسیت بیشتری، حضور او را در پایگاه‌های چونان هیئت انصارالحسین پی‌گیری می‌کرد. (سندهای شماره ۰۵۰۷ و ۰۵۰۹) با این همه، نه تنها او فعالیت گذشته را ادامه می‌داد، حتی در سنگرها و پایگاه‌هایی جدید حضور می‌یافت که در این میان، نقش وی را در محال دانشگاهی و نیز حسینی‌ی ارشاد، با دقت بیشتری باید بررسی و تحلیل کرد. (سندهای شماره‌ی ۱/۵۲۴ تا ۲/۵۷۲).

موج مبارزه‌ی مسلحانه

سال ۱۳۵۰، نقطه‌ی عطفی است در تاریخ انقلاب اسلامی ایران. با نگاه به گذشته و بر پایه‌ی جمع‌بندی پی‌آمدهای حماسه‌ی ۱۵ خرداد، اینک می‌توان گفت:

گروه‌های مسلح و متشکل، با محوریت دو سازمان نیرومند به نام سازمان مجاهدین خلق و سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، و - در غیاب حضرت امام - با داعیه‌هایی، ناگهان در صحنه حضور یافتند، با گزینش سنجیده‌ی زمانی مناسب؛ زمانی که رژیم، برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله را در سطحی گسترده تدارک می‌دید. هر چند که این حرکت در روند انقلاب به سرنوشتی اسفبار دچار شد؛ اما در تلحیل آن باید پژوهشی گسترده صورت گیرد که در حوصله‌ی این دفتر نیست؛ با این همه، جنبش مسلحانه در آن جو خشونت و اختناق، چنان جاذبه‌ی نیرومندی داشت که از نسل جوان دل می‌ربود و چشم و گوشش را بر هر نغمه‌ی مخالف فرومی‌بست. به ویژه که در غیاب حضرت امام و با فشارهای رژیم، میدان برای مقابله‌ی با آن خالی مانده بود. شمار شخصیت‌های روحانی که به مبارزه وفادار مانده بودند اندک می‌نمود، هر چند که خیل فرزندان فیضیه را دل در گرو عشق امام بود. بگذریم که کسانی هم از پشت یاران را خنجر می‌زدند. اگر بخواهیم تصویر روشن‌تری از فضای آن روزها ارائه کنیم، می‌توان اشاره‌ای کرد به داستان بازگشت آیت‌الله شهید دکتر بهشتی و جوسازی و وحشتناکی که به بهانه‌ی برخی اظهارنظرهای وی - هم سو با کتاب مسأله‌ی حجاب آیت‌الله شهید مطهری - در حسینه‌ی ارشاد، ترتیب یافت. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. مثال دیگری که فضای آن روزها را تا حدودی در نگاه می‌نشانند، دشوارهایی است که در برگزاری مراسم یادبود مهندس پسندیده - فرزند آیت‌الله پسندیده - برای هواداران نهضت پیش آمد.

اما و اگرهای تاریخ

واقعیت این است که در تاریخ، پس‌بینی آسان‌تر از پیش‌بینی نیست. به راستی اگر در آن روزها پایگاه‌هایی چونان هیئت انصارالحسین، مسجد هدایت، مسجد الجواد، حسینی‌ی ارشاد... نسل جوان و شیفته‌ی انقلاب را پذیرا نمی‌بودند، یا شماری انگشت‌شمار چونان او به نهضت وفادار نمی‌ماندند، چه پیش می‌آمد؟ پاسخ به پرسش‌هایی از این دست، بسیار دشوار است.

به هر حال او می‌بایست بار سنگینی را - که بسیاری از برداشتن آن شانه خالی کرده بودند - به دوش می‌کشید. چنین بود که هم زمان، دو گونه تلاش ناسازگار را تن می‌داد.

۱. تلاش‌های پشت پرده که ردیابی آن جز در لابلا‌ی اسناد و - بیش از آن - در پرده‌ی خاطرات، امکان‌پذیر نیست. (سندهای

شماره‌ی ۰۵۷۵/۱ تا ۰۶۰۳/۱، ۰۵۹۷، ۰۵۸۱، ۰۵۷۶ و ۰۶۰۷/۱، ۰۶۰۶/۲ و ۰۶۱۰/۱ و ۰۶۰۷/۲ و ۰۶۲۷/۱، ۰۶۲۰، ۰۶۱۳، ۰۶۱۰/۲ و ۰۶۳۵/۱، ۰۶۲۷/۲ و ۰۶۳۷/۱، ۰۶۳۵/۲، ۰۶۴۷/۱ و ۰۶۳۷/۲: ۰۶۴۷/۲، ۰۶۵۲ و ۰۶۳۷/۲).

۲. تلاش‌های آشکار که در این سال بیش از پیش در اوج بود، چنان که بهار این سال با سخنرانی در رفسنجان - با بهره‌گیری از فرصت تعطیلات عید - آغاز می‌شود. (سند‌های شماره‌ی ۰۵۷۴/۱ و ۰۵۷۴/۲) و به رغم حساسیت رژیم - به خاطر برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله و پیش‌بینی کارشکنی‌هایی از سوی انگشت‌شمار عناصری چونان او، (سند‌های شماره‌ی ۰۶۳۰/۱، ۰۶۲۲، ۰۶۱۶ و ۰۶۳۰/۲). و به رغم، ممنوع‌المنبر شدن وی (سند‌های شماره‌ی ۰۵۹۴ و ۰۵۹۵ و ۰۶۰۲) همچنان در مجالسی چون هیئت انصارالحسین، مسجد هدایت، مسجد الجواد و غیره حضور می‌یابد و علاوه بر آن به شهرهای همدان (سند‌های شماره‌ی ۰۶۰۰/۱ و ۰۶۰۰/۲)، قزوین (سند‌های شماره‌ی ۰۶۳۱/۱) تا

۰۶۳۴/۲ و اصفهان (سند‌های شماره‌ی ۰۶۱۴ تا ۰۶۱۵ و ۰۶۱۹) نیز سفر می‌کند و خشم رژیم را بیش از پیش برمی‌انگیزد. هر یک از این سخنرانی‌ها را مزاح‌هایی چون احضار و بازداشت پی‌آمد بود. هر چند به زندان نینجامید. در این میان، تنها در اصفهان با خشونت بیشتری برخورد شد، که چند روزی زندان آن شهر را هم تجربه کرده است. دستگیری مجدد

سرانجام، بار دیگر به تاریخ ۵۰/۷/۱۴ دستگیر و به زندان قزل قلعه سپرده می‌شود که دیگر بار، موجی از نگرانی دوستان را در پی دارد و هر هفته، خیل هواداران نهضت در پایگاهی چند - به ویژه هیئت انصارالحسین - جای او را با حسرت و تأسف خالی می‌دیدند.

برای، بازجویی، شکنجه و تهدید، به هیچ وجه تازگی ندارد، و با هوشیاری این مرحله را نیز می‌گذراند. (سند‌های شماره ۰۶۵۳ تا ۰۶۸۵/۲).

روند مبارزه در سال ۵۱

در سال ۵۱ که رژیم شاه به ظاهر موقعیت مطلوبی از نظر سیاست خارجی داشت، چنان که می‌توان گفت - صرف نظر از تشنج در روابط ایران و عراق و برخی کشورهای عربی هم جوار - مشکل عمده‌ای دیده نمی‌شد، در همین حال، مشکلات حادی در کشور نمودار بود. در این سال، ۱۳۰ مورد انفجار مهم، ۱۲ زد و خورد خیابانی، ۸ مورد اعدام فردی و گروهی و صدها مورد دستگیری سیاسی، فضای سیاسی کشور را دگرگون کرده بود. دانشگاه‌ها ناآرام بود، به ویژه شورش در دانشگاه تبریز، رژیم را با موجی از نگرانی در تنگنا گذاشته بود. فیضیه نیز صحنه‌ی تظاهرات مکرر و چشمگیرتر از گذشته بود که در پی آمد آن - گذشته از دستگیری شماری از فضلا و طلاب - می‌توان به سربازگیری طلاب اشاره کرد. ترور سرتیپ طاهری و مرگ سرهنگ مولوی در ساحنه‌ی هوایی، موجی از شادی - به ویژه در تهران - به دنبال داشت انفجارهای پی‌درپی در جریان سفر نیکسون به تهران خشم رژیم را برانگیخته بود.

برای کسانی مانند او که مبارزه با رژیم را جدی گرفته بودند، چنین تحولی، بسیار مهم ارزیابی می‌شد و طبیعی بود که از پاره‌ای کاستی‌ها - در سازمانی که در این تحول نقش عمده را داشت، هر چند که زمینه‌ی اصلی آن را حماسه‌ی ۱۵ خرداد فراهم کرده بود - با اغماض بگذرند و به حل و جبران آن بکوشند و امیدوار باشند. از سوی دیگر، انحراف‌های فکری سازمان، در آغاز چندان آشکار نبود و شماری از سران، در ظاهر سازی و ریاکاری، بسیار چیره‌دست بودند. چنین بود که با پیش زمینه‌هایی از گذشته، زندان قزل قلعه در واپسین ماه‌های سال ۵۰ و نخستین ماه‌های سال ۵۱، زمینه‌ای برای ارزیابی او از موج نوین و مبارزه‌ی مسلحانه شد، با نگاهی در مجموع مثبت که حمایت مشروط وی از این جریان را در پی داشت؛ هر چند که از این حمایت سوءاستفاده‌های ناجوانمردانه‌ای شد، ولی نمی‌توان این واقعیت آشکار را منکر شد که در تقویت نهضت اسلامی نیز، این جریان بی‌تأثیر نبوده است

که ارزیابی آن، موضوع پژوهش و تحلیلی است پیچیده و ظریف، به دور از تنگ‌نظری و تعصب.

او بار دیگر به زندان افتاد، مدت این زندان، چیزی کمتر از یک سال بود: دو ماه در اوین قدیم، دو ماه در قزل قلعه و چند ماه در زندان عشرت‌آباد. هر یک از این مراحل دست‌آوردی داشت، در اولین و در سلول انفرادی که فرصت هیچ کاری نبود، حدود نیمی از قرآن را حفظ کرد.

ماه‌های نخستین از سال ۵۱ را در زندان قزل قلعه پشت سر گذاشت و پس از آزادی، از همان لحظه‌ی نخست (سند‌های شماره ۰۶۸۶ تا ۰۶۸۷) با احساس مسئولیت سنگین در شرایط حساس جدید - بی‌پروا به تلاشی جدی‌تر از گذشته پرداخت، چنان که حساسیت رژیم را بیش از پیش برانگیخت. و بار دیگر دستگیری او را آهنگ کردند. (سند‌های شماره‌ی ۰۶۸۸ تا ۰۷۳۸/۲) و چند هفته پس از آزادی در رفسنجان بازداشت و پس از چند روز تحمل زندان در کرمان به قزل قلعه در تهران منتقل شد و چهل و پنج روز دیگر در زندان انفرادی ماند. در همین دوره‌ی کوتاه زندان، یادداشت‌های ارزشمندی در موضوع «اشرافیت در قرآن» با استفاده از قرآن که تنها مونس او در زندان بود تهیه می‌کرد. پس از رهایی، در حالی که نامش در ردیف اول لیس ممنوع المنبرها بود، (سند شماره ۰۷۴۰)، تلاش می‌کرد تا از فرصت رمضان به سود مبارزه بهره‌برداری شود (سند شماره‌ی ۰۷۴۸)، و خود نیز از مجامعی برای سخنرانی استفاده می‌کرد (سند‌های شماره‌ی ۰۷۵۷ و ۰۷۶۴/۱ تا ۰۷۹۷/۲)، علاوه بر حضور مستمر در جلسه‌های هم‌اندیشان، پس از تعطیل جلسه‌ی گذشته، به دلیل اطلاع از رخنه کردن عوامل ساواک در آن. (سند‌های شماره‌ی ۰۷۶۵/۱ و ۰۷۶۵/۲). سرانجام، ناگزیر سخنرانی در مجامع عمومی - به ویژه هیئت انصار الحسین - را به دیگران وانهاد (سند شماره‌ی ۰۷۹۸/۱ و ۰۷۹۸/۲)، و خود تلاش‌های اساسی‌تری را عهده‌دار شد.

موج گسترده‌ی تبعید مدرسین قم، در پی تعطیل پایگاه‌های نهضت در تهران

هرچند موقعیت رژیم در سیاست بین‌المللی بیش از پیش تثبیت شده ارزیابی می‌شد و تلاش وزارت خارجه در ایجاد موازنه در سیاست خارجی موفقیت‌آمیز به نظر می‌رسید، با این همه، موج فزاینده‌ی ناراضی‌گری در نسل جوان دانشگاهی و پیوند معنوی نسل نو حوزه با دانشگاه و اتحادشان در گرایش به براندازی رژیم، به صورت مشکلی سیاسی و اساسی نمایان شد. در این میان، جنگ اعراب و اسرائیل و پی‌آمدهای آن، این مشکل را بغرنج‌تر و پیچیده‌تر کرد؛ چرا که، با همه‌ی تلاش تبلیغاتی رژیم در جهت القای این باور که شاه را نقشی است میانجی‌گرانه و اصلاح‌گرایانه، تبلیغات نهضت، شاه و اسرائیل را در یک جبهه قلمداد می‌کرد و موج عواطف اسلامی را بر ضد آن برمی‌انگیخت. در همین شرایط، موضع‌گیری مردم در حمایت از مبارزان فلسطین، موجی شکننده را به سوی رژیم گسیل می‌کرد. افزون بر این همه، آنچه در این سال افغانستان پیش آمد و پی‌آمدهای قابل پیش‌بینی آن نیز برای رژیم خالی از نگرانی نبود. افزایش نرخ نفت هم در این سال واکنش‌ها و پی‌آمدهای داشت که در تحلیل سیاست خارجی و داخلی ایران در آن زمان نباید نادیده گرفت.

شاید بتوان با جمع‌بندی نکته‌های بالا و ترسیم فضای سیاسی کشور در سال ۵۲، تا حدودی ریشه‌یابی و زمینه‌شناسی خشونت رژیم را در سرکوبی نهضت، توفیق یافت. به هر حال ساواک با خشونت به قلع و قمع هواداران نهضت پرداخت و علاوه بر دستگیری گسترده‌ی دانشجویان و طلاب، و در پی تهاجم به مسجد هدایت، مسجد الجواد و حسینیه‌ی ارشاد و پایگاه‌های نهضت در تهران در سال ۵۱، حوزه‌ی قم را در این سال مورد یورش قرار داد و شماری در خور ملاحظه از فضلا و مدرسین را به سرتاسر کشور تبعید کرد. اینگونه تلاش‌های رژیم، هر چند که موجی از ترس و وحشت را در کوتاه مدت در پی داشت، در بلند مدت به سود نهضت انجامید. حضور هر تبعیدی در هر منطقه، شعاع مبارزه را گسترده و گسترده‌تر می‌کرد، چنان که تعطیل شماری از پایگاه‌های نهضت، پیدایش پایگاهی جدید را به دنبال داشت. در مثل، اگر مسجد هدایت، مسجد الجواد و حسینیه‌ی ارشاد بسته می‌شد، نام پایگاهی دیگر چون مسجد جاوید بر سر زبان‌ها می‌افتاد...

در فضایی با این ویژگی‌ها، و در حالی که ساواک از همه سو در مراقبت او نیروهایش را بسیج کرده بود (سندهای شماره‌ی ۰۸۰۶ تا ۰۸۱۴) او از یک سو در جهت هدایت موج عواطف ضد صهیونیستی تلاش می‌کرد، (سندهای شماره‌ی ۰۸۲۷ تا ۰۸۵۱)، و از دیگر سو با پیوندهای ناشی از امدادسانی به فلسطینی‌ها از رهگذر سفارتخانه‌های کشورهای عربی، در جهت دامن زدن به موج مبارزه بر ضد رژیم و گسترش دامنه‌ی آن به فراسوی مرزها می‌کوشید. نمونه‌ای از این تلاش، سبب‌سازی ظریفی است در وادار کردن سفارت مصر، تا عراق را تحت فشار قرار دهد و از همکاری با رژیم، در انتقال حضرت امام از نجف، که آن روزها شایعه‌های نگران‌کننده‌ای در این زمینه پخش شده بود. (سندهای شماره‌ی ۰۸۱۸/۱ و ۰۸۱۸/۲)، باز دارد.

سال ۵۱-۵۳

خشونت روز افزون رژیم او را در این مقطع به پنهان کاری هر چه بیشتر کشاند؛ چنان که هر چه عوامل اطلاعاتی رژیم بیشتر می‌کوشیدند، کمتر سرنخی نصیب می‌بردند. (سندهای شماره‌ی ۰۸۲۸/۱ تا ۰۸۴۷) پاره‌ای اسناد بیانگر این واقعیت است که اگر در رویدادی - چونان دستگیری بعضی دوستان - نیاز به خبرگیری از سرنوشت آنان بود، از روابط خانم‌ها - که به هر حال انعکاسی طبیعی‌تر داشت - استفاده می‌شد. (سند شماره‌ی ۰۸۴۴).

یکبار هم حضور همسر او در جمع بانوان متحصن در قم برایش پی‌آمدی داشت، چنانچه دیگر بار، در سفری به نوق، در رفسنجان دستگیر و پس از حدود پنجاه روز آزاد شد. هوشیاری‌اش در این دستگیری، ساواک را به موضع انفعال کشانید که زمینه‌ای شد برای فراهم کردن ملاقاتی با مقدم. او کوشید که از این ملاقات در جهت حل مشکلی اساسی و برداشتن سدی از راه مبارزه سود جوید و مقدم را قانع کند که شکنجه‌ها و اهانت‌های بی‌حساب نه تنها مجاهدان را از میدان به در نمی‌کند که مصمم‌تر نیز می‌کند. در ترسیم فضای سال ۵۳ یادآوری نکته‌هایی سودمند است:

با درگذشت آیت‌الله شاهرودی که - به ویژه در استان خراسان - مقلدان فراوانی داشت، زمینه‌ی دیگری در ترویج مرجعیت حضرت امام فراهم شد. شاید به همین دلیل، مشهد شاهد خشونت سخت‌تری بود که دستگیری مقام معظم رهبری را که - در آن استان محور اصلی نهضت بود - در پی داشت. درگذشت حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ حسین غفاری در زندان قصر نیز در قم بازتابی بسیار گسترده داشت، با شایعاتی فراگیر به عنوان شکنجه و شهادت وی. موضع‌گیری حزب مردم در مجلس نیز در این سال پرسش برانگیز و زمینه‌ی پژوهشی جدی است.

از مسائل داخلی که بگذریم، در سیاست خارجی نیز رویدادهایی مهم اثرگذار بود که عمده‌ی آن، حل اختلاف ایران و عراق است و انعقاد قراردادی میان دو کشور در الجزایر به عنوان کشور میزبان، که پیروزی قابل توجهی برای ایران ثبت کرد. شرکت در عرفات به عنوان نماینده‌ی فلسطین در سازمان ملل نیز آغاز حرکتی بود در جهت حل یکی از مشکلاتی که همواره برای رژیم شاه نیز مسئله آفرین بود. بدین‌سان می‌توان گفت که رژیم به چشم‌انداز روشن‌تری در موقعیت جهانی خود چشم دوخته بود. در همین حال در پیوند با افزایش نرخ نفت، امکانات مالی بیشتری در اختیار رژیم قرار گرفت.

سال ۵۳-۵۴

با تنگ شدن عرصه بر مبارزان، هر جریانی می‌کوشید ضلعی از میدان مبارزه را به فراسوی مرزها بکشاند و بیرون از کشور، هسته‌ها و پایگاه‌هایی ایجاد کند. با حضور امام در عراق، زمینه‌سازی مطلوبی در این میدان برای نهضت اسلامی شده بود که نیاز به تقویت بهره‌برداری و رسیدگی داشت.

چنین بود که سفرهایی بیرون از مرزها و در دو نوبت، بخشی عمده از کارنامه‌ی مبارزاتی او را در این مقطع به خود اختصاص داد، با دست آوردهایی فراوان و ارزشمند، به ویژه دیدار و گفت و گو با امام پس از سال‌های سنگین فراق و نیز بازدید اردوگاه‌های فلسطین، همراه امام موسی صدر، و ایجاد هماهنگی بین نیروهای مبارز اسلامی ایرانی با امکانات مطلوب شیعیان لبنانی و مجاهدان

فلسطین.

سوریه و لبنان، عراق، فرانسه، انگلیس، آلمان، هلند و ایالت‌هایی از آمریکا را با این انگیزه در نوردید. ژاپن، ترکیه، پاکستان، ایتالیا، یوگسلاوی و کشورهای اسکاندیناوی - هر یک به دلیلی - به این مجموعه اضافه شدند. کمک به نیروهای همراه در خارج و تلاش برای رفع اختلافات و ابهامات‌شان بخشی از ثمرات آشکار این سفرهاست.

از سوی دیگر، آشنایی با دو رویه‌ی تمدن غرب از ضرورت‌هایی بود که هر کس انگیزه و فکری اصلاحی داشت نیاز به آن را احساس می‌کرد. در این سفرها برای او هم فرصتی پیش آمد که چنین نیازی را پاسخگو باشد. از دیوار برلن تا موزه‌ی بمباران هیروشیما، از آسمان خراش‌های شیکاگو تا موزه‌ها و مراکز فرهنگی لندن و از جنگل‌های ردوود تا محله‌های هالیوود... همه در این قلمرو قرار گرفتند.

سال ۵۴-۵۵

گویی تقدیر الهی چنین است که رژیم‌های خودکامه، در اوج موفقیت، با بازی هنرمندانه‌ی سرنوشت به روند واژگونی کشانده شوند. در داستان انقلاب اسلامی ایران نیز یک بار دیگر ایران و جهان تماشای چنین هنری را در بازی سرنوشت فرصت یافتند: سال ۵۴ - در پی قرارداد الجزایر - هویدا به عراق سفر کرد. گویی رژیم در ایجاد موازنه در سیاست خارجی به جایگاه دلخواه رسیده است؛ چنان که این جایگاه، ستایش مقامات رسمی چین کمونیست را - که در آن روزها قله‌ی جریان‌ات چپ در این مرز و بوم بود - نیز برانگیخت. اظهارات شاه هم بیانگر این نکته بود که در میان رهبران کمونیست مشکلی جز با فیدل کاسترو اظهارات شاه هم بیانگر این نکته بود که در میان رهبران کمونیست مشکلی جز با فیدل کاسترو برجای نمانده است. پیوند تنگاتنگ ایران و غرب به ویژه آمریکا نیز بیش از پیش مستحکم می‌نمود، چنان که خشم و حسادت شیوخ جنوب خلیج فارس به ویژه عربستان را برانگیخته بود.

در سیاست داخلی نیز، اعلام مواضع مارکسیستی سازمان مجاهدین خلق - به رغم اندرزهای عالمان مبارز - موجی از شادی رژیم و نومی‌دی قشرهای مبارز را در پی داشت، و در پی آن دستگیری حضرات آیات طالقانی، هاشمی رفسنجانی، مهدوی کنی و... هرچند که با فاصله‌ای کوتاه موج تندی از ترور و انفجار در تهران و سرتاسر کشور گزارش می‌شد، ولی برای ساواک بیش از دیگران روشن بود که این، نه از قدرت سازمان، که از متلاشی شدن آن حکایت می‌کند، چیزی همانند انتحار. اعلام تأسیس حزب فراگیر رستاخیز، تبدیل تاریخ هجری به تاریخ شاهنشاهی و پاره‌ای الدرمد بلدرهم‌های شاه در برابر غرب - در پیوند با افزایش نرخ نفت - همه ناشی از غرور و شاه و رژیم بود....

ناگهان گویی ورق برگشته است و نشانه‌هایی از دوگانگی مهمی در سیاست آمریکا نسبت به شاه و رژیمش نمایان شد که ملاقات شاه و راکفلر در جزیره‌ی خارک را می‌توان از واکنش‌های مربوط به این دوگانگی دانست. در همین حال، در پاره‌ای مصاحبه‌های شاه، اشاره به وصیتنامه‌ای شد که شایعه‌ی بیماری وی را دامن می‌زد. نمی‌دانیم، شاید همین بیماری، در دوگانگی سیاست آمریکا بی‌اثر نبود. به هر حال، پیروزی کارتر در انتخاب آمریکا، شاه و رژیم را نگران کرد. کارتر نیز که ارزیابی درستی از قدرت مذهبیون و حضرت امام در ایران نداشت، با فشار بر شاه برای باز کردن فضای سیاسی کشور، دست به اقداماتی زد که به زودی پشیمانی او و حزبش را در پی داشت، هر چند که دیگر دیر شده بود.

سال ۵۶-۵۷

شگفتا: او که در اوج اختناق رژیم و غربت انقلاب، همیشه در صحنه حضور داشت و عشق به مبارزه در راه آزادی و عدالت، لحظه‌ای آرامش نمی‌گذاشت و با همه‌ی هوشیاری و فطانت و به رغم نیازی که همگان در حراست از وی احساس می‌کردند، هرازگاه دل به دریا می‌زد و در استقبال خطر آغوش می‌گشود، آری، با این همه، بازی سرنوشت چنین پیش آورد که در

پرهیجان‌ترین شرایط از مبارزه و مردم دور باشد! در محرم و عاشورای ۴۲ و در آستانه‌ی حماسه‌ی ۱۵ خرداد، دست سرنوشت او را به بندگان پادگان‌های نظامی کشانید. اینک نیز که به هر حال، فضای باز سیاسی پیش آمده است و هر روز خبری هیجان‌انگیز موج می‌افکند، خبرهایی چونان لغو محکامه‌ی سری نظامی، عفو پی در پی زندانیان سیاسی، برداشته شدن شکنجه، بهبود وضع زندان‌ها، برداشته شدن گارد دانشگاه، بیانیه‌های پی‌درپی احزاب، نامه‌های سرگشاده از چپ و راست، درج خبرهای تظاهرات در روزنامه‌ها، بازدید نمایندگان صلیب سرخ از زندان‌ها، استعفای مهره‌های پرآوازه‌ی رژیم، تغییر کابینه، تظاهرات فراگیر دانشگاه‌ها، اعلام موجودیت جمعیت‌های سیاسی، برپایی مجالس پرشکوه سیاسی، موج فزاینده‌ی تظاهرات در خارج از کشور، در گذشت دکتر شریعتی و پی‌آمدهای آن، و از همه مهم‌تر، رحلت آیت‌الله سید مصطفی خمینی - که در آن فضا مشکوک تلقی می‌شد - ناگهان چونان زلزله‌ای سیاسی کشور را تکان داد و همه‌ی محاسبات و معادلات را در هم ریخت....

اینک که آتش انقلاب شعله‌ور شده است، سرنوشت، به او مجال جوشیدن در این آتش شعله‌ور را نمی‌دهد! با شماری هم‌اندیشان در گوشه‌ی زندان اوین از دور دستی بر آتش دارند. هرچند که او و هم‌بندانش، زندان اوین را نیز به کانونی فعال بدل کرده بودند و در پاسخ به یکی از نیازهای حساس و مبرم انقلاب نقشی بسیار مؤثر داشتند. (سند شماره‌ی ۰۸۷۹)، او، با آن که پرونده‌ای بسیار سنگین داشت، به ویژه با تک‌نویسی کینه‌توزانه‌ی وحید افراخته که کوشیده بود بدترین ذهنیت را در مورد وی شکل دهد، (سند‌های شماره‌ی ۰۸۹۰/۱ و

۰۸۹۰/۲ و نیز سند شماره ۰۹۰۶/۱ و ۰۹۰۶/۲)، با این همه، قبل از آنکه به سرنوشت خویش بیندیشد، به سرنوشت انقلاب می‌اندیشد. هر چند هوشیاری و زیرکی وی در پنبه کردن رشته‌های عناصری ناجوانمرد و چند چهره، در نگاه انقلاب آشنایان برگ‌هایی است زرین در کارنامه‌ی سیاسی او، اما از آن زرین‌تر و افتخار آفرین‌تر، برگ‌هایی است نانبشته که از نگاه دشمن پنهان مانده و در اسناد از آن انعکاسی نمی‌توان یافت و ردیابی این همه جز با جست و جو در بایگانی خاطره‌ها امکان‌پذیر نیست.

افزون بر این همه، تلاش فرهنگی اوست، بیرون و درون زندان که این فرصت می‌توان به دو کار اساسی اشاره کرد:

۱. تلاش در نگارش زندگی‌نامه‌ی امامان معصوم که در سال‌های ۵۳-۵۴ آغاز شد و ناتمام ماند و اینک شماری از فضایی حوزه‌ی قم در تلاش تکمیل و پردازش آن هستند. ۲. فراهم کردن بانک اطلاعات قرآنی که کارهای زیربنایی آن در زندان اوین به انجام رسید و اینک در جهت تکمیل و پردازش آن نهادی در قم پدید آمده است و مجلداتی از آن آثار منتشر شده است.

آزادی از زندان

سرانجام در پاییز سال ۵۷، در طلیعه‌ی بهار آزادی، با انقلاب مردم به پاخاسته درهای زندان گشوده شد و مردم انقلابی ایران، حضرات آیات طالقانی، منتظری، هاشمی رفسنجانی و دیگران را در آغوش گرفتند و در پیوند با رهبری اسلامی در نوفل لوشاتو، کانونی نیرومند در ایران هدایت انقلاب را عهده‌دار شد. از این پس، هر روز رویداد و رویدادهایی عظیم را شاهد بود که در روز شماره‌های انقلاب اسلامی به بسیاری از آن رویدادها اشاره شده است. در میان این رویدادهای بی‌شمار، دو مورد ویژگی خاصی دارد:

۱. پیدایش شورای انقلاب در ایران که او از محورهای تعیین‌کننده در آن بود.

۲. نخستین اقدام رسمی حضرت امام و اعزام هیئتی به خوزستان با مأموریت رسیدگی به مسایل نفت با عضویت و نقش تعیین‌کننده‌ی او در آن هیئت (کیهان، شماره‌ی ۱۶، ۱۰۶۰۵ دی ماه ۱۳۵۷).

بدین سان موج توفنده‌ی انقلاب اسلامی به سوی پیروزی تاریخی ایران و اسلام راه می‌پیمود و در واپسین روزهای نابودی رژیم خودکامه‌ی پهلوی، در محضر حضرت امام، او بود که فرمان نخست‌وزیری انقلاب را قرائت کرد. (کیهان، شماره‌ی ۱۷، ۱۰۶۳۱ بهمن ماه ۱۳۵۷). ما را در سرفصلی مهم و در روزهایی سراسر هیجان‌گویی این آیه در گوش‌ها طنین می‌افکند که: عسی ربکم أن

یهلک عدوکم و یستخلفکم فی الأرض فینظر کیف تعملون. (قرآن کریم، سوره‌ی اعراف آیه‌ی ۱۲۶).
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

هاشمی سنجانی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فقیه.

تولد: ۱۲۹۰، سنجان.

شهادت: ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران.

حجت‌الاسلام علی هاشمی سنجانی، فرزند محمود، تا خارج فقه و اصول به تحصیل حوزوی پرداخت. در اولین دروه‌ی مجلس شورای اسلامی، نماینده‌ی مردم اراک بود.

از جمله آثار ایشان است: تقریرات فقهی، جزواتی در زمینه‌های اخلاق و وعظ، سروده‌ها و اشعار وی به مناسبت‌های مختلف.

حجت‌الاسلام هاشمی سنجانی در جریان بمب‌گذاری دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید و پیکرش در قم به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

هاشمی طرقي، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۹، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشکده پزشکی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۵، دکترای تخصصی دستگاه گوارش، کبد، آندوسکوپی و بیماریهای داخلی از کشور فرانسه در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۷ و دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۶۷ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

لاپاروسکوپی در بیماریهای دستگاه گوارش، درمان داروئی هیپرتانسیون پورت، بررسی‌های تازه در مورد کانسرپانکراس، بررسی درمان‌های نوین زخم پتیک، بررسی هیپرتانسیون پرتال ایدئوپاتیک، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۲۰ پایان‌نامه فوق تخصصی گوارش و ۵ پایان‌نامه تخصصی داخلی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

سرطانهای دستگاه گوارش در ایران، اسهال‌های حاد عفونی و خلاصه بیماریهای دستگاه گوارش و کبد.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۳، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

معرفی ۳ مورد بیماری کرون در ایران، معرفی اولسر منفرد رکتوم، عوارض گوارشی بیماران کلیوی و تحقیق و بررسی بیماریها در

ایران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

هاشمی کروبى، سيف الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید سيف الله هاشمی کروبى

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در چاشتگاه سه شنبه‌ای تابستانی اولین فرزند خانواده چشم به جهان گشود. بعد از سال‌ها به خاطر نداشتن معلم چند وقتی از مدرسه رفتن او گذشته بود که پدر با این بشارت که برای مدرسه‌ی روستای ما معلمی آمد به خانه برگشت و مرا به مدرسه برد و بدین ترتیب از سال ۱۳۴۷ زندگی را در خانه‌ی دوم (مدرسه) آغاز کردم و بدون کمترین راهنمایی در ردیف شاگردان خوب کلاس قرار گرفتم. و به گفته مادر مهربانم چون به مسجد علاقه‌ی فراوان داشتم؛ از ۸ سالگی به نماز خواندن کامل و روزه گرفتن مبادرت کردم که این عمل سازنده و جهت دهنده‌ی من به سوی دروس دینی بود.

بعد از گرفتن مدرک سوم راهنمایی (سیکل) در مدرسه راهنمایی «صبح امید» واقع در روستایی که با ده ما دو کیلومتر فاصله داشت، علاقه به مسافرت علمی دینی به سوی قم را گرفتم و چون با مخالفت پدر واقع شدم بنا را بر درس نخواندن گذاشتم تا ایشان را وادار به قبول کنم و این اولین سالی بود که بعد از شروع ایام تعطیلات، مدرسه را با مردودی پشت سر می گذاشتم ولی محاسبه‌ی من غلط از آب درآمد و ابوی گرامی باز مرا به تحصیل مجدد در اول نظری کشاند و من همچنان به درس بی توجهی می کردم که ایشان به پدر بزرگم «رحمه الله» شکایت کرد.

چون جد پدری تاثیر خوبی در من داشت، فکر می کرد که مرا وادار به عقب نشینی خواهد کرد. در جواب آن مرحوم عرض کردم که اگر دیپلم را بگیرم به درد دروس دینی نخواهم خورد و برعکس من با سکوت ایشان فهمیدم که نه تنها تاثیر نگرفتم بلکه اثر

گذاشتم و بر تصمیم خود پافشاری کردم چون پدر راضی نمی‌شدند؛ در این هنگام بدون خبر خانواده به سوی تقدیر الهی خود حرکت کردم و شب ۲۵ آبان ۱۳۵۵ که ساعت ۲۱/۱۰ را نشان می‌داد؛ برای اولین بار به حرم بی‌بی فاطمه معصومه (س) مشرف شدم و جان خود را با آب معرفت زیارت، شست و شو داده و برای کسب علم (زنده کننده‌ی جان) آماده می‌کردم و آن شب را در حرم و آشیانه‌ی اهل بیت (ع) بیتوته کرده و صبح جمعه‌ای که باز منتظر و عدالت گستر حقیقی، جان تشنه منتظران فرج را با جام ظهور سیراب نفرموده به دیدار دوستی که سرنوشتی مثل من داشت به نام «سید مهدی حسینی» شتافتم و خود را در جمع صمیمی دوستان طلبه سرخوش یافتم.

بعد از خواندن اکثر جامع المقدمات و شروع صمدیه، انقلاب اسلامی با شهادت «آیت الله آقا مصطفی خمینی» جان گرفت و مرا بر سفره‌ی پربرکت خود نشاند و با انقلاب، در رشد و نمو هماهنگ شده و با پشت سر گذاشتن کلاسهای گوناگون و افت و خیزهای انقلاب و جنگ تحمیلی استکبار جهانی، علیه جامعه‌ی ولایی ما، بعد از اتمام کفایتین در محضر مرحوم «آیت الله ستوده» (همزمان با رحمت جانگداز امام امت رحمه الله علیه)، در سال ۶۸ به درس خارج «آیت الله مکارم شیرازی» راه یافته و یک دوره اصول فقه را در محضر ایشان شاگردی کرده و نیز نزدیک به ده سال فقه خواندم و یک سوم این درس‌ها را به عربی تقریر کردم و از ایشان تأییدیه هم دریافت کردم و در عین حال دروس سطوح پایین‌تر را ترجمه و تدریس می‌کردم. ولی با کمال تأسف به دلیل نداشتن یک راهنما و مراد، این دو کار زیبا و ارزشمند را به طور متوالی ادامه ندادم که مایه‌ی حسرت همیشگی من می‌باشد. اگر چه مجوز تدریس در حوزه و دانشگاه را دارم و اندوخته‌های خود را به کمک ایزد منان در مراکز علمی عرضه می‌کنم ولی رضایت خاطر را فراهم نمی‌کند.

هاشمی گلپایگانی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد جمال هاشمی بن آیت‌الله العظمی و العلامه الورع حاج سید جمال‌الدین موسوی گلپایگانی از علماء و مدرسین بزرگ مهاسر نجف اشرف است وی در سال ۱۳۳۲ قمری در نجف اشرف متولد شده و در بیت علم و تقوا و معنویت و فضیلت پرورش یافته و پس از خواندن اولیات و ادبیات و سطوح از محضر والد ماجدش و مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین اصفهانی و بعضی دیگر استفاده نموده تا به مراتب عالیه علم و اجتهاد رسیده است معجم رجال‌الفکر و الادب درباره وی گوید عالم فاضل مجتهد جلیل. من اساتذہ الادب العربی وسیع الخیال سهل البیان وی سفری در معیت والد مبرورش به ایران و به زیارت ارض اقدس مشرف و پس از آن مراجعت و به تدریس و تألیف و بعد از فوت والدش به جای او به اقامه جماعت پرداخته است دارای تالیفات عدیده از جمله: ۱- فاطمه الزهراء علیها سلام ۲- الادب الجدید ۳- اصول الدین الاسلامی ۴- الامام المنتظر که تمام به طبع رسیده است ۵- دیوان شعر کبیر نگارنده گوید معظم‌له دانشمندی ادیب و فقیهی کامل و از خواص اصحاب آیت‌الله العظمی حکیم بودند در بدیهه گوئی ید طولائی دارند نیز در گفتن ماده تاریخ قدرت و توانائی زیادی دارد جناب آقای حاج سید علی محمد وزیری یزدی صاحب کتابخانه نفیس وزیری یزدی برای نگارنده حکایت نمود که در نجف اشرف خدمت ایشان رسیده و جریان تأسیس کتابخانه را گفتم بداهه این بیت را در ماده تاریخ کتابخانه انشاد فرمود

ان اردت بقاء کتابک ارخ

و قدمه الی مکتبه الوزیری

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

هاشمی گلپایگانی، هاشم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید هاشم هاشمی گلپایگانی

محل تولد: نجف اشرف

شهرت

تابعیت: عراق

تاریخ تولد: ۱۳۲۸/۱/۱

زندگینامه علمی

سید هاشم هاشمی گلپایگانی در سال ۱۳۲۸ هجری شمسی در نجف اشرف به دنیا آمد. او در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی در سن ۱۲ سالگی وارد حوزه علمیه شد و همزمان دروس دولتی را هم ادامه داد. در سال ۱۳۵۰ هجری شمسی از دانشگاه فقه فارغ التحصیل شد. در حوزه نجف مقدمات و سطوح را به پایان رسانده و در دروس خارج فقه و اصول مرحوم «آیة الله خویی» و «آیة الله سیستانی» حاضر شده که بعضی از تقریرات درس ایشان به چاپ رسیده: (تعارض ادله شرعیه).

ایشان چند ماه در زندانهای صدام اسیر بود و پس از آن در سال ۱۳۵۹ هجری شمسی به قم آمد و در حوزه علمیه قم در درسهای خارج فقه و اصول مرحوم آیات عظام: «گلپایگانی»، «وحید خراسانی» و «میرزا جواد تبریزی» حاضر شد و نیز از همان زمان تا حال درسهای سطح و خارج فقه و اصول را تدریس می نماید.

هاشمی معتمدی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

هاشمی نژاد، عبدالکریم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شهید حجه اسلام و المسلمین سید عبدالکریم هاشمی نژاد در سال ۱۳۱۱ شمسی (۱۳۵۱ ق) در خانواده ای متدین در « بهشهر» مازندران دیده به جهان گشود و از ۱۴ سالگی در محضر آیت الله کوهستانی و سپس در قم به مدت چهارده سال نزد آیات عظام:

سید حسین بروجردی و امام خمینی (ره) به تحصیل علوم دینی پرداخت. وی در دوران مبارزات اسلامی ملت ایران به رهبری امام خمینی (ره) با خطبه‌ها و سخنرانی‌های حماسی و آتشین خویش، در نشر افکار انقلابی اسلام و افشای ماهیت رژیم پهلوی، تمامی توان خود را به کار برد و در این راه متحمل سختی‌ها و شکنجه‌های ایادی رژیم گردید. وی از ابتدای مبارزه تا پیروزی انقلاب اسلامی، چندین بار دستگیر و به زندان‌های طولانی مدت محکوم گردید. این مجاهد انقلابی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به عنوان نماینده استان مازندران در مجلس خبرگان قانون اساسی انتخاب شد، در تدوین قانون اساسی و به خصوص در جهت تثبیت اصل ولایت فقیه، زحمات بسیاری کشید. حجت الاسلام هاشمی نژاد پس از پایان دوره مجلس خبرگان و تدوین قانون اساسی مقام دبیری حزب جمهوری اسلامی مشهد را به عهده گرفت و از این پایگاه، حملات مداوم خود را متوجه نفاق حاکم بر بعضی مکان‌های دولتی و ارتجاع کرد و با ضد انقلاب به مبارزه سختی پرداخت. وی با شروع جنگ تحمیلی، در جبهه‌های غرب و جنوب حضور یافت و با سخنرانی‌های پرشور خود، در بالا بردن روحیه رزمندگان نقش بسزایی ایفا کرد. آن شهید بزرگوار، پشوانه محکمی برای انقلاب بود، از این رو نقشه ترور وی طرح شد و در سالروز شهادت امام جواد (ع) در هفتم مهر ۱۳۶۰ در چهل و نه سالگی به دست یکی از منافقان کوردل، بر اثر انفجار نارنجک به شهادت رسید. بدن پاره پاره این شهید عالی مقام پس از تشییع باشکوه مردم، در جوار مرقد منور امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

هاشمی، اسمعیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج سید اسمعیل هاشمی بن العالم الجلیل السید محمد حسن موسوی طالحونچه از علماء معاصر اصفهانست که در حدود سال یکهزار و سیصد و سی قمری هجری در طالحونچه متولد و پس از پرورش در بیت سیادت و فضیلت در زادگاه بدروس فارسی و مقدمات پرداخته و بعد از فرا گرفتن قسمتی از ادبیات باتفاق مرحوم خلد اشیان اخویش حجه الاسلام آقا سید علی اکبر هاشمی باصفهان آمده و در مدرسه ناصریه مسجد شاه بتحصیل و تکمیل مقدمات عربی و فارسی پرداخته و مقداری از سطح را هم در اصفهان خوانده سپس بقم آمده و مدتی با معیت مرحوم برادر مذکورش توقف و بعد از مراجعت آن مرحوم اقامت در قم را ادامه داده تا بعد از رحلت مرحوم آیه الله حایری طاب ثراه دو سه سالی از مرحوم آیه الله صدر و مرحوم آیه الله حاج سید محمد تقی خونساری استفاده نموده تا در محرم یکهزار و سیصد و شصت که بعنوان تبلیغ و ترویج بوطن مألوف آمده و چون در آن هنگام مرحوم حجه الاسلام حاج میرزا حسن زنجانی همشیره زاده مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم زنجانی که از علماء آن سامان بود برحمت ایزدی پیوسته بود در اثر تقاضا و نیاز اهالی قریه قمیوان در مرکز سیمرم سفلی تابعه شهرضا که تا محل زادگاه ایشان بیش از دو فرسخ است اقامت نموده و در آنجا بترویج و تبلیغ پرداخته مساجدی که در شرف خرابی بود تعمیر و جلساتی تشکیل و کتابخانه عمومی تأسیس نموده و در طول آن مدت بمطالعات پرداخته و در نتیجه یکنفر از خاندان اهل علم را که علاقه تام داشته با رغبت و اخلاص تمام باشتغال مقدمات گماشته و بعدا اعزام باصفهان و قم و اکنون در تهران از فضلاء اهل علم و منبر و محراب میباشند و ایشان جناب فاضل جلیل آقای حاج شیخ منیرالدین جدیدی‌اند که در هفت چنار تهران اقامت دارند.

جتاب آقای هاشمی در مدت اقامتشان در آن محل مزبور تألیفات عدیده نموده‌اند که بنظر طالبین می‌آورم:

۱- ذریعه الزائر.

۲- لؤلؤ درخشان در صفات بهترین زنان یا دره‌البیضاء فی مناقب سیده النساء (ع) که به چاپ رسیده است.

۳- اربعین موسوم به ملتقطات.

۴- ضیاء البشر در رد کتاب شیخه کریمخانیه.

۵- مجموعه‌ای در رد صوفیه.

معظم‌له اکنون در اصفهان در مسجد حضرت سجاد علیه‌السلام خیابان آتش اقامت جماعت نموده و در مدرسه نیز اشتغال بتدریس و مباحثات دارند و گاه گاهی هم اشعاری میگویند.

واما اساتید معظم‌له از اینقرار است: ۱- مرحوم آیه‌الله آقا شیخ ابوالقاسم کبیر ۲- مرحوم آیه‌الله حاج شیخ محمد علی حایری (صاحب مختارات در اصول) ۳- مرحوم آیه‌الله حاج سید محمد تقی خونساری ۴- مرحوم آیه‌الله صدرالدین صدر ۵- مرحوم آیه‌الله حاج شیخ مهدی مازندرانی ۶- مرحوم آیه‌الله حاج سید محمد باقر قزوینی ۷- مرحوم آیه‌الله آقا سید میرزا آقا ترابی دامغانی ۸- مرحوم آیه‌الله حاج شیخ محمد رضا جرقویه اصفهانی ۹- مرحوم آیه‌الله حاج شیخ حسن نویسی و غیر ایشان از مراجع گذشته و معاصر چون حضرت آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی و آیه‌الله العظمی گلپایگانی اجازه روایتی و غیره دارند. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

هاشمی، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید رضا هاشمی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۲

زندگینامه علمی

اینجانب سید رضا هاشمی در سال ۱۳۶۱ دیپلم متوسطه در رشته ریاضی فیزیک را با معدل ۱۴/۱۹ در تهران دریافت کردم و به دلیل علاقه فراوان به تحصیلات حوزوی بدون شرکت کردن در کنکور دانشگاه‌ها، در همان سال به مدرسه علمیه مجتهدی در تهران وارد شدم و به مدت چهار الی پنج ماه در آنجا به تحصیل مقدمات علوم حوزوی (عربی و منطقی) پرداختم. سپس در سال ۱۳۶۲ همراه با یکی از دوستان فاضل و هم فکر خود برای ادامه تحصیلات، عازم حوزه علمیه قم شدم و ابتداء در مدرسه رضویه و پس از آن در مجالس درس مختلف در حوزه علمیه به تکمیل دروس متداول شامل (مباحث فقه و اصول فقه) و دروس دیگر که اصطلاحاً دروس جنبی نامیده می شد مانند: (کلام، فلسفه، تفسیر، رجال، حدیث، اقتصاد و ...) مبادرت کردم. از سالهای ابتدایی دهه هفتاد پس از فراغت از فراگیری دروس سطح، در دروس خارج اصول و فقه شرکت نمودم و این اشتغال همچنان ادامه دارد.

در سال ۱۳۶۷ در پی فراهم آمدن امکان حضور طلاب در دانشگاه‌ها به دلیل احساس نیازی که به فراگیری علوم دانشگاهی در حوزه علوم انسانی در من پدید آمد، در کنکور دانشگاه شرکت کردم و از مهرماه سال ۱۳۶۸ در دانشکده «حقوق و علوم سیاسی» دانشگاه تهران هم زمان با تحصیلات حوزوی به تحصیل در رشته حقوق پرداختم و در سال ۱۳۷۳ فارغ التحصیل شدم. در همین سال در پی دعوت یکی از مسئولان «بنیاد دائرة المعارف اسلامی» در تهران که دائرة المعارفی با نام (دانشنامه جهان اسلام) را در

دست تألیف و انتشار دارد، همکاری خود را با این مؤسسه آغاز کردم که ابتداء بیشتر به شکل تألیف مقاله یا ارزیابی نقادانه مقالاتی بود؛ که به این بنده ارجاع می شد و بعدها این همکاری وسیع تر شد و به عضویت در گروه معارف و کلام در آن بنیاد انجامید.

سپس با تأسیس گروه فقه و حقوق در سال ۱۳۸۱ مسئولیت این گروه به اینجانب سپرده شد؛ که هم اکنون نیز این مسئولیت را بر عهده دارم. کار علمی من در بنیاد دائره المعارف اسلامی عمدتاً نظارت و مدیریت بر فرایند تولید مقالات علمی در حوزه فقه، اصول و حقوق از مرحله تدوین مدخلنامه و سفارش مقاله تا مراحل نهایی آن بوده که حاصل آن علاوه بر تألیف مقالات متعدد در دانشنامه، ارزیابی، اصلاح و تکمیل ساختاری و محتوایی بیش از یکصد مقاله در طول این سال هاست.

لازم به ذکر است که به دلیل سکونت اینجانب در شهر مقدس قم به دلیل تحصیلات دینی، فعالیت های یاد شده عمدتاً در قم صورت می گیرد مگر در مواردی که حضور من در بنیاد دائره المعارف اسلامی، اجتناب ناپذیر و ضروری باشد. همچنین در طول این سال ها، گاه به تدریس پاره ای از دروس مقدمات و سطوح به صورت خصوصی و غیر، گسترده اشتغال داشته ام. به علاوه از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۰ در مقطع کارشناسی ارشد حقوق خصوصی در دانشگاه مفید قم به تحصیل پرداختم. و خلاصه عنوان پایان نامه اینجانب که در سال ۱۳۷۹ دفاع شده «تعدیل قراردادهای خصوصی» است.

هاشمی، طاهر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۳۲ ق)، عالم دینی، فقیه شافعی، صوفی، مدرس، خطاط و شاعر. وی از فقها و علمای بزرگ شافعیه کردستان و مشایخ فرقه‌ی قادریه است. در دولت آباد روانسر به دنیا آمد و مقدمات علوم را در همان جا فراگرفت. سپس نزد ملا محمد رحیم سنندجی و بدیع الزمان سنندجی به تکمیل معلومات خویش پرداخت و از محضر اساتید دیگری مانند شیخ محمد نجیب کردانی و شیخ مصطفی نجیب و سید بابا رسول و شیخ حبیب‌الله کاشوری نیز بهره‌مند شد. وی درباره‌ی تاریخ ادبیات کردی و همچنین تاریخ تصوف و فرق آن مخصوصاً سلسله‌ی قادریه تحقیقات و تألیفاتی دارد. از آثارش: «مقامات الغوثیه»، در مناقب شیخ عبدالقادر گیلانی؛ «قره‌العین فی مناقب سیدنا شیخ حسین»؛ «مرآت الحق»؛ حاشیه و تعلیقات بر «سفرنامه‌ی» حاجی ملک‌الکلام مجدی؛ «دیوان» شعر. از آثار خطی وی: یک نسخه قرآن مجید؛ یک نسخه «صحیفه‌ی سجاده‌ی»؛ یک نسخه «دلایل الخیرات».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: کیهان فرهنگی (س ۳، ش ۲، ص ۱۰-۳).

هاشمی، محمدحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسین هاشمی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسین هاشمی سال ۱۳۴۹ طلبه شدم و با مدرک شش ابتدائی اشتغال به دروس حوزوی را شروع کردم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی تا شرح لمعه در مدرسه آن مرحوم ادامه دادم. سپس وارد دروس آزاد حوزه شدم و مکاسب را از محضر درس «آیت الله صناعی» و کفایه جلد اول را خدمت «آیت الله صلواتی» و جلد دوم را در محضر درس «آیت الله فاضل لنکرانی» تلمذ کردم.

سپس وارد درس خارج شده و یک سال فقه و اصول در محضر درس «آیت الله وحید خراسانی» - شش ماه درس اصول «آیت الله مؤمن» - حدود دو سه ماهی درس خارج اصول «آیت الله مکارم» و حدود هفت سال درس فقه و پنج سال درس اصول «آیت الله میرزا جواد تبریزی» و روزهای چهارشنبه درس قضاء ایشان شرکت می‌کردم و چهار سال درس خارج زکات و ولایت فقیه یکی از علماء قم شرکت داشتم و حدود چهار سال درس فقه (خارج حج) درس «آیت الله زنجانی» شرکت کردم (توضیحاً باید عرض کنم از فطرت آیات تبریزی - زنجانی شرکت در درس خارج دارم).

همزمان با این دروس در سال ۵۹ وارد موسسه در راه حق شدم که در آن زمان تحت مدیریت آقایان خرازی و مصباح مظاهری اداره می‌شد. چهار سال درس فلسفه شامل فلسفه عمومی؛ (که بعداً تحت عنوان آموزش فلسفه چاپ شد)، نه‌ایه الحکمه، برهان شفاء، اسفار جلد ۹، در درس «آیت الله مصباح یزدی» شرکت کردم و در زمان تدریس فقه آیت الله شاهرودی شب‌های جمعه در دروس فقه ایشان که راجع به مسائل مستحدثه بود استفاده می‌کردیم.

تدریس در دانشگاه را از سال ۶۱ شروع و در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و دانشکده ادبیات علامه طباطبایی به تدریس دروس معارف اسلامی مشغول شدم و از همان ابتداء و از طرف دفتر اعزام به دانشگاه که زیر نظر جامعه مدرسین اداره می‌شد؛ مجوز تدریس تمام دروس دانشگاهی را گرفتم. یک سال در موسسه در راه حق درس استاد دکتر احمدی (فلسفه غرب) را استفاده کردم و زبان انگلیسی (ریدینگ) را تا نین هاندرد) طی دو دوره تابستانه و روزی سه چهار ساعت خواندم و مکالمه زبان عربی را تا حدود زیادی کار کردم و قادر به تکلم هستم ۷۰٪ درصد. سه سال در دانشگاه تهران دانشکده های مختلف، هفت سال دانشگاه علامه، چهار سال دانشگاه آزاد واحد بروجرد، سه سال دانشگاه واحد شهر ری و اخیراً پنج سال است که در دانشگاه آشتیان (به جهت نزدیکی) تدریس می‌کنم و عضو هیئت علمی می‌باشم. چند سالی است که از نهاد خبرگان بدون مدرک وزارت علوم، مدرک مربی (کارشناسی ارشد) گرفته‌ام و حدود ده سالی است که از طرف دفتر ستاد مقام معظم رهبری با عنوان استادیار در دانشگاه تدریس دارم.

در حوزه هم چند سال قبل دروس: «ادبیات عرب»، «فلسفه»، «رسائل» و «معالم» را تدریس کرده‌ام. حدود دو سال در موسسه در راه حق (بعداً به موسسه پژوهشی امام خمینی (ره) تغییر نام یافت) با گروه تفسیر با مدیریت جناب آقای رجیبی همکاری می‌کردم و نیز چند صباحی در موسسه در راه حق درس (اقتصاد اسلامی) نزد یکی از اساتید دانشگاه تهران به نام دکتر درخشان و درس مقدمه عمومی علم حقوق نزد دکتر جعفری لنگرودی (الاین در انگلیس هستند) و علوم سیاسی نزد استاد دکتر منوچهر محمدی استاد دانشگاه تهران می‌خواندم و در حال حاضر هم به مطالعه کتابهای تفسیری و فقهی و شرح نهج البلاغه اشتغال دارم.

ایام تبلیغی اکثر اوقات به شهرها و اماکن مختلف جهت تبلیغ و منبر رفته‌ام و حاصل کلام اینکه پروردگار و حضرت حجت ابن الحسن العسکری (عج) قرار بگیرد و همواره خدمتگزار کوچکی در سنگر فرهنگ اسلامی و شیعی و خادم کوچکی در نظام مقدس جمهوری اسلامی در تبلیغ و دانشگاه و حوزه بوده و هستم. ضمناً در خاتمه باید به عرض برسانم برای دانشجویان در طول دوره تدریس، مقالات و جزواتی در زمینه انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن و درس متون عربی و همینطور درس انسان شناسی در اسلام نوشته و ارائه کرده‌ام که جزوات و مقالات موجود است.

هاشمی، مرتضی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مرتضی هاشمی

محل تولد: طالخونچه اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۳/۱۰/۲۱

زندگینامه علمی

در تاریخ ۱۲/۱۰/۱۳۲۳ در یکی از روستاهای اطراف اصفهان که اینک شهر شده؛ به نام «طالخونچه» که گویند مخفف «طالقان جی زادگاه صاحب بن عباد» بوده؛ در یک خانواده روحانی دیده به جهان گشودم. مرحوم آیت الله آقا سید علی اکبر هاشمی به خاطر تعصب شدید دینی برای تعلیم بنده معلم سر خانه انتخاب نمودند و اجازه رفتن به دبستان را ندادند. پس از فرا گرفتن خواندن و نوشتن مرا با قرآن آشنا کردند و چون تنها فرزند پسر خانواده بودم؛ بسیار مایل بودند که در مسلک روحانیت درآیم و لذا مقدمات علوم حوزوی از صرف و نحو و لغت را خود ایشان به من آموختند و سپس به اصفهان مهاجرت نمودند و حجره ای در مدرسه «صدر بازار» گرفتند و رسماً در سن ۱۴ سالگی وارد حوزه علمیه شدم و مرحوم والد نظارت در امر تعلیم و تربیت حقیر داشتند و استاد و هم بحث را ایشان انتخاب می کردند و جز با کسانی که ایشان اجازه می دادند با کسی دیگر مراوده نداشتم. در انتخاب استاد سعی می کردند بهترین از نظر علم و تقوا را برای بنده انتخاب کنند مثل یکی از دوستان علمیشان به نام «آیت الله حاج شیخ محمد حسن کیانی» معروف به حاج شیخ امیر آقا فلاورجانی که از مجتهدین بود؛ خواهش کردند به من بیاموزد در حالی که ایشان تدریس خارج بود.

اساتید حقیر در ادبیات و منطق: ادیب معروف معلم حبیب آبادی، سپس آیات عظام: «حاج شیخ محمد علی حبیب آبادی»، «حاج شیخ عباسعلی ادیب»، «حاج حسن امامی» و «حاج شیخ تقی مقتدایی». اساتید در معالم، در اصول، قوانین، لمعتین و رسائل: «آیت الله حاج سید مجتبی صادقی» و «حاج شیخ محمد علی خلاق شیرازی». اساتید مکاسب «آیت الله حاج سید مهدی هاشمی» سپس مهاجرت به قم نموده. اساتید مکاسب، رسائل و کفایه: «آیت الله سلطانی»، «آیت الله فاضل لنکرانی»، «آیت الله سبحانی»، «آیت الله صالحی نجف آبادی»، «آیت الله منتظری»، «آیت الله مکارم شیرازی» و «آیت الله ستوده».

در ایام اقامت در قم به دانشگاه الهیات راه یافتم و در رشته منقول هم زمان به ادامه تحصیل در قم به تحصیل پرداختم که با قیام امام خمینی (علیه الرحمه) و شروع فعالیت‌های سیاسی مبارزاتی از زمان تحصیل در دانشگاه و حجره تحت تعقیب ساواک بودم. لذا از مرز ایران قاچاقی وارد عراق شدم و تازه حضرت امام به نجف آمده بودند؛ مدتی در نجف از محضر امام، آیت الله حکیم و آیت الله خوئی شاهرودی استفاده کردم ولی از اوایل توقف در نجف اشرف معذور گشتم و به ایران برگشتم و در اصفهان از محضر «حاج شیخ حسن صافی اصفهانی» گمشده خود را یافتم و مدت ۲۰ سال از محضر ایشان استفاده علمی و اخلاقی نمودم و تمام درسهای فقه، اصول، فلسفه، تفسیر و رجال که فرمودند ضبط کردم و به رشته تحریر در آوردم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی به تأسیس مدرسه «الزهراء» برای تربیت طلاب خواهر اقدام نمودم و مدتی بر اساس کمبود نیروی قضائی از طرف شورای عالی قضاء به دادگاه شیراز اعزام شدم و پس از مدتی با اعزام قضات جدید و کسب تکلیف از امام خمینی (رحمه الله علیه) به کارهای علمی روی آوردم و به تدریس در حوزه و دانشگاه و تألیف کتاب مشغول گردیدم. از نوشته ها جز چند اثر به نام «حزب الله و حزب شیطان» و «نشانه‌های ولایت» که چاپ شده؛ بقیه مخطوط باقی مانده است. هم اکنون به عنوان عضو موسس دانشگاه شیخ بهائی در شهر بهارستان اصفهان نظارت بر امور فرهنگی داشته و از حوزه علمیه اصفهان و مدرسه صدر بازار به تدریس سطح فقه و اصول مشغول می باشم.

هاشمی، مسعود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۳۱۶.

درگذشت: ۱۳۶۴.

از آثار اوست: بهداشت گاوهای شیری (ترجمه با همکاری علیرضا محمودزاده، تهران، ۱۳۶۸)؛ بیوسنتز شیر، شیردوشی صحیح، ورم پستان، ادم پستان (ترجمه و تألیف با همکاری علیرضا محمودزاده، تهران، ۱۳۶۶)؛ پرورش علمی اسب به انضمام تغذیه، خوراک دادن و بیماریهای تغذیه‌ای اسب (تهران، ۱۳۷۴)؛ پرورش عملی بز (ریچارد باتاگلیا، تهران، ۱۳۷۴)؛ پرورش عملی گوسفند به انضمام تغذیه، خوراک دادن گوسفند (تألیف و ترجمه، تهران، ۱۳۷۴)؛ تغذیه دام، طیور و آبزیان (تهران، ۱۳۷۴)؛ تغذیه دام: کاربرد فضولات حیوانی در تغذیه دام، طیور و آبزیان (تألیف و ترجمه، تهران، ۱۳۷۵، ۱۳۶۸)؛ تلقیح مصنوعی در گاو (تهران، ۱۳۷۵)؛ تلقیح مصنوعی: کاربرد روشهای آزمایشگاهی و علمی در تولید مثل دام (آنتون مارینوس سورنس، تهران، ۱۳۵۶)؛ راهنمای ارزیابی و انتخاب گاوهای شیری (ترجمه و تألیف، تهران، ۱۳۷۴)؛ روشهای عملی در پرورش طیور (ریچارد باتاگلیا؛ تهران، ۱۳۷۳)؛ فرهنگ تغذیه دام: شامل اصطلاحات تغذیه دام، طیور و آبزیان، انگلیسی-فارسی (تهران، ۱۳۷۵، ۱۳۶۹)؛ فرهنگ جامع کشاورزی و منابع طبیعی: انگلیسی-فارسی (تهران، ۱۳۷۲)؛ فیزیولوژی تولید مثل (تولید مثل کابردی در حیوانات اهلی) (نوشته‌ی اچ. جو بیرون، جان دیبلو. فوکویی، ترجمه با همکاری سعید حسنی؛ تهران، ۱۳۷۴)؛ کتبیی راپه رین به انضمام دو قصیده محمدیه و غوثیه بر وزن قصیده بردیه (اثر مسعود هاشمی، خط محمدطاهر هاشمی، شعر کردی، ۱۳۶۸، مواد معدنی و ویتامینها در تغذیه حیوانات اهلی و انسان (تألیف و ترجمه، تهران، ۱۳۷۰).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

هاشمی، یوسف

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج سید یوسف هاشمی از علماء مبرز و محترم معاصر تبریز است وی در سال ۱۳۲۶ قمری هجری در تبریز متولد شده و در حجر والد و عموهای گرامی که از سادات جلیل القدر و علماء پرهیزکار آن سامان بودند پرورش یافت و در محضر علمائی چون مرحوم آیت‌الله حاج سید محمد مولانا (مؤلف مصباح السالکین) و حضرت آیت‌الله العظمی شریعتمداری در تبریز سطوح وسطی را خوانده آنگاه به قم عزیمت نموده و در آنجا مکاسب شیخ را از خدمت آیت‌الله العظمی آقای نجفی مرعشی مد ظله استفاده نموده و پس از آن از محضر مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله فیض قمی و نیز آیت‌الله العظمی بروجردی (در اوائل ورودشان به قم) بهره‌مند شده و بدریافت اجازات امور حسیه و روایتی و غیره از آیات مذکوره موفق و نائل آمده سپس بنا بر درخواست عده‌ئی از تجار با ایمان تبریز مراجعت به (حکم‌آباد) زادگاه ملحد معروف احمد کسروی (متنبی) و معاندین حنیف اسلام نمود با عده‌ای از پیروان او که در مشاغل مهم و حساس بودند بمبارزه شدید پرداخت و آنها را از بین برده و باز مبارزه سختی با فرقه ضاله که در (حکم‌آباد) پایگاه مهمی داشتند آغاز نموده طوری که حتی یک نفر از آنها در آنجا باقی نماند.

معظم له اکنون شبها در مسجد (حکم‌آباد) و روزها در قلب بازار مسجد مرحوم (آیت‌الله حاج میرزا فتاح شهیدی) اقامه جماعت می‌نمایند و جلسه تفسیری روزهای جمعه دارند که عده زیادی استفاده می‌نمایند و نیز به تدریس وسائل و مکاسب و خارج عروه اشتغال دارند.

از آثار علمی ایشانست حاشیه بر وسائل و جزواتی از تقریر درس مرحوم آیت‌الله فیض که محفوظ مانده است و از خدمات اجتماعی ایشان مدرسه اسلامی بنام (فرقانی) که در سال ۱۳۲۵ شمسی تاسیس نموده که در حال حاضر یک موسسه‌ی بزرگ علمی و دینی با دوره راهنمایی تحصیلی در مساحت دو هزار متر مربع با ساختمان عالی مدرن و مجهز بوسائل روز که از هر جهت بوسیله ایشان اداره می‌گردد و عده از مستخرجین و فارغ‌التحصیلان آن مدرسه اکنون در قم و نجف مشغول تحصیل می‌باشند.

از باقیات الصالحات آن جنابست دو فرزند برومند و فاضل بنام: ۱- حاج سید ابوالحسن هاشمی ۲- حاج سید فتاح هاشمی که اکنون از محصلین جدی حوزه علمیه و ستارگان فروزان آذربایجان مقیم قم می‌باشند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

هاشمیان، جواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: گوش و حلق و بینی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

هاشمی‌نژاد، عبدالکریم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم دینی.

تولد: ۱۳۱۱، بهشهر.

شهادت: ۷ تیر ۱۳۶۰، مشهد.

حجت‌الاسلام سید عبدالکریم هاشمی نژاد در سال ۱۳۱۱ در بهشهر مازندان در فراش محله (از پدرش سید حسن و مادرش ساره) دیده به جهان گشود. از سن نه سالگی به درس عربی اشتغال داشت. در سال ۱۳۲۵، در چهارده سالگی به تحصیل در حوزهی آیت‌الله کوهستانی، در شهرک کوهستان در شش کیلومتری بهشهر پرداخت مقدمات را در آنجا فراگرفت. در سال ۱۳۲۹ وارد حوزهی علمیهی قم شد و دروس سطح را پشت سر گذاشت و در درس خارج اصول فقه امام خمینی (ره) و درس خارج فقه آیت‌الله بروجردی حاضر می‌شد. در بیست و دو سالگی به نجف اشرف رفت ولی با فراهم نبودن شرایط تحصیل از جمله ضعف جسمی بار دیگر پس از یک سال اقامت در عراق به سوی ایران برای اقامت در قم حرکت کرد. در سال ۱۳۳۷ اولین اثر قلمی خود را به نام مناظره‌ی دکتر و پیر به سبک داستانی عرضه داشت. این کتاب ماجرای سفر چند نفر است که در یک قطار به بحث می‌پردازند و نویسند در لابه‌لای آن به بیان ارزش‌های اسلامی اسلامی می‌پردازد. وی در حوزهی علمیهی قم به سطح اجتهاد نایل آمد. اساتید دیگر ایشان در قم عبارت بودند از: آیت‌الله کاشانی (فریدالاسلام)، حضرات آیات عظام صدوقی، محقق داماد و سید رضا صدر و مجاهدی. در سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۳۹ به مشهد رفت. پس از مدتی در آنجا به تدریس (کفایه و رسائل و مکاسب) در حوزهی علمیهی مشهد پرداخت. در مشهد در درس آیت‌الله سید محمدهادی میلانی و آیت‌الله مجتبی قزوینی نیز حاضر می‌شد. وی همچنین در مجالس سخنرانی در مشهد حضور می‌یافت و برای حاضران سخنرانی می‌کرد. از جمله فعالیت‌های فرهنگی ایشان همکاری با مجله «مکتب اسلام» بوده است.

در نهضت پانزده خرداد ۱۳۴۲ دستگیر و چهل و یک روز در زندان شهربانی محبوس شد، در حادثه مسجد فیل مشهد به سبب سخنرانی در این مسجد و اعتراض به طرح لوایح ششگانه شاهنشاهی و حمله به انتخابات در نوزده مهر ۱۳۴۲، به مدت سه ماه حبس انفرادی در زندانی در داخل لشکر ۷۷ خراسان محکوم شد، سپس از سخنرانی در شهر مشهد ممنوع شد. لذا با خانواده مشهد را به سوی اصفهان ترک کرد. سپس همراه خانواده به شیراز رفت. اما مأموران ساواک وی را برای سومین بار دستگیر کردند و با اتومبیل به اصفهان برده و تحویل ساواک اصفهان دادند. چندی روزی در ساختمان ساواک در یک اتاق انفرادی نگه داشتند و بعد او را به زندان عمومی منتقل کردند. وی دو ماهی در اسارت بود. با رهایی از زندان راهی مشهد شد، وی همچنین اقدام به ایجاد کانون بحث و انتقاد دینی در مشهد از سال ۱۳۴۳ لغایت ۱۳۵۰ نمود. در سال ۱۳۵۰ هم در جلسه‌ای که جمعه شب هر هفته در شهرستان قوچان تشکیل می‌شد حضور می‌یافت. این جلسات تا مدت‌ها ادامه داشت، در ایام شهادت فاطمه زهرا در سال ۱۳۵۳ علی رغم ممنوعیت منبر رفتن، وی در مجلسی در منزل خود، زمینه‌سازی نمود و با رضایت اساتید دیگر حوزهی علمیهی مشهد، فردای آن روز یعنی روز شنبه بیست و چهارم خرداد ۱۳۵۳ با حضور طلاب و مردم، راهپیمایی در خیابان‌های شهر مشهد به راه انداخت. به همین سبب ساواک برای چهارمین بار وی را دستگیر و روانه زندان ساخت. وی تا اوایل سال ۱۳۵۶ در زندان به سر برد. در همین زمان به سبب امضای اطلاعیه‌ای، وی به همراه آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای و حجت‌الاسلام واعظ طبسی برای پنجمین بار دستگیر و روانه زندان شد اما تظاهرات مردم به سوی منزل حضرت آیت‌الله شیرازی باعث شد ایشان پس از بیست و چهار ساعت آزاد شوند. حجت‌الاسلام هاشمی نژاد در بهمن ۱۳۵۷ به تهران آمد. سپس به قائمشهر رفت و روز بیست و دوم بهمن در حال سخنرانی بود که

خبر تصرف رادیو و تلویزون و تصرف پادگان‌ها به وی رسید او به مشهد رفت و در حفظ نظم شهر تلاش بسیار کرد. با گذشت چند ماهی از پیروزی انقلاب اسلامی، در خرداد ۱۳۵۸ با قبول ریاست هیئت ایرانی، در اولین سفر خارجی به سه کشور لیبی و سوریه و اردن حرکت کرد. در لیبی، با معمر القذافی، رئیس جمهوری لیبی دیدار نمود و مسائل مربوط به افغانستان و عراق را مورد بحث قرار داد، در بهمن ۱۳۵۹ همزمان با سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی به دو کشور ژاپن و بنگلادش سفر کرد، وی با رأی مردم استان مازندران به مجلس خبرگان راه یافت. در دوران جنگ یکی دو نوبت به همراه حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای به مناطق جنگی رفت.

تألیفات ایشان علاوه بر مقالات و سخنرانی‌هایشان، عبارتند از: اصول پنجگانه اعتقادی و اصول دین؛ پاسخ ما به مشکلات جوانان؛ تقریرات و اصول دین؛ پاسخ ما به مشکلات جوانان؛ تقریرات اصول آیت‌الله شیخ علی کاشانی به عربی (چاپ نشده است)؛ درسی که حسین (ع) به انسان‌ها آموخت؛ راه سوم بین کمونیزم و سرمایه داری؛ رسالت انقلابی امام حسین (ع)؛ رهبران راستین؛ زهرا (س)؛ ضرورت تشکیلات؛ غروب آفتاب در اندلس؛ قرآن و کتاب‌های دیگر آسمانی؛ کمونیسم از دیدگاه نظام اقتصادی و اجتماعی اسلام؛ مبارزه با جهل و مادیت؛ مسائل عصر ما؛ مشکلات جنسی و چاره آن در اسلام؛ مشکلات مذهبی روز؛ مکتب مقاومت؛ مناظره دکتر و پیر؛ ولایت فقیه؛ هستی بخش.

حجت‌الاسلام سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد در هفتم مهرماه ۱۳۶۰، رأس ساعت هشت صبح، بعد از اتمام کلاس درس معارف الهی، در حال خروج از محل حزب جمهوری اسلامی در مشهد توسط منافقین به شهادت رسید. پیکر ایشان، در مشهد در دارالزهد حرم مطهر امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

آقای حاج سید عبدالکریم بن السید الزکی السید حسن بهشهری از فضلاء بنام و خطباء گرام و نویسندگان والامقام و مشاهیر و عاظم و گویندگان معاصر است از جهت نطق و بیان و قم و بنان گوی سبقت از همگنان ربوده و شهرت تام یافته و در هر کجا که برای تبلیغ دین و ترویج آئین و تنویر افکار نسل جوان مدعوا رفته مانند مشهد و تهران و قم و اصفهان و یزد و همدان و بابل و رفسنجان و ری و کاشان و خرم‌آباد و آبادان با استقبال گرم مردم مواجه شده و ده‌ها هزار نفر برای استماع از بیانات مستدل و منطقیش گرد آمده و ابراز احساسات نموده‌اند در بیست روز که در محرم و صفر ۱۳۹۳ قمری خود این نویسنده شاهد اجتماع عموم طبقات مخصوص افاضل حوزه علمیه و نسل جوان قم بودم که برای استفاده از منبر وی در شهر علمی و مذهبی قم گرد آمده و گفته می‌شد که بیش از بیست هزار نفر شرکت کرده‌اند و ایشان با بیانی گرم و پر حرارت ایراد سخن نموده و افکار مردم را به مطالبی متوجه می‌نمود.

معظم‌له در شهرستان بهشهر در سال ۱۳۴۸ قمری تولد یافته و پس از رشد و خواندن دروس فارسی به کوهستان رفته و در تحت تربیت و تعلیمات عالم ربانی آیت‌الله کوهستانی مرحوم مقدمات و ادبیات را خوانده آنگاه مهاجرت به قم نموده و در نزد فاضل ربانی طاب‌نژاد آقا شیخ علی فریده الاسلامی کاشانی که از اوتاد فضلاء و مدرسین حوزه بود سطوح وسطی را خوانده و سطوح عالی را از مدرسین بزرگ استفاده نموده و به درس خارج فقه و اصول آیت‌الله العظمی بروجردی طاب‌نژاد و آیت‌الله العظمی امام خمینی و آیت‌الله العظمی شریعتمداری و آیات دیگر شرکت نموده تا به مدارج عالی علم ارتقا یافته و دراسات و تقریرات استاد مجاهد خود را به رشته تحریر آورده و به نظر معظم‌له به وسیله این نگارنده رسانیده و مورد تائید و قبول استاد مزبور قرار گرفته است.

استاد هاشمی‌نژاد به واسطه جهات داخلی در سال ۱۳۸۲ قمری با معیت داماد و شریک گرامش حجه‌الاسلام حاج آقا حسن ابطحی خراسانی به مشهد مراجعت نموده و رحل اقامت افکنده و در حوزه مشهد به تدریس سطوح عالی کفایه و مکاسب و وظائف دینی و روحی دیگر پرداخته و خدمات ارزنده‌ای نموده است. آثار علمی و خدمات روحی معظم‌له از این قرار است:

- ۱- همکاری تاسیس کانون بحث و انتقاد دینی مشهد مقدس (که با معیت صدیق و رحم گرانی خود آقای ابطحی) نموده‌اند:
 - ۲- کتاب مناظره دکتر وپیر که تاکنون بیش از ده‌ها بار به طبع رسیده و مورد استقبال عموم طبقات قرار گرفته است.
 - ۳- درسی که حسین علیه‌السلام به انسانها آموخت مکرر چاپ شده است.
 - ۴- قرآن و کتابهای آسمانی دیگر.
 - ۵- مشکلات بزرگ نسل ما. ۶- راه سوم بین کمونیسم و سرمایه‌داری.
 - ۷- اصول پنج‌گانه اسلام ۸- مشکلات مذهبی روز ۹- جلد اول پاسخ ما به مشکلات جوانان ۱۰- بسیاری از جوابها و مقالات پاسخ ما.
- برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

هبة‌العزیز، ام‌الفضل

- قرن: ۴
- جنسیت: زن
- ملیت: ایران
- ز ۳۱۷ ق، از زنان محدث. وی دختر احمد بن عبدالرحمن بن عبدالمؤمن مهلبی بود که از علی بن محمد بن حاتم قومسی روایت کرده است.
- برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
- منابع زندگینامه: منبع: تاریخ جرجان، ۵۰۵.

هبة‌الله اصفهانی، ابوالقاسم

- قرن: ۶
- جنسیت: مرد
- ملیت: ایران
- حسین بن علی. ادیب ماهر، و حکیم حاذق، و طیب متبحر، از محاسن روزگار، و افاضل زمان خود بوده، و در جمیع فضایل بی‌نظیر می‌نموده است.
- در ۵۳۴ به عارضه‌ی سگته وفات یافته، در سرداب منزل خود دفن گردیده، و پس از چند ماه از فوت و دفنش درب سرداب را که باز کردند مرده‌ی او را نشسته در پای پله‌ها یافتند.
- برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

هجری تفرشی، محمدصادق

- قرن: ۱۲
- جنسیت: مرد
- ملیت: ایران
- (وف ح ۱۱۸۰ ق)، حکیم، ادیب و شاعر، متخلص به هجری. وی تحصیلات مقدماتی را نزد دایی خود، اقا محمد مؤمنای داعی

گذراند و پس از آن برای تکمیل تحصیلات به قم و اصفهان سفر کرد. او در اصفهان به فراگیری معقول و منقول، ادب، عرفان و اخلاق نزد بزرگان علم و دانش از جمله مولانا محمد صادق اردستانی مشغول شد و به مدارج بالایی رسید. هجری چندی نیز به تعلیم و تربیت رضاقلی میرزا، فرزند نادرشاه پرداخت که به دلایلی از دربار به خراسان رفت و پس از مدتی بازگشت و تا پایان عمر در حوالی تفرش عزلت گزید. مؤلف «نگارستان دارا» آورده که وی در مشهد درگذشت. هجری در سرودن ماده تاریخ، غزل، رباعی و بخصوص مثنوی مهارت داشت. از آثارش می‌توان به دو مثنوی اشاره کرد که در اولی تعبیراتی از اکثر علوم همچنین: صرف، نحو، منطق و تصوف به کار برده شده است و مثنوی دیگر او مشتمل بر صد و نود و یک بیت، در ذکر داستان شکار مأمون و امام جواد (ع) و غیره است. [۱]

میرزا ابوالقاسم پسر میرزا صادق تفرشی (ف. ۱۱۸۰ ه.ق) از رجال ادب است و اشعاری نیکو سروده است. آنچه مسلم است او در اواخر دولت صفوی تا زمان کریم‌خان زند می‌زیست. در علوم معقول و منقول و عرفان به مدارج عالی رسید و چند سالی در قم و اصفهان بسر برد و مدتی معلم رضاقلی میرزا فرزند نادر بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] سفینه‌المحمود (۴۴۳-۴۴۱/۲)، فرهنگ سخنوران (۹۹۷)، لغت‌نامه (ذیل / صادق)، نگارستان دارا (۲۲۰-۲۱۹)، یادگار (س ۵، ش ۶ و ۷، ص ۱۰۰-۹۲).

هجیم آملی طبرستانی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم ق)، شاعر و ادیب. در عصر سلجوقیان می‌زیست. مؤلف «فرهنگ سخنوران» وی را از شعرای عهد سامانیان می‌داند. او در ادبیات عربی و فارسی مهارت داشت و شاعری چیره‌دست و خوش بیان بود. وی در آمل از دنیا رفت و در همانجا به خاک سپرده شد. او به پیروی از دقیقی در یکی از قصایدش، قصیده‌ای با لغات فارسی و عربی و طبری سروده که حدود هشتاد بیت است. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۸۹)، الذریعه (۸۷۳/۹)، شعرای مازندران و گرگان (۳۴۸-۳۴۷)، فرهنگ سخنوران (۹۹۷)، مجمع‌الفصحا (۱۱۰۳/۳).

هدایت نیا، فرج الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرج الله هدایت نیا

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۳/۱

زندگینامه علمی

اینجانب فرج الله هدایت نیا گنجی در سال ۱۳۴۷ هجری شمسی در روستای «گنج افروز» از توابع شهرستان بابل متولد شده‌ام. پس از طی دوران کودکی وارد مدرسه شدم و تا سال سوم راهنمایی را در مدارس زادگاه خویش گذراندم. دانش آموز سال پنجم ابتدایی بودم که انقلاب اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی (ره) به پیروزی رسید و دوران نوجوانی من با حال هوای انقلاب آغاز شد.

تحت تأثیر شرایط پس از انقلاب در خودم علاقه به فراگیری علوم دینی احساس کردم و در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه «خاتم الانبیاء (ص)» بابل شدم. به مدت سه سال در حوزه علمیه «امام القائم» تهران تحصیل کردم و از سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه قم شدم. در حوزه علمیه قم، لمعتین و دو جلد اصول فقه را از محضر اساتید حوزه به ویژه استاد «علی محمدی (زید عزه)» فرا گرفتم. و از آن پس دروس خارج فقه و اصول را آغاز کردم. در این مرحله از اساتید بزرگوار نظیر آیات عظام: «فاضل لنکرانی»، «جوادی آملی»، «مکارم شیرازی» و «محموظی» بهره بردم.

در سال ۱۳۶۸ به فکر تکمیل تحصیلات خودم در علوم جدید و دانشگاهی افتادم. ابتداء به صورت غیر حضوری به مدت چهار سال دیپلم گرفتم و در کنکور سراسری سال ۱۳۷۳ شرکت کردم و در رشته حقوق دانشگاه تهران پذیرفته شدم. پس از اتمام دوره کارشناسی برای ادامه تحصیل وارد دانشگاه مفید قم شدم و در گرایش «حقوق خصوصی» در مقطع کارشناسی ارشد این دانشگاه فارغ التحصیل شدم و البته در طول این سالها، تحصیلات حوزوی را نیز ادامه دادم.

با توجه به شرایط جنگ، مثل سایر جوانان این مملکت در جبهه‌ها حاضر شدم و مدت دو سال به طور متناوب به صورت رزمی یا تبلیغی در جبهه‌ها بودم و از جانبازان جنگ تحمیلی می‌باشم. علاقه وافر اینجانب به فعالیتهای پژوهشی موجب شد که جذب مؤسسات پژوهشی شوم. مطالعات من تا کنون در گرایش «فقه»، «حقوق خصوصی» و «حقوق عمومی» بوده است. محصول مطالعات من کتابها و مقالاتی بوده است که بسیاری از آنها چاپ شده است. در حال حاضر اینجانب عضو «هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی» هستم و در گروه فقه و حقوق این مرکز فعالیت می‌کنم.

در کنار تحقیق، تدریس را از نظر دور نداشتم. از سال ۱۳۸۱ به تدریس حقوق در مراکز آموزش عالی روی آوردم و هم اکنون نیز در یکی از دانشگاههای تهران؛ «دانشگاه آزاد اسلامی» و مدرسه تخصصی فقه و اصول قم؛ «ویژه طلاب خارجی» به تدریس مشغول هستم. در حال حاضر در شهر مقدس قم ساکن هستم و به تحصیل تحقیق و تدریس مشغول می‌باشم. امیدوارم بتوانم از اندوخته‌های خود در جهت نشر علوم دینی و فرهنگ اسلامی بهره ببرم و دین خود را به مردم مسلمان ادا نمایم.

هدایت، انوشیروان

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۵، دکترای تخصصی جراحی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۹. مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۳ تا سال ۱۳۴۸، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۴۸ تاکنون. زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی پاتولوژی ۲۰۷۲ مورد بیماران تیروئید در بخش جراحی بیمارستان دکتر شریعتی، کیفیت انعکاس ترشح کورتیزول در بیمارستان قبل و بعد از عمل جراحی، پرکاری قسمت مرکزی فوق کلیه و درمان جراحی آن، صدمات مجاری صفراوی، تدریس دروس جراحی عمومی در دانشگاه تهران، نظارت بر ۵ پایان‌نامه دکترای تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

بیماریهای طحال در زمینه آناتومی جراحی طحال و مواظبتهای قبل و بعد از عمل جراحی طحال.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

پانکراتیت حاد در اطفال، زخمهای قلب، آناتومی جراحی طحال، مواظبتهای قبل و بعد از عمل جراحی طحال. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

هدایت، جعفرقلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جعفرقلی معروف به نیرالملک، فرزند رضا قلیخان هدایت متولد ۱۲۴۷ ق در تهران است. او تحصیلات خود را نزد پدرش در ادبیات فارسی و مقدمات زبان عربی آموخت. پس از تأسیس دارالفنون بدانجا رفت و به آموختن زبان فرانسه، حساب، هندسه، علوم طبیعی و نظام پرداخت. پس از ۶ سال تحصیل در دارالفنون با درجه ممتاز فارغ‌التحصیل شد و به معلمی دارالفنون درآمد. چند سال بعد ناظم آنجا شد و تدریجا رتبه سرهنگی گرفت. در ۱۲۷۸ ریاست دارالفنون را به او دادند و قریب چهار سال ریاست داشت و در همین سمت لقب نیرالملک و منصب سرداری گرفت. در ۱۳۱۶ ق به وزارت علوم منصوب شد و هفت سال در آن سمت باقی بود. بعد از مشروطیت در کابینه مشیرالسلطنه مجدداً وزارت علوم را عهده‌دار شد ولی چون مدتش کوتاه بود کاری از پیش نبرد. وفات او در ۱۳۳۳ ق در ۸۶ سالگی اتفاق افتاد.

نیرالملک یکی از فضلاء و دانشمندان قرن اخیر ایران است که به توسعه فرهنگ کمک‌های زیادی کرده است. آثاری نیز دارد و اصولاً خانواده هدایت در کار نشر معارف و فرهنگ خدماتی انجام داده‌اند. از وی چهار پسر و چهار دختر باقی ماند. پسران وی عبارت بودند از: رضاقلی، هدایت‌قلی، کریم و سلیمان. رضاقلی پس از فوت پدر نیرالملک گرفت. هدایت‌قلی لقب اعتضادالملک

داشت و فرزندانش عبارتند از محمود هدایت، صادق هدایت و سرلشکر عیسی هدایت. کریم طیب شد و درجه سرلشکری در ارتش یافت. سلیمان دانشکده سن سیر فرانسه را طی کرد و در جوانی از اسب به زیر افتاد و درگذشت.

(۱۲۸۴ - ۱۲۰۹/۱۲۰۶ ش)، نویسنده و مترجم. ملقب به نیرالملک. در تهران به دنیا آمد. مقدمات علوم زمان را نزد پدر آموخت و در دارالفنون به تحصیل زبان فرانسه و حساب و هندسه و علوم طبیعی و نظامی پرداخت. پس از طی این دوره چند کتاب و جزوه برای استفاده‌ی شاگردان دارالفنون ترجمه و تألیف کرد و در ۱۲۷۶ ش به منصب آجودانی مدرسه رسید و سال بعد ناظم مدرسه شد. وی در حدود ۱۲۴۰ ش به جای پدر ریاست مدرسه‌ی دارالفنون را به عهده گرفت و پس از فعالیتهای زیاد آموزشی و اداری، از ناصرالدین شاه لقب نیرالملک دریافت نمود و حدود چهل سال ریاست دارالفنون را عهده‌دار بود. او در حدود ۱۲۷۵ ش به وزارت علوم منصوب شد و در زمان صدارت اتابک اعظم و امین‌الدوله، وزارت معارف را به عهده داشت. وی در دوره‌ی وزارتش توانست دوره‌هایی را برای مراتب تحصیل تعیین کند. او همچنین به پاس خدمات فرهنگی نشان فرهنگستان علوم کشور فرانسه را دریافت کرد. وی در تهران درگذشت. از آثارش: رساله‌ی «مفتاح العلوم»، در مورد فیزیک و شیمی. [۱]

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] روز شمار تاریخ (۲/۵۸)، فرهنگ رجال قاجار (۲۰۷). وزرای معارف ایران (۳۲-۳۱)، وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران (۲۹-۳۹).

هدایت، رضاقلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

معروف به نیرالملک فرزند اکبر و ارشد محمد جعفرخان نیرالملک رئیس دارالفنون، متولد ۱۲۵۰ ش است. تحصیلات خود را در دارالفنون به اتمام رسانید و پس از چندی به استادی در دارالفنون ارتقاء مقام یافت. بعد از مرگ پدرش در ۱۳۳۳ ه.ق به ریاست دارالفنون رسید و لقب نیرالملک گرفت و سالها در آن سمت بود و مدتی نیز با حفظ سمت معاونت وزارت معارف را داشت. در ۱۲۹۹ در کابینه مشیرالدوله به وزارت پست و تلگراف معرفی گردید. بعد از کودتای ۱۲۹۹ که سید ضیاءالدین به ریاست وزراء انتخاب گردید نیرالملک را به وزارت معارف و اوقاف معرفی کرد و مادام که سید ضیاء بر سر کار بود و او هم وزارت داشت در اسفند ۱۳۰۰ ش در کابینه مشیرالدوله مجدداً به وزارت معارف معرفی شد. در ۱۳۰۶ که داور عدلیه جدید را بنیاد نهاد حاج مخبرالسلطنه هدایت وزیر فواید عامه را به ریاست دیوان عالی کشور معرفی کرد. حاج مخبرالسلطنه ریاست شعبه اول دیوانعالی کشور را به عمو زاده خود نیرالملک هدایت داد. مخبرالسلطنه بعد از چند ماه به نخست‌وزیری منصوب شد و نیرالملک به کفالت دیوانعالی کشور برگزیده شد و تا سال ۱۳۱۵ در آن سمت باقی بود که جای خود را به حاج سید نصرالله تقوی داد.

نیرالملک در علوم ریاضی، فلسفه، ادبیات فارسی و عربی استاد بود و زبانهای انگلیسی و فرانسه را به حد کافی می‌دانست. یکی از فرزندان او در ارتش به نام شکرالله هدایت درجه سرتیپی یافت. بعد از شهریور ۱۳۲۰ مجدداً فعالیت سیاسی را آغاز کرد و در تشکیل حزب اراده ملی با سید ضیاءالدین همکاری نزدیک داشت و ریاست شورایعالی حزب با او بود. وفات او در ۱۳۲۴ ش اتفاق افتاد.

(۱۳۲۴ - ۱۲۵۰/۱۲۴۹ ش)، مترجم و استاد دانشگاه. ملقب به نیرالملک. در تهران به دنیا آمد و پس از طی علوم مقدماتی وارد دارالفنون شد و به فراگیری علوم عالی پرداخت. او به زبان‌های انگلیسی و فرانسه تسلط داشت و پس از فراغت از تحصیل در

دارالفنون به تدریس زبان پرداخت و پس از مدتی به نیابت ریاست و نظامت دارالفنون منصوب گشت. هدایت در زمان مظفردالدین شاه به علت خدمات فرهنگی به دریافت نشان لیاقت نایل شد. در ۱۲۸۹ ش در دوران پادشاهی احمد شاه به معاونت و در کابینه سید ضیاءالدین طباطبایی به وزارت علوم و معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه منصوب گردید. او در ۱۲۸۸ ش به طور افتخاری به عضویت آکادمی علوم فرانسه پذیرفته شد و به دریافت نشان لژیون دونور نایل گردید. نیرالملک در تهران در گذشت. از آثارش: «پرورش روح و جسم و اخلاق»، ترجمه؛ «سیاحت‌نامه‌ی استانله به افریقا»، ترجمه. [۱]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] روز شمار تاریخ (۲۷۲، ۲۱۳، ۱۰۲، ۹۷/۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۰۴۷/۲)، وزرای معارف ایران (۸۰-۷۹)، وزیران علوم و معارف فرهنگ (۲۰۶-۲۰۳).

هدایت، صادق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۰-۱۲۸۱ ش)، نویسنده، مترجم و محقق. وی از خاندان رضاقلی خان هدایت است. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در دارالفنون و دبیرستان سن لویی تهران به پایان رساند و در حدود ۱۳۰۷ ش با کاروان دانش آموزان اعزامی به اروپا به بلژیک رفت و در رشته مهندسی راه و ساختمان نام‌نویسی کرد، اما در آنجا نماند و یک سال بعد با نخستین گروه دانشجویان اعزامی به اروپا برای تحصیل در رشته‌ی معماری به فرانسه رفت. وی در اقامت چهار ساله خود در فرانسه بیشتر به سیر و گشت گذراند و داستان‌های معروفی در آنجا نوشت، سپس به وطن بازگشت و در ۱۳۱۵ ش به دعوت دکتر شیرازپور پرتو، عضو وزارت امور خارجه که در آن هنگام نایب کنسول ایران در بمبئی بود، به عنوان متخصص تنظیم دیالوگ فیلم فارسی به هندوستان رفت و زبان پهلوی را آموخت و دو داستان که در آنجا فراگرفته بود به فرانسه نوشت و به وطن بازگشت. هدایت در این سفر بیشتر اوقات خود را در موزه‌ها و کتابخانه‌ها می‌گذراند. وی با بزرگ علوی، مجتبی مینوی و مسعود فرزند گروهی موسوم به ربهه را که هدفش ایجاد روحی تازه در ادبیات ایران بود در مقابل ادیبان محافظه‌کار که آنان را سبعه نامیده بودند، تشکیل داد. هدایت مدتی نیز با مجله «موسیقی» به مدیریت سرگرد مین‌باشی، تا تعطیل شدن آن در ۱۳۲۰ ش همکاری داشت. وی در همان سال مدتی نیز در دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران به عنوان مترجم مشغول بود. هدایت با مجله‌های «سخن» و «پیام نو» همکاری داشت و مقالات و داستان‌هایی را در آنها منتشر می‌کرد. وی در ۱۳۲۴ ش همراه یک هیئت فرهنگی به دعوت دانشگاه تاشکند اعزام ازبکستان شد و حدود دو ماه در آنجا ماند و در این مدت درباره‌ی اوضاع و احوال مردم آنجا تحقیق و مطالعه کرد. سپس در نخستین کنگره‌ی نویسندگان ایران در ۱۳۲۵ ش که، تحت شعار ادبیات نوین و مترقی ایران، با ریاست ملک‌الشعراء بهار تشکیل شده بود، شرکت کرد. وی در ۱۳۲۹ ش به پاریس رفت و پس از مدتی اقامت، در فروردین سال بعد، در گرمابه‌ی پانسیون خویش با گشودن شیر گاز به زندگی خود پایان داد. هدایت را در قبرستان پرلاشز پاریس به خاک سپردند. از دیگر آثار وی: «زننده به گور»، شامل نه داستان؛ «سه قطره خون»، شامل یازده داستان؛ «سگ و ولگرد»، شامل هشت داستان؛ «بوف کور»؛ «حاجی آقا»؛ «پروین دختر ساسان»، نمایشنامه؛ «فوائد گیاه‌خواری»؛ تصحیح «ترانه‌های خیام»؛ سفرنامه‌ی «اصفهان نصف جهان»؛ «گجستک ابالیش»، ترجمه از پهلوی؛ «دیوار»، ترجمه؛ «مسخ»، ترجمه. [۱]

صادق فرزند اعتضادالملک (و. تهران ۲۸ بهمن ۱۲۸۱- ف. پاریس ۱۳۳۰) در تهران متولد شد و برای تحصیل به فرانسه رفت. ابتدا

در پاریس اقامت نمود و سپس به بزانشون رفت. داستانهای معروف: زنده به گور، سه قطره خون، نمایشنامه‌ی پروین، افسانه‌ی آفرینش، فوائد گیاه‌خواری را در پاریس نوشت. سپس به ایران بازگشت و در ۱۳۱۵ به بمبئی رفت و زبان پهلوی را آنجا فراگرفت و سفرهای چندی به تاشکند و سایر شهرهای ازبکستان کرد و بالاخره در سال ۱۳۲۹ به پاریس رفت و پس از چهار ماه توقف در آن شهر خودکشی کرد. صادق به زبانهای انگلیسی و فرانسه آشنائی داشت. گذشته از مقالات و داستانها و سفرنامه‌ها، چند کتاب را از متون پهلوی به فارسی برگردانده است مانند: گجسته ابالش. کارنامه‌ی اردشیر بابکان. یادگار جاماسب. شهرستانهای ایران، و داستان‌هایی نیز از فرانسه به فارسی ترجمه کرده است چون دیوار، مسخ و غیره. هدایت از نویسندگان بنامی است که در ادبیات فارسی عصر حاضر اثری عمیق گذاشته است. و کتابهای او بارها به چاپ رسیده و بعضی به زبانهای بیگانه ترجمه شده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] ادبیات نوین (۳۶۷، ۳۶۱، ۳۶۰، ۲۱۲، ۱۵۸، ۱۵۷، ۱۴۸، ۱۴۱، ۱۴۰، ۱۳۹، ۱۳۸، ۱۳۴، ۱۳۱، ۱۱۳، ۱۱۲، ۹۳، ۸۹، ۸۸، ۸۷، ۸۵، ۷۶، ۷۳، ۶۷، ۵۱، ۵۰)، از نیما تا روزگار ما (۴۲۹-۳۳۳)، تاریخ برگزیدگان (۳۵۷-۳۵۵)، چون سبوی تشنه (۲۰۰-۱۹۸)، دایرةالمعارف فارسی (۲/۱۵۴۹)، روز شمار تاریخ (۳۲۱، ۲۷۹/۱)، شخصیت‌های نامی (۵۱۶-۵۱۴)، شناخت نام‌های صادق هدایت، صد سال داستان‌نویسی (۱۱۹-۱/۹۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۲۶، ۳۳۷۵، ۳۳۶۷، ۳۳۲۸، ۳۰۱۶، ۳۰۱۲، ۲۹۹۹، ۲۹۸۵، ۲۸۵۵-۲۸۵۴، ۲۷۰۷، ۲۷۰۹، ۲۶۹۷، ۲۶۴۸، ۲۵۸۴، ۲۴۷۵، ۲۳۴۴، ۲۱۸۳، ۲۰۹۴، ۲۰۴۲، ۲۰۱۰، ۱۹۲۹، ۱۹۲۶، ۱۸۶۶، ۱۶۱۴، ۱۴۷۸، ۱۴۶۲، ۱۳۸۳، ۱۳۷۲، ۱۲۰۰، ۱۱۳۷، ۸۴۵، ۶۳۵، ۶۰۲، ۵۲۷، ۴۰۳، ۳۹۴، ۳۶۲، ۲۴۲، ۱/۳)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۹۲)، لغت‌نامه (ذیل / صادق)، مؤلفین کتب چاپی (۵۱۳-۵۰۸/۳).

هدایت، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۱۴ ق)، نویسنده، مترجم و شاعر. وی برادر صادق هدایت، داستان‌نویس معروف است. او در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه و عالی خود را در مدارس علمیه و دارالفنون و دانشکده حقوق تهران به پایان رساند. هدایت در جوانی به علوم ادبی، فنون نقاشی، موسیقی و مجسمه‌سازی علاقه زیادی داشت و سالها در خدمت استاد کمال‌الملک به آموختن صنعت نقاشی مشغول بود. او همچنین زبان فرانسه را می‌دانست. هدایت پس از اتمام تحصیلات به خدمت وزارت دادگستری درآمد و عهده‌دار مشاغل از جمله: مترجمی موسیوپرنی مستشاری وزارت دادگستری، بازپرسی و مستشاری شعبه‌ی اول استیناف تهران و چند سالی نیز ریاست شعبه‌ی دوم دیوان دادرسی دارایی و فرمانداری تبریز بود. از آثارش: «ازدواج عجیب»؛ «سرگذشت عشرت»؛ «زیارت و سیاحت»، در ذکر جزئیات سفر به پاریس؛ «شهنشاه‌نامه‌ی پهلوی»، تاریخ ایران از بدایت تا نهایت؛ «گلزار جاویدان»، در سه مجلد؛ تذکره‌ی «بذر سخن»؛ «آینه‌ی زندگی»؛ «در رکاب نادر شاه» یا «سفرنامه‌ی عبدالکریم»؛ «مسافرت به ارمنستان و ایران»، ترجمه؛ «کلیات راجع به تاریخ سیاسی اروپا»، ترجمه؛ «مردم گریز»، ترجمه؛ «آب حیات»، شعر؛ «حقایق عریان»، شعر. [۱]

قاضی عالی‌رتبه، مترجم، نقاش، شاعر و موسیقی‌دان فرزند هدایت قلی هدایت (اعتضادالملک) در ۱۲۷۶ در تهران تولد یافت. تحصیلات خود را پس از فرا گرفتن مقدمات در ادبیات زبان پارسی، عربی و فرانسه آغاز کرد و مدتی مدید نزد کمال‌الملک هنر نقاشی آموخت. فن موسیقی را نیز به طریق علمی نزد تنی چند از هنرمندان معروف یاد گرفت. در ۱۳۰۲ وارد خدمات قضایی شد و تمام مراحل قضایی را در وزارت دادگستری طی کرد. مدتی رئیس دیوان دادرسی دارایی و زمانی مدیر کل ثبت اسناد و املاک

شد. در دیوانعالی کشور مستشاری و ریاست شعبه داشت. آخرین سمت قضایی او ریاست دادگاه تجدیدنظر انتظامی قضات بود. در وزارت کشور نیز سمت‌هایی از قبیل ریاست کارگزینی و فرمانداری تبریز با او بود. وی در ۱۳۲۹ زمانی که رزم‌آرا به نخست‌وزیری رسید به معاونت نخست‌وزیر منصوب شد. در کابینه بعدی که ریاست آن با علاء بود همان سمت را حفظ کرد. در حکومت دکتر مصدق به دادگستری بازگشت و به مستشاری دیوانعالی کشور مشغول شد. در ۱۳۳۴ مجدداً به معاونت نخست‌وزیری برگزیده شد و چند سالی آن سمت را داشت.

محمود هدایت اشعار زیادی سرود که بخشی از آن به چاپ رسید. اشعارش از استحکام شعری برخوردار می‌باشد و تابلوهای نقاشی او که بین خواص معروفیت دارد معرف ذوق و هنر او در این فن می‌باشد. تعداد کتبی که تاکنون ترجمه و به چاپ رسانده است زیاد است و بیشتر ترجمه‌های او کتب تاریخی است. خواهر وی همسر سپهبد رزم‌آرا بود. صادق هدایت نویسنده معروف و بزرگ معاصر برادر کهنتر اوست. برادر دیگر به نام عیسی هدایت داشت که در ارتش درجه سرلشکری گرفت. وی در جوانی با دختر فتح‌الله خان سردار مؤید مراغه‌ای پیوند زناشویی بست. صاحب دو پسر شد و همسر وی در میانسالی درگذشت. سرانجام در سال ۱۳۶۸ درگذشت.

شاعر، نقاش.

تولد: ۱۸ اردیبهشت ۱۲۷۶ (۴ ذی الحجه ۱۳۱۴ ق.)، تهران.

درگذشت: ۱۳۶۸.

محمود هدایت، فرزند هدایت‌قلی‌خان هدایت اعتضادالملک، تحصیلات ابتدایی و متوسطه و عالییه را در مدارس علمیه و دارالفنون و دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران به پایان رساند و چون از جوانی به تحصیل علوم ادبیه و فنون شاعری و موسیقی رغبت داشت، نزد کمال‌الملک آموختن رموز نقاشی را آغاز کرد. پس از پایان دوره‌ی تحصیل، در سال ۱۳۰۲، وارد وزارت دادگستری شد. در طول پنجاه سال خدمت جز چند سالی که در خارج از دادگستری به ریاست شعبه‌ی دوم دیوان دادرسی دارایی و فرمانداری تبریز و دو بار معاونت نخست‌وزیر سپری گردید، بقیه به مترجمی و دادیاری دادرسی تهران و بازپرسی و مستشاری شعبه‌ی اول استیناف تهران و مدیریت کل ثبت و ریاست ادارات بازرسی و دفتر وزارتی و دادیاری و مستشاری دیوان عالی کشور و ریاست شعبه‌ی پنجم دیوان مزبور و ریاست دادگاه عالی تجدید نظر انتظامی قضات مصروف شد. در آبان ۱۳۳۴ نیز یک قطعه درجه‌ی اول حقوق بشر و در ختم دوران خدمت که ۱۳۵۱ است یک قطعه نشان درجه‌ی اول عدالت دریافت کرد. ضمناً در سال ۱۳۳۱ نیز به دعوت سازمان ملل متحد چند ماهی در نخست‌وزیری و شورای دولتی کشور فرانسه به کارآموزی پرداخت.

آثار ترجمه‌ی وی به این شرح هستند: مهاجرت‌های خارجی و علل و آثار آن در ایران. (۱۳۶۵)؛ مسافرت به ایران به معیت سفیر کبیر روسیه (موریس فون دوکتزبوه، ۱۳۴۸)؛ مسافرت به ارمنستان و ایران (پی‌یر آمده امیلین پروب ژوبر، منشی السنه شرقی ناپلئون بناپارت)؛ سفرنامه‌ی عبدالکریم در رکاب نادرشاه؛ کلیات راجع به تاریخ سیاسی اروپا (ارنست لایویس)، مردم‌گریز (مولیر)؛ شاهنامه‌ی ثعالبی نیشابوری (ترجمه از عربی)، گلزار جاویدان (سه جلد، مشتمل بر اشعار و شرح حال شش هزار شاعر پارسی‌گوی از ایرانی و غیر ایرانی، ۱۳۵۳)؛ دو رساله مختصر درباره‌ی «حقوق اساسی» و «اصول محاکمات حقوقی» و چند منظومه به نام آب حیات و درفش ایران و حقایق عریان از اشعار اوست.

برگرفته از کتاب: شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه: [۱] چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (۱۱۸۴ - ۱۱۸۰)، روز شمار تاریخ (۱/۳۱۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۰۶، ۲۷۱۷، ۲۶۶۰، ۱۹۶۹، ۲/۱۷۳۶، ۱۳۸۷ - ۱۳۸۶، ۸۶۷، ۱/۱۷۱)، گلزار جاویدان (۱۷۸۹ - ۳/۱۷۸۰)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۹ - ۶/۱۰۷).

هدایتی، جمال

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

هدایتی، جواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۶ ش)، پزشک، نویسنده و استاد دانشگاه. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان اسلام و دوره‌ی متوسطه را در دارالفنون گذراند و سپس دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه تهران و نیویورک را به اتمام رساند. پس از مدتی دوره رزیدنتی و تخصصی را در رشته بیماری‌های گوش و حلق و بینی بیمارستان حلق و بینی نیویورک، وابسته به دانشگاه نیویورک و دوره رزیدنتی برونکوازو فاکولوژی و جراحی حنجره را در بیمارستان دانشگاه تمپل فیلادلفیا گذراند. هدایتی در ۱۳۳۳ ش پس از مدتی طبابت در نیویورک به تهران بازگشت. از مشاغل مهم وی استادی بیماری‌های گوش و حلق و بینی و ریاست دانشکده پزشکی دانشگاه ملی ایران بود. دکتر هدایتی عضو ممتاز و صاحب درجه‌ی بورده تخصصی از جامعه متخصصین آمریکا، عضو آکادمی و صاحب نشان از آکادمی چشم و گوش و حلق و بینی آمریکا و عضو ممتاز کالج بین‌المللی جراحان از ژنو و شیکاگو و عضو انجمن بین‌المللی برونکوازو فاکولوژی و عضو جراحان سر و گردن آمریکا بود. از آثار وی: «آثار چشم پزشکی تومورهای هیپوفیز»؛ «تغییرات آناتومیکی حلزون در گوش داخلی»؛ «نقش عضله کریکو تیروئید در فلج‌های حنجره».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: چهره‌های آشنا (۶۶۰).

هدی‌نیا، حمید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۱ آبان ۱۳۲۹.

درگذشت: ۱۲ آبان ۱۳۷۵، تهران.

حمید هدی‌نیا فرزند عباس، مدرس، نویسنده، مترجم، منتقد سینمایی بود. از آثار اوست: فرانسوا تروفو: زندگی و آثار (ترجمه و تألیف، با همکاری رحیم قاسمیان، پروین دوامی، ۱۳۳۶۵). پیکر وی در بهشت زهرا در قطعه‌ی ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) مدفون است.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

هراسی کانی خوارزمی، ابو عبدالله محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۲۵ ق)، ادیب، لغوی، صرفی و نحوی. وی از بزرگان ادبا و لغویون خوارزم بود. اصلش از کاث، از قرای خوارزم است. در «الاعلام» تحت عنوان هراسی و در «روضات الجنات»، «هدیه العارفین» و «کشف الظنون» تحت عنوان هراس آمده است. از آثارش: شرح «دیوان» منبئی؛ کتابی در «تصریف»؛ «رسائل البلاغۃ والبراعه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/ ۱۶۱)، روضات الجنات (۱/ ۲۳۱)، کشف الظنون (۸۱۲- ۸۱۱)، معجم المؤلفین (۳۰۱/ ۱۰)، الوافی بالوفیات (۱۲۲- ۱۲۱/ ۴)، هدیه العارفین (۶/ ۶۵).

هرسینی کرمانشاهی، محمد حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسن هرسینی کرمانشاهی از علماء اعلام و فقهاء کرام معاصر کرمانشاه می‌باشند.

در سال ۱۳۱۵ ق در یک فرسخی هرسین متولد شده و از روز نخست طالب دین و دیانت و علم و شرافت بوده و در خانواده متدین و متعصب و میهمان دوستی تربیت گردیده و خود از کوچکی مقدس و متقی و از هر صغیره و حتی مکروهات فرار و اجتناب نموده به طوری که اهالی محل ایشان عقاید عجیبی در استجاب دعا و تقوای ایشان داشته‌اند وی در سن ۱۷ سالگی در زمان ریاست مرحوم آیت‌الله العظمی میرزا محمدتقی شیرازی به سامرا مشرف و اشتغال به تحصیل ورزیده و پس از انتقال (معظم له) به کربلا ایشان هم عزیمت به کربلا و مورد نظر و مهر مرحوم میرزا قرار گرفته و بواسطه احتیاط از وجوهات کمتر مصرف و غالباً با صوم و صلوة استیجاری اعاشه می‌نمود تا پس از فوت و رحلت میرزا به نجف اشرف و از محضر مرحومین آیتین اصفهانی و نائینی و نیز مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی استفاده نموده و در سال ۱۳۴۲ ق به ایران مراجعت و در هرسین و کرمانشاه به تبلیغات و خدمات دینی پرداخته و جمعی از علایق و علویون آنجا را هدایت و ارشاد و هم مدتی با بهائی‌های نراق مبارزه و بعضی از آنها را از انحراف و ارتداد به راه مستقیم در آورده و در سال ۱۳۴۷ قمری به قم مشرف و از محضر مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت و آقای خونساری و آقای صدر و بعد آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده و پس از آن به کرمانشاه مراجعت و در مسجد جامعه کرمانشاه تا حال تحریر اشتغال به اقامه جماعت و ترویج دین و ارشاد و هدایت مردم دارد.

خاطره عجیب معظم له از مرحوم آیت‌الله اصفهانی

آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمدعلی اراکی فرمودند آقای هرسینی گفتند پس از فوت مرحوم آیت‌الله آقا میرزا محمدتقی شیرازی وضع معیشت بر من استوار شد و چند روزی گرسنه و در مضیقه سخت قرار گرفتم پس به نجف مشرف و در حرم صورت به ضریح مطهر علوی گذارده و اظهار حاجت نمودم.

پس از حرم بیرون و در صحن شریف شخصی آمد و مبلغی داد و مدتی گذران کردم و چون تمام شد باز به حضرت امیر (ع) عرض کردم و در صحن شخصی وجهی داد که چند روز مرا کفایت کرد و در بار سوم همین طور تا در مرتبه چهارم که دیگر پولی برای مخارج خود نداشتم مشرف شده و عرض مطلب کردم و چون آمدم از حرم بیرون روم دیدم مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی که در پشت سر مطهر نشسته تا مرا دید صدا زد خدمتشان رفتم فرمود شیخ محمدحسن هر وقت بی پول شدی و مخارجت تمام شد لازم نیست به حضرت امیر علیه‌السلام عرض کنی بیا به من بگو و تأکید کرد و من تعجب کردم که ایشان از کجا متوجه شده که حاجت من چیست. پس از حرم بیرون رفتم و روز بعد حسب التأكید ایشان درب منزل آن مرحوم رفتم که اوائل ریاست ایشان بود تا در زدم خود ایشان آمد و درب را باز کرد و فرمود هان بی پول شده‌ای بیا داخل و در اندرون منزل رفت و مدت یک ساعت طول کشید که من از آمدن پشیمان و خواستم بروم که دیدم آمد در حالی که غبارآلود است و اول عذرخواهی بسیار نمود و دامن خود را گشود و مبلغ زیادی از دراهم و پولهای عراقی جلوی من ریخت (که مدت‌ها مرا اداره و تأمین نمود).

و فرمود از اینکه دیر کردم مرا ببخش زیرا رفتم دخل و قلک بچه‌هایم را خالی کردم و برای شما آوردم که ضرورت داشت. (نگارنده گوید: بقول آیت‌الله اراکی معلوم می‌شود که مرحوم سید غیر از پول یومیه بچه‌ها و نوه‌های خود پول دیگری نداشته چون اوائل ریاست و مرجعیت ایشان بوده)

هرندی، ابو تراب

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

از سلسله نحوی‌های هرند، ساکن اصفهان است که عموماً به فضل و دانش مشهورند. در شعبان سال ۱۳۲۱ وفات یافته، در صحن سرقبر آقا (مقبره امام جمعه) مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

هرندی، عبدالجواد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند میرزا عبدالحسین، در ذی قعدة سال ۱۲۸۰ متولد، و در محرم ۱۳۰۵ در عنفوان جوانی وفات یافته، در سرقبر آقا مدفون گردید.

با وجودی که در جوانی از دنیا رفته، مقدمات علوم را از صرف و نحو و معانی و بیان و فقه در نزد فضلالی اصفهان تحصیل نموده، و خط نستعلیق را در کمال استادی می‌نوشه است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

هرندیان، باقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۹، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جراحی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی از دانشگاه تهران، متخصص جراحی عمومی از آمریکا، فوق تخصص در جراحی پلاستیک از آمریکا.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده پزشکی علوم پزشکی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

جراحی عمومی، سوختگی، ترمیم لب شکری و جراحی پلاستیک، بررسی ۵۰ مورد سرطان پوست، شکستگی فک و درمان آن،

نظرات بر ۲ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۵، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

جراحی عمومی و پلاستیک.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

هروی بغدادی، ابو عبید قاسم

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۲۳/۲۲۴ - ۲۲۲ - ۱۵۷ ق)، حافظ، محدث، فقیه، مجتهد، ادیب و لغوی. در هرات به دنیا آمد. پدرش از غلامان رومی و در خدمت مردی از اهل هرات بود. ادبیات و فقه را از اساتید بزرگ آن زمان فراگرفت. قرآن و لغت را نزد ابوالحسن کسایی و اسماعیل بن جعفر و شجاع بن ابونصر بلخی و ابوعمر و شیانی و فراء و ابوزیاد کلابی و ابوعبیده و اصمعی و یزیدی و ابوزید انصاری و عده‌ای دیگر آموخت. وی در قرآآت، فقه، لغت و شعر متبحر بود. از اسحاق بن سلیمان رازی و اسماعیل بن جعفر و شریک بن عبدالله و اسماعیل بن عیاش و هشیم بن بشیر و سفیان بن عینه و اسماعیل بن علی و یزید بن هارون و یحیی بن سعید قطان و حجاج بن محمد و ابومعاویه ضریر و صفوان بن عیسی و عبدالرحمان بن مهدی و حماد بن مسعده و مروان بن معاویه و ابوبکر بن عیاش و محمد بن جعفر غندر و سعید بن عبدالرحمان جمحی و عبیدالله اشجعی و وکیع بن جراح و عبدالله بن ادیس و جریر بن عبدالحمید و عباد بن عباد مهلبی و معاذ بن معاذ عنبری و عمر بن یونس و عبدالله بن مبارک و اسحاق ازرق و دیگران حدیث شنید. استادش، سعید بن ابومریم مصری، و نصر بن داوود بن طوق صاغانی و محمد بن اسحاق صاغانی و حسن بن مکرّم و احمد بن یوسف تغلبی و

ابوبکر بن ابی الدنیا و حارث بن ابی اسامه و محمد بن یحیی مروزی و علی بن عبدالعزیز بغوی و عبدالله بن عبدالرحمان دارمی و عباس دوری و محمد بن حفص دوری و احمد بن یحیی بلاذری و عبدالمجید بوشنجی و ابوالحسن علی بن عبدالله طوسی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. وی مدتی در بغداد اقامت گزید. سپس در زمان امیر ثابت بن نصر بن مالک خزاعی به منصب قضاوت شهر طرسوس گمارده شد. در اواخر عمر به مکه رفت و همان جا درگذشت. از آثارش: «الغریب» یا «غریب الحدیث»؛ «غریب القرآن»؛ «الغریب المصنف فی علم اللسان»؛ «فضائل القرآن»؛ «ادب القاضی»؛ «الاموال»؛ «الشعراء»؛ «الناسخ والمنسوخ»؛ «المواعظ»؛ «القرآت»؛ «النسب»؛ «معانی القرآن»؛ «المجاز فی القرآن»؛ «عدد آی القرآن»؛ «الامثال السائرة»؛ «المقصود والممدود»؛ «الطهارة».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۰/ ۶)، تاریخ بغداد (۴۱۶- ۴۰۳/ ۱۲)، التاریخ الکبیر (۷/ ۱۷۲)، تذکره الحفاظ (۴۱۸- ۴۱۷/ ۱)، تهذیب التهذیب (۲۷۶- ۲۷۴/ ۸)، تهذیب الکمال (۱۵۴- ۱۴۵/ ۱۵)، الجرح والتعدیل (ج ۳، ق ۱۱۱/ ۲)، سیر النبلاء (۵۰۹- ۴۹۰/ ۱۰)، شذرات الذهب (۵۵- ۵۴/ ۲)، صفه الصفوة (۳۲۸- ۳۲۷/ ۲)، طبقات ابن سعد (۲۵۴- ۲۵۳/ ۷)، طبقات الشافعیه سیبکی (۱۶۰- ۱۵۳/ ۲)، طبقات الفقهاء الحنابله (۳۶۴- ۳۶۰/ ۱)، طبقات المفسرین داودی (۳۷- ۳۲/ ۲)، العبر (۳۰۸/ ۱)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (۱۲۱- ۱۲۰)، الکامل (۲۵۹/ ۵)، معجم الادباء (۲۶۱- ۲۵۴/ ۱۶)، المنتظم (۳۳۶- ۳۳۴/ ۶)، میزان الاعتدال (۳۵۹/ ۳)، النجوم الزاهرة (۲۹۴/ ۲)، وفيات الاعیان (۶۳- ۶۰/ ۴).

هروی، ابواسحاق احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۳۴ ق)، حافظ، محدث و مورخ. معروف به ابن یاسین حداد. وی از عثمان بن سعید دارمی و موسی بن احمد فریابی و عبید بن محمد وراق حافظ و معاذ بن مثنی و فضل بن عبدالله یشکری و همطبقه آنها حدیث شنید. ابوعبدالله بن ابی ذهل و منصور بن عبدالله خالدی و خلیل بن احمد قاضی و محمد بن علی بن محمد باشانی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. او در فن تاریخ نویسی دست داشت و کتابی با عنوان «تاریخ هرات» تصنیف نمود. در «میزان الاعتدال» سال درگذشت وی ۲۳۴ ق ذکر شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره الحفاظ (۸۷۸- ۸۷۷/ ۳)، سیر النبلاء (۳۴۰- ۳۳۹/ ۱۵)، شذرات الذهب (۳۳۵/ ۲)، طبقات الحفاظ (۳۷۵)، لسان المیزان (۴۳۷/ ۱)، معجم المؤلفین (۱۶۸/ ۲)، میزان الاعتدال (۱۷۵/ ۱)، هدیة العارفین (۴۷/ ۱).

هروی، ابوالفتح نصر

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۱۱/ ۵۱۰- ۴۱۹ ق)، محدث، مسند، زاهد و عابد. وی در هرات به دنیا آمد. از پدرش و جدش ابراهیم و جد مادری اش،

ابی‌المظفر منصور بن اسماعیل هروی، و ابویعقوب قراب حافظ و ابوالحسن دباس و اباعثمان سعید بن عباس قرشی و عبدالوهاب بن محمد بن عیسی و محمد بن فضیل و جماعتی دیگر حدیث شنید. شماری از مشایخ سمعانی از وی روایت کرده‌اند از آثارش: «المسند»، در حدیث که شیخ‌الاسلام ابواسماعیل خواجه عبدالله انصاری آن را در سه مجلد تخریج کرد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره الحفاظ (۴/۱۲۶۲)، سیر النبلاء (۱۹/۳۹۱)، معجم المؤلفین (۸۸-۸۷/۱۳)، هدیه العارفین (۲/۴۹۱).

هروی، ابوالولید ابی‌الرجاء، احمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۳۲ ق)، عارف و محدث. از قریه آزادان هرات و عالم به علوم ظاهر و باطن بود. وی از شاگردان امام احمد حنبل بود. بخاری در کتاب «صحیح» خود از وی حدیث روایت کرده است. در اوایل مال بسیار داشت و همه را در طلب حدیث و حج صرف کرد. از هرات سفر می‌کرد، و هرگاه مال به آخر می‌رسید به هرات مراجعت می‌کرد. و بعضی از املاک خود را می‌فروخت و باز به سفر می‌رفت و به این طریق همه‌ی مال خود را نفقه کرد. قبر وی در قریه‌ی آزادان است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: مجمل فصیحی (ذیل / سال ۲۰۲)، مزارات هرات، تعلیقات (۱۳۰)، نامه‌ی دانشوران (۵۰-۴۸ / ۵)، نفحات الانس (۳۳۵)، هفت اقلیم (۲/ ۱۳۸).

هروی، ابوذر عبد، عبدالله

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۳۴-۳۵۶ / ۳۵۵ ق)، فقیه مالکی، حافظ، محدث و صوفی. معروف به ابن سماک. اصل او از هرات و از علمای بزرگ مالکی و شیخ‌الحرم زمانش بود. در طلب علم و حدیث به مسافرت‌های طولانی پرداخت. علم کلام را از ابن باقلانی فرار گرفت. وی در هرات از ابوالفضل بن خمیرویه و بشر بن محمد مزنی و عده‌ای دیگر و در سرخس از ابومحمد بن حمویه و زاهر بن احمد فقیه و در بلخ از ابواسحاق مستملی و در مرو از ابوهیثم کشمیه‌نی و در بصره از ابوبکر هلال بن محمد بن محمد و شبیان بن محمد ضبعی و در بغداد از ابوالفضل زهری و ابوالحسن دارقطنی و ابوعمر بن حیویه و در دمشق از عبدالوهاب بن حسن کلابی و در مصر از ابومسلم کاتب و در مکه از ابواسحاق ابراهیم بن محمد دینوری و عده‌ای دیگر حدیث شنید. وی راوی «صحیح» بخاری از مستملی و حموی و کشمیه‌نی بود. فرزندش عیسی و علی بن محمد بن ابوالهول و موسی بن عیسی صقلی و عبدالله بن حسن تنیسی و ابوصالح نیشابوری مودن و علی بن بکار صوری و احمد بن محمد قزوینی و ابوطاهر اسماعیل بن سعید نحوی و ابوحنسین بن مهتدی بالله و ابولید باجی و عبدالله بن سعید شنتجالی و عبدالحق بن هارون سهمی و ابوبکر احمد بن علی طریثی و ابوشاکر احمد بن علی عثمانی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. ابوبکر خطیب بغدادی و ابوعمر بن عبدالبر و احمد بن عبدالقادر یوسفی و ابوعبدالله احمد بن محمد بن غلبون خولانی از او اجازه‌ی روایت داشته‌اند. او را حافظی کثیرالشیوخ دانسته‌اند. وی مدتی در مکه

مجاور گشت و در آنجا به تصنیف کتب و گردآوری «معجم» مشایخ خود پرداخت. بعدها در ناحیه سروات، در حوالی مکه، سکنی گزید. او هر سال در موسم حج به مکه می‌رفت و سرانجام نیز در مکه درگذشت. از دیگر آثارش: تفسیر قرآن؛ «السنة والصفات»؛ «الجامع»؛ «الدعاء»؛ «فضائل القرآن»؛ «دلایل النبوة»؛ «المستدرک علی الصحیحین»؛ «الصحيح المسند المخرج علی الصحیحین» یا «المسند الصحیح المجرّد علی البخاری و مسلم»؛ «شهادة الزور»؛ «فضائل ملک بن انس»؛ «العیدین» یا «فضائل العیدین»؛ «مسانید الموطات»؛ «فضل یوم عاشوراء»؛ «المناسک»؛ «الربا» و «الیمین الفاجرة»؛ «کرامات الاولیاء».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۱۱/۱۴۱)، تذکره الحفاظ (۱۱۰۸-۱۱۰۳/۳)، سیر النبلاء (۵۶۳-۵۵۴/۱۷)، شذرات الذهب (۳/۲۵۴)، طبقات الحفاظ (۴۴۳)، طبقات المفسرین داودی (۳۶۸-۳۶۶/۱)، العبر (۲/۲۶۹)، الکامل (۸/۳۶)، کشف الظنون (۱۸۳۰، ۱۶۷۳-۱۶۷۲، ۴۴۱)، معجم المؤلفین (۶۶-۶۵/۵)، المنتظم (۹/۳۱۱)، النجوم الزاهرة (۵/۳۸)، هدیة العارفین (۴۳۸-۴۳۷/۱).

هروی، ابوسعید آدم

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۳۶ ق)، ادیب، لغوی و محدث. اصلاً از هرات بود و ساکن بلخ.

در ۵۲۰ ق پس از سفر حج به بغداد وارد شد و در همان جا درگذشت. استاد رشید و طواط بود و میان او و شیخ ابومنصور جوالیقی مناظراتی واقع شد. در حدیث و فنون ادب یکی از مراجع عصر خویش بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۲/۲۴۰)، روضات الجنات (۲/۵۹)، ریحانه (۷/۱۲۵)، لغت‌نامه (ذیل / ابوسعید)، معجم الادباء (۱۰۷-۱۰۱/۱).

هروی، ابوسعید محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۱۸ ق)، فقیه شافعی و قاضی. وی از فقهای شافعی در سده‌های پنجم و اوایل ششم قمری بود. در نزد ابوعاصم عبادی تلمذ کرد و کتاب «ادب القضاء» او را شرح نمود و «الاشراف علی غوامض الحکومات» نامید. در «هدیة العارفین» به نقل از ابن عساکر و به تبع آن در «معجم المؤلفین» این کتاب به ابوسعید عبدالمجید بن اسماعیل هروی (م ۵۳۷ ق) نیز نسبت داده شده است. وی عهده‌دار منصب قضاوت همدان بود. در مسجد جامع همدان به همراه پدرش به قتل رسید.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: طبقات الشافعیة اسنوی (۲/۲۹۲)، طبقات الشافعیة سبکی (۳۷۱-۳۶۵/۵، ۴/۱۰۴)، کشف الظنون (۱۰۳)، معجم المؤلفین (۱۶۸، ۹/۳۰، ۱۶۷-۱۶۶/۶، ۴/۲۱۰)، هدیة العارفین (۲/۸۴، ۱/۶۱۹).

هروی، ابوسعید ابراهیم

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۶۳/۱۶۸ ق)، حافظ، فقیه و محدث. در اواخر روزگار صحابه‌ی صغار (آنان که در زمان رحلت پیامبر (ص) کم سن و سال بودند) در هرات به دنیا آمد. اصلش از قریه‌ی باشان هرات بود. در نیشابور نشو و نما یافت. در طلب علم به مسافرت پرداخت و عده‌ای از تابعین را ملاقات نمود و از آنها حدیث شنید. از جمله از عبدالله بن دینار و ثابت بنانی و ابوحازم اعرج و ابواسحاق سیبسی و ساک بن حرب و موسی بن عقبه و ابوزبیر محمد بن مسلم قرشی و محمد بن زیاد جمحی قرشی و یحیی بن سعید انصاری. همچنین از منصور بن معتمر و ابی جمره ضبعی و عاصم بن بهدله و عاصم بن سلیمان و حسین معلم و آدم بن علی و عبدالعزیز بن رفیع و ابوحصین عثمان اسدی و حمید طویل و حجاج بن حجاج باهل و عطاء بن ابی مسلم خراسانی و عبدالعزیز بن صهیب و مطر وراق و دیگران حدیث شنید. به بغداد رفت و در آنجا حدیث گفت. سپس به مکه رفت و در آنجا مجاور شد. فرزندش، عبدالخالق بن ابراهیم، و استادش، صفوان بن سلیم، و ابوحنیفه نعمان بن ثابت و محمد بن جعفر بن ابی‌کثیر و عبدالله بن مبارک و حفص بن عبدالله سلمی نیشابوری و ابو عامر عقدی و سفیان بن عیینه و خالد بن نزار و وکیع بن جراح و حسین بن ولید نیشابوری و عبدالرحمان بن عبدالله دشتکی رازی و غسان بن سلیمان هروی و برادرش، مالک بن سلیمان هروی، و عمر بن عبدالله بن رزین و عبدالرحمان بن مهدی و محمد بن سابق و معن قزاز و یحیی بن ابوبکر کرمانی و یحیی بن ضریس بجلی رازی و ابوحذیفه نهدی و عبدالرحمان بن سلام جمحی و محمد بن سنان عوقی و جماعتی دیگر از او روایت کرده‌اند. در مکه درگذشت. از آثارش: «السنن»، در فقه؛ «المناقب»؛ کتاب «العیدین»؛ کتاب «التفسیر».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان‌الشیعه (۱۶۸ / ۲)، تاریخ بغداد (۱۱۱ - ۱۰۵ / ۶)، التاریخ الکبیر (۲۹۴ / ۱)، تذکره‌الحفاظ (۲۱۳ / ۱)، تهذیب‌التهذیب (۱۱۸ - ۱۱۷ / ۱)، تهذیب‌الکمال (۳۶۸ - ۳۶۴ / ۱)، الثقات (۲۷ / ۶)، سیرالنبلاء (۳۸۵ - ۳۷۸ / ۷)، شذرات‌الذهب (۲۵۷ / ۱)، طبقات‌الحفاظ (۱۰۶ - ۱۰۵)، طبقات‌المفسرین داودی (۱۱ - ۱۰ / ۱)، العبر (۱۸۵ / ۱)، الفهرست ابن‌النذیم، ترجمه (۴۱۶)، الکامل (۵ / ۶۴)، لسان‌المیزان (۸ / ۱۹۱)، معجم‌البلدان (۳۸۳ / ۱)، معجم‌المؤلفین (۴۱ / ۱)، میزان‌الاعتدال (۶۳ / ۱)، الوافی بالوفیات (۲۴ - ۲۳ / ۶).

هروی، ابوصلت، عبدالسلام

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۳۶ - ۱۶۰ ق)، محدث شیعی. اهل خراسان و محب خاندان حضرت رسالت (ص) بود. ابوالصلت به روایتی در مدینه زاده شد. در نیشابور اقامت گزید. در طلب علم به نقاط مختلفی، چون عراق، حجاز، یمن سفر کرد، و از کسانی چون حماد بن زید، شریک، ابن عیینه، مالک، فضیل بن عیاض، و عبدالله بن مبارک استماع حدیث کرد. وی چندی در بغداد به روایت حدیث پرداخت و مدتی نیز محضر امام رضا (ع) را درک کرد و خادم آن حضرت بود و از آن حضرت روایت کرد، چنانکه در نیشابور در خدمت آن امام

حاضر بود و در سرخس نیز به دیدار وی رسید. او زاهدی متعبد بود آن گونه که مأمون را به شگفتی واداشت. ابوصلت متکلمی چیره دست بود و در مناظرات با جهیمیه و مرجئه و قدریه در حضور مأمون توانمندی خود را به ثبوت رساند و همواره در مناظره پیروز بود. فرزندش محمد و ابن ابی داوود و عباس دوری و محمد بن رافع نیشابوری و احمد بن سیار مروزی و حسین اسحاق تستری و احمد بن ابی خیمه و عبدالله بن احمد بن حنبل از شاگردان وی بودند. ابن ماجه قزوینی در «صحیح» خود از وی روایت کرده است. هم اکنون آرامگاهی منسوب به وی با نام خواجه اباصلت در سمت شرقی شهر مشهد وجود دارد. در قم و سمنان نیز مزارهای منسوب به وی هست. عده‌ای او را جزء علمای عامه دانسته و در مقابل، گروهی دیگر او را رافضی و شیعه‌ی غالی شمرده‌اند. وی کتابی در باب وفات امام رضا (ع) به نام «وفات الرضا» تألیف کرد، که نجاشی از آن نام می‌برد و ابن بابویه از آن در «عیون اخبار الرضا» استفاده کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲/ ۳۶۳)، تاریخ الاسلام (حوادث ۲۵۱- ۲۴۹ / ۲۴۰- ۲۳۱)، تاریخ بغداد (۵۱- ۴۶ / ۱۱)، تاریخ نیشابور (۹۰)، تهذیب التهذیب (۲۸۳- ۲۸۱ / ۶)، الجرح و التعديل (ج ۳، ق ۴۸ / ۱)، الذریعه (۱۱۹ / ۲۵)، رجال الطوسی (۳۸۰)، رجال النجاشی (۶۱- ۶۰ / ۲)، ریحانه (۱۶۳- ۱۶۲ / ۷)، سیر النبلاء (۴۴۸- ۴۴۶ / ۱۱)، الکنی و الالقاب (۱۰۳- ۱۰۰ / ۱)، لسان المیزان (۳۹۶ / ۹)، لغت‌نامه (ذیل / ابوالصلت)، هدیه الاحباب (۲۳).

هروی، ابو عبدالرحمان، ابو جعفر محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۰۲ / ۳۰۳ ق)، حافظ، محدث و مورخ. معروف به شکر. وی از محمد بن رافع قشیری و علی بن خشرم و علی بن حرب و احمد بن عیسی مصری و عمر بن شبه و احمد بن منصور و رمادی و همطبقه‌ی آنها حدیث شنید. حاکم نیشابوری گوید که وی در مرو، طوس، سرخس، مرو رود، بخارا و نیشابور نقل حدیث کرد. ابوولید حسان بن محمد و محمد بن جعفر بن مطر و ابوبکر احمد بن علی رازی و ابوحامد بن شرقی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. او در هرات درگذشت. از آثارش: کتاب «تاریخ هرات»؛ کتاب «الجواهر»؛ «العجائب».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نیشابور (۱۲۷)، تذکره الحفاظ (۷۴۹- ۷۴۸ / ۲)، سیر النبلاء (۲۲۲- ۲۲۱ / ۱۴)، شذرات الذهب (۲ / ۲۴۲)، طبقات الحفاظ (۳۳۶- ۳۳۵)، العبر (۱ / ۴۴۶)، کشف الظنون (۱۴۳۷)، معجم المؤلفین (۵۱- ۵۰ / ۱۲)، الوافی بالوفیات (۵ / ۶۷).

هروی، ابو عبدالله، محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۰۱ / ۳۰۲ ق)، حافظ و محدث. اصل وی از هرات بود. از احمد بن یونس یربوعی و همطبقه‌ی او در کوفه و اسماعیل بن ابی‌اویس و عده‌ای دیگر در مدینه و احمد بن حنبل و همطبقه‌ی او در بغداد و ابراهیم بن محمد شافعی در مکه و محمد بن معاویه

نیشابوری و محمد بن مقاتل مروزی حدیث شنید. سامی از مشایخ ابوحاتم بن حبان بستی است و ابن حبان در «صحیح» خود و نیز عباس بن فضل ضروری و بشر بن محمد مزنی و دیگر علمای هرات از وی روایت کرده‌اند.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: تذکره الحفاظ (۶۹۸-۶۹۷/۲)، سیر النبلاء (۱۱۵-۱۱۴/۱۴)، شذرات الذهب (۲/۲۳۵)، طبقات الحفاظ (۳۲۴)، العبر (۱/۴۴۲)، معجم المؤلفین (۱۵۷/۱۰)، الوافی بالوفیات (۳/۲۲۶).

هروی، ابو عبید احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۰۱ ق)، محدث، ادیب و لغوی. معروف به صاحب «الغریبین». اصلش از فاشان، از قرای هرات است. از بزرگان علما و ادبا و لغویون و از شاگردان نبطویه و ابن سراج و ابومنصور ازهری بود. وی از احمد بن محمد بن یاسین و ابواسحاق احمد بن محمد بن یونس بزاز حافظ روایت کرده است. شیخ الاسلام ابو عثمان اسماعیل بن عبدالرحمان صابونی و ابو عمر عبدالواحد بن احمد ملیحی و ابوبکر اردستانی از وی روایت کرده‌اند. او را پیشوای اهل ادب در زمان خود می‌دانستند. وی به سرزمینهای مختلف سفر کرد و مدتی نیز اسیر قرامطه شد. در «ریحانة الادب» و «روضات الجنات» کتبی وی ابو عبدالله یا ابوالقاسم ذکر شده است. از آثارش: «الغریبین»، که جمعی است بین تفسیر «غریب القرآن» و «غریب الحدیث»؛ «ولاء هرات» یا «تفصیل ولاء هرات».
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/۲۰۳)، روضات الجنات (۲۵۲-۲۵۱/۱)، ریحانه (۶/۳۶۱)، سیر النبلاء (۱۴۷-۱۴۶/۱۷)، شذرات الذهب (۳/۱۶۱)، طبقات الشافعیه اسنوی (۲۹۲-۲۹۱/۲)، طبقات الشافعیه سبکی (۸۵-۸۴/۴)، العبر (۲/۱۹۹)، الکامل (۷/۲۵۶)، کشف الظنون (۱۲۰۹، ۱۲۰۶)، معجم الادباء (۲۶۱-۲۶۰/۴)، معجم المؤلفین (۲/۱۵۰)، النجوم الزاهره (۴/۲۲۹)، الوافی بالوفیات (۱۱۵-۱۱۴/۸)، وفیات الاعیان (۹۶-۹۵/۱)، هدیة الاحباب (۲۶۲)، هدیة العارفین (۱/۷۰).

هروی، ابو علی حسین

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۰۱-۲۰۷ ق)، حافظ، محدث و مورخ. معروف به ابن خرم. وی از سعید بن منصور و خالد بن هیاج و داوود بن رشید و هشام بن عمار و سوید بن سعید و محمد بن عبدالله به عمار و عثمان بن ابی شیبه و همطبقه‌ی آنها حدیث شنید. بشر بن محمد مزنی و منصور بن عباس و ابوحاتم بن حبان و ابوبکر نقاش مفسر و محمد بن عبدالله بن خمیرویه و اهل هرات از وی روایت کرده‌اند. دارقطنی او را در حدیث ثقه می‌داند. از آثار وی کتابی در تاریخ است که بر اساس سنوات مرتب نشده است.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲/۲۵۱)، انساب سمعانی (۵/۶۳۷)، تذکره الحفاظ (۶۹۵-۶۹۶/۲)، توضیح المشتبه (۲۱۹-۲۱۸/۳)، الثقات (۸/۱۹۳)، الجرح والتعديل (ج ۱، ق ۴۷/۲)، سیر النبلاء (۱۱۴-۱۱۳/۱۴)، شذرات الذهب (۲/۲۳۵)، طبقات الحفاظ (۳۲۲)،

العبر (۱/۴۴۱)، لسان‌المیزان (۵۰۳-۵۰۲/۲)، معجم‌المؤلفین (۳/۲۰۵)، میزان‌الاعتدال (۱/۵۲۴)، النجوم الزاهرة (۳/۲۰۴)، الوافی بالوفیات (۱۲/۳۴۰).

هروی، ابومحمد عبدالله

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۱۱ ق)، حافظ و محدث. اصل وی از هرات بود. از ابوسعید اشج و زعفرانی و محمد بن ولید بسری و حسن بن عرفه و همطبقه‌ی آنها حدیث شنید. محمد بن احمد بن ازهری لغوی و محمد بن عبدالله سیاری و ابومنصور محمد بن عبدالله بزاز هروی و اهل هرات از وی روایت کرده‌اند. از آثارش: کتاب «الافضیه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح‌المکتون (۲/۲۷۰)، تذکره‌الحفاظ (۳/۷۸۶-۷۸۷)، سیرالنبلاء (۱۴/۲۹۴)، شذرات‌الذهب (۲/۲۶۲)، طبقات الحفاظ (۳۴۹)، العبر (۱/۴۶۲)، معجم‌المؤلفین (۶/۸۲-۸۳)، هدیة‌العارفین (۱/۴۴۳).

هروی، ابومعمر سالم

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۳۳ ق)، فقیه شافعی و متکلم. معروف به غولچه (مصغر غول). اصل او از هرات و از علمای شافعی در سده‌ی پنجم قمری بود. وی در انواع علوم مهارت داشت. حاکم نیشابوری از وی روایت کرده است. سبکی در «طبقات الشافعیه» آورده که او همطبقه شیخ ابومحمد و ناصر مروزی است. از آثارش: «اللمع فی الرد علی اهل الزيغ والبدع»، در مسائل کلامی و اصول اعتقادی اهل سنت. این کتاب در «کشف‌الظنون» تحت نام «اللمع فی الرد علی اهل الزيغ والبدع» آمده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: شذرات‌الذهب (۳/۲۵۱)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۲/۲۹۸)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۴/۳۸۰)، کشف‌الظنون (۱۵۶۵)، معجم‌المؤلفین (۴/۲۰۳).

هروی، ابومنصور موفق

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم و پنجم ق)، طبیب. از شرح حال و زندگی وی اطلاع دقیقی در دست نیست، فقط معلوم است که مسافرت‌هایی در داخل ایران داشته و سفری به هند کرده است. اما در مورد اثر وی، «الابنیة عن حقایق الادویة» یا «روضه‌الانس و منفعه‌النفس»، باید گفت که قدیم‌ترین کتاب طبی پارتی است که در دست است. او در این کتاب پانصد و هشتاد و پنج دارو را بر حسب تأثیرشان

طبقه‌بندی کرده است. عده‌ای از مستشرقین از مقدمه وی چنین فهمیده‌اند که او در زمان منصور بن نوح سامانی (۳۶۶-۳۵۰ ق) می‌زیسته، اما این ادعا مورد قبول بسیاری از محققین ایرانی نمی‌باشد. اسدی طوسی این کتاب را در ۴۴۷ ق کتابت نموده و در پایان برای سلامت مؤلف دعا کرده است. گرچه این احتمال هم داده شده که ممکن است اسدی تمام عبارت دعا را عیناً از روی نسخه اصلی، که در حیات مؤلف نوشته شده، استنساخ کرده باشد. نام صاحب عنوان در برخی از منابع به صورت موفق‌الدین ابومنصور علی هروی ذکر شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الابنیه عن حقایق الادویه (مقدمه/ ۱۳-۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۲۵، ۳۴۸/ ۱)، تاریخ طب (۶۴۰-۶۳۴/ ۲)، دایرة‌المعارف فارسی (۳۵/ ۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۸)، گنج و گنجینه (۴۶-۴۴)، لغت نامه (ذیل / ابومنصور، موفق)، مؤلفین کتب چاپی (۳۵۱-۳۴۹/ ۶).

هروی، حسینعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۲-۱۲۹۷ ش)، استاد دانشگاه، نویسنده و مترجم. وی دوره‌ی لیسانس زبان‌های خارجی را در دانشسرای عالی گذراند و از دانشکده‌ی الهیات دکترا گرفت و سرانجام بعد از سالها که عهده‌دار خدمات فرهنگی بود، در همان دانشکده به تدریس زبان فرانسه پرداخت. هروی مقالات ادبی و نقدهایی در مورد کار دیگر اساتید در «دیوان» حافظ نوشته که به همت دکتر عنایت‌الله مجیدی به چاپ رسیده است. وی در تهران در گذشت و در گران، در کنار افراد خاندان خود به خاک سپرده شد. از دیگر آثار وی: «شرح غزلهای حافظ»؛ «فرهنگ البسه مسلمانان»، ترجمه؛ «زندگینامه‌ی داستایوفسکی» هانری تروا، ترجمه؛ ترجمه‌ی جلد اول «تاریخ بزرگ جهان»؛ «درسهایی برای خوش زیستن در زندگی زنشویی»، ترجمه. [۱]

محقق، مترجم، مدرس.

تولد: ۱۲۹۷.

درگذشت: ۶ اردیبهشت ۱۳۷۲، تهران.

حسینعلی هروی فارغ‌التحصیل دوره‌ی لیسانس زبان‌های خارجی از دانشسرای عالی بود. وی همچنین از دانشگاه الهیات موفق به اخذ درجه‌ی دکترا شد. وی در دانشکده‌ی ادبیات به تدریس زبان فرانسوی می‌پرداخت. آثار وی به شرح زیر هستند: ترجمه‌ی فرهنگ البسه (به قلم «دزی»؛ زندگینامه‌ی داستایوفسکی (اثر هانری تروا)؛ ترجمه‌ی تاریخ بزرگ جهان (یکی از مجلدهای آن)، زندگی پوشیکن، حافظ پژوهی (چهار جلد)، مقاله‌های ادبی و نقدهایی درباره‌ی آثار دیگران درباره‌ی حافظ که به همت دکتر عنایت‌الله مجیدی به چاپ رسید.

دکتر هروی به سبب بیماری ریوی در تهران درگذشت و بنا به وصیت خود در شهر گران در جوار بستگان خود به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/۲۴۱۷، ۱/۱۳۹۱)، کلک (س ۴، ش ۳۸، ص ۱۵۳-۱۵۱).

هروی، رکن‌الدین مسعود

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(مقتول ۶۷۱ ق)، حکیم و شاعر. از بزرگان فضل و حکمت در عصر خود و از مشاهیر علما ماوراءالنهر بود. چنانچه در تعلیقات «لباب الالباب» آمده، عوفی در «جوامع الحکایات» او را از مشایخ خود شمرده است. سرانجام در واقعه‌ی حمله‌ی مغول به خراسان و ماوراءالنهر، وی با دیدن مظالم و مفسد آنان، همراه با پسرش به جنگ با مغولان می‌پردازد و در نهایت هر دو به شهادت می‌رسند. ظاهراً او داستان حضرت یوسف را می‌نوشته ولی فرصت نکرده است که آن را به پایان برساند. رکن‌الدین شعر نیز می‌سروده و اشعاری از وی نقل شده است که بیشتر رباعی می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ مغول (۲۹)، تذکره‌ی روز روشن (۳۱۱)، صبح گلشن (۴۰۶)، فرهنگ سخنوران (۸۴۰)، لباب الالباب (۳۳۹)، ۱۸۲- (۱/۱۸۱).

هروی، شمس‌الدین ابوعبدالله، محمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۸۲۹- ۷۶۷ ق)، فقیه شافعی و قاضی. اصل وی از ری و گفته‌اند از فرزندزادگان فخر رازی بود. در هرات به دنیا آمد. در ابتدا حنفی‌مذهب بود و بعدها به فقه شافعی روی آورد و در آن سرآمد شد. وی از شاگردان علامه سعدالدین تفتازانی بود. وی مدتی در ملازمت تیمور گورکانی به سر برد. سپس به فلسطین سفر کرد و در ۸۱۵ ق عهده‌دار منصب تدریس در مدرسه صلاحیه شهر بیت‌المقدس گشت. آنگاه چندی در مصر به قضاوت پرداخت و مشاغل دیوانی متعددی را پذیرا گشت. نهایتاً در قدس سکنی گزید و در آنجا بنای مدرسه‌ای را آغاز کرد که نتوانست آن را به آخر برساند. او سرانجام در بیت‌المقدس درگذشت. از آثارش: «تقریب الاحکام»، در فروع شافعی؛ «التنویر»، در تلخیص «الجامع الکبیر» شیبانی؛ «التمحیص»، در شرح «تلخیص جامع الکبیر»، در فقه حنفی؛ شرح «مصایح السنه» بغوی؛ «المنعم» یا «فضل المنعم»، در شرح «الصحیح» مسلم؛ شرح «مشارق الانوار» صغانی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۵۱- ۷/۱۵۰)، ایضاح‌المکنون (۴۹۰، ۲/۱۹۹)، شذرات‌الذهب (۱۹۰- ۷/۱۸۹)، الضوء اللامع (۱۵۵- ۸/۱۵۱)، طبقات الشافعیه‌ی ابن قاضی شهبه (۱۰۵- ۴/۱۰۴)، کشف‌الظنون (۴۷۳)، معجم‌المؤلفین (۲۹۴- ۱۰/۲۹۳)، هدیة‌العارفین (۱۸۶- ۲/۱۸۵).

هروی، عبدالملک

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۸۹ ق)، ادیب و لغوی. معروف به مؤدب. در هرات به دنیا آمد. از بزرگان اهل سنت در سده‌ی پنجم قمری در این شهر می‌باشد. وی در هرات معلم و مرجع استفاده اکثر فضلا بود. صاحب «کشف‌الظنون» و «ریحانه‌الادب» وی را تحت عنوان عبدالملک بن علی مؤذن هروی آورده‌اند. از آثارش: «الصفات والذوات» یا «الصفات والادوات التي يبتدى بها الاحداث»؛ «المحيط»، در لغت؛ «المنتخب من تفسير الرمانی» یا «مختصر» تفسیر قرآن رمانی (علی بن عیسی وراق).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: روضات الجنات (۵/۱۶۱)، ریحانه (۶/۳۶۲)، کشف‌الظنون (۱۶۲۱، ۱۴۳۳، ۴۴۸، ۴۴۷-۴۴۷)، معجم المؤلفین (۶/۱۸۶)، هدیة العارفین (۱/۶۲۶).

هروی، علی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۵۱ ق)، خطاط، ادیب و شاعر، متخلص به کاتب. از معروفترین استادان خوشنویس خط نستعلیق است. وی از سادات حسینی هرات بود و به واسطه‌ی کثرت اقامت در مشهد، بعضی او را مشهدی نیز خوانده‌اند. اینکه بعضی وی را اهل جام دانسته‌اند، اشتباه و خلطی است که با پیر علی جامی، شاگرد سلطانه‌علی مشهدی کرده‌اند. میرعلی در هرات به تحصیل دانش و کسب هنر پرداخت و سپس در دارالانشاء حکام هرات، به امر کتابت مشغول شد. پس از آن، به دربار سلطان حسین میرزا بایقرا راه یافت و از مقربان دربار وی گردید و به عنوان سلطانی و کاتب السلطانی مفتخر شد. وی تا ۹۱۱ ق، زمان مرگ سلطان حسین بایقرا، در هرات می‌زیست و پس از آن، گاهی در مشهد و گاهی در هرات به سر می‌برد. در ۹۱۹ ق نزد کریم‌الدین حبیب‌الله ساوجی رفت و پس از قتل او، مدت سه سال در هرات بود. در ۹۳۵ ق، وقتی عیدالله خان ازبک به خراسان هجوم آورد و به شهر مسلط شد، جمعی از امرا و بزرگان و هنرمندان آن دیار، از جمله میرعلی را به بخارا کوچ داد و او را به معلمی عبدالعزیز خان، فرزند خود، و امر کتابت سرکاری گماشت. درباره‌ی استاد میر علی در خط نستعلیق، بین تذکره‌نویسان اختلاف است و آنچه مسلم است اینکه، وی به هنگام جوانی در هرات، شاگرد زین‌الدین محمود، شاگرد بی واسطه‌ی سلطانه‌علی مشهدی، بوده است. میرعلی در اقلام مختلف نستعلیق دست داشته و کتیبه‌نویسی نیز می‌کرده است. او را به حسن محاوره و شیرین سخنی نیز ستوده‌اند و گویند عبدالرحمان جامی به وی عشق می‌ورزیده است. میرعلی در نظم و نثر هم تبحر داشت و شعر فارسی و ترکی را نیکو می‌سرود و به آورده‌ی «احوال و آثار خوشنویسان»، از قول صاحب «ریاض الشعراء»، کاتب تخلص می‌کرد و «دیوان» شعری از او به جای مانده است. وی نثر را شیوا می‌نوشت و رساله‌ی «مداد الخطوط» او در آداب خوشنویسی، از معروفترین آثار خوشنویسی است که به چاپ نیز رسیده است. میر علی حدود شانزده سال در بخارا روزگار گذرانید و همان جا در گذشت و در صفه‌ی مولانا صالح، در جوار مزار شیخ سیف‌الدین باخرزی، به خاک سپرده شد. از شاگردان معروف وی: میر محمدباقر، خواجه محمد شهابی سیاشانی، سید احمد مشهدی، مالک دیلمی، سلطان محمود بخاری و میر دوری هستند. بعضی از آثار خطی او: یک نسخه «بوستان» سعدی، به قلم کتابت عالی، با رقم: «تمت علی ید العبد... علی الحسینی الکاتب... سنه ۹۱۹»؛ یک نسخه «هفت اورنگ» جامی، به قلم کتابت عالی، با رقم: «خدم بکتابتها العبد المذنب علی الحسینی الهروی... سنه ثمان عشرین و تسعمائة...»؛ یک نسخه «جام جم» اوحدی، به قلم کتابت ممتاز، با رقم: «کتبه العبد... علی الحسینی الکاتب... سنه ثلثین و تسعمائة، بدار السلطنة هراء»؛ «مناجات» خواجه عبدالله انصاری، به قلم دو

دانگ عالی، با رقم: «کتابه العبد... علی الکاتب، فی سنه ۹۳۵، بلدة بخارا»؛ «گلستان» سعدی، به قلم کتابت جلی خوش، با رقم: «کتابه العبد المذنب میرعلی الکاتب»؛ یک ورق از یک بیاض کوچک، به قلم غبار ممتاز، با رقم: «تمت علی ید احقر الکاتبین علی الحسینی الکاتب، فی شهر سنه خمس و ثلثین و تسعمائة...»؛ قریب سیصد قطعه، به قلم‌های گوناگون، با تاریخ‌های ۹۲۵ تا ۹۵۱ ق، در کتابخانه‌ها و موزه‌های مختلف.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۵۱۶-۴۹۳/۲)، اطلس خط (۴۷۸-۴۷۳)، پیدایش خط و خطاطان (۱۲۵-۱۲۳)، پیدایش و سیر تحول هنر خط (۱۳۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۴/۱۷۲)، تاریخ هنرهای ملی (۲/۸۷۸، ۸۸۲)، تحفه سامی (۷۴)، تذکره‌ی روز روشن (۶۶۹-۶۶۸)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۲۵)، حبیب السیر (۶۱۸-۶۱۷/۴)، خوشنویسان و هنرمندان (۴۰-۳۸)، دایره‌المعارف فارسی (۲/۱۷۶۶)، الذریعه (۲۰/۲۳۵، ۷۶۵-۷۶۴/۹)، ریحانه (۳۶۵-۳۶۴/۶)، صبح گلشن (۴۸۱)، طرائق الحقائق (۶۸۳-۶۸۲، ۳/۱۲۰)، عالم آرای عباسی (۱/۱۷۰)، فرهنگ سخنوران (۶۵۰)، کارنامه‌ی بزرگان (۸۶-۸۴)، گلستان هنر (۷۸-۸۴)، لغت نامه (ذیل/علی هروی)، مجالس المؤمنین (۴۹۱-۴۹۰/۲)، مجالس النفائس (۲۶۲، ۸۸)، مجمع الخواص (۹۰-۸۹)، مطلع الشمس (۴۴۷-۴۴۶/۲)، مناقب هنروران (۷۹-۷۲)، هنر عهد تیموریان (۷۴۲-۷۳۸، ۷۱۳، ۷۰۱، ۶۴۶، ۶۱۷، ۵۳۷، ۵۳۵-۴۸۶، ۴۸۵-۳۹۲، ۳۵۲، ۳۳۱، ۳۰۰-۲۹۹، ۲۹۸)، یادگار (س ۱، ش ۳، ص ۳۱-۱۷).

هروی، محمد تقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند حسین علی بن رضا ابن اسماعیل حائری اصفهانی.

عالم فاضل محقق کثیر التالیف و التصنیف، در رمضان المبارک سال ۱۲۱۷ در شهر هرات متولد شده، و مقدمات علوم را در آنجا آموخته، در ۱۲۳۵ به اصفهان مهاجرت نموده و نزد شیخ محمد تقی رازی، و حاج محمد ابراهیم کلباسی، و سید محمد باقر حجة الاسلام بید آبادی تحصیلات خود را تکمیل نموده، و در نجف به درس شیخ محمد حسین صاحب فصول، و شیخ محمد حسن صاحب جواهر، و در کربلا- به درس حاج سید کاظم رشتی، و میرزا علی نقی طباطبائی حاضر شده، سپس به اصفهان مراجعت نموده، و ریاست کلی و مرجعیت تام یافته، و در اواخر عمر به مناسباتی از اصفهان به کربلا مهاجرت فرموده، و در آن ارض اقدس مجاور گردیده، و در ۱۷ ربیع الاول سال ۱۲۹۹ وفات یافته، در مقبره صاحب ضوابط در صحن کوچک حسینی مدفون گردید. کتب زیر از اوست:

۱- الاربعین، در اخبار اصول دین ۲- توضیح الحساب ۳- تلخیص تحفه الابرار استادش سید شفتی ۴- تنبیه الغافلین، ردّ بر باب ۵- التعداد و التراجیح ۶- تعلقه بر حواشی شیروانی بر معالم ۷- الحدیقه النجفیة حاشیه بر شرح لمعه ۸- حجّیت مظنه مطلق ۹- حاشیه بر خلاصه الحساب شیخ بهائی ۱۰- حاشیه بر قوانین ۱۱- خلاصه البیان، در تفسیر مشکلات قرآن ۱۲- الدرر المثنوره ۱۳- رساله در بطلان طلاق به عوض ۱۴- رساله در عدالت ۱۵- رساله در عرق جنب از حرام ۱۶- رساله فی العصیر بأنواعها ۱۷- رساله در زوال، و آن شرح بر مبحث زوال روضه البهیة است ۱۸- السبع المثانی، در احوال معصومین چهارده گانه ۱۹- سوال و جواب، در مسائل روزه و زکات، به عربی و فارسی ۲۰- شرح خطبه همام ۲۱- شرح دعای ابوحمزه - شرح روضه البهیة ۲۲- طریق النجاة ۲۳- عیون الاحکام ۲۴- کاشف الاستار [در شرح تلخیص تحفه الابرار] ۲۵- لوامع الفصول = [شرح مبادی الوصول] ۲۶- لطائف الفوائد ۲۷-

مقاصد العلیة ۲۸- مبادئ الاصول ۲۹- مشارع ۳۰- مناسک حج ۳۱- المطلق و المقید ۳۲- ملخص تفسیر آیه الکرسی [سید کاظم رشتی] ۳۳- الموت و البرزخ ۳۴- المناقب الحسینیة ۳۵- مجالس المواعظ ۳۶- نتایج الافکار، در اصول فقه ۳۷- نهاییه الامال، معروفترین تألیف او ۳۸- دو کتاب در ردّ باب و بابیه.

نقل شده است که در اصفهان متهم به بابت و میل به طریقه ایشان داشته، و به همین دلیل سه جلد کتاب در ردّ آنها نوشته، و بالاخره مجبور به مهاجرت از این شهر گردیده است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

هروی، مقصود علی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۰۱۱ ق)، مترجم. اصل وی از تبریز است. از ایران به هندوستان مهاجرت کرد و در آنجا سکنی گزید به همین علت به مقصود علی هندی نیز مشهور است. از آثارش «تاریخ الحکما»، درباره‌ی سرگذشت حکیمان و عالمان است که ترجمه‌ی «نزهة الارواح و روضة الافراح فی تواریخ الحکما المتقدمین والمتأخرین»، تألیف محمد بن محمود شهرزوری می‌باشد. مقصود علی این کتاب را در ۱۰۱۱ ق، در عهد اکبر شاه و به دستور شاهزاده سلیم (جهانگیر شاه)، از عربی به فارسی ترجمه نمود و بعدها میر سید صدرالدین بن میر محمد صادق، گزیده‌ای از این کتاب را به نام «قول الحکما» یا «انتخاب تاریخ الحکما» تحریر نمود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۱/۲۱۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۵۸۷-۱۵۸۶/۵)، تاریخ نظم و نثر (۸۰۸، ۴۰۱).

هروی، مهدی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۲۷۳ / ۱۲۷۰ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی و متکلم. به نجف رفت و در محضر شیخ محمد حسن صاحب «جواهر» تلمذ نمود. آنگاه خود به بحث و تدریس و تألیف پرداخت. وی بعدها به تهران آمد. حاج شیخ محمدباقر بیرجندی، صاحب «کبریت الاحمر»، در اجازه‌ای که برای آیت‌الله سید شهاب‌الدین نجفی مرعشی صادر نموده، صاحب عنوان را ستوده است. وی در تهران درگذشت. پیکرش را به مشهد منتقل کردند و در بقعه‌ی شیخ بهائی به خاک سپردند. از آثارش: شرح «نجاه العباد»؛ «درایة الحدیث».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۰/۱۴۳)، الذریعه (۱۴/۱۰۲، ۸/۵۶)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۴۸۱-۴۸۰/۲)، معجم المؤلفین (۱۳/۲۶).

هروی

قرن: ۵

جنسیت: زن

ملیت: ایران

۴۷۷ ق، از زنان محدث. وی دختر عبدالصمد بن علی است. رساله‌ای در حدیث دارد که آن را از عبدالرحمان بن ابی شریح روایت کرده و عبدالاول هروی صوفی رساله‌ی او را نقل کرده است. او ۹۰ سال عمر کرد.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۱۶۰ / ۱.

هزار جریبی مازندرانی، محمدعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۴۵-۱۱۸۸ ق)، عالم دینی و فقیه. مشهور به فقیه مطلق. جامع علوم معقول و منقول بود. در نجف به دنیا آمد. پدر و جدش از علمای بزرگ بودند. وی در نجف از حوزه درس سید مهدی بحر العلوم و شیخ جعفر کاشف الغطاء بهره‌مند گشت و در شمار افاضل علما و فقهای نجف درآمد. بعد از وفات پدرش راهی ایران شد و در قم ملازمت میرزا ابوالقاسم قمی، صاحب «قوانین»، اختیار نمود و از مجلس درس وی استفاده‌ی کامل برد و از خواص اصحاب او گردید. او همچنین از محضر ملا احمد نراقی و سید محمدجواد حسینی عاملی، صاحب «مفتاح الکرامة»، استفاده نمود و از اساتید خود همچون میرزای قمی و ملا احمد نراقی و سید محمدجواد حسینی عاملی اجازه اجتهاد دریافت نمود. صاحب عنوان طرف توجه و اعتماد میرزای قمی بود و میرزا به همین مناسبت نسخه اصلی کتاب «قوانین» را به وی اعطا کرد. مدتی در ارومیه و تبریز به تدریس و تبلیغ پرداخت و از آنجا به اصفهان رفت و دختر میرزا باقر نواب، مفسر قرآن و شارح «نهج البلاغه»، را به همسری گرفت و پس از چندی در قمشه از توابع اصفهان سکنی گزید. او به بیماری وبا در قمشه درگذشت و در بقیعه امامزاده سید علی اکبر دفن شد. فرزندش، شیخ محمدحسن، نیز از علمای بزرگ بود. از آثارش: کتاب «القضاء»؛ «مخزن الاسرار»، در حاشیه بر «شرح لمعه»؛ «تکملة القواعد الدینیة»، در شرح «قواعد» علامه حلی؛ «الکواکب الباهرة»، حاشیه بر «قواعد» شهید اول؛ «البحر الزاخر»؛ «کنز الکنوز»، در حاشیه بر مبحث «طهارة» از کتاب «مدارک»؛ «رمز الرموز»؛ «اللاالی المتلاألأة»، در اصول فقه؛ «مجمع العرائس»، در حاشیه بر «معالم الاصول»؛ «حلال الغوامض»، در حاشیه بر «قوانین»؛ «مفتاح الکنوز»، در تعلیقه بر «شوارق» و «تجرید» و حواشی و شروح «تجرید»؛ «البدر الباهر»، در تفسیر بعضی از آیات؛ «السراج المنیر»، در فوائد رجالیه؛ «انیس المشتغلین»، در حکایات و مفاکهاات؛ «تبصرة المستبصرین»، در امامت؛ «محبی الرفاء»، در قصاید عربی و شرح آن.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۰ / ۲۶)، تذکره القبور (۲۶۶-۲۵۶)، الذریعه (۲۲۲، ۳۳ / ۲۰، ۲۶۲، ۱۷۸، ۱۶۳ / ۱۸، ۱۳۷، ۱۷ / ۱۳۶)، ۱۵ / ۲۰۲، ۶۶، ۱۳ / ۶۵-۲۴۹، ۱۱ / ۳۰، ۷ / ۲۸۰، ۶ / ۹۵، ۴ / ۴۱۵، ۳۲۴-۳۲۳، ۶۷، ۳ / ۳۹، ۴۶۶، ۲ / ۳۳۰، ۳۰۲-۱ / ۳۰۱)، ۱۵۰-۱۴۶ / ۷، فوائد الرضویه (۵۷۷-۵۷۶)، معجم رجال الفكر والادب فی النجف (۱۳۳۳-۱۳۳۲ / ۳)، معجم المؤلفین (۴۴ / ۱۱)، مکارم الآثار (۱۲۲۸-۱۲۲۳ / ۴۰).

هزار جریبی، محمد علی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم جلیل القدر، از تلامذه محقق قمی، و آقا سید جواد عاملی، و حاج سید مهدی بحر العلوم، و حاج ملا احمد نراقی، و آقا شیخ جعفر نجفی می‌باشد.

مدّتها در ارومیه و تبریز بوده و در آنجا تدریس می‌فرموده، اخیراً به اصفهان آمده و داماد میرزا محمّد باقر نواب شده، و به فقیه مطلق شهرت یافته، و در مسجد ذوالفقار امامت می‌نموده.

و تألیفات و تصنیفات زیاد دارد، از آن جمله است:

۱- انیس المشتغلین ۲- البحر الزاخر ۳- جوابات المسائل ۴- حاشیه بر قواعد شهید ۵- حاشیه بر قواعد علامه ۶- حاشیه بر طهارت مدرک ۷- حاشیه بر شرح لمعه [=مخرن الاسرار الفقهیه] ۸- حاشیه بر نکاح شرایع ۹- حاشیه بر شوارق و تجرید ۱۰- حاشیه بر قوانین - حاشیه بر معالم (=مجمع العراش الوجیهة) ۱۲- رساله در نماز ۱۳- رساله در امامت ۱۴- رساله در رجال ۱۵- رساله در نکاح عدّه ذمیّه ۱۶- سراج المنیر، در فوائد رجالیّه، (شاید شماره ۱۴ باشد) ۱۷- شرح احادیث مشکله - شرح روضه البهیّه (= حاشیه بر شرح لمعه) ۱۸- کتابی در اصول ۱۹- کتابی در قصاید و شرح آنها ۲۰- کتابی در فقه: در نماز مسافر و نکاح و طلاق و دیات [=البحر الزخر]، پر فایده و کثیر الفروع ۲۱- مجمع العرائس [=حاشیه بر معالم]؛ و غیره.

در اواخر عمر به شهرضا منتقل گردیده و این مهاجرت سبب گمنامی او شده است. در هر صورت، از مجتهدین بزرگ است، و از او کرامات و استجابات دعا و ترویجات و زهد و تقوی معروف است.

در ۱۲ رجب ۱۱۸۸ متولّد، و در شب شنبه ۱۸ ربیع الثانی ۱۲۴۵ در شاه سید علی اکبر در نزدیکی شاهرضا به مرض و با وفات یافته و در همانجا مدفون گردید. قبرش داخل بقعه امام زاده است. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

هزار شیرازی، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی در شیراز برای تکمیل تحصیلاتش به هندوستان رفت و در کراچی علوم جدید و زبان انگلیسی را آموخت و دوره کالج اسلامی آن شهر را به پایان رساند و سپس به شیراز بازگشت. وی در جنگ بین‌الملل اول (۱۳۳۷-۱۳۳۳ ق) وارد خدمت قشون انگلیسی جنوب ایران شد. پس از انحلال قشون، وی انتشارات هزار را تأسیس کرد و به تألیف و نشر کتاب روی آورد. رکن‌زاده‌ی آدمیت صاحب «دانشمندان و سخن‌سرایان فارس» با وی دوستی داشته و صاحب عنوان را زنده‌ی ۱۳۵۲ ق آورده است. از آثار وی: «حیات مالک اشتر»؛ «دوران پهلوی نماینده‌ی عملیات رضا شاه از ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۴ ش»؛ «عارف‌نامه»؛ «بقاء روح»، در چگونگی عالم پس از مرگ جسمانی، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۴۹-۸۴۸/۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/۲۲۷۹، ۱۴۶۳، ۱/۱۲۲۷)، مؤلفین کتب چاپی فارسی (۲۰۸-۳/۲۰۷).

هزار، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیرضا هزار

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات حوزوی را از سال ۱۳۷۱ در شهر مشهد مقدس آغاز و از همان تاریخ هم تحصیلات دانشگاهی را در دانشگاه «الهیات فردوسی مشهد» شروع کردم. در سال ۷۷ - ۷۶ به قم آمدم و تحصیلات حوزوی و دانشگاهی ام را ادامه دادم و در سال ۷۹ - ۷۸ موفق به اخذ کارشناسی ارشد در رشته «الهیات علوم قرآن و حدیث» شدم. سپس به لبنان رفتم و مدتی در آنجا به ادامه تحصیلات پرداختم و کارشناسی «روان شناسی» را از آنجا دریافت کردم. در سال ۸۴ - ۱۳۸۳ نیز موفق به اخذ دکتری در رشته الهیات از دانشگاه ICIS کشور انگلستان شدم.

در طول ۷ سال گذشته در شهر قم، در پژوهشکده دارالحدیث قم و در واحدهای احیاء تراث، فهرستگان نسخ خطی؛ و غیره فعالیت کرده ام. مدتی نیز در واحد احقاق الحق، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی به پژوهش مشغول بوده ام. از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۱ نیز در مؤسسه فرهنگی توحید مشغول به کار بوده ام. از سال ۱۳۸۰ تاکنون هم در دانشگاههای مختلفی مانند دانشگاه قم؛ دانشگاه آزاد قم، دانشگاه تهران، دانشگاه آزاد نراق، دانشگاه جامع علمی - کاربردی و دانشکده علوم حدیث شهر ری به تدریس اشتغال داشته ام.

کارگاههای تخصصی مختلفی نیز مانند کارگاه بهداشت روانی از دیدگاه اسلام، فنون و هنر تدریس، دانسته ها و بایسته های ازدواج، آرامش جوان و غیره نیز در دانشگاه های مختلف کشور به ویژه در دانشگاه بو علی سینا همدان توسط بنده اجرا و انجام شده است. تاکنون ۱۵ عنوان کتاب و بیش از ۳۰ مقاله، منتشر کرده ام. آخرین کار علمی انجام شده ام: «نظارت علمی بر طرح کلان تدوین مآخذ شناسی امام علی علیه السلام» بوده است که توسط پایگاه اطلاع رسانی پارسا انجام شده است.

هزار جریبی، عبدالرزاق

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقا شیخ عبدالرزاق هزار جریبی که از علماء ربانی و صاحب تالیفات و تصنیفات زیر می باشد:

۱- ذریعه النجاه فی یوم المعاد در اصول دین و مذهب.

۲- کتابی مفصل در فقه.

۳- کتابی مبسوط در اصول - که هیچ کدام به طبع نرسیده است.

آن مرحوم سطوح را در مازندران خود آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و مدت دوازده سال از اساتید آن زمان بهره‌مند شده تا به درجه علیای از علم و اجتهاد رسیده و از جهت مقام علمیت و تقوا و زهد و ورع و مخالفت با هوای نفس به درجه کامل نائل و کرامات زیادی از ایشان نقل شده که محل ذکر نیست.

معظم‌له پس از مراجعت به وطن خود سالها کوشش در ترویج دین در استان مازندران نموده تا در همان سال دعوت حق را اجابت و در آنجا موقتا مدفون و بعد بنا بر وصیتش حمل به نجف اشرف و در جوار امیرالمومنین علیه الصلوات والسلام مدفون گردید. و آن مرحوم معاصر جناب حجت‌الاسلام حاج ملامحمد اشرفی (مدفون در بابل) بوده و با هم مکاتبه و رابطه داشته‌اند. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

هزار، عبدالرحمان

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۹ - ۱۳۰۰ ش)، محقق، مترجم، فرهنگ‌نویس، نویسنده و شاعر، متخلص به هزار. در مهاباد به دنیا آمد. در پنج سالگی نزد پدرش قرآن آموخت و سپس مدتی به مکتب خانه رفت و از آنجا رهسپار خانقاه شیخ برهان شد و پس از فراگرفتن مقدمات، به روستاهای اطراف عزیمت کرد و در کلاس درس تنی چند از مدرسین علوم اسلامی آن زمان حاضر شد. علاقه‌ی شدید عبدالرحمان به زبان و ادبیات کردی چنان بود که بسیاری از دواوین شعرای کردی را خوانده بود و بیشتر آنها را از حفظ داشت. وی جزو نخستین کسانی بود که در جمعیت تجدید حیات کردستان عضو شد. آنگاه بود که شعر و شاعری را از سر گرفت و اشعاری را سرود و از طرف قاضی محمد (مقتول ۱۳۲۶ ش) شاعر ملی لقب گرفت و نخستین «دیوان» شعرش را که «آلکوک» نام داشت منتشر کرد که این کتاب به زبان ترکی نیز ترجمه شده است. وی در پی مبارزاتش به کشورهای عراق و سوریه و لبنان سفر کرد و هنگامی که از لبنان به عراق بازگشت به عضویت مجمع علمی آن کشور درآمد. وی علاوه بر آن، عضو آکادمی علوم آذربایجان شوروی و آکادمی علوم کرد در بغداد و از اعضای اصلی آکادمی علوم کرد در پاریس بود. او با دوست دیرینه‌اش هیمن در ایجاد و تأسیس مرکز نشر فرهنگ و ادب کرد، انتشارات صلاح‌الدین ایوبی و نشر مجله‌ی کردی «سروه» تلاش فراوانی از خود نشان داد. وی در ۱۳۵۳ ش به ایران آمد و در دانشگاه تهران، ترجمه‌ی کتاب «قانون در طب» ابوعلی سینا را آغاز کرد و با ترجمه‌ی این کتاب به عضویت فرهنگستان زبان فارسی درآمد. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران او مجال یافت در زمینه‌ی ادبیات و زبان کردی به فعالیت بیشتری بپردازد. مقبره‌ی هزار در قبرستان بداع‌السلطان در مهاباد می‌باشد. از دیگر آثار وی ترجمه‌ی از فارسی به کردی کتابهای: «رباعیات خیام»، «شرف‌نامه» شرف خان بدلیسی، «یک جلوش بی‌نهایت صفرها» دکتر علی شریعتی، «آری این چنین بود برادر» دکتر علی شریعتی و «عرفان، برابری، آزادی» دکتر علی شریعتی؛ ترجمه از عربی به فارسی کتابهای: «تاریخ سلیمانیه» و «روابط فرهنگی ایران و مصر»؛ ترجمه‌ی قرآن کریم، به کردی؛ «فرهنگ جامع کردی به کردی و فارسی»؛ «دیوان» شعر با نام «بو کوردستان».

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ادبستان (س ۲، ش ۱۰، ص ۳۳-۳۱)، تاریخ مشاهیر کرد (۶۹۱-۳/۶۷۸)، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی

استاد مرحوم عبدالرحمان شرفکندی (هژار)، کلک (س ۲، ش ۱۳، ص ۲۵۵-۲۵۲)، کیهان فرهنگی (س ۵، ش ۵، ص ۶-۱، س ۸ ش ۴، ص ۵۴).

هژیر، عبدالحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(و. ۱۲۸۱ ه. ش. مقت. ۱۳ آبان ۱۳۲۸ ه. ش.) فارغ‌التحصیل مدرسه‌ی علوم سیاسی قدیم بود و در ۱۲۶۸ وارد خدمات دولتی شد و سمت‌های مختلف پیدا کرد. از طرف دولت ۹ ماه به آلمان و ۳ ماه به انگلستان مأموریت یافت و پس از بازگشت عهده‌دار بانک کشاورزی و مدیر کل وزارت دارائی شد و در ۱۳۲۰ وزی بازرگانی و پیشه و هنر و در کابینه‌ی «سهیلی» وزیر راه گردید و در ۲۳ خرداد ۱۳۲۷ در سن ۴۶ سالگی مأمور تشکیل دولت شد و در آبان ماه ۱۳۲۷ از نخست‌وزیری استعفا داد و در سال ۱۳۲۸ به سمت وزیر دربار شاهنشاهی منصوب گردید. در ۱۳ آبان ماه ۱۳۲۸ که در مجلس روضه‌ی دربار شاهنشاهی در مجسد سپهسالار شرکت نمود به ضرب گلوله از پا درآمد و در بیمارستان در سن ۴۷ سالگی درگذشت.

(ح ۱۲۸۰-مقتول ۱۳۲۸ ش.)، نویسنده و مترجم. از تحصیل کرده‌های مدرسه علوم سیاسی بود که ابتدا کارمند وزارت خارجه شد و سپس در سمت منشی‌گری و مترجمی سفارت روس به کار مشغول گردید. وی زبان‌های روسی، فرانسوی و انگلیسی را می‌دانست. هژیر وزارت‌های پیشه و هنر، بازرگانی، راه، کشور و دارایی را به ترتیب در کابینه‌های علی سهیلی، احمد قوام، ساعد و حکیمی بر عهده داشت. او همچنین در ۱۳۲۷ ش سمت نخست‌وزیری را برعهده گرفت. هژیر در مدرسه عالی سپهسالار به دست سید حسین امامی با ضرب گلوله به قتل رسید. وی را در صحن حضرت عبدالعظیم به خاک سپردند. از آثارش: «پتراز بورگ تا قسطنطنیه»، تاریخ روابط دربار ایران با دو دربار مزبور از ظهور صفویه تا مرگ نادرشاه، ترجمه؛ «تاریخ قرون وسطی» تا جنگ صد ساله، ترجمه؛ «تاریخ ملل شرق و یونان»، ترجمه؛ «حافظ تشریح».[۱]

فرزند محمد هژیر (وثوق همایون)، در سال ۱۲۸۱ در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدائی را در مدرسه‌ی مظفری و تحصیلات متوسطه را در دارالفنون پایان داد و زبان فرانسه را بخوبی فراگرفت و برای ادامه‌ی تحصیل وارد مدرسه‌ی علوم سیاسی شد و چون دارای مدرک دیپلم بود، دوره‌ی دو ساله‌ی مؤخراتی را طی کرد و در ۱۲۹۸ فارغ‌التحصیل گردید و به استخدام در وزارت امور خارجه درآمد و مترجم زبان‌های روسی و فرانسه بود. در ۱۳۰۱ بعنوان مترجم روسی در سفارت شوروی در تهران استخدام شد و قریب ۶ سال در آن سفارتخانه اشتغال به کار داشت. در ۱۳۰۷ به خدمت کلیه ایرانیان که در سفارت شوروی کار می‌کردند خاتمه داده شد و هژیر مدتی بیکار بود تا اینکه در ۱۳۰۸ در وزارت راه استخدام شد و سمت وی بازرسی بود. در کابینه‌ی مخبرالسلطنه هدایت، تقی‌زاده به وزارت دارائی تعیین شد و هژیر را به آن وزارتخانه انتقال داد و در اداره‌ی امور اقتصادی که ریاست آن با دکتر محمود افشار بود، به کار مشغول گردید. وی در این سمت از طرف تقی‌زاده مأموریت یافت که کلیه پرونده‌های مربوط به شرکت نفت ایران و انگلیس را مطالعه و گزارش جامعی تهیه نماید. هژیر در وزارت مالیه ظاهرا کارمند عادی بود ولی بیش از همه وزیر دارائی را ملاقات می‌نمود. در حقیقت عملاً مشاور وزیر بود. در جریان تجدیدنظر در قرارداد داریسی (۱۹۳۳) هژیر از دست‌اندرکاران درجه دوم بود و قسمت اعظم مدارکی را که داور همراه خود در دادگاه لاهه ارائه داد همه اسناد و مدارکی بود که هژیر با مطالعه‌ی دقیق پرونده‌هایی به ارزش آنها برده بود. در سال ۱۳۱۳ هژیر رئیس اداره حقوقی وزارت دارائی شد و یک سال بعد مفتش دولت در بانک ملی ایران که در آن تاریخ بانک ناشر اسکناس بود گردید. در آن تاریخ اسکناس‌های منتشره دارای دو

امضاء بود، یکی امضای مدیر کل بانک و دیگری امضای مفتش دولت. از سری دوم اسکناس‌های منتشره بانک ملی امضای هژیر در روی اسکناس‌ها قرار گرفت و چون امضای وی واضح و خوانا بود تمام مردم با نام او آشنا شدند.

در سال ۱۳۱۴ داور وزیر وقت مالیه دو قرارداد پایاپای با دولت آلمان و دولت اتحاد جماهیر شوروی منعقد نمود، برای پیشبرد امور اقتصادی شرکت‌های دولتی تشکیل داد و هژیر در سمت‌های مختلف قرار گرفت، مانند مدیر عامل شرکت قماش، عضو هیئت مدیره شرکت بیمه، عضو هیئت مدیره شرکت ساختمان بازرسی بانک فلاح و رئیس کمیسیون اسعار.

عبدالحسین هژیر در ۱۳۱۸ مدیر کل وزارت دارائی شد و پس از مدت کوتاهی به معاونت بانک ملی ایران برگزیده شد. پس از شهریور ۱۳۲۰ هژیر وارد میدان سیاست و برای ورود به کابینه‌ها شدیداً فعالیت می‌کرد تا اینکه در اسفندماه ۱۳۲۰ در آخرین ترمیم کابینه محمد علی فروغی به وزارت پیشه و هنر منصوب گردید. این کابینه در مجلس سیزدهم با رأی ضعیفی تأیید گردید ولی فروغی آن رأی را برای ادامه‌ی کار خود کافی ندانست و استعفا داد. اصرار نمایندگان و صدور قطعنامه نمایندگان طرفدار فروغی برای ادامه‌ی کار او ثمربخش نشد ولی نمایندگان به توصیه‌ی او به علی سهیلی رأی دادند. سهیلی در کابینه‌ی خود عبدالحسین هژیر را در سمت وزارت پیشه و هنر تثبیت کرد. سهیلی بیش از چهار ماه در نخست‌وزیری دوام نکرد و جای خود را به احمد قوام داد. هژیر در کابینه‌ی جدید همچنان در وزارت پیشه و هنر باقی ماند. در کابینه‌ی دوم سهیلی، هژیر وزیر راه شد. در کابینه‌ی محمد ساعد مقام وزارت کشور گرفت و در ترمیم کابینه همچنان وزیر کشور بود. در کابینه‌ی اول و دوم حکیمی به وزارت دارائی منصوب شد.

در ۱۳۲۵ در ترمیم دوم کابینه‌ی احمد قوام او به وزارت دارائی انتخاب گردید و متوالیاً در چهار ترمیم کابینه، وزارت دارائی را حفظ کرد. در ۱۳۲۶ در کابینه‌ی حکیمی سمت وزارت مشاور یافت. در حقیقت گرداننده‌ی دولت حکیمی بود.

بعد از سقوط کابینه‌ی حکیمی، علی سهیلی و عبدالسحین هژیر وزرای مشاور کاندیدای نخست‌وزیری بودند ولی علاقه‌ی شدید اشرف پهلوی به هژیر، محمدرضا پهلوی را مجبور کرد به نمایندگان توصیه‌ی نخست‌وزیری هژیر را بکند و در نتیجه هژیر با اکثریت ۶۶ رأی به نخست‌وزیری انتخاب شد.

پس از انتشار خبر نخست‌وزیری هژیر، جمع کثیری از طبقات مختلف مردم و مخصوصاً دانشجویان دانشکده‌های حقوق و فنی با صفوف منظم در میدان بهارستان حضور یافتند و خواستار ملاقات با نمایندگان شدند. ضمن این ملاقات اعتراض خود را نسبت به ابراز تمایل مجلس به نخست‌وزیری هژیر بیان نمودند و وی را برای این خدمت صالح ندانستند. در همان موقع خبر نخست‌وزیری هژیر به بازار تهران رسید. کسبه و اصناف با صلاحدید و راهنمایی آیت‌الله کاشانی، مغازه‌های خود را تعطیل و در میدان بهارستان اجتماع کردند و ضمن ایراد سخن، نمایندگان مجلس را به باد ناسزا گرفتند و برای تصمیمی که اتخاذ نموده بودند آنها را مورد سرزنش و اهانت قرار دادند. دامنه اجتماع و تظاهرات علیه مجلس بالا گرفت و به دستور دولت و رئیس مجلس، پلیس برای متفرق ساختن مردم وارد معرکه شد، تیراندازی آغاز گردید و مردم تظاهرکننده نیز با چوپ و چاقو به پلیس حمله کردند. در این زدو خورد عده‌ی زیادی مجروح و زخمی شدند. پس از ختم زدو خورد سردار فاخر رئیس مجلس، آیت‌الله کاشانی را مسبب این تظاهرات دانست و اضافه کرد اگر ایشان با نخست‌وزیری هژیر مخالفت دارند بهتر این بود با نمایندگان مجلس صحبت می‌کردند نه اینکه متوسل به جار و جنجال می‌شدند. به دنبال تظاهرات دانشجویان و اصناف علیه هژیر، روز بعد در شهرهای قم، مشهد، اصفهان و قزوین تظاهرات پرشوری صورت گرفت.

هژیر ناگزیر در یک مصاحبه‌ی مطبوعاتی به مخالفین خود پاسخ داد و افزوده مبارزه‌ی سیاسی بین جمعی نباید از حدود نزاکت خارج شود و نظم عمومی را بر هم زند و هشدار داد کسانی که موجبات اختلال در نظم عمومی و امنیت شهرها را فراهم نمایند به موجب قانون سرکوب خواهند شد.

روز چهارم نخست‌وزیری هژیر، تهران شاهد تظاهرات گسترده‌ای از طرف روحانیون بود. چندین هزار روحانی و بازاری در حالی که قرآن بر سر داشتند، به رهبری سید مجتبی نواب صفوی رهبر فدائیان اسلام در میدان بهارستان علیه هژیر به تظاهرات پرداختند و ضمن ایراد سخنرانی، نمایندگان مجلس را که به انتخاب هژیر رأی داده بودند مذمت کردند و خواستار عزل او شدند. در این موقع که بیم حمله‌ی تظاهرکنندگان به صحن بهارستان می‌رفت، گارد مجلس و مأمورین انتظامی بسوی فدائیان اسلام آتش گشودند. عده‌ی زیادی در این حمله و تیراندازی زخمی شدند و در همان موقع اعلامیه شدیداللعن آیت‌الله کاشانی علیه نمایندگان مجلس بین مردم پخش شد و هژیر نیز متقابلاً اعلامیه‌ای داد و تظاهرکنندگان را به جلب به دادگاه و محاکمه تهدید نمود.

عبدالحسین هژیر روز سوم تیر ماه ۱۳۲۷ وزیران کابینه را به مجلس معرفی نمود و برنامه‌ی کار خود را نیز اعلام نمود. به هنگام نطق نخست‌وزیر در لژ تماشاچیان مجلس تظاهرات شدیدی علیه او برپا بود. صدای مرگ بر هژیر مزدور و بی‌دین در فضای تالار علنی مجلس طنین‌انداز گردید. در همین جلسه حسین مکی، ابوالحسن حائری‌زاده، عبدالقدیر آزاد و رحیمیان درباره زдохوردهای چند روزه گذشته علیه او اعلام جرم نمودند ولی با تمام تظاهرات و مخالفت‌هایی که به رهبری آیت‌الله کاشانی در خارج و داخل مجلس به عمل آمد، برنامه و وزیران هژیر با ۸۸ رأی موافق از ۹۶ رأی دهنده‌ی حاضر در مجلس به تصویب رسید.

هژیر برای جلب توجه عامه و رد اتهاماتی که از نظر مذهبی به وی وارد می‌کردند در اولین جلسه هیئت وزیران تصویب‌نامه‌ای صادر کرد که بموجب آن تهیه و فروش انواع مشروبات الکلی در شهرهای مشهد، قم و شهر ری ممنوع گردید. این تصویب‌نامه نه تنها دردی دوا نکرد، بلکه مستمسکی به دست مخالفین داد که منظور دولت را اغفال جامعه‌ی روحانیت قلمداد کنند و در مجلس نیز چند مخالف، هژیر را متهم به ظاهرسازی و خلاف کاری نمودند.

شاه در اواخر تیر ماه ۱۳۲۷ برای یک بازدید رسمی به انگلستان رفت و قبل از حرکت نمایندگان را در کاخ خود پذیرفت و ضمن ایراد سخنرانی از نمایندگان خواست دولت را تقویت کنند و لوایحی را که به مجلس تقدیم می‌شود تصویب نمایند.

در مدتی که شاه در اروپا اقامت داشت، حوادث مهمی در ایران رخ داد. عباس اسکندری نماینده‌ی مجلس، دولت هژیر را به علت سوء سیاست داخلی و خارجی و مسئله‌ی بحرین استیضاح کرد و افزود که نباید مجال داد تا حکومت پلیسی مجدداً در ایران برقرار شود. متعاقب استیضاح اسکندری، ناصرقلی اردلان نیز دولت را استیضاح کرد ولی هژیر به استیضاح کنندگان پاسخی دندان‌شکن داد و گفت این دولت بیش از دو ماه نیست که عهده‌دار امور شده است، چگونه تمام مشکلات گذشته را به او نسبت می‌دهید. سرانجام تقاضای رأی اعتماد کرد و مجلس با ۹۳ رأی او و دولتش را تأیید نمود.

هژیر در مجلس شورای ملی از اکثریتی قریب به اتفاق برخوردار بود ولی در عوض مطبوعات تهران و شهرستانها از حمله و هتاکی به او کوتاهی نمی‌کردند و همه روزه اتهامات زیادی به وی وارد می‌ساختند. او ناچار تصویب‌نامه‌ی زیر را در هیئت وزیران به تصویب رسانید:

«هیئت وزیران در جلسه‌ی مورخ هشتم شهریور ماه تصویب نمودند که چون در وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی و بنگاههایی که با سرمایه دولت اداره می‌شود یا شهرداری‌ها، کسانی که به نحوی از انحاء از آنجا حقوق می‌گیرند، نمی‌توانند با داشتن شغل دیگری از قبیل ریاست یا عضو هیئت مدیره شرکتهای خصوصی و یا داشتن هرگونه شغل آزاد دیگری از قبیل شرکت کردن در اداره‌ی روزنامه خواه به عنوان صاحب امتیاز یا مدیر یا سردبیر یا عضو هیئت تحریریه و امثال آنها، به انجام وظایف خود بطوری که لازم است اقدام نمایند، لذا کلیه این قبیل اشخاص به عنوان این اقتضای اداری از خدمت برکنار شوند.»

وقتی که این تصویب‌نامه صادر و منتشر شد، در مطبوعات غوغائی برخاست و عده‌ی زیادی از مدیران و سردبیران و نویسندگان جراید در مجلس شورای ملی حضور یافته نسبت به تصویب‌نامه اعتراض نمودند و نخست‌وزیر نیز مصراً در پاسخ آنها ایستادگی کرد و افزود استعفا می‌دهم ولی تصویب‌نامه را لغو نخواهم کرد. عبدالقدیر آزاد، دولت را نسبت به توقیف جراید و اختناق آزادی و نقض

قانون اساسی و مشروطیت استیضاح کرد.

روز ۲۶ شهریور در جلسه‌ی علنی مجلس شورای ملی به هنگام طرح لایحه عفو مرتکبین قضایای آذربایجان و زنجان، بین هژیر و چند تن از نمایندگان مشاجره‌ی شدید لفظی در گرفت، به طوری که نمایندگان میزهای جلو خود را شکستند. هژیر نیز در اوج عصبانیت فریاد برآورد شما تیشه برداشته‌اید و به ریشه این مملکت می‌زنید. در این گفتگو نمایندگان اقلیت از نثار هیچ گونه ناسزا و کلمات زشت خودداری نکردند. بالاخره هژیر در مقابل جوّی که مخالفین برای او درست کرده بودند تاب مقاومت نیاورد و با وجودی که در مجلس از حمایت اکثریت برخوردار بود، چاره را در کناره‌گیری دید و سرانجام روز پنجم آبان ماه ۱۳۲۷ پس از پنج ماه زدو خورد و مبارزه از کار کناره گرفت.

یکی از اقدامات هژیر در دوران زمامداری، برقراری روابط سیاسی بین ایران و عربستان سعودی بود که زیارت بیت‌الله‌الحرام آزاد شد.

عبدالحسین هژیر پس از کناره‌گیری، چند ماهی بیکار بود. در انتخابات مؤسسان دوم که در اردیبهشت ماه ۱۳۲۸ تشکیل یافت از تهران به نمایندگی انتخاب شد و سرانجام در ۲۸ تیر ماه ۱۳۲۸ به سمت وزیر دربار تعیین گردید و بالاخره در روز ۱۳ آبان ماه ۱۳۲۸ در مجلس عزاداری و روضه خوانی دربار در مسجد سپهسالار هدف گلوله‌ی سید حسین امامی عضو جمعیت فدائیان اسلام قرار گرفت و روز بعد درگذشت و در ایوان کفش‌کن ناصرالدین شاه مدفون شد.

به دنبال قتل هژیر در تهران حکومت نظامی برقرار شد و سرلشکر هوئی احمد خسراوانی معاون ستاد ارتش به حکومت نظامی منصوب شد و از همان روز بگیو و ببند شروع شد و آقایان دکتر مظفر بقائی، سید ابوالحسن حائری‌زاده، سید مصطفی کاشانی، سید علی بشارت، علی جواهر کلام، دانش نوبخت، عبدالقدیر آزاد و خلیل طهماسبی طبق ماده‌ی پنج حکومت نظامی بازداشت شدند. سه روز بعد هم حسن مکی بازداشت شد و دکتر محم مصدق هم به احمدآباد تبعید گردید.

بازپرسی از حسین امامی در روز چهاردهم آبان ماه آغاز شد. امامی در اولین بازپرسی به قتل هژیر اعتراف کرد و اظهار نمود بر من مسلم شد وجود هژیر برای مملکت ضرر و زیان دارد لذا درصدد کشتن او برآمدم و قریب دو ماه بود که اسلحه شبانه روز با من بود و بالاخره روز سوم عاشورا توانستم برنامه‌ی خود را اجرا کنم.

روز پانزدهم آبان دادگاه نظامی به ریاست سرهنگ جهانشاهی قاجار و دادستانی سرهنگ جهانگیری، محاکمه‌ی حسین امامی را آغاز و سرانجام حکم اعدام را صادر کردند. امامی از تقاضای تجدیدنظر خودداری نمود و اظهار کرد تجدیدنظر باعث اتلاف وقت است و حکم اعدام در سحرگاه هجدهم آبان به مرحله‌ی اجرا درآمد.

عبدالحسین هژیر از طبقه سوم برخاست. تحصیلات او منحصراً در ایران و مدرسه‌ی علوم سیاسی انجام گرفت ولی به علت هوش و استعداد زیاد، مطالعات خود را در زمینه‌های ادبیات فارسی و تاریخ و آموزش زبانهای خارجه ادامه داد و به زبان‌های فرانسه، روسی و انگلیسی تسلط داشت.

در سن ۲۰ سالگی روزنامه‌ی پیکان را به صاحب امتیازی پدرش به مدت دو سال، هفته‌ای دو شماره انتشار می‌داد. مرحوم محمد صدر هاشمی در کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران می‌نویسد: پیکان یکی از روزنامه‌های خوب و مفید بوده و از لحاظ مرام و مسلک طرفدار اکثریت مجلس و مخالف اقلیت و از دشمنان سرسخت سید ضیاءالدین است.

مندرجات روزنامه‌ی پیکان بخوبی روشن می‌سازد که نویسنده‌ی آن دارای اندیشه‌ی سیاسی بوده و به ادب و فلسفه وقوف داشته است. در سنین جوانی کتابی تحت عنوان حافظ تشریح انتشار داد که گلچینی از غزلیات حافظ است اما با نظم و ترتیب موضوعی. مقدمه‌ای در حدود هشتاد صفحه بر این کتاب نوشته است که نشانه‌ی بصیرت و اطلاعات وسیع او در ادبیات مخصوصاً حافظ‌شناسی است. چند ترجمه‌ی خوب هم از او باقی مانده است از جمله قسمتی از تاریخ آلبر ماله را به فارسی برگردانده است. هژیر نثر فارسی

را محکم و استوار می‌نوشت و فوق‌العاده مورد علاقه دربار پهلوی بود.

اشرف پهلوی در کتاب خاطرات خود چنین می‌نویسد: «هژیر در سال ۱۳۲۷ به نخست‌وزیری منصوب شد. هژیر یکی از دوستان خوب من بود (و باید بگویم که من تا حدی در انتصاب او مؤثر بوده‌ام) او در سمت‌های وزیر دارائی و وزیر دربار نیز خدمت کرده بود. عبدالحسین هژیر یک بوروکرات باهوش، قابل و وفادار بود و بخوبی می‌توانست مسائل داخلی و بین‌المللی را درک کند و با آنها روبرو شود. با وصف این، انتصاب او بلافاصله مورد حمله و انتقاد آیت‌الله کاشانی قرار گرفت که یکی از مقامات مهم مذهبی زمان خود بود...»

رویه‌مرفته مردی بلند پرواز، زدوبندچی، قدرت طلب، باسواد، ادیب، شعرشناس و سخندان، ناطق و به مال دنیا بی‌اعتنا بود. پس از مرگ کلیه ما ترک او شبیه یک کارمند دولت بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] دولتهای ایران در عصر مشروطیت (۳۱۷-۳۱۶/۱)، روز شمار تاریخ (۳۰۵، ۳۰۴، ۲۹۷، ۲۹۶، ۲۸۸، ۲۸۰، ۲۷۲، ۲۶۸، ۲۵۹، ۲۵۶، ۲۵۲، ۲۴۸، ۲۴۶، ۲۴۴، ۲۲۲، ۱۸۵، ۱/۱۲۳)، شرح حال رجال (۲۶۰-۲۵۸/۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۷۵۵-۷۳۸، ۶۵۷، ۶۵۶-۶۱۲/۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه انقلاب (۳۹۳)، مؤلفین کتب چاپی (۷۶۶-۷۶۴/۳)، نخست وزیران (۲۱۹-۱/۱۹۵)، یادگار (س ۱، ش ۹، ص ۷۹)، یغما (س ۲، ش ۸، ص ۳۹۲، ۳۹۱).

هسنجانی رازی، ابواسحاق ابراهیم

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۰۱ ق)، حافظ و محدث. اصل وی از هسنجان، از قرای ری بود. در طلب حدیث به عراق، شام و مصر سفر کرد و از طالوت بن عباد و عبدالاعلی بن حماد نرسی و هشام بن عمار و عبدالواحد بن غیاث و محمد بن عبید بن حساب و احمد بن ابی الحواری و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید. ابوجعفر محمد بن عمرو عقیلی و ابوعمرو بن مطر مقری و ابوبکر اسماعیلی و ابوحنسین محمد بن عبدالله رازی و عبدالله بن عدی و ابوعلی حسین بن علی و ابوجعفر بن مردویه اصفهانی و احمد بن علی دیلمی و عباس بن حسین صفار و دیگران از وی روایت کرده‌اند. هسنجانی دارای «مسند»ی در حدیث بوده است، با بیش از صد جزء، که میسرۀ بن علی قزوینی آن را از وی روایت کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/۷۶)، انساب سمعانی (۵/۶۴۲)، تذکرۀ الحفاظ (۲/۶۹۲)، ری باستان (۲/۲۷۲، ۶۳۹)، سیرالنبلاء (۱۱۷-۱۱۵/۱۴)، شذرات الذهب (۲/۲۳۵)، طبقات الحفاظ (۳۲۱)، العبر (۱/۴۴۱)، کشف‌الظنون (۱۶۸۵)، معجم‌البلدان (۵/۴۶۷)، معجم‌المؤلفین (۱/۱۳۱)، الوافی بالوفیات (۶/۱۷۲).

هشترودی تبریزی، محمدحسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۳۰۴ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی و مجتهد. وی از شاگردان حوزه‌ی درس شیخ مرتضی انصاری بود. او مدتی نیز در نجف به تدریس و تألیف مشغول بود. پس از تکمیل تحصیلات به زادگاه خویش آذربایجان بازگشت و مصدر خدمات دینی شد. وی در بازگشت از یکی از مسافرت‌هایش به عتبات در شهر کربلا درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد. از آثار او: «تقریرات» درس استادش، شیخ انصاری، در مباحث اجتهاد و تقلید؛ «محن الابرار»، در ترجمه‌ی مجلد دهم از «بحارالانوار» که در «مؤلفین کتب چاپی» این کتاب تحت عنوان «محسن الابرار فی ترجمه‌ی مقتل بحارالانوار» آمده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان‌الشیعه (۵/۱۵۰)، الذریعه (۲۰/۱۶۰)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۴۱۱/۱۴)، معجم رجال‌الفکر والادب فی النجف (۱/۲۸۴)، معجم‌المؤلفین (۳/۲۴۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۰-۵۸۹/۲).

هکاری، اسماء

قرن: ۸

جنسیت: زن

ملیت: ایران

۷۷۰-۷۱۵ ق، از زنان فاضل و محدث. وی دختر احمد بن احمد بن حسین هکاری و خواهر جویرییه خاتون هکاری بود.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: تاریخ مشاهیر کرد، ۱۰۸ / ۱.

هکاری، جویرییه

قرن: ۸

جنسیت: زن

ملیت: ایران

۷۸۳-۶۹۳ ق، از زنان فاضل و محدث. وی دختر احمد بن احمد بن حسین هکاری و خواهر اسماء خاتون هکاری بود. این بانو با محدثان جلسات بحث و گفتگو داشت.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: تاریخ مشاهیر کرد، ۱۰۸ / ۱.

هکاری، فاطمه

قرن: ۸

جنسیت: زن

ملیت: ایران

۷۵۷-۶۸۳ ق، از زنان فقیه و محدث. وی دختر ابراهیم بن داود بن نصر بود و افراد بسیاری از دانش او بهره بردند.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: تاریخ مشاهیر کرد، ۱۰۶ / ۱.

هلالی خراسانی، ابومحمد، ابوالقاسم ضحاک

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۶/۱۰۵/۱۰۲ ق)، محدث، مفسر و مدرس. اصلش از بلخ و مدتی در بلخ و سمرقند و نیشابور ساکن بود. او در تفسیر و قصص تبحر داشت. علم تفسیر را از سعید بن جبیر در ری آموخت. از ابن عباس و ابوسعید خدری و عبدالله بن عمر و انس بن مالک و اسود بن زید نخعی و سعید بن جبیر و عطاء بن ابی رباح و طاووس بن کیسان و طائفه‌ای دیگر حدیث شنید. ابن حبان ملاقات وی را با صحابه و حدیث شنیدنش از آنها صحیح نمی‌داند و احادیث وی را منسوب به تابعین می‌کند. عماره بن ابی حفصه و ابوسعید سعید بن مرزبان بقال و جویر بن سعید و مقاتل بن حیان نبطی و علی بن حکم و ابوروق عطیه بن حارث کوفی و ابوجناب یحیی بن ابی حیه کلبی و ابوسنان سعید بن سنان شیبانی اصغر و ابوسنان ضرار بن مره شیبانی اکبر و ابوعیسی سلیمان بن کیسان خراسانی و عبدالرحمان بن عوسجه و ابوالحارث عیید بن سلیمان باهلی خراسانی و مالک بن سعید بلخی و محمد بن سلیم خراسانی و ابوعبدالله میمون وراق خراسانی و نهشل بن سعید و عمر ابن رماح و عبدالعزیز بن ابی‌رواد و قره بن خالد سدوسی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. وی معلم کودکان بود و نوشته‌اند که هزاران دانش آموز در مکتب وی به کسب علم می‌پرداختند و او برای تعلیم و تدریس اجرت و مزدی دریافت نمی‌کرد. وی در خراسان در گذشت. از آثارش: «التفسیر».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳/۳۱۰)، تاریخ الاسلام (حوادث ۱۱۴-۱۱۲، ۸/۱۲۰-۱۰۱)، تهذیب‌التهذیب (۴۱۸-۴۱۷/۴)، تهذیب‌الکمال (۱۷۷-۱۷۳/۹)، الثقات (۴۸۲-۴۸۰/۶)، سیرالنبلاء (۶۰۰-۵۹۸/۴)، شذرات‌الذهب (۱۲۵-۱۲۴/۱)، طبقات ابن سعد (۷/۲۶۱)، طبقات المفسرین داودی (۱/۲۱۶)، العبر (۱/۹۴)، معجم المؤلفین (۵/۲۷)، میزان الاعتدال (۲/۲۵۰)، النجوم الزاهرة (۱/۳۱۷).

همام

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۲/۱۳۱ ق)، محدث. اصل وی از هرات و برادر وهب بن منبه بود که هر دو از محدثین بودند. پدرشان در زمان خسرو انوشیروان به جزیره‌العرب کوچ کرده و در یمن سکنی گزیده بود. از ابوهریره و معاویه بن ابی سفیان و ابن عباس و عبدالله بن عمر بن خطاب و عبدالله بن زبیر روایت کرد. برادرش، وهب بن منبه، و برادرزاده‌اش، عقیل بن معقل بن منبه، و علی بن حسن بن ایش و معمر بن راشد از وی روایت کرده‌اند. او را صاحب قدیم‌ترین کتابی که در حدیث نوشته شده است می‌دانند. این کتاب مشتمل بر صد و چهل حدیث بوده که آنها را از ابوهریره نقل نموده است. در صنعاء در گذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۹/۹۸)، تاریخ الاسلام (حوادث ۵۵۶-۵۵۵، ۳۳۰/۱۴۰-۱۲۱)، تهذیب‌التهذیب (۱۱/۵۹)، تهذیب‌الکمال (۲۳۰-۲۹۹/۱۹)، الثقات (۵/۵۱۰)، الجرح والتعديل (ج ۴، ق ۱۰۷/۲)، سیرالنبلاء (۳۱۳-۳۱۱/۵)، شذرات‌الذهب (۱/۱۸۲).

همای شیرازی، محمدرضا قلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۹۰-۱۲۱۲ ق)، ادیب، عارف و شاعر، متخلص به هما. در مورد نام وی بین تذکره‌ها اختلاف وجود دارد. اصل وی از ایل بیات فارس بود. پدرش از رؤسای طایفه فیلی زند ساکن شیراز، منتسب به خاندان زندیه بود و مادرش از منسوبان فتحعلی خان، فرزند کریم خان زند، به حساب می‌آمد. هما در شیراز به دنیا آمد. در آغاز جوانی از افسران نظام بود ولی از آن شغل کناره گرفت و به تحصیل پرداخت و از محضر میرزای وصال استفاده نمود. وی از همان ابتدا طبع شعر خوبی داشت و با رضاقلی خان هدایت، صاحب «مجمع الفصحا»، و قآنی و سروش اصفهانی و شهاب اصفهانی و فروغی بسطامی معاصر بود. پس از تحصیل در شیراز، در طلب علم به سیاحت پرداخت و به عتبات عالیات رفت و بین ۱۲۵۰-۱۲۳۰ ق، در محضر شیخ محمدحسن ابن شیخ محمدباقر اصفهانی (م ۱۲۶۶ ق)، صاحب «جواهرالکلام»، و اساتید دیگر به تحصیل علوم نقلی و عقلی اشتغال ورزید تا به درجه‌ی اجتهاد و مقام قضاء و فتوا رسید. سپس از نجف به هند، شیراز، اصفهان، تهران، خراسان، ترکستان و کرمان سفر کرد و در آخر، به امر معتمدالدوله منوچهرخان گرجی (م ۱۲۶۳ ق)، حاکم اصفهان، و اصرار حاج سید محمدباقر شفتی بیدآبادی، در ۱۲۵۹ ق به اصفهان رفت و در آنجا سکنی گزید. وی عالمی بلند همت بود که در خواستهای محمد شاه و بعد از آن ناصرالدین شاه قاجار را برای ندیمی و ملازمت دربار نپذیرفت. بعد از وفات سروش اصفهانی، در ۱۲۸۵ ق، ناصرالدین شاه منصب ملک‌الشعرایی و ملازمت را به وی تکلیف کرد لذا او به تهران آمد و چندی در این سمت ماند، اما پس از مدتی بدون رعایت آداب دربار از آنجا رفت. وی سرانجام در اصفهان درگذشت و در آستانه‌ی امامزاده احمد، در محله میدان شاه، به خاک سپرده شد. در «حدیقه‌الشعراء» سال مرگ وی ۱۲۸۸ و ۱۲۸۹ ق ذکر شده است. همچنین در این تذکره تحت عنوان همای شیرازی دو فرد به نامهای رضاقلی و میرزا علی‌اکبر ذکر شده‌اند که به آورده‌ی آقای دکتر نوایی، در حاشیه‌ی کتاب، هر دو یکی هستند. از آثارش: «دیوان» شعر، در هجده هزار بیت، که یک سال پس از فوت او، به امر ظل‌السلطان و به دست میرزا عنقا، فرزند هما، جمع‌آوری و تدوین گردید و نام آن را «شکرستان» نهادند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حدیقه‌الشعراء (۲۰۹۰-۲۰۸۲/۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۵۹-۸۵۲/۵)، دایرة‌المعارف فارسی (۳۲۸۳/۲)، دیوان طرب (مقدمه/۳۴-۴)، الذریعه (۱۲۹۷-۹/۱۲۹۶)، ریحانه (۶/۳۷۰)، شرح حال رجال (۱۰۸-۶/۱۰۷)، طرائق‌الحقائق (۴۶۹-۳/۴۶۸)، فارسنامه‌ی ناصری (۲/۱۰۹۰)، گلزار جاویدان (۱۷۴۹-۳/۱۷۴۸)، لغت‌نامه (ذیل / همای شیرازی)، مجمع‌الفصحا (۱۱۷۵-۶/۱۱۷۲)، مرآت‌الفصاحه (۷۱۳-۷۱۰)، مصطبه‌ی خراب (۲۱۷-۲۱۶)، مکارم‌الآثار (۴۳۶-۲/۴۳۳)، مؤلفین کتب چاپی (۲۱۷-۳/۲۱۶).

همای مروزی، صادق

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۵۰ ق)، مورخ و شاعر، متخلص به هما. ملقب به وقایع‌نگار. اهل مرو شاه جهان و از نجیب‌زادگان آنجا بود. ابتدای جوانی خود را در مشهد به تحصیل مقدمات علوم عربی و ادبی گذراند و از شاگردان حاج محمدحسین خان، فرزند بیرامعلی خان قاجار به شمار می‌آمد. در ۱۲۰۰ ق پس از حمله ترکمنان و ازبکان، به کربلا و نجف اشرف رفت و بعد از مراجعت، در کاشان اقامت گزید و نزد حاجی سلیمان خان صباحی کاشانی (م ۱۲۰۶ ق) به تمرین شعر و شاعری پرداخت. وی قصایدی به شیوه‌ی متقدمان در مدح شاهان و بزرگان دارد. سپس به تهران آمد و به دربار فتحعلی شاه راه یافت و ابتدا به سمت منشی‌گری و بعد به منصب وقایع‌نگاری رسید و از جانب فتحعلی شاه مأمور نوشتن تاریخ قاجاریه، بویژه دوره‌ی سلطنت فتحعلی شاه مأمور نوشتن تاریخ قاجاریه، به ویژه دوره‌ی سلطنت فتحعلی شاه شد و بعدها به مناصب دولتی دیگری نیز دست یافت. از آثار وی: «تاریخ جهان آراء» که جلد اول آن در ۱۲۲۵ ق نوشته شد و شامل وقایع ده ساله از ۱۲۱۲ تا ۱۲۲۱ ق بود و جلد دوم شامل وقایع ده ساله از ۱۲۲۲ تا ۱۲۳۲ ق؛ «قواعد الملوک»؛ «شیم عباسی» یا «تحفه‌ی عباسی»؛ «زینة المدایح» یا «مدایح الخاقان»، مجموعه‌ای از مدایحی که شاعران در مدح فتحعلی شاه گفته‌اند، از بدو جلوس شاه تا سال هفتم سلطنتش.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: از صبا تا نیما (۷۷-۷۵/۱)، الذریعه (۲۴۳/۲۰، ۱۷/۱۹۱، ۹/۱۲۹۷، ۳/۲۴۷)، سفینه‌المحمود (۵۸۷-۵۸۴/۲)، شرح حال رجال (۱۷۳/۲)، فرهنگ سخنوران (۱۰۰۲-۱۰۰۱)، مجمع‌الفصحا (۱۲۰۳-۱۱۸۶/۶)، مصطبه‌ی خراب (۲۱۵)، نگارستان دارا (۱۵۱-۱۴۸).

همایون فرخ، رکن‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۹-۱۲۹۷ ش)، نویسنده، مترجم، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به رخ. در تهران به دنیا آمد. پدرش از اساتید زبان و ادب فارسی و صاحب «دستور جامع زبان فارسی» است. وی تحصیلات خود را در دبستان شرف مظفری و دبیرستان پهلوی رضائیه و نزد پدرش به پایان رساند. همایون فرخ در چهارده سالگی به نظم شعر پرداخت و نخستین اثر نظمی خود را در شانزده سالگی به نام «سوز دل» منتشر کرد. او از ۱۳۲۰ ش به کار نویسندگی پرداخت. وی همچنین چندی روزنامه‌ی «رخ» را منتشر می‌کرد و مدتی نیز سردبیری روزنامه‌های «آرزو»، «آزادی شرق»، «نیروی ملی» و «نهضت کشاورزان» را به عهده داشت. از دیگر آثار وی: «امپریالیسم چگونه به ایران آمد»؛ «خوئین خونین»؛ «عاشق بی‌نوا»؛ «عروس گورستان»؛ «شهریار»؛ تصحیح و مقدمه «تحفه سامی» سام میرزا؛ نمایشنامه‌ی «ابومسلم خراسانی»، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: چهره‌های آشنا (۶۶۵)، سخنوران نامی معاصر (۱۵۱۷-۳/۱۵۱۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۶۱۹، ۲۲۷۹، ۲۱۸۴، ۲۰۳۳، ۱۹۸۱/۲، ۱۵۷۹، ۱۵۰۴، ۱۴۹۸، ۱۲۹۶، ۶۹۸، ۴۴۷، ۳۳۰، ۲۱۵، ۱/۱۰۳)، مؤلفین کتب چاپی (۲۲۸-۳/۲۲۷).

همایون فرخ، عبدالرحیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۸ - ۱۲۶۲ ش)، استاد دانشگاه، نویسنده و مترجم. در کاشان به دنیا آمد. وی در کودکی به تهران آمد و تحت سرپرستی دایی خود، مجیرالدوله شیبانی، به تحصیل پرداخت. او مدتی در دارالفنون و سپس در کالج آمریکایی به تحصیل زبان و ادبیات انگلیسی مشغول شد و دوره‌ی آن را به اتمام رساند و بعدها در دانشکده‌ی حقوق سیاسی به تدریس علوم دفترداری پرداخت. او همچنین سالها در وزارت دارایی ریاست کل حسابداری را عهده‌دار بود. وی به دلیل تدوین «دستور جامع زبان فارسی» یا «دستور فرخ» در هفت مجلد، که تألیف آن حدود چهل و دو سال طول کشیده و مرجع و سند علمی مهمی برای صرف و نحو زبان فارسی می‌باشد، نشان درجه‌ی یک از وزارت فرهنگ را دریافت کرد. از دیگر ثارش: «آیین نگارش»، «اتم»، کشفیات بزرگ دانشمندان ایرانی؛ «داستان تاریخی بابک و افشین»؛ «هیئت جدید»؛ «فاجعه‌ی کربلا»، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: چهره‌های آشنا (۶۶۵)، الذریعه (۱۶/۹۲، ۱۶۴، ۱۵۸/۸)، شرح حال رجال (۶/۱۳۹)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳/۸۳۳-۸۳۴). مؤلفین کتب چاپی (۱/۸۸، ۱۰۷، ۱۳۲۵، ۱۴۱۷، ۱۴۲۹، ۲/۲۳۴۸، ۲۳۸۱، ۳۴۲۸).

همایون پور، جواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیهوشی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی مشهد.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

همایون فرخ

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالرحیم ابن حاج محمدحسین متولد در کاشان حدود (۱۲۵۰ تا ۱۲۵۳ ف. تهران، تیرماه ۱۳۳۸ ه.ش) در کودکی پدرش درگذشت و تحت سرپرستی دایی دانشمندش قرار گرفت و پس از تکمیل ادبیات و فراگرفتن انگلیسی چندی نیز در نزد مرحوم محمد قزوینی به تکمیل ادبیات پرداخت و سپس به مترجمی زبان انگلیسی برگزیده شد و در زمان مستشاری میلیسپو مترجم انگلیسی گردید و مشاغل مختلفی را عهده‌دار بود تا اینکه در سال ۱۳۱۷ ه.ش به عضویت فرهنگستان برگزیده شد. آثار او عبارتست از: «دستور جامع»، «سفر بختیاری» در تاریخ بختیاری که به چاپ رسیده است، نمایشنامه‌ی عمرولیت و هشت فرشته، داستان تاریخی «افشین»، هیئت جدید، آیین نگارش که جزو انتشارات مجله‌ی اخگر به چاپ رسیده است. فرهنگ لغات انگلیسی به فارسی و فارسی به انگلیسی و غیره.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

همایونی، مسعود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۲۹۹.

درگذشت: ۱۳۷۲.

از آثار اوست: پاسخ هفت پرسش درباره‌ی تصوف (لندن، بنیاد عرفان مولانا، ۱۳۷۱، ۱۳۶۹)؛ تاریخ سلسله‌های طریقه نعمه‌اللهیه در ایران از سال ۱۱۹۰ هجری قمری تا سال ۱۴۱۲ هجری قمری (لندن، بنیاد عرفان مولانا، ۱۳۷۱)؛ سرچشمه‌ی عرفان ایران (لندن، بنیاد عرفان مولانا، ۱۳۶۸، ۱۳۶۷). مریدان و شاگردان دکتر مسعود همایونی یادنامه‌ای تحت عنوان زیر برای وی در سال ۱۳۷۳ منتشر نمودند که از سوی بنیاد عرفان مولانا در لندن به چاپ رسید: یادنامه استاد معنوی: جناب دکتر سید مسعود همایونی (بابا شاهچراغ). برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

همایی، جلال‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق، ادیب، شاعر.

تولد: ۱۳ دی ۱۲۷۸ (۱ رمضان ۱۳۱۷ ق.)؛ اصفهان.

درگذشت: ۲۸ تیر ۱۳۵۹، تهران.

جلال‌الدین همایی متخلص به «سنا» و «هما» فرزند ابوالقاسم محمدنصیر متخلص به «طرب» فرزند همای شیرازی اصفهانی (از دانشمندان و سخنوران و سخن‌شناسان و استادان معاصر)؛ تحصیلات را ابتدا نزد پدر و سپس ابوالقاسم عراقی آغاز کرد و به فراگیری علوم ابتدایی و مقدمات صرف و نحو عربی و منطق و معانی بیان پرداخت. سپس در مدرسه‌ی حقایق و سپس در مدرسه‌ی قدسیه و مدت بیست سال در مدرسه‌ی نیم‌آورد اصفهان حجره‌نشین نمود.

سیوطی و مغنی و الفیه و شرح لمعه و مطول را نزد استادانی چون آقا سید محمدباقر درچه‌ای، آیت‌الله شیخ علی یزدی، آقا شیخ محمد کاشانی و ادبیات عرب را نزد سید محمدکاظم کروندی و اساتیدی دیگری چون عبدالکریم گزی و فقه و اصول را نزد سید محمدصادق خاتون آبادی و آقا سید مهدی درچه‌ای آموخت، وی سرانجام اجازه‌ی اجتهاد دریافت کرد. در علوم عقلی، استاد وی محمد خراسانی معروف به حکیم بود که شرح شمسیه و اسفار ملا صدرای شیرازی و شفای ابن سینا و دو دوره فلسفه و اشراق را نزد وی و اسدالله حکیم خواند. استادان دیگر او در معقول و نجوم و هیئت و ریاضی جدید و اسطرلاب و استخراج تقویم سید علی جناب و در طب محمد حکیم و میرزا علی آقا و ابوالقاسم ناصر و حکمت احمدآبادی بودند. هیئت مسطحه استدلالی و نجوم را نزد آیت‌الله رحیم ارباب تلمذ نمود.

وی سپس به تدریس در مدارس اصفهان مشغول شد. از سال ۱۳۰۲ به خدمت وزارت فرهنگ درآمد. چندی در دبیرستان‌های تبریز به تدریس اشتغال داشت، آنگاه به تهران آمد. ابتدا در دبیرستان دارالفنون به تدریس مشغول شد، هفته‌ای چند ساعت هم در دبیرستان شرف تدریس می‌کرد و همچنین در دبیرستان نظام و دانشکده‌ی افسری نیز تدریس داشت. سپس در دانشگاه ادبیات و دانشکده‌ی حقوق تهران به عنوان استاد در دوره‌ی فوق لیسانس و دکتری به تدریس پرداخت. تا سال ۱۳۴۵ بنا به درخواست خود

بازنشسته شد و تا آخر عمر در تهران زیست و با وجود بیماری همواره به کار مطالعه و تحقیق و تألیف مشغول بود.

استاد همایی عضو فرهنگستان ایران و نیز انجمن تحقیق در ادبیات و زبان‌های خارجی بود و با مؤسسه لغت‌نامه دهخدا همکاری داشت. از جمله همایش‌ها و مراسم‌هایی که استاد در آنها شرکت نموده، می‌توان به این موارد اشاره نمود: شرکت در انجمن‌های ادبی؛ شرکت در کنگره‌ی فردوسی (۱۳۱۳)؛ شرکت در نخستین کنگره‌ی نویسندگان (تیر ۱۳۲۵)؛ شرکت در کنگره‌ی ابن سینا (اردیبهشت ۱۳۳۳)؛ سفر به بیروت (۱۳۳۴)؛ جهت افتتاح کرسی زبان فارسی در دانشگاه بیروت؛ شرکت در مجلس یادبود احمد بهمنیار (۱۲ آبان ۱۳۳۴)؛ شرکت در کنگره‌ی هفتصدمین سال درگذشت مولوی (آبان ۱۳۳۶)؛ سخنرانی در برنامه‌ی مرزهای ارتش در رادیو ایران؛ شرکت در مجلس بزرگداشت استاد ابوالحسن فروغی (بهمن ۱۳۳۸)؛ شرکت در مجلس بزرگداشت استاد بدیع‌الزمان فروزانفر (۲۹ اردیبهشت ۱۳۴۹)؛ شرکت در مجلس بزرگداشت دکتر محمد معین (۱۳ تیر ۱۳۵۰)؛ شرکت در کنگره‌ی ابوریحان بیرونی (۱۳۵۲).

استاد همایی به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌گفت. قصاید عربی او در برخی از مجلات و جراید ادبی دیده شده است. وی شعر فارسی را به سبک قدیم می‌سرود و در ساختن ماده تاریخ مهارت داشت.

علاوه بر مقاله‌های وی در مجلات و رونامه‌های «ارمغان»، «اطلاعات»، «ایران‌شناسی»، «تعلیم و تربیت»، «تماشا»، «جاویدان خرد»، «جوانان رستاخیز»، «رادیو ایران»، «سالنامه‌ی آریان»، «سالنامه‌ی شرق»، «سخن»، «مرزهای دانش»، «معارف اسلامی»، «مهر»، «وحید» و «یغما»، از آثار تألیف وی می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: خیامی‌نامه (در تجزیه و تحلیل آثار علمی و ادبی حکیم عمر خیام، جلد اول، ۱۳۴۶)؛ تاریخ ادبیات ایران (تبریز، ۱۳۰۹-۱۳۰۸، در سال ۱۳۰۸، برای تألیف این کتاب جلال‌الدین همایی به نشان علمی درجه‌ی دوم نایل آمد)؛ غزالی‌نامه (شرح حال و آثار و عقاید و افکار ادبی و مذهبی و فلسفی و عرفانی امام ابوحماد غزالی، ۱۳۱۷)؛ اسرار و آثار واقعه کربلا (چاپ دوم، ۱۳۵۷)؛ فنون بلاغت و صناعات ادبی (۱۳۵۴)؛ رساله درباره‌ی شرح احوال شعراى اصفهان قرن سیزده و چهارده و پانزده، صناعات ادبی (یک کتاب برای سطح دانشگاه‌ها و یک کتاب برای سطح دبیرستان‌ها)، تاریخ اصفهان تحقیق در احوال آخوند میر مؤلف حبیب‌السیر و میرخواند صاحب روضه‌الصفاء، مولانا چه می‌گوید (دو جلد، جلد اول ۱۳۵۴، جلد دوم ۱۳۵۵)؛ طلبه‌ی عطار و نسیم گلستان؛ سیر مثنوی مولوی (داستان قلعه‌ی ذات‌الصور)؛ مقام حافظ؛ طب خانه (۱۳۴۲)؛ شرح حال احوال سروش اصفهانی (این رساله در مقدمه‌ی دیوان شاعر که به وسیله محمدجعفر محبوب تصحیح شده، منتشر کرده است، از صفحه ۱ الی صفحه ۹۰)؛ صرف و نحو و قرائت عربی (سه جلد)؛ رساله‌ی تحقیقی در احوالات مولانا، منتخب اشعار؛ دوره‌ی کتاب درسی فارسی - دستور و تاریخ ادبیات؛ دستور کلاس‌های پنجم و ششم ابتدایی؛ دستور زبان (با مشارکت چهار استاد دیگر، دو جزء، ۱۳۲۹-۱۳۲۸)؛ رساله‌ی تحقیقی درباره‌ی دستور زبان فارسی؛ سه جلد کتاب فارسی دبیرستانی؛ دستور زبان فارسی دوره‌ی ابتدایی؛ تاریخ علوم اسلامی (تقریرات همایی در دوره‌ی دکترای ادبیات فارسی دانشگاه تهران، ۱۳۴۸)؛ تصوف در اسلام (نگاهی به عرفان شیخ ابوسعید ابوالخیر، ۱۳۶۲)؛ دیوان سنا (دیوان اشعار همایی به اهتمام دکتر ماهدخت بانو همایی، جلد اول، خرداد ۱۳۶۴). از جمله آثاری که به تصحیح و تحشیه‌ی آنها اقدام نمود می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: دانشنامه (۱. دیوان غبار. ۲. غزلیات سنا، ۳. دیوان زرگر اصفهانی، ۴. غزلیات دیوانه‌ی قمته، ۵. دیوان نیاز جوشقانی، اصفهان، ۱۳۴۲، به اهتمام همایی)؛ نصیحة الملوک (امام محمد غزالی، ۱۳۱۶)؛ التفهیم لاوائل صناعة التنجیم (ابوریحان بیرونی، ۱۳۱۶)؛ مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة (عزیزالدین محمود کاشانی، ۱۳۲۵)؛ دیوان طرب (۱۳۴۲)؛ مختاری‌نامه (عثمان مختاری، ۱۳۶۱)؛ دیوان حکیم مختاری غزنوی؛ مثنوی ولدنامه (بهاء‌الدین ولد، ۱۳۱۶)؛ منتخب اخلاق ناصری (تألیف خواجه نصیر طوسی، ۱۳۲۰)؛ مقدمه‌ی اخلاق ناصری (۱۳۳۵)؛ نصیحة الملوک (امام محمد غزالی)؛ کنوز المغربین در علوم غریبه (منسوب به حکیم ابوعلی سینا)؛ معیارالعقول (۱۳۳۱)؛ رساله شعوبیه؛ برگزیده دیوان سه شاعر اصفهانی (طرب، سه‌ها، عنقا) (۱۳۴۳)؛ رساله اصفهانی پاسدار؛ مجموعه شعر سرود عشق

(۱۳۷۳).

استاد همایی در پایان شب ششم ماه رمضان ۱۴۰۰، ق. مطابق با بیست و هشتم تیر ۱۳۵۹ در گذشت و در تکیه لسان‌الارض در اصفهان به خاک سپرده شد.

(ح ۱۳۵۸ - ۱۲۷۸ ش)، عالم، ادیب، استاد دانشگاه، مورخ، مصحح، مترجم و شاعر، متخلص به سنا. پدرش، ابوالقاسم متخلص به طرب، از ادبا و شعرا و خوشنویسان بود. وی در کوی پاقعه اصفهان به دنیا آمد. ابتدا نزد والدین خود و سپس در مدرسه‌ی حقایق و مدرسه‌ی قدسیه به فراگیری مقدمات پرداخت. وی همچنین خط نسخ و ثلث را نزد پدر و میرزا حسن قدسی و ملا محمدتقی کاتب فراگرفت. او ادبیات عرب، سطوح فقه و کلام و رجال را نزد شیخ علی یزدی و سید محمد کاظم کروندی اصفهانی و ملا عبدالکریم گزی و میرزا احمد اصفهانی و میرزا محمدصادق خاتون‌آبادی فراگرفت. او مدت هجده سال از محضر شیخ محمد خراسانی بهره برد و از «شرح شمسیه» تا «شرح هدایه» ملا صدرا و «شرح منظومه» و «اشارات» را نزد وی خواند. همایی قسمتی از فنون هیئت و ریاضی جدید و فن اسطرلاب و فن استخراج تقویم را از زیجهای قدیم، خدمت میرزا سید علی جناب گذراند. از دیگر استادان جلال‌الدین همایی: در فلسفه شیخ اسدالله حکیم قمشه‌ای متخلص به دیوانه، در معقول و ریاضیات ملا عبدالجواد آدینه‌ای، در طب شیخ محمد حکیم و میرزا ابوالقاسم ناصر حکمت احمدآبادی و در حکمت و نجوم آیت‌الله حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی را می‌توان نام برد. وی از آیت‌الله شیخ مرتضی آشتیانی اجازه‌ی روایت و از شیخ محمدحسین فشارکی اجازه‌ی اجتهاد و روایت و از سید محمد نجف آبادی مدرس و آیت‌الله حاج میرزا عبدالحسن سید العراقرین خاتون‌آبادی پاقعه‌ای اجازه‌ی اجتهاد دریافت کرد. او در مدارس قدیم تدریس می‌کرد و از حدود ۱۳۰۰ ش برای تدریس به مدرسه‌ی صامیه اصفهان رفت. شیخ عباس ادیب حبیب‌آبادی و سید حسن مدرس بیدآبادی و شیخ محمود شریعت‌ریزی از شاگردانش بودند. همایی در حدود ۱۳۰۷ ش وارد خدمت معارف شد و در مدارس متوسطه‌ی تبریز، دارالفنون، شرف مظفری، دبیرستان نظام، دانشکده‌ی حقوق و دانشکده‌ی ادبیات به تدریس پرداخت. از آثار وی: «تاریخ ادبیات ایران» از قدیمی‌ترین عصر تاریخی تا عصر حاضر؛ «غزالی‌نامه»؛ شرح حال امام محمد غزالی؛ «اسرار و آثار واقعه‌ی کربلا»؛ «تاریخ علوم اسلامی»؛ «خیامی‌نامه»؛ «فنون بلاغت و صناعات ادبی»؛ «مولوی‌نامه»؛ «تصوف در اسلام»؛ «شعوبیه»؛ «تاریخ اصفهان»؛ شرح «مثنوی معنوی» مولوی؛ «دیوان» شعر که با نام «دیوان سنا» به چاپ رسیده است؛ تصحیح کتابهای «التفهیم لأوائل صناعة التنجیم» ابوریحان بیرونی، «مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه» عزالدین محمود کاشانی، «منتخب اخلاق ناصری» خواجه نصیرالدین طوسی؛ مقدمه‌ی کتابهای مثنوی «ولدنامه»، «تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر»، خواند میر، «دیوان» شکیب اصفهانی؛ اهتمام در انتشار «دیوان» عثمان مختاری. [۱]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آینده (س ۶، ش ۷ و ۸، ص ۶۲۴-۶۱۶)، از نیما تا روزگار ما (۱۶۶-۱۶۰)، تاریخ اصفهان (سیزده-چهل و سه)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۵۰-۲۴۷)، چهره‌های آشنا (۶۶۷-۶۶۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۰۸-۱۹۵/۳)، الذریعه (۱۶/۵۱، ۱۶/۴۷۲، ۳/۲۳۰، ۹)، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم جلال‌الدین همایی، سخنوران نامی معاصر (۱۸۱۲-۱۸۰۷/۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۲۷۵، ۳۲۸۰، ۳۲۵۰، ۳۱۳۹، ۳۰۹۳، ۳۰۸۴، ۳۰۵۹، ۳۰۲۷، ۲۶۹۱، ۲۳۸۵-۲۳۸۴، ۲۳۶۹، ۲۳۶۸، ۲۳۶۷، ۲۳۶۶، ۲/۲۲۵۶، ۲/۱۵۹۳، ۱۵۵۵، ۱۵۵۳، ۱۵۴۹، ۱۴۹۶، ۱۴۲۳، ۱۴۲۲، ۱۳۵۰، ۹۳۶، ۶۶۲، ۴۸۹، ۲۴۰، ۱/۱۴۰)، کیهان فرهنگی (س ۱، ش ۴، ص ۳۹-۳۸)، مؤلفین کتب چاپی (۳۷۲-۳۷۰/۲)، همایی‌نامه.

همت اصفهانی، حسین

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۳۷ / ۱۳۳۳ ق)، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به همت. در اصفهان به دنیا آمد. مدتی در مدارس جدید تحصیل کرد و بعد علوم قدیمه را نزد علمای اصفهان آموخت. بیشتر اوقات خود را صرف مطالعه کتب رجال و تراجم احوال می‌کرد. از آثار وی: «انقلاب یا نهضت سید جمال‌الدین»؛ مقدمه و حواشی بر کتاب «بررسی در پیرامون سیاست و دیانت» علی جمالی؛ «به سوی کمونیست»؛ مقدمه بر کتاب «بهداشت در دین اسلام»؛ «تأثیر موسیقی بر اعصاب»؛ «عقاید و افکار»؛ «موسیقی و اسلام»، ترجمه؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۵۳۷-۵۳۶)، الذریعه (۱۳۰۰ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۰۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۰۲-۸۰۰ / ۲).

همتی بریوانلو، یحیی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۸، مرتبه علمی: استاد، رشته: باکتریولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی میکروب‌شناسی از دانشکده پزشکی دانشگاه پاریس و انستیتوی پاستور پاریس، فوق تخصص بیماریهای عفونی از دانشکده پزشکی دانشگاه پاریس و دانشگاه تهران.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری ارتقاء به درجه استادی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

نقش کلامیدیا در نزد زنان، بررسی لژیونلاها در ایران، تدریس دروس میکروب‌شناسی، ایمنی‌شناسی، بیماریهای عفونی در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

باکتریولوژی، باکتریهای بیماری‌زا برای انسان.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

درمان کزاز و اپیدمیولوژی آن، بررسی روی هزار مورد کزاز، باکتریولوژی و عفونتها، بیماری و با. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

همتی، همایون

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

همایون همتی یکی از فرهیختگان و دانشمندان معاصر ایران است. او استاد دردانشگاه می باشد. ازوی آثار متعددی به چاپ رسیده است که هر کدام به نوبه خود ارزش گران سنگی دارد. همتی درمورد مسائلی همچون دین و آزادی صاحب نظر می باشد. گروه: علوم انسانی رشته: فلسفه

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: همایون همتی استاد دانشگاه است.

فعالیتهای آموزشی: دین پژوهی مهمترین فعالیت همایون همتی است. او این امر را دررا بطه با انسان پی می گیرد. وی بر این نظر است که مساله انسان به این شکلی که الان درروزگار ما مطرح است هم جنبه انتولوژیک یا هستی شناسی دارد و هم جنبه اپیستولوژیک یا معرفت شناسی، از طرف دیگر نیز به لحاظی از نظر دین شناسی و جامعه شناسی و روان شناسی مورد بحث است که خود انسان اساسا موجودی است دارای ساحت های مختلف ویک موجود تک بعدی نیست. آرا و گرایشهای خاص: همایون همتی در مورد دین معتقد است که دین منادی و موید آزادی است. زیرا ادیان فرهنگی برای رشد و تعالی بشر آمده اند و تعالی و کمال بشر جز با آزادی میسر نیست و بین این دو نه تنها تضاد و تعارضی نیست بلکه هم پیوندی و تلازم وجود دارد، منتها باید تلقی روشنی از دین و مقوله آزادی داشته باشیم و با تصویری واضح ازاین مفاهیم به بحث پردازیم. منابع زندگینامه:

ادین و آزادی /گفت و گو با دکتر همایون همتی، کیهان فرهنگی، سال هیجدهم، شهریور ماه ۱۳۸۰، پیاپی ۱۷۹، ص ۴

همدانی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقا شیخ بن شیر محمد همدانی عالمی فقیه از شاگردان ملا احمد خوانساری دولت آبادی مقیم ملایر بوده و در نجف از محضر شیخ انصاری استفاده نموده و در ۱۳۰۶ ق وفات کرده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

همدانی، ابواسحاق ابراهیم

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۲۱ ق)، فقیه و محدث. او از مشایخ ابوالحسن علی بن بابویه پدر شیخ صدوق و محدث همدان بود. مطابق اسانید بعضی از روایات کتاب «امالی» صدوق، علی بن بابویه در همدان آن روایات را از صاحب عنوان شنیده است. ابراهیم بن عمرو نیز به نوبه‌ی خود از ابی‌علی حسن بن اسماعیل قحطی روایت کرده است. او همچنین از ابوعمار مروزی و عبدالرحمان بن بشیر و عباس بن یزید بحرانی و عبدالحمید بن عصام و حمید بن زنجویه و بخاری و بسیاری دیگر حدیث روایت کرده است. وفات وی در «طبقات اعلام الشیعه»، ۳۲۹ ذکر شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۱۴/۵۵۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴/۴).

همدانی، ابوالحسن محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۲۱-۴۶۳ ق)، عالم و مورخ. ملقب به فرضی. اصل وی از همدان بود، پدرش در بغداد سکنی گزید و او در آن دیار نشو و نما یافت. وی مردی فاضل و نویسنده‌ای بلیغ بود و به تاریخ و اخبار دولتها و پادشاهان و حوادث زمان آشنایی کامل داشت. ابن‌نجار گوید که فن تاریخ‌نویسی به او ختم گردیده است. از ابو‌حسین احمد بن محمد بن نقور و ابوالفوارس طراد زینبی و دیگران حدیث شنید. ابوالقاسم ابن عساکر از او روایت کرده است. وی سرانجام در بغداد از دنیا رفت و کنار پدرش، در مقبره‌ی ابوالعباس ابن سریج، دفن گردید. از آثارش: ذیلی بر «تاریخ طبری»؛ ذیلی بر «تاریخ ابوشجاع روذ راوری وزیر»؛ «عنوان السیر فی محاسن البدو والحضر»؛ «اخبار الوزراء»؛ «طبقات الفقهاء»؛ «اخبار دولت سلطان محمد و محمود»؛ «امراء الحج»، از زمان حضرت رسول اکرم (ص) تا روزگار مؤلف؛ «فرائد التاجی»، در شرح «فرایض السراجی»؛ «المعارف المتاخرة»، در تاریخ.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۲۸-۷/۱۲۷)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۱۷۴، ۱/۱۷۲)، طبقات الشافعیه سبکی (۱۳۶-۶/۱۳۵)، الکامل (۸/۳۲۵)، کشف‌الظنون (۱۱۷۵، ۱۱۰۵، ۲۹۸، ۳۰)، لغت‌نامه (ذیل / همدانی)، المنتظم (۲۲۷/۱۰)، الوافی بالوفیات (۳۸-۳۷/۴)، هدیة‌العارفین (۲/۸۵).

همدانی، ابوالعلاء حسن

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۶۹-۴۸۳/۴۸۸ ق)، مقری، حافظ، محدث، مفسر، ادیب، نحوی، لغوی و زاهد. شیخ همدان و امام‌العراقین در قرآات بود. در همدان به دنیا آمد. در طلب علم مسافرت‌های بسیاری نمود. علم قرائت را نزد ابوعلی حداد اصفهانی و ابوالعز قلانسی و ابو‌عبدالله بارع حسین دباس و ابوبکر مزرفی فراگرفت و در همدان از عبدالرحمان بن حمد دونی و در اصفهان از محمود اشقر و ابوعلی حداد اصفهانی و در بغداد از ابوالقاسم بن بیان و ابن‌حصین و ابوعلی ابن مهدی و ابوعلی بن نبهان و در خراسان از ابو‌عبدالله فراوی

حدیث شنید. آنگاه به همدان بازگشت و تا پایان عمر در این شهر زندگی نمود. او در علم تفسیر، حدیث، انساب و تاریخ متبحر بود. ابواحمد بن سکینه و ابوالحسن ابن دباس و محمد بن محمد بن کیال علم قرائت را در نزد وی فراگرفتند. شیخ منتجب‌الدین، صاحب «الفهرست»، نیز از شاگردان وی بود و کتاب «الهادی» را نزد او خواند. منتجب‌الدین استادش ابوالعلاء را صدرالحفاظ و در علم حدیث و قرائت علامه معرفی کرده است. فرزندانش، احمد و عبدالبر و فاطمه، و نوادگانش، قاضی علی و محمد و عبدالحمید پسران عبدالرشید بن علی بن بنیمان، و ابوالموهّب ابن صصری و عبدالقادر حافظ و یوسف بن احمد شیرازی حافظ و محمد بن محمود حمّامی و عتیق بن بدل مکی و جماعتی دیگر از وی حدیث شنیدند. ابوالحسن ابن المقیر از وی اجازه‌ی روایت داشت و شیخ هاشم بن محمد در «مصباح‌الانوار» خویش از وی روایت کرده است. در «معجم‌الادباء» وفات وی ۵۹۹ ق آمده است. از آثارش: «زاد المسافر»، در پنجاه مجلد؛ «غایة الاختصار»، در قرائت دهگانه؛ «الهادی الی معرفة المقاطع والمبادئ»، در وقوف قرآن؛ «الانتصار فی معرفة قراء المدن والامصار» که «طبقات القراء» است؛ «مفردات القراء»؛ «مولد امیرالمؤمنین (ع)»؛ کتاب «الادب فی حسان الحدیث».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲/۱۹۵)، اعیان‌الشیعه (۴/۶۳۴)، ایضاح‌المکنون (۲/۷۱۵، ۱/۶۰۶)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۱۲۸- ۱/۱۲۶)، تذکرة‌الحفاظ (۱۳۲۸- ۴/۱۳۲۴)، الذریعه (۱۵۱- ۲۵/۱۵۰، ۱۲/۸)، روضات‌الجنت (۸۷- ۳/۸۶)، ریحانه (۷/۲۰۶)، سیرالنبلاء (۴۷- ۲۱/۴۰، ۱۹/۳۰۴)، شذرات‌الذهب (۲۳۲- ۴/۲۳۱)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۵۴- ۶/۵۳)، طبقات‌الحفاظ (۴۹۸- ۴۹۷)، طبقات‌المفسرین داودی (۱۳۱- ۱/۱۲۸)، العبر (۳/۵۶)، فهرست منتجب‌الدین (۶۶- ۶/۶۵)، الکامل (۹/۱۲۹)، کشف‌الظنون (۲۰۲۶، ۱۷۷۳، ۱۳۸۷، ۱۱۸۹، ۱۱۰۶، ۹۴۶، ۱۱۴)، معجم‌الادباء (۵۲- ۵/۸)، معجم رجال‌الحدیث (۲۸۴- ۴/۲۸۳)، معجم‌المؤلفین (۱۹۸- ۳/۱۹۷)، المنتظم (۱۰/۵۱۸)، هدیة‌العارفین (۱/۲۸۰).

همدانی، ابوالفضل احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالفضل احمد بن حسین ملقب به بدیع‌الزمان در حافظه و احاطه بر لغت، شعر و ادب اعجوبه‌ی زمان خود بود. گویند حافظه‌ی او به قدری قوی بود که قصائد ۶۰ بیتی را به یک بار شنیدن حفظ می‌کرد. وی در نظم و نثر عربی هر دو استاد بود و دیوان اشعار و مجموعه‌ی رسائل و مقامات او باقی است و مهمترین تألیف او همان «مقامات» است که در فن مقامه‌نویس قدیمترین کتاب می‌باشد. تولد بدیع‌الزمان در سال ۳۵۸ در همدان و وفات او در سال ۳۹۸ ه. ق در هرات واقع شده است.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

همدانی، ابوتراب

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۲۷۴.

در گذشت: ۱۳۷۳.

از آثار اوست: اسلام و نظام (۱۳۶۸)؛ چرا گناه می‌کنیم: درباره‌ی سرگذشت اثر گناه در این دنیا (مشهد، ۱۳۶۴)؛ راه سعادت (برگزیده‌ی اشعار) (شعر مذهبی، مشهد، ۱۳۷۴)؛ شرح دعای کمیل (تهران، ۱۳۶۳، ۱۳۴۴)؛ کتاب و عترت: شرحی درباره‌ی حدیث ثقلین (مشهد، ۱۳۶۵)؛ نجوم لامعه: شرح زیارت جامعه (۱۳۶۶).
برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

همدانی، ابوجعفر محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(بعد از ۵۳۱ - ۴۴۰ ق)، حافظ، محدث و زاهد. در طلب حدیث به مسافرت پرداخت. در بغداد از ابن نقور و ابوالقاسم بن بسری و ابونصر زینبی و در نیشابور از فضل بن محب و ابوصالح مؤذن و در مکه از ابوعلی شافعی و سعد زنجانی و در جرجان از اسماعیل بن مسعوده و در مرو از ابوالخیر محمد بن ابوعمران و در هرات از ابواسماعیل انصاری و جماعتی دیگر حدیث شنید. وی «الجامع» ابوعلی ترمذی را از ابوعامر ازدی و محمد بن محمد بن علاء و ثابت بن سهلک قاضی به نقل از جراحی روایت کرد. این طاهر مقدسی و ابوالعلاء عطار و عبدالرحمان بن عبدالوهاب بن معزم و عده‌ای دیگر از وی روایت کرده‌اند. از آثارش: «البدایة والنهایة فی الموعظة».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: سیرالنبلاء (۱۰۲ - ۱۰۱ / ۲۰)، شذرات الذهب (۴ / ۹۷)، طبقات الحفاظ (۴۷۰)، العبر (۲ / ۴۴۰)، کشف الظنون (۲۲۸)، معجم المؤلفین (۱۱ / ۶۹)، النجوم الزاهرة (۵ / ۲۵۳).

همدانی، احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، محدث امامی. از علی بن ابراهیم و عمر بن سهل بن اسماعیل دینوری و جعفر بن احمد علوی روایت کرد. ابوعبدالله احمد بن محمد بن عیاش جوهری در «مقتضب الاثر» خود و شیخ صدوق از وی روایت کرده‌اند. به آورده‌ی شیخ آقا بزرگ تهرانی نام صاحب عنوان در بعضی از اسایید «امالی» شیخ صدوق به صورت احمد بن محمد بن زیاد و در بعضی دیگر احمد بن جعفر همدانی آمده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲ / ۵۸۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۸ - ۲۷ / ۴).

همدانی، حسینقلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۱-۱۲۳۹ ق)، عارف، حکیم و فقیه. ملا حسینقلی در شونند در گزین از روستاهای همدان متولد شد. کودکی را به شبانی گذاراند، و سپس در تهران در حوزه شیخ عبدالحسین تهرانی (شیخ العراقین) در رشته معقول درس خواند. چندی بعد عازم سبزوار شد و نزد حاج ملا هادی سبزواری حکمت و فلسفه خواند. پس از مدتی در محضر درس شیخ مرتضی انصاری در نجف حاضر گشت و بسیاری از تقریرات او را در فقه و اصول به رشته‌ی تحریر درآورد. اخلاق و عرفان را از محضر آقا سید علی شوشتری فراگرفت. از جمله شاگردان و اصحاب وی: شیخ محمد بهاری، سید احمد تهرانی، میرزا جواد ملکی تبریزی، سید حسن صدر و سید جمال‌الدین اسدآبادی است. وی در کربلا مدفون است. آثار او عبارت‌اند از: «نامه‌ها و منشآت»، در آداب سلوک که پاره‌ای از نامه‌های او در مجموعه «تذکره المتقین» در ۱۳۲۹ ق به چاپ رسیده؛ «مناجاتها»؛ «تقریرات در اخلاق»؛ «کتاب الرهن»؛ «تقریرات شیخ انصاری»، در فقه و اصول.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۴/ ۴۶)، ریحانه (۶/ ۳۷۶)، فوائد الرضویه (۱۴۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۷/ ۳۷۲).

همدانی، رضا

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا بن شیخ محمدهادی همدانی نجفی متوفی ۱۳۲۲ ق از اکابر فقهاء محققین و مشاهیر مراجع عصر خود بوده است. مرحوم والدش حاج شیخ محمدهادی از علماء صلحاء و وی از اجله فقهاء و افضل اعلام زمان خویش بوده و مهاجرت به سامرا و سالهای متمادی ملازمت درس مجدد شیرازی را نموده و تقریرات درس وی را نوشته تا در میان اقران خویش مشارالیه بالبنان گردیده و در حیات استادش میرزا بزرگ به نجف برگشته و به تدریس اشتغال یافته و جمع زیادی از اهل فضل اطرافش را گرفته و از بیاناتش استفاده نموده‌اند.

و ضمناً به اقامه جماعت و تألیف کتاب نفیسه (مصباح الفقیه) پرداخته و آن بزرگوار چنانچه معاصرین و متاخرین او گواهی می‌دهند ازهد و اورع و اتقا و افضل اقران خود بوده و اکثر اوقات خود را مصروف به مطالعه و تدریس و مباحثه و تألیف می‌نموده و در نهایت اعراض از دنیا و زخارف آن بوده و بعد از فوت استادش میرزا شیرازی مردم به وی رجوع نمودند و این مرجعیت برایش گران و سنگین بود ریاست و زعامت را مکروه می‌داشت برای مسئولیت خطیری که دارد.

و واقعا هم چنین بود زیرا بعد از ریاست هم تغییر وضع نداده و ماکل و ملبسش مانند گذشته بود و این ریاست هم طولی نکشید چون نسیان برایش عارض شد و خود از فتوا دادن امساک نمود فقط مواظبت به تدریس داشت تا در سال ۱۳۲۲ ق وفات نمود و آثار بسیار ارزنده‌ای از خود به یادگار گذاشت که ذیلاً می‌نگارم.

۱- کتاب الطهاره ۲- کتاب الصلوه ۳- کتاب الزکوه ۴- حاشیه بر رسائل ۵- حاشیه بر نجاه العباد ۶- تقریرات دروس میرزا بزرگ شیرازی ۷- کتاب البیع :

معظم شاگردان و تلامذه آن جناب نامبردگان زیرند.

۱- آیت‌الله آقا شیخ ابوالقاسم کبیر قمی ۲- آیت‌الله حاج شیخ محمدتقی تهرانی مقدس ۳- آیت‌الله حاج شیخ جعفر آل شیخ

راضی ۴- آیت‌الله حاج شیخ علی زاهد قمی ۵- آیت‌الله حاج شیخ عبدالحسین آل اسدالله شوشتری ۶- آیت‌الله حاج سید محسن امین جبل عامل ۷- آیت‌الله حاج شیخ علی همدانی ۸- آیت‌الله شیخ علی جواهری ۹- آیت‌الله حاج شیخ علی حلی ۱۰- آیت‌الله حاج شیخ احمد آل کاشف الغطا ۱۱- آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین آل کاشف الغطاء ۱۲- آیت‌الله حاج شیخ جواد بلاغی ۱۳- آیت‌الله شیخ مشکور طالقانی ۱۴- آیت‌الله حاج سید حسن صدر و عده زیادی دیگر که ذکرشان موجب اطناپ است. آن بزرگوار در اواخر مبتلا به کسالت سل گردیده و مسافرتی برای زیارت و تغییر آب و هوا به سامرا نموده ولی در آنجا در روز یکشنبه ۲۸ ماه صفر ۱۳۲۲ قمری در سن هفتاد و پنجسالگی وفات و در رواق شریف عسکرین طرف پائین پای امامین همامین مدفون شده است.

آن مرحوم دارای یک پسر بنام حجة الاسلام آقا شیخ محمد همدانی و چهار دختر بوه و دامادهای وی همه از آیات و اعلام علماء معروف بدین شرح می‌باشند.

۱- آیت‌الله حاج میرزا نجم‌الدین شریف عسکری بن آیت‌الله آقا میرزا محمد تهرانی عسکری متوفی ماه رجب ۱۳۹۵ ق. (۱۳۲۲- ۱۲۵۲/۱۲۵۰ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، متکلم، مدرس، عابد و زاهد. وی در همدان به دنیا آمد. پس از فراگرفتن مقدمات به عراق رفت و در محضر علمای بزرگ از جمله میرزا محمدهاشم خوانساری و میرزای بزرگ شیرازی و میرزا محمدتقی شیرازی و میرزا حسن فرزند میرزا خلیل تهرانی نجفی تلمذ نمود. وی از شاگردان برجسته‌ی میرزای بزرگ شیرازی بود. در حیات میرزا از سامرا به نجف رفت و به تدریس و تألیف و اقامه‌ی جماعت پرداخت. از جمله شاگردان مشهور وی می‌توان به شیخ آقا بزرگ تهرانی، صاحب «الذریعه»، و شیخ علی زاهد قمی و آیت‌الله شیخ جواد بلاغی و آیت‌الله شیخ علی حلی و آیت‌الله شیخ احمد آل کاشف الغطاء و شیخ محمدحسین آل کاشف الغطاء و شیخ جعفر آل شیخ راضی و آیت‌الله شیخ علی جواهری و آیت‌الله شیخ محمدتقی تهرانی مقدس و آیت‌الله شیخ ابوالقاسم کبیر قمی و آیت‌الله علامه سید محسن امین جبل عاملی اشاره کرد. وی به مناسبت اهمیت و شهرت کتابش «مصباح الفقیه»، که شرحی است بر «شرایع الاسلام» علامه حلی، به صاحب «مصباح الفقیه»، مشهور می‌باشد. صاحب «اعیان الشیعه»، وی را به کثرت زهد و ورع، تواضع شدید و کراهت داشتن از شهرت ستوده است. در اواخر عمر به علت بیماری سل، برای تغییر آب و هوا، به سامرا رفت و در آنجا درگذشت و در رواق شریف به خاک سپرده شد. از دیگر آثارش: «الفوائد الرضویة علی الفرائد المرتضویة» یا «العوائد الرضویة علی الفرائد المرتضویة»، در حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری؛ حاشیه بر «المکاسب» شیخ انصاری؛ حاشیه بر «نجاه العباد»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل»؛ «تقریرات» استادش میرزای بزرگ شیرازی، در فقه و اصول؛ کتاب «البیع» از «تقریرات» میرزای بزرگ شیرازی؛ «الهدایة»؛ «الوجیزة». [۱]

رضا همدانی قدس‌الله‌سره متولد در سال ۱۲۵۰ قمری و متوفی ۱۳۲۲ ق و علامه سماوی در ماده تاریخ فوت و رثاء آن مرحوم گفته است.

و كالرضا المحقق ابن الهادی

الهمدانی الفقیه البادی

رافع مصباح الفقیه المائل

و ذی التعالیق علی الرسائل

فانه جاورها بدر النجف

و قال ارخوه (ابهج الغرف)

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه [۱] الاعلام (۳/۵۲)، اعیان‌الشیعه (۲۳- ۱۹/۷)، الذریعه (۱۶۶، ۴۹/۲۵، ۱۱۶- ۱۱۵/۲۱، ۳۴۱/۱۶، ۲۱۹، ۱۵۷/۶،

۳۷۷-۳۷۶/۴)، ریحانه (۳۷۷/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۷۸-۷۷۶/۱۴)، علماء معاصرین (۷۶-۷۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۷۷-۳۷۶/۷)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۱۳۴۰-۱۳۳۹/۳)، معجم المؤلفین (۱۶۴/۴)، میرزای شیرازی (۱۴۴-۱۴۳).

همدانی، زینب

قرن: ۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

حدود ۵۳۰ ق. از زنان محدث. وی دختر شیرون بود و از پدرش و از ابوالفتح عبدوس بن عبدالله حدیث شنیده و برای سمعانی اجازه نوشته است.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۷۱ / ۲.

همدانی، ضوء النهار

قرن: ۱۶

جنسیت: زن

ملیت: ایران

از زنان محدث. وی دختر محمد بن طاهر مقدسی بود که در همدان از عبدوس بن عبدالله و ابوبکر اسماعیل بن علی حدیث فراگرفت و سمعانی در همدان احادیثی چند از او استماع کرد.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۳۶۱ / ۲.

همدانی، عبدالحسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید عبدالحسین همدانی عالمی جلیل و فاضلی بارع و پرهیزکاری پارسا از سادات (کمالان) مشهور همدان و از بزرگان علماء و مشاهیر فقهاء زمان خود و معروف به ورع و صلاح بوده و در سال ۱۳۱۸ در تهران وفات نموده.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

همدانی، عبدالرحمان

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۲۰ ق)، ادیب، کاتب، لغوی و شاعر. وی کاتب بکر بن عبدالعزیز بن ابودلف عجلی بود. در «هدیه العارفین» وفات وی ۳۲۷ ق ذکر شده است. از آثارش: کتاب «الالفاظ» که در بیروت تحت عنوان «الالفاظ الكتابیه» یا کتاب «الكلام» چاپ شده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الفهرست ابن الندیم، ترجمه (۲۸۶)، معجم المؤلفین (۱۶۴- ۱۶۳ / ۵)، الوافی بالوفیات (۲۱۶- ۲۱۵ / ۱۸)، هدیه العارفین (۵۱۳ / ۱).

همدانی، عبدالرزاق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۸۳- ۱۲۹۱ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، محدث، مجتهد، متکلم و واعظ. اصل او از قزوین بود. پدرش مقیم اصفهان گردید و وی در آنجا به دنیا آمد. در حدود ۱۳۰۰ ق به همراه پدرش به کربلا مهاجرت نمود. او در کربلا مقدمات علوم را فراگرفت و در ۱۳۱۳ ق به همراه مادرش به همدان رفت و در آنجا به تکمیل دروس و وعظ و خطابه و تألیف اشتغال یافت. چند بار برای زیارت به نجف رفت. او در همدان در گذشت. از آثارش: «ذریعه المعاد»، در شرح «نجاه العباد»؛ «السيف القاطع فی ابطال الرکن الرابع»؛ «هدایه الطالبین»، در اصول دین؛ «الخلافة»، در رد شیخیه؛ «السؤال والجواب الدینی»، در رد شیخیه؛ «الهدایه»، در رد صوفیه؛ «المقاله الاسلامیه»، در رد نصارا؛ «الکشکول»؛ «المواعظ المنبریة»؛ «الاسلام و الخلافة»؛ «مواکب حسینیة». [۱]

شیخ عبدالرزاق بن علی رضا بن عبدالحسین ابن ابی طالب بن عبدالکریم مؤلف (نظم الغرر) ابن محمد مؤلف (ترجمان اللغة) ابن محمد شفیع متمم کتاب والده (ابواب الجنان) ابن رفیع الدین محمد بن فتح الله (قزوینی) اصفهانی همدانی عالمی فاضل و واعظی کبیر بوده است.

جد ایشان از اهل قزوین بوده و پدرش مقیم اصفهان گردیده و وی در آنجا در سال ۱۲۹۱ ق متولد شده و والدش در حدود ۱۳۰۰ ق مهاجرت به کربلا نموده و او در خدمت آن مرحوم در کربلا به مقدمات علوم پرداخته و در سال ۱۳۱۳ ق مادر علویه اش وی را به همدان آورده و در آنجا به تکمیل دروس و وعظ و خطابه و تألیف اشتغال یافته تا بعد از ۱۳۸۱ قمری که به رحمت حق پیوسته است.

تألیفات وی از این قرار است.

ذریعه المعاد فی شرح نجاه العباد در طهاره ۲- السیف القاطع فی ابطال الرکن الرابع در رد شیخیه ۳- هدایه الطالبین در اصول الدین ۴- الخلافة ۵- السؤال و الجواب الدینی رد شیخیه ۶- الهدایه. در رد صوفیه ۷- المقاله الاسلامیه در رد نصاری ۸- الجواب عن سوال زید و زینب ۹- مختصر المقاله الجوابیه ۱۰- بدایه المنطقیه ۱۱- الوجیزه الرجالیه ۱۲- الکشکول ۱۳- مناظرات و مقالات ۱۴- المواعظ المنبریة ۱۵- رساله جواز نقل الموتی ۱۶- رساله فروع الدین ۱۷- الفیصل ۱۸- الغدیریة ۱۹- رساله اصول الدین ۲۰- الاسلام و الخلافة.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۱۸۲- ۱۸۱، ۱۶۶ / ۲۵، ۲۳ / ۲۳۲، ۲۱ / ۳۹۵، ۱۷ / ۵۹، ۱۶ / ۳۸۴، ۲۴۵، ۲۸۸، ۱۲ / ۲۱۰، ۳۲- ۳۱ / ۱۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۴- ۱۱۳ / ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۷۹- ۳۷۸ / ۷)، معجم رجال الفكر والادب فی النجف (۱۳۴۱ / ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۸۴۴- ۸۴۳ / ۳).

همدانی، عبدالصمد

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(شهادت ۱۲۱۶ق)، فقیه، متکلم، عارف و شاعر. نزد آقا محمدباقر بهبهانی و سید بحر العلوم درس خواند و به اجتهاد رسید و سپس به طریق عرفان قدم گذاشت و در سلک پیروان معصوم علیشاه، نورعلیشاه و حسین علیشاه اصفهانی درآمد. وی با اغلب فقهای متشرع اختلاف نظر داشت. در روز عید غدیر خم در کربلا به دست وهابیان شهید شد. وی شعر نیز می‌گفت و در شعر صمد تخلص می‌کرد و «دیوان» شعر دارد. مهم‌ترین آثار او عبارت‌اند از: «بحرالمعارف»؛ «شرح المختصر النافع»؛ «المواسع والمضایقه»، کتاب بزرگی به ترتیب ابواب فقه؛ و کتاب بزرگ دیگری در لغت که ناتمام است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۷/ ۸)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۷۶- ۷۵/ ۲)، الذریعه (۱۴/ ۱۵، ۱۴/ ۵۹، ۹/ ۶۱۸، ۳/ ۴۷)، روضات الجنات (۱۹۵- ۱۹۴/ ۴)، ریاض العارفین (۲۶۷)، ریحانه (۳۷۸- ۳۷۷/ ۶)، شرح حال رجال (۱۴۱/ ۶)، شهیدان راه فضیلت (۴۵۵- ۴۳۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۳۸- ۷۳۷/ ۱۳)، طرائق الحقائق (۲۸۱/ ۳)، فوائد الرضویه (۲۳۲)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالصمد)، معجم المؤلفین (۲۳۸/ ۵)، مکارم الآثار (۶۱۰- ۶۰۰/ ۲)، هدیة العارفین (۵۷۵/ ۱).

همدانی، عبدالله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالله بن ملا محمد بروجردی همدانی فقیهی متقی و مرحوم والدش از علماء و افاضل مفسرین و دارای تفسیری بوده و آن مرحوم نیز از جلاء علماء متقین و زهاد و در امر به معروف و نهی از منکر بسیار شدید و جدی و از اعظم علماء همدان علما و عملا بود و بسیاری از علماء همدان مانند حاج شیخ محمدهادی همدانی و آقا شیخ ربیع همدانی و ملا محمدتقی همدانی و شیخ علی همدانی و میرزا سید فتاح همدانی و غیر آنها از بزرگانی که از مراجع دینی شدند از شاگردان وی بوده‌اند.

و آن مرحوم در همدان شدیداً بر علیه فرقه شیخیه معارضه نموده و هیچ مسامحه و کوتاهی نمی‌کرد حتی چند بار حکم به تکفیر آنها نموده و برای همین موضوع چند بار تبعید به تهران گردید و این موجب شهرت او و توجه و علاقه مردم به وی شده و در جماعت وی بسیاری از خواص و عوام شرکت می‌نمودند تا در سال ۱۳۱۳ ق در همدان وفات نموده و فرزند برومندش حجة الاسلام آقا شیخ اسماعیل به جای وی به اقامه جماعت پرداخت.

و آن مرحوم در موقع وفات فرزند وی در جنین همسرش داشت که بعد متولد شد و موسوم به محمد گردید که از علماء بزرگ و مراجع امور دینی در همدان گردید

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

همدانی، عبدالمجید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالمجید بن عبدالوهاب همدانی متولد ۱۲۷۶ و متوفی ۱۳۴۶ ق عالمی متقی و فقیهی کامل بوده.

وی در سال مذکور متولد شده و مقدمات را در همدان آموخته و در سال ۱۲۹۸ ق مهاجرت به طرف عراق و چند سالی در کربلا اقامت و از محضر فاضل اردکانی و شیخ زین العابدین مازندرانی استفاده نموده و بعد از فوت آنها به نجف اشرف مشرف و از محضر آیت‌الله العظمی حاج میرزا حسین خلیلی و علامه آخوند خراسانی بهره‌مند شده و در سال ۱۳۱۶ ق به همدان مراجعت و به انجام وظائف دینی و روحی پرداخته تا در سال ۱۳۴۶ ق در مشهد مقدس از دنیا رفته است.

علامه تهرانی صاحب الذریعه گوید: آن مرحوم از اوتاد دانشمندان و در تقوا و سلوک و صلاح و سداد بسیار عجیب بود و از استادش مرحوم آیت‌الله خلیلی گذشته از استفاده‌های علمی کسب مقامات و معنویت نموده و دارای کرامات و قضایای نادره و لقاء حضرت حجت عجل‌الله فرجه‌الشریف بوده از جمله در سال ۱۲۹۹ ق پیاده از کاظمین به سامره مشرف می‌شده و در راه به واسطه تشنگی و خستگی از قافله عقب مانده و راه را گم می‌کند و در آن حال خوف و ترس زیادی به او دست داده توسل به ائمه علیهم‌السلام برای نجات خود می‌نماید که ناگاه می‌بیند دو نفر با ظرف آبی حاضرند و به او آب می‌دهند پس چند قدم با آنها برداشته داخل قریه و آبادی می‌شود و بعد متوجه آن دو نفر شده و آنها را نمی‌بیند پس سوال می‌کند که این جا کجاست می‌گویند: اینجا دجیل و (بلد) که در جنب حضرت سید محمد بن امام علی‌التقی (ع) است می‌باشد و متوجه می‌شود که هنوز قافله نرسیده پس منتظر می‌ماند تا بعد از پنج ساعت قافله می‌رسد.

و نیز حکایت نموده که چون در سال ۱۳۲۶ ق مشرف به نجف اشرف شدم چهل روز با اجازه استاد آیت‌الله خلیلی مشغول به خواندن دعاء سیفی شدم و در روز چهلم مشرف به مسجد سهله شدم بعد از غروب و دیدم گویا (آیت‌الله العظمی) آسید محمد کاظم یزدی جماعت می‌خواند پس به او اقتدا کردم و بعد از نماز در مصاحبت او به مسجد کوفه آمده و در راه از بعضی از امور و مطالب مهمه سوال نمودم تا مسجد که از هم جدا شدیم و من شب را در مسجد بیتوته نموده و صبح به نجف آمدم و سوال کردم آیا سید یزدی شب برگشته از کوفه یا نه گفتند که سید چند روزیست بستری و مریض و نمی‌تواند از جا حرکت کند.

پس دانستم که آن سید که شب با وی نماز خواندم سید یزدی نبوده بلکه خود حضرت بوده است.

وی طاب ثراه دارای آثاری که از آن است که ۱- مختصر الاحکام فی تکلیف الانام ۲- مجالس المواعظ بوده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

همدانی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم آخوند ملا- علی همدانی یکی از آیات بزرگ و اساتید علما در قرن اخیر است. معظم له در سال ۱۳۱۳ قمری در یکی از قصبات همدان متولد شد و در آغاز جوانی قریب ده سال از حضور اعلام همدان و آیات و مدرسین بزرگ تهران استفاده نمود و پس از خاتمه سطوح فقه و اصول رهسپار حوزه قم گردید. مرحوم همدانی متجاوز از یازده سال در سلک افاضل تلامذه مرحوم آیت‌الله حائری و اساتید قم قرار داشت و خود به درجه اجتهاد و مقام استادی رسید.

مرحوم آخوند همدانی مجتهدی محقق، فقیهی اصولی، دانشمندی پارسا و بسیار زاهد و خدادوست بود. زهد و تقوای او زبان زد خاص و عام گردید. خدایش درجات او عالی است متعالی فرماید. مرحوم همدانی در جمله اساتید قم بود که بنا به اصرار اهالی همدان و پیشنهاد علامه حائری برای خدمت و ترویج در زادگاه خود مستقر شد و چندین سال در این شهر منشأ خدمات و آثاری متعدد و گوناگون بود که مجموع خدمات چند ساله او هم اکنون معلوم و به صورت جزوه مفصل مطبوع است.

از اهم تألیفات اوست: اجتهاد و تقلید، حط و تکفیر، شرح یا حاشیه عروه الوثقی، رساله ای در حالات ابو بصیر، رساله ای در کلام، قاعده لاضرر، اسرار نماز و رسائلی در لباس مشکوک و غیره... مرحوم همدانی سرانجام پس از عمری خدمت به اسلام و مسلمین در سن هشتاد و هشت سالگی در همدان وفات نمود و با مرگ خویش ثلمه ای بر پیکر اسلام و مسلمین وارد نمود.

منابع زندگینامه: <http://www.shaaer.com>

همدانی، فاخته

قرن: ۷

جنسیت: زن

ملیت: ایران

قرن هفتم هجری، از زنان محدث. وی دختر ابوالعلاء بود و از محمد بن احمد معروف به باغبان روایت دارد و علی بن احمد مقدسی از او نقل حدیث کرده است.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: اعلام النساء، ۱۷ / ۴.

همدانی، منتجب‌الدین، ابویوسف

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۴۳ ق)، مقری و نحوی. شیخ القراء زنجیلیه دمشقی بود. از ابن طبرزد و کندی روایت نمود و قرآن را بر ابی‌الجود غیاث بن فارس نحوی قرائت کرد و در فراگیری «شاطیبه» از سخاوی بهره گرفت. صائن واسطی و نظام تبریزی قرآن را بر او قرائت نمودند. از آثارش: شرح «المفصل» از زمخشری، در نحو؛ شرح قصیده‌ی «حرز الامانی و وجه التهانی»، مشهور به «الشاطیبه»، در قرائت که آن را «الدره الفریده» نامید؛ «الفرید» یا «المفید»، در اعراب قرآن کریم.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۲۲/۸)، سیر النبلاء (۲۲۰-۲۳/۲۱۹-۲۳/۴۷۳)، شذرات الذهب (۲۲۷/۵)، کشف الظنون (۱۷۷۶، ۱۲۵۹، ۱۲۵۸، ۶۴۸)، معجم المؤلفین (۱۳/۷)، هدیة العارفین (۲/۴۷۲).

همدانی، نصرالله

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم ق)، دانشمند و فقیه. وی معروف به آخوند نصرا، آخوند نصیرا و آخوند نصیر بود. او نزد علمای اصفهان بویژه میر محمدباقر داماد به فراگیری معارف اسلامی پرداخت و سپس در همدان به تدریس علوم دینی مشغول شد و شاگردان بسیار تربیت کرد. افزون بر تألیفاتش حواشی و تعلیقات سودمندی بر کتابهای مهم فقهی نوشته است که از آنها اثری در دست نیست، از جمله حاشیه بر «منتهی المطلب» علامه حلی.

کتاب «اصول الدین» از او است. وی در شعر و انشاء مهارت داشت. در «ریاض العلماء» آخوند نصیر همدانی و آخوند نصرالله همدانی را دو تن دانسته است. ضمناً خواجه نصیرالدین همدانی صاحب «دیوان» که پسر خواجه محمود و نوهی خواجه حسن بیک یزدگردی است با صاحب ترجمه متفاوت است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۲۲/ ۶، ۱۹۵/ ۲)، ریاض العلماء (۲۴۶- ۲۴۵/ ۵)، ریحانه (۴۴- ۴۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۱۵/ ۱۱).

همدم سمنانی، محمدعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، مورخ، شاعر. وی در خدمت شاهزاده محمد ولی میرزا (وف ۱۲۴۴ ش)، والی سمنان و خراسان بود و منصب صندوق‌داری و وقایع‌نگاری داشت. وی کتاب تاریخی به نام «بدایع الوقایع» در خصوص دولت قاجار و وقایع خاصی شاهزاده محمد ولی میرزا نوشت. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۲۱۰۴- ۲۱۰۳/ ۳)، الذریعه (۱۳۰۱/ ۹)، سفینه‌المحمود (۵۸۸- ۵۸۷/ ۲)، گلزار جاویدان (۱۷۵۶/ ۳)، لغت‌نامه (ذیل / همدم سمنانی)، مجمع‌الفصحا (۱۱۸۴/ ۶).

هنجی، علی محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۴، دانشکده: مرتبه علمی: استاد، رشته: قلب و عروق، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شیراز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای پزشکی عمومی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۰، دکترای تخصصی داخلی از دانشگاه نیراسکای آمریکا در سال ۱۳۳۹، و فوق تخصص قلب از دانشگاه پاریس فرانسه در سال ۱۳۳۵.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۳۹ تا سال ۱۳۵۱، استاد دانشگاه شیراز از سال ۱۳۵۱ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مسومیت دژیتال، آندوکاردیت عفونی، روشهای جدید درمان انفارکتوس قلبی حاد، اثر داروهای ترمبولیتیک در سکته قلبی، کاردیومیوپاتی حاملگی، آنوریسم بطنی، تأثیر آدرنالین و نورآدرنالین در قلب، آنفارکتوس قلبی در نی ریز، تدریس قلب، نشانه‌شناسی عملی، قلب و داخلی در دانشگاه‌های نیراسکای آمریکا و شیراز، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۹ پایان‌نامه دکترا و تخصصی در هر سال.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

تفسیر الکتروکاردیوگرافی، نشانه‌شناسی قلبی، فوریت‌های قلب، شناخت محیط طبیعت قلب انسان، نقش اغذیه در سلامتی و قسمتی از کتاب آکسفورد.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: -، تعداد مقالات به زبان خارجی: ۱۵

زمینه علمی مقالات:

کیست هیداتیک قلب، حاملگی مکرر و روماتیسم قلبی، اهمیت T برجسته در تشخیص کم‌خونی قلبی، Zinc خون در سکته حاد قلب، آهن خون در سکته حاد قلب و مقایسه آهن خون SGOT و CPK در سکته حاد قلب و چند مقاله دیگر. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

هندی اصفهانی، محمد داود

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

معروف و ملقب به تقرب خان. از اطبای معروف اصفهان است که به هند رفته و در آنجا شهرت یافته، ثروتی بی‌کران اندوخته، در اصفهان سال ۱۰۵۵ مسجد جامع جور جیر یا جو جو را تجدید ساختمان کرده که به نام مسجد حکیم شهرت دارد. یکی از فرزندان: میرزا محمد تقی طیب است که ساکن بوده، و ظاهراً به میرزا کوچک شهرت داشته است. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

هنر جهرمی فارسی، ابوالحسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۶۷ ق)، طیب و شاعر، متخلص به هنر. وی سالها در جهرم و شیراز به تدریس علوم و طبابت مشغول بود و در طب شهرتی پیدا کرد. او قصیده‌ای در مدح و منقبت حضرت رسول (ص) به نام «جام جم» دارد. برخی از اشعار وی در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۲۱۰۹- ۲۱۰۵ / ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۷۲- ۸۷۱ / ۵)، الذریعه (۱۳۰۳ / ۹)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۲۸۵- ۱۲۸۲ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۱۰۰۶)، مرآت الفصاحه (۷۱۸- ۷۱۷)، مصطبه‌ی خراب (۲۱۴- ۲۱۳).

هوشمند راد شیرازی، عبدالحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۵- ۱۳۰۹ ق)، مدرس، نویسنده و مترجم. پس از اتمام مقدمات و تحصیل زبان‌های عربی و انگلیسی و روسی، در محضر اساتید عصر در ادبیات فارسی و تاریخ و سیاست جهان تحقیقاتی به عمل آورد. او مدتی نیز مترجم کنسول‌گری دولت اتحاد جماهیر شوروی سابق در شیراز بود و همچنین مقالاتی در مجله‌ی «قشون» و دیگر مجلات شیراز و تهران به چاپ می‌رساند. او انجمن ادبی حافظیون را به اتفاق عنایت‌الله دستغیب روحی تأسیس کرد. هوشمند سرانجام به بیماری نامعلومی که برخی احتمال مسمومیت دادند، فوت کرد و در جوار مزار شاه داعی‌الی‌الله به خاک سپرده شد. از آثار وی: «حالات واسموس آلمانی»؛ «سرگذشت مرحوم سید حسن مدرس اصفهانی مجتهد و سیاستمدار مشهور».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۷۶- ۸۷۳ / ۵).

هوشمند، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی هوشمند

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۴۲ در خانواده‌ای متوسط در یکی از محله‌های جنوب تهران متولد شدم. پس از گذراندن دوران ابتدایی در مدرسه «ایران نوین» و دوران راهنمایی در مدرسه «مترجم الدوله»، وارد دبیرستان شده و دو سال در دبیرستان «ابوریحان» در رشته تجربی مشغول تحصیل بودم که این دوره مساوی و همزمان بود با اوج انقلاب اسلامی و نیمه تعطیل بودن دبیرستانها، پس از قبولی در دوم دبیرستان به دلیل علاقه ام به رشته حوزه و طلبگی و به دلیل علاقه‌ای که به شهرستان مادری و پدریم؛ خوانسار داشتم، وارد حوزه علمیه حضرت ولی عصر (عج) خوانسار شدم. مدت چهارده سال در آنجا نزد اساتیدی چون: «حجت الاسلام نیازی، رفیعان، انصاری و آیت‌الله تقدیری (ره)» دروس مقدمات و سطح را به پایان رساندم. سال ۷۴ وارد حوزه علمیه مقدسه قم شدم و پس از

حضور در امتحانات شفاهی پایه ۹ موفق به اخذ رتبه سوم حوزه شدم، سپس در درس خارج اصول «آیت الله وحید خراسانی» و فقه «آیت الله میرزا جواد تبریزی» وارد شدم و هم اکنون مدت یازده سال است که به درس این بزرگان می‌روم. همزمان با شرکت در دروس حوزوی، با راهنمایی بعضی دوستان با موسسه تحقیقاتی «علامه وحید بهبهانی» آشنا شدم و وارد کارهای تحقیقاتی شدم و با این موسسه همکاری نمودم. تقریباً روزی سه ساعت در این موسسه مشغول مصدربابی و نمونه خوانی بودم، تا به پیشنهاد یکی از آشنایان با موسسه علمی فرهنگی «دارالحدیث» در سال ۷۴ آشنا شدم که تقریباً همزمان با همکاری من با موسسه وحید بهبهانی بود. در آنجا به من پیشنهاد کار و همکاری در کتابخانه داده شد که الان هم به این کار مشغولم. در ضمن کار در این کتابخانه به کارهای تحقیقی شخصی برای خودم شدم که به فضل الهی توانستم در این امر انجام وظیفه کنم.

هوشیار شیرازی، محمدباقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۶ - ۱۲۸۳ ش)، نویسنده، مترجم و استاد دانشگاه. در شیراز به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ی شعاغیه شیراز به پایان رساند. برای تحصیلات عالی ابتدا به بمبئی و کلکته و بعد به آلمان رفت و مدتی در مدرسه‌ی عالی فلاحت برلن به تحصیل نظری فلاحت و عملیات زراعی پرداخت. محمدباقر پس از اتمام تحصیلات در ۱۳۰۸ ش به ایران بازگشت و دوباره همراه محصلین اعزامی به اروپا، به برلن رفت و ابتدا در دانشکده‌ی ادبیات برلن و سپس در دانشگاه توین گن و دانشگاه مونیخ در رشته‌ی تعلیم و تربیت و فلسفه و تاریخ و ادبیات زبان آلمانی به تعلیم پرداخت و از دانشگاه مونیخ موفق به اخذ دکترا در فلسفه شد. او پس از اتمام تحصیلات به تهران آمد و در دانشسرای عالی و دانشکده‌های علوم و ادبیات و هنرستان موسیقی و آموزشگاه پست و تلگراف و دبیرستان نظام به تدریس و تعلیم مشغول شد. وی بر اثر عارضه‌ی قلبی در گذشت. از آثارش: «اصول آموزش و پرورش»؛ «انقلاب مشروطیت ایران». از آثار ترجمه‌ی وی: «اگمنت»؛ «اراده معطوف به قدرت»؛ «خرده بورژواها»؛ «روانشناسی علمی سنجش هوش». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۸۰ - ۸۷۸/۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۹۵، ۱۹۲۵، ۱۷۶۱/۲، ۸۱۶، ۳۱۳، ۲۹۴، ۲۴۵، ۱/۱۴۹)، کلک (س ۱، ش ۵، ص ۱۳۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۱ - ۶۹/۲).

هومن، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مدرس.

تولد: ۱۲۸۷، تهران.

درگذشت: مهر ۱۳۵۹.

محمود هومن تحصیلات ابتدایی و متوسطه را تهران انجام داد. تحصیلات عالی و مهندسی را نیز در دانشکده‌ی صنعتی ایران و آلمان به پایان رسانید. در سال ۱۳۱۲ تدریس شیمی معدنی و اصول تجزیه‌های شیمیایی شعبه‌ی مهندسی شیمی دانشکده‌ی صنعتی

دانشگاه تهران را عهده‌دار گردید. از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۲ مدیریت شعبه‌ی مهندسی شیمی و استادی اصول تجزیه‌های شیمیایی و شیمی معدنی به عهده وی واگذار شد. در سال ۱۳۲۷ برای تدریس فلسفه و تاریخ قرون اولیه اسلامی به دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تبریز انتقال یافت. بعدها در دانشگاه تربیت مدرس نیز به تدریس فلسفه پرداخت. از آثار اوست: از زندگانی چه می‌دانیم؛ تاریخ فلسفه (۱۳۳۷)؛ حافظ چه می‌گوید (۱۳۱۷)؛ زیست یا زندگی (درباره فلسفه، ۱۳۲۴).

(۱۳۵۹-۱۲۸۷ ش)، نویسنده و استاد دانشگاه. در تهران به دنیا آمد. وی پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در زادگاهش، تحصیلات عالی خود را در دانشکده‌ی صنعتی ایران و آلمان ادامه داد. در ۱۳۱۲ ش به تدریس شیمی معدنی و اصول تجزیه‌های شیمیایی شعبه‌ی مهندسی شیمی دانشکده‌ی صنعتی تهران پرداخت. او همچنین مدتی مدیریت شعبه‌ی مهندسی شیمی و استادی اصول تجزیه‌های شیمیایی و شیمی معدنی را به عهده داشت. در ۱۳۲۷ ش برای تدریس فلسفه و تاریخ قرون اولیه‌ی اسلامی به دانشکده‌ی ادبیات تبریز رفت و مدتی نیز در دانشگاه تربیت معلم به تدریس فلسفه پرداخت. از آثار وی: «از زندگانی چه می‌دانیم»؛ «تاریخ فلسفه»؛ «حافظ چه می‌گوید»؛ «زیست یا زندگی».[۱]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آینده (س ۶، ش ۱۲-۹، ص ۹۳۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۸۷۹/۲، ۱۱۴۵/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۱۰-۱۰۹/۶).

هیربد، خدایار

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۱۸ ش)، نویسنده، مترجم و زبان‌شناس. وی برادر کوچکتر موبدان موبد یزد بود. او در کودکی به بمبئی رفت و در زبانهای اوستا و پهلوی و انگلیسی و گجراتی، موفق به اخذ لیسانس شد و به استادی دانشگاه بمبئی رسید. پس از بازگشت به ایران، مدتی رییس انجمن ناصری زرتشتیان بود و مدتی نیز در دبستان دین یاری و آموزشگاه موبدان به تدریس اوستا و انگلیسی پرداخت. سپس به خاطر مخالفت‌های شدید و ناسازگاری با دستگاه روحانیت زرتشتی دلتنگ شد و دوباره به هندوستان برگشت و تا پایان عمر به سمت استادی در دانشگاه کراچی به خدمت فرهنگ پرداخت. از آثار وی: ترجمه‌ی کتابهای «کارنامه‌ی اردشیر بابکان»؛ «اندرز آذرباد ماراسپند»؛ «اندرز و هزاد ترخو فیروز»؛ «اندرز خسرو قبادیان»؛ «مادیگان چترنگ» از پهلوی به انگلیسی که در سال ۱۲۸۷ ش منتشر کرد؛ نیز کتاب «خوبی نمای دین زرتشتی» را برای اطلاع زرتشتیان از اصول و آیین آن تدوین کرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۴۲/۳).

هیمن شیخ‌الاسلامی، محمد امین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۵ - ۱۳۰۰ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به هیمن. وی در روستای لاچین، از توابع مهاباد، به دنیا آمد. خاندانش از علمای مشهور زمان خود بودند و تبارش به سه واسطه به ملا جامی، عارف عالم کرد می‌رسد. وی در کودکی نزد ملا سعید ناکام قرآن، صرف، نحو و متون ادبی کردی و فارسی را آموخت. سپس به مهاباد رفت و پس از گذراندن دوره‌ی ابتدایی در مدرسه‌ی سعادت به سفارش پدرش مدت چهار سال در خانقاه و مدرسه جد مادریش، شیخ یوسف برهانی به تحصیل علوم دینی پرداخت و در همان ایام با عبدالرحمان شرفکندی متخلص به هزار آشنا شد. سپس به امر پدرش به روستای کولیجه رفت و مدت چند سالی نزد ملا احمد فوزی درس خواند. هیمن در ایام جوانی به سبب استعداد ذاتی به شعر کردی روی آورد و از آنجا که پدرش نیز اهل شعر بود در این فن تلاش بسیاری نمود. او همچنین به عضویت شورای نویسندگان نشریه‌ی «نیشتان» درآمد. وی پس از انقلاب اسلامی خدمات ادبی و فرهنگی را از سر گرفت و مجله‌ی «سروه» را به زبان کردی در ارومیه منتشر کرد. هیمن بر اثر سکته قلبی درگذشت. از دیگر آثار وی: «هه واری خالی»؛ بازنویسی «تحفه‌ی مظفریه» از رسم‌الخط لاتینی به کردی، ترجمه؛ «نالهی جدایی»، شعر؛ «پاشه روک»، مجموعه‌ی مقالات و اشعار؛ «قلعه‌ی دمدم»، ترجمه؛ «شاهزاده و گدا»، ترجمه؛ «دیوان» شعر، با نام «تاریک وروون».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ مشاهیر کرد (۴۸۹-۴۸۲/۲)، کیهان فرهنگی (س ۳، ش ۲، ص ۳۹).

هیئتی برزگی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود هیئتی برزگی

محل تولد: کاشان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمود هیئتی در سال ۱۳۴۱ در شهر کاشان و در خانواده‌ای مذهبی متولد شدم و در آنجا رشد و نمو کردم. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و راهنمایی جهت کسب علوم اسلامی وارد حوزه علمیه «آیه الله یثربی» شدم و دروس مقدمات و قسمتی از سطح را در آنجا نزد اساتیدی از جمله: «آیه الله خراسانی»، «آیه الله یثربی» و «حجّه الاسلام روحانی» فرا گرفتم و در ضمن به تدریس صرف و نحو و ادبیات مشغول بودم. سپس جهت ادامه تحصیل در سال ۶۸ وارد حوزه علمیه قم شدم و قسمتی از دروس سطح و خارج فقه و اصول را نزد اساتیدی همچون حضرات آیات: «اعتمادی»، «صالحی مازندرانی»، «سبحانی»، «تبریزی» و «جوادی آملی» تلمذ نموده ام.

از سال ۱۳۷۴ با مرکز تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی شروع به همکاری نمودم و در نوشتن «معجم بحار الانوار» با سایر محققان

همکاری کردم و پس از پایان کار معجم در قسمت تاریخ و سیره اهل بیت (ع)، به تألیف مقالات پیرامون مولفان اسلامی پرداختم و نیز در ادامه با مرکز احیاء آثار همکاری نمودم و با همکاری دیگر محققان به تخریب مصادر (مستند سازی مطالب) برخی از آثار شهید ثانی (ره) پرداختم.

یابری محمد، صادق

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

صادق یابری محمد

محل تولد: آبادان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۱۲/۱۲

زندگینامه علمی

اینجانب صادق یابری محمد فرزند محمد بعد از اخذ دیپلم و در سال ۶۰ وارد حوزه علمیه قم شدم. دروس مقدماتی را در مدرسه «امام صادق (ع) شاه ابراهیم، نیروگاه (مدرسه مرحوم آقای خلخالی)» گذراندم؛ آن هم در ایام اوج جنگ و دفاع. آنگاه دروس سطح عالی را در فیضیه و مدرسه مرحوم آیه الله گلپایگانی و ... با اساتید چون: «آیه الله بنی فضل»، «صالحی مازندرانی» و ... و دروس جانبی همچون: رجال، درایه و نهج البلاغه به ترتیب آیات عظام: «سبحانی»، «مرحوم فاضل لنکرانی» و علوم قرآن و حدیث: مرحوم «آیه الله محمد هادی معرفت» و ... و همچنین دروس خارج حدود ۱۰ سال با آقایان: «آیه الله مکارم شیرازی»، «وحید خراسانی»، «موسوی اردبیلی» و ... گذراندم.

و در همین ایام، لیسانس: (زبان و ادبیات عرب) و فوق لیسانس: (الهیات و معارف اسلامی گرایش علوم قرآن و حدیث) را از دانشگاه اخذ کردم. و در همین ایام فعالیت پژوهشی، حدیث، علوم قرآن و مقالات و نوشتن کتاب را شروع کردم که متأسفانه به علت عدم تمکن مالی نتوانستم آنها را چاپ کنم. همچنین به فعالیت تدریس در مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی با اخذ مجوز تدریس در دانشگاه پرداختم و در همین مدت در سال ۷۶ - ۷۵ به آفریقا جهت کارشناسی، تدریس، مدیریت و تبلیغ ایام مخصوص پرداختم. همچنین به فعالیت به عنوان استاد راهنما و داور در جامعه الصطفی مدرسه عالی فقه و معارف پرداختم.

یاحقی، محمدجعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۵۰، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۵۴، دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۹.
مرتبه علمی:

مربی دانشگاه فردوسی مشهد از سال ۱۳۵۴ تا سال ۱۳۶۲، استادیار دانشگاه فردوسی مشهد از سال ۱۳۶۲ تا سال ۱۳۶۵، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد از سال ۱۳۶۷ تا سال ۱۳۷۲، تدریس زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه توکیو ژاپن از سال ۱۳۶۹ تا سال ۱۳۷۰.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ادبیات فارسی، ایران‌شناسی، (شاخه ادبیات فارسی)، مطالعه و تحقیق در دانشگاه کمبریج انگلستان به مدت یکسال، همکاری با بنیاد پژوهش‌های اسلامی و مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی در زمینه طرح‌های پژوهشی، شرکت و ارائه مقاله در دو کنگره بین‌المللی و چند کنگره و سمینار داخلی، تألیف ۱۷ عنوان کتاب در ۳۷ جلد. راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۷ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترای در زمینه ادبیات فارسی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

ادبیات فارسی، تفسیر قرآن، فرهنگنامه قرآنی و مطالعات ایرانی و اسلامی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

زبان و ادبیات فارسی، پژوهش‌های اسلامی و تفسیر قرآن.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

یادگاری، عبدالمهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات عربی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات عرب از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۲، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب از دانشگاه آمریکایی بیروت

در سال ۱۳۴۶، دکترای زبان و ادبیات عرب از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۲.

مرتبہ علمی:

دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس زبان عربی، ترجمه و تاریخ ادبیات و دروس مختلف عربی در دانشگاه‌های تهران و مشهد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۸

زمینه علمی تألیفات:

بحوث و مقالات، النظم والنثر، مکالمه، اندرز به جوانان، دین، فرهنگ اصطلاحات روانشناسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

درباره یاقوت، درباره سیبویه، تحقیق در نسب طاهریان خراسان، انتقال علوم اسلامی از بغداد به خراسان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

یارشاطر، احسان

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احسان یارشاطر در فروردین ماه ۱۲۹۹ خورشیدی در همدان متولد شد. پدرش هاشم یارشاطر نیز اهل علم و دانش بود. زبان عربی و اسپرانتو را فرا گرفت و به تدریس آن پرداخت. احسان یارشاطر تحصیلات ابتدائی را در دبستان های همدان و کرمانشاه و تحصیلات متوسطه را در دبیرستان های شرف و تربیت و دانشسرای مقدماتی به پایان رسانید، و به تحصیل در دانشکده ادبیات در رشته زبان و ادبیات فارسی پرداخت و پس از دریافت لیسانس به شغل دبیری اشتغال ورزید و به تحصیل در رشته دکترای ادبیات ادامه داد و رساله دکترای خود را با عنوان (شعر فارسی در نیمه قرن نهم) تهیه کرد. با دریافت بورس تحصیلی به انگلستان رفت و درجه دکترا نیز از دانشگاه های انگلستان دریافت داشت. دکتر احسان یارشاطر پس از مراجعت به ایران به تدریس در دانشگاه پرداخت، با مجله سخن همکاری کرد، به کارهای تحقیقی و فرهنگی بیشماری پرداخت که از جمله (دانشنامه ایران و اسلام) بود. با تأسیس (انجمن کتاب) به دبیری انجمن فلسفه و علوم انسانی وابسته به یونسکو برگزیده شد. از سال ۱۳۳۷ برای تدریس در دانشگاه کلمبیا دعوت شد و در آنجا به تأسیس کرسی مستقل ایران شناسی پرداخت. کار بسیار مهم دکتر احسان یارشاطر تهیه و تنظیم (ایرانیکا) در خارج از کشور می باشد که با همکاری دانشگاه کلمبیا و کمک ایرانیان تا کنون چند جلد کتاب آن منتشر شده است. دکتر یارشاطر در سال ۱۳۴۰ با لطفه الویه ازدواج کرد که صاحب فرزندی نیست ولی آنقدر کتاب و مجله و نشریه و مقاله تهیه و تنظیم کرده که همه اینها فرزندان او هستند. اکنون در آمریکا اقامت دارد و برای جلب کمک ایرانیان به نشریه (ایرانیکا) به نقاط مختلف دنیا سفر می کند. مجله گردون می نویسد: سرانجام همت انسانی فرهنگدوست از نقطه ای که در ذهنش پدید آمده بود به

مثابه هسته ای در دل خاک، درختی تناور و پربرگ، بال گسترد و دانشنامه ایران شکل گرفت تا فرهنگ ما را برای جهانیان تعریف کند.

یارقلی محلاتی بروجردی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۹۷/۱۲۹۵- ح ۱۳۳۶ ق)، عالم دینی، فقیه و مدرس. وی در نجف به دنیا آمد. پدرش، شیخ اسماعیل، مدتی در بروجرد و مدتی در نجف و سامرا ساکن و از شاگردان میرزا حبیب‌الله رشتی بود. شیخ محمد یارقلی علوم ادبی و عربی را از پدرش آموخت. فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌الله خراسانی و آیت‌الله شیخ‌الشریعه اصفهانی فراگرفت و سپس خود به تدریس پرداخت. آیت‌الله مرعشی نجفی و آیت‌الله حاج شیخ علی محمد نجفی بروجردی و میرزا احمد منجم شیرازی و آقا میرزا محمد خلیلی از شاگردان او بودند. صاحب عنوان مسافرت‌هایی به هندوستان، بنادر جنوب ایران، بمبئی، نجف، بغداد، موصل و کرکوک نمود و در طی این مسافرت‌ها از مصاحبت ارباب دانش و فضل بهره‌مند گشت. وی اولین مجله‌ی فارسی را تحت عنوان «دره‌النجف» در عراق منتشر کرد که بیش از پنج شماره از آن به چاپ نرسید. در محلات درگذشت و در همان جا دفن شد. از آثار او: حاشیه بر «کفایة‌الاصول»؛ رساله در «نفی تحریف قرآن»؛ تعلیقات بر «شوارق»؛ «مجموعه‌ی خطب پیغمبر (ص)»؛ «سر قضیه عاشورا»؛ «اصول دین»، در سه مجلد؛ «مذاکرات میزبان و میهمان»، در رد شیخیه؛ «گفتار خوش یارقلی»، در رد بهائیه که تاکنون چند بار چاپ شده است؛ اشعاری در اخلاق و مواعظ.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بروجرد (۵۲۴-۵۲۲/۲)، الذریعه (۱۸/۲۰۸، ۱۱۲/۸)، معجم رجال‌الفکر والادب فی النجف (۳/۱۱۶۳).

یار محمدی، لطف‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشسرای عالی در سال ۱۳۳۷، کارشناسی ارشد و دکترای زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه ایندیانا در سال ۱۳۴۳.

مرتبه علمی:

استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس و تحقیق در دانشگاه‌های داخل و خارج از کشور، زبان‌شناسی مقابله‌ای (در جهات مختلف صوت، واژگان، نحو،

منظورشناسی و گفتمان)، اصول و کلیات ترجمه، سوادآموزی، فرهنگ‌نگاری، ساخت زبان فارسی، طرح در زمینه‌های فرهنگ‌نگاری، تجزیه و تحلیل اغلاط، ترفندهای ارتباطی و گفتمان. ابداع سیستم سوادآموزی به بزرگسالان بی‌سواد در کتابی به نام < آموزش سواد به بزرگسالان در چهل درس > راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۷۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا. تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۹

زمینه علمی تألیفات:

آموزش زبان انگلیسی، زبان‌شناسی، زبان‌شناسی مقابله‌ای و سوادآموزی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۲

زمینه علمی مقالات:

زبان‌شناسی، زبان‌شناسی کاربردی، ترجمه، سوادآموزی، آموزش زبان، فرهنگ‌نگاری.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

یاسری، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ محمود بن حجة الاسلام حاج ملا عباس یاسری از علماء با تقوی و فضیلت و وثوق تهران و مورد توجه مردم مرکز و در مسجد اراک که از مساجد بنام و بزرگ تهرانست اقامه جماعت می‌نمایند.

وی در حدود سال ۱۳۰۶ قمری در تهران متولد گردیده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و سطوح عالی در خدمت مرحوم آیت‌الله حاج شیخ باقر معزالدوله از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالنبی نوری استفاده معقول و منقول نموده وی از صحبت و تقلید مرحوم عالم ربانی و آیت‌الله سبحانی حاج سید عبدالکریم لاهیجانی (صاحب کرامات باهره) برخوردار شده است. آقای یاسری منتسب به دو صحابی جلیل‌القدر و شهید راه ولایت جناب عمار بن یاسر شهید صفین است که حضرت امیر علی در شهادت او طلب مرگ نموده و فرمود:

الا یا ایها الموت الذی لست تارکی

ارحنی فقد افیت کل خلیل

اراک بصیرا بالذین احبهم

کانک تنحو نحوهم بدلیل

ای آنچنان مرگی که مرا رها نمیکنی مرا راحت نمای زیرا که تو تمام دوستان مرا از بین برده‌ای می‌بینم تو را بینا به افرادی که ایشان را دوست دارم که گویا قصد ایشان مینمائی بوسیله راهنمائی و فرمود انا لله و انا الیه راجعون سپس گفت که هر که از شهادت عمارد لنتک نشود او را از مسلمانی نصیب و بهره‌ای نباشد خداوند متعال بر او رحمت کند در آن ساعت که از نیک و بد او سوال می‌کند هرگاه که در خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله سه کس را دیدم چهارم ایشان عمار بود و اگر چهار نفر را دیدم

پنجم آنان عمار بود نه یک بار بهشت بر او واجب شد بلکه بارها استحقاق آن را پیدا کرده جنات عدن او را گوارا باشد که او را بکشند و او یار حق بود چنانکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در شأن او فرمود الحق مع عمار یدور مع عمار حیث دار و بعد فرمود که کشنده عمار و دشنام دهنده و رباینده سلاح او به آتش دوزخ معذب خواهد شد.

آیت الله یاسری عالمی متقی و دانشمندی با ورع و سالهای متمادست که رهبری هیئت محترم پیر عطا که از هیات قدیمه تهرانت می نماید.

از بعضی از ثقات که از ایشانست حجه الاسلام والمسلمین آقای حاج سید نورالدین آیت الله زاده میلانی از ایشان شنیدم که آقای یاسری فرمود روزی در ورقه‌ای دیدم یک نوع ختم و آداب او را درج و از قول شیخ بهائی قدس سره نوشته است.

هر کس این عمل را در ظرف ده روز انجام دهد بدین ترتیب که از چهارشنبه شروع و در روز جمعه دوم خاتمه یابد مطلب و حاجتش برآورده نشود مرا لعن کند.

لذا بجهت مطلب مهم خودم آن ختم را انجام دادم و بعداً ثمر نبخشیده و اثری ندیدم آنگاه شیخ بهائی قدس سره را مخاطب قرار دادم و بدون آنکه سخنی بگویم فقط در دل گفتم آقای شیخ شما شخصی بزرگ هستید زبان من لال گردد نسبت بذات مقدس شما جسارت نمیکنم ولی چرا چیزی مرقوم شود که اگر بدست اشخاص غیر مؤدب افتد به آنجناب توهین کنند.

این معنی در دلم بود و هرگز به احدی اظهار نداشتم.

پسرم با مرحوم جنانی (آقای جنانی همدانی مقیم تهران دارای علوم غریبه تسخیر ارواح و غیره بود) معاشرت داشت روزی بمنزل آمده و گفت شیخ بهائی بشما پیامی دارند و شما را طلبیده‌اند حاضر شوید با شما سخن بگویند.

چون این سخن را از پسرم شنیدم لرزه بر بدنم رخ داده و مبهوت شدم.

سپس پسرم اضافه نموده جنانی میگوید من تاکنون نتوانسته‌ام موفق شوم شیخ را حاضر کنم تا چه رسد که با من سخنی بفرمایند. و اینک خوشحالتست که چون شما بخانه او بروید از حضور شما برای او فرصتی دست بدهد بدین وسیله بتواند با شیخ بهائی تماس گرفته و استفاده کند.

آنگاه مطلب دیگری پسرم از قول جنانی راجع به آیت الله آقای حجت (کوهکمری) گفت امروز ارواح را احضار کردم گفتند امروز برای مصاحبه آمادگی نداریم. ما امروز مأمور شده‌ایم از روح مطهر آقای حجت استقبال کنیم.

جنانی: کدام حجت.

گفتند آن آقا که هفته‌ی یکبار بملاقات حضرت ولی عصر بقیه الله ارواحنا له الفداء مشرف میشد آقای یاسری گفتند چون مدتی بود آقای حجت بستری بودند از شنیدن این سخن غمین شدم و ناراحت گشتم: مختصری گذشت از قم خبر رسید حضرت آیت الله العظمی حجت رحلت فرموده‌اند و بعلاوه رادیو تهران سخن را قطع و این خبر را بعنوان خارج از برنامه پخش نمود.

جنانی اسرار داشت زودتر بخانه‌اش بروم تا این که او هم بهره‌برداری کند.

و لذا پسرم را مأمور کرده بود روزانه مرا تعقیب می کرد و من هم امروز و فردا می نمودم بالاخره در یکی از روزها بمنزلش رفتم بخور و غیره را فراهم نمود شروع کرد بخواندن اوراد و اذکار لازمه طبق برنامه خودش و آنچه را که من مشاهده کردم ترتیب استفاده او بتوسط آئینه بود و هر کس هر نوع مطلبی داشت بایستی بنویسد و نوشته را در دست بگیرد جواب بر روی آئینه نوشته میشد.

چون در صدد احضار شیخ بهائی قدس سره برآمد با من گفتم هر چه سؤالاتی دارید بنویسد و در کف خود پنهان بنمائید قلمهای متعدد و کاغذ و مرکب در جلوی من نهاد و گفتم من هرچه را از روی آینه بخوانم شما فوراً ثبت کنید من نمی توانم همه را ضبط کنم و بذهن خود بسپارم.

یکی از ارواح حاضر شد جنانی پرسید شما کیستید گفت سید محمد طباطبائی جنانی گفت من شما را نخواستم فرمود من از طرف شیخ بهائی آمده‌ام شما را خبر کنم. یک دقیقه بعد شیخ حاضر می‌شود.

جنانی آئینه را برگردانیده و تنفس داد سیگاری مصرف نمودیم سپس آماده شدیم.

شیخ تشریف آوردند و آنچه بر روی آئینه نوشته میشد جنانی میخواند. گفت آقای شیخ بشما سلام می‌دهند عرض کردم علیک السلام و رحمه الله و برکاته بعدا گفت احوال شما را می‌پرسند گفتم اگر عنایت شما شامل من باشد خوشوقت می‌شوم. فرمودند اگر عنایتی شامل شما نبود هر آینه در صدد تصحیح آن ختم نمیشدم در نقل آن تحریف وقوع یافته است (ختامه یوم الاحد) است نه یوم الجمعه شما میدانید در هفته ایام طاق را آثاریست یکشنبه سه شنبه پنجشنبه و روز جمعه برای دعاء ندبه است.

آقای یاسری گفتند از شنیدن خبر تشرف مرحوم آقای حجت تعجب داشتم. مرحوم شیخ بهائی از دل من آگاه بوده و فرمودند آقای شیخ شما در عهد ما نبودید. بسیاری از مردم آن عهد بملاقات حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) نائل می‌شدند. مردم این زمان مشغول بمعاصی هستند به مردم بگوئید دست از معصیت بردارند و الا بلا نازل میشود.

بعدا یکایک سؤالاتی را که داشتم و نوشته بودم جواب دادند تا این که خداحافظی بعمل آورده و جنانی استفاده نمود. و اما دعاء و ختم مذکور از جناب شیخ بهائی علیه‌الرحمه اینست.

ختم شیخ بهائی قدس سره

از روز جمعه شروع و تا ده روز که پایان آن روز یکشنبه میشود روزی صد بار بگوید: بسم الله الرحمن الرحيم. یا مفتح الابواب یا مقلب القلوب و الابصار و یا دلیل المتحیرین و یا غیاث المستغیثین توکلت علیک یا رب فاقض حاجتی و اکف مهمی و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم و صلی الله علی محمد و آله اجمعین.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

یاسمی، نادر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیهوشی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

یاقوت حموی

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شهاب‌الدین ابو عبد الله یاقوت بن عبد الله حموی بغدادی از ادبا و لغویان اوایل قرن هفتم هجری و مؤلف کتاب معجم البلدان است. صفی‌الدین ابن عبدالحق (و ۵۳۹ ه.ق - ف. ۶۲۶ ه.ق) معجم البلدان را مختصر کرد و آن را مراصدالاطلاع نامید. تألیف دیگر او معجم‌الادباء است. یاقوت در جوانی اسیر شد و در بغداد تاجری به نام عسکر حموی او را خرید و پس از مدتی او را آزاد کرد (۵۹۵ ه.ق) وی پس از آزاد شدن مسافرتها کرد. ابتدا بر اثر خواندن کتب خوارج متمایل به مذهب آنان شد، و در دمشق نزدیک بود

کشته شود و از آنجا گریخت و به خراسان و خوارزم رفت. در حمله‌ی چنگیز یاقوت به موصل و از آنجا به حلب فرار کرد و در همان جا درگذشت.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

یاوری سرتختی، محمدجواد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد جواد یاوری سرتختی

محل تولد: کامیاران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۴/۹/۲۰

زندگینامه علمی

اینجانب در آذرماه سال ۱۳۵۴ در خانواده‌ی مذهبی از استان کرمانشاه به دنیا آمده و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و راهنمایی، در آشنایی با حوزه علمی و راهنمایی و مشورت‌های پدر و مادر، معلمان و روحانیون اعزامی از قم علاقمند به تحصیل در حوزه علمی شدم. در سال ۱۳۷۰ در حوزه علمی همدان «مدرسه آخوند ملاعلی» و کرمانشاه «مدرسه امام صادق (ع)» و «مدرسه حاج شهبازخان» از محضر بزرگانی چون «آیة الله حاج مجتبی حاج آخوند» و «آیة الله نجومی کرمانشاهی» بهره برده و در سال ۱۳۷۹ جهت تکمیل سطوح عالی به حوزه علمی قم مهاجرت و در درس اساتیدی چون: حجت الاسلام «احدی»، «حسینی خراسانی» و «میانجی» حضور یافته و اکنون از وجود آیات عظام: «سبحانی»، «مقتدایی» و «مکارم شیرازی» در درس خارج فقه و اصول بهره می‌برم.

با آغاز ورود به شهر مقدس قم، در جهت بالابردن سطح کمی و کیفی علوم اسلامی و انسانی در کنار درس حوزوی به رشته تاریخ اسلام علاقمند و در مؤسسه آموزشی، پژوهشی امام خمینی (ره) به تحصیل در مقطع کارشناسی پرداختم. با فراغت از تحصیل در سال ۱۳۸۲ - ۱۳۸۳ با توجه به نیاز فرهنگی و علمی دانشگاهها به مدت ۲ سال با سمت «معاونت نهاد نمایندگی رهبری» و «مدرس درس معارف اسلامی در دانشگاه شهرکرد» به فعالیت مشغول بودم. اما پس از شرکت در آزمون کارشناسی ارشد در رشته (تاریخ تشیع) در همان مرکز، به قم مراجعت و در این مدت علاوه بر تلاش علمی و تألیف چندین مقاله علمی، تخصصی و ترویجی در نشریات مختلف، به امر مقدس تبلیغ در دانشگاههای سراسر کشور نیز می‌پردازم.

یاوری، پروین

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اپیدمیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی شهید بهشتی.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

یثربی کاشانی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سیدعلی یثربی کاشانی در سال ۱۳۱۱ هـ.ق، در سامراء به دنیا آمد. مقدمات و سطوح را در محضر پدر و اساتید دیگر آموخت. در سال ۱۳۲۱ هـ.ق به عراق هجرت نمود و وارد حوزه نجف گردید. پس از آن مدتی به کاشان بازگشت و در سال ۱۳۴۱ هـ.ق به پیشنهاد مرحوم شیخ عبدالکریم حائری به قم مهاجرت نمود و از محضر وی کسب فیض نمود. او همچنین خود در آنجا حوزه های درسی تشکیل داد و شاگردان زیادی را تربیت کرد. یثربی کاشانی سرانجام در سال ۱۳۷۹ هـ.ق روز پنجم رجب دارفانی را وداع گفت. گروه: علوم انسانیرشته: علوم اسلامیواوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: سیدعلی یثربی کاشانی در سال ۱۳۱۱ هـ.ق در خانواده علمی و متدین مرحوم سید محمد رضا یثربی کاشانی در شهر سامرا فرزندى به نام علی متولد شد و بنا بر سنت اسلامی مرحوم میرزای بزرگ شیرازی در گوش ایشان اذان اقامه گفتند. تحصیلات رسمی و حرفه ای: سیدعلی یثربی کاشانی در زیر سایه تربیت صحیح پدر رشد و نمو نمود و در سال ۱۳۱۶ هـ.ق که بیش از پنج بهار از عمرش نمی گذشت به همراه پدر وارد کاشان شد و مقدمات و سطوح را در محضر پدر و اساتید دیگر آموخت. در سال ۱۳۲۱ هـ.ق به عراق هجرت نمود و وارد حوزه نجف گردید. پس از آن مدتی به کاشان بازگشت و در سال ۱۳۴۱ هـ.ق به پیشنهاد مرحوم شیخ عبدالکریم حائری به قم مهاجرت نمود و ادامه تحصیلات را از محضر ایشان کسب فیض نمود. استادان و مربیان: سیدعلی یثربی کاشانی از محضر بزرگانی چون: ۱- سید ابوالحسن اصفهانی. ۲- سید محمد کاظم یزدی. ۳- شیخ شریعت اصفهانی. ۴- آقاضیاء الدین عراقی. ۵- حاج میرزا حسین عراقی. ۶- شیخ عبدالکریم حائری یزدی. استفاده کرد. همسر و فرزندان: سیدعلی یثربی کاشانی پس از سالها اقامت در نجف، در سال ۱۳۳۹ هـ.ق به ایران بازگشت و به شهر آباء و اجدای خویش رفت و در این دوران با خانواده نراقی وصلت نمود. زمان و علت فوت: سیدعلی یثربی کاشانی در سال ۱۳۷۹ هـ.ق روز پنجم رجب چشم از جهان فرو بست. فعالیت های آموزشی: سیدعلی یثربی کاشانی پس اتمام تحصیلات و اخذ درجه اجتهاد به تعلیم و تربیت شاگردان بسیار همت گماشت. او تا سال ۱۳۴۷ هـ.ق که مصادف با پدرش بود در حوزه علمیه قم به این امر مشغول بود، تا آنکه پس از فوت پدر ناچار به ترک حوزه و بازگشت به کاشان شد و در آن جا اقامت گزید. شاگردان: شاگردان زیادی از محضر سیدعلی یثربی کاشانی کسب فیض نموده اند که می توان به افراد زیر اشاره کرد: ۱- سید روح الله موسوی خمینی. ۲- سید محمد تبریزی. ۳- سید شهاب الدین مرعشی نجفی. ۴- مرحوم صالحی کرمانی. ۵- میرزا حسن یزدی. ۶- شیخ هاشم آملی. ۷- سید کاظم اراکی گلپایگانی. ۸- شیخ جواد جفرودی. ۹- مرحوم مجتهدی تبریزی. ۱۰- میرزا آقا طاهری اردبیلی.

یثربی کاشانی، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم مبرور آیت‌الله حاج سید محمدرضای یثربی کاشانی معروف به پشت مشهدی والد معظم آیت‌الله آقا میرزا سید علی یثربی استاد مراجع بزرگوار قم که از رفقاء و شرکاء درس مرحوم آیه‌الله حایری مؤسس در درس مرحوم آیه‌الله فشارکی اصفهان بودند چند سفر قم آمده و مورد تجلیل آیت‌الله حایری و عموم علماء حوزه گردیدند.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

یثربی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

۵۲- در اوائل ماه ذی‌القعدة ۱۳۶۵ ق بود که ستاره رخشنده‌ای از دارالمؤمنین کاشان در آسمان قم طلوع نموده و حوزه علمیه قم و نجف و قاطبه فضلاء را به خود متوجه ساخت این ستاره رخشان و ماه فروزان مجسمه علم و تقوا و عنصر زهد و ورع علامه قمقام و فهامه علام آیت‌الله آقا میرزا سید علی یثربی کاشانی فرزند آیت‌الله آقا سید محمدرضا پشت مشهدی بود که آسیاء تحقیق را قطب و دائره بیان و تدریس را نقطه پرگار که زبان و قلم نویسنده عاجز و قاصر از تعریف و توصیف آنجنابست شخصیت و آثارش معرف مقام فضل اوست.

و اگر از این نگارنده از آن حضرت سؤال شود که درباره وی چه خواهی گفت در پاسخ شعری را که ابوالعلاء معری درباره سید شریف علم‌الهدی گفته مناسب می‌دانم

یا سائلا عنه لما جئت تسئله

الا هو الرجل العاری عن العاری

لو جئته لرأیت الناس فی رجل

والدهر فی ساعه والارض فی دار

این مرد عظیم‌القدر که مراجع امروز قم و زعماء حوزه علمیه از تلامذه اویند و ارباب فضل و دانش او را آقا ضیاء ثانی می‌گویند به قصد زیارت وارد قم شده و مورد تجلیل و تبجیل مراجع و زعماء و فضلاء واقع شد و بنابر اصرار و ابراز حضرات آیات عظام حوزه تدریس تشکیل و تشنگان علم و بیان خویش را سیراب و از هر گوشه طالبان تحقیق را به دور خود جمع نمود و این بنده هم به درس ایشان حاضر شده و از تحقیقات رشیده و بیانات دقیقه آنجناب در اطراف علم براءت استفاده می‌نمودم و لکن افسوس فراوان که بیش از یک ماه طول نکشیده و تصادف با رحلت مرحوم آیت‌الله اصفهانی نموده و حوزه علمیه عزادار و تا چهل روز دروس تعطیل گردید و آنجناب به قصد زیارت عتبات عالیات مسافرت به عراق نموده و دارالعلم نجف اشرف توجه مخصوصی به ورودش نموده زیرا مباحثاتی میان ایشان و مدرسین و زعماء حوزه نجف شده که مشهور فضلاء می‌باشد

ولادتش در کربلاء معلی در سال ۱۳۱۱ واقع شده و در مهد تربیت پدر بزرگوارش نشو و نما نموده و مقدمات و سطوح را از پدر خود و اساتید دیگر نجف فرا گرفته و در سال ۱۳۳۱ به حوزه درس مرحوم علامه یزدی صاحب عروه و مرحوم شریعت اصفهانی و مرحوم آقا ضیاء‌الدین عراقی و مرحوم آیت‌الله نائینی حاضر شده و در اندک زمانی در میان شاگردان آقا ضیاء شاخص و مشار بالبنان گردید تا در سال ۱۳۳۹ که والد ماجدش او را به کاشان طلبید.

و مرحوم آقا ضیاء و فضلاء نجف او را با اشک دیده بدرقه و مشایعت نموده و حتی آقای آقا ضیاء می‌فرمایند در میان تلامذه و شاگردان استاد ما آخوند خراسانی یک میرزا سید علی یزدی لب خندقی بود که در موقع حرکتش استاد او را با اشک دیده

مشایعت نمود و از جدائی او آه کشید و در میان رفقا و شاگردان من شما که می‌روی مرا به فراق و حسرت خود می‌گذاری خلاصه پس از ورود به کاشان و مسبوق شدن آیت‌الله حایری که تازه حوزه علمیه را تأسیس نموده بودند از والد ماجد ایشان حاج سید محمدرضا یثربی تقاضا می‌کند که ایشان را به قم فرستد و در سال ۱۳۴۱ قمری اجابت نموده و به قم مشرف و حوزه درس رسمی از تقریر مباحث مرحوم حایری و نیز درس مستقله‌ای تشکیل و صدها نفر فاضل برجسته چون آیت‌الله آقای نجفی مرعشی و آیت‌الله موسوی و آیت‌الله شریعتمداری و مرحوم آیت‌الله محقق داماد و دیگران را دو رخود جمع و تا هفت سال تمام حوزه گردان علمی فقه و اصول قم بودند تا سال ۱۳۴۷ که والدشان داعی حق را اجابت گفته حرکت به کاشان نموده و از روی ضرورت برای سرپرستی عائله پدر خود و مردم پشت مشهد کاشان توقف در آن شهر را اختیار و هر چند از فضلاء و علماء قم دعوت کردند اجابت نمود تا در سال ۱۳۶۵ قمری که مذکور شد به قصد زیارت آمده.

و بنابر اصرار آیت‌الله بروجردی و علماء و فضلاء دیگر دو ماهی را توقف و حوزه تشکیل داد تا فوت مرحوم اصفهانی که مشرف به عتبات شده و بعد از چند ماه مراجعت به کاشان نموده تا در سال ۱۳۷۹ قمری یک سال قبل از فوت مرحوم آیت‌الله بروجردی که دار فانی را وداع گفته و شهر کاشان و حوزه علمیه قم و نجف را غریق بحر ماتم نمود و با تشییعی که کاشان هرگز به خود ندیده بود در جوار قبر پدرش در صحن امامزاده حبیب موسی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

یثربی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مهدی یثربی فرزند آیت‌الله حاج سید محمدرضا یثربی ابن سید اسماعیل بن سید عبدالرزاق (برادر سید محمدتقی پشت مشهدی) ابن سید عبدالحی الحسینی برادر بزرگوار استاد الاساتید مرحوم آیت‌الله العظمی حاج میرزا سید علی یثربی کاشانی (پشت مهدی) از علماء نامی و دانشمندان گرامی و امام جمعه انقلاب و جمهوری اسلامی معاصر در دارالمؤمنین کاشان می‌باشند.

وی در حدود سال ۱۳۴۷ قمری در شهرستان کاشان به دنیا آمده و در سنین کودکی پدر را از دست داده و در تحت کفالت و سرپرستی و تربیتی برادر بزرگوار پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح و استفاده از محضر برادر نامبرده‌اش به قم هجرت نموده و چندین سال از فقه و اصول آیات عظام حوزه علمیه قم چون مرحوم آیت‌الله محقق داماد و آیت‌الله اراکی و آیت‌الله گلپایگانی و بالاخص رهبر کبیر انقلاب آیت‌الله خمینی و آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده است.

در سال ۱۳۷۹ قمری پس از رحلت برادر عزیزش و اصرار مردم عالم دوست کاشان و امریه مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی به کاشان برگشته و به جای برادر گرامیش به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ اسلام و نشر معارف اهل‌البیت و گفتن تفسیر و سایر خدمات از تأسیس حوزه علمیه یثربی و تربیت محصلین و طلاب و سایر خدمات پرداخته و در به ثمر رساندن انقلاب ایران و تبدیل حکومت ستمشاهی به جمهوری اسلامی نقش بسزائی در کاشان و حومه آن داشته و لذا ایشان را برای امام جمعه‌ای و نمایندگی ولایت فقیه کاشان انتخاب شده و خدمات بسیار ارزنده‌ای از تأسیس مساجد و مدارس علمی در کاشان و حومه آن نموده است.

در قمصر کاشان حوزه علمیه‌ای تأسیس که در آن حدود یکصد طلبه به تحصیل علوم دینی اشتغال دارند و نگارنده از نزدیک آن را دیده و شاهد گفتن درس اخلاق معظم‌له برای آنان بوده‌ام و نیز در نیاسر کاشان آثار چشمگیری از خود گذارده‌اند.

جناب آقای یثربی با بیت جلیل و رفیع وحید بهبهانی که معروف به آل آقا هستند وصلت نموده و صبیبه محترمه مرحوم آیت‌الله

حاج آقا عبدالله آل آقای بهبهانی را در اختیار دارند که از آن مخدره فرزندان فاضل و برومندی دارند که در قم و کاشان به تحصیل علم و کمال اشتغال دارند.

سید مهدی یثربی (سومین فرزند) مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدرضا پشت مشهدی کاشانی از ستارگان پرفروغ و دانشمندان پراثر و خدوم معاصر کاشانست.

وی در حدود ۱۳۴۷ قمری در کاشان متولد شده و در کودکی پدر را از دست داده و در تحت کفالت و تربیت برادر علامه‌اش آیت‌الله العظمی یثربی پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح و استفاده از محضر معظم له به قم عزیمت نموده و سطوح را از مدرسین حوزه تکمیل و در درس خارج مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و مرحوم آیت‌الله محقق داماد و آیت‌الله العظمی امام خمینی و آیت‌الله العظمی شریعتمداری و آیت‌الله العظمی گلپایگانی و آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمدعلی اراکی و دیگران شرکت و از خرمن علوم آنان خوشه‌ها چیده و بهره‌ها برده تا در سال ۱۳۷۹ قمری که برادر علامه‌اش وفات نمود بنابر درخواست و اصرار مردم کاشان و امر مرحوم آیت‌الله بروجردی به کاشان برگشته و به جای مرحوم آیت‌الله یثربی به اقامه جماعت و خدمات دینی و تربیت عده زیادی از محصلین کاشانی پرداخته است.

نگارنده گوید: مترجم عزیز ما که از بیوتات اصیله و ریشه‌دار روحانیت شهرستان کاشانست و آباء و نیاکانش همگی از مفاخر عالم تشیع و مراجع عالیقدر شیعه بودند.

دانشمندی فاضل و عالمی بارع و در خدمت به دین و روحانیت بسیار ساعی و جدی و در مبارزه با منکرات و اماکن فساد و فحشاء از نوادر معاصرین است.

بیانی صریح و منبری ملیح و ارزنده و آموزنده دارد. در مسجد خویش بعد از اداء فریضه تفسیر قرآن و بیان احکام و معارف دینی نموده و مردم را کاملاً مستفیض می‌فرمایند. در ایام عاشوراء که در صحن مطهر جناب (حبیب موسی) اقامه عزاداری و سوگواری برای سالار شهیدان حضرت ابی‌عبدالله‌الحسین (ع) می‌شود در تاسوعا و عاشوراء خود منبر رفته و علت نهضت و قیام حسینی (ع) و فلسفه شهادت آن بزرگوار و آثار آن را ذکر نموده و شور عجیبی برپا می‌کند.

از سال ۱۳۸۰ قمری که رسماً به جای مرحوم برادر فقید سعیدش قرار گرفته تاکنون خدمات بسیاری در کاشان و حومه آن از بناء مساجد و مدارس علمی و تربیت محصلین نموده‌اند.

دارای محاسن اخلاق و محامد آداب و سجایای کریمانه می‌باشد.

از آثار و باقیات الصالحات ایشانست مدرسه علمیه که در خیابان شاه عباس کبیر بنا نموده و از هرگونه مجهز و بالغ بر یکصد و هشتاد طلبه و محصل جدی دارد که در آن چندین نفر از فضلاء اخیار حوزه علمیه قم مانند جناب ثقه‌الاسلام و زبده‌الفضلاء الاعلام آقایان آقا شیخ احمد اسلامی و حجه‌الاسلام آقای حاج سید اسدالله خراسانی و حجه‌الاسلام آقای آقا سید رضا علم‌الهدی و بعضی دیگر به تدریس ادبیات و فقه و اصول اشتغال دارند.

و دیگر بانک قرض‌الحسنه بنام (بانک آقا) و دیگر تعمیر و بناء مساجد و حمامات و بیمارستان در شهرستان کاشان و حومه آن می‌باشد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

یثربی، میر محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

الف: ولادت و نسب: حضرت آیت الله حاج میر سید محمد یثربی - ادام الله ظلّه العالی - از علمای ربانی و فقیهی بزرگوار از تبار فقهای نگاهبان حریم اعتقادات شیعی هستند. ایشان در سال ۱۳۳۳ هجری شمسی در شهر مقدس قم (مهد علم و فقاقت و اجتهاد، شهر خون قیام، شهر کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه - سلام الله علیها -) در بیت فقه و فقاقت چشم به جهان گشود. پدر بزرگوارشان حضرت آیت الله آقای حاج سید مهدی یثربی قدس سره - و والده گرامشان خانم حاجیه زهرا آل آقا (فرزند مرحوم آیت الله حاج آقا عبدالاه آل آقا و نواده مرحوم آیت الله آقای حاج آقا بزرگ ساوجی از اعلام مدرسین حوزه تهران در قرن گذشته و اوایل قرن معاصر، حفیده بیت علامه مجدد وحید بهبهانی - رضوان الله تعالی علیه -) می باشد. ایشان قبل از پایان ۵ سالگی مشغول خواندن قرآن و حفظ سوره های کوچک بود. در پنج سالگی عموی بزرگوار خود که از فقهای بنام شیعه و از اساتید علمای بزرگ، از جمله مرحوم حضرت امام خمینی - قدس سره - بود را از دست داد و به همراه پدر خود به کاشان هجرت نمود. ب) تحصیلات: ایشان در سال ۱۳۳۹ مشغول به تحصیلات ابتدائی در دبستان ملی مدرس گردید و بعد وارد دبیرستان شد و همزمان، با شوق و اشتیاق زاید الوصفی وارد حوزه علمیه جدید التأسیس کاشان که والد مکرمشان بنیان نهاده بودند، شد. ایشان تمامی دروس ادبیات و سطح متوسط و همچنین رسائل و مکاسب را در آن حوزه، نزد اساتید محترمی همچون والد بزرگوارشان و مرحوم آیت الله شیخ محمود روحانی - رحمه الله علیه - که معظم له علاقه فوق العاده ای نسبت به ایشان داشته اند فرا گرفتند. در سال ۱۳۵۱ در شهر دارالمومنین کاشان با خانواده محترم، مذهبی، صالح و مؤمن ازدواج نمود و برای ادامه تحصیلات در سطوح عالی به قم مهاجرت و در آن شهر رحل اقامت گزیدند. درس سطح کفایه را نزد آیت الله حاج سید محمد ابطحی - دام ظلّه - مرحوم آیت الله سلطانی طباطبائی (ره) به اتمام رسانده و همزمان، با هوش و ذکاوتی که معظم له داشته در درس خارج فقه حضرت آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری - ره - خلف مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری مؤسس و بنیانگذار حوزه علمیه قم حاضر شدند و در جلسه استفتائات و تمامی مباحث فقهی ایشان حضور فعال داشتند. معظم له در این باره می فرمایند: آنچه محضر ایشان رامنهای عمق فکر و اندیشه جذابت می بخشید، معنویت و صفای ایشان و یکرنگی و انس آن بزرگوار با طلاب بود و برای حقیر که در عین کم سنی مورد عنایت و لطف آن استاد فرزانه و مربی بزرگوار بودم، فوق العاده اثر بخش بود و آثار تربیتی آن را پس از سالها هنوز احساس می کنم. در همان سنوات و پس از پایان سطح کفایه، در درس عالم ربانی حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی - مدظلّه العالی - (یک دوره اصول به مدت ۱۷ سال و همچنین چندین سال درس خارج فقه ایشان) شرکت نمود و نیز به مدت هفت سال در درس خارج اصول و فقه مرحوم آیت الله العظمی روحانی - قدس سره - حاضر شدند. همچنین معظم له بیش از دو سال در درس خارج فقیه اهل بیت عصمت و طهارت حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی - قدس سره - شرکت نمودند و از درس اسفار اساتید بزرگوار مرحوم آیت الله صدر و شهید بزرگوار آیت الله مطهری و آیت الله جوادی آملی بهره گرفتند. ج) تدریس و خدمات علمی: ایشان از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۳ در حوزه پربرکت علمیه کاشان مشغول به تدریس ادبیات، منطق و اصول بودند که حدود چهل نفر از طلاب در درس ایشان شرکت می نمودند. همچنین از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۹ تدریس اصول و شرح لمعه داشتند، که تا پنجاه نفر در درس ایشان در صحن مطهر بی بی دو عالم حضرت معصومه - سلام الله علیها - شرکت می کردند. از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ به تدریس سه دوره اصول (رسائل شیخ انصاری رحمه الله) را از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۴ به انجام رساندند و شاگردان زیادی را تربیت نمودند. تا این که بنا به درخواست شاگردان معظم له و به دلیل محدودیت مکان و کثرت شاگردان، درس کفایه الاصول را در مدرسه مرحوم حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) شروع کردند که بیش از ۷۰ نفر در درس ایشان شرکت می کردند. معظم له از سال ۱۳۷۸ مشغول به درس خارج فقه و اصول در همان مدرسه شدند که نزدیک به دویست نفر در این دروس شرکت می نمایند. علاوه بر اینها در سالهای ۶۰ تا ۶۳ دوره منظومه حکمت را در صحن مطهر حضرت معصومه (سلام الله علیها) تدریس نمودند. ایشان در سال ۱۳۶۹ یک مؤسسه

علمی تحقیقاتی را به نام اصولی بزرگ «علامه مجدد وحید بهبهانی - رضوان الله علیه -» تأسیس نمودند که با هدایت ایشان، در این مرکز محققین توانا و بررسی، احیاء و نشر کتب علوم اهل بیت عصمت و طهارت - علیهم السلام - مشغول به کار می باشند. این مؤسسه با بیش از پنج هزار جلد کتاب و رسائل پایگاه تحقیقاتی فعالی در حوزه علمیه محسوب می شود. (د. تألیفات و آثار: ۱- رساله فی تطور الاصول (عربی) ۲- رساله فی تطور علم الفقه (عربی) ۳- رساله فی الکلام (عربی) ۴- رساله در ولایت؛ مقدمه کتاب راهبرد اهل سنت به مسأله ولایت (فارسی) ۵- شرح رساله حقوق امام سجاد - علیه السلام - (فارسی) در ۳ جلد؛ مجموعه سخنرانی معظم له در رادیو معارف ۶- تقریرات درس مکاسب محرمة (فقه) در ۲ جلد ۷- مباحث رجالی در ۱ جلد ۸- تقریرات خمس (فقه) در ۱ جلد ۹- تقریرات صوم در ۲ جلد ۱۰- تقریرات اصول در ۸ جلد چهار مورد اخیر، هنوز به چاپ نرسیده است که آن انشاء الله در آینده نزدیک در دسترس علاقمندان قرار خواهد گرفت. از جمله ویژگیهای معظم له که بارها درباره آن به شاگردان در یک جلسه درس غیبت داشته باشد، ایشان پیگیر علت غیبت وی می باشد. همچنین مکرراً شاگردان را به مطالعه و پیگیری و مباحثه درس و درست فهمیدن درس توصیه و ترغیب میکند. معظم له بعد از درس خارج فقه و اصول شاگردان را به حضور می پذیرند و اشکالات آنان مربوط به درس را پاسخ فرموده به دیگر پرسش ها و استفتائات شرعی و اعتقادی جواب می دهند. با این شیوه، شاگردان زیادی تربیت نموده و آنان از شمع وجود ایشان بهر مند می گردند و بعضی از شاگردان، از اساتید برجسته حوزه می باشند. از خداوند متعال می خواهیم که وجود این مشعل داران هدایت بشریت و این علماء ربانی و مراجع عظام را برای همه مسلمین بویژه شیعیان مولا علی ابن ابی طالب علیه السلام نگهدار باشد و سایه آنها را بر سر ماستدام بدارد.

یثربی، یحیی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای سید یحیی یثربی در سال ۱۳۲۱ در روستای «چراغ تپه سفلی» از توابع شهرستان تکاب دیده به جهان گشود. در سال ۱۳۲۶ وارد مکتب خانه روستا گردید و با آموختن قرآن و سپس خواندن و نوشتن ادبیات فارسی آشنا گردید. سال ۱۳۳۵ وارد حوزه علمیه زنجان گردید و علوم مقدماتی را در آنجا فرا گرفت. در سال ۱۳۳۷ جهت ادامه تحصیل در علوم حوزوی، وارد حوزه علمیه قم و حریم عیش آل محمد گردید. اساتید ایشان در شهر مقدس قم بزرگانی چون: «آیت الله مرحوم ستوده»، «دوزدوزانی»، «علامه طباطبائی»، «مفتح سلطانی»، «منتظری»، «مکارم» و بودند. در کنار دروس حوزوی در مقطع دکترا در رشته (فلسفه و حکمت اسلامی) از دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید.

تحصیلات:

ابتدایی: در مکتب خانه روستای (چراغ تپه)، در شمال «تکاب آذربایجان غربی» ابتدا قرآن آموخته، سپس با خواندن و نوشتن و ادبیات زبان فارسی آشنا شدم. از سال ۱۳۲۶ شمسی تا ۱۳۳۴.

حوزه ای: از سال ۱۳۳۵ در حوزه علمیه زنجان به تحصیل علوم مقدماتی (صرف، نحو و منطق) پرداخته، سپس در سال ۱۳۳۷ وارد حوزه علمیه قم شدم.

از آن تاریخ تا سال ۱۳۴۴ در دو زمینه به تحصیل مشغول شدم:

* در اصول فقه و فقه که سطح را تمام کرده، و مدتی هم (اگر چه در مقیاس حوزه بسیار کم) از درس خارج مراجع تقلید بهره بردم.

* در علوم عقلی، که شرح منظومه، شرح اشارات و قسمتی از اسفار اربعه را خواندم.

دانشگاهی: دوره کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای فلسفه و حکمت اسلامی را در دانشکده الهیات دانشگاه تهران، از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۸ با امتیاز گذراندم.

استادان:

حوزه: حضرات آیات: دوزدوزانی، ستوده، سبحانی، مکارم، مفتاح، منتظری، سلطانی و در اواخر مرحوم علامه طباطبایی.
دانشگاه: استادان بزرگوار: شهابی، زرین کوب، ملک شاهی، مطهری، جلیلی، صاحب الزمانی، آریان پور، یزدگردی، فلاطوری، حائری، تفضلی، الهی قمشه ای و ...

یحیای سیفی قزوینی، علاءالدین امیر یحیی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۹۶۰ / ۹۶۲ - ۸۸۵ ق)، مورخ، نویسنده و شاعر. مشهور به یحیای معصوم. از سادات محتشم قزوین و از پیشوایان اهل تسنن و از رجال دربار صفویه بود. وی از علوم عقلی و نقلی بهره‌مند و در تاریخ‌نگاری ماهر بود. او و خاندانش به علت تعصب در تسنن، نزد شاه طهماسب محبوبیتی نداشتند و به همین دلیل نیز میر یحیی اموالش را از دست داد و در زندان اصفهان درگذشت. صاحبان «الذریعه» و «صبح گلشن» سال مرگ وی را ۹۰۱ ق ذکر کرده‌اند. از آثار وی: «لب التواریخ»، در تاریخ عمومی، به نام بهرام میرزا، فرزند شاه اسماعیل و مشتمل بر چهار قسمت: ۱- در بیان هدایت معصومین (ع) ۲- در ذکر پادشاهان قبل از اسلام ۳- در ذکر جمعی از حاکمان بعد از اسلام ۴- در ذکر پادشاهان خاندان صفویه؛ «مختصرالتواریخ»، تکمیل‌کننده «لب التواریخ» و به نام شاه طهماسب. در «لغت‌نامه» دو کتاب به نام «شرح کبیر» و «شرح صغیر» به او نسبت داده شده و آمده که دومی را در ۷۷۵ ق به پایان رسانیده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۳۹-۱۶۳۴/۵)، تاریخ نظم و نثر (۸۲۳، ۴۳۳، ۳۵۴)، الذریعه (۱۸/۲۸۵، ۹/۱۳۱۰)، صبح گلشن (۶۱۳)، عالم آرای عباسی (۱/۲۷، ۵۴)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۲)، کاروان هند (۱۱۶۰-۱۱۵۹/۲)، کشف‌الظنون (۱۵۴۷)، لغت‌نامه (ذیل / یحیی)، مینودر (۸۷۸-۸۷۷/۲)، هفت اقلیم (۱۷۷-۱۷۶/۳).

یزدانی بارفروش، حمید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حمید یزدانی بارفروش

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای حمید یزدانی بارفروش در سال ۱۳۴۹ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان ساری دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه بابل گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره‌ها برد. پس از مدتی تحصیل در حوزه علمیه بابل به شوق ادامه تحصیل، زیارت و هم‌جواری با بارگاه کریمه اهل البیت؛ (حضرت معصومه سلام الله علیها) رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۹ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون: «آیت الله وحید»، مرحوم «آیت الله شیخ جواد تبریزی»، «آیت الله هاشمی شاهرودی» و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته «حقوق» در مقطع کارشناسی در سال ۱۳۷۸ از دانشگاه مفید قم فارغ التحصیل گردید. وی پس از طی تحصیلات جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم‌اکنون در دانشگاه مازندران و سپاه پاسداران مازندران به امر تدریس اشتغال دارد. وی در طول حیات علمی خود به امر نگارش و پژوهش پرداخته است و آثاری از قبیل: «معجم احادیث بحارالانوار» و «فرهنگ فقه فارسی» را به رشته تحریر در آورده است.

یزدانی شیرازی، عبدالوهاب

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۸ - ۱۲۵۲ ق)، خطاط، موسیقیدان، ادیب و شاعر، متخلص به یزدانی. ششمین فرزند وصال است. وی در شیراز به دنیا آمد. او در ادبیات، ریاضیات، نجوم و نظم و نثر عربی توانا بود، شعر می‌گفت و از موسیقی نیز بهره‌ی تمام داشت و رباب را خوب می‌نواخت. یزدانی خط نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت و از شیوه‌ی میرعماد پیروی می‌کرد و کتیبه‌های اطراف حرم شاهچراغ و برادرش سید میر محمد در شیراز و همچنین کتیبه‌های قسمتی از رواق مطهر امام رضا (ع) به قلم اوست. عبدالوهاب در کهنه کردن کاغذ و مرکب دست داشت و فن نقاشی را خوب می‌دانست. یزدانی به همراه برادر خود، وقار، سفری به عتبات کرده و از آنجا به تهران آمده و سپس به زادگاه خود بازگشته است. او در شیراز درگذشت و در بقعه‌ی سید میر محمد، نزد برادرش، فرهنگ دفن شد. از آثار وی: کتابت و نقاشی «خسرو و شیرین» نظامی، که به امر ناصرالدین شاه انجام پذیرفته است؛ یک نسخه «دیوان» انوری، به قلم کتابت خوش، با رقم: «... حرره العبد الاقل، عبدالوهاب بن وصال، طاب ثراه فی سنه ۱۲۷۵»؛ یک نسخه «مناجات» حضرت علی (ع)، به قلم دو دانگ خوش، با رقم: «نمقه... عبدالوهاب المتخلص به یزدانی ابن مرحوم المغفور الوصال... فی شهر شعبان المعظم ۱۲۸۲»؛ یک قطعه به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «یزدانی»؛ قطعه‌ای دیگر، به قلم کتابت خوش، با رقم: «یزدانی».[۱]

میرزا عبدالوهاب متخلص به یزدانی ششمین پسر وصال شیرازی (و. ۱۲۵۲ ه. ق. - ف. ۱۳۲۸ ه. ق.) وی یکی از خوش‌نویسان و نقاشان و ادبای عصر خود به شمار می‌آمد، و آنچه از اشعار او در دست است ۷ قصیده و ۱۴ غزل می‌باشد و ضمناً کتیبه‌های دور حرم

شاه‌چراغ و سید محمد به خط اوست و چند نسخه از کلیات سعدی و دیوان حافظ نوشته و از موسیقی نیز بهره‌ی کافی داشته و رباب خوب می‌نواخته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار عجم (۳۶۲-۳۶۱)، احوال و آثار خوشنویسان (۴۲۰-۴۱۹/۲)، احوال و آثار نقاشان (۳۵۳-۳۵۲/۱)، اطلس خط (۵۶۷)، حدیقه الشعراء (۲۱۱۶-۲۱۱۳/۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۹۲-۸۸۸/۵)، الذریعه (۱۳۱۱/۹)، ریحانه (۳۸۹-۳۸۷/۶)، طرائق الحقائق (۳۸۴/۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۰۱۹-۱۰۱۶/۲)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۳)، مرآت الفصاحه (۷۲۴-۷۲۰)، مکارم الآثار (۱۴۱۳-۱۴۱۲/۴).

یزدانی مقدم، احمد رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد رضا یزدانی مقدم

محل تولد: بندر انزلی

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۹ تاکنون توفیق حضور مستمر برای درس و بحث در حوزه علمیه قم را دارم. از سال ۱۳۶۷ به درس خارج حاضر می‌شوم. اساتید دوره سطح این کمترین از جمله این آقایان بودند: حضرات آیات: «آل غفور جزائری»، «اعتمادی»، «فیض سرابی»، «موسوی تبریزی»، «موسوی تهرانی»، «فقیهی مازندرانی»، «صالحی افغانی»، «وجدانی» و «محقق داماد». و از جمله اساتید این کمترین در دوره خارج این آقایان می‌باشند: حضرات آیات: «منتظری»، «مکارم شیرازی»، «فاضل لنکرانی»، «جوادی آملی»، «صانعی»، «خرازی»، «علوی گرگانی» و «موسوی اردبیلی»؛ و از جمله موضوعات فقهی در دوره خارج که توفیق استفاده داشتم و دارم عبارتند از: ولایت فقیه، بیع، مکاسب محرمه، زکات، صوم، خمس، نکاح، طلاق، تحدید نسل، پیوند اعضاء، تغییر جنسیت، تجسس و اطلاعات در اسلام، سرقفلی، ربا و بانکداری، رشوه، غنا و مالکیت معنوی.

دارای کارشناسی حقوق می‌باشم و در زمینه (فقه و حقوق) مقالات متعددی نوشته‌ام از جمله: رشد و بلوغ، شفعه، ولایت پدر و جد، ارث و قسامه، قاعده لاضرر در حقوق تجارت؛ و نیز مقاله‌ای درباره «جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت در حوزه علمیه».

گرایش کارشناسی ارشد این ناچیز (اندیشه سیاسی) بوده و موضوع پایان‌نامه کارشناسی ارشد: «ادراکات اعتباری و اندیشه اجتماعی سیاسی علامه طباطبایی» است که در دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام)، پایان‌نامه برتر شناخته شد. در دوران تحصیل کارشناسی ارشد، مقالات متعددی در زمینه (مباحث علوم سیاسی) نوشته‌ام از جمله: «بررسی موضوعاتی در اندیشه سیاسی افلاطون»، «ارسطو»، «هابز»، «لا-ک»، «روسو»، «همپتن»، «فارابی»، «خواجه نصیر»، «نائینی»، «علامه طباطبائی» و «امام راحل». و نیز مقالاتی در (روش‌شناسی علوم سیاسی و مطالعه مقایسه‌ای موضوعات مبحث قدرت در اندیشه متفکرانی چون «فارابی»، «خواجه

نصیر»، «ابن خلدون»، «ویر»، «گالبرایت»، «آرون»، «آرنت»، «لوکس»، «هابرماس» و «فوکو».)

در دوران تحصیل دکتری نیز مقالاتی نوشته ام از جمله: «طراحی الگو برای تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، «به کارگیری روش انتخاب عقلانی برای تحلیل جنبش دانشجویی در ایران» و «تحلیل سیاستگذاری عمومی در ایران با نگاه به اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی» بوده است.

از سال ۱۳۶۹ تاکنون توفیق حضور تبلیغی در دانشگاه های کشور، از جمله: (علوم پزشکی گیلان، علوم پزشکی یزد، دانشگاه گیلان، کرمان، تربیت معلم، فردوسی، شهید بهشتی، خواجه نصیر، علم و صنعت، علوم پزشکی شهید بهشتی، اصفهان، دانشگاه صنعتی اصفهان، صنعتی شاهرود) را از طرف نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها داشته ام و در همایش های مختلفی نیز سخنرانی و برنامه داشتم.

پایان نامه ارشد این کمترین با عنوان: «ادراکات اعتباری و اندیشه اجتماعی سیاسی علامه طباطبایی» تا کنون:

[۱] از سوی دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام) پایان نامه برتر شناخته شد.

[۲] از سوی دبیرخانه دین پژوهان، عنوان پژوهش برتر در حوزه دین پژوهی را گرفت.

[۳] از سوی جشنواره مهر، یادواره علامه طباطبایی، نیز برگزیده شد.

[۴] از سوی وزارت ارشاد اسلامی به عنوان پژوهش تشویقی معرفی گردید.

[۵] در همایش دو سالانه پژوهش برتر حکومت اسلامی دوره اول سال ۱۳۸۴ - ۱۳۸۵، از جمله چند پژوهش برتر شناخته شد و تندیس یاد بود و لوح و دیگر جوایز دریافت کرد.

علاوه بر تدریس متعارف دروس حوزوی مانند: (ادبیات، اصول فقه، شرح لعمه، مکاسب، اصول استنباط، بدایه و جوامع الجامع)، در مرکز جهانی علوم اسلامی و دانشگاه آزاد اسلامی نیز تدریس داشته ام. این کمترین بارها توفیق حضور تبلیغی در جبهه نبرد حق علیه باطل را داشتم که مجموعاً پنج ماه و نیم می شود. همچنین افتخار دارم که از خانواده شهدا و برادر شهید لطف الله یزدانی مقدم می باشم.

در سال ۱۳۷۶ دبیر گروه فقه و حقوق پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، در سال ۱۳۷۷ دبیر نشریه تازه های اندیشه در مؤسسه طه، در سال های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ دبیر گروه علمی فقه و حقوق در دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری (دفتر فرهنگی)، و در سال های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ عضو گروه سیاست و اجتماع در دفتر تنظیم و نشر آثار امام راحل بوده، و در حال حاضر (سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵) مدیر گروه پژوهشی حکومت اسلامی در مرکز تحقیقات حکومت اسلامی و عضو شورای عالی پژوهش و شورای همایش کتاب حکومت اسلامی در این مرکز می باشم. همچنین عضو انجمن مطالعات سیاسی بوده و از سال ۱۳۷۷ تا کنون جلسات مستمر با گروهی از دوستان انجمن مطالعات اسلامی، در زمینه های جامعه شناسی سیاسی، هرمنوتیک، سکولاریسم و فلسفه سیاسی داشته ایم.

یزدجردی، هادی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۵۰ق)، طیب و شاعر، متخلص به هادی. گفته اند که اصل وی از یزدجرد است و در کاشان نشو و نما یافت، به همین دلیل

به او کاشی هم می‌گویند. به آورده‌ی «تاریخ نظم و نثر» او بروجردی است و به خطا به وی هادی یزدجردی گفته‌اند. وی در عهد شاه طهماسب صفوی می‌زیست و در علم طب ماهر بود. شاه طهماسب او را به احتساب ممالک ایران گماشت. هادی در اواخر عمر توبه کرد و به تولیت آستان قدس رضوی مفتخر گردید و به طاعت و عبادت پرداخت. او طبع شعر خوبی داشت و اشعاری از وی در تذکره‌ها نقل شده است. در «تحفه سامی» صاحب عنوان تحت نام هادی موسوی آورده شده است. شیخ آقا بزرگ تهرانی در «الذریعه» از هادی اصفهانی (م ۹۵۰ ق)، فرزند شاه تقی شیخ‌الاسلام، نام می‌برد و او را با هادی یزدجردی و هادی موسوی یکی می‌داند. همچنین محمدطاهر نصرآبادی در «تذکره‌ی» خویش، (تألیف شده در ۱۰۸۳ ق) از معاصر خود میر محمد هادی، عموزاده‌ی میر عبدالرزاق کاشی، که شغل طبابت داشته و شعر هم می‌گفته ذکر می‌کند که میان آورده است. بر این اساس در «فرهنگ سخنوران» هادی کاشی تنظیم یافته و این شخصیت با صاحبی عنوان خلط شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۶۶۵)، تحفه سامی (۳۸-۳۷)، تذکره‌ی روز روشن (۹۲۰)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۱۵)، الذریعه (۱۲۸۶، ۱۲۸۵/۹)، صبح گلشن (۶۰۴)، فرهنگ سخنوران (۹۹۴، ۹۹۳).

یزدچی مرندی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: آسیب‌شناسی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تبریز.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

یزدگردی، امیر حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر امیر حسین یزدگردی در سال ۱۳۰۶ در تهران زاده شد. ایشان دارای مدرک دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۶ می‌باشد. وی از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۴ در آموزش و پرورش شهرستان قم و پس از آن، تا سال ۱۳۵۹، در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران به تدریس اشتغال داشت. دکتر امیر حسین یزدگردی در شامگاه روز دوشنبه چهارم فروردین سال ۱۳۶۵ درگذشت. کتاب "حواصل و بوتیمار" تألیف امیر حسین یزدگردی، در دوره یازدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. همچنین کتاب "دیوان ظهیر فاریابی" تصحیح وی، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران معرفی شده است.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: زنده‌یاد استاد دکتر امیرحسین یزدگردی در خانواده‌ای فرهیخته و اهل ادب در تهران متولد شد. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: امیر حسین یزدگردی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در دبستان ادیب و دبیرستان مروی به سر آورد.

در سال ۱۳۲۹ از دانشسرای عالی لیسانس زبان و ادبیات فارسی گرفت و در سال ۱۳۳۶ به اخذ درجهٔ دکترا در همان رشته از دانشگاه تهران نائل آمد

استادان و مربیان: اساتید دکتر یزدگردی در دوران دانشگاهی، بزرگ‌مردانی مانند استاد بدیع الزمان فروزانفر، جلال‌الدین همایی، ملک‌الشعراى بهار، بهمنیار، عبدالعظیم قریب، سیدهادی سینا و سید محمد فرزانه بودند.

زمان و علت فوت: دکتر امیر حسین یزدگردی در شامگاه روز دوشنبه چهارم فروردین سال ۱۳۶۵ درگذشت.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: امیر حسین یزدگردی در خلال گذراندن دورهٔ دکترا به مدت پنج سال (۱۳۳۴ - ۱۳۲۹) در آموزش و پرورش شهرستان قم در دبیرستان حکیم نظامی به تدریس پرداخت و پس از آن به دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران انتقال یافت و تا سال ۱۳۵۹ بیش از سی سال، بدون وقفه به تدریس اشتغال داشت.

شاگردان: استاد یزدگردی خود معلمی بود مسلط، دلسوز، عاشق، متین و باوقار که نه تنها درس و بحثش بلکه گفتار و کردار و رفتارش نیز، سخت بر شاگردان تأثیر می‌گذاشت و محققى بود سخت‌کوش، پرحوصله و بردبار، دقیق و نکته‌یاب. شاگردان وی امروز در شمار موفق‌ترین معلمان به حساب می‌آیند؛ افرادی چون استاد دکتر فتح‌الله مجتبیایی.

جوایز و نشانها: کتاب "حواصل و بوتیمار" تألیف امیر حسین یزدگردی، در دوره یازدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. همچنین کتاب "دیوان ظهیر فاریابی" تصحیح وی، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران معرفی شده است.

آثار:

۱ تصحیح دیوان کبیر (غزلیات شمس)

ویژگی اثر: با همکاری مرحوم دکتر کریمان

۲ تصحیح کلیله و دمنه

ویژگی اثر: با همکاری استاد فقید مجتبی مینوی

۳ تصحیح و تعلیق «نفته المصدور» شهاب‌الدین محمد خرنزدی

ویژگی اثر: ۱۳۴۳، ادار ؟کل نگارش وزارت آموزش و پرورش

۴ حواشی بر دیوان حافظ، مرزبان‌نامه، جهانگشای جوینی و راحة‌الصدور

۵ حواصل و بوتیمار

ویژگی اثر: تألیف، این کتاب در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنائی با کتاب: «حواصل و بوتیمار»: حواصل و بوتیمار؛ امیر حسین یزدگردی؛ به کوشش اصغر دادبه، تهران:

مؤسس ؟انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۱. تألیف کتاب «حواصل و بوتیمار»، از شهریور ۱۳۴۹ آغاز شده و تا زمستان سال

۱۳۶۴ (۱۵ سال) ادامه یافته است. دکتر یزدگردی در باب اختیار نام «حواصل» بیشتر به منابع کهن و در خور اهمیت اقوال گروهی از

حیوانشناسان، اوصاف جوارح و اطوار خاص این پرنده در کتب شعر و ادب، آراء جمعی از فرهنگ‌نویسان و دانشمندان قدیم و

بالاخره تصاویر روشن و واضح استناد کرده است. در باب اختیار نام «بوتیمار» برای برخی از «گونه‌ها» و «زیرگونه‌ها» «خانواد؟

بوتیمار»، نیز به تقریب به مآخذی از همان دست، اعتماد کرده است. موضوع کتاب بسیار بدیع است و پژوهش به طور مبسوط انجام

یافته. امتیاز خاص این کتاب ما وسعت تتبع و پهنای گسترد ؟کار پیرامون این دو واژه است. زبان پژوهش، استوار و عالمانه است.

کتاب دارای مقدمه ای جامع و فصول و بخشهای آن پیوسته و هماهنگ است. شاید فراهم آوردن ۱۳ گونه از فهرست تقریباً در

تاریخ و تحقیق پارسی، برای یک کتاب _ با این تفصیل _ بی سابقه بوده باشد. اما فقدان فهرستی از مندرجات در آغاز محسوس بوده و پرداخت فنی کتاب نیز ضعیف و نامطلوب است.

۶ دیوان ظهیر فاریابی

ویژگی اثر: تصحیح، این کتاب، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: دیوان ظهیرالدین فاریابی تصحیح و تحقیق و توضیح [مرحوم] امیرحسن یزدگردی؛ به اهتمام اصغر دادبه. تهران: نشر قطره، ۱۳۸۱. «تتبع در دیوان ظهیر» موضوع رساله دکترای مرحوم استاد یزدگردی، به راهنمایی مرحوم استاد فروزانفر بوده که در تاریخ ۱/۸/۱۳۳۶ از آن دفاع شده است. حاصل این تتبع و تحقیق، تصحیح انتقادی دیوان ظهیر است. برای نخستین بار و بر مبنای کهن‌ترین نسخه‌های موجود و نوشتن کتابی با مجلّمدی مستقل در شش بخش در معرفی ظهیر و حل مشکلات اشعار او؛ حاصلی، بی‌گمان، بی‌مانند و چونان نفثه‌المصدور و حواصل و بوتیمار ارجمند و سودمند و تحسین برانگیز. اما کمال طلبی استاد یزدگردی در کارهای تحقیقی خود تا پایان عمر در تکمیل آن کوشید. حاصل کار استاد یزدگردی، به سی سال، از زمان دفاع رساله (۱۳۳۶) تا گاه مرگ (۱۳۶۵)، همواره چنان احساس کند که کاری بدین تمامی ناتمام است و به از آنچه هست باید! و چنین بود که در کنار کارهای تحقیقی خود تا پایان عمر در تکمیل آن کوشید. حاصل کار استاد یزدگردی، بی‌گمان، بی‌مانند است، چرا که اولاً- توضیحات و تعلیقات و تحقیقات او درباره‌ی ظهیر و شعر او کامل‌ترین و دقیق‌ترین و محققانه‌ترین تحقیقاتی است که تاکنون در زمینه‌ی ظهیرشناسی صورت گرفته است، ثانیاً، متن مصحح استاد، یگانه متن مصححی است که تاکنون از دیوان استاد فاریاب به چاپ رسیده است

منابع زندگینامه: منابع:

www.ketabesal.ir

یزدی غیاث‌الدین، علی

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س هشتم و نهم ق)، نویسنده و مورخ. وی مؤلف «روزنامه غزوات هندوستان» است. در سفری که در ۸۰۱ ق به همراه تیمور به هندوستان رفته، این کتاب را در تاریخ آن سفر نوشته که در پطروگراذ به چاپ رسیده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۲۵۰)، الذریعه (۲۷۰ / ۱۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۶۴ / ۴).

یزدی فیروزآبادی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد بن سید محمدباقر حسینی یزدی فیروزآبادی که از مراجع بزرگ و آیات عظام گذشته بوده است.

معظم له در سال ۱۲۶۵ ق در فیروزآباد یزد متولد شده و پس از رشد و پرورش به یزد آمده و مقدمات را در آنجا فرا گرفته و از محضر مرحوم آیت‌الله آسید یحیی یزدی استفاده نموده.

پس از آن مهاجرت به نجف اشرف و از آنجا در عهد ریاست و مرجعیت آیت‌الله علی‌الاطلاق میرزا محمدحسن مجدد شیرازی به سامرا رفته و از آنجناب در حالی که سی سال از عمرش می‌گذشت بهره‌مند شده.

و قبل از فوت آن بزرگوار به کربلا- آمده و از محضر علامه فاضل اردکانی کسب فیض نموده و بعد از فوت مرحوم علامه یزدی صاحب (عروه‌الوثقی) بسیاری از مردم عراق و ایران در تقلید به وی رجوع نموده و نماز جماعتش در صحن مطهر علوی مورد توجه قرار گرفته و محبوبیت خاصی در بین عامه مردم پیدا نمود.

علامه خونساری در احسن الودیعہ ج ۲ ص ۹۷ گوید: آقا سید محمد فیروزآبادی یزدی نجفی از اجلاء علماء عاملین و افاحم فقهاء مجتهدین و یکی از مراجع امامیه بود. مرا به خدمتش مشرف و کرارا با ایشان ملاقات کردم و ندیدم از جنابشان الاسکون و وقار. آن بزرگوار حسن الاخلاق کریم الاعراق جامع بارع و زاهد عابد بود.

عمده تلمذش خدمت علامتین متعاصرین آقا سید محمد کاظم یزدی و محقق خراسانی بود و اخیراً ملازم حضور سید مرحوم گردید.

آن بزرگوار صبح جمعه آخر ماه ربیع‌الاول سال ۱۳۴۵ ق در سامره به رحمت حق پیوسته و فوراً حمل به نجف اشرف و با تشییع عظیمی در هه مشاهد مشرفه از عراق به نجف و اردو در یکی از حجرات صحن شریف مدفون گردید.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

یزدی کربلایی، حسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۴۲ ق)، فقیه. از شاگردان آقا سید محمد مجاهد، آقا سید علی طباطبائی صاحب «ریاض»، نیز حضور داشته است. ابتدا در یزد سکونت داشت و آنگاه که حاکم ظالمی را به پشتیبانی مظلومین از یزد بیرون کرد به امر فتحعلی شاه به تهران آمد و در تهران سکونت نمود. و سرانجام مقیم کربلا- گشت و در همان جا درگذشت. برخی از آثار او عبارت‌اند از: «مهیج الاحزان»؛ «اکمال الاصلاح»، در ترجمه «اصلاح العمل» استادش سید محمد مجاهد؛ رساله‌ای در «تجوید قرآن»، به فارسی؛ رساله‌ای در «شکوکه»، به طور استدلال.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۹۹/ ۲۳، ۲۸۲- ۲۸۱/ ۲)، قصص العلماء (۱۰۳- ۱۰۱)، مکارم الآثار (۱۱۷۷/ ۴).

یزدی مطلق، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: فلسفه و حکمت اسلامی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات قدیمه مانند: صرف و نحو، معانی و بیان و بدیع، منطق، فقه، فقه و اصول فقه تا سطح خارج، کارشناسی فلسفه از دانشگاه مشهد، دکترای فلسفه از دانشگاه تهران.

مرتبه علمی:

مربی آموزشی دانشکده الهیات مشهد، استادیار دانشگاه مشهد، دانشیار و استاد دانشکده الهیات دانشگاه مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی و مطالعه وقفنامه‌های موجود در اداره اوقاف خراسان، بررسی نقش وقف در آموزش و پرورش، تحقیق در پژوهش در خصوص علم کلام بویژه اشاعره و معتزله به مدت ۳۰ سال، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

علم کلام، فلسفه، معرفی نسخه‌های خطی، عرفان، روش تحقیق نسخه‌های خطی، زندگانی معصومین (ع)، علوم قرآنی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

کلام، تفسیر، شرح حال معصومین (ع)، بررسی نسخه‌های خطی موجود در ایران، پاکستان و ترکمنستان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

یزدی، ابوالحسن علی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۵۱- ۴۷۴/۴۷۳ ق)، فقیه شافعی، مقری و محدث. معروف به ابن محمودیه. در یزد به دنیا آمد و ساکن بغداد بود. قرآن را در اصفهان بر ابوالفتح حداد و ابوسعید مطرز تلاوت نمود و حمزه بن قبیطی و عبدالعزیز بن ناقد و علی بن دباس بر وی تلاوت نمودند. او در بغداد، شهر دون، همدان، اصفهان، بصره، کوفه و مکه از حسین بن حسن بن جوانشیر و ابوالمکارم محمد بن علی بن حسن فسوی مقری و محمد بن حسین بن بلوک صوفی و غیاث بن ابومضر اصفهانی و محمد بن محمود ثقفی و ابن طیوری و ابن خشیش و ابوالحسن بن علاف و ابوالقاسم ربعی و ناصر بن مهدی و احمد بن محمد بن مردویه و جماعتی دیگر حدیث شنید. وی «سنن» نسائی را از عبدالرحمان بن حمد استماع نمود. ابواحمد بن سکینه و ابن اخضر از وی روایت کرده‌اند. فقه را در واسط از ابوعلی فارقی و در بغداد از ابوبکر شاشی فراگرفت. وی صاحب تصانیفی در زمینه فقه و حدیث می‌باشد و در زهد نیز صاحب اثر است. در «طبقات الشافعیه» اسنوی تحت نام علی بن حسین بن احمد یزدی و در «شذرات الذهب» تحت عنوان یزدی آمده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵/۶۹۰)، سیرالنبلاء (۳۳۶-۳۳۴/۲۰)، شذرات الذهب (۴/۱۵۹)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۳۱۹/۲)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۷/۲۱۱)، العبر (۱۵-۳/۱۴)، معجم المؤلفین (۷/۱۴)، النجوم الزاهره (۵/۳۱۰)، هدیة العارفین (۶۹۸/۱).

یزدی، ابوالقاسم، علی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۷۴-۳۸۶ ق)، محدث و فقیه حنفی. مشهور به بن‌دار. اصل وی از یزد بود، در بغداد ساکن گشت. از ابوطاهر مخلص و ابواحمد فرضی و ابوالحسن بن صلت حدیث شنید. همچنین از ابن بطه اجازه روایت حدیث دریافت کرد. ابوالفرج جوزی در «المنتظم» گوید عده‌ای از وی روایت کرده‌اند. او در بغداد درگذشت و در مقبره‌ی جامع المدینه دفن شد. در «المنتظم» تولد وی ۳۸۰ ق ذکر شده است. از آثار او: شرح «الجامع الصغیر» شیبانی، در فروع فقه حنفی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الکامل (۸/۱۳۰)، کشف الظنون (۵۶۲)، معجم المؤلفین (۷/۲۰)، المنتظم (۹/۵۷۰)، هدیة العارفین (۱/۶۹۲).

یزدی، اسماعیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۰، مرتبه علمی: استاد، رشته: آسیب‌شناسی دهان و دندان، دانشکده: پزشکی دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای دندانپزشکی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۳۲، دکترای تخصصی آسیب‌شناسی.

زمینه علمی مقالات:

بیوشیمی، بیوشیمی ملکولی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

یزدی، رشیدالدین

قرن: ۱۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رشیدالدین یزدی از علماء آن سامان است که یک نسخه از تفسیر فارسی او مشتمل بر سوره هود و یوسف و رعد در ۲۰۸ صفحه به شماره ۴۳۲ در کتابخانه ملک موجود است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

یزدی، عبدالله

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ملا عبدالله یزدی از بزرگان و مشاهیر علماست و (استاد شیخ بهائی) صاحب تألیفاتی از جمله حاشیه ملا عبدالله در منطق است که نسخه‌ای از آن به خط خودش مورخ ۹۶۲ به شماره ۶۶۲ در کتابخانه ملک موجود است.

ملا عبدالله بر حسب نوشته منتظم ناصری سال ۹۸۸ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

یزدی، علی‌اکبر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۲۸۷ ق)، عالم دینی، مفسر، ادیب و لغوی. اصل وی از یزد و از دانشمندان سده‌ی سیزدهم هجری می‌باشد. صاحب عنوان در زمینه ادبیات، لغت و تفسیر قرآن دارای تصانیفی بوده است. از آثار او: «نخبه‌المیزان» یا «نخبه‌اللغات»، در لغت که در ۱۲۸۷ ق آن را تألیف نمود و در ۱۲۸۸ ق در تهران به چاپ رسید؛ تفسیر قرآن تا آخر «سوره‌ی نساء»؛ شرح «تهذیب المنطق»؛ شرح «خطبه‌ الزهراء (ع)»؛ شرح «خطبه‌ الشقشقیة».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان‌الشیعه (۱۷۱/۸)، الذریعه (۱۰۰-۹۹، ۹۸/۲۴)، معجم‌المؤلفین (۴۰/۷).

یزدی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد یزدی

محل تولد: یزد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۰/۱/۱

زندگینامه علمی

آیه‌الله محمد یزدی در سال ۱۳۱۰ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین و ارادتمند به خاندان پیامبر، چشم به جهان گشود. جدش،

مرحوم شیخ محمد علی، حدود صد سال پیش از یزد به اصفهان هجرت کرد و در مدت زمان کوتاهی، در حوزه علمیه اصفهان، به درجات علمی بالایی نائل آمد. مرحوم «آقا نجفی» که در آن دوره، ریاست حوزه علمیه اصفهان را بر عهده داشت، شیخ محمد علی را مأمور بحث و مناظره با کشیش های ارامنه جلفای اصفهان کرد که شیخ محمد علی توانست بر تمامی آنها فائق آید و از آن پس، «شیخ یزدی» شهرت یافت.

پدر آیه الله یزدی، مرحوم «شیخ علی یزدی» نام داشت که از شاگردان «شیخ عبدالکریم حائری» و از روحانیون معروف اصفهان بود که امامت جماعت یکی از مساجد اصفهان را بر عهده داشت و به حل مشکلات مردم عالم پرور اصفهان می پرداخت. از ویژگیهای او آشنایی با علوم غریبه بود.

مادر آیه الله یزدی نیز زنی مؤمن از خانواده متدین و دوستدار اهل بیت (ع) بود که پدرش از مریدان «شیخ یزدی» به شمار می آمد و ارادت او به «شیخ یزدی» در ازدواج پدر و مادر وی بی تأثیر نبوده است.

آیه الله محمد یزدی تحصیلات خود را ابتداء در محضر پدر و با فراگیری زبان فارسی آغاز کرد و پس از آن، عازم مکتب خانه شد. مکتب خانه های آن روزگار اغلب در مسجد بود و فاقد میز و صندلی! پس از گذراندن دوره مکتب، برای گذراندن کلاس چهارم آن نظام آموزشی، به نخستین مدرسه ای که در اصفهان به سبک جدید تأسیس شده بود و یکی از روحانیون که با پدر او نیز سابقه دوستی داشت، آن را اداره می کرد، رفت. شش کلاس آن نظام را در آن مدرسه گذراند.

تحصیلات حوزه را که در آغاز، نزد پدر آموخته بود، در مدرسه «کاسه گران» اصفهان ادامه داد و سپس به مدرسه «ملا عبدالله» رفت و به تحصیل شرح لمعه مشغول شد. پس از آن به مدرسه «صدر» آمد و به خواندن «قوانین» پرداخت و در این میان، از محضر عالمان بزرگ اصفهان نیز در زمینه های علمی و معنوی بهره می برد.

با تشریف فرمایی حضرت آیت الله بروجردی به قم، شور و بی قراری زائد الوصفی وجود این طلبه جوان را فرا گرفت و با اصرار فراوان به پدر، خواستار حضور و تحصیل در حوزه علمیه قم شد. پدر، در ابتداء با این سفر مخالف بود، ولی با واسطه قرار گرفتن یکی از علمای یزد، به سفر فرزند خود رضایت داد. در بدو ورود به قم، در مدرسه فیضیه مستقر شد. در آن زمان، آیه الله بروجردی، از برخی طلاب به سبب آشنایی با میزان توانایی علمی آنان، امتحان به عمل می آورد. وی با شرکت در دروس سطح، کتاب های رسائل، مکاسب و کفایه الاصول را به خوبی فرا گرفت و در درس خارج علمای بزرگ حوزه، از جمله آیه الله بروجردی (ره) و امام خمینی (ره) شرکت کرد. تلاش علمی ایشان در آن سال ها باعث شد تا بتواند از حضرت امام خمینی (ره) اجازه نامه اجتهاد دریافت کند.

وی در طول آن سال ها و حتی تا هم اکنون، از طریق شهریه، معاش گذرانده است و وضعیت خانوادگی، به ویژه علاقه مندی پدر به تحصیلات حوزوی، استادان بزرگوار حوزه و صبر و بردباری همسر و فرزندان خود را از عوامل مهم رشد علمی و فرهنگی خود می داند.

دوران تحصیل آیه الله یزدی، سرشار از تحصیل در محضر عالمان بزرگ بوده است. از استادان وی، هنگام تحصیل در اصفهان، می توان از آقایان: «شیخ حسن نجف آبادی»، «فقیه»، «سید محمد علی ابطحی» نام برد که بخشی از کتب دوره سطح را در خدمتشان فرا گرفت. با ورود به قم به دروس مرحوم «آیه الله لاکانی»، مرحوم «حاج آقا حسین بی‌دلا» و مرحوم «زاهدی» رفت و رسائل، مکاسب و کفایه الاصول را در محضر «آیه الله حاج شیخ مرتضی حائری»، «آیه الله مرعشی» و «آیه الله سلطانی» فرا گرفت و در درس تفسیر «علامه طباطبایی» نیز حاضر شد. وی در درس خارج علمای بزرگی همچون: «آیه الله بروجردی (ره)»، «آیه الله اراکی»، «آیه الله شیخ محمد تقی آملی»، «آیه الله شاهرودی» و نیز یک دوره کامل در درس خارج «امام خمینی (ره)» شرکت کرد.

آیه الله یزدی، ویژگی درس امام (ره) را چنین بر می شمرد:

«حضرت امام (ره) قبل و بعد از شروع سال تحصیلی به نصیحت طلاب می‌پرداختند و در اکثر مواقع هم به یاد دارم که شاگردان تحت تأثیر نفوذ کلام حضرت امام (ره) به گریه می‌افتادند. عجیب اینجا بود که مسائل مطروحه از سوی امام، گاه از اهمیت چندانی برخوردار نبود، ولی بحث و بیان امام به گونه‌ای بود که همه را به گریه می‌انداخت».

همچنین در باره همراه بودن درس امام (ره) با بینش سیاسی می‌گوید:

«ایشان در مسائل سیاسی و آموزش آن، در کنار دروس رسمی حوزه شیوه‌های عجیبی داشتند. برای مثال عرض می‌کنم که یک بار در کلاس درس اصول، از این شیوه استفاده کردند. در اصول فقه، بحثی وجود دارد تحت این عنوان که «امر و نهی در صورتی معنا دارد که مخاطب آن قابلیت تأثیر پذیری و انبعاث داشته باشد». اکثر اساتید وقتی به این مبحث می‌رسند، در مقام مثال زدن می‌گویند: به دیوار و سنگ نمی‌توان گفت چنین کن! اما حضرت امام می‌فرمودند: به «خروشچف» نمی‌شود امر کرد که نماز بخوان! خود به خود برای ما که شاگرد ایشان بودیم، این سؤال پیش می‌آمد که «خروشچف» دیگر چیست یا کیست؟ بعد می‌رفتیم دنبال پاسخ به این سؤال و همین امر بینش سیاسی ما را افزایش می‌داد و به گسترش افق دید ما کمک می‌کرد».

از دوستان و معاشران آیه الله یزدی در ایام تحصیل در اصفهان می‌توان از آقایان: فقیه ایمانی، مدنی، اخوان «ابطحی»، سید محمد علی مجلسی و سید محمد باقر مجلسی را نام برد. همچنین وی در نخستین سال‌های طلبگی با آیه الله «سید محمد حسین بهشتی» آشنا شد و نظم آن شهید سعید را شایان ستایش می‌داند. از دوستان ایشان در زمان تحصیل در قم نیز می‌توان از آقایان: «محمدی گیلانی»، «شیخ حسین مظاهری»، «شیخ محمد تقی مصباح یزدی»، «سید علی اکبر موسوی یزدی» و «حاج شیخ مرتضی تهرانی (انصاری)» نام برد.

زندگی آیه الله یزدی، همواره با تلاش‌ها و دغدغه‌های علمی و فرهنگی همراه بوده است. بخشی از این تلاشها در قالب سخنرانیها و تدریسه‌ها تبلور یافته است که اغلب، اساسی‌ترین مباحث اسلام و تشیع در آن مورد مذاقه قرار گرفته است و تا هم اکنون نیز ادامه دارد. بخش دیگر آن نیز در قالب مقالات و کتب مفیدی است که جوانان و طالبان علم را از معارف والای مکتب تشیع بهره‌مند می‌سازد. ایشان نخستین مقاله‌های خود را در نشریه «حکمت» به چاپ رساند. از جمله کتب ایشان که در زمان طاغوت به چاپ رسید، کتاب «گمشده شما» بود که چاپ آن باعث شد فردی به نام «مردوخ» به بهانه آن، تهمت‌های ناروایی را به ساحت تشیع ابراز دارد. این مسأله باعث شد که آیه الله یزدی تهمت‌های او را در کتابی با عنوان «پاسخ به تهمت‌های مردوخ» پاسخ دهد که هر دو کتاب «گمشده شما» و «پاسخ به تهمت‌های مردوخ» مورد عنایت زعیم عالیقدر شیعه، حضرت امام خمینی (ره) قرار گرفت. آیه الله یزدی در طول دوران مبارزه بر ضد رژیم شاهنشاهی، حتی در زمان تبعید، دست از نگاشتن در جهت تبیین معارف اسلامی برنداشت و تا کنون، کتابها و مقالات بسیاری را به چاپ رسانده‌اند.

زندگی سیاسی حضرت آیه الله یزدی، با توجه به مبارزه بی‌امان ایشان با رژیم شاه و نیز افشاگری‌های فراوان که به تبعید و شکنجه معظم له منجر می‌شد و با نگاه به سابقه مدیریت ایشان در دوران پیروزی انقلاب اسلامی، بخشی از تاریخ انقلاب را تشکیل می‌دهد و مطالعه آن، فضای مبارزه و مقاومت را در اذهان دوستداران انقلاب زنده می‌سازد. آیه الله یزدی با ورود به حوزه علمیه قم، مبارزه و درس را توأمان آغاز می‌کند و با شرکت در درس امام خمینی (ره) و جلسات عمومی و خصوصی ایشان، توانایی و عزم خود را برای پی‌گیری جریان‌های سیاسی و پیروی از خط مشی امام (ره) اعلام می‌دارد. ارتباط وی با امام با حاضر شدن در درس خارج اصول ایشان در مسجد سلماسی و پرسش‌های علمی و سیاسی در پایان درس آغاز شد.

در آن ایام، در عصرهای جمعه، بیشتر جوانان به سینما می‌رفتند و جو سینماها آکنده از فیلم‌های زشت و مبتذل بود. حضرت امام (ره) با توجه به این معضل، از علماء و طلاب خواسته بودند که جلساتی را در عصرهای جمعه برقرار کنند. رساندن این پیام امام (ره) در برخی از شهرها، به عهده آیه الله یزدی بود. یکی از آن جلسات، جلسه معروف مسجد امام حسن عسگری (ع) واقع در قم

بود که هر یک از علماء، ده شب در آنجا به سخنرانی می‌پرداخت. هنگامی که نوبت به آیه الله یزدی رسید، به جای ده شب، بیست شب آن جلسه را اداره کرد. عنوان بحث های وی در آن بیست شب، «انقلاب های تاریک و روشن» بود که امام (ره) نیز یک شب به آن محفل آمد و تا پایان جلسه هم حضور داشت.

سخنرانی های ایشان در آن ایام، چنان مؤثر و شور آفرین بود که باعث شد امام خمینی (ره) ایشان را احضار فرماید و شیشه عطری هدیه و برای ایشان دعا نماید. ویژگی سخنرانی های آیه الله یزدی این بود که در سخنرانی خود ضمن بیان مکتب و روش اهل بیت و نیز خط مشی دشمنان آنها، واقعیات مبارزه و مصداق های کنونی دشمنی با اهل بیت را بیان می‌کرد؛ مثلاً در باره نهضت امام حسین (ع) سخن می‌گفت و بدی و پلیدی یزید و پیروانش را به مردم گوشزد می‌کرد. سپس حسینیان زمان و یزیدیان این دوره را با ویژگی های آنها و با انطباق با صدر اسلام بیان می‌فرمود. کتاب «حسین بن علی را بهتر بشناسیم» حاصل این سخنرانیها بود که چند بار، ساواک آن را از بازار جمع آوری کرد. ساواک که این گونه افشاگریها را بر نمی‌تافت، آیه الله یزدی را بارها دستگیر و ممنوع المنبر کرد؛ از جمله دستگیری بعد از ۲۱ رمضان در مسجد جامع قم و پس از سخنرانی در منزل آیه الله گلپایگانی را می‌توان نام برد. ساواک بارها ایشان را تبعید کرد که طولانی‌ترین آنها پس از بندر لنگه و بوشهر، رودبار بود؛ اما آیه الله یزدی در دوره تبعید نیز دست از مبارزه بر نمی‌داشت و بارها به طور مخفیانه به تهران و قم می‌آمد و در جریان امور قرار می‌گرفت و اعلامیه‌های امام را برای مردم و علمای شهرها می‌برد. ایشان در قم و تهران جلساتی را به صورت مخفی تشکیل می‌داد و با افراد و جریانهای گوناگون به تبادل نظر می‌پرداخت که به (جلسات زیرزمینی) شهرت یافته بود.

از دیگر فعالیتهایی که در کارنامه سیاسی آیه الله یزدی می‌درخشد؛ پناه دادن به آن دسته از سربازان فراری بود که پس از دستور امام (ره) و پیش از پیروزی انقلاب، از ارتش گریخته و به مردم پیوسته بودند. منزل او در آستانه پیروزی انقلاب، مرکز تلاش ها و نیز حل و فصل بسیاری از امور جریان های انقلاب بود. همان منزلی که امام (ره) پس از پیروزی انقلاب و مراجعت به قم، در آن ساکن شدند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در اولین سخنرانی امام (ره) در فیضیه که شور و شوق فراوان و کثرت جمعیت مانع از انجام این سخنرانی بود؛ حضرت امام به ایشان دستور می‌فرمایند برای آرام کردن مردم ایراد سخن کنند و ایشان نیز امر امام را اطاعت نمودند که خاطره آن در اذهان حاضران در آن روز بزرگ، باقی مانده است.

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از مراکز بسیار مهمی بود که در زمان رژیم طاغوت، خدمات شایانی را به مبارزات ملت ایران برای دست یابی به انقلاب اسلامی انجام داده است. آیه الله محمد یزدی، از آغازین روزهای تأسیس این مرکز، با آن همکاری داشته است و این همکاری تا کنون نیز ادامه دارد. ایشان خود در باره جامعه مدرسین می‌گوید:

«جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در شمار مراکزی بود که بی آنکه تبلیغات هنگفتی برای اثبات ارزش و اعتبار خود بنماید، توانست احترام توده مردم را نسبت به خود جلب کند. مردم اعضای جامعه را افرادی متدین و فاضل یافته بودند و عمیقاً به این باور رسیده بودند که اینان کسانی نیستند که برای قصد و غرض دنیوی کاری انجام داده و سخنی بگویند و جز برای خیر و انجام وظیفه دینی و الهی خود کاری نمی‌کنند.

آیه الله محمد یزدی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز همواره در خدمت نظام و بازوی توانای امام و رهبری بود. ایشان در مسؤولیت‌های بسیار مهمی ایفای نقش نموده‌اند

یزدی، محمدتقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، عالم دینی، فقیه و اصولی. اصل وی از یزد بود. در فقه و اصول تبحر داشت و از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و از ملازمان او در نجف بود. از آثارش: «مجموعه الهدایه»، در سهبخش شامل: اصول‌الدین، فروع منطبق بر فتاوی شیخ انصاری و معاصی صغیره و کبیره که در ۱۲۷۷ ق در یزد به چاپ رسید. به گفته‌ی شیخ آقا بزرگ تهرانی احتمالاً صاحب عنوان بعد از این تاریخ در گذشته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۰ / ۱۰۹)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۲۱۰ / ۱۳)، معجم‌المؤلفین (۱۳۴ / ۹).

یزدی، محمد کاظم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آن وجود سعادت‌مند در سال ۱۲۴۸ قمری . در روستای ((کسنویه)) یزد پا به عرصه گیتی نهاد. از همان زمان بزرگی در چهره کوچکش نمایان بود و با تولدش ، رشته های امید را در قلب پدر و مادر خویش محکم ساخت . پدرش به تبرک نام رسول خدا صلی الله علیه و آله و با یاد امام هشتم شیعیان ، او را محمد کاظم نام نهاد. گروه : علوم انسانی‌رشته : الهیات و معارف اسلامی‌تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید محمد کاظم دوران کودکی و نوجوانی را پشت سر گذاشت و با تشویقهای پدر و مهم تر از همه عنایت خاص خداوند ب علوم دینی رو آورد. و حوزه علمیه ((دومنار)) یزد یعنی بزرگترین حوزه آن شهر، پذیرای آن نوجوان مخلص از دودمان پاک پیامبر صلی الله علیه و آله شد. سید محمد کاظم مدتها در درس ادبیات استاد ملا محمد ابراهیم اردکانی و زین العابدین عقدایی شرکت کرد و از آن دو بهره های فراوان برد. جدیت فراوانش در کسب علوم اهل بیت علیهم السلام او را مورد توجه اساتید مدرسه قرار داد. پس از اتمام ادبیات عرب ، در درس فقه و اصول آخوند ملا- هادی یزدی که از علمای بزرگ آن زمان محسوب می شد دوره سطح را به پایان رسانید. دیری نپایید که مقام علمی اش او را در زمره نزدیکان خاص استاد جای داد. وی در مدت زمان کوتاهی ، علم هیئت و ریاضی را آموخت و طولی نکشید که در زمره اساتید این علوم در آمد. حوزه علمیه اصفهان نیز دورانی به وجود استادی گرانقدر چون یزدی مفتخر گردید. وی با ورودش به اصفهان در مدرسه صدر سکونت گزید. سید محمد کاظم ، ابتدا درس علامه شیخ محمد باقر نجفی فرزند شیخ محمد تقی نجفی ، نویسنده کتاب ((هدایه المسترشدین)) را بر درس سایر علما ترجیح داد. و از محضر اساتیدی چون آیه الله سید محمد باقر موسوی خوانساری و برادرش آیه الله حاج میرزا هاشم خوانساری و آیه الله محمد جعفر آبا‌ده ای استفاده های فراوانی برد. سید محمد کاظم در سال ۱۲۸۱ ق . با اجازه و معرفی استادش آیه الله شیخ محمد باقر نجفی ، به همراه چند تن از علما به نجف اشرف هجرت کرد و در آنجا از محضر بزرگانی همچون آیه الله شید محمد حسن شیرازی (میرزای بزرگ) (فتوا دار تحریمی تنباکو، آیه الله شیخ راضی و آیه الله شیخ مهدی جعفری و آیه الله شیخ مهدی آل کاشف الغطاء استفاده های علمی و توشه معنوی فراوانی کسب نمود. فعالیتهای ضمن تحصیل : با توصیه استاد خود ملا هادی یزدی، در ضمن فراگیری فقه و اصول ، به تدریس ادبیات پرداخت . کیفیت تدریس و شیوه بیان او، سرانجام کار را بدانجا رساند که بعد از اندک زمانی سید محمد کاظم یزدی به مثابه یکی از اساتید حوزه علمیه یزد شناخته شد. جوان یزدی پس از مشورت با دو استادش ، اردکانی و عقدایی ، به امید بهره مندی از وجود مقدس امام هشتم علیه السلام راهی مشهد مقدس شد تا با استعانت از آن امام همام ، به مقامات علمی و معنوی نایل آید. استاد یزدی تبار، هیچ گاه از تدریس غافل نبود. وی بعد از

هجرت میرزای شیرازی به سامرا به طور رسمی حوزه درس خود را در نجف تشکیل داد و به تدریس دروس عالی فقه و اصول که مرحله نهایی تحصیلات حوزوی است، پرداخت. دیری نپایید که شاگردان زیادی در درس ایشان حاضر شدند، به طوری که عدد آنان را تا دویست نفر ذکر کرده اند. استادان و مربیان از استادانی که محمد کاظم یزدی در محضرشان کسب فیض نموده است به شرح زیر می باشد: علامه شیخ محمدباقر نجفی، آیه الله حاج میرزا هاشم خوانساری، آیه الله محمدجعفر آبادیه ای، ملا محمدابراهیم اردکانی، زین العابدین عقدایی، ملا هادی یزدیهمسر و فرزندان: آیه الله سید محمد کاظم یزدی، دارای شش فرزند پسر بود که همگی از علما و فضلا به شمار می آمدند. اسامی آنان بدین شرح است: ۱. عالم مجاهد سید محمد یزدی که در میدان نبرد با استعمار، شربت شهادت نوشید. ۲. سید احمد. ۳. سید محسن. ۴. سید محمود. ۵. آقا سید علی. ۶. سید اسدالله (۱۳۸۴) از دختران سید در تاریخ نامی به میان نیامده است. وقایع میانسالی: بعد از ابلاغ فتوای جهاد، جمع زیادی از علما به سوی جبهه های جنگ شتافتند. از جمله سید محمد یزدی فرزند ارشد آیه الله یزدی، با حضور در جبهه رشادت خاصی از خود نشان داد و سرانجام نیز به درجه رفیع شهادت نایل گشت. آیه الله العظمی سید محمد کاظم یزدی با حضور روسا، بزرگان نجف و اولاد و بستگان خود چهار وصی معین کرد که عبارتند از: ۱. آیه الله شیخ لاحمد کاشف الغطاء. ۲. علامه شیخ محمد حسین کاشف الغطاء. ۳. آیه الله آقا میرزا محمود تبریزی. ۴. آیه الله آقا شیخ علی مازندرانیبر اساس وصیت سید این چهار تن موظف شدند که تمام موجودی وجوهات شرعی اعم از سهم امام علیه السلام، سادات، کفارات و مظالم را به مرجع تقلید بعدی تحویل دهند. گفتنی است در جلسه تعیین وصی یکی از نوادگان به سید محمد کاظم عرض کرد: برخی نوادگان شما یتیم هستند و تحت سرپرستی شما بوده اند، خوب است چیزی برای آنها هم تعیین کنید. سید با آن کسالت جسمی و با صدای ضعیف و رنجور که حکایت از عروجی نزدیک داشت، فرمود: ((نوادگان من اگر متدین هستند، خدا روزی آنها را می رساند و اگر نه، چگونه از مالی که از آن من نیست، به آنان کمک کنم.)) زمان و علت فوت: هر چه از ماه رجب می گذشت حال سید رو به وخامت می گذاشت و رنگ رخسارش زردتر می شد. این وضع تا شب سه شنبه ۲۸ ماه رجب سال ۱۳۳۷ ق. ادامه داشت. سرانجام نزدیک طلوع فجر، خورشید فقاقت، ایثار، زهد و مردانگی غروب کرد و به ملکوت اعلی پیوست. فرزندش حضرت آیه الله سید علی یزدی، بر جنازه پدر نماز خواند و بدن مبارک را در صحن مطهر حضرت علی علیه السلام، در ایوان کبیر (پشت جامع عمران، جنب در طوسی، پشت سر مبارک حضرت علی علیه السلام و در جوار پسر شهیدش) به خاک سپردند. او رفت اما اندیشه پاکش هرگز از یاد نمی رود. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: محمد کاظم یزدی بعد از رحلت آخوند خراسانی و آیه الله محمد طه نجف، زعیم بزرگ جهان تشیع گردید و به مثابه بزرگترین قدرت مذهبی و یگانه پاسدار حریم تشیع، حفظ کیان مسلمین را بر عهده گرفت. آن روز که دشمنان اسلام، کمر به نابودی اسلام بسته بودند این مرد بزرگ چونان مجاهدی نستوه و سیاستمداری فرزانه به صحنه آمد. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: آیه الله یزدی در طول عمر مبارک خود، آثار زیادی را به یادگار گذاشت و کمکهای بسیاری به سرپرستان و یتیمان مبذول داشت. وی در عمران شهرها و روستاها بویژه در ساخت مسجد، حمام و کاروانسرا، همتی والا و نسبت به رسیدگی به امور حوزه های علمیه و طلاب علوم دینی، عنایت خاصی داشت و بناهای زیادی را بنیاد نهاد که مهمترین آنها، مدرسه علمیه و کتابخانه ایشان در نجف اشرف است. اولین مدرسه، معروف به مدرسه سید در خیابانی بین خیابان رسول و بازار حویش قرار دارد و دومین مدرسه نیز در محله العماره واقع شده است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: آیه الله یزدی، بر مباحث فقهی تسلط کامل داشت. از این رو مسائل مشکل و پیچیده فقهی را با بیانی روان و ساده و با استدلالی قوی، به طلاب عرضه می کرد، به گونه ای که شاگردان فراوانی جذب شیوه درس وی شدند. بعد از اعلان قانون اساسی در دولت عثمانی، آیه الله سید محمد کاظم یزدی به مخالفت با آن برخاست و به سختگیری و آزار و اذیت مسلمانان از سوی دولت اعتراض نمود به طوری که حکومت عثمانی او را به تبعید خارج از عراق تهدید کرد. بعضی از مشروطه خواهان ایرانی، فرصت را غنیمت شمرده، از طریق ارسال تلگراف به

استانبول، تهمت‌های ناروایی به او نسبت داده، به این امید که از ناحیه حکومت عثمانی در حق وی سختگیری شود و مورد آزار و اذیت قرار گیرد. اهمیت موضع گیری سید در برابر خودی‌های دگر اندیش وقتی آشکار می شود که بدانیم یکی از رهبران ترک تلاش نمود تا شاید بتواند با اقداماتش او را از نظرش منصرف سازد تا وی دست از مخالفت با قانون اساسی دولت عثمانی بردارد. از همین رو در نجف اشرف به زیارت سید شتافت و از او خواست که با فتوایش قانون اساسی آنان را مورد تایید قرار دهد. سید پس از اندکی درنگ جواب داد: شعار شما شعار غربی و قانون شما، گرفته شده از بیگانه است. اینها که از آزادی و دموکراسی دم می زنند در پوشش مظاهر غربی، جز نابودی اسلام چیزی در سر ندارند! در سال ۱۹۱۴ م (۱۳۳۲ ق.) همزمان با جنگ جهانی اول، انگلستان علیه امپراتور عثمانی اعلان جنگ داد و دامنه جنگ به کشور اسلامی عراق کشیده شد. انگلیس برای تصرف بصره در شط العرب نیرو پیاده کرد. آیه الله سید محمد کاظم یزدی با فتوی خود مبنی بر وجوب جهاد، مسلمانان را به جهاد علیه کفار انگلیس ترغیب می کرد. آثار: السوال و الجواب، الصحیفه الکاظمیه، العروه الوثقی و یژگی اثر: العروه الوثقی مهمترین تالیف و ارزنده ترین کتاب فقهی آیه الله سید محمد کاظم یزدی به حساب می آید. این اثر فقهی به حدی معروف است که مولف آن نزد همگان، بخصوص علما و فضلاء حوزه های علمیه به ((صاحب عروه)) شناخته می شود. کتاب مزبور در بر گیرنده ابواب مختلف فقه است. و احکام و مسائل شرعی را بیان می کند. این اثر، در مجموع، محتوی ۳۲۶۰ مساله در سه جلد تالیف شده است. مسائل کتاب به نحوی ترتیب یافته که دستیابی به آنها بسیار آسان و همواره مورد توجه مراجع تقلید بوده است و بسیاری از مراجع بزرگ بر آن حاشیه یا شرح نوشته اند. در مقدمه کتاب ((مستمسک العروه الوثقی)) تالیف آیه الله سید محسن طباطبایی حکیم که اولین شرح بر ((العروه الوثقی)) می باشد آمده است: ((کتاب پرارزش عروه الوثقی از حیث دقت و تحقیق، به گونه ای است که در حوزه های محور درسی بسیاری از فقها قرار می گیرد. با اینکه قبل از آن محور درسهای فقهی علما، کتاب ((شرایع الاسلام)) و ((تبصره المتعلمی)) بود اما با ظهور کتاب عروه الوثقی، این کتاب ارزشمند محور درسی حوزه های علمیه گردیده و شروح و تعلیقات زیادی بر آن نگاشته شده است...)) ۴ حاشیه بر مکاسب، رساله اجتماع امر و نهی، رساله فی التعادل و التراجیح

منابع زندگینامه: سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما ۱kz - /www.hawzah.net

یزدی، معین الدین

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ف. ۷۸۹ ه.ق) مؤلف کتاب «مواهب الهی» که تاریخی است درباره خاندان مظفری از آغاز تا هنگام جنگ شاه شجاع و برادرش شاه محمود که به سال ۷۵۷ ه.ق اتفاق افتاده است. معین الدین در شیراز مجلس درس داشته و گاه ممدوح وی شاه شجاع در مجلس درس وی حاضر می شده. وی مدتی در کرمان به مدرسی یکی از مدارس مشغول بود.

حاج معین الدین یزدی از دانشمندان روزگار محمد مظفر بوده و در سال ۷۵۷ تاریخ آل مظفر را نوشته و به مواهب الهی موسوم ساخته و نیز کتابی به نام حدائق الحقایق در تفسیر سوره یوسف دارد.

وی بنابر نقل جامع مفیدی اعلم علماء وافقه فقهای زمان خود بوده و به تدریس علوم عقلی و نقلی اشتغال داشته است و در سال ۷۸۰ ق وفات نموده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

یزدی، نجم‌الدین عبدالله

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۸۱ ق)، عالم دینی، فقیه و منطقی. جامع معقول و منقول بود. وی همدرس ملا احمد مقدس اردبیلی و ملا میرزا جان باغنوی شیرازی بود و در فراگیری علوم عقلی نزد ملا- جمال‌الدین محمود، شاگرد علامه دوانی، تلمذ نمود. شیخ حسن بن شهید ثانی، صاحب «معالم»، و سید محمد بن ابوالحسن عاملی، صاحب «مدارک»، بر او قرائت کرده‌اند. او نیز به نوبه‌ی خود نزد ایشان علوم شرعی را فرا گرفته است. در «هفت اقلیم» از خود وی نقل شده که گفته است. در «هفت اقلیم» از خود وی نقل شده که گفته است اگر برهان و دلایل عقلی بر مسائل فقهی بیاورم علم فقه را چنان مدلل سازم که مجال چون و چرا نماند. وی صاحب حاشیه‌ی معروف بر «تهذیب المنطق» تفتازانی مشهور به «حاشیه ملا عبدالله» و از اساتید شیخ‌بهائی می‌باشد. اصحاب تراجم مراتب علم، تقوی، زهد و ورع او را ستوده‌اند. در اواخر دولت شاه طهماسب صفوی در عراق عرب درگذشت. در «الاعلام» و «معجم المؤلفین» وفات وی ۱۰۱۵ ق در اصفهان ذکر شده است. از دیگر آثار او: «التجارة الرابعة فی تفسیر السورة والفاضة»؛ «الدرة السنية فی شرح الرسالة الالفية» که شرح «الفیه» شهید اول است؛ حاشیه بر «حاشیه خطائی»؛ حاشیه بر «شرح شمسیه» قطبی؛ حاشیه بر «استبصار»؛ شرح «القواعد» در فقه؛ حاشیه بر «مطول»؛ شرح «العجالة» محقق دوانی.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴/۲۰۹)، الذریعه (۳۶۸-۳۶۷/۱۳، ۲۰۳، ۷۳-۷۲، ۷۱، ۶۰/۶، ۳/۳۴۸)، روضات الجنات (۲۲۴-۲۲۲/۴)، ریحانه (۳۹۱-۳۹۰/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰/۱۳۵)، فوائد الرضویه (۲۴۹)، کشف الظنون (۴۷۶)، معجم المؤلفین (۶/۴۹)، هدیة العارفین (۴۷۴-۴۷۳/۱)، هفت اقلیم (۱/۱۵۵).

یزدیان، ضیاء‌الدین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ضیاء‌الدین یزدیان در سال ۱۳۲۸ در یزد زاده شد. پس از اخذ دیپلم در ۱۳۴۶ در یزد، وارد دانشگاه شد و دکتری پزشکی عمومی از دانشگاه تهران در ۱۳۵۳ و سپس تخصصی چشم پزشکی از همان دانشگاه در ۱۳۵۷ اخذ کرد و بعد از گذارندن دوره فلوشیپ در رشته چشم پزشکی اطفال (واسترایسم) در سال ۱۳۶۵، به امریکا رفت در بیمارستان کودکان تگزاس دوره‌های تکمیلی استرایسم را در دانشگاه هوستون گذراند و اکنون استاد دانشگاه تهران و عضو هیئت علمی گروه چشم پزشکی بخش استرایسم بیمارستان فارابی است. گروه: علوم پزشکی - چشم پزشکی - استرایسم و چشم پزشکی اطفال والدین و انساب: ضیاء‌الدین یزدیان پدر خود را در سن ۱۱ ماهگی از دست داده است و مادر او پس از دست دادن همسر از دواج نکرده و تک فرزندی خود را بزرگ نموده است. خاطرات کودکی: نداشتن پدر در دوران کودکی او موثر بود و لی باعث شد که او اعتماد به نفس خود را پیدا نموده و بتواند در دوران تحصیل شاگرد ممتاز و در بعضی از سال‌ها شاگرد اول باشد از دوران کودکی علاقه زیادی به موسیقی سنتی ایران داشت و بخصوص در بین سازها ویلن را، ولی هیچگاه موفق به یادگیری آن نشد. ولی علاقه زیاد باعث شد که با کثرت

گوش دادن، بعضی از دستگاههای موسیقی ایران را یاد بگیرد و تا کنون این اشتیاق همراه وی بوده است. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: پس از فوت پدر در منزل پدر بزرگ مادری بزرگ شد و پس از اخذ دیپلم و ورود به دانشگاه از سال سوم دانشکده مجبور به کار کردن همراه به تحصیل شد و از سال ششم پزشکی مادر خد را بهمراه مادر بزرگ به تهران آورد و مخارج آنها را ضمن تحصیل تامین نمود پس از اخذ تخصص چشم پزشکی در سال ۱۳۵۷ سال بعد از ازدواج نموده و مخارج ازدواج خود را خود تامین نمود بطور کلی از کودکی سعی میکرد روی پای خود بایستد و مخارج خود را همیشه خود تامین نماید. تحصیلات رسمی و حرفه ای: - دیپلم متوسطه با رتبه ممتاز از استان یزد در سال ۱۳۴۶ - دیپلم پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی تهران سال ۱۳۵۳ - دیپلم تخصصی چشم پزشکی از دانشگاه علوم پزشکی تهران سال ۱۳۵۷ - اخذ مدرک فلوشیپ چشم پزشکی اطفال و استراییسم سال ۱۳۸۱ خاطرات و وقایع تحصیل: ضیاءالدین یزدیان از خاطرات آن دوران این چنین میگوید: در دوران متوسطه موضوع انشائی توسط معلم مربوط مطرح شد تحت این عنوان " دانشمندان فرمانروایانی هستند که هیچگاه طعم شکست را نمی چشند " این موضوع انشاء تاثیر زیادی در پیشرفت تحصیلی اینجانب داشت و همیشه سعی کردم از آن حداکثر استفاده را بکنم فعالیتهای ضمن تحصیل: در ضمن تحصیل با توجه به همزمانی آن با سلطنت پهلوی دانشجویان علاقه زیادی به مذهب نداشتند ولی یزدیان همیشه سعی میکرد که حافظ دین و دیانت خود بوده و احکام عملی مذهب را بخوبی به جا بیاورد و با دانشجویان گروه انجمن اسلامی ارتباط داشته است. استادان و مربیان: با توجه به فوت بعضی از اساتید دوران پزشکی عمومی ولی ضیاءالدین یزدیان از آنان دکتر یوسف بهرامی مؤید، دکتر حسن شهیدی، دکتر محمد شکری، دکتر محمدصادق پیروز، و از اساتید خارجی پروفیسور گانتر وان نوردن را به نیکی یاد میکند. هم دوره ای ها و همکاران: دکتر احوود جوادیان، دکتر هرمز شمر ف دکتر عادل رزاقی، دکتر زهرا اعلی هرندی، دکتر مرتضی مواسات، دکتر ناصر مشهودی، در رشته چشم پزشکی و دکتر محمد اباذری و دکتر حسین آذر نیک متخصص قلب و خانم دکتر ایزدیار متخصص اطفال و آقار دکتر اصفهانی فوق تخصص نفرولوژی از هم دوره ایها و همکاران ضیاءالدین یزدیان هستند. همسر و فرزندان: همسر وی کارشناس پرستاری است و در سال ۱۳۵۸ با وی ازدواج کرد و حاصل این ازدواج سه فرزند است که همگی دانشجو هستند وقایع میانسالی: ضیاءالدین یزدیان از وقایع این دوران بعد از فوت پدر در ۱۱ ماهگی درگذشت پدر بزرگش در سال چهارم پزشکی که مسئولیت وی را داشت ذکر میکند. و مجبور میشود ضمن تحصیل به کار کردن نیز پردازد و مسئولیت خود و مادر را بعهده داشته باشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: ۱- رئیس بخش استراییسم بین سالهای ۱۳۷۸-۱۳۶۵ ۲- رئیس کمیته تدوین آئین نامه دستیاری چشم پزشکی از سال ۱۳۷۹ ۳- عضو هیئت بورد تخصصی چشم پزشکی بین سالهای ۷۹-۱۳۶۷ ۴- عضو انجمن علمی چشم پزشکی ایران از سال ۱۳۷۸ ۵- دبیر علمی کنگره سراسری چشم پزشکی در سال ۱۳۸۵ ۶- دبیر علمی سمینار لچی های چشم در سال ۱۳۶۷ فعالیتهای آموزشی: ضیاءالدین یزدیان در سال ۱۳۸۱ به درجه استادی نائل آمد و هم اکنون استاد دانشگاه تهران و عضو هیئت علمی گروه چشم پزشکی بخش استراییسم بیمارستان فارابی است وی همچنین تدریس به دانشجویان پزشکی و دستیاران چشم پزشکی و همچنین کسانی که در دوره های فلوشیپ چشم پزشکی اطفال و استراییسم از بدو استخدام تا کنون را بر عهده دارد و استاد راهنمای بسیاری از پایان نامه های چشم پزشکی بوده است. مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می آید: ضیا الدین یزدیان امجری و موسس بخش استراییسم بیمارستان فارابی در سال ۱۳۶۵ است که برای اولین بار بود که این کار انجام میشد و منحصر به فرد است و در هیچ جا چنین بخشی به گفته خودشان دایر نشده است. و نیز تزریق سم بوتولینیم A در بیماران استراییسمی و آموزش آن به همکاران برای اولین بار در ایران در سال ۱۳۷۲ از دیگر فعالیت های وی است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: عضو انجمن استراییسمو لوژیست های بین المللی از سال ۱۹۸۷ عضو چشم پزشکان اطفال و استراییسم آمریکا از سال ۱۹۹۵ عضو آکادمی چشم پزشکی آمریکا از سال ۱۹۸۳ عضو گروه تحریریه مجله چشم پزشکی بینا از سال ۱۳۷۴ از دیگر فعالیت های دکتر یزدیان است که علاوه بر تدریس و آموزش و

طبابت به آنها می‌پردازد. شاگردان: دکتر ایرج احدزادگان، دکتر علیرضا کشتکار جعفری، دکتر فرامرز انوریف دکتر احمد عمری، در رشته استراییسم و از مراکز دیگر دکتر عباس باقری، دکتر سلطان سنجرى، دکتر رضا اسدی از شاگردان وی هستند. همفکران فرد: از همکاران وی دکتر حسن هاشمی، دکتر علی صادقی تاوی، دکتر محمد رضا منصوری، دکتر احمد جوادیان، از مراکز دیگر دکتر عباس باقری، دکتر سلطان سنجرى، دکتر رضا اسدی میتوان اشاره کرد. آرا و گرایشهای خاص: موسیقی اصیل ایرانی، ورزش تنیس، درمان بیماران استراییسمی، تدریس، تحقیق و نوشتن مقالات در زمینه استراییسم از گرایشات خاص دکتر یزدانیان است. جوایز و نشانها: شاگرد اول دیپلم از استاد یزد لوح تقدیر به مناسبت دبیری علمی کنگره سراسری چشم پزشکی در سال ۱۳۸۵

آثار: ۱. Re-recession of lateral rectus muscles in patients with recurrent exotropia ویژگی اثر: این مقاله در مجله خارجی ژورنال AAPOS جلد ۱۰ شماره ۲ ماه آوریل شال ۲۰۰۶ میلادی به چاپ رسیده است. ۲. اصلاح تورتیکولی چشمی یا جابجایی افقی عضلات رکتوس عمودی ویژگی اثر: این مقاله در مجله بینا سال اول شماره ۲ سا ۱۳۷۴ چاپ شده است. ۳. ایجاد فیوژن و استرئوپسین بعد از عمل جراحی استراییسم در افراد بالای ۱۰ سال ویژگی اثر: این مقاله در مجله بینا سال اول، شماره چهارم سال ۱۳۷۵ به چاپ رسیده است. ۴. بررسی اثر لودوپا-کاربی دوپا در درمان آمیلیو پسی بزرگسالان ویژگی اثر: این مقاله اثر دکتر یزدیان در مجله بینا سال دوم، شماره ۲ در زمستان ۱۳۷۵ ه.ش به چاپ رسیده است. ۵. مبانی چشم پزشکی (مبحث استراییسم و آمیلیوی) ویژگی اثر: استاد دکتر ضیاءالدین یزدیان مبحث استراییسم و آمیلیوی را در کتاب مبانی چشم پزشکی اثر دکتر محمد علی جوادی تهیه کرده است. ۶. مقایسه نتایج جراحی جابجایی افقی عضلات رکتوس عمودی به محل اتصال رکتوس خارجی توام با موتور تقویت کننده ویژگی اثر: این مقاله در مجله چشم پزشکی ایران شماره ۳ جلد ۱۲ سال ۱۳۷۹ به چاپ رسیده است.

یزدی زاده، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۲- ۱۲۹۴ ش)، نویسنده و استاد دانشگاه. تحصیلات خود را در ۱۳۰۷ ش در دارالفنون به پایان رساند و در همان سال از طرف دولت جهت گذراندن دوره‌ی دانشکده‌ی دامپزشکی به پاریس رفت و سپس با درجه‌ی دکترا به ایران آمد و مأمور تشکیلات دامپزشکی خراسان شد. وی همچنین در دانشکده‌ی دامپزشکی، بهداشت اندام‌شناسی و دامپروری تدریس می‌کرد. از آثار وی: «اندام‌شناسی اسب»؛ «اصلاح گاو به وسیله‌ی انتخاب و تلقیح مصنوعی»؛ «پرورش گوسفند یا دامپروری»؛ «پرورش گاوهای شیری» [۱].

مدرس.

تولد: ۱۲۹۴، تهران.

درگذشت: بهمن ۱۳۷۲، تهران.

محمود یزدی زاده تحصیلات خود را در دارالفنون در سال ۱۳۰۷ به پایان رسانید و در همان سال از طرف دولت به فرانسه روانه شد و دوره‌ی دانشکده‌ی دامپزشکی پاریس را در دانشگاه آلفر به پایان رسانید و پس از گذراندن درجه‌ی دکتری در سال ۱۳۱۴ به ایران بازگشت و در بدو ورود مأمور تشکیلات دامپزشکی خراسان شد. در سال ۱۳۱۹ به ریاست بنگاه دامپروری حیدرآباد مشغول

شد و سپس استاد بهداشت و اندام‌شناسی و دامپرووری دانشکده‌ی دامپزشکی شد. وی تا سال ۱۳۲۸ مؤسسه‌ی دامپرووری حیدرآباد را اداره می‌کرد. دکتر یزدی‌زاده در سال ۱۳۴۴ بازنشسته شد. وی همچنین در تأسیس کارخانه‌ی شیر پاستوریزه تهران نیز مشارکت داشت.

از آثار اوست: اندام‌شناسی اسب (۱۳۳۷، نشریه‌ی ۴۹۳ دانشگاه)؛ اصلاح گاو به وسیله‌ی انتخاب؛ پرورش گاوهای شیری؛ پرورش گوسفند.

محمود یزدی‌زاده در بهمن ۱۳۷۲ در تهران درگذشت و پیکر وی در ابن‌بابویه به خاک سپرده شد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۶۰۰، ۳۵۳، ۲۴۴/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۱۲-۱۱۱/۶).

یزگردی، امیر حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ادیب، محقق، مدرس.

تولد: ۱۳۰۶، تهران.

درگذشت: ۴ فروردین ۱۳۵۶، تهران.

امیر حسین یزدگردی در سال ۱۳۲۹ از دانشسرای عالی درجه‌ی لیسانس و سال ۱۳۳۶ از دانشگاه تهران دکترای ادبیات فارسی دریافت داشت. از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۴ در وزارت آموزش و پرورش شهرستان قم و پس از آن، تا سال ۱۳۵۹، در دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران به تدریس مشغول بود. او در عین حال آثار چندی را برای چاپ آماده کرد که از آن جمله است: مقاله و تصحیح دیوان ظهیر فاریابی و حواشی بر دیوان حافظ و مرزبان‌نامه و جهانگشای جوینی و راحة الصدور راوندی (که به چاپ نرسیده است)؛ تصحیح و تعلیق نقشه‌المصدر (شهاب‌الدین محمد زیدری، ۱۳۴۳)؛ حواصیل و بوتیمار (این کتاب در یازدهمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برنده‌ی رشته‌ی تاریخ و نقد در بخش ادبیات شده است)؛ مساعدت در زمینه‌ی تحشیه به مجتبی مینوی برای تصحیح کلیله و دمنه، همچنین بدیع‌الزمان فروزانفر از همکاری او در تصحیح بعضی از مجلدات دیوان کبیر مولانا یاد کرده است.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

یشکری، ابوالعباس احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۳۷۰ ق)، محدث. اصل وی از دینور، از توابع کرمانشاه بود. در بغداد ساکن گشت و در آنجا از ابوبکر بن ابوداود سجستانی و سلیمان بن عیسی جوهری و ابوبکر بن درید و ابراهیم بن محمد بن عرفه نفطویه و ابوبکر بن انباری و محمد بن یحیی صولی حدیث شنید. امیر ابو محمد حسن بن عیسی بن مقتدر بالله بود. از آثارش جزوه‌هایی است که به «یشکریات» معروف است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۱۵۵- ۱۵۴/۵)، شذرات الذهب (۳/۷۱)، معجم المؤلفین (۲/۱۸۳).

یشیل کایا، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی رضا یشیل کایا

محل تولد: ترکیه- استانبول

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

علیرضا یشیل کایا ۱۷۲ در ترکیه به دنیا آمد در منطقه توزلجا دوران دورسی ابتدائی را تمام کردم در تاریخ ۱۹۸۴ به استانبول رفتم در استانبول تحصیل را در رشته تخصصی ماکینا و تکنولوژی ادامه تحصیل دادم مایتنق و قالب گیری یعنی علوم مادر تکنولوژی را یاد گرفتم هم درس خواننده ام به مدرسه رفتم در کنار این درس به ورزش علاقه مند شدم به عنوان کاراته به قول مشهور دان ۲ رسیده ام در ترکیه ۶۴ کیلوگرم مسابقه داده و نفر دوم شدم ولی با توجه به این که خانواده ام استانبول نبودند بنده الحمدلله در کنار مسجد زینبیه زندگی می کردم به مسجد زینبیه رفت و آمدم می کردم که اهل نماز بودم و یک جوان مومن و خدا شناسی بودم حرکت‌های انقلاب اسلامی را از نزدیک دنبال می کردم بعد از یک مدتی به سربازی رفتم سربازی در ترکیه ۱۸ ماه بوده ولی الحمدلله سربازی سه ماه کمتر شده بنده یک ماه را هم مرخصی استفاده نکرده بودم که روی هم رفته ۴ ماه کمتر شده و زودتر انجام وظیفه را تمام کردم بعد از ۴ ماه در سال ۱۳۷۳ به تاریخ ایران به ایران آمدم الان که تاریخ ۲۵/۱/۱۳۸۶ است در ایران هستم الان در مدرسه مبارکه شهابیه زبان فارسی را گذراندم بعد در مدرسه مبارکه مومنیه رفتم بعد از آن به مدرسه مبارکه امام خمینی ره بعد از آن به مدرسه نجفی مرعشی و بعد از آن به مدرسه مبارکه حجتی رفتم در مدرسه مبارکه مومنیه از اساتید چون آقای قمی که الان در دفتر رهبری هستند و آقایان صدریان، امینی، تهرانی، مظفری، ذاری، ذاکری، ایرام فر، احمدی، محامی که مدیر مدرسه مبارکه حجتی هستند و آقای محسن قرائتی دو ماه از محضرشان استفاده کردم از محضر آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله بروجردی و اساتید دیگر سه سال درس خارج استفاده نمودم و پایان نامه نوشتم به عنوان ترجمه و تحقیق بلاغت قبول شدم واز بیست، ۱۸ گرفتم آن را به صورت کتاب چاپ کرده ام الان بعضی از نواقص برنامه مرکز را دارم به اتمام میرسانم و ۴ امتحان دیگر مانده که مشغول تمام کردن آنها هستم که بعد از آنها به دکترای راه می یابم و مشغول دکترای می‌شوم فلسفه و منطق و تفسیر و اصول و ادبیات را خوانده ام الان در اینترنت مشغول سخنرانی های به زبان ترکی استانبولی و زبان فارسی و عربی به حد توان صحبت کردیم و مشغول تبلیغ هستیم و عاشق فلسفه منطق و تفسیر اخلاق و تاریخ دوست دارم درباره بچه کتاب ترجمه کردم آماده چاپ هست. پایان نامه ام به عنوان کتاب شده مقاله هایم در مجله در آلمان به چاپ رسیده انشاء الله بیست روز دیگر آن مجله را به

خدمتتان میاورم و در مورد اذان و اقامه مقاله هست ترجمه آماده چاپ هست.

یعقوبی، علی اصغر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فرانسه از دانشگاه تهران در سال ۱۳۲۶، کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تبریز در سال

۱۳۳۶، دکترای زبان و ادبیات فرانسه از دانشگاه سوربن پاریس در سال ۱۳۴۷، کارشناسی ارشد علوم کتابداری از دانشگاه ایلینویز

آمریکا در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح فهرست گواه‌آوری در معارف اسلامی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

گرامر *larive of fleury*، گرامر *Maurice Grevisse* و راهنمای املاء فرانسه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

زبان و ادبیات فرانسه، طیف و طبیعت پایان‌نامه دانشگاهی، دیدگاه عرفانی ویکتور هوگو.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

یغمای جندقی، ابوالحسن

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالحسن (رحیم) یغمای جندقی به علت حادثه‌ای مورد توجه امیر اسماعیل خان عامری حاکم ولایت قرار می‌گیرد. وی در دستگاه

خان به سرودن شعر می‌پردازد و به سمت منشی گری خان می‌رسد. پس از مدتی مورد توجه میرزا آقاسی قرار گرفته و به حکومت کاشان می‌رسد. یغما شاعر و ادیب بلند پایه دوران فتحعلی شاه و محمدشاه قاجار است.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: شعر

والدین و انساب: نام اولیه ای یغمای جندقی رحیم و نام پدرش حاج ابراهیم قلی است. رحیم در دستگاه امیر اسماعیل خان عامری نام خود را به ابوالحسن تغییر می‌دهد و به مجنون تخلص می‌کرد و به نام ابوالحسن مجنون معروف شد. پس از پناهنده شدن او به شاه عبدالعظیم و انزجاری که از سردار ذوالفقار خان حاکم سمنان پیدا می‌کند تخلص خود را از مجنون به یغما تغییر می‌دهد: به من از مال دنیا یک تخلص مانده «مجنون» است به کار آید گری لیلی وش آن را نیز «یغما» کن

تحصیلات رسمی و حرفه ای: ابوالحسن (رحیم) یغمای جندقی در دستگاه امیر اسماعیل خان عامری حاکم ولایت پرورش می‌یابد و به سرودن شعر می‌پردازد.

خاطرات و وقایع تحصیل: در دستگاه اسماعیل خان نام خود را از رحیم به ابوالحسن تغییر می‌دهد و تخلص مجنون را برای خود انتخاب می‌کند.

همسر و فرزندان: از فرزندان وی احمد صفایی است که نسخه‌ای از برهان قاطع را کتابت نموده به وی تقدیم کرده است.

وقایع میانسالی: ابوالحسن (رحیم) یغمای جندقی پس از آن که به حکومت کاشان می‌رسد، در آنجا با ملا احمد نراقی دوستی ای بسیار می‌یابد.

زمان و علت فوت: فوت ابوالحسن (رحیم) یغمای جندقی در سال ۱۲۷۶ هجری قمری در سن هشتاد سالگی در زادگاهش خور اتفاق افتاده است و در بقعه امامزاده داوود خور به خاک سپرده می‌شود.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: ابوالحسن مجنون در دستگاه اسماعیل خان سمت منشی گری خان را پیدا می‌کند. و در سال ۱۲۳۳ هجری قمری در جنگ سردار ذوالفقار خان حاکم سمنان و افاغنه به زور شرکت داده می‌شود. اما از آنجا که مردی هنرمند بود در دستگاه سردار به منشی گری می‌پردازد. بعدها تحت حوادثی مورد حسد اطافیان قرار می‌گیرد و دسیسه ای علیه او می‌پردازند که به دنبال آن سردار دستور می‌دهد چوب مفصلی به او بزنند. ابوالحسن (رحیم) یغمای جندقی به شاه عبدالعظیم پناه می‌برد و تخلص خود را از مجنون به یغما تغییر می‌دهد. یغما بعداً مورد توجه میرزا آقاسی قرار می‌گیرد و به حکومت کاشان می‌رسد. یغما مردی شوخ طبع و هزال بود. علاوه بر آن شاعر و ادیب بلند پایه دوران فتحعلی شاه و محمد شاه به شمار می‌رود. یغما خطوط نسخ و نستعلیق و شکسته را بسیار خوش می‌نوشته و کتابهای مختلفی را کتابت کرده است.

چگونگی عرضه آثار: بسیاری از آثار یغمای جندقی جای مشخصی ندارند و در مقدمه دیوانش از آنها یاد کرده‌اند. -----

آثار:

۱ المعجم فی معاییر اشعار العجم

۲ دیوان جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی

۳ دیوان ظهیر فاریابی به خط نستعلیق

ویژگی اثر: این اثر نزد خانواده یغماست. [سرمدی، عباس. دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام. تهران، هنرمند. ۱۳۸۰]

۴ دیوان کمال الدین اسماعیل

۵ کتابت برهان قاطع

ویژگی اثر: برهان قاطع را در سال ۱۲۴۰ هجری قمری نوشته و در سال ۱۲۶۵ به فرزندش احمد صفایی بخشیده است. این نسخه که یغما خود تصحیح کرده و بر آن مقدمه نوشته در کتابخانه حبیب یغمایی بوده است. [سرمدی، عباس. دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام. تهران، هیرمند. ۱۳۸۰.]

۶ کلیات شیخ سعدی

ویژگی اثر: این اثر برای شاهزاده بهالدوله کتابت شده است. [سرمدی، عباس. دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام. تهران، هیرمند. ۱۳۸۰.]

۷ مقامات حمیدی

منابع زندگینامه: ۱. سرمدی، عباس. دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام. تهران، هیرمند. ۱۳۸۰.

یکتا اصفهانی، مجید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۴ - ۱۲۹۰ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به یکتا. در اصفهان به دنیا آمد و تحصیلات خود را در آموزشگاه‌های زادگاهش به اتمام رساند و در خدمت محمد کاظم غمگین قواعد شعر و فنون ادب را آموخت. او شعر را نیک می‌سرود و ابتدا فردی تخلص می‌کرد. وی به زبان فرانسه و انگلیسی آشنا بود و در علم حساب و دفترداری و موسیقی نیز اطلاعاتی داشت. او در انجمن‌های شیدا، فرهنگد و کمال شرکت داشت. از آثارش: «رساله در موسیقی»، «تاریخ سلجوقی»، ترجمه؛ «تذکره‌ی شعرای ایران»، از اوایل قرن چهاردهم تا زمان حاضر؛ تدوین و تحشیه «دیوان» غمگین؛ «دیوان» شعر. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۵۴۹-۵۴۶)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (۱۱۹۸)، الذریعه (۱۳۱۵ - ۱۳۱۴/۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۹۸۶-۳۹۸۲/۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/۱۵۹۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵/۱۹۷).

یکه باغی، سلمان

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ملا سلمان یکه باغی، در مآثر و آثار گوید: ملا سلمان یکه باغی از مشاهیر اتقیاء علماء این دولت معدود می‌گردد. مؤلف گوید: آخوند ملا- سلمان از بزرگان علماء و دارای مقامات بوده در سنه ۱۲۹۱ در (یکه باغ) که هشت فرسخی قم است مرحوم و در شیخان بزرگ مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

یگانی، جمشید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیماریهای داخلی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

یلدا، علیرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیرضا یلدا در سال ۱۳۰۹ ه.ش، تهران به دنیا آمد. وی پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی، وارد دانشگاه تهران شد و پس از اخذ مدرک پزشکی عمومی و دوره تحصیلی بیماریهای عفونی را طی نمود. او مدتی در بیمارستان امام خمینی، به کار طبابت اشتغال داشته و ضمن آن عضو هیئت علمی دانشگاه تهران شد و مدتها بعد به درجه استادی نایل آمد. وی در نخستین همایش چهره های ماندگار به عنوان چهره ماندگار در رشته پزشکی (بیماریهای عفونی) معرفی شد. (۱۳۸۱) گروه: علوم پزشکی رشته: بیماریهای عفونیتحصیلات رسمی و حرفه ای: علیرضا یلدا پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در زادگاه خود تهران، وارد دانشکده پزشکی دانشگاه تهران شد. وی پس از فارغ التحصیلی در سال ۱۳۳۶ و گذراندن یک دوره تخصصی بیماریهای عفونی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران شد و پس از سالها تدریس به مرتبه استادی نائل گشت. خاطرات و وقایع تحصیل: علیرضا یلدا در سال ۱۳۳۶ ه.ش به احراز مدرک دکتری عمومی نایل آمد و پس از آن به تحصیل در دوره تخصصی بیماریهای عفونی پرداخت. فعالیتهای ضمن تحصیل: علیرضا یلدا در هنگام تحصیل در دوره تخصصی بیماریهای عفونی (پس از دریافت مدرک دکتری خود)، به طور همزمان به کار طبابت در بیمارستان امام خمینی تهران مشغول بوده است. وقایع میانسالی: علیرضا یلدا در سال ۱۳۳۶ به دریافت دکتری پزشکی از دانشگاه تهران نایل آمد سپس به گذراندن دوره تخصصی بیماریهای عفونی مشغول شد مدتی بعد به عضویت هیئت علمی دانشگاه تهران در آمد و از آن پس به امر تدریس مشغول شد و تا مرتبه استادی پیش رفت. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: علیرضا یلدا عضو هیئت علمی دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تهران از سال ۱۳۳۶ تا کنون، عضو هیئت تحریریه نشریه های معتبر علمی و عضو پیوسته فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران می باشد. فعالیتهای آموزشی: علیرضا یلدا از سال ۱۳۳۶ به عنوان عضو هیئت علمی دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تهران به تدریس درسهایی چون درمان بیماریهای عفونی مشغول بوده است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: تدریس، مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری در زمینه بیماریهای عفونی از اموری است که زمان و انرژی علیرضا یلدا را به خود مصروف داشته است. آرا و گرایشهای خاص: علیرضا یلدا در زمینه پزشکی به بیماریهای عفونی و روشهای درمان آنها توجه ویژه ای دارد و تالیفاتی نیز در زمینه اخلاق پزشکی نیز دارد.

آثار: درمان بیماریهای عفونی و ویژگی اثر: استاد دکتر علیرضا یلدا شش جلد کتاب در زمینه پزشکی و درمان بیماریهای عفونی

تالیف کرده است. ۲. مقالات متعدد پزشکی ۳ نکته‌ها در زمینه اخلاق پزشکی و ویژگی اثر: دکتر علیرضا یلدا کتاب نکته‌ها در زمینه اخلاق پزشکی را به شکل اندرزهایی اخلاقی و حرفه‌ای به پزشکان و همکاران خود نگاشته است برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

یمینی شریف، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۸-۱۲۹۸ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان انتصاریه و شاهپور تجریش و دوره‌ی متوسطه را در دارالفنون و دانشسرای مقدماتی به پایان رساند. وی در ۱۳۱۹ ش وارد دانشسرای عالی و سپس وارد دانشکده‌ی ادبیات شد و موفق به اخذ لیسانس گردید و آنگاه به استخدام وزارت فرهنگ درآمد. رشته‌ی مورد علاقه‌ی یمینی شریف آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان بود. در تیچرز (تربیت معلم) کالج کلمبیا علاوه بر رشته آموزش و پرورش به تحصیل در رشته‌ی ادبیات کودکان نیز پرداخت. شعرهایش در ۱۳۲۳ ش در اولین شماره‌ی مجله‌ی «بازی کودکان» که بعدها سردبیری آن مجله را به عهده گرفت، به چاپ رسید و در ۱۳۲۴ ش اشعاری از وی ابتدا در کتابهای ابتدایی اراک و سپس در کتابهای کلاسهای اول و دوم و سوم کلیه‌ی دبستان‌ها چاپ شد. او در ۱۳۲۸ ش مدیریت مجله‌ی «دانش آموز» و از ۱۳۳۵ ش تا ۱۳۵۸ ش مدیریت مجله‌ی «کیهان بچه‌ها» را به عهده داشت. در ۱۳۳۴ ش امتیاز مدرسه‌ی روش نور را به کمک همسرش از وزارت فرهنگ دریافت کرد و بیش از بیست و پنج سال اداره‌ی آن را عهده‌دار بود. در ۱۳۴۱ ش با همکاری عده‌ای از دوستان مؤسسه فرهنگی و غیرانتفاعی شورای کتاب کودک را تأسیس کرد، که هدف از آن راهنمایی و مشاورت با نویسندگان و شاعران و تصویرگران و مترجمان علاقه‌مند به آثار کودکان و نوجوانان بود. از دیگر آثار وی: «دنیاگردی جمشید و مهشید»؛ «فری به آسمان می‌رود»؛ «قصه‌های شیرین»؛ «دو کدخدا»؛ «داستان عروسک»؛ «بازی با الفبا»؛ «روی زمین و زیر زمین» گیاه‌شناسی برای کودکان، ترجمه؛ «بیژن و شیر»، ترجمه؛ «جزیره‌ی مرجان»، ترجمه؛ «آواز فرشتگان»، شعر؛ «قصه‌های شیرین»، شعر؛ «گره‌های شیپور زن»، شعر؛ «دیوان» شعر. [۱]

شاعر، داستان‌پرداز.

تولد: ۱۲۹۸ تهران.

درگذشت: ۲۸ آذر ۱۳۶۸، تهران.

عباس یمینی شریف متخلص به «یمینی» در سال‌های ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ در دانشسرای مقدماتی تهران تحصیل کرد. در سال ۱۳۱۹ که به دانشسرای عالی راه یافت علاقه به شعر گفتن و داستان‌نویسی برای کودکان در او بیشتر شد. در سال ۱۳۲۲ دو شعر تحت عنوان «ستاره» و «ماده‌غاز» از وی در شماره‌های چهارم و نهم مجله «سخن» به طبع رسید. در سال ۱۳۲۳ در اولین شماره مجله‌ی «بازی کودکان» شعرهایش به چاپ رسید و پس از مدتی نیز یمینی شریف به سردبیری آن انتخاب شد. در سال ۱۳۲۴ برخی اشعارش وارد کتاب‌های ابتدایی اراک و پس از آن وارد کتاب‌های اول و دوم و سوم کلیه‌ی دبستان‌ها شد. عباس یمینی شریف در سال ۱۳۲۸ به مدیریت مجلات «دانش آموز» و «شیر و خورشید» که دو نشریه‌ی وزارت فرهنگ برای کودکان و نوجوانان بود، منصوب شد. در ششم دی ۱۳۳۵ اولین شماره‌ی مجله‌ی «کیهان بچه‌ها» منتشر شد. وی به عنوان مدیر این نشریه تا سال ۱۳۵۸ به انتشار آن ادامه داد. در «تهران مصور کوچولوها» تأسیس ۱۳۳۶ و ضمناً اشعار ایشان در چند مجله‌ی دیگر که برای کودکان منتشر می‌شد به چاپ

می‌رسید.

عباس یمینی شریف چه در دانشسرای مقدماتی تهران و چه در دانشسرای عالی دانشکده‌ی ادبیات و چه تیچرز کلمبیا رشته‌ی تحصیلاتش همیشه آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان بود. در تیچرز کالج کلمبیا علاوه بر رشته‌ی آموزش و پرورش، به تحصیل در رشته‌ی ادبیات کودکان نیز پرداخت.

بعدها نیز به سردبیری و مدیریت چهار مجله برای کودکان و نوجوانان رسید. در سال ۱۳۳۴ امتیاز مدرسه‌ی «روش نو» را به کمک همسرش از وزارت اداره‌ی مدرسه را به عهده داشت. در سال ۱۳۳۶ باشگاه بچه‌ها را تأسیس کرد. در سال ۱۳۴۱ با همکاری عده‌ای از فرهنگیان با سابقه به تأسیس مؤسسه‌ی فرهنگی و غیر انتفاعی شورای کتاب کودک پرداخت و از سال تأسیس عضویت در هیئت مدیره و خزانه‌داری شورا را تقبل کرد، در سال ۱۳۵۰ به همت وی جایزه‌ی نقدی یمینی شریف تأسیس شد و از آن تاریخ به بعد هر ساله با بهترین اثر چاپ شده در حوزه‌ی ادبیات کودکان تعلق گرفت. در سال ۱۳۵۷ با عده‌ای دیگر به تأسیس انجمن پژوهش‌های آموزشی همت گماشت.

یمینی شریف در زمینه‌ی ادبیات کودکان صاحب آثار گوناگون است که از میان این می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره نمود: آواز فرشتگان یا شعر کودکان (۱۳۲۵)؛ قصه‌های شیرین (مجموعه شعر، ۱۳۲۶)؛ گربه‌های شیپورزن (مجموعه شعر، ۱۳۴۴)؛ دو کدخدای (۱۳۲۹)؛ برق و حریق (ترجمه)، روی زمین و زیر زمین (گیاه‌شناسی برای کودکان، اثر اریابور. ا.، ۱۳۳۶)؛ دنیاگردی جمشید و مهشید (۱۳۲۲)؛ بازی با الفبا، جزیره‌ی مرجان (اثر پلنتین، ۱۳۳۷)؛ داستان عروسک (با همکاری اسماعیل والی‌زاده، ۱۳۳۷)؛ بیژن و شیرین (ترجمه با همکاری دیگران)، کتاب اول دبستان؛ فری به آسمان می‌رود؛ آوای نوگلان؛ پرویز و آینه؛ در میان ابرها گل‌های گویا (۱۳۵۰)؛ پوری و لباس‌های او؛ همسایه‌ی عجیب، باغ نغمه‌ها (۱۳۵۲)؛ آه ایران عزیز؛ دستمال گلدار و گنج بی صاحب؛ داستان خر و خرکچی؛ کتاب توکا؛ خانه بابا علی؛ شعر با الفبا (۱۳۶۳)؛ سیاهک و سفیدک؛ نیم قرن در باغ شعر کودکان؛ فارسی زبان ایرانی؛ پلنگ یک‌تاز (۱۳۷۳).

عباس یمینی شریف در سال‌های ۱۳۳۳ و ۱۳۴۵ موفق به دریافت جایزه‌ی سلطنتی بهترین کتاب کودکان و در سال ۱۳۴۶ نیز نایل به دریافت جایزه‌ی بین‌المللی یونسکو به مناسبت تألیف بهترین کتاب سال در ایران شده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] ادبستان (س ۱، ش ۱، ص ۵۷)، الذریعه (۱۳۱۶ / ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۹۹۲- ۳۹۸۷ / ۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۱۴، ۲۷۱۴- ۲۷۱۳، ۲۵۴۷، ۲۴۴۵، ۱۷۹۶- ۱۷۹۵ / ۲، ۱۴۸۰، ۱۴۵۸، ۱۳۳۰، ۱۰۲۶، ۵۵۶، ۴۳۹، ۶۹، ۶۸ / ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۴۰۳- ۴۰۴)، کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۹، ص ۴۴)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۹- ۶۸۸ / ۳).

یوسف پور، محمد کاظم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد کاظم یوسف پور، رییس دانشکده علوم انسانی دانشگاه گیلان است. او مسئول پژوهشکده گیلان شناس نیز می‌باشد. وی در این پژوهشکده به امور تحقیقی، پژوهشی و اجرایی می‌پردازد و با دعوت از گیلان شناسان کشور در راستای بارور کردن فرهنگ گیلان تلاشی می‌نماید.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: محمد کاظم یوسف پور رییس دانشکده علوم انسانی دانشگاه گیلان و همچنین مسئول پژوهشکده گیلان شناسی را برعهده دارد.

فعالیت‌های آموزشی: بخشی از فعالیت‌های آموزشی یوسف پور، به گیلان شناسی مربوط می‌شود. وی براین نظر است که خرده فرهنگها، چکیده قرن‌ها زندگی ما هستند. یعنی هر ملتی در زندگی تاریخی خود ذخیره‌های فراوانی اندوخته و آنها را در صندوقچه‌های خرده فرهنگها به یادگار گذاشته است. بنابراین تا کار از کارنگذشته و دامنه گسترش صنعت ارتباطات، حافظه تاریخی ما را به فراموشی دچار نساخته است باید در ثبت و ضبط باقی مانده فرهنگ این منطقه بکوشیم.

مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می‌آید: پژوهشکده گیلان شناسی از جمله مرکزی است که دکتر یوسف پور در تشکیل آن نقش داشت. این نخستین پژوهشکده استان شناسی بود که براساس ضوابط دانشگاهی و منطبق با موازین وزارتخانه متبوع مورد تایید قرار گرفت.

سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: فعالیت روزمره یوسف پور، تحقیق و مطالعه در مورد گیلان و گیلان شناسی است. او در مورد تحقیق براین باور است که جزء اولین آموزه‌های هر پژوهش علمی این است که محقق باید خود را از دایره موضوع پژوهش بیرون بکشد و از منظر اشراف و بی طرفانه به موضوع بنگرد. او معتقد است که گرایشهای تعصب آمیز نه تنها خودشان راهی به دهی نمی‌برد. بلکه حتی می‌توانند فضای تحقیق را آلوده کنند.

همفکران فرد: مهندس حمیدی، مهندس دهقان، دکتر ابوالفضل درویشه، دکتر رضا فتوحی و فریدون نوزاد از جمله همفکران یوسف پور می‌باشند که در امور تحقیقی و پژوهشی با هم همکاری و همفکری دارند.

آرا و گرایشهای خاص: محمد کاظم یوسف پور معتقد است که درقبال سرعت شتابان علم امروزی ما باید تسلیم شویم و یا باید مقاومت کنیم. او در این مورد با مثال آوردن کسانی همچون فرانتس فانون، ام‌د سزر، اقبال، شریعتی و دیگران معتقد است که ما باید به خویشتن خود باز گردیم و در پی ایستادگی در برابر استماله فرهنگی قرار گیریم.

منابع زندگینامه: مصاحبه با رییس دانشکده ادبیات و علوم انسانی، فصلنامه فرهنگ گیلان، شماره ۵ و ۶، بهار و تابستان ۱۳۷۹، ص ۸

یوسف زاده، حسینعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسینعلی یوسف زاده

محل تولد: تربت حیدریه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۵/۸

زندگینامه علمی

بنده در یک خانواده متوسط روستائی در ۸/۵/۱۳۴۹ چشم به جهان گشودم. تا یازده سالگی در کنار خانواده و تا کلاس چهارم ابتدائی را گذراندم. پس از آن و بعد از اتمام پایه چهارم به خواسته پدرم و تمایل خودم برای ادامه تحصیل در حوزه علمیه «تربت

حیدریه» وارد شدم. در سال ۱۳۶۲ در همان ابتداء به این نتیجه رسیدم که گذراندن دروس جدید و خواندن آن همراه با دروس حوزوی خالی از فایده نیست لذا علی رغم ممانعت ریاست محترم وقت حوزه به صورت متفرقه سعی کردم به آن نیز پردازم. ذکر این خاطره همیشه برایم شیرین بوده است که «ما دو نفر بودیم و امتحان کلاس پنجم که باید به صورت متفرقه امتحان می دادیم در ماه رمضان بود و یک دوره کتاب پنجم بیش نداشتیم. با دوستم قرار گذاشتیم کتابی که باید فردای آن روز امتحان می دادیم روز تا شب در دست ایشان باشد و مطالعه کند و شب تا سحر من آن را مطالعه می کردم در حالی که برای مطالعه هر یک از کتاب ها چند ساعتی بیش وقت نداشتیم. به حول و قوه الهی بدون هیچ مشکلی نمره خوبی را گرفتیم».

در همان ابتداء سئوالاتی ذهن مرا به خود مشغول کرده بود از جمله اینکه: (شنیده بودم کسی وارد حوزه می شود درس او پایانی ندارد و یا لااقل ۳۰ سال باید بخواند. با خودم می گفتم من سی سال درس بخوانم که تنها قادر باشم بروم روی منبر و یک منبر و یک روضه برای مردم بخوانم و تمام؟). لذا دلسرد شده بودم تا اینکه یک روز در حال رفتن به مسجد برای نماز، این نکته به ذهنم رسید که امام خمینی نیز از همین رشته رفته اند جلو و درس حوزوی ایشان را قادر ساخته تا بتوانند ایران و به تبع آن جهان را متحول سازند. این نکته نقطه امیدی شد برای دلگرمی بیشتر، به همین جهت سعی کردم این افکار را دور ریخته و مشغول تحصیل جدی شدم. در این بین گرچه وسوسه های برخی از دوستان و اظهار دلسردی آنان زیاد بود اما بنده تسلیم نشدم و سعی کردم به کار خودم ادامه دهم به همین جهت در سن ۱۴ سالگی به تنهایی به مشهد مقدس سفر کردم و به دنبال پذیرش به یکی از مدارس علمیه مشهد وارد شدم اما توفیقی حاصل نشد. از طرفی حوزه «تربت» برای مدتی با مشکلاتی مواجه بود که برای ادامه تحصیل با مشکل مواجه شدم.

در یکی از سفرهای سیاحتی و زیارتی به همراه دوستان به کاشمر رفتم و به مدرسه علمیه، سری زدیم. از حوزه آنجا خوشم آمد. در همان سفر درخواست پذیرش به مدیر مدرسه دادیم و پذیرفته شدیم. به همراه عده ای از دوستان رفتیم و به عنوان طلبه حوزه علمیه کاشمر در مدرسه «دانش» مستقر شدیم. پس از یکسال و اندی با توجه به اینکه دروس آنجا کافی نبود و هر چه درخواست می کردیم لااقل دو یا سه درس برای ما در روز گذاشته شود مسئول مدرسه که وقت نداشت موافقت نمی فرمود؛ تصمیم به هجرت گرفتیم. با مشورت یکی از دوستان مقصد را «قم» انتخاب کردیم. در سال ۱۳۶۵ به قم جهت تشکیل پرونده رفتیم و در آنجا با مشکلات عدیده مواجه شدیم. خدمت حضرت آیه الله فاضل لنکرانی (دام عزه) رفتیم و ایشان با درخواست از آقایان، به صورت موقت در خوابگاهی در آذر مستقر شدیم. پس از یک سال به دلیل نداشتن پرونده (لمعه امتحان باید می دادیم) عذر ما را خواستند و به مشهد رفتیم. در سال ۱۳۶۶ در حوزه مشهد پذیرفته شدیم در آنجا ضمن خواندن درس های معمولی حوزه، سعی کردیم از محضر استاد «حجت هاشمی» استفاده بیشتر بکنیم و لذا (ادبیات) را بعضاً تکرار و (مطول) را نیز خواندیم. در سال ۱۳۷۲ وارد دانشگاه رضوی و سال ۱۳۷۷ فارق التحصیل در دوره کارشناسی و در همان سال، همزمان برای کارشناسی ارشد (فلسفه و کلام) در دانشگاه رضوی و دانشگاه قم پذیرفته شدم که قم را اختیار نمودم. در سال ۱۳۸۰ از پایان نامه ام دفاع کردم. همزمان دروس حوزه را ادامه دادم. از سال ۱۳۷۶ تا کنون در دروس اساتید بزرگوار (فقه و اصول) شرکت می کنیم. از اساتیدی چون: آیه الله «رضازاده»، «فلسفی»، «مرتضوی در مشهد»، «وحید» و «فاضل لنکرانی» در قم بهره برده ام.

یوسفی خوافی، یوسف

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۹۵۰ ق)، طیب و شاعر، متخلص به یوسفی. اصل او از خوفا بود و در ماوراءالنهر دانش آموخت. او سالهای زیادی از عمر خود را در هرات گذراند. در اواخر عمر به هندوستان رفت و به دربار بابر شاه و همایون شاه راه یافت و ملازم آنان گردید و به نام آن دو، چند کتاب تألیف نمود. وی عاقبت در همان دیار از دنیا رفت. در «هدیه‌العارفین» سال مرگ وی ۹۶۶ ق ذکر شده است. اهمیت یوسفی بویژه در آن است که برای آسان کردن دانش پزشکی چند منظومه در این فن سرود. از آثار وی: منظومه «علاج الامراض»، درباره‌ی نشانه‌های بیماری‌ها و مداوای آنها، مشتمل بر دویست و هشتاد و نه رباعی، و شرح آن به نام «جامع الفوائد» یا «طب یوسفی»؛ قصیده‌ای در «حفظ الصحه»، به نام بابر شاه، که در آن شرایط حفظ صحت را در خوردن، آشامیدن و خواب و بیداری، در فصلها و هواهای مختلف بیان کرده است؛ «ریاض الادویه»، به نام همایون شاه در ۹۴۶ ق؛ مثنوی «مأکول و مشروب»، در ۹۴۶ ق، در مورد تدبیرهای پزشکی برای خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها؛ منظومه‌ی «فوائد یوسفیه» یا «فوائد الاخیار»، در طب و رویا، در ۹۱۲ ق، که در هر دو یا سه بیت آن یکی از مسئله‌های پزشکی توضیح داده شده است؛ «بدایع الانشاء» یا «انشای یوسفی»، در ۹۴۰ ق برای پسرش رفیع‌الدین حسین؛ «جواهر اللغه» یا «بحرالجمهر»، در بیان واژه‌ها و اصطلاحات پزشکی. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۵۹۵، ۱۴۸۶، ۳۵۸-۳۵۶ / ۵)، تاریخ نظم و نثر (۸۰۸، ۳۹۹-۳۹۸، ۲۸۲)، تحفه سامی (۲۹۰)، الذریعه (۳۶۴، ۳۲۲ / ۱۶، ۱۳۲۱ / ۹)، ریحانه (۴۰۳ / ۶)، صبح گلشن (۶۱۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۲۰)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۴۷۶، ۲۳۲۹، ۲۲۵۴ / ۲، ۱۴۴۸، ۱۴۴۷، ۹۹۹، ۳۷۳ / ۱)، کاروان هند (۱۵۶۰-۱۵۵۸ / ۲)، کشف‌الظنون (۵۶۷)، لغت‌نامه (ذیل / یوسفی)، مجالس‌النفائس (۱۵۶)، معجم‌المؤلفین (۳۳۴ / ۱۳)، منظومه‌های فارسی (۶۳۱-۶۳۰)، مؤلفین کتب چاپی (۹۰۴-۹۰۳ / ۶)، هدیه‌العارفین (۵۶۴ / ۲).

یوسفی راد، مرتضی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرتضی یوسفی راد

محل تولد: ورامین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۶۳ - ۶۴ به حوزه علمیه قم آمده و دروس حوزوی را از ابتدای مقدمات شروع نموده و تا کنون، سطوح مختلف آن را طی کرده و اکنون ۸ سال است که درس خارج را از اساتیدی همچون: «آیت الله وحید خراسانی»، «حاج شیخ جواد تبریزی» و «آیت الله بهجت» فرا گرفته‌ام. در کنار دروس حوزوی به جهت ضرورت فراگیری دروس دانشگاهی و ارتباط با دانشگاه و اساتید آن، از سال ۶۷ - ۶۸ به تحصیل دروس علوم سیاسی در موسسه آموزش عالی باقرالعلوم در مقطع کارشناسی برآمدم و در سال ۱۳۷۳ فارغ‌التحصیل شدم و در ادامه در همان موسسه در مقطع کارشناسی ارشد وارد شدم و در سال ۱۳۷۹ فارغ‌التحصیل این رشته

در این مقطع شدم.

در طی دوران آموزش و تحصیل خود، از سال ۱۳۷۴ وارد حوزه تحقیقات در علوم اسلامی در زمینه بررسی نظریات، آراء و اندیشه های سیاسی فیلسوفان مسلمان و موضوعات سیاسی شدم. در کنار تحصیل علوم حوزوی، دانشگاهی و تحقیقات در زمینه علوم اسلامی، حدود پنج سال نیز در فاصله سالهای ۷۷ تا ۸۱ به تدریس در دانشگاههای «آزاد اسلامی اراک»، «شهید چمران اهواز» و «علوم پزشکی اهواز» در درس (ریشه های انقلاب اسلامی) مشغول بودم.

در حال حاضر در زمینه تحقیق و پژوهش در پژوهشکده (علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و زیر نظر آموزش عالی متمرکز هستم و مدت سه سال است که مدیر گروه فلسفه سیاسی و هیئت علمی این پژوهشگاه می باشم.

یوسفی، احمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمدعلی یوسفی

محل تولد: لاهیجان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۸ در رشته (فیزیک و ریاضی) با معدل ۱۴/۱۹ قبول و برای ادامه تحصیل راهی دانشگاه شدم. در سال ۱۳۵۹ مقارن با انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه ها، راهی حوزه علمیه قم شدم. در حوزه علمیه قم در کنار دروس حوزوی به تبلیغ و حضور در جبهه های جنگ حق علیه باطل مشغول بودم. در سال ۱۳۶۷ دروس حوزوی را به پایان رساندم و دروس خارج فقه و اصول را با شرکت در دروس حضرات آیات عظام: «فاضل لنکرانی»، «سبحانی» و «تبریزی» ادامه دادم.

بعد از جنگ در کنار دروس حوزوی، به جهت ضرورت نظام جمهوری اسلامی ایران در رشته «اقتصاد اسلامی» تحصیل را آغاز نمودم و در سال ۱۳۷۵ در کنار دروس حوزوی، موفق به اخذ مدرک در مقطع کارشناسی ارشد در رشته اقتصاد از دانشگاه علامه طباطبایی شدم. هم اکنون ضمن بهره مندی از دروس خارج فقه و اصول، مشغول تدریس دروس حوزه و اشتغال به نگارش پایان نامه سطح چهار در موضوع (خرید و فروش پول های اعتباری) هستم. مسئول پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (واحد قم).

یوسفی، سجاد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سجاد یوسفی

محل تولد: تبریز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۶ وارد حوزه علمیه شدم. در سال ۱۳۸۱ سطح را تمام کردم و حدود چهار سال است که از دروس آیت الله «جوادی آملی»، «تبریزی»، «خراسانی»، «مکارم»، «شیری» و «سبحانی» استفاده نموده‌ام. مدتی در حوزه تبریز و مقداری در قم مشغول تدریس (اصول فقه) و (فلسفه) بودم و کتابهای جواهر النضید، کشف المراد، بدایه الحکمه، نهایه الحکمه، معالم الاصول و اصول فقه را تدریس نموده‌ام. در ضمن در موارد مختلف به حول خدا توانسته‌ام قلم فرسایی کنم و در سنگرهای مختلف شرکت کنم و در رشته «فلسفه» کارشناسی ارشد فارغ التحصیل شدم و مشغول تدوین پایان نامه سطح ۳ حوزه می باشم.

یوسفی، غلامحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مدرس، محقق، ادیب.

تولد: ۱۳۰۶، مشهد.

درگذشت: ۱۴ آذر ۱۳۶۹، تهران.

غلامحسین یوسفی دوره‌ی تحصیلات دبستان و دبیرستان را در مشهد به پایان برد و در سال ۱۳۲۵ وارد دانشگاه شد و از سال ۱۳۲۸ در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی فارغ التحصیل گردید. وی در سال ۱۳۳۰ همزمان با دریافت درجه‌ی دکتری در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی، به دریافت درجه‌ی لیسانس در رشته‌ی حقوق قضایی و علوم سیاسی نایل آمد.

دکتر یوسفی ابتدا به عنوان دبیر دبیرستان‌های مشهد و سپس به عنوان دانشیار و بعدها در سمت استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه مشهد به تدریس اشتغال داشته است. وی یک سال سرپرست تربیت معلم خراسان و مدت چندین سال نیز سرپرست گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی بوده است. مطالعه و تحقیق در کشورهای فرانسه و انگلستان و تحقیق و تدریس در آمریکا و کوشش در ایجاد چاپخانه‌ی دانشگاه از دیگر فعالیت‌های فرهنگی نامبرده است. از جمله آثار تألیف، تصحیح و ترجمه وی می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: تألیف: تمرین فارسی برای کلاس اول دبستان (با همکاری عبدالحسین پازوکی، اکبر قندهاریان، غلامرضا، قهرمان، ۱۳۳۳)؛ فرخی سیستانی، بحثی در شرح احوال، روزگار و شعر او (۱۳۴۱)، کتاب برگزیده‌ی سال ۱۳۴۱، انجمن کتاب، ابومسلم، سردار خراسان (۱۳۴۵)؛ نامه اهل خراسان (مجموعه مقالات، ۱۳۴۷)؛ دیداری با اهل قلم (دو جلد، ۱۳۵۷، ۱۳۵۵)؛ برگ‌هایی در آغوش باد (مجموعه مقالات، دو جلد، ۱۳۵۶)؛ کاغذ زر (یادداشت‌هایی ادبی و تاریخی، ۱۳۶۳)؛ روان‌های روشن (۱۳۶۳)؛ چشمه‌ی روشن (۱۳۶۹)؛ تصحیح و ترجمه: قابوس‌نامه (۱۳۴۵)؛ قابوس‌نامه‌ی درسی (۱۳۴۵)؛ التصفیه فی احوال المتصوفه (۱۳۴۷)؛ ترجمه‌ی تقویم الصحه ابن بطلان (۱۳۵۰)؛ لطائف الحکمه ارموی (۱۳۵۱)؛ گزیده‌ی قابوس‌نامه (۱۳۵۳)، این کتاب با نام درس زندگی: گزیده قابوس‌نامه نیز منتشر شده است)؛ بوستان سعدی (۱۳۵۹)؛ ملخص اللغات خطیب کرمانی (با همکاری دکتر

محمد دبیرسیاقی، ۱۳۶۲؛ گلستان سعدی (۱۳۶۸)؛ داستان من و شعر (نزار قبانی، با همکاری دکتر یوسف آبکار، ۱۳۵۶)؛ هدف ادبیات، اسلوب عالی و فضایل ادبی (دیوید دیچز، با همکاری محمدتقی صدقیانی)، اما من شما را دوست می‌داشتم (ژیلبر سبرون، با همکاری دکتر محمدحسن مهدوی اردبیلی، ۱۳۶۲)؛ انسان دوستی در اسلام (مارسل بوازار، با همکاری دکتر محمدحسن مهدوی اردبیلی، ۱۳۶۲)؛ شیوه‌های نقد ادبی (دیوید دیچز، با همکاری محمدتقی صدقیانی، ۱۳۶۶، برگزیده‌ی ششمین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران)؛ برگزیده‌ای از شعر عربی معاصر (اثر دکتر مصطفی بدوی، ترجمه از عربی با همکاری دکتر یوسف آبکار، تهران، ۱۳۶۹)؛ چشم اندازی از ادبیات و هنر (ره ولک و دیگران، ترجمه از زبان انگلیسی، با همکاری محمدتقی امیر صدقیانی، ۱۳۶۹).

دکتر یوسفی در چهاردهم آذر ۱۳۶۹ درگذشت، پیکر ایشان به مشهد منتقل شد و در جوار حرم حضرت امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

یوسفی، محمد رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدرضا یوسفی در سال ۱۳۳۲ در همدان متولد شد. وی نوشتن را با شعر و نمایشنامه آغاز کرد و پس از آن با داستان و فیلمنامه ادامه داد و اولین کار خود را در سال ۱۳۵۷ با نام «سال تحویل» منتشر کرد. کتاب "افسان؟ بلیناس جادوگر" تألیف محمد رضا یوسفی، در دوره هفدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

گرایش: ادبیات کودکان

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: محمد رضا یوسفی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش سپری کرد و در سال ۱۳۵۲ به دانشکده ادبیات تهران راه یافت و در سال ۱۳۵۶ موق به اخذ لیسانس ادبیات شد.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: محمد رضا یوسفی نوشتن را با شعر و نمایشنامه آغاز کرد و پس از آن با داستان و فیلمنامه ادامه داد و اولین کار خود را در سال ۱۳۵۷ با نام «سال تحویل» منتشر کرد. در سال ۱۹۹۶ م. با کتاب «حسنی به مکتب نمی‌رفت» دیپلم افتخار کنگر؟ جهانی کتاب کودک و نوجوان به نام IBBY را از هلند دریافت داشت.

جوایز و نشانها: محمد رضا یوسفی در سال ۱۹۹۶ م. با کتاب «حسنی به مکتب نمی‌رفت» دیپلم افتخار کنگر؟ جهانی کتاب کودک و نوجوان به نام IBBY را از هلند دریافت داشت. در سال ۱۹۹۸ م. نیز همان جایزه را برای رمان «ستاره‌ای بنام غول» اخذ نمود. دیگر تألیف ایشان کتاب "افسان؟ بلیناس جادوگر" است که این کتاب، در دوره هفدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار: از محمد رضا یوسفی بیش از ۸۵ کتاب برای کودکان و نوجوانان منتشر شده است.

آثار:

۱ افسان؟ بلیناس جادوگر

ویژگی اثر: تالیف، این کتاب، در دوره هفدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: «افسان؟ بلیناس جادوگر» افسان؟ بلیناس جادوگر / محمدرضا یوسفی - تهران: نشر پیدایش، ۱۳۷۷. این کتاب روایتی است نواز افسانه کهن که به زبانی شیوا و امروزی به تحریر در آمده است. افسان؟ بلیناس جادوگر، هم به لحاظ مضمون و هم به اعتبار شیو؟ پردازش و نگارش، اثری ارزشمند است. نوآوری نویسنده در انتخاب موضوع و عطف توجه به تاریخ کهن و پردازش گیرا و انتخاب زبان مناسب از مهمترین ویژگیهای این اثر به شمار می روند.

۲ حسنی به مکتب نمی رفت

ویژگی اثر: تالیف، در سال ۱۹۹۶ م. کتاب مذکور، دیپلم افتخار کنگر؟ جهانی کتاب کودک و نوجوان به نام IBBY را از هلند دریافت داشت

۳ سال تحویل

ویژگی اثر: تالیف، ۱۳۵۷

۴ ستاره ای بنام غول

ویژگی اثر: تالیف، در سال ۱۹۹۸ م. کتاب فوق، دیپلم افتخار کنگر؟ جهانی کتاب کودک و نوجوان به نام IBBY را از هلند دریافت داشت

منابع زندگینامه: www.ketabesal.ir

یوسفی، محمدهادی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدهادی یوسفی

محل تولد: نجف اشرف

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۷/۱/۱ زندگینامه علمی

در سال ۱۳۲۷ هجری شمسی در (نجف اشرف) متولد و در سال ۱۳۴۱ هجری شمسی شروع به تحصیل مقدمات ادبیات عرب نزد پدرم آیه الله «حاج میرزا محمود یوسفی غروی» نمودم. پس از اتمام دروس سطوح مقدماتی، متوسط و عالی در سال ۱۳۵۰ به بحث خارج فقه (عبادات - صلاة الجماعة) مرحوم آیه الله خوئی، اصول (استصحاب) از ایشان، فقه (معاملات) و مکاسب (بیع و خیارات) از مرحوم امام خمینی حاضر شدم. در سال ۱۳۵۲ به قم منتقل شدم و مدتی بحث فقه و اصول (سید محمد صادق حسینی روحانی) و سپس بحث فقه و اصول (آیه الله سید کاظم حسینی حائری) حاضر شدم تا بعد از سال ۶۶.

پس از ۷۰ هجری شمسی در نجف اشرف کتاب های ادبی «نحوی و صرفی»، منطق، اصول، فقه، تبصره، المختصر النافع و شرح

لمعه، و در حوزه قم در (بخش عربی مدرسه آیه الله گلپایگانی و معهد الدراسات الاسلامیه) دروس نحو، عقائد، مفاهیم اسلامی و تاریخ اسلام و پس از انقلاب در مدرسه (حجتیه) و سپس مدرسه (امام خمینی) درس تاریخ اسلام، حدیث، نهج البلاغه، علوم قرآن، اصول فقه، حلقات شهید صدر و مکاسب تدریس داشته ام. در دانشکده تربیت مربی، عقیدتی سیاسی، دانشکده اصول الدین، قرآن، حدیث در قم و در دزفول نیز در تفسیر و علوم قرآن، اصول فقه و تاریخ اسلام تدریس داشته ام. در نجف اشرف مقالاتی علمی، عقیدتی در مجله «أجوبه المسائل الدینیه» و در قم تحقیق و تصحیح کتاب هایی که در آثار یاد خواهد شد، داشته ام. و همچنان اشتغال تحقیقی و تالیفی در (تاریخ اسلام سیره نبوی)، (تاریخ امامان شیعه و خلفاء) و تدریس فقه مکاسب و اصول حلقات ۳ در مدرسه امام خمینی قدس سره دارم.

یوسفیان، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی یوسفیان

محل تولد: کربلا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

از کودکی با پدر بزرگوارم می‌رفتم نزد علمای اعلام (عراق و ایران) در (کربلا و نجف) و از محضر ایشان بهره‌مند می‌شدم. چون که پدر بزرگ و پدرشان از علمای اعلام کربلا و نجف بودند که با «شیخ اسماعیل» و «ملا یوسف» که نام فامیلان «ملا یوسفیان» و برای مختصر لفظ فامیلی کلمه (ملا-) را حذف کردیم. بر همین اساس با حضرات آیات عظام «نجف»، «کربلا»، «قم»، «مشهد» و «اصفهان» زیارت این بزرگواران می‌کردیم و بهره‌مند می‌شدیم مخصوصاً «آیه الله خوئی»، «سبزواری»، «حکیم»، «شیرازی»، «سیستانی»، «شاهرودی» و ... حفظهم الله تعالی. به خاطر همین علاقه، شکر خدا وارد حوزه در کربلا و نجف شدیم و به قم منتقل شدیم تا الان.

یوسفیان، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن یوسفیان

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسن یوسفیان در سال ۱۳۶۱ شمسی در مهدی شهر (سمنان) تحصیل علوم دینی را آغاز کردم و پس از دو سال به قم آمدم. در دوران جنگ تحمیلی، چند سالی تقریباً ترک تحصیل کرده بودم، اما پس از پایان یافتن جنگ، پیشرفت تحصیلی رضایت بخشی داشتم و در امتحانات سراسری حوزه در سال ۱۳۷۵ شمسی در «پایه دهم» نفر اول شدم.

در سال ۱۳۷۳ شمسی در «مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی» پذیرفته شدم و دوره کارشناسی را در سال ۱۳۷۶ و دوره کارشناسی ارشد دین شناسی (کلام) را در سال ۱۳۸۱ به پایان رساندم.

کار تألیف و پژوهش را در سال ۱۳۷۵ با نگارش کتاب «پژوهشی در عصمت معصومان» آغاز کردم. و این اثر اول، پس از چاپ در سال ۱۳۷۸ به عنوان کتاب سال حوزه و نیز کتاب سال دانشجویی کشور برگزیده شد. تألیفات دیگر حقیر نیز به لطف خداوند با توفیقاتی همراه بوده؛ چنان که کتاب «عقل و وحی» به عنوان پژوهش برگزیده کنگره دین پژوهان کشور در سال ۸۱ و نیز کتاب سال حوزه در سال ۸۴ انتخاب شده است. پژوهش «باورهای دینی و چالش‌های نو» نیز در سال ۸۳، اثر برگزیده کنگره دین پژوهان شده است.

هم اکنون این جانب علاوه بر تحصیل در مقطع دکتری در رشته کلام (دانشکده تربیت مدرس دانشگاه قم)، به کار تألیف و تدریس در مؤسسه امام خمینی اشتغال دارم.

یوسفیان، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی یوسفیان

محل تولد: کربلا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

از کودکی با پدر بزرگوارم می‌رفتم نزد علمای اعلام (عراق و ایران) در (کربلا و نجف) و از محضر ایشان بهره‌مند می‌شدم. چون که پدر بزرگ و پدرشان از علمای اعلام کربلا و نجف بودند که با «شیخ اسماعیل» و «ملا یوسف» که نام فامیلان «ملا یوسفیان» و برای مختصر لفظ فامیلی کلمه (ملا-) را حذف کردیم. بر همین اساس با حضرات آیات عظام «نجف»، «کربلا»، «قم»، «مشهد» و

«اصفهان» زیارت این بزرگواران می‌کردیم و بهره‌مند می‌شدیم مخصوصاً «آیه الله خوئی»، «سبزواری»، «حکیم»، «شیرازی»، «سیستانی»، «شاهرودی» و ... حفظهم الله تعالی. به خاطر همین علاقه، شکر خدا وارد حوزه در کربلا و نجف شدیم و به قم منتقل شدیم تا الان.

یوسفیان، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی یوسفیان

محل تولد: ----

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

این حقیر در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و دوران تحصیلی ادبیات عرب را که سه سال به طول انجامید؛ در مدرسه علمیه «ابوالصدق» و سپس «رضویه» گذراندم. از اساتید قابل ذکر در این دوره می‌توانم به استاد مرحوم «مهدی زاده»، استاد «طالقانی» و «عرفان» اشاره کنم. سپس برای ادامه تحصیل که به دوره سطح معروف است از محیط مدرسه خارج شدم. این دوره که از (شرح لمعه و اصول فقه) شروع می‌شود و پس از «رسائل و مکاسب» به «کفایه» تمام می‌شود از اساتیدی که می‌توان نام برد: آیت الله (استادی، عراقچی، پایانی) و حجج اسلام (سعیدی، محمودی و بیگدلی) بودند. در همین اوان مشغول به تحصیل در دوره سطح، تبلیغ و تبیین معارف را شروع کردم. محدوده تبلیغ گسترده بود یعنی هم در روستا، هم در شهر، هم در محیط‌های علمی و هم نظامی، فعالیت تبلیغی را ادامه می‌دادم.

تقریباً سال ۱۳۷۰ بود که وارد مؤسسه (در راه حق) شدم و در کنار درس فقه و اصول، تحصیل در فلسفه و معارف قرآن را شروع کردم. این دوره حدوداً پنج سال به طول انجامید و موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شدم. پایان نامه‌ای که نوشتم در رابطه با (مناظرات کلامی انبیای اولوالعزم در قرآن) بود که در نوع خود بحث تازه‌ای بود و در رابطه با آن، کار خاصی صورت نگرفته بود. البته در کنار تحصیل و تحقیق در این مؤسسه، که به (مرکز آموزشی پژوهشی امام خمینی) تحت سرپرستی استاد بزرگوار آیت الله (مصباح) تغییر نام داد، بحث فقه و اصول را نیز ادامه می‌دادم و در دروس آیات عظام: (وحید خراسانی، تبریزی، زنجانی و محقق) شرکت می‌کردم که تا کنون ادامه دارد.

در کنار تحصیل به تدریس پرداختم. یک ترم در دانشگاه آزاد به تدریس «اخلاق» اقدام کردم ولی به علت مشکلاتی آن را رها کردم و به همان یک ترم بسنده نمودم. نزدیک ۹ سال است که در (مرکز جهانی علوم اسلامی) که مربوط به طلاب و دانش پژوهان خارجی است؛ مشغول تدریس (فقه، عقاید و فلسفه) هستم و سه سال به عنوان استاد نمونه برگزیده شدم. نزدیک سه سال در مدرسه علمیه (امام جواد علیه السلام) که مخصوص حافظین قرآن است به تدریس (عقاید و منطق) پرداختم. نزدیک دو سال

است که در «مرکز مهدویت قم و اصفهان» به تدریس مباحث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام اشتغال دارم. البته این غیر از تدریس های متفرقه است که در طول این سال ها داشته و دارم. مثل: تدریس (ادبیات و اخلاق) در حوزه علمیه خواهران یا تدریس (عقاید در جهاد قم و...).

در کنار تحصیل و تدریس به تحقیق و تالیف نیز روی آوردم و اولین اثر مکتوب و قابل عرضه را در مرکز جهانی علوم اسلامی نوشتم. علت تالیف آن نیز نیازی بود که طلاب تازه وارد به مرکز نسبت به کلیاتی از عقاید داشتند. این اثر که الهام گرفته از عقاید آیت الله مکارم بود در میان طلبه ها مورد استقبال واقع شد و تعداد زیادی از آنان درخواست اجازه ترجمه آن را به زبان خود خواستند. در ادامه این اثر، پنج جزوه دیگر نوشتم در رابطه با (خدا شناسی، اندیشه اسلامی)، (نبوت ۲)، (امامت ۳)، (معاد ۴) و (فلسفه مقدماتی یا آشنایی با فلسفه).

از سال ۱۳۸۰ نیز وارد مرکز تخصصی (مهدویت) شدم و پس از طی مراحل تحصیلی و آشنایی با مباحث مربوط به امام زمان علیه السلام و تحقیق در این زمینه، چند مقاله نوشتم که در مرکز اصفهان، ارتش و قم مورد استفاده قرار می گیرد. جزوهایی که عرضه کردم از این قرارند: «امام مهدی علیه السلام در قرآن»، «طلوع خورشید»: (دوران کودکی حضرت)، «فوائد امام غایب»، «امکان دیدار حضرت در زمان غیبت»، «شرایط و علایم ظهور»، «مسیر حرکت و قیام حضرت». اکنون نیز در این مرکز در قسمت (پرسش و پاسخ) مشغول هستم.

در کنار این جزوات، که به صورت فردی نگاشته شده است، کتابی پیرامون حضرت به همراه برادران بزرگوار حجت الاسلام (مهدی حامدی پور و محمد امین بالادستیان) عرضه کردیم به نام «نگین آفرینش» که کلیاتی از زندگی حضرت را از ولادت تا رحلت در بر می گیرد و در نوع خود، دارای مطالب جدیدی می باشد. همراه با این فعالیتها، در صدا و سیمای مراکز مختلف مانند: (آبادان، اراک، قم و جام جم) مباحثی پیرامون حضرت عرضه کرده ام. حدود دو سالی نیز به فراگیری زبان خارجی «انگلیسی» پرداختم.

یوسفیان، نعمت الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نعمت الله یوسفیان

محل تولد: خلخال

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۴/۱۵

[زندگینامه علمی

اینجانب نعمت الله یوسفیان در روستای گیلوان از توابع شهرستان خلخال در خانواده ای مذهبی دیده به جهان گشودم. پدر بزرگوارم کاسب بود و از درآمد آن زندگی ما را تامین می کرد و مادرم زنی پاکدامن و متدین و خانه دار بود. برخی از بستگان مادری ام از خاندان جلیل القدر سادات و تعدادی روحانی متشخص هستند. در کودکی وارد مکتب خانه مرحوم «امیر توکلی» که مردی با تقوا، متدین، باصفا و پرتلاش بود، شدم و قرآن کریم را نزد او آموختم. کلاس اول ابتدایی را در روستا خواندم و پس از

آن به شهر «ماسال» از توابع استان گیلان مهاجرت کردیم و دروس دبستانی، راهنمایی و دبیرستان را در همان جا ادامه دادیم و دیپلم خود را در رشته علوم تجربی گرفتیم.

در ایام تحصیل، همواره از شوق هجرت به قم بی تاب بودم و لحظه شماری می کردم و سرانجام توفیق یار شد و پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۵۹، مقدمات کار فراهم شد و به قم آمدم. دروس مقدماتی حوزه را در مدرسه «امام صادق (ع)» و «رسول اکرم (ص)» فرا گرفتیم. پس از آن دروس سطح را شروع کردم. بخشی از دروس سطح را در مدرسه «رسول اکرم (ص)» و «مدرسه امام باقر (ع)» خواندم. در سال ۱۳۶۵ اولین سال برگزاری امتحانات حوزه به صورت کتبی در امتحانات عمومی حوزه در پایه پنجم شرکت کردم و با اخذ رتبه اول قبول شدم و مشمول عنایات و تشویقات حضرات آیات عظام مانند: امام خمینی (ره)، آیه الله گلپایگانی و ... قرار گرفتیم. از آن پس نیز همچنان با علاقه ای وافر به تحصیل علوم اسلامی ادامه می دادیم.

در اواخر سالهایی که به دروس عالی سطح اشتغال داشتم، دروس خارج را نیز شروع کردم. در سال ۱۳۷۳ در امتحانات ویژه سطح چهار حوزه در قسمت مدارج علمی شرکت کردم و پس از قبولی در امتحانات، درباره (قاعده لاضرر) موضوع گرفته، به تدوین رساله علمی پرداختیم. تدوین این رساله پایان یافت و در تاریخ ۲۹/۱/۱۳۷۵ به بخش مدارج علمی ارائه گردید. پس از بررسی هیأت داوران مورد تقدیر قرار گرفت و با لطف و عنایت خداوند متعال با کیفیت خوب پذیرفته شد.

دروس مقدمات را نزد اساتیدی همچون: حجج اسلام آقایان مقدادیان، رازینی، ظهیری، طالقانی، فتوحی و دیگران فرا گرفتیم. در دروس سطح از محضر استاد: سید احمد خاتمی، صالحی افغانی، آیت الله اشتهاردی، مرحوم آیت الله وجدانی، استاد بنی فضل، استاد مصطفی اعتمادی، استاد پایانی، طاهر، شمس، صالحی مازندرانی و دیگران بهره مند شدم. در دروس خارج نیز از محضر آیات عظام: «مکارم شیرازی»، «فاضل لنکرانی»، «تبریزی» و ... خوشه چینی کردم. مدتی از درس تفسیر آیت الله «جوادی آملی» استفاده کرده ام. بخش نهایی را نزد استاد آیت الله «ممدوحی» و کشف المراد را نزد آیت الله «سبحانی» خوانده ام. در بعضی از دروس کلامی از محضر استاد «ربانی گلپایگانی» استفاده کرده ام. در طول تحصیل در درس اخلاق آیت الله «مشکینی (ره)» و آیت الله «مظاهری» فراوان شرکت کرده و بهره مند شده ام.

هم بحثی های من عبارت بودند از: شهید علی اصغر حسینی، شهید یوسف محمدی، شهید قاسم رحیمی، آقای محمد عبیری، اصغر صدیقی، طبسی، حجتی، فروتن، شیخ جمال یاری و

یونسی، یونس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا یونس اردبیلی عالمی فاضل و دانشمندی کامل و از میرزین شاگردان مرحوم آیه الله العظمی آقا سید محمد حجت کوهکمری است.

وی در ۱۷ ذی الحجه ۱۳۲۰ ق در اردبیل تولد یافته و از سن ۷ سالگی وارد تحصیل شده و تا سال ۱۳۴۹ ق در اردبیل خدمت والد مبرور خود و سایر اساتید اشتغال بتحصیل داشته و در سال مزبور بقصد ادامه ی تحصیل وارد ارض اقدس قم شده و در محضر آقایان اساتید مانند مرحوم آیه الله شاه آبادی و حاج شیخ مهدی مازندرانی و مرحوم میرزا همدانی علوم عقلی و نقلی را خوانده و مدتی هم از درس مرحوم آیه الله حایری استفاده کرده و پس از فوت آن مرحوم بدرس فقه و اصول مرحوم آیه الله حجت رحمه الله حاضر شده و تقریرات آن مرحوم را برشته تحریر آورده و ضمناً تدریس سطوح نموده و در سال ۱۳۷۰ ق با اجازات کتبی از آیات عظام نجف و

قم بقصد اقامت و تأسیس حوزه علمیه بمسقط الرأس خود اردبیل رفته و تا اکنون باقامه جماعت و تدریس و تشویق طلاب آن سامان و سایر خدمات دینی اشتغال دارند.

از آثار و خدمات ایشانست تعمیر اساسی مدرسه مرحوم ملا ابراهیم اردبیل و پس گرفتن مدرسه مرحوم میرزا علی اکبر مجتهد از دولتی‌ها و تخلیه کردن از فرهنگیان که سالیان دراز آنجا را غصب و اشغال کرده و افکار نونهالان را مسموم و آلوده برنامه‌های خود می‌نمودند و نیز تأسیس کتابخانه و قرائت خانه برای اهل علم و طلاب آنجا. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتهد فرهنگي قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوت های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت‌های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

